Afghanistan Digital Library

adl0616

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv

This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (http://afghanistandl.nyu.edu/). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser. When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu

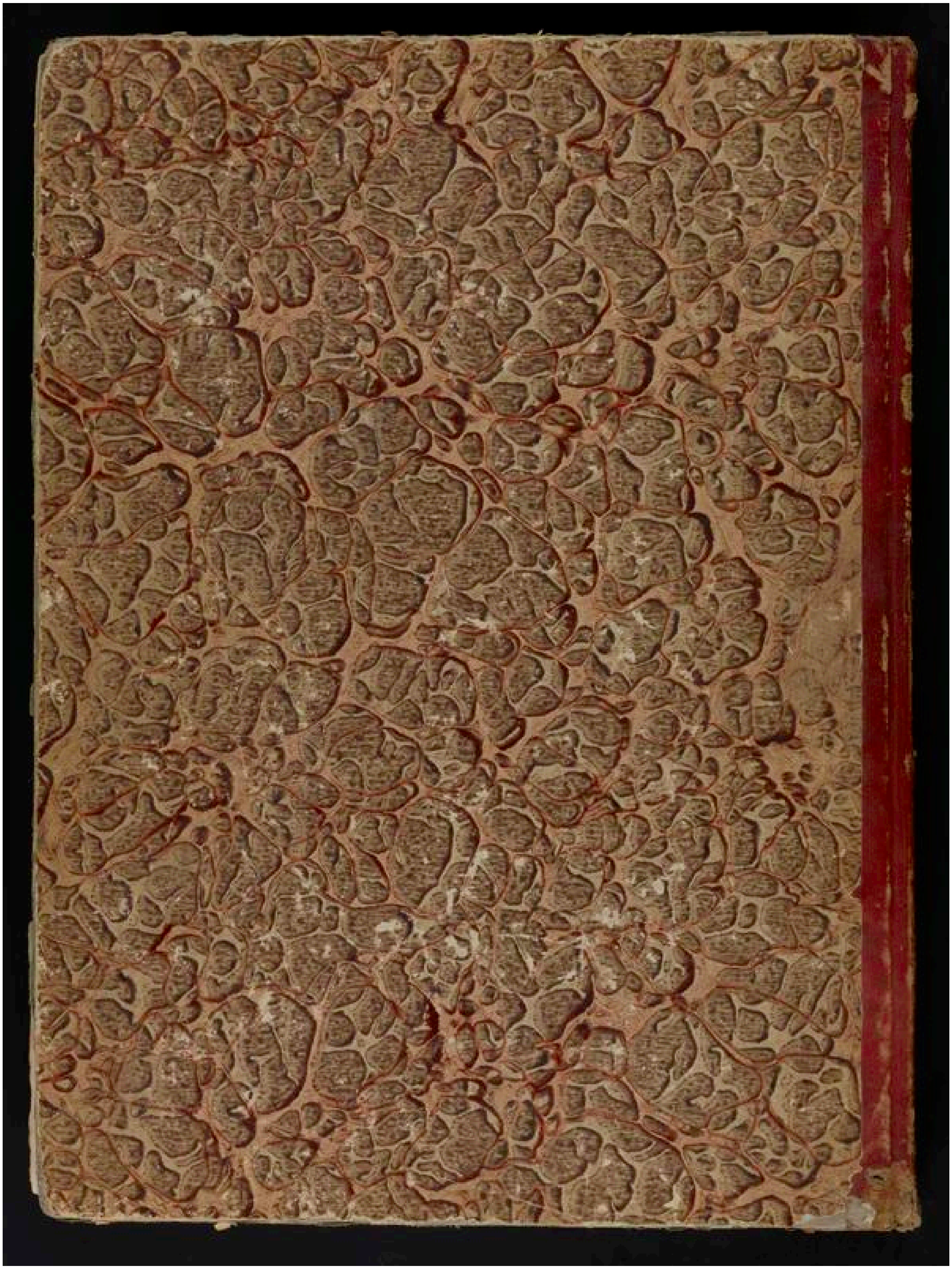

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 2 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 3 of 1786

A.M.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 5 of 1786

A.M.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 6 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 7 of 1786

A. M. Wilder
Apr. 9 1888

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 8 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 9 of 1786

صفحه ۱ سال یکم نمبر ۱

نگران
ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی
علی احمد
مدیر و سر محرر
محمود طرزی
اداره خانه مطبعه
در ماشین خانه دار السلطنه کابل
همه امور تحریریه با اداره خانه بنام مدیر فرستاده میشود

قیمت سالیانه آن
در دار السلطنه کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت با اخراجات ڈاک ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت با اخراجات ڈاک یک پوند انگریزی
قیمت یک نسخه آن در کابل ۱ عباسی است
هر پانزده روز یکبار نشر میشود

سراج الاخبار

۱۳۲۹

تاریخ عربی ۱۵ شوال ۱۳۲۹ تاریخ شمسی ۱۶ میزان ۱۲۹۰

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

افتتاح کلام

بعد از ادای سپاس حضرت عزیز الملک العلام، و درود بر روان حضرت سید خیر الانام و مناقب آل و اصحاب کرام، و دعای پادشاه معدلت پناه اسلام پرور مرام بدینگونه فتح کلام میشود.

این یک ظاهره آشکار است که (اخبارها) درین عصر حاضر چنان بزبان ملکها و ملتها قایم گردیده است، در وقت حاضره غیر اقوام وحشیه دیده و هیچ یک دولت و قومی از جمعیتهای اجتماعیه موجود نیست که مالک اخبار نباشند.

اخبار جمع (خبر) است که ضد آن (بیخبری) است. پس بنا بر مفاد این قضیه حکمیه که (هر چیز بضد آن شناخته میشود) بخوبی معلوم میگردد که از باخبری تا بیخبری چقدر فرق است!

پادشاه دل آگاه ترقی دوست معظم ما (اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) ادام الله دولته چون از روز میمون جلوس میمنت مانوس خود شان بر تخت عالی بخت سلطنت سنیه اسلامیه مستقله افغانستان تا به این زمان لحظه از نظر کردن اسباب ترقی وطن و ملت و دولت فروگذاری نکرده اند، و مانند یک پدر مرحمت گستر شفقت پرور شب و روز در باب تربیت و پرورش صوری و معنوی رعایای صداقت شعار خود شان سعی و کوشش ورزیده اند. لهذا چنانچه بسی نقصانهای مملکت را بمراحم سنیه شاهانه شان کامل فرموده اند، این نقصان بیخبری اهالی را نیز به اجازه فرمودن نشر شدن (سراج الاخبار) رفع و زایل فرموده اینست که با افواه هدایت شعار آن اهالی ملت را از حوادثات داخله مملکت، و خبرهای خارجیه اطراف و بسی معلومات فنی و ادبی و اخلاقی، باخبر و آگاه میفرمایند.

اگرچه طبع و نشر شدن اخبار را در پای تخت سلطنت سنیه از اوایل جلوس میمنت مانوس شاهانه آرزو بود ولی چون هر چیز بوقت و زمان آن موقوف و مرهون است از آنرو تا به این وقت در تعویق افتاده بود.

فواید و منافع اخبار ها در قابل نگارش نیست که اگر در آن باب هر چیز بنویسیم عبارت از اعلام معلوم و تحصیل حاصل شمرده میشود، ولی باز هم از بعض فایده های ظاهره آشکاره آن یک شمه بیان میکنیم تا بر همه گان معلوم شود که این اجازه مراحم عاده پادشاه محبوب القلوب ما تا چه درجه یک لطف و مرحمت عظمی میباشد.

(اخبار) چنان یک آینه جهان نما است که در خانه نشسته انسانها از احوال جهان باخبر میگرداند. حتی احوال خود خود را که عبارت از وطن است از زبان اخبار انسان بهتر و خوشتر می شنود.

(اخبار) چنان یک تیغ دو زبان بران است که زبان بدخواهان غلط اندیش وطن را قطع و خاموش میسازد. چقدر محسن و نیک حالت است که انسان در حق خود بسی سخنان راست و دروغ و در نزد یک از خود و بیگانه را بشنود و زبان رد کردن و توان دفع کردن

تراوه نوشته باشد : اینست که اخبار یک زبان سحر بیان مداح ابست که اقوال اراجیف بدگویان را رد میکند و چنان یک محک عیار عیاریست که تفریق غش و غل کذب و صدق حقایق در باره وطن وقت کشف شود و میدان حقیقت بر می آرد .

(اخبار) چنان معلم ادیبیست که انسان را بدون حدوث رنج تحصیل یاد گرفتن بسی علوم و فنون عالیه شوق و رغبت میدهد ، بلی اگرچه انسان علوم و فنون را از کتابهای مدونهٔ آن آموخته میتواند ، ولی اخبار آنرا مانند یک طبیب حاذقی که آهسته آهسته ولی هم بر نفس خود دوا میدهد مریضان بیخبری را با علاجهای نافع خبرای معلومات خود معالجه میکند .

(اخبار) چنان گلزار پر ازهاریست که هرکس موافق طبع خود گلی از آن بر چیده میتواند ، و باغچه میوه دار لذائذ ثماریست که هرکس مناسب مذاق خود لذتی از آن بر میگیرد ، و الحاصل از مطالعهٔ اخبار هر صنف مردم مستفید میشوند و شده میتوانند .

(سراج الاخبار) درینوقت چون ابتدای تأسیس آن است در هر پانزده روز یکبار با چهاپ سنگی طبع و نشر میشود ، ولی بسایه مراحم والای معارف پیرایهٔ پادشاه معظم ترقیخواه ما یوماً فیوماً اسباب ترقی و تکمل آن آماده و مهیا شده و در آینده بعون و عنایت الهی در هفته یکبار بچهاپ حروفات سربی و تصاویر کلیشه زینکوگرافی بزیور طبع آراسته شده بمعرض انتشار جلوه گر میشود .

پس به درگاه خلاق عظیم الشان کون و مکان جبین نیاز بعبودیت میسائیم و ازدیاد عمر و دوام ترقی دولت علیهٔ این شهریار مرحمت کردار خیراندیش عدالت کیش خود را از نیاز و استدعا مینمائیم ، و توفیق الهی را در باره خود میخواهیم که از عهدهٔ این وظیفهٔ مقدسی که بنابر [illegible] خود وعده گرفته ایم بدرآئیم ، ومن الله التوفیق

حوادث داخلیه

(رمضان فیض رسان)

از فضل و عنایت حضرت ایزد منان امسال ماه مبارک رمضان فیض رسان به بسیار خوبی و سرور و کمال فرحت و حبور در رسید ، الحمد لله هیچگونه مرض و بیماری بر خوبی مانند پارسال که هنوز وحشت آن از خاطرها فراموش نشده موجود نبود ، هوا نیز نهایت لطافت و خوبی بود ، که هیچکس را نه از گرمی و نه از سرما شکایتی پیدا نبود .

از فیض نثاریهای این ماه مبارک امسال یکی ختم کلام قدیم حضرت صانع علیم است که در دو شب اول در رمضان کارسته تراویح پادشاه دوران آگاه و فتوحات گستر رعیت پرور ذیجب الخطاب ما در جامع بزرگ (عیدگاه) که در متصل شهر در مقابل میدان سبز و خرم فراخ (چمن حضوری) واقع است باعزاز و اکرام از رعایای صادق الاخلاص خود ادا و اجرا فرموده اند .

تفصیلات مراسم این ختم شریف ازینقرار است :

سه روز پیش از رؤیت هلال ماه مبارک رمضان فرمان عالیشان همایونی بنام جمیع امرای حضور و منصب داران ملکی و عسکری و خوانین و ریش سفیدان و کلانتران محلات شهر و ملکان قریه های نزدیک شهر شرف صدور یافته بود ، و اینان امر همایونی از حضور وقت شاهانه در باب ختم شریف مذکور خبر داده شده بود که هرکس برضای خود تکرار و حیثیت این عبادت رب معبود و ختم کلام شریف خالق ودود اشتراک ورزیده ماجور خواهد بود .

بنا برین درین وقت تا یک حصه روز دوم ماه مبارک بهزارها مردمان از رعایای وفادار و اقبال و ارباب مناصب با رفعت که به جملگی در سایه مراحم اعلیحضرت پادشاه و پرورش ذی شفقت و قبلهٔ مقدس با شان و شوکت خود شان به انواع راحت و رفاهیت و اقسام سعادت و نعمت بسر می آرند فوج فوج جمع و گرد آمده بودند .

پنج نیم بجه شام بود که رؤیت هلال ماه مبارک در محکمهٔ عالیه شرعیهٔ شریفه ثابت گردیده بنواختن سی و یک فیر توپ روزه بودن فردا برهمه گان اعلان گردید .

ترتیبات و تنظیفاتیکه برای افطار در خیمه گاه معالی پایگاه همایونی ترتیب و تنظیم یافته بود الحق که یک لطافت و ظرافت با شکوه بسیار و نشئهٔ بهم رسانیده بود و این یک بر هرکسیکه شهر لطافت بهر کابل را دیده و از دیده پوشیده نیست که با صفا ترین و خوش فضا ترین سیرانگاه های شهر عزیز ما چمن شاداب وسیع و فراخیست که مسمی به (چمن حضوری) میباشد جهت غربی آن با جاده [سرک] پخته بسیار با صفائیکه (سرک عیدگاه) موسوم است ، و جهت شرقی آن با تپه بسیار خوش ترکیبی که به (تپه مرنجان) نامزد شده است ، و جهت شمالی آن با قریه کوچک (زنده بانان) ، و جهت جنوبی آن با جاده بزرگیکه به (سرک لوگری) موسوم است و تا جلال آباد ممدود شده و رفته است محدود و محاط شده ، سطح زمین این چمن وسعت پیرامن یکدست و هموار است که هیچ پستی و بلندی در ان دیده نمیشود و همه با سبزهای سبز و شاداب که گویا از مخمل سبز پشتی فرش شده باشد مستور است . با لطافت طبیعیه ایکه این چمن صفا فرمن در نظر بینندگان ظاهر و نمایان میسازد صفحات تاریخ افغانستان نیز در باب آن بسی وقایع عجیب و غریب عبرت انگیزی در نظر مطالعه کنندگان آن آشکار و نمایان میفرماید . صرف نظر از احوال گذشته قدیمهٔ آن تنها از بخت هشت ساله تبدلات احوال آن که خود ما عاجزانه و تشکیل بخشی فتوحات عواطف پادشاهی به نعمت از غربت بوطن آمدن نایل و سرفراز شده ،

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 11 of 1786

تری بنظر مطالعه کنندگان کرام عرض مینمایم .

در سنه ۱۳۲۰ که در اول بار وارد پای تخت عالی بخت شده بودم این چمن همین چمنی که حالا دیده میشود نبود سطح زمین آن اگرچه با سبزه های چمنی مستور بود ولی از سبزی و خرمی و تازگی دشت داخلی هیچ اثری در آن موجود نبود بجای صافی و همواری بلکه در هر وقت در آن دیده میشد پستی ها و بلندیها و چقوریهای پر آبهای متعفن موجود بود و چهار پایان جنسهای مختلف در آن چرا میکردند .

از مدت سه چهار سالست که نظر مراحم پرتو اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه و ان گاه ما بسوی عمران آن توجه فرموده امروز روز به این لطافت و تری و تازگی و صفا و همواری شده دیده میشود و واصل گردیده است .

حالا باز بر بیانات ترتیبات و انتظامات خیمه گاه همایون رجعت نمایم .

خیمه گاه معلی پایه گاه همایون قریب بجهت جنوبی چمن مذکور در مقابل جامع شریف بسیار بزرگ عیدگاه که از عمارات بسیار عالی عهد همایونی خاقان سابق مرحوم جنت مکین اعلیحضرت ضیاء الملة والدین) است برپا شده بود .

اما خیمه گاه که گفته شد چنان گمان نشود که یک چند خیمه و خرگاهی درینجا برپا شده باشد ! بلکه خیمه گاه همایون مرتب از خیمه های بسیار عالی و ظریف معتبر ترتیب شده عبارت از اطاقهای نشیمن و خواب و توالت حتی جامع و حمام و ذخیره و بیاشد طرز ساخت و وضع ترکیب این خیمه ها که از اختراعات نفس نفیس خود پادشاه خردمند عدالت پسند است از خیمه و خانه زیاده و ترجیح مشابهت به سراپرده که زینت مجموعه آن محل یک سرای شوکت و فخر سلطنتی را بنظر جلوه میدهد .

از یک طاق نظر معنوی بسیار بلندی که با الکتها و بیرقها زینت یافته بود بر یک جاده عریض بسیار خوش نمائیکه با سنگ چغل مصفا بایله فرش شده بود در آمده و بخیمه گاه در آمده میشد و دو طرف این جاده را خیمه های بسیار خوش نمائی در بر گرفته بود و در آخر جاده مذکور یک میدان بسیار وسیعی بسیار با زینتی ساخته شده بود که اصل خیمه گاه همایونی درینجا بود سرهای خیمه ها و دو طرف این میدان و خود میدان با الکتها و بیرقهای رنگارنگ و چراغهای بسیار بزرگ و روشن گاز یس مهتابی رنگ تزئین و تنویر شده بود .

خوان مائده نعمت حضرت ولیعهد مقدس را بر چهار شکل تشکیل یافته بود : اول سفره امیر حضور پرنور همایون بود که صدر سفره و وجود مسعود همایونی شرف افزای عز و اجلال گشته شهزادگان عظام و سرداران ذوی الاحترام و دیگر ذوات گرامی که بشرف عطیه (اهل میز حضور) منسوبند از اعضای تشکیل یافته این خوان نعمت بوده .

دوم سفره میزی بود که برای مجتهدین ذوی الاحترام ملکی و نظامی وضع شده بود .

سوم سفره بود که برای خوانین کرام و معتبرین شهر گسترده شده بود .

چهارم طعام دادن برای غربا و فقرای اهالی بود که هر کس کاسه و طبق خود را آورده و طعام پخته لذیذه مائده عاطفت پادشاه رعیت پرور و مرحمت گستر خود را گرفته و بیرون بخانه های خودشان و یا خوردن در همان جا مختار بودند . میزهای چای نوشی و میوه خوری و شربت نوشی و آبدان ها یکه با یخهای مصفای طبیعی آب آن ها سرد شده بود . در هر طرف وضع و ترتیب یافته بود .

بمجرد نواخته شدن توپ غروب آفتاب هر کس هر چیزیکه دلشان میخواست افطار کرده به امامت خود ذات شاهانه نماز مغرب را ادا مینمودند . بعد از ادای نماز هر صنف بر سفره های خودشان جمع آمده صرف طعام میشد به ۹ بجه شب یک توپ نواخته شده و مردمان را برای حاضر شدن نماز تراویح آگاه ساخته فوج فوج مردمان در جامع شریف بزرگ عیدگاه جمع آمده صف تشکیل میدادند . به همراه ذات اعلیحضرت شاهی در جامع حضور ورده بصلاة تراویح آغاز میشد .

وظیفه امامت و تلاوت را حافظ جید منظور حضور شاهانه (محمد حسن) صاحب بجا میآوردند که الحق در سرعت و جیادت تلاوت و حسن قرائت سزاوار هزاران تحسین و آفرین بود والحاصل بهمین کیفیتی که بیان گردید و ظرف ده شب کامل عشره اول ماه مبارک از ابتدای سوره شریفه فاتحه تا انتهای سوره شریفه (الناس) کلام قدیم حضرت صانع علیم حکیم جل و علا در نماز تراویح ادا کرده شده شب دهم مراسم ختم شریف بجا آورده شده در شب ختم شریف شیرینی بخش شده و یک آتش بازی بسیار عجیب لطیفی نیز روشنی بخش چشمان بینندگان گردیده

از قرار استفسارات موثوقه که بدست آورده‌ایم در شب ختم شریف تقریبا شش هزار آدم به این عبادت حضرت خلاق لایزال با پادشاه قدسیت خصال دیانت آمال ما اشتراک ورزیده‌اند .

از قرار حسابی که از نسبت نگران ما به اداره خانه سراج الاخبار رسیده در هر شب به پنجهزار و ششصد و پنج نفر که در ظرف ده شب چهل و هشت هزار و یکصد و ده نفر آدم طعام داده شده است .

سراج الاخبار

(سراج الاخبار) خود را بسیار بختیار میشمارد که صحایف نسخه اول ظهور خود را به درج کیفیت این ختم شریف که امثال آن هیچ وقوع نیافته زینت پر شرفی بخشید .

حقیقتا نه تنها در صحایف تاریخ افغانستان نی بلکه در بسی تواریخ عالم اینچنین یک ختم شریفی که یکی از پادشاهان اسلام بجا آورده باشد دیده و شنیده نشده است .

از درگاه خالق لیل و نهار دوام بقای وجود مسعود مقدس این شهریار مراحم گردار و دیانت شعار خود را نیازمند و استرحام مینماییم و تخت عالی بخت سلطنت سنیه افغانیه را بوجود مبارک شان تا سالهای بی شمار شرف اندوز عز و اجلال میخواهیم که بسی امثال اینگونه رمضانها و عیدها به مراحم واجبه همایونی پادشاه تبعه پرور لطف گستر محبوب القلوب ما برجمله رعایای صادق شان بکمال فرحت ها و مسرت ها مرور نماید .

عید سعید فطر

بوقت شام روز یکشنبه سلخ ماه مبارک رمضان هلال غره ماه شوال المکرم خیلی ظاهر و نمایان در نظر بیگان جلوه گر گردیده بنواخته شدن سی و یک فیر طوپ فردا ثابت بودن عید سعید میمنت مزید فطر اعلان گردید ..

به این حساب ماه مبارک رمضان امسال سی روز تمام آمد، عید سعید بروز دوشنبه مطابق دوم ماه میزان شمسی بوقوع آمد بهشت بجه صبح یوم مذکور همه منصب داران ملکی و نظامی و علما و خوانین با البسه های رسمی در مقام عالی جناب قوت آب (حضرت نائب السلطنه سردار نصرالله خان) در قصر (زین العمارت) جمع آمده بمعیت و همراهی ذات عالی قوت پناهی شان بحضور پر نور قدسیت منشور پادشاه باشوکت و جاه و شهریار بلند اقبال معدلت پناه در قصر سعادت حصر (استور) مبارک شرفیابی عزت و سعادت بار حضور همایونی را حاصل کردند .

بعد از صرف چای و ناشتا اعلیحضرت همایونی بر اسپ صبا رفتار شاهانه سوار شده، و همه منصب داران ملکی و نظامی نیز همرکابی همایونی شرفیاب آمده بقرار قواعد شریفه ایکه در روزهای سواری رسمی همایونی دائما مرعی و جاری میباشد از دروازه بزرگ ارگ مبارک بر سرک بسیار با صفای خوش فضای ([illegible]) بسوی جامع شریف بزرگ (عیدگاه) رهسپار شوکت و اجلال گردیدند .

از دروازه ارگ مبارک تا بدر دروازه جامع شریف (عیدگاه) از دو طرف صنوف مختلفه عساکر ظفر مآثر نظام شاهانه با دریشیهای رسمی خود شان صف بسته تعظیم و احترام بودند، موزیکه های عسکری به ترنمات نغمه های جانفزا مترنم بوده سلام شاهانه را ایفا مینمودند.

تا اینکه ذات اعلیحضرت شاهانه وارد جامع شریف گردیده بعد از یک چند دقیقه که استراحت فرمودند، بصلواة واجب عید سعید فطر آغاز شد، و نماز و خطبه و دعا تقریبا بظرف چهل دقیقه به انجام رسید و باز بهمان ترتیب و قواعدیکه تشریف شاهانه بوقوع آمده بود عودت همایونی وقوع یافت .

در میدان سلام خانه عام همه منصب داران ذوی الاحترام ملکی و عسکری و خوانین عظام و درباری ترتیبات و تنظیمات صف آرائی خود شان را گرفته بقواعدیکه در روزهای دربار شاهانه مرعی الاجراست در دالان بسیار بزرگ سلام خانه با شکوه پرس

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 13 of 1786

بدرجه‌های مرتبهٔ خودشان بر آرام چوکیهای خود جابجا شدند .

بعد از مرور یک چند دقیقه ذات اعلیحضرت شهریاری مانند شمس خاوری از دروازهٔ غربی سلام خانه دربار همایونی در دالان داخل شده و همه مردمان برپا خواسته ذات اعلیحضرت شاهانه بر تختگاه سلطنت پرشوکت امارت عظمای اسلامیهٔ خودشان که از سطح زمین ایوان علئ نشان سلام خانه بایک حصهٔ مربع سه قدمه بلندی بالاتر واقع شده و برآمدند . بعد از احوال پرسی و عید مبارکی یک نطق مختصر و موثری در بارهٔ شکرگذاری نعمای لایتناهی ذات اقدس الهی که توفیق بر اطاعت امر او سبحانه عطا فرموده و بصحت و عافیت عمومی رمضان فیض رسان بعید سعید میامن پدید ظفر منتجی گردید بیان فرموده و از مقدسی داشتن وظیفهٔ خدمات دولتی همگان را یاد آوری فرموده امر بنشستن فرمودند .

چایها شیرینیها سیگرتها بر همه مردمان دربار حضور موفور السرور همایونی احسان و اکرام فرموده شد . بعد از ان سفره‌های میزهای مائده‌های الوان نعمت بترتیب بسیار لایق در پیش روی مردمان دربار گذاشته شده ، و ذات اعلیحضرت شاهانه باشرف یافتگان (اہل میز حضور) در دهلیز سلام خانه بر سفرهٔ پرشوکت و زینت شاهانه شرف جلوس فرموده و بکمال سرور و نشاط طعام بانجام رسیده دربار شوکت آثار روز فیروز عید میامن پدید ختام پذیر گردید .

(سردار عبد الله خان) نائب الحکومهٔ ترکستان که یکی از مامورین صداقت شعار کارگذار بسیار محترم دولت علیهٔ افغانستان . و از مدت بسیار سالهاست که نائب الحکومهٔ ترکستان بودند چند ماه پیش ازین در ولایت مزار شریف پیک داعی اجل را لبیک اجابت گفته جان فانی را پدرود نمودند . رحمة الله علیه

چون موقع عسکری هرات یک قوماندان و افسر لایقی عرض احتیاج مینمود ذات اعلیحضرت پادشاهی جناب برگد (عبد الرحیم خان) را که در قطعهٔ عسکر اردل حضور برگد بودند . بمنصب جرنیلی سرفراز و سزاوار فرموده بکمان افسری اردوی همایون هرات نصب و تعیین فرمودند .

جرنیل شارالیه در تاریخ ا سال ماه مبارک رمضان بصوب ماموریت شان عزیمت نموده اند .

بارادهٔ مراحم عادهٔ اعلیحضرت پادشاهی جناب امین المکاتب (سردار عبد الوهاب خان) در ولایت جهتٔ جسیمهٔ ترکستان نائب الحکومه نصب و تعیین فرموده شده و درین قریب ها بصوب ماموریت جدیدهٔ خودشان حرکت خواهند نمود .

ان شاء الله در نمرهٔ آیندهٔ خود برخی از سوانح عمری و تراجم احوال ذوات مذکوره درج خواهیم نمود .

یک مرحمت انسانیت پسند شاهانه

از آنجا که مراحم سنیهٔ اعلیحضرت شهریار مکارم دثار تنها بر رعایای صادقهٔ شان نی بلکه بر همه عالم انسانیت شامل و رایگان است ازین رو چون خبر کدورت اثر آتش زدگی شهر شهیر استانبول بسمع مبارک همایونی رسید برای مدد رسانی خانمان سوختگان فلاکت زدهٔ آتش آنان مبلغ یکهزار پوند انگریزی که عبارت از سی هزار روپیهٔ کابلی باشد بطریق اعانه از خزینهٔ عامرهٔ عین المال (

شاهانه از خزینه (بیت المال) عطا و احسان فرموده اند ازقراریکه موثوقاً خبر گرفته ایم (میرزا محمد ، خان شهبندری) حضور انور والا برسانیدن مبلغ مذکور مامور گردیده بتعجیل ازیک جهت بطرف بمبئی حرکت نموده اند که در ضمن دیگر کارهای سرکاری که در بمبئی دارد مبلغ مذکور را نیز به قونسلوس خانهٔ دولت علیهٔ عثمانیه برده تسلیم کارداران دولت علیهٔ عثمانیه نماید تا بواسطهٔ آنها برای آن حریق زده گان آتش بی امان و خانمان ویرانان بی سر و سامان فرستاده شده تا یکدرجه مدار سهولت احتیاجات شان گردد .

سراج الاخبار

حقیقتاً این احسان اعلیحضرت پادشاه دل آگاه کرام شیم معظم ما ازجملهٔ آثار مراحم کارانه انسانیت پسندانه ایست که برای ما مردم افغانستان . و رعایای [illegible] پادشاه ذی شوکت شان موجب فخر و مباهات عظیمی شمرده میشود .

بنی آدم اعضای یکدیگرند — که در آفرینش زیک جوهرند
چو عضوی بدرد آورد روزگار — دگر عضوها را نماند قرار

این کلام حکمت پیام حضرت (سعدی) را هنوز در عالم مکتب بودیم که خوانده بودیم . ولی فعلیات اثر پادشاه حقایق آگاه و محبوب القلوب ما این اعانهٔ حریق زده گان استانبول را رأی العین نشان داده اند . بلی سعادت و مددگاری قضا زده گان بنی نوع بشر علی الخصوص که اخوت دینیه و عنصریه نیز موجود باشد از مهمترین فضایل انسانی شمرده میشود .

حوادث خارجیه

آتش زدگی بزرگ وحشتناک استانبول

از اخبارهای ترکی نقل می شود :

در تاریخ ٢٦ رجب گذشته در شهر شهیر استانبول در روز جشن پر سرور ترقی شان که جملهٔ عثمانیان برای اظهار شادمانه و سرور گرم فرحت و حبور بودند در قسمی استانبول یک آتش زدگی بسیار خانمان سوزی ظهور نموده بعد ها خانه و دکان و بازار و کاروان سرا و جوامع شریفه را طعمهٔ آتش جانسوز ساخته است . اکثر اهالی که برای اجرای رسومات جشن و شادی به بیرون ها برآمده بودند چون در جاهای آتش زدگی دویده آمدند در پیش روی خود توده های خاکستر آتش شده دیگر ندیدند . از منظرهٔ فلاکت آور این حریق خانمان سوز مدهشتر هیچیک منظرهٔ دیده نشده است درویرانه زارهای پرخرمن های خاکستر بسی والده های سر و پا برهنه دیده می شد که اولادهای کوچک خود شان را در زیر سینه گرفته لرزان لرزان گریان و نالان بودند . بسی مردمان عیال و اطفال داری بنظر میخورد که موهای سر شان راست شده چشمهای شان از خوف و وحشت از کاسه خانه های چشم شان برون برآورده حیران حیران بسوی آشیانهٔ سوخته شدهٔ شان میدیدند . بسی اولادها از والدهای خود جدا مانده فغانها میکشیدند . بسی والده ها بلی چوچه های خود ناله ها برآوردند . مقدار بناهائیکه درین حریق سوخته و محو شده است هفت هزار و پنج صد بناء احصا شده است که ازانجمله صد خانهٔ ان از مردم ارمنی و دو و پنجاه خانهٔ آن از مردم نصارای روم بود . باقی دیگر همه خانه ها از مردم اسلام بوده و از حکومتی و جامع و مساجد و بازارها بوده است . آتش زدگی مدت (١٦) ساعت دوام نموده . یکقسم کلی استانبول را بحال خرابه زاری در آورده است . از هر هر طرف حس انسانیت برادرانه بجوش و خروش آمده به امداد و معاونت مصیبت زده گان شتاب ورزیده شده است حتی جنرال (نوژی) مشهور ژاپانی که در وقت حریق در استانبول بود نیز در باب اعانه مبلغی چند داده ابراز انسانیت کرده است .

* * *

از اخبار عالم نقل شده

مورخهٔ یوم دوشنبه ١٨ ستمبر ١٩١١ مطابق ٢٣ رمضان ١٣٢٩

در هندوستان یک پلتن پولیس نظامی [illegible] گروه شده است که بماه آینده در علاقهٔ مشیمی برسرحد سیام روانه کرده شود پلتن مذکور همراه باشندگان

مقام مذکور تعلقات دوستانه پیدا کنند تا که به سبب اتحاد شان امن و امان صوبه مذکور فوق تقویت یابد .

* * *

از کلکته خبر رسید که بمقام مذکور افغانان خانه بدوش به مردم عوام پریشانی انداخته اند و سکونت انها باعث خوف خیال کرده میشود ، چونکه افغانان مذکور برای قیام خود جای مطلق ندارند تمام روز در بازارها و شب بر سر راها استراحت میکنند ، لهذا حکومت بنگال از راه مهربانی بطرف شرقی کوتوالی بوئره بقدر چهار بیگه زمین برای سکونت شان مهیا کرده است و فیصله نموده شده است که بهر طریق ممکن شود بر زمین مذکور حجره ها انداخته بزودی پوشانیده شوند . در حجره های زمین مذکور قریبا چهار صد نفر بود و باش کرده می توانند .

* * *

بوقت دربار تاج پوشی مقام دهلی در هندوستان هم سکه جدید شاه جارج جاری کرده خواهد شد . (دربار دهلی) انتظام سرکاری بهر نوع قابل تعریف است و غله بافراط فراهم کرده شده است و درین ایام به راجگان و نوابان و تعلقداران وغیره از طرف سرکار هند پیغامات دعوت فرستاده میشوند (به دربار دهلی) - مذکور چهار صد نفر معززین خاص از انگلستان بطریق سرکاری مهمان کرده شده اند - علاوه بران نفوس بسیار از ممالک خارجه بزیارت تماشای دربار خواهند آمد .

* * *

در شهر لاهور بروز جمعه بوقت یازده بجه یک خانه دو پوشه دفعة غلطیده و زیر خانه دو زن مذکور دفن شدند افسران پولیس از واردات مذکور خبر یافته بر موقعه مذکور رسیدند و بکوشش تمام زنهای مذکوره را از زیر خانه بر آوردند بعد از دو ساعت هر دو زن بهوش آمدند و معلوم شد که آنها ضرب خفیف رسیده بود .

* * *

در هفته گذشته بمقام کیف مجسمه یادگار زار روس نصب کرده شده بود و زار روس بنفس نفیس خود بجهة افتتاح بت مذکور معه دختران خود آمده بود و جناب پیوتر کده وزیر اعظم روس برای تماشای تهیتر (تماشاگاه) رفته بود یک شخص یهودی که بگراف نام داشت بر وزیر اعظم مذکور دو فیر تفنگچه کرد . یک گلوله تفنگچه بر سینه او خورد و دیگر بر دست . وزیر اعظم مذکور مجروح شده و بجا افتاده و قاتل گرفته شد زار روس مع دختران از مقام تماشاگاه روانه شده (و تماشا) موقوف گردید .

قبل از هفت سال یک حمله سخت بر وزیر اعظم مذکور نیز کرده شده بود یعنی بر او گلوله بم انداخته شده بود که از صدمه آن یک پسر و یک دختر وزیر مذکور مجروح شده بودند - (۶۳) نفر هلاک گشته بودند - و خانه وزیر مذکور تمام و کمال ویران کرده شده بود .

وزیر مذکور دوست زار روس میباشد . و در زمانه حال نهایت هوشیار و عقلمند و محب وطن است .

* * *

توپخانه میدان نمبر (۸۶) متصل برج هری سنگ (بیرون شهر پشاور) در مشق گوله اندازی چاندماری مصروف بود که دفعة یک جماعت افغانان بران حمله کرده یک گوره توپخانه مذکور را زخمی ساخت ، بعد از ان جمله افغانها از انجا گریختند و تا الحال معلوم نشد که جماعه مذکور از کدام قوم و از کدام علاقه بود .

* * *

لغایت دهم ستمبر مطابق ۱۲ شهر رمضان المبارک برای بیت العلوم مسلمانان واقع علیگده مبلغ یازده لک و هفتاد هزار و یک صد و چهار روپیه کلدار از مقامات مختلف فراهم کرده شده بود .

منجمله آن مبلغ هفت لک و نود و هشت هزار و هشت روپیه در خزانه بنگال جمع نموده شده است و مبلغ باقیمانده در خزانه های کمپنی های مقامی جمع می باشد .

بمقام بمبی یادگار ایدورد هفتم بصورت شفاخانه تعمیر کرده خواهد شد

سرکار هند یک قطعه اراضی بجهت تعمیر مذکور متصل گورنمنت هوس به مجلس منتظمه شهر بمبی داده است که قیمت اراضی مذکور دو نیم لک روپیه کلدار میباشد .

چونکه در مکه معظمه و مدینه منوره خوف وبای هیضه پیدا شده است امکان دارد که امسال حاجیان حجاز در روانگی خود احتیاط خواهند کرد .

از طهران خبر رسید که معزول شاه ایران بمقام گامیش تپه مقیم است و همه امیدهای او برباد شده اند .

وفوج مازندرانی او منتشر کرده شده و همه منصبداران فوج مذکور اطاعت حکومت ایران قبول کرده اند .

بمقام نیویارک (امریکه) بوقت میله سرکس در حین مقابله دوانیدن موتر یک حادثه مهلک واقع شد - یعنی اینکه یک موتر که بشدت میدوید به احاطه تماشاگاه متصادم شده شش تماشائی هلاک و چهار تماشائی زخمی شدند .

ایم ستالی پن وزیر اعظم روس از وار تفنگچه جان برنشده بروز دوشنبه فوت گردید . بنابرین در مملکت روس ماتم او کرده میشود

در شهر کیف خوف بلوائی پیدا شده است و سپاهیان نظامی برای دفع فساد شب و روز در بازارها گشت میکنند .

سن وزیر اعظم مذکور (۴۸) سال بود از مدت پنج سال بر منصب وزیر اعظم روس مقرر شده بود .

زار روس ورا نهایت دوست میداشت و قدر و منزلت او میکرد - چراکه همین وزیر اعظم زار روس را از دست مردم بلوائی نجات داده بود .

بتاریخ ۱۵ ستمبر مطابق ۲۳ شهر رمضان المبارک در آلات زلزله شناسی مقام شمله دو دفعه حرکت زلزله محسوس شد - زلزله اول بوقت ۷ بجه شب محسوس شده بود و معلوم میشد که در امریکه واقع شده است دوم زلزله بعد از ۹ بجه صبح محسوس گردید و معلوم شد که بفاصله چهار هزار میل واقع شده است

چونکه از طهران خبر رسید شاه ایران معزول در کوشش خود ناکام شد اکنون برادرش که سالار الدوله نام دارد برای قسمت آزمائی خود ایستاده شده است سالار الدوله خواهش تخت ایران دارد .

در ملک سپانیه فساد و انقلاب حکومت رو بترقی دارد و سرغنه های لاتعداد ماخوذ نموده شده اند و در تمام قلمرو قانون نظامی جاری کرده شده است .

بمقام بارسیلونه و بلباوی و ولینشیه جنگ های متعدد بوقوع آمده اند و بر شهر ولینشیه قبضه مردم بلوائی میباشد .

باعالی یک یادداشت طویل از بابت حقوق جزیرهٔ کریت به دول یوروپ فرستاده است حکومت عثمانیه درین یادداشت تحریر کرده است که اگر بر جزیرهٔ کریت سرپرستی دولت عثمانیه تسلیم کرده شد جزیرهٔ مذکور را کامل حقوق خودمختاری عطا کرده خواهد شد اما مردم عیسائی جزیرهٔ کریت این را قبول نکنند و برای سرکشی آماده و سرپرستی یونان میخواهند

و حکومت عثمانیه محافظت حقوق خود میکند ورنه در مقدمه هم دریغ نخواهد کرد .

اخبار تائمز تحریر کرده است . به بابعالی بعوض جزیره کرت روپیه نقد داده شود ، و سوال مذکور پیچیده گی پیدا کرده است .

* * *

معاهده که درخصوص ریل ایران در مابین روس و جرمنی تحریر نموده شده است دران معاهده تصفیه ریل ترکی نیز نموده شده است . چنانچه باب عالی براین معاهده اعتراض سخت کرده است که از دولت علیه عثمانیه بچه سبب مشوره گرفته نشده . دولت جرمنی درجواب آن تحریر نموده این گفتگو ابتدائی میباشد بوقت عملدرآمد از دولت عثمانیه مشورت کرده خواهد شد .

* * *

از اخبار وکیل نقل شده

* * *

مورخه یوم شنبه ۲۳ ستمبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۴ رمضان ۱۳۲۹

* * *

محمود مختار پاشا وزیر بحریه دولت علیه عثمانیه در انگلستان رفته است ، گفته میشود که متعلق بغاوت گذشته البانیه و پیچیدگی های موجوده مقدونیه از دفتر خارجه آن مبادله خیالات خواهد کرد .

* * *

ریاست های بلقان در فراهم نمودن افواج مصروف اند اهل فرنگ خیال دارند که در آنجا عنقریب آتش فساد مشتعل خواهد شد .

* * *

باغیان البانی از جبل اسود واپس شده بخانه های خود رسیده اند ، سپاهیان ترکی باغیان مذکور را که از گرسنگی جان بلب شده بودند از پیش خود طعام دادند و از طرف سرکار ترکی برای مردم ضعیف و ناتوان سررشته سواری کرده شده مردم باغی برفعل خود نهایت شرمنده و شکرگذار دولت عثمانیه میباشند ، در مابین دولت عثمانیه و جبل اسود هنوز ناراضی جاریست و مردم ترک شاکی میباشند که مطالبات امیر جبل اسود نامناسب و بیموقع اند .

* * *

حکومت ترکی بر حدود یونان افواج فراهم نموده است و جهازات را حکم نموده که بمقدار کافی ذغال گرفته قریب سواحل کریت (قریطش) تیار باشند .

* * *

حکومت ترکی اسباب قیمتی و جواهرات سلطان عبدالحمید خان را بغرض فروشش بمقام پاریس فرستاده است و در آنجا جوهری های فرانس قیمت آنرا دو نیم لک پونڈ فرانس اندازه کرده اند .

* * *

یک ریل دیگر متوازی ریل بغداد تجویز نموده شده است ، محرک ریل جدید مردم انگریز میباشند و این ریل از بندرگاه سعید شروع شده و از ملک عرب و بصره و کرمان گذشته با ریل نوشکی ملحق کرده خواهد شد . درباب ریل مذکور عنقریب خط و کتابت نموده خواهد شد

* * *

تخمیناً نقصانات آتش زدگی گذشته مقام قسطنطنیه شصت لک پونڈ کرده شده است و از هرگوشه دنیا بجهة مصیبت زدگان آستانه روپیه فراهم کرده میشود ، بیگمات مصری درهمین ایام مبلغ (۶۵۸) پونڈ برای مصیبت زدگان مذکور فرستاده اند .

* * *

سه نفر طلبای مسلمان از جزیره بورنیو که در افریقا واقعست در جامع ازهر مقیم میباشند و در عربی مهارت تمام حاصل نموده اند آنها بیان میکنند که در جنوبی بورنیو ۲۵ هزار مسلمان آباد میباشند و نام سلطان آنها محمد صفی الدین است

* * *

چون در ایام گذشته مسٹر ایڈیسن موجد مشهور

امریکه در انگلستان رسید یک مدیر اخبار از او دریافت کرد که آیا شما در انگلستان برای مقصد خاص می‌آیید مستر ایدیسن جواب گفت که من از چهار پانچ سال از خانه خود برای دیدن این امر برآمدم که اهل دنیا بکدام کارها مصروف اند و آیا [illegible] این قسم است که من از آن فایده حاصل کرده بتوانم . علاوه بر این انسان را لازم است که یکان وقت از کار معمولی خود فراغت حاصل کند .

مستر ایدیسن گفت که اگرچه بمن ضرورت آرام محسوس میشود لاکن من زیاده استراحت نمیکنم چرا که انسان حصه بسیار زندگانی خود را در خواب صرف میکند و در این ایام در کل دنیا غلط خواب زیاده است که یکهشت ساعت خواب میکنند گویا ثلث عمر خود را مفت ضایع میکنند .

بعض اوقات که خود من برای حل نمودن یک مسئله مشکل یک یا دو شب و روز متواتر جد و جهد میکنم خواب نزد من نمی‌آید و چون عقده مذکور حل میگردد یا از آن دست بردار میشوم یک شب و روز مسلسل خواب میکنم

* * *

شخصی از مستر ایدیسن دریافت کرد که آیا ساختن طلا ممکن است مستر مذکور جواب گفت که حرف شما بوقت انحصار دارد و آنوقت نزدیک است که برای ساختن طلا طریقه خاص آمیزش کیمیاوی فلزات دریافت شود . در آنوقت آن اصول مروجه اقتصادی که تعلق بسکه رایج آنوقت دارد تبدیل کردن لازم خواهد شد چرا که ۲۸ تن طلا بصرف ۵ روپیه تیار کرده خواهد شد . و این حرف مرا یاد داشته باشید که آن وقت نهایت نزدیک رسیده است

اطفال برقی زده

فلاسفه داکتران ملک سویدن از چند سال است زیر اداره رئیس ستاکهالم پای تخت سویدن در تجربه برقی مصروف اند . مدعای آنها اینست که بر اعضای جسمانی اطفال عمل برقی دریافت کرده شود اخبار ستیندرد تحریر کرده است که تجربه هایکه تا الحال جهة ترقی نشو نمای نباتات بذریعه قوت برقی نموده شده اند در آن کامیابی کلی شده است .

پس ماهرین علم مذکور خیال کردند که نشو نمای جسم انسان هم بذریعه قوت برقی ممکن است . لهذا دو جماعه اطفال که سن آنها ۲۵ سال بود منتخب نمودند که اطفال هر دو جماعت بلحاظ صحت و وزن و قد قریباً مساوی بودند انتظام تعلیم هر دو جماعت در دو کمره جداگانه نموده شد و فرق صرف این بود که در یک کمره امواج برقی برده میشدند و کمره دیگر از امواج برقی خالی بود . بعد از چند سال چون مقابله اطفال هر دو جماعت نموده شد معلوم گردید که اطفالیکه در کمره برقی بودند . بمقابله جماعت دیگر در قوت جسمانی ده فیصد بسیار ترقی کرده بودند . اطفال کمره برقی در درازی قامت و زیاده وزن بودند و قوای ذهنی نیز با تناسب درازی قامت ترقی یافته بودند بعضی اشخاص تجربه مذکور را قطعی و مسلم الثبوت تسلیم نکردند بنا بر این در مدرسه دیگر سویدن تجربه مذکور به پیمانه وسیع نموده میشود اگر در این تجربه کامیابی ظاهر شد لاریب این ایجاد عمل برقی خواهد بود .

ادبیات

این مقاله بلاغت پیرایه جناب عالم فاضل کامل مولوی عبدالرؤف صاحب است که بنا بر استفسار عاجزانه ما در باب (ادبیات) نوشته اند که عیناً از نقل مینمائیم .

* * *

ادبیات چیستند   و از چه بحث میرانند

این فقره مطلبی است عالی و دانستن آن مناسب حال هر شخص از رعیت و والی

این سوال مختصریست که مانند یک دانه تخم قوت درخت بلند تنومندی را از خود میرویاند — بلکه مانند مردمک چشم زمین و آسمان را بیک دفعه در خود میگنجاند .

باید دانست

که لفظ ادب در لغت عربی زیرکی و نگهداشتن حدّ هر چیز را گویند — و در اصطلاح علوم قدیمه که در مدارس اسلامیه خوانده میشوند (علوم ادبیه) علمهائی را مینامند که تعلق بزباندانی مخصوص لغت عربی داشته باشند

که اول آنها علم لغت عربی است .

دوم علم صرف که دانستن صیغهٔ لفظ عربی بآن مشروط است

سوم علم نحو که شناختن ترکیب و انتظام کلام عربی که فهمیدن کامل مقصد متکلّم و مخاطب وابستهٔ آنست بآن مشروط است .

چهارم علم فصاحت و بلاغت که فرد اعلی درین باب قرآن مجید است که بحدّ اعجاز نوعین انس و جن رسیده است . این علم نیز سه شعبه است و تفصیل آن بکار این مقام است .

این چهار علم را با تعلقات آنها دوازده علم ساخته اند که علم عروض و قافیه و شعر و انشا و نثر از آن جمله است در اصطلاح کتب و مدارس اسلامیه این دوازده را علوم ادبیه گویند .

امّا باصطلاح اخبار نویسان و روزنامچه نگاران این زمان از اهل فرنگ و آسیه و شامات وغیره خصوصاً کاتبان مصر جمیع علوم را سه قسم ساخته — و سه نام نهاده اند (علوم ادبیه) (و علوم سیاسیه) (و علوم اقتصادیه)

امّا علوم ادبیه

که عام و با وسعت و شاملترین هر سه قسمت و آنها را ادبیات نیز گویند اکثر علما بلکه عقلاء نوع انسان با آنها مشغول اند همه را در بر میگیرد — جمیع دینیات از علوم اعتقادی و عملی و علوم روحانی مانند تصوف و علم اخلاق و علم متعلق باحکام ظاهری و جسمانی مانند علم فقه شریف داخل ادبیات اند — و جمیع علوم حکمت یونانی خواه متعلق بذات و صفات حق تعالی و فرشتگان و عالم ارواح باشند — و خواه متعلق بفلکیات و باقی ریاضیات از علم هندسه و حساب و مساحت وغیره باشند و خواه متعلق باحوالات عناصر و آنچه از آنها ترکیب یافته و میابند مانند علم معدنیات و نباتات و علم متعلق باحوالات حیوانات و علم باحوال بدن انسان و علم طب و دواشری و کیمیاوی و علوم قوهٔ برقی و کهربائی و علم جمیع صنایع جدیده که اهل یوروپ بسبب آن بر اهل اسلام تقدم یافته و علم لغات و زبانهای مختلف اهل عالم همه از علوم ادبیه و ادبیات اند .

و اینچنین نیز میتوان گفت

که اکثر اهل فهم عالم از لفظ (ادب) و لفظ (ادبیات) آداب مجلس سلاطین و باقی مجالس و آداب معیشت با کلانان و گذران و زیستن با زیردستان و خوردان خود را مراد میدارند — بعضی اینچنین اصطلاح دارند که فلان شخص مؤدب بآداب شریعت است .

و نزدیک باین است قول حضرت مولانای روم در مثنوی معنوی

از خدا جوئیم توفیق ادب   بی ادب محروم ماند از لطف رب
بی ادب تنها نه خود را داشت بد   بلکه آتش در همه آفاق زد

و آنچه در جای دیگر مثنوی نیز فرموده

در میان جمع موسی چند کس   بی ادب گفتند کو سیر و عدس

و در این جاها آداب شریعت و طریقت را مراد داشته اند

و آنچه میرزا بیدل اشاره بطرف صحیح فرموده

ادب نسب عبادت تسلی طلبیست   بغیر خاک شدن هر چه هست بی ادبیست

و آنچه عارف جامی در سلسلة الذهب فرموده

أَدِّبُوا النَّفْسَ أَيُّهَا الْأَصْحَابُ   طُرُقُ الْعِشْقِ كُلُّهَا آدَابُ

در این هر دو فرد آداب طریقت مراد خواهند بود

و آنچه عارف ممدوح در دیوان اشعار بلاغت شعار خود فرموده

چند ای معلم از روز تا شب   باشد نگارم محبوس مکتب
شد فرش دیبا از سبزه صحرا   از [illegible] رقص و طرب
تعلیم آداب او را چه حاجت   کو خود ز آغاز آمد مؤدب

و آنچه حافظ شیرازی فرموده

شوخی نرگس نگر که پیش تو بشکفت ‌ چشم دریده ادب نگاه ندارد

و آنچه فرموده

اگرچه عرض هنر پیش یار بی‌ادبیست

آداب ظاهری بآن مراد داشته باشند. بر این اصطلاح خود از ادب و ادبیات چیزی را مراد داشته والله اعلم

و اما علوم سیاسیه

در اصطلاح اخباریان مذکور فوق علومی که متعلق بقاعده و قانون سلطنت از رعیت و لشکرداری وغیره باشند

و اما علوم اقتصادیه

در اصطلاح ایشان علومی هستند که بمساوات برابر ساختن دخل و خرج انسان پادشاه باشد یا سپاه یا رعیت تعلق دارد

اقتصاد در لغت

رفتن را گویند در میانهٔ راه و مجازاً توسط و اعتدال را گویند در خرج و صرف مال لهذا این علم را علم اقتصادی میگویند و علم الاقتصاد را علمی علیحده ساخته اند و کتابها در این علم تألیف نموده و پرداخته اند. دستخط فقیر مخلص عبدالرؤف مدرس.

یادآوری

(ناول) یعنی

افسانه گوئی و افسانه شنوی یک حس طبیعی بشری است و از ابتدای ایام طفولیت گوش انسان به افسانه شنوی عادت میگیرد. حتی اکثر مردمان تا افسانه نشنوند خواب نمی‌برد.

در این اعصار آخر زمان چنانچه در همه چیزها یک تبدل و نوی بظهور آمده، افسانه‌ها نیز یک طرز نوی پیدا کرده که با افسانه‌های کهنه و قدیم هیچ مشابهت نمیرساند. افسانه‌های این وقت حاضر را در ذوات و ممالک عثمانی (رومان) میگویند، و در انگلستان و هندوستان (ناول) مینامند. رومانها و ناولها در این وقت از بهترین آثار ادبیهٔ قلمیه شمرده میشود. زیرا ناول‌نویس کمال اقتدار قلم خود را در باب تصویر نمودن خیال را بحقیقت صرف مینماید که ذاتاً شعر هم همچنین یک چیز است. (سراج الاخبار) میخواهد که برای مشغله و ساعت تیری خاطر خوانندگان کرام خود از افسانه گوئی طرز نو نیز کوتاهی نکند. لهذا به ترجمهٔ (فاجعه‌های پاریس) نام ناولی که از آثار قلمیهٔ (ف ویدو دو مونتپن) نام ادیب و شاعر مشهور فرانسه است آغاز نموده بعد ازین در هر نسخهٔ خود آنرا بیک مقداری از اندراج صحایف خواهد نمود.

مقصد ما از نشر کردن این ناول یا رومان یا افسانه دو چیز است یکی اینکه طرز افسانه گوئی زمان حاضر را بر خوانندگان کرام عرض نمائیم. دیگر اینکه از احوال عجایب و غرایب ممالک متمدنهٔ اوروپا و شناعتها و جنایتهای خونریزانه اینکه در آنجا پیش میشود معلومات بدهیم تا معلوم گردد که در لباس مدنیت چگونه وحشتها مستتر است.

اشتهار

درباب درج شدن اشتهارات تجارتی و صنعتگری

روزنامهٔ مبارکهٔ (سراج الاخبار) برای اشتهارات مالهای تجارتی سوداگران وطن عزیز که بفروش میخواهند برسانند و یا بعضی صنعتها و پیشه‌ها که بعضی از صنعتگران اختراع کرده و فروختن آنرا آرزو میکنند حاضر و آماده است که مال سوداگران و صنعت صنعتگران را در صفحهٔ آخرین اخبار خود اشتهار و اعلان نماید. لهذا هر کس که آرزوی اشتهار مال تجارتی و یا صنعت صنعتگری خود داشته باشد به اداره خانهٔ سراج الاخبار که در ماشین خانه است آمده و از قرار سطر یک روپیه اجرت آنرا داده مال و یا صنعت خود را بواسطهٔ اخبار اشتهار میکنند و اگر کسی بخواهد که از پنج بار زیاده در اشتهار خود را در اخبار بنویسد هر سطر یک قران کرایه بدهد.

مدیر و سرمحرر سراج الاخبار ؛ محمود

در مطبعهٔ دار السلطنهٔ کابل بهمت و اهتمام مهتمم الحاج عبدالخالق بقلم میرزا [illegible]

صفحهٔ ۱ سال یکم نمبر ۲

سراج الاخبار

۱۳۲۹

نگران
ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی
علی احمد
مدیر و سرمحرر
محمود طرزی
اداره‌خانهٔ مطبعه
در ماشین‌خانهٔ دار السلطنه کابل
همه امور تحریریه به اداره‌خانه بنام مدیر فرستاده میشود
تاریخ عربی یکم ذی القعده ۱۳۲۹

قیمت سالیانه
در دار السلطنه کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت با اخراجات ڈاک ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت با اخراجات ڈاک نیم پون انگریزی
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یک عباسی
بهر پانزده روز یکبار نشر میشود
تاریخ شمسی ۳۱ میزان ۱۲۹۰

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

راهها و پلها

و رسم افتتاح پل سراج کلبهار

هر گاه یک ملک را بیک وجودی تشبیه بدهیم راههای منتظم آن را عروق و شرائین آن وجود ؛ و پلهای آن را مفاصل یعنی بندهای آن وجود اگر بگوئیم هیچ یک سخن مبالغه گفته نخواهیم بود .

زیرا اگر در عروق و شرائین یک بی انتظامی و ناهمواری راه یابد جوهر خون که مادهٔ یگانهٔ حیات شمرده میشود به انتظام تامی که لازم اوست از پای تخت دل در همه هر طرف وجود جاری و ساری نگردیده حیات را در تهلکه می اندازد . و کذالک اگر در مفاصل یعنی بندهای اعضای وجود شکستی و بی انتظامی واقع شود در مابین عضوی با عضو دیگر خط مواصله و رابطه منقطع گردیده به بسی عوارض مهلکه معروض میگردد

راهها و پلهای مملکت عیناً همین اهمیت و فرضیت را دارد که عدم انتظام و درستی آن موجب عدم انتظام و درستی مملکت میگردد بلی راهها و پلها چنانچه در موادات و مخارجات تجارتی مملکت که بمثابه خون در بدن است سکته و خرابی میرساند در نقلیات سوق عسکر نیز تهلکه ها بسیار رفیعه بوقوع می آرد که شاهراههای اجزا صفهای

تاریخ جهان نشان میدهد :

از روز فیروز جلوس میامن مانوس اعلیحضرت (سراج الملة والدین) پادشاه خردمند عدالت آئین شهریار حکیم هوشمند ترقی گزین این دو علت مدهشه و این دو مرض مهلکه از وجود وطن عزیز ما زایل و مرفوع گردیده است .

در وقت حاضر پای تخت دولت علیهٔ افغانیه از فیض همت سعی و کوشش بینی که پادشاه ترقی پرور معظم ما در باب توجه در ساختن راهها ارزان و شایگان فرموده اند با هر طرف مملکت متصل و پیوست گردیده . بعضی ازین راهها سرکهای پخته و تیغی است که عرابه و موتر بران رفت و آمد دارد . و بعضی ازان راهها نیست که در دست تعمیر پخته کاری میباشد . و بعضی از آنها راههای صاف و همواریست که هنوز پخته کاری نشده .

ممالک محروسة الممالک شاهانه چنانچه با راههای منتظم کسب ترقی کرده به بعضی پلهای بسیار مهم و معتبری نیز رونق و اهمیت عظیمه پیدا نموده که از انجمله یکی این پل نهر نیلاب است که به (پل سراج) موسوم شده . زهی مرحمت و خیر اندیشی .

تفصیلات مراسم افتتاح پل مذکور را جناب سرگرانها که بهر کابلی (اعلیحضرت همایونی) در مراسم مذکور شرفیابی داشته اند به اداره‌خانه فرستاده است که عیناً همان نوشته‌شان را درج میکنیم :

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 22 of 1786

بیان افتتاح پل نیل آب

نیل آب منبع آن از برف و یخ و چشمه سارهای کوه هندوکش از حدود خاواک که سمت شمال کابل است درین دره پنجشیر آمده در حدود باگرام با دیگر دریاچه ملحق شده بطرف مشرق میرود — سالهای سابق درین موضع که حال پل جدید بنا شده و اصلا آثاری از پل نبود مردمان متردد درین علاقه کوهدامن و کوهستان خصوصا نفری شوقینین حدود مذکور زحمات و تکالیف از نیل آب عبوری نموده وزمان زیادتی آب تلفات زیادی برای عبور کنندگان مذکور حاصل میشد — چون اعلیحضرت سراج الملة والدین در موضع گل بهار تشریف برده ملاحظه فرمودند خیال و اراده آبادی را درآن موضع فرمودند . چنانچه درسنه ۱۳۲۹ هجری به انجنیری عزت مند مستر (نالیدی) انگریز ملازم دولت خداداد پل مذکور آباد گردید — بتاریخ روز چهارشنبه ۷ ماه شوال المکرم مطابق ۱۸ ماه میزان موافق ۱۱ اکتوبر ماه انگریزی افتتاح پل نیل آب گردید — درآن روز ذات اقدس اعلیحضرت والا با برخی از خدام و عمله حضور در موضع مذکور تشریف بردند وجمعی از نفری خوانین و معتبرین کوهستان و کوهدامن که نفری زیاد بودند نیز در آنجا حاضر گردیده از برای نفری مذکور و باقی خدام از همه گونه اطعمه و اشربه و چای و شیرینی وغیره موجود بود — به یازده بجه روز مذکور اعلیحضرت والا بالای پل تشریف بردند — پل مذکور الی تشریف فرمودن اعلیحضرت والا قفل بود و اینکه اعلیحضرت والا تشریف بردند ایشک آقاسی ملکی کلید قفل را با عزاز و احترام بحضور مبارک تقدیم نمود — اعلیحضرت والا کلید قفل را بدست مبارک گرفته این کلمات را نطق فرمودند — هرانسانی که یک بنائی را بخیال خود تصور کرده در اجرای خیالات خود میکوشد برای ناظرین مشکوک است . که آیا این بنا چه نتیجه و ثمر خواهد داد و هر واحدی بخیال خود فکرهای می اندیشد تا اینکه آن بنا تکمیل یابد بعد که ناظرین از ملاحظه آن ثمره و نتیجه نیکی آنرا دیدند . تسکین خاطر هریک میگردد — چنانچه ما اول زمانیکه درینجا تشریف آورده تکالیفات رعایا را ملاحظه فرمودیم ضرورت دانسته خیال و اراده آبادی یک پل جدید را بخاطر گذرانیده در سر رشته تکمیل و آبادی آن بودیم — برخی که از خیالات ما واقفیت نداشتند به تصور و خیال بودند — امروز که الحمد لله تعالی این حکم ما تکمیل یافت و پل هذا ایجاد شده ظاهر است که چقدر رفاهیت برای مترددین و معتبرین پل نیل آب بوقوع رسید شخصی که قبل از آبادی این پل ازین رودخانه گذر کرده باشد حال رفاهیت احوال خود را میداند — اگرچه ما تنها آبادی این پل هزارها خیالات بفکر اعلیحضرت ما رسیده است که این بناها هزار یک آن نخواهد بود امید بخداوند عالمیان است که خیالات ما چون بر بهبود رعایا و آبادی افغانستان است معطل نخواهد ماند و همه اجرا خواهد شد و از خداوند کریم میخواهم که جمیع رعایا و خدام دولت بخیالات من یکدل و یک زبان باشند و براه دین مبین حضرت سید المرسلین محکم و ثابت قدم باشند — مستوفی الممالک که از حضور مبارک خان و سرکرده رعایای علاقه سمت شمالی است با خوانین کوهدامن و کوهستان بیک زبان سلامتی وجود مبارک را گفته ادای شکرانه مراحمات شاهانه را بوجه احسن نمودند و اعلیحضرت والا قفل دروازه پل را باز فرمودند — باجه خانه های موجوده و دیگر سازهای مروجی علاقه مذکور ادای سلامتی را همه بیک سرود و الحان خوش که پاینده باد پادشاه ما ادا نمودند — ذات اقدس والا اول پای مبارک بر و نهاده و معه خدام حضور و خانان و ملکان کوهستان از پل مذکور عبور فرمودند بعد دیگر نفری رعیتی از پل مذکور عبور کرده و ادای شکرانه مراحمات شاهانه را نمودند ثانیا اعلیحضرت شهریاری بسواره موتر تشریف فرمودند و عبور فرمودند — از مستر نالیدی انگریز ملازم دولت خداداد به سبب خدمات سابقه او که از چند سال در افغانستان خدمت کرده و نیز ازین خدمت او که دراین پل ظاهر کرده اظهار مرحمت و مهربانی و خوشی را ازو کردند — و از عبارت و نطقی اعلیحضرت در حین افتتاح فرمودند نهایت مؤثر و جوشش آور بود و بسیار قابل شنید فقط (علی احمد)

وَمِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ

آب کابل

در پای تخت سلطنت سنیهٔ افغانیه اگرچه بسی آبهای جاری موجود است. حتی (نهر کابل) یک آب دایم الجریانیست که مانند کلان آب که در نفس لفظ نام آن واقع است از وسط شهر همیشه جاری میباشد. ولی این آب بسبب مستعمل شدن آن در زراعت ها و کشت زارها و برآمدن بسی جوی ها از آن وقتیکه در شهر میرسد هم خیلی کم میشود و هم برای نوشیدن نافع و صالح نمیباشد. بعضی چشمه ها و چاهاییکه موجود است آن هم بدرجهٔ کفایت احتیاج اهالی دیده نمیشود. حالانکه آب یکی از مایحتاج بسیار ضروریهٔ انسانست که خالق یگانه ارض و سما آنرا مدار حیات نوع بنی بشر گردانیده است.

علماً ثابت شده است که تلفات نفوس شهرهاییکه آب نوشیدنی آن ناگوار و مستعمل و پر میکروب باشد نسبت بشهرهاییکه آب آن خوشگوار و پاک و براق باشد خیلی از خیلی افزون تر است.

بنابرین این قضیهٔ فقدان آب شهر کابل نظر دقت همایونی پادشاه معظم محبوب القلوب ما را که افکار مراحم شعار ترقی آثار شاهانهٔ شان دایما در باب عمران ملک و رفاه رعایا و خیراندیشی برایا مصروف و معطوف است جلب و جذب نموده به آوردن آب بسیار باصفای خوشگوار (پغمان) را در کابل اراده و فرمان همایونی شاهانه را شرف اصدار فرمودند.

(پغمان) از کابل بمسافهٔ نه کروه تخمیناً از ده میل بجهت شمال غربی در دامنهٔ کوه پغمان که از شعبه های کوه (هندوکوه) که معروف بهندوکش میباشد در یک موقع بلند و بسیار دلکش هوائی واقع شده است که روزهای گرمی تابستان را ذوات اعلیحضرت شاهانه در قصر همایونی (سهیل) که از بناهای عصر ترقی حصر سراجیه است بسر می آرند. والحاصل پغمان صیفیهٔ دولتی پای تخت سلطنت سنیهٔ کابل میباشد.

آب پغمان از بسیار جاهای مرتفع از ترشحات چشمه‌سارهاییکه از برف های تالاقهای کوه‌ها حاصل میشود بسیار براق و صفائی و نهایت سردی و خوشگواری جاری میباشد.

لهذا پادشاه رحیم القلب مهربان ما چنان تجویز فرمودند که آب مذکور را با یک بند پخته و متین در یک حوض بزرگی جمع آورده و بواسطهٔ نلهای آهنین در شهر رسانیده درجاهای مشهور و نقاط معروف شهر تقسیم شود.

درین باب پارسال در اثنائیکه در پغمان تشریف شاهانه شرف افزا بودند با مستر (ملر) اسکات لنڈسی که برای خدمت ماشین قماش بافی در دولت علیهٔ خداداد افغانستان ملازمت دارد حرف زده عطا شدن یک لک و پنجاه هزار روپیه کلدار را برای مصارف و آوردن نلهای آهنین آن بمستر موصی الیه اراده فرمودند.

از ذرایع موثقه خبر گرفته ایم نلهای آهنین مذکور در دارالسلطنهٔ کابل رسیده و درین قریب ها کار بسیار باصواب مذکور شروع میشود.

الحق که این لطف و مرحمت اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه خیراندیش عدالت کیش ما آب یاری قلوب تشنه دلان اهالی آن شهرها را مینماید. لهذا دعای دوام صحت و عافیت وجود مراحم آمود پادشاه معظم خود مان را باهمه برادران همشهری خود (سراج الاخبار) رفع بارگاه کردگار لیل و نهار مینماید.

* * *

عرض شکران

سبحان الله! چه خوشبختی و سعادت مردم افغانستان است که ذات پاک اقدس الهی ما را بدین مبین اسلام شرف بخشیده و همهٔ ما را یک ملت و یک مذهب ساخته و بر ما همچنین یک پادشاه دل آگاه خیرخواه ترقی پرور لطف گستری ممتاز و سرافراز فرموده که شب و روز افکار مراحم شعار همایونی شان در باب عمران ملک و آسایش رعایا مصروفست.

آیا اگر یکقدری بسوی احوال ماضی خود یک نظر عبرت آوری بیندازیم. و احوال حال خود را با آن مقایسه نمائیم

چه قدر فرقهای عظیمی می‌بینیم ؟
صرف نظر از دیگر چیزها : تنها احوال سابق همین نهر نیلاب را درپیش نظر آریم :

این نهر یک آبیست که ایالات جمیله حاصلخیز خوش آب و هوای (کوهستان) و (کوه دامن) زمین وطن عزیز ما را بشدت جریان خود ازهم دو پاره کرده راه مرور و عبور را یکسر حایل شده بود بسبب وضعیت مجرای آن که بریک سطح مایل واقع شده با آنکه آب بسیار هم دارد و شدت جریان آن نیز خیلی پرقوت و غیرقابل مرور است در قریب همین نقطه ئیکه دریتوقت پل پرشوکت و مهابت آهنین (سراج) بنا یافته از چوب و خس و خاشاک یک پل موجود بود . که اگرچه پیاده‌ها پا از ان بهزار بیم و خوف گذشته میتوانست ولی بار و حیوان از ان مرور نمیتوانست حالانکه همین پل را نیز در هرسال سیلاب ویران ساخته مدتها مرور و عبور بندگان خدا را معطل مینمود .

تصور بفرمائید : یک بیوه واماندهٔ بیچاره را می‌بینید که بنا برضرورت حوائجات از زمین های انطرف دریا قطع علاقه کرده بخواهد به اینطرف بیاید کاسه و کوزه و جل و همین قدر اثاثه خود را بریک خری بار کرده دو سه اولادهای کوچک یتیم خود را از دست گرفته مانده هلاک تا بکنار دریا میرسد . در آنجا می‌بیند که آب پرجوش و خروش شدید الجریان نیلاب سد راهش میشود . بیچاره حیران میماند نه راه پیش رفتن نه روی بازگشتن !!

آیا چه کند مجبور ؟ میشود که از پل خس و خاشاک موجوده بگذرد !

آه چه وحشتناک حال ! خس و خاشاک پل بثقلت خر و زن بیچاره تاب آور مقاومت نمیشود خر با بار در دریا می افتد ، زن و اطفال واویلا میکنند . هستیش غایب میشود !......

این است که مرحمت پادشاه رعیت پرور و پدر شفقت گستر ما به این ناگواریهای ملک خود قایل شده این پل متین آهنین را بر نهر نیلاب ساختند ، و به این مرحمت خود یک مفصل یعنی یک بند بسیار مهم وجود مملکت شاهانه شان را که ازهم جدا مانده بود شکسته بندی فرمودند . و به آوردن آب سلسبیل آسای پغمان آبیاری حیات پای تخت سلطنت سنیهٔ خود را فرمودند . (پاینده باد پادشاه ما) .

از دربار پروردگار لیل و نهار دوام عمر و اقبال و ترقی عز و اجلال پادشاه مراحم گستر خود را نیاز میکنیم که بسبب ترقی آیهٔ شاهانه شان بسی بسی ازینگونه آثار عمران و ترقی در بارهٔ وطن و ملت شاهانه شان بروی کار آید آمین

حوادث خارجیه

نقل از اخبار پاینیر مورخه ۲۷ ستمبر سنه ۱۹۱۱ مطابق ۳ شوال

از ابتدای اساس حالت پولتیکی جمیع ممالک کلان پر از شورش و فساد بوده است و اگر دریک ملک شورش فرو دارد یا انقلاب خواهان فرو میشود در دیگر ممالک همان قسم فساد برپا میشود چنانچه اکثر خطرات جنگ عالمگیر دریک صفحهٔ دنیا معدوم میشود و امکان جنگ مابین دو ملک دیگر پیدا میشود غالباً معتقدان توهمات باطله این را اثر ستاره دنباله‌دار خیال خواهند کرد و سیاسی دانان اثر آیه قواعد فلسفیه منسوب خواهند نمود لاکن برای انسان معمولی فهمیدن این همه کشمکش و شورش امر آسان نمی‌نماید و امید بهتری صرف درهمین باقی مانده که شاید در زمانه آینده و مرتبه صلح عمومی شود — اکنون چون قضیهٔ مراکو تصفیه پذیرفته است توجه مردم به تنازع ترکی و ایطالیه منعطف گردیده است و اگرچه برطانیان اثبات دعاوی ایطالیه را در طرابلس مهیا کرده نمیتوانند لاکن یاد باید داشت که نصف تجارت آن علاقه ترکی بدست تاجران ایطالیه است و کارروانان ترکی در چند سال گذشته با تجاران ایطالیه سلوک خوب ننموده‌اند و وزارت موجوده بارها اظهار تشویش و قهر و غضب خود را متعلق آن کرده است مگر در هر صورت وضع اظهار چنان است که حق را بجانب آن گفته نمیتوانیم و هنوز هم توقع داریم که تنازع هردو ملک مذکور به خوش اسلوبی تصفیه خواهد پذیرفت

نقل از اخبار پاینیر مورخه ۲۹ ستمبر سنه ۱۹۱۱ مطابق ۶ شوال ۱۳۲۹

در لندن ۲۷ ستمبر سفیر ایطالیه مقیم قسطنطنیه یک مراسله برای باب عالی باین مضمون فرستاده بود که ترکان در طرابلس

عربان را برخلاف مردم اطالیه اشتعال داده اند و اسلحه و سامان حرب را بمقدار کثیری به طرابلس روانه کرده اند و در جواب آن بابعالی برای سفیر مذکور اطلاع داده است که شورش عربان برخلاف مردم اطالیه دروغ محض میباشد و سامان حرب مذکور صرف برای امنیت داخله ملک فرستاده شده است

◆

برای رویتر از اطالیه اطلاع معتبر رسیده است که اطالیه از آن سبب در طرابلس وضع مخالفانه را اختیار کرده است که ترکان فی الحال حقوق مردم اطالیه را پامال کرده اند که بقرار معاهده‌جات سابقه حاصل کرده بودند و از روزیکه حکومت شورائی در قسطنطنیه قایم شده است تدابیر آن سراسر مانع ترقی اطالیه بوده اند و اطالیه در طرابلس خواهان حقوق خاص نمیباشد بلکه صرف همین قدر میخواهد که آن سلوک دوستانهٔ سابق با ایشان کرده شود .

◆

برای رویتر از دولت عثمانیه اطلاع معتبر رسیده است که سرکار عثمانیه با اطالیه هرگز سلوک مخالفانه ننموده است و برای جمیع اقوام در طرابلس حقوق تجارت مساوی میباشد و اگر اطالیه خواهان حقوق خاص یا قبضهٔ طرابلس نباشد تصفیهٔ قضیهٔ موجوده امر آسان است .

◆

در شهر روما مزدوران ریل ازین سبب اراده شورش را داشتند که اطالیه در طرابلس وضع مخالفانهٔ ترکی را اختیار نموده است لاکن شورش مذکور بتوسط چند نفر کارداران معتبر فرو نشسته است .

◆

از مالتا خبر تلگراف آمده است که شش جهاز جنگی اطالیه از راه آن جزیره بطرف طرابلس رفته اند میگویند که چند جهاز جنگی اطالیه بساحل طرابلس رسیده اند و افواج را برای جنگ ترکی آورده اند و اهل اطالیه در شهر طرابلس خیلی مشوش میباشند که اگر فوج مذکور بساحل فرود آمد ترکان حکم قتل عام مردم اطالیه را خواهند داد

◆

در جهازات تجارتی اطالیه دراین ایام باسوای مردم اطالیه دیگران را سوار نمیکنند و رعایای برطانیه در طرابلس بر بالاخانهای خود بیرق برطانیه را بلند کرده اند .

از قسطنطنیه خبر تلگراف آمده است که برخی سعی از دول برای مصالحت ترکی و اطالیه میکنند و بابعالی بطریق دوستانه به اطالیه اطلاع داده است که تصفیهٔ معاملات متنازعه فیه بکوشش اصولی کرده میشود و کرار از اطالیه خبر آمده است که سرکار را تلگراف برای آن [illegible] ترکان مطلقاً اعتبار ندارد و اگر بزودی طرابلس را حاکم [illegible] [illegible]

لارد کچنر در اسکندریه رسیده است .

حاکم بوشهر قریباً صد نفر سپاهیان بحریه را برای انسداد فساد در بندر جاسک و حفاظت آن شهر فرستاده بود لاکن آنجا وقتی رسیدند که شورش فرو شده بود و جهازات برطانیه بعد از انتظام کافی از بندرگاه مذکور برآمده بودند کسانیکه مذکور حتی نواح تاجران اسلحه میباشند و هرکه از آنجا دو بار تفنگ را که در بندر جاسک اراده فروش آنجا را داشتند و چونکه حاکم بندر جاسک مانع آن بود بنابران آنها بر شهر حمله نموده چند نفر را مقتول و مجروح ساختند و تا آنزمان از شهر بیرون نیامدند که کل تفنگ را بفروش نرسانیدند و بوقت واپسی در مضافات شهر تیر اسباب مردم عاجز را بغارت برده از بندرگاه روانه شدند .

◆

لندن ۲۸ ستمبر — یک جهاز ترکی در بندرگاه طرابلس چند نفر سپاهیان نظام عثمانی را مع سامان حرب آورده است و افسران جهازات جنگی اطالیه فرود آمدن آنها را دیده اند و اخبارات وقوع آنها را وجه کافی برای جنگ خیال میکنند .

◆

از سالونیک خبر تلگراف آمده است که جمیع جهازات اطالیه از بندرگاهای ترکی برآمده اند و در اکثر شهرهای اطالیه مردم به این سبب شورش کرده اند که چرا افواج اطالیه را در طرابلس فرستاده شده است لاکن سپاهیان نظام انسداد شورش نموده اند و اکنون مردم خواهش دارند که طرابلس در قبضهٔ اطالیه نباشد .

◆

باوجود این امر که افواهای فرود آمدن افواج اطالیه بر ساحل طرابلس مشهور اند و سرکار ترکی بجهت حفاظت علاقه‌جات خود برای جنگ مستعد میباشد مردم خیال دارند که تصفیهٔ معاملات متنازعه فیه عنقریب به وقوع می‌آید و جرمنی بسعی خود مابین ترکی و اطالیه سررشتهٔ مصالحت را خواهد نمود .

◆

اگرچه اخبارات اطالیه می‌نویسد که مراسله اعلان جنگ به ترکی فرستاده شده است با وجود آن رویتر خیال دارد که هنوز مراسله مطالبات اطالیه بجواب عالی نرسیده و خیال ترکی بهر وجه برای مصالحت کوشش خواهد نمود بشرطیکه عزت و توقیر ترکان بهیچ قسم صدمه نرسد مگر جواب دول یوروپ بر این مضمون که آنها در معاملات ترکی و اطالیه دخل نخواهند داشت دولت عثمانیه را خیلی مایوس ساخته است .

سید امیر علی بیگ یک مضمون در باب وضع اطالیه به اخبار تایمز داده است و گفته است که تنازعات نصارى و اسلام به سبب حرکات اطالیه ترقی خواهند کرد و اگر اطالیه بر طرابلس حمله نموده در کل عالم اهل اسلام بر خلاف نصارى شورش خواهند نمود و یک دولت لامذهب را که برای نام خود را نصارى میگوید سبق خوب خواهند داد و اکثر اخبارات انگلستان حمایت خیالات مستر مذکور را میکنند و برای دول یوروپ نصیحت میکنند که در کل علاقه جات دنیا برای حفاظت ترکی سعی نموده شود ·

* * *

مراسله اعلان جنگ که اطالیه به ترکی فرستاده است در انگلستان و فرانس باعث مخالفت اطالیه گردیده است و هیچ کس حرکت آن ملک را پسند ندارد و یاد باید داشت که در این معامله اطالیه پیروی حرکات جرمنی را در مراکو و استریا را در بوسینا و هرزیگوینا و فرانس را در تونس نموده است — طرابلس یک علاقه وسیع است که برای بود و باش اهل اطالیه خیلی موزون میباشد و چونکه ترکی در عرصه دراز که قبضه آنرا داشته است از آن استفاده ننموده است بنابر آن اطالیه خود را مجبور دانسته است که قبضه آنرا حاصل کرده استعمال مناسب نعمای خداوندی را که در طرابلس موجود اند بکند مگر باوجود آن حرکت اطالیه قزاقانه است و همین است که اهل انگلستان بر خاموشی وزیر خارجیه اعلیحضرت شاه جارج تعجب میکنند و میخواهند که انگلستان حمایت ترکی را بکند اما خاموشی وزیر مذکور بعید از حکمت نیست — مداخلت انگلستان امکان جنگ عالمگیر یوروپ را پیدا خواهد نمود و تامل وزیر خارجیه انگلستان از همان سبب میباشد و اقوام متمدن یوروپ هرگز نخواهند که از خاطر یک علاقه افریقوی دولت عثمانیه مردم مهذب یوروپ باهم بجنگند حتی دو سه رفقای جرمنی خیلی باعث تشویش آن بوده اند چنانچه در سنه ۱۹۱۱ استریا دوست خود را در معرض خطر انداخته بود و اکنون اطالیه برای همان رفیق خود مشکلات لاینحل پیدا نموده است باید دید که در چند روز آینده از پرده غیب چه بیرون می آید ·

* * *

لندن ۳۰ ستمبر — از قسطنطنیه خبر تلگراف آمده است که افواج اطالیه بر مقام بن غازی فرود آمده اند — و از سلانیک اطلاع رسیده است که یک گروه از زورق های اطالیه یک کشتی عثمانی مخرب جهازات جنگی را در مقام پروزا غرق کرده است — و سپاهیان را بر ساحل فرود آورده است افواج عثمانی را حکم شده است که فوراً بمقام مذکور برسند ·

* * *

از اتهنز خبر تلگراف آمده است برای وزیر اعظم یونان اطلاع رسیده است که در خلیج ارتا چند گروه از زورق های اطالیه بر دو جهاز ترکی که افواج را به طرابلس می بردند فیر کرده مجبور نمودند که آنها در بندرگاه پیرویزا داخل شوند و میگویند جهازات مذکور در آب پایاب رفته اند ·

* * *

از قسطنطنیه خبر تلگراف آمده که وزارت موجوده مستعفی شده و سعید پاشا صدر ایوان وکلا وزیر اعظم جدید و کامل پاشا وزیر خارجیه و محمود شوکت پاشا وزیر جنگ میباشد و برطانیه افسران بحریه خود را از ترکی واپس خواسته است و ارکین انجمن اتحاد و ترقی تصفیه نموده اند که خرید و فروخت اسباب ساخت اطالیه موقوف شود و اهل اطالیه را از طرابلس و دیگر علاقه جات ترکی بدر کرده شود ·

* * *

اخبارات جرمنی بر حرکت اطالیه نفرین بسیار میکنند و مینویسند که حرکت اطالیه در حالت سیاسی موجوده خیلی باعث حیرت میباشد و اخبارات آستریا بشورش میباشند که شاید از سبب حماقت اطالیه در علاقه بلقان شورش و در کل یوروپ جنگ پیدا شود ·

از بیت العلوم مبارکه حبیبیه

ادبیات

در نسخهٔ گذشته در زیر عنوان (ادبیات) مقالهٔ غرّای بدیع احتوای عالم فاضل کامل فضیلت مآب مولوی عبدالرؤف صاحب را زینت بخش صحایف اخبار خود نموده بودیم که فاضل مشار الیه در همه محتویات معانی (ادبیات) نحوی صرف فصاحت و بلاغت فرموده بودند که معانی بدایع بیان آن قناعت بخش اذهان قوافی شناسان منتسبین علم ادب میگردید .

(سراج الاخبار) چون در نسخهٔ خود چیزی چیزی از عالم (ادبیات) نیز درج نمودن را ارزو دارد ازانرو در اول مر خوانندگان گرام خود از زبان یک عالم و فاضل مملکت عزیز خود ما معانی را که ادبیات در بر دارد عرض نموده و بعد ازان از روش و مسلکی که ما در باب ادبیات در اخبار خود پیش نهاد خاطر داریم بعرض معلومات پرداخته میگوییم : که مراد ما از چیزهاییکه در زیر عنوان ادبیات مینویسیم عبارت از شعرای خوش ترانه و نثرهای منشیانه و تصورات افکار ظریفانه و تخیلات معانی نثار شاعرانه میباشد تا موجب تفریح قلب و نشاط فکر خوانندگان گرام ما گردد .

ذات حضرت استاد نیز بعد از بیانات واضحیکه در باب ادبیات بیان فرموده اند این یک را نیز گفته اند که : (هر کس باصطلاح خود از ادبیات چیزی را مراد داشته) لهذا مراد و مسلک ما نیز در عالم ادبیات ازادا است که باین وسیله هم از ادبیات شرقی و هم از ادبیات غربی - یعنی هم از مضامین بدیعه بلیغه شعرا و ادبای ممالک آسیا تصور کرده اند و هم از تخیلات غربیه بلیغه شعرا و ادبای اروپا تحریر نموده فرح بخش و بیان خواهیم نمود .

◆

ترجمهٔ شعری از ظریف طبعان جرمنی

اگر یک (آووکات) یعنی قانون شناسی یک دختر دلبری طلبگار وصال گردد میگوید :

— اه! ای حاکم محکمهٔ دل محکوم قانون عشقم! چه شود که دعوای فرقت را بصلح و وصلت تبدیل نمائیم .

و اگر یک عسکری باشد میگوید :

نگاه بهای عشقت بر قلبم چنان زخم کاری بنشاند که بجز مرهم آب وصلت دیگر چیزی التیام پذیر نگردد .

و اگر یک طبیب باشد میگوید :

— دل بیمار ناتوانم را بجز داروی وصالت دیگر چیزی شفائی نبخشد .

و اگر یک باغبانی باشد میگوید :

— اگر از لبهای چون برگ گلت تنها یک کلمهٔ قبول برآید روضهٔ حیاتم یک گلستان سعادتی میشود .

و اگر یک عمارتی باشد میگوید :

— بیا کاشانهٔ سعادت خود را باهم بنا نمائیم .

و اگر یک کشتیبانی باشد میگوید :

— در مقابل هرگونه طوفانهای حوادث حیات آغوش لطافت پرورش ترا ساحل سلامت خود مییابم .

و اگر جواهر فروش باشد میگوید :

— ای دلبر! تنها رابطهٔ ازدواج ما یک زنجیر مرصعی بوجود می آورد که محفظهای پر جواهر دلهای ما را بیکدیگر ربط مینماید .

و اگر یک عاملی باشد میگوید :

— حسنات قلب سلیمت را به سیئات جور و جفا تبدیل مکن . بگذار تا سعادت حیاتم را در چشمان محبت افشانت مطالعه نمایم .

و اگر یک می فروشی باشد میگوید :

— آیا تا کی ساغر حیاتم را بباده وصالت لبریز نمیکنی

و اگر یک اخبار نویسی باشد میگوید :

— ای امید استقبالم! درخشان ترین حوادث جریدهٔ حیاتم اعلان ازدواجم با تو خواهد بود .

و اگر یک نوجوانی باشد بجز اینکه بگوید :

— تا که عمرم بدنیا باقی باشد ترا دوست دارم دیگر سخنی نمی یابد .

◆

سخنان لطیفه آمیز

یک مفلسی در نزد فال بین آمده فال خود را دید فال بین قرعهٔ فال خود را باز کرده گفت :

— هفت سال زحمت خواهی کشید بعد از ان راحت و آرام خواهی دید .

مفلس پرسید که :

— آیا بعد از ان توانگر خواهم شد ؟

فال بین — نی توانگر نشوی در مفلسی و زحمت آموخته شده عادت میگیری و به آن سبب راحت میکنی .

(میرابو) که یکی از خطیبان بسیار مشهور فرانسه بود خیلی بدچهره و کریه المنظر یک شخصی بود. یک روزی بر او دعوی کردند که یک دختر جوان را بازی داده و به ناموسش خلل رسانیده، و به این سبب بمحکمهٔ عدالت آوردندش.

حاکم — آیا این دعوائیکه بر شما شده و چه دلیل از خود رد کرده میتوانید؟

— بدلیل نابینا بودن دختر!

حاکم — این چگونه دلیل است؟

میرابو — انصاف بفرمائید! آیا این شکل و شمایل کدام بینا را بازی داده خواهد توانست؟ حالا آنکه دختر بیناست.

* * *

لارد (پالمرستون) مشهور یک روز خوابچی خود را برای رفتن بده و آوردن قیماق امر نمود. این تکلیف بعزت نفس خوابچی گران آمده گفت:

— این امر که فرمودید کار وظیفهٔ خدمتگاران مطبخ است صاحب!

— خوب! کار وظیفهٔ شما چیست؟

— وظیفهٔ من اسپهای عرابه را تیمار کردن و آنها را بعرابه بستن و عرابه را راندن است.

— بسیار خوب! چون چنین است همین دم اسپها را بعرابه به بند و یکی از خدمتگاران مطبخ را دران سوار کرده برای آوردن قیماق به ده برده زود وظیفه ات را اجرا کن!

* * *

ناپلیون بوناپارت در وقتیکه جنرال بود در اثنای یک مجلس مهمانی یکی از زنان معتبری که دران مجلس بود جنرال را خطاب نموده گفت:

آیا همین قدر شان و شرفها از این قدر مظفریتها حاصل کرده اید بس نیست که هنوز هم در پی شرف و شان میدوید؟

— بوناپارت — آیا این همه حسن و لطافت نظر ربا که دست خلقت بشما احسان نموده کم بود که باز هم بر زیب رخسار دلارای خودتان سرخی و سفیده میمالید؟

(از [illegible] . محمد [illegible])

علم ثروت ملل

مترجمش محمود طرزی

(مقدمه)

بعد ادای ما وجب علینا

بسیاری از علمها و فنهای نو برآمده عجایب و غرایبی درین عصرهای نو بظهور آمده که چون عنوان نام و نشان آنرا خوانندگان کرام ما ببینند بحیرت رفته منتظر میشوند که آیا این چه علم است و از چه بحث خواهد راند؟

از انجمله یکی این علم (علم ثروت ملل) است که بعون الله تعالی جریدهٔ مبارکهٔ (سراج الاخبار) در هر نسخهٔ خود یک قطرگی از مسایل آنرا در نظر مطالعهٔ خوانندگان کرام خود عرض میکند.

معنی (علم) اچیزیست معلوم. (ثروت ملل) توانگری و دبدبه و سامان و مالداری ملتها را گویند. پس علم ثروت علم توانگریست که خوبی توانگری و مالداری یک چیزی نیست که انسان عاقل فقر و تنگدستی را بران ترجیح داده بتواند.

اولاً این را عرض کنیم که هر علم یک موضوعی دارد که از همان موضوع خود یعنی چیزی که بنای آن بران بنیاد یافته باشد بحث و بیان میراند.

مثلاً موضوع علوم ادبیه یعنی صرف و نحو و بدیع و بیان و لغت همین است که تحریر و تقریر زبان نوع بشر اصلاح یافته درست بگوید و درست بخواند و درست بنویسد.

موضوع و مقصد (علم ثروت ملل) این است که احوال خصوصیهٔ ظاهری و باطنی جمعیت نوع بشریه را تحقیق و تدقیق کرده برای اصلاح احوال و سعادت و رفاهیت حال و استقبال بنی بشر هدایت و رهبری نماید که اساس و بنیاد حاصل شدن این مقصد نیز سعی و کوشش و جد و جهد و کد یمین و عرق جبین موضوع و مبنی یافته باشد.

پس بشنوید که علم ثروت چه میگوید؟ و برای سعادت و رفاهیت حال و استقبال بنی بشر چگونه قواعد و قوانین رهبری مینماید؟

باب اول

در بیان حاصل کردن توانگری

بنی آدم بنا بر اقتضای آفرینش خود به بسی احتیاجات صوری و معنوی محتاج است که آن احتیاجات خود را بجز سعی و کوشش به دیگر صورت دفع و رفع نمیتواند انسانها بر آن قدر که در شهرها و مدنیت پیش بروند دایرهٔ احتیاجات ضروریهٔ شان نیز بهمان نسبت وسعت و فراخی پیدا میکند. گذران و زندگانی که اجداد های ما میکردند درین وقت برای ما آنچنان گذران و معیشت خیلی ناقص و بی کفایت دیده میشود.

هر روز از آنچنان اختراعات صنعتهای عالم مدنیت فایده برسیده ایم و به آنچنان اسبابهای زندگانی عادت میگیریم که بخاطر و خیال گذشتگان ما هم نرسیده بود. ایا (کوسی) نمدی که در وقتهای قدیم برای ما کفایت میکرد درین وقت برای ما بچه صورت کافی خواهد آمد ؟

(در بیان فایده)

قبل ازین گفته بودیم که احتیاجات بشریه با مدنیت یکجا ترقی و افزونی میگیرد. پس هر چیز که درین عالم با وسعت خلقت و طبیعت برای دفع احتیاجات بشریت خدمت کند آن چیز را (فایده) میگویند. گندم و نان چون دفع احتیاج گرسنگی را میکند با فایده وشمرده میشود. از ماهوت و کشمیره چون لباس ساخته میشود فایدهٔ آن محافظه و ستر وجود است. کتاب چون مدار آموختن علم و فن میباشد فایده مند است وهلم جرا. بعضی اشیائی هست که در حد ذات خود فایده مند است ولی مفت و رایگان است که همه مردمان ازان علی الاستغنا استفاده کرده میتوانند و برای هیچکس تخصیص و تملیک آن قابل و ممکن نمیشود. مانند هوا و آب و ضیای آفتاب که هرکس بدون زحمت برایگان ازان استفاده میکند. حالانکه اکثر اشیای فایده دار ازین قبیل نیست بلکه استحصال آن بکوشش کردن و زحمت و مشقت کشیدن متوقف است. ازین سبب آنچیز مال و ملک همان آدمی میشود که آنرا پیدا کرده و بسعی و کوشش خود بوجود آورده است. پس آنچیز را بدیگری اگر بدهد البته بمقابل آن دیگر چیز با فایده و سودمندی گرفته میتواند. یعنی آن چیز قابل مبادله میشود. حتی چیزهای فایده مندی که برای عموم مردمان مفت و رایگان است نیز گاهی میشود که قابل مبادله بشود. مثلاً آب باوجودیکه نفع آن عام و برای هرکس مفت و رایگان است هرگاه بازهم اگر یک جای که آبی نقل داده شود و فایده پیدا کرده قابل مبادله میشود. یعنی آن چیز را داده بعوض و بدل آن یک چیزی دیگر برای مایحتاج خود گرفته میتواند.

((باقی دارد))

نصیحت

ای همشهریان عزیز

حضرت پیغمبر بر حق ذیشان ما صلی الله علیه وسلم (الدین نصیحه) فرموده اند. یعنی (دین عبارت از نصیحت است) بخدای یگانه شرک مکن، بر ملایکه و کتابها و پیغمبران و قیامت ایمان بیار، نماز بخوان، روزه بگیر و غیره حکمهای دینی همه گی عبارت ازیک یک نصیحت است که قبول کنندگان و پیروان آن نصیحتها نجات و سلامتی یافتند. و خلاف گیران و سرکشی کنندگان آن خجل و شرمسار ابدی گردیده (نصیحت) کردن تنها برای بعضی کسان خاص نشده بلکه هر برادر مسلمان بر نصیحت دیگر برادر مسلمان خود حق دارد و خالی از عیب تنها ذات پاک خالق بیهمتاست دیگر هر فردی از افراد جمعیت بشریه به بسی عیبها مبتلا است. قومها و جمعیت هائیکه ترقی کرده اند و بمردمان (مدنی) مشهور شده اند بجز اینکه عیب های خود شان را یگان یگان دیده و یگان یگان را ترک کرده اند دیگر چیزی نکرده اند.

این هم نیست که (نصیحت) کردن تنها برای مردمان بی عیب مخصوص باشد! زیرا هیچ کس از عیب خالی نیست. لاکن هرکس عیب خود را دیده نمیتواند، و عیب دیگر را زود می بیند. اگرچه عیب پوشی هم یک صفت بسیار بزرگ اخلاق است ولی بعضی چیزهائی هست که اگر آنرا یاد آوری نکنیم ضرر ازان حاصل میشود.

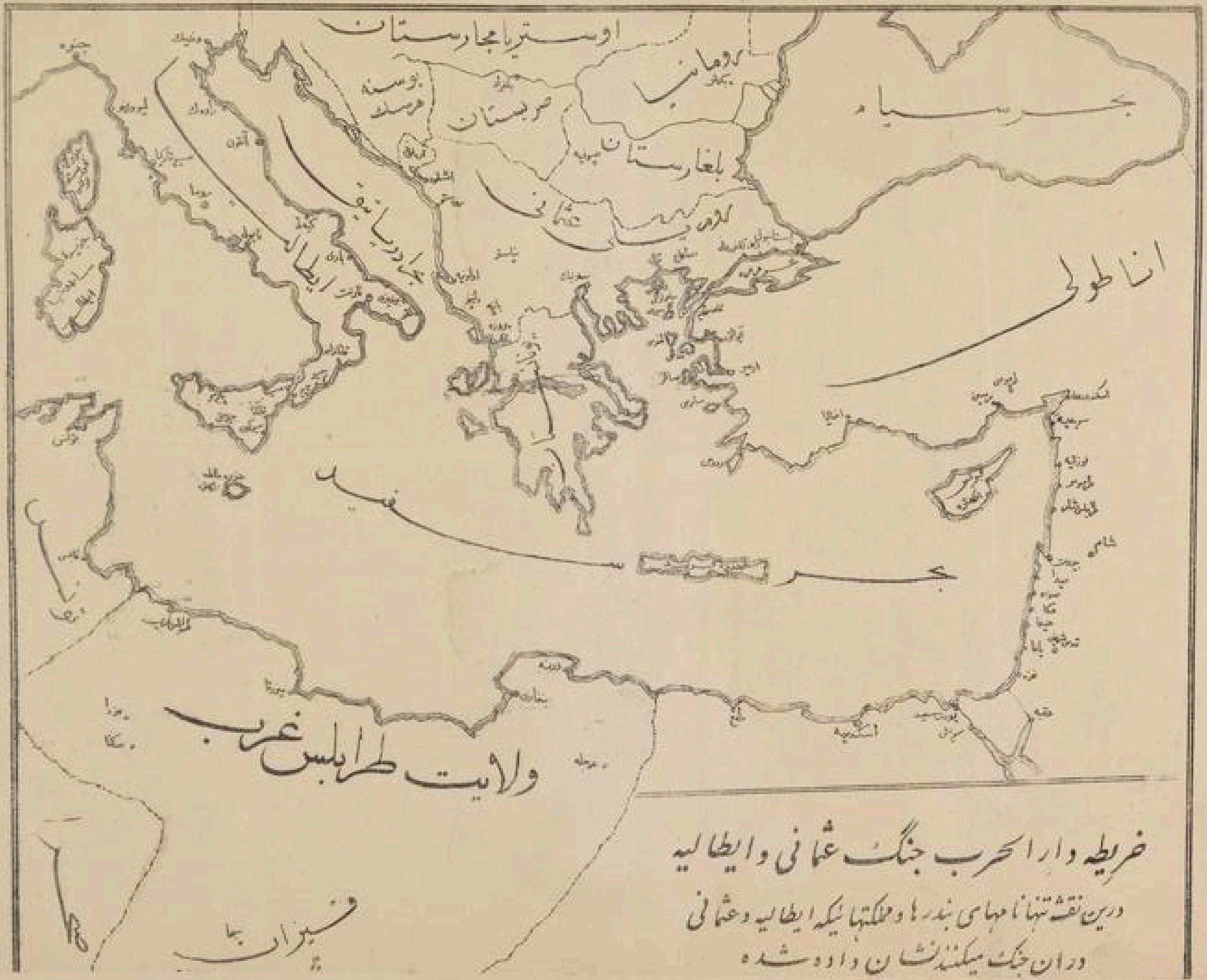
اوستریا مجارستان
رومانیا
بوسنه هرسك
صربستان
بلغارستان
بحر سیاه
عثمانی
بحر ادریاتیق
ایطالیا
اناطولی
بحر سفید
ولایت طرابلس غرب
فیزان

خریطه دار الحرب جنگ عثمانی و ایطالیه

درین نقشه تنها نامهای بندرها و ملکتهائیکه ایطالیه و عثمانی
دران جنگ میکنند نشان داده شده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 31 of 1786

اینست که میگوییم و یاد آوری میکنیم باقی (تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال)

ای هم‌شهریان عزیز — بیائید که به اتفاق هم این عادت پرمضرتی که در میان راههای عام و سرکها و بازارها پر ازدحام با هم می‌ایستیم و چنانچه در خانه خود باشیم با هم گفتگو و اختلاط میکنیم دست بردار شویم. مخصوصاً می‌بینیم که الحمدلله از سایهٔ توجهات آیه پادشاه ترقی پرور ما شهر خوش هوای بافضای ما روز بروز کسب ترقی و آبادی میکند سرکها بازارها راهها عمارتها ساخته میشود عرابه‌ها موترها بایسکلها براه می‌افتد. آیا اگر ما همین عادت میان راه ایستادن خود دوام ورزیم چه قدر خطرها و چه قدر ضررها برای خود ما و دیگر برادران ما پیش خواهد آمد ؟

یکقدری انصاف کنید ! راه راه عام است همه کس یکسان از آن فایده میگیرد. هرگاه ما سه چهار نفر در میان راه با هم ایستاده و بنای اختلاط را بگذاریم آیا حق بسیار برادران دیگر خود را غصب نکرده خواهیم بود ؟ علی الخصوص که بعضی از برادران دهکی ما شالیها و دوچپنها، و اگر یکبار رشتکی داشته باشند آنرا نیز در پیش پاهای خود شان بر سرک مانده گرم صحبت میشوند.

پس اگر درین اثنا یک عرابه و یا یک بایسکل و یا یک موتری بیاید و جای هم یک کج گردشی باشد تا ایستاده و دور افتند و خود داری هم بگیرانکنند بهر حال یک مصادمه — یعنی هم خوردن — بوقوع می‌آید که خدا نا خواسته ازینگونه واقعه چه قدر جانها در تهلکه می‌افتد ! غیر از تلف جان مال بسیاری نیز تلف میشود. یک عرابه با اسپ و انجامهٔ آن از یک هزار پنج هزار روپیه قیمت دارد و یک بایسکل یا موتر بایسکل نیز بجای علی الخصوص موتر ! که تقریباً قیمت همه زمین داری یک زمین دار کلان ما را دارد !!!

حالا یکقدری ملاحظه کنیم : مثلاً یک عرابه را اسپ چهارقار آن بسرعت میکشد. تا از کج گردشی میخواهد بگردد یک جماعت هم صحبت (سرک مجلس) روبرو می‌آید. تا صحبت کنندگان میخواهند که شالیها و دوچپنها و گرگچهای خود شان را جمع کرده چپ شوند، و تا عرابه والا میخواهد که عرابه خود را چپ کند یا یک مصادمه بوقوع می‌آید که تلف جان درآن ملحوظ باشد و یا عرابه عرابه والا می‌شکند که آن هم تلف مال است.

لهذا ای هم‌شهریان عزیز ! بیائید که به اتفاق این عادت پرمضرت میان راه ایستاده شدن و صحبت کردن را ترک کنیم والسلام (محمد)

فاجعهای پاریس

مؤلفش بزبان فرانسوی قساویه دومونته‌پن | مترجمش از ترکی بفارسی محمود طرزی

(افادهٔ مترجم)

قبل ازین یک چند رومان فنی را از زبان ترکی بفارسی ترجمه کرده بودم که همه آن رومانها تالیف (ژول ورن) فرانسوی و مستند بر فن نوشته شده بود. درین بار خواستم که یک رومان حسی نیز برای هم‌زبانان فارسی‌خوان خود بیادگار بگذارم این است که این رومان را ترجمه کردم.

(قساویه دومونته‌پن) درین رومان خود بسیار از احوال فجایع اشتغال شهر عظیم (پاریس) را بنظر دقت مطالعه کنندگان خود تصویر و زمین های مختلف بسیار الم انگیز ترتیب و تحریر کرده است که وقوعات مذکوره از تصادفات فوق العاده، و امور خارق العاده نی بلکه از وقایع روزمره ایست که در چنان شهرهای بزرگ هر روزه بوقوع می‌آید.

این رومان از دو جلد مستقل بسیار بزرگی تشکیل یافته که در جلد اول آن از دامهای حیله کارانه و جنایتهای الم انگیزانهٔ یک شخص بحث میراند که یک هیکل مجسمهٔ جنایت و بدی شمرده میشود. و در جلد دوم نتیجه انجام او را نشان میدهد. والحاصل این نوع رومانها نیز برای ساعت تیری و عبرت گیری قارئین کرام خیلی خدمت میکند.

سخنان هر رقم

ساختنی هائیکه در میان یک هفته از ماشین خانه های (مان چستر) می برآید

شهر (مان چستر) در خصوص ترقیات صنعتگری نمره اول شهرهای انگلستان است . در شهر مذکور در یک هفته چهار ده میلیون [هر ده لک یک میلیون است] نوک قلم آهنی سه صد میلیون میخ ، یک میلیون چیزهای ریخته گری رقم رقم ، شش هزار چهارپایهٔ آهنی هفت هزار تفنگ بیست هزار عینک پنج ، شش چراغ هشت صد تن اسباب های آهنی بقیمت هفت صد و پنجاه هزار فرانک جوراب ، یک صد میلیون سوزن که در سال پنج میلیارد میشود . یعنی تقریباً چهار برابر جمعیت مردمان کره زمین . سی هزار پیچ بزرگ هشت هزار پیانو پنج هزار عرابه کوچک اطفال . و سایر آثار صنعت های گوناگون بوجود می آید .

غیر از اینها که ذکر شد ماشین خانه های مان چستر در ظرف یک هفته برای کبریت های مومی بدرازی پنج صد و شصت و سه کیلومتر [هر کیلومتر هزار متر است] فتیلی می سازد ماشین خانه ها یک سیم آهنی می سازد که یک هفته بدرازی شش هزار و چهار صد سی کیلومتر سیم آهنی می بارد که در سال سه صد و پنجاه هزار کیلومتر میشود و این مسافه معادل مسافهٔ دوری کرهٔ قمر است از کرهٔ زمین . پس حاصلات یک ساله سیم آهنی ماشین خانه های مانچستر برای کشیدن یک خط تلگرافی از زمین تا ماه کافی و وافی می آید .

(وقس علی البواقی)

اخراجات معدن آهن

در تمام کرهٔ زمین در سال (۳۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰) کیلوگرام [هر کیلوگرام هزار گرام است] که معادل بهزارها خروار ملک ماست آهن از معدنهای زیر زمین بروی زمین بیرون آورده میشود که از چهار حصه این مقدار سه حصهٔ آن در ماشین های بخار و صنایعیکه از آن ماشین ها بر می آید بخرج میرسد . اگر چه این قدر آهن بنظر ما بسیار میخورد ولی نظر به احتیاجات وقت حاضر از کمبودی آهن شکایت کرده میشود .

(از ربیع موفق)

* * *

مقدمه

این رومان بر یک مقدمه و بر قصهها تقسیم شده در دو جلد

دایهٔ زایاننده

چنانچه اگر در شکل و صورت یک انسانی خوب دقت و غور کرده شود از احوال ظاهری او تا یکدرجه بر احوال باطنی او پی برده میتوانند در خانه ها نیز همین طور دیده میشود و از دیدن احوال خارجی آن خانه بر داخل آن فکر مخصوص بدست می آید .

بعضی خانه ها هست که اگر انسان در شکل و ساخت ظاهری و بیرونی آن نظر کند میداند که درین خانه بجز راحت و سعادت و آرامی دیگر هیچ چیزی حکم فرما نیست .

دیگر بعضی خانه هائی دیده میشود که بیک نظر انسان از بی اختیار رم و وحشت میدهد ، و در نظر انسان از دیدن آن خانه وارد میشود که ساکنان این خانه از ارباب حیثیت و ناموس نباشد .

این است که در سنه ۱۸۵۰ میلادی در کوچهٔ (باتینیول) پاریس یک خانهٔ دیده می شد که ازین قسم دوم بنظر میخورد .

این بازار (باتینیول) درینوقت یکی از محله های بسیار معتبر شهر پاریس است که بازارش بسیار فراخ و دلکش نی و از دو طرف با خانه ها و عمارتهای لطیف و زیبائی و دکانهای بزرگ مکلف و قهوه خانه ها و میخانه های نظر ربائی زینت و آرایش یافته و با انوار چراغهای برقی و گاز هوا روشن و منور شده که از سر شام تا صبح بکمال زینت و خاطر جمعی در آنجا آزادانه و مسرورانه گردش میشود .

(باقی دارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 34 of 1786

آخرترین خبرهای دار الحرب

از طرابلس خبر سرکاری آمده است که دیروز بوقت چاشت بیرق اطالیه بر قلعه سلطانیه نصب کرده شده و در اثنای ایستادن آن توپ های اطالیه فیرهای خوشی کردند — و سپاهیان بحریه زیر حفاظت توپ های جهازات در قلعه مذکوره داخل شده بود .

* * *

از میلان خبر تلگراف آمده که جوشش مردم برای جنگ در ملک الانیه رو به ترقی است و پادریان شهرهای مختلف اعلان نموده اند که برای فتح تهذیب و تمدن جنگ اطالیه و ترکی از ضروریات میباشد و اکثر اشخاص معتبر و اراکین پارلیمنت خدمات خود را برای جنگ پیش کرده اند و چند جهاز هوائی بمقام نیلیز جمع شده اند و دو هزار نفر سپاهیان حبشی که بر ساحل افریقوی بحیره قلزم زیر اطاعت اطالیه میباشند خواهش ظاهر کرده اند که آنها را برای جنگ ترکان در طرابلس فرستاده شود

* * *

سرکار برطانیه اعلان کرده است که در جنگ ترکی و اطالیه حمایت کسی کرده نمیشود بنابران باید که اهل هند نیز بران احکام پابند باشند .

* * *

یکقطعه (خریطه) یعنی نقشهٔ دار الحرب جنگ ایطالیا و عثمانی را نیز (سراج الاخبار) برای استفاده خوانندگان کرام خود در این نسخه عرض و تقدیم میکند .

اشتهار

در باب درج شدن اشتهارات تجارتی و صنعتگری

روزنامهٔ مبارکهٔ (سراج الاخبار) برای اشتهارات مالهای تجارتی سوداگران وطن عزیز ما که بفروشش میخواهند برسانند و یا بعضی صنعتها و پیشه ها یکه بعضی از صنعتگران اختراع کرده و فروختن آن را آرزو میکنند حاضر و آماده می باشد که مال سوداگران و صنعت صنعتگران را در صفحهٔ آخرین اخبار خود اشتهار و اعلان نماید لهذا هرکس که آرزوی اشتهار مال تجارتی و یا صنعت صنعتگری خود را داشته باشد به ادارهٔ خانهٔ سراج الاخبار که در ماشین خانه است آمده و از قرار سطر یک روپیه اجرت آن را داده مال و یا صنعت خود را بواسطهٔ اخبار اشتهار میکنند و اگر کسی بخواهد که از پنج بار زیاده تر اشتهار خود را در اخبار بنویسد بر سطر یک قران گرفته خواهد شد .

مدیر و سر محرر سراج الاخبار

بسعی و اهتمام الحاج عبد الخالق مهتمم چاپه خانهٔ دار السلطنهٔ کابل
بقلم میرزا محمد جعفر قندهاری
طبع شد

نگران
ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی
علی احمد

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

ادارهٔ خانه مطبعه
در ماشین خانهٔ دار السلطنهٔ کابل
همه امور تحریریه به اداره خانه فرستاده میشود

تاریخ عربی ۱۵ ذی القعده ۱۳۲۹

سراج الاخبار

۱۳۲۹

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت با خرجات ڈاک ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت با خرجات ڈاک نیم پوند انگریزی
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یک عباسی است
هر پانزده روز یکبار نشر میشود

تاریخ شمسی ۱۴ عقرب ۱۲۹۰

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

اعانه یعنی چنده —— شفاخانهٔ ملکی —— حوادث خارجیه —— مقالات صحیه و طبیه صحت عامه —— نصیحت ای همشهریان عزیز —— ادبیات شام غریبان —— علم ثروت ملل
فاجعه های پاریس

اعانه

(یعنی چنده)

درباب (مدنی بالطبع) بودن انسانها همه علما و حکمای گذشته و موجوده بسی کتابها تالیف و تصنیف نموده واضح و آشکار ساخته اند که معیشت و زندگانی انسانها ممکن نمیشود مگر بجمعیت و اتحاد و معاونت همدیگر که (مدنی بالطبع) بودن عبارت از همین است .

و درین باب بسی دلایل معقوله و منقوله بیان کرده اند که از آنجمله در خصوص تدارک حوایج ضروریهٔ انسانها بر لازم بودن یگانگی سعی و کوشش همجمعیت نوع بشر بسی شاهدها و دلیلها بیان کرده اند . مثلاً از همه احتیاجات صرف نظر ؛ تنها برای یک قطی کبریت که از بسیار بی قیمتی و بی اعتباری هیچ بنظر نمی آید ، و پیسه یک پران میدهیم داخل حساب هم نمی آریم بلیونها آدم سعی و کوشش ورزیده اند تا آنرا بوجود آورده اند .

آیا کبریت خام را از معدن های آن بیرون بر آوردن و آنرا صاف ساختن و از جاهای دور بشهرها و کارخانه ها آوردن و مصالحهای آنرا حاضر ساختن و چوبهای آنرا از جنگلها بریدن و از آن تخته تا کشیدن و به آن ترکیبها بریدن به اتحاد و یگانگی سعی ها و کوشش های چقدر نفوس بشر بوجود آمده ؟

تنها برای نقل دادن چوب آنرا از جنگل هرگاه یکقدر تفکر و غور نمائیم بگرداب حیرت فرو رفته حد و حساب دستهائیکه دران باب کوشش ورزیده اند از ما گم میشود . هیچ نباشد در اول امر یک اره و تیشهٔ محتاجیم که چوب ببریم . آیا میدانید که برای کشیدن آهن این اره و تیشه را از کان ، و ماشین خانه های شهرهای بزرگ رسانیدن و آب کردن و آب دادن و فولاد ساختن و دندانه کشیدن چه ملیونها هم نوع ما کوشش ورزیده اند ؟

صرف نظر از دیگر کارها : تنها برای نقل دادن آهن اره و تیشه را از معدن تا بشهر لااقل یک عرابه

احتیاج می افتد که برای آن عزا بساختن بسی چیزها مجبوریت حاصل میشود مثلا برای الجامه و تیشه و جوش و حلقه و میخ و پیچ و سنگ و چرخ وغیره هزارها دست ها و صدها پیشها و صنعت ها بکار میرود که باز برای هر یک از آن چیزها نیز بکرورها نفوس نوع بنی بشر اتحاد سعی و کوشش می نمایند و هلم جرا !

این اعانه و مددرسانی طبیعی و عمومی نوعی همه انسانها است بیکدیگرشان که محرک و برانگیزندهٔ این اعانه و مددگاری همانا احتیاجات و ضروریاتیست که نوع بنی بشر برای حیات و معیشت خود به آن محتاج و مضطر است .

غیر ازین اعانهٔ عمومی نوعی که ذکر شد یک اعانهٔ خصوصی دیگری نیز در میان عالم انسانیت متداول و جاری میباشد که آنرا باصطلاح فارسی مملکت عزیزما (چنده) مینامند . محرک و برانگیزنده این چنده حس شفقت و مرحمت وجدانی نوعی انسانها است بیکدیگرشان . مثلاً در یک ملکی قحط میشود . و یا یک سیلاب رسیدگی و یا یک زلزله . و یا یک حریق و یا دیگر گونه یک آفت زدگی پیش آمده انسانهای آن ملک بیک حال فلاکت اشتمالی گرفتار می آیند . دیگر هم نوعان آن فلاکت زدگان را حس شفقت و مرحمت وجدانیشان بجوش و خروش آمده بهم دردی و مددرسانی هم نوع خود از نقد و جنس و غله وغیره کوتاهی نمیکنند که بهترین خصلتهای انسانی همین حس بسیار عالی ایست که اشرفیت و اکملیت نوعی انسان به آن ظاهر و عیان میگردد .

یک نوع اعانه یعنی چنده دیگری نیز هست که خصوصی تر و محدودتر است . مثلاً هر مملکت به بسی چیزها محتاج است که اهالی آن مملکت تا دست یک نکنند و بمعاونت همدیگر کوشش نورزند ثروت و توانگری شخصی واحد از عهدهٔ ایفا و اجرای آن بر آمده نمیتواند دین مبین اسلام به احکام شرع شریف سید خیر الانام عمل بسیار پسندیدهٔ (زکواة) را برای اعانه و معاونت بنی نوع بشر یک منهاج روشنی مستقیمی تعیین فرموده که اگر بر قواعد مشروطهٔ آن عموم اهل یک مملکت متفقاً حرکت کنند بسی احتیاجات مخصوص آن مملکت به آن رفع و زایل میشود .

مثلاً از بیماری و مرض بدتر یک حال ناگواری برای انسانها تصور نمی شود . علی الخصوص که مرد بیمار فقیر و غریب الدیار هم باشد .

تصور بفرمائید : یک کلبهٔ احزانی که از فرشش بجز یک بوریا و از اسباب مایحتاج بغیر از یک کوزهٔ گلی شکسته و یک کاسهٔ لب پریده و یک پلاس پارهٔ کهنه دیگر چیزی نداشته باشد . حتی هوا و ضیا نیز که فیوضات حیات نثاری آن بر همه گان ارزان و رایگان است این کلبهٔ حقیرانه را بسبب بی روزنی از هوای صاف و ضیای حرارت او صاف محروم گذاشته ! در یک گوشهٔ این کلبه بر یک بستر متعفنی که از لته پاره های کهنه و علفهای خشکیده بوجود آمده یک مرد فقیر الحال بی اهل و عیالی را بحال پر ملال ضعف و بیماری نالش کنان و ناله کنان و ناله زنان افتاده می بینیم . نه یاری دارد و نه غمگساری نه طبیبی دارد و نه پرستاری !

این است که برای اینگونه بیماران فقیر الحالها دیگر همشهریان صاحب ثروت و مالدار را حس شفقت و مرحمت وجدانیشان بحرکت پر غیرتی آمده هر کس برابر حال و موافق احوال خود پیسه انداز میکنند . و با آن پیسه جمع آمده یک (شفاخانه) بوجود آورده هم داخل ثواب بسیار عظیمی میشوند و هم اینگونه احتیاج اهالی را بقوت معاونت همدیگر از مملکت رفع و زایل میکنند .

والحاصل بواسطهٔ اینگونه اعانه ها یعنی (چنده) بسی ازین قسم کارها بوجود می آید که نه به ثروت اهالی مملکت خلل میرسد و نه از قوهٔ مالیهٔ ملک چیزی میکاهد .

مثلاً یک ملکی که دارای شصت هفتاد لک آدم باشد اگر هر آدم یک یک روپیه در یک صندوقی بیندازد شصت هفتاد لک روپیه جمع می آید که باینقدر مبلغ برای سرپرستی بیماران فقرای اهالی شفاخانه ها . و برای یتیمان بی سر و سامان مملکت (یتیمخانه ها) و برای تعلیم علم و عرفان اولاد وطن مکتب ها وغیره اساس و بنیاد میگیرد و پیسه ایکه در آن راه خرج میشود نیز به اهالی معلوم نمیشود فقط

یک نمونهٔ امتثال

شفاخانهٔ ملکی

در وطن عزیز ما اول اساس و بنیاد دیگر برای خیرات و مبرات از اعانه یعنی (چنده) بوجود آمده است همانا (شفاخانهٔ ملکی) دار السلطنهٔ کابل بنا شد که موسس بنیاد آن نیز ذات اعلیحضرت پادشاه مراحم شیم معظم محبوب القلوب ماست که هنوز در ایام شهزاده گی سلطنت آماده گی شاهانهٔ شان به این فکر عالی انسانیت پروری تشبث و اقدام فرموده اند .

درین نسخهٔ خود تنها صورت اعلان نامه ئیکه در آن وقت به امضای اعلیحضرت شهریاری و برادر والاگهر شان نایب السلطنه صاحب انتشار و اعلان گردیده بود برای شاهد مدعای خود درج کرده ان شاء الله در نسخ آینده خود از انتظامات ، و ترقیات فواید تا آنکه از آن وقت تا بحال در آن رخ داده و شده شیئاً بعد شیئ عرض معلومات میکنیم

نقل اعلان نامه در باب تاسیس و بنای شفاخانهٔ ملکی از (۱۶) ماه ذیقعده ۱۳۱۶

برضمایر درایت ذخایر کافهٔ مسلمین سکنهٔ دار السلطنهٔ کابل مخفی و پوشیده نماناد — چون برانسان گاهی صحیح و سالم و گاهی مریض و ناتوان هر موجودی را از صحت و بیماری گزیر و گریز نیست اما اشخاصیکه خویش و اقربا و مسکن و ماوای و دوا و غذا دارند هرگاه مریض بستری میشوند البته تیمار و پرستاری آنها بخوبی میشود و دوا و غذای شان بدرستی میرسد مگر کسانیکه غریب و بیکس و فقیر و بی دسترس و بقوت یومیه و ادویه و اغذیه و مسکن و خانه محتاج میباشند نه جائی دارند که شب باستراحت بروز آرند و نه پرستاری که در حالت بیماری غمخواری ایشان نماید نه خانه و نه بخانه نه دوائی و نه پرهیزانه همدم شان آه و مونس شان درد جانگاه است به چه حسرت و ناله شب شان بروز خواهد رسید و روز شان بشام خواهد گردید هرکسی که از زمرهٔ اسلام است باید بر حال چنین درماندگان از دل و جان رحم بخورد و به تیمارداری اینچنین بیماران برسد تا از قایل کلمهٔ (الشفقة علی خلق الله) بهره‌مند گردد .

بنی آدم اعضای یکدیگر اند
که در آفرینش زیک جوهر اند

لهذا رای عاطفت پیرای بندگان درگاه الهی اقتضای آن نمود که محض از برای رضای جناب الهی و خوشنودی روح مطهر حضرت رسالت پناهی تعمیر شفاخانه و سررشتهٔ حکیم و عطار و دوا و غذا و آنچه لازم شفاخانه باشد نمائیم تا مداوا و معالجهٔ مریضهای غریب و مسافر و بی استعداد بدرستی و خوبی شود مبلغ یازده هزار روپیهٔ کابلی نیاز مند درگاه صمدی سردار حبیب الله خان و مبلغ هشت هزار روپیهٔ کابلی بندهٔ درگاه الهی سردار نصر الله خان برای تعمیر شفاخانه و همچنین در سال مبلغ پنجهزار روپیگی و چهار هزار روپیگی که جمله نه هزار روپیه شود برای مصارف دوا و غذا و اسباب شفاخانه ، و تنخواه حکیم ، و عطار ، و خدمهٔ آن از عین المال خود امید میدهیم و میخواهیم که شما مردم مسلمین که برادران دینی ما میباشید نیز ازین ثواب بی بهره و محروم نباشید هرکس بقدر طاقت و میل خاطر و رضای خود برای مصارف تعمیر شفاخانه که در هذه السنه جهت خارج دوا و غذا که سال بسال بدهد از نقد و جنس کم یا زیاد بقدر وسع و رغبت خاطر در کتاب هذا اسم خود و نقد و جنسی را که برای مصارف تعمیر و دوا و غذا و غیره میدهد نوشته و مهر نماید ان شاء الله عند الله و عند الرسول اجر او ضایع نخواهد بود و اشخاصیکه تنخواه داشته باشند در کتاب برضا و میل خود دستخط کنند که جهت تعمیر شفاخانه امسال اینقدر روپیه میدهیم و من بعد هر ساله از تنخواه خود بالای دفتر تشخیص و یا دفتر نظام رقم اینقدر وجه را میدهیم که برای مخارج دوا و غذا و غیره برسانند و کسیکه تنخواه نداشته باشد در کتاب هذا دستخط و مهر میکند که سال بسال از آنجا گرفته رسید داده شود و فقط اگر کسی چیزی ندهد هم مختار است هیچ تکلیف برای او نیست محض اطلاع دهی چند سطر هذا برای شما برادران دینی نوشته شد اگر خود را به این ثواب داخل میکنید هم مختارید و اگر نمیکنید هم مختارید فقط

حوادث خارجیه

نقل از اخبار پاینیر مورخه ۱۲ ماه اکتوبر سنه ۱۹۱۱ مطابق ۱۸ شوال ۱۳۲۹

مسلمانان شهر لکنهو در یک جلسهٔ عام جمع شده بر حرکت ایطالیه اظهار ناپسندگی نمودند و عهد کردند که خرید و فروخت ساخت ایطالیه را موقوف خواهند نمود فقط

از طرابلس خبر خاص آمده است که ترکان بروز سه شنبهٔ گذشته بوقت یک بجه بر افواج ایطالیه حمله نمودند لاکن جهازات جنگی بذریعهٔ روشنی برقی از آمدن آنها آگاه شدند و اگرچه آنها به شجاعت تمام جنگ نمودند امّا توپهای جهازات آنها را پس پا کردند فقط

از روما خبر تلگراف آمده است که دیروز بوقت دو بجه سه صد نفر ترکان در طرابلس بر پهره داران ایطالیه که چاهای آب تا زور را حفاظت میکردند حمله نمودند بعد از جنگ نیم ساعت توپهای ایطالیه ترکان مذکور را مجبور نمودند که پس پا شوند و مجروحین و مقتولین خود را مع تفنگ های شان در میدان جنگ بگذارند و علی الصباح معلوم شد که در گرد و نواح افواج ایطالیه نام و نشان ترکان معلوم نیست فقط

از برلن خبر تلگراف آمده که معاهدهٔ فرانس و جرمنی در بارهٔ اختیار کامل فرانس در ملک مراکو مستخط شده است و اکنون جز رفع سه شق معاهده جرمنی باقی نمانده است فقط

لندن ۱۲ اکتوبر برای سرکار اطالیه اطلاع رسیده است که ترکان سی نفر کاروداران اطالیانی را که بر ریل جاز کار میکردند قتل نموده اند و افواج اطالیه بتاریخ ۱۰ ماه حال در توبروک داخل گردیده اند و قبضهٔ آن بندرگاه برای اطالیه همان قدر اهمیت دارد که تا برای سرکار انگریزی داشته باشد چرا که فاصلهٔ بندرگاه مذکور از شهر سویز خیلی کم است و افواج اطالیه در بندرگاه طرابلس نیز داخل شده اند و هیچکس مخالفت آنها ننموده است فقط

منیر پاشا سپه سالار افواج ترکی در طرابلس تقریبًا خود را در کوه های غادیان که در عقب شهر طرابلس واقع است جمع کرده می رود و او در آنجا برای شش هفته سامان خوراک وغیره فراهم نموده است — بظاهر ارادهاش این معلوم میشود که حتی الامکان مقابلهٔ اطالیه را نماید و آخر الامر در جانب تونس بگریزد فقط

بسبب جمع آوری افواج عثمانی در مقدونیه برای بلغاریه تشویش بسیار لاحق گردیده است و میگویند که اهل بلغاریه از طرف مواعید و پیغامات صلح که کارداران عثمانی نموده اند هرگز مطمئن نمی باشند و غالبًا بلغاریه اصرار خواهد کرد که افواج عثمانی را ازان علاقه بفاصله دورتر برده شود فقط

برای اخبار تائمیز اطلاع رسیده است که ترکان در قرب داردنیل مصالح تیار کردن جهازات جنگی بدریای شور بطریق مخفی انداخته اند و از طرابلس خبر آمده است که بیست و دو جهاز سپاهیان اطالیه در بندرگاه طرابلس داخل شده اند و سپاهیان صحیح و سلامت بر ساحل فرود آمده اند و از توبروک خبر آمده است که یک سردار عرب دیگر سرداران را ترغیب میدهد که اطاعت اطالیه را قبول کنند اکنون باشندگان متفرقه واپس بشهرها آمده میروند و میگویند که امام یحیی اعلان جهاد نموده است و اگرچه اقوام مختلفه بر شمال یمن جمع شده میروند لاکن جوشش آنها لاحاصل میباشد چرا که اطالیه بر بحر تسلط کامل دارد فقط

در چند ایام گذشته افواهًا مشهور بود که افواج چینی بطرف سرحد هند حرکت کرده و در راه اقوام باغی را مطیع ساخته میروند و اکنون اطلاع رسیده است که افواج مذکور چینی در علاقهٔ زیر رسوخ برطانیه رسیده اند و باید تدارک پیش رفت آنها را بلاتوقف نموده شود

چراکه درهمین ایام افواج انگریزی برای سرکوبی قوم ابور نیز خواهند رفت فقط

* * *

سرکار اطالیه اعلان کرده است که برای حفاظت جهازات تجارتی دربحیره قلزم وبحیره روم سررشته هرقسم نموده شده است واکنون باید که جهازات بلا تامل بطرف منزل مقصود خود روانه گردند فقط

* * *

نقل از اخبار پایونیر مورخه ۱۵ ماه اکتوبر ۱۹۱۱ء مطابق ۲۱ شوال ۱۳۲۹

لندن ۱۳ ماه اکتوبر — دیروز سیزده هزار سپاهی اطالیانی درشهر طرابلس داخل شدند واکنون درشهر مذکور ۲۲ هزار سپاهیان اطالیانی میباشند ودر چند روز آینده پانزده هزار نفر دیگر نیز خواهند رسید فقط

* * *

حاکم اطالیانی درشهر طرابلس اعلان نموده است که من برای حفاظت حقوق مردم وانتظام ملک واستیصال مرتکبین جرایم پیش آمده‌ام ونه برای اینکه مردم را غلام بسازم بلکه مدعای اطالیه این است که اهل طرابلس آزاد ومحفوظ باشند وحاکم شان خود مردم ازان مقامی خواهند بود که بر آنها حرف اطاعت شاه وکتر ایمانول والی اطالیه لازمی قرار داده خواهد شد فقط

* * *

ازقسطنطنیه خبر تلگراف آمده است که اراکین دیوان وکلا تا حال هیچ تصفیه نموده اند که مقابل اطالیه چگونه کرده شود بلکه اکثر اراکین از حمایت وزارت هم انکار مینمایند پس ظاهر است که وزارت مستعفی خواهد شد ویک وزارت جدید مقرر خواهد شد که مردم هر فرقه اعتبار و دست داشته باشند

* * *

سرکار ترکی اعلان نموده است که جهازات جنگی ترکی درزمانه جنگ اسباب خوراک هرقسم دولت ومبلغ وغیره را نیز ضبط خواهند کرد

* * *

نقل از اخبار ترجمان از ۱۲ الی ۱۵ اکتوبر ۱۹۱۱ء مطابق ۱۸ الی ۲۱ شوال ۱۳۲۹ و آبزرور مورخه ۱۱ و ۱۴ اکتوبر ۱۹۱۱ء مطابق ۱۷ الی ۲۰ شوال

باید که ترکان نوجوان بدانند که گدای گرمی در ایام جنگ بی سود میباشد ودول یوروپ هرگز امداد ترکی را نخواهند کرد وهمچنان جلسه های اظهار ناپسندیدگی وغیره که مسلمانان هند منعقد می نمایند نیز لاحاصل هستند وباید که ترکی قوت بازوی خود را نشان بدهد ورنه خاموش بنشینند واز قبضه طرابلس دست بردار شوند (دول یوروپ گاهی امداد اهل مشرق را نخواهند کرد) اصلاح متحده امریکه آنوقت در قضیه جاپان وروس داخل داده بود که جاپان سرکوبی روس را نموده بود پس توقع ترکان در جنگ اطالیه سراسر معقول نمی باشد فقط

* * *

نقل از اخبار پایونیر مورخه ۱۶ اکتوبر ۱۹۱۱ء مطابق ۲۲ شوال ۱۳۲۹

از قسطنطنیه خبر تلگراف آمده است که امروز افتتاح مجلس شورائی ترکی کرده شد واعلیحضرت سلطان المعظم در تقریر رسمی خود علی الخصوص مذاکره حرکات اطالیه را و تدابیر سرکار عثمانی بیان کرد که سرکار عثمانی سعی دارد که حقوق و رسوخ واعتبار ترکی را صدمه هیچ قسم نرسد جمیع حاضرین تقریر مذکور را بسکوت تمام گوش کردند وصدای تحسین وغیره از هیچ طرف نبر آمد و در قرب سلطان المعظم شهزاده گان معتبر نشسته بودند وخود سلطان خیلی مغموم معلوم می شد و در اختتام تقریر دو نفر علما برای فتح ترکی و ذلت اطالیه دعا کردند فقط

* * *

از پورت سعید خبر تلگراف آمده است که جهاز عثمانی مسمی بقیصری در آبنای سویز داخل شده و افواج را بر مقام کنتاره فرود آورده — افواج مذکور برای الارش بطرف فلسطین زیر بدرقهٔ نظام مصری خواهند رفت و جهاز مذکور را جهاز شفاخانه ساخته بطرف بحیره قلزم روانه کرده اند فقط

* * *

نامه نگار سرحدی اخبار هذا مینویسد که بسبب موجودی راهزنان اقوام مختلفه سرک کابل و جلال آباد و پیوتا غیر محفوظ تر شده و مرور و کار داران کابل تا حال سررشتهٔ حفاظت تجاران و مسافران را کرده نتوانسته اند فقط

سراج الاخبار

چنان معلوم میشود که نامه نگار سرحدی رفیق محترم اخبار (پایونیر) درباب احوال افغانستان غور ناکرده و تحقیق ناکرده معلومات برای اخبار خود مینگارد. زیرا از قرار تحقیقاتی که از مقامات عالیهٔ رسمی دولتی اجرا نمودیم امن و آسایش راه مذکور بر کمال بوده بسبب رفت و آمد دایمی عراده و موتر و اشیا و اموال تجارتی و سرکاری که در بین جلال آباد و کابل در کار است راه مذکور معمورتر و امنیت کامله را مالک میباشد.

* * *

از ویانا برای اخبارات انگلستان اطلاع رسیده است که جرمنی یک مراسله بسرکار برطانیه باین مدعا فرستاده است که سررشتهٔ محدود کردن ترقی سامان حرب بحری نموده شود و ابتدای تجویز مذکور از طرف جرمنی شده است فقط

* * *

مستر لاچینی که در ملک انگلستان فن پرواز را یاد گرفت سند کمال فن مذکور را از مدرسهٔ سرکاری حاصل کرده است مستر مذکور را سرکار چین خاص برای همین مدعا به برطانیه فرستاده بود و او اولین اهل چین میباشد که سند مذکور را حاصل نموده است فقط

* * *

یک افغان در شهر کلکته موجود است که علاج امراض مختلفه را بسحر و جادو میکند اجرت او برای یک روز فی مریض — چهار آنه یعنی یکقران میباشد فقط

سراج الاخبار

از طبابت سحر و جادوگری افغان مذکور معالجه طلبان و دوا خوانان باور کنندهٔ او که چهار آنه خود را داده از دوا میخواهند عجب تر و خنده آورتر است !....

* * *

جنوا ۱۵ ماه اکتوبر — امروز دو جهاز جنگی اطالیه از قسم دریڈنات بتکمیل رسیده و بدریای شور داخل کرده شده

* * *

اقوام مختلفه مراکو دیروز بر افواج هسپانیه حمله آورده و جرنیل افواج مذکور را مجروح سخت ساختند و یک کپتان و یک لفتننت و شانزده سپاهی نیز مجروح شده و خودشان بوقت شام پس پا شدند و اکثر مجروحین و مقتولین خود را در میدان جنگ گذاشتند فقط

* * *

بتاریخ ۲۱ ماه ستمبر برای اخبار دهلی تلگراف اطلاع رسیده است که در علاقهٔ کوه آتش فشان ویسوویس واقع اطالیه باران باین شدت بارید که از کوه مذکور جوی های گل ولای جاری شدند و چند قریه جات را قطعاً تباه نمودند و نظارهٔ تباهی این قدر هولناک بوده که اکثر زنان لاش متعدد را در جوی گل ولای دیده بیهوش شدند و هیچ کس جرات نمود که امداد مصیبت زده گان را بنماید و یک علاقهٔ وسیع که خیلی سرسبز بوده کاملاً تباه گردیده است و اینقدر جان و مال تلف شده است که اندازه آن نمودن از امکان بعید است فقط

(از بیت العلوم مبارکه حبیبیه)

مقالات صحیهٔ وطنیه

(صحت عایله)

چنانچه طاعت و عبادت حضرت معبود حقیقی جل و علا بصحت و عافیت وجود و توانائی و تندرستی بدن موقوف همچنان سعی و کوشش در امر معیشت و زندگانی نیز بصحت و عافیت بدن متوقف و مربوط است که از آن رو علماء الابدان را بر علماء الادیان پیشتر ذکر فرموده اند .

رفاهیت حال و سعادت احوال هم بسته بصحت و عافیت بدن قایم و دایم است . صحت یک نعمت بزرگ واجب الشکران حضرت ایزد منان است که نه مال و نه دولت و نه جاه و نه حشمت به آن برابری کرده میتواند سلطان سلیمان قانونی که یکی از سلطانهای بزرگ و با شوکت عثمانیان است در این باب یک بیتی به ترکی گفته اند نظماً ترجمهٔ آن این است :

«گرچه چون دولت نباشد هیچ چیزی محترم»
«لیک از دولت چه لذت گر توئی بیمار زار»

صحت و عافیت یک جوهر گران بهائیست که برای هر شخص جدا جدا شرایط محافظه و نگهبانی آن از واجبات است . علی الخصوص برای یک عایله که عبارت از یک زن ، و یک شوهر ، و ثمره های حیات آنها یعنی اولادهای آنهاست رعایت واجبات شرایط صحت الزم‌تر و واجب‌تر شمرده میشود .

با صحت و عافیت بازی کردن ، و در شرایط محافظهٔ آن بی پروائی نمودن یک خطای بسیار بزرگیست که جزای آنرا بیماری میدهد . بی پروائی در شرایط صحت نه تنها در یک وجود خود ما اجرای تاثیرات دهشت مینماید ؛ بلکه در اولاد و اولادهای اولاد ما نیز تاثیرهای دهشت خود را اجرا نموده نسل و ذریت ما را خراب و ابتر میسازد .

لهذا محافظهٔ صحت از بهترین وظایف انسانیه شمرده میشود .

یک عایله یعنی یک عیال دار ، که عبارت از جمعیت مجموعهٔ یک زوج و یک زوجه و محصولات تناسلیهٔ آنهاست خشت حقیقیست که بنای قصر جمعیت اجتماعیه بشریه را تشکیل میدهد . یک شخص تنها برای جمعیت بشریه هیچ خدمتی کرده نمیتواند . افراد عایله را بوجود می آرد . عایله ها قومها و ملتها را تشکیل میدهد . قوم و ملتها جمعیت نوعیه را ثمر میبخشد .

هر عایله یک دانهٔ تسبیح است که رشتهٔ اتحاد و همه گیر هیئت اجتماعیهٔ بشریه را بوجود می آرد .

لهذا در باب تشکیل عایله و محافظهٔ صحت و تربیه اخلاق شان دقت و اندیشهٔ بزرگی لازمست

«خشت اول چون نهد معمار کج»
«تا ثریا میرود دیوار کج»

پایه دار شدن صحت و سعادت در میان عایله بحسن معاشرت یعنی بخوبی زندگانی و الفت کردن زوج و زوجه موقوف و منوط است . حسن معاشرت بحسن معامله یعنی خوب گذران کردن آنها حاصل میشود . خوش گذرانی ، و خوش آمیزشی یک زنجیر مرصع مقدسیست که رابطهٔ عایله به آنست و یک نمونهٔ خوش شایسته است که سرمشق اولادها است . حسن معاشرت (محبت عایله) را بوجود می آرد که در میان محبت عایله جوهر مقدس (حب وطن) جلوه گر میشود .

نصیحت

(ای همشهریان عزیز)

اگر همه عمر خود را صرف یک سجدهٔ شکران پروردگار عظیم الشان خود نمائیم هنوز ذره‌ای از ادای شکر او سبحانه تعالی را

بجا آورده نتوانیم بود . چشم بینا ، گوش شنوا ، بدن توانا ، وجدان با صفا ، عقل پا برجا با عطا و احسان ، فرموده . علی الخصوص که ما را به نعمت ایمان سرفراز ، و بدین مبین حضرت خاتم الانبیا محمد مصطفی صلی الله علیه واله وسلم ممتاز فرموده که بزرگ ترین نعمتهای خدای مهربان است .

دین مبین بسیار محکم و متینی که ما را بر آن ثابت قدم ساخته همه احکام مقدسه آن عین حکمت است ، و بجا آوردن آن حکمها ثوابها و خیرهای دنیا و آخرت را در بر دارد . در هر حکم شریعت غرای محمدیه هزاران حکمتها و صدها منفعتها پنهان است . و هر امر و نهی آن گروها نفوس بشر را بهره فیض و امان .

ای همشهریان عزیز ! یکی از صفات عظیمه حضرت پیغمبر برحق ما صلی الله علیه وسلم (خلق عظیم) آنحضرت است که ذات اقدس الهی در کلام قدیم خود ایشان را بصفت جلیله (وَاِنَّكَ لَعَلٰى خُلُقٍ عَظِيمٍ) ممتاز فرموده . اخلاق حسنه یعنی خویها و عادتهای خوب و پسندیده را پیش گرفتن و از کارهای قبیح و بد اجتناب ورزیدن برای ما امت ناجیه محمدیه از لوازمات ضروریه و سنیه شمرده میشود . به آداب شرم و حیا خود را آراستن و از بی ادبی و بی حیائی دوری کردن بهترین وسیله پیروی و متابعت ما است به حضرت رسول مقبول پروردگار ما . باادب ترین مخلوقات ذات پاک کبریا حضرت پیشوای انبیا محمد مصطفی علیه افضل التحیات که بحدیث شریف (اَدَّبَنِي رَبِّي فَاَحْسَنَ تَادِيبِي) درجه قدسیت آداب مقدسه شان تا بکدرجه معلوم میگردد .

«ادب آموز از آن ادیب که داد»

«ادب از حضرت خدا آموخت»

ای همشهریان عزیز ، و ای برادران با تمیز ! مقصد عاجز شما ازین جمله تنبیهات و بیانات که عرض شد یک یادآوری ایست که بشما آنرا بیان میکنم . پیشتر گفته بودم که احکام دین مبین محمدی سراسر حکمت ، و جمله پر از فائده و منفعت است . ببینید یک مثالی برای شما عرض میکنم :

عبادت خالق یگانه بی همتا بر ما فرض گردید . عبادت بر طهارت یعنی پاکیزگی موقوف شد . و اگر ساده‌تر و صاف‌تر بگوئیم چنین میگوئیم که نماز فرض است و ادای نماز به استنجا و آبدست گرفتن وابسته است ، حکمت مهمه یکه در استنجا موجود است هیچ صورت انکار نمیشود . زیرا اگر مخرج بول با خاک خشک در اول امر خوب خشک گردد و بعد از آن با آب شسته شود خوبتر و بهتر طهارت یعنی پاکیزگی بعمل میاید . لهذا لازم و ضرور است که اول با کلوخ استنجا شود ، و بعد از آن با آب شسته وضو گرفته شود .

ولی هزاران افسوس که درین کار با صواب همشهریان یک کار بسیار کریه و نالایقی را عادت گرفته ایم که سراسر مخالف آداب انسانیت و مغایر پیروی آداب پیشوای امت ما است .

ای همشهریان ، ای برادران ! انصاف بفرمائید ! آیا ازین بدتر و کریه‌تر چیزی چه باشد که در راهها و سر کوچه‌ها یک آدمی بر خورید که بند زیر جامه اش را که باز است بدست راست گرفته و دست چپش در درون پاجامه با یک عضوی که از گرفتن نام آن زبان قلم را حیا می آید بازی کند ؟ .... بلی خشک کردن استنجا ضرور است ، ولی نه اینچنین ! بلکه در همانجائیکه حاجت خود را قضا کند خود را خوب خشک کرده و چند بار پای چپ خود را بر پای راست و پای راست خود را بر پای چپ خود فشار داده ، و بند پاجامه خود را بسته براه خود روان شود .

بکمال افسوس بسیار همشهریان خود را می‌بینیم که در راهها و کوچه‌ها و جاهای عام بهمین وضع و کیفیت که بیان شد براه میروند ، و هیچ باک و پروائی هم نمیکنند ، و حتی با همدیگر اختلاط و سخن هم میزنند . و از همه عجیب‌تر اینکه اگر یکی سلام دادن شان لازم آید «معذور هستم» گفته اعتذار هم میکنند که به اینچنین خود شان اقرار

واثبات میکنند که من بچنان کردار ناپکاری مشغولم که سنت سلام را بجا آورده نمیتوانم .

حیف حیف !! از آداب انسانیت چه قدر دور است که انسان در معبر عام که پیر ، جوان ، خورد ، کلان علی الخصوص زنان مستوره اسلامیه درگذر و رفت و آمد باشند ؛ این وضع نالایقی که از بیان آن انسان را حجاب می آید ارتکاب کند !

ای همشهریان عزیز ! این عرض مرا بوجدان صاف و دل پاک خود حواله فرمائید . عقل خود را حاکم ساخته بیغرضانه و منصفانه حکم نمائید که آیا این خوب است یا بد ؟ اگر بد است پس بیائید که به اتفاق هم ازین عادت حیابرانداز دست بردار شویم والسلام .

⁂

ادبیات

شام غریبان

این کلمه (شام غریبان) ازین شعر بلبل نغمه طراز گلشن راز خواجه حافظ شیرازی زبان زد گردیده که میفرماید :

نماز شام غریبان چو گریه آغازم
بمویه های غریبانه قصه پردازم

آیا زمان غروب آفتاب را چرا (شام غریبان) میگویند ؟ هرکس هر فکری که داشته باشد ! فکر من درین باب دهشتیه

(شام غریبان) حال محزونانه رقت آورانه این وقت مبارک است !

وقتها نیز مانند موسم ها حالات روحانی مخصوصی دارند . موسم بهار ، با یک عالم حیات و جان جهان نشاط ، و خرمن خرمن فرحت ، و دامن دامن طراوت ظهور می نماید !

در وقت ها ، وقت صبح صادق تصدیق صدق شباهت اینوقت پر صباحت را با آن موسم سراسر لطافت ثابت میسازد .

موسم خزان ، و وقت شام غریبان لوحه های حزن انگیز رقت آمیزی تصویر میدهند که شباهت و مناسبت اینوقت و این موسم را نیز طبیعت شناسان عالم ادب انکار کرده نمیتوانند .

خلاق لیل و نهار و کردگار خزان و بهار کره شمس ضیا نثار حرارت آثار را برای حیات عالم موجودات یک مخلوق بدیع غمخوار لطف گذاری خلق فرموده که ماشین خانه کائنات به دور و حرکت او ثبات دارد ، و مخلوقات موجوده خالق بدیع الصفات بضیا و حرارت او نشاء حیات میابد . طلوعش از صبح سعادت پر نشاطت موسم ربیعی ریعان شباب نشان میدهد ، غروبش جهان را با یک پرده ظلمت اندوه خزان ، و غربت پر محزون سیهی می پوشاند .

وقت صبح و موسم بهار در تمام عالم اجسام حس استقبال یک حیات پر نشاطی را بر می انگیزد . وقت شام ، و موسم خزان در جمیع موجودات یک حزن فراق اندود ، و کدورت عبرت آلودی بظهور می آرد .

بهنگامیکه طلیعه طلوع شمس خاوری از گوشه افق پدیدار میشود ، و شعاعات زرین ابتدائی او نوک های درختان بلند چنار ، و ذروه های کهسار را طلاکاری میکنند در جمیع موجودات زمینی یک حرکت حیات و زندگی و یک حسن نشاط و مسرت دلربائی پدید آمیشود . مرغان از شاخسا

درختان قدوم شهسوار یکه تاز مشرق خاوری را بنوای مؤلف آهنگ رنگارنگ بهمدیگرشان مبارک باد میگویند . پروانه های ، مرغان شوخ و شنگ ، بال افشان شوق و شادی شده از پیاله های برگ های لطیف گلها باده شبنم شاداب را مانند صبوحی کشان بزم الفت سر میکشند ! در حیوانات ونباتات ، حتی در جمادات نیز یک حیات و نشاء و وجد [illegible] حکم فرما میگردد .

سبحان الله ! بوقت غروب این مخلوق بدیع بعکس طلوع آن کائنات را یک حزن فراقیه بیاساء غریبانه استیلا میکند ، پرندگان ، چرندگان ، انسان ، حیوان همه گی بخانه ها و آشیانه های خود میخزند . گلها ، سبزه ها ، یک حالت خواب آلودگی را پیدا میکنند ؛

گویا همه اشیای کائنات بیک زبان حزن بیانی باین بیت مترنم میشوند :

ز رفتن تو من از عمر بی نصیب شدم
سفر تو کردی و من در وطن غریب شدم
این است شام غریبان

علم ثروت ملک

(ما بعد از نمره دوم)

(در بیان قیمت)

هر چیزیکه فایده داشته باشد ، ویک شخصی آنرا بسعی کوشش خود بوجود آورده مالک و متصرف آن گردد ، و آن را قابل آن سازد که بآن یک چیز فائده مند دیگر بتواند بگیرد در آن وقت آن چیز یک حیثیت دیگر پیدا میکند که آن را (قیمت) میگویند . لهذا (قیمت) یک چیزیست که از مبادله اشیای فائده مند بوجود می آید . پس معلوم میشود که چیزیکه فائده داشته باشد ممکن نیست که قیمت

فاجعه های پاریس

(مؤلفش بزبان فرانسوی)
(ف دیه دو مونتپن)

(مترجمش از ترکی بفارسی)
(محمود طرزی)

(ما بعد از نمره دوم)

هیچ یک آدم بدزدی برخورده نمیشود .

اما پیش از چهل چهل و پنج سال حالا این محله باین حال حالائی او هیچ قیاس قبول نمیکرد . در آن تاریخ کوچه های تنگ و تاریک این محله در تابستان ازگرد و خاک و در زمستان از گل ولای گذشته نمیشد و با یک چراغهای تیلی پر دود و خیره کثری روشن شده بود . خانه های شبهه ناک دو طرف کوچه مذکور وعده گاه ملاقات بعضی اوباش ها بود .

در میان این عمارت های دو طرف محله مذکوره یک عمارت دو طبقه موجود بود که در طرز بنا از خانه های دیگر چندان فرقی نداشت . ولی رنگ و روغن جبهه عمارت مذکور که بطرف کوچه است از هر طرف ریخته دیگر رنگ ابرشی پیدا کرده بود . بر پنجره ها و روزنهای خانه مذکور که بسوی بازار باز میشد پرده های رنگارنگ غیر منتظم که از نیلامهای مختلف خریده شدن آنها معلوم میشد آویخته شده بود .

صاحب اینخانه (ویتو) نام داشت که بلقب (سیم چار لایه) معروف بود در طبقه زیرترین خانه یک دکان قهوه خانه مانند کوچکی باز کرده بود که مشتریهای آن اکثر

نداشته باشد . مگر مانند آب و هوا . و ضیا بعضی چیزها نیکه آنهم بقوت سعی و کوشش صنعت قابل مبادله شدن شان نگشت .

مثلاً در جاهای بسیار هوادارے که اطبّا برائے مریضان آنجا را برائے تبدیل هوا سفارش کنند یک اوتل بسیار مکلفے بـ زولاو تاقهاے آن از عهدهٔ همه مایحتاج اقامت گزین خود بر آید و از پنجره هاے آن هوای صاف بیاید و از بلورهای آن ضیای آفتاب بکمال خوبی بتابد فائدهٔ عام هوا و ضیا نیز قابل قیمت میشود .

ازین تفصیلات این نتیجه حاصل میشود که (فائده) و قیمت عبارت از اجزا و خاصه های (ثروت) یعنی توانگری میباشد مگر (فائده) نسبت اشیا را به احتیاجات خواهشات بشر نشان میدهد ؛ و مگر (قیمت) نسبت اشیای فایده مند را بیکدیگر در وقت مبادله نمایان میسازد . بنا علیه هر چیزیکه به آن (ثروت) گفته شود لازم و لابد است که غیر از فایده قیمت هم داشته باشد .

پس ازین معلوم شد که ثروت و توانگری عبارت از اندوختن مسکوکات طلا و نقره را در صندوقها نباشد بلکه صرف کردن طلا و نقره را در اشیای فایده مند ذی قیمت سهل البادله ثروت و توانگری شمرده میشود .

برای اثبات این مدعا دو مملکت تصور شود که در یک مملکت اسباب مایحتاج زندهگانی مردم آن بسیار ناقص . و ماوا و مسکنهای شان برای محافظهٔ وجود غیر کافی و امنیت عامه و وسایط اختلاطیه در ان مفقود باشد ؛ و در دیگر مملکت بعکس آن بوده اهالے از همه گونه چیزهای فایده مند بهره ور . و غیر از آنکه حوایج ضروریهٔ خودشان را تدارک کرده توانسته حاصلات فایده مند خودشان را که بقوت سعی و کوشش گرد آورده اند بازارهای منتظم و اسباب حمل و نقل چابک رو مثل در ملکهای دور و نزدیک

از گروه اوباشهای سرسری بودند .

اگر شایعه ئیکه در میان مردم در حق او شایع است باور کنیم چنان معلوم میشود که (ویلیو) بغیر از همین صنعت ظاهری که دارد بعضی کارهای شبهه ناک غیر مشروع پنهانی دیگر نیز اجرا میکند . امّا این کارهای خود را چون تا بحال بکمال مهارت که در هیچ یکی ازان کارها ذی دخل نشده است اجرا کرده از آنرو با پولیس بعضی عکس سروکاری پیدا نکرده است ، بلکه بسبب بعضی معاونتها نیکه گاه گاه در باب جستجوی دزد و دغل با پولیس کرده پولیس نیز از بعضی واقعات کوچک بی اهمیت او چشم پوشی میکرده است .

در دیوار طبقهٔ بالائی این خانه یک قطعه تصویر قلمی روغنی بسیار بزرگی در یک چوکات چوبی سیاهی آویخته شده بود که هنوز رنگ آمیزی درخشان خود را به گرمی آفتاب . و گرد و باران خراب نکرده بود این قطعه تصویر یک زنی را نشان میداد که یک لباس گلابی نیم برهنه در بر . و یک کلاه زرد و پر سفید بزرگی بر سر . و یک شال فیروزه رنگی بدوشش انداخته ، با دو دستهای بلورین ساعد سفید گلوله خود یک طفل نوزاد برهنه و لطیفی را از میان یک دوبهٔ کرم سبزی به آهستگی و دقت بیرون می برآورد .

در زیر این صورت که قلم مهارت رقم مصور بصورت بسیار نازکانه اعلان و اشتهار صنعت زنانه ئی را تصویر کرده بود بقلم جلی یک نامی نوشته شده بود که آن نام این است .

(باقی دارد)

واقوام ترک وتاجیک فروختهٔ طلا ها ونقره‌های آنها را جلب وجذب نمایند . حالا خوانندگان گرام ما انصاف کنند که ازین دو مملکت کدام یک توانگر تر شمرده خواهد شد ؟

هیچ شبهه نیست که مملکت وقوم اوّلین که مذکور گردید فقیر وبیحال وبیمال شمرده میشود ، ومملکت وقوم دوم که بیان شد صاحب ثروت وتوانگر گفته میشود .

در اثنای پیدا شدن معدنهای طلا در مملکت (کالیفورنیا) که در قطعهٔ (امریکا) پیدا شد هنگامیکه مردمان هجوم آورده به جمع آوردن طلا ها مشغول بودند یک وقتی آمد که بسیاری از مردمان پر طلا به گرسنگی ترک دغدغهٔ حیات نمودند . چنانچه حضرت سعدی در حکایت گلستان خود فرموده که (شلغم پخته به ز نقره خام) .

ثروت

پس ازین تفصیلات چنان معلوم شد که هرچیزی فائده مندی که قیمت داشته باشد ، وبصورت مبادله بآن داد وستد شود آنچیز (ثروت) یعنی (توانگری) گفته میشود .

(باقی دارد)

اشتهار

در باب درج شدن اشتهارات تجارتی وصنعتگری روزنامهٔ مبارکهٔ (سراج الاخبار) برای اشتهارات مالهای تجارتی سوداگران وطن عزیز ما که بفروش بیخواهند برسانند ویا بعضی صنعتها وپیشه هائیکه بعضی صنعتگران اختراع کرده وفروختن آن را آرزو میکنند حاضر وآماده می باشد که مال سوداگران وصنعت صنعتگران را در صفحهٔ آخرین اخبار خود اشتهار واعلان نماید . لهذا هرکس که آرزوی اشتهار مال تجارتی ویا صنعت صنعتگری خود را داشته باشد به اداره خانهٔ سراج الاخبار که در ماشین خانه است آمده واز قرار سطر یک روپیه اجرت آن را داده مال ویا صنعت خود را بواسطهٔ اخبار اشتهار میکنند واگر کسی بخواهد که از پنج بار زیاده تر اشتهار خود را در اخبار بنویسد بر سطر یک قران گرفته خواهد شد .

مدیر وسر محرر سراج الاخبار

بسعی واهتمام الحاج عبدالخالق پسر طرزی مهتمم چاپه خانهٔ
دار السلطنهٔ کابل
بقلم میرزا محمد جعفر قندهاری
طبع شد

صفحه ۱ سال یکم نمبر ۴

سراج الاخبار

۱۳۲۹

نگران
ایشک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی
علی احمد

مدیر و سرمحرر
محمود طرزی

اداره خانه و مطبعه
در ماشین خانه دار السلطنه کابل

جمله امورات تحریریه به اداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ عربی یکم ذی الحجه ۱۳۲۹

قیمت سالیانه
در دار السلطنه کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف و اکناف مملکت با اجرت ڈاک ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت با اجرت ڈاک یک پوند انگریزی
قیمت یک نسخه آن در کابل یک عباسی است
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
تاریخ شمسی ۳۰ عقرب ۱۲۹۰

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

دار الیتاما

سبحان الله ! چیزهائی میشنویم که گوشهای ما را بایک سرود خسروانی خوشش آهنگی با اهتزاز لطافت پروازی آورده دلهای ما را بوجد و نشاط با انبساطی همدم میسازد .

(دار الیتاما) یعنی (یتیم خانه) اینچه کلمه عجیب و غریبیست ؟

آیا بخیال و خاطر کسی میگذشت که در افغانستان شفاخانه‌ها ، یتیم خانه‌ها ، مکتب‌ها ، ماشین‌ها ، تفنگ‌ها ، برق‌ها ، بروی کار آید ؟ راههای متین ، پلهای آهنین ساخته شود ؟ عرابه‌ها ، بایسکلها ، موترها بران براه افتد ؟

در افغانستان میگوییم نه در دیگر جا ! اگر پیشتر از ده سال این سخنان را کسی میگفت که در افغانستان این چیزها شدنیست بر عقل او بخندیدند . ولی چون اراده ازلی حضرت خالق لم یزلی بریک چیزی رفته باشد هیچ قوتی از قوتهای کائنات منع آن شده نمیتواند .

بلی ! حضرت پروردگار بیهمتای ما خاک پاک وطن مقدس ما (افغانستان) را منور کردن میخواست ، لهذا در پانزدهم ماه جمادی الثانی سنه ۱۳۱۹ هجری یک سراجی برافروخت ، دین ، ملت ، وطن را به آن روشن ساخت !

بلی ! عصر سعادت حصر اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) ادام الله دولته عصر ترقی ، عصر تمدن ، عصر عدالت ، عصر مرحمت ، عصر علم ، عصر کمال ، عصر آبادی ، عصر سرور و شادی وطن است .

از جمله آثار خیرات و مبراتی که درین عصر سراجیه بظهور آمده یکی تدارک رفع و زایل ساختن بی پدری ، و بیکسی و پریشان ماندن اولاد وطن است .

پادشاه بزرگ خردمند ما بسیار با کمال یک پادشاه معارف آگاهیست . در اکثر علوم و فنون باخبری و آگاهی دارند . حتی در بسی صنایع نفیسه معلومات کامله را مالک اند . از جمله فن فوتوگرافی .

یعنی عکاسی را بدرجهٔ کمال بسیار عالی العالی رسانیده اند . حتی اگر بگوئیم که این فن عالی را که از بهترین صنایع نفیسهٔ عصر حاضر شمرده میشود در افغانستان اول بار ذات اعلیحضرت پادشاه معظم ما بنفس نفیس شاهانهٔ خود ایجاد و احیا فرموده اند هیچ مبالغه نگفته خواهیم بود . لوحه های بدیعه نیکه از (استودور) مبارک جهانبانی بروی کار میبرآید الحق که از انفس ترین لوحه های فوتوگرافی عصر حاضر شمرده میشود .

این است که چند ماه مقدم در باغ ارگ مبارک یک نمایش گاهی برپا نموده شده و هزارها لوحه های بسیار بدیعه و لطیفهٔ فوتوگرافی چوکات شده و بی چوکات شده و هزارها رقم عکس های عجیب و غریب لطیفهٔ بدیعه تشهیر و نمایش داده شد . همه اعزه و اشراف بلده دران نمایشگاه و بسیار بازدید و زینت دعوت فرموده شد . ذات اعلیحضرت شاهانه یک نطق بسیار پرتاثیر عالی در کیفیت صنعت فوتوگرافی ، و مقصد خیر مرصد شاهانه از برپا ساختن این نمایش گاه بیان فرموده نمایش گاه را باز فرمودند .

آن نطق جهانبانی این بود که مبالغیکه از خرید و فروخت این لوحه های عکس ها حاصل آید در راه و تربیت و پرورش اطفال یتیم فقرا و غربای اهالی صرف میشود و یک (دار الیتاما) یعنی یتیم خانهٔ بسیار مکملی به آن ساخته میشود که همه مایحتاج مادی و معنوی اطفال مذکوره را در برگیرد . پس هر شخص از ذوات حاضره که خریداری عکس های مذکوره بحسن رضای خود میل و رغبت نمایند هم مالک لوحه های بسیار بدیعهٔ لطیفه میشوند و هم داخل ثوابهای اعمال انسانیت کارانه میگردند .

این نطق خیراندیشانهٔ شاهانه یک تاثیر عظیمی بر دلهای حاضرین نمود و هر کس بقدر حال و استطاعت مالی خود دران عمل خیر با صواب اشتراک ورزیدند .

مبالغیکه ازین رهگذر جمع آمده و هنوز در آمدنست در یک صندوق مخصوصی جمع می آید و در امورات پرحسنات (دار الیتاما) بخرج میرسد .

حقیقتاً که این تاسیس خیریهٔ جهانبانی اعلیحضرت شاهانه یکی از تاسیسات بسیار خیرخواهانهٔ دین دارانهٔ پدرانه ایست که برای ملک و ملت شاهانه شان یک فال خیر سعادت و مدنیت شمرده میشود . ازینگونه اعمال انسانیت کارانه در ممالک متمدنه که برای اولاد فقرای ملت بروی کار می آید حد و حساب ندارد ، ولی وا اسفاکه اهالی وطن عزیز ما باوجودیکه خیرات و مبرات را فطرتاً خیلی دوست دارند ، ولی راه صرف کردن آن را به اعمال پسندیدهٔ فایده آور هنوز بلد نشده اند .

این است که اعلیحضرت پادشاه خیراندیش مراحم آگاه ما در باب تاسیس (دار الیتاما) یک باب مرحمت ، و یک شهراه مدنیت باز فرمودند . از درگاه احدیت افزونی عمر و اقبال شاهانه شان را نیاز میکنیم تا از بسی ازینگونه اعمال حسنهٔ شاهانه شان وطن و ملت بهره یاب فیوضات بلانهایات گردند آمین فقط

حوادثات خارجیه

شوال ۱۳۲۹

نقل از اخبار تریبون مورخه ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ اکتوبر ۱۹۱۱ع مطابق ۲۵ و ۲۶ و ۲۷

اکنون بعد از تحقیقات معلوم شده است که جاهد قراقان که چند یوم قبل ازین بر قریهٔ عیسی خیل حمله کرده بودند از مردم خوست میباشند . آن مردم در سنه ۱۹۱۰ سرکار برطانیه را آزار بسیار داده بودند و بقرار معاهده

زیرا حصهٔ بیشتر جلب کرده شده است لازم بود که آنها به علاقهٔ لقمان فرستاده می‌شد مگر چنان معلوم میشود که جراءت آنها خیلی سست و کمزور بوده و گرنه آنها جرأت میکردند که بسرحد آمده باین قدر نه صد او را از در علاقهٔ انگریزی داخل می‌شدند یقیناً کارداران افغانی از حرکات آنها باخبر بوده باشند و اگر آنها خواهش میداشتند قبل از رسیدن قزاقان به علاقهٔ باغستان کل تقریباً به معاش مذکور را ماخوذ می‌نمودند البته چونکه مرتبه آنها به باغستان رسید این امر خیلی آسان میگردد که بر بعضی خیل حمله کرده شود مگر حملهٔ آنها این دفعه لاحاصل بوده است چراکه آنها مال واسباب هیچ قسم را برده نتوانسته اند فقط

(سراج الاخبار)

اگرچه حقیقت این خبر هنوز به ادارهٔ روزنامه نارسیده ولی اینقدر گفته میشود که اینگونه تجاوزات بد معاشان سرحدی در اکثر ممالک بوقوع می‌آید مثلاً در سرحدهای (بالقان) که در قطعهٔ یوروپ است هیچ گاه اینگونه تجاوزات و منازعات کم نمیشود . مع ذالک از قرار مسموعاتیکه از بعضی اشخاص معتبر گرفته ایم در علاقهٔ خوست یک جماعهٔ بزرگی از دزدان شقاوت پیشه را حکومت سنیهٔ افغانیه گرفتار نموده محبوساً بدار السلطنهٔ کابل آورده‌اند و بجزاءات لازمه گرفتار آمده‌اند فقط .

نقل از اخبار پاینیر مورخه ۲۳ ۱۰ اکتوبر سنه ۱۹۱۱ مطابق ۲۹ شوال سنه ۱۳۲۹

نامه نگار اخبار مذکور از مصر می‌نویسد که ترکی از برطانیه درخواست نموده است که براه مصر افواج را بطرابلس فرستاده بتواند و چونکه شهنشاه مصر فی الواقع اعلیحضرت سلطان المعظم میباشد و حق دارد که نه صرف افواج خود را از علاقهٔ ریاست باجلد از خود بگذراند بلکه از آن ریاست استمداد مالی و عسکری هم بنماید پس لازم است که برطانیه آن درخواست را قبول کند مگر از منظوری آن درخواست احتمال بسی پیچیدگی ها میباشد حل مشکلات صرف باین طریق ممکن است که بیرق عثمانی و مصری را در قاهره پایان نموده بجای آن بیرق برطانیه بلند کرده شود چراکه خود اهل مصر هم از دل میخواهند که مصر به علاقهٔ برطانیه کاملاً ملحق گردد فقط

نقل از اخبار علم آمدنی قاهرهٔ مصر مورخهٔ یوم جمعه ۲۲ رمضان سنه ۱۳۲۹ مطابق ۱۵ ستمبر سنه ۱۹۱۱

(خطابهٔ حضرت رئیس گروه وطنی)

(برادران عزیزم !)

ما یان امشب جمع شده ایم نه برای عید دستور آزادی و حکومت شورائی و نه برای بیان تاریخ بر آمدن انگریزها بمصر و نه برای یادداشت کارنیکی که از دست است مصریها برآمده باشد و لاکن بگفتنی سخت میگویم که اجتماع امشب ما برای یاد دهی شوم ترین ایام است مصریت

آن روزیکه شیر برطانیه چنگل خود را در دل این بلاد در آورده ـ

آن روز سیاهی که برای هر مصری واجب است که در آن روز لباس سیاه بپوشد و بیرقها را سرنگون بر در خانه‌های خود ایستاده کند ـ

آن روزیکه بر هر شخص مصری واجب است که آن را بیاد داشته باشد ـ و بفرزندان خود از مدت شیرخواری آن را نشان بدهد ـ روز ۱۴ ستمبر سنه ۱۸۸۲ است کاش آن روز موجود نمی‌شد و کاش آفتاب آن روز نمی برآمد .

یاد دهی برای است بایام نحوست آن از جملهٔ مقصود ترین واجبات ماست

پس بر ما واجب است که پردهٔ فراموش شدن و فراموش ساختن آن روزهای سیاه را بر آنها نیاویزیم

سراج الاخبار

در ما بین فقرهٔ آخرین نامه نگار (ریوتر) و این مقالهٔ بسیار دور و درازیکه در روزنامهٔ (علم) نوشته شده و ما تنها بتقدمهٔ آن اکتفا ورزیده‌ایم آن قدر یک بعد و تضادی مشاهده میشود که بعد مسافهٔ شهر (لندن) و (مصر) در پیش آن هیچ است !! .....

نقل از اخبار پایونیر مورخه ۳۰ ماه اکتوبر ۱۹۱۱ مطابق ۷ ماه ذی القعده ۱۳۲۹

رویتر از همین خبر تلگراف میدهد که دیشب افواج شهنشاهی قریباً دوازده ساعت کامل با افواج باغی جنگ نمودند و از طرف آنها چهل نفر مقتول و یکصد و پنجاه مجروح گردیدند و از طرف باغیان قریباً چهار صد نفر مقتول و مجروح شدند و سی عراده توپ باغیان نیز در قبضه افواج شهنشاهی افتاده و شهر هانکاو بدست افواج شهنشاهی افتاده است و در شهر صوبه سچوان بر فتح شده اند و در همین ایام افتتاح پارلیمنت چین میشود که وزیر اعظم آن یوان شکای خواهد بود فقط

از مالت خبر تلگراف آمده است که اکنون تعداد عرب با ترکان مسلح که در قریب شهر طرابلس برای جنگ افواج اطالیه جمع شده اند به شصت هزار رسیده است و آنها سامان حرب و خوراکه وغیره بقدر اکثیر فراهم نموده اند و استحکامات خود را خیلی مضبوط ساخته اند و مردم از علاقه جات دور دور از طرابلس برای امداد ترکان رسیده میروند و افواج اطالیه قبضه خندق ها را ترک کرده اند و برای این حرکت این دلیل را بیان میکنند که در خندق های مذکور این قدر لاشها موجود میباشند که از بدبوی آن خطره مرض و خراب شدن آب میباشد فقط

سفیر ترکی مقیم لندن بیان میکند که در جنگ ۲۳ ماه اکتوبر از افواج اطالیه سه صد نفر مقتول و هفت صد نفر مجروح شده و برای اخبار روٹ لک از مصر خبر رسیده است که انور بی بتبدیل لباس از مصر عبور نموده در علاقه طرابلس داخل شده است و با شیخ سنوسی ملاقات نموده است و عربان جمیع علاقه طرابلس را برای جهاد مستعد کرده است

تقریب میله شهنشاهی انگلستان دو غباره (بیلون) از مصر پرواز نموده بودند و روز دوم از ملک جرمنی یافته شده بودند — غباره های مذکور سفر سه صد میل طی نموده بر زمین فرود آمده اند فقط

نامه نگار اخبار (تان) که از پیرس شایع میشود با علی فتح بی مهتمم جنگ طرابلس ملاقات نموده است و ترک مذکور در اثنای مکالمه بیان کرده است که تجویز مقابله اطالیه که افسران عثمانی مرتب نموده اند خیلی عام فهم میباشد — ترکان بر ساحل مقابله افواج اطالیه را نخواهند کرد و در کوه های گرد و نواح و در صحرا استحکامات خود را خواهند ساخت و اگر افسران نظامی ترکی در طرابلس بر هدایات وزیر جنگ کاربند شده باشند اسلحه و سامان حرب و خوراکه وغیره همراه افواج عثمانی بکوه های مذکور بقدر اکثیر فراهم شده باشد و در خود طرابلس از مال و اسباب مملوکه ترکیه چیزی باقی نمانده باشد و چون ده هزار ترک و بیست و پنج هزار عرب مسلح در مقام جبل جمع خواهند شد فی الواقع ابتدای جنگ از آن وقت خواهد شد و در میدان ترکان هرگز نخواهند جنگید چرا که تعداد آنها قلیل است البته هر وقت و هر زمان برای پلتن های اطالیه آزار داده خواهد شد تا اینکه خود اطالیه از جنگ بیزار گردد و خواهش مهلت تنفس و آرام را بکند و چون ترکان دیدند که افواج اطالیه حوصله خود را باخته اند محاصره طرابلس کرده میشود و در آن وقت شجاعت و مردانگی و حمیت اسلامی برای مردم یوروپ ثابت خواهد شد و هیچ پروا نیست که فتح حاصل شود یا شکست لاکن ترکی رعب و اقتدار خود را در نظر یوروپ گاهی ذلیل نخواهد کرد فقط

اخبار ٹایمز اف لندن مینویسد — هنوز مشکلات عظیمه برای فتح طرابلس حمل و نقل سامان حرب و خوراکه میباشد چرا که اگر شتر ها از مصر یا تونس برای بارگیری وغیره نرسیدند نقل و حرکت افواج اطالیه محال میباشد و چنانکه از بیانات افسران نظامی ترکی ظاهر میشود که ترکها در میدان با اطالیه جنگ نخواهد کرد و در کوهستان برای افواج اطالیه آزار داده خواهد رفت و در آن صورت مشکلات فتح طرابلس برای اطالیه آشکارا خواهند گردید فقط

بعد از جنگ ۲۳ ماه ستمبر افسران اطالیه با عربان سلوک خیلی بیرحمانه کرده اند و سه روز کامل تلاش جمیع خانه ها گرفته شده بود و مردم مشتبه را خواه معصوم باشند یا گنهگار چاند ماری کرده شده است و مردم جوان و معمر و زنان وغیره را بلا تمیز قتل کرده شده است فقط

نقل از اخبار

«پاینیر مورخه ۲۰ اکتوبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۶ شوال ۱۳۲۹»

اگرچه اعلیحضرت امیر صاحب از کوتل کابل سرک موتر ساخته اند لاکن آن سرک برای تاجران مطلقاً محفوظ نمیباشد — علی الخصوص سرک مذکور از جلال آباد الی جگدلک پر از رهزنان میباشد وچنان معلوم میشود که جماعه دزدان اقوام مختلفه پروای حاکمان مقامی را ندارند عرصهٔ چند یوم میشود که اطلاع این امر شایع شده بود که سپاهیان نظام برای حفاظت آن سرک فرستاده میشوند لاکن چنان معلوم میشود که تعمیل این احکام نشده است بهر حال واردات های قزاقی بکثرت بوقوع می آیند وبرای تاجران وغیره خطره بسیار [illegible] شاید چون اعلیحضرت امیر صاحب حسب معمول بجلال آباد بروند صورت معاملات بهتر شود واز لاپروائی دربار کابل ظاهر است که انتظام تمام کل ملک چندان خوب نیست چنانچه میگویند که بتاریخ ۱۲ اکتوبر چند نفر از قوم زکاخیل بر علاقه دکه حمله آوردند وچند سپاهی را محبوس کرده بردند واکنون برای رهائی شان مطالبه مبلغ مینمایند فقط

سراج الاخبار

این خبر فوق را که رفیق ما اخبار پاینیر در نسخهٔ ۱۶۶۵۰ مورخه ۲۱ اکتوبر ۱۹۱۱ که ترجمهٔ آن لفظ بلفظ کرده شده است در باب عدم امنیت

سرک مابین دکه وکابل بلکه در همه ملک یک شرحی نوشته که خبر مذکور هیچ اصل واساس ندارد · سرک پخته که ساخته شده امنیت کامل را مالک است · نظام وانتظام همه ملک بر طور لایق خود در جریان است ودر هر طرف ملک راههای منتظم وعمارات وپل ها ونهرها وبسی آثار ترقی وتمدن ببنای اعلیحضرت پادشاهی جاری ودرکار است · اما اگر بعضی کسانیکه بدون قافله وبی تدارکات براه روان شوند وبعضی دزدان سر دچار شوند همچنان دزدهای سرسری تنها در راه های مابین دکه وکابل نی بلکه در کوچه ها وسرک های شهرهای بزرگ پاریس ولندن وغیره نیز موجود خواهد بود که پالیسات راهزه ویاجات را اکثر بر ایشان هجوم مینمایند ·

از اخبار «تان» فرانسوی
نقل میشود

یک نامه نگار اخبار جرمنی مینویسد که حکومت ما غلط کرده که از یک طرف با حکومت فرانس سلوک نالایق را پیش گرفت · واز دیگر طرف ایطالیانیها را مانع حملهٔ طرابلس نشد · ایطالیانیها عجب است که از مدنیت وتهذیب بحث میکنند ودعوی شائستگی وتهذیب دارند طرابلس را بهانه گرفته بر طرابلس حمله میکنند ! چرا این مدنیت وتهذیب را در ملک خود نشر نمیکنند که در صدی پنجاه از آن ناخوان ونانویس میباشند · وبسیار جاهای آن هنوز در حال وحشت است · دولت متفق ما یعنی ایطالیا بر دولت دوست ما عثمانی حمله کرده بناحق یک ملک او را گرفت ضرور است که ما کمک دولت عثمانی را بکنیم زیرا برای تجارت ما در مصر وهند فایدهٔ کلی دارد ·

«از نسخهٔ آخرین اخبار (اقدام) استانبول»
نقل میشود

(بشارت مهم)

تار مخصوص ما از طرابلس غرب مینویسد که در (دیبات) هم مرتفع عساکر عثمانی بر ایطالیانیها شبخون برده اند · ومقدار (هفت صد) نفر از عساکر ایطالی را تلف نموده اند واز عساکر ما دو شهید افتاده است · قوهٔ معنویهٔ عساکر ما برجاست · بمقابلهٔ دشمن پایداری میکنیم · امید داریم که غالب شویم ·

مقالات طبیه

بعضی قاعده های حفظ صحت درباب معده

۱ — تا میتوانید بساعت های مقرر و وقتهای معین طعام بخورید یعنی چنین نکنید که یک روز نان چاشت را به ده بجه بخورید و دیگر روز بدو بجه ۰ نی بلکه هر ساعتی را که برای نان چاشت و یا نان شام خود مقرر کنید همان وقت و ساعت هر روز طعام بخورید ۰

۲ — اگر بنیهٔ تان ضعیف باشد ، ولی اشتهای هم داشته باشید وقتیکه گرسنه شوید همان دم طعام بخورید ولی کم بخورید ولی هم بخورید ۰

۳ — طعام را که میخورید خوب بجوید ، و بعد هموار فرو برید ۰

۴ — وقتیکه طعام گرم میخورید آب و دیگر مشروبات بسیار سرد نخورید ۰

۵ — وقتیکه طعام به انجام رسد ، و میخواهید که از سفره برخیزید یک لقمه نان خشک بخورید ، چونکه این عادت هم هضم را آسان میکند ، و هم برای پاک کردن دندانها مدد میرساند ۰

۶ — اگر بسیار قهر و غضب تان آمده باشد ، و یا اگر بسیار مانده شده باشید اصلا بسفرهٔ طعام نزدیک نشوید ۰ زیرا طعامیکه بعد از قهر و غضب بسیار ، و یا بعد از ماندگی و تعب بیشمار خورده شود معده را درهم و برهم میکند ۰

۷ — وقتیکه بر سفرهٔ طعام بنشینید هیچ ۰ بخواندن کتاب و یا مطالعهٔ اخبار و یا نوشتن مشغول نشوید که معدهٔ تان را خراب میکند ۰

۸ — با مردمان خوش طبع و خوش حال بهیچ بر سفرهٔ بنشینید ، و از چیزهائیکه خوشتان می آید ، و دل تان از آن خوش میشود از گفتگو و اختلاط کنید ۰ زیرا طعامیکه بخوشی و فرحت خورده شود به آسانی هضم میشود ۰

۹ — بعد از آنکه از سفرهٔ طعام برخیزید زنهار بهیجان حرکاتیکه شما را مانده کند مشغول نشوید ۰ بعد از آنکه خوب یک قدری آرام و راحت کردید باز بهر کاریکه دارید مشغول شوید ۰

۱۰ — از سفرهٔ طعام که هنوز اشتها بخوردن داشته باشید برخیزید ، زنهار که معدهٔ تان را تا به آخر درجه پر نکنید ۰

۱۱ — از چیزیکه نفرت تان آید زنهار آنرا نخورید ۰

۱۲ — پیش از طعام ، و بعد از طعام ، و در وقت خوردن طعام اصلا قهر آگین و غضبناک نشوید ، زیرا هر لقمهٔ که بقهر و غضب بخورید آن لقمهٔ طعام نی بلکه یک سوزن دانی ایست که میخورید ۰

ده نصیحت برای صحت

اول برای صحت عمومیه : — وقت برخیز ، وقت بخواب ۰

دوم برای صحت تنفس : — آب پاک ، و نان گندم مدار زندگیست ، اما هوای صاف ، و ضیای آفتاب نیز برای صحت همان درجه الزم شمرده میشود ۰

سوم برای صحت هضم : — اکسیر اعظم درازی عمر طعام را قناعت کار است یعنی بدرجهٔ کفایت خوردنست ،

چهارم برای صحت پوست : — پاکی و شست و شوی بدن انسان را از زنگ گرفتن محافظه میکند ، ماشین هائیکه خوب پاک شوند و بخوبی چرب و نگهبانی شوند تا بسیار سالها کار میدهند ۰ علاج یگانهٔ پاکی بدن آب و صابونست ۰

پنجم برای صحت خواب : — خوابیکه بدرجهٔ کفایت باشد بدن و ذهن را قوت میدهد ، استراحتی که از درجهٔ لزوم بیشتر گردد وجود را ضعیف

و ناتوان می سازد .

ششم برای صحت پوشاک :— بهترین پوشاکها همان است که مانع حرکت بدن انسان نشود ، و گرمی لازمی که برای وجود بکار است حاصل کند ، و از هرگونه تبدلات ناگهانی هوائیه وجود انسان را محافظه کند .

هفتم برای صحت نشیمنگاه :— خانهٔ نشیمنگاهی که پاک و ستره ، و روشن و فرحناک باشد ، عائلهٔ اقامت گزین آنرا نیز محبوب و مقبول می سازد .

هشتم برای صحت فکر :— فکر بساعت تیزی مستریح میشود . امّا اگر در ساعت تیزی افراط شود و بد استعمالی در ان پیش آید انسان را بهوسات می اندازد . بهوسات نیز به سیئات کشیده میبرد .

نهم برای صحت روح :— چستی و چالاکی و خوشی و فرحت زندگانی را به انسان شیرین میکند که صحت حیات نیم صحت است . حزن و مأیوسیت زود انسان را پیر میکند .

دهم صحت مسلک :— تنها معرفت زراعتی پروراند . بر بیکار نماندن بندهای دست و پایت نیز دقت و ملاحظه بکن .

از المناق عسکری ترجمه شده

نصیحت

ای همشهریان عزیز

نعمتهای گوناگون حضرت خالق بیچون در بارهٔ ما بندگان غفلت رهنمون از حد حساب افزون است . ذات پاک اقدس پروردگار بیهمتای ما در کلام قدیم واجب التعظیم خود میفرماید که : (فَاِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللّٰهِ فَلَا تُحْصُوهَا) یعنی اگر بخواهید که نعمتهای خدا را بشمارید بیچاره شمرده نخواهید توانست . الحق که این کلام رب علیم یکتای ما برای بیداری و آگاهی ما از خواب غفلت یک تازیانهٔ شوق و غیرت شمرده میشود که نعمتهای جلیلهٔ لایعد و لایحصای او سبحانه را یگان یگان در پیش نظر عبرت آورده و بطاعت و عبادت ، و تحصیل کمالات انسانیت سعی و غیرت ورزیم ، و لایق نام و عنوان جلیل شان (انسان) گردیم .

(انسان) چه جوهر بدیعیست که نه در شکل و صورت ، و نه در وضع و حرکت ، و نه در طرز معیشت ، و نه در کسب فضیلت بدیگر مخلوقات خدا هیچ مشابهت نمیرسانند . بلی اگرچه در خوردن ، و آشامیدن ، و خسپیدن ، و دویدن ، و غضب و شهوت و توالد و تناسل یعنی ذرّیت و نسل پیدا کردن با دیگر حیوانات چهارپا مناسبت و مشارکت داریم ولی خوردن ما و خوابیدن ما و نسل و ذرّیت ما در دایرهٔ قاعده و قانونهای بسیار منتظمی اجرا میشود که با حیوانات دیگر هیچ مشابهت نمیرسانند .

صرف نظر از دیگران تنها در یک (توالد و تناسل) یعنی اولاد آوردن و نسل پیدا کردن غور کنیم :

حیوانات دیگر در غیاب بخشش الهیهٔ نیک ذات آلهی در فطرت شان نهاده محافظه نموده و در باب افزونی ذرّیت ، و اندیشهٔ استقبال نوعیت خود شان هیچ اندیشه ، و هیچ صنعت و پیشه ندارند حال آنکه توالد و تناسل انسانی به بسی حکمهای ربانی ، و قواعد و وظایف انسانی انتظام پذیرفته بیک ترتیب و اصول منتظمی اجرا میشود .

حیوانات بعد از آنکه اولادهای شان از رستن شیرخوارگی گذشت هیچ شناسائی و حقوقی در میان شان باقی نمانده هر یک پی کار خود شان میروند . حال آنکه انسان اینچنین نیست : بلکه انسان ذرّیتی که تشکیل میکند در ان باب بسی چیزها می اندیشد ، و اسباب استقبال وطن خود را از ان امید میکند .

ای همشهریان عزیز ! میخواهیم یک قدری از اولاد یعنی ثمرهای زندگانی خود ما بحث و بیان نمائیم :

اولاد ، نهالان تر و تازهٔ چمنستان (وطن) است که اگر خوب تربیت شوند ، و خوب نگهبانی شوند ، میوه‌های بسیار شیرینی برای وطن بار میدهند . و اگر در زمینهٔ تربیت و آبیاری شان دقت و اعتنا ورزیده نشود

بچوب خشک اگر هیچ ثمره از آنها حاصل نمیشود که در اخلال و بال آنها تنها بر ما نی بلکه نتیجه مضرت آنها دولت ، ملت ، وطن نیز زیان دیده میشوند . تعلیم علم ، آموختن هنر و صنعت تربیهٔ اخلاق ، و تادیب آداب اولادهای ما بر ما از تدارک پوشاک ، و خوراک شان اهم و لازم تر شمرده میشود . زیرا اگر علم و هنر بیاموزند ، و اخلاق و آداب شان مکمل شود غیر از انکه حوایج ضروریهٔ خود و عائله و ابوین خود را تدارک توانند از ثمرهٔ علم و هنر شان دولت ، ملت ، وطن نیز مستفید میشود . و اگر ما بابان جمع آوری مال و اندوختن زر و دینار را برای استقبال یعنی آیندهٔ اولاد خود مدار رفعت و راحت بشماریم غلط کرده خواهیم بود . چونکه اصل غنا یا نعمت و توانگری کمالی است نه مال ! مال بسبب عدم علم و ادب ، و فقدان هنر و صنعت به اندک مدت تلف میشود . حال آنکه علم و هنر چنان سرمایه ایست که هیچ گاه تمامی ندارد .

ای همشهریان عزیز ! وظیفهٔ تعلیم و تربیهٔ اولادهای خود را باید که از همه چیز لازم تر بدانیم ! بسایهٔ مرام پیرایهٔ معرفت آرایهٔ بادشاه خیراندیش عدالت کیش محبوب القلوب اعلیحضرت (سراج الملة والدین) الحمد لله در هر یک از محلات شهر مکتب های ابتدائیهٔ مجانیه باز گردیده ، پس تا میتوانیم بیایید اطفال خود را بخواندن و نوشتن ابتدائی بیاموزانیم ،

ای همشهریان عزیز ! اگرچه بسر چشمه های علم و هنر یعنی مکتب های ابتدائی و غیره وطن عزیز ما از حد زیاده محتاج است ، و دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما در باب افزونی آن صرف همت میفرماید ولی این را هم فراموش نباید کرد که تنها همت دولت در این باب کافی نمیباید . بلکه ما افراد اهالی نیز در این باب اگر سعی و کوشش ورزیم ، و پیروی نیت ، و مقصد خیرخواهانهٔ پدرانهٔ شفیق ارحم غمخوار خودمان را کرده دست اتفاق بهم بدهیم و کمر همت بر بندیم و تنها مبلغی را که شرع شریف بر زکوة دادن مال خود ما را امر قطعی فرموده ، و عطای زکوة را بدرجهٔ ادای صلاة بر ما فرض ساخته و دریکجا گرد آوریم و به اخلاص دل و صفائی نیت آنرا بوجه احسن در راه تربیت و تعلیم اولاد وطن خود صرف نمائیم بے مکتبهای ابتدائی طرز جدیده انشا و بنا و داده خواهیم توانست ولی هزار افسوس که ما هنوز قدر علم و معرفت و قیمت هنر و صنعت را نشناسیم !

ای همشهریان عزیز ! آیا در وقتیکه براه میروید بکدام جمعیت بچه ها در یک کوچه یا کدام میدانی که بجوز بازی مشغول باشند برخورده باشید یا نی ؟ البته برخورده باشید زیرا در هیچ گوشه و کناری نباشد که از جوزبازی بچه ها یک جمعیتی دیده نشود . حالا یک قدری گوش دهیم ، و یک کمی توقف کنیم ببینیم که چه میکنند و چه میگویند ! ....

نی نی ! بهتر این است که نگذریم ، و نشنویم !

سبحان الله ! چه کلمات رذیلانه ، چه فحشیات ناموس شکنانه ، چه سخنان قبیحانه که انسان را از شنیدن آن لرزه میگیرد !

بیچاره والده ! به هزار زحمت البسه اش را شسته ، چاک و پارهٔ کالایش را دوخته ، پدر به هزار عرق جبین آن کالا را تدارک کرده ، هزار افسوس که بچه بسبب بی ترقی و بی هنری یک جوز بازی که در حقیقت یک نوعی از قمار است کالا را در خاک ها و لای ها آلوده ساخته ، و بسبب جنگ و فحش آوری که با دیگر امثال خود کرده کالا را پاره و پاره کرده ! چه قدر حسرت انگیز یک حال !! ....

ای همشهریان عزیز ! هیچ نباشد بیایید که بچارهٔ در باب رفع و زائل ساختن این کلمات فحشیهٔ رکیکه اولادهای ما در مابین خودشان صرف بنمایند چه بکنیم ؟ من میگویم که بیایید باتفاق همدیگر زبان خود را از گفتن الفاظ رکیکهٔ فحشیهٔ رذیله قید تحدید آریم تا اولاد ما ما را تقلید نکنند ! .....

ادبیات

علم — و — معرفت

در عالم امکان هیچ چیزی بدرجهٔ علم و معرفت شرف و زینت نبخشاید ، و برای پیدا کردن اسباب و دواعی

انسان به آن محتاج است بجز توسل به تحصیل معارف و صنایع دیگر هیچ چاره نیابد .

در هیچ وقت ، و هیچ جا برای هیچ قوم ، و هیچ ملت بجز سلوک طریقهٔ علم و معرفت ، و بدست آوردن جوهر گران بهای هنر و صنعت ترقی و برتری و عزت و توانگری حاصل نشد ، و نخواهد شد .

اینهمه ترقیات و انتظاماتیکه در عالم مدنیت بروی کار آمده ، و اینهمه اختراعات محیر العقول که کرهٔ زمین را بدرخشیدن آورده آیا بجز نور درخشان آفتاب عالمتاب علم و عرفان دیگر چه چیز است ؟

علم ، و صنعت ، دو دست قوی و پیوستیست که در پیش نیروی بازوی آن هیچ چیزی مقاومت و توانائی نتواند . و چنان یک قوت (مثبت) و (منفی) الکتریکی یعنی (برقی) ایست که در پیش دریای پر قوت خارق العادهٔ او کوه (غیر ممکن) از صفحهٔ دنیا بکلی کانات حک و محو میشود !

علم و عرفانست که انسانرا بر بحر و بر بر خشک و تر ، بر انسان و حیوان بر جنگل و کان حاکم و مسلط میسازد ، فقد علم و معرفت ، جهل و غباوت است که انسانرا ذلیل ، حقیر ، سفیل فقیر میگرداند .

— علم چیست ؟

— دانائی !

— معرفت چیست ؟

— شناسائی !

تا دانا نشوی نه خود را می شناسی نه خدا را !
تا شناسا نشوی نه خیر خود را می اندیشی نه شر اعدا را !

غزل

بگذشت و رفت

وقت شعر و شاعری بگذشت و رفت

وقت سحر و ساحری بگذشت و رفت

وقت اقدام است و سعی و جد و جهد

غفلت و تن پروری بگذشت و رفت

عصر عصر موتر و ریل است و برق

گاهای اشتری بگذشت و رفت

کیمیا از جهد اشیا زر کشد

وقت اکسیر آوری بگذشت و رفت

فر عفریت سیه ، صنعت پری

قصهٔ دیو و پری بگذشت و رفت

تلگراف آرد خبر از شرق و غرب
قاصد و نامه بری بگذشت و رفت

سیم آهن در سخن آمد ز برق
تلفون بشنو ، کری بگذشت و رفت

کوهها سوراخ و دریا جر شد

جانشینی راهبری بگذشت و رفت

شد هوا جولانگه نوع بشر
رشک جبال و پری بگذشت و رفت

گفت (محمود) این سخن را و رفت
سعی کن تنبلگری بگذشت و رفت

بوسهٔ مادر

یک شب بسیار با صفائی که بعد از یک روز دلگشائی آمده باشد ، و یک آسمانی را که با ستاره های زرکار ضیانثاری شعشعه دار شده باشد ، و یک مهتاب نقره رنگی را که انوار پر جلای صفا نثار خود را بر کائنات خواب آلود به نثر کردن آغاز کرده باشد دوست دارم دیگر چه را دوست دارم ؛

روایح لطیفهٔ نسیم جان افزائی را که بوقت صبح خجسته میوزد ، و مشام جان را به بوهای گلهای رنگارنگی معطر میسازد ، و نهالان کشت ورفته وقت اوایل بهار را که با سرشک شبنم تر شده باشد ، و زمزمه های عاشقانه را که مرغکان خوش الحان رنگارنگ در بیشه زارهای پر از نار رنگین بر پا نموده باشند دوست دارم .

در یک شب حزن انگیزی صدای ساده نی لابوئی شوق انگیز ارغنه کار را نیز دوست دارم .

سیمای یک طفل دلربای پر شطارت زرد رنگی را که موهای ابریشم زردش موج موج شده باشد ، و چشمهای آبی رنگش گاه از خوف و گاه از مسرت ، و گاه از غضب ، و گاه خنده و گاه گریه داشتن به دوست دارم .

اما از همه زیاده تر صدای شب شب بوسه های شیرین یک مادری را که از رخساره های طفلک نو زبان آمده خود میگیرد ، و آواز سه تو از معصومانهٔ طفلک نادر را که بیک شیرینی و شکسته زبانی با مادر خود سخن میگوید دوست دارم .

از اشعار فرانسه از معارف ترجمه شده

علم ثروت ملک

مابعد از نمبر سوم

در بیان قیمت

و این هم معلوم شد که اگر چیزی که فایده در آن علم باشد

فاجعه های پاریس

بعد از نمبر سوم

مادام آنغو

زنانی را که میزایند به اجرت میزایانند ، و بسیار وقت اینها
پرستاری آنها را میکنند ، و در نگه داشتن اسرار
بسیار اعتنا میورزند و در اجرت
خود هم بسیار آسانی
عرض میکنند

پس معلوم شد که در طبقهٔ دوم این خانه (مادام آنغو) نام دایهٔ زایاننده اقامت دارد ، و در این خصوص ها به اجرت خدمت و پرستاری میکند . اگرچه در باب در باب اصل و نسب این (مادام آنغو) معلومات نداریم اما در کوچه (باتینیول) این زن در معامله داری و عیاری خود بسیار راست و درست یک زنی بوده ، طبقهٔ دوم خانهٔ موسیو دیبو نیز چند گاه در زیر اجاره خود اوست . و بسبب درست معاملگی و ادا کردن کرایهٔ خانه را بصورت منتظم نظر احترام و خشنودی موسیو دیبو را نیز حاصل کرده است .

و در برابری این قطعهٔ تصویر اعلان صنعت مادام آنغو بر جبههٔ طبقهٔ سوم خانهٔ مذکور یک قطعه اعلان نامهٔ دیگری آویخته شده بود که بر آن قطعه نیز همچنین یک اعلان نامه نوشته شده بود :

«یک هفتگی ، پانزده روزه ، یک ماهگی اوتاقها»
«فرش شده بکرایه موجود است»

عهده بردار این اوتاقها نیز خود موسیو دیبو بود .

وقیمت نداشته وبصورت مبادله باآن داد وستد نشود آنچیز از جملهٔ ثروت وتوانگری شمرده نمیشود . مثلاً با وجودیکه از هوا وضیا نافعتر وفایده مندتر چیزی برای حیات انسان تصور نمیشود باز هم بسببی که بتصرف وملکیت کسی نمی آید ، وبصورت مبادله باآن داد وستد نمیشود از (ثروت) معدود نمیشوند . اگرچه اینها نیز تا یکدرجه بقراریکه پیش ازین ذکر شد قابل قیمت میشوند ولی چون آنچنان قیمت شاذ ونادر است ، وقابل مبادله وداد وستد نمیباشد ازان رو در دایره وتدقیقات (علم ثروت ملل) داخل نمیشود . امّا آب چنانچه مذکور گردید مستثنا میباشد زیرا قابل مبادله وداد وستد است . اگرچه بعضی ارباب این علم معنای (ثروت) را بسیار واسع وفراخ گرفته چیزهائیکه ازقبیل معنویات وروحانیات باشد مانند علوم عقلیه ، وفضایل اخلاقیه را نیز از جملهٔ ثروت شمرده اند . ولی رای اکثر علمای (علم ثروت) برین است که ثروت برهمان چیزهائی اطلاق میشود که مادی یعنی جسمانی باشد وبدست گرفته شود ، وبچشم دیده شود . امّا این را هم بگوئیم که علوم عقلیه ، وفضایل اخلاقیه اگرچه از چیزهای معنوی شمرده میشود ولی چون مدار کلّی ترقیات مدنیه وسبب یگانهٔ افزونی ثروت مادیه یعنی توانگری جسمانی — میباشد از اسباب اصلی ثروت شمرده میشود . امّا چون اینها اساساً (بعلم اخلاق) و(علم حکمت) تعلق میگیرد از صدد وبحث (علم ثروت) خارج افتاده است . اگرچه اینها را ثروت نام داده شود ، وهمهٔ علوم ادبیه وعلوم حکمیه واخلاقیه وعقلیه را داخل (علم ثروت) باید شود . حالآنکه (علم ثروت) یک علمیست که مخصوص اشیای مادی وجسمانی که فایده وقیمت را حائز است میباشد .

ازمشاهیر ارباب این علم (جون ستوارت میل) و(آدام اسمیت) که هردو انگلیس میباشند درینباب چنین میگویند :

این یک را همه کس میداند که توانگر شدن دیگراست ، وعالم ، وفاضل شدن دیگر . این را هم هرکس تسلیم میکند که جستجو کردن اسباب فضایل اخلاقیه

(باقی دارد)

ازیک زینهٔ بسیار چتل وپرگلی که در آخر یک رهرو تنگ وتاریک بدبوئی موجود بود اول بدایرهٔ مادام انغو وازآنجا به اوتاقهای کرائی بالائی رفته می شد حالا با قارئین کرام خود به اوتاق نمبر (۴) او تاقهای کرائی مذکور داخل می شویم .

این اوتاق آنقدر غلاکت زده وبدفرشی بود که بدتر وعادی تر ازان هیچ یک اوتاقی تصور نمی شد . از سان بسیار چرکین وپرلکه سرخ رنگ پرده ها بر پنجره های آن آویخته شده بود . بر زمین خانه بجز تخته های خود خانه دیگر هیچ فرشی گسترده نبود . بر یک تختهٔ کلفت وچار تراشی یک نهالین بوریائی کاه پر شده ، وبرروی آن ازقماش چیتی چرکین یک خوابگاهی موجود بود که پرده های چرکین این خوابگاه ، وپوشش بالای آن نیز ازقماش پرده های پنجره ها بود . یک الماری کلفت ، ویک میز چوبین چرب وچتل ، وچار چوکی بوریائی پاره پاره جملهٔ مفروشات این اوتاق را تشکیل میداد .

در زیر برآمدگی بخاریئی که در دیوار بود ویک منقل آهنین ، ویک سماوار چودنی ، یک دیگچه ، یک دو سر بشقاب آهن حلبی ، دو صراحی غلیظ آب ، یک دو کارد دستهٔ شاخی ، ودو پنجه وقاشق زنگ زده ظروف وادوات این اوتاق بود .

درباب مفروشات وادوات اوتاق مذکور همین قدر بود که بیان کردیم حالا به اشخاصی که درین اوتاق موجود هستند نظر کنیم :

(باقی دارد)

صنایع

صنعت (لیتوگرافی) یعنی چاپ سنگی

اول کسیکه صنعت (لیتوگراف) یعنی چاپ سنگی را اختراع کرده (سنه فلدر) نام جرمنی بیاشد (سنه فلدر) در تاریخ ۱۷۷۱ میلادی بشهر (پراغ) تولد یافته و در تاریخ ۱۸۲۴ بشهر (مونیخ) فوت شده است .

پدرش در تیاتر (قومیدیەن) یعنی مسخره کار بود . خود او هم باین صنعت داخل شده . ولی پدرش میخواست که پسرش تحصیل علم حقوق کرده وکیل دعوا بشود . اما (سنه فلدر) در ان علم هیچ شوق نداشت ازان رو بناول نویسی و تیاترنگاری سلوک ورزیده بعضی اثرها تألیف نموده بود .

اگرچه (گوتنبرگ) نام جرمنی قبل زان اصول چاپ کردن حروف قابلی اختراع کرده بود ولی چون در انوقت مخارج چاپ کردن بسیار قیمت بود و کتابهای (ناول) و تیاتر (سنه فلدر) را هیچ یک کتاب فروشی ذمه دار چاپ شدن نگردید . لهذا خودش مجبور شد که کتابها خود را خود چاپ کند پس بتجربه آغاز نمود . اول بر سر یک تخته مس [illegible] انداخته بقلب آبی یعنی بصورت معکوس هیچ نوشتن گرفت تا در وقت چاپ راسته خوانده شود . اما درین تجربه خود کامیاب نیامد .

بعد ازان تجربه است که این تجربه خود را بر سنگ اجرا کند . در شهر (مونیخ) یک رقم سنگی موجود بود که آنرا در کارخانه جات استعمال میکردند که آن سنگها از قرار حجم سنگهای چاپ بود . لهذا چون تجربه خود را بران سنگها کار برد باز هم خوب کامیاب نشد تا آنکه یک روزی بصورت تصادفی یعنی خود بخود صنعت مذکور بظهور آمد .

خود (سنه فلدر) حکایت میکند که روزی بود و من صاف کردن سنگها و انداختن و ارتش براینها تجربه مشغول بودم که والده من آمد و گفت ، — فرزند ! دوبی میخواهد برود حساب کالاهای شستنی او را بر یک چیز نویس که تا در حساب با او غلط نشوم .

«من هرقدر جستجو کردم کاغذ نیافتم لهذا با مرکبیکه برای تجربه کار ساخته بودم که آنهم از موم و صابون و دوده مرکب بود بر گوشهٔ یک سنگی از سنگهای چاپ حساب مذکور را نوشتم . بعد ازان خیال کردم که آیا برین نوشته اگر تیزاب بریزانم تیزاب سنگ را خورده حرفها بالا بر آمده خوانده توانسته شود ؟ لهذا نوشته را بسیار بر نوشتم دیدم که تیزاب نوشته را خورده نتوانست .

برای این تجربه یک حصه تیزاب را در ده حصه آب حل کرده بودم محلول مذکور را بر سنگ نوشته ریختم و پنج دقیقه صبر کردم .

« بعد ازان دیدم که نوشته ها بقدر یک ورق کاغذ کلفتی پیدا کرد . ازین تجربه امیدم زیاده شد باز تجربه بر انظار کردم . در جاها نوشته را بسیار رنجی نوشتم و بعد از ریختن تیزاب سنگ را سیاهی دادم دیدم که نوشته ها بسیار خوب سیاهی گرفتند .

باز با خود گفتم که آیا اگر کاغذ را برین نوشته بفشارم چه خواهد شد ؟ کاغذ را چسپاندم دیدم که نوشته بصورت معکوس بر کاغذ ثبت گردیده . فکر این که نوشته مانند حروف قابلیکه (گوتنبرگ) ساخته بود برآمده بود آن صورت چاپ شود حالانکه ازین تجربه یک طور دیگری برایم پیدا شد . باز با خود گفتم که اگر نوشته را بر کاغذ ساده دار نوشته و بر سنگ بچسپانده ببینم که چه میشود ؟ چون تجربه کردم دیدم که نوشته بصورت معکوس بر کاغذ درست و درست بر آمد .

لهذا بمقصد خود از یکراه دیگری کامیاب شدم که هیچ خیال خاطرم نبود . بعد ازان آهسته آهسته در پی اصلاح ساختن سنگ و کاغذ و اقدام و توفیق اجیب که در انتها (سنه فلدر) صنعت (لیتوگرافی) یعنی چاپ سنگی را بدینطور با کمال لطف خود بر آن یک ماشین سنگی تیز ایجاد نمود . و صنعت (لیتوگرافی) از آن وقت در فن طباعت یک شعبه بسیار مهمی است .

م . فضل

تاریخ تأسیس و افتتاح مبارک سراج الاخبار زاده طبع میرزا محمد عزیز کاتب دارالتحریر

اندرین عصر پادشاه زمان   عادل و مهربان و حبیب جهان
حضرت شه سراج ملت و دین   شهریار رحیم و با احسان
گشته مردم ز لطف و احسانش   چون صراحی به بزم خنده کنان
بسکه او مهربان وجود بود   مشفق و هم خلیق با خلقان
خواست تا جوش قوم و ملت او   آگهی سبقت برند از جهان
امر شد از حضور حضرت شاه   بهر طبع جریده شایان
طبع شد این جریده نیکو   چون صدف پر ز دُرّ ارزان
چو نهاده اش سراج الاخبارست   باد در امن حق ز باد خزان
ایشک آقاسی حضور امیر   علی احمد بهشت سرکردان
سر محرر مدیر اخبار است   بیک محمود طرزی افغان
گر ز تاریخ سال طبع وی را   از ره صدق جستجو جویان
سنه یکهزار و سه صد و بیست   نه و دیگر مکن زیاده بدان
بدهد سال طبع او تزیین   عز و اقبال وقت افغان

هر مقاله ایکه دستخط ندارد از طرف سرمحرر تحریر یافته
مدیر و سرمحرر سراج الاخبار
محمود

بسعی و اهتمام الحاج عبدالخالق پسر طرزی مهتمم چاپخانه دارالسلطنه کابل
بقلم میرزا محمد جعفر قندهاری

نگران
اشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت پادشاه
علی احمد

مدیر و سرمحرر
محمود طرزی

اداره خانه و مطبعه
در ماشین خانهٔ دارالسلطنهٔ کابل

همه امور تحریریه به اداره خانه بنام
مدیر فرستاده میشود

تاریخ عربی ۱۵ ذی الحجه ۱۳۲۹

سراج الاخبار

۱۳۲۹

قیمت سالیانه
در دارالسلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف و اکناف مملکت با اخراجات ڈاک ۱۲ روپیه کابلی
در خارج مملکت با اخراجات ڈاک نیم پوند انگریزی
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یک عباسی است
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
تاریخ شمسی ۱۴ قوس ۱۲۹۰

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

صورت نطق همایونی

بر ضمیر دیانت تخمیر یک یک از اعزه و اشراف، و هم تبعه و رعایای صداقت اوصاف از هر گروه و اصناف سکنهٔ مملکت محروسهٔ شاهانهٔ ما (افغانستان) پوشیده مباد،

بر انسان اینکه درین جهان فانی معیشت و زندگانی میورزد در هر کار و جمیع اعمال خود دو منظور در نظر دارد: یکی مادی یعنی جسمانی، دوم معنوی یعنی روحانی و در هر دو حال برای هر کار خود انسان بسی وظیفه ها موظف، و به اجرای بسی کارها مکلف میباشد که بنا بر مقتضای کرامت و شرافت نوعی که ذات اقدس حضرت (احسن الخالقین) جل و علا انسان را عطا فرموده و در بجا آوردن آن وظیفه ها و ایفا نمودن آن کارها هم به رفع و ازاله ساختن احتیاجات و ضروریات جسمانی خود کامیاب می آید، و هم از ثوابات روحانی اخروی خود بهره یاب میگردد،

چنانچه طاعت و عبادت رب معبود انسان را به مقامات عالیات روحانی سرفراز میسازد، همچنان معاونت نوعی انسانها با یکدیگر شان بر رفع احتیاجات نوعی شان ممتاز میگرداند،

درینجا یک دو مثالی بیان میکنیم: هرگاه یک شهری فرض کنیم که مالک سه لک مردم باشد، و آب صاف و پاکی که برای نوشیدن، و بکار بردن شان لازمست در آن شهر موجود نباشد ولی بمسافهٔ شش کروه دورتر یک آب با صفای خوشگواری موجود باشد که صالح و نافع صحت شان باشد البته مردم آن شهر مجبور میگردد که کوزه های آب خود شان را بدوش گرفته شش کروه مسافه را طی کند، و کوزهٔ خود را از آن آب پر کرده بیارد، درین حال دو نقصان وارد میشود که یکی تعب و مشقت وجود است و دوم ضایع شدن و بیهوده رفتن (وقت) حال آنکه بضایع شدن وقت تدارک کردن بسیاری از حوایج ضروریهٔ انسان نیز معطل و بیکار میماند، زیرا انسان تنها یک نوشیدن آب نی بلکه به بسی چیزهای دیگر نیز برای زندگانی خود محتاج است، پس اگر در روز چهار پنج ساعت خود را یک انسان تنها به تدارک کردن آب خود ضایع کند آیا برای دیگر حوایج ضروریهٔ خود کجا وقت خواهد یافت؟

بنابرین اگر مردمان آن شهر وظیفهٔ (مدنی طبیعیهٔ) خودشان را بجا آورده و بمعاونت همدیگر دست یک کرده هر شخص ده ده روپیه انداز کنند مبلغ شش لک روپیه جمع میشود که برای آوردن آب مذکور در شهر، و جاری ساختن آب شارها، و نهر بکمال سهولت موفق و کامیاب می آیند. حال آنکه به اینگونه معاونت نقدی بی آنکه بجز یک تکلیف و زحمتی برسانکنان آن شهر شود از یک احتیاج کلی خودشان رهائی مییابند. مثلاً اگر مردمان آن شهر کم از کم در سال هشت هشت روپیه خودشان را بمصرف میوه خوری خود برسانند بجای آنکه اگر تنها همین میوه خوری را یک قدری تخفیف داده و یک سال پنج روپیه میوه خوردن قناعت کنند و مبلغ گرد آمدهٔ آن را در راه دفع احتیاجات عمومی خودشان صرف نمایند بس کار رای نافع و پسندیده بروی کار خواهند آورد.

مثال دیگر اینکه نوع بنی بشر با ارادهٔ ازلی خالق بحر و بر از یک مادر و یک پدر بوجود آمده، و بر اجناس و اقوام مختلف تقسیم گردیده اند که ازین حیث المجموع یک وجود گفته میشوند. علی الخصوص که علاوهٔ جنسیت، در رابطهٔ مذهب و ملیت هم در ما همین موجود باشد. پس در انحال هر فردی از افراد آن جنس و مذهب بمثابه عضوی از اعضای یک وجودی شمرده میشود که به اضطراب و ابتلای یکی ازان اعضا دیگر همه عضوها مضطرب و بیقرار میگردد. مثلاً هرگاه در یکی از حواس خمسهٔ انسان درد و المی عارض گردد چار حس دیگر را جملةً متألم و متأثر مینماید. چشم اگر درد کند قوهٔ استماع نغمه های هزار را چون نوکهای خنجر مینماید که بپردهٔ گوش میخلد. مشام از بوی گلهای رنگین نشاط آزار میکشد. ذوق از ذائقهٔ شیرینی تلخی می بیند. لمس چیز حریر بر عضو بدن داسیر سوهان کارش الم اجرا میکند. تنها در حواس خمسه نی بلکه در همه اعضای وجود همین احکام جاری میباشد.

ای رعایای بادیانت صادقه و ای ملت خوش عقیدت افغانیه! مقصد و مراد شاهانهٔ ما ازین همه تمهیدات این است که شما را در باب یک عمل صالح بسیار پر خیر و منفعت یاد آوری کنم و بریک کار بسیار با صواب انسانیت کارانه تشویق و ترغیب نمایم که معنی و مادهٔ آن بهر شما خیر دنیا و آخرت باشد. والا از فضل و رحمت خداوندی شکر گذارم که تا بحال همیشه در راه ملت صادقهٔ با دیانت خود بجز خوبیها و نیکوئیهای روحانی و جسمانی شان دگر چیزی نه اندیشیده ام و نخواهم اندیشید.

ای ملت! آگاه باشید که درینوقت دولت علیهٔ عثمانیه که هم جنس و هم مذهب و دین ما میباشد یک قسم جنگ ناگهانی ناحق و ناروائی سر دوچار شده که فلاکت و وحشت الم و اضطراب آن ما را نیز مضطرب و افگار ساخته است. معاونت و همدردی آن برادران دینی ما دیناً و انسانیتاً بر ما واجب و لازم است. دوری راه بدناً و فعلاً ما را از معاونت آنها محروم داشته باری بمعاونت نقدی با آنها دستگیری کردن ما لازم است. چون شما هنوز لذتی را که فایده های اینگونه معاونتها و همدردیها حاصل میشود حس نکرده اید لاجرم این اول بار است که شما را برین عمل صالح پرمنافع بالذات دلالت و رهبری میکنم و دفتر (اعانه) یعنی چندهٔ آن را بدست همایونی خود باز میکنم. و اول مبلغ (بیست هزار) روپیهٔ کابلی از عین المال شخصی شاهانهٔ خود در ان دفتر قید و ثبت میکنم. و از غیرت دینیه و جوانمردی ملیهٔ شما رعایای صادقهٔ شاهانهٔ خود امیدوارم که هر کس بقدر استعداد حال و احوال و اندازهٔ مال و منال خود درین عمل خیر کوتاهی نکنند.

درین باب بر شما اکراه و جبر نیست. زیرا این یک کاریست که بوجدان و انسانیت تعلق دارد. همه صاحبان وجدان و همراهان با ایمان هر مقداری که از مال زاید از نفقهٔ اهل و عیال خود درین راه بدهد و اسم خود را درین دفتر قید نماید دو کار کرده خواهد بود یکی اینکه مال خود در راه رضای خداوند تعالی جل جلاله صرف کرده خواهد بود که امر الهی را بجا آورده است و لذا اجر روحانی را ازان بردن. دوم اینکه همدردی و دستگیری از هم نوعان هم دین خود را بجا آورده خواهند بود که سنیهٔ انسانیت را اداکرده است و شرف غیرت ملیه را به آن برجا داشتن.

ای رعایای صادقه! نام این کتابچه (کتابچهٔ اعانهٔ یتیمهای شهدا و زخمیهای محاربهٔ طرابلس غرب) میباشد. کیسه های همت تانرا باز کنید و لبهای تشنهٔ شان را با آب شفقت برادری آبیاری نمائید. برای اولادهای یتیم و بیوه های بیکس شهدای مغفور همدین تان که در راه محافظهٔ وطن و شرف ملیت خود جان باخته اند بقدر امکان یک سامانی کنید. برای زخمیهای مجروحین شان یک زخم پیچی تدارک نمائید. دریغ کم و بخشش نکرده در هر قدر که دسترس داشته باشید

کوشش ورزیده نام و تاریخ ابتدای این دفتر اعانه بنماید. هر کس که نوشتن یاد دارد نام خود را و عدد مبلغی را که برضای وجدانی و رغبت تام خود میدهد و خدمت و منصب خود را و محل اقامت خود را واضح و مختصر بخط خود بنویسد، و به دستخط خود امضا کند. و هر کس که نوشتن یاد ندارد به دیگری بنویسد، و اگر دستخط نتواند دستخط کند، و اگر مهر داشته باشد مهر کند، و اگر مهر نداشته شست خود را به سیاهی زده عوض مهر در زیر نوشته مذکور بچسپاند. باقی در هر باب برای خود و شما و جمله اخوان دین و ملت جمیع بنی نوع انسان خوبی و نیکوئی و خیر و صلاح مطلب فقط

کیفیت

یوم سه شنبه چهاردهم ذی الحجة الحرام برای حاضر شدن ارباب مناصب ملکی و عسکری و خوانین درباری، در سلام خانه عام خبر داده شده بود. در وقت مذکور جمیع مردمان درباری و معتبرین شهر از علمای کرام و سادات عظام، و ارباب مناصب ملکی و عسکری و از صنوف تجار از مسلمان، و هنود در سلام خانه خاص دربار بلباس معمولی غیر رسمی حاضر آمده بودند.

حاضرین دربار صف بصف بصورت خطوط افقی در پی همدیگر انتظام موقع کرده بر چوکیها نشسته، که در میان یک راهی گذاشته شده بوده. ده دقیقه از دو بجه روز گذشته ذات اعلیحضرت همایونی شاهانه بدربار معلی تشریف فرمای شوکت و اجلال گردیدند.

اعلیحضرت همایونی درحالیکه بدست مبارک شاهانه شان یک کتابچه داشتند و از جهت شمالی سلام خانه مانند طلوع شمس جهان آرا داخل دربار معلا شده همه حاضرین قیام نمودند. کرسی نشیمن ذات شاهانه بر تخت عالی که در اوقات دربارهای رسمی گذاشته می شد نبود. بلکه در سطح دالان در پیش روی تخت عالی بخت سلطنت گذاشته شده بود. بعد از آنکه ذات اعلیحضرت همایونی بر چوکی شاهانه شان جلوس، و حاضرین را بنشستن امر و به احوال پرسی تلطیف فرمودند برپا خواستن حاضرین را اراده و فرمان فرموده خودشان برپا خواستند. و بیک آواز حیات پرور از جهات همرازی نطق آتشبار و مؤثری را که بصورت آتی در ذیلا مذکور گردید بیک طلاقت و بلاغت بسیار رسا، و یک وضعیت جوانانه شاهانه که نسبت ادا بر حاضرین دربار معلی اخطار و خطاب فرمودند.

در اثنای نطق فرمودن همایونی بر حاضرین مجلس بیک آداب و سکوت عجیبی نطق همایونی را می شنیدند. و حسیات حمیت اسلامی و غیرت ملی در دلهای شان بجوش و خروش می آمد. و هر کلمه کلام دُرربار پادشاه و محبوب القلوب خود شان را مانند پیام سروش لاهوتی خوشی میدانستند. تا آنکه ذات اعلیحضرت شاهانه نطق همایونی را باتمام رسانیده، و علاوه از رابطه مذهبی و دینی افغانیان برادران عثمانی خود شان بحث و بیان فرموده، و در حقوق همه افراد بنی بشر که جمیعاً از یک پدر و مادر بوجود آمده اند هم جنسی و یک مذهبی را که رابطه اخوت و همجنسی نوعی ثابت ساخته فضیلت ادای واجبات این معاونت و همدردی برادران دینی عثمانی را بیک طرز بسیار دل نشین رقت آوری بیان و تعداد فرمودند. علی الخصوص این کلام خوش پیام را که فرمودند:

«چرا زنان مسیحی دولت ایطالیا برای پرستاری مجروحین خود از ملک خود شان بدار الحرب آمده اند. آیا ما از زنان هم کمتر هستیم که به امداد مجروحین، و یتیمان شهدا برادران دینی شتابان نشویم؟ باز میگوییم که موانع راه ادای معاونت بدنی و فعلی ما گردیده باری به اعانه مالی کوشش ورزیم.

گر نشد قابل روی دوست
خانه زر ساختن بجای اوست

ای حاضرین مجلس! این است که بادشاه شما برای خیر دین و دنیای آن شما را برین عمل انسانیت کارانه دعوت میکند. حتی خیریت الدین که سرگرانی گرفته طلب معاونت مینماید؟»

این کلام ملکوتی پیام شاهانه بحاضرین یک طرز [illegible] داده مردانه چنان یک شیوه غیرانه رقت آورانه بیان گردید که تأثیر حرارت آن در دلها یک طوفان و دهشت نشان پرجانی ظهور آورده. اهالی غیرت و غیرت بیت سماوی دلها را استیلا نموده قطرات باران سرشک صداقت و رقت از دیده ها بر چکیدن گرفت! اگرچه بنده [illegible] بنظر آمد [illegible]

اوغایانه طوماری در زیر پا پیچیدن گرفت . از علما با نام و بانت التیام جناب مولوی عبدالرؤف خان و ملا عبدالرزاق اقوال اعلیحضرت پادشاهی را به آیات بینات قرآن عظیم الشان تائید فرمودند دیوان نرنجن داس که از طایفهٔ هنود رعایای دولت خداداد افغانستان است و برتبهٔ کرنیل ملکی سرفراز از طرف خود بنام جمیع طایفهٔ مذکوره عرض حاضر بودن خودشان را بسر و مال و جان در راه رضای پادشاه مهربان خودشان بیان نمود . جناب ایشیک آقاسی دوست محمد خان ناظم از [illegible] چهل ملیون برادر دینی برای افغانستان بحث نموده ذات اعلیحضرت همایونی را به این عمل صالح و نافع شاهانه شان تبریک نمود . چند نفر عثمانیانی که در دولت خداداد افغانستان در بعضی خدمات مانند داکتری ، و حکاکی ، و انجنیری ، و معلمی و [illegible] و دواسازی مؤظف اند از طرف خودشان بنام جمیع عثمانیان عریضهٔ تشکراتیه تقدیم نمودند .

بعد از آن برادر عالی گهر شاهانه حضرت نایب السلطنه سردار (نصرالله خان) که مقام عالی صدارت عظمی را حائز اند از طرف خودشان بنام عموم ملت افغانستان در حالیکه جمیع حاضرین دربار در دل شان جا ایستاده بودند ، در مواجههٔ اعلیحضرت همایون یک نطق بسیار بلیغ و پرجوشی بیان نمودند که در آن نطق خودشان از اطاعت و صداقت ملت به ذات اعلیحضرت پادشاه باشوکت و شان ایشان و از حاضر بودن جمیع ملت صادق و فدائی بهر گونه اوامر و جان فدا کردن پادشاه محبوب القلوب مهربان خودشان بیان فرموده و منافع و خوبیهای این رهبری و خیر اندیشی بسیار پرفواید را بیک زبان بسیار مناسب و پر وجدی تذکار دادند که اشکهای شوق و غیرت و دینداری ملت و صداقت پادشاه دوستی از دیده ها باریدن گرفت .

در عقب این مطالعات عالی ذات اعلیحضرت پادشاه حقایق آگاه و مقدس دولت مستقلهٔ خداداد افغانستان با جمیع شهزادگان و سرداران عظام و جمیع حاضرین صداقت التیام رو بقبله آورده از درگاه خالق یگانه بیک خضوع و خشوع بسیار [illegible] در باب فتح و نصرت اهل اسلام دعا و نیاز [illegible] کردند که فرشتگان سماوات و ارواح مقدسهٔ عالم بالا نیز آمین خوان این دعا شده باشند هیچ جای شک و شبهه نخواهد بود .

بعد از آن نماز عصر به امامت اعلیحضرت پادشاه دل آگاه به جماعت ادا گردیده و ذات اعلیحضرت همایونی [illegible] فرودگاهی آن روز فیروز سعادت اندوز [illegible] الاجلال [illegible] تشریف فرمای شوکت و اجلال شدند . از جمیع حاضرین دربار [illegible]

را بسرود و ابهه را بجا آورده مجلس ختام یافت .

صورت عریضهٔ تشکریه

بایان آورده بر حضرت آیهٔ اعلیحضرت پادشاه ذی شوکت و شان دولت مستقلهٔ خداداد افغانستان [illegible] شاهانه شان در باب اعلان شده جهاد مسلمین بمحاربهٔ طوایف غرب اجرا شده حقیقهٔ زرین و ضمیر بیا تشکرات عبودیت صداقانهٔ خود را باکمال سرور و عرض تقدیم حضور شاهانه شان مینمائیم . و باکمال صداقت و تمام حقیقت عرض میکنیم که با این مراحم انسانیت کارانهٔ شاهانهٔ خود شان بر عثمانیان را که از زمانهای بسیار به برادران دینی افغانی خود یک حس احترام و محبت می پروردانند ، و بلکه به عالم اسلامی را که از این ظلم و غدر ایطالیها [illegible] و مأیوس بودند مسرور و شادان فرموده اند . هیچ شبهه نیست که این نطق همایون شاهانه که بر کلهٔ آن موجب فتح اسلامیان است در وجد های [illegible] به عالم اسلامیت تا به ابد منقوش خواهد ماند و در افق اسلامیان جاودان خواهد گردید .

باقی بار بار عرض تشکرات و عبودیت کردن خود را از واجبات میشماریم

از طرف عثمانیانی که بخدمت دولت علیهٔ

افغانستان سرفراز اند بنام جمیع عثمانیان

معروضات دیوان نرنجنداس

خادم سرکار دیوان نرنجنداس کرنیل ملکی که از قدیم نمک پروردهٔ دولت خداداد افغانستان بوده و بیا شم و کلان و وکیل طایفهٔ جات قوم اهل هنود که در دولت خداداد در محالات و ولایات ممالک محروسهٔ افغانستان بود و باش دارند هستیم از طرف قوم خود داد عرض حضور پادشاه و ظل الله گردم که ما مردم اهل هنود دولت افغانستان همواره با سر و مال و جان بستگی به پادشاه اسلام و دولت افغانستان خود در غم و شادی بوده و هستیم با دوست دولت خداداد و پادشاه خود یار او دوست و با دشمن دشمن شده ایم چون امر و فتوایی که از خیراندیشی بر رعایا و دولت خداداد فرمودند ما مردم اقوام اهل هنود افغانستان که در شادی شاد و در غم شریک پادشاه و همایون معظم محبوب القلوب خود هستیم بنا بر رضای الهی و خوشنودی حضرت رسالت پناهی با این نیز آنچه لازمهٔ سعادت باشد بجان و دل بجا می آوریم و همواره سرفرازی و سلامتی وجود مبارک فیض آمود اعلیحضرت پادشاه خود را از درگاه ایزد جل شانه تمنا داریم فقط

بنده دیوان نرنجن

عرض تشکران سراج الاخبار

از این نطق همایونی که هر کلمهٔ مبارک آن یک شوق و هیجان [illegible]

در دل هر صاحب وجدان، بر می انگیزد، و هر فرد این حسیات [illegible] مرزوبوم را یک ولوله و جذبه عشقی می دزد (سراج الاخبار) از ترجمانی حال ملت [illegible] هر فرد افغان عزیز خود یک صدای [illegible] ادا می [illegible]

(پاینده باد پادشاه ما)

[illegible] خیرخواهی [illegible] و غیرت خود را بعالم اعلام [illegible] و از ته دل، حقیقت روح، و [illegible] پادشاه خیرخواه و محبوب القلوب [illegible] مقدس [illegible] و [illegible] پرورانه [illegible] و آرزوی شدید وجدان، و شوق و غیرت [illegible] ایمان [illegible] شوق و رغبت [illegible] و به این [illegible] پادشاه دل آگاه خیرخواه خود و امان رضای الهی، و متابعت حضرت رسالت پناهی و کمالات انسانی، و شرف و ترقی، و غیرت و حمیت دینی، و منافع مادی و معنوی را برای خود حاصل بکنیم

(زنده باد پادشاه ما)

هوای کابل

در این [illegible] زمستان [illegible] شهر شهیر [illegible] کابل [illegible] هوا [illegible] از [illegible] تمام [illegible] گردید [illegible] درختان [illegible] و حرارت [illegible] گردیده [illegible]

[illegible] درختان [illegible] بعضی درختان [illegible] شهر [illegible] عزیز [illegible] طبیعت [illegible] گردیده باشد.

اول [illegible] در شهر [illegible] شب جمعه گذشته ۲۵ ماه ذیقعده الحرام [illegible] از [illegible] شده [illegible] گردیده بود.

سفر حضرت اعلیحضرت همایونی

نومبر ۲۶

ذات اعلیحضرت شاهانه یوم یکشنبه چهارم ماه ذی الحجه الحرام مطابق ۲۶ [illegible] بوقت [illegible] صبح بسواری موتر با [illegible] الاقبال لازم سمت (جلال آباد) [illegible] و در روز مذکور هوا [illegible] صاف و ملایم بود. [illegible] ذات اعلیحضرت شاهانه [illegible] حضور [illegible] خود شان [illegible] شاهانه [illegible] شهزاده معظم [illegible] السلطنه سردار (عنایت الله) خان، و مصاحب خاص اعلیحضرت [illegible] سردار (محمد یوسف) خان و نائب [illegible] السلطنه جناب (نوی باب) [illegible] و دیگر نفری همرکاب

با [illegible] موتر [illegible] صبح حرکت کرده بودند، و در موتر سواری ذات اعلیحضرت شهزاده معظم [illegible] عین الدوله سردار (امان الله) خان و مصاحب خاص اعلیحضرت همایونی سردار (محمد یوسف خان) و جناب (عبد الاحد خان) حاکم [illegible] حضور [illegible] همرکاب داشتند و یک موتر دیگر نیز [illegible] حرکت نموده [illegible] بعضی همرکابان خاص [illegible] ذات والاحضرت نائب السلطنه سردار (نصر الله خان) [illegible] از دایرهٔ عالی خود شان بسواری موتر حرکت فرمودند.

ذات عالیه (علیا حضرت سراج الخواتین) [illegible] قبل از حرکت [illegible] بسواری موتر تا منزل (باریک آب) تشریف فرما [illegible] بوده، و از آنجا [illegible] حرکت کرده و منتظر تشریف فرمائی موکب فرخنده [illegible] شان بوده [illegible] بسمت جلال آباد حرکت فرموده بودند که [illegible] ذات اعلیحضرت همایونی [illegible] علیا حضرت [illegible] منزل (باولی) حرکت کرده بوده، دیگر روز با خیر و العافیه بجلال آباد داخل شده اند.

(سراج الاخبار) با جمیع [illegible] عزیز خود یعنی رعایا [illegible] از صمیم دل و جان بدرگاه الهی نیاز میکند که سفر خیریت اثر پادشاه دل آگاه محبوب القلوب [illegible] و مسعود [illegible] پذیر [illegible] اقبال شود، آمین.

خبر تلفون

جلال آباد

از طرف [illegible]

کابل

به [illegible]

اعلیحضرت والا، و شهزاده [illegible] و بعضی از خدام خاص حضور، روز یکشنبه [illegible] مطابق [illegible] نومبر [illegible] بجلال آباد تشریف آوردند. ساعت [illegible] از کابل [illegible] ساعت [illegible] دقیقه صبح [illegible] ۶ دقیقه، حاصل [illegible] ۶ ساعت و ۵۶ دقیقه [illegible] بجلال آباد تشریف فرما شدند. [illegible] تشریف [illegible] جلال آباد [illegible] تشریف [illegible] جلال آباد [illegible] (کراچی) [illegible] داخل جلال آباد گردیده.

(سراج الاخبار)

سراج الاخبار [illegible] عزیز خود [illegible] اعلیحضرت پادشاه [illegible] محبوب القلوب [illegible] بسلامتی [illegible] بجلال آباد [illegible] دعای [illegible] شاهانه [illegible] در زبان صداقت و [illegible] می سازد.

این تشریف آوری اعلیحضرت [illegible] بسواری موتر [illegible] بجلال آباد [illegible] احوال [illegible] بواسطه تلفون [illegible] در روز [illegible] پادشاه [illegible] خدا داد افغانستان [illegible] لایزال می سازد.

آیا برای [illegible] بودن [illegible] خورد و کلان [illegible]

کابل امروز [illegible] و [illegible] ساخته اند و رونق تر از این [illegible] و واضح تر از این برای [illegible] خواهد بود؟

مقام وکالت

در دارالسلطنهٔ کابل، جناب شهزاده والاجاه [illegible] سردار (حیات الله خان) وکالةً به ادارهٔ امور مأمور فرموده شده اند.

منصب ونشان

جناب (محمد اکرم خان) که سابقاً حاکم (خوست) بود و بنابر [illegible] خدمتگذاری خوب بجا آورده مظهر عواطف مراحم حضرت شاهانه شده و لقب سرداری و درجهٔ سوم و منصب برگیدی ترفیع و ممتاز، و یک قطعه نشان [illegible] الماس [illegible] سردار و درجهٔ سوم تلطیف و سرفراز فرموده شده اند [illegible] جنرالی حاکم [illegible] منصب [illegible] شادیانه درج صحایف اخبار خود [illegible]

ایضاً نشان ومعاش

(میرک خان) [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] نشان [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] فرموده شده است.

مقاله

حرب حاضر

بعد از محاربهٔ روس و ژاپان گوشهای ما هیچ صدای توپ و تفنگ را نشنیده بود. بشریت در یک پای آرامی و سکون بسر می آورد. دفعتاً از طرف (طرابلس غرب) [illegible] حرب در خاطر نمود. اما چه حرب! یک حربیکه غیر از روایات قدیمهٔ ایام وحشت [illegible] در این عصرهای ترقی و تمدن انسان هیچ شنیده نشده است.

آیا این چه سان حرب است؟ یک شخصی برخیزد و بر یک شخص [illegible] [illegible] [illegible] و اموال و متاع مرا [illegible] من خانهٔ [illegible] از تو چیست [illegible] برای نفوس و متاع خود [illegible] چون [illegible] که چرا؟ زیرا از تو زور آور تر هستم!

بلی! اگرچه قوت برابر حق [illegible] تقدم داده اند ولی [illegible] [illegible] قوت [illegible] دولت ایطالیا [illegible] گمان کرده بود [illegible] چه غلط! چه خیال خام!

این حرکت ناشایستهٔ ایطالیا موجب بدنامی بسیار بزرگی برای [illegible] مدنیت گردیده [illegible] (حقوق) [illegible] عدالت [illegible] یورپ [illegible] حقوق شناس [illegible] حقیقتاً یک [illegible] آوری شمرده میشود.

ایطالیا به این حرکت ناشایسته وحشیانهٔ خود نفرت و لعنت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] مسلمانان [illegible] حرب حاضر [illegible] که این حرکت جاهلانه [illegible] در این عصر [illegible] مدنیت حاضره خاطرهای [illegible] اهل صلیب عصرهای بسیار متقدم را بیاد آوری نمود.

از این بود که [illegible] مسلمانان را یک وحشت و هیجان عظیمی استیلا کرد. برادران مصری [illegible] و هندی [illegible] ایرانی [illegible] بیجا نه [illegible] برادران افغانی ما نیز [illegible] سکوت کردن را روا نداشتند [illegible] (سراج الاخبار) [illegible] (۵) [illegible] افغانیه یک زبان و یک قلب [illegible] [illegible] (اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اسلامیان [illegible] ایطالیا [illegible] [illegible] شرق و غرب [illegible] حقوق شناسی و عدالت [illegible] ایطالیا [illegible] [illegible] حقوق [illegible] باز آورد.

◆

حوادث خارجیه

نقل از اخبار پایونیر مورخهٔ ۵ ماه نومبر سنه ۱۹۱۱

مطابق ۱۳ ماه ذی القعده سنه ۱۳۲۹

لندن ۴ نومبر — در شهر برلن خبر رسمی شایع شده که معاهدهٔ جدید فرانس و جرمنی جمیع تنازعات مابین را رفع میکند و امید است که در آینده جرمنی و فرانس موقع کشمکش نخواهند یافت و این امر خیلی قابل مسرت میباشد که برطانیه در مرتب ساختن معاهدهٔ مذکور هرگز مداخلت ننموده است — شرائط بزرگ معاهدهٔ مذکور بقرار ذیل میباشند. فرانس

(۱) در ملک مراکو اختیار کامل دارد و جرمنی در معاملات ملک مذکور آینده هرگز دخل نخواهد داد

(۲) جرمنی بعوض شانزده هزار مربع میل علاقهٔ افریقوی سه لک مربع میل از فرانسس خواهد گرفت چنانکه تعیین حدود علاقه‌جات مذکور در خود معاهده کرده شده است فقط

یقین است که اطالیه ارادهٔ حصول قبضهٔ جمیع الجزایر ترکی را در بحر نموده است و بالفعل غالباً بر ساحل شام حمله خواهد آورد و از روما خبر آمده است که سپاهیان ردیف سنهٔ ۱۸۸۸ را برای خدمت نظامی خواسته شده است و یک لشکر دیگر را مع سپه سالار آن حکم شده که بطرف طرابلس روانه شوند فقط

برای مارکوئس تیهوڈولی که در مجلس منتظمهٔ قرضهٔ دیون عثمانی وکیل اطالیه میباشد از ملک ترکی حکم اخراج داده شده است و باب عالی به دول یوروپ مراسلات اعتراضیه باین مضمون فرستاده است که اهل اطالیه بدون سبب قتل عام عربان نمودند و آن برخلاف معاهدهٔ بین الاقوام ۱۹۰۷ع میباشد فقط

کرنیل غلام رسول خان ایجنت افغانی مقیم بمبئی در شهر پشاور رسیده است و از آنجا عیال و اطفال خود را به کابل خواهد فرستاد فقط

یک جاسوس جرمنی را که بتاریخ ۲۸ ماه اگست بمقام واقع انگلستان ماخوذ شده بود سزای قید ۲۱ ماه داده شده است فقط

(سراج الاخبار)

جاسوس و جاسوسی چند قسم است یکی همین گونه جاسوسهاست که دو مملکت رقیب همدیگر در باب قوهٔ عسکریه و استحکامات و اسلحه و رازها و افکار سیاسیه وغیره در ملک همدیگر اجرا میکنند که این گونه جاسوسها و جاسوسیها مقبول و برآورده شدنش ضرور است. و دیگر یک قسم جاسوسی معروف ایست که برای رسانیدن شرور و ضرر افراد بنی نوع خود بعضی دنائت کاران بی وجدان اجرا میکنند که اینگونه جاسوسی و جاسوسیها شایان لعنت و نفرین میباشند.

مخبرهای اخبار را جاسوس گفته نمیشود (مخبر) گفته میشوند زیرا خبرهائی را که میگیرند برای فایدهٔ عامه نشر و اشاعت میکنند.

کیفیت ستارهٔ دمدار که در چند ایام گذشته بوقت صبح دیده می شد بیشتر ماهران علم الافلاک معلوم نبود لهذا نام آن ستاره را سال ۱۹۱۱ نهاده اند فقط

سراج الاخبار

ستاره‌هائیکه در (عالم شمسی) بر اطراف مرکز خود که (شمس) است دوره و حرکت دارند بر سه نوعست. یکی (سیاره) دوم (پیلک) سوم (سیارات ذوات الاذناب) یعنی ستاره های دمدار. (سیاره) همان ستاره های معلوم و معروفیست که عطارد، زهره، مریخ وغیره میباشند. (پیلک) ستاره هائیست که براطراف خود (سیاره) دور میکنند. چنانچه (کرهٔ قمر) را پیلک کرهٔ ارض میگویند. ستاره های دمدار نیز سیاراتیست معروف که بر اطراف شمس بدور و حرکت میباشند.

(مدار) راه موهومی ایست که سیارات بران راه بر دورهٔ شمس دوره و حرکت دارند. مدار بعضی راهها ئیکه سیارات بران حرکت دارند گرد و دوایره وی میباشد. اما مدارهای ستاره های دمدار بیضوی و ممتد میباشد.

بعضی ازین ستاره های دمدار در بیست سال، و بعضی در سال و بعضی بعصرا یک دور خود را باطراف آفتاب کامل میکنند. و گاهی بشمس بسیار نزدیک میشوند و گاهی بکرهٔ ارض نیز دور می افتند. لهذا این یک دوره حرکتیست که از ابتدای خلقت کائنات بحکمت و ارادهٔ خلاق موجودات برآنها حق فرموده شده و یک نظام لایتغیریست که هیچ تبدل ندارد. پس اعتقاد و افکاریکه در عالم برای ستاره های دمدار زبانزد شده آمده است سراسر واهی و غلط میباشد. ستاره های دمدار هیچ تاثیر سعد و نحس و جنگ وغیره را در کرهٔ زمین نمی بخشد.

از ملک مصر چهار هزار نفر مسلمانان راسخ الاعتقاد به طرابلس رفته اند که برخلاف کفار جهاد نمایند و چون که اطالیه ملک مفلس میباشد و اخراجات جنگ یومیه بر ایشان بقدر ده لک پوند میشود و تا حال ملک مذکور سه کرور پوند بر جنگ خرچ کرده است لهذا سیاستدانان ملکی کوشش جد تن ساخته اند که فی الفور سر رشتهٔ صلح کرده شود. علاوه بران بعضی اهل اطالیه که در ابتدا آرزوی جنگ داشتند نیز فرو شده آمده و الحال که فقدان منظوری اخراجات جنگ به پارلیمنت پیش خواهند شد قریباً جمیع اراکین برای صلح اصرار خواهند کرد

(سراج الاخبار)

از یکی از عقلای روزگار پرسیدند که:

برای محاربه اول چیزیکه بکار است چه چیز است ؟

گفت — پیسه ! :

باز پرسیدند که : — دوم چه بکار است ؟

گفت — پیسه !

باز پرسیدند که : — سوم چه بکار است ؟

گفت — پیسه ! .

مستر سنیشه اخبار نویس مشهور انگلستان سفیر ترکی و دیگر ممالک یوروپ را باین دعا خطاب نموده است که روم را برخلاف اطالیه اشتغال بدهد و سررشته نماید که تصفیه تنازعه اطالیه و ترکی در عدالت ثالثان هیگ کرده شود و برای حرکت ناشایسته اطالیه آنرا سزا داده شود ظاهر است که ترکان مستر مذکور را خیلی دوست داشته باشند و برای امداد وی سررشته هر قسم را نموده باشند فقط

قبل ازانکه ترکان از بندرگاه های طرابلس برآمده بودند آنجا جمیع شترها و دیگر جانوران بار برداری را همراه خود برده بودند و الحال اطالیه برای حمل و نقل سامان خوراک و غیره مشکلات بسیار محسوس میکند علاوه بران شخصیکه سپاه سالار افواج عثمانیه برای جنگ طرابلس مقرر شده است خیلی شجاع میباشد و عزم مصمم کرده است که تا آخر با اطالیه جنگ خواهد نمود

نقل از اخبار سول اینڈ ملٹری گزٹ مورخه ۵ ماه نومبر ۱۹۱۱ء مطابق
۱۵ ماه ذی القعده ۱۳۲۹ء

لندن ۵ نومبر — وکیل رویتر از شهر طرابلس بشهر مالٹا رسیده است و بیان میکند که برخلاف بیانات سرکار اطالیه تعداد ترکان و عربها که بتاریخ ۲۳ ماه اکتوبر با افواج اطالیه جنگ نموده بودند دوازده هزار نفر متجاوز بوده و آنها باین سرعت و شجاعت حمله کرده بودند که افواج اطالیه متحیر شدند و از یک هزار نفر زیاده را مقتول و مجروح ساختند و اکثر حصه وادی طرابلس را از قبضه اطالیه واپس گرفتند و الحال وسعت علاقه اطالیه در طرابلس بجای پانزده میل صرف ۸ میل میباشد و ترکان اعلان فتوحات خود را باین طریق کردند که از توپخانه خود گلوله های آتشین را بر افواج اطالیه فیر کردند تا اینکه یک [illegible] در کمپ سپاه سالار اطالیه افتاده و افواج اطالیه تا آن حد پس پا شدند که از آنجا سوار شدن بکشتی ها صرف باقی مانده است لهذا اراده پیش رفتن افواج در علاقه صحرا قطعاً موقوف گردیده است و تا زمانیکه وادی طرابلس بوسعت پانزده میل بدست ترکان می باشد فی الواقع خود شهر طرابلس بمقام محصور خیال کرده میشود و دوم جرنیل اطالیانی در آنجا [illegible] داده و خود را اندرون حصار [illegible] است و ظاهراً چنان معلوم می شود که او کاهی بر ترکان حمله خواهد آورد فقط

در شهر طرابلس مرض هیضه [illegible]

جرئت قتل عام سرایت کرده است و اگرچه اطالیه تردید خبر قتل عام عربان را کرده است مگر وقایع نگار رویتر بیان میکند که خودش قتل عام عربان را بچشم خود دیدم و احوال مذکور را بجناب سفیر برطانیه مقیم طرابلس دستخط نموده ام و کل وقایع نگاران تصدیق میکنند که سپاه سالار اطالیانی برای قتل جمیع عربان مشتبه حکم داده بود و دیگر سپاهیان آن را حکم قتل عام خیال کردند و لهذا در زیر بازخواست این حرکات وحشیانه جرنیل کانیوا سپاه سالار اطالیانی میباشد فقط

لندن ۵ نومبر — بیست هزار سپاهی نظام اطالیه مع توپخانه و رساله و جهازات هوائی بمقام نیپلز جمع شده اند که برای کمک افواج طرابلس روانه شوند فقط

بتاریخ ۲۰ ماه اکتوبر یک شخص مسمی بری سنگ از جلال آباد بپشاور میرفت و در قافله سرای جمرود توقف کرده بود و چون خوابید دو هزار و پنجصد روپیه کابلی او را دزدیدند و اگرچه تلاشی اکثر مردم گرفته شد لاکن سراغ دزد مطلقاً یافته نشد فقط

(سراج الاخبار)

هرگاه جمرود در علاقه افغانستان میبود و بوقوع این واقعه آیا چه واقعه خوانیها می شنیدیم؟ . . . .
وقایع نگار سرحدی اخبار پایونیر چه هنگامه ها برپا مینمود؟

اگرچه خبر الحاق مصر با مقبوضات برطانیه غلط میباشد لاکن با وجود آن درین باب هیچ شک نیست که تغیرات انتظام ملک مذکور کرده میشود و علی الخصوص عدالت های دول مختلفه یوروپ را موقوف کرده خواهد شد چراکه بعد از تصفیه معامله مراکو و جنگ اطالیه و ترکی بادولت انگلستان هم در ملک مصر چیزی فایده حاصل کند فقط

خبر فرستادن بیست هزار نفر سپاهی دیگر به علاقه طرابلس ظاهر میکند که کار اطالیه در ملک مذکور بانهایت دشوار تر گردیده میرود و لیکن افواج اطالیه از ترکان و عربان قلیل التعداد شکست سخت خورده اند و غالباً این بیان غلط میباشد که در جنگ ۲۳ الی ۲۶ ماه اکتوبر چهار هزار عرب و ترک بقتل رسیده چراکه بقرار بیانات وقایع نگاران اخبارات مختلفه یوروپ کل تعداد افواج عثمانی در ملک مذکور از دو هزار نفر متجاوز نبوده و اگر بیان مذکور صحیح باشد سپه سالار اطالیه حکم قتل عام را داده باشد فقط

بتاریخ ۱۴ ماه اکتوبر مکتوب ذیل از شیراز آمده بود — مستر ناکس قنسل بریطانیه مقیم شیراز برای تاجران مشوره داده است که تا آنها مال و اسباب تجارتی را به اصفهان روانه نکنند چراکه راه‌ها فعلاً خیلی غیر محفوظ میباشند — درهمین ایام بزرگ ایل کلان دارد راهزنی بکثرت بوقوع آمده اند و مال و اسباب گران بها بغارت برده شده است و تاجران انگلستان هم تحمل نقصان خیلی کثیر شده اند و یک زن انگلیس را دزدان زد و کوب بسیار نموده اند پس لازم است که سرکار انگلیزی [illegible] باید — علاء الدوله نائب الحکومه شیراز مقرر شده است و [illegible] از شهر برآمده اند لاکن توقع امنیت کامل خیلی کم میباشد فقط

استربانان طرابلس مکتوبات و تفنگ و سامان حرب وغیره برای افواج عثمانی و عربان صحرا رسانیده میروند و اکثرشان را افواج اطالیه ماخوذ هم نموده لاکن باوجود آن وفاداری شان متزلزل نشده است و هر وقت برای افواج عثمانی آب تازه میرسانند و همین سبب است که برچاهای آب اکثر اوقات حمله کرده شده است — علاوه بران ترکان به بیرق سفید چند بار آب تازه را از کمپ اطالیه هم برده اند فقط

نقل از اخبار سول اینڈ ملٹری گزٹ مورخه ۶ ماه نومبر سنه ۱۹۱۱ع
مطابق ۱۴ ماه ذی القعده سنه ۱۳۲۹

لندن ۴ نومبر — افواهاً مشهور شده است که جرنیل کانیوا سرعسکر اطالیه مقیم طرابلس موقوف شده است و بجای او جرنیل مروکونی سرعسکر مقرر گردیده است و جرنیل کانیوا غالباً حاکم طرابلس مقرر خواهد شد و اخبار [illegible] امروز یک تلگراف را شایع میکند که بروز سه شنبه و چهارشنبه گذشته ۸ هزار ترک و ۲۰ هزار عرب بر افواج اطالیه حمله آورده و فتح کامل حاصل نمودند و قریباً چهار هزار یا شش هزار سپاهی اطالیه را مقتول و مجروح ساختند و دو قلعه و توپ و سامان حرب را بمقدار کثیر بتصرف خود آورده اند فقط

اطالیه برای دول متحده اطلاع داده است که کل ملک طرابلس و سایرین با علاقهٔ اطالیه ملحق کرده شده است و باید که اکنون دول دیگر رسمی این امر را بنماید که ترکی برای مصالحت ملتمس شود و در معاهده رخنه واقع باشد و خواهی نخواهی باعث خونریزی ثابت نگردد فقط

(سراج الاخبار)

آیا اطالیها چرا بر قسمت [illegible] خود راضی شده باشد ـ خودشان را از سوزه بیشتر دراز کرده اند آیا متعدی بر خونریزی کی شده ؟

برلن ۳ نومبر — سررشتهٔ صفائی شهر طرابلس خیلی ناقص میباشد و لاشهای پنجاه نفر که بعوارض هیضه و گرسنگی وغیره مرده بودند از بازارها یافت شده اند و وادی طرابلس پر از لاشها میباشد و تعفن و بدبوی آن علاقه ناقابل برداشت است و در افواج اطالیه قریباً چهل نفر روزانه بعارضهٔ هیضه می میرند فقط

در آبهای سرخپ مونت از سطح بحر یک جزیره دفعتاً برآمده است و بوقت برآمدن آن نظارهٔ تموج دریا و دود و شعله ها قابل دیده بوده است فقط

(سراج الاخبار)

برآمدن اینگونه جزیره ها از زیر آب بحر این اول بار نیست که بوقوع می آید . بلکه پیشتر ها نیز در بحر یونان وغیره جاها بوقوع آمده حتی بعضی وقتها بعکس آن هم شده است که بعضی جزیره ها دفعتاً در آب فرو هم رفته است .

سبب اینگونه وقوعات همانا حرارت مرکزیهٔ زمین یعنی آتش سیالیست که در جوف زمین میباشد . آتش سیال [illegible] همیشه بجوش و خروش است که زلزله ها و آتش فشانی [illegible] نشان ، و اینگونه جزیره برآوردنها و فرو بردنها [illegible] بجارت فرو بردن کاری آورده .

لندن ۴ نومبر — بتاریخ ۱۱ ماه اکتوبر پنج نفر سپاهیان [illegible] ایران از طرف مستر شوستر امریکائی برای [illegible] رفته بودند که یک آدم روسی مزاحم شده و بر آنها [illegible] و تاجران سرکار ایران مراسلهٔ اعتراضیه را به سرکار روس فرستاده بود لاکن سفیر روس مقیم ایران مراسلهٔ مذکور را از طرف بدون جواب واپس بسرکار ایران فرستاده است بلکه مطالبه نموده است که ایران از روس به این سبب عذرخواهی کند که در معاملهٔ مذکور سپاهیان ایرانی توهین افسران روسی کرده بودند و اگر ایران عذرخواهی نکرد روس بر جائیداد [illegible] و مازندران تصرف خواهد نمود مگر ایران تصفیه نموده است که مطالبات روس را هرگز منظور کرده نمیشود و افسران پولیس بقرار قانون جائیداد شعاع السلطنه را ضبط خواهند کرد فقط

جنگ اطالیه و ترکی خیلی جنگ عجیب میباشد و در تاریخ دنیا

بر از نظر ندارد و هر دولت به دول یوروپ استدعا میکنند که سررشتهٔ مصالحت را بین خاطر آورده شود — ترکی مجبور بود که این درخواست را بکند چرا که بسبب کمزوری بحریهٔ دولت عثمانیه حفاظهٔ طرابلس را محال میداند لاکن حالت اطالیه مضحکه انگیز است چرا که خود آن دولت بدون سبب بر علاقهٔ ترکی حمله نموده است و در ابتدا دانسته بود که کار فتح طرابلس آسان است از اکنون چون دیده است که کار بآن قدر آسان نمی باشد که خیال کرده شده بود پس دیگران را میگوید که مرا ازین جنگ نجات بدهید — فی الواقع اطالیه ملک مفلس میباشد متحمل اخراجات کثیر جنگ شده نمی تواند و همین سبب است که برای مصالحت درخواست مینماید لاکن دول یوروپ به خواهش دولت ترکی را منظور نکرده اند و هیچ وجه نیست که درخواست اطالیه منظور شود علاوه بران این خبر عجائبی که اطالیه را فی بر جانبکه با وجود خوردن شکست ها اعلان الحاق ملک طرابلس کرده میرود فقط

نقل از اخبار سول اینڈ ملتری گزت مورخه ۱۹ نومبر سنه ۱۹۱۱ء مطابق ۲۷ ماه ذیقعده ۱۳۲۹

از قسطنطنیه خبر مسرت کاری آمده است که ترکان افواج اطالیه را شکست داده شهر درنه را قبض شده اند و فوج اطالیه متحمل نقصان عظیم گشته پنجصد نفر را مقتول و پنجاه توپ را در معرکهٔ کارزار گذاشته

نامه نگار اخبار پایونیر می نویسد که اعلیحضرت امیر صاحب خبرهای جنگ ترکی و اطالیه را به اشتیاق تمام مطالعه میفرمایند چنانچه اخبار جنگ طرابلس و جاپان توجه بدل میکنند — بنا برین چند مترجم اخبارات بحکم اعلیحضرت امیر صاحب مقرر نموده شده اند که اخبارات مذکور را در فارسی ترجمه نموده هر روز برای مطالعه حضور روانه کنند — کرنیل غلام رسول خان اجنت اعلیحضرت امیر صاحب مقیم بمبئی که حال وارد پشاور شده است مردم افغانستان را ترغیب میدهد که خرید و فروخت جمیع سامان تجارت اطالیه را موقوف کنند و ازین ظاهر میشود که کرنیل موصوف از خیالات مسلمانان بمبئی که آنها در باب اطالیه دارند خیلی متأثر شده است امّا هنوز هیچ معلوم نیست که اعلیحضرت امیر صاحب تقلید این خیالی را خواهند نمود یا نه فقط

(سراج الاخبار)

فقرهٔ آخرین این اخبار (پایونیر) را (نطق جاپون) اعلیحضرت جاپانی که صفحات اول این نمره را شرف و زینت بخشیده و توضیح و تفسیر مینماید .

نقل از اخبار تریبیون مورخه ۱۵ نومبر سنه ۱۹۱۱ء مطابق ۲۳ ماه ذیقعده ۱۳۲۹

در دهلی ۶ نومبر بمعیت مسلمانان معتبره رئیس یک مجلسی قائم کرده و تجویز نمودند که به گورنمنت برطانیه استدعا کرده شود که گورنمنت پاس خاطر مسلمانان که از رعایای انگریزی میباشند در جنگ ترکی و اطالیه [illegible] از طریقهای جابرانه که اطالیه در قتل زن و بچهای مسلمانان مظلوم طرابلس معمول داشته دخل دهد و برایشان روشن گرداند که چنین بی مروتی و سرمهری برای اقوام مهذب و شایستهٔ مدنیت نیکو سزاوار نمیباشد و چون مسلمانان هندوستان و دیگر ممالک محروسهٔ برطانیه رعایای وفادار و قابل اعتماد میباشند لهذا گورنمنت را لازم باید که آنها را جواب طمانیت بخش بدهد و خیالات عام شورش و بدامنی را باسانی تمهید تدارک و تدافع نماید تا مسلمانان را جمعیت خاطر حاصل باشد — در انجمن مذکور دیگر تجاویز نیز پیش شده مثلاً انجمن برای امداد مظلومان طرابلس مبلغ کثیر بطور چنده فراهم نماید و کل اهل اسلام برای کمک ترکی جمع شوند و وزیر اعظم قسطنطنیه درخواست کرده شود که از واقعات اصل جنگ که آمده است بقنصل ترکی مقیم بمبئی اطلاع نماید فقط

مسلمانان لاهور در مسجد بادشاهی جلسه برای این غرض منعقد کردند که چنده برای امداد مصیبت زدگان طرابلس فراهم نموده شود — چنانچه در جلسه مذکوره مبلغ پنجصد روپیه کلدار جمع شده و مسلمانان طلبای کالج اسلامیه لاهور نیز کاسهٔ گدائی بدست گرفته از بازار انارکلی مبلغ یکصد و چهل روپیه کلدار برای غرض مذکورهٔ بالا چنده فراهم آوردند فقط

از ترجمهٔ اخبارات انگریزی که در هیئت
العلوم [illegible] ترجمه شده نقل شد

از اخبارات ترکی

ترجمه و نقل نطقیست که به امضای (سید امیر علی) در اخبار (تایمس) نوشته شده :

صاحبان !

خواه از نقطه نظر صلح و صلاح عمومی ، و خواه از جهت وضعیت شقاوت کارانه ئیکه ایطالیا در ممالک شرقیه پیش نهاد خود ساخته به این دو سبب میباید که برطانیه هیچ صورت ازین کار ممنون و خشنود نشود . زیرا هیچ فایده و منفعت مادی و معنوی برای برطانیه ندارد . بلکه محقق است که موجب بسی مضرتها میشود . و درین مسئله دو نقطه مهم موجود است که حقیقتاً شایان بحث و بیان است :

اول : بسبب این محاربه همه اهل اسلام بجوش و خروش و قهر و غضب آمده ، ظاهر و علانیه بسوی ایطالیه بنظر شقی و رهزن می بینند که درین باب همه مسلمانها حق صریح هم دارند ، زیرا با وجودیکه حکومت ایطالیه همه قواعد حقوق دول ، و جمله قوانین موضوعه مدنیه را پامال نمود بسیار شایان تعجب است که دولتهای اروپا در خصوص التزام حق و حقیقت بیقیدی و بی پروائی را پیش گرفتند .

همه مسلمانها یکه در بمبی ، لاهور ، کلکته ، لکنهو ، و جمله نقاط وسیعه هندوستان ، و مصر و دیگر بلاد اسلامیه زندگانی دارند ازین حرکات بیجای ایطالیانها علناً اعلان نفرت و توحش کردند که اینهم برای اثبات مدعای من که عبارت از عدم منفعت برطانیه است کافی میباشد . و در همین جاهای مذکوره گردیده اجتماعها و مجلسهای عمومی منعقد شده و نطقها و خطابه های بسیار آتشین حسیات دل خودشان را بیان کرده و بیک زبان بسیار سوزناک و از غل و غش پاک از دولت برطانیه استرحام در خواست کردند که ایطالیا را ازین کار ناحق وی را و ایشان منع کند .

دوم : این است که ایطالیانها بسبب اینگونه حرکت ناحق و نالایق خودشان این محاربه را بیک شکل و صورت دیگری دوره داده حسیات اسلامیه را بحرکت و هیجان در آورده که آنهم محاربه را بنظر جنگ (اسلامیت و نصرانیت) بجلوه آوردند ، حال آنکه اصل جای ترس و اندیشه هم چنین نقطه نباشد .

علی الخصوص فرستادن پاپ تسبیح خود را برای آویختن بگلوهای کشتیهای جنگی ایطالیا حقیقتاً موجب حیرت و دهشت شمرده میشود . یا در بیانیکه وکیلهای پاپ است [illegible] بلند شدن بیرقهای صلیب را بر دیوارهای قلعه طرابلس به پاپ مبارکباد گفته اند . به این هم اکتفا نشده چندی پیشتر در سفارتخانه ایطالیا در لندن یک جشنی برپا شده و بسی سخنان حرارتناکی بیان کردند که از آنجمله ترکها را از قطعه (یوروپ) بیرون راندن و مانند یهودیها بدیگر طرفهای کره زمین پراکنده کردن بحث و بیان نموده اند که این سخنان بجز هذیان و دیوانگی دیگر چیزی نیست .

از آنکه منافع برطانیا را مقدس میدانند ، و مدافعه و محافظه آنرا یک وظیفه مقدسه برای خودمی شناسند به پرسیدن این سخن مجبور میشوم که : « آیا انجام و نتیجه این احوال را برای برطانیه خوب و پر خیر میشمارند ؟ » !

درحالیکه دولت برطانیه خود را یک دولت [illegible] حریت پرور بهمه ممالک شرقیه شناسانده ، و در هر وقت خود را حق و حقانیت مشهور کرده آیا چسان میشود که به این حال ناحق و رذیلانه اختیار سکوت بکند ؟ و اگر سوال شود که « هرگاه سکوت بکند چه خواهد شد ؟ » بجوابش میگویم که سکوت کردن برطانیا غیر ممکن است . زیرا دولت برطانیا حاکم (۴۰۰) میلیون نفوس بشر است که یک ربع آن مسلمانانست . و این مسلمانها از بسیار سالهاست که برای حاصل شدن یک رابطه محکم در میان شرق و غرب کوشش ورزیده اند ، و برای بدست آوردن افزونی وداد و محبت این دو عنصر سعی و غیرت کرده اند .

پس اگر دولت برطانیه که در نظر مسلمانها از همه دولتها عالیتر و حقانیت پرورتر شمرده میشود بمقابل این حق ناشناسی ایطالیا چیزی نگوید حقوق خود را خود پامال مینماید . لهذا نظر به این دلیلهای واضح که بیان شده میباید که دولت برطانیه بواسطه کشتیهای جنگی خود بصورت مردانه مداخلت کرده به این کار یک نهایتی بدهد . و به اینصورت ثابت بسازد که نصارا را حق و حقیقت را التزام کرده بنظر پامالی ضعیفان نمیباشند . وجدان ، انصاف ، انسانیت هم چنین اقتضا میکند .

* * *

آخرین خبرهای اخبار

ترجمه اخبار پاینیر مورخه ۱۳ ماه نومبر سنه ۱۹۱۱ مطابق ۲۱ ذیقعده ۱۳۲۹

اطالیه از جنگ ترکان بیزار معلوم میشود چرا که آن اصرار میکند که دول یوروپ سررشته مصالحت را بجنبانند لکن دول یوروپ نمیدانند که چگونه مصالحت کرده شود اطالیه تا حال فتح هیچ قسم حاصل نکرده و با وجود آن میخواهد که ملک طرابلس را بعلاوه خود داخل کند و ترکان بر آن جنگ بهر نوع مستعد می باشد پس باید از طرفین پیمانه [illegible] گذاشته شود تا اینکه خود آنها سررشته صلح را بکنند فقط

مستر ماکولین انگلیس که وقایع نگار جنگ طرابلس است بجزیرهٔ مالت بدین مدعا رسیده که احوال مفصل و صحیح جنگ را در اخبارات شایع کند چرا که افسران اطالیه خبرهای فتح ترکان را تحریف میکنند و وقایع نگاران را اجازه نمیدهند که احوال شکست اطالیه را به ممالک خود روانه کنند مستر مذکور بیان میکند که ترکان و عربان شب و روز [illegible] را با اطالیه جاری [illegible] اطالیه را مقتول و مجروح ساخته اند و اهل اطالیه در طرابلس بقدر خوف زده شده اند که [illegible] دیدن ترکان میگریزند و هرگز طاقت مقابله نمیکنند فقط

بمدیر جناب محترم سراج الاخبار افغانیه

رفیق محترم ما اخبار (آزاد) در نمبر ۳۸ وجلد ۳ خود صحیح در باب (سراج الاخبار) نوشته مطالب خود را بصورت ستایش کارانه بیان نموده که از این حسن توجه رفیق خود بالخاصه عرض تشکر میکنیم ولی این یک فقره اش را که: (مدیر و سرمحرر آن محمود طرزیست که فاضل ترکیه است) بتغییر وتصحیح کردن مجبوریم که محمود طرزی اصلا ونسلا افغانست در محیط افغانی خود معظم عاشق وطن یک افغانیست. محمود طرزی پسر سردار غلام محمد خان معروف به طرزی افغانست که دیوان اشعار آبدارش در کراچی طبع گردیده، طرزی افغان پسر سردار رحمدل خان برادر سردار (پاینده خان) علیهم الرحمة والغفران میباشد.

دیگر به تغییر وتصحیح این فقرهٔ رفیق خود مجبوریم که میگوید: «سراج الاخبار اگرچه در مطبع سرکاری طبع میشود و زیر نگرانی سرکار جاری شده لکن مدعای آن اخفای واقعات نیست بلکه از احوال انقلابات ممالک تا خیالات اولیای [illegible] برق [illegible] اخبار مذکور مندرج میباشد»

اولا این را میگوییم که سراج الاخبار اخبار رسمی نیست که به اراده و نظر سرکاری از طرف خود دولت نشر میشود نیست بلکه الاستقلالیه به اجازهٔ دولت طبع ونشر میشود. و اینکه میگوید مدعای آن اخفای واقعات نیست، بسیار درست است. زیرا مقصد یگانهٔ سراج الاخبار اعطای معلومات و باخبری اهل وطن است. و چون اول ظهور یافتن و آغاز سخن گفتن وی است از آن رو هم اوراقش محدود است و هم مدت طبعش محدود. لهذا میخواهد که این نقصان خود را بتوسیع معلومات در نگارش مضامین جبیره نماید.

اعلان

شرایط اشتراک سراج الاخبار در ممالک خارجه

مشترکین گرامی که در ممالک یوروپ و عثمانی و مصر و بعضی بلاد هندوستان آرزوی اشتراک و خریداری (سراج الاخبار) را داشته باشند قیمت سالیانهٔ آنرا که نیم (پوند) است مستقیما برای جناب غلام حیدرخان سررشته دار ایجنسی دولت علیه افغانستان در پشاور میفرستند و نام وصفت و محل اقامت خود شانرا برای ما مدیره مفصلا مینویسند سررشته دار موصوف این نام وصفت و محل اقامت مشتری را به اداره سراج الاخبار در دارالسلطنه کابل بنام مدیر و سرمحرر میفرستند بعد از رسیدن خبر مذکور به اداره اخبار بنام او جاری میشود.

جناب غلام حیدرخان وجه مبلغ آمدنی اشتراک اخبار را در سر هر ماه یکبار به خزینهٔ دارالسلطنه کابل میفرستند و رسید حاصل کرده به مدیر ما از آن آگاه میسازند مبلغ مذکور در خزانهٔ عامره در هند وقت مخصوص که بنام سراج الاخبار معین و مقرر شده جمع میآید و در آخر سال یکبار حساب آن دیده میشود.

هر مخابرات و مکاتبات بنام خود مدیر و اداره فرستاده میشود.

در ممالک ایران و قفقاس و ترکستان روسی کسانیکه آرزوی اشتراک سراج الاخبار را داشته باشند قیمت سالیانهٔ آنرا مستقیما برای جناب عبدالله خان کارپرداز دولت علیه افغانستان در مشهد مقدس میفرستند و نام وصفت و محل اقامت خود شانرا واضح و مفصل مینویسند. جناب مشارالیه نیز مانند جناب غلام حیدرخان حرکت کرده اداره برای مشترکی خود اخبار جاری میکند.

درمبادله با اخبارها اداره مختار است.

هر مقاله ایکه دستخط ندارد از طرف سرمحرر تحریر یافته

مدیر و سرمحرر سراج الاخبار

بعضی که خبرهای زیادی در این نمبر درج شده بود از آن رو عرض ثروت وطن [illegible] نوشته شد

بسعی و اهتمام الحاج عبدالخالق پسر طرزی مهتمم چاپخانه دارالسلطنه کابل
بقلم میرزا محمد جعفر قندهاری طبع شد

نگران
ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی
علی احمد

مدیر و سرمحرر
محمود طرزی

اداره اخبار و مطبعه
در داخلین خانه دار السلطنه کابل

جمله امور تحریریه با اداره خانه بنام
مدیر فرستاده میشود

تاریخ عربی یکم محرم الحرام ۱۳۳۰

سراج الاخبار

۱۳۲۹

قیمت سالیانه
در دار السلطنه کابل ۸ روپیه کابلی

در اطراف و انحای مملکت با مصارف داک ۱۲ روپیه کابلی

در ممالک خارجه با مصارف داک نیم پوند انگریزی

قیمت یک نمبر آن در کابل یک عباسی است

هر پانزده روز یکبار نشر میشود

تاریخ شمسی یکم جدی ۱۲۹۰

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

داک ــــ حوادث خارجیه ــــ ادبیات ــــ عزم و عمل
فاجعه های پاریس ــــ معلومات در باب [illegible]

داک

یکی از نجوم های بسیار روشن و درخشانی که در سمای مدنیت عصر حاضر رصد شده است کوکب (داک) است. داک و داکخانه ها در وقت حاضر در دنیا بسیار بلند از ترقیات مدنیت خدمت میکند.

این چند فوائد ظاهره آشکار آن را بیان کرده میتوانیم که بگوییم اگر داک نبود، دنیا میبود و در زیر قواعد و نظامات منتظم گردیده نمیتوانست. پولیتیک یعنی سیاسیات دولتیه بیک گرداب هرج و مرج عجیبی گرفتار آمده، مکالمات دوستانه، مخابرات سیاسیه، مذاکرات اقتصادیه وغیره بکلی مختل برهم بخورد.

عالم تجارت بچنان یک حال خرابی استثنائی دچار میگردید که اعلان افلاس سوداگران عالم در هر طرف بازیچهٔ دست اطفال میگردید. بلی! زیرا اگر بواسطهٔ داک شرکتهای تجارت بهمدیگر شان از شهرهای دور از کیفیت اموال و اشیای تجارتی، و کمی و بیشی قیمت وغیره خبر نمیشدند، و نادیده یا نخریده و فروخته، و ارسال و مرسول کنند بجز زیان دیگر هیچ سودی نخواهند دید.

والحاصل داک یکی از لوازمات آسایش و ثروت و سعادت مملکت شمرده میشود. یک نکتهٔ شاعرانه نیز در جمله فایده های داک درج کرده بگویم که اگر داک نبود نامهٔ هجران یک عاشق فرقت زده‌ام کشیدهٔ از یار جدا مانده را که آرم باد صبا، یا بال کبوتر بیاره عکس رخش میرساند؟ ....

اگرچه تلگراف در خصوص سرعت و تیزروی بارها از داک فائده مندتر است، ولی مخابرات تلگراف نسبت بمخابرات داک کم گنجایش تر، و کم منفعت تر میباشد. درینجا چون موضوع بحث ما تلگراف نی بلکه داک است از تلگراف بعد ازین بحث خواهیم راند. و از وسایط نقلیه یعنی چیزهای نورد روان مانند ریل و موتر، و عراده که وسائط یگانهٔ اتصالی نامه بری داک است نیز بعد ازین سخن خواهیم گفت. حالا یکقدر از احوال سابق و لاحق داک وطن عزیز خود بیان کرده میگوییم که در وطن عزیز ما قبل از جلوس بیامن مانوس اعلیحضرت شهریار مکارم آثار محبوب القلوب ما امور داک در زیر یک نظام و قواعد مخصوص آورده نشده بود.

حق تکت منتظم نیز موجود نبود . اگرچه تکت داک در زمان حکومت امیر مرحوم مغفور (امیر شیرعلی خان) اول بار ایجاد شده ، در زمان سلطنت پرشوکت پادشاه غیور و خاقان مغفور (ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان) یک طرز دیگری اصلاح و توسیع یافته است ولی این طرز خوش نما و با استغنائی که در تکت های این عصر ترقی حصر اعلیحضرت پادشاه دل آگاه ترقی خواه ما دیده میشود در یکی از تکت های قدیمۀ دولت علیه مشهود نمی شده فیلهذا در تکت های رقم بر صنعتی که درین زمان سعادت اقتران همایونی بروی کار آمده نه در نقش و نه در خط و نه در وضع ترکیب و نه در خوبی صورت از تکت های دیگر دولتهای متمدنه بهیچ پا کم نمی آرد .

در وقت حاضر در داک خانه های سلطنت سنیۀ افغانیه هفت نوع تکت استعمال میشود : یکی تکت مکتوبهای مرسوله است که در قطعه کوچک بر سه قسم ساخته شده ، یکی برای مکتوبهای یک مثقاله است که قیمت آن یکپیسه ، و رنگ آن لاجوردی میباشد . دوم برای مکتوبهای دو مثقاله عادیست که قیمت آن دو پیسه و رنگ آن سبز است . سوم برای مکتوبهای سه مثقاله عادیست که قیمت آن یکروپیه ، و رنگ آن قهوه ایست .

نوع دوم تکت های پارسل یعنی امانت ها است که در قطعه یک قدری بزرگتر از آنها به سه رنگ ساخته شده ، یکی برای پارسلهائیست که یک خورد وزن داشته باشند قیمت آن یکقران و رنگ آن زرد ایست . دوم برای امانتهائیست که از یک خورد بالا تا نیم پاو وزن داشته باشند . قیمت آن یکروپیه ، و رنگ آن طلائی فامست . سوم برای امانتهائیست که یک پاو وزن داشته باشند . قیمت آن دو روپیه و رنگ آن سرخ است . غیر ازینها یک رقم تکت دیگر نیز ایجاد شده که مخصوص برای پاکت های کاغذهای دولتی میباشد .

یک نظامنامۀ مخصوصی نیز در باب داک به ارادۀ سنیۀ اعلیحضرت همایونی طبع و نشر گردیده که معاملات داک و داکخانه ها را در زیر قانون بسیار منتظمی در آورده است لهذا گفته میشود که در دولت خداداد افغانستان چنانچه سایر آثار ترقی و تمدن در زمان سعادت اقتران اعلیحضرت پادشاه محبوب القلوب ما بروی کار آمده امورات انتظام داک دولت علیۀ افغانستان نیز از ثمره های ترقیات بسیار نافع این (عصر سراجیه) شمرده میشود که در سابق نبوده .

درین خصوص حسن خدمتیکه عزتمند (حسن حلمی افندی) طرابزونی در باب ساختن تکت ها و ترتیب نظامنامه و دیگر لوازمات داکخانه ها بجا بر فرمان همایونی ابراز نموده الحق که شایان تحسین و تقدیر است . اعلیحضرت پادشاه ترقی پرور عدالت گستر ما در وقت اصلاح سکه های روپیه و دیگر رواجهای دولت علیۀ شاهانۀ شان نیز اراده و فرمان فرموده افندی مشار الیه را بحاضر کردن اسباب آن مامور فرموده اند .

ما مردم افغانستان از حضرت ظل الله و شان بزرگ سعادت مرام پایۀ جهان پادشاه و دانشمند ترقی پسند ما آسوده نشین راحت و سعادت داشته که عصر ترقی حصر شاهانۀ شان رشک فرمای اعصار سابقۀ افغانستان است از روز فیروز جلوس همایونی شاهانۀ شان سال بسال و ماه بماه روز بروز یک اثر ترقی نوی و یک نمونۀ مدنیت جدیدی در ممالک محروسة الملک شاهانۀ شان جلوه پرداز ظهور شده میشود که (سراج الاخبار) انشاءالله دائما صحیفۀ خویش خود را بذریعۀ تذکار رونما آوری آنها مزین ساخته المنّت فخر و شرفی بنماید .

حوادث خارجیه

(از اخبار علم)

اخبار (علم) مطبوعۀ مصر و از اخبار (طنین) مطبوعۀ استانبول

در باب خط حرکت مسلمانان با ایطالی این فقرات ذیل را مندرج و میگوید که هر کس از خوانندگان کرام که فقرات مذکوره را می پسندد و قبول کند دستخط خود را بر آن نموده همان صفحه را از اخبار مذکور پاره کرده در نزد مدیر جریده بفرستد

(فقره اول) هرگز با هیچ ایطالی معامله نخواهیم و داد و گرفت نمیکنم .

(۲) سوغات و آمدنی ایطالی را هرگز استعمال نمیکنم و آنها را رواج نمیدهم .
(۳) در کشتی ایطالی هرگز سوار نمی‌شوم .
(۴) هرگز بلغت ایطالی تکلم نمیکنم .
(۵) هیچ یک از اولاد خود را بمکتب ایطالی داخل نمیکنم .
(۶) خط و خبر خود را بواسطهٔ نویسنده و داک ایطالی نمیفرستم .
(۷) هرگز شخص دشمن ایطالی را نوکر نمیگیرم .
(۸) با هیچ شخص ایطالی بر عمل و کاری مساعدت و یاری نمینمایم که مخالف و منافی اخلاق کریمه و انسانیت حقه باشد .
(۹) بقدر طاقت خود و بقدر تقاضای اخلاق قومیه ایذا و رنجش را بهر شخص ایطالی میرسانم .
(۱۰) اولاد خود را ببغض و دشمنی ایطالی تربیت میکنم — و کراهت ایشان را در هر زمان و مکان و بهر طریقیکه ممکن باشد اظهار مینمایم .

عالم اسلامی بجهة این فقرات را قبول میکند — و بسبب آنکه تجارت ایشان بغیر ملک ما در جای دیگر رواج نمیگیرد باین حرکت جبین ایشان خاک آلود میگردد — و برگ اقتصادی میبرند — و یکی اعتقاد تام داریم برانیکه ثبات و اتحاد ما درین حرکت این فایده می‌بخشد که دول غربیه از ما مسلمانان حسابی بر میگیرند — و بالای از ما بانی شمرند و از جور و شدت خود بر مسلمانان کوتاهی میکنند پس باین حرکت از ایطالیه انتقام میگیریم و خدمت خود را از جانب دیگر میکنیم .

ایضاً

غیرت و حمیت زنان مصر

زنان ذوات خیرات در مجمع زفاف معتبر از معتبرین مصر جمع شده و اسباب فرحت و بهجتی که در عروسی متعاد است ایشان را از غیرت و فطرت حقی که با دولت علیه دارند باز داشت و هر یک از ایشان خطابهٔ غرائی در باب تقویت دولت علیه برای دفع واقعه طرابلس خواندند .

(خطابهٔ امینه نازے)

(ای پدران من ای خواهران من)

هر یکی را از مایان حقیقت ابرز است که هر یکی از مایان واجبی است از حقوق جلیله ما است که خورسندی و شادمانی کنیم خصوصاً درین زفاف — ولیکن برای ما روا نیست اینکه خورسند و شادمان باشیم وجهی که برو ضد ما هست آنرا فراموش سازیم .

لهذا درین فرصت بعد از دعا برای داماد و عروس از واجبات ما آنست که وطن خود را دوست بداریم — و این دوستی وطن را به پسران و دختران خود و [illegible] داریم

واز لوازم این محبت آنست که خود را در خدمت وطن فانی سازیم و در راه دفع اذیت و زحمت از وطن خود فکرها کنیم و نفس خود را و مال نفیس خود را درین باب بذل و بخشش کنیم — شما هر میدانید که بلاد شرقیه ما بعد از انقطاع رتبه خود بهبوط و پستی یافتند و این چیز بر شما پوشیده نیست که سبب این پستی راجع بسوی خود ما است — دولت علیه از حسن تاریخ نظام محمود دستوره داشت که هر مسلمان در هر شهر با آن افتخار میفرمود — و این مقام ایشان بسبب سلاطین فاتح و دلیران مجد در بود چنانچه در اکثر اوقات پیش روی اهل یوروپ سد محکم و مانع قوی بودند — اما یوروپ از حیله دولت علیه را از مانع افتاد — و املاک و ممالک دولت علیه بکجا رفت — چه را اهل یوروپ بغدر و فریب از ایشان گم و نیست کردند — و یوروپ با مایان بحجت انسانیت و تمدن محاربه میکند — و این نیست مگر روباهی و ظاهر داری کاذبیکه ما را بان فریب میدهد و بلاد و دیار را ملک خود میسازد و خون ما را میکند — این است ایطالیه که یکی از ممالک دولت علیه را غارت میکند — و برای این غارت بغیر قطع در ملک ما سببی نیست — ای خواهران من ببینید که چه خانه‌های آباد را ویران میکنند و چه نفوس بیگناه را از جان بیجان میکنند که آنها شمول با وحشت اطفال و عیال دارند — و بیچارگان را یتیمان و بیوه گان میسازند — خواهران من سخن را بدینجا در از ساختم — و شما مبالغ بسیار را در لذتها و نعمتها و لباس فاخره صرف میکنید — یکی را از اخراجات زیب و زینت خود بر زخمیان میدان جنگ طرابلس بخشید و برای عیالها و دودمانهای هلاک شده و بعضی را از سبیلیکه عرف زینت باطل میکنید باین مصرف برسانید .

غربیان امید و آرزو دارند که مسلمانان پراگنده شوند — آیا بان امید و آرزوی خود میرسند یا نی ؟

عزم خود را برپا کنند و ساختن مسلمانان از عالم هستی معدوم نموده اند — و از فتوحات و ظفرهائیکه بر مسلمانان پی در پی یافته اند دلیل قطعی برای خود یافته اند — و بعضی از ایشان میخواهند که اعصاب مسلمانان را تخدیر و خوابیدگی بدهند لهذا میگویند که طمع غربیان بملک شرقیان از راه مطالب سیاسی است نه از راه اغراض دینی — و اینچنین نیست بدلیل آنکه در فصل دهم در صفحه ۱۲۴ از کتاب (مسئله شرقیه) تالیف (کلور کلارق) که یکی از کشیشان سیاسی است در مجمع علمی [illegible] در شهر (پیرس) [illegible] این مضامین آمده است — [illegible] این [illegible] حمله است که [illegible] مسلمانان جنگ نخواهند [illegible] باز میگوید که من هرگاه چیزی بنویسم [illegible] برای منفعت عام مسیحی خواهد بود [illegible] ترقی [illegible]

وتهذیب عالم انسانی فرو گذاشتند — آگاه باشید که این امر عظیمی است و مصیبت سختست که عقل بر آن احاطه نتواند نمود و فهم بغور آن نمیرسد — و بر ما مسیحیان واجبست که صدمه این امر عظیم و مصیبت سخت را از خود دفع نمائیم — علاوه این است که اول کسیکه درین باب تکلم نموده است نه تنها منم بلکه بسیاری از فلاسفه عظام درین باب تکلم نموده — و عالم مسیحی را از زیاد شدن این دین ترسانیده اند —

آن امر عظیم و مصیبت سخت را که گفتم دین اسلام است که باعث قوت و وسیله ترقی مسلمانان و در راه تعلیمات مسیحیان مانع سختست — پس بر شما پراکنده نمودن و کم کردن و مضمحل ساختن آن لازم است — و اگر بپرسید که اینها چگونه میسر میشوند — میگوئیم که باتحاد و قوت و اجتماع روابط های مسیحیان میشود — که چون شما متحد و مجتمع شوید — در نظر شما بر اعدای دین مسیحی فتح دیری نیست — و اسلام چیزی نیست که بسبک شمرده شود تخریب دادن مسلمانان امریست سهل و آسان بلکه دین اسلام و اهل اسلام برای ما جمیع یوروپ و خطر برپا کنند وهرگاه مسلمانان قوت یابند پراکندگی عالم مسیحی بسیار برای ایشان آسانست — بیان این سخن این است که بر شما خیال نمیکنم که از وقایع سباستپول و غیره آگاه نباشید سبب در فیروزی و نصرت ایشان چه چیز بود — و آن کتاب صغیر که از شخص عظیمی نام دی محمد بود آورده — باز در باب قرآن چیزی نوشته است که قابل نقل نیست و بر شما خیال ندارم که این را ندانید که هرگاه مسلمانان یکدیگر خود را متحد و یکدل نمی ساختند و مسیحیان بضاعتی یکدیگری پرداختند نصرت یافتن با مسیحیان بر آن بانیان و ترک ایشان امر محال بود — علاوه آنست که دولا و غیره های آنها تا این زمان و دائمی ترسانیده تنبیه و سرزنش مینمایند که شما را خراب میکنیم — و ملکهای خود را از شما واپس میگیریم — پس اگر بهلاک نمودن مسلمانان نکوشیم بخدا سوگند است که بهلاک میشویم — بر ما لازم است که ایشان را ذره ذره برباد دهیم — بر ما لازمست که بر اموال و بلاد ایشان استیلا و غلبه کنیم بعد از آن در پراکنده شدن جماعت ایشان بکوشیم و تلاش میکنیم — در محو نمودن قرآن ایشان سعی و کوشش کنید که بخدا سوگند است که دو چشم من کتابی مثل این کتاب ندیده است — زیرا که در قرآن دقایق بزرگان بزرگ جمع میشوند — و مانند سررشته و تسلط این کتاب سررشته و تسلطی نیست — تمام نمودن مسئله شرقیه بر شما لازم است — از سستی و سهل انگاری و تن آسانی برسید — و هیچ در نظر این فقره چیزی نخواهد بود که اتفاق طوایف و اقوام اسلامی بسوی خرابیست و اساس تفرقه دولت — و در دولت عثمانی اقوامی یافت میشوند که رأیهای ایشان مختلف و مذاهب ایشان متفرق‌اند — بعضی از ایشان کرد و بعضی عربی که دشمن ترکانند و بعضی ترکی و بعضی ارناؤد و ارمنیان نسبت بر دمان عرب در نزد دولت مقرب ترند و در بسیاری از اوقات بر میخورند با عربان و ترکان معارضه میکنند — پس زود زود کنید — باز زود زود کنید بسوی غنیمت داشتن این فرصت — و بر هر یک از شما لازم است که جانبی را از اسلام برای خود مسخر کنند این است که فرانس بر ملک تونس و الجزایر استیلا نمود — و (ماتو) گفته است که فضاری ساختن این مسلمانان کار دشواری نیست — و این کاریست که ما مسیحیان طالب آنیم و این است انگلیس که در هند اقتدار از طوایف اسلام را بدست دارد که از نفوس جزیره نمای ایشان بسیار ترند — و لارد گردون در خطابه و غیره که در لندن در مجلس شورای اشراف آنرا خوانده تصریح نموده است که از تنگ و طیش مسلمانان بر دین خود چیزی دیده ام که مرا حیران و مدهوش ساخته است — و بر ما دشوار است تا وقتیکه قرآن ایشان پیش روی ایشان است با ایشان مقابله نمائیم — و غیره و غیره —

باز همان مؤلف گفته است که اگر من فرصت میداشتم همانا تمامی نفوس مسلمانان را که صلیب و چلیپا بر ایشان عطا کنند برای شما می شمردم — و شما فراموش نمیدارید این را که ما مسلمانان را از اقطار یوروپ کشیدیم — و الحال در کشیدن ایشان از افریقه سعی و کوشش داریم تا ایشان را محل سکونت در آسیه مضطر و ناچار سازیم — و در آنوقت اهل بلقان بر ایشان جوشش میکنند پس ایشان را از نقطه آخرین بلاد ایشان بیرون میکشیم — و غیر مکه و مدینه برای ایشان شهری باقی نمی ماند — و من برین فقره واثق و معتقدم که زمانه برای ما باین مطلب نزدیک است که بر هر دو شهر مذکور ایشان نیز استیلا و غلبه کنیم — و این سخن نیز از دل شما بیرون نشود که دولت عثمانی که الآن هست ضرر اکبریست که بخراب نمودن شما تهدید و سرزنش میکند — و پادشاهان گذشته ایشان را فراموش نکرده باشید که عادت ایشان پراکنده نمودن شما بود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 75 of 1786

از ظلم هستی — پس بر شما لازم است که اولاد شیرخوار خود را معنی این مسیح بفهمانید — باز کرامت این قول که هرگاه در روزی از روزها قوت یافتند نام شما را از صفحهٔ هستی محو خواهند کرد و در دل اطفال شیرخوار رستگاری میکنند و در اختتام قول خود آیه را از پطرس رسول بشما میگویم که مضمون آن از طلا بهتر است — و آن اینکه :—

مسیح آمده است برای اینکه تعلیمات خود را در میان مردمان جنگ اندازد نه برای آنکه کسی را در راه تعلیمات خود بیاید .

و معنی این قول آنست که بر ما واجب است که کار دین مسیح را لباس سیاسی بپوشانیم تا عقلها با آن فریفته شوند .

و زود است که نور صلیب و چلیپا بروشنی شتابان برسد و نور نشان هلال آهسته آهسته خورد شده برود .

خلاصهٔ فصل مذکور کتاب مذکور همین بود .

پس این همه اقرار و اعتراف صریح است که مطلب یوروپیان اجراء دین مسیح است و در لباس مطالب سیاسی — و اینکه شهرت میدهند که در سیاست دین مداخله ندارد) یا میگویند که (جوکشش یوروپیان مصلحت عام است) اینهمه گلت وزراند و دوبیت که ساده لوحان را بآن فریب میدهند — و این ساده لوحان از اقوال دانایان کار سیاست یوروپ مانند (گلادستون) و (سالسبری) در باب حقیقت مسئلهٔ شرقیه غافل و ذاهلند .

(سراج الاخبار)

به این افکار جنونانهٔ متعصبانه جواب ما اینست که بگوئیم

الحق یعلو ولا یعلی علیه

نقل از اخبارهای ترکی

ترجمهٔ تلگراف جناب امام یحیی بحضرت سلطان المعظم

بسم الله الرحمن الرحیم

در استانبول بحضور سلطانی :

خبر شدیم که بعضی از بیگانگان بر ممالک اسلامیهٔ طرابلس غرب و در بحر احمر تعدی و تجاوز کرده اند . من با صد هزار نفر از مجاهدین برای حرب و قتال با آنها حاضر و مستعد میباشم ، تا آنکه کلمة الله عالی باشد . والله ناصر والمعین

فی ۱۲ شوال سنه ۱۳۲۹
امام المبین المتوکل علی الله
یحیی

ترجمهٔ جواب تلگراف همایون

بسم الله الرحمن الرحیم

عزم و حمیتی که در تلگراف خود اظهار نموده اید سبب ازدیاد اتحاد و اخلاص ما در حق شریف شما برقرار بوده گردید . دولت ما بدفع اسباب این غائلهٔ حرب مشغول است . با این فتیانی صفوت شعار شما مستحق تحسین است خاصتاً بیان ممنونیت میکنم . ومن الله التوفیق

محمد رشاد

عربان شجعان و دینی که ربعا اصول محاربهٔ ژاپونیا را بنهاد اجرا کرده اند . عرب ها با نفرزده های جا بجا کوچک کوچک عسکر زیرو هر روز ایطالیاییها را مانده و عذاب کرده و در وقت شب که دشمن خواهان استراحت را نداشته عساکر عثمانی بر اردوگاه دشمن شبخون بسیار خونریزانه برده و بر ضایعات و تلفات بسیار بزرگ دشمن کامیاب آمدند .

تخریب طیاره — دو طیارهٔ ایطالیا را که برای کشف مواقع عساکر عثمانیه بر هوا برده بودند بسبب باد شدید که میوزید در جنگل لازم بود بلند شده و توسط عربها فیرهای تفنگ بران کرده هر دو طیاره را خراب ساختند کپتان حسن افندی پارچهٔ زرد بخت طیارهٔ مذکور را با یادگار نگاه داشته است .

یک ذات منصف بیطرف که وقایع فجیعهٔ قتل عام طرابلس را بچشم خود دیده از لندن چنین مینویسد :

ایطالیائیها پس از عربهای گرفتار [illegible] سؤال و جواب

قتل کرده اند . بطلان قصص بیگم که این کار را از مردمانی کرده اند که لباس رسمی عسکری یکدولت متفرق از دوره ها ملبس بودند که این ساده بر شان بدبخت مشغول بیاشند . اگر جنرال (کانیوا) کوتوان دان یعنی رئیس الجیش عسکر ایطالیاست چه این عمل ناشایسته را منسوبی بود عسکرهای زبردست او به انگلیز نگار ناروا اجرات ورزیده بخواهد است . لهذا جنرال (کانیوا) از حرب مسئولست . زنان را سینه دست و پا بریده و قتل کردند . پیش شیخ جوان ، اطفال را از بهر فرو قتل رسانیدند . ایطالیانها باین حرکت خود شان تنها شان و شرف خود شان را بلکه جز مدنیت ، بزرگ انسانیت را برباد کرده اند از مخلوقیکه آدم انسان میگویند اینقدر بدبخت ظهور کردن آدم را بحیرت می اندازد . بواقعه های انگلیسه ای مسیو نها ایطالیان نیا رحمت خواندند . ایطالیانها عوض دلجوئی مدنیات به شمشیر ظلم و وحشت را برکشیده و عاجزان و ضعیفان بیچاره و بیوه ها فقرا را در شهر طرابلس از تیغ کشیده با ایجاد کردن یک دریای خون بهجت کرده اند !

لعنت الله برین بدعت کفرا ذاتو

نظر بمعلومات آخرینی که گرفته ایم در طرابلس غرب بسیار خونین یک مصادمه بوقوع آمده است . عساکر عثمانیه بمعاونت عربها بی از تاریکی شب استفاده کرده بر موقعهای مستحکم ایطالیانها که در جوار شهر بود یک هجوم و یورش ناگهانی بسیار شدیدی اجرا کرده اند . این زد و خورد ۶ ساعت ادوام نموده بسرنیزه و قمه و تیغ و خنجر گلوبگلو باهم در آویختند . ایطالیانها موقع خود را ترک کرده بداخل شهر التجا کردن مجبور مانده اند . ایطالیانها در موقع محاربه طوپها و مهمات حربیه ترک کرده شکست خورده اند . ضایعات طرفین بسیار است . ولی تلفات ایطالیانها بار بار بیشتر از عثمانیانست .

کامیابیها در طرابلس

صورت تلگراف نامه ایست که از (نوریک) بنظارت حربیه رسیده است

چهاردهم ماه تشرین اول رومی در شب جمعه از نظامیه (درنه) با مجاهدین قبیله های (براعصه) و (حاصه) و (دریسه) و (عیدان) اتفاق نموده بر (درنه) هجوم و یورش بردند . از طرف ما (۸۰) شهید و از دشمن (۵۰۰) تلفات بوقوع آمد . (۱۸) پاره طوپ دشمن ضبط شده است . یک (طانبوط) ایطالیائی که یک نوعی از کشتی جنگیست در روز شنبه بر تلگرافخانه و کابها که در بندرگاه (درنه) بود

گله باری نموده ولی هیچ تأثیری نبخشید جز عربان بیچاره متفرق اند . دسیوه ذخیره ایکه از دشمن گرفته ایم بسیار وقت ادامه کفایت میکنند

صورت تلگراف نامه ایست که از طرف انور بیک بحضرت شیخ سنوسی وارد شده عساکر عثمانیه بمعاونت مجاهدین (درنه) را از دست دشمن استرداد و ضبط کردند . از اردوی ایطالیان (۶۰۰) نفر تلف و دو باتریه بمع اسیر حرب شده . و (۶) عدد قطعه طوپ دشمن گرفته شده است از عساکر عثمانی تنها هشتاد نفر شهید و هشتاد نفر مجروح افتاده است

میتینغ در پاریس

برای (پروتست) کردن یعنی اعتراض و ملامت بر ایطالیانها در پاریس یک (میتینغ) یعنی یک جمعیت ناحیتی شورای پرجوش و خروشی برپا گردیده که مرکب از هشت هزار آدم بود . خطیب بسیار مشهور یکه رئیس (میتینغ) بود و (واندروولد) نام داشت در نطقهٔ خود بیان کرد که درین مسئله حاضره اشتراک ورزیده و تقبیح و تکدیر کرده داشت . بعد از آن از مبعوثان مجلس پارلمنت فرانسه موسیو (مسبا) و موسیو (پره و سانسه) نیز نطقهای بسیار حرارتناکی در باب جنایت طرفداری ترکان بیان نموده و در حق پولتیکهٔ دولتهای اروپا پیش گرفته اند بکمال شدت اعتراضها کردند . وقتیکه دور خطابت به موسیو (ژورس) رسید از هر طرف صدای تحسین و شاباش بلند میشد و دورادور انعکاس میکرد . این خطیب بزرگ فرانسوی یک صدای بسیار بلندی با این صورت سخن آغاز نهاد :

« آیا ما از این وارده و سرنوشت جنگ کاری و وحشیانه اروپا رسانی توانیم یافت ؟ از چند سال است که بر معاهدات بین الملل چاک چاک و پاره پاره شده است . این وضع وحشیانه و حرکت غدارانه جبرآی که ایطالیانها درین عصر مستمر در طرابلس اجرا کرده اند ایطالیا تنها قاتل و خونخوار عصر بنزد هم بخاطرش آورد . »

خبر این تشنیع کرده در پاریس برپا گردیده و در دیگر شهرهای اروپا نیز همین صورت میتینغ ها برپا گردیده است .

در طرابلس عساکر عثمانی و عربان شبی عزت شان سر از پوست بر طرابلس حمله آورده اند . و در داخل شهر مابین طرفین مصادمهٔ بسیار خونین بوقوع آمد . موقعهای که ایطالیانها سرانجام مستحکم بندی کرده بودند بتوپ اندازی های طوپهای عثمانی خراب شده میروند .

شنیده شده تیربندان عساکر عثمانیه شهر طرابلس را [illegible] از آنکه ورود [illegible] یعنی کوهها زیر گیر [illegible] جنرال (کانیوا) ایطالیانی خبر [illegible] که شهر [illegible]

و در روز شنبه یک جهازی قونسلوس‌ها را دولت ایطالیا در طرابلس بوده شهر فرستاده و جا نمود که چون شهر را بحال بزیر توپ خواهد گرفت باید که قونسلوس‌های مذکور از شهر بیرون برآیند .

کیفیت جنگ بنغازی

یکی از باشندگان بنغازی که در باره‌ی اهالی اعیان کیفیت جنگ بنغازی را چنین حکایت میکند :

« بعد از آنکه بارجی کشتیهای جنگی ایطالیا بطرابلس مبدل منتظر بودیم که بر ما هم همین بلا نازل خواهد شد . عسکر اهالی همگی برین قرار داده بودند که تا بدینه ممکن بجان به ثبات و مقاومت نموده و بیرون برآمدن عساکر ایطالیا را بخشکه ولی نتوبگذارند . از گرفتن شهر هیچ اندیشه و پروائی نداشتیم . زیرا ما این یک قناعت حاصل کرده بودیم که نه چنان استحکاماتی داریم که توسط آن مدافعه دشمن باشد . و نه بقوه‌ی بحریه خود یک امیدی داشتیم که معاونت ما را بکند . مقصد ما تنها این بود که تا ممکن است برایگان نگذاریم که عسکر دشمن بداخل ملک درآمده بتواند .

عسکر به محافظه‌ی جاهای ساحل مشغول بودند . (و یوسف شتوان) بیگ که از طرف اهالی بنغازی مبعوث است با آدمهای (شیخ سنوسی) افراد داوطلب جنگی را ترتیب و تشکیل داده جاهای بلند اطراف را گرفته بودند . در وقت شب از طرف قوماندان عسکری آتش افروختن عموماً منع شده بود . اهالی چون میدانستند که ایطالیها بیرحمانه بر شهر آتش خواهند کرد از آن زنان و اطفال خود را از شهر بیرون برآورده بودند .

بعد از غروب آفتاب شهر مانند یک مزارستانی ساکن و خاموش بود . صدای قشونی بر جوش عسکری و گرگ . و تحقیق نه ترجیح می‌نمود غیر از صدای قدم زدن منتظم گزمه‌های عسکری دیگر هیچ چیزی شنیده نمی‌شد . غازیان سنوسی هر حرکات دشمن را از خشکه خبر گرفته با معلومات میدادند و یوسف شتوان بیک تفنگ مارتین خود را بدوش داشته افراد داوطلب را تعلیم می‌نمود .

تا آنکه بوقت صبح دسته کشتیهای جنگی دشمن در افق پیدا گردید . هوا از پنج روز باینطرف بارانی و خیلی مغموم بود . هشت قطعه کشتی جنگی زره‌پوش دشمن آهسته آهسته بساحل نزدیک می‌شد . از یکی از کشتیهای جنگی یک کشتی کوچک فرود آورده شده و دو نفر افسر در آن نشستند . افسران مذکور با یک بیرق سفیدی بساحل برآمدند . و قوماندان (علی) بیگ را که در ظرف ۲۴ ساعت تسلیم شود تکلیف دعوت کردند . قوماندان این دعوت و تکلیف اظهار رد نمود و آنها نیز بجانب دوم به [illegible] خود برگشتند .

روز دیگر هوا بسیار بارانی بود . گلوله‌های توپهائی که بر شهر سرکاری می‌شد رفته رفته بشدت می‌نمود . توپهای ما در مقابله با کشتیهای دشمن را در خور دیده به سالت بودند . و منتظر آن بودند که چه وقت ایطالیها عساکر خود را بخشکه بیرون برآرند . بعد از آنکه فیر اسپ شد به توپهای کشتیهای جنگی کار خود را به انجام رسانیدند قولونه‌ها و قایقها فرود آورده شده و سوق عسکر آغاز نهاد .

توپچیهای ما منتظر نزدیک شدن قایقهای دشمن بودند . بمجرد دیدن آن گلوله رسی توپهای ما شده بنا بر یک امر که قوماندان صبحی بیگ عطا نمود یک آتش بسیار شدتناکی توپهای ما باز کردند . گلوله‌های ما در قولونه‌ها و قایقهای دشمن افتاده یک و لوله و هنگامه رستاخیزی در عسکر دشمن برپا می‌نمود . قایقها پاره پاره می‌شد . جسدهای بی روح و یا مجروح در دریا میریخت .

ازین واقعه دشمن ازین نقطه حرکت خود صرف نظر کرده پس رجعت نمود . باز گلوله باری شدید تر از اول آغاز نهادند . آتش توپ مدت شش ساعت بلا انقطاع دوام ورزیده قسم اعظم شهر را خراب و پریشان ساخت .

درین اثنا از طرف غازیهای عرب خبر رسید که عساکر دشمن از طرف (جبی پولیانا) برآمده می‌آیند لهذا مجبور شدیم که به استقبال ما به آنها بشتابیم . ما چون بطرف توجه نمودیم ایطالیها نیز را ضبط نمودند . اول کاری که کردند یک (استی‌شن) تلگراف بنا نهادند . توپهای صحرائی ما که در جاهای بلند بالا بودند (استی‌شن) مذکور را خراب کرده یک قسمی از عساکر دشمن را نیز تلف ساخت .

درین وقت هر جاهای بلند حوالی بنغازی بدست غازیان است . ایطالیها یک قدم به داخل قدم نهاده نتوانستند برای هجوم دوم حاضر و آماده میباشیم . و قتیکه ایطالیها به جبی پولیانا برآمدند از طرف دلاوران سنوسی بضایعات عظیمه دچار گشتند .

ادبیات

تنهائی

(از یادگارهای صالحیه)

آیا هیچ وقتی تنها مانده اید — یعنی یکدمی با خود نشسته اید؟ اگر نشسته باشید، آیا چه دیده اید، چه شنیده اید، چه گفته اید، بکجا رفته اید، از کجا آمده اید؟

عجب تنها! از یک سوا ز تنهائی، و با خود نشستن سخن میگوئیم و از دیگر سوا ز آمدن، و رفتن، و گفتن، و شنیدن، و دیدن، حرف میزنیم!

عجب وحدت! غریب کثرت!....

یک اهل دل میگوید:

از نفس تا چند شور ساز باطل بشنوم
دم فرو خوردم بخود تا حرفی از دل بشنوم

بلی! اگر گهی با دل نشینیم، و از دل بشنویم، و از دل بخواهیم کائنات را در خود، و خود را کائنات خواهیم یافت. و چون خوب نظر کنیم نه از خود خبری، و نه از کائنات اثری خواهیم دید!

— پس چه خواهیم دید؟

— هستی ازلی مطلق!

— چه خواهیم شنید؟

— وحدت، وحدت، وحدت!

— چه خواهیم گفت؟

— همه عدم!

— کی خواهیم رفت؟

— بمقام حیرت!

— چسان خواهیم آمد؟

— به انکسار عجز و خجلت!

§

در باغچهٔ کوچک متناسب الاشجار پر اثمار خوش جویبار هوا داری که در (صالحیه) نام موضع با صفای (شام) جنت مشام دارم (تنها) نشسته ام. نمیدانم از جهت! مذاقی میشود که (تنهائی) را خیلی دوست میدارم. بالجمله آنقدر از اختلاط عالم رمم کرده که سواد شهر را آیهٔ عذاب میپندارد. و گوشهٔ باغچهٔ صفا آماده و برای این طبیعت تنهایی ام زمینی دلنشین بسیار مناسبی تشکیل داده. نه یاری دارم، نه غمگساری. نه با کسی کاری دارم، نه با من کسی را کاری! هر نفس نسیم خوش شمیم جان فزا، همدم قلب رنگارنگ نظربازیست!

گاهی میشود که تنهائی مرا (مستغرق) یعنی حیران کند. لب بسته، نظر بهر چیزیکه میخورد، از آن استفهام مدعا میکنم. نباتاتی میبینم که بتوسط قوهٔ نامیهٔ آن بحیرت میروم. بعضی بارها زمینی میبینم که مانند یک دایهٔ شفقت آیه اطفال سبز نگین و ریاحین رنگین، و میوه های شیرین را در یک گهواره می پروراند. و از پستان لطافت رسان جویبار خوشگوار شیر زندگی بخش جوهر آب صفا تاب را بیک وتیره بدون تفرق و تمیز میرساند. ولی هریک را بدیگر گونه بوئی، و دیگری رنگی، و دیگر طعم ذوقی جلوه می آورد. ازین شبه و اینگونه اشیاء، حواس این متفکر عاجز

تنها در فضای بی انتهای حیرت، مانند دایرهٔ دلی سر و پا مبهوت و بیصدا میماند که در این اثنا آوازهای با اهتزاز از دستهٔ زیرک مرغان موسیقی نواز، حواس این تنهای فکرت آشنا را از آنسو بسوی خود جلب و جذب مینماید. چون ملاحظه کنم، در یک مشت سبزه با طرف سنتوری میخزم. نباتات را اگرچه اجسام ذی حیاتی یافته بودم، زیرا تخم پروردند ظهور شدند! از ازدواج پیوندی کردند، ثمره دادند! بعد از آن پیری رسیدند وفات یافتند! ولی این یک حیات نباتی بود که بر حرکت ارتجالی بنا بود، و آواز و صدایی نزد خود معتقد نبودند. حال آنکه این آواز از مرغان خوشنوا در قالب روحانی، و آهنگ حس حیوانی می شنوم.

بسوی آشیانهٔ سعادت کاشانهٔ این مرغک خوش ترانه که در میان شاخهای بهم پیچیدهٔ بیشهٔ زاویهٔ تنهائی (آس) بیک صنعت هندسه وی اسپادگی بنا یافته بود نظر کردم. آن کاشانهٔ محقر از چوب خس و خاشاک اساس را از یکدیگرِ خانهٔ یک عائله انسانی هیچ چیز کمتر نیافتم. چه وجهی که در راه احیای زنده‌گانی نوعی، در پرورش و تربیت افزودن کردن جنس، این مشت پر در آن آشیانهٔ محقر سر بر هیچ گاه از کشش و کوشش یک پدر شفقت گستر، و یک مادر مهرآور در وضع بشر که در راه زنده‌گانی و اولادهای بخت پرور خود اجرا میکنند باز نمی آورد!

یک پدر برای نفقهٔ حال، و سعادت استقبال اولاد خود هزار گونه مهالک، و هزاران رنج خاطر را بر خود گوارا میسازد! نیزهٔ پشت اژدر درد کشیده و خنجر خونریز را به آن می بندد! در مقابل گلوله های صد منی توپهای گروپ، دگلهای پیکانی تفنگهای ماوزر بجلکوب سینهٔ اش را سپر میسازد، در جوف طبقات زمین در آمده، شمع حیاتش را در زیر بخار خفه کنندهٔ پرشرار (حمض کاربون) نام جوهر زغال سنگ بر میهند! به تهلکه های عظیمهٔ غلطیدن و افتادن کوچاره های جسیمه التفات نموده، با تیشهٔ فرهاد در زیر نقب های دور و دراز، راههای آهن خاک و سنگ بر می کند! در قعر بحر قدم بر کام نهنگ نهاده، و از منقطع شدن نفس خود، اصلاً اندیشیده، مشغول تدا نهادن سمت های دریائی میشود! آیا برای چه؟ برای نفقهٔ حال و سعادت استقبال اطفال زیر پر و بال خود!......

این است که این مشت پر محقر هم بین گونه حیات غریبه، و شوق و هوس عجیبه برای نفقه و پرورش آن جوجه های چون لخت جگرش بهر سو بال و پر میزند! الکوش در حلقهٔ دام صیاد، و سینهٔ اش را آماج جفا چه تفنگ جلا وجفا نهاده، دو بوجوش را لعمهٔ پنجهٔ سباع هین سیتم نهاده قرار داده، و هزار گونه خوف و بیداد را برخود گوارا ساخته از جنگل جنگل، و از مزرعه بمزرعه بالا فشان نفقه آوری میگردد! آیا چرا؟ چونکه آن دو جوجهٔ صغیر بالدار که بمثل نوسه روزه از تخم چو مثالی بحیائی سر بر کشیده، بطعمه و پرورش محتاج است!

بلی بسوی این دو لکه گلهای کوچک خس آشیانه، و این دو منقار کوچک خوش ترانهٔ که چه گونه آهسته مخالف نغمهٔ قانون سرور و طرب بر او است. میشنید، دیگر چشم غریبی بال وجد و عشرت میزنند. آیا چرا؟ چونکه می بیند که داده شفقت گستر، رزق آن محقر جان پرشور و محتر را انتقاد بر محبت اثر گرفته از روی هوا بسوی آشیان در فرود آمده است!......

§

سبحان الله! آوازهٔ شیر لاهوتی همراز آن طایر گوشش رسانید، مرغ تیز پرواز قوهٔ متفکرهٔ این منظرهٔ تماشا گزین عجز قرین را به اوج بالاترین سماهای حکمت به پرواز آورد! دیدم که هر ذره از ذرات کائنات، و در هر جزء فردی از اجزای فردیهٔ موجودات یک تجلی عظمت بیرون جبروتی ادانی هویداست! در هر گل منده ای، و در هر برگ دانه خضری و خیره عضوی یک نور مصباح الانوار بسیار شعشعه پدیدار است!

این عظمت از کیست، و این نور از چیست؟

ازین استفهام، روح ارواح، و جسم اجسام یک حرکت بسیار دهشتی و بیک لرزهٔ سریع السیری در آمده از هر جزء فردی که اجزای فردیه اینقدر کائنات بی انتها را تشکیل داده اند بصداهای بسیار لطیف (فونوگراف است، چون خبر تلگراف و تلفون سرعت انتا این کلمهٔ قدسیت احتوا بگوشش پرهوشی این حقیر تحف بر میخورد که: (لا اله الا هو الخلاق العظیم).

از هیبت و دهشت این صورت ذی عظمت، بر اعضا و عروق این خردهٔ کسب حیرت یک لرزی و رعشه وی حاصل میشود، از حال صحو بحال سکر می رود. کائنات را بهیولی تأثیر شعاع انوار شعشعه نثار بر تو بارقهٔ می یابد، قوهٔ حس از تأثیر قوت و سرعت روشنی آن نور را برشته و نظر در انکار و بازی افتد. در خصوص تعین و تعقین آن نور عظمت شور قوهٔ متفکره وحس نیز مانند قوهٔ نظر از کار عاجز میماند.

برای نقطهٔ ورود این نور قدسیت مظهر هر قدر که جهت تعیین کند، از غرب و شرق منزه، و از فوق و تحت منزه میباید هر ش. در وجهه حیرت، و مقدار بیخودی غرقاب وحدت افتد، بر خود میبالد که هیچ چیزی نمی بیند، و هیچ چیزی نمیشنود، از خود فی خود غرق می افتد. اشعاع جهان سوز عالم افروز جلال و جمال آن نور با کمال تنها فرمی هستی بجز تنها راهی مطلق هستی وجود به موجود را چنان فرو ان

میگرداند که جز هستی و عدم را هیچ چیزی را هیچ اثری باقی نمیماند! در آن لحظه هستی واجب ظهور میکند . بر ذره از ذرات کائنات ، و هر عنصری از عناصر موجودات آئینه تمثالی میشود که انوار جمال با کمال بیرنگ بی نشان شاهد قدس از آن پرتوی اندازد! عالم را دگرگونه رونقی پیدا میشود . سراپای اجزای فردیه کائنات از پرتو نور بدیعی که از تجلیات و تغزلی بدرخشیدن می آید . موجودات ارض و سماوات از شدت تابش آن پرتو محو و معدوم گردیده و بجای آن همان نور اقدس تابان میگردد . و در آن زمان ندای (اللّهُ نورُ السَّمٰوٰتِ وَالأرضِ :) [الآیه] در همه اشیای گنبد کائنات می پیچد . پس هر ذره که اطلاق شیئی بر آن ممکن است همه ای همان حال ذکر (احد ، احد ، احدا) میگوید . از صدای این ذکر مقدس ، تنهائی گزین عزلت نشین نیز (احد) گویان بوجد می آید ، و گوش هوش بوی اشیائیکه در نظرش می آید مینهد :

نبات میگوید : نورهٔ نامیه من از دوست ! جماد میگوید : ذرات منتشرهٔ من از دوست ! مرغک خوشنوا ترانه نیز میگوید : که این حس شفقت اولاد پروری من هم از دوست !

این منظر تماشا نیز این بیت مترنم میگردد :

وَفی کُلِّ شَیءٍ لَهُ آیَةٌ
یَدُلُّ عَلیٰ اَنَّهُ واحِدٌ

علم ثروت ملک

مابعد از نمبر چهارم

در بیان قیمت

مانند شجاعت و سخاوت عبارت از جستجو کردن اسباب ثروت نباشد . اما چنین هم نیست که در ما بین این هر دو هیچ مناسبت و رابطه هم نباشد . بلکه تأثیرات یک بر دیگر شان فعلاً ثابت است . چونکه تدارک

فاجعهٔ کهاپارنس

مابعد از نمبر چهارم

در این اوتاق دو شخص موجود بود که یکی مرد و دیگری یک زنی بود . مرد در پیش یک آئینه چوکات شکسته ، لب پریده ، بسیار خیره که بدیوار آویخته شده بود رو با ایستاده ، دستمال گردن خود را بسته میکرد . این آدم عمرش سی و چار ، سی و پنج ساله گی تخمین میشد . از ظاهر حال چنان معلوم میشد که از مردمان شریر و اوباشی که در این طرفها گردش دارند نباشد . موهای خرمائی پیچ پیچ و طبیعی اش بسیمای او خیلی لطافت می بخشید ، و هیئت عمومیه چهره اش اگر چه خیلی جاذبه حسن را مالک بود اما معلوم میشد که این جاذبه از تأثیر رنج و ماندگی های حسیه و بر در زمانی خود زائل شده است . پژمرده گی رنگ پژمرده و پوست رخساره اش که از زیاده خوانی ها مفرط یک رنگ بی پیدا کرده بود ، و چین و شکن ابروی که در پیشانیش پیدا شده بود ، و خطهای آبی رنگی که در اطراف کاسه خانه های چشمش نقاده بود ، و برشته گی لب زیرش که رنگ طبیعی خود را گم کرده بود و لبهای او روشنی بود که این خرابی های وجود او از سبب یک اندیشهٔ عظیم ، و افسوسهای شدت ناک ، و یا عیبها و سفاهت های حیابانی بظهور آمده باشد . نظری که از سیمای ظاهری یک انسان بر احوال باطنی آن حاصل میشود خیلی کم خطا بر نمیخورد . لهذا برین حکم مجیء میشد که این جوان از سفاهت و بدعیهای مفرطی باین حال خرابی رسیده باشد .

نگاههای چشم این جوانیکه احوال او را تصویر میکنیم حقیقتاً اندیشه بخش دلها بود . نور نظریکه از مردمکهای چشمش انتشار مییافت خیره و تیره بنظر میخورد . و آن مردمکهای چشم های آبی رنگ خیره و پژمرده اش به حلقه هائی گرداب سیاه و وحشتناکی شباهت میرسانید که از

اسباب مدافعهٔ وطن که عبارت از دو چیز اول شجاعت عسکریت باشد از کف اسباب ثروت تمام میرود . و اعانه و عطا محتاجین ملت که نیز نخستین سخاوت است با ثروت برادر گفته میشود . ولی با وجود اینهم ماهیت او حقیقت اسم این علم اسماً امراز چه گرچه ابیا شد . ارباب علم اخلاق با چیزهای معنوی اکتفا ورزیده شخصی را که از آن رو گذرد به انواع لذتهای روحانی نائل و سزاوار شده باشند توانگر حقیقی میشمارند که به این مسئله سراسر حق هم دارند . حال آنکه ارباب علم ثروت بجز چیزهای جسمانی را که فایده و قیمت مبادله در آن نباشد دیگر چیزی را ثروت و توانگری نمی شمارند که اینها هم سراسر حق بدست دارند .

خلاصه هر چیزیکه بقوت سعی و عمل انسانها بدست آمده باشد ، و هم فایده و هم قیمت داشته باشد آنچیزها ثروت یعنی توانگری گفته میشود . و در هر ملتی که اینگونه چیزهای فایده مند با قیمت افزونی گیرد آن ملت با ثروت و توانگر گفته میشود . و اگر ارباب علم اخلاق ، و علم ادب کدام کتابی تألیف کند و یا دیوانچهٔ شعری بظهور آورده کتاب را بزیور طبع آراسته شده و در بازار فایده و قیمت پیدا بی مبادله درآید آنوقت آنهم در شمار ثروت و توانگری داخل میگردد . لهذا موضوع علم ثروت و دایرهٔ جستجوی آن برای چیزهائیست که در تصرف و ملکیت انسان درآید و قابل مبادله و مالک فایده و قیمت باشد .

فصل دوم

در ماهیت صنعت

از معنای ثروت که تعریف و بیان آن مذکور گردید چنان معلوم شد که مقصد از آموختن علم ثروت آنست که چیزهائیکه فایده و قیمت نداشته باشند آنچیزها را فایده مند و قیمت دار بسازند . و یا آنکه چیزهای فایده مند و قیمت دار را که ذاتاً قیمت و فایده داشته باشند آن فایده و قیمت را زیاده و تر بیفزایند . زیرا بنی آدم بوجود دادن یک ذره هم مقتدر نیست . مگر اینکه جسمهای موجوده را که دست خلقت در عالم طبیعت بوجود آورده بسعی و کوشش خود جمع و ترکیب نموده .

(باقی دارد)

ازحال معلوم می شد که فکر و ذهن او به بعضی مقصدهای مختلف وعجیب که بکنه آن پی برده نمیشود پر و مالامال باشد . و این شخص بیک حرص و طمع بی نهایه مبتلا باشد .

این جوان را که اول بار دیدیم در پیش آینه ایستاده دیدیم که به سعی و غیرت خود را در باب حاصل شدن انتظام آرایش و زینت خود صرف میکرد . و در این تاریخ سنه (۱۸۵۰) بود هنوز فیشن دستمال گردن بستن گرده دار خیلی معتبر بود . لهذا شخص مذکور برای آنکه یک گرهی بسیار خوبی حاصل کند بقدر ده بار دستمال گردن خود را باز و بسته کرده تا آنکه مطلبش حاصل گردیده بعد از آن بسوی تمثال خود که آینه خیره خیره دیده آنرا عرض میگرد و یک تبسم شیرین معنی دار عطف نموده به پوشیدن فره کوت بسیار خوش برشی که به هم تناسب اندام او را بنظر جلوه میداد آغاز نهاده . و آنرا هم پوشیده ، و یک شاپو نشین تازه و چک و یک چند چینه که بر طاق بخاری افشانده شده بود در یکی از جیبهای خود انداخته ، و کلاه بسیار خوش نمای خود را بر سر بیک وضع نیم مایلی گذاشته بسوی زنی که بر فراش خوابگاه بیک تعریف آن در بالا بیان گردیده روآورده گفت :

— کلوتیلد ! من میروم .

این زن که نام آنرا از زبان مرد شنیدیم که کلوتیلد است بر جای خواب نشسته ، و از نهالی خود را بر زانوهای خود کشیده چهرهٔ خود را با دستهای خود پوشیده بود وجودش چنان در میان یک لباس فراخی که از یک قماش حریر گزره مانند چرک ساخته شده بود مستور مانده بود و از آن سبب از جملهٔ اعضایش تنها انگشتهای دستش که مانند مرمر سفید بود ، و موهای خرمائی رنگ پر پیچ پیچیده‌اش پدیدار میگردید ، بنا بر سخنی که به او خطاب گفته شد سر خود را بالا کرد . سنش بیست سالگی بود یا نبود . بقدر یک پری مجهول

(باقی دارد)

معلومات درباب

اژانس‌ها. واقسام اخبارها

«اژانس» یک کلمهٔ اجنبی ست که معنی آن از اخبار از ترجمهٔ «کمپنی تجارت خبررسانی» میشود. چنانچه یک کمپنی تجارت آهن آهن میباشد همچنان سائر (اژانس‌ها) نیز خبر و پیغامهای تلگرافی عالم است.

قارئین کرام سراج الاخبار را از اقسام اژانس‌ها
و روزنامه‌ها و از مقصد شان یک معلومات مختصر
دادن مناسب دیده شد

اژانس‌ها — اژانس‌ها کمپنی‌های تجارت خبررسانی میباشند که مخبرهای این اژانس‌ها به شهرهای کلان و جایهای مهم مقرر و موجود میباشند. این مخبرهای مذکور وقوعات مهمه را به مرکزهای خود با تلگراف اطلاع میدهند. مرکز کمپنی هم خبر و حوادث را بتمام عالم بواسطهٔ شعبه‌هایش خبر میدهند.

روزنامه‌ها و اخبارها به این اژانس‌ها سالیانه یک چیزی داده خبرها را میگیرند. و اداره‌ها و تجارت خانه‌های کلان نیز از احوال عالم خبردار میشوند. بغیر اخبار «تایمس» لندن که هیچ یک روزنامه موجود نیست که بهر جای مخبر مخصوص داشته باشد. اژانس‌های معتبر انگلستان اژانس «رویتر» و اژانس «تایمس» میباشد. و اژانس‌های («هاواس» و «فورنیه») کمپنی فرانسی هستند. روسیه بنام اژانس «پترسبورغ» و [illegible] را بنام [illegible]، ایطالیا بنام «استفانی»، عثمانی‌ها بنام «عثمانی» اژانس‌های ملی دارند. این اژانس‌های مختلف هر حوادث را که میدهند بنسبت سیاست و مناسباتی که حکومت شان به آن ملک دارند و مقصد و مرادی که حکومت شان در سیاست در آن ملک خود پیش گرفته اند حوادث و خبرها نشر میکنند. اگر چه حوادث‌های مغشوش و تغییر را که چو وقوع رو میشود و لیکن بسیار چون نشر شود حوادث و خبرهای مذکور تنها فایده میرساند که آگاهی میشود که این اژانس‌ها بعضی خبرهای بی اصل و اساس را بنابر منفعت حکومت خود شان مانند یک تجربه بار آن عالم نشر میکنند. و منتظر میشوند که ناشر [illegible] که این خبر چه نتیجه میدهد؟ و اگر دیدند که از هیچ طرف آن تکذیب شان نشده و تکذیب نشد آن خبر بصورت راستی و حقیقت باقی میماند. در خصوص یک مثالی عرض کنیم:

اژانس استفانی را برای منفعت دولت ایطالیا خدمت میکند بعضی درباب احوال جنگ خبرهای دروغ و غیر حقیقت را نشر مینماید که اکثر دیگر اژانس‌های جنگی که محض بود خبرهای دروغ اژانس استفانی تمام عالم را پر کرده برای دیگر گونه حوادث جای نمی ماند. و از همین سبب است که هر حکومت مجبور میباشند که برای خود شان اژانس‌های علیحده تشکیل بدهند.

امروزه روز — روزنامه‌ها بسیار در قسم‌های مختلف میباشند. یک رقم اخبارها هست که تنها از سخنان دینی و علمی و ادبی و فنی بحث میرانند. و از خبرهای مختلف سیاسی عالم چیزی نمینگرند. بعضی اخبارها هست که تنها از صنایع بحث میرانند و بعضی تنها از تجارت. و بعضی تنها از خبرهای سیاسی عالم بحث میرانند و از افکار سیاسی دیگر چیزی نمیگویند [illegible] از افکار سیاسی عالم بحث میگویند نیز فرقهای مختلف دارند که بعضی رسمی و بعضی نیم رسمی و بعضی اخبار آزاد (پروپاغاندا) یعنی اخبارها و دولها انگیزه و بعضی اخبارهای [illegible] میباشند.

چنانچه سراج الاخبار از همین رقم آخرین است. اخبارهای رسمی و نیم رسمی همان اخبارها هست که در آنها افکار سیاسی دولت متبوع و کارها و اداره و قانونهای دولتی که از آن منسوب است نشر میکنند و دولت خود را مدافعه میکنند. اخبار آزاد (پروپاغاندا) یعنی [illegible] در قسم‌ها ست که مهم رسمی و غیر رسمی و خبری هستند که غرض خود [illegible] خدمت میکنند. چنانچه انگلیزها اخبار «تایمس» را از چند سال با اخبار و حوادث [illegible] «کلکته» (مراکو) دولتها و غلطها نشر کرده لازم و ضرور بودن گرفتن مراکش را در نشر کرده گرفتند. تا آنکه از نتیجه آن دولتها از آن شان کامیابی حاصل آمد.

روزنامه‌های محض [illegible] تجارت هستی خبرهای [illegible] و [illegible] خود را [illegible] [illegible] خدمت کنند نوشته میشوند.

بغیر از این رقم روزنامه‌ها روزنامه‌های تجارتی بطرف [illegible] [illegible] سراج الاخبار [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شان و شرف و حقیقت آن را پیش کنند.

بعد از این معلومات حوادث [illegible] روزنامه‌ها و اژانس‌ها نشر میکنند [illegible] معلوم [illegible] میشود [illegible] روزنامه‌های [illegible] [illegible] شان معلوم [illegible] میشود.

م. قندهاری

هر مقاله‌ها که [illegible] دستخط [illegible] طرف سرمحرر تحریر یافته
محرر و سرمحرر سراج الاخبار

بسعی و اهتمام الحاج عبد الخالق پسر طرزی مهتمم چاپه خانه دار السلطنه کابل
تحریر میرزا محمد جعفر قندهاری

نگران
اسپیک اقدس علیحضرت اعلیحضرت [illegible]

مدیر و سرمحرر
محمود طرزی

اداره خانه و مطبعه
در ماشین خانه دار السلطنه کابل

جمیع امور تحریریه به اداره خانه بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ عربی ۱۵ محرم ۱۳۳۰

سراج الاخبار
۱۳۲۹

قیمت سالیانه

در دار السلطنه کابل ۸ روپیه کابلی

در ولایات و اقضیه مملکت با اجرت ڈاک ۱۴ روپیه کابلی

در خارج مملکت با اجرت ڈاک نیم پوند انگریزی

قیمت یک نسخه آن در کابل یک عباسی است

هر پانزده روز یکبار نشر میشود

تاریخ شمسی ۱۵ جدی ۱۲۹۰

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات
تلفون موتر — حوادث داخلیه — حوادث خارجیه —
ادبیات — مقالات فنیه — [illegible] —
فاجعه های پارس

* * *

تلفون موتر

بلی دلا بسیار مختصر! یکی از چهار، دو دیگرش از پنج حرف مرکبست. اما چه چیزهای عجیبه، چه عجایبهای صنعت درین دو کلمه بدیعه عالم اسرار درج و مندرج آمده است! این دو اثر بسیار پر مآثر اختراعات مدنیت، تعبیر بعید مکان را از قوت فعلی مکان خود از عالم رفع نموده، و صدها انسان را به درجه بعد مسافه که از کروه ها مسافه آواز یکی را به دیگری می شنوانند.

فواید و منافعیکه از تلگراف بظهور می آید قابل انکار نیست. سیمهای تلگراف فضای روی زمین را مانند شبکه یک خانه عنکبوتی فرا گرفته است. حتی زیر بحرهای محیط را نیز بیک حال شبکه آهنین در آورده، هر گاه عدد و حروفاتی را که تلگرافهای عالم در هر روز از شرق بغرب و از شمال بجنوب ورود و صدور شان در زیر علم حساب از تعداد آن سراسر عاجز آمده یک نامی و یک تعبیری برای عدد آن نمی یابد. ولی فرقیکه در مابین تلگراف و تلفون است این است که تلگراف واسطه مخابره، و تلفون واسطه مکالمه میباشد. و دیگر مکالمه از مخابره با اهمیت تر و فایده مندتر میبود (المکتوب نصف الملاقات) یا (القلم [illegible] نصف المشاهده) گفته نمی شد.

الکتریک عجایب غریب دیگری افاده دارد، سخن و کلام را دو نفر از جاهای دور بسرعت برق بصورت خط و کتابت میرساند که این صنعت و عجایب برق شاری خود را از تلگراف نشان میدهد. و چابکدستی پر غرابت میرساند که کلام از دهن یک شخص به گوش دیگر شخصی از کابل بعیده عینا لفظ بلفظ در تلفون مقناطیسی [illegible] خود ظاهر و عیان می سازد.

بناء علیه در تلفون چیره دستی عجایب صنعتکاری الکتریک بیشتر ترقی کرده است. زیرا تلفون سخن گوینده را بدون واسطه خط و کتابت عینا و حقا با تغییر لهجه و شیوه حرف زدن گوینده به پرده گوش شنونده میرساند که این چابکدستی خود از تلگراف گوی سبقت را در ربوده است.

آمدیم بر (ریل) و (موتر): در ریل موتر چیزیکه از صنایع بدیعه این عصر مدنیت است یک طرز مخصوص حیثیت و ترقی پیدا کرده است. خطهای راه آهن ریلها اکثر قطعات روی زمین را یک شبکه آهنینی تحویل داده. منافع و فوایدیکه از ریلها در عالم مدنیت بروی کار آمده محتاج تذکار نیست. قطارها و اتوبوسهای ریل نفوس و مال و اسباب را از جایی بجایی بکمال سرعت نقل و حمل میدهد که با بعضی فواید عمومی آن انکار شدنی نیست.

اما حالا این یک را تصور کنیم که در میان یک دره که به صفا شاداب پر آبشار، و یا یک دشت پر سبزه و پر صفا و جوی آب یک سرک ریخته با صفا ممدود شده و رفته است، و درین سرک بقدر عرض خود یک قوتی است خوابیده که تقریبا یک قطار خصوصی یک ریل را تشکیل میدهد و یک سرعت خارق العاده در رفتار است. در هر موتر یک جمعیت احبابی از پنج شش نفر یک مجلس انسی تشکیل داده و با یک سرعت برقی شانی قطع مسافه میکنند، و هم از نظاره مناظر طبیعیه اطراف و اکناف لذت میگیرند.

تحدانی و افغانها که درجهٔ اول ریلها اگرچه نسبت یک عراده (فیتن) یا (بگه) موتر محل تر و اسباب استراحت در آن بیشتر است ولی چیزیکه از آن بس که زمام اختیار آن خانهٔ آسوده گی آشنا به دست اختیار چابک قدر سایق که صاحب تخانه است نبوده و حیثیت اجنبی شد . حالانکه در موتر زمام اختیار به صاحب موتر نشین به دست خود میسر است . بنابر آن فضایل عمومی ریلها قابل انکار نیست همچنان کمالات خصوصی موتر هم چیزی نیست که فراموش شدنی باشد .

این دو اثر محیرالعقول عصریه تحت منظر تبعهٔ افغان در این دوره سعادت اقتران ترقی نشان پادشاه با شوکت . و شان ما اعلیحضرت « سراج الملة و الدین امیر حبیب الله خان » دولت علیهٔ افغانستان آمده و علاوه بر این آثار ترقی در بازار فایده گستری . و منفعت آوری بر روی کار آمده است .

اول بار ارگ مبارک با چند دو از محل های قصر دار السلطنه با خطوط سیم تلفون مربوط گردیده و یک سرعت و تسهیلات بسیار بزرگی در خدمت امور از آن پدید آمده افکار ترقی آثار اعلیحضرت جهانبانی بعد از تجربه درهٔ تعمیم این آن فواید اساره صرف توجه فرموده از طرف سه چهار سال است که جبهٔ جلال آباد . و قلعة السراج لغمان . و جبل السراج ایالات کوهستان و قصبهٔ صیقلی پغمان به ارگ مبارک با خطهای تلفون ارتباط و اتصال پیدا کرده . و از فیوضات جنت جاهان قیمت اعلیحضرت پادشاه معظم ترقی پرور ما امید است که در اندک فرصت دیگر در ولایتهای ممالک محروسة الممالک شاهانه نیز با این خطها حیاتیه ملک کسب ارتباط نموده همه ممالک محروسة الممالک شاهانه حکم یک مجلس انس را بگیرد که از ان ممالک بعیده شاهانه هم اهل یک محفل گشته با هم گرمی مکالمه و صحبت کنند .

عراده موتر برقی جسر تیز آثار ترقی شعار عصر سراجیه است که در دولت [illegible] موقع تملک و آثار ترقی گستری آمده که شرح و تفصیل آن انشاء الله در نمبرهای آینده سراج الاخبار زینت بخش [illegible] او راق آن بعد زیب خواهد گردید .

اعلیحضرت پادشاه محبوب القلوب معظم ما تاسیس بنیاد و بنای خطهای تلفون یک شهر و بسیار بزرگی در ترقی و تمدن مملکت ما شان باز نموده که فواید عظیمه و منافع عدیده آن از اقدر شناسان عالم تمدن هیچ صورت انکار کرده نمی توانند . صرف نظر از منافع و فواید که در سیاست . و تجارت . از تلفون حاصل شده و یک قرب روحانی در ملک پیدا کرده که بُعد جسمانی را مرفوع گردانیده است . بواسطهٔ این آله شنیده شهر جلال آباد که تقریبا پنجاه کروه از شهر کابل مسافه دارد با هم گفتگو و مکالمه می نمایند . موتر سرعت گذر مسافه دوازده روزه را بین پشاور و کابل که تقریبا صد کروه می باشد به هشت یا ده ساعت طی میکند . اگرچه درین وقت این دو اثر عظیمه زینت یک فرد خصوصیتی دارد و فایده و آن عام نشده است . ولی به تأسیس یافتن مراکز تلفون در نفس شهر که آنرا رشنیدن آنهم در دست اجرا میباشد . و آمدن عراده های لاریون (شرکت موتر) که در زیر حمایه ترقی آیه شاهانه تشکیل یافته و تفصیل آن بعد ازین بیان خواهد شد انشاء الله تعالی این دو اثر فواید نادر امر فی بره و سیر و سفر و تجارت ممالک محروسه شاهانه خدمت های بسیار عظیمی بصورت عمومی بروی کار خواهد آورد .

نمایان راست که دعا دوام عمر و عافیت اعلیحضرت پادشاه مقدس محبوب القلوب خود ما را از درگاه احدیت نیاز و مناجات نمائیم که یک سعی و همت مردانه پادشاهانه در ترقی و تمدن حقیقی ملک و ملت [illegible] خود شان مصروف مرحمت دارند .

حوادث داخلیه

صورت تلگرام یکه از طرف جناب سردار [illegible] ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی علی احمدخان به اداره رسیده که عیناً آنرا درج می نمائیم

صبح روز عید اضحی اعلیحضرت سراج الملة والدین بلباس رسمی در برنده مشرقی کوتی خاص عمارت شاهی جلال آباد که از بناهای خود اعلیحضرت والا از چندی ماه است تشریف آوردند — شهزاده های والاجاه و مامورین و خدام خاص حضور بسلام مشرف شده تناول شیرینی در حضور مبارک نموده بعد اعلیحضرت شهریاری با شکوه موصوف برای ادای نماز عید در مسجد متصل باغ شاهی جلال آباد که آنهم از بناهای خود اعلیحضرت والا میباشد تشریف آوردند . زمین این مسجد در سال قبل برین یک زمین قبرستان شوره زار بود و دیگر خار و خاشاک و استخوانهای پوسیده و دیگر چیزی بنظر نمی آمد — بموجب و تهیهٔ ذات شخص اعلیحضرت که بدست مبارک نقشهٔ تعمیر مسجد موصوف را نموده بودند و با اندک فرصتی یک بنای عالی با صفا فی مرتب آباد گردیده — افواج نظامی و باجه های موجوده که دو کندک یعنی دو پلتن از دو دلهای حضور و باقی از افواج مقیمهٔ جلال آباد بودند در میدان متصل مسجد موصوف برای ادای سلامی حضور منتظر بودند — جمع غفیری از خدام و رعایای سکنهٔ شهر و سه کروهی از اطراف جلال آباد برای ادای نماز عید در مسجد موصوف مشرف بودند . بعد نماز ختم شد بعد از ادای نماز افواج نظام و باجه های موجوده جمیع یک سرود خوش و الحان دلکش که (پاینده باد پادشاه ما) ادای سلامی را نمودند دوازده ضرب توپ فیر شد بعد از آن افواج نظامی از

دروازه مسجد الی باغ شاهی و از باغ شاهی الی سراج العمارت دو طرف برای جلوس صف کشیده بودند — ذات شاهانه و شهزاده های والاجاه و منصب داران همرکاب حضور بسواری اسپ از مسجد در سراج العمارت تشریف بردند لحظه بخانه خاص سراج العمارت توقف فرمودند — منصب داران نظامی و ملکی و حکام علاقه جلال آباد و لغمان و کنرها و مشایخ و سادات و اهالی لغمان و خوانین و ملکان علاقه مذکور در سلام خانه سراج العمارت حاضر شدند و برای هریک بقدر لیاقت و منصب آنها جای داده شده متمکن گردیدند (سراج العمارت) یک بنای عالی پر شکوه است که از جمله عمارت های بزرگ و معتبر گفته میشود در اخیر ۱۳۲۶ اعلیحضرت والا به مهندسی شخصی خود نقشه عمارت موصوف را تحریر فرموده سر رشته تکمیل و آبادی آنرا نمودند چون نفوس و بارگیر زیادی برای تعمیر عمارت مذکور مقرر بود به عجلت روز از تهداب الی پوشش اول عمارت موصوف بسر رسید — این عمارت تنها سلام خانه نیست بلکه خانه های وسیع زیادی و مطبخ دارد و چنانچه خانه زنان و دفتر خانه انتظار و دهلیز های بسیار کلان و با شکوه موجود است دیوار های عمارت موصوف از تهداب الی پوشش اول کاملاً از سنگ و چونه پیاش که بطرز جدید و اصول درست آباد شده است که تنها یک سلام خانه عمارت موصوف تخمیناً گنجایش شش صد کس را دارد — زمانیکه تقرری منصب داران وغیره در سلام خانه حاضر گردیدند اعلیحضرت والا از دروازه خاص بسلام خانه تشریف آوردند و از برای دوام دولت مبارکی عید سعید اضحی را فرمودند — حاضرین دربار موصوف نیز با عزاز و احترام دعای سلامتی وجود مبارک را عرض کردند و موازی یازده ضرب توپ برای استقبال حضور از اینکه بر تخت رونق افزا شدند فیر شد بعد از آن از برای حاضرین دربار موصوف طعام و چای و شیرینی داده شد بعد از اختتام طعام و شیرینی دو ساعت بعد از نصف النهار اعلیحضرت والا از چوکی برخواسته و کاغذی که بدست مبارک گرفته حاضرین مجلس را جمع فرموده بزبان فصیح البیان خوش نطق فرمودند [نطق مذکور چون در نمبره ۵ مندرج است بتکرار آن حاجت دیده نشد]

از استماع نطق موثرانه اعلیحضرت والا از برای حاضرین دربار رقت و جوش زیادی حاصل شد چنانچه چشم های اکثر اشخاص از تحسین آن موثر اعلیحضرت پر آب گردیده — بعد ازینکه تا کنون سخن حضور اعلیحضرت از طرف حاضرین دربار بحضور مبارک عرض نمودند که ما رعایا و دولت افغانستان شکرانه مراحمات شاهانه اعلیحضرت را بهیچ نوع بیان کرده نمی توانیم علی الخصوص در باب وجه اعانه طرابلس که بنا بر محافظه و معاونت و غمخواری برادران دینی و امت اعلیحضرت از زر ذاتی صفحه ای تربت و حسن اسلام نطق فرموده خدمتگاران را درین امر خیر متوجه شده و بیان هر آنچه داشته باشیم مضایقه نه و از برای خوشنودی پادشاه اسلام که پدر ملت است و اقدام درین کار خیر کرده وجه اعانه از روی صدق و رضامندی خود داده در کتاب با حق الوسع دستخط نموده بحضور مبارک تقدیم می نمائیم — بعد کتاب موصوف از زبان حاکم کلان سمت مشرقی سپرده شد که تا حال نفری خدام و رعایا دولت سکنه جلال آباد در کتاب موصوف قرار احوال خود دستخط میکنند آنچه جمع وجه اعانه رعایا سمت جلال آباد و اطراف آن شد البته همراه باقی وجه اعانه یکجا شده بعد تقدیم حضور مبارک کرده و خواهش بهر قرار رای مبارک شان قرار گرفت سر رشته خواهند فرمود

تحریر ۳۰ ماه ذی الحجة الحرام ۱۳۲۹

((شاه احمد))

هوای کابل

خلاصه رپورت های درجه سردی و گرمی هوا از وقت صدور نمبر سابق

امسال زمستان شهر عزیز ما تا به این وقت باعتدال تمام حرکت کرده سردیهای بسیار شدید بخود داشته نداده است. از تاریخ یوم شنبه ۱۰ ذی الحجة الحرام تا به الیوم شنبه ۸ محرم الحرام که روز چاپ شدن این نسخه است. چار بار برف باریده که اول آن یوم شنبه ۱۰ ذی الحجة الحرام است. شروع برف از عمل یکبجه لیل یکشنبه ۱۱ الی ده بجه یوم مذکور دوام داشته بقدر یک اینچ و شش سوت باریده برف دوم از عمل ده بجه لیل دوشنبه ۱۹ ذی الحجه الی عمل دو بجه یوم مذکور بقدر سه اینچ و هفت سوت باریده. برف سوم از عمل ۹ بجه لیل پنجشنبه ۲۸ ماه ذی الحجة الحرام الی دو بجه لیل مذکور بقدر ۴ سوت باریده برف چارم از عمل سه بجه لیل یکشنبه دوم محرم الحرام الی شش بجه صبح یوم مذکور بقدر ۴ سوت باریده است. اگرچه در روز دو شنبه سوم و پنجشنبه ششم ماه مذکور یک چند دانه برفک و یکقدری برف باریده ولی به پیمایش نمی آمد علی الخصوص برف آخری که تا پنج دقیقه باریده است. آنهم باریدن عجیب! چونکه یک پاره ابر بسیار غلیظ [illegible] از کوه شدت بسیار تمام شروع بباریدن برف نمود [illegible] شدت. ولی و استغراق بعد از پنج دقیقه ابر ها زایل شده و یک آفتاب بسیار گرمی بتابش آغاز نمود.

درجه هوا را جدول های رپورت مذکور از یوم شنبه [illegible] تا یوم شنبه هشتم محرم حد اعظم آن ۴۲ درجه و حد اصغر آن ۲۵ درجه نشان داده شده است که ازین حساب نزول معلوم میشود که هوای امسال تا بحال بسیار شدت نکرده است.

از فضل الهی و سایه عدالتوایه اعلیحضرت پادشاهی امن و آسایش عمومی برکمال است.

حوادث خارجیه

از اخبارات ترکی

بسببی که کشتیهای جنگی ایطالیا در بحر احمر گشت و گذار میکردند دولت عثمانیه چراغهای سواحل بحر مذکور را خاموش کرده بود ، ولی چون اعلیحضرت پادشاه بزرگ انگلستان بسوی هندوستان سفر میکردند بنا بر رعایت شان چراغهای سواحل مذکور را در اثنای گذشتن پادشاه مشار الیه بروشن داشتن اعلیحضرت سلطان المعظم امر فرمودند ، و مخدوم مکرم شهزاده (ضیاء الدین) افندی را برای استقبال ایشان در مصر فرستادند ، به این سبب سفیر دولت بریطانیا مقیم استانبول جناب (سیر لاوثر) دیروز بباب عالی آمده به وزیر خارجیهٔ دولت عثمانیه بیان شکرگذاری نموده است .

مخابر مخصوص (اژانس عثمانی) از طرابلس خبر میدهد : «عسکرها ، از بارانهای شدت ناک که می بارید و بسبب آن باران یک درهمی و برهمی در عسکر ایطالیا وارد شده بود فرصت را غنیمت دانسته بر گزنه ای پیش روی ایطالیا ها هجومهای شدت ناک کرده دشمن را بعقب کشیدن مجبور کرده اند .»

«فونت غوتوف» نام یک سیاحی این روایت را که بچشم خود دیده چنین بیان میکند :

«در اثنائیکه ایطالیا ئیها وحشیانه بر شهر طرابلس عسکر کشیده و عربهای شجیع بهادرانه با آنها جنگ کردند ، و بعد از آنکه شهر را گرفتند زن و مرد و طفل و جوان همه را فوج فوج جبر جبر بخانه میبردند . و در نزد یک جبرخانه عسکر ایطالیا ایستاده بودند . و بر بندیان فریاد میکردند که : دستهای تانرا بالا کنید وگرنه فیر میکنیم » . و این معامله را برای این میکردند که مبادا در نزد بندیها سلاح باشد . یک زنی را دیدم که یک طفلی در آغوش داشت . عسکر بروی فریاد کرد که دستها را بالا کن . زن بیچاره طفل را نشان داده بند بودن دست خود را بیان کرد . باز فریاد کردند که زود شو وگرنه کشته شدی . زن بیچاره یک دست طفل خود را گرفته دست دیگر خود را بالا کرد . عسکر وحشی این را کم دانسته فیر کرد و زن یک فریاد جانخراشی بر آورده بر زمین غلطید . از دیدن این حال لعنت گفته سوی عسکر دیدم ، و گفتم : «ای وحشی بیرحم ، ای قاتل پست فطرت این چه کردی ؟ » باز بطرف زن دیدم ، دیدم که گلوله بر سینه اش خورده و از پشتش بر آمده و همان گلوله مغز سر طفل را نیز پاره پاره کرده است . درین اثنا یک افسر ایطالی آمده و یک گلوله بر سر زن مقتوله زده گفت : « قربان روح مادرند . قتل اینها هیچ گناهی نیست »

(سراج الاخبار)

دولتهای یوروپ را (دول معظمهٔ متمدنه) میگویند که در میان آنها یکی دولت ایطالیا میباشد . بحقیقت که این قوم وحشی به این کارهای لعنت آلود خود نیک عظمتی ، و نیک مدنیتی برای دول معظمهٔ متمدنه باقی گذاشت ! اگر مدنیت بچنین چیزی باشد هزار لعنت بر مدنیت .

اما این را هم میدانیم که اگر بعوض عربها در مقابل شان هم جنس و هم مذهب خودشان می بود آیا این معامله را که در حق زنان بیچاره مسلمان روا داشته اند بر طفلها و ننه های خودشان نیز اجرا میکردند ؟ و آنها را نیز از روح عاری میدانستند ؟ خیر ! آنها تنها غیر جنس و مذهب خودشان را از جوهر روح عاری میدانند و بس . (فاعتبروا یا اولوا الابصار) .

بقراریکه از محافل سیاسیه خبر گرفته شده سفیرهای دولت بریطانیا و دولت فرانسه در استانبول بمقصد برای صلح از اجرای وساطت کوتاهی میکنند . در مابین کابینه های استانبول و لندن و فرانسه و ایطالیا تلگرافها رد و بدل میشود .

سفیرهای فرانسه و امریکا دیروز بباب عالی آمده با صدر اعظم و ناظر خارجیه در باب مسائل حاضره ملاقات کرده اند . سفیرهای جرمنی و استریا ، و روس نیز با ناظر خارجیه در باب عالی ملاقات کرده اند .

« پروتست » — یعنی اعتراض نامه . فرقهٔ منفردهٔ انگلستان بر ایطالیا بریاست (لورد آوری) که یکی از بزرگترین طرفداران صلح عمومی میباشد بجمعیت صلح پروران ایطالیا نامهٔ آتی را فرستاده است :

«ما بیان ، این حرکات و معاملات ایطالی را پروتست میکنیم قبل از آنکه به تدقیق و تحقیق ماهیت دعوای طرفین داخل شویم این اعلام میکنیم که ایطالیا بی آنکه خبر بدهد غفلتاً بر دولت عثمانیه تاخت آورده که همین مسئله یکی از اسباب شنیع حق ناشناسی شمرده میشود و هم این مسئله یک بدی در عالم مدنیت تشکیل میکند . لهذا برای حل شدن این اختلاف محکمهٔ (لاهی) یا دیگر یک هیأت حکمیه اصرار و الحاح میکنیم ، و اینرا هم میدانیم که هیچ یک دولتی با الحاق کردن اراضی برای ایطالیا موافقت نکند .»

این بیان نامه ، از طرف شصت نفر از اعضای پارلمنت

مشغول شده و هزاران مردم از اهالی به این بیان نامه اشتراک ورزیده‌اند
فرانسیس بیرو در لندن یک مجتمع یعنی یک جمعیت پرجوش و خروش انعقاد یافته
و در آن مجتمع این قرارداد را اتخاذ نموده :

((این مجتمع که از اعضای پارلمنت انگلیز مرکب است از وقوعات اخیره طرابلس غرب خیلی متأثر میباشیم ، و اعلیحضرت پادشاه انگلستان از هشتاد ملیون رعایای صادقه مسلمان خود مسئول میباشند که ما اعضای پارلمنت این را بالحقیقت قدرشناسی داریم . لهذا این مجتمع برای ختام این کار را از حکومت خود رجا میکند که بلا اهمال سعی های جمیله اجرا نماید .))

◆

نقل از اخبار حبل المتین

استقلال ایران بموی آویخته است

ایران در سخت ترین فشارهای روس و انگلیس واقع گردیده روس با خشونت و انگلیس با نرمی پای در پای یکدیگر پیش رفت مقاصد خود را از دست یکدیگر میگیرند روز بروز بهانه‌ها تازه تر تراشیده و از نفوذ و اقتدار دولت کاسته بر رغائب خویش می افزایند — بطرف انگلیس رفته رفته کار به اینجا کشیده که روس ایران را بهانه نموده معذرت و تاوان طلبیده و قشون بجانب جنوب سوق میدهند در وسیلتش آن را بدعوی انگلیسان را بحق شمرده فشار بر ایران از قول آن می آورند — از طرف دیگر دولت روس تلگراف خود ساخته و [illegible] ابتدا نموده از دولت ایران معذرت می طلبد و تاوان میخواهد چنانکه دولت ایران دائماً از معذرت می نماید دولت روس القاقوم داده و قشون بطرف شمال سوق میدهد و دولت انگلیس هم در تأیید روس بدولت ایران تکلیف قبول خواهشات روس می نماید

بلی دولتین روس و انگلیس از دست یکدیگر میگیرند و بدست یکدیگر میدهند و روزنامه‌ها حق میبینند ! حس هم مداخلات روس و انگلیس در ایران شروع میگوید

ترجمه از روزنامه [illegible] لندن

((معارف ایران))

پرنس علاء السلطنه وزیر معارف ایران که از لندن عبور میکند دیروز در سفارت ایران طلاب ایرانی را که در انگلستان مشغول تحصیل هستند پذیرفته . در میان این طلاب چند نفر از مشهورا و [illegible] هستند طلاب به پرنس علاء السلطنه معرفی شدند . و معزی الیه تحقیقات عمیقه در باب تحصیلات و ترقیات هر یک نمودند و بطلاب تأکید کردند که [illegible] و حواس خود را صرف تحصیلات نموده خویشتن را قابل و مستحق نمایند که داخل خدمت مملکت خود شوند و متعلمین طلاب هم حضور داشتند .

اعلیحضرت پادشاه انگلستان نشان [نایت آف دی گرتر] را به پرنس ضیاء الدین پسر اعلیحضرت سلطان المعظم مرحمت نموده

برحسب اطلاعات روتر یوم جمعه در (درنا) در طرابلس جنگ خونینی پیش آمده — دولت ایطالی اعتراف مینماید که درین جنگ ۵۰ قشون شان مقتول و مجروح گردیده — درین عدد ۱۲ نفر هم که در درنا مقتول و مجروح شده‌اند شامل میباشد تمام روز در (درنا) بازار جنگ گرم بود

وزیر جنگ و وزیر بحریه عثمانی برای ملاقات [illegible] از اسلامبول روانه گردیدند .

بیان میشود که بنا باعتراضات روس جناب محاصره دار دنیل را ایطالیا تجویز نموده جهازات تجارتی که تبعه دولت عثمانی میرسند مجاز از عبور دار دنیل خواهند بود

سفیر انگلیس بباب عالی اطلاع داده در صورتیکه دولت ایطالی بجزیره داردنیلز اقدام نماید دولت انگلیس خود را بی طرف قرار نخواهد داد

برحسب تلگراف ۲۶ نومبر قشون ایطالی در طرابلس پیش قدمی نموده دو قلعه را بقبضه خود در آورده است — و تمام روز میدان جنگ آراسته بود و طاقت قشون ایطالی را بعقب نشستن قشون ترکی فتح نمایانی حاصل آمد

((همدردی عموم مسلمانان هند با ایران))

انجمن ایرانیان مدرس حاوی ذیل را از اکثریت آراء گذرانیده اند

(۱) انجمن ایرانیان مدرس با کمال جمعیت همدردی با مشکلات کنونی ایران دارند .

(۲) انجمن ایرانیان مدرس تشکری مینماید از خدمات صادقانه مستر شوستر در وطن محبوب شان .

(۳) انجمن ایرانیان مدرس نفرین میکنند غارت گری و مسلک‌های بعضی از دول مسیحی را با حکومت مشروطه ایران —

(۴) انجمن ایرانیان مدرس توجه خلافت علیه عثمانی و اعلیحضرت امیر صاحب افغانستان را بحالت موجوده و وضع نازک اسلام جلب نموده استدعا دارند که درین موقع از حفظ شئونات اسلامیه بازنمانند .

سراج الاخبار

از کلامهای خاقان مغفور جنت مکین اعلیحضرت ضیاء الملة والدین امیر عبد الرحمن خان است که فرموده اند : ((دولت علیه عثمانی در وجود مجلس عالم اسلامیت بمنزله سر . و دولت ایران بمنزله کمر . و دولت افغانستان بمنزله پای است . اما مرا افسوس که گفت و سیاه

تعصب [illegible] این دو فرقه مقدس را با وجود [illegible] باید از [illegible] راست کرده نتوانسته اند؛ الحق که این کلام حکمت پیام خاقان مغفور [illegible] یک تشبیه [illegible] می شود و [illegible] که حیثیت جغرافی زمین [illegible] آن تشبیهات [illegible] ولی هزار افسوس که بسیار چیزها را از خواب بیدار نکردیم [illegible] به [illegible] اهالی [illegible] افغان و مجتهدهای ایران در باب [illegible] مختلف مردمان عراق عرب برخود گور را ساختند، و با افکار بغض و عداوت [illegible] مذهب خود شان را [illegible] اولاد وطن خود شان پرورانیده اند. اگر بعوض آن در باب اتحاد و یگانگی و محبت و قوت جهتی کوشش میورزیدند و اتفاق بهتر نتیجه حاصل می شد. حالا که صفحه های تاریخ بکمال افسوس نشان میدهد که هر قدر [illegible] گشته است در دوری و بیگانگی با بغض و ضعف [illegible] بوده است و در [illegible] نتیجه های [illegible] آن بظهور می آید. پس اگر این گونه تعصبات خرافات آلود بیگانگی و مباعدت اندود را فراموش کرده — که فراموش کردن آن هم ضرور می دیده میشود — و در باب یگانگی و اتحاد کوشش ورزیده شود، طبعاً همدردی و دستگیری همدیگر را قرآن عظیم الشان، و کعبه قدسیت نشان آماده و حاضر داشته است .

انجمن معزز ایران مدرس جلب توجه اعلیحضرت شروع مقدس را [illegible] حفظ شئون این احوال نازک اسلام استدعا میکنند که به این استدعاهای خود حق هم دارند. حالا که بسیار نیک از افکار عالی و دیانت پروری پادشاه [illegible] آگاهی داشته باشند امیدوارند که از افکار عظمت آثار جهانبانی در باره خیر و فلاح و سعادت و نجاح عالم اسلامیت تا به درجه حسن نیت و توجه و حمیت می پرورانند .

ادبیات

حب وطن

حضرت فخر کائنات افضل الصلوات و التحیات پیشوای برحق «حب الوطن من الایمان» فرموده، یعنی (دوست داشتن وطن جزء ایمانست). الحمدلله [illegible] که ما اهل ایمانیم، لهذا دوست داشتن وطن نیز از لوازمات ضروریه ایمان ماست .

حضرت خداوند لایزال به [illegible] وطن [illegible] دیانت [illegible] با احسان خود [illegible] گلزار [illegible] آسایش خود در خاک پاک (افغانستان) ارزانی بوجود آمده؛ انگور [illegible] میوه [illegible] چمن [illegible] گل [illegible] علفه؛ [illegible] سنبل [illegible] گشته [illegible] آب [illegible] ذهن [illegible] دیگر [illegible] خوش [illegible] هوای [illegible] خوش [illegible] آبهای براق خوش گوار [illegible] خود [illegible] تشنگی ما را فرو می نشاند، غذاهای رنگارنگ و میوه های خوش مزه خوش رنگ خود کام روح در لذت زندگی می کشد، دیده های ما را منظره های لطیفه طبیعی گلزارهای طبیعی خود سرور و نشاط و شادی میدهد؛ اجداد ما [illegible] در خاک پاک او خفته اند، ارواح اجداد ما در هوای نسیم خوش فضای او در پرواز است، اگر وطن را یک جسمی فرض کنیم ملت یعنی خود ما را گوشت و پوست، استخوان و رگ، پی و دیگر اجزای آن جسم؛ و پادشاه را روح آن جسم باید دانیم، وطن، ملت، پادشاه این کلهای مقدسه [illegible] که از همدیگر هیچ چیزی و هیچ قوتی جدا نمی شوند. ما اگر وطن خود را دوست بداریم گویا وجود خود را دوست داشته خواهیم بود، و اگر پادشاه را دوست بداریم گویا جان خود ما را دوست داشته خواهیم بود .

ای هم وطنان دانش قرین، و ای هم قومان بهمت و دین! آیا ما میدانیم که وطن خود ما را چرا دوست میداشته باشیم؟ اگر از همه سبب های بیشمار آن یگان یگان بیان کنیم میباید از همه کائنات سخن گوئیم: زیرا کائنات ما وطن است، موجودیت ما بوطن وابسته است. مقصد از دوست داشتن وطن تنها عبارت از دوست داشتن خاک، و چوب و سنگ، و میوه و باغ و غیره نیست بلکه وطن خود را دوست داشتن ایمان خود را دوست داشتن است ناموس خود را دوست داشتن است، شرف و عزت و ملیت خود را دوست داشتن است، آزادی خود را دوست داشتن است .

در هر عید اعلیحضرت پادشاه ولی نعم بسیار خوب، و خشوع مقدس محبوب القلوب؛ دوام آزادی ملت افغان و افغانستان را یعنی وطن ما را از درگاه الهی دعا و نیاز میخواهند که برایت وقت این دعا، ارواح مقدسه قدسیان سماوی نیز آمین خوان بارگاه کبریا گردیده خواهند بود، ولی گمان میبرم که از صد یکی از ملت اهمیت و قدسیت این دعا شده باشیم، و اگر شده باشیم بوجه خود نیز از معنا باخبر آن که (آزادی ملت افغان و افغانستان) [illegible] خواهیم بود زیرا ما آزادی را [illegible] در عالم طفولیت خود از کتب و سبق [illegible] آن [illegible] داشته [illegible] ایم، و چون [illegible]

میسر آمده، و با استقلال کار خود آزاد شده ایم، و (آزادی) گفته بهزارها بازی مشغول شده ایم، و آزادی را عبارت از همین پنداشته ایم، و سائل آزادی را از نیم پیالی و بیقیدی ها و هر گونه اعمال ناشایسته و ناروا دانسته اند. حال آنکه (آزادی) یک کلمه مقدسیست که با این چیزها هیچ مناسبت ندارد، زیرا آزادی وقتی که وجدان ما را شامل حال آزادی عدالت باشد، و حق آوردن حق خدا، و حق والدین، و حق ملت، و حق وطنیت منظور نظرها باشد. یعنی تا وقتیکه انسان لفظ شویم، و از میانه ما شمشیر هیچ وقت آزاد نیستیم. بلکه بهزارها زنجیرهای ترجیح مقدس مربوط و مقید هستیم الا ما شاء الله سیمقین یکی از آنها با سیمقین بسته حیات ما برابر است.

و اصل آزادی ما حریت وجود وطن اسیر و محکوم نبودن دست غیر است که مقصد خیر مرصد اعلیحضرت پادشاه و دل آگاه و روشن ضمیر با تدبیر ما از آن عبارت (آزادی افغان و افغانستان) نیز همین است و بس. مردمان بخارا میگفتند: یعنی آنچه میشود گر روس بیاید، چه بیارها، کشتزارها، کهسارهای ما را برده بخیزانند تقصیر!.....) چون آمد خودشان را یعنی آزادی شان را برد، و کشت زاری ماند، و نه چیاری ! الحق نماند، چونکه مال اسیر نیز ملک مالک اسیر گردید!..... ((اللهم انصر سلطاننا، وامنا فی اوطاننا)) آمین بحرمت سید المرسلین.

* * *

مقالات فنیه

الکتریک

یکی از مخلوقات بسیار عجیب و غریب حضرت خلاق کائنات جل سبحانه (الکتریک) یعنی قوت برقی است که آنرا (سیال برقی)، و (قوه کهربائیه) نیز عبارت میکنند. ماهیت و حقیقت این بدیعه عجیبه را اسرار حضرت کردگار هنوز بدرجه که عالم بشریت بحقیقت اصلیه آن برسد کشف و معلوم نگردیده است، و چنانکه اصل حقیقت (روح) هنوز بر فن مجهول مانده، همچنان اصل ماهیت (الکتریک) نیز در پرده اسرار مستور است.

ارباب فن حکمت، چنانچه در باب (روح) و (ضیا) و (حرارت) به بعضی خیالات و تخمینات اتفاق دارند در باب حقیقت این قوه عجیبه نیز در گرداب ترقیات و تتبعات مشغول میباشند. ولی عجب تر اینکه هر آنقدر در آن توغل و تتبع کرده میشود یک عجیبه نوی و یک اسرار نو و قوتی دیگری از آن ظهور میکند.

و اول بار این قوت را (تالس) نام حکیم که از عقلای سبعه یونان شمرده میشود، و پیش از میلاد عیسی علیه السلام بشش صد سال از فعل جذب و کشش که در (کهربا) موجود است کشف و پیدا کرده است. و (الکتریک) از لفظ (الکترون) که در زبان یونانی بمعنی (کهربا) میباشد گرفته شده است.

در سنه (۱۵۶۵) میلادی داکتر (ژیلبرت) انگلیزی که داکتر خصوصی ملکه انگلستان (الیزابت) بود و در حکمت طبیعیه یگانه عصر خود بود درک کرد، و در یک قسمی از ساجی اینکه از بعضی درختان می براید، و در لاک، و در بلور، و در بعضی مواد دیگر همین خاصیت جذب و کشش که در کهرباست. در چیزهای مذکوره نیز موجود بودن آنرا کشف و اثبات نمود.

تا روزگار بر همین قدر هم ماند؛ علمای طبیعت شناس در همه جسمهای طبیعیه صلب، و سیال و دایع که غیره از کائنات از آن بوجود آمده موجود بودن این قوت عجیبه را دریافت نمودند که بعضی واسطه ها مثل (دلک) یعنی بهم مالیدن دو چیز را بیکدیگر و (تماس) یعنی رگه دادن، و (حرارت) یعنی گرمی، و معاملات کیماوی از جسمهای مذکوره بظهور می آید. اما این یک هنوز معلوم نیست که آیا این واسطه های بیان شده چه سبب و کدام کیفیت موجب حرکت دادن الکتریک میشود؟

اول شخصیکه از الکتریک کار گرفت، و تعلقات آنرا از قوه بفعل برآورده، (فرانکلن) نام حکمت شناس امریکائی است که در سنه (۱۷۰۶) میلادی در شهر (بوستون) امریکا تولد یافته و با وجودیکه خودش اولاد یک فقیری بود، و در یکی از چاپ خانه ها بصنعت (مرتبی) یعنی حروفات چینی گری اشتغال میکرد ولی از دیگر سو بتحصیل علوم طبیعیه کوشش ورزیده، از مشهورترین حکمای عصر جدید گردید.

(فرانکلن) در باب (ضیا) و (حرارت) بسیار تجربه ها اجرا نموده، و بعضی کشفیات موفق شده است. و اول کسیکه (صاعقه) یعنی برق و رعد را شناخته که سبب یگانه آن همانا الکتریک است فرانکلن بوده. و اول یک کاغذ باد (غلطک) بسوی ابرهای بسیار نزدیکی بر هوا نموده و در ریسمان آن را یک شیشه (لایدن) ربط داده و از ابر مذکور در درون شیشه الکتریک جمع کرده، با آن تجربه بکار برده است.

(الکتریک) در اول امر بدو نوع تقسیم میشود که یکی را (مثبت) و دیگرش را (منفی) میگویند که یکی خاصیت

(جذب) ، و دیگرش خاصیت (دفع) را دارد ، یعنی یکی جلب ، و دیگری میراند . و در بعضی اجسام ، الکتریک مثبت و در بعضی اجسام الکتریک منفی موجود است .

پس دو جسمیکه یکی الکتریک مثبت ، و دیگری الکتریک منفی را داشته باشد یکدیگر خودشان را جذب میکنند و چون هم نزدیک کرده شوند و الکتریک هر دو طرف بسیار هم باشد هر کدام آنها یک قسمی از الکتریکی را که در خود دارند بآن دیگر ، رد و بدل میکنند که این رد و بدل بیک زودی و چابکی بسیار عظیمی بوقوع آمده در اثنا شراره و صدا بحصول می آید .

الکتریک از بعضی چیزها با چابکی میگذرد ، و از بعضی چیزها بسختی میگذرد . مثلاً از چیزهای معدنی ، و آب و درختان و دیگر نباتات ، و بدن انسان به بسیار زودی و نهایت سرعت گذر میکند که اینگونه جسمها را (ناقل الکتریک) میگویند . و از بلور ، و ابریشم و از هوا ـــ علی الخصوص که هوا خشک و بی رطوبت باشد بسختی و دشواری گذر میکند که اینگونه اجسام را (غیر ناقل الکتریک) مینامند .

الکتریکی که در کره هوا موجود است

در کرهٔ هوا اکثراً از الکتریک طبیعی که بحال سکونت و آرام است موجود است یک قدری الکتریک مثبت نیز موجود میباشد در وقت باریدن برف و باران به الکتریک منفی تحویل می یابد . شدت این الکتریک نظر باختلاف موسم ها بیش و کم میشود ، و در طبقه های بلند هوا موجود میباشد ، و در طبقه های نزدیک زمین کمتر پیدا میشود .

اگرچه سبب حقیقی ظهور یافتن اینگونه الکتریک در کرهٔ هوا بخوبی معلوم نیست ، ولی بعضی دلایل علمای طبیعت شناس درین باب بیان کرده اند که آن هم عبارت از ینها ست :

وقوع یافتن دلک یعنی مالش در مابین کرهٔ هوا و کرهٔ زمین ــ برابر نبودن درجهٔ حرارت در قسم های مختلف کرهٔ زمین ــ تحویل یافتن رطوبت به بخار .

هنگامیکه هوا صاف و بی ابر باشد ، الکتریک مثبت زیاده میباشد ، و بسبب شدت بسیاری که پیدا میکند در هیچ یک نقطه ــ هوا خود را جمع کرده خیزاند . اما وقتیکه هوا ابری شود ذرات آبی که در هوا پراگنده میباشند (الکتریک ناقل) شده در سطح ابرها تجمع الکتریک حاصل میکنند . در این حال چون دو ابر پاره نیکه هر کدام جدا جدا از قسم الکتریک داشته باشند با یکدیگر ملاقی یابند در مابین شان یک رد و بدلی واقع میشود که سرعت و شدت آن رد و بدل آواز و درخشندگی حاصل میکند . این است که آن درخشندگی را (برق) یعنی (آتش برنگ) و آن آواز را (رعد) یعنی (پاره غرغری) میگویند . وگاهی در مابین زمین و ابر این رد و بدل الکتریک بوقوع می آید که در آن وقت از بالا بپایان و از پایان ببالا یک جریان الکتریکی حاصل شده (صاعقه) یعنی (تندر) را بوجود می آورد .

ستاره برقیه (آتش برنگ) هوا را بسیار سرعت و چالاکی ، و کمال تیزی و شدت تای از هم پاره میکند و برای پر کردن جائیکه پاره شده بود تمام هوا از هر طرف در آن جا هجوم می آورد که صداهای مهیب رعد از صدا و شر آن هجوم هوا در آنجا بظهور می آید و چون سرعت و تیزروی ضیا از سرعت و تیزروی صدا خیلی افزون تر است از ین سبب اول درخشندگی برنگ ، و بعد از آن صدا های پاره شنیده و دیده میشود

نامُوَران زنان جهان

مقدمه

(سراج الاخبار) میخواهد که سر از ین نسخه گاه گاهی در بعضی نسخه های خود یک قدری از احوال زنان مشهوره که درین سپنج سرای فانی زندگانی بسر آورده اند و نامهای خودشان را در ورقهای تاریخ بیادگار مانده اند برای فایده بردار شدن بی بی ای مستورات ، و بیگمهای مخدرات وطن عزیز خود درج صفحه های اوراق اخبار نماید .

درین باب اگرچه بعضی اشخاص بر ما ایراد و اعتراض

هم نگیرند که در میان مردان ما هم هنوز زیاده سی یک نوع آگاهی اخبار روزانه ای آثار دیده نمیشود، و از مطالعهٔ (سراج الاخبار) فایده و منفعت معارف نمیگیرند چه جایکه زنان!.....

بر آنها که درین اعتراض خود شان تا یک درجه حق هم دارند، و لیکن اینگونه اعتراضها، و این چنین ایرادات سدّ راه شوق و کوشش ما در باب خدمت نشر معلومات نافعه نخواهد گردید.

هیچ دولت و هیچ قومی نیست که از ابتدای ظهور خود شان عالم و دانا، با اخلاق، و توانگر و صنعتکار بدنیا آمده باشند اگر تاریخ اوروپا را بخوانیم همین اقوام فرنگستانی که درینوقت به توانگری، و صنعتگری، و دانائی خود شان نمونه برای نشر مدنیت، و تهذیب عالم مامور و مخلوق می پندارند. پیش از چند عصر بحال وحشت و بدویت بسر می بردند و در وقتیکه در عصر خلفای عباسی در طایفهٔ زنان اسلامیه بسی شاعره ها، ادیبه ها صنعتگرها موجود بود زنان اوروپا نی بلکه مردان شان نیز از الف تا با هم نمیدانستند، و بجز چشم ریش دیگر چیزی هم یاد نداشتند. حال آنکه درینوقت زنان شان بدرجهٔ رسیده اند که در کارها و امورات دولتی رشد و لیاقت خود شانرا اثبات کرده دعوای گرفتن مقامات عالیه را دارند.

همهٔ عاقلان روزگار برین اتفاق دارند که نوع انسان از یک زن و یک مرد بوجود آمده، و اگر تنها ابونا آدم علیه السلام میبود و حضرت حکیم مطلق جل و علا امّنا حوا علیها السلام را خلق نمی فرمود نوع انسانی در دنیا بوجود نمی آمد. پس ازین یک بخوبی معلوم میشود که یک انسان از دو قسم چیز ساخته شده که یکی (ذکوریت) یعنی مردی، و دیگری (انوثیت) یعنی زنی میباشد. هرگاه یک مرد باشد و زن نباشد، و یا تنها یک زن باشد و مرد نباشد نوع انسانی از صفحهٔ کاینات در اندک مدتی محو و نابود میگردد. لهذا یک زن و یک مرد جدا جدا یک یک انسان گفته نمیشود. بلکه یک زن و یک مرد یکجا یک انسان گفته میشود. یعنی یک انسان را که دو نیم کنیم نیم آن زن و نیم آن مرد است. زیرا بقا و حیات نوع انسان بوجود مرد و زن هر دو قایم و دایم است نه تنها بر یک فرد آنها.

حالا می بینیم که طایفهٔ لطیفهٔ زنان در عالم بشریت تا چه درجه یک رکن بسیار مهم، و تا چه پایه یک عنصر لازم میباشند پس اگر آنها را از حق تعلیم و تربیت محروم بداریم گویا نصف وجود خود مان را بیکاره و معطل گذاشته ایم. لاجرم اگر (سراج الاخبار) که مقصد یگانهٔ آن نشر معلومات نافعه برای اهالی وطن است بعضی سخنانی که موجب فایدهٔ مستورات و مخدرات وطن باشد درج اوراق خود نماید چیزی بیهوده و ناروائی نکرده خواهد بود.

علی الخصوص درین عصر سعادت حصر پادشاه ترقیخواه و با دانش و دین ما اعلیحضرت (سراج الملة والدین) که مرحمت، و عدالت، و شفقت و عاطفت شاهانهٔ شان در بارهٔ ذکور و اناث رعایای صادقهٔ ملوکانهٔ شان عام و در یکسانست.

بنا برین سر ازین نمره چنانچه از تعلیم و تربیهٔ امورات خانگی نسوانیه در باب سررشته داری خانه و تربیت اولاد، و محافظهٔ ناموس و عصمت وغیره چیزهائیکه موجب فایده بر داشتن طایفهٔ نسوان باشد بحث میرانیم از ترجمهٔ احوال، و اعمال و اقوال زنان مشهوره نیز در زیر عنوان (ناموران زنان جهان) ثبت صحیفهٔ عبرت مینمائیم.

از نوشتن احوال نامورانِ زنانِ جهان ما دو منظور داریم: یکی اینکه مخدرات خواهندگان وطن ما از احوال همجنسان گذشتهٔ خود شان در صحایف سراج الاخبار معلومات نافعه یافته موجب محظوظیت و مسرت شان میشود. دیگر اینکه چون درین باب تا حال یک کتاب مکمل و جامعی در فارسی نوشته نشده، این عنوان یک کتابی در آخر کار بوجود خواهد آورد که یادگار بماند. این است که به ترتیب حروف تهجی یعنی الف با از حرف (الف) آغاز میکنیم.

و چون این کتاب ما به ترتیب لغت تألیف میشود از زنان هر قوم وقتیکه به ترتیب حروف تهجی برابر آید لابد بهمان اسم نوشته خواهد شد، و رعایت شرافت و اصالت نخواهد شد. و من الله التوفیق

حروف الف ممدوده

(آبلار بیگم) = دختر (ابراهیم لودی) پادشاه هندوستان است که بحسن و جمال و هنر و کمال مشهوره بوده، و پادشاه هندی او خیلی میل بداشته بود، در دهلی وفات یافته است.

(آپولینه) = یک دختری بود در اسکندریه که در آغاز انتشار دین عیسی علی نبینا علیه السلام در اسکندریه ایمان آورده بود و در سنه (۲۴۸) میلادی از طرف یهودی‌ها گرفتار آمده بجزای سوختن محکوم گردید، و آتش بزرگی برای سوختن او افروختند، و او را بر انکار کردن و برگشتن از دین عیسی علیه السلام با آتش خوف و بیم دادند، او از دین برنگشته بپای خود در آتش در آمده خاکستر شده است.

(آتوسا) = دختر کمبیز بود که در اوّل امر با یک موبدی، و بعد از آن با اسفندیار پسر گشتاسب ازدواج نموده، و از شوهر آخرش که اسفندیار باشد بهمن را تولید نموده، و او برای جنگ با یونان برانگیخته است. این سخن که مذکور گردید در تواریخ بزبان نوشته شده است، امّا چنان معلوم میشود که در نام این زن چیزی غلطی پیش شده باشد، و احتمال دارد که (واستی) نام زنی باشد که در تورات نیز اسمش مذکور شده است.

(مابعدش در نمبرهای آینده می‌آید)

* * *

علم ثروت ملک

مابعد از نمبر ششم

شکل و صورت و دیگر کیفیت‌های اشیا را تبدیل و تغییر داده، باین صورت سرا از نو فایده و قیمت بوجود آرد. این است که این عملیات را یعنی به تبدیل دادن شکل و کیفیت اجسام فایده و قیمت پیدا کردن را (صنعت) میگویند.

پیش از این چون کسی از این اساس مقصد آگاهی نداشت، ثروت و توانگری را منحصر بر طلا و نقره پنداشتند. و درین آخرها (آدام اسمیث) و پیروان او این خطا را تصحیح کرده ثابت ساختند که اصل

فاجعه‌های پاریس

مابعد از نمبر ششم

مانند یک گل معصوم هیچ، و نازک بشاشت و سروری بیک شب خزان دائم بنظر میخورد.

رخساره‌هایش در سفیدی از انگشتهایش پس نمانده، و چنان گمان میشد که مدّتها بر نوشش سکته عارض شده باشد. تنها در پشت‌های چشمش یک کمی سرخی تیره رنگی نمایان، و اطراف چشمش با یک خط کبود رنگی احاطه شده، و مردمکهای چشمانش با یک پردهٔ غنائی مستور بود.

در حالیکه بر نوکهای مژگانش مانند دانه مرواری یک دو قطره سرشکی پدیدار بود بخطاب جوان بپا ایستاده و جوابا چنین گفت:

— آیا می‌برائید ها؟ امّا چون [illegible] عادت شماست در بیخوابی ماندن، شما شایان حیرت و تعجب دیده میشود.

جوان — (بعنف) آیا مرا سرزنش میکنید قلوتیلد؟

قلوتیلد — سرزنش کنم؟ من هیچ وقت معاملهٔ سرزنشی بشما نکرده‌ام که خود شما نیز به این بزودی پیدا نمائید. مقصد من این بود که بپرسم چه وقت برمیگردید.

— هر شب چه وقت که برگشتم امشب نیز همان وقت برخواهم گشت.

— یعنی معلوم شد که از نیم شب بسیار پیشتر! شما هر شب چون صبح گل شده می‌آئید، و تا شام بخواب میروید، و باز برای بیرون برآمدن از خواب برمیخیزید. برای یکدو کلا که باید بگویم

منبع ومنشأ ثروت سعی وعمل است، وثمرهٔ حقیقی سعی وعمل حاصل کردن فایده وقیمت میباشد.

مثلاً یک کشتکاری یک مقدار گندم را بزمین خود می اندازد بواسطهٔ گاو، وجوغ وتیر، وقوتهای طبیعیهٔ خاک وهوا، وآب وحرارت شمس چند مثل گندمی که کاشته بود بر میدارد، وباینصورت فایده وقیمتی را که گندم آنوقت داشت بارها می افزاید. وهمچنان اسیابانی که بواسطهٔ آب یا باد یا بخار آن گندم را آرد میکند، ونانبائی که ازان آرد نان میپزد، همه سراز نو به آرد وگندم فایده وقیمت بخشیدند. وهمچنان یک فابریک دالاینی کارخانه دار وقماش بافی که ابریشم وپنبه را بواسطهٔ بعضی آلات وادوات به قماش تبدیل بدهد فایده وقیمت ابریشم وپنبه را باین سعی وعمل خود می افزاید.

پس درین حال فرقی که درمابین کشتکاران ودیگر صنعتگران میماند تنها در آلات وادوات ودیگر واسطه های صنعت شان میماند، که نتیجهٔ آن عبارت از تبدیل دادن شکل وکیفیت اشیاء، وسراز نو فایده وقیمت پیدا کردن برای آنهاست.

کذلک ماهی گیر وکان کن بسببیکه ماهی را از زیر آب ومعدن را از زیر خاک بیرون بر آورده برای حوائج ضروریهٔ انسان کار آمد ساختند، وقابل بها گردانیدند. برای ماهی ومعدن که اگر در زیر آب وزیر خاک بمانند هیچ فایده ازان برای انسان حاصل نمیشد ایشان نیز باین عملیات خود فایده وقیمت حاصل کردند.

اهل تجارت نیز هرگونه اشیا را از یک جائی گرفته بدیگر جائیکه طلبگار آن بسیار باشند بواسطهٔ عرابه وریل وواپور وغیره نقل میدهند که باین سبب فایده وقیمت آن اشیا را افزونی میدهند.

بنابرین جملهٔ این کارها وکسب ها را باصطلاح علم ثروت (صنعت) مینامند. وکارگران را (صنعت کار) میگویند. وحاصل ثمرهٔ جهد آنها را (محصول) میخوانند.

اگرچه ثروت وتوانگری باجرای صنعت حاصل میشود، وصنعت فایده وقیمت را بوجود می آورد، اما شرط اعظم هر صنعت این است که هر صنعت کار چیز فایده مند قیمت داری را که بوجود می آورد میباید که قیمت آن نسبت بچیزیکه برای بوجود آوردن آن

هیچ صدائی نمی یابیم. چه عمر را درینجا (به بسیار وحشت بر اطراف خود نظر کرده) بلی، درچنین جا... به تنهائی گذشت.

— این را من هم تصدیق میکنم که اقامت گاه ما خوب جا نیست اما بشما قول میدهم که در ظرف یک مدت بسیار کمی اینجا را به یک اقامت گاه بسیار مطنطنی تبدیل میدهم. وهم درین خانه برای شما هیچ تنهائی نیست! مشغول شده میتوانید.

— بشرطیکه همراه شما باشم اگر صد بار بدتر ازین اقامت گاه باشد وهر قدر فلاکت باشد تن در میدهم که این را بر شما اثبات هم کرده ام. اما درینجا دایما به تنهائی بسر آوردن، خدا میداند که چنان حالی نیست که تحمل شود. دیگر اینکه در روزهای من بعضی فکرهای خوفناکی هجوم میکنند. آیا وقت وزمان خود را در وقتیکه از پیش من میروید وتا پس می آئید چسان، ودیگر چه کار میکنید؟

— باحوال گذشتهٔ خود که بنابر اقتضای طالع نامساعد خراب گردیده دست وگریبان میباشم. وبرای حاضر کردن یک آیندهٔ بسیار خوبی مشغول هستم. چه میکنم؟ برای تهیه کردن اسباب تبدیل دادن اینحال فلاکت اشتمال که در آن هستیم کوشش مینمایم.

— آیا درشب ها باین کارها مشغول میباشید؟ حال آنکه اینچنین کارها در روز میشود.

— چرا مشغول نشوم؟ دربار رئیس ادارات ظالم مترقی در شب بند نمیشود.

زن بیچاره ازین سخن او بیک ضعیف باور نکردن وعدم اعتماد را نشان میداد سر خود را جنبانیده ازجائیکه تا بحال بران نشسته بود برپا خواست.

(باقی دارد)

آن صرف کرده است بیشتر باشد. یعنی برای ساختن یک چیزیکه ده روپیه صرف کند بهر حال باید که آن چیز از ده روپیه بیشتر قیمت پیدا کند. و اگر این چنین نباشد مخارج و مصارف که برای حاصل کردن ثروت صرف نموده با قیمتی که از آن حاصل شده برابر آمده از میان رود و قیمت هیچ ثمرهٔ ثروت حاصل نمیشود. مثلا یک کشت کار، یا یک ماشین خانه والا اگر ده هزار روپیه بر زراعت و یا کشمیره بافی و یا غیره چیزها صرف کند، و بمقابل آن خرج و صرف خود ده هزار روپیه غله و متاع حاصل کند نه ثروت و توانگری شخصی خود آن صنعت کار، و نه ثروت عمومیهٔ جمعیتی که در آن زندگانی دارد افزونی میگیرد. و اگر مصارف و مخارج بر قیمت حاصلات آن بیشتر آید در آنحال هم ثروت شخصیهٔ خود صنعت کار و هم ثروت عمومیهٔ جمعیت نقصان و کمی پیدا میکند. و این حال تنها بیک نوع صنعتها مخصوص نیست. بلکه از بسی سببها مختلف در هر صنعت بظهور می آید مثلا چنان گمان شود که چیزهائیکه از یک ماشین خانه بر می آید بسببی که از چیزهای خام گران تر فروخته میشود از آنرو صنعت ماشین داری از زراعت یعنی کشت کاری بیشتر موجب افزونی ثروت و توانگری میشود. نی بلکه حاصل کردن توانگری یک ماشین خانه والا نیز عیناً مانند حاصل کردن توانگری کشت کار است مثلا یک کشت کاری که بر گندم، و گاو، و زحمت کشی هر قدر قیمتی که صرف کند اگر از آن قیمت صرف کردهٔ خود بیشتر قیمت حاصل کند گویا ثروت حاصل نمود. کذالک اگر یک ماشین خانه داری نیز از قیمتی که بر ساختن کار خانه، و آوردن آلات و ادوات، و اجرت مزدور کاران و خریداری اشیای خام وغیره صرف میکند بیشتر از آن قیمت صرف کردهگی خود قیمت حاصل کند گویا توانگری را بدست آورده توانسته است.

پس ازین یک بخوبی معلوم گردید که افزونی گرفتن توانگری، و ترقی صنایع بهمین قواعد و نظامیکه بیان گردید تابع بوده خواه یک شخص باشد و خواه یک قوم چه باید که دایما در پی کارهائی بیفتد که توانگری را نتیجه دهد. و چیزهای فایده مند بوجود آرند که از قیمت صرف کردهٔ خود بیشتر قیمت حاصل کند.

* * *

فصل سوم

اقسام صنایع

صنعتها در اول امر بر سه قسم تقسیم میشود:

اول (کشت کاری) بنام دیگر (صنایع ارضیه) دوم (اشیا سازی) و سوم (سوداگری).

یک قسمی از افراد بنی نوع بشر از زمانهای بسیار قدیم به کشت کاری و زمین داری کوشش ورزیده پیشه گرفته، و روی زمین را بکندن و شدیار کردن و پاره رود آوردن آباد کرده انواع حبوبات و نباتات و حیوانات را پرورده اند، و بسر رسانیده از آن رو هم بدفع احتیاجات خود کامیاب شده اند و هم از قیمتیکه صرف کرده اند بیشتر قیمت حاصل کرده بصورت جاودانه توانگری پیدا کرده اند که این صنعت را (زراعت) یعنی کشت کاری مینامند. و این صنعت را (صنایع ارضیه) نیز میگویند که معدن کنی، و شکار ماهی، و بریدن چوب را از جنگل نیز داخل همین صنعت نموده همه را (صنایع ارضیه) گفته اند.

(باقی دارد)

به مقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف سرمحرر تحریر یافته

مدیر و سرمحرر سراج الاخبار

بسعی و اهتمام الحاج عبدالخالق سرطرز مهتمم چاپه خانهٔ دارالسلطنه کابل
بقلم میرزا محمد جعفر قندهاری طبع شد

نگران
ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت پادشاه
علی احمد

قیمت سالیانه
در دار السلطنه کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف مملکت با اجرت ڈاک ۱۲ روپیه کابلی
در خارج مملکت با اجرت ڈاک نیم پوند انگریزی
قیمت یک نسخه آن در کابل یک عباسی است
تاریخ عربی یکم صفر ۱۳۳۰

سراج الاخبار
۱۳۲۹
افغانیه

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

اداره خانه و مطبعه
در شیرپور دار السلطنه کابل

همه مراسلات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

هر پانزده روز یکبار نشر میشود
تاریخ شمسی ۳۰ جدی ۱۲۹۰

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

پلدرنته — حوادث داخلیه — حوادث خارجیه —
مضاحکیه — باقی حوادث خارجیه — ادبیات —
تلگراف بی سیم — علم و ادب عمل — فایده [illegible]

پلدرنته

بر کسانیکه در نفسیت جغرافیای (افغانستان) تا یکدرجه آگاهی دارند پوشیده نیست که این خاک پاک وطن عزیز ما (افغانستان) یک قطعه بسیار بزرگ آسیای وسطا است. و چنانچه بحیثیت استقلال سلطنت. و یک جنسی و یک مذهبی. و شوکت در آسیای وسطا یک رتبه بلند مادی و معنوی را مالک است بهمچنان بحیثیت موقع زمین نیز بسیار عالی و مرتفع بلند واقع شده است وضعیت این خاک پاک مانند یک بام بسیار بلند است که در جهت غربی آسیای وسطا واقعست. این بام از طرف شرق شمال بسلسله (هندوکوه) نام دیگر (هندوکش) و از طرف غرب (بکوه بابا) و (کوهستان غور) که بسوی غرب یکسر دراز شده و رفته است مربوط میباشد. از جهت شرق آهسته آهسته فرود آمده (باسلیمان کوه) که از شمال بجنوب ممتد شده و رفته است ارتباط پیدا میکند.

این بام عبارت از تمام دو سطح مایل تشکیل داده که بجهت آبهای افغانستان ازهمین دو سطح مایل در جریانست. یکی ازین سطحها این سمت جنوبی و جنوب غربی فرود آمده است که بجهت آبهائیکه از طرفهای شرقی و شمالی مملکت جریان دارند به این سطح مایل فرود آمده به کول (زره) یا کول (سیستان) میریزد. بزرگترین نهر هائیکه این حوضه جنوب غربی را تشکیل داده و به کول (زره) میریزد نهر (هلمند) است.

سطح مایل دوم عبارت از حوضه کابل است که بسوی شرق در مابین (هندوکوه) و (سفید کوه) واقع شده است. آبهای متعدد و شدید الجریانی که از سلسله های کوه (هندوکش) از میان دره های بسیار مخوف و مدهش در جریانست آبهای (پنجشیر) و (غوربند) وغیره را گرفته و در (حصار) و (آب) نام موقع با اصل نهر کابل بهم آمیخته و یک نهر بسیار جسیمی تشکیل داده از ولایت جسیمه (سمت مشرقی) مثلاً (ننگنهار) میگذرد. و در قریب های (پشاور) با آب (اتک) آمیخته از حوضه (سند) به بحری میریزد.

این نهر جسیم کابل ولایت جسیمه حاصلخیز معموره (ننگنهار) را از میان دو شق نموده است که حاکم نشینی بزرگ ولایت (جلال آباد) را بیکسو و حاکم نشینی کوچک (لغمان) زمین را بدیگر سو انداخته. عبور و مرور مردم و دواب و مواشی ازین نهر در مابین این دو ولایت جسیمه بواسطه جاله یا کشتی ممکن میشود. در بعضی وقتها از بعضی جاها اگرچه گذر میدهد ولی آن

گذر از تنگه خالی از خطر و سالم نیست. گذرگاه کشتی و جالۀ نهر علی الاکثر در موقعیکه آنرا (درُنته) مینامند، و از شهر جلال آباد تقریباً یکنیم ساعت مسافه دارد میباشد.

این موقع (درُنته) از عجایبات خلقت یک جای لطیف میباشد که تیشۀ قوت منبع قدرت طبیعت دو کوه پارۀ عظیم سنگلاخی را بیک وضع بسیار شیرین و دلنشینی از هم دو پاره نموده و آب بسیار جسیم (نهر کابل) را از میان آن جاری نموده است.

این است که خسرو همایون فال مقدس ما (اعلیحضرت سراج الملة والدین) بادشاه ترقیخواه بادانش و دین در همین موقع مذکور (درُنته) پل بسیار باشکوه و آهنینی مستونی بنا فرموده اند که در آسیای وسطی دیگر نظیر و مثیل آن را چشم هیچ سیاح جهان گردی ندیده باشد.

تصور بفرمائید: یک دو کوه بلندی که مانند دو دیوار سنگی که طبیعت آن را از دو طرف سر بلند برآورده باشد، و در میان این دو دیوار غرابت آثار یک آب بسیار سنگین و عمیق بسیار آرام که مانند یک کول دریا به درخ با نست. این (تنگنای کوه) (آبنا) گفته شود هم جا دارد، تقریباً نیم میل دراز شده رفته است که اگر انسان در یک کشتی از مدخل یعنی آغاز تنگنا در میان این دو دیوار رهسپر گردد درۀ عجیب الخلقه در آید خود را در یک عالم دیگری پنداشته در پیش سحر پرداز دریا کارهای بوقلمون خلقت بگرداب حیرت فرو میرود، و در آن عالم حیرت و بیخودی بلا اختیار از یک (ہو !) گفته فریاد بر می آرد که عکس صدای آن (ہو !) در درگهای سنگهای پرسنگلاخ آن درۀ لطافت مناخ هزارها ہو بر می انگیزد، و انسان را از مشاهدۀ آن حال، و استماع آن آوازهای عکس های صدا یک مستی نشاط و سروری دست میدهد.

بیاد دارم که در اوایل سنه (۱۳۲۴) هجری کابلی موکب سعادت موهب اردوی همایونی از جلال آباد بسمت لغمان از همین جائیکه حالا پل پر جهابت (درُنته) بنا یافته عبور نمود، اما چه عبور! یک اردوی معظم بادشاهی که از عساکر نظامیۀ پیاده و سوار، و توپخانۀ پیاده و سوار همرکاب که تقریباً پنج شش هزار آدم، و هفت هشت هزار دواب و حیوان مرکب بود! آلات نقلیه بجز (جاله) دیگر چیزی موجود نبود. (جاله) عبارت از یک مشکهای باد پر کرده شده ایست که بقدر بیست پنج سی مشک آن را با چوبها و تخته ها بیکدیگر بسته و بر روی آن مانند پیرایۀ تخته ئی بوجود آورده و انسان بواسطۀ آن از آب عبور میکند.

حالا تصور شود: نهر بدین جوش و خروشی، اردوی باین بزرگی و انبوهی، آلات نقلیۀ این عجیبی و غریبی!....

باز یاد دارم که ذات اعلیحضرت بادشاه و مقدس ما بر سنگپارۀ جسیمیکه حالا پایۀ پل پر جهابت درنته بران بنا یافته نشسته و نقلیات اردوی همایون را نظارت میفرمودند. بعد از نقل یافتن اردوی آنکه هیچ تلفات نفوس بوقوع آمد، اعلیحضرت بادشاه و مقدس غیور ما بسوی موقع مذکور یک نظر صمیمیت منظری عطف فرموده بحاضرین حضور انور والا نسه نمودند:

— بحول الله تعالی عزم جزم بعد از اندک مدتی این مشکلات انگیزی عبور و مرور این موقع صعب المرور را از راه رعایای صادقه ام رفع خواهم نمود.

آن وقت سال فرخنده فال چهارم جلوس میمنت مانوس همایونی شان بود و پار سال که بسعادت بحر کابلی همایونی بسواری موتر از سر پل درنته میگذشتم بموقع مذکور دیده، و حال گذشتن پر خوف و دهشت عبور نه سال پیشتر آن را بخاطر آورده بی اختیار بر صدق (كلام الملوك ملوك الكلام) اعتراف ورزیدم، و آن کلام حکمت پیام بادشاه مقدس خود را یاد آوری نموده عظمت و شوکت دولت، آن کلام مبارک شاهانه را با یک دعای خالی از ریا تذکار کردم.

پل درنته در مخرج دهنۀ درۀ معروف به درنته بچار منارۀ فولادی بهشت ریسمان فولادی بنا، و بصورت معلق بر هوا داشته شده است. دو پایۀ بسیار متین و خیلی مستحکم از سنگ و سمنت و بیخ های بزرگ آهنی یکی باین طرف نهر و دیگر بآن طرف نهر بنا یافته، و برین پایه های مستحکم دو منارۀ بسیار بلند خوش نمای مشبک فولادی باین طرف و دو منارۀ دیگر بآنطرف نهر برپا شده که جزء این پل بدین جسامت آهنین را همین دو پایه و همین چار مناره و هشت ریسمان فولادی تاب داده شده معلق بر هوا داشته است.

طول این پل که از برج (سش – پن – شش – برج) که سمتی معلق را در بر میگیرد (۳۰۶) فوت، و عرض سرک روی پل (۱۰) فوت است. مهندس معماری این پل فواد منزل مستر (ایدے) انگلیز است که الحق در بستن پل فواد هم مهارت صنعت خود را مطابق فن تجلی داده است.

— این حرکت شهریاری در بستن این پل بر نهر کابل غیر از آنکه هزارها فایدۀ سیاسی و تجارتی، و عسکری شاهانه است

برای عبور و مرور رعایای صادق شاهانه شان نیز پل را بسهولت و آسانی نشان میدهد که دعای خالی از ریای هزاران هزار نفوس سایرین و عابرین در حق پادشاه و مرحم پناه و محبوب قلوب خودشان رفیع بارگاه خالق کائنات میشود . (سراج الاخبار) نیز از صمیم دل ، و حقیقت روح دوام عمر و عافیت این پادشاه ترقیخواه مقدس خود را از درگاه کردگار نیاز میکند تا بسی سالها صحایف اوراق خود را بذکر بسی آثار مدنیت گستری و عمران پروری شاهانه شان شرف و تزئین دهد .

حوادث داخلیه

هوای کابل

امسال بستان شهر عزیز ما بسیار یک رنگ عجیبی بکار برده که در اول هر یک شدت و حدت برجستی در وجود خود و باز رفته رفته آن شدت و حدت خود را بیک رفق و ملایمتی تبدیل داد .

از قرار یادداشت درجه هوا که از وقت سرد و داده و از گرمی بپایه یاد داده رسیده و درجه هوا را از روز یکشنبه ۱۹ محرم الحرام تا با یوم شنبه (۲۴) ماه مذکور ما بین (۴۵) و (۲۹) درجه تراماتیر نشان داده شده است . در ظرف این پانزده روز کیا برف باریده که اکثر از اعلی روی زمین بیک جنبه (۱۳) ماه تا به درجه مذکور داده و دانه بقدر یک انچ و سقوط باریده و آب شده است . در روز جمعه نیز اگرچه دانه دانه باریده ولی هیچ یک بارنده گی که قابل پیمایش باشد نبوده .

محرر عاجز هر روز که بوقت صبح از خانه بر آمده با اداره میروم در راه بعضی اولادهای وطن پرمحروم که کتابها و تختهٔ مشق های شان را در زیر بغل گرفته بیک شوق و تلاشی بسوی مکتب ابتدائی محله های خودشان که از فیض مرحمت اعلیحضرت پادشاه مقدس ما در شهر عزیز ما عام شده است رفتار دارند که دیدن این حال بی اختیار یک جوش شادی و شکران در دل خود حس میکنم ، اما چرا افسوس که امسال بعضی کودک های وطن از یک ساعت تیزی و شدت خودشان محروم مانده اند ، در اوقاتیکه سرما شدت داشته باشد ، اکثر اندیکی را ابن محله ها دیده میشود که در بعضی جا آبهای یخ شده و بارش یخ بسته که اکثر بسیار کلفت برای اولادها بوجود می آورد ، فرحت و سرور بگانه پسران کتب رونده گان چون که برین آئینه کاری دست فیضیت زمانه با کتب بچگانک خورده میروند . حالا که امسال چون یخ نمی بندند از عدم شدت و غضب قهرمان شتا از شکایت خود داری نمیتوانند ، دیگر یک تماشای دلسوز نیست

با مانخدان و اولاد است ، هر وقتیکه از ده افغانان یا باشندگان از راه باینجا میروم بعضی ازین بیچاره ها را در پیش گروهت های قوت زاری که آب جوار را بان برای یخ بستن جاری داشته اند میبینم که بیک نظر بسیار تأسف و حسرت بسوی آنها نظر کرده و پس پای گردن خود شان را خاریده و میگذرند ، و الحاصل چنانچه شاعر عرب میگوید که : (مصائب قوم عند قوم فوائد) یعنی : ((مصیبت های بعضی برای بعضی فایده است)) چنانچه بخدان و اولاد و بچگانک خود را بمصیبت و غم این بلا گرفتار اند فقرا نیز بفرحت و مسرت سیه روی زغال دلش داده فقط .

اراجیف

اخبار (سول ایند ملتری گزت) از زبان وقایع نگار سرحدی اخبار (انگلشمین) یک خبر سراسر دروغ بیفروغی که قطعیاً اصل و اساس ندارد نشر نموده که بواقعی خیلی شایان حیرت ، و هم بسیار موجب افسوس است . حیرت ازین است که آیا دروغ باین بزرگی را وقایع نگار سرحدی اخبار مذکور در خیال خانهٔ تصورات برزه پرستی خود چسان اختراع نموده است ؟ افسوس ازین است که آیا اخبار معتبر انگلشمین این چنین وقایع نگار بهتان گفتار را برای وقایع نویسی اخبار معتبر خود چسان مقرر نموده است که بر دروغ بودن آن اخبار سول اینڈ ملتری گزت نیز از اظهار تعجب خود داری نتوانسته است .

خبر دروغ مذکور این است :

((اعلیحضرت امیر صاحب کابل با دختر یک سپاهی رسالهٔ شاهی شخصی بسلطان احمد عروسی کرده اند))

(سراج الاخبار) بکمال شدت این خبر دروغ بیفروغ را تکذیب میکند ، و بی اصل و اساس بودن این خبر دروغ را اعلان و تشهیر مینماید ، هرگاه اخبار معتبر انگلشمین از وقایعیکه در باب افغانستان وقایع نگار سرحدی او مینویسد قدری محاکمه و ملاحظه کرده درج اخبار خود نماید به اعتبار و حیثیت اخبار خود خواهد افزود ، اگر هر سخن راست و دروغیکه مردمان را بگوش دخیل و بهتر برای نوشیدن یک پیاله چای و کشیدن یک قلیان بوقایع نگار سرحدی او بدهند بگوید و او بلا ملاحظه درج کند صفحه های اخبار خود را به آن پر کند بسیار جای افسوس است .

حوادث خارجیه

نقل از اخبار سول اینډ ملتری گزت

کوروتیشن دربار مورخهٔ ۱۲ دسمبر — امروز دربار منعقد شده و قریباً ده لک نفر از اطراف و اکناف عالم برای دیدار اعلیحضرت شاه جارج و شمولیت جشن تاج پوشی که در تاریخ دنیا بی عدیل است و در مقابل تاج پوشی سلاطین سلف مثل خورشید درخشان هویدا شد وارد دهلی شده بودند در ورود اعلیحضرت شاه جارج در جائیکه برای دربار مخصوص بوده و سر (جنرل بیک موهین) برای افتتاح دربار از شاه مذکور دستور یافت و بادشاه ممدوح سلامی اتواب گرفته حاضرین دربار را مخاطب کرده گفت که من و ملکه امپریس هندوستان خیلی محظوظ شده ایم و بر اطاعت و لیاقت مردم هند اظهار اطمینان می نمائیم چون در سال گذشته بتاریخ ۲۲ جون من بر اورنگ انگلستان شدم و چتر آبا و اجداد خود را بر سر نهادم من مصمم شده بودم که در خاک هند در آن سرزمین که دار الخلافهٔ شاهان مغلیه بوده است درباری منعقد کنم امروز نخل آن آرزوی دیرینه ام مثمر شده است و مدعای قلبی ام بحصول پیوسته ارادهٔ من این است که محبت خود را برای بهبود و رفاه الحالی هند و بهی خواهی والیان ریاست و فلاح رعایای هندوستان آشکار نمایم من از دیدن حاضرین دربار و ارکین منصبداران انگلیس هندوستان و راجگان و شهزاده گان ریاست های هندوستان و معتبرین نظام که از سایر ممالک محروسهٔ برطانیه درین سرزمین برای اظهار صداقت و داد و علامت احترام و تعظیم حاضر شده اند خیلی خوشنود شده ام و دل ما بدین خیال بسیار متأثر شده است که شهزاده گان ریاست های هند و جمیع باشنده گان ما را از نظر الفت و همدردی و حسن نیت می بینند و محض اطاعت ما را سعادت خود می پندارند من امید دارم که انشاء الله تعالی حفاظت حقوق و امتیازات شاهان کرده خواهد شد و من از بارگاه الهی میخواهم که آن مالک ارض و سما ما را توفیق عطا فرماید که برای ترقی و اقبال و خوشنودی و عافیت رعایای خود کوشان باشیم»

وایسرای هند و همراه او جمیع راجگان که حاضر دربار بودند بعد از استماع تقریر مذکور سر را فرود برده شرائط تکریم و عبودیت بجا آوردند و اعلیحضرت شاه جارج و ملکه بر تخت نشستند — وایسرای هند حسب الامر اعلیحضرت شاه جارج تقریر ممدوح را بحاضرین دربار واضح نمود .

اخبار پایونیر مینویسد

از تحریر نامه نگار سرحدی معلوم میشود که اعلیحضرت امیر صاحب کابل در باب حالات موجودهٔ ایران و ترکی دلچسپی زیاد ظاهر میکنند — چنانچه درین ایام شش نفر افغان و دو نفر افسران نظامی ترک را در شهر طهران و استانبول مقرر ساختند که خبرهای ایران و ترکی را باقاعده تحریر نموده برای سرکار کابل ارسال دارند فقط

(سراج الاخبار)

این خبر مافوق که: «شش نفر افغان و دو نفر افسران نظامی ترکی را در شهر طهران و استانبول مقرر ساختند» سراسر غلط و بی اصل و اساس است . زیرا اولاً دو نفر افسران نظامی ترکی در افغانستان موجود نیست تا که فرستاده شوند! گمان میشود که نامه نگار سرحدی رفیق این حوادث را در خیالی نقشهٔ خود تصویر داده باشد . ولی همدردی و دلچسپی که اعلیحضرت بادشاه مستقل دولت خداداد افغانستان در باب معاملات وحشیانهٔ ناحق و ناروای ایطالیا نسبت بمسلمانها در طرابلس بوقوع آمده و تجاوزات زور آور از حقوق شکنانهٔ که دولت روس بر ایران روا میدارد از امور طبیعی است که همه مسلمانان از آن در اضطراب و اندیشه میباشند علی الخصوص که ذات اعلیحضرت بادشاه خودمختار افغانستان یک رکن مهم عالم اسلام است در آسیا فقط

از انکشاف اعلان شاهی این امر واضح شده است که مردم بنگال تا آن کار در حصول آمال خود فیروزمند شده اند و من بعد کسی از باشنده گان هند نخواهد گفت که جشن تخت نشینی اعلیحضرت شاه جارج محض یک میدان رخت زرین بوده که بسبب درخشندگی خود چشم جهان بین را خیره کرده و بیننده را در ورطهٔ حیرت انداخته و سوای نمایش ذکر و هیچ اثری پیدا نکرده — فسخ تقسیم بنگال یک عطیهٔ گران بها است که بر عاقبت بینی تاجدار برطانیه دلالت مینماید فقط

برای اخبار تائیمز از طهران خبر رسیده که افواج روس

وارد مقام کوبی شده اند و مقام مذکور بر کنار حدود مغرب ترکی واقع است و بهذا امکان دارد که مابین دولت روس و ترکی نزاع واقع شود فقط

اعلیحضرت شاه جارج انگلند خواهش نموده است که در آینده وایسرای هند از اراکین خاندان شاهی انتخاب کرده شود ـــ لارد هاردنگ وایسرای موجوده اغلبا بدفتر خارجه خواهد رفت فقط

اخبار سویل اینڈ ملتری گزٹ پنجاب

پروفیسر شنلظر مدیر اخبارات لطایف زنان ملک جرمنی درخواست نموده است که آنها برای زینت اینقسم اشیا را بسر نکنند که پرهای جانوران را داشته باشد اکثر زنان معتبر تجربه دیده شده اند این خبر کلاه و دیگر لباس سر که پردار میباشد ترک نموده اند فقط

سراج الاخبار

این تلگراف پروفیسر شنلظر را اگر بعضی مرغکان خوش الحانی که دست خلقت در لطافت و زینت و حلاوت و ظرافت پر و بال آنها به مرتبهٔ حیرت فزا کاری برحکمت بکار برده از بعض غچهای سیم های تلگراف که از جملهٔ آنها نشیمن گاه های شان مرور نموده در اثنای نشستن بران گرفته باشند آیا به یک سرود شادمانی و چه یک سرود خسروانی بهمدیگر تبریک انگفته باشند . و درین احوال حقیقتاً پروری پروفیسر شنلظر را به چه شکرگذاری یاد کرده باشند !!...

کرونیشن دربار مورخه ۱۳ ماه دسمبر ـــ ملکه معظمه اجلاس منعقد کرده اکثر خواتین هند مثل بیگم بهوپال و مهارانی بروده و شهزاده بیگم اندرا وغیره شریک جلسه شده اند و خواتین مذکوره در خدمت ملکه یک گوهر ایاب بطور ارمغان تقدیم نمودند ملکه معظمه آن را قبول کرده و جمیع خواتین مذکوره را شکریه ادا نمود و خواتین بر قدر افزائی ملکه اظهار مسرت نموده کلمه های درازی عمر و اقبال ملکه را ورد زبان ساختند فقط

اخبار ابزرور و پیسه

سپه سالار عساکر عثمانی برای سفیر عثمانیه تلگراف زده که بر شب ۲۵ اکتوبر افواج عثمانیه برفاقت افواج متطوع در صف های عظیم داخل شده بر طرابلس حمله آوردند و حریف خود را پس پا کرده در اندرون شهر شدند افواج اطالوی راه فرار پیش گرفته در طرابلس پناه گزین شدند و درین جنگ دو قلعه های جدید مصری و ایتالی را خالی کرده ذخیره و سامان حرب و قاطرها را آنجا گذاشته شدند و متحمل نقصان عظیم شده اند و از عساکر عثمانی چهل نفر شهید و صد نفر مجروح شده اند الحال امید است که عنقریب ترکان بر طرابلس تسلط خواهند نمود فقط

اخبار ترتبیون می نویسد

اعلیحضرت امیر صاحب کابل ایشیک آقاسی سلیمان جان را از کابل بسلطان پور متصل جلال آباد برای تعمیر یک قصر شاهی بر چشمهٔ گورو نانک فرستاده اند چشمهٔ مذکور را از چند عرصه اعلیحضرت امیر صاحب در تصرف خود آورده اند فقط

سراج الاخبار

این چشمه که در قریهٔ سلطان پور واقعست حقیقتاً یک چشمهٔ غریب الخلقت بسیار صاف و درخشنده ایست که در یک قطعه زمین که یک پستی و بلندی منقسم شده چشمه های کوچک و بزرگ در جوش و جریان میباشد . و بر چشمه زار کنار آنها ذات اعلیحضرت همایونی یک قصر مختصر بسیار شیرین و دلنشینی بنا فرموده اند که الحق بجز لطافت و زینت معماری را دربردارد . مقصد خیر همه همایونی از بنای این قصر شاهانه بر چشمهٔ مذکور حل و فصل یک مسئلهٔ مغلقه بود که از بسیار وقت ها درمابین رعایای صادقهٔ اسلام و طایفهٔ هنود شاهانه شان موجب قیل و قال و منازعات بسیار شده و می شد زیرا چنانچه رعایای هنود ولایت سمت مشرقی دولت خداداد بر موقع مذکور بسبب بودن زیارت گاه شان حق تملک را ادعا میکردند مردم مسلمان بر بعضی بهانه ها حق تملک خود شان را ادعا میکردند و این بسیار سالهاست که مسئله کشمکش شاده بود . بهذا اعلیحضرت شاهانه بتدبیر حکیمانه فرقتین را بحقوق شان رسانیده و یک مبلغ معینی بطرفین داده هر دو طرف را قانع و راضی ساختند . و محل مذکور را در زمرهٔ اموال غیر منقولهٔ سرکاری داخل فرمودند . که الحق این حکمت عملی پادشاهانه و دانشمندانه در باب مصالح رفع منازعهٔ دو فرقهٔ مختلفهٔ رعایای صادق شاهانه شان از تدابیر بسیار مستحسنهٔ سیاسی شمرده میشود .

دیوان ترنجه اسس به سبب پیرانه سالی از عهدهٔ خود مستعفی شده است و اعلیحضرت امیر صاحب کابل بجای آن دیوان نند لعل قندهاری را مقرر فرموده اند فقط

سراج الاخبار

این خبر مافوق که اخبار تریبون نوشته هیچ اصل و اساس ندارد دیوان ترنجه اسس بر کار و وظیفهٔ خود در ادارهٔ دفتر (وجوهات) بکمال تندرستی دوام میورزد، و دیوان نند لعل که قندهاری نوشته شده قندهاری نباشد و او هم بر کار و وظیفهٔ خود در دفتر (سنجش) مقرر و مامور است فقط

ایضاً از اخبار پایونیر نقل شده

برای اخبار مارننگ پوست از طهران تلگراف آمده که دولت ایران بروس الٹیمیٹم (اعلان اخیری جنگ) فرستاده است دیگر آنکه افواج روس از حد کازوین تیر شوند و حکم فرستادن افواج مزید به ایران فسخ نموده شود و باید که در اثنای سی ساعت روس مطالبات مسبوق الذکر را بانجام رساند و الا ایران بر سپاهیان نظام روسی حمله خواهد کرد فقط

بسبب حرکات و کردار ناپسندیدهٔ روس مردم بوشهر خرید و فروخت اسباب ساخت روس را ترک نموده اند فقط

برای اخبار تایمز از طهران تلگراف آمده که مردم طهران و ملاهای مساجد برخلاف برطانیه اظهار خیالات نفرت میکنند و میگویند که برطانیه در معاملات ایران اصول بی تعلقی را مرکوز خاطر داشته است و ازین ظاهر است که برطانیه غرضور و ریاکار میباشد فقط

باشندگان اصفهان و شیراز از خرید و فروخت اموال تجارت انگریزی را وا گذاشته اند فقط

مصاحبهٔ قلمیه

سراج الاخبار

با اخبار (ایدووکیٹ) که ترجمهٔ آن از دفتر تربیت العلوم آمده

اخبار (ایدووکیٹ) هندوستان که بزبان انگریزی طبع و نشر میشود در باب سراج الاخبار یک شرح طویلی نوشته که ما یگان یگان فقرهٔ آن را شرح و تفصیل میدهیم :

«امید است که با اخبار جدید کابل مثل اخبارات هندوستان آزادی حاصل خواهد شد — یعنی آزادی مثلیکه خودمختاری اعلیحضرت امیر صاحب گردد.»

این فقرهٔ اخبار مذکور دلیل واضحیست بر اینکه نامه نگار اخبار مذکور از کیفیت خودمختاری اعلیحضرت پادشاه بزرگ افغانستان، و حقیقت دیانت، و اخلاق افغانیان خوب واقفیت و آگاهی ندارند. لهذا لازم دانستیم که ازین کیفیت و حقیقت مختصر معلوماتی بنگاریم : خودمختاری اعلیحضرت امیر صاحب یک چیزی نیست که نوک قلم کدام اخبار والا، و یا صفحهای کدام اخبار رایج و محقق آن گردد. زیرا ذات اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان یک پادشاه اسلام است، و قطعهٔ افغانستان از تاریخهای بسیار دور زیست که ملک اسلام است، مردم افغانستان عموماً مسلمان است. تا هنگامیکه این شرافت با عظمت اسلامیت درین سرقطعه باقی باشد — که انشاء الله تا به ابد باقیست — خودمختاری ذات اعلیحضرت پادشاه افغانستان را هیچ چیزی و هیچ قوتی خلل رسانیده نمیتواند، چراکه اساس و بنای اسلام بر اطاعت خدا، و رسول، و پادشاه موقوف است. قوم نجیب مسلمان، دل و زبان هیچ یک صاحب ایمان بر خلل اندازی به اساس دین و مذهب خود مایل و راضی نمیشود مگر که از اهل ایمان نباشد.

بعد ازین فقره مینویسد : «این امکان دارد که بعد از چند مدت اخبار مذکور آزادی حاصل نماید (مثلیکه در ایران بعد از حکومت شورائی بوقوع آمده است) اما قوانین کابل برای دفع آزادی وغیره نسبت به قوانین هند سخت تر و تندتر میباشد.»

بجواب این فقرهٔ (ایدووکیٹ) میگوئیم : خدا را هزار بار شکر است که (سراج الاخبار) یک اخبار بسیار

آزادی نیست که در زیر سایهٔ معارف پیرایهٔ یک پادشاه بسیار آزاد برای یک ملت بسیار آزادی، و یک وطن بسیار آزاد و منبع انوار علم و عرفان میباید. اگر آزادی عبارت از محفوظ بودن حقوق ونوامیس الٰهی، و برپا بودن شریعت غرای محمدی صلی الله علیه وسلم واستقلال دولتی و ملتی، و عدم اسارت حکومت اجنبی باشد — که اصل مقصد مسلمانان از معنای آزادی همین است — ذالهذا افغانستان به اکمل صورت آن را مالک است.

واگر مقصد از آزادی در (لائیسن) بودن انسانها باشد، و تزلزل و اختلال ملک و هرج و مرج افکار اهالی را آزادی بگوییم آن گونه آزادی عین اسارت را نتیجه میبخشد که (سراج الاخبار) از آن گونه آزادی طلبی بخدای یگانهٔ حافظ و ناصر حقیقی خود پناه می گزیند. اختلال پر هرج و مرج بی اساس ایران و انعقاد حکومت شورائی آن برای افغانستان یک نمونهٔ امثال بل یک درس عبرت شمرده میشود. تقریباً چار سال است که بغیر از خرابی و تزلزل هیچ ثمره از آن آزادی دیده نشد. راههای محفوظ و امنیت شان بی امنیتی پیدا کرده، راحت و آسایش شان منقلب گردیده، هیچ یک اثر ترقی و تمدن در ملک شان پیدا نشده. آخر الامر قرض دولتهای اجنبی را نتیجه بخشید. حال آنکه مردم ایران نسبت بمردم افغانستان حلیم، ساکن، نرم مردم هستند، وهم نسبتاً تا یکدرجه خوانندگان و نویسندگان شان بیشتر است. لاسمح الله اعوذ بالله! اگر این گونه افکار واهی بی اساس در افغانستان سرایت کند بغیر از محو و بی نشان شدن افغانستان از صفحهٔ کائنات دیگر هیچ نتیجه نخواهد بخشید. زیرا این سلحشوری، و تندی و تیزی که افغانیان دارند بالطبع و جبری شان دست یک کرده تا بخواهند که به بینند چگونه هیچ نام و نشان شان باقی نخواهد ماند. قولی که در دیگر: فساد و فتنه خیز تخریب نماید دشمن ملت و وطن خود خواهد بود که الحمد لله — که سراج الاخبار از آن مبرا، عاشق وطن، محب ملت، صادق پادشاه، یک قطعیت مسلک یگانهٔ اش محبوب القلوبی ورحیم القلبی پادشاه را بملت نمایان ساختن، ملت را محبت وطن و پادشاه بیدار نمودن تا بدرجه یکه ممکن باشد در راه باخبری همو طنان عزیز خود کوشیده است.

باز اخبار (ایدوکیت) میگوید: «در عهد حکومت کمپنی در هندوستان چون مطابع بر حکومت اعتراض میکرده و حکومت کمپنی اعتراض را برای خود مضر میدانست معترض دایم الحبس میکردید. حال آنکه سزای افغانستان نسبت بسزای مذکوره نیز سخت تر است» ❧

به این فقره اگرچه رفیق ما در ظاهر حال گویا یک خیر خواهی ورهنمائی برای حکومت متبوعهٔ مقدسهٔ ما نموده، ولی ضمناً طعنات را بر سراج الاخبار بدگمان ساختن و متهم کردن آن را ایما کرده که به این قول خود اسم خود را خلاف مشی شان داده است.

هرچه که بهت از این در گذرشد، این را بشنویم که میگوید: «اگرچه بلحاظ تعلیم ابتدائی این اخبار جدید مفید ثابت میشود، و برای ترقی خیالات اهالی افغانستان که نیم وحشی (!) میباشند خالی از دلچسپی نخواهد بود ولی این اخبار را اول اخبار افغانستان گفته نمیتوانیم» ❧

آیا اگر اهالی افغانستان را «نیم وحشی» بگوییم ایطالیها را چه عنوان خواهیم داد؟ البته که تام مدنی خواهیم گفت! زیرا از دول معظمهٔ اوروپا شمرده میشود و دوراوروپا بجز مدنیت تامه دیگر چه چیز خواهد بود؟

هیچ وقت اهالی افغانستان نه در محاربات داخله و نه در محاربات خارجی خود انسانها را زنده به آتش سوخته اند، زنان را سینه و دست و پا بریده و بقتل نیاورده اند، اطفال صغیره را کشته اند، بغیر حق بر ملک دیگری تعرض نکرده اند، اگر دیگری تعرض کرده باشد تنها بمدافعهٔ نفس خود کوشیده اند. عجیب وحشت! غریب مدنیت!! ....

تا بزمانیکه این افعال وحشیانهٔ ایطالیها که بر مسلمانان طرابلس بوقوع آمده از صفحهای خاطرها فراموش شده باشد بسیار شرم است که کسی نام مدنیت و انسانیت را بر زبان راند. بهٔ بشریت یا وحشی تام یا نیم وحشی شمرده میشوند والسلام!

«ایدوکیت» که سراج الاخبار را اول اخبار افغانستان نمیداند دلیل آن را چنین بیان میکند که گویا پانزده سال قبل ازین در زمان سعد اقتران خاقان مغفور جنت مکین اعلیحضرت (ضیاء الملة والدین) اول بار اخباری انتشار یافته بوده، و باز این را هم میگوید که عمر آن اخبار محض چند روز بود، و سبب بند شدن آن را نیز بر اسباب مجهول حمل میکند، و در آخر فقرات خود در باب اسباب تعطیل اخبار پانزده سال پیش از این چنین مینویسد: «میگویند که ملاهای افغانستان اجرای اخبار را طریقهٔ اهل فرنگ تصور نموده و از آن نفرت میکردند، و چنان خیال میکردند که از اشاعت اخبار رسوخ شان از افاغنه زایل میشود» ❧

اولاً این را بگوییم که در باب نشر شدن اخبار چنین از پانزده سال پیشتر معلوماتی دست یاب نشده ایم.

ازینکه از اول تأسیس و بنای مطبعهٔ دار السلطنهٔ کابل در مطبعه بوده‌اند جویا شدیم هیچکس در این باب آگاهی نداشتند و از نشر شدن اینگونه اخبار انکار نمودند. اگرچه در تصور بوده باشد ولی فعلاً بمیدان انتشار در این تاریخ نبرآمده است . و علمای ذوی الاحترام وطن عزیز ما هیچوقت و هیچگاه ابلغ افکار سیاسی دولت متبوعهٔ خودشان نشده‌اند و نمیشوند.

علمای کرام افغانستان اجرای اخبار را هیچگاه تصور اهل فرنگ تصور نفرموده‌اند. اخبارها تنها از فرنگستان می‌آید آن هم اخبارهای فرنگستانی. و اخبارها تنها که در مصر و شامات بزبان عربی انتشار می‌یابد از آن اخبارهای عربی. و اخبارهای ترکی و قفقازی کلکته فارسی میدانند و دربارهٔ (سراج الاخبار) که جریدهٔ رسمی بنام نامی پادشاه مقدس ما (سراج الملة و الدین) عنوان شرف نشانی پیدا کرده حسن توجه و نیک بینی بسیاری دارند. چنانچه از بعضی اساتذهٔ علام تحریراً و از بعضی شفاهاً مظهر تحسین و آفرین هم گردیده است .

ما فی حوادثات خارجیه

نقل از اخبار شیرین مورخهٔ ۲۱ الی ۲۲ ماه ستمبر ۱۹۱۱ عیسوی
مطابق ۲۹ و سلخ ذی الحجه الحرام ۱۳۲۹

مردم هرات از دست ظلم و ستم ایشیک آقاسی محمد سرور خان بتنگ آمده و بتوسط سردار نصر الله خان در حضور امیر صاحب عرض کرده‌اند که جمیع زمین داران و سوداگران علاقهٔ مذکور بدان عرضه داشت دستخط نموده گفته‌اند که چون نرخ اجناس ارزان میباشد ایشیک آقاسی مذکور محتاجی علاقه را مجبور میکند که عوض ادای مالیهٔ اراضی خود را نقداً ادا کنند و چون نرخ اجناس ارزان میباشد او برای وصول مالیهٔ اراضی مبلغ نقد وصول میکند مزید بر آن ایشیک آقاسی مذکور اکثر نفری را اجباراً برای خدمت خود مجبور میکند فقط

((سراج الاخبار))

این خبر فوق هیچ اصل و اساسی ندارد و از قرار تحقیقاتی که در مقامات علیا اجرا نمودیم نه این چنین یک عرضی از طرف جناب نایب الحکومهٔ هرات برای اعلی وارد آمده و نه از طرف زمینداران چنین یک عرض بوقوع آمده است . لهذا خبر مذکور را تردید میشود .

اعلیحضرت امیر صاحب کابل میرزا غلام حیدر خان سررشته دار ذاکرخانهٔ پشاور را برای تصفیهٔ حساب سال گذشته در جلال آباد و چونکه میرزای مذکور در حضور اعلیحضرت امیر صاحب از پشاور مال روانه میکرد اعلیحضرت امیر صاحب حسن خدمات میرزا را شرف قبولیت بخشیده بر میرزای مذکور یک قطعه اراضی در علاقهٔ قندهار عنایت فرموده‌اند فقط

((سراج الاخبار))

این خبر فوق بهیچ وجه اعتباری ندارد. اگرچه میرزا غلام حیدر خان بجلال آباد آمده است ولی این آمدن او مبنی بر یک غرض و مطلب شخصی نیست بلکه در هر سال یا هر دو سال یکبار در اثنای تشریف فرمایی موکب اعلیحضرت بموقع جلال آباد برای عرض احترام شرف‌یابی و سلام می‌آید . و ما هیچگاه مأمور و موظف برای روانه کردن مال برای علی از پشاور نیست بلکه او سررشته دار وکیل دولت علیهٔ افغانستان است در پشاور . عنایت شدن اراضی در قندهار برای او هم هیچ اصل و اساسی ندارد .

نقل از اخبار وکیل مورخهٔ ۳۰ ماه ستمبر ۱۹۱۱ عیسوی
مطابق سلخ ماه ذی الحجه ۱۳۲۹

(توحش - تمدن)

اخبار وکیل بر مضمون موسومهٔ (توحش و تمدن) یک بحث عجیب و غریبی کرده است در مقابل توحش اهل اسلام از ازمنهٔ سابقه و تمدن دول متمدنهٔ زمانهٔ موجوده را بخوبی ظاهر و عیان نموده میگوید که از ادبیات و تواریخ و روایات اهل یوروپ افسانه‌های مبالغه آمیز وحشت اهل اسلام مذکور میباشند و برای اطفال مدارس تهذیب یوروپ تسلیم میکنیم که مسلمانان در زمانهٔ سابقه ظالم و سفاک و وحشی بودیم و اما سپردن تهذیب و تمدن — لاکن بجواب آن بمقابله مقابلهٔ توحش اهل اسلام و تمدن اهل یوروپ را توضیح بیان کنیم — در سنه ۱۳ حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه که آن زمان سرپرست دینی خلافت بودند از بعد اطواری‌های ظالمانهٔ حکومت روم که در شام بود و به تنگ آمده یک فوج مختصری را برای دعوت اسلام در ملک شام روانه نمودند و چون فوج مذکوره روانه شد خود آنجناب تا یک میل همراه سرعسکر اسلامی که بر اسپ سوار بود پیاده رفتند و نصایح ضروریه تلقین فرمودند چون سرعسکر حال را برین منوال دید دست بسته عرض کرد که (یا امیر المؤمنین رضی الله عنه) من این حالت را دیده نمیتوانم که من بر اسپ سوار باشم و جناب پیاده بروند — امیر المؤمنین رضی الله عنه فرمودند که نه تو پیاده شوی و نه من سوار میشوم بتحقیق من آن را چنین میپندارم که من در راه خدا پیاده میروم بعد از آن این نصایح ذیل را ارشاد نمودند :

(۱) گاهی با کسی غداری مکنید .

(۲) کسانیکه از فوج غنیم مقتول شوند به اجساد مردهٔ آنها سلوک قبیح مانند قطع و بریدن اعضا روا مدارید .

(۳) پیران سال خورده را اگرچه او و یا متعلقین او حریف جنگ شما باشند باز هم قتل مکنید .

(۴) بر زنان حمله آور مشوید .

(۵) به بچهای شیر خوار و اطفال متعرض مشوید .

(۶) به مواشی اذیت مرسانید و پاهای گوسفند و بز مبرید .

(۷) اشتر را عذاب مکنید و اگر بضرورت محال شما را حاجت گوشت افتد باید که بطریق مباح یکی از آنها را ذبح کنید .

(۹) گاهی نخلستان را مسوزانید و نه درخت سبز را ببرید و نه آن را آتش زنید .

(۱۰) جای آباد را خراب مسازید .

(۱۱) از دزدی و دست برد قطع تعلق دارید و در هیچ سخن اظهار بزدلی و نامردی مکنید .

این است قواعدیکه حضرت خلیفهٔ اعظم اسلام فوج خود را قبل از رفتن بجنگ به وصیت فرموده بودند و مسلمانان نیز در آن جنگ بر آنها را شعار عمل خود داشته بودند ، حالت آن بندگان خدا را ملاحظه کنید که اگر کدام یک نفر تیر داشت او ترکش نداشت و اگر کسی نیزه داشت شمشیر نداشت و اگر کسی شمشیر داشت سپر نداشت شاخهای درخت را گرفته از آنها پیکان و خدنگ می ساختند و بر بدنهای خود نه زره میپوشیدند و نه خفتان و نه چار آینه و نه جوشن — در لباسهای ساده و دریده ملبس شده و ذخیرهٔ شان خرما بود که هر کس ذخیرهٔ خود را برداشته عازم جنگ می شدند و در هر قریه و هر شهر که میرسیدند این کلمه را میگفتند که بیائید ای مردمان که کسی را بجز خدای یگانه پرستش نکنیم و با او هیچ چیز را شریک نگردانیم ، اگر مشرکان جواب این پیغام الهی را بزبان سنان و سوفار میدادند مسلمانان شمشیرها برکشیده و بر آنها می تاختند و بعد از جنگ دست بدست این نتیجه ظهور پذیر می شد که از شوکت و جلالت نعره های (اللّٰه اکبر) تختهای کفر و الحاد نگون سار می شد و بعد از چندی جمیع مشرکان از حمایت معبودان باطل برآمده و زیر حفاظت آن ذات بی انباز که مالک رحم و سیاست است داخل می شدند و بمجرد بلند شدن رایت اسلام اهالی شهر آزادی حاصل میکردند و فاتحان اسلام سیاست و حاکمیت خود را مد نظر داشته به مردمان شهریکه فتح کرده بودند هیچ سرو کاری نمیداشتند بلکه وقت خود را در حفاظت شان صرف میکردند و از آنها جزیه میگرفتند و اگر مردم غیر دین در پهلوی عبادت گاه اسلامی عازم تعمیر کردن معبد خانهای خود می شدند فاتحان اسلام آنها را بخوشی اجازه میدادند و علاوه بر آن اهل اسلام دستگیری غربا میکردند و برای مدارات بیوه گان و یتیمان اظهار شوق می نمودند و برای امداد مردم سفید ریش و ضعیف خیرات خانه ها بنا میکردند و اطفال را تعلیم میدادند ، و برای کلیسا و بت خانه ها اراضی وقف می نمودند .

از زمانهای گذشته صرف نظر حالا در همین حرب حاضری که در ما بین عثمانی و ایطالیه بوقوع آمده یک غور کنیم : درین جنگ طرابلس غرب هفت هزار نفر اسیران اطالیه در لشکر گاه اسلام محبوس می باشند بحکم تلغرافات بیک سپه سالار عثمانی برای رفاه و آسایش اسیران مذکور در قید خانه شفاخانه ها تعمیر کرده شده و بموجب حکم اطبا ایشان را معالجهٔ باقاعده کرده می شود و علاوه بر آن چهار عدد خیمه ها بجای مطب نصب کرده شده اند و از تونس پادریان طلب کرده شده اند و جمیع اسیران اطالیه را بروز یکشنبه برای ادای رسوم مذهبی و فرائض عبادت شان اجازه داده می شود — حالانکه با وجود اینهم دول یوروپ مسلمانان را بوحشت متهم مینمایند ، حالا میباید که بر تمدن یوروپ یک نظر غوری خیدا ازیم (مستر ذاکسن کالاک) که یک اهل قلم نامور امریکائی میباشد در اخبار (نیویارک ورلد) تحریر میکند که فوج اطالیه یک جماعت شنیع قطاع الطریق میباشند ، تقریبا چهار صد نفر اطفال و زنان مسلمان و چهار هزار نفر جوانان اسلام عمداً نشانهٔ تفنگ ساخته اند و من جملهٔ نظارهای مهیب مشاهده کرده ام و نیز عکس آنها را گرفته ام سپاهیان خون ریز اطالیه بر مسلمانان و عربان این سو و آن سو می تاختند و جبراً زنان و بچه شیرخوار عربان را شهید میکردند — حالت افسران اطالیه نسبت از سپاهیان نظام بدتر است — اخلاق فوج اطالیه معدوم شده است و کیفیت معرکهٔ کارزار طرابلس از کارهای خون ریز اردینا خراب تر است — جنرل کانیوا حکم داده بود که با تارکان جنگ بکنیم و چون عربان در لباس رسمی عسکری بطور سپاهیان نظام با ما جنگ نمیکنند باید که کل نفرهای عربان که در لباس رسمی نباشند و مسلح باشند کشته شوند اگرچه آنها بیرق سفید هم حرکت بدهند — چند عربان را دیدم که در میان احاطهٔ یک خانه محصور شده بودند و دوازده ساعت کامل با حریف خود مشغول پیکار بودند چون سامان حرب شان ختم شد مردم اطالوی آنها را ماخوذ کرده یکی یکی ذبح کردند و یکی از شرارت بدترین حرکات وحشیانهٔ شان را که مشاهده کردم این بود که وقت قتل عام عربان یک بچهٔ معصوم و یک دختر بیگناه و دو نفر زنان سال خورده نزدیک دروازهٔ اسپتال اطالیه در میان خرمن لاشها و جسد هائی که لب نزع بودند

وازنا بنا صدای تحقیق و زاری برپا آمد چون من این منظره دردناک را دیدم بشتاب شدم و به دکتر عسکری که متصل سپیتال مذکور ایستاده بود و بظاهر چنان معلوم میشد که گویا علمای ناظر و تماشای مهیب قتل عام را میگرفته برای امداد آن درمانده گان التجا کردم لاکن دکتران مذکور هیچ التفات نکردند — بار دوم من بیک جهده دار صلیب احمر استدعا نمودم که این مصیبت زده گان را دستگیری کنید اما او نیز جواب بی دردانه داده گفت که هیچ پروائی نیست اگر میمیرند بمیرند — علاوه برین از سپاهیان اطالیه برسم نگرانی آن نکبت زده گان متعین شده بود کسی را اجازه نه داد که آنها را یک قطره آب بدهد درین اثنا آن مظلومان در حالت بیچاره گی پر وحشتی جان دادند مزید بر آن فوج اطالیه مرتکب چنان افعال وکردار و وقاحت وبی ایمانی شده است ورای ارتکاب این چنین مظالم جرنیل کانیوا مسئول میباشد — جرنیل مذکور در یک قلعه محصور است که آن قلعه از اطراف اربعه (با مصالح بم پروف) یعنی مصالحی که بران گوله بم هیچ اثری نکند محفوظ است — جرنیل کانیوا اصلاً از قلعهٔ خود بیرون نمی آید ودر معرکه کارزار شریک نمیشود لهذا در عدم موجودگی جرنیل حالت فوج اطالیه خیلی ابتر شده است ومن بچشم خود دیده ام که سپاهیان اطالوی در زیر دیوار جمله قریه جات موجود بودند وهر عرب را که میدیدند فیر میکردند بسا اوقات دوستان خود را که از دور میدیدند آنها را بغلطی عرب خیال میکردند ومیکشتند این مردم بسبب کثرت خون آشامی مست ومخمور بودند واز چهره وحرکات وسکنات شان آثارات نشه نمایان بود من دیدم که قریباً پنج نفر سپاهیان نظام اطالیه یک درجن اسیران حرب را پابه زنجیر کرده در حفاظت خودی بردند وچون سپاهیان مذکور بمعه افسران خود در عالم بیخودی منهمک بودند چون سپاهیان فوق بیک حجره رسیدند آنجا قیام کردند وعربان مظلوم را در صف ایستاده کرده بر آنها فیر کردند .

این است که دول یوروپ این حرکات خود را تهذیب ومدنیت مینامند واهل اسلام را وحشی میگویند برین معیار وحشت وتمدن شان گفته می توانیم که ببین تفاوت ره از کجاست تا بکجا فقط

ادبیات

اثر طبع نازک شاعر شیرین زبان ملا عبدالعلی متخلص به مستغنی

بیا ای سرو قد ای لاله رخسار — بیا ای سیمبر ای کبک رفتار
بیا ای گلرخ ای سرو قباپوش — بیا ای دلبر ای ماه کله دار
بیا ای دل ز هجرت گشته پرخون — بیا ای در فراقت دیده خونبار
بیا ای بی وفات عیش من تنگ — بیا ای بی تو روزم شب تار
بیا چون قبا تنگم در آغوش — بیا گرد سرت گردم چو دستار
بیا ای غمزه ات دل را شهید — بیا ای عاشقت چون من هزار
بیا ای کرده جان چشمت نظربند — بیا ای کرده دل زلفت گرفتار
بیا ای غمزه ات تیر جگر دوز — بیا ای نرگست ترک کماندار
بیا ای عاشق از یادت فراموش — بیا ای دمبدم در یاد اغیار
بیا ای در لبت جمع آب و آتش — بیا ای معجز حسنت نمودار
بیا تا خنده آن لب خصم منکر — کند بر معجز حسن تو اقرار
بیا تا بند آن زلف مسلسل — حکیمی کز تسلسل دارد انکار
بیا بشنو حدیث نا شنیده — که تا سازم ز اخبارت خبردار
خبر با رفت از دور و هر ولایت — خبرداری خبرداری ز اخبار ؟
رسید اول قدم تا کشور هند — هنوز این طفل نو آمد برفتار
شکرریز است این شیرین تکلم — چو آن طفلی که آید نو بگفتار
دمی بیدار شو از خواب غفلت — که دارد این جوان افسانه بسیار
مشو غافل ازین گنجینهٔ راز — سخن بشنو سخن بشنو از هشیار
مشو غافل ازین دانا معلم — ازو آموز هر دم علم اسرار
چو خواهی صورت حال زمانه — مشو غافل ازین آئینه رخسار
مشو غافل ازین گویا خموش — اگر در خانه خواهی سیر بازار
مشو غافل ازین گنگ سخنگوی — که تا از هر زبان گردی خبردار
گرش زنهار گوئی مختصرگوی — ورش از شام می پرسی ز بلغار
الهی از حلب چین گوید از روا — چو شد راز کس آئینه کردار
ز هر خیر وشر گیتی خبر گوی — ز هر نیک و بد عالم خبردار

فاجعه‌های پاریس

بعد از نمبر هفت

ازین برخواستنش ظاهر گردید که حامله است ، وهم اکثر اوقات حملش میباشد .

— ۲ —

لون تران بیک وضعیت تماشی وبیصبریش را ظاهر میساخت گفت :

— جانم قلوتیلد ؟ آیا چرا این چنین سری جنبانی ؟ مگر سخن مرا باور نمیکنی ؟

— بلی ، میخواهم که باور کنم اما باز در راست بودن این چنین سخن بشبه می افتم .

— اما بسر شا سوگند میخورم که . . . . .

بجز از دشمن نحس راندم از دست   هم از اخبار بسکه بر از یار
بود هر جنس کالایش بدکان   بود هر نوع سود ایش ببازار
ز هر سود و زیان آگاهی بگیر   که او این درس نیکو بگذار
از و خواهی شدن استاد و پرفن   از و خواهی شدن دانا بهر کار
سزد گر خوانیش جام جهان بین   کزو از جهان گردد خبردار
عیان بینی در و رمز نهانے   کند افشای راز و کشف اسرار
خبر خواهی گر از ملک سکندر   ز خاک راه این آئینه بردار
بنقش میدهد این دولت دست   خدا را دامنش از دست مگذار
توان از وی خریدن عقل و دانش   بیا گر مشتری اینک بخر دار
نیگر دو که این صاحب هوش   جهانی را بدینارے خریدار؟
مده از دست این زرینگ دانش   مکن این گنج باد آور بدست آر
بود افغان خبر زین مایه هوش   بود این قوم را زین علم اخبار
بود این مردمان آگاه ازین علم   بود این ملک زین دولت خبردار
که گشت این تخم گل در خاک افغان   که کرد این بوم و بر رشک گلزار
که کرد این عقل کل را زر خریده   که گشت این گنج دانش را طلبگار
که بنهاد این اساس نو بکابل   که این تعمیر را گردیده معمار
که کرد این کان زر خیز آشکارا   که کرد این گنج گوهر را پدیدار
که کرد این بوستان آبیاری   که کرد این تازه گل را زیب دستار
که کرد این ملک مادر زاد گویا   که کرد این خفته را از خواب بیدار
که این بیمار را باشد شفا بخش   که کرد این مست را از غفلت هشیار
سراج دین و ملت فخر اسلام   قوام ملک و دولت خصم کفار
ترقی خواه دین و ملک و دولت   جهانگیر و جهانجوی و جهاندار
شهنشاهی که از عدلش بگیتی   شبان گله باشد گرگ خونخوار
بعهد اوست یکدل یوز و آهو   کند با باز بازی کبک کهسار
ز سهمش شیر ز افگنده ناخن   ز قهرش باز و شاهین کنده منقار
بجنگش مار بیرون رفته از پشت   ز دوری داشته روز دوز اخبار
بدور این جهان دارم بخت   بکابل گشت شایع طرز اخبار
گرفتم نام کابل رفتم از هوش   رسیدم تا بکابل ماندم از کار
چه کابل سرفراز از باغ تختے   چه کابل مرکز ملک جهاندار
چه کابل گنج خوش آب و هوائی   حصارش کو؟ این گنج را مار

دگر خاموش کن زین پند و لند   دگر خاموش کن این قصه چند بار
دگر خاموش کن زین حرف دلکش   زبان بربند مستی ز گفتار
که جان سوخت این شعر شکر ریز   که مجلس برد این نظم گهربار
دعا سر کن دگر ای هوش شیخو   دگر بگذار این شعر شکربار
که تا اخبار جاری در زمانه   که تا در دهر شایع رسم این کار
که تا شاعر بود در نظم مضمون   که تا مخبر بود در ذکر اخبار
که تا قاصد خبر آرد ز دلبر   نگارش وفا خواهد ز دلدار
بنام نیک این شاه مکرم   بعالم باد جاری در سر اخبار
خبرها باد از عدلش بهر سوی   الهی نیک بادش آخر کار
آمین

تلگراف بی سیم

(ژول ورن) فرانسیسی که یکی از مشاهیر ناول نویسان فنی بود، در جهان خیالات تصورات خود بشکل ناول ازبس اختراعات غریبه محیر العقول بحث و بیان کرده بود. حال آنکه درین عصر بسیار اختراعات عجیبه و غریبه که در عالم ظهور رسید از تصورات و خیالات ژول ورن بارها سبقت نموده است. ما درین مقاله خود از (تلگراف بی سیم) بحث و بیان میکنیم اولا این میگوئیم: که جسمهای موجوده که در عالم کائنات وزن دارند بلحاظ تحلیل وقتیکه برسه قسمت: (صلب) یعنی سخت. (مایع) یعنی آبگین. (غاز) یعنی جسمهائیکه بچشم دیده نمیشوند ولی موجود است مانند هوا و غیره که ببوی و تاثیر شناخته میشوند. همه این اجسام مذکوره از اجزای لایتجزای که بچشم دیدن آن غیر ممکن و با بعضی آلات خورد و بینی دیده میشود بوجود آمده اند. و یک قوت بسیار عجیبه که حضرت خالق اجسام مقرر فرموده آن قوت اجزای لایتجزا را بایکدیگر می چسپاند. این قوت خارق العاده در اجسام صلب یعنی سخت مانند آهن و سنگ و غیره بیشتر، و در اجسام صلبی که مانند چوب و خاک و گوشت و امثال آن باشد کمتر است، و در اجسام مایع یعنی آبگین خیلی از خیلی کمتر میباشد.

تا این جا هم گوئیم که خالی جای که در مابین اجزاء لایتجزائیه موجود است بازهم خالی نیست بلکه از یک ماده پر است که آن را (اثیر) میگویند. چنانچه ضیا از مرکز آن که آفتاب است بیک حرکات اهتزازیه

— (نفسش را بریده) رجا میکنم بسوگند مرا کشید بحرخشنیز نید. سوگند شما برای من چه سود میدهد؟ در اجرات کارهای خود مختار هستید. به این یک خوب میدانم که در باب کارهائیکه میکنید از من پنهان میدارید. اگرچه پیشتر ازین بسبب محبتی که بامن داشتید یک قدری حکم بر شما کرده میتوانستم اما بهزار افسوس که آن حکم از بسیار وقتهاست که غایب گردیده. میدانم که شما هیچ صورت ازین طرز معیشت و رفتار یکه پیش گرفته اید دست بردار شدنی نیستید، اما این گرداب مدهشی که در آن افتاده ام روز بروز عمیقتر شدن آن را دیده ترس و بیم زیاده میشود. بجز یک ناموس و شرفیکه داریم همه چیزها محو گردیده است عزیزتران! برمن مرحمت کن زیرا من میبینم

(باقی دارد)

یعنی رفتار موج برق از زمان انتشار میکند جریان الکتریک نیز عیناً مانند حرکت رفتار ضیا در یک ثانیه سه صد هزار کیلومتر یک سرعتی حرکت میکند. این است که این حرکات تموجیهٔ برقیه در یک جسم (ناقل الکتریک) بواسطهٔ (دینمو) حاصل میشود که بجسم دیگر ناقل میباشد (دتکتر). الکترون امواج موجود است و جسم مذکور محیط است بحرکت و اهتزاز آورده جریان الکتریکی را حاصل میکند.

مثلاً فرض کنیم از یک سیمی آهنین یک منارهٔ بلندی ساخته شود. زیرا هر قدر که مناره بلندتر باشد دوشنی اهتزاز جریان الکتریک (دتکتر) هوای محیط خود را نیز بهمان قدر به اهتزاز و لرزش میآورد — حالا چون جریان الکتریکی به (دتکتر) که در این اجزای لاتحراک آهنین موجود است بوقوع میآید (دتکتر) هوای محیط آن نیز بلرزش میآید. و این لرزش با جهد تموج حاصل کرده تا یک منارهٔ آهنینی که در دیگر جای دور وضع شده باشد میرسد. دتکتر موجودهٔ آهنی آن منارهٔ آهنین را نیز بحرکت و لرزه آورده جریان الکتریکی را حاصل میکند. پس اگر درکی ازین مناره ها یک تلگراف بی سیم گذاشته شود که الکتریک را به آن منارهٔ جانب دیگر نقل بدهد [illegible] که بواسطهٔ ماشین مخابره عمل میشود.

اگرچه باین قدر تعریف و بیان مختصر که درباب تلگراف بی سیم عرض شد به کنه حقیقت فنی آن دسترس نمیشود ولی بازهم همین قدر معلومات از فایده خالی نیست.

تلگراف بی سیم از همت و سعی فکرهای (فرنسنل) و (فاراد وی) و (ماکسویل) و (هیرتز) و (مارقونی) نامان مشاهیر اروپائی بوجود آمده است. اول ولادت تلگراف بی سیم در سنه (۱۸۹۶) میلادی میباشد و بعد ازین رفته رفته ترقی کرده است. و در وقت حاضر چنان کاریکه از تلگراف سیم دار گرفته میشود از تلگراف بی سیم نیز گرفته میشود و بلکه بعضی سبب ها فایده و منفعت این بیشتر از آنست. چه علی الخصوص در وقت حاضر خدمت و منفعت فوق العادهٔ این آلهٔ عجیبه جدیده را آشکار و ظاهر گردیده و بس چند [illegible] کشتیهای خود [illegible] بعد ازین محاصره های قلعه های مستحکم شهرهای بزرگ از بیرون امواج خارج رسانیدن باقیمانده. زیرا بهر استحکام [illegible] در دست کشتیها [illegible] و سرفصلهای کل [illegible] و جنگاه ها [illegible] مخابرات در عالم عسکری اهمیت و منافع عظیمی میرساند [illegible] این آلهٔ عجیبه جدیده در محاربه [illegible] شهر پاریس با کشتیهای جنگی [illegible] در وقت حاضر نیز در پاریس مرکز تلگراف بی سیم که در منارهٔ (ایفل) شهر پاریس است با شهر [illegible] مخابرهٔ تلگراف بی سیم میشود.

در اثنای حرب جاپان و روس با جهد [illegible] مخابره [illegible] که با [illegible] تلگراف بی سیم که با یک [illegible] عسکری حرکت کفایت میکند.

اگرچه با تلگراف سیم دار نیز در اثنای محاربه بواسطهٔ بیرقها و تلگراف ها مخابره میشد. اما آن بسیار گران و هم مشکل کاری بود علی الخصوص که در هر گاه و بیگاه در اراضی دشمن متلاشی میشد آن هم خوف بود. و برای محافظهٔ آن قوت عسکریهٔ بسیار بزرگ لازم میشد. حالا که تلگراف بی سیم در اثنای حرب ازین تکلفات و کلفت ها آزاد است و تنها برای مخابرهٔ [illegible] صنعت های آن [illegible]. امروزه روزنامه های مطبوعات و غیره تلگرافخانه های بی سیم خصوصی نیز تأسیس میشود.

تلگرافخانه های بی سیم برای مخابره های بحری بسیار فایده میبخشد. چونکه در میان بحر با الکتریک کشتی یک خطرناکی برسد بذریعهٔ واسطهٔ این آله با هر طرف مخابره کرده امداد طلب میتواند و به این صورت خود را از غرق رهانیده میتواند. و یک مسافری که در دریا سفر کند چنانچه در خشکه با خانه و عایله و یا تجارتخانهٔ خود سخن میکند.

پس این است که عالم بشریت به چنین ارباب علوم و فنون که اینگونه اختراعات فایده بخش عالم انسانی را بمیان آورده اند مدیون و شکرگزار میباشد. فقط

م. فضلی

* * *

علم ثروت ملک

مابعد از نمبر گذشته

اما بعضی از علمای این علم این گونه صنعت ها را یک قسم دیگری شمرده (صنایع اخراجیه) یعنی (صنعت های بیرون کشیده شده) نام نهاده اند.

یک قسمی از مردمان مشغولات خاصی که این زراعت میباشد صنایع اخراجیه آنها را بوجود می آورند که در صورت تبادل شکلهای [illegible] تبدیل و تغییر داده و بقسم شکلها و دیگر دیگر رقم های [illegible] میبرند.

باقی دارد

هر تحریریکه دستخط ندارد از طرف [illegible]

مدیر و محرر سراج الاخبار

بسعی و اهتمام الحاج عبدالعلی [illegible] مهتمم چاپخانهٔ دارالسلطنهٔ کابل
بقلم میرزا محمد جعفر قندهاری

---

(٠) هر کیلو متر هزار متر است که یک متر تقریباً یک گز است

نگران
ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی
علی احمد

قیمت سالیانه
در دار السلطنه کابل ۵ روپیه کابلی
در اطراف و اکناف مملکت افغانستان ۱۳ روپیه کابلی
در خارج مملکت افغانستان یک نیم پوند انگریزی
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یک عباسی
تاریخ عربی ۱۵ صفر ۱۳۳۰

سراج الاخبار

۱۳۲۹
افغانیه

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

ادارهٔ اخبار و مطبعه
در ماشین خانهٔ دار السلطنه کابل
همه مراسلات تحریریه به ادارهٔ اخبار
بنام مدیر فرستاده میشود
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
تاریخ شمسی ۱۴ دلو ۱۲۹۰

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بعضی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

نهر سراج جلال آباد — هوای کابل — حوادث خارجیه
— علم تاریخ — تاریخ علم تاریخ — حفظ صحت
— ادبیات — نامورانِ جهان —
علم ثروت ملل — قاعده های پاریس

* * *

نهر سراج جلال آباد

یکی از آثار عظمت دثار و فواید نثار این زمان سعادت قران اعلیحضرت (سراج الملة والدین) ادام الله دولته افتتاح نهرهای آبست که در هر طرف مملکت مانند جان در بدن جاری و ساری گردیده و از آنجمله یکی این (نهر سراج جلال آباد) میباشد.

این یک بدیهی پوشیده نیست که آب یگانه مدار حیات کرهٔ زمین شمرده میشود. حضرت باری تعالی عزّ و علی در کتاب قدیم عظیم خود زندگی همه اشیا را از آب امر و بیان فرموده. آب یک جوهر بسیار عظیم و یک نعمت بسیار جسیم حضرت رب کریم ما ست که زمین را بعد از مرگ آن به آن جوهر گرانبها زنده فرموده است. نباتات به زمین بواسطهٔ آن میروید میوه‌ها درختان به برکت آن لذت و آبداری پیدا میکند. پرندگان، چرندگان، خزندگان به آن نشو و حیات میگیرند. انسانها حیوان حتی جمادات نیز از آن زندگی و طراوت حاصل مینمایند.

اگر نهرهای جسیمهٔ عظیمه که بحر را استقلالیت داشته، هامون های سطح زمین را بقدرت بالغهٔ حضرت حکیم مطلق جلّ و علی چاک چاک کرده و جریان نیافته بودی امر زراعت یعنی کشتکاری از عالم مفقود و معدوم گشته نوع بنی بشر از مدار تعیش و زندگانی محروم گردیدندی. و باز اگر اتفاق دستها و صنعت های نوع انسانی نبودی از آن نهرهای جسیمهٔ عظیمه دیگر جوی ها و نهرها و قناتها نکشیده ندی، باز هم امر کشتکاری است تنها بر بحیرات و مجاورات زمینی زندگانی داشتندی وسعت و فراخی پیدا نمیکرد. و به این سبب دایرهٔ زیست و بود و باش انسانها خیلی تنگی پیدا کرده تنها در نزدیکی های کنارهای آن نهرها بگرد آمدن مجبوری شدندی که این هم موجب فلاکتهای عظیمه میگردید.

بعضی نهرها بروی زمین موجود است که از هزارها سال ها زمین ها را شق کرده تا به بحرهای محیط روان شده و رفته است. ولی با وجود این هم تا صنعت دست بشر کانالهای منشعبهٔ دیگر از آن نکشیده، استفادهٔ تام از آن نشده است.

(نهر کابل) که بزبان افغانی مردم ننگرهار زمین آنرا (سین) مینامند اگرچه اراضی بسیار وسیع و فراخی را آبیاری میکند. ولی تا بحال این چنین یک نهری که هزارها جریب زمین خالی از زراعت را آبیاری کند از عصرها باین سو از نهر مذکور کشیده نشده بود. کشیده شدن نهر مبارک سراج

شهر جلال آباد یک استقبال بسیار ترقی ها، و یک حیات بسیار جان فزائی بخشیده گردید .

حضرت ذات اقدس الهی چون بخواهد که یک ملک و قطعه را معمور و آبادان سازد زمام اداره آن را بتائیدات ربانی ذات اقدس خود بدست یک مالک و صاحب خیرخواه و باعدالت و ذکاوتی عطا میفرماید . چنانچه افغانستان را بوجود مراحم آمود اعلیحضرت پادشاه عدالت خواه و دیانت همراه و ترقی آگاهی مانند (امیر حبیب الله خان) مظفر و مفتخر ساخت .

این پادشاه معظم مقدس ما از ابتدای جلوس میامن مانوس همایونی خود شان روز بروز، سال بسال یک آثار عمران تازه، و یک تذکار نو بنو بخت آوازه در ممالک شاهانه شان بروی کار آورده اند که از انجمله پارسال در اثنای اقامت سعادت علامه همایونی شان در جلال آباد رسم افتتاح (نهر سراج) به بسیار شکوه، و سرور و شوق و شادی بوقوع آمده بود . در روز فیروز جمیع سادات عظام، و علمای با نام، و مشایخ کرام و رؤسای قبایل و ملکان و کدخدایان اطراف و نواحی و لا جمعیت زرخیز محبت مشرقی و جمع غفیری از رعایای صادقه شاهانه در موقعیکه اول سربند مدخل مجرای نهر سراج در آنجا بنا یافته جمع آمده بودند . خیمه ها، شامیانه ها، سراپرده های بارگاه همایونی برپا شده بود . میوه ها، شیرینیها، طعامها بر مردم صرف گردید . موزیکه های عسکری نواخته میشد . عساکر منتظم خاصه صف بسته احترام بودند . منصب داران نظامی و عسکری به البسه های رسمی خود شان ملبس و حاضر بودند . بعد از یک نطق مؤثری که ذات اعلیحضرت شاهانه در باب فواید و منافع نهر مذکور، و نتیجه های حسنه آن بیان فرمودند بیل نقره معین که مخصوص برای یادگار همین روز ساخته شده بود بدست مبارک گرفته مراسم کندن نهر سراج را اجرا فرمودند .

و ابتدای آغاز مجرای (نهر سراج جلال آباد) از (پل درونته) تقریباً دو صد قدم پایان تر واقع شده . مدخل مجرا با یک بند بسیار پخته و متین با اصول جدید فن معماری ساخته میشود . طول نهر تقریباً چارده میل است که باین حساب نهر مذکور تقریباً پنجاه هزار جریب زمین خشک بی آب و بی زراعت را که خالی از زندگی شمرده میشد، آبیاری و زندگانی خواهد بخشید . عرض زیر مجرا یازده فوت، و عرض سطح آن بیست و پنج فوت . عمق آب پنج فوت است که ازین هم مقدار بسیاری آب آن نهر تا یکدرجه ظاهر میشود .

از ظهور یافتن بعضی آثار عتیقه که از انجمله بعضی سکه های قدیمه بوده، و دیگر بعضی علامات که از انجمله بعضی آثار یک کار دهنه یک مجرای کهنه در موقع پل درونته در اثنای حفریات پیدا گردیده بود، ذات اعلیحضرت شهریاری بفهم عالی رسا، و عقل سلیم یا برجا که حضرت خالق علیم توانا بذات شاهانه شان احسان و عطا فرموده کشف و استدلال فرمودند که سابقاً نیز درینجا نهر کشیده شده باشد . سکه های پیدا شده مذکوره را که بخط سانسکریت نوشته شده بود حل شدن آنرا اراده فرموده از سکه های مذکور چنان مستبان گردید که تقریباً هزار و چند صد سال پیش ازین بوده باشد .

اما نهر سراج جلال آباد نه در درونته مدخل و نه در نتیجه خود به نهر سابقی که بعضی آثار آنرا نشان میدهد هیچ پیروی و مناسبتی ندارد . ازین نهر فواید بهر غیر از فایده ها و منفعت ها یکه در باب زراعت بوجود می آید در خصوص تعدیل و برابری گرمی هوای جلال آباد نیز خدمت عظیمی میکند . زیرا مجرای این نهر سراج جلال آباد از اطراف خشک آب بگذار شهر میگذرد و که آن زمین های خشک بی آب بعد از یک کمی زراعت ها و باغها و باغچه ها انکساب حرارت و رطوبت کرده هوای شهر را طبعاً معتدل مے سازد .

مراحم عدالت گستری و مکارم رعیت پروری پادشاه معظم محبوب القلوب ما، در تحقیقات کندن کاریز نهر مذکوره رعایای صادق شاهانه شان را تسهیلات و آسانیهای بسیاری سودمندی شان داده است . چونکه اگر رعایا علاوه نادر نتیجه مذکوره کوشش ورزند اراضی غیر مزروعه بر اهالی تقسیم میشود، و تقاوی نقدی در باب اعمار و آبادی زمین ها بر رعایا داده میشود، و بعد از محصول دادن اراضی مذکوره وجه تقاوی داده شده بالاقساط در وقتی بتدریج از آنها گرفته میشود . باوجودیکه سربند پخته کاری مدخل مجرای نهر، و در هر جا یک پل، یا دهنه و یا تونل کشیدن کار هائی باید که اهالی آن را تدارک کرده نمیتوانستند همه را دولت می سازد . پس چون بنظر امعان دیده شود بمقابل یک سعی و کوشش بدنی که از لوازمات طبیعی نوع شریف انسانست بس فایده های مالی و جانی و روحانی بر رعایای شاهانه شان عطا و احسان فرموده شده است .

بنا علیه بر همه ملت واجب است که شکرانه این نعمت عظیمه ذات اقدس الهی را بجا آریم که ما را بزیر سرپرستی چنین یک پادشاه آبادی دوست، خرابی دشمن و این چنین

یک شهریار عدالت پرور شفقت اساس نایل و سزاوار ساخته و بزودعای دوام عمر و اقبال پادشاه محبوب القلوب قدسی صفات خود ما نیز او ورد زبان ساخته زیر سایهٔ غمخواری و پرورش دست عاطفت شاهانهٔ شان دلهای خود ما بقدم های بسیار متین و استواری در شهراه ترقی و تمدن در پیش رفتن پیا شیم .

هوای کابل

عجب تبدل ! در نسخهٔ سابقهٔ خود از اعتدال هوا و شکایات بی‌یخی و بی‌برفی یخدان والاهای یخ ملک ، درین او دود ما نوشته بودیم . درین نسخهٔ خود از عکس آن حال بحث میرانیم . بلی . شهر عزیز ما شدّت و غضب زمستان برودت نشان خود را بخوبی نشان داد . جهان جهان برف . عالم عالم یخ !

دقیقهٔ الله راه اگر کدام آسمانی بسوی شهر نظر میشود در دره گذرگاه ها تند و بعینه یک دریای عظیمه می‌پاید که بموج خرّ آمد از آن برف در جریان آمده باشد ! کوه . باغ . خانه . میدان . درخت سرک هم در آمیخته با یک رواے بیضای مجلاے مستور مانده اند . عالم همه یکجا یخدان …

یخدان والاهای بیچاره این نیرنگ پردازیهای سحرکارانهٔ عالم طبیعت را از نگور کردن (یخ مهره) های خود شان اعتقاد میکنند . مگر (یخ مهره) نام یک چیزی دارند که اگر برف نبارد آن را در زمین دفن کرده گویا برف جباریده است ! .. چه عجب خرافات ! …

ولی این را هم گوئیم که فقرا اهالی خیمه چندان پروای آن یخ مهره ها را ندارند . زیرا اولاً زمستان را نیم رسانیده اند .. و شدّت چله های کلان را بسهولت و آرامے گذرانیده اند . ثانیا از فیض رعیت پرورے شهریار غمخوار مرحمت کردار اعلحضرت خود شان بسوی ذغال فروشان محتکر بیک نظر خفت و حقارت مینگرند . زیرا ذات اعلیحضرت پادشاه و مقتدر ما این احتیاج ذغال زمستان اهالی را از اوّل اندیشیده ، حاضر کردن ذغال فراوانے را اراده و فرمان فرموده بودند بجز دیگر ذغال فروشان محتکر ناسے که ذغال فروشی را گذاشتند آن ذغالها بقیمت بسیار ارزان در میدان رفع احتیاجات شهر برآمده ذغال محتکران را آنقدر خوار و زار نمودند که جوال بسیار بزرگی از ذغال را بقیمت چهار روپیه گرفتن به استغنای خریدار و استرحام فروشنده بیع و شرا میشود .

والحاصل از قرار روپوتی که از توقف سر دروازهٔ ارگ جاری که در باب درجهٔ هوا رسیده ، درجهٔ حرارت و برودت هوا را درین هفتهٔ اخری تا به ۱۲ درجهٔ تنزل ترمومیتر نشان داده شده است .

از روز یکشنبه (۲۳) محرم تا به امروز که یوم شنبه (۵) صفر است سه چهار برف نمکے باریده ، لکن شروع برف اوّل از عل ۸ بجهٔ لیل سه‌شنبه ۲۵ ، محرم تا به ۱۲ بجه یوم مذکور دو انچ باریده (۳ انچ و ۲ سوط) باز از یک بجهٔ لیل چهارشنبه ۲۶ ، تا به سه بجهٔ لیل مذکور دو انچ باریده و باز از عل چهار بجهٔ لیل جمعه (۲۸) ماه مذکور تا به شش بجهٔ یوم شنبه ۲۹ مذکور یک فوت و سه انچ باریده و باز از روز شنبه تا یکشنبه غرهٔ صفر باریده پنج انچ و ۲ سوط این است کیفیت دو هفتهٔ واپس هوای کابل که تحریر گردید فقط .

حوادث خارجیه

خبرهای خصوصی سراج الاخبار افغانیه

از مصر ۳۰ ذالحجه — عساکر عثمانیه باتفاق عربان شجعان بر خطهای صف حرب ایطالیانها هجوم برده خطهای حربیهٔ دشمن را شکافتند ، عساکر سواری عثمانی ناگهان ریختند . ایطالیانها بصورت غیر منتظم تا به موضع (دالی مصری) رجعت کردند . ولی انتظامی بسیاری در صفهای شان در افتاده . بعد ازان جماعت بر پیشرفتن بسوی گلستان نکردند .

دیگر — توانداران عساکر عثمانی از طرابلس به ناظر حربیهٔ عثمانی وزیر جنگ استانبول تلگرافات فرستاده گفته است که در ۱۴ ، دسمبر عساکر ما را چهار عساکر دشمن هجوم نمود

نائرهٔ قتال در ما بین او و دشمن در گرفت. آتش ساعت کارزار بسیار شدیدی بوقوع آمد. بعد از آن عساکر طرفین بمرکزهای خودشان جابجا ماندند. و برای یک جنگ بسیار شدیدی حاضر و منتظر هستیم.

دیگر — محمود شوکت پاشا ناظر حربیه یک نطق بسیار مؤثری در مجلس مبعوثان درباب سکونت و آرام فرقه‌های مخالفه و اتحاد و دست یک کردن شان با همدیگر بیان نمود. و ثابت ساخت که وطن را باید نجات بدهیم و از اختلافات در گذریم و درباب اثبات مدعای خود احوال مراکو و ایران را ضرب مثل زد. این نطق پاشای مذکور تأثیر قوی بر مجلس نمود.

دیگر — دیروز یک آرامی و سکون ظاهری در استانبول پدیدار بود. حسن مآلیکه فرقهٔ مستقل بکار بردند. و نطق هائیکه وزرا بیان کردند. و بیاناتی که اخبارهای مستقل درج کردند. یک تأثیر بزرگی بر مبعوثان و فرقه‌های مخالف اجرا نموده است.

دیگر — ۲۴ دسمبر توماندان عساکر عثمانی از طرابلس به تلگراف خبر داده است که در ما بین عساکر و ایطالیا یک جنگ بسیار خونریزانه در موقع (زنزور) بوقوع آمد. ایطالیانها بر ایستگاه تلگراف هجوم نمودند. ولی عساکر ما بکمال بهادری هجوم شان را رد کرده به رجعت مجبور نمودند. عساکر ایطالی از شدت آتش عسکر ما در یک قریه پناه گزین شدند. ولی عسکر ما بقوت سرنیزه آنها را از قریهٔ مذکوره به برآمدن مجبور کردند. ایطالیها سه نفر افسر و ۳۵ نفر عسکر در میدان محاربه مقتول گذاشته فرار نمودند. از طرف ما چهل و نه نفر مقتول و مجروح بوقوع آمده است.

دیگر — انوربیگ توماندان عساکر عثمانی از (درنه) تلگراف داده است که در ۱۹ ماه مذکور عساکر عثمانیه بر خطهای مدافعهٔ دشمن هجوم نمودند که در حوالی (درنه) است بعد از یک محاربهٔ بسیار شدیده دشمن را به ترک کردن سنگرها و مدافعه شان مجبور ساختیم. و بضبط کردن موقعهای شان کامیاب آمدیم. بقدر سه طوپ. و مقدار بسیاری از ذخیره بدست ما آمد. از ایطالیها بقدر (۲۵۰) نفر مقتول (۳۳۰) نفر مجروح درین محاربه بوقوع آمده است. و از طرف ما تنها ۳۳ نفر قتیل و ۵۰ مجروح میباشد.

دیگر — از تاریخ (۳۱) دسمبر از استانبول تلگراف میدهد:

امروز مسئلهٔ تعدیل فقرهٔ (۳۵) قانون اساسی بر مجلس مبعوثان عرض شد. ولی بنابر اتفاق اعضای مستقل که (۴۵) نفر میباشند با اعضای فرقهٔ (حریت و ائتلاف) که (۸۵) نفر هستند در مجلس حاضر نشده و تنها (فرقهٔ (اتحاد و ترقی) جمع آمده بودند. و چون تشکیل فرقهٔ مذکوره دو ثلث هیئت مجلس را تکمیل نمیکرد. و هم در تکمیل آن امید نداشت از آنرو از وزارت استعفا نمود و صدر اعظم سعید پاشا اعلان کرد که بعد ازین هیچ منصبی از مناصب دولتی را قبول نخواهد کرد.

دیگر — توماندان سرحدی دولت عثمانیه بر حدود ایران برای وزیر جنگ تلگراف کشیده که دولت روس بر سرحد ایران لشکر بسیاری فراهم آورده است. دوایر حکومتی استانبول ازین خبر مهم به اهتمامات عظیمه مشغول شده است.

دیگر — از (توبروک) مخبر مخصوص اخبار (اهرام) مصر مینویسد:

در غرهٔ محرم یک محاربهٔ بسیار خونریزانه در (توبروک) بوقوع آمده که چنانچه برای العین دیده ام. برای شبیخون عساکر عثمانی به اتفاق عرب بر استحکامات دشمن از هر طرف هجوم بردند. طوپخانه‌های استحکامات دشمن با طوپهای کشتیهای جنگی شان آتش بسیار شدیدی بر عثمانیان گشادند. حتی عدد گلوله‌های شرپنل و بمهای بزرگ شان به (۶۰۰) گلوله رسید. و بهر آن قدر که قتل و ضرب شدت میکرد شجاعت و حماست عرب بیشتر فوران مینمود. و صدای (الله اکبر) را بلند کرده بر هجوم شدت میدادند. تا آنکه به استحکامات دشمن خود را رسانیدند. و دشمن از مقابل شان فرار نمود. درین معرکه از ایطالیها (۶۰۰) قتیل و (۷۰۰) مجروح بوقوع آمد. و (۶) (مترالیوز) یعنی طوپهای ماشین دار آتش فشان و (۱۵۰) تفنگ وغیره بدست مسلمین در آمد. در میان شهدای عساکر اسلام یکی جناب (شیخ البری) است که با شش پسر خود داد مردانگی را داده خود را شهید کرده فقط.

از اخبارات ترکی

اجمال احوال سیاسیهٔ استانبول

از مطالعهٔ (طنین) و (ینی غزته) نام اخبارهای معتبر مطبوعهٔ استانبول چنان معلوم میشود که اختلافات سیاسی در مابین فرقه‌های مخالفهٔ (اتحاد و ترقی) و (حریت و ائتلاف) دوام میورزد. کابینهٔ (سعید) پاشا بسبب کشمکش این اختلافات چنانچه شاید و باید کاری از پیش برده نمیتواند. و چون بحقیقت بکنه این اختلافها غور کرده شود بجز اغراض شخصی و اغراضات نفسانی، و حب جاه و پراندن کلاه دیگر چیزی دیده نمیشود. زیرا اگر مقصد حقیقی منافع وطنیه و فوائد ملیه میبود، در چنین وقت نازک که وطن شان در یک تهلکهٔ عظیمی میباشد اختلاف خودشان را بیک اتحاد و ائتلاف حقیقی و جدی تحویل داده و جملهٔ دست یک کرده مجلس عالی خودشان را مطرح مناقشات و منازعات خانگی نمیکردند، و بعد از انکه برفع و ازالهٔ غوائل خارجی موفق می‌شدند باز بخود میپرداختند. اگرچه فرض شود که این اختلافات بیشتر برای همان اتحاد و ائتلاف است. ولی هزار افسوس که وقت ضایع میشود!

ترجمه از اخبار طنین

اخبار (آواتی) بنابر معلوماتی که از (روما) پای تخت ایطالیه گرفته چنین میگوید که: مجلس‌های حکومتی ازین سبب که ترکان لشکر ایطالیه را درچنین موسم‌های ناموافق بحرکات پیش رفتن مجبور می‌سازند خیلی اظهار ناخشنودی و عصبانی میکنند.

مصارف حربیهٔ ایطالیا

از (روما) پای تخت ایطالیا خبر میدهند — درین نزدیکیها یک امرنامهٔ شاهی نشر میشود که به آن امرنامه وزارت جنگ را اجازه داده میشود که بقدر بیست و پنج ملیون دیگر بمصارف حرب منظم نماید که باینصورت تا بسی و یکم ماه کانون اول مصارف حرب به نود ملیون فرانک [که هر فرانک تقریبا یک روپیهٔ کابلی میشود] بعمل خواهد آمد.

مصارف بحریهٔ ایطالیا

دیگر — از پاریس مینویسد: در (بودجه) یعنی میزان مداخلات و مخارجات وزارت بحریهٔ ایطالیا برای مصارفات عادی به (۱۹۸٬۷۰۵٬۰۸۱) فرانک و میزان مصارف فوق العادهٔ وزارت مذکوره به (۱۵٬۳۵۱٬۵۶۰) فرانک داخل شده است. میزان کل مصارفات عمومیهٔ دولت نسبت بسال گذشته (۳۱٬۶۶۴٬۰۰۰) فرانک افزونی کرده است.

دیگر — حکومت عثمانیه برای محاربهٔ طرابلس یک (اوردوپلانیک) یعنی رانندهٔ ماشین هوا جستجو داشت. این خدمت عسکریه را موسیو (بارتل) که از طیاره‌رانان مشهور (ویانه) میباشد قبول کرده است. این موسیو بارتل عن اصل اوستریالی میباشد. در کارهای مسابقه‌ها در بین الملل یک شهرتی پیدا کرده است. از پانزده ماه است که بسیاحت هوائیه مشغول میباشد. بایک (بیلریو) که یک نوع طیاره است پرواز میکند. این طیاره بایک موتریکه بقوت (۶۵) اسپ است سیر و سفر میکند. و درین قریب‌ها بطرف طرابلس غرب حرکت میکند.

دیگر — این یک بصورت محقق ظاهر و آشکار گشته که ایطالیها در محاربهٔ طرابلس برخلاف معاهده نامهٔ (لاهی) گلوله‌های (دم دم) در طوپ و تفنگ استعمال میکنند.

ترجمه از اخبار ینی غزته

ذات حضرت پادشاهی دیروز بسبب روز اول سال جدید هجری مبارکبادیهای حضرات وکلا را قبول فرموده‌اند. صدر اعظم سعید پاشا، و شیخ الاسلام افندی، و رئیس‌های مجلس مبعوثان و اعیان و مستشار صدارت و وکالت و دیگر مدیر تشریفات عمومی یعنی ایشیک آقاسی بزرگ بحضور پادشاهی قبول شده‌اند.

اولاً صدر اعظم سعید پاشا بنام همه وزرا سال جدید مبارک هجریه را بذات حضرت پادشاهی تبریک نمود. ذات شوکت مآب شاهانه مبارکبادی را استاده و پا قبول فرمودند. بعد از آن ذات حضرت پادشاهی به این صورت مقابله فرمودند:

«از تبریکات شما ممنون شدم. سال نو را من نیز بشما تبریک میکنم. انشاء الله این سال فرخنده فال برای ملک و وقت آغاز سعادت میشود. مقصد یگانهٔ من سلامت و سعادت وطن است. بنابر این سعی و کوشش همهٔ شما را متفقاً در راه این مقصد آرزو میکنم. بعضی اختلافهائیکه در بعضی اوقات موجود است امید میکنم که زیاده برین دوام ورزیدن آن را نه بینم. همهٔ شما از صحاب فضل و کمالات هستید. دوام موفقیت و کامیابی شما خاص ترین آمال منست.

از جناب حق تعالی مسئلت میکنم که بسیار باشد باعث این گونه امور مبارکه بوده بهبودی کار باب شود . »

بعد ازان نایب رئیس مجلس مبعوثان از طرف رئیس مجلس گرده و معروضات بیگ عرض تبریکات تقدیم شد . ذات حضرت پادشاهی ازین تبریکات فرمودند :

« بسیار محظوظ شدم . میخواهم که بعد ازین هم مجلس اعیان وفاق به وظیفهٔ خودشان مشغول شوند . در جناب شاهم خیلی ممنونش دارید . »

این را فرموده دوباره رئیس مجلس اعیان غازی مختار پاشا رو آورده فرمودند :

« بالطبع هیئت اعیان نیز در دین را پرورش خواهند نمود . »

دیگر ـــ مردم مسلمان (کلکته) از نفاق و شقاقی که از ترقی در مجلس مبعوثان دوام میورزد بسیار متأثر و دلگیر شده و به مقام صدارت ، و وزارت خارجه و به رئیس مجلس هیئت اعلای اتحاد و ترقی و حربیت و ائتلاف این تلگراف نامه آتی را کشیده اند :

« عالم اسلام این را هیچ وقت آرزو نمیکنند که در دارالخلافهٔ اسلامی از نفاق و شقاق اثری پیدا باشد . حال آنکه بیک حس عمیق خجالت و بکمال افسوس دانسته شنیده میشود که در مجلس مبعوثان اختلافات جانشین جای گیر شده است . بنا علیه بنام جناب الله تعالی جل شانه و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم استرحام میکنیم که برای رهانیدن خلافت را از یک هلاکهٔ بزرگ ، و برای نیفتادن دارالاسلام بدست دشمن به این اختلافات نهایت داده شود . »

دیگر ـــ وزارت حربیهٔ این تلگراف را که از طرابلس گرفته نشر میکند :

« در شب ۱۹ ماه حال یک قطعهٔ پیادهٔ دشمن که با بطاریهٔ کوهی مجهز بود بحرکات جنگ آمدن بر ما آغاز نمود . ما این قوهٔ مهاجمه مقابلهٔ بسیار شدت ناکی نمودیم . بنا برین ایطالیان نا بر خط محاربه تلفات بسیاری گذاشته رجعت کردند . در اثنای رجعت ایطالیان نا خط استقامت خود را گم کرده به تلفات دفعه زیادی دوچار شدند . تا به (عین زاره) از طرف عساکره دشمن را تعقیب گیری کردیم . از پنج صد نفر زیاده تر تلفات عساکر دشمن شکست خورده را تخمین میشود . بقدر دو صد تفنگ از دشمن ضبط کرده شده . ضایعات ما عبارت از ده شهید ، و سی و دو مجروح میباشد . »

دیگر ـــ دولت (اسپانیا) یعنی اسپین اگرچه بعضی تکلیفات دولت فرانس را قبول کرده است ولی مهم ترین و بزرگترین آنها را رد کرده است .

ترجمه از اخبار (ماتن) فرانسیسی

چاره خراب کردن (اوروپلان) ها

[(اوروپلان) یک نوعی از ماشین های پروازکننده است که دو سه نفر دران سوار میشوند . و در هر ساعت بسرعت (۵۰ کیلومتر) که هر کیلومتر هزار متر و هر متر تقریباً یک گز شاهی میباشد در جو هوا سیر و سفر میکند . (سراج الاخبار) در نمبرهای آینده دربارهٔ معلومات مفصله به قارئین کرام خود عرض میکند .]

مخبر اخبار (ماتن) فرانسوی از (برلین) پای تخت جرمن مینویسد :

تا بحال نسبتی که درجه سرعت (بالون) ها و (اوروپلان) ها معلوم میشد از آن تجربه های قلاع اخذ برآنها هیچ به ناکامیابی نتیجه پذیر میگردید . در عین وقت (غزوت دو دو مکانیه) نام اخبار جرمنی مینویسد که دو روز ای جرمن یک آلهٔ توپ که نشر و ضرب (اوروپلان) ها را دفع و زایل سازد مجهز میباشد . نظر به قول اخبار مذکور تجربه با بلکه با این آله بکار برده شده و تجربهٔ بکامیابی نتیجه پذیر شده است .

دیگر ـــ هیئت عسکریهٔ دولت (اوستریا) جمعیت فوق العاده سیر و سفر هوائیه را در محاربات وقت حاضر بنظر اعتبار گرفته دو نفر افسران عسکریهٔ خود را برای تحصیل این فن و خریداری (اوروپلان) ها انتخاب کرده یکی را به فرانس و دیگری را به جرمن فرستاده است .

تلفون در ما بین ملک فرانس و انگلستان

دیگر ـــ مخبر اخبار (ماتن) از لندن مینویسد :

وزارت پست یعنی ڈاک و تلگراف دولت انگلستان در زیر (بحر مانش) که در ما بین ملک فرانس و انگلیز واقعست طناب بسیار دراز سیم های تلفون تمدید میکند که بعد از ورود اول سپتمبر بین ساحل بیسی در ما بین لندن و پاریس مخابرات تلفونیه آغاز میکند . تا بحال در ما بین (۳۰) شهر انگلیز و فرانس مخابرهٔ تلفونیه معمول می آید . بعد ازین در ما بین سه صد شهر مملکتین مذکوره هم مخابرات تلفونیه جاری خواهد شد . و به این سبب مناسبات و معاملات هر دو دولت افزونی میگیرد .

قضاء بحرے

دیگر ـــ از لندن به اخبار (ماتن) مینویسد :

در کشتی زره پوش جدید (اوویمون) ام انگلیزی که در [(اوویمون) نوبت حکومت یکی از شهرهای انگلستان است]

یک قضای بسیار الیم و دهشتی بظهور آمده است. و چنان گمان میشود که این قضا از کفیدن یک مخزن تیل شده باشد. قوماندان (گازنت) با بیست نفر عمله کشتی بصورت مهلک زخمی شده اند در اثنائیکه کشتی (اودیون) به تجربه ماشین های خود مشغول بود دفعةً کفیدن بوقوع آمده. کشتی بانانی که در دایره ماشین بوده بصورت بسیار آفتناکی سوخته اند. یک صوبه دار کور شده و در حالیکه لباس آتش در میان شعله ها بود بیرونش برآورده اند. مجروحین را بشفاخانه ها نقل داده اند.

علاج واقعه پیش از وقوع

دیگر —— اخبار (لُه تن) نام فرانسوی مینویسد: شهر (نیویورک) که پای تخت دولت امریکا است از حالا در باب مآل اندیشی تدارک آب که تا آمدن سی سال بعد خود افتاده است.

اخبار (نیویورک هرالد) مینویسد: که احتیاج بالا را بدرسی سال بیشتر اندیشه کنیم؛ درین روزها نفوس شهر مذکور پنج (ملیون) [هر ملیون ده لک] نفوس میرسد. و افزودی وسطی اینکه در هر سال پیش میشود یک لک و دوازده هزار نفوس است که به این حساب در سنهٔ (۱۹۳۰) آینده به چهارنیم ملیون متر مکعب آب برای شهر احتیاج می افتد. لهذا این مسئله گیرودنی آب بعد از سی سال از حالا نظر وقت شرکت های کمپنی های آب را جلب کرده برای جمع کردن آبها یکه از کوه های (کاتسکل) جاری میباشد بساختن مخزنها و حوض انبارها مشغول شده اند که درین مخزنها (۵۴۰) ملیار لیتره آب می گنجد.

خدمت عسکریه زنان جرمنی

دیگر —— از (برلین) پای تخت جرمن مینویسد: زنان ممالک جنوبی جرمن یک مجلس وطن پروری تشکیل داده در باب قبول شدن شان در خدمات عسکریه نطقها بیان نمودند. پروفیسر (ویرهول) آشکارا بیان نمود که خواه در وقت حضر یعنی آسایش، و خواه در وقت سفر یعنی جنگ بهر حال میباید که زنان هم مانند مردان بخدمت های عسکری تابع و مجبور گرفته شوند. بنا بر نظریه پروفیسر مذکور از زنان در خصوص خدمات نقلیه و خسته خانه ها کارهای بسیار لازمی گرفته میشود.

یک فایده تلغراف بی سیم

دیگر —— از برلین مینویسند: که کمپنی ماهیگیران جرمن در دو کشتی ماهیگیری تلغراف بی سیم گذاشته اند که به این واسطه کشتی های ماهیگیران را که در دریا های دور از بندر ابقصد ماهی مشغول هستند بمجرد یکه بارومتر و ترمومیتر تبدل هوا و وقوع طوفان را نشان بدهد از شهر بذریعه تلغراف بی سیم به آنها خبر میدهند. و آنها نیز علاج واقعه را پیش از وقوع میکنند.

از ترجمه اخبارات عربی

سید محمد کمیس از معتمدان یمن شخص عاقل فهیم مخلص خالص قت اسلامی و ایالی دولت عثمانی از بندر اسکندریه رسیده و بر عقل و تدبیر و حزم و شجاعت افسر کلان عسکر عثمانی عزت پاشا که در یمن است گواهی ها و شهادت ها ادا کرده و یقین است که هر گاه افسر کلان موصوف شخص عاقل و کاردان نمی بود صلح اهل یمن و امام یحیی صورت پذیر نمی گشت و کاغذی بدستخط و مهر امام یحیی را ایشان داد بمضمون دانش و فرزانگی عزت پاشا افسر کلان موصوف که بسبب عقل و دانش وی صلح اهل یمن با دولت عثمانی صورت بست — و اینکه من که امام یحیی میباشم حذر و احتیاط تام را از پنهان در آمدگی های کسانیکه آب را تیره میکنند و ماهی را در آن میگیرند بر خود لازم داشته ام — و من بمعنی این آیه کریمه که (یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّی وَعَدُوَّکُمْ أَوْلِیَاءَ) داناترم — ترجمه آیه کریمه — ای کسانیکه ایمان آورده اید مقتضای ایمان شما این است که مگیرید دشمنان مرا و دشمنان خود را دوستان الایه — و از اخلاص امام یحیی آن است که در فقرات صلح از بسیاری از حقوق قدیمه خود نزول کرده و در گذشت — و درین وقت قدر دولت عثمانی را دانسته بنواحی کوکبان و ذمار و بریم و حجه و عمران و انس کفایه نموده و اینها شش علاقه اند که در آن یک و نیم ملیان رعایای شیعه طایفه زیدیه که بامامت حضرت زید بن امام زین العابدین رضی الله عنه قایل میباشند سکونت دارند — و تابع امام یحیی مذکور میباشند که درین نواحی حاکم شرعی برای من ایستاده میشود — و باقی امور اداری و مالیات و کار عسکری و ملکی بدست دولت عثمانی باشد مانند باقی ولایت یمن.

نقل از اخبار پایونیر

مجلس ایران منسوخ نموده شده است و الحال افقهای پر آشوب که بر دولت ایران پرده تاریکی و شورش و فسادها انداخته بود به اختتام خواهد رسید مجلس مذکور برای الغای اش شتاب و شریح اقدام نموده بود و مزید بران دیگر منصب داران دولت را که برای قیام امن و امان ساعی می شدند می شکست می داد زهم

تا اینکه موجود بودن افواج روس در تبریز مجلس مذکور هیچ اثری پیدا نکرده معاملات ایران در قبضهٔ ذلت افتاد — پادشاه و وزرا بسبب مخالفت مجلس در حالت بیچارگی بودند و حقیقت آن جمله تدابیر و سررشته هائی که برای اصلاح سلطنت خود با مصلحت روس می اندیشیدند کالعدم می شد — چنانچه لارد ڈارلی سابق سکرتیر هند و وقایع نگار پاینیر مقیم ایران جنوبی نیز چون حالات ایران مشاهده کردند بلا محابا گفتند که باعث تخریب ذلت ایران گورنمنٹ مشروطهٔ ایران میباشد فقط

وزارت ایران مستر شوستر را موقوف کرده است اما مستر مذکور از گورنمنت ایران مهلت طلبیده است و گفته است که وقتیکه کدام جانشین من بر عهدهٔ وزارت مالیات مامور نموده شد من از عهدهٔ خود دست بردار خواهم شد — حالت شیراز خیلی ابتر شده است — قونصل روسی از تبریز اطلاع داده است که باوجودیکه فدائیان ایران بر مجروحین افواج روس ظلم و تشدد کرده اعضاے مقتولین روس را بخیلے بیرحمی قطع و برید کرده اند اما افواج روس در پاداش مظالم مذکور با باشندگان مقامی بخیلے انسانیت و شرافت سلوک کرده اند و زنان و اطفال ایرانیان را از گوله باری شدید حفاظت نموده اند بلکه در دوران گوله باری قریبا یکصد نفر مردم روس هلاک شده اند .

از روما خبر آمده است که چند هزار ترکان بمقام توبخانه بتاریخ ۲۵ ماه دسمبر بر بن غازی حمله کردند اما بسبب گوله باری شدید توپ اطالیه از بن غازی بر فاصله دو هزار گز معطل شده و پیش رفته نتوانسته اند و بوقت غروب آفتاب بطرف کوهستان باز گشتند فقط

در سنیت پیٹرزبرگ مشتهر شده است که چون گورنمنٹ ایران سررشتهٔ تدابیر و تدارک بد نظمی سلطنت نموده نمی تواند و بر اطفای آتش بغاوت مردم مفسد و انگیز که بر افواج روس بمقام تبریز و رشت و انزلی شورش و مظاهره کرده اند قادر نیست سلطنت روس افسران نظامی خود را هدایت نموده است که حمله آوران افواج روسی را ماخوذ کرده و در عدالت عسکری سزای شدید دهند و جمله اسلحه و آلات حرب را از فدائیان و دیگر مردم مفسد پرداز ضبط کنند و برای اصلاح و نظم با ایشان تدابیر درست و شدید بعمل بیارند و اگر در دوران اصلاح در کدام مقام مقابله اتفاق افتد در تخریب مقام هیچ کوتاهی نکنند فقط

مابین فرانس و هسپانیه در باب شورش مراکش خیالات مخالف پیدا شده می روند جرنیل لوکور وزیر جنگ ظاهر کرده است که مردم فرانس مقیم مراکش دیگر عربی فتنه انگیز را بر خلاف مردم هسپانیه بر انگیزند بلکه نیز آنها را با حرب و آلات جنگ بهم میرسانند فقط

بتاریخ ۲۸ ماه دسمبر جنگی مابین مردم هسپانیه و مردم مراکش بوقوع آمده بود از فوج اول لشکر قریبا ده نفر مقتول و صد نفر مجروح شدند اخبار ریاست رسمی که از میدرڈ (هسپانیه) موصول شده معلوم شده است که بتاریخ ۲۴ ماه دسمبر از افواج هسپانیه شصت و چهار نفر سپاهیان نظام و چهار نفر افسران نظام مقتول و (۲۱۰) نفر سپاهیان و ۱۸ نفر افسران مجروح شدند — گفته که کمک مزید برای امداد مردم مراکش رسیده است و عنقریب جنگ شدید مابین مردم هسپانیه و مردم مراکش اتفاق خواهد افتاد فقط

اخبار سول اینڈ ملٹری گزٹ لاهور

منشی سید احمد دهلوی تجویز نموده است که چون بادشاه شاه جهان مرحوم شهر دهلی را بنا کرده نام آن را شاه جهان آباد مقرر نموده و بعد از وفاتش چون دیگر شاهان مغلیه حکمران شدند آنها نام آن را دهلی شاه جهان آباد نهادند — لهذا باید که اعلیحضرت شاه جارج در یادگار تخت نشینی خود نام شهر دهلی را از اسمای ذیل مقرر فرماید دهلی قیصر آباد — یا دهلی جارج آباد — یا فرخنده بنیاد قیصر آباد — یا خجسته بنیاد جارج آباد — یا اشرف البلاد قیصر آباد — یا تاج گاه وغیره فقط

ایضاً نقل از اخبار پاینیر

لندن مورخه ۵ ماه جنوری ۱۹۱۲ء — بروز جمعه اعلیحضرت شاه جارج و ملکه یک منظره لیشان را معاینه نمودند — نظارهٔ میدان الکزنڈرا مشتمل بر دو مجلس عظیم بود و مزید بر آن چند مردم (ادیب) نیز از قصر جنگی پادشاه را محظوظ کردند — کیفیت نظاره را یک وقایع نگار اخبار پاینیر در الفاظ ذیل بیان کرده است — نظارهٔ مذکور در شکوه و عظمت خیلی قشنگ و خوش وضع و در تجمل خیلی درخشان بوده و امکان ندارد که تابش و شوکتش را قوت حافظهٔ ناظرین آن به تحمل محو و حک گرداند — اعلیحضرت شاه جارج و ملکه در کالسکه نشسته آهسته آهسته در میدان مذکور گردش کردند تا کسی از بینندگان مجلس از جمال شاهی محروم نگردد و چون مردم پادشاه را دیدند بی اختیار بسبب فرط مسرت دیدار و ذوق جمال شاهی دعای درازی عمر شاه و ملکه از دل شان بر آمد و گفته اند که بوقت اختتام نظاره و جلوس شاه جارج و ملکه از میدان واپس بگورنمنٹ هوس گردید بسیاری مردم آنجا جمع شدند و چوکی هائے رسمی را که برای شاه جارج و ملکه نشسته بودند پرستش کردند (نعوذ بالله من ذالک) و خاک زیر چوکی ها را تبرکاً در دامن [illegible]

نسبت کرده بجای های خود بردند (ترجمان اخبار مذکور) ضعیف الاعتقادی انسان ضعیف البنیان را ملاحظه فرمائید فقط

(سراج الاخبار افغانیه)

ما ملت افغانیه بکمال عجز و انکسار چنین تشکر و ستایش بار پروردگار خود میسائیم و به جناب او فخر و سرور میکنیم: الحمدلله هزار بار الحمدلله که ما به امامت و پیش نمازی پادشاه محبوب القلوب خود خالق یکتای بیهمتای دانای توانای عظیم الشان خود را پرستش میکنیم، و چون از انجم جبین ما بر خاک نیاز عبودیت برسد جبههٔ مبارک پادشاه ما بر خاک پرستش میرسد. چه سعادت، چه مسرت، چه مفخرت! ... ع

از روما خبر تلگراف آمده است که یک دسته سپاهیان نظام ایطالیه بتاریخ ۲۶ ماه دسمبر ۱۹۱۱ برای محافظت انجنیران خود بطرف درنا رفته — انجنیران مذکور بر یک جوی آب کار میکردند — چون دستهٔ مذکوره بجوی آب رسید فوج کثیر ترکان که در قبضهٔ خود اوتاب آتش فشان داشت بر سپاهیان ایطالوی حمله آورد بعد از جنگ شدید فوج ایطالوی پس پا شد و سه نفر مقتول و ۲۵ نفر مجروح را در معرکهٔ کارزار گذاشت

اعلیحضرت شاه جارج در جنگل نیپال بیست و یک پلنگ و چهار خرس را از تفنگ خود شکار نمود فقط

یک کشتی جنگی روس موسوم به غالس دیروز بمقام بوشهر رسید و یکصد و شصت و ۵ نفر سپاهیان نظام روس از کشتی مذکوره فرود آمدند فقط

نقل از اخبار سول ملتری گزت

در باب مستقبل چین ما چیزی گفته نمی توانیم اما اگر بحالت موجودهٔ جنگ نظر بنمائیم این امر اظهر من الشمس پیدا شده که انقلاب خواهان چین اظهار حماقت کرده اند و برای آنها مناسب بلکه انسب بود که در انعقاد مجلس مصالحت شان گاهی خلل انداز نمی شدند و تا ظهور پذیر شدن فیصلهٔ آخری مجلس مذکوره برای مملکت حملها نمی آوردند و چون باغیان در راه انعقاد مجلس مذکوره سد راه شده اند حامیان خاندان شاهی خیلی مسرور پیدا شده اند چراکه موافق الذکر میدانند که التوای مزید موجب فلاح پادشاه خواهد بود فقط

تشکر

اکثر اخبارهای معاصرانه انگریزی و اردو که در قطعهٔ وسیعهٔ هندوستان طبع و نشر میشود نطق اعلیحضرت پادشاه محبوب القلوب معظم ما که درباب اعانهٔ شهدا و مجروحین طرابلس غرب در سوم ماه ذوالحجة الحرام ۱۳۲۹ بیان فرموده شده بود در روزنامه های خود شان ترجمه و نقل کرده اند. و اکثر رفقای هم عصر ما یک نظر توجه و نیک بینی بسوی سراج الاخبار افغانیه ما هم انداخته اند از این حسن توجه رفقای قلمیهٔ خود بالخاصه عرض تشکر مینمائیم.

رفیق ما (اخبار افغان) که در پشاور نشر میشود و نطق مذکور را بزبان پشتو و افغانی ترجمه کرده نشر نموده، از حقیقت از قرائت آن یک حسن سرور برای ما حاصل شد، لهذا از رفیق خود جداگانه تشکر میکنیم.

علم تاریخ

یکی از علوم بسیار منفعت بخش فوائد انتما علم (تاریخ) است که مطالعهٔ آن انسان را بسی عبرتها و فایده ها می بخشد، و انسان را بر احوال این دنیا تا از زمان خلقتش آگاه می سازد، و به این سبب با وجود یکه انسان برا فقدان بیکران عمر خود از عمر طبیعی که باجل موعودش منتهی میشود تا دو سه شد بواسطهٔ مطالعهٔ تاریخ عمر خود را صدها تا بسیار سالهای بیشمار بصورت رجعت قهقری تمدید داده می تواند.

بنابر منافع و فوائد که تاریخ دارد بعد ازین نسخه های روزنامهٔ (سراج الاخبار) به بعض لوحه های تاریخی مزین صحایف نموده مطالعه کنندگان کرام خود را مستفید می نماید.

تاریخ علم تاریخ

پیش از آنکه از وقایع و حوادث که علم تاریخ از آن بحث و بیان مینماید سخن رانیم اگر یک قدری از تاریخ خود این علم که آیا از کدام وقت ظهور نموده، و بچه صورت و بچه کیفیت بشکل یک علم مخصوص در آمده و بدر و سیر مطالعه کنندگان کرام خود جرأت ورزیم چیزی نقصانی نکرده خواهیم بود.

باید دانست که قبل از ایجاد خط و کتابت هر آن قدر وقت و زمانی که مرور نموده باشد برای اطلاع بر احوال آن تاریخ بجز کتب مقدسهٔ سماوی دیگر هیچ یک ماخذ دینی موجود نیست و آن کتابهای مقدسه را کتب سماویه میگوئیم نه تاریخ. بناءً علیه علمای تاریخ این اعصار اخیره برای این فن سه دور تعیین و مقرر نموده اند که آنهم عبارت از سن (طفولیت) و سن (صباوت) و سن (رجولیت) تاریخ است.

پیش از ایجاد خط و کتابت که مردمان (فنیک) آنرا ایجاد کرده اند — شاهد دلارای ((علم تاریخ)) در رحم طبیعت کائنات بکمال (جنین) مانده بود. فن کتابت مانند قابلهٔ کائنات مقابلهٔ آن جنین نازنین را از مشیمهٔ مادر بیرون آورده و در قماط استعداد و قابلیت پیچانیده در گهوارهٔ طفولیتش بخوابانید.

دروقت آنکه افراد بشر در شهرها و مدنیت بسر برده بر یکدیگر سبقت گرفتن آغاز نهادند خواجه در خانهٔ عبرت بر بعضی لوحه‌های سنگی، و بعضی خشت پاره‌های بناهای بزرگ قدیمی، برموز و طلسمها خطهای تخیلی و جعلی بسی دفینه‌های معلومات و حوادث گذشته را برای استقبال سنّ کمال، در صفحهٔ عبرتگاه جهان ثبت نموده بود که درین وقت بواسطهٔ آن خطهای رمزآمود مشقها نموده وقایع تاریخیه، و احوال مدنیهٔ اقوام و ملل گذشتگان خود را می‌آموزیم.

این طفولیت البته ابتدا از اول با اشعار (اومیروس) یونانی، و (ریودوس) رومانی تو بزبان آمد. چون سنّ صباوت نزدیک شد (ترقید) و (میلانیقوس) نامان علمای تاریخ‌نویس یونانی او را ترجمانی نمودند. لهذا زمان طفولیت فنّ تاریخ از زمان ظهور (اومیروس) تا زمان ظهور (میلانیقوس) تاریخ‌نویسان میباشد که آنهم بیشتر از دو نیم عصر یک مدتیست.

دور دوم (سنّ صباوت) فنّ تاریخ است که آغاز این سنّ او از زمان (هیرودوت) یونانی ابتدا میکند که از هجرت نبوی (۱۱۰۷) سال مقدم‌تر است. (هیرودوت) اگرچه عنوان (ابو التاریخ) را گرفته است، ولیکن بجز ترتیب سنّ صباوت او را کرده است و لی از اوان او گرده او را بیگانه وار دیده نتوانسته است. بلکه بیشی افسانه‌های خرافات آلود و حکایات موهومه سوی میل نموده از راه حقیقت دور مانده است. امّا رفته رفته بعضی مؤرخهای خوبی مانند (تیتلو) و (تاسیت) نام مؤرخهای رومانی برخورده اصلاح قول و کردار نموده است. بعد از آن از عصر هفتم میلادی تا بعصر یازدهم بسبب انقلابها و شورشهائیکه دوام نموده فنّ تاریخ نیز مانند دیگر علوم و معارف رو بخرابی نهاده است. امّا چون در آخرهای عصر یازدهم و دوازده و پاره دولتهای عربیه (کاغذ) ایجاد گردید تاریخ به پوشاکهای با زینتی آراسته شده مانند دیگر علوم و معارف که پوشاک پوستهای حیوانات پیچانیده شده بودند، رهائی یافت. بلی پیش از ایجاد کاغذ چه نوشتنیها بر پوست حیوانات نوشته می‌شد! ایجاد کاغذ سنّ صباوت تاریخ را بحدّ بلوغ رسانیده، در کمال و جمال و تربیه و آرایش او روز افزونی بخشید. در سنهٔ (۱۴۳۶) میلادی (صنعت طباعت) یعنی چاپ حروفات قالبی از طرف (گوتنبرگ) نام شخص جرمنی ایجاد گردیده، عهده‌دار تعلیم و تربیهٔ (فنّ تاریخ) و دیگر فنون عالیه هم سبق او شدند.

بعد از ظهور (فنّ طبع) سنّ صباوت تاریخ به انجام رسیده و بجه لوازم ترقی این سن را تا بعصر جدید هم بکمال رسانیده بسنّ (رجولیت) قدم نهاد.

سنّ رجولیت فنّ تاریخ بسبب مشغولی و کارگذاری آغاز نهاد از رفقای مکتب او (فنّ جغرافی) و (فنّ آرخیولوژی) یعنی فنّ (آثار عتیقه) و (فنّ السنه) یعنی (فنّ ترجمهٔ زبانها) یاور و مددرسان آمده بابسی احوالات و وقوعات و حوادثات تزئین ذات و صفات نمود.

چنانچه بعد ازین یا هم در صفحه‌های روزنامهٔ خود بتفصیل بیان خواهیم کرد که از نوشته‌ها و اشارتها، در موزه‌ها که بر آثار عتیقه که از خرابه‌زارهای (آثور) و (بابل) و (مصر) وغیره بیرون برآورده شده، و از یک طرف یک رنگ دیگر بر آمدن است در باب وقایع تاریخیه و احوال مدنیهٔ دولت و اقوامهای قدیمه که چند هزار سال پیشتر منقرض شده‌اند، و آثار تاریخیه‌شان در نزد مؤرخین عالم مجهول مانده است، بلی در پی کشف گردیده و کتابهای تاریخ بوجود آمد.

عربها تا بر وقت ظهور با فتن دین مبین اسلام چنانچه از دیگر علوم و معارف بیخبر بودند. از فنّ تاریخ نیز بهره نداشتند

فاجعهٔ هاپارس

بعد از نمره هشتم

که آنهم عوض دیر با او خواهد شد.

فونتران از سیگرت دان بسیار کوچکی که در جیب داشت یک سیگرت برآورده، و آنرا به بن گرفته در داد، و دستهای خود را بیک وضع بیباکانه جنبش داده گفت:

— آیا گفتنیهایت به تمام شد؟ یا دیگر چیزی هم هست؟

— نی هنوز تمام نشد.

— چون چنین است رجا میکنم عزیزهٔ من یکقدری زودتر تمام کنید. زیرا بسیار کار دارم، میروم.

— فونتران، آیا بر من رحمت نمیکنی؟ اگر میدانستی که در شبها چون از زیر پنجرهٔ خود در بین کوچه

اما بیشی که اصل و نسب و رتبه و شان یک چیز بسیار معتبر و لازمی شمرده می شد و در (علم انساب) معلومات کامله داشتند که در میان شان در هر وقت همچنین آدمانی که نسب های خودشان را متسلسلاً شمار کرده بتوانند موجود بود. فوقتاً مرثیه هائیکه شعرای عرب و ارباب وقایع حربیه که در میان قبیله های شان بوقوع آمده بود نظم کرده بودند موجب فراموش نشدن آن وقوعات سابقه میگردید. و حکایات و روایاتی که از سخنان ضرب المثلهای شان باقی مانده بود نیز موجب یاد آوری حکایات واقعهٔ که آن ضرب مثل برای آن گفته شده بود می شد. ولی باوجود این هم کتابهای مدوّن تاریخ نداشتند.

بعد از آنکه فتوحات اسلامیه رو به ترقی نهاد و دولت عباسیه در بغداد تشکیل یافت علوم و معارف در دین اسلام در راه ترقی یک سرعت بسیار عجیبی نشان دادن گرفت که از آنجمله کار رفتن تاریخ نیز بر ترقی و بالائی گرفته بسی کتابهای تاریخی که بزبان یونانی نوشته شده بود با دیگر علوم حکمیه و فلسفیه بزبان عربی ترجمه گردید. رفته رفته مورخین اسلام افزونی گرفته جلد جلد تواریخ نوشتند. حتی در عصر ششم هجری (ابن عساکر) امام مورخ عرب در (۸۰) جلد یک تاریخی نوشته که به (تاریخ ابن عساکر) معروفست. بعد از آن (امام ذهبی) و (ابن اثیر) و (ابن خلدون) وغیره تواریخ مفیده نافعی تحریر نموده در راه ترقی جستن رجولیت تاریخ خیلی خدمتها کرده اند.

در اروپا بعد از مدتهای بسیاری از عربها نشر علوم و معارف آغاز نهاده و کتابهای عربی که در علوم و فنون متنوعه از زبان یونانی ترجمه شده بود بزبانهای اروپائی از عربی ترجمه شده تاریخ نیز در آنجا رونق حسن و جمال جوانی خود را روز افزونی نمود. در وقت حاضر فن تاریخ با محبوبهٔ نازنین صنعت فوتوگرافی و زنکوگرافی ازدواج کرده و در سعی رجولیت خود را اثبات نموده تا به جیلهائیکه ثمرهٔ او را خواهد خورد!!.....

حفظ صحت

هر انسان که بخواهد صحت و ثروت و فکر و ذهن خود را محافظه کند میباید که بوقت بخوابد و بوقت برخیزد و به وقتهای معین طعام بخورد و بوقتهای معین بکار و وظیفهٔ خود آغاز کند. یعنی اوقات خود را تقسیم کرده همه اشغال و حرکات خود را در زیر یک قاعده و انتظامی در آرد. شب را فقط یگانه برای راحت و روز را برای کار و خدمت مقرر فرموده. وقت صبح هنگام فیوضات است. وجود و ذهن، فکر بسبب استراحتی که از خواب کامل شب گرفته باشد تندرست، صفا، تیز، چالاک و هر کار را قابل و مستعد.

برای صحت وجود میباید که به این چند چیز رعایت شود: وقت خوابیدن و وقت برخاستن؛ بدرجهٔ بسیار پر نان نخوردن؛ طعام را تا خوب نخایند فرو نبردن؛ در وقت ماندگی و پر عرقی آب نخوردن؛ وجود را بیشتر از تحمل آن مانده نساختن؛ هوای اوتاق نشیمنگاه خود را همیشه تبدیل نمودن؛ همیشه سر خود را سرد و پاهای خود را گرم، و بدن خود را معتدل نگاه داشتن؛ هرزه خوری نکردن؛ اگر در شب بیدار از خواب باشد هیچگاه قصور آن را بخواب روز نکشیدن؛ وجود خود را تا میتوانند پاک داشتن؛ تا که ممکن باشد قهر و غضب نکردن؛ ذهن خود را از حد زیاده مانده نساختن؛ از هر چیزی زود مکدر نشدن؛ خود را بعیش و عشرت غرق نکردن؛ بیجا ذوق و صفا عادت نگرفتن؛ هیچ چیز را برای خود یک درد و مراق نساختن؛ در حمام بسیار نماندن؛ و چون از حمام برآیند زود خود را پوشانیدن. والحاصل هر حرکت خود را بیک حد اعتدالی اجرا کردن برای حفظ صحت نافع و سودمند است. و همه چیزهائیکه مخالف این چیزهای مذکوره باشند

پر اشتها بعضی صداهای پر قیل و قال شقاوت پیشگان را شنیده بچه هول و چه ترس از خواب بر می جهم. بهر حال بر من شفقت می آوری! این محلهٔ بسیار تهلکه ناک یک محله ایست که خودت هم با این تجربه واقفی. یک حس قبل الوقوع و یک اندیشهٔ درونی بمن خبر میدهد که بسرت یک بلائی خواهد آمد. میترسم که کسی بجان نازنینت سوء قصدی نکند. حال آنکه بر من حق نداری که نفس خود را به تهلکه بیندازی. زیرا من امروز فردا عنوان والدگی را میگیرم. آیا میخواهی که اولادت چون اول بدنیا قدم نهد یتیم باشد؟ آیا آرزو داری که به این جوانی زوجه ات بیوه شود؟

— (بیقیداد) دریغا بهیچ اندیشه مکن قلوتیلد! من در تدبیر هیچ قصوری نمیورزم.

(باقی دارد)

ضرر آور و بیماری پرور است .

بنابرین در هر خصوص بباید که انسان بر محافظهٔ صحت خود نظر داشته باشد ، از همه چیز اینکه اطبای حاذق آنرا مضر صحت نشان داده اند باید پرهیزند . کتابهای کوچک و بزرگ که در باب حفظ صحت نوشته شده مطالعه کنند .

ادبیات

تحصیل

معارف [illegible] کن تحصیل
[illegible] کن دانش تحصیل

اگر اهل فنی [illegible] بود دانش
حیات جاودان [illegible] تحصیل

[illegible] آزادی
[illegible] تحصیل

بدو راقاده گان علم [illegible] معاش
[illegible] تحصیل

[illegible] آن بود
جهالت در دو جا [illegible] تحصیل

متاع جمع آگاهی بود اندر زمان ما
که از [illegible] تحصیل

بیا محمود از فیض معارف [illegible]
بنای قصر جان عرفان [illegible] تحصیل

نامورانِ زنانِ جهان

مابعد از نمبر هفت

(آدلائید) = از خاندان پادشاهان فرانسه باین نام دو زن مشهور است یکی دختر (لوئی پانزدهم) دخالهٔ (لوئی شانزدهم) میباشد که در سنهٔ (۱۷۳۲) تولد یافته ، و در وقت اختلال و شورش بزرگ فرانس بشهر (ناپولی) در ایطالیا رخت اقامت کشیده ، در تاریخ (۱۸۰۰) میلادی جهان فانی را پدرود گفته است . دوم همشیرهٔ (لوئی فلیپ) است که در سنهٔ (۱۷۷۷) تولد یافته ، و در زیر تربیهٔ (مادام ژنلیس) پرورش یافته است . در زمان حکومت دولت فرانس که بعد از (ناپولیون بوناپارت) تشکیل یافته بود مشهورترین مردمان آزاد طلب را بطرفداری برادر خود (لوئی فلیپ) مجلوب و مایل ساخته ، و در باب قبول کردن تاج فرانسه را برای برادر خود بسیار سعیها کرده است . و در پیش لوئی فلیپ حکم و اقتدار بزرگی را مالک بود ، ثروت و سامان بسیاری برای برادرزاده های خود میراث نهاده است .

(مابعدش در نمبرهای آینده می آید)

علم ثروت ملک

مثلاً پشمی را که گروه صنایع ارضیه از پشت حیوانات پرورش دادهٔ خود برکشیده اند ، و پنبهٔ که گروه کشتکاران آن را کشت کرده اند و معدنهائی که کانکنان کنده اند گرفته انواع اشیای رنگارنگ و آلات و ادوات کار آمدنی ازان ساخته ، و فایده و قیمت برای آنها حاصل کرده بصورت بهادار ازان راه کسب توانگری کرده اند که این گونه کارها را (فابریک کاری) یا (صنعت کاری) میگویند . ولی چون اینها از دیگر صنعتها تا حدهٔ تفریق و جدا نمیشوند حصر کردن لفظ صنعت را تنها برای اینها

(باقی دارد)

هر مقاله نیکه دستخط ندارد از طرف سرمحرر تحریر یافته

مدیر و سرمحرر سراج الاخبار

بطبع و اهتمام الحاج عبدالخالق پسر طرزی مهتمم چاپه خانهٔ دار السلطنهٔ کابل
بقلم میرزا محمد جعفر قندهاری

صفحهٔ ۱ سال یکم نمبر ۱۰

نگران
جناب ایشک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی
علی احمد

قیمت سالیانهٔ
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیهٔ کابلی
در ولایات مملکت با اجرت ڈاک ۱۰ روپیهٔ کابلی
در خارج مملکت با اجرت ڈاک نیم پوند انگریزی
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یک عباسی است
تاریخ عربی غرهٔ ربیع الاول ۱۳۳۰

سراج الاخبار
۱۳۲۹
افغانیه

مدیر و سر محرر
محمود طرزی
ادارهٔ اخبار و مطبعه
در ماشین خانهٔ دار السلطنهٔ کابل
جمیع مواد تحریریه به ادارهٔ اخبار
بنام مدیر فرستاده میشود
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
تاریخ شمسی یکم حوت ۱۲۹۰

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

سرکهای جدید — تصحیح افکار — حوادث خارجیه — ادبیات ترکو پرور — اقتطافات عجیبه و غریبه
مقالات عدیده ورقه و زبان افغانی در ضمن اوراق آن

سرکهای جدید

یکی از آثار خیریت آثار عهد ترقی نثار اعلیحضرت پادشاه معظم ما (سرک ها) یعنی راههای پخته قیری ست که مانند رگهای حیاتیه در وجود ممالک شاهانه ممدود شده است.

هرگاه یک شخصی بگوید که بلی راهی از راه بهتر است چنان خواهد بود که بگوید: راحت پیاده منزل زدن از راحت سوار عرابه و موتر افزون تر است. آنوقتها یک سنگ و بند کردن راهها لازم بود که گذشت، زیرا تنها راههای زمینی نی بلکه در کرهٔ هوا نیز سرکهای منتظم سیر و سفر باز گردیده است، و بند کردن آن از محالات است، که بقوت ماشین های پر قوت مجازات هوائی!.....

هیچ دینی از ادیان عالم نیست که بدرجهٔ دین مبین اسلام پیروان خود را بر خیرات و مبرات باقیات الصالحات امر و ترغیب کرده باشد. (رفع اذای سبیل) یعنی برداشتن اذیت و ضرر از راه، و (اماطة الاذی عن الطریق) او امر مؤکدهٔ شریعت که معتقدهای عالم اسلامیت است. در همه آثار افخاریه و اخلاقیه و ادبیهٔ اسلامیه که نظر کرده شود، راههای صاف و هموار و پاک پر امن و امان را از لوازمات مهمهٔ عدالت شمرده، از خوردن پلها و اذیت یافتن عباد الله در راهها، حکام و زمام داران ملک در نظر شرع شریف مسئول و مأخوذ شمرده میشوند.

بعضی از مفسرین عظام (باقیات الصالحات) را به آثار آبادی مانند پلها، و راهها، و نهرها، و سلسبیلها، و جامعها، و خیرات خانه‌ها، و مکتبها و امثال آن تفسیر کرده‌اند، که باقی مانده‌های نیکو ازین بهتر چه خواهد بود؟ در احادیث کریمهٔ حضرت خواجهٔ هر دو سرا علیه اکمل التحایا (صدقهٔ جاریه) وارد شده یعنی خیرات باقی و پایدار، که آن صدقهٔ جاریه بجز همچنین آثاری که نفع آن عام، و فایدهٔ آن موجب رفاه و راحت انام باشد دیگر چه خواهد بود؟ و ازین است که پادشاهان اسلام را اکثر در باب اینگونه صدقهٔ جاریه‌ها کوششها ورزیده‌اند که آثار باقیهٔ شان میدهد.

بقدری انصاف شود: یک رهرو و مرور عامی فرض کنیم که از شهری بشهری، و یا از قصبهٔ بقصبهٔ رفته باشد، و سفر دراز از جاهای ناهموار، و نقش قدم ستوران باشد، و آن سفرهای با بوضع کوتلهای غیر منتظم در کوهها، و دشتها

دشتهای تازه زده و رزشده رفته باشد، سنگها، سنگلاخها، ریگ گل، غبار، خار، آزار همراه آن خطها لازم و ملزوم شده باشد، چون دلتنگ صنعت دست بشر پرکار مهندس پرهنر در آن پیچ گرده نباشد!

حالا این راه کج و کج، پرپیچ و تابی را که شاهوار آنرا با جانگاه دانه های خورشان نشیب داده اند و در پیش یک سرک پخته سنگ بست هموار وجود برهنه شکوه نها را بریده و واز روی آبهای شدید از در آنها با پلهای معلق آهنین در گذشته، و چند نفر پرکار هموار آن را با اصول هندسی در کوهها و دره ها ممدود نموده، که اگر شاعر آنرا به پیچ و تاب زلف محبوبان تشبیه کند حق دارد — پهلو به پهلو آورده و یک نظر سطحی در آن بیندازیم آیا وجدانا و عقلا و نقلا کدام یک را به منطق عدالت موافق تر می یابیم ؟

تا به اینجا شمه ای از جهت معنویات راه ها بیان کردیم حالا یک قدری از دیده مادیات و جمالیات به سوی فواید مختلف آن نظر کنیم :

امروزه در روز اگر یکی از ممالک فرنگستان برود در پیش راه های خارق العاده آن ملکتها بحیرت میرود، بعد شهرهای آن ملکها را قابل سیر خانه می بیند — یعنی چهار چرخ بر سرکها بواسطه عرابه ها و موترها سیر و رفتار میشود و در میان این شهرها تیز بواسطه موترها و تراموایها، و ستیم کشتیها وغیره از شهر بشهری و از قصبه به قصبه سیر و سفر میشود. بهترها سرکهای پیاده رو ها چون کاشی و سنگ پخته در تمام شهرها و قصبه ها ممدود شده، و بر ان سرکها هزارها هزار آلات نقلیه مانند عرابه ها، و چنبر سیکل، تراموایهای برقی، موترهای قسم قسم را در سیر و حرکت می بینند. اقلیمهای عظیم، قطعه های جسیم، بالکوه ها و صحراها، و جنگلهای انبوه، پاره پاره شده چه راهها! راههای آهنین بیکدیگر مربوط شده می بینند. شهرهای بزرگ این ملکها را می بینند که تنها به راههای روی زمین اکتفا کرده، در زیرهای زمین شهر بواسطه تونلهای زیر زمینی، و بر روی شهر بواسطه پلهای بسیار بلند آهنی، راههای رفتار و آلات سریع السیر عجیب و غریبه بکار انداخته شده است. و این راه هرگاه ندیده و دراین اوقات از میدان وسیع بی پایان کره جیبه هوا نیز استفاده کرده (آیروپلان ها) یعنی ماشین های هوائی، بالونها اختراع شده است که از حالا کمپنی ها و شرکتهای سیاحت روی هوا ایجاد تشکیل می یابد.

حالا این را یک قدری بپرسیم که این همه راههای آن ملکها چه فایده حاصل کرده اند؟ اولاً: از (وقت) که (نقد) است فایده گرفته اند یعنی یک حرکتی که به یک ماه بلکه زیادتر آنرا بیکروز عمل می آورند، کار یکروزه را بیک ساعت، کار یکساعت بلکه دقیقه بوجود می آورند، و به این صورت توانگری و ثروت حاصل میکنند. ثانیاً: بلای قحط و گرانی از آن ملکها یک قلم برطرف شده است، بجز اینکه در یک ملک قحط و گرانی ظهور نماید از هر طرف غله و خوراکه در آن واحد به آنجا میرسد که اگر این حال را در قحط خیزی دشتهای زمینهای ترکستان و لم قحط گی بعضی کوهستانهای وطن مقدس خود مقایسه نماییم درجه اهمیت فایده راهها تا یک درجه برما واضح میگردد. ثالثاً: برای تجارت و صنایع آن ملکها فایده های عظیم رسانیده، مالهای خام و کم قیمت را از جاهای بسیار دور، و مسافه های خیلی دراز به بسیار زودی و آسانی آورده و آنها را در کارخانههای فابریکها به صنایع مختلف خود در شکلها و صورتهای رنگارنگی برآورده و بسرعت تام به تمام جاهای دور و دراز رسانیده و نقدهای زر سرخ ملکهای دیگر را بواسطه آن در جیب می اندازند، و از این سبب دیگران را فقیر و محتاج، و خود را توانگر و محتاج الیه بسازند. رابعاً که از همه بهتر است فایده عسکری آنست: نخستین مدار مظفریت در جنگهای این زمان این چند چیز است که عرض میشود: در اول زمانی که دست بدهد بیشتر و بیشتر از قوه دشمن قوتهای عسکری برسرحد ملک خود برساند، و بیشتر از دشمن نقطه های مهمه بدست آورد، و بر قوتهای جزئی دشمن با قوتهای کلی حمله کرده دشمن را پریشان سازد، لهذا هر اندازه که قوتهای زیاد عسکری بزودی سوق کرده شود همان قدر مظفریت تیز زود تر بدست می آید. اسباب یگانه مغلوبیت دولت عثمانی در جنگ روس، و اسباب هم فلاکت روس در جنگ ژاپان بجز همین نبود که دولت عثمانیه راههای منتظم را مالک نبود که بزودی قوتهای کافی عسکری خود را بر سرحد ملک خود برساند، و خط راه آهن سیبری بدرجه کفایت نبود که قوای عظیمه روس را بدار الحرب بوقت لازم و ضرور برساند. یک دولت اگر مالک هزارها طوپخانه ها باشد ولی چون مالک سرکهای پخته منتظم نباشد که آن طوپها را بر ان بر اند هیچ ثمره و فایده از ان توپها حاصل نمیشود.

این است که ذات اعلیحضرت پادشاه دل آگاه و دیانت اکتناه خرد اقتباه و مقدس معظم ما از آغاز جلوس میامن مانوس همایونی شان این نکات دقیقه مهمه را در زیر نظر مطالعه شاهانه همایونی در آورده در باب اتصال دادن ممالک محروسه الملک شاهانه شان را بواسطه سرکهای منتظم پخته با یکدیگر بصرف فرمودن جهت جهان قیمت همایونی بذل لطف و مرحمت فرموده اند . دراول مرا اصلاح و انشای سرکهای نفس پای تخت سلطنت سنیه و اطراف و جوانب شهر را یک وضع بسیار دلنشینی اراده فرموده و در اندک مدتی همه قصرها و منتزه گاههای اطراف شهر عزیز را با سرکهای پخته بسیار رنگین دلنشین موتر رو با نفس پای تخت ارتباط یافت .

سرکهای پای تخت سلطنت اسلامیه کابل از چنان سرکهای نیست که در هر جا امثال آن دیده شود . باحسن های خدا داد که صنعت کار طبیعت بصورت بسیار فراوان ، در اینجا به این بقعه شریفه عطا نموده پر کار پرکار مهندس نیز ضم و علاوه شده چنان سرکهای لطیف بوجود آورده که از هر دو کنار در زیر سایه درختان بید و چنار ، و جویبار بلطافت نثار تا مسافه ها بسیار بیک وضع فرحت نثاری ممدود شده رفته است .

علی الخصوص اگر بعضی ازین سرکها را یک باغچه صفا آباده بگویم نیز جا دارد مثلاً سرکی که از دروازه بزرگ ارگ مبارک تا به جامع شریف بزرگ (عیدگاه) ، و باز از آنجا تا بچه چهار راهی که در قریب (دروازه لاهوری) ممدود شده میباشد چنان یک سرک با صفائیست که منظره پر لطافت آن دلها را بیک سرور و نشاط علیحده میسازد .

سرکهای پخته منتظمی که در حوضه (چهاردهی) تا بقصر (چهل ستون) و (جنگل باغ) و (مهتاب باغ) وغیره ساخته شده از چنان سرکهائیست که بساعت ها مسافه را در میان باغها و جنگلهای پر از میوه های رنگارنگ و آبشارها و گلزارها شوخ و شنگ رونمائی نموده است .

سرک پخته موتر رو قصرهای بقصر (سهیل) و (ستا چنان) و (بیک توت) وغیره نیز چنان سرکهای دلکش با صفای نزهت پیرائیست که انسان را در ظرف یک چند ساعت با عرابه ، و تقریباً بظرف یکساعت با موتر در موسمهای تابستان از یک هوای بسیار گرمی بیک موقع بسیار بلند و خوش هوای بسیار سردی میرساند .

حالا بیائیم بر سر سرکهای بسیار مهمه جدید که پای تخت سلطنت سنیه را با ولایات ممالک شاهانه ربط نموده است :

مهمترین این سرکها همانا سرک راه جلال آباد است که از قلعه چهار راهی دروازه لاهوری کابل آغاز کرده و بر گرامی و بتخاک و خاک جبار ، و باریک آب ، و جگدلک ، و سرخ پل ، و دکه ، و باول بجلال آباد مواصلت نموده است . این موضع ها یکه مذکور گردید هر کدام یک منزل است که منزلگاه های قافله ها میباشد . فاصله مابین منزلهای سرک تقریباً شش کروه مسافه میباشد که عبارت از یک منزل پادشاهیست در هر منزل برای شرف نزول موکب همایونی عمارتهای بسیار رنگینی بنا یافته است که همه لوازمات حیثیت معیت همرکاب همایونی را بسیار خوبی کفایت میکند . این منزلگاه های همایونی حقیقتاً از عمارتهای بسیار دلنشین شمرده میشود که بترتیب هندسه وضعی که خود ذات اعلیحضرت همایونی امر و تعلیم فرموده اند بنا یافته که اصل عمارت عبارت از یک دالان طعام خوری ، و یک دالان نشیمن ، و اطاقهای متعدد خواب و تؤالت وغیره ، و برندهاے مکمل میباشد . در یک جهت این عمارت بترتیب بسیار منتظم جداگانه ها ساخته شده است که برای معیت همرکاب خاص همایونی مخصوص است . لطف دیگر این منزل جاهای همایونی این است که اکثر عمارات آن بیک طرز بصورت معماری بنا یافته که انسان در اکثر آن بهشته میشود .

این عمارتها که بیان گردید مخصوص نزول موکب همایونیست غیر ازین در هر منزل (رباط) ها بنا یافته که بشکل یک قلعه ساخته شده قافله از یک دروازه داخل این رباط میشود . دور دور این رباط با اطاقهای متعدد برای بودوباش مسافران و رونده گان احاطه شده است مسجد ، آب ، چایخانه دیگر ارزاق و غله برای دفع احتیاج مسافرین موجود است که به نرخ بوم مسافران گرفته میتوانند . ولی خانه های حیثیت مسافرین مفت و رایگان است .

این سرک که شرح از راحت منزلهای آن بیان گردید خیلی متین و منتظم یک سرک پخته موتر رو است که به اصول هندسه بسیار درستی ساخته شده است ، و بسی شدیدها و درها و کوهها و پستیها و بلندیها را قطع کرده ، و با بعضی پلهای بسیار متین از روی بعضی نهرها مرور نموده شهر جلال آباد را بدار السلطنه کابل مربوط گردانیده است . در جلال آباد این سرک بر دو شعبه منقسم شده است که یکی از پل جسیم آهنین درنته گذر کرده قلعه السراج ایالت لغمان را بجلال آباد مربوط گردانیده ، و یک شعبه آن تا [illegible] ممدود شده طرق مراوده پشاور را در زیر انتظام گرفته است

ترقیات [illegible] آینده [illegible] بیان
خواهد شد .

الحق که این روزها حضرت [illegible] مطلوب به [illegible] [illegible] ترقی [illegible] صنعت . اهمیت ممالک شاهانه شان است . [illegible] وطن مقدس خود [illegible] دقت ملاحظه کنیم [illegible] به هر گونه [illegible] در این مقصد خیر [illegible] پادشاه بزرگ وطن [illegible] اسباب ترقی و فلاح وطن و ملت شاهانه شان فرو گذار نفرموده اند [illegible] و کوشش [illegible] در [illegible] عزت و شوکت و [illegible] را از درگاه خالق [illegible] فقط

* * *

تصحیح افکار
(۲)

(تردید اخبار پاینیر در باب فرقه های مخالفه در افغانستان)

اخبار (پاینیر) یک شرحی در باب احوال داخله وطن عزیز ما (افغانستان) نوشته که بسبب عجیب و غریب بودن آن مجبور شدیم که شرح مذکور را که تا کنون در زیر نظر مطالعه می آوریم که خلاف حقیقت بودن آن را بر همه مطالعه کنندگان کرام خود و فی برد آشکار سازیم . و باین وسیله تا یک درجه به تصحیح افکار عمومی خدمت نمائیم : ترجمه اخبار مذکور میگوید :

((در ملک افغانستان قدری تا یک فریق از [illegible] در زمانه موجود پیدا شده است که آن جد و جهد وزرای امیر صاحب کابل برای فلاح و بهبود رعایا خود و اختیار خود خلاف میورزند))

این فقره مذکوره از قبل و قال [illegible] از آغاز [illegible] و تکذیب میکنیم . زیرا در افغانستان به وقت حاضر از فرقه و فرقه بازی [illegible] ذکری [illegible] خبری نیست . و همه [illegible] پادشاه [illegible] القلوب [illegible] رعایای خود را در [illegible] اجرا میفرمایند از طرف همه ملت بنظر شکران بی پایان دیده و استحسان بی پایان دیده میشود ، و هیچکس بر خلاف آن حرکت نمیکند . بعد از این نامه نگار مذکور می نگارد :

((فریق دوم از سرداران و منصب داران معتقد خیالات قدیمه میباشند بر اجرای موتر و تلفون ها و دیگر آلات تمدن مغربی بنظر تشویش می بینند ، و محض ساخت اسلحه و اسباب جنگ را که امیر عبد الرحمن خان مرحوم مرغوب خاطر داشتند دوست میدارند))

بسیار عجب ! هرگاه نوک قلم جناب نامه نگار صحت شعاع ([illegible]) را هم مالک می بود از ینقدر هزار ها میل مسافه کشف قلوب اینقدر سرداران و منصب داران ملک ، کامیاب نمی آمد ! آیا این کشف قلوب خود را جناب نامه نگار مذکور بر کدام دلیل و برهان استناد داده میتوانند ؟ آیا هیچ سال [illegible] بوده که با اینقدر جم غفیری از سرداران و منصب داران شب و روز [illegible] همکلام شده که از زبانی ضمیر آنها معلومات گرفته باشد ؟ بلی ! هیچ شبهه نیست که این نظر تشویش دیدن فریق مذکور یک مسئله ایست که بالای الضمیر تعلق دارد . زیرا که مردم افغانستان چیزیکه بگوش میشنویم و بچشم می بینیم همین است که همه سرداران و منصب داران و اعزه و اشراف مملکت دولت خداداد متفقا با جلسه [illegible] سال در باب (شرکت موتر افغانیه) در وزیر [illegible] اعلیحضرت شاهانه منعقد گردیده همگی یکدل و یک زبان و یک شوق و ذوق و جدان به آن شرکت پر منفعت اشتراک ورزیده ، و اظهار فرحت و سرور فرمودند ، و به بادشاه خود شان تبریکها و تشکرات ادا کردند ، ولی این سخن نامه نگار پاینیر را رد کرده نمیتوانیم که مردم افغانستان اسلحه و اسباب جنگ را دوست دارند . زیرا از شاه تا گدای افغان به محبت اسلحه و آلات حرب به درجه عشق مبتلا میباشند . چونکه وطن خود را دوست دارند و دانند که وطن بدون سلاح محفوظ نیست .

باز مینویسد : ((دو فرقه مذکوره مزید بر این اینقدر دارد که مبادا در افغانستان راههای آهنی برای ریل ساخته شود ، و مداخلت مزید انگریزان انگلیس باعث استیصال آزادی افغانستان باشد .))

عجب خیال خام ! آهن راه های آهن افغانستان [illegible]

آیا این چه سان خوف است که برین بیچاره افغانان اسناد میشود؟ بلی، در افغانستان ساخته شدن راههای آهن ریل ممکن است. اما بدرستی باید دانست که آن راههای آهن از معدنهای خود افغانستان خواهد بود، و انجنیران ریل آن از اولاد وطن خود افغانستان خواهد شد نه از غیر. همه مردم افغانستان بر پادشاه خود اعتقاد دینی واعتماد ایمانی دارند، و عین الیقین از افکار همایونی پادشاه خود آگاه هستند که ذات شاهانه شان بسیار ترقی دوست، وطن پرور، دیندار، غیور یک پادشاه معظمیست. لهذا ازین یک خاطرجمع و آسوده اند که تا بوقت بسر رسیدن انجنیران معادن، و انجنیران ریل از اولاد وطن شاهانه شان — که آنهم ان شاء الله عنقریب است — هیچگاه برای ساختن ریل در ممالک محروسهٔ افغانستان اقدام ورزیده نخواهد شد.

بعد ازین نامه نگار مذکور مینویسد: ((علما و ملایان متعصب شریک این خیالات شده عوام الناس را برخلاف تجدید تهذیب پند و نصایح میدهند))

این سخن نامه نگار پاونیر را نامه نگار سراج الاخبار افغانیه قلماً رد میکند. علمای کرام افغانستان بدرجهٔ که نامه نگار پاونیر گمان برده از حال و احوال عالم بیخبر نیستند. بیدانند که لوازمات و احتیاجات عصر حاضر به چه چیزها موقوف است. لهذا هیچگاه براجراآت مقاصد پادشاه خود شان بخیال خلاف و نظر استنکاف نمی بینند. علمای افغانستان بر تهذیب امر میکنند نه برخلاف تهذیب.

نامه نگار مذکور برای تفریق فرقه های مخالفهٔ افغانستان چنین مینویسد: ((گفته شده است که ایشیک آقاسی عبدالقدوس خان که در زمان گذشته خیلی اقتدار داشت و امیر محمد خان سپه سالار سابق افواج و محمد حسین خان مستوفی و دیگر اعیان نظامی در حمایت فرقهٔ اول میباشند))

اینهم از مکاشفات خارق العادهٔ تصوریهٔ [illegible] دانش نیست که مخصوص قلم نامه نگار انتریگه پرداز پاونیر است. اولاً این را بگوئیم که این ذوات شانرا اینهم از جان [illegible] که از قرار شنیدن برخدمت کردن استقرار سلطنت سنیهٔ افغانیه و عدم مخالفت پادشاه خود شان خواه در ایام سلطنت و حیات خاقان مغفور و خواه در ایام حکومت همایونی قسم و حلف اجرا نموده اند. و مردمان دیندار و هوشیاری هستند. هیچ گمان نمیشود که دین مقدس خود شانرا بخلاف ورزی مقام سلطنت اسلامیه و خلف حلف برهم زنند. و هم مردمان مذکوره اشخاصی هستند که دربارهٔ مرحمت همین پادشاه معظم بمناصب عالی سرفراز شده اند. چنانچه ایشیک آقاسی عبدالقدوس خان بمنصب ((اعتماد الدوله)) و نائب سالار امیر محمد خان بمنصب ((سپه سالار)) و میرزا محمد حسین خان بمنصب ((مستوفی الممالک)) لهذا اینها پادشاه پرورندهٔ خود و خلاف ورزیدن را هیچگاه بر وجدان و ایمان خود گوارا نمی سازند.

بعد ازین فرقه از فرقهٔ دوم بحث رانده میگوید: ((برخلاف این یک فرقهٔ دیگر است که در حمایت امیر صاحب کوشان میباشند و شنیده شده است که لوی نایب حاکم کابل، و کوتوال شهر کابل، و ایشیک آقاسی علی احمد خان و ایشیک آقاسی محمد سلیمان خان از اراکین معتبر فرقهٔ ثانیه هستند))

ای آقای پاونیر !

آنکس که ز شهر آشنائیست
داند که متاع ما کجائیست

اگرچه از مسئلهٔ (مراکو) دو سه سال گذشته دو واقعهٔ طرفداری یکی تان مولای حفیظ را، و دیگری تان مولای عبدالعزیز را از بعضی خاطرها فراموش شده اما امروز روز (ایران) در پیش چشم ماست. همه عالم دانسته و دیدند که یکی از شما طرفداری شاه را گرفتید، و دیگر تان خود را حامی شوراییان برقرار داده شوراییان را برانگیختید و آن دو طرف از فریب شما غافل ماندند، و کرده های شما را دیدند. محقق بیدانیم و کلان زده ای سخن شما را رد کرده میگوئیم که شما خاطر شریف خود را جمع دارید. در افغانستان فرقه های مختلفهٔ هیچ نیست. پادشاه با ملت متفق راست، و ملت با پادشاه خود یار و مددگار، و همه در محافظهٔ وطن هوشیار. این فرقه های تصوری [illegible]

باز در تعریف و توصیف فرقهٔ ثانی مدیح سرائی آغاز کرده چنین میسراید: ((فرقهٔ مذکور با دیگر منصب داران در زمانهٔ امیر صاحب مرحوم در هندوستان سفر ورزیده بودند و امیر صاحب موجوده دوام اطلاع بعد از سیر آزادی انگلستان از راه مراجعت کانه جهت سفر درین فرقه را برای مراجعت وطن خود اجازه نمودند. فرقهٔ مذکور نسبت از مردمان افغانستان زیاده تعلیم یافته و مهذب است. دیگر اینها

که در هر علاقهٔ افغانستان سرکهای پخته تعمیر شود، و موترها بران جاری شود و سیم های تلگراف نیز ایجاد کرده شود»

این هم یک مدح شبیه الذمی شمرده میشود. زیرا از منجمله نامه نگار پاویونیر ذکر میکند یکی جناب لوی نائب صاحب است که ایشان از ذوات بسیار محترم قدیمی دولت افغانیه است که در زمان امیر شیرعلیخان مرحوم نیز از رجال مشار بالبنان دولت شمرده می شدند، و در وقتیکه بهندوستان آمده بودند سن شریف شان از سن تعلیم و تحصیل کتب گذشته بود. جناب این انفس صاحب یعنی کوتوال نیز در هیچ مکتبی از مکاتب هندوستان تحصیل کرده اند. پس چون این قضیه معلوم شد باید دانست که علم بر دو قسم است یکی (موهبی) و دیگری (تحصیلی) ما مردم افغانستان را اعتقاد کامل برین است که علم موهبی حقست. پادشاه مقدس محبوب القلوب ما بعلم موهبی عالم از ازل مظهر میباشند. همه آثار ترقی که دیده میشود از فیض اقدامات مجددانهٔ نفس نفیس خود ذات شاهانهٔ شان است که در وطن عزیز ما بروی کار آمده است. و جمیع سرداران و منصب داران، و علما و اشراف و بلکه همه ملت افغانیه این اقدامات شاهانه را برای دولت و ملت و وطن مفید دانسته پیروی پادشاه خودشان را کرده اند. و تا بحال هیچ فرقهٔ مخالفی که برضد رای و فکر شاهانه حرکت کرده باشند نه دیده شده و نه شنیده شده. مفرورین مذکور محض بصدد رحم و مرحمت شاهانه خواسته شده اند نه برای ترقی ملک.

حالا ازین سخنان تیز رنگ آمیز آن ترکه ریز رفیق همعصر خود گذشته بر فقرهٔ آخری اعتراف حقیقت شان بیائیم که میگوید:

«در حقیقت حالت موجودهٔ افغانستان خیلی دلچسپ است. و این خوش نصیبی امیر صاحب است که حالت ممالک محروسهٔ شان از آمیزش مادی و فتنه و شر مبرا است و هیچ کمیتی اتحاد و ترقی مانند دولت عثمانیه در افغانستان موجود نیست که برای حکومت مطلق العنان امیر صاحب باعث تهدید و ترهیب باشد»

آفرین ای نامه نگار! این سخن شمارا تردید نی بلکه تصدیق میکنیم. تنها این قدر میگوئیم که خوش نصیبی افغانستان است که خداوند عالم مانند اعلیحضرت (امیر حبیب الله خان) یک پادشاه دیانت همراه و خیرخواه و دانشمندی بآن عطا فرموده.

آخرترین فقرهٔ اخبار پاویونیر این است که میگوید:

«و اگر امیر صاحب ملاها را در تحت اختیار خود حفاظت کرده بتوانند هر مجستی یعنی اعلیحضرت در حصول آرزوهای ترقی و اصلاح کامیاب خواهند شد»

در جواب این فقرهٔ شان همین قدر گفته میتوانیم که هر مجستی یعنی اعلیحضرت ما به این رهنمائی و نصیحت نامه نگار پاویونیر احتیاج ندارد. فقط

حوادث خارجیه

[illegible]

اجمال احوال سیاسی استانبول

اختلافات و مناقشات سیاسی فرقه های مختلف ملتی دوام میورزد. (فرقهٔ اتحاد و ترقی) و (فرقهٔ حریت و ائتلاف) هم هیچ اتفاق و ائتلافی ندارند. و ازین سبب از ترقی و حریت نیز هیچ استفاده نمیشود.

از مطالعهٔ اخبارهای استانبول چنان معلوم میشود که جناب صدراعظم سعید پاشا یک شخص بسیار داهی سیاسی و فاضل میباشد. و چقدر و غیرتانه بسیار جد و جهد در باب اصلاح امور دولت کوشش میورزد.

صدراعظم میخواهد که فقرهٔ (۳۵) قانون اساسی اصلاح و تعدیل شود. یعنی بحضرت سلطان المعظم اختیارات واسع تر و اقتدار افزون تر ازین وقت حاضر داده شود که آن اختیار هم عبارت از اختیار فسخ کرده توانستن مجلس میباشد. فرقهٔ اتحاد و ترقی این رای را قبول میکند. فرقهٔ حریت و ائتلاف برضد آن غریوها، و نمایشها اجرا میکنند. یک هرج و مرج، یک قیل و قال است که دوام میورزد. از هر جهت فرقهٔ اتحاد و ترقی بسبب یار بودن حکومت با آنها غلبه خواهند کرد. و هم حرکات شان معتدلانه تر و معقول تر معلوم میشود. اما فرقهٔ حریت و ائتلاف از هر حرکت و هر فحوای کلام شان اغراض شخصی، و بعضی حرکات خفی پدیدار است. و الحاصل چنان معلوم میشود که ملت نجیبهٔ عثمانیه هنوز بدرجه که لازم باشد لیاقت و قابلیت (مجلس ملتی) را پیدا

کرده نتوانسته اند چه جای دیگران ؟ . . . .

((طریق در باسے یک جهان نیرنگ بیتوا))
((بحسن محض نتوان پیش بردن نازنیلیها))

صورت تلگراف مخصوص اخبار اهرام مصر

اعلان جهاد شیخ سنوسی

(سید احمد الشریف السنوسی) و برادرانش بر تمام مشایخ قبایل و زاویه ها یک دعوت نامهٔ عمومی برای جهاد نشر نموده که بعنوان (**الجنة تحت ظلال السیوف**) مرکب از آیات و احادیث میباشد. و این دعوت نامه یک تاثیر عظیمی بر قبایل عرب بخشیده فوج فوج مردمان برای جهاد بسوی دار الحرب روانه میشوند. حتی بسیاری از زنان عرب دیده می شد که در عقب مجاهدین نشید ها و غزلهای شجاعت آور و دلیری میخوانند.

اقتباسات

از اخبارات ترکی

اخبار (طنین) (اقدام) (صباح) که از اخبارهای معتبرهٔ مطبوعهٔ استانبول است از کیفیت دربار معالی بار یوم شنبه سوم ذوالحجهٔ گذشته و نطق اعلیحضرت پادشاه معظم افغانستان دران دربار در خصوص اعانهٔ یتیمان و شهدای معرکهٔ طرابلس غرب بلسان شکران و امتنان بحث و بیان نموده است و در آخر بدعای (زنده باد پادشاه افغانستان و برادران افغان) ختم کلام نموده اند.

دیگر — در روز گذشته اعضای فرقهٔ حریت و ائتلاف در مجلس مبعوثان حاضر شدند چون دران روز فقرهٔ تعدیل (۳۵) قانون اساسی از طرف صدر اعظم در مجلس عرض می شد فرقهٔ حریت و ائتلاف ازان استنکاف ورزیدند بنابر تجویز قانونی هیئت وکلا سقوط نموده سعید پاشا با کابینهٔ خود استعفا نمود.

دیگر — سعید پاشا دفعهٔ ثانی باز صدر اعظم شد این چهارمین بار است که پاشای مذکور منصب صدارت را احراز میکند. سعید پاشا به تشکیل کابینهٔ خود مشغول میباشد درین بار اگر باز تکلیف تعدیل و اصلاح فقرهٔ (۳۵) مذکور اکثریت آرا را در مجلس مبعوثان حاصل نکند قانوناً مجلس سقوط یافته به انتخابات اعضای جدید مجلس مجبوریت حاصل میشود.

دیگر — درین اوقات شایعهٔ صلح با ایطالیا باز باصرار تمام در میدان دوران دارد. حتی خبرنگار تایمس که در سیاسیات ماهر است قریب الوقوع بودن این امر را نیز به اخبار خود خبر داده اما یاد باید داشت که بحث کردن از صلح قطعیاً موقوفست برینکه ایطالیا سخن خود را که در باب الحاق طرابلس و بنغازی بملک خود اعلان نموده واپس بگیرند.

دیگر — از تبریز خبر میدهند که اهالی بر جای اجتماع گاه مجلس هجوم برده آنجا را خراب کرده اند.

دیگر — از اژانس روتیر از (پکین) پای تخت چین خبر میدهند که دولتهای فرنگستان راه آهن را که در مابین ساحل بحر و پکین واقعست ضبط و استیلا کرده اند. تبعهٔ اجنبیه ازین تدبیر ممنون دیده میشوند.

دیگر — از پاریس خبر میدهند که یک قسمی از دستهٔ جنگی فرانس که به فیلوی بحر سفید دولت مشار الیها منسوب است برای استقبال خاندان حکمرانی انگلستان به (جبل طارق) که یک آبنائیست مابین مملکت اسپین و مغرب اقصی خواهد رفت.

دیگر — اخبار (نوویه وریمیا) روسی در باب (ایران) می نویسد: ایرانیان هنوز بدرجهٔ که ادارهٔ حکومت مشروطه را تطبیق و عمل کرده بتوانند نشده اند. و در جائیکه هنوز بسیاری از ایشان از مشروطیت خبرهم نداشتند که معنی این کلمه چیست دفعةً به داویلاها و شورها شورهای بعضی نو پیدا شده گان عاقبت نیندیش سراسیمه و واله شده از حریت و مساوات دم زدن گرفتند. و گوش دختر و پسر این کلمات که بر روی کاغذ بسیار خوب و شیرین معلوم میشود در حقیقت بسیار تلخ و ناگوار از راستهٔ قدم ها و کوچه های تهلکه وار زدن گرفتند و دیدند آنچه دیدند.

آخرترین خبرها

مجلس اعیان استانبول انفصال و فسخ مجلس مبعوثان ملی عثمانی را منظور نموده است.

دیگر — اعلیحضرت سلطان المعظم نیز انفصال مجلس ملی را امضا نمودند.

از اخبارهای فرانسوی

چنان معلوم میشود که درین روزها جاسوسی به سر هر طرف یوروپ بسیار یک فعالیت پیدا کرده. هیچ یک هفته نمیشود که یا در ملک جرمن و یا در ملک فرانس و یا غیره یک جاسوس دو جاسوس گرفتار نشوند.

دیگر — یک کپطان فرانسیسی شخصی به (دولیس) بنابر حرکات جاسوسی در ملک جرمن گرفتار شده بود. دیوان حرب و محکمهٔ نظامی جرمن از حرکات جاسوسی کپطان مذکور را ثابت کرده شش سال قلعه بندی محکومش نموده بودند. کپطان دولیس فرانسیسی را به قلعه جات (غلاج) که به سرحد او فرانس بیست کیلومتره بُعد مسافت دارد بندی کرده شده بود. از آنجا از بندی گری بسیار سخت که محافظان و پهره بسیار زیاد بود خود را خلاص کرده است. روزنامه های فرانس میگویند که شب سال جدید محافظان و افسران بندیخانه رخصت گرفته بودند. کپطان فرانسیسی از فرانس هر وقت روزنامه ها میگرفت ورق های بستن آن را جمع کرده و آنها را یکی به دیگر بسته کرده یک ریسمان کلان ساخته و به واسطهٔ او از دیوار قلعه که بسیار بلند بود پائین شده و رفته است. به آن قلعه و بندیخانه از سبب جاسوسی یک کپطان انگلیس که (ترنچ) نام دارد والآن بندی میباشد. حقیقةً فرار (دولیس) فرانسوی بسیار عجیب یک فراری میباشد.

مخبر ماتن از نیویورک (امریکا) خبر میدهد. فعالیت و حرکاتی که روسیها در مغولستان و ترکستان چینی میکنند به قصد الحاق کردن و تصرف کردن آن جایها خواهد شد. روزنامه های امریکه خیال میکنند که مابین روس و جاپان یک ائتلاف منعقد شده و منطقهٔ روس و جاپان معلوم گردیده که این طور یک حرکت برای منافع امریکائی در اقصای شرق مخالف میباشد.

مخبر پرس از نیویورک خبر میدهد. از پوت تلگرافات که از ولایت اورنبورغ آمده معلوم میشود که قحط بسیار شده است که بیچاره گان برای تحصیل چیزی پیدا کرده نتوانسته ناعلاج اولادهای خود را به قیمت خیلی ارزان میفروشند.

از برلین مخبر ماتن اطلاع میدهد. از تلگرافاتی که از ویانا (پای تخت اوتریش) نشر شده معلوم میشود که راه پاس ها قبر قوت قولا تولا را باز کرده اند. این دزدها مزارستان همراه اسباب شکل تابوت نامبرده را شکسته اند. و هرچه قدر جواهر و ذی‌قیمت اسباب یافتند آنها را بردند. این وقوعات بسیار تأثیر عمومی را موجب شده است. پیش ازین قبر پدر ملک مصریه را هم باز کرده و از بقیهٔ عظام او استخوان کلهٔ اش برده بودند لیکن آن سفر به اسباب جواهر و غیره را غرض نگرفته بودند.

ترجمه از اخبارات اردو

اخبار (وطن) امرتسر ۲۰ محرم مینویسد: اگرچه افغانستان در حال وقت یک سلطنت معمولی معلوم میشود اما نظر بوضعیت موقع چنان یک حیثیتی دارد که در سیاست همه دنیا یک تأثیر بسیار عظیمه اجرا کرده میتواند. این هم ازهمه جهت باور کردنیست که تدابیر خداداد و همدردی اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان خلد الله ملکه در سیاست حاضره اجرا فرموده اند بر حالت پولیتکل موجوده بسیار اثر قبول بخشیده. و بر تمام عالم اسلامی بالعموم، و بر ترکی و ایران بالخصوص عاید و اتفاق جزبخشی یک مددگاری قدرمند رسانیده است.

(سراج الاخبار جهلم) نام اخبار اردو مینویسد: اعلیحضرت امیر صاحب کابل نیز در دو قومی را محسوس نموده اند (؟!) در رعایای خود را نیز به این درد شریک ساخته اند. چنانچه در بسیاری از اخبارات ذکر آن شده است که به کمک ها روپیه از افغانستان جمع میشود و به کمیتهٔ هلال احمر فرستاده میشود. و چنان حالا چیزی شک و شبهه درباب بیداری افغانستان باقی ماند؟ حالانکه درین وقت از افغانستان اخبار نیز برآمدن شروع کرده که این نیز برای ترقی و معاونهٔ فهمی معلوم است که چیست. صدهای اخبار بسیار اثر دارد و برای جمع آوردن مصالح تعلقات قومی قایم می‌نماید که بواسطهٔ آن روشنی عملی افغانستان ممکن است که بزودی درخشنده گی گیرد. مدیر سراج الاخبار کابل سردار علی احمد خان صاحب است که از تعلیم یافته گان های (اسکول) های پنجاب است(!) ایشان سرد و گرم هوای زمانه را خوب خبر دارند. و هم میر آخور(!) اعلیحضرت امیر صاحب میباشند و ازین معلوم میشود که ایشان درباب آراسته کردن افغانستان را بزیور علم بسیار زود ورزیده(!)

(عمرت دراز باد) [زنده باد بادشاه ما]

رفیق مصری ها (کلیمه گزت) در صفحه نمره ۵ جریدهٔ خود در زیر عنوان (همدردی اسلامی جز بخشی اعلیحضرت امیر افغانستان) یک مقالهٔ بسیار شیرین و دلچسپی نوشته. و بعد ازان که از کیفیت همدردی اسلامی در زمانهای سابق تاریخا بیان، را اختلاط و تنزل از

تقدیر بجا بیان نموده سبب خامه ادیب این تقریر به حضرت والا [illegible] داده است :

« در وقت حاضر کسی که زمام شئون اسلام بر حالت خرابی و خسته گی اسلام اکنون چون موم نرم شده است بجا و آن مرد قوی درین وقت اسلام پادشاه معظم ملک افغانستان است که نام شریف او (اعلیحضرت امیر حبیب الله خان) است . هیچ یکی از حکمرانان موجوده مسلمانان به این حکمران رحیم القلب هرگز مقابله کرده نمیتوانند هذا امید است که اگر هر قدر انسان سنگدلی باشد چون آن تقریر دلپذیر این امیر معظم اسلام را که در باب همدردی مسلمانان بیان فرموده بشنود آن سنگدلی خود را ترک خواهد کرد . چونکه از هر لفظ تقریر آن اسلام همدرد این ترشح میشود که آن تقریر را اگرچه زبان به الفاظ ادا کرده است ولی از هر کلام آن جذبات قلب مبارک شان در باب حالت خرابی مسلمانان ظاهر و نمایان میشود . از هر کلمه این تقریر تاجدار معظم جلیل القدر افغانستان روشن ضمیری و زمانه شناسی اعلیحضرت شان هویدا است »

تردید

دربن ایام در ترجمه اخبارات انگریزی چنین نوشته شده :

« اعلیحضرت امیر صاحب برای توسیع ملازمات جهادی بعض (شکارگاه) پیش [illegible] عزم فرموده اند و نیز فرموده اند که مردم شنواری ها در فوج داخل کرده شوند . و شنواری ها گفته اند که ما برای خدمت امیر صاحب در این حدود افغانستان حاضر هستیم و اگر امیر صاحب ما را بیرون حدود افغانستان بفرستد ما هیچ رفته [illegible] »

غلط و واهی بودن این خبر از طرز تحریر آن مانند روز روشن هویدا است : زیرا اول میگوید که مردم شنوار را بجا در فوج داخل کرده شوند . و باز از زبانی خود دن آنها [illegible] بیرون حدود افغانستان بحث میراند [illegible] لهذا بی اصل و بی اساس بودن این خبر را اعلان مینمائیم . و میگوئیم که اقوام شجیعه دیندار افغانستان جرگی در وقت لزوم بخدمت قومی و دولت خود [illegible] دینا و دیانتاً مکلف و مجبور میباشند . اولاً در باب فوج گیری قوم شنواری امری نشده و اگر بشود هر فردی از افراد هر قوم و هر قبیله رعایای صادقه افغانستان در هر وقت و هر دقیقه برای خدمت دین و پادشاه و وطن خود حاضر و آماده میباشند .

ادبیات

رفو چکر ہوا

[illegible] غزل [illegible] در نمبر (۴) منضم بود و یک زبان مهربانی جناب درج صحیفه نموده به اینجه سلسله غزل [illegible] زبان سلاطین هندی زبان اعلیحضرت ساخته است . و بنظیر غزل مذکور [illegible] طبع جناب قاضی (جلال الدین) نام ادیبی بزبان اردو و مضمون (رفو چکر ہوا) درج نموده است که اینک آن غزل اردو را بجهت [illegible] و جوهر ظلمان عزیز خود و تفریح قلب برادران هندی که در وطن عزیز ما اقامت دارند عینا درج جریده مینمائیم

غزل

[illegible]   [illegible] خانہ اب رفو چکر ہوا
[illegible]   دور وہ نوشیروان [illegible] اب رفو چکر ہوا
[illegible]   [illegible] کا زمانہ اب رفو چکر ہوا
[illegible]   [illegible] کا زمانہ اب رفو چکر ہوا
[illegible]   [illegible] کا زمانہ اب رفو چکر ہوا
[illegible]   [illegible] کا زمانہ اب رفو چکر ہوا
[illegible]   [illegible] کا زمانہ اب رفو چکر ہوا
[illegible]   بادہ [illegible] اب رفو چکر ہوا
[illegible]   جاہلیت کا وہ زمانہ اب رفو چکر ہوا
[illegible]   مرغ دل کا آشیانہ اب رفو چکر ہوا
[illegible]   [illegible] کارخانہ اب رفو چکر ہوا
[illegible]   [illegible] بہانہ اب رفو چکر ہوا
[illegible]   محتسب کا تازیانہ اب رفو چکر ہوا
[illegible]   خواب غفلت کا فسانہ اب رفو چکر ہوا

این شعر برجسته [illegible] از جناب جلال [illegible] از بانه شعر [illegible] طبع [illegible] و تقلید آن عبارت درج جریده شد :

غزل فتح

گرچه آن شیرین زبان را بت جگر خواره بود
دل ز نقل و ترانه آب رز جگر بود

یک خوبی و بدی هرگز نشد پیدا بر او
دیده های غیرتانه آب رز جگر بود

اتحاد و اخوت وجهه دل فرقه
یک قهر عارفانه آب رز جگر بود

هر یک مطلع دو ملک دیار زد
چنگ های شیر فانه آب رز جگر بود

از نکته های امثال است صنع حق
زمین زیر پرانه آب رز جگر بود

باز از نقش شاه و نازه عید خواه
بی نازی رزانه آب رز جگر بود

گفتهٔ محمود این سخن را چون جلال عز ستال
خواب غفلت را فسانه آب رز جگر بود

اعتقادات عجیبه در باب چیچک

یک مکالمهٔ خنده آور

آشپز زن — آخ ! چه بگویمت یکی از آن بچه هایم دارم ! چیچک درگرفته [illegible] .

خانم — آیا بچه تان را خال نزده بودید ؟

— نی آقه جان ! خالش نزده بودم . ولی برنج دم کرده داده بودمش !

— برنج دم کرده چیست ؟

— وی آقا تو چه میگی ؟ شکر خدمت خانم [illegible] برنج دم کرده را چطور نشناختی ؟

— مادر جان ! هر کس که خوانده باشد هر چیز را نیشناسد . بعضی را میشناسد بعضی را نمی شناسد .

زن — مریم بیگم شبیه است سر برنج دم میکنن بچه را میخوراند ! منم که کوچک برنج دم کرده را خوراندم اینطور شد . آن پیرزن که شیر و جو گرفته و زیرش باشم .

— شیر و جو گفتید ؟ آن برای چیست ؟

— اینشو شب هفتش است نی ! از ده خاطر .

— در شب هفتم خوراندن شیر و جو برای مرض چیچک آیا فایده دارد ؟

— آی ! شما چه چیزها میگوئید ! بچه هم خوب است که بخورانش ؟

— عفو بفرمائید بی بی ! آنا میخواهم بدانم که در شب هفتم شیر و جو چسان فایده میدهد .

— اینکه ، در شب هفتم در سر بچه (ماترانی) میایه ، (ماترانی) ! [illegible] ؟

— بنده نفهمیدم (ماترانی) کیست ؟ و برای چه می آید ؟

— ماترانی آنکه دوست آنکه دشمنی چیچک را ما دست . در گرفته داشت هر خروس سوار شده و شب هفتم در سر ناجور میایه . اگر دید که سر رود واره سرگین گاو و ستند رزده شده بود و کاسه او و کاسه شیر و مشتاب جو در سر ناجور بود و شیرک خودش خوک خوش میخورد و . . . دوک گرفته در سر ناجور پاشش بیند ناجور جور میشه . و اگر دید که این چیزها نبود و خاکستر بگیره و در سر آورده باشترنگ باز که خاکستر پاشش داده — دور از جان بچه ام — او بچه جور نمیشه .

— مادر جان ! این اعتقاد بسیار باطل یک اعتقادیست و این فکر بسیار باطل یک فکریست . الحمدلله ما و شما مسلمانیم از بیگونه اعتقاد و فکرها بخدا پناه باید گرفت . چیچک یک مرضیست از امراض مزمنهٔ ساریه که همیشه در اطفال بنی بشر مسلط شده و بس خرابیها میرساند . و چنانچه خداوند عالم مرض را خلق فرموده و برای هر مرض دوای آنرا نیز خلق فرموده . دوای یگانهٔ چیچک خال زدن است . خال زدن یک صنعتیست از صنعتهای فن دکتری که با آب چیچک گاوساره را خال میزنند و بسبب آن خال زدن گاوساره آبله میکشد . و باز دکترها آب آن آبله ها را در (تیوپ) نام لوله های شیشه ئی باریک میگیرند . و در بازو و یا بند دست طفلها با نوک چاقو یک دو سه خط میکنند . و از همان آب چیچک از لوله شیشه ئی بر آن یک قطره میچکانند . بعد از چند روز در همان جا یک دو سه آبله می بر آید و بعد سه چهار روز جور شده دوباره هیچ چیچک نمیکشد .

— بان زور آور ! اگر هفت جفتی فولادی و هفت عصای آهنی را پوست سیر و سوزن لب ارم این چیزها را نه که بچه بیدار اللهم نجاتم .

— نی ، اینچنین نیست نه به جفتی فولادی و نه به عصای آهنین حاجت دارد . اعلیحضرت پادشاه مهربان ما از کمال شفقت و مرحمت پدرانهٔ لطف گسترانه که در بارهٔ ما رعایای صادقهٔ خود دارد و شفاخانهٔ بسیار دلکش در شهر و یک جای عیدگاه بنا فرموده . و از بسیار جاهای دور دکترهای بسیار قابل و ماهر را طلب فرموده . هر قسم مرض های که به جراحی و تداوی تعلق داشته باشد در اینجا معالجه میشود . خال چیچک هم در اینجا زده میشود .

— [illegible] ! آخر ! خال چک [illegible] بزنش . داکتر [illegible] ؟

— خال چیک زدن ، به سیادت چه غرض دارد ؟ این مو تعلق داره [illegible] و طفل خود را از مردمان خود کابلی در شفاخانه نزیر دست داکتر تعلیم یافته اند . به آب چیچک که در شفاخانه خود کابل از گاو [illegible] داکتر [illegible] خال زده . بعضی از طرف سرکار امر است که کلانتران گذر ها مردمان کوچگی خود را خبر بدهند که اطفال خود را بشفاخانه برده خال بزنند . آیا کلانتر کوچه شما بشما خبر نداده بود ؟

— دفعه ایک چند وقت پیش جمعیتی یک چک چک داکترچی [illegible] شده بود . من [illegible] رفته بودم . [illegible] بچه یک خود [illegible] . اگه را سنش [illegible] پیسه هم نداشتم .

— پیسه برای چه ؟

— دا ! داکتر [illegible] با یک شان خال بزنش !...

— داکتر ها را پدر مرحمت پرور یادشاه اعلیحضرت پادشاه مقدس ما تنخواه میدهد . شفاخانه را برای رعایای غریب و فقیر خود ساخته است . از هیچکس هیچ یک پیسه هم نمیگیرند .

از شنیدن این سخن زن بیچاره عاجز و بی اختیار دستهای خود را بالا کرده و بشدت خود را بسجده انداخته بلند کرده داشت گفت :

— آلاه ! امیر حبیب الله خان ! تخت و بخت برقرار باشد . خداوند بزرگ پشتیبانت باشد . داغ اولاد را [illegible] نه بینی . از خدا [illegible] خاستم که [illegible] . و شهنشاهیت خدا [illegible] کند .

* * *

مقالات علمیه

[illegible]

[illegible]

من الله الموفق والمعین

زبان افغانی و ضرورت آن

قاموس محیط است [illegible] — کس نتوان شد شناور این دریا
لال است [illegible] — شد [illegible] مراج بلغا

[illegible] ضرورت [illegible] بعض [illegible] زبان [illegible] وسیله [illegible] موجود بود [illegible] تعطیل [illegible] مفتوح ساخت — اکنون [illegible] ازین زبان [illegible] بتفصیل [illegible] خدمت قاریان کرام [illegible] که موجب صلاح امور دنیا یا باعث فلاح عقبی باشد [illegible] الله تعالی

[illegible]

[illegible] — [illegible]
[illegible] — [illegible]
[illegible] — [illegible]

[illegible]

[illegible] (لا اله الا الله محمد رسول الله) [illegible]

حسن ز بصره بلال ز حبش صهیب از روم ز خاک مکه ابوجهل این چه بوالعجبی است

[illegible] زبان ترکی [illegible] اسلامی است [illegible]

گر در یمنی چو با منی پیش منی ور پیش منی چو بی منی در یمنی

من با تو چنانم ای نگار یمنی کاندر غلطم که من تو ام یا تو منی

[illegible] عن زید بن ثابت رضی الله عنه قال امرنی رسول الله صلی الله علیه وسلم ان اتعلم السریانیة وفی روایة ان اتعلم کتاب یهود وقال انی ما آمن یهود علی کتاب قال فما مر بی نصف شهر حتی تعلمت فکان اذا کتب الی یهود کتبت واذا کتبوا الیه قرأت علیه کتابهم رواه الترمذی — [illegible] که لا یعرف فی الشرع تحریم تعلم لغة من اللغات سریانیة او عبرانیة هندیة او ترکیة او فارسیة وقد قال تعالی (ومن آیاته خلق السموات والارض واختلاف السنتکم) ای لغاتکم بل هو من جملة المباحات نعم یعد من اللغو ومما لا یعنی وهو مذموم عند ارباب الکمال الا اذا ترتب علیه فائدة فحینئذ تستحب انتهی مرقات شرح مشکوة کتاب الآداب —

حاصل و مقصد حدیث نبوی [illegible] حضرت زید بن ثابت [illegible]

ت ذاتی عظمت قدرت و خالقیت خدای متعال است جل و تعالی شانه — پس یاد گرفتن زبانها از جمله مباحات است — البته در صورتیکه هیچ فایده در آن نباشد کار لغو و مذموم میباشد — و اگر فایده در آن مترتب باشد پس مستحب است انتهی — الکنون برای مسلمانان این دستور العمل کافی و وافی است که اگر زبانهای ملل غیر را بیاموزند تبع دولت و ملت اسلام با دیگرند و باین ذریعه فایده جلب نفعی از آنها یا دفع ضرر آنها در نظر ایشان باشد — زهی سعادت — اما چون منظور این نباشد و از کسب باقی کمالات نیز محروم باشد — پس افسوس بر عقب آن که عمر عزیز را بی فایده بلغویات گذرانیده و بالا بعضی اشتغال میدارد — برادران دینی و اخوان حبیبه اولاد وطن عزیز خود را باین نکته متوجه میگردانیم که (حُبّ فی الله و بُغض فی الله) را که اساس اسلامیت است از دست نداده و آنچه از امور ملل غیر را برای استفاده فواید دین و دولت لازم الحصول بدانند — اولاً تصحیح نیت را کرده و در جمیع امور (دست بکار و دل بایار) داشته باشند تا بان اراده و توجه همه دینی گردیده و کلم

خوش زبهر تو باشم سخن زبهر تو گویم
سفر زبهر تو دارم وطن زبهر تو جویم

جمیع حرکات و سکنات برای رضای او تعالی گردیده و از این رو فایده حقیقی جمیع توجهات حاصل گردد انشاء الله تعالی والله الموفق والسلام علی من اتبع الهدی تحریر یوم جمعه ۲۱ شهر محرم الحرام سنه ۱۳۳۲ هجری قدسی علی هاجرها الصلوة والسلام.

دستخط کمترین داعیان اعلیحضرت شهریاری
عبد الرب پسر مولوی عبد الرؤف خان
مدرس مدرسه شاهی

اعتذار

بسبب کثرت مضامین گنجایش درج مقالات مابعد را در این نسخه نامم [illegible] سر از نمبر ۱۲ بر نشر این کرده معذرت خواهیم بود و هست فقط.

چه مقاله بالا که دستخط ندارد از طرف سرمحرر تحریر یافته

مدیر و سرمحرر سراج الاخبار

بسعی و اهتمام الحاج عبد الغنی پسر ملا غازی مهتمم چاپه خانه دار السلطنه کابل
بقلم میرزا محمد جعفر قندهاری

بنگرانی
ایشک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی
علی احمد

قیمت سالیانه
در دار السلطنه کابل ۵ روپیه کابلی
در اطراف ولایات مملکت با اجرت ڈاک ۱۴ روپیه کابلی
خارج مملکت با اجرت ڈاک یک پوند انگریزی
قیمت یک نسخه آن در کابل یک عباسی است
تاریخ عربی ۱۵ ربیع الاول ۱۳۳۰

سراج الاخبار

۱۳۲۹

افغانیه

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

اداره خانه و مطبعه
در ماشین خانه دار السلطنه کابل

همه مسودات تحریریه به اداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

هر پانزده روز یکبار نشر میشود
تاریخ شمسی ۱۵ حوت ۱۲۹۰

درینجا اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

یک نشانه مدنیت — کیفیت شکار دره نور —
حوادث داخلیه — حوادث خارجیه —
مقدمه علم تاریخ — صنعت عکاسی — ادبیات
— یادآوری —

یک نشانه مدنیت

بعضی چیزها است که در ظاهر حال بسیار کوچک و بی اهمیت بنظر می آید ولی در حقیقت یک جهان مدنیت . یک عالم صنایع و حکمت در وی درج شده میباشد . مثلاً یک (برج ساعت) از چیزهای زینت و رونق شهرهای بزرگ دنیا را افزوده و یکی بعضی عمارات و مناره های بلند مدنیت که یک ساعت بسیار بزرگی در آن موضوع و هم رونق و شکوه شهر . آن دو بالا میشود و در محله و خانه های اطراف آن به آواز با اهتزاز پر آهنگ . یک خوش آهنگ آن از وقت و هنگام اوقات اهالی خود شان آگاه میگردد .

شهر شهیر تبریز را بواسطه (برج ساعتی) که در روبروی قصر منصور عالی (دلگشا) بنا یافته یک زینت و رونق بی بهای خوش نمای بسیار و عالی حاصل کرده است . یقینی مدنیت پروری اعلیحضرت پادشاهی جهانبانی ما را بنظاره منظره بدیعه با شکوه این شاهد برحضرت مدنیت بینی (برج ساعت) روشن و مسرور ساخته . گوشهای ما را نیز بآواز لطافت اساز موسیقی نواز آن به اهتزاز شکر و ثنا آورده است .

از اوقات صلوة و عبادات ما را خبر میدهد و به اوقات کار و عملهای ما را آگاه می سازد . خبرهای پر شوکت و شکوه آن زینت و رونق شهر را می افزاید . صدای خوش آهنگ آن دلهای ما را شاد و مسرور میکند . از صدای غلغله گریال را شنیدنی میگردانند . بی ساعتهای اهالی را که اکثریت در دست از احتیاج ساعت و امیرانند ، بجهه این فایده را کلیه (برج ساعت) حاصل می آورد . لهذا لطف خسروی مدنیت پروری پادشاه محبوب القلوب مقدس ما بوجود می آورد .

از قرار معلوماتیکه از خود شنیده (که ساعت مذکور بواسطه او خواسته و ساخته شده و گرفته ایم بلندی این (برج ساعت) از سطح زمین تا بلندی پوشش گنبد فوت و تا بجه خطبا میان ذکر قریب به ساعت هشتاد فوت . عرض در درون برج دوازده در ده از ده فوت میباشد . ساعتیکه درین برج وضع شده از ساعتهای درجه اعلا است . ساخت کمپنی (جریس) لندن میباشد . آنرا بقیمت نه هزار و پنجصد روپیه کلدار خریداری شده ، دو روی ساعت از بنای شنافی ساخته

شده است که در شب ۸ در شب آن یک چراغی روشن شده و صد و شصت دقیقه از آن [illegible] و درین [illegible] ساعت مذکور تقریبا دو فرسخ است که درین یک [illegible] بیست [illegible] مقدار آن در یک [illegible] شود با وجود [illegible] می آید [illegible] یک [illegible] خراشی ندارد بلکه چنین آهنگ یک چاپانی است بیت میرساند — اکثر اهالی محله های شهر به صدای آن تعیین اوقات شبانه روزی خود را میدانند — و در زمزمه های خوش آهنگ و [illegible] های کوچک و بزرگ اهالی به نغمه های مختلف ترانه شهنازانه و [illegible] های حجاز کارانه راستی نوازانه با آن صدای [illegible] سه نوازی [illegible] زاده و [illegible] بار [illegible] خالق یکتا لیل و نهار میگردد فقط

کیفیت شکارهای همایونی در دره نور

جناب نگران عالی علی احمد خان ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی که همرکابی همایونی در دره نور شرفیاب بودند کیفیت شکار اعلیحضرت پادشاه معظم ما را در دره نور تحریر و تصویر نموده به اداره [illegible] عاجز فرستاده اند که ما آن را عیناً درج صفحهٔ اتفاق مینمائیم :

• دره نور اسمی است با مسمی اگر به بیانات آب و هوایش بپردازیم در صفحهٔ اخبار گنجایش ندارد دره نور از توابعات کنر است و بطرف شرقی و شمالی جلال آباد واقع است که قله های کوه مذکور از باغ شاهی جلال آباد به نظر می آید بعد آن از جلال آباد و از شیگال که از موضعات دره نور بیست تخمین دوازده کروه مسافت دارد و شیگال از قصبه جات آن میباشد که بعضی اوقات چون اعلیحضرت سراج الملة والدین والا برای شکار تشریف می برند در موضع مذکور محل اقامت اردوی همایونی میباشد که ارتفاع منزل جای موصوف که عبارت از شیگال باشد از سطح سمندر ۲۰۳۴ فوت بلندی دارد — دره مذکور بجای شیگال به دو حصه قسمت شده که بعد از شیگال یک طرف آن را دره بر کوت و دیگر را جبه کوت می نامند — مردمان این دره از خود علیحده لفظ مخصوصی دارند که بر خلاف فارسی و افغانی است —

روز دوشنبه ۲۳ ماه ذی الحجة الحرام مطابق ۸ ماه دسمبر ماه انگریزی اعلیحضرت سراج الملة والدین و برخی از خدام خاص حضور از دریای جلال آباد بذریعه سواری فیل عبور فرموده بسواری اسپ عازم شکار دره نور شدند شب را در منزل شیگی که علاقه کنر [illegible] است منزل فرموده صبح آن روز شنبه ۲۸ ذی الحجه روز دره شیگال گردیدند و هشت روز برای شکار اردوی همایونی در شیگال توقف کرد — امسال نسبت بسال های ماضی کبک در دره های مذکور کمتر موجود می شد — یکصد و هشتاد و پنج قطعه کبک و بیست قطعه سیسی و دو قطعه کبوتر که جمله دو صد و هفت قطعه باشد بدرجات مذکور شکار شد — تشریف بردن اعلیحضرت والا محضا از برای شکار نیست بلکه از برای دلجوئی و مهربانی در حق خدام و رعیت کوهستانی خود میباشد — پادشاه مهربان و پدر حقیقی رعیت بنابر مراحمت شاهانه خود مبلغ سه هزار و چهار صد و پنجاه روپیه کابلی از برای اطفال و اناث و غربای محال مذکور بعنوان بخشش مرحمت فرموده اند و نیز مبلغ دو هزار و چهار صد روپیه برای اشخاصیکه در جرگه شکار حضور مبارک خدمت کرده بودند بصیغه بخشش داده شد — روز دوشنبه ۷ ماه محرم الحرام اردوی همایونی از شیگال حرکت کرده شب را در شیگی منزل نموده صبح آن بارخانه از راه بسود بجلال آباد آمدند — حضور مبارک و برخی از خدام خاص حضور بسواری اسپ از راه دشت گمبیری سرک لغمان بچه درنته تشریف آوردند و از آنجا بسواری موتر عازم جلال آباد شدند — و درین جرگه شکار مذکور سررشته این بود که یکصد نفر سپاهی اردلی منصبداران آنجا و دوازده صد نفر رعیتی آنجا بقرار هر سپاهی سر دوازده نفر غلام بچه های کابلی که بالای هر یک صد نفر مردم رعیتی بقسم صد باشی عاریتی برای انتظام آنجا مقرر شده بود بسر کرده گی عالیجاه علی احمد خان ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت حاضر بودند مگر چون مرحمت اعلیحضرت را مردم آنجا بدفعات چه اشخاص کبیر و چه اطفال و حتی زن های آنجا بر خود از حد گذشته زیاد دیده بودند و امیدوار به مراحم شاهانه بودند و [illegible] شدند اگرچه حکم حضور بر دوازده صد نفر رعیتی بود آنجا از خورد و کلان که بچه های هشت ساله و ده ساله و پیرهای شصت ساله و هفتاد ساله هم بود در میان آنها شوق و ذوق های تمام برای زیارت پادشاه خود و خوشی پادشاه خود بجوش و خروش های زیاد صد و دهل و سرناهای [illegible] رابسته و بر کوه ها در برف نصف های شب بالای شدند و تا به صبح سر های کوه ها در جای

مناسب شکار [illegible] جرگه را حاضر میکردند . [illegible] توپ [illegible] نفری [illegible] [illegible] [illegible] شده [illegible] برای شکاری آمده [illegible] [illegible] اجازه [illegible] مشغول وقت و اختیار خبر شان داده شده می بود [illegible] نزدیک [illegible] می شد و [illegible] می شد [illegible] برابر توپ آواز [illegible] شدن نفری [illegible] [illegible] میکردند که معلوم شود که [illegible] نفری [illegible] باشد و جای نشسته اند به مجرد که فیر توپ می شد [illegible] جای [illegible] ایستاده شده [illegible] آواز [illegible] برافراختن می شد و سنگ [illegible] شروع می شد [illegible] به انتظام درست [illegible] و برابر پایان می شده و تا یک ساعت و بعض وقت تا دو ساعت نزدیک جای نشست اعلیحضرت می رسید [illegible] که می بود و به طرف جای نشست اعلیحضرت [illegible] جاهای مناسب [illegible] [illegible] از هر طرف بالای شان [illegible] شده [illegible] زنده [illegible] شدند اکثر [illegible] تفنگ می شد و خود اعلیحضرت شهریاری [illegible] نفر از نفری [illegible] حضور [illegible] [illegible] می شدند و بعضی از خدام حضور [illegible] تماشای شکارگاه و فیرهای تفنگ و شکار پادشاه خود [illegible] میکردند و هر وقت [illegible] اعلیحضرت [illegible] نان چاشت شان همراه شان می بود و برای هر یکی از نفری [illegible] حضور [illegible] وقت شب نان و میوه و [illegible] و شیرینی تقسیم می شد که هر کدام [illegible] کل نفری [illegible] از نظامی و غیر نظامی نان پخته تقسیم می شد [illegible] نفری جرگه [illegible] نشست اعلیحضرت نزدیک می شد [illegible] به نفری آوازهای [illegible] خود [illegible] برآورده [illegible] برافراختن می شد و سنگ انداختن برای برآمدن کبک ها از هر طرف زیاده جاری می شد و فیرهای تفنگ از هر طرف بلند می شد جای عجیب نظاره و دلچسپ دیده بود فقط

[illegible] احمد

حوادث داخلیه

هوای کابل

امسال زمستان شهر عزیز کابل ما چنانکه [illegible] شدت فوق العاده نشان نداد بلکه بکمال اعتدال و تمام خوبی و جمال درگذرانده است . زمستان سرد [illegible] تغییرات [illegible] برف اصلاً محسوس نماید . [illegible] چنان که [illegible] که موسم زمستان [illegible] برف [illegible] به وقوع آمد . از روز شنبه ۱۴ ماه صفر تا روز شنبه ۲۸ ماه مذکور دو سه بار برف که باریده [illegible] کوهها و [illegible] تپه های اطراف شهر روهای بیضای یک پارچه برف خود را یک قبای مرتع ابلق تبدیل داده . یعنی بعضی جا ها برف و بعضی جا ها گل بنظر می آید . [illegible] تقرب نوروز قدوم خسرو فرخ فال موسم بهار [illegible] بشارت [illegible] !

ارتحال اسف اشتمال

از یک ارتحال بسیار اسف انگیزی به خبر دادن مجبوریم . در شب چهاردهم ماه صفر المظفر سنه (۱۳۳۰) جناب بی بی صاحبه محترمه مغفوره والده سرداران عظام محمد آصف خان و محمد یوسف خان مصاحبان خاص حضور اعلیحضرت [illegible] روحنا فداه در جلال آباد از دار دنیا عازم رحلت سرای عقبا شدند . مرحومه مشار الیها یکی از یادگارهای قدیمه دودمان سلطنت سنیه افغانیه و صبیه محترمه (وزیر محمد اکبر خان) پسر کلان نامدار ارشد امیر کبیر جنت مکان (امیر دوست محمد خان) است و نام نامی بزرگوار شان زیب صحایف تاریخ افغانستان و شهامت و جلالت شان مستغنی از وصف و بیان میباشد مراسم تجهیز و تدفین و فاتحه داری مرحومه مغفوره مشار الیها از مراحم و اشفاق اعلیحضرت جهانبانی به بسیار شوکت و احترام بعمل آمد . جنازه شان از جلال آباد به زیارت مبارکه (مهترلام) صاحب که در ولایت لغمانست نقل داده شده و در آنجا دفن خاک عطرناک نمودند . رحمة الله علیها

(سراج الاخبار افغانیه) افزونی عمر و جاه و اقبال اعلیحضرت شاهانه را از درگاه باری تعالی نیاز میکند و به [illegible]

اولاد و عائل مرحوم مغفوره به عرض تعزیت پرداخته اظهار حسرت و اسف مینماید .

خبر رسمی

عالیجاه دوست محمد خان ناظم حضور والا که ایشیک آقاسی امیر مغفور مرحوم برادرزادهٔ ایشیک آقاسی شیردل خان لوی نائب صاحب مرحوم — بتاریخ یوم چارشنبه ۱۲ ماه محرم الحرام از حضور مبارک اعلیحضرت سراج الملة والدین به خدمت (دار العدالت حضور) سرکرده مقرر گردید — سابق برین نامبرده بخدمت سرپرستی تعمیرات شاهی مقرر بود و حالا بعوض او عالیجاه برگد محمد علیخان ولد سردار سلطان محمد خان مرحوم سرپرست تعمیرات شاهی مقرر و سرافراز گردید — چون اعلیحضرت شهریاری اکثر اوقات برای سیر و شکار و سیاحت و ملاحظهٔ ملک خود در هر جای تشریف می برند ضرور دانستند که یک محکمه همرکابی جهة غوررسی عرض و داد رعایا همرکاب مبارک در هر جای باشد — که محکمهٔ مذکوره مرکب از یک نفر قاضی و دو نفر مفتی و یک نفر محرر و چار نفر میرزا و بیست نفر پیاده و ده نفر سوار متعلق محکمهٔ مذکور بوده برای اجرای امورات محولهٔ حاضره همرکاب باشند — خیمهٔ مخصوص برای کار مذکور و باقی انتظام کامل از حضور مبارک مرحمت گردید — هر شخصی از رعیت وغیره که عرض و دادی داشته باشند و بدیگر جای کارداران چشم پوشی کرده فیصله نکنند محکمهٔ مذکور آنها را خواسته کیفیت را بخود معلوم کرده گوش گذار مبارک میکنند و اگر عارض دروغ گفته بود و البته گوش گذار حضور مبارک کرده از شخص عارض بازخواست سخت میشود که چرا بیجا عرض کرده بود و علی هذا القیاس — و در هر جائیکه اعلیحضرت شهریاری اضافه از چار پنج روز برونند محکمهٔ دار العدالت ضرور همرکاب میباشد و اگر از چار پنج روز کمتر تشریف برند محکمهٔ مذکور در جای خود و بکار خود مشغول میباشد فقط

سراج الاخبار افغانیه

سبحان الله ! ما رعایای صادق افغانستان شکر این نعمت عظمی بی پایان خالق عظیم الشان خود را چسان ادا توانیم نمود که چنان پادشاه مرحمت و عدالت بنیادی بالطف و احسان فرموده که در سفر و حضر، لهذا از غمخواری و عدالت پروری و شفقت گستری رعایای صادق شادشان فارغ البال بنشینند . این مرحمت همایونی در باب تشکیل هیئت (دار العدالت حضور) برای رسیدن معروضات مظلومان و غدر کرده شدگان رعایا بسمع مبارک همایونی از چنان لطفها و عدالت پروریهای پادشاه معظم محبوب القلوب ما است که ایفای شکران آن از واجبات ذمهٔ ملت شمرده میشود . جناب دوست محمد خان بحقانیت ، و دیانت ، و صداقت معروف یک ذات است ، از درگاه باری توفیقات جنابشان را در خدمت جدیدهٔ مقدسهٔ خود و در کارهای محولهٔ شان نیاز میکنیم .

حوادث خارجیه

اجمال احوال سیاسیات عالم

چون در صفحه های اوراق حوادث عالم نظر میکنیم دنیا را در یک هیجان و هیجان پرفتنه و آشوبی می یابیم که از هر طرف سیلابهای وحشت انگیزی دریاهای پرموج سیاسی بجوش و جریان آمده و مانند بخار و غازهای هوا و آب و مذاب شدهٔ مرکز زمین هر طرف دنیا را لرزه و زلزله در آورده است . و بزرگترین منطقهٔ که این زلزلهٔ پرغلغله در ان اجرای خرابی میکند همانا ممالک اسلامیهٔ دولت علیهٔ عثمانی و ایرانست . و چون یک قدری دورتر نظر بیندازیم ممالک وسیعهٔ چین را نیز در یک گرداب نایاب هرج و مرج می یابیم . و چون باز بسوی مغرب اقصی یک عطف نظر کنیم آنجا را نیز از تاثیرات زلازل خالی نمی یابیم .

دولت عثمانی در جاذبهٔ دو کشمکش پیچ و تاب وحشت انگیزی در افتاده یکی غوایل خارجی و دیگری اختلافات فرقه های مختلفهٔ داخلهٔ آنهاست . الحق که این شق دوم خیلی وحشتناک تر از اول میباشد . و موجب اندیشهٔ همه اتحاد خواهان اسلام میشود . در وقت حاضر فرقه های معلوم داریم که در وقت مناقشه با همدیگر گلو بگلو و گریبان بگریبان در افتاده اند یکی (فرقهٔ اتحاد و ترقی) و دیگری (فرقهٔ حریت و ائتلاف) میباشند وغیر ازین یک فرقهٔ دیگر نیز هست که آنها (فرقهٔ مستقل) اند منشأ این اختلاف فرقه ها برای قوام گرفتن حکومت مشروطهٔ عثمانیه دور خوردن ادارهٔ دولت بر یک محور لایق یک مانع

و شکل عظیمی مشتد و میشود .

عوامل خارجیه که از ابتدای اعلان مشروطیت یکی پی دیگر بر دولت عثمانیها وارد آمده و از جهان غافلها طاقت برانداز است ، نیست که هر جا و در توانا به آن تاب آورد مقاومت بشود . مسئلهٔ ارتجاع ، الحاق بوسنیا و هرسک ، اعلان استقلالیت بلغاریا ، مسئلهٔ پرحجاب کرید ، عصیان ارناود ، شورش یمن وغیره کم نبود که یکی از دولتهای معظمهٔ اروپا که من حیث الاتفاق مثلث گردیده سه دولت شمرده میشوند دفعةً بناحق و ناروا طرابلس را تاخت آورده یک قطعهٔ ملک شانرا یعنی یک پارهٔ گوشت بدن شانرا در ربود .

بعد از عثمانی ایرانرا دریک شورش و اختلال عظیمی می یابیم که دیپلوماسیت های سیاسی روس و انگلیس آن مملکت را بیک تب لرزه و حالت نزعی در آورده است . اگر ملت عثمانیه دعوی مشروطیت را کردند اجرا شدن (قانون اساسی) را از سالهای بسیار پیش مرعی الاجرا داشتند و بنا بر بعضی عوارض سکته دار شده بود و طلب نمودند . ولی ملت ایران پیش از انکه یک قانون اساسی داشته باشند ، و بدرجهٔ ملت عثمانی کتبها و عالمها و دانایان خود را بیفزایند ، و خود را تا یکدرجه مشروطیت شناس بسازند با انتریکها و نیرنگ های میکروبهای سیاسی جز مغز شناسی فریب خورده قیامها نمودند و غلغله ها انداختند ، و همان بود که تأثیر آن میکروبها در وجود نازنین آن دولت قدیمهٔ کیانیه مرض های مختلفه بوجود آورده قریب الوفاتش گردانید .

احوال مغرب اقصی که یک هیئت اسلامیهٔ مستقل و آزادی بودند بچنان یک سحر انگیزی مسمریزمی جرمنی و فرانسیسی حل و فصل گردید که خود آن پانزده ملیون نفوس ندانستند که چه بود و چه شد ؟ و تا بدانند که حیثیت خودشانرا مانند یک مگسی خواهند یافت که تارهای تنیده شدهٔ عنکبوتهای حریت شکار سراپای شانرا پیچیده باشد . سبحان الله ! از حریت دم میزنند و دم بدم در پی اسارت عالم میکوشند ! ....

وقایع چین را نیز چون در زیر ملاحظهٔ دوربینی بیاریم آن لاف بسیار بزرگ را نیز برای بعضی منفعت بیگانگه اگرچه بقدر یک ششش هم باشد در آتش های شعله افروز بعضی استفاده طلبان می یابیم مثلاً : خیال بلعیدن روس ممالک (موغولیا) را ! ....

این است شمهٔ از اجمال احوال سیاسی عالم که خلاصةً بر نظر مطالعین کرام خود عرض کردیم فقط

از اخبارهای ترک

رفیق محترم ما اخبار فوائد نثار (طنین) که در پایتخت دولت علیهٔ عثمانیه طبع و نشر میشود از اخبار ما بیک لسان مهربانی بحث رانده گفته است :

« قسم اعظم مقالاتی که در (سراج الاخبار) رفیق خودمان خوانده ایم بجا و بجایداست . این غزته اکثر مخصوصاً قسم حوادث خارجیهٔ خود را کاملاً بجانب طرابلس غرب و احوال سلطنت عثمانیه حصر کرده بود که بسیار شایان دقت و ممنونیت است »

بعد ازین به خود ملت نجیبهٔ عثمانیه روی سخن را گردانیده مینویسد :

« در چنین وقتیکه مطبوعات اسلامیه از مباحث و بیانات میرانند ، و بهمه شرق ، و بهمه عالم اسلام یکجا امید شانرا بنجات و سعادت ، یعنی بخلافت عثمانیه معطوف نموده اگر با این منازعات سفیهانه وطن خود را بدست خود بکنیم تنها اولاد و احفاد خود را نی بلکه بهر نسل نهانیکه این عالم اسلام پر کرده است بر ما لعنت خوان خواهند شد ! »

ما میگوئیم که : از لعنت خوانی حاشا ! ولی این یک محقق است که بهمه عالم اسلام علی الخصوص افغانستان سعادت و نجات و نفوذ و فلاح مقام سلطنت سنیهٔ عثمانیه و برقرار بودن سلطان المعظم را آرزو دارند و به این سخن همگی راضی نیستند که وطن خود را در تهلکه بیندازند ، و از اختلافات ما بین خودشان باز نیایند .

صورت ارادهٔ سنیهٔ اعلیحضرت سلطان المعظم

در باب فسخ مجلس مبعوثان

(بموجب فقرهٔ هفتم قانون اساسی و موافقت رأی مجلس اعیان فسخ هیأت مبعوثان را ، و صدر ازین تاریخ فسخ در ظرف سه ماه بالا انتخاب اجتماع هیأت جدیدهٔ مبعوثان را اراده و فرمان کردم .)

(به اجرا کردن و بجا آوردن این ارادهٔ ما صدر اعظم مأمور است .)

امضا
محمد رشاد

این است که بموجب این ارادهٔ سنیه مجلس مبعوثان حاضره فسخ و برطرف شده ، با انتخابات جدیده دیگر آغاز میشود .

مخابر مخصوص ما از مصر جدیده

عیناً ورقه

حضرت الافضل ! السلام علیکم و رحمة الله و برکاته .

دیشب در منزل یکی از احباب با یک افسر مصری که از میدان کارزار طرابلس تازه آمده است و دایما در جنگ موجود بوده است ملاقات دست داد ، چون چیزهای تازه شنیده می شد که در فلان محاربه از ایطالیا بیانها هشت صد نفر تلفات بوقوع آمده و از اسلام ده و از ده و در فلان محاربه از ایطالیا بیانها پنجصد نفر کشته شده و از اسلام نه نفر این مسئله همیشه مرا بتشویش و مراق انداخته بود . لهذا حقیقت این مسئله را از افسر مذکور سوال نمودم . موی الیه قسم جلاله و طلاق یاد کرد که من بچشم خود دیده ام که در بعضی محاربه ها از ما به عدد های هشت و نه و از دشمن به صدها تلفات بوقوع آمده است .

و این را هم گفت که اکثر طوپچیها را که گرفتیم لوچی پایش را بطوپها بسته یافتیم . و اکثر مجروحین و کشته گان شان زخم گلوله را از پشت برداشته اند ، و آنانیکه زخم از پیش رو برداشته از گلولهای اسلام نی بلکه از گلولهای خود شانست که در اثنای گریز تفنگهای خود شانرا در زیر بغل گرفته و دهن تفنگ را در عقب گردانیده و هم میگریزند و هم فیر میکنند که اکثر گلولهای شان بر سینهٔ رفقای خود شان اصابت میکند . و امروز یک سخن عجیب شنیده ام که میگویند چون عربها طیاره ها یعنی کشتیهای هوائی ایطالیا را در اول بار دیدند بسیار بخوف افتاده گفتند که این علامت رسیدن مهدی است . انوربیک ازین دل اندازی عربها به اندیشه افتاده در باب فهمانیدن عربها را بر احوال طیاره بسیار کوشش نمود ، تا آنکه از چند عدد طیاره هائیکه از فرانس خواسته بود یکی از آنها به اردوگاه اسلام رسیده و انوربیک عربها را در طیاره نشانده و بر هوا بلند کرد و به اینصورت خوف و رعب آن ها را ازاله نمود فقط

امضا

(از مصر) ۱۰ صفر سنه ۱۳۳۰ الحاج غلام نقشبند الافغانی الکابلی

از اخبار همعصر ما پاینیر نقل میشود

برتری ترک و عرب

بیانات واقعات چشم دید یکنفر انگلیس در محاربهٔ طرابلس

پاینیر مورخه ۲۸ جنوری مستر (مولک که برفاقت افواج عثمانیه در طرابلس بر خلاف مردم ایطالیائی جنگ کرده بود و مصاف ایطالیه را با تفصیل نگاشته در لندن فرستاده بود در شهر مذکور رسیده است چنانچه واقعات جنگ را در سطور ذیل می نگارد — من بتاریخ ۱۲ ماه دسمبر از لشکرگاه نشئت پاشا برای زواره روانه شدم لاکن چون در مدین رسیدم بسبب ضعف طبیعت و ازدیاد علالت پیش رفته نتوانستم و مجبوراً در مدین توقف کردم در کوهستان طرابلس من سرکردهٔ یکدسته فوج عثمانی بودم و تقریبا هر روز بر فوج ایطالیه حمله میکردیم ولیکن از ما بر پشت اسپ سوار نمی شد ، زیراکه سواری شد و به نظر خصم می افتاد و نشانهٔ تفنگ می شد سواری اسپ گویا طلب مرگ بود پس ما (ترک و عرب) پیاده حمله میکردیم و من ترک و عرب را خیلی شجاع دیدم تا از این عرصهٔ جنگ یافته ام — من تعداد و قوهٔ عثمانیه را سنجیده میتوانم البته درین کلام نیست که از ابتدای محاربه تعداد عرب و ترک یومیه اضافه میشود و هر عرب که در صحرای طرابلس موجود میباشد برای مقاتله مستعد است بسا اوقات شیوخ قبایل مختلف ده هزار نفر با علاوهٔ آن مسلح به آلات جنگ در عرصهٔ کارزار می آرند و مردم سنوسی نیز در تعداد برادران اسلامی شان اضافه میکنند — من اکثر خبرهای جنگ را که بذرایع نامه نگاران ایطالیه نشر می یابند در اخبارات خوانده ام و بنابران گفته میتوانم که اندازهٔ تلفات خفیف ایطالیه اصلاً ناقابل اعتبار و دروغ بیفروغ میباشد — مردم ایطالوی نقصانات افواج شانرا خیلی خفیف می نمایند و حال آنکه خبرهای آن جنگها که من در آن شریک بوده ام سراسر اصل و اساس ندارند زیراکه ما خود اجساد مردهٔ شانرا شمار کرده ایم — ترک و عرب هیچ احتیاج اسلحه و تفنگ ندارند تا پنج سال دیگر جنگ کرده میتوانند لی غلط کردم تا به عرصهٔ دوازده جنگ مقاوم نداشته باشد مصروف پیکار شده میتوانند — چونکه در کوهستان آن حدود برای ترک و عرب گوشت و مرغ و برنج و نان و ترکاریات و قهوه قند که تا هر چیز که برای حاجات بشری لابد است مهیا میکنند تا زمانیکه حال آن چیزی که برای فوج ایطالیه فایده مند ثابت شده است جهازات هوائی است جهازات مذکور هر روز بر سر ما پرواز میکردند و بر آنها فیر کرده نمیتوانستیم یکدفعه یک جهاز هوائی بر ما گولهٔ بم انداخت و بعضی از زخمیان عرب که در شفاخانه بودند شهید شدند لاکن من هیچ ضرر نرسید در شفاخانهٔ عثمانیه در میدان جنگ البته بسبب قلت ادویه خیلی تکلیف محسوس میشود و همین یک قلتی است که من در عسکر اسلامی مشاهده کرده ام — در شفاخانهٔ مذکور

کمیته و اکثر حاذق که ترک است عملی گرم جوشی بهر عرض و جنگ بسیار زحمت لاحق شده است بعد از آن مستر ونگ یک مشت گوله بارا ایلیان نموده گفت که این است تحفه محبت و نشانی داکتر ترک که او از بدن های زخمیان شفاخانه کشیده است فقط

از اخبار های اردو

رفیق ما اخبار (نیّر اعظم) چنین می نویسد :

چونکه اعلیحضرت امیر صاحب کابل بجهت امداد یتیمان شهدای طرابلس به رعایای خود خطاب فرموده بودند که : (در اینچنین وقت که زنهای ایطالیه بجوش حب وطن و همدردی قومی برای تیمارداری و خدمتگذاری مجروحین در میدان کار زار میروند پس جای افسوس است که ما از امداد مالی هم اجتناب نمائیم) خلاصه مذکوره فوق در رعایای حضور ممدوح چنان اثر انداخت که بنهایت فراخدلی و عالی حوصلگی اعانت مالی نمودند — در رعایای هنود باین خیال که دوست پادشاه دوست ایشان و دشمن پادشاه دشمن ایشان است ، و هر کسیکه پادشاه اعانت می نماید اعانتش بر ما فرض است نیز امداد مالی نمودند — اما دشمنان ملک و بانی عداوت و نفاق که نفاق مسلمانان و هنود را بهبود ملک می پندارند از این حرف چگونه مسرور می گشتند — چنانچه بعض اخبارات آریه مخالفت آن می نمایند و آن هنود که به رغبت خود معاونت مالی نموده اند از آنها به جبر و تعدی تعبیر میکنند — حالانکه بیخبران میدانند که رعایا بجهت احکام و فرمان بردار پادشاه خود میباشند و خوشنودی پادشاه را مدام مد نظر داشته میباشند — چون امداد مجروحین طرابلس به نزد پادشاه ضروری و لازمی است و لهذا بر این عمل کنند بنظر رحمت اکثر پادشاه محبوب میگردند — لاکن مقصد و منزلت این سخن را فرقه آریه که فرض عین شان بر عکس خیر پادشاه میباشد کی میدانند —

اخبارات هنود بر تشریف آوری اعلیحضرت امیر صاحب در هندوستان تعریف بیحد نموده بودند که اعلیحضرت ممدوح نهایت کریم النفس و رحیم المزاج پادشاه میباشند و لحاظ رعایای خود همیشه مد نظر دارند — تعریف مذکور را اخبارات هنود در آن وقت شایع نموده بودند که اعلیحضرت ممدوح در دهلی در ایام عید قربان بپاس خاطر رعایای هنود ترک ذبح گاو را برای مسلمانان منع فرموده بودند — لاکن اکنون حضور ممدوح جابر و ظالم قرار داده شده اند محض برای اینکه ایشان از رعایای هنود ملک خود بجهت بازماندگان شهدای طرابلس اعانت مالی طلب نموده اند و یا حکم فرموده اند که رعایای هنود هم درین معاونت شریک باشند — اگر در حقیقت حسب الحکم مذکور اعلیحضرت امیر صاحب صحیح باشد باید دانست که سرکار والا رعایای هنود خود را بسیار قابل اعتبار می شمارند چرا که فرمایش صرف بر آن شخص کرده میشود که از او امید بجا آوری حکم باشد و اگر بر این چنین موقع که اعلیحضرت امیر صاحب رعایای مسلمان خود را امر اعانت فرموده بودند در حق رعایای هنود خود چیزی نمی فرمودند در آن حالت چنین تصور کرده میشد که اعلیحضرت ممدوح رعایای هنود خود را معتقد نمی پندارند بلکه چنان خیال میکنند که رعایای هنود فرمایش حضور عالی را بجا نخواهد آورد — لاکن علاج این حرف ناممکن است که در دماغ دوستان ما خوش بوی عبیر و عود هم بتعفن مبدل میگردد و گل بنظر شان خار می نماید — که اینها اهالی کابل با خبر از آنها باید استند که در مسلمانان و هنود افغانستان مطلق نفاق و عداوت راه نیافته و زنهای هنود در افغانستان مانند زنهای مسلمانان باپرده و صاحب عصمت میباشند — مسلمانان و هنود با اتفاق و اتحاد با همدیگر زندگانی بسر میبرند — در کابل شکایت هندو از مسلمانان و شکایت مسلمانان از هندو شنیده نمیشود و اگر چنین می بود اخبارات هندوستان با چنان مضامین طویل و شور و غوغا بر پا میکردند که از حد بیان بیرون است لاکن شکر خداوند است که سرزمین کابل از این نفاق پاک است — چونکه روز آدینه در مذهب مسلمانان روز مبارک است و در آن یوم عموماً تمام بازار بسته میباشد و تاجران هنود که اکثریه اهالیت ظرافتی دارند در روز جمعه تقلید مسلمانان میکنند و بروز جمعه در باغات رفته ساعت تیری و اکل و شرب می نمایند و درین ساعت تیری مسلمانان و هنود با هم متفق میباشند پس اگر درینصورت اهل هنود امداد مسلمانان و مسلمانان امداد هنود نمایند در آن حالت به دوستان ما افسوس کردن جائز است .

(سراج الاخبار افغانیه)

از این سخن رفیق خود وجه اینکه در امداد فداکاری دولت متبرکه مقدسه عثمانیه بیان کرده از اظهار تشکر خودداری کرده نتوانستیم . اگرچه این لفظ (آریه) را ما نمی شنویم

و هنوز بحقیقت که و کیف مسلک و مقصد آنجا آگاهی نداریم ولی با وجود این همه الفاظ که لکا گشته خانه (جابر و ظالم) را مخصوص شان ورد کرده میگوییم که اوّل این سخن شان غلط محض است که پیشه ذات اعلیحضرت پادشاه معظم اگر با مسلمی و جبری که از رعایای هنود خود را اعانه بازماندگان طرابلس غرب را طلب فرموده آن نطق اعلیحضرت بهمان حرف بحرف در نمبر (۵۶) سراج الاخبار افغانیه مندرج است اگر خوانده باشند بخوانند. و در آن نطق همایونی یک لفظی که جبر و حکم را ایما کند قطعا موجود نیست. رفیق ما نیز ما علم در باب عدم شکایت. و حسن آمیزش رعایای مسلم و هنود افغانستان بیانات واضح صحیحی درج نموده که ما هم بعضی چیزهای مشهود ذات و واقعهٔ خود را بر آن علاوه میکنیم: از مردم هنود در دولت افغانستان مردمانی هستند که بمنصب ها و ماموریت های معتبر دولتی مشتغل اند و موظف میباشند. و در دربارهای عام حضور جهانگیر بلباس های بوده رسمی که بجز علامهٔ فارقهٔ عمامهٔ زرد دیگر چیزی از دیگر منصب داران فرق نمیشوند بمقامات مقرره خود می نشینند در صنف خدمتگاران دربار مثلا از مردم هنود جا دارند مخصوص. آبدار مخصوص. حتی خانه سامان و آشپز مخصوص برای معتبرین اهل هنود موجود است. بعضاً امور صرافیه مملکت که یک جزء مهم تجارت ملک شمرده میشود بدست مردم هنود است از نقطهٔ نظر حقوق مساوات تامه در مابین رعایای مسلم و هنود دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما موجود است و در نظر شریعت و سیاست در مابین دعاوی حقوقیه هیچ فرق در مابین هندو و مسلم نیست. ذات اعلیحضرت پادشاه سیاسی شناس دانای خردمند ما تنها عدم امتزاج و عدم وجود و اختلاف رعایای صادقهٔ مسلم و هنود دولت خداداد خود شان را نی بلکه اختلافات مسلمین و هنود هند را نیز بنظر استحسان نمی بینند. چنانچه مسئلهٔ (قربانی گاو) در اثنای سیاحت هندوستان شاهانه شان دلیل واضح این مدعاست. فقط

رفیق ما ملت مینویسد

مردم مسلمان پیروی کلام حق تعالی را گذاشته در معرض خطر خود را انداخته اند — اگر آنها آن رسن پاک از دست نمیدادند و در مابین آنها نزاع و تفرقه نمی افتاد — نبی کریم صلی الله علیه و آله وسلم بجهت مضبوط ساختن شیرازهٔ قوم و جلو تفرقه گرفتن آن تعلیم یک اصل نموده بود و آن تعلیم اصل وحدت بودن یک امیر است — مسئلهٔ امیر قوم چنان عجیب است و تعلیم آن در اسلام چنان وسیع نموده شده است که بوقت سفر هم اگر زیاده از دو رفیق باشند در آن هم تقرر یک امیر ضروری بوده — و در هر خانه و قبیله امیر قومی بوده و نمونهٔ زندهٔ آن بصورت امام نماز گذاشته شده است تا که مسلمانان را در روز پنج مرتبه موقعهٔ غور کردن بر این اصل اسلامی بدست آید و آنرا محکم گرفته باشند.

رفیق ما اخبار حبل المتین مینویسد

وقایع نگار مخصوص نیویارک هرالد امریکا آنچه را در قضایای روس بچشم خود دیده و به اخبار مذکور اطلاع داده از این قرار است — روسیان بدون گناه زنان و بچگان بیطرف تبریز را مانند گوسفند بقتل رسانیده و عدهٔ مقتولین متجاوز از پانصد نفر است و هرچه الحاح میشود برای ترک این قضایای وحشیانه روسیان بسمع قبول اصغا نمی نمایند بسیاری از افسران حکومتی و بیست افسر پولیس محلی را بقتل رسانیدند عمارات حکومتی را ابیار نموده بسیاری از خانهای شخصی را با خاک یکسان کردند — ایرانیها بانتهای صبر این حرکات روس را برداشت نموده و بنظر تعجب و حیرت می نگرند چه وقتی با این حرکات وحشیانه اقدام نمودند که دولت ایران تمام مطالبات وی را قبول و حاضر شده بود برای همه گونه سلوک دوستانه با روس — روسیان در محلهٔ ارامنهٔ تبریز چهار نفر مسلمان بی سلاح که بحال خود در بازار میگذشتند بدون سبب و جهت بقتل رسانیدند وقایع نگار مذکور مینویسد که حرکات قصابانهٔ روس در تبریز قسمی بود که قصابی های ایطالی را در طرابلس غرب از یاد برده محو نمود.

◆

مقدمهٔ

علم تاریخ

در نسخهٔ سابقهٔ خورشید از (تاریخ علم تاریخ) بحث و بیان نموده بودیم. حالا در اینجا یکقدری از اهمیت و فایدهٔ این علم مفتخر بها و سرچشمه های آن که از کدام جاها معلومات بگیریم و اقسام تاریخ و مدوّنان این علم و دیگر تعریفات آن بر مطالعه کنندگان گرام بعرض معلومات می پردازیم.

ولی این امر عرض کنیم که معلومات تاریخیه که ما بیان خواهیم بر اصول و قواعد تاریخ نویسی این اعصار اخیره تحریر یافته که از جهت تعریف و تقسیمها بکتابهای سابقه ترکی و فارسی ما یک درجه فرق و مباینت دارد و تا علم علیحده و نو است. و از نزد اگر تاریخ نیز یک لباس نوی بنظر قارئین کرام جلوه گر گردد چیز عجیبی نخواهد بود!

اهمیت و فایده های تاریخ — علم تاریخ را اگر گویم که جامع همه علوم و فنون دنیاست بجا دارد. زیرا واضح ترین بیانی که در باب علم تاریخ گفته شود همین است که: «علم تاریخ یک علمیست که از احوال گذشته دنیا و نوع بنی بشر بحث و بیان مینماید.» بلی! تعریف حقیقی علم تاریخ همین است. اما سببی که در میان احوال گذشته همه کار و سیاسیها و مدنیه [illegible] علوم و فنون و صنایع و اختراعات [illegible] از آنرو اگر علم تاریخ [illegible] علوم و فنون [illegible] از علم تاریخ هر صنف و هر قوم مردم استفاده کرده میتوانند. زیرا تاریخ، همه احوال گذشته افراد و جمعیتهای بنی بشر را تدقیق و تحقیق کرده، ایشان را بر پیروی کارهای فضیلت و نیکوئی گذشتگان ترغیب میدهد، و از کارهای لاابالی و بدی آنها ایشان را درسهای عبرت تأمل داده، مجتنب و بیزار میسازد. علی الخصوص مطالعه تاریخ برای مردمانی که بر اداره ممالک و ملل مکلف اند بیشتر فایده می بخشد. زیرا وقایع و احوالی که موجب عزت و اقبال یک قوم و یا یک ملتی گردیده با وقایع و اسبابی که موجب فلاکت و انقراض دیگر قوم و یا دیگر ملتی شده با یکدیگر مقابله و مقایسه نموده بعض احکام و اداره های نافع از آن بر روی کار می آورد. پس بهمین سبب اگر علم تاریخ را مجموعه مدنیت و یا (مخبر احوال عالم) بگوئیم مناسبتر و موافق تر می آید.

سرچشمه های تاریخ — سرچشمه اینکه تاریخ از آن معلومات گرفته میتواند همانا (اثرها) ی بنی بشر است که این اثرها سه نوعست:

اول — اثرهای ضبط و ثبت کرده شده.
دوم — اثرهای نقل و روایت کرده شده.
سوم — (آثار عتیقه) یعنی اثرهای کهنه و قدیمه.

اثرهای ضبط و ثبت کرده شده همان اثرهاییست که از طرف گذشتگان قدیم وقوعات و احوالات عصر خودشان را بر کاغذ یا پوست حیوانات یا سنگها نوشته باشند و دست بدست تا باینوقت آمده باشد.

اثرهای نقل و روایت کرده شده همان اثرهاییست که از پدرها به اولادها و از اولادها به نبیرهها نقل و روایت کرده آمده باشد. مانند حکایتها، و ضرب مثلها، و اشعارها وغیره. اگرچه اینگونه اثرها پر مبالغه میباشد ولی باز هم تاریخ از آن استفاده کرده میتواند.

آثار عتیقه یعنی اثرهای کهنه و قدیمه همان اثرهاییست که از دست بنی بشر ساخته شده باشد و از زیر خاکهای خرابه زارها برآیند، و یا بر روی زمین باشند. مانند قلعهها، و ابنیهها، و هیکلها، و مجسمهها، و عمودهای سنگی نوشته شده، و سکهها، و ظرفها، و آلات، و ادوات دیگر که این آثار عتیقه صحیح ترین سرچشمه های وقوعات تاریخیه شمرده میشود. و بعنوان (آرخیولوژی) یعنی علم آثار عتیقه علم جداگانه مخصوصی میباشد.

مددکاران تاریخ — بعضی علوم و فنونیست که تاریخ بسیار مددها میرسانند که از آنجمله یکی فن (آرخیولوژی) یعنی فن آثار عتیقه میباشد که مذکور گردید. دوم فن (جغرافیا) ست که جای و موقع ظهور واقعات تاریخیه را میشناساند. سوم تقویمها و [illegible] ست که آن هم زمان وقعات تاریخیه را خبر میدهد. چهارم (فن السنه) یعنی زبانهاست که در قرابت و مناسبت اقوام مختلفه را بیکدیگرشان میشناساند. مثلاً از نزدیکی زبان، و دیگر بعضی احوال جنس (قافقاس) بر دو خاندان بزرگ تقسیم میشود که یکی از آنها (آریها) و دیگرش (سامیها) میباشند. مصریها، کلدانیها، عبرانیها، عربها، فنیکیها از خاندان سامیها میباشند که تاریخ قدیم اینها را بنسل (سام) بن (نوح) علیه السلام نسبت میدهند. و هندیها، ایرانیها، افغانها، یونانیها، رومیها، ترکها، اوروپائیها از خاندان (آریها) میباشند که بنسل (یافث) بن نوح علیه السلام نسبت دارند. که ذاتاً تاریخ نیز از همین دو خاندان و از همین دو دودمان بحث و بیان میراند. زیرا از همین دو نسل آثارها باقیمانده که اساس تاریخ نیز آثار است.

رأس تاریخ — یعنی (سر تاریخ) هر قوم و هر ملت یکی از واقعه های عظیمه و مهمه را (سر تاریخ) گرفته اند. مثلاً ملت مبینه اسلام (هجرت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم) را از مکه مکرمه بمدینه منوره سر تاریخ شمرده میگویند که (قبل از هجرت = (۶۲۲) سال ولادت حضرت عیسی علیه السلام بوقوع آمده است.) یا میگویند که (بعد از هجرت نبوی = (۱۳۳۱)

سال فتح قسطنطنیه بوقوع آمده است. و نصارا (تاریخ میلادی) یعنی ولادت عیسی علیه السلام را مبدأ تاریخ گرفته اند. و واقعه اینکه (مبدأ تاریخ) گرفته شده اند بسیار است غیر از هجرت و میلاد که مذکور شد (خلقت عالم) (تأسیس دولت روما) (از آدم تا) (اولمپیاد) غیر از آنچه بیان شد. در باب خلقت عالم اختلاف بسیار است. یک ملتی میگوید که از هجرت شش هزار سال پیشتر بود. یک ملتی چهار هزار و یک ملتی یک ملیون سال پیشتری از آن بیان کرده اند که راست بودن کدام یک از اینها را ثابت کردن محال شمرده میشود. لهذا (خلقت عالم) را مبدأ تاریخ گرفتن صحیح دیده نمیشود.

اقسام تاریخ — تاریخ بر دو قسم است: یکی (تاریخ عمومی) دیگری (تاریخ خصوصی). تاریخ عمومی اصل تاریخیست که از ابتدای خلقت عالم گرفته از تمام کره زمین و عموم جنس بشر بحث و بیان میراند. و تاریخ خصوصی یک قسمی از اقسام آنست که تنها از احوال یک قطعه، یا یک مملکت، یا یک دولت بحث و بیان میراند.

حالا چون از جمله اصطلاحات علم تاریخ بر قارئین کرام عرض نمودیم منتظر میشویم که آیا میل خاطر قارئین کرام ما بر کدام یک قسمی از اقسام تاریخ است؟ آیا میخواهند که (تاریخ عمومی) را بنویسیم یا (تاریخ خصوصی)؟ اگر در ظرف پانزده روز یک جوابی از طرف مطالعه کنندگان کرام شرفیاب شویم با عرض تشکرات و منت داری بعون الله تعالی از جهان شروع آغاز خواهیم کرد فقط.

صنعت عکاسی

آیا فن عکاسی به چه منتها میکند و چه فایده ها دارد؟

عکاسی تنها برای ساخت تیزی و جوش کاران آن خدمت نمیکند، بلکه برای علوم و فنون مختلفه کمک میرساند. عکاسی اساساً مدت عمری است از یک قرن جزء ها بود و یعنی مثل یک فن یا یک علم مخصوص شمرده نمیشد لیکن امروز دوره ما به ترقی علوم کیمیا در فن عکاسی یک تحول عظیم و یک تبدل جسمی پیدا شده است. (مثلاً) یعنی شیشه های عکاسی در درجه تیزی بسیار ترقی کرده و سرعت و چالاکی دوربین های عکاسی نیز روز بروز در ترقیست که امروز فن عکاسی در یک وقت قابل استفاده و مدد در بسی علوم و فنون گردیده است و به این سبب فن عکاسی به درجه حیثیت حقیقی در باب فن ها گردیده و مددگار فنهای مختلف شده است. این چنین مشهور است: صنعت عکاسی تمام عالم را بدست آورده است. بسا جاهایست که داخل شدن به آنجا برای هر کس میسر و نصیب نمیشود لیکن عکاسی به آنجا ها بواسطه سیاحین داخل شده است. عکاسی لازم غیر مفارق مطبوعات است. چنانچه مطبوعات یک فکر را نشر میکند عکاسی هم اشیاء و اسبابی را که به صنایع مدنیه بشریه لازم باشد عکس آنها را تزیید و تکثیر کرده نشر میسازد و بعضی مطبوعات لطیفه و مجموعه را زینت کار میکند.

عکاسی به فن حکمت هم بسیار خدمت ها کرده است. بسی چیزهای و علاماتی را که چشم بشر آنها را دیده نمیتواند آنها را ضبط کرده و نشان داده است.

(میکرو فوتوغرافی) (یعنی چیزهای خورده بینی که بچشم دیده نمیشود عکس آنها را گرفتن): این فن داخل شده برای تحلیل و مطالعه معدنیات یعنی (کان شناسی) منافع عظیمه حاصل کرده.

(سینماتوغراف) (یعنی [illegible] نیز از سایه جست فن عکاسی بمیدان بر آمده که حرکات و اوضاع مختلفه بشر را به عکس جمع کرده عکس را به آن زنده ساخته است. امروز بواسطه این شعبه عکاسی جنگها را مثل که خود بمیدان جنگ باشیم تماشا میکنیم و بسی چیزهای دیگر را هم نیز تماشا میکنیم.

فن عکاسی در علم هیئت و نجوم نیز یک عضو مهمی شده. چونکه بواسطه عکاسی خریطه آسمان را گرفته اند و کشفیات جدیده کامیابی حاصل شده است.

فن داکتری و فن میکروب هم ازین فن استفاده ها و کمک ها حاصل کرده است. خصوصاً فن جراحی از (رادیوغرافی) که یک قسمی از عکاسیست، حقیقةً استفاده عظیمه پیدا کرده. حال آنکه یک زخمی را که جای گلوله در وجودش معلوم نباشد بواسطه (رادیوغرافی) معلوم میکنند و از آن جای گلوله را اخراج میکنند. پیش ازین بسیار مشکل بود. بسیار جاها را پاره میکردند تا که گلوله پیدا شود.

والحاصل جغرافیا، تاریخ، علم آثار عتیقه هم از

عکاسی جنس ستاره ها را پیدا میکند .

عکاسی برای عسکریه هم خدمتها میکند . از دور دشمن ها تو و یا ماشین پرنده بالای قلعه های آنها عکس آنرا میگیرند بعد از آن آنها را اطلاع یعنی کلان میکنند و یا توپخانه خریطه و یا نقشه قلعه را بسیار سهل بدست آورده میتوانند

فن عکاسی به پولیس (یعنی کوتوال) هم خدمتهای مفید میکند . در همه ملکها این قاعده و اصول است که چون یک اوباش بگیر کوتوال بیاید عکس او را میگیرند و هر قدر شریر و اوباشی که در ملک باشد عکس آنها و حالات آنها به دفتر کوتوال مقید میباشد . بلکه عکسهای اینطور اشخاص مضر به هر حکومت روان میشود . تا که برای آنها هم معلوم شود . این عکسها به بندرها و دایره کوتوال موجود میباشد هرگاه یک شریر و یا آدم مشتبه ناک بیک جائی بیاید کوتوال احوال ماضیه و شرارت او را خبر داشته و شکل آنرا دیده گیر میکند .

هر وقتیکه یک وقوعات و یا خیانت بوقوع آمده باشد و قاتل گیر نشود .

حکومت عکس اوباش ها را اشتهار کرده به جاها آویزان میکند اگر کسی قاتل را دیده باشد خبر میدهد که قاتل این بود . چون کوتوال نام و جای آنها را خبر دارد گیر میکند .

این است که عکاسی بعلوم و فنون بشریت اینقدر فایده های بیشمار حاصل میکند .

م . نظیف

ادبیات

غزل

حب وطن

کسیکه در دل وی هست حب خاک وطن
محقق است که او هست مثل پاک وطن

دلی که گشت بحب وطن پر و مملو
نگشت خالی ز اسرار تابناک وطن

رسول گفت که حب وطن ز ایمان است
اگر تو مؤمنی در دل بگیر پاک وطن

بحفظ و خدمت او خود مشو بیباک
بهوش باد که حب وطن ز خاک وطن

چو گشت حب وطن جای در دل ملت
عدو بیاره زده فقد میشود هلاک وطن

وطن بحب وطن قایم است هم محفوظ
که هست حب وطن تیر سهمناک وطن

ز حق نیاز کند عاشق وطن (محمود)
که دشمنان وطن باد زیر خاک وطن

مخمس

از خامه شاعر شیرین کلام ملا عبد الله المتخلص به مستغنی

بهر خدا بیا بیت من از غم بیا　　جانم بلب رسیده و بیمار و زود تر بیا
ای سرو گلعذار من ای سیمبر بیا　　ای کرده خون فراق ام جگر بیا

میمیرم از برای تو کردم خبر بیا

ای نور چشم من ز بست قرار رفت　　این سر گرامیت بمن [illegible] باد

یادآوری

(سراج الاخبار افغانیه) با نشر نمبر دوازدهم خود یک دوره ششماهه خود را اکمال مینماید لهذا مشترکین گرامی که ششماهه اشتراک اخبار را رغبت فرموده اند تجدید اشتراک شان را یادآوری کرده میگوئیم که بعد از نمبر دوازده اخبار را با بعضی [illegible] مقبول بنظر قارئین کرام عرض وجود خواهد نمود .

چنانچه در عدد صفحه های خود افزودنی میدهد و یک رساله فوائد اساس بنام (علم و اسلامیت) نیز به قارئین کرام خود [illegible] عرض و تقدیم کرده کسب فخر و شرف میورزد .

در عدد صفحه های خود چهار صفحهٔ دیگر علاوه کرده حجم خود را از دوازده صفحه به شانزده صفحه ابلاغ مینماید تا بعد ازین مقالاتیکه باقی دارد باشد ثروت ملل . و غیره در نمبرهای آینده متعلقاً دوام نماید و در مضامین منفعت آگین خود نیز افزوده مینماید . والحاصل از هر جهت یک آثار ترقی و تجدد شان داده در طلب منفعت و استفادهٔ قرائت قارئین کرام خود کوشش میورزد . و من الله التوفیق .

هر مقاله ایکه دستخط ندارد از طرف سرمحرر تحریر یافته .

مدیر و سرمحرر سراج الاخبار افغانیه

بسعی و اهتمام الحاج عبدالخالق سرمحرر افغان مهتمم چاپخانهٔ دارالسلطنه کابل

بعمل میرزا محمد جعفر قندهاری

طبع شد

در هر قدم درنگ چرائی تو از چه جهت
استاده [illegible]

عمر است چو آب روان در گذر بیا

گر شد چه شد بطالع ما دور آسمان
یعنی چه شد که شد دل سخت تو مهربان
گر از غم فراق تو بردیم نیم جان
از شادی وصال تو مردیم ناگهان

جانا ترا که گفت چنین بی‌خبر بیا

رفتی و گر نیامدی ای سرو سیمتن
باز آ که مرده در فراق تو جان تن
[illegible]
[illegible]

زان پیشتر که عمر من آید بسر بیا

یک لحظه سر برون کن [illegible]
فارغ دمی ز [illegible]
در ظلمت روز تیره [illegible]
ای آفتاب حسن [illegible]

گر شام رفتی از نظر من سحر بیا

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

مرغی شدم ز هجر تو ای خوش پسر بیا

عاشق [illegible]
آمد [illegible]
[illegible]
[illegible]

یاد است روز و شب [illegible] بیا

جانا کی علاج دل زار میکنی
کی چاره [illegible]
[illegible]
غافل ز سوز سینه [illegible]

تا باورت شود دو سه قدم پیشتر بیا

خوبان [illegible]
[illegible]
مهر تو [illegible]
[illegible]

خوش [illegible] شکفته بیا ای پسر بیا

پوشیده [illegible]
[illegible]
در [illegible]
[illegible]

رفت وقت [illegible] بیا

صحیفه ۱ سال اول نمبر ۱۲

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

نگران
ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی
علی احمد

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت با اخراجات ڈاک ۱۲ روپیه کابلی
در خارج مملکت با اخراجات ڈاک نیم پوند انگریزی
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یکعباسی است
تاریخ عربی یکم ربیع الثانی ۱۳۳۰

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

ادارهٔ خانه و مطبعه
در ماشین خانهٔ دار السلطنهٔ کابل
همه امورات تحریریه به ادارهٔ خانه
بنام مدیر فرستاده میشود
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
تاریخ شمسی یکم حمل ۱۲۹۱

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه وبسی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

تحسین علم و عرفان — حوادث داخلیه — حوادث خارجیه — معلومات فنیه — وظایف عسکریه — یک یادآوری مهم
حفظ صحت — ادبیات — [illegible] — مرغوبات عالم — قاعده های پارسی — سخنان پر ثمر

تحسین علم و عرفان و شکران بادشاه باشکوه و شان افغانستان

علم و عرفان، چنان نور فیض و درخشان خالق کون و مکانست که هر گاه پرتو تابش مهر منیر ضیا افشانش بر یک مملکت و ملتی، و یا قوم و هیئتی با انتشار انوار، و ایثار فیض آثار خودش را بیدریغ و رایگان نماید ظلمت تیره درون یک ملک نادانی و گمراهی، و وحشت بلا مقرون جهالت منزل شقاوت و تباهی، از آن ملک و ملت، و قوم و هیئت وداع ابدی گفته، انوار مدنیت و سعادت و فیوضات راحت و نعمت هر طرف آن مملکت و ملت را فرا میگیرد.

علم و عرفان، چنان لطف جمیل بدیع حضرت سبحانست که اگر شمیم نسیم فیض بخش جان افزایش بر کشت زار لب تشنهٔ پژمرده خار زار یک کشوری بوزد، و قطرات با فیوضات نم نم حکمت و معرفت را بران بچکاند مزرعهٔ آمال استقبال همهٔ آن کشور را با ازهار طراوت نثار سعادت، و اثمار لطافت آثار رفاهیت بهره ور و شاداب میگرداند.

علم و عرفان، چنان نعمت گران قیمت حضرت ایزد منانست که هر گاه رزاق مطلق انس و جان امر اعاشه و انفاق نوع شریف انسانرا با آن مایدهٔ لذیذهٔ حیات بخشای جان محول احسان فرماید آن نایل حیات جاودان و واصل به منزل سعادت و امان میگردد.

انسانرا از حیوانات بچه کدام چیز تفریق میدهد؟ عقل و منطق! صیقل آئینهٔ عقل و منطق چه چیز است؟ علم و معرفت! منبع و مخرج علم و معرفت کجاست؟ مکاتب و مدارس!

ات نرا از حال وحشت و بدویت کدام چیز رهانیده ؟ مدنیت ! مرتبهٔ مدنیت بچه چیز دانسته میشود ؟ به افزونی یافتن علم و معرفت ! مشتغل افزونی حکمت و معرفت کیست ؟ ترقی افزای معرفت و حامی با حشمت ملوکیت !

هزار هزار شکر و ثنا خالق یگانهٔ بیهمتا را که ملک و ملت افغانستان را بوجود بهبود مقدس چنین یک پادشاه ذی شوکت و شان و شهریار ذی فضل و عرفان مانند اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) مفتخر و سرافراز فرموده است که بسایهٔ فیوضات آیهٔ همایونی شان چنانچه بسی آثار ترقی و تعالی بروی کار آمده و در راه نشر انوار علم و معارف نیز یک شهراه بسیار عظیمی برای ملک و ملت باز فرموده شده است .

از آغاز جلوس میامن مانوس همایونی که آغاز سعادت و خوشبختی ملت است برای عام شدن و تاسیس یافتن مکتبها و مدرسه های اصول جدیده اوامر و فرامین شاهانه شرف اصدار یافته اول بار مکتبی که بقواعد فن در پای تخت سلطنت سنیهٔ افغانستان یعنی شهر عزیز (کابل) اساس و بنیاد یافت (مکتب مبارکهٔ حبیبیه) است که بنام نامی ملوکانه کسب فخر و شرف نموده .

این مکتب اگرچه در اول امر در یک مقیاس کوچکی نونهٔ بنیاد یافت ولی رفته رفته بسایهٔ توجهات مراحم آیات حامی ذی فتوت اعظم خود وسعت و اهمیت پیدا کرده و بعنوان شرف رسان (بیت العلوم مبارکهٔ حبیبیه) را احراز کرده بسی شعبه های مکاتب ابتدائیه را در همه محله های شهر تعمیم داده است که منافع و فواید افزونی مکاتب ابتدائیهٔ ضیائیه برای ملک و ملت چیزی نیست که انکار شدنی باشد . زیرا مکتبهای ابتدائیه قدمهای نخستین نردبان قصر سعادت ملک شمرده میشود .

بعد از ان مکتب بسیار عالی عسکری بعنوان (مکتب فنون حربیهٔ سراجیه) برای اولادهای صنف زاده گان و خاندان و در زیر حمایهٔ نفس نفیس ذات اعلیحضرت پادشاه معارف آگاه مقدس تشکیل یافت . بعد از یک نطق بسیار بلیغ و پر تاثیری که ذات اعلیحضرت همایونی در موضع (چمن حضوری) بر اکابر و اعیان ملک بیان فرموده بودند که بر اعیان ملت کلام قدسیت پیام پادشاه معظم محبوب القلوب خودشان را یک فوز و نجاح عظیمی برای استقبال آمال دانسته در بجا آوردن امر پادشاهی داد و داخل اولادهای خودشان در ان مکتب عالی یک بر دیگر سبقت ورزیدند . شهزاده گان عظام نیز در صنف شاگردان این مکتب داخل شدند . حتی ذات اعلیحضرت شهریاری نیز در روز مراسم افتتاح مکتب مذکور در پیش شاگردان مکتب را زیب وجود مراحم آمود شاهانه فرموده شرف و شان مکتب عالی مذکور را بدان مزید افزودند .

در هنگام تاسیس (مکتب فنون حربیهٔ سراجیه) یک قطعه نظم سر زدهٔ طبع قاصر این محرر عاجز گردیده بود که قطعهٔ مذکور چون تاریخ تاسیس مکتب را با مدح حامی مقدس آن دربر دارد تیمناً درینجا درج میشود :

قطعه

سراج الملة والدین آن شه عرفان شناسا که در تاریخ افغان (فیض ملت) گشته عنوان
از آن زد (فیض ملت) در خواص آن بزم نقش وهم وهم بخش دهر مرهم افغان
چنان ترویج انسان بکمال علم و عرفان شد چو هر دو علم و عرفان بس حامی خواهان عرفان
اساس (مکتب حربیه) را بنهاد در کابل در آن جمع آورید زبر گروه شهزادگان

هزار و سیصد و هم بیست و هفت افزون باید مر
که شد تاسیس این مکتب بفیض شاه با عرفان
۱۳۲۷

ذات شوکت سمات پادشاه حقایق آگاه مقدس یک حسن توجه عظیمی در باب مسلک شریفهٔ علمیه دارند ، و علم و علما را خیلی محترم و معتبر میشمارند . در نفس دار السلطنهٔ کابل و ولایات شاهانه مدرسه های متعدد و علمیه معمور و آباد و موجود است . علمای کرامی که در وطن عزیز ما هستند اکثر به تنخواه و منصب و ماموریتهای مختلفهٔ محاکم عالیهٔ دولتی موظف و مستخدم میباشند . محفل حضور پرنور همایونی در سفر و حضر از یکنفر دو نفر علمای نام هیچگاه خالی نیست . در باب تشویق و پرورش حفاظ کلام مجید نیز ذات اعلیحضرت پادشاه دیانت التفات منظم اقدامات شاهانهٔ که مبذول و رایگان فرموده اند حقیقتاً شایان شکران و افتخار است . دایرهٔ مخصوصی برای جمعیت حفاظ تخصیص یافته در تعلیم و حفظ کلام مجید حضرت خالق وحید کوشش مزید بعمل آورده میشود حفاظ قرآن عظیم الشان بعد از امتحان به تنخواه معینه که مقرر است نایل و سزاوار میشوند ، و به این وسیله یوماً فیوماً

و حفظ قرآن شریف و مطالب شرعیه شان آنان را ازوال میگیرد.

یکی از تأسیسات معجز عجیب که در عصر معدلت حصر سراج الملة والدین بروی کار آمده و جانانا اجازه فرمودن طبع و نشر شدن اخبارات در سایهٔ قبهٔ سلطنت سنیهٔ شان

سراج الاخبار افغانیه

چنان یک مکتب فیض مکسب عالیست که هزارها از برادران دینی و دبستان معارف و آگاهی را سبق خوان معلومات اند، و منه ان مقالات مختلفه میگردند. شیخ شاب، عالم عامی، امیر فقیر، زن و مرد هر قوم و مردم ازین مدرسهٔ عرفان منظره بتماشای عوالم مختلفه کامیاب میشوند. وسعت و فراخی این مکتب فیوضات مکسب بقدر وسعت همه مملکت افغانستان است، بلکه آواز صریر خامهٔ این دبستان فواید رسان قاف تا قاف جهان را در بر میگیرد. الحق که این مرحمت معارف پروری بادشاه اشفق و ارحم محبوب القلوب معظم ما که در باب اجازه فرمودن نشر اخبار بر رعایای صادقه و فا شعار خود مبذول و رایگان فرموده اند از چنان الطاف شیم الاحسان ترقی بخشانیست که از بجا آوردن تشکرات آن فدوی وطن اظهار عجز مینماید.

ذات اعلیحضرت بادشاه مقدس ما برای تعمیم معارف و آگاهی رعایای صادقه شان از احوال عالم اخبار را یک واسطهٔ مهمهٔ لازمه شمرده اجازهٔ نشر آنرا به این عبد احقر با خاک برابر شان (محمود طرزی) عطا و احسان فرموده اند و این است که در زیر ظل ظلیل معدلت دلیل جهانبانی با این نمبر دوازده خود یکدورهٔ ششماهه خود را اکمال نموده باشیم:

تجددات ترقی

در نظر قارئین کرام و مشترکین ذوی الاحترام در میدان مطبوعات جلوه گر میگردد. تجددات ترقی سراج الاخبار افغانیه درینوقت این چند چیز است:

اولا — در صفحه های اخبار خود سر ازین نسخه چهار صفحه علاوه کرده دوازده صفحهٔ خود را به شانزده صفحه ابلاغ مینماید، و به اینوسیله در مضامین رنگین و مقالات شیرین خود افزونی داده، بعد ازین هیچ نسخهٔ خود را از مقالات ابعد داری که مسلسلا نوشته میشود خالی نمیگذارد.

ثانیا — با این نسخهٔ خود یک رسالهٔ بسیار سودمندی بنام (علم و اسلامیت) بر قارئین کرام مشترکین ذوالاحترام خود هدیهٔ لاثمن قرین، و تحفهٔ لقای قارئین عرض و تقدیم میکند. این اثر فواید ثمر بنابر دو مقصد مهمی بقلم گرفته شده است: یکی اینکه رد قول مخالفین است که دین مبین اسلام را دشمن علم و فن نشان داده اند. دیگر اینکه بر همه گان ظاهر شود که دین مبین اسلام مانع تحصیل علوم و فنونی که در عصر حاضر اعدا به آنواسطه بر ما غالب آمده اند نیست، بلکه بنابر نیت خالصانهٔ خدمت دین و وطن خواندن و آموختن آن علوم و فنون لازم و لابد شمرده میشود. و این هم ازین است که اگر بعد ازین از علوم و فنون حکمیه و طبیعیه و غیره در صحایف (سراج الاخبار افغانیه) مندرج شود این اثر یک براعت استهلال و مدار استدلال آن گردد.

این تجددات ترقی که سراج الاخبار افغانیه محض برای استجلاب حسن توجه و ممنونیت قارئین کرام خود در هر ششماهه بروی کار آرد، ما امیدواریم که برادران وطن عزیز ما را از نظر گران قیمتی آن برگردانیده باشد. و اگر (سراج الاخبار افغانیه) بمشترکین کرام خود وعده میدهد که ان شاء الله بفضل و عنایت الهی و توجهات مراحم آیات اعلیحضرت بادشاهی در هر ششماهه همچنین یک تجدد و ترقی بظهور آورده در راه رغبت و استفادهٔ قارئین کرام خود بیشتر خدمت کند.

و اینهم نیست مگر از توجهات معالی غایات پادشاه حقایق آگاه و معارف پرور، و شهریار دیانت همراه و معدلت گستر معظم مقدس ما، که یک نظر مخصوص عاطفت شاهانهٔ شان نیز در باب این روزنامهٔ مبارکه می پرورانند پس برو دعای خالی از ریا، افزونی شوکت و اجلال، و دوام عافیت و اقبال پادشاه محبوب القلوب ترقی آمال مقدس خود ختم مقال نموده توفیقات صمدانی و دوام توجهات اعلیحضرت جهانبانی را در حق عبید انهٔ خود بتضرع و نیاز خواهانیم تا بواسطهٔ خامهٔ عجز علامه در راه استفاده و باخبری وطن خود یک عرض خدمتی توانیم و من الله التوفیق

حوادث داخلیه

رسمی

صورت عریضهٔ رعایای صادقهٔ شاهانهٔ مقیم حاکم نشین حکومت
(غزنین) است که بواسطهٔ حاکم خود شان
جناب (امیر محمد خان) بحضور اعلیحضرت همایونی
عرض تقدیم نموده اند

چون بار بار از زبان شما در مجلس های عام علی الخصوص در مسجد جامع بعد از ادای فریضهٔ جمعه و خطبه باسم اعلیحضرت سراج الملة والدین اخبارات واقعهٔ دولت علیهٔ عثمانیه و دست برد طایفهٔ کفر ایطالیه را که بیان کرده شنیده بسیار متأسف و متأثر شدیم خصوصاً غیرت دینداری و حمیت مسلمانی و مرحمت و مهربانی اعلیحضرت شاهانه را که از روی دلسوزی در حق برادران دینی نطق مفصلی فرموده و حکم به چندهٔ داده اند و از جهت تقدیر کمک جانی که به سعادت ها بسته اند بگوش هوش خود استماع نموده سراپا دانسته شده، به بصیرت و بینائی ما یان افزوده علاوه برین اشتهارات پادشاهی که داخل اوراق سراج الاخبار افغانیه یافته متواتر و توالی مطابق امر حضور انور از برای شما و غیره کلان شوندگان ایمولا رسیده و میرسد از مضامین و روایت آئین فقرات اخبارات داخلیه و خارجیه اوراق اخبار موصوف که سراسر خیر و سبب بهبود دین و ملت و مادی و حالی از برای مسلمانان ایمولا است به مهربانی شما همراه ما یان اطلاع و آگاهی حاصل کرده چنانچه از جملهٔ فقرات خیریت دلالات موصوف همین یک فقرهٔ کمک جانی بر کمک و معاونت اهل دین و مذهب و هم جنس ما یان است متواتراً از زبان شما مضمون نطق اعلیحضرت جهانمطاع را بطریق نصیحت و صیغهٔ موعظت اصغا نموده ایم ظاهر است که پادشاه ذی جاه عدالت گستر رعیت پرور ما مروج دین مبین حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله وسلم بوده میباشند و از ابتدای جلوس میمنت مأنوس الی یومنا هذا شب و روز در استحکام ترقیات دین و دولت سعی جمیله مصروف داشته اند که الحمد لله بوفور آثار دین و دولت در ترقی و تزاید است که در وصف تحریر نمی آید پس ما مردم رعایا و فقرای دولت اسلام ساکنین مملکت افغانستان اگر همه سراپا زبان گردیم و مدام الحیات شکرگذاری گوئیم البته ادای بعض نعمت را که عبارت از مرحمت اعلیحضرت است در باب اعانهٔ برادران دینی ما شکرگذاری نتوانیم نمود لله الحمد والمنة ما مردم رعایای دولت خداداد افغانستان اکثر من جهت مسلمان بوده میباشیم و اطاعت آیهٔ کریمهٔ (وَاَطِیعُوا اللهَ وَاَطِیعُوا الرَّسُولَ وَاُولِی الاَمْرِ مِنْکُمْ) را همیشه ورد زبان و حرز دل و جان داریم رضای خلیفهٔ زمان ما عین رضای خالق انس و جان شمرده ان شاء الله تعالی مطابق رای صواب نمای اعلیحضرت شهریاری که در حقیقت خیر و بهبود دنیا و دین کل مسلمین است برضا و رغبت و بلکه بسیار خرمی و نیت حق المقدور بشهرت کوشش و جهد نموده بصلاح و مشورت شما رجال کلان و خدمتگاران صادق دولت [illegible] الحضور [illegible] شاید جان هنوز قدر و قیمتی ندارد چه جای که بذل مال؟ ما مردم بمصداق (نَزِّلِ النّاسَ عَلی قَدرِ عُقولِهِم) بعقل قاصر و فکر فاتر خود ها قرار داده بودیم که در وقت این سررشتهٔ اعانه را بقرار تجویز و صلاح شما که در هر وقت حاکم ما میباشید از کثرت عدم بودن وجود بیاوریم ولی چون خود شما میفرمائید که نطق مفصل اعلیحضرت امر بر چاپ شده و کتابچه های متبرکهٔ نطق همایونی [illegible] جسارت دلگشا می شود که [illegible] کتابچه اعانه [illegible] در مجلس که محتوی بر نطق اعلیحضرت والا است این شکرگذار خدمتگاران دولت را که از راه شوق و ذوق و حمیت اسلامی و قبولی مراحمات اولوالامر است و از کمال اطاعت

دستخط عرض شده و تقدیم حضور انور والا و مولای ما بادار یک قطعه
مورخهٔ ۱۴ محرم الحرام سنه ۱۳۳۰ [صورت دستخطها]
ملک سلطان جان خان کیدان ملک عبد الغفار خان
ملک نور محمد خان پسر شیر محمد خان نایب سالار مرحوم
ملک تاج محمد خان قاضی جلال الدین خان ملک
عبد الحبیب خان سرور خان کلین خیل ملک غلام حیدر خان
ملک محمد خان ملک جلال الدین خان کلان ملک
جلال الدین خان خورد ملک دین محمد خان ملک
محمد افضل خان ملک شاه محمد خان ملک حاجی عبد الرحمن خان
ملک سلیمان خان اقوام اندری ملک غلام نبی خان
محمد الله خان کرنیل ملی ملک محمد حسین خان ملک
نور محمد خان ملک محمد رفیع خان ملک محمد رفیق خان
ملک عبد الحسین خان ملک محمد محسن خان ملک محمد صفی خان
ملک کلبی رضا خان ملک امیر محمد خان جان علی خان
ملک نوروز علی خان ملک فیض محمد خان میرزا محمد [illegible]
ملک غلام محمد خان میرزا محمد جان ملک گل محمد خان ملک خان علی خان
سید محراب خان اقوام هزاره و محمد خواجه و چهاردسته و جغتو
جان محمد خان کرنیل برادر عالیجاه میرزا عبد الاحد خان برگد
عبد الصمد خان برادر میرزا عبد الاحد خان حاجی محمد خان
تحصیلدار سابقه و ملک تاجکیه فقیر محمد خان نایب سابقه
و ملک تاجکیه ملک جمعه گل خان ملک غلام محی الدین خان
ملک دروازهٔ میری ملک محمد یعقوب خان دروازه ملک
ملک امیر محمد خان دروازهٔ بازار ملک نجف قریه خواجه
خیر الله خان اجیه ملی یار محمد خان میرزا عطاء محمد خان
ملک محمد عظیم خان ساکن رباط ملک ولی محمد خان ساکن ملک
ملک عبد القیوم خان ساکن خلال عبد الحمید خان ساکن
قلعه محمد خان ملک محمد افضل خان ساکن ده خداداد
نظام الدین خان ساکن پیرزاده ملک جمعه خان ساکن
ملک حاجی حیات خان ساکن رسنده ملک فتح محمد خان
ساکن رباط ملک فقیر محمد خان ساکن ده خداداد
ملک عبد الرحمن خان ساکن زرک ملک عبد [illegible]
ساکن قلعه میر محمد خان محمد هاشم خان ساکن شهر غزنین
کلانتر شاه محمد خان کلانتر محمد نبی خان کلانتر مرتضی خان
کلانتران گذر محله های شهر غزنین کلانتر محمد ایوب خان
کلانتر دوست محمد خان کلانتر آقو کلانتر نور محمد خان
کلانتر خیر محمد خان کلانتر اهل هنود کلانتران بازار
کسبه شهر غزنین ملا عبد الحق خان مفتی ساکن شهر غزنین
مفتی ملا آقا جان میرزا غلام محمد خان سررشته دار تعمیرات
میرزا محمد نعیم خان اقوام تاجکیه شهر غزنین

صورت جوابنامهٔ

اعلیحضرت همایونی

عزت و صداقت و اخلاص همراهان ملکان و کلانشوندگان مردم هزاره خواجه و چهاردسته و جغتو و ملکان و کلانشوندگان مردم تاجکیه غزنین با الطاف موفوره امیدوار بوده بصحت باشند مراسلهٔ شمایان مورخهٔ ۱۴ محرم الحرام سنه ۱۳۳۰ که بنامی عالیجاه عزت همراه عزیزی نسبیان ارجمندی امیر محمد خان حاکم غزنین بود از ملاحظهٔ حضور والا گذارش یافته اطلاع بحصول شرح نوشته شمایان که سراسر مورد اتفاق و بی وقت و غیرت و حمیت مسلمانی بود از ملاحظه حضور والاشرف گذارش یافت سرکار والا از حسن اتفاق و جوش و رسوخ اعتقاد و ذوق مسلمانی شمایان خورسندی زیاد حاصل گردیده و از خداوند [illegible] می خواهیم که اهالی افغانستان را همواره از دست برد خیالات بیگانه در پناه ذات یگانه خویش مصون و مامون و برای فداکاری اسلام مظفر و منصور داشته و همت فکر و خیال شان را ساعی و راغب بدین مبین حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و اصحابه و سلم داراد بحق محمد و آله الامجاد و ثانیا اینکه در باب کتابچه های اعانهٔ شهدای طرابلس غرب که امر چاپ شده بود حالا در اولا فرستاده و شد که انشاء الله تعالی همراه فرمان آن برای شمایان رسیده خواهد بود و بقرار هدایات مندرجه آن حتی الوسع مرعی دارید و عریضهٔ عمومی شمایان که بنامی حاکم شما بود و مشار الیه بحضور ارسال داشته بود بادارهٔ سراج الاخبار افغانیه ارسال فرموده حکم نمودیم که مضمون عریضهٔ شمایان مفصلا داخل اخبار موصوف کرده بچاپ برسانند تا دیگر برادران دینی شمایان از حسن اتفاق و جوش و خروش مسلمانی شمایان مستحضر شده خورسندی حاصل دارند باقی همه شمایان را از حوادث زمان محفوظ و از مشقات جان محفوظ خواسته و خواهانیم فقط تحریر شهر صفر المظفر سنه ۱۳۳۰

[دستخط مبارک اعلیحضرت انور والا]

هوای کابل

طلیعهٔ سلطان بهار

شمس جهان آرا از سیاحت شش ماهه نصف جنوبی کرهٔ زمین عودت میکند، یعنی به برج حمل برگشته اعتدال جلوس مینماید. و بعد ازین روز بروز منازل بطرف سوی ما — یعنی سیاحت نصف کرهٔ شمالی آغاز کرده مرگاههای خود را بضیا و حرارت عدالت پرورانهٔ خود زنده گانی میبخشد.

شهر شهیر دلپذیر ما اول به اول از زنجیرهای یخ بندی ها و ثقلت و غلاظت برفها آزادی و رهائی حاصل کرده در عالم نشو و نمای مسرت و نضارت قدم می نهد. سبزه های خرم و شاداب که در کشت زارها از زیر برفها نو سر زده و برآمده اند چنان شسته و رفته یک لطافتی دارد که اگر آنرا به زمرد و الماس تشبیه بدهم یک تشبیه بسیار خشک و جامدی شمرده میشود. بعضی نهالهای آلو بالو و گلاس و بادام به یکان یکان شگوفه های لطیف سرخی دار طراوت بار خود با سبزه های نوبرآمده و سبز خرم منظر آمده انسان را در پیش مرقع کاری دست خلقت حیران میسازد.

اول بشارت بهار شهر عزیز ما را میله های تپه (جنده) نشان میدهد. میله از ابتدای ماه حوت هر روز جمعه اهالی شهر — شهر شکنه به زنده گی نباشد — بموضع میله گاه تپه که در قریه (ده مزنگ) واقعست و یک دامنهٔ بسیار با صفا و با نزهت میباشد میروند. از طرف حکومت برای نظام و انتظام این میله ها، و ترتیب و تصفیف دکانهای موقتی آنها سر رشته های مکمل اتخاذ شده است. این میله ها هم ساعت تیری دلپذیری است و هم برای تجارت و سرای اخذ و عطا یک نوع بازار و نمایش گاهی شمرده میشود.

دیگر چیزیکه قدوم بهار شهر عزیز ما را نشان میدهد بعضی دوکانها و دستگاههای (ملوک) فروشی یعنی (خوشاب فروشی) میباشد. بقرار کابلی ها خوردن این خوشاب در موسم اول بهار برای صحت ساختن خون فایده میرساند. بنابران اکثر در هر جا مجمع دکانهای آنرا بسیار صفا داده گی می بینید که با سبزها و بعضی گلهای شقایق و سوسن خود روی صحرائی آراسته شده و خوشابهای پاکیزه در کاسه های گلی نو و صحافهای قیمتهای مختلف نهاده شده اهالی ازان رستنیهای تازه این عالم بهار را برمیگیرند.

در اول فصل شهر عزیز ما یک شوق و شادمانی عظیمی توام بهار طرب نثار را بعودت موکب پر سعادت پادشاه مقدس محبوب القلوب خود که زنده گی بخش قلوب و مسعود ترین مطلع است استقبال سعادت آمال حاضر و آماده میدارد.

حوادث خارجیه

اجمال احوال سیاسیات عالم

چون در افق سیاسی عالم نظر میشود قطعهٔ (آسیا) را در یک زمانهای غبار آلود تیره و تاریکی میابیم که سحاب پاره های مظلم طوفان اثر هر طرف فضای آنرا استیلا کرده علایم یک گرد باد طوفانی نهادی را بظهور آورده است. سیلاب بلای که از چند عصر باینطرف از منتهای ممالک شمالی اش آغاز و متوسع ساختن حوضهٔ وسیعهٔ سند بجریان آمده و اکثر گودالهای عمیقهٔ بلاد تاتار، و قفقاسیا و حصار، و سیبریا ماوراء النهر، و ترکستان و خیوه را پر و مملو ساخته آخر الامر کوههای شامخهٔ بام بلند پامیر و نواحی آنرا سنگ حائل جریان و جهت رسان خود یافت. چون از عادت طبیعی سیلابست که اگر یک مانعی تصادف کند رجعت قهقری اجرا نموده دیگر اطراف را جستجو برای پیش رو خود مینماید. ازین بود که چون کوهها و پامیر و هیمالیا را بر پای جریان خود و به اتفاق صنعت رقیب خود سد و دیوار یافت یک برگشتی و انعطاف جسیمی حاصل کرده تا از جهت های سیبریا بحوضهٔ بحر ژاپونی بگذرد خواست تا با آبهای بحر محیط آمیخته بمقصد و مراد اصلی خود برسد. باز حریف پرکار صنعت کار پر از سدهای متین از هیبت شهبای آهنین ژاپان را در راه پیشرفت مقصد و مطلب آن برانگیخت. وهمان بود که از آن جهت نیز مایوس شده دفعتاً بر حوضهٔ مصور و آباد پر از نار و گلزار ممالک اسلامیه (ایران) هجوم نمود. واه چه هجوم! هجوم غدارانه سفاکانه خونریزانه ......

اما چنان گمان نشود که آب این سیلاب یک آب صاف گوارا و براق درخشانی باشد. نی نی آب این سیلاب از چرکابهای متعفن مخلوط کننده ایست که از غلاظتهای نجسه

بر باد کردن دین و ناموس ، و سلب کردن حقوق آزادی ملتها وقت است .

ایران درین وقت بحال خلافت اشتغال گرفتار است . روس در تبریز ، در رشت ، در استرآباد ، در مازندران ، در مشهد ، بقدر ده پانزده هزار عسکر گرد آورده است . در تبریز حکومت روسی برپا کرده است . آیا این را چه معنی بدهیم ؟ دولت بریطانیا اگر چه یک اعتدال دم و صبوری و تمکین برین حد مشغلهٔ روس نظر میکند . امّا این صبوری و تمکین را چه معنی داده خواهیم توانست ؟ آیا این دولت در باب استقلال و موجودیت ایران عهد استقلالکاری ننموده بودند ؟ چه شد آن اتفاق ؟ معلوم است که اینچنین عهدنامه ها و اتفاق نامه ها را درین عصر حاضر با نوک قلم سرنیزه های تفنگ ها و سیاهی دودهای طوپها ، بر کاغذ سفید اجانب تجاوزها باید نوشت !

اختلالها ، و انقلابهای چین ، و تبدیل یافتن حکومت شخصی آن بجمهوریت در حاضر چنین نتیجه را بخشید که برای سیلاب بلاهای سرحد البیان از راه مونغولیا و ترکستان چینی از دیرها نگاه کرده بالا یا شلاله های علیحده تشکیل داده بحران که آنرا آزرده دارد جریان گیرد . ولی ناظر از اینکه تا دهکت آید حریف صنعت کار بر کار او (لامای لاماها) را در تبت حاضر دانا ده ساخته باز هر آمال حریف خود را ابطال کرده اند .

آمدیم بر ایطالیا : در تاریخ ها خوانده بودیم که در زمانهای قدیم در روما یک نوع تیاترهائی برپا شده بود که آنرا (تیاترهای خونی) میگفتند . و آن اینچنین بود که یک شیر یا یک گرگ یا یک پلنگ گرسنه را در محلی که برای تیاتر مخصوص ساخته شده بود رها میکردند . بعد از آن یک مظلوم دستبند در گلوی او را از حبس خانهٔ اسارت برآورده به آن که با این جانور مفترس به دلاوری و بهادری پنجه بدهد ، اگر غالب آمدی از قتل و اسیری بیچاره مظلوم چون رهائی جان خود را در آن میدید به آخرترین قوت و توانائی بشریت خود جد و جهد بعمل میزد ، و سبعی که آن را پاره پاره شدن اعضا و سیلاب خونهای آن بیچاره بکمال لذت و فرحت تماشا میکردند . خرابه زارهای آن تیاترها که حالا از آثار عتیقهٔ شهیرهٔ روما شمرده میشود که زیارتگاه روزمرهٔ ایطالیائیها است . این است که درین عصر بیستم تمدن ایطالیائیها سر از نو همه دیرکتوری آن تیاترها را بدست جسارت و کف کفایت خود گرفته در بحر احمر دیگر سفید بعضی سلاحهای درندهٔ عقرب شده خود را به سواحل از ناف عاجزیانه و حجاز پیشکش نمودها

تماشابینان این تیاتر خونی بکمال بی پروائی و لاقیدی تماشا میکنند . از همه عجب تر اینکه این سگ ماهیان درنده از بسکه عفونت شده اند گاه گاهی بر تماشائیان نیز حمله می آورند — چنانچه بر کشتیهای فرانس و انگلیس حمله کرده اند — باز هم تماشائیان از کمال لذت که از این تماشا گرفته اند بختام دادن این درام خونریزی انجام صرف همت نمی نمایند .

این است اجمال احوال سیاسیات عالم که خلاصهٔ آنرا بنظرهٔ قاصرانهٔ خود از قرار مافوق تصویر نموده بنظر قارئین کرام خود عرض نمودیم حالا بخبرهای حوادث اخبارات عالم میپردازیم :

نقل از اخبار پایونیر

بیگم بهوپال بتاریخ ۱۹ ماه جنوری در یک جلسهٔ انجمن خواتین بهوپال بر سیاحت یوروپ خیالات خود را اظهار نموده گفت که از ترقی و عروج قوم انگلیس بر تعلیم نسوان متحیر میباشد — یوروپ در زمانهٔ گذشته این قدر ترقی کرده بود که در زمانهٔ حاضر بسبب اشاعت خیالات تعلیم و تمدن مابین فرقهٔ نسوان ظهور پذیرشده است . در اختتام تقریر خود بیگم مذکوره گفت که اعلیحضرت سلطان المعظم شاهنشاه ترکیه یک تبرک گرامی که یک موی ریش مبارک سرور کائنات و خلاصهٔ موجودات آنحضرت صلی الله علیه وسلم است عطا نموده است فقط

حدیده مورخهٔ ۲۳ ماه فروری — قوهٔ بحریهٔ ایطالیه بتاریخ ۲۶ ماه جنوری بر بندر حدیده گوله باری کرده علاوه از بین یکصد و پنجاه گوله فیر کرده دو باب خیمه را سوختند و یک برج را بلاک ساخت (چه شجاعت ! چه شهامت !!) فقط

در ایام گذشته ما نگاشته بودیم که دولت روس بتدریج در شمال ایران تصرف حاصل مینماید چنانچه خبر تلگراف رویتر از طهران تصدیق بیان ما نموده است — روس سپاهیان نظام خود را به استرآباد (واقع علاقهٔ ترکمان) و بارفروش (واقع مازندران) روانه میکند در حقیقت رفیقان شاه سابق در علاقه های مازندران و استرآباد غلغله اندازی کرده اند و اموال مردم را بغارت برده وجه معاش پیدا میکنند و لهذا ضروری است که روس برای حفاظت قنصل خانه و حقوق رعایای خود فوج کثیر روانه کند فقط

مجلس هلال احمر لندن

انجمن هلال احمر لندن یک مشن طبی (جماعت طبی) را

از طرفی سپاه مجاهدین طرابلس الغرب روانه میشود — جماعت بزرگ از مشتی پر جهاد از مصر دسته کمپو نذر جیا شد بتاریخ ۶ ماه فروری از مارسیلز عازم طرابلس خواهد شد و دولت اطالیه و ترکی دریا مطلع کرده شده اند فقط

دلای لامای تبت

دلای لامای تبت بروز دوشنبه از دارجیلنگ روانه شده در شهر کیلمپنگ رسیده و اکثر معتبرین تبت برای استقبال لامای مذکور حاضر شده گویا اند که لامای مذکور بخواهد که پیشتر لهاسا برود و بنابرا تیاریهای عظیم کرده میشوند فقط [دلای لاما در کلکته بود و بنابر تعلیمات و رهنمائی دولت برطانیا بسوی تبت حرکت کرده است]

اعلیحضرت سلطان المعظم عنقریب بر اعلیحضرت شاه جارج نشان خاندان آل عثمان (که نشان اعلی ترین دولت عثمانیه است) مرحمت خواهند نمود فقط

دیگر — لندن مورخه ۱۶ ماه فروری — اعلیحضرت سلطان المعظم علاوه مرحمت نمودن نشان خاندان آل عثمان بر اعلیحضرت شاه جارج تمغه نشان امتیاز را که با الماس تابدار مرصع میباشد عطا کرده اند فقط

نقل از اخبار تریبون

اتفاق اهل اسلام و اهل هنود

خیالات نواب سراج الاسلام (کلکته)

کلکته مورخه ۱۲ ماه فروری — نواب سراج الاسلام مینویسد که دو روزه شاهد ترمیم و تقسیم بنگال بعمل آمده بر دو بنگال (شرقی و غربی) ملحق شده اند لهذا لازم است که سربرآوردگان اقوام اهل اسلام و هنود آن وسایل را بیندیشند که اتفاق و اتحاد هر دو قوم نسبت از پیشتر استوار تر گردد و جمیع مناقشات و منازعات فرقه‌ای معدوم شوند — من تجویز مینمایم که یک انجمن اهل اسلام و هنود در کلکته و دیگر شهرها بغرض ذیل منعقد کرده شود اول اینکه انجمن مذکور برای مصالحت اهل اسلام و هنود سررشته کند دوم اینکه انجمن مذکور برای ازاله آن کج اندیشی که در مابین سرکردگان فریقین راسخ گردیده است سعی بلیغ نماید سوم اینکه انجمن فوق در مابین فریقین خیالات اتحاد و مودت قایم کند فقط

اخبار چهره نما

(چهره نما) یک اخبار فواید نثاریست که بزبان شیرین بیان فارسی در مصر القاهره ماهی دو بار طبع و نشر میشود . در فصاحت طبع و رنگینی مضامین و مقالات شیرین حقیقتا خیلی دلربا یک چهره نمائیست همزبانی را (خویش و پیوندی) گفته اند که بسیار سخن معقول و درحقیقت اخبارهای همزبان یک میل و جاذبه طبیعی بهم دارد ، چونکه بدون واسطه ترجمان باهم سخن میکنند و مرام همدیگر را می‌فهمند .

سال نهم این رفیق خود را از صمیم دل تبریک ، و دوام انتشار آنرا آرزو میکنیم . مطالعه این ماه دو هفته و تماشای این آینه چهره نما را بصورت خصوصی بهوسکاران مطالعه اخبارهای فارسی توصیه مینمائیم .

یک نظاره از اشکال طرابلس

از اخبار وکیل

خنجر بر عضو ضعیف میریزد

سپاه ایطالوی چون در مقاومت یکی تازان عرصه کارزار بین عرب و ترک چیزی آشکارا کرده نتوانسته اند خود منفعل شده بر غربای غیر جنگی شهر طرابلس مظالم لاتعد روا میدارند — چنانچه در ایام گذشته آن فوج سفاک و بی مروت صدها نفر عرب و زن بیچاره و طفل بیگناه را معتقل کرده و نشانه تفنگ ساخته است و گفته میشود که در یک روز تقریبا ۹۰۰ نفر عرب شهید کرده شده اند — لکن تعجب است که قنصلهای دول یوروپ با وجودیکه این چنین واقعات روح فرسا را بچشم خود مشاهده میکنند دولتهای خود را از ماهیت آنها اطلاع نمیکنند .

انجمن نعمانیه لاهور

جلسه ۲۴ ساله (انجمن نعمانیه لاهور) در عمارت حویلی واقع دروازه تکسالی بمقابل تحصیل لاهور بتاریخ ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ اپریل ۱۹۱۲ عیسوی مطابق ۸ و ۹ و ۱۰ جمادی الاول ۱۳۳۰ هجری بایام جمعه و شنبه و یکشنبه منعقد خواهد شد جلسه مذکور انشاء الله بسیار از علماء و مقررین و ناظمین شریک گشته از وعظ فیض بیان خود مستفید خواهند ساخت برادران اسلام درین جلسه دینی که در آن شائبه دنیاوی مطلق نیست شریک گشته ثواب دارین حاصل کنند — و امداد انجمن علمی — درمی — قدمی نموده ذخایر حسنات جمع فرمایند — اشخاصیکه مضامین علمی یا نظم روانه کنند باید که قبل از ۱۵ اپریل ۱۹۱۲ ارسال فرمایند — اشخاصیکه شریک جلسه شده عزت افزائی انجمن نمایند انها نیز اطلاع تشریف آوری خود را بمعه همراهیان خود قبل از پانزدهم اپریل روانه کنند فقط

خاکسار محرم علی چشتی مورخه ۱۵ فروری ۱۹۱۲

معلومات فنیه

آله های پرواز هوا

بر این روزهای آخر معلوم شد که بالونها و ماشین های پریدن بروی هوا برای جنگ بسی فائده های نافع میرساند بنابرین قدری ازین ها بحث راندن مناسب دیده شد.

بالونها

بالون یک اختراع بسیار قدیم میباشد. در سال ۱۷۸۳ اول تجربهٔ پرانیدن بالون از طرف (مونغولفیه برادران) شده بود لیکن سه سال میشود که بالونها و (آئروپلانها) یعنی ماشین های پریدن بیک طرز کلیت تحویل یافتند. و این ترقی بالونها و ماشین های سایره از ترقی موترها زیرکی و کامیابی حاصل کردند در این وقت ماشین های موترها اینقدر سبک که برای قوت یک اسپ از دو پاو تا سه پاو سنگینی داشته میباشد

لهذا برای یک بالون قابل سیر نیز این شرط لازم میباشد که هر چه قدر اسباب های وزندار را پرانده بتواند اینقدر خوب است. این هم بحجامت بالون تعلق دارد یعنی هر اینقدر که جای هوای بالون کلان باشد آنقدر اشیای وزنی را برده و بالا کرده میتواند. درونش هوای غاز (مولد الماء) که از هوا چهارده کرت خفیف تر است پر کرده میشود چون این غاز از هوا خفیف تر میباشد باین سبب بالون بالا میشود امروزه روز جسامت جای هوای بالونها از ۳۰۰۰ تا به ۵۰۰۰ گز مکعب کلان ساخته میشود. لیکن جرمنی ها (زهپلین) نام بالون خود را بکلانی ۲۰۰۰۰ گز مکعب ساخته اند جای هوای آن از تکه هائی که در آب (رابر) مانده شده ساخته میشود تا مسامات نداشته باشد و غاز از بیرون نبراید و شکل آن ماهی مانند است که مقاومت هوا بتواند. بالون زهپلین دو دانه (سکان) داشته میباشد که یکی برای راست و چپ راندن و دیگر آن برای پائین و بالا شدن است قوت موترها که برای یک بالون که جسامت آن (۳۰۰۰) گز مکعب باشد تخمیناً (۱۰۰) اسپ میباشد و سرعت رفتار این بالون در ساعتی ۳۵ تا به ۵۰ کیلومتر است. بهمین قسم یک بالون برای شش نفر جا داشته میباشد و ۷۰ ساعت حرکت کرده میتواند قیمت آن از (۲۵۰۰۰) الی (۲۰۰۰۰) فرانک میباشد. چنانچه (اوتوموبیل) یعنی عرابهٔ موتر بزمین میرود بالون هم در هوا همچنان میرود و چون موتر آن حرکت نکند ایستاده میشود و بزمین نمی افتد.

اوروپلان یعنی ماشین پرنده

اوروپلان مثل (کاغذ باد) حرکت میکند: کاغذ باد موازنت خود را به سه قوت میگیرد. یکی وزن آن که آنرا برای بزمین افتادن کشش میکند. دوم باد که یک قوت بالاکنندهٔ بچیزها و تأثیر میدهد. سیم تار که به تأثیر باد از آزادی ماند که برود. اگر این قوت ها کی تبدیل کنند، مثلاً شدت و سرعت هوا کم و زیاد شود (کاغذ باد) بالا و یا پائین میشود. بسیار وقت دیده میشود که اگر باد نباشد بچه ها (کاغذ باد) خود را برای بالا کردن به بسیار دویدن بالا میکنند یعنی از حرکت هوا پیدا کرده بواسطهٔ (کاغذ باد) خود را پرواز میدهند (اروپلانها) یک پروانه که با موتر حرکت میکند رفتار میدارند. وزن این موتر بقوت هر یک اسپ از دو پاو تا سه پاو است. یعنی سنگینی یک موتوری که یک اسپ قوت حاصل میکند از شصت پاو تا به نود پاو میباشد.

(اروپلانها) نسبت به (بالونها) یک علتی دارد که اگر به ماشین موتر آن یک نقصانی عارض شود و از حرکت معطل بماند هماندم بزمین می افتد. زیرا یکی از سه قوتی که در کاغذ باد عرض شد مفقود میشود. لهذا موازنت حرکت (اروپلان) غیر ممکن میشود. اما اگر یک ماشین کار پرواز کنندهٔ مقتدر و تجربه کاری باشد اروپلان را میتواند که از افتادن شدت محافظ کرده مثلاً آهسته آهسته بزمین فرود بیاورد زیرا (اروپلانها) سطحهای بسیار فراخی دارا اند که از آن سبب در وقت افتادن مقاومت هوا معروض میماند. لاجرم یک ماشین کار تجربه کار با اقتدار ازین حال فائده برداشته میتواند.

اروپلانها از زمین که بالا میرایند یعنی که پرواز میکنند به اینصورت است: اولاً بواسطهٔ موتر خود بزمین رفتار میکنند و این رفتار خود را بر چرخهای عرابهٔ خود اجرا کرده آهسته آهسته بالا میشود. و برای چپ و راست راندن و بالا و پایان کردن آن سکانها مخصوص دارد.

قیمت یک اروپلان که در ساعتی (۵۰) میل یا از پنجاه میل چیزی زیاده تر حرکت میکند از پانزده هزار تا بیست و پنج هزار فرانک [یک فرانک تقریباً یکروپیهٔ کابلی] میباشد

و سرعت آن با ماشینهای سی چهل اسب قوت آن چهار صد پا و است . اختراع کننده گان ایرو پلانها و جهازهای هوائی امیدوارند که در کم مدت با قوت دو صد بارگیر ماشینهائی ایرو پلانها را بسازند و ایروپلانها شش نفر آدم را بر میدارد و یک موتور زاید لازم دران میشود تا که شاید اگر یک موتور را نقصانی برسد آن دیگر بجای آن کار کند . پس اگر این امیدها و ظنها بسر برسد هیچ یک شکی برای (ایرو پلانها) باقی نمیماند .

خوبی و برتری ایرو پلانها بر بالونها به این است که هم از بالونها کرده سبکتر است و هم بلند پرواز تر . نظر به بیانات وقتیکه اوروپا گرد یک جنس هوائی فرانسیسی تا به سه هزار و پنجصد متر بالا بر آمده است . حالانکه بالونها تا دو هزار متر بالا بر آمده میتوانند . درین بلند پروازی ایرو پلانها یک فائده دیگر هم دارد که گلوله های که از زیر بران انداخته شود به این بلندی نمیماند .

تا به اینجا در باب (بالونها) و (ایرو پلانها) مختصر یک معلوماتی داده شد . حالا یک قدری از فوائد عظیمهٔ این واسطه های نقلیهٔ هوائیه و فتوحات و تدابیری که در حیات عسکریه بحصول آورده است بحث بکنیم :

(بالونها) یا (ایرو پلانها) که از بالونها کرده چالاکتر و چابک رو تر است و در موقت آنها را (مرغان حرب) این بنده در اوّل امر در خصوص (کشف) یعنی معلوم کردن جای موقع و قوّت دشمن خدمتهای فوق العاده بعمل می آرند . در میدان محاربه جستجو کردن و دانستن قوّت دشمن شرط اعظم شمرده میشود . و ازین سبب هر روز کشفیات ضروری دیده میشود . کشف اکثر از طرف رساله اجرا میشود . امّا بسیار وقتها میشود که گزمه های رساله از دشمن به درستی خبر گرفته نتوانسته . و خبرهائی که هم بیارند از داخل یک ساحهٔ کمی آورده میتوانند . یعنی تنها از صف کریش و از دشمن یعنی (طلایه) معلومات گرفته میتوانند . حالانکه (ایرو پلانها) از ارتفاع گاه پرواز نموده همه قوّت دشمن را بصورت بسیار صحیح . و احوال زمینهای موقع حرب را بسیار درستی کشف میکنند . چنانچه ایطالیانها در محاربهٔ طرابلس غرب) با (ایرو پلانها) که استعمال کرده خدمتهای نافع آنها را در حرب اثبات کرده اند .

بالونها برای گلوله اندازی قلعه های طوپچی که تنها جاهارا بخوبی بسیار مدد میرسانند . چونکه با تلفون بزیر خبر میدهد که گلوله باری خود را طوپچی ها بکدام طرف متوجه کنند . زیرا از بالا با دوربینهای بسیار تیزبین هر طرف را دیده جاهای لازمی گلوله باری را خبر میدهند .

وظیفهٔ دیگر بزرگ این (مرغان حرب) در زمان جنگ چنین است که یک سرعت فوق العاده با (بومباها) و (دینامیتها) و دیگر مواد مشتعله بعد ها ایرو پلانها مجهز گشته بر هوا میشوند . و در یک دو ساعت بر پلها ، و جویها ، و قلعه ها ، و گدام ها ، و جبه خانه ها ، و غیره مواقع مهمهٔ عسکریهٔ آن گلوله ها را انداخته خرابیهای عظیمه میرسانند .

ازین سبب است که دولتها برای مالک شدن این آله های پرواز دهشت بیمراز که یک بلای سماوی شمرده میشود بسیار زیاد کار و جهدها میکنند . دولت جرمن در میزان دخل و خرج سنهٔ (۱۹۱۲) خود (۸۰۰۰۰۰۰) مارک برای ساختن (ایرو پلان ها) و (بالون ها) بضم و علاوه کردن مجبور شده است . و غیر ازین برای بسر رسانیدن جهازهای هوائی ، و ماشین کاران پرنده مکتبها ساخته اند . دولت برطانیه ، و فرانس ، و غیره نیز به افزونی این آله های حرب مجبور شده اند . حتی دولت عثمانیه نیز برای زد و خورد نمودن با دشمن در طرابلس مجبور گردیده که برای ایرو پلانهای مختلف بکارخانه های اروپا فرمایش بدهد . در طرابلس ایرو پلانهای ایطالیانها مجاهدین عثمانیه را بسیار ضرر داده نتوانستند . زیرا بمجرد یکه از دور آمدن ایرو پلانها را میدیدند قطعات عسکریه از یکدیگر جدا میشدند . و به این سبب تأثیر بومباهای شان که می انداختند کمتر میشد . امّا اگرچه در محاربه های صحرا تأثیر ایرو پلانها کمتر است ولی در محاصره ها و قلعه بندیها تأثیر آن خیلی زیاده میشود . زیرا [illegible] در طرابلس مجاهدین اسلامیه این مرغان حرب را که ایطالیانها مالک بودند دیده و افسران عثمانی که به نقطه ها و جاهای شهر طرابلس بخوبی میشناختند دران نشسته و بر جاهای لازمه بومباها انداخته ایطالیانها را چنان شکست فاحش میدادند که تا بجزیرهٔ (سیسیلیا) که از طرابلس غرب باور بود دو ساعت مسافه دارد نیز فرصت گریختن را نمی یافتند . امّا افسوس که این مسئله برعکس شد . ایطالیانها هر روز بر هوا پرواز نموده بر هر حرکات مجاهدین بحقیقت واقف میشدند . و با وجود دیگر پنج شش دانه ایرو پلان و سه چهار بالون داشتند . و مجاهدین اسلامیه نیز در میدان بودند ضررهای ایرو پلانها بسیار کمتر به آنها تأثیر کرده . اگر هر دو طرف جنگ کننده مالک این آله های پرواز کننده باشند هیچ شبهه نیست که این مرغان حرب در روی هوا بر یکدیگر خود شان هجوم خواهند کرد .

م . فضل

برادران صنف نظامی بخوانند

باوجودیکه روزنامهٔ (سراج الاخبار افغانیهٔ) یک اخبار عسکری نیست. ولی بنابر خواهش و آرزوی بعضے برادران عزیز صنف نظامی خود مجبور شدیم که صفحهٔ ای روزنامهٔ خود را به بعضے تحقیقاتی که متعلق بعالم عسکری و فایده برداشتن صنف نظامی باشد نیز زینت بخش انظار مطالعه کنندگان گرام نمائیم. لهذا درین نسخهٔ نمبر ۱۲ خود به ترجمهٔ بعضی مواد عسکریه پرداختیم. و لے چنان گمان نشود که خود ما عالم این فن جلیل بسیار مهم هستیم؛ بلکه هر انچه یکه ازین فن جلیل در کتابهاے آخرترین این فن دیده ایم عینا ترجمه کرده می نگاریم و ابتدا از اخلاق و تهذیب عسکری سخن میرانیم:

وظایف عسکریهٔ

(وظایف) جمع وظیفه است. اگرچه در اصطلاح ملک ما (وظیفه) بدیگر معنی استعمال میشود. مثلا وظیفه تنخواه را (هم میگویند. (مانند وظیفه خوار). وخیرات را (هم میگویند. مانند طالبها که میگویند (وظیفه میاید) (وتلاوت دعاها و یا تلاوت کلام مجید را) (هم وظیفه میگویند. اما وظیفه یک کار) (وفعل حقیقت که انسان بر اجراے آن خود را) (مجبور داند. و از بجا آوردن آن ناگزیر باشد فقط)

وظیفهٔ هر عسکر همین است که در وقت حضر یعنی در وقت آسایش که جنگ نباشد به قانون دولت اطاعت و فرمان برداری کند. و در وقت جنگ شر دشمن را از وطن، و ملت، و پادشاه دور و دفع نماید. هر نفری یک ملت یک نفر عسکر است. و هر نفری عسکر یک جزوی از اجزای ملت است. در دنیا هیچ ملتی نیست که وطن خود را دوست نداشته باشد. شریعت غرای محمدی صلی الله علیه و آله و سلم دوست داشتن وطن را از ایمان فرموده. وطن خود را دوست داشتن بر هر فرد فرد شرعاً، انسانیةً، وجداناً، عقلاً فرض عین است. وازین سبب است که هر برادران صنف شریف عسکری در راه محافظه و نگهبانی حقوق پادشاه خود، و وطن خود، و ملت خود جان فدا کردن را شرف و فخر بزرگی می شناسد. و مرگ خود را بی پروا می اندازد، و جگر دشمن پادشاه، و وطن، و ملت را با گوله‌های تفنگ آتشبار خود می شگافد. و با سر نیزهٔ جان ستان خود سینهٔ دشمن را میدرد. اما این را هم باید دانست که مقصد اصلی تنها از فدا کردن جان و رسیدن بمرتبهٔ شهادت نیست. بلکه مقصد اصلی این است که دشمن را محو و پریشان کند. و شان و سطوت دولت خود را بلند گرداند. که اینهم میسر نشود مگر به اینکه مشق و تعلیم عسکری را خوب بیاموزد، و در اطاعت و فرمان برداری بجان بکوشد. و به اینصورت خود را برای جنگ حاضر کند تا ذات پاک کبریا، و ملائکهای سما و پیشوای ما محمد مصطفی، و اولوالامر ما پادشاه ما و وطن و ملت از ما راضی شوند و ما حق وظیفهٔ خود را بجا آورده باشیم.

[باقی دارد]

(از اوراق عسکری)
ترجمه شده

یک یادآوری مهم

ورقه ایست که از طرف عزتمند (میرعزت بیگ خان) داکتر اوپراتور شفاخانهٔ ملکی دارالسلطنهٔ کابل برای نشر شدن در سراج الاخبار افغانیه به اداره فرستاده است. ورقهٔ مذکوره چون یک یادآوری بسیار مهمی در باب صحت قومی شمرده شد عینا درج گردید.

قبل ازین بقاعدهٔ رسمی که ذکر میشود رواج خال زدن چیچک در شهر و دهات اطراف شهر جاری بود و بسبب نادانی خال زنان اکثر اطفال مسلمانان مبتلای امراض های گوناگون میگردیدند. مثلا بچهٔ احمد که از پدر یا مادر موروثی مرض خبیثهٔ فرنگ داشت [illegible] با خبر مرض، و در ظاهر بصحت معلوم میشد شخص خال زن [illegible] شده از آن [illegible] بچهٔ محمود که [illegible] و باطن صحیح المزاج بود و از پدر و مادر [illegible] میراث نداشت نزد آن خال زن میبرد خال زن [illegible] اول سوزن های چیچک را از همان دست کودک [illegible]

شگاف شگاف نموده بهمان چیچک خشک را که از یک احمد گرفته بود بالای جراحت سوزن زده‌گی بچه محمد گذاشته و بعمل یا دیگر چیز بسته کرده رخصت نمود. اتفاقاً دائی مادر کودک را پرسیده او بعد چهار پنج یوم چند دانه چیچک گرد اگرد سوزن زده‌گی نمایان شد پدر و مادر خورسند می شدند که پسرم را خال زدم از چیچک رسیدن خلاص شد با این کیفیت چون خال زن و والدین طفل واقفیت نداشتند که مرض موروثی یا مرض ظاهری سرایت بدیگری میشود و تا آخر عمر طفل مبتلا مرض میماند که علاج پذیر نیست تا این زمان از نادانی خال زن و بیخبری والدین اکثری از مسلمانان گرفتار مرض ها گردیده اند. چون اعلیحضرت (سراج الملة والدین) ادام الله دولته که همیشه منظور نظر همایونی شان بر فارهیت و خیرخواهی رعایای دولت خداداد شان بوده و میباشد حال درین تاریخ بتوجه شهنشاه عدالت گزین غمخوار غربا و ساکین بسعی و کوشش این خدمتگار دولت الحمدلله والمنة خود در دار السلطنه کابل خاص شفاخانه ملکی از گاو ساده آب چیچک گرفته میشود باین صفت که اول گاو ساده را بطریق داکتری عمل آورده تا خال از سقم و علل باشد آب چیچک را از او گرفته بعد از آن به بسیار ستره‌گی و خوبی که زیر عمر طفل نیز بسه بدست او خال زده میشود و بعد چهار پنج یوم نهایت بهتر روز چند دانه چیچک بر جائی که خال زده شده می برآید که تا الیوم قریب هشتصد نفر بچه و دختر شفاخانه خال زده شده که از مرض مهلک چیچک محفوظ اند و گرفتار مرض حقیقی و دیگری نگردیده اند پس بر تمامی مسلمانان پای تخت سلطنت لازم است که پرورش اطفال را خود در شفاخانه بیاورند که خال زده شود و هرگز خال زن های سابق نیز که اولاد شان گرفتار مرضهای مختلف گردند بکار نکشانند که از اول لازم است که خال زنهای سابق را از زدن خال منع نمایند که من بعد بر این خال نزنند. زیرا مرضهای مختلفه در اطفال از یکی بدیگری سرایت میکند این سررشته گرفتن آنکه خال خاص خود شهر کابل بشفاخانه شده است و از تفضلات اعلیحضرت (سراج الملة والدین) از جلال آباد مع الخیر رونق افزای کابل شده و تشریف آوردند برای خال زدن اطراف و ولایات سررشته لازم خواهد شد که چند نفر آدمان جوان و دانسته نوکر گرفته کار جراحی و سررشته خال زدن را تعلیم شان نموده که بخوبی و درستی تعلیم بگیرند بعد از علم آوری انجمن عرض نموده که باطراف و ولایات مقرر فرمایند تا جمیع مسلمانان برادران دینی بمهربانی و الطاف اعلیحضرت همایونی فیض یاب شوند فقط

از شفاخانه ملکی : (داکتر منیر عزت)

* * *

حفظ صحت

برای محافظت صحت که یک لطف بسیار عالی ذات اقدس الهیست بسیار کوشش باید کرد. زیرا یک آدمی که صحت و تندرستیش برجا باشد بخالق بیهمتای خود وظیفه عبادت خود را بجا آورده میتواند و از ذوق و شوق بسیار چیزها محروم نمیماند.

(سر) شریفتر و نازکترین اعضای بدن (سر) است. گاهی میشود که بسبب قهر و غضب بسیار شدید. و یا بسبب ترس و هول بسیار. و یا بسبب گرمی و یا سردی شدید و بیشتر از اندازه خون بسیار بسر بریزد. و از اسپ بسیار وقتها سردردی و چشم دردی و گوش دردی. و دندان دردی حاصل میشود. حتی بعضی وقتها خدا ناخواسته فجاة وفات تیز بوقوع می آید که آن را (مرگ مفاجات) میگویند. بنابرین از چیزهائی که بسبب اینگونه تیزیهای بد و وخیم گردد بسیار پرهیز و حذر باید کرد.

(چشم) — روشنی بسیار شدید بچشم ضرر میدهد. بنابرین در روشنی بسیار تیز و شدید. و در ضیای آفتاب تابستان کتاب خواندن. و نوشتن. و چشم خود را بشعله ان ولامپها، و شعلهٔ آتش دوختن. و در زمستان برفهای سفید و سبزه بسیار وقتها در از دیدن. و در هوائی که بخارها و دود. و دود آتش را استیلا کرده باشد. و در جاهای پر رطوبت نمناک بسیار وقتها ماندن برای چشمها بسیار ضرر دارد.

(گوش و بینی) — صداهای بسیار شدید مانند صدای طوپ که ناگهانی در پیش گوش صدا کند. و صداها سختی که در گوش بخورد چنانچه بعضی اطفال بگوش همدیگر شان فریاد میکنند و جاهائیکه هوای آن نمناک و برهم شده باشد. و مکانهای و خاکهائیکه پر پرندگان پرشده باشد. و چرک و چیزی تلک در گوش جمع شود و بسر پیچاندن چیزها که گوش را بپوشد. همه این چیزها برای گوش و چشم بسیار ضرر دارد. طعامهای بسیار مساله دار و تند و سیگار. و تنباکو. و نسوار. و مسکرات مانند شراب و غیره و مخدرات مانند چرس و افیون و غیره قوهٔ ذائقه و شامه را خراب میسازد. و از خوردنیهای خود هیچ لذت نمیگیرد. و همچنین اگر بینی خود را ازان پاک نگاه ندارد و هر روز با آب پاک نشوید. و یا همیشه با انگشت سوراخهای بینی خود را بکاود برای قوهٔ شامه و بینی ضررهای کلی میرساند.

(دستها) — دستهای انسان بسیار حساس است از آنرو از سایر اعضا زیاده تر سردی را حس میکند که در زمستانها دستکش پوشیدن لازم است. و اگر خنک بخورد در پیش آتش گرفته گرم کردن آن لازم نیست بلکه بالیدن بهمدیگر یا بجیب و بغل نهادن لازم است. و دیگر اینکه دستها را از سردی بگرمی و از گرمی بسردی نباید نهاد.

(دندانها) — برای حفظ صحت دندانها نیز بسیار دقت و هوشیاری لازم است. زیرا برای خوب هضم کردن طعام و خوب اداکردن سخن، و برهم نخوردن شکل رخسار حفظ صحت دندانها بسیار ضرور است. هرکس که محکمی و درستی دندانهای خود را آرزو دارد میباید که نه چیزهای بسیار گرم، و نه چیزهای بسیار سرد بخورد. و چیزهای سخت مانند بادام و پسته وغیره چیزها را هیچگاه با دندانها نباید شکست. ماده که آنرا لعاب دهن میگویند نیز برای هضم طعام بسیار لازم و ضرور یک چیز است لهذا از چیزهائیکه موجب نایاب شدن آن باشد حذر باید کرد.

(حسن و جمال) — اگر مرد باشد اگر زن، هرکس حسن [illegible] که باشند محافظهٔ حسن و جمال شان محض بسلامت و صحت وجود متوقف است. هرکس که بخواهد طراوت و تازگی رخسار و قوت و تندرستی بدن و اندام خود را محافظه کند میباید که پیروی قواعد حفظ صحت را نماید. مقبولی و خوش صورتی که بعضی زنان بواسطهٔ بعضی استعمال رنگهای سرخ و سفید ساختگی برای رخسار خود شان حاصل کنند در آخر نتیجهٔ خرابی و برهمی حسن خداداد و طبیعی شان میگردد. زیرا اکثر آن گونه چیزها بعضی مواد مضر رنگی دارد که برای پوست رخسار زخمهای میرسانند. جذب محبت تنها بمقبولی و خوش صورتی خارجی میسر نمیشود بلکه خوش صورتی و مقبولی روح را نیز یعنی کردار و اطوار و گفتار و افکار خود را مقبول و محبوب باید ساخت. بسی صاحبان حسن و جمال را می‌بینیم که بسبب طبیعت های بد خود مردم را از خود بیزار کرده اند. و بسیاری از بدرنگها را دیده ایم که بسبب حسن طبیعت خود مقبول و معتبر شده اند. لهذا هرکس چنانچه بمحافظهٔ حسن و جمال و صحت و عافیت وجود خود مجبور است همچنان بمحافظهٔ اخلاقهای خوب و حسن طبیعت خود نیز بسیار کوشش باید بکند. فقط

از (تعلیم قرائت) ترجمه شد

ادبیات

شعر — موسیقی

شعر، موسیقی — دو همشیرهٔ توامست که مادرشان عشق است!

شعر، موسیقی — دو تاجر شریک المنفعه ایست که زیان یکی موجب نقصان آن دیگر میشود!

شعر، موسیقی — دو رفیق همدم متحدالطبیعت که سخن همدیگر خودشان را شرح و تفسیر میکنند!

شعر، موسیقی — دو دلدادهٔ سودازدهٔ مفتون همدیگراند که رشته‌های حیات خود شان را باهمدیگر تاب داده و برای جدا شدن از همدیگر در عالم ازل عهد و پیمان بسته اند.

آب و نان دو جوهر طبیعت که رزاق عالمیان آن را مادهٔ پرورش (جسم) مقرر نموده. آب و نان (روح) شعر و موسیقی است که خلاق همه جهان آنرا غذای روح معین نموده.

از کلامهای اهل تصوفست که چون جسد حضرت آدم از گل و آب خلق نموده شد روح لطیف از داخل شدن آن جسم کثیف ابا نمود، حضرت رب عظیم الشان شعر و موسیقی را در جوف جسد آدم علیه السلام خلق فرمود که شعر با آهنگ خوش [illegible] لطیفی از جسد بظهور آمد. روح به آن شعر خوش صوت یک میل طبیعی پیدا کرده در جسد داخل شد.

روح بر موسیقی عاشق است، موسیقی بی شعر نفس ندارد. هر دو بدون عشق وجود نگیرد. عشق بجز با حسن طبیعت معدوم مطلق است!

شعر چیست؟ شاعر کیست؟

هر جویبار، هر چمن زار، هر آبشار، و الحاصل هر بدیعهٔ طبیعت یک مصرع یک بیت، یک غزل، یک قصیده، یک منشده و یک نظام، یک آهنگ، یک نغمه ایست که معنی (شعر) و (موسیقی) را تفسیر میکند. شاعر یک مخلوقیست که از شرشر جویبار، و از اهتزاز شاخسار، و از رنگ آمیزی گلزار، و از آواز مرغک [illegible] از حسن سرشار یک دلبر ملاحت یار، و الحاصل از هر بدیعهٔ حسن طبیعت متأثر و متحسس گردد. و این تأثرات و تحسسات خود را خواه به نثر، خواه بنظم ترجمه کند.

غزل

معارف

ای نوعروس علم ز بستان معارف
جهدی کن و بشو تو سخندان معارف

جمع است معارف گر شده جمع زعرفان
شو بهره ور از مفرد عرفان معارف

گر معرفت حق بودت مقصد و اقدام
این جنس بیابی تو بدکان معارف

ور آرزوی ثروت و مسعودی دنیا
باشد هوست یابی ز احسان معارف

گر بهر دو بود مقصدت ای معرفت آگاه
یابی بکف آنها ز جیبان معارف

شد جوهری جنس معارف تو بقیمه بین
بشناس بقیمه قدر نمایان معارف

(محمود) شناسائی هر چیز بدنیا
مبنی ست و بر پایهٔ ارکان معارف

ناموران زنان جهان

مابعد از نمبر ۹

(آدلاییده) — دختر (رودولف دوم) است که از پادشاهان(۱) بورغونیا بود. پدرش رودولف میخواست که ملک ایطالیا را از دست (بورنغ) نام حاکم(۲) (پرووانسه) ضبط کند ولی بنابر معاشقهٔ (ادلاییده) و پسر بورنغ مذکور که (لوتر) نام داشت رودولف به ازدواج دختر خود روی رضا نشان داده و از نظری که داشت صرف نظر نمود. بعد از وفات (لوتر) مذکور ملک ایطالیا را (برانژه) نام حکمداری ضبط و استیلا نموده خواست که (ادلاییده) را به پسر خود (آدالبر) بدهد ولی ادلاییده از عشقیکه بشوهر متوفای خود داشت باین امر راضی نشد. باین سبب (برانژه) مذکور اورا در یک قلعهٔ محبوس ساخت. تا آنکه پسانها (البرتو آچو) که پرنس یعنی شهزادهٔ ملک (کانوسه)(۳) بود اورا از محبوسیت رهائی داده و در تاریخ (۹۵۱) میلادی با ((اوتون)) نام پادشاه (ساکسن)(۴) ازدواج نموده و بسبب این ازدواج خود حق ضبط کردن ایطالیا را به اوتون مذکور بخشیده است. در زمانیکه نوبت حکومت به نواسه اش (اوتون سوم) رسید نیابت

فاجعه‌های پاریس

مابعد از نمبر ۹

یک، دو، ده، پنج کاغذی در جیب دارم. اگر در شب دزدی یا شقی بر من حمله کند به بسیار خوبی مقابله خواهند دید. آیا حالا خاطرت جمع شد؟ پس با امان خدا من میروم.

— رجا میکنم یک کمی توقف کن. بهمین یک سخن دیگر مرا بشنو. آدمیکه این اوتاق مرد را بما کرایه داده دیروز در پیش دروازه مرا گرفت.

— خوب، چه میخواست؟

— چنان معلوم میشود که گویا پانزده روز کرایهٔ خانه باو قرض دار هستی. حریف پیسهٔ خود را میخواهد.

— اوهم مگر یک حیوانی بوده!...

— بمن گفت که پیش تو خواهد آمد. اما تا به این وقت هم که نیامده نمیدانم از چه سبب است؟ هرچه که باو گفتنی باشی بگو. مرا از شر آن رهائی ده. زیرا از شر صداهای بسیار هلاک میشوم. رجا میکنم پیسه اش را بده.

— اگر چه امشب ادا کردن این قرض ممکن نیست. ولی فردا بهر حال ادا میشود. هم فردا از این سفالت‌خانه برآمده در یک محل بسیار با صفا و دلکشائی در یک خانهٔ بسیار لطیف جابجا میشویم. هیچ اندیشه مکن غم نخور. فردا انشاءالله موافق شرف اصالت خاندانی خودت یک خانه برایت پیدا میکنم.

— معلوم میشود که از یک جائی بدست پیسهٔ بسیاری می‌آید؟

کوچکی سنش او مدت ده سال نائبهٔ حکومت نواسهٔ خود شده به ادارهٔ حکمرانی ملک بصورت بسیار حکیمانه و دیندارانه کامیاب آمده است. و در سنهٔ (۹۹۹) میلادی وفات یافته است. ملت نصاری این زن را از (عزیزه ها) یعنی پیشوایان و بزرگان دین خود شمرده و در هر سال شانزدهم ماه کانون اول افرنجی یعنی (جدی) مراسم آئین و دعای آنرا اجرا میکنند. بسبب زوجهٔ دو پادشاه شده بوده و مادر کلان یک پادشاه از آنرو بلقب مادر دولتها ملقب شده بود.

بنام (سنت آدلاید) یک عزیزهٔ دیگر نیز در نصاری موجود است که دختر (کونت ملذوس ایتالیا) و در کلیسای بزرگ (نوتردام) کلانتر راهبه ها بود. و در تاریخ (۱۰۱۵) میلادی وفات یافته است.

به این نام یک چند زن دیگری نیز هست که بخاندان شاهی فرانسه منسوب میباشند.

(آذرهمایون) — یک ساحرهٔ بود که در آتشکدهٔ اصفهان خدمت میکرد. نظر بروایت (مشاهیر النسا) نام کتاب مرقومه از نسل سام نریمان بود که از اهل فرس قدیم است. آذرهمایون چنانچه در سحر و ساحره‌گی خود کمال داشت بهمان حسن و جمال بهره وافری را نیز مالک بود. (اسکندر یونانی) مرقومه را به انیس خود حکیم (بلیناس) تزویج نمود و بلیناس سحر و طلسم را از او بیاموخت.

[باقی دارد]

علم ثروت ملک

مابعد از نمبر ۹

علماً جایز نیست (فابریک) کارخانه یعنی ماشین خانها و دستگاها را گویند که یک جماعتی بهم دست یک کرده و یا یک شخص توانگری پیسه صرف کرده یک فابریکی برای یک کار و صنعتی میسازند و اشیای خام را بدیگر اشکال و دیگر اقسام از آن بیرون می برآرند. بعضی از ارباب علم ثروت عمارت ساختن، و راه آهن ساختن، و طرق و معابر و دیگر انشاآت را یک قسم جداگانه اعتبار کرده آنرا (صنایع انشائیه) تعبیر کرده اند که باین سبب این قسم دوم صنایع یعنی (فابریک سازی) را این (صنایع انشائیه) هر دو رایکی کرده عموماً (صنایع اعمالیه) تعبیر کرده اند.

بعضی صنعت کاران اشیا و چیزهائی را که ارباب صنایع ارضیه و صنایع اعمالیه آنها را حاصل کرده اند گرفته بجاهائیکه به آنچیز لزوم و احتیاج باشد روانه میکنند که این گروه را (تجار) یعنی سوداگر و این صنعت را تجارت میگویند. اما این را هم فراموش نباید کرد که مقصد از تجارت تنها تقلبات یعنی نقل دادن

— بلی عزیزهٔ من، هم خیلی بسیار یک پیه !

— آیا آنجا خواهم دانست که کیست ؟

— آنجا یک تشبث صرافیست که پسان خواهی دانست. حالا در هر باب سخن گفتیم جانم. بس است من میروم. هم سعی میکنم وقت تر عودت کنم.

فلوتیلد رفتن غوتتران را بسوی دروازه دیده یک صدای لرزان و با اهتزاز گفت :

— غوترت هم پیدائی گونتر ز من یک پیسه‌ام هم نمانده است

— (از دروازه پس گشته) چه گفتی؟ یک پیسه هم نمانده ؟

— بلی یک پیسهٔ سیاه هم نمانده .

— وای! مبلغی که بتو داده بودم اینقدر زود چسان خلاص شد ؟ من یک طلای فرانسوی بتو داده بودم.

— بلی یک طلا داده بودی اما پیش از ده روز.

— حال آنکه امروز من هم خیلی دست تنگ میباشم. ولی هزار شکر که آخرترین روزهای دست تنگی من هم امروز است. فردا بهر حال توانگر می شوم یک امشب را با همین چند پیسه گذران بکنید. زیرا زیاده ازین داده نمیتوانم.

غوتتران این را گفته، و یک فرانگ از جیب خود برآورده بر میز انداخت و بسرعت تام از دروازه برآمد. این وقت ساعت شش بود که یک چند دقیقه بغروب باقی مانده بود.

[باقی دارد]

[illegible]

یک چیزی را از جائی بجائی نیست بلکه مقصد کلی از تجارت اجرای مبادلات یعنی بدل کردن یک چیزی را بدیگر چیزی میباشد .

زراعت ، یک صنعتیست که در روی زمین بسیاری از نفوس بنی بشر به آن مشغول میباشند . منشأ ومنبع همه اشیای زمین است . هر نوع احوال بشریه بر روی زمین بواسطۀ خود زمین اجرا میشود . همه انسانها وحیوانها را از زمین می پرورانند . زیرا حیات شان بر چیزهائیست که زمین آنرا می برارد . اما زراعت از روی تاریخ اقدم ترین صنایع شمرده نمیشود . اقوام مختلفۀ بشر پیش از آنکه اجرای فلاحت وزراعت بکنند به صید وشکار تعیّش ورزیده اند . وبعد از آن بصنایع اعماریه آغاز کرده اند که وجود بیل وتبر وکلنگ شاهد عادل آنست ودلیل کلیست براینکه صنایع اعماریه پیشتر از صنایع ارضیه ظهور نموده است .

اما ترقی کردن صنایع اعماریه بر در پسی زمانها بسر آمده است . زیرا اکثر شدن وبیشتر شدن صنایع اعماریه به افزونی یافتن نفوس اهالی ، وبوسعت وتعدد یافتن احتیاجات بشریه وانتشار و ترقی مدنیت محتاج است . صنایع اعماریه در تاریخهای پیشتر ازین با صنعت زراعت یکجا اجرا میشد ، ومردم مخصوصی که ارباب آن صنایع باشند نبود . بلکه کشتکاران در وقتهای خالی وبیکاری خود شان پوشاک بسیار غلیظ خود شانرا که در بر میکردند ، واشیای عادیکه استعمال میکردند بوجود می آوردند . حتی این حال امروز نیز در بسیار جاها مشاهده میشود .

صنایع اعماریه بعد از آنکه محصولات ارضیه بسیار زیادتی کرد از زراعت جدا شده وحکم یک صنعت مستقلرا گرفته توانسته است که آنهم بعد از بنا یافتن شهرها وقصبه وجمع آمدن مردمان در آن بوجود آمده است .

آمدیم بر تجارت : فایده های اینهم از فایدۀ دیگر صنعتها پس نمانده . صنف تجار در مابین جاها ، وشهرهای مختلف به مبادلۀ حاصلات توسط یعنی میانجی گری میکنند . اگر هرکس بهزارها رقم چیزهائی راکه بآن محتاج است راه راه

[باقی دارد]

سخنهای هر رقم

نسخه های فایده نما

قاعده برای نگهبانی اسلحه یعنی یراق از زنگ

گل گوگرد یا خاکی که برای جلا دادن استعمال میشود برابر وزن همدیگر یکجا باهم بیده کرده وباتیل زیتون واگر نباشد باتیل شرشم آمیخته یک پارچه چرم سفید نازکی که برای پوشش ساعت (جیبی) ویا پاک کردن عینک وبعضی دستکش ها استعمال میشود در آن تیل مخلوط غوطه داده جائی راکه زنگ گرفته باشد باآن بمالد . بعد از آنکه زنگ پاک شد یک تکه نه را در تیل خالی یا در ازبین غوطه داده سلاح را بخوبی باآن روغن بدهند . هیچوقت اسلحه تا زنگ نمیزند .

قاعده برای گرده برداشتن تصاویر از روی کاغذ

کاغذیکه میخواهید بران گرده یک تصویر ونقشی را بردارید آن کاغذ را بروی تصویر ویا نقش بگذارید ویک قدری پنبه را گرفته در تکه (بانزین) یعنی تیزاب سیاه [illegible] خالص غوطه داده وبر کاغذ کرده بران بربمالید . چنانکه کاغذ شفاف پیدا کرده نقش وتصویر را بران گرده میکنید . قاعده دیگر برای این کار این است که تیل شرشم وتیزاب [illegible] بمقدار مساوی یعنی برابر همدیگر باهمدیگر آمیزید وباز بطوریکه پیش ازین گفته شد با پنبه بروی کاغذ بمالید وبقدری بگذارید که کاغذ خشک شود بروی تصویر یا نقش مانده گرده تصویر را میگیرید .

قاعده برداشتن لکه چربی از جامه

لکه چربی [illegible]

[illegible]

چه مقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف سرمحرر تحریر یافته

مدیر وسرمحرر سراج الاخبار افغانیه

بسعی واهتمام الحاج عبدالخالق پسر قاضی [illegible] افغان [illegible] در دارالسلطنۀ کابل
بقلم میرزا محمد جعفر قندهاری
طبع شد

نگران
رئیس آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی
علی احمد

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیهٔ کابلی
در اطراف مملکت با خراجات ڈاک ۱۲ روپیهٔ کابلی
در خارج مملکت با خراجات ڈاک نیم پوند انگریزی
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یک عباسی است
تاریخ عربی ۵ ربیع الثانی ۱۳۳۰

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

ادارهٔ اخبار و مطبعه
در ماشین خانهٔ دار السلطنهٔ کابل

جمیع امورات تحریریه به ادارهٔ اخبار
بنام مدیر فرستاده میشود

هر پانزده روز یکبار نشر میشود
تاریخ شمسی ۱۵ حمل ۱۲۹۱

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

قلعة السراج لمقان — حوادث کابل — حوادث خارجیه
مقالات مخصوصه اتحاد اسلام — عالم جاپان — مقالات مختلفه
ادبیات — ناموران زنان جهان — علم ثروت ملل
فاجعه ای پاریس

قلعة السراج لمقان

یکی از ملکهای گرمسیر حاصل خیز بسیار پر آب و شاداب ممالک محروسهٔ دولت قوی شوکت خداداد افغانستان حاکم نشین ملک (لمقان) است. وضعیت اراضی (لمقان) زمین یک وادی مستطیل سبز و خرمیست که کمتر از جهت شرق بسوی غرب ممدود شده است. اطراف این وادی سرسبز اکثر با کوه های پست و بلندی احاطه نموده که من حیث المجموع یک منظر بسیار سبز خوشنمائی نشان میدهد. مزروعات این وادی اکثر برنج شالی کاری یعنی (برنج) منحصر است اگرچه دیگر مزروعات مانند گندم و جواری و جو وغیره را نیز بسیر میسازند ولی محصولات عمدهٔ زمینهای لمقان زمین برنج است.

وادی سرسبز لطیف لمقان را دو آب بسیار مصفا درخشانی آبیاری میکند که یکی نهر درهٔ (النگار) و دیگری نهر درهٔ (الیشنگ) میباشد. آب درهٔ النگار از جهت شرق شمالی لمقان از چشمه سار های کوه های دور دست آن سمت بسوی غرب گشته روانست که در حدود قریهٔ (قرغئی) با آب درهٔ الیشنگ که از جهت دره های سمت شمال غربی موقع مذکور می آید باهمدیگر آمیخته بدریای بزرگ مسمی به (نهر کابل) می آمیزد.

در محل واسع ترین این وادی در مابین دو آب نهر النگار و الیشنگ بر یک زمین صاف و هموار در نقطهٔ دخل هر دو دره (قلعة السراج لمقان) بنا یافته است این بنا یکی از بناهای بسیار مهمه ایست که ذات اعلیحضرت (سراج الملة والدین) پادشاه معظم مقدس ما از نقطهٔ نظر بسیار فایده ها به تعمیر و بنیاد آن فرمان نموده اند.

اولاً نظر به اهمیت موقعیه که ایالت لمقان زمین دارد وجود همچنین یک قلعهٔ مستحکم عسکری ضروری دیده میشد. بواسطهٔ این قلعه چنانچه دره های عجیبه و غریبهٔ متعدده که به (نورستان) که سابقاً معروف به (کافرستان) و باز تا به (چترال) ممدود شده رفته است در زیر اهمیت گرفته شده همچنان ولایت جلیلهٔ حاکم نشینی جلال آباد را نیز از جهت شمالی تقویت داده است.

ثانیاً: بعد از بسته شدن پل جسیمهٔ (درونته) بر نهر کابل که ولایت جلال آباد و لمقان را از همدیگر جدا کرده بود و جهت یک ارتباط

و اتصالی در مابین دولتین مذکور بوجود آمد. و چون ذات اعلیحضرت شاهانه موسم زمستان را هرسال در جلال آباد امرار میفرمایند، و در اثنای اقامت شاهانه در جلال آباد ولایت لغمان زمین و درّه های عجیبه و دلنشین آن نیز در دایرهٔ جولانگاه و سیر و سیاحت همایونی طبعاً داخل میباشد از آنرو یک مرکز حاکمانه، و یک مطرح شاهانه درین نوع الزم و اهم شمرده میشد. بنابرین ذات اعلیحضرت شاهانه تأسیس و بنیاد این بنای بسیار بدیع (قلعة السراج لغمان) را پیش از دو سال اراده و فرمان فرموده، و درین وقت اکمال و اتمام یافته است.

نقشهٔ معماری این بنای عالی را نیز مانند دیگر ابنیه های عصریهٔ همایونی خود ذات اعلیحضرت شاهانه بزیر نظارت همایونی خود کشیده، و یک بنای بسیار متین و دلنشینی که جامع الصفات رزم و بزم است بوجود آورده اند.

حالا این بنای محتشم را بقدریکه از مشهودات پارساله سفر خیریت اثری که بشرفیابی همرکابی اعلیحضرت شاهانه آنرا دیده، و نقش پذیر خاطر قاصر مانده، در نظر قارئین کرام تصویر و تعریف کردن میکوشیم:

این قلعه مرکب از دو سور یک بر دیگری داخل میباشد که یکی سور خارجی، و دیگری سور داخلیست. از یک دروازهٔ بزرگ طوپ رو، که بسوی شمالی قلعه باز شده است داخل قلعه میگردیم. در مابین دیوار این قلعه و دیوار قلعهٔ داخلی یک میدان صاف و هموار با فضائی از هر طرف موجود است که برای تعلیم و قواعد عسکری مساعد میباشد. دیوار قلعه خیلی متین و بنای یک دیوار که از قد آدمی بسیار رفیع با سنگ و چونه بالا شده است، و بعد از آن از خشت. از همین دروازهٔ مذکور باز از یک دروازه بقلعهٔ داخلی میدرائیم این قلعهٔ داخلی بمقام ارگ قلعة السراج قائم است. دیوار این قلعهٔ داخلی نیز مانند دیوار قلعهٔ خارجیست. از دروازهٔ که انسان داخل میشود اول چیزی که نظر دقت را جلب میکند همانا قصر مخصوص عالی بسیار ظریف و خوش نماست که در مواجهه مدخل قلعه یعنی در منتهای سمت جنوبی قلعه واقع شده است. این بنا مشتمل و از جنس یک عمارت بلند دو پوشه ایست که بطرز عمارات جدیدهٔ یوروپی بنا یافته و مرتب از بسی دایره های متعددیست که هر دایره، از خود اتاق نشیمن و اتاق کار، و حمام و اتاقهای خواب، و توالت و غسلخانه را حاوی میباشد. دالانهای بسیار فراخ با فضای خوش نما، و دهلیزهای متوازی طولانی با صفای این عمارت جان افزا حقیقتاً خیلی دلنشین افتاده است. اول از یک زینه که بر آنجا کفشکن مانندی که بچهار قد زینه از سه طرف دارد داخل یک دهروی طولانی و فراخی میشویم که از طرف یمین و یسار این دهلیز دو دروازهٔ که پیش ازین مذکور گردید باز میشود. و دو زینهٔ سهل الطلوع بلندی از دو طرف دهلیز مذکور، بطبقهٔ پوشش بالائی عمارت میبرآید. طبقهٔ بالائی نیز عیناً مانند طبقهٔ زیرین بحجره ها و دالانها و دهلیزها وغیره تقسیم شده که من حیث المجموع این عمارت جان فزای با صفا الحق خیلی لطافت و شیرینی بهم رسانیده است. علی الخصوص چون از پنجره های بیرون برآمدهٔ اطراف طبقهٔ بالائی یک انسان متفکر به اطراف و جوانب یک نظر دقیقانه ببیند از دو چنان لوحه های شاعرانهٔ طبیعت برخورد که مدهوش میماند. از جهت شرقی وادی سرسبز لطیف درهٔ الینگار را با همه مناظر بدیعهٔ مزروعات شالی وغیره در میان تپه های پست و بلند دو جانب خود تا کوه های پربرف دور دستی که از مسافهٔ بسیار دور بنظر میخورد ممدود شده رفته است. از جهت جنوب تا به قریهٔ قرغه‌یی یک میدان با فضائی را بنظر جلوه میدهد که سرک پختهٔ متین موتر رو جلال آباد مانند یک خط مستقیم که بر یک کاغذ سبزی کشیده شده باشد در آن میدان تمدید یافته، و یک پل بسیار جسیم پخته و منقش از روی نهر الینگار مرور نموده، و از نظاره گاه پوزه های قرغه‌یی نهر مذکور را تعقیب نموده در بعد مسافات از نظر غایب میگردد. از جهت غرب تپهٔ خوش نمای مسمی به (تپهٔ لیلی) و باغها و مزروعات دامنهٔ آن بنظر می آید. و از جهت شمال درهٔ بسیار ممدود و مزروع پرآب (الیشنگ) نظر ربائی دارد.

حالا بر دیگر تفرعات این قلعهٔ داخلی رجعت مینمائیم: در جهت غربی قلعه غیر از دو دایرهٔ مستقله که برای شهزاده گان کرام بنا یافته بیت الخدمه های بسیار مکمل متعددی را نیز حاوی است و در وسط دلی بحقدری که بجهت شمالی قلعه گفته یک مسجد بسیار خوش ترکیبی بنا یافته است. جهت شمالی قلعه را نیز بیت الخدمه ها فرا گرفته میباشد. برای این بیت الخدمه ها یک حمام بسیار مکمل و ظریفی نیز ساخته شده است. جهت جنوبی قلعه را حرمسرای شوکت احتوای همایونی که بسیار زینت و آراستگی میباشد شامل است. این حرمسرای شوکت احتوا نیز بسی دایره ها و بیت الخدمه ها و دالانها و حمام ها وغیره را در یک حویلی فراخ و با صفائی در بر دارد.

این است شمهٔ از احوال (قلعة السراج لغمان) که بدرجهٔ باقیات نقش و تصویر توانستیم. از درگاه الهی نیاز مینمائیم که بسی سالهای بسیار بکمال شوکت و اجلال و تمام صحت

و اقبال این قصر عالی اساس آن تفرجگه دم بهشت لزوم این پادشاه مقدس همایون فال معمور و آباد، و رشک آور امصار و بلاد باشد. آمین.

هوای کابل

فرحت و نشاط بهار صفوت نثار دم بدم لحظه بلحظه خاصیت روح القدسی خودش را بکار میبرد. اسرار معجز آثار (یحیی الارض بعد موتها) در هر طرف ظاهر و آشکار میشود. حیوان، نبات، جماد، هر کدام جدا جدا سرمست باده نشاء مسرت اند.

میلهٔ آن جمعه که عادتاً یک هنگامهٔ جشن پرجوش و خروش استقبال بهار شمرده میشود باختتام رسید. جمعهٔ گذشته رسماً اجرا گردید. چنانچه دو روز قبل ازین از طرف سر رشتهٔ تشریفات بهمه مردمان اهل دربار خبر داده شده بود که صبح روز جمعه با لباسهای پورهٔ درباری خود در گل خانهٔ ارگ مبارک حاضر شوند. بیازده و نیم بجه جناب شهزادهٔ والاتبار سردار (حیات الله خان) نائب الحکومهٔ ولایت قطغن و بدخشان با همه ارکان و اعیان و صاحب منصبان نظامی و ملکی بسواری اسپان صبا رفتار در موقع جشن واصل گردیدند. درآنجا از طرف عساکر نظامی اردول، و کوتوالی، و شاگردان مکتب حربیه، رسم سلام اجرا گردید. شامیانه ها و خیمه گاه های مقام دربار بکمال انتظام آراسته و پیراسته بود. چایها، شیرینیها، طعامها مبذول و رایگان بود. موزیکهٔ عسکری و دیگر سازهای برقی، داربازی، اسپ دوانی وغیره لعبیات اجرا میشد. درانجا یک شوق و ذوق و مسرتی که به بیان نمی آید.

نماز جمعه با یک جماعتی که از پنج ششهزار آدم زیاده متشکل بود ادا گردید. بدعای نصرت دین مبین اسلام و دوام سلطنت قوی شوکت افغانستان وصحت و اقبال پادشاهی به انجام رسید. تا بساعت چهار بجهٔ روز بکمال خوشی و فرحت مسرت جشن مذکوره دوام نمود. والحمد لله هیچ یک وقوعات و حادثهٔ ناگواری دران روز ظهور ننمود.

* * *

حوادث خارجیه

اردوی عسکری ایران

رفیق ما اخبار (طنین) مطبوعهٔ استانبول نقلاً از مجموعهٔ (رِه وُو دُو مُونْد دُو لمان) در باب اردوی عسکری ایران چنین مینویسد:

دولت ایران برای اردوی عسکری خود خیلی کم پیسه خرج میکند. افسران و نفری بیچاره تنخواه خودشانرا منتظماً گرفته نه و ازین سبب همه روزه درمیان عسکر درهمی و بی‌نظمی بظهور می آید. نفریها اسلحهٔ خود را [illegible] افسران و نفریهای عسکر ایران بیک صورت [illegible] هیچ انتظام و خوش صورتی ندارد. هیچ شبهه نیست که معلومات عسکری اینچنین اردو نیز مشکل تواند بود. تکلیف خدمت عسکری در ایران بر همه عناصر و همه اهالی یکسان شامل نیست. زیاده تر از طرفهای (آذربایجان) عسکر گرفته میشود. خدمت عسکریه تنها بر مردمان دهاتی افتاده است. خانواده های توانگر باک ندارند یک کمتری استعداد داشته باشند خودشانرا بهر صورت از عسکری رهائی داده میتوانند. تنخواه عسکر سه چند از وه تا بیست تومان یک معاش گرانرا در سال یکبار سه چند، و یا آنکه بعوض آن [illegible]

میبینند ، ولی این هم بدست کارداران مانده ، نظرهای بیجا به از آنهم محروم میمانند . عسکر ایران بسبب اینکه از جیره و اجوره محروم اند ، بصورت دائمی بخدمت عسکریه اشتغال کرده نتوانسته برای خود دیگر مشغولیتها نیز جستجو میکنند . این مشغولیتها هرچه زیاد شده از طرف حکومت نیز اجازه داده شده و در پی منع آن کسی گوش نمیدهد . مثلا بسیار عسکرها دیده میشود که در بازار بقالی ، سقائی ، موچیگری ، مشغول میباشند عسکر ایران غیر از عسکری بدیگر خدمتها نیز استخدام میشوند ، واز تنخواه‌های جمع آمده این گونه عسکر یک حصه برای حکومت نیز فائده میشود .

عسکر طوپچی ایران یک منظره فلاکت دیگری نشان میدهد : در ایران به هر طوپهای موجوده که هست دو صد طوپ است . قسم اعظم آن برنجی و دهن پر میباشد . این قسم طوپها جان طوپهائیست که از طرف ملکه (کاترین دوم) روسی به دولت ایران هدیه داده شده بود و از آن زمان تا بحال حکومت ایران به تبدیل دادن آن طوپها ضرورت و لزومی ندیده است . اگرچه طوپهای طرز جدید نیز دارد ولی من حیث المجموع طوپچی ایران هیچ یک قیمت عسکریه دارا نیست .

در ایران قلعه‌ها استحکامات جدید موجود نیست . بعضی خرابه‌های قلعه‌های قدیم ، و قلعه‌های دیوار گلی موجود است که با این قلعه‌ها استعدادات خارجی پایداری کردن محال دیده میشود .

این است که دولت ایران در وقت حاضر با چنین اردوئی که تا یک درجه وصف کرده شد یک حالی بود که نه در داخل و نه در خارج خود ، مدافعه و محافظه توانسته ، و به چنین حالی بود که به انقلاب مشروطیت پرداختند ، حال آنکه از همه چیز پیشتر آراستگی و اصلاحات اردو لازم بود . ما این را هم بگوئیم که اصلاح کردن اردو هم یک مسئله بی اهمیتی نبود ، چونکه در زمان حاضر برای اصلاحات عسکریه چه لازم است که ایران از آنهم محروم بود ، احوال مالیه ایران یک منظره بسیار بدی نشان میداد .

غیر از این اردوی عسکری که از جهالت اشتغال آن بقدری بحث و بیان نمودیم یک غند قوت عسکری دیگری نیز موجود بود که این غند ، بهیئت عساکر نامه بعضی از دول اروپا است ، و این غند از طرف روس تشکیل و تعلیم و تربیه یافته بود . این غند در طهران در جوبهای منظم زندگانی میکردند ، و تنخواه خود را منظم و بوقت معین میگرفتند ، و تماما با اصول و قواعد و ورزش و لباس عساکر اروپا تربیت و پرورش یافتند ، اما هزار افسوس که این عسکر هیچ بدرد ایران دوا نمیشد . زیرا اولا آن عسکریه بصورت تعلیم و تربیه شده بود که با روس جنگ بکند ، این عسکر تعلیم یافته تنها برای سیاست داخلیه بطرز نمایش تربیه شده بود نه برای جنگ .

این است که ایران در چنین حال بیقوتی و بیقدری به اینهمه فلاکتهای خارجی و داخلی گرفتار آمده ، استقلالش به تزلزل در آمد . قوت و سطوت هر دولت خواه در داخل خواه با خارج بقوت عسکریه و اسلحه ناریه موقوفست ، هم بسیار موقوفست ، زیرا در زمان حاضر احکام مجرده‌ی معاهدات ، و قوانین موضوعه حقوق دول در دست قوه اجرائیه یک ملک اتفاق داده که بنای آن ملک بر زور و قوت گذاشته شده ، و پامالی حقوق و شکستن عهد برای منفعت مصلحت از مودهای مرفوعه آنست . [ترجمه]

حکایتهای محاربه

یکی از افسران نظامی عثمانی که در (جباته) موجود است برای یک رفیق خود چنین مینویسد :

« در روز دهم کانون اول گذشته زره‌پوشهای ایطالیان در پیش گاه جباته دیده شد . زره‌پوشها آهسته آهسته به ساحل نزدیک میشدند . از طرف قوماندان امر دوامی جمع و رجعت داده شد . عسکرها آهسته آهسته بعقب کشیدن آغاز نهاد ، منهم اسپ خودم را حاضر کردم در اثنائیکه تهیه و سگرت خودم را میکشیدم طوپ اول کشتیها فریاد نمود ، فوراً بر اسپ سوار شده خود را پس کشیدیم ، دشمن خائن غدار با وجودیکه رخصت خانه بیرق هلال احمر کشیده شده بود باز هم بر خسته خانه‌ئی گلوله‌ها باراندند ، و عجیب تر اینست ، و به صحرا الحمد ریزی کردند ، ولی هزار شکر که گلوله‌ها از سرما گذشته هیچ نقصانی بما نرسانید . آهسته آهسته از تیررس طوپ بیرون برآمدیم . تمام بیست فیر کردند . اما چه کرده میدانید ؟ خنده مکنید ! یک موش بیچاره را کشتند . چونکه مرده آنرا در میان ریگها یافتیم ولی آنهم پاره پاره شده بود . بمهارت و کمال طوپچی‌های ایطالیا هیچ جای انکار نیست ، یک غمی را آنقدر آسیبی رسانیده ، نتوانستند ، ما هم حاضر شده‌ایم .

تصویر این حکایت بنظم

۱
در زمین [illegible]
دو ازیشان تیز هوشی بوده

۲
گفت از روی غرور و خوش
[illegible] سر جانا بیش

۳
بست ایطالیا [illegible]
[illegible]

۴
بهر دادم که برو دو تو
[illegible]

۵
گفت آن شه [illegible]
[illegible]

۶
جنگ ایطالیا [illegible]
[illegible]

۷
گفت شه [illegible]
[illegible]

۸
برزد و در پیش شمشیر زرد
[illegible]

۹
بوده [illegible]
که بیاید [illegible]

۱۰
کرد برخواست [illegible]
[illegible]

۱۱
چون که [illegible]
[illegible]

۱۲
[illegible]
کرده بود [illegible]

۱۳
گفت [illegible]
[illegible]

۱۴
[illegible]
[illegible]

۱۵
[illegible]
[illegible]

۱۶
انتقام [illegible]
[illegible]

انتها

ملاقات با صوبه دار (مونتاگو)

رفیق ما (ضنین) بنویسد: — جناب صوبه دار (مونتاگو) که یکی از افسران اردوی انگلیس است و در طرابلس غرب بحرکات عسکریه با مجاهدین عثمانیه اشتراک ورزیده [illegible] در شهر ما [illegible]. دیروز یکی از محررهای خود را در نزد این افسر انگلیسی [illegible] فرستاده بودیم. مشار الیه چون در وقت رسیدن محرر ما آماده رفتن برای ملاقات ناظر حربیه بود بعضی سؤالهای مختصر محرر ما را جواب گفته توانسته است:

وقتیکه خبر [illegible] ما [illegible] سؤال نموده گفته است: که این از سبب احوال [illegible] پیش آمده و اکثر [illegible] با او صحبت کرده اند و بعد از آنکه [illegible] و بعد در طرابلس دیده و زیارت کردن [illegible] را نیز [illegible] است. بعد از آن از مزایای عسکریه و [illegible] (نشأت بیگ) و (فتحی بیگ) [illegible] بیان کرده گفته است:

«برای حرکت کردن [illegible] افسری [illegible] عسکر شدن یک شرف بزرگی شمرده میشود»

مستر (هربرت مونتگو) که یکی از صوبه داران اردوی انگلستان است و در طرابلس غرب به اتفاق عساکر مجاهدین اسلامیه با ایطالیاها جنگ کرده است، در ضیاء به استانبول آمده و در اوتل (پرا پالاس) نزول نموده است. دیشب هشت نفر از افسران مکتب حربیه صوبه داران صنف اول (فریدون بیگ) و (حیدر بیگ) و از صوبه داران صنف دوم (ناجی بیگ) به اوتل رفته مستر مونتگو را با بسیار عزت و احترام بمکتب حربیه مهمانی آوردند. و احترامات مخصوصه در باره او در مکتب بجای آوردند. فردا پس فردا بشرف مستر موصوف ضیافتها و مهمانیها فوق العاده داده میشود. مستر هربرت مونتگو در دایره مخصوصی که در مکتب حربیه برای او تخصیص شده بقدر بیست روز مهمان خواهد ماند.

دیگر — در جنوب انگلستان زلزله بسیار شدیده و دهشتی بوقوع آمده که تلفات و ضایعات مالی و جانی بسیار و خسارات عظیمه را موجب گردیده است.

دیگر — از پترسبورگ از تبریز خبر رسیده که والی سابق تبریز جناب (ضیاء الدوله) که به قونسولخانه انگلیس التجا برده بود در قونسولخانه مذکوره (انتحار) یعنی خودکشی کرده است.

حکایتهای محاربه

مکتوب یکی از افسران جمعیت هلال احمر که رسیده:

از بهر نشر شماره از جسارت و شجاعت فطریه عربها و غیرت حربیه آنها خبر میدهیم. زیرا شایان حیرت ترین شجاعتها بعضی مسئله‌ها باشد. بلی، عربها آنقدر جسور و آنقدر شجیع هستند که اگر ان انبار [illegible] بیه بهادری و مردانگی شان را درک کرده نمیتوانند. مهارت و اقتداری که عربها در سوارکاری و سلح شوری دارند بسیار عجیب است. وقتیکه در دفعه ما را استقبال میکردند نمایش با اسب دوانیها بسیاری اجرا کردند. در این اسب دوانیها مهارت سوارکاری و سلح شوری شان نمایان میگشت. عربها اسبهای خود را به شتاب و آنکه بر آن سوار بودند بیک سرعت فوق العاده میدوانند. در اثنای شتاب تاخت و تاز کارطوس را در تفنگ می اندازند. هدف را نشان گرفته آتش میکنند. باز کارطوس خالی را می پرانند. و دیگر کارطوس پر کرده آتش میکنند. اما چیزیکه شایان حیرت است این است که در اثنای دویدن آخرترین چابکدوی اسب [illegible] که

می اندازند و درصدی نود ونه آن بر آماج برابر میخورند ! بخوبی میدانم که اگر این چیزها را بچشم خود نمیدیدم هیچگاه باور نمیکردم . پیاده های شان نیز در چستی و چالاکی و نشان اندازی بدرجه سوارشان سریع و چالاک است . از همه عجیب تر شجاعت و دلاوری (زنان) آنجاست ! اگر بگویم که هر یک از آن خواتین صحرا یک شیر میدان وغاست هیچ مبالغه نخواهم گفت . و اگر بگویم که هم از سواره و هم از پیاده فایق تر اند بلکه تاکید جبهه آنها را بشان بصورت راستی سعادت ذکر کرده خواهم بود . زنان اینجا در میدان محاربه دائماً پیشتر از مردان خود حرکت میکنند . زیرا زنان بمقام موزیکه عسکر بعربها شمرده میشوند . طایفهٔ لطیفهٔ زنان دسته دسته با تیغ و خنجر مسلح بوده و با صداهای خوش طنین خودشان آوازهای (لو لو لو . . . .) که آنرا زنان عرب شامات (زلاغیت) و زنان اینجا (زغراد) میگویند ولوله انداز حمیت و شوق و غیرت شده بمحاربه اشتراک مینورزند . از زن و مرد بعضی با چوب و سوته نیز بمیدان حرب میایند از یکی از این عربهای سوته دار پرسیدم که : (آیا با چوب و سوته بمقابل طوپ و تفنگ جنگ میشود ؟) جواب داده گفت : (اگر بی تفنگ برویم ، بی تفنگ بر نمیگردیم . زیرا در اثنای حرب تفنگ داران ، البته بسیار دشمن را میکشند . ما هم اسلحه و جبه خانهٔ آنها را گرفته مسلح میشویم و بعد از آن مستقیماً بمحاربه دوام میورزیم .) یک چیز عجیب دیگری که از عربهای اینجا دیده ام این است که مطلوب یگانهٔ آنها چنین است که با هر گلوله که میاندازند باید بهمه حال یک دشمن را بر خاک هلاک بغلطانند . و از آنست که اگر هر قدر کارطوس بسیار و فراوانی هم داشته باشند باز هم گلوله خود را بیجا نمی اندازند . اسراف کارطوس فشنگ را بیهوده گناه و بزرگی می شمارند . بهمه حال باید که با یک گلوله اگر دو نفر را کشته نتوانند یک نفر را بکشند . از همین جهته که زخمی کردن دشمن هم قناعت نمیورزند . بهمه حال کشتن میخواهند . ازا انرو برای نزدیک شدن بدشمن تا به دو صد قدم نیز هیچ پروا نمیکنند . و حتی از زنان بالا دشمن را آماج میکنند اکثر سینه و کلهٔ دشمن را نشان میگیرند . و اگر بدانند که گلوله شان نمیخورد هیچگاه گلولهٔ خود را نمی اندازند . و از آنست که مجروحین ایطالیا در صد نود شان میمیرند . بمقابل این قدر نشان اندازی عربها اسلحهٔ آخرترین سیستم های ایطالیا هیچ کاری از پیش برده نمیتوانند . گلوله های ایطالیا که از دست های لرزان ترسان شان انداخته میشود بیهوده بیهوده به اینطرف آنطرف می افتد ، و تاثیر نمی بخشد . عربها به این گلوله اندازی ایطالیانها عادت گرفته اند . و از این است که از هجوم بردن در داخل منزل طوپ هیچ پروا نمیکنند . دیگر اینکه اصول محافظه کردن خودشان را نیز از زنان گله ها خوب آموخته اند . این است که چون این چیزها را در پیش نظر محاکمه بیاریم معلوم میشود که از ایطالیانها چرا نسبت بمسلمانان تلفات و ضایعات شان بیشتر بوقوع می آید .

⁂

زن پرستی فرانسویان

تخیلات یک بزرگ فرانسیسی

برگه (لاپورت) بجرأت میگوید : اگرچه تا یکدرجه پیر شده ام ولی با وجود آنهم اگر حرکت سر انگشت یک زن نوجوانی مرا از نیش یک سوزن کوچکی گلوله شدن امر کند بمانند یک شعبده باز که از چنبر تخته بازی میپرد به برابر آن چستی و چالاکی میورزم . اما این را هم بگویم که به این لقب زن پرستی تنها من منسوب نی بلکه تمام فرانسه ازین لقب عشق کسب فیض معرفت برده اند . ما فرانسویان ، در میان موجودیت آدمیه نقطه ای از زمین خطه اروپا یک لکه بسیار شوخ و شنگی شده خواهیم ماند . در خصوص زن پرستی تا عصر آینده بسیار ممتاز و منفرد خواهیم بود . حالا از همه در گذشته مثلاً تنها این فرد حقیر این قوت خیال پرور را در پیش نظر آورده احوال حسیه و روحیه آنرا ملاحظه بکنید :

من از چنان آدمانی ام که در حضور عشق یک زن فسون کار هر کار را جان نثار اند ، در وجود خود یک قوت و اقتدار بزرگی حس میکنم . خدا میداند که هرگاه در زیر نگاه یک چشم غمزه باز یک زن شوخ مشرب فتانه‌ای باشم ، و درخشیدن یک شعلهٔ امیدی از آن چهرهٔ لطیفه ، و چنان عشق انگیزانه در حق خود مشاهده کنم همانندم در خود چنان یک جسارت و دلاوری عجیبه حس میکنم که از جرم وجود من هیچ امید نمیشود . چنان یک حرارتی در وجودم شعله ور میشود که دور و پیش خود را سراسر به آتش سوختن میخواهم . همه اشیا را زیر و زبر کردن آرزو میکنم . از هر کس زیاده تر مرد و دلاور میشوم . بهترین مردمان خود را می بینم .

اما در حقیقت حال این حسیات تنها برای من مخصوص نی بلکه برای همه اردوهای عسکری فرانسه مخصوص است . هر وقتیکه بحث زن بمیدان بیاید از یک نفر چرخچی تا [illegible]

زیرا جنرالهای بزرگ جمهوری اردوی فرانسه جزو تنگ ترین ارکان مباشر التشکیل بود . البته قصه مظفریتهای اردوی فرانسه در زیر کمان افسری (ژان دارق) نام دهقان دختر نوجوان باحسن را آن شنیده باشید که دولت و ملت فرانسه را از چنگ انگلیسیان رهائی داد . این است که باز با شما شرح و بحث میکنم که اگر در محاربه سنه (۱۸۷۰) که با دولت جرمنی کردیم هرگاه همراه اردوی ما یک کمان افسر زن موجود میبود و در زیر سر افسری زن اردو جنگ میکرد هیچگاه آن مغلوبیت و شکست (سدان) بحصول نمی آمد و آن هرج و مرج هولناکی که بعد از مجروح شدن مارشال (ماکماهون) بوقوع آمد نمی آمد . و ما تا به مرکز پای تخت جرمن طراقه شاره و دهشت میشدیم حتی برای اثبات ادعاهای خود یک مثال جانداری بیان میکنم .

من در آن محاربه کپیتان ، ساده یک کپیتان بودم بر یک مفرزه عسکری که بمحافظه یک شهر خرابه که طوپهای جرمنی آنرا خراب کرده بود و در انجا خط رجعت تو ماندایی میکردم . از طرف جرمنها یک عقب گیری بسیار سخت و پرفشاری از هر طرف ذالرزده شده بودیم . از گرسنگی حال ما به آخر درجه رسیده بود . با وجود اینهم تا بر وند دیگر رسیدن ما به (بارسورتن) نام موقع لابد و ضروری بود . و اگر نسیم مرامی محو شدن ما ضروری دیده می شد . در نیوقت چون فکر میکنم حیران میمانم که ما چسان تا به آنجا گریخته توانسته ایم . و از آن بلای محشر چسان رهیده توانسته ایم . در میان تاریکیهای تیره شب دیجور آسمانی که باریدن برفها یک رنگ ابرشی را گرفته بود دوازده فرسخ یک مسافه دهشت را به گرسنگی و تشنگی و شدت سردی رو بجایی کردیم . همه شب را در آغوش گرم و شفقت همدیگر خود بسر آوردیم . سردی هوا و ثقلت برفها طاقت ز رسا تا مغزهای استخوانهای ما تاثیر کرده لبهای ما را باهم دوخته بود .

ساعت پنج بود . هنوز آن شب سرد پر برف تاریک تمام نشده بود . میخواستم که پایهای خود را یک قدری حرکت بدهم ولی در آن بقدر ذره تاب و توان نیافتم . در پیش نگاه نظرم میدیدی ما صحرا سراپا در یک وسعت بیضائی دراز شده میرفت . برفها مانند برگهای درختان بازی کرده بر زمین می افتاد . و عالم را در میان کفن های سفیدی می پیچانید . پنداشتی که دنیا همه مرده را انگار کرده است .

عسکر من مجال حرکت برای شان نمانده بود . لهذا فقط یاد کردم :

— بلا دلاوران حرکت !

عسکرها به اطراف خود دیدند . آسمان در میان یک دود کثیف برف ابرناک بود . یکی از عسکرها جواب داد :

— از اینجا آهسته آهسته بمیریم بهتر است که در همین جا بمانیم . و یکبارگی بمیریم .

با تمام شدت (ژه و روده) یعنی تفنگچه خودم را کشیده فریاد بر آوردم :

— هر کس که بفرمانی نخستین بار اصرار کند بلا مرحمت میسوزانمش !

این شدت من تأثیر خود را شان داد . مفرزه حرکت کرده پنداشتی که همه پایها مانند یک ماشین بنفس متحرک حرکت میکردند .

از مفرزه چهار نفر را جدا کرده بقدر سه صد متر پیشتر روانه کردم تا راه را باز کنند . ما از عقب آنها هم آهسته رفتار داشتیم . برف بدرجه شدت خود را افزونی داده بود که پنداشتی زنده ما را گور کردن میخواهد . طبقه سردیکه از برف بر بالاپوش های ما جمع آمده بود ما را ایک حال کاوسی در آورده بود که با آن قطعیتی شباهت غیر سانیدیم . رهائی خود را از این ورطه بدون ظهور یک معجزه امید نداشتم . و بظهور آن انتظار داشتم .

مفرزه در هر چند دقیقه یکبار بعقب خود میدیدند و احتیاط کارانه حرکت میکردند . زیرا دمبدم رسیدن دشمن را منتظر بودیم . تفنگهای ما به دوش ما آویزان مانده بود و دست گرفته نتوانستیم .

در این اثنا یکی یکبار ، نفرهای ما که پیش سر قدند یک چند قدم پس شدند . زیرا یک سیاهی در پیش روی شان پیدا شده بود . با ندم یک چاوش و شش نفر به آنطرف فرستادم و به دقت گوش نهادم که به بینم چیست . دفعتاً یک صدای بسیار تیزه آهنگدار یک زن شنیده شد . این صدا که سوارا باهم آمیخت . و طبقه های کثیف برفها را شگافته تا پرده گوش ما رسید حقیقتاً صدای یک زنی بود . بعد از یک چند دقیقه آدمهائیکه به آنسو فرستاده بودم یک پیرمرد . و یک زن نوجوانی را پیش من آوردند .

اینها را آهسته پرسان کردم . مگر از جبر عسکر خانه ش فرار بر دو گرفته بودند گریخته اند . پیرمرد چون رسیدن عسکر سواری جرمن را به خود دیده . و خانه اش را ضبط کرده دختر خود را گرفته فرار کرده است . مگر بردوی اینها دهقان

بوده‌اند . بالاخره از ایشان پرسیدم :

— آیا با ما رفاقت و همراهی میکنید ؟

موافقت کردند . براه افتادیم . پیرمرد ما را رهبری میکرد . دختر نوجوان بر بازوی پدر پیر خود تکیه زده لنگان لنگان براه رفتن کوشش میورزید . باریدن برف آرام شده بود . ستاره‌ها بدرخشیدن آمده بود . در هوا و زمین وجودهای یک انجماد عمومی حکم فرما شده بود .

درین اثنا دختر نوجوان یکی یکبار ایستاده شد و بیک آواز روح نواز رقت دهنده‌ای گفت :

— آنقدر مانده شده‌ام که زیاده برین طاقت رفتار برایم باقی نماند .

پدرش او را بغلش کردن گرفت . آه دختر از ماندگی و ناتوانی بسیار یک شهیقهٔ جانخراشی برآورده بر زمین افتاد . جانم من و عسکرم اطراف او را فرا گرفتیم . من حیران بودم که چگونه نگهداشتن و خوش شدن این دو حیات یک عذاب جداگانهٔ بزرگی میشد . درین اثنا از نظرهای ما یک جوان دلاوری که ما اورا (پرانیک) مینامیدیم آواز داد :

— ای رفیقان ، این مادموازل [[illegible]] را ببریم . لازم است ، ضرور است ببریم . ما فرانسیسیم ، سگ نیستیم که ببریم !

از هر طرف بلاتردد جواب موافقت داده شد . جانم مجاهدی آغاز کردیم . از درختهای اطراف چوب بریدیم . بزودی برق آسا یک تذکره ساختیم . پرانیک باز آواز داد :

— کیست که بالاپوش خود را عاریت داده میتواند ؟ معلوم است که این دختر نازنین را در آن می‌پیچانیم !

جانم هر کس بیک تهالک و حوس اشتهاکارانه به بالاپوش کشیدن خود آغاز کرده . یک بالاپوش نی بلکه ده بالاپوش جانم حاضر گردید . در ظرف یک ثانیه دختر خوش منظر در بالاپوش‌های گرم پیچانیده شده بود . یعنی هر یک نفر از حرارت حیاتیهٔ خود یکپاره باو بخشیده بود ! دختر را در تذکره خوابانیدیم و تذکره بر شانهٔ حرارت ناک شش نفر وضع کرده شد که یکی از باربرداران فخر کننده این بار قیمت دار من بودم . چه دروغ بگویم ، باقی ماندهٔ مستی آن ذوق باربرداری تا باین دم در دماغم موجود است .

ولیکن تا حرکت کرد . گویا تذکره یک تابوت سبکنا بود . در تسکین دل جبر را نمود . بجای یاس و فتور یک ذوق وسروری قایم گردید . در چهرهٔ هر نفر یک معنی شطارت بزرگی خوانده می‌شد .

تا ساعت ۲ صبح بی آنکه لحظهٔ دم گرفته شود رهسپار بودیم . درین اثنا در نظرهای پیش روی ما باز یک علایم دقت و تردد رونما گردید و دفعتاً بر روی برفهای سپید خوابیده‌ها از دور تنها یک سایهٔ کثیفی دیده می‌شد .

در ظرف یک چند دقیقه آن سایه آفتابی شد — یعنی معلوم شد که چیست ! گروه از ده نفر سالدات جرمنی بود که یکی پی دیگر چهار نعل طراده داشتند .

با آنقدر نزدیک بودند که نفس زدن اسپان شان را و جلش صدای کرچهای شان را میشنیدیم . جانم عسکرانه بولی دادم :

— اودوبی ! [یعنی آتش]

در اثنای این قیل و قال از تذکره و از میان بالاپوشها یک سر لطیفی نمایان شد . با یک صدای آرام و لرزانی پرسید :

— آیا چها میشود ، آیا جنگ آغاز میکند ؟

گفتم — هیچ چیزی نیست مادموازل . تنها یکدسته جرمنی را رهسپاری عدم گردانیدیم !

باز آن صدا آهسته با خود سرود :

— آه ، افسوس اینها چه بیچاره مخلوقی اند !

مگر بسیار خسته خورده بود که باز سر خود را در زیر بالاپوشها درکشید . باز حرکت کردیم . یک مدت راه پیمودیم . آهسته آهسته آسمان زرد می‌شد ، بر فضا سپیده درخشید . در افق یک پاره ابر گلابی لرزان لرزان منتشر شد . از دور یک صدای سخت فریاد برآورد :

— خوکی بی ؟ [یعنی کیستی]

مفرزه توقف نمود ، برای شناختاندن خودها من پیش شدم . مگر بخطهای مدافعهٔ فرانسی رسیده بودیم . در اثنا یکه از پیش قره غول میگذشتیم افسر کلان با پیش روی ما آمده تذکره را دید . با یکصدای آمرانه و قطعی پرسید :

— درمیان آن چیست ؟

جانم یک چهرهٔ ظریف و شگفتانه پدیدار شده گفت :

— من هستم ، صاحب !

ازین جواب یک خندهٔ قهقههٔ جانفزا و شطارت بار مسرت آثاری از همه افراد مفرزه برآمد . دختر جانم

از لشکرگاه برآمده، و بالاپوش (پراتیک) نام نفری را که در تن پیچیده بود بهوا تاب داده فریاد برآورد:

— زنده باد فرانسه!

این صدا را بسیار صداها همراهی کرد. اینست که از آن وقت تا حال یک آن و یک زمان آن چهرهٔ لطیفهٔ آن زن تازه و جوان و ناتی را فراموش نکرده ام. و هم نخواهم کرد. اگر از من پرسیده شود بلاتردد میگویم: که موزیکا یعنی باجه خانه ها را از قدیم الایام برای شوق و ترغیب جنگ در اردوها لازم و ضرور دیده اند. حال آنکه من آنها را یک چیز زایدی می بینم. من میگویم که بجای آنها در هر غندی یک زن خوان نوجوانی قایم باید کرد. چونکه قویاً گمان میبرم که بر قوهٔ معنویهٔ افراد عسکریه زنان نوجوان از موسیقی بار بار بیشتر تأثیر فسونکارانه قطع خود را نشان میدهند. انتهی

[از نسخهٔ ۱۳۲۳ اخبار (طنین)]
ترجمه شده

نقل از اخبارهای اردو

رفیق ما اخبار (مسلم گزت) نقلاً از اخبار (پاینیر) آورده:

از کابل خبر آمده است که اعلیحضرت امیر صاحب افغانستان خواهش دارد که در کارخانهٔ اسلحه سازی کابل تفنگ سیاه ساخته شود و به این سبب در کارگران کارخانهٔ مذکور افزونی بزرگی خواهند داد. و اینهم گفته میشود که ایجنت افغانی چندی به این غرض فرستاده شده که برای باربرداری فوج قاطر خریداری کرده بفرستند. تعداد افسران ترکی که در افواج افغانی مستخدم میباشند (۴۰) نفر نشان داده شده و بعضی از اینها تا یک رجمنت یافته افسر میباشند اما اکثر آنها از افسرانیست که بر قواعد و تعلیم نشان اندازی فوج مأمور میباشند. و چند ترک دیگر هست که بصیغهٔ ملکی کار میکنند. اخبار پاینیر این را هم روایت میکند که از خبرهای کابل معلوم میشود که در ما بین گورنمنت های افغانی و ترکی مخابرات و کتابت جاری میباشد. مکتوبهای شان از راه هرات و مشهد رفت و آمد دارد.

ایضاح

این خبرهای اخبار مذکور از مبالغه و اغلاط خالی نیست. ماشین خانهٔ اسلحه سازی کابل همان یک آهنگ و اطرادی که از بسیار سالها دارد بکار و وظیفهٔ خود مشغول میباشند مگر بلکه ترقی کرده میرود و بسبب انتظام یافتن سرکارهای افغانستان حمل و نقل اشیا و اسباب بواسطهٔ گاوها اجرا میشود که تدارک کردن قاطر برای آن ضروری میباشد. (۴۰) افسران ترکی در افواج افغانی وجود ندارد و بلکه ایما ظریفه میباشد که آنرا از جملهٔ قصه ساختن میگویند. بعضی جنس عثمانیان سول که در دار السلطنهٔ کابل موجود میباشند چند تن از مردمانیست که پیش از اعلان حکومت مشروطهٔ عثمانیه در خارج مملکت شان پراگنده شده بودند. و از آنجا آمده بودند. بعضی از اینها بتعلیم صنعت حکاکی و خطاطی، و بعضی در شفاخانهٔ دار السلطنهٔ کابل به داکتری و جراحی و دوا سازی، و بعضی در ماشین خانه بصنعت کیمیوی و رنگرانی و تلبیث سازی مستخدم میباشند. از صنف نظامی تنها یک نفر معلم جمناستیک مکتب اعدادیهٔ بغداد است که آنهم چند سال قبل از حکومت مشروطه از بغداد به افغانستان آمده بود و درینوقت در (مکتب حربیهٔ سراجیه) مدیر و معلم میباشد. جاری بودن مخابرات و مکاتبات سیاسیه در دو دولت در ما بین گورنمنتهای شان هیچ اصل و اساسی ندارد.

دولت مظفرهٔ مقدسهٔ ما با دولت علیهٔ عثمانیه هیچگونه مخابرات سیاسیه ندارد. و لی مناسبات و علاقات دینیه و مذهبیه و معنویهٔ این دو دولتین علیتین مذکوره، و همینا طبیعی که آن مخابرات و مکاتبات سیاسیهٔ ذاتیه را هیچ جهت تعلق ندارد.

رفیق ما (طنین) مینویسد: نظر بمعلوماتیکه از پترسبورگ به اخبار (تان) داده شده چنان معلوم میشود که دولت روس و بریطانیا در باب ایران به این فکر هستند که مقاوله نامهٔ ۱۹۰۷ خود شان را تغیر دهند تا در ایران مشترکاً اجرای نفوذ خود شان را بصورت منفعت او در ترکیه بعمل آرند.

دیگر — ویروز مستر (مونتاگو) که یکی از ضباط اردوی انگلستانست و با اردوی عثمانی در حرب بلقان بمحاربه اشتراک نموده (یاوین چاپوت) یعنی سرای سلطانی رفته و بواسطهٔ وزیر جنگ جناب (محمود شوکت پاشا) بحضور اعلیحضرت سلطان المعظم شرف قبول ملاقات را یافته مظهر التفات شاهانه شده است. از طرف ذات شاهانه بواو (مدال لیاقت) با براءت آن عطا فرموده شده است.

دیگر — جناب مصوره دار (مونتاگو)

گردد که همین شخص که دار و دار دولت عثمانی خدمت کند و این کیفیت را به نظارت حربیه یعنی وزارت جنگ عثمانی خبر داده است .

آخرترین حوادث

بومباردمان بیروت

نامه نگار مخصوص ما از مصر خبر میدهد که در (۲۴ فبروری) سه قطعه کروازورهای ایطالیا در پیش گاه شهر شهیر (بیروت) آمده بر شهر و دو قطعه کشتی عثمانی که در بندر بودند بومباردمان — یعنی گلوله باری کردند . کشتی های عثمانی را خود بحریهٔ عثمانی بعد از جواب دادن بکشتی های جنگی ایطالیا غرق کردند . گلهای ایطالیا در شهر عمارت بانک عثمانی و عمارت بانک سلانیک ، و (محل روزه دی باک) وغیره را اخراب نمود . در باب مقدار ضایعات و تلفات مالی و جانی که ایطالیها بجانی رسانیده اند بعد ازین بتفصیل خواهیم نوشت .

رفیق ما اخبار (المشیر) نقلاً از اخبار تایمس لندن مینویسد :

(اگر ترکان هنوز هم با ایطالیا صلح نکنند جهازهای هوائی ایطالیانی بر خانهٔ کعبهٔ معظمه و روضهٔ منورهٔ حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم بومبها انداخته آن اماکن مقدسه را اخراب خواهد کرد .) [خاکش بدهن]

[سراج الاخبار افغانیه در زیر عنوان (مقالهٔ مخصوصه) نظر و قیاسات عاجزانهٔ خود را مفصلاً نوشته . مطالعه فرمایند .]

مقالهٔ مخصوصه

اتحاد اسلام

در دنیا یک کلمه که معنی (تحصیل حاصل) را تا معاد برگیرد همین کلمهٔ (اتحاد اسلام) است . زیرا اتحاد — یعنی یگانگی اسلام اصلاً و اساساً بر سه چیز مربوط است که آنهم عبارت از کلمهٔ طیبهٔ جامعهٔ (لا اله الا الله محمد رسول الله) و حبل المتین (قرآن مبین) ، و جامعیت (کعبهٔ مقدسهٔ معظمه) میباشد هر فردی از افراد اسلام که خواه در شرق باشد خواه در غرب بر این سلسلة المذهب دین و مذهب چنان مربوط و متحد هستند که مفارقت و انفکاک شان هیچ قوتی از قوتها ممکن نشود مگر که به این سه واسطه مربوط نباشد ، و چون به این سه واسطه مربوط نباشد اسلام گفته نمیشود که در اتحاد دعوت (اتحاد اسلام) نیز برای او شمولیت ندارد ، حال آنکه غیر ازین سه اصل اساسی که بیان گردید بسی اصلها و باز از آن اصلها بسی فرعها دارد که عالم اسلام را یک بدیگر بنحو غیر مفارق ساخته ، و این رشته های ارتباط شان از هیچ قوتی از هم نمی گسلد

پس هرگاه مقصد از مباحث (اتحاد اسلام) همین چیزهای معنوی باشد که بیان گردید چیزیست که از سیزده عصر و کسور برای مسلمانان حاصل و معلوم میباشد ، و به اعلام و تحصیل حاجت ندارد ، اما اگر مقصد از اتحاد اسلام جهت اداره و فعلیات آن باشد آنهم دو صورت دارد که یکی قولیست و دیگری فعلی . قولی همین است که صحایف و اوراق حوادث به اقسام اقسام و رنگ رنگ دلایل معقول و منقوله از آن بحث و بیان رانده و میرانند ، و مطبوعات عالم اسلامیه بسی کتابها و رساله ها بزبانهای مختلف درینباب نشر و پراکنده نموده و مینمایند . اگرچه فواید و منافع این بحث و نظریه را قابل انکار نیست ، ولی بکمال یأس و تأسف دیده میشود که ما میگوئیم دیگران آنرا فعلاً بعمل می آرند ; تا بخواهیم که ما باید که سخن گوئیم ، رقیبان ما با هم اتفاق ثنا و ثلاث و رباع را فعلاً بهم میرسانند ; تا ما با همدیگر سخن از همدردی و دستگیری میزنیم و حریفان ما عین رقابت و نفاق شان فعلاً به اتحاد و اتفاق متبدل شده و انواع فعلیات مدهشهٔ فلاکت آوری برما می انگیزند .

لا جرم معلوم میشود که چنانچه در بسیار چیزها پس مانده ایم در باب اتحاد قطعی و عملی نیز بفرسنگها عقب افتاده ایم ، و چنانچه ما هنوز مالک راه های شوسه نشده ایم و آنها بر هوا پرواز کردند در دانستن معنای حقیقی اتحاد نیز همچنان بر زمین مانده ایم .

آیا اینچه نوم سباتی بود که از عصرها به اینطرف بر ما غلبه آورده و هیچ چشم ما را ابحر و ما باز کردن نگذاشته است ؟ آیا اینچه غفلت و کوتاه بینی بود که از آسیا

تا به اروپا نظر کرده دیدیم که در آنجاها بخود فنون ما چه نیرنگ ها و چه فنونها بکار میبرد ؟ آیا اینچه غرور و استقلال بود که بعد از آنکه آنهمه شعشعه با شیبهای خیره ساز عقول اروپا را دیدیم یا شنیدیم و در پی بدست آوردن آن در خود اوضاع یک تنزل و تواضعی ندیدیم ، و هنوز هم نمی بینیم ؟ یک زمانی بود که بعضی طالبهای فن و حکمت از اروپا در مدرسه ها و دار الفنون های اندلس ، و مصر ، و استانبول ، و بغداد می آمدند ، و از مدرسه ها و دار الفنونهای اسلامیه آنجا تحصیل علوم حکمیه و فنیه را کرده ، و باز بمملکتهای خودشان برگشته در عملیات آن میکوشیدند . بلی ، هیچ شبهه نیست که بنا علوم حکمیه و فنیه و ادبیه وغیره از همین دار الفنونهای اسلامیه در اروپا داخل گردیده است . ولی هزار افسوس که آنها آن علوم و فنون را که از ما آموختند روز بروز لحظه بلحظه در ترقی نظری و عملی آن کوشیده سلاحهای مدهشی برای بنیاد کنی ما بدست آوردند . و بالعکس آن ما نیز روز بروز لحظه بلحظه نه تنها عملیات آن بلکه نظریات آن را نیز فراموش کرده رفتیم .

تنها علوم و فنون حکمیه و فلسفیه نی بلکه علوم اخلاقیه و حیاتیه و اجتماعیه خود را نیز از سبب غفلتها ، و نفس پرستیها از دست دادیم و حال آنها را در دست اعدای خود اسلحه قتل خود می بینیم که از انجمله یکی همین مسئله اخوت و اتحاد است .

سبحان الله ! در حالتیکه ما بمعاونت و مدد رسانی بهمدیگر بهمدردی یکدیگر بمحبت و اتحاد بهمدیگر بحسن معاشرت و سلوک بیکدیگر بقول خدا و رسول و پیشوایان خود دیناً مأمور و مکلف هستیم دیگران از ما [illegible] که این تکلیفات ما را قولاً و فعلاً اجرا میکنند . همه ملتهای فرنگستان را مانند یک انجمن بزم انسی می یابیم که در یک مجلس بال مشعشع و نظیفی بر سفرهٔ فرو بردن مائدهٔ لذیذهٔ ممالک شرقیه نشسته هر یکی که یک پاره آنرا فرو می برد دیگران بعافیت باد آن یک قدح مسرتی بسر میکشند ، و با وجود اختلافات قومیت و مباینت عنصریت ، و تفرقه مذاهب بمجرد یکه مسئله بشرق تعلق گیرد دفعتاً همه آن اختلافات سیاسیه و عنصریه ، و مذهبیه خود را یک گوشه گذاشته همگی در اینباب یک وجود و متحد الفکر شده آن مسئله را بموافق مصلحت منفعت خودها در ما بین خودشان فیصله می نمایند .

حال آنکه در یوقت کارد را بر استخوان دلها [illegible] معبدگاه های مقدسه دین و دیانت مسلمانان [illegible] حالا درینجا یک سوال وارد میشود که اگر ایطالیانهای وحشی غدار نابکار این تهدید بومبها انداختن خود را بر (مکه معظمه و مدینه منوره) از قوه بفعل بیارند :

آیا مسلمانان چه خواهند کرد ؟

هر کس یک فکری می پروراند ، و یک تخمین و قیاسی بیان میکند . اگرچه آن فکر و قیاس درست باشد یا نباشد باز هم از بیان کردن آن خودداری نمی توانند . لهذا این محرر عاجز نیز به بیان کردن فکر ناقصانهٔ خود چیزی را لازم میبیند . اولاً این را الزم که این تهدید و تخویف ایطالیانها یک سخن لغو و واهی ایست که از قوه بفعل آمدن آن در صدی نود عدیم الاحتمال بنماید . زیرا طیاره ها و بالونهاشان هنوز به این درجه تکمل نرسیده که از روما ، یا طرابلس یا مقطوع پرواز کرده تا به آن اماکن مقدسه برسد ، و بومبهای خودشانرا بیندازد . و فرض کنیم که این کمالات بلند پروازی شیطنت همرازی را جایز هم بشمریم گمان بیقین نزدیک ترین است که دولتهای دیگر اروپا بهیچ صورت این مقصود لا یعقل را با حرکت وخیم النتیجه اش واگذار نخواهند شد زیرا افکار سیاسیه دور اندیشی آنها آهسته آهسته فرو بردن لقمه های چرب و نرم ممالک شرقیه است ؛ نه یکباره گی ! چونکه بخوبی میدانند که هضم کرده نتوانسته و شکم درد شده بمیرند . علی الخصوص که بعضی لقمه های آن چنان خارهای خنجر آسائی دارد که فرو بردن آن حلق و جگر ایشانرا پاره پاره میکند ! . . . گیرم که دولتها نیز چنانچه در بسا حرکات حقوق شکنانهٔ وحشیانهٔ آن غدار نابکار چشم پوشی کرده اند درینهم همچنان بکنند در آنحال به مسلمانان روی زمین مانند روز روشن هویدا میگردد که اعلان حرب عمومی غرب با شرق آغاز نمود . زیرا سکوت را علامت رضا گفته اند . بنا علیه چنان گمان میشود که مسلمانها دفعتاً مسلک خودشانرا تبدیل داده به یک مسلک (انارشیستی) مظفرانه جهلکارانه پیش نهاد خود نمایند . و چنانچه تا حال در پیروی و تقلید کمالات و صنایع مدنیه آنها کوشیده اند بعد ازین در پی تقلید و تعلیم عهد شکنیها ، و حقوق پایمال کردنها و خونریزیها ، و آتش زنیها ، و قتل عامها علی الخصوص

معبد خراب کردنها که در هیچ یک دینی از دینها، هیچ خونریزی را از حقوق جایز و روا نیست بیفکنند، و صفت انارشیستی که با همه معانی محتویات آن اجرا نمایند و بهجز آن تخمین و قیاس میشود که (خدا ناخواسته) اگر این جرأت و جسارت لاابالیانه وحشیانه ایطالیانها از قوه بفعل بیاید که ان شاء الله بیجاه خواهد آمد — در آن حال توپ جنگی معبد ما در نهایت خودشان آغاز خواهد کرد، مسلمانها و ممالک عثمانی چنان گمان میشود که هیچ کلیسا و هیچ معبد و مناستری در سوریه و اناطول و روم ایلی نخواهند گذاشت، و همه را برهوا خواهند کرد.

آیا در این محاربه معبد جنگی غالب که خواهد آمد؟

هیچ شبهه نیست که عثمانیان! زیرا اینقدر کلیساها و مناسترها و معبدهای معمور و آباد و مکلفی که در ممالک عثمانیه از آنها پیدا شده جوامع و مساجد مسلمانها در ممالک آنها نیست. این قیاسات و تخمینات عاجزانه که عرض شد باقی از درگاه الهی ظهور داده و معجزه آیه کریمه (الم تر کیف ... الآیه) را نیاز میکنیم.

عالمهای ژاپان

سبحان الله! چنانچه خلاق کائنات در ستاره‌گان بیشمار سماوات بعضی ستاره‌ها را بسیار درخشان و پرلمعان خلق فرموده، در قومها و ملتهای این کره زمین نیز بعضی را همچنان یک درخشندگی و فرخندگی عطا نموده!

مثلاً قوم و ملت ژاپان! این قوم کوشش‌مند پرغیرت که در آخر شرق — یعنی در نقطه طلوع آفتاب موجود میباشند در عالم مدنیت چنان یک گامها و قدمهای بزرگ و سترگی خطوه زده و عالم ترقی گزیده و چنان یک درخشندگی در قومها و ملتهای دنیا نشان داده که عقلهای عالم را حیران و چشمان دنیائیان را درخشان نموده است.

(عبد الرشید ابراهیم) نام ذاتی که یکی از علمای بسیار سیاسی شناس با حمیت و بیدار قوم تاتار میباشد و برای نشر دین مبین اسلام جانب ژاپان سفر و سیاحت کرده مشهودات و واقعات دیدنی و شنیدنی خود را بنام (انتشار اسلامیت در ژاپان) بقید تحریر آورده که ما از آنجا در روزنامه خود، به ترجمه بعضی پارچه‌ها برای معلومات قارئین کرام خود عرض خدمت مینماییم:

مفارقت از ولادیووستاک

در سنه ۱۹۰۹ میلادی ۱۶ اکتوبر با واپور — یعنی کشتی بخاری (جوزان مارو) نام ژاپانی از (ولادیووستاک) یعنی از مملکت روس مفارقت کرده رهسپار مملکت ژاپان میشوم. در روز مذکور بواپور (جوزان مارو) سوار شده بعضی دوستان من مرا در واپور مشایعت کردند. بقدر نیم ساعت در دالان استراحت واپور نشسته بودیم. چون لنگر برداشتن واپور نزدیک شد یکی از مامورین واپور گفت: (رجا میکنیم که غیر رهروان و مسافرکنندگان نباشند واپور را ترک بفرمایند.) بنابرین یاد آوری مردمان مشایعت کنندگان فرود آمدند و واپور نیز حرکت نمود.

خواه در اثنای داخل شدن در واپور، و خواه در وقت حرکت واپور نه یک ژاندارمه و نه یک پولیس و نه یک کسی که بگوید که تو کیستی، و بکجا میروی؟ تذکره راهداریت کو؟ هیچ برنخوردم. از این حال بسیار تعجب کردم. و این تعجب من از این بود که از (اوده‌سا) که بر کنار (بحر سیاه) ملک روس است تا به استانبول و باز تا به اینجا باوجود تذکره راهداری چندر گونه زحمتها و تکلیفهای پرس و پالها در هر اثنای حرکت از شهر بشهری گرفتار آمده بودم، و در کشتی (جوزان مارو) که گویا رفوا مملکت ژاپان است اینها چیزها هیچ اثری ندیدم. تنها بوقت حرکت واپور یک (تومیسر پولیس) روسی از زینه واپور بالا برآمده و بر سر زینه یک جوان امرد ژاپانی یک کاغذی که نامهای واپورنشینان مسافران نوشته شده بود بدستش داده و به دیگر خود اسلام داده از راهی که آمده بود برگشت. حالانکه در دیگر بندرگاههای داخل مملکت روس اول قونسول عثمانی می‌آید تذکره‌های راهداری رعایای عثمانی را قید و ثبت میکند، و یک رسم یعنی میگیرد؛ باز ژاندارمه‌های روسی می‌آید تذکره‌ها را معاینه میکند، باز پولیس می‌آید سوالها و جوابها میکند، باز در آخر همه یک خفیه پولیس آمده جاسوسی میکند. والحاصل از اینگونه حقارتها و خفتها در کشتی (جوزان مارو) هیچ ندیدم.

تمام بساعت ۱۲ واپور حرکت کرد، هر کس یک اشارت مخصوصه مراسم وداعیه را ایفا نمودند، نه گریستن، نه بهم خود را بوسیدن، نه مصافحه، نه معانقه، نه دستمال

شنوده ام نیچ ! حتی درمیان رهبردان مسافر عایله او خانواده های کلان چند ای ژاپانی نیز موجود بود . و درمیان تشییع کنندگان آنها زنان کیار خوش شکل و شمایل نیز بودند . چنانچه آنها یک وقار و لطافت آثار ، دیگر قسم ملایمی و نیک گی خود را غم گذران مراسم و داعیه را بجای آوردند . درمیان واپور بسیار پیر و بار بود . علی الخصوص در قطاره های درجه های اول کمتر مردم بود . اما باز هم از جنسها و قومهای مختلف موجود بودند . از روسی . انگلیسی . تاتاری ژاپانی یک یک آدم پیدا میشد . بساعت چهار از جزیره (آسکولت) واپور گذشت . مسافران را بطعام دعوت کردند . همه مسافران به اطاق ناهارخوری گرد آمدند . پیش از آنکه بر سفره بنشینیم کپیطان کلان واپور آمد . و خود شخص را بمسافران یک تواضع مخصوصی وشناسائی کرده . و به خدمت شان آماده بودن خود را بیان کرد چگونگی نشستن دعوت کرد . یکی از مسافران که خودش ژاپانی بود از طرف کپیطان خودش بمسافران دیگر بیان خوشوقتی میکرد و کمال نزاکت خواهش که اگر میل مسافران بوده باشد به ترجمانی شان حاضر است . زیرا غیر از زبان روسی و ژاپانی زبان انگریزی را نیز خوب میدانست .

من و یک روسی مسافر که بجز زبان روسی دیگر زبان را نمیدانستیم از جاهای خود شکایت میکردیم . اما باز هم روسی بمن رشک میبرد . زیرا من از وقتیکه باین قصد سیاحت ژاپان حرکت کرده ام از کتابهای ترجمه بحفظ کردن کلمات زبان ژاپانی آغاز کرده بودم . و بابکان کلمات ژاپانی که با ژاپانیها افاده مرام میکردم بگمانش میآمد که من زبان ژاپانی را میدانم . منهم برای آنکه این زبان را خوب بیاموزم بلا توقف شب و روز به ترجمه کوشش میورزیدم . کشتی (جوزان مارو) در ساعت دوازده میل فی ساعت حرکت میکند . اطاقهای واپور بیحد پاک چالاک و چستی واپور داشته بود و هر چیز را انتظام دارند که فوق آن تصور نمیشود . بعد از یک ساعت که وظایف نشستن در قهوه و بستن و جابجا کردن را بجا آوردند . همه طایفه او هم ها از نظر نهان شدند . درمیان چندین ها واقف بها و هم ها هیچ یک فرقی باقی نماند . سطح واپور یک کتابخانه تحویل یافت . همه طایفه های واپور چنانچه باشند بمیدان بر آمدند . هر کس بهر طرف بر آرام چوکیها و دیوانچه‌ها نشست و هر یک کتاب و یا اخبار و یا رساله بدست داشته بیک مطالعه عمیقی مشغول شدند . هیچ یک آدمی که بمطالعه مشغول نباشد دیده نمیشد مگر یک چند نفر علمای روسی که رفیقهای مرکبا بودند بسبب عدم خواندن و نوشتن بیکار بهر طرف گردش میکردند . یا میخوابیدند . اما از بین تمام آدمی که در واپور بودند همگی از یکسره بمطالعه اخبار و کتاب مشغول بودند . حتی آشپز زنان ، خانه سامان ، تا به آتش کاران بجز دیگر از کار و وظیفه خودشان خلاص میشدند جا بجا دستهای خود را پاک پاکیزه کرده بمطالعه مشغول شدند . کپیطان واپور هر گاه دیگر مسافران احوال پرسی میکرد . و بسیار حسن خلق از و خدمت جوانان واپور خود را جا میکرد باین صورت واپور بار اگر کسی از یک کتابخانه روانی بگوئیم جا دارد . تمام چهل و هشت ساعت راه بود . مطالعه و نقشت کار بدانند که در واپورهای ژاپان دیده شد در هیچ طرف دنیا دیده نمیشود پس یک قومی که به اینقدر به مطالعه مطالعه شایقان چنان ظفر و سعادت نیابد .

* * *

مقالات فنیه

فوتوگراوور

یعنی (قالبهای تصاویر و نقش) که آنرا بزبان انگلیسی (فوتو اینگره وینگ ، و بزبان فرانسه (فوتوگراوور) میگویند . این صنعت که فوتوگراف را علم میکنند . تقریباً چهل سال میشود که این صنعت بمیدان بر آمده و در عالم مطبوعات راه خود را دادن نمود . اگرچه چند عصر پیشتر از این اختراع (فوتوگراوور) نیز مطبوعات تصویر دار موجود بود ولی آن وقت تصویرها و نقشها را بر چوب نقش داده یا بر مس حک میکردند . و هرگاه بوجود آمده در یک روز آن بسیار روزها بسیار آهستگی و سعی و کوشش میورزیدند . اگرچه این طرز حک و کندن کاری تا حال هم بعضی از صنعتها بسیار مختصر شمرده میشود . ولی از وقتیکه این صنعت بوجود آمده عالم طباعت را یک رونق و اهمیت عظیمی از آن حاصل شد که در میان آن صنعت (زنکوگرافی) نیز داخل میباشد .

(زنکوگرافی) از دو کلمه یونانی تشکیل شده که یکی (گرافی) یعنی (نوشتن) و دیگری (زنک) یعنی (جست) میباشد که معنی آن (نوشتن بر جست) میآید . قالبهائیکه تصویرها و نقشهای خطی و هر نوع نوشته و تک های دیگر چیزهائیکه باین قسم داخل باشد آنرا (زنکوگرافی) و قالبهائیکه تصویرها و نقشهای فوتوگرافی و هر نوع تصویرهای عکسی الی و روغنی که سایه دار باشند آنرا بانگلیسی (فوتو اینگره وینگ) و بفرانسه (فوتوگراوور) میگویند .

در مقاله گذشته خود از فایده های (فوتوگراف) بحث کرده بودیم حالا درینجا یک قدری از فواید (فوتوگراوور) بیان مینمائیم .

از وقتیکه این صنعت بمیدان بر آمده از کتابهای بزرگ علمیه و فنیه گرفته تا به کتابهای کوچک اطفال کتب صحافیه همه کتابها و رساله ها تصاویر و نقشهای بسیار لطیف و نفیس مزین گشته طبع میشود . و هیچ شبهه نیست که این تصویرها و نقشهای گوناگون لطیفه اعتبار و اهمیت کتابها را افزوده و خوانندگان آن کتابها را یک ذوق و شوق زیادی بمطالعه میکنند وازین اعتبار ، در ممالکی که کتابها مصور دارد اخبارهای روزانه نیز درین وقتها مصور چاپ میشوند . اخبارهای هفتگی ، دو هفتگی و ماهوار همگی با تصاویر و نقشه رنگین میشوند .

در اینجا از صورت حک فوتوگراف بحث نمیکنیم . تنها بکار بردن کرامیم از این یک چیز یک کمی معلومات عرض میکنیم که آیا چطور تصویر ها که

در انتشار داده میشود که بسبب نام ماننده یک تصویر فوتوگرافی میبرآید اوقاتی وقت کرده‌اند که تصویرهای چاپی اخبارها وکتابها از بسی نقطه‌های کوچک کوچکی جمع آمده است آن نقطه‌ها از نظر بشر (ترام) نام شیشه‌ای ظاهر است که برای حاضر کردن قالب آن تصویر استعمال میشود. (ترام) شیشه‌ای است مصطلح دار عکاسی را میگویند که مخصوص برای صنعت زنکوگرافست. وچنانچه شیشه‌ها فوتوگرافی صاف وساده میباشد شیشه‌های (ترام) بطول وعرض شیشه بسی خطهای باریک کشیده شده میباشد. این است که خوبی وبدی تصویرها چاپی موقوف بر کوچکی وبزرگی همان نقطه‌ها نیست که بر شیشه‌ای ترامها انطباع حاصل شده است. ترامها در یک سانتیمتر از (۳۰) خط گرفته تا در یک سانتیمتر (۱۰۰) خط داشته میباشد. پس هر اندازه که این خطها بسیار باشد همان اندازه نقطه‌ها کوچک میشود وهر اندازه که نقطه‌های ترام کوچک باشد بران (ترام) عکس صافتر وخوبتری آید وماننده یک لوحه فوتوگراف نفیس بنظر میخورد. ترامهائیکه زیاده‌تر مستعمل میشود از (۳۰) تا به (۷۰) نمبر است. برای نقد وپر اخبارها وروزنامه‌ها که ارزان وکم مصرف‌تر شود ترامها از نمبرهای اینی استعمال میشود. ولی بر اخبارهای معتبره مانند لندن نیوز انگلیسی وفیگاروی فرانسوی، وشهبال ترکی از ترامهای کوچک نقطه استعمال میشود. اما خوبی تصویر تنها بر ترامهای کوچک نقطه یا بزرگ نقطه نی بلکه خوبی ماشین مطبعه‌ها، ونفاست وظرافت کاغذ وسیاهی ورنگ، وماشین‌کار قابل عکس چاپ کن نیز موقوف ومنوط میباشد که اگر این اشکال خوب نباشد هر قدر قالب خوبی که ساخته شود باز هم تصویر را خوب بیرون برآورده نمیتوانند. اگرچه این معلوماتی که درخصوص عرض کردیم در باب صنعت (فوتوگراوور) یک قطعی معلومی بقارئین کرام نمی‌بخشد ولی باز هم همین قدر یک معلومات اجمالی درین باب عرض کرده ختم کلام مینمائیم.

م. فضلی

ادبیات

شبنم

آسمان صاف بود.

[illegible] در زیر درختان هم پیوست خوابهای لطیف آفتاب جهانتاب [illegible] روان بوده.

یک نسیم بسی خفیف برگها برخورده [illegible] درمیان این برگها یک برگ [illegible] لطیف عاشق بود [illegible] بطلوع آفتاب جهانتاب [illegible]

[illegible]

آسمان صاف بود.

[illegible]

— این چیست ؟
— شبنم.
— [illegible] ؟
— [illegible] ؟
— [illegible]

[illegible]
— [illegible] ؟
— [illegible] باران.
— [illegible] ؟
— [illegible]
— [illegible] ؟
— قطرات اشک عشق [illegible]

[illegible]

بلی آسمان صاف بود.

[illegible]

فاجعه‌های پاریس

مابعد از نمبر دوازده

بعد از برآمدن شوهر خود، زن جوان ناتوان سیلاب اشک خود را سر داده زار زار گریستن آغاز نهاد. وبقدر یک چند دقیقه ساکتانه وصامتانه گریسته اشکهای خود را از رخسار خود پاک نمود. ویک پلاس پاره‌ای بر سر انداخته خواست که برای تدارک کردن طعام شام به بیرون برآید. حالانکه پیشکی که شوهر آن بر میز انداخته بود تنها برای یک نان خشک ویک قدری ذغال هم کفایت نمیکرد. موسم چون آخرهای تیرماه بود روزها بسیار کوتاه شده بود. ازان رو تا برای برآمدن حاضر میشد شب خوب تاریک شده بود. زن جوان ناتوان درچنین شب تار ودرچنین محله پر اشرار به برآمدن جرأت نتوانسته مجبور گردید که شب را گرسنه وبی چراغ وبی آتش بسر آورد. از یکسو سردی هوا وگرسنگی، واز دیگر سو درد واضطراب فکر دل می زن بیچاره را بیتاب وناتوان ساخته در پلاس پاره‌ای که داشت خود را پیچانیده بر بستر ظلمت منظر خود بخسبید. تاریکی اوتاق باندازه‌ای ترس وبیم هر شب اش منظم آمده ماننده برگ بید میلرزید. ولی چون شوهرش وعده کرده بود که وقت‌تر می‌آید اگرچه براستی آن در شبهه بود. ولی باز بیان منتظر میگردید. تا به نیم شب بهیجان در انتظار واضطراب بسر آورده خوابش غلبه نمود. ویک خواب بسیار سنگینی فرو رفته با خوابهای بسیار پریشانی که میدید تا بصبح بسر آورد.

غزل

اتحاد

حکم قرآن مبین شد اتحاد اصل این دین متین شد اتحاد
حزب واحد گر شود اسلامیان حاکم روی زمین شد اتحاد
اتحاد مسلمین فرض است و دین پس چرا متروک دین شد اتحاد
صد اسف بر حال اسلامیان خوار پیش ما چنین شد اتحاد
سید آوازهٔ این لفظ شریف در میان مسلمین شد اتحاد
تا که ما بودیم باهم متحد از عرب تا سوی چین شد اتحاد
ز اختلافات و نفاق و تفرقه مجتنب از مؤمنین شد اتحاد
دیگران بگرفته ما ذیم دود در فرنگستان چنین شد اتحاد
بهر تقسیم زمین روس و ترک در حریفان عین کیش شد اتحاد
اتفاق سه دول چون گشت بهر بلع مسلمین شد اتحاد

دم مزن (محمد صبری) ز اختلاف
متحد شو بر همین شد اتحاد

اثر خامهٔ نشاط و شیرین کلام حاجی عبدالعلی المتخلص بمستغنی

غزل

برده صبر و قرار دیدهٔ سلطان ز من تا چه خواهی دگر ای ظالم دل و جان ازمن
دوش گرامیدم دل بخواه آتش هجران ازمن رنجه شد آه بجان دلبر جانان ازمن
بس بود گردش این چشم خدا را دیگر دست بردار تو ای گردش دوران ازمن
نرسیده است بمن در سفر عشق کسی ماند مجنون ز عقب چند بیابان ازمن
خوش بیابان تو خش بسپرده ما کرد نوبهار است چه خواهد سرو سامان ازمن
بی سبب این دل خسته چه دوا بی گخش اینقدر گوی تو آن طرهٔ پیچان ازمن
آب گردید دل از حسرت ایجاد و کنن جدا ازین بیت بشنید عزیزان ازمن
سخت مشکل بود از دست غمش جان ز تن گرچه او برد دل غمزده آسان ازمن
بود از بند چمن گلشن بیش رنگین یافت رنگ دگر این تازه گلستان ازمن
خورد خون جگرم نرگس مستش ز نگاه خواه این لطف کباب دل بریان ازمن
صبح گردیدم من ز ناوک مژه اش باغ فردوس زده سیب زنخدان ازمن
من تفسیر غم عشق بناید هرگز شرح این قصهٔ پرپیچ بقرآن ازمن

باز بیار رقم عشق کنی مستغنی
رنگ از رنگ تو دیدست چه پنهان ازمن

* * *

وقتیکه از خواب بیدار شد صبح شده بود. شوهرش هنوز مراجعت نکرده بیدار نبود. چاره از بستر برخواست در نزد پنجره ایستاد. امروز هوا ابرناک و بسیار رقت انگیز بود. یک بار آنچنان سیاه و تیره گویا ریزه را و کوچه ها را با یک گل رنگ تیره پوشیده بود. باران هوا را خیلی سرد کرده بود. فقر تملیه عاجزه در رخانه‌ای که آتشگاه برای گرمای آن از هوا آنرا حفظ نمیتوانست بر خود میلرزید. لهذا در میان پلاس پاره ها خود پیچیده بازوی یک گرسنه خود بخزید. و شوهر خود را انتظار کشید و با خود میگفت که البته خوشتران هرجا باشد حالا خواهد آمد. زیرا امید اندکی که گذاشته تا نان خشک یک شب مرا هم کفایت خواهد کرد.

چه درد سر بدهیم. بهمین انتظار شب دیگر را نیز بگرسنگی و سردی و تاریکی صبح رسانید. نهایت در اثنای یک ساعت ای ... جفت بچه را خوابانیده بر سر رسید آواز قدمهای ثقیل و سنگینی را شنید. این قدمها آمده آمده تا درپیش دروازهٔ اوتاق نمبر (۴۴) که فقر تملیه فلاکت پرور دران نشسته توقف ورزید. دروازه را یک دست پر زور غلیظ برای بازکردن فشار دادن گرفت. فقر تملیه برخود لرزید. از رسیدن یک خبر فلاکت آور خوشتران بجان ترسید. هیچ نمانده بود که بیهوش شود. و چون دید که فشار بر دروازه بیشتر شد گفت :

— کیستی ؟

صدای کلفت یک آدمی که ریزش کرده باشد از پشت در چنین جواب داد :

[باقی دارد]

نامورانِ زنانِ جهان

ما بعد از نمبر دوازده

اما کتاب (قاموس الاعلام) این سخن را رد کرده میگوید که: «در ما بین عصر اسکندر و دوران بود تا بعصر بلیناس حکیم قریب چهار صد سال فرق است. لهذا این روایت که اسکندر آذرجهون را به بلیناس تزویج کرده صحیح دیده نمیشود».

آرام بانو بیگم — دختر (اکبر جلال الدین) پادشاه مشهور هندوستان است که از سلالهٔ امیر تیمور گورگان میباشد. مرقومه در زمان (جهانگیر پادشاه) در سن چهل سالگی وفات یافته است. در شهر (اگره) در (سکندره) نام موقع در جوار قبر پدرش مدفون میباشد. بر قبرش از سنگ مرمر یک تربهٔ بسیار پرصنعتی ساخته شده است. نام والدهٔ آرام بانو بیگم (دولت شاد خانم) بود. (شکر النسا بیگم) نام یک همشیرهٔ دیگری نیز داشت.

«کلمات (خانم) و (بیگم) و (بی بی) و (خاتون) از»
«کلماتیست که برای تعظیم زنان استعمال میشود، و چهار از اصطلاحات»
«ترکی ماوراء النهر است. (خان) کلمهٔ تعظیم است برای مردان»
«(خانم) و (خاتون) مؤنث آنست. (بیگ) کلمهٔ تعظیم از برای مردان»
«(بیگم) مؤنث آنست. (بی بی) در لهجهٔ هندوستان»
«از بیگم مخفف شده است.»

آرام جان — در سنهٔ (۹۶۶) هجری در هندوستان درگذشته است. از لولیان گشاده رویان بسیار با حسن و جمال و موسیقی شناسان خیلی باکمال بود. آرام جان دلدادگان و آفت زهد زاهدان بود. در عصر خود یگانهٔ شهرآشوبان هندوستان شمرده میشد.

آرجیا — از زنان مشهورهٔ یونان است که دختر (آدراست) نام پادشاه شهر قدیم (آرغوس) و زن (پولینیک) نام بهادر دلاور یونانی میباشد. بمحبت مفرطهٔ شدیدهٔ شوهر خود مشهور بود. شوهرش در محاربه که به (جنگ هفت رقیبها) معروفست کشته شده بود.

[باقی دارد]

علم ثروت ملل

ما بعد از نمبر دوازده

از مشغلهای آنها یعنی از سبب اینکه آنچیزها را حاصل کرده و بوجود آورده اند بگرفتن مجبور میباشند نه بهمه عمر خود در جستجو کردن آنها صرف کردن مجبوری میشدند. و از بسیار مشکلاتی که در این خصوص میدیدند از بسیار و بجاها جاهای خودشان در میگذشتند. تجار اشیا را از جاهائیکه آن اشیا در آنجاها ارزان و بسیار است میگیرند و بجاهائیکه آنچیزها کم و نایاب است ارسال مینمایند. و همچنین برای خریدن اشیائیکه برای فروختن ساخته میشود و دائماً بفروختن اشیائیکه خریداران آنرا طلب میکنند حاضر و آماده و مهیا میباشند. مالهائی را که دیگر نگه میدارند. و چون دیدند که مردمان باین محتاج اند همان وقت بر مردمانی که به آن شایق و محتاج باشند آنرا عرض میکنند. و اموال و اشیای زیادی که مشتغلان یعنی صنعت کاران آن آنها را میسازند بفروش میرسانند که باین سبب این صنعت هم برای مشتغلان یعنی حاصل کنندگان اشیا و هم برای مستهلکان یعنی صرف و خرج کنندگان اشیا واسطهٔ مبادله شده فایده و قیمت حاصل میشود. این است که صنف تجار واسطهٔ مبادلات اموال و امتعه ایست که ارباب صنایع اعاشه و ارزاق آن را حاصل میکنند. صرافهائیکه واسطهٔ معاملات نقدیه میباشند نیز از صنف تجار شمرده میشوند. صنعت اینکه تا به اینجا شمار کردیم عبارت از کارهائیست که به اشیای غیر انسان متعلق میباشد.

[باقی دارد]

هر مقاله ایکه دستخط ندارد از طرف سرمحرر تحریر یافته
مدیر و سرمحرر سراج الاخبار افغانیه

بسعی و اهتمام الحاج عبد الخالق پسر طرزی افغان مهتمم چاپخانهٔ دار السلطنهٔ کابل
بقلم میرزا محمد جعفر قندهاری
طبع شد

صفحه ۱ — سال یکم — نمبر ۱۴

نگران
زیر سایهٔ ناموس حامی حضور اعلیحضرت همایونی
[illegible]

قیمت سالیانه
در دارالسلطنه کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف افغانستان با خراجات ڈاک ۱۲ روپیه کابلی
در خارج مملکت با خراجات ڈاک نیم پوند انگریزی
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یکعباسی است

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

اداره خانه و مطبعه
در ماشین خانهٔ دارالسلطنه کابل
همه امورات تحریریه به اداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود
هر پانزده روز یکبار نشر میشود

تاریخ عربی یکم جمادی الاول ۱۳۳۰ — تاریخ ماه انگریزی ۱۹ اپریل ۱۹۱۲ — تاریخ شمسی ۳۰ حمل ۱۲۹۱

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات
نمایش عسکری — حوادث داخلیه — حوادث خارجیه — وظایف عسکریه
عالم اسلامیان — لطیفه — ادبیات — نامداران زنان جهان —
علم ثروت ملل — فاجعهٔ پاریس

نمایش عسکری

صورت تحریراتیست که از طرف ایشیک آقاسی گی
حضور اعلیحضرت همایونی نگران ما به اداره رسیده
که ما از عیناً نقل و درج مینمائیم

عالیجاه عزت همراه محمود بیگ خان مدیر و سر محرر سراج الاخبار افغانیه بحفظ الهی باشند یک فقره در باب تماشای عسکری که بتاریخ روز دوشنبه ماه ربیع الثانی موافق [illegible] حمل ۱۳۳۰ هجری در میدان چهاونی جلال آباد انعقاد گردیده برای شما خبر داده شد که عیناً درج روزنامه مبارک سراج الاخبار بدارید.

تفریق منصب داران نظامی و ملکی و خوانین جلال آباد با لباس رسمی به بهار موصوف حاضر بودند — جای انعقاد و تماشای قوجی خیز یک خیمه گاه مجللی ترتیب یافته بود — اینکه اعلیحضرت والا بالاطلاع بسواری موتر تشریف آوردند یک دسته از قوجی سفید همایونی برای ادای سلامی حاضر بوده سلامی حضور مبارک را ادا نمودند منصب داران و خوانین به استقبال حضور انور برآمده دعای سلامتی وجود مبارک عرض کردند — بعد اعلیحضرت والا تشریف فرمای خیمه گاه گردیده ساحهٔ [illegible] مذکور را که اطفال جدید الاسلام که در مکتب عسکریه دولت [illegible] حضور تعلیم یافته بودند ملاحظه فرمودند — اطفال مذکور که جمله ۹۸ نفر از جدید الاسلام متوطن کافرستان هستند که اسم آن از حضور مبارک نورستان گذاشته شده به لباس رسمی در میدان مذکور حاضر گردیده ادای سلامی حضور مبارک را نمودند — اعلیحضرت والا بکمال شفقت از جا برخاسته از آن جمله چند نفر آنها را مخاطب فرموده بحضور مبارک طلب کردند و بزبان مبارک این سخنان که در ذیل ذکر میشود به حاضرین مجلس نطق فرمودند.

صورت نطق همایونی

مراد از آمدن ما و شما امروز چیست — اینست که هر شخص که از ترقیات ملک خود یک کیفیتی بشنود برای او خوشی و حظ حاصل میشود. اما چون بچشم خود ملاحظه و معاینه کند خوشی و حظ آن افزون از شنیدن است چراکه خود بچشم خود معاینه خواهد کرد. سابق برین ملک ما در علم عسکری چندان پرداخت نمیکردند بلکه تا حال هم مردم ما ترقیات عسکری را بوده نمیدانند — و بر ایشان معلوم است که پیشتر خاص برخی قلائل را علم و باقی را — آهنگر — جولا — نجار — خیاط — سپاهی — وغیره وغیره میگفتند در حقیقت علم شاید [illegible] این [illegible] درختی است و هر شاخ از خود برگ و بر علیحده دارد — علم بر دو شعبه است یک شعبه آن علم دینیات و یک شعبه علم معاش است — منظور ما اول از علم دینیات است که فرزندان ملک ما ازین علم بهره ور بوده در علم معاش کوشش کنند — ما میگوئیم [illegible] شوند — نمیگوئیم [illegible] شوند — نمیگوئیم [illegible] شوند —

مسلمان کامل شوند و باقی برادران دینی خود را از احتیاج با محتاج بکشند اگر شخصی یک لفظ (A) که الف انگریزی است بخیال فصاحت بخواند پیش از آنکه بر زبان او جاری شود کافر مطلق است — و اگر به این خیال کاملی علوم انگریزی را بخواند که از برای برادران دینی خود فایده برساند جایز است — بچه های مسلمان علی الخصوص از افغانستان باید از علم دینی خود اول کامل واقف شوند تا اینکه در دماغ ایشان ثابت شود که دین اسلام بر حق است و خود را مسلمان کامل بدانند و غیر دین اسلام را باطل

فرد

همچو پرگاریم دایم در شریعت مستقیم — ما یک پا بسر هفتاد و دو گردیده ایم

در زمانیکه ما در مدرسهٔ لاهور در مجلس سنگ بنیاد نهادن [illegible] (اسلامیه کالج) رفته بودیم نیز ذکر همین قدر را نموده بودیم — پس تا آنان علم معاش را نخوانند از فایده ها محروم و مشکل میشود — آیا امروز جای افسوس نیست که در تمامی دنیا چقدر ترقیات است و چه کارخانه ها بر پاست — ما هم باید یک ایجاد ما هم بوجود داشته باشیم که یک دو گز کشمیره از کارخانه برای پوشاک برادران مسلمان ما برآید و حال اینکه بقدر یک گز هم ایجاد کرده نمیتوانیم — مدعا از سخنان ما این است که این بچه ها را که ملاحظه میکنید بعضی را پدر و بعضی را پدر کلان شان کافر و حربی مردمان وحشی بودند — چون ما عزم بست اردلی های حضور خود را نمودیم از برای ملازمت اردلی های حضور طلب نمودیم از آن جمله بعضی از مردم جدید الاسلام طلب شدند که داخل غند اردلی های حضور ما مقرر شوند — این بچه های خورد سال نیز در جمع همان نفری افغان از قریه جات نورستان آورده شده بود و ما این ها را سپرد جرنیل حضور خود نمودیم که قواعد و قوانین عسکری را به این ها تعلیم بدهد — حال زحمتی که جرنیل ما در بارهٔ این ها کشیده است ملاحظه کنید که کسانیکه پدرهای شان کافر و وحشی بودند به این درجه تربیت شده اند آیا پسران شما قابل تربیت نیستند ؟ انشاء الله تعالی همه قابل تربیت میباشند — اینکه جرنیل حضور ما در بارهٔ این ها سعی زیاد کرده است و وظیفه منصب داریست

فرد

بکلام بیدل اگر رسی مگذر ز جادهٔ منصفی — اگر کسی بطلبد ز تو صد اگر و مگر

باید ما و شما همه باتفاق از جرنیل صاحب خوش باشیم — و ما از جرنیل خود تشکر میکنیم — امید از خداوند کریم داریم که در همه کار ها انشاء الله تعالی ترقیات حاصل شود فقط.»

حاضرین مجلس بوصف دعای سلامتی وجود مبارک را عرض کردند — از ۹ نفری که اعلیحضرت والا امتحان گرفتند هر یک امتحان درس خود را بسیار درستی دادند — اعلیحضرت والا با هر یک آنها مانند پدر مهربان شفقت و مرحمت میفرمودند — چنانچه در وقت امتحان ذات شاهانه بجای مبارک ایستاده و هر یک که شرفیاب حضور مبارک می شدند از هیبت و هراس پادشاهی آنها توقف می شدند و در نگاه های شان می پرید — حضور مبارک از برای هر یک شان آب طلب فرموده برای آنها میداد و ابتدا با آنها نوازش زیاد میفرمودند و شمه های کلاه بعضی بچه های خورد سال مذکور را بدست مبارک خود درست میفرمودند و دست مهربانی بروی و شانه آنها میکشیدند بعد از هر یک امتحان درس شان را ملاحظه میفرمودند چنانچه تخمیناً یکنیم ساعت اعلیحضرت والا به پای مبارک خود ایستاده بودند نفری بچه های مذکور نود و هشت نفر بودند — که جمله بر چهار جماعه منقسم بود — جماعهٔ اول ۵ نفر — جماعهٔ دوم ۱۴ نفر جماعهٔ سوم ۲۱ نفر — جماعهٔ چهارم ۵۸ نفر — و این نفری بقرار ترتیب جماعات مضامین علمی و قواعد و جمناستیک را بدرستی میدادند از آنجمله از نه نفر مذکور بحضور مبارک امتحان گرفته شد به موجب

محمد قاسم عمر ۱۵ ساله مضمون عربی — عطا محمد عمر ۱۰ ساله مضمون فارسی
شیر محمد عمر ۱۵ ساله مضمون عسکری — جان محمد عمر ۱۹ ساله مضمون حساب
یار محمد عمر ۱۵ ساله جغرافیه — عطا محمد ۲ عمر ۱۴ ساله مضمون [illegible]
عبد الاحد عمر ۱۹ ساله مضمون عربی — بیگ محمد عمر ۱۳ ساله مضمون فارسی
شیر محمد ۲ عمر ۹ ساله دعای شکریه حضور مبارک را بزبان فصیح عرض نمود که در ذیل عیناً تحریر میشود :

بعد از فراغ امتحان نفری مذکور بسیار درستی و قاعدهٔ نظام قواعد نمودند بعد از قواعد فارغ شدند یک نفر آنها که شیر محمد نام دارد و عمر آن ۹ ساله میباشد از بین نفری مذکور جدا شده شکریهٔ دعائیهٔ وجود مسعود پادشاه دل آگاه را بزبان کوچک خود از طرف باقی نفری بفصاحت تام عرض نموده (شکریه که بچهٔ مذکور حفظ کرده بود) بقرار ذیل عرض کرد :

« تشریف آوردن اعلیحضرت برای ملاحظهٔ کار های نظامی این غلامان یک نعمت عظمی است که شکر آن هیچ زبان ادا و بیان نمیشود — زیرا که حالت قدیم خود را همراه حالت موجودهٔ خود مقابله نمائیم اندازهٔ مرحمتهای پادشاه معظم که در حق این غلامان شده معلوم میشود که چه بودیم و چه شدیم — لهذا برای این غلامان و باقی افراد وطن فرض است خدمت پادشاه خود و وطن عزیز خود — بنابران چون ترقی وطن عزیز ما و انتظام وطن عزیز ما و نگهبانی وطن عزیز ما — و غمخواری اهل وطن تعلق بوجود پادشاه معظم بسیار مهربان ما دارد و بر ما یان نفری افغانستان از روی علمی و عسکری ضرور است که شکرانهٔ وجود پادشاه مهر آیین عزیز بسیار مهربان خود را کنیم و برای عسکر افغانستان فرض است که شب و روز دست دعا برای سلامتی و صحتمندی و بلند بختی حضور مبارک پادشاه معظم خود باشند زیرا که میدانند که توجه ذات پادشاه معظم بر عسکر زیاده تر است — به روز های بزرگ لباس پادشاه معظم و شیوه حرکت همایونی سراسر نظامی و عسکری است — پس برای ما یان نفری نظامی نهایت موجب فخر و شرف است دعای صحت و حشمت اعلیحضرت بر جمیع اهالی افغانستان فرض — چرا که برای وطن عزیز ما ذات بابرکات اعلیحضرت پادشاه معظم یک نعمت عظمی است این ذات شاهی که موجب آزادی و آسایش

دو کرور ۲۰۰۰۰۰۰۰ نفوس اهل اسلام و باعث نگهداشت دو لک و هفتاد هزار ۲۷۰۰۰۰ میل مربع اراضی اسلامی است خداوند این وجود را از مایان نگیرد و برای مایان توفیق خدمت عنایت کناد

اینکه شیر محمد مذکور دعای شکریه را ادا نمود و روی خود را بطرف بچه های مکتب که بوضع بسیار درست نظامی ایستاده بودند امر سلامی حضور مبارک را بقاعده و نظام داد — باجه خانه موجوده و تمامی نفری هم یک آواز که پاینده باد پادشاه ما سلامی گرفته شد — نطق شیر محمد خورد سال خیلی مؤثر و قابل شنیدن بود — بعد اطفال مذکور برای تبدیل لباس رفته به لباس جمناستیک حاضر شدند و با انواع اشکال مختلف کار متوازی و سیم و چرخ وغیره را می نمودند چنانچه علاوه بر کارهای قبلی مذکور که ملاحظه شد — یک راس اسپ بدون زین و براق در میدان مذکور حاضر آوردند بعضی از نفری مذکور بدون واسطه و ذرایع از طرف راست اسپ بدویدن و جست تمام بطرف چپ اسپ مذکور می جستند و بعضی معلق خورده بطرف چپ آن بپای ایستاده می شد — همچنین یک اشتر را حاضر کرده از پشت اشتر بذریعه یک چوب دراز بر می جستند — اینکه کار جمناستیک تمام شد همه بقاعده نظام جمع گردیده و بیک آواز دعای سلامتی وجود مبارک اعلیحضرت والا را عرض کردند — حاضرین دربار موصوف — و مردم رعیتی که برای تماشا حاضر بودند همه بیک آواز (بخ بخ!) لطف عشرت بهم سوده و منظوری حضور انور را از برای آنها مبارکباد گفتند انعام و ایزاد تنخواه که از حضور مبارک برای آنها مرحمت فرموده شد بقرار ذیل است

انعام

از برای نود و هشت نفر بچه های مذکور فی نفر دو پوند انگریز که جمله ۱۹۶ پوند میشود بقسم انعام مرحمت شد .

ترقی تنخواه از برای هر یک

جماعه اول ۵ نفر	——	درماه پنج روپیه کابل
جماعه دوم ۱۴ نفر	——	درماه چهار روپیه کابل
جماعه سوم ۲۱ نفر	——	درماه سه روپیه کابل
جماعه چهارم ۵۸ نفر	——	درماه یک روپیه کابل

جمله چه که در تنخواه ماهواره نود و هشت نفر مذکور افزوده شد بقرار تفاریق فوق مبلغ دو صد و دو روپیه کابل ماهوار میشود .

از حضور مبارک اعلیحضرت والا از برای اطفال مذکور از هر گونه لوازمات و مایحتاج مقرر است که ملبوسات و مشروبات و مأکولات آنها برای شان بسیار درستی میرسد . معلم عربی و فارسی خوان که از علم جغرافیه و حساب و تاریخ باخبر باشد و معلم جمناستیک وغیره نیز از برای اطفال مذکور مقرر و مامور میباشند . و از برای معلم ها تنخواه وغیره مقرر است و از برای هر چار یک آدم از قوم خود شان (لاله) یعنی تربیت دهنده مقرر است که اشخاص دانسته و فهمیده میباشند .

تقریر سرنگران سراج الاخبار افغانیه

پس حالا مردم افغانستان بفکر خود تصور کنیم که بانی این همه بناها و ناظم این انتظام ها و مروج این قواعد کیست ؟

آیا کیست که پدر مهربان رعیت گشته — کیست سزاوار تاج و تخت پادشاهی — کیست حافظ ناموس شریعت — کیست اشرف اعالی ملت نجیبهٔ افغانستان — کیست که خاک پاک وطن ما را از سیلاب حوادث اجانب جوانب محفوظ داشته — کیست که سنگلاخ کوهستان ما را سرک های عبور موتر و گادی ساخته — کیست که خانه های گلی و دود و عمارت های گلی دیوار و زمین های بی حاصل و شوره زار ما را به باغهای فرح بخش و قصرهای عالی قصور مزین و مبدل نموده — کیست که (سراج الامصار) از یک پرتو خیالش مانند سد سدید در پروان کوهستان کابل مرتب گردیده — کیست که (قلعة السراج) را مانند سراج وهاج در مقام چکری لغمان از نور جمال خود منور ساخته — کیست که در تمامی قلمرو دولت علیهٔ افغانستان در هر شش کروه راه یک یک رباط و سراچه با همه آذوقه و ما یحتاج ضروری مرتب نموده — کیست که از برای مریض های ناتوان شفاخانه ها و دواخانه ها با ادویه و اغذیه و آلات جراحی موجود و معین کرده — کیست که مخابره های مسافت دو روزه راه دور را بیک لحظه بذریعه تیلفون برای ما میرساند — کیست که دشت ها و بیابانهای لامزروع سراب ما را به نهرهای سراجیه زمین قابل زراعت و سیراب و سرسبز ساخته و میسازد — کیست که اطفال بی پدر ما را پدر حقیقی گردیده و درس آدمیت از علم معاد و از علم معاش میدهد — کیست که سراج الاخبار در بیرون و خارج از لطائف موفوره اش احوالات عالم را برای کل اهالی افغانستان خبر میدهد — کیست که غمخواری برادران دینی ما بازمانده گان شهدا و مجروحین طرابلس غرب را در افغانستان میکند و بدلجوئی میدهد — کیست که فراریان وطن را از بند روم و بخارا و ایران طلب فرموده اموال مسروقه و املاک مضبوطه ما را باز داده و هر یک را بمناصب جلیله ممتاز نموده — کیست که رود خانه های بزرگ را بپل های جسیم آهنین مزین ساخته — پس باید گفت که پادشاه معظم محبوب القلوب ما پدر عزیز تاجدار ارجمند (اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) است که این همه ترقیات از برکات جلوس میامن مانوس و حسن توجه

تیکه شان رویداده است — اینها همه از عنایات پادشاه معظم است که درین مدت قلیل تکمیل یافته — پادشاه معظم این نهال را از گلستان محبت و با هزاران زحمت بدست آورده اند و در مرغزار سبز و خرم افغانستان غرس فرموده اند — و اوقات عزیز خویش را صرف آبیاری نشو و نمای این نهال فرموده اند — که به زیر سایهٔ این نهال از سموم حوادث اجانب مستریح و مرفه الحال باشیم — و از شگوفه های رنگین این نهال مشام ما معطر گردد — و از حلاوت ثمرات این نهال مذاق و کام ما اهالی افغانستان شیرین شود — هنوز این نهال بدرجهٔ کمال نشو و نما نیافته — هنوز این نهال گلهای رنگین خود گلشن وطن ما را زینت نبخشیده — هنوز مذاق ما ثمرات این نهال را نچشیده — این نهال نهال بید و طوط و خنجک و توت نیست که اره و تیشه خود را برداشته تن آنرا ذوغال زمستان و شاخهایش را مصروف دیگدان خود نمائیم بلکه هذه (شَجَرَةٌ طَيِّبَةٌ اَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ) این نهالیست که هر ورق آن ستر ناموس و هر شاخش باعث استحکام دین و استراحت هزاران نفوس اهالی ملت است — از شگوفه های رنگینش هزاران گلهای صنایع و بدایع شگفته — و در ثمرات شیرینش انواع فواید دینوی و اخروی نهفته — پس بر ما ملت افغانستان فرض است که سلامتی وجود پادشاه معظم خود را از خداوند لایزال طلب کرده در اجرای خدمت و استحکام دین مبین حضرت سید المرسلین ﷺ با پدر تاجدار خود یک دل و یک زبان و پیروی احکام او باشیم فقط

علی احمد

این نطق اعلیحضرت پادشاه مقدس محبوب القلوب ما هر سطرش هزاران فواید دین و دنیا را در بر دارد، و برای عالم عسکری هر کلمهٔ آن هزاران شوق و جلال و امید استقبالی بر می انگیزاند. سرافسر کل، و حکمدار بزرگ همه اردوهای دولت علیهٔ افغانستان خود ذات اعلیحضرت شاه اند، که از ایام شهزادگی شان بسرافسری عمومی کل اردوهای سلطنت سنیه ممتاز و مشرف اند و بوده و میباشند. و همیشه توجهات و عواطف جهان درجات همایونی را بصورت مخصوص بر صنف جلیل سپاه شریف عسکری مصروف و رایگان داشته اند. ما از درگاه خالق عظیم الشان تحفظ کله عن النقصان نیاز میکنیم که عساکر ظفر مآثر شاهانه را بر اعدای دین و دولت مظفر و منصور، و عواطف مراحم آیات سرافسر بزرگ مقدس شان بحیث برین صنف جلیل سپاه عزیزی که محافظ دین و ملت و وطن شمرده میشوند مبذول فرماید. جرنیل حضور جناب (محمد نادر خان) است که این حسن خدمت و سعی و همت شان را که در بارهٔ تعلیم و تربیهٔ عساکر شاهانه صرف نموده اند ما نیز از دو صمیم تهنیهٔ گفته تبریک مینمائیم .

حوادث داخلیه

تشریف آوری سامی سردار اکرم حضرت نایب السلطنه صاحب افخم

جناب فخامت مآب سامی سردار اکرم حضرت نایب السلطنه صاحب افخم سردار (نصرالله خان) ابقاالله عزه و اقباله تقریباً بساعت دو از روز سه شنبه ۱۹ ماه ربیع الثانی بسواری عرادهٔ موتر بصورت رسمی داخل دارالسلطنهٔ کابل گردیدند. چنانچه پیش از یک روز از طرف ذات عالی جناب شهزادهٔ والاتبار جناب نایب الحکومهٔ قطغن و بدخشان سردار (حیات الله خان) بواسطهٔ سارجن میجر دربار بهمهٔ اهل دربار امر و اشعار فرموده شده بود که بساعت دوازده و نیم بجای مکلف درباری به (زین العمارت) در دایرهٔ عالی الفخم حاضر شوند. در وقت مذکور همه ذوات کرام از سرداران و ارباب مناصب عسکری و ملکی و علما و سادات در دایرهٔ حضرت عالی مشار الیه بحضور عالی نایب الحکومه صاحب جمع آمدند .

هنگامیکه خبر حرکت سامی از (بتخاک) نام منزل که بقدر شش کروه از کابل مسافه دارد بواسطهٔ تلفون رسید همه حاضرین در دو طرف سرک پیش روی زین العمارت به ترتیب لازمه صف بستهٔ احترام گردیدند. و چون عرادهٔ موتر سواری ذات سامی از دروازهٔ باغ دایرهٔ زین العمارت داخل شد از طرف یک بلوک عساکر شاهانه و باجه خانهٔ آن که بمعیت خود ذات سامی مقرر میباشند و همهٔ حاضرین به امر و بولی جناب شجاعت مآب سپه سالار (امیر محمد خان) رسم سلام بجا آورده شده

ذات سامی شان از موتر فرود آمده قلوب همه حاضرین را بتبلیغ سلام ذات شوکت سمات اعلیحضرت پادشاهی و خبر صحت و سلامتی وجود مسعود مقدس همایونی حیات تازه و سرور بی اندازه بخشش واحسان فرمودند. و بدیدار مبارک و تلطفات و نوازشات احوال پرسی دلهای همه مشتاقان دیدار مبارک ذات اقدس شانرا بسرور و نشاط ها مملو نمودند.

بعد از ان در دالان بزرگ طبقهٔ پایانی زین العمارت رسم دست بوسی را اجرا و حاضرین کرام را بجای اکرام فرموده مراسم سلام به انجام رسید.

ذات سامی اقدس یوم یکشنبه ۱۸ ربیع الثانی پیش از عصر از جلال آباد بسواری موتر حرکت فرموده اند شب را در (نمله) بسر آورده یوم دوشنبه باز بسواری موتر به جلدیک در روز سه شنبه بدار السلطنهٔ کابل تشریف فرمائی عز و اقبال شده اند.

[illegible]

از صمیم دل تشریف فرمائی ذات سامی اقدس را بکمال مسرت و فرحت تبریک مینماید. و دعای دوام ترقی دولت متبوعهٔ مقدسه خود را در زیر سایهٔ عدالت وایهٔ پادشاه معظم محبوب القلوب خود رفیع بارگاه کبریا مینماید.

رسمی

عیناً ورقه ایست که از طرف سرکاران ما
باداره رسیده

عالیجاه محبت همراه محمود بیگ خان مدیر و محرر سراج الاخبار بحفظ الهی باشد — یک فقره خطاب بعضی مردم منگل که در کوهستان سمت جنوبی افغانستان واقع است و آنها شیوهٔ بغاوت را پیش نهاد خود کرده اند برای شما تحریر شد که عیناً درج روزنامهٔ مبارک سراج الاخبار بدارید.

بموجب عرایض حکام و کارداران خوست وغیره علاقهٔ سمت جنوبی که بحضور مبارک عرض داشت نموده بودند که مردم منگل از تاریخ ۱۹ ماه ربیع الاول بغرا پیش کرده گی مفسدی از ملک و مردمان فساد پیشه خیال بغاوت را دارند چنانچه در تهانهٔ (میدان حوله) یک جماعه از نفری مذکور آمده بودند چهار نفر از سپاهی های مقیم تهانهٔ مذکور را مقتول نموده جباخانه و یراق های نفری مقیم تهانهٔ مذکور را دزدی کرده تهانهٔ مذکور را خراب کرده اند و دو نفر از نفری منگل مقتول و یک نفر مجروح شده اند.

چون کیفیت بسمع مبارک اعلیحضرت والا رسید یک قطعه فرمان مبارک بلفظ افغانی بواسطهٔ عالیجاه ملا محمد خان عرض بیگی برای مفسدین مذکور بدین مضمون اصدار یافت اینکه:

«اگر شما مردم از جبر و تعدی کارداران خود این وضع و حرکات را کرده باشید پس راه عرض و داد بحضور والا مسدود نبود چگونه یراق فوجی و تهانه و جباخانهٔ دولت خود را دست اندازی کرده اید بهر صورت تا حال سرکار والا اسم باغی را بالای شمایان روا دار نیستند که بگذارند — باید همه نفری ملکان شمایان و وکیل های رعایا همراه ملا محمد خان عرض بیگی بحضور حاضر شوید که تحقیقات شمایان بدرستی تمام کرده شود اگر واقعاً بر ذمهٔ شمایان جبر شده باشد بازخواست آنرا کرده و در آینده سررشتهٔ تعدی مذکور کرده شود و اگر چهار نفر نظامی ها که مقتول شده است فی نفر هفت هزار روپیه کابلی دیت و جریمه بقرار قاعده باقی ملک که جملت بیست و هشت هزار روپیه کابلی میشود از شمایان گرفته خواهد شد و حصهٔ دیت به ورثهٔ مقتول داده میشود — تهانهٔ مذکور را که خراب و برهم کرده اید برعهدهٔ خود شان است که بالای شمایان آباد کرده میشود — و اگر ملکان شمایان حاضر نشدند پس بموجب امر و احکام حضرت الهی جل و علا شانه عمل نکرده اید و از آیهٔ شریفهٔ (اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم) انکار می نمائید درین صورت حکم باغی بر شمایان کرده میشود — اگرچه منظور نظر ما این است که توپ و تفنگ و گوله وغیره آلات حرب را که سررشته و آماده کرده ایم بصرف معاندین و دشمن اسلام و شمایان میرسد تا نه بخرج ذلت شما پس درین صورت لابد آمادهٔ فنا باشید که عنقریب هستی حال و معیشت و احوال شمایان بخاک مذلت یکسان کرده خواهد شد و آنچه که از دست شما شد باز مضایقه نکنید — همان کس یکه برای شما ضرر میرساند و یا همراه شان گفتگو دارید از حاکم کلان که سردار محمد اکبر خان باشد الی وجداران و دیگر کارداران اگر شما آمدنی باشید نام نویس هر کدام را علیحده به عرض بیگی بدهید که همراه شما یک جا بیاورد — این حکم از حضور به عرض بیگی داده شده است — و اگر همراه همین نصیحت و مهربانی ما که از حضور انور همراه شما شده بخوبی و بدی

علم شمارا آورده شما چراو راست نیاید پس بما لازم میشود که همراه شما بدهان توپ و تفنگ حرف بزنیم از این جهت که گوش های شما کر میباشد. بشنیدن حرف آن خوب گرانی میدارد و بند میشود. علاج آن بدود باروت و گلوله کرده شود — اگر انسان میباشید همین گفتن شما بس است والا صدای توپ و تفنگ خواهد بود. تحریر شنبه ۲۹ ربیع الاول سنه ۱۳۳۰ه.

چون فرمان مبارک اعلیحضرت والا بدست عالیجاه ملا محمد خان عرض بیگی برای مذکوران فرستاده شد — از انجا که غبار ضلالت و گمراهی دیدهٔ بصیرت شان را خیره نموده و پنبهٔ جهالت و غفلت بگوش هوش شان جای گرفته بوده بودند — نصایح پدرانهٔ پادشاه معظم عزیز خود را نشنیده بهلاکت و استیصال خود قیام نموده در قطع هستی خود تیشهٔ بغاوت برداشته فرمان مبارک را بسمع رضا و تسلیم اصغا ننمودند — چون این احوال بسمع مبارک رسید — از حضور مبارک اسمی منصبداران نظامی و حکام و خانان و ملکان علاقهٔ سمت جنوبی صادر شد که از چهار طرف آنها نفری نظامی و اولوسی و ملیتی را مقرر دارند که آن منحرفان جادهٔ آدمیت را سرکوبی سخت داده آنها را براه بیاورند و آدم سازند تا دیگر اقوام ازین افعال عبرت گیرند و نیز از طرف غزنین و مقر نیز بقرار امر مبارک برای دفع بغاوت منگل افواج مقرر شد فقط

فقرهٔ مذکور چون لازم نشر سراج الاخبار بود برای شما تحریر شد که عیناً درج روزنامهٔ مبارک سراج الاخبار بدارید فقط تحریر ۸ ماه ربیع الثانی سنه ۱۳۳۰.

« علی احمد »

مطبعهٔ عنایت

چه سعادت مندروزانیست که عصر ترقیخواه اعلیحضرت پادشاه حقایق آگاه — محبوب القلوب مقدس ما بانشان میدهد! مراد عرفان پروری پادشاه بزرگ مقدس ما بر شهزادگان عظام دولت متبوعهٔ مقدس ما آتش مهر تربیت چهره گی کشیده این است که بزرگترین اولاد نجابت نهاد شاهانهٔ شان حضرت معین السلطنه (عنایت الله خان) شهزادهٔ معظم دولت علیهٔ خداداد افغانستان بنابر پیروی افکار مراحم آثار پادشاه والد ماجد بزرگوار مقدس شان محض بشوق و آرزوی شدیدی که در خصوص ترویج و توسیع علم و معرفت می‌پرورانند یک مطبعهٔ خصوصی کوچکی با همه لوازمات آن طلب فرموده در دایرهٔ اقامتگاه عالی خود شان بنام (مطبعهٔ عنایت) که باسم مبارک خود شان نسبت داده شده تاسیس و بنیاد نهادند.

بعضی چیزهائی است که در ظاهر حال اگرچه چندان اهمیتی نیز داشته باشد ولی چون بحقیقت آن یکقدری بنظر غور و دقیق دیده شود جهان جهان منفعت و عالم عالم اهمیت در آن مندرج میباشد. مثلاً تاسیس یک مطبعهٔ کوچکی که بعد حروفات و یک ساده کاغذ و سیاهی و رنگ آن هر چهار پنج هزار روپیه تمام شده باشد چه اهمیتی داشته خواهد بود؟

بلی بنسبت باحتیاجات عظیمه که وطن مقدس ما بفنون و معارف دارد هیچ چیزی نیست. اما چون ازین نقطهٔ نظر ملاحظه شود که یک شهزادهٔ بزرگ دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما بیک شوق کمالات پروری، و هوس علم گستری این مطبعه را بنیاد نهاده اند، و این هوس و شوق این شهزادهٔ معظم برای دیگر شهزادگان عظام ما که هر کدام شان صاحب ذکا و فطانت فطری میباشند، بکمال جدیت در پیروی افکار عرفان شعار اعلیحضرت قبله و کعبهٔ اعظم شان پادشاه معظم محبوب القلوب ما در راه تحصیل علم و معرفت یک جوش شوق و هیجان بزرگی می‌پرورانند این هوس و آرزوی برادر والاگهر بزرگ شان یک سرمشق افزونی شوق و هوس شان میگردد.

و چون اولادهای وطن این شوق و ذوق شهزادگان دودمان سلطنت باشوکت و شان متبوعهٔ مقدسهٔ خود شانرا در خصوص کمال و هنر ببینند یک حرص و تهالک فوق العاده در تحصیل و تعلم علم و معرفت میکوشند. و چون اولاد وطن در پی بدست آوردن علم و هنر از صمیم دل سعی و غیرت ورزند برای ترقی استقبال وطن یک شهراه عظیمی کشاده میشود.

پس چون این چیزها را در زیر نظر غور و ملاحظه بیاریم اهمیت و منفعت (مطبعهٔ عنایت) تا کجه بدرجه ظاهر و عیان میگردد.

از مراحم سنیهٔ اعلیحضرت پادشاه عرفان پناه مقدس محبوب القلوب ما مطبعهٔ بسیار بزرگ لیتوگرافی یعنی چاپ سنگی که چهار از هشت پایه ماشین متحرک بکار میباشد، و یک مطبعهٔ

بزرگ (تیپوگرافی) یعنی چاپ حروفات سربی که آنهم بکار حرکت میکند، و یک مدرسهٔ مکمل (زنکوگرافی) که تصاویر و نقشه ها و نوشته ها را بر جرم عکس و چاپ کرده قالبهای آنرا مهیا زده، و یک مدرسهٔ خطاطی و حکاکی که هرگونه خطوط و هر رقم حکاکی در ان تعلیم میشود در ماشین خانهٔ دار السلطنهٔ کابل موجود است که بکمال قابلیت در کار مهیا شده. و غیر ازین ها یک مدرسهٔ بسیار مکمل رسامی که هر نوع تصاویر روغنی و آبی در ان تعلیم میشود نیز در خارج ماشین خانه موجود است که هر یکی ازینها از اکابر همهٔ صنایع نفیسه عزیزه میباشند.

جناب شهزادهٔ جوان بخت معظم ما که بهمه حرکات و بهمه روح و حواس کلیهٔ شان را در امر کسب رضای اعلیحضرت همایونی که سعادت های دنیا و آخرت در آن است صرف و حصر نموده اند هر گاه در باب اینچنین مکتسبات علمیه و فنیه نیز پیروی مرام سنیهٔ قبله گاه مقدس معظم شان اعلیحضرت پادشاه بزرگ را هم و اشتغال را اسوه باشند هیچ جای تعجب نیست. این نوشتهٔ ما که (سلطنه عنایت) نخستین اثر خودرا که (افغانستان) نام جغرافیای مختصر منظوم است نخستین بار بقصد تجربهٔ ماشین طبع و حروفات آن بکمال کامیابی در معرض انتشار جلوه گر ساخت، و نسخه های مطبوعهٔ آنرا بطرز اعلان و اشتهار ترویج و تقسیم فرمود. (افغانستان) نام رسالهٔ منظومه اگرچه بظرف مؤلفش جز آن خیلی کوچک و مختصر میباشد، ولی بنسبت موضوع و معنای آن که عبارت از تعریف وطن مقدس ما و تمجید ذات اعلیحضرت صاحب حقیقی آن وطن مقدس است خیلی عالی و بزرگ یک اثری شمرده میشود، و ذاتاً مقصد عالی جناب شهزادهٔ معظم ما از طبع و نشر نمودن این رساله همین بود که نخستین بار درین مطبعهٔ خصوصی نخستین بار در افغانستان بنیاد یافته، اثر نخستینی که طبع شود بخود (افغانستان) و مالک مقدس آن عاید باشد، و چنانچه مرتب و ماشین کار و مؤلف از خود افغانستان است، اثر نخستینی که طبع شود نیز خود (افغانستان) باشد.

ما از صمیم دل این همت عالی شانه را تبریک و ثنا میگوییم و دوام انتشار آثار قیمتدار آنرا از دل و جان آرزو میکنیم. و دعای افزایش افزونی عمر و اقبال و ترقی شوکت و اجلال اعلیحضرت پادشاه مقدس همایون فال خود ما از دل و زبان تجدید میسازیم تا سایهٔ معارف پیرایهٔ همایونی شان ملک و ملت افغانستان به بسی ترقیات مادی و معنوی نایل و سزاوار گردد آمین.

هوای کابل

هوای شهر عزیز ما درین دو هفته تبدلات بوقلمونی نشان داد، اولا چند روز یک بهار صاف و لطیفی دوام نمود، بعضی درختان بید اولاً سرخی، و بعد ازان یک سبزی پسته رنگی کسب نمودند، و غنچه ها از تابش مهر آفتاب جهانتاب خاطر خواهی حاصل کرده تا میخواست که در نشو و نمای نباتات شیرخوارهٔ نبات یک کوششی بعمل آرد باز سحرانگیزی جادوی زمستان با همه شیده بازی های نیرنگ آمیز خود چنان یک شدت و حدت قهرمانانه ظهور نمود که مردم را [illegible] مجبور نمود.

از شب یکشنبه ۱۱ ربیع الثانی و فصل باران بسیار شدید با دانه دانه برف باریدن گرفت، و در روز یکشنبه بکمال شدت دوام ورزید، بوقت شام روز مذکور بقدر یکنیم ساعت یک بسیار درشت ژاله که هر دانهٔ آن بلا مبالغه بقدر یک نارنگی خورد می آمد باریدن گرفت، زمین ها، خانه ها، باغها، از بارش ژاله ها مانند غیر آب گینی گردید، اهالی را دهشت استیلا نمود، بانگهای صلوات شریفه رفع بارگاه و آگهی گردید، کوهها و دامنها، چمن ها باز جامهٔ خاکی طبیعی خود را به یک لباس ابلقی تبدیل دادند، بعضی نونهالان که از وقوعات دنیای بی ثبات و مرصّع بهشتهٔ هوا و نباتات بیخبر بودند و بعلاقهٔ مهر پروری آفتاب جهانتاب مست بادهٔ غرور شده شگوفه های شادابی زیب ظهور آورده بودند ازین قهر و غضب سپاه و دهشت الشتاء زمستان بر خود لرزیدند، و پژمرده گشته در غنچه ها خود در خزیدند. ولی این حال بسیار دوام ننمود بعد از دو روز باز شمس جهانتاب بشعشعه پاشی حیات بخشی خود جهان را از نسیم مراحم و عاطفت مکارم سلطان نوبهار بشارت لطف و مرحمت رسانید و بستانهای قدوم میمنت لزوم آن خسرو دیبی نوبه درود زنده گی بخشید.

پیغام تلفون

۱۱ ربیع الثانی ۱۳۳۲

از حضور اعلیحضرت سراج الملة والدین عالیجاه محمد عزیز خان پسر سردار محمد یوسف خان مصاحب خاص حضور اعلیحضرت والا که در ۱۳۲۶ بمنصب نیابت ایشیک آقاسی ملکی برای چند وقت و بعد ازان بمنصب نیابت ایشیک آقاسی نظامی مدت هفت سال مقرر بوده از مراحمات

اعلیحضرت والا بتاریخ سه شنبه ۲ ماه ربیع الثانی سنه ۱۳۳۳ بمنصب جلیلهٔ (ایشیک آقاسی خارجه) سرفراز گردید چون لازمهٔ شیوهٔ سراج الاخبار بود برای شان خبر داده شد

نگران ــ ع ــ احمد

ما از صمیم دل این منصب جلیلهٔ جناب محمد عزیز خان صاحب را مبارکباد میگوئیم و توفیقات الهی را در بارهٔ آن عزیز محترم خود نیاز میکنیم که بر موافق رضای اعلیحضرت همایونی بکمال کامیابی این وظیفهٔ مهمهٔ محولهٔ خودشان را بوجه دلخواه ایفا نمایند.

ترفیع منصب

عالیجاه شجاعت همراه سید شاه خان جرنیل نظامی که از اوایل جلوس میمنت مانوس حضرت ضیاء الملة والدین خلد مکین الی حال خدمات زیادی نموده در مقدمات و محاربات غزنی لگ علاقهٔ ترکستان وغیره بود و از حسن خدمتگذاری و صداقت شعاری و جراری خود را بظهور رسانیده و از خوان نوال پادشاهی به ترقی منصب الی درجهٔ جرنیلی سرافرازی یافته بود و حال به منصب جرنیل نظام غند دار السلطنه بصداقت تام قیام و اقدام داشت از حضور مبارک به منصب جلیلهٔ نایب سالاری نظام سمت مشرقی دولت خداداد افغانستان مفتخر و سرافراز گردیده است.

دیگر

عالیجاه محمد سرور خان کرنیل نظامی افواج مقیمهٔ جلال آباد که از جد خان زاده ها و خوانین رهوگرد است و بنابر حسن عقیدت و خدمات شایستهٔ خود بدرجات بمنصب کرنیلی سرافراز گردیده بود. از حضور مبارک همایونی بمنصب برگدی افواج مقیمهٔ اسمار مقرر و مامور گردید.

دیگر

ولی احمد خان کرنیل نظامی مقیمهٔ اسمار پسر امیر احمد خان جرنیل مرحوم که جرنیل مرحوم در زمان سابق از حضور حضرت ضیاء الملة والدین خلد آشیان بمنصب سفارت دولت خداداد افغانستان در هند اقامت داشت و خدمات صادقانه نموده بود. کرنیل موصوف از حضور مبارک بمنصب کرنیلی ملکی تبدیل گردیده بحکومت هزاره ده زنگی و دولت یار بعوض عالیجاه جان محمد خان مقرر گردید. جان محمد خان بنابر کبر سن و امراض مزمنه که ضعف بسیار در مزاج شان غالب گردیده بود. از خدمت مذکور امر معافی یافت.

* * *

حوادث خارجیه

ترجمهٔ اخبار المشیر

رفیق ما (المشیر) که یکی از اخبارهای خوش تقریر حقانیت ضمیر زبان شیرین بیان اردو است در نسخهٔ مورخهٔ ۱۱ مارچ خود چنین مینویسد:

«آیا وجدان چسان ملامت نمیکند آنچنان مردمانی را که گویا به بهانهٔ رنگش ساختن بعضی واقعات برخلاف واقع غلط فهمی هائی اندازند، و در تعلقات و مناسبات اتحاد و یگانگی برای تفرقه پیدا کردن کوشش میورزند؟ حال آنکه بسیار بارها به این غلط فهمی انداختن ها روباه بازیهای خودشان بمیدان میبراید.

(اوئیتر پایونیر که از آغاز کار بدخواه مسلمانان و ریاست های اسلامی خود را قرار داده همیشه موجب انگیزهٔ غلط فهمی ها میگردد. چنانچه درینوقت باز نامه نگار سرحدی او خبر داده که خلاصهٔ آن این است: «اعلیحضرت امیر صاحب افغانستان خلد الله ملکه در افواج خود ترکان آزاد را داخل کرده تا کار افسری را انجام بدهند» پایونیر این مسئله را بیک نظر خطرناکی جلوه میدهد و چنان میپندارد که انگلیسها و اتحاد و حکومتهای اسلام یقیناً در بین هلال و صلیب تفرقه خواهد انداخت، و وقایع ناگواری پیدا خواهد کرد.

«اگرچه پایونیر این مسئله را بسیار خطرناک نشان میدهد اما چون بنظر غور و تدقیق بر وقوعات بقدر یک ساعت دقت کرده شود معلوم میشود که:

این گل افشانیان خیال جنون است

«از واقعات تنها همین قدر معلوم میشود که یک چند ترکان خود بخود به افغانستان رسیده بودند، و اعلیحضرت امیر صاحب

اینها برای علیحضرت را بعد و غیره بهیئت علامتی نگاه کرده بودند . حالانکه اعلیحضرت امیر صاحب اگر یک چند ترکی را استخدام کرده باشند هرگز چنان وحشت خیز یک چیزی نمیباشد که پایونیر آنرا اعلان کرده است . و بدین بدگمانی او تعلقات و مناسبات دوستانهٔ اعلیحضرت امیر صاحب و گورنمنت برطانیا را که از قدیم جاری آمده است ، و تجدید و توثیق آن شده است هیچ خللی نخواهد رسید . این را هم نمی فهمیم که مسئلهٔ تعلقات و مناسبات حکومت های اسلامی با همدیگر چرا این بنظر پایونیر خطرناک می آید ؟ درحالتی که در حکومت های مسیحی اتحاد و یکانگی شان جلوه نما میشود . و امروزه روز همه اروپائیان همین خواهش را میپرورانند که حکومت های شان باهمدیگر مانند شیر و شکر بشوند .

((اعلیحضرت امیر صاحب کابل عهد نامه را که قبول کرده اند منشاء آن عهد نامه این است که با دیگر فارن حکومتی تعلقات اتحاد قایم نکنند . ایشان بران همیشه عامل هستند . و اگرچه این عهد نامه خلاف فطرت است لیکن اعلیحضرت امیر صاحب مانند دولتهای یوروپ برخلاف ورزی عهد نامه اقدام نمیورزند . نامه نگار پایونیر بذریعهٔ که این خبر باو رسیده ممکن است که سراسر به اصل مسئله مختلف باشد . و اگر گورنمنت عثمانی با اعلیحضرت امیر صاحب خط و کتابت کرده باشد بلکه بر یک طریقهٔ جایز ورود اگر کرده باشد . مثلاً ممکن است که به اینصورت باشد : چونکه اعلیحضرت امیر صاحب امداد مجروحین و بازماندگان شهدای مسلمین طرابلس را ضرور دانسته قبل ازین جمع کردن اعانه خود بالذات اقدام فرموده اند . لهذا گمان میشود که اگر خط و کتابتی هم شده باشد ممکن است که متعلق به اینگونه خط و کتابت جایزی شده باشد .))

ما از هم عصر معزز خود سراج الاخبار افغانیه امید میکنیم که او درین معاملهٔ اهم یک نظر غائرانه انداخته داد این تحریرات صداقت آمیز پایونیر را بدهد ، تا بر دنیا ثابت شود که این اخبار انگلو اندین برای مسلمانان چگونه تهمتهای اسلام چه فتنه انگیزیهای میپروراند فقط

سراج الاخبار افغانیه

تا باینجا سخنان رفیق محترم خود (المشیر) را نقل نمودیم :

حالا چیزی که بفکر ناقصانهٔ ما میرسد علاوهٔ بیانات معقولهٔ رفیق خود : نموده میگوئیم که از درشتی تحریرات متعصب ضمیر پایونیر چنان معلوم میشود که یک مرد ادیب بسیار متعصب متقدم و چالاک مانند (موسیو رما) باشد که محض برای تعصب دین و مذهب از هیچگونه فداکاری بیباکانهٔ فرنگ پروایانه خودداری نمیتواند . اگرچه آن فرنگ فتنه انگیز بهانه جویانه خون برادرانهٔ مسلمانان را نمی بخشد ، و مانند اتفاق و دوستی مادی و عهد و پیمان چیزهای مبارک و خوبی را هم زیر و زبر کند باز هم آن بیچاره بلای تعصبات دینی بران وا میدارد که از بهر این جمعیت و اتفاق لطمه وارد نشنید . و اگر چنین نمیبود برای یک مسئلهٔ بسیار جزوی و بی اهمیت حادثه قیاسی ورود علیه تفرقهٔ (هلال و صلیب) را بمیان نمی آورد .

ودر نسخهٔ نمبر ۱۳ خود این قول مبالغه آمیز پایونیر را که در بعضی اخبار هفت نقلاً درج صحایف معتبرهٔ خود نموده بود و مجملاً تردید و تصحیح کرده بودیم درینجا میخواهیم که تا یکدرجه بتفصیل این مطلب بپردازیم :

او گاه ما این یک هیچ پای میزیم که یک هیچ نفر عثمانی که در دولت افغانستان مستخدم شود آیا موجب تفرقهٔ هلال و صلیب چسان میشود ؟ ده کی ور خیها کجا ! . . . تفرقهٔ هلال و صلیب یعنی دیگر مباحث متغایرهٔ (توحید و تثلیث) آیا یک چیزیست که امروزه روز به استخدام شدن یک نفر مسلمان یک حکومت اسلام در دیگر حکومت اسلام ظهور میدهد ؟ این تفرقه و مغایرت از روزی که دین مبین اسلام ، خداوند تبارک و تعالی را بوحدانیت و لاشریکی ، و لانظیری مسلمانان شناختانده ، و از نزدیکه دین حقیقی مسیح علیه السلام بواسطهٔ تعصبات نفسانیهٔ بعضی از رهبانان پایونیر مانند از جادهٔ حقیقت توحید بر آمده و تثلیث را به پیروان خود آموختانده آغاز شده به این وقت ها امتداد کرده آمده و تا وقتیکه مسلمانان خداوند کون و مکان را واحد بگویند ، و مسیحیان درباب ساختن یک را دو و دو را سه و باز سه را یک کوشش ورزند و در دوئی آنرا خود شان هم ندانسته سرگردان باشند این تفرقه و مغایرت دوام خواهد ورزید . پس چسان میشود که تفرقهٔ عظیمه که از صدها عصر موجود آمده است امروز اینگونه چیزهای جزئی ولی اهمیتی قرار داده شود ؟

جز اینکه آقای پایونیر عهد و پیمان اعلیحضرت پادشاه معظم اسلام ما (امیر حبیب الله خان) ادام الله دولته را مانند عهد و پیمان دولتهای اوروپا پندارد که برای یک منفعت شخصی مردم خورده اثری ازان باقی نمیماند . چند عهد شکنیهای ظاهره و علانیه که درهمین روزها در پیش چشم ای همه مردم دنیا بوقوع آمده هنوز فراموش نشده است ، اما آگاه باید بود اتفاق مناسبات دوستانهٔ دولت علیهٔ افغانستان با دولت فخیمهٔ برطانیا ، از چنان عهدهای سست و بی بنیادی نیست که قلم فتنه انگیز یک [illegible] متعصب تزلزلی و ناحرکتی داده بتواند ، اگرچه فتنه انگیزی هلال و صلیب را نیز برپا نماید ! .

چقدر غیر منطقی یک نظریهٔ ایست که مسایل جهتهٔ سیاسیه را که اساس و بنیاد آن بر منافع مادیه بنا یافته با بعضی چیزها که صرف معنویت و روحانیات تعلق دارد آمیخته از حبهٔ قبه و از قطره دریا تصور کند !

عقد اتفاق این دو حکومت بمسایل حیاتیه و وجودیت مملکتین مربوطیت و تعلق میگیرد که اسباب جهتهٔ شرایط اتحاد حکومتین افغانیه و بریطانیه مبنی بر محافظهٔ شمالی هندوستان است از تجاوزات غیر و این مسئله چنانچه مدافعهٔ تجاوزات دشمنی شمالی را از ممالک مشرقیهٔ دولت بریطانیا در زیر امنیت میگیرد ؛ و همین زمان منافع موجودهٔ مملکتیهٔ افغانستان را نیز تأمین میکنند مثلاً لاسمح الله اگر دولت ایران یا عثمانی بخواهد که از راه افغانستان اردوهای خود را برای محاربهٔ هندوستان برانند با وجود یگانگی دینی افغانستان تا جان دارد ملک خود را نمیگذارد که پامال خیول دیگران گردد . وکذالک اگر دولت چین بخواهد که از راه افغانستان به ایران هجوم نماید همان دم افغانستان با چین محارب شمرده میشود زیرا بازهم همین نتیجه را می بخشد و هکذا علی التوالی . . .

بناءً علیه بودن یک چند نفر عثمانی ایکه قبل از حکومت مشروطهٔ عثمانیه از خارج ممالک عثمانیه به دولت افغانستان آمده باشند . و همهٔ آنها به هفت هشت نفر نرسند . و آنها نیز یا به دکتری و دوا سازی و یا انجنیری و صنایع نفیسه و یا بمعلمی مکتب مأمور باشند به این همه زنجیرهای قویهٔ مناسبات مادیهٔ دولت افغانستان و دولت بریطانیا چگونه خلل میرساند ؟ و چگونه رستاخیز هلال و صلیب را چسان بر می انگیزد ؟

بالفرض و التقدیر که افسران دولت عثمانی برای تعلیم اردوهای افغانستان موجود هم باشند آیا مناسبات سیاسیه افغانستان و بریطانیا چه ضرر و خطر را خواهند رسانید ؟ آیا مقصد کلانهٔ از پرورانیدن اردوهای عسکر افغانستان غیر از محافظهٔ حدود شمالی هندوستان است ؟ پس بهتر است که عساکر افغانستان منظم و تربیه شده باشند تا خوبتر نتیجه حاصل شود . اما این را هم یاد باید داشت که حیات هندوستان به استقلال حاکمیت ، و قوت و ترقی افغانستان جهت تعلقات و مناسبات عظیمه دارد .

آیا افسران جرمنی که در دولت عثمانی برای تعلیم اردوهای عثمانی استخدام شده اند چرا یگانگی هلال و صلیب را بوجود نیاورد ؟ آیا جنگ کردن آن افسر غیور جسور انگلیسی جناب مستر (مونتاگو) در اردوی مجاهدین عثمانی با ایطالیا چرا علم افرازی پرچم تازه با کاتولیک بر پا نمود ؟

مخابرات و مکاتبات سیاسیهٔ گورنمنت های دو دولت را سراج الاخبار افغانیه رد و تکذیب مینماید . و بالفرض و التقدیر اگر مکاتبه و مخابره هم باهم باشد آن مخابره و مکاتبه قطعیاً بامورات سیاسیه دخل و تعلقی نداشته خواهد بود . آیا بجز تصورات تعصب پرورانه یا وبیر در حوصلهٔ هیچ عاقلی میگنجد که اتحاد سیاسی مادی این دو دولت اسلام فایدهٔ مادی و یا قطعی برای یکدیگر شان برسانند ؟ اگر برساند چه خواهد بود ؟ معنویات بحث اخوت بهمدردی سعادت مالی . دعا و خیر خواهیهای دو حکومت اسلام با یکدیگر شان بر اساس رابطهٔ دینی و مذهبی اسلامیت بنا یافته است که تنها محبت و وداد و آن رابطه و اتحاد یکجا به مناسبات سیاسیهٔ دولت متفق معاهد او بقدر ذره خلل رسانیده نمیتواند . دولتین عظیمین افغانستان با دولت فخیمهٔ بریطانیا بمحافظه و مدافعهٔ ملک بهمدیگر خود شان بمقابل سیلاب های شمالی عهد و پیمان بسته اند که اگر اتحاد همین را نظر بهیچ زنفهٔ انگیزان غلط اندیش یکجا به تزلزل آورده نمیتوانند وکذالک اتحاد و مناسبات دینی حکومتهای اسلام را نیز هیچ دولت تهدید آمیز تفرقهٔ هلال و صلیب برهم زده نمیتوانند .

ما از جناب رفیق محترم خود (المشیر) عرض تشکر و منت داری مینمائیم که صفحه های اخبار فواید آثار خود را ابداً خدمت دولت فخیمهٔ مقدسه بدلایل معقوله از روی حقیقت پر و مالا نموده است . چنانچه در میان افراد مسلمانان اخوت و اتحاد و یگانگی و محبت موجود است اخبار های اسلامیه نیز با بین خود شان همچنین حسیات را می پرورانند . سراج الاخبار افغانیه از همه اخبار های همعصر برادران اردو زبان خود عرض امتنان مینماید .

اخبار مسلمان امرتسر
و چشمه بابا نانک

رفیق ما اخبار (مسلمان امرتسر) در یکی از نسخه های سابق خود از اخبار (لائل گزت) نام کدام اخبار هند و بعضی خبرهای ناموافق در باب چشمهٔ (سلطان پور) که آنها آنرا چشمهٔ (بابا نانک) میگویند نقل کرده بود . و تردید آنرا نیز بقلم شیرین رقم خود نموده و در آخر روشن ساختن این مسئلهٔ چشمهٔ مذکوره را از (سراج الاخبار افغانیه) طلب کرده بودند . این است که ما نیز نتیجهٔ تحقیقات موشکافانهٔ خود را که درین باب اجرا نموده ایم با تصویر ابتکار عاجزانهٔ خود بنظر مطالعه کنندگان کرام عرض مینمائیم :

ما در نسخهٔ نمبر ۸ مورخهٔ یکم صفر خود مختصری درین باب نوشته اخبار را داشته بودیم که ذات اعلیحضرت پادشاه معظم ما در خصوص حل و فصل منازعات رعایا صادقهٔ مسلمان

وهندوی شاهانهٔ شان یک حکم عالی بسیار مستحسنی بکار برده، اختلاف و دعاوی که از سالها در مابین این دو فرقه در باب این چشمه موجود بوده نتیجه‌های وخیمی از آن تولید شدنی بود و بتدبیر سیاسی شاهانهٔ خود از مابین رفع نمودند .

تفصیل این اجمال چنین است :

اولاً این را بگوئیم که از طبیعتهای خیال پرستانهٔ بشریت یکی همین است که در هرجا چون یک چشمهٔ خارق العاده، و یا یک درخت عجیب الخلقت، و یا یک کوهی، و یا یک نقشی در یک جائی ببینند آن را به بعضی خرافات خیالی، و روایات اولیا استناد داده و برای اغفال بیخبران اهالی یک اسم تقدیس و یک حرمتی مقرر داده زیارتگاه و معتقد پرستش میسازند. حال آنکه سحر پردازیهای کن در خلقت در عالم طبیعت چنان عجوبه های خارق العاده بظهور آورده میآورد که نوک عصای یک بشر در پیش آن یک خیال موهومی میماند.

مدبر عظیم الشان کائنات حرارت شمس منیر را یک آلهٔ سیاحتی برای مدبرات خوارقات عالم ارض مقرر فرموده، تابش آفتاب یک مقدار جزئی آبها را به بخار تحویل داده بهوا صعود میدهد، این ابخره در هوا بصورت ابر کثافت پیدا مینماید، باز بصورت باران بر زمین نزول میکند، و از مسامات متخلخلهٔ زمین بداخل طبقات داخلی جریانها پیدا کرده در گودالها و حفره‌های طبقات داخل زمین جمع آمده حوضها و مخزنهای جسیمی بوجود میآورند. و بعد از آنکه آن آبها در آن گودالها تضییق وقت یافت میاید برای برآمدن قوت کرده از هرجا که برای خروج خود مساعد و موافق بیابد برروی زمین جوشش زده میبرآید، و چشمه سار را بعمل آورده حیات زمین را تأمین میکند.

سبحان الله ! اینهمه آثار پراسرار خلقت خلاق عالم را، و اینهمه ماشینهای بدیع بر حکم مدبر کون اعظم را ببینیم و نوک عصای یکی از افراد بشر از خاک کمتر مربوط نمائیم ! چه قدر بی انصافی !...

این است که هنوز از آغاز مسئله هیچ و دعاوی بودن این اوهام خرافات آلود بر ناظرین کرام ظاهر میگردد، و اختلافات و تنقیدات ورق پاره‌های خرافات آلود هنود مانند خانهٔ اینکه اطفال از کاغذهای قطعه بازی میسازند خود بخود وا میماند مختلط. زیرا طایفهٔ هنود بر مقدس بودن این چشمه سار (سلطان پور) چنین ادعا میکنند که گویا جناب بابا نانک صاحب فقیر که پیش از سه چهار عصر قبل از این درین جا آمده بود و درهمین جای چشمه با عصای فقیری زدند و این آب فوران از زدن آن عصا جاری شده، و آب این چشمه را در قدسیت عیناً مانند آب گنگ میدانند که گویا بکرامت آن عصا یک زدن انگشتان یک خارق شان داد که از سلطانپور جلال آباد مملکت افغانستان تا به نهر گنگ هندوستان یک نقب تونل خارق العاده درازی بحصول آورده آب نهر گنگ را از آن چشمه جاری نمود .

خوش ! ما باینهم متشکریم که آب انگشتان یک نهر مشهوری مانند گنگ به برکت نوک عصای جناب بابا نانک از سلطانپور ما جاری شود ! ولی هزار افسوس که اولاً اثبات این مدعا مشکل، ثانیاً باور کراندن این سخن را به این اولاد عصر بیستم از محالات مینماید . هیچ شبهه نکنیم که اگر این روایات پرخرافات سماعی غیر مثبوته را جوانان تعلیم یافته تربیه شده و روشن دماغ وسیع خیال هند و این بنگال بخوانند از خنده بسیار گرده‌های خود شان را تا الکش خواهند داد !....

از اینهم صرف نظر : اصل بلا اینجاست که عیناً برهمین موضوع وهمین مدعا در زمان مسلمان این نواحی نیز بر مقدس بودن این زیارتگاه ادعا میکنند که گویا بیک روایت حضرت خضر علیه السلام و بیک روایت (سلطان غازی بابا) که یکی از بزرگان است این چشمه را بنوک عصای مبارک خودشان باز کرده اند .

ما درینجا از کرامات اولیا بحث نمیرانیم، ولی درمابین این دو دعوای عین مدعا یکقدری محاکمه و ملاحظه مینمائیم که آیا این حل وفصل دعوا، و رفع ساختن مسئلهٔ منازعهٔ فیها که اعلیحضرت پادشاه حقایق آگاه معظم ما اجرا فرموده اند عین عدالت و حقیت است یا به اصطلاح شیخ وزر چاره‌های ضعیفانه غلط :

این دعوای طایفهٔ اهل هنود تا از زمانهای ابتدای سلطنت امیر کبیر مرحوم جنت مکان (امیر دوست محمد خان) درمحکمه‌های افغانستان در کشمکش مانده، و هیچ یک نتیجهٔ قطعی درین باب داده نشده است، در زمان بعضی حکام بدست هنودها و در زمان بعضی بدست مسلمانان بوده، و گاهگاهی منازعهٔ این دو فرقهٔ مخالفه بر سر این چشمه بجدال و مقاتله نیز منجر شده است . ذات اعلیحضرت پادشاهی برین دعوا بنظر پرغور حکیمانه نظر فرمودند، اولاً اساس مسئله را بر روایات خلاف حقیقت مستند یافتند . ثانیاً سندها و دست آویزهای طرفین را چون ملاحظه فرمودند در هیچکدامی از آنها یک قیمت حقیقیه که مدار حکم شود دیده نگردید بلکه آن دست آویزها اکثر عبارت از براتها و فرمانهای کهنه و فرسودهٔ حکامی بود که بطرفین داده شده بود . ثالثاً چون بسوی اکثریت و اقلیت نظر فرمودند اکثریت را بسوی رعایای مسلمان خود یافتند، زیرا در علاقهٔ از مسلمانان هزارها خانه ودران نواحی وجود دارد از مردم هنود بیشتر از چهل و پنجاه خانه نمی‌آید . پس ملاحظه فرمودند که از طرف رعایای مسلمان خود را التزام فرموده حق آنها را

بر موضوع مذکور ثابت قرار دهند رعایای هندوی شان سر از سر پا و پس نکشیده. اگرچه ظاهراً چیزی کرده نتوانستند. ولی قلباً و باطناً و اعتقاداً حقد و بغض هموطنان مسلمان خود را در دل خواهند پرورید. و اگر رعایای هندوی خودشان را التزام فرموده حق اظهار این موضوع ثابت نمایند اگرچه مسلمانان شاید بر اطاعت امر اولوالامر چیزی گفته نتوانند ولی این غیظ و کینه را هیچ وقت در دل خود مخفی داشته هر وقتی که فرصت یابند به هموطنان هندوی خودشان ضررهای مالی و جانی عظیمی برسانند لهذا در سنه ۱۳۲۵ هجری تشکیل یک مجلسی را اراده و فرمان فرموده. و در او سادات و کلانتران فرقتین مذکوره تعیین و جمع فرموده. و به دلایل واضحه و براهین قاطعه واهی بودن این فکر را به درجه که هر دو طرف قناعت وجدانیه حاصل کنند ثابت ساخته و موقوف بودن رفع منازعه و دل بدی طرفین را ابراز نمودن و کف ید هر دو طرفین از موضوع مذکوره روشن و آشکار ساخته طرفین را بر این امر تکلیف نمودند. بنابر علیه هر دو فرقه فی الفور این شخص خیرخواه و استقلال اندیش پادشاه خود را امین خود و صلاح خود دانسته بلکه یک زبان از حقوق خودشان بر موضوع مذکور بحسن رضای خود ابرا نمودند. اگر صحایف اخبار گنجایش میداشت نقل برابرنامه جمهور اهل هندوی کابل و جلال آباد را که بمهر و امضای خودشان به اعتاب سنیه پادشاهی تقدیم کرده اند عیناً درج مینمودیم تا از نظر ناظرین قارئین کرام میگردید.

حالا ارباب عقول سلیمه انصاف فرمایند که این عدالت است یا جور؟ .....

نقل از اخبار پایونیر

کلکته مورخه ۹ مارچ — مراسله ذیل از مکاتب خاص انگلیس نشر شده است — در زمانه گذشته افواهاً مشهور شده بود که گورنمنت اطالیه برای مسدود کردن راه های بنادر و جده و ینبوع را اراده کرده بود — بنابراین مسلمانان هندوستان در مذمت این حرکات اطالیه بگورنمنت هند رجوع نموده بودند — گورنمنت هند در این باب هیچ اطلاع ندارد و لهذا آن افواه اصل و اساس ندارند — گورنمنت هند اصلاً اعتبار ندارد که گورنمنت اطالیه مرتکب اینچنین حرکات شده باشد که حجاج اسلام را در آمد و رفت شان مداخلت نماید — گورنمنت هندوستان بعض از برای تسکین خواطر اهل اسلام اطالیه را از این امر مطلع کرده که اگر اطالیه بر ارتکاب اینچنین حرکات جسارت نمود جمله ملک هندوستان برخلاف اطالیه برانگیخته خواهد شد.

* * *

این فقره آخرین مکالمه وزارت جلیله خارجه گورنمنت

هندوستان که از حیثی لازم او قومی قطع میشود و بسیار قطعی و معقول دیده میشود. هیچ شبهه نیست که دولت فخیمه بریطانیا محافظت حقوق هفتاد ملیون نفوس رعایای هندی وطن خودشان را بهیچ صورت از دست نخواهند داد. و دولتی را که دست به حقوق اسلامیه خود را با بیگانه کارهای ناشایسته وحشیانه ایطالیا دفعتاً و قطعاً از عالم اروپا به نفرت کردن و بیزار شدن مجبور نخواهد ساخت.

خبرهای مختصر

لندن ۹ ربیع الاول — در محافل دیپلوماسی لندن چنین گفته میشود که دولت بریطانیا با آنکه فایده منتظره ایطالیا را آرزو میکند این نمیخواهد که ترکیه را از خود متنفر و مکدر سازد.

دیگر — در ملکهای افریقه فرانسیس که در افریقای غربی و خط استوا واقع است روز بروز دین مبین اسلام عام شده میرود و حکومت آنجا در مخصوص سرایت شیخها و درویشهای مسلمانان که در آنجا به هدایت مردمان مشغول میباشند بقانونی که برای مردمان سرسری و در بدر ساخته شده در حق آنها معامله میکنند.

دیگر — برای منع نمودن انتشار دین مبین اسلام را در ملکهای (کامه رون) و (طوغو) که از ملکهای افریقه حکومت جرمنی است. حکومت شان را بها تدابیر و وسایل سیاسیه آغاز کرده است. مسیشنریها و وعاظ دیانت مذهب کاتولیک نصارا برای افزونی دادن وظیفه و ولوله های خودشان طلبها کرده اند. از هر طرف از طینت خود اعانه و مدد گرفته اند.

دیگر — در بیروت خسارات نفوسی که از گلوله باری کشتیهای ایطالیه رسیده قریب به صد و پنجاه نفر است. خسارات مالی نیز بسیار است. از این گلوله باری تنها یک کلاه سرخ جنت نوی برحمیهای خود به یادگار دیگر هیچ صرفه نبردند. پایه وقار و متانت دولت علیه عثمانیه را هیچ تزلزل نرسانیدند. در طرابلس محاربه به شدت دوام دارد. روز بروز جرأت و شجاعت عساکر اسلام افزونی میگیرد و قوه معنویه ایطالیا از زبونی حاصل میشود. و تا حال هیچ یک فتوحات و غلبه صریحه ایطالیها ظهور ننموده است. یکی از مشایخ سنوسیه با ششهزار سوار عربهای شجعان خود به اردوی اسلام ملحق شده اند. و استقبال عظیمی از طرف اردوی عثمانی در باره آنها عمل آمده است. شایعات توسط دول معظمه در باب صلح در مابین دولتین متخاصمین در روزنامه ها انتشار مییابد.

دیگر — در لندن یک غریو بسیار عظیمی در عموم عمله کارخانه یعنی مزدوران کارخانه معدنهای زغال سنگ بظهور آمده است. در وقت رفتن این غریو برای عالم تجارت و صنایع یک شکل بسیار وخیم فلاکت آوری را میگیرد.

برادران صنف نظامی ما بخوانند

وظایف عسکریه

مابعد از نمبر ۱۲

چنانچه در شرع دین مبین اسلام بعضی فرض‌ها موجود است در شرع عسکری با آن فرض‌های دینی شش فرض اساسی عسکری نیز موجود است که آنرا (وظایف خصوصیهٔ عسکریه) نیز میخوانند. آن شش فرض این است که بیان میشود :

فرض اول (صداقت)
فرض دوم (حاضر شدن بجنگ)
فرض سوم (دلاوری)
فرض چهارم (اطاعت)
فرض پنجم (اطوار و حرکات راست و درست)
فرض ششم (با رفقای خود خوش گذرانی)

فرض اول صداقت

به دین، دولت، به وطن، ملت، هر فرد عسکری می‌باید که تا به آخرین نفس خود صادق باشد. خواه در وقت حضر یعنی آسایش، وخواه در وقت سفر یعنی در وقت جنگ اگر در دریا باشد و اگر در خشکی میباید که عسکر از صداقت جدا نشود. اگرچه هزار فلاکت و صدمه نیز برو بیاید باز هم از صداقت جدا نباید شد. در هر امور و هر معاملات دولت و ملت بصداقت خدمت باید کرد. ضد صداقت خیانت است که کفر محض عسکر است چنانچه مکافات صداقت در آخرت بهشت، و در دنیا بلندی شان و شرف است مجازات خیانت نیز در آخرت جهنم، و در دنیا آتش تفنگ است. هر عسکر میباید از خیانت کردن بشدت اجتناب کند، و اگر در میان خود هر کدام خائنی را ببیند و بداند آنرا خبر بدهد و ازو نفرت کند.

فرض دوم حاضر شدن بجنگ

هر عسکر میباید که استعمال کردن سلاح خود را خوب بیاموزد، و بی خطا کردن گلولهٔ خود را به هدف مقصود برساند؛ و تعلیم قواعد و آداب عسکری که لازم اوست بخوبی و زود زود بیاموزد؛ و در مقابل دشمن آموختنیهای خود را اثبات کرده به دولت و ملت، و وطن و دین فرض خود را ادا نماید.

اگر عسکر کار تفنگ خود را خوب نیاموزد و قواعد و تعلیم لازمی نیاموزد در آنحال دولت بجای اینکه ازو فایده ببیند ضرر می‌بیند. زیرا با دشمنی که در مقابل او ایستاده است، وظیفهٔ حقیقی خود را بجا آورده نتوانسته هیچکاری از پیش برده نمیتواند. هر نفر سپاهی عسکری باید بداند که در مابین یک آدمی که هر چیز را بداند، و یک آدمی که هیچ چیزی نداند فرق بسیار است. بنابرین بر هر فرد عسکری فرض عین است که تعلیم یعنی قواعد و تربیه و ضروریاتی که برای جنگ لابد و ضرور است و دولت و ملت ازو آنرا طلب میکند بخوبی بیاموزد، و تا به آخر درجه در باب زود آموختن آن کوشش نماید و خود را بجنگ حاضر سازد.

[illegible] عسکری ترجمه شد

[باقی در نمبرهای آینده می‌آید]

عالمهای ژاپان

-۲-

از سیاحت‌نامهٔ عبدالرشید ابراهیم افندی

رسیدنم به ژاپان

در ۳۰ ماه تشرین ثانی صبح وقت بود که واپور ما بلیمان یعنی بندرگاه (سوروگه) داخل میگردید. قاروت — یعنی خدمتگار، قاره‌ها مراد دیگر سه فراقی را که در آنجا بودیم از خواب بیدار کردند. پیشتر ازین چای دادند. من بر سطح واپور برآمدم. دیدم که یک عده و طایفهٔ واپور که دیروز جشن منها شده بکثرت مطالعه و کتاب خوانی واپور (چوزان مارو) را یک کتابخانهٔ تحویل داده بودند باز بلباس علامان در آمده بر کار و خدمتهای خود شان بکمال چستی و چالاکی حاضر و مهیا بودند.

واپور با تقدر دو صد قدم دورتر از بندر لنگر انداخت زیرا در آنجا بجز فرود آوردن بعضی مسافران دیگر کار و باری نداشت. بمجرد لنگر انداختن واپور یک دو کشتی بزرگ نقلیه بواپور نزدیک شد. زینهٔ واپور را فرود آورده با تقعد (بفرمائید). رهبردانی را که در قاره‌ها بودند در کشتی مال کشی فرود آوردند، و به بندر بر آوردند. بندر یک بندرگاه منتظمی نبود. کشتیها در پیش یک پل چوبی استاده شده، از زینه بر پل مذکور بندر بخشکه بر آمدیم.

تا به اینجا زحمت و مشقت های که در بندرها دیده بودیم درین بندر اثری ندیدیم ما به برداشتن و برآوردن اشیای خود هیچ حاجت نمی بینیم . کشتیبانان ژاپانی که ما را به بندر آورده اند کالا و اشیای ما را با بسیار احتیاط و درستی میبرارند . هیچ کس از ما اجرت نقل کردن ما را از واپور تا به بندر نمیطلبد . هیچ کسی پیسهٔ (طوپراق باصدی) یعنی (برخاک قدم نهادن) را که تا به اینجا داده آمده ایم نمیخواهد . هیچ کسی از تذکرهٔ راهداری . و از کجا آمدی بکجا میروی نمی پرسد آخر من خود مجبور شدم که بپرسم : — آیا برای اینکه با این کشتی ما را از واپور تا به اینجا آورده اید چه نمیخواهید ؟

یکی از کشتیبانان خندیده گفت : — ما مسافران خود را از خشکه گرفته ایم باز پس آنها را بخشکه برآوردن وظیفهٔ ماست . بعد از آنکه از دروازهٔ (گمرک) یعنی (چوترهٔ بندر) برائید بهر جائیکه بخواهید . و هر رنگی که دل تان بخواهد رفته میتوانید .

در بندر نه پرسیدن تذکرهٔ رهداری . و نه پالیدن اشیا و کالا بود . تنها یک مأمور گمرک از هر کس چنین سوال را میکرد که : — آیا توتون یعنی تنباکوی سگرت یا سیگار دارید ؟ یکی از مسافرانیکه با ما بود و مرد انگلیسی بود دو قطی سیگرت با خود داشت از بیرون برآورده نشان داد . به او هیچ چیزی نگفتند . معلوم شد که اگر انسان با خود بسیار سیگار یا سیگرت داشته باشد ممنوع است .

بجز دیگر از گمرک برآمدیم یک پسر جوانی را دیدم که فریاد میکند : — ای مسافران گرام برای حرکت قطار ریل چهل دقیقه باقیمانده است .

همه اسبابهای خود ما را در دروازهٔ گمرک تسلیم گرفتیم چنانچه در واپور گذاشته بودیم همچنان در اینجا بی کم و کاست گرفتیم . اگر یک قدری به انصاف موازنه و مقایسه نمائیم آیا در اروپا به اینچنین مدنیت بر بخوریم ؟ آیا سیاحان و مسافران در کدام مملکت به این قدر استراحت نایل میشوند که اشیای شان و خود شان از واپور تا به بندر مفت و رایگان نقل میشود ؟ آیا مفتونان ای مدنیت اروپا گفته می توانند که در پاریس یا لندن نیز همچنین است ؟ اما بلکه در اینجا بخیال بعضی کس نیکه برسد که این اجرت نقلیه مسافران را از واپور بخشکه نیز در وقت تکت دادن واپور حساب کرده بر قیمت تکت ضم کرده باشند که اول بخیال خود من نیز همچنین رسیده بود . اما این چنین نیست : زیرا در واپور روس از ولادیوستاک تا به این بندر (سوریغه) در سطح واپور یک آدم (۹) روبل ، و در قمارهٔ درجهٔ اول (۲۸) روبل میگیرند . و واپور شان درجهٔ دوم هم ندارد . حال آنکه در واپور ژاپان

فاجعه های پاریس

مابعد از نمبر ۱۳

— مترس مادام ، یک زنگ باز نیست . منم ، من ... یعنی موسیو (ویغیو) ... صاحب خانه ... بکشید در را ... چابک شوید ... در ملک خودم اینقدر انتظار کشیدنرا خوش نمی بینم ! ...

قلو تیله زنجیر دروازه را کشیده در باز شد . آدم مذکور داخل شد . صاحب خانه موسیو ویغیو یک آدم به چهرهٔ غلیظ صوتی بدن بزرگی بود که از حال و طور او دنائت طبیعت ، و پستی فطرتش پدیدار بود . از یک برک بسیار ثقیلی یک جاکت و پطلونی در بر داشت . و یک پیش دامنی چرک تنگ نرمی که صاحبان میخانه ها بر کمر می بندند بر شکم درشت منحوسش مربوط بود . بمجرد یکه از خانه درآمد دست خود را بکلاه فرنگی شب پوشی خود برده سلامی کرد ، و بر یکی از چوکیهای بوریائی خود را پرتاب کرده بنداخت که چوکی به ثقلت وجود ویش مقاومت نموده نزدیک بود که بشکند . بعد از آنکه یک قدری نفس زده ماندگی خود را گرفت بیک طور مستهزیانه و ادبایانه گفت :

— بلی مادر ، آیا تا به کی برای گرفتن کرایهٔ خانه انتظار خواهم کشید ؟ آیا هنوز وقت ادا کردن آن نرسیده است ؟

در سطح واپور بریک آدم (۸) دوبله، ودر قارهٔ درجهٔ دوم (۱۸) دوبله میگیرند و برسر آن هم مسافران را با اشیای شان بدون اجرت بخشکه هم برآرند، و این نکتهٔ منطقی را نیز علاوه میکنند که:

(ما مسافران را از خشکه گرفته‌ایم باید که بخشکه پس بکشیم.

[باقی در نمبرهای آینده می‌آید]

لطیفه

— آیا این آشیان چلچلی را چرا در سقف خانهٔ تان گذاشته اید؟

— ازی خاطر که میگن چلچلی گدی پای حضرت بلال است. و در خانی که باشه ثواب است...

(۹)

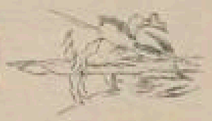

ادبیات

قلم

چه عظمت، چه شوکت ببین در قلم
عطا کرده ذات الٰه قلم

قلم گر کند قصد جنگ و جدال
چه سرها بیفتد بچاه قلم

گر اصلاح خواهد بنوع بشر
چه گمراه آید براه قلم

قلم زنده کرده است نوع بشر
جهان روشن از نور ماه قلم

سخن از قلم شد جهانگیر وقت
بود علم و عرفان سپاه قلم

نه توپ و گروپ و نه تیغ دو دم
کند کار دود سیاه قلم

به (محمود طرزی) قلم شد نصیب
بود دایما خیر خواه قلم

قرتیله — امروز پیسهٔ شما داده میشود. شوهرم مرا بخاطرجمعی دادن شما مأمور نموده است.

دیفو — (مستهزیانه) شوهرتان ها!...

امّا اگر کاغذ نکاح نامهٔ شما را طلب کنند گمان میبرم که دوچار مشکلات خواهید شد.

قرتیلهٔ بیچاره ازین سخن غلیظ حقارت آمیز این حریف خیلی متأثر شده گفت:

— مرا چه حق تحقیر میکنید؟ موسیو!...

دیفو — (بخنده) وای! بقهر شدید!

ضرور نیست دختر من ازدواج کردن شرعی ویا غیر شرعی شما چیزی نیست که بمن تعلق داشته باشد من بجز گرفتن حق خود دیگر کار ما را نمی اندیشم. ودر اول که آمدید یکباره پیشکی داده‌اید، ازآن سبب درپی جستجوی اوراق شما نیفتادیم. وتنها در کتابچهٔ دفتر خود نام شما را (موسیو و مادام غوتران که به فایض أسهام گذران میکنند) قید وثبت نموده درپی کنج وکاو احوال شما نگشتیم. و تا بوقتیکه کرایهٔ خود را ماه بماه قسطاً میگرفتیم هرچیز براه بود. امّا چون بنای پیسه ندادن را گذاشته‌اید طبعاً معاملهٔ ما وشما تبدّل میکند. بر ذمّت این دان پیسهٔ خود را گذاشتن بدرد نمیخورد.

[باقی دارد]

ناموران زنان جهان

ما بعد از نمبر ۱۳

برای دیدن جسد وخاک وخون آغشتهٔ شوهر خود که در ترتهٔ دیکیهای شهر (تیبه) افتاده بود برفت. ودر آنجا بامر رئیس (گراودن) بقتل رسید.

آرسلان خاتون — همشیرهٔ (طغرل) بیگ است که از پادشاهان سلجوقیه است ودختر (میکائیل) بن سلجوق میباشد. در سنهٔ (۴۴۸) مرقومه را از خلفای عباسیه (قایم بامر الله) درحبالهٔ نکاح خود درآورده بود بعد ازان درمابین ارسلانخاتون وخلیفه خفقان ورنجشی پیش آمد در تاریخ (۴۵۵) برادرش طغرل بیگ اورا در نزد خود بشهر (ری) آورد. ولی چهار سال بعد باز به بغداد برگشت واز طرف خلیفه، وزیر فخر الدوله بن جهیر برای استقبالش ایلچیها برآمده به بسیار عزت واحترام به بغداد داخل کردندش.

آرسینوئه — دختر (بطلیموس) است که از پادشاهان قدیم مصر بود. پیش از میلاد عیسی علیه السلام به (۳۰۰) سال پادشاه مملکت (تراکی) که درین وقت آنرا (اورنه) میگویند ودر ممالک عثمانیه میباشد (ارسینوئه) را ازدواج کرده بود. نام آن پادشاه (لیسیماخوس) بود. بعد ازانکه شوهرش وفات یافت (بطلیموس کرونوس) بر (آرسینوئه) لشکر کشیده ودر (کسندره) نام موقع اورا محاصره کرده ودر زیر فشار آورد، وبه او تکلیف کرد که اورا بشوهری قبول کند. آرسینوئه این تکلیف اورا رد نمود، ولی چون دید که چاره بر دستبردش نیست اولادهای خودرا کشته وهمهٔ مال ومنال خودرا آتش زده ودر یک کشتی که پیشتر حاضر کرده بود سوار شده در جزیرهٔ (سمودرک) فرار نمود. بعد ازان در تاریخ (۲۹۰) که برادرش (بطلیموس فیلادلف) بر تخت مصر نشست.

[باقی دارد]

علم ثروت ملل

ما بعد از نمبر ۱۳

وجز این کارها بقواعد علم ثروت ملل تابعت. اما همه اعمال بشریه عبارت از همین چیزها نیست. بسیار کارهای دیگری نیز هست که آن خاص بخود انسانها تعلق دارد، وبلکه مدار یگانهٔ همه صنایع شمرده میشود، که آنهم عبارت از کارهائیست که برای تعلیم وتربیه واصلاح وتهذیب اخلاق ودرستی افکار، ومحافظهٔ قوای عقلیه وبدنیه ونگهبانی منافع مشترکهٔ انسانها صرف میشود. کسانیکه به این کارها مشغول اند بر دو قسم است که یکی معلمین ومؤلفین علوم ادبیه، وطبیعیه وریاضیه، واخلاقیه، ومیکانیکیه وطبیب ها میباشند. دیگر قسم آن هیئت حکام ومامورین ملکیه وعسکریه میباشند که در داخل ملک بمحافظهٔ عدالت وامنیت، وانتظام وآسایش واداره ملک مشغول اند که آنها هیئت حکام ومامورین ملکیه وعسکریه میباشند. غیر ازین کارها بعضی کارهای دیگر نیز هست که آن کارها انسانها را بظرافت، وحسن طبیعت الفت میدهد، واحساسات قلبیهٔ شان را اعلا وقوهٔ خیالیهٔ شان را توسیع میدهد. ویا آنکه بحاصل کردن تلذذات معنویه واذواق جمیله که موجب انشراح وانبساط انسانها گردد مشغول میباشند، مانند رقاصی، وشعر، وموسیقی، وتشخیص وتجسیم تیاترها وغیره.

[باقی دارد]

هر مقاله ئیکه دستخط ندارد ازطرف سرمحرر تحریر یافته

مدیر وسرمحرر سراج الاخبار افغانیه

بسعی واهتمام الحاج عبدالخالق پسر طرزی افغان بمهتمم چاپخانهٔ دارالسلطنهٔ کابل
بقلم میرزا محمد جعفر قندهاری

صفحهٔ ۱ سال یکم نمبر ۱۵

نگران
اشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی
علی احمد

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیهٔ کابلی
در اقطار داخلهٔ مملکت با اخراجات ڈاک ۱۲ روپیهٔ کابلی
در خارج مملکت با اخراجات ڈاک یک پوند انگریزی
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یک عباسی است

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

مدیر و سرمحرر
محمود طرزی
اداره‌خانه و مطبعه
در ماشین‌خانهٔ دار السلطنهٔ کابل

همه امورات تحریریه به اداره‌خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

هر پانزده روز یکبار نشر میشود

تاریخ عربی ۱۵ جمادی الاول ۱۳۳۰ تاریخ ماه انگریزی ۳ می ۱۹۱۲ تاریخ شمسی ۱۳ ثور ۱۲۹۱

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

مراسم جشن سالگرهٔ اعلیحضرت همایونی در جلال آباد — حوادث داخلیه — حوادث خارجیه — مقالهٔ مخصوصه — لطایف عسکریه — عالمهای ژاپان — ادبیات — ناموران زنان جهان — علم ثروت ملل — فاجعه‌های پاریس

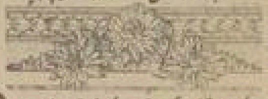

مراسم جشن مبارک سالگرهٔ اعلیحضرت همایونی

بنا بر روایتی که از طرف
سرمحرر ما به اداره رسیده

عالیجاه رفعت همراه محمود بیک خان مدیر و سرمحرر سراج الاخبار افغانیه حفظ حضرت الٰهی باشد — یک فقره در باب جشن سالگرهٔ اعلیحضرت والا که در جلال آباد انعقاد یافت برای شما تحریر میشود که عیناً درج روزنامهٔ مبارکهٔ سراج الاخبار بدارید:

در باب جشن سالگرهٔ سال چهل و دوم از عمر مبارک اعلیحضرت همایونی بتاریخ لیل یکشنبه ۲۵ ربیع الثانی در باغ شاهی جلال آباد منعقد شد — باغ شاهی جلال آباد با وجود اشجار و انهار دلکشا منظر روح پرور به قنادیل رنگین و چراغهای گیس و دیگر آیات نخ و فیروزی و علامهٔ پرچمهای هر مملکت مزین گردیده بود — و در وسط باغ موصوف برای مجلسیان در داربچه چوکیها و میزها و دیوانهای مجلل شیرینیها و غیره موجود و معین بود — جناب عالی معین السلطنه صاحب و معین الدوله صاحب و باقی شهزاده‌ها و سرداران و منصبداران نظامی و ملکی و خوانین و مشایخ و سادات و حکام و کارداران و ملکان علاقهٔ سمت مشرقی که جمع غفیری بودند به هفت و نیم بجهٔ اوّل داخل باغ شاهی گردیدند بعد در برندهٔ خاص طرف شمال بسلام حضور مبارک مشرف شدند — عریضهٔ تشکریهٔ مبارکی جشن میلادی پادشاه معظم را اشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت از طرف خدام دولت و حاضرین در بار عرض نمود بدین موجب:

« هزاران ثنا و ستایش مر خدای لایزال راست که درین زمان میمنت اقتران شب جشن مولود مسعود سال چهل و دوم سالگرهٔ اعلیحضرت همایونی میباشد — برای خدام دولت بکمال سرافرازی اجازه داده شده است که شامل محفل جشن موصوف شویم — مبارکی جشن سالگرهٔ پادشاه ذره پرور خود را بکمال خورسندی و فرحت بحضور کعبهٔ معظم و قبلهٔ مکرم تاجدار خود عرض مینمائیم — و از خداوند کریم صحت و عافیت و تندرستی وجود ذیجود با سعادت پادشاه معظم خود را خواهانیم — و نیز تشکریهٔ این مرحمت اعلیحضرت پادشاه مهربان خود را که غلامان را سرافراز فرموده اجازهٔ شامل شدن این محفل عظمی را اعطا فرموده اند بهیچگونه ادا کرده نتوانیم

از دست و زبان که بر آید کز عهدهٔ شکرش بدر آید

باری خداوند عالم جل و علی شانه ذات فرخنده صفات اعلیحضرت الا

از جمیع بلیات محفوظ و مستور داشته سایهٔ هما پایهٔ ظل الهی را از مفارق اهل اسلام علی الخصوص ملت و دولت افغانستان کم و کوتاه نگرداناد — و بدخواهان و بداندیشان دین مبین حضرت سید المرسلین و باغیان دولت قوی شوکت اعلیحضرت (سراج الملة والدین) را همیشه پایمال سم ستوران غازیان عساکر نظام و عقر انتقام و افواج ملکی صادق العقیدت فرجام بادا بحق محمد و آله الامجاد — اعلیحضرت والا بکمال شفقت و مرحمت و مهربانی عریضهٔ مذکوره را منظور فرموده با حاضرین دربار — خیر مقدم — فرمودند — بعد از آن نفری حاضرین دربار هر یک بجای مناسب و متعین که از برای شان ترتیب یافته بود نشسته تماشای چراغان و استماع سرود باجه های موجوده و نغمات مغنیان و ارباب طرب را می نمودند — ذات شاهانه با شهزادگان عالیقدر در مجالس موصوف تشریف آورده با هر یک از خدام دولت و حاضرین دربار نوازش و الطاف میفرمودند — دو ساعت بعد از نصف شب دربار موصوف ختم شد — لیل ۲۶ در میدان سراج العمارت تماشای آتش بازی بود و اهالی دربار و مردم شهر و اطراف جلال آباد در تماشای مذکور حاضر بودند دو ساعت تماشای آتش بازی قایم داشت انواع و اشکال آتش بازی روشن شد — بعد از فراغ آتش بازی اعلیحضرت والا و خدام خاص حضور در باغ شاهی جلال آباد تشریف بردند — منصب داران و خوانین و دهقانان جلال آباد در خارج باغ شاهی که سایه بانهای مکمل از برای تناول طعام بر پا بود آمده طعام را تناول نموده بعد از فراغ طعام رخصت شدند فقط

بقرار شرح فوق کوایف مزبوره را عیناً درج سراج الاخبار نمبر (۱۵) نمائید فقط تحریر یوم پنجشنبه ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۳۰

[علی احمد]

حوادث داخله

مراسم جشن مبارک سالگرهٔ اعلیحضرت همایونی در پای تخت دار السلطنه کابل

مراسم جشن پر مسرت ولادت سرا سر سعادت بادشاه بزرگ عدالت آئین ملت و دین مبین اعلیحضرت (سراج الملة والدین) بادشاه بزرگ دولت علیهٔ مستقلهٔ افغانستان (امیر حبیب الله خان) حفظه الله دولته و اطال الله عمره و عافیته در شب پنجشنبه ۲۵ ربیع الثانی بکمال شوکت و کامرانی و تمام سرور و شادمانی اجرا گردید. چنانچه یک روز پیشتر به اهل دربار معالی بار از طرف سامی جناب فخامت پناهی حضرت نائب السلطنه صاحب فخر بواسطهٔ سار جن هجور دربار خبر داده شده بود که بعد از نماز شام بلباس مذکوره یا لباس های رسمی شبانه در عمارت عالی سلام خانهٔ عام حاضر شوند. در وقت موعود همه مدعوین حاضر شده بودند. اگرچه بسبب باد شدید و بعضی قطرات باران که در آن شب میبارید چراغان و زینتهای خارجی عمارت موصوفه را از حسن عاری ساخته بود ولی دالان بزرگ سلام خانهٔ مبارکه با هزاران لامپها و چراغها و جارها منور و با انواع پرده ها و گلها مزین بود. سفره های میوه و شیرینی و سیگرت وغیره در هر جا بترتیب کامله آراسته شده بود.

تقریباً بهشت بجه شب در علاقه بندگان والا ارکان و صاحب منصبان دربار معالی بار در رستهٔ یک در دراز دالان بزرگ صف بسته احترام شدند بعد از کمی ذات سامی حضرت نائب السلطنه صاحب افخم از دروازه داخل دهلیز برآمده و با حاضرین یک نطق و حیرت دلچسپی در باب مراسم افتتاحیهٔ این جشن مسعود مسرت آمود و دعای طول عمر و عافیت اعلیحضرت شاهانه و دوام ترقی و شوکت و نصرت دولت افغانستان استدعا و بپایان فرموده و رسومات رسمیه را اختتام دادند. و مردمان را به آزادی و بی تکلفی چنانچه از واجب این چنین شب ها است امر و اجازه فرمودند.

الحق که این شبهای جشن را اعلیحضرت بادشاه معظم مقدس دیگر چنان یک قوانین با حسن و جمال و آداب لطف و کمال تابع فرموده اند که جهان جهان فرحت و عالم عالم عشرت در آن مندرج است. در هر جا یک جمعیت محبت در پیش میزهای بسیار مزین که سیگرت ها و انواع میوه ها و نقل ها در آنها موجود است تشکیل میدهند، از مراسم قیام و تکلفات رسمیه که در دربار دارد حاضرین سراسر معفو و آزاد و جدا شده اند از هر نوع بازیها مثل شطرنج و نرد و کاغذ و سیر کردن کتابهای تصاویر دار و مطالعهٔ آنها آزادانه استفاده میشود.

نغمه های لطیفهٔ موزیک یعنی باجه خانهٔ عسکری که مقامات موثره ملی را می نوازد سامعین را یک حظ و سروری استیلا میکند.

این شب جشن مبارک سال گذشته نیز بحسن انتظام و فرحت و سرور تمام دوام ورزید. از طرف ذات سامی

انی مسوده عریضهٔ تبریکیه که بذریعهٔ تلفون بحضور اعلیحضرت همایونی عرض شود بر حاضرین کرام قرائت فرموده شد، و همه حاضرین برا تصدیق نموده بحضور اعلیحضرت همایونی بواسطهٔ قاصد برق [illegible] عرض گردید. صورت عریضهٔ تبریکیهٔ مذکوره این است :

پیغام تلفون

عریضهٔ تبریکیه

از طرف نائب السلطنه بحضور اعلیحضرت عرض شد :

«که این غلام و منصب داران که بسلام خانهٔ دار السلطنه شرفیاب میباشیم سر و عرض حضور انور میداریم که خداوند جل و شأنه این جشن سالگره اعلیحضرت را مبارک داشته باشد و ظل عاطفت اعلیحضرت را که باعث آرامی و آزادی ملت افغانستان میباشند از سر ما خدمتگاران و اهالی افغان کم نگرداناد و ما را توفیق خدمتگاری و اطاعت اولی الامر عطا فرماید.»

تقریباً به یازده و نیم شب حاضرین مجلس بر خوان نعمت احسان پادشاهی دعوت شدند، و به تمام سرور و وفور حبور از الوان نعمت اعلیحضرت پادشاه دریا نوال شان نوازشهای عاطفت گردیدند. بعد از طعام پیغام نامهٔ جوابیهٔ اعلیحضرت همایونی بذریعهٔ تلفون رسیده ذات سامی جناب نیابت پناهی آنرا تا آخر بر حاضرین کرام قرائت فرمودند که صورت آن این است :

پیغام تلفون

عواطف نامهٔ جوابیهٔ دستخطی اعلیحضرت

«ارجمند عزیز الوجودا — از شرح اخلاص و اظهار تشکرات شایان سرکار والا را خورسندی حاصل شد، و توفیق خدمتگذاری برای شایان و جمیع اهالی افغانستان از درگاه حضرت الهی خواهانم که بکمال خورسندی در ظل عاطفت خود نگهدارد و باقی لطف الهی شامل حال است سلطان باشید لیلهٔ یکشنبه ۲۵ ربیع الثانی سنه ۱۳۳۰»

حاضرین کرام این پیغام نامهٔ همایونی را بکمال آداب و احترام استماع نموده دعای دوام عمر و اقبال و ترقی شوکت و اجلال اعلیحضرت پادشاه نکوئی آمال همایون فال خود شان را ورد زبان صداقت و اطاعت نمودند.

این لیلهٔ مبارکهٔ جشن بسرور تا به دوازده و نیم شب بسیار فرحت و مسرت دوام ورزید بعد از آن از حضور سامی نیابت پناهی اجازهٔ انصراف عطا فرموده شد و هر کس بخانهای خود شان عودت نمودند.

از درگاه خلاق عظیم الشان جلت کلمته عن النقصان

نیاز میکنیم که تا سالهای بسیاری و دلهای ملت صادقهٔ پادشاه مقدس محبوب القلوب ما بدیدن اینگونه شب و اینگونه صبح عید سعادت شمرده میشود و بفرحت او مسرتها نائل و دمساز گردد

آمین

عرض تبریک

مسدس

۱ صبح عید سعادت ملت ۳ روشنی بخش دیدهٔ امت
۲ شب جشن ولادت باشد ۴ چهرهٔ با سعادت باشد
شب جشن ترا کنم تبریک
باد بر دشمنت جهان تاریک

۱ بوجود سراج ملت و دین ۳ پادشاه بزرگ عدل گزین
۲ ملک افغان نموده کسب حیات ۴ رحم و عفو و سخاوت است صفات
شب جشن ولادتش بر قوم
روز عیدی بود شان ز لزوم

۱ ملک و ملت ز فیض همت او ۳ به دعای دوام دولت او
۲ بترقی امیدها دارد ۴ پیش حق ملت رجا دارد
شاه محبوب خوب دلبر ما
باد پاینده شوکتش بر جا

رسیده

عیناً ورقه ایست که از طرف سرگردان به اداره رسیده

عالیجاه محبت همراه محمود بیگ خان مدیر و سرمحرر سراج الاخبار افغانیه حفظه الله تعالی — یک فقره مناسب عرایض رعایای سمت مشرقی که استدعای خدمتگذاری و جان نثاری خود ها را برای جنگ باغیان منگل نموده بودند تحریر شد که عیناً درج روزنامهٔ مبارکهٔ سراج الاخبار بدارید بموجب :

خوانین و ملکان و رعایای صادق سمت مشرقی افغانستان که هر قوم فرق فرق عرایض جداگانه بحضور مبارک نوشته اند شنواری — لتانات — ککر علیا — ککر سفلی — قوم خربون خوگیانی — قوم شیرزاد خوگیانی — قوم وزیر خوگیانی — حصارک غلجائی — حصارک مزینه — کامه — سرخ رود — بهسود — چپرار — قوم عبد الرحیم زائی

— قوم اوده خیل — مهاجرین — رعایای مهمند

مضمون عرایض خوانین و ملکان رعایای فوق که بحضور مبارک نموده اند:

« اینکه سالها بنان و نعمت ولی نعمت پادشاه مهربان اعلیحضرت سراج الملة والدین پرورش یافته ایم و در ابتدای سلطنت دست بیعت بحضرت اولوالامر خود داده ایم و بخداوند کریم عهد نموده ایم که تا دوام الحیات سر و مال و جان خود را نثار حضور مبارک نموده با دوستان دولت خود دوست و با دشمنان دولت و پادشاه خود دشمن باشیم تا بفرمان حضرت حق جل و علی شانه و اطاعت حضرت اولوالامر خود را بجا بیاوریم اکنون که مردم متکل باغی و از جاده عهد و پیمان منحرف شده خلاف احکام اولوالامر ما را نموده اند — بنا بران بر مایان رعایای صادق دولتخواه ملک فرض است که با آنها جهاد نمائیم و مقاتله کنیم و کمرهای خود را مردانه بسته و لکه را از دامان آن منحرفان جاده آدمیت و اسلامیت برآریم و ما رعایای صادق باین آرزو میباشیم که خون خود را فدای رکاب پادشاه معظم مهربان خود نمائیم امید داریم که بر همه مایان اذن حرب فرموده شود. »

خوانین و ملکان قریه جات و محلات فوق بتاریخ روز شنبه ۱۷ ماه ربیع الثانی — و روز سه شنبه ۲۰ ماه مذکور در باغ شاهی جلال آباد خود نفری مذکور و عرایض نفری مذکور بذریعه جناب عالی نائب السلطنه صاحب و علی احمد خان ایشیک آقاسی حضور اعلیحضرت شرفیاب حضور مبارک گردیدند و هر یک بجوش و خروش از روی صدق و اخلاص مراسم خدمتگذاری و جان نثاری خود را عرض میکردند که پادشاه معظم ما بر ما رعایای صادق اذن جهاد بفرمایند که با طایفه باغیه و متکل که ننگ دودمان افغان است محاربه نموده دختران شانرا کنیز و پسران شانرا غلام خود سازیم — تا در صفحه روزگار یادگار بماند.

نطق اعلیحضرت والا

« ما از شما رعایای صادق خود تشکر میکنیم — حقیقتاً این شیوه و رفتار فرزندان و برادران ما از روی اخلاص است — امیدی که پادشاه از رعیت دارد همین است — و رفتاری که رعیت با پادشاه خود میکند همین بود — اگرچه از دولت خود شما اینقدر افواج و اسلحه و جباخانه و غیره سامان حرب در ملک خود شما الحمد لله تعالی موجود و مکمل است که جواب مدعی بزرگ شما را بدرستی بگوید — زیرا دولت و ملت مانند یک مرغ دو بال است که ملت بدون دولت — و دولت بدون ملت چیزی نمیتواند کرد — و باز میگویم که از یکدست هیچ صدائی بر نمی آید — پس ضرور است که پادشاه و رعیت یک دل و یک زبان باشند تا به کارهای مشکل و دشوار آسان شود اینکه میگوید دختران شانرا کنیز و پسران شانرا غلام می سازیم با وجود این حرکات شان باین امر راضی نیستم اگرچه آنها این افعال ناشایسته را پیش نهاد خود کرده اند البته بسزای اعمال خود ها میرسند باید خبر دیگر با ایشان کار نداریم — چون شما رعایای سمت مشرقی بحضور ما عریضه ها کرده اید ما از شما تمامی رعایای دولت خداداد که برادران شما میباشند همه باین آرزو هستند و اگر تنها شما رعایای سمت مشرقی را اجازت بدهیم تمام نفوس متکل و توابع آن هزار یک نفوس سمت مشرقی نیستند و بهیچ صورت با شما مقابله و مجادله نمی توانند و حال افواج نظامی و نفری رعیتی که در علاقه سمت جنوبی موجود است برای جنگ مذکور بدرستی کفایت میکند — اینکه شما درخواست کرده اید بنابران موازی ۲۰۰ نفر از مردم شنواری و ۳۰۰ نفر از لغمان و ۱۵۰ نفر از مردم کنرها — و ۳۰۰ نفر از مردم خوگیانی که از هر قوم یک صد نفر شود و ۵۰ نفر از حصارک مزینه و ۴۰ نفر از مردم کامه و ۱۱۰ نفر از مردم سرخ رود و بهسود و چپرهار — و ۵۰ نفر از مردم عبدالرحیم زائی و ۱۰۰ نفر از مردم اوده خیل که جمله یکهزار و سه صد نفر شوند جوانان مسلح بقسم فوج ملکی جمع آوری کرده حاضر دارید — سررشته آن از حضور برای ایشیک آقاسی ملکی حضور فرموده شده که اینچنین نفری را سابق که بر آنها و غیره که جمع میکردند (ایلجاری) گفته میشد — حال از حضور اسم شان (افواج ملکی) گذاشته شد — اینکه نفری مذکوره جمع آوری کرده در جلال آباد حاضر گردیده از برای نفری مذکور بقرار قاعده تنخواه و جباخانه داده میشود — بانقسیم که بر نفری مذکوره دسته بست میشود و بالا بر یک صد نفر یک نفر از خان زاده های ملکی شان صد باشی و بالای هر ده نفر یک نفر از ملک زاده های شان ده باشی مقرر میشود و تنخواه صد باشی در ماه بیست روپیه و تنخواه ده باشی در ماه دوازده روپیه و از برای سایر نفری در ماه ده روپیه داده میشود — باین طریق که یکجا به تنخواه و در حال صد جباخانه برای مذکوران داده میشود که تنخواه و جباخانه خود ها را گرفته روانه خدمت مذکور شوند و گندم و باقی آذوقه نیز برای آنها سررشته شده هر گاه از نفری مذکور شخصی بدرجه شهادت فائز شد از برای بازماندگان او مستمری بقرار سررشته نظام مرحمت میشود و گر شخصی از آنها زخمی گردید باندازه زخم او مرحمت و مهربانی در باره او فرموده چنانچه اگر زخم او زیاد بود و معیوب شده بود باندازه که اداره عائله از حضور نوازش میشود و اگر زخم قلیل یا در رسیده بود بقدر زخم مشمول عواطف حضور والا خواهد گردید و هر کسیکه پیش قدمی و خدمت کرده بود بقرار تصدیق منصب دارانیکه در آنجا حاضر میباشند درباره او مرحمت و مهربانی میفرمائیم — و نفری مذکوره هر قدر مدتیکه در محاربه و محال مذکور خدمت نمایند تنخواه مقرری برای شان

داده میشود و سزاوار نوازش های زیاد هم خواهند گردید .

بعد نفری مذکور از حضور انور شرف ترخیص یافته از برای جمع آوری فوج ملکی مذکوره خود بذریعه فرامین جداگانه که از حضور مبارک برای هر قوم علیحده زیب رقم یافته است رفته که بقرار سرشته در احکام فرامین حضور نفری مذکور را حاضر جلال آباد نموده عازم منگل شوند .

کیفیت مذکور چون لازم نشر سراج الاخبار بود برای شاه تحریر شد که در سراج الاخبار طبع و نشر شود فقط

تقریر سرنگران

بموجب اخبارات خارج ظاهر و هویدا است که امروز افق سمای عالم را یک ابر تیره و تاری پوشیده است که از هر طرف از صدا های صاعقه رسای توپ و تفنگ دانه باریدن تگرگ گلوله های شراپنل و از اطراف و جوانب مانند ابر نیسان معاینه میشود که خونهای جوانان هر قوم مانند سیلاب سراب ها را سیراب کرده است — ما رعایای دولت قوی شوکت افغانستان در ظل عاطفت پادشاه معظم خود اعلیحضرت سراج الملة والدین بکمال امن و استراحت بوده در قصر مخصوص مملکت خود نشسته ایم و از منظره های با فضای آن تماشای عالم را می نمائیم — پس ای برادران ملت و وطن عزیز — امروز بر هر فرد ملت افغانستان واجب است که قدر عافیت خود ها را بدانیم و دعای سلامتی وجود مقدس پادشاه معظم خود را از دل و جان بنمائیم که خداوند کریم این پادشاه علیم حلیم مهربان را بر ما عنایت فرموده — یک جماعه گمراه که خیال آتش افروختن فتنه را در همین خانه های خود نمودند و از شیوه جهالت خود ها را باعث خسران دنیا و آخرت نمودند الحمد لله تعالی بجز شرمساری و بدنامی و بیدیانتی حاصلی ندیدند و نخواهند دید .

فرد

دهقان سالخورده چه خوش گفت با پسر
کای نور چشم من بجز از کشته ندروی

آنانیکه از فرمان واجب الاذعان اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم سرتابند بجان می بینند که مردم طاغی باغی منگل دیدند آیا چه دیده باشند ؟ ضرور شد که برخی از ایشان و سرگذشت شان برای عبرت ناظرین بیان کنیم — عریضه سردار محمد اکبرخان حاکم سمت جنوبی بحضور انور رسیده است اینکه مردم جدران را برای محاربه مردم باغی منگل مقرر نموده ام در حدود (قلندر منگل) با مردم باغی مقدمه کردند — یکصد و بیست نفر از مردم باغی منگل بقتل رسید سیزده دربند قلعه های شان آتش زده شد سی نفر از مردم باغی در همین خانه های خود سوختند — شش نفر مجاهدین جدران بدرجه شهادت فایز شدند سر های بریده مقتولین باغی را در خوست آوردند — در کوتوالی خوست بدروازه ها آویخته شد فقط

افسوس برین بدبختان — حال ملاحظه کنید از جمله برادران وطن ما یک طایفه شجیعه جدران که بر خانه و همسایه آن میدان بودند چگونه بسلوک همسایگی تا بجا آوردند که شجاعت و شهامت این طایفه بسی قابل التعریف است که در دنیا نیک نام و در آخرت جنات جیده سرافراز شدند و بدبهره بان رعیت را از خود خوشنود نمود و در بین اقوام نام نیک شان یادگار ماند —

وضیع بلی ناکس منگل غریبه بیحیا
هر دو افتادند آنها بکجا آن کجا

افسوس افسوس —

بقرار فوق کیفیت مذکوره در اخبار نمبر ۱۵ درج روزنامه مبارک سراج الاخبار افغانیه عینا نمایند فقط تحریر ۲ ربیع الثانی سنه ۱۳۳۳

[سید احمد]

◆

بغی و عصیان — باغی عاصی

ازکلمات بسیار مردوده و منحوس که در جبلت های بشریه اجزای تاثیر فلاکت و خانه خرابی ها پیدا میکند همین کلمات عنوان ما فوق است . خرابیهائی که جهالت همیشه دنیا را خطا نموده ها در عالم بشریت اجرا میکند هیچگاه با خرابیهای بغی و عصیان برابری و مساوات کرده نمیتواند . زیرا بغی و عصیان تنها بر جسم و جان نی بلکه بر دین و ایمان نیز ضرر ها و زیان های بزرگی وارد می آورد .

حضرت خالق یگانه ما جل و علی در قرآن عظیم الشان که بواسطه حضرت جبرائیل علیه السلام بر رسول برحق ما محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم نازل فرموده صراحتا امت ناجیه محمدی را از (بغی) نهی و منع فرموده است . پس باغی بهمان کسی است که به این نهی پروردگار عصیان نماید و بمحاربه آیات بینات قرآن آفریدگار خود قیام ورزد !

(اللّٰهُمَّ احْفَظْنَا مِنْ شُرُورِ اَنْفُسِنَا وَ سَیِّئَاتِ اَعْمَالِنَا)

اول کسیکه بغی و عصیان نمود همانا شیطان علیه اللعنه بود که بکمال تمرد و عناد بر روی پروردگار خود برخاست . ابونا آدم علیه السلام اگرچه نافرمانی نمود ولی بغی و عصیان ننمود . باغیان و عاصیان از اول جهان تابعیت شیطان را قبول کرده میباشند و از تابعان و پیروان حقیقی شیطان شمرده میشوند و شیطان یک توجه و التفات مخصوص در حق آن تابعان و پیروان حقیقی خود شایان داشته روز بروز لحظه بلحظه در ترقی و ترفیع آن میکوشد . از زینه بغی و عصیان او را به تمرد و عناد بالا می آرد . تمرد و عناد او را بخودکشی میرساند که غرور و تیز او را بجهنم اسفل سافلین کشیده جهنم را دار الآخرتش میگرداند .

و اگر بنا بر نسیان و خطا که رشته بشر است کدام نادانی و عصیانی سرزده ، زود به آب اشک ندامت آنرا بشوید

انچنان اشخاص فرزند حقیقی آدم، و حلال زاده شمرده میشوند. و مستوجب غفران و رحمت الهی گردیده، در دنیا و آخرت مسعود و نیکبخت بشمار میگردند.

قوم و قبیله عبارت از یک یک عضوی از اعضای بدن یک دولت مستقله و ملت حاکمه شمرده میشوند. بمجردیکه یکی از قوم ها و قبیله های آن ملت باغی و عاصی شوند، مانند آن حکم میشود که یکی از اعضای آن وجود مرض بیمار عارض گردیده. بحیثیکه هر گاه که زمام اداره قومها و قبیله ها را بکف کفایت دارند طبیب های حاذق آن ملت میباشند که بسیار زود و اول در باب تشخیص مرض آن عضو به نظر تدقیق و ملاحظهٔ پر غور و تحقیق می نگرند. و این تحقیقات و تدقیقات خود را به آلات کلمه (میکروسکوپ) یعنی آینه های ذره بینی که یکدانه کیک را بقدر یک گنجشکی نشان داده تشخیص میکنند. و با شعاعات برقی آینهٔ (رونتگینی) که در زیر پوست گوشت و در درون استخوان مغز را نشان داده، اسباب مرض را پیدا میکنند اجرا مینمایند. و چون سبب های مرض و علت را یافتند به مداوات آن بسرعتی که ممکن باشد آغاز میکنند تا آن عضو ضایع نشود، و مرض به دیگر اعضا سرایت نکند. اینهم محقق است که به دفع سبب مرض، مرض نیز مندفع میشود. اما لا سمح الله اگر آن مرض بدرجهٔ مزمن در آن عضو متمکن شده باشد، بداغ کردن و نهایت الامر به بریدن مجبوریت حاصل میشود.

گاهی اینگونه مرضها که بر عضوها مستولی میشود، از بعضی عوارض خارجیه بوقوع آمده میباشد. مثلاً در حالیکه آن عضو در نفس الامر خود صالح و از استعداد مرض آزاد است بنابر تحریکات بعضی عوارض خارجیه بمرض مبتلا میگردد که اینگونه عوارض بسیار دهشت انگیز یک حالیست. زیرا اینگونه عارضه بر روح آن عضو تا زمین یعنی بر دین و ایمان آن تاثیر کرده میباشد که طبیب حاذق در آن وقت به تدابیر جهت حفظ الصحه مجبور می شود. و در دفع آن عارضه از نوع خود به آن عارضه عارضه ها بر می انگیزد. و آن عارضهٔ خارجیه را از آن عضو بدیگر طرف ها جریان میدهد. یکی از تدابیر جهت حفظ الصحه در اینگونه عارضه ها مواعظ و نصایح مشایخ کرام و علمای با احترام روحانی میباشد که تاثیرات عظیمه برای تداوی اینگونه امراض عارضی اجرا مینماید. ذاتاً وظیفهٔ حقیقی این گروه مبارک بسیار محترم همین است که همیشه اصلاح روح اقوام و قبایل را بوعظها و نصیحتها چون آب حیات شان اجرا داشته باشند تا امت ناجیه را اختلال بهم نرسد.

والحاصل بغی و عصیان یکی از بلاهای آورده است رسانیدهٔ خلاق عظیم الشان است که چون بر قوم و قبیله نازل کند خسر الدنیا والآخره گشته میباشد. عنوان باغی و عاصی چنان عنوان مردود و هلاک آورده است که بشریت از آن نفرت و کراهت میکند. عنوان باغی بر آن مردمی اطلاق میشود که بآیات بینات کلمات الهی مخالفت ورزیده باشند: از نحسها و بد نهادی که خداوند عظیم الشان بصورت واضح و آشکار نهی فرموده. پس باغی همان کسیست که حکم این نهی را پامال کرده بخدا عصیان مینماید. و قرآن مبین اطاعت اولی الامر را بعد از اطاعت خدا و رسول امر صریح فرموده. پس باغی همان شخصیست که ازین امر سرکشی میکند. حضرت رسول خاتم الانبیا علیه الافضل التحایا به احادیث شریفهٔ خود از فساد و بغی و تفرقهٔ امت ناجیهٔ خود را منع فرموده. پس باغی همان افرادیست که با این مخالفت رسول و پیشوای خود بی پروا بجنگ اقدام میورزند.

و چون بغی و عصیان را از نقطهٔ نظر خرابی وطن و فنا و ملت که سعادت کلی و خدمت بزرگی به افکار غدارانهٔ دشمنان وطن و ملت میرساند ملاحظه کنیم باغی و عاصی را کافر مطلق میدانیم. پس از درگاه پروردگار یگانه خود نجات همه اعضای شریفهٔ وجود مقدس ملت افغانیه را ازین مرض مهلک به همیشه بکمال تضرع نیاز میکنیم. اللهم انصر سلطاننا و امنا فی اوطاننا

آمین

پیغام تلفون از مقام جلال آباد

جلال آباد از نگران — کابل بدیر

الیوم شنبه ۲ ماه جمادی الاول هفت بجه و پانزده دقیقه صبح اردوی اول همرکابی همایونی اعلیحضرت والا توقف جلال آباد و همرکاب جناب عالیه محترمه (علیا حضرت صاحب سراج الخواتین) عازم و روانهٔ دار السلطنهٔ کابل گردیده. تعداد بیست و یک فیر توپ برای ادای سلام حضور عالیه فیر شد. درین اردو برخی از شهزاده ها و خوانین و اهل دربار و خدام حضور انور میباشند. اردوی اول منزل بمنزل طی مراحل نموده مع الخیر والعافیه رونق افزای دار السلطنهٔ کابل میشوند. کیفیت مذکور را درج روزنامهٔ مبارک سراج الاخبار بدارید فقط تحریر یوم مذکور ۱۳۳۰

هوای کابل

از تفضلات حضرت باری تعالی جل و علی هوای شهر عزیز ما با همه لطافت های بهاریهٔ خود دوام میورزد. هیچگونه امراض ساریه موجود نیست. باران های بهاری که سبب حیات اراضی و انجام آبهای بهر بالی ها فرود آورده و نگاه و باریده و دو سه بار شگوفه باغها و باغچه های حوض بدیع (چهاردهی) حقیقتاً عالمهای اسرار خلقت را بنظر جلوه گری ساز ده. آب و هوای عمومی بر کمال است. یوم جمعه ۸ یک ژاله باری شدیدی دستها بقدر یک ساعت بارید. بعضی دانه های ژاله از تخم کبوتر بزرگتر بود. بقدر شش سوتی چادر بر زمین فراهم آمد. بسیاری از آینه های پنجره و ارسیها را شکست. و لله الحمد هیچ خسارهٔ دیگری نرسید.

حوادث خارجیه

ایطالیاییها شکست خوردند — عین زاره فتح شد

رفیق ما اخبار (حضارت) در نمره مورخه ۱۴ مارچ خود مینویسد: شایعه که دو روز پیش ازین در باب ترک دخول کردن ایطالیاییها موقع (عین زاره) را دوران داشت با تبلیغات رسمیه نظارت حربیه ثابت شد. بنابر تلگرافی که از قوماندان طرابلس غرب بوزیر جنگ رسیده چنان معلوم میشود که از نتیجه هجوم و دیوریشی که در ۲۶ فبرایر از طرف عساکر اسلام ترتیب شده بود ایطالیاییها (عین زاره) نام موقع را که در ظرف این دو سه ماه بسیار فداکاریها و جان بسیار بها بدست آورده بودند ترک نموده و در پشته های جهت شمالی موقع مذکور در کشیده اند. ایطالیاییها این موقع را بسیار ضایعات و مشکلات بدست آورده بودند و آن موقع را بسیار محکم و متین نموده بودند و آنجا را یک استحکام قریب بسیار گردانیده اند. اما مجاهدین اسلام دشمن خود را اینجا هم براحت نگذاشتند. اکثر اوقات بر قرارگاه دشمن شبخونها اجرا میکردند و بهرهای بی بدیل پیش شانرا نقل [illegible] تفنگها و پاسبانهای شانرا میگرفتند. حتی بعضا در خیمه گاه های شان در آمده بسیار سلاح و جبه خانه و هر رقم اشیا چپاو میکردند.

این است که ایطالیاییها باینهمه هجومهای مدهشه تاب آور مقاومت نشده و در موقع مذکور بودوباش خود شانرا محال دیده موقع مذکور را ترک کرده فرار نمودند و بسی مالها غنیمت بدست مجاهدین اسلام در آمد.

حوادث و وقایع از اخبارهای مختلفه عالم

ترجمه تلگراف خصوصی ایست که برای اخبار (المؤید) بمصر از میدان حرب رسیده.

درنه ۱۳ مارچ

در شب گذشته یک قوه عسکری که مرکب از مجاهدین عرب بود و در زیر امر یکی از منصبداران نظامی بسوی استحکامات ایطالیاییها حرکت کرده و در نزدیک استحکامات مذکوره کمین گرفتند تا آنکه دو بلوک عسکر دشمن ظهور نموده پیش آمدن خواستند ناگهان عساکر مجاهدین بر آنها فیر کردند. اما چه فیری لکی از آنها نجات یافته راه فرار گرفتند. و در اثنائی که بعضی از عربها به برداشتن مجروحین و مقتولین میدان حرب مشغول بودند بجه قوتهای عسکری ایطالیاییها در زیر حمایت کشتیهای جنگی خود شان بیرون برآمدند. و نایره قتال در میان شان در گرفت. و همین وقت که مجاهدین یک ثبات و پایه داری بسیار عجیبی نشان دادند تا آنکه در زیر کمان افسری جناب (انور) بیک امداد کلی برای آنها رسیده و دشمن را رجعت مجبور ساختند. و در استحکامات شان پنهان نمودند. در این محاربه شجاعتی که مجاهدین اسلام ظاهر کردند بسیار عجیب است. هزار و دو نفر مقتول و مجروح از دشمن بوقوع آمد که در میان آنها دو (سل مشر) و سه (بلوک مشر) موجود بود. و ما بعد از آن تماس با افسر شان و لاقل آنکه در جنگ [illegible] بتقریر شنا متمم این محاربه ۱۱ ساعت دوام نمود و بعد حربها از این دیگری ایطالیاییها منفصل [illegible] بیحد میکردند. این محاربه را افسران خارجه نیز مشاهده کرده اند که یکی انگلیس و دو نفر آلمانی بود. افسران مذکور در پیش جسارت و جلادت و چالاکی و دلاوری مجاهدین اسلام حیران ماندند. حتی یکی از افسران آلمانی چون گریختن عساکر ایطالیاییها را دید گفت: (مرا بسیار خجالت می آید ازین بزدلی و ترسناکی ایطالیاییها) اموال و اشیای بسیاری درین محاربه بدست مجاهدین در آمد مانند تفنگ و جبه خانه و آلات و ادوات استحکام. و در میان اوراق حربیه وغیره. درین محاربه یک جوان پانزده ساله عرب که تفنگ نداشت بمیدان محاربه رفت و مقصدش این بود که کدام تفنگی بدست بیاورد تا آنکه یک تفنگ یک ایطالی مقتول را بدست آورد. و بعد از آن تفنگ یک (سل مشر) ایطالی را گرفت کالا و اشیای آنرا نیز گرفت. از طرف ما ۲۰ شهید و ۵۰ زخمی بوقوع آمد که در میان زخمی ما دو نفر زن نیز موجود بود. یکی ازین زنها بعوض پسر رشید خود جهاد میکرد. و زن دومین قصیده ها و شیدها در شجاعت و دلاوری عرب را میخواند. و مجاهدین را آب نوشانیده شوق و غیرت می آورد. جمعیت هلال احمر که در مصر رفته بود نیز درینجا مجروحین را بجهت معاونت رسیده اند.

یک قهرمانه شجیعه عربیه

رفیق ما (مؤید الغرا) در زیر عنوان (خوله بنت الازور الثانیه) از شجاعت و جهاد یک زن نوجوان عربیه درین محاربه طرابلس بیان نموده که خلاصه از آنجا مینگاریم:

زنان عربهای مجاهدین درین محاربه با شجاعت و جمعیت فوق العاده خود شانرا در نظر دوست و دشمن ثابت ساخته اند. و در هیچ محاربه از مردان خود جدا نشده اند و بانها را بر حرب و قتال تشویق و تشجیع نموده اند. و از تفنگهای خوب و تفنگ دشمن خود دیده و [illegible] کرده اند. حتی یک زن جوان عربیه در محاربه (قرقارش) چنان یک شجاعت و غیرت مردانگی نشان داده که نامه نگاران اخبارات انگلیسی که آنرا بچشم خود دیده اند دهشت و حیرت کرده اند. و همه آنها برین اتفاق کرده اند که او را ملقب (ژان دارک دوم) بجهت [ژان دارک همان دهقان زن فرانسوی است که دولت فرانسه را از دست تغلب انگلیس رهائی داده و بهادرهای انگلیس را مغلوب ساخته است. مترجم] اما محرر المؤید زن عربیه مذکوره را بلقب (خوله بنت الازور الثانیه) ملقب میکند که حضرت (خوله) همشیره حضرت ضرار بن الازور الصحابی است که شجاعت فوق العاده شان در محاربات شامات مشهور است. نامه نگاری که این محاربه را بچشم دیده چنین مینویسد: یک زن جوان عربیه را دیدم که بر اسپ [illegible] سوار بود و در یک [illegible] شال رنگی خود را پیچیده بود و خیلی خود را [illegible]

غیرت انگلیزی برانها صرف می نمود . دفتر بر و تهای ایطالیا با هجوم و [illegible] بود و شش نفر را بقتل رسانیده . گلوله های طوپ تفنگ مانند باران می ریخت . یک پارچه شرنیل برداشت چون زن مذکور [illegible] شکست . ولی آن زن بهادر بانام با همان حالت که سر داشت دست خود را بسته از هجوم [illegible] نشسته های شجاعت انگیز عربی را بیک صوتی که بر [illegible] می خواند تا آنکه [illegible] کشته شد قدم آن زن مردانه هست بود .

جناب (فاطمه عیته خانم) که دختر مورخ مشهور و وزیر سیاسی ملیون دولت علیه عثمانیه مرحوم (جودت پاشا) می باشند و صاحب تالیفات و مالک فضل و کمال هستند در این باب در اخبار (الصباح) چنین نوشته اند :

«خواهران [illegible] (طاهن قدک) دارند [illegible] ازاد و رسل سلطنت . حال آنکه صفحات تاریخ اسلام [illegible] پرست که شجاعت [illegible] مردانگی های شان [illegible] پس چه [illegible] از این [illegible] ما [illegible] اضافه کنیم .

مطبعه محمود بیک مرحوم در استانبول

یکی از مطبعه های بسیار مشهور و معروف استانبول (مطبعه محمود بیک) است که از سالها کتابهای بسیار بطبع و نشر نفیس ترین تالیفات و آثار علمائیه کسب شهرت نموده است . موسس مطبعه مذکور جناب محمود بیک نام ذات غیور و دانشمند بوده که پیش از چندی وفات یافته اند . و در این وقت (صبحی) بیک نام مخدوم عالی شان مطبعه مذکور را اداره و [illegible] اعلیحضرت پادشاه مظفر [illegible] یک کتاب طبع و نشر نموده و نسخه های آنرا مفت در دکانها تقسیم و توزیع نموده اند . [illegible] بعد از آن [illegible] محمود [illegible] شده است [illegible] اعلیحضرت پادشاه مظفر [illegible] بعد از آن ترجمه [illegible] نوشته اند .

[illegible] این [illegible] ذکر را نوشت [illegible] سطر [illegible]

«این جنت عالیه [illegible] اعلیحضرت امیر افغانستان [illegible] رفقت انگلیزی باشان [illegible] ذات اعلیحضرت شاه [illegible] سلام تا بحد یک حس شفقت و محبت [illegible] انگلیزی در دل مبارک خود [illegible] این [illegible] اعلیحضرت [illegible] بسی [illegible] افغانستان ! [illegible] اعلیحضرت امیر افغانستان [illegible] دشمن [illegible] [illegible] .»

* * *

[illegible] این جنت [illegible] مطبعه [illegible] و [illegible] شرق و [illegible] مفت در دکان ها توزیع و تقسیم کرد [illegible] و تحسین [illegible] .

خبرهای مختلف

دزدهای ممالک متمدن

[illegible] دزدان [illegible] شهر پاریس [illegible] و [illegible] و در شهر [illegible] . حال [illegible] . [illegible] ممالک شرقی [illegible] . [illegible] دزدی [illegible] شهر پاریس [illegible] :

تلگراف ۲۵ ربیع از پاریس : — [illegible] امروز صبح در (موتوردن) نام موضع [illegible] موتری [illegible] موتوران [illegible] مسافران موتر [illegible] مجروح نموده و [illegible] موتر را ضبط و تصرف کرد

قرار نموده و شده و دزدان در آنجا بسرقت تمام ... (شانغی) تمام موضع آمده و با مستحفظ بانک (سوسیته ژنرال) در آمده و یک [illegible] و چاقوهای بسیار [illegible] بانک [illegible] خدمت [illegible] بصورت [illegible] مجروح ساخته . و مبلغ خطیر [illegible] که هر فرنک تقریبا [illegible] دزدی کرده و فرار شده اند . در (اشنیه) نام موضع [illegible] و در شهر [illegible] پاریس [illegible] از نظر پنهان گشته اند .

* * *

نامه نگار سرحدی اخبار (پایونیر) انگلیزی از سرحد [illegible] مقرر شده [illegible] سرحد [illegible] نامه نگاری [illegible] خواهد [illegible] حال آنکه در این سرحد [illegible] قتل [illegible] اختراع [illegible] تصورات [illegible] [illegible] نامه نگار [illegible] غلط [illegible] اخبار [illegible] نمودند که اهم این است :

«در [illegible] اعلیحضرت امیر صاحب از جنگل [illegible] [illegible] دزدان [illegible] امر نمودند . [illegible] جنگل [illegible] معلوم گردید که دزدان [illegible] بتعقیب دزدان امر فرمودند [illegible] گرفتار کرده [illegible]

[illegible] نامه نگار سرحدی [illegible] قطاع الطریق [illegible] حکومت [illegible] صادر نموده بود و [illegible] شده [illegible] رسیده [illegible] [illegible] حیرت و تعجب خواهد [illegible] موتر [illegible] دست [illegible] اصل و اساس ندارد .

این نامه نگار سرحدی خود را [illegible] (پایونیر) [illegible] اول [illegible] استفاده [illegible] !

ایمان بحر عثمان دزدی میکنند

در اثنای [illegible] ایطالیا [illegible] دزدی [illegible] و [illegible] کالا و اشیای [illegible] دزدی [illegible] . [illegible] ایمان بحر عثمان بدزدی [illegible] باشند ؟ . . . .

ایطالیا تنها مقصود است

ایطالیا تنها [illegible] قلعه [illegible] قدم [illegible] . مجاهدین اسلام [illegible] طرف [illegible] مقصود [illegible] [illegible] . [illegible] ایطالیا [illegible] [illegible] آورده اند .

قمار اندازی [illegible] و ایطالیا

شاه [illegible] ایطالیا [illegible] . [illegible] پلیس [illegible] (لالنگ) [illegible] شخص مذکور گرفتار شد . نامش (دالبا) و از مردم شهر (روما) بود . اقرار نمود که [illegible] و بشوق خود برین فعل اقدام نموده است .

طیاره های عثمانی

[illegible] طیاره — [illegible] کشتی های هوائی که برای [illegible] های عثمانی سفارش داده شده بود به استانبول [illegible] کردیده است . ذات اعلیحضرت خلافت پناهی سلطان معظم مبلغ [illegible] برای [illegible]

تا کنون [illegible] طیاره برای اردوی عثمانی از جیب ملت خود احسان کرده‌اند. ده نفر افسر عثمانی که برای تحصیل علم هواپروازی به اروپا رفته بودند کامل التحصیل شده و واپس آمده‌اند. طیاره‌های مذکوره در این قریب‌ها بمیدان تجربه می‌آیند. از هر طرف برای طیاره اعانه جمع میشود.

خبرها — ایران

خبرهای که از ایران در صفحه‌های اخبار ما خوانده میشود دیگر نه یک خبر فرحت اثری که [illegible] نمیشود. عسکر روس در مشهد خوب تمکن ورزیده [illegible] در آن نواحی یک موقع مستحکم توپ زده و در قطعه‌های کرمانشاه نیز اختلال [illegible] آمده است. بقدر بیست هزار آدم که [illegible] کرمانشاه و بقصد انتقام فرمانفرما الملک که رئیس عشیرت بود و پیش از این مقتول شده بود هجوم نمودند و بقدر پنجصد نفر تلفات بوقوع آمد. دولت روس و بریتانیا [illegible] سمت جنوبی و شمالی ایران را در مقابل قرضی که برای اصلاح داخلیه [illegible] برای تأمینات [illegible] گرفته‌اند. هزار حسرت بر احوال عالم اسلام!

احوال ممالک عثمانی

هنوز اختلافات فرقه‌ای [illegible] روزبروز [illegible] است. در مجلس‌های [illegible] خلافت عظمی [illegible] اصلاحات و ولایات [illegible] اخبار [illegible] نشر میشود [illegible] (اتحاد و ترقی) یا به فرقه (حریت و ائتلاف) منسوبند. حمله‌ها و هجوم‌های که بر همدیگر میکنند موجب اسف و حسرت دیگر چیزی نیست. مردم از اتفاق و عموم اهل اسلام [illegible] حال که اینگونه تفرقه‌های در داخله ممالک اسلامیه است [illegible] امید اتفاق [illegible] بلکه از اتحاد و اتفاق خصوصی [illegible] دوری انداز[illegible].

در محاربه طرابلس فتوحات و مظفریت‌های نمایان مجاهدین اسلامی در بنغازی، درنه، توبرق، و [illegible] بطور [illegible] ایطالیا‌ها [illegible] در آنجاها دیگر هیچ چیزی نمی‌بینند.

مرغان جنگ

رفیق ما اخبار (حبل المتین) می‌نویسد:

در حالیکه اروپا — یعنی در ممالک متمدنه — زندگانی خود را [illegible] در میان ابرهای [illegible] دارد [illegible] ما هنوز یک قدم [illegible] یک قدم [illegible] یعنی در اروپا — [illegible] میبرد.

در [illegible] یک [illegible] در جرمن یک [illegible] در هر جا جمعیت‌ها تشکیل میکنند [illegible] آیا چیست؟ [illegible] جنگ میکنند: چیست؟ [illegible] طیاره [illegible]!...

یک روز در اخبار [illegible] از طیاره‌های فرانسوی یک صاحب منصب [illegible] عکس یک نقشه شهر پاریس [illegible] بر تمام فرانسویان بانگ زده میگوید: ای فرانسویان! [illegible] خودمان را [illegible] در میان هشت ساعت جرمنی بر شهر پاریس (۳۰۰۰۰) [illegible] می‌اندازد! [illegible] در وقت فرانسه پیدا میشود. [illegible] اعانه باز میکنند. در میان دو سه روز [illegible] اخبار جمله [illegible] دیده میشود.

از طرف دیگر امپراطور جرمن بهر کس که برای طیاره‌های هوائی یک موتر [illegible] ساخت [illegible] مکافات وعده میکند. [illegible] و [illegible] آورد.

باز [illegible] در صفحه‌های اخبار میخوانیم که (در روسیه

نام یک شخصی که از متعاونین [illegible] معظم طیاره خانه‌های لندن است [illegible] که در این روزها [illegible] کاپیتان [illegible] زنان [illegible] برپا کرده‌اند [illegible] کمتر پیدا میشوند. [illegible] سال [illegible] در پاریس کار [illegible] گشته باشد. چه کند! با تمام [illegible] در طیاره خود سوار می‌شود. قطب نمای خود را در پیش روی خود می‌نهد. با وجودیکه هوا [illegible] سرد و طوفانی [illegible] هزار [illegible] بالا می‌برآید [illegible] عالم ارض قطع [illegible] پاریس [illegible] و بعد از [illegible] ساعت و [illegible] دقیقه به پاریس واصل میشود. [illegible] در پاریس [illegible] طیاره [illegible] یک دختر [illegible] طیاره [illegible] عشق [illegible] شوق و محبت [illegible] برای آنکه [illegible] دست آرد [illegible] بالا میبرآید [illegible] کمالات بلند پروازی خود را [illegible] طیاره سوار می‌شود [illegible] هوا یک [illegible] رقص می‌آورد [illegible] لطافت منظره [illegible] هوا [illegible] وجود [illegible] عشق [illegible] هوا میشود.

اما چه فایده؟ هواپروازی روز بروز ترقی یافته [illegible] یک [illegible] دیگر [illegible] یک [illegible] هزار [illegible] پرواز می‌آید. در هر طرف [illegible] طیاره ساخته میشود. [illegible] سبب [illegible] برای ترقی طیاره [illegible] برای [illegible] طیاره‌ها [illegible] خدمت میکنند. از یک طرف [illegible] هواپروازی [illegible] نقل میکنند [illegible] هیچ نمی‌بینند و [illegible] از طرف دیگر برای بالا برآمدن یک [illegible] هوا [illegible] هیچ [illegible] شنیده است!....

اتش زده‌گی خوفناک در پشاور

[illegible]

[illegible] در دوم [illegible] اسپ متصل دروازه [illegible] شهر پشاور آتش زده‌گی عظیمی بوقوع آمد [illegible] اکثر مردم [illegible] سکونت داشتند خانه‌های [illegible] آتش [illegible] ساخت [illegible] در [illegible] آتش [illegible] زیاد [illegible] آتش [illegible] با وجود این [illegible] مردم [illegible] سیلاب [illegible] بر باد [illegible] قریب پنجصد خانه را خاکستر ساخت — نقصان این آتش [illegible] قریب شش لک روپیه شمرده میشود زیرا [illegible] خانه‌های که سوخته‌اند همه تعلق به [illegible] اهل هنود داشتند — بعد از دو یوم [illegible] مسلمانان آتش مذکور فرو کرده شد — در این آتش [illegible] که مسلمانان در حفاظت [illegible] خود بکار برده‌اند قابل تحسین و آفرین است فقط

(امضا)

(س — ا)

مقاله مخصوصه

لازم بودن اتفاق بنی بشر بمحاربهٔ قوای طبیعیه

قارئین کرام چون این سرلوحه را مطالعه فرمایند بالخود خواهند گفت که اینچه هزیان و بیهوده گوئیست ؟ اتفاق کجا ! بنی بشر کجا ! در حالیکه دو فردی از افراد بشر را نه در شکل و شمایل ، و نه در طبیعت و خصایل باهمدیگر برابر نمی یابیم ، و نسبت بآن چندیت رنگ و طبیعت ، فکرها و تصورها ، و خیالهای شانرا نیز از هم جدا و مغایر می بینیم چنان میشود که این قدر ملیونها ملیون نفوس بنی بشر را که بهزارها فرقه ها و ملت های مختلفه تفرقه و جدا شده اند ، و هیچ ملتی با دیگری نه در رنگ و طبیعت ، و نه در جنس و جنسیت ، و نه در فکر و عادت و نه در دین و مذهب هیچ نسبت و نزدیکی بهم نرسانند همه را بیک اتفاق و اتحاد آوردن الحق که یک سخن محالی معلوم میشود .

بواقعیکه در اول نظر بچنین معلوم میشود که این آرزوی محال و غیر ممکن است . بشریت از آغاز خلقت با بسی دشمنان داخلی و خارجی بیکجا خلق شده آمده است که دشمنان داخلی او حرص ، طمع ، شهوت ، غضب ، سرکشی ، عناد ، کبر ، حسد و امثال اینگونه اخلاق بد و ناپاکیست که در دنیا با انسان موجود و همیشه در پی عداوت و بیخ کنی نوعی او مشغول است . دشمنان خارجی او قوای طبیعیهٔ مدهشه ایست که هر لحظه و هر دقیقه حیات نوعی او را در زیر فشار و تهدید میدارد مانند گرسنگی ، برهنگی ، بی کسی ، طوفانهای دریاها ، آتش زدگی ها ، زلزله ها و غیره . دشمنان داخلی بر نوع بنی بشر چنان یک تسلط و حاکمیتی حاصل کرده که دستها و پاها و چشمهای شانرا بسته و قوهٔ فکریه شانرا محدود و کوچک ساخته بیکجا و دست اتفاق و اتحاد و همدیگریشانرا بمقابلهٔ دشمنان خارجی شان نمیدهد !

انسانرا (مدنی بالطبع) گفته اند (مدنی بالطبع) را (به اتفاق و جمعیت زیستن) معنی داده اند . و در این خصوص از زمانهای قدیم تا باین دم به ملیونها سطرها نوشته اند و بحرها سیاهیها صرف کرده اند . و دلیلها و برهانها بیان کرده اند ، و مسئلهٔ بجمعیت زیستن بشر را ثابت ساخته اند که ما در اینجا بتکرار و تکرار آن حاجت نمی بینیم . بلکه این قدر میگوئیم که هنوز بشریت بیچاره از درجهٔ تکمیل نرسیده که برای بجمعیت زیستن و به اتفاق و اتحاد و همنوعی خویشتن لایق و سزاوار شده باشد .

دشمنان داخلی یعنی اخلاق ردیهٔ عالم بشریت را آنقدر بچنان راههای پر پیچ و تاب منزل ناپایانی رهبری کرده که از منزل مقصد حقیقی مدنی بالطبع بلیونها فرسخ دور افتاده اند . چنان معلوم میشود که احکام این مدنی بالطبع یعنی بجمعیت و اتحاد زیست کردن در اوایل خلقت که بشر از همه حوایج ضروریهٔ خود محروم بودند جاری و نافذ بوده ، رفته رفته منسوخ و در این زمانها بتمامها معدوم گردیده است .

عجب مغلق شد ! آقای محرر باز چه میگوید ؟ آیا این تحفه‌های دشمنان عالم بحقیقت را نمی بیند که عالم بشریت را از مدنی بالطبع محروم می پندارد ؟ اگر نمی بیند از جای یک عینک دو عینک بگذارد ! ....

آه ، چه عرض کنم ! اصل بلا اینجاست که با وجود ضعف بصر خوبی را می بینم . ولی چسان می بینم ؟ سراب ، نقش بر آب ، کم بنیاد تر از حباب !.... هزار حسرت ! ملیون اسف که اینهمه مظفریتهای نمایانی که عالم بشریت بر قوای طبیعیه تا یکدرجه حاصل کرده اند ، و اینهمه اختراعات و کشفیات محیر العقولی که از نتیجهٔ آن مظفریتها بروی کار آورده اند اکثر آنها را دشمنان داخلی شان بجبر و زور از دست شان گرفته بر خود شان بمقام سلاح معدوم کن شان استعمال می نماید !

آه بیچاره بشریت ! چقدر ضعیف و زبون یک مخلوقی هستی که یکی از دشمنان داخلیت که نام آن جناب (پهلوان طمع خان) میباشد بهترین و نافع ترین اختراعات را که برای مقصد مدنی بالطبع بوجود آورده ، از دستت گرفته برای قتل و معدوم ساختن خودت استعمال میکند !

آیا روشن تر اختراعی از برق ، شناور تر ایجادی از واپور ، سریعتر آلهٔ نقلیه از ریل ، بلند پرواز تر خارقهٔ از طیاره های هوائی در عالم بشریت چه چیز تصور خواهد شد ؟ وا اسفا ، وا حسرتا که آن دشمن جان یعنی (طمع) نام قهرمان که ازین سه حرف (ط ، م ، ع) مرکب است و هر سه حرف آن میان خالی که هیچ چیزی پر نمیشود این بدایع غریبهٔ نافعه را برای پر کردن شکمهای خالی خود مانند گلوله باران خرافات پیشین زمان بر کلهٔ خودش بلکه دیگران استعمال میکند !

وقتیکه بحالات پر غیرت بشریت در خصوص تسخیر نمودن قوای طبیعت نظر میشود مدنی بالطبع بودن بشر با تمام معانی آن در زیر نظر جلوه گر میگردد . آیا آن کشف عجیب

بشریت را چنان مدنی بالطبع کردیم که آهنها ، ذغالها ، و هزاران گونه معادن دیگر را از خزینه‌ها و دفینه‌های پر و مملوی اعماق طبیعت بیرون می‌برند ، بو و بخار را نام یک خارقهٔ طبیعت را در زیر تضییق و فشار تحکم و تسلط خود ، در آورده و جهازات آن را سیلر میزنند ، برق سیال جوال بی نام و نشان از نظر نهان و در همه چیز جهان را بی آنکه تحقیق حقیقی آن هنوز پی برده باشند برای خبر رسانی خودشان را از غرب بشرق در یک لحظه بصر استعمال میکنند . خانه‌ها ، عمارتها ، مناره‌های خود را بواسطهٔ آن از صاعقه نام بلای مدهشهٔ سماوی محافظه میکنند ؛ و هنوز چه چیزها ! . . . . .

بلی ، بلی ! هیچ شبهه نیست که اینها همه از مدنی الطبعی بوجود آمده . اگر جمعیت و اتحاد نمیبود این همه بدایع غریبه و این همه اختراعات عجیبه کجا بظهور می‌آمد ! تحرز دیگر چه گفتگو دارد ؟

هیچ گفتگو ندارد . هزاران آفرین برین مدنی الطبعی (؟!) موجهای عظیمهٔ بحرهای محیطه را در زیر چرخهای ماشینهای کشتیهای بخاری جنگی زره پوش ، که هریک آتش یک قلعهٔ آهنین آتش فشانی میباشند مخصوص ساخته‌اند ، چنان سرعت و شدت خورد ، برای سوختن و محو کردن و معدوم ساختن خویش یعنی بشریت که مخترع آنست بزرگان آن (بغض و کین) نام دو دشمن و ظالم شدید البطش بحرکت انداخته که انسان را در پیش آن مدنی بالطبع انگشت بدهان حیرت می‌سازد ! . . . . .

صحراهای وسیعه ، کوههای شامخه ، نهرهای جدیدها ریلهای چابک رو تیز دو بچنان سرعت ، و چنان شدت در زیر آن افسرتی (حسد و حرص) نام دو اژدر آتش نفس بقطع کردن ، و شکافتن ، و عبور کردن برای محو کردن تجارت یا بدست آوردن مملکت بنی بشر براه انداخته که انسان را در پیش آن اثر بدیعهٔ سریع الگذر (مدنی الطبع) بشر صحرا نورد بادیهٔ حیرت میگرداند ! . . .

در حالیکه انسان بقدر یک ثانیه بر هوا توقف نمیتواند جناب مدنی بالطبع چنان طیاره‌های کلی برای هوا پرواز بوجود آورده که مسافرهای جسیمی را در جو هوا میبرد ، آیا میتوان که این خارقهٔ بسیار عجیبه مدنی الطبعی بشریت را (غضب و جنگ) نام دو دشمن ظالم و ستمگر از دست رو گرفته و بر خود را چنان بشدت استعمال کرده که طرقه‌های هول انگیز (بومب) اندازیش انسانرا بر صحرا پردازی مدنی الطبع آخر زمان بیاورد

وامیدارد ! . . . .

از همه بهتر اینکه (ادیسن) نام حکیم خارقه پرداز برقی به اینهمه بدایع آثار مدنی الطبعی (!) که تا بحال بروی کار آورده اکتفا نورزیده ، از قراریکه در صحیفه‌های اخبار دیده میشود از چند سال باینطرف در خلوتخانهٔ مدنی الطبعی خود در آمده ، به اختراع یک آلت بسیار خارق العادهٔ برقی مشغول است که با آن اگر در محاربه‌ها بکار بزند هزارها توپ و تفنگ را در یک آن واحد بیعمل آرد !

واه ، واه ، مدنی الطبعی ! جان ، جان مدنی الطبعی ! . . . .
قه ، قه ، قه ، قه ! ! ! . . .

خنده مکنید ، زیرا : « یکقهقههٔ کبک در صد چنگل باز است » بشریت در محو و معدوم ساختن خود از این قهقهه‌های شما پروا ندارد ؛ دشمنان بسیار قادر و مقتدر دارد که همه علوم و فنون متنوعهٔ مختلفه و همه اختراعات و صنایع بدیعه را که خلاق عالم برای اصلاح نوعی او خلق و وضع نموده بمقام سلاحهای مدهشی بر خود او استعمال میکنند . فن کیمیا و حکمت ترقی میکند ، نتیجه‌اش به این منجر میشود که دینامیتهای رقم رقم ، بومبهای قسم قسم ، باروتهای نوع نوع ، اجزاها و مصالح ناگهانی و چیزهای دیگر برای محو کردن بشریت بوجود آورد ! فن طب نیک و بنیه‌سر ترقی میکند ثمرهٔ آخرین آن این میشود که محو بهای [illegible] جولان میدهد ! .

آه بیچاره بشریت ! ! چه فلاکت مدهشه ایست که بر تو نازل آمده ! خلاق عظیم الشأن کون و مکان کرهٔ زمین را اصلاح کرده با همه ثروت و سامان طبیعتش به بنی بشر احسان فرمود . لاکن چه فایده که بس دشمنان خانه ویرانکن نیز در داخل ملک وجودش برای آن خلق فرمود ، اما باز از کمال مرحمتی که در حق او داشت بمقابل آن دشمنان ، بس دوستان و رهنمایان و غمخواران داخلی نیز با او همراه نمود . (وجدان عظیم الشان) را بر آنها سلطان مقرر فرمود . بمقابل حرص و طمع حسن اداره و استقامت و قناعت را ، بمقابل کین و غضب خشمش دوستی و اتحاد و رفق و ملایمت را مقرر نمود . بمقابل [illegible]

و هیهات ، هیهات ! بیچاره بشریت اینهمه دوستان و رهبران خود را بدست خود در زیر علم قهر و تسلط دشمنان جان و وجدان خود در آورده بقرار سنجها فرسخ از صفت

(مدنی بالطبع حقیقی) خود در افتاده اند !

یک هیئت اجتماعیهٔ عظیمهٔ بشریهٔ غربی را با یک جمعیت بسیار مهیبهٔ مدهشهٔ شرقی دشمنان بشریت چنان بهم درانداخته که دوستان و رهبران بشریت دست بسته بسوی آن می بینند و هیچ کاری از پیش برده نمیتوانند .

غرب در وقت حاضر با همهٔ صنایع و اختراعات و علوم و فنون خود در زیر سرافسری اژدهای آتشین نفس حرص و طمع بر شرق بی هم حمله آور دریاهای شکم پروری اجرا مینماید . درعین زمان حسد نام قهرمانان کین پرور دنیا خودشان را تا نهاد عناد و غرورها بر می انگیزد . یکی که یک کشتی جنگی بر آب زد آن دیگر از حرص آنکه مبادا یک لقمهٔ چرب و زیاده تری بر باید هماندم یک درجن کشتی طوربید سفارشش میدهد !....

آه بیچاره شرق ! تو بقول دوستان و رهبران خود پیروی کرده بمغلوب ساختن دشمنان داخلی خود کوشیدی ولی غافل که آن دشمنان داخلیت از نزد تو فرار نموده با دشمنان داخلی ابنای جنس غربیت عقد اتفاق کردند و بکمال دهشت بر تو هجوم مینمایند !

ای معشر البشر ! آیا این کرهٔ زمین ، این مسکن انسانی ذات خالق بیهمتا برای همین بشما عطا کرده که خاک آنرا با خونهای خودتان آغشته سازید ؟ آیا اگر همه تان بیکباره ولی کمر مجاهده را با دشمنان داخلی تان ببندید ، و تکتلهای بشریهٔ غربی و شرقی و شمالی و جنوبی همگی اتفاق کرده و دشمنان داخلی تان را مغلوب ساخته در پی خانه آبادی خود بیفتید ، و دست یک کرده با دشمنان خارجی تان دست و گریبان شوید چه مظفریتها ، چه غالبیتها ، چه سعادتها ، چه کامرانیها خواهد بود که بدست نیارید ؟

از بسکه خود گرفتار بد احوال خانهٔ خود یعنی کرهٔ زمین هنوز هیچ کامیاب نیامده اید . سمت های جنوبی و شمالی خانهٔ خود را هنوز هیچ ندیده اید ، و هیچ خبر ندارید که چه ثروت و چه خزینه ها و دفینه ها در خود مضمر دارد ! زیرا دشمنان خارجی تان که عبارت از قوای مدهشهٔ طبیعیهٔ هواهای سخت و جمودیه های یخ است مانع راه تان است . اگر براستی خود تان مرد میدان اعمار دنیا و مامور اصلاح عالم میدانید زمین های غیر مکشوفهٔ عالم را کشف کنید ، و اعمار نمائید ؟ در حالیکه بلیونها کیلومتر مربع زمین در نفس غرب غیر مزروع باشد ، برای اراضی مزروعهٔ شرق چه چشم میدوزید ؟

اگر مقصد از آبادی زمین باشد زمین های غیر مزروع و غیر مسکون دنیا کم نیست . اول آنها را معمور و مسکون نمائید ! دوستان و رهبران داخلی تان از علم و فنی و اختراعات شما همین امید را می پرورانند . اما هزار افسوس که دشمنان داخلی تان شما را بر سمت جهتی گرفتن زمین های مسکون و مزروع همجنسان تان سوق میکنند .

ای جمعیت بشریه ! یکبار ببینید که چه بلاهای مدهشهٔ خارجی حیات ما را تهدید و فشار میدهد : وباها ، طاعونها ، زلزله ها ، صاعقه ها ، طوفانهای دریاها ، حریقها هنوز چه چیزها ! هیچ شبهه نیست که اگر بشریت بقول دوستان داخلی خود حرکت کرده دست یک کنند ، و از عزم قتل و قتال بهمدیگر خود باز آمده با این دشمنان خارجی خود بغیرت خالصانهٔ تشبث یکدیگر درآویزند هزارها گونه موفقیتها و کامیابیها بدست خواهند آورد . اگر تنها آهنی را که برای کشتیهای زره پوش و توپها و تفنگها و دیگر اسلحه های مختلفهٔ خود و کشتن خود همجنسان از بهر تهدید آنها آهن صرف نمایند از روی جمودیه های انجماد منجمده مرور نموده تا به اراضی مجهولهٔ قطبیه و [illegible] پیدا شد !....

ماشاءالله مخبر صاحب ! هنوز قلم تان مانده نشده ؟ اگر مهربانی کرده تا به آن جمودیه ها زحمت کشیده و نروید بهتر خواهد بود ! مبادا سیاهی تان بزودی قلم تان انجماد یافته دگر چیزی نوشته نتوانید ! شما خاطر شریف تان را جمع داشته باشید . اگر هزارها از اینگونه ترانه ها بسرائید دشمنان داخلی چنان تسلط و تمکن بر عالم بشریت پیدا کرده که اینگونه تذکرات برآنها کارگر تاثیر آید .

ای شرق ! از حمله های متجاوزانهٔ غرب عبرت گیرید ! بمحافظهٔ موجودیت تان بکوشید . چون دیدید که از دوستان داخلی کاری نمی آید شما هم با دشمنان داخلی خود ساخته بهمان جریان تابع شوید . برای محافظهٔ موجودیت ملکیت تان قهر و غضب کین عداوت را پیشه دار خود مقرر کرده و بزنید تا از بشریت هیچ اثری نماند ، نماند ، نماند !....

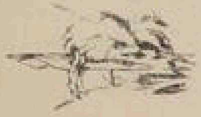

وظایف عسکریه

مابعد از نمبر ۱۴

فرض سوم شجاعت

یعنی دلاوریست که این دلاوری عبارت از این چند چیز است :

هر فرد عسکری از وقتی که داخل خدمت این سلک جلیل میگردد میباید که به هرگونه مشکلها و زحمتها و مشقتها یکه پیش آید بر خود دلاوری را از دست ندهد ؛ و بمجرد یکه بر دین و وطن و پادشاه وقت یک تهلکه ئی وزد و دشمن را به جنبه ها ندم جان و سر خود را بمیدان نهاده برای رهائی دادن افراد ملت خود یعنی برادران وطن خود را از آن تهلکه کوشش ورزد ؛ در وقتهای جنگ به ره پیمائی های مسافه های بسیار دراز گرسنه گیها ، پتشنه گیها ، به بارانهای شدید گلوله های توپ و تفنگ دشمن ، به دیدن کشته ها و زخمیهای رفقای خود هیچ صورت شجاعت و جسارت دلاوری خود را از دست نداده و بر خالق یگانه خود توکل نموده از میان زخمیها و شهیدانیکه در راه محافظه وطن بر خاک غلطیده اند به دلاوری تمام رنگ صداقت خود را به پادشاه و وطن و ملت اثبات نمایند .

وظیفه ئیکه از و منتظر است بخوب صورت بجا آرد و دیگر رفقای خود را نیز در باب دلداری داده و بر دلاوری شوق بدهد ؛ و برای محو و خراب کردن دشمنی که شمشیر کین عداوت خود را بر دین و وطن از نیام کشیده باشد همیشه (پرمخ زاد !) یعنی دایما پیش رفتن را شعار خود سازد ؛ و کشته شدن خود را دران راه برای خود و برای سلسله و ذریت خود یک شرف عظیمی بداند . وظیفه هر افسر و آمر عسکری همین است که هر یک از افراد عسکری که در اثنای حرب بیدلی و بیجرأتی نشان بدهد و از دشمن رو گردانیده گریختن و تلاش ظاهر سازد و بهر صورت که باشد دیگر رفقای خود را نیز بگریختن برانگیزاند بلا ندم در همانجا وجود آنرا بردارد . در تواریخ حرب بارها دیده شده است که یک چند نفر عسکر دلاور یک بلوک عسکر دشمن را محو و مغلوب کرده است . هر عسکر باید به این بداند که آنیکه عقب کشیده از دشمن بگریزند و دشمن را بر خود دلاور ساخته دین و دولت و وطن را به او تسلیم نمایند بهتر آنست که یک چند قدم پیشتر رفته دشمن را محو بکنند . باین مسئله میباید که اعتقاد کامل داشته باشند .

فرض چهارم اطاعت است

هر عسکر مافوق خود یعنی به بالاتر خود که عبارت از آمرها و افسرهای شانست به اطاعت و فرمان برداری مجبور است . امر کننده گان و افسران هر امریکه خواه زبانی و خواه تحریری بدهند اطاعت کنند و همچنین فقره های قانون و نظامنامه ها را اطاعت و رعایت نمایند ؛ اوامر و نظامها را بگوش جان شنیده و به بسیار خوشی و حسن قبول و رضا و رغبت اجرا و بجا آرند ، و به آمری که این امر را به او میدهد از دل و جان محبت ورزیده امر را بجا بیارند . امرها را مقدس باید بداشته ، و به اجرای آن خود را ذمه دار و دین دار بشمارند ، و ادا کردن دین می باید که بخوشی و ممنونیت او شود . هر عسکری که امرهای به او داده شده گی را بخوبی و درستی بجا آرد . فخر و شرف عظیمی حاصل میکند . اطاعت ، امر الهی است که امر الهی را بجا آوردن فرض است .

عسکر بی اطاعت از روی قانون بجزاهای بسیار شدیدی دوچار میشوند . قانون نامه جزای عسکری بسیار سخت و شدید است . مافوق افراد عسکری همه افسران بزرگ و خورد نظامی ، لس‌شرها و بعضی نفرهای قدیم که خدمت لس‌شرے را ایفا میکنند میباشند . حتی اگر یک نفرے عادی باشد که بر آنها آمر مقرر شوند باز هم مافوق گفته شده اطاعت کردن فرض است .

[باقی در نمبرهای آینده آید]

عالمهای ژاپان

از سیاحت‌نامهٔ عبدالرشید ابراهیم افندی

ما بعد از نمبر ۱۴

من چون از دروازهٔ گمرک یعنی چبوترهٔ بندرگاه (سوریغه) برآمدم یک آدم کوچکی با یک عرابهٔ دستکی در پیش روی من آمده اشیای مرا در عرابه پر کردن گرفت، و بعد از آن که اشیای مرا در عرابه نهاد مرا نیز بسوار شدن بران کالا اشارت کرد. دیدم که دیگر مسافران نیز بر کالای خود شان در عرابه‌ها نشسته. اول خود من براین گرانی نداد که اینقدر کالا در ان عرابه باشد و منهم بران بنشینم، و آن عرابه را نیز یک انسانی مانند خودم بکشد. از ان سبب من در دیگر عرابه سوار شدم. این عرابه‌های آدم را نزد (ریگشه) بنام دیگر (کورومه) میگویند که عبارت از عرابه‌ای خفیف و سبک است که یک آدم آنرا میکشد. در اثنای که بسوی استیشن حرکت میکردیم یک جوان خوش پوشش خنده روی ژاپانی که تخمیناً عمرش هفده هجده ساله می‌آمد بمن نزدیک شده بزبان روسی گفت: «اگر سفیر باشید برای رهنمائی و خدمت شما منهم با شما بروم؟» بخاطرم آمد که چون زبان نمیدانم اگر با من بیاید بد نخواهد بود. لهذا گفتم: بیا. بهمان دم در عرابه‌ای که کالای من در ان نهاده شده بود برجهید. از گمرک یک بیست قدم گذشته بودیم که در طرف دست چپ راه در مابین یک باغچک کناره آهنی یک طوپ بزرگی بچشم برخورد. نوجوان ژاپانی که همراه من آمده بود یکبار بسوی طوپ یکبار بسوی من دیده و یک تبسمی نمود. عرابه‌چی تو سند ژاپانی مارا بسرعت یک اسپی میدواند. بعد از یک کمی به استیشن آمدیم. از نوجوان ژاپانی که با من همراه بود پرسیدم که به این (عرابه‌چی‌ها) چه قدر پیسه بدهیم؟ گفت اگر ۲۰ کاپک بدهید ممنون میشوند. چونکه مردمان فقیر است.

استیشن نزدیک بود. تکت گرفتیم. ولی هنوز قطار در ریل موجود نبود. درین اثنا جوان ژاپانی که با من بود گفت: «اگر دل تان بخواهد آن طوپی که در راه دیدید تماشا کرده بیائید. زیرا آن طوپ در وقت حرب از روسها اسیر گرفته شده است.» اگرچه مرا هوس زیادی برای دیدن آن طوپ پیدا شد ولی باید که اول در ریل جای بگیرم، و اشیا و کالای خود را جای بجا باید کرد. نوجوان ژاپانی این اندیشهٔ مرا درک نموده گفت: — اندیشه مکنید، به اشیا و کالای شما هیچکس دست نمیزند. و چون شما تکت داده‌اید بهر حال شما در ریل جای هم میدهند. در ریلها هر وقت جای پیدا میشود.

بنابرین سخن او خاطر جمع شده بطرف طوپ رفتیم. طوپ بسیار بزرگ یک طوپی بود. در کارخانهٔ (توپیلن) که در نزدیک (پترسبورگ) است ساخته شده بود. از جوان ژاپانی پرسیدم:

— آیا این طوپ را برای چه درینجا گذاشته اند؟ گفت — اگرچه اینجا یک دهٔ کوچکیست اما هر روز از مکتبها خیلی بسیار مردمان دیدنش میایند. موجود بودن یک چیزی که بچشم بیرون اینقدر بنظر خورد درینجا لازم دیدیم و دیده میشود. بر اینقدر بندر کالای که در ژاپان هست در همهٔ آنها همچنین یک یک طوپ بسیار که یادگار ظفرهای ماست گذاشته شده است. حتی در بسیاری از قریه‌های داخل مملکت نیز یک یک یادگار ظفر خواه طوپ باشد خواه بیرق خواه دیگر چیزی موجود باشد.

فاجعه‌های پاریس

ما بعد از نمبر ۱۴

از وقت ادا کردن کرایه چه دو روز گذشت. چه حال باید پیسه را بدهید، تا نگیرم نمیگذارم.

قونوبله — باز بشما تکرار میکنم که شوهرم حالا خواهد آمد و حق شما را خواهد داد موسیو.

ویغو — چه؟ آیا موسیو شوهر تان قرض خود را ادا خواهد کرد؟ در همه جیب‌های لباس سیاه اعلای که در بر دارد یک پیسهٔ سیاه هم پیدا نمیشود. با اینهمه مطلبی کبر و نخوت هم میفروشد. هر وقتیکه ازو پیسه بخواهی افسانه روایت میخواند. اما از حالا بشما خبر بدهم که جیب بابا (ویغو) از ان جیب‌هائی نیست که در معده‌ها کسی باشد. او میخواهد که مرا بازی بدهد. اما ویغو از آنکسانی نیست که بازی بخورد.

ویغو این گفته برخاست، و در نزد صندوق کالای شان رفته صندوق را بالا کرد. از سبکی آن خالی بودن آنرا دانسته سر خود را به افسوس شور دادن گرفت. باز در پیش الماری آمده دروازه‌اش را باز کرد، و همه چیزهای آنرا یگان یگان پالیدن گرفت. ازین پالیدن چنان معلوم شد که یک قدری خاطر جمع شده باشد. لهذا بعد از یک قدری تفکر گفت:

بعد از ده دقیقه باز به استیشن آمدیم . در استیشن همه‌گی جمع آمده بودند . قطار ریل نیز آمده بود . نوجوان رهنمای من را گذاشته به دویدن آغاز نمود . و از نظرم غایب گردید . بعد از پنج دقیقه باز دویده آمده گفت :

— بفرمائید ، جای شما حاضر است .

نوجوان مرا در ریل جابجا کرد . کالا و اشیای خود در بنده مرا به عنوان مال سپرده . همه کالا و اشیای من قیمت و پراکنده بود و به همان صورت در ریل گاذی انداختند . و چون در جایگاه رفتن انجا بودم رسیدم پی بردم که یک دستمالی کم شود و در انجا بمن تسلیم کردند .

حالا اگر یک کمی دقت شود اهمیت ملک و وقت را پیدا ان در همین قدم اول که در ملکشان نهاده ام با همین چیزهای کوچکی که دیده ام معلوم میشود . در ملک روس اسباب قیمت و پرکی بلکه صد و قیمتهای کالائی که گم شود و خودشان بسته شده پیدا شده در ریل قبول نمیکنند . چراکه در ملک وقتشان اهمیت نیست . بهچنین حال اشیا ضایع میشود و کیفیتی ریل نیز دیگر برده به آن نیست حال انکه در ینجا اگر یک چیزی هم ضایع شود اداره ریل در زیر بار نخواست پیدا شده تا وان آنرا میدهد . به مسافران تقریبا برای شیشه‌گی مسیر که بی اشیا و کالای مسافران را نیز مفت در ایلگان نقل میکنند که اینها همه برای استراحت ملت اندیشیده شده و وضع شده است .

[باقی در نمرهٔ آینده می‌آید]

ادبیات ۲

غـزل

غرب — شرق

بشنوید ای دوستان این ماجرای غرب و شرق
عبرت گیرید از اسرارهای غرب و شرق
شرق از علم و تمدن مطلع الانوار بود
آه صد افسوس بر تبدیلهای غرب و شرق
اتحاد و علم و صنعت ، ثروت و سعی و عمل
بود در شرق همه بشنو ده منتهای غرب و شرق
شد طلوع آفتاب از غرب و شد نزدیک حشر
فاش گویم من تراز رازهای غرب و شرق
آفتاب و غرب و شرق و حشر پیدا شد رموز
فهم معنی کن چو هستی آشنای غرب و شرق
وقت استغفار و توحید آمد ای اخوان دین
منتهی گردید در وقت وفای غرب و شرق

تا قدر داری بلکه مجموع اقرار در سخن
انجمن و قدر از نکته‌های غرب و شرق

— اگرچه آنقدر مالیکه بر قرض مرا کفایت کند نمانده ولی چه باید کرد اگر مجبور شوم به همین قدر هم اکتفا خواهم کرد . مادام ! شما را انتظار ساعت ششم میطلبم ! اگر پیش از گذشتن ششم بیرون شد را الکرم اشیای تانرا ضبط کرده خود تانرا از در دروازه بیرون خواهم راند . این آخرین سخن منست . اما هوشتان باشد که امشب تا ساعت [illegible] و [illegible] گریزانید بعضی کالاهای تانرا بگریزانید ؟ چراکه من بر وقت در دروازه پهره مینشینم بعد از آن خود تانرا میدانید .

و بعد سخن خودرا تمام کرده از در دروازه اوتاق بیرون رفت . و در اینوقت بیچاره تا شب [illegible] تا وقتیکه صدای پاهای او شنوده میشد انتظار کشیده بعد از آن سیلاب اشک خودرا جریان داده گفت :

— یارب ! تو چنان رحیم خدائی که عاجزترین جوانات را نیز در سایهٔ لطف و حمایت خود مستریح میداری . آیا برمن مرحمت نمیکنی ؟ بار این فقرهای سنگین را وجود در چسان تحمل خواهد کرد ؟ هیچ شبهه نیست که تلف و هلاک خواهم شد .

بعد از صرف نمودن این سخنان اشکهای چشم زن بیچاره بر رخسارهای رنگ پریدهٔ آن مانند نهری جریان گرفت ، و آن جریان غبار غم و الم زنانه را که بر دل محزون مرشیش جمع آمده بود و کمقدر می شست

[باقی دارد]

نامورانِ زنانِ جهان

مابعد از نمبر ۱۴

بسبب عشق بسیار شدیدی که بخواهر خود آرسینوئه از بسیار وقت ها در دل خود جای پرورانیده آرسینوئه را از جزیرهٔ مذکور آورده بنا بر عادت نفرت آور ملوکیه که در آنوقتها جاری بود با او ازدواج نمود.

در خاندان بطلیوس اهالی مصر به این نام دو زن دیگر نیز هست که یکی خواهر و هم زوجهٔ (بطلیوس فیلوپاتور) است. این زن با شوهر خود یعنی برادر خود — که لعنت باد برین عادت — بجنگ (رافیا) رفته در آن جنگ داد شجاعت و خدمت در باب مظفریت شوهر خود بکار برده است. ولی بعد از چند سال از دست شوهر خود بقتل رسیده است.

دیگرش دختر (بطلیوس آولیت) است.

این بطلیوس اولیت دو دختر داشت: یکی (آرسینوئه) و دیگرش (قلئوپاتره). احوال (قلئوپاتره) که یکی از زنان بسیار مشهورهٔ دنیا بود در حرف قاف ان شاء الله تعالی بیان خواهد شد. بعد از وفات (بطلیوس آولیت) حکومت را هر دو خواهر در ما بین خودشان تقسیم نمودند. (مصر را) قلئوپاتره، و (قبرس) را آرسینوئه گرفت. ولی بعد از چندی آرسینوئه تنها بجزیرهٔ (قبرس) اکتفا ننموده خواست که مصر را نیز از دست خواهر خود برباید و با لشکر جرار بسیاری بر مصر حمله نمود. ولی قیصر روم که مرغ دلش گرفتار دام زلف (قلئوپاتره) بود بکمک دادن محبوبهٔ خود شتافته (آرسینوئه) را مغلوب و اسیر نموده (روما) برد و بعد از آن برای بدست آوردن توجه و محبت قلئوپاتره را

[باقی دارد]

علمِ ثروتِ ملل

مابعد از نمبر ۱۴

اینهمه اعمال و فنون مختلفه که بعد از صنایع آسایشیه سالفه ذکر گردید برای امنیت و راحت افراد ملل متمدنه، و ازدیاد هنر و معرفت شان و انشراح دلها و سرور شان خدمت میکند که در ثروت و توانگری عمومی تأثیرات کلیهٔ این چیزها انکار شدنی نیست. اما قواعد اساسیه و صورت های اجرا کردن آن ها با علم ثروت تعلق ندارد. مع ما فیه اینگونه اعمال در علم ثروت سراسر صرف نظر هم نمیشود. چونکه اگر در بارهٔ تعلیم و تربیهٔ اولاد یک مملکت سعی و همت ورزیده شود در آینده مدار استحصال ثروت میگردد. مثلاً اگر هیئت حکام و مأمورین ملکیه و عسکریه نباشد نعمت (امنیت عمومیه) حاصل نمیشود. و چون امنیت عمومیه حاصل نشود حاصل کردن ثروت میسر نمیشود. (امنیت عمومیه) عبارت از امن و امان و آسایش همه مردمان یک ملک است که در دایرهٔ قانون عدالت هر کس آزادانه حرکت بکند.

کذلک اگر در یک قوم محاسن اخلاق موجود نباشد و بعوض راستی و درستی، دروغ و دغابازی رواج داشته باشد لازم ثروت عمومیه حاصل نمیشود.

[باقی دارد]

بر مقاله های که دستخط ندارد از طرف سر محرر تحریر یافته

مدیر و سر محرر سراج الاخبار افغانیه

بسعی اهتمام الحاج عبدالخالق پسر میرزا افغان مهتمم چاپخانهٔ دار السلطنه کابل
بقلم میرزا محمد جعفر قندهاری
طبع شد

نگران
ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت غازی
علی احمد

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیهٔ کابلی
در اطراف ولایات افغانستان ۱۲ روپیهٔ کابلی
در خارج مملکت افغانستان یک نیم پوند انگریزی
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یک عباسی

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

اداره خانه و مطبعه
در ماشین خانهٔ دار السلطنهٔ کابل

جمله مراسلات تحریریه به اداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

هر پانزده روز یکبار نشر میشود

تاریخ عربی یکم جمادی الثانی ۱۳۳۰ — تاریخ انگریزی ۱۸ مئی — تاریخ شمسی ۲۸ ثور ۱۲۹۱

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

صنایع و ماشین خانهٔ دار السلطنهٔ کابل — حوادث داخلیه — حوادث خارجیه
مقالات علمیه — مقالهٔ مخصوصه — وظیفهٔ عسکریه — ملاحظهٔ ژاپان
ادبیات — ناموران زنان جهان — مراسلهٔ شاملی — ماجرای ...

صنایع

و ماشین خانهٔ دار السلطنهٔ کابل

حضرت خلاق عظیم الشان نوع شریف انسان را لخت و عریان، ولی بهمه ساز و برگ سامان خلق و ایجاد فرموده کرهٔ زمین را با همه ثروت و سامان طبیعیش به او کرم و احسان نمود. عقل سلیم، حواس مستقیم، وجود توانا و دست معرفت جو را عطایه، و رهبر او مقرر فرموده به بر و بحر و کوه و جنگل حاکم و متسلطش نمود.

انسان از ابتدای خلقتش به بسی چیزها محتاج و لاعلاج خلق گردیده، به عقل سلیم عقد اتفاق و اتحاد و همدیگرشان را رهنمائی و هدایت نموده، بعضی از آنها بعمل کشتکاری و بافتن قماش‌ها، و برخی بکشتن و درودن انواع حبوبات و دانه‌ها، و قسمی به انواع و اقسام صنعتها و پیشه‌ها مشغول شده، هر گونه احتیاج زندگانی خود را تدارک کرده‌اند. و رفته رفته کسب مدنیت کرده و نسبت به تنوع اختراعات، احتیاجات بشر نیز تنوع پیدا کرده، صنایع و پیشه وری درین وقت بدرجهٔ وسعت و فراخی یافته که عقلها را بگرداب حیرت می‌اندازد.

صنعتهای بشر دریاها را مانند صحراها در زیر پای رفتار خود انداخته، هوا را چون دریا جولانگاه شناوری خود ساخته. با طبیعت پنجه به پنجه آمده و هزار بار گوهر ثروت و توانگری را از سینهٔ حرص دفینه‌اش بیرون برآورده، مانند قوت بخار یک دایهٔ عطائی را بخدمت گذاری خود استخدام نموده، به آنهم قناعت نکرده برق چابک رو را بشاطری خود وادار ساخته.

در هر ملکی که صنایع ترقی کرده، ثروت و توانگری، زینت و آرایش پروری آن نیز بجهان نسبت برتری یافته. همه ممالک اوروپا در وقت حاضر مانند یک ماشین خانهٔ بسیار بزرگ کرهٔ زمین شمرده میشود، که تقریباً بقدر چهل کرور نفوس موجودهٔ قطعهٔ مذکوره از عمله و صنعتگران آن ماشین خانهٔ دهشتناک برقم میرود. همه کرهٔ زمین در وقت حاضر بصنایع آن ماشین خانهٔ عظیمه عرض احتیاج میبرند.

بعد از قطعهٔ اوروپا قطعهٔ امریکا دار الصنایع عالم گفته میشود. در آسیا چون نظر اندازیم قطعهٔ ژاپان نیز

از صنایع خانه های ملکی می یابیم. ولی در آسیای وسطا یعنی ایران و خیوه و بخارا و افغانستان چون نیک نظر کنیم ماشین خانهٔ مبارکهٔ دار السلطنهٔ کابل را عمده ترین همه آنها می یابیم.

ذات اعلیحضرت شهریاری مکارم آثار معظم محبوب القلوب ما از ایام شهزاده گی و سلطنت آماده گی شاهانهٔ شان تا به این ایام توجه نظر اکسیر اثر همایونی را به ترقی صنایع آن صرف فرموده اند که در وقت حاضر بس صنعت های فواید نمای ممکن و نفیس از آن حاصل میشود. بنا برین سراج الاخبار افغانیه که نیز از محصولات مطبعهٔ ماشین خانهٔ مذکور است برای اطلاع مطالعه کننده گان کرام خود از آثار صنایعی که در ماشین خانهٔ مبارکه از توجه ذات اعلیحضرت پادشاه دل آگاه ترقی خواه معظم ما ساخته میشود بحث و بیان نمودن را لازم دانست.

اسلحهٔ حربیه

بهترین معمولات صناعیه که از ماشین خانهٔ مبارکه بروی کار می آید همانا اسلحهٔ ثقیله مانند توپها و اسلحهٔ خفیفه مانند تفنگ ها، و اسلحهٔ جارحه مانند کرچها و حربه ها میباشد. ذاتاً اصل مقصد از تأسیس و بنیاد این ماشین خانهٔ مبارکه استحضارات آلات حربیه بوده است. ذات اعلیحضرت خاقان مغفور جنت مکین (ضیاء الملة و الدین) در اوایل سلطنت شان محض بر مقصد تأمین اسلحهٔ حربیه ماشین خانهٔ مذکوره را بوجود آورده بودند و در زمان سعد اقتران خاقان مغفور همایونی شان بحث در زیر نظارت همین اعلیحضرت پادشاه معظم مقتدر ما که در آن وقت شهزادهٔ بزرگ سلطنت سنیهٔ افغانستان بودند ماشین خانهٔ مذکور اظهار فعالیت مینمود و از آن وقت تا بحال لحظهٔ از فعالیت خود وا نه ایستاده است و روز بروز ترقی کرده رفته است.

ماشین خانهٔ دار السلطنهٔ کابل از اسلحهٔ حربیه این رقم چیزها را بیرون آورده و می آورد:

اسلحهٔ ناریه

۱ — توپهای جلوی و دنباله پر صحرا
۲ — توپهای دنباله پر قاطری کوهی
۳ — توپ کلان استحکام و قلعه
۴ — توپ زود فیر غرا بین [یعنی تفنگ ماشیندار] دو رقم
۵ — تفنگ هنری مارتین رقم پیاده و سوار
۶ — تفنگ رقم ۳۰۳ بور رقم پیاده و سوار.
۷ — تفنگ رقم بغل پر.
۸ — تفنگ ۱۲ تکه
۹ — تفنگ ۵ تکه رقم رسالهٔ جاغوردار.
۱۰ — تفنگ دو میلهٔ شکار.

اسلحهٔ جارحه

۱ — کرچهای افسری رقم غلاف برنجی، و رقم غلاف گلکاری طلا و نقره، و رقم غلاف آهنی.
۲ — کرچهای رساله — یعنی عسکر سواری.
۳ — برچه ها برای تفنگ ها
۴ — حربه های اعلی هر رقم پناه دار بدون پناه از رقم پیاده و سوار، و طریقی، و خنجرها و کاردها و چاقوهای اعلی برای عسکر

جبه خانه

در باب جبه خانه اول چیزیکه در عصر سعادت حصر اعلیحضرت شاهانه بکمال موفقیت و کامیابی در میدان ظهورات فعالانهٔ ماشین خانهٔ کابل برآمده یکی تجربه های (فیوز) است که بنا بر تشویقات پر مکافات توجهات شاهانه کاریگران خود اولاد وطن آنرا به تجربه های بسیار کامل العیار ساخته بروی کار آورده اند. دیگر بارود (کارتوس) ایست که آنهم از فیض توجهات مراحم آیات شاهانه بمعرفت عزت مند (محمد رضا بیگ خان) انجنیر از ده مصالحهٔ کارآمد هفت مصالحهٔ عمدهٔ اساسیهٔ آن را در دواش های ملکی که در ماشین خانه برای آن ساخته شده، از محصولات ارضیهٔ خود افغانستان بوجود آمده و سه مصالحهٔ دیگرش بسببی که مبذول و ارزان است و همیشه پیدا میشود دخلی در ساختن آن نمیگردد. بارود سیاه و توپ و تفنگ نیز در کارخانهٔ بارود سازی دولت ساخته میشود؛ کارطوس های توپهای هر رقم؛ خولهای یک تکه برنجی که با هر یک خول آن بصد ها فیر میشود؛ کارطوس تفنگ بغل پر رقم خول ورقی و خول کلفت؛ کارطوس رقم تفنگ ۳۰۳ بور؛ کارطوس تفنگ بغل پر؛ کارطوس تفنگ چره ئی شکار و غیره.

گوله های توپ از رقم شرپل فولادی و قسم چودنی و غیره؛ گوله های کارطوس تفنگ هر رقم مذکور.

پطاقی سازی که چاشنی پطاقی های کارطوس طوپ وتفنگ مذکوره را ساخته در پطاقی ها پر میکنند .

فیوز های برنجی هفده ثانیه وغیره برای گوله های طوپهای هر رقم . فیوز چوبی برای طوپها وگوله های طوپ دهن پرکه از سالهای سابق بدولت ساخته شده بود .

بارود سازی که بارود کاردیه وبارود دغاوی ساخته میشود .

صنایع مختلفه

دریشی های نظامی هر رقم از منصب داری وعسکری ؛

برق ها وعقاب ها ورایت های فوجی سوار وپیاده وتوپخانه ؛

تکمه سازی که تکمه های نشان محراب ومنبردار دریشی های نظامی ساخته میشود .

خیمه های هر رقم منصب دار وسپاهی نظامی وبارگاه وشامیانه وچتری سایه بانها وتجیرها وغیره

بوت های هر رقم خاصه کلان پای وخورد پای در رقم فوجی یک کارخانه وماشین علیحده دارد

جوره های پیرقی دوست کش وکیش وغیره

اسباب های باجه خانه از طرم های جنگی وبشتنج دهل وطنبور وجانج وغیره

اسباب جمناستک نظامی واسباب های مشق وتعلیم قواعد وآماج وغیره

کلاه های هر رقم منصب داری وفوجی

دوربین های ساعت

که اکثریة این کارها بواسطه ماشین هائی که بتوسط بخار گردش مینماید جاری بوده کار مینماید .

صنایع که بدولت جاری میباشد دو قسم است .

اول صنایع که بواسطه ماشین وبخار جاری میباشد که بواسطه بخار که از آتش خانه های انجن ها حاصل میشود ماشین ها را بگردش آورده صنایع که لازم باشد ساخته میشود .

صنعت آهنگری که دوم مذکور بواسطه بخار است ودودان آن که بواسطه بخار حرکت میکند قریباً پنج خروار وزن چکش آن خواهد بود واسبابیکه حدادها آتش کاری میکنند بواسطه جراثقال نیز بردودان آورده واسباب میسازند . باوجود آن صنعت حدادی بدست نیز در کارخانه جاری میباشد .

صنعت نجاری که بواسطه اره های کلان که بواسطه بخار گردش مینماید چوبها را اره کرده وبواسطه ماشین های رنده صاف وصفا نموده اسباب می سازند . باوجود که ماشین صنعت نجاری دستی نیز جاری میباشد .

صنعت سراجی

صنعت جلبی سازی .

صنعت برنج کاری .

صنعت زرگری .

صنعت مسگری .

صنعت رنگ مالی گادی ها وموتر ها وغیره .

صنعت نقاشی .

صنعت علاقه بندی .

ضرابخانه وگدازخانه .

صنعت سیم سازی سیم نقره وطلا .

صنعت سیم دوزی .

صنعت گلیت کاری هر رقم گلیت طلا ونقره ومس ونکل .

صنعت صندوق سازی که صندوق ها وبکسهای آهنی ساخته میشود .

صنعت بیت بافی وچخ سازی .

صنعت گل سازی که گلهای مصنوعی می سازد .

صنعت چاپ سنگی وحروف سربی .

صنعت زنکوغرافی .

صنعت حکاکی از لعل ویاقوت ولاجورد معدنهای افغانستان .

صنعت نقش کنی سکه ها وغیره

صنعت نجاری میز وچوکی وعراده سازی .

صنعت جراب بافی ودستکش بافی .

صنعت سطرنجی بافی .

صنعت قالین بافی .

صنعت کاشی سازی .

صنعت دندان سازی .

صنعت نقشه کشی عمارات وماشین وتوپ وتفنگ .

صنعت حجاری از سنگ های معدن افغانستان از قسم میز وظروف وزینه تعمیرات حتی دانه های تسبیح .

صنعت چودن ریزی که در کوره های کلان که بواسطه بخار آتش میشود چودن را آب کرده وبواسطه جرثقیل در قالبها اسباب های چودنی ماشین ها وغیره میریزانند .

صنعت چرمگری که بواسطه بخار وماشین چرم های گاوی وبزی وگوسفندی وگاومیشی وغیره را پخته مینماید .

صنعت سفیده سازی سفیدهٔ رنگ مالی عمارات .

صنعت شیشه سازی .

صنعت اسپریت کشی که برای رنگ مالی و چراغ ها و مصالح پالش بطاقی بواسطهٔ ماشین های اسپریت عرق کشیده میشود .

صنعت سوهان تیزی که سوهان های کار آمد دولت را تیز میکند .

صنعت گلابتون سازی .

کارخانهٔ پشم بافی که اسباب های آن کابل رسیده و ماشین های آن بسته شده و هنوز جاری نشده .

امید است که تا اینجا در باب ماشین خانه و صنایعیکه ازان استخراج میشود همین مقدار معلومات اکتفا ورزیده و دعای خالی از ریای دوام ترقی و اقبال روز افزون شوکت و اجلال دولت متبوعهٔ مقدسهٔ خود مانرا در زیر سایهٔ اعلیحضرت بادشاه ترقیخواه و محبوب القلوب معظم خود از درگاه خالق لیل و نهار نیاز میکنیم .

افسر بزرگ و کاردار عمومی ماشین خانه های دار السلطنهٔ کابل جناب برگد محمد سرور خان است که از زمان شهزادگی اعلیحضرت والا تا بحال بر وظیفهٔ محولهٔ خود بموافق رضای اعلیحضرت همایونی صادقانه و بیدارانه سعی و دوام میورزد . و سر دفتر جنسیهٔ ماشین خانه های دولت علیهٔ افغانستان میرزا محمد هاشم خان است که از سادات کرام و شخص نیک فرجامیست .

از درگاه الهی حسن توفیق و صداقت و استقامت را درباره همه مامورین دولت متبوعهٔ مقدسهٔ خود استرحام می نمائیم .

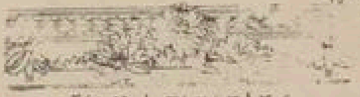

حوادث داخلیه

تشریف آوری موکب اعلیحضرت همایونی

یکی از حسن تصادفات است که در هر سال شهر عزیز و دلپذیر ما دو بهار صفا شعاری را استقبال میکند . یکی فصل بهار ربیعیت که بحضرت آفریننده اعظم الشان زمین و آسمان انتاجات زمین و نبات و حیوان مقرر فرموده و بقوهٔ باد از مسبب الاسبابی ذات بیهمتای وحدانیهٔ خود سیاحت نصف کرهٔ شمالی انوار شمس عالم آرا را در گردش بوقفهٔ کرهٔ زمین اسباب یگانهٔ این بهار صفا شعار فصل ربیع قرار داده است . دوم بهار طرب آثار سعادت شعار تشریف آوری موکب سعادت موجب اعلیحضرت بادشاه معظم مقدس محبوب القلوب ما که بعد از شش ماه سفر خیریت اثر جلال آباد رونق افروز سلطنت گاه شاهانه شان میشوند .

بلی وجود مقدس شوکت نمود اعلیحضرت (سراج الملة والدین) بادشاه بزرگ با دانش در این جهان بهار سعادت آفرین و ربیع عدالت تزئین است که بقطرات فیوضات مراحم و عواطف شاهانهٔ خود مزرعهٔ دلهای انجماد یافتهٔ افسردهٔ ملت را بانواع گلهای رنگین گل و مرحمت و اقسام ریاحین علم و معرفت حیات تازه می بخشد .

بلی وجود بادشاه عادل خوش نیت با مرحمت معارف پرور ترقی گستر برای یک وطن وقت خاصیت بهار را دارد که یک زندگی پرنشو و ترقی پر انبساطی بظهور می آورد .

ذات اعلیحضرت شاهانه در هر سال موسم زمستان را در سمت مشرقی ممالک شاهانهٔ خود شان یعنی در جلال آباد بسر میرسانند چه هوای جلال آباد نسبت بکابل بدرجهٔ که نسبت قبول کند گرم تر است بلکه و مستغنی برای مردم کابل زمین هیچ حاجت نمی افتد . موسم زمستان بدرجهٔ اول فصل تیرماه کابل است . این تشریف فرمائی همه ساله اعلیحضرت همایونی بسمت جلال آباد یک اسباب مهمهٔ آبادی و زینت آن سمت شده است . در ایام سلطنت این بادشاه ترقیخواه معظم ما جلال آباد و نواحی آن بچنان عمارات و آبادیهای دلنشینی تزئین یافته که هر یک ازان بسی تفصیلاتی دارد . ما حالا آن تفصیلات را بوقت دیگر تعلیق نموده بر کیفیت ورود میامن مورود بادشاه دل آگاه معظم مقدس خود مان نقل کلام مینمائیم :

بنابرآن مژدهٔ شعاری که از طرف جناب عالیحضرت نائب السلطنه صاحب فهم بواسطهٔ سارجنت میجر در باره تبلیغ شده بود در روز جمعه یازدهم ماه جمادی الاول بعد از نماز جمعه همه اعزه و اشراف و ارباب مناصب عسکری و ملکی در باغ ارگ مبارک و در برندهٔ پیش گاه قصر مقصور (استور) شاهانه جمع آمده بودند همه حاضرین در قلوب مشتاق دیدار سعادت آثار بادشاه معظم خود شان یک شوق و مسرت عظیمی حس مینمودند . وقتیکه خبر حرکت نمودن موتر های سواری اعلیحضرت همایونی از (تنگی خاک) نام منزل بواسطهٔ تلیفون رسید ذات عالی حشمت پناهی حاضرین دربار سعادت بار را بصف بستن و ترتیب دادن امر نموده همه منصب داران صنف جلیلهٔ عسکریه که لباسهای رسمی خود شان ملبس بودند در طرف دست راست زینهٔ قصر عالی استور و همه سرداران و منصب داران صنف ملکی که آنها نیز لباس رسمی بودند در طرف دست چپ زینه صف بستهٔ آداب احترام گردیدند . از صنوف مختلفهٔ عساکر نظامی شاهانه یک بلوک با بیرق بزرگ مبارک و مقدس (علم) در مقابل قصر استور در چمن باغ موصوف اخذ موقع احترام گرفتند .

[illegible] وقت تشریف [illegible] ورود [illegible]
همایونی [illegible] مبارک [illegible] حلاوت [illegible] خود جناب [illegible] خان
[illegible] معنی جولی سلام [illegible] طرف [illegible] ارتفاع [illegible] شاهانه [illegible]
حاضرین را سم سلام ایفا گردید و از توپخانه همایونی فیر توپ برای
سلام اداء گشت.

وارد ورود ذات اعلیحضرت پادشاه معظم در بن قصر توقف نمود. ذات اعلیحضرت شاهانه [illegible] اول [illegible] غمگین [illegible] شاهانه خود شان در ایشان پایان وارد وایگان وارد [illegible] بر ترتیب مراتب فوق العاده دوله (بعلی) مقام عسکری [illegible] بودند [illegible] یک [illegible] ترتیب [illegible] صف بسته [illegible] بودند رفته قربان و [illegible] شاهانه را بنوازشات و توجهات جهانداری همایونی شان عرق لطف و احسان و [illegible] آثار [illegible] مرحمت گستر مهربان و [illegible] افسر بزرگ مقدس با شوکت و شان همایونی خود منور و درخشان فرمود.

بعد از ان رجعت فرموده بر دروازه نخستین زینه قصر موصوف توقف نموده اول از طرف دست چپ همه سرداران و اجزه و اعزاز ارباب مناصب ملکیه بترتیب و نظام تمام یکان یکان از حضور اعلیحضرت شاهانه گذشته بشرف مصافحه دست بوسی همایونی نایل و سرافراز شدند. پس از انجام یافتن مراسم دست بوسی صنف ملکیه خود ذات اعلیحضرت شاهانه بر صنف منصبداران عسکری که بترتیب رتبه و منصب بدست راست صف بسته احترام بودند آغاز فرموده یکان یکان را بمصافحه دستبوسی شاهانه خود شان شرفیاب و متشکران و احسان [illegible] فرمودند. بعد از انجام یافتن این مراسم ذات اعلیحضرت پادشاهی در درون قصر عالی [illegible] تشریف فرمای شوکت و اجلال شده بر کرسی سلطنت جلوس فرمودند. حاضرین همه گی بترتیب [illegible] جا بجا شده نشستند.

ذات اعلیحضرت پادشاهی همه حاضرین دربار [illegible] همایونی را بملاطفت و التفات جهانداری شاهانه [illegible] احوال پرسی [illegible] مسرور و متشکران فرمودند. حاضرین دربار به اشارت جناب عالی نائب السلطنه صاحب [illegible] بر پا خواسته [illegible] بیک نطق دعائیه سلامتی تشریف آوری موکب همایونی و تبریک [illegible] دولت اسلام را اداء نمودند. ذات اعلیحضرت شاهانه [illegible] بر پا خواسته یک نطق مختصر [illegible] بیان فرمودند که [illegible] عالی آن [illegible] تشکر [illegible] سلامتی [illegible] شاهانه شان و ترقی دولت علیه خداداد افغانستان بود. آخرین فقره نطق همایونی این بود که فرمودند:

(ما در وقتیکه از دار السلطنه بسوی جلال آباد [illegible] که برای وداع ما حاضر شده بودید خطاب نموده گفته بودیم که شما را ودیعه [illegible] خداوند کریم خود می سپاریم. حالا چون آمدیم و شما را بر [illegible] منصبی بر جا و سالم دیدیم بدرگاه خداوند کریم [illegible] شکر [illegible] ادا میکنیم)

همه حاضرین بیک دل و یک زبان دعای خالق ازدیاد [illegible] و عبودیت خود را [illegible] زبان شکران فرمودند. بعد از ان چای [illegible] شربت اکرام فرموده شده [illegible] ادا کرده شده و اجازه انصراف فرمودند.

همرکابی ذات اعلیحضرت شاهانه [illegible] که [illegible] اعتبار خان بود [illegible] همرکاب معیت شاهانه [illegible] بود. شهزاده [illegible] معین السلطنه صاحب و عین الدوله صاحب و سردار محمد [illegible] خان و سردار [illegible] و مصاحبان خاص حضور همایونی سردار محمد آصف خان و [illegible] و جناب [illegible] نائب صاحب و جناب [illegible] [illegible] علی احمد خان و جناب [illegible] آقاسی [illegible] محمد سلیمان خان و ایشیک آقاسی خارجه محمد عزیز خان و ایشیک آقاسی حضور [illegible]

ملک [illegible] خان و جنرال محمد نادر خان و جناب عبدالله خان و جناب [illegible] سرمیر [illegible] سپهسالار محمد شاه خان و [illegible] باشی شاه [illegible] خان و [illegible] خان [illegible] خان و [illegible] حضور همایونی محمد [illegible] محمد شریف خان و [illegible] باشی صالح محمد خان و چند نفری از خدمه خاص همایونی همرکابی معیت پادشاه مقدس محبوب القلوب و سرمایه همراهی داشتند.

ذات اعلیحضرت شاهانه ساعت ۸ بیست دقیقه کم از جلال آباد حرکت فرموده اند و بساعت پنج و پانزده دقیقه بقصر استور مبارک مواصلت شاهانه بوقوع آمده است که با حساب با توقف راه در ظرف هشت ساعت و چند دقیقه از جلال آباد بکابل رسیده اند.

هزاران هزار بار شکر و ثنا بدرگاه خالق یگانه که چشمان دیده های ما را باز بدیدار قدسیت آثار پادشاه دل آگاه و خیرخواه و مرحمت و عدالت همراه منور و دلهای ما را به التفات و نوازشات همایونی شان بهره ور فرموده. از درگاه خالق لیل و نهار سلامتی و عافیت پادشاه مقدس خود ما نیاز میکنیم. و دوام ترقی و استعلای دولت علیه مقدسه خود را در زبان عبودیت میخواهیم و در وسیاهی و خواری دشمنان و بدخواهان پادشاه و وطن و دولت خود را تضرع میکنیم.

پادشاه ما زنده باشی شاد باشی کامران
دولتت گردد بقوت تا ابد جاودان

آمین

تشریف آوری علیاحضرت سراج الخواتین

ذات عالیه مقدسه (سراج الخواتین علیاحضرت) صاحبه معظمه روز دوشنبه ۱۱ ماه حال یعنی یک روز پیشتر از تشریف آوری موکب اعلیحضرت همایونی در حالیکه اردوی غمگین شاهانه همرکاب عالیه شان بود بعزت [illegible] بشکوهی وارد دار السلطنه کابل گردیدند.

چنانچه حسب الامر ذات عالی [illegible] جهانی بواسطه [illegible] همه ارکان دربار عالی از ارباب مناصب عسکری و ملکیه خبر داده شده بود که بساعت هشت صبح روز مذکور بسواری اسپ در سلام خانه عام ارگ مبارک حاضر شده همرکاب جناب عالی نائب الحکومه صاحب [illegible] و [illegible] باستقبال شان بروند. بوقت معیاد مذکور همه بجهت استقبال معیت شهزاده [illegible] را بیجا حرکت کرده در قلعه (چهار [illegible]) [illegible] سنگ [illegible] جناب عالیه معظم شاهانه را استقبال نمودند.

ذات عالیه معظمه شان در [illegible] سلطنتی بسیار [illegible] شوکت جلوس داشتند. و دیگر [illegible] سلطنتی که حامل عالیه خاندان جلیله سلطنت همرکاب معیت بود [illegible] عالیه شان [illegible] میشود. [illegible] شاهی [illegible] عزت [illegible] حرکت داشتند. درین قول باغ از طرف [illegible] شاهانه سرسلام ایفا گردید. تقریباً بساعت یازده بکمال فر و اقبال و تمام شوکت و اجلال در محل حرمسرای شوکت احتوا ارگ مبارک گردیده بیست و یک فیر توپ از توپخانه شاهانه بسلام عالیه معظم شان انداخته شد.

ذات عالیه معظمه شان بتاریخ روز دوشنبه ۳ ماه جمادی الاولی از جلال آباد بسواری عراده بمنزل [illegible] حرکت فرموده اند. [illegible] (گم [illegible]) یک شب [illegible] اقامت نموده اند. جناب [illegible] و ذات [illegible] معیت عالیه معظمه درین سفر [illegible] داشتند.

باز صمیم دل و اخلاص ضمیر تشریف آوری عالیه معظمه شاهانه را تبریک میدهیم. و دعای بادوام پادشاه معظم محبوب القلوب خود را در زبان عبودیت جهد داریم.

کیفیت فرستاده شدن قسط اول اعانهٔ
یتیمان و بازماندگان شهدا
و مجروحین طرابلس غرب

قبل ازین در نمره‌های سابق سراج الاخبار افغانیه از کیفیت تعلق اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه مقدس معظم خود ما ن درخصوص اعانهٔ بازماندگان شهدا و مجروحین مجاهدین طرابلس غرب درج صحایف افتخار نموده و از توزیع و تقسیم شدن کتابچه‌های اعانه بر همه رعایای صادقهٔ شاهانه خبر داده بودیم. از قرار معلومات موثوقه که گرد فراهم قسط اول وجه اعانهٔ مذکور که در زیر حمایت ذات بابرکات اعلیحضرت همایونی از وقت باز شدن دفتر اعانه تا بحال جمع آمده و جمع بود آن مبلغ (۱۸۰۰۰) روپیه کابلی که (۶۰۰۰) شش هزار پوند انگلیزی میشود بواسطهٔ مأمورین مخصوصی از حضور همایونی در بمبئی برای قونسل دولت علیهٔ عثمانیه فرستاده شده است که بواسطهٔ صدارت عظمای دولت علیهٔ مشار الیها بکمیشن مخصوص آن تسلیم شود. و نیز یک قطعه نقل صورت سواد فرمان نامهٔ اعلیحضرت همایونی که برای جناب جعفر بیگ قونسل دولت علیهٔ عثمانیه درخصوص وقوع کیفیت شرف صدور یافته بود دست یاب شده بدرج و نشر آن کسب فخر و مباهات میورزیم:

سواد فرمان همایونی حضور انور والا

بعد الالقاب

چون از ملاحظات اخبارات متواتره مفهوم و معلوم شده که در شهر طرابلس غرب جزو دولت علیهٔ عثمانی از دست برد ایطالیان صدمات سخت سنگین و صولات بیرحمی بر ساکنین آنجا وارد گردیده نفوس و اموال زیادی در معرض تلف و تاراج رفته از وقوع این خبر کلفت اثر اهالی دولت افغانستان بنهایت متاسف و متالم شده و از که کاوش این حادثهٔ نامرضیه بجزو دولت اسلامی واقع شده چون دنیای دون همیشه از ورود سوانح و حوادث مملو و مشحون است بنی نوع انسان را حتی الامکان مناسب است که در همدردی و مدد رسانی همدیگر بکوشند خاصه مردم اسلامیه که با رتباط ظاهری و باطنی مناسبت دارند. بسبب دلخراشی این کیفیت در حق ایشان از نظر لحاظ همدردی و اخوت اسلامی نموده و تجویز جمع آوری وجه اعانه جهت ایتام مجروحین و مصائب ایتام شهدای مظلومین ساکنین طرابلس غرب بهر سه ولایت مملکت افغانستان را بذریعهٔ کتابچه‌های چاپی بدادن وجه اعانه اطلاع داده شده که برای تحصیل ثواب درین باب وجه نقدی کمک و امداد نمایند هر قدر مبلغ که درین تجویز فراهم میشد بلحاظ همدردی و شراکت ملت اسلامی فرستاده میشود و فعلا مبلغ شش هزار پوند انگلیس کلدار خوشی از وجه اعانهٔ موصوفه که فراهم شده بود بذریعهٔ خدام دولت افغانستان اسامی رئیس غلام رسول خان و میرزا محمد خان و احمد علیخان برای شما برسد انشاء الله تعالی آن عزت منش بحضور صدر اعظم صاحب دولت عثمانیه بهر طریقه که معمول و مناسب باشد تقدیم خواهند نمود و نیز یک جلد کتابچهٔ از کتابچه‌های مذکوره برای شما فرستاده شده که از مطالعهٔ آن تجویز مذکوره معلوم میشود. فی ۲۸ شهر ربیع الثانی سنه ۱۳۳۱

جای
[دستخط همایونی]

ازین مراحم اعلیحضرت پادشاه مقدس محبوب القلوب ما که همت جهان قیمت همایونی را درباب مددرسانی یتیمان و بازماندگان شهدای برادران دینی ما اجرا فرموده‌اند همه ملت فخر و شکر می‌نمایند. و ازین رهنمائی پادشاهی مقدس خود سر افتخار بفلک میسایند. و دعای دوام ترقی دولت متبوعهٔ مقدسهٔ خود را ورد زبان عبودیت می‌نمایند.

حوادث خارجیه

اجمال احوال سیاسی

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] دیگر جوابی ندارد.

خبرهای حرب

از تلگرافات مخصوصی که اخبار (المؤید و الفرا) نشر نموده چنان معلوم میشود که در تاریخ ۱۵ اپریل [illegible] ایطالیها [illegible] استحکامات [illegible]

[illegible] ۲۴ مارچ [illegible]

مرد آدم خوار در اروپا

اخبار (الفواد) [illegible] (سیسیلیا) یک نوجوانی که کتاب فروش [illegible]

طیاره ایطالی

[illegible]

مراکو

سلطان مراکو [illegible] یک معاهده نامه با فرانس امضا نموده [illegible] استقلال [illegible]

حضرت شیخ سنوسی

از اعلان جهاد آخری که حضرت شیخ سنوسی نموده [illegible] ایطالیها [illegible]

امام یحیی

شیخ ادریس [illegible] ایطالیا [illegible]

از طرف مستر [illegible] امریکه [illegible] که با دولت علیه [illegible] اتفاق نموده [illegible] مغلوب گردیده است.

وحشیگری روس در ایران

روس در تبریز [illegible] جالی [illegible] انگریز [illegible] تبریز [illegible] اینگونه [illegible] شاه [illegible] جامع [illegible] و ظلم [illegible] روس [illegible] نموده [illegible] آنجا [illegible] توپ [illegible] جامع [illegible] اینصورت [illegible] روس [illegible] مذهب [illegible] مسلمانان [illegible] خراب نمود! فاعتبروا یا اولی الابصار.

چین

احوال چین [illegible] اصلاح [illegible] حکومت جمهوریه چین [illegible] نظر [illegible] روس [illegible] انگریز [illegible] سرزمین [illegible] شده.

حمله آوری ایطالیا [illegible] قلعه

ایطالیا [illegible] درنه [illegible] قلعه [illegible] ایطالیا [illegible] عثمانی [illegible] ایطالیا [illegible] توپ [illegible] قلعه [illegible] ایطالیا [illegible] توپ [illegible] بحری [illegible] ایطالیا [illegible].

اعلیحضرت سلطان المعظم

[illegible] قلعه [illegible] استانبول [illegible] اعلیحضرت سلطان [illegible] عثمانیان [illegible] مجلس [illegible] کلمات [illegible] صلح و صلاح است [illegible].

یک حادثه مدهشه بحریه

در ۱۴ ماه اپریل گذشته [illegible] یک حادثه [illegible] وقوع آمده است: تیتانک نام یک کشتی [illegible] انگلیسی [illegible] ساخته شده بود [illegible] کشتی [illegible] (۱۱۷۵۰۰۰) [illegible] (۲۳۴۰) نفر [illegible] مسافرین [illegible] ۷۰۵ نفر [illegible] کشتی [illegible] امریکه [illegible] انگلستان [illegible] [ای بیچاره بشریت !!! ...]

فغان یک افغان از مصر

صورت یک مکتوبیست که بعنوان فوق و امضای (یک محب وطن) از مصر گرفته ایم:

حضرت الفاضل مدیر و محرر محترم سراج الاخبار افغانیه مبارک السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

بعد از دعاگوئی وجود مبارک پادشاهم اعلیحضرت سراج الملة والدین معروض اینکه شماره ۱۲ اخبار وطن مقدس خود را [illegible] علم و اخلاق [illegible] خواندم. [illegible] بر حال خود بسیار افسوس خوردم [illegible] تحصیل [illegible] صرف نکردم [illegible] آخرت [illegible] پس بهتر این است که از اخلاص دل دعا کنم [illegible] پادشاهم اعلیحضرت سراج الملة والدین [illegible] که برای خیر ملک و ملت خود اخبار جاری نموده [illegible] خیر عظیم [illegible] افغانی [illegible] ملت خود را [illegible] علم [illegible] و باخبری [illegible] است [illegible] صاحب [illegible] شاهم [illegible] تحصیل علم [illegible] افسوس [illegible] علم [illegible] افغانستان [illegible] علم [illegible] وطن [illegible].

ای فاضل محترم! این یک فغان جان سوزیست که [illegible] افغان [illegible] حافظ [illegible] وطن [illegible] ای جوانان وطن! [illegible] لندن [illegible] صنعت [illegible] تحصیل [illegible] توپ [illegible] وطن [illegible] افغان [illegible] ۲۹ ربیع الاول ۱۳۳۰ [illegible] مصر

امضا
(یک محب وطن)

دسیسه های روس

اخبار (المؤید المصری) مینویسد: خبرهای [illegible] از لندن وارد شده [illegible] که روس و ایطالیا [illegible] اتفاق کرده [illegible] (قفقاز) [illegible] (ترک) [illegible] روس [illegible]

مقالات علمیه

تاریخ

در نمبر ۱۱ روزنامهٔ خود در زیر عنوان (مقدمهٔ تاریخ) از ماهیت، و فواید، و اقسام تاریخ شمهٔ بیان کرده و از قارئین کرام خود استمزاج کیفیت نموده بودیم که آیا میل مطالعه کنندگان کرام بر کدام قسمی از اقسام تاریخ خواهد بود؟

در جواب از دانشمندان وطن، و جوانان پرشوق و ذوق علم و فن بسی التفات نامهای شیرین و رنگین و دلپذیر وارد شده که هر یک بجهة ابتدا اقسام تاریخ آرزو و حب علم پروری خود شانرا اظهار کرده اند. بعضی نوشتن تاریخ عمومی، و بعضی تاریخ اختراعات مدنیه، و بعضی تاریخ خصوصی، و بعضی صرف تاریخ اسلام، و بعضی تنها تاریخ افغانستان را آرزو کرده اند. و هر کس در باب این آرزو و خواهش خود شان دلایل واضحه و حقیقیه بیان نموده که بجز تصدیق و تسلیم دیگر کلمهٔ بمقابل آن پیدا نتوانستیم.

— البته: ما که هنوز از هیچ کدام اقسام تاریخ آگاهی نداریم تا بهر اقسام آن از آغاز خلقت بصورت عمومی آگاه نگردیم از تاریخهای خصوصی چه حاصل خواهیم کرد.

— نی: ما را این قدر دور و دراز معلومات چه حاجت است؟ برای ما ضرورترین اقسام تاریخ همانا تاریخ خصوصی اسلام است تا بر حقایق فضایل دین مبین خود خبر شویم.

— آفتاب چیزیست ظاهر، دین مبین محمدی علیه الصلاة نه چنان شمس ضیا پاشی نیست که بر هر ذره از ذرات اجزای هیئت اجتماعیهٔ متمسکین آن دین متین یک لمعهٔ تابشی از آن تابیده باشد، و شمهٔ از آن شمایم روایح انس استشمام نموده باشد. کتب مبارکهٔ سیر و تفاسیر که در زبان ما یکان بیان ما موجود و مطبوع است، این ما خبری دارد، یکقدر چه باید خواند. ما میخواهیم که چیزهای نو بشنویم. اینهمه اختراعات تازهٔ ترقی کردگان ما را بیدار بخشد، و عقلهای ما را غرق لجهٔ حیرت ساخته، میخواهیم که از تاریخ اختراع آنها، رفته رفته ترقی و تکمل آنها آگاه باشیم.

— اینها همه حق است. آیا شنیده و یا درک فرموده اید:

و من عرف نفسه فقد عرف ربه! یعنی هر کس که خود را شناخت خدا را شناخت. ما افغانیم: بما افغانی لازم است. حیا باید کرد که اول از تاریخ خود باخبر شویم و خود را بشناسیم. بعد از آن بدیگران پردازیم.

والحاصل این است که مقالهٔ تاریخ نمبر ۱۱ سراج الاخبار افغانیه موجب اینهمه تصادمات افکار آتشین دماغان هوشکاران علم و فن و نونهالان چمنستان وطن گردید که ما بجز عرض تشکران و بودن حق بدست همه شان دیگر چیزی گفته نتوانستیم. لاجرم لازم می آید که پیروی از همه کار نموده، از همه اقسام تاریخی که مذکور گردید به تحریر آغاز کنیم. و از هر جهت به تطییب خاطر مطالعه کنندگان کرام خود کوشش ورزیم. سراج الاخبار افغانیه میخواهد که خاطر هیچیکی از دوستداران طلبان عرفان را نشکسته یک مسلک عجیبی در باب هر قسم (علم تاریخ) خود پیشه گیرد! و مانند یک نحل پرشوق و نظاره گی هر چمن و صحن، بال کشای سعی و غیرت گردیده مواد لطیفهٔ منتخبه که از هر جهت شهد مصفای معلومات را با خبری برادران وطن را بار آورده تحریر نماید. هم از عمومی سخن کند، هم از خصوصی، هم از تاریخ اسلام بحث راند، و هم از تاریخ افغان! در خصوص هیچ یک کتاب تاریخ عمومی نمینویسیم، و نه خصوصی. بلکه کلام فواید انجام (خذ ما صفا دع ما کدر) را در نظر گرفته بطرز انتخاب از هر گوشه و کنار عام و خاص این علم فواید خواص منظومهای بدیعه غریبه و عجیبه بنظر مطالعین کرام خود عرض کرده میدهیم.

اول بسوی کائنات یک نظری باید انداخت. و بسوی جای و موضع، و مسکن و موقع خود باید دید که آیا ما در کجاییم؟ البته خواهیم دید که ما در (کرهٔ زمین) که خلاق عظیم الشان، آنرا مسکن و اقامت گاه ما مقرر نموده است ابتدا از آن بحث و بیان رانیم که چسان، و چه وقت، و به چه کیفیت خلق فرموده شده است. حالا بشنویم که تاریخ (کرهٔ زمین) با ما چه میگوید:

تاریخ کرهٔ زمین

این بحث ما عجب یک بحثی است، زیرا از تاریخ خلقت کرهٔ زمین بحث میرانیم. و دقایق او که این بحث یکقدری

علاوه
سراج الاخبار افغانیه

تاریخ عربی ۱ جمادی الثانی ۱۳۳۰ — تاریخ انگریزی ۱۸ مے — تاریخ شمسی ۲۸ ثور ۱۲۹۱ — نمبر ۱۶

چون در این وقت در سمت جنوبی مملکت بعضی وقوعات حربیه بوقوع می آید سراج الاخبار افغانیه هم [illegible] علاوه خبر [illegible] وقوعات را بر ناظرین کرام خود [illegible] تقدیم نموده [illegible] میدارد.

صورت تحریر [illegible]
سرکردان به اداره
رسیده

[illegible]

[illegible]

وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ

[illegible]

تاریخ روز یکشنبه ۲۴ ماه حال مردم باغی منگل [illegible]

[illegible]

[ ]

[illegible]

[illegible]

سراج الاخبار [illegible] ۱۳۳۰

[ ]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 217 of 1786

ستاره‌ها نه و جهد پروانه‌ها بطرزی آید (تاریخ کره زمین) کجا دانی ؟ در حالیکه نوع بشر بسیار بسیار بعد از خلقت کره زمین پیدا شده باشد آیا کدام جرأت دارد از خلقت آن بحث کرده بتواند ؟ یک سند متین و محکمی است آور مفصل و کلی نیز در دست نداریم . کتب مقدس سماوی که از جناب بصورت وحی و نزول سماوی عطا میفرمایند (تورات شریف) در سفر (تکوین المخلوقات) خود نسبت بدیگر کتب سماویه تا یکدرجه مفصلتر و واضحتر مسئله را بیان کرده که خلاصه (سفر تکوین المخلوقات) را از اد در اینجا بر قارئین کرام خود عیناً ترجمه و بیان میکنیم :

سفر تکوین المخلوقات

« جناب حق اول زمین را آفرید که در آنوقت اینها از هر چیزی و خالی بودند . بعد از آن جناب حق روشن شدن دنیا را فرمان نموده و در دنیا روشنی بحصول آمد . جناب حق نام روشنی را (روز) نهاد . بعد از آن تاریک شدن را امر فرمود . و چون تار نیز بموجب اراده الهیه بوجود آمد نام آنرا (شب) نهاد و جناب حق این عملیات را در یک روز اکمال نمود . »

« بعد از آن جناب حق خلق فرمودن یک (رقیع) را اراده فرمود که مقصد از آن این بود که آبها را تفریق و تقسیم کند . پس چون بافرمان الهی این (رقیع) نیز خلق گردید جناب حق نام آنرا (آسمان) نهاد ، و این آسمان آبهائی که در طرف زیر بود از آبهائی که بطرف بالا بود جدا نمود . این عملیات نیز در یک روز به انجام آمد و جناب حق این چیزها را که خلق فرمود خوشش نیز آمد »

« روز سوم حضرت حق تعالی امر و حکم آبهائی را که در طرف زیر آسمان بود دریکجا جمع شدن و بحرها را بوجود آوردن و خشکی را در دیگر طرف نهادن فرمان نمود ، و چون اینهم بوجود آمد جناب حق زمین را (خشکی) و آبها را (دریا) نام نهاد ، و بر زمین امر نمود که (سبزه‌ها برویاند ، و میوه‌ها بوجود آرد) و بموجب این امر الهی زمین هر نوع سبزه‌های تخم دار و بی تخم را و هر نوع درختها را بحصول آورد ، و این عملیات نیز در یک روز تمام شد »

(بعد از آن روز چهارم بیامد ، جناب حق برای روز را از شب جدا کردن ، و برای نشان دادن اوقات و زمانها در آسمان طلوع آفتاب و مهتاب و ستاره‌گان و دیگر اجرام نیره را امر نمود ، اینها هم چون حاصل شد جناب حق از میان اینها دو تای اینها را که بزرگترین همه بود از دیگرها تمیز داده بزرگتر آنرا برای روز ، و دیگری آنرا با دیگر همه اجرام صغیره برای شب خاص نمود ، و به اینصورت زینت دادن دنیا نظر استحسان جناب حق را نیز جلب و دعوت نمود .)

(روز پنجم جناب حق آفرینش یافتن حیوانانی را که در میان آبها شناوری میکنند و میپرند ، و در ما بین زمین و آسمان پرواز کردن مرغها را اراده فرموده اینها نیز حاصل شد حضرت حق تعالی جل و علی آنها را برکت داده و بسیار شدن آنها را فرمان نمود)

(روز ششم حضرت حق تعالی از عالم خلقت جانوران و حشرات را که بروی زمین سیر کنند فرمان فرمود ، بعد از آنکه اینها هم بوجود آمد نوع شریف انسان را که یکقدری از صفات ذاتیه و جزئیه خود به او عطا فرموده و به آن امتیاز داده اقتدار تسلط کردن دنیا و مافیها را به او بخشیده خلق فرمود . این عملیات خود را نیز در یک روز تکمیل فرموده خوبی و اتقان همه این عملیات خود را خود نیز اعتراف فرمود)

(جناب حق بعد از آنکه جمله دنیا و مافیها را باین صورت در شش روز ایجاد و ابداع نمود در روز هفتم عملیات را تعطیل کرده استراحت فرمود)

(این است کلاً سفر تکوین المخلوقات) تورات شریف را بعینها در باب (تاریخ کره زمین) عیناً ترجمه و نقل نمودیم . احکام جلیله قرآن کریم که بر همه احکام آن بدل و زبان ایمان آورده‌ایم و این تصدیق ایمان را برای خودمان نور و فلاح دنیا و آخرت میدانیم با بعضی آیات جناب خود نیز از خلقت سموات و زمین و تفریق آب و خشک ، و تخلیق دواب ، و آفرینش آفتاب و مهتاب و شب و روز و دیگر کیفیت‌های خارقه‌نمای تاریخ خلقت زمین بیان ، فرموده که در آن کتاب قدیم حکیم نیز بر مطابق تورات شریف خلقت دنیا .

یعنی در شش روز تعیین فرموده شده است که صدق و حقیقت این معلوماتی که کلام ربانی در باب خلقت عالم بما بیان فرموده بدل و جان تصدیق و قبول کردن از واجبات دینیه ما است . زیرا هزاران آثار صنعیه قدسیه ربانیه موجود است که انسان بکنه حقیقت آنها رسیده نمیتواند .

حالا یک قدری از فن (ژه ئولوژی) یعنی فن (طبقات الارض) بشنویم که او در باب تاریخ کره ارض چه میگوید :

[مابقیش در نمره آتی است]

مقاله مخصوصه

مسایل اقتصادیه

تجارت

میخواهیم که از یک مسئلهٔ بسیار مهمی که یکی از مسایل حیاتیهٔ ملکها و ملتها شمرده میشود بحث و بیان رانیم. و آن هم مسئلهٔ (تجارت) یعنی سوداگری میباشد. تجارت درین عصر حاضر انچنان یک اهمیت و اعتباری پیدا کرده که در اساس و بنیادهای همه امورات دولتها سنگ اول تهدای آن شمرده میشود. اکثر محارباتی که درین وقتهای حاضر بوقوع می‌آید اگر هیچ اسباب نیز داشته باشد مگر (تجارت) مدار کلی همه صنعت و فابریکها، و اختراعهای بشر (تجارت) است اگر تجارت نمی‌بود ازین همه اختراعات محیرالعقول صنایع مختلفه هیچ استفاده نمی‌شد و همه قوای عسکریه، همه آلات حربیه که دولتها می‌پرورانند و حاضر می‌سازند چون بحقیقت نظر شود خدمتگاران و مددرسان تجارت شان شمرده میشود. ایمپراطورها، و پادشاهای اوروپا بجز یک رئیس تجارت دگر چیزی نیستند (بالقوه اکثر) یعنی جنگهای تجارتی که درین زمان ها بظهور می‌آید بیچگاه دهشت و خرابی آن از جنگهای طوپ و تفنگ پا کم نمی‌آرد. دولتهای اوروپا را اگر یک کمپنی بسیار بزرگ تجارت بگوئیم هیچ یک سخن مبالغه نگفته خواهیم بود.

تجارت یا در داخل ملک، و یا با خارج ملک اجرا میشود که اول آنرا (تجارت داخلیه) و دوم آنرا (تجارت خارجیه) میگویند.

قارئین کرام در نسخه‌های سابق (سراج الاخبار افغانیه) در زیر عنوان (ثروت ملی) در بحث (مبادله)(٥) مطالعه فرموده باشند که نوشته شده بود که هر فردی از افراد و شرکاء جمعیت ملی را تشکیل داده بواسطهٔ مبادله اکثر احتیاجات خود شانرا رفع کرده میتوانند. لهذا مبادله تجارت را بوجود می‌آرد و اهمیت و منافع مبادله در تجارت بظهور می‌آید.

اول از تجارت داخلیه بحث کنیم:

یگانه مدار ترقی تجارت داخلیه آزادی آنست یعنی در زیر انحصار نبودن آن. هرگاه حاصلات و اشیای محتاج بهای ملک در زیر انحصار بعضی محتکرین در آید و یا گمرک یعنی خراج و باج از آن گرفته شود و به آن سبب تجارت آن در داخل ملک بصورت آزادانه اجرا نشود تجارت داخلیه ترقی نمیکند بلکه روز بروز تنزل کرده آخرالامر موجب نابودی آن میشود. خوبیهای آزادی تجارت داخلیه را ملکها تفصیل میدهیم:

این یک پوشیده نیست که حضرت خالق جهان جلت عظمته عن النقصان چنانچه در انسانها در جسمیت و اخلاق، و در شکل و شمایل بیکدیگر شباهت نداده، قطعه‌ها و بقعه‌های خاک نیز از همدیگر جدا جداگانه، و قابلیت‌های مخصوصه ممتاز نموده. و چنانچه بدیگر شباهت و مانند ندارد. خاک ولایت (جلال آباد) مثل خاک ولایت (کابل) است شمرده نمیشود. بسیار محصولات در جلال آباد حاصل میشود، که محصولات کابل مانند نیست. مثلاً در حالیکه خاک جلال آباد نیشکر بسر میرساند خاک کابل بسر رسانیده نمی‌تواند. پس چون چنین باشد. هرگاه گمرک یعنی باج گیری محصولات و اشیائیکه از داخل ملک به داخل ملک در میدان مبادله می‌آید رفع شود، و تسلط محتکران از صنعت تجار مرفوع گردیده یک آزادی کامل به تجارت داخلیه یعنی در مبادلهٔ محصولات داخلیه داده شود محصولات مخصوصه هر ولا یک وسعت و برکت فوق العاده پیدا کرده هم به تجارت و ثروت و هم به رفع احتیاجات مملکت فایده و منفعت می‌بخشد.

مثلاً یک ولایتی فرض کنیم که در خاک آن پنبه یا نیشکر یا نیل پیدا شده و امثال آن بحصول می‌آید، و در دیگر ولایتهای اطراف آن چیزهای مذکور وجود ندارد. هرگاه موانع گمرک و خرج گیرها نباشد و به آزادی تام داد و ستد تجارت آن اجرا شود آن ملکی که در آن پنبه یا نیشکر بسر میرسد زیاده تر پنبه و نیشکر بحصول میدهد. زیرا اهالی آن ولایت بسبب موانع مذکوره چندان قدر پنبه و نیشکر میکارند که فروخته بتوانند، و از قابلیت و استعداد زمین که در خصوص پروراندن و بسر رسانیدن پنبه و نیشکر دارد تنها فایده حاصل نمیکنند. و چون موانع رفع شود همه زمینهای خود شانرا که استعداد و قابلیت نیشکر و پنبه بسر رسانیدن را دارد و برای همان رقم چیزها حصر کرده، و در باب افزونی آن سعی‌ها و کوشش‌ها بعمل آورده محصولات حاصل کرده خود شانرا بکمال آزادی به دیگر ولایت بجوار خود در بازار تجارت انداخته ربح و فایده بر میدارند. که از یک ولایت دیگری که از آنجا برک و گلیم و پوست وغیره خوب و وافر بعمل می‌آید چون موانع برطرف شود در یک مقیاس واسع تر و بزرگتری آن چیزها رواج میگیرد. والحاصل هر ملکی که در تجارت و صنایع داخلیه آزادی داده شود بهمان قدر تجارت و صنایع ترقی میکند.

ازین آزادی تجارت دو فایده حاصل میشود: یکی اینکه

(٥) مبادله بدل کردن یک چیزی را به چیزی (مبادله) میگویند

از محصولات مخصوصهٔ یک ولایت اهالی یک ولایت دیگر فایده و منفعت گیرند. و در محصولات افزونی و برکت حاصل میشود. و بهمان نسبت در امور معاملات مایه گیری دولت افزونی گرفته خزینهٔ دولت توانگر میشود. دیگر یک فایدهٔ سیاسی آنست که آنهم عبارت از رفت و آمد و داد و ستد و معامله و دید و بازدید قومها و قبیله‌های مختلفهٔ مملکت بیکدیگر میشود. و اینهم سبب یگانه و اتحاد ملی میگردد.

حالا یک قدری از (تجارت خارجیه) سخن گوئیم:

اول چیزیکه در تجارت خارجیه منظور است همانا (موازنهٔ تجارت) است. موازنهٔ تجارت چیست؟ موازنهٔ تجارت این است که (ادخالات) — یعنی اموال و اشیائی که از خارج ملک بداخل ملک میدرآید — با (اخراجات) یعنی اموال و اشیائیکه از داخل ملک بخارج ملک میبرآید — عدل و برابر آید. درین مسئله افکار و آراهای ارباب اقتصاد اختلاف دارد. و بسی چیزها در خصوص بیان کرده‌اند. و این مسئله یکی از مسائل مغلقهٔ علم اقتصاد شمرده میشود.

کسانیکه ثروت و توانگری را از زر و دینار گمان کرده‌اند میگویند که (ادخالات) اگر از (اخراجات) بیشتر باشد موازنهٔ تجارت برهم میخورد. و اگر کمتر باشد آن مملکت در موازنهٔ تجارت خود کامیاب گردیده میباشد.

دیگران خطا بودن این فکر را ثابت ساخته گفته‌اند که: خدمت زر و دینار نقدی همین است که واسطهٔ مبادلات شود. یعنی میانجی باشد در مابین بدل کردن اموال و اشیا با یکدیگر. بناءً علیه چیزی که افزونی و بیشتری آن آرزو میشود زر و دینار نی بلکه اموال و اشیا میباشد. زیرا مقدار پیسه که در مملکت تداول میکند اگر برای مبادلات کافی شود از بیشتری و افزونی پیسه مملکت هیچ استفاده نمیکند. پس چون مسئله چنین باشد بیشتری و افزونی ادخالات باید که موجب افزایش ثروت و توانگری مملکت بشود. زیرا (علم ثروت ملل) ثابت ساخته که ثروت یعنی توانگری زر و دینار نی بلکه اموال و اشیاست و زر و دینار واسطهٔ مبادلهٔ اموال و اشیاست. پس هر نقد که اموال و اشیا از خارج بداخل مملکت بیاید میانجی مبادلهٔ آن اموال و اشیا که عبارت از زر و دینار است نیز افزونی بگیرد. دیگر بعضی از ارباب این علم گفته‌اند: که اگر (اخراجات) از (ادخالات) افزونتر باشد یعنی اموال و اشیائی که از داخل مملکت بخارج مملکت بیرون میشود بیشتر و افزونتر باشد پیسه بسیاری از خارج بداخل مملکت می‌آید که با آن پیسه در ملک مانند بناها و عمارتها و باغها و [illegible] بجا ساخته و آورده میشود. حال آنکه اگر بعوض زر و دینار اموال و اشیا بیاید بر اموال و اشیا بمصرف حوایج صرف و استهلاک شده و یا چیزهای پایه‌دار بوجود می‌آید که اینهم ملک را مستغنی میگرداند.

بازهم تکرار میگوئیم: زر و دینار یا اموال و اشیائی که از ممالک خارجه بداخل بیاید نتیجه فایده و بهرودی آن برای ملک یک چیز است. زیرا پیسه که از خارج آورده شود اگر بر چیزهای پایه‌دار مانند راهها و عمارتها و غیره صرف شود و یا بر چیزهای بی‌بنیاد مانند پوشاک و خوراک استهلاک گردد در هر دو حال بهرودی آنها از ثروت و توانگری خالی نیست. و اگر بعوض پیسه اموال و اشیائی بیاید که درین دو کار صرف شود باز عبارت از همان ثروت و توانگری میماند. پس در انحال پیسه که از خارج بیاید و با آن پیسه در داخل مملکت اموال و اشیا ساخته شود. و یا اموال و اشیائی ساخته شده که آورده شود و بهرودی و منفعت یکسان در بر دارد. امّا [illegible] که در ارزانی و فراوانی و نفاست دخولی بهر طرقی که ممتاز باشد التزام کردن بهمان طرف نافعتر و سودمندتر است. مثلاً اگر به بینند که آوردن پیسه را از خارج و با آن پیسه در داخل مملکت ثروت یعنی اموال و اشیا حاصل میشود و هم منفعت آن ثروت با منفعتی که بعوض پیسه مال و اشیا بیارند معادل و برابر می‌آید طبعاً پیسه آوردن لازم می‌آید. و اگر قضیه بعکس آن باشد از آوردن پیسه بجز مضرت دیگر چیزی نتیجه نمی‌بخشد.

گاهی این طور وهم میشود که بعضی اخراجاتی که از مملکت بیرون برآورده شود و بدانند که آن اموال و اشیا در خارج زیان و نقصان داشته باشد. ولی از دیگر جهت نفع و فایده در آن باشد بازهم اخراج باید شود. مثلاً در یک ملکی که یاقوت گران باشد یک سوداگر هزار پوند یاقوت خریداری کرده به یک ملک دیگری ببرد. و در آن ملک آن یاقوت را هشت صد پوند بفروشد. و از آن هشت صد پوند را زغال سنگ خریداری کرده باز بیارد. و آن زغال سنگ را در اینجا هزار و دو صد پوند بفروشد تاجر میباید که ازین بیع و شرا باز نباید و بر آن دوام ورزد.

تجار هیچگاه این را آرزو نمیکنند که بجای مالی که میفرستند پیسه بیاید. چونکه در آمدن آن پیسه منفعت نمی‌بینند. تجار میخواهد که هم از مالیکه بخارج میفرستند سود و نفع بگیرد. و هم از مالیکه بعوض آن مال بگیرد فایده و منفعت حاصل کند

حتی بسیار وقتها میشود که تجار از ملکی به بیرون می برند بنقصان و زیان می بیفتند. ولی این زیان خود را از اموال دیگر بعوض می آرند و منفعت می برآرند چنانچه مثال آن در یاقوت و سنگ زغال بیان شد .

اما از این سخن چنان معلوم نشود که بر معمولات و محصولات داخله بصورت اعتراض گفته میشود. نی نی بلکه معمولات صناعیه و محصولات مادیه داخله مملکت از بهترین سرچشمه های مملکت است که ثروت و سعادت از آن بجوشد. اگر معمولات و محصولات داخله که عبارت از اموال دولتیا یعنی ثروت داخله ملک است نباشد اخراجات بعمل نمی آید و چون اخراجات بعمل نیاید ادخالات نیز مفقود میگردد. مقصد این است که از ممالک خارجیه آوردن مال از آوردن پیسه فایده مندتر است و صنایع داخله چیزیکه از خارج در بدل اموال تجاریه آورده شود ترقی میکنند. بلکه اگر تجار پیسه مالیکه فروخته باشند اموال را که امثال صنایع داخله مملکت به آن محتاج است بیاورد هم مملکت از آن مال فایده می برد و هم سوداگر از نفع آن مال مستفید میشود. و پیسه که از فروختن آن مال خارج در داخل ملک حاصل میکنند هر کاری که نافع باشد بحصول آورده میتوانند.

هرگاه فایده و منفعت در افزون بودن اخراجات از ادخالات می بود در آنحال یک مملکتی که ده لک روپیه مال بخارج بر آرد و بعوض آن پنج لک روپیه مال بداخل بیارد گویا نفع و سود کرده خواهد بود. زیرا اخراجات یعنی بیرون برآوردگی آن از ادخالات یعنی بداخل آوردگی آن افزونتر میشود. حال آنکه در حقیقت ملک اخراج کننده پنج لک روپیه ضرردار این معامله میشود.

هرگاه فایده اخراجات از ادخالات بیشتر میبود اخراجات ملکها بدریا انداختن از همه بیشتر منفعت آور می شد. زیرا در حالیکه از ملک بملک ها روپیه اخراجات می بود یک پیسه هم ادخالات دیده نمی شد.

اگر اخراجات از ادخالات زیاده تر موجب معموریت میگردید توانگرترین مملکتهای دنیا فقیرترین آنها لازم می آمد حال آنکه قضیه بعکس آنست. زیرا اکثر مملکتهای بسیار توانگر و مشهور عالم ادخالات شان بر اخراجات شان افزون تر است.

برای اثبات این مدعا از جغرافیای عمومی تجاری این جدول آتی را بنظر مطالعه قارئین کرام عرض نموده مقاله (تجارت) خود را ختام میدهیم :

جدول اخراجات و ادخالات بعضی دولتهای معتبره

نام دولتها	ادخالات بحساب روپیه [illegible]	اخراجات یعنی صادرات [illegible]
جرمنی	۳۷۷۵۳۶۵۰۰	۲۹۳۳۳۷۰۰۰
فرانس	۴۹۸۱۵۴۸۰۰	۴۴۲۹۸۳۲۰۰
انگلیس	۶۵۶۲۶۲۹۰۰	۴۵۹۱۵۰۱۵۳
اوستریا	۹۹۷۰۸۸۸۶	۹۸۹۳۷۹۴۶
دانمرک	۳۵۶۶۸۰۸۳	۳۰۳۳۱۹۳۸
فلمنک	۲۳۳۵۶۱۸۰۰	۱۸۳۴۵۹۴۴۰
بلجیم	۱۴۳۴۱۶۸۰۰	۹۶۰۶۵۲۰۰
سوید و ناروژ	۵۰۵۷۹۴۹۲	۳۸۷۹۸۷۱۱

انتهی

وظایف عسکریه

وظیفه پنجم اطوار و حرکات راست و درست

منبع و سرچشمه راستکاری و درست اطواری صنف عسکر است کسیکه عنوان جلیل عسکری میگیرد باید که در سخن گفتن، در نشست و برخاست در کار و رفتار خود آداب و درستی و دوستی را پیشه گیرد. بر پیرمردان و پیره زنان حرمت و رحمت کردن. بر زنان، دختران، و طفلان دلسوزی و ملاطفت و همدردی کردن. سر و بر خود را پاک منظم بدارد که برای یک عسکر غیور پاک نگهداشتن، بر وظیفه و خدمت خود خوش کردن، امر عسکری را شهید وار [illegible] بسیار پروا کردن، از ذات اولی جدا شدن، از جزاهای عسکری ترسیدن، بجز جنگ در پس و پیش [illegible] باب اسلحه و قطع نزدیک شدن، به مال [illegible] از ظلم و تعدی اجتناب کردن، به بیماران و زخمیان و ضعیفان و فقیران مدد کردن، قمار بازی کردن، ترک فحش گفتن، تنبلی، و مسکر خوردن، بسیار دوست داشتن، و خوب نگاه کردن، [illegible] وظیفه عسکریه در جای غیر مشروع استعمال کردن مال حرمت [illegible] و به [illegible] مال و جان [illegible] تلف کردن، اسیران جنگ را آزار دادن، و هرچه که بموجب [illegible] قانون منع داده محافظه کردن از جمله وظیفه اطوار و حرکات راست و درست عسکریه شمرده میشود.

وظیفه ششم با رفیقان خود خوش گذرانی

هر عسکر بجانب [illegible] و افسرهای خود [illegible] خود فرض میداند [illegible] رفیقان سلاح خود که آنها نیز بر محافظه وطن [illegible] داخل شده اند بر خود فرض [illegible] غیر از وظیفه های عسکری [illegible] آزار ندادن، و بجان و مال [illegible] خود چشم نه دوختن، در وقتهای [illegible]

تشنگی از ریختن آب یک کف آبی در ظرف خود داشته باشد. یا یک لقمه نانی در مجلس خود داشته باشد، از رفیق بزرگ تر یک خود دریغ نکردن. در راه وطن و دولت جان رفیق خود را فدا ساختن جان خود را کوشیدن. رفیق زخمی خود را تا میتواند بر برای دشمن نگذاشتن. و بدرجه ایکه از دستش بیاید بر هم از معاونت رسانیدن و قتیکه حرکات بی نظام و قانون رفیق خود را بیند نصیحت و یاد آوری کردن بر برادران عسکری خود شیرین زبانی و کشاده رویی پیشه کردن. تا که از دستش بیاید بهر رفیق خود کار و خدمت کردن. هر چه باشد با رفیقان خود جنگ نکردن. کفر و فحش را هیچوقت بر زبان نیاوردن. هر نفری عسکری یار و وفادار خود شناختن و دل خود را بدل آنها و آنها را بدل خود جا کردن کوشش ورزیدن. دیگر هم خوش سخنان گفتن. و لطیفه اگر چه بطرز لطیفه و مزاح هم باشد رفیق خود را تحقیر و آزار ندادن. از جمله وظیفه خوش گذرانی ایشهم از رسم های بزرگ خوش گذرانیست که نفرهای تازه را تعلیم و تربیه و آداب عسکری را یاد دادن. بنظر حالی که خود اهل صنف عسکری میشود از اخلاص دل تعلیم و تربیه و آداب عسکری را بیاموزانند. و خواه در وقت و خواه در خارج خدمت تا درجه که از دست شان بیاید با آنها معاونت و مدد رسانی کنند. خلاصه کلام: رفاقت و برادری عسکری، و وظیفه خوش گذرانی بر سه اساس بنا یافته که یکی (حسن معامله) یعنی خوبی باهم معامله کردن، دوم (ایقاظ) یعنی همدیگر خود را بیدار و هوشیار ساختن سوم (معاونت) یعنی باهمدیگر مددگاری کردن میباشد. هر عسکری که درین وظیفه ها قصور ورزد او از دیگرها جدا میشود و گرفتار میآید.

این است که از (وظایف عسکریه) شش وظیفه آنرا برای استفاده برادران نظامی خود از (الاتفاق عسکری) از روزنامه دولت علیه عثمانیه بترجمه و تحریر پرداخته درج روزنامه مبارکه خود نمودیم. انشاءالله تعالی از دیگر مواد عسکریه که موجب استفاده شود در عرض خدمت ملت خواهیم نمود. و این محرر عاجز از افسران با غیرت و شجاعت صنف عسکریه اردوی دولت خداداد افغانیه امیدوارم که مقالات عسکریه ما را بغور و دقت مطالعه فرمایند. و آنها را در کتابچه های مخصوصی بیرون نویس نموده و حفظ نمایند. و رفته رفته یک مجموعه بسیار مفید وسودمند عسکری بدون تعب و مشقت بدست خواهند آورد. و اگر بعضی مواد عسکریه را در اوقات مناسب در جوقه های خود شان بصورت درس برای افراد عسکریه بخوانند از فایده خالی نخواهد بود. سراج محرر عاجز دعا میکند که انشاءالله بهمین شوق روزنامه مبارکه خود را از تحریرات مواد عسکریه خالی نگذارد. مکافات آن تنها یک حسن توجه و عمل نمودن برادران عسکری است که بیک جهان مقابله میکند . و من الله التوفیق

عالم مظفر ژاپان

از سیاحت نامه جناب عبدالرشید ابراهیم افندی

مابعد از نمبر ۱۵

رهنمای جوان من بعد از آنکه بسه خدمت ای مرا آورده و در وقت وداع گفت:

— حالا شما به (یوقوهاما) میروید. بعد از حرکت ریل چار ساعت بشهر قصبه (مایبارا) میرسید که در آنجا ریل شما تبدیل میشود. در وقت تبدیل یافتن ریل (قطار سرعت) یعنی ریل دیگر تیز رفتاری آید. اگر یک (کاریک) برسید به آن قطار سوار شده میتوانید. و شام به (یوقوهاما) میرسید. و اگر ریل بان خواهید شما را بعد شش ساعت انتظار کشیده و ریل اساقه بر میرسد و هیچ شک خود را به (یوقوهاما) میرسید تا به (مایبارا) چار (قول) یعنی نقب زیر کوه موجود است. در طی آنها اینقدر خوب نیست. بلکه بسیار

بمقابل این همه معلومات برین داده و این همه خدمتی که کرده من مبلغ پنجاه کوپک روسی به او دادم. نوجوان بی آنکه به حیث چند است دریغ و دو سه بار خود را خم کرده وداع نمود. حالا میبینید که یک نوجوان که از صنف عمال و مزدور که شمرده میشود به غریب و مسافری که مملکت شان داخل میشود چسان معامله و رفتار میکند. حالا چون این چیزهای جزئی را که یک ملت ژاپان را انسان در زیر نظر انصاف و عقل بگیرد. اهمیت اخلاق این قوم بزرگ که یک اثر نتیجه تخم گفته میشوند معلوم میگردد. خدمتهای روزانه شما بردم خوب اندازه و سعی فراخ ملک به آن مردمان بزرگ خود دوس را نیز انواع بی ادبانه و بجز بیکار نمیبینید.

قطار ریل حرکت نمود. در اوتاق ریلی که من نشسته ام از مردم اروپا مسافری نبود. دیگر همه مردم ژاپانی بود. در نظر من لباس و قیافت ژاپانیها خیلی عجیب می آمد. اکثر آنها در پاهای خود شان جرابهای سفید و نعلین چوبی و قتیکه در خانه ریل میدرآمدند نعلین های خود را کشیده با موزه ریل یکجا پایچه سنگ ریل پاشنه. آنها مانند ما دست فراخ ژاپانی بدون زانوی ادب چاپک ها در وقت نماز آنطور نشستند. بعد از نیم ساعت همه بجز از جیب های خود شان کتابها و اخبارها را برآورده مشغول مطالعه و خواندن غرق شدند. اوتاق ریل ما به یک دارالمطالعه و یک کتابخانه تحویل یافت. از پنجره های اطراف اوتاق مسیل خارج سیر و تماشا میکردم و متماشی بودم و همان منظر اروپائی

فاجعه های پاریس

مابعد از نمبر ۱۵

برزمین زانوی تضرع و نیاز نهاده، و بیک مناجات دور و درازی بدرگاه قاضی الحاجات پرداخت. از سیمای لطیف این زن که غمهای دنیا تری و تازگی آنرا زایل ساخته بود درجه قوت دینداریش پدیدار میگردید. در اثنای دعا کردن گویا بخاطرش یک چیزی خطور نموده باشد که یکبارگی نا خواسته جهراً گفت :

بلی بلی، چرا آن که تا بحال از آن محروم بودم امروز آنرا گرفته میروم. بلی هرچه باد اباد گفته میروم ! . . .

بعد از آن فوراً تنید بر پا خواسته الماری باز کرد بهترین لباس خودش را بیرون برآورد که این لباس از یک قماش جانفس سیاهی ساخته شده بود. و از بسیار استعمال رنگ سیاه آن بیک رنگ بوری تبدیل یافته بود. و در دامنش یک دو پینه نیز موجود بود. فوراً تنید این لباس را که لباس رسمیش شمرده میشد در بر نمود. و بر سر خود نیز یک کلاه بوریائی زنانی که بچیزک فیته رنگ رفته و گرچیچ چیزی بران نبود بر سر کرد. و بایک دستمال کلاح سیاهی کلاه و روی خود را استر نموده از اوتاق خود برآمد. و از زینه های خانه فرود آمده تا میخواست که بکوچه قدم نهد صاحب خانه بابا (دوینو) که حرکات او را به پنهانی از نظر دور نداشت بر و هجوم نموده گفت:

— سر و بر تا زه میخواهم بپالم تا بدانم که آیا چیزی میرانده اید یا نه ؟

دو طرف راه و ریل حقیقتاً نمایان تماشا منظره‌های [illegible] جلوه میداد .
دهات و قریه‌های غریب شکل ، کوههای کوچک بهاری پر از درخت ، سبزه و گلزار زیبا
از زمین‌های خداداد که ریل پران دور از آن شده ، در هر یک وجب زمین
خالی دیده می‌شد ، همه زراعت شده . آدم [illegible] در اطراف آن
کشت زارها دیده میشود همه مشغول کار بودند . [illegible] ، زنها و بچه‌ها
لباسهای بهاری رنگارنگ داریم . خانه‌های ریل تنگ و دور از راست . ریل
یکی جنبش ندارد . سرعت قطار ریل ۳۵ کیلومتر باید باشد [illegible]
زنها و بچه‌ها [illegible] نمی‌رسد . بعد از یک ساعت به استیشن [illegible]
در ایستاسیون یک نفر از اول اخبار فروشان و روزنامه فروشان که منتظر
راست می‌آید . اخبار را که ژاپانی‌ها (شیمبون) میگویند ، روزنامه
فروشان (شیمبون شیمبون) گفته فریاد بر میکشیدند . مسافرین
ژاپانی هر کس یک شوق [illegible] داده اخبار میخرند . و بلطف آن یک
[illegible] دیگر چیزها [illegible] فروختند . ولی من [illegible]
یکی از جوانان که در پهلوی من نشسته بود ، یک قطی و یک چیزی که [illegible]
پیچیده شده بود خرید . این قطی کوچک [illegible] بود و [illegible]
یک فنجان سرپوش دار [illegible] موجود بود . ژاپانی در مسافرت [illegible]
آنجا [illegible] بود . [illegible] شده بود [illegible]
بود . [illegible] خورد . بعد از آن [illegible]
[illegible] سرپوش دار [illegible] نوشته و [illegible]
از پنجره به بیرون انداخت . زیرا آن هیچ یک اهمیتی ندارد و
بسیار ارزانی [illegible] حساب میشود . [illegible]
نظر شود [illegible] ژاپان یک [illegible] میکنند [illegible]
[illegible] آسانی ، وقت هم ضایع نمیشود . قطار ریل در هر استیشن
چهار پنج دقیقه توقف میکند . در تمام ژاپان [illegible] و استیشن [illegible]
است . هر [illegible] که [illegible] آن [illegible] قیمت [illegible]
ندارد [illegible] زینت دارد .

[illegible] در [illegible] استیشن [illegible]
[illegible] قطار ریل [illegible]
[illegible] استیشن [illegible]
نزدیک وقت زوال ریل به استیشن [illegible]
[illegible] رسیدیم [illegible]
راست بود . بعد از یک ساعت ریل [illegible] قطار [illegible]
[illegible] استیشن [illegible] (ای بی) [illegible]
رفتم .

[مابعدش در نمره‌های آینده]

ادبیات

رسی بمنزل عرفان ز فیض خلق حسن
رسی بمحفل جانان ز فیض خلق حسن

بری بد چو شده ای شهره بخوی مذموم
بری شوی ز علل آن ز فیض خلق حسن

ز علم و دهر و هنر و هر کمال بهره مبرد
کسیکه ماند بحرمان ز فیض خلق حسن

جمال و زیور و زینت چه فایده بخشد
ز بهر عاری عریان ز فیض خلق حسن

اگر حسود و جانت کشد بعهد پرده
شوی چو شمس نمایان ز فیض خلق حسن

ز فحش و غیبت و کذابی و ترش روئی
شوی خلاص بیدان ز فیض خلق حسن

ز بارگاه خداوند انس و جان (محمود)
نیاز مطلب ایمان ز فیض خلق حسن

قوتیلد — چنانچه آرزو دارید بیائید .

صاحب خانه و دالی زن شبیه [illegible] و [illegible] ملاقات
سیاه وحشیانه که میخواست اجرا کند صرف نظر نمود .

قوتیلد نیز به آهستگی از آنجا دور شده و برفت .

— ۳ —

قوتیلد به قطع کردن یک سلسله آشنائی که برای
یک آدم صحیح و سالم ترس آور نیز موجب دهشت می‌شد
مجبور بود و بعلاوه خیال رفتن آنرا داشت و حیات که
شهر پاریس را [illegible] بیاید . حال آنکه
زن بیچاره با وجود تشکر دائمی پر اضطرابی که دارا
بود روزه گرسنگی و غمهای [illegible] وجودش را به حدی
ضعیف ساخته بود ، هر چه که هست ، رفتن میخواهد باید
که برود ! لهذا همه غیرت و طاقت خود را بکار کرده
و نفس خود را در زیر دندان گرفته از تپه (پاتینیون)
که اقامتگاه شان در آنست بسوی وسط شهر
سر شیب‌های متعددی را یکان یکان قطع کردن گرفت .
دقیقه بدقیقه بازارهای انبوه شهر میرسید ، و شعشعه
پاشی عالم [illegible] پاریس را میدید بسببی که از بسیار
و تنها گوش و چشمش از آن محروم مانده بود یک وحشت
و دهشتی از آن حاصل میکرد . در جائیکه بولوارهای
بزرگ را به عرض بقطع کردن مجبور میشد بارها
در زیر تهلکه ماندن عرابه‌ها مانده

[باقی دارد]

ناموران زنان جهان

مابعد از نمبر ۱۵

در بارهٔ خود آرسینوئه را بقتل رسانیده است .

آرنولد صوفیا — از (اقتریس ۱) یعنی بازیگران رقاصه و خوانندهٔ مشهورهٔ (اوپرا) یعنی نامک بزرگ رقص و خواندن شهر (پاریس) است . در سنهٔ (۱۷۴۰) میلادی تولد یافته و در سنهٔ (۱۸۰۳) وفات کرده . در تصویر حسیات یعنی نشان دادن و مجسم ساختن حسها مهارت بسیار عجیبی مالک بود و از رقصش هم بسیار گرم و هم خیلی موثر بود . در نکته گوئی و بذله سنجی نیز مهارت بسیاری داشت که نکته های او بعنوان (آرنولدیانه) بصورت یک کتاب طبع و نشر شده است

آریانه — دختر (لئون نخستین) است که از امپراطورهای روم بود در قسطنطنیه . در تاریخ (۴۷۴) میلادی با (زه نون) نام امپراطور که بر تخت قسطنطنیه جلوس نموده ازدواج کرد . شوهرش خیلی یک آدم بدخلق ظالم و شرابی بود . از آن رو با (انسطاس) نام سرکردهٔ اتفاق کرده در حالیکه (زه نون) مست لایعقل بود زنده دفنش نموده وانسطاس بر تخت نشسته (آریانه) را در نکاح خود در آورد . آریانه در سنهٔ (۵۱۵) وفات کرده است .

آزاد — عمزادهٔ جناب (فیروز دیلمی) است که از اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم میباشد و زوجهٔ (شهر بن باذان) است که از طرف حضرت پیغمبر در (صنعای یمن) والی بود . فیروز دیلمی و شهر بن باذان در اصل از مردم فرس هستند که در زمان (کسری) سرکردهٔ لشکری بودند که برای راندن و کشیدن مردم حبش را از یمن به آن حوالی مامور شده آمده بودند .

[باقی دارد]

علم ثروت ملل

مابعد از نمبر ۱۵

و نیز اگر مانند رسامی و ادبیات و موسیقی وغیره نباشد افکار را نشاطی و انبساط حاصل نشده از صنعت و عمل کدورت و ملل حاصل میشود . و نیز اگر علوم و فنون مخصوصهٔ ریاضی ، هندسی ، و فلسفه ، و طبیعی ، و کیمیوی وغیره نباشد کشفیات و مخترعات تازه به تازهٔ عالم مدنیت در کارگاههای (صنایع اعمالیه) به وجود نمی آید ، و ثروت حاصل نمیشود . مقصد یگانه از ترقی صنایع آنست که رفته رفته رفاهیت و سعادت حال و آسوده گی پرمال و منال بر جمهور صنوف اهالی عام و دارا یکسان گردد . بنابرین در کتاب از اعمالی که مذکور گردیده نیز در جایش که باید بحث و بیان خواهد شد .

بنابر تفصیلاتی که تا به اینجا بیان گردید بخوبی معلوم میشود که ترجیح دادن بعضی صنایع را بر بعضی اساساً جایز نیست . مثلاً اگر گفته شود که صنعت زراعت سببی که مدار تعیش و زنده گانی نوع بشر است از آن رو میباید که معموریت و آبادی یک مملکت را مطلقاً به ترقی زراعت و فلاحت حصر باید کرد . این است که اینگونه حکم علماً جایز شمرده نمیشود .

[باقی دارد]

هر مقاله ئیکه دستخط ندارد از طرف سرمحرر تحریر یافته

مدیر و سرمحرر سراج الاخبار افغانیه

کابل
بسعی و اهتمام الحاج عبدالخالق خان پسر طرز افغان مهتمم چاپخانهٔ دار السلطنه
بقلم میرزا محمد جعفر قندهاری
طبع شد

سال یکم — نمبر ۱۷

نگران
سینک آقاسی حضور اعلیحضرت جاه
[illegible]

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

اداره خانه و مطبعه
در عمارت شاهی دار السلطنه کابل

همه امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

هر پانزده روز یکبار نشر میشود

قیمت سالیانه
در دار السلطنه کابل ۸ روپیه کابلی
در دیگر نقاط مملکت با خرج ڈاک ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت با خرج ڈاک نیم پوند انگریزی
قیمت یک نمبر آن در کابل یکعباسی است

تاریخ قمری ۱۵ جمادی الثانی ۱۳۳۰ — تاریخ انگریزی اول جون — تاریخ شمسی ۱۱ جوزا ۱۲۹۱

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

موعظه — حوادث داخلیه — حوادث خارجیه — تاریخ ترکیه
کتب خانه — عسکریه — علمهای زبان — ادبیات — فابریکا
ناموران زنان جهان — علم ثروت ملل — فاجعه‌ای پاریس

موعظه

مختصر از موعظه شاهی در باب حسن نیت شاهانه خود
و بیان تأثیر اعمال شخصیه پادشاه
در اعمال رعیت

چون در حکمت و شریعت ثابت است که مبدأ و سر منشأ همه کارهای اختیاری انسانی بجز عزم و قصد و اراده انسان چیزی دیگر نیست این معنا نیز حاجت بیان ندارد که افراد انسان در ابتدای خلقت و آفرینش بعضی نیک نهاد و نیکو سرانجام آفریده شده اند. و بعضی بدنهاد و بد فرجام — که از باطن نیک نهاد و نیک فطرت در کارهای اختیاریه خود عزم خیر و قصد نیکو و اراده اصلاح سر بر میزند و از باطن بدنهاد و سرشت پر فساد عزم شر و قصد بد و اراده کارهای ردی و ناخوش صادر میشود — لهذا در شریعت محمدی علیه الصلوة والتسلیمات نیت و عزم شخص مکلف اساس ثواب اعمال مسلمانان گشته است چنانکه در حدیث شریف [illegible] در صحیح بخاری [illegible] روایت نموده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده اند انما الاعمال بالنیات وانما لامرء ما نوی فمن کانت هجرته الی الله ورسوله فهجرته الی الله ورسوله ومن کانت هجرته الی دنیا یصیبها او امرأة یتزوجها فهجرته الی ما هاجر الیه — یعنی بجز نیت نیست ثواب کردارها و قبول آن بدرگاه حق تعالی مگر بنیت به اعمال مذکوره — و نصیب نیست هیچ کس را از عمل و ثواب آن مگر آنچه نیت کرده — پس کسیکه باشد برآمدن او از وطن بسوی خدا و رسول وی و نیت وی طلب رضا و فرمان برداری امر خدا و رسول باشد — پس هجرت او بسوی خدا و رسول او است یعنی مقبول است — و ثواب بران مترتب است و کسیکه هجرت وی بسوی دنیا باشد که حاصل کند آنرا یا بسوی زنی که او را نکاح کند نه برای رضای خدا و رسول پس هجرت او بسوی چیزیست که برای آن هجرت نموده — لاجرم در مذهب حنفی قاعده مقرر شده است که لا ثواب الا بالنیة یعنی نیست ثواب در هیچ عمل مگر وقتیکه مقرون بنیت باشد.

وایضا در روایات حدیث شریف این عبارت هم روایت شده است که نیة المؤمن خیر من عمله یعنی نیت شخص مسلمان و اهل ایمان بهتر است از عمل کردار وی و این حدیث اگرچه باصطلاح اهل حدیث بصحت موصوف نیست اما موضوع و نادر است هم گفته نشده — و علمای متقدمین در دلایل

مصحوب بحضور آن اوقات گفته اند که نیت تنها بیعمل نمودن آن نیز عبادت است — واجر و ثواب بران مرتب — برخلاف عمل بدنی که عبادت بودن آن و مرتب شدن ثواب بران بر نیت موقوفست — ودر حدیث شریف آمده است که بمجرد قصد و نیت نیکی برای مسلمان در نامهٔ اعمال وی حسنهٔ کامله مینویسند ونیز در حدیث شریف آمده که هر که بخواب رود و نیت وی آن باشد که برخیزد و نماز تهجد بگذارد برای وی ثواب تهجد در نامهٔ اعمال وی نوشته میشود اگرچه بغلبهٔ خواب تا صبح بیدار نشود و تهجد از وی فوت گردد.

بیت

درین دو وقت اجابت بشارتهاست — دل شب ار نتوانی بصبحدم برخیز

ثانیا آنکه محل نیت دل است و دل محل معرفت الهی است لاجرم آنچه در محل معرفت زاید و از آن معدن برآید فاضلتر و شریفتر است از آنچه از غیر آن از اعضای بدن حاصل شود — ثالثا آنکه نیت از عمل بهتر است برای اینکه نیت پاینده و باقی است و عمل ناپاینده و فانی — دخول و دوام بهشتیان در بهشت و کفار در دوزخ بموجب نیت است — که دائمی است و هرگاه بقدر عمل بودے جهان قدر از زمانه بودی که عمل کرده اند و زنده بوده اند — رابعا آنکه در عمل ریا عارض شود و بسبب آن خلل پذیرد و فاسد گردد — بخلاف نیت خیر که در باطن است و ریا را به آن راه نیست و در روایات آمده که فرشتگان چون اعمال بندگان را به آسمان می برند حق تعالی بعضے از ایشان میفرماید اَلْقِ تِلْكَ الصَّحِيفَةَ اَلْقِ تِلْكَ الصَّحِيفَةَ یعنی بیفگن این نامه را و بیفگن از آن نامه را آن فرشته میگوید بار خدایا بندهٔ تو سخن خیر گفت و عمل خیر کرد و ما آنرا شنیدیم و در دیوان حسنات او ثبت نمودیم چگونه ازان بیفگنیم خطاب آید که — لَمْ يُرِدْ بِهِ وَجْهِي یعنی نخواست آن بنده بآن عمل رضای مرا — و بعضے دیگر از فرشتگان را از بارگاه کبریا ندا آید اُكْتُبْ لِفُلَانٍ كَذَا وَكَذَا یعنی بنویس در نامهٔ اعمال فلان بنده این عمل خیر را — فرشته گوید خداوندا این بنده این کار نکرده است چگونه در نامهٔ او نویسم — خطاب آید که وی نیت خیر کرده و قصد آن نموده است — خامسا آنکه اعمال خیر بعضی پایانند و برخی انجام آن از دست مسلمان دشوار و مشکل — و نیت مسلمان چون بهر آن متعلق شود ثواب بهره میابد بالجمله در شرف نیت خیر در شریعت غرا حد و بی اندازه است خصوصا نیت با منیت پادشاهان و سلاطین که متکفل تسکین روی زمین — و برحفظ حوزهٔ عالم نگهبان واقعند — شبان آدمند و نگهبان عالم — در نیت خیر ایشان خیر جهان مندرج است — و عزم و حزم ایشان با آسایش مملکت و اهالی قرین و مزدوج — برکات ارزاق آسمانی از اندیشهٔ مرحمت پیشهٔ آنجناب نازل است — و برکات نشو و نمای فزاینده و حاصلات زمینی از خیالات خیر ثبت دلالت این برگزیدگان جهان — قصهٔ مشهورهٔ نوشیروان با پسر دهقان و فشردن دو دانهٔ انار از گواهان این بیان است — و حکایت پادشاهان فرزانهٔ عدالت نشان با جانشینان خود همین حسن نیت با جهانیان است — چنانکه از شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی در کتاب بوستان است

شنیدم که خسرو بشیرویه گفت — در آندم که چشمش ز دیدن بخفت
بر آن باش تا هر چه نیت کنی — نظر بر صلاح رعیت کنی

و چون حضرت پادشاه اسلام پناه دیانت دستگاه امیر ابن الامیر بن الامیر اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان — خَلَّدَ اللهُ مُلْكَهُ وَسُلْطَانَهُ وَاَفَاضَ عَلَى الْعَالَمِينَ بِرَّهُ وَاِحْسَانَهُ از فضایل و کمالات شرعی حظّے از نیت خیر بهره مند [illegible] یوم چهارشنبه سلخ شهر ذی القعدة الحرام گذشته سنه (۱۳۲۹) هجری قدسی که دزدان قطاع الطریق مفسد را [illegible] و عزم و حزم با خبره و هوشیار بسلاسل نمودن سپاهیان شجاع [illegible] کوهپایهای سمت جنوبی دار السلطنه فرود آورده و گرفتار نموده و اجرای حد شرعی که حق امام اکبر است بحضور [illegible] دار القلال حاضر نموده بودند — و بعد از اثبات شرعیه [illegible] عقیدهٔ کلان ایشان را با چار نفر رفقای وی [illegible] مضمون آیهٔ وافی هدایهٔ اِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْاَرْضِ فَسَادًا اَنْ يُقَتَّلُوا اَوْ يُصَلَّبُوا اَوْ تُقَطَّعَ اَيْدِيهِمْ وَاَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ اَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْاَرْضِ یعنی جزای آنکسانیکه با دوستان خدا و رسول حرب کنند و در زمین فساد و تباهی سعی کنند آنست که را بکشند اگر کسی را کشته باشند و مال نبرده — یا بکشند و بردار کشند اگر کشته باشند و مال برده — یا ببرند دستها و پایهاے ایشانرا برخلاف یعنی دست راست و پای چپ اگر مال گرفته باشند و کسی را نکشته — یا برانند و اخراج کنند اگر قتل و غارت نکرده اما رونده کان راه را ترسانیده و تخویف نموده باشند — و حضرت امام اعظم رحمة الله علیه راندن و اخراج را بر حبس حمل کرده آورده — تا ضرر او در شهر دیگر نرسد [illegible] تا دیگران [illegible] سیاست حکم فرمودند — [illegible] دزدان مذکور [illegible] — بعد از آن [illegible] از آنجا این فقیر کاتب الحروف سرفراز [illegible] حکمت انتظام پادشاها به این موعظهٔ بلیغه رسیده که [illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 227 of 1786

از توپ من نترسید — و از تفنگ من نترسید و از شمشیر من هم نترسید — اما از غیبت من بترسید که غیبت من برای همهٔ شما مضرات لا تحصی است — باز سلسلهٔ کلام سلطنت انتظام باین مقام رسید که فرمودند — در اثنای بازی یکی خواهد گفت که من حاضرم و دیگری خواهد گفت که من حساب دان و هنرمندم — و دیگری خواهد گفت که من عالم — در دفع این خیالات تسلیم به امر عالم غیب و عالم بالا سزاوار و اولی است تا خطرهٔ فاسدهٔ اعتراض بر حکم غیبی و امر لاریبی در خاطرها نگردد ؛

مرا بمسلک عشق آن فضول عیب کند | که اعتراض بر اسرار علم غیب کند
شبان وادی ایمن گهی رسد بمراد | که چند سال بجان خدمت شعیب کند

اکنون این فقیر تقصیر حسب حیثیت این پادشاه اسلام پناه روشن ضمیر دیانت تخمیر یک دلیل که خود دیده ام و بگوش خود شنیده و در خاطر ضعیف خود اندیشیده ام بخدمت قاریان کرام بیان میکنم — ثانیاً دلائلی که بر خوش نیتی این پادشاه اسلام پناه و گوشزد خاص و عام است بقلم شکافته زبان می نگارم .

اما دلیلی که خود دیده و شنیده ام آنکه در سنوات سابقه که هنوز اوقات ابتدای جلوس قاآن خلد آشیان حضرت ضیاء الملة والدین مرحوم بود و در فصل تابستان در باغ بابرشاه مرحوم نزول اجلال میفرمودند و در روزهای دربار شوکت مدار سرداران و خوانین در میان باغ اسلام بادشاهی میرسیدند و منزل خاص اعلیحضرت پادشاه حال در باغی که الحال مسمی بچهلستون است بود — و قصر چهل ستون در آنوقت بنا نشده بود — و این فقیر اطلاع ندارم که حضرت پادشاه اسلام پناه حال در همان وقت بنشستن تکلیف رسیده بودند یا خیر — بهر تقدیر این فقیر عاجز تحریر یک روزی در همان باغ اسلام حضرت پادشاه دیانت پناه زمان حال رفتم — چون شرفیاب سلام شدم جائی بس باصفا و با نهایت خوش هوا و روح افزا دیده معروض داشتم که این باغ و این جای عجب با نزهت و با فرحت است — در جواب فرمودند که آری نشستن مخصوص من خوب است — ولاکن خیمه های خدم و حشم و علمه وغیره در آفتابند — بعد از آن این سه بیت کتاب بوستان را تمثیلاً فرمودند :

شنیدم که در وقت نزع روان | بهرمز چنین گفت نوشیروان
که خاطر نگهدار درویش باش | نه در بند آسایش خویش باش
نیاساید اندر دیار تو کس | چو آسایش خویش خواهی و بس

این فقیر چون این ابیات حکمت سمات را از زبان سلطنت ترجمان شنیدم در دل خلوت منزل خود نیک فالی و امیدواری یافتم که هرگاه در یک وقتی زمام اختیار مملکت افغانستان بکف کفایت این شهزادهٔ نیک انجام کامگار بیفتد شاید آسایش خلق الله و آرام رعیت و سپاه نسبت به اوقات سلاطین گذشتهٔ این خاندان شاهی بیشتر باشد .

و هزاران شکر و سپاس بیحد و قیاس مالک الملک را که امید و آرزو که در همان اوقات در دل خلوت منزل یافته بودم بوجه احسن بظهور رسید — و نیک فالی که در خاطر صداقت مظاهر خود شناخته بودم بطرق اکمل اجمل جلوه نما و جهان آرا گردید — و حضرت پادشاه اسلام پناه زمان حال بر اریکهٔ سلطنت و جلال قدم گذاشته فتح و فیروز خندهٔ فال و ترقی و آرامی رعایا و برایا ساعی و جاهد شدند —

اما دلائلی که بر خوش نیتی این پادشاه عدالت اکتناه گوشزد خاص و عام است (۱) اینکه مقارن جلوس میمنت مانوس خود مبالغ عظیمهٔ باقیات مالیات سنوات گذشته که از عهد خاقان مرحوم بقدر سی ملیان روپیهٔ کابلی (۳۰۰۰۰۰۰۰) که مساوی یک ملیان (۱۰۰۰۰۰۰) طلای انگریزی میشود و کمابیش بر ذمهٔ رعایا مانده بود آنهمه مبلغ عظیم را برای عموم رعایا و جمهور برایا ببخشش شاهانه و امر ملوکانه فرموده عموم رعایا و برایای افغانستان از این تخفیف شاق و تحمل مشقت مالایطاق بیاسودند (۲) بر ماهوارهٔ تنخواه و مواجب عسکر نظامی فی نفر پنج ماهواره [illegible] هر فرد از سپاه و افسر بیفزودند که نسبت بسنوات سابقه دل بستگی و امیدواری عساکر به این دولت جدیده که (یا رب همیشه در سایهٔ این پادشاه رحمت دستگاه و سعید جوان بمزید باد) زیاده شده و در معاش ایشان امدادی باشد (۳) آنچه از اشخاص فراری ممالک غیر از اهالی افغانستان بودند معتبر و غیر معتبر و نامدار و گمنام را برای آمدن وطن خود اذن عام فرموده و بعد از رسیدن و بوسیدن پایهٔ سریر سلطنت برای هر یکی تنخواه و مواجب رحمت فرمودند — بلکه برای بعضی اخراجات راه هم عنایت فرمودند (۴) با علما و مشایخ طریقهٔ التفات و شیوهٔ انبساط آنقدر رعایه فرمودند که هر فرد از افراد این هر دو طایفهٔ شریفه این دولت دیانت صولت را از خود میدانند — و خود را شریک دولت میشمارند (۵) بجهت استراحت و رعایهٔ رعیت سکنهٔ شهر چون در سلطنتهای سابقهٔ افغانیه در باب حرکت و آمد و رفت شبانهٔ اهالی شهر قاعده و سررشته چنان بود که در شب بعد از وقت معین مانند نواختن دردی باجه خانهٔ عسکری یا صدای توپ یا زدن طبل بیگلس را عسس و میرشب در کوچه و بازار بر آمد و رفت نگذاشت و بدین سبب بر اهل شهر در باب آمد و رفت شبانه مشقت و زحمت زیاد بود — مریض ناگهانی بطبیب و علاج نرسید — و مهمان طویل المجلس بخانهٔ خود نتوانست رسید — اعلیحضرت پادشاه همایون فال حال قاعدهٔ آمد و رفت شب را برای اهالی شهر چنان مقرر فرمودند که هر کس در دست خود قندیل افروخته داشت او را عسس و میرشب تا صبح از حرکت مانع نشود و لاجرم استراحت مریض و مهمان اهالی شهر و باقی محتاجان [illegible]

بدین قاعده منظور بنسبت بزمانهای سابقه افزونتر گشت .

(۶) آنکه در سال اول جلوس میمنت مانوس از تقدیر آسمانی بجهت تنبیه بندگان این سلطنت شرعی مرض عام و با بعضاً اتفاق افتاد — و ایضاً در بعض سال که قوت و رزق مملکت افغانستان از حاصلات زراعت و فلاحت خود این مملکت است — و حضرت رزاق مطلق و خلاق برحق جل الله همین قدر حاصلات را از زمین آن بیرون آورد که تنها قوت اهالی این مملکت را کفایت کند و بخشیدن غله از ممالک خارجه محتاج نباشند — و این چنین پادشاه ترقی‌خواه و خیر کار و خوش‌بینی مانند اعلیحضرت پادشاه حال در سلاطین گذشته فرصت نیافته که با علم فلاحت را ترقی بدهند و با قانون‌های بقاعده افغانی کار فلاحت را توسیع و فراخی بدهند تا حاصلات اقوات این سرزمین بالاتر از کفایه اهالی بممالک خارجه کشیده شوند — و همین کار خیر را نیز اعلیحضرت پادشاه حال در عین بی فرصتی اندیشیده و انهار عظیمه را در اطراف و جوانب مملکت کشیده که تفصیل کیفیت آنها در سراج الاخبار است — القصه در همان سال فرخ فال قحطی نبود اما قلت غله بود — و طبیبان و دکتران با مرض عام مذکور بر تبدیل هوا حکم قطعی نمودند — اعلیحضرت پادشاه حال همایون فال همان حکم قطعی طبیبان را نسخ فرموده در تمامی همان سال در ارگ مبارک رونق افزا شدند — باعث همین نیت پرخیر که مبادا اهل احتکار و عشاق غله فروشی غله را [illegible] زند و بفقرا و مسکین قوت شام نرسد .

(۷) آنکه در سنوات تسعیر غله نسبت بسنوات سابقه بلند شده و در فصل زمستان بجهت برف‌گیری دارالسلطنه در بعضی ایام زمستان خوف مسدود شدن راه و قافل غله که بشهری آورند یا مشکل شدن آن در اینجا بست — و اهل احتکار و عشاق از عادت خود دست بردار نشدند — اگرچه بعضی از ایشان بر دار کشیده شوند — بنا برین اعلیحضرت سراج الملة والدین امر فرمودند که از غله‌جات سرکاری هر روزه فی روز هفته دو بار از اشتر گندم را آورده در بازار آرد فروشان بنیدازند و از آن تراز تسعیر یک غله‌فروشان بر اهل شهر بفروشند برسانند تا یتیم و بیوه که مالک یک روپیه و نیم روپیه اند از آفت عسرت و محتکر بقوت شام نمانند .

بیت

ز آتش حق پاکیزه تر آتشی نیست   که دست ضعیفان بکاهش قوی آتش است

(۸) در باب حفاظت عفت و پاس ناموس رعایا مطابق حکم دین حضرت شفیع المذنبین صلی الله علیه وسلم این پادشاه و دیانت تا این وقت بارها باریک بینی و نکته چینی فرموده‌اند که پیرو دوشیزه پسر بهتر از آن نمیکنند — بدینگونه که در سلطنتهای سابقه افغانیه بر قصبهای زنان دار در سلطنت کابل مزین و چنین داروغه مکلف از تماشای مجالس عید و ختنه و عروسی که در همین که شتن زنان و کوچه و بازار جوانان گستاخ دختران بی باک را نظر ناشایسته بجانب آنجا می افتاد — این پادشاه حال همایون فال دیانت خصال این معنی را بنظر شاهانه و دیانت ملوکانه دریافته بتبدیل نمودن بر قصبهای زنان حکم قطعی فرموده آن زینت بجا حاصل باطل شده و زنان مسلمان از نظر بد اغیار در حراست حکم این پادشاه دیانت کردار بامن و حفاظت میگذرند — و در شهر قندهار در زمان حکومت سردار جلالت بنیان سردار کهندل خان مرحوم برادر امیر کبیر [illegible] بدست محمد خان حکم تبدیل نمودن بر قصبهای زنان بفتوای قاضی تقوی شعار و دیانت آثار قاضی ملا غلام قندهاری که جد مادری این فقیر کاتب الحروف است از پیشگاه حضور آن سردار سلطنت گنجور صدور یافته حکم مزبور تا زمان حال جاری و معمول است .

این است واقع معیشت که از جمله اهالی دولت افغانستان از آنجا واقف و باخبرند — و هرگاه بتفصیل فضایل جزوئیه مخصوصه این پادشاه سلطنت دستگاه و دیانت پناه می‌پرداختیم موجب تطویل بر اوراق جگت الطباق سراج الاخبار میگردد

بیت

گر این جمله را سعدی انشا کند   مگر دفتری دیگر املا کند

در خانه اگر کس هست یک حرف بس است .

الحق بحقیقت صادقه از تاثیرات عمل شخصی این پادشاه و دیانت دستگاه بخدمت قاریان کرام اعلا و القا میشود — که بروایت صحیح شنیده و شده‌ایم که در شهر قندهار زن بیوه عاجزه است بسبب کاکری که بر وظایف عبادات و خطابه صوم و صلوة آنقدر استمرار و استقامت و مداومت داشت از زمان چهل ساله عمر گذشته خود را قضا آورده بود با آنکه از ابتدای سن تکلیف بجای ترک صلوة و فرضیه نمی نمود — لهن غالب است که در باب [illegible] در خصوص زنان از منع صوم و صلوة از علما وقت پرسیده نمازهای خوانده خود را در وقت جواز صلوة برای زنان ندانسته و خواندن آنها را هیچ قبول نکرده نمازهای چهل ساله خود را از سر گرفته ادا نموده است — بهر صورت حق تعالی امثال اینها در زنان و مردان افغانستان بسیار سازد — از وقتیکه خبر اسمای شرف ابلاغ و احداث عبادت شده و اینچنین قصه شنیده شده است — و این همه از تاثیر استقامت این پادشاه اسلام پناه و دیانت دستگاه در عبادات نماز و روزه وغیره که بمضمون معنی حدیث (النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ) در افراد رعایا تاثیر تدریجی نموده و هر فرد از افراد رعایا فراخور استعداد با طبع خود همان تاثیر را قبول کرده و میکنند

حق تعالی و تقدس بمنت کس این پادشاه اسلام پناه و دیانت دستگاه را توفیق روزافزون بر تربیت و پرورش رعایا و خلق الله عنایت فرماید تا همه کمالات دینیه و دنیویه در مملکت افغانستان بسیار و بیشمار گردند — و حضرت پادشاه جوانبخت جوان دولت همیشه بر اعدای دین و دولت غالب و بر شاخ دیگران دارای ترتیب و دستان ربایند و سایه‌اش پاینده باشد — این دعا از من و از جمله جهان آمین باد رب العباد و تحریر بتاریخ ۲۹ ربیع الاول ۱۳۳۰

[دستخط فقیر عبد الرؤف مدرس]

حوادث داخلیه

صورت تحریراتیست که از جناب سرکردگان
به اداره رسیده

عالیجاه اخوی محبت همراه محمود بیگ خان مدیر و محرر سراج الاخبار افغانیه بعنایت خداوند باشند — شرحی در باب رفتن عالیجاه عزت همراه محمد نادر خان جرنیل حضور مبارک والاکه همراه فوج ظفر موج از برای دفع و سرزنش طایفه باغیه منگل از حضور مبارک مقرر و مامور گردیده بود بجهت اشاعت مرقوم و مرسول گردید که انشاء الله تعالی نقلاً درج سراج الاخبار خواهید نمود — هنگامیکه موکب الخیر اعلیحضرت شهریاری از جلال آباد در دارالسلطنه کابل رونق افزا گردیدند لازم دانستند که یک غند از افواج نظامی مقیم دارالسلطنه کابل هم علاوه بر نفری فوج نظام مقیمه خوست و فوج ملکی برای سرکوبی مردم منگل و دفع بغاوت شان حکم رفتن داده اند که یعنی بروز دوشنبه حرکت بجنبند — یوم شنبه ۲۳ ماه جمادی الاول سنه ۱۳۳۰ یک غند از افواج نظامی دارالسلطنه کابل بسرکردگی عالیجاه عزت همراه محمد نادر خان جرنیل حضور مبارک روانه و در سید آباد لوگر رسیدند — منزل اول فوجی مذکور در قریه موسوم بولایتی که سه کروهی کابل واقع شده و در دامنه کوه آن اردوگاه افواج مذکور برپا شده بود — یوم شنبه مذکور اعلیحضرت شهریاری به همراهی کاکه شان نائب السلطنه صاحب و معین السلطنه صاحب و عین الدوله صاحب و سردار محمد آصف خان و سردار محمد یوسف خان مصاحبین و محمد سلیمان خان ایشیک آقاسی نظامی و علی احمد خان ایشیک آقاسی ملکی و محمد حسین خان سرسراوسی و شاه ولیخان رکاب باشی و محمود خان سرخان اسپیچور و احمد شاه خان سرمیر اسپیچور برای وداع و دعا دادن جهت نفری فوج مذکور تشریف برده الی ولایتی بسواری موتر تشریف برده و در صحرای ده بافات که رسیدند در آنجا اسپان سواری معه جمعیت نفر سراوسی (یعنی بادی گارد) حاضر بودند بشکوه تمام بسواری اسپ بالا نفری فوجی رفته رسم سلامی بقرار مقرری ادا نمود اعلیحضرت شاهانه نفری همه که شان جابجا بس ایستاده بهمراهی سوار و نفری نظامی همه بلباس جنگی خاکی خود ها بودند اینکه رسم سلام ادا شد اعلیحضرت شهریاری بقرار ذیل بیان فرمودند — روی مبارک را بطرف فوج مذکور کرده باواز بلند فرمودند که (چون در اینوقت مردم جاهل منگل اقدام فعل بغاوت و سرکشی بجا آورده اند و از طرف ما سررشته کافی در باب فرستادن فوج ملکی که از هر قوم برضای خود جهت سرکوبی شان خواهش کرده بودند نموده ایم و فرستاده ایم و نیز سررشته جبه خانه و آذوقه برای آنجا و فوج مقیمه علاقه خوست و برخی که از قوانین امر شده و بوده که بدرستی کرده شده و آنجا هم تا حالا بدرستی و صداقت خدمت فوق خود را بقرار امکان نموده اند والحال لازم شمردیم که شما فرزندان من هم از برای اصلاح کردن مردم جاهل منگل که از راه دین مبین حضرت سید المرسلین گشته اند و خلاف امر خداوند جل شانه که (اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم) سرکشی نموده اند و بر خلاف پادشاه اسلام بغی نموده اند بفرستم و این را باید دانسته آگاه باشید که من کل اهالی افغانستان را مثل اولاد خود میدانم و بعلاوه اینهم افواج نظامی خود را که مراد از نظامی ها جمعیت یکجاه و مسلح یکجا برای نگهداشت ملک خود و از آسیب داخل و خارج است — پس در اینوقت که شما از من جدا میشوید البته اثر خاص فرزند دوری از من جدائی شده همین قدر پریشانی و حزن برمن عاید میشود چنانچه که در جدائی شمایان از من — پس حالا شمایان را بخداوند رحمن رحیم و غفار و ستار سپرده و از خداوند خود میخواهم که باز شمایان را نیکنام و فتحیاب بکمال سرافرازی ببینم تا برای من خوشی و برای دشمن دین و دولت من غم و برای شمایان سرافرازی و غلبه بر دشمن شمایان حاصل باشد) بعد از فرمودن این چند کلمه خود اعلیحضرت شهریاری به آواز بلند الله اکبر گفته و کل نفری فوجی هم سرها را برهنه کرده الله اکبر گفتند و بهمین قسم به مراتبه الله اکبر تکرار شده و جوش و خوشی تمام نفری مذکور به آواز بلند و تماشا ماند را کرده و بعد عرض نمودند که مایان هم وجود مبارک پادشاه اسلام و پدر مهربان خود را بخداوند کریم و رحیم سپردیم بعد از آن — اعلیحضرت شهریاری در یک حصه میدان مذکور بالای اسپ سوار ایستاده و برای جرنیل حضور حکم فرمودند که نفری را از حضور من بقسم شکوه شان — یعنی چهار نفری یکجا رانند که آنجا را ملاحظه کرده بعد آنجا در لین خود و در کمپ خود بروند و ما واپس روانه شهر شویم بقرار امر حضور فوراً نفری مذکور از حضور مبارک مطابق امر مبارک گذشتند و بعد از گذشتن نفری مذکور اعلیحضرت شهریاری شخصاً خود جرنیل را طلب حضور فرموده که از اینجا شما همراه من تا بجای سواری موتر بروید بهتر چنین است که از همین جا شما را هم دعا بدهم بکمال بود که جرنیل مذکور از اسپ فرود آمده دست و پای اعلیحضرت را بوسیده و رسم تعظیم را بجا آورده و اعلیحضرت شهریاری از کمال مهربانی روی جرنیل را بوسه فرمودند و او را مرخص کردند بعد از آن اعلیحضرت شهریاری مع الخیر طرف شهر روانه شدند و جرنیل بالای لین خود در کمپ خود رفت نفری منصب داران و تعداد نفری وغیره که همراه جرنیل مذکور رفته از اینقرار است —

خود جرنیل موصوف عالیجاه محمد نادر خان جرنیل حضور مبارک		غلام قادر خان علم بردار
سید شاه خان کرنیل رجمنت اردلیان حضور مبارک	شیر احمد خان کرنیل اردل	داود شاه خان کرنیل رجمنت کوتوالی
محمد نواز خان کپتان از رجمنت اردل	خورشید خان کپتان از رجمنت کوتوالی	عطاء خان کپتان از رجمنت دار السلطنه

عبد الصمد خان رجیمنت	محمد انور خان کرنیل	توپخانه
اسپهسالاری دوم	از حربی دولتیان	هفت نفر

سپاه رجیمنت	سلطنتی ۱	بولک مشر ۱	جمعدار ۱
شش نفر	یازده نفر	بیست و چهار نفر	یازده نفر

تقریر سرنگاران — سپاه پادشاه پایان دنیا نخوره افواج عظامی وحقیقت علی دار این لغزه واقع شده باشد که پادشاه پیب ملک وکمال ذره وری وصرف قیمت اسلامی و انتهای جوشش حقیقت پروری جهت وداع نفری فوجی خود بکمال رحمت بمنزل ... ودوازشهر برده و بجبر بزبان زبان شیرین دلام و شرف اخلاق کند این وصف را که حق تعالی برای پادشاه محبوب القلوب مهربان ما عطا نموده و ذکر کریم زیاده برنما بگرداند و رب العالمین اهالی و دولت و ملت افغانستان را توفیق صداقت و درستی و خدمتگذاری در خدمت دین مبین سید المرسلین این پادشاه مهربان ما بدهد — زهی سعادت این چنین ملت که این تاج محبت بسر داشته و چه بسیار شکرانست برای پادشاهی که این چنین ملت و رعیت دارد که قدر و خوشی خود و مقابله بهمه گیرخود را بدل داده زیاده خواهش نمی‌دارند برای صرف خوشی پادشاه خود دارند وفا میر نموده خداوند عالم این وجود پادشاه مهربان ما را در حفظ خود محفوظ و مسلم بدارد که ایجابات ملت گفته شود بجاست و اگر جان ما افغان گفته شود عین صواب است الهی زنده باد پادشاه ما پاینده باد شاه ما —

عالیجاهان وکلیت همراهان میرزا عبد الحسین خان منشی حضور جناب نایب السلطنه دربار و حاجی میرزا محمد مهدی خان از حضور مبارک اعلیحضرت والا درخواست ضیافت فوجی مذکور را در منزل مذکور نموده بعد از منظوری حضور مبارک مبلغ چهار هزار روپیه کابلی بطور مهمانی برای فوج مذکور ادا نمودند .

ونیز — عالیجاه وکلیت همراه میرزا محمود خان امین نظام برگد بطریق مهمانی در منزل مذکور از برای فوجی مزبور مبلغ دو هزار روپیه کابلی ادا نموده اظهار صدق دولتخواهی خود را نموده اند انشاء الله تعالی که اسامی ایشان مذکور داخل ثواب دارین میباشند و برای اخلاص شان جای تحسین است فقط

[علی احمد]

عالیجاه اخوی قاسم همراه محمد رنگ خان مدیر مدرسه محترم سراج الاخبار افغانیه بحفظ خداوند باشند — بعض فقره ذیل درباب منتقده ... بذریعه عالیجاه اخوی ... آقاسی نظامی حضور والا برای بنده رسید که عیناً درج سراج الاخبار شود — بنابرین جهت شما مرقوم می‌نماید که فقرات مذکوره عیناً درج سراج الاخبار موصوف نماید — اینکه از قرار اطلاعات عالیجاه وکلیت همراه ... در خان جرنیل حضور که از ملکی عسکری بنظر رسیده و چنین مرقوم است که بتاریخ روز چهارشنبه ۲۷ شهر جمادی الاول ۱۳۳۰ خبر رسیده که مردمان باشی ... و غیره سرکوتل تیره را که در بین راه گردیز میباشد سنگرهای بسیار مضبوط و دو خیال مقابله را دارند و نفری زیاده میباشند برای سرکوبی آنجا از توپ های ... و بیرق ... دخواهین با منصب دارد رست و دیگر پیاده نظامی مقرر شد که شب پنجشنبه را در کوه بالا شده و صبح هوشیار بوده صبح پنجشنبه مذکور بالای سنگرهای ایشان مقابله برده شود — بقرار سرشته نفری نظامی معمول داشته روز پنجشنبه مقابله بسیار سخت کرده نفری مردم باغی بیش یازده شکست داده و قریب دو صد و پنجاه نفر از مردم آن باغی مقتول و مجروح شده و از نظامی پنج نفر مجروح گردیده که زخمهای ایشان مهلک نیست — و سنگرهای که مردم مذکور ... بودند گرفته شد و قلعه ستانان که قلعه مذکور شریک نفری مردم باغی بوده آتش زده شد دره و کوتل تیره و صاف شده بیش امن شد — و از قرار اطلاع موصوف معلوم شده که مردم ... ناشایسته خود را نادم و پشیمان شده و توبه نامه و عهدنامه های خود را بواسطه دو نفر ملکان معتبر خود بمعرفت عالیجاه عبد العزیز خان برگد نظامی بحضور جرنیل روانه نموده اند که بعد از این از حضور عفو تقصیرات ناپاک نموده شود جرنیل حضور کیفیت شان را بحضور مسرور نگاه داشته است ... معلوم شود — که مردم مذکوره چه خیال خواهند کرد از جهل خود دست بردار خواهند شد و یا هنوز بجهل خود قایم خواهند بود — کیفیت مذکوره از ... شما مرقوم شد که انشاء الله تعالی درج سراج الاخبار نمائید فقط تحریر یکشنبه ۲ ماه جمادی الثانی ۱۳۳۰

تقریر سرنگاران — جرنیل مذکور از جمله لایق منصب داران نظامی افغانستان میباشد و از حالت وجرأت وی تا جبر ... که ترقی فوق العاده برای اردوی این حضور داده جای تحسین است و احوال اینکه در باب ترقیات فوجی ... خود بعین غبار او ... بحضور جار وفا ... بمطابق اصولهای تعلیم جدیده میباشد و در وقت ملاحظات فوجی که هر وقت که اعلیحضرت شهریاری معاینه میفرمودند از دیگر همعصران نظامی خود در کار نظام سبقت برده و نامبرده بزبان فارسی و اردو بدرجه اعلی لیاقت دارد — و بزبان افغانی و انگریزی بدرجه اوسط لیاقت دارد — و در علم حساب هم تا یک اندازه مستحضر میباشد که کاروائی خود بدرستی میکند — شخص خدمتگار لایق و صادق دولت افغانستان میباشد فقط

[علی احمد]

از طرف مرکز قطغن ـــ بمرکز خبر داده شده، که فقره ذیل را عیناً در حال درج ورق جلیده، و در ثانی درج سراج الاخبار نیز شود ـــ از کمک عسکری بذریعه عالیجاه والی همراه و ایشیک آقاسی نظامی خبر رسیده که بیوم جمعه ۲۹ ماه جمادی الاول سنه (۱۳۳۰) نفری اردوی عسکری به کردگی عالیجاه، غیرت و شجاعت همراه محمد نادرخان جرنیل حضور از کوتل تیره به بسیار خوبی و محافظت تمام عبور نموده وارد گردیز شدند ـــ ملکان دو طایفه احمد زائی که از کردار ناصواب خود نادم و پشیمان شده قرآن های شریف را گرفته و بگردن خود ها ریسمان انداخته حاضر شده اند و توقع عفو تقصیرات خود ها را از حضور اعلیحضرت (سراج الملة والدین) بادشاه معظم اسلام پناه دارند ـــ باعث اینگونه عذر و خوف شان همان مقتولیت راه کوتل تیره بوده بود ـــ در معرکه مذکور نفرے که دستگیر شده بودند از نزد آنها بتحقیق پیوست که سه صد و پنجاه نفر از مردم باغی ها مقتول شده و تعداد مجروحین شان هم بسیار است ـــ جهان داد پرشاه که از جمله طایفه احمد زائی میباشد و در همین جنگ کوتل تیره همراه مردم باغی شامل بود حال خیال عذر خواهی را دارد و از افعال قبیحهٔ خود پشیمان شده است فقط

[علی احمد]

حوادث خارجیه

اجمال سیاسی

درین مسئله بر هیچ کس پوشیده نیست که یکی از فقرات وصیت نامهٔ (پطر کبیر) که برای اخلاف خود گذاشته همین است که «دایماً دولت روس جدا ساعی شده بمقصود دو فقره خانهٔ دنیا را که عبارت از قطعهٔ (هندوستان) است بدست آورده و باین صورت بر همه دنیا حاکم شود»

این است که بنابرین وصیت اخلاف پطر کبیر از آن حین قدمی باز نه ایستاده اند، ولی چون صاحبان خزانهٔ این قطعه، حریف خود را شناخته اند قلعه های سیاسی متین ایران و افغانستان را از مدت پنجاه و شصت سال است که نگاه بانی کرده و رفته است، و در پایه داری و تقویت استقلال و موجودیت مملکت آن بجان کوشیده است، حتی درین راه مصارف و مخارج زیادی نیز صرف کرده است. اما درین وقت ظاهر میشود که سیاست و پولیتیک روس بر سیاست برطانیا غالب آمده و پیش رفت. زیرا که لشکر کشی نکند و با حریف خود دست و گریبان شود، صرف سیاست حکمت عملی خود را که به افغانستان راه گیرد ـــ از شمال بسوی جنوب دو هوای سیلاب عظیمی برای بدی ساحلین آن سیلاب خود باز نمود. که یکی از قفقاس تا خلیج فارس خط راه آهن خود را تمدید میدهد. و دیگری از راه مشهد بر سیستان و بلوچستان با جوهای آهنین راه آهن خود بسوی آن زنجیرهٔ پر زور قوت بند هندوستان دراز میشود، و از همه بدتر اینکه یک دریا بر شکل دیگر یعنی (جرمنی) نیز که از بسیار زمانه از زیر لب بسوی آن قرن تو اظهار یک تشنگی میکند از راه بغداد و بصره اژدر آهنین نفس خود را برکت آورده است. آیا اتفاق سیلاب و اژدها برای تاراج آن خزینهٔ کافی نخواهد آمد؟ این چیزیست مجهول، اما چیزی که معلوم است خارج این پولتیک روس است که برو تنک برطانیا بعضی سیاسی شناسان عالم میگویند که تقویت و معاونتی که دولت برطانیا به ژاپان در محاربه (۱۹۰۳) میلادی داده بود و دیوانه سیلاب را از طرف بحر محیط بر آن سد نموده بود، حالا بسلسلهٔ امثال آن زمان به ایران و افغانستان صرف میشود. زیرا آن رخنهٔ بحر محیط را کسی که از دو دولت اعلی ترین دولتهای بحری شمرده میشود با جنگ های آتشین نفس آهن سکاف خود دفع توانست. حال آنکه در قوت خشکه اقتدار دو دولتهای عالم بر همه کس معلوم است که چیست؟ پس ضرور بود که در استقلال و قوت دولت ایران کوشش بلیغ بکار میبرد.

بهر صورت بر گذشته صلوات. آینده در نظر باید کرد. این یک واضح و آشکار است که افغانستان تا جان در رشته باشد هیچ دولت

اجنبی را اصلاً از خاک خود کند نخواهد داد و اگرچنان تصوری کسی بذهن بگذراند خود بیاورد که قوت و ترقی دولت مستقله افغانستان و بیداری و انتباه شان برای هندوستان بیشتر از روس خطری دارد و خواهد آورد — باز هم جسارت از یک وهم و خیالی می ماند . افغانستان را استقلال تامه وقوت و سطوت کامله خودش بمانند سیلاب توانائی و متانت داده و هیچ دولت اجنبی آنرا بذات خود و عسکر و پول خود سپر مداخله خود کرده نمیتواند این هم محقق است که اگر در این حرب شمالی و شیر شرقی . و بتعبیر خود ما سیلاب ملا آب شمالی و جنگ آتش نفس شرقی مسئله پهلوان شرقی و شنقه داری واقع شود و دولت افغانستان یک دولت مستقل گردیده و هم بخصوص جنت و تقویت استقلال و ترقی آن کوشش ورزیدن لازم است در ما بین حد فاصل نباشد گمان میشود که آتش نفس این جنگ دریا و بیش جریان شدید آن سیلاب خانه خراب جانی بسلامت نبرد و سیلاب جنگ را از خطرهای بیداری و بیدار کردن مستعد و ترقی ایران دریغ خود را گول بزد و در آنجا فرو برد پا و چون شریک ساخت که بیند که باد دریای آتش جرمن در یک وقتی منطفی نشود و تنها بر دفع بجوار شرقی در ایران قناعت نی بلکه وصیت پدر خود شاه نادر را بیاد آورد ؟

والله اعلم بالصواب

* * *

روزنامه گرامی حبل المتین یک روزنامه سیاسی و ادبی بسیار مهم و عمده است بزبان شیرین پارسی از (حق) نام روزنامه منطبعه استانبول ترجمه تحت یک مقاله درج روزنامه گرامی خود نموده مقاله مذکور چون بسیار جری بود عیناً نقل میکنیم :

ترجمه روزنامه حق منطبعه استانبول [illegible]

آتش است این بانگ نای و نیست باد
هر که این آتش ندارد نیست باد

ایران یک اردو از بزرگان دارد . اگر به القاب و شئونات و مراتب این بزرگان نگاهی بکنیم حقیقتاً خود را در مقابل یک دولت قوی و مقتدری خواهیم دید . اگر یک بار به پای تخت (طهران) داخل بشویم در آنجا غیر از صمصام السلطنه ها ، احتشام الدوله ها ، منیع الملک ها ، شیر الدوله ها ، امیر بهادر جنگ ها ، رفیع الملک ها ، اتابک اعظم ها ، خزانه الدوله ها ، نظام الملک ها ، علاء الملک ها ، سپهسالار ها ، اقبال ها ، و امرای عسکریه بی شمار و جلوه ها نامهای لا یحصی چیزی نخواهیم دید . گمان نداریم در عالم امروز پادشاه انگلیس که یک ثلث بنی نوع بشر در زیر تابعیت خود نگاه داشته این اندازه وزرا و رجال مستحق این قدر القاب را داشته باشد مالک شود . ایران در دوره ای که اکثر دول اعلان بیطرفی میکنند . کدام دولت نه فقط برای ایران بلکه بجهت جزء ممالک امرای نظام ده وارد و کدام ملت . صمصام ها و با اینکه با تغییر صحیح صمصام ها دولت و مجلس در دست آنها بود بخت الحکما گرفته است ،

اما صرف نظر از این و بودا قشون روس در دسته های قزاق بدون وقع بمازندران و گیلان و آذربایجان داخل میشوند . سپهسالار ها با ولت این سپهسالارها و اقبالها و صمصام السلطنه ها و امیر بهادر جنگ ها یک اشاره مخصوص تزلزلها داده و داخلی روس را مجبور بتخلیه نمیکنند ؛ احتشام الدوله ها این وضع را با احتشام دولت چگونه تألیف میتوانند بکنند ؛ کارپرداز روسیه گویا در ولایات (خاروف) و (یاروف و غورد) خود شان والی هستند که در تبریز و قزوین حکومت نظامی اعلان نموده و اجرای عدالت و اعدام اشرار میکنند . آیا نظام الملک ها به این بی نظامی اهمیت میدهند

خلاصه کلام سلطنت دارا و کیخسرو و جمشید و نوشیروان و بابکان ساسانیان و کیان در مقابل عظمت و تکبر روسیه نه استقلال و قدرت بلکه جزئیت و موجودیت خود را بتیزی باز داده اند که (مسیو چاروف) بهر صورت (فالحرب) را خاطر جمع بکنند و (مسیو سازانوف) به مرادو دو کی هر چه بخواهد بگوید ؛ ازین قرار معلوم میشود که تا کنون این مملکت ایران بیچاره در این دوره تاریخی اخیر خودش جز از عظمت الفاظ و تشریفات و دبدبه و طنطنه های شیر و خورشید و منال و توجهات بیکران بیجا اعتنا نکرده و اهمیت نداده است که قشون نیست ، سرباز نیست ، قانون نیست ، کار نیست ، اداره نیست .... گویا ایران در نفس الامر یک جمعیتی است مرکب از عشایر و اعلیحضرت شاه ایشان رئیس کل آن عشایر است . در کشور ایران هر وزیر و هر والی و هر مجتهد نفس وهمی مجتهد با فهم خودش و غیر از آنها اختلافات داخلی و تشویشات اخلاقی و نادانی ایران ویران را آهسته آهسته خاموش کرده و تلف نموده و در امروز جز از همین عظمت الفاظ چیزی در ایران باقی نمانده است ، اینک تیغ کامی انتقامی شرق را دولت روس میخواهد از وطن مقدس بوزرجمهر و فردوسیها و سعدیها در بیاورد —

نقل از اخبارات اردو

رفیق تحریر ، پیسه اخبار در (مراکو) چنین مینویسد :

فوج شریفه مولای حفیظ والی مراکو در عقب پای پای تخت فاس بلوائی نهایت سخت کرده — ازین بغاوت معلوم میشود که حالت موجوده مراکو قابل اطمینان نیست — فساد مذکوره بعد از آن تاریخ که عهد نامه مرتب شد و از دستخط فرانس عملی گشته بود و از روی عهد نامه مذکور مراکو یک ریاست ماتحت دولت فرانسه قرار داده شده بود برپا گشته است — تعداد فوج فرانس صحیح معلوم نیست اما قوا ادیگر بتاریخ ۲۸ اپریل دیده شده بود در آنوقت جمله فوج فرانسه شورش شورش رسیده بود . بذریعه تار معلوم میشود که در مقام فاس (۱۵۰۰) سپاه فرانس بود و فوج شریفه فاس [illegible]

۱۵ افسر و ۳۰۰ سپاهی و ۱۳۰ عمال فرانسه را هلاک ساخت — اخبار رویتر یوروپ سبب بلوا را ذکر نکرده اند اما بالضرور به جدیدی و کار روائی خلاف اصول واقع شده باشد که افواج مراکو سرکشی نموده فرانسوی ها را هلاک کردند — در وقت سلطان حفیظ شاه پادشاه مخلوع است و در مراکو دولت فرانسه حاوی است — فرانس و هسپانیه و جرمنی آزادی و خود داری مراکو را زایل کردند — در ماه مارچ گذشته یک مدیر فرانس گفته بود که ما نمیخواهیم که حالت مراکو درست باشد باید که بازوی مراکو شکسته مانیم — این مضبوط ساختن را ببینید که بعد از سلطنت جلب شوره زار مراکو را در تصرف خود آورده و رعایا را تباه و ساخت باید که ما ترقیات مراکو در تاریخ پر آشوب آن نوشته شود چرا که مردم مراکو از دنیای مهذب آنقدر دور افتاده اند که صدای پر درد آنها به دنیای مهذب نمیرسد .

بیداری زن های چین

حالت زنهای چین از صد ها سال در پستی افتاده است و انقلاب دیگر با هجوم شرقی آثار بیداری دیده میشوند زنهای چین هم تعلیم حاصل کرده شمول یوروپ دلداده فرزند جدید گشته اند — در پاهای اندر اختن پیزار آهنی قطعا موقوف شده و بسیار زنها در جاپان هم در تحصیل علوم کوشش میکنند — بسیار دیده شده است که زنهای چین در بازارهای تبت و مشرق ترکستان تنها برای تجارت میآیند و دوکانهای شان سوداگرای انگلیسیه و جرمنی رابطه اتفاق پیدا کرده و خواهان تهذیب جدید میباشند و به تعلیم دادن اطفال خود مستعد گشته اند — اما افسوس هنوز بیداری انجمن در جنوبی بلوچستان و میلان محسوس نشده و نکوچال در قوستیبی اتفاق افتاده است — باید که خان صاحب قلات در ملک خود کوشش اشاعت تعلیم نمایند فقط

علیگره انستیتیوت گزت

یوم چهارشنبه ۸ می ۱۹۱۲ء مطابق ۲۰ جمادی الاول ۱۳۳۰ه‍

قبضهٔ ایطالیه بر جزیرهٔ رودس — جزیرهٔ رودز که خبر قبضه نمودن ایطالیه بر آن رسیده است) بر ساحل ایشیای کوچک واقع است — جزیرهٔ مذکوره اهل کریت در سنه (۱۰۹۱) آباد کرده بودند و در سنه (۱۵۱۶) ترکان آنرا فتح کرده اند و از آن وقت تا الحال جزیرهٔ مذکور در تصرف ترکان بود — مدعای ایطالیه از قبضه نمودن جزیرهٔ مذکور مطابق خبر آنست که افواج خود را در ایشیای کوچک داخل کنند و در آنجا ترکان را مدافعت بمیدان و ساز — اما این سودای خام ایطالیه است چرا که قبیله ترکان به رسیدن طرابلس مانع می شوند در ایشیای کوچک که راسته های بسیار دارند بمقابله ایطالیه افواج کثیر آورده میتوانند — ترکان آرزو دارند که مقابله آنها همراه ایطالیه در خشکه شود و معلوم میشود که آرزوی آنها که طرابلس با یورپین ترکی در ایشیای کوچک تحویل خواهد برآمد شاید به ایطالیه مدقق شده که چون او در طرابلس همراه عربان نو آباد و ترکان محدود القعداد فتح حاصل نشده در ایشیا را با همراه عربان خالص و سپاه لا تعداد ترکیه مقابله خواهد افتاد و معرکه آن طور دلیل از جنگ طرابلس چنان است .

المشیر

یوم شنبه ۱۱ می ۱۹۱۲ء مطابق ۲۳ جمادی الاول ۱۳۳۰

اخبار تازه بمبرا از ایران بذریعه تلگراف خبر رسیده که در صد نفر افغانان مسلح سرحد ایران را عبور کرده اند و یک جماعت کلان افغانهای تجاری عبور نموده سرحد ایران را نموده اند . [این خبر را ما تصدیق نمیکنیم — سراج الاخبار]

ملت

یوم جمعه ۱۰ می ۱۹۱۲ء مطابق ۲۲ جمادی الاولی ۱۳۳۰

ایجنسی ایلی به تاریخ نهم ماه حال از سینت پیترسبرگ (روس) رسیده حالت مردم چین عموماً نهایت تشویش ناک میباشد .

وحشت در هزاره و تیزی سنگ — در قصبه ها شنیده و روی کلاه با شاه و یا شنیده را وسیلی وحشت و از آن بناء وحشت پرورش میکرد و وحشت پیدا یا اکثر نوز نیست — اکنون در شهر یوروپ چه شان دارد قصه گذشته که مردم فرقه های قدیم را فراموش کرده اند — و آن و قصه چنین است که بیان میشود :

یک زن یهود که شوهر او یک شخص دولت مند سالیان عمری بوده و در ایام گذشته مقام بست در جنگ فوت شده و از جایداد خود مبلغ دو هزار پوند بنام سگ خود وصیت کرده است — زن متوفی مذکوره که خویشان خود را از وراثت محروم داشته است اخبار انگلش را جایز قرار داده وصیت نمیباشد .

سول گزت

یوم چهارشنبه ۸ می ۱۹۱۲ء

اخبار مذکور از لاهور تحریر کرده است که حکومت پنجاب کثرت گداها در روزه گرداشته و در قوانین انتظام شهر یک فقره بدین مضمون داخل کرده است که گداهای مردم بر اصرار و ضد سوال میکنند مبلغ بیست روپیه جریمه از آنها گرفته شود —

بذریعه رپورت سالانه ریاست حیدر آباد معلوم شد که در ریاست مذکور ۳۰۰ مدارس صنعتی که در آن ۱۳۳۴ طلبه تعلیم صنعت حاصل میکنند جاری میباشد — و تعداد مدارس دیگر ریاست مذکور ۱۳۳ است که در آن ۱۱۵۲۴۹ طلبا تعلیم حاصل میکنند —

اخبار افغان پشاور

یوم یکشنبه ۵ می ۱۹۱۲ء مطابق ۱۷ جمادی الاولی ۱۳۳۰

غلط بیانی اخبار ایدوکیت پنجاب —

پنجاب ایدوکیت : — چونکه زندگانی رعایا در سرحد خطر است بهتر است صوبه سرحد همراه صوبه پنجاب شامل کرده شود —

افغان : — بالکل غلط — باشندگان صوبه سرحد به آرام تمام زندگانی بسر می برند و هرگز نمیخواهند که صوبه سرحد همراه پنجاب ملحق کرده شود — لفظ سرحد در کدام صوبه وارد می شود ؟

پنجاب ایدوکیت : — اخبار افغان تحریک کرده است مسلمانان صوبه سرحد خلاف تجویز الحاق مجالس منعقد کرده به آواز متفق مخالفت آن نمایند — تحریک مذکوره از جانب سید لعل پادشاه سررشته دار سابقهٔ [illegible] اسمعیل خان کرده شده است —

افغان : — سوال الحاق صوبه سرحد همراه پنجاب گویا سوال موت و زندگانی (۲۲) لک مسلمانان صوبه سرحد میباشد — بنا برین باید که مجالس منعقد کرده شوند و صدای متفق در مخالفت آن بلند کرده شود و در باب مراسله تحریک اینکه در آن وقت [illegible] ایدوکیت معلوم خواهد شد که جواب آن از سید لعل پادشاه به صورت خواهد طلبید — ایدوکیت چه ثبوت دارد که تحریک از طرف سید لعل پادشاه تحریر شده است

پنجاب ایدوکیت : — مسلمانان سرحد در حد اعظم ناک خیال کرده آواز بلند صدا کرده اند که آنجا ها [illegible] خود را دفعت کرده در صوبه پنجاب سکونت خواهند ورزید چه [illegible] افغانان همچو [illegible] مردان هست و دیگر ساز افغان نیز دارد —

افغان :— بالکل غلط است — مسلمانان سرحد [illegible] از حق خود [illegible] [illegible]

پنجاب [illegible] :— [illegible]

افغان :— این همه باد [illegible] است — در حقیقت [illegible] [illegible]

دوره اخبار

در نمرهٔ [illegible] مطابق ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۳۳

[illegible] ایران

[illegible]

پیسه اخبار

در نمرهٔ پنجشنبه [illegible] مطابق ۱۳ جمادی الاولی ۱۳۳۳

[illegible]

[illegible]

تحقیقات حادثه

[illegible]

شیخ الاعظم سنوسی

[illegible]

[illegible] — جوانان مذکور [illegible] [illegible]

بغاوت [illegible]

[illegible]

جنگ تبت

[illegible]

محاصرهٔ دردانیال

[illegible]

صورت مکتوبیست که [illegible]

حضرت [illegible] السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

[illegible]

والسلام

[الفقیر غلام نقشبند ۸ جمادی الاولی ۱۳۳۳]

تاریخ کرهٔ زمین

مابعد از نمبر ۱۶

(ژه‌ئولوژی)

تمهید :

کرهٔ زمین پیش از صدها هزار هزار سال با هر سنگها و معدنهای موجودهٔ خود بحال (مایع) یعنی (آبگین) و (ذوب) یعنی (آب شده و) بسیار سوزان آتشینی بود . هوائی که کرهٔ زمین را از هر طرف فرا گرفته بود بخار بسیار تیره و غلیظی بود که از انواع (غازها) پر بود . چنانچه آفتاب یک کرهٔ آتشین آب شده بصورت جسم ساده می‌بود . ستارهائی که ما آنرا ثوابت می‌بینیم دور از نظر ماست آنها را (ثوابت) جدا جدا هر یک شمس آتشینی هستند که بسبب بسیاری دوری ما آنها را از شمس کوچک تر می‌بینیم . مهتاب نیز یک کرهٔ سوزان آتشینی بوده ولی درین وقت سرد و خاموش شده می‌باشد . در سطح کرهٔ قمر و جبالهای بسیار کوههای آتش فشانی پیدا است که از دیرگاه بسیار قدیم خاموش شده می‌باشد .

بدورهای بسیار دیرگاه عصرها این کرهٔ زمین آتشین سردی پیدا کرده رفته و دیگر اجسام مذاب شده و یک قباقی گرفت که این قباق رفته رفته کلفتی و سختتری پیدا نموده یک قشر یعنی پوست بوجود آمد . و چون درجهٔ حرارت این پوست از درجهٔ آب جوشان یعنی (۲۱۲ درجه) فرود آمد بخار دودمانند تیره و غلیظی که کرهٔ زمین را احاطه نموده بود تکاثف یعنی غلظت پیدا کرده و به آب تحویل یافته در جاهای فرو رفته و چقور پوست روی زمین جمع آمد . هر اندازه که مدت سردی زمین مرور می‌نمود قشر زمین یعنی پوست روی زمین نیز کلفتی و کلانی پیدا کرد . و سیال یعنی آتش آب و ذوب شده درون پوست زمین بسبب تضیق و فشاری که از پوست بران وارد آمده بود این قشر یعنی پوست را بار بار شگافیده به بیرون فوران نموده است . و مابعد از آنکه بر سطح زمین رفته سردی دریافت و بستگی پیدا کرد سنگهای ناری را بوجود آورده .

در حقیقت سرد شدن زمین بعضی طرفهای قشر زمین بالا برآمده و بعضی طرفهای آن فرو آمده است . بنابرین آب بسبب قوهٔ جاذبه یعنی قوت کشش طرفهای بالا را گذاشته بسوی جاهای چقور و گودالها روان شده در آنجا جمع آمده و دریاها و دشتهای که این سیلاب آنها را با خود برده درین جاهای چقور طبقه‌های زیر آبی را بوجود آورده .

هر طرف کرهٔ زمین این گونه حادثات و تبدلات پی هم را بار بار دیده است . نباتات و حیواناتی که تا امروز حادثات و تبدلات و تحولات تاریخ زمین تلف شده اند در سنگها و کنده‌های طبقه‌های زمین (تحجر) یعنی سنگ شده مانده اند که یک یک شاهد و ساکت آن دورها و دورها شمرده می‌شوند .

این است که فن (ژه‌ئولوژی) ازین تبدلات و تحولات تدریجی قشر زمین و از ترقی نوعی حیوانات و نباتات آن بحث و بیان میراند . و فن (جغرافیا) از نقطهٔ فرق (ژه‌ئولوژی) در آنجا سخن خود را تمام می‌نماید آغاز می‌کند . یعنی از ترتیب سطحی حال حاضرهٔ کرهٔ زمین سخن میراند .

ادوار ستّه

یعنی دوره‌های شش گانه

ارباب فن (ژه‌ئولوژی) یعنی علمای علم (طبقات الارض) تحقیقات و تتبعات بسیار دور و درازی که در سنگها و زمین پاره‌های که قشر زمین ازان حاصل آمده اجرا نموده اند . و تاریخ دورهای آنها را به ترتیب کشف و استخراج نموده تاریخ تشکیل کرهٔ زمین را به شش دور تقسیم کرده اند که این تقسیم خود را بر (تحجرات) یعنی سنگ شده‌گیهای قشر زمین بنا کرده اند . زیرا بسبب مرور زمانهای بیشمار قاعده و طریق نشو و نمای نباتات مخصوص دورهٔ خود را پرورانیده و سپری نموده است .

دور اول — (مدت خالیه) است که از ابتدای تشکل یافتن کرهٔ زمین تا بوقت ظهور یافتن حیات حیوانیه مرور نموده است . وقایع و دوره‌ایکه پیش از قابل شدن کرهٔ زمین برای زیست زنده‌گانی حیوانات در آب و هوا و خشکه مرور نموده مخصوص این مدت خالیه می‌باشد .

در کنده‌ها و زمین پاره‌های این مدت (تحجرات) یعنی دیگر چیزهای سنگ شده‌گی موجود نیست . کنده‌ها و زمین پاره‌ای که بوضعیت افقی باشد نیز درین دور نادر است زیرا سنگهای این دور بقوت شدت آتش سیال زمین زیر و زبر شده و همه‌گی بصورت عمودی بالا برآمده و قات شده و شکسته . والحاصل وضع اصلی خود را سراسر بیرون برآمده است .

[باقی آن در نمبرهای آینده می‌آید]

کتب خانه‌ها

یکی از بهترین بناهائی که علم و عرفان اهالی را بلند میکند (کتب خانه‌های عمومی) میباشد. خدمت‌ها و منفعتهای این بناها سرچشمهٔ علم و عرفان هیچگاه از مکتب‌ها پس نمیماند. یک کتب خانهٔ منتظم و مکمل چنان یک خزانهٔ علم و عرفان است که دروازهٔ آن برای همهٔ هموطنانی که خواهش گرفتنی معلومات خود میباشند باز و گشاده افتاده است.

مردمان فقیر و یا متوسط الحال‌ها که آن‌قدر اقتدار و قوت‌های ندارند که کتابهای علمی و فنی را یکجا کرده آورده رفع احتیاج خود را به آن بکنند. بتوسط نیز جمع آوردن اینگونه کتب خانه‌ها اینها کامیاب آمده اند.

علی الخصوص بعضی کتابهائی هست که هرکس آنرا خریده نمیتواند. مثلاً لغتهای (انسکلوپیدی) اکثر مرکب از سی چهل جلد میباشند. و همچنین برای هر علم و هر صنعت اینگونه (انسکلوپیدی)ها موجود است. مثلاً برای صنعت نقاشی بنام (لاروس نقاشی) یک انسکلوپیدی علیحده موجود است که هر صنعت کار آنرا خریده نمیتواند. حال آنکه این رقم کتابها در کتب خانه‌های عمومی شهرهای بزرگ جمع آورده شده و هرکس که یک مشکلی داشته باشد بآنجا رفته بظرف یک کم مدتی مشکل خود را بکمال آسانی حل کرده میتوانند.

اکثر حکومتها برای رفع و زایل ساختن جهالت‌های اهل وطن و کسب علم و معرفت نمودن اهالی خود همچنین کتابخانه‌های آزاد و بازی [illegible] با نظام و قانون در ملک‌های خودشان بنا نهاده اند. و کتب خانه‌هائیکه از طرف ارباب خیرات و مبرات در پیش نظرگاه فایدهٔ بر داشتن عمومی باز نموده اند نیز کم نیست. ما حالا درینجا از یک کتب خانهٔ عمومی شهر پاریس بیان میکنیم:

کتب خانهٔ (سن ژنویو) در پاریس

یکی از جملهٔ کتب خانه‌های بزرگ و معروفی که در پاریس موجود است (سن ژنویو) نام کتب خانهٔ بزرگ و عالی است که در میدان مشهور که عمارت نفیس و عالی (پانته‌ئون) و کلیسای مشهور (سن ژنویو) در آن بنا شده و بنیاد یافته است. درین عمارت اول از یک دروازهٔ بسیار بزرگ و عالی که دو طرف آن با ستونهای بسیار بزرگ و بلند سنگ مرمر زینت یافته داخل یک دهلیز بسیار با صفا و مقبول میشویم. در مواجهه یک زینهٔ بسیار فراخی که از چوب ناریخ و غیره با انواع زینتها و نقشها و تصویرهای آراسته و زینت شده می‌آید. این زینه از دو طرف و غیره تاب خورده بالا برآمده است. بعد از یک چند قدم که برین زینه‌های بسیار واسع خوش فرش پر زینت بالا شویم در یک دایرهٔ بسیار عالی که هر دو زینه در آن یکجا میشود میرسیم که این دایره ما را در پیش یک دروازهٔ بلورین میرساند. ازین دروازهٔ بلورین داخل دالان کتاب خانه میشویم که یک میز بسیار با صفای فراخی که بدرازی دالان برابر است در وسط آن نهاده شده و در اطراف آن ارباب مطالعه بیک سکوت عمیقی بمطالعه مشغول دیده میشوند.

این دار العرفان در شب‌ها با چراغهای (غاز هوا)ها مثل روز روشن میشود. و در موسم‌های زمستان با هوای گرم بسیار مصنوعی گرم کرده میشود. هرکس بکمال آزادی بموافق نظام و قانون کتب خانه هرگونه کتاب را در چنان دالان با صفای گرم و روشن مطالعه کرده میتواند. در شب‌های پر برف و سرد پاریس در آن دار العرفان میرفتم و کتاب‌های قیمت داری که متعلق بصنعت نقاشی و زنکوگرافی من بود و از خریداری آن عاجز بودم بکمال استراحت مطالعه میکردم. و بعضی چیزهائیکه بکار آمدنی بود در کتابچهٔ خود نقل میکردم.

اول که از دروازه آدم میدرآید، از پیش یک مأموری که در پیش یک میز نشسته است یک کاغذ چاپی میگیرد و بران کاغذ چاپی نام کتابی را که مطالعه کردن میخواهد مینویسد. و کاغذ را بخدمتکارانی که برای اینکار بکمال ادب و تربیه مأمور هستند نشان داده و کتاب را میگیرند. و بمطالعه مشغول میشوند. اگر مولف کتاب یا تاریخ طبع آن معلوم باشد بران کاغذ آنرا مینویسند و اگر معلوم نباشد در فهرست‌های بسیار منتظم پیدا زود پیدا کرده مینویسند. و امضا و محل اقامت خود را نیز مینویسند. چیزی که بنظر دقت مرا درین کتاب خانهٔ بسیار توانگر و جسیم بخود جلب میشود طالبات و طالبهای مردمان روسی بود که برای بردن جواهر علم و عرفان را به مملکت خودشان در پای تحصیل به پاریس آمده بودند. و با لباسهای ملی خودشان هر شب یک جمع غفیرے تشکیل میدادند. و بیک هوس و شوق بلیغی غرقهٔ دریاے مطالعه می شدند. دیگر چیزے که شایان تحسین بود ترتیب و آداب مأموران و خدمتکاران کتب خانه بود.

م. فضلی

عسکریه

برادران صنف عسکری ما بخوانند

اخبار ما چون یک کتاب مستقل عسکری نیست که دیگر از فنون های مخصوصهٔ آن حصر مقال نموده اند. لهذا ما نند یک خوشه‌چین خرمن علمیهٔ این فن جلیل الشأن شده و بهره از معلومات فایده مند فن عسکری برای فایدهٔ برادران عسکری خود به ترجمه و نشر خدمت مینوازیم. از وظایف عسکریه که یک شعبهٔ مستقل این فن جلیل است تنها به ترجمه و نشر شش وظیفهٔ عسکریه اکتفا ورزیده و در نمرهٔ سابقهٔ خود ختام دادیم. حالا سر ازین شمارهٔ خود به دیگر بعضی فقرات عسکریه پرداخته اول از ترجمهٔ بعضی خطابه های که پیش از جنگ و قتال پادشاهان یا سرافسران بزرگ به عسکر و یا ملت خود بیان کرده اند بعنوان:

سخنان قولی که پیش از صدای توپ و تفنگ شنیده شده است

درج صحایف اخبار خود میکنیم. این یک عادات دایمی محاربات است که بعد از اعلان حرب در وقتیکه محاربه‌شان آغاز میشود پادشاه و یا سرافسر بزرگ آنها برای آنکه خود را ذی حق و دشمن مقابل خود را ناحق بگوید و یا برای جسارت دادن عسکر خود در جنگ بعضی نطقها و خطابه ها بیان کرده اند که بعضی از آنها را از اخبار عسکری که بدست داریم و بعضی کتابها که ترجمه کرده ایم برای یکجا نمودن در زیر نظر مطالعه کنندگان گرام خود عرض مینمائیم.

از محاربهٔ (کریم) — ۱۸۵۳

خطابهٔ (قوماندان) یعنی سرافسر اردوی عثمانی جناب (عمر پاشا) به اردوی همایون

«عسکرا!

«این خاک که دشمن غدار ما میخواهد از ما برباید به جان خاکیست که به کمال [illegible] اجداد و آبای شما شده از آن رو باشید که حالا ما [illegible] گذشته دولت وقت شجاعت و دلاوری شما سپرده است، تا بحال از خون های جاری بکمال جرأت و دلاوری ما [illegible] است. برین خاک در هر قدمی که برود از خاک و [illegible] که از زیر پای شان برخیزد و گمان باید که همین صدا را بشنوید: ای اولاد ما! [illegible] استخوانهای نیاکان شما [illegible] اگر [illegible] اولاد ما [illegible] مستور این [illegible] وطن ما را [illegible]!»

«عسکرا! این خاک که هر طرف آن با استخوانهای کهنه و نامدار نام مدفون شده، مدفن و مخبای ما است!

«عسکرا! برای حفظ کردن تخت اعلیحضرت سلطان عبدالمجید پادشاه خود و ناموس و شرف ملت خود و وطن عزیز آبا و اجداد خود — تا آخرین قطرهٔ خون خود را بریزانیم، و دشمن غاصب خود را پریشان سازیم!»

[عمر پاشا]

[این خطابه در تاریخ وقتی در محاربهٔ دولت عثمانیه و فرانس و انگلیس [illegible] با روس بوقوع آمده است.]

عالمهای ژاپان

مابعد از نمبر ۱۶

(مای باره) نام دهٔ ژاپانی

من در ینجا اول بار است که یک دهٔ ژاپانی را می‌بینم: ده به ستیشن متصل بود. از دروازهٔ ستیشن بیک میدانی برآمدم که از آن میدان برابر بر سرک بازار روانه شدم. در وسط میدان یک کوچهٔ آئینه پوش چوبی دیدم، از آئینه اش به درون نظر کردم ماشین (تلفون) و مامور آنرا در پیش آن نشسته دیدم. در یک دهٔ بسیار کوچک دیدن این مرا تلفون مرا حیرت انداخت. زیرا من در ممالک روس بسیار شهرهای را میشناسم که تلفون ندارد. بازار که در آن بسیار پاک و صاف، و سرک پختهٔ آن را هموار یافتم. در دو طرف بازار خانه های کوچک یک پوشش. در دولابه بود. لاب طرف بازار آن همه دکان و مغازه. و لای پشت سر آن خانه های اقامت اهالی بود. سرتاسر قریه را گردش کردم. در [illegible] خانه [illegible] تلفون حتی یک باب مکتب نیز؛ همین در یک کوچک موجود بود. پاکی و پاکیزه‌گی در هر طرف به درجهٔ نهایت دیده میشد. سرکها همه آب پاشی شده بود. هیچ یک خانه نبود که دکان آن بسوی بازار باز نشده باشد. یک [illegible] یک خرید و فروخت کرانت نظر حیران میشود. بازار را تمام با صول شرقی، کوچه های تنگ، خانه ها یک دیگر متصل بعضی کوچه های [illegible] میباشد. همه بناها از چوب ساخته شده، و بام آنها تخته های نازک مانند [illegible] پوشیده شده. خواه در خانه ها خواه در دکانها از جنس مفروشات بجز یک حصیر نازک بافت بسیار پاک ساده دیگر هیچ چیزی دیده نمیشود. جامه های مردمانشان به البسه های مردم تاتار ما میماند که آنهم عبارت از یک خفتان دراز است که دامن های آن بر یکدیگر گشته و بر آن یک دستمال کمربندی بسته میباشند. در لباس زنان و مردان هیچ فرق نیست. مگر اینکه کمربند همین زنان که برخفتان خود بسته اند ابریشمی و از مردان نخی یا پشمی میباشد. سرهای مردانشان همه تراشیده و [illegible] میباشد. این احوال یک ده بسیار کوچک ژاپان است. در همین ده کوچک نیز جنس [illegible] عرفان دیده میشد. [illegible] ساعت [illegible] بود که به ستیشن آمدم. بعد از دو دقیقه قطار ریل بسرعت آمد. باهم در ریل نشسته از ده (مای باره) بسوی شهر (یوقوهاما) روانه شدیم.

[مابعدش در نمرهٔ آینده می‌آید]

ادبیات

حسب حال ما بین شعر طرز جدید و شعر طرز عتیق

عتیق — بسیار عجیب است که در شعر تو هیچ یک لطافت و نزاکت شعر قدیم دیده نمیشود. به این لفظهای غلیظ و کلفت (تحصیل) و یا (معارف) و یا (گذشت وقت) و (وطن) و (فیض خلق حسن) و از همه بدتر (زغال سنگ) را بسیار در شعر بسر و بر خود زده و بد سر اسر خود را از شناخت بر آورده اید. بلکه یک ملایست که بر دامن پاک (شعر) نهاده اید، حال آنکه موضوع شعر و بنیاد شعر بر گل و بلبل، بر خط و کاکل، بر باده و ساده، بر خنده قلقل مینا، بر موی کمر، بر نقطهٔ دهن، بر قد سرو، بر انار پستان، بر عناب لبان، حتی بر دیوانگی و بیابان گردی وضع و بنا یافته. هزار افسوس که شما از نتیجهٔ [illegible] آواز استیل ما خود را محروم ساخته بجای آن ثقلت بخشی که در خور دود و [illegible] و لقا، و دود چراغ خورده نجابت آغشته ساخته اید و از همه عجیب تر که با اینهمه ثقلت و غلظت خود نام تازه (شعر) هم گذاشته اید!

جدید — آه برادر! چه بگویم؟ قسمت بدین مرا به این حال آورد. منهم جهان لطافت ها و نزاکت ها آراسته و پیراسته بودم. آستینم رنگ گل و شمیم از سایه رنگ حنا در شور و غلغل بود. از برگ گل ترازو ساخته در یکطرف آن شمیم حور لیلی که با بوی زلف یار معطر بود و [illegible] و در طرف دیگر آن جوهر لطیف خود را گذاشته وزن میکردم. و در حلقه آنقدر می پیچیدم که بعدم میرسیدم. در نقطهٔ دهن آنقدر محو می شدم که هیچ می شدم. خلاصه دلبسیار دودی بود که در حلقه کمر باریک مو باریک شده بود. دو دم ماه شب چارده بود که با یک صبحی گرد و بقلاوه و پرتی میخورد، چشمانم دو کمان بود که بر زلف قوس و قزح و بیش از رنجهای رنگ جا بخت، چشمانم دو ترک قاتل کمان بدست خونریز بد مستی بود که بسیار دلها و جگرها را خورده بود. مژگانم نیز خنجرهای جگر شکافی بود که دلها را تا بر گشته یک دکان قصابی مشابهت میرسید که دل جگرها بدان آویخته شده باشد. و یا آنکه سیبها و کمان کمانهای میماند که دلها را به آن در کشیده کباب میکرد! و دو زلف عنبر شمیم چون دو مار سیاه پر زهری که از یک سر دو آویخته شده بود و بنظر بینندگان که یار نزدیک شود! خال هم یک حبشی لب گرد [illegible] دیده و در چنین بعد چاه زنخدان و در یک چشمه آب بقال بود! چه خوش قسمت دهن بی قرلی داشتم که گاهی غنچه و گاهی نقطه و گاهی چشمه، و گاهی معدوم و گاهی هیچ می شد! افسوس که از آن لطافتها و نزاکتها هیچ چیزی برایم نماند.

عتیق — آیا چرا این چنین شد؟

جدید — چه پرسی برادر! زمانه بدست زمانه! ....

عتیق — واه! این مسئله را زمانه چه تعلق؟ شعر هر وقت شعر است که اساس آن حسن و جمال معشوق و عشق و محبت ساده و باده و بنا یافته. زاده [illegible] که شما آنچنان جوهر لطیف را در دست سیاهیها زغالهای سنگ آلوده ساخته اید.

جدید — زمانه را شما نمیفهمید و زمانه خود را میگوید! این عصر و زمانه یک عصر تغییرات و تبدلات کلی واقع شده است. در این عصر قد و قامت [illegible] را که دو پانزده و برابر قامت طبیعی بشر باشد، و آن سرو [illegible] باده [illegible] بار آورده باشد که مارهای سیاه پر زهر از دو طرف آن آویخته شده و یک دو کمان چون قبح گردی دارد که در میان آن دو کمان و دو جسم [illegible] سیبها و کمان کمانهای و یک حبشی و یک غنچه و دو عناب و یک سیب و یک چاه و غیره گذاشته شده باشد و این جسم بر یک بیاض [illegible] برناقی آن درخت سرو مانده شده و باشد هیچ کس نمی پسندد! شما هزاران شکر بکشید که ما عاجز بدین عصر قدر ناشناس نهاده اید. [illegible] از آن [illegible] از ادب [illegible] از خود [illegible] پیشینیان هم تعجب [illegible] یک کتاب عدد [illegible] زغال سنگ [illegible] هزار [illegible] بیست هزار [illegible] بهتر و مقدس تر [illegible] یک تقلید [illegible] حل کردن یک مسئله [illegible] از هزار [illegible] شاعر و عاشق [illegible] پیدا [illegible].

عتیق — چه فکرهای واهی و چه خیالهای باطل!

جدید — چه باید کرد آقا! اگر واهی یا اگر باطل همین است که شما [illegible] شده چاره باید زیستن ناچار باید زیستن.

عتیق — آه چه بگویم برادر! دل مرا بر حالت کباب کردی و دلم [illegible] باین تبدیل [illegible] و این [illegible] بر آفت مجبور شده ای! خدا مردمان عصر را عقل بدهد، و چشمهای بصیرت شان را باز کند، تا حق را از باطل و [illegible] از غیر لازم، و نافع را از مضر تفریق دهند!

جدید — آمین!

انتها

فاجعه‌های پاریس

مابعد از نمبر ۱۶

هزار با فغان و وحشتم عراده چیان زمی شنید و چهره [illegible] انگاشته براه خود دوام میورزید. سرکهای پیاده رو کنار بلوارها (۰) چون بابارانِ مانند آیینه صاف شده بود، بیچاره زن در هر جا قدم بگذار میلغزید. ولی نیکه بسرعت راه میرفت به او دکه خورده نزدیک می شد که بر زمین بیفتد. ولی بدستگیرهای برنجی آیینه جبهه دکانها تکیه زده خود را محافظه میکرد.

والحاصل بقدر یک ساعت کامل بلا توقف راه پیمائی نموده به بولوار بزرگ (انوالید) واصل گردید. در این بولوار در جلوی یک دیوار یک باغچه بسیار بزرگی که بلندی دیوار و درختهای آن باغچه را از نظر پنهان میکرد، بقدر یک دو دقیقه راه رفته در پیش یک دروازه بسیار عریض و فراخ آهنین [illegible] کاری مشبک که در یک طرف دیوار مذکور موجود بود توقف نمود. بر سر این دروازه یک آرمه یعنی نشان [illegible] مخصوص اصیل زادگان است موجود بود.

قوتیله — گره ک دروازه را که بشکل سر یک شیری بود بدست گرفته بعد از یک دقیقه که در زدن و نزدن آن تردد نمود برداشته بر آهن زیر آن بنواخت.

بمجرد نواختن یک پله در دروازهٔ مذکور باز گردید. قوتیله

---

(۰) بازارها و سرکهای بزرگ و پهنا را میگویند

غزل

زغال سنگ

انوار پدید شده از زغال سنگ
ظلمت زما بعید شده از زغال سنگ

ظلمت کجا و نور کجا، این چه حکمت است
تاریک شب سفید شده از زغال سنگ

(غاز هوا)(٭) که روشنی شهرها از وست
بهر ضیا مفید شده از زغال سنگ

ماشین جمله کارگر گردد زمین
در دور بس جدید شده از زغال سنگ

این رو سیاه و از بهین منفعتش ببین
چون زنده گان جدید شده از زغال سنگ

هر حدید بهر حرکات حیات و حس
ماشین چه خوش نوید شده از زغال سنگ

(محمود) در وطن بود این جوهر عزیز :
موجود خوش نوید شده از زغال سنگ

غاز هوا (٭)

جسمهائی که کائنات از آن تشکیل یافته بر سه قسم است : یکی : (صلب) یعنی چیزهای سخت : مانند کوه، زمین، سنگ، چوب، وجواهر معدنها وغیره ؛ دوم (مایع) یعنی چیزهای آبگین : مانند آبهای جاری، ودریاها، وچشمه های نفت وتیل خاک، وغیره، سوم (غاز) یعنی چیزهائی که بدست گرفته نشود، وبچشم دیده نشود وتنها به بوی وتاثیرش شناخته شود، مثلا هوای نسیم وبوی گل مثالهای لطیف شناخته آنست، وجوهرهائی که آنرا (مولدالحموضه) و (مولدالماء) و (غاز هوا) و (سیاله الکتریک) یعنی برق وغیره ومیکروبها مثالهای خفی آنست که بعملیات کیمیویه وحکمیه پیدا شده وبظهور می آید. (غاز هوا) از زغال سنگ بوجود می آید. در شهرهای بزرگ دنیا کارخانه های بزرگ حاصل کردن غاز هوا برای روشن ساختن شهرها موجود است. در آن کارخانه ها دیگ های بسیار بزرگ مخصوصی برای صنعت مذکور موجود است، که در آن دیگها زغال سنگ را بعملیات مخصوصه آن بغاز تحویل مینمایند وآن غاز که مانند هوا بیجرم ولی وجود پیدا شده بواسطه نلهای آهنین مانند نلهائی که آب را تقسیم میکنند بخانه ها ودکانها وبازارهای شهر تقسیم میکنند، وچنانچه چراغهای الکتریک بتیل وفتیل حاجت ندارد وچراغهای (غاز هوا) نیز بهیچ نیست، اما فرق درمابین چراغهای الکتریک وغاز هوا این است که چراغهای الکتریک بکبریت هم حاجت ندارد ولی چراغهای غاز هوا بکبریت محتاج است، بسبب کم خرجی این از الکتریک تنویرات در روشنی عمومی دنیا بهمین غاز هوا بعمل می آید، روشنی الکتریک نسبت به غاز هوا خصوصی تر است. روشنی غاز هوا اگرچه از الکتریک کمتر است ولی از روشنی های دیگر چیزها بار بار افزونتر است . انتهی

از دروازه در آمده خود را در صحن یک باغچه صفا آماده که الحق لایق نشیمن گاه پرنس ها و دوکا باشد بیافت. در یک طرف دروازه یک کوشک کوچک که مخصوص نشیمن دربان بود موجود بود، و دیگر طرف یک خرابه خانه بسیار کهنه دیده می شد که در پیش روی آن یک دو نفر سیاه پوش یک عرابه هشت گاوه بسیار بزرگ و مطنطنی داشتند و بشو مشغول بودند. در جهت مقابل دور و وسط باغچه یک قصر بسیار باشکوه و جسیمی که از سنگ تخته کاری ساخته شده بود، و حجرهای بسیار باشکوه پنجاره آینه، وگلهای رنگارنگ، و پیچهای سنگ مرمر زینه و عریض عالی دارد آراسته و زینت یافته بود موجود بود .

یک خدمتگاری که در دروازه ایستاده بود و بصورت بسیار مکلف یک ورشی در بر داشت چون دو آمدن یک زنی را در حوالی باغچه دید برخواسته و سرتا پای آن زن مذکوره از نظر گذرانیده، از لباس سیلانه پر گل وطای او ودر رفتار و حرکات متردد وانداز او دانست که کدام زن گدائی باشد ولی چون باوارش تمایلیه تام برزنت کار این خود تعبیه نمود که هرکه هرچه باشد چون بخانه ارباب داخل شود نازکانه وادیبانه با او معامله کنند، از آنجهت این خدمتگار نیز به تقلید بصورت نازکانه پیش آمده گفت :

[باقی در نمبرهای آینده می آید]

ناموران زمان جاهلیت

(مابعد از نمبر ۱۶)

و در جاهای وطن گزین شده و مانده بودند (باذان) ایشان ذات شریفیست که در زمان (خسرو پرویز) در یمن والی بود. و چون از طرف حضرت رسالت پناهی در سال هفتم هجرت با سعادت برای دعوت دین حق بهر طرف نامهای پیغمبری ارسال شده بود (خسرو پرویز) که پادشاه ایران بود نامهٔ همایونی حضرت فخر کائنات را پاره پاره کرده برای (باذان) که والی یمن بود نوشت: «شخصی را که در طرف حجاز دعوای نبوت میکند بسته بایـن سو روانه کن». باذان دو نفر مأمور مخصوص را با یک نامهٔ خود بحضور آنحضرت فرستاده امر کسری را تبلیغ کرد. وقتیکه مأمورها بحضور آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم مشرف شدند و امر کسری را با نامهٔ باذان تقدیم نمودند آنحضرت فرمودند که: «به باذان بگوئید که حق تعالی (شیرویه) پسر خسرو پرویز را برو مسلط نموده بقتلش رسانید و در همین نزدیکی ها دولت اسلام تا بجائیکه حکومت کسری واصل شده است خواهد رسید. باذان را بگوئید که ایمان بیارد». مأمورهای مذکور امر رسالت پناهی را به باذان رسانیدند. بعد از چند روز خبر مذکور بحقیقت پیوست، و از طرف شیرویه برای باذان امر شد که به آنحضرت غرض دار نشود. باذان این معجزهٔ آنحضرت صلی الله علیه وسلم را حق دانسته به ایمان مشرف گشت. و بعد از آن از طرف حضرت رسالت پناهی والی یمن مقرر گردید. بعد از آن از قبیلهٔ (بنی مذحج) که از قبایل یمن است (عبهله) بن کعب بن عوف نام یک شخصی که به (اسود عنسی) ملقب و یک مرد شعبده باز کهانت پرداز بود ظهور نموده به بعضی شعبده بازیها و تأثیر کلامیکه داشت بعضی سبک سران را بخود گرویده ساخته نموده با تمه دعوای پیغمبری نمود. و اول قبیلهٔ بنی مذحج به او تابع شده بقوت آن بر (نجران) حمله برد، و از آنجا بر صنعا حمله آور شده جناب باذان را شهید ساخت. و (آزاد) را که زن باذان بود به زور و جبر بزنی گرفت.

[باقی آن در نمبر آینده آید]

علم ثروت ملک

(مابعد از نمبر ۱۶)

اگرچه صنایع ارضیه سبب کمال اسباب معیشت انسانها است و بواسطهٔ دیگر صنعت ها بشکلهای دیگر در آمده و با آنکه بدیگر جاها نقل شده و برای اشیائیکه مبادله میشوند یک مأخذ و سرچشمهٔ بزرگی شمرده میشود اهمیت و فضیلت آن انکار نمیشود ولی تأثیرات بزرگی که دیگر صنایع بزراعت اجرا میکنند نیز چیزی نیست که از آن چشم پوشی شود. فیض و برکت یافتن زراعت مربوط است بر اینکه مانند محصولات دیگر صنایع به آسانی صرف شود و به مبادله و قیمت و ثروت حاصل کند. اینهم معلوم است که جای صرف محصولات زاید صنایع ارضیه شهرهای بزرگ و قصبه های کلان میباشد. زیرا آنچنان چیزها یکه صنایع ارضیه حاصل کرده بجز همچنان شهرها یکه مجمع مردمان و انبوه خلایق و ترقی صنایع آلیه و تجارت باشند در دیگر جاها مبادله و قیمت پیدا نمیکنند. حتی برای تشویق و توسیع زراعت شهرهای بزرگ و فابریکه های مختلف دارکار شمرده. فابریکه های روغن کشی نباتات مختلفه، و غیره اگر باشد که اینها همگی داخل (صنایع آلیه) هستند — صنایع ارضیه تنها مدار ثروت نمیشود. و نیز برای آنکه خاک را قابل زراعت بسازند به (سرمایه) محتاج است که سرمایه نیز بشکلهای مخصوص است که فابریکه ها، انجمن ها، کارخانه ها و تجارت خانه ها و بانک ها ترقی کرده باشد.

اینهم صحیح نیست که صنایع آلیه و تجارت را بزراعت ترجیح داده تنها به ترقی و پیش رفت آن حصر افکار کرده شود. زیرا همه صنایع اساساً یک بدیگر مربوط است. حتی در حقیقت صنایع از همدیگر جدا کرده نمیشوند. و اگر گفته شود که (صنعت) یک است نیز جایز است. تقسیم کردن صنایع را به سه قسم و پنج قسم برای آنست که در افکار رسیدن تحقیق احوال [illegible]

[باقی دارد]

هر مقاله ایکه دستخط ندارد از طرف سرمحرر تحریر یافته

مدیر و سرمحرر سراج الاخبار افغانیه

بسعی و اهتمام الحاج عبدالخالق پسر قرا افغان مهتمم چاپخانه های دارالسلطنهٔ کابل

بقلم میرزا محمد جعفر قندهاری

صفحه ۱ — سال یکم — نمبر ۱۸

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

اداره اخبار و مطبعه
در ماشین خانه دار السلطنه کابل

همه امورات تحریریه به اداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

هر پانزده روز یکبار نشر میشود

نگران
رئیس یک آغاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی
[illegible]

قیمت سالیانه
در دار السلطنه کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف و داخله مملکت با اجرت ڈاک ۱۲ روپیه کابلی
در خارج مملکت با اجرت ڈاک نیم پوند انگریز
قیمت یک نسخه آن در کابل یک عباسی است

تاریخ عربی یکم رجب ۱۳۳۰ — تاریخ انگریزی ۱۷ جون — تاریخ شمسی ۲۷ جوزا ۱۲۹۱

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه وبسی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

بیرق — حوادث داخلیه — حوادث خارجیه —
مقاله محرره ناشر شهیر شاهی ناده — تاریخ کره زمین — مواد عسکریه
ملتهای ژاپان — قصیده — ادبیات —
ماموران زمان جوان — علم ثروت ملل — تاجرهای پاریس

بیرق

بهترین اشیائی که صنف جلیل عسکریه را دایما به وظیفه‌های مقدسه شان یاد آوری میکند و شرف و شان قشون شان را بلند میسازد و بهانا بر قیمت که از طرف اشرف اعلیحضرت پادشاهی بقطعات لکهای عسکریه عطا و احسان فرموده شده است بیرق چنان یک امانت مقدس و محترمیست که حیثیت عزا کنندگان خود هستی و وجود میدهد بیرق یک جزوی از اجزای دین و دولت است. بیرق یک علامت علنی قوت است. بیرق شرف عظیم عسکریه است. لهذا بیرق بسیار مقدس و عزیز یک علامت هستی و موجودیت عسکریه میباشد. یک قطعه عسکریه که شرف بیرق بزرگ خود و شان را محافظه نتواند و در میدان محاربه آنرا بدشمن بر باد دهند آن قطعه عسکریه چنان است که گویا نیست و نابود گردید. بنابرین در وقت محاربه تا وقتی که یک بازو باقی باشد بیرق خود را نباید گذاشت که بر زمین بیفتد. و یا لا سمح الله بدست دشمن در آید. مثالهای تاریخیه که عسکرهای فداکار جان سپار در بابهای رهائی دادن بیرق را از دست دشمن نابکار بکار برده اند بهترین زینتهای صفحات تاریخهای حرب شمرده میشود.

بیرق یک پرچم سعادت و سطوت و هیبت عسکر است که دیدن آن عسکر را یک جوش و خروشی میدهد و در راه محافظه وطن و نگاه داشتن شرف قشون آنها را تحریص میدهد. اول برقعه و یا استحکامی که دست آرند بیرق خود را انجا افراشتند که صفحه‌های کتاب محاربه را بهتر از آن بیرق نشان میدهد.

علامه فارقه هر دولت بیرق آنست. کشتیهای هر دولت به بیرق آن شناخته میشود. سفارت خانه‌ها، قونسلخانه‌ها و دوایر حکومتی شان به بیرق شان دانسته میشود.

چون در صفحات کتب تاریخ اسلام نظر شود اول در غزوات جلیله حضرت فخر کائنات علیه افضل الصلوة و التحیات استعمال شدن بیرق را مشاهده میکنیم. در اردوهای عسکر سعادت آثر آنحضرت صلی الله علیه وسلم دو سه چار رقم بیرق موجود بوده است که بنامهای (علم) و (لوا) و (رایت) موسوم میشدند. حتی یکی از بیرقهای آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم (عقاب) نامزد شده بود.

بعد از آن در همه دولتهای اسلامیه بیرق یک جزو مهم عسکری شمرده شده و آمده است. دیگر دولتهای عالم نیز بیرقها دارند و

خودشان بیرق استعمال کرده اند ، و بیرقهای خودشانرا محترم و مقدس داشته اند .

در دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما (افغانستان) اگرچه پیش از تاریخ سنهٔ (۱۳۰۶) هجری بیرق در صنفهای عسکری موجود بود ، حتی در اولهای حکومت افغانیه هر سردار از خود یک بیرق علیحده داشتند که بجان سردار نسبت میرسانید ، اما بیرق در افغانستان نه یک انتظامی داشت و نه یک رنگ مخصوصی ، و نه یک علامت فارقهٔ که بواسطهٔ آن علامت شناخته و فرق شود ، و نه یک نامی که به آن نام انسان بدان پی برد . هر سردار هر رنگی را که می پسندید و هر قسم که دلش میخواست بیرق خود را می ساخت . حتی در صنفهای عساکر نظامی نیز یک قاعدهٔ منتظمی برای بیرقها موجود نبود ، و هر کندک و هر قطعه برنگها و نقشهای مختلف بیرقها دیده می شد . نامهای مخصوصی هم نداشت . مثلاً اگر یک بیرق سفیدی که برنگ سرخ بران یک چلیپائی و یا یک بیرق زردی که برنگ سبز بران یک نقشی دیده و کسی پرسیده که این چه بیرق است ؟ جواب میگرفتید که این بیرق (سنر فی کندک) و یا بیرق (شیر مست) میباشد . و ادارات و محکمه‌های دولتی نیز از علامت پر حمایت بیرق محروم بود .

ذات اعلیحضرت پادشاه معظم محبوب القلوب ما این نکتهٔ باریک بسیار مهم را در زیر نظر ترقی پرور همایونی گرفته در تاریخ سال [illegible] انتظام بیرقها را بنفس نفیس شاهانهٔ خودشان ترتیب و سر رشتهٔ بسیار درست و لایقی اجرا فرمودند .

در وقت حاضره از قرار ذیل بیرقها در دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما بکمال احترام و جلال بسایهٔ اعلیحضرت پادشاه مراحم خصال ترقی آمال برافراشته میباشد :

اول — (بیرق مخصوص پادشاهی) که رنگ پرچم سیاه و در منظم آن سرخ و نشان محراب و منبر آن سفید است و تنها برنگ سرخ از بیرق دولتی فرق بهم میرسانند و در هر جائیکه ذات اعلیحضرت شاهانه تشریف داشته باشند بران مقام برافراشته میباشد .

دوم — (بیرق دولتی است) که رنگ پرچم آن سیاه و نشان دولتی که عبارت از نقش محراب و منبر است بسفید بران مرسوم میباشد . این بیرق رسمی دولت است . بر همه دوایر حکومتی و جمیع محاکم دولتی از صبح تا بشام برافراشته میباشد و بوقت شام فرود آورده میشود .

سوم — بیرق مقدس بزرگ عسکریست که به (علم) موسوم است . برای هر (غند) یک علم از طرف اشرف اعلیحضرت پادشاهی عطا فرموده شده است . بزرگترین بیرقهای عسکری عبارت از همین (علم) مبارک میباشد . اصل پرچم فخر توام (علم) از قماش قناویز ابریشمی سیاه بافت خود افغانستان است . نوشته های آن و نشانهای آن با ابریشم سفید بطرز نقده دوزی کار شده است . در یکطرف پرچم علم مبارک یک نشان دولتی (محراب و منبر) و یک نشان خود غند را دارد ، و در طرف بالای آن کلمهٔ طیبهٔ (لا اله الا الله محمد رسول الله) و در طرف پایان آن عبارهٔ (دولت علیهٔ خداداد افغانستان) ، و در وسط آن کلمهٔ جلیلهٔ (الله اکبر) ، و در سر نشانی که علامهٔ فارقهٔ غند است آیهٔ کریمهٔ (و یومئذٍ یفرح المؤمنون بنصر الله) ، و در سر نشان دولتی محراب و منبر آیهٔ کریمهٔ (وکان حقا علینا نصر المؤمنین) ، و در زیر نشان غند آیهٔ کریمهٔ (یا ایها الذین آمنوا ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم) و در چهار کنج علم شریف این بیت را که : [illegible] بآن رسم شان [illegible] تصغیر کرده نوشته شده است .

در طرف دوم پرچم علم محترم باز یک نشان دولتی و یک نشان غند موجود و در طرف بالا (بسم الله الرحمن الرحیم) ، و در طرف پایان نام نامی (اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) ، و در وسط آن باز کلمهٔ جلیلهٔ (الله اکبر) و در سر نشان دولت آیت شریفهٔ (انهم لهم المنصورون و ان جندنا لهم الغالبون) ، و در سر نشان غند آیهٔ کریمهٔ (نصر من الله و فتح قریب و بشر المؤمنین) ، و در زیر نشان دولت آیهٔ کریمهٔ (ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله) ، و در زیر نشان غند آیهٔ کریمهٔ (صفا کانهم بنیان مرصوص) ، و در چهار کنج آن اسمای مبارک چهار ملک مقرب (جبرائیل ، میکائیل ، اسرافیل ، عزرائیل) نوشته شده است . اینهمه نوشته و نشانها با ابریشم سفید بصورت نقده دوزی نوشته شده است .

مهتاب سر علم مبارک آهنین است . در وسط مهتاب نشان دولتی محراب و منبر بصورت شبکه کاری از برنج که با طلا گلت شده است مرسوم میباشد . و در دو طرف مهتاب آیهٔ کریمهٔ (و من یتول الله و رسوله و الذین آمنوا فان حزب الله هم الغالبون) حک کرده نوشته شده است . بخط عربی خوش خط نوشته شده میباشد . چوب بیرق علم مبارک از چوب [illegible] و درازی آن از ریزهٔ آهنین تا سر مهتاب یازده فوت میباشد .

چهارم — بیرق مبارک (عقاب) است که بعد از علم بزرگترین بیرقهای عسکریه شمرده میشود ، و چنانچه علم برای یک غند مقرر بود (عقاب) برای یک (نشت) مقرر است . پرچم عقاب نیز از قناویز ابریشمی سیاه است . نشان دولتی محراب و منبر آن از کتان سفید است . در یکطرف آن کلمهٔ (طیبه) و عبارهٔ (دولت علیهٔ خداداد افغانستان) ، و در طرف دیگر آن عبارهٔ (بسم الله الرحمن الرحیم) ، و در پایان نام نامی (اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) ، و در چهار گوشهٔ آن کلمهٔ جلیلهٔ (الله اکبر) نوشته شده است . برای این دو بیرق مبارک سلامی توپ هم گرفته میشود ، مثلاً اگر علم و عقاب با قوای عسکریهٔ منسوبهٔ خود از شهری بشهری وارد شود و برای علم غند [illegible] سلامی خاصه : (۱۱) فیر توپ ، و برای عقاب غند مذکور به (۹) فیر توپ سلامی داده میشود .

پنجم — (رایت) نام بیرق مبارک عسکریه است که چنانچه برای هر غند علم و برای هر نشت عقاب مقرر است (رایت) نیز برای هر کندک مقرر میباشد . علم و عقاب و رایت هر غند و هر کندک در نشانها از هم فرق دارند . غیر ازینها برای (کندک) ها و (تولی) ها نیز بنام (بیرق) و (علامه) بیرقهای کوچک تری نیز موجود است که جزئیات تفصیلات آنها را انشاء الله در ذیل اردوهای عسکری دولت علیهٔ خداداد افغانستان خواهیم نگاشت . و حالا بدعای خاتمه از درگاه اعلیحضرت (سراج الملة والدین) پادشاه مقدس مظفر خردمند با دانش و دین خود ما این ختم مقال مینمائیم . و بیرقهای ظفر انتمای دولت متبوعهٔ مقدسهٔ خود مانرا تا با دوام الله دوران بشوکت و مظفریت برافراشته میخواهیم .

حوادث داخلیه

کیفیت وقوعات محاربه منگل

طایفه بدبخت منگل که بر بزغلی شیطان لعین از جاده اطاعت اوامر خدا و رسول و اولی الامر انحراف نموده راه بادیه بغاوت و ضلالت را گرفتند، و ازین سبب خاک ذلت و روسیاهی دنیا و آخرت را بر سر خود بیختند الا امر بجز پریشانی و ندامت، و سرگردانی و خجالت دگر ثمره ندیدند.

ذات اعلیحضرت پادشاه رعیت پرور مرحمت گستر با از کمال عواطف و مراحمی که در باره رعایا و تبعه خودشان دارند هیچگاه این را آرزو نفرمودند که قوای عساکر نظامیه شاهانه را بر رعایای خودشان سوق نمایند. اگرچه بنابر غفلت و جهالت خطای عظیمی از آنها سرزد باز هم اول به آبیاری لطف و مرحمت کریمانه و نصایح مشفقانه رحیمانه آن گمراهان بادیه جهالت را براه آوردن آرزو فرمودند. ولی چون تمرد و عناد و شیطان پسندی این بدبختان شوریده سامان از حد تحمل بیرون برآمد به سوق قطعات عساکر ظفر مآثر نظامی شاهانه مجبوریت دست داد. و چنانچه از عساکر نظامی قطعه ای سمت غربی و شرقی بعضی مفرزه ها سوق گردید همچنان از نفس دار السلطنه نیز یک غند مکمل از عساکر خاصه شاهانه در زیر کمان افسری جناب (محمد نادرخان) جرنیل حضور اعلیحضرتی سوق گردید. چنانچه در نسخه سابق خود تحریرات جناب ایشان را در آن باب عیناً درج نموده بودیم حالا درین نسخه خود از ابتدای حرکت غند مذکور تا به اینوقت از توارد استخبارات دقیقه که اجرا نموده ایم و به بعضی معلومات موثقه دستیاب شده ایم درج صحایف خود نموده بقارئین کرام خود عرض خدمت میورزیم.

جرنیل محمد نادرخان

یکی از تربیت یافته گان محفل حضور معارف نشور اعلیحضرت قوماندان اعظم و پادشاه مقدس کرم مآبانست، و از اوّل شباب تا بحال در صنف جلیل عساکر خاصه همایونی یعنی اردوی تربیه و تعلیم یافته، و در فنون عسکریه توغل کرده تدریجاً بمنصب عالی جرنیلی نایل و سرافراز شده است. بتاریخ ۲۴ جمادی الاول به پنج و نیم بجه صبح از (ولایتی) نام اردوگاه متصل دار السلطنه بعد از آنکه عساکر شاهانه سه بار سلام پادشاهی را ادا نمودند حرکت، و به ساعت ۱ وارد منزل (چهار آسیاب) شده اند.

و بساعت ۴ صبح عساکر شاهانه از موضع مذکور حرکت کرده به ساعت یازده وارد منزل (محمد آغه بهوگرد) گردیده اند. پیش دار های عساکر ظفر مآثر شاهانه که بمدت استکشاف در طرف ازجیت توپلی و در زیر قومانده محمد جانخان سرشلیشر مامور شده رفته بودند از محفوظ بودن و امین بودن راه به جرنیل مذکور راپورت داده اند و جنرال بکمال سرعت از محمد آغه به (حصارک) و از آنجا بتاریخ ۲۶ جمادی الاول بموقع (القور) اخذ موقع گرفته.

قبایل باغیه (احمدزائی) که بغوایت شیطان رجیم از آیات بینات قرآن عظیم چشم پوشی کرده با باغیان قوم منگل عقد اتفاق شقاوت کرده بودند و در دهی صعب المرور (تیره) نام موضع را باسنگرها و طابیه ها مستحکم داشته زیاده از پنج شش هزار آدم که اکثرشان با تفنگ های رنجاری پیچ بودند در آنموضع جمع آوری بغاوت و شقاوت گرفته بودند.

جناب جنرال محمد نادرخان چون بواسطه استکشافاتی که از ابتدای حرکت در باره جمعیت باغی اجرا نموده بود نقشه و پلان کار را خود را یک صنعت بسیار مستحسنی ترتیب داده و در وقت شب برگد (غلام نبی خان) و برگد (غلام جیلانی خان) و کرنیل (شیر احمد خان) و دیگر بعضی افسران نظامی را با قوت کافیه عسکریه و توپهای کوهی ساخت جرمنی بصورت توسی از مسافه نهایتی حرکت امر داده و بوقت صبح در نقاط مناسب رخنه که نزدیک بر توپهای دشمن حاکم و ناظر بود تعبیه گردانید. بوقت صبح دو کندک از افواج ظفر امواج اردوی را با دو بلوک توپهای خرابین آتش فشان در زیر قومانده کرنیل (یاقوت شاه خان) با یک سرعت و شدت فوق العاده بهجوم و یورش امر نمود.

عاصیان باغی تا متصل شدید با قد خود مقابل خود یک کاری قوای عسکری پیاده از جناح یمین از شب بر موضعهای حاکم تعبیه شده بودند یک آتش بسیار شدید توپ و تفنگ بر دشمن به فرجام روز رسته خیز برپا نمودند. در ظرف یکنیم ساعت همه مواقع مستحکم دشمن بحمله های مردانه و شیرانه پاره پاره گردید، و باغیان محروم از وجدان بقدر (۳۰۰) نفر مقتول و مجروح در میدان کارزار تار و مار گردیدند.

عساکر شاهانه بکمال مظفریت بر جاهای خود شان از مواقع مستقیمی باغیه تمتوج آوردند یک بلوک رساله یعنی سوار و یک بلوک تفنگ ماشین دار، و یک مفرزه از صنف احتیاط بتعقیب گریزی باغیان دوام ورزیدند. این مفرزه را و دیگر مفرزه های عسکری نیز تقویت داده و دشمنان خاین در مرکز شان که (قلعه تیندان) باشد در زیر تضییق و فشار گرفتند، و در اندک مدتی قلعه را ضبط و تسخیر نموده باغیان بدبخت را در کوهها و صحراها و جنگلها بوضع بسیار پریشانی

پراگنده گردانیدند .

حقیقتاً که درین محاربه جناب جرنیل خیلی به اصول و قواعد حربیهٔ وقت حاضر موافق و مطابق حرکات عسکریه را اجرا نموده ، و شجاعت و بهادری عساکر شاهانه ، و کار آگاهی و بیداری افسران نظامیه جداگانه شایان تحسین و آفرین است . خدمتهای کپتان محمد عظیم نگرانی در فن انداخت شرپنل و بم خیلی سبقت کرده است .

دیگر —— اردوی مظفر بروز جمعه ۲۹ جمادی الاول از (التمور) حرکت کرده ، و از جمعه طرف خطوط مواصلهٔ خود را تأمین و در بهار اگه مردمان باغی از جهت برده که جهاد الله محمد هم گذاشته بود ، و صلات ساخته در موقع (کروینی) اردوگاه برپا نمودند . این سرحد دهشت رسان توپهای معنویه و تاب و توانائی باغیان بکلی از خراب ساخته فوج و از آنجا عرض استیمان نمودند ، از مردمان طایفهٔ احمدزائی هفت قوم قرآنهای شریف را مهر و دستخط کرده و شفیع آورده ، و باقی آنها قلعه ها و دهات خود را ترک کرده بجانب علاقهٔ منگل فرار نمودند (جانداد) ، بجالت بنیاد که رئیس این گروه شقاوت پیشه بود نیز فرار نموده است . قلعهٔ جانداد را اردوی قوی از عساکر شاهانه اشغال نموده غله بسیار و ذخایر بدست آورده اند .

دیگر —— از قرار راپورتی که از طرف جناب جرنیل از تاریخ ۳ جمادی الثانی بحضور عالی جناب معین السلطنه صاحب فرستاده ، چنان معلوم میشود که (جانداد) همراه ملک اصیل و غیره اقوام منگل قرآن شریف را مهر کرده روانه کرده اند ، و بسیار ندامت و عرض استیمان نموده اند . (ولی محمد) برادرزادهٔ جانداد همراه عزیزخان و تیمورشاه و غنی خان نام و دیگر برادران جانداد در یوم مذکور بخدمت جناب جرنیل آمده و عرض اطاعت و ندامت کرده اند .

در وقوع این واقعهٔ منگل هم از جهت ملکی و هم از جهت عسکری چنان صداقتها و فداکاریها در راه و همه وقت ، جانسپاری اعلیحضرت پادشاهی و محافظهٔ شرف ملتی بکار رفته که الحق شایان تشکرات و تحسین فخر و افتخار است . جناب مستوفی الممالک ، و میرزا عبدالاحد خان و دیگر جمیع مامورین ملکی در باب حاضر کردن عساکر ملکی و سرپرستی رسانیدن گدام و غله و بارگیری اقدامات جدیه بکار برده اند . جناب (دوست محمد خان ناظر) و (خواجه محمد خان) که پیشتر از جهت اردوی فرقهٔ خاصه رفته بودند در محافظهٔ حقوق رعایا و تدارک و ذاتی داوین قلعه (متون) به قوت عسکریهٔ نظامیه هم که (عبدالعزیز خان) ، ابرگه (عبدالله خان) خدمات شایسته بکار برده اند .

از درگاه خالق جلیل دعا داریم دوام عمر و اقبال و ترقی شوکت و اجلال اعلیحضرت پادشاه متقی را هر خصال جاوید از خود ما نیاز زده استرحام مینماییم ، و توفیقات باری را در حق جمیع مامورین دولت در ایفای وظایف منصبی شان آرزو میکنیم ، و آسایش ملک و ملت را رجا داریم .

از جانب سرگرمان ادارهٔ سراج الاخبار افغانیه — از ادارهٔ مدیر و سرمحرر ادارهٔ موصوفه خبر داده شد — اینکه بذریعهٔ تلیفون از جانب اتاش نظامی حضور اعلیحضرت والا خبر رسید که از قرار اطلاعات عالیه و رشادت همراه محمد نادر خان جرنیل حضور از طلاع مرکز تقریر گردیده دریافت پیوسته که الحمد والمنه در کار اردوی نظامی فتح و ظفر حاصل است — ولی محمد خان برادرزادهٔ جانداد از چند دستان حال آمده است و عزیزخان و تیمورشاه و غنی خان برادران جانداد مذکور الیوم دوشنبه ۳ ماه جمادی الثانی در اردو حاضر شده اند و عهدنامهای مردم احمدزائی و طوطا خیل که دو جلد عهد و مهر نموده اند رسیده و تمامی مردم احمدزائی منگل از کردارهای ذمیمهٔ خود نادم و منفعل گردیده ، چنانچه عهدنامهٔ جانداد و مردم منگل نیز رسیده — قبل براین از برای سردار محمد اکبر خان درخواست و از برای خواجه محمد خان و بیرک خان درجاجی خطوط مرسول داشته اطلاع داده بودند که بتاریخ یوم پنجشنبه ۶ ماه جمادی الثانی ۱۳۳۰ از هر طرف و جوانب بالای مردم باغی طاغی منگل حمله برده شود — چون آنها قرآنهای شریف را مهر کرده بصوب ملاها فرستادند بنابر علیه حمله بردن مذکور معطل شد — انشاء الله تعالی عنقریب یا همه شان مثل دیگر اقوام آنها کاملا تایب میشوند و یا اسیر و گرفتار و یا فراری خواهند شد — اینقدر خوف و ترس برای نفری مذکور غالب و مستولی شده که اکثر شان همراه عیال داره خودها کرهها بالا شده اند و کسیکه خودها اخانه ترها بکار رسیده اند ندیم و تخویف شان زیاده تر است لاکن همه شان خجل و منفعل بوده یومیه دو و سه عهدنامه و از تعلقهای خود وارد شده ، عهدنامهٔ خودها بقرآن شریف نوشته و مهر کرده ارسال میدارند — چنانچه تا اکنون ۹ جلد کلام الله شریف از هر طرف و هر قوم رسیده است فقط

کیفیت مذکور را جهت شادکامی نوشته شد که عیناً درج سراج الاخبار افغانیه نمایند فقط تحریر یوم شنبه ۱۵ جمادی الثانی سنه ۱۳۳۰

[علی احمد]

حوادث خارجیه

اجمال سیاسی

درصحیفهٔ اوراق حوادث عالم درین روزها از حرکات بهت و تشبثات دهشت دول عظیمهٔ اوروپا روزها و حکایتهای عجیبی بنظر بر میخورد. و چون در کنه حقایق اینهمه روایات بنظر غور و تدقیق ملاحظه شود همین یک نتیجه بظهور می‌آید که همه دولتهای غربی بیک حرص و طمع غضبی در باب فرو بردن لقمه‌ای چرب و شیرین ممالک شرقیه بغایت و کارگزاری در اتفاق داده اند. اگر اتفاقها و اتحادهای مثلث و مربع و مثنا را ظاهری بینیم ولی بحقیقت نظر شود بجز شنزار در زیر برقعهای بهمان اهل صلیب قرون وسطی متفق و متحد می باهم که جزء شان از خورد و بزرگ بتقسیم ممالک شرقیهٔ اسلامیه باتفاق آراء اتحاد کرده اند. ولی با وجود این اتحاد و بسبب ازدیاد لذت و حلاوتی که در لقمه موجود است برای خوردن و فرو بردن آن حسدها در قلبهای همگیشان مانع بر یک سفره نشستن شان میشود.

ایطالیا نیز که از گرسنگی بمرض جوع الکلب گرفتار آمده بودند. صبر و توانائی را در پیش آن مائدهٔ لذیذه محال دیده بیک تهالک شکم پروری عجیبی بر لقمه حمله نمودند. اما با آنچنان یک تلاش و بیجائی لقمه را بدهن بردند که حالا در حلقشان بند مانده و موجب انقطاع نفس شان گردیده بنای دست و پا زدن گذاشته اند و الآن در این شهقهٔ طرابلس چنان گلویشان را در زیرشان گرفته که رشتهٔ لگد زدن و دست افشاندن جبل مانند شان رنگهای سواحل بحر احمر و سوریه. و جزایر بحر سفید حتی تا دروازهٔ استانبول را بخونهای جانورانهٔ خود آلوده ساخته اند.

اگر چه دیگر متفقین لقمه ربودن او از زیر پردهٔ (بیلوتی) نام قاعدهٔ که برای سهولت و آسانی لقمه فرو بردن خودشان وضع نموده اند بیک جرعهٔ آبی و یا یک زیر بغل گرفتنی مدد رسانیده و از زیر لب. و کنج ابرو و گوشهٔ چشم (خوش جانبه وارده ورداشا) گفتند ولی بیرون پرده نیز آمدند.

مراکو را فرانسه نیز در مقابل لقمهٔ دیگری بیک نیرنگ عجیبی عوض و معاوضه نموده و بسهولت فرو بردند. آیا آنچه لذت و حلاوتی درین لقمه‌ای شیرین دیده اند که آنهمه ذلتها و حقارتها تحملی که در محاربهٔ (سدان) دیدند فراموش کرده. و غضب و التهابهای الحاق (الساس ولورن) را بطاق نسیان نهاده در فرو بردن لقمه بهمدیگر دست پنهانی و یاری نمایان شدند؟

حال آنکه خرس شمالی از حرص حرکت دیگر رقبای متحد البلیع خود با وجودیکه با شیر برای چندی بعد از زمین در باب فرو بردن لقمهٔ ایران عهد و پیمان کرده بود ولی چون دیگر گرسنگانرا دید که ربوده اند و بس اند هیچ تاب و توان آورده نتوانسته. و بعهد و پیمان پس و پیش هم ندیده و بهماندم بر لقمه حمله نموده و چشمهای رفیق و رقیب خود را بی دیدهٔ (خلاف نمبر) چنانکه گفته نامیزا است که نفس یک دست و پائی بزند دو سه چهار لقمهٔ بسیار چرب و گرم شیرین را در ربود. شیر حیران هم بجز تسلیمیت چاره ندید لاجرم او نیز لقمهٔ وسیع در جهت جنوب ایران بچرب و چیل فرو بردن کوشش میورزد.

فرو بردن لقمه‌ای چرب مشهد نیز از نتایج وخیمه برای شیر دیگر ثمرهٔ نوا بخشید. بطوریکه بستن زیارتگاه و مقدسترین اسلام که عبارت از مرقد مبارک یکی از اخلاف رسول الله صلی الله علیه و سلم بوده باشد. بچنان ظلم انگیز یک حالتی که همه مسلمانان روی زمین از آن متأثر شدند. از همه بدتر که رذالت جنایت و فعل شنیع دزدی و رهزنی را نیز با آنهمه شوکت و علمیت ساختگی خود ارتکاب نمودند. خزینهٔ آثار نفیسهٔ حضرت امام را بچنان یک رهزنی که (گروهی های) پارسی را حیران ساز و یغما نمودند. و متولیان و خازنان آنرا بداد و ظلم ترسانیده و رضا نامه هم از انها گرفتند چه جهت. چه شوکت ! ...

از زمانهای بسیار دراز نیست که در مصر و در افغانستان این یک سخن زبان زد شده و آمده است که «دولت برطانیا بدین و مذهب و معابد غرض دار نیشود و بخلاف روس که از هیچگونه ارتکابات غارت دین و ناموس کوتاهی نمیکنند». و حقیقتاً که درین واقعهٔ مشهد این مسئله به اثبات رسید. زیرا که همه کابینه‌های دولت برطانیا در هندوستان و سایر جاها همین مسلک سیاسی را

ولی چیزیکه شایان دقت دیده میشود این است که این واقعه از توسل دولت انگلیس برأی العین در مشهد مشاهده گردیده است ایا کدام پروتستی برای این افعال جنایت کارانهٔ روس خواهد کرد یا نه ؟

یاد آوری تأسفانه

بعضے از اخبارهائی را که بزبان انگلیسی در هندوستان چاپ میشود اکثر خبرهائی را که درباب دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما درج میکنند از زبان بعضی مخبرهای سرحدی خود مینویسند که آن مخبرها آن خبرها را از زبان بعضی کابلیها و کراچیکشهائے که از افغانستان بیشتر در وارد میشوند بمقابل یکقطعه قلیان و یک دو پیاله چائی گرفته بر اخبار روان مینمایند — بسخنان خرافات آلود آنها گرویده شده و اند مشتهر میشوند اگرچه ما بخبرهای پرخرافات آن گونه ورقپارها چندان اهمیتی نمیدهیم ، ولی جای تأسف این است که مردمان عوام ما بسببی که از حقیقت مقاصد اینگونه ورق پارها بخوبی آگاهی ندارند و بسبب بعضی انگلیسی دانان چنان گمان میکنند که خود دولت بهیهٔ انگلیسیه میگوید و به این سبب موجب دل سردی عمومی ، و بعضی کج اندیشیها میگردد ، لهذا همه برادران دینی داخلی و خارجی خود را یاد آوری میکنیم که بخبرهای اینگونه ورق پارهها درباب دولت علیهٔ مستقلهٔ خداداد افغانستان هیچ اهمیت و اعتباری ندهند ، و آن سخنان ژاژخایان سرحدی را منحصر در همان ورق پارها دانسته بدیگر طرف شامل نشمارند .

پیسه اخبار

یکی از اخبارهای بسیار عالی زبان شیرین اردو (پیسه) نام اخبار فواید آثاریست که در لاهور از طرف جناب ادیب کامل و لبیب فاضل (محبوب عالم صاحب) در بازار علم و عرفان هم روزانه و هم هفته وار جلوه گر میگردد ، این محرر عاجز با جناب فاضل شان را در سنهٔ (۱۳۱۸) هجری بهنگامی که بمعیت پدرم حضرت (طرزی) مرحوم مغفور [illegible] در شام شریف اقامت داشتیم ملاقات کرده ام درآنوقت جناب شان بعد از سیاحت اوروپا و استانبول بشام آمده بودند حقیقتاً که ذات فاضلانهٔ شان خواه در حسن اخلاق و خواه در صحت معلومات یک مرد خردمندیست . اخبار هفته وار پیسه طلا وار جباولهٔ سراج الاخبار

از روی انصاف برنمی آید . و درین هفته اخبار موصوف یک فقره نشر نموده که بدرج ترجمهٔ آن می پردازیم و مختصر ملاحظات خود را نیز در آن باب مینگاریم .

خبرهاے سرحدی
افغانستان

نامه نگار سرحد شمال مغربی پایونیر تا این زمان هرچه بنوشت مردم هندوستان آنرا عموماً صحیح میدانستند — چراکه هیچ صدائی در تصدیق یا تکذیب از طرف سرحد بلند نمی شد — اما اکنونکه یک اخبار نیم سرکاری از قلم دوست موقر ما سردار زاده (محمود بیگ طرزی صاحب) در کابل جاری شده است ، و مدیر موصوف خبرهاے آنسوی سرحد را نسبت بنامه نگار سرحدی پایونیر یقیناً بهتر میداند — چنانچه قبل از چند یوم نامه نگار سرحدی پایونیر خبر داده بود که چون سواری اعلیحضرت امیر صاحب از جنگل در رفته میگذشت حضور ممدوح صدای جان کنی چند اشخاص از جنگل شنیدند . و چون سواران سراغ در جنگل تلاش کردند دو نفر دست و پا بسته را یافتند — اشخاص دست و پا بسته را آزادی داده شد و زبانی آنها معلوم شد که دزدان دست و پای شانرا بسته کرده مال و متاع آنها را ربودند — چنانچه اعلیحضرت ممدوح حکم تعاقب دزدان فرمودند و دزدان مذکور گرفتار گردیده کشته شدند — اما سراج الاخبار مینویسد که این خبر محض غلط و بی بنیاد است نیز سفارش میکند پایونیر و همچنین نامه نگاران دیگر را که سخنان بسیار را از تصور خود وضع میکنند برخدمت ناول نویسی مقرر نماید — خبرهاے نامه نگار سرحدی پایونیر بعضی اوقات باینقسم میباشند که از آن اندیشه غلط فهمی رعایای هند پیدا مے شود — لهذا امید است که نامه نگار پایونیر را باعث اجرای سراج الاخبار ترغیب احتیاط و اشاعت خبرهای آینده خواهد شد — و سراج الاخبار وقتاً فوقتاً او را از تنقید خود بر این ضرورت متنبه خواهد ساخت فقط

در نسخهٔ سابق خود نقلاً از یکی اخبارهای اردو که ، و نیز از اخبار (انگلشمین کلکته) درباب بغاوت خوست بیخبرانه بعضے سخنان درج نموده بود که فقرهٔ مذکوره را عیناً نقل نموده بودیم و بسبب گنجایش نداشتن موضع بیان حوادث داخلیه که درباب حرکات

عسکریهٔ نظامیهٔ دولت متبوعهٔ خود درج کرده بودیم تردید آنرا کافی دیدیم. حال آنکه آن تفوّهات اخبار مذکور را حوادث داخلیهٔ این مملکت بخوبی تردید مینماید. ما نمیدانیم که اخبارهای انگلیزی زبان ما چرا در باب افغانستان اینقدر سخنان کج اندیشانه صرف مینمایند. آیا مقصدشان چیست ؟

وقتیکه جواهراتچی (آلوز) از بندرگاه مارسیلیا به پاریس میرفت یک بکس جواهر او را که خیلی گران قیمت بود، در ریل دزدیدند بعد از تحقیقات دزد را یافتند که یک زن انگلیسی بود !....

وفات پادشاه دانیمرگ

تلگراف از هامبرگ ملک جرمنی رسید، که پادشاه دانیمرک در یک اوتل دفعةً وفات یافت. پادشاه با ملکه و اولادهای خود از (بادیرا) ملک جرمن واپس به (کوپنهاگ) پای تخت خودش می آمد، و پادشاه مسیحی که صحت یافته بود بسلامتی عودت خود از سیاحت خود خوشحال بوده، و بقرار عادتی که داشت به وقت شب از اوتلی که در آن بود بیرون برآمده و در سرکها قدم میزد، دفعةً در نزدیک اوتل بر سر سرک غش کرده بیفتاد، چون پولیسها او را نشناخت برداشته به اسپتال برده و چون وقت آمدنش دیر شد رفقا و ملازمانش تلاش افتاده بجستجویش برآمدند. بوقت صبح مردهٔ اش را از اسپتال به اوتل آوردند و بعد جنازهٔ اش را به (کوپنهاگ) نقل نمودند. بیچاره پادشاه را که پولیسها در سرک یافته بودند بحالت بیهوشی یافتند که از کجا بود لهذا به اسپتال او را نقل داده و در آنجا وفات یافت. و چون کسی او را نمی شناخت جسدش را در (تشهیرخانهٔ) عمومی گذاشتند تا وارثش پیدا شود.

کرستین دهم که پسر اوست بجای پدر خود که فردریک هشتم بود برتخت جلوس نمود.

سالار الدولهٔ ایران

اخبار (نوویه رمیا) اخبار روسی یک کاغذ سالار الدوله را که از کرمانشاه به او رسیده، نشر کرده است که خلاصهٔ مضمون آن این است. سالار الدوله میگوید: من انقلاب کوش نیستم بلکه من یک شهزادهٔ وطن دوستی هستم. و فکر من اینست که وطن خود را از حال برباد شدن و کشتن بخواهم رهائی بدهم. زیرا این حکومت موجوده که هست قابلیت اصلاح ملک را ندارد.

در وقت حاضر طرفداران سالار الدوله بقدر ده لک ایرانی هستند، و یک حصهٔ اردوی او بکمال موفقیت بسوی طهران پیش شده میروند. سالار الدوله این را هم مینویسد. من امید میکنم که تا بوقت قایم شدن یک حکومت مستقل در ایران دولتهای اروپا طریق بی طرفی را اختیار کنند.

چناق قلعه

آبنای چناق قلعه — یعنی داردنیلز باز شده، کشتیها رفت و آمد بقرار سابق آغاز کردند.

اسلام در ژاپان

رفیق محترم ما جریدهٔ فریدهٔ (اخوت اسلامیه) که بزبان انگریزی در ژاپان در ماه یک بار از طرف مستر (حسیب) و مستر (برکت الله) انتشار می یابد و بطریق مبادله به ادارهٔ ما می آید چنین مینویسد:

«(اسلامیت) در ژاپان آثار انتشار و فیوضات خود را نشان میدهد، در ماه گذشته یکی از کسانیکه بشرف اسلامیت مشرف شده اند جناب حسن (کتاتارو یکی) میباشد که شرف رانه در تاریخ ژاپان بیک خاندان شاهی بالبنانی نسبت میرساند. و نیز دختر محترمهٔ شان بانوی نیک نهادشان که مسمّی (تاکوزی) نام دارد و از عزتهای بسیار مشهور ژاپان میباشد بشرف دین مشرف شده. بنا بر انتشار این دین مبین انتظار — یعنی خودکشیها که روز بروز در ژاپان افزونی میگیرد خیلی کم خواهد شد.

از اخبارهای ترکی و عربی

رفیق ما (طنین) مینویسد: — ایطالیانها را ترسندک، رهزن، جنایت کار والاصل هر چیز گفته میتوانیم امّا بی نزاکت و بی تربیه گفته نمیتوانیم. در روز افتتاح

مجلس مبعوثان عثمانی بهرطرف ممالک موصوفه درمیان سرور وشادمانیها بود . ازین سبب ایطالیانها اشتراک ورزیدن خودشانرا باین جشن شادمانی وسرور ازوظیفهٔ نزاکت وتواضع دانستند . لهذا ابدروازهٔ استانبول که عبارت از دهنهٔ آبنای چناق قلعه ـــ یعنی دردانیل آمده افتتاح مجلس مبعوثان را بچهار سلامی گرفتند . اما بهرصورتی که باشد : این مراسم سلامی خودشانرا درپیش روی دایرهٔ مجلس مبعوثان بجا آورده نتوانستند . بمجردی که یک گلولهٔ عثمانی برسطح یکی ازکشتیهای جنگی شان کفید بمقابل نزاکت خودشان بهمین قدر هدیه که گرفته اکتفا کرده بقل بقل عقب کشیدند . این را ما بیزدلی وبچگی شان نمیشمریم . ولی ما بازهم تشکر میکنیم که درچنین روز مسرت اندوز ما را فراموش نکردند وبصداهای طوپ خودشان مراسم افتتاح مجلس مبعوثان ما را یک رنگ باوقار وپر احتشام دیگری بخشیدند .

بیغیرتی وناجوانمردی ایطالیانها

مثالهای ناجوانمردی وبیغیرتی ایطالیانها درینجا به براهین قاطعه ثابت گردید . بیگاه بربندرها وشهرهائیکه دانسته قوت مدافعه را مالک نیستند هجوم نمودند . مانند طرابلس ، وبنغازی ، وسواحل بحر احمر وبیروت را بزیر طوپ گرفتند . ولی درجاها با مدافعه گردن خم نمودند . ومانند کرکسهای لاشه خوار هرجا که یک لاشهٔ بیحرکتی یافتند بران نشسته منقار زدن گرفتند . (جزایر بحر سفید) یکی از ولایتهای والی نشین دولت عثمانیه است که مرکز آن جزیرهٔ (رودوس) یاد شد . جزیرهٔ رودوس نیز مانند دیگر جزیره‌ها بیقوت مدافعه بود . ازآنرو برآن هجوم برده ضبط نمودند .

اینهمه عاشقی بالای غمهای دیگر

رفیق ما (صباح) ازاخبار (نوسیه چاتونغ) جرمنی نقلا مینویسد که خلاصهٔ آنرا درینجا مینگاریم : اعلیحضرت امیر افغانستان برای گرفتن معلومات ازاحوال ترکیا ودرکائنات سیاسیات چگونه چیزها جریان مییابد آثار بیداری بزرگی نشان میدهد . تا بحال افغانستان به اطراف خود تنها با عینک همسایهٔ خود یعنی دولت انگلیس میدید ولی درینوقت این عینک را کافی نمیبیند . چونکه درین زمانهای آخر در آسیا علی الخصوص در دو همسایهٔ افغانستان بسی انقلابات عظیمه بوقوع آمد . دولت بزرگ چین بجمهوریت منقلب گردید . تبت ومنغولستان قریب است که بجریان سیاست بین الملل درآید . ایران بجریان این سیاست گرفتار آمده وبرای محو وغرق شدنش دیگر باقی مانده است . لهذا اعلیحضرت امیر دانای دوراندیش افغانستان بخوبی دانسته است که حالا وقت وزمان آن رسیده که افغانستان بموجب وقوعات جهان باخبر گردد . وتدبیرهای بسیار لایق ولازمه بکار ببرد که افغانستان را ازافتادن درچاه محو وانقراضی که ایران دران افتاده نجات دهد .

ایضاح کیفیت

درباب افغانستان وایران

دربسیاری ازصحایف اخبار ، مسئلهٔ تجاوز نمودن عساکر دولت خداداد افغانستان برحدود ممالک دولت علیهٔ ایران ، ازجهت سیستان درج وانتشار یافته است که بیشتر آنها ازحقیقت حال بیخبرانه بسط مقال نموده اند . لهذا بنا بررفع کردن شبهات ، وتصحیح نمودن روایات بالای صفحات بایضاح کیفیت لزوم دیدیم :

این یک معلوم همگانست که درین اوقات اخیره بسبب انقلابات عظیمه داخلیه که درایران بوقوع آمده ، دیگر آن یک حکومت حاکمه که برهرطرف ملک قوهٔ اجرائیهٔ خود را بصورت مستقلانه اجرا بتواند موجود نبود ، در اطراف وجوانب ملک چندتن یعنی جاهطلبان خودسر لجام بعضی بنام طرفداران شاه وبعضی بنام حریت پرست ، علمهای شقاوت وبغاوت را برافراشته چنانچه بختیاریها ، وسالارالدوله‌ها وغیره مثالهای ظاهره وآشکار آنست .

اینهم معلوم است که ملک (سیستان) بردو حصه منقسم است : یک حصهٔ ملک آن ضمیمهٔ ملک افغانستان ویک حصهٔ آن ضمیمهٔ ملک ایرانست . چندی پیش ازین مردمان سرحدی که درعلاقهٔ سیستان ایرانی میباشند مرتکب چنین جاهطلبیها مسلح شده ازحدود تجاوز نمودند ، وبرمردمان سرحد سیستان افغانی هجوم وحمله بردند . یک دوتن رعایا وبقدر ده پانزده نفر ازمردم رعایای افغانستان را مقتول ومجروح نموده مال ومواشی زیادی نیز غارت بردند . دولت علیهٔ افغانستان بجز اینکه یکمقدار عسکر ودوقطعه طوپ برسرحد مذکور برای محافظهٔ حدود مملکت خود از تجاوزات شقاوتکارانهٔ گردنهای سرسری بیفکر بفرستد ، ومملکت خود را مدافعه کند ، واشقیا را تنکیل وتعقیب نماید ، ویک ضمیمهٔ تداخلی بگیرد دیگر هیچگونه حرکات تجاوزی اقدام نموده است .

اما عجیب تر اینکه از تجاوزات جوابیهٔ صحیح خودیکه ایران بر حکام مجلس ملی داده اند تجاوزات در بیان نیاورده ، وتهمت تجاوز را بروضعیت تداخلی نهاده اند . حالانکه اگر بدیدهٔ انصاف وحقیقت نظر شود ، معلوم میگردد که دولت علیهٔ خداداد افغانستان درین مسئله تاچه درجه حزم وتحمل بکار برده است .

مقاله مخصوصه

— از تماشای یک ماشین خانه چه عبرت گرفته میشود؟ —

در کائنات نظر میکنیم: هیچ چیزی را جامد و بیحرکت نمی‌بینیم همهٔ اشیا یا بالذات، یا بالواسطه متحرک است. برکت در حرکت است، حرکت حیات است، بیحرکتی ممات!

خلاق عظیم الشأن این عالم را برای اظهار فرمودن آثار قدرت و حکمت بالغهٔ ذات اقدس بیهمتای خود، از نیستی محض (کائنات) نام یک ماشین خانهٔ پرکار و قدیمی را خلق و هست فرمود. (طبیعت) نام یک ماشین کارپرداز بیشمار را پدید آورده و حرکت آن مأمور نمود. افلاک یکی از دستگاه‌های ماشین این ماشین خانه است که هر عالم و هرجا دور و حرکت کننده‌اند و در ازای ابدی خلقت شأن بیحساب همه در آن ظاهراً از دور و حرکت باز نمانده و نخواهد آمد. شمس منیر را برای کارخانهٔ (عالم سیارات) یک پیشخانه و یک بخاری مقرر فرموده که بواسطهٔ ضیا و حرارت جاذبه دار خود عالم سیارات را به دور و حرکت حیات بخشی در آورده. ثوابتی را که ثابت می‌بینید باز هم ثابت و بیحرکت نیست بلکه هر یک دور و حرکت مخصوصی دارند که از بسیاری دوری آن از ما و فراخی و وسعت فضای مجتمعاً ثابت دیده میشوند. اما چه دوری! دوری که ذهن فکر بشر از تعیین کردن عاجز ماند و آن اعتراف عجز بنماید. و چه فراخی و وسعت! که وهم و قیاس و امکان حساب همه در آن محو و نابود میگردد.

والحاصل چون در اجرام سماوی نظر کنیم هیچ یکی را بی دور و حرکت نمی‌بینیم، و باز چون بر زمین ببینیم هیچ چیزی را آرام و بیحرکت نمی‌یابیم! ابر بحرکت شده باران میبارد، و دهقان تخم می‌پاشد، حرارت، آب، خاک، هوا می‌پرورانند، آسیا آرد میکند، نان وانان می‌پزد، و انسان از آن عرق جبین سیر یافته نان کلال میخورد. حضرت سعدی میفرماید:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند ‌ ‌ ‌ تا تو نانی بکف آری و بغفلت نخوری
همه از بهر تو سرگشته و فرمان بردار ‌ ‌ ‌ شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

جویبارها، آبشارها، دریاها، حیوانات، نباتات، حتی جمادات همه در یک حرکت، در یک دور، در یک فعالیت، در یک کارگذارند. حیرت! حیرت!

حالا از سخنان زمینی و آسمانی در گذر شده و در یک ماشین خانهٔ صنع بشری داخل شده ببینیم که از حرکت چرخها و آلات رقم رقم آن چه عبرت گرفته میشود.

اولاً: قاعدهٔ (تقسیم اعمال) یعنی رسم کردن کار را که در کتب علوم سیاسیه، و اقتصادیه بزرگی کاغذ میخوانیم در یک فابریک یعنی ماشین خانه آن قاعده را مجسم و مشخص می‌بینیم. اول یک پیشخانه می‌بینیم که آب را به بخار تحویل داده و در میان دیگ‌های بزرگ آن بخار را بتضییق و فشار پری میسازد. و این عمل اول قاعدهٔ تقسیم اعمال است که اگر یک دولتی آنرا تطبیق و قیاس کنیم زغال سنگ یا هیزم سوخت آنرا عبارت از قوهٔ (مال) و (عسکر) آنرا میدانیم. و قوهٔ تضییق و فشار بخار را آنرا شبیه به قوهٔ (تدابیر عقلیه سیاسیه) آن میشمریم که اگر این سه چیز مفقود شود ماشین خانه بیجان و معطل و بیکار میماند.

دیگ بخار بقوت تضییق و فشار بسیار موثری بخار را نسبت بعد و کار دیگر یک ماشین خانه دایره دایره مختلف تقسیم میکند، هر دایره که موظف بهمان کار است باز آنرا بر صدها شعبه تقسیم نموده و در ادای حق و صلاحیتی که در آن دایره خود داشته باشد آزادانه آنرا بکار می‌برد. تضییق و فشار بخار ماشین، در حکومت بقوهٔ (تشریعیه) یعنی قوتی که احکام اوامر دولت را بصورت قوانین و دستورالعمل‌ها وضع میکند مشابهت میرساند. و قاعدهٔ تقسیم آن بحرکت در آوردن چرخها و کارخانه‌ها کارگاه‌ها بقوهٔ (اجرائیه) یعنی قوتی که آن قوانین را بر طور اطلاق اجرا نماید و آنهم چنانکه دوایر هر کار و دولت مشابهت میرسانند.

بخانهٔ سوزن و یا کیسهٔ کاغذ قطعه بازی چه قدر خورد و بی اهمیت چیزیست ولی از قاعدهٔ تقسیم اعمال یعنی رسم کردن کارها بواسطهٔ ماشین خانه‌ها نباشد یک دانه سوزن و یا یک کاغذ قطعه را صد آدم یک ماه بوجود آورده نمیتوانند. حالا اگر بسبب رعایت قاعدهٔ تقسیم اعمال ماشین خانهٔ ده نفر دو کار با آلات و ادوات کسب شغل بر بنا شده بجهد و رقم کارها اجرا کرده چهل و هشت هزار سوزن میسازند که هر آدمی چهار هزار و هشتصد سوزن می‌افتد. و بهمان در کارخانه‌ای که کاغذ قطعه بازی ساخته میشود باوجود یکه بهر کاغذ قطعه چندین رقم عملیات اجرا میشود سی الی چهل نفر در روز در روزی پانزده هزار کاغذ قطعه بازی ساخته میتوانند که اگر چه این جهت در رقم کار بر گردن یک نفر دو کار را باشد در روز یکی هم ساخته نمیتواند.

حالا از این عملیات تقسیم اعمال یک ماشین خانه چه عبرت گرفته میشود این است که انسان در همهٔ اعمال خود می‌باید که همین قاعدهٔ تقسیم اعمال پیش گیرد. مثلاً اول در صرف اوقات شبانه روزی خود قاعدهٔ تقسیم را رعایت کردن لازم است. هر آدمی که همه سوداگری، یا هر پیشه ور که قاعدهٔ تقسیم اعمال را در اوقات شبانه روزی خود تطبیق کند بسیار سعادت می‌بیند. زیرا هر انسانی که درین دار فانی زندگانی داره برای معیشت خود مجبور است که برای معیشت دیگران خدمت کند و دیگر برای معیشت دیگران خدمت کند معیشت خودش صورت بگیرد و بکشاد.

اگر زارعی گرسنگی بافنده را گندم کارد، بافنده جامه برای او تدارک کرده نیز داد. لهذا همه افراد جمعیت بشریه به سعی و عمل مجبور است. این سعی و عمل خود در این پرسش که بموجب قاعده تقسیم اعمال و اوقات تقسیم و تطبیق شده بیجا و قوتش ضایع نمیشود. و چون قوتش ضایع نشود از عمر خود بهره میبرد. و چون از عمر خود بهره ببرد خیرش هم بخودش و هم به ابنای جنسش رسیده میباشد.

از تماشای ماشین باز این عبرت بهم میرسد: که چنانچه هرچند همه آلات را در کار. و هیچ چیزی را معطل و بیکار نمی‌بینیم همچنان آن کارها و عملها را بی انتظام و بیقانون هم نمی‌یابیم. همه آلات خورد و کلان متحرک که در یک کارخانه دیده میشود همه حرکات آن در زیر یک قانون و نظام با قاعده در حرکت میباشند که یک آن از همان قانون لاتغیری که برای آن وضع شده تخالف نمیورزند. و هرجا یک وتیره و یک طرز و یک آهنگ حرکات منظمهٔ خود را دوام میورزند که از نظام و قانون نباشد یک آهنگی و یک رنگی حرکات پیدا نمیشود. و چون یک آهنگی و یک نسقی در کار پیدا نشود هر چرخ و هر آلات ماشین خود بخود درهم خورده و نتیجهٔ سعی و کوشش آنها بجز شکسته شدن و از کار افتادن دیگر ثمری نمی‌بخشد.

و الحاصل تماشای یک ماشین کارخانهٔ عبرتنمای باعث این میشود خلاصهٔ آن عبارت از این چند چیز است: حرکت، فعالیت، سعی و عمل، قانون و انتظام، تقسیم اعمال، تقسیم اوقات، توحید مساعی — یعنی یگانگی. سیما که نتیجه و ثمرهٔ این کارها در ماشین کارخانه‌ها که از زغال چراغ حاصل واردن صنعتها رقم رقم محصول میشود و اگر ما انسانها این چیزها را در عملهای بشری خود تطبیق نماییم، نتیجه و ثمره‌اش سعادتها و ثروتها و خوبیها میشود. [انتها]

تاریخ کرهٔ زمین

مابعد از نمره ۱۷

دورهٔ دوم — (مدت ثانویه) است که آنرا (مدت سیلوری) نیز میگویند. در طبقه‌ها و سنگپاره‌های این مدت (متحجرات) نباتات و حیوانات بسیار بسیط و ساده مشاهده میشود. در این مدت از حیوانات (نامیه) یعنی (جانورهای نرم بی‌استخوان) مانند کرمها، حلزونها، و (حیوانات مفصلیه) یعنی (جانوران نرم بند دار)، و (حیوانات شعاعیه) یعنی (جانوران درخشنده) نو بظهور آمده و پیدا شد. بیشترین حیوانات این عصر عبارت از حیوانات نامیهٔ نرم بود.

دورهٔ سوم — (مدت سنگ) است که آنرا (مدت دوونی) نیز میگویند. متحجرات این مدت هم بسیار است. و هم از متحجرات پیشینه حیوانات و نباتات عظیمتری را شامل است. در متحجرات این دور اگرچه حیوانات مفصلیه و نامیه و شعاعیه بسیار دیده میشود و علی الخصوص از نوع سنگماهی ماهیان بسیار دیده میشود. اثرهای نخستین نباتات و حیواناتیکه مخصوص خشکی امکنه‌ای شایسته است در سنگهای این مدت دیده میشود.

دورهٔ چهارم — (مدت فحمی) یعنی مدت زغال‌سنگ است که آنرا (مدت کاربون) نیز میگویند. در متحجرات این مدت از (حیوانات زاحفه) یعنی حیواناتیکه بر سینه میروند اثرهای نخستین ظهور آن دیده میشود. (حیوانات ذوالمعیشتین) یعنی جانورانیکه هم در خشکی و هم در آب زندگانی دارند، و حشرات صغیره مانند ملخ، و ماهورلک و غیره، و (حیوانات قشریه) یعنی جانوران پوست دار مانند سنگ‌پشت و خرچنگ و غیره در متحجرات این مدت دیده میشود. از جنس نباتات (سراخسیه) مانند ارچه و چارمغز و جلغوزه و غیره. در این مدت نشو و نمای زیادی دیده میشود. زغال‌سنگ از محصولات نباتات این مدت است. در این مدت حرارت قشر کرهٔ زمین از این وقت بارها بیشتر و فزونتر بود. و در هوای محیط آنوقت جوهر (کاربون) نیز خیلی زیاده‌تر بود. از آن سبب در آن مدت قوهٔ نامیه بسیار ترقی کرده هر نوع نباتات و اشجار که در این وقتها دیده میشود در آن وقتها بعدها بار بزرگتر و غلیظتر بوده. از نباتات این وقت بوده است که این را متحجرات معدنهای زغال‌سنگ نشان میدهد. در آن زمان بزرگ بزرگ کل جنگلها و بیشه‌های عظیمه بر روی زمین بوجود آورده و از خط استوا تا قطبها همه روی زمین را فرا گرفته بود. در آنوقت حرارت مرکزیهٔ زمین هم پخته شده و بر قشر زمین تبدلات و حادثات پیدرپی عظیمه بوقوع می‌آورد. و بارها از شدت آتش بر هر طرف زمین میشکفت. نهیب‌های عظیم آسمانی که همهٔ آتش‌فشانی هوای محیط زمین را بیجا تحویل داده و طوفانهای عظیمه را سبب میشد. و آن طوفانها همهٔ آن جنگلها را زیر و زبر کرده در طبقه‌های زمین مجموعها و بازآبها جذب شده و در جاهای چقور گود دایما جمع می‌آمد و فعل تجزیه — یعنی سرد شدن روی زمین بعدها بعد عصر و دهر آبعد و هر افزونی میگرفت که آن جنگلها در طبقات زمین تحجر — یعنی سنگ شدن گرفته زغال‌سنگ را بوجود آورده است.

دور پنجم —— : (مدّت زاحفه) است — یعنی جانوران بی پستانی که بیضه را میپرورند، و حیوانات نامی درین عصر به کمال رسیده و پیدا شدند — یعنی بسیار بزرگ شده پیدا شدند حیوانات زاحفه که در حقیقت شایان ذکر پیدا شده این چند چیز است که در حقیقت بجز تحجّرات آنها از خودشان اثری نیست. از انجمله (ایختیوسورس) نام حیوان دریائی بود که سر و دندانهایش به تمساح — یعنی نهنگ مشابهت داشته و از ده قدم تا سی قدم درازی پیدا داشت. دیگر (پلاسیوسورس) نام حیوان بسیار عظیم الجثّه بود که سر و گردنش بمارها مشابهت میرسانید. از نوع پرندگان (پتروداقتیل) نام حیوانات بسیار جسیم بالدار موجود بود. و درین عصر سنگهای بسیاری دیده میشود که نخستین بار حیوانات (ذات الثدی) — یعنی جانوران پستان دار در لکه های سنگ پارهای این مدت بنظر برمیخورد.

دور ششم —— : (مدّت ذات الثدی) یعنی حیوانات پستان دار است که در حقیقت بسیاری از جنسهای بسیط حیوانات و نباتات نو منقرض شده و پیدا شده در حقیقت (سالمون) و (رنگا) نامان ماهیان دریا از سنگ ماهی افزونتر دیده میشود. و در حیوانات و نباتات جنس انواعهای مکمل‌تر بظهور می آید. و درختهای بید و چنار و خرما دیده میشود. حیوانات پستان دار کثرت و غلبه پیدا میکند. و در حقیقت از جنس حیوانات ذات الثدی (پالوتری یوم) نام حیوان بزرگ و ثقیل یعنی دراز، و (دینوتری یوم) نام حیوانی که بسر و خرطوم بفیل شباهت میرسانید. اما دندانهایش بسوی پایان برگشته پیدا شد. و (ماموت) نام فیلی که آنرا فیل حجری نیز میگویند. و (مغاتریوم) نام حیوانی که از جنس کرگدن بزرگ بود در تحجرات این مدت پدیدار است.

دور هفتم —— : (مدّت بشر) است که همین دوریست که ما درآن هستیم. حیوانات ثقیل الجثه که روی زمین را ضبط کرده بودند درین دور هفتم نیست شده و رفته اند. و جای آنها را حیوانات کوچک‌تر و ظریف‌تر از آنها گرفته اند. مگر طلب خلاق اعظم کائنات در یک مقدار دوره ها کره زمین را اصلاح کرده و از حالی بحالی انقلاب داده و داده تا بدرجه که یک مسکن دلکش و لایقه گردانیده. و اوراق تقویم دوره ایام کائنات یک رونق حسنی را پیدا کرد، و در آنوقت جنس قویم نوع شریف انسان را بظهور آورد و کره زمین را باهمه موجوداتش به او بخشید. اگرچه در اوایل این دور نیز تبدلات و حوادثات بسیاری در قشر کره زمین بوقوع می آمد و طوفانها و زلزله های دهشتی قشر زمین را زیر و زبر مینمود ولی بدرجه دهرهای سابق نمیشد که انشاءالله از تبدلات دهر حاضر بعد ازین در فصل مخصوص آن بیان خواهیم کرد. حالا باز بر تحقیق تاریخ کره زمین رجعت کرده در محاکمات و تطبیقات بیانات بر روایات کتب مقدسه سماویه، و تفصیلات (فن ژه اولوژی) بقدری توغل و تتبع نمائیم:

محاکمات و تطبیقات

اگر یک قدری غور و دقت نمائیم در بین (سفر تکوین المخلوقات) تورات شریف و تقسیمات ادوار (فن ژه اولوژی) را بجا یک تطبیق و برابری معقول و نیکو پیدا کرده میتوانیم، زیرا درینجا یگانه اشکالی که وارد و — تطبیقات فن با کتب مقدسه سنگ راه میشود همانا لغت کلمه (یوم) — یعنی (روز) پیدا شده. این یک معلوم است که (روز) نام یک پارچه ایست از پارچه هایی که زمانه را تشکیل داده.

پس حالا اگر ما کلمه (یوم) را که در تورات فرموده شده و بکلمه (دور) یا (مدّت) تعبیر کنیم و مدّت هر طبقه زمین را که فن طبقات الارض آنرا اثبات نموده و بیک روز که سفر تکوین المخلوقات بیان فرموده تطبیق نمائیم اختلاف را تا یکدرجه برطرف کرده خواهیم بود.

عالم علامه که لغات (اختری) را تصنیف کرده در تعبیر (یوم) ظاهر و ثابت ساخته گفته است که معنای (یوم) برین شامل و مخصوص نیست که عبارت از زمانی باشد که از وقت طلوع آفتاب از طرف شرق تا وقت غروب آن بطرف غرب یا باز تا بوقت طلوع آن مراد گرفته شود بلکه لفظ (یوم) یک تعبیر عام و وسیعی است که نام یک قسمی از وقت و زمانه میباشد. مثلاً (یوم القیامه) یعنی (روز قیامت) چنان یک روزی شمرده نمیشود که عبارت از وقت طلوع آفتاب تا بغروب یا از غروب تا بطلوع دیگر باشد. بلکه یک وقت مدیده ایست که روز بیست و چهار ساعتی در پیش آن از ثلث یک ثانیه هم کمتر میماند.

غیر از این دیگر بعضی تمثیلات نیز داده شده که روز از همین طلوع و غروب شمس بیرون انداخته مثلا : « یک روز قیامت برابر هزار روز دنیاست » یا آنکه « لیلة قدر از هزار ماه خیر تر است » یا آنکه : « هر روز خداوند تعالی در یک شأنی است » . این روزها که فرموده شده هیچگاه روز و شب معروف و معلومیکه ما میدانیم نیست قدرتها و حکمتهای قدسیت ربوبیت در هر روزی بلکه در هر لحظه و هر لمحه و هر عصر و هر دهر و هر زمانه بدیگر شان و دیگر الوان ظهور و تجلی میکنند . تعبیر هزار نیز همین عددی که بعد از نهصد و نود و نه می آید نیست بلکه تمثیلا فرموده شده و هم چه حاجت ! هرگاه چیزیکه بیان « روز » گفته میشود عبارت از همین مدت طلوع تا به غروب یا طلوع تا به طلوع میبود در سفر تکوین المخلوقات تورات شریف از خلق فرمودن خود آن روزها در یک روز چسان خبر داده میشد ؟ از خلق شدن خود روز در یک روز چنان مفهوم میشود که مخلوق مذکور یعنی روز برای مدت خلقت خود ظرف زمان میشود که در آن حال از خلق شدن ظرف پیش از مظروف خبر دادن لازم می آید . حال آنکه در تورات شریف خلق آفتاب و مهتاب و ستارها در روز چهارم بیان فرموده شده که اینهم مخلوق شدن مظروف پیش از ظرف لازم می آید . لهذا روز عبارت از همین مدت طلوع و غروب آفتاب گفته نمیشود .

حالا نتیجه نظر را میگیریم که وقت و زمانه که به اصطلاح تورات شریف روز گفته شده و آن وقت و زمانه در اصطلاح فن (ژه ئولوژی) یعنی علم الطبقات الارض) دور — یا مدت — گفته شده است . و هر روز تورات شریف با یک طبقه از طبقات زمین که یک دور تعبیر شده مناسب می آید .

حالا یک قدری در شش طبقهٔ زمین و شش روز سفر تکوین المخلوقات که تا یکدرجه مورد باب تطبیقات آن کوشش ورزیده محاکمات عقلیه فلسفیه را نیز اجرا کرده در باب تاریخ کرهٔ زمین ختم کلام مینمائیم .

علم الطبقات الارض روز اول را طبقهٔ نخستین زمین که ابتدای قشر بستن زمین است — یعنی (مدت خالیه) اعتبار میکنند که ذاتا تورات شریف نیز از هر چیز خالی بودن آنوقت زمین را اشعار میفرماید و ابتدا خلق فرمودن روشنی و تاریکی نیز در آن روز بیان شده و خلق شدن آفتاب و مهتاب و دیگر اجرام سماوی در دیگر روز گفته شده نیز تماما بفن مطابق است . زیرا برای موجود بودن روز مطلق بودن آفتاب لازم نمی آید چنانچه در روزهای ابر و دمه — با وجودیکه روشنی روز موجود است . ولی آفتاب پدیدار نیست . و هم اگر یک قدری بغور و تدقیق کرده شود و عقلا معلوم میشود که همچنین باشد . زیرا در ابتدای خلقت کرة الارض هنوز یک آتش حوالی بود که هوای محیط آن عبارت از یک بخار و دود غلیظ و کثیفی بود پس در آن حال طبعا از میان آن کتلهٔ عظیمهٔ بخار پرغبار آفتاب دیده نمیشد . ولی روشنی روز و تاریکی شب موجود بود . در همین این دور تا به دور دوم که روز جدا کردن آبهای طرف زیر را از طرف بالا و اسطه خلق کردن آسمان است زمانهای بیشماری که مرور کرده عبارت از همان دوریست که (ژه ئولوژی) آنرا (مدت خالیه) تعبیر نموده است .

روز دوم همان دور دوم (ژه ئولوژیست) که آنرا فن مذکور (مدت سیلوری) گفته است . درین دور بسبب زیاده تر سرد شدن و تکثف شدن قشر زمین بخار محیط آن به آب تحویل یافته یکبارهگی بر زمین ریخته است . و چون درین دور هنوز حرارت زمین به درجه که آب را محافظه کند نبود و آبهائیکه بر روی زمین میریخت باز بخار تحویل یافته بالا صعود میکرد درین دور بار بار طوفانهای عمومی بر قشر زمین بوقوع آمده و زلزلهای شدیده پستیها و بلندیهای رنگارنگی بوجود آورده . و موجب سردی و سختی قشر زمین شده . و رفته رفته کم کم آبها بر روی زمین ایستاده شدن گرفته است .

روز سوم همان دوریست که آبها و خشکها بوجود آمده . حیوانات بحری پیدا شده . و نباتات روئیده . و زمین زیاده تر سبزی حاصل کرده

ولی باز هم از هرج و مرج و وزیدن برشته نباد ، وطوفانها ، وتشکیل وادن طبقه ها فارغ نمانده که این دوره را ژئولوژی (مدت دوم) گفته است .

روز چهارم بیان دوریست که ژئولوژی آنرا (مدت کاربون) گفته است . ودرین دور بسکه زمین خوب تختی وسردی پیدا کرده دریاها ، وتالابها ، وجنگلها بوجود آمده ، وهوای محیط کره زمین که تا آنوقت از یک تله عظیمه بخار غلیظی وغازاے مختلفه کثیفی مرکب بود آهسته آهسته ازان غلاظت وکثافت برآمده ، وآفتاب ومهتاب ودیگر اجرام سماویه پدیدار گردیده است که باینصورت روز چهارم سفر تکوین المخلوقات تورات شریف تأویل حسنی را با تطبیق فن حاصل میکند .

روز پنجم سفر تکوین المخلوقات با (مدت زاهد) فن ژئولوژی مطابق می آید که درین مدت حیوانات مختلفة الجنس ونباتات متنوع بسیار بزرگ جثه گے ونشو ونمای فوق العاده ظهور نموده است .

روز ششم بیان دوریست که حیوانات پستاندار پیدا شده وحیوانات قوی الجثه پیشینه مورد انقراض یافته جای آنها را حیوانات کوچکتر وظریفتری گرفته است که در آخر این دوره نوع شریف انسان نیز بظهور آمده وبود درینجا که همین مدت هفتم است قدم نهاده است .

این است که درباب (تاریخ کره ارض) همین قدر اعلی معلومات پرداخته توانستیم . واین راهم گوئیم که تحت حساب سالها وعصرها ودهرها وزمانها تا آنکه دریا همین یک دوره تا دیگر دوره مرور نموده بجز جناب خالق کون ومکان جل وعلی دیگر کسی نمیداند . تنها فقط همین قدر ثابت میشود که تنها تبدیل یافتن حال نباتی بحال فحم حجری بهزارها بهزار سال موقوفست . پس بعجز ونقصان معلومات بشری اعتراف ، وبر علمیت وقدرت وبحتائی خالق علیم الشان اقرار بدل وزبان نموده از قول شاعر میگوئیم که :

ما ز آغاز و ز انجام جهان بیخبریم
اول و آخر این کهنه کتاب افتاده است

[انتها]

مواد عسکریه

ما بعد از نمره ۱۷

« سخنان قولی که پیشتر مصداق قوه فعلیه شده است »

شهنشاه عظمت که (ناپلیون) مشهور در تاریخ (۱۸۰۶ ، ۱۸۰۷) میلادی برای عسکر خود (با پروسیا) بیان نموده است :

عسکر ! [illegible]

عسکر ! [illegible]

عسکر ! [illegible]

[ما بعد در نمره آینده] (ناپلیون) ۱۷۰۶

عالمهای ژاپان :

ما بعد از نمره ۱۷

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[ما بعد در نمره آینده]

قصیده

زادهٔ طبع گهرفشان شاعر شیرین زبان ملا عبد العلی المتخلص بمستغنی
در کیفیت بنی مگل شقاوت پیشهٔ بدعمل

ای بشیرین سخنی در همه آفاق مثل دو لبت قند مکرر دهنت شهد و عسل
تلخ کامیم ز دشنام لب شیرینت قسمت ما ز عسل چند نمائی حنظل
شد خجالت که خجالت برد از [illegible] زین هوس خواب پریده ز دو چشم [illegible]
بنمایدم غمزه دو طومار بگو پیچیده زلف و دلت بچه دستور عمل
چشمت از جان من خسته چه خواهد آخر دل و دین برد ز دستم بنگاه اول
از دم تیغ تو بیرون نرود تا به ابد این نگین کنده بنام تو شد از روز ازل
ای گل خال برای تو نوشته تقویم امشب خوبی که گشته [illegible]
ایدت سنگ دل شیشه شدم [illegible] جان من تا بکی این سنگ [illegible] بخیل
هر دم ای دوست مرا زین غلط مشکین چه ره آه کین چند جز تیغ ندارد [illegible]
بست کوتاه چرا دست من از دامن گر دراز است سر زلف تو از طول امل
غیر تا چشم بروی تو رفت از در دشمن [illegible] سیل شیم دیده و چون مکحل
میشمارند عزیزان غم هجر حلال گشته تا شوخ غزالی چو تو [illegible]
دیده ام روی تو تا دیگی این هر دو لیک برعکس بگی ماه دو هفته دول
از خدا عمر سر زلف تو خواهم دراز تا به او شرح غم خویش نمایم ز اول
از دهان تو چه گویم که [illegible] هیچ [illegible]
[illegible] [illegible]
قوم بی پا و سر با بنی مگل که بود ظاهر و باطن این قوم پر از مکر و حیل
نوبت چند شد این قوم مخالف با شه کس ندارد ز دول این قوم دغا یاد دغل
مردم وحشی این مردم نامردم دو وحشی چند و جبال دو سه بر تیغ و جبل
سر عیوق فلک برشده کوهی سرجا لیک هر کوه ز اشجار سراپا جنگل
گوش کن قصهٔ این قوم بغاوت پیشه تا بتفصیل کنم شرح و بیان [illegible]
شاه جم جاه و فلک قدر (سراج ملت) آنکه هست از بر او تاج [illegible]
یافت چون این همه را شور بغاوت در سر چون دماغ همه را دید ز سودا مختل

بهر آن طایفه این شاه رعیت پرور موعظت نامهٔ اصلاح فرستاد اول
موعظت را بدل مفسده جاهل چه اثر زنگ چون آینه را خورد نگردد صیقل
خون فاسد نکند اصلاح بغیر از نشتر نیشتر دفع کند ریخ مواد و علل
چون نشد کارگر آن پند و نصیحت ناچار بعد از آن از پی تنبیه و مکافات عمل
فوج جنگی و نظامی شه منصور سپاه بر فرستاد بر آن طایفه [illegible]
بشنو آن فوج ظفر موج که دام استحکام که ز [illegible] هر یک از آن فوج اجل
جمع زراد و دلیران شه آفاق ستان هر یکی از پلتن [illegible] اجل
کوتوالی که بود از دل و جان [illegible] جمع شیران دغا پیشه سپاه [illegible]
گشته یک غنچه [illegible] آنکه رفت است [illegible]
هر یکی تشنهٔ خون و سر [illegible] هر کدام از دل و جان [illegible]
هر یکی را بکف دست تفنگ [illegible] [illegible]
هر یکی تیغ بیفراخته [illegible] هر یکی تیر [illegible]
سرور و سر کردهٔ آن فوج [illegible] کرد جرنیل شجاعت منش [illegible]
نادر دوره [illegible] آنکه ثانی بود [illegible]
جوهر تیغ شجاعت [illegible] آنکه در کار نظام [illegible]
غرض این افسر جان باز [illegible] سر و جان باختن [illegible]
چون شد این افسر [illegible] تا سر کوه [illegible]
[illegible] [illegible]
بسته بودند سر راه [illegible] غالب [illegible]
[illegible] [illegible]
نوبت چند شد این مفسده [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
بر سر راه [illegible] [illegible]
[illegible] که بپایش سر تسلیم [illegible]
[illegible] بر یکی از فوج فرستاد [illegible]

فاجعهٔ پاریس

ما بعد از نمبر ۱۷

— چه میخواهید مادام ؟ [illegible]

قوتیلد با یک صدای لرزان و پستی که باز هم یک نوع آمرانه از آن معلوم می شد گفت :

— رجا میکنم به (مارکی دو [illegible]) خبر بدهید که (دو تیش دو وندال) از شما آرزو می [illegible] که [illegible] در الحضور خود قبول کنید :

خدمتگار چون این عبارت (دو تیش دو وندال) را شنید بقدر یک چند ثانیه یک طور احترامکارانه گرفت . ما بعد از آن چون دانست که در پاریس [illegible] خودش آن را [illegible] قوتیلد را مخاطب نمود گفت :

— این خبر دادن وظیفهٔ من نیست . اگر مادام [illegible] در عقب من بیایند که به نزد خدمتگار [illegible] حضرت مارکی [illegible] بخواهید بود .

این را گفته به پیش روی قوتیلد افتاد . و بر زینه بالا شدند از کفش یک کوریدور و در بسیار زینتی که چوبهای در و دیوار آن از چوب آبنوس ، و زمین آن با علی ترین قالین ها [illegible] مفروش بود در آمد ، و در آنجا [illegible] یک زنگی را زد [illegible] از پشت یک پرده که بالا شد یک خدمتگار منظم قیافتی که از سر تا پا لباس سیاه [illegible] در بر داشت ، و کف و کالر و سینه پیراهنش خیلی سفید و دستمال گردنش نیز بسیار سفید بود ، و [illegible] دیکبار بسوی قیافت زن ، و باز بسوی خدمتگار نظر کرد و [illegible] و حرکت سر رفیق خود را استجواب نموده رفیقش گفت :

گرد آن شاخ پریشان چو هوس عاشق
طینت دو سه زان سلسله و زان جنت عمل

سر صد و چند نظر گشت ازان قوم قتیل
خوب دیدند مکافات بد سوء عمل

دیگران از تف آن واقعه دل از جا
سینه از آتش دل تفته بسان مشعل

جنگ را پشت نمودند روان رو بگریز
رخ بیابان بنهادند به آب اکحل

چون گذشتند بصد ناله گریزان از کوه
همچو سیلی که بطرف باد گریزد ز جبل

چاره خویش ندیدند دگر غیر گریز
گر کسی راست نشنیدم که گریزد ز اجل

خود که یارد چنین فتح جگر داد بعد
کرده اند چنان لشکر خونخوار جدل

همه ماندند زبیم سر و جان متزلزل
چون ددان کوه گرفته بدل جنگل

حال شان مضطرب و حیران شد و ویران منزل
دین و دنیا بکلی جمله فروشد مختل

آخر ای خانه خرابان بچه خواهی دگر
خانه ویران شد و اقبال بید و ادبار

چون دگر چاره ندیدند بغیر از تسلیم
تن بسپردند ز تدبیر بتقدیر ازل

جوا از جهت تقصیر رسن در گردن
وز پی عذر معاصی همه قرآن به بغل

عفو خواهند ز شاهنشه کیوان منزل
عذر آرند به پیش شه خورشید محل

آنکه در علم و دین عصر ندارد ثانی
آنکه داده است خداوند بدو علم و عمل

شاه آفاق ستان آنکه بهر کار بهست
داده بش فتح خداوند جهان عز و جل

نصرتش باد بهر دشمن دین و دولت
دولتش باد چو دین خود ابد از جاه و دول

شد مطول سخن مختصر ای طبع روان
گرچه خود خیر کلام آمده ما قل و دل

تا که گفتست باین لطف چنین شعر بلند
در چنین قافیه سخت که دارد مشکل

که بود بهره ور از طرح قصاید چو حسن
کیست امروز چو حسن با خبر از طرز غزل

زاده آن خصم [illegible] ساوات حسن
که بود بیشتر از لطف کلامش اجل

مدعی کیست که خصم تو بود (مستغنی)
بچنین طبع گهر خیز درین دور مثل

ادبیات

غزل

ترقی

علم است که بنموده بما راه ترقی
علم آمده محبوبه دلخواه ترقی

بی علم و هنر نیست ترقی بدو دنیا
از علم بلی میرسی همراه ترقی

جان علم و جسد مکتب و اولاد وطن تن
جهل است رضبای جگر کاه ترقی

از علم و ز مکتب بوطن نام نبودے
گر لطف نمیکرد پادشاه ترقی

این عصر سراج است که پرسو شده روشن
از پرتو خاره چون ماه ترقی

از همت شه دولت و هم ملت افغان
چون برق انست بشهراه ترقی

(محمود) ز اخلاص دعا گوید و خواهد
عالی شود این ملک بهواخواه ترقی

— موسیو (ژوزه ف) شما را برای این مادام خواسته بودم!

ژوزه ف [illegible] خدمتگار اوتاق مارگی آیافت کلوتیلد را یک نظر دقت معاینه کرده و از مقصدش سوال کرده، همان جواب اولی که خدمتگار اول گرفته بود او نیز گرفته گفت:

— نمیدانم که آیا مادام در خانه است یا نیست؟

— لطف تحقیق بکنید موسیو.

— آیا مادام لاتونتس یک کارت ویزیت خود شما را مهربانی میکنند؟

— کارت ویزیت ندارم. نام مرا که بگوئید کفایت میکند.

از کارت ویزیت نداشتن [illegible] ژوزه ف تعجبا برآمده بودن او اگرچه علم نبود ولی قبول کردن و نکردن او را بسر خود حل کرده نتوانسته، یک آرام چوکی چرمی بزرگی را نشان داده دنشستن اشارت نموده خود برای خبر دادن باز در پس پرده غایب گردید خدمتگار دیگر نیز بجای خود پس عودت نمود.

کلوتیلد یک صورت بیهوشانه به چوکی خود را انداخته در عالم رنگش کرکاهی، دلش نزدیک بضعف بود در انتظار ماند. بعد از یک لحظه که موسیو ژوزه ف برآمد در چهره اش آثار استهزا و بر لبهایش یک تبسم ریشخند ها نمایان بود و گفت:

— میگویند که مادام [illegible] از شرف شناختن مادام لاتونتس دوراندال محروم است.

[باقی در نمبر آینده می آید]

ناموران جهان

مابعد از نمبر ۱۷

وقتیکه این خبر در مدینهٔ منوره واصل جمع مبارک نبوی گردید بقتل آن فرمان نبوی شرف صدور یافته بدلالت و رهنمائی (آزاد) دستی وغیرت حضرت فیروز دیلمی وجود آن خبیث کذاب از صفحهٔ دنیا ستره شد .

آذرمی دخت — دختر پرویز است که از پادشاهان ساسانیه بود . در زمان حضرت پیغمبر آخر زمان صلی الله علیه وسلم بعد از سقوط (جشینده) نام پادشاه بر تخت ایران جلوس نمود . حسن و جمال بسیار باکمال را مالک بود . عقل و ذکاوت بسیار داشت ملک خود را ببسیار خوبی و درستی اداره کرده است ، حتی هیچ وزیری برای خود نگرفته بذات خود بمصالح امور پرداخت . (فرخ) بن هرمز که از طرف او در (خراسان) والی بود پسر خود (رستم) را بجای خود وکیل گذاشته برای سلام و عرض عبودیت بحضور ملکه آذرمی دخت آمد . و بمجرد بار یافتن بحضور ملکه تیر عشق او را بجگر خورد . تاب و توانائی در خود مفقود دیده ، لاعلاج از عشق خود ملکه را آگاهی داده طلبگار ازدواجش گردید . ملکه آذرمی دخت بفرخ که در آنوقت از بزرگترین و مقتدرترین بزرگان ایران بود پیغام فرستاد که (یک ملکه در زیر ازدواج کسی درآمده نمیتواند ولی اگر مقصدش هم آغوشی و وصال من باشد در فلان شب بفلان جا بیاید) فرخ احمق این وعدهٔ ملکه را بیک شوق شهوت پرستی راست و حقیقت دانسته در وقت موعود بجای معهود برفت و در آنجا بامر ملکه دو جلاد حاضرباش ایستاده بودند . بمجرد رسیدن فرخ بقتلش پرداختند . رستم پسر فرخ چون ازین ماجرا آگاه گردید برای گرفتن انتقام پدر خود از خراسان عسکر سوق کرده شهر پای تخت ملک را ضبط و آذرمی دخت را بانواع عذابها و شکنجها قتل نمود . این همان رستمی است که در زمان (یزدجرد) قوماندان عسکر ایران بوده و بمقابل حضرت (سعد بن وقاص) رضی الله عنه محاربه کرده است و در جنگ کشته شده است . — در بعضی تاریخها (آذرمی دخت) را آزرمی دخت نوشته اند .

[باقی در نمبرهای آینده می آید]

علم ثروت ملک

مابعد از نمبر ۱۷

بصورت جاری شدن آنها گردد . دلیل قاعده این تقسیمات هیچ حتمی ندارد . تعیین کردن حد و درجه‌ها نیز تا جائی ممکن نیست که آیا حدود هر یک ازین صنفها تا کجا است ؟ مثلاً چندین صنف و دو صنف از آنها است که بزراعت تعلق دارد . اما بحقیقت معلوم نیست که آیا بزراعت ، یا بصنایع اعلائیه داخل کردن آن لازم است ؟ اگرچه پیشتر ازین تقسیمات هم در صنایع اعلائیه شود باز هم از التباس بکلی رهائی نمی‌یابند . از یک طرف می‌بینیم که آسیابان ، و دوش والا از اصحاب صنایع اعلائیه شمرده میشود . حالانکه بحقیقت برای زراعت خدمت میکند . از دیگر طرف برزگران چند دکان میکارد ، و ابریشم و پشم بوجود می‌آرد . حالانکه بحقیقت برای صنایع اعلائیه کوشش میورزد . پس ازین مثالها درجهٔ ارتباط ، و رشتهٔ وابستگی صنایع بهمدیگر تا یکدرجه معلوم میشود . خلاصهٔ کلام هیچ اعمالی از هر قسمی باشد بیکدیگر معاون و مددگار ، و هر صنعت بدیگر صنعت کم و بیش محتاج است . چنانچه برزگر برای بیل بآهنگر محتاج است همچنان آهنگر بگندم برزگر محتاج است . بیک صنعت که نقصان عارض شود بدیگرها نیز تأثیر میکند . افزونی یافتن ثروت عمومیه نسبت به استعداد مخصوصه و قابلیت طبیعیهٔ هر مملکت به اجرا شدن آزادانهٔ جمله صنایع ، و باز دران صنایع ترقی یافتن همان صنعتها که بیشتر برای مملکت فایده داشته باشد حاصل میشود .

فصل چهارم

عمل

شرط اول و خشت اول بنیاد استحصال ثروت (سعی) یعنی کوشش ، و (عمل) یعنی کار کردن است .

[باقی در نمبرهای آینده می آید]

همه مقاله‌ها بلا دستخط اداره از طرف سرمحرر تحریر یافته
مدیر و سرمحرر سراج الاخبار افغانیه

بسعی و اهتمام الحاج عبدالباقی پسر نیازی افغان مهتمم چاپخانه دارالسلطنه کابل
بقلم میرزا محمد جعفر قندهاری

صفحه ۱ — سال یکم — نمبر ۱۹

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

نگران
ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت پادشاهی
علی احمد

قیمت سالیانه
در دار السلطنه کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف مملکت با اخراجات ڈاک ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت با اخراجات ڈاک نیم پوند انگریزی
قیمت یک نسخه آن در کابل یکعباسی است

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

اداره نگارخانه و مطبعه
در ماشین خانه دار السلطنه کابل

همه امورات تحریریه به اداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

هر پانزده روز یکبار نشر میشود

تاریخ عربی ۱۵ رجب ۱۳۳۰ — تاریخ انگریزی اول جولائی — تاریخ شمسی ۱۰ سرطان ۱۲۹۱

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات
ترقی پروریهای اعلیحضرت پادشاهی — حوادث داخلیه — حوادث خارجیه
مقاله مخصوصه — مقالات علمیه — مواد عسکریه —
عالم زنان — ادبیات — ناموران زنان جهان —
علم ثروت ملل — فاجعه ای پاریس

ترقی پروریهای

اعلیحضرت پادشاهی

هرگاه بقدری به دیدهٔ انصاف، و یک کمی بنظر حقیقت شناسی بسوی ماضی و حال خود همان نظر کنیم چنان فرقهای ظاهر و عیانی در احوال خود، و ملک خود می بینیم که از حیرت بحیرت می افتیم، و از شکرگزاری متحیر میشویم. از بسیار دور وقتها بحث نمیکنیم، تنها از همین چند سالی که خود بچشم خود دیده ایم یک شمه بیان کردن میخواهیم.

این محرر عاجز در سنه (۱۳۲۰) هجری بنا بر عفو عمومی که از طرف ذی شرف اعلیحضرت (سراج الملة والدین) پادشاه بزرگ عدالت آئین مقدس ما اعلان گردید. بعد از غربت بیست ساله از شام شریف بوطن عزیز مقدس خود عودت نمودم که سال دوم جلوس میمنت مانوس پادشاه محبوب القلوب ما بود، حالا نظر خود را یکقدری بعقب گردانده آهسته آهسته همان احوال را بدرجه یادمانده گیهای خود بنظره ذهین لزوم تصویر کردن کوشش مینمائیم، و باز احوال امسال زینت فال را تماماً بدرجه تعریف و تبیین مینمائیم:

در آنوقت اگرچه بعضی عمارتهای عالی نوبنیادی که قبل از زمان در دار السلطنه کابل موجود نبود، و بعد از آن بوجود آمده بود. جلب انظار دقت میشود، ولی تعداد آن محدود، و طرز بنا و معماری آن باوجود عظمت، و شوکت، و طرزی فوق العاده که دارند بعمارات جسیمه قرون وسطی شباهت میرسانید. ذات اعلیحضرت پادشاه و ولی آگاه مقدس ما از آغاز جلوس شاهانه شان درخصوص تعمیرات عمارات مملکت همت بلیغ همایونی را بکمال جدیت صرف فرموده، در وقت حاضر خواه در دار السلطنه و خواه در ولایات بسی عمارتهای عالی بسیار دلنشینی بطرز جدید کسب زینت و عمارت نموده است.

در ارگ مبارک اصلاحات تعمیریه که در عصر ترقی حصر اعلیحضرت شهریاری بظهور پیوسته تبدیلات امارتیه (برج شمالی) که بیک طرز بسیار عالی و دلنشینی تعمیر و تزئین یافته. و اوتاقهای نشیمن و دفترها منتظم و تزئینهای صفا نماس آن بیکجان وضع ظریف معماری، و چار گلهای مفروشات و تزئینات صنعت کاری اعلا و زینت نثار گردیده که چه ارباب طبیعت و اصحاب بصیرت را حیران مینماید.

بعد از برج شمالی (گلخانه) شاهانه است که پیش روی

برج شمالی در میدان ارگ مبارکه بنا یافته است . این محلهٔ جنت مثال یک محلهٔ ایست که از هر طرف به چوکاتهای آئینه دار مجلا است . و یک قصر شاهانه بسیار عالی ! با همه لوازمات بیوتات آن محتوی میباشد . خواه در زینت عمارت و خواه در تزئینات و تجملات دریا جنبها خیلی ممتاز یک محله شاهانه میباشد .

در مقابل این محله شاهانه یک جامع بسیار عالی و خوش طرح بنا یافته که محراب و منبر آن تمام منقل رومی و دیوارهای آن از سنگهای بسیار اعلای سماقی که با نقشها و موجهای طبیعی عجیب و غریبی خلقتا آراسته شده و در حدودهای خود افغانستان است ترتیب یافته . و زمین صحن آن با سنگهای مرمر سفید که آن از سنگ بسیار است مفروش شده میباشد . و در وقت لزوم جمعه‌های جامع مبارک با قالینهای بسیار اعلائی فرش میشود . و شبها بالامپهای بسیار بزرگ روشن میباشد .

در همسرای شوکت احتوای جهانبانی که مقام با احتشام اعلیحضرت سراج الملة والدین صاحب معظم میباشد نیز بسی اصلاحات شهیرانه بسروی کار آمده است . در باغ ارگ مبارکه نیز اصلاحات و عمارات بسیاری پدیدار گردیده است که باغ موصوف بواسطه آن اصلاحات و عمارات رشک گلزار ارم شده است . باغ ارگ مبارک نسبت بسابق از جهت غرب خیلی وسعت پیدا کرده . طرحها و چمنهای بسیار لطیف و با صفائی در آن کشیده شده . سرکها و جاده‌های آن همه پخته و بسیار با صفا میباشد .

قصر مقصور عالی (استور) که در موسم صیف نشیمن گاه اعلیحضرت شاهانه میباشد یک عمارت لطیف بسیار خوش طرح عالی ایست که هر گونه ادوات و تهای استراحت در آن فراهم و در الانهای نشیمن دو لیفتها و کریدورها و دربندهای عالیه اعلای میباشد .

در جهت شمال ارگ مبارکه و در مقابل (برج شمالی) از بیرون قلعه ارگ عمارت بسیار عالی قصر مقصور (دلکشا) بکمال عظمت و شوکت بنا یافته . و در مقابل آن منار بسیار نفیس بلند و پر زینت ساعت مبنی شده است که انشاء الله تفصیلا و تفرعات (قصر دلکشا) را در فصل مخصوصی بیان خواهیم کرد . و از (برج ساعت) نیز در شماره‌های سابق خود بحث رانده بودیم حالا یکقدری از ارگ مبارکه بیرون بر آمده بهر طرف و جوانب شهر شهیر و دلپذیر عزیز خود مان جولان نموده می بینیم که چه آثار عمران شاهانه در سراسر جلوه گر ظهور گردیده است :

شهر عزیز ما در یک موقع بسیار طبیعی واقع شده است . در موسمهای زمستان تابستان یک سردی شدید گرفتار می آید که رنجهای قطب ها را اینجا طرحی آرد . حال آنکه بجای دیگه بقدر هفت هشت ساعت راه بسوی شرق گذشته از کابل در شوریم مشقاتابه (گوگامنده) بخود مان در یکجا ئی بهار صفا نشاط گرم و لطیفی میبایم که آن انجا دیگ انسیاطی مبتدل میشود . در موسم تموز تابستان که هوا گرمی مفرط پیدا میکند بجای دیگه دو سه ساعت راه پیموده شود بمشقاتابه (پغمان) انجا ئی یک هوای بهشتی فضا فضا واقع میشود که بنسیم خوش شمیم آن حیات تازه و دلها پژمرده میگردد .

(پغمان) در دامنه کوه بسیار بلند واقعست که بکوه پغمان نسبت دارد و از شاخهای کوه (هندوکش) میباشد . ارتفاع موضع پغمان از کابل تقریبا دو هزار قدم و از سطح بحر (۹۰۰۰) قدم بلند تر است که ذروه کوه آن دائما به برف مستور است لهذا پغمان صیفیه دولتی کابل شمرده میشود . در پغمان اگرچه از زمان سعد اقتران اعلیحضرت خاقان مغفور یک ابنیه شاهانه مع یک باغی که بنام (سایه باغ) موسوم در [illegible] است موجود بود ولی چون موقع مذکور در متصل قریه پغمان [illegible] در یک موضع منخفض واقع شده بود . دوم طرز بنای آن بمحل و قاعده بناهای جدیده نبود بنا علیه ذات اعلیحضرت پادشاه معظم مقدس التحقیق بقدر یک کیلومتر میل بلند تر در یک موضع بسیار دلنشین خوش زمین خوش نظاره و با صفائی یک قصر بسیار دلآرا ای بنام (سهیل) بنیاد داده اند از آنجا بقدر مسافه بلند تر در تپه در یک قصر بسیار طرفه بنام (جنت الصیف) آباد فرموده اند

هر گاه از برنده جهت شمال قصر لطافت حصر (سهیل) باطراف و جوانب یک نظری پرتاب شود انسان خود در پیش چنان منظره بدیعه طبیعه می یابد که از دیدن آن نگاه بردا نمیتواند . از یکطرف منظره پر عظمت و هیبت کهسار که از آب برهه گرفته و سر بفلک کشیده . از دیگر سو دره‌های لطیفه مناظر نطفه شاهانه [illegible] آب با صفا گوارای بسیار درخشان پغمان از جهت شرقی قصر سهیل [illegible] تخمینا فاصله چند قدم یک قطعه فرش لطافت بهشتی آبشار [illegible] در دو قطعه پیم سراشیب در جریانست . منظره‌های قریه‌ها و ده پر درخت و پر آب سبز و شاداب که در مقابل نظر یک وضع دلکش از سرکها و منزلهای بلندیکه سبزه انجا دیده میشود چنان نظر را بجا بهم میرساند که بهتر از چنان لوحه خوشتر از چنان قطعه قلم هیچ دستی تصویر کرده نمیتواند ! علی الخصوص جزیره بهشتی وضع (چار دهی) که از دور مانند یک قطعه زمرد آسمانی میباشد یک منظره بدیعه بنظر جلوه میدهد که انسان را حیران میسازد و دو مسحور [illegible] ارتسام خلقت با وکیل مه سحر علامه طبیعت در فکر

مخصوصاً از بناهای تام صنعت از بدایع خارقه نمایانی همه سطح مفروشیت یک قطعه تصویری کشیده و آنرا از هر طرف با چوکات گوارای خوشنمائی گرفته در دیوارهای بزرگ قصر مقصور (سهیل) در آویخته باشد !

قصر (بیت الضیف) که از سهیل نیز بلندتر بنا یافته کنگرهٔ علوی دیگری نشان میدهد . قصر (ستاره) که در قریهٔ (بیگ توت) نام موقع مرتفع در جهت شرقی جنوبی قریهٔ (پغمان) واقع است نیز از عمارات بسیار با ذوق و صفا جنیفهٔ های شاهانه شمرده میشود . در حوضهٔ چارده نیز مانند (چهل ستون) نام دایرهٔ فاخرهٔ بسیار عالی که در قریهٔ (هندکی) و ([illegible] باغ) نام دایره مکملهٔ عالی ، و (باغ بلند) و (باغ بادشاه) وغیره نیز از قصرها و باغها و عمارتهای شاهی بسیار عالی و باشکوه اطراف و جوانب شهر شهیر جنت نظیر بسیار دلپذیر شمرده میشود که هریکی از آنها خواه از جهت موقع و بنا و خواه از وقوعات تاریخیهٔ عبرت نما شایان بسی تفصیلات است میباشند .

از درگاه پروردگار عظیم الشان دوام صحت و عافیت و بقای سلطنت و شوکت اعلیحضرت پادشاه معظم مقدس خود را مانند بدو دست تضرع و نیاز استرحام مینمائیم تا به مراحم آیهٔ عمران پیرایهٔ شاهانهٔ شان بسی بسی آثار ترقی و آبادی و دولت و سعادت در ممالک محروسه ، و قلت عداوت شاهانهٔ شان و مهدم برروی کار آید .

جدول ارتفاع و بعدیت‌ها

ارتفاع خود کابل از سطح سمندر	ارتفاع سلام خانهٔ پغمان که در عصر خاقان مرحوم ساخته شده از کابل	سهیل		بیت الضیف		ستاره واقع بیگ توت	
		ارتفاع از کابل	بعدیت از کابل	ارتفاع از کابل	بعدیت از کابل	ارتفاع از کابل	بعدیت از کابل
۶۰۰۰ فوت	۱۵۸۰ فوت	۳۰۰۰ فوت	۹ کروه ۲ میل	۳۰۰۰ فوت	۱۰ کروه ۲۱۶۰ گز	۱۵۸۰ فوت	۱۰ کروه [illegible]

چهار هزار گز یک کروه میشود

حوادث داخلیه

رفع شدن غایلهٔ منگل

بتوفیقات ذات اقدس خداوندی جل و علی ، و توجهات پرفیوضات اعلیحضرت پادشاهی غایلهٔ پرولولهٔ عصیان باغیان منگل بوجه احسن برطرف گردید . بدبختان شوریده سر این منگل و احمدزائی از کردار ناصواب خود شان نادم و پشیمان شده عرض اطاعت و استیمان نمودند . و همه ملکان و روسای اقوام مذکوره بخدمت جناب جرنیل (محمد نادر خان) حاضر شده عفونامه ها نموده است نامه های شان را بواسطهٔ جناب شان را به حضور مراحم موفور شاهانه عرض و تقدیم نموده اند و تقریباً دو صد نفر از ملکان و روسای منگل ، و طوطاخیل ، و مقبل ، و حاجی میدان ، و چکنی حاضر اردوگاه اردوی همایونی شده بواسطهٔ جناب جرنیل طلب عفو شاهانه را استرحام نموده اند .

سمت جنوبی

جناب جرنیل محمد نادر خان برای اصلاحات همه علاقهٔ سمت جنوبی ، افسر بزرگ و مفتش عمومی بهذا النسبت از طرف قرین الشرف همایونی تعیین و مقرر فرموده شده اند . از قرار استخبارات موثوقه که گرفته ایم چنان معلوم میشود که جناب جرنیل شان رایه همه آن علاقه جات سرحدات جنوبی را دوره و تفتیش نموده جمیع اصلاحات و انتظامات لازمه را بصورت بسیار شایسته و پسندیده اجرا نمایند .

عزل

سردار محمد اکبر خان که حاکم کلان سمت جنوبی بود و بسبب سوء اداره که در حکومت خود نموده بود و مورد سخط اعلیحضرت پادشاهی از ماموریت حکومتی که داشت عزل گردیده به کابل خواسته شده است . و بموجب معلوماتی که حاصل نموده ایم جناب دوست محمد خان ناظر موقتاً بعوض او اجرای حکومت خواهد نمود .

جاندار

(جاندار) بغاوت بنیاد رئیس و بزرگ طایفهٔ احمدزائی بود . و مردان طایفهٔ مذکوره را مانند ابلیس پرفتنه اغوا و گمراه نموده غافل ساخت ، و برخلاف رضای پادشاه مقدس معظم شان بشقاوت برانگیخت . شقی مذکور در وقوع بغی منگل در کابل بود . و برای داو طلبی خدمت به آنطرف رفته بشقاوت و بغاوت کمر بست . آخرالامر در محاربهٔ التمور بمغلوبیت پرشقاوت مبتلا گرفتار آمده و از دست هژبران عساکر ظفر مآثر شاهانه مانند روباه دغاباز از کوهی بکوهی و از جنگلی بجنگلی بسیار بادیه فرار گردیده و به خاک و سنگ ، و درخت و جنگل وطن مقدس بد و لعنت خوانده ، و در هیچ جا قرار و ثباتی نیافته بعلاقهٔ انگلیس خود را پرتاب نموده است . خدا پامال کند خاین و غدار پادشاه و وطن را آمین !

حوادث خارجیه

احوال سیاسیه

اگرچه ما در یک گوشه بحرانی دنیا افتاده‌ایم، و در بساط شطرنج سیاسیات عالم مطبوعات داخل نیستیم، ولی مثل مشهور است که (بالا بین چال را بهتر می‌بیند)، علی الخصوص که از یک بام بلند! یک وقتی بود که سیاحان و کشف کنان اروپا برای بزرگ ساختن دنیا هر سو پراکنده شدند، اگرچه دولت انگلیس سبقت دیگران بستر آغاز نهاد، ولی لقمه‌های بسیار چرب و شیرین، و خزینه‌های بسیار توانگرترین دنیا را مانند (هندوستان) (آوسترالیا) (کانادا) (مصر) (افریقای جنوبی) (جبل طارق) (قبرس) (مالطه) (عدن) وغیره را در ربود که دیگران بجز آب دهن حسرت شان بریزد هیچگونه ازین گونه لقمه‌های خوشگوار، و همچنین خزینه‌های توانگری نثار نایل و [illegible] نشد، بنا بران حسد و رقابت، و حسد رقیبانش بسیار زمانها به آتش‌فشانی آمده بود.

اول کسیکه خیال ربودن این لقمه هندوستان را از دهنش اقدام نمود (ناپولیون بوناپارت) امپراطور مشهور فرانس بود که مصر را ضبط نمود و بر ارض فلسطین تاخت، و اگر تدبیر پادشاه چالباز رقیبش کارگر و تأثیر نمی‌شد و جنگ دریا با او بحرب آغاز، منظور بیجایش برعراق و ایران [illegible] و با روس اتفاق کرده تحفه حسینه هندوستان را از دستش در میبرد.

بعد ازان رقیب دیگر قدیمی آن خزینه پرثروت [illegible] دولت روس است که از دو صد سال بکمال تأنی و درنگ، و تمام [illegible] و ترکستان وغیره و آهنگ خود را به آن نزدیک میکند [illegible] اقدام فرانس نسبت بحال زیادی روس خیلی خام و بی اساس میشود، این رقابت دو رقیب (بر هندوستان) امیر بعجیب چیزیست علانیه و آشکار، که حاجت بیان و تذکار ندارد.

اما درین وقتها یک رقیب دیگری را می‌بینیم که بکمال دهشت و شدت و تمام هیبت و قوت از سطح بحر، وزیر دریا و روی هوا برج کوهش یعنی جزیره (بریتانیا) بحمله و [illegible] بسیار [illegible] حاضر و مهیا میباشد، و چون ضربه دهشت خود را بر اعضای حیاتیه آن خوان [illegible] بسیار سهولت و آسانی از راه خلیج فارس، و بحر محیط [illegible] بران خزینه هجوم خواهد نمود، این رقیب پر دهشت دولت المان یعنی جرمن است.

دیگر معلوم ما نام است که دولت بهیه بریتانیا بمسلک سیاسی که [illegible] سلوک دوستی، و [illegible] علاقات محبت و ودادی که از سیاست و [illegible] و ملتهای اسلام پیش نهاد خود داشته بر تقدمات خود در شرق کامیاب آمده است، حال آنکه دولت جرمن ازین جهت نیز یک رقیب بسیار بزرگ دولت بریتانیا شمرده میشود، و در جواب خود این عرضه ما جز یک فقره که بچشم دیده و بگوش شنیده‌ام بیان میکنم:

در سنه (۱۳۱۷) هجری سالفه که در شام بودم، امپراطور (گلیلوم) و امپراطوریه (اوگوستا) پادشاه و ملکه عالی جرمن بشام آمدند، درینجا از تفصیلات جوش و خروش مراسم استقبال و اعزاز و اکرام آن مهمانان عزیز که دولت علیه عثمانیه خواه در استانبول و بیت المقدس و خواه در شام شریف اجرا نمود، بحث غیر [illegible] تنها از یک مهمانی بسیار مودب و مطنطنی که از طرف [illegible] بشرف جناب اعلیحضرت امپراطور شده بود، یک مشهد بیان میکنم: مهمانی در دایره بلدیه برپا شده بود، و سادات و علما و سادات و مشایخ و اکابر و بزرگان سوریه و دوستان [illegible] در مجلس موجود بودند، از طرف ملت غیر از دیگر هدایا [illegible] که تقدیم شد یک عبا و کفیه و عقالی که بصورت مخصوص بدرجه اعلای صنعت [illegible] از ابریشم و زر دوزی ساخته شده بود تقدیم گردید، و اول [illegible] درینجاست که در وقت طعام در حالتیکه یک جامی برگرفته و یک نطق بسیار مهیج در صفت ملت اسلامیه و شدت محبت خود به این ملت نجیبه بیان نمود و گفت: (این جام را از عشق و محبت سه صد و پنجاه میلیون نفوس اسلام سر میکشم) و دیگر خلعت فاخره ملت عربیه را و عبا و کفیه و عقال آنرا بر سر نموده از میان هزارها [illegible] تحسین و آفرین اهالی برخاست (سلطان صلاح الدین ایوبی) که بجانب مشهور [illegible] جهات اهل صلیب رفته بدست خود یک اکلیل بسیار [illegible] قیمت [illegible] آورده بود بر قبر مبارک ایشان [illegible] وضع نمود.

پس چون این [illegible] باز [illegible] دولت جرمن را ملاحظه میکنیم جرمن را از روس خیلی بیشتر یک رقیب [illegible] میبینیم، بنابران چنان ایجاب میکند که دولت معظمه بریتانیا درچنین وقت نازک [illegible] بدست آورده دل قلوب دولتها و ملتهای اسلامیه بیشتر از پیش [illegible] و در تقویت و استقلال دول اسلامیه بکوشد.

برادران ما هندوستانی ما درحق ما چگونه حسیات میدارند؟

رفیق محترم ما اخبار (مسلمان) که در امرتسر بزبان اردو طبع و نشر میشود در نمبره (۵) جلد ۴ خود شان در زیر عنوان (افغانستان) یک مقاله بسیار دلچسپ و معقولی درج نموده اند که هر سطر آن

یک آئینهٔ قدنمای خود در ساختن حسیات برادرانه و خیرخواهانهٔ برادران دین هندوستان زمین را باشان میدهد. چون صفحات ما گنجایش درج همه آن مقاله را نداشت چند بعضی ازان انتقاد ورزیدیم .

افغانستان

چونکه مسلمانان را خداوند کریم ما را برشتهٔ (انما المؤمنون اخوة) منسلک ساخته است — و همین سبب اگر کدام مسلمان ساکن چین مبتلای درد و تکلیف شود مسلمانان افریقه در چهرهٔ او نا آرام میگردند و اگر خبر ترقی یا راحت کدام مسلمان یوروپ بگیرند مسلمانان تمام دنیا مسرور و خوشنود میگردند — الغرض مسلمانان کل عالم خواه سفید رنگ باشند خواه سیاه رنگ و خواه از امریکا باشند و یا از ایشیا افراد یک قبیله و یا اعضای یک جسم شمرده میشوند. و چونکه افراد یکدیگر ز یک قبیله نسبت به افراد از یکدیگر قبیله زیاده ترحق دارد و نسبت بر قوم دیگر جب به زیاده مستحق میباشد بنابرین ما مسلمانان هند اگر از حالات مسلمانان همسایهٔ افغانستان خود دلچسپی حاصل نمائیم یک امر قدرتی است و همین سبب مسلمانان هند بسبب اشاعت یافتن سراج الاخبار افغانیه دار السلطنهٔ کابل بنهایت خوشی و فخر خیر مقدم آن کرده ایم .

اینجا چه سبب ؟

صرف همین سبب که بذریعهٔ اخبار موصوف در برادران افغان روح ترقی و بیداری پیدا خواهد شد سراج الاخبار افغانیه در آنجا اشاعت علم خواهد کرد — اکثر اهل افغانستان که راه روشنی علوم و فنون نیافته اند رهنمائی آنها خواهد کرد و رسوم خلاف شرع و بدعات که باعث جهالت در آنجا پیدا شده اند از اول آنها محو کرده اشاعت اسلام حقیقی خواهد کرد — یعنی اخبار موصوف خدمت مذهبی مسلمانان افغانستان هم خواهد کرد و نیز نکته های ترقی دنیاوی با آنها ظاهر کرده راه بسر بردن زندگانی با عزت هویدا خواهد ساخت .

الحاصل

ما اسباب برآوری امیدهای مذکورهٔ فوق میبینیم — سراج الاخبار افغانیه مضامین بلند پایه مینویسد و اگرچه اخبار موصوف یک کمین نورسته و نازک است اما ایدیتور لیاقت و تدبیر کار خود را بنهایت درستی انجام داده است در طبقهٔ امرا ذوق مطالعهٔ اخبارات انداخته اثر آن کرده و خود ساخت و امیدست که آینده حلقهٔ اثر او وسیع خواهد گردید — اما اگر بانیان و ربانیان اجرای اخبار موصوف ممنون احسان حکمران بیدار مغز اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه دولت مستقلهٔ افغانستان نشویم بیشک که ناسپاسی خواهد بود — که از حسن کوشش شاهانهٔ شان روشنی علم جلوه گر شده و آینده همین روشنی افغانستان را جنت نور خواهد ساخت — انشاء الله تعالی — اسم مبارک اعلیحضرت ممدوح در تاریخ علمی افغانستان قابل تحریر به آب زر میباشد و نسل های آینده اسم مبارک حضور ممدوح را بنهایت ادب و تعظیم یاد خواهند کرد. و این کوشش ها که اعلیحضرت شاهانهٔ شان در خصوص ترقی علوم و فنون افغانستان مینمایند به نظر احترام خواهند دید و اعلیحضرت ممدوح بنظر خدا و مخلوق خدا عزیز خواهند گشت چرا که ذات مبارک شان در ادا نمودن فرایض منصبی شاهانهٔ شان کمتر حضرات

افغانستان به چه طریق ترقی کرده میتواند ؟

ما در اشاعت گذشته تحریر کرده ایم که راز های ترقی اسلام درین مضمر اند که آنها خود را مسلمان پخته بسازند و قرآن مجید را بغور بسیار بخوانند و بر احکام آن عمل نمایند — نکته های دقیق قرآن شریف را بحدیث های رسول مقبول صلی الله علیه وسلم حل کنند — و بسبب جهالت و اختلاط اقوام دیگر رسوم زشت و عادات که در آنها راه یافته اند یکقلم ترک دهند و غور کنند که آن کدام وقت بود که اسلاف ما بر آن عمل نموده بربام ترقی رسیده بودند و استاد کل عالم گفته میشدند — و کدام اسباب بود که ما را تباه و برباد ساخته و در قعر ذلت انداخته است — در قرآن شریف و حدیث نبوی همه اسباب مذکور شرح وار نوشته میباشند اما افسوس که ما طرف آن متوجه نمیشویم و آنرا ترک داده و اسباب تباهی خود پیدا کرده ایم — اما ازین امر که مدیر سراج الاخبار **جناب محمود طرزی صاحب** ازین راز واقف میباشند ما در شعف شده است و رسالهٔ اول (عروة الاسلامیت) که از قلم پر زور شان تحریر یافته اگرچه مضمون مختصر است اما بر حسب حالت علمی افغانستان ما مضمون مذکور را غنیمت میدانیم .

موفقیات دولت علیه در رودوس

در شمارهٔ سابق خود ذکر گرفتن ایطالیان ها حالا جزیرهٔ (رودوس) را نوشته بودیم. کشتیهای جنگی ایطالیا چون با کار که یک کلک سنگ و ماهیان محصور شده بهت میرسانند از حیوانات ذوی العیشتین یعنی حیوانی که هم خشکه و هم بر آب زندگانی بتوانند نیست. تنها در آنجائیکه نزدیک ساحل باشند تقرب میتوانند و مجرد یکه از آب بر کنارهای ساحل بیفتند هلاک میشوند. دولت علیهٔ عثمانیه چون از آغاز حرب میدانست که (رودوس) هدف کشتیهای ایطالی خواهد شد و از روی اینکه وجود اکثر اهل جزیره از نصارای روم بوده به بسیار بهتانی هم قریب

به دو سه هزار عسکر نظامی با اسلحه و جبه خانهٔ بسیار و دیگر لوازمات حربیه را در آنجا حاضر کرده بود. در اول حمله اگرچه ایطالی بقوت دسته های کشتیهای جنگی بر ساحل درنه شش هزار عسکر بحری پیاده کرده و عسکر بیرون برآورده ضبط کردند. و والی و چند نفر مأمورین دیگر ملکی را اسیر گرفتند. ولی قوماندان نظامی عرب که خود را در یک موقع بسیار لایق که پیش از این نقشه و پلان آنرا حاضر کرده بود و تهیه کرده. و علاوه بر عرب که نظامیهٔ عثمانی گفته بقدر یکهزار مردم مسلمان جزیره را نیز مسلح نموده یک هجوم بسیار دلاورانه و دلیرانه ترتیب داده عسکر نظامیهٔ ایطالی را چنان شکست فاحشی و چنان مغلوبیت مدهشی دچار گردانید که دو هزار [illegible] قتیلی شان هیچ گفتگو نماند. بقدر هزار نفر اسیر و بعد از کشته و زخمی در میدان محاربه گذاشته و در زیر حمایت کشتیهای جنگی خودشان فرار نمودند.

از اخبار ماتن فرانسوی

مخبر اخبار (ماتن) از (برلین) پای تخت جرمن خبر میدهد: در مجلس ملی آلمان قانون نامهٔ زیاده کردن قوای عسکریه به اکثریت آرای عظیمه قبول گردید. نظر به این قانون نامه در دو حصه پنجاه هزار عسکر دیگر بر اصل قوت حضریهٔ جرمن زیاده میشود. در خصوص این نطقها و خطابه های بسیاری گفته و خوانده شده است. از جمله یکی از رؤسای فرقهٔ (لیبرال) که موسیو (پاسرمان) نام دارد به این مضمون یک نطقی بیان کرده و کف زدنهای تحسین بسیار دور و درازی از مردم بوقوع آمده است:

«رقیب های ما بدانند که ملت المان باکمال جدیت وحدهٔ خود به افزودنی دادن قدرت عسکریهٔ خود سعی و غیرت میورزد. سبب آن این تغیر احوال سیاسیهٔ حکومت اطراف ما است.

صحیح

(اردوی ما آنچنان یک قوتیست که هر زمان بدوام داد خدمت خواهد کرد. ولیکن اگر ما به ضرورتی بشود و هیچ شبهه ندارم که این اردوی ما بالکل برسر منزل مقصود مظفریت میبرد.»

بارون مارشال

بارون مارشال یک مرد سیاسی مشهور دولت جرمن است که در استانبول بسفارت دولت متبوعهٔ خود مأمور بود و این مرد بخصومت انگلیزها مشتهر است.

از برلین به اخبار (ماتن) خبر میرسد: (بارون مارشال از سفارت استانبول بسفارت لندن تبدیل مأموریت نموده است. از فرستاده شدن این دیپلومات ماهر حقیقتاً در این وقت نازک سیاست انگلیزها را بلرزه انداخته. در قصر ([illegible]) امپراطور (ویلهلم) با بارون مارشال یک ملاقات بسیار مهمی معین کرده است. اخبارهای برلین مقالاتی درازه در این باب مینویسند. گویا این سفیر مهم برای سازکاری درست کردن مسایل سیاسیه که در وقت حاضر در مابین دولتین انگلیز و جرمن موجود است مأمور شده است. اما بارون مارشال که اساساً بخصومت انگلیزها مشتهر یک دیپلوماتی میباشد معلوم به این نزول آنجهانی که به او سپرده شده است تا که امروز چه ثمره خواهد آمد!....

وقوعات فاس

این یک معلوم است که مولای حفیظ سلطان مراکش بفرانسویها تسلیم شده و حمایت ایشان را قبول کرده و بیرق استقلال در زیر بیرق فرانس پنهان ساخت. مردم مسلمان از طرفی این را بر نداشتند. بر ضد فرانسویان اعلان جهاد کردند. بسیاری از عسکر فرانس را در (مارق) نام موقع در نزدیکی شهر (فاس) بقتل رسانیدند. مقابله دوام میورزد. در اثنای دفن کردن کشتگان عسکر فرانس که بصورت رسمی اجرا شد از طرف جنرال (موری) فرانسوی یک نطق بسیار دلخراشی بیان گردید. بعد از آن از طرف سلطان فاس ([illegible]) وزیر او یک نطق سوزناکی در حق کشتگان عسکر فرانس بیان کرده است که جنرال موری آنچه گوید حق دارد. اما نطق جناب مولای (حفیظ) یک مرثیهٔ عبرت آور و غرابت پروری بود که درج آنرا مناسب صفحات جریده شمردیم:

ترجمهٔ نطق سلطان مراکو

«ای رستمانی که از نظرها غایب شده اید. و بخفی جا رفته شده اید! یادآوری اطوار جسورانهٔ شما تا وقتی که کرهٔ ارض بر دوران خود دوام داشته باشد در یادها خواهد ماند. اگرچه خود شما از دنیا گذشته ولی دلاوری شما جاودان برقرار باز آید و گمان دارم یک نمونهٔ شما از غیرت و شجاعت میشود. بسیار زمانها هنوز یک یادآوری غیر قابل فراموشی شما در خاک (مارق) باقی خواهد ماند! از [illegible] شناخت و مأیوس میباشیم. و [illegible] عاید و دوستداران [illegible] شما مشترکیم. برای اینکه به این فلاکت مانند شما دوستان در [illegible] [illegible] ما از مهر لطف نعمتها میخواهیم. الحرکات متوحشانه اگر وحشیان لایق و سزاوار است چون شما [illegible] [illegible] و باقلبی که محبت شما مملو میباشد ارواح شما را سلام میدهیم. ای افسران بزرگ اردوی فرانس! به دولت [illegible]

خبر میدهد که از تحرکات قلب منهزم اند قبیلهای شمال حبشیات عالیه ملوحیا شده مأیوس و غمناک شده است.

دیگر — مخبر مخصوص (ماتن) از (فاس) با تلگراف بی سیم خبر میدهد :

احوال وخیم است. قبیله های (زایان) و (زموز) برای هجوم بر (عین الاورمایه) حاضر شده اند. در اهالی هیجان خیلی زیاده است. در شهر غله جمع آوری میشود. بسیاری از قبیلها اعلان جهاد کرده اند.

بیانات سعید پاشا

مخبر مخصوص اخبار (ماتن) از یک ملاقات خود که با جناب فخامت مآب سعید پاشا صدر اعظم دولت علیهٔ عثمانیه کرده بتلگراف خبر میدهد :

سعید پاشا میگوید : حمله آوری ایطالیا تنها بر (رودس) و دیگر جزیره ها ثبات و قرار دولت عثمانیه را قطعاً تبدیل نمیدهد. ما صلح را باین شرط قبول کرده میتوانیم که حقوق پادشاهی بصورت نظری نی بلکه بصورت حقیقی شناخته شود. و از تابعیت دینیه بحث کردن یک خیال است، زیرا اعراب مسلمان تنها بخلیفهٔ خودشان مطیع و مربوط هستند.

دعوت نامه

مسلمانان که در ممالک جرمنی مقیمند

درین وقت یک قطعه دعوت نامهٔ مطبوعه بعبارت عربی با امضای وارد ذیل از ممالک جرمنی بحضور عالی شهزادهٔ معظم دولت علیهٔ افغانستان جلیل الشأن معین السلطنه سردار (عنایت الله خان) رسیده، و از روی لطف و عنایت باداره خانهٔ عاجزانهٔ ما فرستاده اند که اگر مناسب دیده شود ترجمه آنرا درج صفحات سراج الاخبار افغانیه نمائیم. دعوت نامهٔ مذکور چون یک نمونهٔ باهرهٔ جوش و خروش اخوت اسلامیه را نشان میداد ترجمه و درج آنرا از مناسبت خالی ندانستیم :

بسم الله الرحمن الرحیم

هزار شکر بر نعمت اسلام و هزاران درود و سلام بر حضرت خیر الانام بعد از سلام سنت الاسلام برای خود و برادران خود و برای شما دعا و حسن ختام از درگاه رب الانام مطلبیم و از قرار ذیل بخدمت شما عرض میکنیم : شما خبر دارید که حکومت ایطالیا ظالم بر دولت عثمانیه که صاحب خلافت عظمی و حامی حرمین شریفین است بغی و تعدی نموده عداوت خود را در حملهٔ غدارانه که بر ولایت طرابلس غرب در افریقا نموده بر همه گان آشکار ساخت. و بسببیکه همه امت اسلامیه یک امت واحده شمرده میشوند بدلیل قول خداوند تعالی که میفرماید (انما المؤمنون اخوة) و بقول حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم که فرموده (المؤمن للمؤمن كالبنيان المرصوص يشد بعضهم بعضا) و باز بسببیکه حقتعالی در کتاب کریم خود بما امر فرموده که اگر بر شما کسی جور و تعدی کند شما نیز بمانند آن جور و تعدی با آنها مقابله کنید چنانچه میفرماید : (فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم)

پس واجب قطعی است بر هر مسلم که بایمان بخدا و بروز قیامت و ملائکه و کتب و رسل ورود داشته باشد این تعدی را که بر برادران مسلمین وارد آمده دفع کنیم بجان و مال خود بدلیل قول خداوند تعالی (وجاهدوا فی سبیل الله باموالکم وانفسکم)

آیا کدام راه و چاره بهتر و قوی تر ازین مجاهده باشد که دفع تعدای حکومت ایطالیائیهٔ باغیهٔ ظالمه را از برادران مسلمین خود بکنیم.

لهذا شما را دعوت میکنیم اول برانکه معاونت برسانند درین حرب بدولت خلافت اسلامیه بصرف مال و نفس هر کس بقدر طاقت و استطاعت خود زیرا این یک اعانه ایست برای برادران مسلمان شما در طرابلس. دیگر اینکه هر گونه معاملات تجاریه و معاشیه را با ایطالیاییها که در ملکهای شما باشند و یا بیایند قطع نمایید. یعنی یک قلم با آنها انقطاع کلی شود.

این است دعوت ما برای شما که بخون دلهای خود نوشته ایم. از شما رجا میکنیم که این دعوت نامه را در مابین برادران مسلمان ما که در ملک شما است تبیین و نشر کنید، و نیز رجا میکنیم که در مسجدها و راه ها نیز این را نشر کنند تا همه برادران دین ما باخبر شوند و هم معلوم شما باشد که ازین دعوت نامه بهر طرف عالم اسلامی فرستاده شده... و التضرع میکنیم بمولای عز و علا که شما را الهام کند بصواب و بشما برسد ثواب عظیمی برای ادای این فرض دینی فقط

امضا

برادران دینی شما مسلمانانیکه در المانیا
یعنی جرمن مقیم هستند.

در (توکیو) پای تخت دولت معظمهٔ (ژاپان)

که آفتاب بسیار درخشان شرقش گرگوئیم رود است یک اخباری بنام (اسلامیک فرایترنتی) که معنی اخوت اسلامیه را میگیرد. از طرف جناب فاضل محترم ((محمد برکت الله خان)) صاحب بزبان انگلیسی درماه یک بار طبع ونشر میشود که نسخه ای ازآن بطریق مبادله با (سراج الاخبار افغانیه) به ادارهٔ عاجزانهٔ ما می آید. اخبار مذکور صرف از منافع واحوال اسلامی بیان میکند. وبطرز تحریر بسیار لطیفی نشر معارف مینماید.

لهذا هموطنان عزیز خود را که بزبان انگلیسی آشنا باشند. سفارش میکنیم که با این اخبار اشتراک ورزند. واز مطالعهٔ آن استفاده نمایند.

قیمت اشتراک سالیانهٔ آن مبلغ دو روپیه کلدار است که نسبت بحسن نیت وخیر مقصدی که صاحب فاضل آن پیش نهاد خود نموده هیچ است.

در نمبر (ششم) مورخهٔ ماه اپریل اخبار موصوف به ادارهٔ خانهٔ عاجزانهٔ ما آمده که صفحهٔ اول خود را به تصویر اعلیحضرت (سراج الملة والدین) پادشاه معظم محبوب القلوب ما مزین داشته. و نطق اعلیحضرت پادشاه ترقیخواه ما را که در باب اعانهٔ طرابلس غرب بیان فرموده بودند به انگلیسی ترجمه ونشر کرده است.

جناب محمد برکت الله صاحب آغاز سخن را برینطور نهاده میگوید: (دیروز باده برادر. ویک همشیره که نخستین بار در تاریخ ژاپان بشرف دین مبین اسلام مشرف شده اند در (محفل اسلام) در شهر شهیر (توکیو) نشسته از عالم اسلام وفضایل دین مبین محمدیه صلی الله علیه وسلم صحبت میکردیم. واز اخوت وهمدردی مسلمانها بحث میراندیم که درین اثنا روز نامهٔ گرامی (سراج الاخبار افغانیه) رسیده بکمال افتخار نطق اعلیحضرت پادشاه غیور دین دار افغانستان را که بر تبعه ورعایای صادق خود درباب اعانهٔ بازماندگان شهدای طرابلس غرب بیان فرموده اند مطالعه نمودیم. لهذا بعضی از اقسام آن نطق مبارک اعلیحضرت امیر افغان را که باعث افتخار اسلامیان است وآن امیر با تدبیر در راه قوت اردوهای عسکریهٔ خود خیلی کوشش ورزیده واز زبان فارسی ترجمه کنیم تا بر همهٔ کائنات معلوم شود که مسلمانها تا چه درجه با همدیگر خود حس معاونت وهمدردی میپرورانند.)

بعد ازین مقدمه اقسام مهمهٔ نطق همایون مذکور را ترجمه نموده درج کرده است. این ذات بزرگوار محض برای انتشار دین خوب اسلام در مملکت خوب ژاپان کوشش میورزد. اکثر مقاله های آن را از قرآن کریم، و مثنوی شریف ارشاد میکند. ما با کمال صمیمیت آن فاضل محترم را تبریک میگوئیم.

از اخبارهای ترکی وعربی

والی ومأمورین عثمانیه در رودوس

اگرچه (اژانس استفانی) که مروج منافع ایطالیا است از اسیر شدن والی ودیگر مأمورین ملکیهٔ عثمانیه که در رودوس بودند خبر میدهد. ولی دیگر آژانسها تکذیب این خبر را میکنند ومیگویند که والی وجمیع مأمورین حکومت بجزیره ها فرار نموده اند.

پاپا جشن های شادی برپا میکند

بنا بر خبریکه از (روما) پای تخت ایطالیا رسیده است معلوم میشود که بسبب ضبط نمودن رودوس در همه ممالک ایطالیا یک مسرت عظیمه برپا شده است. در هر طرف جشن ها وچراغانها برپا شده است. حتی پاپ بزرگ نیز در کلیسای بزرگ (سن ماری پار لور) یک آئین جشن شادمانی بزرگی اجرا کرده است.

نصیحت انگلیز به ایطالیه

اخبار (سیکلیاتور) مینویسد: بطرز این است

که برای ایطالیا بهانه‌گاه چاره ئی سوای این است که در مسئلهٔ الحاق طرابلس با حکومت عثمانیه اتفاق بکنند. ایطالیا مجبور است که حقوق حکمرانی دولت عثمانیه بر طرابلس تسلیم کنند.

یک نوجوان زن جوانمرد رومیه

محترم (المؤید) الغرّا نقلاً از (جاما ناک) نام اخبار دار مدینهٔ جنوبیه: ((یکی از نفرهای عسکریهٔ عثمانیه که در فرقهٔ عسکریه (قوچانه) در ماکدونیا بیا شده برای متعلقات خود شش کرده. (یوکدره) نام موقع استانبول سکونت دارند. جنوبیه که در فرقه‌ها یک نفر عسکری از مردم نصارای روم = [از مردم نصارای رعیت خود، دولت عثمانیه پیش از اعلان مشروطیت عسکر نمیگرفت. بعد از اعلان مشروطیت در زیر قانون قرعهٔ عسکریه گرفته شده اند.] = بیمار شده و بشفاخانه بردندش. در آنجا داکترها خواستند که او را برهنه کرده معاینه کنند. ولی نفری مذکور نگذاشت، و یک راهب طلب نمود. چون راهب بیامد نفری بیمار به او گفت که من مرد نیم بلکه زن میباشم. بعد از آنکه تحقیق شد که این یک دختری بود که سه خواهر و یک پدر و مادر و یک برادر دارد. چون قرعه — یعنی پشک عسکری — برادرش بر آمده دختر مردانه جرئت داشت که اگر برادرش در عسکر رود دیگر کسی برای تدارک امر معیشت العائله نمی ماند. از آن رو بکمال دلاوری نام برادر خود را بر خود گذاشته و البسهٔ او را پوشیده و موهای خود را بریده و در زیر سلاح در آمده. مدت هفت ماه بی آنکه کسی به احوال او پی ببرد بکمال خوبی و درستی در همه مشقات عظیمهٔ عسکریه تاب و توانائی نموده است. و اگر بیمار نمیشد تا آخر مدت دو ساله عسکری خود خدمت می نمود و کسی نمیدانست که مرد است یا زن. بعد از آنکه راهب احوال را به داکترها بیان نمود داکتران نیز به افسر فرقه خبر دادند و تحقیقات رسمی آغاز کردند. سخن دختر به ثبوت رسید. در باب تداوی و احترام آن امر نمودند. و کیفیت را بناظر حربیه (محمود شوکت) پاشا بتلگراف خبر دادند. و چون خبر مذکور مسموع ذات اعلیحضرت سلطان المعظم گردید بعفو برادرش از خدمت عسکریه فرمان نمود. و برای دختر مذکور یک تنخواه معیشی از خزینه مقرر فرمود.

وضعیت حال طرابلس

اخبار (الاهرام) المعتبر از بیان یکی از مبعوثانیکه نو از طرابلس وارد شده چنین میگوید که وضعیت حال ایطالیا در طرابلس بر همان یک منوال ضعف است از استحکامات خود شان یک قدم پیش بر آمده نمیتوانند. عسکر عثمانیه و مجاهدین عرب بجرئت پایدار شده شان هردم بحملهای شدید از برجعت قهقری مجبورشان میکنند.

عیناً مکتوب

مدیر روشن ضمیر روزنامهٔ مبارکهٔ سراج الاخبار افغانیه محمود طرزی صاحب

السلام علیکم.

چون در روزنامه [illegible] یک فقره [illegible] حالت [illegible] خود [illegible] روزنامهٔ مبارکه [illegible] تقدیم نمودم [illegible] خواهش فرمود:

(([illegible]))

[illegible]

— [illegible]

[illegible]

— [illegible]

[illegible]

حاضرین [illegible]

[illegible]

(امضا)

[یکی از دوستان [illegible]
صدیق محمد [illegible]]

مقالهٔ مخصوصه

ضروری بودن جنگ عمومی

چون یکره بسوی قطعهٔ اوروپا نظر شود یک عالم تمدن دیده میشود که انسان را از تعجب باستغراب، و از تحیر باستغراق می اندازد. چسان عجب نبود؟ یک قطعهٔ بینیم که از بسیاری تمدن و کثرت آبادی، و افزونی معارف و صنایع، و ارتباط و اتصال شهرهای آن بیکدیگر بواسطهٔ آلات نقلیهٔ سریع السیر، بیک شهر بزرگ بسیار با زینت و شکوه شباهت میرساند. پاریس، برلین، لندن، پطرسبورگ، روما، ویانه وغیره پایتخت های اوروپا بعبارت از یک محلهٔ آن شهر میمانند. از شهری بشهری رفتن چنان است که انسان از محله بمحله برود. و اگر جملهٔ آن قطعه را یک کتبخانهٔ عمومی تشبیه دهیم شهرهای بزرگ آنرا درسخانه های متعدد آن کتبخانه مانند یافته میتوانیم خود. و اگر او را یک دار الصنایعش بخوانیم شهرهای بزرگ آنرا یک یک استادهای صنعتهای مختلفش می یابیم که دیگر قطعه های روی زمین از سوزن گرفته تا بیلهای آهنین جهازهای بزرگ، و از تارنج گرفته تا پرستاهای اینچنین معلق داشتن آن بجابهٔ آن صنایع خانه محتاج است.

پس ازین نقطهٔ نظر چنان دیده میشود که قطعهٔ اوروپا حاکم و دیگر قطعه ها محکوم آن است. یا آنکه آن قطعه محتاج الیه و دیگرها محتاج آن است.

بلی، در دیدهٔ اولی همچنین بنظر می آید. ولی چون بحقیقت غور شود عکس آن تجلی بخشد. و ازین است که انسان را از تعجب باستغراب و از تحیر باستغراق می اندازد.

حالا در جواب یکقدری بنظر اقتصادی خود بعضی تفصیلات و توضیحی بر قارئین کرام خود عرض میکنیم:

اولاً ازین نقطهٔ نظر مسئله را در زیر محاکمه و مطالعه می آریم که بلی. ما اوروپا را یک شهر تمدن یک کتبخانهٔ عمومی یک دار الصنایع عام گفته میتوانیم ولی اینجا آن قطعه را حاکم و دیگر قطعه ها را محکوم آن نمیدانیم. بلکه آن قطعه را بدرجهٔ از قلت و مسکنت به قطعات دیگر محتاج و محکوم می یابیم.

حضرت (سعدی) که اوروپائیان (فیلسوف شرق) میخوانند این نقطه را خیلی حکیمانه فرموده که:

قطعه

گر نبودی بالشش گسترده پر — خواب نتوان کرد جز بر سیر
ور نبودی بر نجوا بپیشش — دست نتوان کرد در آغوش بیچ

دیگر:

این شکم بی هنر پیچ پیچ — صبر ندارد که بسازد بهیچ

بنا علیه اوروپا با هر چه دارد دول و استقلال شکمهای حریص پر ور پیچ پیچ شان را هیچ گاه آن تمدن، و آن علم و فن، و آن صنایع پر کرده نمیتوانند. زیرا آنها هیچ است. و شکم را گندم، گوشت، و روغن، سبزه، و دیگر محصولات ارضیه لازم است

(ژه بون) نام حکیم مشهور اوروپائی که در علوم اجتماعیه صاحب یدطولا بوده چنین میگوید:

« هر گاه در یک ملکی که زمین های قابل زراعت آن بدرجهٔ کفایت ساکنان آن باشد، عدد مردم آن ملک افزونی میگیرد، و بیشتر نشو و نما می یابد.

« اگر محصول زمین های یک ملک با عدد ساکنان آن معادل و برابر باشد عدد مردمان آن ملک بیک حال توقف مانده نه زیاده میشود نه کم.

« اما اگر عدد ساکنان آن ملک از محصولات آن زیاده تر باشد حال شان خراب و ابتر میگردد. قحط و گرسنگی دمار شانرا میکشد. و تا یک وبائی جهان تباهی و یا یک جنگ و قتال دهشت انتمائی نیاید، و نفوس زائدهٔ آنرا روبیده نبرد و محصولات زمینی با نفوس شان برابر نیاید از حال سفالت و پریشانی رهائی نخواهند یافت »

حالا چون این دو کلام منظوم و منثور این دو فیلسوف شرق و غرب را در زیر نظر گرفته یکبار بسوی وضعیت احوال زمین های اوروپا نظر کنیم قطعهٔ مذکوره را از بسیاری نفوس و کمبودی محصولات زمینی بچنان یک عدم موازنت و بی تناسبی میبینیم که اساس و بنیاد بنای آنرا خیلی سست و بی ثبات، و بر دوره بادهنی می یابیم.

لهذا برای حاصل شدن موازنت، و برابری نفوس با محصولات زمینی وقوع یافتن یک محاربهٔ خونریزانهٔ عظیمه در قطعهٔ مذکوره از ضروریات طبیعیه لازم دیده میشود. چنان لازم دیده نشود؟ آیا ازین قدرت هائی سالها که این همه اختراعات محیر العقول قتل و قتال، و جنگ و جدالی که بروی کار آورده اند همچنین معطل و بیکار نگذارند؟ و هیچ تجربه نکنند که دستهای کاکشتی های جنگی در لیمانها،

در زره پوشها ، و گردونه‌ها ، و توربیدوها ، و قوت [illegible] دولتهای اوروپا بمصرفهای عظیمه و خون جگر خوردنهای بسیار حاضر و آماده ساخته‌اند در تجربه‌های عظیمه چه نتیجه ! می‌بخشد ؟ اوروپائیها ، بالونها ، بومبه‌های روی هوا بر قوای بحریه و بریه آیا چه تأثیرات اجرا میکنند ؟ آیا نقشه‌ها و پلانهای ارکان حربیهٔ هر دولت که برکدام شان میبازید (منم و دیگر نیست) در میدان امتحان بیاید . و اصول التعلیم و تربیهٔ فنون تعبیهٔ این قشونها ، اردوهای مکمل و منتظم اوروپا معلوم نشود که کدام یک بهتر است ؟ و اگر گویند که اینهمه قوای بریه و بحریه و هوائیه شانرا برای استیلا کردن بر ممالک شرقیهٔ غیر مقاوم حاضر نموده‌اند این سخن هیچ فایده و ثمره ندارد . زیرا درجهٔ شدت و قوت ، از درجهٔ مقاومت بظهور می‌آید . مثلاً اگر گله‌های ۳۵ و ۳۸ سانتیمتره‌ئی را بر قلعه‌های خشت خام گلی بلاد شرقیه بیندازند درجهٔ شدت قوت آن طوپ و مهارت صنعت فن انداخت ظاهر و آشکار نمیشود . بهر حال آنرا بر فولادهای پر مقاومت زرههای دریائیها استعمال باید کرد تا درجهٔ قوت آنها پدیدار شود .

بلی بلی . یک جنگ عمومی اوروپا بسیار ضرور است و هم لابد شدنیست . ضرور باید بشود . وگرنه بیچاره اوروپائیان از بی محصولی و بی رزقی ، هلاک میشوند . معلوم است که ادامهٔ حیات بخوراک موقوفست . و چون محصولات زمینی بمقدار نفوس کافی نیاید البته همدیگر خود را خواهند خورد !

حالا یکقدری اگر بسوی قطعهٔ آسیا و علی الخصوص مملکتهائیکه مردمان ملت جلیلهٔ اسلامیه در آن منتشر میباشند یک نظری بیندازیم یک فیض و برکت عظیمی در محصولات زمینی آن می‌بینیم که در اکثر جاها محصولات از نفوس بیشتر و یا برابر و معادل همدیگر است . از یکطرف از بحر محیط اطلسی تا بحر محیط کبیر طولاً ممدود شده ، و از دیگر طرف از کنارهای سیبریا ، تا بجزایر بحر محیط عرضاً وسعت یافته که مردم مسلمان اکثر در مابین همین بقعهٔ اراضی منتشر میباشند . این بقعه بهترین بقعه‌های دنیا شمرده میشود . وادیهای مزروع و معمور نیل مصر و مراکو و اراضی مقدسهٔ حجازیه و بادیهٔ فلسطین ، عربستان ، شامات ، اناطول ، عراق ، ایران افغانستان هندوستان ، ترکستان ، تبت ، اراضی چین ، و جزایر بحر محیط درین بقعه موجود است . و نیز خاتم الانبیا محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم ، و هم حضرت مسیح علیه السلام ، جای بعثت موسی علیه السلام و دیگر جمله انبیای عظام در همین بقعهٔ شریفه است . هواهای صاف و تندرست آبهای درخشان خوشگوار ، آسمانهای فراخ و روشن ، آفتابهای پر تابش منور درین بقعه می‌تابد ، و میسوزد و میگدازد .

میگویند : یکی از هندوان آفتاب پرست هندوستان به (لندن) رفته بود ، انگلیزی ازو پرسید که : چرا آفتاب را می‌پرستی ؟ گفت :

— اگر این آفتاب شما را میدیدم هیچگاه آفتاب پرستی نمیکردم ولی اگر شما آفتاب ما را میدیدید بهر حال آفتاب پرست میشدید .

بلی بلی . شهر لندن عبارت از یک کارخانهٔ بزرگیست که تقریباً پنجاه لک عمله دارد . پس دودهای اینچنین یک کارخانهٔ عظیمه کجا میگذارد که کسی آفتاب را ببیند . هوائیکه بران محاط است با دود بخار و خاک زغال مخلوط و ممزوج شده و همهٔ اشیا و محتویات خود را در یک رطوبت پر لزوجت سیاه و کریهی مستغرق می‌نماید . اگر فیض و برکت خزینهٔ ثروت و دفینهٔ محصولات زمینی هندوستان ، و اناطول و مصر نمی‌بود این پنج ملیون عملهٔ آن کارخانهٔ جهنم مانند مورچه‌ها به آهن خوردن و پاکی به پشم و قماش خائی مجبور می‌شدند !

یکی از اسباب ضروری بودن جنگ عمومی اوروپا رقابت و حسد شان است بر همین بقعهٔ پر فیض و پر برکت مذکوره . چنانچه اوروپا به آسیا از راه صنایع برفع احتیاجات شان خدمت میکند آسیا نیز او را و شکم بی‌هنر پیچ پیچ شان که جوهر حیات شان به آن موقوف است معاونت میرسانند . و چون قطعهٔ پر حکم حضرت سعدی را در پیش نظر آریم آن همه صنایع هیچ است . و شکم چیزی نیست که به هیچ پر شود . لهذا قطعهٔ اوروپا حاکم و محتاج الیه نی بلکه محکوم و محتاج قطعهٔ آسیاست . بناءً علیه اوروپا میخواهد که این خزینهٔ عظیمه را سراسر جزو اوروپا گرداند ، ولی نمیتوانند .

رقابتها، حسدها، جبر گرسنگیهای فلاکت‌بار نجاتشان لابد بهر چه زودتر شان را نتیجه بدهد. اگر امروز نه، فردا خواهد داد؛ اگر فردا نه، صد سال بعد خواهد داد! والحاصل از جهت وقوع جنگ عمومی دول اروپا از خارقه‌های بسیار بدیهی است که چند ترقیات اختراعات محیرالعقولش را یکی یکبار از پردهٔ خفا بمیدان اظهار می برآرد. لهذا این خارقه را نشان دادن لازم است. تا ساکنان کرهٔ سیارهٔ (مریخ) نیز برین اختراعات محیرالعقول ساکنان کرهٔ زمین آفرینها بخوانند!......

قطعه

از (صلح عمومی) چه گفتی بهرزه سرا — ای نوع بشر صلح نباشد بجهات
از (جنگ عمومی) سخن (صلح عمومی) — تا هیچ نگشته شسته سنده دوات

مقالات علمیه

علم تاریخ

تاریخ بشریت

ابتدا ما این کار را خود وعده کرده‌ایم که از هر قسم علم جلیلهٔ (تاریخ) در پیش انظار استفادهٔ شان عرض نماییم. ولی چون در اول تا از ظرف مکان بیان نمی‌نمودیم از بیان مظروف آن هیچ فایده‌ای حاصل نمیکردیم. یعنی اگر از تاریخ خلقت کرهٔ زمین که ظرف تاریخ شمرده میشود، و تاریخ که عبارت از بیانات وقوعات بشر است — مظروف آن حساب میشود، بحث بیان نمی‌آوردیم چنان مثل بهت میرسانید که کسی تشنه بر لب یک آب خوشگواری باشد، و ظرفی نداشته باشد که از آن آب برداشته بنوشد. تاریخ از احوال بشر بیان میکند. بشریت در زمین نشو و نما یافت. لهذا لابد بود که تا یکحدی از حقیقت و کیفیت خلقت زمین بیان کرده، باز بعالم بشر نظر کنیم.

هر علم، دو جهت دارد: یکی جهتِ (موضوع) آن که آن علم بر آن وضع و بنا یافته است. دیگر جهتِ (حکمت) آن است که عبارت از نکات فلسفیهٔ خلقت و در آن است. که هرگاه ما تنها از موضوع علم تاریخ بیان نماییم عبارت از یک افسانه و حکایتی میماند که: (بود و نبود یک آدم بود.....) گفته به بیان شروع نماییم. حال آنکه مقصد عاجزانهٔ این است که از (حکمت تاریخ) سخن رانیم، و به این وسیله در باب گشایش ذهن و فکر، و تربیهٔ عقل و وسعت معلومات مطالعه‌کنندگان کرام خود عرض خدمت ورزیم. و گرنه چیزیکه (عجایب المخلوقات) و امثال آنگونه کتابها در باب خلقت عالم و خلقت آدم ع گفته، و در فارسی هم موجود است کافی و وافی شمرده شده، به دیگر بیهوده سرائی چه حاجت!

یکی از قاعده‌های اساسی مبشرهای قوت نفوذ را که در مستملکه‌ها و جاهای تنها مکتبها و غیره بنیاد می‌نهند، مردمان وحشی جاهل و بیخبر را به بهانهٔ تعلیم و تربیه نصرانی گردان میخواهند همین است که شاگردان خود را ابدا و قطعیا بعلوم عقلیهٔ حکمیه که موجب وسعت ذهن و فکرشان گردد نزدیک شدن نمیخواهند. زیرا میدانند که ذهن و عقل وسعت گیرد همان دم بی‌اساس و بی‌بنیاد بودن دینی که آنها را به آن گرویدن میخواهند ظاهر و آشکار میشود.

بخلاف دین مبین اسلام؛ که اگر هر قدر ذهن و فکر وسعت گیرد عظمت و قدرت و حکمت ذات اقدس خلاق اعظم کائنات جل شانه نیز همان قدر عیان شود. زیرا دین مبین اسلام ذات اقدس الله عظیم الشانرا بجمیع تجلیات و بجمیع خود و بجمیع صفات چنان واجب الوجود ذات شناخته که هیچ یک از اجزای فردیه و ذرات کونیهٔ این عوالم بی پایان از هستی وجود ابدی و ازلی بیزوال لامکان در همه شئ عیان آن ذات و صفات خالی و عاری نمی‌یابند. (وفی کل شئ له آیة تدل علی انه واحد)

(لاجرم چنانچه در شماره‌های سابق خود از (خلقت عالم) تا یکدرجه آگاهی حاصل کردیم، سر از این شماره خود تا یکدرجه در (خلقت آدم ع) غور و تدقیق میکنیم. و چنانچه در خلقت عالم هم روایات کتب مقدسهٔ سماویه، و هم براهین علوم عقلیهٔ حکمیه را اساس گرفته بودیم، و در باب تطبیق و برابری آنها اقوال علمای این فن را نیز بهر خود ساخته کوشش ورزیده بودیم. در (خلقت آدم ع) نیز همان قاعده را پیش نظر

خود میدانیم :

تاریخ خلقت ابوالبشر آدم علیه السلام

(علم تاریخ) درباب خلقت آدم علیه السلام بر دو اساس بنای سخن مینماید : یکی کتب سماویه و دیگری کتب حکمیهٔ فلسفیه میباشد . کتب مقدسهٔ سماویه در خلقت آدم علیه السلام چنین میفرماید :

« چون حضرت خلاق عالم جل و علا کائنات را در پنج روز خلق فرموده و در روز ششم خلق نمودن بنی آدم را اراده فرمود که از صفات ذاتیه و خیریهٔ خود یک مقدار جزوی باو بخشید ، و به آن قوت و قدرت بر همه دنیا و مافیها تسلط به او عطا نمود تا عبرتی که از مصنوعات برمیگیرد یعنی از آن بحضرت صانع مطلق جل و علا انتقال داده شکر و عبودیت که بخالق خود مدیون است بجا آورد . بنابرین بواسطهٔ ملائکهٔ کرام یک مشتی از خاک را شکل و صورت انسان داده ، و بکمال قوت و قدرت صمدانیهٔ خود (روح) را در او دمید . نام او را آدم نهاد .

« بعد از آن ، ملائکهٔ کرام را بسجود بردن باو فرمان نمود همه ملائکه باو سجده کردند . تنها شیطان تکبر و غرور کرده و از سجده کردن ابا نمود ، لهذا ملعون و مطرود حضور خالق تعالی گردید .

« بعد از آن حضرت ابوالبشر اگرچه در جنت نعیم بذوق و صفای کامل زیست مینمود ولی بسبب تنهائی ملال حاصل کرد ، لهذا حضرت خالق قادر قیوم توانا بجود و علا زوجهٔ آدم — یعنی از همان خمیرمایه که وجود آدم علیه السلام از آن ساخته شده بود یک زنی خلق فرمود تا بحضرت ابوالبشر یار و یاور شود . نام این مخلوقه نیز (حوا) نهاد .

« حضرت حق تعالی جل و علا حضرت (حوا) علیها السلام نیز با حضرت آدم علیه السلام در بهشت نعیم سکونت امر نمود ، و از نزدیک شدن بیک درختی — که حقیقت آن درخت بذات اقدس الهی معلوم است — منع فرمود ، اما شیطان لعین اول حضرت حوا علیها السلام را فریب داده بخوردن شجره ترغیب ، و او نیز آدم علیه السلام را تشویق نمود ، و از شجرهٔ ممنوعه خوردند . لهذا بسبب این خطا و نافرمانی به این محنت سرای فانی بیرون برآورده شدند ، و در آنجا به انواع مشاغل بشریه و اندوه و بلیه‌ها با مرارت اوقات نمودن مأمور و مجبور گردیدند . »

این است معلوماتیکه تاریخ درباب (خلقت آدم) از روی کتب مقدسهٔ سماویه بما عطا مینماید . ما به این آیات بینات حق و صواب کتب مقدسه ایمان کامل داریم و آن ایمان را اعتقاد خود را اساس سلامت و نجاح خود میدانیم . و بقدر ذره در حق بودن آن شبهه و اندیشه بخاطر هم نمیگذرانیم . ولی چون (علم تاریخ) [illegible] نه (عقاید نامه) از آن سبب برای علم تاریخ درباب (خلقت آدم) گفته باشد نقلا نه معتقدا برای [illegible] این علم مینگاریم .

این را هم بگوییم که اگر در وطن عزیز خود مان مانده قسمت ما را بدیدن ممالک بعیده نصیب نمینمود و با گروهها معتقدین مذاهب مختلفه مجبور بمصاحبه و مباحثه نمیشدیم باز هم درخصوص تاریخ هیچ چیزی نمیگفتیم . ولی چون در اثنای سیاحت دیدهٔ خود خواه در اروپا ، و خواه در امریکا ، و خواه در اوقیانوسیا و گفتگوها با بسی مردمان دانشمند عالم بر مسلک و مشرب بنشست و برخاست . و مذاکره و مباحثات مجبور شده‌ایم ، و بنابر غیرت دینیه و اعتقاد صمیمیهٔ خود همیشه به تذکار دلایل حکمیه و عقلیه که اکثر مردمان در ان طرفها به آن گرویده و میباشند احکام جلیلهٔ معتقدهٔ خود را به اثبات کردن مجبور شده‌ایم . و آنهم میسر نشده مگر بعلاوه نکته‌ها که از قلم دانش رقم علما و حکمای اسلامیهٔ این عصر حاضر برآمده است . لاجرم درباب مسئلهٔ خلقت بشر (کائنات) نام اثر برگزیدهٔ جناب عالم فاضل و فیلسوف کامل (احمد مدحت) افندی که یکی از مؤلفین مشهور استانبول است رهبر گرفته روشنائی حقیقت آیات کتب مقدسه را با محاکمات فنیهٔ حکمیه تطبیق و برابر کرده بنظر قارئین کرام عرض میکنیم :

[دیگرش در شماره‌های آینده می‌آید]

مواد عسکریه

سخنان خوبی که پیش از صد سال گفته شده است

بعد از شماره
۱۸

خطابه ایست که (در سنه ۱۸۰۹) از طرف (ناپلیون) مشهور برای محاربه با دولت (اوستریا) به اردوی خود خوانده شده:

عسکرا !

بر اراضی حکومات متحده (رن) که ملحق است اوستریا حد ناشناسی تجاوز نمود. این است که بسرعت برق پیش آمدید:

عسکرا !

وقتیکه امپراطور اوستریا در موضع (موراویا) به اردوگاه من آمد، در اطراف من شما موجود بودید. بگوش خود شنیده بودید که چسان بمن تضرع و چاپلوسی میکرد، و چسان از من مرحمت می‌طلبید و چه قدر قسمها درباب دوست ماندن خود با ما میخورد؟ آن اوستریا که سه بار از کمال حقارت شکست خورده باز هم هیچ حیا نمیکند. این هم مارا بقسم خود خائن میشود حالانکه اوستریا بجا بود که به عفو شفقت و مرحمت بسیار مدیون و شکران میبود.

عسکرا !

مظفریتهای سابقه این مظفریت حالهٔ مارا فال خیریست که در آن هیچ شبهه نماند، زیرا اوستریا (گیل) ـ و مغلوب شماست. دست شما برد صافست.

(زادوا!) روان شوید! مظفریت مارا انتظار دارد، دلهای دشمنان خود را از هیبت خود بلرزه در آریم!... [از الآفاق عسکری ترجمه]

عالم های ژاپان

بعد از شماره
۱۸

(ریکشه) یعنی عرابه های آدم‌کش

من در ژاپان اول چیز عجیبی که دیدم همین است. از آنرو از همه پیشتر درخصوص یکقدری معلومات میدهم: (ریکشه) یک عرابه ایست که دو چرخ ـ یعنی دو دولاب دارد، و یک آدم دوان دوان میکشد، و یک دم آنرا میکشد. حالا این را خواهد پرسید که چرا عرابه های بادیدن مشقت دو اسپه و چار اسپه و یک اسپه را سوار نمیشوند که اینچنین عرابه های کوچک و محقر آدم‌کش را استعمال میکنند؟ و ازین است که اینخصوص به تفصیلات محتاج است:

اولاً این را بگویم که در ژاپان مساحهٔ مملکت بسیار کم است اساساً سراسر مملکت از سه هزار جزیره های کوچک بهم جمع آمده ژاپان شده است. درمیان اینها آنقدر جزیره های کوچک موجود است که یکی فقط اهالی را مالک است. مساحهٔ مجموعهٔ این جزیرها (۴۱۷۴۱۲) کیلومتر است که درین قدر زمین کم زیاده از (۵۰۰۰۰۰۰۰) پنجاه میلیون نفوس زندگانی دارند. تقریباً بهر کیلومتر مربع زمین بیشتر از چهارصد نفوس میرسد که اگر از میان آن کوههای آتش‌فشان و کوههای مستور با برف را بیرون برآریم بهر کیلومتر مربع بلاشبه پنجصد آدم میرسد. این است که یگانه مانع عرابه های اسپکی کمبودی اراضی شان است نسبت به نفوس شان زیرا این اراضی تنگ حیوانات را نی بلکه انسانهای خود را نیز به بسیار

فاجعه های پاریس

، بعد از نمبر ۱۸

ازین سخن قوتیلد حال یک صاعقه زده را گرفته و بر دست خود را بر دل خود فرو فشرده گفت:

— این را آیا خود او گفت؟!

— بلی، همین سخنی است که از دهان خود شان برآمده من قدرت ندارم که یک حرف فرموده شان را تبدیل و تحریف بتوانم.

قوتیلد برپا خواسته بیک صدای بسیار سوزنده گفت:

— بروید به پدر من مارگی دو قوب خبر دهید که دخترت از بیست و چهار ساعت گرسنه است.

خدمتگار از شنیدن این سخن لرزید. و بیک حال مدهشی پرده را بالا کرده باز از نظر غایب گردید.

در جائیکه قوتیلد ایستاده بود از مرمر سیاه یک (استاتو) موجود بود که این استاتو مجسمهٔ طبیعیهٔ یک انسان هیکل خشتهٔ یک حبشی را نشان میداد که یک شمعدان چهار شمعهٔ را بدست گرفته بود.

قوتیلد دانست که اگر یکبار باز بنشیند دوباره برخواسته نخواهد توانست. لهذا بر همین استاتو تکیه زده بود. بقدر دو سه دقیقه به انتظار مرور نمود. بعد از آن پرده خانه باز شده موسیو ژوزف پیدا گردید.

قوتیلد بر پرسیدن جواب کیفیت جرأت نمیورزید. تنها

زوری پرورانند . جو و جواری و دیگر حبوباتیکه اسپ و دیگر بارکش ها را به پرورانند بدرجه هیچ کشت میشود . حیوانات نیز بدرجه هیچ کم یافته میشد . بنابرین ، وظیفه بارکش ها را نیز انسانهای شان بجای می آرند . حتی بارهای بسیار سنگین را نیز بانسانها نقل میدهند .

ریکشا تنها در شهرها نی بلکه در دهها و قریه ها نیز بسیار است . از یک قریه بدیگر قریه نیز بریکشا رفت و آمد میشود . راه های بسیار درازی را بآن قطع میکنند . سرنشیب ها ، سربالا ها را همه بریکشا می پیمایند . اگر لازم شود در یک ساعتی تا به دوازده کیلومتر راه را بسرعت می پیمایند . یک دم ریکشاکش بدوید لی که در ساعتی ده کیلومتر قطع کند متصل و دونیم تا سه ساعت راه را بکمال خوبی طی میکنند . اجرت این عرابه های آدم کش در ساعتی بحساب رایج ملک خود ما بعضاً دو پول و یا دو سی میباشد . و هرچه ساعتها بیشتر شود ، اجرت کمتر میشود . من بریکشا بسیار گردش کرده و تجربه های بسیاری حاصل کردم . ریکشا کشها ی کوچک عرابه را به آنقدر سرعت میکشند که شایان حیرت است . همه قوت این ریکشاکش در پاهای شان میباشد . حتی ساقهای پای اینها نسبت بدیگر آدمان خیلی کلفت تر میباشد . عمر این بیچاره ها نسبت بدیگر مزدوران کمتر میشود . در شهر (توکیو) چارده هزار ریکشا در کار و در قرار است . و در زمانهای پیش از این هم بیشتر بود . اما حالا بسبب بسیار شدن ترام ریلهای الکتریکی ریکشاها نیم بیم کم شده است .

[باقی در نمبر آینده می آید]

ادبیات

غزل

چون خدا قومی نمایان میکند
ذوق شان را سوی عرفان میکند

علم و عرفان و تمدن هم بسر :
بهر ملکی حق چو احسان میکند :

پادشاهی عالمی قطبی فرزانه را
رهبر و هادی ایشان میکند

شه سراج ملت و دین شاه ما
نور او هرسو چراغان میکند

نیت خیر و کمال و علم او
روح بخشیها به افغان میکند

علم و دین و عدل و رحم و عقل او
ملک و ملت را گلستان میکند

میکند (محمود طرزی) مدح او
لیک بی اغراق و بهتان میکند

* * *

از پشت نقاب کرلی نیز بروی دوست بروی آن شخص که در حق او حکم آخرین را داده بود نظر میکرد . خدمتکار با یک صدای صاف و یک طور خاص گفت :

— موسیو ماری میگوید که من دختر ندارم و با وجود آن هم قبول کردن اینها را از شما رجا میکند .

این را گفت و بصورت نازکانه یک جعبه طلای فرانسوی را که بدست داشت پیش نمود . قوتیله یک آه جانخراشی کرده بصورت مغرورانه اما بسیار محزونانه دستی کیسه طلاها را پیش کرده روبرو بر بود ده طلای فرانسوی با یک صدای سست مهیبی بروی خانه پاشید . موسیو ژوزف مبهوت ماند . چونکه در مدت عمر خود این اول بار است که دور کردن و انداختن طلاهای رنگین را می بیند .

قوتیله بعد از آنکه نقاب روی خود را خوب راست کرد و بی آنکه یک کلمه چیزی بگوید از زینه دور دور دروازه برآمده بر بر در وازه ایستاده خود را رسانید . باران باز بباریدن آغاز نهاده بود . یک دقیقه که روی شهرها را حس را استیلا نموده بود و از یک طرف بصورت باران به آب انقلاب یافته بود و از دیگر طرف یک ظلمت تیره شب اساس حاصل کرده بود .

ژنگ بیچاره مجبور بود که تا محله باتینیول باز همان مسافه عظیم را قطع نماید . حالانکه از اینطرف اسپ چالاک یک امید او را می آورد و ازینطرف که بوسه طلاها می دانید نیز بر اضطرابات فوق العاده ی دختر او افزوده گرفته بود .

[باقی دارد]

ناموران زنان جهان

مابعد از نمبر ۱۸

آسپاسیا — یک زنیست از زنان یونان قدیم که بحسن و عقل مشهوره بود، در شهر (میلت) تولد یافته، بعد ازان به (آتینه) رفته به تدریس علم بلاغت مشغول گردیده است. خانه اش در آتینه مجمع و محفل علما و حکما و شعرا بود. در اجتماعهائیکه در آنجا می شد عالی ترین مسئله های حکمت، و ادبیات، و سیاسیات در میدان مذاکره و مناظره گذاشته می شد، از علمای مشهورهٔ یونان (سقراط) و (پریقلس) و (آل کیباد) همیشه از مداومین حکمت خانهٔ آسپاسیا بوده. نهایت الامر (پریقلس) که در آنوقت رئیس جمهور هم بود، به جاذبهٔ حسن و جمال، و تأثیر علم و کمال (آسپاسیا) تاب آور مقاومت نشده، و زن خود را طلاق کرده با آسپاسیا ازدواج نمود. حکم و نفوذ آسپاسیا بر (پریقلس) بدرجهٔ رسیده بود که همهٔ امور ادارهٔ حکومت جمهوری به امر و نهی آسپاسیا منحصر مانده بود. حتی محاربه های بسیار خونریزانهٔ (سیسام) و (مغاره) و (موره) را آسپاسیا برانگیخته است. بعد ازان دشمنان آسپاسیا یک سخن گفتنی اورا بهانه گرفته به بیدینی اورا متهم ساختند. و در محکمه اش کشیدند. شوهرش (پریقلس) برای رهائی دادن آسپاسیا خیلی کوشش ورزید حتی در محکمهٔ (آریوپاغ) برای جلب مرحمت حاکمها سرشک اشک بسیاری ریخته است. بعد از وفات (پریقلس) آسپاسیا با (لیسیقلس) نام یک نوجوانی که اهل بتحصیل علوم نبود ازدواج کرد. ولی بعلم و سیاستی که داشت این شوهر خود را به مسندهٔ عالی جمهوریت بالا برآورده است. آسپاسیا مجیز یگانهٔ علوم و معارف و علی الخصوص صنایع نفیسه بود. حتی در آتینه سبب یگانهٔ ترقی صنایع نفیسه آسپاسیا گردیده است. برادر (اردشیر) پادشاه ایران که (کیرس) نام داشت چون شهرت بسیار درخشندهٔ آسپاسیا را شنیده بود معشوقهٔ خود را که (میراتو) نام داشت بنام آسپاسیا ملقب نموده بود. بعد از وفات برادرش کیرس میراتو را اردشیر دوست میداشته بوده است.

[باقی در نمبرهای آینده می آید]

علم ثروت ملل

مابعد از نمبر ۱۸

انسان اگر سعی و عمل را شعار خود نسازد نه وجود او نه بقای او هیچ فایده نمیرساند. اما این را هم باید دانست که انسان تنها بکار و کوشش یک سر واحد خود بتدارک کردن چیزهای لازمی که بدفع احتیاج زندگانی او بکار است کامیاب نمی آید. اجرا کردن صنعتهای بسیار عادی نیز به بسیار آلات و ادوات و اسباب متوقف است. آدمهای بسیار وحشی نیز برای سد رمق زندگانی خود و خوردن دیگر حیوانات مجبور است که برای بدست آوردن آنحیوانات لااقل به تیر، و کمان وکنده، و دام محتاج میشوند و برای ساختن آنها به بعضی آلات و ادوات محتاج میگردند که آن آلات و ادوات را تنها کوشش و عمل یک آدم بسر رسانیده نمیتواند. و ازین سبب انسان را (مدنی بالطبع) یعنی بجمعیت زیست کننده گفته اند.

هر اندازه که مدنیت پیش میرود و علمها و معرفتها تیز بیشتر میرود و بهمان نسبت احتیاجات بشریه نیز افزونی گرفته (قوه استحصالیه) ایشان نیز بیشتر میشود. و ازین سبب از یکطرف زمینها و جنگلها، و انواع معدنها و نباتات و حیوانات را ضبط و تصرف میکنند، و ماشینها و الکتریک قوای طبیعیه را در خدمت خود استعمال نموده بسی چیزهائیکه مدار استحصال ثروت شود بروی کار می آورند. و از دیگر طرف باز همان ثروت را از سر از نو بر صنعتها صرف کرده جنسها و قسمهای اشیائی را که مدار پیدا کردن ثروت شود افزونی میدهند.

بنابرین، وسایط استحصالیهٔ ثروت یعنی واسطهائیکه ثروت به آن پیدا میشود — بر سه قسم تقسیم میشود:

[مابعدش در نمبرهای آینده می آید]

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف سر محرر تحریر یافته
مدیر و سر محرر سراج الاخبار افغانیه

بسعی و اهتمام الحاج عبدالخالق سر طرز افغانی مهتمم چاپخانهٔ دار السلطنهٔ کابل
بقلم میرزا محمد جعفر قندهاری

صفحه ۱ سال یکم نمبر ۲۰

نگران
ادبشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی
علی احمد

قیمت سالیانه
در دار السلطنه کابل ۸ روپیه کابلی
در تمام داخله مملکت با اخراجات داک ۱۲ روپیه کابلی
در خارج مملکت با اخراجات داک نیم پوند انگریزی
قیمت یک نسخه آن در کابل یکعباسی است

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

مدیر و سرمحرر
محمود طرزی

ادارهٔ خانه و مطبعه
در ماشین‌خانهٔ دار السلطنه کابل

همه امورات تحریریه به اداره‌خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

هر پانزده روز یکبار نشر میشود

تاریخ قمری یکم شعبان ۱۳۳۰
تاریخ انگریزی ۱۶ جولائی
تاریخ شمسی ۲۵ سرطان ۱۲۹۱

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

ترقی پروریهای اعلیحضرت همایونی — حوادث داخلیه — حوادث خارجیه — ادبیات — ناموران زنان جهان — علم ثروت ملل
تاجهای پاریس

* * *

ترقی پروریهای
اعلیحضرت همایونی

در شمارهٔ سابقهٔ خود از بعضی ترقیهای اعماریهٔ عصر ترقی‌قرین اعلیحضرت پادشاه معظم خودمان چیزی‌چیزی نگاشته بودیم. درین نسخهٔ خود از یک هواخوری وقت عصر (چمن حضوری) نام موقع با صفای شهر عزیز دلپذیر خودمان یک شمّه بیان میکنیم:

(چمن حضوری) در جهت شرقی متصل شهر صفا بهرا واقع، و یک چمن بسیار خوش فضای لطیف هوای دلکش فی میباشد که پیش از چند سال بجز یک نام خالی چمن دیگر هیچ یک محاسنی را مالک نبود. لاکن بتوجهات ترقی صفات ترقی‌پروری ذات مراحم صفات اعلیحضرت پادشاه معظم ترقی پرور، و شهریار مقدس لطف گستر ما در ظرف یکچند سال نمونهٔ چمنستان ارم و یکی از خوش منظرترین سیرانگاههای عالم گردیده است.

درینجا ما از احوال سابقهٔ چمن موصوف چیزی نمیگوئیم تنها از یک تنزه و نیم هواخوری یک عصریهٔ وقت حاضر آن بیان میکنیم:

هر انسانی که خواه سوداگر باشد، و خواه پیشه‌ور، و خواه مفلس باشد و خواه توانگر بهر حال در ظرف بیست و چهار ساعت بعد از فراغت کار و بار خود یک هواخوری و استراحت کردن، و یک تنفس و چای نوشیدن احتیاج کلی دارد. در ممالک متمدنه این مسئلهٔ مهمهٔ تنزه و تفرج اهالی در یک مقیاس بسیار واسع در زیر نظر دقت و اعتنا گرفته شده و بانواع شکلها و نامها برای رفع اینگونه احتیاجات انسانیه جاها و موضعها بنیاد و برپا شده میباشد. کلپها، قهوه‌خانه‌ها، قرائتخانه‌ها، کافه شانتانها، تیاترها، سازخانه‌ها، سینمتوگراف خانه‌ها، باغچه‌ها، سیرانگاهها، میدانهای اسپ‌دوانیها و دیگر مسابقه‌ها و غیره چیزها موجود است که این چیزها برای استراحت روحانیات و معنویات انسانها بدرجهٔ زراعت، و صناعت که برای جسمانیات و مادیات انسانها خدمت میکنند منفعت و فایده میرسانند. و این چیزهائیکه ذکر شد چنان گمان نشود که از طرف حکومت ساخته میشود اما حکومت برای این چیزها یک قانونی وضع کرده، در دایره

بهمان قانونها کمپنی ها و شرکتهای خود اهالی بکمال آزادی و انتظام تشکیل و تاسیس می یابد .

در مملکت عزیز ما از اینگونه چیزها که مخصوص مدنیت اروپاست هیچ چیزی موجود نیست . و هم بوجود بودنش لزوم دیده نمیشود ، زیرا مملکت عزیز ما در وقت حاضر بدار العلومها و مکتبها و کتابخانه‌ها ، و دار الصنایع‌ها ، و شرکتها و امثال اینگونه چیزها که به ثروت و توانگری ، و تربیهٔ عقلیهٔ اهالی خدمت کند احتیاج فوق العاده دارد .

لهذا ذات اعلیحضرت پادشاه محبوب القلوب معظم ما چنانچه از یک طرف در باب تاسیسات علمیه و صناعیهٔ مملکت شاهانهٔ شان بذل همت جهان قیمت شاهانه را معروف داشته اند از دیگر جهت برای نشاط و انبساط اهالی مملکت نیز نزهتگاه با صفای (چمن حضوری) را سراز اساس بیک وضع دلنشین ، و یک اصول فرحت قرین بسیار پسندیده تحویل داده اند .

این پادشاه بزرگ ترقیخواه مقدس ما در بهرهٔ خصوصیات ترقی و تمدن مملکت محروسهٔ شاهانهٔ شان مجبور اند که بنفس نفیس خودشان صرف مقدرت فرمایند . و معلم هرگونه آثار ترقی خود ذات شاهانهٔ شان شوند ، زیرا اهالی مملکت عزیز ما هنوز در حال صفوت و خالصیت ابتدائی خودشان زیست دارند ، مثلاً تشکیل (شرکتها) که یکی از مهمترین اسباب ثروت و توانگری مملکت شمرده میشود در نزد اهالی ما سراسر مجهول و مفقود مانده ، شرکت ، که بزبان فرنگستانی آنرا (کمپنی) ، ویا (کومپانی) میگویند آنقدر غیر معروف یک کلمه ایست که متوفیهٔ اعلیحضرت ملکه ویکتوریا را کمپنی صاحب خطاب میدهند . و اینهم از این نشأت کرده بود که حکومت انگلیسیهٔ هندیه در آغاز دخول خود بهند بنام (کمپنی) یعنی (شرکت تجارتی) ضبط مملکت مینمودند . حتی در اول بار که لشکر به افغانستان سوق نموده بودند باز هم همین نام کمپنی بود که ملکه ویکتوریا بهمان نام معروف و زبان زد شده امده است .

حالا ببینید که (کمپنیها) یعنی شرکتهای تجارتی چقدر اهمیتهای عظیمه دارد که یک مثال مختصر آن همین مسئلهٔ ضبط نمودن خطهٔ فسیحهٔ هندوستان است که یک شرکت جدیدهٔ انگلیسیه در زیر حمایت و نظارت دولت متبوعهٔ خود تشکیل یافته عسکر ، توپ ، تفنگ ، کشتی ، وغیره وغیره را برابر کرده ، مانند هندوستان یک خزینهٔ پر مال مردم را بدست آوردند . اگر یک شخص توانگر بخواهد که یک خط راه آهن تجارتی از کابل تا بقندهار تمدید نماید ، و قطارهای ریل را بران بکار اندازد ، و بصدها استیشنها و هزاران مامورها و دیگر بسی کارهای آنرا از سرمایهٔ خود بوجود آرد آیا ثروت و توانگری و دارائیش تا بچه درجهٔ عظیمه خواهد بود ؟

حال آنکه اینگونه تشبثات عظیمه را ثروت شخص واحد یکجا و پوره کرده نمیتواند . اینگونه کارها را اگر بخواهند (شرکت) میکنند که به اصطلاح علامهٔ (ابن خلدون) آنرا (تکثیر ایادی) یعنی بسیار دستها میگویند . والحاصل فواید و منافع شرکتها و کمپنیها چنان چیزی نیست که بیک مثال و دو مثال تمام شود . افسوس که در مملکت عزیز ما حس تشکیل دادن شرکتها بجز این [illegible] از ما هنوز ظهور هم نکرده است .

اول بار که نام شرکت شنیده شد ، و بنیاد آن نهاده شد همانا (شرکت عرادهٔ موتر) بود که پار سال ذات اعلیحضرت پادشاهی بعد از آنکه بر همهٔ اعیان مملکت از فواید شرکت یک نطق بلیغ بسیار موثری بیان فرمودند چشمان همه گانرا بر منافع آن باز نموده و باهم یک سرمایهٔ جسیمی بوجود آمده شرکت تشکیل یافت که انشاء الله منافع و فواید آن در ثانی دیده خواهد شد .

دوم همین شرکت مختصرهٔ محدوده ایست که بنابر تشویقات ترقی آیات ذات اعلیحضرت شهریاری امسال از یکچند ذوات متعدد تشکیل یافت . مقصد خیر محض ذات اعلیحضرت پادشاه ترقیخواه حقایق آگاه ما از تشکیل دادن این شرکت دو چیز است : یکی اینکه حس تشکیل دادن شرکتها را در اهالی بیدار کردنست و فایده‌های آنرا عام ساختن ، دیگر اینکه همه کارهای رعایای صادقهٔ شاهانهٔ شان را آهسته آهسته در یک دایرهٔ نظام و انتظام مدنیت داخل کردنست ، و اهالی را شیئاً فشیئاً به آثار تمدن آموخته کردن .

حالا وقت عصر است . طبیعت را نیز از کثرت تحریر یک تعب و ماندگی حاصل شده ، از آن رو لازم است که تا بچمن صفا آئین حضوری رفته یک تنزه بصریه اجرا نمائیم ، اگر از تحریرخانهٔ خود که در محلهٔ (ده افغانان) واقعست تا بچمن موصوف پیاده برویم هم یکقدم زدن

چمن بنظر می آید دیم از عدم نفعیت مسافه چندان مانده گی عارض نمیشود. این است که قلم تحریر را از کف نهاده قدم تسیر را برمیداریم :

نصف بازار ده (افغانانرا) با سرک. مابین یک قسم باغ ارگ مبارکه و (بستان سرا) را بسرعت طی نموده بر سرک شبه پخته (سرک ده) از یک قسم (بازار ارگ) از زیر قبهٔ جسیمهٔ (چارسوق) بر سرک بسیار وسیع و دلکش پخته (سرک کلان) که در مابین دیوار غربی ارگ مبارکه و چوبهای عسکر کوتوالی شاهانه واقع شده است بقطع مسافه آغاز نمودیم. بطرف پنجه قدقه سرک مذکور را پیموده بر سرک بسیار با صفای سایه دار طراوت شعاری که به (سرک جدید) موسوم است تا بسر (پل قومی باغ)، و از انجم مرور نموده بر سرک بزرگ بسیار پهنا و مستقیمی که از دو طرف با نهرهای جاری و بوته های گل و زنبق پیناکاری محاط، و تا مسافه بسیار درازی ممدود شده رفته است، و از جاده های بسیار خنای شهر عزیز ما شمرده میشود برفتار افتادیم. بعد از آنکه از پیش گاه جامع شریف بزرگ (عیدگاه) گذشتیم بدست چپ میل کرده از پل جوی بار کنار سرک صفا شعار بر سرک پیاده رو چمن صفا مأمن قدم نهادیم. برین سرک از ابتدا تا انتهای آن که مسافه بالطول چمن است جا بجا کنار به آیینی کرچهای تخته ئی رنگ شده پنج پنج نفری وضع شده است که اهالی بکمال حریت و آزادی برآنها نشسته از تماشای طوپ بازیهای داخل چمن، و هواهای لطیف نسیم طراوت خیز چمن، و نغمه های سامعه نواز موزیکای عسکری هوش افگن استفاده ها میکنند. و شکرانه های نعمای لاانتهای ذات اقدس الهی را، که آزادی وطن و پادشاه شفقت پیرامن به افغانستان عطا فرموده بجا می آرند.

ما به این نظارهٔ کنار چمن صفا شعار قناعت نکرده درچمن میدرآئیم. زیرا بعض دوستان ما مارا در انجا انتظار دارد و درچمن دو دایره نشیمن گاه آراسته و پیراسته دیده میشود که از طرف شرکت تجارتی بر مقصد تجارت برای واردین آماده و مهیا شده است. یکی از انها خاص و دیگری برای عموم باز است. بر یکی از چوکیهای می نشینیم. یک پیش خدمت خوش لباس باآدابی لیسته یعنی فهرست خوردنیها و نوشیدنیهای مشروبهٔ موجود را آورده در پیش ما برروی میز میگذارد. اگر تنها باشیم از هر نوع نوشیدنی، خوردنیهائیکه دل بخواهد بقیمتهای معینی که برای همه چیز در ان فهرست نوشته شده میخواهیم. و اگر دوست خود را دعوت کنیم پسند نمودن خوردنی و نوشیدنی را نیز تکلیف کرده بکمال مسرت بال بصحبت و رفع غم و ملال میپردازیم. از این نشیمن گاه صفا بهر چهار به اطراف و جوانب خود یک نظری پرتاب کنیم. هر طرف چمن را یک سرور و حبور بر نشاط رفیق مستغرق میبابیم. درطرف یک دایره را می بینیم که شاگردان (مکتب حبیبیه) در انجا بازی (کرکت) بیک مسرت تامی مشغول اند. و در یک سمت دیگر یعنی بسمت نشیمنگاه خاص یک میدان بازی دیگری می بینیم که از طرف شهزادگان عظام و مأمورین معیت، و خدمهٔ خاصهٔ همایونی بازی (لاانتنس) اجرا میشود. و در یک جهت دیگر شاگردان مکتب طایفهٔ جنود افغانی وطن را می بینیم که بیک شوق و نشاط عظیمی بازی (فت بال) سرگرم مسرت و سرور اند. و در یک سمت نیز موزیکهٔ عسکری به ترنمات لاره های نے وطنی دلها را یک سروری می بخشد. از یک طرف داربازهای پر مهارت بحرکات ماهرانهٔ چالاکانهٔ خود خنده بر قلوب بینندگان میکوشند. ذات اعلیحضرت شاهانه هر روزه تشریف فرمای چمن حضوری میشوند. و بدیدار قدسیت آثار همایونی خود شان دلهای تبعه و رعایای صادق شاهانه شانرا آبادی میفرمایند.

حالا یکقدری بدیدهٔ دقت نظر کنیم. می بینیم که یک شرکت مختصرهٔ محدوده چقدر نیز تکجا بر روی کار آورده چه جوش چه خروش، چه سرور چه شادمانی! حال آنکه در عین زمان شرکت نیز فایده مند منفعت میگردد. چون اینهمه ترقیات مدنیت پرور از فیوضات توجهات مراحم ایات پادشاه مقدس محبوب القلوب ما اعلیحضرت (سراج الملة والدین) در وطن مقدس ما بر روی کار آمده واجب است که دعای تاهدنی عمر و اقبال و برتری شوکت و اجلال همایونے شانرا از صمیم بال عرض بارگاه ایزد متعال نمائیم.

* * *

حوادث داخلیه

استخبارات خصوصی در باب قوم منگل

وقوعات ناگواری که در منگل رخ داده بود بعون و عنایت باری و فیوضات توجهات اعلیحضرت شهریاری چنانچه در شماره ۱۹ خود نوشته بودیم سراسر مندفع گردید. در روز جمعه ۵ رجب سنه (۱۳۳۰) ملکان طوطاخیل و احمدزائی تماما با معتبرین و سفید ریشان خودشان بحضور جناب جرنیل محمد نادرخان حاضر شدند، و از مراحم اعلیحضرت شاهانه که بر گناهان شان قلم عفو کشیده اند عرض شکران و امتنان بی پایان نموده اند. و نیز از اردوی عساکر ظفر مآثر شاهانه که در اثنای حرکات عسکریه بهیچ خانه، و مال مواشی شان ادنا تعرضی نکرده اند و بلکه در محافظه آن کوشیده اند جداگانه عرض ممنونیت و مسروریت خودشان را بیک لسان شکریه بسیار پر خجالت و شرمندگی بیان کرده اند، و به این شکرانه عساکر ظفر مآثر شاهانه را بطعام بسیار بزرگی دعوت و مهمانی کرده اند.

تعمیر رباطها و قرهولها

رباطها و بعضی قرهول خانه های سرکاری که در اثنای این گیرودار خراب شده بودند از طرف خود اهالی که از گناهان خودشان نادم و تائب شده و عرض استیمان نموده اند آباد شده میرود. تعمیر رباط موقع (خدخیل) از طایفه مردم (احمدزائی) و (طوطاخیل) بکمال عجز و سرافگندگی در عهده گرفته اند، و قرهول خانه موقع (پطان) را که مردم منگل خراب کرده بودند خود مردم مذکور تماما اطاعت و بکمال عجز و خجالت آباد نموده و مفرزهٔ مقرریٔ عسکریهٔ آنجا بقرار سابق در آنجا اقامت گزین عز و شرف شده اند.

برگد عبدالعزیزخان

عالیجاه برگد عبدالعزیزخان که برگد سمت جنوبی بود، باتفاق ملکان و رؤسای قبایل منگل در پنجم رجب به نظام و انتظام بسیار درست بموقع (خدخیل) باردوی جرنیل محمد نادرخان الحاق نمود، ملکان و رؤسای منگل استیمان نامه ها، و تشکرنامه های خودشان را که مهر عمومی شان شده بود بخدمت جناب جرنیل صاحب داده عرض و تقدیم کرده اند.

نقل و اسکان

مقدار سی و پنج خانه وار که تقریبا دو صد نفوس را حاوی بود بنابر لزومی که دیده شد از منگل کوچ داده در زیر نگرانی کرنیل عبدالقادرخان (بهوگره) فرستاده شده اند که در آنجا اراضی مزروعه برای بود و باش شان داده شود، و بقرار سررشتهٔ سرکاری تا وقت رسیدن فصل نفقه برای شان مقرر شود.

عودت عساکر ملکی

جمعیتهای عساکر ملکی داوطلب که از اقوام مختلفه افغانستان محض بنابر صداقت بادشاهی، و شرف وطن کمر همت خدمت را بر میان بسته بودند و تفصیل آن در شمارهٔ سراج الاخبار افغانیه مندرج است بعد از ایفای خدمت باراده سنیه اعلیحضرت شاهانه با بعض تلطیفات و نوازشات رخصت شده و بمحلهای خودشان عودت نمودند.

اصلاحات مهمه در مکتب فنون حربیه سراجیه

از قرار مسموعات موثوقه که باداره ما جراید رسیده، در هفته گذشته ذات عالی جناب شهزاده معظم دولت علیه افغانستان (معین السلطنه سردار عنایت الله خان) در مکتب فنون حربیه سراجیه که باراده سنیه اعلیحضرت پادشاه مؤسس معظم، و در زیر نظارت جلیله عالی شان میباشد بعضی اصلاحات مهمه اجرا فرموده اند.

این یک معلوم است که (مکتب فنون حربیه سراجیه) قبل از سه سال باراده سنیه اعلیحضرت همایونی بنابر مقصد بسیار مهمه بسر رسانیدن افسران نظامی تشکیل و تاسیس یافت. ذات اعلیحضرت پادشاه معارف پناه ما در چمن حضور کلیه سرداران و اعیان و اشراف مملکت جمع و دعوت فرموده یک نطق بسیار موثر و بلیغی بر جمله بیان فرموده که اجمال مضمون آن مبنی بر فواید و محسنات مکتب، و ضرورت و احتیاج اردوهای دولت بافسران

نظامی و تأسیس فرمودن مکتب فنون حربیهٔ سراجیه را برای بسر رسانیدن افسران نظامی بیک لسان مرحمت بیان حسیات پرورانه بیان فرمودند . و در آخر نطق همایونی این را نیز علاوه فرموده بودند که اوّل بار شما را که اکابر و خاندان و اعیان مملکت شمرده میشوید امر و تشویق میکنم که اولادهای خودتان را در مکتب داخل کنید تا اولادهای شمایان بشرف وظیفهٔ خدمت دولت و مناصب رفعت و عزت سرفراز شوند . و اگر شما اولادهای خود را برضا و رغبت داخل مکتب نسازید مجبور خواهم شد که اولادهای دیگر اصناف رعایای صادقهٔ شاهانه خود را بمکتب داخل سازم . و بعد از آنکه اولادهای آنها برتبه های عالی عسکری سرافراز شوند و از اولادهای شما بقوّت علم و فن برتری گیرند حق شکایت و گله را نداشته خواهید بود .»

والحاصل در آنوقت تقریباً بقدر صد و پنجاه نفر شاگردان از اولادهای اکابر و اعیان که شهزادگان عظام نیز در آن داخل بودند در آن مکتب فیض مکتب داخل شدند . و ادارهٔ مکتب در یک مقیاس واسعی بدست مدیر مکتب جناب کرنیل محمود سامی خان داده شد و مدت دو سال گذشت . عدد شاگردان مکتب روز بروز در ترقی دیده شد بعضی مسموعات ناگواری نیز در بارهٔ بدی اداره مسموع عالی شهزادهٔ معظم گردید . از روی بعضی اصلاحات جزئی مکتب موصوف صرف همت عالی خود شانرا بیدریغ فرمودند .

اوّلاً یک نظامنامه برای ادارهٔ امور مکتب تنظیم و ترتیب فرموده بعد از استئذان از حضور میمنت موفور اعلیحضرت شاهانه و مزیّن شدن بدستخط همایونی نظامنامهٔ مذکور دستورالعمل اتخاذ شد و نسخه های مطبوعهٔ آن را بر شاگردان و هیئت اداره تقسیم و توزیع نمودند . و جناب برگد . غلام جیلانی خان را که مأمور بخدمهٔ برگدی غند کوتوالی عسکر شاهانه میباشند با باقی بودن وظیفهٔ مأموریت موجودهٔ شان علاوه به (مفتشی) مکتب فنون حربیهٔ سراجیه بمفتشی مقرر فرمودند و غیر از ینجا توجه تام نظارت پناهی عالی شانرا مصروف اصلاح و ترقی مکتب فرموده همه ناگواریها و سوء اداره ها را اشتباً فشتاً برطرف نمایند .

از درگاه خلاق عالمیان نیاز میکنیم که بسایهٔ فیوضات ترقی پرور بادشاه معظم محبوب مطلوب ما این مکتب فیوضات مکتب که بنا بر یک مقصد مقدسی تأسیس و بنیاد یافته روز بروز به ترقی و نتیجه های بسیار مفید افسر پروری موفق و کامیاب آید . و نیز همّت عالی ناظر معالی مآثر ذات عالی حضرت شهزادهٔ جوان بخت معظم خود ما را تبریک میگوئیم و دوام توجهات شانرا برین عمل خیر شان رجا داریم .

حالا در ینجا تنها صورت خطابهٔ عالی نظارت پناهی شانرا که بر شاگردان مکتب خطاب فرموده اند و یک نسخهٔ مطبوعهٔ آن از (مطبعهٔ عنایت) بما رسیده بود عیناً درج صفحهٔ افتخار نموده بدعای بادشاهی ختم مقال مینمائیم .

خطابهٔ ذات عالی نظارت پناهی به مکتب فنون حربیهٔ سراجیه بشاگردان مکتب

شاگردان !

اگرچه منهم یکی از هم صنفان مکتبی شما بوده و در آن خود میباشم ولی چون حسب الوظیفه آمر و ناظر شما هستم لازم است که شما را آگاه سازم و بدانم که درینوقت برای مکتب شما یک نظامنامه ترتیب و ختم شده و یک شخص صادق و لایق برای باخبری مکتب مقرر فرموده شده است تا بعضی ناگواریها که درین مکتب مقدس بوقوع می آمد برطرف شود . و ادارهٔ آن مکتب بیک نظام و انتظام تامی بر محور لایق خود دوران نماید .

شاگردان !

باین بدانید که اشرف ترین چیزها (علم) است جای علم و سرچشمهٔ علم مکتب است . پس به بینید که شما برای چسان یک چیز شریف و در چگونه مقام شریف بچه گونه یک عمل شریف مشغول و مقیم میباشید ! علی الخصوص که بران علم شرف و شان صنف جلیل عسکری نیز علاوه شود . صنف جلیل عسکری نگهبان ناموس و شرف دین و ملت . و وطن است .

شاگردان !

بادشاه حقایق آگاه و منظور نظر کرده ترقیخواه و کریم ما این مکتب و جمع آمدن شما را در آن محض بمقصد بسر رسیدن افسران جنگی نظامی که اردوهای دولت متبوعهٔ مقدسهٔ تان بآن احتیاج کلی دارد تأسیس و تشکیل فرموده اند . سعی کنید زحمت بکشید . در راه تحصیل علوم و فنون عسکریه . و آموختن تعلیم و قواعد حربیه سعیها کنید . زحمتها و مشقتها را بر خود گوارا سازید . به افسران و معلمان خود اطاعت و محبت ورزید تا از نتیجهٔ سعیهای شما بادشاه شان . وطن تان . ملت تان

فایده بردارد، و نتیجهٔ زحمتهای تان به راحتها و سعادتهای دینی و دنیوی و فخرها و شرفهای مادی و معنوی متبدل گردد.

شاگردان!

آگاه باشید که بعد ازین اگر در میان خودتان مکتب داموختن علوم ادب مخالف نظامنامه و اوامر و قواعدی از طرف عالی بشان داده شود حرکت کنید به جزاهای لازمی که خود ما آنرا مناسب به بینیم شما را گرفتار خواهیم کرد. زیرا که غایهٔ مقصد دولت معظمهٔ ما این است که ازین مکتب افسران نظامی بیرون برآید. و چون شما برا اصل مقصد دولت معظمهٔ خود تجاوز کنید البته که دولت علاوه بر مجازاتی که نظامنامه تعیین کرده بشما جزا خواهد داد. لهذا باز میگوئیم که سعی و غیرت و همت مردانهٔ عسکرانهٔ را که از آبا و اجداد شما بشما میراث مانده پیشنهاد خودتان نموده در راه محافظهٔ شرف و شان دولت و ملت و وطن خود یکچند سالی زحمت بکشید تا خدا و رسول و پادشاه شما از شما راضی گردد، و ارواح آبا و اجداد وطن پرور تان شما را تقدیس کند و دولت و ملت و وطن از شما برخورد و فقط

[عنایت‌الله معین السلطنه]

مراسم جشن اتفاق ملت دربار

«چون بعد از ترتیب واقع شده و از آن روز تأخر واقع»
«درج گردید»

یکی از مراسم جشن های بسیار مقدس پر مسرت و شعاری که در دولت علیه افغانستان اجرا میشود مراسم (جشن اتفاق ملت) میباشد که آغاز این جشن در سنه ۱۳۱۴ مطابق سنه ۱۸۹۶ میلادی در سال چهارم جلوس میمنت مانوس خاقان مغفور جنت مکان اعلیحضرت (امیر عبدالرحمن خان غازی) طاب ثراه نخستین بار در دولت علیه افغانستان بموقع اجرا آمده است.

بعد از آنکه دولت و شوکت متبوعهٔ مقدسهٔ ما از مراحم خداوندی جل و علی از سعی و همت جان قیمت اعلیحضرت امیر مغفور طاب ثراه از دست دولت اجنبی رهائی یافت و مدت چارده سال به استقلال تام و اکتساب قوت و احتشام دوام ورزید، و ملت افغانیه در همه حکم عامه متفق شمس تابان ظاهر و عیان گردید عموم ملت افغانستان که در قلمرو اعلیحضرت امارت پناهی شان سایه نشین امن و امان بودند از طرف جمله اقوام مختلفه و قبایل و عشایر متعدده منتخبها و نامزدها مبعوث شده به دار السلطنهٔ کابل جمع آمده به اتفاق جمهور ملت لقب (ضیاء الملة والدین) را بر اعلیحضرت شاهانه‌شان نهاده بیکدل و یک زبان (ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان) گفتند. و در سر آن از طرف عموم ملت یک عهد نامهٔ بقسم مؤید بدین مضمون که: (تا بحال هرچه خرابیهائیکه در دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما پیش آمده همگی از تحریک فساد و فتنه انگیزیهائی بعمل آمده که در مابین ما حکمداران ذیشان ما برانگیخته شده است. لهذا عهد ما عهد و پیمان میکنیم که هیچگاه بفتنه انگیزی در مابین اولاد ملوک خود قیام نورزیم و تا بوقتیکه اولاد و اولاد اولاد این پادشاه که ما را و ملک ما را از چنگ کفر رهائی داده و با شان و شرف بخشیده در دنیا باقی باشند از جادهٔ اطاعت و تابعیت و صداقت ایشان سر بر نتابیم)

وقتیکه نوبت سلطنت بوارث حقیقی تاج و تخت دولت علیهٔ مستقلهٔ خداداد افغانستان ذات اعلیحضرت این پادشاه محبوب القلوب با عدل و عرفان ما رسید، و زمام ادارهٔ سلطنت را بکف حسن نیت، و کمال عدل و حقانیت و لطف کفایت شاهانه‌شان گرفته، و بنای حکمرانی را بر عدالت و شفقت و مرحمت بنا نهاده عفو عمومی را اعلان، و باقیات مالیات سنوات گذشته را که بلیونها روپیه میشد از رعایای صادقهٔ خود عفو، و اسارت، و عقوبات شکنجه و عذاب را لغو، و احکام شریعت غرا را استوار، و استقلال دولت قوی شوکت را بیش از پیش پایدار نمودند. در سنه (۱۳۲۰) سال دوم جلوس میمنت مانوس شاهانه باز بقرار سابق از طرف همهٔ ملت لقب (سراج الملة والدین) را بر ذات قدسیت صفات اعلیحضرت شاهانه‌شان نهاده و همهٔ جمهور ملت بیکدل و یک زبان (سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) ستودند و باز عهدنامهٔ مذکوره را تجدید نمودند. و بر سر آن نشان مرصع بزرگی نیز از طرف ملت بر سینهٔ معدلت شاهانه‌شان آویختند.

آن روز فیروز مراسم جشن اتفاق ملت را هیچگاه فراموش کرده نمیتوانیم: همان سال اولی بود که [illegible] ما بعد از غربت بیست ساله بنا بر اعلان عفو عمومی شرفیاب

دفتاب عدالت آب پادشاه مقدس معظم خود شده بودم، و در آن هنگام جزو ابیاتی منظوم افغانستان را بشرف جایزه و فیروز مظفر آورده بودم که این چند فرد را بعینه درینجا از آن نقل و درج مینمایم :

شعر

ملت و ریش و شاه و سلطان برحق | آن دو وحدت همه جهان ریشه را فخر
بارز فضل حضرت رب قدیر | جلوه گر باد در همین سنه کبیر
چون خواست فضل را کند دو بدو | بخشید اتفاق و عناصر یکدگر
از جهد اصطفا بحر این صدا بود | نور د سراج ملت این انجما بود
یا رب چه روز بود و جهان افروز | کز یک کرور مردم مسلمان یکی شود
با یکسان ملت تکرار همین ندا | باشد سراج ملت این ابن ابنها

حالا در باب کیفیت وضع اساس مراسم (جشن اتفاق ملت) همین قدر معلومات تاریخیه اکتفا ورزیده و از مراسم جشن مذکور که در یوم چهارشنبه ۷ رجب مطابق ۱۲ سرطان سنه (۱۳۳۰) اجرا یافته بعرض تفصیلات پردازیم :

چند از ارباب مناصب ملکی و عسکری و اعیان و اشراف و اصناف مختلف شهر و مردمان اطراف و اکناف برای مراسم روز جشن اتفاق ملت از چند روز با اطلاعات حاضر و آماده شده بودند برای روز چهارشنبه رقعه ها و طومارهای خبری از طرف جناب ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی بواسطه سارجن میجرها بهمه باشی ها تقسیم و توزیع کرده بودند.

در یوم و ساعت موعود بمه باغ ارگ مبارکه در بره سلام خانه خانه از مردم مملو شده بود. ارباب مناصب ملکی و عسکری و اعیان و اشراف و علما و سادات عظام در سلام خانه عام بر موقعهای خودشان جای نشسته. عساکر خاصه شاهانه یعنی اردوی در پیش روی سلامخانه اخذ موقع احترام کرده بودند. نواخته شدن سلام از موزیکه های عسکری تشریف آوردن اعلیحضرت همایونی را اعلان نمود. همه حاضرین در بار قیام نمودند. ذات اعلیحضرت پادشاه مقتدر محبوب القلوب از دروازه جهت غربی سلامخانه داخل دالان شده بر تخت عالی بخت سلطنت سنیه مستقله افغانیه برآمدند و بهمه حاضرین با تلطیفات جهانبانیات شاهانه نوازش فرمودند.

درین اثنا ذات عالی فخر حضرت نائب السلطنه صاحب در پیش گاه تخت معالی پایگاه همایونی ایستاده و از طرف عموم ملت عرض تبریک و تشکرات ورد عاها را ادا نمودند. ذات اعلیحضرت همایونی بر کرسی سلطنت شاهانه شان جلوس فرموده بهمه گانرا بنشستن امر نمودند. و بار دادن سلام کردن عمومی را بقرائت عریضه و سرو رشته بهمه سامعین فرمان نمودند.

پس از آن صنف صنف فوج فوج قبیله قبیله گروه گروه جاده جاده را ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی جناب (علی احمد خان) از جهت برنده و غرلی پیش گاه معلی پایگاه همایونی تقدیم مینمود. و شهرت و عنوان صنف و قوم و قبیله شانرا با عرض تبریکات و عبودیت شانرا جهراً عرض حضور همایونی مینمود. و خود اهالی نیز بزبانها و لهجه های مختلف عرض خلوصیت آمال صداقت اعمال خود شانرا بیان میکردند. و ذات اعلیحضرت شاهانه هر گروه و هر فرقه را که بعضی بفارسی و بعضی به افغانی سخن میگفتند بزبان قومی خود شان جوابها و احوال پرسیهای رحمت پرورانه شاهانه خود شان تلطیف و نوازش میفرمودند. و هر صنف و هر فرقه بجاهای معینه خود شان جابجا شده می نشستند.

این منظره پرهیبت و شوکت بسیار پر مسرت حقیقت قلبهای باحب وطن و پادشاه و ملت مشحون را یک وجد و سرور بسیار رقت آوری حاصل مینمود. حسیات را یک عظمت و علویتی با اهتزازی می آورد. قدسیت ممتزج بودن این سه کلمه مقدسه (پادشاه، وطن، ملت) را بصورت یک هیکل مجسمه بسیار وجد نظر جلوه میداد.

بر عموم مردمان شیرینیها، چایها و حلواها داده شد و الا احسان کرده. ذات اعلیحضرت شاهانه نیز بقرار دربار های سابق طعام را بر میز همایونی با دو اعیان و اشرافت مفتخره (اهل میز حضور) مشرف و تناول فرمودند و سلام خانه نشینان هم و بصاحبات الوان حکمت قلوب حاضرین دربار معلی با ارتجالات شاهانه تلطیف و احیا میفرمودند. بعد از طعام اجازه و انصراف اعلام فرمودند و دربار مراسم (جشن اتفاق ملت) بالخیر والعافیه به انجام رسید.

لیلهٔ مسعودهٔ جشن اتفاق ملت

این مراسم بسیار مبارکهٔ (اتفاق ملت) غیر از شب و روز یک قسم بیل خبر دارد. چنانچه در همان شب روز مذکور باز همان مراسم اهل دربار معالی بار آنکه بیک قدری خصوصیت تر با تذکره های مخصوصه بدرجه اماکن شبانه از جهت شمالی متصل ستور مبارک بجهت تماشا و عموم ملت فرموده شده.

در باغ ارگ مبارکه متصل جهت شمالی استور و قطعه چمن صفا ... بسیار و تشکیل

رسم جشن تخصیص نموده شده بود. چمن اول برای آغاز اجتماع یافتن نفری و ادا ساختن صلوة مغرب و صرف طعام و چمن پهلوی آن برای نشستن و تنزه و مصاحب مخصوص شده بود.

اگر در اوصاف صفا و لطافت این چمن با لطافت پردازیهای قلم شعر عتیق را بجنبش می آوردیم جا بیست که این آنرا با سوده زمرد مفروش می ساختیم. قطرات شبنم را بران دانه های گوهر ساخته می افشاندیم تختهای نشیمنگاه آنرا از کرسیهای افلاک برتری می نهادیم. سایبانهای آنرا از قبه فلک الافلاک عالیتر می افراشتیم. ولی هزار افسوس که باین تعبیر با سراسر حسن و صفای طبیعیهٔ آن چمنهای لطافت سیما را برهم میزدیم. و بر سوده زمرد دانه های مروارید و برآنقدر چوکیهای بلند. و در زیر چنان خیمه های زیبا پر بهجت دو قافی نداند که درکجاست ؟ در فضاست یا سما ؟ هیچ جهت نمیکردیم ! لهذا اقرار عاجزانه (کالحجه) آنرا تقصیر کرده و بتواند بآن قسمیکه به آن نداشیم. تعریف و توصیف این دو قطعه چمن نشاط و انس بطرز (کالحجه) چنین است که عرض میشود:

دو قطعه چمن ! هر دو چمن را از همدیگر دو سرک منظری با چنارهای بسیار بلندی از دو طرف محاط میباشد جدا کرده. چمن که گفته شد معلوم است که زمین آن بایدلا بسبزه مستور باشد. چمن اول یکقطعه زمین سبز و خرم که نسبت به سطح زمین باغ بقدر (۳ - ۴) فوت مرتفع است ترتیب داده و درازی (۵۲۰) فوت. و عرض (۱۴۴) فوت. به نقشهٔ هندسی مربع مستطیل بسیار زیبا طرح شده است دیوارهای سه چهار فوتیه قطعهای اطراف این قطعه با همه سطح آن یک سبزهٔ یکدست و هموار خوش رنگ نرم و لطیفی بتمامها مفروش است که با ماشینهای درودن مخمل باغبانان آن چمن پیرایان ماهر آنرا پیراسته اند. نرمی و تراوت سطح چمن مسرت پیرا من را اگر به نرمی یک مخمل بهشت و یا یک قالین دوازده چنت تشبیه کنیم قوهٔ لمس از آن ابا میکند زیرا اگر پای زری با آنجا تا یک درجه برابرش می آید و ولی یک زینت حسن حیات نباتی از لمس آن بر یگیرد که از لمس جادو قالین و مخمل بر نمیگیرد.

در دو طرف چمن صفا و انس به درازهٔ بعضی کله کهنه ها و کوچهای مقبول گذاشته شده و همه سرداران و اعیان و اشراف مدعو شده گان بساعت مقرری با لباسهای بسیار فاخر رسمی شایانهٔ خود شان ملبس بوده بران کوچها به انتظار قدوم میمنت لزوم پادشاه معظم خود نشسته بودند.

نیم ساعت بغروب باقی بود که ذات اعلیحضرت پادشاهی بسواری (ریکشه) در چمن موصوف شرف نزول ارزانی فرموده همه حاضرین قیام نموده و بسلام شاهانه سرافراز شدند.

بعد از صرف چای صلوة مغرب به امامت اعلیحضرت پادشاه اسلام پناه ادا گردید. تقریباً هشت و نیم بجه بسفره های خوان الوان نعمت پادشاهی به نوازشهای الطاف همایونی آغاز شد. میزهای طعام به بسیار زینت و آراستگی ترتیب شده بود. علی الخصوص میز خصوصی ذات اعلیحضرت پادشاهی به زینتهای میزهای منتظم طعام را مالک بود. انوار باضیای چراغهای گاز زنده بهار لطافت نثاری مستغرق انوار میبود.

طعام به بسیار مسرت و فرحت به انجام رسید. بعد ازان وقت تماشای چراغان و استفاده از انوار نشرده از بزم جشن پرمسرت در رسید. همه حاضرین از چمن اول بچمن پرنشاط ثانی بنابر اشارت ایشیک آقاسیان حضور رفته در پیش مرتبهٔ نزول گاه چمن مذکور صف بسته استقرار گرفته. ذات اعلیحضرت همایونی باز یک تشریف فرمای عزو اقبال گردیده یک سر بزیر سایبان عالیشان رونق شده و همه حاضرین تبعیت نموده در مجلس انس شب جشن پرسعادت که به انواع مفروشات ثمینه و زینتهای پرشعشعه مفروش و مزین بود منتشر شدند.

چمن اول را تا اینجا به تعریف و بیان کرده بودیم. حالا ازین چمن نشاط و خرمی نیز چیزی گفتن لازم است. این قطعه نیز بیک شکل مربع مستطیلی طرح شده است که طول آن (۵۲۲) فوت و عرض آن (۲۱۱) فوت پیدا شد. و تمام در مواجهه برج جهت شمالی قصر سعادت مستور واقع شده است. سطح زمین این چمن نیز بهمچنان سبزهٔ خرم طراوت بهم مفروش است. و دور ادور این چمن را یک دیوارچه یک متری محوطه احاطه کرده است که بجای گل و خشت نورد دان بکار رفته است. و از دور نگارنگ فانوسهای بلورین هر رنگی که دیوار و دورادور چمن را در بر گرفته است چنان بنظر می آید که گویا یک قوس قزح بسیار روشن یک فصل ربیعی را حول گرد دیوار چمن نشاط و انس را به آن رنگ داده اند. در قطعه بزرگ چنارهای جهت غربی این چمن که در دو طرف سرک خاص هر دو چمن صف کشیده اند با انواع قنادیل رنگ رنگ شاخ و برگ شوخ و شنگ خود شانرا منور و مزین ساخته اند که اگر رفیق شعر عتیق هستند بر بعضی روایات تان بجای [illegible]

از مضمون یک درختی که میوهٔ آن انگور باشد دم زند انسان را بتصدیق کردن مجبور مینماید.

در سطح جنوبی تاق چمن یک سایبان بسیار واسع و فراخی برپاست که خود این سایبان و پیش روی جبههٔ این آن، قالینهای بسیار اعلای مفروش است، و در سر هر طرف بساط این محفل از در منزل جا بجا میزها و کوچها، آرام چوکیها گذاشته شده، جا بجا ... و در نظر در پیش یک یک میز گرامافون آورده، و بخوردن انواع فواکه و نقلیات و شیرینی سیگار و سیگره، بمصاحبت های ادبیانه و ظریفانه سرگرم زحمت دسترد دنیا شدند. میزهای بازی ها نیز؛ شطرنج تخته بازی، و میزهای انگلیسی انواع تماشاهای تصویر دار و نقشه ها و لوحه ها گذاشته شده و نیز موجود است که هرکس آزادانه از تماشا و مشغولیت به آنها استفاده کرده میتوانستند. میزهای چای، و بسکویت، و قهوه، و چاکلات، و شربتها بیک موضع مخصوص گذاشته شده که هرکس از آن استفاده میتواند. غیر از انواری که از دایرهٔ نورانی اطراف چمن درخشنده باریست، در داخل چمن نیز در هر بر جا مرتبه ای مصنوعی که بانواع گلها و چراغها زینت یافته و با تذهیب نظام و پرانوار بنظر جلوه میکند گذاشته شده، که انوار چراغهای الکتریکی برنده؛ قصر سعادت مصر (استور) پر درخشندگی پر انوار خود با انوار رنگارنگ دایرهٔ نورانی و انوار داخل چمن انوار خرمن پر مسرت و شادمانی پاره پاره ساز آمده، انسان خود را مستغرق یک دریای نوری دیده و بشاشت وری عالم خیالات آغاز میکند. علی الخصوص رنغمات خوش ترنمات سوزیده های ...، و باجه های فوجی، و آوازهای خوانندها، و سازهای نوازندها، و نغمه های مختلف گرامافونها، و الحان صداهای چهچههٔ بلبلان خوش الحان که پاره ... تکیه ای طبیعت شناسان ... پیروی نموده بهتارهای اعصاب حسیات را یک چیحابی مقامات معنوی باهتزازی آورد.

هم زیارت هم تجارت

درهمین زمان همین لیلهٔ مبارکه جشن بسیار معظم فرخنده فال که درین محفل مسرت منزل حضور همایونی برپاشد، یک تجویز مستحسنه باصواب بسیار سود مند دیگری را نیز دربرداشت که آن هم عبارت از تشهیر شدن بعضی لوحه های بدیعهٔ فضا و دیر فوتوگرافی محصولات عالم فابریکه خانهٔ حضور همایونی بود که هم برای زینت موقع و هم برای کسانیکه آرزومندی خریداری آن را داشته باشند بمعرض بیع و شرا در آمده، و حاصلات منافع آن داخل صندوق که برای یتیم خانه تخصیص شده است گردیده و کاملاً اجر و ثواب حاصل شود، و هم از نظاره آن استفاده و کمالات این فن نموده گردد.

حقیقتاً که لوحه های بدیعهٔ مناظر مختلفهٔ افغانستان ... عکس لطافتها و یادگار را دربرداشت که انسان از خریداری یکی دوی آن خودداری نمیتواند. این است که باین صورت این لیلهٔ مقدسه بزم پر نور حضور موفور السرور اعلیحضرت پادشاه دیانت پناه ترقیخواه معدلت آگاه مقدس معظم ما هم زیارت تماشای مشاهده، و هم تجارت مثوبات دینی و دنیوی برای جمهور ... شامل حال بود.

والی صبح تا بدم صبح این لیلهٔ جشن مقدس دوام ورزیده هرکس به جان جانان فرحت، و عالم عالم مسرت شکر پروردگار عظیم الشان خود را بدین نعمای عظمی که بملت افغان عطا و احسان فرموده تهلیل کنان بخانه های خود عودت نمودند.

در شب چراغان بازار

از طرف اداره

برادران مشهری ما چون این همه تفصیلات مراسم جشن را در اخبار ما بخوانند خواهند گفت که: (اینجا اعلاج معلوم و تحصیل حاصل است که آقای سراج پیش نهاد خود گرفته؟) (جشن استقلال یک چیزیست معلوم، و همه فوق العادت آن را بچشم سر خود دیده و دیدیم. پس چه حاجت که این قدر صحیفه های اخبار را بجاودانی که در پیش چشم خود مسرتها بوقوع آمده پرساخته باز برای ما نقل و حکایه بکند!) اما انصاف باید کرد: اگر اخبار ما تنها در شهر عزیز خود ما خوانندگان میداشت و در دیگر اطراف نمیداشت حق بجانب شان بود. ولی چون بسیار برادران دیگر ما در هر طرف افغانستان موجود اند و اخبار ما برای شان میرود و چه میشود که آنها نیز بواسطهٔ این نشر از اذکار دیدنیها مستفید شوند. علی الخصوص مردمان خارج که شنیدن حوادث عادات و مراسم ما چقدر آرزومندی دارند!...

اصل این: شهر عزیز پایتخت ما در شب ... هم ... جاهای بازار را چراغان و شهر آئین نمودند. برای اهالی مسعود ترین و پرسرور ترین ایام و لیالی شان همین شب اتفاق شان است بازار ارگ، وچوک ها و شور بازار و غیره همگی بانوار چراغها روشن و دکانهای تجارتی گونه گون زینتها و روشنایها، و چراغهای بزرگ لامپ و غیره و

دیروز ها و بیرق ها تزیین یافته بود، موزیک ها، گراموفون ها سازها و سرود طرف شب تشحیذ سامعه شنوندگان خدمت میکرد. اهالی در بازار ها — غرق عیش گشته دکاکین و [illegible] روشنائی سرور تمام مشترک [illegible] بودند. بعضی دکانهای تجار بیرق های سرخ [illegible] اعلان های مخصوص شادی و ترتیبات مزین شده بود.

ذات اعلیحضرت پادشاهی از کمال رأفت و مرحمتی که در باره تبعه صادق خود شان دارند هر سال با بعضی همرکابان حضور مبارک برای خوشنود ساختن قلوب اهالی در بازار ها گشت و گذار کرده و بعضی را بخشش و انعام و [illegible] را [illegible] از دکانهای شان تلطیف و نوازش فرموده مرحمت گستری و رعیت پروری شاهانه شان را اجرا مینمایند.

با درگاه خالق یگانه خود با [illegible] جبین عبودیت سائیده دوام ترقی و شوکت و قوت دولت متبوعه مقدسه خود را از نیاز میکنیم. و روز افزونی عمر و اقبال و صحت و اجلال پادشاه معظم را خواهانیم [illegible] خود را از [illegible] عام میکنیم تا زیر سایه مراحم آن همایونی شان بسی سالهای دراز [illegible] روزهای پر مسرت نایل و کامیاب آئیم آمین

حوادث خارجیه

احوال سیاسی

درین روزها چون از روی صحایف اخبار به سیاست اروپا نظر انداخته شود یک حالت [illegible] عجیبی دیده میشود غالباً [illegible] دست و پا زده [illegible] عثمانیان در مقابل ایطالیان [illegible] بلقان را [illegible] انداخته باشند! البته باید [illegible] زد: زیرا عثمانیه در باب جزیره [illegible] بودن و دشوار بودن [illegible] اسلامیه عثمانیه داشتند بعضی مشکلاتی برخورده [illegible] آن شکست بودن را [illegible] آورد.

ولی اگر دیده انصاف دیده شود معلوم میگردد که این مجادله طرابلس غرب چنان [illegible] که دولتها را [illegible] دور و دراز [illegible] زد. یک مشت عسکر عثمانی [illegible] کار [illegible] ولی ساز و سامان تقریباً [illegible] است در مقابل یک دولت معظم [illegible] با همه استعدادات عسکری و [illegible] انگلیز [illegible] تشن [illegible] و [illegible] برکان [illegible] کشتیهای زره پوش

و زر و دینار [illegible] چنان ثبات و متانت و چنان غیرت و شجاعت بکار برده اند که تنها [illegible] اراضی بلاد و دیار الجزیرت اند است. لاجرم از اندیشه [illegible] اصلاح کارهای خود شان چاره اتفاق مثلث از ملاقات [illegible] جزیره ها و [illegible] و اختلاف [illegible] که دولت فرانسه و انگلیس باشد از دیگر طرف در بحر [illegible] تشبثات عظیمه آغاز نهاده اند.

این اندیشه ها و تدارک اندیشه های او دو پاره دو چیز سبب شده است: یکی حرص و طمع [illegible] ممالک اسلامیه دیگری در عین زمان حسد و رقابت به یکدیگر شان [illegible] !

اوستریا، ایطالیا، آلمانیا — یعنی جرمن که اعضای اتفاق مثلث اند در [illegible] بازی شطرنج سیاست یک اسب خود را جولان تازی [illegible] چال [illegible] بازی [illegible] دیگرش یعنی اوستریا در بودن دو رخ بوسنیا و هرسک بازی کرده بود بعضی سواحل طرابلس غرب و بعضی جزیره های بحر سفید [illegible] این [illegible] بود. متفق [illegible] یک چال بسیار [illegible] اوستریا [illegible] اندیشیده است. ولی در باب اجرای [illegible] یک رقیب بسیار [illegible] دارد که [illegible] آن میدان [illegible] تحذیر [illegible] چال خود اقدام کرده نمیتوانند که آن رقیب هم عبارت از دولت انگلیس است این رقیب برای جلوگیری حرکات حریف چال باز خود با فرانسه که این دشمن خلقتی حریف است دست یک اتفاق حاصل کرده در بحر سفید یک هیبت و قوت بحریه عظیمه خود را با استقبال [illegible] حاضر میکنند.

اتفاق مثلث چون از [illegible] قوت [illegible] مانند اسپ و رخ و فیل [illegible] دولت [illegible] است که شاه [illegible] قلعه [illegible] اول رخ دو پیاده بوسنیا و هرسک [illegible] چنان [illegible] که [illegible] فرصت یافته [illegible] تعویضات [illegible] آن گشت [illegible] و بالاخره [illegible] یک ترتیب و انتظامی [illegible] اسب [illegible] به [illegible] گذرانیده [illegible] فرزین [illegible] دو پیاده [illegible] طرابلس غرب [illegible] ولی چون دید که [illegible] بعضی [illegible] در [illegible] حساب [illegible] موجود است بجز یک [illegible] بیغیرتی [illegible] یک سرباز [illegible] در میان بحر سفید [illegible] گذرانی [illegible] و [illegible] فرزین [illegible] جرمن بود. ولی [illegible] فرزین در یک خانه [illegible] قوت بحریه [illegible] به بحر سفید آورده نمیتواند. [illegible] بحر بالتیک و بحر شمال [illegible]

میبودند . قبل از آنکه جبل طارق در بحر سفید درآید که از تغییر بقدر فداکار بجای حلیف میسر میشود . آن راه را که از این ممالک فرانس وانگلیس میگذرد چسان گذشته خواهد توانست ؟ قرار ایتلاف قوای بحریهٔ اتفاق مثلث بر قوای بحریهٔ ائتلاف مثلث افزونی و برتری دارد

در عین زمان مابین اتفاق مثلث نیز بعضی نفاقهای ضمنی می بینیم که انسان را بحیرت می اندازد . مثلاً یک دفعه میشنویم که یک جنرال ایطالیا یک نطق پرسوز و پرجوشی میخواند . و سلوک [illegible] از آن طلبهای حق صریح خود را از دست این قاضیان [illegible] این نطق بر اوستریا چنان تاثیری میکند که جان در مجلس [illegible] و سوق عسکر آغاز میورزد . مسئله یک رنگ نازکی را میگیرد . جنرال را عزل میکنند . مسئله را خاموش میکنند . روس را استریا در مسئلهٔ بوسنیا و هرسک گول زده حقوق جنس (اسلاو) را پامال میکند . روس بعد از آن گول خوردن خود پی میبرد . در باب نیرنگ ریختن کوشش میورزد . ولی این هم لوتریم که نیرنگ بکار ذروس در اوروپا نی بلکه در آسیا سیاست در حالتی که رقیبان خود را در آنجا مشغول کار میبینند و لحظه بلحظه در بجا آوردن دعوت پدر خود کوشش میورزد تا دیده شود که چه میشود ! . . .

از اخبار ماتن فرانسوی

((اختلال در استریا مجارستان))

از (بوداپشت) که پایتخت (مجارستان) است خبر میدهند :

گروه عمله — یعنی مزدورکاران یک اجتماع عمومی کرده [illegible] هجوم کردند و در عمارت آتش زدند . از نقطهای مختلف شعله ها می برآید . در اثنای هجوم عسکر سواره یعنی رسالهٔ بسیاری از مردمان در زیر سم ستوران پیموده شده اند . اختلال کنندگان قهوه خانه ها و دکانها را نیز یغما و تاراج کرده اند . و این اختلال در بسیار شهرها بر پا شده است . بسیاری از بناها و چوبهای کلکی نیز در این غوغا موجود بوده اند که بعد از زخمی گشته و ده نفر پولیس به صورت زخمی شده اند .

دیگر — از (ویانه) پایتخت اوستریا خبر میدهند :

امپراطور امر کرده است که برای اهالی غیر تفنگ نشود ، و تا ممکن باشد به سر نیزه و شمشیر نیز حمله نبرند . این وقوعات بوداپشت بر بحران خوردهٔ سال بسیار تاثیر کرده است .

دیگر — از لندن خبر میدهند که در لندن عموم نقلیات یعنی مزدورکاران باربرداری خیزیده و بار گذرانده . از این سبب قیمت مأکولات بالا برآمده است .

خبرهای مراکو

جنرال (لوایوتی) بشهر (ماروق) داخل شده است . (الملکی) از طرف سلطان به استقبال او برآمده است . و از طرف سلطان در خیمه باشرف جنرال مذکور ضیافت داده شده است . بعد از طعام جنرال بنام سلطان و سعادت ماروق باده نوشی کرده . الملکی با تعبیرات فوق العاده بجنرال بیان خوش آمدی کرده است . بروز دیگر از شهر بیرق فرانس تموج میکند . جنرال را سلطان فردا رسماً قبول میکند . [جنرال لوایوتی یک امور فوق العادهٔ فرانس است که بماروق فرستاده اند . عیناً مانند لارد کچنر انگلیس است که در مصر فرستاده شده است . (مترجم)]

دیگر — بر شهر ماروق از طرف عربها هجوم و یورش برده شده از مدت دوازده ساعت است که در اطراف شهر یک غیر تفنگ شدیدی اجرا میشود . بسیاری از قبیلهٔ اشتر که بهجوم اشتراک ورزیده اند . مهاجمین بر شکافتن دیوارهای شهر تشبث میکنند . بعد از غروب قمر هر طرف را یک ظلمت شدیدی استیلا کرده از هر دو طرف غیر منقطع گردید . بعد از چند ساعت با یک شدت فوق العاده بهجوم آغاز نمودند و بلا انقطاع دوام میورزد . از شهر استغاثات صداهای شنیده میشود .

دیگر — از فاس بتلگراف بی سیم خبر میدهند :

در اثنای گلوله باری طوپ یک قسمی از جامع باب (جیسا) خراب شده است . جامع (اندلس) سراسر با خاک یکسان گردیده است .

دیگر — به قبایل جهاد اعلان کرده اند . جهاد در بهر شهر با بیرق زاویهٔ مولای ادریس اعلان شده است . پوشش که برای قبر مولای ادریس بود در شب برداشته شده و پاره پاره و قطعه قطعه کرده بر همه قبیلهها تقسیم کردند . هر قبیله آن پارچه را بر بیرقهای خود دوخته بجهاد اشتراک ورزیدند .

دیگر — ترجمهٔ کاغذیست که برای دعوت جهاد از طرف زاویه برای قبایل نوشته شده است : ((آیا چرا حرکات اجداد خود تانرا پیروی نمیکنید ؟ آیا نمی بینید که فرانسیسها بر روی زمین بسیار از مسلمانها را بجلا میدهند . ملکهای ما و اجداد ما را پامال میکنند خودها و زنها و اولادهای ما را اسیر میکنند . جهاد تنها بر مردان نی بلکه بر زنان و طفلان نیز فرض است .))

تاثیر این دعوت نامه خیلی شدید است . روز بروز قبایل بسیاری جمع آوری میکنند . حتی قبیلهها که مطیع فرانسه بودند نیز بجهاد

اشتراک ورزیده اند . بنابرین احوال اسپانیا وخیم است »

عرابه های موتر در پاریس

بعد اخبارهای پاریس ، عدد عرابه های موتر ، و ترامواهای موتر را با عدد و خط رفتارهای آنها حساب کرده به اتفاق از حکومت طلب کرده اند که یک قانونی برای سرعت موتر ساخته شود که در شهر و کوچه ها سرعت رفتارشان یکدرجهٔ معین باشد .

بچه ها و دختران انگلیس در پاریس

یک قافلهٔ هشتصد و شصت و چهار نفر بچه ها و دختران انگلیز به پاریس آمده اند . اینها در مسابقهٔ موسیقی نوازی ، و غزل سرائی اشتراک ورزیده اند و جاهای شایان تماشای پاریس را سیر کرده اند . این انگلیزهای کوچک خورد و بزرگ فرانسیسها را بسیار ممنون ساخته ، اهالی در هر طرف این مهمانان کوچک خود را بسیار بصمیمیت تحسینها کرده اند .

دو ره پلان

از ایطالیا خبر میدهند : در شهر تورین امروز صبح (غازینو نام) صاحب دوره پلان — یعنی کشتی هوائی بر زمین افتاده هلاک شده است .

از جراید ترکیه و عربیه

موازنهٔ بحر سفید

از تجزیهٔ ملاقاتهائیکه مابین رجال سیاسیهٔ انگلیز در جزیرهٔ (مالطه) بوقوع آمده ثابت گردیده که دسته های کشتی جنگی بحر سفید دولت شاید بمقابل برآید . حتا اینها حاضر نمیباشند ، درین روزها انگلیز و فرانسه برای استعمال کردن موقعها ، و استحکامهائیکه در بحر سفید دارند با یکدیگر ائتلاف کرده اند . انگلیزها عسکریکه در مصر دارند برای اقدامهای احتیاطی که در جبل طارق و مالطه موجود بود بخوبی محافظه و سرپرستی میشود . نقصانهائیکه در کشتیهای جنگی فرانسه و انگلیز باشد در تحت آن تکمیل میشود .

بمقابل این حرکات فرانسه و انگلیز (اوستریا و المان) نیز که در موازنهٔ بحر سفید بشدت علاقه دار است بکمال گرمی ابراز فعالیت و کارگذاری دارد . کارخانهٔ کشتی سازی (پولا) شب و روز بکار مشغول است . دسته های کشتی جنگی ایطالی معلوم [illegible] و تازه میباشند .

تلگراف خصوصی (المؤید) الغرا

بسیاری از عساکر ایطالی به اردوگاه عثمانی در بنغازی خود را تسلیم کرده اند . و سبب تسلیم شدن شان این است که هیچ فایده در دوام حرب ندیده اند . این تسلیم شدگان خاطر بیان کرده اند که قشون عسکری ایطالیا در بنغازی از شدت سختی های محاربه تا بکمال رسیده و هزار نفر رسیده که از [illegible] سر از اطاعت عصیان کرده و اپس به ایطالیا باز فرستاده شده اند ، و باقی آن سربازیها مقتول یا مجروح یا مجنون شده اند .

از اخبار (الاخوت اسلامیه) منطبعهٔ توکیو

در وقت نهم عصر آخرین مردم ذلکستان از دیگر مردمان روی زمین این قدر جاها و نفوس ضبط کرده اند .

نام جاها	میل مربع زمین	مقدار نفوس
در آسیا	۵۳۲۸۴۰	۳۳۸۲۱۰۰۰۰
در افریقا	۴۴۵۲۹۹۰	۹۸۴۸۵۰۰۰
در امریکا	۵۹۴۴۰۶	۱۰۴۶۰۰۰۰
در اوستریلیا	۱۶۰۹۴۵	۶۳۳۰۰۰
در جزیره ها	۱۰۳۲۴۸	۶۴۶۰۰۰
جمیع روی زمین	۹۱۲۱۸۶۹	۱۳۳۵۹۰۰۰۰۰

سلطان جدید مراکو

مردمان جنوب غربی مراکو با شیخ هیبه نام یک شخص بسیار متبحری که همه مردمان صحرای کبیر و سودان غربی به او اتفاق دارند بیعت کرده و او را سلطان خود برداشتند . و از بیعت عبدالحفیظ خاین دین دست خود را کشیده اند .

دسته های کشتی جنگی انگلیس در بحر سفید

لارد کچنر بر این رای استناد که عدد کشتیهای جنگی انگلیس در بحر سفید کم شود . و بلکه واجب بودن یک دو کشتی زره پوش را در آنجاها بدلایل ثابت ساخت .

خطبهٔ والی سالونیک کاظم بیگ

جناب کاظم بیگ والی ولایت (سالونیک) بعد از نماز جمعه در مسجد (قاسمیه) یک خطبهٔ بسیار بلیغی در باب (عالم اسلامی) خوانده است که ما از اخبار محترمهٔ (الهلال العثمانی) ترجمه و نقل میکنیم :

« در قرن گذشته شمس تابان اسلام عالم را بانوار لامعهٔ خود روشن ساخته ، مسلمانها برای نشر دین خود بهر جا خواستند و در کم وقت یک دولت عظیمه قوی بنیانی قایم نمودند . انقلابات زمان هیچ تغییری با حال ایشان کرده نتوانسته است . در جهان [illegible] ایستاده نتوانسته است . [illegible] بایشان [illegible] بوده اند .

« هرگاه یک نظری بسوی عالم اسلامی بیندازیم [illegible] مرکز [illegible] (الخلافه) [illegible] عالم اسلامی [illegible] یک رابطهٔ معنوی [illegible] یک نظری [illegible] در زیر نظر تحقیق و تدقیق در آوریم :

[چین] — [illegible] از شرق اقصا خبر میدهند [illegible] سلطنت [illegible] بیک حال خوب و ترقی زیست دارند [illegible] میباشند [illegible]

[illegible]

[هند] — [illegible]

[افغان] — [illegible] (عبد الرحمن خان) [illegible] استقلال دولت افغانستان [illegible] (امیر حبیب الله خان) [illegible] استقلال افغانستان [illegible]

[ایران] — [illegible]

[مصر] — [illegible]

[طرابلس غرب] — [illegible]

[illegible]

[مراکو] — [illegible] (عبد العزیز) [illegible] (عبد الحفیظ) [illegible]

[illegible]

سبب های تنزل عالم اسلامی

[illegible]

وسیله های خلاص شدن عالم اسلام

[illegible]

دشنات خود یک میل طبیعی بطرف برادر مسلم خود داشته باشد. پس اگر ما احکام اجتماعیه را که دین ما بر ما فرض کرده بجا آریم. اتفاق و برادری در میان مسلمانان کره زمین بدون واسطه و وسیله بپا و خواهی شد. زیرا دین ما را [illegible] میکند. [illegible] تبشیر میکنم که [illegible] اتفاق [illegible] یک جامعهٔ اسلامیه تاسیس و بنا [illegible] اتفاق مسلمانان [illegible] دنیا [illegible] مذاکره و مباحثه [illegible]

دیگر اینکه اصلاح [illegible] قوی [illegible] حکومت اسلامیه فرض و واجب است. [illegible] فرض است [illegible] حربیه خود [illegible] لشکر [illegible] دشمن [illegible] (ومن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم . الایه) [illegible] واجب است [illegible] والله الموفق بالخیر والصواب

* * *

ما ملا کلان [illegible] خطبه ها عبارت از زبان خطبه ایست که در جمعه های [illegible] خطبه [illegible] عربی موجود است [illegible] زبان عربی بودن آن [illegible] خطبه [illegible] موجود است. . . .

عیناً مکتوب

لاهور بیرون موچی دروازه مورخه ۲۶ جون ۱۹۱۳

جناب مکرم معظم عطوفت شیم مدیر سرفراز سراج الاخبار افغانیه [illegible] — بعد از تسلیم نیاز و شکریه جناب باری [illegible] جناب والا مرتبه [illegible] اعلیحضرت [illegible] جناب عالی اجرای سراج الاخبار [illegible] حضرت باری تعالی این [illegible]

سراج الملة والدین [illegible] تهذیب [illegible] پاریس [illegible] رقص [illegible] تهذیب [illegible] رقص [illegible] مس ویلاقی [illegible] رقص [illegible] مس ویلاقی [illegible] رقص [illegible]

فاجعه های پاریس

ما بعد از نمبر ۱۹

حالا اگر قارئین کرام خود را قدم بقدم برین حادثه [illegible] با قوتیلد بیچاره همراه ساخته روان سازیم غیر از اینکه چند بار اتفاق افتاد تنها و سرتنها در کلبه غلطیده تمامی احوال [illegible] استقبال او را [illegible] و دیگر چیزی [illegible] دید. قوتیلد بسیار آرزو میکرد که یک آن اول تر اجل به امدادش رسیده و در راه [illegible] جان بیفتد و ازین عذاب رهائی یابد. ولی [illegible] مانده [illegible] عذاب. بهزار زحمت [illegible] تا به آن اقامت گاه خود رسیده توانسته است.

وقتیکه در پیش خانهٔ اقامت گاه خود رسیده و بصورت [illegible] بر زینه های تاریک بالا بر آمده در اتاق سرد و تاریک خود واصل شد ساعت ده شب بود. بمجردیکه در اوتاق خود در آمد مانند شخصیکه جانکنش [illegible] آمده باشد فریاد بر آورده گفت:

— خواهران برسید!... به امدادم بیائید که مردم...

و چون در خانه غیر از خودکسی را ندید. فریاد خود را بجواب دید گفت:

جهت دیدن این رقص با خود برده بودم آنهم تسلیم بلیط کرده دیدن رقص قابل اعتراض عرفی نیست — بر یزید شک درست [illegible] شهر مربیج — بر وضیر پرنس در شهادت خود زیادتر [illegible] کرده میفزاید رقص خوش چشم مس ویلانی بجای اینکه اشخاص صاحب مخصوص را بهره اندوز کرده در جمیع عوام و بر روی مردم عموم کمالات خود را آشکار، اگر چه این ترقی تهذیب رسانی جهت ملاء تحت علم خواهد بود بسبب آشکار کردن حسن و جمال جسم انسانی در تهذیب رخنه نمی آید [illegible] دو ترشیاد است جیش کرده شد که بیچاره افسران پولیس را تشبث بجا ها کردن مس ویلانی عرق انفعال برچهره آمد — پس اهل جمهوری یعنی پیشتران عدالت فیصله نمودند که مس ویلانی در رقص خود گویا خدمت یک اصلی فن را بجا می آرد و این عذر که این فعل خلاف اصول اخلاق عامه بود لغو و بی بنیاد است — حالا امید است که مس ویلانی به بسیار بی باکی و بی تکلفی و آزادی کمال و جرئت ناز این رقص عریانی خود را بنظر عوام جلوه خواهد داد . و کاهی خیال مزاحمت بر دل افسران پولیس عبور نخواهد کرد — ملاحظه فرمائید اهل یوروپ را که جهت اصول اغراض و مقاصد خود اصل مسئله تهذیب را چه سان بر طاق نسیان گذاشته تا کجا پاس ناموس و ننگ را دارند

[امضا]

((خاکسار سید احمد شاه))

ادبیات

غزل

حمد

حاسد از ما بچه چیز هم بخورد نار حسد
آتش سوزنده چنبر کشد بار حسد

جانی تا کی است [illegible] دشمن [illegible]
زیر پر گشتی [illegible]

بیلی پنهان نو شمس [illegible]
[illegible] بستی [illegible]

باز زبان [illegible] جهل است و خود است نفاق
بیلی [illegible] می تیر بار حسد

بهر حاسد شد [illegible] جحیم پر غضب
در دو دنیا آتش بود یار حسد

حاسد این سراج نور پاش علم و فن
سوخت در نار حسد تا شد گرفتار حسد

تا ز انوار (سراج ملت و دین) نور یافت
گشت این اخبار در محو و اشرار حسد
[illegible]

— آه مرا تنها گذاشت ! !... متروکم نمود ! ...
تنها بسر خود خواهم مرد ! ! ....

زن بیچاره در تاریکی دست پالک کرده بستر خود را پیدا نمود . ولی اختیار از دستش رفته خود را بران پرتاب کرد . و تا سرش بر متکا برابر نیاید و بر تخت بستر بشدت مصادمت نموده از شدت درد بهماندم بیهوش شده و از خود در گذشت

قلوتیلد تا ساعت سه بعد صبح در همین حال اسف اشتمال بیهوش افتاده مانده بود . آنگاه [illegible] و حرکت ناگهانی که در اوتاق پیدا شد باعث بهوش آمدنش گشت . زیرا در تاریکی شب دید که یکی آمده و دروازه را باز کرده در اوتاق در آمده باز بکمال احتیاط دروازه را بند نمود .

قلوتیلد ازین زیارت ناگهانی ترسیده و سر خود را از بستر برداشته پرسید که :

— کیستی که باوتاق در آمدی ؟

خونتران — « یک صدای جر و خفه » منم ...
آغا از برای خدا خاموش شو ...

— ۴ —

قلوتیلد با وجود این رجا و با آنکه بنا بر این امر شوهر خود

[باقی دارد]

نامورانِ زنانِ جهان

مابعد از نمبر ۱۹

آستیدامیه — زن (آقاست) نام پادشاه مملکت قدیمه (پولقوس) بود. یکی از شهزادگان مملکت (ترایی) که (پولوس) نام داشت بنزد (آقاست) التجا آورده بود. آستیدامیه از دیدن شهزادهٔ نوجوان مذکور بدام مرض عشق گرفتار آمده در شب به پنهانی خود را بخوابگاه جوان شوهر خود رسانیده عرض تسلیمیت و مطالب وصال نمود. (شهزاده پولوس) ازین خیانت ابا کرد. لهذا آستیدامیه بر شهزادهٔ مذکور تهمت و افترا نموده شوهر خود را بران داشت که شهزادهٔ مذکور را بدار بیاویزد. ولی شهزادهٔ مذکور پیشتر ازانکه بر او دست بیابند پیش دستی کرده هم (آقاست) و هم آستیدامیه را بقتل آورده مملکت شان را در زیر تسخیر خود در آورد.

آسیه — نام همان زنیست که حضرت موسی علیه السلام را از (نیل) گرفته پرورش و حمایه کرده است. اگرچه در تورات مذکور نیست که این زن زوجهٔ فرعون بوده باشد. ولی نظر بتواریخ اسلام زوجهٔ فرعون است که در قرآن عظیم و احادیث نبی کریم ثنا فرموده شده است و بسببی که بحضرت حق تعالی جل و علی ایمان داشت و بدعوای الوهیت شوهر خود فرعون مخالفت و عصیان نموده بود بسیار آزارها و جفاها از فرعون کشیده است و آخر در زیر بار عذابها و شکنجه‌های سنگین او فدای جان کرده است. حضرت موسی را صلوات الله علی نبینا و علیه از شر فرعون رهائی دهنده، و در سرای فرعون پرورش دهنده همین زن مبارک است. حالا میخواهیم که یک قدری از حقیقت این حکایت بر قارئه‌های محترمهٔ خودمان عرض و بیان نمائیم:

[مابعدش در نمبر آینده‌گی]

علم ثروت ملل

مابعد از نمبر ۱۹

که یکی (سعی)، دوم (سرمایه)، سوم (قوای طبیعیه) یعنی همه اشیائی که در خشکه، و دریا و هوا و در روی و زیر کرهٔ زمین موجود است میباشد که این واسطهٔ قوای طبیعیه تابع بشر بران صرف نشود اجرای صنعت بر آنها کرده نمیشود. کذالک هر صنعت بیک قدری از (سرمایه) محتاج است. امّا سرمایه چنانچه در ما بین مردمان زبانزد شده که عبارت از پیسهٔ نقد نیست. تنها بر همان نقد منحصر نیست. بلکه همه اشیائی که برای استحصال ثروت بکار است سرمایه شمرده میشود. مثلاً یک کشت کار، تا تخم، و گاو، و قلبه، و غیره اسباب کشتکاری را تدارک نکنند کشت کاری نمیتوانند. کذالک اگر یک ماشین خانه والا اشیای خامی را که برای او بکار است. و آلات و ادوات و بنای ماشین خانه و مشغلات آنرا تدارک نکنند اجرای صنعت کرده نمیتواند. و همچنان اگر کشتیهای تجارتی بخاری و بادی، و ریلها و یا حیوانهای بارکش نباشد تجارت ممکن نمیشود که همهٔ این چیزها بالسبب برای صرف شدن در راه استحصال ثروت تدارک شده جمع آمده است از جملهٔ سرمایه شمرده میشود.

سعی و عمل یک چیزیست که مخصوص عموم بشر است و مقصد ازان این است که یک فایده ازان خواه برای قوای عقلیه باشد و خواه برای قوای جسمانیه حاصل شود.

[باقی دارد]

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف سرمحرر تحریر یافته

مدیر و سرمحرر سراج الاخبار افغانیه

بسعی و اهتمام الحاج عبد الخالق پسر مرزا محمد مهتمم چاپخانهٔ دار السلطنهٔ کابل
بقلم میرزا محمد جعفر قندهاری
طبع شد

نگران
ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت
[illegible]

قیمت سالیانهٔ
در دارالسلطنهٔ کابل ۸ روپیهٔ کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت با محصول ڈاک [illegible] روپیه
در خارج مملکت با محصول ڈاک [illegible] روپیهٔ انگریزی
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل [illegible]

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

ادارخانه و مطبعه
در ماشین خانهٔ دارالسلطنهٔ کابل

همه امورات تحریریه به ادارخانه
بنام مدیر فرستاده میشود

هر پانزده روز یکبار نشر میشود

تاریخ عربی ۱۵ شعبان ۱۳۳۰ ۱۰ انگریزی ۳۰ جولای تاریخ شمسی ۸ اسد ۱۲۹۱

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

تماشای آتش‌بازی در چمن حضوری — حوادث داخلیه — حوادث خارجیه — مقالات علوم تاریخ — حوادث عسکریه — عالمهای ذی‌جان — ادبیات — نامورانِ زنانِ جهان — نموّ ثروت ملی — فاجعه‌ای پاریس

تماشای آتش‌بازی در چمن حضوری

در شمارهٔ سابقهٔ خود از مراسم (جشن اتفاق ملت) تفصیلات داده بودیم. ولی چون بعد از ترتیب یافتن اخبار ما کیفیت بوقوع آمده بود بنا بر عدم گنجایش موقع از تماشای آتش‌بازی چمن حضوری که در شب یکشنبه ۲۱ ماه رجب المرجب بوقوع آمده بحث و بیان نتوانستیم. لهذا لازم آمد که تا یکدرجه از کیفیت آن شب فیوضات موجب برقارئین گرام خود عرض نمائیم:

«از هرچه میرود سخن دوست خوشتراست» بلی! خاطره یاد آوریهای این نقطهٔ «اتفاق ملت» چنان یک شعلهٔ شوق و ذوقی در محاسس انسانی می اندازد که انسان از تذکار یاد آن ضبط عنان نمی‌تواند!

این جشن مبارک هر ساله یک روز و چهار شب دوام میورزد. روز اول آن همان روزیست که در بار و مراسم قبول عموم ملت است که در شمارهٔ سابق خود از آن بحث نمودیم. شب آن و شب ما بعد آن نیز همان بود که تذکار یافته بود. حالا از شب آخرین جشن مبارک مذکور که ما اهالی افغانستان آنرا بسیار مقدس میشماریم یک شمه بیان میکنیم:

این چهار شب جشن پر سرور (اتفاق ملت) اگر تقسیم شود دو شب آنرا یعنی شب اول و چهارم آنرا از طرف حکومت بشرف اهالی، و دو شب وسط آنرا از طرف اهالی بشرف حکومت جشن قایم میگردد. همه ساله این شب چهارم جشن مبارک منحصر بر تماشای چراغان و انواع آتش‌بازیهای نور افشان میباشد که در سنوات سابقه مجلس شاهانهٔ نشست پر مسرت در برج شمالی بوقوع می‌آمد، و میدان آتش‌بازی در باغ ارگ مبارکه متصل برج شمالی تخصیص شده بود. درین سال فرخنده فال ذات اعلیحضرت بادشاه مراحم خصال ما برای تماشای آتش‌بازی چمن صفا پیرای حضوری را تخصیص فرمودند که این فکر شاهانه بر دو مقصد مبنی بود: یکی اینکه اهالی در دایرهٔ یک میدان بسیار وسیعی از تماشای آتش‌بازی استفاده کنند، دیگر اینکه شدت گرمی که درین چند روز

در شهر عزیز ما حکم فرما میباشد هوای رایج و فضای جسیم چمن شاه طامن تعدیل و تخفیف یابد . در عین زمان فایده برداشتن شرکت تجارتی کمپ چای خوری عصریه را نیز در بر میگیرد .

بنا بر تبلیغ نامه های رسمی که از طرف جناب ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی برای تشریفات مجلس شب جشن مذکور بر همه اهل دربار حضور توزیع و تقسیم شده بود دعوت شدگان مجلس جشن عالیشان بر دو خط حرکت خود شان مختار و آزاد و گذاشته شده بودند . ذواتیکه از چار و نیم بجه عصر در دایرهٔ شرکت چای خوری عصریه با لباس رسمی فراکیت بیایند هم تماشای بازیها و هم هوا خوریها خود را کرده بساعت هفت شام که شروع افروختن آتش بازی میباشد بمجلس تماشای آتش بازی حاضر میشوند . برای این اشخاصیکه از وقت عصر بیایند البته چای و شیر چای و میوه که شرکت تقدیم میکنند خریداری کرده صرف خواهند نمود . و کسانیکه بهفت بجه حاضر مجلس تماشای آتش بازی بشوند و بعد از انجام یافتن تماشا بمعیت اعلیحضرت شاهانه در مجلس جشنی که در باغ ارگ مبارک بکمال زینت و آراستگی برپا میباشد شمولیت رفته به همه گونه ماکولات و مشروبات مشروعه و طیبه نظیفه از خوان نعمت الوان پادشاه عمیم الاحسان نواله چینی و شکران بجا آوردن میگردند .

بنا برین مدعوین برفتن خود شان در مجلس تماشای آتش بازی آزاد بوده از چار و نیم بجه عصر برفتن و جمع آمدن آغاز نهادند . در شمارهٔ سابقهٔ خود از کیفیت چمن حضوری و شرکت عصریه و بازیهائیکه دران میشود بیان کرده بودیم که درینجا بتکرار آن لزوم نمی بینیم . در وقت شام همه مدعوین دربار معتبار در مجلس حضور اعلیحضرت همایونی حاضر شده بودند . و هزاران مردمان از اهالی شهر و اطراف شش کروهی صحن چمن صفا نامن را پر و مملو نموده بودند .

تقریباً بساعت هشت و نیم به افروختن آتش بازی آغاز گردید . انواع و اقسام آتش بازی های رنگارنگ عجیب و غریبی دور داده شده . فرحتها و سرورها کاملی حاصل گردید .

تقریباً بساعت ده ذات اعلیحضرت همایونی سوار موتر تشریف فرمای ارگ مبارک شده مجلس با شکوه بسیار رعنائی را که در (صفه هشت رخ) نام موقع باغ موصوف برپا شده بود به تشریف میامن ردیف شاهانه شان مفتخر و سرافراز فرمودند . ذوات مدعو شدگان مجلس مذکور یگان یگان جمع آمدند . جمعیتها مصاحب و مسرت تشکیل یافت میوه ها . شیرینیها . چایها . طعامها از خوان الوان نعمت پادشاهی بمبذول و رایگان صرف میشد . چراغان و تزئینات این مجلس شاهانه نظر ربائی و روح افزائی تامی داشت . مجلس تا بساعت سه با انواع فرحت و مسرت دوام ورزید بعد از آن اجازهٔ انصراف عطا فرموده شد . آخرین شب جشن مسرت آئین (اتفاق فتح) به انجام رسید . از درگاه خالق یگانهٔ خود نیاز میکنیم که بسی سالهای بیشمار بسلامتی شهریار معدلت شعار ما این جشن پر مسرت باقی و پاینده دار بماند آمین

حوادث داخلیه

احوال هوائیه

از چندیست که شهر عزیز دلپذیر ما بعضی روزهای بسیار گرمی نشان میدهد . مملکتهای سردی مانند وطن مقدس ما چون گرمی فوق العاده نشان بدهد و طغیان آن بر خلاف معمول آنرا یافته بسیار متاثر میشوند .

از قرار رپوت درجهٔ هوا که از توقف سر دروازهٔ ارگ مبارکه باداره خانهٔ ما رسیده درجهٔ گرمی هوا از تاریخ ۱۳ رجب تا به ۲۷ ماه مذکور در چار بجه روزها در مابین (۹۰ الی ۹۹) درجهٔ فارنهایت نشان داده شده است که درجهٔ ۹۹ حقیقتاً برای کابل ما از گرمیهای شدیدی شمرده میشود . حال آنکه اگر یکقدری مشکل پسندی نکرده بر مملکتهای از خود گرمتر نظر بیندازیم شکرهای عظیمی بجا باید بیاوریم . چونکه در یکی از اخبارات اردو دیدیم که درهمین روزها در بعضی جاهای هندوستان درجهٔ گرمی تا به (۱۲۸) درجه واصل شده است میوه های سردرختی لطیف مانند زردآلو و آلوبالو

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 291 of 1786

رقم رقم. وگلاس، والو بالو وغیره بکمال رسیده و گل و پخته گی را حاصل کرده اند. توت مبارک هنوز در جوش شیرینی و فراوانی میباشد. انگور سیاه قندهاری نو بنو خوشه های پروین اسای خود را جلوه گری در آورده است.

آیا چنین وفور نعمتهای میوه ها را بجز همین حرارت شمسیه خاوری به اراده خالق یگانه از نقصان برسی دیگر چه چیز سبب شده خواهد بود؟ پس بر ما و همه هشهریان عزیز ما واجب است که این نعمتهای عظمای الهی را شکر کرده بخوریم. شکر کرده خوردن آن این است که با حتیاط و اندازه بخوریم. از میوه های خام و یا برهم خورده اجتناب نمائیم.

مأمورین صفائی شهر را نیز لازم است که درینچنین روزهای گرم پرمیوه در باب ایفای وظیفه و فریضه منصبی خود شان کمال دقت و اعتنا را بکار برند. و در صفائی شهر بیش از پیش کوشش ورزند.

صحت عمومے

الحمد لله والمنه صحت عمومی بر کمال است. هیچگونه امراض ساریه و مزمنه در شهر و دیگر اطراف موجود نیست تنها مرض چیچک و سرخکان که بلای بیشتر خانه ویران اطفال است در شهر عزیز ما موجود است. لهذا صاحبان اطفال که جگرپاره های خود شان را خال نزده اند اگر یک آن اول تر بشفاخانه مبارک برده و بخال زدن شان مسارعت ورزند از احتیاط دور نخواهد بود.

آب پغمان

ما در یکی از نمره های سابق خود از مقصد خیر رصد اعلیحضرت پادشاه مراحم خصال بکام آمال خودمان در باب آوردن آب باصفای خوشگوار پغمان را بکابل بیان نموده بودیم. درینوقت بنظر شکران و امتنان دیده میشود که بکار تمدید نمودن نلهای آهنین و ساختن نهرهای آب آن بکابل سعی و جهد صرف همت و کوشش بعمل می آید. و امید است که در اندک مدت (سراج الاخبار افغانیه) کیفیت مراسم افتتاحیهٔ آن را سر لوحهٔ صحایف افتخار بنماید.

حوادث خارجیه

اجمال سیاسی

سبحان الله! این کشمکش محاربهٔ حیات یعنی جنگ کردن زندگی چگونه عجب مصیبتی بر بشریت بوده است! نه تنها بر بشریت، بلکه تمام عالم طبیعت را به این کشمکش محاربهٔ حیات گرفتار قتل و قتال و آماده جنگ و جدال می یابیم!

حیوانات متفرقهٔ زمینی: مرغان درنده، حیوانات جنگلی خورنده و دریائی؛ آیا با آهوان و کبوتران، و ماهیها چه عداوت، و چه رقابت، و چه مغایرت باهم از پدرهای شان میراث مانده، و کدام دعوی میراث اراضی وغیره در مابین شان پیش آمده که از ابتدای خلقت شان تا به این زمان همدیگر خود را پاره میکنند، و میدرند و میخورند؟

نی نی!... نه عداوتی دارند، نه دعوائی!

بلکه این یک (محاربهٔ حیات) است و بس. هیچ گرگ شکم سیری را نه بینید که بر یک گوسفندی حمله آورده، هیچ باشهٔ طعمه خورانیده شده را نه بینید که بر یک بودنه بال و چنگ کشاید. هیچ نهنگ ماهی سیر شده را نه بینید که بر ماهیان دیگر دهن باز کند.

حیوانات غیر درنده نیز معصوم شمرده نمیشوند. بعضے از آنها سبزه ها و انواع نباتاتی را که یک نوع حیاتی دارند، و هزاران پشه ها و حشرات کوچکی که بر آنها نشسته باشند میخورند. گنجشکان، کبوتران، وغیره نیز انواع کرمها و حشرات جاندار و تخمهای مستعد جان را فرو می برند. ماهیان کلان بچه های ماهیان خرد و خورد را میخورند. لهذا این محاربه از لوازم و متعلقات عالم حیات شمرده میشود که در کائنات طبیعت بحکمت ازلی لم یزلی حضرت احدیت هم برای حیات، و هم در عین زمان برای فنا و ممات مخلوقات قانون لایتغیری وضع شده است.

ما در شماره ۱۹ اخبار خود در زیر عنوان (ضروری بودن جنگ عمومی) یک مقالهٔ مخصوصه نوشته بودیم.

دیگر از ذیل (اجمال سیاسی) خود آن ضرورت را از نقطهٔ نظر (مجادلهٔ حیات) ملاحظه مینمائیم :

کرم پیله را البته دیده باشید . تخمهای کوچک بیجان ، بیک حرارت مخصوصه جان گرفته بخوردن آغاز می نهند . هرچه بزرگ میشوند بیشتر میخورند . و بهمان قدر که میخورند مقدار وافی از افرازات حریریه حاصل میکنند و بر خود تنیده و تنیده بار بار افزونتر از حجم خود جسمها پیدا میکنند ، در نتیجه رفته بال کشیده برهوا پرواز میکنند که انجام منتهای ترقی شان ، و آغاز زوال عمر شان است .

این است که اوروپا براوروپائیان از غوزهٔ کرم پیله نیز تنگتر و پرفشارتر شده است . آسیا و افریقا را در یک هرج و مرج پر آتش و دودی در انداخته . از کنار بحر محیط اطلس تا خلیج فارس همه اراضی اسلامیه را بیک تب لرزهٔ ماتی در آورده اند . ممالک مغرب اقصی و تمام سواحل افریقهٔ بحر سفید ، و همه جزایر بحر مذکور ، و بالقانها و تمام روم ایلی و همه سواحل یمانیهٔ بحر احمر و سواحل عربیهٔ بحر عمان تا خلیج فارس در زیر آتش های حرص و طمع مجادلهٔ حیاتیهٔ اوروپائیان مانده است .

این (مجادلهٔ حیات) یا بدست آوردن منافع شخصیه یک پرده ایست که چشمان شانرا از هر چیزی میپوشاند ، و همه فضیلتهای انسانیة را در نظر شان تزئین و لتهای شان محو و بی نشان میگردانند . هیچ بخیال و خاطر نگذرد که اتفاقهای دول اوروپا خالصانه و صمیمانه بوده باشد . در زیر پردهٔ هر اتفاق یک نفاق ، و در لای هر میل و وداد یک کین و رقابتی مستتر و پنهان است . ولی با وجود آنهم اگر همهٔ آن کینها و رقابتها را بیک گوشه نگذاشته و نفاقهای سیاسی خود شانرا بلباس های اتفاقهای سیاسی نپوشانند در لقمه ربائی خود شان کامیاب نمی آیند که انهم باز یک رقابت تازه و کینهٔ بی اندازهٔ دیگری را بوجود می آورد . و آن رقابت منفعت پرستی باز دیگر گونه یک اتفاقهای دوستی را در زیر پردهٔ نفاق سیاسی می پرورانند و آن اتفاقهای نفاق انگیز باز دیگر گونه حرص و طمعها بر می افرازد که نتیجهٔ این همه کشمکش های مجادلهٔ حیات یک روزی از روزها بهر حال بمحاربهٔ حقیقیهٔ حیات منجر شده نیست .

انگلیس به ایطالیا چیزها و حصه‌هائی بسیار نشان داده و تا او را از اتفاق مثلث بیرون برآورد ، آیا بیشتر از این حصه چه باشد که بمجرای مصر که در دروازهٔ هندوستان شمرده میشود او را حاکم نمود . و در مصر قاعدهٔ بیطرفی را در باب دولت علیهٔ عثمانیه تماماً مراعات نمود ، ولی در باب دولت ایطالیا در لیبیا [illegible] حرکت کرد ، و چون پرسیده شد که چرا ؟ گفت او نیز در محاربهٔ (ترانسوال) با من معاونت کرده بود !

استاد کارهای یگانهٔ این چالبازیها (جرمن) است که از همه بیشتر (مجادلهٔ حیات) مجبور مانده است . زیرا در یک تنگنای بسیار پر فشار سختی مانده است . همه راههای بدر رفت خود را در زیر انحصار رقیبان خود می یابد . در قوت بری در وقت حاضر بمقابل هر چه آن قوتی که باشد توانائی میتواند . امّا در حقیقت بقوت بحریه باید بر رقیبان خود غالب آید . و از این است که شب و روز در تزئید و تقویت آن همیکوشد . و در عین زمان نفاقهای سیاسی عجیبی بنیاد اتفاقهای سیاسی می اندازد .

فرانس با وجود کینها و بغضهای قدیمه محاربه‌های مدهشهٔ خونریزانه که سالهای درازی تمدید یافت و انگلیزها سبب یگانهٔ هلاکتهای فرانس شده و صحیفه‌های تاریخ شاهد عدل آن واقعات میباشد بازهم آن کینها و بغضها را بر اساس نفاق سیاسی بنیاد نهاده در زیر قوت بلباس اتفاق سیاسی جلوه گر میسازند .

اتفاق مثلث که در حقیقت حال (نفاق مثلث) باید گفتیم بود ، عین بغض و کین و رقابت بهمدیگر برای مجادلهٔ حیات یا بدست آوردن منافع مادیه بچنان زنجیرهائی باهم مربوط اند که حرص لقمه ربائی انفکاک شان را بهم شان یکی از آنها موقوف و منحصر گذاشته است . بلی اگر ایطالیا مغلوب و مضمحل گردیده جرمن و آوستریا حالا ممالک ایطالیا را در مابین خود شان تقسیم کرده نام او را از خریطهٔ عالم برمیداشتند . و چون جرمن مجار را از راه ممالک ایطالیا به بحر سفید راه بیابد .

نخستین قدم مظفریت او در میدان فتح و غلبه‌ای در حیات شمرده میشود. والحاصل چون خوب نظر کرده میشود هر دو نیشتر را یک (مجادلهٔ حیات) بسیار پیشه پویان و منهمک می‌یابیم. نادیده شود که کدام یک آن دیگری را گول زده یک لقمهٔ چرب و شیرین تازه‌تری بربایند.

مناسبات سیاسیّه

دولت علیّهٔ افغانستان — با — دولت علیّهٔ ایران

چندی میشود که بسیاری از اوراق جراید عالم یک مناقشهٔ جزئیهٔ سرحدی سمت غرب جنوبی افغانستان و ایران را سرمایهٔ مقال اتخاذ کرده بسی حدسها و قیاسهای عجیب و غریبی حکایت و روایت نمودند. بعضی گفتند که دولت افغانستان فرصت را غنیمت دانسته ضم و الحاق نمودن خطهٔ (سیستان) را اتخاذ جالب دولت علیهٔ افغانستان مقتضی نموده است. حتی بعضی از ارباب جراید این مسئله را بر موافق قانون ایجاد (حیات) دانسته خیلی طبیعی و ضروری هم شمرده‌اند. بعضی از پیش رفتن عساکر نظامی افغانستان در خاک ایران بکابل کامیابی و بلا مانع و مزاحم بحث راندند. والحاصل هر کس یک فرض و تخمینی در میدان نهاده اوراق حوادث را یک واقعهٔ جدیدی، و سرمایه یافتن قیل و قال مدیدی منتظر و امیدوار نمودند.

اگر راست بگوئیم ما را نیز این واقعات ولوله انگیز اخبارها بفکرها و اندیشه‌های دور و درازی انداخت. احوال جغرافی و تاریخی و خریطهٔ سیستان را در زیر نظر مطالعه در آوردیم. سیستان را یک خطهٔ واقعه در جهت جنوب خراسان یافتیم. نصف غربیٔ آنرا به ایران و نصف شرقی آنرا به افغانستان تابع دیدیم. نهرهای معروف (هیری رود) و (فراه رود) و (خاش رود) و (هلمند) را و در (نیزار) و (زره) نام دو کول — یعنی تالاب آن در آمیخته مشاهده کردیم. در تاریخ ایران قدیم مسقط الرأس (رستم) زال را نیز در آنجا دیدیم. در دورهای اسلام هنگام بسیاری از علما و ادبای معروف به (سجزی) و یا (سجستانی) نیز آنجا را یافتیم. یک وقتی همهٔ آنرا در زیر تابعیت دولت غزنوی افغانستان، و باز در زیر حکم دولت غوری افغانستان، و باز سراسر در زیر تابعیت دولت صفوی ایران و باز یک وقتی — یعنی در اوایل تشکیل یافتن حکومت مستقلهٔ افغانستان سراسر در زیر حوزهٔ حاکمیت افغانستان و در هر وقت نصف بیشتری آنرا باز مال افغانستان و نصف دیگر آنرا مال ایران می‌یابیم.

با خود اندیشیدیم که اگر چنانچه تماس روس به آذربیجان و حرکات اردوهای (کافکاس) عثمانی را در طرفهای (اروپه) بحرکت آورد، تماس خراسان آن نیز اگر افغانستان را در طرفهای (سیستان) بحرکت آورده باشد از مال اندیشی جهدی داشته خواهد بود! بلی، اگر روس در مشهد تمکن ورزد برای افغانستان لازم میشود که برای جلوگیری سیلابهای آن رخنه تحفظ صاف و هموار سیستان با قوتهای لازمه اشتغال [illegible] زد.

این قیل و قالهای اخبارها و این اندیشه‌ها و فکرها ما را مجبور به این وا داشت که در این باب سعی بلیغی بکار برده و تحقیقات موشکافانه اجرا نموده نتیجهٔ حقیقت را بر قارئین کرام خود ظاهر سازیم. اگر چه در شمارهٔ ۱۸ اخبار خود مستند بر بعضی استخبارات مجمل افواهی نه تحریری که از بعضی دوایر دارالسلطنه نموده بودیم چیزی چیزی در باب ایضاح کیفیت این مسئله نگاشته بودیم اما در این بار نتیجهٔ تحقیقات ما بواسطهٔ بعضی نامه‌نگاران مخصوصهٔ روزنامهٔ مبارکهٔ ماست که در اصل مواقع واقعه — یعنی در ولایت (هرات) و (چخانسور) حدود سیستان افغانی اجرا نموده و با خبر داده است. حتی نامه‌نگار ما با نگارش تفصیل و صورت یک قطعه مکتوب والی یعنی نایب الحکومهٔ هرات نیز دستیاب شده به ادارهٔ ما نیز فرستاده‌اند. تنها درج آن مکتوب از همه این واقعه که بسی تخمینها و قیاسهای اوراق حوادث را سبب شده است قارئین کرام را بحقیقت مسئله رهبری نماید. اصل حکایت را

نامه نگار ما از چخانسور چنین مینویسد :

(سردار خداداد خان سیستانی)

یکی از سرداران صاحب نفوذ سیستانی ایرانی بیاشد بتاریخ ۷ ماه جمادی الاول با بعضی از اتباع خود از حدود تجاوز نموده و بر قریهٔ (وکدیله) واقع (قلعهٔ فتح) خاک افغانستان هجوم برده اموال یکصد خانه وار رعایای دولت علیهٔ افغانستان را بتاراج و یغما بردند . و به اینهم قناعت نکرده بر عرض و ناموس نیز دست اندازی کرده عیال و دختران (محمد خان) نام شخص معتبر قریهٔ مذکوره را اسیر بردند . این کیفیت در ظرف یک هفته بذاک ضروری از طرف جناب حاجی شیر دل خان حاکم سرحددار چخانسور و جناب غلام احمد خان برگدعسکر نظامی آنجا لدی الغرض بموجب تعلیمات مخصوصی که گرفته سه بلوک عسکر نظامی منتظم و یکعراده طوپ بموقع که آنرا (دشت خواجگاه) میگویند ارسال گردید . عسکر مذکور اشقیای سیستانی ایرانی را ضرب و تنکیل نموده از موضعهای شان که در منطقهٔ اراضی غیر تحدید شدهٔ متنازعٌ فیها بوده بصورت فضولی در آن موضع گرفته بودند . طرد و دفع نمودند . و نیز عالیجاه شیر محمد خان بلوک مشر با عبد الصمد خان بنزد جناب آقای حشمت الملک حاکم سیستان فرستاده شد . و از حاکم مذکور در زیر بازخواست گرفتن سردار خداداد خان را و استرداد همه اموال رعایا افغانیه را که بتاراج برده اند با عیال و صبیه های محمد نام طلب نمودند . فرقهٔ عسکریهٔ فراه و چخانسور اکمال میشود . امید است که درین روزها استرداد مال و عرض رعایای دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما بحسن صورت و بکمال صلح و مسالمت به انجام رسد . اهالی و عسکر ما ازین عمل ناگوار سردار سیستانی ایرانی خیلی متأثر شده بهیجان و بیصبری تمام به نتیجه انتظار میکشند . »

این واقعاتی بود که نامه نگار مخصوص ما از (چخانسور) با خبر داده است . و نامه نگار ما

« از هرات چنین مینویسد :»

« در خصوص منازعات سرحدی ما استفسار نموده اند حقیقت این است که از هنگام ناداشته مشروطه شدن ایران و تسلط یافتن نفوذ اجنبیه بر اطراف آن مملکت همسایه و دوست قدیمی ما چنان مصائب جانگداز کشش گرفته آمده که نه از حکومت و قانون و نه از نظام و انتظام و نه از نظم و نسق هیچ یک نام و نشانی در آن نمانده . یعنی این شعر گویا برای احوال حالائی ایران بنظم آورده شده :

بر احوال آن شهر باید گریست
که در پادشاهش ندانی که کیست!

وازین است که مردمان سرحدی تبعهٔ ایران از عدم قوت و انتظام دولت متبوعهٔ خود استفاده کرده چندی قبل ازین مالداران بلوچی ایرانی برای علف چر از حدود (قلعهٔ کاه) و (انار دره) ای دولت علیهٔ افغانستان تجاوز نمودند . و نیز چندی پیشتر ازین از اهالی مردم (قائنات) ایرانی منطقهٔ برزخ را تجاوز کرده در قرب سرحد خاک افغانستان بعضی اراضی را بغیر حق تصرف و نظامی بزراعت و فلاحت آغاز کردند که این حرکات سراسر مغایر حقوق همسایگی و دوستی شمرده میشد . و تا بحال هیچ همچنین چیزی پیش نشده بود . طبیعت که سرحدداران دولت علیهٔ افغانستان آن تجاوزکنندگان اجنبی را بشدت منع و دفع نمودند . بنابرین در مابین دو دولتین علیتین مخابرات سیاسیه باز گردید که ما بعضی مخابرات آن که از طرف جناب آقای حاجی (جلیل الملک) کارگذار امور خارجهٔ خراسان و سیستان بواسطهٔ جناب عبد الله خان وکیل التجار دولت خداداد افغانستان مقیم مشهد عرض تقدیم بارگاه معالی پایگاه همایونی نموده و جواب و تعلیمهای که از پای تخت سلطنت سنیه بجناب نائب الحکومهٔ هرات رسیده و دستیاب [illegible] تا بنظر شما از مطالعهٔ دیگر بعضی اوراق رسمیه که در مابین نائب الحکومه و مرکز وکیل التجار رد و بدل شده بوضوح پیوسته که اصل تجاوز از طرف ایران شده نه از طرف افغانستان .

این را هم موثقاً شما خبر میدهم که یک خط اعتذارنامه از طرف جناب حشمت الملک رئیس قشون ایران برای جناب نائب الحکومه صاحب رسیده که از ارتکاب خطای

سردار [illegible] و دهقان عرض اقتدار نموده و [illegible] حق را [illegible] در خورده و پسران عم سردار موصوف عمل نموده و از گوشمالی داد آن جناب سردار جبال [illegible] محمد خان نام با یک سنگر چار در بجا نوشته است. از روی این حال چنین معلوم میشود که انشاء الله در ما بین این دو دولت اسلام هیچگونه منازعه و مناقشه که موجب دل آزردگی دولتین شود روی نمیدهد. و دولت علیهٔ ایران تجاوزین سرحدی خود را گوشمالی و تنبیهات لازمه داده به احسن وجوه خاتمهٔ واقعه موقع گردد. اگر چنین شود هیچ شبهه نیست که مسئله به تحدید حدود [illegible] منازعه فیها منجر گردد. در خوشوقت بهمین قدر معلومات اکتفا ورزیده انشاء الله در شمارهٔ آینده صورت بعضی مکاتیب مهمه را بدست آورده برای شما خواهم فرستاد. باقی همیشه عزت باشید والسلام
فی ۲۰ جمادی الاول ۱۳۳۳ (نامه نگار مخصوص شما از هرات)

م . ص

این است حقیقت کیفیت قیل و قال های و اوراق [illegible] که [illegible] این عالم اسلام را به اندیشه و تخیلات دور و درازی انداخته بود. حقوق شناسان سیاسی حق خواهند داد که دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما درین مسئله کمال حزم و متانت خود را در خصوص همسایگی و همدینی و تحمل فوق العاده خود را در باب [illegible] در چنین وقت نازک بر دولت ایرانی [illegible] برده است ورنه حرکات حقوق ناشناسانهٔ [illegible] دهقان که در طلب [illegible] و [illegible] دست [illegible] ازین بالاتر نیست که افغانستان [illegible] هضم کرده بتواند. بهر حال ما از درگاه ایزد متعال تحکیم رابطهٔ اتحاد دولتهای اسلامیه را بخواهیم نه نزاع و شقاق شانرا.

دولتین علیتین عثمانیه و افغانیه

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] (سراج الملة والدین) پادشاه معظم [illegible]

[illegible] اعلیحضرت [illegible] برای جناب مستطاب [illegible] (سعید پاشا) صدر اعظم دولت علیه [illegible]

نقل و صورت

﴿ نامهٔ ذات اعلیحضرت سراج الملة والدین [illegible] سعید پاشا ﴾

دوست عزیز مهربان ما جناب [illegible] سعید پاشا صدر اعظم دولت علیهٔ [illegible] [illegible] مکتوب [illegible] آن عزیز مهربان [illegible] [illegible] بجناب [illegible] اسلام [illegible] [illegible] حضرت [illegible] افغانستان [illegible] [illegible] دولت علیهٔ عثمانی [illegible] [illegible] افغانستان [illegible] [illegible] دولت علیهٔ [illegible] آن عزیز مهربان فرستاده شد انشاء الله تعالی بعد ازین هم هر قدر [illegible] فرستاده خواهد شد [illegible] از رحمت الهی [illegible]
فی ۲۸ شهر ربیع الثانی سنه ۱۳۳۰

[موضع دستخط اعلیحضرت همایونی]

نقل و صورت

جواب نامهٔ فخامت صدر اعظم سعید پاشا
به پیشگاه عالی امارت پناهی شهامت و فخامت مآب
حضرت امیر افغان

معروض چاکر کیش شان اینست.

نامه‌ای امارت پناهی شان را که تاریخ ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۳۱ مبنی بر وصول عریضهٔ تشکرات که در باب رسیدن یک هزار لیرهٔ انگلیزی برای اسعافی احتیاجات حریق زدگان استانبول احسان فرموده شده بود و نیز مبنی بر احسان فرمودن شش هزار لیرهٔ انگلیزی که بنا بر تشویق نامهٔ عالی حکمداری شان که محض برای معاونت مجروحین و عایلهٔ شهدای طرابلس غرب بر اهالی نجیبهٔ افغانستان خطاب فرموده شده و بنا بران خطابهٔ امارت پناهی شان جمع آمده بود بواسطهٔ سر شهبندر بمبئی واصل دست تعظیم و مباهات گردید. برای تسکین المهائیکه از حریق خانمان سوز بر مصیبت زدگان آن وارد آمده بود و برای آبیاری نمودن و مداوای مجروحین غزوات و ایتام و ارامل مجاهدینی که در میدان حرب بمرتبهٔ شهادت رسیده‌اند این عنایات پر مراحم ایالت شهامت پناهی شان که در باب استحصال اعانات انها مصروف فرموده‌اند. و نیز شنیده گردید مساعدتکاریکه از طرف اهالی نجیبهٔ افغانستان ابراز گردیده، حقیقتاً که موجب ممنونیت و مسرورت عظیمی گردیده و ادعیهٔ خیریهٔ دوام عمر و اجلال سرور اریکهٔ شان را تلاوت و تکرار نمودیم. و به این وسیله تحفهٔ شهامت موفور امارت پناهی شان عرض و تائید تعلقات و تکرار نمودن تحیات خود را ذریعهٔ حسنه اتخاذ کردم. باقی در هر حال امر و فرمان از حضرت ولی الامر است.

۲۳ جمادی الاخری ۱۳۳۱

صدر اعظم
(محمد سعید حلیم پاشا)

جراید مصر القاهره و افغانستان

ترجمه از اخبار (الاهرام) الغرا

مکتوب

الدولة العلیة - وحضرت امیر افغان

حضرة الفاضل مدیر جریدة الاهرام الاغر دام اکرامه.

چون حضرت شاهنشاه اعانه‌ئیکه از ممالک اسلامیه برای دولت علیهٔ عثمانیه جمع میشود از وقت ابتدای محاربهٔ طرابلس غرب در صفحات جریدهٔ غرای خود شان نشر میکنید ازین رو خواستیم که از یک تبرع جلیل اعلیحضرت امیر افغان جلالت امیر (حبیب الله) خان بشما خبر داده و نشر آنرا رجا کنیم: اعلیحضرت امیر یک خطبهٔ بر افغانیان خواندند و آنها را بر اعانهٔ مالی دولت علیهٔ عثمانیه بقدر استطاعت خود شان تشویق فرمودند. و برای جمع آوری اعانه کتابچه‌های مخصوص در مطبعهٔ سرکاری کابل طبع نموده و آنرا بر تمام ولایات مملکت خود تقسیم و توزیع کردند. مبلغی که فعلاً ازان جمع آمده یک صد و هشتاد هزار روپیهٔ کابلی (که شش هزار لیرهٔ انگلیزی) باشد بالغ شده است. و مبلغ مذکور به بمبئی فرستاده شده است که در استانبول فرستاده شود. چنانچه این کیفیت در جریدهٔ (سراج الاخبار افغانیه) نیز نشر شده است. پس از خدمت شما رجا میکنم که این کیفیت را در جریدهٔ تان نشر نمائید تا یک شکرانهٔ این تبرع جلیل جلالت اعلیحضرت امیر باشد و هم یک تشویقی برای دیگران شود تا ذات اعلیحضرت آن امیر معظم ایده الله تائید شود. والسلام.

(مدیر جریده چهره‌نمای فارسی)

ترجمه از اخبار (العلم)

اعلیحضرت امیر افغان اقوام و قبیله‌های افغانیه را بر اعانت دولت علیهٔ عثمانیه دعوت میکند

(سراج الاخبار افغانیه) که در (کابل) پای تخت دولت علیهٔ افغانستان بزبان فارسی طبع میشود، در شمارهٔ مورخهٔ اول جمادی الثانیهٔ خود خطابهٔ اعلیحضرت امیر افغان را که بر قومها و قبیله‌های افغانیه بیان نموده‌اند نشر کرده که خلاصهٔ ترجمهٔ آن این است: [بعد ازین ترجمهٔ خلاصهٔ خطابهٔ اعلیحضرت پادشاهی را نوشته که بنا بر عدم گنجایش از تحریر آن صرف نظر نمودیم] مبلغ شش هزار لیرهٔ انگلیزی که بنا بر خطابهٔ حضرت امیر جمع آمده بود بواسطهٔ غلام رسول خان و میرزا محمد خان و احمد علی خان مامورین مخصوص افغانیه به بمبئی فرستاده شده که بواسطهٔ شهبندر دولت علیه برای صدر اعظم دولت عثمانیه الیها روانه شود. لهذا که ازین همت و عنایت اعلیحضرت امیر شان شکران افغان بزرگ شمرده میشود.

ترجمه از اخبار (المقطم)

حضرت فاضل حاجی میرزا عبد المحمد ایرانی مدیر اخبار چهره‌نما که در مصر برای ما چنین نوشته که اعلیحضرت امیر افغان یک اجتماع بزرگ بکابل منعقد نموده و خود خطیب آن بر پا شده و آنها را تشویق و تحریک نمود برینکه در باب کمک به دولت علیهٔ عثمانیه با ایطالیا به اعانه مدد بکنند. و کتابچه‌های اعانه را در مطبعهٔ کابل طبع نمودند و نسخه‌های آنها را در اطراف بلاد خود توزیع نمودند. و قسط اول آن اعانه یک صد و هشتاد هزار روپیهٔ کابلی – یعنی شش هزار پوند انگلیزی جمع آمد که اعلیحضرت شان آن مبلغ را به بمبئی فرستادند که برای صدر اعظم فرستاده شود. و نیز حضرة کاتب با خبر میدهد که مردمان افغان بکمال خوشی و رضای خاطر در عطای اعانه بذل همت مینمایند. و جریدهٔ سراج الاخبار افغانیه تفصیلات آنرا مفصل نوشته و صورت مکتوب جناب امارت پناهی را نیز که برای شهبندر دولت عثمانیه نوشته درج نموده است پس ما عثمانیون شکرگذاری امیر افغان و افغانیان را برین حمیت و غیرت شان ادا میکنند از جناب حق نیاز میکنیم که خدا جزای خیر به آنها بدهد.

از جریدهٔ (صباح) مطبوعهٔ استانبول

خلاصه نقل و ترجمه شود.

(اوروپا در اول امر از تعبیر کلمهٔ (اتحاد اسلام) ترسیده بودند. و چنان گمان کرده بودند که (اتحاد اسلام برای ترکتازی بر عالم کرستین حاضر میشوند.) حال آنکه این یک زعم و خیال واهی بود که خود شان نیز در غفلت آنرا بجا پی دانستند. و چون دانستند در غفلت تعبیر کلمهٔ اتحاد اسلام را بیجا و بر مقاصد سیاسیه عطف میکنند. بلکه تعبیر (اتحاد اسلام) را به تعبیر (مسئلهٔ تیقظ اسلام) یعنی (بیداری اسلام) تبدیل دادند. که در حقیقت سراسر صحیح و درست یک فکری پرورده‌اند. منتها توجهای اسلامیه که برای بیداری و ترقی با هم اتحاد میکنند و به تقویت دادن علاقه‌های حسیهٔ مدنیه و در ما بین بدیگر شان خواستگار باشند و قبول کردن هر گونه ترقیات مدنیه خود را آماده

سازند آیا کدام کس [illegible] و خوبتر [illegible] مثلاً یکی جواب مانند شایان عتاب مقصر [illegible] مثلاً یکی بیدار شود آیا چگونه شایستهٔ عتاب [illegible] خواهند شد ؟ پس معلوم شد که (مسئلهٔ بیداری اسلام) عبارت از (اتحاد اسلام) بر اهالی کافی بر تعلیم را نیست بلکه این اتحاد عبارت از اتحاد در بیداری و ترقی و تمدن است. بیدار و مشتاق [illegible] که صاحبان خود در [illegible] اسلامیه اند بجاست اینکه ازین اتحاد در بیم و هراس باشند بجاست که این مسئلهٔ حقیقت اسلام موجب [illegible] شان گردد، زیرا این مسئله تحقیق و تدقیق [illegible] مسئلهٔ بیداری اسلام را نامهٔ مبارک اعلیحضرت امیر افغانستان که درین اخیرا برای جناب صدر اعظم سعید پاشا نوشته اند نشان میدهد)

بعد ازین مقدمات اخبار موصوف ترجمهٔ نامهٔ مبارک اعلیحضرت پادشاه معظم و متبوع مکرم ما را بیک زبان شکران و تحسین درج و نقل نموده است. و دیگر بعضی اخبارهای استانبول نیز از نامهٔ همایونی و وصول شدن (۰۰۰۰۰) پوند انگلیزی برای اعانهٔ بازماندگان شهدا و مجروحین طرابلس غرب بلسان شکران و محمدت بحث و بیان نموده اند.

برادران افغانی یکجان . برادران هندوستانی جانباز

اخبار (العلم) منطبعهٔ مصر القاهره مینویسد که : یک جوان مرد افغانی از اهل (کابل) که در هندوستان بیک صنعتی مشغول بود و محض بغیرت [illegible] بطرابلس غرب با برادران دینی خود بجهاد دشمن اشتراک ورزد، عزم و اراده [illegible] خود یکی از مردان کریم الشیم مسلمانان هندوستان که در بمبئی [illegible] او آگاه شده از افغانی مذکور رجا نمود که مخارج و نفقه را [illegible] داد. [illegible] عجیب [illegible] باشد تا در ثواب مشترک باشند یک برادر یکجان و یک برادر جانباز.

مدتی ازین بیان درگذشت . چند کاغذی ازین یک [illegible] افغانی از [illegible] مجاهد با غیرت افغانی از میدان قتال بادارهٔ (العلم) رسیده که مضمون آن این است : (به درنه رسیدم . لشکر اسلام را منصور و دشمن را مخذول و مقهور دیدم .)

نامه نگار ما از مصر مینویسد

دوست ما غلام نقشبند خان کابلی افغانی از مصر در یک مکتوب خود برای ما چنین مینویسد : افغانانی که در مصر و شامات و هند و اناطولی و استانبول بودند چون از نطق ذات اعلیحضرت پادشاه مهربان خود بواسطهٔ سراج الاخبار افغانیه آگاه شدند با خود گفتند که برادران ما در وطن بحال معاونت مشغلند اجرا درینجا بجا نهاده آزاده و توانا سے خود با برادران دینی خود معاونت نکنیم ؟ بنا برین بسیاری از افغانانیکه درین صفحات بودند پنج پنج ده ده از راه مصر بمیدان حرب درگذشتند . حتی تا بحال قریب یک صد و پنجاه نفر افغان را خود ملاقات کرده ام که ازینجا درگذشته اند . از جمله یک افغان نوجوان بسیار جنتلمینی را دیدم که بلباس و کلاه فرنگستانی ملبس بود . ولی چهره اش از زیر کلاه مانند نور می درخشید . این شریک نوجوان از افغانهای سرحدی علاقهٔ انگلیزی بود که در لندن برای تحصیل کتب رفته در همین وقت که [illegible] تحصیل شده بوطن خود برمیگشت بقدر یک صد و پنجاه پوند انگلیزی با خود داشت . مبلغ مذکور را با دیگر حوایج خود درینجا در پیش یک شخص معتمدی بودیعت سپرده و گفت اگر بسلامت آمدم وجه خود را میستانم و اگر بمرتبهٔ شهادت رسیدم همین مبلغ به جمعیت هلال احمر سپرده شود این را گفته بمیدان حرب روان شد . یکی از وی پرسید که آیا شادی کرده ای — یعنی ازدواج کرده اید ؟ او بجواب گفت که این وقت شادی مسلمانان نیست هر وقت که فتح میسر شود آن وقت شادی خواهم کرد .

خبرهای مختلف

از برلین پایتخت جرمن خبر میدهند که گیوم دوم امپراطور جرمن با نیقولا قیصر روس درین قریبها ملاقات خواهد کرد . معلوم است که این یک نیرنگ بزرگ پلیتیک است که در عالم سیاسی بکار میرود .

نصرت عظیم عثمانی

بشارت عثمانی از وزارت حربیه رسماً تبلیغ شده است که در ۱۳ ماه جون بوقت صبح دو بلوک عسکر عثمانی و بسیاری از مجاهدین بر آمده — با پیشدار [illegible] استحکام بسیار متین دشمن که در جهت [illegible] موضع بسیار محکمی ساخته بودند و با هشت دیوار سیمی ایشان محافظه بود هجوم بردند و مدت هفت ساعت محاربهٔ بسیار خونریزانه دوام ورزیدند . این دو استحکام متین را که با سیمهای آهنی و آلات ناریهٔ مدهشه مستحکم بود بعد از جهاد شدید فتح کردند . و بعد [illegible] ایطالی را که در استحکام با [illegible] بقتل رسانیدند و زمین را با اجساد دشمن فرش نمودند غنایم بسیار بدست مسلمانان در آمد .

خودکشی از گرسنگی

از ویانه پایتخت اوستریا خبر میدهند که در قصبهٔ ([illegible]) (چند ورف) نام یک شخصی که بزرگری مشغول بود از [illegible] فلاکتی که داشت بعد از آنکه بچه های کوچک خود را قتل نمود خودش و زنش و پسر بزرگش نیز خود را خودکشتند .

حکایات محاربه از جراید خارجه

خلاصه تقریریست که با امضای (ابن منصور) به جریده (العلم) [illegible] و شمالی [illegible] رسیده است:

در محاربه [illegible] (۱۳۰۰)

نفرات ایتالیائی خیلی بزرگ دید. چیزی که شایان تذکار است این است که یکی از افسران انگلیزی که بشرف اسلام مشرف و بنام مستر (عثمان [illegible]) موسوم بود از تأثیر قوه تفنگ دشمن که بر سینه‌اش رسیده بود مقتول گردید و در این محاربه هم این افسر انگلیزی و هم یک نفر افسر آلمانی که (دیر [illegible] اج) نام دارد در محاربه با ایتالیا اشتراک ورزیده‌اند. در اثنای شدت گرمی این محاربه چاوش طوپچی که طوپخانه اسلامی را اداره میکرد شهید گردید. کوماندان (انور بیگ) خودش بالذات افسری طوپخانه را در عهده گرفته بکمال مهارت فرمان [illegible] ولی چون وظیفه کوماندانی عمومی بر دوش او بود [illegible] طوپچی گری [illegible] (مستر عثمان) در عهده گرفته [illegible] آتش میزد. این محاربه [illegible] دوام ورزید و در میان شصت نفر شهدای [illegible] در این محاربه بوقوع آمده بود و ده نفر از زنان نیز موجود بود [illegible] بجهاد تشویق و ترغیب میشود. یک مصرعی از آن [illegible] این است: (وطن [illegible]) [illegible]

[illegible]

ترکیه — ایران

[illegible]:

[illegible] ایران [illegible] روس [illegible] قرار گرفت [illegible] خراسان [illegible] ایران [illegible] دولت ایران [illegible] ایران [illegible] طهران [illegible]

⁂

(خریطه) (نقشه) [illegible] (خریطه) [illegible] (نقشه تمام یک مملکت) (در خریطه صورت یک مملکت) (نقشه یک ولایت یا یک شهر یا یک قریه) [illegible] هر قسم آن از ضروریات [illegible] امور است.

آلاسقا

از (آلاسقا) که در منتهای شمال غربی امریکا واقع است خبر رسیده که در نواحی آن سیلاب جوشش باران خاکستر از مسافه هفت صد میل از طرف کوههای آتش‌فشان ([illegible]) در جریان آمده است. در نواحی کوههای آتش‌فشان بحال فعالیت و شعله‌فشانی موجود است.

⁂

از بلاهای مهیب که کوههای آتش‌فشان یکی از آن باریدن باران [illegible] خاکستر است. از بلاهای دیگر [illegible] کوههای آتش‌فشان خاکستر [illegible] باران [illegible] خاکستر [illegible] سیلاب [illegible] تلف و هلاک [illegible] میرساند.

از تجربیات [illegible]

[illegible] جنوب

[illegible]

[illegible] جنوب:

[illegible]

دیگر — [illegible]

[illegible] ایران و هندوستان

[illegible] جنوب:

[illegible] انگلستان [illegible] ایران و هندوستان [illegible] هندوستان [illegible] انگلستان [illegible] ایران [illegible] هندوستان [illegible] انگلستان [illegible] ایران و هندوستان [illegible]

مقالات علمیه

علم تاریخ

کیفیت خلقت بشر

مابعد از نمره ۱۹

حالا قبل از اینکه به تطبیقات آغاز نمائیم، اول مختصری از اقوال علما در باب کیفیت خلقت بشر گوشزد نموده، بعد ببینیم که حکمت چه میگوید:

اگرچه مسئلهٔ تطبیق کیفیت تشکل کرهٔ ارض تا یک درجه به اندیشه و دانائی و تعمیق فکر محتاج است ولی در باب خلقت بنی آدم و وجود یافتن دیگر ذیحیات دلایل و براهین یقینیه و بدیهیه که فنون نشان میدهد به اندازه ساده و واضح است که به ادنا اندیشه و فکر کیفیت تکوین را ظاهر و هویدا میسازد.

مثلاً به رأی العین می‌بینیم که در یک سیبی که هیچ سوراخ و شکافی نداشته باشد در درون آن یک کرمی پیدا میشود، و هیچ بخیال و خاطر نباید آورد که این کرم از خارج در سیب درآمده است. زیرا هم فن نباتات و هم فن حیوانات انکار اینشان میدهد که این کرمها از خود سیب در خود سیب بوجود آمده است.

حالا این سوال وارد خاطر میشود که آیا این کرمها از کجا و چسان پیدا و چگونه حاصل میشوند؟ کوتاه‌ترین جواب این سوال این است که بگوئیم و هم ایمان داریم که این چیزها عبارت از اثر صنع عجیب الاسرار یک صانع قدیم و واجب الوجود حق قادر عظیم الشانیست که به کیفیت صنع و قدرت او عقلها و فکرها و اندیشه‌ها و وهمها نگاه‌ها در گرداب حیرت مانده قدم از قدم برداشته نمیتوانند. ولی با وجود اینهم عقل و فکر و اندیشه از رفتار خود باز نایستاده، برهان اثر صنع عجیب الاسرار را دنبال میکنند و تا وقتیکه از تک و تاز بیفتد در آن آثار صنع و قدرت پویا میشود، و قواعد فنون حکمیه نیز پایه را پیرو کتب مقدسهٔ جلیلهٔ سماویه نموده تا به بسا رجاهای بعیده خود را رسانیده، منتها آثار رفته رفته فنون حکمیه نیز به همین جواب مجبور میشود که مجموع ذالک تدبیر کائنات و یک هستی دهندهٔ موجودات موجود است که حقیقت ذات عیان پنهان آن بی پرده نمیشود، و از آثار صنع آن در هر چیز تا یک اندازه ثابت حیرة العقول پدیدار است

فن میگوید که هر وجودی که تشکل و نما میکند رفته رفته یک درجه تغییر را رسیده استعداد پیدا کردن دیگر وجودها را حاصل میکند. مثلاً در وجودات مانند انسان شپش و در شکم بعضی چیزها حاصل میشود که اینها قطعیاً از خارج در بدن انسان آمده پیدا نشده بلکه وجود خود ذات آن یک نوع استعدادی حاصل میکند که اینگونه چیزها از آن بوجود می آید.

از حکمای جدیده جرمنی (الکسندر ویسمن) نام حکیم تحقیقات مورد حیات - یعنی از کجا حیات وارد میشود - اندیشه و دانائی کرده، و در این مسئله تدقیقات (داروین) نام حکیم مشهور انگلیز نیز بر تحریات عمیقهٔ خود علاوه نموده بسی نظریه های عجیبی و قواعد غریبی در جناب بیان کرده است. از مطالعهٔ آنها چنان معلوم میشود که پیدایش بعضی حیوانات ذره بینیه که بر زمین یا بر اجسام دیگر که بر زمین باشد تنها از استعدادی که در زمین است نیست بلکه واسطهٔ این فیض حیات بخش از آفتاب می آید. هوا نیز با زمین در آن باب مددگاری کرده اثرات پرورده‌گی دارد. مثلاً یک ظرف درست و سالم یک جگر حیوانی را در بیرون می آوریم بعد از چند روز می‌بینیم که آن جگر تشکل پیدا کرده در آن بعضی کرمها پیدا شد. این است یک مورد حیاتی که ظاهر و آشکار افتاده است. زیرا در تحللات کیمیویه چنان یک نوعی از فیوضات حیات پروری آفتاب آمیخته شده و آن کرمها بوجود آمده اند.

اما با وجود اینهم هیچ یکی از علما و هیچ فنی از فنهای کامل بر این یک مسئله هنوز هیچ یک قرار قطعی اتفاقی داده نتوانسته اند که آیا مبدأ و حقیقت حیات کدام نقطه خواهد بود و ماده و حقیقت جوهر (روح) چه چیز باید بود؟ خون گفته‌اند! هوا گفته‌اند! نور، حرارت، آب، الکتریک وغیره گفته‌اند! ثابت نشد. پس معلوم شد که استعدادات کیمیویه ارضیه و فیوضات حیات پروری شمسیه، مواد عنصریه، هوائیه آلات و ادوات حیات شمرده میشوند. ولی حقیقت (روح) بودن اینچیزها قطعاً ثابت نشده است و از اینجاست که این بحث (روح) بیرون و ادراک بشر است. و از این سبب قرآن عظیم الشان به حضرت خالق کون و مکان میفرماید: «ای حضرت محمد! از تو بحث (روح) را می پرسند، بگو که آن چیز از امر پروردگار است. آنها هرکس فهمیده اند مگر کسانی که در علم راسخ باشند.»

ای معشر مسلمین ! اگرچه از حدّ بحث ما خارج است ولی بفرض میگوئیم که اگر ما بحق آورندگان این کتاب مقدس کریم و شناسندگان ذات اقدس خلاق اعظم خود مان ما بواجدانیت عظیم چشم حقیقت و دیده بصیرت خود را بر قرآن خود ما باز کنیم میدانیم که پروردگار عظیم الشان ما را اعطا فرموده این کتاب علم و حکمت و معرفت بهر مخلوقات وجود کائنات را یکی عطا فرموده است . هر اندازه که فن حکمت و فلسفه ترقی کند حکمت پر عظمت آیات بینات آن هم اندازه وسعت میگیرد . هر اندازه که ماده پرستان و طبیعت شناسان در یافتن حقیقت ماده . و یا طبیعت کوشش ورزند حقایق شناسان با ایمان و قرآن از اقدمهای نخستین نردبان معرفت حق را پی بالا بالا بران قدم نهاده و بفرسخها ازان بالاتر ایستاده اند است که آن فیلسوف دانای انگلیس قرآن را برداشته غفلتا فریاد بر آورده گفت : (ای قوم ! یا برین کتاب ایمان بیاورید و یا در محو کردن آن چنانکه همت برنبندید » آیا چرا چنین گفت ؟ زیرا هیچ چیز را ازان بیرون نیافت . و دانست که تا این کتاب بدست مسلمین باشد هیچ علم و هیچ فن و هیچ حکمت بران غلبه نمیکند .

(بقیه‌اش در نمره‌های آینده می‌اید)

مواد عسکریه

مابعد از نمره ۱۹

(هر گله آدم نمیکشد)

هرکس بر این نظر است که با این آلات و ادوات ناریه که در وقت حاضر از طرف همه ملتهای مختلف قبول کرده شده ، محاربه‌ها از ان نسبت بمحاربه‌های زمانهای قدیم خیلی خونریزانه‌تر و وحشیانه‌تر میباشد ، حال آنکه در حقیقت چنین نیست ، هرگاه محاربه‌های زمانهای قدیم را که اقوام وحشیه گلو بگلو با همدیگر در می آویختند ، و یا با فلاخن ، و منجنیق ، و تیر و نیزه و شمشیر و خنجر همدیگر خود را میکشتند با این محاربه‌های وقت حاضر ، با آن طوپهای وحشتناک ، و طوپچیهای خوفناک بوقوع می آید مقایسه کنیم تلفات آن محاربه‌های قدیمه را بارها افزونتری یابیم ، حتی محاربه‌ها یکه با تفنگهای چاقماقی و طوپهای دهن پر بریکی بوقوع می آمد ، باز هم خونریزانه‌تر ازین وقتها بود . و این ازین است که هر گله آدم نمیکشد . چیزیکه از زخم گله و شمشیر و سر نیزه زیاده‌تر عسکر تلف میکند همانا و وحشیانه و بیاریهای مختلف میباشد . بنابرین قبول شدن سلاحهای جدیده که از طرف دولتهای عالم قبول گردیده بعالم انسانیت یک خدمت بزرگ گویا اجرا شده است .

در محاربهٔ روس و ژاپان یک گله تفنگ شقیقهٔ یک نفر عسکری ژاپانی را به درازی هفت سانتیمتر شکافته مغز سرش را پاره کرده گله درگذشته است . نفر ژاپانی ازین زخم بیاره هوشش بلی آنکه بشعورش خللی برسد جور شده است و نیز یک پارچه شرپنل چند یک نفر عسکری ژاپانی را پاره پاره کرده بود بعد ازان اودی تنها بجز اینکه جای و نشان زخمش باقی ماند دیگر هیچ ضرری باو نرسیده و بخدمت عسکری خود دوام نموده است . و نیز یک گله تفنگ از پیشانی یک نفر عسکر روسی بمغزش در آمده و از شقیقه‌اش بیرون بر آمده و کاسهٔ سرش را پاره پاره کرده است ، با وجود آنهم نفر مذکور صحت یافته است و بعقل و ذکای او نیز هیچ خللی نرسیده است . مانند این بسی مثالهای دیگری نیز درین باب موجود است .

حالا یک چند مثالی در باب محاربه‌های قدیم و جدید بیاوریم : در محاربهٔ روس و ژاپان که مشهورترین محاربه‌های عصر جدید ، و مهمترین تجربه‌گاه آلات ناریه جدیده است ، سه میلیون یعنی سی لک عسکر بنی بشر با یکدیگر دست و گریبان در آمده و خورد نمودند . در ظرف دو سال که این سی لک آدم در منچوری کشت و خون نمودند تلفات هر دو طرف مقابل به (۸۳۰۰۰) هشتاد و سه هزار نفوس بالغ شده است که چون این را با محاربه‌های دورهٔ فرانسس یعنی در محاربه‌های (بره سلاو) که مجموعاً عسکر طرفین پنج لک (۵۰۰۰۰۰) بود و هشت ماه هم جنگیدند (۱۰۰۰۰۰) یک لک نفر تلفات بوقوع آمده است که دو بار از محاربهٔ منچوری بیشتر افزونتر است — بنابرین باید دانست که مظفریت در محاربه بشجاعت و مهارت موقوف است نه بصرف کردن گله :

(از الاتفاق عسکری ترجمه شده)

عجایبهای ژاپان

از سیاحت نامهٔ عبدالرشید ابراهیم افندی

مابعد از نمبر ۱۹

یوقوهاما

یکی از بندرگاهای مشهور تجارتی ژاپان شهر (یوقوهاما) میباشد. من در ژاپان این اول شهریست که می بینم، و ملت ژاپان را نیز اول درهمین شهر می بینم. زیرا چیزهائیکه در راه دیدم همگی عبارت از یک تقاضای بود. شهر (یوقوهاما) یک شهر بزرگیست که زیاده از دوصد هزار نفوس دارد. از ممالک ژاپان اول بندریکه برای تجارت اوروپا باز شده است همین بندر است. من در هشتم تشرین اول درینجا آمدم. صبح وقت برای گردش و تماشای شهر برآمدم. بصاحب خانه گفتم: — مهربانی کرده بمن نام تپه و نشان خانهٔ خود را بدهید که در وقت برگشتن زحمت نکشم. — با صاحب خانه مکالمهٔ ما بزبان ژاپانی بود. زیرا من کتابچهٔ جیبی خود دیده و لغتها و نامها را با ادات ربط بهم بسته مقصد خود را می فهمانیدم. ضرورت و احتیاج نیز انسان را بزبان آموختن مجبور میکند. صاحب خانه بمن گفت: — که در شهر ما تنها یک باغچه موجود است. بهر یکشه والائی که بگوئید مرا در پیش روی باغچه برسان بی گفت شما را درینجا می آرد.

پوشاکی که من پوشیده ام طبعاً در نظر ژاپانیها خیلی عجیب و غریب یک تماشائی باید شمرده میشد. ولی این را ببینید که تمام روز گردش کردم، هیچ یک شخصی که بنظر حیرت و تعجب بمن نظر کند برنخوردم حال آنکه هر حال و اطوار ژاپانیها موجب حیرت و تعجب من می شد. از همه پیشتر این را بگوئیم که در هر کس یک حرکت و فعالیت دیده میشود. کوچه ها مانند جویهای آدم، حد و نهایت آیندگان و روندگان نیست. هر کس بسیار سرعت براه میرود علی الخصوص صداهای نعلینهای زن و مردی که در رفتارند بگوش انسان خیلی عجیب برمیخورد. اما صد شکر که کوچه ها با سنگ فرش نیست. و هم در روز چند بار آب پاشی میشود. ازین سبب بسیار معلوم نمی شود. و گرنه آن صداهای نعلینها گوش انسان را بی راحت میکرد.

حدود شمالیهٔ یوقوهاما بحر است و اطراف آن همه کوهستان است با کوهها احاطه. اگرچه یک قسمی از شهر بر دامنه ها واقع شده است اما قسم اعظم آن بر زمین هموار است. ولی بلکه اگر براستی گفته شود شهر در میان یک دره واقع شده است. از میان شهر نهرهای بسیار میگذرد، کانالهای بسیاری نیز موجود است. روی آنها پلهای عجیب و غریب بیشماری دیده میشود. هر روز از یک سر شهر تا دیگر سر شهر با تراموای رفت و آمد کردم. بسیار جاها را نیز پیاده گردش نمودم.

در هر طرف شهر که گردش شود معلوم میگردد که ملت ژاپان بهر نوع استعداد مالک و خیلی فعال و کارگذار یک ملتی میباشد. همه دکان، مغازه، صنعت خانه، فابریک. در هیچ طرف هیچ یک آدم بیکار نشسته باشد برخورده نمیشود. هرقدر بناهای بزرگی که دیده شود آن بناها بنای (مکتب) است. بغیر از سرای های حکومتی و قونسلخانه ها و بعضی اوتلها دیگر هیچ یک بنای بزرگی مانند بناهای مکتبها نیست. در هر محلت خانه ها یک طبقه ئیست عمارت دو طبقه ئی نادر دیده میشود.

در سر هر جاده و بازار یک کلبهٔ تلفون عمومی و یک کلبهٔ پولیس دیده میشود که بطرز خود ژاپان بنا یافته است. هیچ یک سر کوچه و بازاری نیست که در آن یک تلفون خانهٔ عمومی نباشد. در هر چهار راهیها بزرگ صندوقهای سرخ داک دیده میشود که هر روز از ساعت شش صبح تا نیم شب در هر ساعت این صندوقها باز شده مکتوبهائیکه از شکاف آن درون انداخته شده گرفته میشود، و بهر جا چالان میشود. اینچنین صندوقهای داک حقیقتاً در دنیا کم یافت میشود.

(مابعدش در نمبر آینده می آید)

ادبیات

بهار — و — عشق

زمستان! با تمام شدت قهر و غضب خود دوام میکند. همه عالم زنجیربند ثقلت و قساوت! رفته رفته یکان هواهای لطیف بوزیدن می آید درختان، بلبلان را یک شادمانی استیلا میکند باز آن هوای لطیف یک طوفان باد و باران برف آور مبدل میشود. امّا این عارضیست!

کی میگذرد که باز یک هوای لطیف بوزیدن می آید. درین بار مرغان همه چیز خود را بیدار میکنند. در رگهای اشجار آب حیات زندگی میدود. زمین یک تف گرمے میگیرد. تخمهای نباتات در زیر خاک یک بالیدگی پیدا میکنند اگرچه یک دو بار باز یکان باد و بارانها میریزد و میوزد و لے انجماد نمیدهد صحراها چمن ها را بخشیده اند. شاخهای درختان را بادکهاے نیم سبز نیم اشتر چپت پلک ها مزین میسازد. بلبلها، چناها، [illegible] یکدیگر خود را مبارک باد میگویند. سبزها میرویند شکوفه ها می شگفد، جویبارها، شلالها آبشارها از انجا و برآمده یک انبساط پرنشاط می جریان میگیرد.

هیچ شبهه نماند! بهار صفا نثار، بتشریف قدوم شمس حیات آثار با همه لطافتها و حسنها و جمالهای خود ظاهر و پدیدار گردید.

این است که طلوع شمس عشق در یکدل بی عشق اینا همین خاصیت را نشان میدهد! منجمد، افسرده، سرد، بیخبر، مستریح بیاشد! دفعةً یک پرتو انوار نثار شعشعه بار می براند می تابد یک گرمی یک باخبری در دل نوجوان نمایان میگردد. تا بخواهد که بداند چه بود! باز طوفان نسیان فراموشی هجوم آورده افسرده گے دوام میورزد. امّا این عارضیست!

کی میگذرد که باز هوائے حیات افزاے بهار، حرارت نثار، عشق یک لمحه و لمعهٔ فسونکارانه بر دل بیچاره خاطرے از عشق یار، و افکار خاطرے از اغیار او تجلّی میکند. درین بار دل نوجوان یک تپش پیدا میکند، بی آنکه بر یک چیزی قرار دهد که آیا این چه حال است؟ دمبدم لحظه بلحظه از حالی بحالے و از شوقے بذوقے و از هوسی بهوسے می افتد. در هرطرف که نظر میکند جهان تجلّے، جهان انوار، جهان پرتو!

فاجعه‌های پاریس

مابعد از نمبر ۲۰

بازهم از پرسان فارغ نشده بود که درین دفعه غونتران بیک طوریکه وحشیانه و قدّارانه شمرده می شد گفت:

— میلوبیر چپ باش! خاموش شو!

زن جوان خاموش شد. بقدریکه دو ثانیه مدت در اوتاق بجز صدای تفنگ زدن یک آدم دیگر چیزی شنیده نشد. امّا بعد از کمتری در طبقهٔ زیرینه بعضے صداهای مختلف آدمان مخالف اصوات و قیل و قالهای دهشت ساعت، و آوازهای پاهاے موزه پوشها وغیره اشخاص برخاسته و این تنها تنها و گروپ گروپ ها از زینه ها بالا برآمده و در پیش دروازهٔ اوتاق نمبر (۴) جمع میگشتند. بعد از کمی در دروازهٔ اوتاق با قونداق تفنگ فشار دیافته کلمات دهشت (دروا بنام قانون بازکنید) نیز شنیده شد.

به این تکلیف غونتران دوداندال هیچ یک جواب نداد. قلوتیلد باوجودیکه بیدار بود. ولی چنان می پنداشت که یک خواب بسیار دهشتناکی می بیند. درین اثنا از بیرون در باز یک صدا تکرار

بی شبهه نماند! سلطان عشق، با همه شوکت و عظمت خود بر ملک دل صفوت منزل مستولی گردید، آن افسردگی آن انجماد، آن خبری نماند، دل از همه چیز خاسته با همه کائنات پر گردید!

بلی، عشق کائنات است، عشق حیات است، عشق بهار است! عشق با دل کار دارد؛ دل با دل راه دارد: دل نشیمنگاه انوار احدیت است، دل اسرارگاه تجلیات حقیقت است، دل آیینهٔ مقابل شفقت، هر چیزیکه در آن انعکاس نماید عیناً همان انعکاس را بمقابل خود عکس میدهد. آفتاب بر آیینه بتابد همان انعکاس بیک شعاع شدیدتر از آن چشم را میدرخشاند. این انعکاسات تنها همین شعر بیدل بهر دل را نتیجه میبخشد:

دل بمن داد و تا در او نگرم
من هم آیینه در کفش دادم

فقط

غزل

هرکس که بکوشش کند اظهار لیاقت
شک نیست که گیرد ز کسب سعادت
ارباب همم محترم اهل جهان است
از سعی کمالات بیابد همه عزت
ممتاز بشر شو تو بعرفان و کمالات
از علم و هنر میشوی شایستهٔ حرمت
تحصیل معارف بکن ای نور دو دیده
تا آنکه شوی مردمک دیدهٔ رغبت
با کوشش و جدیت شهرا به ترقی
می‌پوی و میکوش و بشوی حایز قیمت
انوار هنر لمعه‌نثار است بدنیا
ساعی شو و هر دم بگشا چشم بصیرت
با علم و هنر سعی چو شد منتظم و همدم
بی‌شبهه ز اقران ببری گوی سبقت
از علم و ادب گشت توان صاحب عرفان
وز کسب هنر یافت توان پایه رفعت
گه نظم و گهی نثر و گهی خوب و گهی زشت
(محمود) اجیلو بدو قصدش شده خدمت

نوره گفت:

— اگر در را باز نمیکنید بکنید! و گرنه بنام قانون بزور باز خواهیم کرد.

باز صدای صاحب خانه موسیو و ینیو شنیده شد که میگفت:

— از برای خدا! بزور در را نشکنید بمن زیان میرسد من دیگر یک کلیدی دارم با آن باز میکنیم.

غونتران — (از درون) به این نیام شرف و اصالتی که من دارم در بندیخانه نخواهم در آمد.

بعد ازین سخن یک روشنی بسیار خفیف در داخل اتاق پیدا شد که بواسطهٔ آن روشنی شبح مثال قطو تنیده همین دیده توانست که شوهرش بپا ایستاده و دهن یک تفنگچه را بشقیقهٔ خود گرفته است. آنا دیدن همان، و بر خواستن صدای (ذزوم!) یک طپانچه همان بود!... در عقب صدا دود کثیف خانه را استیلا کرده، و افتادن یک جسمی بر روی تخته اوتاق خانه، خبر زده در آورد!... به افتادن جسم مذکور صدای جانکاه فغان یک زنی نیز شنیده شد!...

(باقی دارد)

ناموران با نام جهان

ما بعد از نمبر ۲۰

کاهنها بفرعون گفتند که: از بنی اسرائیل یک طفلی بدنیا می آید که آن طفل سبب زوال دولت تو میشود. پس فرعون در هر طرف جلاد ها مقرر کرد. جلادها بخانه و درخانه های بنی اسرائیل درآمدن گرفتند. و هر طفل نرینه نوزادی را که می یافتند بقتل میرسانیدند. درین اثنا حضرت موسی علیه السلام بدنیا آمد. والدهٔ موسی علیه السلام بالهام ربانی حضرت موسی را در یک صندوق محفوظ داری نهاده بنهر (نیل) انداخت. آب نهر صندوق را برده بساحل سرای فرعون رسانید. حضرت (آسیه) از دیده جاریه‌ها بگرفتن و آوردن صندوق امر نمود. چون باز کردند یک طفل چون یکپاره نوری ظهور یافت. حضرت آسیه از دل و جان باو محبت نمود. و درباب تربیت و پرورش او کمر همت بربست. برای شیر دادنش دایه های شیری طلبید بسیار دایه ها آوردند ولی حضرت موسی پستان هیچی ازانها را نگرفت. والدهٔ موسی علیه السلام همشیرهٔ خود را در عقب صندوق دیده بان مقرر کرده بود. چون فهمید که صندوق بسرای فرعون درآمده و در سرای بجستجوی دایه افتاده اند هماندم این خبر را بهمشیرهٔ خود رسانیده والدهٔ موسی علیه السلام خود را بصفت دایه عرض و تقدیم نمود. موسی حالا پستان والدهٔ خود را بگرفتن آغاز نهاد. این است که باینصورت بی آنکه کسی از فرعونیان آگاه شود والدهٔ خود موسی علیه السلام در سرای خود فرعون حضرت موسی را تربیت و پرورش داده است. اینهم از حسن اتفاقات است که (سامری) نام مرد منافقی که بعد از رهائی یافتن بنی اسرائیل بهمراهات با برات حضرت موسی علیه السلام از چنگ فرعون مردمان بنی اسرائیل را بگوساله پرستی اغوا و گمراه نمود نیز (موسی) نام داشت و در همان شب که حضرت موسی علیه السلام تولد یافته او نیز بدنیا آمده است.

[باقی دارد]

علم ثروت ملک

ما بعد از نمبر ۲۰

و تنها سعی و عمل یعنی کوشش و کار برای مزدوری کارها که مزدوری روزانه کار میکنند، مخصوص نیست، بلکه جمیع صنعتهای اهالی یک مملکت شامل است. از ارباب علوم و فنون، محررها، هر قسم مأموران وزارتها و ادارتها امور بزرگ گرفته تا کوچک جمله گروه مردان عبارت از یکیک عامل و ساعی است که فایده و منفعت بجمعیت میرسانند ولی چنانچه سابقا گفته شده بود که ثروت همان چیزیست که داخل میدان مبادله درآمده و بمقابل فایدهٔ خود قیمت استحصال کند. لهذا سعی و عمل ارباب علوم و فنون فقط آنوقت پیدا کنندهٔ ثروت شمرده میشود که مانند صنعتهای عادی دیگر مبادله شود و قیمت پیدا کند. مانند اخبار و کتاب و امثال آن.

از ایجاد و اختراع بعضی آلات و ادوات که ارباب فنون و علوم میکنند، و بواسطه آن برای دیگر کارها آسانی و کم مصرفی پیش شود و سببی که قابل مبادله و قیمت است عین ثروت شمرده میشود. کذلک اگر مأمورین حکومت که زمام امن و آسایش و تشکیلات و عدالت و محافظهٔ ملک و اهالی بدست شان است خدمت خود را با تنخواهی که میگیرند مناسب و برابر سازند سعی و عمل اینها نیز پیدا کنندهٔ ثروت شمرده میشود.

در نظر (علم ثروت) هر سعی و عملی که ثروت حاصل کند همان سعی و عمل اصل سعی و عمل حقیقی شمرده میشود. بنا علیه اگر سعی و عمل بیک صورت معقول و مفید صرف نشود موجب استحصال ثروت نمیگردد.

[باقی دارد]

هر مقاله ئیکه دستخط ندارد از طرف سرمحرر نگاشته باشد

مدیر و سرمحرر سراج الاخبار افغانیه

بسعی و اهتمام الحاج عبدالخالق پسر مرزی مهتمم چاپه خانه دار السلطنهٔ کابل
بقلم میرزا محمد جعفر قندهاری

نگران
ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی
علی احمد

قیمت سالیانه
در دار السلطنه کابل ۸ روپیه کابلی
در ولایات و قلمرو مملکت با اخراجات ڈاک ۱۲ روپیه کابلی
در خارج مملکت با اخراجات ڈاک نیم پوند انگریزی
قیمت یک نسخه آن در کابل یک عباسی است

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

اداره چاپ و مطبعه
در ماشین خانه دار السلطنه کابل

هر امورات تحریریه به اداره جات بنام مدیر فرستاده میشود

هر پانزده روز یکبار نشر میشود

تاریخ عربی یکم رمضان ۱۳۳۰ تاریخ انگریزی ۱۴ اگست تاریخ شمسی ۲۳ اسد ۱۲۹۱

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

رمضان فیض رسان — قرآن عظیم الشان — مکتوب —
ابیات تبریکیه — حوادث خارجیه — ناموران [illegible]
علم ثروت ملل — فاجعه های پاریس

رمضان فیض رسان

ماه مبارک رمضان فیض رسان که ذات اقدس خلاق اعظم کون و مکان بنازل فرمودن قرآن عظیم الشان از دران یک شرف و قدسیت عظیمی به آن احسان فرموده، بکمال سرتها و تمام انتظار را شرف ورود ارزانی فرمود.

آمده شهر صیام، سفر سلطان رسید
دست بدار از طعام، مائده جان رسید

تصویر نمودن فضائل، و مزایائی که این شهر صیام مغفرت انجام دارد اگرچه از طاقت قلم شکسته رقم این محرر عاجز بار بار عالی تر و بلند تر افتاده است ولی چون این نسخه شماره بیست و دوم ما با غره ماه مبارک رمضان تصادف می نماید ضرور است که بقدر طاقت قلم عجز رقم چیزی در باب این ماه مغفرت توأم بعضی آثار ادبیه و اخلاقیه را تتبع نموده بنگاریم تا صحایف نخستین اخبار ما کسب فر و شرف نماید :

معلوم باد که روزه گرفتن — یعنی از یک وقت معین تا دیگر وقت معینی که شرع تعیین فرموده هیچ چیزی خوردن و نوشیدن و نکشیدن — بر همهٔ امت ناجیهٔ محمدیة صلی الله علیه وسلم با آیت جلیلهٔ قرآنیة که در سورهٔ بقره نازل فرموده شده است (فرض) گردیده که هیچ فردی از افراد این امت بجز بیماران مریضها و یا مسافران و غیره که بازشان شرع تحدید فرموده از روزه گرفتن مستثنا شمرده نمیشوند. معنی و مآل آیت جلیلهٔ قرآنیه این است :

« ای اهل ایمان ! روزه ، چنانچه بر دیگر امتهای پیشتر از شما فرض گردیده بود بر شما نیز فرض کرده شد ، تا که نفس خود را از معاصی

به آن نگاه کرده بتوانیم . ۱۸

اگرچه در فرضیت روزه که آیا از چه وقت فرض شده اختلاف است . ولی این یک متفق علیه است که بعد از وقوع (تحویل قبله) آیهٔ کریمه بر فرضیت آن شرف نزول فرموده است . از آل قدسی جمال آیت جلیلهٔ ما فوق صراحتاً معلوم میشود که قبل از دین مبین محمدی صلی الله علیه و آله وسلم در دیگر ادیان سالفه نیز روزه فرض بوده است حتی در نزد علما متفق علیه است که در شریعت حضرت ابوالبشر آدم صفی الله علیه السلام نیز روزه فرض بوده است .

حضرت ذات اقدس حکیم مطلق جل و علی برای قوام انتظام و دوام امم عالم در هر وقت و هر زمان بنا بر مقتضای همان وقت و همان عصر متناسب با احتیاجات زندهٔ همان اقوام و همان امم شرایع وضع فرموده است و اینهم از مقتضیات احکام حضرت الهی است که چون نوع بنی بشر بمرور دهور هر آنقدر که ترقی و تکمل کرده اند و رفته رفته کسب صلاح و تجربت ورزیده اند . از آنرو یک قسمی از احتیاجات بشریهٔ شان زایل شده بجای آن دیگر بعضی احتیاجات حادث گردیده است که تجدد شرایع نیز از آنسبب بحکمت بالغهٔ سبحانیه اقتضا نموده است . این است که از وقت خلقت آدم علیه السلام تا به بعثت پیغمبر ذیشان حضرت محمد آخر زمان صلی الله تعالی علیه وسلم برای طوایف مختلفهٔ بشریه از طرف حضرت باریتعالی جل و علی بسی پیغمبرهای ذیشان و شریعتهای قدسیت نشان فرستاده شده است .

به این صورت تا هنگام سعادت پیام ظهور نور محمد صلی الله علیه وسلم نوع انسان استعداد تام و قابلیت مالاکلام بهر نوع معالی و معارف را پیدا کرده . و تعلیمها و تربیه های ابتدائی خود را اکمال نموده مستعد ظهور آن نور با کمال که ظهور آن تا به ابد بدیگر نوری حاجت نماند گردید . این است که در چنین زمان سعد اقتران آن در شهوار نبوت و زینت ساز اورنگ رسالت فخر رسل خاتم الانبیا علیه افضل التحایا بعث فرموده شده است که شریعت مطهرهٔ او اکمل شرایع ، و احکام محتویهٔ آن برای استحصال هرگونه احتیاجات و سعادتهای ماضی و حال و استقبال نوع بنی بشر کافل و ضامن است . و چون بسببی که بنای شریعت غرای محمدی صلی الله علیه وسلم بر طبیعت بشریه و فطرت انسانیه بنیاد یافته از اینرو این شریعت مقدسه و این شهراه مستقیمه که به تمسک آن مفتخر و مباهی هستیم بلاشک و شبهه تا بدوام القیامه دایم و باقیست ، و بدیگر شریعت هیچ احتیاجی نیست . امّا چون دیگر شرایع بر مقتضیات زمان مبنی بود تجدد آن ضروری بوقوع می آمد .

این است که اساس بنای فرضیت روزه نیز بطبیعت بشریه گرفته شده است . زیرا اگر انسان سال از دوازده ماه بیک قرار و یک رنگ بخوردن و نوشیدن و مشتهیات جسمانی مشغول شود طبیعت بهیمیه بجوش و خروش آمده در حظوظات و شهوات نفسانیه زیاده تر خواهشات و انهماکات پیدا میکند . و در وجود یک کسالت و بطالت عارض شده تأثیر بدی آن بر قوای ذهنیه نیز اثر کرده قوهٔ عقلیه به ادراک معانی و اتصال بخالق راه نمی یابد و به اینصورت انسانیت که در نوعیت اصل گفته میشود از اوج اعلای ملکیت بحضیض سفلای بهیمیت تنزل میکند . چنانچه جناب (سعدی) که از پیشوایان عارفان است میفرماید :

شعر

تهی از حکمتی بعلت آن
که پری از طعام تا بینی

بر روشن دلانی که بشرف نعمت اسلام و خلوص اعتقاد ایمان مشرف و متنعم اند پوشیده نیست که صوم درمیان عبادات اساسیهٔ قوم است . غیر از فواید روحانی که دارد منافع جسمانی آن نیز بسیار است . شاعر عرب میگوید :

تَنَقَّل فَلَذَّاتُ الهَوَى فِي التَّنَقُّلِ

آیا اینچه لذت و نعمتیست که انسان دوازده ماه کامل

بکمال آزادی صبح ، چاشت ، عصر ، شام میخورد و چند دفعه بگاهی می‌آید که در تمام اقسام روز قطعیاً نه چیزی میخورد و نه چیزی مینوشد . آنا بمقابل آن در تمام اقسام شب بخوردن آزاد است . این یک شخص حیات است که خیلی لذیذ است .

در حدیث قدسی حضرت نبوی صلی الله علیه وسلم آمده که :

((صوم محض برای رضای الٰهی گرفته میشود . زیرا کسیکه روزه میگیرد دیگر هم از شائبه ریا بری میباشد .)) ازینهم معلوم است که بهترین عبادتها عبادت بی ریا است . و چون در صوم ریا نیست از آن رو بهترین عبادتها است .

این است که رمضان فیض رسان با اینهمه سعادتها و فیضهای عالی خود شرف حلول ارزانی فرمود . « سراج الاخبار افغانیه » از صمیم قلب بهمه قارئین کرام و هموطنان ذوی الاحترام خود را تبریک میگوید . و بر دعای خالی از ریای دوام عمر و اقبال و تزاید صحت و شوکت و اجلال اعلیحضرت پادشاه دیانت همراه کرم ، و متبوع مقدس حقایق آگاه معظم خود ختم مقال مینماید .

قرآن عظیم الشان

وخدمات اعلیحضرت پادشاهی در راه آن

از آنروز یکه ناجیهٔ محمدیه صلی الله علیه وسلم را ذات قدسی صفات حضرت واجب الوجود جل و علی بجهان بشر فتحها و سعادتهای نامتناهی مظهر و سرافراز فرموده که بهمهٔ اقوام عالم بلا رنگ و جنس می برد ؛ هیچ شریعتی از شرایع بدرجهٔ شریعت غرای محمدی صلی الله علیه وسلم رهنمونیهای حقانیت ، و عدالت ، و آزادی ، و مساوات را ننموده است . دین مبین اسلامی از بدو ظهور خود با استعداد و قابلیت جهانگیری و ساختن همه دنیا را یک دولت ، و یک حکومت ، و یک ملت معظم کلی و مدنیهٔ فاضله تاسیس و تشکیل یافته است که اگر در معانی قرآن عظیم الشان بنظر غور و امعان و قوت علم و عرفان تدقیق و تحقیق شود این معنی ظاهر و عیان و مستغنی از شرح و بیان دیده میشود . و هرگاه بقرار از اول ظهور خود تا حال قدم بقدم احکام آن قانون مقدس الٰهی را اجرا آورده میتوانستند [illegible] هیچ شبهه نیست که [illegible] بظهور می آمد . زیرا [illegible] کریم حق ، عدل ، اخلاق حسنه ، اخوت ، مساوات ، دستور العمل [illegible] نهاده . و از کین و حسد و بغض و بخیلی و خیره‌سری قطعیاً نهی فرموده اقدام ، تشبث ، سعی و عمل را اقامه و بهر مقرر فرموده و از کسالت ، بطالت ، عطالت ، غفلت ، سراسر منع فرموده دروغ ، غیبت ، رشوت را لعنت نموده . در خلقت اشیا غور و تدقیق کردن ، و از اثر بوقلمون پی بردن را باز [illegible] ستایش کردن . و شکر و ثنای آن استفاده‌ها را ادا کردن را از واجبات شمرده . سیف و قلم را دو شهبال پرواز فلک دین شناخته .

پس اگر این قرآن عظیم الشان با این احکام متین قدسیت نشان خود جهانگیر نباشد کدام حقوق و کدام قانون و کدام دستور جهانگیر خواهد بود ؟

این نکته را تنها جهان دانهٔ عظمای [illegible] درک کرده بود و بس که بتلاش عظیمی افتاده با قبول دیانتی [illegible] تبلیغ و ارشاد نمود . اما غافل از اینکه [illegible] مخلصین این حبل متین قدسیت لیکن ازین تهدیدات و تا اثر [illegible] و از زیر لب تبسم نمودند . زیرا بر محفوظ بودن این ناموس الٰهیه بقرار حکم جهان قرآن عظیم الشان ایمان آورده اند .

هرگاه بخواهیم که فضایل و معانی قرآن عظیم الشان حضرت خالق کون و مکان را بیان نمائیم حیاتیکه از آن در ازل و همه کاینات عمیقها بحث رانیم که اینهم مافوق تصورات است . زیرا در صفحه تخمین آن ام الکتاب عظمت [illegible] محتوی میباشد لهذا ما درینجا همین قدر یک مقدمهٔ مختصره اکتفا نموده از حیث معالی آیات پادشاه دیانت آئین و شهریار عدالت قرین اعلیحضرت (سراج الملة والدین) که در باب خدمت این کتاب مبین اجرا فرموده اند یک شمهٔ بعرض معلومات می پردازیم . و در غیاب حضرت یک قطعهٔ ملفوفی را که از دفتر اطلاعات نام ما [illegible] رسیده عیناً درج میکنیم مسرت ، افتخار مینمائیم . و مطالعهٔ همین مکتوب برقارئین کرام ظاهر خواهد گردید که ذات مرحمت آیات دیانت صفات پادشاه متقدس محبوب القلوب معظم ما در حصص تا چه درجه بذل همت جهان قیمت شان را [illegible] فرموده و میفرمایند .

صورت مکتوب

جناب مستطاب معظم محترم محمود بیگ خان [illegible] مدیر سراج الاخبار [illegible]

در حفظ و حمایت ایزدی [illegible] دولت اسلام [illegible]

از جملهٔ [illegible] اعلیحضرت [illegible]

کارهای [illegible] اطلاعات که [illegible]

[illegible] کلام ربانی [illegible]

بتاریخ ۲۰ شهر رمضان المبارک سنه ۱۳۳۲ از پیشگاه حضور فیض گنجور اعلیحضرت نایب السلطنه صاحب فرمان صادر فرموده بودند — اینکه عالیجاه ارجمند سعادت و اقبال همراه سردار نصرالله خان نایب السلطنه دامت حفظه الله تعالی از آنجائیکه بحسب احساسات اعلیحضرت سراج الملة والدین همواره در صدد ترقی و بهبود دین مبین حضرت خاتم النبیین است بنا بر آن رای صواب‌نمای والای ما اقتضا در این نمود که بشاید سعی و کوشش پادشاهی حفاظ کلام حضرت الهی در بلاد مملکت محروسه دولت خداداد افغانستان بسیار شوند و فایده آن بخاص و عام برسد پس درینصورت آنچه فی الحال منظور دیده و ضرور دانسته ایم این است که مدرسه قائم و برپا شود و حافظان تام و جید از جانب سرکار مقرر باشند و اندازه نفری متعلم و طالب در هر ولایت مقرر و مخارج لازمه دعوا و تعیین شود اکنون در دار السلطنه کابل چهار نفر حافظ معلم و چهل نفر طالب خورد و کلان خواه اعمی منظور فرموده و تنخواه و مخارج سررشته انها بقرار ذیل تجویز نمودیم که از خزانه پادشاهی صرف مدرسه شود و حافظ نور حسن وقتیکه در کابل باشد هفته یکبار اقلا در مدرسه مذکور رفته علماء آوری کند و رهنمائی را لازم که بسیار بودی سررشته امر مذکور را بسیار نمودی بقرار وقت سررشته عالیجاه صداقت نشان ما فرقه صفدر خان امین العلماء کابل [illegible] امور مذکور سررشته داری و باخبری مدرسه مقرر شده بهمه همواره شما هم باخبر مدرسه باشید و نا افراد مذکور را [illegible] که کیفیت کورا خواه از اطراف باشند خواه از دار السلطنه دو ماه در دو ماه بحضور وارد نمایند فقط

جدول اخراجات و مصارف حفاظ

مستمری مدرسه بدفعه اول یک سال بدفعه دوم شش ماه بحضور همایون ارشد شخصی که در مدت مذکوره حافظ کامل شود خوشحالی او تصدیق حاصل کند نقدی و جنسی که برای حفاظ مقرر است بهمه ساله از دولت بازیافت دارد فقط	
هر طالب را تا هنگامی که در مدرسه بدرس مشغول است برای دو دانه	
پیرهن و زیرجامه صحن	۳ دست
جوتے	۱ زوج
مندیل	۲ طاقه
کلاه پوستی	۱ طاقه
پیرهن جبه دار بهاری	۱ ثوب
پوستین کابلی	۱ جلد
روپیه جیب میوه بطور نقد	۱۲ روپیه
خوراک شب و روز از قبیل شوربا و نان وغیره مقرر است	

فرش مدرسه بقدر اندازه از گلیم و نمد و تشک منظور است
در مدت سه ماه زمستان بقدر ضرورت هیزم [illegible]
بیل و چراغ [illegible] و دیگ و کوزه و جام [illegible] منظور است
دو نفر فراش برای خدمت طالبان [illegible]
برای چهار نفر معلم نفری سالانه ۱۲۰ تومان که ۴۸۰ تومان [illegible]
برای [illegible] نفر طلبا نفری سالانه ۱۸ تومان مقرر است که [illegible]
خدمتگاری برای صفائی مدرسه از دفتر صفائی مقرر است
حتی که کوچ و جاروب از طرف دولت مقرر شده داده میشود که طالبان مذکور من کل الوجوه خاطر جمع اند

بعد از صدور فرمان حضرت اعلیحضرت ظل الله — بقرار تجویز حضرت نایب السلطنه صاحب یازده مدرسه حفاظ در یازده ولایت فی الحال منظور گردیده بدین موجب شهر جلال آباد — شهر غزنین — شهر قندهار — شهر فراه — شهر پشت رود — شهر هرات — شهر میمنه — شهر بلخ — شهر بدخشان — شهر خان آباد — دار السلطنه کابل — و مدارس مذکور بهر مدرسه معلمان و اندازه طالبان و اخراجات و خوراک و پوشاک و نقدی و جنسی مذکور منظور و مقرر و حسب الفرمان همایون عمل اجرا بوده و بنا شده میعاد مقرره مدرسه های موصوف از حضور مرحمت نموده مدت نه سال است اکنون مدت پنج سال کامل انقضا یافته و در مدت مذکور یک صد شصت و نه نفر حافظ کامل از مدارس مذکوره بدولت حفظ قرآن و تنخواه نقد و جنس خارج شده اند و ان شاء الله تعالی تا به آخر همین سال فرخنده فال سیچقان ئیل بعده سی نفر دیگر حافظ کامل خواهد شد.

نفری که حافظ کامل شده اند بدین موجب

جدول تعداد حفاظ ولایات و دار السلطنه

مدرسه جلال آباد و تحت نگرانی جناب میرزا محمد اعظم کمکی سررشته	۲ نفر
مدرسه غزنین تحت نگرانی جناب میرزا [illegible] ملکی	۴ نفر
مدرسه قندهار تحت نگرانی جناب سردار محمد عثمان خان [illegible] نائب الحکومه	۱۳ نفر
مدرسه چشت و [illegible] تحت نگرانی میرزا [illegible]	۱ نفر
[illegible] تحت نگرانی [illegible] حاکم [illegible] جناب میرزا [illegible]	۱ نفر
هرات تحت نگرانی جناب سردار [illegible] نائب الحکومه [illegible] ملکی	۲۲ نفر
میمنه تحت نگرانی جناب عبدالرحیم خان حاکم	۱۰ نفر
بلخ تحت نگرانی مرحوم سردار [illegible] خان نائب الحکومه [illegible] حال تحت نظارت سردار [illegible]	۱۴ نفر
بدخشان تحت نگرانی جناب محمد اسحق خان حاکم	۱۰ نفر
خان آباد تحت نگرانی [illegible]	۱ نفر
دارالسلطنه کابل تحت نگرانی جناب امین الاطلاعات صاحب	۳۸ نفر
میزان کل نفری‌ها	۱۱۶ نفر

چون حفظ قرآن شریف امر ضروریست در مدارس مذکوره یکصد و شانزده نفر حافظ کامل شده و امید میشود که خاص از توجه ذات بابرکات حضرت اعلیحضرت [illegible] که در سال [illegible] روز افزون موده ترقی درجات قرآن شریف و تجوید اشت کلام ربانی را در صدر سینه حفاظ منظور داشته اخلاف [illegible] را [illegible] دولت علیه سرفراز میفرمایند مهربانی پدرانه و رحم پیر صلبی هم اضافه از این نمیشود ختم سخن را به دعا میکنم که الهی زنده باد پادشاه جوان بخت افغانستان و پاینده باد دولت با سعادت خوش بخت افغانستان اللهم آمین فی تحریر ۹ شهر رجب المرجب ۱۳۳

عرضه میر محمد یوسف سررشته دار
دفتر اطلاعات

از کلام موزون جناب ملا [illegible] المتخلص مستغنی
تحریر یافته

شد قمر آن شهر که ماه رمضان می آید
در پسش عید بصد شوکت و شان می آید
یازده ماه پس این ماه مبارک در شهر
از پی دل همی پیر و جوان می آید
می رود بعد یکی ماه و پس از سال دگر
بهر دلداری این دلشدگان می آید
دیر دیر آید و زود از بر عشاق رود
رسم معشوق چنین است و چنان می آید
گر نه معشوق جهان است بگوئید شما
میرود زود چرا دیر چنان می آید
در پسش باز بصد عیش و نشاط است سرور
روز عید است که هر شب بجهان می آید
از نظر پوشش چه دائم شرح و کوشش بیان
که بخوان حق [illegible] کتاب قرآن می آید
ای که شکر بنده و خوش که درین ماه شریف
میرود و بیخ تن در راحت جان می آید
اهل این شهر درین ماه مبارک هر شب
بر سر خوان شه ملک ستان می آید
شاه و این دولت منصور سراج ملت
که کشش نه درین دور زمان می آید
ده شب اول این ماه شریف رمضان
از پی ختم تراویح روان می آید
با خلایق جمع کثیر و چنان جم غفیر
که شمارش نه بتحریر و بیان می آید
که افطار و کند ختم تراویح مدام
در حضور از پی اثبات پی آن می آید
جمع کرده خلایق همه در جامع عید
این چه عید است که هر شب بجهان می آید
عقل در وصف شب و روز چنان مستغنی
وصف آن روز و شبان کی به بیان می آید

حوادث خارجیه

لاهور

درباب تردید اقوال غلط (لاله سنت نهال سنگه) نام هندو یکه در اخبار عام نشر شده بود از طرف رعایای هندوی دولت علیهٔ افغانستان تحریر یافته و بادارهٔ شریف عاجزانه فرستاده اند که عیناً درج اخبار خود بنمائیم این است که عیناً درج میشود :

عالیجاه مشفق کرام مهربان والاشان محمود بیک خان مدیر سراج الاخبار بعزت باشند. چون درینوقت از ترجمهٔ اخبار عام مورخهٔ ۱۵ ماه اول سنه ۱۹۱۲ع مطابق ۲۷ ماه جمادی الاول سنه ۱۳۳۰ع چند فقره بلاحظهٔ خدمتگاران و رعایای اهل هنود مقیمهٔ دار السلطنهٔ کابل رسیده که از شرح اخبار مذکور مفصل برای شما خبر داده امید میکنیم که اصل اخبار مذکور و جواب های مایان اهل هنود رعایای دولت خداداد افغانستان که در آخر آن دستخط و اسم خود ها را مفصل امضا کرده بجهت شما ارسال داشته ایم درج اخبار مبارکهٔ خود نموده نشر فرمایند تا شخصی که این اخبار را کرده بغلط صریح و سخنان لایعنی خود که صرف دروغ محض است نجات بخشد تا دوباره چنین سخنان دروغ را اشایع نکند مهربانی کرده سراپا داخل اخبار مذکور فرمائید — شرح ترجمهٔ اخبار پایونیر یکنفر از اهل هنود (لاله سنت نهال سنگه) یک مضمون بسیط بعنوان این که در افغانستان چه دیدم تحریر کرده و در ضمن آن مینگارد — و درین امر حال اشتباه نیست که در دولت علیهٔ افغانستان سرکها و راهای پخته تعمیر نموده و سیمهای تیلفون در سلطانپور از جلال آباد الی دار السلطنهٔ کابل تکمیل یافته است و راه جلال آباد و کابل پخته و پاکیزه است که متردّدین بران آمد و رفت دارند و عرابه ها بکثرت می آیند و میروند و عوام الناس بایسکلها رواج داده اند — ساعتها نیز نزد هر اشخاص یافته میشود و در ارک بارگاه شاهی چراغهای برقی روشن کرده میشوند و درین شهر کابل یک منار ساعت تعمیر کرده شده و است مدارس بنا نموده شده و در جاده بدون روز جمعه هر روزه قواعد نظامی عمل می آید حکام و افسران اعلی حکام کلاه های بر وضع انگلیس می پوشند — اعلیحضرت میخواهند که در ملک شان یک نهر عظیم جاری و ساری باشد — فن عکاسی که از نقطهٔ خیال اهل اسلام کفر جانشده نیز اجرا یافته و خود اعلیحضرت همایونی در آن ماهر کامل هستند و بسیار اوقات مخصوص برای تفریح طبع نفیس شاهانه عکسهای اشکال مختلفه میگیرند — علاوه ازین ماشین خانهٔ کابل بسیار وسیع است که انجنهای دخانی در آنجا موجود و حاضر میباشند — چند نفر انگلیس نیز در افغانستان بر عهده های اعلی مأمور و مقرر اند. چنانچه یکی ازان مأموران اعلیحضرت امیر صاحب را گفته که تا اعلیحضرت امیر صاحب هر چیز زمانهٔ جدید را بدل و جان شیدا میباشند اما افسوس که اعلیحضرت امیر صاحب در قیام امنیت ملک و حفاظت حقوق جایز در ادای رعایای خود قدری غافل هستند در ملک افغانستان مسلمانان بالعموم در تعداد کثیر و مردم مذاهب دیگر در تعداد قلیل یافته میشوند و گورنمنت افغانستان گاهی برین پولیتکل عمل پیرا نمیشود که با افراد قلیل التعداد سلوک حسنه و همدردی روا دارد بر عکس آن اهل هنود درج آزادی را مالک نیستند که اهل اسلام ازان مشرف و مفتخر هستند بلکه اهل هنود بواسطهٔ اینکه مذاهب جداگانه دارند — مبلغ چهار روپیه کلدار سالیانه جزیه ادا میکنند چون کدام نفر از اهل هنود در حدود قلمرو افغانستان داخل و خارج میشوند او را بجز ادخال و خروج در بندرها که نسبت از اهل اسلام چهار روپیه محصول اضافه ادا میکنند — کسی از اهل هنود اجازه ندارد که بموجب احکام مذاهب خود مصروف عبادت شود و در دهرم سال و معبد های خود ناقوس نواخته بتوانند کسی بر خلاف هنود باور نمیکند و یک ادنی ترین مسلمان را چیزی گفته نتواند — تعداد دهرم سال و معبد های اهل هنود خیلی قلیل است اما اهل اسلام در هر تعدادیکه در هر جای مساجد و خانقاه ها بنا کرده میتوانند و کسی از آنها را ازین کار جبر باز نمیدارد دهرم سال و معبد ها در عهد خلد آشیانی حضرت ضیاء الملة والدین مرحوم در هر تعدادی که هر جا که تعمیر شده بودند موجود هستند و در تعداد آنها هیچ اضافه عمل نیامده و این امر محض مشکل نه بلکه ناممکن است که در تعداد موجودهٔ اینها اضافه کرده بتوانند لفظ اضافه بلاشک از ناممکنات است چرا که در حال این تجاوز

اند پیشیده شده اند که هیچ کسی این قسم موجوده نیز عمل آورده نمیشود مثلاً عرض میکنم در خود شهر کابل حسب الامر اعلیحضرت امیر صاحب خالصه دهرم سال بند کرده شده است اگرچه اهل هنود بحضور اعلیحضرت بابوئی برای باز کردن آن عرضه داشت تقدیم نموده اند اما عریضهٔ شان از بارگاه خسروی باجابت مقرون نشده — همچنین حسب الامر اعلیحضرت امیر صاحب دام اجلاله در موضع سلطانپور چشمه بابانانک که یک تیرتهٔ زیارت معتبر اهل هنود دیگر علاقه جات میباشد هم دهرم سال ضبط نموده شده است و بجای آن دهرم سال که حال منهدم کرده شده است خانه ها تعمیر کرده شده اند علی هذا القیاس سمت شمال جلال آباد در علاقه کامه یک دهرم سال زمانهٔ قدیم منهدم کرده شده است و نیز یک دهرم سال کهنه و فرسوده شهر کجی که از یک چلو افتاده بود مطلقاً ویران کرده شده است برای تعمیر آن اجازه داده نشده و بلکه حاکم علاقه مذکوره تهدید با اهل هنود را تنبیه کرده که آنها از چنین حرکات ناپسندیده باز آیند والا محتمل نقصان خواهند شد چنانچه دهرم سال هنود شهر که هنوز در حالت تخریب و خستگی است — اگر کدام مسلمان از راه عداوت ذاتی علانیه بگوید که فلان هندو با فلان زن مسلمان تعلق ناجایز دارد و همان وقت آن هندو را گرفتار کرده جبراً در اسلام داخل کرده میشود و اگر ملزم از ارتکاب این حرکات قبیحه انکار کند او را بخیلے بیرحمی قتل نموده میشود اگر یک مسلمان با کدام زن هنود تعلقات ناجایزه داشته باشد از وهیچ باز خواست نمیشود و بعضے اوقات باین حیله باز شنیده که فلان زن هندو در دام عشق فلان شخص مسلمان مبتلا شده میخواهد که مشرف به اسلام شده با شخص مذکور ازدواج کند خواه آن زن بیچاره این خیال هم نداشته باشد آن زن را جبراً گرفتار کرده به مسلمان سپرده میشود و من بچشم خود دیدم که از یک قریه متصل شهر که یک زن هندو که درسن بیست سالگی خود بیوه بود از شوهر خود ناراض شده همراه والده خود بسوی خانهٔ والدین میرفت که دفعتاً یک مرد مسلمان زن هندو را دیده آمد و گفت که این زن با من وعده کرده بود که از قید کفر آزاد شده داخل دین مبین اسلام خواهم شد بعد از گفتن این الفاظ خود مذکور زن هندو را گرفته در مسجد قریه متصله داخل کرد جبراً او را در نکاح خود آورد و زن بیچاره خیلے شور و شغب کرده و داد و فریاد بسیار کشید در ورطهٔ اضطراب به سر خود را بر سنگ زده خون آلود کرد شوهرش چون ازین واقع مطلع گردید اندوهناک شده در بارگاه اعلیحضرت امیر صاحب عریضه ارسال کرده دادخواه شد اما هیچ جواب بر نیامد زیرا که خود اعلیحضرت امیر صاحب در اشاعت اسلام کوشش مینمایند چنانچه اینکه برای برهمن نومسلم مبلغ هفت صد روپیه و برای چتری که نومسلم شش صد روپیه و برای ویس نومسلم مبلغ پنجصد روپیه و برای شودر نومسلم مبلغ چهار صد روپیه مقرر فرموده اند پولیتیکی اعلیحضرت امیر صاحب نسبت به پولیتیکی اعلیحضرت امیر صاحب مرحوم سراسر مخالف است در عهد حکومت اعلیحضرت امیر صاحب مرحوم اهل هنود بلا مزاحمت هر وقت و هر جای رفته میتوانستند اما در زمانهٔ موجوده آنها بدون حفاظت آمد و شد راه رفته نمیتوانند بلکه در معاش اند خیلے تقویت یافته اند و در روزی تیلگراف که یک نفر یا دو نفر هندو در کدام ده قتل شده بود با مال و اسباب آنها غارت برده شده و قطع

جواب — این فقرات اخبار مذکوره که بملاحظه ما اهل هنود مقیمه دارالسلطنه کابل خدمتگاران و رعایای اهل هنود دولت قوی شوکت دولت خداداد افغانستان رسید جواب تحریر میداریم که هر شخص این اعتراضات کرده باشد خالی از غرض آلوده گی و حسد بردن بر قدر و پایهٔ دولت خداداد و اهل هنود افغانستان که خیلے با امان بر خوشحالی و خوشنودی چه از کارگذاران و تجاران و ملک داران و کسب کاران که به دولت قوی شوکت پادشاه ظل الله اعلیحضرت امیر صاحب خود داریم و خود ما هم شریک و یک جهت با مردم مسلمانان افغانستان میباشیم و بیشتر از حسودی بسیار دیده نمیدارند که ببینند و این اسباب سازی را پیشه خود ساخته اند — خالی وارد والا هر فقره را جوابی مینویسیم از زمان سعد اقترانی که سرکار شهریار جهان مطاع اعلیحضرت امیر صاحب پادشاه شده اند تا حال متعلق و بحضور پیوست یک یک را به تحریر می آریم تا باد اندرون باره و چنین حرفهای غرض جویانه را در میان نیاورد — اهل هند به تحریر آورده که آبادی سرک او راه و ایل کار تعمیر شده و سیم ے تیلفون از جلال آباد الی کابل درفت و آمد آمده و بایسکل و موتر را که نوشته است — الحق که جناب اعلیحضرت امیر صاحب ما در آبادی سرکها و راهای کل مملکت محروسه دولت خداداد افغانستان چه از سمت مشرقی از ذکه الی کابل و چه از سمت مغربی از کابل الی قندهار و هرات و چه از سمت جنوبی از کابل الی خوست و سواد

و چکی و چه از سمت شمالی از کابل الی دریای امو و از سمت بلخ و بدخشان شب و روز مصروف ره آبادی سرکها و را ما توجه دارند انشاء الله تعالی روز بروز بترقی خواهد رسید — دوم درباب ماشین خانه و قواعد نظامی و منار ساعت وغیره که نوشته است که نوشته اعلیحضرت سرکار والای ما خیال دارند که تمامی رعایای افغانستان از مسلمان و هنود و از اسباب و ساخت ماشین خانه دولت خداداد و دیگر کسب و هنرها دیگر زند دوم اسلحه و یراق از ساخت کارخانه‌ای خود دولت خداداد افغانستان داشته باشند و هر زمانیکه خدمتی به دولت پیش شود و بطور بر سه همه کمر مردانگی بسته و بیکجهتی انجام کنند انشاء الله تعالی که مسلمان و هنود و ما افغانستان بقراریکه خیال بادشاه ما یکجان و دل یکجهت بوده بهر خدمتی که هر زمان حکم شود بجا خواهیم آورد — سوم اینکه نوشته است که چند نفر انگلیس بدولت خداداد افغانستان لازم است و عهده کارداری دارند چون بادشاه ظل الله اعلیحضرت امیر صاحب خیال کلان دارند و دولت خداداد افغانستان را از طریقه یکجهتی و اتفاق با دولت بهیه انگلیس دوست و متفق میدانند و میخواهند که هر چیز بدستی سررشته شود ازانرو از هر دولت و هر ملت خدمتگاران و ملازمان کار هر فن را که بیابند و براستی و صداقت کار کنند ملازم نگهداشته و میدارند که روز بروز و هر امور ترقی و ترتیبات کارهای دولت خداداد شود — چهارم اینکه نوشته است که اعلیحضرت در قیام امنیت ملک و حفاظت حقوق رعایا خود قدری غافل اند — جواب اینکه این حرف محض غلط صریح و بهتان قوی است که علم نیاورده چنین بهتان نموده است بادشاه ظل الله ما شب و روز در تجدد ادای و خوشحالی و نیکنامی رعایای دولت خداداد و از مسلمان و هنود و میباشند و تا حال حرفی دیده نشده که این سخن بهتان را ثابت سازد — پنجم اینکه نوشته است که مسلمانان بالعموم در تعداد کثیر و مردم مذاهب دیگر در تعداد قلیل و گورنمنت افغانستان گاهی برین پولتیکی عمل پیرا میشود که به افراد قلیل التعداد سلوک حسنه و بهبودی را روا دارد و برعکس آن اهل هنود دریغ آزادی را مالک نیستند بواسطه اینکه مذهب جداگانه دارند — جواب اینکه این حرف را فهمیده ام که ازچه رهگذر درج اخبار آورده اند و درین چه مدعای غرض ازان است والا ما مردم اهل هنود افغانستان که از چند پشت از پدر پدر مقیم و سکونت در ولایات افغانستان داریم در هیچ زمانی بدون عدل و انصاف و غمخواری حال از طرف بادشاهان چیزی جبر و تعدی بر ما بوقوع نیامده خصوصاً از طرف اعلیحضرت امیر صاحب سراج الملة والدین که همواره متوجه احوال ما مردم اهل هنود بوده در هیچ باب مرحمت بادشاهی را از باره ما یان دریغ نفرموده اند چنانچه بقرار درجه خود ها در بار معلی بعضی بمنصب چوکی نشین مقرریم و در جشن ها و میله ها و عیدین بدربار معلی حاضر بوده چوکی های منصب خود و از کارداریه بدرجه خود و تجار و کلانتر و چوکی ها در محفل حضور نشسته شیرینی و میوه و نوال از شفقت بادشاهی برای ما یان میرسد و علاوه برآن بروزهای جشن نان و طعام برای همگی ما یان بقرار سررشته حضور اعلیحضرت همایونی طباخهای هنود خود ما طبخ مینمایند که نفری تجاران و کلان شوندگان و معتبرین چهار طایفه از برهمن و چهتری و ویس و شودر در ارک مبارک که متصل سلام خانه حضور حاضر گردیده تناول میکنند این هم گاهی نشده که عرض مایان از هر یک بسمع مبارک بادشاه ما رسیده باشد و اعلیحضرت امیر صاحب ما عدل و مرحمت درباره مایان بقرار قانون و قاعده مقرره غور رسی و عدالت و حقداری فرموده باشند بخیال مایان این فقره را هر شخصی نوشته از دروغ جوئی است فقط — ششم اینکه نوشته است که مبلغ چهار روپیه کلدار سالیانه اهل هنود جزیه ادا میکنند چون کدام نفری از اهل هنود در حدود قلمرو افغانستان داخل و خارج میشود در بندرگاه از داخل و خروج چهار روپیه فی نفر محصول اضافه ادا میکنند — جواب اینکه این فقره جزیه که فی نفر اعلی مبلغ شانزده روپیه کابلی و فی نفر اوسط هشت روپیه کابلی و فی نفر ادنی چهار روپیه بقرار درجه توانائی ما مردم اهل هنود از قدیم الایام میباشد این جدید نیست و از خارج علاقه مذکوره که داخل میشود نیز بقرار درجه اوسط و ادنی است زیرا که کلانها دیگر [illegible] مردم اهل هنود این فقره را بنا بر خیرخواهی و بهبود اهل هنود افغانستان و شخصیکه داخل قلمرو شود قبول کرده اند بنابر اینکه بعد از ادای جزیه خون ما همراه خون مسلمان برابر میشود چنانچه در هر وقت کدام هنود و یا مردم [illegible] خواه بعمد شخصی از اهل اسلام بقتل رسانیده و یا برسانند

هرگاه مدعی او معلوم دار باشد به ثبوت برسد برابر برده سر حکم قتل از حضور پادشاه برا او میشود و هرگاه مدعی پیدا نشود برابر خون مسلمان باز خواست شده دیت خون او گرفته بوارث او میدهند چنانچه درهمین زمان اعلیحضرت امیر صاحب این نوع شده که شخصی دیوان چند ل هندو نویسنده میزه کوهستان از قوم چهتری بوده محمد زمان نام طرچی کوهدامنی با چند نفر قطاع الطریقان همراهای خود در عرض راه کوهدامن چند ل هندو را بقتل رسانیده بودند سرکار والا اعلیحضرت امیر صاحب بالتحقیقات زیادی نموده خود محمد زمان را بدار غرغره حکم قتل فرموده و چهار نفر همراهان او را چشم کور کردن حکم داده اند و دو نفر دیگر را بقرار سیاست پادشاهی حکم قرار کردند — حال جای غور و تمیز است که عدل ازین اضافه چه باشد و باز خواست و غور رسی ازین زیاده چیست یک چهار روپیه کلدار که هشت روپیه کابلی شود جزیه دادن که باز خواست مایان ازین قرار شود چرا ندهیم و بهر حال شکرانه ایزد تعالی را از غور رسی پادشاه خود همواره بجا آوریم و بقرار شرع شریف و امر کتاب الهی معمول میداریم فقط — هفتم اینکه نوشته است که کسی از اهل هنود اجازه ندارد که بموجب احکام مذهب خود مصروف عبادت شود و در هر سال و معبد ناقوس نواخته نتوانند کسی بر خلاف هند باور نمیکند — جواب اینکه این حرف هم محض غرض آلود است زیرا که درهمین مدت مدید که قریب پنجصد سال بلکه اضافه میشود کلانهای مایان از پادشاهان قدیم در افغانستان آورده اند هرگاه کسی برای عبادت خداوندی که حاصل زندگانی است آنها را نگذاشت تا این زمان در افغانستان احد از اهل هنود دعوی بود از مزاحمت پادشاهی و مایان بقرار قواعد دین داری و دهرم خود هیچ وقت از عبادت حضرت رب المعبود فارغ نبودیم و نیستیم وگاهی از طرف پادشاهی ممانعت این حرف برای مایان نشده بلکه امداد فرموده اند چنانچه مامردم برای زیارت کردن تهاکر پنجشیر بهزار زحمت در محال پنجشیر میرفتیم حضرت ضیاء الملة والدین مرحوم مغفور خلد آشیان جان تهاکر پنجشیر را در عراده ها امر فرمودند که آورده در آسمائی که زیارت کل چهار طایفه جات اهل هنود افغانستان و هندوستان است و اهل هنود افغانستان و هندوستان به آسمائی چونکه تهاکر پنجشیر اعتقاد دارند تهاکر پنجشیر را در آسمائی گذاشتند باز درین زمان اعلیحضرت امیر صاحب جلال چون سرک و راه ها بقرار رجه احکام بهر جوانب از حضور در آبادی و تعمیران شده بود سرک طرف سمت شرقی قندهار استاد کاران تعمیرات که رجه انداختند برابر در آستان آسمائی آمده و برج آسمائی را کار داران تعمیر برای سرک می انداختند اعلیحضرت پادشاه ظل الله فرمان مبارک بدستخط مبارک خود تحریر نموده عنایت کردند بنابر دل جوئی و خورسندی رعایای اهل هنود معماران تعمیر سرک را ممانعت فرمودند که الحال همان فرمان دستخط مبارک سرکار شهریار والای ما در آستان آسمائی در چوکات و آئینه گرفته بطریق یادگاری ما بمعبد نصب است چون حضرت سرکار والا امیر صاحب را این طریق نوازش و رعایا پروری در حق این کمینگان دارند حرف های نوشته اخبار نویس اگر غرض آلود نیست چیست و در باب نواختن ناقوس گاهی رواج در اینجا نیست و نبوده وگاهی مایان را کسی منع نکرده بلکه خود مایان نواختن آنرا در دین و لا بد لابد زیادی [illegible] می شماریم نه ناقوس داریم و نمی نوازیم فقط — هشتم اینکه نوشته است یک ادنی ترین مسلمان اعلی ترین هندو را دشنام و فحش داده میتوانند و بر خلاف این اعلی ترین هندو ادنی ترین مسلمان را چیزی گفته نمیتوانند — جواب اینکه این نوشته هم چند ان صحت ندارد اول اینکه شخصی که لابحال عقل و فکر دارد بدون سبب کسی را دشنام و فحش نگفته و نمیگوید چون در هیچ ولایت و هیچ محال خالی از اشخاص لوچه و اوباش نیست اگر احیاناً کدام لوچه و بد معاش بکسی دشنام بدهد همان وقت دشنام رد و بدل شده هرگاه شخصی زبر دستی کند علامت خود بسزای خود میرسد زیرا که پادشاه ظل الله ما در هر کوچه و بازار پهره دار ها و تهانه داران کوتوالی و کلانتران برای همین مقرر فرموده اند که هرگاه کدام شخص لوچه یا زور آور یا بد معاش بکسی چیزی بگوید و جنگ شود یا دکانی و خانه دزدی میشود فی الحال او را بکوتوالی حاضر نمایند که بقدر گناه خود بسزا برسد و اینکه نوشته که اعلی ترین هندو به ادنی ترین مسلمان چیزی گفته نمی تواند این حرف هم محض غلط است اول اینکه غیر حق و بی سبب چرا شخصی از مسلمان و هندو باشد

چیزی دشنام بگویند و دیدیم در هر جا شخص صاحب آب و لوچه بکردار و افعال خود اند خصوصاً بعضی اشخاص صاحبا مردم اهل هنود که بقرار های پادشاهی و بخدمت بلاتشخیص دارند بخوبی و درستی شخصی که گناه کار و ملامت باشد بقرار قانون و قاعده و دستور العمل — پادشاهی شخص گناه کار را بقدر لازمه سزا میدهند اگر سزا ندهند مال و محصول سرکار چگونه جمع میکنند — نهم اینکه نوشته است . تعداد دهرم سال و معبدهای اهل هنود خیلی قلیل است اما اهل اسلام در هر تعداد و در هر جای مساجد و خانقاه بنا کرده میتوانند کسی انها را ازین کار جبراً باز نمیدارد دهرم سال و معبدها در عهد اعلیحضرت خلد آشیان ضیاء الملة والدین مرحوم در هر تعداد و هر جا که تعمیر شده بودند موجود هستند و در تعداد آن هیچ اضافه نیامده و این امر محض مشکل بلکه ناممکن است که در تعداد موجوده آن اضافه کرده بتوانیم لفظ اضافه بلاشک از ناممکنات است چراکه درحال این تجاویز اندیشیده شده که بیخ کنی این تعداد موجوده نیز بعمل آورده شود و تفصیلاً عرض میکنیم که در خود شهر کابل حسب الامر اعلیحضرت امیر صاحب خالصه دهرم سال بند کرده شده است و اگرچه اهل هنود بحضور اعلیحضرت همایونی برای باز کردن آن عرضه داشت تقدیم نموده اند اما عریضه های شان از بارگاه خسروی باجابت مقرون نشده و همچنین حسب الامر اعلیحضرت امیر صاحب دام اجلاله در موضع سلطانپور چشمه بابا نانک که یک تیرتهٔ زیارت معتبر اهل هنود بود دهرم سال ضبط شده است و بجای دهرم سال که حال منهدم شده خانها تعمیر کرده شده و علی هذا القیاس سمت شمال جلال آباد در علاقهٔ کامه یک دهرم سال زمانه قدیم منهدم کرده شده و نیز یک دهرم سال تخت فرسوده شهر که که از یک پهلو افتاده بود مطلقاً ویران کرده شده است و برای تعمیر آن اجازه داده نشده بلکه حاکم علاقهٔ مذکور تهدیداً اهل هنود را تنبیه کرد که آنها ازین چنین حرکات ناپسندیده باز آیند و الا متحمل نقصان خواهند شد

چنانچه دهرم سال هنوز در حالت تخریب جسته ای است — جواب اینکه نوشته جات مذکوره از خود غلط و بیهوده سرایی بنظر می آید . در خصوص معبد خانه ها مردم اهل هنود که نوشته است که اضافه کرده نمیتوانند ما مردم چرا معبد خانه های خود را اضافه کنیم این معبد خانه و دهرم سالهای موجوده خود را کامل پرداخت کرده نمیتوانیم زیرا که ما مردم اهل هنود دار السلطنه کابل و توابع آن جزوی رعایا باشیم هرگاه مقرری بود و باش ما یک یا نفوس می بود و یک خانه داری میداشتیم اگرچه ما مردم اهل هنود افغانستان مطیع الاسلام و فرمان بردار پادشاه خود رعایا باشیم و هستیم سررشته معبد خانه های موجوده خود را بخوبی و درستی کامل نمینمودیم و در باب تعداد اضافه هرگاه کمبود میداشتیم بحضور پادشاه عرض میکردیم . نه ما عرض کردیم و نه درین باب از حضور سررشته حاصل کردیم که جدید بکار نداریم — در باب خالصه دهرم سال که بند شده بود این است که از جور و جبر پادشاهی بند نشده بود محض از بی عاقلی و نادانی چند نفر سکه های ما مردم اهل هنود که بحضور جناب معین السلطنه صاحب شهزاده والاجاه عرض بیقانونی کرده بودند و شخصی بحضور شهزاده والاجاه اخبار کرده بود که جای مسجد اهل مسلمانان را مردم اهل هنود در دهرم سال خود داخل کردند شهزاده ممدوح از طریقه عدالت پروری برای تحقیق این فقره بملاحظه آن تشریف شریف برده بودند و درین بین تحقیق نمودند و علم آوری چهار نفر سکها غیر حق شور و فغان و عرض بیجا کردند شهزاده صاحب امر کردند که فی الحال تحقیق بخوبی شود و دروازه قفل شود بعد از آن چون کیفیت تحقیق بحضور مبارک سرکار شهریار والا اعلیحضرت سراج الملة والدین رسید احکام فرمودند که بدستور اصل دهرم سال و احاطه متعلق خود دهرم سال که از قدیم بود دخلی نیست و واگذار شده قفل دروازه دهرم سال را باز کرده برای اهل هنود بدهند چنانچه دهرم سال خالصه باز است —— فقط

و در باب چشمه سلطانپور این حرف هم موجب دفع نزاع سررشته بقرار صلاح و تجویز خیراندیشی شده اینکه چشمه های سلطانپور را مردم مسلمانان قریه سلطانپور سفلی و علیا وغیره بحضور اعلیحضرت همایونی عرض کردند که این چشمه ها جای ماست و آب این بکشت و زراعت مایان تعلق دارد و مردم اهل هنود بغیر حق میگویند که از ماست و این دعوای مایان از زمان اعلیحضرت امیر کبیر مرحوم و وزیر مرحوم وزیر محمد اکبرخان و امیر شیرعلیخان مرحوم تا این زمان پاک نشده اعلیحضرت سرکار والا مایان را بحضور طلب فرمودند که شما مردم درین سند یا ثبوتی و دست آویز و قباله دارید مایان عرض کردیم که دست آویز و قباله نیست نه بهمه و سمع بسمع از کلان خود ما در گفتن آمده که بعضی بابانانک صاحب فقیر کابل گذشته و در فقر درین بلاد آمده و گذرش در قریه سلطانپور شده بود که تخمیناً چهارصد و چهل سال میشود و مشهور این چشمه های سلطانپور از قدیم در ما مردم اهل هنود به چشمه بابانانک صاحب و بهگت کبیر جیا شده و بروزهای [illegible] اهل هنود اطراف و شهر جلال آباد و کابل غسل نموده میله و زیارت خود میدهایم. اما مردم مسلمانان هم دعوا دارند بلکه در بعضی پادشاهی های گذشته دعوا کرده و فیصله داشته تا حال انفصال این نشده و در حقیقت اگرچه در جهانداری و زمانه دنیوی گفت و شنید دعوا در مابین مایان بوده و برای سلوک و معرفت و کردار و افعال فقرا و عارفان که جهان و کار جهان را نیست هست نادانسته برای فقرا اشتغال داشته ثبوت ظاهر ظاهر نیست که این چشمه ها بچه قرار بظهور رسیده آنچه هست از قدرت کامله ایزد تعالی است فقط چون منظور پادشاه ظل الله ما از اتفاق هنود و مسلمان در آرامی و آسوده حالی رعایا و فقرای دولت افغانستان بوده و میباشد و درهمان سال سنه (۱۳۲۵) هجری مایان هنود اهل هنود عرضه داشت بحضور معلی نمودیم که هنود و مسلمان بلاد هندوستان بذریعه پادشاها درسنه حال مسموع شدیم که یکدل و یکجهت شده اند و رعایای دولت خداداد ممالک محروسه افغانستان هم میخواهند که یکدل و یکجهت بوده به لباس صادق و با اتفاق خود موافق بوده به روزکار جهانداری و دنیوی مشغول و مسرور باشند ما مردم اهل هنود بنا بر دفع نفاق و نزاع چشمه های سلطانپور و احاطه آنرا برای پادشاه واگذار شدیم که جای آبادی کنند و جای پادشاهی تیار کنند چنانچه خانه و جای پادشاه ظل الله بشغل زیارت از هنود و مسلمان بهدل است همان بود که این فقره بنا بر خیراندیشی سرکار والا و درین چهل سال نزاع و دعوی که از سبب چشمه در مابین بوده برطرف شده و همه کس با [illegible] جای پادشاه خود مسرور هستیم فقط در باب دهرم سال قریه کامه که خراب و منهدم شده و چون هنود ما قریه کامه بی بضاعت بودند و استطاعت نداشتند که آباد کنند و شکست و ریخت او در اساس سال گرفته بگیرند و بحضور پادشاه ما عرض حال و کیفیت احوال خود را هم نکردند از همین سبب منهدم شده و هرگاه عارض میشدند فرمان شکست و ریخت و کاهگلکاری و آبادی او داده میشد چنانچه در دار السلطنه کابل بسیار دهرم سال و مهمان خانه های ماست که سال بسال کاهگلکاری و شکست و ریخت و باخبری آبادی او دولت علیه و در باب دهرم سال قریه کامه که سالهای گذشته چودری او بوده وغیره مردم معتبرین دکاندار و بزاز وغیره بودند چودری زمان فوت شده و از اولاده او شخصی لایق نمانده که پرداخت قوم دهرم سال را نماید بعضی خانه دار شان بکابل و بعضی در جلال آباد و اند البته یک پهلوی او خرابه واقع باشد آنچه هست هنود مای که در قریه مذکور است عبادت خود ما را بقرار طریقه که دارند میکنند و غذی برای آنها ممانعت ندارد چنانچه پارسال سنه ۱۳۲۹ چند نفر از قریه مذکور در جلال آباد و بحضور سرکار والا در آبادی او داده [illegible] پهلوی [illegible] شکست [illegible]

اطلاع بحضور عرض کردند اسی فوجداران حاکم فرمان داده شده که آباد کنند پس غور شود که نوشته جات اشتهار عام بنا بر غرض آلوده گی بیست چیست علیحضرت امیر صاحب ما گاهی بر احدی روا دار نیستند که از طرف حاکم وغیره جبر و ستم در حق رعایای شان شود و همواره خیال شان این است که همگی رعایا باتفاق بوده بدولت و شوکت آسوده حال و بفراغ دکسب خود ها اشتغال داشته باشند چنانچه برای مسلمانان و هنود که تجارت پیشه باشند و کم مایه شوند وجه نقد بصیغهٔ تقاوی از خزانه جات عامره خود برای تجارت بهزارها روپیه میدهند چه از برای اهل هنود دار السلطنهٔ کابل و جلال آباد و قندهار وغیره بنا بر کار روائی که از دولت نفع برای شان بطریق معاونت برسد جای هزاران شکر گذاری بدرگاه ایزد جل شانه بپادشاه مهربان خود داریم فقط

سوم این نوشته است که اگر کدام مسلمان از راه عداوت ذاتی علانیه بگوید که فلان هندو با فلان زن مسلمان تعلق ناجائز دارد همان وقت آن هندو را گرفتار کرده جبراً او را در اسلام داخل کرده میشود و اگر ملزم شود از ارتکاب این حرکات نیز انکار کند یقینی بیرحمی قتل نموده میشود و اگر یک مسلمان با کدام زن هندو تعلقات ناجائز داشته باشد از و هیچ باز خواست کرده نمیشود و بعضی اوقات به این حیله ما تراشیده که فلان زن هندو در دام عشق فلان مسلمان مبتلا شده میخواهد که مشرف به اسلام شده با شخص مذکور ازدواج کند خواه آن زن خیال هم نداشته باشد جبراً گرفتار کرده بهر دو مسلمان سپرده میشود و یک زن قریهٔ شهر کهنه تقریر و تخیل فوق گذرانیده و دست سه جواب اینکه این فقرهٔ مذکوره هم چندان صحت ندارد زیرا که اعلیحضرت سرکار امیر صاحب ما بسیار عدالت پروری در جناب دارند

و این راه در مد نظر دارند که فتق و نزاع و بی اتفاقی و حسودی و دست درازی غیر حق از خلایق افغانستان دور شود اما چون نیز نوع انسان در هر دیار و هر محال یک قرار نیستند چنانچه در یک دست پنج انگشت برابر نه اند و برابر نه خیال و نیت پادشاه ما بسیار خوب و رعایا پرور و در طریقهٔ عدالت جبر و ستم را گاهی روا داری نداده اند و همواره در نصایح که پدر به فرزندان بخشند دارند چنانچه درین زمان اعلیحضرت سرکار والای ما یک ضعیفه بیوه گوبند دی نام از محال کنر شیوه را شخصی مسلمان دزدیده و دعوا کرد که مسلمان شده و مرا بشوهری خود قبول کرده پدر ضعیفهٔ مذکور جیون سنگ و برادر شوهر او رام سنگ از محال کنر بعرض حضور سرکار والا حاضر شدند و همان مسلمان که دعوا کرده بود و در نزد قاضی محال شاه هم گذرانیده بود قاضی صورت حال هم به او داده بود از قرار عرض هنود دعوای مذکور که میگفتند بالای ما تهمت کرده فرمان مبارک از حضور به محال کنر اسمی حاکم و قاضی فرستاده زن بیوه هندوی مذکور را با پسر او و مرد مسلمان دعوا کننده را با شاهدان او طلب حضور کرده و تحقیقات زیادی در عدالت خانهٔ پادشاهی نموده چنان غور رسی فرموده ضعیفهٔ عاجزه هندو را بقرار عدالت پادشاهی رها کردند و شخص مسلمان که دعوای غیر حق کرده بود او را بجریمه حکم کردند و شاه ما او را ده ساله بندی حکم فرمودند و ضعیفهٔ هندو را برای دیوان نرنجن داس کرنیل ملکی که کلان اهل هنود بدولت خداداد است تسلیم نمودند و مال و ملک و اسباب و دیراق او را گرفته به او تسلیم کردند و حکم فرمودند که بجان قریهٔ شیوه محال کنر

[illegible] خود آسوده و آرام بوده و سکونت گزین باشند که احدی تا امروز به ایشان تعلقی نداده و در ملک [illegible] شیوه و گذر که سرحد دولت افغانستان گفته میشود از بازخواست اعلیحضرت امیر صاحب با به آرامی با [illegible] و تعلقات و پسر خود بوده و باشش دارند و احدی طاقت نیست که بار او زیادتی کند چنانچه سال گذشته که اعلیحضرت سرکار شهریار والا رونق افزای جلال آباد شد و برای شکار در محال کنر تشریف برده بودند شام سنگ نام پسر ضعیف مذکور بحضور [illegible] دعاگوئی حاضر شده بود چند دانه طلا و روپیه برای او بصیغه بخشش داده و عزت پروری نموده رخصت کردند پس فکر و غور باید نمود که اعلیحضرت امیر صاحب با چقدر رحمدلی و مهر دلعزیزی در حق [illegible] اهل هنود و رعایای خود دارند مقرر که بحضور معلوم [illegible] بسیار تحقیقات [illegible] میشود نوشته [illegible] اخبار عام که از گفت یک شخصی بطریق تهمت و غرض باشد درج اخبار شود جای افسوس است — یازدهم نوشته است که اعلیحضرت امیر صاحب برای برهمن نومسلم مبلغ هفت صد روپیه و برای جتری نومسلم مبلغ شش صد روپیه و برای ویس نومسلم مبلغ پنجصد روپیه و برای شودر نومسلم مبلغ چهار صد روپیه مقرر فرموده اند — جواب اینکه این فقره هم چندان حرفی نیست و خالی از غرض نبوده بود بنابر اینکه هندوی که بدون از جبر و ستم و زور و زیادتی و بدون فتق و فجور برضای خود از جامه هندوگی برشده و نومسلم اختیار کند چون ما مردم اهل هنود و هندو که مسلمان شود او را در آئین خود میدانیم که از دهرم ما رفت کلیم علم او را میاندازیم که یعنی از جامه و قالب هندوگری برآمد و همراه او نشست و برخواست و هم خانه و هم اطاق داری نکرده برای او چیزی نمیدهیم و از میراث ما هم محروم میشود پس چاره او [illegible] و گدائی کردن است اعلیحضرت سرکار امیر صاحب از ملک افغانستان منع فرموده اند که باید گدائی در شهرها نباشد و گدائی نکنند هر شخص محتاج است کسب و مزدوری کرده طعام خوراک و پوشاک خود را پیدا کنند هرگاه شخص معیوب و ناکار که از دست او کسب و کاری و مزدوری نمیشود به او رجوع نموده در سال یک دفعه از وجه خزانه برای خدا خود بهزار روپیه بصیغه برای خدا بذریعه کلانتران و کارداران کوتوالی [illegible] فقری را خواسته از مسلمان و هندو که [illegible] و مفلس و از پا افتاده باشد بحضور طلب نموده از حضور بقدر حال هر کدام را وجه نقد برای خدا مرحمت میکنند و در زمستانهای [illegible] برای بعضی پوستینچه و پوستین عنایت میفرمایند حال تمیز کنند که هرگاه [illegible] و نومسلم که برضای خود مسلمان شود از دست [illegible] او همان یک دفعه نومسلم شد و [illegible] درجه برای [illegible] بجا [illegible] کسب و غرض همان وجه [illegible] نان و پوشاک که خود را پیدا کند که از گرسنگی هلاک نشود و گدائی نکند پس این حرف چه جای اعتراض است این فقره جای حمد و رعیت پروری نیست چیست و درین حرف شخصی که اعتراض نموده جز از غرض و بیهوده سرائی دیگر گفته شود فقط — دوازدهم اینکه نوشته است که پولتیکی اعلیحضرت امیر صاحب نسبت از پولتیکی اعلیحضرت امیر صاحب مرحوم سراسر مخالف است و در عهد حکومت اعلیحضرت امیر صاحب اهل هنود [illegible] هر وقت و هر جای رفته میتوانستند اما درین زمانه حال موجود آنجا بدون محافظت تا دو میل دراه رفته نمیتوانند لیک نیکه به معاش اند خیلی تقویت یافته اند و روزی نمیکند و یک نفر [illegible] هندو در کدام ده قتل نشوند یا مال و اسباب شان بغارت برده نشود ——

جواب اینکه این فقره را در خیال باطل خود اختراع بجا و دروغ محض افترا کرده چون پولتیکی اعلیحضرت امیر صاحب مرحوم جنت مکان خلد آشیان هم خوب بوده و پولتیکی اعلیحضرت امیر صاحب سرکار شهریار سراج الملة والدین هم بسیار خوب و مرغوب است و اهل هنود در سابق بسواری اسپ ها و یابو کرایه یا پیاده و نفری کرایه کش در هر محال و هر ولایت رفت و آمد میکردند حال درین زمان که سرک ها بسیار پخته و پاکیزه بهر طرف شده هر هندو تجار و کسبه کار و ملک دار و غیره بالای گادی دو اسپه و یک اسپه یا یک نفر یکه وان هندوستانی که بعضی بکرایه و بعضی ملکی خویش از کابل الی محال جلال آباد و دکه که سرحد است و محال لغمان و محال چهاریکار و محال لهوگرد برای ملک داری و تجارتی همه مال و اسباب خود میبرند و یک نفر دو نفر هندو و یکنفر ارابه کش خواه یک نفر دو نفر ملازم خود بقرار سابق تا قندهار و ترکستان تا غزنین و گردیز برای فروشش مال و خرید مال میبرند و می آیند و در هر منزل جای رباطها آباد و بحفاظت تمام شب گذرانیده در آسوده حالی رفت و آمد دارند و اینکه نوشته روزی نیکنز که یک دو نفر هندو در کدام ده قتل نشوند یا مال و اسباب شان بغارت برده نشود این حرف محض غلط و بیهوده گوئی است هر هندو به آسایش تمام در تجارت و ملکداری و کسبه کاری خود در هر شهر و دهات و محالات و ولایات دولت خداداد افغانستان مشغول و مسرور بوده دعای دولت پادشاه خود را داریم هرگاه یک نفر هندوی ما قتل شود پادشاه ما خون او را برابر از قاتل میگیرد که در فقره ششم سابق درباب خون دیوان چند مل مفصل بتحریر آمده — افسوس است که اخبار نویس عام چنین حرف های خود سرائی و بیهوده را چگونه بگفته یک شخص اهل غرض و خلاف گو ناتحقیق کرده درج اخبار خود میکند جای افسوس است
فقط

امضا

دیوان نرنجن داس
کرنیل سنگه

دیوان نند لعل
سررشته دار
دفتر سنجش

بابا جیت سنگ اولاده
بابا نانک

بلهنداس
کلانتر اهل هنود

فاجعه‌های پاریس

(بعد از نمبر ۲۱)

از میان حضار یک شاپو پوشت قطور درازی پریده دور شد . و جسر پولیس باچند نفر خفیه های پولیس (صاحب خانه بابا و دینو) و بقدر ده دوازده نفر عسکر جاندرم بدرون اوتاق درآمدند و دست خفیه های پولیس فانوس موجود بود . و جسر فانوس را از دست خفیه گرفته و در جیش چند جوانان که برپشت بود زمین افتاده و کاسه خانه سرش پارچه پارچه شده و چشمانش از کاسه خانه های چشمش برآمده و مغز و خونش جاری بود تقرب نموده بگفته او بابا و دینو گفت :

— ببینید اوی ! این آدم خوش بالذات (قونت دوران وال) است !

دینو — بلی ، همین شخص است که این اوتاق را بکرایه گرفته است ، ولی در دو فقره نام او تنها (موسیو خونتران) قید و ثبت کرده بود و چون دو دستش بعضی اوراقی که او را چنین نام یا بگرد موجود بود معلوم میشد با او موافق نظام و قانون

بهائی صوبه سنگه
تجار

مغرکیشو داس
برهمن

مصر بنده
برهمن

بهائی دنی چند چودری
قوم ملطان

فقیر چند تجار
پسر لاله بنده مل
تجار

دیوان شنکر داس مل
ولد منی جوا لا داس
قوم ملطان

کیته مل دکشن
تجار قوم ملطان

بهلت دیوان نند لعل
قوم ملتان

دیوان
بیرمل

چودری رام چند
قوم چتری

رام چند کوجر
قوم دکنی قوم
ویش

دیوان چوچه
وارجن
قوم برهمن

پهلوان داس
ولد دیوان ایشر
داس

دیوان بال مکند مصر
برهمن

شنکر مل تجار
قوم کهکران
کهتری

لیب سنگه
تجار

شنکر داس کولی
چودری

بهلت ایشر داس
چودرے پسر
ارجن مل عطار قوم
دکنی

ایشر داس قوم
شکارپوری

پهلوان سنگه
قوم شودر

چاچر کشن
چودری

دیالوے
دلال

بهلت ایشر داس
لگر

هری چپت چودری
قوم برهمن

دیوان رام چند
سین چتری

اجرا شده است .

یکی از خفیه ها —— بلی بلی . تو میسر افندی بچه جسد حسنه قونت (دوردال) است . ما از بسیار زمان هاست که عقب گیری او را داشتیم امروز این چنین گرفتار آمدن او از احوال بسیار عجیبی است! این چنین نوجوان بچه زود می مرد .

ازین فاجعهٔ الم انگیزی که در ظرف یکدو دقیقه بوقوع آمد فوتیلد را یک حیرت و بهدگی عظیمه دست داده ، هیچ چیزی نمیدید ، و هیچ چیزی نمی شنید در حال فوتیلد یک سکتهٔ عارض شده بود .

اما سخن آخری خفیه باعث بخود آمدنش شده ، مانند بیماری که بعلت سیر فی المنام گرفتار آمده باشند مدهوشانه گفت :

—— از مرده سخن میرانید ؟ ! آنکه مرده ؟

بعد از آنکه این سخن را گفت هر دو دست خود را بر جبین خود گذرانیده موهای پریشانی زرتار خودش را که مانند یک چادر گلاچ زرین کار بر شانه هایش بیک وضع پریشانی پرده پوشی داشت باپنجه های خود بنچه کندن گرفت .

[باقی دارد]

ناموران زنان جهان

مابعد از نمبر ۲۱

وچنانچه والدهٔ موسی نبی علیه السلام طفل خود را درصندوق انداخته به نهر نیل انداخته به نهر نیل القا نمود، والده موسی سامری نیز طفل نوزاد خود را برده بیک مغاره در کوهستان گذاشت حضرت جبرئیل علیه السلام بنابر اراده ربانی او را دران مغاره پرورش و تربیه فرموده است. به این مضمون یکی از شعرای عرب چنین یک رباعی انشا کرده است که نقل و ترجمه آنرا از فایده خالی نیافتیم:

رباعی

اذا المرء لم یخلق سعیدا (۱) من الازل   فموسی الذی ربّاه (۳) جبریل کافر
فخاب مربّیه وخاب المؤمّل (۲)   وموسی الذی ربّاه (۴) فرعون مرسل

مضمون آن این است که هرگاه شخصی از ازل سعید نباشد، سعی و کوشش مربی او هیچ ثمره نمی بخشد. آن موسی که جبرئیل او را تربیت و پرورش کرد کافر برآمد. و آن موسی که فرعون او را پرورش داد نبی مرسل گردید.

اگرچه این حکایه از صدد بحث ما خارج است ولی چون بحث سامری بمیان آمد تذکار آنرا بروجه ذیل از فایده خالی نیافتیم:

(در زمان خلافت حضرت علی کرم الله وجهه یک روزی که حضرت شان خطبه میخواندند یکی از یهودیان عرب گفت: (ای مسلمانان! [illegible] که هنوز از وفات پیغمبر تان (۱۵) سال نگذشته که شما یک بدیگر در افتادید و خونهای همدیگر تان را ریختید؟) حضرت علی کرم الله وجهه حالا جواب شان فرمود:

[باقی دارد]

علم ثروت ملک

مابعد از نمبر ۲۱

بلکه موجب ضرر هم میشود. مثلاً میگویند فلان وزیر، یا فلان توانگر برای آنکه خیر و منفعتش بکارگیران برسد یک عمارت خود را چندبار غلطانیده و باز سر از نو آباد کرد. حال آنکه اینچنین فکر سراسر خطاست. ببینید که چسان خطاست:

اگرچه صاحب آن عمارت بخراب کردن و سر از نو آباد کردن عمارت خود عمله و مزدور کار را پرورانیده. ولی اگر عمارت را خراب نمیکرد و همان مبلغی را که برای خراب کردن و سر از نو آباد ساختن آن صرف مینمود بر دیگر احتیاجات خود صرف میکرد باز هم بسی عمله و کارگیران از او فایده مند میشدند، و کالائی که بعضی از عمله و مزدورکار تهیه کرده بودند، و دیگر بعضی از تجاران کالائی را میگرفتند.

بهرگونه سعی و عملی که در راه تلف شدن و اسراف شدن مصروف شود موجب ضیاع ثروت میگردد. مثلاً یک دهقانی کار اراضی کشت زارش را بدو کاو و دو آدم آباد کرده میتواند هرگاه چهار کاو و چهار آدم بکار اندازد خوارج و مصارف دو کاو و دو آدم زایدرا تلف کرده میباشد. کذلک اگر یک صنعتکاری مواد اصلیه و اشیای خامی را که در صنعت خود آنرا استعمال میکند بدرجه کفایت متانت و خوبی نباشد.

[باقی دارد]

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف سرمحرر تحریر یافته
مدیر و سرمحرر سراج الاخبار افغانیه

بسعی و اهتمام الحاج عبدالخالق پسر طرزی مهتمم چاپه خانه دارالسلطنه کابل
بقلم میرزا محمد جعفر قندهاری

نگران
ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی
علی احمد

قیمت سالیانه
در دار السلطنه کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف مملکت با خرجات ڈاک ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت با خرجات ڈاک نیم پوند انگریزی
قیمت یک نسخه آن در کابل یکعباسی است

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

اداره خانه و مطبعه
در ماشین خانه دار السلطنه کابل

همه امورات تحریریه اداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

بهر پانزده روز یکبار نشر میشود

تاریخ عربی ۱۵ رمضان ۱۳۳۰
تاریخ انگریزی ۲۸ اگست
تاریخ شمسی ۵ سنبله ۱۲۹۱

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بعضی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

استقبال هلال غره رمضان فیض نشان و رسم قدوم قرآن عظیم الشان — حوادث داخلیه — اعلان — مقاله مخصوصه — حوادث خارجیه — سخنان هر رقم — لالی آماجه آبائیه از یادگار — ادبیات — نامواران زنان جهان — علم ثروت ملل — تاجهای پاپها

استقبال هلال

غرهٔ مبارک رمضان فیض نشان و مراسم قدوم قرآن اعظم الشان

بساعت پنج یوم پنجشنبه گذشته که ۲۹ شعبان المعظم بود اگر در طرف های چمن حضوری برای قدم زدن و تماشا میرفتید در پیش یک منظرهٔ علویه و دینیه مقدسه بسیار باشکوهی بر دامان حیرت میماندید. از دو سه روز پیش از آن بعضی تدارکات و حاضریهای مهمه در چمن مسرت پیرامن موقع دیده میشد. در پنج بجه مذکور صحن چمن را از حال هر روزهٔ آن یک رونق و شکوه پرشعشعه افزونتری میدیدیم. در قریب خیرگاه حضرتیه هر وقته یک سایبان عالیشان بسیار بزرگی برپا شده بود که آن سایبان با فرشها و چوکیها و سفره های مزینی آراسته شده و . . . . دیگر طرف نیز خیمه ها بسیار مکمل و اعلای منظمی بیک ترتیب خوبی وضع شده بود دایره‌وار احاطهٔ موضع حضرتیه چمن با دیوار سیمی فراگرفته شده از هر طرف دروازه های مصنوعی طاق ظفر آسائی که با قاش های گلنار و سفیده مزین شده بود خدمت دخل این احاطه را ایفا می نمود.

احاطهٔ صحن چمن حضرت پیرامن با سیاهی از ذوات معتبره ارباب مناصب ملکی و نظامی و علما، و اشراف و اعزه که جمله با لباسهای رسمی فراک کوت یک رنگ و یک قیافت ملبس بودند یک رونق عالی و یک منظرهٔ علویه الشان نموده بود. در اوان تماشا بیک مراق و اندیشه! آیا چیست؟ چه میشود؟ در هر کس یک سوال و جواب! حالا اگر ما بمحاورهٔ یک پدر و پسر گوش بدهیم مسئله برما حل میشود:

پسر یک شوق و شطارت طفلانهٔ معصومانه بسوی این آئین ها دوز نظرها دیده میگوید:

— بابا! این همه تدارکات و جوش و شوق از برای چیست؟

پدر — اولادم! بادشاه اسلام با همه ارکان و اعیان دولت و همه رعایا با صداقت خود برای استقبال و انتظار هلال غرهٔ ماه مبارک رمضان که اطاعت فرمان بادشاه بادشاهان و خالق کون و مکان است درینجا جمع آمده اند.

بلی بلی! این محاوره حقیقت این حرکات را در نظر ارباب نظر تا یک درجه تجسم داد. گر اینهمه زیب و زینت، گر اینهمه شوق و شطارت، گر اینهمه خیمه ها و سفره ها، گر اینهمه نورها و صفاها برای استقبال رویت هلال یک ماه سعادت شایست که خلاق مهربان ذوالجلال به امر فرمودن روزه گرفتن مسلمانان را سعادات و فیوضات عظیمی در پناه فیضرسان می بخشد. پادشاه بزرگ دیانت منش عدالت روش مسلمانان افغانستان همه رجال دولت و اعیان مملکت و تبعهٔ خوش عقیدت و عساکر فدائی طینت خود را به اطاعت آن امر جلیل پر هیبت حضرت رب العزت رسماً دعوت میکنند!

پارسال در نسخهٔ اول سراج الاخبار افغانیه که نخستین آغاز انتشار آن بود از مراسم ختم قرآن عظیم الشان در روز اول ماه مبارک رمضان تفصیلات عرض نموده بودیم. درین سال فرخنده فال سراج الاخبار افغانیه هزاران شکر و ثنا بر سلامتی ذات اعلیحضرت پادشاه معظم مقدس خود گفته باز اوراق این نسخهٔ خود که آخرترین نسخهٔ سال اول عمر این نامهٔ گرامی میباشد بکیفیت آن مراسم پر مکارم تزئین میدهیم:

ذات دیانت سمات اعلیحضرت پادشاه والاجاه معظم ما به این دعوت و ضیافت شاهانهٔ خود شان قدسیت و عظمت احکام فرضیت روزه را در نظر ملت دیندار احکام‌شناس افغان اعلان میفرمایند. این دعوت سنیهٔ ملوکانه بسی فضایل و حسنات را دربر دارد. اولاً اطاعت فرمان الهی را بیک ذوق و سرور عظیمی با همه تبعهٔ شاهانهٔ خود استقبال کردن؛ ثانیاً کلام قدسیت پیام حضرت ملک العلام را در سنت تراویح حضرت خیرالانام علیه افضل الصلوة و السلام بیک جماعت عظیمهٔ اهل اسلام در دو شب اول ماه رمضان مغفرت انجام ختم نمودن؛ ثالثاً از طرف قرین الشرف یک پادشاه بزرگ باشکوه و شان اسلامیان برای عموم تبعهٔ صداقت نشان شان یک ضیافت بسیار پر جود و احسانی گستردن. رابعاً بارعایا، و عساکر، و اعیان، و ارکان عموماً در یک احاطه افطار کردن، و بازمعیت بجامع مبارک عیدگاه رفته بجماعت بسیار عظیمی صلوة سنت تراویح را با تلاوت قرآن عظیم الشان ادا کردن. غیر ازین قدسیتهای معنوی یک نکتهٔ باریک سیاسی و اجتماعی را نیز شامل است که در نظر ارباب عرفان چون شمس تابان عیان است.

حالا ما یکقدری از ترتیبات و انتظامات مرعیهٔ این مراسم مقدس بیان میکنیم: اولاً در قصر بر موقع مذکور [illegible] تقریباً بقدر پنج شش جریب زمین چمن صفا مامن را در یک احاطهٔ دیوار سیمی که آدم از آن گذر کرده نتواند و چهار [illegible] و حایل هم بنا شده گرفته شده و درین احاطه از سه دروازه طاق ظفر آسا ئیکه مذکور گردید از جهت جنوب و شمال و شرق داخل شدن ممکن است. جهت شمالی احاطه را بایک تخریدوار مانند مستقیمی گرفته شده که در پیش روی آن خیمه های بسیار زرین و عالی آراسته و پیراسته برای وضو گرفتن و استنجا کردن مدعوین بیک ترتیب منتظم مستقیمی برپا شده است. ذات اعلیحضرت پادشاه مهربان ما از کمال مرحمت و شفقتی که در باره خادمان حیثیت شاهانه شان دارند حاضر بودن هر چیز را یکه برای احتیاجات مدعوین کرام بکار باشد امر فرمود. هر خیمه بفرش ها و چوکیها و میزها و لامپ ها و سیگرت برای راحت مدعوین مزین و مهیا میباشد. مجمره قوالت و هم نیز برای هر خیمه حاضر شده است. خیمهٔ استراحت ذات اعلیحضرت پادشاهی در وسط صف خیمه ها برپا شده است. و از طرف یمین و شمال آن خیمه های شهزادگان عظام و بعد از آن تمام دیگر خیمه های ذوات کرام برپا میباشد.

چون درینجا تذکار خیمه بمیان آمد، از بیان اوصاف این خیمه های محترمهٔ ذات اعلیحضرت پادشاه خود داری کرده نمیتوانیم: ذات دل آگاه محبوب القلوب ما چون در باب نقش و تزئینات، ید اول ما لک شاهانهٔ شان را نظر با اولی دارند. دیگر اوقات به حال سفر بنا بر لهذا لازم دیدند که خیمه های سفر حضرت آثار شان باید بیک طرز انتظامی باشد که با احتیاجات استراحت از هر جهت مستوفی الشرط باشند. لاجرم چند نفر خیمه های خیلی ظریف و دلکشی را بنقش نقش شاهانه خود نقشه و تعریف فرموده در ماشین خانهٔ مبارکهٔ دارالسلطنهٔ کابل ساخته شدن از فرمان نموده اند.

اما چنانچه از بعضی ره روان ایجا شنیده ایم که فلان پادشاه فرنگ از زر بفتها و قماشهای پر قیمت اطلسش را از ابریشمها و رشتهٔ اطنابش را از مروارید ها و دیرکها و قبهٔ خیمه اش را از طلاها و نقره ها بود و این از آنچنان خیمه های زرنگار مرواری کاری نیست. بلکه از نقاشی [illegible] بسیار محکم و متینی که بتر و باران و باد و توفان تاب تواند ساخته شده و هم از جهة سبکی بار برداری آن ملاحظه شده است. بعضی ازین خیمه ها سایبانهای [illegible] و زنگیهای مختلف ساخته شده اند مثلاً سایبان بسیار بزرگی که برای افطار این ماه مبارک

در وسط احاطه برپا میباشد تقریباً گنجایش دو صد و پنجاه تا سه صد چوکی را دارد. این خیمه‌های مذکور دو صفت دارد که هم صیفی هم شتوی میشود. مثلاً هرگاه ولی تجیر باشد صیفی و چون بر دورادور آن یک تجیری کشیده شود عمارت از یک دالان بسیار بزرگ شتوی میشود. دیگر بعضی ازین خیمه‌ها ساخته شده که چون در آن داخل شویم هیچگاه خود را در خیمه تصور کرده نمیتوانیم بلکه در یک دالان مربع مستطیل بسیار بازینتی می‌یابیم که بهمه اسباب راحت آنرا منتظم می‌بینیم.

والحاصل درین احاطه مراسم افطاریهٔ رمضان المبارک در پنج موضع سفره‌های خوان الوان نعمت پادشاهی گسترده شده است. موضع اول در زیر سایبان بزرگی که در وسط برپا شده و بیشتر صف بصف میزها و چوکیها گذاشته شده است که صدر و وسط مجلس با سفرهٔ خاصهٔ همایونی مزین و مشرف میباشد. موضع دوم و سوم خیمه گاه در جای اول و در جای دوم (ذکرش گذشته) است که در یمین و شمال سایبان بزرگ همایونی موضوع بوده با سفره و میزها و چوکیها حاضر شده است. موضع چهارم و پنجم بر چمن زار صفا نثار با فرشها و سفره‌ها بر زمین حاضر شده است که موضع اول برای رعایای عام، و موضع دوم برای عساکر ظفر مآثر با انتظام تخصیص کرده است. غیر ازین پنج موضع که در داخل احاطه میباشد یک موضع بسیار وسیع دیگری نیز برای غربا و مساکین و ابناء السبیل در خارج احاطه مذکور تخصیص شده که در آنجا برای دل گرسنگان خوان نعمت پادشاه عظیم الاحسان طعام فراوان احسان فرموده میشود.

از ابتدای شام سلخ شعبان همه صحن چمن و سرکها و اطراف آن با هزاران مردمان شهر و اطراف پر و مالامال بود. ارباب مناصب ملکی و عسکری و علما و اعزه و خوانین دربارے با لباسهای رسمی ذالک کیف خود شان صحن احاطه چمن را رشک گلشن نموده بودند.

به نماز شام دو دقیقه مانده، خرما و یا نقل افطار بر همین تقسیم میکردید. همه مردمان عام و خاص در نمازگاه که در خارج احاطه در میان چمن تخصیص شده است جمع می‌آیند. صفها صفهای جماعت مسلمین منوره بنیان مرصوص را بطور ماندند به دو نواخته شدن توپ افطار و گفته شدن اذان محمدی صلعم هرکس یک چیزی روزه خود را شکسته ند. و یک جماعت عظیمه که از هزاران افراد مسلمان و بندگان خالق عظیم الشان مرکب بود نماز مغرب ادا میکردید. بعد از صلوة مغرب فوراً اهالی از طرف دروازه جهت شرقی، و صنف ارباب مناصب و اشراف و اعیان از دروازه جنوبی در احاطه داخل شده هرکس در موضع مخصوص خود بر سفره و میزهای خوان نعمای الطاف و احسان پادشاه معظم مهربان و ولینعمت ذی شفقت مراحم بنیان خود به تناول طعام آغاز میکردند.

حقیقتاً که در وقت برگشتن از صلوة مغرب منظرهٔ جریان این دو سیلاب انسان که یکی از سمت جنوب و یکی از سمت شرق به احاطهٔ موصوفه داخل می‌شدند انسان را در پیش عظمت و شوکت و جلال این احوال سعادت آمال مستغرق شکرانه این بیپایان نعمای ذات اقدس خلاق ذوالجلال مینمود که از مرحمتهای دربارهٔ افغان افغانستان دارد و چنان یک پادشاه دیانت پناه و عدالت خواه ملت پروری عطا فرموده که با ملت صادقهٔ خود یکجا به استقبال امر الهی می‌براید. با ملت خود یکجا روزه میگیرد، با ملت خود یکجا نماز میخواند. با ملت خود یکجا افطار میکند. خود میزبان میشود ملت خود را برای بجا آوردن امر الهی خود مهمان میکند. زهی سعادت! زهی نعمت!

والحاصل بعد از فراغت طعام هرکس برای وضو کردن و حاضر شدن بصلوة تراویح قیام مینمودند، و بعد از آن فوج فوج انبوه انبوه اهالی در جامع شریف بزرگ عیدگاه که با چراغهای بسیار بزرگ و درخشان گیس — یعنی استلین روشن شده بود جمع آمده صفها ترتیب می‌یافت. نظارهٔ این هزاران مردمان مسلمان بر اجاوت یزدان عظیم الشان با یک پادشاه اسلام با شوکت و شان دل هر فرد مسلمان را یک حس قدسی ایمانی تجسس و درخشان مینمود. خهی دین پر عظمت! خهی پادشاه و ملت خوش عقیدت!

این است که این مراسم پر مکارم ختم قرآن عظیم الشان حضرت خالق کون و مکان در روز اول و مبارک رمضان پر غفران بحضور انشاء الله به انجام میرسد.

باسببی که این مقاله عاجزانه خود را بنابر مجبوریت گذشتن وقت نوشتن و طبع کردن اخبار خود پیش از ختم شریف تحریر نموده‌ایم انشاء الله کیفیت مراسم شب ختم شریف را با دیگر تفرعات این مراسم بسیار مقدس در شمارهٔ بیست و چهارم خود درج خواهیم نمود. حالا همین سه فرد دعائیه ختم مقال مینمائیم:

خدایا تو این شاه بیدار ما را
که رهبر بود بهر ملت بهر کار
بدین میکند خدمت و هم بدنیا
بملت چو یک اب مشفق بود یار
نگهدار ز آفات او را و ملکش
سر دشمنان وطن کن نگونسار

آمین

حوادث داخلیه

هم فال — هم تماشا

آیا بر دیده های خود باور کنیم؟ اینچنین ها که در عصر ترقی بهر اعلیحضرت پادشاه حقایق آگاه دیانت همراه خود دیده سر در وطن عزیز خود مشاهده میکنیم هر یک چنان یک آثار نادر و بانهای ترقی و سعادت، و مرتبه های فضایل و مدنیت شمرده میشود. بلکه هیچ بحقیقت آن پی نمی بریم و مزایای مقاصد آنرا درک نمیکنیم.

مثلاً یک روزی نشسته میباشیم: دفعةً مانند فیر طوپها که در نوروز اجرا میشود صدا میشنویم: آیا چیست گفته بتحقیق آن میبر داریم. در بغل کوه آسمائی در یک نقطه که بر همه شهر حاکم و ناظر است بعضی عملجات میبینیم! بقوت باروت سنگهای کوه را میکاوند آیا چه میشود گفته از یکدیگر خود میپرسیم. یکی میگوید چون امسال گرمی بسیار شدت کرده اعلیحضرت امر فرموده اند که یک دالان بسیار فراخ و بزرگی که خدمت سردابهای زیرزمینی را به بینند در درون این کوه بکنند تا مردم دربار در روزهای گرمی اذیت نکشند. دیگر میگوید نی اینچنین نیست درینجا گنج درک کرده اند برای پیدا کردن آن میکاوند. یکی دیگر که مبالغه گوئی را بسیار دوست دارد میگوید نی اینچنین نیست، از زیر این کوه برای موتر اعلیحضرت یک سرک میسازند.

تا آنکه یک حقیقت باخبری پیدا شده بحقیقت بی‌خبر کرده میگوید: — برادران! پادشاه مرحمت شیم پدر اشفق و ارحم ما اعلیحضرت سراج الملة والدین چون دید که شهر عزیز ما آب خوشگوار صاف و براقی را مالک نیست از آن رو بر تشنگی ما دل تشنگان رحم آورده آب صاف و درخشان خوشگوار (پغمان) را از مسافهٔ بسیار بعیدی بواسطهٔ نلهای آهنین می آورد. این حفریات برای مخزنیست که آن آب را درینجا خزینه کرده بهر طرف شهر تقسیم میکنند.

باز یک روزی می بینیم که میدان (قومی باغ) را آرایش داده اند. با تجیرها خیمه های بسیاری اقامه شده است بعضی اعلانها هم در هر طرف دیده میشود. در اهالی یک شوق و سروری پدیدار است. یک بر دیگر بآن خیمه ها سبقت میکنند. در هر کس یک مراق، یک هوس، یک ذوق، یک شادمانی دیده میشود. آیا چه خبر است گفته در پیش یکی از اعلانها نزدیک شده میخوانیم، در حقیقت کیفیت مطلع میگردیم. حالا قارئین کرام خود را بخواندن آن اعلان با خود دعوت میکنیم تا بر حقیقت کیفیت با ما یکجا آگاه گردند:

صورت اعلان

نقل و صورت استدعاهای عساکر ظفر مآثر شاهانه

چون چهارده منظور نظر عدالت گستر اعلیحضرت والا در عهد ترقی و بهبود و آزادی و آسوده حالی رعایای دولت خداداد بوده و میباشد علی الخصوص درین اوقات که توجه شاهانه دارادهٔ سینهٔ اعلیحضرت جهت سررشتهٔ انتظام و بهبودی و غمخواری یتیمان رعایای صادقهٔ شان بدرجهٔ اکمل بذل و مصروف است لهذا مایان ملازمین غدا دل و اراده حضور بظفر یک تجویز را بخاطر خود مصمم ساخته متوقع آنیم که از طرف مایان از حضور اعلیحضرت درخواست و استدعا نمائیم که یکجای در چمن حضوری یا دیگر جا برای مایان تعین و سررشته فرموده شود که مایان کارهای تعلیمی خود را از قسم جمناستک و قواعد و غیره و درین مدت از توجه کارهای اعلیحضرت شهریاری آموخته ایم در موقع مذکور از برای تماشای برادران ملتی خود بظهور رسانیم [illegible] [illegible] شوند در حضور از طرف ما خدمتگاران برادران دولت یک کمک و معاونت میرسد هرگاه برای سعادت اتفاق اعلیحضرت والا برین تجویز ما موافقت کنند شمول اجر جزیل و ثواب جمیل میشویم باقی اعلیحضرت والا مالک و مختار اند. فقط. اعلیحضرت والا درخواست نفری جمناستک را منظور فرموده چنین سررشته از حضور عنایت گردیده است — تماشاجای جمناستک میدان قومی باغ مقرر فرموده شد — روز تماشا یوم جمعه ۱۸ شهر شعبان ۱۳۳۰ وقت حاضر شدن در تماشاگاه از چهار الی چار و نیم بجه عصر — وقت شروع تماشا چهار بجه چهل دقیقه عصر — درباب

گرفتن تکت در بیرون احاطهٔ تماشاگاه شخصی از برای دادن تکت و گرفتن وجه آن مقرر است و قیمت تکت ها از قرار ذیل است مجلس خاص حضور والا — فی چوکی — پنجروپیه کابلی

چوکیهائیکه بزیر خیمه میباشد — فی چوکی — سه روپیه کابلی

در خیمه پیش روی چوکی برزمین نشسته — فی نفری — دو روپیه

در خیمه پشت چوکی برزمین ایستاده — فی نفری — یک روپیه کابلی

بیرون خیمه بالای بنچ بالمس نشسته — فی نفری — پنجقران

بیرون خیمه بالا لمس نشسته — فی نفری — پنجقران

برزمین پیش روی بنچ بالمس نشسته — فی نفری — یکعباسی

برزمین پشت بنچ بالمس ایستاده — فی نفری — یکسنار

سررشتهٔ چای و کچه و شیر یخ و فالوده و میوه هم از طرف سرکاری حضریه میباشد لاکن مجریه و همین نفری سرکار هم از برای مصارف یتیم خانه میباشد فقط

حالا چون این اطلاع را بجا دادیم بجز اینکه تکت گرفته بداخل احاطهٔ تماشا درآییم دیگر چه خواهیم کرد!

در یمین و شمال مدخل احاطهٔ تماشاگاه دو خیمهٔ کوچک در این دو خیمه مأمورین تکت والا تکت میفروشند پنجروپیه، دو روپیه، سه روپیه چیست؟ تنها قیمت همین یک پرزه کاغذ که تقریباً بقدر دو انچ مربع میباشد و بروی آن درمیان یک چوکات گلکاری چاپی سه سطر نوشته شده که سطر اول آن (تکت تماشای جمناستیک) سطر دوم آن (مجلس خاص حضور والا) سطر سوم آن (فی چوکی پنج روپیهٔ کابلی) نوشته میباشد در نزد قدرشناسان جمعیت ملیهٔ افغانیه بقدر خزینه های عالم قیمت دارد!

این اول تماشا کاهست که به اجرت معینه رسم و خوی در افغانستان وضع شده واست و این اول تحقیق است که برای رسم و خوی آن تماشا گرفته میشود. هم چه تماشا؟ تماشای بازیهای فنون صنف جلیل عسکریه! برای چه مقصد؟ برای مقصد اعانهٔ اولادهای یتیم و بیکس وطن!

حالا می بینیم که این پرزه کاغذ مطبوعه چه مزیتها و چه حسیاتها و چه اجتماعیاتها را در بر دارد. حسیات خیرپروری و شفقت قلبیهٔ صنف عسکری نظامی افغانستان به اولاد یتیم و بیکس افغانستان بطرز واضحی آشکار میگرداند. شوق و ذوق عظیم اهالی را در اشتراک به آن تماشای پرمثوبات پیدا میسازد و مرحمتها و بهبودی طلبیهای بادشاه مقدس محبوب القلوب ما را درباب تربیه و تعلیم عسکریها و اندیشه های منافع و فواید رعیت پروری نمودار میسازد. پس اگر ما قیمت آن ورق پاره را ازین حیثیتها بخزینه های دنیا برابر خود بگوئیم هیچ مبالغه نگفته خواهیم بود.

والحاصل تکت گرفته از مدخل احاطه میدرائیم. تکت ما را دران طرف مدخل مأمورین مخصوص آن معاینه کرده علامه میکنند — هر کس بجای موقع خود بقرار قیمت تکت خود می نشینند. بازیها شروع میشود. نمره تکت وغیره واقعهٔ نمرهٔ خاص حضور بجای اتفاق نمود.

اول — یک تولی — یعنی یک بلوک — عسکر خورد سال که از اولادهای مردمان جدید الاسلام از مدت دو سال است که تشکیل یافته بدریشی سپید مکمل و انتظام تام عسکری با موزیکه از مدخل جهت مقابل مدخل اول بقدم متوسط عسکری در میدان احاطه درآمدند. و در مواجههٔ حضور اعلیحضرت همایونی توقف نموده سلام ذات اعلیحضرت پادشاهی را ادا و بعد ازان انواع تعلیم قواعد عسکری را بقدم و تفنگ اجرا نمودند. بعد ازان پس بصف حرب درآمده یکی از نفرهای خورد سال ترین آنها از صف جدا شده تا پیشگاه حضور همایونی آمده بزبان طفلانهٔ معصومانهٔ خود یک تقریر لطیفی در معرض تشکرات از طرف همه رفقای سلاح خود برخواند که صورت آنرا بدست آورده نتوانستیم. بعد ازان به توانه — یعنی بولی خود — همان نفری صغیر السن کبیر المعنی سلام شاهانه را گرفته و بقدم (وروزاوسلورشی) از حضور شاهانه گذر نموده برای پوشیدن دریشی جمناستیک از احاطه برآمدند.

بعد از رفتن تولی مذکور تولی جمناستیک غند اردلی اول بدریشی جمناستیک خوشنمای و بقدم جمناستیک در صفوف تماشا با موزیکه درآمدند. و همه انواع بازیهای جمناستیک بسیار عجیب و غریبی که بسبب عدم گنجایش موقع از تفصیلات یکان یکان بازیهای آن صرف نظر شده اجرا نمودند. نماز عصر و مغرب به امامت خود اعلیحضرت همایونی بجماعت بزرگی ادا کردید. بعد از نماز مغرب این تماشاگاه علویت انتهای عالی عسکری پرخیر و صواب به انجام رسید.

[illegible]

از درگاه حضرت رب العالمین جل شانه ازدیاد عمر و عافیت پادشاه معظم خود را نیاز میکنیم تا سایهٔ ترقی پیرایهٔ ذات اعلیحضرت شان بسی ابواب ترقی و تعالی بر روی ملک و ملت شاهانه شان باز شود، و دولت و شوکت جاوید سلطنت ما در تمام ترقیها و شرفها و سعادتها در عالم ممتاز گردد آمین

غزل

داشتن جنگ ظفر بتوان گفت — بشر قد [illegible] بتوان گفت
[illegible] بتوان کرد — ذره جانان [illegible] بتوان گفت
[illegible] شیوه [illegible] — که از [illegible] روح [illegible] بتوان گفت
[illegible] — [illegible] لاله [illegible] بتوان گفت
سراج دین [illegible] — سراج هفت کشور بتوان گفت
دل [illegible] رشته [illegible] — ز دل لعل گوهر بتوان گفت
[illegible] — که [illegible] جان [illegible] بتوان گفت
[illegible] خطیب — ذره [illegible] بتوان گفت
[illegible] دوستی در این عصر — [illegible] چو شکر بتوان گفت

اعلان

(سراج الاخبار افغانیه) بکمال مسرت و افتخار بر مشترکین کرام خود اعلان می نماید که سال نخستین ما از نمبر یک تا به نمبر ۲۴ که در غرهٔ ماه شوال المکرم می برآید دوازده ماه یک سالهٔ خود را به انجام میرساند. لهذا هر کس که تجدید اشتراک خود را با اخبار ما خواهش رضا آرزو دارند از حالا وجه قیمت سالیانه آنرا در داخل مملکت تحویل خزانهٔ عامره کرده و رسید خزانه را گرفته به اداره ارسال دارند تا بعوض آن رسید اداره به آنها داده شده نامهای شان قید و ثبت دفتر اداره گردد، و از نمبر اول سال دوم بالخیر والعافیه بنام شان اخبار جاری شود. و در خارج مملکت وجه قیمت سالیانهٔ آنرا به وکلای ما که در خارج هستند تسلیم نمایند.

وکیل ما در پشاور جناب میرزا غلام حیدرخان سررشته دار داکخانهٔ دولت خداداد افغانستان میباشد.

نسخه های سابقهٔ سال اول اخبار افغانیه چون در اداره کم مانده از آن رو بعد ازین اگر کسی از نسخه های سابقه طلب کند بدون قیمتی که اداره برای آن تعیین بکند داده نمیشود.

ذوات گرامی که تمام نسخه های سال یکم سراج الاخبار افغانیه را باجلد اعلی بطرز کتاب آرزو داشته باشند مبلغ — ۲۵ — روپیه کابلی تحویل خزانه نموده و سند آن را به اداره آورده کتاب سراج الاخبار افغانیه را با دو کتابچه هدیه آن بگیرند در اطراف داخل مملکت و خارج مملکت اجرت داک بر قیمت کتاب افزوده میشود.

مقالهٔ مخصوصه

معارف. — مکتبها

دولتهائیکه حکومتشان بسته شده ، و بر دوایر بقرار قاعدهٔ (تقسیم اعمال) تقسیم گردیده ، دوایر مختلفهٔ شان که در زیر نظارت یک وزیر مستقل است یکی از ارکان مهمهٔ دولتشان شمرده میشود . مثلاً چنانچه وزیر دایرهٔ امور داخلیه بر همه امور داخلهٔ مملکت دیده بانی و نگرانی میکند ، و بر امورات جزوی و کلی ملکیه بموجب نظامات و قوانین موضوعهٔ اش اجراآت بکار می برد ، و از جملهٔ امور داخلیه مسئول میباشد ، همچنان وزیر امور معارف نیز بر همه اموراتی که بعلم و معرفت دولت و تعمیم آن بر اهالی مملکت متعلق باشد دیده بانی و نگرانی مینماید ، و مکتبهای ابتدائیه و رشدیه و اعدادیه و عالیه را تأسیس و بنیاد مینهد ، همه مطبوعات ، و مطبعه آنیکه در مملکت بنیاد می یابد ، و همه آثار و تألیفاتیکه از ان بعرض انتشار می آید در زیر نظارت ادارهٔ معارف میباشد .

مجلس بزرگ عمومی معارف و وزیر آن در نفس پای تختها بوده ، و در تمام ولایتها ادارهها و شعبهها دارد ، پروگرامهای مکتبها که باصطلاح هندوستان نصاب میگویند از طرف مجلس معارف پای تخت نظر بحال و احوال هر ولایت ساخته میشود ، هیچ مکتب یا مطبعه ، یا تألیفات بغیر از اجازهٔ رسمی ادارهٔ معارف باز و بنیاد و نشر نمیشود . حتی در بعضی مملکتها تیاترها و اوپراها نیز در زیر نظارت معارف میباشد .

مجلس معارف هر دولت جهتهای سیاسی دولت و احتیاجات اساسی مملکت و اهالی مملکت را دیده از ان نقطه پروگرامها برای مکتبهای عمومی خود وضع میکند . مثلاً مجلس معارف دولت فخیمهٔ (بریتانیا) پروگرامی که برای مکتبهای مستعمرات قطعهٔ (اوسترالیا) و یا (کانادا) و یا (افریقای جنوبی) خود وضع کرده است هیچگاه با پروگرام مکتبهای لندن آنجا تطبیق نمیشود . زیرا در مستعمرات و مستملکات خود برتانیک دولتشان هیچگاه چنین اقتضا نمیکند که اهالی انجا حق حریت و حاکمیت و مالکیت و حیثیت خود شانرا بیاموزند ، بلکه بر آنها تعلیمی باید بیاموزند که عدم آزادی و تابعیت و محکومیت را بر آنها گوارا ساخته تعلیم یافته بسازند .

از زبان یک سیاح فرانسوی در یک کتابی دیدم که نوشته بود : « در (اوسترالیا) سیاحت میکردم ، از قریه براه جنگل بیک قریه میرفتم ، در اثنای راه در پای یک درختی یک بچهٔ مردمان بومی خود اوسترالیا دیدم که بخواب رفته بود ، از بقچهٔ که بر پشتش بود ، و تختهٔ سلیتی که در پیشش بود معلوم شد که از شاگردان مکتب است . و در دل خود یک حس تقدیر و تحسینی در حق انگلیزها پرورانیدم که آثار علم و معرفت را در چنین جاهای وحشی و دهشت انگیزی انتشار داده اند . بمراقبه و اندیشه افتادم . صبر و تأمل کردم تا بچه بیدار شود و بدانم که در کجا چه سبق میخواند . بعد از کمی به این آرزو خود نایل شدم . طفل از خواب برخواست ، و زود برپا خواسته میخواست براه بیفتد که به او نزدیک شده بزبان ملاطفت پرسیدم که :

— آیا شما از شاگردان مکتب هستید ؟

— بلی !

— سبق شما چیست ؟

— جغرافیا .

— ماشاء الله ! آفرین ! آیا دنیا چند قطعه است ؟ شاگرد — از پنج قطعه بودن دنیا و نامهای آنها کمی بحث راند . بسیار خشنود شدم ، و چون از او پرسیدم که : « آیا در اوروپا چند حکومت موجود است ؟ » شاگرد بسوی من حیران حیران نظر کرده گفت :

— ازین سوال شما چیزی نفهمیدم . من در دنیا یک حکومت می شناسم که آنهم حکومت انگلیس است .

گفتم — آیا فرانسه ، جرمن ، روس وغیره را نمی شناسید ؟

گفت — چرا می شناسم . آنها هر یک یک ایالتیست از دولت انگلیز .

پس ازین محاوره دانستم که سخن در کجاست ، و مقصد شان چها و چهاست ! ... »

این است یک مثالی در باب پروگرامهای مکتبهائی که از طرف (پبلک انسترکشن) — یعنی

نظارت معارف عمومیه دو تنها بنسبت حال و احوال و قابلیت مملکتهای خودشان ساخته میشود. ازین مثال استنتاج واضحی هیچگونه ایراد و اعتراض بر دولت انگلیز وارد نمی آید. بلکه دولت مشار الیها عین کمالات سیاست و کاردانی خود را بحد رسانیده است. چنانچه در هندوستان نیز همین قاعده و اصول را مرعی داشته. مثلاً برای مسلمانان با هند و مکتبهای حربیه عالیه که افسران و ارکانهای حرب قابل بر خود انگلیزان بیرون آرد موجود نیست. آیا چرا؟ زیرا سیاست شان همچنین اقتضا میکند که افسر کلان دایماً انگلیز باشد. کذالک در پروگرام مکتب پنجاب از فلسفه سیاسیه دینیه، و علوم تربیه عقلیه و کان شناسی و الجبرای اعلی وغیره چیزها ئیکه برای خود منحصر داشته اند دیده نمیشود.

بناءً علیه معارف هر دولت بنا بر سیاست و احوال طبیعیت مملکت شان پروگرام یعنی نصاب مکتبهای مملکت خود را وضع میکنند که از اخذ و تطبیق پروگرام مکتبها یکدولت را دیگر دولت عیناً قبول کرده نمیتوانند. و اگر بکنند چنان می نماید که یک لباس عاریتی که گاه بسیار تنگ و گاهی بسیار فراخ آید پوشیده باشد که وجود از آن کمال استفاده نتواند.

در وطن عزیز ما افغانستان قبل از زمان جلوس میامنت مانوس اعلیحضرت پادشاه با دانش و عرفان مهربان ما از مکتبهای فنی اصول جدیده اثری موجود نبود. بسایه معارف پیرایه شاهانه شان در پای تخت سلطنت سنیه شاهانه مکتبها به اصول و قواعد جدیده انشا گردید. مکتبهای ابتدائیه در هر طرف تاسیس و انتظام یافت که این یک فال خیر عظیم سعادتها و ترقیهای ملک شمرده میشود.

ولایتهای اطراف داخل ممالک محروسه نیز بتعمیم علم و معرفت احتیاج کلی دارد. ولی هزار افسوس که در اکثر هموطنان عزیز ما هنوز هوس و ذوق تحصیل و تعلم فنون جدیده پیدا نشده، و هنوز قدر و قیمت تعلیم و تربیه ثمرهای حیات خودشان یعنی اولاد شانرا بتمام معنا ادراک نموده اند. اهالی هر چیز را از حکومت امید و آرزو میکنند حالانکه یکقدری دست و پا زدن و جنبش و جهد و زور زدن خودشان نیز لازم است. مثلاً اگر اهالی قندهار و هرات بلخ، غزنین، جلال آباد، فایده ها و منفعتهائی که از علم و فن [illegible] میسر [illegible] پی برده میتوانستند و استقبال اولاد خود را می اندیشیدند هر ولایت مصارف و خراج یک دو باب مکتب را برذمه خودشان گرفته در باب سررشته اساس و بنیاد، و ترتیب و انتظام و اصول و پروگرام آن از دولت متبوعه مقدسه خود استرشاد و دستور العمل خواسته عملی میکردند هیچ شبهه نیست که دولت در ان باب تجویزات بسیار نافعی اندیشیده میتوانست. قواعد تعمیم معارف و مکاتب تنها به دولت نی بلکه بخود اهالی بیشتر میرسد. هر صاحب اولاد اول چیزیکه اندیشه میکند مسئله تعلیم و تربیه اولاد شان است. هرگاه همین اندیشه خودشانرا بیک صورت مستحسن و منتظمی از روی فن بکار برند و همان مخارجی را که در هرسال در راه تربیه و تعلیم اولاد خودشان از پوشاک و تنخواه آخوند و خوراک وغیره صرف میکنند، بمعاونت و اتفاق هم یکجا جمع آورده بسررشته و دستور العمل دولت بر مکتبهای فنی کمال ابتدائی و رشدی صرف نمایند البته که نتیجه های بسیار عالی بهتری را خواهند بخشید.

حوادث خارجیه

اجمال سیاسی

عالم سیاسی مانند موی زنگی پیچیده و، گویا کره زمین به حرارت مرکزیه خود را بانسانان خونخوار عطا فرموده که خونهای شانرا بجوش آورده و حرارت خونریزی شانرا چنان قوت و توانائی داده که مقابل قوتهای طبیعت خود را مسلح کرده اند!

قوه طبیعیه جاذبه مرکزیه با وجودیکه احکام ثابته متینه در باب عدم انفکاک موجودات زمین را از زمین وضع نموده، ولی بشریت بدرجه طغیان نموده که به آن احکام گوش نمیدهد! باوجودیکه پاره آهن یکپارچه چوب، یکمقدار سرب وغیره چیزهای زمینی اگرچه بمقدار یک نخود ثقلت هم داشته باشد، باز هم مقدار یک لحظه از زمین انفکاک کرده نمیتوانند. حالانکه بشر از بسیار اجسام معدنیه و نباتیه زمین آلاتی

پرواز ساخته یک جسم ثقیل بزرگی را بقدر دو هزار متر و بلکه بیشتر از آن با خودشان یکجا از زمین الی افلاک و دوری میدهند ! اگرچه قوانین طبیعت بار بار به ابدان شان از دو هزار متر و یا بیشتر دیگر از آن محکوم شود و فناء ولی کجا ! طغیان و تمرد بشر بدرجهٔ رسیده که ازین محکومیتها و گوشمالیها پروا نکنند ! یکی چون محکوم شود ده دیگر برمیخیزد .

ز رقیب دیوسیرت بخدای پناهم
مگر آن شهاب ثاقب مددی کند سها را

ازین هم بدتر که خطهٔ آسیا و افریقا را اروپا کردن میخواهند ! چقدر جرأت ، چقدر تجاوز ! . . .
آیا اروپا بچه اروپا و آسیائی شده است ؟
هیچ شبهه نیست که طبیعت بنابر بعضی قوانینی که وضع خود و آنرا اروپا و دیگری را آسیا ساخته .
مثلاً چنانچه در آسیا خرما و هیل و دارچینی و غیره خوشبوییها و میوه‌ها ، و فیل و کرگدن و شترمرغ پیدا میشود در اروپا مگر بگان دانه در بعضی باغچه‌ها و موزه‌خانهٔ حیوانات یا نباتات دیده شود دیگر هیچ اثری پیدا نیست . کذالک چیزهائیکه در اروپا دیده میشود آسیائی بیچاره آنرا بخواب هم نه بیند مثلاً در حالیکه اروپائیان بسبب عادت تعدد زوجات بر آسیائیان خورده ها میگیرند در ملک خود شان یک مردی که قوت و ثروت داشته باشد با یک ملیون زن معاشرت کرده میتواند . در حالیکه در آسیا شوهر یک زنی مرد نامحرم را نیز در یک شب گوشهٔ جا در عیال خود دیدن رضانشان نبیند اروپائیان در مجلس های بال عیال لباس خودشان را سینه و بازو و پشت و سر برهنه بیکدیگر خودشان برای (کادریل) تمام رقص سینه به سینه و آغوش به آغوش عرض و تقدیم میکنند . در حالیکه در بعضی شهر های آسیا (الکحول) — یعنی شراب نام مایع زهرآلود منحوسی برای دو دو پیسه ا نمیشود در کوچه های اروپا مانند نهرها جاری می باشد ! درحالیکه اگر یک سیاه خیمه بیابانهای آسیا یک مرد گرسنه یا تشنه وارد شود صاحب خیمه هستی خود را از او دریغ نمیکند اگر در کوچه های اروپا یک شخصی از تشنگی یا گرسنگی بحالت نزع بیفتد اروپائیان بمراق و اندیشهٔ این که :
« باشش ببینیم انسان از تشنگی چسان جان میدهد ؟ » افتاده بلی آنکه یک لب نانی یا یک کاسه آبی به او دستگیری کنند بکمال مراق و هوس تماشای جان دادن اورا میکنند !

این است که اروپا از تمرد و عصیانی که بمقابل طبایع برداشته اند به اینگونه مریضیها آسیا را اروپا کردن میخواهند . از اینهم بدتر که راه اروپا ساختن آسیا را نیز از قندهار و هرات و کوشک و یا مشهد و طهران و بغداد را انتخاب میکنند .

زهی تصور باطل زهی خیال محال !

این بدان میماند که یک همسایه به همسایهٔ خود بگوید : « من میخواهم در دالانها و پس خانه ات دیوارهای خانهٔ شما را شگافته برای رفتن خود بخانهٔ دیگر همسایه گان یک راه اجنبی بکشم » هیچ شبهه نیست که آن همسایه به این خانه خرابی خود راضی نخواهد شد . ولی اگر خود صاحب خانه — آنچنان یک راهی را برای منفعت خانهٔ خود مفید و لازم ببیند خود صاحب خانه آن راه را بقواعد و اصولی که برای خود نافع بداند و موجب آبادی خانه اش شود نه خرابی خودش خواهد ساخت . اما تا جان داشته باشد راه دیگری را در خانهٔ خود باز نخواهد کرد .

ترجمهٔ نطق

جناب لارد (رابرتس) که در سنه ۱۹۰۵ در (مانشستر) بیان کرده

(فیلد مارشال لارد رابرتس) بهمان رابرتس نام جرنیل انگریز است که در محاربه های (موشکی) و (میدان) و (چهار آسیا) از دست وطن پرستان با ایمان افغان شکستهای فاحش خورده در شهر کابل محصور گردید، و در شهر کابل نیز مبتلا چه شدیده و طاقت برانداز غازیان وطن پرور و تاب آور مقاومت نشده و از استحکامات متینه که بر زروه های کوههای بلند (آسمائی) و (شیر دروازه) تعبیه کرده بود فرو آورده شده و در (شیرپور) نام قلعهٔ معسکر افغانی به شدت محصور گردیده بود. و اگر فیوضات سیاست شناسی و افکارات مآل اندیشی عالی اعلیحضرت خاقان جنت مکین ضیاء الملة والدین مرحوم بفریادش نمیرسید ظاهر است که مصیبتهای کابلی اندازه بر سرش می آمد. چونکه ذات اعلیحضرت سیاسی اعظم مشرق زمین اعلیحضرت ضیاء الملة والدین مرحوم مدت مدیدی در ممالک روسیه اقامت نموده از افکار استیلا جویانهٔ روسها واقف شده بود در خوکردن اردوی انگلیزی چند از منافع وطنی را اندیده و یک معاهدهٔ بسیار منفعت آور تری اردوی انگلیز را از افغانستان اخراج نموده، استقلال و استقبال دولت اسلامیهٔ شانرا تأمین فرمودند. حالانکه اگر فیلد مارشال کو در روزی که بکمال خضوع و خشوع در موقع (زمه) نام اردوگاه همایونی برای عقد معاهده آمده این افکار خود که در نطق ذیل خود بیان نموده چیزی میگفت گمان نمیشود که برین مقاصد پرداز کامیاب می آمد!...

فیلد مارشال موصوف در نطق خود میگوید:

«ما هیچگاه یکدولت حربیهٔ بزرگ نخواهیم شد مگر بسبب مرکزهای ما در مشرق که مسئولیتهای آنرا بگردن گرفته ایم، و چون نقشه های روسها را بر مملکت افغانستان و در زیر نظر غور و تدقیق بگیریم بیاید که ما را اصلاحات حربیه و استعدادات قوهٔ حربیهٔ خود نیز خوض و غور کنیم تا برای یک حرب مستقبل حاضر باشیم»

«مملکت افغانستان را طبیعت چنان ساخته که عبور هر گونه سپاه جاتی را که از طرف شمال غربی بیاید مستحیل بنماید، در کوههای آن ریل نیز و دوان کشیدن مشکل است. و بهمان برای مدافعت جهت جنوب شرقی نیز بارادهٔ آهن مستحیل گردیده

« در چنین ملکهائی مانند افغانستان بزرگترین اعمال مشقت آورترین کارها ساختن راه آهن ریل است زیرا بسیار موانع طبیعی، و صعوبتهای سیاسی و اقتصادی بسیاری سد راه ما افتاده است ولیکن اگر هر قدر صعوبتهای بزرگ باشد و آن صعوبتها هم بالاتر از طاقت و قوت باشد باز هم بهر صورتیکه باشد لابد و ضرور است که بر همه آنها غالب بیائیم تا نتیجهٔ آن برای مصلحت ما خوب شود.

« ما در محاربهٔ روس و ژاپان دیدیم که روس بقدر دو ملیون عسکر را تجهیز کرده بواسطهٔ راه آهن ریل خود بمیدان قتال فرستاده توانست. حالانکه آن راه آهن ریل یک خط بود. پس چون در حدود شمال و غرب دو خط راه آهن دارد برما لازم است که این حساب را بدقت غور کنیم:

« این دو خط آهنین که هر کدام جداگانه استقلال دارند بدینصورت است که یک خط از بحر (خزر) (قاذوبه) (کوشک) نام موقع منتهی شده است که موقع مذکور از شهر (هرات) بیشتر از صد میل دوری ندارد. خط دوم از (اورنبورگ) و (طاشکند) گذشته به نهر (آمو) منتهی میشود که انهم از (کابل) چار صد میل بعد مسافه دارد.

« بنا علیه اگر در مابین ما و روس نائرهٔ قتال از جهت مملکت افغان در گیرد لازم و لابد است که از قوت روس بزرگتر و قویتر قوت بمقابل آن تجهیز نمائیم. و این قوت ما باید که غیر از قوت عسکری وطنی باشد که بمیدان قتال برآورده شود زیرا این قوت عرضیهٔ جداگانهٔ برای ما لازم است تا با آن دیگر قبایل را بزنیم. چونکه افغانانی که در یک مرکز غیر مضبوط باشند بالطبع بر طرفی را که غالب دیدند جانب دار شده و تائید بهمان طرف التجا میورزند. و درین کار مصلحت و فایدهٔ خود را می بینند.

« پس در حال حاضر تعبیهٔ قوای خود ما بهیچصورت نمیتوانیم که بیشتر از دو صد هزار عسکر بمقابل خصم خود بیرون برآورده توانیم. چون چنین است سه صد هزار عسکر باقی را از کجا تهیه خواهیم کرد؟ و در هر ماه عدد لازمی را که بعوض تلفات بمیدان حرب برسانیم چسان تدارک خواهیم توانست »

مقصد ما از نوشتن این نطق آن دواهی بزرگ حرب و آن نهنگ دریای دغا این است که هیئت ارکان حربیهٔ دولت علیهٔ افغانستان نیز نقشه و پلان جنگ را بیک صورتی تجهیز کند که نفع آن به دولت خود افغانستان عاید و راجع باشد. زیرا جناب فیلد مارشال موصوف هم آنقدر نقشه و پلانی که کشیده برای منافع خود خواهد کشید نه برای نفع غیر.

اقتباسات

رفیق محترم ما ترجمان حقیقت

مینویسد

«از طرف اعلیحضرت (امیر افغانستان) مکتوبی که بحضرت صدراعظم پاشا فرستاده شده بود، و با مطبوعات عثمانیه نشر گردید چنان معلوم میشود که بر تمام افکار عمومیه و محافل سیاسیهٔ دولت انگلیز تأثیر عمیق و عظیمی اجرا بخشید. افغانستان امروز در روز محافظه و دافع شمال هندوستان است. اگر صداقت و مربوطیت افغانستان به انگلستان نبود و روس بالکل صدبار بر هندوستان حمله مینمود. اما افغانستان با کوههای شامخ البلند و دره های مخوف تنگ، و شجاعت غیر قابل مقاومت افغانان با ما روس تنگ یک سپر و قلعهٔ بسیار مهیب هندوستان بمقابل روس شمرده میشود. البته که این حسیات و افکار عالیه امیر معالی ضمیر افغانستان را که اظهار فرموده اند محافل انگلیز از پیش نظر دقت دور نخواهد داشت. البته که این چنین یک دولت دوست و متفق خود را از دست نخواهد گذاشت. ما باید موجودیت خودمان به این حسیات عالیه اسلامیهٔ اعلیحضرت امیر حمیت پرور افغان تحسین هم تبریک و مبارکباد ها میگوییم. هفت هزار لیره که بنام عالی خودشان و بنام اهالی افغانستان ارسال فرموده اند چندان اهمیتی ندارد. بلکه برای ما همین حسیات شاهانهٔ شان آنقدر گرانبها و قیمت بهاست که بدنیا ناقابل است.»

تبدیل هیئت وزرای عثمانیه

«غازی مختار پاشا» که یکی از شیران بیشهٔ جنرالها بسیار مشهور و معروف عسکری عثمانیت و در محاربهٔ روس خدمتهای نمایانی از وی بدولت عثمانیه سرزده صدراعظم مقرر گردیده و کابینه یعنی هیئت وزرا اینصورت تشکیل نموده: کامل پاشا صدراعظم سابق وزیر خارجه. ناظم پاشا والی سابق بغداد وزیر جنگ. حسین حلمی پاشا صدر سابق وزیر داخلیه. مجدداً باز تبدیل وزارت بوقوع آمده کامل پاشا رئیس شورای دولت. و نورادونگیان افندی وزیر خارجه مقرر گردید. احتمال دارد که کامل پاشا رئیس الوزرا گردد.

هجوم مراکب ایطالی در دردانیل

چندی که پیش ازین بساعت هشتم شب ۸ قطعه کشتی تارپیدوی ایطالی در مدخل بناهای دره دنیل که مشهور بکوی قلعه میباشد داخل شده وزدان راهزن در آمدند. ولی از طرف مستحکمات عثمانیه دیده شده و به آتش بسیار شدید بمقابله گرفتار آمدند دو قطعه تارپیدوی دشمن که پیشتر از همه بود غرق و پوشش متعدد آن خسارت زده شده فرار نمودند.

استخبارات مخصوص سراج الاخبار افغانیه

نامه نگار مخصوص ما از لندن مینویسد: انگلیزانی که برای شناختن کوههای افغانستان رفته بودند یک خریطه یعنی نقشهٔ کوههای افغانستان را با تعیین موقعها و منطقه‌های آنها نیز نقشه که خود حکومت افغانستان داده اند بصورت صحیحی درست کرده و قبل از خروج خودشان باندیا افیس فرستاده بودند. چون صورت آن در لندن رسید برای درست کنندگان آنها مبلغ ۳۶ هزار پوند انعام عطا گردید.

دیگر ـــ نامه نگار مخصوص ما از مصر مینویسد: یک شخصی از رئیس جاسوسهای حکومت هندیه برای این مطلب از هندوستان وارد شده به استانبول رفت که بداند آیا در بین افغانستان و هم در بین عربستان چه راز مخفی است، و ایشان از یک وهم و اندیشه پیش آمده است نام این شخص محمد دلیخان پسر سید محمود است. اما این سید محمود نه سید محمود پاشاست این یک سید محمود است که در لب دریای اتک در یاغستان میباشد. وقتی که خبر آمدن این چنین یک افغانی را گرفتم به استیشن رفتم. بعد از کمی از انتظار قطار ریل آمده مردمان فرود آمدند شخص مذکور در میان آنها بنشانیهای که خبر گرفته بودم شناختم. پیش شده با او گفتگو و خوش آمدی کردم. کلاه فرنگی بر سر داشت و بزبان اردو با من گفتگو کرد. فارسی و افغانی و انگریزی و عربی نحوی را نیز میدانست. هرچه کوشش کردم چیزی از مطلب حاصل کرده نتوانستم. مجبوراً در عقب او به اسکندریه رفتم در آنجا مدت بیست و چهار ساعت بخدمت او بودم. بدیگر هیچصورت چاره ندیدم الا بذریعه یک دست خود او را سرگرم آب انگور کردم که آن ام الخبائث ام المطالب گردیده نامه های خاص را بدستم داد. معلوم شد که در قاهره رئیس زیر دست (مستر مایکن) سکرتری کار میکند. و از جزء احوال افغانستان واقف است. و از احوال جلالیه افغانان در هند از سفیر صاحب گرفته تا مجرد و بزرگ کاملاً آگاهی دارد. پول داخلی به او داده شده است.

که در چند ماهی هند و لانه صرف نماید و خود را از دوستان اسلام در شمار دید و رازها را بر خود مکشوف نماید. از دوربینها لی و فوجی اتفاقی قسم قسم موجود داشت. چند صندوق و تهای چرمی پر از اسباب نیز با او بود.

نامه نگار ما بعد ازین نوشتهٔ خود این را نیز مینگارد که برای جلوگیری اینگونه ساخته کاریها و دغابازیها لازم و ضرور است که حکومت متبوعهٔ ما یک آدم مخصوص غیر رسمی در استانبول داشته باشد.

اعلیحضرت میکادو
امپراطور ژاپان

از چندیست که در اخبارها خبر بیماری بسیار سخت اعلیحضرت (میکادو) امپراطور ژاپان انتشار می یافت. این خبر بر همهٔ دوستان معالی انتساب یک تأثیر دلخراشی حاصل کرده است. از خبرهای اخیره چنان معلوم میشود که حالا رو بصحت نهاده اند. این خبر نیز بی اختیار دلهای همه کان را مسرور نمود.

درینجا یک نکتهٔ باریکی جلب نظر دقت میکند: آیا چرا خبر بیماری یا صحت یک مرد ژاپانی بر هندی، افغانی، ایرانی، عثمانی، سمرقندی، مصری، مغربی، انگلیزی، فرانسوی، امریکائی وغیره وغیره تأثیر الم یا فرحت اجرا میکند؟ زیرا این شخص همان ذات ستوده صفاتیست که رفعت ژاپان را از گمنامی و بینشانی کشیده و مانند شمس تابان در عالمیان عیان نمود. اینهمه ترقیها و توسعها و شرفها و سعادتهائیکه دولت ژاپان را حاصل شده همه بسایهٔ همت همین نیک مرد عالی نهاد است. لهذا در تمام دلها یک موقع عظیمی دارد که این تأثیر را داشت.

خبر وفات امپراطور ژاپان

اعلیحضرت (موتسوهیتو) امپراطور ژاپان از بیماری که به آن گرفتار بود رهائی نیافته عازم رحلت سرای آخرت گردید. امپراطور متوفا یکی از مشاهیر پادشاهان ذیشان دنیا شمرده میشد. انشاءالله در شمارهٔ آینده خود چیزی از ترجمهٔ حال ایشان درج صحایف اخبار خود مینمائیم:

سخنان هر رقم

بعضی معلومات در باب (سور چین)

(سور چین) که بعضی آنرا (سد چین) و یا (سد سکندر) میگویند اگر یکی از عجایب سبعهٔ عالم شمرده شود بجا دارد. این دیوار قلعهٔ عظیمه در جهت غربی چین که صحرای (تبت) را از ممالک چین جدا میسکند، و در سمت شرقی ترکستان بنا یافته است.

درازی این دیوار (۱۷۳۸) میل است عرض بیخ دیوار هجده فوت و عرض سر دیوار پانزده فوت است بلندی دیوار بیست (یرد) است. تهدابها و بنیادهای این دیوار عظمت آثار از سنگهای بسیار بزرگ سخت بر داشته شده. وخود دیوار از خشت بسیار پخته شده که با مصالحهای چینی آمیخته شده ساخته شده است.

در هر دو صد یا سه صد (یرده) مسافه یک برجی دارد که از بیست و پنج تا چهل و شش فوت بلندیها دارد. و بقدر بیست و چهار قطعهٔ آنهاست. بر سر دیوار از دو طرفه به بلندی یک قد آدم سرتاسر کنگره دارد که این کنگره از یک نوع خشت بسیار سختی که مخصوص خود چین است ساخته شده.

سور مذکور به پستیها و بلندیهای زمین نظر کرده از کوهها، و تپهها و وادیها و درهها و نهرها و جویها بر یک خط مستقیم بیک بلندی دراز شده رفته است حتی در بعضی جاها بدرهها یک بقدر (۱۰۰۰) فوت چقوری دارد فرو رفته اید. و باز بجهت مقابل خود بهمان قدر ارتفاع بالا میشود بر نهرهای بزرگ که در پیش رویش آمده باشد مانند پل گذر نموده. در جائیکه از

نهرهای بزرگ میگذارد و در دو طرف نهر برجهای بسیار محکم و متین و پشتیبانهای خیلی قوی و بعضی ساخته که بر سر دیوار ازان گذرانیده اند .

چیستان

از عالم طفلی گوش انسان بچیستان گوئی و چیستان شنوی عادت گرفته ، و این چیستان گوئی در هر قوم و هر ملت رواج دارد لهذا در اینجا ایچند مثال از چیستانهای فرانسوی بیان میکنیم

۱ — آیا در میان پاریس چه چیز است ؟

۲ — آیا کلاه کدام پادشاه بزرگتر است ؟

۳ — آیا زنان در کدام ماه کمتر حرف میزنند ؟

۴ — در اردوگاههای عسکری بیرق را چرا بالا میکنند ؟

۵ — چیزیکه از کابل بجلال آباد بی راه رفتن میرسد چیست ؟

۶ — چیزیکه از نهر بی سایه میگذرد چیست ؟

این سوالها اگرچه در حقیقت بسیار ساده و آسان چیزها است ولی دماغ آدم را بسیار بفکر می اندازد که آیا چه باشد ! مثلاً از یک آدم پرسیده شود که در میان پاریس چیست ؟ میباید که آن آدم بپاریس رفته باشد تا بداند که در میان پاریس چیست . حال آنکه جواب این سوال هیچ حاجت برفتن پاریس و جستجو کردن عمارت یا چیز نمائی که در وسط شهر باشد ندارد زیرا کسیکه طرز نوشتن (پاریس) را بداند میفهمد که در میان پاریس (ر) جا باشد .

سوال دوم اگرچه نیز بسیار ساده و آسان است ولی باز ذهن را بتردد می اندازد که آیا کسیکه کلاه پادشاهان عالم را ندیده باشد و اندازه آنها را نگرفته باشد چسان بداند که کلاه کدام پادشاه بزرگتر است . حال آنکه اگر بگوید که سر هر پادشاهی که بزرگتر باشد کلاهش نیز بزرگتر است سخن تمام میشود .

سوال سوم از همه بیشتر مشکل بنظر می آید . زیرا باوجودیکه بندهٔ ما از کوچک سالی باز با زنها نشست و برخاست کرده ایم باز هم بفکر یکدام ما نیامده که باشش هوش فهمیم که زنها در کدام ماه کمتر حرف میزنند ؟ چیزیکه ما دیده و فهمیده ایم همین است که طایفهٔ محترمهٔ زنانرا همیشه بحرف زدن مشغول یافته ایم . حال آنکه اگر حساب ماههای شمسی را بدانیم سخن آسان میشود . زیرا ماه (حوت شمسی) ۲۸ روز است پس هیچ شبهه نیست که زنان در این ماه بیست و هشت روزه نسبت بماههای سی و سی و یک روزه کمتر حرف میزنند .

سوال چهارم نیز بسیار توجیها و خیلی مشورهاے معنوی عسکری را بخاطر می آرد . کسانی میگویند که بیرق شرف و شان ملت است . و کسانی میگویند که حیات عسکری بدان قایم است . حال آنکه اگر گفته شود که (بیرق چون خود بخود بالا نمیشود از ان سبب او را بالا میکنند) سخن آسانتر میشود .

سوال پنجم خیلی عجیب تر است . زیرا هیچ چیزی تصور نمیشود که راه نرود و بجلال آباد برسد . لهذا هر کس یک توجیهی و هر شخصے یک تعبیری میکنند . ولے باز هم هیچ تعبیری کافی نمی یابند . حال آنکه آسان ترین و ساده ترین سوالها همین است . چونکه آنهم خود (سرک جلال آباد) است که خودش راه نمیرود و بجلال آباد میرسد .

سوال ششم از همه آسانتر است که هر کس چون یک قدری فکر کند آنرا می یابد . ولے باز هم بسی توجیهات و تعبیرات در ان میکنند . لهذا این سوال را برای تجربهٔ ذکاوت خوانندگان گرام خود ترک میکنیم .

[از ربیع معرفت ترجمه شده]

بی بی ها صاحبات عایله ها را یادگار

قبل ازین در مقدمهٔ (ناموران زنان جهان) وعده کرده بودیم که صفحهٔ ای (سراج الاخبار افغانیه) گاه گاه برای فایده برداشتن اهالی ای وطن عزیز ما نیز بعضی نصیحتهای منفعت آمیز درج خواهیم نمود. این است که سر ازین نسخه خود در باب بجا آوردن وعدهٔ خود کوشش میورزیم. این را هم گفته بودیم که یک زن و یک مرد یک انسان گفته میشود، و تنها یک مرد یا یک زن یک انسان شمرده نمیشود. چراکه بدون یک شدن یک مرد و یک زن (عایله) شکل و صورت نمیگیرد و چون عایله شکل و صورت نگرفت دیگر عایله بوجود نمی آید. و چون عایله بوجود نیاید خشتهای که قصرهای توده ها و قبیله ها را بر پا کند پیدا نمیشود. و چون توده ها و قبیله ها پیدا نشود و شیرازهٔ جمعیت بشریه از هم گسیخته دیوانچه کتاب نوعیت انسانی محو و معدوم میشود.

(عایله) جمع (عیال) است که ما آنرا (عیال داره) یا (خانه داره) میگوئیم. هر عایله از یک زن و یک شوهر و ثمرهٔ حیات شان یعنی اولادهای شان مرکب است. حالا ما از اینجا به ابجد بحث میبرایم:

—((زن در عایله چیست))—

زن، اصل و اساس عایله است. زن ضامن آبادی خانه، و عهده بردار صحت و سلامت اولاد و موجب عافیت و تسلیهای دل شوهر خود است. زنی که بکمال شوق و خوشی در امور خانه خود، و اجرا کردن کارهای که بران مأمور است کوشش ورزد و از سعی و عمل دریغی که در رشته های مختلف کارهای خانه خود بکار ببرد و از آن زود زحمت و مشکلاتی که ازینش پیش میشود شکایت نکند، و در پیش روی اولادها و شوهر خود همواره شادان و خنده رو و روی شان به روی آنها عایله هر قدر در فلاکت و مفلسی و تنگی معیشت هم باشند، در حیات و سعادت آن عایله شمرده میشود. خنده روئی و شیرین زبانی زن یک مرهم بسیار نافع و فایده مندیست برای عایله. خوش خلقی و خوش طبعی زن ناراحتیها و الم های شوهر و اولاد عایله را زایل میکند. ثروت و ساماناتی که شوهر بنا بر یک تقاضای ناگهانی ضایع کرده باشد خوش خلقی و شیرین زبانی زن آنرا در اندک پس بشوهر بیشتر کمائی کرانده میتواند. چونکه پاکیزه گی قناعت کار خوش خلقی، شیرین زبانی زن شوهر را توانائی امید کوشش می بخشد. توانائی امید کوشش ثروت و سامان را حاصل میکند.

یک تبسم شیرینهٔ زن مانند نفس نسیم سحرگاهی فصل بهار تأثیر دارد که گلهای امید و سعادت عایله را بار میدهد. زن در عایله مانند یک تخمیست که در زیر زمین یک خانه افشانده میشود اگر آن تخم گندم بود گندم بار میدهد، اگر تخم بد حنظل بیرون میاید. زن خوش خلق شیرین زبان پسندیده اخلاق خانه را که در آن افتاده باشد آباد میکند. زن بدخلق بدزبان بد اطوار خانه را که در آن افتاده است خراب میسازد.

غیر ازینها اصل یک عایله زن است. زن در عایله از شوهر بار بار بیشتر حق و صلاحیت سررشته داری و ادارهٔ خانه را مالک می باشد. چنانچه در امورات خارجی شوهر حق مالکیت تامه را دارد، زن نیز در امورات داخلی خانه مستقل یک حاکم است. رئیس عایله شوهر است چنانچه شوهر در افراد عایله یک حرمت و عزت مخصوص را مالک است زن را نیز یک موقع قدر

فاجعه های پاریس

ما بعد از نمبر ۲۲

و از بستر خود را با پایان پرتاب کرده در نزد نعش شوهر خود بیامد. و سرش را که فوارهٔ خون ازان در جریان بود بدست گرفته گفت:

— بلی، مگر صحیح بوده است! غونتران مرده است!...

بعد ازان حیران، حیران بسوی تومیسر صاحب منصب خفیه ها و عسکرها دیده و آنقدر دهشته در نظرش بگان بگان مجسم نمود. تومیسر از صاحب خانه بابا وینیو پرسید که:

— این زن کیست؟

وینیو — این زن زوجهٔ مرده است با آنکه زوجهٔ اش نبوده ولی زوجهٔ من است میگفته است. مقاوله نامهٔ ازدواج و نکاح نامهٔ شانرا ندیده ام.

تومیسر، بیک وضع بسیار شفقتکارانه، و یک طور احترامکارانه قلوتیلد را مخاطب نمود و گفت:

— آیا شما تونغس دوراندال هستید مادام؟

قلوتیلد — بلی تونغس دوراندالم.

و اعتبار مخصوصی موجود است . آبادی . سعادت . ثروت یک عایله بمحبت و امتزاج زن و شوهر مربوط است و آن محبت و حسن آمیزشش را عقل کامل . خوش خوئی شیرین زبانی زن بوجود آورده میتواند . حسن و جمال درجهٔ دوم است . زن عاقلهٔ مدبره هیچگاه چنان حرکتی نمیکند که بحسن امتزاج و محبت ازدواج شوهر خود خلل برساند . بر حق ریاست عایله و عزت و حرمت مخصوصهٔ شوهر خود هیچگاه تجاوز نمیکند . بیخبر و اجازهٔ شوهر خود در هیچ امورات کلی خانه داری عایله خود مصر نه . سرخش نه پیش قدمی نمیکند . بحسن و لطافت و نزاکت مخصوصهٔ خود دایما دل شوهر خود را بدست آورده روز بروز در افزونی محبت و حرمت و رعایت شوهر خود را بسوی خود کوشش میورزد . عفت و ناموس . سررشته و اداره پاکیزگی و خوش خلقی . قناعت و صبوری چیزها ایست که زن بواسطهٔ این چیزها بر سعادت و رفاهیت خانه . و آبادی کاشانهٔ خود کامیاب می آید .

ادبیات

اعانه

از بهر بشر فضل طبیعت اعانه
گر این نبود زنده نگردد بزمانه

معنی اعانه مدد همدگر آمد
گر نیست اعانه تو نشان یابی نشانه

محتاج و ضعیفان بنی نوع بشر را
دریاب و مدد کن که شوی مرد یگانه

در جملهٔ اشیای جهان چشم خرد افکن
بنگر که ازین گشته جهان منتظمانه

گر ابر بباران مدد روی زمین کرد
آن روی زمین نیز مدد کرد بدانه

گر شمس بجذب و کشش و گرمی و نور
جان داد بسیاره ، شد او نیز روانه

(محمود) چو انسان شده اشرف بجمیع
باید باعانه نکند هیچ بهانه

توپیر — آیا دختر مارگی دوموتوب نی ؟

قلوتیلد — بلی ، دختر اویم .

بابا و بنو ، ازین سخنان بحیرت افتاده خود بخود گفت :

— اینجه بلاست ! چه یاقوت است . یا مارگی . مگر در خانهٔ ما اصیل زاده گان ساکن بوده اند و ما هیچ خبر نداشتیم .

توپیر قلوتیلد را خطاب نموده گفت :

— مادام برای تحقیق کردن این خطرات البته یک ازینجا اسف استقلال برای شما پیش آمده هرگونه مدد جنگ لازم باشد اجرا خواهم کرد خاطر جمع باشید . مأمورین عدالت در حق شوهر شما بعضی معلومات لازمه را بدست آورده . و همچنان در باب خود شما نیز معلومات کافی بدست دارند . این آدمیکه وفات یافته یک متهم بسیار بزرگی بود که چنانچه این مسئله بمأمورین عدلیه معلوم است ایشان همچنان معلوم است که شما معصوم و بیگناه و بسیار عالیجناب یک زنی هستید . لهذا بشما شمار مستحق هرگونه حرمت و توجه میدانیم .

زن بیچاره که سر شوهرش را بر زانوی خود مانده بود . بکمال احترام پس بر زمین نهاده برپا خواست [باقی دارد]

ناموران زنان جهان

مابعد از نمبر ۲۲

(آیا شما را چه شده بود که هنوز پایهای از گل سویس خشک نشده بود، گفتید که (یا موسی اجعل لنا الهاً کما لهم آلهة) یعنی ای موسی برای ما خدائی چنانچه خداهای آنهاست! ازین جواب سکت یهودی بجز نجات چه گفته میتوانند؟

آسیه — نام همشیرهٔ (ضیاء الدین المقدسی) میباشد که ضیاء الدین المقدسی از حافظهای مشهور حدیث است. و خود آسیه نیز از محدثه‌های مشهور است.

آسیه — [بنت جار الله بن صالح بن ابی المنصور] است که در تاریخ ۷۹۲ هجری در مکهٔ مکرمه تولد یافته است. از محدثه‌های مشهور میباشد. و از شیخهای جناب (امام سیوطی) است که امام مذکور ازو اخذ حدیث کرده است. این آسیه والدهٔ قاضی مکهٔ مکرمه (الجمال محمد بن الضیا) بود.

آسیه — [بنت الفرج الجرهمیه] - یک خاتون مکه‌ئی است که از نسوان عصر سعادت میباشد.

آغاوه — دختر (قادموس) نام مرد فنیکه‌ئی است که مدنیت را اول در یونان داخل کرده است و والدهٔ (پانتیوس) نام حکیمیست از حکمای یونان قدیم که قبل از میلاد (۱۹۰) سال پیشتر در جزیرهٔ (رودوس) ولادت یافته است. و نود سال زندگانی کرده، و سیاحت بسیاری کرده به (آتن) پایتخت یونان برگشته در جای استاد خود معتکف شده است.

[باقی دارد]

علم ثروت ملل

مابعد از نمبر ۲۲

اشیائیکه از ان حاصل میشود بیکاره بوده در هیچ جا فروخته نمیشود. و نیز اگر آن اشیا بمزاج خریداران و صرف کنندگان آن موافقت نکند، و یا آنکه اجرت مزدورکاران را بیشتر از قوه بدهد و یا آنکه اشیای اصلیه بقیمت فاحش خریده شده باشد، و از ان سببها با دیگر ارباب صنایع رقابت کرده نتوانسته اموال مستحصلهٔ خود را بی نقص و زیان فروخته نتوانند، حتی اگر بسیار اشیای نفیسه باشد و در یکجائی که لزوم و احتیاج به آن نباشد، و یا قدر آنرا کسی نداند، و یا قدرت اشترای آنرا در انجا کسی نداشته باشد بمیدان فروخت برآرد، و یا آنکه اشیائیکه از دیگر جاها بقیمت ارزان تر بیاید، و انسان آنرا بمصارف و مخارج زیادی سر از نو بسازد در همهٔ اینگونه احوال سعیها و عملهائیکه صرف شود مستلزم استحصال ثروت نمیگردد، بلکه موجب ضرر هم میشود.

به اعمال صناعیهٔ انسان به صفت اشتراک کرده میتوانند اول کسانی میباشد که جهت فنیهٔ آن کار و صنعت را مطالعه و ملاحظه میکنند که مخترعها و مهندسها، و کیمیاگرها و استادکارها این صفت را دارند. اینها ارباب فنون صناعیه میباشند.

[باقی دارد]

همه مقاله‌هائیکه دستخط ندارد از طرف [illegible]
مدیر و سرمحرر سراج الاخبار افغانیه

طبع و اهتمام الحاج عبدالخالق سرمهتمم چاپخانهٔ دار السلطنهٔ کابل
بقلم میرزا محمد جعفر قندهاری

نگران
ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی
علی احمد

قیمت سالیانه
در دارالسلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در ولایات داخلهٔ مملکت با اخراجات ڈاک ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت با اخراجات ڈاک نیم پوند انگریزی
قیمت نسخهٔ آن در کابل یکعباسی است

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

مدیر و سرمحرر
محمود طرزی

ادارخانه و مطبعه
در ماشین خانهٔ دارالسلطنهٔ کابل

همه امورات تحریریه به ادارهخانه
بنام مدیر فرستاده میشود

بهر پانزده روز یکبار نشر میشود

تاریخ عربی یکم شوال المکرم ۱۳۳۰ تاریخ انگریزی ۱۳ سپتمبر تاریخ شمسی ۲۱ سنبله ۱۲۹۱

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

تبریک

سراج الاخبار افغانیه عید سعید میامن پدید فطر را
برهمه برادران اسلام و قارئین کرام خود مبارکباد گفته
کسب فخر و شرف مینماید

فهرست مندرجات

تبریک — عید سعید فطر — ختام سال اول سراج الاخبار افغانیه — اعلان — استقبال انظار — مشترکین کرام را یادآوری — حوادث داخلیه — حوادث خارجیه — ناموران شان جوان — ثروت ملی — قاجهای پاریس

عید سعید فطر

هزاران حمد و ثنای لا یعد و لا یحصی نثار بارگاه حضرت واجب الوجود جل و علی باد که رمضان فیض رسان این سال فرخنده فال بکمال صحت و سرور و تمام فرحت و حبور مرور نموده عید سعید میامن پدید فطر شرف ورود ارزانی فرمود.

صد شکر برین آمد و صد حیف بران رفت

الحق که رمضان فیض رسان امسال فرخنده فال از چنان رمضانهائی بود که هر شب آن بصورت یک عید پر مسرت با فیض و برکتی مرور نمود. ده شب اول آن ده روز عید سعیدی ما شمرده می شد که جهان جهان عبادت، و عالم عالم فیض و برکت دران درج و مدرج شده بود. بر فرحت و مسرت انظار، و فرحت امیدواری لقای ذات اقدس آفریدگار یک فرحت و شوکت عظمت نثار دیگری نیز برای ما رعایای صادقهٔ افغانیه علاوه شده بود که آنهم دیدار سعادت آثار بادشاه دل آگاه نکوئی کردار مراحم شعار مقدس ما بود که با همه اهالی پای تخت سلطنت سنیهٔ خود یکجا افطار و یکجا بطاعت پروردگار خود عبودیت و بندگی اظهار فرمودند.

بسایهٔ دیانت پیرایهٔ اعلیحضرت امیر المسلمین و ظل رب العالمین اعلیحضرت (سراج الملة و الدین) ماه صیام مغفرت ترین بوفور عبادات و طاعات خالق یگانهٔ آسمان و زمین، و مسرتها و فرحتهای بسیاری از احکام شرع متین حضرت محمد الامین، صلوة الله علیه بملاء السموات و الارضین گذشت و عید سعید فطر آمد . مسلمانان را این روز مبارک یک نعمت بسیار بزرگیست . و یکی از روزهای مقدس اسلام شمرده میشود .

یک حدیث شریف حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم

از ابن مسعود رضی الله تعالی عنه روایت شده است که مضمون منیف آن بفارسی چنین است : « وقتیکه امت من در شهر رمضان صایم مانده در روز عید بنماز میرایند حضرت حق جل و علی ملائکهٔ کرام خود را خطاب نموده میفرماید : ای ملکهای من ! هر کار کننده که کار خود را بکند اجرت کار خود را میخواهد، بندگان من نیز که در شهر صیام روزه گرفته اند بنماز عید برآمده اند، اجر خود را میخواهند، شما شاهد باشید که من آنها را مغفرت کردم » .

این است که صوم صیام ، و نماز عید مغفرت انجام اینگونه سعادتها و نعمتهای غفران پیام را در بر دارد . علی الخصوص که این عبادات حضرت رب الانام با یک پادشاه با دین و بخشش اسلام و در یک مملکت آزاد و مستقل اسلام ، با بیست سی هزار نفوس اسلام ، در یک موضع و یک مقام به انجام و ختام آید .

قدر این نعمت را بدانیم . شکر الهی بجا آریم . همه یکدیگر خود را در آغوش کشیم . بمصافحه و معانقهٔ همدیگر شراره های جاذبه و دافع الکتریک محبت و یگانگی را بدلها و جگرهای یکدیگر خود [illegible] نمائیم . همه یکدل و یکزبان دوام آزادی وطن و استقلال خود ما را از درگاه ذات اقدس احکم الحاکمین جل و علی از صمیم دل نیاز کنیم . حال ممالک و برادران اسلامی خود ما را که از نعمت آزادی وطن و استقلال خود محروم اند در زیر نظر عبرت درآریم . بر حال و احوال خود هزاران ثنا بگوییم ، و دعای عمر و عافیت پادشاه مقدس آزاد خود ما را که قدر نعمتهای نعمت آزادی وطن را مانند یک پدر با شفقت بما نشان داده است ورد زبان صداقت نمائیم .

دین مقدسی که حضرت خلاق عالم ما را به آن حایز نعمای دو جهان فرموده به احکام مبین آن چنانچه بسی فواید و منافع اخروی را در بر دارد . هزاران نکته های پر سود و منفعت سیاسی و اجتماعی را نیز در خود مضمر دارد : مثلاً در روز پنج بار اهالی هر محله در جوامع و مساجد محله های خودشان اجتماع میکنند . خالق یگانهٔ خود را بجماعت میپرستند . ثوابهای عظیم آخرت را حاصل میکنند . در عین زمان این اجتماع نتیجهٔ الفت و محبت و اتحاد را بار میدهد که کلاً مقدمهٔ اخوت و اتحاد از آن حاصل میشود . در هفته یکبار اهالی چند چند محله در یکیک جامع بزرگ شهر جمع می آیند . نماز جمعه را بیک جماعت عظیمه ادا میکنند . یک خطیب بوعظ و نصیحت آنها را براه خیر و رهنمائی میکند . باین عمل با صواب جنتهای نعیم آخرت را مستحق میگردد . در عین زمان با یک مقیاس بزرگتری نتیجهٔ اتحاد و اخوت نتیجه پذیر میشود . در سال یکبار همهٔ اهالی شهر و قریه های متصل شهر در یک جامع بزرگ عیدگاه گرد می آیند . صدقهٔ فطر رمضان را بر فقرا هر کس ادا میکند یک دوگانه نماز خالق بیهمتا را در یک محشر عظیم اسلام بجماعت ادا میکنند ، خطیب خطبه میخواند . از موجودیت سلطنت و امارت با استقلال اسلامیه یک هیبت و شوکتی ملت را یاد آوری میکنند . مصافحه و معانقه ها اجرا میشود و طوپها فیر میشود . موزیکهای عسکری سازهای ملی از هر طرف نواخته میشود عساکر نظامی بدریشیهای بسیار با هیبت خودشان در جامع شریف بزرگ عیدگاه در اطراف آن صف بسته احترام میشود . ارباب مناصب ملکی و عسکری و اعیان و اشراف همگی با لباسهای تمام رسمی خودشان در جامع مذکور جمع میشوند . پادشاه اسلام ، و مؤید دین مبین حضرت خیر الانام با همه شوکت و احتشام تشریف می آورند . تهلیلها و تکبیرهای مسلمین رفیع بارگاه ذات اقدس رب العالمین میگردد . چه جوشش ، چه خروش ! چه هیبت ، چه عظمت !

ای ملت نجیبهٔ افغان ، و ای قوم غیور با ایمان ! ما اینها روزهای مقدس عید ، و آن چند روز مبارک رمضان را بنظر عادی و بیغوری نه بینیم ، و تنها عبارت از یک عادت رسمی ندانیم ، قدر و قیمت این نعمت عطای الهی را که با عطا فرموده است بشناسیم چرا که ما مالک آزادی وطن خود هستیم ، و یک ملت حاکمهٔ آزادی میباشیم ، همه حقوق دینیه ، مدنیه ، سیاسیهٔ ما از دولت آزاد پادشاه مقدس محبوب القلوب خیر اندیش ما در محافظهٔ آزادی و حاکمیت اسلامیهٔ ما بلانهایات همت عالی شانرا مصروف میفرماید و در دربار الهی برای آزادی ما دعا میکنند . چه نعمت ، چه سعادت ! چه مسرت ! چه بشارت !

یکبار بحال برادران دینی همسایگان شمالی و شرقی و جنوبی خود نظر کنیم : آنها در اجرای مراسم دینیهٔ خودشان چنانچه باید آزاد و خودمختار نمیباشند . مثلاً در ممالک روس خطیب امام مسلمانان نمیشود مگر که مجبور از زبان روسی را بدانند . قرآن میخوانند ، ولی آیات جهاد را

نمیتوانند. عسکر میشوند، ولی آنرا منافع غیر خود و سرکردها کار میکنند. ولی برای منافع غیر سعی میکنند. ولی آن منافع غیر از آن برادران ما آزادی وطن و حاکمیت خود را مالک نیستند. محکوم و اسیر دیگر قوم و دیگر ملت میباشند که بجنسیت، و نه بدین، و نه بزبان و نه باوطان به آنها هیچ مشابهت و مناسبتی نمیرسانند. چه فلاکت! چه مصیبت!

بناءً علیه ما هیچ یک لحظهٔ ای شکر نباید باشیم. زیرا ما را نعمت آزادی، و استقلال، و حاکمیت میسر است. اگر نماز بخوانیم بخطبهٔ اسم مبارک پادشاه اسلام خود را ادا بخوانیم. اگر عسکر میشویم برای منافع خود و وطن خود میشویم. اگر در سر کار از صبح تا بشام کار میکنیم برای منافع خود و وطن خود میکنیم. پس لازم است که چنانچه شکران و تقدیر این نعمت را بنمائیم بر محافظهٔ خاصهٔ این نعمت نیز بیدار، و هوشیار، و از غفلت و پندار بر کنار باشیم بر احکام قرآن عظیم الشان، و دین و ایمان خود ثابت گردیم. پادشاه، وطن ملت را یک چیز و یک وجود دانسته از جان خود زیاده تر آنها را دوست داریم، و خیلی مقدس شان شماریم. محبت و اتفاق را در دلها خود ما برای محافظهٔ وطن و دولت خود بکار بریم وثمرهای ترقی و تعالی و آزادی را برچینیم. از دل کار با تابع و تا آنجائیکه پادشاه، و ملت و وطن را متضرر کند اجتناب نمائیم. پادشاه ولی الامر مقدس ما بر دین، و ناموس، و شرف وسعادت، و ترقی و آزادی ما و وطن ما شهبال عاطفت و آغوش مرحمت پدرانهٔ ملوکانهٔ شاهانهٔ شانرا کشاده شب و روز درباب تهیه و تدارک اسباب حفاظت و حفاظت آن همت شاهانهٔ شانرا مصروف میفرمایند. ما نیز خود را مستعد و قابل آن لطف ومراحم ساخته در صرف همت و غیرت و سعی پیرو پادشاه ترقیخواه مقدس محبوب القلوب خود ما نزاع نمائیم. و درباب محافظهٔ وطن و آزادی ملت خود بمال و جان، و دل و وجدان کوشش ورزیم وبا یک بیخبرانه در چشمهای دشمنان خاک پاک مقدس وطن و آزادی خود ما که از هر طرف بهانهٔ اعمار دنیا، و وصول ادوین استیلا را بده و برو باتوجهای منافع مدنیهٔ خود شان نظر استیلا کارانه دوخته اند تیر آتشبار ندامت بخلانیم، و تیرهای آرزوهای شانرا بجگر خسران ذلت نشانیم.

بلی بلی، اگر ما به اعمار ما، و توشها خود را آراسته و پیراسته نمائیم بهانهٔ بهانه جویان و کلامهٔ آمال حریصان خود را بسنگ حرمان می شکنیم.

چون بعد از یک رمضان بسیار با فیض و احسان یک عید سعید نور افشان و درخشانی را نایل میسر او در شدیم از آرزو و ترغیب قدردیت نعمت و یاد آوری شکران نعمت: تبریک عید سعید فطر را بوسیلهٔ حسنهٔ آغاز کرده به اینچند سطر یک مقالهٔ ناچیزانهٔ (سراج الاخبار افغانیه) عرض جرات ورزید. باقی دعای خالی از ریای عمر و اقبال و شوکت و جلال اعلیحضرت پادشاه و مراحم خصال ترقی آمال معظم مقدس محبوب القلوب خود ما را درین روز فیروز عید سعید فطر که از بهترین ایام مقدس اسلامیت، و روز بازار عبودیت جناب شان تا بسلامتی ذات شوکت سمات رحمانهٔ ملوکانهٔ شان ملت و وطن ما بسی ترقیات و تعالی وسعادات و کامیابی قریر العین افتخار گردد. آمین.

از مراسم دربار این روز فیروز انشاء الله تعالی در نمبر آینده بحث خواهیم راند.

ختام سال اول

سراج الاخبار افغانیه

قلم عجز رقم (محمود طرزی) با صریر صداقت، و تقریر شکستگی صفت، و تحریر وجدانی پر صمیمیت بکمال فخر و مسرت تام شوق و صفوت از انجام یافتن سال اول روزنامهٔ گرامی (سراج الاخبار افغانیه) با این شمارهٔ نمبر بیست و چهارم خود اعلان مینماید.

وظیفه مقدس است. هر صاحب وظیفه که در بجا آوردن وظیفهٔ خود علی قدر الامکان موفق و کامیاب آید بهترین بهره‌ها و مسعودترین سعادتها برای آن صاحب وظیفه در جهان هست و بس.

وظیفه مقدس است. وظیفه تنخواه، و قرائت ادعیه هر صاحب وظیفه که وظیفهٔ خود را برای خود همان وظیفه اجرا نماید وظیفه شناس شمرده میشود. و چون بر دیگر اغراض مبنی گردد خارج وظیفه شناخته میشود.

وظیفهٔ مقدسهٔ قلم عجز رقم این احقر با خاک برابر خدمت عاجزانهٔ قطعهٔ وطن دیگر چه خواهد بود؟! این است که به پیرایهٔ حامی مقدس اعلم، و مربی محبوب القلوب مشفق و اکرم خود پادشاه با دانش و دین اعلیحضرت (سراج الملة و الدین) یک وظیفهٔ تحریریه یک ذخوده اعادت تحریریهٔ غیر تنها بسر خود بکمال موفقیت به انجام رسانید.

ذات اعلیحضرت پادشاه ترقیخواه و دیانت گستر معارف نشان آگاه معظم ما از هنگام جلوس میامن مانوس همایونی شاهانهٔ شان چنانچه اسباب بسی ترقیات مدنیه را تدارک فرموده اند جلوه گر شدن شاهد رعنای علم و عرفان را اینتر در مملکت شاهانهٔ شان آرزو فرموده و بسی موفقیتها و کامیابیها در این باب بروی کار آمده است. این عبد احقر با خاک برابر ازین آرزوی عرفان پروری پادشاهی استفاده نموده

در پانزدهم ماه مبارک رمضان پارسال اجازهٔ انتشار یک نامهٔ وطنی را عرض و استدعا نموده به استحصال اجازهٔ شاهانه موفق شدم. و تبرکاً باسم شوم نخستین نامهٔ گرامی (سراج الاخبار افغانیه) در ۱۵ شوال المکرم سنهٔ ۱۳۲۹ در معرض انتشار جلوه گر گردید.

مطبوعات ترجمان حسیات وطن است. زبان ملت است، جان و حیات است، اساس انسانیت است. تلگراف بی سیم و باسیم و تلفون برای آشناسائی اقوام و ملل را بیکدیگر و رسانیدن پیام و خبر، و مکالمه با نوع بشر هیچگاه با اخبار برابری کرده نمیتواند. با آن وسایط یک چند سوال با یکدو آدمی مکالمه ممکن و میسر میشود. ولی اخبار چنان یک گنجینهٔ اسرار است که بصحیفه‌ها سخن میگوید. اگر اخبار نباشد اخبارات تلگرافها و تلفونها را که بر عالم اشاعه خواهد کرد؟ ملتی که اخبار ندارد هر کس در حق او هر چیز گفته میتواند. و لی خود او نه در حق خود و نه در حق غیر هیچ چیزی گفته نمیتواند. غرض کارانی که اخبار دارند همه حسیات افکار خود را در باب وطن و ملتی که اخبار ندارند جنبی بر غرض خود بعالم نشر مینمایند. اخبار است که غرض کاری غرض کاران را ابیدان بروز داده دولت و ملت و وطن خود را واقف میکند. اخبار است که از احوال عمومی خارج ملک و ملت وطن را آگاهی میدهد و بر احوال داخل وطن مردمان خارج را خبر میدهد و دشمنان وطن را گریان و دوستانش را شادان مینماید. گاه از علم سخن میگوید گاه از فن، گاه از صنعت میگوید، گاه از احوال زمن! (سراج الاخبار افغانیه) نخستین اخباریست که در دولت جنت مقدسه ما در سرابستان عالم مطبوعات نایل نشئه و حیات گردیده است. اگرچه میشنویم که در زمان (امیر شیرعلیخان) مرحوم نیز یک اخباری نشر شده بود، ولی ما بدیدن یکی از نسخه‌های آن موفق نشده‌ایم. مقصد ما از نخستین بودن اخبار آنست که در وقت تجدد و تأسیس استقلال دولت افغانستان اولین اخباریست که نشر میشود.

افغانستان از آغاز تشکل خود سه دوره تجدد و تأسیس را دیده است: یکی آغاز تأسیس آنست که از طرف احمد شاه درانی بر وقوع آمده تا به انقراض یافتن دولت سدوزائی و استیلا کردن دولت انگلیز افغانستان را دوام نموده است. دوم دوره تجددیست که اعلیحضرت امیر کبیر جنت مکان (امیر دوست محمد خان) دولت محمدزائی را در افغانستان تأسیس و انگلیز را از طرد و اخراج نموده است که آنهم تا بدفعهٔ دوم استیلا نمودن انگلیزان افغانستان را دوام ورزیده است. سوم تأسیس دادن دولت ضیاپاشش اعلیحضرت خاقان جنت مکین (ضیاء الملة والدین) است که انگلیزان را اخراج و دفع کرده دولت علیهٔ خداداد را تأسیس و بنیاد نهاد که از درگاه ذات اقدس الهی جل و علا تا بقرنهای بیشمار پایه دار [illegible]

اینست که سراج الاخبار افغانیه نخستین اخباریست که بعد از تأسیس دولت قوی شوکت خداداد افغانستان و اکتساب ترقی وطن‌شان در عصر معارف حصر یک پادشاه عمیم الاحسان اعنی اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) ادام الله دولته الی انقراض الدوران نخستین بار بنا بر مقصد مقدس خدمت دولت و ملت و وطن در پای تخت سلطنت سنیه بمعرض انتشار جلوه گر آمده است. و این یک سال کامل است که بر نشریات خود بکمال موفقیت دوام میورزد.

با شمارهٔ ۱۲ سال گذشتهٔ خود یک رسالهٔ بعنوان (علم و اسلامیت) را هدیةً لقارئین گفته عرض و تقدیم نظرگاه مطالعین کرام ذوی الاحترام خود نموده وعده کرده بودیم که انشاء الله تعالی در هر شش ماه یکبار همچنین رساله‌ای که متعلق بابقاء و ارتقاء عالم اسلام باشد خدمتاً للدین بعرض خدمت و تقدیم خواهیم نمود. اینست که درینبار باز بر انجاز وعدهٔ خود موفق و کامیاب آمده بعنوان:

آیا چه باید کرد؟

یک رسالهٔ حقیرانه با این شمارهٔ ۲۴ م خود بعرض نظرگاه قارئین کرام خود میرسانیم. و این بخت را که از اثر تشویقات معارف پروری و تلطفات ترقی گستری اعلیحضرت شاهانهٔ شان که یک نظر خاص توجه همایونی را در بارهٔ این نامهٔ گرامی معطوف میفرمایند.

آیا برای (سراج الاخبار افغانیه) ازین بهتر شرف، و ازین برتر سعادت چه باشد که نخستین مشتری آن ذات ستوده صفات همایون اعلیحضرت سراج الملة والدین است!

و بعد از آن همه ذوات کرام، و معتبرین عظام وطن عزیز ما تا بمرتبهٔ که بعضی از صنف نظامی و دهقان درجه از صنف ملکی رسما به این نامهٔ گرامی

اشتراک ورزیده اند. وقیمت اشتراک آنرا راساً بر تنخواه خودشان حواله نموده اند که بدون تعب وتکلیف به اداره عاید میشود ولی بنظر بسیار تأسف می بینیم که از گروه اصناف وتجار وغیره هموطنان عزیز خود کمتر مشتری را نایل شده ایم واین نیست مگر از عدم استلذاذ لذایذ علم وعرفان. وکیا بی هوس کاران علم آوری احوال جهان. حال آنکه ما از هموطنان عزیز خود بیشتر ازین امید توجه را داشتیم وداریم. میرزا صائب اصفهانی میفرماید:

مستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد
غنچهٔ خاموش بلبل را بگفتار آورد

بلا هیچ شبهه نیست که رغبت قارئین، واستماع سامعین دو شهبال شوق وغیرت محررین ومؤلفین است که بواسطهٔ آن بر بسی معارج علوی پرواز کرده میتوانند مثلاً ما اگر از صنف تجار در وطن خود بیک دو مشتری نایل می شدیم البته که ازین مسایل نافعهٔ تجاریه نیز بحث میراندیم. وهمچنان اگر زمینداران توانگر خود را راغب ومستمع اخبار خود میدیدیم از بحث زراعت وحراثت نیز بعضی چیزهای پسندیده ومفیدی مینگاشتیم. مع مافیه تا وقتیکه جان در بدن، وقلم در کف داریم در بجا آوردن وظیفهٔ خود را که خدمت مقدسهٔ ملیهٔ وطن است. کوشش میورزیم. واین را هم وعده میکنیم که انشاء الله در اقرب اوقات مبادیهٔ توجهات عرفان آیات معرفت پروری اعلیحضرت شاهانه (سراج الاخبار افغانیه) با بسی آثار تجدد که از حالا کیفیت آنرا بیان نمیکنیم در بازار علم وعرفان جلوه گر گردد. این یک را نیز بطریق اعتذار نه غرور وافتخار عرض حضور اولوا الابصار کرده میگوئیم که مدت یک سال است که قلم عجز رقم (محمود طرزی) بجز امور تحریریهٔ این نامهٔ گرامی که از تصویر سر مقاله ها، واجمال سیاسیها، وترجمه حوادثهای عالم را از اخبارها، ومقالات تدافعیه ووطنیه، ومقاله های مخصوصه بمضامین غریبه، ومقالات علمیه وفنیه، وتألیفات بدیعه، وترجمهٔ بعضی سیاحات، وامور عسکریه، وصحیه، وترجمهٔ شرح دست ملل وفاجعه های پاریس، وتألیف نامهٔ وران زمان جهان، برسم آنکه یک غزل هفت بیتی پر معانی عرفان را جملهٔ در عهده گرفته بی یار ومعاون تنها یک چون پیکان آهن خارقهٔ وظیفه سر خودری را ابراز نموده است.

در عین زمان وظیفهٔ مدیریت خود را نیز عاجزانه اداره نموده است که امور تحریریهٔ یک اخبار شانزده صفحه ئی را تنها یک قلم بجا آوردن از کارهای آسانی شمرده نمیشود.

لهذا اگر قصور ونقصانی دران دیده شود عفو وسمح آنرا بنظر خطا پوشش ارباب کرم حواله نموده ودعای دوام عمر وعافیت حامی مقدس کرم ومربی محبوب القلوب معظم خود را (سراج الاخبار افغانیه) باینهٔ موجودیت خود از صمیم دل از درگاه ذات اقدس خلاق عظیم الصفات کائنات نیاز میکند. ومن الله التوفیق

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 342 of 1786

اِعلان

(سراج الاخبار افغانیه) بکمال مسرت و افتخار بمشترکین کرام خود اعلان می نماید که سال نخستین ما از نمبر یک تا به این نمبر ۲۴ دوازده ماه یک ساله خود را به انجام میرساند. لهذا هر کس که تجدید اشتراک خود را با اخبار پیش رضا آرزو دارند از حالا وجه قیمت سالیانهٔ آنرا در داخل مملکت تحویل خزانهٔ عامره کرده رسید خزانه را گرفته به اداره ارسال دارند تا بعد از وصول آن رسید اداره به آنها داده شده نامهای شان قید و ثبت دفتر اداره گردد، و از نمبر اول سال دوم بالخیر والعافیه بنام شان اخبار جاری شود. و در خارج مملکت وجه قیمت سالیانهٔ آنرا بوکلای ما که در خارج هستند تسلیم بنمایند.

وکیل ما در پشاور جناب میرزا غلام حیدر خان سررشته دار داکخانهٔ دولت علیهٔ خداداد افغانستان میباشد.

نسخه هاے سابقه سال اول اخبار افغانیه چون در اداره کم مانده از آنرو بعد ازین اگر کسی از نسخه های سابقه طلب کند بدون قیمتی که اداره برای آن تعیین میکند داده نمیشود.

ذوات کرامے که تمام نسخه هاے سال یکم سراج الاخبار افغانیه را با جلد اعلے بطرز کتاب ارزو داشته باشند مبلغ — ۲۵ — روپیه کابلے تحویل خزانه نموده و سند آن را به اداره آورده کتاب سراج الاخبار افغانیه را با دو جلد کتابچه هدیه آن میگیرند در اطراف داخل مملکت و خارج مملکت اجرت داک بر قیمت کتاب افزوده میشود.

استجلاب انظار

بسیاری از مشترکین کرام دار السلطنه از نرسیدن اخبار با وقت و زمان معینش شکایت میکنند . لهذا جلب نظر دقت جناب نگران صاحب را بسوی سررشتهٔ موزعین یعنی تقسیم کنندگان اخبار رجا میکنیم

حوادث داخلیه

مراسم شب جشن ختم قرآن عظیم الشان

در نمرهٔ سابقهٔ خود وعده کرده بودیم که از کیفیت مراسم جشن شب ختم شریف در شمارهٔ آیندهٔ خود بعرض معلومات می پردازیم . ما این کیفیت سراسر سعادت را برای همشهریهای عزیز خود می نگاریم . زیرا هیچ یکی از برادران همشهری ما نخواهد بود که به این مراسم پر مکارم ختم مقدس اشتراک نورزیده باشند . اما برادران ولایات بعیدهٔ ما که بشرف اشتراک آن بنابر معذورت بعد مکان شاد نشده باشند البته که از (سراج الاخبار افغانیه) تفصیلات آن شب پر سعادت را آرزو خواهند کرد این است که در تصویر آن شب فیوضات تخمیر به اینصورت خامه‌کش تحریر میشویم :

در توضیح تعریف و توصیف احاطهٔ چمن حضوری که برای ضیافت سنیهٔ پادشاهی از بهر ختم قرآن عظیم الشان ذات اقدس خالق کون و مکان تخصیص شده بود در شمارهٔ سابقهٔ خود تا یک درجه معلومات عرض کرده بودیم . این است که در وقت شام روز جمعه دهم شهر رمضان المبارک در احاطهٔ

مشترکین کرام را یاد آوری

هر یکی از مشترکین کرام که از نمرهٔ اول نشان ثبت سالیانهٔ اخبار درج شده باشد اگر اخبار ایشان نرسیده باشد و یا اگر بعضی نسخه‌های ایشان ضایع شده باشد بیک رقعه خود را از وقوع کیفیت به این مدیر عاجز خبر بدهند تا در اسباب تحقیقات اجراآت در خصوص متضرر شدن مشترکین کرام خود عرض خدمت نماید . هر گاه نسخه‌های اخبار از پیش خود شان ضایع شده باشد و آرزوی خریداری آنرا داشته باشند بقیمت معینی که از برای آن خاص میشود خریده میتوانند و اگر از طرف مأمورین تقسیم کنندهٔ اخبار که از طرف جناب نگران صاحب مقرر میباشند به اخبار ضرر رسیده باشد البته بعد از تحقیق و اثبات آن نسخه از اداره به آنها تاوان داده خواهد شد .

چمن مذکور چمن و اطراف آن در عید این جای خوشنما شان بهزاران اعیان مسلمان از رعایای صادق پادشاه ذی من و احسان اسلامیان جمع آمده بودند تو گوئی چمن صفا پیرا یک منظرهٔ پر بهجت و شوکتی را نشان میداد

بعد از ادای صلوة مغرب در یک مقیاس بسیار واسعی اطعام طعام خوان نعمت پادشاه کثیر الانعام به مدعوین کرام و رعایا و برایا و فقرا و مساکین بنده نوازانه مصروف گردید . بعد از طعام مردمان در جامع شریف جمع آوری آغاز نهادند . صفها آراسته شده با یک خشوع خیره‌بخش عقول نماز تراویح حضرت رسول برحق مقبول ادا و جزو آخرین قرآن عظیم الشان ذات اقدس خالق کون و مکان که باقی مانده بود قرائت شده ختم شریف مصحف قدیم منیف به انجام آمد .

امامت و قرائت این ختم شریف را جناب حافظ محمد حسن خان که بشرف امامت حضور اعلیحضرت همایونی سرفراز میباشند ادا نمودند . الحق که در جیادت قرائت و صحت قرائت حافظ بینظیری میباشند . بعد از انجام ختم شریف موکب اعلیحضرت همایونی

بازبه اعاظم جشن صفا این تشریف سعادت ردیف همایونی را ازنو فرموده همه اعیان وارکان را بحضور همایونی قبول فرمودند، و شیرینی ختم شریف ودستمال های حریر بر حاضرین تقسیم گردید برای تماشای آتشبازی که درجهت جنوبی چمن در باغچه بسیار گذاشته شده بود تشریف بردند .

انواع آتشبازیها بدیعه وغریبه که تا حال دیده وشنیده نه بود افروخته گردید . فشنگهای هوائی انوار الوان سبعه علوی سماوی را بنابر تحسین سعادت تماشای این شب فیوضات موجب در پیش انظار ساکنان عالم ارضی بر زمین افشاندند ! انوار نگارنگ شعله های جوالات وفواره ونادیده ها جسته وکمان راهی درخشید . اکثر اهالی شهر واطراف نزدیک شهر برای این تماشا وشب مسرت افزا درهمین نقطه شهر جمع آمده بودند . درهمه دلها جان جان فرحت شادی ودرهمه جبهه ها عالم عالم سرور گشاده وپیشانی همی تابید ارواح لطیفهٔ عالم علوی نیز این سعادت ملت نجیبهٔ افغانی را تقدیس می نمود .

آیا بهتر وخوشتر ازین سعادت عالیتر وبرتر ازین مسرت چه باشد که بادشاه دیانت التقاء معظم مسلمانان قطعهٔ پاک افغانستان، با ملت نجیبه صادق، با شجاعت دلیران افغان در وطن آزاد وصفاناک افغانستان برخوان یک طاعت ذات اقدس خلاق کون ومکان ، وچنان یک ضیافت پر فیض واحسان موفق وکامیاب می آیند که صفحهٔ تاریخ قدیمه وجدیده امثال آنرا نادر بخاطر می آورد . یک پادشاه با بیست سی هزار نفر از رعایای خود بعبادت رب عظیم الشان خود اشتراک ورزیدن ، وبیست سی هزار افراد رعایای خود را طعام دادن از چیزهائی نیست که هر وقت شنیده ویا دیده شده باشد !

نظارت وسرپرستی ونگرانی این مراسم جشن پرمسرت همه بنگرانی جناب (علی احمد خان) ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی محول بود که حقیقتاً درباب سررشته ها وانتظامات اطعام طعام معززین وفقرا ورعایا ودولتیان وخاطر نوازی آنها بر وفق رضای معالی اقتضای همایونی بکمال سعی وکوشش صرف همت نموده اند . از قراریکه رپورتی که از دفتر شان الیه باداره رسیده است کیفیت تعداد نفری که از رعایا وعساکر وفقرا ومساکین اطعام شده ودر ختم شریف اشتراک ورزیده اند بقرار ذیل است :

عینا مکتوب

عالیجاه ومجدت همراه محمود بیگ خان مدیر ومحرر سراج الاخبار

بحفظ الهی باشد چون شما تعداد نفری که در شب ختم تراویح جهت افطاری حاضر شده اند از اینجانب درخواست نموده اید بنا بران تحریر شد که موازی چهار هزار ویکصد وشصت وکسور آدم هر شب از لیل ۱ رمضان المبارک الی لیل ۱۰ ماه موصوف نان افطاری بر ایشان داده می شد واین نفری چهار تفریق بود یک حصه نفری مجلس خاص حضور انور وحصه دوم نفری درجه اول شهری مثل تجاران وکلان شوندهها ومعتبرین بودند نفری درجه دوم شهری مثل کاسب وغیره بودند ونفری درجه سوم فقرای نظامی مقیم دارالسلطنه بودند وبعضی از نفری مساکین وغربای شهری که از برای نفری مذکور از همه گونه لوازمات وماکولات ومشروبات میسر وموجود ومعین بود ودر شب ختم تراویح لیل دهم ماه مذکور آتش بازیهای عجیب وغریب ساخت خود دارالسلطنه روشن شد وبعد از ختم تراویح از برای ورفع وشریف وجمیع نفری وخدام حضور گاه مذکور وعلاوه ازین معتبرین شهری ختم تراویح تخمین شد اینکه تا از تراویح ختم شده از قرار شمار موازی چهار هزار وشش صد وهفده نفر در مسجد موصوف حاضر بودند کل نفری ومعتبرین ورعایای سکنهٔ شهر کابل یک قطعه عریضه شکریه ودعاگوئی بحضور مبارک تقدیم نمودند که اصل عریضه مذکور عیناً برای شما فرستاده شد که در اخبار نمبر ۲۴ عریضه مذکور را عیناً مع تعداد نفری ادرج روزنامه مبارک سراج الاخبار بدارید فقط تحریر ۲۰ ماه رمضان المبارک ۱۳۳۱

[علی احمد]

صورت عریضهٔ تشکریه اهالی

اعلیحضرت صاحب لعداتنا فدات شوم

عرض اخبار ما حاضرین بحضور مبارک اعلیحضرت سراج الملة والدین بحوریست که ما غلامان وجان سپاران دین ودولت اسلام سرشار فشت شادمانی گردیده وسرهای برینه دعاگوی تقویت دین حضرت سید المرسلین صلعم وسلامتی وجود مسعود حارس ونگهبان دلسوز وغمخوار دولت وملت را از درگاه حضرت خداوند جل شانه مسئلت نموده بهزار هزار زبان شکرگذار حضرت پروردگار خود میباشیم که درین اوان سعادت اقتران شبستان آمال ما از شکوه مراحم شهر یاری یک جهان روشنی روشن است وبهارستان حال ما از نسیم مکارم خلق حضرت یک عالم خوشی گلشن اینکه اعلیحضرت همایونی از کمال مهربانی درین دوه روز سعادت اندوز داخل ماه مبارک رمضان ما غلامان را در جمن حضوری بحضور مبارک مشرف ساخته وبوقت افطاری برخوان خواص پادشاهی که آماده صد اقسام انعام بوده است صلای عام داده بعد لذت اندوزی افطار بختم کلام ملک العلام پرداخته وا شب [illegible] شب دهم ماه موصوف که ختم کلام مجید شده وبجهت صرف تماشای ما خدام دولت

دولت اسلام یک جشن مکلّف آتش بازی را برای مسرت افزائی ما حاضرین مهربانی فرموده اند .

از دست و زبان که بر آید
کز عهدهٔ شکرش بدر آید

امروز در ربع مسکون هیچ قوم و رعیت را برابر خود ما مشکور و ممنون نمیدانیم و میدانیم که درین عصر سعادت حصر هر روز ما عید و هر شب ما برات سعید است — درین ایام که بحضور مبارک اعلیحضرت خود حاضر و هم کلام شده ایم و از التفاتات کریمهٔ عادلانهٔ جناب مستطاب ایشیک آقاسی صاحب ملکی ما را بر کاتهٔ در تهیهٔ لحمه و اشربه و سر رشتهٔ جشن امسال بهزاران نفری شاد و بهره مند نموده ایم جای بسا تشکر و تفخر برای ما افغانان و سایر مسلمانان خواهد بود اگر ازین طریقهٔ مهربانانهٔ اعلیحضرت همایونی و ختم کلام زبانی دیگر برادران دینی ما افغان هم که در غم و شادی ما یکجا بهم و همقدم اند باطلاع آن از حضور مسرور و مشکور فرموده شوند موجب ازدیاد دعاگوئی کافهٔ اسلامیان بنسبت استدامهٔ بقا و ارتقای وجود مسعود اعلیحضرت والا و باقی خانوادهٔ جلیل الشان شاهی خواهد بود — زیاده تائیدات ربانی را در قیام دولت و سلطنت اسلامی و سلامتی وجود بادشاه ذیشوکت اعلیحضرت فضل سبحانی خواسته دعا داریم فقط تحریر بتاریخ ۱۰ لیل رمضان المبارک سنه ۱۳۳۰

(امضا)

محمد شریف　حاجی میرزا عبدالعزیز　کلانتر حاجی محمد　کلانتر میراکا　عبدالله　فیض محمد

کلانتر محمد اعظم　کلانتر محمد سرور　کلانتر عبدالحکیم　کلانتر محمد عمر　حاجی سکندر　سید عطا محمد محتسب　کلانتر گل محمد

محمد عزیز　عبدالله　کلانتر غلام صدیق　سلطان محمد　کلانتر خواجه محمد　کلانتر محمد ایوب　کلانتر محمد یوسف

تیمور　کلانتر عبدالله　کلانتر محمد سرور　کلانتر امام الدین　کلانتر شمس الدین　کلانتر شاه جهان　غلام حسن

کلانتر جلال الدین　کلانتر فقیر احمد　کلانتر حبیب الله　کلانتر نور محمد　کلانتر داد محمد　کلانتر غلام محمد

کلانتر بهاءالدین　کلانتر نصیر　کلانتر محمد حبیب　کلانتر احمد خان　غلام بهاءالدین　کلانتر محمد کریم

کلانتر خواجه نظام الدین　کلانتر عبدالکریم　کلانتر ابوالفیض　کلانتر عبدالرزاق　کلانتر جلال الدین

کلانتر تاج محمد　کلانتر صفدر علی　کلانتر محمد نبی　کلانتر درویش محمد

* * *

ازین حساب معلوم میشود که درین ضیافت حضور همایونی در دو شب اول ماه رمضان (۳۱۶۰۰) نفر از افراد رعایا اطعام فرموده شده است که چنین یک ضیافت بزرگ بادشاهانه تا حال در تاریخ افغانستان بنظر نرسیده.

صورت نطق نفری عسکر خورد سال از بلوک جدید الاسلام

در نمبر سابقهٔ خود از تماشای غیرت افزای جشن ایشیک که مبنی بر اظهار (دارالقضا) از طرف عساکر حضرت ... ترتیب یافته بود تفصیلات عرض نموده بودیم ۰۰ و از نطق یک نفری خورد سال نیز اظهار کرده بودیم . چون در آن وقت نقل صورت آن نطق را بدست آورده نتوانسته بودیم درج نشده بود . نطق مذکور چون ترجمان حسیات آمال جمیع بچگکهای خورد سال جدید الاسلام شمرده میشد خیلی موثر بود صورت نقل بعد صورت آن را از ایشیک آقاسی صاحب نظامی حضور اعلیحضرت همایونی جناب (محمد سلیمان خان) طلب نموده اینست که درین شمارهٔ خود درج و نشر آن را زینت صحایف میدانیم :

نفری مذکور که تقریباً بقدر ده ساله عمر داشت بیک صورت مردانهٔ عسکریه از صنف خود جدا شده بقدمهای ثابت و استوار در حضور قواندان مقدس اعظم سرافسر کل و دوهای عساکر ظفر منظر دولت علیهٔ افغانستان پر شوکت و حشمت بادشاه بزرگ مراحم آئین (اعلیحضرت سراج الملة والدین) پیش آمده و در مواجه شاهانه توقف نموده این نطق آتی را فصیحانه و دلیرانه عرض نمود :

نطق

قدوم پر سود این کمترین غلامان اعلیحضرت شهریاری که از ده ولایت پیشاوه داده بهدایت رسیده و کلاه فخر بکیوان می سائیم که از توجه مربیانهٔ آقای خود در جمیع خدمتگاران این دین و دولت اسلام حساب گردیده و بحضور چنین پادشاه و پدر تربیت نمودهٔ خود درین زمان مسعود که برای ملاحظهٔ کارهای برادران نظامی ما تشریف فرما شده اند حاضر میباشیم و این غلام کمینه که خوردترین برادران خود میباشم از طرف همهٔ آنها بهزاران عجز بوقف عرض میرسانم که غلامان شکریهٔ این نعمت عظمی را بهیچ زبان بیان کرده نمیتوانیم که اعلیحضرت مولا و پدر مهربان ما خاکساران را از حضیض مسکنت باوج عزت رسانیده و ساعی میباشند که بکمالات علوم دینی و فنون دنیوی بهره یاب و فیض اندوز شویم . علی الخصوص درین اوقات که توجه شاهانه و ارادهٔ سنیهٔ اعلیحضرت جهت سررشته و انتظام و بهبود و غمخواری تبعیان رعایای صادق شاهانهٔ شان بدرجهٔ کمال مبذول و مصروف است پس بر جمیع اهالی مسلمانان وطن عزیز ما فرض عین است که در ادای صلوة خمسه دعای ازدیاد عمر بادشاه خود و ترقی دولت و سلطنت خود را نموده جانهای خود را بسیار شوق نثار راه چنین پدر مهربان بنمائیم و خداوند تعالی ما را توفیق خدمت و صداقت بدهد آمین یا رب العالمین

حوادث خارجیه

اجمال سیاسی

راه آهن ریل - و - افغانستان

چندیست که صحایف اخبارهای عالم عموماً و جراید انگلیزیه از اتصال راه آهن اروپا و آسیا یعنی چسپانیدن هندوستان از راه خشکه به لندن حرفها میرانند و نقشه ها میکشند، و افکارها بیان میکنند. چه تشبث عظیم، چه اقدام نافع!..

ازین بهتر چه! علی الخصوص برای کسانیکه مرض دوار بحر یعنی سرچرخی را داشته باشند و از آن سبب از دیدن لندن محروم مانده باشند! اگرچه خود ما مرض سرچرخی را نداریم ولی باز هم برای سیاحت لندن ریل را بر اپور مرجح تر می پنداریم. چونکه مردم بری هستیم نه بحری!

اما اگر این خط راه آهن بر یک پل عظیمهٔ معلقه که یک پایهٔ آن بر دماغهٔ بمبئی و دیگر پایهٔ آن بر دماغهٔ امید افریقای جنوبی و دیگر پایهٔ آن در لیورپول بریطانیا میبود، و از آن راه هندستان با لندن بواسطهٔ ریل اتصال مییافت بیشتر خوشنود می شدیم، زیرا هم بحر را تماشا میکردیم و هم بزودی به لندن میرسیدیم. آیا در پیش این منفعت چه دریاها و بهانه گیریهای انتشار آن مرفقیها اینگونه راه های آهن معلق چه بعد و دوری دارد!.... قاح! قاح! قاح!...

باز هم اگر نقشهٔ آن خط راه آهن از کراچی بر کنار خلیج بصره بر ریل بغداد اتصال مییافت چیزی گفتگوئی نداشتیم. و از کابل بواسطهٔ موتر یک روز خود را بر ریل پشاور رسانیده — سر راست تکت لندن را میگرفتیم. ولی چون نقشه و پلان آن خط را بعضی غرضکارانی که غیر از مقصد اتصال دادن آسیا را به اروپا دیگر مقاصد خائنانهٔ استیلاکارانه — می پرورانند از راه پشنگ، و قندهار، و هرات، و مشهد و طهران انتخاب کرده اند مسئله را یکرنگ وحشتناک دیگری می بخشد که آرزوی سیاحت لندن را برما زهر قاتل میسازد. زیرا مسئله بحیات و ممات وطن مقدس ما تعلق میگیرد و موجودیت ملیت ما را در زیر تهدید می آورد.

ما چون یک اخبار والای افغان هستیم. و اخبار ما نیز اخبار افغانستان میباشد، وجیبهٔ عرفانی و ادای خدمت متبوع مقدس خود در دفاع وطنیه از دادن تصویر افکار نمیتوانیم، در این باب از بیان افکار عاجزانهٔ خود صرف نظر کرده نتوانستیم. فقط یک چیزیست که در زیر انظار رسیده باید. هر کس از فکر خود شخصاً مسئول است بدیگر افکار جهت تعلق ندارد، سخن یک اخبار والا هیچگاه دست آویز سخن دولتی شمرده نمیشود بلکه منحصر در اوراق خود او بنابر عبارت از افکار عمومی نوشته میشود؛

ریل و افغانستان

« فواید ریل »

منافع و فوایدیکه ریلها در عالم انسانیت بر روی کار آورده هیچکس آنرا انکار کرده نمیتواند. از همه صرف نظر، یکبار ریل و مسافران را در زیر نظر دقت در آریم: یک مسافر رهروی که از کابل میخواهد به هرات برود و بشرطیکه هر روزه قطع منازل کند در مدت سی و پنج روز با هزار مشقتها، و زحمتها، و بیداریها و دستگیریها، و ناآرامیها به منزل مقصود میرسد، و چون بشهر درآید مردمان شهری از شکل و قیافت آن رم میکنند. سر و رو مستغرق گرد و غبار، رنگ از تابش آفتاب مانند مس، حیوانی که بران سوار است مانند عنکبوت.

حالا سفر یک روی را با ریل تصور کنیم: بساعت هفت شام بعد از هوا خوری خود یک بالاپوشی که بر ساعد انداخته، و یک بکسی که بدست دارد از خانهٔ خود برای یکهفته وداع کرده، و در یک عرابه نشسته به استیشن — یعنی ایستگاه ریل می آید، از عرابه فرو آمده و در یک بنای خوشنمای بسیار روشنی پر جوش و خروشی میدرآید، تکت قطار درجهٔ دوم یعنی سکنڈ کلاس را گرفته در یک خانهٔ آراسته و پیراسته که همه اسباب استراحت را مالک است داخل میشود یک پاره و طور یک فرو آورده و بر یکی از آرام چوکیها نشسته قطار ریل بحرکت می آید. وقتیکه خواهش بیاید خواب گهوارهٔ آن صاحب بسیار براحتی میکند، وقتیکه وضو گرفتن و سر و دست شستن لازم باشد در دو تاق تواليت در آمده بکمال آزادی و آسوده حاجت خود را ایفا میکند. و در هر وقت طعام قطار ریل در یک استیشن طعامخانه داری بقدر نیم ساعت توقف نموده رهروان در طعامخانهٔ استیشن هم با بسیار آزادی و استراحت طعام میخورند. والحاصل قطار ریل آتشین نفس باینصورت در ظرف دو سه روز مسافران ریل نشین و رهروان غربت گزین خود را بسیار آسوده گی و آرامی چنانچه انسان برای یک هواخوری برآید، از کابل به هرات میرساند. هم بشرطیکه بسیار لطیف و ملطف میرساند. هم در هر لحظه و هر دقیقه، و هر ساعت مناظر بدیعه و عجیبه و غریبهٔ اطراف و اکناف، و بلاد و امصار را مانند یک پنوراما بنظر جلوه داده میگذرد. صحراها، کوهها، دشتها، وادیها، نشیبها، و فرازها را چون برق خاطف گذشته میرساند.

حالا از نقطه نظر زراعت و تجارت، و صنایع منافع و فواید ریل را در زیر نظر خود تدقیق در آریم: مثلاً دولت علیهٔ خداداد افغانستان چنانچه اراضی های آن مملکت است که طبیعت و فطرت خاک آن خیلی مخصوصاً صالح الزراعت است. همچنان اراضیهای کوهستانی را صاحب است که طبیعت و وضعیت اراضی آن استعداد و قابلیت زراعت را ندارد، و چون یک سالی لا سمح الله کم بارشی دران بوقوع آید قحط و غلا پدید ار گشته اهالی آن بقوت مرض تلف میگردند. پس اگر ریل باشد در اندک مدتی ارزاق غلهٔ وافری از ملک حاصل خیز بجانب کم حاصل آورده [illegible] و فی شکر و نارنج، و میوهٔ جلال آباد را بکمال سرعت بقندهار رسانیده و یک مبادلهٔ عظیمه جریان میگیرد. میوه های خشک قندهار را مانند کشمش و بادام و خوش، و انجیر وغیره هرگاه در میان قطی های خوشنمای رنگینی بخوبی وضع و چیده شود و بواسطهٔ ریل بخارج کشیده شود البته از پر کردن در جوالها و پشتی ها بر پشت شتر بردن بیشتر فایده و قیمت حاصل خواهد کرد.

حالا یکقدری از نقطه نظر عسکری بسوی فواید ریل نظر کنیم: فواید ریل در محاربهٔ اخیر جرمن و فرانس بدرجهٔ بداهت آشکارا و هویدا گردید. زیرا یکهفته بعد از اعلان حرب جرمن بقدر ششصد لک عسکر خود را بسبب نظم و ترتیب و نظام و انتظام مکمل ریلهای خود در ظرف پانزده روز تقاسه (محاذات سوق الجیش) کامل ساخته از سرحد تجاوز کردند. حالانکه فرانسویان بسبب بی انتظامی ریلهای شان در ظرف این مدت تنها دو صد هزار عسکر را بمقابله حاضر کرده توانستند که باین سبب مغلوبیت شان نتیجه پذیر گردید. دیگر بلاهای بی ترتیبی در محاربهٔ روس و عثمانی نیز بکمال دهشت بصورت بسیار فجیعی بمیدان تجربه برآمد. در حالیکه روسها بواسطهٔ ریل بقدار دو لک لشکر خود را از سرحد تجاوز داده بودند دولت عثمانیه بغیر از یک نقدر عسکری که در سرحد و نواحی آن داشت بسبب عدم واسطهٔ نقلیه هیچ عسکر رسانیده نتوانسته مغلوب شدند. بجانب مغلوبیت روسها در محاربهٔ ژاپان باز چون نیک نظر شود ریل است. و این مثل ملکهاییکه ریل از آن میگذرد روز بروز معمور میشوند. اهالی شان کسب توانگری میکنند. نفوس شان بیشتری میگیرد. اگر ریل نباشد مملکت خراب، اهالی فقیر، نفوس کم میشود. بلی اینها هم مسلم همه درست هم صحیح. اما یک مثل مشهور است که میگویند:

«کاردار اگر طلا شود کسی در مشکل خود نمیزند»

مضرت های ریل

«هیچ ریل مطلقی مضرتش نیز بگوئی» وقتاً این را بگوییم که یکی از حقوق مهمهٔ حکمرانی این است که هیچ دولت بکارهای حکمرانی دیگر دولت حق مداخله کردن ندارد. مثلاً دولت افغانستان بهیچگاه حق این را ندارد که بدولت متفق همسایهٔ خود بگوید که من چون یک بحری و دریائی ندارم که از انجا بخارج نظر کنم لهذا میخواهم که یک راه آهن ریلی از راه کرم سپیر و بلوچستان بر سپیچ و مکران بکنار بحر عمان تمدید نمایم و در آنجا یک بندرگاهی بدست آورده تا از نفوذ و داد و ستد و اختلاط و معاشرت عالم استفاده کنم. کذالک دولت متفق همسایهٔ او نیز حق این را ندارد که بگوید من چون خواهش دارم که هندستان را به یوروپ مربوط نمایم از آخر راه آهن خود از راه قندهار و هرات بر مشهد تمدید مینمایم. و اگر اینگونه تکلیف از طرفین بوقوع آید معلوم میشود که حقوق حاکمیت و حکمرانی یکدیگر شان تجاوز میکنند که آنهم حق مقابله بالمثل یعنی نشناختن حقوق حکمرانی همدیگر شان را نتیجه میبخشد. هرگاه بالفرض التقدیر چنین تکلیفی را افغانستان بوقوع آید حقوقی که بر یک حکومت حاجب ترتب میکند بانهدام مواجه میشود. زیرا بانهدام دولت روسیه نیز اگر بگوید که من از (کلیف) بر راه کابل تا پیشاور یک خط راه آهنی تمدید میکنم کسی منع کرده نمیتواند. چونکه از قواعد حقوق دول است که از امتیازیکه بیکدولتی داده شود دیگر دولت نیز حق استفاده را دارد. درعین زمان دیگر حقوق نیز پامال میگردد. مثلاً افغانستان این حق را نیز مالک میشود که با دیگر خارن سفیرهای دول اجنبیه مخابرات و معاملات سیاسیهٔ خود را باز کند. زیرا این شرط به این مشروط است که دولت بهیهٔ بریطانیه بامور داخلی افغانستان مداخلت نکند. و چون یکبار مانند ریل یکقدم مداخلت را بنهد همه شرایط و عهود دیگر برهم میخورند.

یکی از دانشمندان انگلستان که (هربرت سپنسر) نام دارد و یکی از دانشمندان ژاپان که بارون (کانکو) نام دارد نصیحت نامه نگاشته است و در یکی از فقرات آن نصیحت نامه بیان کرده که امتیاز راه آهن و یا دیگر امتیازات را غیر از تبعه و رعایای خود بدیگر بیگانگان دادن و سپردن خیلی خطرناک است علی الخصوص بدولتهائیکه قوی تر باشند. و در خصوص دول عثمانیه، و ایران، و چین، و مراکو، و زنجبار و [illegible] عبرتیست که بسبب این حق امتیازات بدول اجنبیه چها و چه ضررها و چه خسارتها در حق خودها دیدند.

این نصیحت سیاسی فاضل انگلیسی را که یک قدم بقدم پیروی کرده میتوانند بجز دولت علیهٔ افغانستان است. زیرا این نصیحت را

حال و استقبال طبیعت و مزاج افغانستان موافق و مطابق است. دولت متفق ما اگر ازین طبیعت و فطرت جبلی و خلقتی افغانستان استفاده کند هیچ شبهه نیست که زیاده تر منفعت خواهد دید. و اگر خود بخود برینگونه تکلیف تشبث و اقدام ورزد و صرف نظر از ضررها و خسارتهای افغانستان خود دولت تکلیف کنند و نیز ضررها کلی خواهند دید که مهمترین آن ضررها رفع شدن حجاب و حاجبی و در زیر تهلکه ماندن هندوستان است بهاجمات و التجاآت اجنبی. دیگر اینکه تا دولت دوست متفق ما — که در ان وقت دوست متفق ما نخواهد بود — برین تشبث و اقدام خود موفق و کامیاب بیاید بلیونها از سرخ و هزارها نفوس تلف خواهد شد. که میداند که درین اثنا رقیب مترصد فرصت منتظرش پیشتر و بیشتر ازو کامیاب و مستفید نشود!

افغانستان را دولت حاجب در ما بین دولتین انگلیس و روس قرار داده اند. اتفاق و عهد و پیمان دولت فخیمهٔ انگلیس با دولت علیهٔ افغانستان همانا مبنی بر دفع مهاجمات روس است از هندوستان. درین هیچ شبهه نیست که دولت افغانستان ایفای این وظیفه را بما امکن رعایت میکند ولی ازهمه اقدم حاجب محافظه و مراقب منافع مادیه و معنویهٔ خود و بقا شدن موجودیت و حقوق حاکمیت و استقلال خود را اهمتر میشمارد. حال آنکه کشیدن راه آهن دولت انگلیس از راه قندهار و سیستان و هرات تا بمشهد و طهران و ولایات جنوبیهٔ سلطنت سنیهٔ افغانستان را دفعةً از مرکز دار السلطنه جدا ساخته جسم نازنین وطن مقدس ما را پاره پاره میکند که این پاره کردن با سینهٔ شکافی و ابدان ریلی را از کلیف بر راه کابل پیشاور و اتصال با یک رنگ و رو، و یک نوع آثم، و یک شکل ملوکیت جسم وطن تجزیه میشود. — یعنی تقسیم و تجزیهٔ ملک را باری آورد که معنی حقیقی آن محو و انقراض است. البته که افغانستان برای خود اینگونه احوال وحشت اشتمال را انتحار قطعیا قرار خواهد داد و تا چنین یک جسم متین آهنین چون کوه سنگین از عالم هستی و موجودیت خود برآید بسیار بسیار از خود بیشتر خواهد کرد و بعد ازان اسد کو ما... پس ببینیم که در آنوقت هندوستان خود را از دست حریف پر زور خود چه سان نگاه خواهد داشت؟

ضروری بودن ریل در افغانستان

در دنیا هیچ چیزی نیست که جامع الحسنات باشد. یعنی همه خوبیها را در بر داشته باشد و سراسر منفعت بوده و هیچ مضرتی در وی نشود. هر چیز هم قرب مضرت و هم جهت منفعت را دارد. چون از نفع و ضرر ریل تا یک حد بیان کردیم حالا لازم آمد که یک قدری از ضرورت و لزوم آن نیز بحث برانیم:

چون ریل مدنیت حاضره از وسائل مهمترین دولتها و اسباب یگانهٔ ترقی و توانگری و آبادی ملکها و ملتها یافت ازانرو خطهای آهن ریلها، اگر عروق حیاتیهٔ جسم یک دولت بگوییم سزا است. و اگر شرائین ذاتیهٔ وجود یک مملکت بخوانیم رواست. مملکت بی ریل مانند جسد بی نبض است که همه اعضای آن مشلول است. لهذا آنچه به راههای آهن ریل در مملکت افغانستان ضرور است. امروزه روز به حرکات تعرضیهٔ عسکریه این نظام جدید موجود و هیچ دقیقی فروگذاشته نمیتوانند. حتی استحکامات فولادی (پولادی) که بصرف شدن بلیونها روپیه بوجود آمده بود نزد بهاجمهٔ توپهای نظامی تا ایشان پایه داری نتوانست.

ریل و وسائط یگانهٔ استیلای یک مملکت نمیشود. خراب کردن راههای آهن ریلهای دولت بیگانه را در ملک خود بسیار آسان است. لهذا برای افغانستان ریل خود افغانستان ضرور است نه ریل دولت غیر.

امروزه روز دشمنان ما با راههای آهن خود میلیونها عسکر خود را بر سرحدهای ما به بسیار سرعت جمع آورده از خاک ما جاده نمیتوانند. ما اگر هر قدر سعی کنیم با این آلات نقلیهٔ اسپ و شتر یا کراچی یک عسکر خود را از یکجا بیشتر بر سرحد شمالی و غربی خود رسانیده نمیتوانیم که این مطلوب است. حال آنکه پروردگار عظیم الشان ما جل و علی در قرآن کریم خود میفرماید که (برای دشمن خود تا قوه تقدیمی کنید بیشتر که بر شما تجاوز و تعدی میکنند). لهذا چون سلاح تجاوز و تعدی دشمنان ریل است ریل در مملکت افغانستان ضرور است.

امروزه روز خوبیها و فائده ها و منفعتهای راههای آهن ریل در نزد عموم اهل متمدنهٔ عالم متفق علیه است. اگر کسی ازان انکار کند از بدیهیات گویا انکار میکند که آنهم خلاف منطق است و عدم قابلیت ترقی و تمدن را نشان میدهد. آنچه چیز یک ازان فایده و منافع زیادتر و خوبتر و منفعت آورتر است همانا محافظهٔ هستی و موجودیت و حاکمیت و استقلال و آزادی وطن است که آنهم در نزد عموم اهل متمدنهٔ عالم متفق علیه است. اگر کسی ازان هم انکار کند با خلاف عقل و منطق حرکت کرده خواهد بود. لهذا برای افغانستان ریل ضرور و لازم است. اما در عین زمان ملاحظهٔ حاکمیت و استقلال و آزادی افغانستان که بهمین چیزها حقوق و وظایف دولت حاجب را ایفا کرده میتواند و بر معاهده و وفای اتفاق خود پایداری میتواند نیز ضرور و تحقیق او المهمتر دیده میشود. و گر نه از نشر ریلهای ریاستهای هندوستان برای افغانستان چه ثمره حاصل میشود؟

بناءً علیه اگر مسئلهٔ (ریل و افغانستان) را دولتهای علاقه دار ازین نقطهٔ نظر سیاست تتبع و تعمق نمایند هیچ شبهه نیست که نقطه های اختلاف و نظریه های فعلیه به تسویه نزدیک در الخصوص پیدا شود. والله اعلم بالصواب

خبرهای مختلفهٔ عالم

-«یک عرب بچه بهادر»-

سوز و جمهرا (پیسه اخبار) از اخبار (سنترل نیوز) روما نقلاً مینویسد که در جنگ سبتمبر سعید در میان اسیرانی که بدست ایطالیانیها افتاده بود یک عربی پسری نیز موجود بود که زخمی شده اسیر شده بود. این شیر پسر عربی نژاد در حالیکه در صف مختین برد آزمایان عسکر اسلام تا بوقت مجروح شدن خود با تفنگیکه بدست داشت بر محاربه دوام میورزید. تا آنکه آن

تو نبال عربی بلطف مهمان نوازی ظرفی کلاه یک جزول و غاوی از آبهای زاد و سینه ای کینه خود مهمان نمود و از شدت آتش ازدیاد بعجز افتاد یک سپاهی ایطالی او را بر دوشش انداخته ، اردوگاه رسانید ، و تعدادی دیگر را ان پرداختند ، عرب این دلاور پسر در سپاه تحسین میشود ، از قرار گفته خودش چنان معلوم میشود که دیروز یک جام شهادت نوش کرده و امروز دوباره دوشش به انتقام پدر خود بجهاد شریک شده است .

مرز جمهوریه (ملت) چاپ بود : دو سال است که افسران ترکی فوج افغانستان را قواعد تعلیم میکنند ، وحالا افواج کابل قواعد ترکی را آموخته اند و هنر گشتی را ، اعلیحضرت امیر صاحب حکم نموده اند که تمامی فوج افغان قواعد ترکی را یاد بگیرند نسبت باز مینویسد که : یک افسر ترکی را که افسران ترکی که بعلاوه اعلیحضرت امیر صاحب میباشند ترقی داده اند ومنصب جرنیلی را عطا فرموده اند و به آن جنرال ترک حکم داده اند که کتابهای قواعد را برای تعلیم فوج افغانی تیار کنند .

* * *

این روز ها سراسر بی اصل واساس است . قواعد و تعلیم عسکری اساسات در ترک و جرمن و انگلیز و فرانس و غیره یک چیز است . و در اصول تسلیح ترقی از همدیگر زاد که آن هم عبارت از مغلوب ساختن دشمن و فتح و ظفر را حاصل کردن است . در هر دو اردو نسبت به وضعیت اراضی و نظر به مسلک سیاسی و اقتضای خود نظامات و تعلیمات عسکری خود را و تشکیلات اردوهای خود را وضع میکنند . افسران ترکی در ملازمت اعلیحضرت امیر صاحب وجود ندارد ، ولکن بسیار ! افسر ترکی که موجود نباشد منصب جرنیلی چسان به او داده خواهد شد ؟ چه افسران اردوهای دولت افغانستان مثلا جنرال افغانستانی حالا هیچ یک افسر اجنبی در اردوهای افغانستان مستخدم نشده است افسران ترکی آیا بکدام زبان کتابهای قواعد و تعلیم فوج افغان را تیار خواهند کرد ؟ افغانها بزبان ترکی چه میدانند ؟ کتابهای تعلیم و قواعد افواج افغانی از زمانهای بسیار است که بزبان افغانی تنظیم و ترتیب یافته موجود است . و هر وقت بنا بر تجارب عصریه تعدیل و تصحیح شده است .

زلزله در اطراف قسطنطنیه

مرز جمهوریه (المشیر) مینویسد : چون امروزه روز بروز مصیبت هائی که دولت عثمانیه به آن مبتلا شده است بیک نظر غور بین دیده میشود گفته میشود که برای ترکی وقت بسیار نازک ، و هنگام امتحان بسیار سختی پیش آمده است . از یکطرف چالهای سیاسی حملات مخالف ، از دیگر طرف زلزله او را بسیار مضطرب و پریشان نموده است . تازه سرحدی شورشهای داخلی اختلافات انجمنهای ملی که در دست و بازوی حکومت است آن دولت را بهر گوشه پریشانی مبتلا ساخته است . در این وقت بر ترکی کار چنان سخت آمده است که اگر بجای او دیگر دولتی می بود زندگیش بنهایت عسرت بکار خود میرسید . لیکن آفرین بر همت ترکی که با وجود اینهمه مشکلات لاینحل هیچیک اثر یاس در وی برآنها پیدا نشده است . اینهمه مشکلاتی که مذکور گردید کم بود که دیگر یک امتحان خداوندی نیز وارد شد : حریقهای پیهم خانه سوزی را شنیده بودیم . در چهارم زلزله بنیاد برافگن شروع نمود . از خبرهای تلگراف رویتر انجنسی معلوم میشود که در ساحل جنوبی دریاچه (مرمره) که در مابین آبنای باسفورس و دردنیل واقع شده است یک زلزله بسیار شدیدی بوقوع آمده است . تلگراف تحت البحری دار دنیل شکسته شده و مرمت طلب میباشد . دهات و قریه جاتی که در آن نواحی بوده و از استانبول دو نیم صد میل دور است بخسارتهای بسیار گرفتار آمده است . نفوس زیادی تلف شده است . در عین زمان حریق تیز بظهور آمده بسی خانها برباد و خاک فنا نموده . زیرا در اثنای زلزله یک لامپ در یک خانه افتیده آتش گرفته است و بقدر سه صد خانه را خاکستر ساخته است . از یک تلگراف دیگر معلوم شده است که در تمام علاقهٔ استانبول و دردنیل زلزلهٔ بسیار شدیدی محسوس شده است که مرکز آن دردنیل بوده است . این زلزله بقدر نیم ساعت دوام ورزیده و بر چناق قلعه و گلیبولی صدمهٔ بسیار سختی وارد آورده است . ازین حادثه شدیده چناق قلعه مسلمانان عالم را لازم است که با حکومت ترکی و رعایای آن همدردی نمایند .

ایران بعالم سکرات

مرز جمهوریه (تیراعظم) مینویسد که : برای تازه از طهران خطی آمده است که حالت ایران بنهایت مأیوسیت و ناامیدیست . نائب السلطنه بحقیقت از عهدهٔ خود دست بردار شده به یوروپ رفته است و تمام ملک بیک حالت شورش و انتزاع میباشد و زعما مأیوس اند .

نقل از روزنامهٔ حبل المتین
مطبوعهٔ کلکته (شماره ۹ سال ۲)

بعد از آنکه حادثهٔ سرحدی دولت علیه افغانستان و ایران را از شماره های ۱۸ و ۲۱ سراج الاخبار افغانیه نقل نموده است از طرف خود چنین مینویسد :

اگرچه پیش امر غیر مترقبه سرحدی ایران و افغانستان

نادره‌چیها بود و در جراید خارجه و عوام اسلامیت انداخت ولی بحمدالله موقع‌شناسی رجال طرفین خیالات مقصودهٔ اجانب را عاطل و باطل گذارد. سابق هم نوشته حال هم مینویسیم که ما کار بقصور رجال سرحدی نداریم خواه این قصور از ایرانیان باشد یا از افغانان، چه مردمان جاهل خود خواه موقع ناشناس در هر قوم و هر مملکت موجوده فرصت وقت می‌جویند. فقط حرف ما این بوده است که امروزه روز موقع اسلام باندازهٔ نازک گردیده که مسلمانان را اجازهٔ هیچگونه مناقشات داخلی نمیدهد و هرگاه خدای ناخواسته مسلمین امروزی هم مانند ادوار گذشته بجهالت و موقع ناشناسی پیرو شوند دیری نمیگذرد که این چند دولت اسلامی هم که باقی مانده استقلال خود را خواهند باخت.

مسلم است اگر عثمانی پامال شود ایران پامال شده و اگر ایران پامال شده و اگر ایران نماند قطعیاً افغانستان هم نتواند ماند، خواه باصول سیاست باشد یا بلا حفظ حفظ بیضهٔ اسلام. ارباب حل و عقد ایران و افغان را است که نگذارند که مناقشات سرحدی پیش آید و اندک خام طمعی سرحدداران کار را بجائی کشد که طرفین زیان بینند.

هیچ مثالی برای تنبیه اسلامیان بهتر از مناقشات سرحد عثمانی و ایران نیست که در دورهٔ عبدالحمید سرحدداران ترکیه آغاز به پیش قدمی نهاده از ضعف طرف فایده خواسته کار بجائی کشید که روسها موقع یافته وضع امروزه که موروث ندامت طرفین گردیده پیش آمده. کاملان خبر دارند که رجال عاقل دولتین بی این مناقشه برده ثمر انشه خود شان را بدون زیان بگذارند در حقیقت نفع این مناقشه تمام عاید بروسیان گردید خدای ناخواسته اگر مناقشات سرحدی بین ایران و افغان هم پیش آید زیانش عاید بدانها ونفعش راجع به دیگری خواهد شد.

فاجعه‌های پاریس

ما بعد از نمبر ۲۳

وتا میخواست که در جواب توپسر چیزی بگوید یکبارگی یک درد و اضطرابی که وصف آن ممکن نیست حس نموده مانع سخن گفتنش گردید. یک رعشهٔ دهشت از سر تا پا همه جاهای وجودش را فراگرفت. با دستهای خود قورنه‌های خود را فشرده دادن گرفت. از دهشت بی اختیارانه یک صدای خفه بلند شد که شبیه بصداهای بیچاره‌گانی که در قرون وسطا آنها را شکنجه و عذاب میکردند برآمد.

توپسر چون اینحال را بدید بحیرت بلکه بدهشت پرسید که:

— سبحان الله! اینچه حالت است؟ آیا بیچاره را چه شد؟

ویلیو — اینحال زین پیش آمده که جناب مادام حامله است و حالا میخواهد که یک طفل بدنیا بیارد. اما اگر راست بگویم، این طفل هم باید افتخار بکند که در چه موقع وزمان خوبی بدنیا قدم نهاده است!

فلوتیلد بیچاره. بچارپا خود را کشان

لذا رجال ایرانی و افغان را است که از خطایای سابقهٔ مسلمانان عبرت گرفته خویشتن را آلهٔ جلب منافع دیگران قرار ندهند و از پیش قدمی دو روزهٔ خودشان مغرور نگردند که دانایان گفته اند که شاهنامه را آخر خوش است

امروزه روز بزرگترین اسباب حفظ بقای استقلال سلاطین موجودهٔ اسلام درین است که بهانهٔ هیچگونه دخالتی با جانب ندهند بر اسلامیه بلکه بر خود ترحم نموده استقلال خودتان را متزلزل نسازند، علاوه بر این بدانند که مقتضیات سیاست این عهد تبدیل و تغییر در اوضاع قدیمه است اگر ایران و عثمانی امروزه برای تبدیل وضع سلطنت قبلی بانقلابات گردیده از مدافعات سرحدی خودشان عاجز مانده اند چندان مورد شماتت شان نتوان قرار داد. چه انقلابات سیاسی در هر مملکت روی داده این پیش آمدها در جلو داشته است و یقیناً روزی هم اینگونه انقلابات در افغانستان پیش تواند آمد

اگر بنا شود همسایگان اسلامی مراعات برادری ننمایند خویشتن را به محو و نابودی نزدیکتر ساخته اند! و ما از سیاست و لیاقت اعلیحضرت پادشاه افغان امید داریم که نخواهند گذارد که درین موقع نازک که ارکان عوالم اسلامیت متزلزل گردیده این جزئیات مورث کدر و نقار طرفین واقع گردد! چه آلاً ولو موقتاً هم بتوانند متنبه شوند عاقبت صدمهٔ ان بخودشان وارد تواند آمد، ما را است که این رباعی را از یاد ندهیم:

ما پنج برادران که از یک پشتیم
در پنجه روزگار پنج انگشتیم

چون فرد شویم در نظرها علیم
چون جمع شویم بر دهن مشتیم

* * *

تا بستر خود رسانیده و در آنجا به پیچ و تاب خوردن آغاز نهاد. قومیسر چون احوال زن بیچاره را دید دلش سوخته گفت:

— این زن بدبخت را درینجا بحال بیکسی خودش گذاشتن و معاونت نکردن از شیمهٔ عدالت و مروت دور است. همان یک دایه بیابید.

تا بخواست که یکی از خفیه ها برای اجرای امر قومیسر حاضر شود بابا وینو برداشته گفت: آیا دایه گفتید؟ چه خوب تصادف! ذاتاً در خانهٔ ما یک دایهٔ بسیار مشهوری موجود است. به طبقهٔ اول خانهٔ من در زیر اجارهٔ اوست. کرایهٔ خود را هم بوقت و زمان معیّنش میدهد.

قومیسر — چون چنین است، بروید اورا از خواب برخیزانید و بیارید.

وینو — اگر صدای این تفنگچه که یک آن پیشتر فریاد کرده هم بخواب او خلل نرسانیده باشد بر کر بودن او حکم خواهم کرد. اما یک جهت مشکلی دارد.

[باقی دارد]

نامورانِ زنانِ جهان

ما بعد از نمبر ۲۳

اگرچه یک چند کتاب تألیف کرده ولی نسخه‌های آنها موجود نیست.

آغریپینه — دختر جنرال (اغریپا) است که از جنرالهای مشهور (روما) میباشد. جنرال مذکور در خدمت امپراطور (آوغستوس) خدمتها و فتوحات بسیار بزرگی کرده است و نظر توجه والتفات مخصوص امپراطور مذکور را که از امپراطورهای اول (روما) میباشد بسوی خود جلب نموده بدامادی امپراطور سرفراز شده است. و از (یولیا) نام دختر پری پیکر امپراطور (آغریپینه) بدنیا آمده است. این دختر یکی از پری چهره‌گان عصر خود بود. و صاحبهٔ اخلاق و ناموس نیک مشهوره بود. و با (جرمانیقوس) نام جنرال بسیار مشهور و مقبولی ازدواج کرد. و با شوهر خود بطرفهای (سوریه) برفت. و در آنجا (پیسون) نام والی فریفتهٔ حسن و جمال آغریپینه گردیده، و شوهرش را زهر خورانیده دفعةً هلاک گردانید. آغریپینه جنهٔ شوهر خود را سوختانده و خاکستر او را با خود برداشته به روما آمد و بر پیسون در محکمهٔ عدالت دعوا برپا نمود. پیسون چون دید بمجازات شدید گرفتار میشود خود را خود هلاک نمود. امپراطور (تیبر) که بعد از جد و پدرش بر تخت روما نشسته بود بر اینقدر صیت و شهرت آغریپینه رشک برده او را بجزیرهٔ (پانداتاری) نفی و اخراج نمود و در آنجا در سنهٔ (۳۳) میلادی از گرسنگی هلاکش ساخت. از وی یک پسر و یک دختر باقی ماند که در ذیل ذکر می شود.

آغریپینه — دختر آغریپینه سالفة الذکر است. که از صلب جنرال (جرمانیقوس) بدنیا آمده

[باقی دارد]

علم ثروت ملک

ما بعد از نمبر ۲۳

دوم مردمانی اند که عملیات صناعیه را در عهده گرفته اند که اینها صفت سرمایه داران و بکار اندازان، و عمله و مزدوران را استخدام کنندگان میباشد.

سوم صفت عمله و مزدور کاران میباشد. پس همه اشخاصی که اجرای اعمال میکنند از این سه حال و صفت بری نمی باشند. وگاهی دو صفت و بلکه هر سه صفت در یک آدم نیز جمع میشود. مثلاً یک معماری که هم مهندس باشد هم خشت مال یا سنگ تراش.

فصل پنجم

قاعدهٔ آزادی اعمال

(آزادی اعمال) قاعدهٔ اساسیهٔ (علم ثروت) میباشد. مقصد ازین قاعده این است که هر کس هر صنعتی را که آرزو کند و مرجح بداند آنرا کار کرده بتواند، و در هر راهی که اختیار بکند کوشش ورزیده بتواند، و بشرطیکه سود و زیانش بخودش راجع باشد هر قیمتی که بر محصولات خود بنهد بتواند. و این معمولات و محصولات خود را در داخل و خارج مملکت بهر صورتیکه خیر خود را بداند و سودمند بشمرد مبادله بتواند.

[باقی دارد]

همهٔ مقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف سرمحرر تحریر یافته

مدیر و سرمحرر سراج الاخبار افغانیه

بسعی و اهتمام الحاج عبدالخالق پسر طرزی مهتمم چاپه خانهٔ دارالسلطنهٔ کابل
بقلم میرزا محمد جعفر قندهاری

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 354 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 355 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 356 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 357 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 358 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 359 of 1786

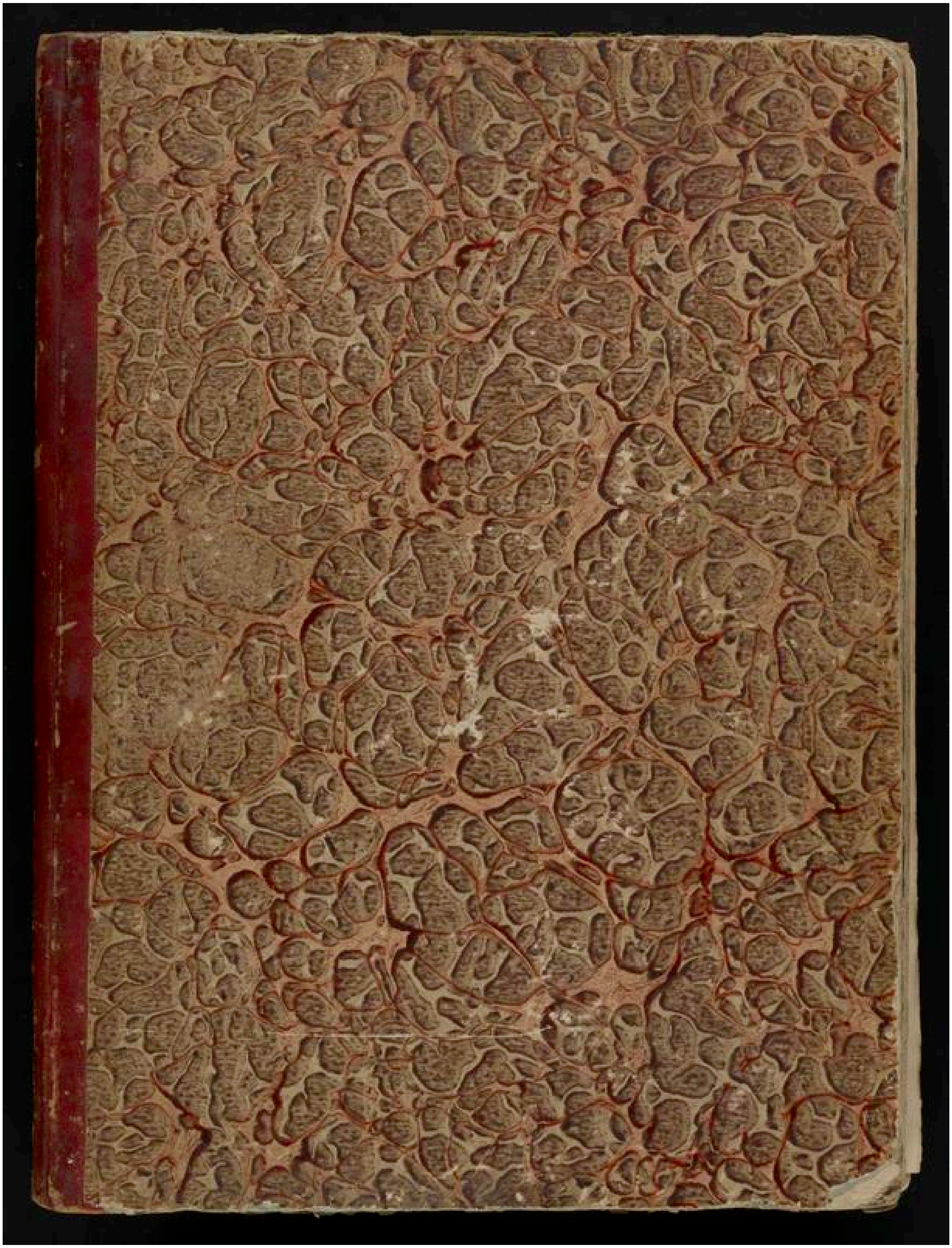

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 361 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 363 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 364 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 365 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 366 of 1786

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

نگران
ایشک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی
علی احمد

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
با اخراجات ڈاک ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با اخراجات ڈاک ده روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

اداره خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همهٔ اوراق تحریریه و مراسلات
بنام مدیر فرستاده میشود
قیمت یک نسخه آن [illegible]

تاریخ عربی ۱۵ شوال المکرم ۱۳۳۰
تاریخ انگریزی ۲۷ سپتمبر
تاریخ شمسی ۴ میزان ۱۲۹۱

در این اخبار از حوادث داخلیه وخارجیه وبعضی مقالات مفیده درج میشود

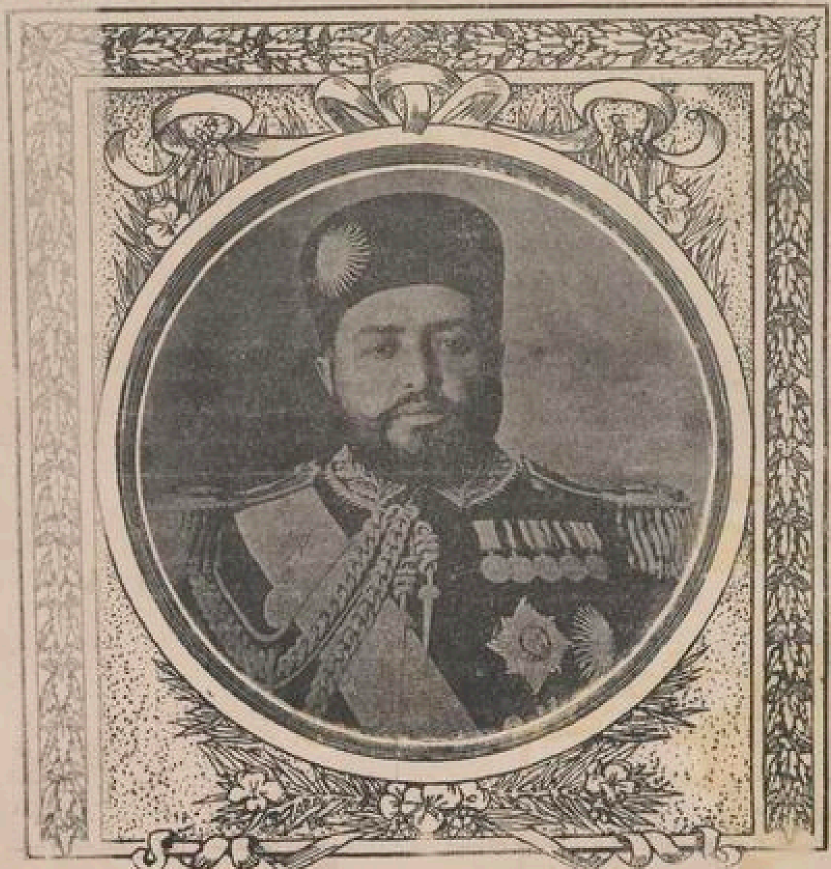

پادشاه غیور مختار دولت علیهٔ افغانستان اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان

عرض

بسایهٔ معارف‌پیرایهٔ اعلیحضرت (سراج الملة والدین) بادشاه خود مختار دولت علیهٔ مستقلهٔ افغانستان أمیر ابن الامیر ابن الامیر (أمیر حبیب الله خان) أبقاء الله دولته الی آخر الدوران مطبعه تیپوگرافیٔ دار السلطنهٔ کابل باحسن وجوه اکمال یافته این است که نامهٔ گرامیٔ (سراج الاخبار افغانیه (نسخهٔ شمارهٔ یکم سال دوم خودرا دران مطبعهٔ عالی به این رونق وجمال زیور طبعیه در بازار عرفان نثار عالم مطبوعات جلوه پیرا ساخت . ونیز نور علی نور گفته صحیفهٔ نخستین خودرا باتصویر زینکوگرافیٔ ذات مراحم صفات اعلیحضرت بادشاه مقدس محبوب القلوب خویش تزئین عزت وشرافت بخشید اگر بعضی خورده گیران (سراج الاخبار افغانیه) رااخبار نخستین افغانیه ندانندچون این نسخهٔ اورا ببینند سخن خودرا باید واپس بگیرند زیرا اینچنین اخبار بیشك نخستین اخبار است که محصول عصر معالی حصر اعلیحضرت (سراج الملة والدین) است وبس !

زنده بادا بادشاه معرفت پرور که او — حامیٔ علم است وعرفان عاقل است ونکته دان
بهر ملك وملت خود نشر عرفان میکند — زنده بادا شاد بادا بادشاه مهربان

آمین

آغاز سال دوم سراج الاخبار افغانیه

ذات اقدس خالق یگانه بیهمتای خودرا ثنا میگوئیم، وبرروان پاك رهبر وپیشوای برحق خود(محمدمصطفی علیه الصلوة والسلام) درودبیپایان میفرستیم . وارواح مقدسهٔ آل واصحاب وپا کان دین خودرا تعظیم وتقدیس مینمائیم . ودعای طول عمر ودوام عافیت بادشاه معظم مقدس خودمانرا ورد زبان صداقت کرده بعرض مقصد میپردازیم :

ملیون ملیون شکر ، ملیار ملیار ثنا بذات اقدس بیهمتا که مارا بر دوام این گرامی نامهٔ وطنیهٔ (سراج الاخبار الافغانیه) توفیق کرامت فرمود که سال اول آنرا به انجام رسانیده با این نسخهٔ خود شماره اول سال دوم آنرا باین ترقیات موجوده منظر مطالعهٔ قارئین کرام خود بمعرض عرض میرسانیم .

. کاسی اگر تلخست از بوستان است ، گفته اند . سراج الاخبار افغانیه نیز اگر خوبست اگر بد اخبار وطنیٔ افغانست، وچنانچه هرچیز وطن شیرین وگوارا میباشد با وجود نواقصی که دارد (سراج الاخبار افغانیه) نیز بحمدالله تعالی در نظر ارباب نظر وهموطنان عزیز وطنپرور خود یك موقع عظیم رغبت وتوجه را حاصل کرده است روی سخن مابعضی با کسانیکه غیرت ملی وحب وطنی رابو نبرده اند نیست ، زیرآنچنان اشخاص چنانچه هیچ چیز وطن را نمی پسندند وتنها منافع شخصی خودرا می اندیشند البته که اخبار آنرا نیز نخواهند پسندیدوردخواهند کرد . حتی اخبار را یك چیز مضر ونابکاری نیز پنداشته محو آنرا آرزو میکنند . ولی ماهزار بار بخدای خود شکر میکنیم که بما ملت افغان‌چنان یك بادشاه عادل‌عاقل نکته دان ، وپدر شفیق خیراندیش مهربان مانند ذات شوکت سمات اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) اید الله دولته بالنصر والفوز وعلو الشان عطا فرموده که فکر رسا وعقل بارسا همه نکات باریك ترقی وتعالیٔ وطن وملت شاهانهٔ شانرا موبمو درزیر نظر غور وتدقیق داشته اند . واز هرگونه اجرآآت نافع ومفیدی که ادنا سود وخیری بدولت وملت شان برساند دریغ عاطفت نیفرمایند . وازین است که اخبار رایك چیز نافع وسود مندی

(سراج العمارات) نسبت بجسامت وعظمتی که دارد در مدت بسیار کمی بوجود امده است . حالانکه بعضی عمارات عالی بادشاهی که به بزرگی وجسامت قریب آنست که بهشت ونه سال به انجام نرسیده است . این ازانست که سراج العمارات جلال آباد بمهندسی معماری ذات اعلیحضرت همایونی ساخته شده . ومهندسی آنگونه عمارات دیر تمام را مهندسان دل ناسوز اجنبی تخته مشق تجربه های خود کرده بودند . (کس نخارد پشت من جز ناخن وانگشت من)

قلعة السراج لمقان

در شمارهٔ (۱۳) اخبارما احوال مفصل (قلعة السراج لمقان) مندرج است . درینجا اینقدر میگوئیم که درسال گذشتهٔ که اخبار ما تاریخچهٔ آنرا مینویسد همهٔ امورات انشائیه وتعریشیهٔ آن اکمال واتمام یافته است .

این بنای معظم محتشم نیز یکی ازانشا آت بسیار فاخرهٔ عصر معالیحصر شاهانه شمرده میشود . غیر از محسنات تعمیریهٔ آن از نقطهٔ نظر حرکات عسکریه نیز اهمیت عظیمهٔ را حائزاست . چنانچه (سراج الامصار) در جهت شمالی ایالت قطعهٔ کابل زمین یك مرکز عسکری بسیار مستحکم منتظم میباشد (قلعة السراج) لمقان نیز در جهت شرق شمالی یك موقع عسکری بسیار مهمی شمرده میشود که همهٔ دره ها وگذرگاههای مهمهٔ آنسمت را در زیر رصد وترقب گرفته است .

کیفیت افتتاح این عملیات بسیار مبارك نیز در شمارهٔ (۹) اخبارما مندرج است . تمام سال گذشته درحفریات وعملیات آن کار شده . در خوبی وفواید آن بحث وبیان کردنرا زایدی بنیم. کدام کس حکم خواهد کرد که بی آبی از باآبی بهتراست ؟ ویاآنکه تشنه گی از سیرابی خوشتراست ؟

* * *

اصلاحات تعمیریه درباغ شاهی جلال اباد

باغ شاهی یکی از باغهای ارم مثال بیهمالیست که از بناهای عصر فرخنده گی حصر خاقان مغفور جنت مکین اعلیحضرة (ضیاء الملة والدین امیر عبد الرحمن خان) طاب مثواه میباشد . اگرچه از صدد بحث ماخارج است ، ولی چون درسال گذشته بعضی اصلاحات تعمیریهٔ مهمه دران اجراشده ویك کول مصنوعی بسیار بدیع الخلقتی در آن حفر وانشا گردیده تذکار آن را از وظایف تاریخچهٔ خود شمردیم .

چنانچه درنفس قصر پرشکوه وسط باغ بعضی تغییرات وتزئینات بسیار بدیعی بکار برده شده درآخر جهت شرقی باغ نیز یك کول مصنوعی بسیار بطبیعی نزدیکی ساخته شده است که اطراف آن با نباتات وشجیرات بگولها مناسب تزئین یافته ، ودو جزیرهٔ بسیار ظریف ولطیفی در کول موجوداست که بالمپهای بسیار خوشنمای زینت ادائی مزین شده . والحاصل اگر در کدام شب جشن پرچراغان رنگارنگی بقدر یك چند دقیقهٔ در یك کشتی درمیان این کول یك جولانی اجرا کنید هیچ شبهه نیست که خودرا مستغرق بلهٔ دریای حیرت دیده در یك عالمی دیگیری فرض خواهید کرد !

نهر سراج قندهار

یکی از آثار عظیمهٔ عصر سراجیه حفریات نهر بسیار جسیم (نهر سراج قندهار) است که از نتایج مستحسنهٔ سفر خیریت اثر همایونیست که درسنهٔ ۱۳۲۵ تمام ممالك محروسهٔ شاهانه را دور وسیاحت فرمودند ودر هر ولایت وهر مملکت که قدوم میمنت لزوم موکب همایونی رسید یك اثر عمران . ویك علامهٔ ترقی نشانی یادگار نهادند . نهر سراج نیز از همان نشانه های سعادت وعمرانست که از نهر (هلمند) برای اسقا واروا نمودن اراضی خالیهٔ غیر مزروع زراعت صالح حفر شدن از اراده فرموده اند . انشاء الله تفصیلات آنرا در آینده سر مقالهٔ مفتخرهٔ اخبار خود خواهیم نمود . درینجا چون دو سال گذشته تمام گرمی وفعالیت در انشاآت عملیهٔ ان دوام ورزیده شده همینقدر تذکار اکتفا نموده شد .

شماره (۲) سال (۱) سراج الاخبار افغانیه مندرج است .

این پل آهنین فواید قرین اساسی وخط اتصالیهٔ دارالسلطنه را با حدود شمال ترکستان زمین افغانی از یك راه بسیار قریب الوصول تأمین وتهیه میکند که تنها همین نکته براهمیت فوق العادهٔ ان یك دلیل روشن بزرگی شمرده میشود . پل آهنین دیگر بر نهر (غوربند) بسته شده که مرکز دارالسلطنه را به (سراج الامصار) جبل السراج ارتباط داده است . اگرچه درعظمت وجسامت (پل درنته) یك شکوه وهیبت بنظیری دارد . ویکی از آثار عظیمهٔ عصر ترقیحصر سراجیه شمرده میشود . ولی این دو پل آهنین مذکور نیز دراهمیت موقع ازان پس نمیاند . وچنانچه پل درنته ایالت لمقان زمین وقطعهٔ کافرستان مسمی به (نورستان) را بولایت جلال آباد ارتباط داده وبسی منافع سیاسی واقتصادی بدولت متبوعهٔ ما رسانیده است پل (سراج کنهار) و (پل حتك) نیز ایالت (کابل) و (کوه دامن) زمین را با ایالات جسیمهٔ (کوهستان) و (پنجشیر) ارتباط داده خطوط مواصلهٔ سمت شمالی را در زیر امنیت گرفته است .

سراج الامصار

(سراج الامصار) که یك قلعهٔ مستحکمهٔ جنگی جسیمی در یك موقع بسیار مهمی واقعشده یکی از آثار انشائیهٔ عظیمهٔ عصر معالیحصر سراجیه میباشد که چون قبل از انتشار اخبار ما به تأسیس وبنیاد رسیده درینجا موضوع بحث ما نمیشود وانشاء الله در آینده سرنامهٔ مقال خود خواهیم نمود . اما درینجا اینقدر گفته میتوانیم که در سال مذکور تکمیل گردیده تعمیرات متممهٔ آن دوام ورزیده شده است .

(سراج الامصار) در (جبل السراج) نام موضع (کوه دامن) مبنی شده است که در أوایل موضع مذکور بنام (پروان) زبانزد بود . موضع مذکور از کابل تقریباً ۲۴ ساعت بسوی شمال بعد مسافه دارد . (سراج الامصار) در یك موقع بسیار معتنا بهای عجیب وغریبی مبنی شده است . سه دره وگذرگاه بسیار مهمی که بسوی شمال یعنی ایالت ترکستان میرود این مستحکمه هرسه درهٔ مذکوره رادر زیر حفاظت وأمنیت میگیرد . علی الخصوص که فابریك یعنی (کارخانهٔ برق) نیز بریکی ازین دره‌ها که متصل (سراج الامصار) است مبنی شده است که تفصیلات آن بعد ازین ذکر میشود .

منظره های طبیعیٔ کهسارها ، ودره ها ، ووادیها ، وآبشارها ، وجویبارها ، ومیوه زارها وکشتزارهای این موضع لطافت موقع که (سراج الامصار) دران بنا یافته حقیقتاً خیلی دلکشائیٔ ودلربائیٔ دارد .

سراج العمارات

(سراج العمارات) در ولایت (جلال آباد) است که قبل از دو سال أساس آن بنا نهاده شده ، ودرسال گذشته بتمام اعزاز واجلال به انجام رسیده است . این بنا یکی از بناهای بسیار با عظمت وشکوه عالیٔ خیلی دلربائیست که اگر مدار زینت وسر فرازیٔ یك شهر بزرگی شمرده شود جا دارد .

(سراج العمارات) یك بنائیست که ذات اعلیحضرت همایونی بدست نفیس شاهانهٔ خود نقشه وپلان آنرا حاضر کرده بر معمارهای خود افغانستان زیر نظارت شاهانهٔ خود شان اعمار وانشا فرموده‌اند . واینهم از خارقه های معماریهٔ این بنای با شوکت وشانست که بظرف چهل روزه یك مدتی این بنای با اینهمه عظمت وجسامت تاسقف پوشش از زمین بالا بر امده است . این عمارات محتشم یك دایرهٔ بسیار جسیم سلطنتیست که هم دایرهٔ دربار عام وهم دوایر دربار خاص ، وهم دالانهای بسیار واسع وفراخ بزرگ ، وهم اوتاقها وآپارتمان های خصوصی وباقی همه لوازمات قصر های بادشاهی را جامع میباشد . امور تفریشیه وتزئینیهٔ آن نیز به أحسن وجوه تکمیل شده است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 373 of 1786

برای ملت ووطن شاهانهٔ شان دیدند که طبع ونشر آنرا اجازه فرمودند . همین شرف وافتخار برای سراج الاخبار کافی دیده میشود . چه جائی که مدیر وسر محرر عاجز آن گاهی تحریراً و گاهی شفاهاً مظهر عواطفات تحسینیه ودوعائیهٔ اعلحضرت متبوع مقدس معظم وبادشاه محبوب القلوب عرفان شیم خود نیز گردیده باشد . آیا ازین سعادت برتر ، وازین نعمت عظیمتر برای این عبد احقر باعاك برابر کدام چیز تصور خواهد شد ؟

این گرامی نامهٔ وطنی در ظرف این یکسالی که به نشریات آغاز کرده هرچه که گفته از بهبود وطن گفته وهرچه که نوشته در مدافعه وطن نوشته . مانند نحل عسل از هر گلشن وهرچمن خلاصهٔ موادّ عطریهٔ علوم وآداب نافعهٔ مفیده‌را جمع کرده‌شهد معلومات وباخبریهارا علی قدر الامکان بر اذهان مطالعین کرام خود عرض نموده . وبقدر استطاعت عاجزانه واقتدار موادانهٔ خود هرآنچه سعی وکوشش قلبیهٔ که در وسعش بود بکاربرده . تا اینکه در زیر حمایهٔ عرفان آیهٔ شهریار هوشیار بیدار عدالت ومرحمت شعار مقدس خود سال اول خودرا به انجام رسانیده بکمال شوق وتمام ذوق بسال دوم خود به این صورت ترقیٔ امروزه‌روز خود قدم نهاده است . (سراج الاخبار افغانیه) باتمام موجودیت هستیٔ خود یعنی باهر حرف ، وهر کلمه وهر جمله ، وهر عبارات ، وهر سطر ، وهر صحیفه ، وهر ورق ، وهر عدد ، خود از الطاف مراحم اوصاف‌ذات اعلحضرت حامی اعظم واکرم خود عرض تشکرات بلانهایات وتقدیم تحمیدات وتحیات بی غایات مینماید واز صمیم روح ، واخلاص قلب ، وصداقت وجدان اعتلای قوت وعلو شان دولت متبوعهٔ مقدسهٔ خودرا ، ومحافظهٔ ونگهبانی وسعادتهای مادی ومعنویٔ وطن وملت مقدسهٔ خودرا که در وقت حاضر امیدگاه واستنا دجای بسیار قوی ومتین عموم مسلمان قطعهٔ آسیا شمرده میشود از بارگاه بر کبریای ذات اقدس الله عظیم‌الشان نیاز واسترحام مینماید ودر بارهٔ خود توفیقات وهدایات صمدانی آن ذات اقدس احدیت جل وعلا را تضرع ومناجات میکند تا باآن توفیق وهدایات خدمات نافع بوطن مقدس خود بجا آرد . ومن الله التوفیق .

تاریخچه یکسالهٔ سراج الاخبار افغانیه

تاریخچهٔ داخلی

حال اخبارما از یازدهم شوال سنهٔ ۱۳۲۹ تابه غرهٔ شوال سنهٔ ۱۳۳۰ اعتبار میشود . لهذا خواستیم که خلاصهٔ تاریخچهٔ وقوعاتی که در ظرف اینمدت در داخل مملکت بروی کار آمده درج صحایف افتخار نمائیم :

از انجا که توجهات جهاندرجات اعلیحضرت همایونی دایماً در پی ترقی واعمار بلاد وامصار شاهانهٔ شان مصروف است از ابتدای جلوس میامن مانوس شاهانه در هر سال بسی آثار عمران وترقیات نمایانی بروی کار آمده است کما از همهٔ آن‌ها درینجا بحث وبیان نکرده تنها از بعضی آثار همین سال گذشته که اخبارما دران جاری شده‌است بصورت اجمال بیان میکنیم : ترقیات وانشاآت

(راهها وپلها)

بعضی طبایع چنانچه بالطبع مایل خرابی وطرفدار ابتری ویرا کنندگی میباشد بعکس آن بعضی طبایع طبعاً بسوی ابادی وانتظام مایل وشایق می‌افتد . ذات اعلیحضرت بادشاه معظم ما طبعاً مایل اعمار وانتظام مملکت شاهانهٔ شان میباشند . وازین‌است که مسئلهٔ تعمیرات وانشاآت راخیلی اهمیت میدهند . درینسال فرخنده‌فال گذشته چنانچه بعضی سرکهای جدید نوبکشیدن آغاز نهاده سرکهای موجوده نیز تعمیر ودستکاری شده است . مهمترین این سرکهای سال مذکور سرك (جبل السراج) و (سراج الامصار) تابه (پل سراج گلبهار) است که یك شعبهٔ نو این سرك که بسوی قصبهٔ (استالف) میرود نیزدرین نزدیکیها به انجام رسیده است . در سرك (غزنین) وسرك (لهوگرد) نیزدر سال موصوف کار شده است .

ازانشاآت مهمهٔ سال فرخنده‌فال گذشته یکی (پل سراج گلبهار) است که برنهر نیلاب بسته شده وتفصیلات آن در

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 374 of 1786

بند سراج غزنین

یکی از معظمات امور اینعصر تعالی حصر سراجیه شمرده میشود. اهالی غزنین از سبب کم آبی از زراعت خیلی بی بهره بودند. وقتیکه ذات اعلیحضرت پادشاهی بدورهٔ سیاحت ممالک شاهانه در غزنین تشریف فرمای سعادت شدند این احتیاج اهالی جلب نظر دقت شاهانه شانرا نموده دریک موضع مناسب ومساعدی در مجرای فوقانی نهر غزنین انشا شدن یک بند بسیار عظیمی را اراده وفرمان فرمودند که انشاءالله از تفصیلات آن در شماره های آیندهٔ خود بحث وبیان خواهیم راند.

این بند به اصول وقواعد جدید از قرار فن معماری انشا میشود. آب دره درین حوضهٔ بند جمع می آید. برای جریان آن سه درجه گذاشته شده. اول در وقتی که آب دره وافر باشد دهنهٔ مجرای بزرگ آن باز میشود. وچون کم شود دهنهٔ دوم وسوم آن باز شده دائما بمقدار کفایت آب جریان داشته میباشد که به اینصورت احتیاج کم آبی اهالی رفع شده بهزارها هزار جریب زمین خالی را از زراعت مانند چمنستان ارم سبز وشاداب میگرداند. چون امسال بکمال سرعتی در تعمیرات انشائیه، وتدارکات جلب نمودن آلات وادوات لازمهٔ آن جد وجهد بلیغ بکار برده شده است بهمینقدر تذکار آن لزوم دیده شد. مامور این کار فواید آثار جناب مستر (ملر) انگلیزیست که برای اینگونه امورات در دولت علیهٔ خداداد افغانستان مستخدم میباشد.

قصر دلکشا

یکی از عمارات بسیار عالی وباشکوهی که موجب افتخار وزینت بشهار پایتخت سلطنت سنیه شمرده میشود همانا قصر بقصور مباهات نمای (دلکشا) ست که درمواجههٔ (برج شمال) دربیرون قلعهٔ ارگ مبارکه در جهت شرق شمالی بنا یافته است. اگرچه تذکار آن از صدد بحث تاریخچهٔ سال سراج الاخبار افغانیه سراسر خارج افتاده است، زیرا به عملیات انشائیهٔ عمارت مذکور از چند سالست که مباشرت شده است، ولی چون درسال گذشته همهٔ انشاآت تعمیریهٔ آن به انجام رسیده وامسال انشاءالله فروعات تزئینیه وتفریشیهٔ آن اکمال میشود بهمینقدر تذکار آن لازم دیده شد امید است که در اقرب اوقات از رسم افتتاح آن عمارت جسیمهٔ پادشاهانه بعرض معلومات بپردازیم.

برج ساعت

در مواجههٔ قصر عالی دلکشا برج بسیار خوشنمای لطیفی ساعت بنا شده است. تعریفات وتوصیفات آن در نمبر (سراج الاخبار افغانیه) سبقت نموده است که اینهم یکی از اثرهای مهمهٔ سال اول ما میباشد.

آب پغمان

آوردن آب خوشگوار پغمانرا بکابل چنانچه در شماره های سال اول ما ذکرش سبقت نموده نیز یکی از آثار حیات نثار اینعصر فرخنده گی حصر شمرده میشود. از پارسال تا امسال در عملیات مهمهٔ این عمل پر خیر وصواب سعی وکوشش بلیغی بعمل آمده است که درین روزها تجدید نلهای آهنین وساختن مخزنهای آب آن مباشرت شده است.

بعضی تعمیرات دیگر

(١) — یکی از عمارات بسیار خوشنما وبازیبی که در امسال فرخنده فال به انجام رسیده (عین العمارات) نامدارهٔ نشیمنگاه شهزادهٔ مکرم جناب (عین الدوله امان الله خان) است که در جهة غرب شمالی (استور) مبارکمینی شده است.

(٢) — عکسخانهٔ بسیار منتظم عالی ایست که بحضرینا برای واردات پیشخانه در نزدیکی ارگ مبارک در جهت چپ نهر برای هر شخصی که گرفتن عکس خودرا آرزو کند ساخته شده است.

(٣) — در (تموز باغ) که برای نشیمنگاه صیفیهٔ ذات معالیه صفات (علیا حضرت سراج الخواتین) ساحهٔ معظمه تخصیص فرموده شده است نیز بعضی ابنیه انشا گردیده است.

(٤) — یک بازار مکمل جدید بر کنار نهر محاذی عکسخانهٔ شاهی نیز جدید ساخته شده است.

دیگر بعضی آثار رقیه ومدنیه

(١) — از آثار بسیار مهمهٔ که در سال نخستین ما بظهور آمده است شیوع یافتن خودنامهٔ گرامی (سراج الاخبار افغانیه) میباشد که مبدأ سال اول اورا تشکیل میدهد.

(٢) — دیگر چیزیکه شایان الافتخار است آمین شدن ساختن باروت کاردید بی دودیست که انشاهای متعدد ازان گرفته

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 375 of 1786

شده بر استحصال آن خاطر جمعیٔ کامل حاصل آمده است . کذلك اصلاح پتاق ، ودیگر بعضی آلات ناریه بوقوع آمده است .

(۳) — صنعت گرفتن آب چیچك از گوساله در شفاخانهٔ ملکی تعلیم وتعمیم یافته مسئلهٔ خال زدن اطفال مملکت تأمین شده است .

(۴) — مدرسهٔ زینکوگرافی در باب بسر رسانیدن شاگردان وا کمال نمودن قلیشهها تمام سال کوشش ورزیده ، ونیز در باب تدارکات توسیع مطبعهٔ سرکاری وآوردن حروفات طیب وجلب مرتبین وتعلیم حروف چینی در تمام سال اقدامات مجدانه بکار برده شده این است که نامهٔ گرامی (سراج الاخبار افغانیه) بسایهٔ توجهات عرفان آیات همایونی ازان مطبعهٔ عالیه به این شکل وقیافت امروزیهٔ خود بنظر قارئین کرام جلوه گر میگردد .

(۵) — یکی از آثار بسیار برگزیدهٔ عصر ترقی حصر اعلیحضرت پادشاه عرفان پرورما تأسیس یافتن چاپخانهٔ خصوصی (مطبعهٔ عنایت) است که از طرف عالی شهزادهٔ معظم حضرت (معین السلطنه عنایت الله خان) بیك ذوق وهوس محبت علم وفن بنیاد گردیده است . اگرچه در آغاز کار محض برای ملکه ومهارت پیدا کردن نفرهای عملهٔ مطبعهٔ در ماشین چاپ ، ومرتبین حروف چینی یك مطبعهٔ کوچك ومقدار کمی از حروفات تدارك شده بود ولی از قرار مسموعات موثوقهٔ که شنیده ایم چنان معلوم میشود که ذات عالی الاخص شهزادهٔ معظم خیال دارند که یك ماشین مکمل وحروفات بسیاری جلب نموده (مطبعهٔ عنایت) را بیك درخشانی وترقی نمایانی ایصال نمایند .

(۶) — سکه های رایج دولتی نیز در سال مذکور اصلاح یافته وقالبهای نو فولادیٔ آن حك شده حسن وزینت بدیعی پیدا کرده است .

(۷) — یکی از مؤسسات مهمهٔ سال گذشته تشکیل یافتن شرکت عرابهٔ موتر ، ورسیدن عرابه های آنست که محسنات اینگونه شرکتها آزادهٔ تعریف وبیانست . انشاء الله درشمارههای آینده تفصیلات این شرکت را سر مقالهٔ فخر ومباهات خواهیم نمود .

(۸) — برای تکثیر واردات بیدرامد (یتیمخانه) ومکتب آن تشبثات بسیار کافی اجرا شده است . چنانچه حاصلاتی کاز عکاسخانهٔ ذات اعلیحضرت پادشاهی بعمل می آید برای یتیمخانه مقرر گردیده است بعضی اقدامات دیگر نیز مانند حاصلات صافیهٔ شرکت عصریهٔ جین حضوری ، وتماشای جمناستیك وغیره نیز بکار برده شده است . الاماتهٔ مکتب آن نیز ترتیب وتنظیم یافته است .

(۹) — مهمترین وعظیمترین مؤسسات عصر فرخنده گی حصر سراجیه تدارکات حاضر ساختن یك کارخانهٔ بزرگ حاصل کردن قوت الکتریك است که در سراج الامصار قلعهٔ السراج بوجود می آید . پادشاه حکیم دانشمند مقدس ما از قوای طبیعیهٔ مملکت شاهانهٔ شان که حضرت خالق عظیم الشان در یك مقیاس واسعی بخاك افغانستان عطا واحسان فرموده فایده برداشتن را به مطلب نزدیك تر یافتند . از آب سر نشیب وافری که از درهٔ (سیالولنگ) از متصل جبل السراج بگذرد بقرار حسابی که بعمل آمده بقوت (۱۵۰۰) اسپ یك قوت عظیمهٔ الکتریك حاصل میشود که با این قوت غیر از تحریك ماشینخانه های کابل را بقوت الکتریك مقدار بسیار وافر قوت برای تنویرات دار السلطنه وسراج الامصار ، ودیگر کارخانه هایی که سر از نوساخته شود فقط بدست میآید . الحق که این تشبث یکی از اقدامات عظیمهٔ شمرده میشود که موجب یك حیات تازهٔ صنایع وتجارت دولت خداداد میگردد . درسال گذشته بکمال گرمی در باب حاضر ساختن نقشه ها ، وپلانها وتدارك کردن آلات وادوات لازمهٔ آنها کوشش ورزیده شده است .

(۱۰) — کارخانهٔ جینهٔ پشمینه بافی نیز تمام سال گذشته را به اکمال انشاآت تعمیریهٔ خود پرداخته در وقت حاضر بعضی کارهای متفرقهٔ آن باقی مانده که آنهم روز بروز در اکمال شدنست .

(۱۱) — یکی از آثار عظیمه عصر سراجیه تمدید یافتن خطوط تلفون است در ممالك شاهانهٔ شان . اگرچه ولایتهای مهمهٔ جلال آباد وقندهار دو سال قبل ازین بادار السلطنه کابل بواسطهٔ تلفون ارتباط یافته ولی در سال گذشته سراج الامصار جبل السراج نیز بادار السلطنه به تلفون مربوط شده است .

سال سیاسیٔ داخلی

از واقعات عمدهٔ مهمهٔ که درینسال گذشته رخ دادهاست بغی وعصیان طوایف مردم منگل واحمدزائی . بود که سبب یگانهٔ عصیان مذکور از عدم ارادهٔ حاکمان آن سمت پیش آمده است مکدر ترین الم سال وقوع همین وقوعاتست . چسان مکدر نباشد ؟ اقوام مسلمان یك وطن که بلحاظ ودین وملت وتابعیت وزبان وغیره جز وهمدیگر شمرده میشوند دفعهٔ به اغوای شیطان لعین بر بغاوت وسرکشی اقدام نمودند که از دیدن اینچنین یك حال ناگواری که موجب خسر الدین والدنیا شدن یك گروه ملت خودملت مکدر ومتأثر نشدن ممکن نیست . ذات اعلیحضرت پادشاه شفیق معظم مرحمت پرور ما در اول امر به پند ونصیحت بعد ازان به تهدید وتنکید ، آخر الامر به استعمال سلاح

ودرعین زمان باز برفق وملایمت آن گم گشته گان راه راست را براه آوردند. جنرال محمد نادر خان را که جنرال حضور وکارشناس بود ومظهر اعتماد وعواطف شاهانه بود بایك عده از عساکر منتظم شاهانه بعهدهٔ اختیارات تامه به آنسو سوق وگسیل فرمودند. جنرال مشار الیه همه گونه تدابیر سیاسی، عسکری، خودرا بکار برده واصلاحات لازمه را درانسمت اجرا نموده از قراری که شنیده میشود گویا درینروزها عودت میکنند. غیر از همین غایلهٔ منگل برانگل دیگر چیز مکدری در داخل ملك ظهور نه نموده وبسایهٔ عدالتوامانهٔ شاهانه در همهٔ ممالك محروسهٔ المسالك افغانیه تمام سال بکمال أمن وآسایش وصحت عامه مرور نموده است.

با دولتهای همسایه وهمجوار خود دولت متبوعهٔ مقدسهٔ مابقرار سابق بی غایله بسر آورده است. علی الخصوص با دولت دوست ومتفق خود یعنی دولت معظمهٔ بریتانیا نیز به أحسن سلوك از جانبین رفتار شده. تنها در سرحد سیستان با دولت علیهٔ ایران بنا بر تجاوزات حقوق شکنانهٔ بعضی خان های خودسر تبعهٔ دولت علیهٔ ایران کمتری منازعات پیش آمده آنهم بحمدالله به أحسن وجوه بر طرف گردیده است.

با دولت علیهٔ عثمانیه بمناسبت یکدواعانهٔ که درباب حریق دکان استانبول وبازماندهگان شهدا ومجروحین طرابلس غرب بوقوع آمد مخابرات ومکاتبات دوستانه ووداد کارانه درمابین این دو دولت علیهٔ اسلامیه احداث گردیده فوائد عظیمهٔ بعالم اسلامی رسانید. در حالی که از عمرها این دو دولت اسلامیه با یکدیگرشان نه سلامی داشتند ونه کلامی این غداری وعصیانی بر قصابی ایتالیا نه موجب ایقاظ وانتباه عظیم مسلمانان گردیده بر همدیگر خود یك صدای گردند وبه اطراف خود یك نظری انداختند. به همدردی ودستگیری واتحاد خود شانرا مجبور دیدند. مقصد از اتحاد وهمدردی این نیست که اردوهای پر طوپ وتفنگ خودشانرا بمعاونت یکدیگر سوق نمایند. نی بلکه تنها بدرد همدیگر خود متألم شدن. از احوال همدیگر خود پرسیدن. بهر جودموجود یك دست شان برسد همدیگر شانرا دستگیری کردن چنان نتایج عظیمهٔ اسلامی را دربردارد که محسنات آنرا أرباب نظر میدانند. سبب یگانهٔ این انتباه اسلام ایتالیاست

(عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد)

تاریخچهٔ سیاسیهٔ خارجیه

(دولت علیهٔ عثمانیه ومحاربهٔ طرابلس غرب)

مهمترین واقعات وحوادثاتی که در ظرف سال اول (سراج الاخبار افغانیه) بظهور پیوسته همانا محاربهٔ طرابلس غرب است دولت ایتالیا که یکی از دول معظمهٔ اوروپا ویك رکنی از ارکان اتفاق مثلث میباشد از بسیار وقتهاست که ضبط واستیلای طرابلس غرب را در زیر نظر داشت. ودر وقتی که ایمپراطورها، ووکلاها، ودیپلوماتهای اوروپا ملاقتها ومصاحبه های پنهانی خود شانرا درباب مقاسمهٔ ممالك اجرا میکردند ولایت طرابلس غرب به ممالك عثمانی حصهٔ ایتالیا افتاده بود. این است که درینوقت آن حصهٔ خودرا درربود. دولتهای اوروپا چه گفته میتوانند؟ آیا خود شان برهمین قرار نداده بودند؟ لاجرم در نظر اوروپا ایتالیا بجزاینکه حصهٔ موروثی خودرا گرفته باشد دیگر کاری نکرده است! وازین دلیری بود که «ارض موعود» گفته بی محابا هجوم بردند. اما چه هجوم بی سبب، وغیر مشروع که تا بحال در عالم مدنیت امثال آن دیده وشنیده نشده است.

اما جای تعجب این است که این هجوم را دولت علیهٔ عثمانیه از بسیار وقتها تخمین وحساب میکرد. ولی هیچ به اندیشهٔ تدارك آلات مدافعهٔ ایجابیه نیفتادند. نه یك استحکامی، نه یك طوبخانه های مکمل نه یك مقدار عسکری بدرجهٔ کفایت در انجا آماده کرده نتوانستند. اگرچه این قباحت را بدور استبداد سلطان عبدالحمید خان انداختند ولی آیا درحالیکه حکومت مشروطه قایم شد وبعد از مدتی محاربهٔ طرابلس آغاز نهاد چرا در آغاز کار قوای کافیه در آن تحشید ننمودند؟ این قباحت را نیز برجمعیت اتحاد وترقی حمل نمودند. تا ببینیم که حریت وائتلاف چه میکنند!

نتیجهٔ که تابحال ازین محاربه بظهور آمده دو چیز است: یکی اینکه ایتالیا به این محاربهٔ ناحق! وناروا موجب لعنت ونفرین تمام دنیا گردید. وچون بدوستان خود وعده کرده بود که همه چیز را حاضر کرده وبجز یك حمله کردن وفرو بردن دیگر هیچ چیزی نمانده. وبجز یك نیزه وهوا خوری؛ عسکری دیگر هیچ چیزی شمرده نمیشود. وبعد ازان چون لقمه در گلویش پیچید وبنای دست وپازدن را گذاشت موجب خندهٔ استهزای دوستان را نگزندهٔ خود شده رذیل ورسوای اوروپا وآسیا گردید. وحالا حیران مانده است که چه کند. دوم نتیجه که این محاربهٔ بخشید این است که همهٔ مسلمانان دنیا را بر افکار اوروپا وحال خودشان بیدار وهوشیار ساخت. قدر همدردی ومعاونت همدیگر شانرا تعلیم نمود. نتیجه های غفلت وتسامح را در پیش نظر شان تجسم داد.

غیر از این محاربهٔ طرابلس غرب بس کشمکشهای عجیب وغریب دیگری نیز در دولت علیهٔ عثمانیه پیش آمده است که اگر تفصیل همهٔ آن بپردازیم یك کتاب مستقل نوشتن لازم میآید. مدهشترین این کشمکشها اختلافات فرقهای سیاسی، داخلی شمرده میشود. اگرچه اختلاف امت را رحمت گفته‌اند ولی اگر اختلاف در بارهٔ اصلاح وترقی باشد نه برای اغراض نفسی واحتراسات شخصی. هزار افسوس که چون در همهٔ

افکار وحرکات فرقه های مخالف یك دیگر تدقیق وتحقیق شود غیر از این که یکی دیگر خودرا غلطانیدن ، ودوایر حکومتی را بقبضهٔ خود در اوردن — یعنی از فرقهٔ خود وزراء ووکلاء تعیین کردن — دگر چیزی دیده نمیشود . از ین اختلافهای فرقه ها در چنین وقت نازك بجز مضرت دگر هیچ منفعتی دیده نمیشود بهر صورت از درگاه الهی جل وعلا نجاح وفلاح وترقی ومحفوظ ماندن دولت علیهٔ عثمانیه را نیاز میکنیم .

(دولت علیهٔ ایران)

ایران نیز همهٔ سال را بفلاکتها ومصیبتهای عظیمهٔ بسر آورد تا بحال هیچ یك حکومت قویهٔ تأسیس داده نتوانست . هرکس یك خیالی دارد . بخیال ناقصانهٔ خود ما مشروطه شدن ایران خیلی بی وقت وبی هنگام تشبثی بود از همه بدتر که ازمشروطه گذشته جمهوریت طلبی را نیز ادعا کردند . اما تا دانسته ایم در تاریخ اسلام چون نظر کنیم حکومت جمهوری را هیچ نمی بینیم . مشورت را اگرچه اساس می بینم . ولی احکام خلفای راشدین رضوان الله تعالی علیهم اجمعین ، وپادشاهان ذیشان اسلام را چنان نافذ وحاکم می بینم که آثار جمهور ومشروطه دران دیده نمیشود . پادشاهان ذیشان آل عثمان اینهمه فتوحاتی که کردند بسایهٔ نفوذ وسطوت وشوکت استقلال خلافت شخصی خود کردند نه بقوت مشروطه وجمهوری حکومت مشروطه دروقتی میشود که اکثر اهالی از زن ومرد عالم فاضل ، مخترع موجد ، صنعتکار ، در ده نوت ساز ، طیاره باز شوند که دراوقت مشروطیت نیز خود بخود بظهور می انجامد .

در وقت حاضر ایران از یك طرف در زیر تهدید اجنبی ، واز دیگر طرف در میان اغتشاشات داخلی زبون وتالان افتاده است آیا زنده گانی خواهد کرد ؟ ابهم مجهول ! قتل وقتال رؤساء در مشهد وتبریز ، وتحقیر وتخریب نمودن مزار مبارك حضرت امام رضا رضی الله تعالی عنه ازچنان چیزهائی نیست که جگر مسلمانان راخون نکرده باشد . ما هیچگاه بخرابی ومحوشدن دولت همسایهٔ همدین مهربان خود راضی نیستیم ولی چه باید کرد : « زمانه ایست که هرکس بخود گرفتار است » . ازدرگاه الهی جل اسمه برای خود وهمه برادران مسلمان خود صلاح ونجاح را رجا میکنیم .

(چین)

چین که یکی از دولتهای بسیار بزرك واسع زمین کثیر النفوس آسیاست در سال گذشته یك انقلاب عظیمهٔ بر خورده . که آنهم حکومت چند صد سالهٔ خاندان (مانچو) بحکومت جمهوری انقلاب یافت . این واقعه نیز خیلی شایان دقت یك حادثه ایست . چنان معلوم میشود که ملت چین از خواب بیدار شدند وحس ملیت شان بجوش آمد . در چنین ممالك تدینی مانند چین تاسیس یافتن حکومت جمهوری خیلی عجیب میاید . اما بقا وپایداری جمهوریت در چین امید نمیشود .

(ژاپان)

یکی از واقعات عظیمهٔ سال گذشتهٔ سابقهٔما ، وفات یافتن ایمپراطور ژاپان اعلیحضرت (میکادو موتسو هیتو) میباشد که خبر وفات شانرا در نمرهٔ ۲۳ اخبار خود درج کرده بودیم . وگفته بودیم که انشاالله ترجمهٔ حالش رانیز درج خواهیم نمود . این است که بالمناسبه ترجمهٔ احوال شان را از همعصر معزز (ترجمان)ی قریمی عیناً نقل مینمائیم :

امپراطور ژاپون

از فوت شاهنشاه عظیم الشان وامپراطور جلیل القدر ژاپان اعلیحضرت (متسوهیتو) میکادوی عادل عالم حکیم مدبر عاقل سیاسی ، جهان انسانیت بگریه وعالم مدنیت بلرزه اندر آمد : زیرا چنین نادرهٔ متخلق باخلاق ملکی ومتصف بصفات حمیده در این عصر تمدن حصر مادر روز گار بکنار نیاورده بود . تنازل از مقام الوهیت (استغفر الله) ومنسلك بسلك عبودیت شدن ، احکام ظالمانه مطلقه را مبدل بعادلهٔ مشروطه کردن ، وصلای مساوات وحریت در میانهٔ شعب وطوایف دادن کار جنس آدمی انهم از پادشاهان مستبده خاصه در مشرقزمین نبوده ؟؟ پس میتوان این امپراطور مصلح وانسان فرشته خصایلرا اول انسان کامل وشخص (اولش نامید) :

(متسوهیتو) یعنی آدم حلیم ومرد لطیف طبع جذاب (میکادو) یعنی آقای دربار سلطنتی (پالتو)یعنی پادشاه آسمانی وبنا القاب دگر که ملت ژاپون بدین پدر رئوف وپادشاه عطوف رعیت پرور عدالت گستر خود داده اند .

این امپراطور که صیت جلالت او وعظمت ملتش ژاپون شرق وغرب عالمرا فرا گرفته ودر جنك باروس براً وبحراً تفوق قوای لشکری ، وتدابیر سیاسی ، وفطانت ملی خودرا بدول معظمهٔ عالم نمود ، در ۳ نومبر ۱۸۵۲ میلادی مطابق سنهٔ ۱۲۷۰ هجری در شهر کیوتو بدنیا آمد ودر ۱۸۶۷ م به تخت سلطنت جلوس کرد ودر ۱۸۶۸ تاجگذاری نمود ودر سال ۱۸۶۹ شاهزاده خانم هادکورا (زهرهٔ بهاری) که در جمال وکمال یگانهٔ بی مثال واز خانواده های (اینجیزوا) بود تزوج نمود — ولی چون از این امیره جمیله هرچه اولاد اورد نماندمیکادوچندین مخدرات مجلله بعقد ازدواج در آورد (در ژاپون تکرر تعدد الزدواج

مرسوم است همچون سایر مشرقیان) تا انکه از سایر زوجات پنج پسر وهشت دختر بظهور آمد واز پنج پسر چهار نفرش نماندند ویك نفر سیمین که (یوزی هیتو) باشد ماند که ولیعهد واینك امپراطور گردید ..

اعلیحضرت میکادو ژاپون در سنه ۱۲۸۵ ه که به تخت سلطنت جلوس نمود پانزده ساله بود وتمامی ملت ژاپون که چهل وپنجسال قبل باشد وحشی ومشهور بدزد دریائی بودند . تمام شاهزادگان وامرا وروٌسا در بلاد وقصبات مملکت ژاپون حاکم مطلق وتمامی املاك واطیان رعایارا از خود ورعیت رابنده ومملوك خود میدانستند در داخـله بلاد واغنیا وتجار واعیان ارزاق وماکولات مردم را احتکار میکردند . هرکس میخواست وزیر یا امیر یاحاکمی را به بند پس از دادن پیشکشها ورشوه ها وهدیه ها الوقتیم معلوم نبود که در اطلاقات زنده جان بدر برد وندرتاً سالم مستخلص میشد

میکادوی ژاپون اول از عرش الوهیت وکبریائی بفرش عبودیت وبی ریائی تنـازل کرد وحجاب ابن السماء وسلطان آسمانی را یکباره انداخت سپس دست حکم جابر وروٌسای ظالمرا از سر رعیت کوتاه کرد ومکرر در مکرر خطابه ها خواند وگفت ای اولادان عزیز منهم مثل شما آدمی وشماهم مثل من آدم هستید صاحب حقوق میباشید . محاکم ومحاکمات تعین کرد . حکم مساوات و آزادی ادیان داد . عسکریرا یکایك رشته کی کرد پست وتلگراف ایجاد کرد . وپول بنام خود سکه نمود (درژاپون قبل از میکادو باسم پادشاه پول سکه نمیشد زیرا حرام میدانستند که دست بی طهارت بنام پادشاه بگذارند) مدارس بسیاری باز وتحصیل را اجباری قرار داد . تا هرکس خوانا ونویسنده گردد در هرسال از جوانان تحصیل کردهٔ ژاپونی ببلاد اوروپا فرستاد واز معلمین اوروپائی بسیاری ببلاد ژاپون آورد . چون ملتـرا مستعد دید در سال ۱۸۸۶م — ۱۳۰۴ ه اعلان مشروطه داد وامر بانتخاب وکلا وافتتاح پارلمانت ومجلس اعیان کرد . وقانونی از قانون ناپلیون فرانسه اقتباس وباقتضای حال ژاپونیان موادی بروافزود واجرا نمود...

تاریخ ژاپونرا مبدل بتاریخ میلادی نمود . واحداث کارخانجات اسلحه سازی وکشتی سازی واختراعات حدیثه کرد مکرر خود بنفسه یکته بمدارس حاضر وخطابه های مشوقانه خواند . واطفال را بعلم تحریص کرد وانعام وجایزه داد . هم چنین مکرر بمیدان مشق قشون حاضر شد . وسربازانرا تشویق وخطاب ای اولادان عزیز نمود وشرکت در غذای انها کرد . وبا انها در یکجا نشست وباصاحبمنصبان نظامی سوار ودر مشاوره ها حاضر گردید . جراید رسمی منتشر وجراید غیر رسمی بقیمت نازل مقرر کرد میان ژاپونیان پراکنده کنند راه آهن وکشتیهای دریائی راه انداخت . تاجنك باچین در سال ۱۸۹٤ — ۱۳۱۲ پیش آمد ومظفر ومنصور گردید لیکن این غالبیت ژاپونرا اوروپاویان خاصه روس از اتفاقات وغفلت چین دانسته تاجنك باروس ۱۳۲۲ پیش آمد وهیجده ماه طول کشید وهمه جا فتح وفیروزی برّاً وبحراً نصیب ژاپون شد خودرا ملك اللو شرق نمود . ودر اعداد دول معظمه عالم در آمد . چنانچه چند روز قبل رئیس الوزرا انگلیز شرحی مفصل دایر بر تمجید وترقیات بریه وبحریه ژاپون بیان کرد : آری میکادوی ژاپون نمرده ملک زنده ابدیست

(میکادوی ژاپون در ۱۲۷۰ بدنیا آمد واینك که سال ۱۳۳۰ میباشد از دنیا رفت)

هندستان

یکی از وقایع مهمهٔ که در سال گذشته در آسیا بوقوع آمده تشریف آوری اعلیحضرت جارج پنجم پادشاه انگلستان . وملکه (مه ری) ملکهٔ انگلستان به سیاحت هندستان میباشد که مراسم جشن تاج پوشیٔ خودرا اجرا نمود . اگر به روایات مجیهٔ این مراسم پر دبدبه وطنطنهٔ جشن تاجپوشی بپردازیم همهٔ حجم اخبارما گنجایش آنرا ندارد . لهذا از مهمترین نتایج آن بحث رانده میگزریم که اعلیحضرت جارج پایتخت هندستان رااز (کلکته) به (دهلی) که از قدیم پایتخت پادشاهان اسلام بود نقل داد . وبه اینصورت مسلمانان هندستانرا یك جبههٔ حسنهٔ سیاسیه شان داد.

وغیر ازین بسی اجرا آت نافعهٔ دیگر نیز در هندستان بروی کار آورد. این راهم بنظر افتخار ومسرت می بینیم که مسلمانان هندستان روز مره بیداری و آگاهی رونما میگردد . مردمان مدنی وباغیرت وباحب عاقل ودانا افزونی میگردد . دار العلومها مجلسها . انجمنها . مکتبها مطبوعات شان کثرت پیدا میکند . یك چیز دیگری که جالب نظر دقت وموجب ممنونیت است همانا تشبثات واقداماتیست که در راه رفع اختلافات ومنازعات هندو ومسلمان بعمل می آید که اگر ازین کامیاب شوند حقیقتاً یك شهراه عظیم ترقیٔ هندستان شمرده میشود .

مراکو

در افریقا چون نظر اندازیم دو واقعهٔ بسیار مهمهٔ دران می بینیم که یکی محاربهٔ طرابلس غرب است که ذکر آن سبقت نمود . دوم انقراض باقی استقلال دولت اسلامیهٔ (مراکو) ست که سلطان آن (عبد الحفیظ) تابعیت وحمایهٔ دولت (فرانسه) را قبول کرده استقلال . وموجودیت . وحاکمیت . وآزادی وطن وملت خودرا محو نمود . با آنکه ازین قبول کردن تابعیت نیرنگهای پالسون اوروپا مجبورش ساخت. این بلا برسر مراکو از حرص وطمع ورقابت وحسد دولت جرمن وفرانس پیش آمد.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 379 of 1786

به تحریك سر انگشت آنها بعضی قبایل عرب بر مولای حفیظ خروج کردند . مولای حفیظ در شهر (فاس) محصور ماند . فرانس بنا بر احکام معاهدهٔ (الجزیره) در انجا عسکر فرستاده سلطان (فاس) را از محاصره رهائی داد ودر حقیقت حال فاس را بقوهٔ عسکریهٔ خود ضبط نمود . از دیگر طرف جرمن که محرك طرفداران عبد العزیز سلطان اسبق بود یك کشتی جنگی خودرا به بهانهٔ محافظه کردن حیات ومنفعهٔ تبعهٔ خود در بندر (اقادیر) مراکو روانه نمود . عرق حسد ورقابت فرانس وجرمن بدرجهٔ رسید که دست بشمشیر شدند . وبرای اعلان حرب شان هیچ چیزی نمانده بود اگر دولت انگلیز بفرانس معاونت نمیکرد ممکن بود که جرمن در حرب قصور نمیکرد . بعد از بسیار تهلکه ها وبحثها مذاکره ها باهم ساختند . فرانسه یك قسمی از ممالك (قونغو) ی افریقای خودرا به جرمن ترك نمود . ودر فاس بعضی منافع تجاریه برای اونشان داده در مراکو در حرکات خود آزاد ماند .

بلی این منفعتها را حریفان بردند اما خسارتهارا که کشید؟ هیچ شبهه نیست که مراکو ومراکوئیان ! بلی غفلت وبی اتفاقی همین نتیجه میدهد . در نیوقت حاضر عبد الحفیظ بدنامی بیغیرتی فرجام بترك تاج وتخت گفته به پاریس رفت . وبجایش (یوسف) نام برادرش را فرانسویان به احتفالات عظیمه نشاندهٔ خود ساختند . قبایل مسلمانان غرب اعلان جهاد کرده اند . فرانس بکمال فعالیت کار خودرا پیش میبرد .

اوروپا

در سال گذشته اوروپا در مقابل صرصرهای حوادث عجیبی مانده بود مسئلهٔ مراکو وطرابلس غرب . وایران افقهای غربی ، وشرق ، وجنوبی را با ابرهای طوفان اثر کثیفی پوشانیده بود که هنوز هم آینده معلوم نیست که چه شود مسئلهٔ مراکو دولتهای اتفاق مثلث ، وائتلاف مثلث ، اوروپا را یعنی جرمن ، وایتالیا ، واوستریا که اتفاق مثلث اند ، وانگلیز ، وفرانس وروس که ائتلاف مثلث اند بایکدیگرشان در آویخت . درمابین انگلیز وجرمن بسببی که انگلیز طرفداری فرانس را در مسئلهٔ مراکو نموده بود خیلی از خیل کین ورقابت پیدا گردید . فاما این دو دولت درمابین خودشان هیچ سازگاری ندارند انگلیز یگانه رقیب تجارت وبحر خود جرمن را می داند . ازین سبب هیچ دیده ندارد که اورا بیند . چنان معلوم میشود که این رقابت ها آخر باهمدیگر یك مصادمهٔ شدیدهٔ را نتیجه بخشد که خیلی مدهش یك مصادمهٔ خواهد بود همه رجال سیاسیهٔ اوروپا سال گذشته را در میان اندیشه های دور ودرازی گذرانیدند .

مسایل بلقانها ، وممالك عثمانیه ، ومحاربهٔ طرابلس غرب ، وایران نیز اوروپا را در یك هرج ومرجی انداخته است . از یکطرف مقاسمه ها ، واز دیگر طرف راست نیامدن در قسمتها ، وباز از یکطرف اتفاقها ، ودرزیر آن اتفاقها ظهور نمودن دیگر گونه نفاقها ، واز دیگر طرف سراز نو ظهور نمودن دیگر گونه حرصها وطمعها اوروپا را سراسر یك هیجان واضطراب عجیبی در آورده است . مثلا اولا روس وانگلیز در باب ایران یك ائتلاف کرده بودند . نتیجهٔ آن ائتلاف این شد که روس مسئلهٔ جزئیهٔ (شوستر) امریکائی را بهانه کرده بر ایران عسکر سوق کرد . انگلیز دراول امر صدای خودرا بالا کرد ولی چون دید که روس درلقمه ربائی پیشقدمی ورزید . ومسلمانان هندستان ودیگر طرفها ولوله ها انداختند از آنرو بحرکت آمده رفتار روسهارا که باگامهای بسیار فراخی بسوی بلعیدن ایران پیش می آمد توقیف نمود .

دیگر حکومتهای اوروپا در امورات داخلیهٔ خود مشغول مانده اند روس نیز در داخل ملك خود با ارباب تجدد وآزادی دست وپنی است . دولت پورتگال ازپادشاهی بجمهوری انقلاب کرده است

امریکا

درامریکا بجز اختلال (مکسیکو) که گاهی خاموش وگاهی شعله ور میشود . ویك مادهٔ که در (کوبا) ظهور کرده دیگر چیزی نیست .

انتهی

حوادث داخلیه

مراسم دربار در عید سعید فیوضات آثار

یوم پنجشنبه سلخ شهر ماه مبارك رمضان فیض رسان بعد از غروب شمس پرتو افشان وانداخته شدن طوب آخرین افطار روزه برغدران اقتدار السلطنهٔ دولت مستقلهٔ خود مختار افغانستان یعنی کابل جنت نشان صانه الله الی آخر الدوران ، باصداهای غران خروشان طوبهای شرر افشان یك غلغلهٔ مسرت ویك ولولهٔ پر فرحت طنین انداز بشارت دهی ومژده رسانی ورود عید سعید فطر میامن پدید گردید با آن آوازهای بلند پرواز صداهای اطفال دمساز اولادهای صغار وطن با دیانت همراز کیش الاسلام ساعت بانتظار انداخت طوبهای عید سرورانداز از بامهای خانه های خود شان بسوی تپهٔ مرنجان (زیبی ماهرو) که طوب از انجا انداخت میشود نظرانداز بودند همراز وهم آواز شده همهٔ شهر را یك ولولهٔ سروری استیلا نمود پس به انجذاب کرؤیت هلال غرهٔ شوال المبارك بروز سه شنبه ثابت گردیده یوم چهارشنبه روزه گرفته

شده وبشام روز پنجشنبه رؤیت هلال شوال المکرم ثابت شده بود جمعه عید سعید فطر اعلان گردید ثابت شد که رمضان فیض‌رسان امسال سی روز کامل بعمل آمد .

هلال عید براوج فلك هویدا شد
سرور وفرحت اسلامیان دوبالا شد

صبح روز فیروز جمعه که اجتماع عیدین مسلمین است ونادراً تصادف میکند چنان یك صبح سعادت پرصرفی بود که تصور وتعریف آن ازقوهٔ قلم هر صاحب قلم فزون افتاده است باوجود آن هم تاندرجهٔ که ممکن باشد ازقرار دیدنیهائی که بچشم دیده ایم بتصویر آن کوشش میورزیم.

پنجشنبه صبح بموجب رقعه ها وطومار های خبری که ازطرف ایشیك آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی باورقه های مطبوعهٔ تعلیمنامهٔ قواعد شرعیهٔ صدقهٔ فطر روزه وکیفیت تکبیرها واداى نماز عید برهمه‌گان تقسیم وتوزیع شده بود در قصر معالی حصر (استور) بمجمع آمدن آغاز نهادند بندهٔ بزرك پیش روی قصر همایونی بامفروشات وتزئینات مکملهٔ بسیار فاخری تزئین یافته بود. همهٔ ارباب مناصب ملکی وعسکری تارتبهٔ کمیدانی وشهزادگان عظام وسرداران کرام وعلما واشراف ذوی الاحترام جابجا بمقامهای خود شان اخذ موقع کردند . یك بولوك ازعساکر خاصهٔ پیاده که باونیفورمهای بسیار خوشنما واسلحهٔ نظر ربائی مجهز بودند ازدوطرف بندهٔ صف بستهٔ احترام شدند . بساعت نه وربع ذات عالی مقامتمآب جناب (نائب السلطنه صاحب) تشریف آورده هیئت دربار را نظارت نموده آوردن ناشتای افطار صبح عید بقرار قاعد که ازطرف اعلیحضرت پادشاهی مقررات اجازه فرمودند. شهزادهٔ جوانبخت معظم جناب (معین السلطنه) حسب الوظیفه صف آرائی عساکر شاهانه را از دروازهٔ ارك مبارکه تاجامع شریف عیدگاه بانجام رسانیده تشریف آوردند .

تقریباً ساعت ده ونیم بود که ذات شوکت سمات قدسیت صفات اعلیحضرت امیرالمؤمنین (سراج الملة والدین) پادشاه خیرخواه عدالت آئین ماهچهرون شمس تابان خاوری باهمهٔ شوکت وجلال سلطنت وشر وری برحاضرین دربار معالی بار پرتو افروز انوار سعادت گردیدند . وسلام خدام صداقت التیام حاضرین حضور همایونی راقبول فرموده بعواطفات ونوازشات احوالپرسی شاهانه قلوب همت پر مطلوب صداقت کیشان حضور انور والا را احیا فرموده بحاضر شدن حرکت موکب سعادت موهب همایونی بسوی جامع شریف اراده وفرمان نمودند .

حاضرین کرام بالانتظام تمام از راه ارك مبارکه گذشته در خارج ارك ازقرار تکتهای نام نویسی که برهرکس تقسیم شده بود بنمبر های عرابه ها تطبیق داده درسی وشش عدد عرابه های سلطنتی جابجا گردیدند. تاآنکه گردونهٔ شوکت نمونهٔ اعلیحضرت شهریاری که بچهار اسب توانای صبارفتار کشیده میشد بحرکت افتاد دیگر عرابه ها متسلسلا بتمام ترتیب وانتظام وهمهٔ شوکت واحتشام موکب فرخندهٔ گی موهب همایونی راتشکیل داده پیروی نمود .

در عرابهٔ سواری ذات اعلیحضرت پادشاهی جناب نائب السلطنه صاحب وهردو مصاحبان خاص شرف همرکابی حضور داشتند . دوم عرابهٔ شهزاده گان جوانبختان معظم جناب معین السلطنه وجناب عین الدوله صاحبان بود که عرابهٔ دیگر شهزاده گان عظام وسرداران وصاحب منصبان کرام یکدیگر را بقرار سررشته تعقیب مینمودند.

ازدروازهٔ ارك مبارکه تادروازهٔ جامع تمام سرك جدید وقومی باغ وپل وسرك بزرك تاجامع ازدو طرفه باعساکر ظفر مآثر نظامی شاهانه محاط شده بود. عساکر خاصهٔ صف سوار ازرکابی وسراوس ورسالهٔ شاهی موکب همایونی ازدو طرفه بحرکت بود . عساکر شاهانه باموزیکه های عسکری خود شان درهر موقعی که موکب همایونی شرف ورودی یافت سلام شاهانه را ادا میکردند در عقب صفهای عسکر جم غفیری از اهالی بنظارهٔ این موکب سعادت کوکب ودیدار شهریار مراحم کردار عدالت منقبه یك سرور وشکران عظیمی موکب همایونی راتماشا میکردند .

باینصورت این موکب مطنطن ومبدب شوکت ومهابت مؤدب بدروازهٔ جامع بسیار بزرك باصفای قدسیت احتوای عیدگاه مواصلت نمود. ذات اعلیحضرت پادشاه مراحم آکتناه بسواری عرابهٔ دستگی دیگشاه ودیگر همرکابان موکب همایونی بشرافت معیت همایونی همراه بوده وصحن جامع شریف راکه باهزاران نفوس مسلمین خجاخج پرومملو بود گذر نموده درموقع نمازگاه همایونی که دروسط بنای جامع درزیرقبهٔ بزرك وسطانی معین است تشریف فرمای سعادت گردیدند. وبرمرتبهٔ اول منبر سنك مرمر جلوس فرموده صف آرائی صفوف مصلین رافرمان نمودند . وتاوقتیکه همهٔ عساکر شاهانه ورعایای متفرجین به نماز حاضر میشدند مکث ودرنگ فرموده بادای صلوات عید وعبادت خالق یگانهٔ وحید آغاز وبعدازانجام نماز خالق بنیاز خطیب بالك خطبهٔ بلیغهٔ عربیه خطابت دینیه لازمه را اجرا ورهبتی وموجودیت سلطنت سنیهٔ اسلامیهٔ مستقلهٔ افغانستان بنام قدسیت التیام پادشاه دیانت اکتناه اسلامیان همه‌گان را آگاه وبینا ساخت .

ملیون ملیون شکر ، ملیار ملیار ثنا !

بعدازانکه تقدیر ترتیب وتصنیف باقتدار عساکر شاهانه توقف همایونی درجامع شریف وقوع یافت بازبهمان شوکت واحتشام که ازهیبت وسطوت دین مبین اسلام متشکل بود بارك مبارکه عودت موکب باسعادت شاهانه بوقوع آمد .

ازمهم ازحسن تصادفات است که امسال روز عید سعید فطر بایوم جمعهٔ مبارکه مصادف گردیده است . ذات مکارم صفات اعلیحضرت پادشاه دیانت پناه حقایق آگاه معظم ما اجرای مراسم دربار معالی باررا بعداز صلوات جمعه امر وفرمان نموده هرکس بحاضر شدن نماز جمعه مهیا گردیدند . ذات اعلیحضرت شهریاری

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 381 of 1786

نماز جمعه‌را درجامع انوار ملامع ارک مبارک که ادا فرموده بعدازان مراسم دربار معالی بار را در دالان عظیمهٔ سلام خانه‌ها ماجرا فرموده . چایها ، طعامها ، شیرینیها بقرار سررشتهٔ همساله اجلال واحسان فرموده شد . تقریباً بساعت سه دربار معالی‌بار عید سعید فطر بچنان سعادت ها وفرحتها ومسرتها بانجام رسید که از لذائذ نعمای آن کامیابان ملت افغان تا ابد حلاوت افشان خواهد ماند .

به درگاه حضرت رب عظیم الشان جل وعلا جبین عبودیت میسائیم؛ وشکران این نعمای لایتناهی را ورد زبان عبودیت میسازیم که جناب حق و فیاض مطلق بما ملت افغان چنان یک پادشاه دین پناه حقایق آگاه بیدار مغز ترقیخواه عدالت همراه مانند ذات اعلیحضرت (سراج الملة والدین) (امیر حبیب الله خان) ادام الله دولته عطا واحسان فرموده که بپایهٔ ترقیوا به شاهانهٔ شان دولت علیهٔ افغانستان امروزه روز به این سازو سامان علویت شوکت وشان واصل شده است . ودولت وملت افغان دروقت حاضر یکدولت مستقلهٔ بهمه استعدادات ترقی حاضر و آماده وملت افغان در شهراه ترقی وتمدن قدم انداز سعادت شده اند . برماست که شکر این نعمت را بجا آریم ودعای دوام عمر وعافیت پادشاه محبوب القلوب خود ما را که موجد ترقی ماست ورد زبان صداقت نمائیم تا بدیدن بی اعیاد مسرت بنیاد ملت ووطن درزیر سایه همایونی شان قرة العین افتخار گردند .

داک شهر

از داک شهر کابل مکتوبی گرفته ایم که ورود موکب اردوی ظفر آمود همایونی را که مظفراً ومنصوراً از محاربه (منگل) به دار السلطنهٔ کابل عودت نموده‌اند تصویر میکنند لهذا مکتوب مذکور را عیناً درج مینمائیم :

مکتوب

به اداره خانهٔ سراج الاخبار افغانیه بعد الالقاب

دیروز یعنی یوم دوشنبه ۲۷ ماه رمضان المبارک که یک روز مقدس این ماه مبارک بود درهرطرف شهر یک شوق وشادمانی مشاهده می‌شد مردمان شهر فوج فوج بسوی سرک بزرگ (بیني حصار) میرفتند ازین معلوم میشد که غیر از شرافت معنوی آن روز مبارک یک شرافت مادی دیگری نیز در بر دارد؛ این مخلص شما نیز بعد فراغت از وظیفه که در ماشین خانه داشتم با یکی از رفقای خود درعرابه نشسته بهمان سمت عرابه چی را راندن اشارت کردم عرابه از حد قومی باغ هنوز نگذشته بود که یک منظرهٔ بسیار پرشکوهی برخورد دیم آمد آمد اردوی مظفر از زبان هرکه میگذر یک سرور مفتخر شنیده میشد عرابه را در یک کناره کشیده درپیش یک منظرهٔ بسیار باشکوهی خود را یافتیم که هدهٔ هیبت وسطوت موجودیت عسکریه افغانیه را بکمال مهابت در نظرها تجسم میداد : پیش ازهمه این را عرض کنم که شتافتنم به این تماشا مبنی بریک وقت گذرانیدن وساعت تیری نبود ، از دو سه روز پیش ازین خبر گرفته بودم که اردوی مظفر عودت میکند ؛ آمد اردو که یک غائلهٔ پر ولوله گمراه شدن ونادانسته عصیان کردن یک قومی از اقوام وبلکه یک عضوی از اعضای بدنام مارا بموجب رضا وتعلیمات همایونی براه آورده ، ومانند بغی وعصیان یک مرض مهلک وخبیثی را از آن قوم و عضو ملت به تدابیر مجربه کبری عملیات جراحیه اصلاح واصلاح نموده عودت میکند، لهذا استقبال ودیدن آمدن مجاهدین وطن را از زمرهٔ مثوبات شمردم .

عرابهٔ ما چون در مقابل توقفگاه شت جرای جریان آمدند اردو را تماما مهیا مشاهده میتوانستیم ، صداهای دهلهای عساکر رساله یعنی سوار ومو زیکه های عساکر پیاده تقرب نمودن اردو را اشعار میکرد . اولتر اول عساکر نظامی غند اردل وار دل باشی عساکر دراغون سواری خاصهٔ که با اونیفورم معها ی رسمی خودشان ملبس بودند وبه استقبال برامده بودند مو زیکه های اهوریهٔ لطیفهٔ فتح را نواخته بتمام نظام وانتظام مهابت انجام مرور نمودند در عقب آن عساکر ملکی شاهانه که هر فرقه وهر جماعهٔ هر قبیله با لیقه چوبهای که اسم وشهرت شان بران نوشته شده بود ویکی از انها که در صف اول شان میبود بدست داشته بودند شناخته میشدند از همه بیشتر جماعهٔ قوم جدران بود که بقیافت عجیب الخلقه مردانه رییس وافسر شان (بیرک‌خان) (— ازدور شناخته میشداد . بعدازان دیگر صفوف عساکر ملکي بیک انتظام تمام در گذشتند که بسبب دوری وضعف بصر نوشتهٔ نقشه های شان را خوانده نتوانستم در عقب آن یک منظرهٔ دهشتنمای دیگری ظهور کرد که آنهم مرور گروه اشقیای گمراه شدهٔ بود که یکدیگر شان بازلیرها مربوط وبدستهای شان کلبچه انداخته شده بود حقیقتاً که این منظر خیلی رقت آور بود مجازات مدهشه‌ئی جبال لتوشقا وتدارای العین نشان میداد نتیجهٔ شقاوت وعصیان زلت و حقارت وخذلانست که خدا الستار الزان بلای خانه ویران ازمحفوظیات خود نگهدارد بعد ازین منظره یک منظرهٔ نظر پرور دیگر بروز آغاز کرد که عبارت ازعساکر ظفرمآثر مجاهد مسافر بودند که با یک لشکر شاد غالبت که ازصنوف پیاده وطوبخانه وبلوکهای متراليوز مرکب بود مرور نمود ودر عقب آن سواری خود جناب جنرال (محمد نادر خان) بابلوکهای عساکر سواری مبیش وباقی افسران نظامی وبعضي از ذوات مستقبلین ودر پی آن دیگر مظفرقات اردو گذشتند .

باز رفیق خود چنان قرار دادیم که ازراه نزدیکتری پیش از رسیدن جنرال در قشله یعني چونی خود را برسانیم و اگر

ممکن شود یك رسم ملاقات استقبال را نیز بجا بیاریم ، و هم بیشتر و نزدیکتر ازین آن برادران عسکری خودرا ببینیم جناب جنرال هنوز از مراسم ایفای سلام اعلیحضرت پادشاهی در مقابل دروازهٔ ارك مبارکه فارغ نشده بودند که عرابهها درپیش دروازهٔ قشله توقف ورزید . رفیقم چون از افسران صنف نظامی بود در داخل شدن چوق مزاحمتی نکشیدیم

اگر کسی میخواهد که یك میسهٔ شجاعت و مردانگی را ببیند در چوقهای عسکری درامده حیات عالم عسکری را آشنا کند . اتحاد یگانگی ، متفقت ، سعی کوشش ، صبوری حقیقت پادشاه و وطن دوستی را درین منبع ناموس وشرف مشاهده خواهید کرد . امروز درین قشلهٔ غند اردل عساکر خاصهٔ شاهانه یك رونق تازه و یك شکوه بی اندازهٔ دیگری دیده میشد . همه نفری موجودی غند بدریشهای مکمل خودشان ملبس بوده درمیدان چوق صف بستهٔ احترام شده بودند . درافسرها یك شوق وشطارت مشاهده میشد . درین اثنا جناب کرنیل (عبدالوکیل) خان که یکی از افسران بسیار لایق وخلیق این قطعه وغند مبارك میباشد بپایش آمده اظهار لطف ومحبت نمود . دیگر بعضی کیدانها وافسران بهادر نیز باحسن تواضع فرمودند .

ها ! اینرا هم برای شما بنویسم که یك غلطی تام درشماره ۱۸ سراج الاخبار افغانیه بوقوع آمده است که آنرا به تصادف امروز خبر گرفتم دراثنای خطابات محاربه که افسران مشارالیهم خطابه میکردند (محمدعثمان خان) سر سلمشر ازمامور شدن خود در ۲۵ ماه جمادی الاول برای استکشاف با ۳۰ تولی عسکر در موقع (حصارك) بحث راندکه درسطر ٤ ستون ۲ صفحهٔ ۳ نمبر ۱۸ سال یکم سراج الاخبار افغانیه بعوض محمد عثمان خان سر سلمشر محمد جمال خان سر سلمشر نوشته شده است . چون میدانستم کشما باین تصحیح خوشنود میشوید بعرض کتابت جسارت ورزیدم .

والحاصل بعدازکمی انتظار جناب جنرال صاحب محترم ازمدخل جهت شرقی چوق سواره باعسکر اسو ارکان معیت خود بچوق داخل شدند . وبرصفوف عسکر رفته مراسم سلام وخوش آمدی واحوالپرسی را باعساکر اجرا نمودند .

اگرچه فرصت مکالمه ورسیدن بعض کوایف باجناب جنرال دست نداد ولی یك مصافحه ومعانقهٔ بسیار صمیمانهٔ عالی شان نایل شده وبسلامتی وکامیابی شان شکرها وثناها گفته واپس عودت کردم .

این است کسیاحت امروزی خود را بهمین قدر نوشته بخدمت آن ادیب محترم تا یکدرجه تصور وتحریر نمودم باقی دوام توجهات آنرا از حق با جزاله خود نیاز میکنم

ازده افغانان کابل ق ۲۷ رمضان سنه ۱۳۳۰ .

م . ط

حوادث خارجیه

خلاصهٔ خبرهای مختلفه

ممالك عثمانیه

§ ازقرار خبر هائیکه درصحایف اخبارها مطالعه میشود درین روزها درباب مصالحه درمابین عثمانی وایطالیا گرما گرم مذاکرات جاری شده است.

§ —— درطرابلس غرب وبنغازی هیچ گونه کامیابی برای ایطالی دست نداده است جناب شیخ سنوسی با لذات به اردو گاه عثمانی آمده باجناب انور بیك ملاقات کرده است . ومجاهدین رابرجهاد ترغیب نموده است .

§ —— مجلس مبعوثان عثمانی فسخ شده بدیگر انتخابات شروع میشود .

§ —— فرقهٔ اتحاد و ترقی رکابینه حاضر ماعتماد خود راظاهر نکرده بحساب خود مجلس را تعطیل کرده اند ، وکابینه بحساب خود مجلس رافسخ کرده است .

§ —— قانون عرفی فرقهٔ حریت وائتلاف با آنکه قانون عرفی ناظم پاشا نسبت بقانون دیوان عرفی فرقهٔ اتحاد وترقی با آنکه قانون دیوان عرفی محمود شوکت پاشا خیلی شدید تر ومستبد تر معلوم میشود .

§ —— اکثر اخبار های که بفرقهٔ اتحاد و ترقی منسوب بودند تعطیل اشتغال نمودند . اخبار های فرقهٔ حریت وائتلاف نشرباتها دارند .

§ —— بارون (وینغزهایم) بجای (بارون مارشال) از طرف دولت المان بسفارت استانبول مقرر شده اعتماد نامهٔ سفارت خودرا بحضور اعلیحضرت سلطان المعظم تقدیم کرده است .

—— دولت انگلیز در عراق عرب روز بروز نفوذ خود را زیاده میکند . درین اوقات در بغداد چنان یك قونسلخانه عالی بنیان جسیمی آباد نموده که از خانه یك شهری زیاده ترشیده میشود . بعضی میگویند که این قونسلخانه سراسر به اسلحه ، مهمات حربیه مملو میباشد . یك واپور جنگی شان نیز همیشه ودر پیش روی آن قونسلخانه که در کنار نهر دجله بنا یافته لنگر انداز مهیات میباشد . غالبا در نقشهٔ تقسیم عراق را لقمهٔ خود قرار داده باشند ! . . .

§ — آتش عصیان ارناوودها در البانیا هنوز سراسر خاموش نشدهٔ ولی نسبت به اول سکونت حاصل شده است .

— افسران عسکری بلغارستان باشعبه های مختلفه بلغار اتفاق کرده مجلسها و بیاننامه ها در باب محاربه با عثمانی واحتلال ماکدونیا برپا و نشر نمودند و اوراق حوادث بسی چیز ها در آن‌باب نوشتند . ولی از خبر های اخیر معلوم میشود که حکومت بلغار بحکومت عثمانی رسما تبلیغ کرده که هیچگاه بدشمنی ومخاصمه در مقابل عثمانی ایستادگی نخواهد کرد برغم شعبه های بلغاری .

زلزله

(— زلزلهٔ شدیدهٔ که در نواحی استانبول بوقوع آمده خیلی دهشتناك یك زلزله بوده است . زلزله در بحر مرمره وآبهای چناق قلعه یعنی در دنیل ظهور نموده آبهای بحر مانند یك طوفان عظیمی بحرکت آمده کشتیهای جنگی دولت عثمانیه‌را که درانجا لنگرانداز بوده‌اند بگمان ویشهٔ کفیدن طوریده یعنی تب در پای انداخته شده است دو قریه کاملا در زیر آب بحر غرق شده است ودوسه قریه بسبب افتادن لامپها از شدت زلزله آتش گرفته باخاك یکسان شده است . بقدر (۱۵۰۰۰) هزار نفوس بخانمان مانده قریب بدوهزار آدم تلف شده وبهزار ها مجروح گردیده .

﴿ازاخبار تایمس ترقی وتعالی افغانستان﴾

داکتر (والترساز) یکی ازاعضای جمعیت آسیاست که در لندن تشکیل یافته‌است اخیراً به (افغانستان) یك سیاحتی اجرا کرده وپارسال درباب سیاحت خود درجمعیت مذکوره یك قونفرانسی داده دران قونفرانس چنین گفته‌است :

« افغانستان‌را هر کس یك مملکت عادی شرق میداند وآن مملکت‌را دزرادارهٔ یکی از اسمای شرق میشناسد پیش ازانکه بافغانستان سیاحت کنم منهم آنچنان میدانستم وهمان فکر بودم. اماوقتیکه بافغانستان رفته احوال آنجارا رأی‌العین مشاهده کردم چنان مناسب دیدم که برای تصحیح وتوسیع کردن حیات ومعلومات هموطنان خودرا درباب افغانستان این قونفرانس را ترتیب واعطا نمایم :

ای هموطنان ! افغانستان همان افغانستان قدیم نیست . شمارا تامین میکنم که سراسر تبدیل یافته‌است. اگر آنجاها را بچشمهای خودتان ببینید هیچ باور نخواهید کرد که این یك مملکت شرق باشد .

در افغانستان هرچیزی موجود است . امیر سابق مرحوم عبدالرحمن خان چاره های فایده برداشتن را ازمدنیت حقیقیهٔ اوروپا اندیشیده وبنای های ترقی وتعالی افغانستانرا وضع کرده بود . مشارالیه دربنباب به آخر درجه جهد و غیرت کرده است . درین خصوص شب وروز کوشیده است ، خواب وراحت وصحت وعافیت خود را برای حصول این مقصد فدا کرده است.

امیر عبدالرحمن خان مرحوم در وقتی که میتوانست ثمرهای این مساعی خودرا بردارد وفات یافت ولدارشد بزرگ شان حضرت (امیر حبیب‌الله خان) چون بعدازوفات آن امیرعالی خیال برتخت سلطنت جلوس نموده‌اند بآثر پدر مرحوم خودشان اقتدا واقتفا کرده مملکت خودشانرا احیا نمودند . امروزه روز در افغانستان کارخانه های طوپ ، وتفنگ ، وکارطوس ومالزمهٔ حربیه موجوداست . عسکر افغانستان کاملامنتظم ومجهز . وبااونیفورم مکمل ملبس میباشند :

درحالتیکه پیش ازبیست سال یکوجیداه شوسه یعنی سرك در افغانستان نبود امروزه‌روز شوسه‌ها مانند شبکهٔ خانهٔ جولاهه هرطرف رافرا گرفته است. ملت افغان که در اول بایغماگری ، وچپاولی مشغول بودند امروزه روز زراع تاجر ، کاسب شده اند. در افغانستان حرف وصنایع خیلی ترقی کرده است . مکاتب ابتدائیه بسیار است . در کابل سر ازنو یکچند مکتب اعدادی ویك دودارالفنون تأسیس شده است . افغانها در حالتیکه ازیك اوروپای نفرت میکردند امروز دررحلهٔ تدریس معلمهای اوروپای جان میاندازند . اعلیحضرت امیر بااینهم اکتفا ننموده زبده برای ترجمه کردن علوم وفنون جدیدهٔ اوروپا را بزبان فارسی که زبان رسمی افغانستان است درکلکته یك دار الترجمه احداث کرده ونگرانی آنرا نیز به وکیل سیاسی افغانستان مقیم کلکته حواله وتودیع فرموده اند . بعدازانکه آثار مترجمه طبع میشود بکابل فرستاده شده در موقع استفاده وضع میگردد . اعلیحضرت امیر به اینصورت بملك وملت خود دریك مقیاس واسعی خدمت کرده ونام خودرا ابدیا احیا واحفا نموده‌اند .

برای امور زراعیهٔ افغانستان ماشینهای نوسیستم زراعت طلب کرده بر اهالی بقیمت مناسب درفروختن است . وبدل قیمت آن اززراع قسط قسط گرفته میشود درکابل چون کارخانه‌های الکتریك پشمینه‌باقی وسمان‌باقی . وکاغذ، وآلات جارحه رادیدم حیران شدم . خودرا عادتاً دراسویچره) یعنی سوزرلند گمان کردم . بعد از دهسال افغانستان در عمران ومدنیت هندستان را عقب خواهد گذاشت. اعلیحضرت امیر علماء وفضلاء وادباء وارباب تجارت وصنعت را دوست میدارند وبااینها دید وبازدید کرده تشویق وتقدیر میکنند تنها شهرکابل رانی ، بلکه همه ایالتهای را که تابع وخرجگذار حکومت افغانستانست نیز گردش کردم ، وازنظر گزرانیدم . درهرجا هرچیز نواست . روز بروز بفضل ومعرفت اهالی تنور فکر میکند . ازحرف وصنایع استفاده میکنند . شهر غزنین) باین فعالیت عمران وقت نخستین خودرا خواهد یافت بل احتمال دارد که باز بدرجهٔ کمال که لایق مدح وستایش شاعر شهیر ایرانی یعنی (فردوسی) گردد واصل خواهد شد . فردوسی این مملکت را بهشت تشبیه داده بود. بحقیقت که اینجا مانند یك بهشتی ست والحاصل

سبیل الرشاد

نام یک اخبار فوایدآثاریست که در استانبول از طرف یک جمعیت علمیه وفرقه‌های بسیار بزور ادبیه بزبان ترکی طبع ونشر میشود . این جمعیت بغیرت اولاً بنام (صراط المستقیم) یک اخباری نشر میکردند . اما از جدیست که (سبیل الرشاد) صراط المستقیم را تعقیب میکند . مقصد وموضوع این اخبار اسلامی ایقاظ وتنبیه مسلمانانست . از تفاسیر شریفه واحادیث نبویه ، وفلسفهٔ دینیه ، وحکمت سیاسیهٔ اسلامیه بیک اسلوب بسیار متینی بحث میرانند که ما آن را بابستحسانات توأم الاول وجان تبریک میگوییم . وتقدیر میکنیم . وکثرت یافتن این گونه آثار قلمیهٔ اسلامیه را از همهٔ زبانهائی که اسلامها به آن متکلمند بسیار آرزو نیاز وتمنا میکنیم . اخبار اسلامیت انتشار مزبور نقلاً از اخبار (العلم) که آنهم یکی از اخبارهای مدافع وغیور اسلامیه شمرده میشود . ودر مصر القاهره بلغت عربی طبع وطبع میشود دریکی از نسخه‌های منتشرهٔ خود درزیر عنوان ذیل چنین مینگارد :

(آیا مبشرها درامر انتشار دین اسلام توانائی وپایه داری میتوانند ؟)

درین روزها مبشرها باهمهٔ موجودیت وهمهٔ سعی وجهد خودشان آستینها وپاچه‌ها را برزده پیش از پیش درراه نشر کردن نصرانیت بهر رقم وسیله ووسائطی هائیکه از دستشان می‌آید چنگ تشبث میزنند . مکتبها، بیمارخانه‌ها در مصر ودیگر بلاد اسلامیه بنا کرده اطفال سبق آموز وتداوی طلبند ذکور واناث را بلکه مجان قبول میکنند ، تکیه‌ها باز کرده فقراء وایتام مسلمین را در آنجا اطعام واکسا نموده انتقال کردن میخواهند . کتابها، رساله‌ها، اخبارها نشر کرده برایگان هزاران هزار نسخه‌های آنرا برمردمان پراگنده میکنند . اما هزار افسوس که این حیله‌های شیطان پسندانهٔ آنهارا که محض برای نصرانی ساختن است درین وقت هیچ مسلمانی نپسندیده‌اند .

حالانکه برغم اینهمه سعیها وکوششهای مبشرهای نصارا از دیگر طرف ارباب بصیرت وحقیقت از هر گروه وهر ملت فوج فوج بدین مبین اسلام اهتدا مینمایند . اینست که شماری از نامهای بعضی از آنها که درظرف این ماه محض برضای خودشان بدین مبین اسلام در مصر مشرف شده‌اند خبر میدهیم :(محمد بیک شریف)ازاعیان نصارای منیا: (عوض بیک عربان)ازاعیان نصارای بنی سویف : (فیلسوف محمد عثمان افندی)ازاشراف قوم انگلیز : جناب (مهدی افندی) ازاعیان نصارای اسکندریه که این ذات دایما مجهر میگوید که : (ان الدین عند الله الاسلام) در اثنای نوشتن این سطرها بودم که یک اعلام شرعی را خواندم که در حضور حاکم محکمهٔ شرعیهٔ (منوف)دوزن ازنان نصارای آنجا آمده برضای خود دین اسلام را قبول کردند . پس معلوم میشود که اسلامیت درسیر طبیعیٔ خود سرراست قطع مراحل میکند . بلی درین هیچ شبهه نیست . زیرااین دین دین فطریست .

سراج الاخبار افغانیه

دولتهای اوروپا دوقسم پولیتیک در باب استیلای جهان میپرورانند ؛ یکی طوپ وتفنگ ، دریدنوت، اوروپلان وغیره . دوم جمعیتهای خفیهٔ دینیهٔ کلیسائیهٔ نصارانیت مانند جمعیت (ژزوئیت‌ها) ولازاریت ها وغیره . این جمعیت ها محض برای نصرانی ساختن دنیا تشکیل یافته‌اند . تا م کلیسادر پولتیکهٔ دولتها تا یکوقتی نفوذ وتاثیر عظیمی داشت ولی رفته رفته آن شدت تاثیر زایل گردید . تا آنکه سرابسر از اهمیت درافتاده . موخراً دولتها راه استفاده را از آن جمعیتها فکر کرده جمعیت های مذکوره را آله های پیشرفت مقاصد سیاسیٔ خود ساختند.

درسال کرورها روپیه از طرف جمعیتهای مذکوره درراه نشر نمودن دین نصرانیت صرف میشود . مرکزهای جمعیتهای مذکوره دراوروپاست . از طرف آن جمعیت ها بنام (موسیونر سیلمیشن) یعنی فرستاده‌ها به هر طرف عالم فرستاده میشود . مبشرها درجاهائیکه میروند بمساعدهٔ حکومتهای آنجا یک کلیسا، ویک بیمارخانه ویک باب دوباب مکتب ذکور واناث برپا نموده ظاهراً به انسانیت ومدنیت خدمت کردن وضمناً نصرانیت وپولتیکهٔ هردولتی را که به آن منسوب باشند نشر نمودن یگانه موضوع مقصد مبشری را تشکیل میدهد . هزارها هزار کتابها ورساله‌ها واخبار ها درراه نشر مقصود خودشان طبع ورایگان پراگنده میسازند . کارهای که این جرثومه‌های شرورها در دنیا برپا نموده‌اند هیچگاه میکروبهای طاعون وبا آنجا آورده نتوانسته است . مقاصدی که اوروپائیها حاصل کرده‌اند الحق باقوای ناریهٔ خود نکرده‌اند . بقدر بیست‌وسی ملیون نفوس، وبهزارها کیلومتر اراضی چین را یک چند سالی پیش ازین یکدو سه مبشر قتال جرمنی درزیر استیلای دولت جرمن درآورده . والحاصل سعیها وکوششهای که این گروه لاینقطعون در هندستان ومصر وممالک عثمانی وافریقا وغیره بلاد بکار میبرند شایان حیرتست .

حالانکه از طرف علمای اسلام هیچگاه به همچنین جمعیتها وفرستاده هائیست نشده وبلکه بخیال وخاطر کسی هم نگذشته که به نشر کتابها وبافرستادن واعظها درمدافعهٔ آنها یک کوششی شوده . اگرچه بزبان ترکی وتا اندرجه بعربی واردو کتابهای مدافعهٔ دینیه نوشته شده است که آنهم نسبت قطره را ببحر بیکران دول هزار افسوس که در زبان فارسی هیچ یک کتابی در همچنین مدافعه‌ها وبیدار بهای امت نوشته نشده است . مادرین باب بعدازین یک مقالهٔ مخصوصه خواهیم نوشت که از احوال مبشری ومبشرها انشاالله معلومات کامله عرض خواهیم کرد . آمادرینجا اینقدر یک عرض تشکرانی را یاد آوری میکنیم که الحمد لله هزاربار الحمدلله دروطن عزیز مقدس ما ازفیض دیانت پروری اعلیحضرت پادشاهی این میکروبهای بلاخیز چه باید دخول شده توانسته اند ونه انشاالله تا به ابد هم نخواهند شد که این خود حقیقتاً شایان شکران اعظم است . زیرا اگر دروقت حاضر یک نقطهٔ ازنقاط روی زمین را ازین جرثومه‌های بلاخالی بیابیم همانا قطعهٔ افغانستان خواهد بود .

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد ازطرف مدیر وسرمحرر تحریریافته
محمود طرزی

در چهاپ خانهٔ حروفی دارالسلطنهٔ کابل طبع گردید

صحیفه (۱) سال دوم شماره (۲)

نگران
ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت غازی
علی احمد

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
با اجرات داک ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با اجرات داک ده روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

اداره تحریر و مطبعه
در ماشینخانه دار السلطنهٔ (کابل)
همهٔ اوراق تحریریه به اداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود
قیمت یک نسخه آن در کابل یکعباسی است

تاریخ عربی یکم ذی القعده ۱۳۳۰ تاریخ انگریزی ۱۳ اکتوبر تاریخ شمسی ۲۰ میزان ۱۲۹۱

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بعضی مقالات مفیده درج میشود

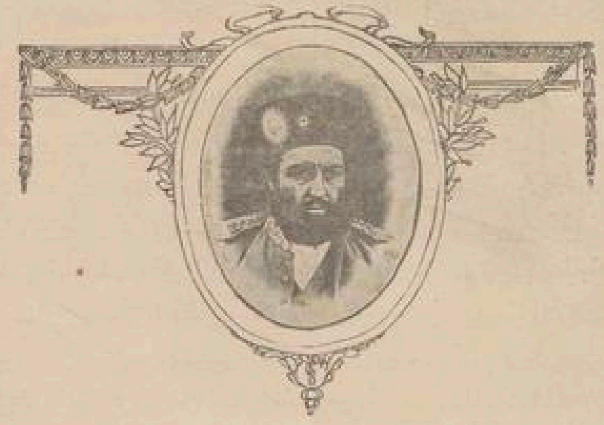

مؤسس بنیان سلطنت سنیه افغانستان منجی افغان و افغانیان از اسارت بیگانگیان خاقان مغفور جنت مکان اعلیحضرت (ضیاء الملة والدین امیر عبد الرحمن خان) طاب مثواه فی الرضوان تاریخ ولادت (۱۸۳۰ م) مطابق (۱۲۶۰ ه) تاریخ جلوس بر تخت استقلال همه ممالک افغانستان (۱۸۸۱ م) مطابق (۱۲۹۷ ه) تاریخ وفات (۱۹۰۱ م) مطابق (۱۳۱۹ ه)

از آخرترین تصویر فوتوگرافی شان قلمیده شده است

مطبعه ها ومطبوعات

یکی از چیز هایی که مادر مدنیت وپدر ترقی گفته شود همانا (مطبعه ها) یعنی چاپخانه ها ، و (مطبوعات) یعنی چاپ شدنها میباشد . مشیمهٔ علوم وفنون دماغ است ، مربی ومرشد آن مطبعه ومطبوعات است . علوم وفنون را قریحه ودماغ تولید میکند . مطبعه ومطبوعات آنرا زبان می آورد ، وبراه روان میکند . علوم وفنون ، گوشه نشین حرمان ونسیانست . مطبعه ومطبوعات آنرا نایل آمال ومشار بالبنان میسازد .

بنی بشر بحکمت أزلیهٔ خالق بحر وبر از آغاز خلقت بقوه حواس وعقل وذهنی که به أو عطا شده بود به استدراك أشیا واستعلام أسما به تفکر وتدبر ابتدار ورزیدند . از همه بیشتر نظر شانرا فضای نامنتهای سمای نیلگون ودرخشنده گیٔ اجرام بوقلمون جلب نموده درعلوم سماوی بدرجهٔ رسیدند که خواص طبیعیهٔ اجرام علوی را باطبایع أجسام سفلی تطبیق داده بسی استخراجات عجیبهٔ خارق العاده چون ساحری وکاهنی ونجومی را بروی کار آوردند که بسبب نبودن خط درینوقت از انها چیزی باقی نمانده است .

بعد از بسیار زمانها انسانها بفکر این افتادند که مقصد ومرام خود شانرا بواسطهٔ خط وکتابت بیکدیگر بفهمانند درینباب بساختن اشکال حروف مجبور شدند . اشکال مختلفهٔ عجیبه وغریبهٔ ایجاد کردند اما تا بسیار زمانها حروف از خود یك شکل مخصوصی نداشت . بلکه هر چیزی را به اشکال آن مینوشتند . وبه این سبب فن رسامی وهیکلتراشی بیشتر از خط وکتابت بظهور امده است . مثلا اگر میخواستند که نام یکی از بزرگان ونیاگان خودرا برای باقی ماندن به أخلاف شان بنویسند شکل وصورت آنرا از سنگ میتراشیدند . ویا بر سنگ رسم میکردند .

اشکال حروف خیلی پسانها بمیدان برامده ، وهر ملت وهر قوم در هر بقعه وهر زمان جدا گانه اشکال حروف برای خودشان ایجاد کرده اند . ولی چون آلات وأدواتی که آن اشکال بران نوشته شود مفقود بود بر سنگها وخشتها نوشتند بسیار پسانها ایجاد ورق از تربیه کردن برگهای بعضی درختان برگ بزرگ مانند (پاپیروس) و (کیله) وبعد از ان از پوست حیوانات بظهور آمد .

حالا تصور بفرمائید که درانوقت ها تا بچه درجه علوم وفنون مفقود ، ومحدود بوده خواهد بود ! یك شخصی که یك کتابی یا یکچندورق از پوست یا برگ درخت را مالك میبود انشخص مرجع عمومی شده حکیم یگانه فیلسوف فرزانه شمرده میشد .

رفته رفته کاغذ ایجاد گردید باز هم علم وفن عمومی نشد . زیرا بدست آوردن کاغذ ، ونویسندهٔ که کتابی را بنویسد از امور بسیار دشواری شمرده میشد . تا آنکه در سنهٔ (١٤٤٠) میلادی از طرف موجد شهیر فن طباعت (گوتنبرغ) نام یك اصیلزادهٔ جرمنی فن طباعت اول بار ایجاد گردید . این ایجاد ، علم وفن را ترقی بخشید واز انحصار وخصوصیت بیرون بر آورده مبذول وعمومی ساخت . از هنگام عمومی شدن علوم وفنون عالم یك عالم دیگری شده است ، وبشریت یك مرتبهٔ برتری پیدا کرده است!

ازین مقدمات چنین یك نتیجهٔ استخراج میشود : که ترقی وعمران ومدنیت دنیا وبشریت بعلم وفن منوط است وترقی ووسعت وتعمیم علم وفن بوجود مطبعه ها ومطبوعات مربوط است . لهذا اگر مطبعه ومطبوعات را پدر ومادر علم وفن ، وعلم وفن را موجد مدنیت وعمران بگوئیم مخالف منطق چیزی نگفته خواهیم بود .

در وطن عزیز مقدس ما افغانستان از مطبعه ومطبوعات پیش ازین هیچیك نام ونشانی موجود نبود . اگرچه در زمان أمیر اسبق مرحوم (شیر علیخان) یك پایه ماشین (پرس) مانندی اول بار در کابل آورده شده تکت داك وبعضی مطبوعات دران طبع شده است ولی هیچیك أثری از آثار آن مطبعه پدیدار نیست . باز در زمان خاقان جنت مکین اعلحضرت (ضیاء الملة والدین) دریك مقیاس واسعی اساس

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 387 of 1786

مطبعهٔ لیتوگراف یعنی چاپ سنگی وضع گردید. ولی مطبوعات آن مطبعه منحصر بر طبع کردن مسکوکات دولتی وبعضی اشتهارات وتکت وغیره مانده بود.

عصر فرخنده گی حصر اعلیحضرت (سراج الملت والدین) پادشاه خردمند پاداش عدالت آئین بزرگ مقدس ما هزاران أبواب فیض ورحمت، وأنواع آثار ترقی ومدنیت را در ملك افغان وبررخ ملت افغان باز وبنیاد فرموده که از انجمله یکی مسئلهٔ مهمهٔ مطبعه ومطبوعات است. چنانچه مطبعه لیتوگراف خواه از جهت افزونی ماشینها، وخواه تحریك آن بقوهٔ بخار خیلی ازخیلی ترقی ووسعت پیدا کرده همچنان یك مطبعهٔ بزرگ تیپوگراف یعنی چاپ حروفات که ماشین آن نیز بقوت بخار حرکت میکند سر از نو تأسیس وبنیاد یافته است. حروفات وافری نیز خواسته شده برای ترقی وتوسیع علم ومعرفت یك شهراه بزرگ خیر وسعادت باز شده است.

ذات اعلیحضرت پادشاه محبوب القلوب معظم مایك پادشاه جامع الکمالات بافضل وعرفانیست که از هر علم وفن وهمهٔ مزایای هنر وسخن واقف ودانا میباشند. چنانچه برای رفع هرگونه احتیاجات مملکت شاهانهٔ شان ماشینهای گوناگون أسلحه وبافنده گی والکتریك وغیره رامهیا فرموده اند این است که برای استحصال محصولات علمیه وفنیه که اهمترین اشیای محتاج الیه مملکت شمرده میشود این ماشین مطبعهٔ تیپوگراف را تأسیس وبنیاد فرمودند. حقیقتاً که این مؤسسه یکی از آثار بسیار مهمهٔ این زمان سعد اقتران سلطنت سنیهٔ سراجیه شمرده میشود.

مطبعهٔ سرچشمهٔ معرفت است. مطبوعات وآب سلسبیل آسائیست که ازان سرچشمهٔ معرفت درجریانست، وأذهان أهالی مزرعه هائیست که از ان آب ابیاری میشوند؛

مطبوعات، چیزهای چاپ شدنیست که عبارت از کتابها، ورساله ها ومجموعه ها، واخبارهای دینی فنی علمی أدبی أخلاقی سیاسی واجتماعی وغیره میباشد. اهمترین عالم مطبوعات (أخبار) هاست در وقت حاضر در هر طرف عالم مدنیت زبان أخبار ها آنقدر عام شده است که یا بالذات ویا بالواسطه هیچ گوشی نخواهد بود که صدای آنرا نشنیده باشد وهیچ شکلی نخواهد بود که زبان آنرا نفهمیده باشد!

از قرار یك استاتستیك یعنی جدول های حسابی - که در یکی از المانافهای پارساله دیده شده در تمام دنیا (۶۰۰۰۰) نوع اخبار یومی و هفته‌یی، ودوهفته‌یی در معرض انتشار میدراید پس یك چیزی که به ایندرجه تعمیم کرده باشد آیا فائده ومنفعت آن تنها عبارت از یك وقت گذرانی وساعت تیری خالی شمرده خواهد شد. حاشا!! اگر اینچنین میبود اخبارها بایندرجه مقبول خاص وعام نمیشد. وظیفهٔ یگانهٔ اخبارها اینست که مسائل سیاسیه أدبیه، فنیه، تجاریه، صناعیه، وخبرهای مختلفهٔ عالم را در پیشگاه نظر عمومی عرض وبیان نماید. اما اگر گفته شود که این وظیفه ها را کتابهای مخصوصهٔ آن هانیز بجا آورده میتواند حاجت به اخبار چیست؟ گفته میشود که بلی! کتابها نیز این وظیفه را ایفا کرده میتوانند ولی بصورت بسیار ناقص ومحدود. زیرا اگر این مسایل در کتب مخصوصهٔ آن درج گردد البته که آن کتابها راهمان کسانی میخوانند ومیخرند که از أرباب همان علم وفن باشند بلکه همان ارباب آن نیز ممکن است که بسبب گرانقیمتی کتاب ومفلسی خود از بدست آوردن آن محروم بمانند.

اما چون أخبار نسبت به قیمت کتاب ارزان بلکه رایگانست هرکس ازان استفاده کرده میتواند. واگر آرزوی خریداری آنرا هم نداشته باشند باز هم چون دریك قهوه خانه، ویا یك کلپ بروندالیه بر سر میزیکه پیش آن بنشینند یك اخباری می یابند که بمقابل یك پیاله قهوهٔ که بنوشند برایگان آنرا بخوانند. حتی اگر خوانده نباشند هم بشنیدن آن فایده میبردارند.

واگر گفته شود که کتبخانه های عمومی که از هر رقم کتابها دارد بجای اخبار ها قایم شده میتواند. اینهم

درست نیست . زیرا حوادث ومسایلی که درأخبارها نشر میشود جدا جدا وبصورت وجیز ومفید درج میشود . ونها از یك رقم سخن نی بلکه رقم رقم سخنانرا جامع میباشد که به اینسبب خواندن ومطالعهٔ آن انسانرا دلتنگ ودق نمیسازد ، ووقت انسان نیز ضایع نمیشود . چونکه در کم وقت از بسیار چیزها با خبر میگردد . حالآنکه مطالعهٔ کتابها در کتبخانه ها هیچگاه این آسانی را نشان داده نمیتواند . دیگر اینکه حوادث سیاسیه وتجاریه هر روز تبدیل میباید که اگر اینچیزها بشکل کتاب نوشته شود در وقت معین آن نمیرسد وبه اینسبب موجب ضیاع فواید میگردد . مسایل سیاسیه اگرچه تنها برای ارباب آن بکار است ولی اگر آن مسایل دراخبار ها نشر نشود، وهرکس از حقیقت آن با خبر نشود بصورتهای گوناگون از افکار های بوقلمون شایع گردیده موجب تخدیش ذهنهای مردمان میگردد . لهذا نشر نمودن آن برای عموم افراد لازم دیده میشود . با خبری از مسایل فنیه واخلاقیه وادبیه وغیره نیز برای همه کس لازم است . حالآنکه هرکس برای تحصیل آنها وقت واقتدار ندارد . این است که اخبار ها این مانع عظیم را از پیش روی مطالعه کننده آن خودبر میدارد ، وآهسته آهسته انسانرا بر مسایل فنیه وأدبیه آگاه میسازد ، وذوق وشوق خوانندگان خودرا بسوی تحصیل آنها جلب وجذب مینماید . ودر کم مدت از بسیار چیزها انسانرا با خبر میگرداند .

جناب عالی افخم سردار اکرم حضرت (نائب السلطنه صاحب سردار (نصر الله خان) برادر کبیر اعلیحضرت سراج الملة والدین

أمیر حبیب الله خان أدام الله دولته الی مدید الزمان تاریخ ولادت
(۱۸۷٤ م) مطابق (۱۲۹۲ ه)

والحاصل مطبعه ها ومطبوعات از مهمترین وسایل ووسایطیست که برای ترقی مدنیت خ[illegible] میکند . لهذا ذات مکارم صفات اعلیحضرت پادشاه [illegible]ب القلوب ما که درباب تهیه وتدارك همه أسباب [illegible]نیت بهرگونه وسایل ووسایط باقاعده وپر منفعت همت جهانقیمت شاهانه را مصروف داشته ومیدارند اینمسئلهٔ مطبعه ومطبوعات را نیز که مهمترین أسباب بیداریها وباخبریها میباشد تأمین وتأسیس فرموده أبواب فیوضات علم وعرفان را بر ملك وملت شاهانهٔ شان باز فرمودند .

غیر ازین یك باب مدرسهٔ زینکوگرافی نیز تأسیس فرموده ، مسئلهٔ نشر شدن آثار مصورهٔ مطبوعه را نیز تأمین نمودند که آثار مطبوعهٔ مصوره عالم مطبوعات را یك زینت ورونق دیگری می بخشد ، ویك تجسم وزندهگی

معلومة میدهد . حقیقتاً که صنعت زینکوگراف ازچنان اختراعات مهمهٔ فن عکاسی وطبع شمرده میشود که علوم وفنون بواسطهٔ آن یك حیات تازهٔ پیدا کرده است. مشاطهٔ علم وفن یك شاهد نازنین جبههٔ قشنگ پردهٔ عصمت وحجابست که قلم أرباب قلم آنرا هم هفت کرده بنظر که مشتاقانهٔ ارباب عرفان جلوه گرمیسازد. ولی قلم محرر اگر هرقدر چالاکی بکار برد باز هم بقدر یك لوحهٔ زینکوگراف در اثبات مناظر والواح حقایق خدمت کرده نمیتواند . مثلا محرر تا میتواند در تعریف ، وتبیین یك شکل وشمایل قلم کوشش میورزد وازززاویهٔ وجهه ، وأوصاف أعضای بدنیهٔ آن تا میتواند بصحت قریب بیان میکند . ولی صنعت عکاسی وبازدر عکاسی زینکوگراف آن شکل وشمایل را مجسم کانه‌هو نشان میدهد . علی الخصوص الخصوصی در اعلانهای تجارتی خدمت زینکوگراف ازحداقزونست أما باز هم آن صنعت بغیر از قوهٔ قلم محرر هیچ کفته نمیتواند. وهمچون نقش دیواری مینماید

و الحاصل علم وفن مطبعه و مطبوعات محرری وزینکوگراف مصوری وعکاسی ، درعالم مدنیت عصر حاضر برای ترقی جنان دست اتفاق وعهد ودادبهم داده اند که هیچ یکدم ازهمدیگر خود شان جداشده نمیتوانند ، واز معاونت یکدیگر استغنا ندارند !

این است که از فیوضات همات اعلحضرت بادشاه عرفان پناه مقدس ما همه این تماشای ترقی وتمدن را وطن مقدس ما (افغانستان) مظهر شده است . حالا به این یك قطعهٔ دو عائیه از لسان حال (زینکوگراف) ختم مقال مینمایم .

(قطعه)

زینکوگراف گوید با یك لسان حال
پاینده دار یا رب این شاه ملك افغان
در عصر پادشاهی من آمدم به (کابل)
کس نیست مثل وماننددر عدل وعلم وعرفان
یکباره معتدل ام بی قیمت وولیکن
از فیض پادشاهی گردیم سحرجو سلمان
ای پادشاه اعظم خواهم ز لطف عامت
زینکوگراف گردد یك صنعت نمایان

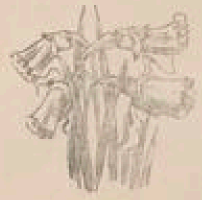

حوادث داخلیه

ازجانب سرنگران اداره مبارکه سراج الاخبار افغانیه برای مدیروسرمحرر اداره موصوفه خبرداده میشود که کوایف ذیل‌را انشاالله تعالی عنقادرج روزنامه مبارکه سراج الاخبار نمایند انتهی

۱ — عالیجاه رشادت همراه محمد نادر خان جرنیل حضور انور که ازبرای تهدید وتوبیخ طایفهٔ منگل وغیره ازحضور مبارک اعلحضرت والاقدر ومامور گردیده همرا ایك قد فوج مکمل عازم ورونما آشوب گردیده بود بدست یاری فضل ایزدی جل سلطانه در آنجارفته باصول درست وسررشتهٔ مناسب انتظام امورات آنولارا نموده بفتح وفیروزی وکامیابی ازانجا مراجعت نموده چنانچه درثانی فواید انتظامات مذکور نتیجه های نیك خواهد بخشید بروز دوشنبه ۲۷ ماه شریف رمضان وارددار السلطنه کابل گردید خود جرنیل صاحب موصوف ونفری منصبداران ماتحتاو وعلم وعقاب والواح طرز امواج که همراه شان بود بعافیت وخیریت بروز مذکور بدارالسلطنه رسیدند ازمردم رعایای شهری باستقبال برادران نظامی خود برامده برسیدن آنها وکامیابی شان خوشی های زیاد وخورسندی تمام نمودند وبقرار قاعده مقرره موازی یازده ضرب توپ سلامی برای علم ازبالای شیرپور بود ازانجا یکه توپ چاشت زده میشود فیرشد ونفری نظامی که همراه جرنیل صاحب رفته بودند چون بعد جونی های خود رسیدند چون ازغند اردول های حضور انور پلتنت وازاردل حضور پلتنت وازغند کوتوالی ودار السلطنه مخلوط پلتنت برای خدمت مرور رفته بودند باقی نفری شدنشان که در کابل بخدمت بودند بعد جونی های خود برامده بقرار سررشتهٔ انتظام ادای سلامی را بذوق تمام نموده هرنت مذکور همراه غندخود بیکجاشده داخل جونی های خودشدند جرنیل صاحب موصوف همراه نفری منصبداران ماتحت خود بحضور مبارك اعلحضرت والا حاضرشده شرف ادای پابوس حضور مبارکرا حاصل نمودند حضور انور والا ازروی عنایت هرکدام از منصبداران را که بدست بوسشان مشرف میشدند بشفقت زیاددست مبارکرا بسروری شان کشیده نوازش ومهربانی می فرمودند حضور انوروالا بعدازانکه جرنیل موصوف ونفری منصبداران بدست بوس مبارك مشرف شدند بزبان مبارك چنین بیان واضح فرمودند — صورت نطق همایونی اینکه — (من ازخدمت شما خوش شدم خداوند ازشماها خورسند باشد وبقدر واندازهٔ که جرنیل حضور ازشماها خوش باشد من هم همان قدر خوش میباشم انشاالله تعالی بعدازعهد سررشتهٔ کارهای شما خواهد شد(درحال زیاد تفصیل داده نمیشود درموقع آن گفته خواهدشد) بعدازان جرنیل حضور وباقی نفری منصبداران رامرخص فرمودند — شیکه ازحضور مبارك مرخص شدند باقی‌خدام حضور

که حضور مبارک حاضر وایستاده بودند بهمراه نفری منصبداران خدمتی منگل یک کس‌ها وملاقات بصحبت های تمام نمودند بسیار بملاقات همدیگر زندوخورسندی وگرمجوشی‌های زیاد کردند وازبرای نفری منصبداران مذکور درکوتی مهمانخانه نان بسیار مکلف طبخ وآماده شده بود که نفری مذکور تناول نمودند وکل نفری فوجی وغیره که بدست منگل زده بودند حتی مهترها وغیره وغیره که ملا همان سرکاری درهمان شب خوردند ولا نفری مردم منگل واحد زائی وتوریه وغیره برای سلام حضور مبارک وملوک ورغبال وغیره ازملکان ومعتبرین وپیران شان ومردم رعیتی که بهمراه جرنیل صاحب موصوف آمده اند موازی هشتصدو بیست وهشت نفری شوند فقط

تمرد سرکشان

شکر میکنم وسپاس میگویم خداوند قدیر بوجود مسعود این چنین شهریار رؤف که باوجود ارتکاب این چنین معاصی وجرأت این خطای بزرگی که ازقوم افغان منگل صدور یافت هیچگاهی حضور مبارک پادشاه محبوب القلوب ما وقبله گاه ما رواندار استیصال وقتل وبی ناموسی آنجهان مردمان خطا پیشه نبودند وشنیدند بارها اززبان مبارک مسموع خاص وعام افتاده که بزود اراده مرد بزوری نظامی وملکی که باسارت بنات ونسوان طایفه‌های واستیصال شان والاف اموال شان بنا برسر زانی آنقوم که عبرت باقی اقوام شود قصدهای کامل نموده ازبرای اجازت بعرض حضور رسانیده بودند چنین فرموده شده که من روادار قتل واستیصال وبی ناموسی هیچ یک ازاقوام افغانستان نمی شوم وبدختر هاوزن های شان واشخاص کبرالسن شان اسارت وبی پردگی راجایز نمی دانم واینکه توبه وندامت را ازاعمال ناپسندیده خود عذرخواه بیاورند باوجود قدرت عذورا بهتر میدانم وعفو میکنم چنانچه حضرت مبارک درباره آن خطا کاران وعنوشان ازجرایم آن بدکاران زود آنجهان قدرت که عبارت ازقوت آنجهان افواج قاهره باشد که ازهر طرف قریه جات مردمان را چون حلقه انگشتر درمیان گرفته بودند وجمعیت واتفاق جمیع اقوام افغانستان که ازبلاد دور ونزدیک هزارها نفر ازهر قوم وازهر طایفه ازبرای سرزنش طایفه باغیه بذوق وخواهش خود ها عزم جزم نموده روبرای آنطرف شده دایره زمین شانرا برآنها تنگ ساخته بودند چون مردم باغی مذکور توبه وندامت وخجالت خود هارا عذر خواه آوردند اعلحضرت والاعفو وبخشایش را شامل حال شان فرموده ازسرجرم وخطای شان درگذشتند حال میگویم که اکر اهالی ملت افغانستان لمحهٔ ازشکر این نعمت عظما وفضل ومرحمت حضرت صمدیت واجب الوجود جل سلطانه که عبارت ازوجود مسعود وذات محمود این چنین شهریار رؤف ورحیم باشد تاقل نمانند ودقیقه ازسپاس فرو نگذارند آیا ادای یک شکررا ازهزار کرده باشند نخواهد که ادای یک شکررا ازهزار نمیتوانیم زهی سعادت ملت ودولت افغانستان سزاوار است که بجمیع ملل عالم فخر وامتیاز بسر داشتن این چنین پادشاه مهربان را کنند الهی باقی پادشاه ما فقط

روز عید سعید مبارک فطر اعلحضرت همایونی بجلوس سواری گادی ونفری معتبرین وخوانین واهل موز حضور بهمرکاب مبارک بسواری گادی‌ها بدوونیم بجه روز جهت ادای نماز عید موصوف عازم ورونق افزای مسجد جامع عیدگاه شدند ودر مسجد موصوف ادای نماز عیدرا نمودند وعالم عالم جوش وخروش مسلمانان وندا های که خطبه ودر ودعای مبارک بلند بود — که ازدیدن جمعیت مذکور واز شنیدن نعره‌های اذکار خداوندی دلها از خوشی‌های زیاد میاید ودل همین را میخواست که کاش این همه ساعت ومرحله چنین بودی — بعدازفراغ ادای نماز واپس مراجعت فرموده رونق افزای سلامخانه نشدند وازانجا باتفاق کل نفری جهة ادای نماز جمعه درمسجد خاص داخل ارگ مبارک تشریف فرماشده ادای فرض نماز جمعه را نمودند بعدازان واپس رونق افزای سلامخانه موصوفه شدند وبقرار رسم مقرره بعدازادای نماز عید موازی یکصدو یک ضرب توپ وبعدازتشریف فرمای ذات شاهانه بدربار سلامخانه موازی سی ویک ضرب توپ فیر کرده شد وازبرای نفری مذکور که درسلام خاص وعام جهة سلام حضور حاضر بودند وتعداد شان به هزار نفر رسیده بود باقسام طعام وفواکه وشیرینی بسر رشته درست واصول مرغوب داده شد پس از تناول طعام ومیوه وچای وغیره وگرفتن شیرینی مردم مذکور مرخص شده دربار تمام شد — وروز دوم عید صرف نفری خوانین درباری وغیره بجای جناب عالی نایب السلطنه صاحب جهة سلام حضور عالی ممدوح رفته ازطرف قرین اشرف جناب عالی ممدوح نان ومیوه وغیره وچای وشیرینی برای کل نفری داده شد بعدازفراغ سلام وتناول نان وشیرینی وغیره مرخص شدند — روز سیوم عید که عبارت ازروز یکشنبه ۱۰ ماه شوال باشد حضور انور همایونی معه خدام خاص حضور رونق افزای کوتی زین العمارات جای جناب عالی نایب السلطنه صاحب بقسم تبدیل هوا تشریف بردند وشب دوشنبه ۱۱ ماه مذکور الی عمل یک بجه شب درکوتی زین العمارات تشریف داشتن وبعمل یک بجه شب ازانجا مراجعت فرموده رونق افزای کوتی ارگ شدند فقط مضمون فوق در اعیان دروح سراج الاخبار افغانیه می نمائید فقط تحریر یوم شنبه ۹ ماه شوال المکرم سنه ۱۳۲۰ ۱۱

(علی احمد)

حوادث خارجیه

راه آهن ریل

در اخبار المؤید الغرا خوانده شد .

لورد (کرزن) حاکم عمومی سابق هند براه آهن ریل که ممالک فارس را شکافته بحدود هند منتهی میشود اعتراض وتنقید شدیدی کرده گفته است که این راه آهن مزیت افغانستان را زایل میشود وفایدهٔ موقع آن از اعتبار می افتد . وهم حدود هندیهٔ غربیه در زیر خطر می افتد . لورد (مورلی) بجواب گفته است که البته حکومت بریتانیا تعهد امتیاز این راه آهن را بشرکتی که این خطر را تمدید کردن میخواهند نخواهد داد .

مغولستان

اوروپائیها مملکتهای شرق را چسان استیلا میکنند !

در اخبار انوار تتار (سبیل الرشاد) خوانده شد :

در ما بین روس ومغولستان یك معاهده نامهٔ که مبنی بر پنج فقرهٔ ذیلست عقد گردیده است :(۱) حکومت روس ، مغولستان را بمقابل اعتراضات اجنبیهٔ که به او بیشتر وارد میشود مدافعه میکند (۲) حکومت روسی در منع مداخلهٔ حکومت چین بامور داخلیهٔ مغولستان کوشش میورزد (۳) مغولستان در عهده میگیرد که غیر از روس از دیگر دولتها قرض نگیرد (٤) حکومت روس برای ثمره دار شدن ثروت طبیعهٔ مملکت مغولستان حقوق خصوصیهٔ را حائز میباشد (۵) حق ساختن راههای آهن در تمام مغولستان وملحقات آن تنها بروس داده میشود .

استعمال مسکرات در ممالك روس

این هم :

در ممالك روسی در سنهٔ (۱۹۰۸) تنها از شراب مسکری که عرق روسی میگویندش بقیمت هفت صد وهفتاد وچار ملیون — (۷۷٤۰۰۰۰۰۰) روبیه نوشیده شده است ، مقدار عرق نوشیده شده که (۸٦) ملیون پیپ است ، در ظرف یکسال در تمام ممالك روس عدد اشخاصی که از شراب خوری یعنی به (داء الکحول) مرده اند یك لك وسیزده هزار وهشتصد وسی وپنج نفر آدم است ، وعدد کسانیکه بسبب شراب نوشی بمرضهای غیر قابل تداوی گرفتار آمده اند بیست وشش هزار ویکصد وهشتاد وهفت نفر است ، عدد کسانیکه از علت شراب نوشی بشفاخانه ها برای تداوی در آمده اند هشتاد ویکهزار وهشتصد وچهل ونه آدم است ، کسانیکه بسبب آن ام الخبایث بمرض جنون گرفتار آمده اند هفتهزار وچارصد وسی وچار آدم میباشند .

در ایستاتیستیك — یعنی جدول حساب — نفس (پترسبورك) در هزار سی فقط از شراب نوشی وفات مییابند ، پس اگر بنظر حقیقت ملاحظه شود استعمال روسها تا کدرجه ظاهر میشود کنتیجه منجر خواهد شد ؛ مسلمانها باید که قدر وقیمت شریعت غرای محمدیرا بشناسند برای حرام بودن خمر بزرگتر ازین دلیل چسان عبث وبیهوده شمرده میشود .

احوال ایران

روزنامهٔ محترمه (حبل المتین) در شمارهٔ ۱۲ سال بیستم خود از قتل آقامیرزا محمد علی ثقة الاسلام مجتهد تبریزی که از علمای بنام ومجتهدین عظام ملت خود بودند ودر روز عاشورای ماه محرم الحرام هذه السنه روسها بدارش کشیده اند تفصیلات داده مینویسد :

(در ثبوت وحشت کاریهای روس در قتل ثقة الاسلام وشیخ سلیم وضیاء العلماء وصادق خان وچهار نفر دیگر از اعضای انجمن ایالتی تبریز که از ظهر عاشوری بدار زده اند بالاتر از عکسهائی نیست که پروفیسر برون برای جراید انگلستان فرستاده وما فقط در اینجا خلاصه نگارش دبیر منچستر گاردین مورخه ۱۳ آگست را اکتفا نموده که در موقع خود بشرح وانتشار آن بپردازیم دبیر مذکور مینویسد که چهار عکس قضایهای روسها را که پروفیسر برون برای ما فرستاده چنانچه خودش هم نگاشته خیلی دهشت ناك ونفرت انگیز ودرد انگیز است باینکه از ابتداء خالی از هر گونه مبالغه است — در یك تصویر هشت نفر احرار تبریز که منجمله مجتهد بزرگ ثقة الاسلام بود موجود است — دیگر عکسی است که او را پا آویخته وسر او را جدا ساخته ومجدداً مانند گوسفند به نعش آویخته اند — سوم عکسی است که بزمین افتاده وبرسینه اش خنجری زده شده — چهارم عکسی است که دارای نصف جسم ومعلق است ، وبیان میشود که حسب الحکم او را شقه نموده اند — ازاین شواهد حسی که جای هیچ گونه شبه وتردیدی برای احدی باقی نمی گذارد بخوبی مقاصد روس معلوم میگردد)

سراج الاخبار افغانیه

میگویند که سبب یگانهٔ این اعمال شنیعهٔ وحشیانهٔ روسها که در تبریز ، وهتکی که در مشهد مقدس اجرا کردند این است که ملت ایرانرا بهیجان وجوش وخروش فراوانی آورده باخود بسر جنگ آرند وباینصورت (طهران) را بآسانی ضبط نموده مقصدیکه درباب اسارت همه ایران دارند بروی کار آرند .

ازمطالعهٔ این حادثات اگرچه هیچ مناسبتی در بینها ندارد ولی چون تصور وحسیات حالی شمرده میشود قلم از ترجمانی آن صرف نظر نتوانست : قبل از بیست وپنج سی سالی که بنا برقرار داد عمومی همه دولتها قانون لغو اسارت ومنع برده فروشی وضع گردیده در ممالك عثمانی نیز تطبیق گردید محرر عاجز نو به آستانه رسیده بودم ، ونو بمدنیت اوروپا

چشم باز کرده بودم . چون این انسانیت پروری وحقانیت گستری اروپارا درصحایف اوراق حوادث مطالعه میکردم یك حس احترام وتکریم عظیمی به آن مدنیت میپرورانیدم ، زیرا سن صباوتم ازاستدراك شقاوتشان عاجز بود وتنها بظواهر دیده میتوانست وبازچون ازحوادث لتشبثات صلح عمومی ، وسررشته های ترك سلاح عمومی درفونغراف لاهی خبرها میشنیدم برچنان مدنیت عادلانهٔ عاقلانه یك نظر مفتونانهٔ والهانه مینگریستم . حالاچون میبینم حکایهٔ منظومهٔ گربه وموش عبید زاکانی که درعالم طفلی آنراخوانده بودم درپیش نظرم مجسم میکند : مگر آن لغواسارت یك برده باصد برده برای برده ساختن ملیونها برده بود ! وآن صلح عمومی برای این خونریزیهای خصوصی بود ! ودرزیر پردهٔ آن مدنیت هزارها دامهای وحشت گسترده شده بود !....

افکار تایمز آف ایندیا وبغاوت منکل

همعصر معززما اخبار روزانهٔ (وطن) درنسخهٔ مورخهٔ ۲۰ اگست خودیك مضمون دور ودرازی ازاخبار (تایمز آف ایندیا) که دربمبئی بلغت انگریزی طبع ونشر میشود درباب بغاوت (منکل) نشر کرده کما ازنقل همهٔ آن صرف نظر نموده تنها ازبعضی نقاط جاندار آن بیان میکنیم . ودرآنباب بدرفع بعضی غلط فهمیهای بی اصل واساس وشبهه های دور ازقیاسشان کوشش میورزیم :

اخبار تایمز آف ایندیادراول امرازتحریرات سابقهٔ خودکه درباب بی بارگیری اردو وتعطیل یافتن حرکات عسکری افغانستان درنسخهای سابقهٔ خود نوشته بوده بحث کرده میگوید :((چیزیکه پیش ازین درباب عدم بار برداری ظاهر کرده شده بودنبود ، بلکه دیگر سببهم بود که آنهم دووجه بود : یکی مقصد اتحادبین الاقوامی دیگرش عدم اعتماد بر افواج باقاعده یعنی عساکر منتظمه — درخصوص سبب اول بیان کرده شده بود که ارکان پارتیٔ سازشیٔ حکومت کابل غالباً همین خیالداشت که این امر برایٔ فرمانروای اسلام سزاوار نیست که بررعایای مسلمانان جبروتعدی روا داشته خودرا (بهجبرکننده برمسلمانان) مشهور سازد . وبهمین خاطر ازپایتخت افغانستان بجای سپاه جماعت ملاها روانه کرده شده بود که غلط کاریهای باغیان بپند ونصیحت اصلاح کرده بطرف اطاعت فرمانروای خودمایل گرداند . اماچون حربهٔ روحانیٔ مذکوره کارگر نشد سپاه افغانی را بهآهستگیٔ تمام بطرف کوههای منکل سوق نمودند وبطریقیکه ازسپاه افغانی کار گرفته شد هرکس به آسانیٔ تمام معلوم کرده میتواند که ارباب حل وعقد افغانی را برسپاه مذکور تاچه درجه بی اعتمادی موجود بود)) .

§

(سراج الاخبارافغانیه) بکمال اعتدال وبتمام آرامیٔ هوش دردم تلوحات اخبار تایمز آف ایندیا را از سرتابه پاشنیده یکان یکانرا تصحیح وتعدیل وتردید مینماید :

جناب تایمز آف ایندیادرتخمینات وقیاسات خودشان خطا کرده اند اولاخوف ورعب حکومت افغانستان ازعدم باربرداری نشان داده بودند . وچون باربرداری عدم نی بلکه وجود پیدا کرده تعلیلات آن بمیدان برامد جنابشان مجبور گردیدند که خود شان سخن خود را واپس بگیرند ، لهذا آنرا نفی کرده دو سبب مبهم دیگری اختراع فرمودند . مسئلهٔ اتحاد بین الاقوامی را باعدم اعتماد حکومت برعسکر منتظمهٔ خودش مزج نموده یك خلیطهٔ غیر متجانس ساختند . ازیك طرف ازاتحاد بین الاقوامی بحث راندن وازدیگر طرف بلندگی عظیم قوم وملت یعنی صنف عسکریٔ خود همان قوم وملت را ازدایرهٔ اتحاد واعتماد بیرون راوردن چقدرغیر متجانس وضد همدیگر افتاده است . آیاعساکر منتظمه افغانستانرا ازدیگر قوم وملت فرض وتخمین فرموده اند که آنرا ازدایرهٔ اتحادٌ بین الاقوامی وزمرهٔ معتمدین همجنس وهم ملتی بیرون کشیده اند ؟ اگرچنین گمان وتخمین کرده باشند مجبوریم که انگارشانرا تصحیح نموده بگوئیم که عساکر منتظمهٔ باقواعد افغانستان ازخود قوم وملت بادشاه افغانستان است . بادشاه افغانستان وسرعسکر بزرگ همهٔ اردوهای افغانستان یعنی اعلیحضرت (سراج الملة والدین)(امیر حبیب الله خان)عساکر شاهانهٔ خودرا اولادخود میداند.واولاد خطاب میفرماید . عسکربادشاه خودرا پدرمشفق وپیشوای مقدس خود میشناسد . پارتیها وفرقههای سازشی درحکومت افغانستان ودرافغانستان موجود نیست .

درین فقرهٔ اخبارموصوف همین قدرسخن را قابل تصحیح دیده حالا بر فقرهٔ دوم آن که درزیر عنوان (سهل انگاریٔ فوجی) نوشته اند احالهٔ نظر نموده برای روشن ساختن حقیقت واصلاح تحریرات شان کوشش ورزیم . درین فقرهٔ شان سه نقطه جلب نظر دقت میکند که یکی قابل تصحیح ، ویکی لایق تردید ، وسیوم سزاوار تأویل است .

آنکه قابل تصحیح است این است که میفرمایند:—((سهل انگاری ازین ثابت میشود که ازوقتیکه فوج فرستاده شد تاوقت آخر در جنگ شریك نشد وچون بریك موقع به فوج مذکور برای حمله کردن بردرهٔ (انگور) حکم داده شد سپاهیان فوج چنان بدنظمی انداختند که در نبودن اعتماد برانها هیچ شك وشبهه باقی نماند))

درین باب اینقدر گفته میتوانیم که غالبا مخبر حربی که از طرف شان برای نامه نگاریٔ این محاربه از بمبئی تا به افغانستان اختیار زحمت فرموده تشریف آورده بودند ، آدم خیلی بی دل وبی جرأتی بوده است که هیچ به محاربه نزدیك نشده است ، وازجا های بسیار دوری بهمان قدر شنیده گیهای که ازکدام رهگذری مانند خود بیخبری گرفته اکتفا ورزیده غلط برای جناب (تایمز آف ایندیا) خبرداده است .

نقطهٔ دوم قابل تردید است که میگویند : «حاکم خوست باقی

قسادبود معزول شده درقیدخانه کابل مقید کرده شده، حال آنکه حاکم خوست ساقه‌را اگر ذره بین یندازند درهیچکی از قید خانه های ملکی وعسکری کابل نخواهند یافت. بلکه اگر یابند یا در خانه‌اش ویا در روزهای دربار بالاوینور معرسیش در سلام خانه خواهند یافت

نقطهٔ سوم سزاوار تأویل است که می فرمایند: «القصه قبایل باغی‌را فتح کلی حاصل شد» بلی فتح کلی حاصل شد اما برفکرها و خیالهای بعضی شر برانگیزانی که غرب را بترق احتی شرق‌را نیز برخودشرق بجلادی وقصابی تحریک وتشویق میکنند. هزار افسوس که مردمان متمدن ما درین اوقات از شنیدن خبر های خونریزی ودیدن سیلابه‌های خون آمیز استلذاذ سمع وبصر مینمایند. وچون ازکلارق خبرهای خونریزی بشنوند قوت‌راعظم داده در تصویر وتعریف آن داد سخن طرازیهارا میدهند. وهمیرد که ازصلح ومسالمت خبری شنیدند یک گرداب یاس وناامیدی افتاده بنای طعنه‌ها وکنایه‌هارا میگذارند. زیرا آنها ازدرامهای فاجعه انگیز کشته شدن مسلمانها بدست یکدیگر شان‌لذتها وحصه‌ها وفایده‌ها میبردارند.

§

حالا میایم بفقرهٔ سوم که بعنوان (جوش اتحاد اسلامی) مینویسند درین فقرهٔ خود جناب (تایمز آف اندیا) ازوهم وخیالات

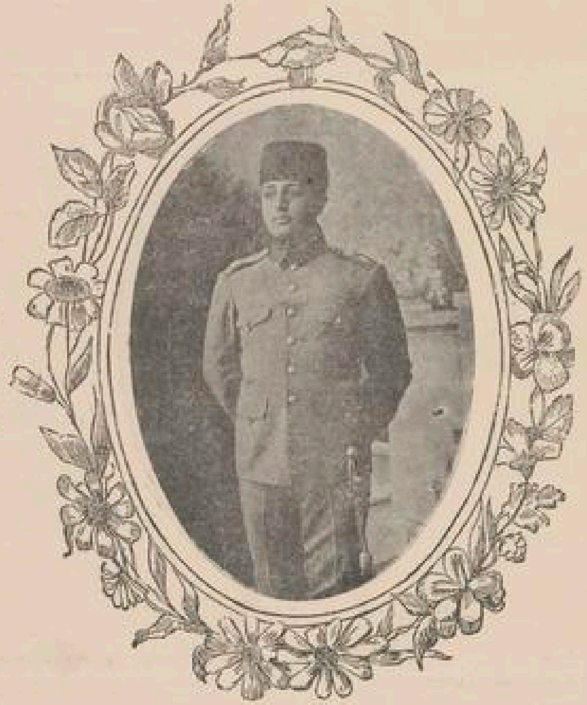

شهزاده جوان بخت معظم (معین السلطنه سردار عنایت الله خان) بزرگترین اولاد نجابت نهاد اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان)

[illegible] آخر العودان
تاریخ ولادت (۱۸۸۸ م) مطابق (۱۳۰۶)

عمومی که برای اوروپا ازمسئلهٔ (اتحاد اسلام) حاصل شده است یک قالب دیگری بیان میکند. وافغانستان‌را یک رکن مهم این اتحاد تصور میدهد، واعلیحضرت پادشاه افغانستان‌را مانند اعلیحضرت سلطان ترکی که بازیچهٔ دست انجمن اتحاد وترقی شده است بدست ملاهای متعصب مذهبی نشان میدهد. حالانکه این یک تصور خشک وخالی است که قوهٔ واحدهٔ جمعیتهای زه‌زویتها بوجود آورده عالم سیاست اوروپا را برمسلمانها به تحریک وتشویق برمی انگیزانند که اصل جای خوف وبیم عالم انسانیت ازین باید بوده. ازاتحاداسلام ما بارها گفته‌ایم وباز دیگرهم میگوئیم که مسئلهٔ اتحادرا چنانچه نصارا گمان کرده اند معنی برقیام مسلمانان بر نصارا نیست زیرا شرت براین چنین اتحاد بجز مضرت هیچ منفعتی‌را برای مسلمانان مثمر نمیشود مقصد مسلمانان ازاتحاد شان این است که برای بیداری وآگاهی وترقی وتمدن ومحافظه حقوق خود اتحاد کنند. واین چنین اتحاد راهمهٔ شرایع وهمهٔ ادیان بلکه همهٔ انسانیت مقبول وپسندیده باید بشمرند جناب تایمز آف اندیا درین فقرهٔ خودشان باربار افغانان رابه بیعقلی، وتعصب، وجهالت نسبت کرده است که ما تحمل و اعتدال خودرا ازدست نداده آن‌ سخنان شان‌را بروی خود گوینده آن نمیزنیم. ولی اینقدر میگوئیم که مادام برما همچنین اعتقاد دارند. وحب الوطنیهٔ مدنیت خودشان‌را مرطرق العیسی علیه السلام مأمور رفع وازالهٔ این چنین چیزها میشمارند پس چرا ازاتحاد

سلام که اساساً مبنی بر رفع اینگونه چیزهاست ومقصد ازان ، آکاهی وترقی وتمدن ومحافظهٔ حقوق است

اندیشه وخوف میکنند ، وآنرا خطر تلقی میدانند ، اگر مسلمانان اتحاد ترقی وآکاهی وتمدن بکنند یکبار بسیار سنگینی از دوش جمعیات ته زه ویت ها برداشته میشود ، ودولتهای اوروپا نیز ازیك مصارف کلی که درراه امداد ومعاونت آنها بخرج میرسانند رهائی می یابند . زیراهمان چیزی که آنها بزور وقوت وباحیله وخدعه میخواهند ونام آنرا (نشر انوار مدنیت) نهاده اند خود بخود بظهور می انجامد . لکن اگر (نشر انوار مدنیت) محض عبارت از تصرف ساختن مسلمانان وبا اسیر ساختن آنان باشد آن بحث دیگر است .

ذات اعلیحضرت پادشاه دل آگاه مقدس ما را از زمرهٔ دست ملاهای متعصب باید وخیالات جاهلی که درسرکار میباشند قرار داده اند که مانع ترقیات خودرا بیخبری و عدم وقوف وآکاهی شان برافکار بسیار عالی پادشاه مقدس خودمان حمل نموده نامه نگار تایمز آف اندیا را معلوم میشماریم وهم چه حاجت که ما آن افکار انسانیت پرورانه ومدنیت گسترانه پادشاه مقدس خودرا برین وقوفات آن اعلان نمائیم . ذاتاً تبدیل تایمز آف اندیا که ذات اعلیحضرت پادشاه معظم ما را بذات اعلیحضرت سلطان ترکی در بازیچه شدن دست انجمن اتحاد وترقی تشبیه داده ادعای بودن سخن شان را ثابت میکرداند زیرا چنانچه مانند انجمن اتحاد وترقی یك انجمنی در افغانستان موجود نیست

شهزاده جوان بخت مکرم (عین الدوله سردار امان الله خان) دومین ولد ارشد امجد اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) ابقا الله دولته الی آخر الزمان تاریخ ولادت (۱۸۹۱ م) مطابق (۱۳۰۹ ھ)

همچنان یك هیئت حکومتی که بغیر از نفس نفیس ذات اعلیحضرت پادشاهی باشد وجود ندارد .

§

حالا اگر یکقدری بفقرهٔ چهارم مقاله (تایمز آف اندیا) که در زیر عنوان (طرز نوین سیاست کابل) عقل فروشی بخرج داده تحریر داشته است بنظر غور وتدقیق ملاحظه نمائیم خلاصه الخلاصهٔ آنرا برین موضوع مبنی میبینیم که جناب شان سیاست عادلانهٔ مدبرانهٔ انسانیت پرورانهٔ حاضرهٔ افغانستان را نمی پسندد . ویك سیاست قاتلانهٔ ظالمانه را انتظار دارد که منظره های عقل ربای قتل عامها که منارها ، وگوش وبینی بریدنها ، وخرید وفروش انسانها را مانند دوا با دوا تکشیده وعذابهای انکیزیسیون مانندها همچون یك یك پنوراماهای بسیار خوشنمای از زیر نظر استهزاء شان بگذراند . بناءً علیه ما در خصوص هیچ چیزی نگوئیم و محاکمهٔ این مدنیت فروشی را بوجدان ارباب عقل واذهان حواله نموده بفقرهٔ پنجم آن مقاله نظر نموده به بینیم که چه میگوید :

§

فقرهٔ پنجم آن که بعنوان (غلطفهمی) میباشد آغاز سخن را چنین برداشته است : اگرچه درین شك نیست که فی الحال تصفیهٔ فساد خوست قطعی شده است

اما ممکن است که در کابل بلکه در تمام افغانستان ازین نوع غلطفهمی

میت پیدا شود ، ما این معنی را امرا بر بالعکس تلقی میکنیم زیرا انسان را بندهٔ احسان میشماریم ، و سر هون خون میپنداریم ، و این سیاست عدالت پرورانهٔ که ذات اعلیحضرت شاهانه در زمان این قاعده بکار برده اند موافق باقوال حکما و دوانین سیاسات مدنیهٔ الشرعی ایم و پیدا شدن یک امیدواری کلی ازآن برای مردم افغان میدانیم ، حالانکه آن آقایان متمدن ما که خودشان را رهبر و پیشوای تمدن میدانند ببینید که چاچه تمام میدهند ! بشنوید که چه رجزی میفرمایند ! :

« طریقهٔ پسندیدهٔ حکمرانی افغانستان بقرار قرنهای گذشته به نحوی باید بود که در چنین موقع سزای وحشیانه داده شود ، وفسادرا بهر رحمی بسیار فرو کرده شود ، و گوش و بینی مجرمهای قابل معاف هم بریده شود ، و سزاهای گوناگون سخت به آنها داده شود ، و کسانیکه علانیهٔ مرتکب بغاوت گشته اند حتی الامکان قلع وقمع آنها باید کرده شود »

شنیدید نصیحت ووصیت مردم متمدن را بمردم وحشی ! ای معشر بشر ! یکقدری بنظر غور ودقت بسوی این کلمات متمدنانه نظر فرمائید . آیا وقتی که این کلمات را می‌نوشت وجدانش هیچ اورا درزیر پیچاب شکنجهٔ عذاب نیاورده باشد ؛ آیا دستش نلرزیده باشد ؛ آیا قلمش در تحریر آن تردد نکرده باشد ؛ هیچ شبهه نیست که هرانسان یک وجدانی دارد ، بلاشبه که نویسندهٔ این کلمات را نیز وجدانی بوده است البته که وجدانش اورا در وقت نوشتن این نسبتها معذب هم کرده باشد ، ولی بیچاره چه کند ! لکن ، غرض ، اغراضات بشریه دایما بر احکام وجدان غالب می آید !

سبحان الله ! اگر همین کارها از طرف ذات اعلیحضرت پادشاهی جرا می شد . آیا درآن وقت گمان میبرید که جناب تایز آف اندیا آنرا تقدیر وتحسین میکرد ؟ حاشا ! بلکه درآن وقت جان وتوله های جنگیز نامه ها ، وغلغله های هلاکو نامه های مینوشت که انسان را از خواندن آن موی اندام راست میشد ! بلکه آن کارها را وسیلهٔ تر نمودن خونریزیهای خدارانه ووحشیانه ایتالیانها در طرابلس ، وروسها در ایران تلقی نموده نامیتوانست قزاقچه نویسی خود را قوت می بخشید ؛ بلکه دولت دوست ومتفق همسایه حقوق شناس مارا بتشویق وتحریک مینمود که در چنین عصر مدنیت (!) ضروراست که این گونه کارهای وحشیانه را یک نهایتی بدهند . چنانچه دراین وقت ایقاظ واشعار میکند که از افکار اتحاد بین الاقوامی در حذر ومتحذر باشند ! چنانچه در فقرهٔ ذیل آنرا ادا مینماید :

فقرهٔ بتحریر اخبار مدنیت آثار انگلیسی تایز (تایز آف اندیا) (!) بعنوان (خطرناکی) از مسلح بودن همهٔ ملت افغانستان وافکار اتحاد بین الاقوامی افغانان و محتمل بودن دیگر بغاوتها بحث وبیان رانده بدین کلمات ذیل ختم کلام مینماید

وچونکه این امر یقینی ست که حکومت افغانستان برای محفوظ داشتن خود را از فتنهٔ جنگی ، تحریک اتحاد بین الاسلامی را جاری نموده آواز جهاد بلند خواهد کرد چنانچه کارداران افغانی در معاملهٔ خوست دراین امر دریغ نکرده بودند . لهذا مارا از نقطهٔ خیال برتانوی درسیاسیات افغان این امر نهایت اندیشناک بنظر می آید

عجایب ! مگر جناب (تایز آف اندیا) چقدر دور اندیش یک ذات بوده است ! ولی از فحوای کلام شان غالب بودن قوهٔ واهمهٔ شان معلوم میگردد . زیرا با وجودیکه مسلمانها افغانهای ملت ، ائتلافهای ملت ، اتحادهای بین الاقوامی عمومی تمامًا را می پسندند وهیچ چیزی مالک اندیش خود نیستانند ، وبکمال بیپروائی ولاقیدی دلاورانه بسوی آن در پی اتحاد واتفاق وائتلاف نظر میکنند ، وهیچ یک اتفاق واتحاد را بمقابل آن بخیال وخاطر خودهم نمیگذرانند . حالانکه حریفان ما از اتحاد خیالی وتصوری غیر معلوم معدوم اسلامی اندیشه ها وخوفها وبیمها میپرورانند . چونکه به این پی برده اند که یکی از ارکان مهمهٔ شعائر دین مبین اسلام اخوت واتحاد است . بلند کردن آواز جهاد را بهنگام غیر مشروع در خیال وخاطر کسی هم نمیگذرد ، علی الخصوص دروقت حاضر جهاد آنوقت مشروع ومعقولست که بروطن وحقوق حکمرانی وطن تجاوز واقع شود از هر طرف وهرکسی که باشد . وچون انسان که متوجب تعدی وتجاوز بر خاک افغانستان شود از هیچ طرف دیده نمیشود ازاو بکمال جدیت وحقیقت گفته میشود که دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما با هیچیکی از دولتهای معظمه همجوار خود فکر تجاوز وتعدی را بنام جهاد نمیپروراند . علی الخصوص با دولت فخیمه دوست ومتفق خود برتانیا که از همه دولتها از جهت نزدیکی وپلوان نزدیکی ، واشغال ومعاملات وسیاسیت متقابله که ابراز ومنافع متقابله ما دیدنی نداریم که بدون سبب مشروع وواجب از طرف شاهدی آواز جهاد بلند گرداند ! ازینجهت جناب (تایز آف اندیا) خاطر مبارک خود را خیلی آسوده ، واز اندیشه آزاده داشته باشند که ازین تصورات وتوهماتی که دربارهٔ افغانستان پرورانیده اند هیچ چیزی در میدان موجود نیست . والله اعلم بالصواب .

مراسم دفن میکادو امپراطور ژاپون

پرنس آرتهر آف کنات که حامل نشان زانو بند برای امپراطور جدید ژاپون وشرکت در مراسم دفن میکادو از طرف دولت انگلیس بود وارد یکوهاما واز انجا عازم توکیو گردیده در اسکله راه تعن امپراطور وخانوادهٔ سلطنت ووزرا حاضر بوده نهایت پذیرائی از ایشان شده در قصر پرنس فوشی قیام شان داده

امپراطور به پرنس آرتهر و پرنس هنری آف پروشیا نشان ممتاز سلطنت مرحمت فرمودند

پرنس هنری بوکالت امپراطور آلمان برای شرکت در دفن امپراطور متوفی وارد ومانند شاهزاده انگلستان در ایستگاه راه آهن از ایشان هم پذیرائی شد ودر قصر (کاسومی گسکی) ایشان را قیام دادند —

مراسم شاهانهٔ دفن امپراطوری ۱۳ ستمبر بعمل آمد جنازهٔ میکادو را در تالار سلطنتی گذارده وامپراطور جدید بالباس رسمی بازوجه امپراطور متوفی وامپراطرس حالیه وشاهزادگان وحکام وامراء ورؤساء حاضر بودند مراسم ترحیم بر طبق مذهب رسمی مملکت بعمل آمد — طبل عزاهم می نواختند ودسته دسته برای ترحیم ونماز بر جنازه حاضر می شدند بسیاری از قیدیان ژاپون را در این موقع ازادی بخشیدند ویك ملیون سکه ین خیرات دادند .

تمام جهازات جنگی ژاپونی وغیره بیرقهای خودشان رانیم کش که علامت ماتم است گذاردند تمام شهر بسته وماتم زده وتمام جنرل ها وسرداران از قبیل جنرل اوکو امیر البحر توگو بارن سیتو جنرل کروکی وامیر البحر جون ازاماس در تشییع موجود بودند وموقع دفن اتواب سلامی زده شد

قونسل ژاپون در بمبئی نیز مراسم ترحیم امپراطوری راباجای آورد — وژاپونیان موجود بمبئی باهنود وفارسیان شرکت داشتند . قونسل نطق داد بر سوانح امپراطوری وخدمات آن بعوالم تمدن خاصه شرق —

از فراق امپراطور خود جنرل نوگی فاتح پندر آرتهر بازوجه اش خود کشی نمودند —

جنرل نوگی گلوی خودرا باکارد بریده وزوجه اش باخنجر شکم خویش را دریده واین واقعه با گوازوقتی شد که صدای توپ دفن اعلیحضرت میکادو بگوش ایشان رسید این حادثه در خانه خودشان که در (اکاساکی) است واقع گردید — زن وشوهر در لباس ژاپونی بودند وقبل ازاقدام بخود کشی ازجامی که امپراطور به آنها اعطا فرموده بود آخر شربت زندگی نوشیدند مراسله بنام امپراطور نزد آنها دیده شد

یك از طلاب که در خانه جنرل نوگی بود بغتتاً آنهارا بخون خود غلطان دید !

یوم قبل از آن جنرل نوگی وزوجه اش عکس خودشان را گرفتند وعلی الصباح در خانه میکادو به نماز شرکت داشت واین خودکشی خیلی مهم است وخیلی خطوط های با کیفیت نوشته گذاشته ودر آن خط معذرتی هم برای پرنس آرتهر کنات بوده است . (نقل از اخبار حبل المتین)

* * *

در دنیا چه چیزها میشود وماخبر نداریم !

مسئله (محمد ولیخان)

در شمارهٔ ۲۳ اخبار خود یك خبری در باب (محمد ولی) نام شخصی که ما نه اسماً ونه رسماً آنرا میشناسیم ونه از حرکات وسکنات او ونه از مسلك واخلاق او با خبر هستیم مستند بقول نامهٔ نگار خود از مصر درج واندر نموده بودیم واین نشریات ما مبرا از اغراض شخصی خالی بود چرا که اخبار ما صرف یك اخبار وطنیٔ افغانی میباشد وهرگونه سخنی که جهت تعلق مضرت به افغان ومنفعت افغانستان داشته باشد برای خیر دولت وملت ووطن خود آنرا بکمال آزادی وجسارت اشاعه واعلان مینماید . حالانکه آن نشریات مادر رفقای ما وراء البحر باقیل وقالهای عجیبی وغریبی برپانموده است که مارا بر بسی حقایق دیگر نیز آگاه وبیدار ساخت .

مگر از بدبختی مسلمانان که بازیچهٔ انقلاب روزگار اتفاق شانرا به نفاق، واتلاف شانرا به اختلاف مبدل ساخته، چنانچه در میان اخبارهای اسلامیٔ ترکی وکذلك عربی بسبب اغراض شخصی وجرمهٔ واهی مناقشه، ها ومجادله ها قلمیهٔ که بجز ضرر دیگر هیچ نفعی بعموم عالم اسلامی نرساند موجود است در مابین اخبارهای برادران اسلامیٔ ما که بزبان اردو در قطعهٔ فسیحهٔ هندوستان طبع ونشر میشود نیز بیشتر ازانها مجادلات ومناقشات اتحاد براندازانهٔ اختلاف پرورانهٔ موجود بوده است که ما ازانها هیچ خبری نداشتیم .

(سراج الاخبار افغانیه) تنها یکدانه اخباریست که از مملکت اسلامیهٔ افغانستان از فیوضات معارف پروری پادشاه افغانستان در عالم مطبوعات اسلامی اول بار جلوه گر ظهور گردیده است وبنا بر مسلکی که پیش نهاد خود دارد همه رفقای قلمیه یعنی اخبارهای اسلامیهٔ ممالك ترکیه را که بزبان ترکی طبع ونشر میشود یك وجود واحد دانسته مناقشات ومنازعات قلمیهٔ که دارند برای خودشان گذاشته است وهیچ جهت تعلق به آن ندارد . کذلك رفقای هم قلم اردو زبان مسلمان خودرا یك کتلهٔ واحده ویك وجود غیر ازهم متمایزه دانسته اغراض نفسانیٔ مادیٔ شانرا برای خودشان میگذاریم ، وهیچ جهت تعلق به آن نداریم

(سراج الاخبار افغانیه) بسیار افسوس میکند که یك خبری که بدون از غرض مستند بر قول نامه نگار مصری خود در شمارهٔ ۲۳ سال اول خود در باب (محمد ولی خان) نام شخصی انتشار نموده بود مستوجب ازدیاد مناقشات قلمیهٔ اخوان هم قلمانش گردید . مگر بعض از همعصران معزز ما محمد ولیخان مذکور را خیلی ستایشکارانه وبعض بزند آن شناختانده بودند . فقرهٔ سراج الاخبار چنانچه برای کسانیکه طرفدار او بود یك تأثیر بدی بخشید . همچنان برای فرصت طلبان فرقهٔ ضد آن نیز یك

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 397 of 1786

سر رشتهٔ مقالی پیدا شده موجب ازدیاد مخالفت و مباغضت گردید که ما ازین چیزها خبر نبودیم ، و بواسطه این خبر خبر شدیم ، وهزاران تأسف نمودیم . لهذا بکمال جدیت و حقیقت میگوئیم که مقصد ما از نشر این حوادث هیچ یك غرض شخصی و باطرفداری وغیر طرفداری نبود . وقبل از خبر مذکوری که نامه نگار ماخبر داده بود نام این شخص راهم لشنیده بودیم ، ونه از که بودن او خبر داشتیم که کیست وچه کاره است . مقصد ما از نشر این خبر همانا جهت تعلق او به افغانستان بود ، وچون هر خبری که ازین نقطهٔ نظر بنظر برخورد نشر واشاعهٔ آنرا برای اطلاع هموطنان خود وظیفه میشماریم از آنرو در اشاعهٔ آن یك محذوری ندیدیم .

به اینهم میدانیم که نامه نگار مایك شخصی لاغرض و لا تملقیست که اینقدر یك سفر دور ودراز سیاحة نامه اسانی را بی یك حقیقت معلومی از خودترا شیده نمیتواند ، هیچ شبهه نیست که وقوعات همچنین است که او نوشته ، وسراج الاخبار افغانیه آنرا در شمارهٔ بیست وسوم سال اول خود نشر کرده است . مادر بخصوص شخصیات را هیچ نمیشناسیم ، چشم وگوش ، دل وهوش ما بسوی احوال عمومیهٔ اسلامیهٔ متوجه است . ولی هزار افسوس که همهٔ ما از اتفاق و معاونت وجمعیت و ترقی دم میزنیم ، وهیچ اثری از بنچیزها در مادیده نمیشود ، وبجز بیخ کنی هیچ ثمری از یکدیگر خود نمی بینیم . حقیقت همین بود که نوشتیم باقی برای خود وهمه اخوان دین خود که در شرق اند دیگر در غرب هدایت و توفیق را از درگاه ذات اقدس حضرت هادی مطلق جل وعلا نیاز میکنیم .

ادبیات

شعر — و — فن

(شعر) یکی از ارکان مهمهٔ بسیار معتنابهای مفخرت نمای علوم ادبیه شمرده میشود ، شعر ، کلام میست موزون و مقفا که موضوع آن عوالم طبیعت است ، مثلا ابشارها چمنزارها گلها ، بلبلها ، بادها ، نشئها علی الخصوص حسن و جمال طائفهٔ لطیفهٔ بنات حوا که بهترین آثار صنع خالق بیهمتاست سرمایههای دلکش مضامین شعر شمرده میشوند ، کارخانه که شعر دران ساخته میشود (قوهٔ مصوره) است که استادکار (تخیل) قوت ماشین (تفکر) آنرا بهزاران پیچ وتاب دران کارخانه غرایب کاشانه رونق وزینت داده برنك برنك ، وگونه گونه اشکال والوان در بازار جواهر فروشی سخن بیرون میرازد .

انسانها اول چون بصنعت بافندهگی آغاز کردند اگر ممکن شدی که یك پاره قماش نخستین آن بافندهگی را در بنوقت میدیدیم قابل پوشیدن نی ، بلکه لایق فرش زیر پا انداختن هم نمی یافتیم . هرچه حاجت! یکبار چون بسوی قماش (کوسی) سابق ملك خود ما ، وکشیدههای زاهدار وچارخانهٔ که درین وقتها در وطن عزیز ما ساخته میشود نظر کنیم یك فکر اجمالی حاصل کرده میتوانیم .

این است که شعر نیز از حال اول خود تا به اینوقتها بسی تبدلات گوناگون دیده کسب لطافت کرده است . اشعار یونان قدیم ، وفرس قدیم ، وعرب قدیم ، وهند قدیم را چون بشنوید ، وباز یکبار آنرا باشعار بیدل وصایب و کلیم مقایسه نمائید بحیرت می افتید .

گویند اول شعریکه در فارسی گفته شده این مصرع بوده است . «غلطان غلطان همیرود تا لب گو » که گویا (بهرام گور) یکبازی که غالبا مانند (گلف) یك چیزی بوده باشد بازی میکرده است . وقتی که توپ درخانهٔ حالف داخل شده از بسیاری فرحت بی اختیار همین مصرع را بر زبان رانده است . وبعد از ان حکما وادبای آن عصر دران غور وخوض کرده شعر ایجاد شده است . این یك روایتیست که اصل واساس آن مجهول است . بفکر قاصرانهٔ خود ما چنین می آید که شعر وموسیقی از آغاز خلقت بشر با بشریت توام آمده است . زیرا هیچ ملتی از ملل بشر را نمی بینیم که بی شعر وموسیقی باشند . وچون موضوع شعر عوالم الطبیعت است ، از وقتی که بشر درین عوالم قدم نهاده است با شعر یکجا محشور شده آمده است .

شعر وموسیقی یك چیزیست که بر حسیات تاثیر اجرا میکند ، هراقدر که حسیات انسان کسب رقت ولطافت کرده شعر نیز همانقدر نازکیها ورقتها بخرج داده ، مثلا دهن محبوبه را اول بدهن دوات تشبیه دادند ، باز آنرا به ، وغلیظه باته‌چشمه آب بقا گفتند ، اما فراخی وهمیشه جاری بودن آن بعضی دهنهای لفامقشده آبدهن جاریرا بخاطر آورده ازانهم صرف نظر شد ، باز غنچه های گلها را در خوشبوئی ولطافت وشکل وقیافت تشبیه تام یافته غنچه دهن گفتند ، ولی چون خوب غور کردند مثابهت تامه در مابین دهن انق وغنچه عمودی نیافته نقطه گفتند ، باز آنراهم قابل به تطبیق تقسیم نیافته هیچ گفتند والسلام .

آن دهـان را هیچ گفتم بارشد در پیچ وتـاب
از غضب گفتا چه گفتی باز گو گفتم که هیچ

این محرر عاجز فطرتاً شاعر وبشاعر زادگی افتخار دارد ویکی از تعظیم وتکریم کنندگان شعر خود را می شمارد . دواوین استادان را حرز جان میداند . ولی هر قدر شعر کج مج که گفته توانسته است جدت های فنی ، اخلاقی ، وطنی آنرا ازمین اتخاذ کرده است .

جه عجب دارد : آیا موضوع شعر عوالم طبیعیه نیست ؟ پس چه از گل وبلبل بگوی وچه از زلف سناك هردو شامل همـان عوالم یك آهنك است وبس ؟

در وطن عزیز ما بعضی شاعران باکمال گذشته‌وموجودند که بر گذشته کان ازصمیم دل رحمتها ومحبتها مقیر ستیم ، وموجود بودکان را دعاهاوثناها میگوئیم . باجناب مستغنی که یکی ازشعرای پسندیده اطوار آتشین گفتار موجوده شهرعزیز ماست درباب تطبیق (شعر وطن) محاوره ومصاحبه های بسیار میکردیم چون بسوی طبع سرشار و خوش مضمون‌گفتار آن بلبل چمنستان وطن ملاحظه میکردیم ازتحریك وتشویق نمودن آن رفیق سخن خودرا بشعرهای ملی هیچ خودداری نمیتوانستیم‌ولی‌رفیق خودرا در تردد میدیدیم.

این تردد دشانرا مبدا لنتم که‌از چیست ؟

البته طبعی که دایما در اطاقهاو زاکهای سمن از برنگل که‌ترازو ساخته نکهت بوی یارزا باشمیم نسیم سحرگهی درآن وزن نموده باشد مانند موتر ، ریل ، بالون چیزهای غلیظ وکلفت را چسان برداشته میتواند ؛ امابااز امیدما منقطع نبود . تاآنکه درشمارهٔ بیست‌وسوم اخبار خود یك غزل چون عسل شانرا که بمناسبت جشن تماشای (جناستیك) انشادنموده بودند بکمال ذوق‌وسرور درج نمودیم ، ازمصرع غزلشان که : ((دلا جناستیکی میتوان کرد)) امیدما دوبالا شد . البته کسیکه جناستیکی بتواند موتروانی ، ریل چلانی ، بالون برانی‌را نیز میتواند !

اینست که درخت آرزوی ما بار ور گردیده این شمارهٔ دوم سال‌دوم این نامه گرامی وطن ما را یك غزل قرائی بزمان و زمین موافق‌بسیار دلنشین شان زینت می یابد . وامیدست که‌بعدازین دایما ازین درواین رهگذر سخنان شرین‌دقیق‌خودمان را بکمال مسرت درج نمائیم .

نی شعر سراپاش ونه ربط سخن آموز
جهدی کن و ازبهر وطن عزو فن آموز
نی موی میانی ونه چاه ذقنی گوی
علمی که بکار آیدت ای چشم‌من آموز
از بهر لب لعل بتان چند کنی جان
رو کندن کان از برای وطن آموز
در نقطهٔ موهوم دهن چند شوی محو
درهیچ مپیچ این سخن خوش زمن اموز
درحسرت بالای بتان چند توان زیست
رو صنعت بالون و ببالا شدن آموز
چوگان زنخی گیرو گوئی ز گلوله
نی زلف چو چوگان و نه گوی ذقن آموز
مشکین نرش از حسرت لعل لب شیرین
رو کندن کوه و کمر ازکوهکن آموز
کاهل مشو و بی هنر از خانه نشینی
چون ریل پی عزم هنر تاختن آموز
در لندن و پاریس پی کسب هنر شو
نی ترك ختائی ونه شوخ ختن آموز
اغیار ببین در چه خیال اند وتو غافل
ای یار توهم عبرتی ازما ومن آموز
ای دل طرب اندوز سخنهای بلندت
مستغنی ازینگونه سخنها بمن آموز

فاجعه های پاریس

مابعد از نمبر ۲٤ سال اول

وآنهم اینست که اگرمادام آنفوی دایه بداند که ، اجرت زایاندن را کسی نمیدهد از جای خود حرکتهم نخواهد کرد . حالانکه این زن مالك حبه واحده‌هم نیست حتی منهم پانزده روزه کرایه رو طلب دارم .

قومیسر ـــ ازاجرت خودبیغم باشد . اگر بعد ازین‌زن بیچاره برخلاف امید ما مصارف‌زایانیدن دختر خود رانده‌د ، بنا بر طلبی که بکنم ازطرف حکومت‌داده خواهد شد . واگر بالفرض و التقدیر آنهم ممکن نشود من خود از کیسهٔ خود میدهم .

وبیو ــ اوه ! چون چنین است بعد از یکچند دقیقه مادام آنفو را درینجا حاضر خواهید یافت .

این را گفته از اوتاق برامد . واز زینه ها فرو آمده بطبقه اول عمارت برفت . قومیسر پولیس‌نیز تاب‌آمدن دایه فروآوردن نعش فوت غوشتران دور الدالرا بیا بان . وتادرجهٔ که ممکن باشد پاك کردن خون را از روی خانه . وبرای نقل دادن نعش رابه قره قولخانه حاضر کردن یك دول را برخفیه‌ها وعسکرها امرنمود حتی نوشتن ژورنال واقعه رانیز ازبهر آنکه در مرکز خود بخاطر جمع بنویسد دربوقت بتأخیر انداخت .

چنانچه موسیو وبیو گفته بود بعد از ده دقیقه دایه مادام آنفو بایك توالت عجیبه از دروازه داخل او تاق گردید . مرقومه سی و دو ساله یك زن کوته‌قد شمیق بود که با وجود آنهم آثار ذکاوت یك جاذبهٔ درسیمایش پدیدار بود . لبهای باریك وبینی تیزش چنانچه برخشونت طبیعه‌اش دلالت میکرد همچنان حرکت دایمی چشمهایش نیز درجهٔ انتهای حرص وطمعش را نشان میداد .

مادام آنفو بمجردیکه داخل اوتاق گردید بقومیسر سلام داده

غزل

گرچه درلفظ عرب جمع خبر شد اخبار
لیك یك نامهٔ پر علم وهنر شد اخبار
چند اوراق شده جمع و بهر ماه دو بار
میشود نشر و چو یك سلك گهر شد اخبار
خبر جمله عالم بتو گوید هر دم
هست در خانه و بغداد خبر شد اخبار
گاه از دین و ز دنیا گهی از حب وطن
مید هد پند و ترا واقف شر شد اخبار
تیغ عریان وطن فکر و لسان ملت
هست اخبار و ترا تیغ و سپر شد اخبار
احمق خیرهء سر عجز از حب وطن
گویدت نفع نشد جمله ضرر شد اخبار
از ازل دشمن علم آمده جهل جاهل
عجز کی خوشش آید که خبر شد اخبار
پادشاهم چو خبردار کمال و هنر است
زالب گنج گهر مخزن زر شد اخبار
حامی ملت و دین پادشه علم گزین
چون پسندید به (محمود) هنر شد اخبار

ناموران زنان جهان

(ما بعد از نمبر ۲٤ سال اول)

این آغریپینه باجنرال (دومیتیوس) ازدواج کرده وازصلب ایمپراطور (نرون) نام ظالم مشهورا بدنیا آورده است. بعد از آنکه شوهرش وفات کرد بنابرعادت منحوسهٔ آن زمان جهالت با کاکای خود ایمپراطور (قلاودیوس) ازدواج نموده است . وبه افسون کارها وفتنهای خود چنان برایمپراطور غالب آمد که همه امورات کارهای حکومتی را بدست خود در اورد. دختر شوهر خود را که ازدیگر زن مانده بود و نام آن (اوقتاویا) بود به پسر خود (نرون) تزویج نمود. وپسر شوهر یعنی عم خود را که (بریتانیقوس) نام داشت طرد واخراج نمود ، و ایمپراطور یعنی شوهر و عم خود را بران واداشت که پسر خودش (نرون) را ولیعهد کند. وچون این کارها را کرد از بیم آنکه مبادا پشیمان شود شوهر وعم خود ایمپراطور (قلاودیوس) را زهر خورانیده هلاک نمود . وقتیکه پسرش (نرون) ظالم ایمپراطور شد غرض داری وانتقام خود را با امور حکومت برداشت نموده مشار الیها را دریك کشتی سوار کرده امر نمود که درقعر دریا غرقش کنند. ولی آغریپینه بهر دسیسه و حیله که بود مامور غرق کنندهٔ خود را فریفته نموده خود را خلاص کرد. ولی بعد از آن باز نرون ظالم یك افسر خود را بجزیرهٔ که او پناه گزین شده بود فرستاده درسنهٔ ۵۹ میلادی بقتلش رسانیده است. این زن در حسن وجمال یك آفت دوران، ودر دسیسه پردازی وحیله انگیزی وغدر وظلم معروفهٔ جهان بود .

(باقی دارد)

عفو تقصیر خود را در باب منتظم نبودن درپشی و توالت خود بیان کرد ودر نزد بستر زن بیچاره رفته. یك صدای لطیفی گفت:

— جسارت مادام! جسارت! آیا زمان زائیدن نزدیك شده ست ؟ هیچ نترسید! همهٔ ما ازبراه گفته ام. حالا آنکه بهیچ یکی ما هیچ چیزی نشده است . من بشما معاونت میکنم . هیچ اندیشه مکنید. بسیار زودی رهای میابید . وباز خواهید گفت که ، وای . زائیدن همین بود؟ ادچه آسان چیزیست!.

قلونیله از شدت درد و اضطراب این سخنان دلداری دادن دایه را نشنید. مادام آنفو بعد ازآنکه شکم وخالیگاههای زاچه را معاینه کرد قومیسر را خطاب نموده گفت.

— قومیسر افندی! این یك بحرانیست که بر مادام پیش آمده بعد از دو دقیقه زایل میشود . اما مادام درینجا استراحت نمیتواند. وزا یاندنش مشکل میافتد. اگر بدارهٔ من بیاید بسیار خوب میشود ، من اوتاقهای خوب و مفروش پاکی دارم که همه اسباب استراحت را مالکست وهم اجرت بسیار ارزانست اندیشه مکنید .

قومیسر — خانم، سخن اجرت را بگذارید. ازاینگذر خاطر جمع باشید. اما مادام به اینحال دوازده پایه زینه را چسان پایان شده خواهد توانست؟

مادام آنفو — (نفرهای عسکری را نشانداده) ازین جوانان چار نفر که یکیك گوشهٔ نهالین را بگیرند بهر جائیکه دل ما بخواهد بیمار خود را برده میتوانیم .

این فکر دایه چون آسان یك چیزی بود هماندم قومیسر به عسکرها اشارت کرده چهار نفر چهار گوشهٔ نهالین را گرفته برداشتند. بعد از یك دو دقیقه قلونیله دریك اوتاقیکه دایه آنرا بسیار اعلا فرش شده گی تعریف کرده بود وان فرش عبارت از یك چارپائی آهنین تنگ. ویك آرام چوکی پشتی دار . ویك الماری کالا گذاشتن بود جا بجا گردید.

درینجا دردهای اولی زن بیچاره یکقدری ارام شد اگرچه یك کمی راحت نفس میگرفت ولی از تأثیر اضطرابات الیمه یکه کشیده بود رنگ وقیافت یك مردهٔ را گرفته بود

(باقی دارد)

علم ثروت ملل

(مابعد از نمبر ۲۴ سال اول)

قول مشهور گروه (فیزیوقرات) که (لسه فر لسه پاسه) گفته اند این قاعدهٔ آزادی اعمال‌را بر معانی آزادی اعمال، و آزادی مبادلات) متضمن داشته اند. حالا ما اول از آزادی اعمال بحث میکنیم:

آزادی اعمال بشاه‌روح صنایع شمرده میشود. (میشل شوالیه) که یکی از متخصصین متبحر علم ثروت ملل میباشد چنین میگوید: ((اجرای صنعت تنها عبارت از صرف کردن قوه مبذوله وبعضی عملیات مادیه نیست. بلکه اول چیزیکه در اجرای صنعت دیده میشود حکم و آثار عقل بشر است بر عالم طبیعت. عقل بشر بالطبیعه به حریت و آزادی متصف میباشد. لاجرم برای ترقی کردن میباید که آنرا دائما حرکت کرده بتواند)). آزادی صنعت این را نتیجه میدهد که هر کس هر کاریکه آنرا برای خود انتخاب کرده باشد حصر نفس کرده میتواند که به این صورت هر صاحب صنعت از قوتهای ذاتی خود، و از اقدامات خود زیاده‌تر مستفید شده بر منفعت خود مقتدر میشود. برای پیش بردن صنعت خود گونه گونه چاره ها می اندیشد. قابلیت مخصوصهٔ آن نیز در درجهٔ امکان نشو و نما می یابد. به این صورت همهٔ محصولات به فراوانی و آسانی محصول می آید. و جنسهای آن نیز اصلاح شده میرود. و الحاصل همه ترقیات صناعیه ازین منبع نشأت میکند.

هرگاه آزادی اعمال منع و تحدید شود ارباب صنایع اجرای صنعت خودرا بصورتی که برای منفعت شان سودمند باشد نمیتوانند و درکارهائیکه بیك شوق و هوس براه انداختن کرده‌اند به گونه گونه مانعه ها وقیودها بر خورده به تردد و عطالت گرفتار میشوند. و بجرئت ابتدائیه شان ضعف وارد میشود ترقی کردن ثروت عمومیه نیز ممکن نمیشود. انحصارها — یعنی صنعتها را درزیر قید حصر کردن — و امتیازها — یعنی یك شخص یا شرکت یك صنعتی را بمقابل یك مبلغ معینی از حکومت به اجاره گرفته و تنها برای خود آنرا ممتاز ساخته حق دیگری را از اجرای آن صنعت منع کردن — قاعدهٔ آزادی اعمال‌را سراسر خلل میرساند. زیرا اولا موجب سستی و بیقیدی متحصلهای آنها میشود. ثانیا صنعتکارانی که امتیاز یك صنعت را میگیرند ازین یك خاطر جمع میشوند که دیگری آنرا نسازد. لهذا بهر قدر فایده که بر دارند قناعت کرده درپی اصلاح و ترقی و ارزانی و فراوانی آن نمیگردند. چونکه میدانند مردم به این چیز محتاج است. و دیگر کس هم ساخته نمیتواند.

(باقی دارد)

❊ اعلان ❊

(سراج الاخبار افغانیه) بسی که خواه در خوبی کاغذ و حسن طبع و خواه در تصاویر زینگو گراف و نفاست نقش ترقی و تجدید نمایانی نشان داده است. هیچ شبه نیست که مخارج آن نیز بر اداره گرانتر تمام میشود. حال آنکه محض بنابر خدمت وطن از ربح و فایده خود یکدرجه صرف نظر کرده برای هموطنان عزیز خود در داخل خاك پاك افغانستان در قیمت آن هیچ نیفزودیم و بقرار سابق در پایتخت سلطنت سنیه سالیانه قیمت آن همان (۸) روپیهٔ کابلی، و در ولایات اطراف مملکت قلمرو افغانستان بهمان (۱۴) روپیهٔ کابلی میباشد که این مراعات اداره را البته مشترکین کرام قدر خواهند فرمود. ما این مراعات‌را در حق مشترکین کرامی که در خارج مملکت داریم نیز اجرا می نمودیم ولی چون اجرت داك در خارج موجب ضرر و خسارت اداره میشد مجبوراً قیمت سالیانهٔ آنرا (۱۰) روپیهٔ انگلیزی وضع نمودیم که اگر بنظر انصاف دیده شود بجز اجرت داك بازهم چیزی نیفزوده ایم.

لهذا اعلان میشود که قیمت سالیانه اخبار ما سر از شمارهٔ اول سال دوم در خارج مملکت افغانستان علی العموم ۱۰ روپیه کلدار انگلیزی وششماههٔ آن شش روپیهٔ کلدار انگلیزی میباشد. هرکه از ذوات گرامی که آرزوی اشتراك سراج الاخبار افغانیه را در هندستان. و ممالك عثمانی و آسیا و اوروپا و امریکا داشته باشد مبلغ مزبور را برای وکیل ما میرزا غلام‌حیدر خان پوست ماستر دولت علیه افغانستان مقیم پشاور بفرستد اخبار بنام شان جاری میشود سه‌ماهه اشتراك قبول نمیشود. در داخل و خارج مملکت هر شخصی که از هر شمارهٔ سال اول اشتراك فرموده باشند تا همان شمارهٔ سال دوم استحقاق پوره شدن مدت اشتراك خود شان‌را دارند. و اداره حق زیاده طلبی‌را تا اتمام شدن مدت اشتراك شان ندارد.

تصحیح واعتذار

در شمارهٔ اول ما بسبب آغاز بودن کار در صحیفهٔ پنجم در زیر عنوان (نغمة السراج لنقال) یك سهو مرتب ومصحح بوقوع آمده است و آن هم به اینصورتست که بعد از عبارت (در زیر زمینه وزرف گرفته است.) عنوان کلیت (نغمة السراج لنقال) تمام میشود. بعد ازان این عنوان وچند سطر ذیل از قلم مانده است که برای ناقص نماندن سخن درینجا تصحیح میشود.

نهر سراج جلال آباد

دیگر

در آخر ستون دوم صحیفهٔ ۱۵ بعد از کلمهٔ (والحاصل) اینچند سطر سهواً از ترتیب مانده درینجا تصحیح میشود.

مالك افغانستان. وملت افغان قبل از قبل بتبدیل یافته. و وجود طریق مدنیت بسرعت تام قطع منازل میکنند.))

(از سالنامه امساله ثروت ملل بیناً ترجمه شده.)

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر و سرمحرر تحریر یافته
محمود طرزی

در چهاپ خانهٔ حروفی دارالسلطنه کابل طبع گردید

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

نگران
ایشیك آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی
علی احمد

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
بااخراجات داك ۱٤ روپیه کابلی
در خارج مملکت
بااخراجات داك ۱۰ روپیهٔ انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود

مدیر ومحرر
محمود طرزی

ادارهٔ خانه ومطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همهٔ امورات تحریریه به اداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود
قیمت یك نسخهٔ آن در کابل یکعباسی است

تاریخ عربی ۱۵ ذی القعده ۱۳۳۰   تاریخ انگریزی ۲۷ اکتوبر   تاریخ شمسی ٤ عقرب ۱۲۹۱

درین اخبار از حوادث داخلیه وخارجیه وبسی مقالات مفیده درج میشود

برج ساعت

در دار السلطنهٔ کابل در مواجهٔ قصر (دلکشا) ودر برج شمال بنا یافته

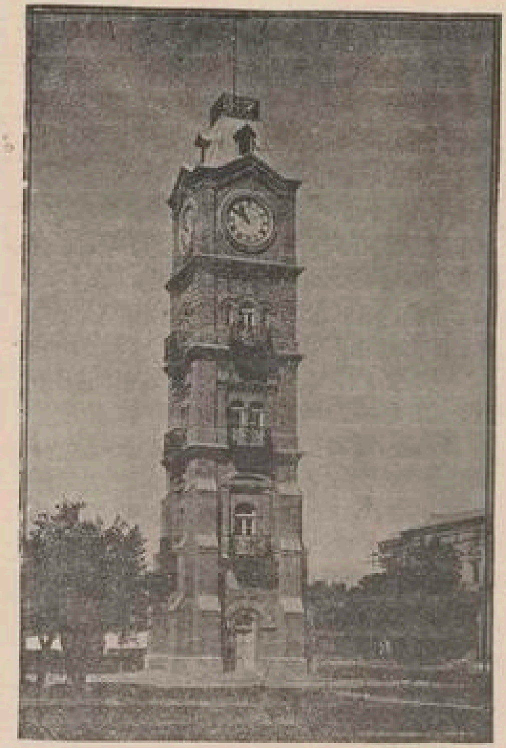

تفصیلات آن در شمارهٔ ۱۱ سال اول ما مندرج است

ترقی پروریهای اعلیحضرت همایونی

—(غزنین)—

(أحوال جغرافی وتاریخی)

(غزنین) بنام دیگر (غزنه) یکی از ولایتهای حاکم نشین بسیار معتنا ومهم دولت علیهٔ افغانستان صانها الله فی الحفظ والامان میباشد که به مسافهٔ ۱۳۵ کیلومتر[1] بجهت جنوب غربیٔ دار السلطنهٔ (کابل) در ۳۳ درجه و۳۴ دقیقه عرض شمالی، و۶۵ درجه و۵۸ دقیقه طول شرقی بر یك موقعی که از سطح بحر ۲۳۵۰ متر بلندی دارد واقع شده است. وبه این سبب موسم زمستان غزنین بسیار سخت وشدید است. خواه از نقطهٔ نظر عسکریٔ وخواه از نقطهٔ نظر تجارت موقع شهر غزنین أهمیت بسیار عظیمیٔ را مالك میباشد. دو سه راه بسیار تجارت کاری که از سمت جنوب غربی افغانستان به هندستان فرو می آید مرکز عمومیٔ آنها غزنین است. ونیز راه بزرگی که از کابل به (قندهار) می رود از غزنین میگذرد که اینهم موجب أهمیت بزرگ اینولایت شده است. علی الخصوص که بسمت شمال، وشمال غربی نیز بر (بامیان) و(هزاره جات) از دره ها ووادیهای عجیب وغریبی راهای مکملی را مالك است که به ایضاحها أهمیت موقعیهٔ عسکری وتجاریٔ آن تا یکدرجه ظاهر میشود.

چون به تاریخ نظر کنیم شهر غزنین رایك حوادثگاه انقلابات دهر بو قلمون می یابیم. در یکوقتی — یعنی پیش از هفتصد وهشتصد سال در زمان سلطنت سلاطین غزنویه غزنین را مرکز یکدولت بسیار پر سطوت وشوکت اسلامیه در آسیای بینیم که دایره فتوحاتش از ایران وما وراء النهر گرفته تا به بسیار جاهای هندوستان وسعت گرفته بود. بعدها قصرها وسرایهای حکومتی وهزاران جوامع ومدارس، وباغها، وگلزارها آن شهر را نمونهٔ باغ ارم ساخته بود. مشاهیر شعرا وأدبا وعلما ومشایخ وحکما واولیا را بظهور آورده است که تراجم احوال هریکی از آنها یك کتاب تحریر بکار دارد. در وقت حاضر مرقدهای مبارك سلطان (محمود) غزنوی و(حکیم سنائی) و(علی لالا) و(بهلول دانا) وبس اولیا. وأعاظم رجال اسلامیه زیارتگاه آنامست.

باز یکوقتی غزنین را بچنان یك حال فلاکت اشتمال پر حزن وملالی می بینیم که دولت (غوری) آنرا بقتل عام، واحراق بالنار زیروزبر کردن، وخاکش را به طوبره کشیدن از صفحهٔ سطح زمین سراسر محو ومعدوم ساخته است. باز یکوقتی جولانگاه مهاجمات خونریزانهٔ مغولها، وتاتارهامی یابیمش. وباز یکمدتی ممرگاه لشکر ایران وبعد ازآن میدان محاربات داخلی خوددولت افغانستان می بینیمش. باز در سنهٔ (۱۸۴۲) ودر سنهٔ (۱۸۸۰م) دوبار درچنگ اغتصاب دولت أجنبی انگلیز وباز دربنوقت آنرا یك ولایتی از ولایتهای بسیار معتبر ومعتنای یکدولت مستقله پرشوکت اسلامیه افغانستان مستظل بظلال مرحمت وعدالت پادشاه ذی لطف واحسان اعلیحضرت (سراج الملة والدین أمیر حبیب الله خان) در شهراه ترقی وعمران پویان، ودر زیر قوانین عدالت پروری در حفاظت وأمان می بینیم.

شهر غزنین چون لکدکوب اینقدر حوادثات دهر شده باشد، وتنها بقدر نیم عصر یکمدتی را نیز براحت وآرامی بسر نیاورده باشد، آیا برای عمران وآبادی یکا وقت یافته خواهد بود؟ سعادتمندترین ایام کامرانیٔ تاریخیهٔ غزنین همانا زمان سلطنت (سلطان محمود) غزنویست که شهر مذکور را پایتخت اتخاذ کرده وهمهٔ ثروت وسامانی که از فتوحات ومجاهدات قطعهٔ پر ثروت وسامان هندستان بدست آورده همه را بر تزئین وآبادیٔ آن صرف نموده شهر غزنین را نمونه باغ فردوس برین، وفردوسیٔ شاعر را بابل قصیده سرای آن باغ ارم قرین ساخته بود وازان زمان باز تا به این آوان هیچ یکدم استراحتی نزده، وهیچ کسی در پی آبادی

---

[1] (۱) یك کیلومتر هزار متر، و هر دو کیلومتر تقریباً یك کروه میباشد

وعمران آن نگشته که در وقت حاضر خرابه زارهای پر آثار عتیقهٔ آن ، وبعضی آثار وابنیهٔ قدیمهٔ آن شاهد های ساکت وصامت اعصار سالفهٔ آن میباشند .

تجددات غزنین

یك خانهٔ فرض کنیم که صاحب آن خانه به آبادی وپاکیزه گی وسررشته وسامان کاری ماهر ، وبهمه أمورات مسایل جزئیه وکلیهٔ (صیانت البیت) شاطر باشد . هیچ شبهه نیست که آن خانه را روز بروز آباد ، وهمه أمورات آنرا با قاعده وانتظام می بنیم . همچنانست أحوال یك ملکی که بادشاه آن درپی آبادیء ، وعمران ونظام وانتظام آن باشد ، البته که آن ملك روز بروز کسب سعادت وعمارت مینماید ولحظه بلحظه اکتساب فیض وبرکت میورزد.

مثال مجسم این قضیه را اگر کسی میخواهد عیاناً مشاهده نماید به عصر ترقیمصر أعلیحضرت همایونی یك لاحظهٔ أنظار دقت فرماید : از روز فیروز جلوس میامن مأنوس همایونیٔ شان تا بحال در هر طرف ملك یك أنوار ترقی ویك آثار تعالی عیان ونمایان گردیده است که شهر (غزنین) نیز از فیوضات أنوار آن شمس ضیا پاش ترقی محروم نمانده به بسی آثار تجدد وترقی جلوه گر ، وبه بسی استعداد وقابلیت استقبال تمدن منتظر ورهبر گردیده است.

در سنهٔ ۱۳۲۵ ذات اعلیحضرت بادشاهی یك تشبث بسیار نامی فرمودند که آن هم عبارت از دورهٔ سیاحت عظیمهٔ بود که أولا بلاد واسعهٔ هندستان ، وبعد از آن همهٔ ممالك شاهانهٔ شانرا دور وسیاحت فرمودند . ودر هر طرف مملکت شاهانهٔ شان احتیاجات أهالی ، ولوازمات آبادیء را بنظر مرحمت پرور شاهانه ملاحظه فرموده در تدارکات وتهیهٔ أسباب آن أوامر سنیهٔ همایونی را شرف اصدار فرمودند . ازانجمله چون در ولایت شهر غزنین أراضیء بسیار واسعی را مشاهده فرمودند که بسبب کافی نبودن آب غزنین از فیض بخشیء طبیعیٔ زراعت لب تشنهٔ حرمان مانده است . وبسبب قلت زراعت تنگی ، معیشت أهالی نتیجه پذیر گردیده است .

بنا برین برای بنیاد نمودن یك أثری که این احتیاج أهالی وأراضی را رفع کند یك أندیشه وتصور حکیمانهٔ هندسه شناسانهٔ بسیار عالیء را مد نظر شاهانه فرموده تاسیس یك بند جسیمهٔ را مصمم فرمودند .

بند سراج غزنین

در خصوص کیفیت اعماریه ، وهندسهٔ انشائیه ، (بند سراج غزنین) که یکی از اعمال شاقهٔ جسیمهٔ فن معماری شمرده میشود هنوز یك معلومات فنیه از روی نقشه وپلان دسترس نیافته ایم أمیداست که بعد ازین مراسم افتتاحیه آنرا با همهٔ تعریفات لازمهٔ انشائیهٔ آن بنظر قارئین کرام عرض کرده بتوانیم . ولی درینجا تنها از أهمیت فوق العادهٔ منافع وفواید آن وشرایط جهتهای اقتصادیهٔ آن بحث میرانیم .

أولا این را بیان کنیم که در همین جائیکه حالا بند سراج انشا میشود در زمانهای سابق نیز موجود بودن یك بندی را صفحات تاریخ ، وباقیات بعضی آثار عتیق ها نشان میدهد . بنا بیك روایت از ملوك بنی (صفار) (عمرو بن الیث) وبروایت دیگر از ملوك غزنویه (سلطان محمود بن سبکتگین) نیز این بندرا انشا نموده اند که مرور دهور ازان بند بجز بعضی علامتهای خفیف أثری نگذاشته . ونیز ثابت میشود که اگر این بند نمیبود آن عمارت ورونق که غزنین در زمان سلطان محمود داشت وصفحات تاریخ ازان بمبالغه ها بحث میراند آیا از کدام آب بظهور می آمد ؟

بناء علیه معلوم میشود که رونق وتازه گی ، وعمارت وآبادیٔ غزنین بوجود همین بند موقوف بوده است . حالانکه تیزهٔ حوادث دهر بوقلمون برای خرابیها وتبدلها وتغیرها چنان رخنه هائی باز نموده که از عصرها به اینطرف ازان بند هیچ کس أثری هم ندیده ، وبسبب آن بی بندی بر روی غزنین بسی أبواب خرابی وبی آبی باز گردیده آمده است.

این است که ذات اعلیحضرت پادشاه خردمند دانشمند معظم شوکتپناه ترقی آگاه ما این نکات باریک ترقی وآبادی، غزنین را بملاحظهٔ دقیقهٔ موشکافانهٔ شاهانهٔ استدراک فرموده انشاء بندمذکور را اراده وفرمان نمودند. مصارف انشائیهٔ بندمذکور را هیئت کشفیهٔ که مقرر شده بودند لک روپیهٔ کابلی تخمین نموده بودند. این مبلغ بر سه سهم تفریق گردید. یک سهم آن بر اهالی، ودوسهم آن بر دولت، ویک سهم متباقی آن تنها بر جناب برگد عبدالاحمد خان که هم بوظیفهٔ نائب مستوفی الممالک یعنی مستشار نظارهٔ مالیهٔ دولت موظف، وهم به عهدهٔ خانی سمت غزنین مکلف است توزیع وتقسیم یافت. خان موصوف عهدهٔ نظارت سررشتهٔ اُمورات انشائیه، وتسهیلات انتظامات آنرا بر ذمه گرفته از طرف قرین الشرف اعلیحضرت همایونی بماموریت انتظام آن سر افراز گردید. خان مذکور همه ملکان وخوانین ومعتبرین طوایف ولایت غزنین را بحضور اعلیحضرت همایونی در بهار گذشته حاضر نمود. ذات اعلیحضرت پادشاهی همهٔ آنهارا در برندهٔ منازل قصر (استور مبارک) بحضور شاهانهٔ شان قبول وبا یک نطق شاهانهٔ مبارک بسیار مؤثر از فواید ومحسنات بند مذکور بیان فرموده همه دلهای تشنه لبان ترقی وآبادی را به این فکر بسیار عالی همایونی آبیاری آمال استقبال نمودند.

(از مناظر مراسم دربار عید سعید فطر که تفصیلات در نمرهٔ (۱) سال دوم)

وظیفهٔ فن معماری ومهندسی بستن این بند؛ وآوردن وخریدن آلات ولوازمات آن بعهدهٔ جناب مستر میرا اسکاتلندی محول گردید. اگرچه ما در خصوص جهتهای فنی بندسراج غزنین معلومات مکملهٔ نداریم که بر کدام اصول وکدام قواعد فن مهمهٔ معماری بنا وانشا می یابد اما اینقدر گفته میتوانیم که انشای بندها در مجراهای دره‌ها وآبهای دایم الجریان از مسایل بسیار مهمهٔ فن معماری شمرده میشود. زیرا اگر ادنا خللی بوقوع آید مضرت سیلابش بر فایدهٔ که ازان ملحوظ باشد غالب می‌آید. لهذا هیچ شبهه نداریم که مهندس ومعمار بندمذکور همه جهات فنی آنرا ملاحظه کرده بکار آغاز نهاده باشد.

والحاصل بند سراج غزنین یکی از آثار مهمهٔ بسیار ممتاز وعالی عصر ترقیحصر سراجیه شمرده میشود که بواسطهٔ این بند تخمیناً یک لک جریب زمین غیر مزروع را بزراعت وفلاحت آباد میسازد در وقت حاضر بعضی اقسام مهمهٔ آن با انجام رسیده وسرک موتررو وان نیز ختام یافته این است که ذات اعلیحضرت شاهانه برای معاینهٔ آن بسواری موتر عازم صوب غزنین شدند که در ذیل حوادث داخلیه ذکر میشود.

* * *

حوادث داخلیه

(عزیمت موکب همایونی بسوی غزنین)

یوم پنجشنبه ۲۸ شوال

یکی از ترقیات باهرهٔ عصر اعلحضرت (سراج الملة و الدین) که در مملکت شاهانه روی کار آمده است سرکها یعنی راه های شوسه و جاده های پخته ایست که سراج الاخبار افغانیه بار بار ازان بحث وبیان رانده است . ولی چون سرك غزنین که تمام‌سال در آن کارشده ، وحال تابغزنین سراسر تمام شده موضوع بحث ما نشده بود درینجا یك شمه ازان بحث کردن را لازم دیدیم .

این سرك خط مواصله‌دارالسلطنهٔ کابل را تنها باایالت‌غزنین نی بلکه با ولایت جسیمهٔ (قندهار) و باز تابه [هرات] در زیر امنیت گرفته است. اثبات موجودیت اتمام یافتن این سرك همین است که ذات اعلحضرت پادشاه معظم مادر روز پنجشنبه ۲۸ ماه شوال المکرم سنه ۱۳۳۰ در حالیکه (۱٤) قطعه عرابه موتر که عادةً عبارت از یکقطار ریل سرعت شمرده میشود درمعیت شاهانه شان همرکاب بود به هفت بجهٔ صبح بکمال شوکت و اجلال وتمام یمن واقبال بسمت غزنین حرکت فرمودند .

مقصد معالی مرصد همایونی ازین سفر خیریت اثردوسه چیز بسیار مهمی بوده است : یکی معاینه وتجربه راه ، دوم معاینهٔ (بند سراج) سوم زیارات متبرکه را زیارت فرمودن . اما نکتهٔ باریك شاعرانهٔ آن این است که چون پنج سال پیش ازین ذات اعلحضرت شاهانه بسفر دورهٔ ممالك ملوکانهٔ شان برآمده برین مرحله هاییکه حالا بسرعت برق باران می گذرند مرور میفرمودند شبگیرهای زحمت‌افزای منزلهای پرنشیب وفراز آن ازکابل تابغزنین به پنج شش روز سفر شاهانه امتداد داده بود ، حالانکه درینوقت بظرف (۳ساعت و ٤۰ دقیقه) ازکابل بغزنین مواصلت شاهانه بوقوع آمده است که این مسئله یك مثال مجسمهٔ عزم وهمت ملوك را جلوه گر میسازد بلی . همت جهانقیمت پادشاه ترقی خواه معظم ما درظرف این پنج شش سال چنان ترقیها و خارقه های تمدن را بروی کار آورده است که چشم های همه ترقی خواهان وطن را امید درخشاند ودلهای همه خیراندیشان دولت را می بالاند .

کیفیت این سیاحت همایونی ازمحررات رسمی که‌جانب نگران محترم ما بعد ازعودت‌فرمودن همایونی بهادارهٔ ما فرستاده میشود . که انشا الله در شمارهٔ آینده خود ازان بحث خواهیم راند ما حالا بر دعای سلامتی وجود مراحم آمود ذات اعلحضرت پادشاه معظم محبوب القلوب خود مان ختم مقال ومسعودیت وخیریت سفر فواید اثر همایونی را از درگاه الهی نیاز میکنیم

* * *

حوادث خارجیه

اخبارهای ترکی مینویسند

(شیخ عبدالعزیز جاویش) صاحب جریدهٔ (الهلال العثمانی) که یك شخص عرب تونس‌الاصل بسیارعالم وبافضل وکمالی بوده ومدتی درمصرالقاهره اززمرهٔ علمای معروف شمرده میشد ، وبنا برشبههٔ که ازطرف حکومت مصریه در خصوص یك جمعیت پنهانی وطنیهٔ اسلامیه برو افتاده بود ازطرف خفیه‌های پولیس درزیر ترقب وتجسس گرفته شده‌بود ، شیخ موصوف مجبور آفرار قرارداده بدارالخلافهٔ استانبول که‌ازسالهای درازی ملجاء وپناه افتادگان وشکسته گان شمرده میشد التجا آورده درآنجا یك اخباری بنام (الهلال‌العثمانی) اول بترکی وعربی ، وباز بعربیٔ خالص وباز بترکیٔ خالص نشرنمود ، مقاله‌های آتشین او درمدافعهٔ اسلامیة خیلی دهشت آور بود ، درینبار شیخ‌مشارالیه‌را بنابرمطالبهٔ دولت انگلیز دولت عثمانیه بدست حکومت انگلیز تسلیم‌نموده ، دونفر پولیسهای‌خفیه که مخصوصاً ازمصر آمده بودند بمعاونت پولیسهای حکومت عثمانیه بر اقامتگاه شیخ هجوم برده واوراق وکتابهایش‌را دیده وبعضی اوراق وکتابهارا باخود وشیخ دستگیر کرده بمصرش‌برده محفوظاً درزیر محاکمه‌اش گرفتند .

بنابراین مناسبت‌بعضی اخبارهامینویسند که درسنهٔ ۸۰٤ هجری درزمان سلطان (یلدرم بایزید) خان که‌چارم سلطان عثمانی‌بود (قرایوسف) و (احمدجلایر) نام دوشخصی از (امیر تیمور) کورگان گریخته بدولت علیهٔ‌عثمانی پناه‌آورده بودند ، وامیرتیمور در مطالبهٔ تسلیم کردن آنها ویا راندن آنرا ازممالك خود نامهٔ بسلطان عثمانی نوشت ، غیرت وشهامت پادشاهی تسلیم نمودن پناه آوردهٔ خودرا بدست دشمن قبولدار نشده جواب ردنوشت ، تاآنکه محاربه ومبادله ومقاتله منجرشده‌سلطان یلدرم بایزید خان مغلوب آنهمه فلاکتهارا برخود گوارا ساخته ولی محمیٔ خودرا بدشمن تسلیم ننمود .

باز در تاریخ **۱۱۲۱** هجری پادشاه (اسوج) یعنی(سویدن) درمحاربهٔ که با (پترکبیر) پادشاه روس نموده مغلوب گردید وپتر ازهرطرف اوردوی اورا محاصره کرده راه را برو مسدود نمود (شارل‌دوازدهم) که پادشاه سویدن‌بود بدولت عثمانیه التجا آورده در زیر حمایت (سلطان‌احمد خان ثالث)پادشاه عثمانی پناه گزین گردید . (پترکبیر) در رفع حمایهٔ آن‌تشبث نموده ، وبه آن سبب درمابین شان محاربه درگرفت ، درین محاربه عساکر عثمانیه عساکر روس را درکنار نهر (پرت) سراسر مغلوب‌ومنهزم ساخته یك رمقی مانده بود که (پترکبیر) بدست عثمانیان اسیر بیفتد، ولی بنابردسیسه هائی که زوجهٔ پترکبیر بکار برده بالطه‌جی محمدپاشارا

که سرافسر کل اردوی عثمانی بود فریفتهٔ خود ساخته بصلح راضی نمود. این است که به اینصورت دولت علیهٔ عثمانیه غیرت وشهامت عثمانیهٔ خود را نشان داده غیرازانکه حمایت محمی خودرا نمود انتقام اورا نیز ازدشمنش گرفته شارل دوازدهم را بازبملك وتخت خودش رسانید.

از همه نزدیکتر واقعهٔ قتل (ناصرالدین شاه)، و (سید جمال‌الدین افغانی) و(سلطان عبدالحمیدخان) است. هنگامیکه (رضای کرمانی) شاه را در زیارت (شهزاده عبدالعظیم) هدف گلهٔ ره وروه رمیساخت (بگیر بعشق سید جمال‌الدین) گفته فیر نمود. وچون اینهم به تحقیق پیوسته بود که قاتل مذکور یکی ازمریدان فدائی سید مشارالیه بود سفیر دولت ایران محرك ومشوق یگانهٔ این قتل سید جمال‌الدین افغانی را دانسته ودلایل وبراهین قویه بیان کرده سید جمال‌الدین رابشدت ازاعلیحضرت سلطان عبدالحمیدخان طلب نمود. باوجودیکه سلطان عبدالحمید خان افکارسید جمال‌الدین را برای مسلك خود خیلی مضرمی دانست. وبه بسیار نیرنگها وافسونها اورا از اوروپا به استانبول جلب نموده معززاً در استانبول نگهمیداشت ولی بازهم ازتسلیم نمودن قطعیاً ابا ورزید.

(سبحان من یغیر ولایتغیر)! (همان باغ وهمان سایه ولی یاران نمی بینم)!

دولت عثمانیه همان دولت ولی کجاست آن غیرتها وشهامتها!....

محکی است که اعلیحضرت (سلطان محمدخان خامس) نیزدرین مسئله باسلاف عظام خود پیروی میفرمودند. ولی هزار افسوس که تسلیم شیخ عبدالعزیز جاویش از طرف حکومت سلطانی نی بلکه ازطرف حکومت فرقه‌ها وجمعیت‌ها بوقوع آمده است.

(عیناً مکتوب)

از دمشق الشام به دار السلطنهٔ اسلامیهٔ کابل.

حضرة الفاضل المحترم مدیر جریده سراج الاخبار افغانیه

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته. بعد از سوال خاطرشریف شما عرض میشود که از یك حریق بسیار خانمانسوز دمشقنا کی بشما به خبر دادن میپردازم که درین روزها در شهر با صفای معمورهٔ ما بظهور آمده. اگرچه میدانم که از بنواقعه بواسطهٔ اخبارها خبر شده باشید، ولی من تنها از موقعهای حریق مینویسم آن بازار لطافت نثار پر ثروت وسامان (سوق حمیدیه) که هر روز دران میچمیدید ومیخرامیدید دریکوقت یك حال کئیب پر فلاکتی تبدیل قیافت کرده که منظرهٔ دهشت نمون آن انقاض وآوار یك جهنم خاموش شدهٔ را بنظر جلوه میدهد. آن سقف عالیشان، آن دکانهای پر ثروت وسامان آن حسن بنا، آن زیب وزینت خوشنمایك منظرهٔ فلاکت انگیزی تغییر حال واحوال نموده که اگر ببینید اختیار خواهید گریست. بازار (سوق حمیدیه) که خود شما هم البته اعتراف خواهید کرد که در بسیار جاها به این وضعیت وخوشنمائی وابن حسن بنا وزیبائی بازاری کم دیده شده است از حد (سوق جدید) که مبداء آنست تا به (باب البرید) که منتهای آنست همه آن بازار پر تجمل وشوکت باهمه دکانها ومغازه های للتی وکرور پتی آن طعمهٔ آتش گردید. بازار (عصرونیهٔ عتیق) که در عقب (سوق حمیدیه) میباشد باسه چهار بازار مستقیم لطیف کم عرض چیتی فروشی که از سوق حمیدیه سرراست به سوق عصرونیه عتیق کشیده شده نیز باهمه موجودات خود احراق بالنار گردید. از جهت دیگر کوچه (سوقالبوس) از بوسهٔ آتشین حریق دهشت آگین نیز محروم نمانده همه خانه های بسیار عالیهٔ توانگران ومعتبرانی که میشناسید مانند بیت الاسطوانی، وبیوت مردم بك، وبیت قدسی، وبیت نزری، تامجد بیمارستان، وتامجد کوچهٔ محکمهٔ شرعیه بیدخانه وسرایهاباخاك یکسان گردید. واگر بازار کتاب فروشی (مسکیه) را نمی غلطانیدند لابد جامع مبارك امویه نیز محروق میشد. معهذا مشرفه های رفراف منارهٔ غربی جامع شریف از آتش رهائی نیافته سوخته شده. واز جهت دیگر تابه عقب محلهٔ (کلاسه) وعقب (زاویهٔ) (افغانان) آتش سرایت کرد. ازجهت سوق جدید نیز هفت هشت دکانهای معتبر طعمهٔ نار لهیب گردید. گروه شرار سرسری فرصت را غنیمت دانسته نهب وغارت لچی نیز بعمل آمد. والحاصل این یك مصیبت وفلاکت عظیمی بود که من طرف الله برشام وارد شد. بسیاری از مردمان صاحب ثروت وبساری که به لکها وکرور ها روپیه را مالك بودند به یك پیسهٔ سیاه محتاج شدند. از هر طرف دنیا اعانه جمع میشود. از درگاه الله عظیم الشان جل وعلی همه بلاد اسلام را ازینگونه مصایب در امان خواسته ام باقی بسلامت باشید فقط.

فی ١٥ رمضان سنهٔ ١٣٣٠ محمد صالح

(همعصر معزز اخبار زمین دارمینویسد)

(وصیت مرگ جنرال نوگی)

توکیو — ١٦ستمبر — وصیت جنرال نوگی یك تحریر دردانگیز است — جنرال متوفی دروصیت خود تحریر کرده است که من درعقب شهنشاه خودمیروم چرا که اکنون ضرورت خدمات من نمانده — من بارها خواهش مردن ظاهر کرده بودم ومن برای مرگ خود موقعهٔ مصیبت عظیم قومی را پسند میکنم — جنرال نوگی جائداد خودرا به زن خود ودوستهای خود وبه انجمن های عمومی تقسیم کرده است — جنرال متوفی دروصیت چنین تجویز پیش کرده است که لاش اودر مدرسة العلوم طبی داده شود وصرف دندان وموی وناخن او دفن کرده شوند — بجائی جنرال نوگی جنرال توکو، پرست انجمن استقبالیه مقرر خواهد شد.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 407 of 1786

خاتونان ایران

هم‌عصر معزز زمیندار مینویسد خاتون‌های ایران از سنه ۱۹۰۷ دفعهً قدم درمیدان ترقی نهاده ثابت کرده‌اند که شمار آنها در آن زنهای دنیا کرده می‌شود که از همه زیادهٔ ترقی کننده می باشند — ازین بیان خیالات سالف که از صدها سال ذهن نشین بود برطرف شد — این امر داخل مبالغه کرده نخواهد شد که اگر طاقت زبردست خاتونان ایران نمی بود خاتمهٔ تحریک انقلابی چند روزه بزودی می شد — خاتون های ایران برای روشن داشتن اشعلهٔ آزادی بهمت عدیم النظیر کار کردند — وصعوبت‌های اقتصادی ومعاشرتی برخود گوارا کردند اما هریک مصیبت آنهارا بیدار کرده رفت وچون این افواه مشهور گردید که مجلس جماعت وطن پرستان از اعلان جنگ روسیه خائف گشته پیش روس سر تسلیم خم خواهد کرد سه صد خاتونان ایرانی ازحرمسراهای خود بدر آمدند — ازبشرهٔ آنها عزم واستقلال غیرفانی مترشح بود ومطالبه کردند که آنهارا پیش صدر مجلس برند — چنانچهٔ صدر مجلس وفدنسوان را پیش خود طلبید — خاتونان پیش روی صدر مجلس ایستاده شده ازین خیال که مبادا صدر مجلس وهمنشینان او مدعای آنها نفهمند به انداز تخویف آمیز تفنگچه های خودرا ظاهر نموده برقع‌را دریدند وعزم خودرا علی رؤس الاشهاد ظاهر کردند که اگر اراکین مجلس به برقرار داشتن عظمت و آزادی ایران پهلوتهی کردند شوهرها وپسران خودرا اول نشانهٔ همین تفنگچه خواهیم ساخت وبعد ازان خود کشی خواهیم نمود — ازهمت مردانهٔ نسوان مذکوره چنان شد که دامن مجلس ازلکهٔ ننگ قوم وملک فروشی محفوظ گردید .·.

تریاق زهر طیاره ها

لندن ۱۸ سنتمبر — بیان کرده می‌شود که هر جهاز جنگی به‌توپ چهارانچ دهن مسلح کرده خواهد شد تا که اتواپ مذکور بزاویهٔ هشتاد درجه بهموار گردند — وازفاصلهٔ چهارمیل بهرچند که بلند طیاره‌هارا نشانه ساخته بتوانند .·.

چراغ ایطالیا گل شد

بمقام درنه وغیره امداد جدید رسیده است — واطالوی آنقدر مایوس شده‌اند که یک قدم پیش رفته نمی تواند — افسران اطالوی بخوف گوله باری عثمانی شمع‌های کشتی‌های خبرگیر گل کرده‌اند. شیخ سنوسی ادام الله ظله بمقام جالو (بمسافت دوهفته ازمقام جغبوب واقع است) رسیده است ویلغار نموده بطرف میدان جنگ می آید .

آمدن وزیر خارجهٔ روسیه در لندن

لندن ۲۱ سنتمبر — امروز موسیو سازوناف وزیر خارجه روسیه در محکمهٔ خارجه همراه سرایڈ ورڈ گری گفتگو خواهد کرد — وبعدازان مدبران هردو سلطنت بطرف بالمورل رفته بر امورات بسیار واهم بحث خواهند کرد — اخبارات انگریزی مباحثه هردو مدبران مذکوررا درباب معاملات ایران می دانند — اخبار تائمز روز گذشته براین امر اصرار کرد که درمعاهدهٔ انگلیس وروس متعلق ایران ترمیم کرده شود تا که برطانیه را درجنوبی ایران بهمان قسم آزادی حاصل شود که روسیه‌را درشمال ایران حاصل است — اخبار ڈیلی نیوز دراشاعت امروزه درباب تقسیم ایران وتجویز اخبار تائمز اظهار غصه ونفرت نموده تحریر کرده است که تجویز تائمز شوخ چشمانه ونفرت انگیز است — ڈیلی نیوز می نویسد که اراکین فریق آزادخیال تاعرصهٔ دراز درباب تقسیم ایران چون وچرا نکردند — واکنون لازم است که اراکین مذکور بر پابندگی معاهدهٔ انگلیس وروس اصرار نمایند ویکی ازشرائط آن اینست که برای قائم‌داشتن اتحاد برطانیه ضروریست که روس فوج خودرا ازایران واپس کند — اخبار ڈیلی کرانیکل تحریر میکند که سرایڈ ورڈ گری هرچند که زیاده شدن زمه‌داری‌های رادر ایران پسند نکنند اماممکن است که حالات آن یک صورت تشویشناک اختیار کنند — لهذا برای محفوظ داشتن ملک ازبدنظمی کارروائی خاص باید کرد .

شخصیکه بوقت ورود موسیو سازوناف صدای مخالفت بلند کرده بود اورا یک دیوانهٔ بی‌ضرر تصور کرده رها کردند .

(ترجمه از اخبارات انگریزی)

—(مرگ سفیر جرمنی)—

لندن مورخه ۲۴ سنتمبر — ازمقام بیدن ویلر خط رسیده که سفیر خارجهٔ جرمنی مقیم لندن وفات کرده است — اخبارات انگریزی برای سفیر مذکور ثناخوان شده می نگارند که در دوران سفارت متوفی رابطهٔ اتحاد دولت انگلیس وجرمنی بسیار استوار گردیده بود — واهالی جرمنی برمرگ مفاجات سفیر متوفی بسیار متألم می باشند فقط

طوفان شدید جاپان

(اندازهٔ نقصانات وتلفات کثیر)

(تباهی وتخریب شهر توکیو)

لندن مؤرخه ۲۴ سنتمبر — بتاریخ ۲۴ سنتمبر از شهر توکیو خبر تلگراف رسیده که شهر توکیو دار السلطنه جاپان به سبب وزیدن طوفان شدید بالکلیه تباه گردیده است — میگویند که

طوفان باد شدید در هر علاقه جاپان وزیده وحصهٔ وسطی وساحل جنوبی قطعهٔ جاپان نسبت به دیگر علاقه جات متحمل نقصان شدید شده

جهاز فرانسوی موسومهٔ دو پلی ئندی وشدت باد شدید را مقابله نموده نتوانست وجانب ساحل یوکوهاما آورده شد.

یك کشتیٔ جاپانی با یك تیهٔ تحت البحری مصادمه نمود ومنهدم شد .

تعداد تلفات هنوز معلوم نیست — جهازات جنگی موسومه (ست سوما ومتشو) خراب شدند وچهار جهاز مخرب وپنج کشتیٔ تارپیدو سمت ساحل آمدند

شهر ئنگویا متحمل نقصان عظیم شده است — بتاریخ ۲۲ ماه حال یك کشتیٔ تارپیدو در قرب تیهروگا تباه شد وهمه نفوس که بر کشتیٔ مذکور سوار بودند نیز در معرض تلف رسیدند برای دو کشتیٔ تارپیدو نیز زیانی عظیم رسید .

طوفان باد شدید که در اینچنین وقت بوقوع آمده شهر توکیو رابالکل ویران کرده است واینقدر نقصان رسیده که تلافی آن درپنجاه سال آینده نیز بمشکل خواهد بود گفته اندکه اهالی توکیو متحمل نقصان مبلغ چهل لك ین گشته . وتعداد کثیر نفوس هم بمعرض تلف رسیده ومزروعات تباه وغیرآباد گردیده‌اند. طوفان مذکور بالخصوص در شهر های ئنگویا واوساکا وکفو ونارابه این تیزی وشدت وزیده که هزارها خانه منهدم گردیده ولك هانفر بی خانمان ودرتلاش جایٔ پناه آواره می گردند وهیچ خانه اینچنین نمانده که به آن زیانی نه رسیده باشد — بندر شهر ئنگویا از مد وجزر دریاتباه شده‌است وسه جهاز غرق آب شده‌اند — در شهر مذکور ۲۶۲ نفر تلف و ۲۸۳ نفر زخمی شده‌اند — جهاز موسومه ، کیکومارو ، با کوه تحت البحری مصادمه نمود وجمیع نفری جهاز مسافران وعمله اش تلف شدند — در شهر اوساکا بیست هزار خانه ویران وبندرگاه منهدم شده ودر شهر نارا یك معبد قدیمه که از یك هزار سال برابر قائم ومستحکم بود منهدم گردیده‌است فقط .

از مناظر دربارعیدسعید فطر عودت شاهانه از جامع کبیر عیدگاه

—﴿ شخصی عالم پیما ﴾—

مارك جزهندن که برای گشتن کل عالم درظرف چهار سال دعوی می کندوبرای بودن انعام مبلغ یکهزار پوند رحق واثق دارد از لندن بر سفر دنیا روانه شده است فقط

(ادارهٔ جهازات انگریزی)

ادارهٔ جهازات برطانوی تصفیه نموده است که تاتواند هر جهاز جنگی را بایك کشتی موتر که طولش ۲۰ فت باشد مهیا کند فقط

لندن مؤرخه ۲۷ سپتمبر — حالت بلقان خیلی تشویش انگیز میباشد — دولتهای اجنبی دولت ترکی را برای نفاذ اصلاحات مجبور مینمایند — بناءً علیه سرکار ترکی بسیار پریشان خاطر وملول شده است ومیخواهدکه بواسطهٔ جیزدول مذکور برای اختتام جنگ وگفتگوی مصالحت سررشته نماید — رشید پادشاه و وزیر معاون از قسطنطنیه سمت سوترز لیند روانه گردیده است وبعضی سیاسی دانان میگویند که وزیر موصوف جهةسررشته وتعجیل اختتام گفتگوی مصالحت رفته است فقط

(هم عصر معززما زمین دار مینویسد)

(اللهم اید الاسلام والمسلمین)

(درحق خلیفة المسلمین دعای فتح ونصرت)

درشهر کلکته بتاریخ ۲ اکتوبر یك مجلس منعقد شده ودر آن تجویز نموده شد که در کل هندوستان بعد از نماز جمعه برای فتح ونصرت اعلیحضرت سلطان المعظم بخشوع وخضوع دعا کرده شود امیداست که درمساجد لاهور هم جائیکه نماز جمعه ادا کرده می شود ائمه ومنتظمین انتظام دعا خواهند کرد

(ترانهٔ سپاه ایطالیا)

نامه نگار المؤید از مقام بنغازی نقل آن ترانه که سپاه ایطالیه بوقت جنگ می‌سرایند بعنوان (سپاهی را از مادر خود رخصت شدن) فرستاده است و مضمون آن این ست :- برای جوان ده ساله مصیبت کلان آنست که او برای وطن خود جنگ نکند . بحالیکه در طرابلس جنگ جاریست و بیرق سه رنگ اطالیه و ترانهٔ نظامی هر محب وطن را بطرف خود میخواهد — پس ای مادر . دعا کن وگریه مکن بلکه خوشوقت شو تا که من بخوشوقتی در طرابلس بروم و برای وطن خون خودرا بریزم . این جنگ بخلاف مذهب اسلام است که برای سلطان زنهای باکره را جائز کرده است . من برای نابود نمودن قرآن به قوت تمام خود جنگ خواهم کرد . برای وطن خودرا هلاک نکردن هیچ عزت ندارد — ای مادر قصهٔ آن خاتون یاد کن که پسران خودرا بوطن قربان کرده بود — ای مادر من اکنون میروم — جهاز من روانه میشود و من بطرف طرابلس بخوشوقتی میروم — چراکه علم مثلث الالوان که زیر سایه آن طرابلس است مرا میخواهد — شما خودرا هلاک نسازید که من هنوز زنده‌ام و اگر من واپس نرسیدم شما برای پسر خود ماتم نکشید بلکه هر روز زیارت قبر کنید — الفاظ رخصتی شما که شمارا از ماتم منع کنند از قبر طرابلس من همراه نسیم صبح بشما خواهند رسید و اگر کسی سبب نکردن ماتم از شما دریافت کند بگوئید که پسر من در طرابلس از دست ترکان کشته شده است — اکنون طبل کوچ زده شد و من از شما رخصت میشوم —

درین زمانهٔ تهذیب یك سلطنت مهذب جوش سپاهیان خودرا بذریعهٔ ترانهٔ مذکوره مشتعل می سازد — و گفته میشود که این جنگ جنگ ملی نیست — اگر جنگ مذهبی نمیباشد اطالیه‌را که رعایای او مسلمان هم میباشند احترام مذهب شان لازم بود — وباوجود ترانه‌های این قسم مردانگی که سپاه ایطالیهٔ در میدان کارزار نموده است برکل عالم ظاهر است وچون عربان از مضامین ترانه‌های مذکور واقف گشته بخلاف ایطالیه خیال جدید قائم کردند آن نیز ظاهر خواهد شد :

از مناظر دربار عید سعید فطر تفصیلا — درشمارهٔ (۱) سال دوم

مقاله مخصوصه

داکترها — وداکتری

(داکتر — دوقتور — دکتور) کلمه‌ایست مترادف که بلهجهٔ ملك ما داکتر ، وبلهجهٔ ترکی دوقتور ، وبلهجهٔ عربی دکتور تلفظ وتکتب میشود . این کلمه لفظ (لاتینی) ست که در عرب بمعنی (معلم) یعنی (استاد) استعمال میشود . اصل موضع این کلمه یك لقب وخطابیست که برای چنان اشخاصیکه در جمیع معارف ، وهمهٔ درجات علمیهٔ را حاصل کرده باشند و اجازهٔ تعلیم آنهارا گرفته باشند داده میشود که در عربی بمقابل لقب (داکتر) کلمهٔ (حکیم) و در فارسی قدیم (بزشك) یا (مؤبد) گفته میشود در اوایل قرن دوازدهم میلادی لقب [داکتر] تنها بعلمای قانون دان قانون شناس مخصوص بود و بدیگری اطلاق نمیشد . وباز یکوقتی شد که لقب داکتری مخصوص علمای آلهیات ولاهوتی بود . وباز برای حاذقین اطبا و ماهرین فن موسیقی تخصیص شد . که درین وقت تنها طبیبان را [داکتر یا دوقتور — یا دکتور] میگویند . لهذا اگر داکتر یعنی (حکیم) باشد اطلاق عنوان جلیل [حکیم] بهرطبیب و جراح جائز نیست . حکمت ، یك علم عام ومحیطی ست که طبابت یك شعبهٔ از شعبات آنست . و آن

علمیست که از حقایق اشیائی که کائنات بسر وار تشکیل داده تا قدر طاقت بشری بحث میراند . وهم بر حقایق اعیان آن ، و مادهٔ متشکلهٔ آن بحث میراند همه علوم فلسفه وسیاسیه ومدنیه داخل علم حکمت است . همه علوم اخلاقیه وادبیه نیز داخل علم حکمت است . موضوع حکمت اشیای موجوده سفلی وعلوی کائنات ثابت وغایه‌اش پی بردن بکیفیت ایجاد وموجد واجب الوجود موجودات است . (حکیم) آنست که بر حقایق اشیا علم آرد . واز حقایق اشیا خالق اشیا را بشناسد ، واز او بترسد . [رأس الحکمة مخافة الله]

حالا ما بحث از [حکمت] و (حکیم) صرف نظر کرده تنها از (طبابت) و [طبیبها] و [داکتر] و [داکترها] ی وطن عزیز خود یکقدری بحث میرانیم :

این یک آزادهٔ قید بیانست که علم جلیل طب متشابها ترین شعبهٔ حکمت است . زیرا موضوع آن خدمت حیات بنی بشر است وچون نوع بنی بشر اشرف ترین حیوانات و معتبر ترین موجودات است از او اگر علم طب نیز اشرف ترین علوم ومعتبر ترین فنون گفته شود جا دارد این هم از امور بدیهی وآشکار است که چنانچه دیگر علوم وفنون از آغاز تشکیل خود تا بحال خیلی ترقی کرده است همچنان علم جلیل طب نیز بیکدرجهٔ اعلای ترقی واصل شده است . واگر کسی بگوید که اطبای یکعصر پیشتر ازین از اطبای عصر حاضر قابلتر ودانا تر بودند سخن بی دلیل وبرهانی خواهد بود . زیرا ترقی هر علم ، وهر صنعت ، وهر هنر از تجارب کثیره وترقی آلات وادوات عدیده بوجود می آید . اگر در یکی از [باکتریولوژی خانه] و (دار الاستحضارات) و (کیمیاخانه) های طبی بلاد متمدنه اینعصر حاضر درآئیم ویکبار بسوی دکانهای عطاری بعضی ممالک شرقیه نظر اندازیم ترقی علم طب تنها بهمین دودیدن ومقایسه کردن خود بخود ظاهر میگردد ! آن قطی های چوبی رنگه که از بس چرکی وچتلی یک رنگ ماوراء الالوان پیدا کرده و هشتاد بار بعطیله رسیده ، و نود بار به بلبله ، و باز زرد چوبه رشده ، و از غلک خالی دکان عطارها را با آن بلورستان آئینه‌زار اجزا خانه‌ها ، ودواسازیها قیاس کنیم معلوم میگردد که طب چه بود و چه شد .

در وطن عزیز ما دو طب معروف وزبانزد شده است یکی طب یونانی . دیگری داکتری . اگرچه این تفریق درست نیست ، زیرا اساس وموضوع هر دو یک چیز است که آنهم عبارت از تداوی امراض مختلفه میباشد . ولی در اصول تداوی اختلاف دارد که سبب این تفریق شده است . مثلا طبیبانی که از قدیم الایام در ممالک عزیز ما موجود بودند و هستند بر اصول و قواعد همان کتابها وخوانده گیهای که از عصرهای افلاطونها وارسطوها ، وبوعلی سیناها وغیره مانده تداوی میکنند . واز همان اصول صدمه های موریانه خوردهٔ کهنه یکقدم به آنطرف نمیرانند . وداکترها وتجربه‌ها وتحقیقات وتدقیقات موشکافانه که روزمره در بازار علوم و فنون و صنایع بوقلمون بواسطهٔ تجدد وتنوع آلات وادوات گوناگون از عوالم طبیعیه بیرون میاید اجرای تداوی میکنند . و هر روز و هر وقت یک طرز نوی و یک اختراع جدیدی بمیدان میآرند . بناءً علیه اگر بگوئیم که کشتی بی بادبان از کشتی بادبان دار ، و کشتی بادبان دار از واپورهای بخاری سریع السیر آتش نفس بهتر است ، و یا آنکه قاصدهای نامه بر پیاده پای چپار تکدار از قطار های ریل‌داک آتشین رفتار چابکتر است اینرام خواهیم گفت که طبابت اصول قدیمه از طبابت اصول جدیده بهتر وخوبتر خواهد بود .

بلی ، درین هیچ گفتگو نداریم . اما گفتگوی ما در عدم کفایت داکترهاست نسبت باحتیاج نفوس شهر . واقعا بسایهٔ مراحم والیهٔ اعلیحضرت پادشاهی یکباب شفاخانهٔ مکمل ملکی ویکباب شفاخانه عسکری موجود است ، وهمه ساله ادویه و اجزای طبیه دریک مقیاس واسعی طلب شده بر مردمان تداوی طلب برایگان احسان میشود . ولی پنج نفر ده نفر داکتری که آنهم از طرف سرکار مأمور ومستخدم باشند . ویک دو سه دواخانه ، که آنهم در شفاخانه یا دوایر حکومتی باشد مستوجب تسهیلات تداوی هشتاد هزار نفر آدم شهر نمیشود .

علی الخصوص که بعضی داکترها پرغرور وعظمت فروش هم باشند !..

در شفاخانهٔ ملکی همه روزه بغیر از بیمارانی که برای تداوی خوابانیده شده اند بصدها مردوزن فقرا وغربا واصناف اهالی تداوی میشوند ودوا میبرند یک دو داکتر صاحبانی که در آن مامور اند به بسیار درستی وخوبی وظیفهٔ خود شانرا بکمال سعی وکوشش ایفا میتوانند ، ولی به تداوی عمومی کفایت نمیکنند .

در شفاخانهٔ عسکری نیز هر روزه بصدها نفر افراد عسکری تداوی میشوند ودوا داده میشوند وغیر از آن در هر جوئیهای عسکری داکتران خصوصی هم موجود است که تا یکدرجه تداوی افراد عسکری نیز در زیر امنیت گرفته شده است که باینصورت خواه صنف افراد عسکری وخواه صنف غربا وفقرا ویا کسانیکه در شفاخانه بخوابند از جهت تداوی ودوا محروم نیستند وکذلک ذوات معتبرین وعمده حضور همایونی نیز بداکتر ودوا احتیاجی ندارند . چونکه داکترهای عملهٔ حضور همایونی وهم داکترهای شفاخانه‌ها علاوه بر ایفای ماموریت خودشان از عهدهٔ آن خدمت هم برآمده میتوانند .

حالا آمدیم بر صنف مردمان متوسط الحال مانند تجار وصنعتکار وغیره که حال واحوالشان برای خواستن داکتر بخانه خود وتداوی کردن خود مساعدست ولی بسبب دستیاب نشدن داکتر در هروقت وهر زمان وموجود نبودن اجزاخانه‌ها ودواخانه‌ها در شهر واطراف آن از تداوی حقیقی محروم مانده مجبوراً بهمان قطی‌های چرک وچتل دکانهای عطارها براجعت کردن مجبور میشوند .

لاجرم اگر ادارهٔ بلدیه یعنی مینسپالی شهر نظر توجه خود را

بسوی این نقطه مهمهٔ احتیاج ضروری اهالی متوجه نماید ، ویك سرمایه وضع نموده ، ودر نقاط مهمهٔ شهر یکچند دواخانهٔ مکمله باصول جدیده باز کرده یکدو سه دا کتری باقیس معین استخدام نماید بفکر ناقصانهٔ ما چنان میرسد که هم احتیاج اهالی رفع شود ، وهم یك مداخلات خوبی برای صندوق بلدیه حاصل شود .

عالم عسکری

(قاعدهٔ خراب کردن راهای آهن ریل)

هر گاه محاربه در یك منطقهٔ أراضی که خطهای راههای آهن دشمن را خراب کردن لازم باشد بوقوع آید به این اصولهایی که در ذیل ذکر میشود خط راه آهن را خراب باید کرد :

۱ — هر انقدر آلات وادواتی که بیابند بر دارند ، محافظها ودیده بانها ، ومأمورین را اسیر کنند . درکهای تلگراف را بغلطانند ، سیمهای آنرا ببرند ، مانند استیشن پل ، وجاهای مقراس که ریل را از یك خط بر دیگر خط میگرداند ، ونقطه های پیچتاب دار خط را مانند پیور احاطه باید کرد . خراب کردن خط را با أسباب وآلات باید نمود نه بادست ، واگر احتمال ظهور یافتن دشمن پیش از فرصت خراب کردن خط باشد از کارتوس هایی که برای خراب کردن مخصوص است بقدر کفایت بخط ربط باید کرد ، همهٔ مأمورین وعملهٔ که در خط راه آهن برای کار بیابند اسیر باید ساخت .

۲ — در جاهای کج وپیچ خط وجاهای مقراس دار خط هر دو آهن هر دو طرف خط را خراب کردن لازم است . در هر ۳۰۰ گام تابه ۱۵۰۰ گام مسافت بقدر ۳۰ گام خط را خراب باید کرد یعنی چون یکبار بقدر سی گام خط [را] خراب کردند ، از سه صدتابه هزار وپنج صد گام مسافه را رفته باز بقدر ۳۰ گام خط آهن را باز خراب کنند ، وبر همین منوال بر کار خراب کردن دوام ورزند . در جاهای پیچتاب دار از ۲۰۰ تابه ۸۰۰ گام مسافه خط راه آهن را خراب باید کرد ، در جاهای مقراس دار از ۱۶ تابه ۲۵ گام مسافه خط را خراب کردن کفایت میکنند .

برای بجا آوردن این وظیفه یك بلوك رساله یعنی عسکر سواری را بر شش قسم تقسیم باید نموده ، بعهدهٔ هرقسمی از انها یك وظیفهٔ مقرر شود که باید بجابیارند . بدینموجب :

قسم اول : از ۸ نفر مرکب میباشد که انها بیل وکلنگ وتبر داشته میباشند ، ووظیفهٔ شان این است که تخته چوبها ، یا تخته آهنهائی را که در سرك ریل بعرض انداخته میشود ، وخطهای راه آهن بطول بران تمدید ومحکم میشود از زیر سنگچل ها وریك ها وخاك ها بیرون برآرند .

قسم دوم : از شش نفر عبارتست که دو نفر آنها با کلیدهای مخصوصی که باخود دارند خشتهای اهنین پیچهای خطهای راه آهن را که با یکدیگر بواسطهٔ آن پیچهای خشت دار ربط شده است باز میکنند . دو نفر آن کلیدهای دندانه دار ، ودو نفر دیگر آن جکش های ثقیل داشته میباشند که با آنها پتره های دو طرفهٔ خطهای راه آهن را که با یکدیگر چسپانیده شده اند بر میدارند .

قسم سوم : — مرکب از ۸ نفر است که چهار نفر آن بر یك طرف خط وچهار دیگر بر دیگر طرف خط مأمور گشته با میلهای آهنین سرتیزپره دار وپیچ بزرگی که با خود دارند میخهای دندانه داری که از بالای خط آهن بر تخته چوبها یاتخته آهنهای زیر آن میخ شده است بیرون میارند .

قسم چارم : — مرکب از ۱۶ نفر است که هشت هشت نفر آن به بر داشتن یك یك ریل یعنی خط مأمور میباشند که برای انها دیگر آلات وأدواتی لازم نیست . أما اگر موسم زمستان باشد ریسمان برای شان لازم است که آهنهای خط را به آن بسته کش کنند . این نفرها ریل ها یعنی خطهای آهنین را أز روی تخته های چوب یا آهن برداشته یا در زیر خاکها پنهان کنند ویا اگر نهری دران نزدیکیها موجود باشد دران غرق کنند . ویا از لاش های بلند کوه در شیبه ها بیندازند . واگر این چیزها نباشد ، وفرصت دفن کردن آن هم نبود تا بحد شانه بالا برده سه چهار بار بر سنگ ها آنرا بیندازند .

قسم پنجم : — از ۱۶ نفر مرکب است که انها بابیل وکلنگ مجهز میباشند . وظیفهٔ انها این است که تخته چوبها یاتخته آهنهای که بعرض فرش شده وخطهای راه آهن بران مربوط بوده است از راه بر دارند . اگر از چوب باشد همه را در یك جا جمع کرده آتش بدهند . واگر از آهن باشد همان معامله را که برای خطهای راه آهن کرده اند یعنی دفن کردن . واز لاش انداختن ودر آب غرق کردن یا بالا کرده بر زمین انداختن — را اجرا نمایند .

قسم ششم : — مرکب از ۱۶ نفر است که عبارت از نفرهای تبرداریست که درکهای تلگراف را میبرند وسیم های آنرا قطع میکنند .

از موجودیٔ یك بلوك سواری یکصد وپنجاه نفری شصت ویا هشتاد نفر شان با این عملیات مذکور مشغول شوند ، وباقیٔ آن بصورت محافظ بهره بدهند ، واسبانرا نگهدارند . به این نفری بهمین ترتیبی که ذکر شد اگر بکمال انتظام وجد وجهد کوشش ورزیده شود در ظرف یکساعت بقدر ۶۰۰ گام راه آهن ریل خراب کرده میشود .

بی‌بی‌های صاحبه‌های عائله هارا یادگار

در نسخه‌های سابق خود در خصوص بابهٔ بی‌بی‌های صاحبه‌های عائله بعضی چیزها نوشته بودیم در این نسخهٔ خود از بعض اموراتی که در سر رشته‌خانه و تدبیر منزل طایفهٔ محترمهٔ زنان هر وقت و هر زمان به آن بسیار محتاج میشوند بعضی چیزهای فایده‌مند بعرض میرسانیم.

⁂

(رخت شوئی)

یکی از کار های بسیار ضروری ولازمی وبسیار مهم خانه داری وعائله در رشته رخت ولباس عائله است که یك مخارج کلی برای صاحبان عائله تشکیل میدهد. بیچاره پدر به بسیار زحمت وریختن عرق جبین پوشاك اولاد وعیال خودرا تدارك میکند. والدهٔ عاجزه دونور چشم خودرا صرف کرده رختهای خود واولاد وشوهر خودرا میدوزد. به بسیار شوق وذوق آنرا میپوشند. فرحت بر فرحت مسرت بر مسرت!

چند روز بعد پوشاك شان چرك میشود وشستن محتاج میگردد. پوشاك شان البته یا از چیت، وصندوف وکاج قلین ویا از یك جنس پشمی رنگه میباشد. صابون میخرند، چوب میسوزانند آب گرم میکنند، رختهارا در لگن می اندازند، صابون، وآب وقوت بازو صرف میکنند. نتیجه چه میشود:

زن بیچارهٔ عاجزه مانده، واز شانه وبازو افتاده، وصابون وچوب برایگان رفته، وپوشاك های نقش ونگار خوش رنگ شان همه از یکسر رنگ های شان را باخته، وآب وتاب شانرا سراسر بر باد داده می بینند. همهٔ آن ذوق وحظ بر مسرتی که از لطافت رنگها وظرافت جلوه های آن پوشاك گرفته بودند یك حزن ویأسی مبدل میشود.

لهذا اگر بی‌بی‌های صاحبه های عائله‌ها به این اصول وقاعده که (سراج الاخبار افغانیه) آنرا نشان میدهد رختهای رنگهٔ خود شانرا بشویند، فایده های بسیاری انشاء الله خواهند دید که اگر نتیجهٔ این قاعده درست وصحیح برآید از مجموعهٔ که ما این قاعده را از ان ترجمه کرده ایم دیگر چیز های فایده مندرا نیز پیدرپی در نظر قارئه های کرام خود عرض خواهیم نمود.

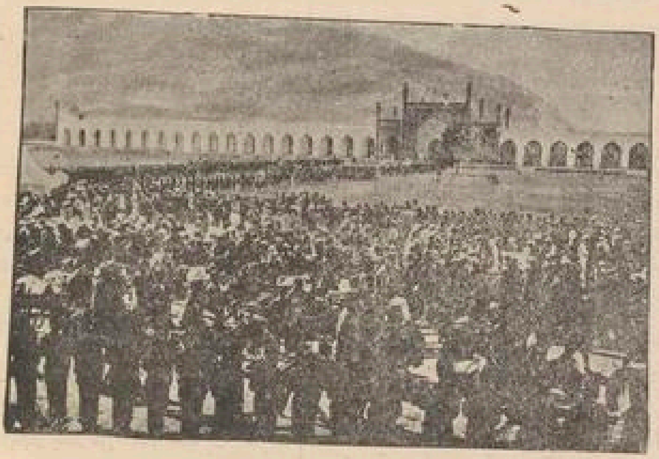
از مناظر مراسم دربار عید سعید فطر عودت موکب همایونی از جامع عیدگاه

قاعده

هرگاه شستن رختهای رنگه مانند چیت، وصندوف وکاج وقلین، وأمثال آنهارا میخواهید بشوئید به اینصورت بشوئید.

اولا — برای شستن اینگونه رختها سه لگن یا تغاره لازم است. در یك لگن آب سرد انداخته بقدر یك قاشق زهرهٔ یعنی تلخهٔ گاو دران با میزید ولگن را در یك طرف بگذارید در لگن دوم نیز آب سرد انداخته وبقدر یك قاشق سرکه دران آمیخته این لگن را هم در یك سو بنهید. در لگن سوم آب گرم است اما شرطیکه بسیار داغ نباشد دران یك کاسه صابون را انداخته بهم میزنند تا خوب کف کند. بعد ازان جامهٔ رنگینی را که میخواهند بشویند در همین آب گرم صابون دار می اندازند وجامه را دران هموار نموده بی آنکه فشار بدهند، وبمالند

صابون را بر هر طرف جامه آهسته آهسته مالیده وهیچ فشار وقوت باز وصرف نکرده بقدر پنج ده دقیقه بحال خودش بگذارند . بعد ازان جامه را ازان آب صابون دار بدون فشار دادن بر آورده در لگن یا تغاری که تلخه گاو در آب آن آمیخته شده بدون فشار دادن ومالش دادن جامه را دران آب بشویند . وبعد ازان در لگنی که آب سرکه دار داره دو بار خوب آبکش کرده در یکجائی مناسبی برای خشک شدن بیاویزند . واین راهم هوش کنند که آفتاب بسیار تیز رنگ رختهای رنگه را خراب میکند پس اگر اینگونه رختهارا در جائی که آفتاب وبادشدید نباشد بیاویزند بهتراست . وپیش ازانکه بسیار خشک شود یعنی هنوز کمترکی نم داشته باشد رخت را برداشته اوتو کنند . در موسمهای زمستان اگر این گونه رختها را یخ بزند باز رنگ شانرا خراب میکند . لهذا درجائی بیاویزند که یخ نبندد .

درین نسخه خود بهمینقدر معلومات اکتفا ورزیده انشاءالله بعد ازین از دیگر سر رشته ها نیز بحث وبیان خواهیم نمود.

از مناظر مراسم دربار عید سعید فطر تیاپا

ادبیات

غزل

ای طفل نو آموز دبستان تمدن
جهدی که شوی صاحب عرفان تمدن
زنهار بوحشت نشوی دست وگریبان
مگذار دمی دست ز دامان تمدن
وحشت نشود خار ره دامن گلچین
برگل شده امروز گلستان تمدن
مپسند تو در وحشت و وحشی صفت چند
باشند بجنگری و سپندان تمدن
از ما و تو علم و ادب آموخت نصاری
گشتند ز تقلید تو شایان تمدن
آدم شده اند از اثر علم و گرنه
بودند نصاری همه غولان تمدن
علم است که خاکی نشاند فلک سیر
بالون هوائی شده برهان تمدن
بربحر وبرش حکم روان بود ازین پیش
گردید هوا نیز بفرمان تمدن
شاهنشه آفاق که در دولت افغان
امروز بلند است ازو شان تمدن

شمع ره دین است و سراج ره ملت
شد پرتو او لطف نمایان تمدن
پاینده بود بر سر این ملك الهی
کز وی همه ملت شده جویان تمدن
مضمون خط و خال مکرر شده بسیار
بشنو سخن تازه ز دیوان تمدن
کس نیست درین عصر چو مستغنی بیدل
در شعر سخن سنج و سخندان تمدن

* * *

غزل کاغذ

نو گشت دنیا ز ایجاد کاغذ   احیای علم است بنیاد کاغذ
گر می نبودی کاغذ بدنیا   آیا چه می شد بر باد کاغذ
برگ درختان یا پوست حیوان   بد بهر انسان استاد کاغذ
و سنگ بنوشت بر خشت بگذشت   محروم کاغذ ناشاد کاغذ
بعضی ز چین گفت بعضی ز اعراب   ایجاد کاغذ استاد کاغذ
هر کس که بوده صد آفرین باد   رحمت او ز اجداد کاغذ
امروز (شکر محمود طرزی)   گشته تمدن منقاد کاغذ

* * *

غزل

مرکبی دیدم قوی هیکل که بس خوش پیکر است
صورت زیبائی چون طاوس نیکو منظر است
حسن ترکیبش بود مرغوب طبع خاص و عام
در صفای جسم او با آینه هم گوهر است
مینو رند اسپان دیگر که جوهر جا و لیك
آب و آتش خورد من این اشهب میمون فر است
بانك دیگر اسب ها را نیست چندان هیبتی
در گداز از نعره او زهرهٔ شیر نر است
چشمها بش زیر شبك روز ها پنهان بود
وقت شب تا دیده هر چشمش بسان اختر است
احتیاج دیگر اسپا نیست بر زین ولجام
بی نیاز از کلفت زین ولجام این اشقر است
پشت او بی زین بود چون مسند شاهنشهان
بی لجام اعمای دست را کی اورا رهبر است
چار پا دارد بمانند ستوران دیگر
لیك در رفتار چابك تر ز باد صرصر است
هیچ مرغی نیز نتوان به سیر او رسید
گرچه اورا بال و پرو نی را نه بال و نی پر است
شصت فرسخ راه را طی میکند در نیم روز
گوئی از تخت سلیمانش نشانی در بر است
چاکری از بهر خدمت پیش او استاده بود
گفتم این اشهب چه نام و از کدامین سرور است
گفت این مرکب بود تخت روان شهریار
وانکه سلطان نامش در زبانها موتر است

فاجعه های پاریس

(مابعد از شماره دوم)

پلكهای چشمش بحال طبیعی خود نمانده مانند خریطها شده بود سپیدی چشمش بر سیاهی آن غالب آمده یك شکل مدهش گرفته بود. لب بالائی آن یك قدری بسوی بالا کش شده بیره های بی خون و دندانهای سفیدش را پنهان نمیتوانست.

قومیسر پولیس پیش از آنکه از آنجا برود باز بدایه تنبیهات و تأکیدات لازمه اجرا نمود که دایه نیز بجوابش چنین گفت: چیزیکه از دست ما باید قصور نخواهیم کرد. لیکن چنان معلوم میشود که این زن بیچاره از بسیار وقتهاست که بسیار عذابها دیده باشد. و این ضربهٔ شدیده که پیش از یکساعت دیده خارج از درجهٔ تحمل او بود است. چون ضعف و ناتوانی بسیاری دارد از حالا گفته نمیتوانم که نتیجهٔ حالش چه خواهد شد. مهمانیه درین وقت اورا یك کاسه آبگوشت میخورانم اگر رهائی بیابد البته مرا دعا خواهد کرد.

آرامی بیهوشی مانندی که بقدر یك دو دقیقه قلوتیلد به آن نایل شده بود به آرامی یك لحظهٔ طوفان بسیار شدیدی مشابهت میرسانید که بعد از یك کمی باز درد های شدیده مافوق التحمل زائیدن بکمال شدت ظهور نمود.

والحاصل درد بدرد دالم برالم غم برغم وجود ناتوان ضعیف قلوتیلد بیچاره را در حالی که سراسر از کار انداخته بود وضع حملش بوقوع آمده یك دخترك بدنیا آورد که درد های شدیدهٔ قلوتیلد بصدای ونك ونك) نخستین گریه اولادش رفع گردید. مادام آن غو طفل نوزاد را گرفته گفت:

= آه مادام اگر بدانید که چقدر نازنین وخوش شکل یك دخترکی زائیده اید همه درد های تانرا فراموش خواهید کرد. چقدر اندام متناسب دارد. وهم بسیار صحیح وسالم است که در باب زنده

شاه وهم شهزادگان را با دگر اعیان او
درهمه سیر و سفر روی سواری اکثر است
گشت آن سلطان سراج ملت و دینش لقب
دین و ملت را مدد کار و رعیت پرور است
اسم خاص او حبیب‌الله در عالم عیان
کز شهان دهر در عدل و کرم نام آور است
گشت زاد دین و دولت ملك‌وملت این زمان
از وجود فیض آمودش سراسر اخضر است
در کنفش کهف امان وامن جمله مومنان
ملت اسلام و دین مصطفی را یا ور است
باد یارب دولت واقبال و عمرش پایدار
کز وجود اوقوام ملت پیغمبر است
(مخلص) صدق اقا همواره درصبح ومسا
داعی طول حیات این خدیو کشور است

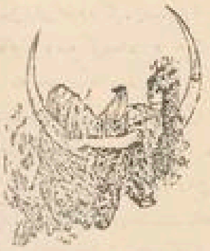

ناموران زنان جهان

(مابعد از شماره دوم)

آفاق ـــــ درتذکرهٔ جلی به این عبارت نام آفاق را ذکر کرده که : « ازشعرای قدیم‌زنان ایران یك شاعرهٔ مهرسپهر بلاغت است که‌ازاشراق شمس شعر وافق بلاغت طلوع کرده‌است ولی‌دیگر هیچ احوالی ازودیده نشده است.

آلانقوا ـــ اززنان ملوك مغولاست که‌قبل‌ازاسلام گذشته‌است. صاحبهٔ حسن وجمال وعفت وناموس یك‌زنی بودكه درجوانی بیوه مانده‌بود، اولادهم نداشت .درسلسلهٔ خاندانش چون بغیر ازو کسی نمانده‌بود برتخت‌سلطنت جلوس نموده بکمال خوبی وعدالت حکومت نموده، درین اثنا بود که حامله گردید وچون شوهر نداشت مردم برو بدگمان شدند. ملکه آلانقوا همه مردمان قوم‌خودرا جمع کرده در پیش روی آنها بیمان، سوگندی که درپیش شان معتبر بود سوگندیاد کرده‌که زنا نکرده‌است. وهیچ مردی بااوجمع نشده‌است، مگردروقتیکه بخوابگاه خودبخواب بوده یك نوری‌ازروزن‌خوابگاهش درامده در دهنش درامده وازانوقت حامله مانده است ». بنابرین شبهٔ شبهه کننده گان زایل گردید . بعداز اتمام یافتن مدت حملش سه‌پسر بدنیا آورده آنهارا پرورش‌داده بسیار عاقل بسررسانیده است. بعداز وفات او پسر بزرگش (بوزنجر خان) وارث سلطنت گردیده‌است که (ابومسلم خراسانی) همعصر بوده‌است .

الساندره ـــ دختر (پرتام) نام حکمدار ممالک (روآ) میباشد که‌بنام (قساندره) معروفست ودرحرف (ق) بیان خواهدشد.

ماندن آن اگر سندهم بخواهید میدهم .

قلوتیلد ـــ اگر مرده زائیده میشد آیا خوبتر نمیشد ؟

دایه بعدازانکه معاملهٔ لازمهٔ نوزاد را اجرا نمود پرسید :

ـــ آیا میخواهید که طفلك شیرینك تانرا ببغل بگیرید ؟

قلوتیلد یك شوق ومحبت مادرانه دستهای خود را دراز کرده طفل خود را گرفت ، وبینهٔ خود چسبانیده بوسید . بعد ازان بزیر پستان خود انداخت . ولی‌هزار افسوس که بسبب تاثیر آلام واوجاع مادی ومعنوی‌که پیش ازین بان گرفتار آمده بود پستانهایش که دو سرچشمهٔ حیات این طفل نوزاد شمرده میشد سراسر خشکیده بود . دایه چون اینهارادید گفت :

ـــ بگذارید، برای او شیر جوشك بهتر است . بمجردیکه این طفلك چشمکهای خود را باز کند بدهنش شیر جوشك رامیدهم .

قلوتیلد ـــ آه : باین درجه رسیده‌ام که جگر پارهٔ خود را یك قطره شیرهم داده نمیتوانم : آه مگر چقدربدبخت یك زنی بوده‌ام .

مرفوع، بعد ازانکه یکمدتی ساکت ماند خواست که به پهلو گشته دایه‌را ببیند، ولی وا أسفا که‌ازجای‌خودبه‌اندازه حرکت مجال هم نداشت . وجودش یك حال رسیده‌بود که بحکم واختیار خودش تابع نبود معهذا، بایك صدای که خوب فهمیده نمیشد گفت .

ـــ مادام اگر از شما یك خدمتی برای خود طلب کنم آیا گستاخی ازرده خواهید بود ؟

دایه ـــ ببینی که خدمت تانرا نمیدانم که‌چیست ازانرو درباب ردوقبول آن از حالا یك جوابی داده نمیتوانم . شما اول خدمتی را که از من میخواهید تعیین بکنید بعد ازان .

ـــ خدمتی که میخواهم بجز این نیست که یکسوال مرابراستی وحقیقت جواب بدهید . من چنان حس میکنم که بمرگ لحظه بلحظه نزدیك میشوم . ومیبینم که ساعت بساعت جان از بدنم رامیدن میگیرد امادر این باب یك فکرتسلی پیدا کردن میخواهم کهاین رامم براستگوئی شما پیداخواهم کرد . (باقی دارد)

آلکساندره — زوجهٔ (یوحنا) نام پادشاه ملک (فلسطین) است که بعد از وفات شوهر خود که پیش از میلاد به ۷۹ سال بسلطنت وصیهٔ (هرقان) نام پسر خود حکومت نموده است .

آلکساندره — دختر (هرقان) است که مذکور گردید این زن نیز حکومت کرده است . و ۲۹۰ سال پیش از میلاد بدست (هرود) نام پادشاه روم بقتل رسیده است .

الکساندره

ملکهٔ حالیهٔ انگلستان و زوجهٔ محترمهٔ متبوع قاهرهٔ سی (ادوارد هفتم) پادشاه انگلستان و دختر (کریستیان نهم) پادشاه (دانیمرک) است . اگرچه ذات عالیهٔ محترمه‌شان برحیات‌اند و از صدد تاریخ نویسی ما نوشتن احوال شان خارج است ولی چون این زن محترم بسی اوصاف پسندیدهٔ عالیه‌را مالک میباشند از اثر و اقتدار کار نام‌شان‌را در صف (ناموران زنان جهان) خود داری نتوانستیم . ما از احوال دبدبه و دارات سلطنتی ، و طنطنه‌ها و شعشعه های ملکانهٔ مشار الیها بیان نمیکنیم . زیرا این یک معلوم است که بزرگترین و توانگرترین دولتهای روی زمین انگلستان است . هیچ شبهه نیست که ملکهٔ آن نیز زرق‌ترین و شعشعه‌دارترین ملکه‌ها خواهد بود . اما در اینجا تنها از بعضی اطوار و اخلاق پسندیدهٔ مشار الیها بیان میکنیم :

یکی از اوصاف پسندیدهٔ ملکه این است که مانند دیگر زنها بجهت سیاسیات هیچ التفات نموده است . بلکه همهٔ قلب و حیات خود را بجلب قلب شوهر و محبت عائله و امداد محتاجین و فقرا حصر و وقف کرده است . تا از زمان آغاز ازدواج خود بحسن خلق و شفقت و مرحمت خود مظهر تعزز و تبجیل همه‌جایهٔ حکمداری بلکه جمله ملت انگلیز شده است . بسیار مردمان پیروبیمار را خود بدست خود تداوی کرده . برای شفاخانه ها و تربیه خانه های اطفال یک حامیهٔ معظمه میباشند . در زمانهای حرب افریقای جنوبی همهٔ سعی و کوشش خود را در باب بیوه ها و یتیمها و مجروحین صرف کرده بود . یک کشتی شفاخانهٔ مخصوص از خود ساخته ، مجروحان حربی را در آن تداوی میکرد و هرباری که کشتی مذکور از افریقا بر میگشت خودش بالذات بکشتی میرفت . . و مریضان را دیده اداره و ترتیبات سفینهٔ خود را تفتیش میکرد . غیر از آن دیگر شفاخانه های غربا و فقرا را نیز زیارت میکرد . حتی یک روزی که یک خسته خانهٔ زنان بود کلاه های بچه‌ها را بی التفات گردیده بی آنکه چیزی بگوید روز دیگر بعد دیهاران شفاخانه بس التفات گرها ورود نموده است . درجشنی که برای پوره شدن سال شصتم سلطنت ملکهٔ متوفا اعلحضرت (ویکتوریا) در لندن برپا شده بود برای دادن طعام بفقرا در بسیاری از (لوکانته) یعنی طعامخانه های لندن ضیافتها ترتیب کرده ، و هر کدام را خودش جدا جدا گردش نموده مردمان را از لطف خود (باقی دارد)

علم ثروت ملل

(ما بعد از شماره دوم سال دوم)

پس به این صورت منفعت آن صاحبان امتیاز در گرانی مالهای دیگران و منع ترقیات صنایع و مفقود شدن اختراعات جدیده حاصل میشود .

حکومت هرگاه از روی اداره صنعت صنعتگران و محصولات مستحصلان را حمایه کند بازهم این تدبیر هیچ منفعتی ندارد . بلکه مضرت‌هم میرساند . درست ترین چاره ها و بهترین راه ها برای ترقی صنایع و بطهور آمدن اختراعات همین است که ارباب صنایع را در کارهائیکه متعلق بمنافع خصوصیه خود شان باشد آزاد باید گذاشت و کار شان را بخود شان حواله باید کرد . حکومتهای که به بهانهٔ حمایه کردن صنایع و باتشویق دادن اهالی را بکوشش ورزیدن برای محدود کردن صنایع را بهانهٔ برای کارهای خود حکومت قانونها وضع کرده‌اند و بخیال شان نفع آمده هیچ نفعی ندارد . باوجودیکه صنف زراع که بوظیفهٔ تدارک کردن اسباب تعیش اهالی مکلف‌اند حکومتها هیچگاه برای آنها این گونه قانون حمایتکارانه وضع نکرده که به آنها نصیحت کند که این قدر تخم خود را بصرف رسانید و این قدر تخم خود را برای زراعت نگهدارید . زیرا این نصیحت نامه یا قانون نامه را منفعت شخصیهٔ خود دهقان اناداده است که اگر هر قدر کم محصول در بعضی سالها بردارند بازهم در این وظیفهٔ مهمهٔ خود شان قصور نمیکنند . لاجرم در صنایع دیگر نیز حال برهمین منوال است از روی اداره هیچ تدبیری نیست که جای منفعت شخصیه را بگیرد و از آن بااثیرتر باشد . و اگر حکومت صنعتها را خود در عهده بگیرد همهٔ افراد صنعتگران ، خود شان را از مسؤلیت خوب شدن و بد شدن آن آزاد میشمارند . و بطرز بیگاری کار کرده در صنایع ترقی حاصل نمیشود . و چون ارباب صنایع برای منفعت شخصیهٔ خود شان و توانگری ، خودشان آزادانه کوشش نمایند و دائماً در فکر این باشند که صنعت خود را ترقی بدهند تا توانگر شوند در آن وقت صنایع ترقی میکند ، و مبادلات افزونی میگیرد ، و اهالی توانگر شده خزینهٔ دولت از تحصلات آن مملو میگردد . و صنعتکاری که در صنعت خود آزاد نباشد و به این هم بداند که نسبت بسعی و عمل خود مکافات نمی‌بیند ، و سعی و کوششی که میکند برای منفعت دیگری میکند ، (باقی دارد)

هر مقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر و سر محرر تحریر یافته
محمود طرزی

در چاپ خانه حروفی دار السلطنهٔ کابل طبع گردید

صحیفه (۱)　　سال دوم　　شماره (۴)

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

نگران
ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی
علی احمد

قیمت سالیانه
در دار السلطنه کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
بااخراجات داک ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
بااخراجات داک ۱۰ روپیه انگلیزی
بهر پانزده روز یکبار نشر میشود

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

اداره خانه و مطبعه
در ماشینخانه دار السلطنه (کابل)
همهٔ امورات تحریریه به اداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود
قیمت یک نسخه آن در کابل یکعباسی است

تاریخ عربی یکم ذی الحجه ۱۳۳۰　　تاریخ انگلیزی ۱۱ نومبر　　تاریخ شمسی ۱۹ عقرب ۱۲۹۱

درین اخبار از حوادث داخلیه وخارجیه وبسی مقالات مفیده درج میشود

پادشاه خود مختار دولت مستقله افغانستان
اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان

فهرست مندرجات

لیله جشن
حوادث داخلیه
حوادث خارجیه
عالم عسکری
سخنان هر رقم
ادبیات
ناموران زنان جهان
علم ثروت ملل
فاجعه های پاریس

لیلهٔ جشن

(سالگرهٔ ولادت شهزادهٔ بلند اقبال مکرم)

(عین الدوله)

سردار أمان الله خان

شب پنجشنبهٔ گذشته یك شب پر فیض و سروری بود که آنهم عبارت از قدم نهادن عمر شریف حضرت شهزادهٔ مکرم بلند اقبال جناب (عین الدوله سردار أمان الله خان) بسن (۲۱) سالگی میباشد . أطال الله عمره واقباله .

شهزادهٔ مشار الیه در نجم ماه ذیقعدهٔ سنهٔ ۱۳۰۹ هجری قدم نهادهٔ گهوارهٔ شهود شده‌اند که درشب گذشته سال بیستم مرحله عمر شریف را اکمال فرموده بقدمهٔ بیست ویکم نردبان عروج، عمر وکامرانی وعزت وشادمانی قدمنهادهٔ عز واقبال گردیده‌اند لهذا درشب مذکور یك جشن پر سروری دردالان بسیار بزرگ سلام خانهٔ دربار ترتیب یافته همهٔ ذوات گرامی که در این جشن فرخندگی پیمای پر سعادت بنابر رقعه های رسمی جناب ایشیك آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی دعوت شده بودند بساعت شش شام لیلهٔ مذکوره دردالان جهت شمالی سلامخانه یکان یکان جمع آمده از طرف شهزادگان جوانبختان وقرة الاعین ملت افغان (معین السلطنه سردار عنایت الله خان) و (عین الدوله سردار أمان الله خان) پذیرائی میشدند، وحضرت عین الدوله صاحب بکمال نزاکت وتلطف تبریکات مبارکباد گویان را قبول میفرمودند، تا آنکه تقریباً بساعت هفت ونیم تشریف فرمائی ذات اعلیحضرت پادشاهی استخبار شده همه حاضرین کرام بمعیت شهزادگان عظام از دالان مذکور برامده در پیش زینهٔ جهت شرقی عمارت شاهانهٔ سلامخانه بر دو صف عقب همدیگر صف بستهٔ احترام گردیدند.

ذات اعلیحضرت پادشاه مقدس محبوب القلوب ما بسواری عرابهٔ دستکی ریگشادرحالیکه یك مقدار عساکر خاصهٔ سواری ورکابی ویاوران ومصاحبان خاص ودیگر نفری معیت شاهانه بالونیفورمهای مخصوصهٔ اینگونه شبهای جشن ملبس بوده منتظماً بهمرکابی شاهانهٔ شان بحرکت بود از دروازهٔ بزرگ مبارکه برامده از سرکی که با چراغها وبیرقها وعساکر خاصهٔ شاهانه باموزیکه بزرگ شان صف بسته وآراسته بودند تا بسر صفوف مدعوین کرام تشریف فرمای شوکت گردیده درانجا از ریگشا فرو آمدند .

دوشبی که از سفر خیریت أثر غزنین تشریف جلالت ردیف همایونی بوقوع آمد بنا بر عدم وقت وگنجایش زمان حاضرین مستقبلین از شرف دستبوسی همایونی محروم مانده بودند، بنا برین پادشاه بادانش ودین وشهریار متواضع مراحم گزین مقدس ما بجبیرهٔ ما فات یکشب پیشتر پرداخته از نفری اول آخر صف اول آغاز بمصافحه فرموده تابه نفری آخر صف دوم همه صداقت کیشان خدمتگاران فدائی منشان شاهانه را بدستبوسی ومصافحهٔ همایونی سر افراز فرمودند . حقیقتاً که این نوازش بزرگی منشانهٔ مراحم پرورانهٔ شاهانه چنان یك آثار بزرگی پادشاهی را در یك وضع توجهکارانهٔ نوازش پرورانهٔ جلوه گر فرموده بودند که نکات معانی دقیقهٔ عالیهٔ آنرا دقیقه شناسان معارف تقدیر میتوانند. یك پادشاه شوکت دستگاه معظم پر خیل وحشم بنفس نفیس همایونی خودشان بر رجال وارکان واعیان دولت معظمه خود پیاده بدور میفرمایند ، ویا یکان یکان مصافحه فرموده وبدستبوسی شاهانهٔ خود سرافراز میسازند . زهی بنده پروری پادشاه ، وزهی سعادتمندی خدمتگار !

بعد ازان ذات اعلیحضرت پادشاهی به دالان بزرگ سلامخانه تشریف شاهانه را ارزانی فرموده همه مدعوین کرام تبعیت نمودند . دالان بقرار همه شبهای جشنها بکمال زینت وآراستگی هر چیزی در هر جا حاضر وآماده داشت . همهٔ مدعوین حاضره با اونیفورمهای رسمی طعامخوری شبانهٔ شان ملبس بودند . ذات اعلیحضرت پادشاهی بمناسبت این سیاحت سفر خیریت أثر همایونی شان معلومات تاریخیه بسیار مهمهٔ درباب غزنین وبند سراج ، وزیارات ، وبعضی کشفیات جدیدهٔ آثار عتیقه بیان فرمودند . جناب عالی سردار اکرم نائب السلطنه صاحب افخم نیز مجدداً با اونیفورم رسمی طعامخوری شبانه تشریف فرمای مجلس جشن گردیده بنا بر ارادهٔ سنیهٔ همایونی حاضرین بطعام دعوت فرموده شدند . میزهای سفرهٔ خوان الوان نعمت پادشاهی بتمام انتظام ترتیب شده بود . طعام با همهٔ شوق وشغف وسرور وطرب به انجام رسید . بعد از طعام حاضرین کرام دردالان با سفادریش میزهای فواکه وشیرینی ، وسیگرت کشی مجلسها ومحفلهای

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 419 of 1786

انس وصحبتی تشکیل داده به استماع هواهای لطیفهٔ ملی موزیکهای عسکری ، وسازنده ها وخواننده های هندی وایرانی به تنشیط قوهٔ سمع میپرداختند ، جمعیت سطرنج بازان نیز یك ها پهوی پر جوش وخروشی داشت بعضی بتماشای کتابهای تصویر دار ، کسانی به بازی نرد وقلعه ، کسانی بمصاحبه ومنادمه تا بساعت یازده شب به انواع مسرتها وفرحتها بسر آورده لیلهٔ جشن پر سعادت سالگره شهزادهٔ بلند اقبال مکرم بتمام سرور وکمال حبور به انجام رسید .

(سراج الاخبار افغانیه) از صمیم دل به تبریك این جشن مبارك مسارعت میورزد ، واز درگاه ذات اقدس خالق یگانهٔ بی همتا نیاز واستدعا میکند که تاسال های بیشمار بتذکار این چنین لیله های مسعودهٔ فرخنده گی آثار تزئین صحایف اخبار نماید.

حوادث داخلیه

مکتب حربیه سراجیه

مکتب حربیه سراجیه در سنهٔ ۱۳۲۵ هجری بالارادهٔ سنیهٔ اعلیحضرت پادشاهی در دار السلطنه کابل تأسیس وبنیاد یافت . (محمود سامی) نام یك شخصی که در بغداد معلم جناستك بود، وازانجا فرار نموده بکابل آمده بود با ارادهٔ سنیه اعلیحضرت همایونی در زیر نظارت ذات عالیٔ جناب (معین السلطنه سردار عنایت الله خان) بوظیفهٔ مدیریٔ مکتب مذکور مقرر گردید اولادهای بسیاری‌ازاعزه واشراف مملکت بمکتب ادخال نموده شد . چنانچه تفصیل آن در شمارهٔ های سابقهٔ ما سبقت نموده .

در ظرف اخذت از مدیر موصوف بسی کارهای مخالف نظام وقانون سرزد . مثلا بعضی شاگردان وتغربها را بدرجهٔ مرگ ، وبلکه بعض رابمرگ لت وکوب نمود، در مشهرگاهای عمومی مردم را بشمشیرزد ، پاها ، دستها ، سرها شکست . در ادارهٔ مکتب بسیار ناگوارها بعمل آمد . در هر وقوع جنایت وخیانتش نظر به غریب الدیار بودنش نصیحت واندرز کرده شد ، رفته رفته قباحت ها، به جنحه‌ها، وجنایتها کشید . به تکدیر وتوبیخ وتحقیر نیز براه نیامده به تحریکات فسادهای خلاف قانون وآداب در میان شاگردان آغازنهاد . حرکات ناشایستهٔ آن پست فطرت ازدرجهٔ تحمل خارج شد . بناء علیه بمجازات لازمهٔ قانونیهٔ افغانیه گرفتار آمد ، واز رتبهٔ ، ومنصبش تجرید شده وبه‌نفی واخراجش از ممالك دولت علیه افغانیه ارادهٔ سنیهٔ اعلیحضرت همایونی شرف صدور یافت .

ما به اینسخن بسیار افسوس میکنیم که محمود سامی باوجود اینهمه احسانها ومرحمتها یی که از طرف دولت علیهٔ افغانستان دربارهٔ او شد ، وهمهٔ امورات مکتب مستقلا به او محول گردید، واولادهای وطن که جگرپارهای ملت است بدست او سپرده شد، ولی هزار افسوس که بسبب بی وجدانی ونا اهلی نه شرف رتبه ومنصب ومسلمانی خودرا محافظه توانست ونه یك فایدهٔ ازو بدولت وملت ما رسید . غیر ازینکه بسی اختلاسات در اداره مکتب رواداشت شرف وحیثیت مکتب وعلم وعرفانرا نیز بپامال نمودن جرأت ورزید. وازین‌است که به جزای سزای خود واصل گردید

(واقعه نگار هرات مینویسد)

در یوم سه شنبه ۲۵ ماه جمادی الثانی هوا گرم بوده نماز عصر روز مذکور ابر بروی هوا پیدا شده تا نماز مغرب باد سخت وشدید پیدا گردیده نم نم باران هم باریدن گرفت وطوفان باد دقیقه بدقیقه بتزاید کوشیده از شدت آن بیکدر بندخانه جدید عالیجاه رشادت همراه عبد الرحیم خان جرنیل نظامی‌مقیم انجارا که قریب برج شمالی ارگ مبارکه هرات‌انداخته بودخانه مذکور را برداشته تخمیناً سی ذرعه دور انداخته میباشد چون فقرهٔ مذکور از جمله ندرت است لهذا تحریر نمودم فقط .

(حوادث منگل)

> عیناً تحریرات رسمی‌ایست‌که‌از طرف نگران‌ما جناب ایشیك آقاسی ملکی‌حضور اعلحضرت همایونی برای عیناً درج شدن به اداره رسیده است

عالیجاه محبت همراه محمود بیك‌خان مدیر وسر محرر سراج الاخبار افغانیه بحفظ حضرت الهی باشند ، نفری ملکان سمت جنوبی که‌درمحاربه منگل خدمت کرده‌بودند ونفری ملکان احمدزائی ومنگل وطوطاخیل که‌ابتدا بغاوت‌نموده بودند ونفری بچه‌های ملکان احمدزائی ومنگل وطوطاخیل که‌بقسم‌برغمل آورده‌شده بود ونیز بعضی ازنفری رعایاکه خدمت کرده بودند بتاریخ ۲۷ ماه‌رمضان المبارك‌همرکاب اردوی‌عسکری بدارالسلطنه حاضر شدند — حالالازم است که‌شرحی ازدربار های اعلحضرت والا وشرفیابی‌نفری‌مذکور که‌بحضور مبارك‌اعلحضرت سراج الملة والدین پدر مهربان رعیت مشرف شدند تفصیل واربرای شما ارقام دارم که‌عیناً درج روزنامه مبارك سراج الا خبار افغانیه بنمائید که‌برادران‌وطن‌ازچگونگی‌حالات‌اوشان‌ونطق‌های اعلیحضرت‌والا مستحضر شوند .

روز دوشنبه ۱۸ ماه شوال المکرم پسران مردم منگل واحد زائی وطوطا خیل در خیابان مشرق کوتی مبارك استور بسلام‌حضور مشرف شدندنفری مذکور بهمراه یلباچه عسکری

بقرار قواعد نظامی داخل باغ ارک مبارک گردیده در خیابان موصوف صف کشیدند وسلامی پادشاهی را ادا نمودند ذات شاهانه در برنده کوتی مبارک استور تشریف داشتند اینکه سلامی ختم شد یک یک بچه های مذکور بقرار نام نویس از ملاحظه حضور مبارک گذشتند وبعد از آن همه یکجا جمع شده دوعای سلامتی وجود مبارک اعلیحضرت والا را نمودند ذات شاهانه بکمال شفقت ومرحمت بر بچه های مذکور این چنین نطق بیان فرمودند .

لفظاً نطق مبارک است

(ما بهمراه شما دو قسم گفتار داریم یکی مجمل ودیگر آن مفصل — مفصل آنرا روزیکه ملک های منگل وخود شماها بحضور حاضر شدید بیان میکنم ومجمل آنرا حال میگویم — شما بچه ها خواطر خودرا جمع دارید من شمارا از برای تعلیم وترتیب دینی ودنیوی خواسته ام که از احکام الهی واز حقوق پادشاه اسلام که بالای رعیت خود دارد واز حب وطن خود که حقاً مبادا از علم معاد وعلم معاش باشد که هم درین دنیا بکار شما باید وهم در آخرت که بعد از سه چهار سال بهره ور وتعلیم یافته شوید بعد مع الخیر بجاهای خود واپس مرخص میشوید پدرها ویاعمو ویابرادر شماها که در حال ملک وکلان قوم خود میباشند آنها تعلیم یافته نیستند ومطلق خبر ندارند که حب وطن وحقوق پادشاه اسلام بقرار امر کتاب الهی بالای رعیت چیست اینکه شما مع الخیر تعلیم یافته شدید ودر جای های خود رفتید خرابی وآبادی کار برای شماها بدرستی معلوم میشود وشما بالای آنها خنده خواهید کرد — اگر عموهای شما وپدران شما از علوم دینی ودنیوی بهره یاب می بودند گاهی این اعمال از آنها صادر نمیشد وبگفته بعضی شیطان ها عمل نمیکردند ما برای شما یک مثال می آوریم — شخصی باشیطان آشنائی داشت روزی شیطان را گفت چه حکمت بکار میبری که مردمان بقول تو فریفته میشوند امروز مرا از فریب های خود یک چیزی نمای شیطان قبول کرد وگفت همراه من بیا همین آشنای شیطان وخود او بااتفاق روانه شدند تا اینکه بیک قبیله رسیدند شیطان گفت تو درینجا تحمل کن وبین که من چه میکنم — درین قبیله یکزن از سیاه خانه خود برآمده یک بزیش خودرا گرفته شیر آنرا میدوشید شیطان خودرا از نظر زن غائب کرده آمده صرف یک موی از پستان بز کند بز لگد زده وکوزه شیررا کامل بریخت — زن کوزه خالی را گرفته واپس بسیاه خیمه خود رفت ساعتی بعد شوهر همان زن از دور پیدا شد درحال شیطان خودرا بالباس یک مرد ریش سفید ساخته بنزد شوهر زن رفت وبمکر وحیله بشوهر زن گفت که عیال تو بدکار است ورفیق دارد هروقتیکه تو حاضر نیستی درغیاب تو رفیق خودرا میخواهد وآنچه درخانه موجود داری برای او میدهد ومیخوراند — چنانچه امروز رفیق آن آمده بود شیرهای بزرا برای رفیق خود داد اگر سخن مرا قبول نداری چون بخانه رفتی از عیال خود شیر بخواه سخن راست ودروغ معلوم میشود شوهر زن درسیاه خانه آمده از زن خود شیر طلب کرد زن اظهار نمود که شیررا بز لگد زده ریخت درین مابین زن ومرد گفتگو ومناقشه پیدا شده شوهر زن خودرا لت وکوب نمود — شیطان علی الفور خودرا در قبیله دیگر که اقوام زن بود رسانیده گفت که چه نشسته اید که فلان شخص عیال خودرا بیموجب زده بقتل رسانید اقوام زن هرکدام چوب وکارد وسیلاوه وغیره اسباب جنگ را گرفته بطرف قبیله شوهر زن آمدند شیطان باز خودرا زودی در قبیله شوهر زن پیشتر از آنها رسانیده خبر داد که چه نشسته اید که اقوام زن با آلات جنگ همه آمدند ازین قبیله نیز جمع زیادی با آلات جنگ برخواسته مقابل نفری آمدند ودرین بیکدیگر گفتگو ومنازعه را برپا کردند عاقبت الامر چهل نفر از هردو قبیله مجروح ومقتول گردیدند شیطان نزد آشنای خود آمده

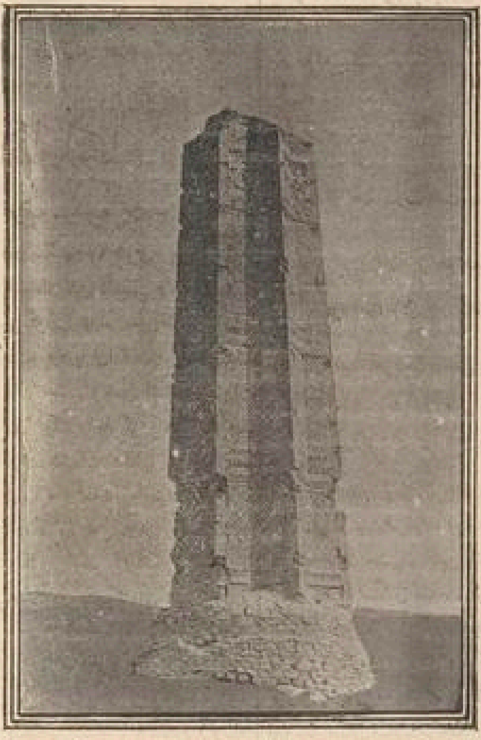

از آثار عتیقه مهمه منار سمت شرق شهر غزنین

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 421 of 1786

گفت که بیك کندن موی پستان زچه تماشاهارا برایت نشان دادم — حال برسر سخن آمدیم مردمان فساد پیشه وشیطان‌به مدعای نفس خود چندین خانه‌هارا خراب میکنند — شما بچه‌ها خواطر جمع باشید ازبرای شما لاله ازاقوام‌خودشما مقرر می‌شوند وبرای شما تعلیم‌داده می‌شود وانشاءالله تعالی چهارسال بعد‌بخانه‌های خود مرخص می‌شوید اگر مادر وبااقوام‌قریب‌شما بدیدن شما‌بیاید منع نیست) بعد بچه‌های مذکور همه‌یك زبان دوعای سلامتی وجود مبارك‌را عرض کرده سلامی پادشاهی‌را ادانموده وبقسم سلوتی مرخص شدند (یعنی چهار نفری)

روز سه‌شنبه ۱۹ ماه شوال المکرم ۱۳۳۰ه ملکان سمت جنوبی مثل خوست وارگون وزرمت وگردیز وغیره که درمحاربه‌منگل خدمت کرده بودند شرفیاب‌حضور مبارك شدند نفری مذکور دربرنده شمالی کوتی مبارك استور حاضرگردیده ذات شاهانه تشریف آوردند ونفری مذکور بعد ازادای سلام دوعای ازدیاد عمر واقبال اعلیحضرت والا را نمودند واعلیحضرت‌والا از کمال‌شفقت ومرحمت فرمودند .

(صورت نطق)

(همایونی انطا)

برجمیع عالم ظاهر است که هرطایفه ازملل موجود مثل مسلمان وهندو ویهودی ونصاری وغیره وغیره درکیش خود دین خود را برحق میداند هرگاه هریك ازین طوایف ویا فردی از افراد شان بدانند که دین ما باطل است هیچ وقت در کیش وروش دین خود نخواهند بود چنانچه ما ملت اسلام‌با آیات کلام حضرت الهی اثبات دین خود را می نمائیم که از طرف خداوند بواسطه حضرت رسول اکرم برما نازل شده است ومجتهدما که مراد از امام اعظم صاحب باشد می فرمایند که هرفردی از افراد اسلام دوچیز درخواست دارد که یکی (دین) — ودیگری — (دنیاست) — دین رستگاری آخرتست که خداوند عفو تقصیرات مارا نموده در آخرت رستگار باشیم ودر دنیا نیکنام — نیکنامی دنیا مراد از فرمان برداری خداوند کریم ورسول مقبول صلی‌الله‌علیه وسلم وپادشاه‌اسلام‌است چون بکلام حضرت‌الهی ایمان آورده‌ایم‌ازخداوند نیکنامی دارین را برای شما رعایای دولت افغانستان میخواهیم واز شما وتمامی رعایای دولت افغانستان که فرزندان من میباشید رضامندی تمام داریم ازشما ملکان ورعایای سمت جنوبی خشنودی زیاد داریم که با اشخاصیکه از جاده راستی منحرف شده بودند شرکت نکردید بلکه ازخدمت‌های شما که برای دین ودولت خودنموده اید راضی میباشم — مردم منگل بواسطه بعضی مردم فساد پیشه با ما مخالفت نمودند وچند روزی بد گردی کردند واز آیت شریفه اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم غافل شده فرمان‌های مارا که ازبرای هدایت‌شان فرستاده بودیم قبول‌نکردند ملامحمد خان عرض بیگی را که فرستاده بودیم اسباب او را تاراج کرده بودند تا عاقبت بواسطه جرنیل حضور برای تادیب شان لشکر فرستادیم وآنها براه آمدند ما به آنها حالا هیچ چیزی نمیگوئیم بلکه از سبب براه آمدن شان رضامندی میکنیم ونیز از جرنیل حضور که خدمت خودرا بدرستی نموده خورسند میباشیم — حالا یك مثال برای شماها آوردیم سه صد سال قبل ازین که توپ وتفنگ نبود مردم آن وقت بعوض آن تیر وکمان را استعمال می کردند ودر تیرهای خود از پری مرغ که یك جنس مرغی است نصب میکردند که بسرعت رفتار کند — دو مرغ هوا در جنگ بود یك شخصی که درساختن تیرمهارت داشت جنگ شانرا ملاحظه کرده منتظر بود که کدام یك زمین می‌افتد که پرهایش را بگیرم چنانچه میگویند — (جنگ دو مرغ فایده تیر تراش) اگرفوجی مادر آنجا مقدمه میکرد لامحال یکهزار نفر ازمردم منگل قتل میرسید ویك هزار دو هزار نفر از نظامی — پس بنظر خود ملاحظه کنیم که آیا

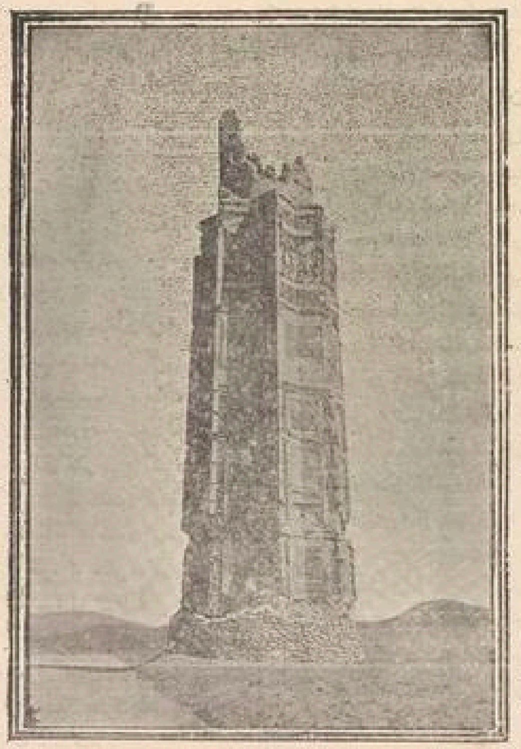

از آثار عتیقه مهمه منار سمت غربی شهر غزنین

نقص آن برای کدام شیس حاصل می‌شد ظاهراست که اگر رعیت قتل میرسید ویا ازنفری نظامی درحقیقت هردو نقص دولت بود دولت ازرعیت ورعیت از دولت دل بد میشد وباعث مخالفت فریقین میگردید وتماشابین فایده خود را مثل تیر ر دربین حاصل می‌نمود مادرین فقره خوشنودیم که بدون جنگ وجدال نفری مذکور بهاصلاح آمدند وبگمراهی خود قایم نماندند — ماله تنها از شما بلکه ازتمامی رعایای سمت جنوبی وشماها که از طرف آنها بحضور من بقسم وکیل حاضر شده اید رضامندی وخوشی تمام دارم امروز که شما ملکان سمت جنوبی راطلب فرمودیم وملک های منگل واحدزائی را امروزطلب نکردیم اینهم سبب داشت آیاسبب آن چه خواهد بود — دربن مجلس بعضی ازملاها هم حاضر خواهند بود ماسبب آنرا برای شما بدرستی دانسته میگنیم سبب این است .

همه‌موصوق درلباس صوف باش — باصفتهای خدا موصوف باش — مراد از موصوف بودن بصفت های خداوند چیست این است هرشخصی که دردل خود رحم دارد آنرا رحیم میگویند وکسانیکه سخاوت‌دارند آنهارا کریم میگویند که ازاسمای صفات حضرت الهی است ما ملکان منگل را ازاین سبب دراین دربار طلب نفرمودیم که آن نفری بحضور شما خجالت می‌کشیدند همین قدر کافی است که بحضور من خجل میباشند — کرم بین ولطف خداوند کار — گنه بنده کردست او شرمسار — باوجود افعال بدشان من عفو کردم واز آنهاراضی شدم وسخن سخت باآنهانخواهم گفت درفرصتیکه ازایشان رضامندی بکنم پس از کسانیکه درراه دین ودولت خودها خدمت کرده‌اند خود تصور کنید که بکدام درجه خوشنود خواهم بود وانشاءالله که خدمت شماضایع نخواهد شد — ونیز درخصوص چهار فقره که بعضی ملکان شمابحضور عرض کرده‌اند ماجواب فقرات شمارا قبل‌از مرخص شدن شماها میفرمائیم واگر طول کشید سه چهار نفرآدمهای دانسته ازجمله نفری شمامعطل باشند وباقی نفری بعداز گرفتن خلعت ونشان خدمت وخرچی یك دفعه دیگر به سلام حضور مشرف شده بعدمرخص بخانه‌های خود می‌شوید انشاءالله تعالی فقط]

بعدنفری مذکور همه سرهای خودرا برهنه کرده ودعای عمر واقبال ذات شاهانه‌را نموده مرخص شدند ودربار موصوف ختم شد فقط .

نفری ملکان‌منگل واحدزائی و طوطاخیل که دربن شریك بودند وبدربار روز چهارشنبه ۲۰ ماه‌شوال المکرم ۱۳۳۰ معه‌بچه‌های برغل درکوتی مبارکه استور بسلام حضور مشرف شدند……
تشکیل نفری — نمبر الف کسانی است ازاین هرسه طایفه فوق که درروز ورودجرنیل محمدنادرخان درگردیز برای سلام‌حاضر شده‌اند — نمبر ب کسانی است که در موضع میدان خوله جون جرنیل حضور رسید این نفری درخط فاصله سرحد بودند وازانجا باهزاران ندامت وخجالت بسلام‌ثانی آمده‌اند …… نفری‌مذکور که مراد از الف) وب (باشد جمله نود و شش نفری شوند معه‌بچه‌های برغل دربرنده شمالی کوتی مبارکه استورحاضر شدند اینکه ذات شاهانه تشریف آوردند ازجمله بچه‌های برغل یکنفر آن عریضه توبه‌نامه‌را بزبان عجزوانکسار عرض نمود بچه مذکور بعمر ۹ ساله‌خان نام پسر ملك‌سنك خان قوم موسی خیل منگل بود که عریضه توبه‌نامه مذکوره را بحضور اعلحضرت والابه‌بسیار عجزوانکسار باآوازفصیح خواند باقی ملك زادگان بهمراه او بودند ومتعاقب شان ملکان که پدران شان بود حاضر بودندبدین تفصیل .

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله الذی هدنا وجعلنا من‌المسلمین وشرفنا بحضرة سراج الملةوالدین والصلوات والسلام علی سیدنا محمد وآله واصحابه‌اجمعین ای‌پدر غم خوارما وجمله اهل اسلام هزار بارشکر می‌کنیم که خداوند کریم برای مازیارت حضور مبارك را عطافرموده‌پدران ما که باغوای شیطان لعین گرفتار خیالات بیهوده گردیده بودند وبمراحم زیاد پدرمهربان که هیچ حق‌نداشتند براه‌هدایت گرویده گردیدند وما فرزندان خودرا که غلامان واقعی پادشاه ترحم کار خود میباشیم نذرخلاصی جان‌خودها قرار داده‌وبتوسط‌منصبدار معظم حضور مبارك برای قربانی تحفه حضور انور نموده‌اند بنابراین بهدایت پدران خود فخرداریم که راه راست را دانسته ومارا بحضور چنین پادشاه والاشان برای قربانی سپرده‌اند کاامر اوحکم قضاو وجود او نائب خدا اگر امر کشتن کند ویاحکم بخشیدن بفرماید چون رضای ایشان باشند فخرجمله اهل اسلام وماهااست وشکر مرخدای راکه ماراتسلیم رضای پدرمهربان و پادشاه والاشان‌مافرموده که مراحم اوبنکوئی احوال آینده‌پدران ما ومارا شامل است زنده باد پادشاه‌مهربان‌ما پاینده‌باد دولت‌رحیم ما آمین یارب العالمین وهمه بیك زبان لبی آمین گفته سرهای خودرا برهنه کردند

بعدازان میرزا عبدالرشید خان کتاب خوان حضور انور عریضه وتوبه‌نامه ملکان فوق رابحضور مبارك خواند بدین‌موجب هزاربار فدای حضور مبارك پادشاه معظم ترحم کارخود شویم غلامان روسیاه بحالت عجزوانکسار سرهای خودرا بزمین نیاز وعبودیت گذاشته بعرض حضور مبارك میرسانیم خیالاتی که ازبدبختی خود واغوای شیطان لعین امروزه روز برای ما بحضور چنین پادشاه مراحم آگاه ماحاصل گردیده وهیچ زبان عذر ومعذرت برای ماینست که بحضور مبارك تقدیم نمائیم ازانجاکه حضرت رب‌العزت جل‌جلاله وجود مبارك را ازجمله خلقت اهالی افغانستان برگزیده وبخلعت سرپرستی وپادشاهی وغم خواری اینقدر نفوس بندگان خود مفتخر

گردانیده همچنان خلق عظیم وعفو کریم عطا فرموده هزاران گناه گناهکاران رعیت خودرا بعفو وهزاران روسیاه تعلقه دولت خودرا بمرحمت وهزاران معصیت کاران این ملت رابکرم واحسان خود بخشش فرموده ونیت مقدس خودرا بروی کار آورده ملاحظه گناه وکردار ایشان را نفرموده اند چنانچه باوجود چنین گناه کبیره که ازغلامان سرزده وبظهور رسید اگرهزاران خدمت ازدست ماواولادما بدولت شود که اززیر باران شرمساری این کردار بد خود که داریم بیرون شده نمی توانیم حضور مبارك بعنایات ونوازشات بیگرانه خود فرمان عفوگناه غلامان را ازپیار قام فرموده وبواسطه منصبدار معظم حضور مبارك خود برای مشرف غلامان بزیارت آن مرحمت نمودند غلامان ادای شکرچنین مرحمت وبیان دعاگوئی وادرمقابل چنین نعمت عظمی به هیچ زبان نمی توانیم بدون اینکه این اشیای که ازدربار حضرت خداوندی داریم واجابت آنرا امید میکنیم که الهی ماغلامان وجمله اهالی ملت افغانستان را توفیق شکر گذاری مراحم پادشاه معظم مارا عطا فرموده وسروجان وزندگی مارافدا وتصدق رضای حضور اقدس آن شهریار والاشان ما نماید وخودما وعیال واطفال واموال ما رافدای لمحهٔ نگرانی خاطر مبارك اعلیحضرت رؤف مافرماید وماوجمله افغانستان راهمیشه بررعیتی واطاعت این پدرغم خوار وپادشاه مهربان ما صادق بدارد وتازمانیکه قبای لیل ونهاررا ازحکمت خاص خود برقرار فرموده ماهاواولاد اولادهای مارا رعیت صادق وخدمتگار واثق این دودمان بداراد مارابخدمات لایق ورضاجوئی حضور مبارك اززیر باران شرمندگی بحرمت رسول خود بیرون بنماید تادر آخرت این اخجالت وبدبختی را باخود نبریم آمین ثم آمین ذره پرورا باوجود فرمان عفو ومرحمت حضور مبارك شهریاری چون گناه خودهارا زیادوبار خودرا گران میدیدیم بذریعه منصبداران بزرگ حضور مبارك پاازسرساخته همه حاضر شده ایم آنچه را ازحضور اقدس همایونی سبب نجات دارین ماهادانسته وبواسطه آن حکم پادشاه مقدس ماگناه گذشته ما ازدربار خداوندی بخشیده شود ودر دارین وسیله نجات ماامرترحم کارانه حضور مبارك اعلیحضرت رؤف ما باشد بربسیار سرافرازی وتخریه تعمیل آنرا حاضریم که باعث بهبود وفلاح دارین ما دران است زیاده ترقی دولت وسلامتی ذات ولینعمت خودرا ازبارگاه کبریائی مسئلت داریم . تحریرمذکور سرهای زده باهزاران عجز وانکسار عفو تقصیرات خودرا درخواست نمودند مهر ملکان متکل

ملك محمد سردور . ملك پاینده خان . ملك حضرت گل . ملك سنك .
ملك زامی . ملك دوست محمد . ملك جمال . ملك مقام الدین . ملك ادرك .
ملك کب الدین . ملك اورن . ملك کاظم شاه . ملك عزت . ملك میرقم .

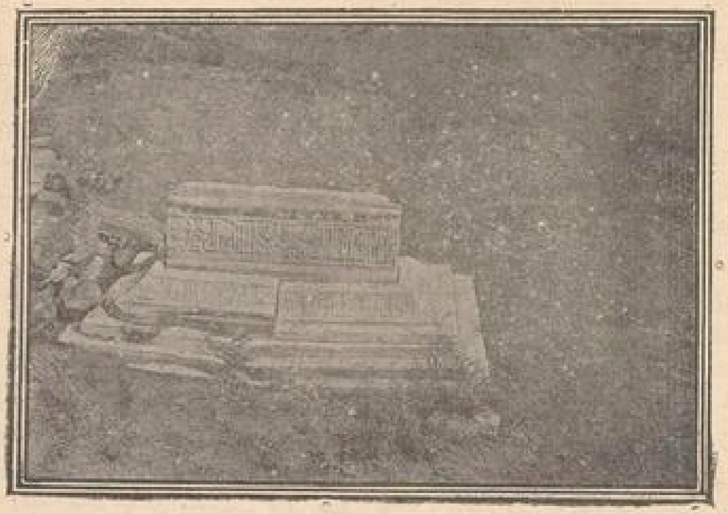

قبرسبکتگین پدرسلطان محمود غزنوی
این قبرسراسرضایع بود ودرینبارکه ذات اعلیحضرت همایون
تشریف فرمای غزنین شدند بمیدان برآورده شده

ملك نور محمد. ملك جان محمد. ملك حاجی. ملك صلابت. ملك میرگل. ملك شیرالله. ملك ملتان. ملك خان ولی. ملك جهانگیر. ملك خمیر. وغیره ملکان

مهر ملکان احمدزائی

ملك صالح محمد. ملك محمد خان. ملك الله نور خان. ملك غلام اکرم. ملك میرك. ملك نظر محمد. ملك سرور خان. ملك عبدالرشید. برادر ملك عبدالحکیم. ملك بهرام برادر غلام محمد. ملك ظفر. ملك سردار. ملك سرور. وکیل امیرخان. خانباز. تازه گل. ملك تاتی. دولت محمد. ملك نور محمد. شیرالله خان وغیره ملکان

مهر ملکان طوطاخیل

ملك تاج محمد. ملك متل. ملك لعلمیر. ملك صالح خان. ملك شیردل. ملك نظام گل. ملك زری. ملك نظر محمد. ملك جان محمد. ملك خدای نور. ملك معاذ الله

نطق اعلحضرت والا

که بجواب نفری مذکور برای ایشیك آقاسی ملکی حضور امر می شد وتامبرده به زبان افغانی دالسنهٔ نفری مذکور می نمود (فرمان عفو همان بود که ما بواسطهٔ جرنیل حضور برای شما در آنجا فرستادیم وشما مستحضر شدید وسبب ماهمان است بکر یك چند درد دل که داریم می باید بگوئیم — اول میگوئیم که شماها که حاضر هستید ملکان ووکیل های احمدزائی وطوطاخیل میباشید که ما به سیاهه خود داخل کرده ایم — قسم الف — وقسم ب میباشد نفری الف کسانیست که جرنیل در گردیز رسید آنها نزد جرنیل آمدند — وقسم ب کسانیست که اول نیامدند وتمامی خانه داری شان در بغاوت خود استاده بودند تا اینکه جرنیل حضور در میدان خوله رفت وآنها به خط فاصله سر حد رفتند وتعداد آنها بمن معلوم است که از چهار هزار نفر کم واز شش هزار نفر زیاده نه بودند وبعد همه آنها وشما ملکان قسم ب درمیدان خوله نزد جرنیل آمدید — من میخواهم چند حرف بگویم وبعد بالای مدعا بیایم ابتدای بغاوت منگل ۱۹ ماه ربیع الاول بود وانتهای آن ٦ ماه شعبان المعظم که جمله ٥ ماه ویازده روز میشود من از شما سوال میکنم آیا در همین موعد سر گردانی که از برای دولت رویداد واخراجات دولت شد وبی خانمانی وسر گردانی شماها در همین گناه که از برای شما حاصل شد برای شما چه فایده بخشید — خود میدانید کسی که از بادشاه خود باغی شود چقدر گناه دارد — در همین مدت نفری شماها که چهارصد ویا پنجصد نفر کشته شدند وبعض نفری که بمرگ خود در ایام بغاوت مرده اند آیا در روز اخرت بحضور خداوند عالم چه جواب خواهند گفت — حدیث شریف است هر شخصیکه سلطان خودرا نشناخت رسول خودرا نمی شناسد وشخصیکه حضرت رسول را نشناخت خداوند تبارك وتعالی را نمی شناسد وتا به قیامت به ذلت ابدی می ماند — الحمد لله تعالی ما وشما مسلمان وبه قرآن ایمان آورده ایم اگر همین ٥ ماه ویازده روز عمل شما درمیزان عدالت الهی سنجیده شود صد ساله عبادات شماها موافق یك روزه بغاوت تان نیست آیا شما تاب سوختن ٥ ماه ویازده روز عمل خودرا در آتش دوزخ دارید که هر روز دوزخ موافق هزار سال دنیاست حال چیزی از دنیا میگوئیم آیا همین سر گردانی که برای دولت رویداد برای شما چه فایده بخشید ظاهر است بجز پریشانی وخانه خرابی بر شما هیچ فایده نه بخشیده درددل ما همین بود که گفتیم که در گوش های شما جابگیر شود وبعد ازین به گفتار مردمان فساد پیشه وشیطان عمل نکنید وشیطان را خورد ندانید که شیطان انسان از شیطان جن بتراست چنانچه خداوند در قرآن خود میفرماید (یوسوس فی صدور الناس من الجنة والناس) شیطان جن چون بانسان جنسیت ندارد نسبتا به شیطان انسان در فن خود کمزوراست وشیطان انسان بنا بسبب هم نوعی گفتارش از شیطان جن کار گرتراست ما برای شما مثالاً بیان میکنیم که شیطان باشخص آشنائی داشت اتفاقاً عروسی پسر خودرا این شخص می نمود — قبل از عروسی باشیطان ملاقات کرد وبا شیطان گفت مدت بیست سال تخمیناً می شود که همراه تو دوست وآشنائی باتو میخواهم که به عروسی پسر من در مجلس نیائی زیرا که در آمدنت ضرور یك دلبدی درین نفری مجلس واقع میشود ومابین آنها جنگ وگفتگو خواهد شد — شیطان سخن آشنای خودرا قبول کرد گفت در مجلس نمیروم وقتیکه مردم در مجلس عروسی حاضر شدند مجلس عروسی در کنار نهری متصل یك باغ اتفاق افتاده بود شیطان از دور آمده تماشای مجلس عروسی را میکرد وباخود گفت که چون عهد کرده ام در مجلس نمیروم مگر دل آن قرار نگرفت بعد ازان شیطان بداخل باغ شد درباغ مذکور گل های رنگین معطر دید چند دسته از گل های باغ را گرفته در نهر انداخت گل ها را آب بسوی مجلس عروسی آورد حاضرین مجلس هر یك قصد گرفتن گل ها را میکردند تا اینکه بواسطه گرفتن گل مابین چند نفر گفتگو ومنازعه پیدا شد کار به جنگ وجدل کشیده بعضی زخمی وبرخی کشته شدند آشنای شیطان از مجلس بر آمده عقب شیطان رفت دید که شیطان در لب نهر زیر سایه درخت نشسته است باشیطان گفت چرا در مجلس آمدی که فساد برپا شد شیطان گفت من هیچ جاو بدم چیزی نکرده ام مگر چند دسته گل را بآب انداختم اینست که میگویند (شیطان گل را بآب داد) مردمان فساد پیشه اگر چه بخیال شما میرسد که باما دوست هستند واز گفتار شان نیکی حاصل خواهد شد در حقیقت گل را بآب دادند وهیچ

نکردند شما نفری که بچه های خودرا برغل داده اید وعذریه خودرا دوباره عریضه کرده اید مابچه های شمارا مثل اولادهای خود نگهمیداریم وتعلیم دینی ودنیوی میدهیم چرا که این ها از خیر وشر خود واقف شوند وطن خود ومحبت وطن خود وحقوق پادشاه خودرا بشناسند بعد از مدت چهار سال وقتیکه تعلیم یافتند واز علم دین ودنیا واقف شدند آنها در وطن خود نزد شما می آیند وبازوی شما می‌شوند ودر این مدت اگر مادر وبرادر واقوام شان بدیدن شان بیاید منع نیست ومن مدت زیاد نمی خواهم که این بچه ها مقیمی باشند مگر چند نفر آنها نهایت خورد هستند که آنها مرخص می شوند وبه عوض شان برادر ویا اقوام شان برای تعلیم خواسته می شوند ودر ماه سی روپیه بچه برای اخراجات وخوراکه وپوشاکه شان مقرر کردم واز برای هرده نفر یك لاله از قوم خودشان مقرر می شود وبرای هر جماعه از روی سن وسال جای داده می شود که در شب ها بغیر از لاله شان دیگری که باهر با آنها موافقت نداشته باشد اختیار ندارد که بدیدن شان برود ومن از برای این آنها را تعلیم میدهم که بعد از مدت چهار سال در وطن خودها آمده به حرکات وکردار شماها خنده کنند — حال بر سرمدعا آمدیم سوگند بخداوندیکه ما وشما را خلق کرده است که تا زنده باشید وزنده باشم اگر دیگر مخالفت از شما سر زند حرکات پنج ماه ویازده روز شمارا یاد نخواهم کرد وشکر میکنیم که شما عمل نکردید که امروز شمارا نزد من زنجیروبه زولانه می آوردند واین را برای شما میگویم که بعد ازین شما خود هارا شرمنده نمائید ومن از خداوند می خواهم که در همین قدر روز که بجهالت گرفتار بودید عفو تقصیرات شمارا کند چون من یکی از بندگان خدا میباشم عفو کردم رحیمی خداوند هزاران هزار چند از بندگان بیشتراست خدا عفو کند — عفو کند — عفو کند — یك دفعه دیگر شمارا دیدنی هستم وسخنی را که من برای شما گفتم صرف از برای شما نیست بلکه از برای تمامی رعایای منگل واحد زائی وطوطا خیل گفتم که من بخشیده ام خداوند به بخشد — فرق در مابین نفری الف وب رضامندی من از نفری الف زیاده است چرا که من میخواستم که معامله اینقدر طول نکشد بهر صورت گذشت آنچه گذشت — از برای جرنیل حضور سررشته داده ام که از برای نفری ملکانی که خدمت کرده اند خلعت وخرچی داده می شود ونیز یك نشان خدمت داده شود — واز برای شما نفری که در بین قوم خود میروید نفری الف را خلعت وخرچی داده میشود ونفری ب را تنها خلعت داده میشود زیرا که این فرق را خود شما در بین خود گردید — بازهم همه شماها منصف شوید که اگر امروز همه شماها را بقتل برسانم می توانم وباز خواست در دنیا وآخرت از من نمی شود وقتیکه من باوجود حرکات ناشایسته شماها همراه تان این قسم سلوك کردم وبه پاداش بدی شماها نیکی کردم آیا کسانیکه درین راه خدمت کرده اند چقدر استحقاق دارند ومن با آنها چه قسم رفتار خواهم کرد واز برای نفری محبوسین که آورده شده جرنیل را سررشته داده ام که برای شان چیره ولباس پوشاکه مثل پیرهن وزیر جامه وپوستینچه وکلاه وغیره بدهد که گرسنه وبرهنه نباشند — اگر در ثانی که کوایف شان ملاحظه شد ولایق وکشتنی بودند آنها را خواهم کشت مگر برهنه ولوچ وگرسنه نخواهم ماند بعد نفری مذکور همه دعای سلامتی ذات شاهانه رانموده سرهای خودرا برهنه کرده هریك زبان معذرت وعذر در خواست عفو تقصیرات خودها را نمودند وبعد ازان دربار موصوف ختم شد — .

روزشنبه ۲۳ ماه شوال المکرم نفری ملکان سمت جنوبی که در بغاوت منگل خدمت کرده بودند ونفری ملکان منگل واحمدزائی وطوطاخیل که افعال ناصواب خود منفعل گردیده بودند ونفری رعیتی که خدمت کرده بودند همه بقرار نام نویس در سلام خانه عام حاضر شدند در برنده جنوبی سلام خانه عام بذریعه ایشیك آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت وجرنیل محمد نادر خان جرنیل حضور انور در آنجا رفته یك یك ازملکان مذکور را طلب کرده ازروی درجه ولیاقت وخدمت آنها بقرار امر اعلیحضرت والا خلعت ونشان خدمت وخرچی برای نفری که خدمت کرده بودند دادهشد — واز برای نفری ملکان منگل وطوطاخیل واحمدزائی برای قسم الف آنها خلعت وخرچی فی نفر بیست روپیه کابلی داده شد — واز برای نفری قسم ب خلعت بقرار درجات آنها برای شان دادهشد واز برای نفری رعیتی که درزمان بی منگل خدمت کرده بودند خرچی دادهشد وبعد از ختم خلعت وخرچی همه دعای سلامتی ذات شاهانه را نموده بیکدیگر خود هارا مبارکباد گفتند ایشیك آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت وجرنیل حضور مبارکی نشان وخلعت را از برای ملکان سمت جنوبی واز برای باقی نفری مبارکی خلعت را دادند وهمه یك آواز شکرانه مراحمات اعلیحضرت والا را عرض کردند وهمان روز دراقامت گاه خود که در دارالسلطنه ازحضور مبارك مرحمت شده بود مرخص گردیدند — تعداد ودرجه خانها وملکان ورعیت سمت جنوبی که از برای اوشان خلعت ونشان خدمت وصداقت وخرچی ازحضور مبارك مرحمت شده بقرار ذیل است —

خانها ومعتبرین بخبر —

(۱) بیرك خان جدران (۲) لاله پیر خان وکیل گل خوست
(۳) شیر محمد خان کتوازی (٤) نیك محمد خان تحصیلدار
ومعتبر چکنی (۵) رحمت الله خان حاجی از برای این نفری

خلعت لنگی دار وشال خلیل خانی و نشان طلا ــ یعنی از برای بیرك خان نشان صداقت واز برای چهار نفر دیگر نشان خدمت عنایت شد ــ چرا که نشان خدمت طلا پیشتر از طرف دولت داشت =

ملکان سمت جنوبی که خدمت نموده‌اند از علاقه جدران ــ وجاجی ــ خوست ــ زرمت وترویز ــ ازگون سلیمان خیل ــ وخروت ــ وزیر وغیره ــ سه‌صدوهفتادودونفر ــ ۳۷۲ نفر ــ از برای این نفری بقرار درجات خلعت و یك یك نشان خدمت نقره ــ وفی نفر بیست روپیه کابلی خرچی مرحمت شد ــ

نفری رعیتی که خدمت کرده‌اند ــ دوصدو نودنفر ــ ۲۹۰ نفر ــ ازبرای این نفری فی نفره ۵ روپیه کابلی خرچی مرحمت شد ــ

ملکان سمت جنوبی ازقوم منگل واحمدزائی وطوطا خیل ــ نودو شش نفر ــ ۹۶ نفر ــ

ملکان قسم الف شصت ویکنفر ــ ۶۱ ــ

ازبرای این نفری خلعت بقرار درجات وفی نفر بیست روپیه خرچی مرحمت شد

ملکان قسم (ب) سی وپنج نفر ــ ۳۵ نفر ــ

از برای این نفری بقرار درجات خلعت عنایت گردید ــ ودراین مدت یکماه دونفری مذکور بدارالسلطنه کابل تا مشرف شدن شان بحضور مبارك توقف داشتند برای همه از روی درجه جیره وخرچی سرکاری داده میشد ــ

کل ملکان سمت جنوبی خدمت کرده‌گی وبغاوت کرده‌گی همه‌شان بعدازسر افرازشدن خلعتها ونشانها وخرچی که بدربار روزیکشنبه ۲۴ ماه‌شوال‌المکرم بشرف‌باب حضور انور شده‌اند ــ اول کل نفری بقرارنام نویس فرداً فرداً ازملاحظه حضور مبارك گذارش یافتند واعلیحضرت والاشخصاً نام‌نویس مذکوررا ازبان مبارك خوانده نفری ازملاحظه حضور مبارك می گذشتند ــ بعد نفری مذکور درزیر پرده شمالی همه یکجا جمع شدند ذات شاهانه در آنجا تشریف آورده ازبرای نفری مذکور فرمودند ــ

(نطق اعلیحضرت والا)

ما می خواهیم دوقسم حرف همراه‌شما بگوئیم یکی به همراه نفری که خدمت کرده‌اند ودیگر همراه نفری که ماافعال بدسابقه‌شمارا یادمی کنیم وهمین قدر میگوئیم که خدمت نکرده اند ــ حال همراه شما نفری که خدمت کرده‌اید میگوئیم اول جواب هرچهار فقره که عرض کرده بودید سابق برای شما گفته بودیم که تاوقت رفتن شما هایك فقره ویادوفقره آنرا اگرجواب گفتیم ودیگر فقرات آن ماند همه‌شما هارا معطل نمی کنیم چهار نفررا ازطرف خود منتخب ساخته درانجا معطل دارید که جواب فقرات شمارا برای شما درملك بیاورد وخود شماها مرخص می شوید ــ حال جواب هرچهار فقره شمارا میگویم وحاجت بمعطلی سه چهار نفر شمایان نیست ــ فقره اول درباب ملکی عرض کرده بودید که تنخواه ازسرکار داریم باید بقرار عرض رعیت موقوف نشوم جواب اینست که ماازدفتر معلوم کردیم سال هاست که عزل ونصب ملك‌ها بقرار رضامندی رعیت است ماقاعده دفتررا شکسته نمی توانیم ونمی شکنیم ــ مگر حرفی که ملك بقاعده بگوید ورعیت عمل نکند از رعیت بازخواست می شود مثلاً ازپادشاهی حکم برای ملك رسید که غله جمع آوری شود ویا سرك آباد شود اگر رعیت قول ملك را قبول نکرد ملك بجا کم همان محال عرض کند که از رعیت باز خواست کرده شود

فقره دوم درباب غله رباط خدخیل عرض کرده‌اید ــ جواب اینکه ماحکم کرده‌ایم که مصارف پنج ویاشش ساله غله رباط مذکور سنجیده شود که چقدر غله دریك سال بمصرف فوجی میرسد بعد ازین هماقدرغله بقدر کفاف حواله کند که هرغله اضافه حواله نشود وهم برای فوجی تکلیف نشود ــ فقره سوم عرض کرده‌اید که سردار محمدا کبر خان قانون غله مندوی را گذاشته بودهرقدر غله را که درمندوی میرسانیدیم همان تحویل داری که تسلیم می شد یك خروار غله را شصت سیر وزن می کرد این سررشته را سردار محمدا کبرخان از برای کار داران همان محال گذاشته بود واین قاعده غلط است زیرا که وجه قیمت غله شما بدرستی نمیرسد درین باب دوسررشته است نفری نظامی از کدام سرکاری میگیرند برای حاکم وکار دار وغیره که سررشته مندوی شده‌بود موقوف کردیم وفرمان اسمی آنها نوشته می شود که هرشخصیکه غله خریداری میکند باید آدم خودها وبارگیر خودها را ویا بارگیری که برضاء وجه نقد داده کرایه کرده است درملك روانه دارند ودرآنجا وجه نقد داده بقرار نرخ روزغله خریداری کنند ــ ونیز ملکان خط بدهند که هروقت ادم کاردار همراه وجه نقد بیاید آنچه غله پیدایش داشته باشد بقرار نرخ روزبفروش برسانند واگر نداشته باشند جبراً بالای شان حکم نیست ــ فقره چهارم درباب رشقه که فی جریب شش روپیه قرار قاعده دفتر مقرر است وقتیکه مهرهای سرکاری می آید بالای خودشما جریب چهل روپیه وپنجاه روپیه می‌فروشند غلط قاعده است اول مال پادشاهی هیچ نمی‌خورد دوم برای رعیت نقص میرسد وفایده‌ها چهارنفر آدمان لچه‌واو باش می‌شود در حقیقت نفع شما منافع دولت است ونقص شما نقص دولت آبادی شما آبادی دولت است خرابی شما خرابی دولت شمابدرستی نمیدانید ومن افسوس می کنم هرقدر کارداریکه مقرر میکنم یانمیدانند ویامیدانند عمل نمیکنند ــ در حقیقت رعیت یك دست وسلطنت یك دست می باشد ازتصادف دودست آواز برمی آید مرغ دوبال دارد اگرهردوبال متفق بود پرواز می کند والاخیر همیشه خوراك عقاب که یك نوع مرغیست خرگوش وروباه می باشد اگر یك بال عقاب بشکند روباه عقاب را می خورد ــ

ومن برای شما وتمامی اهالی افغانستان می گویم که بدانید که پادشاهی وشما در حقیقت یك عضو می‌باشید پادشاهی ازشما است وشما ازپادشاهی می باشید

حال برای شما یک مثل می آورم شخصی یک باغ داشت که ازهر گونه میوه های لذیذه دران موجود بود اتفاقاً روزی درین باغ خود آمده دید که سه شخص درمیان باغ آمده میوه های باغ را چیده و میل میکنند یکی آن سید — ودیگر ملا — وسیومین عامی بود صاحب باغ با خود فکر کرد که چگونه بازخواست میوه خودرا از آنها کنم بعد روی خودرا بطرف سید کرد که تو سید میباشی وحق توهست که ازمیوه های باغ بخوری و بملا گفت که توهم ملا هستی حق توهست این شخص عامی چه حق دارد هرسه باتفاق شخص عامی را بستند بعداز ساعتی روی خودرا بطرف ملا کرده گفت که این شخص سید است انچه ازمیوه های باغ بخورد حق دارد تراکه گفت که آمده میوه های باغ مرامی خوری ملا لا جواب شد صاحب باغ وسید هردو باتفاق ملا را بسته کرده یک لحظه بعد صاحب باغ برخواسته سید را محکم بسته کرد وهرسه نفررا انقدر چوب زد که بی هوش شدند — اگر سید وملا وعامی درابتداء متفق می بودند صاحب باغ هیچ نمی توانیست چون درین شان نفاق پیدا شد هریک بسزای خود رسیدند حال برای شما میگوئیم که اگر شما بادولت خود متفق باشید ودولت را ازخود دانسته خیردولت را خیر خود وشر دولت راشر خود بدانید کیفیت ملا وسید وعامی برشما واقع نخواهد شد واگر هریک متفرق شدید البته احوال شما مثل آنهاست باز آمدیم بالای حرف — من رشقه را موقوف کردم که از شما به ان قیمت گرفته نشود منصب دارانیکه در آنجا می باشند معلوم کنند چقدر اسپ وبارگیر سرکاری درانجا توقف دارد اسپ هائیکه قابل رشقه دادن باشد بقدر خوراک آنها ازروی جریب آنچه شود بقرار نرخ روز خریداری کرده وجه آن به مالیه صاحب زمین مجری داده شود — امروز جای تشکر است که شما نزد ما آمدید وما از خدمت شما خوشی کردیم و برای شما نشان خدمت وخلعت دادیم و برای شما واولادشما ها وتمامی افغانستان از خداوند می خواهم که نیکی های عالم را نصیب کند حرف ما وشما ختم شد —

(نطق اعلحضرت والا)

برای ملکان منگل واحد زائی — بدین موجب آنچه لایق گفتن بود وگله که ازشما داشتم بدربار گذشته تنها باشما گفتیم ودیگر از افعال شما یاد نخواهم کرد — شما باخبر باشید که دل ما صاف است حرفی را که لایق گفتن ندانیم اظهار نمی کنیم وآنچه باشما گفته ام راست است ازخداوند میخواهم که در آینده ازشما کاری سرنزند که نیکی های ما عبث شود ما حال درمیان شما ودیگر ملکان سمت جنوبی هیچ فرق نمی بینیم درباب خدمتی که آنها کرده اند پاداش خدمت خودرا دیدند شماها آنچه کرده بودید گذشت مابعوض آن باشما نیکی کردیم در آینده باز آنچه دل شما خواست بکنید آنچه دل ما بخواهد ما نیز خواهیم کرد امید بخداوند است که نصیحت های ما فراموش شما نخواهد شد حال برای هردو فریق میگوئیم برای فریق اول نشانها وخلعت ها و برای فریق دوم خلعت های شما مبارک باشد ازخداوند عالم برای اهالی افغانستان نیکی وخوبی و برکت دین ودنیا را میخواهم چون امروز در عالم ملت اسلام کمزور شده است چنانچه دولت عثمانیه که برادران ما وشما هستند ونیز دولت ایران در کشمکش های گوناگون گرفتارند یک نقطه که افغانستان است باقی مانده از خداوند عالم میخواهم که از انوار صفات خود این نقطه را منور وروشن ومحفظ خود داشته باشد ·

(علی احمد)

(جناب جنرال محمد نادر خان)

(جنرال عساکر خاصه حضور اعلیحضرت همایونی)

عیناً مکتوب

بعدالالقاب

چون دربنوقت بعضی اخبارهای اجنبی درباب وقوعات (منگل) بعضی سخنان کم وزیاد بسیاری درج میکنند وآن سخنان موجب تشویش اذهان میشود — لهذا ازحقیقت کوایفی که در آنولا روی داده وخود آن جناب سرافسر اردوی حرکت بودید وواقعات کاحقه بشما معلوم است بعضی معلومات استدعا دارم ، وامید میکنم که درین باب لطف خودتانرا دریغ نفرمائید ، ۱۸ ذی القعده ۱۳۳۰

مدیر وسرمحرر

جواب

بعدالالقاب

درباب وقایع منگل معلومات خواسته اید اینست که برای شما کوایفرا بقرار واقع می‌نویسیم : احوالاتی که تاوقت رسیدن اردوی عسکری مابه گردیز درنمبر ۱۸ سال اول سراج‌الاخبار افغانیهٔ درج کرده‌اید درستست . بعدازان کیفیت ازینقرار است که چون اردوی عسکری درگردیز رسیدند

درین نفری باغی دوتفریق پیداشد یك تفریق همان نفری بودند که عیال واره خودهارا ازجای‌های خود حرکت ناداده خودشان برای عذرخواهی وجان‌بخشی همراه قرآن شریف بسرو ریسمان‌ها بگردن انداخته در گردیز به اردوی عسکری حاضر گردیدند چنانچه کیفیت آنهارا مفصل همراه عریضهٔ عذرجان خلاصی وتو به نامهٔ شان بحضور مبارك اعلحضرت پادشاه معظم فرستادم وازحضور مبارك فرمان جان‌بخشی شان رسید چنانچه به زیارت نمودن فرمان مبارك جان سرازنو به بدن وجسم‌های شان پیداشد وهمه شان نهایت بجوش وخروش درمسجدها ومجلس‌ها دعای سلامتی وجود مبارك اعلحضرت واستحکام دولت‌قوی شوکت را کردند ومیگفتند که مایان از پادشاه مراحم کار مهربان رعیت پرور خودبالی گری وسرکشی نداشتیم صرف درباب زبردستی حاکم خود خیال عرض را بحضور مبارك نموده بودیم که چون ازطرف خداوند همین روسیاهی مقرر برای مایان بود وشیطانهای انسی همان صورت عذررا باینقسم صورت شیطانی مبدل نمودند مگر بازهم شکرانه پروردگاررا میکنیم که‌مایان‌را ازراه غلط کشید هدایت راه‌راست رانمود وشکرانه ذات‌پادشاه معظم خودرا میداریم که باوجود اینقدر گناه عظیم ازمایان سرزده بود بمهربانی های‌زیاد عفو نموده جان‌بخشی هابرای مایان گناه کاران داده شد .

طایفه دیگرشان ازجهالت وخوف که ازطایفه اول اکثر بودند عیالهای خودهارا کشیده بکوه‌های منگل بالا شدند چون اردوی عسکری داخل میدان خوله منگل گردید وچندروز درمیدان خوله منگل سکونت کرد نفری طایفه دوم عیال واره خودهارا ازکوه‌های منگل قبل ازرسیدن اردوی عسکری کشیده بحد سرحد کرم متصل علاقه‌غیر سکونت اختیار نموده بودند دراین وقت بقرار امر وهدایات که از حضور مبارك بهرداك برای فدوی میرسید یعنی یك دستور العمل مکمل نظامی درباب طریقه های رفتار اردوی عسکری وانتظام غله وخوراکه فوجی درباب محافظت وطریق مقابله همراه نفری مفسد وغیره یك امرنامه نظامی مکمل‌هفته‌وار برای این فدوی میرسید همین بود که چون اردوی عسکری درمیدان خوله منگل رسیدند وکیفیت نفری مفسد که درحدسرحد خودهارا قایم کرده‌بودند بحضور مبارك‌عرض‌شد امرمبارك شرف‌صادر گردید که چون آنها بدرستی خیال‌پس آمدن‌راندارند وخیال‌مفسده‌رادارند شمااز دوطرف یعنی ازطرف جکنی وازطرف خوست برای فوجی آن دوسمت وخود اردوی عسکری از میدان خوله بالای شان بروند وقتیکه آنها مقابله نمایند همراه مردینه مقابله شود بهزن وبچه‌ها ضرر نرسد وهروقت که آنها ازعلاقه دولت افغانستان پس‌رانده شدند وبعلاقه انگریزی رسیدند نظامی ورعیتی تعقب شان را رها کرده واپس بیایند وهرقدر که اسیر شدند بدرستی نگهداشت شان شود وبرای زخمی‌های شان که بدست بیاید بدرستی مثل فوجی معالجه دراسپتال نموده شود مدعا که نهایت یك دستورالعمل مکمل برای این فدوی دولت رسید همان بود که بقرار امر مبارك سررشته حمله سه‌طرفه را بالای شان نموده چون آنها از حمله طرفهٔ خود واقف گردیدند وازطرف پولیتکل افسر کرم هم برای شان اطلاع رسید که اگرشما خیال داخل شدن علاقهٔ برطانیه را دارید اسلحه خودهارا تحویل نموده وبعدشما تخمیناً بچهارمیل ازسرحد دورجای داده خواهد شد رسید .

جمیع ملك های شان همراه پسران جهانداد مفسد در میدان خوله منگل همراه قرآن شریف بسرو ریسمانها بگردن انداخته بدرون اردو آمدند و برای شان اجازه ونقل شدن داده شد همه ملك های شان باتفاق عرض نمودند که هزار دفعه مرگ خودرا بهتر میدانیم که با همراه قومی اسلام یعنی برادر های خود مقابله کنیم ویا بملك غیر فرار شویم حال خود ما ها همراه پسران خود حاضر میباشیم که شما منصب دار بزرگ پادشاه معظم اعلحضرت (سراج الملة والدین) میباشید اگر خودشماها مایان را قتل میرسانید باشفاعت جان بخشی مایان گناه کاران را از حضور پادشاه‌مهربان‌رعیت‌پرور میخواهید‌اختیاردارید — همین بود که آنها رادر اردوی‌عسکری منگل نگاه داشته و بحضور مبارك کیفیت شان را عرض نمودم از حضور درجواب فرمان مبارك رسید که اعلحضرت نمیخواهند که رعیت شان سرگردان و بیخانمان باشند عریضه شماها ازحضور گذارش یافت وبرای جرنیل حضور امر گردید که شماهارا همراه پسران‌شما بحضور حاضر نماید وعیال‌واره شماهارا نیز اجازه دادهشد که جای بجای شوند وهرقدر نقصان سرکار راکه درباب خرابی تهانه وغیره شده‌باشد پوره میکنید همین بود که نامبرده‌ها بمدت کم تهانه بطان را آباد نمودند وبعضی تهانه را که دروقت جهالت ضرر رسانیده بودند مکمل درست کردند وموازی دوصدوشصت میل تفنگ که بدست شان دروقت فساد آمده بود واپس تحویل نمودند وخودشان همراه یك صدنفر پسران خود همراه اردوی عسکر روانه دارالسلطنه کابل گردیدند .

حال دراردوی‌عسکری‌دوجماعه ملك ها موجود اند یك‌همین ملك ها که ذکر شان شد ویك جماعه ملك های باقی قوم های سمت جنوبی که ازطرف پادشاهی همراه نفری باغی قبل‌ازرسیدن اردوی عسکری مقدمه نموده بودند وازجانبین بعضی نفری ضایع شده بودند که تفصیل آنها ازینقرار میباشد ملکان قوم‌جدران

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 429 of 1786

خوست. جاجی. زرمت. گردیز. کتهواز. ارگون. خروتی. وزیر. سلیمانخیل. اندری. ترکی. وغیره تخمیناً جمیع ملکان تا یکصد نفری شدند وملک های طایفهٔ اول یعنی منگل واحمدزائی وطوطاخیل که یعنی اول درفساد شامل بودند و بعد ازان تائب گردیدند وهمراه پسران خود حاضر گردیده روانه دارالسلطنه میباشند تخمیناً یکصد نفر ملک ویکصد نفر پسران شان که بقسم یرغمل ملکان معتبرشان آورده بودند وموازی یک کمپنی یعنی یکصدو هشتاد نفر نظامی برای ملازمت نظام دادند نفری مذکور داخل عند اردل شده بکابل بعزت تمام اردوی عسکری رسید که ازحضور مبارک هرطایفه علیحده علیحده گذشت وبعد ازان یک روز جمیع ملکان یکجا بعد از مهربانی اعلیحضرت بحضور پیش شدند وزبان مبارکیک تقریرنهایت مؤثر اعلیحضرت والا درباب نفری ملک هائیکه خدمت نموده بودند ونصیحت برای ملکان که بفساد شامل شده بودند مرحمت نمودند وهمان پسران ملکان را که یرغمل داده بودند برای آنها فی نفری روپیه تنخواه مقرر گردید وسررشته تعلیم شان وجای رفاهیت شان وانتظام نگهداشت از خوراکه وپوشاکه که بنهایت اصول درست ولایق برای شان مقرر گردید وامر مبارک درباب شان چنین شد که مدعا از گرفتن پسران شما صرف بلحاظ اعتبار شما نمی باشد بلکه سر کار والا خیال ترقی اقوام افغانستان را دارند برای پسران شما تعلیم درست به اصول جدید داده میشود وبعد از چند سال این بچه‌ها بروند ودیگر بچه‌ها بیایند مدعا که همه پسران ملکان ومعتبران به کم زمان تعلیم یافته دروطن های خود روند تعلق والاوعریضه ملک ها درباب صرف شکریه جان بخشی وعذر زبانی پسران شان

کروپ افسران کوچک وبزرگ عساکر اردوی ظفر مآثر که
در محاربه منگل ابراز خدمت کرده اند

برای ایشیک آقاسی صاحب ملکی معلوم است که برای شما روانه خواهد داشت — رعایت ازطرف سرکاری برای نفری ملک های منگل واحمدزائی وغیره درمالیات وغیره هیچ چیز نفرمودند ونه آنها زبان عرض را داشتند ونه در فقره مالیات وغیره آنها چیزی عرض نداشتند صرف عرض آنها از سبب تبدیل حاکم بود دیگر برای ملکان دیگر که خدمت نموده بودند آنها سه فقره بحضور اعلیحضرت عرض نمودند که هر سه فقره مذکور بقرار ذیل است .

فقره اول برای مواشی سرکاری بالای مابان رعایا حواله رشقه تخمیناً شش صد جریب میشود وفی جریب شش روپیه برای مابان مجرا داده میشود اگرچه فی جریب رشقه پنجاه روپیه وشصت روپیه قیمت دارد — بناءبران سرکار والاامر فرمودند که همین قاعده خلاف گذاشته شده بود مواشی سرکاری رشقه بقدر ضرورت بقیمت مروجه ازرعیت خریداری کنند وهمین رشقه بدون مالیه یکبست مقرر شده بود .

فقره دوم — درباب مندئی یعنی ازرعیت بقسم حواله خوراکه جمع میشود وبدوکان ها تقسیم میشود بعد ازفروش اجناس وجه بدرستی برای مابان نمیرسد چون سرکاروالاامر رشته مذکور را نگذاشته بودند ودیگر هیچ جای افغانستان اینقسم احوال جاری نمی باشد اعلیحضرت والا امر فرمودند که بعد ازین عوض رضا کار دارهای سرکاری اگر جنس وغیره بکار داشته باشند از رعیت بقرار روزنرخ بوجه نقد خریداری کنند که برای رعیت تکلیف نشود —

فقره سوم — عرض نموده بودند که در رباط خداخیل غله ازاندازه خارج اضافه تحویل می شود دراین صورت برای مابان

رساندن غله تکلیف وبرای سرکار اضافه غله از مخارج می ماند وخراب می شود نقص سرکار است امرمبارک شدکه معلوم شود کهدر رباط موصوف درین چندسال چقدر غله بمصرف سالیانه رسیده یک اندازه‌را استاد گرفته همان‌قدر غله حواله شودو باقی آن بقسم سابق تحویل تحصیلدارها شود همین سه فقره عرض را که رعایای که خدمت نموده بودند کرده اند دیگر کس هیچ عرض درباب تخفیف مالیات وغیره نه نموده. جناب اخوی‌ام محمودبیک خان سرمحرر سراج الاخبار افغانیه درحفظ الهی باشند این است که بعضی معلومات مختصر برای شما روانه نمودم تعداد ملکها ونطق اعلحضرت ونقل عرایض ملکها وجمعها نزد ایشیک آقاسی ملکی حضور والا سابق داده شده که برای شما برساند از نزدشان میگیرید یوم چهار شنبه ۱۸ ذی القعدة الحرام ۱۳۳۰ (محمد نادر)

« سراج الاخبار افغانیه » خواه تحریرات رسمی جناب نگران ما ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی وخواه تحریرات جناب جنرال محمد نادر خان جنرال حضور همایونی که قوماندان وسردار اردوی عسکری اصلاحات منکل بودند دوشاهد عدلیست در باب تردید وتکذیب فقرات اخبار پاینیر که درذیل حوادث خارجیه آنرا قارئین کرام مطالعه خواهند فرمود.

طایفهٔ هندو های رعایای صادقهٔ شاهانه نیز درراه صداقت وعشق خود سلاح بدست شده بطور متطوع وداو طلب درصف عساکر ملکی بمحاربه شتراک ورزیده اند

حوادث خارجیه

اخبار پاینیر ـ وحوادثات منکل

در ترجمهٔ اخبار پاینیر که درین روزها به اداره رسیده بعضی فقرات دور از حقیقت سراپا غلط بنظر برخورد که برای تصحیح افکار عمومی، وظاهر ساختن اغراض خصوصی به تردید آن « سراج الاخبار افغانیه » خودرا مجبور می بیند.

اخبار موصوف بر بیانات مخبر سرحدی خود استناد قول نموده مینویسد:

« مخابر سرحدی ما بیان میکند که اکثر غری « مخروجین » که حسب الامر هز میجستی امیرصاحب از سرحدات بر فاصلهٔ بعید بود وباش میداشتند در وادی خوست آمده اند می گویند که در علاقهٔ خوست باز شورش وفساد بر پا شده است وکارداران افغانیه قیام امن نموده نمی توانند. »

اولا باید درین بیندیشیم که [مخابر سرحدی] آقای پاینیر آیا در سرحد بعلاقهٔ خاک افغانی نشسته واین وظیفهٔ مخبری را ادا میکند، یا آنکه بعلاقهٔ خاک انگلیزی نشسته واز انجانامه نگاری برگل افشانی میفرماید! اگر در علاقهٔ خاک افغانی باشد — واز انجا مینویسد هیچ شبهه نیست که اینگونه حوادث را بنا بر یک غرض خصوصی مینویسد که آقای پاینیر هنوز بمقصد پنهانی اوپی نبرده است! ودلیل واضح آن این است که این خبرها فوق را سراسر از خود اختراع کرده نوشته است. وهیچ اصل واساسی ندارد. آیا از کلمهٔ (غری مخروجین) مراد شان کدام مخروجین است؟ واز (فاصلهٔ بعید) کدام ابعاد بعید مراد است؟ این نقطه هارا تعیین نموده واز بر پا شدن شورش وفساد خوست بیان میکند که برای آن هم یک جهت معقول نشان داده توانسته است. لا جرم معلوم است که مخبر سرحدی شان محض بنا بر ساعت تیری خود ایجاد یک خبر دروغی را نموده به تغلیط افکار مخابر خود کوشیده است، واگر مخبر شان در خارج علاقهٔ خاک افغان باشند معذوراند. زیرا خبر صحیح گرفتن درین وقت ها از وادی خوست بیکقدری بنا بر انضباطی که گرفته شده برای خارج علاقه مشکلست از آن رو اگر برای دلخوشی مخابر خود یک دروغی ایجاد کرده باشد چه عیبی دارد؟...

§ در فقرهٔ دوم خود اخبار پاینیر المؤرخهٔ ۱۹ ماه اکتوبر باز از خبرهای سرحدی خود فساد وشورش خوست را تائید نموده میگوید: « قبایل متفرقهٔ خوست از اعلیحضرت امیرصاحب چنان شرایط نرم حاصل کرده بودند که تا کنون علانیه از اطاعت احکام افسران وکارداران افغانیه انحراف می نمایند. »

ما از عبارهٔ « شرایط نرم » چیزی نفهمیدیم! مگر اینقدر پی میبریم که مقصد حریفان ما از شرایط نرم عدم قتل عام وعدم اسیر ساختن زن ومرد اقوام است. زیرا مردمان غربی مردمان

شرق از زمانهای قدیم یك اعتقادی میپروراند که آن هم عبارت از خونریزی ها وفاجعه ها ، وبدعت هایست که خود بخود آنرا برانها ثابت ساخته اند ، وآنرا مدار استناد وحشت آنها ووسیله نشر مدنیت خودها در نظر ها جلوه داده اند . وچون برخلاف امیدها وآرزوها شان که ازین واقعهٔ منگل در مد نظر داشتند بوقوع آمد حقیقتاً که آقایان مدنیت‌خواهان را خیل دلتنك نمود بمجردیکه حوادث عصیان مردم منگل در وادیٔ خوست بالاشده بود اخبار والاهای مدنیت پرور ما نوشته های خود شانرا یك اهمیت فوق العادهٔ حاضر ساخته ، وقلم های خود شانرا تیز کرده منتظر نوشتن چنان فاجعه ها ودرامهای گردیده بودند که بلذت استماع آنها آب دهن شان جاری شده بود وچون آن واقعهٔ بتدبیر حکیمانه ، وصورت عادلانه فیصله پذیر گردید قهر وغیظ پامال شدن آرزوهای شان بزین منجر شد که سر از نو باز یك حادثهٔ غلط فساد آنجارا تازه کنند . تا شاید بمقصد ومدعای خود برسند . لهذا بکمال خاطر جمعی میگوئیم که نه در وادیٔ خوست سر از نو یك شورش وفسادی برپا شده است ، ونه کسی از احکام دولت افغانیه انحراف ورزیده توانسته است .

بعد ازین فقرهٔ اخبار موصوف کلهٔ (مخروجین) را نیز تا یکدرجه تفسیر نموده میگوید : «یك جمعیت مخروجین که اعلیحضرت امیر صاحب آنها را از علاقهٔ خود خارج کرده امر فرموده بودند که از سرحدات دور باشند در خوست هجوم آورده اند .»

ازین لفظ خارج علاقه چنان معلوم میشود که این مخروجین جمعیتی باشند که بعلاقهٔ گولی که خارج افغانستان است اخراج شده باشند . اگر هم چنین باشد آن جمعیت اخراج شدگان آیا بدون اجازه واشارهٔ غیر از علاقهٔ که دران اخراج شده اند چسان درخوست آمده توانسته اند ؟ لهذا معلوم میشود فسادی بلکه افساد ، بغاوت نی ، بلکه اغوا میباشد . زیرا از عبارت ما بعد ان که مینویسد : «غالبا دربارهٔ شورش وبغاوت آنها عنقریب خواهیم شنید » نیز بخوبی ظاهر میشود که امید واری وارزو مندیٔ بسیار بزرگی نیز از افشاندن آن تخم فساد دارند وهم بر داشتن محصولات آنرا عنقریب بر داشتن میخواهند ! ولی هزار افسوس که تندی وتیزیٔ آب وهوای افغانستان این گونه تخم هارا زود خراب وغیر قابل نشو ونما میسازد ، وامیدداران محصولات شکر خود شانرا حنظل نا امیدی بار میدهد !

بعد ازین تفوهات از غلط صریح حکومت افغانستان درباب قیام ندادن یك فوج نظامی درخوست بحث وبیان رانده مینویسد: «ممکن است که اکنون مانند چندماه سابقه بغاوت بر پا نگردد ولی درین شبه نیست که شورش وعدم قناعت مردم عیان شده است »

غلط صریح قیام ندادن فوج را که بیان نموده یك اعتراضیست که از حکمت عسکری دور افتاده است زیرا هر دولت استعمال کردن قوای عسکریهٔ خودرا در نقاط مختلفهٔ مملکت خود خودش میداند شخصیکه از اقسام عسکریه واز اصول وقواعد تعبیه وملیهٔ یك حکومت خبر باشد واعتراض کند البته که خارج حکمت شمرده میشود . حکومت متبوعهٔ مقدسه ما انواع مخصوصهٔ عسکریهٔ برای خود نسبت بعادات واخلاق وطبایع اهالی واراضیٔ خود دارد که بحث کردن ازان خارج وظیفهٔ ماست . اما اینقدر میگوئیم که خوست هیچگاه بی عسکر نبوده واز افواج خالی نمانده وازالسبب هیچ شورش وبغاوتی که موجب اندیشه باشد ظهور ننموده . چنانچه باوجود همهٔ این کج اندیشی ها باز هم خود آقای پاونیر اعتراف میکند که «اکنون مانند چند ماه سابقه بغاوت برپا نگردد» پس معلوم است که تدابیر سیاسیه وعسکریهٔ دولت در خوست بر وجه دلخواه آماده گشته که از افساد واغوا چندان امید واریٔ در خود نمی بیند !

در آخر مقالهٔ خود از در نصیحت ویاد آوریٔ دوستانه رقمطراز عقل فروشی گردیده مینویسد : «اگر هز میجستی امیر صاحب جهة اطفای نایرهٔ شورش وفساد به تعجیل سررشته نکردند حالت موجوده از درجهٔ خراب به درجهٔ خرابتر خواهد رسید»

حقیقتاً که ازین خیر خواهی ویاد آوریٔ آقای پاونیر تشکر نکردن از دست ما نمی آید ! چقدر دوستی ، چقدر غمخواری ! .. اما به این مسئله بدیهی وآشکار پی نبرده اند که صاحب یك مزرعه کوچکی نیز اگر درباب مزرعهٔ خود غفلت روادارد ، وسر رشتهٔ آنرا بخوبی نکند مزرعه اش خراب وابتر میگردد . چه جای صاحب یك ملك بسیار با وسعت در عربی میگویند (صاحب البیت ادرا بما فیها) یعنی صاحب خانه به امورات خانهٔ خود واقف ودانا تراست . آقای پاونیر به سخنان باد در هوای مخبر سرحدیٔ خود گردیده نشنوند که آن مخبر بجز دروغ تراشی دگر چیزی نمیداند . چنانچه بارها ازینگونه سخنان تراشیده ودروغهای ایجاد کرده شده را به اخبار خود خبرداده وبصورت غیر قابل اعتراض تردید شده است . ذات اعلیحضرت پادشاه دانای آگاه ملاحظهٔ از سر رشته ها وتدبیرهای ممالك شاهانهٔ شان غفلت نمیورزند . ولی به آن تدبیر ها وسر رشته ها مخبر آقای پاونیر پی برده نمیتواند . چرا که بر خلاف مأمول خود شان سر رشته ها می بینند که حکایت شان بحکایت شخص کر وعیادت بیمار میماند که هر چه در تصور خود حاضر ساخته اند عکس آنرا می بینند ، ولی افسوس که از کرانشوی ومشکل پسندی حقیقت را ندیده بر همان حدس وقیاسی تصور کرده کیٔ خودشان اصرار میورزند ، وبه السبب از شهراه حقیقت بفرسخها دور می افتند . حالانکه یك اخبار نویس ضروراست که بر حقیقت کوایف بخوبی واقفیت داشته باشد علی الخصوص که اخبار نگار اگر بدیده انصاف بنگرند هیچ حق اعتراض را در خود نباید بینند . پادشاهی که امور اداره یك ملك را بدست دارد مانند یك طبیب حاذقیست که

که یك بیماری در وجود ملك عارض شود ومداوات ان بیك مرهمی ویا یك ضماد بندی؛ ممکن باشد بداغ کردن ویا قطع کردن انرا ارباب حکمت چسان تجویز خواهند داد ؟

—(محمد ولیخان)—

(اخبار زمیندار — وسراج الاخبار افغانیه)

رفیق همعصر معزز ما اخبار (زمیندار) از بری بودن (محمد ولیخان) از اعمال ردیهٔ غیر مرضیه در اخبار معتبر خود بحث رانده سخن قطع علاقهٔ خود شانرا که با مشارالیه نموده بودند وایس گرفته اند .

چون خوبی از بدی ، وخوش نیتی از بدنیتی ، وحسن ظن از سوء ظن بهتراست ، وسراج الاخبار افغانیه در حق همه برادران مسلمان خود خوبی وخوش نیتی ، وحسن ظن دردل میپروراند ازانرو سخن همعصر معزز خود زمیندار را پیروی نموده هیچ بدگمانی درحق برادردین خود (محمد ولی خان) دردل نمی پرورانیم ودر بری بودن او سخن همعصر خودرا تصدیق کرده هیچ گاه با برادران دینیٔ خود اختلاف نمیورزیم .

* * *

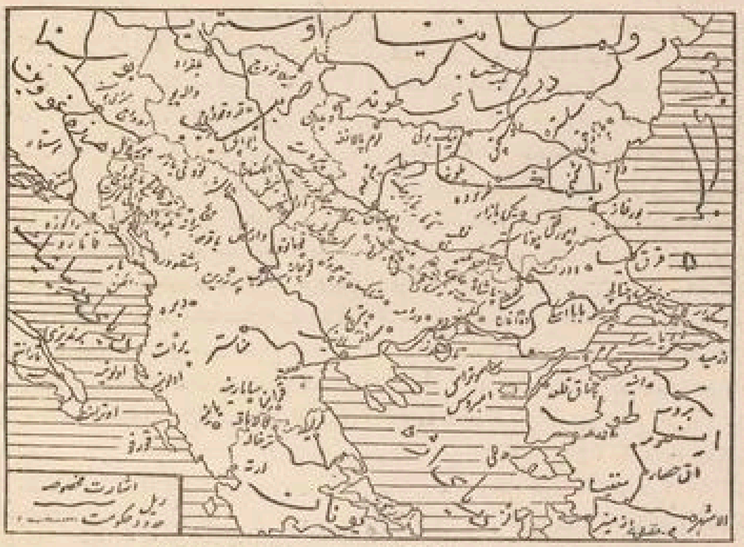

(نقشهٔ روم ایلی و بالقانها که جنگ دران شروع شده است)

—⟩ از اخبارات اردو ⟨—

—(خبرهای تلگراف)—

⟩ جنگ ترکی وایطالیه ⟨

لندن ۱۵ اکتوبر — در مابین ترکی وایطالیه مصالحت شده ودستخط فرقین برصلحنامه ثبت شدند —

(بجنام توزی فتح ترکان شده است نه از ماتی نگرو)

قسطنطنیه ۱۵ اکتوبر بذریعه تلگراف سرکاری معلوم میشود که امداد افواج ترکیه در نواح کسنجی (ازمقام بداکور تا بجانب شمال ومشرق واقع است) رسیده است وتعمیرد رسیدن برماتی نگرو حمله نموده شکست داده است واکنون اندرون علاقه ماتی نگرو جنگ جاریست

—(یکهزار ماتی نگرو هلاك شدند)—

لندن ۱۵ اکتوبر — برای اخبار تمز ازمقام ستنجی (پایهٔ تخت ماتی نگرو) تلگراف رسیده که بتاریخ ۱۱ ماه حال روشنی برق بحری مقام سقوطری بریکهزار ماتی نگروی که تیاری حمله ترا پوش میکردند افتاد — وتوپهای آتش فشان مقام ترا پوش فوراً آتش باران نموده ماتی نگروی هارا نابود ساخت — هرچند که افسران ماتی نگروی هدایت وایس رفتن میکردند اما آنها تعمیل حکم نکرده پیشقدمی کردند ویقین است که احدی از آنها زنده نماند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 433 of 1786

(بلغاروی جنگ نکردند)

صوفیه ۱۵ اکتوبر - پنجصد نفر از ترکان بتاریخ ۱۳ اکتوبر بپهره خانه ضلع نامروش حمله کردند محافظان پهره خانه بموجب هدایات حکومت خود پهره خانه را گذاشته پسپا شدند -

(سروی هزیمت خورده گریختند)

بلگرید - ۱۵ اکتوبر - یوم گذشته برسرحد سرویه تمام روز جنگ بود - ترک بتعداد سه هزار بودند ۲٤ باشندگان سرویه هلاک و ٤ زخمی شدند بعدازان از میدان جنگ پابگریز نهادند - حکومت سرویه حمله مذکور را اشتعال انگیز قرار میدهد اما نیز اعلان نموده است که تاوقتیکه بپیمانه وسیع حمله نشود او از جای مدافعت پیشقدمی نخواهد کرد -

(عالیجاه آقا خان وجنگ بلقان)

عالیجاه آقاخان برای هلال احمر برطانوی مبلغ دوهزار پوند فرستاده است وامید ظاهر کرده است که مسلمانان هند منصوبهای خودرا ملتوی نموده توجه وکوشش خودرا بطرف اعانت مصیبت زدگان ترکی مبذول نمایند -

لندن ۱۸ اکتوبر - فوج ترکی درشب دهم اکتوبر سرحد بلغاریه عبور کرده بمسافت چند میل در علاقهٔ بلغاریه داخل شده واز ده بجه شب جنگ جاری شده وتاحال جاریست -

خبرما بعد - یونان بخلاف ترکی اعلان جنگ کرده است ووکلائی ریاست های بلقان از قسطنطنیه رخصت گردیده اند -

اتهنز ۱۸ اکتوبر - امروز شاه یونان معاینه جهازات نمود وخیر مقدش نهایت پرجوش بودشاه مذکور تمنای کامیابی وسلامتی فوج بحری ظاهر کرده وجهازات بوقت شب احکام سربمهری گرفته روانه خواهند شد -

لندن ۱۸ اکتوبر - سلطان المعظم بذریعهٔ اعلان به افواج خود ارشاد فرموده اند که احترام جان ومال آبادی غیر مصاف نموده شود وهمرا زنها واطفال نیز تعرض نکنند .

جهاز رو مانیاه ور لسس میری ،، رها کرده شد وبمقام باسفورس رسید .

لندن ۱۸ اکتوبر - روسیه ازبابعالی تحریک برزور کرده است که نیز ازدول یوروپ درینباب گفتگودارد که دردانیال برای جهازات تجارتی غیر جانبدار باز باشد .

قسطنطنیه - شهزاده وحیدالدین برادرسلطان محمد نجم وشهزاده عبدالرحیم برادر زادهٔ سلطان موصوف (وفرزند غازی سلطان عبدالحمید خان معزول) بصورت جنگ آمادگی رفتن میدان ظاهر کرده اند .

—(عالم عسکری)—

جنرال (دراگومیروف) دریك مجلس عسکری یك نطق بیان کرده، و(فن تعبیه) را برصنوف ثلاثهٔ عسکری ازقرار ذیل [خلاصه کرده است]

—(خطاب به پیاده)—

جبه خانه اترا بیهوده اسراف مکن! بعد ازانکه خوب نشانه بگیری فیرکن! از ده گلهٔ بیهوده انداختن یك گلهٔ کاری انداختن بهتراست! ای آنکه به پشت سرت به بینی بروا خودرا بدشمن بینداز! اگر ترده بکنی ودودله شوی زده میشوی، و سبب مغلوبیت میگردی! اگردشمن رادیدی که برتو هجوم نمود تاوقتی که در وجود خود قوت میبینی فیرکرده برو! ازجای خود یك لحظه شور نخور! ده یازده نفرعسکری که بناگهان (رجه بك) کرده، و(الله اکبر (۱)) گفته به پیش روی عسکر حمله آورنده خودرا بیندازد بقدر صدنفر خوف ودهشت میدهد! درهنگامیکه دشمن بناگهان هجوم ویوریش بیارد، هرعسکری که ازهمه پیشتر باصداهای (الله اکبر) خودرا برنیچه های تفنگ دشمن بیمحابا پرتاب کند دلاور وبهادر گفته میشود! درهجوم ویوریش عمومی یعنی وقتیکه بولیٔ (برنج زاو) داده شود هرنفرعسکری که جای خود را دیر ترك کند وای برمردیٔ او!!...

—(خطاب به رساله)—

ای رساله! تو هم اسپ خودرا خوب تربیه وپرورش بده! شمشیرت راکند نگه مدار! چونکه اگر اسپت وشمشیرت کند باشد بدشمن رسیده، واو را کوبیده نمیتوانی! اگر دیدی که اسپت بدشمن نمیرسد ٥ قدم به تفنگ کوتاهت نشان گرفته فیرکن! برای آنکه دلاوری ومردانگی وغیرت را نشان بدهی اسپ ودو سه رقم سلاح بدستت داده شده! غیرت کن مردانگیت را نشان بده! چون دیدی که دشمن عارفرار را قبول کرده روبروز گریز نهاد همانهم نه براسپ خود ونه بروجود خود هیچ دل مسوزان! وتاوقتیکه نوك کریچت را به پشتش نغلانی ازعقب گیری رومتاب!

(خطاب به طوپچی)

ای طوپچی! تو هم نمیتوانی بزودی وچالاکی فیرکرده بروا سعی کن که آماج را بزنی! برای طوپ تو همین دو خاصیت لازم است که اهم زود فیرکردن، وآماج را زدنست! تو بجز فیرکردن ودشمن را کوبیدن دیگر هیچ چیزی مبند پش! به این یك اعتماد کن که پیاده ورساله تراتنها بسر خود نمیگذارد! لهذا بجان خود اندیشه نکرده باز ودو صحیح گلهاندازی به پیاده ورساله مدد رسان! برای کشادن راه مظفریت عسکر خود، وریختن صاعقه های بلا بردشمن خود ازهمه پیشتر تو درمیان میدان خودرا جلوه گر بساز! برای طوپها وطوپچیهائیکه اول بار بمدافعهٔ دشمن آتش فیرخودرا باز نماید چقدر سعادت وچقدر شرافت شمرده میشود!.... اگردشمن هجوم یعنی حملهٔ یوریش بیارد هیچ بیدست وپا مشو، ودرموضع خود جابجا قائم وثابت مانده بر فیر آتش پشیت دوام بکن! وچون دیدی که دشمن بانجلو گرفتن اسپات نزدیك شد، آنوقت حربهٔ تیز بردارت را کشیده بمدافعهٔ نفست بپرداز! تو هرقدر که بدشمن نزدیکتر موضع گیری همانقدر بدشمن خوف ودهشت میدهی، وبرای عسکرت راه ظفر باز میکنی!... (ازالفاق عسکری ترجمه شده)

---

(۱) دراصل کتاب که ما ازان ترجمه کرده ایم کلمهٔ (هورّا) نوشته شده بود مابعوض آنکه (الله اکبر) نوشته ایم .

(سخنان هر رقم)

دکاکین زغال فروشی شهر پاریس

در ممالکیکه مدنیت مرتبه کارا یافته وفنیکه انسان مبتکرده بسی چیزها بر میخورد که هرگاه انجیز را انسان بچشم خود نبیند از شنیدن آن عقل انسان استبعاد نموده روایت راوی را بر مبالغهٔ (جهاندیده بسیار گوید دروغ) حمل مینماید. مثلا اگر گفته شود که من در پاریس دیدم که مردمان در روی هوا سیر و سیاحت میکردند. یا آنکه در پاریس درمیان یک خانه مزین آراسته سیار — یعنی رونده — نشستم که این قصر در ظرف یکدقیقه نهصد متر قطع مسافه مینمود ومن بواسطه این خانه سیار در ظرف یکشبانه روز که عبارت از بیست وچار ساعت باشد یک ملیون و دو صد ونودو ششهزار متر مسافه را در نوردم. ویا آنکه بگوید من ازاستانبول بظرف پانزده دقیقه ببلاد هندستان مخابره نمودم.

پس حالا اگر کسی (بالون) و (شمندوفر) وتلگراف) راندیده باشد بوجود همچنین چیزهای مافوق التصور هیچگاهی راضی وقابل نمیگردد؟

همچنین است دکانهای زغال فروشی شهر پاریس که هرگاه انسان آنرا بچشم خویشتن معاینه نماید سخن را ویرا بهیچ وجه تصدیق نخواهد کرد. بلی اگر واحدقیاس دکانهای زغال فروشی شهرهای ماباشد دکانهای زغال فروشی شهرپاریس را تا بیکدرجه منتظم فرض خواهیم کرد. حالانکه دربلادهای جسیمهٔ اوروپا ازمختصر بدبطرف درمیان بازارهای منتظمهٔ که دردیوار وزمین ودکانش ازنظافت صفائی وزینت وپاکیزگی مانند آینه در تلمع است کسی در دکانها ومغازها فروختن زغالسیه روزی هیچ یادندارد! بلکه زغال وچوب در (دیپوز) های بسیار بزرگی در خارج شهر موجود میباشد.

حالا در اینجا بخاطر میرسد که آیا اگر کسی در مرکز شهر پاریس اقامتگزین باشد چسان میشود که از برای یک زغال خریدن تا بیرونهای شهر رفته دو سه ساعت مسافه را قطع نماید!

خیر! کسیکه در مرکز پاریس اقامت داشته باشد بدان محتاج نمیگردد که برای زغال گرفتن بخارج شهر رود. بلکه کسیکه آرزوی زغال گرفتن داشته باشد می آید دربازارهای بسیار نامدار منتظمهٔ مانند (بولوارقاپوسین) و (بولواردمزیتالیان) و (بولوارسویتیر) درانجا یک یک دکانی می بیند که روی آن یکپارچه بلوری که عرضش هفت هشت متر وطول ارتفاعش نیز پنج شش متر وسطبریش نیز یقدر دوسه انگشت میباشد مستور است ودر دوطرف این آینهٔ بلورین دو دروازه طلاکار مزینی که آنهم از بلور است کشاده میشود که انسان ازین دوباب در اندرون دکان داخل میشود. در درون دکان بترتیب بسیار معتنائی دوازده عدد چوکی قیمتدار مخملی چیده، وزمین آنرا بقالین انگریزی مفروش شده، ودر دیوار هایش نیز چند عدد دولابهای بسیار مصنع بلورین گذاشته، ودر نزد هر دولاب نیز یک یک جیب مخملین بسیار خوشنمائی آویخته میکرد که در درون این جیبها نیز بسی ورقه‌های مطبوعه گذاشته شده است.

در پشت سر آینهٔ بزرگ بلورین روی دکان، ودر دولابهای آینه‌دار داخل بوضع وترتیب بسیار معتنای خوش‌نما چندعدد طبقهای نقره قم مصنع جیبی گذاشته‌اند که درمیان این طبقها نیز بوضع وترتیب بسیار خوشنمائی انواع چوبهای بریده واقسام زغالهای برهم چیده، واشکال زغالهای معدنی سنجیده را نهاده‌اند، که انسان هرگاه آنرا طلب و تمنی هم میکنم.

فاجعه های پاریس

(مابعد از شماره (۳) سال دوم)

لهذا رجا میکنم که حقیقت حالرا بمن بیان بکنید.

— این جوابیکه طلب میکنید یکقدری مشکل بنظر میاید آیا چسان ممکن میشود که درینباب یک. فکر قطعی بیان بتوانم؟ آیا استقبالرا دانستن ممکن است؟ ازشما بسیار بدترزاجه ها دیده ام که لحظه بلحظه وفات شانرا انتظار میکشیدم ولی باز بساحل سلامت رسیده توانسته اند.

— من ازان زاجه های نیستم که ساحل سلامت را پیدا بتوانم که خود شما نیز باین بخوبی میدانید. لهذا لطف فرموده این دانستن خودرا اقرار واعتراف بکنید. ازین مترسید که مبادا من دل بیندازم وحال وخیمی که دارم وخیمتر بنود اینرا ازشما رجا ونیاز میکنم. بشما سوگند میخورم که ازمرگ ترس نی بلکه من آنرا طلب و تمنی هم میکنم.

— چون چنینست منهم حقیقت حالرا بشما راستی میگویم: دردنیا هرچیز ممکنست. امادرزمانهای ماواقع شدن امور خارق العاده بسیار کم ونادر است. حالانکه اگر شما زنده بمانید از امورات خارق العاده شمرده میشود.

— تشکر میکنم مادام، مراممتدار خود نمودید. حالا قناعت حاصل کردم. برای کاریکه میخواهم آنرا اجرا کنم قناعت حاصل کردنم درینباب لازم بود. حالا یکقدری نوشتن میخواهم.

— نوشتن؟ این امکان ندارد.

— آیا چرا؟

— چونکه قوت ندارید ازانسبب. اما من یک کار آسان برای شما نشان میدهم وآنهم این ست که شما بگوئید ومن بنویسم.

— نی نمیشود باید که خود بنویسم. رجا میکنم. مرا یکقدری بالا کنید. ودرزیر بغلهایم یک دوتکیه بگذارید. وچون یک قلم وکاغذ هم بدستم بدهید خواهید دید که برای یک آن دستهایم که

ترتیب ووضع دلنشین اینهارا می‌بیند گمان میبرد که در خصوص فن معدنیات یك معرضی برپاداشته‌اند . درمیان دکان درخصوص زغال فروختن هیچیك فردی هم دیده نمیشود . پس چون کسی درخصوص زغال فروختن درمیان دکان نباشد آیا چسان میشود که انسان زغال بتواند بخرد ؟ حلال این اشکال از این قرار است : که چنانچه گفته شده بود که در پشت دولابهای بلورین داخل دکان بیك جیب رنگینی آویزان ودرمیان آن جیبها نیز بسی اوراق مطبوعهٔ گذاشته شده است . اینست که آن ورقه‌های مطبوعه از قیم مختلفهٔ اجناس زغالها وچوبها . وتعریف محل دیپوی بیرون شهررا بانمره تلفون خانهٔ صاحبان دکان زغال فروشی حاکی وناطقست .

پس چون کسی خیال زغال خریدن داشته باشد از این کاغذ ها یکی‌را برداشته وبجیب خود انداخته بخانه میرود . ودر آنجا دهن خودرا بنزد ماکنهٔ تلفونیکه در دیوار خانه‌اش منصوبست رسانیده نمرهٔ خانهٔ صاحبان زغالفروشی‌را بمرکز تلفون خبرمیدهد مرکز نیز بهمان لحظه صاحبان دکانرا اخبار نموده بعدا زدقیقه باصاحب دکان انسان بسخن می‌آید . وازهر نوع زغال وچوبی که هرقدر لازم داشته‌باشد میطلبد بعداز مرور نیمساعت صاحبان زغال زغالهای مطلوبهٔ انسان‌را در میان عرابه‌های سرپوشیده انداخته تماماً بدرخانه انسان میرسانند . ووجه آنرا گرفته پی کار خود میروند .

درشبها نیز دراندرون این دکانها سه چهار عدد فانوس الکتریك دراشتعال است . ولی دروازهٔ دکان مسدود میباشد . ودرپشت آینهٔ بلورین روی دکان بخط بسیار جلی بریك لوحهٔ کاغذی نمره وقیم وغیرذلك دکان وزغالرا نوشته آویخته اند که اگر کسی‌را در نیم شب هم زغال احتیاج افتد در نزد دکان آمده از روی همان نوشته کار خود شرا انجام میکند .

اینست که دکانهای زغال فروشی شهر پاریس از اینقرار است اجارهٔ شهریهٔ این دکانها نیز از صد تا صد و پنجاه طلا کمتر نیست . پس زغال فروشانیکه درسال هزار و هشتصد طلا تنها کرایهٔ دکانرا میدهند ثروت وسامان وسرمایهٔ مالی شانرا قیاس وحساب باید کرد !

لاجرم در عالم مدنیت هرچیزی‌را باین دکانهای زغال فروشی قیاس باید کرد . وتصدیق باید نمود که ظرافت وزینت باترقی ووسعت مدنیت نیز همانقدر در ذیل احتیاجات بشریه مقام بلندی پیدا میکند .

(ادبیات)

غزل

ای گرم بدوران تو بازار معارف
اخبار بعهد تو دکاندار معارف
معروف در اوقات تو آثار تمدن
مشهور ز حالات تو اخبار معارف
تا نام نکوی تو بود زینت اخبار
اخبار بود مخزن اسرار معارف
ای کرده بنا لطف تو هر گوشه مدارس
وی خلق توبا خلق بکردار معارف
ای شمع ره دین و سراج ره ملت
شد دولت و ملك از تو پر انوار معارف
از فیض تو شد شهر شناسای معالم
وز لطف تو شد دهر خریدار معارف
تا فکر بلندت شده معمار ترقی
گر داشت جهان پشت بخود کار معارف
خلق است ز امداد تو سر گرم صنایع
جمعی است ز ارشاد تو سرشار معارف
درعصر فرح بخش تو شد شهرهٔ آفاق
رزم و صنایع اگر آثار معارف
مستغنی بیدل چه کند گر نماید
روزان وشبان صرف بگفتار معارف
دارد اگر الطاف عمیم تو قبولش
دارم به بغل دفتر اشعار معارف

بهٔ برودت ممات منجمد شده حیات تازهٔ پیدا خواهد کرد .

— چون همه حال این را آرزو میکنید منهم اجرا میکنم . من هرگونه خواهش یاران خود را به اجرا کردن حاضرم .

مادام آنفو آرزوی آخرین نعش زن بیچاره را اجرا نمود . و بکمال تعجب دید که انگشتهای بیحرکت فلوتیلد برکاغذ یکچند سطریکه غیرمنتظم ولی خیلی خوانا بود نوشته توانست . بعده فلوتیلد یك پاکتی خواسته وکاغذرا دران گذاشته بر پاکت اینچنین عنوان انداخت : ((موسیو وغونت دوغرانلیو . کوچهٔ سنتونوره))

بعد از بسته کردن پاکت با یك صدای بسیار خفیفی که اله شنیده میشد گفت :

— مقصد حاصل شد . اگر یکقدری معطل میکردم بر این هم موفق نمیشدم

دایه — خوب حالا این مکتوب را به قطی' داك بیندازیم ؟

فلوتیلد — نی نی ... بایك شخصی مخابرش روانه کرده جواب باید گرفت .

— آیا اجرت آن شخص را که خواهد داد ؟

فلوتیلد انگشتان ضعیف وسفید خودرا که تا به آنوقت بر لحاف انداخته بود برداشته وبسوی دایه دراز کرده گفت :

— در یکی از انگشتان دست چپ من یك انگشتری' طلائی موجوداست که آن انگشتر نکاح منست . آنرا گرفته بفروشید . بهر قدر قیمت که فروخته شود باز هم دو مقابل اجرت مکتوب برنده را ادا خواهد کرد .

باور کنید که مادام آنفو این انگشتر زن بیچاره را که در حالت جانکندنست . ویك یادگار قیمتدار ایام ماضیهٔ حیات اوست از کلکش بیرون نیاورد . وهیچ اثر مروت وعالیجنابی درباب بکشیدن او نشان نداده گفت :

بسیار خوب . این انگشتر شمارا من میگیرم واجرت لازمه را من ادا کرده بعد از چند دقیقه قاصد نامه بر را براه می اندازم .

(باقی دارد)

ناموران زنان جهان

(ما بعد از شماره ۳ سال دوم)

مستفید داشته است . حتی برای آنکه بمردمان فقیر ارزان طعام داده شود دریك طرف شهر یك لوکانتهٔ مخصوص باز کرده است ، و بعداز یکچند روزی که گذشت بناگهان خودش باشوهر خود پرنس (دوغال) بهمان لوکانته رفته و در یك اوتاق نشسته یك صحن طعام سه شاهیگی طلب کرده است . وبه این صورت هم تفتیش طعام لوکانتهٔ خود را کرده ، وهم بوجود نازنین بسیار مقبول خود این لوکانته را که بلطف وعاطفت خود تأسیس نموده تزئین ومعطر گردانیده است .

از حکایتهائیکه درباب مرحمت وشفقت ملکه حکایه میکنند یکی این است : که یك روزی از سرای خود برامده بود که یك دختر نوجوان بسیار لطیف الاندام خوش شکلی برخورد که یك چیزی دردستمال بچانیده بدست داشت ازحال ووضع دختر چنان معلوم میشد که یك چیزی میخواهد . ملکه بکمال نزاکت بهاو نزدیك شده پرسید که چه میخواهد ؟ دختر بحکایت آغاز کرده گفت : — مادر پیر وعلیل دارد که بصنعت خیاطی وکتو دوزی که یاد گرفته ونمونهٔ آنرا باخود دارد وخودرا ووالدهٔ خودرا اعاشه میکند . ولی چون ازخود یك ماشین ندارد که درخانه بهپیش مادر خود هم کار بکند وهم مادر بیمار خودرا خدمت کند ازاین رو خیلی پریشان میباشد .. ملکه اورا بهتلطف ومدارا بسکوت وشیرینی داده تسلی نموده است . به وعنوان اورا گرفته روزدیگر که صبح عید اولسال بود یك ماشین کتودوزی نووتازه که بر صندوقچهٔ آن این عبارت:((از طرف الکساندرا هدیهٔ عید سرسال)) نوشته شده بود آن دختر بیچاره که سراسر ازبدست آوردن آن نومید بود درحضور خود حاضر یافت . حالاتصور بکنید که آن دختر چقدر شکر گذار ومنتدار شده خواهد بود .

غیر ازمحاسن سیرت وصورت عالیالقلوبی که دارند در حسن اداره وسررشته، وتربیهٔ اولاد نیز یك ممتازیت فوق العادهٔ دارند . بعداز ازدواجش بدوماه یك دالان بسیار بزرگی را که درزیر نظارت وادارهٔ خود ملکه بود بهبسیار خوبی ودقت سررشته واداره کرده است، ومظهر تحسین وآفرین همه موجودین دالان شده است. این دالان بادوهزار زن ومرد خاندانهای اصیل وبزرگ مملو بوده است . تنها بجهت رسم تقدیم — یعنی معارفه وشناسائی بحضور ملکه تقدیم شده است که خاطر نوازی ودلجوئی اینقدر مردم خانوادهرا بهبسیار خوبی بجا آوردن، وانچنین یك دالان بزرگی را خواه از جهت تفریش وتزئین ، وخواه ازجهت حسن اداره وانتظام اداره کردن ازکارهای آسانی شمرده نمیشود. (باقی دارد)

علم ثروت ملل

(ما بعد از شماره ۳ سال دوم)

واگر یك سعی وکوششی هم بکنند از ترس مجازات بکنند انجنان صنعت البته که ناقص وبی ترقی میماند .

رقابت — نتیجهٔ طبیعیهٔ آزادیٔ اعمال (رقابت) است چونکه هرگاه قاعدهٔ آزادیٔ اعمال وضع شود ، وهرکس به آرزو وخواهش خود قوت سرمایه وصنعت خودرا بصرف کردن مختار وآزاد بماند درانحال بیك صنعت بسیار مردمان سالك شده میتوانند ، وچون هم پیشه گان بسیار شود لابددر مابین شان رقابت وهمچشمی ومسابقت وازیکدیگر پیش دوی ظهور میکند که این رقابت از آرزوی این پیش میشود که ارباب صنایع میخواهند محصولات خودشان را بسبب خوبی ونفاست ، ووداشت داری وارزانی بریکدیگر تفوق وبرتری دهند . وانجمله سبب یگانهٔ افزونی وخوبیٔ محصولات صناعیه گردیده محسنات قاعدهٔ آزادی اعمالرا بمیدان میآرد .

وقتیکه رقابت در میدان صنایع براید هروقت وزمانیکه احتیاج انسان بیك چیزی پیداشود ارباب صنایع هاندم آن احتیاج اهالی را دریافت کرده بسعیی که از دیگران پیشتر آنرا تدارك کنند ومنفعت بردارند درباب اختراع آن و بوجود آوردن آن سعی وکوشش میورزند . وباز دیگر رقیبی ظهور نموده در بهتری و خوبتری آن کوشش میورزند ، ودیگر رقیب به ارزانی وداشت دارای آن سعی میکند، وبااین صورت روز بروز اختراعهای نوبنو ایجادهای تازه بتازه درعالم صنایع جلوه گر میگردد . مثلا یکی از ارباب صنایع چون یك صنعتی را بظهور آورد ، آن دیگری درپی این میافتد که بقوت علم میکانیك یك ماشین ایجاد کند که آن صنعت را زحمت کمتر ومخارج اهونتر بوجود آرد ، دیگری علم کیمیارا دران صنعت تطبیق داده یك ترقی نوی دران صنعت بکار میبرد ، دیگری برای نقل دادن محصولات آن صنعت را ازجای بجای یك راه آسان وکوتاهی کشف میکند که بهاین صورت اگر رقابترا درصنایع متحرك یگانهٔ ترقیات صناعیهٔ بگوئیم بجادارد . (باقی دارد)

* * *

چون درین بار بدرج کردن بعضی تحریرات رسمی مجبور بودیم ازان رو اخبار شماره چهارم ما به ۲۰ صفحه انتشار یافت

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد ازطرف مدیر وسرمحرر تحریریافته
محمود طرزی

درچاپخانهٔ حروفی دار السلطنهٔ کابل طبع گردید

صحیفه (۱) سال دوم شماره (۵)

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

نگران
ایشیک آقاسی ملکی منصور اعلیحضرت همایونی
علی احمد

قیمت سالیانهٔ
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
با مصارف داک ۱۴ روپیهٔ کابلی
در خارج مملکت
با مصارف داک ۱۰ روپیه انگلیزی
بهر پانزده روز یکبار نشر میشود

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

ادارهٔ‌خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همهٔ امورات تحریریه به اداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود
قیمت یک نسخه آن در کابل یکعباسی است

تاریخ عربی ۱۵ ذی الحجه ۱۳۳۰
تاریخ انگریزی ۲۵ نومبر
تاریخ شمسی ۳ قوس ۱۲۹۱

در این اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

یادگار شکار چناری سنه ۱۳۲۸

ذات اعلیحضرت شاهانه با محصول شکار شان

سراج الاخبار افغانیه

عید سعید اضحی را برهمه برادران اسلام، وقارئین وقاریهٔ های کرام خود از صمیم دل مبارکباد میگوید.

—(آثار عتیقهٔ غزنین)—

(افغانستان) صانه الله فی الحفظ والامان چنانچه در خصوص هر رقم (معادن) یعنی کانها خیلی توانگر است. در خصوص (آثار عتیقه) که عادتاً زبان فن تاریخ شمرده میشود نیز بسیار توانگر شمرده میشود. این خاك پاك مقدس وطن عزیز ما از زمانهای بسیار قدیم مظهر بسی انقلابات دهر بوقلمون، ومحدث بسی حوادثات گوناگون گردیده‌است که در هر طرف غیر از انکه حفریات فنیه اجرا کرده شود در ظاهر ارض به بعضی آثار عتیقهٔ مهمهٔ دسترس شده است. مثلاً سکه‌های بسیاری از ضرب اسکندر یونانی، وراجاها، وبوداهای قدیم، وبسی سکه های اسلامی دستیاب شده است. بعضی سنگهای نوشته که از عصر ها بیشتر از میلاد عیسی علیه السلام زمانها را حکایت میکند در بعضی جاها موجود است.

شهر شهیر (غزنین) در آثار عتیقه توانگر ترین جاهاست که اگر حفریات آن بقرار قاعدهٔ فن اجرا شود آثار عتیقهٔ بسیار گرانبهایی ازان بظهور میرسد. ذات اعلیحضرت بادشاه معارف آگاه مقدس ما در مطالعهٔ علم تاریخ یك ذوق وهوسی فوق العادهٔ دارند که ازانسبب آثار عتیقهٔ تاریخیه را بیك نظر تقدیر واستحسان تلقی میفرمایند. مثلاً پارسال در اثنای بعضی تعمیراتی که در غزنین اجرا میشد از زیر یك پشتهٔ خاك یك قبهٔ دخمه مانندی ظهور نمود که همهٔ آن قبه از یك رقم جسمهای کلولهٔ گلینی پر بود. چون آنرا میشکستند یك پاره گل مدوری مانند یك روپیه که بر هر دوروی آن چون سکهٔ مسکوکات بعضی نوشته ها بخط سانسکریت چاپ شده بود ظهور می‌یافت. ونیز دیگر بعضی اوانیٔ آهنی وسنگی وغیره تصادفاً ظهور یافته است که هر یك جداگانه قیمتهای تاریخی را حائز بوده است.

منارههای غزنین، وبعضی مراقد، ومزارات شریفهٔ غزنین از چنان آثار عتیقهٔ معتبرهٔ شمرده میشود که زبان صامت ساکت خودشان از بسی حوادثات گذشتهٔ بشریت حکایتها میراند. مثلاً اگر یك لحظهٔ درپیش یکی ازان آثار یك تفکری بکنیم، وصفحه های تاریخ را در زیر نظر آورده بسوی ماضی یك نظری بگردانیم همان یك مشت خاك، یا یکپاره سنگ یا یك بنای مندرس برما کتابها میخواند، وعبرتها، واندرزها میدهد، وچشمهای بصیرت ما را میکشاید.

—(یکدوسخن در اهمیت آثار عتیقه)—

حالا یکقدری از اهمیت واعتبار آثار عتیقه بحث میرانیم تا قارئین کرام ما تا یکدرجه بر قیمت وحیثیت آثار عتیقه اطلاع حاصل نمایند، ودر دل خود فکرکنند که آیاچیزهای کهنهٔ فرسوده را چه قدر وقیمت خواهد بود که آقای محرر ازان بحث میراند!...

جستجوی آثار عتیقهٔ فنیه امروزه روز آنقدر پیش رفته که بعضی حقیقتهایی که به آغوش اطلاع تاریخ نرسیده بواسطهٔ این جستجوهای آثار عتیقه کشف وپیدا شده‌است. از نتیجهٔ این جستجوها بعضی هیکلها ومجسمه‌هایی که پیش از وجود یافتن تاریخ موجود بوده، وبه اساطیر الاولین متعلق مانده از زیر خاکها بیرون بر اورده شده است. وخطهای گوناگونی که چار هزار سال پیش ازین بر سر سنگها نوشته شده بود ودر زیر هزار ها من خاك پنهان

مانده بود کشیده شده وبهزران تدقیق وتحقیق حل شده احوال گذشته گان رابه‌آینده گان نقل وحکایه کرده‌است.

به آنقدر چیزهای بسیار کهنه حاجت نیست؛ زیرا بسیاری از هوس کاران توانگر اوروپارامی بینیم که‌بعضی چیزهای بسیار کوجك ومحقری راکه یکی از مشاهیر نسبت داشته بمبالغ گرانی خریداری کرده اند که‌ما درینجا از روی یکی از مجموعه های فنی بصورت مجمل بعضی معلومات درینباب بر قارئین کرام خود عرض میداریم:

یك دندان پوسیدهٔ کشیده شدهٔ (نیوتون) نام‌حکیم ریاضی مشهور انگلیسی را در سنهٔ (۱۸۱٦) یکی از اصیلزادگان انگلیز بقیمت هفتصد وسی پوند انگلیزی خریده، ودریك مخفظهٔ طلائی وضع نموده از همهٔ اشیای قیمتدار خود بالاتر گذاشته است.

کلاهی که (ناپولیون بوناپارت) در محاربهٔ (ایلو) پوشیده بود از طرف یك‌زن توانگر به نوزده هزار ودو صد فرانگ خریده شد. است،

یك‌لباسی که (شارل دوازدهم) در محاربهٔ (پولتاوا) پوشیده بود به پنج لك وشصت ویکهزار فرانك فروخته شده است.

یك دانه قلم که درامضا کردن‌معاهده‌نامهٔ (امیانس) استعمال شده بود بقیمت دوازده هزار وپنجصد فرانك خریده شده است.

شاعر مشهور فرانسوی (ویقتور هوغو) تألیف مشهور خودرا که بعنوان (سفیلیا) نوشته بود به زوجهٔ خود یك نسخهٔ آنرا نقل واستنساخ کرده بود. زن‌خادمهٔ که در نزد زوجهٔ شاعر موصوف بود همان قلم را که‌بی‌بی اش آن کتاب را نوشته بود برای تبرك از بی بیٔ خود طلب نمود. بی بی ازین قدرشناسی‌خادمهٔ خودممنون گشته وبا همان قلم یك مکتوب تحسین کارانهٔ نوشته مکتوب وقلم را به او بخشید. این قلم بعد از وفات شاعر مذکور از طرف یك انگلیز بحهل وپنجهزار فرانك‌خریده شده‌است. اگرچه برای کاغذیکه زوجهٔ ویقتور هوغو نوشته بودنیز پنجهزار فرانك تکلیف کردند ولی خادمه بنابر قدرشناسیٔ که‌به بی‌بیٔ خودداشت بیان کرد که اگرصد هزار طلاهم بدهند آن کاغذ را از خود جدانخواهد کرد.

حکیم ذو فنون (وولتر) یك چوب‌دست کج وکلوچی داشت که‌همیشه آنرا استعمال‌میکرد. آن‌چوب‌بعد از وفاتش به پنجصد فرانك فروخته شده است.

جنرال (غاریبالدی) مشهور در یکی از محاربه ها یك گلهٔ به پایش خورده بود که جراح آنرا از پایش بیرون بر اورده بود همان گله به قیمت‌سی وپنجهزارفرانك‌فروخته شده است.

یك‌چوکیٔ که (مولیر) نام‌شاعر فرانسوی دردکان یك دلاك بران نشسته بود بعد از وفات شاعر به پنجهزار فرانك، وبعد از چند سال به پانزده هزار فرانك فروخته شده است.

حالا چون بسوی این‌بیانات بنظر غورملاحظه نمائیم معلوم میشود که آثار عتیقهٔ که یکی از مشاهیر نسبت پیدا کرده باشد، ویا یك وقعهٔ تاریخیه را بیاد آرد تاچه درجه اهمیت واعتبار دارد، وقدر شناسان عالم آنرا بچه فدا کاریها بدست می آرند. وبچه قدر مصارف ومخارج (موزیها) یعنی آثار عتیقه‌خانه ها بوجود می آورند؛ والحاصل هر گونه آثار عتیقه بیکیك صحیفهٔ تاریخ است که اگر کسی آرزوی خبر گرفتن احوال عالم رادارد این صحیفه را باید بخواند.

حوادث داخلیه

(مراسم عید سعید اضحی)

بوقت شام روز سه شنبه ۹ ذی‌الحجة‌الحرام بانداخت (۳۱) فیر طوب عید سعید اضحی اعلان گردید یوم چارشنبه ۱۰ ذی‌الحجة الحرام همهٔ‌ارکان واعیان دولت، وارباب مناصب ملکی وعسکری سلطنت بالبسه های‌رسمی‌بموجب‌تعلیمات‌همه ساله به ساعت هشت‌بجه صبح در دایرهٔ عالی جناب مستطاب‌حضرت (نائب‌السلطنه) صاحب افخم جمع آمده، وباز بمعیت عالی افخم شان بیکبار به قصر سعادت حصر ستوده) [illegible] انجا بعد از صرف ناشتاوچای بجمعیت

در معیت عالی (بگادیانهٔ) شاهانهٔ ارگ مبارکه آمدند .

ذات مراحم صفات پادشاه معظم مقدس محبوب القلوب ما اعلیحضرت (سراج الملة والدین) مدالله ظله فی العالمین درانجا همه گانرا بار حضور همایونی عطافرموده . وبعد ازانکه مظهر سلام وتلطیفات شاهانه شدند اجازهٔ رکوب بعرابه ها ، وحاضر شدن برفتن عیدگاه ، برای ادای صلوة عید اضحی بمعیت اعلحضرت پادشاه اسلام پناه عطاء فرموده شده همه اعیان وارکان در عرابه های منتظمی که در بیرون ارگ مبارکه به ترتیب توقف داشتند از قرار سررشته نشستند . تاآنکه گردونهٔ شوکت نمونهٔ رکوب همایونی از دروازهٔ ارگ مبارکه خروج نموده بشوکت واجلال تمام بسوی جامع فیوضات لامع ارگ عیدگاه حرکت فرمودند در صحن جامع از طرف عساکر خاصهٔ نصرت مؤثر شاهانه رسم سلام شاهانه ایفا گردیده . وتا بوقت حاضر شدن عساکر برای صلوة توقف شاهانه در جامع بوقوع آمده بعد ازان صلوة عید بایک جماعت عظیمه ادا گردیده عودت موکب شاهانه بدربار سلام خانه شرف عزواجلال فرمود . وبقرار مراسم مروجهٔ شاهانه دوبجهٔ روز دربار معالی بار فیوضات آثار عید سعید اضحی دوام ورزیده مراسم موصوف به انجام رسید .

(حضرت معین السلطنه بدهن زینهٔ منار غزنین)

چون شمارهٔ پنجم اخبار ما پیش از عید ترتیب شده بود بین العیدین همینقدر بیان کیفیت اکتفا ورزیده شد . از درگاه خالق ازل وتهار دوام عمرواقبال وشوکت واجلال پادشاه مراحم خصال همایون فال مقدس محبوب القلوب خود مانرا نیاز میکنیم . واین عید سعید میامن پدید را برهمهٔ اخوان مسلمین خودمان مبارک ومیمون میخواهیم . ونیز دعای فتح ونصرت برادران عثمانی خود مانرا که درتحت زیر اشکنجه ها ، وعذابها وتذلیلهای اوره انگیز بسیونها افتاده . وبکمال بیرحمی اعدای شما را بزه بزه میکنند از صمیم دل ورد زبان مسلمانی میسازیم .

—(روز دوم عید سعید)—

روز دوم عید سعید اضحی همهٔ اهل دربار معالی بار بقرار قاعده وسررشتهٔ همه ساله بوقت صبح درقصر عالیٔ (زین العمارات) که مقام سامیٔ حضرت نائب السلطنه صاحب افخم میباشد جمع آمدند .

اعزه واشراف وارباب مناصب ملکی وعسکری را حضرت شهزادهٔ جوانبخت معظم معین السلطنه ، وشهزادهٔ بلنداقبال مکرم عین الدوله صاحبان بسرک مواجههٔ قصر عالی صف وترتیب نمودند جناب عالیٔ افخم سردار اکرم نائب السلطنه صاحب ازقصر زین العمارات بالباس رسمیٔ خودشان چون خروج فرمودند از طرف عالیٔ حضرت شهزادهٔ معظم معین السلطنه صاحب امر بولیٔ (سلام) داده شده موزیکهٔ عسکری وهمه حاضرین سلام عالی رااداء نمودند .

ذات عالیٔ افخمی شان بمواجههٔ صف تشریف آورده بیک نطق مختصری احوالپرسی وعیدمبارکی ، ودعای سلامتی اعلحضرت پادشاهی وترقیات اسلامی را بیان نموده عودت فرمودند . افسران ملکی ونظامی بموجب بولیٔ که ازطرف شهزادهٔ معظم عطا فرموده شده بود بوضع بسیار منتظم داخل عمارت بسیار عالی شده هرکس بمقام معلومهٔ خودشان جابجا گردیدند . وازه وقت پیشین حاضرین بچای وشیرینی وطعام ومیوه جاتهای بسیار لطیف ونوازش یافته دربار عالیٔ روزدوم عیدسعید به انجام رسید .

روزسوم عیدمیامن پدید ذات شوکت سمات اعلحضرت پادشاه معظم مقدس ما [illegible] شاهانهٔ شان بقرار همه ساله بدائرهٔ عالی [illegible] شان حضرت نائب السلطنه تشریف فرمای عز واجلال گردیده [illegible] وقت در انجا تشریف داشتند .

(ترفیع منصب واحسان نشان)

ازطرف قرین الشرف اعلیحضرت پادشاهی جناب جنرال (محمدنادرخان) ازمنصب جنرالیٔ حضوربه منصب عالیٔ (نائب‌سالاری حضوراعلیحضرت‌همایونی) بترفیع منصب‌مفتخروسرافرازویکقطعه نشان‌ذیشان (سردار) نایل‌وممتاز گردیدند .

ذات اعلیحضرت پادشاهی در آخر دربارمعالی بازیوم عیدسعید بزرگان قوم راخطاب فرموده درباب خدمات نمایان جناب‌جنرال در واقعهٔ منگل‌یان رأی طلب فرمودند . همهٔ حاضرین برحسن خدمت وشایستگی ولیاقت جنرال‌تصدیق وشهادت دادند . بعد ازان ذات اعلیحضرت شهریاری بجنرال خطاب نموده فرمودند: که ترا بمنصب نائب سالاری سر افراز فرمودم ویکقطعه نشان سرداری را بتو احسان کردم ، با اینهمه از حضور خود دور نداشته (نائب سالارحضور) مقرر داشتم .

الحق کاین‌تلطیف ومکافات جهاندرجات شاهانه دربارهٔ مشار الیه شایان هزاران تبریک است که باوجود ترفیع منصب ونشان شرف‌عنوان سعادت‌ اشور (حضور) نیزبرایشان باقی‌ماند ، ما جناب (نائب‌سالار حضوراعلیحضرت‌همایونی سردار محمدنادرخان) رابه این مظهریت مراحم شاهانه تبریک میگوئیم .

حوادث خارجیه

اجمال سیاسی

ازمطالعهٔ اوراق‌حوادث عالم‌چنان معلوم‌میشود که‌مباحثه‌های اهل صلیب زمانهای گذشته دربنوقت بیکو صنعت بسیار مدهشهٔ باز بمیدان آمده چشمهای دولتهای اوروپارا پردهٔ خون آلودی فرا گرفته است . متمدنین عالم هرانقدر که در فنون غیر فاضلهٔ خودشان ترقی میکنند هانقدر حرص قصابی وطمع قصابیٔ شان افزونتر میگردد . این‌است که دربنوقت دولتهای شش‌گانهٔ بسیار بزرگ بمدنیت معروف و مشهور عالم چهار دولتهای کوچک خودشانرا بردولت اسلامیهٔ‌عثمانیه ازچهارطرف بهجوم‌ویورش وانگیخته دریك حصهٔ اوروپای شرقی یك هنگامهٔ رستاخیزی برپا کرده اند .

منظرقدوم ایل وبالقانها دربنوقت صحنهٔ‌یك‌تیاتر خونی‌زمانهای روما های قدیم‌را بنظر جلوه‌گر میسازد . اکتور های این تیاتر خون آلود ، رجال سیاسیٔ دولتهای اوروپاست که‌پیش ازبالاشدن پردهٔ نخستین بازی‌یعنی افروخته‌شدن‌اتش‌حرب در حدود بلغار ، وسرویاومانتینگرو ، ویونان ردوبدل زیارات خودشانرا باهمدیگر اجرا کرده . و ترتیب رولهای فاجعه انگیز بازیرا برو وا پی آزمایش کرده . بکار شروع نمودند .

دولتهای کوچك بالقانها مانند (قره طاغ) یعنی مانتینگرو و (صرب) یعنی سرویه ، وبلغار ، ویونان که‌چهار طرف‌اوروپای عثمانی‌را احاطه داشته‌اند بتحریك دول‌ مسدس بردولت علیه‌عثمانیه که مقام خلافت اسلامیه شمرده میشود هجوم ویورش بردند . وهیچ شبهه نیست که مقصد اصلیٔ شان که‌بموجب نقشهٔ که درباب محو کردن اسلام‌ازدیر سالها کشیده‌اند آغاز نهادند . اما بصورت بسیارمدهش آغازنهادند . اولاًیکی ازدولتهای معظمهٔ شان‌باوزدو خوردرا بنانهاد . چون خوب ماندهاش کرد چاردولت پشداز شان بیکبارهگی هجوم نمودند . ایتالیا البته کهدرین جنگ فایده های نمایانی دارد که‌حاجت تفصیل نیست . استرالیاناً برانگیزندهٔ حکومتهای بالقانهاست . روس از ایطالیا درباب باز شدن آبنای بوسفور وعدهٔ مساعدت را گرفته وذاتاً‌جنسیت اسلاوئیز درمیان بوده جامیٔ یگانهٔ بالقانهاست . جرمن چون داخل اتفاق ثلاثه میباشد هیچ‌شبهه نیست که تعقیب کردن پولیتیك دولتهای متفقهٔ خودرا زیاده‌تر التزام مینماید . فرانس چون از محاربهٔ ترابلس تا به اینوقت بنابر بعضی منافع متقابله باروس رابطهٔ دوستی دارد . ودرملاقات سازانوف وزیرخارجهٔ روس‌با وزیر خارجیهٔ فرانس درپاریس وعده‌های متقابلهٔ باز ساختن آبنای استانبول را بروی جهازات روس‌قرار داده‌اند طبعاًجائی که‌روس‌را بشاند دیگری راچه‌روا خواهد کرد :

آمدیم بانگلیس که اسرارافکار آنرا بخوبی کسی درك‌کرده نمیتواند . ازیکطرف درفقرهٔ اصلاحات بادولتها متفق دیده شده ازلازم بودن اجرای فقرهٔ ۲۳ معاهده (برلین) درباب اصلاحات (مکدونیا) بحث‌رانده لازم نبودن جنگ وجدال رابیان‌نمود . ازطرف دیگر چون جنگ آغاز نهاد اعلان بیطرفی کرد . بناءً علیه‌ظاهر گردید که‌دروقت حاضر دولت علیه عثمانی تنهابسر خود درمقابل اینهمه هجمات سیاسی وعسکریٔ دولتهای نصارا سینه سپرکرده ایستاده است .

چون بروش حال‌نظر‌کرده شودظاهر میگردد که‌نتیجهٔ حیلها وحیلهائی که درباب محو کردن اسلام منظور شده‌بود ازقوه بفعل انجامیدن آغازنهاده‌البته که‌دولت‌علیه‌عثمانیه اگرازفولاد هم‌باشد بااین‌همه سوهان کاریهای دهشت‌طاقت آورده نخواهد توانست . وچون بروی نقشه‌دیده شودممالك اوروپای عثمانی‌را درزیرچنان فشار وحشی ازچهارطرف‌میبینیم که بظاهر حال هیچ امیدنجاتی برای‌اوروپای عثمانی دیده نمیشود ، دیگردولتهای قوی وتوانگروبر قوت اسلام‌که به او نزدیك باشد ومقابلهٔ اتفاقها وائتلافهای آنها رابکند نیز موجود نیست وتنها همین یکدولت اسلام است که بجنگ همهٔ شان در راه محافظهٔ وطن وموجودیت خودشان تن بتقدیر خدا نهاده است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 442 of 1786

معلوم است که آن اخلاقهای حسنهٔ زمانه های قدیم که زبون کشی‌را عار میدانستند. وبرسر عاجزان وافتادگان سمند نمیراندند دربنوقت به نزد اوروپائیان یك هنر عظیم، ویك صنعت بسیار کریمی شمرده میشود. چون به وجدان وانسانیت مسئله را حواله نمائیم برینگونه زبون کشی بجز نفرت دگر چیزی حس نمیکنیم. یك انسانی را تصور کنیم که دریك دشتی تنها بسرخود مانده باشد. ویك‌گله گرگ درندهٔ گرسنه باطراف آن یك‌دایرهٔ تشکیل داده از هرطرف حمله میاید. این است حال دولت عثمانی درمیان گرگان بالقانها!...

میگویند: «مسلمانها به پیچیده‌گیهای سیاست یوروپ پی‌برده نمیتوانند.» بلی. اگر مسئله مانند شمس اشکارا نمیبود پی‌برده نمیتوانستند. ولی هزار افسوس که پرده از روی کار بیفتاد، وپیچیده گیها آفتابی گردید! هرگاه مسئله تنها سیاست دولیه میبود البته که یکدولت یادو دولت طرفدار عثمانی نیز میشدند. علی‌الخصوص دولت فخیمهٔ بریتانیای عظمی که همهٔ این عظمت وفخامت را بسایهٔ ممالك شرقیه وبالخاصه هندوستان حاصلکرده وتنها نه خود دولت انگلیس بلکه عموم عالم میدانند که مغلوبیت ومحو شدن دولت علیهٔ عثمانیه بازشدن آبنای بوسفور را نتیجه میدهد. باز شدن آن آبنا بلا های سیاه بحر سیاه را برکانال سویس وهندستان باز میاید. آبهای غلیظ بحر سیاه چون با آبهای درخشان بحرسفید وبالتیك بیامیزد هیچ شبهه نیست که باز این بریتانیای باشوکت وعظمت نهاد همان جزیرهٔ بریتانیای کم وسعت بگنجیدن مجبور گردد.

حالانکه باوجود این بدیهیات، تعصبات رهبانیهٔ سیاست عالم اوروپا برطرف کردن حکومات مسلمانها را دراول امر از همه چیز اقدم والزم دانسته علاج وچارهٔ اینگونه کار های خانگی مابین خودشانرا بوقت آخر یعنی بعد از نبودن آنها میاندازند. جنایت جنایت را تعقیب میکند. مثلا یك شخصی فعل سرقت‌را اجرا میکند. دران اثنا یك شخصی اورا می‌بیند. مجبورمیگردد که قتل اجرا کند. آن قتل قتل دیگر منجر شده میرود. تا یك روزی اونیز بمجازات آلهی گرفتار آمده از صحیفهٔ هستی زدوده میشود جنانکه زان تعصبات رهبانیه. رهبانیت یعنی تجرد و تنهائی میخواهند که بجز راهبها دیگری دردنیا نماند. اماچه خیال خام چه تصور جنایت انجام! آیا غیر از ملت صلیب دردنیا دیگرملتی نیست؟ نفوس جمیع کرهٔ زمین بقدر یك‌ونیم ملیاروکسورمیباشد که تقریباً (٥٤٨) ملیون ملت صلیب. وباقی‌یك ملیاروکسور آن ملتهای غیرصلیب است. آیا درین‌عدد غیر متناسب تجرد وتنهائی جسان میسر میشود؟ فرض محال گشته بگوئیم که‌حکومتهای ملت‌اسلام رالاسمح‌الله محو کردند آیا باحکومت سه صدو سی ملیونهٔ چین، وحکومت پنجاه ملیونهٔ ژاپان چه خواهند کرد؟ بلی، جنایت جنایت را تعقیب میکند. بعد از اسلام نوبت آنها میرسد. اما آخر به بینیم که درمابین خودشان چسان دنیا را تقسیم کرده خواهند توانست. ولقمهٔ چرب وگرم وشیرین هندستانرا چسان برای شکمپروریٔ یك شخص وا خواهند گذاشت؟

(ترجمه از اخبار المؤید الغراء)

(مدد بدهید دولت‌خودتانرا. وظاهر کنید حب‌وطنی‌خودتانرا)

ای ابنای شرق! دولت شما شرف شماست، جاه شماست. حریت شماست وجود وهستیٔ شماست! این وجود شما دربنوقت از فشاری بفشارهای واز بلایی به بلاهایی گرفتار آمده که بعد از کمی نعوذبالله هلاك آن محقق دیده میشود.

اعدای وجود شما یعنی دشمنان دولت شما همه‌گی برپا خاسته‌اند وهمدیگر خودشانرا قوت وتوانائی میدهند وباهمدیگر خود شانه میدهند وهمدیگر خودرا نصرت میدهند ظاهر ترین آنها امروزه روز دولت بلغار، ودولت یونان، ودولت صرب، ودولت قره‌طاغ میباشند که بالشکر خود وآتش خود حمله آور گردیده است. در عقب آنها داو طلبان متطوعیست که به انفس واموال وبنین خود بآنها کرم میکنند ودر عقب آنها دولتهای بسیار کلانی در ترصد ونگرانی نشسته‌اند که لابد به آنها مدد های پنهانی میرسانند.

دولت خودتانرا! اگر امروز بدست غیرت‌ملیه وحمیت مشرقیه خود نگرفتید بعد از کمی هیچ فایدهٔ نخواهد کرد که برو بگریید وبانداست بکنید چراکه ندامت وگریستن سودی نخواهد بخشید.

دولت شما از شما مردان متطوع یعنی داو طلب نمیخواهد. زیرا بقدر یك ملیون ودو صد هزار لشکر شجاع بهادر دارد که برای محاربه ومدافعه حاضر ومستعدند. ولی دولت بمخارج حربیه ومصارف جنگاوران خود محتاج است. چراکه خزینه هایش استطاعت وقدرت آنرا ندارد که ازین‌یك ملیون ودوصد هزار عسکر خود نصف آنرا تجهیز وحاضر کرده بتواند. وباقی آنها مانند شیرهای دهن وجنگ بستهٔ میباشند که بسبب بی ذخیره‌گی وبی زاد وراحله گی بجنك براورده نمیشوند. وبجنك بردن این شیرهای دست وپابسته که برای شرف وطن عزیز وحیات ملت مجید خدمت کرده بتوانند هیچ چارهٔ نیست مگر فیاضی وکرم بخشی دستهای کرم شما که بصورت اعانه یعنی چنده بر مجاهدین احسان بکنید.

پس ای شرقیان بنی الدولة العثمانیة وای مسلمانان بنی الخلافة المحمدیه که در شرق وغرب زمین هستید! آگاه باشید که امروز روزیست که در مابین دو چیز فصل میشود (یاوجود یاعدم) پس لازم است که محافظه کنید شرف تانرا، رحم کنید انفس تانرا، مدد بدهید دولت تانرا، یادآوری کنید ملت تانرا. در یابید، باز در یابید! چراکه بر شما نداهای نفی کرده میگوید: یاغوثا

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 443 of 1786

باز باغوناه ! آیا کدام شوندهٔ رشیدی خواهد بود که رشادت وکرم خودرا نشان ندهد ؟

طیاره بازان روسی

رفیق محترم ما (طنین) مینویسد

پنج نفر طیاره بازان یعنی کشتی هواسواران روس بنابر هم مذهبی وهمدردی که بلغارها دارند طیاره ها یعنی کشتیهای هوائی خود شان بشهر (صوفیهٔ) بلغار رسیده اند . این پنج نفر کشتی هوا سواران روسی در خدمت اردوی بلغارستان داخل شده اند بلغارستان دریتوقت ۹ عدد طیاره را مالکست .

(اعلان حرب بالقانها)

دراستانبول آیاچه تاثیر بخشید ؟

اقتباس ازرفیق معززما [سبیل الرشاد] :

درین هفته استانبول یك عالم دیگری گذرانید : هرکس حرب میخواهد . همهملت بحرب حاضر میشوند . اهالی عادتاً یك مسابقهٔ حمیت در آمده ابراز حماست میکنند . کسانی خودرا درسلك عساکر داوطلب مینویسانند . کسانی خودرا در خدمت هلال احر قید میکنند . کسانی نقداً به اعانه دادن میپردازند . فرقه ها بایکدیگر خودشان آشتی میکنند . حمالها ، عرابه چیها ، کرجی های واپور همه گی بحکومت عرض خدمت میکنند . و هرگونه فداکاری و درهرخصوص مددکاری خودشانرا بحکومت اعلان میکنند . زنان حمیتمند اسلام نیز بجمعیت هلال احمر مراجعت کرده برای خدمت کردن به بیماران و مجروحین فرستادن خود شانرا بمیدان محاربه میخواهند . چنان یك جوش وخروشی که ازجشن یك عروسی هیچ فرق نیست .

---

§ از ژاپان یك ندای اتحاد §

کذا : — اخبار (اخوت اسلامیه) که در (توکیو) پایتخت (ژاپان) بلغت انگریزی نشرمیشود یك مقاله درباب حال حاضر اسلام نوشته است که دران مقاله خود بیان نمودهاست که اوروپا بحیلها وسیسهها وحیلهها بممالك اسلامیه هجوم مینمایند . ودرمابین ملل اسلامیه بجهصورت نفاق و تفرقه می اندازند . و اخبار های اوروپادرباب اسلام وعالم اسلام چگونهسخنان غرضکارانه نشرمیکنند بعدازانکه این چیز هارا بتفصیل بیان میکند همهٔ ملل اسلامیه را یعنی مسلمانان عثمانی ، ایران ، افغان هندستان را به اتحاد دعوت میکند . وبه هجومهای خانه ویرانگر اوروپا غیر ازاتحاد اسلام نبودن دیگرهیچ چارهٔرا صمیمانه بیان میکند . در آخر آن میگوید : « امروزه روز برهمه طایفه های اسلامیه واجبات که احوال خلافت عثمانیهرا که یگانه طریق نجات ماباقیماندهاست اندیشه نمائیم ،

محمد ولیخان باسراج الاخبار افغانیه

(ازهیچ جهت هیچ تعلق ندارد)

درشمارهٔ سابقهٔ خود ازرفع بدگمانی خودمان ازمحمد ولیخان به پیروی همعصر معزز خود (زمیندار) چیزی نوشته بودیم ، ونیز چنان قرار داده بودیم که دیگر هیچ ازو بحث نرانیم ولی بنابرخوای (الضرورت تبیح المحظورات) بازمجبور شدیم که لاتعلق بودن خان موصوف را باادرهٔ سراج الاخبار افغانیهٔ علناً اعلان نمائیم : واین مجبوریت ازین بما دستداده که چون دریتوقت دراخبار فواید آثار (سبیل الرشاد) رفیق معززخود یك فقرهٔ مطالعه کردیم که آن فقرهٔ مارا برین اعلان علنی مجبور ساخت .

درنسخهٔ مورخه ۲۹ شوال اخبار راستی نهاد (سبیل الرشاد) درزیرعنوان

(یك هویت مشکوك)

چنین مینویسد که ما عیناً آنرا ترجمه کرده میگذاریم :

« رفیق ما (سراج الاخبار) که اخبار نیم رسمی حکومت افغانستان است درآخرین نسخهٔ اش که برای ما رسیده درباب (محمد ولی خان) صاحب که دروقت حاضر درشهرما [یعنی استانبول] میباشد وخودش را [مخابر فخری سراج الاخبار افغانیهٔ] شناختا نده است یك خبری که موجب حیرت وافسوس است خواندیم که بقصد خدمت کردن درکشف نمودن حقیقت حال عیناً به ترجمهٔ آن لزوم دیدیم » .

بعدازین تحریر مافوق رفیق معززما (سبیل الرشاد) عیناً همان تحریرات مارا که درشمارهٔ (۲۳) سال اول ازقول نامهٔ نگار مصری خود نوشته بودیم بزبان ترکی ترجمهٔ نموده درج کرده است . وبعد ازان یك فقرهٔ که (نی غزته) نام یك اخبار یومی استانبول دربناب نشرنموده آنرا نیز عیناً درج کرده است که مانیز عیناً آنرا ترجمهٔ ونقل مینمائیم :

نی غزته درزیرعنوان میتنگ در هندستان

چنین مینویسد :— « مخابر مصری اخبار (سراج الاخبار) که درکابل منتشرمیشود درحق مخابر اخبارهای هند محمدولیخان که الیوم دراستانبول میباشد بعضی نشریات غرضکارانه نوشته است که چون این خبر را اهالی مسلمهٔ هندستان شنیدند درزیر ریاست [نوابزاده امیرالقخان] که از مأمورهای مکتب ملی (علی گهر) میباشند یك میتینگ بسیار محتشم عقد کرده نشریات مخابر موی الیه راکه سراسر خلاف حقیقت است تعین کرده اند ، وبه امضاو دستخط [علی عباس موختدی] از پشاور بنام صدار تعظمای استانبول تلگراف کشیده شدهاست که محمدولیخان یك مجاهد معروف اسلام است ، ویك ذات بالقدریست که امین واعتماد مسلمانها را حائز میباشد .

بعداز نقل این روایت (تیخرته) باز اخبار اسلامیه معتبرهٔ (سبیل‌الرشاد) چنین مینویسد :

« اما بفکرما [یعنی سبیل‌الرشاد] چنین میرسد که اگر محمدولی خان خودرا بایان بصفت افغانی ومانند یك شخصیکه دراداره (سراج‌الاخبار) معروف باشد نمیشناختاند ممکن بود که باین نشریاتی که درحق شان واقع شده چندان اهمیت واعتباری نمیدادیم . دیگر اینکه چون متینگ درزیر ریاست (نوازاده امیرافغان) بوقوع آمده است آیا چسان میشود که تلگرافی که بمقام صدارت کشیده شده خودش امضاودستخط نکرده (علی عباس هوختدی) نام یك شخصی آنرا امضا ودستخط میکند ؛ دیگر اینکه انسانرا یك تردد یعنی شبهه حاصل میشود که آیا همچنین یك متینگی عقد شده باشد یانی ؟ این است درخصوص هویت ــ یعنی که بودن محمد ولی خان بعضی سوالها وملاحظه هائیکه جوابهای صریح میخواهد تاازروی وجدان وحقیقت یك رأی قطعی درانباب داده شود !...

سراج‌الاخبار افغانیه بناءو جهیکه درشمارهٔ سابقهٔ خود نموده درین باب دیگر دلایل وبراهین موثوقهٔ ملاحظات خودرا بیان نمیکنیم . ودرحق شان هیچ بدگمانی بوده نداشتیم ولی باینقدر اعلان مجبور هستیم که بگوئیم : (محمدولی خان باسراج‌الاخبار افغانیه ازهیچ جهت هیچ تعلق ندارد) ونه خودشرا ونه اسمشرا قبل ازتحریرات مخابر مصری خود هیچ نشناخته ونشنیده بودیم . ونه اورا هیچ معرفت وشناسائی دارد . هیچ غرض شخصی وهیچ منفعت مادی ومعنوی درمابینما بوده ونه هست . مارا باین تحریرات نیز لزوم نمیدیدیم . ولی چه چاره که ماشرف مخابر مصری شان چون سرافراز نمیباشیم . ونبودیم ونه هستیم ازاین رو باعلان کیفیت خودرا مجبور دیدیم .

(ترجمهٔ اخبارات اردو)

اوریل مستر عارف که یکی ازمعززترفا کلکته هست جهت معلوم کردن حالات جنگ بلقان بذریعه تاربرقی ازخدمت حلمی پاشا سابق وزیر اعظم وحال میرمجلس تمام انجمن های هلال احمر قسطنطنیه استفسار نموده بودند چنانچه بجواب جهت ذیل تار پاشاه موصوف فرستاده‌اند ــ خبرقیدشدن پنجاه‌هزار ترك بی‌بنیاداست تاحال هرقدر عثمانی سپاه بطور کلی درمیدان جنگ رفته همه نصف لك هست حصه بزرگ سپاه‌ما درایشیا ئ کوچك وملك شام هست بسبب جنگ اطالی و ترکی سپاه‌را ازراه دریا فرستادن دشوار بود ــ درین اثنا ریاست های بلقان انتظام خودهارا مکمل کرده باشش لك سپاه در سرحدما حمله آور شدند ماهمراهی ابتدای سپاه مقامی خود که سوم حصه فوج غیرشمرده میشود حفاظت تجارت وبندرگاههارا میکنیم مسلسل کمك فرستاده جمعیت خودرا تقویت میدهیم اگرچه درچندجا فتح بحصه ماریسید لاکن درچند جاهای دیگر دقت ودشواری هم پیش آمد مااز خداوند عالم امید داریم که آخرفتح نصیب ما خواهدشد درجنگ کرك قلیسه چهل‌هزار ترکی فوج همراه لشکر غنیم برسر پیکار بودند ازین یك هزار هم نقصان نشده مارا کامل امید هست که هندوستانی مسلمانها وهم مذهبان خودما کامل همدردی باماهان دارند دریتوقت ضرورت مالی امداد داریم تاکه مرحمت پی زخمیها بوجه احسن کرده شود دوستان عثمانیه ومسلمانان برطانیه را لازم است که ضروری سامان چهار هسپتالهارا سرانجام نمایند وانجمن هلال احمر توقع دارد که مصارف یك حصه شفاخانهارا مسلمانان هند بذمه خود بگیرند .

برطانوی مجلس هلال احمر بخدمت جمله مسلمانان برطانیه ونیز خدمت برتش قوم اپیل میکند که ریاست های بلقان بردولت عثمانیه یورش آورده بجنگ مجبور ساختند این خوفناك تکلیف ومصیبت را مدنظر داشته تمام مصافی وغیر مصافی آبادی یکسان شریك جنگ خواهدشد مابنت التجا میکنیم که تیمار داری بیمارها وزخمیها ومصیبت زدهها مالی امداد فرمایند برادران جنگی متحده بلقان مسلسل هرقسم کوشش برای شان دارند برطانوی انجمن هلال احمر یقین واثق میکند که قوت سلطنت برطانیه جذبات مسلمان رعایای خودرا مدنظر داشته درسرمایه مجلس هلال احمر بعجلت حصه خواهد گرفت .

لندن ۳۰ اکتوبر ــ نوجی مبصرین رای میدهند که در معرکه گردنواح ادریانوپل لسیم فتح جانب ترکها وزیده بالای صوفیه کامل برده سکوت افتاده علاوه محصور شده فوج ادریانوپل یك لك هشت هزار جوانان جرار زیرکمان ناظم پاشاه در میدان جنگ هست ازین بیش خبرهای که رسیده معلوم میشود که مرکز جنگ جانب علاقه چرکیس کوی سرای واسترنجه منتقل شده(چرکیس کوی سرای ازلول برغاس ۱۵ میل جانب جنوب واسترنجه از چرکیس کوی سرای جانب بحراسود ۴۰ میل دورواقع هست) خبرما بعد ناظم پاشاه دیشب ازمیدان جنگ تار میدهند که یك اهم جنگ از دوشنبه شروع شده تاحال جاریست ترك مظفر ومنصور دیده میشوند یك بلغاریه بتالین را ترکها ازلشکر بزرك بلغاریه جدا کرده درمیان میدان کرك قلیسه ویرا سخت نقصان رسانیدند .

ناظم پاشاه دریك مراسله خود مینویسد امروز بوقت صبح که مراد ازدیروز خواهدبود یك عظیم الشان جنگ شروع شده یکنیم لك افواج فریقین در میدان معرکه اراهستند حال ترکها قرین نصرت وقابل اطمینان هست .

خبربعد مابعد ــ فوج ادریانوپل ازقلعه بیرون آمده ازجانب مرش سمت مغرب یك بلغاریه برگدرا سخت نقصان رسانیده جانب هراج کوی وکان کوی گرزانید نقصان برگد بقدر هشت صد نفوس شد .

لندن ۳۰ اکتوبر ــ سرکاری ترکی تار مظهر هست که در شمال ومغرب ــ رفتنی بمقام قرنی جنك هست یونانیان پس پاشده میروند .

قسطنطنیه ترکی وزیراعظم استعفا داخل کرد بجایش کامل پاشا وزیراعظم مقرر شده‌اند ودرساعاتی فرمان وزیراعظم راعدایت کرده‌شده که مستعدی واستقلال جنگ جاری دارد تاشان دارفتح حاصل کرده شود . (مترجم عبدالرحمن بیك)

ازپیسه اخبار ـ مورخه ۲۲ اکتوبر سنه ۱۹۱۲

ریل افغانستان

دراشاعت گذشته همعصر سراج الاخبار برفوائدونقصان ریل بحث رانده ظاهر نموده شده است که اجرای ریل در مملکت افغانستان بهرنوع مفیداست لاکن الحاق ریل افغانستان بسلسله ریل روسی ویا انگرزی برای خود مختاری ملك نهایت خطرناك است اخبارپاونیر رای زنی میکند که چونکه سراج الاخبار اخبار سرکاری است وهیچ کدام مضمون بغیر منظوری اعلیحضرت امیرصاحب دران شایع نمی‌شود بنابرین نتیجه مضمون فوق آنست که در افغانستان سلسله ریلوی که براه راست گذشته به سلسله ریل ممالك غیر ملحق گردد هرگز اجرا نخواهد یافت

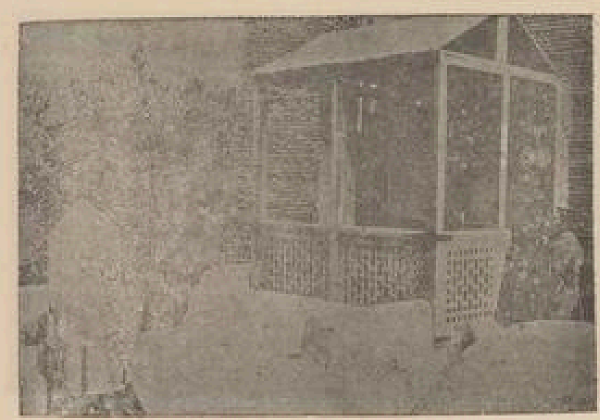

(اعلحضرت برقبر وزیر فتح خان مرحوم فاتحه میخوانند)

البته اندرون ملك افغانستان بعدازچند مدت ریل جاری کرده خواهد شد —

درحقیقت ریل نهایت مفیدشی است امابعض اوقات مصالحات سیاسی بخلاف آن متقاضی میگردند فقط

(سراج الاخبار افغانیه)

ماباربار گفته‌ایم که (سراج الاخبار افغانیه) اخبارسرکاری نی بلکه اخبارتجارتی وطنی میباشد که این عبدعاجز یعنی (محمودطرزی) نیزصاحب امتیاز ومحرر وناشر آنست . حالانکه اخبار پاونیر رأی زنی کرده اخبار مارا ومقاله که درباب ریل نوشته ایم همه را سرکاری برقم داده ومانند یك سخن رسمی دولتی تلقی کرده است . واین شبهه اکثر ازین پیش می آید که بسر اخبار ما عبارهٔ (نگران علی احمد خان ایشیك آقاسی حضور اعلحضرت همایونی) نوشته میباشد . حالانکه این نگرانی جناب سعادتمآب علی احمد خان ایشیك آقاسی بطرز (سانسور) یعنی جاسوس تحریرات محررهٔ اخبار ماینست . وبجز بعضی تبلیغات رسمیه که گاه گاهی برای نشرشدن به اخبارما میدهند وبه امضای خود شان درج میشود دیگرهیچ معاونت محرریه باماندارند . ونه از نقطهٔ نظر تجارت وسرمایهٔ مالی باماشریك میباشند واسم شانرا ازانجهت مینویسیم مقاله که ما درشماره ۲۴ سال اول خود بعنوان (راه آهن ریل افغانستان) نوشته‌ایم اگر به امضا ودستخط جناب نگران مامیبود البته که بصورت رسمی شناخته میشد . حالانکه مادر آخرهراخبار خودمینویسیم که مقاله‌های بی دستخط ازقلم خودمدیر وسرمحرر است حتی اگر محرر اخبار پاونیر همان مقالهٔ مارا بخوبی ودقت مطالعه مینمودند هیچ شبهه نیست که این فقره ازنظرشان میگذشت: [فکریك جزیست که درزیر انحصار نمیدراید . هرکس از فکرخودش مسئولست وبدیگر افکار جهت تعلق ندارد . سرمحرریك اخبار والا هیچگاه دست آویزسخن دولتی شمرده نمیشود .] پس اگر دراخبار ماهر رأی وفکر شخصی وعقیدهٔ مارا سخن رسمی دولتی تلقی نموده جواب بگوییم موجب سوءتفهمات گردیده بعضی غلط فهمیها رامیدان میدهد . اگر بقرار قول پاونیر هیچکدام مضمون بغیر منظوری اعلحضرت امیر صاحب در اخبارما درج وشایع نمیشد ذات اعلحضرت پادشاه مقدس ما میبایست که همه کار های مهمهٔ سلطنت را ترك داده تنها به تصحیحات ومنظورات مضامین اخبار مشغول میشدند؟ حالانکه ذات اعلحضرت شهریاری بوظایف مقدسهٔ مهمه سلطنت مشغولند که منظوری ونامنظوری مضامین اخبار یك اخبار والا اوقات مسعودهٔ شریف شانرابه مشغول نمودن وقت نمیاید ! این عبدعاجز بجز یك اخبار ولای افغانی دیگرهیچ چیزی نیستیم . ونوشته‌های ما ترجمان افکار وحسیات خود ماست درباب دولت وملت ووطن ما . مسایل مهمهٔ رسمیهٔ سیاسیهٔ دولت را بدون اجازهٔ دولت وامضای نگران خود درج کرده

نمیتوانیم. در باب فواید، ومضرات، وضرورات ریل همین‌قدر چیزی که بفکر ناقصانهٔ ما رسیده بود نوشته بودیم. وبسبب دفع غلط‌فهمی همینقدر تردید مجبور گردیدیم.

ما باز بآواز بلند میگوئیم که تاوقتیکه دولت مستقلهٔ علیهٔ افغانستان بردوام باشد، واقوام دلاور وبیدار افغان ازروی زمین محو ونابود نشده باشد گذشتن ریل دولت غیردین از افغانستان محال وغیر جائز است. ولی برای خود افغانستان از طرف خود دولت افغانستان ریل لازم وضرور است.

الحمد لله والمنه که در مسلمانان هم آثار بیداری حالا خوبی پیدا شده که چنین زمان نیز بظهور میرسد فقط بعد ازین چیزی که زیاده‌تر مسرت افزاست این است که برادران ترک یک فتح عظیمی بر بلغاریه همان جمعهٔ گذشته حاصل کردند که در تاریخ دنیا یادگار خواهد ماند — یعنی برادران ترک اهل بلغاریه‌را که بجمعیت دولک لشکر حمله نموده بودند بمقام (ایدریانوپل) شکست فاحش دادند چنانچه شاهزاده بلغاریه هم در میدان جنگ بقتل رسید — وبسیار ذخایر وتوپ وتفنگ وسامان حرب بدست بهادران ترک افتاد الحمد لله علی کل حال فقط این خبر بذریعهٔ تار برقی برای مسلمانان پشاور رسیده هنوز در اخبارات شایع نشده وخبر از قسطنطنیه میباشد وبالکل صحیح ودرست است.

امضا
س — ا

(عیناً مکتوب)

الپشاور.

(جنگ بلقان ومسلمانان پشاور —)

الیوم یکشنبه سلخ ماه ذی قعده الحرام بیرون دروازهٔ کابل وکتوریه یک جلسهٔ شانداری از طرف مسلمانان پشاور برای جنگ بلقان منعقد گردید منظر عجیب آن قابل سماع هر فرد مسلم میباشد لهذا کیفیت آنرا برای شما می نگارم. مقصد ازین جلسه صرف حمیت دینی وجوش اسلامی وهمدردی همراه برادران اسلامی وشهدای جنگ وپس‌ماندهٔ گان شان بود مردم پشاور بسیار بفراخ دلی چنده دادند وقریب پانزده‌هزار روپیه کلدار بقدر عرصهٔ یکساعت وصول شد سخنی که در اینجا قابل ذکر است جوانمردی یکمردی است که در جلسهٔ مذکور پسر خود را پیش نموده کاینرا اعلام نموده هرقدر روپیه که وصول شود برای جنگ بلقان وبرای مدد مجروحان جنگ فرستاده شود چه عرض کنم: درین وقت حالتی که بر مسلمانان طاری بود یارای بیان آن در قلم نمی‌بینم فی‌الجمله آن طفل بمبلغ یکهزار روپیه کلدار بفروش رسید بعد از وصول روپیه طفل مذکور واپس بمادرش سپرده وچون زن مذکوره بسیار غریب است بدین سبب برای آن نیز چنده نمودند ومبلغ سی روپیه بآن دادند لاکن [illegible] حمیت آن روپیه را نیز برای مدد مجروحین از طرف خود هدیه نموده

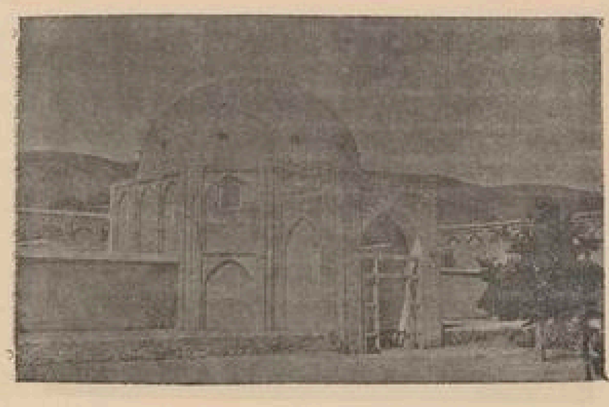

گنبد مقبرهٔ حضرت سلطان محمود غزنوی که بحسب الامر اعلیحضرت سراج الملة والدین روحی وجسمی فداه ساخته شده است

(مقاله مخصوصه)

(بشریت تا بکجاها ترقی میکند؟)

بشریت که گفته شد مراد از نقطهٔ وحیده ایست که آنرا (دماغ) میگوئیم. وگرنه در خون، وحرکت وخوراک، وخواب ورفتار. از دیگر حیوانات چه فرق است؟.

حضرت خلاق عظیم الشان جلت عظمته ماشین دماغ انسانرا به چنان یک ترکیب بدیع، وتشکیل غریبی تخلیق فرموده وچنان یک قوتهای خارق العادهٔ را در آن وضع نموده که همه کائنات بدین عظمت را در آن گنجانیده، وهمهٔ اشیا را با آن به او مسخر ساخته!

نسبت وجود بشر را اگر با کوه بلند (هملایا) بکنیم آیا بشر چقدر کوچک وحقیر بنظر خواهد ماند؟ وچون آن کوه را نسبت بهٔ حجم کرهٔ زمین که کوههای بلند نسبت به آن همچون آبله‌ها [illegible] بعود [illegible] مقایسه کنیم. واگر کرهٔ زمین را با کرهٔ شمس منیر — که دوازده لک [illegible] از زمین افزونتر است — [illegible] شمس را به فضای بی‌منتهای که به کرور ها

اقیانها دران دور وسیر دارد قیاس نمائیم آیا در انوقت انسان را چه خواهیم یافت ؟

هیچ !

البته هیچ ! اما چه هیچ ! هیچی که همهٔ آن عظمتها را در محفظهٔ دماغش گنجانیده ! بهمهٔ موجوداتش رهبری کرده بر وسعت بلا انتهای سمای بحد وپایانش آنقدر دوانیده، که غیر محدود بودن هر دوی شان ثابت گردیده ! (ایجاد) نام یك قوتی را مالك شده که بواسطهٔ آن صاعقه نام بلای اسمانی را بدام آورده ودر آبش غرق ونابود گردانیده ! کوههای پرسنگلاخ سر بفلك کشیده را از هم شکافته وراه خودرا در جگرش باز نموده ! برای دوران خون حیات آبادی زمین رگهای آهنین خطهای ریلهای سرعت مکین را تمدید کرده ! الکتریك نام یك اسرار بدیعهٔ غیر مرئی را در زیر حکم وضبط خود در آورده همهٔ کرهٔ زمین را بواسطهٔ آن یك مجلس انس مکالمه ومخابره ساخته ! سینهٔ ثروت دفینهٔ زمین را غربال آسا شکافته وهمهٔ ثروتهای مخبیه اش را در تصرف خود در اورده ! بحر بدان عظمت ، هوای با آن وسعت را نیز در زیر چرخهای دربند ناوت ها ، واوروپلان های خویش رام ومطیع ساخته !

حالا معلوم میشود که در یك نقطهٔ (هیچ) چه اسرار ها وچه بدیعه ها مندرجست . ذات اقدس حضرت أحسن الخالقین جل وعلا کائنات بی منتها را در نقطهٔ دماغ بشر بچنان اتقان پنهان وگنجان نموده که خود ذات اقدسش نیز مدح آن کمال غوریت الوهیتدا بکلمهٔ (أحسن الخالقین) تبریك فرمودهاست.

دماغ بشر ، که عبارت از یکچندپارچه استخوان ، ویك جسم نرم مسکه مانندیست آیا اینهمهٔ کائنات را چسان در بر گرفته توانسته است ؟ بیکباره آئنه یك پاره سمای با عظمت را با اجرام آن چسان در خود منعکس میتواند ، دماغ نیز کائنات را همچنان در بر میتواند بگیرد !

فکر ایجاد ، واختراع چنان یك واسطهٔ خارقه نمائیست که ماشین دماغ به تضییق وفشار اجبرهٔ حواس عشره هزاران هزار خارقه ها ، وبدیعه ها ازان بروی کار آورده در تسخیر عالم طبیعت آنرا استعمال مینماید . فکر ایجاد از فعالیت دائمهٔ ذهن ودماغ بوجود می آید . هر انقدر که دماغ دائما در کار افتد همانقدر بیشتر مانده میشود ، وچون از یك کار مانده شود طبعاً درپی کار نو دیگری میافتد که این تجددات اعمال ذهنیه (فکر ایجاد) را بوجود می آورد .

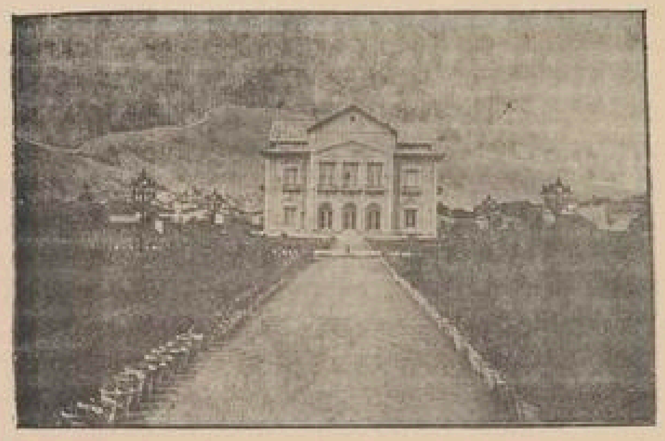

(زین العمارات)

مقام عالی نایب السلطنه صاحب القسم

بعضی فکر ایجاد را ازاحتیاجات روز افزون مدنیت میدانند هر انقدر که مدنیت ترقی کند احتیاجات بشریت نیز همانقدر افزون میگردد . مثلا از وقت خلقت آغاز کنیم : انسانها عریان وبی خانه وسامان پیدا شدند . احتیاج پوشاك شان بران واداشت که ایجاد دام وکمند . ونقلذا ازالیفهای نباتات بکنند ، وبواسطهٔ آن حیوانات پوست دار پشم دار را بدام آورده وپوستین شانرا از دوش شان ربوده بر خود بپوشند . وچون یکقدری مدنیت بنی جمعیت شان ترقی کرد این گونه پوشاك را برای خود کافی ندیده ریشتن وبافتن پشم شان ایجاد گردید . تا آنکه رفته رفته به اندرجه قماشهای درخشان امروزه روز واصل گردید . کذلك در اول امر بی مسکن بودند . حیوانات را دیدند که زمینها وتپه ها را میکاوند ، ودران سکونت میگیرند ، ومرغان

درشاخهای درختان از خس وخاشاك آشیان میسازند . لهذا ایجاد سمج ، وچیزی بوجود آمد . وچون مدنیت روبه ترقی نهاد اینگونه نشیمن گاه را کافی ندیده از خشت وگل ، ورفته رفته از آهن وبلور خانه ها عمارتها کاشانه ها ساختند . تا آنکه رفته رفته برجهای سه صد متره آهنین ایفل پاریس ، وعمارتهای بیست وبنج طبقه‌ئی امریکا بوجود آمد .

والحاصل فکر ایجاد محصول دماغ است . محرك دماغ شعشعه پاشهای مدنیت است . فکر ایجاد ، با ترقی صنایعات مدنیه یکجا ترقی میکند . در حالیکه تنها یك پوست حیوانی برای پوشاك بشر کفایت میکرد ، دربنوقت غیر از چند رقم دریشهای مکمل بدرجها کف وکالر ، حتی یکچند رقم دسمالهای گردن ، وبرسر آن چند رقم (پن) یعنی سنجاقهای ان دسمال گردن ازبرای یك انسان مدنیٔ این زمان کفایت نمیکند ! انسانها چون اول یك کشتیٔ چوبی ازتنه های کلفت میان کاواك درختان بدست آوردند وبواسطهٔ آن بر روی آب یك نهری یا یك تالابی یك جولانی اجرا نمودند آیا چه مسرتها وخوشنودیها برای شان حاصل شده باشد ؛ حالانکه رفته رفته مانند (تیتانیك) واپورهای شهر آسایز به احتیاجات مدنیهٔ عصر حاضر کفایت نمیکنند، کذلك هنگامیکه اول بار انسانها یك مرکوبی بدست آورده بواسطهٔ آن یك سیر ودوری کرده باشند آیا چه قدر یك غروری وچسان یك سروری بهمرسانیده باشند ؛ حالانکه رفته رفته بدرجهٔ رسیده اندکه قطارهای ریلهای اکسپرس یعنی ریلهای داك تجاری را کافی ندیده بقوت برق رفتار ریل را مطلوب دانسته وقس علی هذا البواقی .

آیا بشریت برهمین قدر ترقیات مدنیه قناعت کرده دربیٔ دیگر ایجاد های عجیبه وغریبه نخواهند افتاد ؛ حاشا ! ذهن بشر نه آنقدر وسعتی دارد که ایجادات واختراعات خارق العادهٔ غرایبات آنرا حدی ونهایتی باشد . قوهٔ الکتریك هنوز گوشهٔ رخسارهٔ درخشان خودرا از پس پردهٔ اسرار خانهٔ طبیعت نشان داده است که هنوز از امید های عظیمهٔ که ازآن ملحوظ است ذرهٔ بروی کارنیامده ! بالون واوروپلان یعنی کشتیهای هوائی هنوز چه چه کمالیست که نوزائیده شده افتان خیزان کم کم پرواز میکنند ؛ (رادیوم) نام جوهر حیات تنها نام خودرا در عالم طبابت نشان داده ولی هنوز بتجلیات میدان خوارق ندرامده !

آیا گمان میبرید که غیر ازین دیگر فکر ایجادی باقی نمانده باشد؟ نی . نی ! هنوز چه چیزها خواهیم شنید ! بشنوید که یك چیزی ازانچیزها عرض کنیم : یك زنی از توانگران فرانس وفات یافت . مبلغ (۲۰۰۰۰۰) هزار فرانگ به دار الفنون وصیت نمود . اما میدانید که این مبلغ برای چه چیز وصیت شده بود؟ هیچ حیرت مکنید . چونکه این مبلغ برای یك مقصد بسیار عالیٔ به دارالفنون بخشیده شده است که انعم برای آنشخصی داده میشود که اصول مخابره وپیام رسانی‌را با یکی ازسیارات ـ غیر از قمر ومریخ ـ کشف نماید !

مقصد این است که استعداد کشفیات وایجادات بشر سیارهٔ کرهٔ زمین را با دیگر سیارهٔ های همسایه‌اش بدرجهٔ مخابره وپیام رسانی وامیکشد ! ! اما آیا این ممکن خواهد بود ؟ این است که ممکن بودن ونبودن آنرا مرور زمان وترقیات فیه معین میگرداند ! . . .

پس ببینیم که مدنیت تا بکجاها ترقی کرده میتواند ؟ . . .

مقالات علمیه

(فن جغرافیا)

(تعریف معنی لغوی واقسام آن)

(جغرافیا) علمیست که از (کرهٔ ارض) بحث وبیان مینماید . جغرافیا از لغات لسان یونانی است که درلسان یونانی (جی) یعنی (کرهٔ ارض) وکلهٔ (ووغرافو) نیزبمعنی (تعریف) مستعمل میشود پس اصل این کلهٔ [جیووغرافو] است که بنابر تخفیف (جغرافیا) میگویندش اصل ترجمه آن عبارت از (تعریف کرهٔ ارض) است . امامعلم جغرافیا تنها بیك لفظ تعریف کرهٔ ارض منحصر نی بلکه هم وقایع طبیعیه که به کرهٔ ارض متعلق است وهم قواعد الوقایع را توضیح وبیان میکنند .

فن جغرافیا اساساً بر سه قسم منقسم است که اول آنرا ـ (جغرافیای ریاضی) ، وثانی آنرا [جغرافیای طبیعی] وثالث آنرا (جغرافیای سیاسی یاملکی) میناماند .

جغرافیای ریاضی علاقهٔ کرهٔ ارض را بامنظومه شمسیه اساس اتخاذ نموده ازشکل وجسامت ارض وازتوالی لیل ونهار وازتتابع فصول اربعه، واز اصول ترسیم کرهٔ مجسمه وخریطه ها بحث میکند .

(جغرافیای طبیعی) علاقهٔ کرهٔ ارض را بالقواعد طبیعیه اساس اتخاذ نموده از خشکه ، واز آب ، واز هوا که ترکیب کرهٔ ارض ازانها بعمل آمده‌است ، واز نباتات ، واز حیوانات که برروی زمین ودرآب زندگانی دارند بحث وبیان مینماید .

(جغرافیای ملکی) بنام دیگر جغرافیای سیاسی علاقهٔ کرهٔ ارض‌را باانسان اساس اتخاذ نموده ازتقسیم مملکت وسیاسی ، واز اصول تعیش ومدنیت ومشغولیت اهالی ، واز احوال حکوماتی که زمام امورات اداره وحکمرانی ایشان متعلق بدانست باحث و ناطق است .

فن جغرافیا بنابراهمیت اقسام مختلفه‌اش ازعلوم بسیار گرانبها و بغایت محتاج‌الیها یك فنیست که از مطالعهٔ آن انسانرا بصیرت تام ، ومعلومات مالاکلام حاصل میاید .

اساس این فن عالی‌را اگرچه قبل از مدت مدیدی حکمای قدیمه یونانیون گذاشته‌اند اما در اعصار جدیده و زمان حاضره ترقی ،

ووسعت . واعتنا واهمیت آن بدرجه پیش رفته که تطبیق آن باجغرافیای قدیمه هیچ مناسبت ندارد . دراینزمان فن جغرافیا ازعلوم بسیار متداوله وعمومیست که اگرکسی از نظریات آن باخبر واگاه نباشد خودرا مانند نابینی در میان نشسته گمان می پندارد . درمکاتب عالیه وابتدائیه اولیقی که متعلمین رامی اموزند همانا جغرافیاست . چونکه فن جغرافیا از احوال عالم واعداد حکومات وحساب نفوس وطرق واردات . واصول تجارت . وانواع معیشت . واکتساب حرف وصنعت انسانرا بخوبی باخبرواگاه میسازد که ازروا موختن وتعلم این فن جلیل مراولاد وطن را لازم لواز مالست . (سراج الاخبار افغانیه) چونکه برخود لازم دانسته که ازهرگونه علوم وفنون عالیه قارئین کرام استفید نماید ازانسکه از اساس فن جغرافیا وتقسیمات آن نبزشهٔ عرض نموده وبتوفیق خداوندی امیدواراست که ازهرقسم آن نیز جداجدا مباحث مختصره مفیده بقارئین کرام عرضه نماید .

(عیناً ترجمهٔ مکتوب)

(فن اسبنجیاری یعنی دواسازی)

انسانها برای دوام دادن حیات چنانچه به غذا محتاج است همچنان بدواها نیزبهمان نسبت محتاج میباشد . اینست که این مسئله ازطرف همهٔ دولتها بنظر اعتبار گرفته شده برای بسر رسانیدن طبیبها (واسبنجیار) یعنی دواسازهای باعلم وفن لزوم دیده اند . وبنابرین اساس بقبول کلفت ومخارج برباز نمودن مکتبهای این فن قرار داده اند . درجهٔ حذاقت ومهارت طبیب بهر قدریکه باشد باشد ولی بهمه حال لازم وضرور میداند که (رچته) یعنی نسخهٔ دوای را که ترتیب میکند آنرا بدست اقتدریك دواساز باعلم وفن که صاحب شهادت نامهٔ مکتب باشد تودیع وتسلیم نماید . زیراکه دارالفنون شعبهٔ (فن طب) جدا . وشعبهٔ (فن اسبنجیاری) جداست .

یك اسبنجیار متفنن یعنی یك دواساز شهادت نامه دار باعلم وفن مجبوراست برین که هر رچته یعنی نسخهٔ دوای راکه میخواهد بسازد اولا ازروی فن تدقیق کند که آیا این نسخه دردایرهٔ فن نوشته شده است یانشده است . یعنی مقدارهای طبیهٔ آن بفن براراست یانی . ثانیاً به بسیار دقت بینی باید که تدقیق کند که آیا این نسخه (عدم قابلیت ائتلاف) تشکل میکند یانمیکند ؟

(عدم قابلیت ائتلاف) چیست ؟ برای فهمانیدن اینمسئله ازقوانین (رتوله) بحث نمیکنیم . بلکه بصورت آشکارا افادهٔ مرام باید بکنیم : مثلا یك دوای که فقط درروزده بایست گرام خورده شود هرگاه سهواً ازطرف طبیب در مقدار آمیختن وآمختن آن دوای متضاد آن غلط نوشته شود ودواساز هم باعلم وصاحب فن نبوده آنرا بهمانطوری که طبیب بسبب اشتغالات ذهنیهٔ خود سهواً نوشته باشد بسازد . هاندم دران دوایك فعل کیمیوی بعمل آمده یك زهر شدید قاتل تشکل میکند که بیست غرام آنرا نی بلکه نیم گرام آن برای تلف کردن یك انسان کافی می آید طبیبا گرهرقدر حاذق باشد بازهم برحسب بشریت یك روزی میشود که ازمشغولیت بسیار باگرفتاری افکار مقدار یك دوای را ازحدلازمی آن بیشتر ویایك متضاد آن برابر درنسخهٔ خود بنویسد . اینست که این جزءهارا اسبنجیار یعنی دواساز عارف فن خواندهٔ مکتب دیدهٔ باشهادت نامهٔ میفهمد ومعاینه میکند . اگراسبنجیار درفن اسبنجیاری . ودرفن کیمیای وقوف بوده مانند یك عطار عادی نسخهٔ را چنانچه حکیم نوشته باشد بسازد حیات مریض را تعمیر نی بلکه تخریب میکند . یعنی سبب وفات او میشود .

فن اسبنجیاری یکی جهت نظری . ویکی جهت عملی دارد جهت نظری آن این است : که خواص حکمیه وکیمیویه وطبیهٔ همهٔ نباتات . ومعدنیات . وحیواناتی را که درفن طبابت مستعمل است همه را بخواند وبداند . وازجوهرهای همهٔ دواها راه فایده برداشتن را بفهمد . جهت عملیهٔ آن اینست که هرنوع مستحضرات طبیهٔ همهٔ دواهارا موافق بر (کودکس) نام دستورالادویهٔ فنی ساخته بتواند . ودر (لابوراتوار) هایعنی کارخانه های دواسازی بسالها عملیات رابه بیند . وبدست خود اجرا کرده دواسازی را بیاموزد .

اینست که دولتها برای آنکه همهٔ مستحضرات اسبنجیاری رامانند تنتورها . وخلاصه ها . واکسیرها وجمله دواهای حاضرشدهٔ طبی خودشانرا تازه بتازه درملکهای خودشان بسازند وبه آوردن ازخارج محتاج نشوند بوجود دواسازهای متفنن وشهادت نامه دار بشدت لزوم دیده اند .

درسایهٔ ترقیات آیهٔ اعلیحضرت (سراج الملة والدین) دولت علیهٔ افغانستان نیزامروزه روز یك اجزاخانه یعنی دواخانه مالك است که هرنوع مستحضرات خودرا درملکت خود ساخته بتوانداست که آنهم دواخانه (شفاخانه ملکی) میباشد .

[سردواساز شفاخانهٔ ملکی شاهانه]

(م . شمس الدین)

بسم الله الرحمن الرحیم

نسئل الله تعالی ان یجمع شمل المسلمین ویعلو کلمة الاسلام
علی العالمین وابقائه لتنویر السراج الملة والدین آمین

جناب محترم والاقدر سعادت ونجابت بنیان ذلیاء محمود خان آغا را کثرالله تعالی امثاله . بعدعا واضح خاطر شریف آنکه کراما پادشاه معارف پناه سندالسلاطین ظل الله تعالی فی الارضین اعلیحضرت سراج الملة والدین لازال ظلال دولته ممدودة وآثار شوکته محمودة درامور مذهبیه جمیع اهالی افغانستان را هر قسم اعانت وهمراهی

دارد بنوعی پای‌بند احکام شرعیه اند که هیچ نقطهٔ از وظایف دینی را معوق نمیدارند ترقی‌خواه رعیت پرور عادل باذل معارف‌شناس علم‌دوست اند در ترویج دین‌مبین وترتیب ملت ورفع احتیاجات دولت ما آنی‌را فرو گذار ندارد میتوانم گفت در اسلامیان خصوصاً درافغانستان باین دیانت وبذل ورعیت پروری کمترکسی قیام کرده باشند ترقیاتی که‌درین چندساله سلطنت شهریارجوانبخت مادرامور دولت وتجارت وانتظام کشور وتربیت لشکر ومدارس علوم وغیره شده‌است ظاهرمیدارد که در زمان قلیل این ملت نجیب ودولت قویم افغانستان را بمدارج بزرگ نایل‌خواهد شدوباعث ترقی گونه گونه اسلامیان عالم خواهد گردید اگر بخواهم جزء جزء ترقیات دولت خودرا شرح دهم باعث تطویل است‌تنگی وقت مانع می آید

خلاصه آنکه چون وطن‌خواهی واخلاص ومحبت شمارا بهمرای پادشاه دل‌آگاه درین یکسال درسراج‌الاخبار ملاحظه کردم وجود شما وخیرخواهی شمارا غنیمت‌دانسته همواره درحق‌شما دعا کردم زیرا که امروز برماوشما لازم است که ابناء وطن خودرا ترغیب بمحبت پادشاه سعادت اکتناه ومحافظه وطن وبعلم آموختن امور دینیه کنیم که علم است که بربریان وحشی افریقا را ازتیه جهالت بروضهٔ هدایت آوردند مبانی علم است که در کوچکترین دهکدهای یوروپ ترقیات وحشمت نصیب اجانب ساخت درشش صد قبل ازین دولت اسلام نخستین دولت متمدن روی زمین بود مسلمانان اولین ملت عالم ومعلمین اوروپا ازاهل اسلام بودند چنانچه لیبانیه که لیست بسائر نقاط یوروپ به نشر علم واساس تقدم داشت بواسطهٔ حکماء ودانشمندان اسلام علم وحکمت سرایت کرده بود تاالآن نام علما وحکماء اسلام را اوروپائیان باحترام‌تمام میبرند اگر کسی کتاب اکتفاء القنوع را ملاحظه فرمایند خواهد دانست که چه قدر کتاب ها را اهل فرنگ از اهل اسلام ترجمه کرده است وزبانهای مختلفهٔ یوروپ درمملکت های‌شان متداول است پس چه شد که آنها بعلت علمی که از ما گرفتند ازما پیش افتادند الیوم برخداوندان حل وعقد ومدبران رتق وفتق امور واجب ومتحتم است که درین هنگام درخت سعادت ابدی درچمن باغ مرادوطن بنشانند واساس وترقی وپیش‌رفت امور این‌مملکت را برپایهٔ استوارعلم نهند بنویسید تاطبایع هموطنان مااز قلب وعمق ازمحبت پادشاه عدالت قرین اعلیحضرت سراج‌الملة والدین دام‌ملکه وحب وطن وملت گردد ویکی بدیگر اتحاد ومواخات کرده‌دوعاء اخلاصانهٔ ذات مقدس شهریاری را رطب‌اللسان فریضهٔ وقت خود بدانند ووجود مبارکش را درمملکت افغانستان از مغتنمات شمارند جناب مدیر محترما ازنیت خالصانهٔ ونصایح بی غرضانه و وطن خواهی وغیرت اسلامی شما که درسراج‌الاخبار درج ونشر میکنید نهایت ممنون ومشکورم انشاءالله تعالی که نوشته های شما درجمیع خصوص بی اثر نخواهد ماند (ادع الی سبیل ربک بالحکمة والموعظة الحسنة) الآیه‌ازخداوند تعالی مسئلت مینمایم که همواره‌روش خیرخواهی شما ورافت وشفقت‌ومرحمت های‌پادشاه ما وتمدن های اجانب دربارهٔ برادران اسلامی ما بملت غریب افغانستان ترقیم دارید که باوضاع حال واقف گردد تادولت را پدر وآهالی را برادر ومملکت را خانهٔ خود ها شمارند زیاده بجز دوعاء پادشاه اسلام پناه چه‌عرض شود والسلام علی من اتبع الهدی وخشی العواقب اردی قلط (الملتمس لهذا السطور حقیر میرمحسن قندهاری)

* * *

فاجعه های پاریس

﴿ مابعد از شماره ۴ سال دوم ﴾

قلوتیلد — ساعت چند است ؟

دایه — هشت بجه صبح است .

— پس تا بساعت ده پس‌خواهد آمد. اما باز هم ازشما رجا میکنم که هر چه زود تراین کار اجرا شود خوب خواهد شد . زیرا خیلی کم زمان مانده است که به ترک دغدغهٔ حیات بگویم . لهذا آرزو میکنم که تا آمدن جواب زنده باشم .

— شما مستریح باشید . تا بدرجه‌یکه ممکن باشد بزودی اجرای وظیفه خواهم کرد . دیگرآنکه شما چرا اینقدراندیشه میکنید . صحت شما ماشاءالله بسیار خوبست . بیهودا مزاح نمیکنم ، حقیقت را میگویم .

در لبهای کشتی یافتهٔ رنگ پریدهٔ قلوتیلد یک تبسم حزونانه پیدا گردیده هیچ جواب داده نتوانست .

دایه — من حالا اول مکتوب را میفرستم . بعد ازان‌جوجه کک را یکقدری شیرمینوشانم . اما آیا شما یکباردیگر اورادر آغوش کردن نمیخواهید ؟

قلوتیلد — بلی ، بلی ... چرا نمیخواهم .

مادام آنفو دخترک را به بغل گرفته بسوی والده اش خم کرد ، ورویکش را بدهن والده اش نزدیک ساخت . والدهٔ بیچاره جوجه کک خودرا از یکطرف میبوسید واز دیگر طرف میگفت :

— آه جوجه کک بیچارهٔ من ، باسینه های خود ترا پرورده نمیتوانم ، باچشمهای خود بزرگ شدن ترا نمی بینم . تو درینجا بدنیا آمدنی نبودی ، من درینجا مردنی نبودم . اما چه چاره که تقدیر همچنین بود ....

دایه زاچه را بخواب کردن سفارش کرده ازاوتاق برامد.

چیستان

(عیناً مکتوب)

از استانبول ۲۰ شوال سنه ۱۳۳۰

—(بحضور مدیر و سرمحرر سراج الاخبار افغانیه)—

مادر استانبول از خوانندگان سراج الاخبار افغانیه شمرده میشویم درجریدهٔ فریدهٔ شماره ۲۳ را خواندم در اثنای قرائت درزیرسرلوحهٔ چیستان شش سوال نوشته بودید پنج سوال را هم جواب نوشته‌اید که یک سوال که سوال ششم است اورا بر خوانندگان گذاشته بودید ماهم قارئین سراج الاخبار میباشیم عاجزانه این جواب رامینویسم : آن چیز که در نهر بی سایه میگذرد درعقل طفلانهٔ من خود (آب) است . سنم دوازده است این قدر فارسی آموخته‌ام این نامه را بخدمت نوشته‌ام اگر جواب عاجز مطابق باشد درنسخهٔ آینده خواهم خواند باقی دعا وسلام ودست بوس میکنم

از قارئین سراج الاخبار افغانیه
محمد نورالدین افغانی بن ولی محمد افغانی

—(سراج الاخبار افغانیه)—

ما جواب این همشهری کوچک خود را بنفس الامر مطابق یافته بکمال مسرت درج نمودیم . اگرچه بعضی (خورشید منور) وبعضی (وزش باد) گفته‌اند ، ولی چون خورشید منور خودش موجد سایه میباشد و (وزش باد) تنها در نهر نی بلکه درهمه جا بی سایه میگذرد . ازاینرو جواب موافق شمرده نمیشود اما خود آب ازمیان نهر آب البته بی‌سایه میگذرد زیرا لطیف است وسایه ازخواص جسم است . محمد نورالدین افغانی گمان میبرم که بی‌سایه گذشتن آب را ازرفتار نکردن وعزل رسیدن راه استنباط کرده‌اند چونکه سرک کابل تاجلال‌آباد میرسد ولی خودش راه نمیرود . همچنان است آب که از نهر میگذرد ولی سایه نمی اندازد .

ادبیات

غزل

آیا علم محدود است یا غیر محدود ؟

ماپیش چه بودیم ودرینوقت چه گشتیم
بودیم بر قرار و براحت نه نشستیم
آسوده گی وعیش وصفاهات ونعم
بگذاشته بودیم وپیش هیچ نگشتیم
دریک کف ما تیغ عدالت بدگر کف
میزان عدالت بدو آفاق گرفتیم
در نشر حق ولغو اسارت عقب علم
هرلحظه دویدیم وز دودیم نهشتیم
افسوس که این فضل وکمالات وعدالت
ما ترک نمودیم ودگر هیچ نجستیم
محدود نمودیم علوم وز حدودش
یک خطوه چو بیرون نهشتیم گسستیم
(محمود) چو محدود نمودیم درعلم
تحدید ترقی شد و محدود نشستیم

* * *

قلوتیلد چشمهای خودرا پوشید وچنان وانمود که بخواب رفت ، باآنکه براستی بخواب رفت . امادیده میشد که دانه‌های سرشک حزن ویأس از چشمهای پوشیده اش یکان یکان بر رخسار بیرنگ نهایت آهسته درجریان بود . بعد از دو ساعت مادام آنفو بکمال احتیاط در اطاق داخل شد وقتی قلوتیلد چشمان خودرا باز کرده گفت :

— آیا یک خبری هست مادام ؟

— آدمی که فرستاده بودم حالا آمده . موسیو ویقونتی که شما برای او مکتوب فرستاده بودید درخانه بود . اما چه خانه ! حقیقتاً لایق اقامتگاه بزرگها ! فرستاده ما مکتوب شمارا بخدمتگار آنها داده و تسلیم کرده .

— بسیار خوب اما جواب نگرفته ؟ آیا جواب چه شد ؟

— موسیو ویقونت تحریراً جواب نداده . لاکن گفته که خودم حالا می آیم .

بنابرین سخن قلوتیلد چنانچه یکبار بزرگ وسنگینی ازسردلش فرو آمده باشد یک آهی کشید . چونکه دلحزین وداغدارش بعد از بسیار روزها بلکه بعد از ماهها وسالها امروز بهمین خبر یکقدری مسرت وسرور حس نموده بود بناءً علیه بمادام آنفو گفت :

— پس معلوم شد که میآید ها ! ذاتاً من حالیجانی اورا میشناختم واز آمدنش خاطرجمع بودم . آه آه نداستم ! سعادتیکه از روی این آدم بمن پیش آمدنی بود خود بلگد زدم ، اما این لگدزدن برمن بسیار گرانبها تمام شد !

هنوز پنج دقیقه نگذشته بودکه صداهای گرپ گرپ پاهای اسپهای اصیل یک عرابه که از کوچه میگذشت بگوش آمد . بعد از کمی یک عرابه بسیار مکمل وظریف قوپه درپیش دروازهٔ خانه پاپا وینیو استاده شد . وعرابه‌چی ویقونت (دوخرانلیو) نزد آمدن بادار خود درادریک خانه‌ئیکه هیچ مناسب نام وشان اونبود بکمال حیرت تماشا کرد . ویقونت نوجوان به بسیار سرعت اززینهٔ خانه بطبقهٔ اول خانه بالا برآمده در کوریدور خانه باداپه مادام آنفو که منتظر او بود روبرو آمد .

باقی دارد

نامورانِ زنانِ جهان

(مابعد از شماره ٤ سال دوم)

از حالات ممتازهٔ ملکه یکی بجا آوردن وظایف والده گری شانست که در تربیت و پرورش اولادهای خوردشان بسیار مدقق وغیور هستند . و در این باب یک ذوق وهوس عظیمی میپروراندند . دختر شان پرنسس (بیدی) را که تولید نمودند برای شست‌وشو کردن آن طفل خود را بدست خود یک هوس وشوق عجیبی پیدا کرده بودند . در اوتاق خوابگاه طفل یک پیراهن بسیار فراخ وبزرگی از قماش قاتیهٔ عادی برای خود آماده کرده بودند . بمجردیکه وقت شست‌وشوی طفل میرسید صالونها واوتاقهای حشمه دار را ترک کرده به اوتاق طفلی درامد . و آن پیراهن واسع را برلباسهای بسیار فاخر امپراطوری خود پوشیده وطفل خود را درطشت آب انداخته از شست‌وشوی وبازیهای آن حظ میبرداشت . در موسیقی وکارهای دست نیز ملکه مهارت کامله را مالک بود . بغرابتکاریهای موده یعنی فیشن لباس هیچ علاقهٔ نشان نداده است . باوجودیکه دریکی ازمکتوبهای نوشتن خود که به دایرلک نوشته بود از حشمت وقیمت البسه های خود بیان کرده گفته است که قیمت البسه های او مساوی بادوساله آمدنی پدرش میباشد ولی باوجود آنهم بصرف بسیار کم بسیار خوش پوش یک زن میباشد .

باقی دارد

علم ثروت ملل

(مابعد از شماره ٤ سال دوم)

بعضی برقاعدهٔ آزادی رقابت اعتراض هم کرده میگویند که قاعدهٔ آزادی رقابت حیله کاریهارا میدان داده مالهای خراب وبدل‌را برمشتری‌ها دربازار بیع وشرا رواج میدهد سوال آنکه چون بحقیقت نظر شود این اعتراض برقاعدهٔ آزادی رقابت نی بلکه براخلاق وافکار وجدانی انسانست . چارهٔ صحیح وعلاج صریح آن درست کردن واصلاح نمودن اخلاق وافکار عمومی میباشد . حتی برطرف کردن آن گونه حالات ناگوار متاسفه رادرزایل ساختن ورفع نمودن اسبابی که مانع آزادی جریان رقابت باشد جستجو کردن لازم است . وگرنه منع وتحدید کردن (قاعدهٔ رقابت) که ازشرایط اساسیهٔ ترقی صنایع وثروت شمرده میشود مدار رفع ودفع آنگونه احوال متاسفهٔ اخلاقیه شمرده نمیشود .

ارباب صنایعیکه حیله کاری . وبدل سازی راپیشه کنند سود ومنفعت شان محدود وکوتاه میماند . چونکه آن حیله کاری

باقی دارد

اعلان

سیاحت بر دورادور کرهٔ زمین

چقدر فایده‌ها وشیرینیها دارد ! علی‌الخصوص
که آن سیاحت باآن بزرگی ووسعت
بهشتاد روز
اجرا شود ! آرزو کننده گان این سیاحت
خارق العاده هرگاه برای خریداری کتاب
(سیاحت بردورادور کرهٔ زمین)
بهشتاد روز

بقدر دوروپیه کابلی یک مبلغ کمکی را صرف نمایند این سیاحت را گویا (فلیاس‌فوق) سیاح ورفقایش یکجا اجرا کرده خواهند بود ! محل خریداری این کتاب دکان (ملاغلام‌محمد) تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی میباشد .

مؤلف این کتاب (ژول ورن) فرانسوی است که در نوشتن ناولهای فنی مشهور آفاقست . ازفرانسوی به ترکی وازترکی بفارسی ترجمه شده است . کتاب مذکور تنها ناول نی بلکه درناول فن جغرافیا وجغرافیای ریاضی را نیز بطرز افسانه نشان میدهد .

در (مطبعهٔ عنایت) که از مؤسسات شهزادهٔ جوانبخت معظم دولت علیه افغانستان جناب عالی (معین السلطنه سردار عنایت الله خان) زیور طبع آراسته شده است . این کتاب نایابرا زودبدست آرید وفرصت را فوت مکنید که نسخه‌های آن زود تمام خواهد شد . وافسوس فایدهٔ نخواهد بخشید

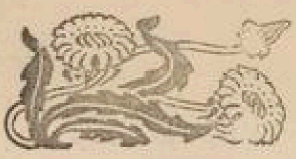

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد ازطرف مدیر وسرمحرر تحریر یافته
محمود طرزی
در چهاپ خانه حروفی دار السلطنه کابل طبع گردید

نگران

ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلحضرت همایونی

علی احمد

قیمت سالیانه

در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
بالمراجعات داک ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
بالمراجعات داک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود

تاریخ عربی یکم محرم ۱۳۳۱

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

مدیر و سر محرر

محمود طرزی

اداره خانه و مطبعه

در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همهٔ امورات تحریریه به اداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود
قیمت یک نسخه آن در کابل یکپیسه است

تاریخ شمسی ۱۹ قوس ۱۲۹۱

تاریخ انگریزی ۱۱ دسمبر

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

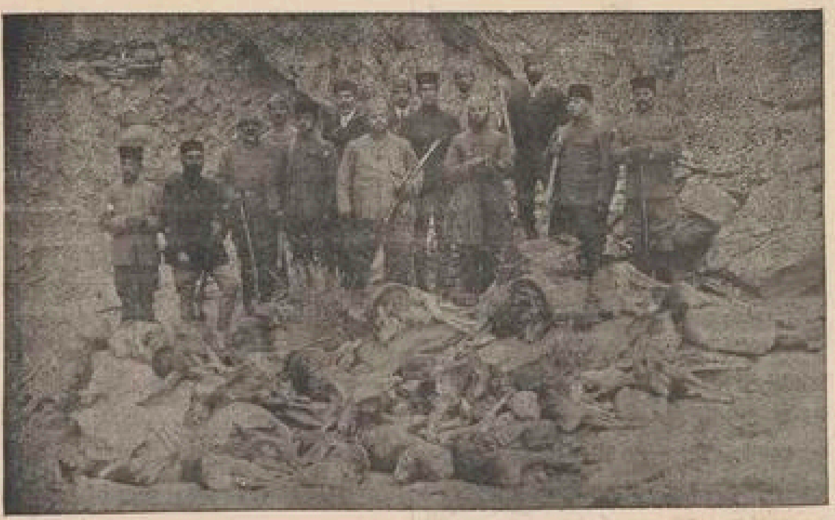

از یادگار شکار چاری سنه ۱۳۲۸

ذات اعلیحضرت شاهانه و جمعیت شکاریان معیت همایونی با محصول شکار شان

فهرست مندرجات

نمایش عسکری
غزل طوب و تفنگ
تاریخ بنای مسجد علیا
حوادث خارجیه
مقاله مخصوصه
ایضاً حوادث خارجیه
ادبیات
سینمان هردفر
ناموران ذکی جهان
علم ثروت ملل
فاجعه‌های پاریس
اعلان

—(نمایش هیئت نمای عسکری)—

عسکر ! چه ذیشان عنوان ! بلی ، عنوان جلیل (عسکر) چنان یک عنوان مؤثر هیجان انگیزیست که گرفتن نام آن و شنیدن عنوان آن انسانرا بسی چیزهای علوی بسیار مقدس را بیادمی آورد ، و رقیقترین حسیات را تحریک میکند . بمجردیکه عسکر گفته شود هماندم یک برجستهٔ هیبت ، و شوکت ، در نظر تجسم میکند ، و یک هیئت مجسمهٔ مسلحهٔ در پیشگاه دیده جلوه گر میشود که محافظهٔ شرافت ملت و پادشاه ملت ، و حیثیت و حاکمیت قومیت ، و محافظهٔ ناموس وطن مقدس از پامال شدن بدست دشمن دین و دولت همه را معلق بنوک برچه ها و نیزه ها و تیغهای آنها می بیند ، بأس شدید حدید را دران جلوه گری یابد . شکل هیئت بنیان مرصوص را عیاناً آشکار میسازد .

خلاصه ، وجوهر هرملت عسکر آن است ! ملت جوهر خاص وزبدهها وخلاصه های خودرا به تخیلات کیمیویهٔ غیرت وحمیت تعطیر وتقطیر نموده صنف عسکریهٔ خودرا بوجود می آورد . آن جوهر پادزهر دافع سم افعیها ، واژدرها وعقربهای دشمنان خاک مقدس وطن است که بهمان جوهر پادزهر از زهرهای آتشین آن افعیها واژدرها وطن رهائی می یابد .

پادشاه ملت را ، پادشاه پادشاهان جهان وجهانیان یعنی ذات اقدس خالق یگانهٔ کون ومکان یکی از مقدرات عظیمهٔ ملک وملت ووطن مقرر میفرماید ، وبتأییدات خویش مؤید میسازد . پادشاه هرملت وهر قوم ومملکت غیر از صفت پادشاهی بصفت سرافسری عمومی همه صنوف عسکریهٔ دولت خود موصوف میباشد ، پادشاه بر رعیت خود حق اولوا الامری وپدری را دارد . حالآنکه بر صنف عسکری ، ما فوق این دو حق ، حق سرافسری کل را هم دارد که اطاعت پادشاه بر صنف جلیل عسکر به سه حق فرض عین میباشد .

عسکر ! چه هیبت نما عنوان ! بلی ، عنوان مهیب (عسکر) یک زنجیر آهنین سنگین آتشین دهشت آگینی را در تصور خانهٔ دماغ ملت مصور میسازد که بر دورا دور حدود وطن مقدس پیچیده ، و آرزوهای خائنانهٔ غدارانهٔ دشمنان بداندیش وطن را زنجیر بند یأس و نا امیدی ، و محبوس قلعه بند حرمان وحسرت مندی ساخته است ! بلی ، قوت است که حق را محافظه میکند ، قوت است که درین زمان حقوق را پامال کرده میگذرد ! قوت (عسکر) است ، عسکر (قوت) است ، شرافت ساحت ملت ، محافظت ناموس وحیثیت ملت ، نگهبانی وطنیت ملت ، عزت وسعادت ملت به (قوت) موقوف است ، قوت (عسکر) است ، عسکر : پیاده ، رساله ، طوپخانه ، سفر مینا است ! ....

§

ساعت هفت صبح روز سه شنبهٔ گذشته ، اگر بر سرک بزرگ فراخ وپهنای مستقیم که یکسر بسوی (چمن نظامیه) ممدود شده رفته است یک سیرو تماشا خواجرا میکردید یک منظره های بسیار نظر ربائی برمیخوردید که همه معانی (عسکر) را باتمام موجودیتی که در بردارد عیاناً مشاهده میکردید !

جهت دست چپ سرک وسیع مذکور را تا به جائیکه نظر کار میکند یک خط مستقیم عسکری ، وجهت راست آنرا یک گروه جاتهای افراد رعیتی پوشیده میدیدید . پیاده ، رساله ، طوپچی ، بیک انتظام تمام قدم متوسط رفتار داشتند ، درخشنده گی اسلحهٔ شان ، خروش زیب البسهٔ شان ، نغمه‌های لطیفهٔ موزیکهٔ شان دلهارا قوت ، نظرهارا لذت ، وشهارا مسرت می بخشید .

محرر دریک گوشهٔ عرابهٔ فیتن لغهٔ خود خزیده ، ودر بالاپوش ژندهٔ خود پیچیده آهسته آهسته این سیلاب خروشان برهیبت سراسر عظمت را تعقیب میکند ، ومشاهدات خودرا بیگان بیگان بدرجه که دیده توانسته است تصویر مینماید اما حسیات قلبیهٔ خودرا تصویر کرده نمیتواند . زیرا حسیاتش از بالیدگی بسیار ، و یک جوش وخروش بیشماری که حاصل کرده غیر قابل تصویر است ! ...

سرک باروندگان آن به (چمن نظامیه) واصل شد ، چمن نظامیه تخمیناً بمسافهٔ دو سه کیلومتر بجهت شمال شرقی شهر واقع شده است ، این چمن در اول به (چمن خوجه رواش) معروف بود . ذات اعلیحضرت پادشاه مقدس معظم ما ، وسرافسر اعظم اکرم ما این میدان صاف وهموار بسیار واسع وپهنا را برای (مانوره) یعنی تعلیمها وقواعدها وتربیت‌های بزرگ عسکری ، وعلی الخصوص تعلیم طوپ ، ونشان اندازی آماج ، وتجربه‌های فیوز ، وباروده کار دید ودیگر آلات ناریه تخصیص فرموده نام آنرا (چمن نظامیه) نهادند . واز چند سال باینطرف در هفتهٔ یکمروز بهمه حال تشریف سعادت ردیف همایونی در قصر عالی که درین میدان شرافت نشان بنیان یافته بوقوع می آید ، ودر امورات منظمات عسکری میپردازند که از نتیجهٔ این تشبثات واشتغالات همایونی ترقیات بس عظیمی در انتظامات عسکری بروی کار آمد ، ومانند (فیوز) یک ازگرا بهای حرب به تجربه های عدیده وتشوقات عسکر پرورانهٔ شاهانه از طرف خود طوپچیان افغانستان بوجود آمد ، ومانند باردوید ود وغیره آلات ناریه ایجاد گردید .

حالا ما باز بر سیاحت خود دوام نموده بتصویر و تحریر مشهودات خود کوشش ورزیم : اهالی وعسکر میدان واسع وفراخ چمن نظامیه را که بقدر سه چهار کیلو متریک زمین سبز هموار را دربردارد پرو مملو ساختند سلسلهٔ کوهها و تپه های متسلسل (دهسبز) وغیره از جهت شمال تا بجهت شرق میدان بشکل یک دائرهٔ میدانرا احاطه نموده . بموازیٔ آن اقسام صنوف عسکر نظامیه بصف نظام حرب صف کشیده . دیگر جهات واطراف را اهالیٔ تماشایین پرو مملو ساخته . دریکطرف خیمه ها وسرا پرده های محفوظ ومستور حرم حرم محترم سلطنت مقدسهٔ ما موضوع دیده میشد . مکرما درشفقت مآثر مهربان عسکر وملت ذات عالیهٔ (سراج الخواتین علیاحضرت) باهمهٔ بانوهای سراپردهٔ عفت وعصمت معیت خود برای تماشای این نمایش عسکری تشریف آورده اند .. دریکسوی دیگر یک خیمهٔ عالی سایبانی دیده میشد که مقام مرکز عمومیٔ شاهانه را نشان میداد . درانجا یک بیرق بزرگ بسیار سفیدی که بران ازقماش سرخ شکل یک (محراب احمر) منقوش شده بود بکمال شوکت وحشمت برافراشته شده بود که تفصیلات آنرا در ثانی دستیاب شده درج خواهیم نمود . درینجا تنها از مشاهدات خاص خود که درزیر دیدگان همگان نمایان افتاده بیان مینمایم :

شهزادگان عظام وبسیاری از ارباب مناصب ملکی وعسکری را بادریشهای بکمال فراخورد رتبه ومنصب خود ملبس دیده میشدند ..

دفعةً یک شور وحرکتی درهمهٔ موجودین وحاضرین پیداشد صداهای طرمهای (تیارسی) یعنی حاضر شوید از هرهر طرف کرهٔ نسیمی را به اهتزاز آورد ! عالم گویا یک جسد خوا رفتهٔ افسردهٔ بود که روح تازهٔ به آن دمیده باشد ! این بولٔ تیارسی از افسران بزرگ برافسران کوچک واز آنها برهمه افراد عسکری مانند یک سیالهٔ برقی تاثیر بخشیده همه را بسلام گرفتن شاهانه حاضر و بیدار ساخت .

ذات شوکت مآب پادشاه معظم . وپدر اشفق وارحم . وسر افسر اعظم عموم اردوهای سلطنت برشوکت وحشم با اونیفورم بزرگ رسمیٔ سلطنتی خودشان درحالیکه ذات عالی افخمی (نائب السلطنه سردار نصرالله خان) ومصاحبان وباوران شاهانه بهمرکابی شان موجود بود اسپ سوار تشریف فرماشدند . بولٔ (سلامی) ازطرف شهزادهٔ جوانبخت معظم (معین السلطنه سردار عنایت الله خان) که بصفت ناظر عمومیٔ حربیه ممتاز میباشد عطا شده ازطرف عموم مراسم سلام ایفا گردید . وذات اعلیحضرت شهریاری بر صنوف عساکر ظفر مآثر شاهانهٔ شان اسپ تاخته ازاول صف گرفته تابه آخر گشت وگذار فرمودند وبدیدار سعادت آثار طلوعت نثار شاهانه . وتلطیفات ونوازشات ملوکانه عساکر ظفر مآثر شاهانه را مسرور ومستبشر فرمودند . وبرهرفرقه . وهرصنف که مرور شاهانه بوقوع می آمد یک غریو وصیب وولولهٔ انگیزی از آوازهای موزیکهای سلامیٔ طرب دمساز ، وصداهای شادی ادای (زنده باد پادشاه ما) ازصنوف عساکر شجاعت ودلاوری موصوف شاهانه بلند میگردید . بعدازانکه از آغاز صنوف تابه انجام دور فرمودند درمقام مرکزیت عمومی که بابیرق مخصوص خود ذات اعلیحضرت شاهانه شناخته میشد عودت نموده توقف فرمودند . وفرمان شاهانه درخصوص (رسم تکید) یعنی مرور عساکر شاهانه ازپیشگاه ملوکانه شرف صدور یافت اولا اصناف عساکر سواریٔ معیت شاهانه مانند سراوس ، ورکابی ، ومیراسپور ، وخان اسپور . وبعدازان غندهای عساکر خاصهٔ اردلی ، واردل ، وغندهای کوتوالی دارالسلطنه بکمال انتظام ، وهمهٔ ترتیب و احتشام به سه طرز واصول قواعد عسکری مرور نمودند . وتابه سه بجهٔ روز این مراسم نمایش ورسم مرور دوام ورزیده وعساکر شاهانه جلناً بازبقرار اول بصف حربیه درآمده وسلام بزرگ شاهانه را اداکرده این نمایش هیئت نمای عسکری به انجام رسید .

این بود دیدنیهای ما که باهمه هموطنان عزیز خود آنرا دیده وبقدر طاقتی که درقلم محرر رقم بود برای معلومات دیگر هموطنان دار بعیدهٔ خود تحریر نمودیم . حالا باهمهٔ عسکر وهمه ملت همدل وهمزبان گفته ازصمیم دل : « زنده باد پادشاه ما ، زنده باد عسکر ، زنده باد ملت . زنده باد افغان و افغانستان ! » گفته ختم کلام مینمایم .

غزل

طوب وتفنگ

صلاح وصلح عمومی بود ز طوب وتفنگ
امان وراحت وآسودگی ز طوب وتفنگ

اگرچه بهرهٔ زورا ست وجنگ وقتل وقتال
ولی نتیجهٔ صلح آمده ز طوب وتفنگ

ز ترس قوت همدیگر اند بسته دهان
ببین که صلح عمومی شده ز طوب وتفنگ

اگر تو خواهی که جانی بری ز حرص بشر
بعهد نامه مبین ساز شو ز طوب وتفنگ

جو دید قوت وزورت که هست افزون تر
بصلح ونرمی والتدرود ز طوب وتفنگ

اگر ز طوب وتفنگت بدید بی بهره
جهان دم آوردت صد بلا ز طوب وتفنگ

اگر بصلح بود آرزوت ای (محمود)
بجنگ حاضر وآماده شو ز طوب وتفنگ

(عیناً مکتوب)

تاریخ بنای مسجد علیا

جناب کمالات انتساب محترم مهربان والاشفاق محمود بیك خانصاحب مدیرو سر محرر صاحب سراج الاخبار افغانیه زادلطفه — انشاءالله تعالی آنجنابرا اطلاع خواهد بود که جناب مخدومهٔ معظمهٔ مکرمه محترمه ام المومنین علیا حضرت صاحبه سراج الخواتین زاد سترها وطهارتها از آثار خیر خود مسجد سابقهٔ عالمگیررا که واقع شور بازار دار السلطنه کابل بود وبالکل خراب ومنهدم شده بود در سنه ۱۳۲۸ بنای تعمیر گذاشته مصارف کثیر ران کردند واز مرحمت باری تعالی وبمن توجه آنمخدومه مقدسه به بسیار طرز خوب ووسعت تام درسنه ۱۳۳۰ اتمام پذیرفت ومسجد عالی وجامع است که نماز آدینه‌را مردم کثیر درو میگذارند و بهر وقت ادای صلوة و آذان درو جاری است ودکاکین اوقف هم بیشتر دارد این جاکر درگاه شهریاری بحق نمک خواری وطرز یادگاری قطعهٔ تاریخ تمام آرا ساخته بود ونقل آن برای آنجناب ارسال شد اگر لازم شمردید قطعه‌را درج سراج الاخبار خواهید نمود که مومنان دور دست از اعمال حسنه وخیر جاریه صاحبه مقدسه‌ما مسرور خاطر گردیده ودر دعوات خیر مشغول شوند فقط امضا

(میرزا شیر احمد مخلص تخلص)

(قطعهٔ تاریخ مسجد عصمت مآب)

مخدومهٔ جهان علیا حضرت صاحبه سراج الخواتین زاد طهارتها

بود این مسجد ز عالمگیر در سابق زمان
کو ازین دنیای دون عمریست کرده رحلت است
مسجد او منهدم گردیده بودو بس خراب
لا جرم غمخواری مسجد بومن سنت است
این زمان تعمیر او را کرد بانوی که او
گوهر شهوار دریای حیاو عصمت است
در حرم شهریاری بر همه اهل حرم
رتبهٔ او نزد سلطان در کمال رفعت است
کیست آن سلطان حبیب الله شاه نامدار
در لقب اورا سراج ملت و دین شهرت است
در سرای دولتش این گوهر درج عفاف
نیك خلق و پارسا فیاض و عالی همت است
مومنان او را ز طرز صدق مادر گفته اند
زان سبب بر مومنانش همچو مادر شفقت است
در شبستان خواتین است ذاتش چون سراج
وز جناب شه خطاب اورا بعلیا حضرت است
ازپی تعمیر این فرخنده مسجد عزم کرد
کاچنین خیرات جاری درجهان خوش قسمت است
شاه را اشراف کابل ماند بنیادش بخیر
واضع سنگ و اساس او سراج الملت است
مبلغ بسیار در آبادی او صرف کرد
هر که صرف زر کند انجا ز اهل جنت است
چون ز علیا حضرت این مسجد بنیکی ماند یاد
مسجد علیاش نامو جای فیض و رحمت است
سال تاریخش چو مخلص از خرد پرسید گفت
مسجد علیا محال بنده گی و طاعت است
۱۳۳۰

حوادث خارجیه

اجمال سیاسی

محاربه دوام میورزد ؛ یك جمعیت عظیمهٔ بشر همدیگر خود شانرا باتشهای مدهشهٔ طوب وتفنگ ودینامیت وبومبه میسوزانند، پارچه، وحربه، وشمشیر، وخنجر، ونیزه یکدیگر خود شانرا میکشند ومیدرند . اگر بشریت صحیحاً اعضای همدیگر باشند هیئت جمیعهٔ مدنیه یك شخص دیوانهٔ بدمستی میماند که بر وجود خود تیغ کشیده است !

هر قدر خبرهای که از منابع هوا خواهان بلقانها ترشح میکنند از فتوحات پی در پی بلغار ها ، وصربها ، ویونانها ، وکرهها بحث میرانند ، وافکار های هوا خواهان اسلامیه را زیرو زبر میسازند ، وچون در بین صحیفه‌ها خبرهای اخبار های اوروپا یکی یگان مخبرهٔ از ممالك عثمانیه میرسد باز دلهارا یك تازگی وخرمی میبخشد .

حال دولت علیهٔ عثمانیه در ینوقت بیك شیر پرهیبت ژولیده یالی میماند که پنجشش نفر شکار بازیك کله دیگررا ایران سر داده باشند ! یکبار میبینیم که ازطرف غرب یك کله دیگر روهجوم میکنند . تامیخواهد که آنهارا پاره پاره کند ازدوطرف دیگر دوکله دیگر حمله میکنند . وباز تا بدفع ان میخواهد بکوشد ازعقبش یك کله دیگر تازه دم دیگر میرسد ! وبا آنکه رستمها ، وعنترها ، وامیرحمزه ها وغیره پهلوانهای اساطیرالاولین را بیادمی آورد که تنها بسر خود بالشکر ها جنگیدن شان را میشنیدیم ومبالغه میپنداشتیم ! بازهم اگرچه شاباشها ، وهورا کشکشها ، ویکان طعمه انداختنهای شکاریان کلان ازعقب نگران نمیبود باز پنجه ودندان شیر اژدرپدن همهٔ آنها عاجز نماند .

پاپسها وپدرهای نصارا صلیب های بزرگی بدست گرفته درهر هرطرف وهرهر سوگردش کردند . ومردمان نصارارا براسلام برانگیختند ، عادتاً یك محاربهٔ صلیب ! جهان تمدن

اگر ازینگونه معامله خیانت مرتکب شرمساری گردند جا دارد ، (فردیناند) پادشاه بلغار در بیاننامهٔ رسمی خود اعلان محاربهٔ صلیبیه را علناً بیان نمود . و سراپا همه عیسویان دایما مسلمانانرا به ندانستن پیچیده گیهای سیاست اوروپا متهم ساخته بخونریزی مشهر میسازند ؛ لازم است که بعد ازینگونه حرکات علنی خود نام پیچیده گیهای سیاست را بمیان نیارند . و اعتراف کنند که یگانه سیاست ، یگانه مقصد پیروی احکام پادریهای صلیب پرست است وبس !

دولتها اعلان بیطرفی خود را در محاربه بالقانها با عثمانی رسماً اشعار و اشتهار کردند . چه قدر انسانیت . چقدر مدنیت ! آیا قونترول کنندهٔ بیطرفی آن ها کیست ؟ باز خود دولتها ! زیرا اگر آن قونترول از طرف مسلمانها اجرا شود باز هم خود دولت عثمانیست که آنهم از هر طرف محصور و بحال خود گرفتار است . یعنی دولتها هنوز رسماً بیطرفی خود شانرا نیز اعلان نکرده اند . و آنهم ازین سبب است که اگر دولت عثمانیه غالب آید و بممالک محاربهای خود شان مظفراً و منصوراً داخل شوند در انوقت دفعةً بکار مداخلت نمایند . و « بس ، بس ! » گفته و خاطر بیان انداخته ملک هم مذهبان و هم کیشان خود شانرا رهای دادند ، چنانچه مثال پیهم آنرا در محاربهٔ یونان و عثمانی که در زمان سلطان عبدالحمید خان بوقوع آمد عیاناً مشاهده کردیم .

(فردیناند) بلغاری و پادریهای نصرانی چون رسماً و علناً محاربهٔ مذهبی خود شانرا اعلان کردند شیخ الاسلام استانبول نیز بجهاد امر نمود . زن و مرد پیر و برنا همه بحرب حاضر شدند . خود اعلیحضرت سلطان المعظم نیز آرزوی رفتن محاربه را فرمودند معنی لغوی (جهاد) بزرگترین زحمتها و مشقتها ست . کدام مصیبت ، و کدام مشقت بزرگتر از تجاوز و تعرض بردن خواهد بود ! لهذا جهاد همین جهاد است . بر همه افراد مسلمین ممالک عثمانی جهاد فرض گردید . و بر مسلمینی که رسیدن شان بدارالحرب محال و غیر ممکن باشد بمال و نقد معاونت مجاهدین فرض است . و ازین است که همه مردمان [illegible] حتی زنان

(مدیر و سر محرر سراج الاخبار افغانیه)
(محمود طرزی)

برای مدافعه آماده شده اند . و در هر هر طرف دنیا هر قدر مسلمانانی که هستند همه ، برای اعانه و جمع آوری مال صرف همت مینمایند .

از درگاه رب متعال جل سبحانه انجام این ملحمهٔ کبرا را بفتح و ظفر مسلمانان نتیجه پذیر میخواهیم . و بر ملل وحشیهٔ بالقانیا نفرین و لعنت میخواهیم .

(خبرهای محاربه)

(ترجمه از اخبارهای ترکی)

خطابهٔ ناظر حربیه و وکیل سر افسر کل اردو جناب ناظم پاشا

(بموجب امر و فرمان هایون متبوع اعظم و افخم پادشاه خود که سر افسر)
(عسکریه و بحریه میباشند بشما ، یعنی باردوی شجیع عثمانی)
(به اینصورت توجیه خطاب میکنم)

« ای افسران و افراد !
« از بسیار عصرهاست که اینچنین یک ساعت بسیار مهمی برای
« وطن ما پیش نیامده
« بود حکم حکومتهای
« بلغارستان صربستان
« یونانستان و قره طاغ
« که ما با آنها بعجز دوستانه
« زیستن دگر چیزی
« نمیخواستیم هرگونه
« قاعدهٔ عدالت و حقهٔ
« حقوقرا در زیرپا
« انداخته و به نصایح
« واخطارات واقعهٔ
« دول معظمهٔ اوروپا
« با اهمیت نداده برای
« آنکه همه سعیها
« و کوششهای مارا
« که در باب محافظهٔ صلح و مسالمت بکار میبریم بی حکم بگذارند
« گستاخانه بما میدان خواندند . هرملت این وضع جرأ
« تکارانهٔ آنها را بکمال نفرت و حقارت تلقی کردهٔ و کار زدن
« این جرأت گستاخانهٔ شانرا بروی خود شان بشما سپرده است .
« ای افسران و افراد !
« انتقام این حقارت را گرفتن ، و شرف و ناموس دولت
« مارا و حقوق مقدسهٔ آنرا مدافعه کردن بشما مانده است بس
« شما راست که برکائنات اثبات نمائید که هنوز بزرگیهای اخلاق
« عثمانیان شاندار خلل نرسیده . و هنوز از فداکاریهای بی حدود
« پایان خود شان در راه سلامت وطن باز نه ایستاده . و همچنان
« شجاعت و بسالت شان پابرجا مانده است . از اجداد شاهان یک
« مشت شبانان دریکوقتی ازجهت اناطول ، بجهت روم ایلی

« گذشته این اقلیم عظیم را فتح کردند ، واولاد های شاندار «
« آنهانیز از انوقت تاحال درهر محاربه دلاورانه وقهرمانانه «
« حرکت کرده تحسین وحیرت همهٔ جهانرا بخود جلب کرده‌اند . «
« دشمنان مقابل شما درفضایل عسکریه برابر شما نیست . بعون «
« وعنایت پروردکار دادن یك درس بسیار خوبی به آنها ازوظیفه «
« های حب وطن ومردانکیٔ شما بااست . وطن بشما امید دارد . «
« شمااست که برحیات خود نیندیشید . وناموس دولت ووطن «
« خود تانرا مدافعه بکنید . مقصدووظیفه بسیار محق ومقدس «
« است . اما این راهم ازخاطر نکشید که بمقابل السانیت از «
« نظام وانتظام جدا نشوید . وبه آمر های خود تان اطاعت «
« مطلقه نمائید .

« بدون موجب بصورت غدارانه خونریزی مکنید . برمعصومان «
« وعاجزان ونسوان وصبیان ، واسیران ظلم وتعدی روا مدارید «
« مال وجان افراد اهالی که سلاح ندارند . ومعبدهای روحانیٔ «
« که درنزدهر قوم محترم شمرده میشود محافظه باید بکنید . بران «
« مردمان بیچارۀ که بازی خورده باشما حرب میکنند ، ودردل برین «
« محاربه لعنت میخوانند . وشما دراز کردن دست دوستی رابجان «
« منت میدانند مرحمت باید بکنید .

« ای مدافعهای بسیار جنکاور وطن !
« درمقابل تهلکهٔ عمومی ازهروقت زیاده ترمتحد گردیده «
« ووظیفهٔ خود تانرا دادانه پیش بروید !
« مارش ایلری ! — یعنی بریع زاو ! —
« محقق بدانید که مدد پروردگار ، وروح همهٔ ملت باشماست «
« در عقب شما ازجان دلهای صادق ومرحمتکاری موجوداست «
« که به اجرا کردن مکافات جرات ومردانکیٔ تان ، ودفع «
« کردن احتیاجات تان ، ومداوا کردن زخمهای تان هرکونه «
« فداکاری اجرا بکنند .
« مارش ایلری ! — یعنی بریع زاو !
« با مفاخر ظفر ، وبا بسر رسانیدن وبجا آوردن یك وظیفهٔ
بسیار بزرگی همه آبا واقربا ، وجمیع هموطنان خودتانرا مسرور
ومفتخر بسازید . حضرت باریتعالی جل وعلا توفیق خودرا
بجملهٔ ماپان رفیق بگرداند.

امضا
ناظر حربیه ووکیل سرکوماندان
اردوی همایونی
فریق اول
ناظم

(خلاصهٔ خبرهای محاربه)

ازاخبارهای ترکی وعربی که جدید باداره ما رسیده چنان معلوم میشود که سخنان مبالغه آمیزی که دراخبارهای انکریزی نوشته شده است چندان اعتباری ندارد . خلاصهٔ آن اخبارها درباب محاربه ترکی وبالقانیا ازینقرار است :

سبب بعضی پیشرفتهائی که دولتهای متفقهٔ بالقانیا حاصل کردند ازین بود که بسبب اتصال ممالک دشمنان بهمدیکر وواقعهای متمام شان ما بین یکدیکر زود عسکر خود شانرا بمددکاریٔ یکدیکر رسانیده توانستند . حالانکه دولت علیه عسکر جرار بسیاری درانا طولی بود که رسانیدن آنهارا بدارالحرب به بسیار زمان متوقف بود . ولی دریسوقت که باایتالیا صلح شد وراه بحر باز کردید ازهرطرف عسکر درجمع شدنست . ومحاربه‌های قطعی ولازمی هنوز بعدازین بظهور خواهد انجامید .

هرانقدر عسکری که ازعثمانیان تسلیم شده‌اند واسیر دست بلغارها کشته‌اند وبصوفیه اورده شده‌اند اکثر آنها ازعساکری هستند که بعدازمشروطیت دولت عثمانیه ازاربابای نصارای خودکرفته‌اند . اسیرهای مذکور درصوفیه اعتراف کرده‌اند که ما درمدت هیچ که بروی برادران دینیٔ بلغاری خود نینداخته‌ایم . وچون به برادران بلغاریٔ خود نزدیك شدیم همانندم خودرا تسلیم کردیم . اینهم یکی ازکارهای غلط حکومت مشروطه بود که اردوی صاف وخالص خودرا اینکونه عناصر مضره مخلوط ساختند . عساکری که بدست یونانیا وصربیها افتاده‌اند نیز همچنان کشته اند .

تلکراف خصوصی

(المؤید الغرا)

٢ نومبر — بعدازانکه در (پینار حصار) یك مظفریت عظیمهٔ بلامیه حاصل شد عسکر بسوی شمال هجوم برده جناح چپ دشمن رااشغال کردند وخسارتهای عظیمی بدشمن رسانیدند . واسلحه وذخیره بسیاری بدست اردوی عثمانی درامد ودایما عسکر بپیش میرود .

غیرازانکه اردوی عثمانی برموقعهای خودقایم واستوارند حمله های متواتره نیز بدشمن میکنند .

فرقهٔ عسکریهٔ (محمود مختار پاشا) یك فرقهٔ بلغارهارا سراسر شکست فاحش داده طوب واسلحه وزخایر بسیاری بدست اورده است .

همه عساکر عثمانی اوامر قطعی کرفته‌اند که سردوباره بهجوم آغاز نمایند . عساکر عثمانی تدریجا ازچارطرف عسکر بلغارهارا احاطه میکنند .

محاربه های دیروز وامروز آنقدر خونریزانه ودهشتناك بود که تصور آن انسانرا بلرزه می آورد ، اغوش به اغوش گلو بگلو محاربه کرده اند . ولی نجاح وفوز طرف عثمانی بود شدت این محاربه را ازین تصور باید کرد که دوازده هزار مجروح به استانبول آورده شده است .

(عیناً مکتوب)

۱۹ آکتوبر سنه ۱۹۱۲ میلادی

جناب من

بسیار ممنون خواهم شد اگر مذکورهٔ ذیل را در جریدهٔ خود شائع کنید :— مجلس مستشرقین در دارالعلوم او کسفورد بیوم شنبه دوازدهم اکتوبر سنه ۱۹۱۲ ع منعقد شد . سید رضا صاحب از جزس کالج (یکی از مدارس عالیه) صدارت اجلاس نمود وبر تجاویز مرقومهٔ زیر متفقاً امضا شد :—

۱

اینکه این مجلس مستشرقین درا کسفورد بشدت تمام اعلام ناراضگی می کند واظهار غضب صعب ترین مینماید برین محاربهٔ بیجا دائرهٔ دوم که بوجوه محض غیر منصفانه دولت ترکیه را در آن افکنده اند بوقتیکه آن هنوز در یکدیگر جنگ وحشیانهٔ منافر از انسانیت مبتلا میباشد ، مجلس ازین هم بیشتر صدمه وحیرت خورده است بردول عظمی واقوام کبری که آنها حمایت اینچنین حمله های ظالمانه می ورزند بر علاوهٔ یك واحد وتنها ملت متمدنه ومن ذلك ظاهر میشود که برای مقاسمهٔ ممالک عثمانیه اوروبا سعیٔ متحده واتفاق خفیه بدست گرفته است

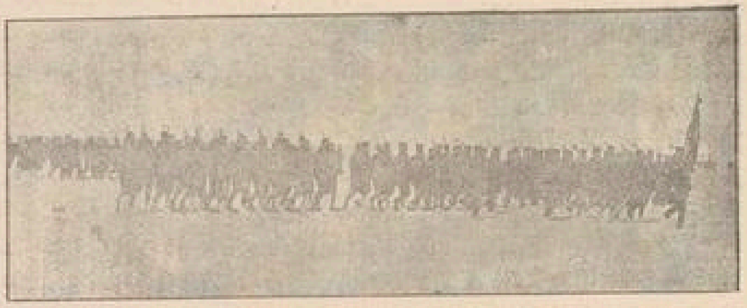

(از مناظر نمایش عسکری : مرور عساکر پیاده بقدم (دواکری)

دیگر رائی مجلس این هم هست و آرا بزور اظهار میدهد که نظر برفاهیت کافهٔ بنی آدم چنین محاربات و مقاتلات که جواز داده نشود .

ب

اینکه این مجلس مراسات اتم و اکمل خدمت سلطان المعظم و سلطنت عثمانیهٔ عظمی میرساند در ابتلاء حاضرهٔ شان که بمقابلهٔ مخاصمات اعدا رو داده . مجلس اعتماد کامل خودرا اعلان مینماید در عساکر ظفر مآثر عثمانیه و ورای مبارزان ترکیه هر قسم فوز و مرام و فتوحات بالاحتشام را خواهان است مجلس نیز به پیروان صادق رسول اقدس ومال شرایه التیا مینماید که دولت ترکی را حتی الوسع بوجه احسن تعاون نمایند .

ج

اینکه این آرای مجوزه بدار الاشاعت تمام اقوام فرستاده شود و بحکام ترکیه مرسول گردد .

جزس کالج (از مدرسهٔ عالیهٔ عیسوی)
او کسفورد — انگلستان

مخلص جناب
سید آل عمران
ناظر الحرازی

اخبار مارننگ پوست مؤرخه ۱۳ نومبر مطابق ۱۰ شهر ذی‌الحجة‌الحرام سنه ۱۳۳۰

(کوایف افغانستان)

از مخابر خودما

(افغانستان مورخه یکم نومبر) بند جدید غزنین یکی از خوبترین صنایع مهندسی در افغانستان می باشد — کدام یك بلائی یعنی (نقشه)یاعکسی بند بدستم نرسیده وازان رو فرستاده نمی توانم — این امر بلا اشتباه موجب دلچسپی شما خواهد بود که بند جدید برجای سابقه وتاریخی تعمیر نموده شده است — قرار یك روایتی عمر بن لیس در ازمنه سابقه درینجا یك بند بنا واباد نمود وقرار دیگر سلطان محمود بن سبکتگین بانی آن بند بوده لاکن دروقت حاضر چند آثارات معدوده بند سابقه نمایان می باشد اگر چه شك نیست که اگر بند مذکور معمور نموده نمی شد دیگر آیندهٔ رفیع الشان که در عهد سلطنت سلطان محمود باعث رونق وتزئین ولایت غزنین گردیده بود قطعاً بنا نموده نمی شد ازین واضح ولائح است که همهٔ عظمت سابقه غزنین بر معموری بند مذکور انحصار داشت وچون بند تنزل پذیرفت آب وتاب شهر غزنین وعمارات نیز محو ومفقود شده رفت و الحال تنها بجهت انبساط عظمت گذشته غزنین بود که تاجدار قیاس وبیدار مغز کار مهمهٔ معموری بند مذکور را بذمهٔ خودگرفت — مصارف ومخارج این کار (مهمهٔ عظیمهٔ) مبلغ سه لك روپیه تخمیناً گرده شده است که ازانجمله سه حصه از اعانهٔ عمومی فراهم و باقیمانده از سرکار افغانستان عطا نموده شده است عوام الناس آبادی بند مذکور را خیر مقدمش نموده خیلی ممنون گردیده — چیف انجنیر (مهندس کلان) عبد الاحد خان می باشد فقط(مترجم خلاصه سید الف شاه بیسانی ترجمان اخبارات انگرزی)

(سراج الاخبارافغانیه)

همعصر ما اخبار مارننگ پوست انجنیر بند سراج غزنین را جناب عبد الاحد خان گفته‌است حالانکه عبد الاحد خان بوظیفهٔ انجنیری بند مذکور تعلق ندارد ، بلکه مهندس کلان فن معماری آن (مستر میلر) نام یك مهندس انگلندی میباشد که در دولت علیه خداداد افغانستان مستخدم وموظف میباشد لهذا بهمینقدر تصحیح قول مخابر همعصر خود مجبور شدیم .

(ازرفیق معززما اخبار چهره نما عیناً نقل میشود)

(قوای جنگی مجتمعه دول بالکان وعثمانی)

قوای مجتمعه اینکه تا کنون (۱۸ ذیقعده) درمراکز متعدده جنگی از عثمانی ودول چهارگانه بالکان جمع گردیده بقرار ذیل است ولی مخبر جنگی تیمس لندن تلگرافاً خبر داد که عثمانی تا آخر اکتوبر — ۲۱ ذیقعده ۱۳۳۰ هفتصد هزار قشون در ساحات قتال تحت السلاح موجود خواهد کرد چنانچه شبانه روز از اسلامبول یازده هزار نفر حرکت میکند وهر قدر از قوای دول بالکان کاسته گردد بر خلاف بر قوای عثمانی افزوده میگردد بواسطه نزدیك بودن باسلامبول بشرط انکه این قوه را تا آخر ماه بتواند برساند والا مشکل است .

اسم دولت	شماره سپاهی
عثمانی	۵۰۰،۰۰۰
بلغارستان	۴۰۰،۰۰۰
صربستان	۲۵۰،۰۰۰
یونانستان	۱۲۵،۰۰۰
قره داغ	۳۰،۰۰۰

جمع کل یکملیون سیصد وپنجهزار نفر

(فاصله پای تختهای دول بالکان تا اسلامبول)

از آتن پای تخت یونان تا اسلامبول پانصدوهشتاد کیلومتراست واز استنیه پای تخت قره داغ تا اسلامبول ۸۹۰ کیلو متر واز بلغراد پای تخت صرب تا اسلامبول ۸۶۵ کیلو متر واز صوفیه پای تخت بلغار تا اسلامبول ۵۲۰ کیلو متراست ونزدیکترین حدود دول چهار گانه سرحدات بلغاراست تا اسلامبول که یکصدوهفتاد ودو کیلو متراست (یك کیلو متر مطابق است) با (۹۵۷ ذرع شاه)

(همدردی ومعاونت روسیا بدول بالکان)

از آغاز این جنگ ملت روسیه خصوصاً صلیب احمر روس بمناسبت هم مذهبی با دول محترمه بالکان مالا نزدیك یکصدوپنجاه هزار لیره اعانه فرستاده اند وهفتاد هزار داو طلب از روسها بمدد بالکانیها ازروسیه حرکت وخودرا بمیادین جنك رسانیده اند وقریب دویست تخت خواب بیماران واسباب جراحی وچندین نفر حکیم وزن ومرد پرستار وصلیب احمر روسها بشهرهای بالکان فرستاده اند این است معنی همدردی وملتخواهی .

« مقاله مخصوصه »

« علم را محدود بگوئیم یاغیر محدود ؟ »

نمیدانم که چه بگوئیم ؛ زیرا آنرا داده چیزی گفته نمیتوانم ؛ اگر بگوئیم به بعضی جاهای میرسیم که خودرا هم گم میکنیم . مثلا اگر بگوئیم که (علم) بمعنی دانش است آیادانستن عبارت از دانستن چه چیز خواهد بود ؛ اگر دانستن اشیای کائنات مراد باشد یکی از جملهٔ اشیای کائنات فضای کبود لاهیست که بر سرما

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 461 of 1786

سایبانی دارد ، وما آنرا (آسمان) میگوئیم . حالآنکه غیرمحدود بودن آن ، وغیر قابل بودن شمار کواکب درخشان آن قطعاً ثابت است .

درباب وسعت غیرمحدودهٔ این فضای بلا انتها ، از ابعاد یعنی دوریهای سیاراتی که در (عالم‌شمس) بدورادور همین آفتابی که مارا وکرهٔ زمین مارا بضیا وحرارت خود جانبخشی میکند بحث نمیرانیم . چونکه دور ترین سیارات عالم‌شمسی (نپتون) نام سیاره ایست که بقدر یك ملیار فرسخ « ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰ » از کرهٔ زمین مادور میباشد که ماهنوز این وسعت حدودرا درباب وسعت سماك بعد بعیدی نمیشماریم ؛ بلکه ازانهم یکقدری دور تر ، ازانجا یکنظری بمحدود بودن وغیر محدود بودن فضای بلاانتها می‌اندازیم تابینیم که بکجاها میرسیم :

فن هیئت میگوید : هرکوکب درخشان ثابتهٔ که درجولا یتناهی بنظرما برمیخورد بیکك خورشیدیست که باضیای ذاتی خود لمعه‌نثاراست یعنی غیراز ستاره‌های سیار دیگر همه ستارگان ثابته که ازدورشان دیده میشود هرکدام یکیك آفتابیست مانند همین آفتاب درخشان معلومی که آنرا می‌بینیم . از قرار تحقیقاتی که ذهناً بعمل آمده همین شمس ما باهمهٔ عالم خود یعنی سیارات خود دائما بسوی یکی‌ازان آفتابهائیکه جوسمارا مملو داشته ، وتعداد آن غیرمحدود است رفتار دارد . وآن شمس یعنی ستارهٔ ثابته که دراصطلاح فن هیئت آنرا (رجل‌القنطورس) نام‌نهاده‌اند نزدیکترین ثوابت یعنی آفتابهاست به آفتاب ما که ازبعد مسافهٔ هشت هزار ملیار « ۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ » فرسخ برماشعاعات لمعه‌بار خودرا بشکل یك میخچهٔ زرینی میرساند . شمار هشت هزار ملیار فرسخ بزبان بسیار آسان می‌آید ولی حقیقت آن بمجریان کردن بیك مثال معلوم میشود . مثلاً اگر یك قطار ریل بسیار سریع داشته که در هرساعت ۶۰ کیلومتر مسافه را طی کند ، وبی آنکه هیچ کندی کند ، وتوقف نماید بیك خط مستقیم سرراست بسوی نزدیك ترین ثابته‌ها یعنی (قنطورس) نام آفتاب بیك رفتار تیز روانهٔ دائمی افتد ، بعداز شصت ملیون « ٦۰۰۰۰۰۰۰ » سال به آن رسیدنش ممکن میشود !.....

شصت ملیون - یعنی شش کرور سال . چه‌قدر یك عمر کوتاه ! ! بقول مشهور مؤرخین اززمان هبوط حضرت ابونا آدم علیه‌السلام تابحال ازهشت تاده هزار سال یکزمانی مرور نموده است پس تأمل کنیم که شصت ملیون سال تابکجاها توسیع دامان دارد !....

یك مثال دیگر نیز درباب بعدمسافهٔ نزدیکترین آفتابهارا به آفتاب خودمایان نمائیم :

سرعت یك دفعهٔ بسیار تیزروی که بقدر دومثل سرعت صدا باشد ، یعنی دریك ثانیه (٦۸۰) مترمسافه را قطع کند ، وبهان سرعت به آسمان‌نوردی آغاز شود ، بهان میخچه‌گگ زرین کوچك که نزدیکترین آفتابهاست به آفتاب مادر مدت یکونیم ملیون (۱۵۰۰۰۰۰) سال رسیدن لازم می‌آید ، وچون‌درانجا رسیدن ممکن‌شود ، وازانجا بسوی آفتاب‌ما یکنظری انداخته شود این آفتاب بااین جسامت وروشنی بجزیك میخچه‌گگ کوچك زرینی دگر چیزی دیده نخواهدشد ، وسیارات این آفتاب‌ما مانندهٔ کرهٔ ارض ، زهره ، مریخ ، مشتری زحل ، اورانوس ، نپتون بسبب بعدیت مناظر باخود آفتاب چسپیده ودرمیان شعاعات آن بدرجهٔ غیرمرئی غایب شده رفته‌اند .

حالا می‌بینیم که‌یك ذره از ذرات کائنات که آنهم بقدر یك میخچه‌گگ کوچك‌درخشانی بنظر برمیخورد وعبارت از (رجل القنطورس) نام ثابته‌ایست که از ستاره‌های ثابتهٔ (قنطورس) نام برجیست از بروج فلك . ونزدیك ترین شمسی‌ست بشمس ما از شمسهای لایعد ولایحصایی که درجوفضای بی انتها جولان دارند بااین‌قدر غیرمحدود بشمار میبوریم . حالآنکه تعداد این آفتابهای عظیمه که هریك منابع ، ضیا ، وحرارت ، والکتریك ، وجاذبه میباشند غیرمحدود است . پس هرگاه علم مراداز دانستن وعلم آوردن براشیای کائنات باشد این‌است اشیابیاید ، تحدید نماید !...

کسانیکه خواهندشد که (علم) مراداز آسمان تازی نیست چراکه گفته‌اند : « توکار زمین را نکوساختی : که با آسمان نیزپرداختی » مارا بعلم آوری ودانستن این‌قدر مسافات بعیده چه ضرور ، علم همین‌است که براشیای موجودهٔ همین‌زمین خود علم بیاریم وبدانیم .

بلی ، بسیار صحیح است . زیراحجم ومساحهٔ سطحیهٔ کرهٔ زمین محدود است ، وماننده فضای لایتناهی که مانند سیارهٔ زمین‌ما به کرورها کرور ملیار کره‌هارا در جیب دارد غیرمحدود گفته نمیشود ولی والسنا که درین کره‌گك محدودك خود نیزچنان چیزهایی برمیخوریم که علم‌مارا الی‌غیرالنهایه باخود کشیده میبرد ، وچنانچه علم‌مادر جولایتناهی کم‌وغایب میگردد ، دربعضی اشیای زمینی نیز همچنان غیرمحدود میماند ! ! اگرچه علم هنوز مارا بدانستن حدود کرهٔما ازقطب بقطب طولاً نیزموفق نساخته ، ولی ماازان‌هم صرف نظر کرده ، بیك فرازی مانند ذروه‌های بلند کوههای (هیمالایا) که بعضی‌ازان ذروه‌ها تابه نُه‌هزار متر ازسطح بحر بلندی دارد ، بیك نشیبی مانند خاکها وریگهای قعرهای بعضی‌جاهای بحر محیط که بنابربعضی روایتها تابه بیست ونُه‌هزار متر عمق دارد بالا وپایان نمیشویم ، ودرپی احوال روحیه ، ومخالفات لونیه ولسانیه واخلاق وعادات واطوار وطرز معیشت جمعیتهای مختلفه واقوام واجناس وادیان متنوعهٔ یکونیم ملیار (۱۵۰۰۰۰۰۰۰۰) نفوس بنی بشر نیز علم‌دوانی نمیکنیم ، ازملیارها حیوانات درنده وپستاندار وازملیارها مرغان پرنده ، واز ملیارها ملیار حشرات وهوام پرنده وخزنده ، وازملیارها ملیار حیوانات بحریه نیزبحث نمیرانیم !

و در اجزای فردیهٔ ذرات مترکبهٔ اجسام غیر معدودهٔ زمین

وحرکات میکانیکی ، وترکیبات وتحللات کیمیویه وحکمیه اجزای فردیهٔ اشیای این کره نیز تعمیق فکر و اندیشه نمی کنیم ، بلکه تنها اگر بسوی (میکروب) نام یک چیز بسیار کوچک و حقیری که از کوچکی بسیار بچشم نمی آید وبواسطهٔ آلات خورده بینیه (میکروسکوب) دیده میشود یک توجهی بنمائیم خودرا سراسر گم وضایع میکنیم :

در یکقطره آب صاف اگر با (میکرو سکوب) نام آلهٔ نی نظر کرده شود باقسام واشکال مختلفه بهزاران حیوانات جاندار غریبه مشاهده میشود که آنرا (میکروب) میگویند . این یک عالم دیگریست که اگر درین عالم درآیم آنرا نیز بقدر جولا یتناهی وسیع وفراخ میدانیم که عوالم غیر النهایه دران سیران و جولان میتواند .

بعضی ازعالی نظران حقایق بینان این چیزها راخارج دایرهٔ حدود علم پنداشته حقیقت (علم) راعبارت ازپی بردن به ذات اقدس خلاق عظیم الشان جمیع کاینات ، ودانستن حقیقت آن واجب الوجود همه موجودات جلت عظمته میگویند وبس !

سبحان الله ! ازغیر محدود بودن اشیای لایتناهی بیان کردیم علم نیز درمیان آن بحر محیط بی پایان وجود عدیم الکران رفته رفته غیر محدود گردید ! حال آنکه این بحر بی حد و پایان ، واین وسعت وفراخی عظیم الشان که بیحساب ، ونه عظمت ونه حصر و رابعه درتعداد وابعاد این محیط نجوم درخشنده عاجز وحساب مانده نسبت به آن ابدیت وازلیت محیط المحیط ذات اقدس اوجز یک نقطهٔ کوچک موهوم دیگر هیچ نسبتی ندارد ! پس کدام فن وعلم را یارا وکدام عقل وذهن را توانا که بتحدید حدود آن عظمت وکبریا و ترصید غیر محدود آن جلالت واجلال جرأت تواند ، وبه تعداد وشمار آن جنود غیر محدود رب عظیم ودود جسارت ورزد ! .....

حالا خود بیندیشیم که آیا علم را محدود بگوییم یا غیر محدود ؟ ودر علمی که زنجیر بند گرداب تحیر گردد ، وبرای دانستن حقایق اشیای ثابت هیچ یک مقیاس تحدید وتعدادی بدست نداشته باشد آیا چسان غیر محدود گفته شود ؟ امادر اینجا یک نتیجهٔ (عکس العمل) بظهور می آید که آنرا به نوشتن یک مقالهٔ مخصوص دیگری موقوفست . چون وقت نداریم آن مبحث راتاوقت آخر تعلیق نموده تنها برهمین قطعهٔ عارف دانای راز حضرت سعدی شیرازی علیه الرحمه خود مارا خاتمه میکنیم :

قطعه

ای برتر از قیاس وخیال وگمان ووهم
وز هرچه گفته اند و شنیدیم وخوانده ایم
دفتر تمام گشت و بآخر رسید عمر
ما همچنان در اول وصف تو مانده ایم

(ایضا حوادث خارجیه)

(آخرترین خبرهای محاربه)

—(خبر های حرب)—

از همعصر معزز وطن برای اخبار تأخر از مقام جا پیغام رسید که :—

ترکان بروز یکشنبه (۱۷ نومبر) بوقت نیم شب پیشقدمی کرده بر موضع بابا برغاس متصرف شدند . بلغار سنگرهارا بحالت سراسیمگی خالی کرده روبه گریز نهادند . از حالت موجوده معلوم می شود که از پیشقدمی کردن بر فوج میسرهٔ ترکی (بر لب بحیرهٔ مارمورا) بالکل عاجز شده اند. چرا که توپهای ترکی بآسانی تمام بلغارهارا از پیشقدمی مانع می آید ـ بنابرین بلغاریان ازجای خود یک قدم هم پیش رفته نمی توانند .

—(تائیدمطالبهٔ استریا)—

(بلغراد ۱۹ نومبر) سفرای جرمنی وایطالیه به وزیر اعظم سرویه گفته اند که سلطنت های ما درباب مطالبهٔ توسیع قلمی سرویه تائید خیالات استریا میکنند وزیر اعظم مذکور بجواب شان گفت که قبل از اختتام جنگ جواب قطعی داده نمی شود .

(گفتگوی مصالحت مفروضه)

قسطنطنیه ۲۰ نومبر — بابعالی برای گفتگوی وکلای بلغاری بتاریخ ۲۱ نومبر وکلای خودرا مقرر خواهد کرد (خواهش مصالحت همیشه از جانب مغلوب بظهور میرسد) .

(راز گفتگوی مصالحت مفروضه فاش گردید)

قسطنطنیه ۲۱ نومبر — بابعالی شرائط بلغار را نامنظور کرده برای ناظم پاشا حکم داده است که کارروائی جنگ جاری داشته باشد .

صوفیا ۲۱ نومبر — حکومت بلغار برای بابعالی اطلاع داده است که شرائط ما هرگز قطعی نمی باشند بطریق پیغام آخری است که بابعالی بر آن مجبور گردد بلکه بابعالی اختیار کلی دارد که اگر شرائط بلغاری ناپسند خاطر باشند بالمقابل آن شرائط خودرا تجویز نماید .

ادبیات

غزل

امروز که ظاهر بود آثار ترقی
غافل منشین یکنفس از کار ترقی
در دهر نبیند بجز آثار تنزل
هر کس که نباشد پی کردار ترقی
چون نقش قدم خاک نشین گشت درین راه
هر کس که نگردید هوادار ترقی
سرمایهٔ علم و هنر اندوز که شاید
حاصل شودت سود ببازار ترقی
بی علم محو رتبهٔ عالی که نبودند
وقعت طلبان از عز اظهار ترقی
شاهنشهٔ آفاق جهاندار جوان بخت
گر فکر بلند آمده معمار ترقی
چون او دگری نیست هوادار تمدن
چون او دگری نیست خریدار ترقی
در عهد نوای خسرو آفاق گر دولت
آفاق جهان سربسر اخبار ترقی
در فکر صنایع بودت روز و شبان صرف
تا کشف شدت از پرده اسرار ترقی
شعر من و عدل تو گرفتند جهان را
در وصف تو گفتم ز پس اشعار ترقی
خوش باد دل و طبع تو مستغنی بیدل
ای طبع بلند تو سزاوار ترقی

(بتعریف سراج الاخبار)

هر که شد واقف اسرار سراج الاخبار
او بجان است خریدار سراج الاخبار
دلربا بود از حسن و جمال خوبان
خط و خال لب و رخسار سراج الاخبار
میل صهبا نکند انکه بکامش برسد
جرعهٔ ساغر سرشار سراج الاخبار
کان یاقوت و درو لعل خجالت دارد
از مضامین گهر بار سراج الاخبار
هر متاعی که ترا هست هوس در عالم
میتوان یافت ببازار سراج الاخبار
چون گل از باد صبا غنچهٔ دلهای کسان
میشود تازه ز گفتار سراج الاخبار
ز ترقیات جهان خواهش گلچین داری
رو به نظارهٔ گلزار سراج الاخبار
آفرین بر نگران و بمدیرش که چه خوش
بدل و جان شده غمخوار سراج الاخبر
بی سفر در حضر خویش بکلی آفاق
میکنی سیر ز آثار سراج الاخبار
خبر روی زمین و همه دولتها
میرسد با تو ز اخبار سراج الاخبار
پیش ازین چشم دل مردم افغانستان
بود بی بهره ز دیدار سراج الاخبار
از عنایات شهنشاه سراج الملت
شد باقبال اظهار سراج الاخبار
شاه دین پرور خوش بخت فرخنده خصال
فخر اسلام و مددکار سراج الاخبار
خسروی اموری انکه ز عکس روشن
رشک مشعل شده انوار سراج الاخبار
ملت دولت اسلام ترقی ها کرد
در زمان شه مختار سراج الاخبار
بس کیا لات و صنایع که بخیر دولت
کرد ایجاد چو تذکار سراج الاخبار
مخلص از گنج معانی بودت مقصد دل
جمع کن گوهر شهوار سراج الاخبار

(سخنان هر ورق)

حبس خانه های امریکا.

معلوم جمیع عالمست : که قطعهٔ جدیدهٔ (امریکا) با وجودیکه ز آثار مدنیت ، واصول معیشت انسانیت سراسر محروم و بی بهره بود از مدت چند عصر بدینطرف از رهء وحشت و بدویت انسرزمین بجانب تمدن و ترقی تبدل ورزیده که حقیقتاً انسانرا واله وحیران میسازد ، در ینوقت حاضرا اکثر اختراعات عجیبه و کشفیات غریبه ازان سرزمین بروی کار میآید .

ازجمله ترقیات عجیبه ، واختراعات غریبهٔ آنسرزمین یکی نیز اصول محابس ومحبوسین آنقطعهٔ ترقی گزین است .

در شهر (نیورک) که مرکز ادارهٔ ممالک متحدهٔ امریکای شمالی وشهر معمور بسیار عالیست محبس کبیر بسیار عجیبی موجودست که به اسم (آلبرا) تسمیه میکنندش، این محبس بالشعاب سه هزار محبوس جسامت دارد که در نظم ونسق نیز بر محابس جمیع دنیا

فوقیت بهم میرساند . محبوسینیکه درین محبس ادخال میشوند البته ازروی قباحت وجنایاتیکه مخالف آداب واخلاق هیئت اجتماعیه باشند گرفتار بحوزۀ قهر وتنکیل مجازات قانونیه گردیده بدین محبس القا میشوند . حالانکه چون دردرون این محبس داخل کردند بعد از چندی هریک ازایشان معلمان علوم وفنون متنوعه ، وصاحبان اخلاق حسنه گردیده بیرون میایند .

در حبس خانه مذکوره ازطرف حکومت درخصوص هرعلم ، وهرفن وهرصنعت معلمان متعددۀ مخصوصۀ مستخدمند که هریک از محبوسین رابااستعداد جبلی وفطریش دیده‌در آن علم وعمل تعلیم مینمایند کهازین سبب هم مردمان بداخلاق قبیح‌الاطوار نائل سعادت اخلاق وآداب میکردند ، وهرملک وملت ازثمرۀ تحصیلات علوم ، وفنون ایشان بهره‌ور وکامیاب میشوند .

محبوسین مذکورۀ مدخولۀ محبس آلیرا ازقرار مدت جزائیه خودشان برصنوف مختلفۀ متعددۀ تقسیم میشوند ، ودر آنجا هرصنف بفنون وصنایع متنوعۀ مختلفۀ مشغول تحصیل وتعلم میکردند ، وهریک ازین محبوسین احوال سنویۀ خویشتن‌را باتاریخ وهنر محصلۀ خودشان که در درون محبس اجرا داشته اند علی وجه الصحه بکم وکاست درقید تحریر درآورده مکمل یکیک جلد کتابی نیز بدان میآرند .

محبوسین محبس آلیرا خودشانرا بنام محکوم ومحبوس یادنیکنند بلکه به اسم (پنسیونیر) یعنی شاگردان مکتب داخلی توسیم مینمایند که اگر بنظر انصاف نظر کنیم سزاوار این اسم هستند . درسنه گذشته ازروی ایستاتستیق که درمحبوسین محبس آلیرا اجرا نموده‌اند چنان معلوم میشود که ازجملۀ هزار وپنجصد محبوس موجوده هزار ودوصد نفر در بیست وشش نوع صنایع ابراز مهارت کرده‌اند .

محبوسین مدخولۀ محبس الیرا برتنقیص مدت جزائیۀ خودشان موفق هم میتوانند شد . مثلاً اگر یکی از محبوسین بجزای حبس شش‌ساله محکوم باشد هرگاه اصلاح نفس وصنعت ومهارت خودشرا علماً وعملاً باثبات برساند میتواند که حبس شش‌ساله اش را بدوسال یا یکسال . ویا سرا ، رازدی تنقیص وتنزیل بدهد ، هرگاهیکه یکی ازمحبوسین بوجه اتم وصورت احسن هنر ومعرفت خود رااثبات میکند آنگاه ازطرف مدیر مجلس چندگاه ازدیانت واخلاق حراورالیقین نموده وشهادتنامۀ بدستش داده ازادش میکنند .

حکومت اکثرلازمۀ عسکریه وسائر اشیای مقتضیه را نیز بواسطۀ صنعت ومهارت محبوسین مذکور بعمل می آرد که ازین رو هرسال یکصد و بیست هزار فرانگ درخزینۀ دولتی اصرف حاصل میشود .

(انتها)

ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی (علی احمد خان)

ناموران زنان جهان

(مابعد از شماره ۵ سال دوم)

والحاصل ازهرنقطۀ نظر که دیده شود جناب ملکه (الکساندره) یک ملکۀ بزرگیست که جداً لایق بزرگی انگلستان بزرگ میباشند . [اقتباساً ترجمه از (محاسن) نام اخبار زنانه]

آنتوال — یک دایۀ قابلۀ بود که در تاریخ ۱۷۰۰ میلادی در خطۀ (شارترۀ) فرانس تولد ، ودر سنۀ ۱۷۵۳ در پاریس وفات کرده است . محرره یک زن بود که بعضی قاموسه های خوبی نوشته است .

آلیکس — ملکۀ فرانس بود . در اصل دختر قونت یعنی خان ایالت (شامپانیا) بود . در سنۀ ۱۱۶۰ میلادی بالوئی هفتم پادشاه فرانس ازدواج کرده ملکۀ فرانس شده است . وچون شوهرش بمحاربۀ اهل صلیب میرفت آلیکس را وکیله حکومت نموده بود . نحو بصورت ادارۀ ملک را کرده بود . در سنۀ ۱۲۰۶ میلادی وفات یافته است .

آمازون — در تواریخ یونان قدیم مذکوراست که در طرفهای شرق جنوبی بحر سیاه یعنی در جوار (لازستان) آمازون نام یک قومی بود که صرف از طایفۀ زنان مرکب بودند . درباب

این طایفهٔ امازون روایتها وحکایتهای عجیب وغریبی روایت میشود، گویا در زمان پیشین در همین نواحی لازستان یك حکومت مستقلهٔ از زنان برپا بود که سطوت وشوکت آن دولت زن شرقاً تا بممالك (آتور) وغرباً تا به بحر جزیره ها محدود شده بود. هیچ یك فردی از افراد مرد درین طایفه موجود نبود. برای باقی ماندن ذریت ونسل خودشان درهرسال زنان جوان وتوانای آنها یك اردوی مکمل تشکیل داده بر ممالك همجواری خود میرفتند، ودر جوار آن مملکت اردوگاه خودشانرا زده بامردان آنجامعاشرت میکردند. وچون آثار حمل را در خود مشاهده میکردند بر میگشتند، وبعد از انکه میزائیدند اگر پسر میبود آنرا در بحری انداختند، واگردختر میبود آزادتربیه وپرورش میدادند. تربیهٔ حقیقی دختران این بود که آنها را بسلحشوری وسپاهیگری تعلیم وتربیه داده تمام عسکر میساختند، حتی برای اینکه مانع تیراندازی شان نشود از طفل پستان راست دختر آنرا داغ میکردند که پستان نبراید. آمازون ها چنان یك دولت همه عسکر جنگ آوری بودند که محاربهٔ خونریزانهٔ شدیدهٔ آنها با دولت یونان سرمایهٔ بسیار بزرگی بذریعهٔ شاعرها ومصور های یونانی گردیده است. بیك روایت شهرهای ازمیر — یعنی سمرنا، ومغنیا وافس از بناهای آمازونهاست. از ملکه های آمازون نامهای بعضی نیز در کتب تاریخیه مذکورات که یکی آزانها (پین تسیلیه) نام ملکهٔ آمازون است که باسی هزار سوار جنگ آورزن بمددگاری حکومت (تروا) آمده باحکومت یونان محاربه کردهاست. دیگر (تالستریس) نام ملکهٔ آمازون است که با اسکندر ذو القرنین ملاقات کرده است. غیر ازین آمازونهای آسیا درافریقانیز همچنین یك حکومت آمازون که سراسر از زن مرکب بود موجود بود که هر طرف افریقای شمالی را ضبط واستیلا نموده بودند. وباسیای صغری نیز درامده ازطرف یونانیها مغلوب شده بودند.

{ حضرت آمنه }

والدهٔ محترمهٔ حضرت مفخر موجودات صلی الله علیه وسلم آمنه — دختر وهب بن عبد مناف، بن زهره، بن کلاب، بن مره، بن کعب، بن لؤی، بن غالب میباشد که سلسلهٔ نسب شان بپنج بطن بسلسلهٔ مبارکهٔ پیغمبری یکجا میشود. ازطرف والدهٔ شان که (بره) نام دارد، ودختر عبدالعزی، بن عثمان عبدالدار بن قصی، بن کلاب، میباشدنیز بچهار بطن بانسب شریف حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم می آمیزد. بنابرین حضرت (عبد المطلب) حضرت (آمنه) را برای پسر خودشان جناب (عبد الله)، و(هاله) بنت وهیب را که عمزادهٔ حضرت آمنه بود برای نفس خود تزویج کردند. از (هاله) حضرت (حمزه) رضی الله تعالی عنه واز جناب (آمنه) حضرت فخر کائنات ومفخر موجودات (محمد مصطفی) صلی الله علیه وسلم بدنیا آمد. جناب عبد الله ابن عبد المطلب باوجودیکه شرافت حسب ونسب را مالك بودیك دلبری وخشنمای نیزداشتند. وبسبب نور شریفی که علامات تشریف آوری حضرت خاتم النبیین علیه صلوات المصلین بود ودر جبههٔ جناب عبدالله می آمد جمال برجمالشان افزوده بود. لهذادرمیان زنان قریش بسیاری ازیشان آرزو واشتیاق شرف یابی ازدواج شانرا دردلمیپرورانیدند تاباشد که بشرف آن نور محمدی نایل وسرافراز گردند. حتی باین امید بسیار از زنان عرض نفس هم کردند. ولی چون تقدیر الهی این شرف را برای حضرت آمنه مقرر نموده بود بدیگری نرسید. بعد از وقوع زفاف همان نوری که درجبههٔ حضرت عبدالله میتابید درجبین حضرت آمنه انتقال نمود. درآنشب دختران قریش ازرشك بیتاب ودراضطراب شدند. یکی از زنانی که برای ربایش آن نور بحضرت عبدالله

فاجعه های پاریس

{ مابعد از شماره ٥ سال دوم }

نوجوان، مادام آنفورا یك خدمتکار قونتس قلوتیلد گمان کرده پرسید که:

— آیالطفاً گفته میتوانید که مادام لاقونتس دوراندال درکجا میباشند؟

— درینجاست، موسیو آیازحمت اختیارفرموده به اوتاق من تشریف می آرید؟ مادام درپیش من مهمان هستند. درحق شان بدرجه ئیکه ممکن باشد آثاردقت واهتمام روامیدارم. آیاذات عالی شما جناب قونتی که امروز صبح برای شان مکتوب فرستاده بودند میباشند؟

— بلی همان آدم منم.

— چون چنین است بفرمائید که شمارا درنزدش ببرم زیرا شمارا بسیار انتهای انتظار میکشد. چابك شوید موسیو.

شما دراول اینرا بگوئید که آیا براستی حیات قونتس درتهلکه است؟

— بلی گمان قوی دارم کهدر تهلکه است. بیچاره زن!... میترسم کهپیش ازتمام حیاتش بانجام رسد. خودشما تصوربکنید. یك وجود ضعیفی که غمها والمهای دنیا آنرا بپایهٔ درجهٔ ناتوانی رسانیده باشد وباز برسر آنهمه ازتاثیر چنان واقعهٔ مدهشهٔ که وجود های بسیار سالمی نیز به آن مقاومت نتواند وضع حمل کند آیاچه خواهد شد؟ البته خواهید دانست کهاز کدام واقعهٔ مدهشه بحث میرانم؟

— نی من ازهیچ واقعه خبرندارم...

بنابرین مادام آنفو همهٔ وقوعات راتقل وبیان نمود. ووقونت نیز ازین واقعهٔ مدهشه حیرت کرده خیلی متأثر گردید. مادام آنفو باز بسخن خود دوام نموده گفت:

— طفلکش خوبست. اماحیات والده اش جداً درتهلکه

عرض نقش کرده است (رقیقه) نام خاتون عربیست که همشیرهٔ (ورقه بن نوفل) میباشد . ورقه یکی از مردان عاقل وکاهن خورده سال عرب بود که همشیره‌اش رقیقه بارها ازوبان او شنیده بود که درین نزد یکیها پیغمبر آخرزمان تشریف خواهد آورد ، واز صلب هرکس که آمدنی باشد درجبین آن شخص یك نور درخشانی لمعان وتابان میباشد . لهذا رقیقه مسافرت اختیار کرده قبایل راگشت وگذار میکرد تاآنکه بحضرت عبدالله برخورده از ناصیه‌اش آن نوررا نمایان یافت . لهذا برای محل شدن آن نور ملزم به عبدالله اگرچه عرض جمال وبسی وعده های مال ومنال نمود . ولی عبدالله بنابر پاکدامنی که داشت ابا ورزیده تکلیفش را به این دوفرد عربی رد نمود :

اما الحرام فالحمام دونه   والحل لاحل فأستبینه
فکیف بالامر الذی تبغینه   یحمی الکریم عرضه ودینه

معنی اجمالی آن این است که درنزد اهل عرض وشرف مرگ نسبت به حرام اسانتراست . خواهیم مرد . ولی حرام را ارتکاب نخواهم کرد .

چه شرف . وچه سعادت برای حضرت سیده (آمنه) که محل آن نور بدیع در خشان . وحامله فخر هردوجهان گردید . حضرت (آمنه) چنانچه محاسن علویه سیرت وصورت را مالک بودند همچنان در مزایای علم وآداب نیز ممتاز بودند که بعضی ازاشعار فصیح وبلیغ ایشانرا از (مشاهیر النسا) نام کتاب مستطاب نقل مینمائیم :

زوج مکرم شان جناب (عبد الله) هنوز حضرت خاتم الرسل علیه الصلوات والسلام در رحم مادر شش ماهه بودند که وفات یافت . این چند بیت از مرثیه ایست که در وقت ارتحال شوهر خود حضرت عبد الله انشاد نموده‌اند :

عفا جانب البطحاء من آل هاشم
وجاور لحدا خارجاً فی الغماغم
دعته المنایا دعوةً فأجابها
وما ترکت فی الناس مثل ابن هاشم
عشیة راحوا یحملون سریره
تعاوره أصحابه فی التزاحم
فأن تك غالته المنون وریبها
فقد کان معطاء کثیر التراحم

معنی اجمالی آن این است که : — بطحاء یعنی اراضی مکهٔ مکرمه ، از آل هاشم خالی ماند . یعنی در میان آل هاشم دیگری که جای ترا بگیرد چون نیست از آرو درون مکه سراسر از آل هاشم خالی مانده . ازخانهٔ خود درمیان کفنها پوشیده شده برامده . وبه لحد مجاورت نمود . بدعوت موت اجابت نمود . امامرگ بجای او یك مثل دیگرش در آل هاشم نگذاشت . وقتیکه نعشش را برداشته میبردند . اصحاب ویارانش بکثرت وازدحام دست بدست او را میبردند . اجل اورا بغفلت قربان گیر شد . لکن مردمان اسف عظیم بکشند که عطاش بسیار ، وکریم ورحیم یك ذاتی بود .

در (مواهب لدنیه) نام کتاب نوشته است که حضرت آمنه درسال ششم ولادت حضرت نبویه رحلت فرموده‌اند وعمر شان درحدود بیست سالگی بود . دروقتیکه حضرت آمنه بحال احتضار یعنی قریب الموت بودند بوجه مبارك حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نظرفرموده این نظم ذیل را فرموده است :

باقی دارد

میباشد حالا از هرچیز خبردار شدید نی ! بفرمائید که برای دید وبازدید تان کم فرصت باقیمانده .

ویقونت چشمان تنك خودرا پاك کرده درعقب دایه روانه شد .

قونتس دور اندال چون باز شدن در وازه رادید خفیف یك حرکتی اجرا نمود . دایه نیز بیك وضع ولسان ملاطفانه باو گفت :

— گمان میبرم که خواب نیستید عزیزه‌من ، برای شما بسیار خوب یك خبر آورده‌ام . این است که موسیو لو قونت که برای ملاقات او بسیار انتظار شدید میکشیدید آمدند .

حالا شمارا تنها میگذارم . هردوی تان تنهااهم سخن بگوئید . اما هوش کنید که بسیار سخن نگوئید تاخودرا مانده وبیراحت نکنید . چرا که برای مانند شمایك زاچه بسیار ، بلکه ازبسیار هم بسیار احتیاط لازم است .

باز بهویقونت خطاب کرده گفت :

— هرزمان بخدمت شما حاضرم جناب ویقونت . هروقتی که مرا بخواهید دربهلوی این اوتاق بخدمت مهیامیباشم . چراکه دران اتاق نیز یك دیگر زاچه دارم که آنهم بسیار جوان یك زنیست ، ومانند طوب تورپك پسر زائیده است .

مادام آنفو بعدازانکه ایضاحات لازمی وغیر لازمی را گفته تمام نمود ویقونت را سلام داده وبرنجه های پای خود حرکت کرده از دروازه برامد . درین اثنا سیمای آلونیلدا یك سرخی یکه در اثنای جانکندن پیش میشود استیلا کرده بود . چون نظرش بر ویقونت افتاد سعی کرد که دست خودرا بسوی او دراز کند وبیك صدای بسیار خفیف گفت :

— باول دعوت من اجابت کرده آمدید ها ! آه آرمان از صداقت شما هیچوقت شبهه نکرده‌ام . شما ازوقت خلقت خود عالیجناب وخوب آدم هستید . تشکر میکنم دوستم . ازجان ودل عرض شکر گذاری میکنم .

موسیو آرمان دوغرانلیو ، درپیش بستر قونتس قلونیلدا زانوی خودرا برزمین نهاده ، ودست قلونیلدا که بسوی او دراز کرده بود

علم ثروت ملل

(مابعد از شماره ۵ سال دوم)

اگر یك دو سه ماهی دوام هم نماید، ولی ممکن نیست که آخرالامر آنچه بر مردمان معلوم نشود، وامنیت واعتماد مشتری ازو برداشته نگردد، حالانکه راستی واستقامت در تجارت مدار یگانهٔ ثروت ومنفعت است. ارباب صنایع وتجاری که براستی ودرستی معامله کنند اعتبار وشهرت شان معروف انام گردیده بیشتر مشتری جلب میکنند وبخود راغب میسازند.

بنابرین یگانه استناد گاهی تجارت ناموس وحیثیت واستقامت تجار می باشد احوال ملت های متمدنه علی الخصوص ملت انگلیز که در راه آزادی اعمال وجمع ثروت از همه ملل پیشتر رفته اند همین سخنان مارا تصدیق میکنند.

—(فصل ششم)—

(دربیان موانعی که به آزادی اعمال عارض میشود)

تعدد مرتبتی اعمال به بسیاری از موانع برمیخوریم که یك قسم آنرا (موانع طبیعیه) میگویند. مانند متفاوت بودن ذکاء واستعداد انسانها که بعضی ذکی ومستعد بوده از دیگری که نسبت باو کمتر ذکی ومستعد میباشد بیشتر فایده میبرد. وقوهٔ رویانیدن زمینها که بعضی از بعضی بیشتر میباشد. وبعد ومسافهٔ کانها وسنگها وغیره که اینها از موانع طبیعیه شمرده میشوند. یك قسم دیگر آنرا (موانع موضوعه) میگویند. مانند قوانین ونظامات ودستور العملهائیکه از طرف انسانها وضع شده است که آنهم از آثار اخلاقها وعادات وافکار مربیهٔ اهالی پیش آمده میباشد.

یك قسم احوال استثنائیهٔ مخصوصهٔ نیز هست که آنرا (انحصار) یا (امتیاز) میگویند وآنهم از موانع طبیعیه، وموانع موضوعه بوجود آمده است. مثلا هر مستحصل یعنی هر فروشنده که بسبب اسباب طبیعیه ویا موضوعه به استحصال منافع کثیره وتمتعات فوق العاده مقتدر شود خود بخود به انحصار وامتیاز نایل وسزاوار است. لهذا اینگونه امتیازاتی که از موانع طبیعیه واز عجزها تولد یابد اساساً زایل نمیشود. مثلا کسیکه دریك صنعتی مهارت دارد ودیگری آن مهارت را ندارد طبعاً امتیاز وانحصار آن صنعت را مالك است ویا شخصی که قوهٔ عقلیه وذهن خارق العاده را مالك باشد واختراعات جدیده وتجربه بروی کار آرد البته که امتیاز وانحصار آنرا داشته باشد.

لهذا چیزیکه عبارت از استعداد وهنر طبعی باشد، ویا عاید عجزهائی که ثمرهٔ قوای عقلیه مانند ایجاد واختراع باشد استعمال وتصرف اینچیزها مستند برقاعده های حریت وملکیت میباشد که از طرف حکومت قانوناً حمایه شدنش لازم است. کذلك امتیازهائیکه از تصرف جنگل ومعادن اراضی تولد یکند چون برقاعدهٔ ملکیت مبنی میباشد رعایت آنها نیز واجب است.

تنها چیزیکه که محتاج تعدیل از باب امتیازات وانحصار طبیعی بود اما امتیازات موضوعه بسببی که اثر صنعت انسان وثمرهٔ قوانین ونظامات از آنست هروقت وهرزمان که بخواهند تعدیل وتبدیل والغو کرده میتوانند. حتی یکی از مقاصدی که علم ثروت خیلی لازم میداند مسئلهٔ الغو کردن اینگونه امتیازاتست.

بعضی از موانع موضوعه آنست که برای منفعت یك شخص

گرفته، وچنانچه کسی دست یك فرزندی را ببوسد ببوسیدن آغاز نهاده گفت:

— فلوتیلد، فلوتیلد امین آیا ترا باین حال بینم ها! بیچاره بدبخت فلوتیلد! ترا چون باین حال می بینم جگرم پاره پاره میشود

— رحمی دل مسوزانید. مرا باین حال مستحقم! سعادتیکه یکوقتی خود بخود بمن توجه نموده بود بصورت جنونانه آزارده کردم. این است که حالا جزای آن خطای خود را میکشم. معمائیه باز خود را بختیار میشمارم. چونکه درمیان این گونه مصیبت مدهشه مانند شما یك محب صادق را مالکم. آه آرمان دردنیا بجز تو دیگر کسی برای من نمانده است.

— فلوتیلد! ناحق میکنید. آیا پدرتانرا فراموش میکنید؟

— پدرم مارگی دوموقوب هنوز دیروز بمن گفت که در دنیا اورا فلوتیلد نام دختری نیست.

— (بیكطور تفرقانه) آه، چقدر سنگدل!

— درین خصوص حق بدست اوست. چونکه او درهاوقت میدانست که نتیجهٔ کار همچنین خواهد شد. وبمن گفته بود. واو مرا رهائی دادن میخواست. غفلت جنونانه من این بلارا بر سرم آورد. دنیارا بچشم تاریك ساخت. پدرم بمن گفت که «اگر سخن مرا نشنوی بعد ازین دختر من نخواهی بود» من سخن اورا نشنیدم. بنابرین در نظر او وجود وعدمم یکسانست. ازینسبب که حق دارد تا اورا ملامت کند؟

— درینباب اگرچه مارگی حق دارد، ولی این حق خودرا بصورت مفرط سوء استعمال کردن یك حرکت بیرحمانه شمرده میشود.

— من اورا به بد صورت تحقیر کرده بودم . . .

— معلوم میشود که باز خود شما اورا مدافعه و طرفداری میکنید.

— بلی خودرا متهم، واورا بری الذمه میدانم.

— بعد ازین سخنان یکقدری در اطاق یك سکوت حاصل شد. بعد ازان بازمادام دوراندال بسخن آغاز کرده گفت:

باقیدارد

ویا برای منفعت بسیار اشخاص وضع شده میباشد . یا آنکه برای نظم ونسق عملیات صناعیه . ووقایه ومحافظهٔ صنایع بوجود آورده میشود . . وبعضی از موانع بنابر مقصد محافظهٔ هیئت عمومیه از طرف حکومت وضع میشود .

موانعیکه برای منفعت اشخاص وضع میشود . وامتیازاتی که ازان بوجود می آید عبارت ازین چند موادات : یك کاری که بطریق انحصار بیك شخص . ویا بیك شرکت داده شود . وبرای اجرای بعضی صنایع بعضی اشخاص را مأذون دارند . وتحدید عدد . وتعیین معاملات آنهاست .

موانعی که برای اجرا نشدن صنایع بدون اجازه ورخصت وضع شده است بسببی که اساساً به (رقابت) و (آزادیٔ اعمال) مخالف است از آنرو در نزد علم ثروت مضر شمرده میشود . قبل ازین در ممالك متمدنه صنایع اصناف صنعتکاران درزیر نظام وقانون گرفته شده بود . وهرگونه اعمالی که به اجرای آن هر صنفی از ارباب صنایع مأذون میبود با قوانین ونظامات مخصوصهٔ تعیین میگردید . وهر صنعت از پدر به اولاد انتقال می یافت . هر کس تا یکمدتی شاگردی نمیکرد . واستادهای آن صنعت تصدیق نمیکردند آن کس اجرای صنعت نمیتوانست . وآن تصدیق را بدست آوردن بر خوش کردن خاطر استادها متوقف بود که آن نیز به بعضی مصارفات وزحمات موقوف بود . هر صنعت از خود یك دایره یعنی محکمهٔ مخصوصی داشت که آن هم از خود باشیها وسرپرستهای جداگانهٔ را مالك بود . وازیك هیئت ادارهٔ داشت که نظام وقانون آن صنعت را اجرا میکردند که اصحاب صنایع را به تکلیفها وزحمتهای بسیار گرفتار می آوردند . از دیگر طرف برای اجرای هر صنعت جاهای معین ومحدودی بود که به اینصورت نیز صنایع محدود شده بود . حتی نانبائی وقصابی وبقالی که از صنعتهای احتیاجات ضروریه شمرده میشود نیز در زیر دست یکچند نفری به انحصار در امده بود . تا آنکه رفته رفته این نظامنامهٔ اصناف وارباب صنایع لغو وبر طرف گردید .

کسانیکه از لغو شدن نظامات وقوانین اصناف صنعتکاران افسوس میکنند یکبار احوال سابقهٔ اوروپا وعلی الخصوص احوال سابقهٔ ملك فرانس را با احوال حالیٔ آن یکقدری مقایسه ومطالعه نمایند درقرون وسطا در شهر (میلان پایتخت ایطالیا) آزادیٔ صنایع کاملا جاری ودر دیگر جاهای اوروپا جاری نبود . باینسبب منسوجات یعنی صنعت بافنده گیٔ این شهر درانوقتها به نفاست ومتانت مشهور عالم شده بود . ودر هر طرف بکلی اموال بیرون براورده میشد . وشهر (میلان) ازانرو خیلی کسب ثروت وقدرت کرده بود . امارفته رفته خواه درایتالیا وخواه در دیگر ممالك اوروپا اصناف ارباب صنایع به نظام وقانون ربط گردیده . ورفته رفته

باقی دارد

اعلان

سیاحت بدورادور کرهٔ زمین

چقدر فایدهها وشیرینیها دارد ! علی الخصوص
که آن سیاحت با آن بزرگی ووسعت

بهشتاد روز

اجرا شود ! آرزو کننده گان این سیاحت
خارق العاده هرگاه برای خریداریٔ کتاب

(سیاحت بدورا دور کره زمین)

بهشتاد روز

بقدر دوروپیه کابلی یك مبلغ کمکی را صرف نمایند این سیاحت راگویا (فلیاس فوق) سیاح ورفقایش یکجا اجرا کرده خواهند بود ! محل خریداریٔ این کتاب دکان (ملاغلام محمد) تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی میباشد .

مؤلف این کتاب (ژول ورن) فرانسوی است که در نوشتن ناولهای فنی مشهور آفاقست . ازفرانسوی بترکی وازترکی بفارسی ترجمه شده است . کتاب مذکور تنها ناول نی بلکه درناول فن جغرافیا وجغرافیای ریاضیه را نیز بطرزا فسانه نشان میدهد .

در (مطبعهٔ عنایت) که از مؤسسات شهزادهٔ جوانبخت معظم دولت علیه افغانستان جناب عالی (معین السلطنه سردار عنایت الله خان) است زیور طبع آراسته شده است . این کتاب را باید زود بدست آرید وفرصت را فوت مکنید که نسخهای آن زود تمام خواهد شد وافسوس فایدهٔ نخواهد بخشید .

* * *

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد ازطرف مدیر وسرمحرر تحریر یافته

محمود طرزی

در چهاپ خانه حروفی دار السلطنه کابل طبع گردید

نگران
ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی
علی احمد

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
با اخراجات داک ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با اخراجات داک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود

تاریخ عربی ۱۵ محرم ۱۳۳۱

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

تاریخ انگلیزی ۲۵ دسمبر

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

ادارهٔ تحریرخانه و مطبعه
در ماشینخانه دار السلطنهٔ (کابل)
همهٔ امورات تحریریه به ادارهٔ مطبعه
بنام مدیر فرستاده میشود
قیمت یک نسخه آن در کابل یکپیسه است

تاریخ شمسی ۴ جدی ۱۲۹۱

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

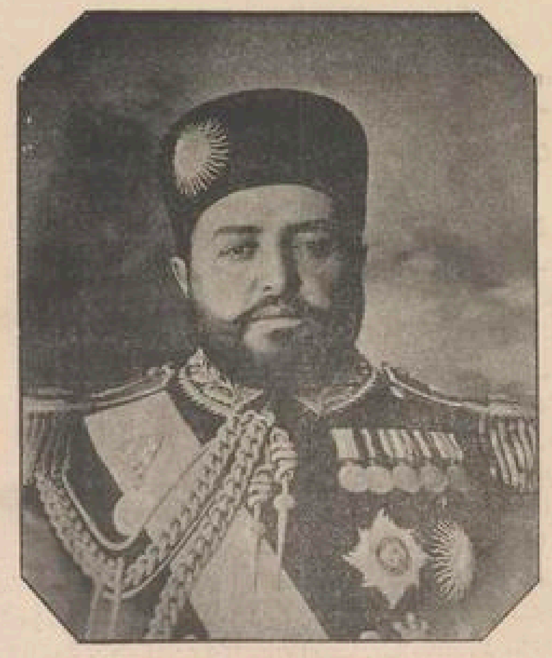

تمثال بیمثال پادشاه معظم دولت علیه مستقله افغانستان شوکتمآب اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان

فهرست مندرجات

کوهستان کابل
حوادث داخلیه
حوادث خارجیه
مقالات فنیه
حالات طرزی صاحب مرحوم
عالم عسکری
ادبیات
سیمای محرر
ناموران زنان جهان
عز و ثروت ملل
فاجعه‌های پاریس
اعلان

(کوهستان کابل)

(کابل) که مرکز دولت علیه افغانستان است ، تنها عبارت از همین شهر شهیر معروف نی ، بلکه بنام (کابلستان) یك خطهٔ بسیار جسیمهٔ را مالك است که مهمترین اراضیٔ که این خطه را تشکیل داده اراضیٔ سمت شمالیٔ کابل میباشد که آنرا (کوهستان) مینامند . غیر ازسمت های جنوب غربیٔ افغانستان که یکسر دشت وهموار است دیگر همهٔ این قطعهٔ عبارت از یك شبکهٔ کوه های متسلسل عظیمهٔ میباشد که از غرب بشرق واز شمال بجنوب یك دیگر را قاطع نموده اند . وآبادیها وشهر ها وایالتها درمیان وادیها و دامانهای این شبکهٔ جبالیه واقع شده است .

بلندترین وبزرگترین کوهای آسیا سلسلهٔ عظیمهٔ جبال متسلسله (هیمالایا) میباشد که این سلسلهٔ عظیمه جهت جنوب شرقیٔ قطعهٔ آسیا را بدو سطح مایل عظیمی تفریق نموده که سطح مایل جنوبیٔ آن قطعهٔ وسیعهٔ هندستان را وسطح مایل شمالیٔ آن صحراها ودشتهای بلندتبت وختارا تشکیل دادهاست . بلندترین ذروه های کوهای هیمالایا (اوه رست) نام ذروه ایست که بیست و نه هزار ویکصد قدم یعنی (فوت) بلندی دارد . در جهت غربیٔ تبت سلسلهٔ کوهای عظیمهٔ (قرونلین) وه قره قروم ، که ازجهت شرق شمال می آید بسلسلهٔ جبال جسیمهٔ (هیمالایا) که از جهت شرق جنوب آمده است یکجا شده بنام (پامیر) یك رابطهٔ جبالیه را تشکیل میدهند که این رابطه یعنی گره سلسله ها را (بامدنیا) مینامند .

ازین رابطهٔ (بامدنیا — یعنی — پامیر) یك سلسلهٔ جسیمهٔ دیگری که بنام (هندوکوه) معروف به (هندو کش) میباشد جدا شده یکسر بسوی غرب امتداد کرده میرود . این سلسلهٔ (هندوکوه) در حدودیت از سلسلهٔ (قره قورم) جدا گشته در جهت جنوبیٔ مملکت (پامیر) اولا در میان (واخان) (وارد ستان) ، وبعد ازان در میان (بدخشان) (وکافرستان) یکسر بسوی غرب جنوبی دراز شده رفته است . و حوضهٔ نهر جیحون را ازحوضهٔ نهرکابل که در آخر بحوضهٔ سند موسوم میشود تفریق میکند . درجهت شمال غربی کابل ازین دو سلسلهٔ جسیمهٔ دیگری جداشده یکی بنام (کوه بابا) یکسر بسوی غرب امتداد نموده تشکیل هزاره‌جات وغوررا تابهرات تعقیب میکند . ویك سلسلهٔ دیگر آن بنام (سفید کوه) یکسر بسوی شرق وشرق جنوبی ممدود شده رفته است . بعضی از ذروه های سلسلهٔ (هندو کوه) که افغانستان درمیان منطوقهٔ آن واقع شده تا به هفت هزار وششصدمتر ارتفاع را مالك است .

این منظرهٔ منظومهٔ جبال مسلسل افغانستان یعنی دره های بسیار مخوف و مهیبی و بسی وادیها و حوضه های سبز وخرم مزروع ومعمور لطیفی را در بردارد . مثلاچون یکبار ازدرهٔ تنگ ومخوف (خیبر) به (دکه) نام موضع برائیم تا درهٔ عجیب وغریب (تنگ غارو) خودرا دریك وادی بسیار پهنای خیلی دلنشین سبز وخرم می‌یابیم که ازیکطرف بادیوار های کوههای سر بفلك کشیدهٔ شنوار وغیره که از شعبه‌های سفید کوهست واز دیگر طرف با کوههای اسمار وکافرستان محاط میباشد ونهر کابل در وسط این وادی مستطیل پهناور بجهان جریان دارد که منظره‌های بدیعهٔ لذائذ مزروعات پنبه ونیشکر ، وافیون وغیره آنها نظر ربائی‌ها میکند . بازچون ازدرهٔ تنگ غارو ، ویادرهٔ (خورد کابل) برائیم دریکدائرهٔ بسیار وسیع حوضهٔ (کابل) میدرائیم که دایر آمادار این حوضه را باکوههای پست وبلند زنجیر آسائی محاط می بینیم که بازچون ازدرهٔ (کندرکاه) آن برائیم حوضهٔ نمونهٔ فردوس (چاردهی) واگر ازجهت شمال ازدرهٔ (کوتل خیرخانه) برون شویم خودرا درحوضهٔ (کوهستان) و (کوهدامن) زمین کابل می یابیم که اصل موضوع بحث ماازینجا عبارت از همین سرزمین دلنشین است .

§

ایالت (کوهدامن) و (کوهستان) کابل عبارت ازیك زمین بسیار واسع وفراخ پرمیوه وپردرخت خیلی منبت وکثیر النفوس میباشد که ازجهت شمال بنهر زردك (نیلاب) ازعلاقهٔ (ریزه کوهستان) (پنجشیر) تفریق می یابد . ازطرف جنوب باز باهمین نهر ازعلاقهٔ (تکاب) وازطرف غرب بسلسلهٔ کوههای (هندوکش) وازجهت غرب باکوتلهای (خیرخانه) و (بغلنگ) از علاقهٔ (کابل) محدود شده است . تقریباً قدر شصت هشتاد کیلو متر مربع یك زمین دلنشینی ست که آبهای براق و خوشگوار سیلاب سالنك ، متك ، غوربند وغیره این زمین وسیع را آبیاری میدهد همهٔ نفوس کوهستان ، و کوهدامن تخمیناً یك ملیون نفوس میرسد . اهالی این جهت بسیار جسور ، وتوانا ، وجنك آور ونشان اندازمیباشند . قریه‌ها وقصبه‌های بسیار معموری دارد پنبه ، گندم ، جو ، جواری وغیره از محصولات زمینی ، توت جوز ، انواع آلو ، سیب ، ناك ، انگور رقم رقم از محصولات سر

درختی آنست . علی الخصوص توت . وجوز آنقدر وافر و میذول است که یک قسم کلی ارزاق مردمان این نواحی را دفع میکند مثلاً توت را خشک میکنند . و بعد از آن با مغز جوز آنرا میکوبند . و از آن قدر یک نارنج باقدری بزرگتر کوله‌ها میسازند . که یک کولهٔ آن یک مرد مسافر یا محارب را بقدر ۲۴ ساعت بخوبی از غذا فارغ میسازد چنانچه در محاربانی که با انگلیسان بوقوع آمد آذوقهٔ مجاهدین کوهستان را همین غذا تشکیل داده بود .

از روایات موثوقهٔ تاریخیه چنان معلوم میشود که در زمانهای قدیم اصل شهر (کابل) در همین موقع کوهستان در موضعی که آنرا (بگرام) میخوانند بنا یافته بود که از بعضی علایم و آثار نیز صحت این روایت ظاهر و آشکار میگردد . در اثرهای مورخین زمان اسکندر رومی و جغرافیای (بطلمیوس) نیز از همین کابل بگرام بحث و بیان شده . و کابل را به تحریف (کابوره) ذکر کرده‌اند . فردوسی در شهنامهٔ خود نیز از کابل و کابلستان که بحث رانده مقصد همین کابل (بگرام) است .

بعد از آن زمانه‌های قدیم در کوهستان زمین کابل هیچ یک شهر معتبر و مشهوری بنا نیافته بود . تا آنکه در زمان سعد اقتران پادشاه ذیشوکت و شان دولت علیهٔ مستقلهٔ اسلامیهٔ افغانستان (اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) در (پروان) نام موضع که به (جبل السراج) موسوم شده است بنا یافتن (سراج الامصار) نام یک قلعهٔ شهرنمای بسیار مستحکمی را اراده فرمودند . و به این سبب اهمیت رونق و شکوه کوهستان کابل را سر از نو زنده و تازه فرمودند .

§

ذات اعلیحضرت پادشاه عمران پرور ترقی مآثر در اواخر سنهٔ ۱۳۲۴ هجری مملکت شمالی کابل — یعنی کوهدامن . و کوهستان شاهانهٔ شانرا دور و سیاحت فرموده بنا بر اهمیت موقع این ولایت یک موضع دولتی و عسکری را در آن خیلی لازم و ضروری یافتند و چون در (پروان) نام موقع موکب همایونی شرف مواصلت فرموده آنجا را برای اجرای افکار شاهانهٔ شان خیلی موقع لایق و پسندیده یافتند . زیرا این موقع چنانچه از جهت بلندی بر همهٔ کوهدامن زمین ناظر و حاکم افتاده همچنان بر سه چهار دره‌های بسیار مهمی که گذرگاههای یگانهٔ سمت شمال — یعنی ترکستان — شمرده میشود نیز حاکم میباشد .

مهمترین این راه‌ها راه (خاواک) است که از درهٔ پنجشیر میگذرد ذات اعلیحضرت شاهانه در وقت عودت از دورهٔ سیاحت شاهانهٔ شان . از ترکستان بر همین راه خاواک تشریف آورده‌اند . دیگر راه درهٔ (صالح اولنگ) معروف به (سالنگ) است که یکه به (خنجان) میبراید . دو راه دیگری که یکی از درهٔ (غوربند) و دیگر آن به (بامیان) میرود نیز خیلی گذرگاههای مهمی شمرده میشوند .

هیئت مجموعهٔ این شهر مینو بهر دو کروه (۱) در سه کروه می آید ارگ مبارک که در سراج الامصار است . و نزدیک باتمام رسیده در یک موقع مرتفع بسیار دلکشای بنا یافته که محتوی بر یک قصر بسیار عالی بادشاهی . و یک دایرهٔ حرمسرای همایونی . و یک چونی عسکری که در وقت ضرورت تا دو هزار نفر عسکر را بهمهٔ جبه خانه وگدام بگنجاند . و بسی خانه های خصوصی دیگر برای تفریح معیت شاهانه میباشد . دیوارها، بروج . چونی . خانه‌های خصوصی تحویلخانه‌ها . خزینه . و میگزین وغیره این ارگ مبارک که سراسر بانجام رسیده است . تنها نشیمنگاه ذات شاهانه هنوز اتمام نیافته .

دیگر چیزی که مدار افتخار (کوهستان) گردیده . و برای ترقی استقبال آن یک شهراه بزرگی را تأمین نموده همانا تأسیس یافتن کارخانهٔ بزرگ برقیست که در (سراج الامصار) انشا میشود .

زمان . زمان صنعتست ! صنایع در وقت حاضر بدرجهٔ ترقی نموده که مدار حیات و حرکت عالم گردیده است . در هر مملکتی که دود کشهای بلند فابریکها — یعنی کارخانه‌ها — بیشتر دود انشانی شان افزونتر است . ثروت . قوت عزت شان نیز بسیارتر و اعلاتر میباشد . هرقدر که چرخهای ماشینها در یک ملکی زیاده‌تر بدورانند . همانقدر در کثرت نفوس آن ملک می افزاید . زیرا چرخ های یک ماشین . قوت دستهای یک جمع کثیری از انسانهارا دارد که بهمان سبب ماشینها . خدمت صنایع را بجا آورده قوت نفوس بسیاری را حاصل میکند . مثلاً : یک قصبه تصور کنیم که بیست هزار نفوس را مالک است . یک فابریک سان بافی در آن قصبه تصور کنیم که بقوت سه صد اسب در شبانه روزی حرکت کرده در ماه شش هزار توپ سانرا . که هر توپش صدگز باشد بعمل می آرد . اینقدر توپ سان . غیر از آنکه احتیاج اهالی قصبه را تنها دفع کند بعوض سانی که بخارج بیرون میبرآید . زر و دینار وافری نیز به آن قصبه داخل کرده مدار ثروت و توانگری آن قصبه میشود . حالانکه اگر خود آن اهالی بقوت دستهای خود شان این شش هزار توپ سانرا بسازند به بیست مثل نفوس خود ساخته نمیتوانند . پس معلوم شد که فابریکها نفوس را بیست چند افزونی میدهد !

بعضی اراضی کوهستان و کوهدامن . استعداد و قابلیت زیادی برای زراعت پنبه دارد . حتی اکثر پنبه‌کار آمد کابل را پنبهٔ کوهستان تدارک میکند . و صنعت بافندگی بعضی چیزها نیز تا یک درجه در این سرزمین ترقی دارد . مثلاً : غزاز (کرباس) نام یک قماش که پوشاک عمومی از آن ساخت میشود (کیش) نام یک قماشی که خدمت شانه پوشی شانرا ایفا کند نیز بافته میشود . برای مفروش خانه‌ها که بعوض جندی استعمال شود نیز بعضی قماشهای خوب و متین

---

(۱) کروه یک مقیاس مساحهٔ مروجهٔ افغانستانست . هر کروه چار هزار گز مربع — یعنی گز ذراعی — افغانستانست هر گز مربع مساوی با ۴۰ اینچ انگلیسی میباشد .

ساخته میشود . حالآنکه اگر فابریك ها باشد . واشیزها بقوت ماشین ها بکار افتد غیر ازانکه در نفاست وخوبی آنها ترقیات بدیعی پیش شود — کثرت وسهولت وقیمت . ومبادله نیز بیشتر شده مدار ثروت و توانگری اهالی . وترقی و آبادی ملك میگردد .

ذات اعلیحضرت پادشاه ترقی پرورما که همهٔ اوقات عزیز شاهانهٔ شانرا برای ترقی . وبهبودی ملك وملت شان مصروف داشته اند هیچ یکی ازنکات باریك اسباب ترقی وتعالی دولت علیه افغانستانرا ازنظر همایونی دور نداشته اند . فابریکهارا اساس یگانهٔ ترقی وتوانگری ملك دانسته — غیراز ماشین خانهٔ بزرگ دارالسلطنه بسی فابریکهای دیگری نیز برای پشمینه بافی وچرم گری وغیره درعصر فرخنده حصر شاهانه بوجود آمده است . ولی چون مسئلهٔ حیات فابریکها به سوختنی وابسته میباشد . ومادهٔ مهمهٔ سوختنی زغال سنگ است که همان معدنهای غنی وتوانگر آنرا بدون آوار نمون دور وحرکت ماشین های فابریکها را بکار انداخته میتواند . باوجودیکه سعیهای بلیغ درباب پیدا کردن معدن زغال سنگ بکار بردند یك معدن قابل پیدا نشد . جنگلهای چوب بسیار غلو وتوانگری در سمت جنوب وشرق شمالی افغانستان اگرچه موجود است . ولی بسبب بعد مسافه . و لحاظ خراب ومحوشدن جنگلها که آنهم یکی ازمدار ثروت مملکت است چنانچه شاید وباید ازچوب استفاده نمیشود .

لهذا ذات اعلیحضرت پادشاهی طریق استفاده را ازقوت برق اندیشیده . درهمین موضع جبل سراج از آب کماز درهٔ صالح الملك — سالنگ) می آید . و شدت و کثرت تمام از زیر قلعهٔ (سراج الامصار) جریان دارد تأسیس یك کارخانهٔ برق را مصمم آرزوی شاهانه فرمودند .

عندالحساب معلوم گردید که قوت جریان آب این دره برای قوت (١٥٠٠) اسپ یك قوت که بکابل باید کافی دیده میشود که این قوت غیر ازانکه همهٔ فابریکهای موجودهٔ کابل را بدور وحرکت آرد مقدار بسیاری از قوت برای تنویرات شهر . وتلفونها ودیگر فابریکهای کمتر از نو تأسیس یابد کافی وافی میآید لهذا ارادهٔ سنیهٔ همایونی برعملیات جسیمهٔ انشائیهٔ آن شد تعلق پذیرفته دیناموها . وتوربین ها . ودیگر آلات وادوات لازمهٔ آن بقیمت یك ملیون یعنی ده لك روپیهٔ کلدار خریده شد که آشیائی مذکوره پی هم در آمده است . امسال بکمال جوش وخروش کار دران جاری بود . مشکلترین عملیات آن تبدیل دادن مجرای نهرست که تفصیل آنرا انشاءالله بعداز اختتام عملیات آن بنظر قارئین عرض خواهیم نمود . ما راست که دعای عمر و اقبال و شوکت واجلال اعلیحضرت پادشاه مقدس محبوب القلوب — خودمانرا ورد زبان صداقت سازیم تا بسایه عمران پایهٔ همایونی شان بسی آثار نافعهٔ عظیمه درملك وملت شاهانه روی کار آید .

حوادث داخلیه

(هوای کابل)

زمستان هیبت نشان شهر عزیز دلبندرما با دبدبه ودارات برودت آیات خویش بکمال تمکین ووقار تشریف فرمای انجماد نثار گردید ! اول باول . کوههای بلند شامخهٔ هندو کوه که از مسافه های دوری بمنظرهٔ هیبت نمای خود (کابل) را رونق متانت می بخشد . ردای بیضای خود را که بسبب گرمیهای تابستان بعضی شقها . وخاك آلودی بهم رسانیده بود . وازطرف دامان یکقدری برقامت بلند بالایش کوتاهی کرده بود سراز نو تازه وسفیدی بی اندازهٔ بخشیده هوای جهت شمالی شهرمارا بسیار تندی وسردی بوزش درآورده ! حیوانات . حشرات نباتات : ترسیدند ! خزیدند ! لرزیدند ! . . .

رنگارنگ مصادمه ها . ودست وگریبان شدن هوا های گرم جهت شرق جنوبی باهوا های برف آلود جهت شمال شرقی آغاز نموده . وبادهای تندی را بوجود آورده وبادها نیز کتله های جسیم ابرهای ثقیل تارا در روی سما بجولان آورده همهٔ موجودات عالم طبیعت را بورود قهرمان شتابیدار وهشیار ساخت !

اول برفی که باریده یوم چهارشنبه ٢٤ ذی الحجة الحرام مطابق ٤ دسمبراست که با باران مخلوط وزره های بزرگ بزرگی را حاوی بود . ولی بزودی آب شد . ودرجاهای که ازطرف مأمورین ثبوت درجهٔ هوای توقف بردروازهٔ ارگ مبارکه پیمایش شده است یك سوت بوده است .

(تشریف فرمائی علیا حضرت سراج الخواتین)

(بسوی جلال آباد)

یوم یکشنبه ٢٨ ذی الحجة الحرام بساعت هشت ونیم صبح ذات عالیهٔ مقدسهٔ معظمه (علیا حضرت سراج الخواتین) بسواری عرابهٔ موتر از ارگ مبارکهٔ دارالسلطنهٔ کابل حرکت فرموده بکمال عزواجلال عازم سمت (جلال آباد) گردیدند . همه خدمه وجاریه گان معیت حضرت عالیهٔ مقدسه قبل از سه روز یعنی یوم چارشنبه بسواری موتر بجلال آباد فرستاده شده بودند . خود ذات عالیه معظمه وجناب عالی حضرت سردار اکرم نائب السلطنه صاحب افخم . وشهزاده جوانبخت معظم معین السلطنه وشهزادهٔ مکرم عین الدوله وشهزاده محمد کبیرخان . ودیگر همه پرنسسها وبانوهای معتبرهٔ سراپردهٔ عصمت در ده قطعه موتر صبارفتار بصوب منزل مقصود رهسپار گردیدند . ازدرگاه پرور دگار صحت وسلامت وعزت وسعادت را بایشان رفیق وهمراه میخواهیم .

(خبر تلفون)

از جلال آباد بذریعهٔ تلفون خبر رسیده که ذات عالیهٔ معظمه وجناب عالیٔ وشهزاده گان عظام وهمه افراد عایلهٔ پادشاهی ومعیت شان بکمال عزو اجلال وسلامتی واقبال بساعت شش شام یوم یکشنبه ۲۸ ذی الحجة بجلال آباد مواصلت فرموده درباغ کوکب شرف نزول فرمودند .

(ذات اعلحضرت همایونی)

بنابر بعضی کار های مهمی که در دارالسلطنه موجود بود ذات اعلحضرت پادشاه مهربان ملت ورعیت پرور سفر خیریت اثرشاهانه را بصوب (جلال آباد) یکچندروزی بتعویق انداختند . از مدت یکنیم ماهست که هرروزه دربار عرض وداد ، واصلاحات مهمهٔ مملکتداری میفر مایند .

به حبسخانه های دارالسلطنه یك توجه خاص همایونی را صرف فرموده بس اصلاحات مهمه دران اجرا فرمودند . بندیهای که ازبسیار مدتها گوشه نشین محبسها بودند هرروزه بدربار حضور همایونی حاضر شده ، ویکان یکان فقرات شان که از محکمهٔ اجلاس محبوسین مسیل شده بود بحضور قرائت شده احکام همایونی بموجب عدالت ، وقوانین سلطنت اجرا گردید .

قاتلها وجنایتکارانی که جنایت شان ثابت شده بود اعدام . وکسانیکه بنا بردعاوی مختلفه محبوس بودند واحکام آن به ارادهٔ سنیهٔ همایونی متوقف بود فیصلهٔ دعاوی وکسانیکه آزادشدنی بودند آزادوکسانیکه ماندنی بودند بمدتهای مختلفه محکوم بحبس شدند .

از جملهٔ احکام مراحم انجام اعلحضرت همایونی یکی از بیخ وبن برکندن (سیاه چاه) نام حبسخانهٔ جهنم نشانهٔ بود که محکوم شدن بحبس آن بار بار بدتر از اعدام بود ! انشاءالله تفصیلات آنرا بعد ازین بدست آورده سرمقالهٔ افتخار خواهیم نمود .

حوادث خارجیه

(به بینید که نصرانیت چه میکند)

نصاری مسلمانانرا بوحشت وخونریزی وعدم مدنیت همه دم وهمه وقت میستایند . دولتهای معظمه وغیر معظمه تکلیفی که میکردند همین بودکه درمکدونیا اصلاحات یعنی عدالت ومدنیت جاری گردد . یعنی حکومت نصرانیت برپاشود . ببینید که ملیونها رعیت عثمانی که ازملت نصارات درچنین وقت محاربهٔ صلیب نیز بکمال امن وآسایش درهر طرف ممالك عثمانی بکار وبار خود مشغول هستند . وهیچ تعرض وآزاری به آنها نمیرسد . حالا یکقدری ازاحوال مسلمانانیکه درمملکت بلغارستان ورعیت حکومت بلغار میباشند بشنوید که ماآنرا ازجریدهٔ المؤیدالغرا ترجمه ونقل مینمائیم : « درمملکت بلغارستان ششلك وپنجاهزار نفوس مسلمان ازرعایای بلغار موجوداست که دروقت حاضر کار همهٔ آنها یك گریه وواویلامیباشد . وبیك حالی هستند که مرده‌هم برانها دلش میسوزد ! علناً خونهای شانرا بهبسیار آسانی میریزند . زنهای شانرا بزور وجبر بیعصمت میکنند . ازالهٔ بکارت دختران شان امروز عادت یگانهٔ عسکر بلغار شده است . حتی بتاکید رسید که امروزه روز درشهرهای سلیتره ، وقورت بیکار ، وبالیکا هیچ یکدختر بکری ازمسلمانان باقی نمانده است . « چندروز پیش ازین درمیان راه‌عام‌بلاسبب سه‌نفر مسلمان‌را در (راوادی) بقتل رسانیدند . ودر (پلونه) هشت‌نفر مسلمان بیگناه راسر بریدند . ویك مسجد مسلمانان رعیت خودشانرا تماماً آتش زدند .

« برسرسرك عرابه روشهر « شمنی » بصدها جسدهای کشته شدهٔ مسلمانان یافت شده که محض بیگناه مسلمان بودن کشته شده‌اند . دریك کشتیٔ که عسکر بلغار ازنهر (طونه) میگذشتند سه نفر مسلمان هم دران کشتی بود . محض بسبب تعصب نصرانیت آن سه‌نفر بیچاره‌را برداشته بنهر انداختند .

« همهٔ این کارها درپیش چشمهای حکومت بلغاریه اجرامیشود وهیچکسی بران اعتراض نمیکند . چسان اعتراض بکنند که خود اوبیانك بلند میگوید که این محاربه صلیبیاست ومقصد ازین محاربه اینست که اهل اسلامرا ازهمهٔ اوروبا بیرون برانند . واگر ممکن باشد ازهمهٔ آسیا واوروبا بیرون کشند .

« بجز اینکه خود حکومت اهالی‌را برقتل مسلمین برمی انگیزاند . وافسران عسکر بلغار خودشان برناموس وعرض اهالی مسلم تجاوز میکنند . وهم یك قانونی انتشار کرده‌است که هرکس ازمسلمانان که هجرت کنند ملك ومالشان غصب میشود . بهاینسبب مسلمانان مضطر میشوند که بیرون نبرایند وبلغاریان بوجه دلخواه خود شان برعرض وجان‌شان مسلط گردد .

« دریکی ازجوامع یکی ازقصبه‌ها عسکرهای بلغار درامده همه مسلمانان نماز خوانرا ضرب وجرح نموده کشیدند که درمیان آنها مفتیٔ آنقصبه نیز موجود بود . وچون به‌افسرشان عرض شکایت نمودند گفت : « شما مستحق همین معامله‌ها میباشید چراکه مسلمان هستید . »

« دریکی ازقصبه‌های دیگر که درزیر تصرف شان است چند نفرافسران بلغاری درخانهٔ اشرف افندی نام یك مفتیٔ درامده بر (فاطمه) و (فروزه) نام دودختر نوجوان باعصمت اوحمله بردند . دختران ناجان داشتند بمدافعه نفس خود کوشش ورزیدند ولی آخرالامر مغلوب گردیده افسران بلغار نابکار پرده عرض وناموس شانرا دریده ودست بسته بخیمه خود بردند . »

حالاشنیدید که نصرانیت چها میکند ! لعنت بران اشخاص

که میگویند :— چه میشود که اجنبی برما تسلط یابد ! زمینها ومزرعه‌ها ، وخانه های مارا خود به پشت کرده نمیبردند !....

وطن بحب وطن قایم است هم محفوظ
که هست حب وطن تیر سهمناك وطن
زحق نیاز کند عاشق وطن (محمود)
که دشمنان وطن باد زیر خاك وطن

{ تبریك }

رفیق معزز و محترم ما اخبار گهر بار (چهره نما) بدرفیق همزبان خود (سراج الاخبار افغانیه) به اینصورت تبریك میگوید ، تهانی خالصانه بدخول سال دوم گرامی نامه (سراج الاخبار افغانیه) منطبعه کابل که ازاثر سراسر ثمر خامهٔ مشکین ختامهٔ یگانه فاضل ارجمند وفرزانهٔ بالغ برومند (محمود بیك خان) است مژده وطرفداران معارف و مطبوعات را بزرك بشارتی میدهیم که این روز نامهٔ نامی از توجهات ذات ملکوتی صفات (اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) پادشاه معارفخواه افغانستان واز الطاف عوارف العطاف شاهزاده معارف و ساده (معین السلطنه سردار عنایت الله خان) ومجاهدت خالصانه همعصر محترم ما (محمود بیك خان) شروع بسال دوم کرده باچندین مزایای فائقه که یکی بحروف سربی بسیار قشنگ ممتاز (همیون حروف چهره نما) چاپ شده وبه تمثال بیمثال اعلیحضرت فلك رتبت (سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) وسایر خانواده سلطنتی دولت خدا داد مستقله اسلامیه افغانستان بوجهی پسندیده زینت یافته الحق (این طفل یکشبه رهٔ صدساله میرود) آری (این همه آوازها ازشه بود) اعضاء ادارهٔ چهره نما ترقی و تعالی آن جاوید نامهٔ اسلامیه را عاجزانه از درگاه حضرت باری خواهانند .

§ همعصر معزز اخبار ملت §

یوم جمعه ۲۹ نومبر سنة ۱۹۱۲ ع مطابق ۱۹ ذی الحجة الحرام سنة ۱۳۳۰

ناظم پاشا بذریعهٔ تلگراف خبر میدهد که آن فوج بلغاریه که بطرف میدرهٔ مامور جل بته جنك میکرد در شب گذشته به پناه تاریکی مورچل های خودرا خالی کرده فرارشد — بوقت صبح چون فوج ما برای تجسس غنیم میگشت بجسد نعش هارا بر زمین افتاده دید واز لباس لاش های مذکور معلوم شد که سپاهیان بلتن نمبر اول صوفیه می باشند — آن بلغارها که گرفتار کرده آورده ایم از زبانی شان معلوم شده است که سپاه بلغار را از سه یوم خوراك میسر نشده .

درملك مصر متعلق جنك بلقان پیچیدگی‌ها پیدا شده‌اند — خدیو مصر ووزرای سلطنت بر امداد سلطنت عثمانیه آماده می باشند وبموجب معاهدهٔ هجده هزار فوج برای امداد ترکی تیار کرده‌اند اما لارد کچنر میگوید که اگر سلطنت مصر همراه یونان تعلقات سفارتی قطع نماید جهازات جنگی یونان ، بر بنادر مصری گلوله اندازی خواهد کرد وبه تجارت مصر نقصان خواهد رسید — اما حکومت مصر بجوابش میگوید که قوت بحری یونان نسبت قوت بحری ترکی کمزوراست وما بخوف جهازات یونان از سلطنت شاهی خود هرگز دست بردار نخواهیم شد — لارد کچنر این خیال دارد که اگر فوج مصری برای امداد ترکی فرستاده شود افسران اعلای آن که انگریز می باشند همراه فوج مذکور رفته نمی توانند وچون افسران اعلی همراهش نباشند فوج امدادی مذکور مفید وکار آمد نخواهد بود — این امر خالی از دلچسپی نیست که بابعالی حسب معاهده از مصر فوج طلب کرده است وحکم داده است اعلان قطع تعلق بلقان ویونان دراخبار سرکاری مصر شایع نماید — وسفیر یونان را پروانه راهداری داده از مصر بدر کند — مشیران انگریزی مصر به رونق افروزی خدیو المعظم در قسطنطنیه مشوش گشته اند وخیال کرده می شود که خدیو هم مصائب را بر خود گوارا خواهد کرد اما رفاقت سلطنت شاهی خودرا ترك داده نمی تواند — الغرض باعث اصرار بی تعلقی لارد کچنر جوش عامهٔ مصر ترقی پذیرفته است — واگر مصر مجبوراً اعلان بی تعلقی نمود احتمال دارد که در مصر جوش مخالفت سخت بوقوع خواهد رسید بهر حال مسئله مصر صورت نازك اختیار کرده است امید که ارباب حل وعقد دولت برطانیه ترکان ومصریان را کشیده خاطر وبد ظن نخواهند ساخت .

﴿ وزهمعصر معزز پیسه اخبار — ۱۴ نومبر ﴾

{ اعانت مجروحین ترك }

اسلامیان هندوستان اهمیت موقع را دانسته از هر مقام امداد برای برادران مجروح ترك روانه میکنند — چنانچه یك لك وپنجاه هزار روپیهٔ کلدار سرکریم بهائی از بمبئی ارسال نموده است وعنقریب دیگر مبلغ کثیر هم فرستاده می شود — از دهلی تاحال سی وشش هزار ونهصد روپیه واز مدراس بیست و پنجهزار واز کراچی سی هزار روپیه واز لکنهو سی هزار واز پشاور پانزده هزار روپیه ویك رقم خطیر از کلکته فراهم شده است واز لاهور هم علی هذا القیاس انجمن های هلال احمر در هر جای قائم شده‌اند وبسرگرمی کار میکنند انگریزها نیز معاونت می نمایند چنانچه کمشنر لکنهو صدارت جلسهٔ هلال احمر نموده واسنت گورنر (حاکم کلان) پیغام همدردی همراه اعانت مالی روانه کرد — علاوه برین هنودان هم امداد مالی می نمایند اعلیحضرت والیسرای لیدی هاردنگ وعده کرده است که دهلی رفته وجه امدادی روانه خواهند کرد — یك خیرخواه مخلص که نام خودرا اظهار ننموده است مبلغ یکهزار و پنجصد روپیه عطا نموده و وعده کرده

است که اگر جنگ شش ماه باختتام نرسید همین رقم بعد از هر شش ماه خواهم داد —

قتل وزیر اعظم هسپانیه

چون وزیر اعظم هسپانیه تنها برای صدارت مجلس میرفت پیش دکان کتبفروش ایستاده بود – یك انارکست (ابتری خواه) چهار فیر تفنگچه براو سر کرد – وچون وزیر مذکور بمرد قاتل فی الفور خودکشی کرد !

در لشکرگاه شتلجه شورش جنگ بریاست محمود مختار پاشا براهل بلغاریه حمله کرده ترتیب فوج شان را درهم برهم ساخت واگرچه خودهم نقصان برداشت اما بسیار توپهای دشمن را بدست آورد. اهل بلغاریه برقلعه جدیده حمله آور شده بودند باوجود گوله باری شدید شان فوج عثمانیه بی کمک دیگر دشمن را پسپا نمود .

بلغرها بکنار میدان جنگ خندقها کنده اند لاکن نارنجکهای روشنی موقع آنرا به ترکان نشان داده واز – جهاز عثمانی که اندازی شروع شد وکارگر گردید جهاز حمیدیه خوب مقابله کرد —

یك ملازم سفارت فرنچی این چنین اظهار رای کرده است که آتشباری بلغران ناقص بود – قریب من آنها سه صد گوله انداختند امایك متنفس را هم صدمه نرسید – در پای محمود پاشا یك گوله در آمده بود که دریك دار الشفای جرمنی کشیده شد .

هدیه به ترکی

جماعت چای که بشرکت تجارت میکنند یکهزار پوند چای به انجمن های صلیب احمر وهلال احمر عطا کرده است که در جنگ بلقان کار میکنند . مسلمانان پرتوریا (افریقه جنوبی) ۵۵۰ پوند اعانت بمجروحین ترك داده اند —

جهازات عثمانی بربلغرها گله باری کرده آنهارا تا فاصله قریب هشت هزار میتر پس پا کرده اند —

جبل اسودیان برتپه های سقوطری یورش کرده بودند ویکصد نفر خودرا مقتول گذاشته پس گریختند —

(از اخبار مارننگ پوست)

دو نفر انگریز مستر لنچ ومستر جالس سوی کابل روانه شده اند که رشته تیار کردن صابون وشمع قائم نمایند —

تلگراف به اخبار تائمز لندن رسیده که جنگ سخت در مواقع چتلجه واقع شد – ترکان در مواقع توپخانه وخندقهای خود از بلغرها برتر می باشند – پلتن های بلغران دو بار پیش قدمی نمودند اما گله باری متاثر ترکان نشانه درست دریافته آنهارا پس پا کردند — گوله های بلغران بسیار بلند رفته به ترکان هیچ نقصان نمیرسانید – آواز گوله ها مثل رعد وبرق زمین آسمان را پر کرده بود ومثل آن جنگ روس وجاپان بود که انواع مجموعه جاپانیان مقام لیاو تینگ . لشکر مؤخر جرنیل کرپتکاف را میده میده ساخته بود — بعد از ان معرکه این قسم گوله باری مهیب کاهی شنیده نشده —

دسته های فوج دول اوروپا در قسطنطنیه فرود آمده اند وآنها درمقامات خود برای حفاظت دار الخانه ها وسفارت خانه ها ودیگر عمارات خارجه تا وقت ضرورت مقیم خواهند بود این حرکت بین الدول باستعجاب دیده شده است .

یك وفد سرداران وعهده داران منگولیا در پیکن رسیده اعلان کرده است که منگولیا بواسطه روسیا خودمختاری نمیخواهد بلکه آن با چین بسته است .

رویتر حالا خبر میدهد که کیفیت نظامی ترکان یکبار استقلال برای بلغران معلوم شده اکنون پیش قدمی بلغران از بیم وهراس مسدود شده است .

در لشکر بلغاریا وبای هیضه سر کشیده است وشاه فردیننده داکتر راتهه جرمنی را طلبیده است .

مارننگ پوست — ۲۲ نومبر

خبرهای جنگ شاتلجه بهادری و شجاعت وخوش انتظامی ترکان را ظاهر میکند – بلغران شکست خوردند – ترکان بربعضی مقامات متصرف شدند – توپ خانه های بلغاریان بمقابله ترکان هیچ کار نمیکنند وتوپهای ترکان بهتر ودورتر میزنند —

جهاز حمیدیه دو کشتی تار پیدوی بلغار را که زیر آب بر آن حمله کرده بودند غرق کرد – منصبداران ترکی در جهاز بشجاعت واستقلال کار کردند جرنیل شکری برای شجاعت وحمایت خود که در ادرنه باطول ظاهر نموده بود وبلغاریان را بهوقی پس پا نموده بود نشان وخطاب غازی عطا کرده شده است .

جنگ ترکی وبلقان

همعصر معزز زمیندار مینویسد

لندن ۲۶ نومبر — طرز آخری فوج بلغاریا که براطفال هفده ساله مشتمل است بعد از قواعد آموزی سه هفته در میدان جنگ فرستاده شد – تحقیق رسیده است که درین جنگ یك لك سپاه بلغاری کشته شد – وان نقصان جان بلحاظ آبادی قلیل بلغاریه وبه وسائل اقتصادی ان کمی اندیشه ناکاست —

شکست بلغاریان وسرویان

نامه نکار دیلی نیوز در اشاعت ۲۵ اکتوبر تحریر می نماید : — افواج بلغاریا وسرویارا که از جانب اجرای بلانکا کوشش رفتن مقام اسکب میکرد متصل کانودا شکست کامل رسید فوج ترکی که سرعت تمام بمقام کانودا فرستاده شده بود پیشقدمی کرده غنیم را بمعرکه آرائی مجبور ساخت ونتیجه اش چنان شد که فوج سرویا که ماتحت شهزاده اسکندر بود پسپا گردید وتوپ بسیار سرویا بدست ترکان افتاد —

پیسه اخبار — یوم پنجشنبه ۲۸ نومبر مطابق ۱۸ ذی الحجة الحرام

امداد عیسائیان وهنودان در اعانت هلال احمر

قاضی کبیرالدین از جمله مسلمانان بمبئی خبر میدهد که یک دوست هندو مستر دامودر داس گوردهن داس سکهی والا اعانت هلال احمر مبلغ یکهزار روپیه کلدار میدهد نیز وعده می نماید که اگر مسلمانان هند بغرض شراکت جنگ بطرف ترکی بروند یک حصه اخراجات سفر آنهارا ادا خواهد کرد مستر سکهی والا هندوی نیک دل است ویقین است که در هندوستان لکها هنودان شریف دل ونیک نیت دیگر هم خواهند بود اما اظهار تا حال بطرف کار همدردی بنی نوع انسان متوجه ساخته نشده — در این شک نیست که ضروریات هر شخص وهر قوم جداگانه هم می باشند اما در این ضروریات همدردی انسانی همه اقوام بلا لحاظ مذهب وقوم شریک شده می توانند —

اخبار دیلی نیوز که در انگلستان یک اخبار آزاد است وبا ترکان مطلق دوستی ندارد بلکه بروایات مستر گلیدستون متوفی که یک دشمن جانی ترکان بود عامل است واعانت صلیب احمر فراهم می نماید بعض انگریزان همراه وجه اعانت باو اطلاع داده اند که نصف مبلغ اعانت به امداد عیسائیان ونصف آن بامداد زخمی های مسلمانان داده شود

جوش وخروش عربان

تلگرافهای متعدد از طرابلس به آستانه علیه بدین مضمون رسیده اند که عربان تا دم آخرین جنگ خواهند کرد — وبه حکومت عثمانیه درخواست دارند که آنهارا بر صلح مجبور نسازد آنها نیز دولت عثمانیه را در این امر معذور میدانند ومی فهمند که حکومت ترکیه مبتلای مصائب سخت گشته است ورنه هرگز با ایطالیه مصالحت نمیکرد — ما آنها تا که جان در تن دارند ایطالیان را در طرابلس نخواهند گذاشت

مثال نادرهٔ ایثار وحمیت ترکیه

نامه نکار اخبار ماتان فرانسه از مقدونیه خبر میدهد که اگرچه ترکان در بهادری وقربان کردن جان در میدان جنگ شهرت دارند اما یک واقعهٔ تازهٔ حمیت وایثار شان که در تاریخ عثمانی بافتخار تمام درج کرده خواهد شد اینست که چون ترکان از مصطفی پاشا بگردیدند چنان قصد نمودند که یک جسریکه بر نهر مارتزا واقع بود برباد سازند در این بربادی پل هلاکت انجام دهندهٔ کار نیز قطعی بود وهنوز گفتگو جاری بود که کدام شخص است که خودرا قربان کرده راه دشمن را مسدود سازد که قائم مقام وحاکم مصطفی پاشا خدمت مهلکه مذکوره بذمه خود گرفت وچون فوج عثمانیه باطمینان تمام از پل گذشت حاکم موصوف داینامیت بدست خود گرفته در وسط جسر ایستاده شد ودر آنوقت که فوج بلغاروی ارادهٔ عبور کردن پل داشت حاکم موصوف جسر را بذریعهٔ داینامیت منهدم ساخت وخودش نیز جان بحق تسلیم نمود —

حالت سنگینی یوروپ

خبر وحشت اثر فراهمی افواج جنگی که در اخبارات آستریا وجرمنی شایع شده بود در اطمینان یوروپ باین سبب خلل انداز شد که چه فریق مع سرویا ملاقات ورزی ورزیده بودند نیز معلوم می شود که سرویه بجهت حصول یک بندرگاه بحیرهٔ ادریاتک از مطالبت آستریا منحرف نخواهد شد — با اینهمه از اخبار کولنسکی زتنگ در ضمن سخنان اطمینان بخش صدای خفیف شورش انگیز شنیده می شود

شهزاده عزیز که از خاندان خدیو مصر است وبمقابله بلغاریه از جانب ترکیه بطور متطوع جنگ میکند رویتر در خصوص شهزاده موصوف خبر داده بود که چونکه شهزاده عزیز از میدان فرق کلیسا گریخته بود او مجرم گریز از عدالت نظامی نشانه تفنگ ساخته شد اما بعد از آن تردید خبر مذکورهٔ فوق نموده شد اکنون اخبارات مصری بسلامتی شهزاده مذکور اظهار تهنیت نموده بر خبرهای رویتر مضحکه می نمایند واهل مصر را مشورت میدهند که خبرهای رویتر اعتبار واعتماد نکنند —

قسطنطنیه ۳ نومبر — نامه نکار الوید بذریعهٔ تلگراف خبر میدهد که در فوج ظفر موج ما و بلغاریان جنگ متواتر جاریست ودر معرکه های آخری فتح ونصرت شامل حال ماست .

دعوی روس وترکی در عدالت ثالث

بقایای تاوان جنگ روس و روم سنه ۱۸۷۷ ع بذمهٔ ترکی باقی است وحکومت ترکیه اکنون آزادا کردن بقایای تاوان جنگ انکار میکند لهذا حکومت روسیه دعوی مذکور را در عدالت ثالث هیک پیش کرده است

درخوست بکلی امانت

نامه نکاری سرحدی تحریر کرده است که اعلیحضرت امیر صاحب خوانین قوم منکل را که در کابل زیر حراست بودند اجازت

رفتن خوست عطا نموده اند — خوانین مذکور به اعلیحضرت ممدوح اقرار کرده اند که در خوست رفته نفری برای نظام مهیا خواهند کرد اکنون حالت خوست نهایت بهتر است ودر آنجا بهر طریق امن وامان است. کمترین عبدالرحمن بیک مترجم

همعصر معزز اخبار وطن دیده شد
خبر عجیب واتفاق حیرت انگیز

لندن ۲۷ نومبر — ازمقام صوفیه نیزاز استانبول خبر حیرت انگیز رسید که دولت ترکیه خواهشمند شمولیت اتحاد بلقان میباشد واو اطلاع ارادهٔ خود به بلقان داده است — اگرچه خبر مذکور بوجود اغلب غلط نخواهد بود لاکن این امر محض غلط است که خواهش اتحاد از جانب دولت ترکیه نموده شده است — مقتضای فطرت انسانی این است که فریق مغلوب فرد باشد یا قوم فریق غالب را بر مائل نمودن خطا پوشی متوجه حیل وتدابیر از این التماس زیر کار میگیرد که من آینده دوست صادق ودست و بازوی شما خواهم بود — ریاستهای متحدهٔ بلقان مدای مشکلات ترکیه واز عندیهٔ همسایهٔ طاقتورا وقی بهره نیست پس ظن است که بلغاریه وغیره برای کلون خلاصی خود چنین حیله نموده باشد وامکان دارد که مدبران ترکیه برای محفوظ داشتن مملکت خود از تجاوز طامعانه روسیه وآستریا وایطالیه اتحاد مذکوره راچندان فضول نخواهد دانست .

(انسپکتر کل ماشین خانه‌های دولت علیهٔ افغانستان جناب برگد محمد سرورخان)

رسیده اند این خبر خیلی خوشگوار و امید افزا میباشد که شیخ سنوسی در طرابلس اعلان خود مختاری نموده است وانورپی را سپه سالار افواج طرابلس مقرر فرموده است . در قسطنطنیه خبر مذکوره بحبور سدی و فراخ دلی شنیده شده است — اگر بدرگاه خداوند منظور باشد سلطنت قبایل سنوسی یک طاقت زور دست اسلام ثاب[illegible]اهد شد و عجب نیست که دولت مذکوره فتوحات قرون [illegible] تازه کرده عظمت ضایع شدهٔ اسلام را باز بدست آرد تاریخ ۱۷ نومبر در شتلجه معرکهٔ خونریز میباشد — ترکها فاتح شدند و بلغران بتعداد هشت هزار اسیر گردیدند — اموال و امتعهٔ شان بدست فاتحان افتاد و آنها پیش قدمی کرده میروند

قسطنطنیه یکم دسمبر — برای مصالحت عارضی گفت وشنید جاری است وان توقف محاربت تایک هفته خواهد بود که درین عرصه برای مصالحت مستقله عهد و پیمان بسته گردد

قطعه تاریخ جنگ موجودهٔ سلطان روم با ریاستهای بلقان از منشی زین العابدین صاحب حاکم گنجوی عظیم آبادی متخلص بیتیم

همعصر معزز زمین دار مورخه ۲۴ ذی الحجة الحرام سنه ۱۳۳۰

لندن — ۲ دسمبر — بلغاران دردری الاج سفاکی بسیار ظاهر کرده یک محله ترکها را منهدم ساختند ودر کشت و خون پنجصد نفر نصرانی هم ملت خود را نیز تیغ نمودند

لندن ۲ دسمبر — دولت روس بآستریا اطمینان داده است که او ارادهٔ تائید همه تجاوز سرویه را ندارد — بان روش روسیه قدری سکوت در آستریا پیدا شده است — آستریا هیچ اعتراض ندارد که البانیا دولت مستقل ساخته شود ودر زیر ماتحت آن یک بندر بساحل ادریاتک (اوقیانوس) حاصل نماید — نیز آستریا امیدوارد که اوروپا آن مطالبات را که دران از جانب آستریا کنجایش کمی ممکن نیست بوجه احسن باتمام خواهد رساند . مسلم گزت لکهنؤ مینویسد که در اخبارات هفتهٔ هذا که از مصر

—(قطعه)—

کرده کفار حمله بر اسلام دل مومن نه چون دو نیم بود
آتش شر فرو نخواهد شد تا نخون ریزی عظیم بود
حق بداراد استوار ترا بصراطیکه مستقیم بود
گوش کن این نصیحتم از دل گر ترا دانش سلیم بود
رحم کن بر جراحت ترکان تا بتو رحمت کریم بود
ده به امداد ترکیان وفا زیور و زر بود که سیم بود
در تائید دعا کن از خالق که زبون لشکر غنیم بود
زخم اعدا شود ز مستک دعا منتشر کافر رجیم بود
فوج بلغاریه بقهر خدا غرق دریای خوف و بیم بود
فتح عثمانیه شود یکسر شوکت و حشمت قدیم بود

بهر تاریخ جنگ در هیری   گر ترا فکر ای نسیم بود
سر اعدا جدا کن و بنویس   جای بلغاریا جحیم بود
۱۳۳۰

از زمین‌دار
(هزار آفرین ای مرقیم سراج الاخبار افغانیه)

ویانه ـ ۳۰ نومبر ـ دولت آستریا حکمی صادر نموده است که برآمدن اسپان از ملک ممنوع شود — نیز فرمان دیگر شائع شده است که مردم هائیکه زیاده از پنجاه سال عمر نداشته باشند برای خدمت نظامی آماده باشند.

لندن ۳۰ نومبر — نووی در یا از اخبار روسیه مظهر است که فوج چین بدون جنگ و مقدمه بر مقام کابدو قابض گردید واهالی شهر و علاقه اسلحه های خود نهادند و برای فوج چین خیمه ها زدند و در خواطر ومدارات شان کوشیدند —

لندن ۲ دسمبر — پیغامی به اخبار تائمز لندن از سلانیک بدین مضمون رسیده است که در مقدونیه کشت و خون جاریست و بسیار بیگناهان از دست یونانیان و بلغاران بقتل میرسند و مسلمانان هم درین غارت عام شراکت دارند —

لندن ۲ دسمبر — یونان در تمهید مصالحت با ترکی بارکان وریاست های بلقان خود را کنار ساخته است و بر بلغاران اعتماد ندارد — و بلغاران از طرف جبل اسود و سرویا وکالت میکنند.

تصرف هوا

از برلن (پایه تخت جرمنی) خبر رسیده که درینجا تحریک برپا شده است که دولت جرمنی یک دستهٔ جهازات هوائی ساخت زیپلن تیار کند — تا بر ممالک باد متصرف گشته انجام کار بر آب هم مسلط شود —
عبدالرحمن بیک مترجم

مقالات فنیه

—(حکمت طبیعیه)—

§

آیا درخصوص جلب انظار دقت بشریه، بزرگتر ومهمتر از حوادث غریبهٔ عالم طبیعت که لحظه بلحظه در وقوع وتجدد است دیگر چه چیزی خواهد بود؟

مثلا حالا این سمای باصفای فیروزه رنگی که بضیای شمس نورانی بغایت خوش رنگی، ونهایت قشنگی جلوه میکند می‌بینیم که بعد از لحظهٔ بظهور ابرهای مظلم قسوت‌انگیزی تیره‌گی وتکدر کلی پیدا میکند، که هر انسان باریک‌بین مدقق از مشاهدهٔ چنین تبدل وتغیر ناگهانی هوای لطافت اداء، ودفعةً ظهور چنین ابرهای مدهش کثافت پیرا اظهار تعجب نموده غوطه‌خوار گرداب تفکر وتحیر میگردد وسبب اینهمه تغیرات ناگهانی را خود بخود سوال میکند!

پس از زمانیکه انحلال حیرت مآل دوام نماید تقطرات قاطر مطر، وتلمعات تجاول برق، وتحدثات تجاول رعد، وتتابعات تصادم صاعقه ظهور ووقوع می یابد که وقوع این وقوعات غریبه وحوادثات عجیبه بر تفکر وتحیر آن انسان متفکر مدقق میافزاید، پس باز خود بخود سوال میکند که آیا ظهورات این ابرها، وباریدن این بارانها، وتصادم این صاعقه ها از چه سبب وکدام حیثیت بعمل آمد؟

اما حالا بیندیشیم که سوالهای این مردسایل متفکر را که جواب میدهد، وحل این مسایل غامضهٔ مشکله را که میتواند؟ مگر آنکه انسان درینجا (هوفعال لما یرید) گفته بکمال عظمت وکبریائی ووحدانیت ویکتائی حضرت خلاق کائنات جل وعلی اقرار نموده بگوید که آثار غریبهٔ خالق برحق وصنایع بدیعهٔ حکیم مطلق درحوصله وتدبر انسانی نمی‌گنجد، وانسان عاجز از درک اینچنین آثار وحوادث بدیعه عاجز است دیگر چیزی نمیتاند.

ولی چون آن حکیم دانای یکتای پاک، قوه متفکره وادراک که موهبهٔ عظمی، وعطیهٔ جسیمی است مر این نوع شریف را مخصوص ومبذول فرموده، وبدین سبب اورا از همه اشیا برتر داشته است لاجرم آن مردسایل متفکر بسخن ناقل قانع نگردیده میگوید: که عقل وفکر که اعظم نعمای حکیم مطلقست آیا انسانرا نه برای آن اعطا گردیده که بواسطهٔ آن درک حقایق مرکب وبسایط اشیارا نموده بر مدارج معارج (حکمت) که مرتبهٔ استحقاق (خلافت) بدانست عروج نماید؛ وبهدایت آن شمع نورانی کشف غطاء جهل ونادانیرا نموده از حوادث، وتغیر وتبدل عالم مادیات درک قدمیت وقیومیت اوسبحانه را نماید؛ واز تقلب وتربیت مکونات حق حکیمیت، ومالکیت، وخالقیت اورا محقق شناسد؟

پس بجواب اینسخن مردسایل مدقق بجزانکه بگوئیم که جواب استفهامات را سرنامهٔ مقالهٔ ما یعنی (علم حکمت طبیعیه) که نام دیگر آن (حوادثات مادیه) میباشد جوابهای شافی ومعلومات کافی اعطا میکند دیگر چیزی نیست!

بناءً علیه علم حکمت طبیعیه از علوم بسیار گرانبها وفنون بغایت معتنابها ئیست که منافع وفوائد آن، وتحصیل وتعلم آن مرشایقین حکمت وراغبین معرفت را از حد افزونست، اولا فائدهٔ ظاهر ومنفعت باهر آن اعطای جواب سوالهای سالف الذکر است. مثلا اگر یکدفعه انسان از ماهیت کرهٔ هوا وانقلابات مختلفه وحوادثات متنوعهٔ آن باخبر گردد، واز کم وکیف این پارچه‌های مختلف الالوان عجیبهٔ ابرها، وچگونگی نزول امطار، وژاله وبرف، وظهور باد ورعد، وبرق، وصاعقه، که هریک از آن یک بدیعهٔ قدرتیست آگاهی حاصل نماید آیا آنوقت درجه حظوظ طبع و تا چه پایه مسرور خواهد شد؟

اینستکه علم حکمت طبیعیه ماهیت و کم وکیف این احوال غرایب اشیارا یکان یکان واضح واشکار میکرداند . حالانکه این همه توضیحات مواد مذکوره تنها وظیفهٔ شعبهٔ (کائنات الجو) فن حکمت طبیعیه است . وکرنه بسی شعبات دیکر نیز فن مذکوررا شاملست که محیط بر توضیح وتعریف جمیع احوالات وتکونات اجسام عضوی وغیرعضوی ، وحوالات هوائیه ووقوعات الکتریقیه ، واحوال بصریه ، وخواص مقناطیسیه وظهورات ترکیبیه وغیرذالك میباشد .

حالا مادرینجا بدینقدر تعریف وتوضیحی که درخصوص موضوع علم حکمت طبیعیه عرض وبیان نمودیم اکتفا ورزیده انشاءالله ازمواد ومباحث سائره آن درنمرهای آتی معلومات کثیری بقارئین کرام عرضه خواهیم داشت . این مبحث مذکور دیباچه ومقدمه فن مذکوراست که هرکاه بعدازین درتحت عنوان (حکمت طبیعیه) مقالات بنظر قارئین کرام تصادف کند بدانند که حکمت طبیعیه عبارت ازچه علم است .

انتها

(از مشاهیر سرداران افغانستان وشاعر مشهور سحر بیان مرحوم مغفور)
(سردار غلام محمد خان طرزی صاحب)

حضرت طرزی صاحب مرحوم

سردار غلام محمد خان ، ابن سردار رحمدل خان ، ابن سردار پاینده خان انالهم الله الرضوان میباشند که در فن شعر (طرزی) را تخلص اتخاذ کرده‌اند . ووجه تسمیهٔ این تخلص را خود این محرر عاجز که اول فرزندان شانم از زبان مبارك شان چنین شنیده ام که چون درشعر یك طرزنوی پیش گرفته اند ازانسبب همین تخلص را انتخاب فرموده اند . در سنهٔ ۱۲۴۵ درشهر شهیر احمد شاهیٔ قندهار از کتم عدم بعرصهٔ وجودگهواره پیرای عالم شهود شده اند . در اواخر سنهٔ ۱۲۹۹ بنابر بعضی لزوم های سیاسیٔ که از ایجابات زمان بود از راه قندهار بسوی کراچی نفی واخراج شده اند . درسنهٔ ۱۳۰۲ ازکراچی به بغدادشریف هجرت کرده اند . وبعد از ششماه به استانبول ، وازانجا با ارادهٔ سنیهٔ سلطان عبد الحمید خان با تنخواه واعزاز در ولایت شام جنت مشام بعنوان (مهمان خاص حضرت شهریاری) تا به آخر عمر شریف شان مقیم مانده اند که تاریخ رحلت شان شب جمعه ۱۵ ماه شعبان المعظم ۱۳۱۸ میباشد . در مقبرهٔ حضرت (دحداح) رضی الله عنه که بسمت جنوبیٔ شهر شام شریف واقع وبسی اصحاب واهل بیت ومشاهیر علما دران مدفونست دفین خاك عطر ناك میباشند . رحمة الله علیه رحمة واسعة .

اکر بخواهیم که از همه تفصیلات ترجمهٔ احوال حضرت (طرزی صاحب) مرحوم بنکاریم صحایف اوراق اخبار ما کنجایش آنرا ندارد . لهذا بمناسبت درج شدن تصویر عالیشان بهمینقدر یك مختصری ازتاریخ های ولادت ، اخراج ، هجرت ، وفات شان اکتفا ورزیده میکوئیم که حضرت طرزی در کمالات علمیه وادبیه ، وصنایع نفیسه مانند رسامی ، وتذهیب ، ودر فضایل روحانی چون زهد وتقوا ، وکرم وسخا از مشاهیر خاندان افغانستان شمرده میشوند . درهمه اقسام شعرمانند قصیده ، غزل ، مثنوی ، ترجیع بند ، ترکیب بند ، تخمیس ، رباعی ، قطعه اشعار ابدار بر گزیده غرایی انشاد فرموده اند که کلیات اشعار شان در کراچی به اهتمام برادر زادهٔ شان محمد انورخان . وخط خوش خط پسر بزرگ وهوشمند شان جناب خازن الکتب محمد زمان خان در (فیض محمدی) نام مطبعه سلیقهٔ بسیار خوبی زیور طبع آراسته گردیده است . غیر ازین کلیات مطبوعهٔ شان دیگر بعضی آثار غیر مطبوعهٔ شان نیز موجود است که ازانجمله بنام (نغمهٔ آهنگ حجاز) یك اثر چون گنجینهٔ گوهرشاست که از نظم ونثر مرکب میباشد . ادبی ، تصوف ، حکمی یك اثر بسیار کرانبهای کتبخانهٔ ادب شمرده میشود .

(نغمهٔ آهنگ حجاز) از محصولات تجلیات جلال وجمال متجلای بر تلالای شاهد بیرنك عالم قدس است که هرلحظه برنکی وهر لحظه به برنکی بر آئینه دل بیرنکی منزل شان در طرف مشاهده اشکالی که درحضور حضرت کعبهٔ معظمه ومدینهٔ منوره کشیده اند بر نواافکنده است . درینجا یك نغمهٔ علویٔ ملکوتی آن آهنگ های حجازی را در صماخ سماع اهل راز میرسانیم که از پرتو تجلیٔ جلال عظمت مثال احرام بند شدن کعبه در حریم حرم قدس حکایت میکند :

(قطعه)

در معنی احرام بستن کعبه که در موسم حج برومیدند

رفتم چو بهر طوف در خانهٔ خدا
دیدم که کعبه هم، چو من احرام بسته است
رفتم زعجز پیش ونهادم جبین بخاك
زیرا که خاطرم زغمش سخت خسته است
گفتم خدای را بمن ای کعبه راستگوی
زین سرسر نهفته که ازطبع جسته است
عالم برای طوف تو احرام بسته اند
کرای بسته است ورازخویش رسته است
آخر بگو تو بهر که احرام بستهٔ
با آنکه خاطرت زد وعالم گسسته است
گفتا خوش (طرزی) ازین سرسر نهفت
اسرار این رموز در باز بسته است
زان پس برمز گفت که طبع منم زهجر
چون بسته سینه چاك وچو یادام خسته است
گویند مردمان که منم خانهٔ خدا
من خودندیده ام، ونه بامن نشسته است
آن یار بینشان که نگنجید بهر دوکون
داری گمان مگر که برین تیغ دسته است
من خود زهجر سوزم ازان یار بینشان
این تهمت وصال بمن خلق بسته است
من خود همیشه گرد درش میدوم بسر
ارکان من اگرچه توبینی نشسته است
من کیستم که عرش به این عظمت وعلو
با اشك حسرت ازرخ اودست شسته است
ازقوس چرخ وشست زمان وزه مکان
یك لامکان چوتیر بازآب جسته است
گفتا که (طرزی) آنرب یکتای بینشان
حسنش زروی هرکه بود چشم بسته است

(عالم عسکری)

(برادران صنف نظامی ما بخوانند)

(پرنس بسمارك) جرمنی که شهرتش مشهور آفاقست گفته است: «مظفریت رابه المانها — یعنی جرمنی ها — تنها، علم کالی کرده است وبس».

زنده گی بی علم چقدر یك بار گرانیست. جاهلانی که خواننده ونویسنده نباشند گویا هیچ یك سلاح مدافعه بدست ندارند. در اردو های اوروپا افرادی که بقرعه — یعنی به پشك — جمع میشوند وناخوان وناویس هستند در کندکها وغندها نوشتن وخواندن می آموزانند. زیرا عصر عصر علم است. هیچ کاری بیعلم آن پیشرفت ندارد. ازانرو دروقت حاضر برای علم هر کار واسطه های بسیار گوناگونی تدارك شده است. باوجود آنهم باز از روی حساب چنان معلوم میشود که در نفرهائی که داخل سن عسکری شده بقرعه گرفته میشوند بسیار نفری ناخوان وناویس میباشند. درین حساب ذیل نظر کنید [حقیقت بودن قول (پرنس بسمارك) جرمنی را برأی العین تصدیق میکنید:

در اردوی روس در ۱۰۰۰	۶۱۵ ناخوان
در اردوی ایتالیه در ۱۰۰۰	۳۸۰ ناخوان
در اردوی اوستریا در ۱۰۰۰	۲۲۰ ناخوان
در اردوی بلجیك در ۱۰۰۰	۱۳۰ ناخوان
در اردوی فرانس در ۱۰۰۰	۵۰ ناخوان
در اردوی اسویچره در ۱۰۰۰	۲۰ ناخوان
در اردوی جرمن در ۱۰۰۰	۱ ناخوان

این است که ازین ایستاستیك یعنی حساب جدول بخوبی معلوم میشود که سبب یگانهٔ مظفریت اردوی جرمن بمایهٔ علم ودانائی بود. برای مظفر شدن، در راه علم ومعارف کوشیدن لازم است. کوشش کنیم. آن اولادهای وطن که بسن پشك عسکری درامده دربلوکهای ما، درکندکهای ما، درغندهای ما می آیند آنها را بدرجهٔ که ممکن باشد بخوانانیم، بنویسانیم. تا جنگ را علماً به آنها بیاموزانیم. واز نتیجهٔ آن ما هم مظفر شویم.

هر دولت برای نشر وتعمیم علم ومعارف عمومیه را درمملکت خود مخارج بسیاری صرف می کنند. حکومت اسویچره — یعنی سوزرلند — در هر سال از قرار بهر یك نفوس مملکت خود ۱۵ فرانك، حکومت جرمن ۷ فرانك، انگلیز ۶ فرانك، رومانیا ۵ فرانك، سویدن ٤ فرانك، اوستریا ۲ فرانك، ایتالیا ۱ فرانك روس تنها یك ربع فرانك برای علم ومعارف مملکت خود صرف وخرج میکند. ازین حساب بخوبی معلوم میگردد که هر دولتیکه بیشتر مصرف برای علم نموده اند هماقدر در افراد عسکریهٔ شان بیشتر خوانا ونویسنده بیشتر بوده است. چونکه عسکر از افراد رعیت گرفته میشود، وچون رعیت خواننده ونویسنده باشد البته که افراد عسکری نیز بهمان نسبت خواننده ونویسنده وخواهند بود. ازین مسئله معلوم میشود که تعمیم علم ومعارف در ملك برای عالم عسکری چه فایده ها میرساند.

(از آلمانق عسکری ترجمه شده)

ادبیات

این تشبیه عاشقانه در دار السلطنهٔ کابل برای مدافعهٔ نفس از ملامت خلق دربارهٔ آمدنم بوطن گفته شده وزیرا بعضی از رفقا رجعتم را بر دیوانگی حمل نموده ملامت میکردند

(عشق وطن)

هر کس که دل بعشق وطن کرد مبتلا
ایمان وعقل ودین نشود هیچ ازو جدا
قول رسول بر حق ما این چنین بود
حب وطن اساس به ایمان ودین بود
حب وطن بخاك وگل وچوب وسنك نیست
زیرا بخاك وسنك قرار ودرنك نیست
حب وطن بمیوه وگزار وباغ نیست
حب وطن بکوه وصحرا وراغ نیست
حب وطن بشهر وده انهار ومزرعه
نبود چرا که رشتهٔ دنیا باین همه
اینها عوارضست ومحبت نه عارضیست
آن جوهریست خاص که از فیض معنویست
حب وطن معانی دیگر بود ورا
کز حب خاك وسنك ودرخت آمده جدا
اینچند چیز باعث حب وطن بود
گویم ترا که تجربهٔ اهل فن بود
تشکیل جسم وجان بشر زاب نطفه شد
آن آب هم زجوهر خون آب بسته شد
خون از غذا وآب وهوا حاصل آمده
از امتزاج این همه آن کامل آمده
خاك وطن بود که پدید آورد غذا
خاك وطن بود که شدش آب وهم هوا
خاك وطن بدایت تشکیل هر وجود
گردست با هزار جدوجهد وتار وپود
خاك وطن به حکمت حی قدیم فرد
از بدؤ جسم وجان بشر ابتدار کرد
حس بصر که نعمت عظمای خالق است
اول بخاك پاك وطن در تعلق است
سمعست قوتیکه سمیع علیم حی
احسان نموده است به انسان نیك پی
اول صدا بگوش ز حب وطن رسید
صوتیکه بشنود همه زاهل وطن شنید
نطقست خاصه که خداوند لا زال
فرق بشر نمود زحیوان باین کمال
اول کلام چون زدهان میشود برون
نطق زبان اهل وطن گشته رهنمون
اول مشام هم ز وطن بوی عشق یافت
ذوق از وطن بدایت لذات رزق یافت
اول قدم بمشی چو آغاز می کند
از لمس خاك پاك وطن ناز می کند
اول نفس که باعث مد حیات بود
از آن هواست کان وطنت را محاط بود
پس گر مراجعت سوی وجدان کنی بجد
وانگه فکر این همه اسباب بیعدد
یابی ز بهر عشق وطن خویش را مطیع
مجبور حب اوست شریفست گر وضیع
ای خاك پاك عاشق افتادهٔ توام
با جسم وجان فدائی دلدادهٔ توام
مجبور حب تست حواس وقوای من
عشقت ز بهر هر مرض من دوای من
بشنو که عشق از چه به انسان شود بلا
تا گویمت ز قول حکیمان پردها
هر نقطهٔ که جمع در وشد حواس خمس
سمع وبصر مشام ودگر حس ذوق ولمس
معشوق نام مجمع این نخگاه است
عاشق خیال که جمع حواسش بهانه است
معشوق من وطن بود ازان سبب که او
مجمع ز بهر جمله حواسم شده است او
عاشق ازان منم که جمیع حواس را
کردم بخاك پاك وطن جمع و یکجا
عشق وطن حواس و دل و جسم و جان من
مربوط کرده است بود با هزار فن
چون اصل و فطرت و نسب و قوم و ملتم
چون جسم و جان ورنك وزبان شکل وهیئتم
چون اب و جد و جده و مادر زهفت پشت
از تست ودر تو بوده و در خاك تو بخفت
چون جملهٔ حواس من از جملهٔ وجود
گردست باتو رابطه از جمله تار و پود
پس عشق تو چسان ز سر من بدر شود
باشیر اندرون شد و با جان بدر شود
شد سالها که داغ جدائی و فرقتت
میسوخت همچو شمع دل و جان عاشقت

شبها بیاد وصل تو بیخواب مانده‌ام
در روزها بفکر تو در تاب مانده‌ام

هر علم وفن که خوانده وتحصیل کرده‌ام
نیت برای خدمت ونفع تو بوده‌ام

نیت به از عمل چو نبی کریم گفت
امیدم آن بود که جهان نیستم برفت

چه گناه وروسیهی وبدی من
بوند خطا وچه صفات ردی من

الله ذوالجلال که علام غیبها است
داند که فکر ونیت من خالص وصفا است

باصد هوس هزار تصور زملك شام
آن شام کوز صبح سعادت شده بکام

آن شام کوز خلد برین میدهد نشان
قدسیش ز روح بزرگان وقدسیان

هرگونه عیش وعشرت وراحت گذاشتم
از عشق تو دو دیده زسر پای ساختم

از جذب عشق بود که سویت بیامدم
نی بهرجاه وثروت وحشمت بیامدم

گر صد هزار سنگ ملامت بسر خورم
گر صد هزار طعنه و توبیخ برم

گر صد هزار بار بدیوانگی مرا
تهمت نهند وعقل بدانند زمن جدا

من جمله را قبول کنم باهمه که هست
این آرزو که شهره گشتندم وطن‌پرست

ای خاك پاك ای وطن خوش زمین من
معشوق من حبیب من ودل نشین من

مسعود باش وشاد زی تا ابد بمان
درحفظ ودر ترقی و معموری وامان

از شر دشمنان شریر قوی ید
محفوظ باد خاك تو در حضرت احد

درمسلك تمدن وعمران وبرتری
درعلم و در صنایع و در هر هنروری

رشك آوری بلاد تمدن نشان شوی
درشرق همچوشمس درخشان عیان شوی

ابنا واهل تو ز فیوضات اتفاق
گردند بهره یاب و برآیند از نفاق

گردند یك وجود وبمانند دست یك
بندند جملگی کمر همت و کمك

ازبهر دفع دشمن و جذب علوم و فن
از بهر اخذ صنعت وهم عسکری شدن

خلاق ذوالجلال عنایت کند ترا
انواع عزت وشرف ونعمت وثنا

امنیت عمومی وحق و حقوق عدل
آسایش ورفاه ومساوات وعلم وعقل

حریت وسعادت وثروت نظام ونظم
قانون حرب ونظم سپاهی وجند رزم

آزادی وتجارت وصنعت زراعت
مال کثیر وراه وسیع و عمارت

از این همه توانگر وهم بهره‌ور شوی
در کرهٔ زمین به ترقی سمر شوی

محمود بینوا بشب وروز این دعا
میکرده است وباد اجابت زکبریا

(در دار السلطنه کابل ۱۳۲۵)

فاجعه های پاریس

(مابعد از شماره (٦) سال دوم)

— محاورهٔ ما وشما بسیار دراز خواهد شد . بشما بسیار گفتنیها دارم حتی یك رجا و امید بسیار بزرگی نیز دارم که عرض کنم

— آیا یك رجا ؟ اگرچه تا بحال هنوز نمیدانم که رجای شما چه خواهد بود اما باز هم ازحالا سوگند میخورم که آنرا بدل وجان قبول کنم .

— مهم این‌ست شمارا سند برای خود داشته خاطر جمع تام دارم که وعده خلاف نخواهید کرد . اینجا در پیش من بنشینید، دور نشوید، نفسم بسیار خفیف است . ورفته رفته خفیفتر میشود، آیا میدانید که من میمیرم .

— چه میگوئید ؟ اینچنین چیزرا بخیال وخواطر خودهم راه مدهید بس تنها یك زن چسان میمیرد ؟ برای رهانیدن شما بجز دقت و اعتناء و بدرستی پرستاری کردن دگر چیزی بکار نیست . از من بهتر پرستار آیا برای شما خواهد بود ؟ شما روحاً و جسماً بسیار بسیار مضطرب شدید . لکن زمانهای اضطرابها گذشت . بعد ازین بلکه بخیال آرام عمر خواهید گذرانید واحوال ماضی مدهش را فراموش خواهید کرد . واین را هم بشما وعده میکنم که پدر شما نیز شمارا قبول کرده محبت ضایع شده اش پس عودت کند . به این یك خبر شدم که بیوه مانده اید . بیوه گی شما ماضی شئامت انگیز شمارا بعدم آباد نیستی برده . من شمارا چنانچه از اول دوست داشتم حالا هم همچنان دوست میدارم . وهم بعد ازین زیاده‌تر دوست خواهم داشت . و در خود این قوت را هم میبینم که چنان صداقتها ، و سعیها بکنم که محبت شمارا نیز بخود جلب کنم . شما تنها همینقدر بگوئید که بسخن من موافقت میکنید یانی ؟

— آه ! کار ازکار گذشته است ... برای من امید بختیاری

{ سخنان هر رقم }

(میکروب در شیر)

موسیو میکی نام یك حکمت شناس میکروب — یعنی حیوانات هوام کوچك که بچشم نمی آید — شیر را بقرار ذیل حساب کرده است :

در یك شیشه شیری که پر هم خورده ، بعد از یك ساعت ۹ ملیون میکروب موجود میشود ، بعد از سه ساعت ۳۰ ملیون وبعد از هفت ساعت به ۱۳۰ ملیون ، بعد از بیست وپنج ساعت به ۶۳ ملیار و ۵۰۰۰ ملیون میرسد !

[اگر کسی باور ندارد حساب کند !... سراج الاخبار افغانیه]

قضاها وتهلکه های سیاحت

چون هر روز در اوراق حوادث از قضاهای ریلها خبرها میشنویم چنان میپنداریم که سیاحتهای این زمان خیلی تهلکه ناك یك کاریست . حال آنکه نظر بحسابی که (فه رو) نام یك شخص بدقت اجرا نموده چنان معلوم میشود که تهلکه وقضاهای سیاحتهای زمان قدیم از این زمان بیشتر بوده است .

در سیاحتهای قدیم ، در ۳۵۵۰۰۰ نفر آدم یك شخص مقتول ، ودر ۳۰۰۰۰ آدم یك نفر مجروح میگردیدند . حال آنکه در سیاحتهای اینوقت که ریلها وواپورها اجرا میشوند در ۲۶۷۲۰۰۰۰ نفر آدم یك مقتول ، ودر ۱۰۶۰۰۰۰ نفر آدم یك نفر آدم مجروح میگردد . نظر به اینحساب است زمانهای قدیم ۷۵ بار کثر قتل ، ۳۵ بار کثر جرح در سیاحتها بوقوع می آید .

تاریخ ایجاد تکت داك

تکت داك اولا در ملك (اسقوچیا) در شهر (دونده) از طرف (جیمس چلمر) نام یك مطبعه والای ایجاد گردیده است در سنهٔ ۱۸۳۹ نخستین بار در انگلستان با یك بیاننامهٔ رسمی استعمال آن قبول شده است . و بعد از یکسال به استعمال آغاز کرده است . بعد ازان فایده ونفع آن در کم مدت درهر طرف ظاهر وآشکار شده بعد از انگلیس بیکسال جماهیر متفقهٔ امریکا ، وبعد ازان سویزلند ، وبعد ازان باویریا ، وبعد ازان بلجیم ، وبعد ازان فرانس ، وبعد ازان دیگر دولتها استعمال وقبول کرده اند .

قوت همه ماشینهای که در کرهٔ زمین است

قوت همه ماشینهای که در انگلستان موجود است « ۷۰۰۰۰۰۰ » اسب است . قوت ماشینهای جماهیر متفقهٔ امریکا « ۷۵۰۰۰۰۰ » اسب . قوت ماشینهای ممالك جرمن « ۴۵۰۰۰۰۰ » اسب ، واز فرانس « ۲۲۲۳۰۰۰ » اسب است . اما در میان این تعداد قوت (لوقوموتیفها) — یعنی انجنهای ریلها داخل نیست . عدد همهٔ لوقوموتیفهای دنیا تقریباً « ۱۲۵ » هزار می آید که قوت همهٔ آنها بهفت ملیون اسب بالغ میشود . وچون دیگر قوتهای ماشینها روی زمین را نیز با این عدد های مافوق ضم وعلاوه کنیم قوت همه ماشینهای روی زمین به پنجاه ملیون اسب واصل میشود . [از یك رسالهٔ عثمانی ترجمه شده]

نامواران جهان

(مابعد از شماره (۶) سال دوم)

{ نظم }

بارك الله فيك من غلام   يا ابن الذي من حومة الحمام
نجا بعون الملك المنعام   فودي غداة الضرب بالسهام
بمائة من ابل سوام   ان صح ما ابصرت في المنام
فانت مبعوث الى الانام   تبعث في الحل وفي الحرام

محو گردید . بلی اگر زنده میماندم شمارا بسیار دوست میداشتم این قلب متکبر بیچاره که ازشما اعراض کرده بود وبناحق و غفلت میل نموده بود بکمال خواهش وآرزو بمحبت شما پرورده میشد . شما مرا بیك دورهٔ سعادت و بختیاری نشان میدهید اما هزار افسوس که دیدن آن مرا میسر نمیشود .. در مابین آن دورهٔ سعادت و من غیر قابل مرور یك مانعهٔ هست که آنهم (مزار) میباشد .

— من میگویم که شما نمیمیرید ، زنده گانی میکنید .

— حالا آنکه پیش از شام میمیرم .

ویقونت روی خود را در میان دستهای خود ستر کرده بیك طرف زار زار بگریستن آغاز نهاد . و در اوطاق بجز هق هق گریه دگر چیزی شنیده نشد . این (آرمان روزه) نام آدم که معروف به (ویقونت دوغرانلیو) میباشد و از اشخاص مهم این کتاب ما خواهد شد در وقتی که قارئین کرام ما اورا دیده اند یعنی در ماه تشرین اول سنه (۱۸۵۰) بسن چهل و پنج ساله حقیقة اصیل و نجیب یك آدم خوش شکل و خوش شمایل بود . قدش بلند . تاب و توانائیش رسا ، در گوشت خود پر ، اوضاع واطوارش پر ظرافت و نزاکت بود . حرکات و طور او اصالت ونجابتش را در نظرها عیاناً جلوه میداد . سرش یکان یکان کم سفیدی پیدا کرده بود وچنان یکوضعی که لایق مغفرها وخود های اجدادش که (شوالیه) ها باشند بنظر جلوه مینمود . شانه های پر قوت ، و سینهٔ فراخش نیز مستعد پوشیدن جوشنهای آنها بنظر بر میخورد .

— چنانچه هر شخصی که در طبیعت خود خیلی شدید وعالی همت باشد یك حلم طبیعی نیز داشته میباشد ویقونت دوغرانلیو نیز حلیم الطبع یك آدمی بود . اما این حلم مانع متانت عزم ، وشدت اراده اش نشده بود .

در حد ذات خود مالك یك ذکاوت فوق العاده بود . و در تحصیل علم و فن نیز بر دیگر اقران و امثال خود فایق بود .

باقی دارد

تبعث فی التحقیق والاسلام   دین أبیک البر ابراهام
فالله انهاک عن الاصنام   أن لا توالیها مع الاقوام

یعنی مبارک کرده است خدا ترا ای پسر که تو فرزند آن شخصی هستی که اورا حضرت ملک منعام از مرگ شدید نجات داد بقرعهٔ فدا کردن صد شتر .)) معنی این بیت اول صنعت (تلمیح) است که اشارت بحکایت میکند . و آن حکایت چنین است که جناب عبدالمطلب که جد حضرت نبوی صلی الله علیه وسلم بود چاه زمزم را که از بسیار وقتها غایب شده بود بنابریک خوابی که دیده بود جای آنرا پیدا کرده کار بیرون براوردن آنرا خودش مستقل در عهده نمود

باقی دارد

علم ثروت ملل

(مابعد از شماره (۶) سال دوم)

تقویت یافت . علی الخصوص تنظیماتی که بنام (ژوراند ومتریز) درفرانس برای اصناف صنعتکاران تشکیل یافته بود تا بسنهٔ ۱۷۷۶ میلادی دوام ورزیده تا آنکه (تورگو) نام وزیر فرانس که از ارباب علم ثروت بود با امرنامهٔ مشهوریکه درتاریخ مذکور اصدار نمود آن تنظیمات انحصارا تفسیخ وباطل گردید . قبل ازفسخ شدن آن تنظیمات که آنهم ازآثار (قولبعر) نام وزیر بسیار بزرگ فرانس بود که بنیت خالصانهٔ اصلاح واحیای صنایع ساخته بود صنایع خیلی محصور مانده بود .

(قولبعر) چنان گمان کرده بود که اصلاحات وترقیات مطلوبه صنایع باصول وقواعدیکه ازطرف حکومت تعین ومقرر شود حاصل میگردد . حالانکه این چنین یک فکر سراسر خطا وغلط بود . وازنتیجهٔ طبیعیهٔ این خطا بود که بسی نظامات دقیقه وشدیده دربارهٔ ارباب صنعت وضع شده بود . درهمه شهرهای فرانس اجرا کردن صنعت بیک چند نفر استاکار منحصر مانده بود . وبغیر اولادهای که ازخود استاکارها میبودند دیگری آن صنعترا اجرا کرده نمیتوانستند . صنایع درزیر انواع قیودها گرفته شده بود هیچکس صنعت خودرا بقرار دلخواه خود بکار برده نمیتوانست هرچیزیکه ساخته میشد . اصول ساختن . ومواد کار آمد آنچیز . حتی شکل وصورت آن نیز ازطرف حکومت معین ومقرر میشد . خوبی کار واصلاح ودرستی آنرا آنکسی نمیرسید . بلکه اصل مطلوب این بود که براحکام قانون کار کرده شود . حق وصلاحیت کار کردن صنعتکاران بصنعت خود شان ازطرف حکومت توجیه ومقرر میشد . معمولات صنایع برای طبایع ومزاج مستهلکان نی . بلکه برموافق قانون حکومت تابع بود . بهزارها مفتشها . نگرانها بتنفیذ احکام قوانین صنایع مامور بودند . درکارخانه های که بنظام وقانون حکومتی

باقی دارد

اعلان

سیاحت بر دورادور کرهٔ زمین

چقدر فایده ومعاونتها دارد ! علی الخصوص
که آن سیاحت با آن بزرگی ووسعت

بهشتاد روز

اجرا شود ! آرزو کننده گان این سیاحت
خارق العاده هرگاه برای خریداری کتاب

(سیاحت بردورا دور کره زمین)

بهشتاد روز

بقدر دو روپیه کابلی یک مبلغ کمکی را صرف نمایند این سیاحت را گویا (فلیاس فوق) سیاح ورفقایش یکجا اجرا کرده خواهند بود ! محل خریداری این کتاب دکان (ملا غلام محمد) تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی میباشد .

مؤلف این کتاب (ژول ورن) فرانسوی است که در نوشتن ناولهای فنی مشهور آفاقست . ازفرانسوی بترکی وازترکی بفارسی ترجمه شده است . کتاب مذکور تنها ناول نی بلکه درناول فن جغرافیا وجبرا فنهای ریاضیرا نیز بطرز افسانه نشان میدهد .

در (مطبعهٔ عنایت) که از مؤسسات شهزادهٔ جوانبخت معظم دولت علیه افغانستان جناب والا (معین السلطنه سردار عنایت الله خان) است زیور طبع آراسته شده است . این کتاب نایابرا زود بدست آرید وفرصت را فوت مکنید که نسخهای آن زود تمام خواهد شد وافسوس فایدهٔ نخواهد بخشید .

* * *

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد ازطرف مدیر وسرمحرر تحریر یافته

محمود طرزی

در چاپ خانهٔ حروف دار السلطنه کابل طبع گردید

صحیفه (۱)　　سال دوم　　شماره (۸)

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

نگران
ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی
علی احمد

قیمت سالیانهٔ
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
با مخارجات داک ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مخارجات داک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود

مدیر و سرمحرر
محمود طرزی

اداره‌خانه و مطبعه
در ماشینخانه دار السلطنهٔ (کابل)
همهٔ امورات تحریریه به اداره‌خانه
بنام مدیر فرستاده میشود
قیمت یک نسخه آن درکابل یکعباسی است

تاریخ عربی یکم صفر ۱۳۳۱　　تاریخ انگریزی ۹ جنوری　　تاریخ شمسی ۱۹ جدی ۱۲۹۱

درین اخبار از حوادث داخلیه وخارجیه وبعضی مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

اعتذار
تجملات کابل
حوادث داخلیه
حوادث خارجیه
حکمت طبیعیه
عالم عسکری
اخلاقیات — ادبیات
عینا ورقهٔ ترکیب مخمس
سیمان هررقم
ناموران زنان جهان
علم ثروت ملل
فاجعه‌های پاریس

(اعتذار)

بسبب بعضی تعمیرات واصلاحاتی که درزینکوگرافخانه لازم آمده این شمارهٔ ما بی عکس بطبع رسید . ازمشترکین کرام خود کمال افسوس معذرت میخواهیم . وهم امید میکنیم که اگر یک دو شمارهٔ ما درخصوص تصاویر بنابر معذرتی که پیش آمده نقصان پذیرد خورده نگیرند انشاءالله درشمارهٔهای آینده جبیرهٔ مافات کرده بدرج کردن بعضی مناظر لطیفه وتماثیل بدیعهٔ جاهای بازینت وصفای دار السلطنه که سرمقالهٔ این شمارهٔ ما ازان بحث میراند بهانبساط خاطر مشترکین کرام خود عرض خدمت خواهیم ورزید

تجملات کابل

جغرافیون ، تعریف مدنیت ، بدویت ، وحشت انسانها را چنین کرده‌اند : مردمان وحشی همان افراد نوع بشراست که ازصنایع وحرفت محروماند . ولخت وبرهنه درمغاره‌های کوهها ویاکاواکی درختها ویادرچپرهای شاخها وبرگها زندگانی میورزند مردمان بدوی همان جمعیتهای نوع بشر است که درسیه خیمه‌ها ویاچپرها ، ویاخانه‌های دیوارنیمه‌ئی خس‌پوشی زندگانی میکنند وصنعت وحرفت شان خیلی محدود وساده است . مردمان مدنی همان جمعیتهای منتظمهٔ بشراست که درعلم واذعان . وصنایع وعرفان کوشش دارند ودرخانه‌های از چوب وسنگ وآینه واهن اقامت گزین تجمل میباشند .

پس معلوم است که خانه‌های اقامتگاه منتظم یکی ازعلامات فارقهٔ مدنیت شمرده میشود . اگرکسی تجملات شعشعه بارشهرهای بزرگ اوروپارا مشاهده کند وتفریق مدنیت را از بدویت بهبناها وعمارتها بداند هیچ شبهه نیست که برین تفریق تصدیق خواهد کرد وچون به احوال تاریخ بشریت نظر کرده شود نیز این معنی تحقیق میرسد که علامهٔ مهمهٔ مدنیت انسانها تزئینات وتجملات بناها وعمارتهای شان بوده است . چنانچه آثار باقیماندهٔ بناهای بابلیها فنیکیها مصریها ، یونانیها ، رومانیها عربها مقیاس یگانهٔ درجه های مدنیت شان شمرده میشود .

پایتخت سلطنت سنیهٔ افغانستان صانه الله فی الحفظ والامان یعنی شهرشهیر صفاضمیر « کابل » قبل از زمان سعد اقتران خاقان جنت مکین اعلیحضرت (ضیاء الملة والدین) چنانچه ازهمه زینتها وانتظامها محروم بود ازعمارتها وبناهای باشکوه نیزبی‌بهره مانده بود . بعضی عمارات وبناهائی که درعصر شاهان سدوزائی وباز ازطرف امرای محمدزائی ساخته شده بود هیچ یک رونق وشکوهی که زینت وهیبت شهررا بدان بیفزاید مالک نبودند که درزمان سعداقتران مذکور ازآنها هم هیچ اثری باقی نمانده بود . وبشهٔ اختلالات داخلی واستیلای دولت اجنبی همه‌را ازبیخ وبن برافکنده بود .

ذات اعلیحضرت خاقان مغفور چنانچه در همهٔ امور کشوری

تجددات عظیمهٔ بکار بردند بعضی عمارات برگزیدهٔ بسیار عالی و محتشمی نیز بنیاد نهادند که مدار زینت و مفخرت شهر عظا تعمیر کابل شده است. ارگ مبارک که یکی از معظمات امور تعمیریهٔ دار السلطنه میباشد (ارگ) در اصطلاح فارسی عبارت از اداره و احاطه ایست که مقر اقامتگاه پادشاه و پایهٔ سلطنت باجملهٔ لوازمات پادشاهی شان باشد. از وقتیکه کابل مرکز حکومت افغانستان گردیده (بالاحصار) نام موقع مهم و مرتفعی که در سمت شرق جنوبی شهر واقعست مقر اقامتگاه پادشاهی و بلکه اکثر دوائر حکومت بوده (ارگ) شمرده میشد. حالا که در انجا بجز یک دو سه بنای معروفیکه از پادشاهان قدیم مانده بود دیگر یک ابنیهٔ شایسته را مالک نبود. حتی بالاحصار یک صفت ممتازهٔ ارگ را هم نداشت بلکه یک محلهٔ از محلات یکقدری ممتازهٔ شهر شمرده میشد که آنهم در وقت استیلای انگلیز سراسر ویران و باخاک یکسان شده است.

ذات اعلیحضرت خاقان جنت مکان طاب مثواه فی الرضوان چون افغانستان را از چنگ غصب و تجاوز دولت انگلیز رهائی داده تاج استقلال و حاکمیت موروثهٔ مشروعهٔ دولت خودمختار مستقلهٔ خداداد افغانستان را بحق بر سر نهاد اول لزوم یک مقرگاه سلطنتی را حس فرموده در جهت شمال شهر در یک زمین صاف و همواری که باغهای ده افغانان را تشکیل داده بود همین ارگ مبارکهٔ موجوده را تأسیس و بنیاد فرمودند.

ارگ مبارک! اولا عبارت از یک قلعهٔ بسیار مصنع و خوش ترکیب طرز جدیدیست که خواه از جهت مستحکمی و خواه از جهت زینت و مکملی یک بنای مایه الافتخاری شمرده میشود. حرمسراها سراچهها خزینه صندوقخانه میگزین وغیره را در بردارد. بنای معظم (سلام خانه) عام و عمارت بسیار ظریف (سلام خانهٔ خاص) و باغ ارگ مبارک از مشتملات خارجیهٔ قلعهٔ ارگ مبارک است

اما چون از قواعد یک آهنگ ترقی و تکمل همین است که یکی آمده یک اساسی می نهد دیگری آمده بر ان اساس بنای میگذارد و رفته رفته ترقی و تکمل بظهور می آید. در همه عالم مادیات چون نظر کنیم جریان یک آهنگ این قاعده را دائما مسلسل می بینیم. بنابرین ذات اعلیحضرت خاقان مغفرت قرین اساس دولت را نهادند بعد از انکه دور سلطنت پرشوکت و سعادت تمدن آثار شهریار مکارم کردار اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) ادام الله دولته الی مدید الزمان در رسید بر ان اساسها بسی بناها و بران بناها بسی تجملها و ظرافتها علاوه گردید که اگر کسی حال سابق آنهارا با هیئت حالی آنها مقایسه نماید یک فرق آشکار و پدیداری در انها مشاهده میکند.

مثلا در جهت شمالی ارگ یک قصر بسیار باشکوهی بنام (برج شمالی) تعمیر یافته که در تحسینات تعمیرات و زینت و ظرافت پرتجملات از هرجهت لایق مسکن پادشاهی و سزاوار اقامتگاه ملوکی میباشد.

دالانها! اوتاقها! کرهها! دهلیزها راهروهای این قصر باشکوه بهمهٔ تزئینات و مفروشات پرتجمل مدنیهٔ حاضره تزئین و تفریش شده و از هرگونه آثار نفیسهٔ که درخورد دالانهای بسیار محتشم ممالک متمدنه باشد در ان جمع آمده است. برندهٔ جهت شمالی آن که بشکل نصف دایره میباشد نظارهٔ بسیار بدیعی را مالک است که در مواجههٔ آن قصر عالی بنای شوکت احتوای (دلکشا) و منار ساعت لطائف ادا بنیانه است.

گلخانهٔ شاهانه و قصر شتوی دلفریبانهٔ آن نیز از بناهای پرشوکت و تجملیست که از آثار اعماریه عصر سعادت حصر سراجیه میباشد. اصل گلخانه از سقف و جدار با آینه های بلورین مصفا و روشنی فرا گرفته شده است که عوامید قایمهٔ آن جهاز نلهای آهنین برنجینیست که سقف بر انها برپاست. گلدانههای گلهای رنگارنگ، نغمههای مرغان خوش آهنگ، لوحههای تصاویر شوخ و شنگ ان حواس انسان را محسنات عالم مدنیت تازه و بالیده میسازد. علی الخصوص حوض با زمین هموار یکپاره سنگ سماق سبز رنگ خلقتاً منقش آن. و فوارهٔ نازکباق بیصوت و صدای شبنم شاداب افشان آن لطافتهای یکعالم بهار نشاط آثاری را جلوه گر میسازد.

جهت شمال گلخانهٔ شاهانه با عمارات قصر شتوی آن فرا گرفته شده است که بهان قصر عالی هم از طرف خارج گلخانه و هم از نفس خود گلخانه داخل میشوند. جبههٔ آن بسمت گلخانه است که از دو صفهٔ بسیار خوش نمای آن به دالان بزرگ آن در آمده میشود. این دالان از دالانهای بسیار ظریف بازیب و زینتیست که همه لوازمات تجمل را حائز است. والحاصل اگر کسی در عین زمستان زمهریر آسا دیدن یک بهار جان افزای فردوسی هوارا آرزو کند گلخانهٔ شاهانهرا تماشا کند!

باغ ارگ مبارک که اطراف قلعه را احاطه کرده است از چنان باغهای بزرگ پر درختی خوش هوا و با فضائیست که از باغهای بسیار عظیمی شمرده میشود. این باغ نیز در عصر سعادت حصر سراجیه بچنان تبدلات و تحولات بدیعهٔ برخورده که از حال اصلی خود سراسر بدیگر هیئت تبدیل قیافت نموده است. در اوایل بهیئت یک جنگل مهیب پر درختی مینمود که در وقت حاضر غیر از انکه بعضی قصرهای عالی در ان بنا یافته در طرحها، وچمنها، وجادهها، و گلکاریها نیز یک لباس بسیار دلآرا و دلربائی در بر کرده است. علی الخصوص در شبهای بعضی جشنهای مسرت افزا منظرهٔ چراغان قصر بیقصور (استور) مبارک و چمنهای اطراف آن و (صفهٔ هشت درخ) که یک صفهٔ بسیار واسع مثمن متساوی الاضلاعی میباشد. و با چنارهای بسیار بزرگ محتشم محاط شده است آنچنان یک حشمت و تجمل بهم میرساند که انسان خودرا در یک عالم صفا و سرور زینت موفوری می پندارد.

اینهاهمه از آثار تمدن و ترقی شمرده میشود. یکی از قواعد

لابدی مدنیت یکی تجملات آن است . درینباب مثالهای واضح و آشکار آن شهرهای بزرگ دنیاست که هراقدر در راه تمدن پیشتر رفته هماقدر تجملات تزئینه آن افزونی گرفته است. عصر سعادتحصر اعلیحضرت خاقان مغفور ابتدای تأسیس دولت ، ومظهر تجلی جلال بود که در هر طرف یک هیبت یک عظمت ، یک شوکت در تجلی بود. عصر ترقیحصر ذات اعلیحضرت پادشاه معظم مقدس محبوب القلوب حالائی ما اطال الله عمره واقباله یک عصر تمدن وتعالی است که همان شوکت وعظمت وهیبت را یک تجلیٔ جمال ترقی آمالی مظهر گردیده است !

چون درین شمارهٔ خود به‌نشر نمودن بعضی آثار عماریهٔ پرتجمل وشکوه عصر شاهانه کامیاب آمده‌ایم سرمقالهٔ خود را بتفصیل وتعریف هماقدر حدود درقیدتحریر آوردیم ! حالانکه آثار اعماریه عصر شاهانه شان تنها منحصر وهمین نی بلکه خیلی دایرهٔ وسیعی دارد که سراج الاخبار افغانیه انشاءالله‌تعالی پی‌هم ازان آثار بادرج نمودن تصاویرشان بخیرخواهان میراند ! حالا بدعای خالی ازریای عمر واقبال وشوکت واجلال اعلحضرت پادشاه ترقی آمال بیهمال خود ختم کلام مینمائیم .

حوادث داخلیه

تشریف فرمائی موکب سعادت موهب ذات
(اعلیحضرت پادشاهی بسوی جلال آباد)

ذات شوکت سمات اعلیحضرت پادشاه معظم مقدس محبوب القلوب ماامسال نسبت بسالهای دیگر سفر خیریت اثر شاهانهٔ شانرا یکقدری از وقت ومیعاد همه سالهٔ آن به تعویق انداختند. ودر ظرف اینمدت در امورات ملکی وعسکری بسی اجراآت نافعهٔ مهمهٔ بکار بردند . وبعد ازاتمام کارهای سلطنتی یوم شنبه ۱۱ ماه محرم الحرام سنه ۱۳۳۱ اهل دربار معالی بار همایونی را برای وداع بحضور شوکتمو فور شاهانه در قصر استور مبارک بار حضور داده ، وبوداع شاهانه نایل وسرافراز فرموده یوم یکشنبه ۱۲ ماه علی الصباح به ساعت شش ونیم صبح بسواریٔ موتر بکمال شوکت واجلال ، وتمام عز واقبال رهسپار سمت جلال آباد گردیدند . از درگاه خالق یگانهٔ سموات وزمین جل شانهٔ نیاز میکنیم که صحت ، وسلامت همعنان ، وشوکت وجلالت همرکاب همایونیٔ شاهانهٔ شان بوده در هرجا وهر مقامی که باشند بکمال صحت وشادمانی وتمام مسرت وکامرانی جهان بکامشان وبادهٔ مرام بجامشان باد آمین .

مقام وکالت

در دار السلطنهٔ کابل جناب شهزادهٔ والاجاه نائب الحکومهٔ قطغن وبدخشان (سردار حیات الله خان) وکالةً به ادارهٔ امور مأمور فرموده شده‌اند .

تعیین مناصب نظامی

منصبدارانی که ازتحصیل یافته‌گان مکتب حربیه سراجیه در غندها مقرر شده‌اند .

(اول در غنداردلی)

غلام محمد خان پسر جناب سپه سالار امیر محمد خان بمنصب کرنیل ، شاه علیرضا خان پسر نائب سالار سیدشاه خان .ومحمد صدیق خان پسر خواجه جان صاحبزادهٔ ، وحبیب الله خان پسر عبد الحکیم خان بمنصب نائب کرنیل ، عبد القیوم خان پسرعبد الغیاث خان ، ونیک محمد خان پسرسکندر خان بمنصب کپتان ، محمد قاسم خان پسر محمد یوسف خان جوانشیر ، وعبدالرزاق خان پسر ملاشمس الدین خان ، ومحمد عمر خان پسر غلام نبی خان بمنصب ایجدن به ارادهٔ سنیهٔ اعلیحضرت پادشاهی تعیین ومقرر گردیده اند .

دوم در غندار دل

محمد اسمعیل خان پسرجناب سردار محمدیوسف خان بمنصب کرنیل ، داد محمد خان پسر سپه سالارغلام حیدرخان ارکزائی محمد اکابل خان پسر محمد افضل خان در وازی بمنصب کپتان عبدالغفور خان پسر عبدالغیاث خان و احمد شاه خان اول واحمد شاهخان دوم بمنصب سر سلمشر ، ومیرشهاب‌الدین خان پسر میراحمد شاهخان بمنصب ایجدن بهارادهٔ سنیهٔ اعلحضرت پادشاهی تعین ومقرر فرموده شده اند .

سوم درغند کوتوالی

میر محمد عثمان خان پسرمیر ابوطالب خان ، وسید علی خان پسر سیدامیرخان ، بمنصب کپتان ، عبدالرحیم خان پسر عباس خان محمد زائی ، محمد آصف خان پسر محمدیوسف خان جوانشیر ، محمدتوکل خان پسر سلطان محمد خان در وازی بمنصب سرسلمشر بهارادهٔ سنیهٔ اعلیحضرت پادشاهی تعین ومقرر فرموده شدند .

چارم درغند دار السلطنه

فضل احمدخان پسر لعل محمدخان بمنصب کپتان ، محمدا کبرخان پسر عبدالغنی خان محمدزائی عبدالرؤف خان پسر حبیب بیک محمدزائی ، عبدالکریم خان نواسهٔ مستوفی حبیب الله‌خان بمنصب سر سلمشر بهارادهٔ سنیهٔ اعلیحضرت پادشاهی تعین ومقرر فرموده شده‌اند .

نجیم متفرقه

عبدالغفور خان پسر سمندر خان‌در از دلیان جناب نائب‌السلطنه صاحب افخم کیدان . وحبیب‌الله خان پسر میرزا عبدالله خان‌در تولی‌های ماشین‌خانه کیدان . فقیر محمدخان پسر امیر محمدخان محمد زائی درتولی‌های جبه‌خانه کیدان . محمدنعیم‌خان پسر عبدالسلام خان درلقان کیدان مقرر فرموده شده اند .

ترفیع وترقی مناصب

منصبدارا نیکه درافواج نظامی بودند وبه ارادهٔ سنیهٔ اعلیحضرت پادشاهی ترقی نموده‌اند :

جناب‌عبدالوکیل خان کرنیل درغندار دل برگد مقرر شد ، غلام‌نبی خان کرنیل‌درغندار دل برگد مقرر شدسید یاقوت‌شاه‌خان کرنیل بمنصب قلعه بیگی و برگدی مقررشد . محمد انورخان سر سلمشر درتپی متاردلی کرنیل مقررشد . عبدالقادر خان کیدان درمنزلی مت کرنیل مقرر شد ،عاشور محمد خان کیدان در جلال آباد کرنیل مقرر شد . محمد عثمان خان سرسلمشر درجلال آباد کرنیل مقرر شد . محمد رحیم خان کیدان درجبل السراج کرنیل مقرر شد .

عبد الرحمن کیدان در غند اردل کرنیل مقرر شد . فقیر محمد خان سرسلمشر در جبل‌السراج کیدان مقرر شد ، محمد اکبرخان کپطان به منزلی مت اردلی سرسلمشر مقرر شد . محمد اعظم‌خان کپطان به ثی‌مت اردلی سرسلمشر مقرر شد . ولی دادخان کپطان به توپخانه های ثی‌مت کیدان مقرر شد ، محمد شریف خان مهمر در کپی مت اردلی سرسلمشر مقرر شد . داد محمد خان جمعدار کپطان مقرر شد . فیض محمد خان صوبدار کپطان مقرر شد ، عبد العزیز خان صوبدار کپطان مقرر شد .

منصب جرنیلی

جناب صالح محمد خان که بمنصب برگدی سرافراز بودند بارادهٔ شرف معتادهٔ اعلیحضرت پادشاهی در غند اردل جرنیل مقرر فرموده شدند .

برگد اعزازی

برگد غلام نبی خان پسر سپه سالار غلام حیدر خان مرحوم که قبل ازین منصب برگدی اعزازی داشت با ارادهٔ سنیهٔ اعلیحضرت پادشاهی بمنصب برگدی غند دارالسلطنه مقرر و سر افراز گردیدند .

تبدیل صنف

محمد اکبر خان که سابق در صنف عسکر . راوسپای ذات والاحضرت پادشاهی سلمشر بود باارادهٔ سنیهٔ اعلیحضرت پادشاهی در غند دارالسلطنه کرنیل مقرر گردید .

نشان صداقت

عزت مند علی افندی که در مکتب حربیهٔ سراجیه معلم است بنا برحسن خدماتش مظهر عواطفات جهاندرجات شاهانه گردیده یکقطعه (نشان صداقت) نایل و سرافراز شدند .

(عفو ومرحمت اعلیحضرت شاهانه)

ازانجا که مراحم وعواطف مالانهایهٔ ذات اعلیحضرت پادشاه مقدس مکارم اکتناه ما برحمهٔ خدام دولت قوی‌شوکت شاهانه شان دایما مبذول ورایگانست کرنیل محمود سامی بیک که بنابر بعضی حرکات نشایسته مستوجب مجازات گردیده بود مظهرعفو جابخشای ذات اعلیحضرت شاهانه گردیده سرازنواجبا فرموده‌شد . وغیر ازانکه برگناهان سابقش رقم‌عفو کشیدند وظیفه‌ومنصبش‌را نیزعطا فرموده بشرطیکه بعدازین‌از اطاعت مافوق‌ونظامات مرعیه‌دولت‌سرموانحراف نورزد بازبهمان منصب کرنیل ووظیفه‌ئیکه درمکتب حربیهٔ سراجیه داشت نایل وسرافراز گردید .

حوادث خارجیه

احوال آسیا

تنـ درین هیچ شبهه نیست که بنی‌بشر از آغاز فطرت بقتل وقتال همدیگر تیغ مخالفت کشیده اند . زیرا در خمیرمایهٔ سرشت آدمی دو خاصهٔ ضد همدیگر که عبارت از (خیر) و(شر) باشد بصورت خاصهٔ جذب ودفع از اول خلقت آمیخته‌شده آمده‌است . خاصهٔ (خیر) از خواص روحانیت اوست . خاصهٔ (شر) از اساس حیوانیت اوست . این‌دوخاصه مدار قوام‌بقاوحیات اوست . اگر نخورد ، نشود ، نخواند ، نکوشد نه بود ، بیامیزد حیات وعیش پایدار نماند . واگر لجام فضایل جنبهٔ روحانی ، نباشد آن خوردن ، وپوشیدنش بدرجهٔ میرسد که نهنگها ونا کوها ، واژدرها . والسپا درپیش آن به پشیزی هم نمی ارزند !

دهنهٔ کی آهنین این‌لجام (وجدان) است دروقت حاضر از روش حال چنین معلوم‌میشود که اوروپا این‌لجام را بکمال جسارت ازسر براورده . ودرخونریزی بنی‌نوع‌خود چنان‌تیزوتندشده که هیچ چیزی مانع‌دویدن . وفروبردن شان نمیگردد !

غلط کردم ! (درخونریزی بنی‌نوع) گفتم !... حالانکه اوروپارا کسانیکه دیده باشند باین گفته‌ما برما خواهند خندید !

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 489 of 1786

یك قطعهٔ تصور کنید ؟ نی نی : یك خانهٔ فرض کنید که مساحهٔ سطحیهٔ آن « ۹۷۷۲٤۵۹ » کیلومتر مربع باشد ، ودرین قدر زمین « ۳۹۹۹۹۹۵۰۰ » مردم سکونت داشته باشد ، واین همه زمین ومردم باهمدیگر چنان مخلوط و آمیخته باشد که از بودوباش یك عایلهٔ بسیار بزرگی ، دریك حولیٔ بسیار جسیمی هیچ فرق نداشته باشد ، یك قصر بسیار بلند خوشنما ومزین آن بریتانیا باشد که اقامتگاه مدیر امور جمهور عایله وخانه باشد ، جرمن ، اوستریا ، ایتالیا ، فرانس ، روس یك‌یك دایرهٔ بسیار فاخر ومنتظمی باشد که مهمترین ومعظم ترین اعضای عایله دران سکونت داشته باشند ، غیر ازینها بسی دایره‌های کوچکتر مانند اسپین وپورتکال ، دانیمرك ، هولاند ، بلژیك ، اسویدن ناروی ، رومانیا ، وبسی پیاده‌خانه‌ها مانند یونان ، بلغار صرب ، مونتگرو و درطرف دروازهٔ آن خانه موجود باشد ، ورئیس های عایله حقاً باهمدیگر خویش واقربا ، ومانند شیر وشکر بهم آمیخته ، ودایما یکی به دایرهٔ دیگری دررفت وآمد باشد ، ووکیلها وناظرها ومدیرهای دایره‌های شان درباب اداره ، وتصرف وانتظام دایره‌ها همیشه محفلها ومجلسها تشکیل کنند ، پس چسان میشود که براین چنین یك انتظام وانتظام تهمت (خونریزی بنی نوع بشر) را به بندیم ؟ !...

بلی این تهمت است . افتراست ! اوروپا تنها اوروپاه‌را (بشر) واوروپائیانرا (بنی نوع بشر) میگویند وبس ! دیگر نوع بشر را بنظر دواب ، ومواشی ، دانسته برای تحکم پروری عایله‌های دایره های خودشان زینهٔ مطبخها میشمارند ، وبرای خدمتهای مختلفهٔ دایره‌های خودشان اسیران مزدور کاری میدانند !... آیا کشتن وبغی ، و خوردن چنداران غیر نوع خودرا (بنی نوع بشر) چسان (خونریزی) خواهند شمرد ؟....

دریك گوشهٔ این سرای جیروتی نمای نوع بنی بشر (!) آشیان یك غیر نوع شان موجود بود ! بنی نوع بشر آنرا اجنبی دانسته ، ومحل زینت وراحت رشتهٔ سرای خود ندانسته بهانهٔ وسعت دادن وفراخ کردن پیاده‌خانه‌های خود آن آشیانرا برداشتن میخواهند !...

چیزیکه خود این محرر عاجز درمدت یکچند سالی که درین آشیان محترم غیر نوع بشر (!) بچشم سر دیده‌ام از روی حقیقت درنظر قارئین کرام عرض میکنم : از جنس بنی نوع بشر — یعنی ملت نصارا — خواه در استانبول وخواه درشام ، وبیروت ، واناطول وروم‌ایلی بسیار نوسی راحت گزین امن وامان بودند که راحت ورفاه ، وثروت وجاه آنهارا هیچگاه صاحبان آشیان نداشتند ، حرفی که آنها مالك بودند هیچوقت دیگران مالك نبودند ، حقوق دینیه مذهبیه ، مدنیهٔ شان چنان محفوظ بود که هیچگاه بنی نوع بشر (!) آنرا محافظه کرده نتوانند ، چنان امتیاز ها ، واستثناهائی داشتند که دیگران ، برآن غبطه میبردند ، پولیسها حارسها ، محافظها برای نگهبانی عرض ، وجان ومال آنها از دیگران بیشتر کوشش میورزیدند . محله‌ها ، کوچه‌های آنهارا صفائی والا بیك اعتنای بیشتری تنویر وتنظیف مینمود . اعضاگری عملها مأموریتها ، وزارتها ، نظارتها ازآنها بود . برسر این همه از خدمتهای شاقه مانند عسکری وغیره نیز معاف بودند . تجارت ، ثروت ، حریت آنهارا دیگر کسی نداشت . صاحبان آشیان باانوع بنی بشر (!) ونوع بشر (!) باآنها چنان مأنوس ، مألوف ، محشور بودند که زیارت همدیگر ، بمراسم اعیاد همدیگر نیز مشارکت میورزیدند .

پس آیا گناه شان چه بود که آشیان شانرا میسوزند ، وخود شانرا ازهمسایه‌گی خود راندن میخواهند ؟ دگر هیچ چیزی نیست مگر ازنوع بنی بشر نبودن آنها ! زیرا بنی نوع بشر بودن ، به صلیب پرستیدن ، وبه اعتقاد کردن بدار کشیده شدن حضرت مسیح علیه السلام ازدست اذاترین خلق موقوف است ، وچون صلیبرا نه پرستیدند ، وبقرآن ایمان آوردند که بدار کشیده شدن آنجنان یك وجود مقدس روح القدس‌را منافی قدسیت عظیم الشان آندیده متجاسر آنرا بمعجزهٔ روح القدسی به او تشبیه داده بعوضش بدار کشیده وحضرت مسیح علیه السلام را زنده وحی دایم در ملکوت السموات شناختانده ، باین گناه ازنوع بنی بشر خارج شمرده شدند !

اما مسلمانان بااینگونه مجاوزات ، واینگونه تهمات نه ازنوع بنی بشر خارج ، ونه ازدنیا ضایع خواهند شد . ناامیدی ومأیوسی رامسلمانان بخاطر خود هم راه نمیدهند . چونکه آنها ازآن امیدی منع شده‌اند . نه تنها این تشبثات صلیب پرستان ، بلکه دوسه چهار بار هلاکوها ، جنگیزها بزرگ قتلهای عامها نمودند ، حتی بعضی از جنگیزیان بقطع ذریت اسلامیان نیز بعضی کارهای وحشیانه اجرا کردند . اولی بازهم دنیا از اسلام برو مملو ماند ، وبعد ازآن بازدولتهای عظیمهٔ اسلامیه تشکیل یافته دنیارا بلرزاند !

ولی چیزیکه موجب خوف واندیشهٔ مسلمانانست همانا بدبهای خلاقیت که درانها سرایت کرده است ، وازشهراه حقیقت دور شده رفته است . بسوی سه چار ساله وقوعات مملکت عثمانی بدیدهٔ عبرت نظر اندازیم : یکبار دیدیم که نفوذ امر وتسلط سلطان استبداد نام نهاده وسلطنت رابه مشروطیت تبدیل داده ازاتحاد وترقی دم زدند . این کلمات بسیار بزرگ ومقدس تنها برروی کاغذ نوشته مانده بجزی اتحادی ونفاق ، وتنزل وانشقاق دگر هیچ ثمرهٔ دیده نشد . بازیك حریت وائتلاف ظهور نمود . ازانهم بجز اسارت واختلاف دگر هیچ نتیجهٔ معلوم نشد . بی اتحادی وبی ائتلافی چنان آزادانه ترقی نمود که برپا سر ودست خود اره وتیشه وتبر زدند ، خودرا آلههای شر قتل نفس خود ساختند ! بلی اینها همه یکیك درس عبرتیست که ما ازان چشم بصیرت‌را نباید بپوشیم . وازحال دیگران پند ونصیحت گیریم .

(حکایت برسبیل تمثیل)

درختان . باتفاق آرا باهم قرار دادند که ازدست جوروتعدی اره وتیشه وتبر ، ورمه ، ورنده ، واسکنه وغیره آلات نجاری بحاکم وقت شکایت حال وتظلم احوال نمایند . وهمه بجمعیت بسوی دربار روانه شدند دراثنای راه بیك درخت زیتون خورده سالفرسوده حالی برخوردند . گفتند باشید تاازین پیر جهان خورده نیزیك استشارهٔ نمائیم .

پیر پرسید : — خیرباشد برادران ! کجا بخیر میروید ؟

گفتند : — میخواهیم ازجور وتعدی اره ، وتیشه وغیره بحاکم شکایت بریم که مارا ازبیخ وبن برمیکنند ، وشق شق میسازند ، وجگرهای مارا میشکافند ، وگوشت وپوست مارا میخراشند .

پیر گفت : — سراسر حق بدست شماست . البته ازینکونه ناروائیها وجگر خراشیها شکایت کردن واجب ولازم است حتی منهم باشما شریکم ولی اینقدر میخواهم که شما یکقدری ازاوصاف اشکال وصورت آن آلاتی که ازجور آنها شکایت کردن میخواهید بیان کنید تادانسته وبصیرانه مرضی حال کرده بتوانم .

رفقا از کیفیت اشکال مدعی علیهان خود بیان کردند یکی تیشه‌را تعریف کرده یك آهن پهن تیز سر فرو آوردهٔ گفت ! دیگری از تبر بحث بمیان آورده همان آهن تیزرا طولاً تعبیر کرد . آن دیگری ازاره ، وآن یکی ازرنده ورمه بقرار واقع بیان نمودند .

پیرپرسید : — آیاهمین آهن پارهای که تعریف کردید تنها بسرخود کار میکنند یاآنکه دیگر یك معاونی هم دارند؟

گفتند : — نی تنها بسر خودکاری ازپیش برده نمیتوانند . بلکه (دسته) نام یکچیزیست که اگرآن نباشد هیچ کار کرده نمیتوانند .

پیر گفت : — آن‌دسته ازچیست ، وازکیست تعریف بفرمائید .

درخت بلوط گفت : دستهٔ تبرازمنست . درخت جوزگفت : دستهٔ تیشهٔ ازمنست ، ارچه گفت همهٔ رندهٔ عبارت ازمنست : تنها یکپاره ، ککک آهن درانست . والحاصل هریك ازدرختان ازدسته بودن یکی ازآلاتِ قتل خودشانرا بیان نمودند .

پیر گفت : — پس‌حالا خود حاکم شوید وحکم بدهید که از کیست که بر کیست ؟

﴿ فاعتبرو ایااولوالابصار ﴾

﴿ خبر های محاربه ﴾

ازاخبار غرای (المؤید) منطبعهٔ مصرالقاهره ترجمه میشود : اخبار مذکور درزیرعنوان (وحشت‌کاریهای الم‌انگیز) مینویسد :

اخبار (دیلی کرونیکل) یك مقالهٔ دراز نامه نگارحرب خودرا که در لشکرگاه صرب — یعنی سرویه — بود نشر کرده است . ووحشت کاریهای الم انگیز عسکرصربی را که بکار برده اند وصف کرده است که ماخلاصهٔ آن مقاله رابرای اطلاع قارئین خود مینویسیم تابدانند که چه اعمال وحشیانه در اوروپا درپیش چشم دولتهای بزرگ اوروپا ارتکاب کرده میشود :

نامه نگار مذکور مینویسد : بصدها نفر عسکر وبسیاری از افسران وسوداگران صربی بمن حکایه کردند ، که صربیها وحشتکاریهای بسیار الم انگیزی برالبانیها اجرا کردند . ومقدار ۲۰۰۰ ، البانی بی گناه‌را درمابین (کوماتووه) و(اسکوب) بقتل رسانیدند . ومقدار (۵۰۰۰) البانی بیگناه را در(برشتنه) ته تیغ ذبح نمودند . وبعد ازانکه شهر (اسکوب) را گرفتند غیر ازانکه درشهر بس بیگناهان رعایارا بقتل رسانیدند عسکر ها را دراطراف دهات وقصبات شهر فرستاده قریه ها ودهه ها را باهمهٔ موجودیٔ آن بیرحمانه آتش زدند . وهرانقدر مردان دهقان وعاجزی را که یافتند بکلهٔ تفنگ چاند ماری کردند . وخود افسران صربی درنزد من اعتراف کردند که روانیٔ آبهای نهرهای وراب ازبسیاری لاشه های جسد های مسلمانان ازجریان باز ماند .

نیز کپتان (برسیوس) جرمنی برای اخبار (برلیز تاغبلات) نوشته است که افسرهای معتبر صربی بمن گفتند که ما ازطرف حکومت خود برهمین کار مأمورهستیم که البانی هارا قتل عام کنیم وهیچ البانی‌را بروی زمین نگذاریم . [البانیها همان البانیهاست که پیش ازچندی بنابرتحریك اغراض شخصی فرقه‌ها بدولت عصیان کردند ، ودستهٔ تیشهٔ چنین بیخ کنیٔ خودشان شدند . سراج‌الاخبار افغانیه]

نیز نامه نگار اخبار(سنترال‌نیوز) ازوحشتهای عسکر بلغار بحث رانده مینویسد که بلغارها مجروحین عثمانی را که بدست شان می‌افتاد انواع عذابها برانها اجرامیکردند که از دیدن آنها جگرانسان پاره پاره میشد . درمحاربهٔ (پینارحصار) بسیاری ازمجروحین عثمانی را بلغارها دست وپابریده بزمین میگذاشتند که ازدیدن آنها موبرتن انسان راست میشد . درمحاربهٔ (لوله برغاس) در اثنائیکه عسکر بلغار ازقریه های مسلمانان میگذشتند بچشم خود دیدم که اهالیٔ بعضی قریه هارا سراسر بقتل رسانیدند . وپسران شانرا کشتند . وزنان ودختران شانرا بی سیرت کردند . [فاعتبروا الآیه]

اخبار غرای (الاهرام) درذیل تلگرافهای خصوصیٔ خود مینویسد :

قوماندان (اشقودره) خبرداده است که عسکر عثمانی برهفت کندك لشکرمانتیکروی هجوم برده بعدازمحاربهٔ بسیارشدید دشمن

را شکست فاحش دادند . طوپ خانه وذخیره واموال بسیاری بدست عساکر عثمانی درامد که درمیان اموال البسهٔ جنرال (انشو دویش) نیز موجود بود .

ایضاً : — کشتیهای جنگی هردولت دراستانبول آمدند . ولشکر فرو آوردند . باب‌عالی بهاین سبب بلشکر فرو آوردن آنها اجازه داده است که مردمان اوربی که دراستانبول بودندبدون سبب یك خوف ورعبی برانها مستولی شده بود لهذابرای تسکین یافتن اوروپائیان مقیم استانبول این اجازه را داده است .

ایضاً درموقع چتالجه محاربه شدت دارد . کشتیهای جنگی عثمانی برطوپخانه های بلغار فیرنموده بسیاری از طوپخانه هارا محوکرده است . وبلغار ها هیچ کاری براستحکامهای چتالجه پیش برده نتوانسته اند .

گفتگوی متارکه وبعد ازان مصالحه درمابین دول بالقان وعثمانی جاریست .

درمابین صرب واستریا اختلافات عظیمهٔ پیدا شده واستریا ازصرب ترضیه میخواهد که قونسل اورا دربره زرن تحقیر کرده است .

مرض وباپکمال دهشت دراردو های حرب بکمال شدت سرایت کرده‌واین نیست مگر از تعفن جسد های کثیرهٔ مقتولین . زیرا این محاربه ازمحاربه‌های بسیارعظیمهٔ شمرده‌میشود که دراین عصرظهور آمده‌است . وتخمینا یك ونیم ملیون عسکر باهمدیگر درآویخته‌است .

مجلس اعانه در مصر

(وجمع شدن سه لك وشصت هزار پوند درظرف دوساعت)

از اخبار المؤید الغرا خلاصه ترجمه میشود : — یك مجلس بسیار حافل وعظیمی در مصر برای جمع نمودن اعانهٔ هلال احمر در خانهٔ مدیر جمعیت (هلال احمر) منعقد گردید . واکثرذوات معتبر وتوانگر اهالی دران جمع آمدند . وجناب عمرطوسون پاشا که یکی از اعضای بزرگ عایلهٔ سمو خدیویت نیز دران‌مجلس آمده یك نطق بسیار بلیغ ایراد نمود که خلاصهٔ مضمون آن این است :

« ای سادات کرام — البته از خبر تعدی وظلمی که بر دولت شما وبرادران عثمانی شما وارد آمده شنیده باشید . دشمنان شمشیر وآتش‌خودرا برانها کشیدند وپاشیدند . بسیاری اززنانرا بیوه وبسی اطفالرا یتیم کردند . اکثرمردمان بیچاره ازترس جان بدار الامان پناه آوردند . کوچه‌ها ، مسجدها ، عمارتها ازخانمانان بیسر وسامان پرگردید . وبسیاری معروض همان مرگی که ازان میگریختند گردیدند . پس کیست که معاونت کند برپر وتقوی ، وتیمار کند زخم زخمیها ، وتخفیف بدهد واویلای‌بیوه هارا ....

بعد ازین نطق شروع بجمع اعانه گردیده در ظرف دوساعت مبلغ ۳۶۰۰۰۰ پوند جمع گردید .

دعوت علما بجهاد اسلام

(از طرف ساحت حضرت شیخ الاسلام در استانبول)

ازرفیق محترم ما (ترجمان‌حقیقت) منطبعهٔ استانبول‌ترجمه‌شده:

« دشمنانی که اطراف مارا احاطه‌کرده اند برای شوقدادن ودلاور کردن عسکرهای‌شان رئیسهای روحانی — یعنی‌پادریها — ی شان صلیب بدست شده بکوشش افتادند . حالا آنکه از طرف علمای ما هنوز ازبجا آوردن اینچنین وظیفه تغافل ورزیدن اصلا وقطعاً جایز نبوده برای آنکه نصرت ومظفریکه من عند الله موعوداست یك آن اولی‌تر بجانب عساکر عثمانیه نمایان گردد ازطرف علماء کرام نیزاجرای همچنین یك جهادوتقویت واعلای قوهٔ معنویهٔ افراد عساکر عثمانیه که هریك یك غضنفر میدان وغاست بمرتبهٔ فرض واصل شده است .

« برای اشتراك کردن به این وظیفهٔ مقدسه بکمال اهمیت بر همهٔ علمای دین اعلان میشود که برای انتخاب شدن وفرستادن شان زودی بوکالت درس درباب فتواشانان شوند » .

{ خبرمسرت‌اثر }

ازمکهٔ مکرمه زادالله شرفها مینویسند :

ازشهر استانبول تلگراف رسمی برای احمدرشید پاشا والی مکه‌معظمه رسیده‌است که الحمدلله‌برای‌دولت‌عثمانیه‌درمحاربه‌فتح‌یابی حاصل آمده وتقل تلگراف رسمی مذکور را عیناً بخدمت شما بالفظ عربی فرستادم : (میرزا اسحق)

{ ترجمهٔ نقل تلگراف }

عساکرعثمانیه سلانیك را بعداز هفتهزارتلفات پس گرفتند . ودوازده هزار نفر اسیرگرفتند . ونیز بلغارها را ازخط مدافعهٔ چتالجه بمسافهٔ شش‌ساعت دورتر طرد ودفع کردند . وسی قطعه طوپ غنیمت گرفتند . ونیز سه کشتیٔ جنگی یونان را غرق کردند . وصلح را ردکردند .

ترجمه ازاخبارهای اردو

کلیله‌دمنهٔ سیاسی تاجدار کابل

همعصر محترمما زمیندار در زیر عنوان فوقچنین مینویسد : ناظرین کرام واقعهٔ خوست‌را فراموش نکرده باشند که‌در ایام گذشته در دولت ابدمدت اعلحضرت فرمانروای افغانستان خلدالله ملکهم ومتعنالله بطول حیاتهم یك جماعت شوریده سر وقبائل کم کرده‌راه ازاوامر سه گانهٔ اطیعوالله واطیعوا الرسول

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 492 of 1786

واولی‌الامر منکم خالی الذهن کرده بود — آن کسانیکه بباعث اغوای بعضی ابلیسانهٔ اشتقاقی فتنه آفرین ازجادهٔ اطاعت پادشاه ظل‌الله خود منحرف گشته بودند برای چند ماه در امن و امان افغانستان اندیشه پیدا شده بود — و چونکه اعلیحضرت امیر عبدالرحمن خان خلد آشیان اینچنین فتنه هارا بکشت وخون فرو می‌کردند بنابرین بعضی عاقلان بی‌بصر که افغانستان واهالی افغانستان را هنوز یك خطهٔ جاهلیت وغیر متمدن می پندارند چنان ذهن نشین خود کرده بودند که فساد خوست بموجب ما ذات افغانیه حواله خون و آتش کرده خواهد شد — چنانچه پاینیر ودیگر اخبارهای همنوای او که بمعاملات افغانستان دلچسپی غیر معمولی دارند این امید ظاهر کرده بودند که اعلیحضرت سراج الملة والدین فتنهٔ خوست را با آن جبر وتشدد که برای قوم وحشی وجاهل افغانستان لازمی است فرو خواهند کرد لاکن پادشاه خودمختار دولت مستقلهٔ افغانستان از خیالات ملك وذمه داریهای اسلامی وقومی ومصلحت اندرون فی ملك خود که حقه واقف بود لهذا اعلیحضرت ممدوح بجای درشتی از نرمی کار گرفت وعوض تلوار قران مجید را بکار آورد و بجای جرنیل ها واعظ ها فرستاد وبجای توپ وتفنگ استعمال پند و نصیحت نمود و نتیجه اش چنان بظهور رسید که اگرچه بعض اخبارات انگریزی هندوستان که بیروی تائمز آف اندیا نمایند و موقعهٔ رخنه اندازی تعلقات دوستانهٔ روابط برطانیه و افغانستان را ازدست نمیدهند بالضرور صدمه رسیده باشد که آتش فساد خوست در حصص دیگر افغانستان چرا منتقل نشد واز شرارهٔ آتش مذکوره درجلال آباد بچه سبب نرسید.. لاکن فساد مذکوره بنهایت خوش اسلوبی فرو شد و قبائل شوریده سر رسن ذلت وانفعال در گردن خود انداخته بدار السلطنه کابل حاضر شدند واعتراف گناه خود کرده خواستگار عفو تقصیرات شدند — و اولاد خودهارا بطور یرغمال برقدوم پادشاه جم‌جاه خود انداختند — همعصر محترم سراج الاخبار کابل که نشانی ترقی های گوناگون شاندار علمیٔ عهد میمنت مهد اعلیحضرت سراج‌الملة والدین است و باعتبار صوری و معنوی ترقی روز افزون دارد یك مضمون بسیط در اشاعت نومبر بعنوان حوادث منگل زیر تحریر آورده اولاً تفصیل حاصل نمودن شرف حضوری پسران مردم منگل واحد زائی وطوطاخیل وتقریر دلپذیر اعلیحضرت که برای اطفال اقوام مذکوره بطور نصیحت ارشاد فرموده اند درج نموده است و بعد ازآن تذکرهٔ آستان بوسی آن سرداران قبائل علاقجات خوست و ارکون و زرمت وکردز و غیره داخل اخبار نموده است که بوقت بغاوت منگل بحمایت دولت علیه افغانستان سینه سپر شده بودند حضور ممدوح همراه سرداران علاقجات مذکورهٔ فوق همکلام شدند و بعد ازآن یك تقریر ارشاد فرمودند که هر یك فقرهٔ آن شارح حقیقت زرین کلام الملوك ملوك الکلام است — قبائل منگل واحدزائی وطوطاخیل که در بغاوت خوست شریك بودند شرف بار یابی عطا نموده شد — علاوه برین اعلیحضرت تاجدار کابل که بوقت تشریف آوری علیگده کالج در تقریر گوهر بار خود که خود را پادشاه و هم سپاهی و هم ملا زبان خود ظاهر نموده بودند هرگز ازدل مردم فراموش نخواهد شد .

چونکه ارشادات گهربار اعلیحضرت که در گنجینه نکات سیاسی وقانون ودر لباس سلاست تمثیل دل آویز ودلپذیر ملبس اند بنابرین ما آنرا بلقب کلیله دمنهٔ سیاسی ملقب ساخته ایم .

پسران اقوام منگل و احد زائی که بطور یرغمال در کابل آورده شده اند بتاریخ ۱۸ شهر شوال المکرم در خیابان شرقی قصر مبارك بحضور اعلیحضرت تاجدار افغانستان پیش نموده شدند جلالتمآب ممدوح در پیرایهٔ تلطف آمیز باآنها مخاطب شده تقریر بلیغ ومعنی خیز ارشاد فرمودند .

تیاری جنك در روسیه وآستریا

رفیق معزز همعصر محترم پیسه اخبار مینویسد بذریعهٔ تلگراف های تازه مفهوم میشود که بعضی مدبران وبالخصوص توفیق پاشا وکامل پاشا اندیشهٔ جنگ عالمگیر بباعث جنگ بلقان ظاهر نموده بودند آثار آن اکنون هویدا شده اند — ونه صرف درمابین بلغاریه ویونان درباب سالونیکا بدمزگی روز افزون است بلکه رعونت سرویا دولت آستریا هنگری را بنهایت غضبناك ساخته است — آستریا برای تادیب او وروسیه بحمایت او فراهمی وآراستگی افواج شروع کرده اند — جرمنی نیز عندالضرورت خود یك لك وسی هزار فوج محفوظ طلب نموده است — پس به امورات فوق الذکر گمان زده میشود که شاید بعدست رد غاصبانه ریاستهای بلقان وریشه دوانی متعصبانه دول یوروپ برای شان از پردهٔ غیب سزائی مقرر کرده شده است . (مترجم اردو عبدالرحمن بیك)

(حکمت طبیعیه)

(مته اورلوژی)

—(کرهٔ هوا)—

یکی ازفنون مهتمابهای عصر حاضر فن (مته اورلوژی) ست که ترجمهٔ فارسی آن (علم احوال الهوا) وعربی آن (علم الحوادث الجو) می آید . فن مته اورلوژی مهمترین شعبه ایست ازشعبات حکمت طبیعیه که مادر تخوا بالتدریج چنانچه قبل ازین وعده نموده ایم ازهر گونه علوم طبیعیه درتحت سرلوحهٔ (حکمت طبیعیه) بنظر قارئین کرام عرض خواهیم نمود که ازانجمله یکی نیز همین عنوان مافوقست .

مدخل

هیئت مجتمعهٔ غاز بسیار لطیفی که کرهٔ ارض ما را از هر طرف احاطه داشته است بدین کتلهٔ غازیه (کره هوا) تسمیه میشود . چنانچه اگر تخم مرغی را مثال اتخاذ نموده زردهٔ آنرا کرهٔ ارض اعتبار نمائیم سفیدی که زرده را از هر طرف احاطه نموده کرهٔ هوا اعتبار خواهیم نمود . پس ازین تعریف چنان معلوم میشود که انچیزیکه ما بانش کرهٔ هوا میخوانیم عبارت از یک قشر بسیار لطیفی است که کرهٔ ارض را از هر طرف احاطه نموده است .

قدرت بالغه ، و حکمت تامهٔ حضرت حکیم علی الاطلاق جل سبحانه حیات و حصول کرهٔ ارض را موقوف و منوط بر کرهٔ هوا فرموده که اگر این کره نمیبود کرهٔ ارض از حیات و محصولات محروم میماند .

(کره هوا) حاوی بر ماده هائیست که حیات ، و نمای اجسام عضوی چون حیوان ، و نبات جمیعاً بر و منحصر است تعدیل و محافظ حرارت را کردن ، و بخار را از کره ارض جذب و اخذ نمودن ، و بعده آنرا بهیئت برف و باران بارانیدن از خصایص و مزیات نافعه مفیدهٔ کرهٔ هواست که کره ارض را بدان زنده و سرسبز میدارد .

فن (مه ته اور لوژی) یعنی علم (حوادث الجو) عبارت از علمیست که از کرهٔ هوا و تحولات و وقوعاتیکه در کرهٔ هوا ظهور میکند با توضیح و تعریف قواعد آن بحث و بیان مینماید .

ماهیت ، ـــ مواد متشکله ، ـــ مقدار ثقل ،
الت وزن ، ـــ لون ، ـــ و خصایص سائره

(کرهٔ هوا)

هوا جسمیست که مرکب است از سه نوع غاز ، که عبارت است از (مولد الحموضه) و (آزوت) و (حامض فحم) . و چون موزون بودن هر جسم طبعاً لابد و لازم میباشد لهذا هوا را نیز ثقلت طبیعیهٔ موجودست که بنا بر حسابیکه اهل فن اجرا داشته اند چنان معلوم میشود که یک مقدار هوای خشکی که از قرار حساب مقیاس الحرارهٔ (فهرانهایت) در شصتم درجه حرارت باشد ، و حجمش نیز بقدر ده انگشت مکعب بود ثقلت آن معادل ثقلت سی و یک عدد حب گندم میآید ، و این یک را نیز باید دانست که این ثقلت هوا محض از همان سه نوع غازی که مذکور گردید نیست بلکه در کرهٔ نسیم خفی الکتریک نیز موجود است که از تحلیل آن نیز بعضی غاز ها حاصل میشود .

و ما عدا ازان در ثقلت هوا بعضاً در صدی چهار ، و گاهاً در صدی کمتر از یک بخار ، و رطوبت آبهائیکه از روی ارض بالتبخیر حاصل میشوند نیز می افزاید . چنانچه اگر یکقدری هوا را کثافت دهد بخار مذکور بحالت آب رجعت میکند و در خصوص تجربهٔ اینکه در هوا بخار و رطوبت نیز موجود است این یک مثال کافی بنظر میآید : (مثلاً لامپه های پترول ، و یا شمعدانهای خود ما را وقتیکه روشن کرده شیشه اش را بران می نهیم در میان شیشه همان لحظه یکدود میبینیم ، این دود سفید عبارت از همان بخار و رطوبت آبیست که در هوا موجود است . یعنی وقتیکه بسبب حرارت جزئیکه در شیشه حاصل شد هوائیکه در درون شیشه موجود است بسبب حرارت انبساط نموده فرار نمود ، لکن بخار و رطوبتیکه در هوا موجود است بسبب ثقلت خویش همانلحظه فرار نتوانسته در اطراف شیشه باقی ماند تا آنکه بدوام حرارت آن نیز انبساط حاصل کرده پریدن گرفت .)

حالا بنا بر مقدمات چنان معلوم میشود که این هوائیکه از غایت ضعف دیده نمیشود ، و بلکه هستیش نیز انقدر محس نمیباید یک جسمی بوده است .

بلی هوا یکی از سه نوع اجسام موجوده ایستکه کیفیت جسمانیت آن نیز بدهی و آشکار است . حتی سنگینی و وزن آن نیز بواسطهٔ آلهٔ که آنرا (بارومترو) یعنی میزان الهوا مینامند وزن کرده میشود . این آله را (تور یجلل) نام فیلسوف ماهر ایتالیائی ایجاد کرده است . اما اول کسیکه موزونیت هوا را حس نموده فیلسوف مشهور (ارسطالیس) است . ولی موخراً یعنی در بین قرون جدیده (غالیله) نام فیلسوف بواسطهٔ تجربهٔ آتی موزونیت هوا را بدرجهٔ ثبوت رسانیده :

چنانچه ـ حکیم مشهور بر سطح چاه آب بواسطهٔ بعضی آلات مانند (طولومبه) ثقلت هوا را فشار داده طولومبه نیز آب چاه را بخارج اخراج داده است .

بعده (توریجلی) مذکور که از شاگردان غالیله است پس از بسی تجارب مجربانهٔ ماهرانه آلهٔ بارومترو را در سنهٔ (۱۶۴۲) میلادی ایجاد و اختراع نموده که بواسطهٔ آن تماماً و بداهةً به اثبات آن موفق گردیده است .

از قرار تعیینات فنیه که اهل فن اجرا داشته اند چنان استنباط میشود که هر گاه یک شخصی که سطح وجودش پانزده قدم مربع تخمین کرده آید آنشخص در زیر تضییق ثقلت (۱۱۳۴۰) پاو هوا میباشد . و چون حساب وسطی سطح وجود مردم اکثر همین پانزده قدم مربع تخمین میشود لاجرم هر شخص همیشه بزیر ثقلت یازده هزار و سه صد و چهل پاو هوا افتاده میباشند . اما ما این که ثقلت آنرا حس نمیکنیم سببش آنکه هوا از هر طرف ما را احاطه داشته است . چنانچه اگر انسان در قعر بحر غوطه خورده با وجود آنکه بر سر آن هزاران خروار آب ایستاده میباشد باز هم بسببیکه آب اورا از هر طرف احاطه نموده است انهمه بار گرانرا هیچ حس نمیکند . و اینکه ما این هوا را نمیبینیم بسبب نهایت شفاف و نهایت صفی جسم اوست . اما سبب اصلی ندیدن ما هوا را از آنست که چنانچه در فن منافع الاعضا در مباحث (رویت)

و (عین) مفصلا مذکورات : که هرگاه یکچیزی ازپیش نظر ما بیك بعد معلومی دور نباشد چشم ما انچیز را دیده نمیتواند . وچون کره هوا در پیش چشم مابدانددرجه نزدیك افتاده که با پرده های چشم ماتماس مییابد لهذا دیدن ان ممکن نمی شود.

مقدار ضخامت ، وارتفاع حقیقی کرهٔ هوا تا یك وقتی در نزد بعضی حکماءالی غیر النهایه پنداشته شده بود . ولی موخراً مانند (کی لوساق) ، و(هومبولت) و (لاپلاس) نام مشاهیر اهل فن به اثبات رسانیدند که کرهٔ نسیم خیلی محدوداست . حتی به براهین قاطعه ودلایل متقنه واضح نموده اند که ازسطح بحر تابلند ترین طبقه کرهٔ هوا در بین ۴۳ هزارتابه ۴۷ هزارمتر ومرتفع میباشد . وبعضی ازأهل فن چنین میگویند : که قوهٔ واقعهٔ سطح فوقانی کرهٔ هوا بایدکه باقوهٔ جاذبهٔ کرهٔ ارض دریك نقطه مساوی باشد . پس این نقطه از سطح بحر بنابر قول بعض از حکماء در مسافه ۵۰۰ میل ، وبقول ۵۰ میل کائن میباشد . ثقلت هوا ۷۷۰ دفعه از اب خفیفتراست . وتضییق ثقلت ان در هر طرف کرهٔ ارض بر یکمنوال نیست . چنانچه از خط استوا بطرفهای قطب شمالی هر قدرکه رفته شود روبه تزاید مینهد تا انکه در بیست ودوم درجه بالتدریج تنزل نموده از انجا نیز تابه قطب باز روبه تزاید میگیرد . ومن حیث تزاید وتناقص رطوبت نیزهر روز در هرمحل به تبدلات گوناگون گرفتار می آید .

درجه کثافت هوا زیادی ارتفاع نیزتخالف میکند. چونکه طبقات تحتانی کره هوا بسبب تضییق طبقات فوقانی ان کثیفتر وثقیلتر میباشد . چنانچه اگرکسی بر سر جبال مرتفعه برایدخفت هوا را بداهةً حس میکند . چونکه بر شواهق جبال مرتفعه از سبیکه هوای کثیف درتحت میماند لاجرم درانجا بواسطهٔ میزان الهوا تناقص تضییق هوا بخوبی مشاهده میشود . بناء علیه ارتفاع تقریبی جبال ومحال سائره بواسطهٔ آلت مذکور باسهل وجوه مفهوم ومعلوم میگردد چنانچه اگر در استانبول ویا بلاد سائره بالونی را بهوا کنند وقتیکه در بالون مذکور سیمابیکه در میان ستون میزان الهوا موضوعست بقدر یك انگشت فروآید ، در انوقت معلوم میشود که بالون از سطح بحر ۹۱۷ قدم بالا برامده است . واگر پنج انگشت فروتر شود درانحال ۴۸۴۱ قدم بالا بر آمدن بالون را اشعار میکند . ولیکن بسببیکه تبدل درجهٔ ارتفاع با تبدل کثافت هوا با یکتدریج نمیشود ، وکذلك تأثیر حرارت نیزبریکقرار ویکمنوال نمیماند لهذا ارتفاع حقیقی یك محل را بواسطهٔ میزان الهوا معلوم کردن مشکلست.

در کرهٔ هوا ، عنصریکه مدخل زیادی درترکیبات کیمویه بهم میرساند همانا عنصر مولد الحموضه میباشد که این عنصر در عالم طبیعی بغیر از عنصر (فلورین) باجمیع عناصر بنهایت سهولت امتزاج میکند . این غاز که عبارت از مولد الحموضه است ازبرای مادهٔ احتراق ونیز من حیث تنفس از برای بقای حیات الزمیت واهمیت فوق العادهٔ دارد ، واز بسکه دراتحاد ، وترکیبات کیمویه بنهایت درجه میالست در مواد کرهٔ ارض تبدلات مهمی بحصول میآورد .

کره هوا نیز مانند کرهٔ ارض بشکل شبه کره میباشد یعنی کرهٔ تام تمام نیست . وهمچون کره ارض طرف قطبینش بجق تراست . نظر به اجرای عملیات رصدانیکه کرده اند چنین بنظر میاید که اجرام سماویه سائره نیز همچون کره ارض بهوای نسبی محاط باشد .

(حرارة هوا)

درجه حرارة محسوسة ، وترمامتر ویعنی میزان الحرارة (حرارت محسوسه) حرارتیرا میگویند که جسم انرا حس بتواند نمود . حرارت محسوسه ، بواسطه آلهٔ کهانرا (ترمامیترو) یعنی مقیاس الحراره مینامند معلوم میگردد . این آله را بنابرین اساس اعمال نموده اند : (که هر جسمیکه گرم شود اثرالانبساط ، وچون سرد شود انقباض حاصل میشود) لاجرم این مسئله را اساس اتخاذ نموده آلهٔ مذکوررا ایجاد نموده اند.

ترمامترو ، عبارت ازیك لولهٔ بلوری مجوفیست که سرتحتانی آن کروی الشکلست واین لولهٔ مذکور بر یك لوحهٔ که منقسم بر اشارات درجات میباشد مربوط ، وجوف لولهٔ کروی الشکل زیر بیش ازسیماب مملو میباشد. سیماب مذکوررا وقتیکه گرم کنند انبساط پیدا نموده بالا میاید ، وهوائیکه در داخل لوله باشد روداشته تابدهن لوله میرسد . پس درانزمان دهن لوله را بند کرده بر لوحهٔ مذکورش میدوزند . بعده طرف کروی لولهٔ مذکور را در میان پارچه‌های یخ گرفته سیماب آهسته آهسته روبه انقباض مینهد تا انکه انجماد کرده میایستد . پس در همان نقطهٔ که سیماب توقف نماید بر لوحهٔ مذکور اشارت درجهٔ انجماد را مینویسند . وبعده در آب جوشانی گرفته سیماب آهسته آهسته رو بدرازی مینهند . پس درهمان نقطهٔ که توقف نماید برلوحهٔ مذکور اشارت درجهٔ غلیان را مینویسند . بعد ازان از برای درجات سائرهٔ حرارت وبرودت نیزدر بالا وفرو تزائد وتقطهٔ اشارات گذاشته ترمامتر ویعنی مقیاس الحرارة را بعمل میارند .

کرهٔ هوا ، حرارت را جزئی از شمس ، وقسم اعظمش را از کرهٔ ارض که بسبب تاثیر حرارت شمس گرم گشته است بوسائط ونشر وتماس اخذ وجذب میکند . بنابرین طبقات فوقانی کره هوا باوجودیکه به شمس نزدیکتراند اما مانند طبقات تحتانی آن که بارض نزدیکست حرارت ندارد . از تجاربیکه بواسطهٔ بالونها کرده شده است اینمعنی به اثبات رسیده که درهر ۳۵۰ قدم ارتفاع حرارت کرهٔ هوا یکدرجه تناقص میکند . وازینست که بر ذروه‌های جبال مرتفعه برف وثلج آب نمیشود.

موقعیکه در سطح کره ارض ، حرارت را زیاده از شمس اخذ وضبط می کند همانا منطقهٔ حاره میباشد چونکه در آن منطقه شعاع شمس دائما راست وعموداً میافتد . وسمتهای قطبی بمناسبتیکه از شعاع شمس مائلا استفاده مینماید بالعکس آنست . لاجرم هوانیز که سبب حرارتش از کره ارض است درسمتهای خط استوا بیشتر ودر طرفهای قطبین کمتراست .

چنانچه درجهٔ ثقلت هوارا آلت بار ومترو یعنی میزان الهوا تعیین مینمود ، درجه حرارت را نیز آلت ترمامترو یعنی میزان الحراره که تفصیلش مذکور گردیدبخوبی توضیح مینماید . وچون شمس دائماً یعنی در هر موسم بر کره ارض بریك قرار پرتو نمی اندازد بلکه گاهی عموداً ، وگاهی مائلاً تصادف میکند لاجرم مواسم مختلفهٔ اربعه ازینسبب نشات میکند ، چنانچه تفصیلات اینمسئله (درجغرافیای ریاضی) به اثبات رسیده است .

حرارت هوائیکه بسطح بحر قریب باشد بمناسبتیکه باهوای بحر متناسبست هنگامیکه باد آن هوارا بسوی خشکی سوق میکند بالطبع معتدل وخوش میآید . لاجرم هوای سواحل وجزایر نسبت بمحلاتیکه از بحر دور باشد خوشتر ومعتدلتراست .

واین یکرا نیز باید دانست : که بحور محیطه درزمستانها حرارتش نسبت بخشکیها بیشتر ، ودرتابستانها نیز سردیش بیشترمیباشد وسببش آنکه حرارت شمس بسبب متخلل بودن آب تابقعر آن تاثیر میکند وبسبب بزرگی حجمش آن حرارت درمیان آن حل وناپدید گردیده وقتیکه در زمستان آب سرد گردد حرارت محلولهٔ مذکور بازپس بمیدان بروز مینماید . امادرخشکی حرارت شمس بسبب مصمت بودنش باقعر آن نمیرسد . لاجرم بحردیر گرم ودیرسرد میشود ، وخشکی زودگرم وزود سردی پیدا میکند . ودرفن (ژئولوژی) یعنی طبقات الارض اینیك نیز باثبات رسیده : که حرارت داخل کرهٔ ارض خیلی قسم جزئیش بسطح ارض واصل میگردد وارض هرحرارتیکه دارد کلیاً ازشمس ضیانثاراست ، انتهی

از رسالهٔ حوادثات طبیعیه ورسالهٔ موقوته
قرقاتبار ، وجغرافیای طبیعی نقل وترجمه گردید

(عالم عسکری)

(جمل حکمیهٔ عسکریه)

۱ — دشمن بیگانهٔ عسکر نا امیدیست

۲ — قومندانها شان شمشیررا اعلا ، وحق قلم را ایفا باید کنند .

۳ — تو به مافوقت اطاعت بکن ، که مادونت بتو اطاعت کند .

۴ — تنها غلبه وظفر کافی نیست ، بلکه دانستن راه استفاده را از غلبه وظفر لازم است .

۵ — کسیکه دشمن خودرا درخواب گمان کند ، چنانست که خودش خواب بسیار شیرینی میبیند .

۶ — شمشیری که بسرعت کشیده شود ، کامیابی وموفقیت دایما اورا به شتابها استقبال میکند .

۷ — درهر اردوئی که اطاعت عسکریه کامل باشد ، چنانست که آن اردو یك سپر آهنینی بدست دارد .

۸ — در اردوهایی که ضبط وربط عسکریٔ آن مختل وبرهم باشد ، مطلق انهزام واضمحلال آغاز میکند .

۹ — اسرارهای موفقیت وکامیابیٔ محاربه ، درکلمهٔ (جرأت) مکنوز میباشد .

۱۰ — عسکر در وقت تعرض وهجوم مانند تازی دشمن را پیش اندازد ، در وقت گریز مانند روباه بحیله دشمنرا بازی داده بگریزد ، دروقت جنگ ومدافعه مانند گاوهای زنجیکی حرکت بکند .

۱۱ — روح عسکر ، میباید که بابغض وعداوت دشمن ، وعشق ومحبت وطن مخمر باشد .

۱۲ — سلامت وطن ، بدوچیز وا بسته است : یکی بهاینکه اولاد وطن در راه محافظهٔ وطن مرگ را بسیار آسان وحقیر بشناسند . دیگر اینکه دردنیا مبغوض تر ودشمنتر ازدشمن وطن کسی را ندانند .

۱۳ — بقای هر ملت ، به تیز بودن شمشیر آن ملت موقوف است ، شمشیر ملت عسکراست ، تیزئ آن آموختن تعلیم وقواعد جنگ است .

۱۴ — دانستن حرب ، به دانستن اصول وقواعد جنگ موقوفست ، برای دانستن اصول وقواعد جنگ عسکر شدن واجباست .

۱۵ — عسکر ، نگهبان وطن است ، مکافات حقیقیٔ عسکر نام نیکیست که در محافظهٔ وطن کمائی کند .

۱۶ — محبت وطن از ایمانست ، عسکر ، میباید که ایماندار باشد ، در عسکری که ایمان نباشد جرأت وجسارت هم نمیباشد .

۱۷ — عسکر ، درادب ونزاکت ، ورفق وملایمت ازموی نازکتر ودر وقت کارزار از شمشیر تیزتر باید بود .

۱۸ — شرف وناموس شمشیر ، تنهابهمان محافظه واکمال نمیشود که آنرا باکمربندهای زرین درازترکرده‌اند ، وبرسرکها شراق شراق آنرا برارند . بلکه ناموس شمشیر بمهارت استعمال آن ازطرف شمشیربندان آنرا کامل میشود .

۱۹ — بحزم وعزم ومتانت یك عسکری راکه بقبضهٔ شمشیر انتقام وطن فشرده شود ، بجز خون دشمن دگر هیچ چیزی اورا نرم کرده نمیتواند .

۲۰ — قیمت ومزیت عسکر هارا از هرچیزی زیاده صبر وتوانائیٔ شان بمشکلات وزحمات عسکری نشان داده میتواند وبس

۲۱ — عسکرهایی که موی خودرا درراه وظیفهٔ عسکری شان سفید کرده‌اند بقدر عزت نفس افسران نوجوان شایان حرمت میباشد .

۲۲ — عسکرهایی که مشقها وزحمتهای جنگرا خوار وحقیر بشمارند ، فتح ونصرت مبارکباد گفته به آنهایش می‌آیند .

(از آلماناق عسکری ترجمه شده)

(اخلاقیات)

سخنان حکمی در حسد

۱ — در دنیا کسی که بسیار شایان مرحمت است همانا (حاسد) است . چونکه آن بیچاره درمیان آتش بسیار شعله افزایی میسوزد ، وسوزنده اش را هیچ خبری نیست .

۲ — آتش حسد ، دردل حاسد شعله میکشد ، محسود خودرا سوختن میخواهد ، به بدگویی ، به غیبت ، به تحقیر محسود خود میکوشد ، وبه اینصورت یك آتش بر آتش سوزان خود ترقی میخواهد . ولی هزار افسوس که آنچیزها نفت ، پترول ، مواد الحونه شده در تهیه خودش را میسوزد .

۳ — سر افسر حاسدان ، ابولهب بود . هر کس که عبال لهیب حسد دردلش افزونتر ، به ابو لهب نزدیکتر ، وهر که به لهب نزدیکتر ، لهیب جهنمش قریبتر است .

٤ — حسد ، آتشیست که میسوزاند ، ولی نمیسوزد ، محسود آتشست که نمیسوزد ، ولی میسوزاند .

٥ — حسد بر مال وبال است . حسد بر جاه گناه است . حسد بر دانش آتش است . حسد بر تقرب تلهب است . من حیث المجموع حاسدان ، بمشیت وارادهٔ ازلی در کفر وعصیان‌اند ، ودر دنیا وآخرت در آتش سوزان ولهیب تبابست .

٦ — حسد وغرور ، ازصفات ممتازهٔ شیطان رجیم است که همین دو صفت ملعونه سبب رجم وطردش گردید . اولا بر علم آدم حسد برد . زیرا علم اشیا را او نمیدانست وحضرت آدم علیه السلام به ارادهٔ ازلی یگان یگان بیان نمود . ازین حسد بغض وعداوت تولد نمود . ثانیاً بر تقرب آدم به بارگاه الهی جل اسمه حسد برد . زیرا اول او آن تقرب را حائز بود وچون حضرت آدم مظهر تقرب ذاتی گردید . واعلا ازو شد آتش حسد بشدت هرچه تمامتر دردلش شعله ور گردید . ازین حسد کبر وغرور تولید یافت . بغض وعداوتش بران واداشت که آدم را فریب بدهد . کبر وغرورش بران واداشت که اورا به میان گل وطینت خاکی تحقیر وتزئیف نماید . پس حاسدان همان اشخاصیست که از پیروان ممتاز شیطان رجیم شمرده میشوند .

بناء علیه از درگاه ذات اقدس حضرت مقلب القلوب والابصار رجا ونیاز میکنیم که ما را وجمیع برادران دینی ما را از آتش سوزان حسد ، وشعلهٔ شرر افشان غرور بحفظ وحمایت صمدانی خود نگهدارد . آمین

ادبیات

غرور

ای جان مکن غرور به آنسو مرو مرو
شیطان غرور کرد تو با او مرو مرو
کبر وغرور خصلت دون همتان بود
نفست عزیز دار بهر کو مرو مرو
کبر وغرور دیگر ودیگر علو نفس
بهر غرور خود به تکاپو مرو مرو
هر جلق میشوی که نمائی غرور خود
ای خود نما چو مردم بی رو مرو مرو
تحقیر میکنی همه خلق وخود ببین
خود بین شوی ، مشو ای جادو مرو مرو
باشد اگر ترا مرض سخت ومهلکی
پیش طبیب تند ترشرو مرو مرو
(محمود) را بکبر مکن متهم که او :
مرشد به او نموده که هرسو مرو مرو

(وطن)

خوشست سیر وتماشای نوبهار وطن
مکن زسینه برون داغ لاله‌زار وطن
مشو زعلم وهنر غافل ای وطن پرور
بهوش باش که آید همین بکار وطن
مشو زغیرت ناموس مملکت غافل
مباش غیر ابدل زنگ وعار وطن
رسول گفت که حب الوطن من الایمان
روانست مؤمن اگر هست بیقرار وطن
مکن باهل وطن در وطن نفاق مکن
گرفته‌است بین خصم دین کنار وطن
دهید هم وطنان دست اتفاق بهم
بود امید که گردد همین حصار وطن
پی حفاظت ملك ووطن سزد که کنند
همیشه اهل وطن جان وتن نثار وطن
مکن زسینه برون حرف کین دشمن دین
مکن بخصم وطن صلح دوستدار وطن

سزد که خلق وطن پروری بیاموزند
ز غافل همه کشور زشهریار وطن
سراج ملت ودین آفتاب دولت وملک
که هست روز وشبش صرف کار وبار وطن
خوشست سرمه زخاک دیار (مستغنی)
بلی خوشست زگلزار غیرخار وطن

(عیناً ورقه)

جناب من تسلیم

یک ترکیب مخمس بسیار شیرین ازادهٔ طبع وقاد جناب نواب سید جهاندار میرزا صاحب که از خاندان حکومت اوده وبنگاله اند و (غافل) تخلص دارند بخدمت فرستاده شد توقع که در یک گوشهٔ اخبار فواید آثار تان درج نموده ممنون منت واحسان فرمایند زیاده والسلام

نیازمند
سید محبوب عبد الجلیل

(ترکیب مخمس)

دست غارت بطرابلس چو مستانه زدند
بسر سنگ هوس شیشهٔ وپیمانه زدند
عرب و ترک بهم کشته و شیرانه زدند
خیره سر بود عدو گردن ایکانه زدند
قصد اشرار دگر عزم مسلمان دگر است

کشته تیغ بهاجم بنی نسوان عرب
پیر و بیمار عرب طفل دبستان عرب
رشک خون ریزه اسلام به حرمان عرب
کرد ثابت به جهان حرب دلیران عرب
حیله و مکر دگر شیوهٔ مردان دگر است

زر و آذوقه و ملبوس به مسلم محدود
فوج کم بوده داخل و خارج مسدود
توپ و بندوق جراز ازپی لشکر معدود
تنگ از جنگ اطالی شده شان معبود
لشکر و زر دگر و رحمت یزدان دگر است

با اطالی چو هزیمت شده گفتار نماند
کشته و بسته چنان شد سر پیکار نماند
فوج پامال شدو دعوی پیکار نماند
پیش شمشیر مسلمان صف اشرار نماند
جوش باطل دگر و جذبه ایمان دگر است

دور از رحمت غفار بداندیش لئیم
مملکت کرد به اسپینو فرانسه تقدیم
گشت برباد به دستش همه میراث قدیم
شد ز بی دانشیش مغرب اقصی تقسیم
رغم شاهی دگر و حفظ مسلمان دگر است

سرنگون قوم شود پیش حریفان قدیم
همت عالی اعراب کند کی تسلیم
اهل اسلام درین معرکه باعزم صمیم
عرصه را تنگ نمودند به خصمان لئیم
خامی طمع دگر همت مردان دگر است

یوسف دلشده از ریل بچاه اهن
همه بیهودی ملاحات براه اهن
کر بود دولت افغان به پناه اهن
فوج گردد پی دشمن چو سپاه اهن
راکب ریل دگر رهرو حیران دگر است

بر عدو طرح ظفر بادماهی افگن
بیخ بنیاد حسودان ستمگر برکن
ازمن خاک نشین گوش کن ای شاه سخن
نشود نقل عساکر ره دور از توسن
سرعت ریل دگر سرعت اسپان دگر است

دل من سوخت بدین حالت شاه ایران
یادم آید همه از حشمت و جاه ایران
گرد معدوم مگر روز سیاه ایران
عقل ایران ز ایرانو سپاه ایران
جهل و بحث دگر فکر عزیزان دگر است

خبر حرب ز بلقان چه توانیست الیم
رفت ز و علم اسلام به هیجان عظیم
بهر حفظ وطن و دین شده از فضل کریم
همه مشتاق شهادت همه مشتاق نعیم
غافل اغماض دگر حسرت و حرمان دگر است

(سخنان هر رقم)

§ میکروب §

نظر بحساب یکی از فنونشناسان در هر نفسی که انسان با هوا فرو میبرد ، ٤٠٠٠٠ ، میکروب بجگرهای انسان میدراید . در هر نفسی که بر میکشد ازان همه میکروبها تنها (٤٠) دانهٔ آنرا بیرون میکشد . باقی ٣٩٩٦٠ میکروب درریه . وحنجره . وجگر ودیگر اقسام بدن جابگیر میشوند . ولی هزار شکر که همهٔ این میکروبها مضر نیستند .

-﴿ کبوتر ، وغبی ﴾-

غبی از قطار راه آهن داک زودتر بریدنش واقع شده است

چندی پیش ازین برای تجربهٔ تیز پروازی کبوتر وغچی در شهر (آنوه‌رس) که در باژیك واقع است یك امتحان اجرا شد ، از شهر مذکور یك چند کبوتر ویك چند غچی را که آشیان شان درانجا بود با ریل داك به قصبهٔ (کومیه‌ن) که (۱۵۰) میل از (انوورس) دورتر واقع شده بردند ، وبساعت هفت وربع کبوترها وغچی ها را از انجا رها کردند . غچی به آشیان خود از هشت بیست دقیقه گذشته رسید . حالانکه سریع پروازترین کبوتران بعد از سه ساعت واصل گردید . به این معلوم شد که غچی در ساعتی ۱۳٤ میل ، وکبوتر درساعتی ۳۵ میل پرواز کرده توانسته اند .

پوشاك در ژاپان

در مملکت ژاپان قماشهائیکه برای زنان شوهردار ، وزنان بیوه ، وزنان جوان ، وزنان پیر ، ودختران مخصوص است جدا جدا وهر رقم زیرا قماش خاص مقرر ومعین است که هیچگاه زن شوهردار قماش لباس زن بیوه را وزن جوان لباس پیران را ودختر لباس زن را پوشیده نمیتوانند . بنابرین یك زنی که برای قماش خریدن پوشاك خود بیك دکانی میرود تنها همین قدر احتیاج دارد که از عمر خود وشوهردار یا بیوه بودن ، ودختر یا زن بودن خود بدکاندار خبر دهد بعد ازان دکاندار از همان رقم قماش برای او آورده انتخاب میکند .

(یك سرای عجیب الشکل دنیا)

سرای پادشاهی (ئه سکوریال) که در (طلیطله) نام شهر اسپانیا میباشد ازجهت عجیب الشکلی سرای یگانهٔ دنیا شمرده میشود این سرای بسیار بزرك عجیب الشکل را ، فیلپ دوم ، که از پادشاهان اسپانیا بود هنگامیکه بردولت فرانس غالب آمده بود بنابر یادگار ظفر خود اعمار وانشا نموده بود ، یوان‌باتیستا ، که معمار این سرای است بنای سرای مذکور را بشکل (اسقاره) نام سیخهای کباب که ازآهن بشکل یك‌شبکه میسازند ویك‌دستهٔ میداشته باشد ودر یکطرف آن یك کاسه گکی هم داشته میباشد که روغن کباب دران جمع می آید ـ نقشه وترتیب کرده بود ، بجای هر سیخ اسقاره صف صف بناها وعمارتهای بسیار محتشم ساخته وبجای دستهٔ آن یك کلیسائی بنا کرده است این سرای دوهزار اوتاق وهفتهزار دروازه وپنجره وهشتاد زینه‌های منتظم وهشتاد ودو چشمهٔ آبدرا مالكاست تنها برای تسکین حرارت تشنگی ساکنان این سرا چهل وهشت مخزن شراب دران ساخته شده است !

آلهٔ منع قضا زدهگی ریلها

درراه‌های آهن غربی فرانس برای منع نمودن قضا رسیدهگیهای قطارهای ریلها که ازبهم خوردن‌شان بیکدیگر بوقوع می آید یك آله اختراع وتجربه شده است که آلهٔ مذکور ماکینست ـ یعنی انجینر ریل ران‌را پیش ازوقوع تهلکه وقضا خبر میدهد معلومست که این گونه قضاها وتهلکه‌ها اکثر ازغفلت ماکینست های ریل پیش می آید که بنابر بعضی سببها ماکینست اشارت وعلامهٔ قضا وتهلکه راکه عبارت ازیك بیرق سرخ ویا یك چراغ سرخ باشد نمی بیند وریل را بسرعت ازان میگذراند لهذا این آله درهمان جائی که ریل ازان باید بگذرد گذاشته میشود وهر دیکه ریل میخواهد ازانجا بگذرد آلهٔ مذکور مانند خود ریل صفیرها وصداهای پی هم میکند وآتش وشرارهها می افشاند که بهرحال ماکینست ازان خبردار میشود !

خریطه ـ یعنی نقشهٔ لندن

خریطه یعنی نقشهٔ شهر لندن ونواحی آن که دراین وقتها باتمام

فاجعه‌های پاریس

(مابعد ازشمارهٔ (۷) سال دوم)

اگر آرزو میکرد خواه درامور عسکری وخواه درامور سیاسی موقعهای خیلی درخشانی برای خود حاضر کرده میتوانست ، ولی نقصان حرص و طمعش اورا ازین وا داشته بود که واردات سالیانه سیصد هزار طلای خودرا مانند مسیوهای بسیار زرنگی صرف کند ، و حیوانات اعلا و شکار های خوب به پرورد واجرا کند ، و در صنایع وکمالات هرگونه آثار حسنه و نافعه نیکه بوجود آید بدست آورده بدانصورت امرار ایام حیات نماید .

وقونت آرمان دوغرانلیو ازدوستان صمیمی مارگی دوموقوب بود ، ازمداومهای خانهٔ بولوار (انوالید) مارگی بود ، پیش ازنجبال برقلوتیلد عاشق شده از پدرش اورا طلبگاری کرده بود ، مارگی دوموقوب به اینسخن خیلی راضی بود ، ویگانه آرزو یش همین بود که دختر یگانهٔ خود را (قونتس دوغرانلیو) به بیند اما نیام برخود قلوتیلد ، مرقومه نیز به آرمان دوغرانلیو خیلی متمایل بود ، وباوجودی که قونت ازخودش بقدر بیست سال بزرگتر بود باز هم یك شوق فوق‌العاده نی بلکه یك محبوبیت صمیمانه اگرچه بازدواج با قونت دوغرانلیو روی رضا میداد ولی چه فائده که یك چیزی به این رضا دادن مانع شده بود ، و آنهم دلباختن او بود بریك دیگری ، مادموازل قلوتیلد ازان دختراتی نبود که چون یکبار بیکی دل بدهد باز آندل را واپس بستاند .

مارگی دوموقوب ازمدت مدیدهٔ بی زن مانده بود ، یعنی والدهٔ قلوتیلدرا در وقتی که قلوتیلد پنجساله بود وداع ابدی دار آخرت نموده بود عمر مارگی هم ازشصت افزونی گرفته بود وخود آنهم اختلاط و انبساطش با اقران وامثالش خیلی زیاد بود ، قلوتیلد چون شانزده ساله شد یك آفت دوران ویك مجسمهٔ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 499 of 1786

رسیده درظرف پانزده‌سال وبمخارج ۱۶ هزار بوند بوجود آمده است هرطرف وهرناحیهٔ آن جداجدا نقشه شده‌است که چون همه یکجا جمع شوند همه لندن ومتعلقات اطراف خودلندن‌را موبمو وجب بوجب نشان میدهد اگر همهٔ پارچه‌های این نقشه پهلو به پهلو آورده شده برزمین هموار شود یك مسافهٔ راکه ۳۰ فوت طول و ۲۰ فوت عرض داشته‌باشد فرامیگیرد ولی برای آسانی این خریطه‌قات شده بشکل یك کتابی ساخته شده‌است .

نامواران جهان

(مابعد ازشمارهٔ (۷) سال دوم)

ولی چون ازقریش مخالفت دیدبه‌پیش خدا مناجات ونذر نمود که اگر جناب حق ده‌فرزند باو احسان کند که دربن کار باو معاونت کنند یکی ازآنهارا قربان میکند . وچون خداوند باو ده پسر عطا نمود ، وهمه صاحب رشدشدند ایفای نذر واجب گردیده همه پسرانشان انقیاد واطاعت کردند . لهذا قرار داده شد که قرعه یعنی پشك بیندازند ، چون قرعه انداختند بنام (عبدالله) که آنرا ازهمه بیشتر دوست داشتند برآمد بنا برتسبیب عقلا درمابین عبدالله وخون بهای آن ـ که عبارت از ده‌شتر باشد ـ قرعه انداختند . بازقرعه بنام عبدالله برامد . وبهمینصورت ده‌بار ودرهربار ده‌ده شتر علاوه نمودند . تاآنکه دردفعهٔ دهم قرعه برشتران برامده حضرت عبدالله بصدشتر فدیه نجات یافت وبعدازان فدیهٔ دم صد شتر مقرر گردید ، ازین‌است که یکی ازاعراب حضرت رسول‌الله صلی الله علیه وآله وسلم‌را «یاابن الذبیحین» خطاب نموده‌است که یعنی (ای پسر دوقربانی) میباشد . ازین دوقربانی یکی حضرت اسمعیل علیه‌السلام ویکی حضرت عبدالله‌را مراد نموده است . این ترجمه وتفسیر سه‌بیت اول‌نظم مافوقست درابیات دیگر خود شان چنین الهام‌میفرمایند ((بناءً دلیلهاونشانهای که‌مشاهده کرده‌اند پسرشان حضرت محمد صلی الله علیه وسلم محض رحمت شده برعالم مبعوث میشوند ، وبمردمان حلال وحرام‌را بدین ابراهیم ، وحق واسلام‌را تعریف وبیان میفرمایند . وازطرف حقتعالی جل وعلا ایشان ازجریمهٔ پرستش بتان مصون ومعصوم میمانند .

بعدازفرمودن این اشعار که‌بیان گردید این عبارت ذیل‌را بیان فرموده تسلیم روح نموده‌اند :

((کل حی میت ، وکل جدید بال ، وکل کثیر یفنی وانا میته وذکری باق ، وقدترکت خیراً وولدت طهراً .)) یعنی هرکس میمیرد ، وهرنو کهنه میشود . وهربسیار فنامیشود ، منهم میمیرم امانامم باقی‌میماند . ولدطاهر زاییده‌ام . ودردنیا یك‌خیر بزرگی گذاشتم

(حضرت آمنه) تاوقتیکه (حضرت فخرکائنات) علیه افضل الصلوة بسن شش سالگی میرسیدند برحیات بودند . درباب محل وفات ومدفن شان اختلاف است بعضی میگویند که درمکهٔ مکرمه وبعضی میگویند که در (ابواء) نام‌موقع که درمابین مکهٔ مکرمه ومدینهٔ منوره میباشد وفات یافته‌اند ودرانجا مدفون میباشند .

درباب ایمان (حضرت آمنه) (وحضرت عبدالله) درمیان فقها اختلافست . ولی اصح روایات همین‌است که‌بنابرحرمت حضرت رسول‌الله صلی الله علیه وسلم . درحق ابوین‌شان خوش‌گمان بودن

تاحسن وآن گردید ، پدرش در هرجائیکه میرفت دختر خودرانیز باخود میبرد که به اینصورت دختر هنوز در سن صباوت خود درمیان گردبادهای پرجوش وسرورعالم خانمان‌گداز پاریس تنها بسر خود بربان گردیده مانده‌بود . ازمحبه‌های موسیو موقوبا گرچه یك‌زن پیری بمحافظه گری وسررشته داری دختر مأمور بود ولی ازانجائیکه محافظه‌ها دقت متمادی ودیده‌بانی مخصوصهٔ والدها کجا بسرمی‌آید ؟

والحاصل فلوتیه درسالونهای بزرگان واعیان‌زاده‌گان که متمادیاً دران دوام داشت یکشبی بیك جوان تروتازهٔ سی‌سالهٔ تصادف نمود که این نوجوان بسایهٔ عنوان قونتی‌ئیکه داشت ، به قونت غونتران دوراندال ، معروف بود ودرهمه سالانهای عالم‌گداز پاریس رفت‌وآمد میتوانست . ذاتاً حسن وظرافتش نیزبدرجه فوق‌العاده بودکه هر بینندهٔ خودرا بخود مایل میساخت .

تنها همینقدر زیاد بود که‌بااسرافات قاعدنانه‌ئیکه جلوگیری آنرا نمیتواند ثروت وتوانگری خودرا رخنه‌دار کرده‌است حالانکه حقیقت حال خیلی مافوق این گمان بود . زیراموسیو دوراندال غیر ازانکه همهٔ ثروت خودرا درعالم سفاهت محووبرباد نموده درزیر بارقرض بیشماری زیردر آمده بود . قرضدارهایش بامید آنکه یك روزی بلکه‌بایك دختر توانگری ازدواج کرده پس توانگر بشود بازهم بقدریکه گذرانش بشود قرض به او میدادند . موسیو دوراندال نیزدرسالانهای‌اکابر برای همین کار عرض اندام‌مینمود . ویگانه مقصدش همین بود که بازن توانگری که امید یك میراث بزرگی داشته باشد بدام آرد . حتی اگر بدرنگ وحسن هم باشد راضی بود .

درین اثنا بود که مادموازل دوموقوبیره زاتش برابر آمد . هم جوان وهم مقبول وهم دختر یك مارکی توانگری که بازیاد صاحب میلیونها باشد وهم بعد ازانکه بسن رشد برسد میرث کلی مادر مردهٔ خودرا نایل بشود . آیاموسیو دوراندال ازین بهتر چه‌میخواهد ؟ امابتراهم محقق میدانست که مارکی دوموقوب

(باقی دارد)

وناموسشانرا بحرمت یادکردن برای هر مومن فرض است (حضرت عبدالله) بغیراز (حضرت آمنه) بادیگر هیچ زنی ازدواج ومقارنت نکرده . وهم چنان (حضرت آمنه) نیز بغیراز (حضرت عبدالله) بادیگر هیچ مردی ازدواج نفرموده اند . وبغیر ازحضرت نبی ذیشان دیگر هیچ اولادی بدنیا نیاورده است .

(آمنه) — بنام دیگر (امیمه) زوجهٔ (ابن الدمینه) که از شعرای مشهور عرب میباشد . آمنهٔ مزبوره نیزدر شعروفصاحت خیلی مشهوره یک زنیست . ابن الدمینه پیش از آمنه (حماء) نام یکدختری داشت که فاحشه بود . روزی ابن الدمینه حماءرا با یارش یکجا بقتل رسانید . بعدازان با آمنه ازدواج نمود. امابیش ازازدواج نیزدر مابین شان معاشقه موجود بود . آمنه در یک مجلس انسی درمقام سر زنش وعتاب انجمد شعررا خطاب به ابن دمینه گفته است :

وانت الذی اخلفتنی ما وعدتنی   و اشمت بی من کان فیک یلوم
و ابرزتنی للناس ثم ترکتنی   لهم غرضاً ارمی و انت سلیم
فلوکان قول یکلم الجسم قدبدا   بجسمی من قول الوشاة کلوم

یعنی : توئی آنکه وعده اترا خلاف کردی . ومرا از بهر خودت مظهر شماتت ملامت کنندگان نمودی . حال وراز مرا بر مردمان آشکار ساخته هدف طعنهٔ رقیبان کردی وخودرا بکنار سلامت کشیدی . اگر ازسخن بر پوست وجسد انسان زخمها پیدا میگردید این است که در جسم من نیز ازسخنان رقیبا وغمازها بسی زخمها پدیدار گردیده است .

ابن دمینه نیز بجوابش این ابیات را سروده است :

باقی دارد

علم ثروت ملل

(مابعد ازشماره (۷) سال دوم)

اذا مخالف یکچیز ساخته میشد . ماشینهای آن فابریک شکستانده میشد . معمولاتش سوختانده میشد . صاحبانش بجزاهای سخت گرفتار میشد .

باثمرهٔ همت (تورگو) ودیگر طرفداران آزادی اعمال . وانتشار یافتن قواعد علم ثروت این اصولها وقاعدهها که بیان گردید درملک فرانس ودردیگر طرفها فسخ ولغو گردیده ترقیات صناعیه دفعةً دراروپا یک رونق دیگری پیداکرد . وثابت ساخت که اصول وقاعدهٔ تضییق وتنظیم صنایع سراسر باطل ومضریک چیزی بود .

والحاصل ازخلل پذیرفتن آزادی اعمال . ورهم خوردن قاعدهٔ رقابت هم اصحاب صنایع . وهم مستهلکان یعنی خریداران وصرف کنندگان آن صنایع متضرر میشدند وغیر ازین اینگونه اصول وقاعدهٔ ازروی عدالت نیز غیر جایز شمرده میشود . آیا کدام عدالت جواز میدهد که یک شخصیرا ازمسلک وطریقهٔ که آنرا اختیار کنند منع نمایند . ونه قوهٔ عقل . ونه زرنقد خودرا بقرار دلخواه خود استعمال کرده بتوانند ؟

بعضی امتیازهای که حکومت آنرا برای خود حصر میکند ازدوحال خالی نیست یا بنابر مقصد افزونی واردات یعنی مداخل ودرامد عمومیه وضع میشود که درانحال آن امتیاز یک مالیهٔ بوده فوق العادهٔ کلان میشود . یا برای محافظهٔ حقوق ومنافع عمومیه وضع میگردد .

آن امتیازاتی که برای درامد عمومیه وضع میشود مانند انحصار نمک وتنباکو . وکاغذ قطعه بازی که ساختن وفروختن آن بحکومت منحصراست . ویاآن امتیازاتی که برای صحت ومحاسن اخلاق وضع شود بهردوحال مقصد اصلی آن افزونی مداخل ودرامد حکومت است که علم ثروت درانباب چیزی گفته نمیتواند . مثلاساختن باروت . وشوره . وکشتیهای جنگی که بسبب بعضی اسبابی که بامنیت عمومیه متعلق است امروزه روز بحکومت منحصر است . بازهم اگرموافق بقاعدهٔ آزادی صنایع اجرا گردد البته که موجب اهونیت وسهولت میشود که این دعوا را این مسئله بثبوت میرساند که اکثر دولتها برای تدارک کشتیهای جنگی خودشان بفابریکهای کشتی سازی انگلستان مراجعت مینمایند. مع ذالک اینگونه خصوصات چون برأی ونیز ادارهٔ حکومت تعلق دارد مطلق بقواعد علم ثروت تابع شمرده نمیشود .

غیرازین گاهی میشود که حکومت بعضی فابریکهای عادی نیز برای خود بازمیکند . اما این یک ازشبهه وارسته است که برای ترقیات صناعیه واسطه ورهبر شدن حکومت از قواعد علم ثروت سراسر مخالف است . زیرا حکومت مأمورها وکارداران راکه برای اینگونه تشبثات استخدام ومأمور نماید . اگر هرقدر صاحب معلومات ، وباحمیت باشد بازهم بنابر منفعت شخصیهٔ خودشان مانند یک صنعتکاری که بحساب منفعت خود بکوشد کاررا پیش برده نمیتواند

باقی دارد

* * *

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد ازطرف مدیر وسرمحرر تحریر یافته

محمود طرزی

در چاپ خانه حروفی دار السلطنه کابل طبع گردید

صحیفه (۱)   سال دوم   شماره (۹)

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

نگران
ایشیك آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی
علی احمد

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
با اخراجات داك ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با اخراجات داك ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود

مؤسس و سرمحرر
محمود طرزی

اداره‌خانه و مطبعه‌اش
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همهٔ امورات تحریریه به اداره‌خانه
بنام مدیر فرستاده میشود
قیمت یك نسخه آن در کابل یکعباسی است

تاریخ عربی ۱۵ صفر ۱۳۳۱   تاریخ انگلیزی ۲۳ جنوری   تاریخ شمسی ۳ دلو ۱۲۹۱

درین اخبار از حوادث داخله وخارجیه وبس مقالات مفیده درج میشود

فهرست مندرجات

عرفان پروریهای اعلیحضرت همایونی
حوادث خارجیه
مقالهٔ مخصوصه
مقالات علمیه
ادبیات
ناموران زنان جهان
علم ثروت ملل
فاجعه‌های پاریس

عرفان پروریهای اعلیحضرت همایونی

بسوی کائنات یك نظری بیندازیم! در همهٔ حیوانات، نباتات، خشکه‌ها، بحرها، هوا یك حیات، یك فعالیت، یك دور و حرکت یك نشو و نمای بس عجیبی مشاهده میکنیم! آیا حضرت مسبب الاسباب سبب یگانهٔ این حیات و نمو و حرکترا بچه موقوف فرموده؟ هیچ شبهه نیست که واسطهٔ یگانهٔ آن همانا خورشید جهانتاب است. این حرکت و حیات کائنات را در هر بیست و چهار ساعت یکبار برای العین مشاهده میکنیم:

بغروب شمس جهان آرا یك پردهٔ ظلمت تیره درون ممات رهنمونی عالمرا فرامیگیرد، حیوانات میخسپند، نباتات میپژمرند، انسانها می آرامند. انجماد، افسردگی، ممات همهٔ کائنات را فرامیگیرد!

همینکه پیش قراولهای حیات همراه شهریار گردون اقتدار آفتاب زندگی توأم — یعنی سپیده‌دم بشیوه نفس نسیم سحرگهی از ورود آن سلطان زندگی رسان خبر میدهد، در همهٔ موجودات کائنات زندگی و حرکت بیدار میشود. در دامانها، صحراها، کهسارها، جنگلها، بیشه‌ها، آبشارها، گلزارها یك دیگر جوش و خروشی آشکار میگردد. بنفشه‌ها میشگفند. بابوهای لطیف خود دلهای سودازده‌ها را بزلف یار رهبری میکنند. یك جوان یك رمه رمه‌های سفید چون لکه‌های پنبهٔ خودرا در یك دامنهٔ سبزی بچرانیدن آغاز مینهد. یك آسیابان یك دو زمزمه کرده دروازهٔ آسیارا باز میکند چرخهای آسیا یکصدای پرغریوی میبرآرد. طفل نازنین طبیعت را بیدار میکند. در آن طرف یك جویبار صفاشعار به آب پرشر شر چون آبشار خود سبزه‌های لطیفهٔ کنار خودرا نوازش میکند. در آنجا یك کول، عکس طلوع صبح صادق یك سر و سیمینی در آن تشکیل داده درختهای لطیفهٔ کنار آن یك سایهٔ خیره و تیره در آب انداخته. قازها و مرغابیها درمیان آن دریی، یکدیگر بال افشانی شطارت دارند دوفاخته دلباخته که از سر نخه چنار بلند آن بال افشانیها را می‌بینند حسیات عاشقانه‌شان بپرواز آمده کوکوگویان مسرت صبوحی را تبریك میگویند! دمبدم لحظه بلحظه یك نور، یك زور، یك دور یك حرکت می‌افزاید! افق یك رنگ لعل‌گونی پیدامیکند. ابرپاره‌های ذروه‌های کهسار رنگهای قوس‌قزحی پیدامیکند. نوکهای شاخسار تذهیب طلاکاری میگیرد. سیاصحرا، دریا مستغرق بحر انوار میشود. از دود کشهای بلند فابریکها دودها میبرآید. از نولهای شان صفیرها کشیده میشود. دروازه‌های فابریکها شکل یك شان عسل را میگیرد. کاریگرها همه همانند زنبورهای عسل که شهد صنایع را حاصل میکنند بفابریك میدرآیند. پیر دهقان، گاوهای قولبه رانی را بپیش انداخته بصحرا میرود. یك پسر مکتبی را از خوابگاهش بعجله برمیخیزانند. زودی میپزد، میپوشد یکسی کتابهارا بگردن آویخته بسرعت از خانه میبرآید. همانم در مقابل یك لوحهٔ درخشان قدرت خودرا می‌یابد. چشمانش بنقطهٔ افق

شرق دوخته مانده و « آه! آفتاب برآمد!... » گفته بسرعت میدود!...

بلی آفتاب جهانتاب طلوع میکند حیات حرکت در همهٔ کائنات رونما میشود. آفتاب کائنات ترقی و تمدن نیز انوار (علم و عرفان) است. بمجردیکه انوار عالمتاب آن بر یک ملک و ملتی بتابد حیات حرکت در همه اطراف آن و همهٔ افراد آن پدیدار میگردد.

معارف یک برق سعادتست که دنیارا سراسر غریق انوار میسازد معارف یک نسیم نجاتست که بر هر زمینی بوزد آنرا گلشنسرای عالم میکند. عندلیبان ترقی بر شاخسار آن نغمه پرداز افتخار میشوند. عالمرا سرمست حیرت مینماید. رفاهیت حال، سعادت استقبال بسایهٔ علم و معارف پرتو افزای احوال میگردد. صحراها بمزرعهها، دشتها بگلزارها تبدیل میکنند. خرابه زارها بشوکت سراها، سراها به انوارها مستغرق میشود.

علم و عرفان، حیاتبخشای جهان، و غذای روح و افکار انسانست. در هر ملک و هر قومیکه به شعشعه افشانی آید ملک را حیات می بخشد، و قوم را ملک صفات میسازد. ملک صفاتی میسر نمیشود الا به اخلاق حسنه. رهبر و منهاج اخلاق حسنه قرآن عظیم الشان خالق کون و مکان است. از علم بی اخلاق هیچ فایدهٔ نیست.

معارف در ملک و ملت خود بخود پیدا نمیشود. مربی محرک مشوق میخواهد: مربی محرک مشوق آن پادشاه ملک و ملت است که خالق خیر و شر، و طلوع دهندهٔ شمس و قمر، و مدبر کائنات بحر و بر آنرا از ملیونها نفوس بشر بر میگزیند. و زمام ادارهٔ خیر و شر آنرا بدست او میسپارد. بلی! این یک موهبهٔ قدریست که از وقت خلقت بشر جاری آمده است. چون قدرت خالق مطلق هیبت فعالها یریدی را بکار انداخته بخواهد که ملک و ملتی را بنور آفتاب عرفان منور سازد پادشاه عالم دانای ذی عرفان معارف پروری به آن مرحمت میفرماید. چنانچه بملک مقدس ما افغانستان و ملت معزز ما افغانیان عطا و احسان فرموده است.

آری، آری! وجود مسعود ذات شوکتسمات اعلیحضرت (سراج الملة والدین) مدالله ظله فی العالمین یک آفتاب درخشان تابان علم و عرفانست که افق تخت عالی بخت افغانستان بطلوع مسعود مسعود پرسودش بضیای و تجلای متلالای علم و معرفت منور و روشن شده است.

واقعا در زمان سعادت اقتران اعلیحضرت خاقان مغفور جنت مکان حضرت (ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان) طاب مثواه فی الرضوان بسی ترقیها و تجددات عظیمهٔ در افغانستان بظهور رسید، ولی در خصوص نشر معارف مانند تأسیس مکاتب عمومی اصول جدیدهٔ عصر حاضر هنوز هیچ یک تشبث و اقدامی نشده بود. ذات عرفان صفات اعلیحضرت این پادشاه مقدس محبوب القلوب معظم ما از ابتدای جلوس همایونی شاهانهٔ شان چنانچه بسی ابواب فیض و سعادت را بروی ملک و ملت باز نمودند تأسیس مکاتب ملکی و عسکری را نیز اراده فرمودند. تا آنکه امروزه روز افسران عسکری و کارداران ملکی از آن مکاتب به بیرون برآمدن آغاز نهاده است.

این کیفیت خیلی مهم یک مسئله ایست که نجات و ممات ملک و ملت تعلق میگیرد. بلی علم معرفت، دانائی توانائی سعی حرکت حیات است. خلاف آن ضد آنست این لطف بالاالعال همایونی موجب حیات بیپایانی ملک شاهانهٔ شانست. باز میگوئیم که از علم هیچ ثمرهٔ حاصل نمیشود تا اخلاق حسنه نباشد. رهبر و منبع اخلاق حسنه قرآن عظیم الشان حضرت خالق زمین و آسمانست که ذات اعلیحضرت پادشاه مقدس ما اول در باب توسیع دایرهٔ علم قرآنی کوشیده در حالیکه یکان یکان حافظ قرآن بصورت مشار بالبنان در افغانستان پیدا میشد در وقت حاضر از مدرسه های حفاظ کلام مجید بصدها حافظ میبراید. این دیانت پروری ذات اعلیحضرت پادشاهی حقیقتاً برای افغانستان یک آبحیاتی شمرده میشود. زیرا درین وقتها دو سه بار بادارهٔ عاجزانهٔ خود ما از استانبول و بیروت، و بغداد بعضی نامههای مطبوع و غیر مطبوع وارد شده مینویسند که «از چندی میشود قرآنهای تحریف شدهٔ غلط در مطبعههای مختلفهٔ بعضی ارباب غرض در موقع انتشار آمده، و بهر طرف توزیع و تقسیم شده است. لهذا باخبر باشید». پس از این یک معلوم میشود که این مدرسههای حفاظ کلام مجید که بسایهٔ فیوضات آیهٔ حامی دین مبین حضرت سید المرسلین اعلیحضرت (سراج الملة والدین) در وطن مقدسهٔ ما تأسیس و بنیاد یافته تا چه درجه یک اهمیت عظیمهٔ دینیه را در بردارد که قدر شناسان عالم اسلامیت البته آنرا تقدیر خواهند نمود.

غیر از مکاتب ابتدائیه و عالیهٔ ملکیه و عسکریه که در دارالسلطنه بنیاد یافته در (بیت العلوم) مبارکه یک (دارالتألیف) نیز بسایهٔ معارف پروری شاهانه تشکیل یافته است که اکثر کتب تعلیمیهٔ مکاتب دولت علیه افغانستان درانجا ترجمه و تألیف میشود. بعضی اثرهائی که از دار التألیف مذکور در فنون حاضره بنظر حقیرانه در آمده الحق که خیلی پسندیده و برگزیده آثار است. خود این محرر احقر بااخلاص دوار نیز بنابر تشویقات معارف پروری اعلیحضرت پادشاه مقدس خود از زبان ترکی عثمانی یکچند آثار ادبی و فنی ترجمه و بعضی تألیفات بوجود آورده است که از جمله یکی ترجمهٔ پنج جلد کتاب (تاریخ محاربهٔ روس و ژاپان) است که بموجب فرمان واجب الاذعان اعلیحضرت پادشاه مقدس خود ترجمه کردهام.

عالم، علم طلب است. دانا، دانش خواه است. اعلیحضرت پادشاه مقدس ما عالم است. داناست. دین پرور، مرحمت گستر، مدنیت خواه، ترقی آگاه یک پادشاهٔ عدالت پناهیست که بعلم و عرفان و عدل و احسان ملک و ملت شاهانه شانرا به انوار ترقی عرفان منور فرمودهاند. و به شهراه تعالی و اتقان رهبر گشتهاند از درگاه ذات ذوالجلال طول بقا و دوام دولت و اجلال شاهانه شانرا نیاز میکنیم.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 503 of 1786

حوادث خارجیه

اجمال سیاسی

دنیا بسیار کهنه وفرسوده ، وچرخهای تدور آن سابیده شده است . لابدیك افلاق وانشقاق عظیمی دران محتمل الظهور است !

دیگ بخار ماشین خانهٔ روی زمین (اوروپا) ست . چنان معلوم میشود که آلهٔ مقیاس البخار آن ازخرابی پیش آمده است که ازحد واندازهٔ لازمی آن بیشتر ابخره دران تراکم می کند ، ورفته رفته دیگ مذکور باستیعاب همهٔ آن قوت تاب آور مقاومت نگردیده چنان یك افلاق عظیمه ، وازهم ترکیدن مدهشهٔ بوقوع آرد که پاره‌های افلاش آن ازکوههای آلپی بلکه ازکوههای هیمالایا وقره قورم نیز بالاتر بهوا گشته درقعر محیط کبیر بریزد! آلهٔ مقیاس ابخار ماشین اوروپا حسیات انسانیت ، عدالت مساوات حریت ، حقانیت بود که بتمائل آن برملیونها عرب ، برملیونها ترك وتاتار ، برملیونها هندستانی ، وهندو ، وفارسی وغیره حاکم ومسلط گردیدند . درهرجا که رسیدند همین بیرقهارا برافراشتند . وعالم را درزیر ظل حمایت آن دعوت کردند مردمان شرق چون ازبسیار وقتها ماشینهای شان بسبب خرابی مقیاس البخار شان پاره پاره شده بود آن بیرقهارا یك سایبان سعادت دانسته بودند .

سبحان الله ! کدام مدنیت کدام تمدن بیك حالت یك متوال دوام ورزیده است ؟ اگر خاکهای طبقه های زمین را تاجاهای بسیار عمیق بکاویم ، وغربال نمائیم بجز آثارها ، وانقاضهای مدنیتها وا کلیتهای بشر چیزی نخواهیم یافت ؟

چنانچه بنی مدنیتها وعدالت ها ، ومساواتها ، وحریتها وحقانیتها طعمهٔ حرصها ، وکینها ، وغرض پرستیها واسارتها شده است . همچنان مدنیت اوروپای را نیز همین اژدرها ، وناگوها وافعیها چنان فرو بردهاند که کمتر اثری ازان ها باقی مانده است ! همهٔ اسیرهای دام احتیال . شان آهسته آهسته جان پی میبرند که سخن چیست . ولی نه چنان کابوسی برانها فرو آمده که مجال حرکت برای شان مانده باشد !

ازجنگها ، وفتوحات آخرین اوروپا معلوم گردید که چه وحشی ، چه خونخوار ، چه درنده مخلوق میباشند ، پیش ازین درهرجای که میرسیدند قانون عدالت برپا میکردند ، دربنوقت عرف عسکری را اعلان داده قتل عامها ، معبد سوزیها ، تسلط برحرمها ، بیگناهانرا بدار کشیدنها اجرا می کنند !

چو خواهد فلك سرنگونش کند
به افعال بد رهنمونش کند

همین سبب است که استیم دیگ بخار شان افزونی میگیرد ! حرص وطمع به شره وآز میکشد مقیاس البخارشان چون برهم شده از درجهٔ شدت وتراکم ابخرهٔ افعال بدشان آگاهی نمی یابند ! دفعهٔ آن بخارهای کثیفهٔ متراکمهٔ شان چنان ازهم کفیدن مدهشهٔ هول انگیزی بظهور بیارد که آواز دهشت هم ازآن سا کنان کرات سماوی را نیز بلرزه در ارد ! . . . .

{ ترجمه ازاخبارهای }

ترکی وعربی

ازسبیل الرشاد :

ظلمهای که اردوهای اهل صلیب ، درآلبانیا وروم ایلی اجرا کرده اند ازجنایتهای انگیزیسیونها نیز درگذشت . ملیونها انسان از وطن شان رانده وآواره شدند ، بصدها هزار معصوم درکوچه ها درمیان گلها ریختند ، بی نهایه عرضها پامال کرده شد ، همهٔ مال ومنال اسلام یغما وتاراج گردید ، بی آنکه بزن وبچه رحم آرند قتلهای عام اسلام را بجا آوردند ، حتی بسیاری ازمعصومها را زنده زنده زمین دفن کردند ، بسیاری از بیچاره گانرا از گرسنگی کشتند ، نان خوردن ، جای خوابیدن حتی برای دفع حاجت محل نماند . این مظالم وحشیانه به آندرجه ها رسید که هیچیك خانهٔ مسلمان ازین مصیبت آزاده نماند . ازاحوال فجیعهٔ (اندلس) نیز درگذشت . ظلم ووحشت اردوهای اهل صلیب را جراید یومیه هرانقدر که مینویسند تمام نمیتوانند . مهاجرینی که می آیند بحکایات کردن تمام نمیتوانند . ما اینهارا زیر نظر انتباه واگاهی عالم اسلام که قدر استقلال را نمیدانند عرض کردن میخواستیم . اماچه چاره که صحیفها محدوداست ومجلدها کتابها نیز آنرا استیعاب نمیتواند . این است که چهرهٔ خونریز جلاد عصر بیست ویکم را همهٔ کائنات ببینند که چیست ؟

واقعیکه اینقدرمظالم بی جزا نماند ، اماچه چاره بعدازانکه ملیونها اسلام درکوچه ها ، وگلها دراُفتادند وبصدها هزار ! معصومها محو گردیدند . وگرنه اینقدر وحشت آنها نیز بی جزا نماند . زیرا عدالت آلهیه هیچگاه به این مساعد نیست . اینقدر معموره های اسلام . اینقدر بیگناه معصومان را اوروپا بکه های جانور های اهل صلیب محو کردند . آیا گمان میبرند که بمصیبتهای بار بار ازین بزرگتر گرفتار نیایند ؟ انشاءالله عالم اسلام درقریب اوقات آنروزهارا خواهند دید .

که میداند که چقدر بزرگ گناه ها ، وبه اوامر آلهیه وقوانین فطرت چه مدهش عصیانها ارتکاب کرده ایم که به این درجه فلاکت الیم وبه اینگونه مصیبت عمومیهٔ عظیم دوچار گردیدیم . درتاریخها میدیدیم که یك قوم یك دیاردریك آن محو گردید ، ولی نمیدانستیم . این است که حالا اضمحلال الیم وافول جمیع یك قطعه را تماما دریکماه مشاهده میکنیم . این کیفیت برای تمام

جهان برای تمام عالم اسلام چه عبرت بزرگست ! بخوبی باید دانست که قوانین آلیه بپاس خاطر شریف مسلمانان حکم خود را تبدیل نمیدهد .

این را اعتراف باید کنیم که ما به اعمال وافعال خود به این حالها گرفتار آمدیم . « ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم » مادیدنهای خود را دیدیم . به انواع ظلمها و وحشتهای انگلیز بسیونی دوچار آمدیم . حالا وقت آنست که نوبت مرتکبها و مشوقهای آن امده است . آیا گمان میرید که آه واین اینقدر معصومها درفضا های لاهوتی محو شده میرود ؟ البته که برای این ملك وبلکه برای همه کره ها وبرای همه انسانها یك صاحب حقیق موجود است ، یك سلطان عظیم الشان ، یك حکیم عادل یك قاهر ذوالجلال موجوداست . آیا گمان میرید که آن ما لك الملك والملکوت جهنمهای اوروپای بار بار را بازیچه وشان برنکند ؟ برای اینکه آنها را دریك آن محوسازد اسباب آنرا بدست خودشان برای شان حاضر کرده است . انشاالله فردا ، فرداباشد پس فردا بهمه حال دهشت انتقام آلهی را خواهیم دید .

ای مسلمانان ! بیائید که همهٔ مایك زبان :

— متی نصر الله ؟

گفته رفع آواز بکنیم ، ببینیم که جهان لایتناهی از یك سمیع وبصیر خالیست ؟ البته که نیست .

(سیاست انگلیز بمقابل عالم اسلام ودولت عثمانیه)

اقتباس ازاخبار (رأی العام) مطبعهٔ بیروت به امضای (طه المدور):

« بسیار بارها ست که دربعضی اخبار های استانبول این فقره مصادف نظرم میشود که مینویسند : « مقصد یگانهٔ دولت انگلیز تمامیت ملکیه و . محفوظیت حاکمهٔ دولت عثمانیه میباشد » ! !

« من چون به اینگونه فقره های زراندودی که بایك غرور بسیار بزرگ وبی بصیرتی تمام نوشته شده است نظر میکنم از حیرت وتعجب خودداری نمیتوانم . زیرا من ازین یك آسوده وخاطر جمع که درعالم پولیتیکل هراقدر انتریکه وحیله های سیاسی که رمادور میخورد همهٔ آن یا ازدسیسه های پنهانی دولت انگلیز ، ویا آنکه لااقل برضا وموافقت او بروی کار می آید .

« این یك معلوم است که انگلیز تقریباً بصد ملیون نفوس مسلمان اعلان حاکمیت میکند . اگرچه ادارهٔ داخلیهٔ اینقدر نفوس عظیمهٔ مسلمانان درزیر حکم ونفوذ لندن میباشد . ولی این راهم بگویم که معناً آنهارا هنوز درزیر حاکمیت خود کرده نتوانسته است . زیرا مسلمانان ، بامعنویات خودشان بمقام معلای خلافت استانبول توجه واعلان ارتباط میکنند .

« دولت انگلیز هراقدرکه به اخلاف روحیهٔ مسلمانها واقف میشود هماقدر بیك عصبیت دهشتناکی گرفتار می آید . که گاهی از بسیاری انفعال خود داری نتوانسته بصورت آشکار برسر دولت عثمانیه بعضی مشکلات مدهشهٔ سیاسیه بوقوع می آرد . وبه اینصورت روز بروز مقام خلافت را بلرزه میدارد . تاباشد که یك روزی (معاذالله) این دشمن بزرگ واین رقیب منفورخود را ازمیان بردارد ! واین صد ملیون مسلمانراهم معناً وهم مادهً بجز لندن بدیگر طرف علاقه دارومربوط نگذارند . چونکه امپراطوری هند بدیگرصورت درزیرامنیت تامه گرفته نمیشود .

« دولت انگلیز اگرچه پیش ازین این انتریکه های خود را بصورت خفی اجرا میکرد ، امادرین زمانهای آخر این پولیتیك خودرا درمحیط مصروسوریه بصورت بسیار علنی وآشکار تجلی میدهد .

« دولت انگلیز بسببی که از جرمن میترسد درین وقتها میخواهد که مستملکات خودرا برابطه های بسیار قوی ومتین یکسر به لندن مربوط نماید ، ودرینباب بسیار فعالیتهای بزرگ نشان میدهد . اما این راهم فراموش نباید کرد که هماقدر ازجرمن میترسد ، دوچندان از افکار (وحدت اسلامیه) نیز میترسد . ازفعالیت فوق العادهٔ که درین روزها دولت انگلیز در پیشقدمی مسئلهٔ (وحدت اسلام) درعالم اسلامی مشاهده میکند خیلی اندیشناك شده است . این است که دولت انگلیز درپیش روی ثمرهٔ سعیهای اسلامها که بسوی وحدت گامهای بسیار فراخی میخواهند بنهند ازدهمانند یك دشمن بی امانی ایستاده شده هرانچیزی که عامل وبرانگیزندهٔ مسلمانهارا بوحدت به بیند آنچیز را بهر صورتیکه باشد ازمیان برمیدارند . وآنرا محو وپریشان می کنند . وچون عامل یگانه وبرانگیزندهٔ فرزانهٔ این تشویقات وتحریکات (وحدت اسلام) اخبارهای اسلامی میباشد ازینسبب هراقدر اخبار های که درمصر بزبان عربی طبع ونشرمیشد ، وهمیشه درباب وحدت اسلام وبیداری وآگاهی مسلمانان قلم میفرسودند همهٔ آنهارا با بعضی اسباب واهی منع وتعطیل نمودند .

« ازین بجتر اینکه دولت انگلیز بکمال سعی وکوشش برای تأسیس دادن یك خلافت جدید اسلامیه درمصر همهٔ قوت ودسیسه های خودرا استعمال میکند که این فکرسابقهٔ دولت مشارالیها را این به اثبات میرساند که درمحاربهٔ طرابلس غرب وبالکان اساس بیطرفی مصررا بر پانهاد . »

(مکتوب ازپشاور)

تشریف آوری وایسرای هند دردهلی به حیثیت نائب السلطنهٔ هند ویك واقعهٔ هایله

جناب !

چون درین ایام یك واقعهٔ بسیار ناگوار هایله درهندستان بوقوع آمده است خواستم که برای اطلاع آنجناب تحریردادم : البته آنجناب از کیفیت تبدیل یافتن دار السلطنهٔ هندستان از کلکته

به دهلی خبر خواهید بود . لاکن تا حال تکمیل آن عمل نشده بود . در ۲۳ دسمبر هز اکسلنسی وایسرای هند برای رسم افتتاح پایتخت جدید رسماً بصفت شاهی بدهلی داخل گردیدند . در ۱۱ بجهٔ روز جناب وایسرای ممدوح بعهٔ لیدی خود بذریعهٔ (اسپیشل ترین) یعنی ریل داك به استیشن دهلی رسیدند . واز استیشن بعهٔ همراهان خود وجلهٔ راجکان ونوابان وغیره بسواری پیلان از راندود . ودبدبه وحشمت بسیار عظمت نموده از راه باغ ملکه گذشته به چاندنی چوك رسیدند . درحالیکه مراسم جلوس بکمال دبدبه واحتشام از چاندنی چوك میگذشت دفعهً از یکی خانه ها از دست یك مجهولی بر وایسرای ممدوح بومبه انداخته شد . جمدار وبرای که پس پشت وایسرای بر همان پیل سوار بود فوراً هلاك شد . وخود ویسرای را بر دوجا زخم رسید . یکی بر شانه ودیگری بر گردن . وایسرای از شدت زخم بیهوش شد . وبعد از کمی بهوش آمد ورفتن جلوس را بسوی دربار اشارت کرده خود شانرا بشفاخانه رسانیدند . میگویند که خانهٔ مذکور را فوراً پولیس محاصره نمود . ودروازه‌های شهرپناه در زیر توقف برده شد . لاکن فاعل هنوز معلوم نیست مستر فلیت ودولی دریونقت بجای وایسرای ممدوح کار دربار را انجام میدهد . باقی خیریت است

۱۹ محرم سنه ۲۳۳۱

• • •

(ترجمه از اخبارهای اردو)

درین ایام حالت جنگ بلقان بجنگ آخری روس وجاپان بسیار مشابه است — جاپان در جنگ های بحری وبری همیشه کامیاب بود اما چون شرائط مصالحت درپیش شد دولت روسیه سختی بکار آورده به نمود نمودن مسئله تاوان جنگ انکار کرد دریونقت کل عالم متحیر بود که جاپان ازمسئله تاوان جنگ دست بردار گردید — وسببش همان بود که اگرچه روسیه یکی بعد دیگری ازهرمقام بیپا گردیده بود اما او نسبت بدشمن جنگ را تاعرصهٔ دراز جاری داشته میتوانست . اکنون همان کیفیت در ترکیه پیش آمده است — یعنی بلغاریه از دشواری گذشتن شتالجه آگهی دارد وسرویا باحتمال جنگ استریا درپی وسائل خود میرواهد — مانتی نیگرو تسخیر سقوطری را زیاده ازامید دقت طلب میداند — واو برسوال قبضهٔ تهریس ترکان کمتر دلچسپی دارد بشرطیکه البانیه را اگر آزادی کلی عطا شود خود مختاری اندرونی بالضرور داده شود — و هرچند که ریاستهای متحده متواتر کامیاب بوده اند اما آن شرائط را که دولت ترکیه منظور نکند هرگز عاید کرده نمیتواند .

(دست درازی روسیه برمنگولیا)

این امر محتاج تصدیق نیست که روسیه بعد ازصدمهٔ شکست که ازجاپان خورده بود تحریك خفیهٔ حاصل نمودن اغراض سابقهٔ مشرق وسطی شروع کرده از واقعهٔ عظیم الشان انقلاب چین فوائد کلی حاصل کرده است — چنانچه حکومت مرکزی چین را درمشکلات داخلهٔ ملك گرفتار دیده صوبهٔ منگولیارا سرکش ساخت وچون حکومت مقامی درصوبه مذکور قائم شد مراعات کلی یعنی تعمیر ریل وتفتیش معادن وتوسیل اسباب تجارت وغیره برای خود حاصل کرد — مراعات مذکوره آینده برای چین نهایت خطرناك ثابت خواهند شد ومراعات مرقومهٔ فوق گویا پیش خیمه‌قبضهٔ روسیه است لهذا برای وزارات خارجهٔ برطانیه لازم است کاندازهٔ بدنیتی دولت روسیه کرده درمعاملات ایران هوشیار باشد .

(اشیای عجیب وغریب وقابل تعریف امریکا)

۱ — یك کمپنیٔ شهر نیویارك امریکه ۶۹۸ دکانها درشهرهای متفرقه امریکا دارد ما کیفیت یك دکان که درشهر نیویارك واقع است بیان میکنیم — این دکان پنجاه وپنج منزل دارد وبلندیٔ عمارت آسمانی آن ۷۵۰ فت بلند است واخراجات یك کرور وبیست لك دالر (دالر مساوی است بسه روپیه کلدار) تعمیر شده است ووزن عمارت مذکور سی وشش کرور پوند است — عمارت مذکور درکل عمارتهای دنیا بلند است — اگر همه حجره‌های پنجاه وپنج منزلهٔ دکان مذکوره برتختهٔ زمین تعمیر کرده شود (۲۷) ایکر زمین را احاطه خواهند کرد چون کیفیت یك دکان از ۶۶۸ دکانهای کمپنی مذکوره چنین باشد اندازه آمدنی آن بآسانی کرده میشود .

۲ — عجوبهٔ دیگر یك زنی که پرنسس وکتوریه نام دارد وهمراه یك نمایش دوره میکند — پرنسس وکتوریه ۲۵ ۱/۴ انچ بلند و ۱۹ ۱/۲ پوند وزن دارد سن آن ۲۳ ساله است ومردم را بنغمه وسرود مسرور میسازد .

۳ — همراه نمایش مذکوره یك زن دیگر است که بلندی قد او مثل مردم تام است لاکن زیاده از حد فربه است وزن جسم او ۶۸۵ پوند است — مردم تماشائی یازده پیسه راتکت خریده برای دیدن او میروند .

تنخواه نامه نگاران جنگ

برای اخبار والاهای یوروپ وامریکا وقوع جنگ ناگوار ثابت میشود چراکه از وقوع جنگ در اخراجات اخبارات اضافکی فوق العاده پیدا میشود ومعاوضهٔ اخراجات مذکور بآنها داده نمیشود — درین شك نیست که جنگ موجودهٔ بلقان براخبارات روزانهٔ لندن بار اخراجات بسیار خواهد انداخت — وهرقدر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 506 of 1786

زودی خاتمهٔ آن شود برای مالکان اخبارات موجب خوشوقتی خواهد بود .

خرج دواخبار در جنگ هسپانیه وامریکا

اندازهٔ اخراجات اخبارات جنگ ازین کرده میشود که چون درمابین هسپانیه وامریکا جنگ واقع شد دواخبارات نیویارك رااز ۸۰۰۰ هزارالی یك لك وپنجاهزار پوند سالانه منافع میشد درحالت جنگ بحساب یك لك وبیست وپنجهزار پوند سالانه خرج میکردند .

مخارج یك اخبار روزانه

یك مشهور روزانهٔ اخبار لندن که شش نامه نگاراو درمیدان جنگ باشند هریکی آنهارا ازده پوند الی صد پوند ماهوار تنخواه داده میشود ورقم مذکوره که شش هزار پوند سالانه میرسد واگر دیگر اخبارات هم نامه نگاران خودرا درمیدان جنگ روانه کنند مخارج مذکوره تا پانزده هزار پوند سالانه میگردد نامه نگاران اخبارات درمیدان کارزار بسیار مردم را مقرری نمایند که آنهارا بمعاوضه خبرسانی رقم معقول داده میشود — علاوه برین دیگر نامه نگار هم دران پایه تخت سلطنت ها که در مابین شان جنگ میباشد مقرر میدارند تاکه از آرای اخبارات ومدبران پایه تخت آگهی داشته خبرهای درست برای اخبارات خود روانه دارند .

سفر خرج نامه نگاران

سفر خرج نامه نگاران اخبارات بحالت جنگ نسبت بدیگر اخراجات شان زیاده ترمیباشد — چراکه بوقت نقل و حرکت شان ضرورت مخارج بسیار می افتد و آن اخبار که اخراجات سفراو زیاده ازصد پوند نباشد خودرا نهایت خوش قسمت میشمارد — واگر حاصل نمودن خبرهای جنگ بحری ضرورت افتد آنوقت مبلغ یکهزار پوند به کرایه کشتی دادن می افتد .

معاوضهٔ جان نامه نگاران

مالکان اخبارات نامه نگاران را که برای فرستادن خبر درمیدان جنگ روانه میکنند با آنها قرارداد کرده میشود که اگر نامه نگار درمیدان کشته شود برای کذران خاندان او معاوضهٔ معقول داده خواهد شد — ازین ظاهراست که بدون آن اخراجات که بوقت جنگ مالکان اخبارات متحمل آن میگردند هریك اخبار قریب بیست هزار پوند معاوضه زندگانی نامه نگار نیز ادا میکند — اخباراتیکه مشهور ومعروف اند اخراجات شان نسبت باخراجات مذکورهٔ فوق زیاده تراست .

خرج تلگرافات

خبرهائیکه از میدان جنگ ویا از مقامات دیگر خبر های متعلق جنگ خواسته میشوند محصول آنها بهزارها پوند میرسد — درجنگ روس وجاپان محصول اکثر خبرها یك شلنگ ویازده پنس یعنی قریباً یك ونیم روپیه کلدار فی یك کلمه بود — اما شرح محصول معمولی برای فرستادن خبرها فی کلمه چهار شلنگ و ۱۰ پنس بود — چونکه برای ضرورت بمطابق شرح معمول خبرها فرستاده میشدند بنا برین بریك خبر که مشتمل بریکصد کلمه می بود مبلغ ۲۴ پوند ادا کرده میشود — امادر خبر های مفصل ومشرح که مشتمل بریکهزار الفاظ می بود مبلغ ۲۵۰ پوند بدفتر تلگراف تحویل کرده میشد — اخبارات نصف درجن لندن دریکروز مبلغ ۱۰۵۰ پوند محصول برای فرستادن خبرهای جنگ مذکوره داخل دفتر تلگراف نموده بودند .

مخارج خبرهای تلگراف جنگ افریقهٔ جنوبی

محصول معمولی فرستادن خبر های بذریعهٔ تلگراف جنگ جنوبی افرقه در مابین برطانیه وبوئرها واقع شده بود چهار شلنگ فی کلمه مقرر بود ویك اخبار برای محصول خبر کیفیت معرکهٔ خاص زیاده ۳۲۵۱ پوند می شد — محصول تلگراف خبر معمول که ناظرین یکمرتبه مطالعه کرده آنطرف می اندازند ۲۵ پوند ومحصول خبر مفصل ۳۲۵ پوند میباشد .

§ اکثر خبرها بیکار هم میباشند §

اگریك خبر طویل که در یك اخبار شایع میشود وخبرهای دیگر بهمان قسم وبهمان مضمون دردفتر اخبارات میرسند آنهمه بیکار میباشند — چراکه در اخبارات خبر های اهم ترین شایع کرده میشوند بعضی اوقات یك خبر که در اخبار دیگر از همه بیشتر شایع میشود آن نیز بیکار میگردد .

بعضی اوقات یك خبر که برآن پنجاه پوند صرف کرده میشود برابر قیمت آن کاغذ هم نمی باشد که بران تحریر کرده می شود — یك اخبار درجنگ هسپانیه وامریکا خبر هائیکه بمخارج ۴۰۰ پوند برای اورسیده بود بیکار ساخت — یك نامه نگار سرگرم درجنگ ترنسوال خبرهای که بمصارف ۳۰۲۰ پوند برای اخبار لندن فرستاده بود بیکار گردید .

کشیده شدن ترکان ازاروپا محال است

اکنون اخبارات انگریزی هم اعتراف نموده اند که ترکان درزمین اوروپا خیلی مستحکم وثابت قدم میباشند واخراج شان ازبر اعظم اوروپا مشکل است چنانچه تائمز آف اندیا رقمطراز است که هنوز توقعات مصالحت بسیار دور است واگرچه دول یوروپ کوشش دارند که علاقهٔ متنازعهٔ بلقان بطریق مناسب منقسم شود اماقوت مدافعانهٔ ترکان برخطوط دفاعی شتلیه بهمان قرار زبردست است که پیش بود وافواج اناطولیه بآنجا رسیده روز بروز در تعداد فوج می افزاید — دیگرجانب بلغاران هزیمت ونقصان

بسیار برداشته ازاعلان فتوحات خوددست برداشته‌اند ـ وبهترین فوج سروی بقتل رسیده مجبور شده‌اند که نوبالغانرا در نظام داخل کنند ـ واگرچه باد نصرت بعدازتاخیر بسیار رخ خودرا جانب ترکان گردانیده استبازهم این نتیجه مرتب میشود که ترکان ازاوروپا خارج کرده نمی‌شوند بلکه آنها حقوق این‌مطالبه دارند که علاوهٔ کلان یوروپ زیرنگین شان باشد .

بعدازین اخبارات انگریزی اقرار کرده اند که حسرت تاریخی مستر گلید ستون که ترکان بیك بینی ودو گوش از اوروپا کشیده شوند در کنج مرقدهم بتکمیل نرسیده ویوروپ برین امر کر بسته است که باوجود شکست های بلقان ترکانرا برحصهٔ کوچك یوروپ قانع گرداند اما آن خدائیکه فتح ونصرت بدست اوست دول یوروپ را محروم وناامید خواهد ساخت .

مسئله البانیا

علم البانیا سرخ وبرآن عقاب سیاه است ودر (دورازو) برافراشته شده‌است ـ درشهر های کلان البانیا اعلان خودمختاری شائع شده است واسمعیل کمال بی صدر عارضی البانیا مقرر شده است .

وکلای مصالحت منجانب ترکیه صالح‌پاشا وزیربحر ورشید بی وزیر زراعت ونظامی بی سفیر برلن (جرمنی) میباشند ـ نظامی بی در ایام گذشته از برلن مراجعت نموده با وزیر خارجه آستریا وشاه رومانیا ملاقی شده بود وشرکت او در مجلس صلح هنگامی باعث طمانیت است .

مسلمانان روس خیلی اعانات مالی ببرادران ترك نموده اندوزیاده ازوسع خود روپیه فرستاده اند نیز یکصد مسلمان روس بخیال شراکت جنگ در قسطنطنیه رسیده‌اند .

نقصان فرانسه درمراکو

درمعرکه های خورد وبزرك مراکو ۲۸۰ فرانسوی ازدست اهل مراکو مقتول و۸۱۳ فرانسوی مجروح گشته‌اند — مجموعهٔ آن ۱۲۶ افسران مقتول و ۴۰ زخمی بودند — تعداد مقتولین ومجروحین مذکورازماه جنوری الی ماه دسمبر بشمار رسیده بود واگر تعداد مقتولین سال گذشته دران شامل کرده شود در آنوقت شمار مقتولین فرانسوی ها ۱۲۳۴ وتعداد مجروحین ۷۴۱۲ می‌باشد .

یك خاتون مسیحی رعیت عثمانیه بیان میکند که درطرابلس مبلغ پنج کرور پوند خرچ وبیست هزار نفوس کشته شده‌اند ـ باوجود آن هنوز ایطالیه غیراز ساحل بر دیگر جای‌ها متصرف نشده است واگردولت ترکیه روم ایلی را بر طرابلس ترجیح نمیداد وبا ایطالیه صلح نمیکرد ایطالیه هرگز برطرابلس متصرف نمی شد — ترکان بردول اوروپا اعتماد کردند حالانکه پیشتر ثابت بود که براوروپا تکیه کردن غلط محض است — دولت برطانیه وعده کرده بود که اگر ریاستهای بلقان بر ترکیه حمله آور شدند مقبوضات حاصل کردند درنقشهٔ بلقان تغییر وتبدیل نخواهد شد بلکه دول عظمی مداخلت کرده علاقه ترکیه‌را پس بممالکان آن خواهند سپرد — اکنونکه بلقانیان اول فتحیاب شدند دولت انگریزی حیران است که قول خودرا چگونه بگرداند امااتغیر اقوال وخلاف وعده پیش اوروپا هیچ است فی‌الفور ازانگلستان صدای برآمد که اکنون چون بلقانیان بعداز صرف اموال وتلف نفوس بربعضی مقامات قابض شده اند ضرور است که معاوضهٔ محنت ومشقت شان داده شود — سببش ظاهراست که اول دول اوروپا خیال کرده بودند که ترکان یقیناً ظفریاب شده برعلاقهٔ بلقان متصرف خواهند شد ومایان ترکانرا برای بحل کردن آن‌مقامات مجبور خواهیم کرد — اماچونکه ترکان آمادهٔ پیکار نبودند وغنیم افواج غیرمترقبه درمیدان کارزار آورد وترکان منهزم گشتند لاکن زود جمعیت خودرا بسته رو بفتوحات نهادند وبسی حمله آورانرا کشتند وپسپا ساختند وامید منصوریت شان هرجای ظاهرشد ـ دول اوروپا بازرنگ خودرا تبدیل کردند وهمراه ترکان هم‌نوا شدند — چه‌استقلال ! چه استقامت ! کاش که دول اوروپا شرم میداشت وپابندی اقوال خود میکرد .

وزارت آستریا مستعفی شده است وجرنیل های نامحدود مشهور برای جنگ مامور شده اند — واین تهدید خفیه برای سرویا است — روسیا به حمایت سرویا ایستاده است و آستریا فوائد سرویارا مخالف مفاد خود می‌پندارد وهروقت درمابین آنها اندیشه جنگ کرده می‌شود .

مجلس سفرای دول که برای مصالحت مابین دولت ترکیه ودول صغرای بلقان منتخب شده است در لندن اجلاس خواهد کرد واگر معاملات زیر بحث طول کشید اجلاس دیگر آن در پیرس خواهد شد.

درایران متصل شیراز مردم قبائل یك کپطان انگریز که تعلق برسالهٔ هندوستانی داشت قتل نموده اند .

زنان طالب حقوق لندن یك تجویز نو اختراع کرده اند — شیشی شور و شربا کردند که آتش در گرفت آتش در گرفت ازصدای مذکور بسیارتشویش دراهالی شهرافتاد وزنیکه اعلان این خبر کرده بود واورا ایست بوند جرم وقید دوماه سزاداده شد — بعدازان بهافسران محکمهٔ اطفای نار خطوط زنان رسید که حقوق زنان میگیریم وآتش سوزی مارا کسی گل کرده نمیتواند .

هندوان وسکهان سیالکوت زیر صدارت حاکم انگریز باظهار همدردی مسلمانان خود که بسبب برادران دینی ترك مغموم ومحزون میباشند مجلس منعقد کردند وترغیب اعانات بالفاظ پرزور دادند — انجمن

هلال احمر کوهات شش‌هزار روپیه درین ایام بمیدان جنك روانه کرده است و دردیگر مواضع هندوستان هم بجویز مذکوره بجوش وخروش جاری است .

از اتهنز (پایتخت یونان) خبر رسید که مابین ترکان و یونان جنك شدید واقع شد و دوصد یونانی مجروح شدند — قریباً چهار ساعت گوله باری شدید جاری بود و بعد ازان به سرنیزه کار گرفته شد.

ازمقام برلن (پایتخت جرمنی) خبر رسید که یك جماعت افسران ترکی برای خریداری اسلحهٔ حرب بمقدار کثیر بطرف برلن رفته است .

رومانیا با آستریا معاهدهٔ خفیه نموده است که اگر ریاستهای متحدهٔ بلقان بخلاف عثمانیه کامیاب شوند رومانیا همراه ریاستهای مذکور مقابله خواهد کرد تا که ریاستهای بلقان ازکامیابی خود مستفید نگردند — بنا برین رومانیا افواج احتیاطی خودرا طلب کرده در تیاری و تهیهٔ جنك سرگرم است .

روسیا باوجود غیر طرفداری جنك یك لك روبل نقدو دو لك تفنك برای بلغاریا روانه کرده است و قبل ازین که امداد مجروحین بلغاری می نمود در آغاز معاونت حربیه خفیه می نمود.

در مجلس شورای جدید روسیا منجمله ۴۴۳ اعضای مجلس هفت ترکی مسلمان مقرر شده اند .

داکتر محمدحسین — ایم — بی — همراه نفری خدمتکاران وسامان ادویه با اخراجات خود از مدراس سوی میدان جهاد روانه شده است

ترکها بمقام جنینا قبض شده توپخانهٔ کوهی یونانیان را بدست خود آوردند ویونانیان در آنجا هم شکست خوردند و بدر دانیال هم ناکام گشتند چراکه یونانیان بذریعهٔ کشتیهای تارپید و بدر دانیال حمله کرده بودند و ترکان گوله باری کرده آنهارا پسپا ساختند .

«جنك بحری ترکان و یونانیان»

جهازات ترکی درمابین دردانیال و امبروس همرای جهازات یونان تایك ساعت جنك کردند . ترك میگوید که چند گوله توپ کمر جهاز جنگی جاد جیو سیوراف یونان افتاد صدای اتواب جهازات یونان بند شد . بعد ازان جهازات یونان بطرف بازپس راه گریز گرفتند . درین جنك نقصان ترکان مطلق نشد — اما یونانیان بیان میکنند که ترکان درحفاظت قلعجات پناه ورزیدند و بعد ازان بطرف دردانیال رفتند وبعد ازاسف روز جهازات یونان دربحر میگشتند و صرف یك نفر یونانی مجروح گشتند.

(خون‌بهای کپتان آ کنفورد)

ایران از مدت دوسال در کشمکش حیات و ممات مبتلا ست ، و بران کوائف گوناگون به جان کنی میگذرانند — و اگرچه ان بظاهر زنده است اما از مرده بدتر —

از یك جانب شیر انگلستان دندان تیز و ناخن دراز کرده نشسته است ودیگر جانب خرس روس دهن باز کرده ایستاده است — چونکه خرس صاحب حرص و طامع زیاده‌تر میباشد بنا برین خرگوش ایرانرا بلا اشتراك غیری و اعانت احدی غصب کردن میخواهد و برای فروبردن درشکم خود هرساعت و هر دقیقه بیقرار است و دهن آز او هروقت پر ازآب میباشد اما مجبور است و چیزی کرده نمیتواند — درسال گذشته چون طاقت صبر و سکون ازدست رفت مریدان خودرا اشاره کرد که در تبریز و رشت رفته شکار بیارید — آنها بدون عذر و حیله در سرزمین ایران فساد های بسیار برپا کردند و وطن پرستان وثقة‌الاسلام‌را بردار کشیدند و روضهٔ مقدس حضرت امام رضارا به گوله های توپ ضرر رسانیدند — شیر انگلستان که در کمینگاه سیاسی همه حرکات و سکنات خرس رامیدید دفعةً برخاست و خرس‌را چشم نمائی کرد که خبردار برای این شکار زیاده سعی و کوشش نکنید — خرگوش ازین احسانمند شیر انگلستان گردید که ازدست خرس خلاصی داد و چند روز دیگرهم اورا دردنیا زندگانی میسر شد —

احوال ایران بعدازتاخت و تاراج روس چنان شکسته و ژولیده شده بود که چون در همان ایام سفیر جدید ترکیه بسرزمین ایران رسید برای ادانمودن رسم سلامی او پیش ایرانیان یك توپ هم نبود — سفیرترکیه خاموشی ایرانیان‌را موجب اهانت خود دانسته بذریعهٔ تلگراف حکومت خود اطلاع داد بامثالی این خیال که چونکه ایران یك سلطنت اسلامی است وفرو گذاشت خفیف او قابل درگذر است بنا برین سفیرخودرا برفتن طهران هدایت کرد — وچون ایران ازواقعهٔ مذکور وقوف یافت حوالهٔ بیکسیٔ خودرا داده اظهار تأسف نمود — اکنون که از شوریده طالعیٔ ایران بتاریخ ۱۱ دسمبر سنه ۱۹۱۲ کپتان آ کنفورد در علاقهٔ ایران نشانهٔ تفنگ ساخته شد ارباب حل وعقد ایران افسوس جداگانه می نمایند وبمعرفت سفیرمتعینه لندن خود خوشامد ورثای کپتان مقتول جداجدا می کنند — شاید کارکنان ساده‌لوح ایران آگهی ندارند که بلای قتل کپتان آکنفورد ازاینچنین صدقهٔ مسترد نخواهد شد وبذریعهٔ خوشامد مراد حاصل نخواهد شد — اخبار سر براوردهٔ انگریزان لندن تائمز قبل ازچندماه دریك مضمون اطلاع داده بود که کل مملکت ایران برابر یك قطرهٔ خون سپاهی فوج انگریزی قدروقیمت ندارد — یعنی یك قطرهٔ خون سپاهی انگریز ازمملکت ایران ثقیل‌الوزن است — اکنونکه واقعهٔ قتل

یك کپطان بوقوع رسیده است نمیدانم که خونش چند آثار ووزن داشته خواهد بود وچند قطرات ازخون اوساخته خواهند شد وچون مملکت ایران برابر یك قطره خون سپاهی قیمت ندارد خون یك افسر که نسبت بخون سپاهی زیاده تر غلیظ وشوختر است نتوان اورا مملکت ایران بچه طریق ادا کرده می تواند — قصه مختصر اینکه مملکت ایران طاقت واستطاعت ادا کردن خونبهای کپطانرا کفور ندارد — دولت ایران که خزانهٔ او بکلی خالیست وپیش دولت روسیه وبرطانیه بارها دست سوال دراز کرده است رقم خونبها هر چند که قلیل هم باشد ازکجا ادا خواهد کرد — اگرچه ایران اقرار ادا نمودن خونبهای کپطان مقتول کرده است امارقم مذکور ازان مبلغ که از دولت برطانیه مبلغ پانزده هزار پوند قرض خواهد کرد ادا کرده خواهد شد واگر از همان رقم قرضه جزوی مبلغ از ایران در خونبهای آکفورد مقتول گرفت بعض مردم خیال خواهند کرد که حکومت برطانیه از ایران یك جزو کلان رقم قرضه درشکل خونبها میگرداند — این امر منافی جبروت و سطوت دولت برطانیه است — چنین واقعات دراکثر سلطنت ها وقوع پذیر میشوند وارباب حل وعقد اقرار سزادادن قاتلان بذمهٔ خود میگیرند وبعض اوقات خونبها نیز ادا میکنند — وچونکه ایران برقتل آکفورد تأسف می کند ومعافی میطلبد وبسزا دادن قاتلان اماده است نیز وعده ادا کردن خونبهای اومی نماید بنابرین برطانیه فرض است که بجهت برقرار داشتن شان وحقوق سیاسی چنان کار روائی بعمل خواهد آورد که برای مامعه موقع اعتراض وحرف گیری پیدا نشود .

(زمیندار)

(جادوی سیاسی روسیه)

لندن ۱۸ دسمبر — موسیو کوکوزوف وزیر اعظم روس درحین تقریر دوما (مجلس شوری) بیان کرد که روس بحیثیت بودن یك دولت عظیم الشان و قدیم این امررا نظر انداز کرده نمیتواند که ریاستهای بلقان برای حفاظت سیاسی خود چنان اسباب پیدا کرده اند که تعلق آن با کار نامه جات جنگی وخونریزی وابسته است — ریاستهای مذکور بمباحث کار نامهات خونریز از پیچیدگی های سیاسی آینده محفوظ شده اند — حکومت روس نمی خواهد که به مقاصد تاریخی ووقت مقاصد اوراصدمه برسد نیز خیال ندارد که متعلق تأیید ووثوق آمیز دوستان در طرز عمل خاموشی خود تبدیل نماید و دولت روسیه امید دارد که دول یوروپ چنان تصفیهٔ خواهند نمود که در مطالبات جائز ریاستهای بلقان و مقاصد روسیه مطابقت و موافقت پیدا کرده بنابرین حکومت روسیه بصدق دل خیر مقدم کار روائی برطانیه مینماید که برطانیه در بحث مسئله بلقان ابتدا کرده است .

نامه نگار اخبار دیلی کرانیکل تحریر میکند که افسران ترکیه در جنگ چتلجه ثبوت مردانگی وشجاعت زیاده از تحریر داده اند — چنانچه افسران همیشه برای حوصله افزائی سپاه پیش صف بوده اند ومحمود مختار پاشاه بهمان جوش مذکوره مجروح گشته است اما پاشای موصوف تااختتام جنگ به مستعدی تمام بردشمنان حمله میکرد وچون وقت شب بلغاران راه گریز گرفتند پاشای موصوف درقسطنطنیه رفته درمعالجه مصروف شد — دران پای پاشای موصوف گوله رفته بود اما نهایت کامیابی برآورده شد واکنون محمود مختار باز برخدمت محولهٔ خود رفته سرگرم پیکار است .

وجوه پسپائی ترکان

یك مضمون بعنوان فوق دراخبار همعصر المؤید شایع شده است ازان تصدیق نقصان افسوسناك ترکان می شود — چنانچه همعصر المؤید بالفاظ صاف ظاهر کرده است که دولت علیه بروعده های یوروپ اعتبار کرده تیاری جنگ مطلق نکرده بودند وچون دشمن نهایت نزدیك رسید قوت اورا چنانچه سابق گمان کرده بودند بی حقیقت یافتند — حالانکه ریاستهای بلقان ازسالهای دراز تیاری جنگ میکردند وبعض دولتهای کلان امداد شان خفیه میکردند وسپاه بلقان مطمئن بود که اگر او فاتح گردید ازاثمار فتح بهره مند خواهد شد واگر شکست خورد دول عظمی ترکانرا ازفائدهٔ ملك گیری محروم خواهند ساخت — نیز سپاه البانی در میدان جنگ قدم نه برداشت ونالائقی افسران ترکیه شجاعت سپاه را محو ساخت وبد انتظامی رسد رسانی ترکانرا مجبور به پسپائی نمود .

(مترجم اخبارهای اردو عبدالرحمن بیك)

مقالهٔ مخصوصه

(مبحث زبان)

《 زبان افغانی اجداد زبانهاست 》

مبحث لسان ازمهمترین مسایل (اتنوغرافی) یعنی (علم انساب بشر) میباشد که مانظر مطالعهٔ قارئین کرام خودرا بمسایل پیچیده ومواد مغلقهٔ آن زحمت نداده تنها ازبعض مواد ساده وبسیط آن بحث میرانیم :

اول این را عرض میکنیم که ازبسیار دلایل و براهین که فناً وحکمتاً بیان شده این یك بثبوت رسیده که برخلاف بعض مادیونی که بر تناسخ انسان ازبوزینه یادیگر حیوانات قایل شده اند انسان خلقتاً انسان خلق شده است ، وازاول خلقت خود بهمین شکل وقیافت موجودهٔ خود مخلوق بوده ازدیگر حیوانات تناسخ نکرده است . واگر درین باب بدلایلی که ازهردوطرف بیان شده وتردید همدیگر را

نموده‌اند آغازنمیم کتابها تدوین نمودن لازم می آید . وهم چه حاجت ماچون مسلمانیم وکتاب مبین ما نیز همچنین ناطق است محقق میدانیم که انسان خلقتاً انسان خلق شده است و ازیك زوج وزوجه که حضرت آدم علیه السلام وحوا علیها السلام باشند ذریات وسلاله‌های بشر بوجود آمده است .

ازین کیفیت‌انیم بثبوت میرسد که این همه زبانهای مختلفهٔ متنوعهٔ بنی بشر که امروزه روز درمیان انسانهای ساکنان کرهٔ زمین متداول است دراصل ابتدا یك زبان بوده . وهرقدر که افزونی گرفته‌اند ، وبرقبیله‌ها وطایفه‌ها ، وجنسها ، وبرگها تقسیم وتفریق شده‌اند اختلاف السنه ورنك ، وچهره ، وعادات ، وطبایع شان نیز بوقوع آمده است . لهذا پیش از آنکه از مبحث لسان بحث رانیم یکقدری اگر ازتقسیم ، وسلاسل بشر بیان نمائیم برای اصل موضوع بحث خود یك زمین موافق ومساعدتری حاضر کرده خواهیم نمود :

(تقسیم ابنای بشر)

مقصدما ازتقسیم بنی بشر این است که یکقدری تحقیق وتدقیق نمائیم که همه طایفه‌ها وقبیله‌های که از نوع بشر دردنیا موجوداند آیا باهمدیگر تاچه درجه نزدیکی وقرابت دارند . وکدام کدام طایفه‌ها نسبت شان بیك جد ، قریب الاحتمال تر می آید . درین خصوص این چند چیزرا ملاحظه باید کرد .

ا — (خاصه‌های جسمانی) . مثلا : رنك پوست هیئت موی قدواندام .

ب — (زبان) . مثلا : مشابهت کله‌های یك چند قوم بیکدیگر شان ، ومشابهت ترکیب اجزای کلام شان .

ج — (افسانه‌های کهنهٔ پیره زنان) . مثلا : افسانه‌ها وبعضی قالبیها ، وبعضی اعتقادهای خرافت آلود وغیره .

د — (آثار عتیقه) . مثلا : سنگهای کنده شده ، بعضی هیکلها ومجسمه‌ها ، بناهای قدیمه ، قبرها ، سلاحها ، اوانیٔ کهنهٔ که اززیرخاکها ظهور کند .

این است که هراقدر درین چیزها درمابین اقوام وقبایل نزدیکی ومشابهت باشد معلوم میشود که آن قومها وقبیله‌ها بیك جد منسوب میباشند . باوجود این هم ازروی تمام بحث برین حکم نمیشود که سلسله‌ها ونسلهای مختلفهٔ بنی بشر درکجا ، وچه وقت ، وچگونه بظهور آمده‌اند . زیرا هیچ یك سلسلهٔ نیست که کم ویش به آن سلسلهٔ دیگر آمیخته نشده باشد . بازهم (حکمای تاریخ طبیعی) بسیار تحقیق وتدقیق بعمل آورده نظر بخصایص جسمانیٔ قومهای مختلفهٔ . تقسیم اقوام بنی بشر را برپنج سلسله نموده‌اند .

۱ — سلسلهٔ کافکاسی — ۲ — سلسلهٔ مغولی — ۳ — سلسلهٔ زنجی — ۴ — سلسلهٔ مالائی — ۵ — سلسلهٔ امریکی که مادرینجا ازدیگرسلسله‌ها بحث نمیرانیم . زیرادر کتابهای جغرافیا مفصل ازان بحث شده است . بلکه تنها برای حاضر کردن (مبحث لسان) ازیك سلسلهٔ (کافکاسی) وبازدر سلسلهٔ کافکاسی تنها ازشعبهٔ (آریان) آن بحث میرانیم :

(سلسلهٔ کافکاسی)

این سلسله بسفیدی پوست ، وموهای صاف ، وبابرخورده وچهرهٔ بیضوی ، وکشیده‌گیٔ بینی ، ودندانهای عمودی ، وخوش ترکیبیٔ قامت واندام ، وچابکیٔ حرکت ازدیگر سلسله‌ها تفریق وتمیز می یابد .

این سلسله در جهت جنوب غربی آسیا وجهت شمالی افریقا . واکثر اوروپا ، ودرین اواخر دریك قسم بزرك امریکای جنوبی وشمالی ، ونیز دراوقات اخیره دربسیار جاهای اوستراليا توطن کرده صاحب روی زمین شده‌اند : زیرا قومهای که متمدن ترین دنیا وصاحبان تاریخ مهم میباشند ازهمین سلسله بظهور آمده‌اند . ازین سبب این سلسله را فعال — یعنی (بسیار کار کن) ودیگر قومهای راکه تابحال وحشی ونیم مدنی مانده‌اند مهمل — یعنی (اهمال کننده) گفته‌اند .

وطن اصلی سلسلهٔ کافکاسی درسمت غربیٔ کوههای همالایا که بلندترین کوههای دنیاست ، نزدیك به کوههای هندوکش دریك جای بوده است . وازانجا شعبه‌شعبه شده ازدامانهای همان کوهها به اطراف دنیا پراکنده شده‌اند که ما ازدیگر شعبه‌های آن بحث نرانده تنها ازشعبهٔ آریان آن بیان میکنیم :

(شعبهٔ آریان)

قومهائیکه بشعبهٔ آریان منسوبند ازنسل قوم (آریا) ی قدیم هستند که قبل ازاطلاع تاریخ هنوزدرجوار کوههای (هندوکش) ساکن بودند . همه قبیله‌های اوروپا — بغیرازاقوامی که بسلسلهٔ مغولیه دراوروپا منسوبند — وهمه ایران ، وافغانستان ، وهندستان به این شعبه شامل میباشند . شعبهٔ آریان سلسلهٔ کافکاسی را دراصطلاح اوروپا (هندوجرمانیك) میگویند . اگرچه درخصوص احوال قدیمهٔ اساسی نشات وتوطن (آریان) هیچ یك معلومات حقیقی بدست ارباب فن نیست ولی بنابرتتبعات وتدقیقات عمیقهٔ که ازطرف ارباب این فن اجراشده ثابت گردیده است که جرمن ، وکلت ، وهندی وافغانی ، وایرانی ، ازنسل شعبهٔ آریان سلسلهٔ کافکاسی میباشند که این مسئلهٔ ازشهادت زبانهای شان اثبات میشود . حالاچون به این جدول ذیل نظر فرمایند تاچه‌درجه مشابهت زبانهارا برای العین مشاهده خواهند فرمود :

(جدول زبانها)

افغانی	فارسی	سانکریت	کردی	ارمنی	رومی	لاتینی	جرمنی	انگلیزی	فرانسی
پلار	پدر	پاتری	بوبار	هایر	پاتر	پاتیرا	واتر	فادر	پیر
مور	مادر	ماتری	. . .	مایر	میترا	ماته را	موتر	میدر	میر
خور	خواهر	سواجر	خوار	کویر	......	سورور	. . . .	سیستر	سور
ورور	برادر	براتر	برار	یغبایر	فراتر	فراتر	برودر	برادر	فرر
لور	دختر	دوهیتری	دختر	توسدر	دیغاتیر	. . .	توختر	دوتر	. . . .

اگرچه غیرازین نیز بسی مثالها هست ولی ما بهمینقدر یک جدول اکتفا نمودیم . ازین معلوم میشود که این قومها باوجودیکه از همدیگر خیلی دور افتاده‌اند ، ودرمابین شان هیچ علاقهٔ تجارتی وحرب نیز موجود نبوده باز هم این چنین کلمه‌های مشترک که هم بالفاظ وهم بمعنا باهم یکشان تاحدی مشابهت میرساند ، وهم این کلمه‌ها از کلمه‌هائیست که درابتدا به آن تکلم میشود آیا ازچه سبب خواهد بود ؟ هیچ شبهه نیست که اجداد قومهای مذکور دریکوقتی تنها یکدانه قوم بودند وبعدازان فرقه‌ها وشعبه هائی که به‌این طرف وآنطرف رفته‌اند جداجدا قومها شده‌اند واین مشابهت کلمه‌های ابتدائی همه کی از آثار میراث قوم آریاست که اجداد این قومها شمرده میشود وتنها یک قوم بود که اصل منشأ ومبداء آن قوم هم اطراف جبال (هندوکش) نشانداده شده‌است .

ما این سخنهارا از کتابهای معتبر این فن دراینجا درج نمودیم این روایات اگرچه بحقایق تاریخیه مستند نیست زیرا قبل از ایجاد تاریخ وتحریر جزءهائیست که باستدلالات وتتبعات عدیدهٔ فکریه بنایافته‌است . احتمال دارد که چنین نباشد ! اما اگر کیفیت همچنین باشد که ما از کتابها نقل کردیم آیا کسی انکار کرده میتواند که جبال هندوکش در (افغانستان) نیست وکه میتواند که بگوید اجداد اصلی اقوام مذکور (افغان) نیست ؟ ...

مقصد اصلی ما از (مبحث زبان) این است که یکقدری از زبان افغانی بحث برانیم چونکه ازین زبان نسبت بزبانهای دیگر خیلی کم بحث بمیان آمده است وبسبب محدود بودن آن درخود افغانستان بادیگر زبانها کم بسیار وقتها کم آمیخته شده‌است وقواعد اصلیهٔ خود را تماما محافظه کرده آمده است !

§ زبان افغانی §

ازبیانهائی که در بالا بحث راندیم معلوم شد که اصل بسیاری از اقوام شرق وغرب از سلالهٔ شعبهٔ آریان سلسلهٔ جنس کافکاسی میباشد ، واصل منشأ شعبهٔ آریان ومحل سکنای شان جبال هندوکش واطراف آنست که ازانجا فرقه‌های مختلفه تشکیل داده وبه اطراف واکناف عالم پراکنده شده قومها وملل مختلفه را بوجود آورده است . درباب این انتشار ومهاجرتها نیز کتب فنیهٔ علم انساب بشر چنین بیان میکند :

« اگرچه این یکدرا هیچ کس تعیین کرده نمیتواند که قوم آریا به کدام زمانه وبچه سبب بفرقه‌ها جداشده وبعضی ازانها به اوروپا وبعضی ازانها به ایران وهندستان چه وقت هجرت کرده‌اند اما اغلب احتمالات واصح قیاسات چنان نشان میدهد که هجرت فرقه‌های آریان ازقرار ذیل شده باشد :

۱ — نخستین فرقه که از قوم آریا ازطرفهای کوههای هندوکش جداشده‌اند فرقهٔ (کلت) هاست که اجداد قومهای ایرلندیان ومردمان گال وبره‌تونهای فرانس میباشند کلتها از ساحل شرقی بحر خزر بشمال وازانجا یکسر بسوی غرب رفته به اوروپای وسطی رسیده‌اند !

۲ — فرقهٔ دوم از جهت جنوب سلسلهٔ کوههای قافقاس گذشته وبعد ازانکه در سواحل دریاچه تونه بلك وبحر سیاه بسیار گردش کرده‌اند درشبه جزیرهٔ یونان وایتالیا توطن ورزیده‌اند این فرقه یونانیها ورومانی‌های قدیم را تشکیل داده بدو حصه جداشده‌اند که باجهه قومهائی که درین وقت آنها را (رومانیك) میگویند یعنی با اجداد قومهای فرانسیس وایتالیان واسپانیول وغیره آمیخته یك خیر شده‌اند !

۳ — سوم فرقهٔ آریان که هجرت کرده‌اند قوم (جرمانیك) است که ازراه کلتها به اوروپای وسطی وشمال رفته وکلتهارا که پیش ازانها درانجا متمکن شده بودند ازانجا بسواحل غربی اوروپا وجزیره‌های بحر محیط اللانتیك طرد ودفع کرده‌اند جرمنها انگلیزها دانمرکها فلمنکها سویدن نارویها بسی که از نسل این فرقهٔ سوم مهاجرین آریان میباشند (قومهای جرمانیك) گفته میشوند !

۴ — فرقهٔ چارم مهاجرین اقوام آریان قوم (صلاو) است که این قوم درصحراها ودشتهای بزرگ اوروپای شرقی سکونت پذیر گشتند روسها لهها زچها ، وسکنهٔ یك قسم بزرگ شبه جزیرهٔ که درطرف جنوب نهر (طونه) میباشند نسل این فرقهٔ چارم هستند !

۵ — فرقهٔ (زند) است که قوم ایران قدیم وکردها وارمنیها وبلوچها ازنسل قوم زند میباشند !

۶ — آخرترین اقوام آریا که دروطن اصلی خود مانده بودند بجز یك مقدار کمی که درهمان وطن باقی ماندند دیگر همه شان بسوی شرق جنوبی وطن خود هجرت نمودند وازنهر ایندوس بجانب عبور

کرده در صحراهای مثبت و خرم نهر (کنک) پراکنده شدند تا بحال در هندستان و بنگال باقیمانده بنام فرقهٔ (هندی) موسوم شدند . اما در آغاز هجرت خودشان در اینسرزمینها با بعضی قبیله‌های سیاه یعنی نسلهای دیگر برخورده محاربه‌های بسیار خونریزانه درمابین شان در گرفته است که حکایات آنرا (مهابهاراته) و (رامایانا) نام کتابهای نظمی که بزبان (سانسکریت) نوشته شده است حاکی میباشد . ولی آخرالامر این قوم هندی آریان بران سیاههای نسلهای دیگر غالب آمده و آنهارا بطرف صحراها و دامانهای (دکن) دفع و طرد نموده تا بحال در قطعهٔ مذکور پایدار مانده اند .

این است روایاتی که درباب تفریق فرقه‌ها و مهاجرات اقوام آریانها در کتابهای (فن اتنوغرافیا) یعنی (علم انساب بشر) بنظر حقیرانهٔ این محرر عاجز برخورده . و برای استفادهٔ مطالعه کنندگان هموطن و هم قوم خود جمع و تدوین نموده درج صحایف تذکار ساختیم حالا اگر برین سخنان فن اعتماد کردن لازم آید چنین یک نتیجهٔ بظهور می انجامد که اصل منشأ آریان اطراف جبال هندوکش بوده و چون کوههای هندوکش با همه شوکت و عظمت خود شهادت مجسم میدهد که در افغانستان است هیچ شبهه برین نماند که اصل منشاء و ماوای آریان افغانستان است . و اجداد اصلی همه فرقه‌های آریان باز هم خود قوم افغان است . همان مقدار کسی که در وطن اصلی خود باقی مانده بودند همین قوم افغانست که از هما وقت تا بحال قومیت و زبان خود را محافظه کرده اند . و چون به اولترین تاریخهای که بعد از ایجاد نوشتن تحریر شده است مراجعت نمایم باز هم همین قوم را در همین بقعه موجود می یابیم . و چون به بعضی سنگهای نوشته که در بعض سنگلاخهای گوشه و تنهای کوههای شامخهٔ افغانستان نظر اندازیم و از رقم خطهای سانسکریت منقرضهٔ بسیار قدیمهٔ آریانیان باز مجبور میشویم که افغانرا اجداد نخستین اصلی شعبهٔ آریان سلسلهٔ قفقاسی بگوئیم . و چون باز بطرز لهجه ، و اسلوب زبان افغانی بغور و تدقیق تامدقت کنیم زبان بسیار ابتدائی و بسیطی که بسی زبانهارا پیشرو شمرده میشود می یابیم که اگر اجداد اصلی همه این زبانهایش بشمریم جا دارد . ولی چون زمان بسیار مدیدی مرور نموده . و از احوال بسیار قدیم قبل التاریخ آن کمتر چیزی به اخلاف واصل شده ، و همیشه اوقات جولانگاه مهاجرات و استیلای اقوام مختلفه همواره خود مانده ازین سببها زبان افغانی اکتساب وسعت نموده ، و تنها در میان همان دیوارهای جبال سر بفلک کشیده محصور مانده است .

این بیانات مارا بعضی بر تعصب ملی ما حمل کرده خواهند گفت که « آقای اخبار والای افغانی ، این چنین زبان غلیظ و ثقیل کلفت را که کیفیت تکلم آن عادتا بصوت سنگهای میان دره مشابهت میرساند میخواهد که اجداد زبانها ، و افغانهای بدین گمنامی و کم عددی ، و ساده گی ، و کوهستانی و وحشی را میخواهد اجداد یک کتلهٔ عظیمهٔ بشریه بقرار دهد » حالانکه این بیانات عاجزانهٔ ما مبنی بر بعض مطالعات و تتبعات فکریه ایست که بر فن مستند است . اگر کسی برین مقتدر شود که جبال هندوکش را از افغانستان برداشته بدیگر سرزمین نقل بدهد ، برین هم مقتدر خواهد شد که افغانهارا اجداد آریان نپندارد . همین ثقالت و غلیظی زبان افغانی نیز دلیل اجداد بودن اوست . زیرا هرچیزی در آغاز و ابتدای خلقت ثقیل و کثافت بوده است و بمرور زمان . و ترقی تمدن آرام آرام نازک و لطافت پذیر شده است لهذا زبان افغانی بر همان حال ابتدائی خود دایم مانده است .

سخن بطول انجامید . این نمرهٔ اخبار ما زیاده برین گنجایش بحث ندارد . همینقدر میگوئیم که ما حکم قطعی نمیدهیم که زبان افغانی اجداد زبانها و ملت افغانی اجداد اقوام آریانها باشند . زیرا چنانچه بعضی این سخن مارا بر تعصب ملی ما حمل کنند . همچنان بعضی که افغانانرا به بنی اسرائیل و یا عرب نسبت میدهند نیز بر ما سنگ اعتراض خواهند انداخت . اما چیزیکه ما بنظر مطالعین کرام عرض نمودیم یک تفکر و تتبع شخصی عاجزانهٔ ماست که از مطالعهٔ فن حاصل شده است . هر ملت را تعصب و حرص شأن ملی شان اظهار و اشتهار نموده است . پس اگر ما شان و شرف اجداد بودن ملت خود را بقوت فن به اثبات ساختن کوشش ورزیده باشیم چه بأس دارد .

﴿ والله اعلم بالصواب ﴾

« مقالات علمیه »

(حکمت طبیعیه)

(فن)

(متئه اورلوژی)

(باد)

پیشتر ازین در نمرهٔ (۸) در خصوص کرهٔ هوا و ماهیت ، و کم و کیف سائرهٔ کرهٔ هوا معلومات کافیه بقارئین کرام اعطا کرده بودیم ، و گفته بودیم که انشاءالله در نومره های آتی در خصوص دیگر حوادثات طبیعیهٔ فن متئه اورلوژیه یعنی (کائنات الجو) نیز بحث خواهیم راند . این است که حالا وعدهٔ خود مارا ایفا کرده از کیفیت باد و اسباب ظهور ، و اقسام ، و جریانها ، و دیگر مواد سائرهٔ آن بعرض معلومات ابتداء میکنیم :

ماهیت ، و اسباب تولید باد

(باد) — عبارت از تموج و جریان هوائیستکه از ابتر شدن و خلل یافتن انتظام همان مادهٔ هوائیکه کرهٔ هوا ازان متشکل است بظهور میرسد . در خصوص جریان در مابین (آب) و (هوا) مناسبت بسیار بزرگی موجود است :

آب چنانچه از برای املای هر خلا هجوم آورده یک جریانی حاصل میکند هوا نیز در داخل کرهٔ خویش بهمچنین جریانها

ضمناً مجبور است که باد عبارت از هیجان جریان است .

اما درینجا یک سوالی وارد میشود : که آن نیز خارج امکان بودن خلای هواست در داخل کرهٔ هوا . زیرا در داخل کرهٔ هوا غیر از محلاتیکه با اجسام صلبه گرفته شده دیگر همه اطراف بدان مالامال است . چنانچه اگر یک حوضی آب را کرهٔ هوا فرض کنیم و در میان آن چند دانه سنگی بنهیم آب بجز همانجاهائیکه سنگ در آنجا موضوع است دیگر همهٔ جاها را برداشته است .

حالانکه این سوال تائید و تاکید مقصد ماست . چنانچه بعد ازین کیفیت آن از بیانات آینده معلوم میشود . مثلا گفته بودیم که باد عبارت از تموج و جریان هوا است که از ابتر شدن و خلل یافتن همان هوا بظهور میرسد . پس کیفیت خلل یافتن هوا از اخذ حرارت مختلفهٔ اوست که از محلات مختلف بصور متخالف اخذ و کسب میکند . یعنی هوا چون گرم شود کسب انبساط کرده خفت حاصل میکند و چون سرد شود منقبض میشود و هوای سرد و کثیف منقبض نیز بایک موازنه با آن هوای گرم گشته منبسط حاصل کند بجا خالی آن از هر طرف هجوم میکند که ازین هیجانها و جریانها باد بعمل میآید .

ازین نیز قدری واضحتر بیان کنیم : — چنانچه هر جسم به برودت منقبض ، و به سخونت منبسط میگردد هوا از سبب شعاعات شمس که کرهٔ ارض را تسخین میکند از تماس کرهٔ ارض کسب گرمی کرده انبساط پیدا میکند . و چون یکقسم کرهٔ هوا بدینصورت گرمی نمود در میان این هوای گرم گشته که بسبب گرمی به ثقلتش نقصان طاری گردیده هوای ثقیل دیگر که بسبب برودت ثقلتش کماکانست بنابر غیر ممکن بودن خلا داخل میگردد که ما همین جریان و تموج ملاقات هوای گرم را بهوای سرد (باد) میخوانیم .

والحاصل نتیجهٔ اینجا که بدان منجر شد که بگوئیم که ماهیت تولید باد از مصادمه و ملاقات هوای گرمست بهوای سرد و این ملاقات سبب میشود از برای هیجان و جریان هوا . که باد نیز عبارت از همان هیجان و جریانست .

وکشف این مطلب در جائی بخوبی معلوم میگردد که دو اطاق بهم متصل را هوای یکی را گرم بکنیم و هوای دیگر را سرد . چون در وسطی را باز کنیم محسوس میشود که از اطاق سرد بسمت سفلای اطاق گرم هوا بطور تضییق و فشار داخل میشود . و همچنین از اطاق گرم بطرف علیای اطاق سرد هوای گرم داخل میشود .

ولاینقطع در میان در وسطی این دو اطاق یک تموج شدیدی از هوا مشاهده میکنیم . بطوریکه چراغ را خاموش میکند ، و دامن جامه و پارچه را بیکسو میافکند حالانکه از هیچ طرف بادی داخل اطاق نشده است .

پس بخوبی معلوم گردید که سبب تولید ریاح خلل یافتن و ابتر شدن هواست که از مصادمهٔ ملاقات هوای منبسط یعنی خفیف و هوای منقبض بظهور میرسد . و همین داخل شدن هوای گرم بهوای سرد باعث احداث این تموج هوائی میگردد .

و در وقت امتزاج الفصلین که باد بسیار میوزد سببش همین است که هوای سرد زمستان بهوای گرم تابستان ملاقات میکند . چنانچه در گرمخانه‌های حمامها چون در را باز کنند از محل جامه کن فوراً نسیمی داخل گرمخانه میوزد . حالانکه منفذی از خارج ندارد پس بازهم سبب همان ملاقات هوای سرد بیرونیست بهوای گرم اندرونی .

وقت صبح ، و عصر نیز شدت ریاح بهمین مناسبتست که هوای شب با روز ملاقات میکند . و در بلادیکه برزخ در میان سرد سیر ، و گرم سیر باشد نیز سبب همین است که دائما بادهای تند میوزد واکثر بادهای صرصر شدیدیکه در موسم زمستان بظهور میرسد سببش همین است که در آنوقت هوا بمناسبت برودت فوق الحد منقبض است ، و چون اندک گرمی بهم رساند فوراً انبساط زیادی حاصل و بشدت و هیجان تمامی تموج و هبوب میکند .

این بیانات معقول و مدلل که در خصوص تولید و ماهیت باد را نمودند بموجب استکشافات جدیدهٔ حکمای متاخرین است . و اما قدما در باب تولید ریاح قائل بصعود بخارات و حرارات ارضیه شده اند . و گفته‌اند :

بواسطهٔ اشعهٔ شمسیه و اتصالات کواکب ، در مرکز زمین نقاط ناریهٔ چندی احداث میشود . و گاهی بواسطهٔ قوی و تأثیر امتزاجات کواکب آن آتش سیال بهیجان امده از مسامات معادن و منافذ جبال ، و سطوح دریا احداث و تصعید ابخره و ادخنهٔ چندی مینماید و داخل شدن آن ابخره با ادخنه بهوای جوی سبب حدوث امطار ، و ریاح و سائر حوادثات جویه میشود . و ازین جهت قدما کائنات جویه را موالید ناقصه مینامیدند که ترکیب تام در آنها متحقق نگشته . بخلاف موالید ثلاثه که ترکیب تام در آنها موجود شده است .

اگرچه در بادی نظر میان مقدمات ایشان و قول اخلاف سطحی مشاهده میشود اما بالمآل والنتیجه هر دو یک نقطه سر بهم میزنند .

اینستکه در خصوص ماهیت و تولید باد تا بدینجا معلومات کافی و شافی اعطا نمودیم . حالا نیز لازم است که در خصوص (جریان) آن توضیحات لازمه بیان کنیم :

(جریانهای باد)

جریان هوائیکه آنرا (باد) میخوانند منسوب بجهتیست که از آن طرف میآید . چنانچه جریان بحر منسوب بطرفیست که میرود . مثلا بادیکه از طرف شمال میوزد آنرا (باد شمالی) و جریان بحری که بطرف شمال میرود آنرا جریان شمال میخوانند .

چنانچه قبل ازین در ذیل تعریف حرارت کرهٔ هوا در شمارهٔ ۸ گفته بودیم که سمت خط استوا بمناسبت عمودیت نزول شعاعات شمسیهٔ از سمتهای دیگر حرارت را بسیارتر میگیرد .

لهذا ازبرای دانستن سبب جریان بادها که برروی کرهٔ ارض درورزش وهبوب است اول بدانطرف دقت کردن لازم است .

حالابنابر قاعدهٔ کلیهٔ ماقبل که تولید باد عبارت ازملاقات هوای گرم وهوای سرداست لاجرم گفته میشود که هوای آنسمت چون گرم شود انبساط یافته کسب خفت میکند . وهواهای سرد وکثیف طرفین قطبین بجاخالی آن ازدوطرف بطور تضیق وفشار هجوم مینماید وهوای گرم گشته منبسط انجارا بطرف بالا صعود میدهد . امااینقدر ملاحظه باید نمود که دوهوائیکه ازجانب جنوب . وشمال بطرف خط استوا هجوم میکنند هوای دیگری نیز لازم است که جاخالی آن دوهوارا مملو کند . واگرچنین نشود تشکیل کرهٔ هوا بمنطقه حاره تجمع نموده موجب تخریب نظام وانتظام کرهٔ ارض میگردد . لهذا حکمت حکیم مطلق جل وعلا چنان اقتضا نمود که آن هوائیکه از سبب انبساط وانخفاف بسوی بالاصعود نموده است بعدازآنکه درجهٔ معین ارتفاع خودش را یابد بطرفین جنوب وشمال جریان نموده جاخالی هواهائی را که ازقطبین خروج نموده است مملو میکند .

بس بیان وقوعات مذکوره اس اساس کلی مهمهٔ تقسیم جریانهای دهارا بیان ونشان دادیم . حالاشمهٔ ازانواع این جریان ها نیزبیان کردن خالی ازفائده نیست :

انواع جریانها . اسباب تغییر وتبدیل

جریانها

حالابنابر قواعد کلیهٔ ماقبل . جریان بادهائیکه برسطح کرهٔ ارض هبوب دارند بر (۳) نوع است :

اول — جریانی که درخط استوا بسوی فوق صعود میکند .

ثانی — جریان قطبی که ازقطبین راست بسوی خط استوا میاید .

ثالثاً — دوجریان استوائی که ازخط استوا راست بسوی قطبین میروند .

واین یکرا نیزبایددانست که اگر (کرهٔ ارض) برمحور خویش دوران نمیداشت جریانهای قطبی واستوائی محض بردوائر نصف النهار واقع میشدی . اماحرکت وضعیه کرهٔ ارض جهات این جریانهارا تغییر وتبدیل میدهد .

مبحث حرکت دورانیه کرهٔ ارض ونتائجیکه ازان منتج میشود درفن (جغرافیای ریاضی) واضح واین است که اگر درانجا مراجعت شود معلومات کافیهٔ حاصل میشود . دراینجاچون مبحث جغرافی خارج ازصدد بحث ماست لاجرم همینقدر میگوئیم که حرکت دورانیهٔ ارض درخصوص استقامت جریانهای ثلاثه تاثیرات بس عظیمی اجرامینماید .

حرکت وضعیه کرهٔ ارض درمواقع سمتهای قطبین نسبت بمواقع خط استوا کمتر میباشد . لهذا جریانهائیکه ازقطب بسوی خط استوا در آمدنباید باستقامت دایره نصف النهار که ممر شانست باقی نمیماند زیراسمتهای خط استوا دران حال اززیرجریانهای مذکور گذارش میکنند . بس درانوقت چنان محسوس میشودکه گویاباد ازجانب شرق میاید . لاجرم درانوقت جریانهای مذکور در نصف کرهٔ شمالی (باد شمال شرقی) ودر نصف کرهٔ جنوبی (باد جنوب شرقی) تسمیه میشوند .

حرکت وضعیه کرهٔ ارض بجریانهائیکه بطرف قطبین عودت دارند نیز بدیگونه تاثیر میکند . چنانچه جریانهائیکه ازقطب بسوی خط استوامیایند وقتیکه واصل خط استوا شوند سرعت حرکت وضعیهٔ هوای انجارا مالک میشوند . وچون درانجا باجریانیکه بطرف بالا صعود دارد منسلط گردد بسرعت هوای خط استوارا سرامر شامل

فاجعه های پاریس

[مابعد ازشمارهٔ [۸] سال دوم]

به این ازدواج راضی نخواهد شد . ولی بازهم این مسئله را بوقت آخر گذاشته دراول امر برقرار داد که ازعشق ومحبت فلوتیلد را بخود جلب نماید .

تجربه دیده یکدرنگ بازی که جوان وهم صاحب حسن وآن باشد ودرچسبنده گی وگیرنده گی مهارت تامداشته باشد بریکه دختری که هنوز معصوم شمرده میشود زودی ظفریاب شدنش آزادهٔ شبه وگمانست . چنانچه همچنین هم شدکی نگذشته بودکه فلوتیلد اورا بدرجهٔ جنون دوست داشتن گرفت وعشق مجنونانه دردلش جابگیر شد . حتی اینقدرجهٔ عشق بحدی رسید که بدرش مارگی دوموتو — چون ازو برسید که : « آیا چرا دست از دواج موسیو غرانلیورا ردمیکنی ؟ » دختر بیمحابا به بدر خود چنین جواب داد که : « بسببی که قونت دور اندال را دوست دارم دست از دواج اورا ردمیکنم . » مارکی چون عشق دختر خودرا به قونت دور اندال مشاهده کرد مجبور شد که در باب احوال خصوصیهٔ قونت دور اندال معلومات بدست آرد . حالا نتیجهٔ معلوماتیکه بدست آورد خیلی شایان تأسف یک معلوماتی بوده . چونکه موسیو دور اندال بی آنکه همه ثروت وسامان خودرا بقمار . وسفاهتهای گوناگون عیش وتابود گردانیده . الآن نیز ازقمار بازی وسفاهت دست بردار نیست . واینرا هم به تحقیق رسانید که باوجودیکه تا گردن در قرض غرق است بدو صورت وقت خودرا میگذراند . یک قسمی ازاوقات خودرا در صالون های بزرگان ویک قسم دیگررا درجاهای بسیار مردار عقارت ومصاحبت زنان فاحشهٔ بسیاربیمایه ومردان شریر شقاوت پیشه بسرمی آرد . لهذا مارکی انقدر نصیحت ووصیتی که برای یک بدر لازم باشد . ومناسب گفتن بیکدختر نوجوان بوده باشد همه را بفلوتیلد صرف نمود . واین را هم فهمانید که اگر دوغرانلیورا نگیرد بروزور نخواهد کرد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 515 of 1786

میگردد . بعده در وقتیکه پس بطرف قطبین رجعت مینماید لابد بسمتهای میرود که حرکت وضعیه‌اش نسبت بسرعت سمتهای خط استوا اکثر باشد . بناءً علیه جریان بیک سرعت زیاده‌تر از سرعت نصف النهار السمتها یکسر بسوی شرق حرکت میکند .

والحاصل هریک از جریانهای قطبی واستوائی در تحت تضییق دو قوت‌اند . و حرکاتشان نیز از تأثیر ایندو قوت حاصل میشود .

جریانهای قطبی در (نصف کرهٔ شمالی) (بادشمالی شرق) ودر نصف کرهٔ جنوبی (بادجنوب شرق) تسمیه میشوند . و چون یکسر بسوی خط استوا در وزش اند در سمتهای مذکور بنام (تردویند) یعنی (ریاح تجارت) مسمی میشوند زیرا به سفاین تجار خیلی سهولت میرسانند . واین تعبیر اکثر در دوجهت خط استوا الی (۳۰) درجهٔ عرض مستعمل میشود . و نیز بر بادهائیکه بسطح کرهٔ ارض خیلی قریب در وزش اند همچنین تعبیر اطلاق میشود .

[باقی دارد]

ادبیات

(غزل عاشقانه)

در وصف مکهٔ معظمه زادالله شرفها
از نغمهٔ آهنگ حجاز کلام حضرت طرزی صاحب مرحوم

عجب معشوق بی‌پروا بعالم کرده‌ام پیدا
بظاهر در میان خلق در باطن بود تنها
بیادامن کشان از طرز ناز جلوه می‌آید
گریبان چاک و دست افشان و خندان آید یکتا
قیامت میشود تا یکقدم بردارد از تمکین
سراپا شور استغنا ز ناز بی نیازیها
نگار شوخ و شنگ فتنه سازی سحر پردازی
لب شیرین برخ رنگین بقد از عالم بالا
ز رنگینی ز راس صدرنگ طرز جلوه‌ها دارد
ندانم قطره خوانم یا گهر یا موج یا دریا
بسان کعبه معشوقیست بونی نمیباشد
ولی در چشم ظاهربین بود چون خانهٔ برپا
تجلیٔ حق از هر گوشهٔ این خانه میریزد
بظاهر گرچه در لفظ است پنهان صورت معنی
جهانی از صفا در سعی طوفش میدود و عود
گهی تا مروه وزمزم گهی تا عمره و مینا
زبس از ناودانش آب رحمت میچکد دایم
ز فرق تشنگان یکقدر دود امواج او بالا
نباید در بیان توصیف تمکین جلال او
که تا مژگان کشایم در رخش دل میرود از جا
تعالی‌الله ز شان و شوکت عز و علو او
که در پایش دستی میکند در سجده‌اش سرها
صدای ذکر تسبیح خلایق وردش هر شب
بگوش ملاأعلی رسد در مسجد اقصی
بگفتن در نیاید تا نه‌بینی روی زیبایش
شنیده کی بود مانند دیده بشنو ای دانا
زهی پیروانی بطوفش هر طرف بینی
غریب و منعم و شاه و گدا و عاشق و شیدا
از این در هیچکس نومید طرزی بر نمیگردد
در آغوش تمنا آورد دنیا و مافیها

[از مکهٔ مکرمه ۱۲ شوال ۱۳۱۷]

ولی به ازدواجش با قوبتران نیز بهیچ صورت روی رضا نخواهد داد وبرای آنکه جلوگیری وقعه را بکند پای دختر خود را از صالونهای گرایبز منقطع نمود . دختر نوجوان برغم همه این اصابع وتقیدات پدر خود روز بروز عشق قوبتران را در دل خود افزون‌تر مینمود . وهمهٔ این سخنانرا که در حق قوبتران میشنید بر کذب و افترای حاسدان حمل نموده قدر وقیمت قوبتران در نظرش عالیتر میشد . و بادل خود عزم جزم قطعی نمود که بجز او بدیگری تن فرو ندهد زیرا دختر نیز در ثبات قول و شدت عزم از پدر خود پا کم نمی‌آورد . و چون محقق میدانست که پدرش چون یکبار بر یک چیزی قرار داد دوباره از آن بر نمیگردد از آن رو بدین معاملهٔ متحکمانهٔ پدر خود هیچ مقابله ننمود . و بصبر واستقامت منتظر رسیدن فرصت شد .

از این میان بقدر دو سه سال یکمدت مرور نمود . قلوتیلد در مدت در میان یک سکوت و خلوت اتفاقی که در خانهٔ جسیم (انوالید) خود داشت ظاهراً ، ساکن ، تسلیمیت کار ، متبسم خود را نشانداده امرار وقت مینمود . واگرچه با عاشق خود بصورت خفیه‌ئیکه مخلّ شرف و ناموس باشد دید و بازدید نمیکرد ولی بواسطهٔ خادمهٔ اطاق خود همیشه با او کاغذ روی و کاغذ گیری داشتند . و بواسطهٔ این مکاتبه و مخابره تسلیات مکتوبهٔ از او میگرفت .

نهایت یوم منتظری که بچهار چشم اشتیاق ورود آنرا انتظار میکشید در رسید که آنهم وقت اثبات رشد کردن او بود که بعد از آن در نظر قانون به افعال و اجراآت خود صاحب و مالک میگردید .

پیش از یک روزیکه فردای آن بسن بیست و یکساله‌گی قدم مینهاد یعنی بسن بلوغ قانونی واصل میشد وقت صبح در نزد پدر خود در آمده وبی‌پروا از درجهٔ شدت عشق خود به قوبتران دور آندال بیان کرده موافقت نمودن رضای پدر خود را به ازدواج خود با او رجا و نیاز نمود . پدرش از اینگونه جرأت و بیباکیٔ دختر خود در هم خورده گفت :

— ازدواجت با قوبتران دور آندال یک مصیبت بسیار مدهشه است که من به آن تحمل کرده نمیتوانم . سببهای متعددیکه در نظرم

[باقی دارد]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 516 of 1786

ناموران زنان جهان

(مابعد از شمارهٔ (۸) سال دوم)

وانت التی قطعت قلبی حرارة
و مزقت قرح القلب فهو کلیم
وانت التی کلفتنی دلج السری
وجون القطا بالجلهتین جثوم
وانت التی احفظت قومی
بعید الرضی دانی الصدود کظیم

آمنه : — (بنت الله مهوجی المحلی) دختر شرف‌الدین موسی بن احمد بن محمد الانصاری المهوجی المحلی میباشد که شرف‌الدین از اعیان علماست . ودخترش آمنه نیز ازمحدثات مشهوره . وازاشیاخ یعنی استادهای — امام سیوطی بود که امام مشارالیه ازو اخذ حدیث کرده است . (محلی) نام یك موضعیست ازبلاد مصر .

آمنة الرملیه : — یکی ازخاتونهای اولیاءالله مستجابةالدعوات است که درشهر (رمله) که ازنواحی بیت‌المقدس میباشد ظهور نموده‌اند دراواخر عصردوم هجری درحیات بودند . بعلم وزهد وکثرت عبادت وریاضت مشهوره بودند . درطبقات شعرانی مذکوراست که (بشربن حارث) که ازاولیاءالله واجلهٔ علما بودند بیمار شده بود . جناب آمنه برای عیادت شان رفته بود درانجا حضرت (امام احمد حنبل) رضی الله عنه نیز برای احوال پرسی جناب (بشر) آمده‌بودند ، حضرت امام از جناب بشر از احوال آمنه پرسیدند که کیست ، وچون دانستند که جناب (آمنة الرملیه) میباشند بطلب دعای شان عرض احتیاج نمودند که همین یك بزرگی آمنه دلیل بزرگی شمرده میشود .

آمنه : — غیرازینها که بیان شد باین نام از نسوان عرب این چند نفر نیز مشهور است : آمنه بنت الارقم ، آمنه بنت خلف الاسلمیه ، آمنه بنت رقیش ، آمنه بنت سعد ، آمنه بنت ابی الصلت ، آمنه بنت عفان و آمنه بنت قیس ازخاتونهای صحابیه‌ایست که بدیدار سعادت آثار حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه وسلم مشرف شده‌اند از آل بیت رسول‌الله صلی الله علیه وسلم نیز دو خاتون باین اسم مسمیه میباشند که یکی کریمهٔ محترمهٔ حضرت امام محمد باقر ودیگری کریمهٔ محترمهٔ حضرت امام موسی کاظم رضی الله عنهم میباشند که مدفن هردوی شان در مصر است .

آنسلو : — درعالم ادبیات فرانس یك زن بسیار مشهوره ایست که درسنهٔ ۱۷۹۲م در [دیژون] نام شهر فرانس تولد یافته وبا آنسلو نام ادیب مشهور فرانس ازدواج کرده به [مادام آنسلو] شهرت یافته‌است در نوشتن بعضی حکایات فاجعه انگیز ، ومضحك آمیز باشوهر خویش معاونت قلبیه نموده‌است غیرازان خودش نیز بعضی

[باقی دارد]

علم ثروت ملل

[مابعد از شمارهٔ [۸] سال دوم]

نمیتواند . فابریکهای که خود دولت بسازد اولاً مامورین وعمله بسیار زیادی استخدام میکند . ثانیاً چون کار سرکاری میباشد مواد اصلیهٔ خام آن به ارزان‌ترین قیمتها خریداری نمیشود . ثالثاً اشیا ومواد کم وبیش تلف وضایع میشود . رابعاً چون دولت آنرا برای بعضی کارهای ضروری بکار انداخته ترقیات واختراعات نو بنو دران بظهور نمی آید . حالانکه اگر فابریکهای تجارتی صنعتگران اهالی ازنقطهٔ نظر تجارت ورقابت بکار افتد آن فابریکها تابع اینگونه محذور ها نمیباشد . دیگر اینکه احتیاجات وخواهشات مردم که دایما تحول وتبدل میکند آیا چسان دریك دایرهٔ رسمی محدود مانده میتواند ؟ وازین است که اشیا ومعمولات فابریکهای دولتی اگرچه بسیار خوب واعلا هم باشد ولی چون حساب شود درهمه جا وهروقت نسبت به فابریکهای تجارتی اهالی گرانتر تمام میشود . بکار انداختن ، وکندن کانها نیز چون یك صنعی از صنایع میباشد آن نیز ازهمین محذورها وعلتهای که در فابریکهای دولتی وتجارتی بیان گردید خالی نیست . یعنی اگر خود دولت کان کنی کند گرانتر واگر یك شرکت تجارتی دران کار اندازد ارزانتر تمام میشود . ولی این را هم بشرط آنکه بگوئیم که آن شرکت وکمپنی ازخود اهالی ورعایای خود همان دولت باشند نه خارجی واجنبی .

(فصل هفتم)

(قاعدهٔ تقسیم اعمال)

تقسیم اعمال درصنعت این است که هریك ازعمله یعنی کاریگران یك وتیره ویکرنگ همیشه یکطرفه ویایك چندرقم کار مشغول باشند . وچون اعمال یعنی کارها به اینصورت تقسیم شود کارچند آدم را یك آدم بوجود آورده میتواند . برای اثبات این مدعا (ژان باتیست سای) که ازمشاهیر علم ثروت میباشد این مثال را آورده است :

« درفابریکهای که کاغذ قطعه بازی دران ساخته میشود برهر قطعه هفتاد رقم کار اجرا میشود . سی نفر کاریگر دریك روز پانزده هزار کاغذ قطعه بازی ساخته میتوانند . حالانکه تنها یك آدم اگر هرقدر ملکه ومهارت هم داشته باشد ، وهمهٔ این

[باقی دارد]

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد ازطرف مدیر وسرمحرر تحریر یافته

محمود طرزی

در چهاپ خانهٔ حروفی دار السلطنه کابل طبع گردید

صحیفه (۱)
سال دوم
شماره (۱۰)

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

نگران
ایشک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی
علی احمد

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
با اخراجات داک ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با اخراجات داک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

اداره خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همهٔ امورات تحریریه به اداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود
قیمت یک نسخهٔ آن دو کابلی یکعباسی است

تاریخ عربی یکم ربیع الاول ۱۳۳۱
تاریخ انگریزی ۸ فروری
تاریخ شمسی ۱۹ دلو ۱۲۹۱

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

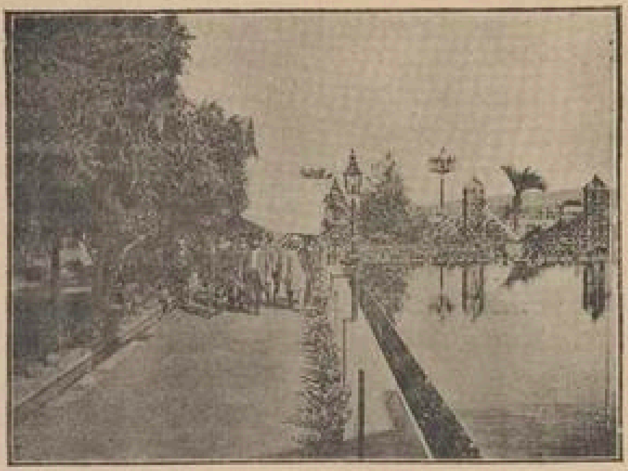

(از مناظر باغ شاهی جلال آباد)

(یک قسمی از مرتبهٔ دوم باغ شاهی : ذات اعلیحضرت همایونی با افراد معیت)
(سنیهٔ شاهانه بکنار حوض باصفای آن قدم میزنند)

فهرست مندرجات

جلال آباد
حوادث خارجیه
مقاله مخصوصه
مقالات علمیه
ادبیات
ناموران زنان جهان
علم ثروت ملل
فاجعه‌های پاریس

§ جلال آباد §

یکی از ولایتهای حاکم نشین بسیار معتبر ومعروف دولت قویشوکت متبوعهٔ مقدسهٔ ما (افغانستان) صانه الله فی الحفظ والامان ولایت سمت مشرقیست که همهٔ اراضیٔ این ولایت را (ننگنهار) میگویند . مرکز عمومیٔ این ولایت شهر معروف (جلال آباد) است که ۱۳۰ کیلو مترجهت شرقیٔ پایتخت عالیست کابل واقع شده . وشهر پشاور نیز تقریباً بهمینقدر مسافه بسوی شرقیٔ جلال آباد میباشد که به اینصورت (جلال آباد) در وسط راه کابل وپشاور کائن است .

هیئت عمومیٔ این ولایت عبارت از یك وادی بسیار منبت وسبز وخرمیست که (نهر کابل) در میان این وادی از جهت غرب بشرق مانند شه رگ حیات جریان دارد . اراضیٔ این ولایت شمالاً با کوه‌های چترال وکافرستان ، جنوباً باسفید کوه ، شرقاً با کوهها ودره های خیبر ، وباجهور ، ومهمند تا باآتك غرباً با کوه‌های تکاب ، وکابل محدود شده است . اگر چه هوای جهتهای شمالیٔ این ولایت سرد است ، ولی هوای عمومیٔ آن گرم ومعتدل میباشد .

دره های عجیب وغریب ، ووادی‌های بسیار لطیف وظریف ، وکوههای مهیب وپر جنگلی را این ولایت مالك میباشد . غیر از نهر جسیم کابل که از وسط ننگنهار واز نزدیکیٔ جلال آباد میگذرد دیگر آبهای متعددی نیز این سر زمین را ارواء واسقا میکنند که معروفترین آنها آب چترال ، وکنر ، ونیکری وغیره میباشد . همهٔ این آبها با نهر کابل آمیخته ازدره های مخوف مهمند وباجهور افغانستان گذشته با نهر اتك می آمیزد .

وادیهای واسع وفراخ این ولایت زراعت برنج ، ونیشکر ، وپنبه ، وگندم وجواری وغیره مزروع ومعموراست . جنگلهای بسیار مفید وتوانگری در سمتهای شمال وجنوب این ولایت موجوداست . کان یاقوت بسیار مشهور (جگداك) نیز درمنطقهٔ همین ولایت میباشد . وادیٔ لغمان وکنر ، وباجور ، واسمار معمور وپر نفوس وادیهائیست که خواه از زراعت وخواه از نفوس پر وتوانگر میباشد . درین دره ها ووادیها اقوام وقبایل مختلفهٔ افغانیه سکونت پذیرند . وهمهٔ آنها مردمان دیندار وشجیع میباشند . مشایخ ، ومرشدین ، وعلمای بسیار اهل حال وباصفائی درین سرزمینها موجوداند که اهالی را دایما بردینداری واطاعت پادشاه ، ومحبت وطن وعصبیت قومی وملی رهنمائی وارشاد مینمایند اهالی حتی حکومت نیز آنها را محترم میشناسند .

§

از نقطهٔ نظر تجارت ، واهمیت موقع عسکری شهر جلال آباد خیلی مهم یك نقطهٔ شمرده میشود . اگر چه خود شهر نه از جهت زینت عمارت ، ونه درحسن ورونق بلدیت هیچ یك مزیت وحیثیتی ندارد . ولی چیزیکه رونق وشکوه (جلال آباد) را افزوده ومدار فخر ومباهاتش گردیده همانا بعضی باغهای روح افزا ، وسرایها وعمارتهای عالی بنائیست که نظرهای ناظرین ، ودلهای زائرین را بلطافت منظر ، وظرافت پیکر در خنده‌گی وسرور میبخشد !

مثلا باغ وعمارتی که مسمی به (باغ شاهی) میباشد ازجملهٔ باغها وعمارتهای عالی شمرده میشود که نادر الامثال است . این باغ تقریباً یازده جریب زمین یك مسافهٔ را دربر دارد که عمارت بزرگی بسیار خوشنمای آن در مرتبهٔ نخستین وقسم اولین باغ بنیاد یافته است . همهٔ باغ بر پنج مرتبهٔ یك بر دیگر مرتفع ترتیب یافته که هر مرتبهٔ آن یك منظرهٔ دیگر ، ویك لطافت مخصوصهٔ روح پروری بنظر جلوه میدهد . ازدروازهٔ بزرگی سمت شمالیٔ باغ عالی شاهی چون داخل شویم یك سرك مستقیم بسیار باصفائی که از دو طرف بادو قطعه چمن گلکاریٔ بسیار لطیف المنظر ، وسروهای بر جستهٔ بهم برابر دربر گرفته شده مارا به پیشرویهٔ عمارت پرشکوه وخورشید رونق شاهی میرساند . این قصر سعادتحصر از آثارهای تعمیریهٔ خاقان جنت مکین اعلیحضرت (ضیاء الملة والدین) است که در متانت وجسامت ورونق وشکوه همه صفات معماری را حائز است . دالان عظیم وسطیٔ آن که در زیر یك قبهٔ بسیار جسیم وعالیٔ میباشد تقریباً یکصد جوکی را استیعاب مینماید . دایره‌ها واوطاقهای متعدد اطراف آن نیز خیلی مکمل ، وپرده‌های فیل پایه دار داراً مادار آن نیز یك رونق وشکوه بی اندازه به این قصر سعادت حصر بخشیده است .

ذات شوکتسمات پادشاه ترقی آمال مراحم خصال مقدس ما اعلیحضرت (سراج الملة والدین) مد الله ظله فی العالمین چون یك پادشاه طبیعت آگاه تجدد وترقیخواه با علم وفن میباشند ازرو اصلاحات تعمیریهٔ که در قصر وباغ موصوف بقواعد فن هندسهٔ معماری بکار برده اند الحق که سزاوار هزاران تحسین وتمجید است . بی آنکه به هیئت اصل وبنای اساسیٔ آن چیزی تغییری حاصل آید بعضی علاوه ها ، وتزئینات دران بخرج رفته که فرق محسنات آرا ارباب نظر ، واز فن معماری با خبر بخوبی درك

میکنند که اول چه بود ، وحالا چه شد !

دنیا ، در تجدد وتنوع است ! حال بیست سال پیشتر انسانها به حال امروزی آن نمیماند ، طرز معیشت وسکونت ومشوار وحرکت سابق بالاحق هیچ مناسبتی نمیگیرد ، مثلاً بیست سال پیش ازین در غذا این را کسی بخیال وخاطر خود هم نمی آورد که طعام بر روی میز وبر کرسی وباکارد وپنجه خورده شود ، وبا آنکه بعد از خوردن طعام دست با صابون شسته شود ، علی الخصوص اگر کسی سروریش خودرا با صابون درسابق می شست یك عیب بسیار بزرگی شمرده میشد ، حالاکه زمان تبدل میکند ، زمانهٔ اول حکم تقویم پارینه را میگیرد ، معیشت وزنده گانیٔ انسانها نیز تابع تبدلات مدنیهٔ زمانه گردیده از حال کهنه گی بیك تجدد وتازه گی قدم مینهد ، ترقی وتمدن چنان یك شاهد رعنای دلفریب النظر زیباییست که ظرافت ، لطافت ، نظافت میطلبد ، در زمانیکه یك دالان ، هم برای نشستن ، وهم برای طعام خوردن ، وهم برای خوابیدن کفایت میکرد ، درینوقت تنها برای این سه چیز که بیان شد بلکه برای وضو وشست وشو ، ودرپشی ، وسگرت کشی ، وپیانو نوازی وغیره جدا جدا اوطاقهای بکار می آید که یك عمارت متمدنین این عصر بیست ویکم از وجود آن ها چارهٔ ندارد .

این است که ذات اعلیحضرت پادشاه ترقی پرور مدنیت گستر مقدس ما اصلاحات وتنظیمات دوائر عمارت عالیٔ باغ شاهی را ازین نقاط نظر ترتیب وتنظیم فرموده جهةٔ سمت مشرق عمارت عالی بخان یك هیئت ظریف دلکشی تحویل یافته که از نظارهٔ آن دلها را یك مسرت وفرحت بی اندازهٔ حاصل میشود ، دالان عالیشان بسیار باتکلف ومزین جدیدی که به این سمت عمارت عالیٔ موصوف از روی نقشه هندسهٔ وی ذات اعلیحضرت همایونی ملحق گردیده همهٔ لطافت ها وظرافت ها رادربر دارد .

حالا ما یکقدری از شکل وهیئت عمومیٔ این باغ ارم مثال بیان مینمائیم : گفته بودیم که این باغ بیك وضعیت مرتبه داری تشکیل یافته است ، مرتبهٔ اول آن همین است که از دروازهٔ سمت شمال داخل میشویم ، وعمارت عالیٔ موصوف را تقریباً در آخر این مرتبه می بینیم ، جهت غربیٔ احاطهٔ این مرتبهٔ اول را دیوار غربیٔ باغ که بمحاذی آن مسجد ، وحمام ، واوطاق های مخصوصهٔ خدمهٔ معیت شاهانه موجوداست ، ویك نهر با صفای بزرگی از پیش روی آن جاری میباشد که این نهر واوطاقها را صحنه های جهان لطافت پیرا از جهةٔ سمت غربیٔ عمارت شاهی تفریق نموده .

ازین میدانچهٔ که قصر سعادتحصر شاهی بران بنا یافته از دو جهت به احاطهٔ مرتبهٔ دوم فرو آمده میشود : یکی از جهت جبههٔ جنوبی ، ویکی از جهت جبههٔ شرقی ، جبههٔ سمت شرقیٔ قصر همایونی سراسر از تعمیرات مزینهٔ عصر اعلیحضرت سراج الملة والدین است که عادتاً یك قصر بسیار دلفزای جدیدیست که بر اصل عمارت افزوده شده است ازین مواجههٔ شرقی عمارت عالیٔ شاهی از دو سرکچه های بسیار خوشنمای سنگیل فرش شدهٔ مایل بر دو سرك مشجرٔ بسیار با صفائی که از بغل حوض بسیار بزرگی ممتد تا آخر این مرتبه ممدود شده است بمرتبهٔ دومین فرو می آئیم .

چیزی که مدار زینت وافتخار یگانهٔ این مرتبهٔ دوم شمرده میشود همانا حوض بسیار بزرگ مسطحیست که نظارهٔ آب با صفا وفواره های لطافت نمای آن با روائح گلهای عبیر آمیز درختهای نارنج ومالته وغیره درختها وگلهای مخصوصهٔ ممالك حاره ومعتدله آمیخته ، ویکان نغمه های مرغان رنگارنگ موسیقی آهنگ که مخصوص این منطقه است با آن دمساز آمده حواس خمسهٔ یك شاعر متفکر باریك بین را که در یك گوشهٔ این بستان جنت نشان بر یك دراز چوکیٔ در یکوقت صبحدمی یا یك شب مهتابی نشسته باشد در سماوات عالم خیال ، غوطه خوار گرداب حیرت میگرداند ، چمنهای بزرگ ودرخت ، سرکچهای با صفای خوش نزهت این مرتبه خیلی لطافتها دارد ، یك چوترهٔ چوبیٔ بسیار مصنع خوشنما در یك گوشهٔ این مرتبه بنا یافته آرام چوکیهای منتظم در هر طرف گلستانها وسرکچهای این احاطهٔ مرتبهٔ دوم گذاشته شده است .

ازین مرتبه نیز بادو سرکچهٔ مایل بمحاذیٔ سرکچهای اول بمرتبهٔ سوم فرومی آئیم که این مرتبه نیز باقوسهای عالی گلها ، وانواع درختان خوشنمای ۵۰ گونه میوه های گرم سیر ، ویك برج نمای طبقه بر طبقهٔ کندانه های انواع گلهای عطر بیز تزئین وتنظیم یافته ، ودر هر گوشهٔ آن هزاران خارقه های لطافت ، ودر هر پشتهٔ آن صدها مسرت وشطارت مندرج گشته است .

ازین مرتبه باز بهمان کیفیت بمرتبهٔ چارم فرومی آئیم که لطافتهای چمنهای بزرگ ودرخت آن نیز دلکشیها ونظر ربائیها دارد ، ولی ازین مرتبه یك منظرهٔ بدیعهٔ دیگر از مرتبهٔ پنجم جلب انظار دقت مارا کرده همان دم بمرتبهٔ پنجم فرومی آئیم ، دراینجا در پیش یك منظرهٔ با صفای خارقه نمائی خودرا می یابیم که از نظارهٔ آن در گرداب مسرت فرومیرویم .

یك کول ، نی نی ! یك بحیرهٔ خوش منظرهٔ که اگر از آب با صفای خوشگوارش سخن رانده شود قلم یك ناودان آب رحمت میگردد ، واگر بوضعیت وترکیب هیئتش نظر کرده شود چشمهٔ چشم بیننده را یك سر چشمهٔ آبحیات میسازد ، این کول از مصنوعات طبیعت شناسیٔ ذات اعلیحضرت پادشاه دانای حقایق آگاه ماست که در سنهٔ ۱۳۲۹ همت جهانگیت همایونی بحفریات

آن اراده فرموده در ظرف یك چند ایام معدودی به انجام رسانیده اند.

این کول خیلی فراخ وممدود وهمهٔ مرتبهٔ آخری باغ ارم سراغ را محدود داشته است. کول سنی بطیبی نزدیك باغشاهی جلال آباد یك جزیره ویك شبه جزیره را حاویست که لطافتهای طبیعیهٔ آن هر صاحب طبیعت را تحسین خوان هزاران آفرین، زبانی معدلت قرین آن میسازد.

سراج الاخبار افغانیه نیز بکمال صمیمیت وتمام خلوصیت بدعای خالی از ریای عمرواقبال وشوکت واجلال حامی معظم ترقی آمال، ومتبوع مقدس مراحم خصال خود رطب اللسان گشته از درگاه الهی جل اسمه، نیاز میکند که تاسالهای بیشمار این اماکن صفاشعار بوجود مراحم آمود شاهانهٔ شان شرف بخشای همه بلاد وامصار جهان گردد. آمین.

حوادث خارجیه

اجمال سیاسی

دراوروپا شش دولت بسیار بزرگ وباقوت معروف ونامداری موجوداست که در وقت حضر سه دولت آنها به (اتحادثلاثه) وسه دولت دیگر آن به (اتفاق مثلث) معروف ومعنون شده اند. اتحاد ثلاثه جرمن، اوستریا، ایطالیا، واتفاق مثلث روس، فرانس، انگلیزاست. کفه های میزان اعتدال عالم همین دول سته شمرده میشوند که تعداد قوتهای حربیهٔ شان ازقرار ذیل است:

(قوت بریهٔ جرمن)

موجودی عسکرش در وقت حضر ـ : ٦٠٩٢٠٠
موجودی عسکرش در وقت جنك : ـ ٥٠٠٠٠٠٠
موجودی عسکری سوراه اش : ـ ٧٠٤٠٠
موجودی اسپهای طوبخانه وبارگیریش : ـ ١٠٧٧٤٨

(قوت بحریهٔ جرمن)

عدد کشتیهای بزرگ دریدناووت	٤
عددکشتیهای زرهپوش	٤٣
عدد کشتیهای بی زره	٩٠
عدد کشتیهای طوربیل	١٢٦
موجودی عسکر بحریه اش	٤٠٦٠٠

(قوت بریهٔ اوستریا)

موجودی عسکرش در وقت حضر	٤٨٢٤٠٠
موجودی عسکرش در وقت جنك	٢٨٧٢٠٠٠
موجودی عسکرسواری وطوبچی وتقلیه	٦٩٨٧٠
عدد طوپ	١١٦٠

(قوهٔ بحریه اوستریا)

عدد کشتیهای زرهپوش	١٠
عدد کرو وازور وغیره	٢٤
عدد کشتیهای طوربیل	٦٤
عدد کشتیهای بی زره	٢٠
عدد طوپ	٩٨٩
عسکر بحری	٢٤٣٠٠

(قوهٔ بریهٔ ایطالیا)

موجودی عسکرش در وقت حضر	٢٧٨١٠٠
موجودی عسکرش در وقت جنك	٢٣٥٣٤٠٠
اسپهای رساله وطوبخانه وبارگیری	٨٧١٩٢

(قوهٔ بحریه ایطالیا)

کشتیهای زره پوش	٥٠
دیگر کشتیهای جنگی	١٥١
کشتیهای طوربیل	١٧١
عدد طوپهای بحری	٢١٢١
موجودی عسکر بحری	٥٣٣٠٩

(قوهٔ بریه فرانس)

موجودی عسکرش در وقت حضر	٥٧٥٠٠٠
موجودی عسکرش در وقت جنك	٤٣٥٠٠٠٠
اسپهای عسکرسواری، وطوبچی وبارگیری	١٢٣٣٨٥

(قوهٔ بحریهٔ فرانس)

کشتیهای زرهپوش	٦١
کرو وازور	٤٤
دیگر رقم کشتیهای جنگی	٧٨
کشتیهای طوربیل	٢٣٣
عدد طوپ بحری	٣٧٢٧
موجودی عسکر بحری	١٠٩٣٧٠

(قوهٔ بریهٔ روس)

در وقت حضر	١٢٠٣٠٠٠
در وقت جنك	٣٦١٦٠٠٠
عدد افسران	٤٢٠٠٠
عدد طوپ	٥٨٠٠
اسپهای سواری وطوبیانه وبارگیری	٥٦٢٠٠٠

(قوهٔ بحریهٔ روسیه)

کشتیهای زرهپوش	۸
کروزر ازوز وغیره	[illegible]
کشتیهای طورپیدو	۲۴
عدد طوب بحری	۷۰۰
عساکر بحری	۳۰۰۰۰

(قوهٔ بریهٔ انگلیز)

در وقت حضر	۴۵۰۲۰۰
در وقت جنگ	۱۰۳۳۳۵۰
افسران	۳۸۸۰۰
عدد طوب	۱۲۸۴
اسپهای رساله وطوبچی وبارکری	۱۰۳۱۵۵

(قوهٔ بحریهٔ انگلیز)

کشتیهای زرهپوش	۸۸
کروزر ازوز	۱۲۳
کشتیهای طورپیل	۲۸۱
دیگر رقم کشتیها	۳۵۷
عدد طوب بحری	۲۱۳۸۲
عساکر بحریه	۱۹۲۰۰۰

این رقمهای حساب را چون در زیر نظر دقت بگیریم واندیشه نمائیم که اگر این قوتهایکبار باهمدیگر مصادمه نمایند آیا طراقه‌های دهشت انهای آن گوش ساکنان کرات سماویرا کر نخواهد کرد ؟ دراینهم هیچ شبهه نیست که چون این دول شش گانه‌ام بیاویزند دیگر دولتهارا نیز باخود شریک مهاجمات ساخته ، وبه آن جریان دریای مهاجمات خون آلود تابع نموده یک هرج ومرج رستاخیزی برپا مینمایند که مریخ نشینان آتشین پوش آتشین سلاح ازرشک این خونریزی ساکنان کرهٔ خاکی هلاک خواهند شد !.

ولی این امر درینوقتها بعید الاحتمال مینماید . زیرا درینوقت اوروپا همه یک اتفاق واتحاد مسلکی دارند که یک کار بسیار مهمی را میخواهند از پیش ببرند ! وآن را (صلح مسلح) در میان خودشان نام نهاده تاآن مهمه را از روی خود بر ندارند بدیگر کار آغاز نخواهند کرد ! . اما ازین غافل اند که آن مهمه از چنان مهمه هائی نیست که به آسانی از پیش برداشته بتوانند تا باآن مهمه سر خود شان نیز برباد نرود دیگر احتمالی نیست ! (بیت المقدس) ، (استانبول) ازآن جاهائی نیست که در زیر حکم مذهب اورتودوکس درآید . وپروتستان وکاتولیک به آن راضی شود ! یا آنکه کاتولیک بران بیرق بیفرازد وپروتستان چشم آنرا داشته باشد که آنرا دیده بتواند ! این صلح مسلح شان تابه آنوقت دوام خواهد کرد که سخن به انجام نکشد .

وشیون شیون به آسمانها میرسد بعضیها آن هنگامهٔ رستخیز به یاد می‌آید ! . . . .

چه تماشای دهشت‌افزا ! یعنی ملیونها نفوس بشر بهم دیگر را مطارده میکنند . آسیا ، اوروپا ، افریقا بهمدیگر در می‌آویزند ! مراره‌های آتشفشان دریاهای آتش شان تابه سانفرانسیسکو یا توکیو سرایت میکنند ! کرهٔ ارض را از جاپلیا تاکالیفرنیا یک دریای آتش وخون استیلا میکند دودهای عظیمهٔ طوبها وتفنگها ، وبومبه ها ، ودینامیتها ، و آتش افروزی شهرها ، وقلعه ها اقدر بهوا میشود که کرهٔ لسبس از ثقل وحرارت آن بشکل بخار ودودهٔ حال ابتدائی خلقت زمین تحول می یابد ! دفعهٔ به آب تحویل یافته بر کرهٔ زمین میریزد ! طوفان عظیم الشان عمومی کرهٔ زمین را بیکباره گی می شوید ! کرهٔ زمین را ازان آلایشها صاف وپاک میسازد ! بازهمان طراوت وهمان خضارت اولی آغاز میکند ! وقول برحق « نیست ملک مگر از حضرت واحد یگانهٔ قهار » حق میشود ، وچون این بندگان بر عصیان طغیان نموده‌اند البته آنهارا محو کرده دیگر مخلوق که اورا به یگانگی بشناسند وستایش وثنا بکنند خلق خواهد فرمود ! . . .

(قطعه)

(محمود) چون بشر شده سفاک خون خویش
وزراه حق برون شده‌اند وبه ناحق اند
لابد که مالک احد بیمثیل کون
بر دارد این گروه که گمراه ومزهق اند
اوروپ بحرص وکبر وطمع شد چنان بجوش
کز آتش خودش همه محروق مطلق اند
یارب تو محو ساز گروهی که در فجور
غرق‌اند ودور از حق وباطل ملصق اند
یارب تو مالک ملکوتی وارض وخلق
محفوظ دار قومی که بر دین بر حق اند
(آمین)

ترجمه از اخبارهای ترکی ومصری

(چین)

یکی از سیاسی شناسان چین که (سون‌یات سه ن) نام دارد برای رئیس جمهور چین (یوآن شیقای) یک مکتوبی نوشته گفته است : « که از واقعات ترکیه یک درس عبرت گرفتن لازم است . زیرا بمجردیکه شرق قریب را تقسیم کنند هیچ شبهه نیست که به تقسیم شرق بعید یعنی چین وژاپان آغاز خواهند نهاد . لهذا لازم است که چین وژاپان نیز ما بین خودشان یک اتحاد تدافعی عقد نمایند . ومانند عثمانیان که به قوتهای ملیّ خود

تکیه نکرده از موازنهٔ سیاسیهٔ اوروپا استفاده کردن خواستند به آنجنان استفادها امیدوار نباید شویم . و به آنجنان خطای سیاسی که آنها برخوردند ما نباید بر خوریم . »

فکر (سون یات سه ن) این است که (اتاتوقو)ی اوروپا هیچ اهمیت و اعتباری ندارد . واجنشله را وقوعات ممالک ترکیه ثابت ساخته است . لهذا اگر مغولها با یکدیگر خود شان اتحاد نکنند باز یکخطای مهلکی را تکرار خواهند نمود . در (توکیو) پایتخت ژاپان نیز به اجنشلهٔ اتحاد مغول بسیار انتظار و امیدواری دیده میشود .

(نانکین)

عدد اسلامیانی که در نانکین مقیم اند از عدد اسلامیانی که در (پکین) موجودند کثرتیست . درینوقتها یك جمعیت نوی بنام (نشر معارف واسلام) تشکیل داده اند . مقصد این جمعیت اسلامیه این چند چیز است . رساله‌ها و کتابها نشر کردن ، حسیات ملیه و معارف عمومیه را وسعت دادن . با تعصبهای جاهلانهٔ پیشینه مبارزه و جدل کردن . بفقرا و مساکین مدد کردن وغیره میباشد .

(خلاصهٔ حوادث محاربه)

از صلح هنوز هیچ نتیجهٔ ظهور نمود . کارها مانند موی زنگی بهم پیچیده مانده است .

ظلمها و وحشتهایکه بلغارها و صربها و یونانیها و کوهیها بر مسلمانان ملکهای روم ایلی اجرا کرده‌اند تا بحال هیچ دیده و شنیده نشده است . قتل عامها و بی ناموسیها کم نبود که بسیاری از مساجد و معابد اسلامیه را نیز بعضی خراب و بعضی را به کلیسا تحویل داده‌اند . در (بوروی) نام محل دوصد نفر اسلام را در سلاخخانهٔ آن شهر برده مانند گوسفند با کارد سر بریدند . تنها مردان را نی بلکه زنان اسلام را نیز از خانه‌های شان براورده بعد از انکه ناموس و عرض شان را پامال ساخته‌اند جسد شان را گذاشته سر شان را بریده با خود برده‌اند . راهها ، سرکها ، کودالها ، بیشه‌ها از جسدهای قتل عام شدهٔ زنان و مردان مسلمانان مالامال است .

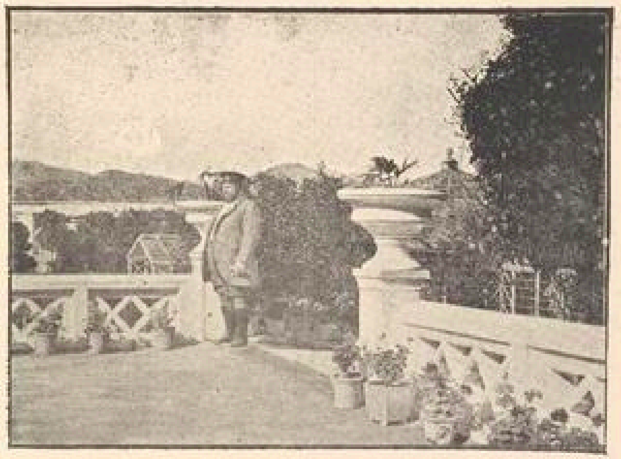

از مناظر باغشاهی جلال آباد

(صعود مسعود ذات شوکتسمات اعلیحضرت شاهانه از مرتبهٔ دوم باغ به مرتبهٔ اول در اثنای قدم زدن صباحی)

(حوادث ترکستان روسی)

اخبار (توران) که در بخارای نو طبع و نشر میشود در زیر عنوان (آبادیٔ وطن) از فواید کشیده شدن یك نهری از دریای آمو به بخارا بحث رانده مینویسد که اهالی شهر بخارا و اطراف آن از کم آبی بعضی سالها بسیار پریشان میشوند . و بسبب نوشیدن آبهای خراب دندها و حوضها در هر سال نفوس بسیاری هلاك میشوند .

* * *

(از سمرقند)

اخبار توران از گزاف خرجها وبیهوده صرفهای مسلمانان سمرقند در عروسیها وجشنهای شان بحث رانده‌مینویسد که اگر مبلغ مذکور را بر اعمال خیر ومنفعت آوری صرف نمایند بهتر خواهد بود .

(سلطان عبدالحمید خان)

بعضی اخبارهای عربی مینویسند که سلطان عبد الحمید خان‌را به بسیار زحمت به آمدن استانبول راضی کرده به استانبول آوردند محبتش خیلی خوب بود واو میگفت که من از سلانیك نمیروم . چرا که باهمین‌حبسخانهٔ خودخوب انسیت پیدا کرده‌ام . وهوای انجا بر من خوب آمده . بدو نفر شهزادهٔ که برای آوردن وقایع ساختن اوفرستاده بودند جواب رد داد . وچون کپتان کشتیٔ جرمنی در نزدش رفت بااوراضی به آمدن شد . میگویند چون به‌استانبول رسید فریاد کشیده میگفت : کجاست هشتادهزار پوند من که برای جنك بلغار نگهداشته بودم . این هشتاد هزار پوند همان پیسهٔ بود که سلطان مشار الیه در وقت محاربهٔ یونان از کیسهٔ خود صرف کرده بود وچون محاربهٔ ختام یافت . پس از خزانه گرفته در یك صندوق آهنی انداخته وکلمهٔ (بلغار) رابران نوشته در یك گوشهٔ سرای یلدز گذاشته بود . وقتیکه خلع شده حکومت فرقه‌ها وپارتی‌ها بر پا گردید آن مبلغ را ازانجا برآورده بخرج رسانیدند . لهذا سلطان فریاد کرده میگفت که کجاست هشتاد هزار پوندمن ! اینهم یك دلیلیست بردوراندیشهای سلطان سابق . . .

(مکتوب)

از اطالیه ممالك ترکیه به دارالسلطنهٔ کابل .

(فضیلتمآبا !)

من از برادران هموطن شما یك درویش سیاح افغانی میباشم که‌مدت چند سال پیش ازین برای ادای فریضهٔ حج برامده درممالك اسلامیهٔ ترکیه بیابان گرد سیاحت درویشانه میباشم . البته درین وقتها از فلاکت ومصیبتی که بر دولت عثمانیه وارد آمده خبر شده باشید . من عالم نیستم . سیاسی شناسی‌را هم نمیدانم که چیست . من تنها از چیز هائی‌را که بچشم خود به بینم ویا بگوش خود بشنوم همان چیز هارا کم وبیش فهمیده ونوشته میتوانم . سبب این بلاها واین مصیبتهارا من بعقل جاهلانه خود از کم دیانتی وسست اعتقادی افسرها وبزرگان آنها یافته‌ام . دراستانبول ازخانه خود سلطان گرفته تاهمهٔ پاشایان و وزرا ووکلا این چند کار است که بزدهٔ ارمنیها وروسهای نصاراست : اولاً دایه‌های شیری ، دوم مربیه‌ها یعنی داده‌ها ولاله‌ها ، سوم آشپزها ، چارم قهوه چیها . درهر خانه پاشا و وزیر وبزرگان وتوانگران ومعتبران ترك همین کارها را زنان ومردان نصارا بعمل می آرند . وبه اینصورت از اول‌محبت نصرانیت تاثیر در وجودشان میدراید وبهمانصورت تربیه میشوند وخوراك شان که خون ازان حاصل میشود ازدست آنها میخورند در استانبول ترك خالص وجاندی یك کمتر پیدا میشود . ترك های خالص ومسلمان که بادیگر خون آمیخته نشده باشد در اناطول یعنی اسیای صغرا موجود اند که بسیار دیندار و بر احکام دینیه پابدار میباشند حالانکه در استانبول بسیار زنان شیردار مسلمان خودشان در کوچه‌ها گدائی میکنند . ودایی گری‌شان بلکه یك لب نانی هم به‌آنها کسی نمیدهد . وازین بود که درسلانیك سی‌هزار عسکر مکمل اسباب‌را باجبه خانه و استحکامات به بسیار آسانی تسلیم دست رومیهای یونان نمودند . وازبعضی عسکر هائیکه ازاناطول بجنگ بلغار رفته بودند پرسیدم که چرا گریختید ؟ گفتند دشمن مارا میزد افسرها مارا بجنگ امر نمیداد خوراکه هم بما نمیرسید از گشنگی برك های درختارا می خوردیم . در موقع قره برون سه روز بما هیچ کس هیچ خوراکه نداد بعد از سه روز بهر دوازده آدم شش لب آرد خشك تقسیم کردند . هر که بما ارزاق وامر جنگ میدادند درظرف یکهفته پایتخت بلغار را ضبط میکردیم . این شنیدنیهائیست که بگوش خود ازعسکرها شنیده‌ام . اما راستست درو غست نمیدانم دیگر چیزیکه درینجاها میشنوم این است که میگویند بعدزینکه مسئله استانبول‌را فیصله کنند روس وانگریز مسئله افغانستان آغاز میکنند . زیرا مقصد همهٔ فرنگیها همین است که‌در دنیا حکومتهای مستقل ومقتدر از اسلام نگذارند ایران ومراکورا تقسیم کردند حال کار استانبول را تمام میکنند وبعدازان بکار افغانستان آغاز مینهند . اماانشاءالله تعالی برین مقصد خود کامیاب نباشند تااین دیانت ومحبت وطن وعدالت که‌در وقت حاضر بسایهٔ اعلیحضرت (سراج الملة والدین) درافغانستان پابدار است انشاءالله کاهی دشمنان‌را بران ظفر نمیشود این‌را هم میشنوم که میگویند در همین فرصت باید که افغانستان در قوت و سلاح واستحکامات خود بیفزاید وجبه‌خانه وگدامهای خود را حاضر کند . وکشتیهای هوائی ازحالا خریداری کند . واستحکامهای خاکیٔ بسیار درهر جای سرحدها تیار کند . امااز همه قوتها بزرگتر غیرت دینی ، وعدالت وحب وطنی ست که‌الحمدلله افغانستان آنرادارد . درینطرفها همهٔ مردمان که‌سعیها واقدامهای اعلیحضرت پادشاه معظم‌ما امیر حبیب‌الله غازی‌را میشنوند بسیار شکرها ودعاها میکنند . باقی‌ما هم شب وروز دست بدعا میباشیم که خداوند عالم اعلیحضرت امیرمارا تاسالهای دراز برما ملت‌پایدار ومستقیم بدارد وشهزادگان ووزرا ووکلا وهمهٔ ما رعایارا بردیانت ، و اطاعت . واتفاق کامیاب بسازد آمین (یك‌درویش سیاح افغانی)

(ترجمهٔ اخبارهای انگلیسی [illegible])
(رویتر [illegible])

لندن جنوری ۸ — مجوز شده است که انگلستان برای دولت عثمانیه قرینه داده شود تا ضروریات خودرا [illegible] کند [illegible] ظاهر میشود که صلح روز به ترقی دارد [illegible]

ناظم پاشا وزورا د [illegible] پاشا [illegible] خاص سوار شده برای ملاقات جنرال سیواف رفتند تا دربارهٔ مصالحت با جنرال بلغاری گفتگو کنند — خبر مشهور شده است که ناظم پاشا درباب رسید رساتی ادرنا نوبل و تصرف آن شهر مذاکره کرد اما این هردو امر بمجلس لندن محول بوده تلافی این امر جنرالان و وزیران عبث رفت —

خبر است که مابین بلغاریا و رومانیا (جنگ) کشمکش جاری است و گفته میشود که بلغاریا یک قطعه مالک در بحیرهٔ اسود بهرومانیا [illegible]

به فوج رومانیا امر شده است که برای جنگ آمادهٔ باشد بلکه فوج مذکور برای قبضه نمودن یک علاقهٔ بلغاریا هم مأمور شده بود اما بسبب مداخلت روسیه و آستریا قبضهٔ خودرا برای دو روز ملتوی کرده . چون یکطرف رومانیا همراه بلغاریا این روش اختیار کرده است . و وزیر زراعت خودرا به استانبول فرستاده است و آمدن فلیکیو وزیر رومانیا در دارالخلافه البته مدعای رابطهٔ با ترکان دارد .

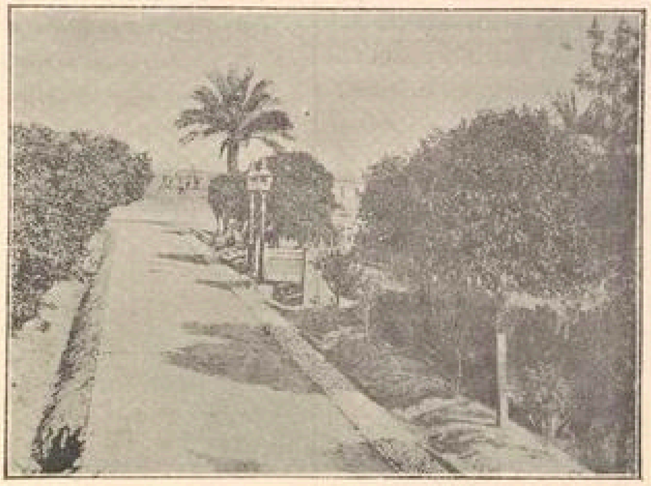

(ازمناظر باغ شاهی جلال آباد)

≪ یک سرک باصفای مرتبهٔ سوم باغ زروحنی هوا ≫

در استانبول مجلس وزارت درباب مقرر کردن انورپی و فتحی پاشا بطور افسران شتابهٔ مجلس آورد . جمعیت ترکان نوجوان برای جنگ کمر بسته اند وصلح نمی خواهند .

دول ائتلاف ثلاثه حمایت این امر میکنند که جزائر رودس کیوس متی لین کاس وجزائر قرب دردانیال در تصرف ترکی باشند تا موازنهٔ قوت دول مختل نشود .

بعضی تلگرافات ظاهر میکنند که دول اوروپا براین امر متفق اند که ادریانوپل به بلغاریا سپرده شود باین شرطیکه مساجد ومقابر سلاطین عثمانیه زیر حفاظت مجلس بین الدول باشد . دولت برطانیه این تجویز هم نموده است که ادریانوپل در تصرف ترکی باشد اما مستحکمات آن مفقود شود ودیگر حد بندیها نیز کرده شود

در قسطنطنیه بردول اتحاد ثلاثه یعنی روس وفرانس الزام نهاده میشود که آنها بلقانیان را اشتعالک میدهند .

درسنتنی شاه جبل اسود تقرر نموده است که ماسقوطری پای تخت قدیم خودرا اگر بصلح بدست آید وبا بجنگ میگیریم شاه جبل اسود اشارت بجانب اتریا هم کرد که او مخالفت ورزیده نمی خواهد که سقوطری وغیره در حدود صوبهٔ خود مختار اب داخل شود .

(روس وجنگ بلقان)

وزیر اعظم روس درمجلس شوری بیان کرد که وقتی بود چون روسیا

روپیه مخاطره بسر [illegible] جنگ [illegible] دولت [illegible] دیگر گونه [illegible] قائم خواهد باشت ودرین امر امید از انگلستان و فرانس دارم امان فیصله که مابدین جنگ چدروه اختیار کنیم در محاربه فردا [illegible] بیرون [illegible] انگلستان دارد که او حرفی نزند .

مصالحت ترکیه

درطبقات سیاسی ترکیه این خیالاست که اگر دول اوروپا ایدریا نوپل را بزور ودبدبه از عثمانیان گرفته قصددادن به بلغران کردند وعزم خودرا بااعلان قوت ونمایش بحری موید هم ساختند ترکان کاهی قبول نخواهند کرد که ایدریا نوپل ازدست بدهند —

باب عالی یک فرمان بنام سفرای خود فرستاده است بدین امر که اگر شرائط مجوزهٔ ترکان را بلقانیان قبول نکردند وکلای ترکیه ازلندن رخصت گردیده دراستانبول معاودت نمایند —

بلغران باوجود تذکار مصالحت برای بریدن سیم تلگراف جمعی روانه کردند ومتصل بنداب دوکاس درمابین آنها وترکان جنگ واقع شد بلغران تاب مقاومت نیاورده پسپا شدند سی نفر زخمی دراستانبول رسیده اند —

دربحرها هنوز تلاطم جاریست یک جهاز آستریا همراه تمام عمله غرق شد ودیگر جهازات باهم برخوردند وصدمه های جانی ومالی برداشتند درجهاز بیل آستریا سی وسه نفر تلف شدند — یک جهاز دخانی ازکلکته روانه شده بچتگانک خورده خراب گردید وچون مسافران ازجهاز مذکور برآمده برساحل رسیدند جهاز مزبور بیکار گشته غرق آب گردید —

منظر ایران

تائمز لندن میگوید که حال ایران ازبد بدتر شده است وبهرحال اگرچه برطانیه برای اصلاح قرضه میدهد والسران سویدن انتظام هم بکنند اما خرابی روزبروز زیاده دیده میشود — هیچکس خیال ندارد که دریوروپ حالت موجودهٔ مشوش سوی ایران حرکت فوجی کند وبرای سزای دهقان اگر فوج فرستاده شد امکان ندارد که فوج مذکور برای جستجوی مجرمان بگردد بلکه درآنجا متهم خواهد شد وسرکار امتروح ومامون خواهد ساخت — واحتمال است که جمعیت مذکور همیشه درایران بماند وکاهی پس نگردد — واگر برطانیه مداخلت نکرد دیگر دولت دیگر خواهد کرد چراکه حالت جنوبی ایران بسیار مخدوش است وبهمین باعث برطانیه هم ازخیال مداخلت میترسد —

[illegible] تعلیم العجائب برای [illegible] بکاراست که نشو [illegible] و[illegible] وهمایلی [illegible] کثیر التعداد نموده انگلیسها خودرا در معرض هلاکت بیندازد چنانچه تجربهٔ جنگ در هندوستان بسیار شده است — اگراز ساحل تا شیراز و اصفهان لشکر برانگیخته شود بازهم امید در قعیت است وقبائل بامی قوت برطانیه را دیده وازانتقام ترسیده بهوش خواهند آمد .

همعصر رمعزز زمیندار می نویسد

امداد مجروحین ترک

راجه کنانور ازطرف خود ودیگر باشندگان بمعرفت بنک مدراس چهار ونیم صد پوند بوزیر اعظم ترکی فرستاده است . حاجی آدم صدر مجلس تخفیف ترکی یکهزار پوند بسفیر رنگون روانه کرده است که بمجروحین ترکان داده شود .

تلگراف ازلندن مظهر است که دریک عمارت عالیشان العالیان کوتوالی درآمده قاربازان راکه لباس فاخره دربر کرده بازی هزارها پوند میزدند گرفتار کرد — زنهای معتبره نیز باوشان گرفتار شدند که مرصع بجواهر وزیورات بودند .

(کیفیت اخفای آسلحه دربنکال)

بعض نوجوانان بنکال ازمدت دراز برخلاف دولت حکمران خود درنگاه داشتن اسلحه مصروف میباشند وازهمین جماعت ها اکثرم انکریز آمده برحکام انگریز بکرار حمله ها کرده اند — ازهمین قسم یک واقعه دزد ها که وقوع یافت — اینکه دوطالبعلم شب یکجاشده همراه دیگرجوانان مشوره ها میکردند که مادروبرادر یکی ازین شب بیداری ها وقوف یافته آن طالبعلم را منع کردند که ازین خیال بازآید — اما اومصر بود — چنانچه پدرش را که دریک شهر دیگرحاکم بود اطلاع داده شد — اوچون درخانه آمد پسر خود را بادیگر رفیقهایش حوالهٔ کوتوالی ساخت چراکه پیش پسرش یک صندوق پراز کارطوس ودیگر کاغذات بغاوت انگیز وتفنگچه ها برآمد — پدر انچنین بچهٔ خود را به عدالت سپرده بخلاف اوشهادت داده است .

(تحقیقات حادثهٔ بم دهلی)

کار تحقیقات حادثهٔ بم مذکور بابو عبدالله خان صاحب نائب منتظم صبه کوتوالی سپرده شده است وچونکه کار وبار تجاب پنشل بنک (سرمایهٔ قومی) دهلی از روز حادثهٔ بم معطل است لهذا منتظمان سرمایه بحاکم کلان دهلی درخواست نموده اند که باآنها اجازت اجرانمودن کار وبار عطاشود اما درخواست شان نامنظور گردید وحکم شد که کار اجرا دادن وبامعطل ساختن تعلق بافسران کوتوالی دارد وقتیکه افسران مذکور مناسب

دانستند از عمارت بنك بهره برطرف كرده اجازت رفت وآمد عوام خواهند داد — از شهر لاهور يك وكيل عدالت ويك نفر مدير اخبار ويك بچه ويكنفر اى — اى — سى كه روز واقعه در عمارت بنك مذكوره نشسته بودند بذريعه اطلاع تلگرافى طلب كرده شده اند — ومهتمم پنجاب نيشنل بنك كه از مردم هنود است بطريق خاص زيرحراست است .

(همعصر معزز خبر عالم در اشاعت ۸ جنورى تحرير مى نمايد)

طفل رياضى دان قدرتى —

يك بچهٔ ساكن مدراس مسمى به ارموگم شهرت غير معمول درعلم رياضى حاصل نموده است درهمين ايام يك شعبهٔ انجمن رائل ايشياتك سوسائتى زير صدارت سرهيو كيتورد سكنز تو آبادى عقام سيلون جلسهٔ منعقد نموده بود وافسرهاى كلان سررشتهٔ تعليم درجلسهٔ مذكور شريك بودند واز بچهٔ رياضى دان مذكوره سوالات چندكرده شدند و آرموگم جواب سوالات شانرا فى الفور داد — ويكى از سوالات شان اين بود — يك شخص متمول ۱۷۳ نفررا مدعو ساخت وفى نفر يك آثار انگريزى (مساوى نيم چارك كابل) برنج تقسيم نمود — درهر آثار انگريزى ۳۲۳۱۲۷۲ دانه برنج بود — شخص متمول گفت كه اگر از برنج مذكوره ۱۷ فى صدى دانه براى معبد جدا كرده شود براى معبدها چندعدد برنج جمع خواهد شد — ارموگم مذكور درسه ثانيه جواب شانرا گفت — اما يك رياضى دان كه سوال مذكورهٔ فوق را از خانه حل نموده آمده بود به بچه گفت كه جواب شما غلطاست درجواب بجاى ۷۰۹ دانه ۷۱۹ مى شايد — ارموگم گفت كه جواب من غلط نيست وچون حل سوال مذكور مكرر نموده شد جواب ارموگم صحيح بود .

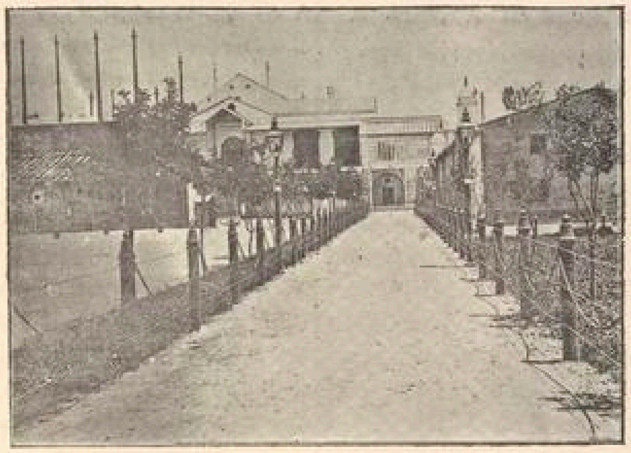

(ازمناظر داخل ارگ مباركهٔ كابل)

— منظرهٔ يك قسمى از قصر سعادتحصر (برج شمال) ويك قسمى از گلخانهٔ شاهانه —

[تعريفاتش درشمارهٔ (۸) درزيرعنوان تحولات كابل مذكور است]

(افسران نظامى طرابلس)

بذريعهٔ تلگرافات يوروپ مفهوم ميگردد كه افسران عثمانيه مقيم طرابلس باخيال كه دشمنان درروم ايلى لشكر عثمانيه را ازهر طرف محاصره نموده اند طرابلس را گذاشته درتيونس رسيده اند واميد است كه عنقريب همراه برادران مجاهدين خود شامل خواهند شد .

(حالت ادريانوپل)

نامه نگار اخبار ديلى نيوز ازميدان كارزار خبرداده است كه فوج الاعدهٔ نمبر ۳ بلغاريا محاصرهٔ ادريانوپل كرده نتوانست زيرا محاصرين مذكور گوله وبارود لائق كفاف ندارند - علاوه ازين فوج سرپشتهٔ بلغار باغفاه ياس بنه استقامت كرده نمى تواند چرا كه گوله اندازان عثمانيه لشكر بلغاريا را از مقام مذكور پسپا ساخت وهمه كوشش لشكر بلغاريا عبث رفت - فوج عثمانيه بجمع آورى مال غنيمت مصروف است . لشكر بلغاريا هزيمت خورده بطرف يسار ادريانوپل بفاصلهٔ چهار ميل پس رفت ووقت پسپاشدن نهايت بى سروسامان بود ..

درایام گذشته محاصرین بمقام قره طاغ قابض گشته بودند اما بعد از یك جنگ سخت وخونریز راه فرار گرفته — افواج سرویا وبلغاریا که بمقام ادریانوپل مقیم است دوازده هزار نفر آن کشته شده است .

(همعصر معزز پیسه اخبار دراشاعت ۹ جنوری)

رقمطراز است

الزام واقعهٔ گلوله بم برهیچ قوم نهاده نمی شود .

قبل برین برشاه هسپانیه واعلیحضرت اوجه گلوله بم نموده شده بود بعد ازان واقعهٔ همین قسم بر رئیس جمهور امریکه درپیش شد واکنون شنیده شده است که برشهزاده جاپانی یاما کاتا حملهٔ بزدلانهٔ همین قسم کرده شده است اما همه مرتکب جرم یك شیخ مجنون وفاتر العقل تصور کرده نظر انداز کرده می شود درایران اکثر حوادث گلوله های بم واقع شده اند الغرض حادثهٔ بم درممالك مشرق ومغرب چندان غیرمعمولی نمیباشند ـ اما چون درهندوستان برای چنین امور بحث رانده می شود ملزم های واقعات از فرقه سیاسی خیال کرده می شوند ـ درممالك یوروپ بلحاظ مذهب وقومیت هیچ کس متهم نمیگردد ودرهندوستان تحقیقات امورات مذکوره ازقومیت ومذهب شروع نموده می شود .

(اعتراف بهادران عثمانیه)

اخبار فرانسوی موسوم به جرنال درحین مذاکرهٔ که درمابین عثمانیه وسربیا درمناستر واقع شده بود تحریر می کند — امروز آن روز است که پیش بهادری سپاهیان عثمانیه وشجاعت دلیرانهٔ افسران افواج مذکوره که درمعرکهٔ گذشته اظهار آن نموده اند سرتسلیم خم کرده شود .

(عیناً مکتوب ازبادکوبه)

(اظهار تشکر)

جناب معارف پرور !

باکمال احترام واپستادگی عرض میشود !

سابق درجریدهٔ اقبال .. منطبعهٔ بادکوبه خوانده شد که درمملکت خداداد افغانستان : دردارالسلطنهٔ کابل بپایهٔ ترقی آیهٔ اعلیحضرت پادشاه معارف خواهشان ، روزنامهٔ جدید موسوم (بسراج الاخبار افغانیه) درتحت مدیریت جناب معارف شیم محترم (محمود طرزی) طبع وتوزیع میشود . بمحض مطالعهٔ این خبر بهجت اثر عالم عالم سرور وفرح حاصل گردید . وبواسطهٔ این سراج منور قلوب پژمردهٔ ملت نجیب افغانیان راانور وبلکه یك خدمت بزرگ بعالم معارف وانسانیت ومطبوعات کرده میشود . فلهذا موسسین (قرائت خانهٔ نجات) من باب الافتخار ومباهات بادارهٔ مبارکهٔ شمارجاء اظهار داشته سرکار آن نیز محض خدمت بعالم انسانیت ومعارفیت را یکان من باب اعانه سالیانه ازبرای (قرائت خانهٔ نجات لنکران) روزنامه می فرستادید دراینباره موسسین قرائت خانه باکمال احترام ازین مهربانی انسانیت پرورانهٔ شما عن صمیم القلب کمال امتنان وتشکر وعبودیت دارند ازحضرت احدیت پاینده گی ادارهٔ مبارکهٔ شمارا مسئلت مینمایند .

مدیر : قرائت خانهٔ نجات ..
میرزا آقاعلی میرزا عزیز زاده علی اوف لنکرانی

مقالهٔ مخصوصه

﴿ فارسی زبانان قدراخبارهای فارسی را بشناسند ! ﴾

یکی اززبانهای بسیار مهمهٔ عالم اسلامی زبان شیرین بیان فارسی میباشد که بعداز زبان دینی عربی مبین یك رکن بسیار عالی زبان اسلامیانرا تشکیل میدهد .

درین جا ما اززبانهای متداولهٔ غرب بحث نمیرانیم . بلکه مقصد ما اززبانهائیست که درممالك شرقیه وبالخاصه زبانهای که درمیان مسلمانان متداولست . اولاً لسان عربیست که ازساحل بحر محیط اتلانتیك یعنی ازاقصای مغرب زمین گرفته همهٔ سمت شمالی وتابسیار جاها ازسمت شرقی افریقا ، وهمهٔ قطعهٔ عربستان ، وارض فلسطین وسوریه ، وعراق ، وبحرین درزیراحاطهٔ این زبان میباشد ومتکلمین آن تقریباً به چهل ملیون نفوس میرسد . ثانیاً زبان ترکی عثمانیست که نهایت منحصر درخود مملکت عثمانیه است ولی من حیث اساس ترکی بودنش درهمهٔ ترکستان وماوراءالنهر متداولست که متکلمین آن نیز تقریباً به بست وسی ملیون نفوس میرسد . ثالثاً زبان فارسیست که درتمام قطعهٔ ایران وافغانستان ومن حیث لسان ادبی بودنش درتمام ماوراءالنهر وبخارا وهندستان معروف ومتداول میباشد که زبان دانان این زبان نیز یك جمع کثیری ازنفوس بشر میباشد . رابعاً زبان اردوست که منحصر درقطعهٔ وسیعهٔ هندستان است وتقریباً به هفتاد هشتاد ملیون مسلمانان هندستان بهمان زبان متکلم هستند .

حالا ما همین چهار زبانرا موضوع بحث نموده بعضی تتبعات فکریهٔ قاصرانهٔ خودرا درانباب بیان مینمائیم : اولاً این را عرض کنیم که زبان عربی سببی که قرآن مجید وفرقان حمید حضرت خالق وحید جلت کلمته به این لسان مبین شرف نزول فرموده عندالمسلمین اقدس واشرف زبانها شمرده میشود . غیرازین شرافت وقدسیت معنوی دراصل ذات خود نیز لسان عربی یك وسعت وقوت ومتانت عظیمی درقواعد واسلوب کلام دارد که درکلمات بسیار کم معانی بسیاری را افاده وبیان میکند وبهمین حیثیت اگر سرتاج زبانها شمرده شود جادارد . وچون زبان دینی مسلمانها شمرده میشود ازان سبب برای همهٔ مسلمانان روی زمین حکم یك زبان عمومی را گرفته است . مسلمان اگر ترك است اگر فرس اگر افغان است اگر هند اگر چین است اگر جاوا است همه حالمیاید که

که قرآن کریم را تلاوت کنند ، هیچ نباشد نماز پنجگانه خود را [illegible] هم بعض سوره قرآنیه را قرائت کردن لازم است . لهذا ذرّیهٔ همهٔ مسلمانانی که خواه در عرق [illegible] وخواه غیر عرب این زبان معجز بیان عربی مبین معروف [illegible] اساس دینشان شمرده میشود .

از همه مهمتر که اساس علوم وفنون همهٔ مسلمانان که غیر از عرب وعربستان هم باشند بر لسان عربی بنا یافته است . در ایران ، ترکستان هندستان ، افغانستان وغیره بلا استثنا [illegible] اصول تحصیل علمیه بر لسان عربی منحصر است . مؤلفین فرس وهند ، و[illegible] نیز همهٔ اکثر تألیفات وتصنیفات مهمهٔ علمیهٔ که کرده‌اند زبان عربی نوشته اند . در مملکت عثمانیه نیز اصول تحصیل مدرسها وطالبها از قاعده‌الفبای بغدادی آغاز کرده بصرف ونحو و منیه و کنز منتهی میشود . واگر علوم عالیه را ایشان بدون خواهند وعلوم ریاضیه ، ومنطقیه را تحصیل کردن گیرند . ویا در علوم فقهیه وحدیث وتفسیر وغیره قطع مراتب آرزو کنند باز هم زبان عربی باید بخوانند .

ازین هم مهمتر اینکه چون بدیگر زبانهای سه‌گانه یعنی ترکی عثمانی وفارسی ، واردو نظر کنیم در وقت حاضر هیچ یک وسطر تحریر را بدون معاونت کلمات ولغات عربیه نمی‌یابیم . علی الخصوص تحریراتی که به ادبیات ، وحکمیات تعلق داشته باشد که آنچنان تحریر وتقریر بهیچ یک زبان ازین زبانهای چارگانهٔ که موضوع بحث ماست بدون استعمال کلمات ولغات عربی تحریر آن خارج اقتدار محرر است بنابرین معلوم میشود که زبان عربی بمنزلهٔ روح فعال زبانهای مسلمانان میباشد

اسباب یگانهٔ این عمومیت وشمولیت زبان عربی را بدو چیز می‌یابیم : یکی سبب معنوی دینی آنست که آنهم معجزهٔ قرآن عظیم الشأنست . دوم سبب مادی سیاسی آنست که در اسباب جزئی تفصیل دادن لازم است :

هنگامیکه ظهور آفتاب بالتاب دین مبین مقدس اسلام بوجود رحمت آمود حضرت (محمد) علیه الصلوة والسلام از مشرق یثرب وبطحا طلوع درخشنده‌گی گرفت کمتری نگذشته بود که اکثر اقطار عالم را پرتو آن نور نیر درخشان منور ساخت . عساکر اسلامیه در هر مملکتی که در آمدند احکام دینیه وسیاسیهٔ اسلامیه را نیز بزبان عربی نشر دادند . ذاتاً زبان عرب در اصل واساس خود نیز یک زبان بلیغ وفصیح برمعانی بود که بران بلاغت وفصاحت اصلیه بلاغت وفصاحت معجزه‌نمای فرقانیه نیز علاوه شده با انوار ایمان زبان نیز تعمیم گرفته است تا آنکه در زمان سلطنتهای امویون وعباسیون حاکم همهٔ زبانهای دنیا زبان عربی گردیده بود .

دولت عرب بر عباسیون در آسیا به انجام رسید . اگرچه بعد از آن طوایف الملوکی بظهور آمده اکثر از مردمان آنها مانند سلجوقیها ، وشعبه‌های آنها ، وغزنویها وعثمانیها وغیره الی یومنا هذا بظهور آمد . ولی حاکمیت زبان چنانچه در معنویات ودینیات بزبان عربی باقی ماند همچنان جهت سیاسیات آن زبان فارسی توارث وانتقال نمود .

[illegible] زبان تحریری [illegible] از مضمحل شدن دولت عرب بر ایران یک زبان خالص ومستقل بود [illegible] دیگر زبان [illegible] در همان حال اصل خود [illegible] فارسی بازبان عربی امتزاج حاصلکرده . وفصاحت وبلاغت عربی را بازاکت ولطافت لهجهٔ فارسی تطبیق داده یک زبان بسیار باسلاست ولطافت [illegible] بوجود آمده است که آنرا [زبان دری] نیز میگویند

اصل زبان فارسی از شعب [illegible] آریانی‌های سلالهٔ قافکاسی میباشد که تفصیل آن در مقالهٔ سابقهٔ ما سبقت نموده است . از اصل زبان فارسی قدیم هیچیک اثری بواخلاف نرسیده است مگر یک کتاب ناتمام مقدس آتش پرستان زردشتیهٔ ایران که بنام [زند] یا [زنداوستا] معروف است و بزبان اصل فرس قدیم نوشته شده است . وبعد از چندی به [زبان پهلوی] ترجمه شده که آن ترجمه را [پازند] مینامند . اصل کتاب ناتمام [زنداوستا] از طرف اوروپائیان بطبع رسیده است . و بزبانشان ترجمه هم شده است وازان سبب زبان قدیم ایرا را [زند] نام نهاده‌اند از قرار تحقیقاتی که اوروپائیان در زبان زند بعمل آورده‌اند مشابهت آنرا از فارسی بیشتر بزبان سانسکریت یافته اند که ازین هم معلوم میشود که اقوام زند نیز از شعبهٔ آریانهای هندوکش جدا شده در ایران قایم شده‌اند .

ما از زبانهای قدیم فرس که هیچ اثری از آنها پدیدار نیست صرف نظر کرده باز بر همین زبان فارسی متداوله که بعد از آمیزش با لسان عرب وجود گرفته ، وبهزاران اثرها وتألیفهای گرانبهای متنوعه در آن زبان تحریر یافته بحث میرانیم :

این زبان ، بعد از انقراض یافتن حکومت عرب در همه سلطنتهای طوایف الملوکی که از اقوام مختلفه در هر طرف آسیا تشکیل یافت زبان رسمی حاکمه گردید . حکومتهای سلجوقیه عراق وایران وقونیه هم مکاتبات رسمیشان بهمین زبان دایر وجاری بوده است . سامانیان غزنویان ، غوریان این زبان را خیلی ترقی داده اند در عصر پادشاهان گورکانیهٔ جغتائی از زبان عمومی بسیار واسع بود که ادبیات آن زبان در آن عصر ترقیات بدیعه نشان داده است زبان فارسی در هندستان از طرف پادشاهان جغتائیه وغیره تا باوان اعصار اخیره زبان رسمی وادبی عمومی بوده ودر زمان بس آثار نفیسهٔ ادبیه وحکمیه بمیدان نهاده است . در دولت علیه عثمانیه نیز تا بسیار وقتها زبان رسمی وادبی مهمه آن زبان فارسی بود !

بناءً علیه گفته میشود که بعد از زبان عربی مبین زبان فارسی شیرین یکی دیگر بسیار مهم زبانهای عالم اسلامی شمرده میشود ولی در وقت حاضر تنها زبان رسمی دولت علیهٔ ایران ودولت علیه افغانستان زبان فارسی بوده بدیگر طرفها بجز جهت ادبی او دیگر شمولیتی ندارد

امدیم بزبان ترکی عثمانی اولاً این را بگوئیم که این زبان چنانچه زبان فارسی از آمیزش زبان عربی یک حسن ولطافت کاملهٔ حاصل کرده است زبان عثمانی نیز از آمیزش وامتزاج با زبان عربی وفارسی یک

شیرین و شیوهٔ بسیار رنگین پیدا کرده که هیز عربیه این زبان را چون تجزیه نمائیم یک حصهٔ آن را عربی، و یک حصهٔ آن را فارسی و یک مقدار آن را فرانسوی، و یک مقدار آن را ترکی میابیم. ولی چون زبان عثمانی از بسیار وقت است که زبان یک دولت بسیار بزرگ اسلامیان که مقام خلافت شمرده میشود و متمدن ترین دولتهای اسلام گفته میشود میباشد از آن رو یکی از زبانهای بسیار مهم و عمدهٔ اسلام است وچون پایتخت آن در مرکز مدنیت حاضره یعنی قطعهٔ یوروپ واقع شده و بعلوم و فنون جدیده زیاده تر احتیاج دیده از آن رو در تمام زبانهای موجودهٔ اسلامیه در خصوص علوم و فنون جدیده توانگر تر میباشد این قدر آثار و تألیفات علوم و فنون عصر حاضر که از زبانهای اجنبی به لسان عثمانی ترجمه و تألیف و طبع شده است نه در عربی و نه در فارسی و نه در اردو شده است:

بنا برین زبان عثمانی در میان زبانهای مسلمانان که در شکل احروفات الفبا باهمدیگر یکی میباشند برای مسلمانان یک زبان لازم التحصیل عصر حاضر میباشد. زیرا علوم و فنون عصر حاضر برای مسلمانان شد لزوم را دارد، و برای تحصیل آن لابد به آموختن زبان مجبوریت حاصل میشود، وچون زبان عثمانی بسبب یکسانی الفبا، و آمیخته گی آن بازبان فارسی و عربی نسبت بزبانهای اجنبی آسانتر تحصیل میشود از آن رو زبان عثمانی در زبانهای مسلمانان زبان بسیار مهم و مفیدی میباشد

(زبان اردو) نیز یک زبان مهمیست که بسیاری از مسلمانها در یک قطعهٔ بسیار وسیعی با آن متکلمند. این زبان نیز زبانیست که از ترکیب سانسکریت با عربی، و فارسی و درین اوقات یک کمی با انگلیزی بوجود آمده است. زبان اوردو نیز مانند زبان عثمانی یک زبان قوی میباشد ولی بدرجهٔ زبان عثمانی در علوم و فنون جدیده توانگر نیست چرا که زبان مذکور یک زبان حاکم نی بلکه زبان محکوم است و زبان حاکم هندستان زبان انگلیزیست، تحصیل کننده گان علوم و فنون جدیده مجبوراند که زبان انگلیزی را تحصیل کنند. و زبان انگلیزی را تا بیاموزند ناقلف میشوند و نمی! لهذا مجبوریت کلی برای تألیفات و تراجم فنون جدیده در آن دیده نشده است. اما ارباب قلم و غیرت و فضلات اردو زبان در باب اصلاح، و خوبی و جامع العلوم ساختن آن خیلی سعیها و کوششها بعمل آورده زبان اردو نیز در وقت حاضر از زبانهای خوب شرق شمرده میشود.

حالا بیائیم بر اصل مقصد خودمان که این مقاله را برای آن تحریر میکنیم، و آن عبارت از اظهار یک اسف و حسرتیست که تا از صمیم دل حسرت منزلها بر میخیزد، چون زبان شیرین بیان فارسی را که زبان ماست و زبان رسمی دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما افغانستان است بدین بی بضاعه گی و بیسرمایه گی علوم و فنون حاضرهٔ عصر و زمان می بینیم از جوش حسرت یک ناامیدی خودانه در دل خود حس میکنیم این زبان که در یک وقتی در تمام قطعهٔ آسیا علم افراز جهانگیری بود درین وقت می بینیم که روز بروز در تنزل و فراموشی پویان میشود، در حالیکه در یک زمانی از نهر گنگ تا بدریای سیر و قسطنطنیه این زبان حکمرانی داشت درین وقت تنها در خاک ایران و افغانستان خزیده بیک قدم به آن در نمی نهد. هم آثار و تألیفاتی که از اسلاف با اخلاف باقیمانده از آثاری نیست که انسانهای این زمان از آن استفاده بتوانند. درین باب دولت ایران غفلت و کسالتی که روا داشته، شایان حیرت دیده میشود. یک اثر، ده اثر، بیست اثر چیزی نیست که درد احتیاج تداوی نماید. هزارها نوع اثر بکار است. انگلو پیدیهای بحجم مجلدات متعدده بکار است. تا باید شمس اللغت و فرهنگ و غیره بدرد نمیخورد. از دیوانهای اشعارهای محو گل و ساده و بلبل اطفالهای این عصر چه خواهند آموخت؟ بمجلدها تاریخ سیاسی و تاریخهای حرب لازم است. یک درهٔ دری و تاریخ تزئینه تا یکی کار خواهد کرد، و الحاصل این درد از جای دردهای نیست که دوا پذیر باشد. و ازین است که ما را یک حسرت و ناامیدی در حالی پیدا میشود. اما که میداند؟ استقبال ما را چه خواهد کرد! ...

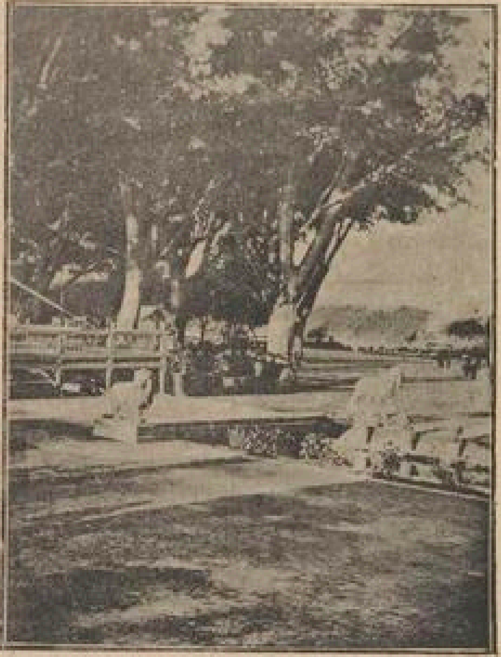

(از مناظر باغ ارگ مبارکهٔ کابل)

که یک قسمی از معاینهٔ هشت در صفحه منظور، و هیکل دو شیر مهابت گستر
(تفرقاتش در شمارهٔ (۸) در زیر عنوان تحولات کابل مذکور شده است)

ازهمه درگذشته، یکبار بسوی اخبارهای دنیا نظر کنیم : اخبارهای که درین السنهٔ چارگانه نشر میشود درهرزبان بصدها اخبارهای روزانه وهفته‌وار در معروض انتشار برای ارباب آن زبان میبراید حالآنکه درهمه‌دنیا بجزهفت هشت اخبارهای که بزبان فارسی مانند ستاره های درخشانی که دریك سمای بسیار تارومظلمی ازبعضی گوشه‌ها وکنارها دردرخشیدنست دیگر هیچ اخباری نیز به این زبان پدیدار نیست .

آه ! ... درخصوص بسیار گفتنیهاست . ولی افسوس که صحایف محدود ، وشیراه قلم مسدود است . لهذا برهمین کلام ختم مقال مینمائیم که فارسی زبانان قدر همین چند اخبارهای فارسی خودشانرا بسیار بشناسند .

(مقالات فنیه)

(حکمت طبیعیه)

(فن)

(متهاورلوژی)

(باد)

مابعد از شمارهٔ ۹

جریانهای استوائی . که از ما فوق جریانهای قطبی یکسر بسوی قطبین جریان دارند در نصف کرهٔ شمالی (بادجنوب غربی) ودر نصف کرهٔ جنوبی (باد شمال غربی) گفته میشود که در سمتهای منطقهٔ حاره بنام (ریاح تجارت منعکسه) تعبیر میشوند .

لا جرم در میان جریانهای قطبی واستوائی دائما بدینوجه یك مبادلهٔ واقع میشود . اینست اسباب کلی تغییر وتبدیل جریانهای باد که از حرکت وضعیه کرهٔ ارض بعمل میاید . اما جریان عمومی کرهٔ هوا را بعضی احوالات دیگر نیز هست که تغییر وتبدیل میدهد :

مثلا در منطقهٔ حاره جریانهای استوائی که بالای جریانهای قطبی در وزیدن اند گاهی قبل از واصل شدن بمرجع شان در اثنای راه سردو کثیف گردیده با جریانهای قطبی میامیزد . واین امیزش اکثر در ما بین خط استوا وقطبین بعمل میاید . پس جریانهای قطبی واستوائی فقط در منطقه حاره بنام ریاح تجارت وریاح تجارت منعکسه موسوم میشوند . ولی در مابین آن وخط استوا بسبب امیزش به اسم (ریاح مختلفه) مسمی میشوند چونکه درین منطقهٔ ریاح مختلفه گاه یکی وگاه دیگری برسطح کرهٔ ارض میوزد . ومانند ریاح تجارت بر یك نظام ویك نسق نیز نمیوزند چنانچه تفصیلاتش در ذیل منطقهٔ ریاح بیان می شود .

(منطقهٔ ریاح)

ازحرکات مذکورهٔ کرهٔ هوا (۷) منطقهٔ ریاح تشکیل میکند

۱ اول — (منطقهٔ سکونت) است . که این منطقه مطابق منطقهٔ ایست که حرارت متوسط سنویش خیلی زیاده باشد . درمنطقه بادی که اجرای حکم خودرا میکند همان جریانیست که از سبب حرارت منبسط گشته بسوی بالا صعود میکند . وبسببیکه صعودش بسهولت حس نمیگردد لهذا منطقهٔ سکونت گفته میشود . این منطقه ازیکنیم درجهٔ عرض جنوبی تابه (۱۱) درجهٔ عرض شمالی امتداد می یابد .

دوم وسوم — (دو منطقهٔ ریاح تجارت اند) که یکی در نصف کرهٔ شمالی . ودیگرش در نصف کرهٔ جنوبی واقع شده‌است که از منطقهٔ سکونت تا به (۳۰) درجهٔ عرض امتداد میکند . دراینجا با جریانهای قطبی حس میشود چونکه بر سطح ارض

فاجعه های پاریس

[مابعد ازشمارهٔ [۹] سال دوم]

درباب عدم‌این ازدواج آشکار گردیده بیش ازپیش است . باین ازدواج ازاول‌زیاده‌تر مخالف میباشم . رجامیکنم دختر ! بعدازین درینباب بمن چیزی مگو زیرا قراری که درینباب داده‌ام غیرقابل تغییروتبدیل است .

قلوتیلد — (بکمال جرأت) آیا اینرا فراموش میکنید که فردا بسن‌بلوغ واصل شده اثبات رشد میکنم . و بنابران بر اراده وآزادیٔ خود صاحب میشوم .

مارگی . ازین‌درجهٔ جرأت وبیباکیٔ دخترخود مبهوت‌مانده گفت — آیا بی‌اطاعتی ومخالفت خواهی کرد ها ؟

— بلی . بشما مخالفت خواهم کرد پدر ! میدانید که قانون درین‌کار همچنین حکم‌داده است .

— بلی حکم قانون رامیدانم . لیکن اینرا هم میدانم که یك دختر اصیل زاده‌ئیکه رعایت واطاعت فرزندانهٔ خودرا فراموش کرده وعار وحجابرا درزیر پای خود انداخته واحکام قانونیه را یك‌سپر مقاومت برای خود ساخته ، به‌پدرخود اعلان عصیان ورزد تاحال دیده نشده است . آیا میدانی که این حرکتت تادرجه بی ادبانه ورذیلانه یك حرکتی خواهد بود ؟

— آیا چنان یك کاری که قانون آنرا جوازداده باشد چسان بی‌ادبانه شمرده میشود ؟

— یك قانونیکه شریك تهمت وجنایت عصیان وبی اطاعتیٔ یك اولادی به پدرش گردد پامال کنندهٔ حقوق مقدسه است که بسیار بدچیز شمرده میشود . نی کلوتیلد ! من هیچ امید نمیکنم که تو برچنین کار جرأت بتوانی .

— اگرمرا مجبور کنید جرأت خواهم کرد پدر . رجا میکنم پدر . اینسخنان مرا بتهدید حمل نکنید بلکه بصورت طلب عاطفت بنگرید این است که برایهای تان مراقم مرحمت کنید .

قریب وزیدن دارد . ولی جریانهای استوائی محسوس نمیشوند چونکه در طبقه فوقانی وزش دارند .

سوم وچهارم — (دومنطقهٔ مداراند) که درمابین حدود تابستان وزمستان منطقه های ریاح تجارت که در نصف کرهٔ جنوبی ونصف کرهٔ شمالی واقع اند موجود میباشند . درموسم تابستان ریاح تجارت درین منطقه میوزد . ودر موسم زمستان ریاح مختلفه درمنطقه اجرای حکم خودرا میکنند.بناء علیه این منطقه برزخ است در میان ریاح تجارت وریاح مختلفه .

ششم وهفتم — (دومنطقهٔ ریاح مختلفه اند) که از حدود منطقهٔ مدار تاقطبین امتداد میورزند . درین منطقه ها جریانهای قطبی واستوائی هریك بنوبت میوزند .وچنانچه قبل ازین مذکور گردید که جریانهای استوائی گاهی در راه سرد وکثیف گردیده (باجریانهای قطبی میامیزد وعمل این امیزش نیز همین منطقهٔ ریاح مختلفه است . درین منطقه جریانهای استوائی که ازسمتهای فوقانی کرهٔ هوا نزول میکنند به (باد غربی) وجریانهای قطبی که در زیر جریانهای استوائی میباشد به (باد شرقی) تحویل میشوند . اما بسیار ترکه میوزد باد غربیست که در نصف کره شمالی به (بادجنوب غربی) ودر نصف کرهٔ جنوبی به (بادشمال غربی) تحویل میکنند .

(باقی دارد)

ادبیات

(غزل)

ای هموطنان کوشش اغیار ببینید
ما غافل وایشان همه هشیار ببینید
یکبار بحرف من وما گوش گذارید
از دیدهٔ عبرت همه یکبار ببینید
یکبار ازین غفلت خود چشم گشائید
ما خواب جهانی همه بیدار ببینید
اسلام چسان بود وچهشد زار بگرئید
بیمار وکیم اینکم وبیمار ببینید
امروز کجارفت وچهشد غیرت اسلام
ازبهر خدا غیرت کفار ببینید
ازبهر خدا یکنفس ازصدق بکوشید
تاغیرت این قوم ستمکار ببینید
درغار نهان بود ز اسلام نصاری
از غار برون آمده یلغار ببینید
درخانهٔ ماچند بود خانه خدا غیر
زین ننگ بمیرید وبان عار ببینید
بستند یکایك همه را دست بگردن
چون چاره نجوئید بناچار ببینید
غیرت نمائید که مشکل شود آسان
همت بگمارید چو دشوار ببینید
درد دل صد پارهٔ مستغنی بیدل
اخبار بخوانید و باخبار ببینید
گر درهمی حالت اسلام ندیدید
احوال من و طرهٔ دلدار ببینید

* * *

من قوت خونترانرا دوست دارم . این محبت ازسالهاست که برتمام دل وخوابم مستولی میباشد . ازجانم زیاده تر او را دوست دارم . اگرزوجهٔ اولشود وای من سعادت میسر نمیشود . بیرحم نشوید . اورا فرزندی قبول کنید .

— هیچ وقت قبول نخواهم کرد !

— رحم میکنم . دل خودرا نرم کنید پدرم .

— ممکن نیست !

— پس خودشماهم تسلیم میکنید که اخیرکن شما بسیار بیرحمانه حرکت است . اگر مراجعتگاه آخری مادردست این قانون نمیبود آیا من چه میکردم ؟

— اگر جرأت وجسارت داشته باشی به آن قانون مراجعت کن که ببینم .

— بحکم مجبورم پدرم . بدل خود حکم کرده نمیتوانم . اگرادا یك امید بمن بدهید بازهم صبرخواهم کرد . اما شما حاصل شدن المقصد را قطعیاً حکم میکنید .

— دوروغ بگویم . ازین هیچ امیدی در خصوص مکن !

— پس معلوم شد که آخرین شما همین است دیگرگفتنی نماند .

— نی هنوز سراسر تمام نشد . بشنوای اولاد کافر نعمت غافل قوت دورانداز را ازتو کرده زیاده من خوب میشناسم . اوبك آدمیست که بهرگونه شناعت وشقاوت مقتدراست . ازینکه تو زوجهٔ اوبینم دیدن مرگ را اولترمیدانم . اگرتو بااواز دواج کنی ازیك مصیبت بدیگرمصیبت ازیك غم بدیگرغم دوچار خواهی شد . ترا ازدین راههای مرداری دور داده ازسفاهت بسفالت ازسفالت بشناعت ودناءتها سوق خواهد کرد . تو باقوت قانون وخلاف رضای پدرخود بااو از دواج کرده خواهی توانست اما محقق بدان که باز برای رهانیدن تودست معاونت خودرا دراز نخواهم کرد . وبدان هم آگاه باش که همان روزی که تو بدایرهٔ قانون مراجعت کنی . ومأمورین قانونیه بخانهٔ من قدم بگذرند قلوتید نام یك دختری دردنیا برای من موجود نخواهد بود .

(باقی دارد)

ناموران زنان جهان

(مابعد از شمارهٔ (۹) سال دوم)

آثار ادبیهٔ بسیار شیرینی نوشته که آثارش مظهر بسیار حسن قبول گردیده است .

آنه :ــ که درزبان نصارا مخفف (حنا) ست ودرحرف (ح) بیان میشود . بهاین نام دراوروپا بسی زنان مشهورهٔ گذشته که یکی ازانها دختر (الکسی قومینیوس) ایمپراطور روم است ودرسنهٔ (۱۰۸۳م) تولدیافته وادیبه ومحرره یك زنی بوده است وتاریخ عصر پدرخودرا نوشته که الیوم موجود میباشد . دیگر : دختر (لوئی یکم) وبرادر (شارل هشتم) از پادشاهان فرانس است که درتاریخ ۱۴۶۲م تولدیافته ودرهنگام صباوت برادرخود بصفت نائبهٔ حکومت مملکت راخوب اداره کرده است دیگر : دختر (فرانسوای دوم) که دوك برتانیاست میباشد . ودرسنهٔ ۱۴۷۶م تولدیافته . وچون به رشد رسیده باشارل هشتم پادشاه فرانس ازدواج کرده سبب الحاق (برتانیا) بفرانس شده است ودر وقتیکه شوهرش بمحاربهٔ ایتالیا میرفت آنه را وکیلهٔ سلطنت مقرر نموده بود که مملکت رابه بسیار خوبی اداره کرده است . بعد ازوفات شارل با (لوئی دوازدهم) پادشاه فرانس ازدواج کرده . دیگر : دختر (لاویلاس ششم پادشاه مجارستان است که درسنهٔ ۱۵۲۷ م تاج چهستان ومجارستانرا برای شوهر خود (فردیناند) اوستریائی کاپی کرده است ودرجنگها بسیار مردانه کارها نشانداده است . دیگر : دختر (فلیپ سوم) پادشاه اسپانیاست که درتاریخ ۱۶۱۵ درفرانس با (لوئی هشتم) پادشاه فرانس ازدواج کرده است . دیگر : دختر (ژاق دوم) پادشاه انگلستان است که درسنهٔ ۱۶۶۴ تولد یافته ودرسنهٔ ۱۶۸۴ با (پرنس جورج) پادشاه دانیمرك ازدواج کرده . بعد ازوفات (گیوم) پادشاه انگلستان ازطرف انگلیزها ازدانیمرك دعوت شده درسنه ۱۷۰۲ بتخت پادشاهی انگلستان جلوس نموده است . درزمان سلطنتش فتوحات عظیمهٔ برای دولت انگلیس پیش آمده . دور حکومتش را یك رونق بی اندازهٔ حاصل شده . ودرمعاهدهٔ (اوترخت) برهمهٔ دولتها نفوذ خودرا انفاذ کرده است یکی از کارهای بزرگی این ملکه اینست که (اسقوچیا) را با انگلستان تمامها یکی ساخته است . ادبیات انگلیز درزمان ملکه آنه خیلی ترقی کرده است . دیگر : ملکهٔ روس « آنه ایوانووه » میباشد که درسنهٔ ۱۷۳۰ بنا بروفات پتروی دوم بتخت روس جلوس نموده . وامور دولت رابه (ژان دوبیرن) نام یکی ازمقربین خود تسلیم کرده باوجودیکه ملکه خیلی مرحمتکار یك زنی بوده دوبیرون مذکور بنام او انواع ظلمها در ملك اجرا کرده است .

(باقی دارد)

علم ثروت ملل

(مابعد از شمارهٔ (۹) سال دوم)

عملیات رانها بدر خود بخواهد که اجرا کند درروزی از دوقطعه کاغذ زیاده‌تر ساخته نمیتواند . »

(آدام اسمیت) که او نیز ازمشاهیراست چنین میگوید : « دریك فابریك سوزنسازی ده نفر کاریگر هجده رقم عملیات اجرا کرده دریك روز چهل وهشت هزار سوزن ساخته میتوانند ــ که برهر آدم چهار هزار سوزن می افتد ــ واگرهمهٔ این عملیات را تنها یك آدم اجرا کند به بسیار دشواری بیست سوزن هم بوجود آورده نمیتواند . »

« آدام اسمیت » این قوهٔ خریهٔ قاعدهٔ تقسیم اعمال راازسه سبب حل میکند : اولا . کاریگرانی که بهاصول تقسیم اعمال کار کنند ، یعنی که کارشان وآلات وادوات‌شان ، وجای وموضع‌شان تبدیل نمی یابد ودست‌شان وفکرشان بهمان یك کار عادت ومهارت پیدا میکند بهتأنی ودریك محل باقی مانده وقت وزمان ضایع نمیشود . ثانیاً ، دست وذهن انسان ، دایما بریك سیاق ویك طرز بیك کار ویك عمل مشغول گشته چشم‌پوشیده هم همان کاررا اجرا کرده میتواند . ثالثاً ، تقسیم اعمال سبب بکاه کشف واختراع بعضی کارهای آسانتر و کوتاه‌تر میشود . زیرا عمله وکاریگر دایما وقت وزمان خودرا بیك کار صرف وحصر میکند . وازاین رو هیچ شبهه نیست که دایما ازجستجوی پیدا کردن واسطه‌هائی که آن کار اورا آسان وچابك بسازد هیچ‌گاه فارغ نمیشود بواقعیکه اکثر آلات وبعضی ماشینها ازان چیزهائیست که عمله‌های بدنی وبعملی آنرا اختراع کرده‌اند . برین سه سبب دو سبب دیگر نیز علاوه کرده‌اند که قاعدهٔ تقسیم اعمال برای کار گرفتن ازقابلیت واستعداد عمله وکاریگران موجب آسانی‌ها میشود . ونیز برای تطبیق دادن قوت وسعی که صرف میشود بهاصل نتیجه وثمرهٔ کاریکه آن قوت برای آن صرف شده رهنمائی میکند . مثلا درفابریکهای سنجاق سازی . مشکلترین کارها بهماهرترین عمله وکاریگران محول میشود . وسنجاق هارا برروی کاغذها خلانیدن ، وصف بستن که آسانترین کارهاست بهزنان وپسران حواله میشود که بهاینصورت ازقابلیت واستعداد [illegible] ود . اگرهمه این کارها برخلاف قاعدهٔ تقسیم اعمال اجرا وبریك آدم بارشود ادم صاحب مهارت وقابلیت کارهای مهم وعمده ، مجبور میگردد که کارهای آسانراهم اجرا کند . واگرمهارت وقابلیت نداشته باشد بهاجرای

[باقی دارد]

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد ازطرف مدیر وسرمحرر تحریر یافته

محمود طرزی

در چهاپ خانه حروفی دار السلطنه کابل طبع گردید

صحیفه (۱) سال دوم شماره (۱۱)

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

نگران
ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی
علی احمد

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
باخراجات داک ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
باخراجات داک ۱۰ روپیه انگلیزی
بهر پانزده روز یکبار نشر میشود

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

محل مطبعه
در ماشینخانه دار السلطنهٔ (کابل)
همهٔ امورات تحریریه به ادارخانه
بنام مدیر فرستاده میشود
قیمت یک نسخه آن در کابل یکعباسی است

تاریخ عربی ۱۵ ربیع الاول ۱۳۳۱ تاریخ انگریزی ۲۲ فروری تاریخ شمسی ۴ حوت ۱۲۹۱

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بعضی مقالات مفیده درج میشود

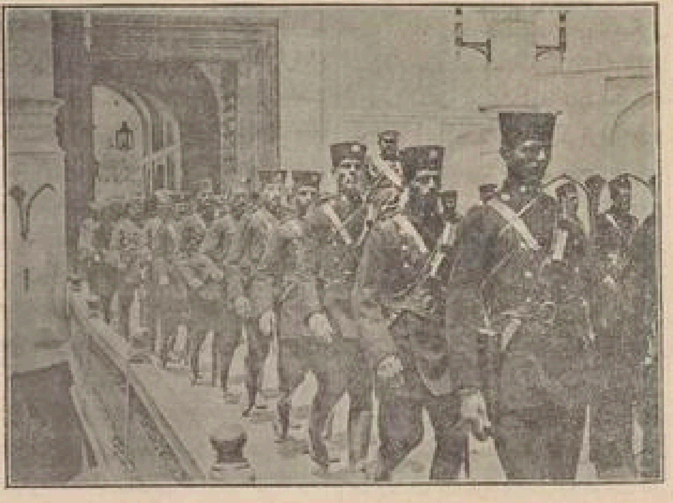

خروج شوکت عروج موکب سلطنت موهب اعلیحضرت سراج الملة والدین
باشوکت وهیبت عسکری از دروازهٔ بزرگ ارگ مبارک

فهرست مندرجات

عسکر پروریهای ذات اعلیحضرت همایونی
حوادث داخلیه
حوادث خارجیه
باب التفسیر
مقالات فنیه
ادبیات
ناموران زنان جهان
علم ثروت ملل
فاجعه‌های پاریس

(عسکر پروریهای ذات اعلیحضرت همایونی)

درین شمارهٔ خود به طبع ونشر چند قطعه وضعیتهای عسکری ذات شوکتسمات اعلیحضرت پادشاه مقدس معظم ، وسرافسر کل اردوهای ظفر برجم خودمان کامیاب آمده ایم .

خلاق عظیم الشان زمان و زمین چنانچه ذات ملکوتی صفات اعلیحضرت (سراج الملة والدین) پادشاه محبوب القلوب عدالت آئین مارا به انواع صفات عالی که پادشاهان را لازم است تزئین ذات وصفات داده . همچنان فطرتاً بصفت جلیلهٔ عسکر وعسکر پروری نیز مفطور ساخته است . وچنانچه والد ماجد خلد آرامگاه شان ذات اعلیحضرت خاقان مغفور ، تا اززمان طفولیت به امور عسکری وملکی مأمور وموظف بوده اکثر عمر گرانمایه را بزینت کیت شجاعت ، وسیر وسفر شهامت به امور سلطنت بسر آورده اند همچنان خود ذات اعلیحضرت پادشاه مقدس مانیز تا از ایام سن مساوت شاهانهٔ شان به امور کشور داری علی الخصوص برتمام امور نظامی صنف عسکری ازطرف اعلیحضرت خاقان مغفور به سر افسری عمومی مقرر ومأمور فرموده شده اند . وازاززمان تا به این آوان چنان ترقیهای نمایان ، وموفقیتهای درخشان درعالم عسکری دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما افغانستان ظاهر وعیان گردیده که درزمانهای سابقه دیده نشده بود .

همه تشکیلات ، وانتظامات اردوهای عسکریهٔ افغانستان درعصر ترقیحصر اعلیحضرت (سراج الملة والدین) بروی کار آمده است . ما از اصول وقواعد تشکیلات وترتیبات اردوهای منصورهٔ خود بحث راندنرا مناسب نمی بینم : زیرا آن یك چیزیست که به اسرار عسکری تعلق دارد . ولی اینقدر گفته میتوانیم که ذات اعلیحضرت پادشاه جسور غیور امور آگاه وطن بنامما یك نظر توجه خاص همایونی را درامور عسکری صرف میفرمایند که از فیوضات آن توجهات عسکری صفات شاهانه ، اردوهای عسکری دولت قویشوکت افغانیه درتعلیم وتربیه ، ونظم ونسق ، ولباس وسلاح ، وهمه لوازمات عسکریه هیچکه به عساکر ده سال سابق آن مشابهت نمیرساند .

ذات اعلیحضرت قوماندان اعظم وپادشاه پرشوکت وحشم ما به حرکت وسفر یك میل وذوق طبیعی دارند که اکثر زحمات ومشقات سفررا براحت گزینیٔ عطالت حضر ترجیح میدهند . همهٔ ممالك شاهانهٔ شانرا دوروسیاحت فرموده اند هیچ کهسار وانهار ممالك شاهانهٔ شان نباشد که بران علم آوری نفرموده باشند . مثلا درهرسال تقریباً سه چهار ماه آنرا بسفرجلال آباد بسرمی آورند که ازانجا بزهمه ساله کهسارها ووادیهای اطراف واکناف ولایت سمت مشرقیٔ ممالك شاهانه را گشت وگذار میفرمایند که ازان جمله شکارهای (درهٔ نور) ، و (دره‌نوابکل) و (پربانه) ، وغیره میباشد .

ازقراریکه خود این محرر احقر باخاکپراو درسنوات سابقه یك دوبار بهمرکابیٔ شاهانه به این شکارگاههای همایونی نایل وسرفراز بوده وبچشم خود دیده ام این شکارهارا عبارت ازیکیك (مانوره) (٭) یعنی قواعد های جنگیٔ عسکری یافته ام . ودرمانوره ها نیز آنرا یك اصول نوایجاد بسیارعجیبی دیده ام .

اولا این را بگوئیم که عسکرمهم افغانستان ملت افغانستانست که همهٔ شان مسلح ونشان انداز وجنگجو وتوانا یك عسکر دلاوری میباشد . ذات اعلحضرت پادشاهی درسال دوسه بار درجهات مختلفه بعضی شکارهای ترتیب میفرمایند که حقیقتاً شایان تماشا ، ودرحقیقت یك مانورهٔ عسکریٔ هیئت نمای شمرده میشود . مثلا یك مسافهٔ بزرگیرا که ازاول نقشه شده میباشد دردایرهٔ احاطهٔ حرکات قرار داده اهالیٔ همهٔ آن نواحی را که دست شان سلاح گرفته میتواند بقرار امر وسررشتهٔ مخصوصه جمع آوری میشوند . بقدریك طابور یعنی یك کندك عساکر نظامی بسیار معلم خاصه بهمراه افسران کارشناس براهالیٔ جمع آمده که تعداد آنها به سه چار هزارنفوس میرسد تفریق وتقسیم میابد . حرکات عمومی از طرف هیئت ارکان حربیهٔ معیت خود ذات اعلیحضرت شاهانه اداره میشود که درین شمارهٔ مانمبر ۳ و ۴ منظرهٔ بعضی تعلیماتی را نشان میدهد که ذات اعلحضرت پادشاهی به ارکان معیت شاهانهٔ شان عطا میفرمایند .

این یك کندك عسکر نظامیٔ تعلیم دیده بصورتی درمیان این سه چهار هزار مردم دعیتی تفریق وتقسیم میشود که هرمانده یعنی هر برك یك بلوك ازاهالی را بموجب تعلیماتی که بدست دارند بحرکات نظامیٔ خود پیروساخته از روی نقشه وپلان بضبط واستیلای نقاط لازمهٔ که ازطرف کوماندانها نشان داده میشود سوق میشوند . وهمانقدر مسافهٔ که دارالحرکات اتخاذ شده است از هرهر طرف در زیر انحصار وفشار حرکات عسکریه گرفته شده ذروه های کوهها ، دامانهای تپه ها کنارهای وادیها باسیلاب انسانها یك جوش وحرکت می آید .

(٭) مانوره قواعدهای جنگیٔ بزرگ عسکری را میگویند که درزیر عنوان (عالم عسکری) انشاءالله ازان مفصلا بحث رانده میشود .

مدت یکهفته یابیشتر وکمتری که درینگونه (مانوره) هاتمام دیگر شکارها بسر آورده میشود به‌بینید که چه ثمره ها وفایده ها نتیجه می بخشد : اولا یکمقدار بزرگی از اهالی بحرکات عسکریهٔ که نمونهٔ محاربه است عادت کرده اصول فنی محاربه های کوهی را بواسطهٔ عساکر نظامیهٔ معلم می آموزند . ثانیاً عسکر با اهالی واهالی باعسکر تماس یافته یك محبت ویکجهتی حرکات درمیان شان پیدا میشود که دروقتهای محاربه فواید عظیمهٔ آن برای افغانستان خیلی شایان اهمیت است . ثالثاً این یکنوع مانوره ایست که بمقدار کلی از عسکر نظامی مقدار بسیاری از نفرهای رعیتی رابراصول نظام مطابق بحرکت آورده قواعد جنگ رامی آموزاند . رابعاً درهرطرفیکه این مانوره ها اجرامی یابد براهالیٔ آنطرف یك عید پرسروری میباشد ویك جشن شادمانیٔ برپا میگردد . موزیکهای عسکری بادهل سرناهای ملی هم آواز شده قریه ها وقصبه های آن اطراف رایك جوش خروش فرحت وسروری می‌اندازد . اهالیٔ آنسمت اززن ومرد ، وپیر وبرنا منتظر دیدار سعادت آثار متبوع مقدس خود میگردند . اردوی ظفر نمود همایونی دریك موقع مناسبی دفع خیام باحتشام میابد . اهالی بابیرقهای رنگا رنگ وسازهای میدهٔ خوش آهنگ شان صف بستهٔ احترام میشوند . سواریٔ ذات اعلیحضرت پادشاهی بشوکت وشکوه تمام می آید . ذات اعلیحضرت بایك دونفر ازمعیت شاهانه برصفوف اهالی اسپ می تازد . یکان یکان را دلجوی وخاطر نوازی فرموده از مشاهدهٔ دیدار همایونی بهره ور وکامیاب میسازند . عساکر نظامی بطرز وترتیب مخصوصی دراهالی تقسیم شده بحرکات آغاز میشود . زنان طفلان پیران شان از بامهای ده ها به آواز های شاباشها ، وتحسینها آنهارا تشجیع وتحریك میکنند . یك مسافهٔ بزرگی را بطرف یکشبانه روز مانند یك زنجیری احاطه میکنند . درین محیط هراقدر کبك یاآهو وغیره حیواناتی که موجود باشند راه فرار را نیافته در درهها ووادیها فرو می آیند . نشان اندازان معیت شاهانه فرقه فرقه شده درنقطه های معینی که از روی نقشه وپلان مقرر شده اند منتظری نشینند . دروقت معین یك یتاقیٔ بزرگی که مانند یك طوب جیبی فریاد میکند آتش داده میشود . از هرهرطرف به هجوم آغاز میشود . از دره های کوهها باهایهوها ، ودهلها وآتش افروختنها ، وسنگ غلطانیدنها حیوانات محصور مانده را درشیبه ها ودره هائیکه شکار بان دران به نقاط معینه متفرق شده اند بفرو آمدن مجبور میسازند . بازبانها مرغان شکاری را مانند باز وشاهین وغیره را از قدوه های کوهها بهوا کرده کبك وسیسی وغیره پرندگان را نمیگذارند که از احاطه برایند . وبه اینصورت یك شکار بسیار وافری فراهم می آید . ومانورهٔ حرکات عسکریه بی میوهٔ ماندگی هم نماند .

والحاصل اینچند روزی که درین مانوره های عسکری بنظام شکار اشکنی میگذرد چنان لذت آور وچنان فرحت پرور روزهائیست که بسی فوائد مادی ومعنوی دران مندرج است . علی‌الخصوص دروقت انجام کار که ذات اعلیحضرت پادشاه کرم کردار سیما شعار مقدس مابیك موقع مرتفعی آرام گزین جود وعطامیکردند . وهمهٔ اهالیٔ که بحرکات عسکری اشتراك ورزیده‌اند بحضور همایونی صف بستهٔ احترام میشوند . وزنان وطفلان وپیران شان جداگانه صف کشیده بترتیب می نشینند . حتی دربعضی موقعها که طایفهٔ هندوهای رعایای صادقهٔ شاهانه سکنا پذیر بوده اند زنان ومردان وطفلان آنهارا نیز شامل عواطف شاهانه دیده‌ام .

بعد ازانکه همگان ترتیب یافته حاضر گشتند اعلیحضرت پادشاه رعیت پرور فطرتاً عسکر عواطف گستر ما گنجینهٔ جود وعطایای شاهانه را بازفرموده فرا خورد احوال هرکس زرودینار بسیاری بخشش وانعام میفرمایند . وتقسیم وتوزیع این بخشش وانعام شاهانه بیك ترتیب وانتظام بسیار ساکتانهٔ بحضور اعلیحضرت شاهانه اجرامی یابد . بعد ازانکه اینهم شد مخمنها ، وممیزهای مخصوصی مقرر شده اراضی ومزروعاتی که اگراحیاناً درحرکات عسکریه پامال وتلف شده باشد تخمین وتمیز نموده میشود. وحق آن یا از مالیهٔ شان بصورت تخفیف دادن ، یانقداً تسویه کردن یاتأدیه وتطمین کرده میشود .

بعد از انجام اینهمه کارها عودت فرمودن شاهانه بوقوع می آید . درین اثنا ازهمهٔ صفوف اهالی یك غریوی میبرآید . صدای [زنده باد پادشاه ما] ازپیر وبرنا وزن وبچه ها وجمیع عساکرظفرهما در فضای بلا انتها رفع بارگاه کبریا میشود که اگر ارواح قدسیان عالم بالانیز آمین خوان این دعای به اجابت منتهی گردند هیچ شبهٔ نداریم .

ما این بیانات احترامانهٔ خودرا بنابر مشهوداتیکه دوسه سال قبل ازین برأی العین مشاهده کرده ایم . ودرینوقت هرانقدرکه بخاطر آورده توانسته ایم بمناسبت امساله تشریف فرمایی موکب همایونی به (درهٔ نور) درج صحایف فخرو سرور نمودیم که انشاءالله بعد ازانکه کیفیت این سفر خیریت اثر همایونی از طرف جناب نگران ما ایشیك آقاسی صاحب ملکیٔ حضور همایونی برسد درج ستون اشتهار خواهیم نمود . حالا بردعای خالی ازریای عمر واقبال وشوکت واجلال اعلیحضرت پادشاه مراحم آمال عسکر ورعیت پرور ، وشهریار مکارم خصال ترقی وعدالت گستر مقدس خود مان ختم مقال صداقت مینمائیم .

(منظومه)

(ازیاد کارهای (درهٔ پریانه) سنه ۱۳۲۹)

پیش ازین شاعران خوش اقوال
چون نمودندی بحثی از احوال

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 536 of 1786

بس مضامین عالی شیرین
بهر هرغنچه کنی پس رنگین
هر چه کنی مبالغه کنی
هر چه سفتی گهر همی سفتی
من عاجز که نظم و نثر مرا
قدرو قیمت نباشدش بر جا
ساده گویم سخن ولی پرکار
هر چه دیدم همان کنم اظهار
نیست مضمون بکرو شیرینم
نی عبارات نغز و رنگینم
نظم و نثری که میکنم تحریر
خالی ازاغراق و ساده چون تصویر
هر چه دیدم عیان همان گویم
نه دروغی به رایگان گویم
آنچه دیدم بملک حضرت شاه
میکنم وصف تا شوی آگاه
باغ و شهر و ممالک است جسد
روح آنها شه بزرگ خرد
خرد و عقل و دانش و هم دین
هست نور (سراج ملت و دین)
شد حبیب خدا و ظل آله
هست محبوب جمله خلق الله
عدل او تازه ساخت عالم را
کرمش شست نام حاتم را
رزم و بزمش چو نارو نور بود
رزم نار است و بزم نور بود
قهر و رحمش بود چو آتش و آب
لیک رحمش بقهر غالب باب
قهر او میکند ادب را عام
رحم او زنده کی دهد به انام
هرصفاتش اگر کنم تحریر　میشود تنگ و سعت تقریر
درسخاوکرم چه پیش وچه کم　ذهب وفضه ملك و مالبودرم
بخش و احسان نموده برمردم　کرمش ابرو خلق چون گندم
پیروطفل وشباب ومردوزن　صف کشیده بهپیش شاه زمن
اونشسته تخت لطف و کرم　کرده شادان یکان یکان بدرم
من بجان بندهٔ صفات او
من بدل داعیٔ حیات او

حوادث داخلیه

جناب حق و فیاض مطلق ممالك محروسهٔ شاهانه را از آفات وبلیات ارضی و سماوی محفوظ و در امان دارد . لیل سه‌شنبه شب بیستم ماه صفر بساعت (۹) از شب یك آتش خانمانسوز بسیار مدهش دربازار (شانه سازی مندهی) شعله‌افروزی جهنم آسانی گرفته بقدر (۲۳) دکان و [۱] اصطبل و [٤] دربند خانه ، و [٤۲] حجره از کاروانسرای ناظر خیر الله را طعمهٔ آتش بی امان نموده است .

بازار مذکور در یك موقع بسیار مهم شهر عزیزما واقعست که از یکطرف ببازار [بالاچوك] و بازار [چته] مربوط میباشد واز یکطرف ببازار [مندهی] که یك دایرهٔ بسیار وسیع غله وارزاقفروشی وانواع حبوبات و سبزی‌کاری وغیرماشیایی که همیشه محتاج الیه‌ند میباشد دران خرید وفروخت میشود متصل است طبقهٔ پائین آن عبارت ازدکانهای نجارهائیست که شانه میسازند . طبقهٔ بالای آنرا کاروانسرای معروف که به (سرای ناظر خیرالله) مشهور است تشکیل داده است سرای مذکور عبارت از پنج شش پوشته یك بنائیست که چوبکاری بسیاری دارد . دکانهای زیر آن نیز همه شانه سازی بود که بازچوب و برنج فروشی میباشد . از همه بدتر اینکه سرای مذکور ببازار بزرك چته که همه پوشش آن سراسر ازچوبست اتصال دارد . وخانه‌های بهم پیوست پرچوبکاری غلوی شهر نیز در همین اطراف است . پس چون این چنین موقع بسیار نازك پرچوب شهر ، و آتش افروخته گی را از نظر دقت بیاریم فضل الهی را شامل حال ، و سعی و کوشش مامورین حکومت را شایان تحسین میبابیم .

از قرار استخبارات موثوقهٔ رسمی که بدست آورده‌ایم آتش ابتدا ازدکان عبدالله نام شانه ساز که زیر سرای مذکور بود آغاز کرده ببالا و اطراف سرایت کرده است . فوراً نائبان امین العسس محمد قاسم خان وعبدالعزیز خان ، وبرگد غلام جیلانی خان برکد غند کوتوال ، و کرنیل داود شاه خان ودیگر منصبداران نظامی غند مذکور با بلوکهای نظامی آن ، و عبدالله خان مامور صفائی ونفرهای صفائی وکوتوالی بهمراه بنبه‌های کوتوالی و بنبه‌های ارك مبارکه در موقع حریق رسیده ، و در اول امر علاقه محل حریق را از اطراف قطع نموده بقوت بنبه‌ها و سعی و همت اطفائیان در ظرف سه چهار ساعت آتش مهیب پرلهیب را خاموش نمودند ، وتهلکهٔ سرایت آتش بدیگر اطراف مندفع گردید . اما اطفای همه آتشی که درزیر خاکها وآوارها مانده بود تا بساعت یك و نیم روز دیگر میسر گردید . از قرار راپوت دایرهٔ کوتوالی قیمت همهٔ تلفات وضایعات مالی مصیبت زدگان این حریق دهشت طریق تقریباً مبلغ شصت وسه هزار روپیهٔ کابلی میباشد .

والحاصل این بلیهٔ عظما و آتش دهشت انتشار ازفضل وعنایات باریتعالی وتوجهات مراحم آیات پادشاه مقدس ما ، وسعی وکوشش مامورین

وعساکر شاهانه بچابکی وتعجیل تمام بهاصول وقاعدهٔ درست منطفی گردید . ازقرار مسموعات که شنیده‌ایم جناب نائب‌الحکومه صاحب مکرم بسبب احتراق که درمزاج عالی شان عارض شده بود بشخصه اگرچه درموقع حریق حاضرشده نتوانسته‌اند ولی از آغاز تا پایانها بواسطهٔ تلفون اوامرعطا فرموده باخبری تمام بکار بوده‌اند .

درنجابتک دوکلمه عرض کردن میخواهیم : این یک معلوم عموم است که انسانها اشرف واکرم مخلوقات ذات اقدس خلاق کائنات است این اشرفیت واکرمیت نوع شریف انسان راسببهای بسیاریست که مهمترین آنها وجدان و حس شفقت و معاونت بنی نوعی اوست باهمدیگرشان .

چندر مدهش یک حالیست که یک تاجر مالدار یا یک کاسب صنعتکار ، یا یک بایع دکاندار ، یا یک عیالدار وخانه دار ، در حالیکه پیش از یک روز مالدار ، باکسب وکار ذی ثروت وبسار بودند دفعهٔ یک شرر آتش آنهارا باخاك یکسان ، وازهمهٔ ثروت وسامان ، وخانه ودکان ، در حسرت وحرمان میگذارد ، ودر حالیکه خودشان بفقرا صدقه احسان میکردند بیکلب نانی ، ویک جامه خوابی محتاج وحیران میشوند این است که درچنین وقتها حسیات انسانیت وشفقت ومعاونت بنی نوعی انسانی بجوش آمده آن فلاکت زدگان بی‌زر وسامانرا مدد میرسانند ، وبه‌اعانهٔ آنها بطریق [الجود بالموجود] صدق همت مینمایند ، این حس مخصوص انسانهاست ، دیگر حیوانات ازین حس مقدس محروم‌اند ، نشانهٔ یگانهٔ مدنیت نیز همین حس شریفست . علی الخصوص که دین مبین اسلام شفقت وایثار راشرط اهم اخوت اسلامیه نشانداده است .

بناءً علیه اگر همت پیران عزیزما ازیکشاهی گرفته تا به دوروپیه هرکس بقدروسع وسماحت خود یک اعانهٔ بازکنند دراندک مدتی همینقدر یک مبلغی جمع آوری کرده میتوانند که بعضی از احتیاجات خانمان سوختگانرا آسانی بخشند ، واگر همهٔ آن مبلغ ضایع شده را تدارک کرده نتوانند نصف یا ثلث آن بمقدار آسانی بعضی احتیاجات آن مصیبت رسیدگان میشود که بهاین عمل نتیجهٔ حس انسانیت وایثار وشفقت حاصل آمده ثواب دنیا وآخرت حاصل میشود . والله موفق بالخیر والصواب .

تشریف فرمائی موکب همایونی
بدرهٔ نور

دراینبار از جناب سرنگران خودمان هیچ گونه حوادث ومعلوماتی از جلال آباد نگرفته‌ایم ، اما از قرار استخبارات خصوصیهٔ که حاصلکرده ایم یوم دوشنبه ۱۹ صفرالمظفر ذات قدسیت صفات اعلیحضرت همایونی بشوکت وحشمت تمام بسمت جبال (درهٔ نور) که مسافهٔ [۷۵] کروه از جلال آباد بسوی شمال شرق واقعست نزهت واجلال گردیدند . شبرا درمنزل [شیوه] که درکنار نهر [کنر] واقعست بسر آورده یوم سه‌شنبه ۲۰ صفر به[درهٔ نور] مواصلت فرمودند . وچندروزی دران اطراف مانده پس بجلال آباد عودت شاهانه بوقوع خواهد آمد .

از درگاه الهی صحت وعافیت وشوکت وسعادت را همرکاب جلالت انتساب پادشاه حقایق آگاه مقدس محبوب القلوب خود مانیاز میکنیم .

— از مناظر مانوره‌های عسکری —

مرور شوکتموفور ذات اعلیحضرت پادشاهی از مواجههٔ عساکر ظفر مآثر شاهانه

(کیفیت جشن تولدی شهزادهٔ جوانبخت)

(معظم جناب معین السلطنه)

(سردار عنایت الله خان)

از قرار استخبارات خصوصیه که حاصل کرده ایم شب چهار شنبه که لیلهٔ ١٤ شهر صفر الخیر سنهٔ ١٣٣١ بود بالیلهٔ ولادت پر سعادت شهزادهٔ جوانبخت معظم دولت قوی شوکت افغانستان جناب (معین السلطنه سردار عنایت الله خان) که فرزند دلبند اکبر وارشد ذات قدسیت صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین خلد الله ملکه میباشند مصادف بوده باراده وفرمان مرحمت رسان اعلیحضرت شاهانه در (باغ شاهی) یک جشن بسیار با شکوه وسروری ترتیب وتنظیم یافته است .

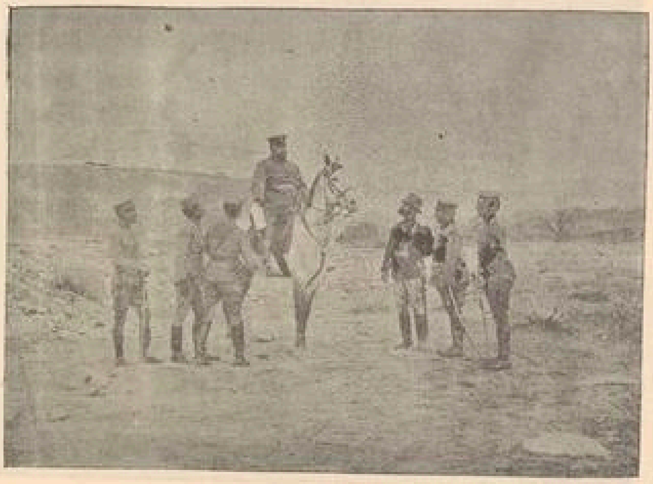

(ازمناظر مانوره های عسکری)

ذات اعلیحضرت پادشاهی به نائب سالار حضور سردار محمد نادر خان نقشه وپلان حرکات عسکریه را اعطا میفرمایند

بطرف راست همایونی بعد از نائب سالار حضور شاه ولی خان رکاب باشی بعد ازو محمود خان امیور بطرف چپ همایونی ایشیک آقاسی ملکی حضور

(علی احمد خان ودر وسط شهزادهٔ معظم سردار عنایت الله خان معین السلطنه — در پهلوی شان احمد شاه خان میر امیور منتظر اوامر شاهانه میباشند)

بساعت هفت شام، همهٔ معززین اهل دربار معالی بار ، ومعتبرین اطراف از علماء وسادات وصاحب ارکان وخوانین وملکان در باغ شاهی بواسطه ایشیک آقاسی صاحب ملکی جناب علی احمدخان بنابر اراده وفرمان اعلیحضرت پادشاه عمیم الاحسان در چوبترهٔ خاص بار حضور همایونی را یافته، به انواع تلطفات وعواطفات شاهانه نایل وسرافراز شدند .

اعلیحضرت همایونی مد ظله العالی بزبان مرحمت ترجمان چنین کرامت نام فرمودند که : (سراج العماره) هنوز چنانچه شاید وباید بدرجهٔ نرسیده که ما وتمام نفریٔ معززین در یک مجلس نشسته جشن را بگذرانیدیم . درینجا بنابر عدم گنجایش موضع بعضی در چوبترهٔ خاص ، وبعضی در برندهٔ خانهٔ خاص عمارت شاهی این جشن را بمسرت وخوشی بسر می آریم ، جناب عالیٔ نائب السلطنه صاحب اقیم از طرف خود وحاضرین دعای ترقی عمر واقبال شاهانه را بامبارکبادیٔ این جشن سعید بیان فرمودند . ذات مقدس اعلیحضرت نیز تشکریه نموده مبارکباد فرمودند . جناب شهزادهٔ معظم به قدمبوسیٔ والد ماجد مقدس اعظم خود به ادای تشکریه مبارکباد شان آداب تعظیم را بجا آوردند . وذات قدسی صفات اعلیحضرت بدیده بوسی قرة العین شاهانهٔ شان خورسندیها فرمودند .

بعد ازان ذات اعلیحضرت شهریار گردون وقار وشهزادگان عظام والاتبار ، ومصاحبان ومعززین اهل میز حضور مراحم نثار در دایرهٔ جهة شرقی عمارت شاهی شوکت آثار تشریف سعادت ردیف همایونی را ارزانی فرمودند . وباقی معززین دربار معالی بار در چوبترهٔ خاص آرام وبر قرار مانده جشن مسرت وسرور برپا گردید . از انجا که مراحم اعلیحضرت همایونی در بارهٔ همه رعایا وبرایا وخدام صداقت التیام شان یکسانست مخفی برای دلجوئی ذوات کرامی که در چوبترهٔ خاص بودند ذات عالیٔ شهزادهٔ معظم معین السلطنه صاحب را فرستاده، تاوقت طعام در مجلس عالی مذکور بودند . وحاضرین را به انواع تلطفات وعنایات عالیٔ شان نوازش فرمودند وهر چه که فرمودند در موضوع فواید اتفاق واتحاد وهمدردیٔ نوعیٔ وعلی الخصوص از نتیجه‌های پر خیر وصواب امن وآسایش عمومی که محض به اطاعت رعیت به پادشاه که ظل الله وخیرخواه خلق الله است بیانها فرمودند ، وبر دعای سلامتیٔ ذات قدسیت صفات اعلیحضرت پادشاه ترقیخواه عدالت آگاه خودشان عموماً رطب اللسان گردیدند .

جاها ، میوه‌ها طعامها ، شیرینیها، سازها ، سرودها مبذول ورایگان بود . تاقریب ساعت دو از شب مذکور به انواع فرحت وسرور ، والوان نعمت مرحمت موفور بدر آمده لیلهٔ

جشن پر سعادت بانجام انجامید .

(سراج الاخبار افغانیه) باتمام شعف وسرور این لیلهٔ جشن پر حبور را که عبارت از قدم نهادن عمر شریف شهزادهٔ عرفان وسادهٔ جوانبخت معظم دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ماست برحلهٔ بیست وپنجمین سال فرخنده فال شان ازصمیم قلب وجههٔ حواس تبریک میگوید . وطول عمر . واقبال سعادت آمال عالی شانرا ز درگاه خالق یگانهٔ ذوالجلال جل اسمه نیاز میکند ودعای سلامتی اعلیحضرت متبوع مقدس اعظم وحامی اشفق وارحم خودرا ورد زبان صداقت میسازد .

حوادث خارجیه

اخبار آسیا

(فرقه‌ها – پارتیها)

درهرملکی که فرقه‌ها وپارتیها افزون گرفته – یعنی (گند وگند بازیها بسیارشده اختلافها . وپراکنده گیها . وپریشانیها نیزبیشتر شده است . زیرامعنی حقیقی پارتی وگند (نفاق) . و (انشقاق) است که یگانه موجد خرابی . وموجب بربادی میباشد :

(دولت همه زاتفاق خیزد)
(بی دولتی ازنفاق خیزد)

اتفاق واتحاد . ترقی وآزادی بارمیدهد . نفاق . وشقاق تنزل واسارت نتیجه میبخشد . ملتهای که باهم اتفاق میکنند جهانگیر میشوند . ملتیکه درمابین خودشان آتش نفاق میافروزند خودرا به آن میسوزند ومحو میکنند .

(حسنت باتفاق ملاحت جهان گرفت)
(آری باتفاق جهان میتوان گرفت)

بعضی ملتها درپارتی سازی وگند بازی یکمیل مفرطی داشته میباشند . حتی اگر یکینه نفرشان دریک سرزمین بسیار دوری هم باشند باز ازپارتی سازی وگند بازی درمابین خود شان فارغ نمیشوند . دین مبین اسلام اخوت واتحادرا اساس اتخاذ داده وبران اساس بنای یکدولت عظیمهٔ را وضع نمودند که ازهزار وسه صد سال به اینطرف پایدار واستوار مانده است . دولت علیهٔ عثمانی باتفاق واتحاد عناصر یکدل ویکوجود شده برصفوف اعدا زدند وازآسیا واوروپا وافریقایی ممالکرا درقبضهٔ تسخیر درآوردند وتاوقتیکه اختلاف درعسکر وحکومت وملت شان موجود نبود روزبروز فتوحات . واز[illegible] مباهات مینمودند . وازوقتیکه نفاق وشقاق درمابین عساکر وجری وملت وحکومت شان پیدا گردید تنزل وخرابیها نیز برزده ظهور شد .

درینباب مثالهای تاریخی گذشته حاجت نمیبینیم . تنها وقوعات مختصر همین دوسه سال‌را درپیش انظار قارئین کرام معروض میداریم . ولی این‌راهم عرض باید کرد که هرکس خودرا ازدیگری بیشتر می‌اندیشد . مانیز هرچه که درینباب مینویسیم بطریق اعتراض . وسبیل لوم دیگران نمینویسیم . بلکه نظر عبرت وانتباه خود مارا میخواهیم بازکنیم وقدرنعمت آزادی . واستقلال خودمانرا بشناسیم . پارتی سازی وگند بازی – یعنی نفاق ونی اتفاقی – را بخیال وخاطر خودهم راه ندهیم .

نوجوانان ترک‌درعلم وفن وتحصیل زبانهای اجنبی ومعاشرت واختلاط سیاحتهای اوروپا بدرجهٔ مردمان پاریس وبرلین تحصیل یافته وتربیه دیده شدند . وچون طرق شعشعه‌های اوروپا دیدند . ووطن عزیزخود شانرا ازان شعشعه‌های نظرربا محروم می‌یافتند بجوش وخروش حسرت وانفعال آمده یگانه سبب آن حرمانرا ازاستبداد میدانستند . همان بود که بصورت بسیارخفی تشکیل اتحاد واتفاق نموده استبدادرا برافگندند . ومشروطیت ومجلس ملت‌را قایم وبرپانمودند . وچنان گمان کردند که مجلس ملت چون قایم شود همهٔ آن شعشعه‌های درخشان نیره راوق اوروپارا نایل خواهند شد .

ولی‌هزار افسوس که ازسبب نقصان تربیهٔ سیاسیه وغلیان حرصها وغرضهای شخصیه که درعموم ملت سرایت کرده بود مجلس ملت یک جولانگاه اعتراضات مأموریتها وکارداری های دولتی گردیده هیچگونه یک ترقی . دران دیده نشد . یک مجلسی که مرکب از (۳۰۰) نفراعضا باشد . واین سه صدنفرهریک ازطرف یک عنصری ازملت وکیل‌شده باشند بجای آنکه درباب منفعت موکلهای خود ایشان ازتجارت . وصنعت . وزراعت شان چیزی بیندیشند وبگویند وحکومت‌را درزیر مراقبه بگیرند درعقب مأموریتها وکارهای دولتی افتاده ازاصل مدعایی دور افتادند . درمیان همهٔ این‌مجلس بدان عظمت که وکیلهای حاکمیت ملیت شمرده میشوند پانزده بیست نفری که حق مشروطیت واداره حکومت‌را میدانستند بود . ولی آن کفایت نمیکرد . رفته رفته اعتراضات به رقابتها وکینها مبدل شد . درحالیکه یک حزب . ویک فرقه بودند . حزبها وفرقه‌ها بوجود آمد . اینکه که فرقه‌ها وحزبها بازبیک خط حرکت خیراندیشی رفتار می‌نمودند . نی مقصد یگانهٔ حزبها وفرقه‌ها یکی آندیگری‌را ازپاانداختن وکابینه حکومت‌را ازحزب وفرقهٔ خود تشکیل دادن بود . وبدیگر چیزی نمیپرداختند . بادبار سقوطها . وسرازنوتشکیلهای کابینه بظهور آمد .

والحاصل اختلافها . ومبادله‌های فرقها وحزبها وپارتیها وگندها دربهٔ شدت وغلیان نمود که چشمهای شانرا ازدیدن دسیسه‌های که اوروپا وبالقانها ازرمانها برای بهوا کردن شان درروم یلی

وضع وتمهید نموده بودند ندیدند . یا دیدند و غمض عین کردند . بهرصورت تفرقه ونفاق لجاج وشقاق کار را بدرجهٔ رساند که کاردها را کشیده جسم نازنین دولت ششصد سالهٔ اسلامیه را پاره پاره کردند .

—(یك نظریهٔ مختصرهٔ سیاسیه)—

صاحب من !

یك نظریه مختصرهٔ درشئونات عالم بفکر قاصرانه رسیده این است که تقدیم نمودم هرگاه مناسب به بینند دریك گوشهٔ اخبار درج فرمایند فقط

در شماره (۱۱) سال اول اخبار گهربار (سراج الاخبار افغانیه) در ذیل حوادث خارجیه در احوال سیاسی عالم این فقره را خوانده بودیم : « در صفحه های اوراق عالم نظر میکنیم دنیا را در یك هرج ومرج رفته و آشوبی می یابیم که از هر هر طرف سیلابهای دهشت آشنای دریای پرموج سیاسی بجوش وجریان آمده مانند بخارها وغازهای مواد آب ومذاب شدهٔ مرکز زمین هر هر طرف دنیارا بلرزه وزلزله درآورده است وبزرگترین منطقه که این زلزلهٔ پرغلغله دران اجرای خرابی میکند همانا ممالك اسلامیه دولت علیهٔ عثمانی وایران است » .

چون ازان وقت تاحالا که نظر میکنیم نتیجه های ازان یکان یکان ظاهر میبینیم وعالم اسلامیرا درمهلکه های بسیار مهمی می یابیم چنانچه درهمان احوال سیاسی باز گفته شده بود ، که اعلان استقلالیت بلغاریا مسئله پرهیجانی است ، چنانچه دربنوقت حاضر نتیجهٔ آن کلام حکمت انجام آشکار گردید .

ولی بدیدهٔ تأسف میبینیم که ازان وقت تاحال باوجود این همه عداوتهای دشمنان خارجی ، دشمنیها وبی اتحادی های مملکت اسلامی عثمانی برطرف نشد ، وتابه آخر نفس بررقابت وعداوت همدیگر خود جسورانه وثابت قدمانهٔ بی اتحادی وبی ائتلاف دوام ورزیده ومیمانند . کذالك چون بسوی ایران بهبینیم بازازان وقت تاحال هیچ یك اتفاق وتعاونی درمابین اهالی وحکومت دیده نشد .

لهذا برحال وطن عزیز خودما هزاران هزار شکر وثنای آریم که درظرف این مدت یك غلبهٔ ولوله انگیز عصیان قوم منگل که بسبب جهالت دریك گوشهٔ وطن عزیز مقدس ما شعله افروز دهشت گردید بنظر بسیار فخرومباهات دیدیم که بفیض تدابیر اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه مهربان ما به بسیار اسلوب مستحسن فرو نشست ، چیزیکه شایان فخر وشکر است این است که درینواقعه یك اتحاد ویکانه گی بسیار روشن وآشکاری درعناصر مختلفهٔ ملت نجیبهٔ افغانیه دیده شد ویك صداقت واطاعت عظیم ملت را بپادشاه ویك مرحمت وشفقت بسیار پدرانهٔ رحیمانهٔ پادشاه را به ملت مانند شمس تابان عیان دیدیم که اگر ملت نجیبهٔ افغانیه درین عالم کشمکش بی اتحادیها وزلزلها به این فقره فخرومباهات نمایند سراسر حق بدست دارند .

[یکی از خوانندگان سراج الاخبار افغانیه]

م ۰ ج

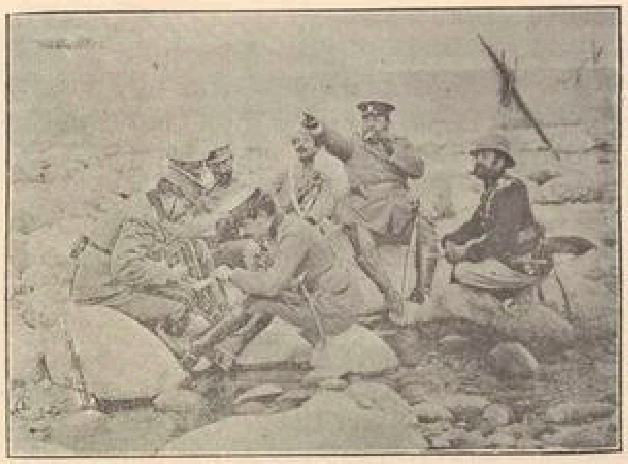

{ ازمناظر مانوره های عسکری }

ذات اعلیحضرت پادشاهی مواقع دارالحرکت را به هیئت ارکان حربیهٔ همرکاب شاهانهٔ شان نشان میدهند

ذات شاهانه بدست مبارك خط حرکت عساکر مذکوررا به ایشك آقاسی ملکی حضور که بطرف چپ اعلیحضرت نشسته نشان میدهند .

درطرف دست راست اعلیحضرت ابتدا از معیت همایونی . اول شاه ولی خان رکاب باشی — دوم نائب سالار حضور سردار محمد نادر خان

چارم محمودخان خان اسپور که تنها کلاهش دیده است پنجم شهزاده سردار عنایت الله خان معین السلطنه که تعلیمات همایونی را یاد داشت مینویسد

[ششم احمد شاه خان میراسپور که درعقب شهزادهٔ معظم نشسته معاونت میکند

(خبرهای اخیرهٔ فاجعه آمیز استانبول)

خلاصه خبرهائی که دراثنای ترتیب وانتشار این شمارهٔ ما رسیده خیلی مهم وفاجعه آمیز ودردانگیز است : در لندن غیراز مرخصهای صلح که جمع شده بودند سفیرهای دول معظمه نیز جمع آمده بودند

بلقانها آخرترین قرارقطعی خودشانرا بموکیلهای ترکیه وسفیرهای دولتها رسماً بیان نمودند . یعنی سفیرها این قرارداد بالقانیانرا باستانبول فرستاده سفارش کردند که قبول باید شود . قبول‌شدن این قرار این نتیجه‌ی بخشید که دولت علیهٔ عثمانیه ازاوروپا طرد ودفع بایدشود . این نوت رسمی چون باستانبول واصل شد . درسرای طوپله باغچه یك اجتماع فوق‌العادهٔ تشکیل یافت اکثراعضای مجلس اعیان وچند نفری ازروسای روحانی ومعتبرین جمع آمده درباب قبول کردن ونکردن نوت مذکور بعداً گرم‌مشاوره پرداختند .

درین جلسه صدر اعظم کامل پاشا . ناظر حربیه ناظم پاشا . وناظرهای خارجیه . ومالیه نطقها بیان کردند وفهمانیدند که خودشان طرفدار قبول کردن آنست ودرینباب بسی دلیلها هم بیان نمودند . حتی ناظر خارجیه که یك شیخ ارمنی میباشد درنطق خود اینرا نیز علاوه کرده گفت : « دولت روس بما نوشته است که اگرصلحرا بهمین شرایط قبول نکنیم رعایت بیطرفی را نخواهند کرد » . والحاصل بعد ازمناقشات ومجادلات بسیاری کابینه کامل پاشانوت مذکوررا قبول کرده وبه آنصورت بعقد مصالحه قرار دادند .

بمجردیکه این خبر دراستانبول واطراف شایع میشود هماندم مردمان فرقهٔ (اتحاد وترقی) به‌برپاکردن‌ها . وولوله‌ها . وقیل وقالها آغاز میورزند . وروزدوم جمعیتهای بسیاری ازمردمان درپیش باب‌عالی جمع آمده نمایشها برپاکرده‌اند . وانوربیك وناجی بیکرا برای استفسار کیفیت بنزد صدراعظم فرستادند . وخود جبراً بباب عالی داخل شدند . یاورصدر اعظم نظیف بیك بهجوم آورندگان باطپانچه آتش کرده‌است ویکنفر آدمرا مجروح نموده . یاورمذکوررا هماندم بقتل رسانیده‌اند . درین اثنا یاور ناظرحربیه نیزفیر کرده اورانیز همانلحظه بقتل رسانیدند . ناظم پاشا خود ازاوتاق هیئت وکلا برامده وبخطابهای غلیظ مردمرابه آرام شدن وباآنکه حکم فیردادن تهدید نموده‌است که آنسرافسربسیار بزرك ومشهور را نیزهماندم بقتل رسانیده‌اند . یك عربده وولوله که خدامیداند !

(قصیدهٔ فارسیه)

برای امداد مجروحین وتیمارعسا کر دولت‌علیه‌عثمانیه‌ازامضای منشی عبدالله تخلص خاکسار از کشمیر باداره رسیده

باستمداد خودیاران کنیدامداد مجروحین
غنیمت اینزمان دانید استمداد مجروحین
بودواجب‌بهرمومن کنداحسان‌درین‌دوران
بتیمارو شهیدارا وبراولاد مجروحین
برای قوت‌دین قدری ازقوت عیال خود
بخرج غازیان بدهید بهر زاد مجروحین
بهردم ازقدم بالازقلم امداد بنمائید
بس ازیاد خدادانید ایندمیاد مجروحین
عدو دولت عثمانیه اعدای دین هستند
محب‌دین حق‌احفادو هم‌اجداد مجروحین
باصافو وفاباشید باهل جفا دیده
زاخوان الصفا دانید هرافراد مجروحین
الهی وعده کردستی فرستم مهدی‌وعیسی
فرست‌ایندم که‌دارد گوش برفریادمجروحین
زظلم ظالمان امن وامان بخشند عالمرا
شود دین‌خدا روشن رسند برداد مجروحین
نیارد جزمسیحا بعدا قوم مسیحارا
نه جزدویش شود خرم‌دل‌ناشاد مجروحین
بغیر ازحضرت‌عیسی ومهدی کس نمیسازد
دوائی دردحاصل مرهم اجساد مجروحین

(مخلص خاکسار)

اخبار (اخوت اسلامیه) کهدر (توکیو) پایتخت دولت معظمهٔ ژاپان بلغت انگریزی از طرف یك هیئت اسلامیهٔ بسیار غیور دینداری نشر میشود . ونسخه‌های قیمتدار آن بمبادلهٔ (سراج‌الاخبار افغانیه) به اداره میرسید . چندی بود که منع شده نمی‌آمد . در ولا اینک همهٔ نسخه‌های منتشرهٔ آن بیکبارگی به ادارهٔ عاجزانه مارسید . وکیفیت تعطیل آن نیز معلوم گردید .

مگر در ژاپان اخبار سیاسی نشر کردن به این موقوف است که صاحب اخبار مبلغ (۱۰۰ ین) بحکومت بصیغهٔ رهن تسلیم کند . واخبار اخوت اسلامیه چون یك اخبار دینی اسلامی بود ازین تکلیف معاف بود . ولی اخبار (رونر) انگلیزی چون تاثیر عجیب آن اخباررا درعالم سیاسی مشاهده کرد درحق اخبار (اخوت اسلامیه) انواع نشریات تهمت آلود غرض آمودرا آغاز نهاد تا آنکه حکومت ژاپان صاحب جریده‌را برین امر مجبور میکند که یاسراسر مقالات دینیه بنویسد . ویا اگر میخواهد که مقالات سیاسیه نشر کند باید که (۱۰۰ ین) بدهد .

اخبار (اخوت اسلامیه) ازین واقعات بتفصیل بیان میکند . ومیگوید که بسبب یکنیم سال متمادیاً نشر کردن اخبارهٔ ؛ مالیهٔ صاحبش از دادن (۱۰۰ ین) عاجز مانده بود . بناء علیه باین اخباریکه در آسیا یگانه مدافع عموم مسلمانان شمرده میشود ازهرجهت معاونت ومدد کاری مالی لازم است . مسلمان شده‌گان ژاپانی زیر ادارهٔ (حسن هوتانو) نامیك ژاپانی نوجوان آتشین دماغ یك اخبار دیگری بنام (الاسلام) که نصف آن بلغت انگریزی ونصف آن بلغت وخط ژاپانی میباشد نشر کردند که بدیدن یك نسخهٔ آن کامیاب شده‌ایم . ازخداوند یگانهٔ عالم دوام موفقیت شانرا تمنی میکنیم .

{ حکایت از عریضهٔ شکایت }

رفیق معصر محترم ما اخبار (مسلمان امرتسر) در نسخهٔ مورخهٔ ۲۱ جنوری سنهٔ ۱۹۱۳ عیسوی خود بعنوان عریضهٔ شکایت از قرار ذیل رقمطراز شده‌اند :

عریضهٔ شکایت

بخدمت جناب محمود طرزی صاحب مدیر سراج الاخبار کابل السلام علیکم و رحمة الله و برکاته ـ مدتی گذشت که در اخبار مسلمان یک مراسله بدین مضمون شایع شده بود که جلالتمآب امیر المومنین امیر حبیب الله خان دام بقاه مادام الملوان امر اجرا فرماید که در ممالک محروسهٔ افغانستان تا وقتیکه بچه ها و دختر ها ترجمهٔ قرآن مجید را در زبان مادری محفوظ کرده نتوانند کتخدا کرده نشوند در مضمون مذکور قواعد آن نیز تحریر نموده شده بود و از جناب امید داشتم که مضمون مذکور را بخدمت اعلیحضرت پیش نموده سررشتهٔ آنرا نمائید بعد ازان مراسله صاحب رسید که انتشار تدبیر مذکوره بخلاف دستور افغانستان می باشد ـ و تنها مضمون مذکور را بفارسی ترجمه نموده بذریعه مراسله روانه دارید چنانچه ترجمه آن حسب منشای صاحب بذریعه ڈاک رجستری نموده بخدمت صاحب روانه نموده شد و همان مضمون در اشاعت مسلمان مورخه ۱۰ ستمبر سنه ۱۹۱۲ عیسوی نیز درج نموده شد امید که از ملاحظه گذشته باشد ـ اما هنوز مانند روز اول مضمون مذکور را درج صحیفه گرامی خود نمودید ـ لهذا مکرر متوجه می‌سازم که درباب آن زودی کارروائی اجرا نماید ـ مضمون عریضهٔ مذکور لایق تاخیر نمی‌باشد . لهذا امیدوارست که کارهذا را خدمت سلطنت خود تصور نموده توجه مبذول نمایند . والسلام مع الاکرام .

{ شهزادهٔ مکرم سردار حیات الله خان }

نائب الحکومهٔ قطغن و بدخشان که در دربار بمقام وکالت بدار السلطنه کابل مأمور فرموده شده‌اند

[خاکسار ابو الوفاء ثناء الله مدیر اخبار مسلمان امرتسر]

— § —

چون این تحریرات جناب مولوی صاحب فاضل محترم راساً بما خطاب شده و عنوان آنرا (عریضهٔ شکایت) نهاده‌اند و ما هیچ وقت نمیخواهیم که یک برادر دینی و ایمانی ما از ما شاکی باشد علی الخصوص که آن برادر ما با ما اخوت قلبیه و مسلک راهم داشته باشند لهذا مجبور شدیم که ما نیز بصورت علنی از حقیقت این حکایت عریضهٔ شکایت تحریر رانده و کیفیت را در نظر عموم آشکار ساخته حق شکایت داشتن ، یا نداشتن شانرا به آرای ارباب انصاف حواله نمائیم :

راستست که در اخبار مسلمان پیش ازین بعنوان (عریضهٔ نیاز) یک عریضهٔ مفصل که خطاب به ذات اعلیحضرت سراج الملة والدین بود مضمونی که در شکایتنامه خود بصورت خاص ازان اشارت کرده‌اند درج فرموده ، در آخر آن ازین حقیر استدعا نموده بودند که عریضهٔ شانرا بحضور اعلیحضرت پیش نموده سررشته آنرا نمائیم . در انوقت ما حیران ماندیم که این چه قسم عریضه ایست که بزبان اردو در اخبار نشر میشود و عرض شدن و پیش کردن آنرا بحضور یک پادشاه معظم یک دولت محتشم از یک اخبار والای عاجزی استدعا میشود !

چیزیکه ما آنرا (عریضه) میشناسیم اینست که بر کاغذ مخصوصی نوشته شده ، و در یک پاکتی انداخته سر مهر بواسطهٔ ڈاک سرکاری بنام همانی که نوشته شده باشد فرستاده میشود . اما عریضهٔ که در اخبار نوشته شود ، و هم بیک زبان غیر مروج ملک باشد صورت عرض و تقدیم کردن آنرا بعقل ناقص خود هیچ نیافتیم . آیا آنرا ترجمه کرده و بر کاغذ مخصوصی نوشته عرض و تقدیم میکردیم ؟ در انوقت امضای شمارا از کجا پس آوردیم ؟ حالانکه دستخط و امضای

خود صاحب عریضه در عریضه شرط است . فرض کنیم که اینهم میشد آیا تکلیف عریضه پیش کردن را به پادشاه یک اخبار والا چه قسم تکلیف است ؟ حالانکه آن یک عریضهٔ بود که در ان ادعای خدمت طلبی بود . و پیش شدن آنرا بحضور همایونی برماندما یک اخبار والای تکلیف میکردند . لهذا هیچ چارهٔ بجز سکوت در انوقت ندیدیم

بعد از چندی باز در اخبار مسلمان بطریق یاد آوری این عاجز را خطاب نموده تسریع تقدیم عریضه را تأکید فرمودند لاجرم مجبور شدیم که بخدمت شان بواسطهٔ یک نامهٔ خصوصی از کیفیت بیان کرده عرض اعتذار نمائیم . اینست که این مکتوب ذیل را برای شان نوشته بودیم :

« نقل مکتوب نمبر ۲۹۹ »

جناب فاضل محترم ادیتر صاحب اخبار فوائد نثار (مسلمان امرتسر) را زحمت عرض میدهد : شما در نسخهٔ مورخهٔ ۲۶ مارچ خود بعنوان (عریضهٔ نیاز) یک مضمونی انشا فرموده بودید . ودر آخر آن بواسطهٔ اخبار عاجزانه ما ایصال آن عریضه را بحضور مبارک اعلیحضرت پادشاهی اشعار نموده بودید و از نسخهٔ مورخهٔ ۴ ماه جون خود تکراراً از نقل نمودن آن مضمون را در سراج الاخبار افغانیه بحث رانده اید . لهذا لازم آمد که بدین نامه عجز علامهٔ خود آن فاضل محترم را زحمت افزا گردیدم . اولا ــ این یک اصول و قاعدهٔ جدید نیست که صحیفه های اخبارها واسطهٔ ابلاغ عرایض خصوصی مردمان گردد . وما هنوز بدین اصول و قاعده وقوف کامله پیدا نکرده ایم . اگر چه دیگر اخبارها این قاعده را مرعی هم بدارند ، ولیکن مسلک و روشیکه نسبت بموقع خود سراج الاخبار افغانیه پیش نهاد خود داشته قطعاً برای نشر عرایض مساعد نیست . واگر چنین نباشد صحیفه های اخبارما بهیچ صورت از عهدهٔ نشر عرایض برون رامده نمیتواند . بنابران از عدم درج و نشر آن عریضه بکمال تأسف و انکسار از خدمت آن فاضل محترم عرض اعتذار مینمایم . ثانیاً هرگاه عریضه خود تانرا غلط و عبارت فارسی بنویسید و بامضای خود تان مخفی ساخته برای این عاجز بفرستید ممکن است که بیک ذریعهٔ تقدیم حضور انور والا بتوانیم اینست که برین وعده و عفو تقصیرات خود ختم کلام مینمایم محرر دوشنبه غرهٔ رجب المرجب سنه ۱۳۳۰

(محمود طرزی)

حالا چون درین دو نامه ــ یعنی اعتذار نامهٔ خصوصی عاجزانه ما که برای حضرت فاضل مشار الیه ، و عریضهٔ شکایت علی ایشان که در اخبار خود انشا فرموده اند ــ یکقدری غور و ملاحظه شود معلوم میگردد که مترجم فارسی ادارهٔ اخبار (مسلمان) عرض مافی البال ما را بدرستی ترجمه نتوانسته اند . زیرا ما از روش و مسلک شخص خود بحث کرده گفته ایم ، « که صحیفه های اخبارما برای نشر عرایض خصوصی مردمان مساعد نیست » و سبب انرا نیز بیان کرده گفته ایم ، « که اگر چنین نباشد صحیفه های اخبارما بهیچ صورت از عهدهٔ نشر عرایض بیرون برآمده نمیتواند » . حالانکه ترجمان ادارهٔ اخبار مسلمان این بیانات ما را بدین صورت ترجمه کرده اند : « بعد از ان مراسله نگار رسید که انتشار تدبیر مذکوره بخلاف دستور افغانستان میباشد » . اینست که در ترجمه یک غلط سهوی پیش آمده که موجب نوشتن این (عریضهٔ شکایت) بصورت علنی گردیده است .

هر صاحب اخبار در نشر و عدم نشر مضامین اخبار خود آزاد است . ما اگر عریضه های مردمان را که در خصوص استدعای خدمت و یا طلب سررشته های کارهای حکومت باشد و نشر نکنیم کسی چه حق شکایت بر ما خواهد داشت ؟ و اینکه رهنمائی شانرا بنوشتن عریضه کرده ایم هم چیزی خطائی نکرده خواهیم بود . زیرا تحریرات شان مقاله نبود . مستقل یک عریضهٔ بود که در آخر آن ادعای خدمت کرده بودند (عریضهٔ نیاز) شان که بما رسید بایفای وعدهٔ خود مسارعت ورزیده یکروز بعد آن یک تحریرات از طرف خود بدار و محکمه که مأمور عرایض خارجه میباشد ارسال نموده تقدیم آنرا باعتاب سدهٔ همایون رجا کردیم . در خور وظیفهٔ ما انجام یافت .

این ممکن است که یک شخصی برای امور خانهٔ یک شخص آخر بعضی تجویزات و سررشته های بفکر خود اندیشیده آنرا بصاحب خانه عرض کند . ولی این غیر ممکن است که در باب اجرای آن حق اصرار و الحاح را داشته باشد .

حالا آمدیم بر اصل مدعا : فاضل محترم (ابو الوفاء ثناء الله) صاحب تجویزی که نوشته اند بسیار دیندارانه ، و خیلی عالمانه یک تجویز است ولی این را هم عرض کنیم که این تجویز هرگاه قانونی و جبری شود در ظرف یکچند سال یک مقدار کلی نفوس افغانستان ضایع خواهد شد . زیرا تا یکچند سالی که دختران و پسران افغانستان بقرار اصول تعلیم و قواعد تدریسی که خود فاضل مشار الیه آنرا نشان بدهد قرآن کریم را بزبان مادری خود ترجمه بتوانند امر نکاح و توالد و تناسل سراسر منقطع گردیده وفیات بحال خود خواهد ماند که بدین صورت ضایعات کلی در نفوس وارد خواهد شد . آیا نتیجهٔ مقصد از ترجمه قرآن شریف را بزبان مادری چه خواهد بود ؟ هرگاه مراد از دانستن معانی آن کلام مقدس عظیم الشان باشد تنها دانستن یک صرف و نحو کفایت نمیکند . همه علوم ریاضیه ، و حکمیه ، و طبیعیه و فلسفه ، و حکمت تاریخ ، و جغرافیه و تمام علم اشیا ، و علم روح و غیره را دانستن لازم است تا به غوامض معانی آیات بینات آن کلام جامع الکائنات تا یک درجه پی برده شود . مع ذالک ما بر فکر جناب فاضل مشار الیه اعتراض نمیکنیم . ولی (عریضهٔ شکایت) شانرا نیز بنفس الامر مطابق نمیدانیم . باقی والسلام مع الاکرام .

* * *

(ترجمه اخبارهای انگریزی واردو)

(مترجم عبدالرحمن بیك)

(علم تاریخی ترکی)

بر حسب حکم سلطان المعظم علم عثمانی که یادکار عهد حشمت مهد سلیمان ذوالقانون است برجهاز زره پوش باربروس نصب شده است پیشتر ازین علم مذکور در محاربهٔ کریمیا بر مدرع محمودیه منصوب گشته بود والحال برجهازیکه یادکار خیرالدین باربروسه ساخته شده بود نمودار شده است انشاءالله النصیر باعث نصرت خواهد گشت .

(غیرت وحمیت یك خاتون ترکیه)

یك دسته فوج بلغاریا قبل از رسیدن شتاجه در یك قریهٔ اسلام رسیده بی پرده نشینان‌را پرده دری کرده وصبیان وپیران‌را تهتیغ نمود ـ یك افسر بلغاریه در یك خانه زچهٔ رادید که طفل نوزائیده پیش او افتاده است ـ افسر قسی القلب بدباطن آن معصوم‌را بشمشیر دونصف ساخته به زن مذکوره مخاطب گردید و گفت که از مروز محبوبهٔ من باش ـ آن تصویر غیرت خاموش ماند تا که آن شیطان قرار گرفت وملبوسات واسلحهٔ خودرا بر کشیده برای حاجت طبعی بیرون رفت ـ خاتون ترکی موقع‌را غنیمت دانسته لباس بلغر مذکور را دربر کرد واسلحهٔ اورا نیز باخود گرفته در انتظار او منتظر شد ـ چون آن لعین درخانه رسید خاتون مذکوره بهمان شمشیر که جگر گوشهٔ اورا دو نصف کرده بود بیك ضرب فی النار والسقر گردانید ـ وبراسب او سوار شده راه شتاجه گرفت ـ افسران ترکی خاتون مردانه صفت‌را در آستانهٔ علیه فرستاد واکنون او زیر علاج است ـ شافی مطلق اورا شفائی کامل وصحت عاجل عطا کند ـ

(عزل وزارت وقتل ناظم پاشا)

چون وزارت ترکیه بسر کردگی کامل پاشا فیصله کرد که ایدرنا نوبل وجزائر بتصرف بلقانیان باشند در جمعیت های اتحاد وترقی شورش پاشیده دردل مردم غریو برخواست ـ وتجاه هزار نفر بر طومار دستخط کرده انور بی‌را روانه کردند که از وزراء استعفا بگیرد ـ زیرا وزارت مذکوره حقوق ملی‌را پامال ساخته فیصلهٔ غیر آئینی داده است ـ انوربی جبراً در اول دیباچه داخل شده با وزرا مخاطبه خواست درین وقت ازدحام خلقت بیرون ایوان ایستاده بود که لطیف پاشا بر مردم تفنگچه سر کرد ازدحام مذکور جواب تفنگچه‌را بتفنگ داده لطیف پاشارا هلاك کرد ـ بعد ازان یك افسر دیگر که ملازم ناظم پاشا بود بر هجوم مذکور گلوله زد او نیز قتل کرده شد ـ اکنون ناظم پاشا این کیفیت‌را ملاحظه کرده بطرف مردم بشتافت وآنهارا سگهای بداطوار گفت هجوم خلق بشنیدن لفظ سگ اورا هم کشتند ـ علاوه برین یك شخص از پولیس خفیه ویك ملازم شیخ الاسلام نیز درین کشمکش کشته شدند ـ ارکان اتحاد وترقی ناظم پاشارا بنظر وقعت وعزت میدیدند وقتل اورا محض اتفاقی میگویند ـ

چون ازین کشت وخون فراغت شد انوربی همراه نیازی وطلعت بی ودیگر منصبداران نظامی بکامل پاشا گفت که باقرار حلفیه بنمائید که جنگ جاری خواهد شد ویا مستعفی شوید ـ وزیراعظم مذکور باطمینان استعفی پیش کرد وانور بی بحضور سلطان المعظم رفته برای تقرر محمود شوکت پاشا فرمان آورد ـ وعلاوه بر وزارت عظمی قلمدان مارشل (سپهسالار) نیز یافت ـ اراکین وزارت سابقه تادو بجهٔ ظاهر مقید بودند وبعد ازان رهائی یافتند درین وقت هجوم مردم تقریرهای پرجوش کرده دعا خواستند واشعار حب الوطنی خواندند ـ

دونفر مسلمانان هندوستان هم دریك مجمع تقریر نموده بیان کردند که مسلمانان هندستان بدل وجان باترکی شریك میباشند وتوقع دارند که جنگ تاآخر ختم کرده نخواهد شد که انجام آن برفتح نشود ـ هردونفر مذکور تعلق به هلال احمر داشتند که ازهندوستان به قسطنطنیه رفته است ـ

(منع خرید اسباب ساخت یوروب)

مجلس سیاسی مسلمانان کل هندستان یك عریضه بسرکار انگریزی تقدیم کرده بود که جذبات کرور ها رعایای مسلمانان هندوستان را نگهداشته بردولت برطانیه لازم است که مدد ترکی‌را روا داشته خواهان عزت او باشد ـ چونکه برطانیه وضع مخالفانه شروع کرده است ویا دول شریك شده دراهانت عثمانیه میکوشد یك جماعت سیاسی مجلس مذکور ازمقام بریل بالاتفاق فیصله نموده است که مصنوعات ودیگر اسباب ساخت انگریزی ویوروپ‌را تمام مسلمان هند قطعاً متروك نموده اشیائی ساخت هند ویا امریکه وجاپان‌را استعمال نمایند ـ

اخبارهای جرمنی بحمایت ترکی

کل اخبارات جرمنی برخلاف حکومت خود مضامین شایع کرده‌اند که چرا همراه دیگر دول اوروپا شریك شده برعثمانیان اصرار مصالحت می نماید ـ روس تهدید نموده است که اگر مصالحت نشد درولایت های ایشیائی حمله خواهد کرد ـ وجرمنی هم تائید آن کرده ترکان‌را بی سبب درشکنجهٔ حیرت وکشمکش افکنده است ـ

سانحهٔ غرق شدن حجاج

قافلهٔ حاجیان که تعلق بهندستان داشتند مابین مدینه و ینبوع بمقام الحمرا گرفتار سیلاب آمدند که ناگهان در نیم شب از کوهها فرود آمده سه صد و پنجاه حاجی را غرقاب ساخت و صرف پنجاه جانبر شدند ـ

صحت یابی وایسرای هند

لارد هاردنگ وایسرای هند در مجلس بر کرسی صدارت نشسته بازوی بسته خود تقریر پر تأثیر کرد ـ که چون بعد از زخمی شدن و بیهوش گردیدن بهوش خود رسیدم اول خیال شکرانه قادر مطلق بود که بمن و عیال مرا از مرگ نجات بخشید ـ دوم خیال مرا آن نفری بود که در ادای فرض ملازمت خود جان دادند ـ پیغامات و مراسلات عیادت پرسی و همدردی که از مردم هر فرقه و هر طبقه بمن رسیده‌اند ظاهر می‌شود که باشندگان هندوستان بر آن جرم لعنت و ملامت می‌کنند که بخلاف مذهب و کیش خود این چنین جرم را اقدام نموده است ـ وایسرای شکریهٔ دل این مردم نیز ادا کرد

جنگ ترکی و یونان

در نواح جنینا جنگ بزور و شور جاریست ـ یونانیان بسبب باران شدید از جای خود حرکت کرده نمی‌توانند ـ ولیعهد یونان اراده حملهٔ تازه دارد و رخ به پیروی نهاده است ـ ترکان بهر نوع کمک زیاد یافته‌اند و برای مقابله آمادگی تامه دارند ـ

تعدی دول یوروپ بر ترکیه

نهایت افسوس است که دول یوروپ انصاف و اخلاق را بالای طاق گذاشته بدولت ترکیه در حمایت ریاستهای بلقان تعدی می‌نماید و یک تحریر متفقه در باب حواله نمودن ایدریانوپل از طرف بلغاریه پیش می‌شد اما ترکان هنوز بمخالفت تجویز مذکور ثابت قدم میباشند و وکلای مصالحت عثمانی منتظر پیش شدن جواب آن نشسته اند و خیال شان از طرف حکومت ترکیه یاد داشت متفقه مذکور منظور نخواهد شد یعنی جنگ باز اجرا خواهد یافت ـ اما اندیشه آنست که حکمت عملی یوروپ که صریحاً بخلاف ترکیه کار روائی می‌نماید خدا نخواسته باشد ترکان را از جنگ مانع گردد ـ و مجالی میدان کارزار تصفیه در دست قسمت آخری آن در سفارتخانه صادر شود .

سرگرمی مفویانه

جای افسوس است که اکثر مقامات بنگال بعد از واقعهٔ بم اندازی دهلی آثار سرگرمی انقلاب کوش نمودار شده است و بعد از دریافت شدن اعلان مفویانه در بیدن سکوئر کلکته یک اشتهار همان قسم در میمن سنگهه نیز دیده شده است ـ و در آن بعد از مضمون باغیانه رحلهٔ بم دهلی تحسین نموده شده است ـ و در همان ایام نیز خبر رسید که مسترد بیندرو کمان گهوش نام که پسر نوجوان یک وکیل بود در شب سه شنبه از دست یک شخص نامعلوم بذریعهٔ گلولهٔ تفنگ هلاک کرده شد ـ و قاتل او تا حال ماخوذ نشده . معلوم شده است که مقتول مذکور در باب یک قزاق سیاسی بپولیس اطلاع داده چند نفر را عرض قرار داده بود . ذهن غالب است که مقتول در انتقام همان افشای راز کشته شده است ـ اینچنین واقعات در حق ملک نهایت مضرت رسان میباشند و هر یک محب وطن آرزو دارد که پولیس سراغ مجرمان اینقسم پیدا کرده در نابود کردن سرگرمی مفویانه کامیاب گردد .

مکتوب

بخدمت مدیر صاحب سراج الاخبار افغانیه

جناب من ـ اوراق هذا را براه عنایت در جریدهٔ وسیع الاشاعت خود درج نموده ممنون فرمایند و حصه در خدمت برادران اسلام بگیرند .

یک تجویز از خود حقیر است و دیگر از داکتر عبد الرحمن صاحب است و مدعای هر دو تجاویز فراهمی امانت برای ترکان است فقط

راقم محمد انیس الدین از کلکته

خلاصهٔ تجویز محمد انیس صاحب

چونکه برادران ترک در حمایت و حفاظت بیت الله جانهای خود را قربان میکنند اگر برای شان مسلمانان هند امداد نمایند روح مقدس رسول الله صلی الله علیه و سلم صدمه خورده از ایشان ناراض خواهند شد ـ بنا برین ضرور است که در روزی چهار لک روپیه کلدار تا مدت یکسال از هندوستان جمع شود ـ این حساب یکپائی فی نفر میباشد و باید که مسلمانان هندوستان از دعوی‌های خود باز آیند و در اخبارات و اشتهارات شور و شر بپا نکنند بلکه برای معاونت برادران ترک گرسنه مبلغ چهار لک روپیهٔ کلدار روزانه برای شان ارسال کنند ـ مردم هر شهر و هر محله برای جمع نمودن این روپیه مقرر شوند و کتابهای رسید و جهه انتظام حصول روپیه بدست مجلس شهر و محله باشد و صدر آن همان شخصی باشد که روپیهٔ زیاده ترین عنایت کرده باشد اگر ازین طریقه کار گرفته شد امید قوی است که خلیفهٔ اسلام برای محافظت خانهٔ کعبه اسباب کافی بدست داشته خواهد بود ـ و اگر مسلمانان هند غفلت ورزیدند باید که از روح مطهرهٔ رسول اکرم خوف نمایند .

(تجویز داکتر عبد الرحمن صاحب مدراس)

چونکه در هندوستان هفت کرور نفوس مسلمان موجود است باید که یک روپیه فی شخص فی الفور برای امداد برادران ترک روانه کنند و برای فراهمی این روپیه بزودی انتظام کرده شود و مبلغ هفت کرور روپیه کلدار بی تاخیر فراهم شده بخدمت خلیفهٔ اسلام برسد فقط

هو الموفق

(باب التفسیر)

جریدهٔ وطنیهٔ سراج الاخبار افغانیه چون جریدهٔ اسلامیه میباشد از آن رو لازم گردید که از فوائد دینیه در هرعدد آن خوانندگان را حظ دینی برسد — وچون اشرف حظوظ طاعاتیه واکمل اذواق اسلامیه حقاً استفاده از قرآن عظیم الشان است درین عدد جریدهٔ وطنیه (باب التفسیر) را مفتوح نمودیم — وبرای آغاز این ارادهٔ مبارکه چند آیهٔ کریمه را برای تسلی مسلمانان وقت حاضر با ترجمه ساده نگاشتیم — واستخراج نکات بلیغه واشارات بدیعهٔ کلام مبین را که هر کس بقدر فهم خود از آن مستفید میتواند شد حوالهٔ همت خوانندگان عظام نمودیم وشرح مفصل (باب التفسیر) را بخوانندگان عظام در ما بعد وعده میدهیم انشاء الله الکریم

(اعوذ بالله من الشیطان الرجیم)

(الذین استجابوا لله والرسول من بعدما اصابهم القرح للذین أحسنوا منهم واتقوا أجر عظیم) « سورهٔ آل عمران جزء ٤ »

ترجمه — کسانیکه از روی صدق اجابت نمودند فرمان خدای ورسول را بعد ازانکه رسیده بود بایشان جراحتهای زیاد مرآنکسانی را که نیکوئی کردند بوفای عهد وترسیدند از غضب خدای تعالی مزدبزرگی است :

این آیهٔ کریمه در وقتی نازل گشت که حضرت ختمیت مرتبت علیه الصلوة والتحیة در سنه سوم هجرت از جنگ احد برگشته وذات ملکوتی صفات پیمبری اززخم جان شکار اعدای دین مجروح گردیده روی مبارک زخمی ودو دندان درفشان شان از سنگ کفار سنگ دل شکسته حلقهای خود در سر مبارک در آمده واز زحمت جراحتها از اسب زیر افتاده ابو بکرصدیق وعمرفاروق وعلی مرتضی همگنان مجروح گردیده وعم سیدالبشر حضرت حمزه سید الشهدا با تخمیناً هفتاد نفردیگر از کبار اصحاب امجاد بشهادت رسیده — وبعد از ختم محاربه بجانب مدینه عودت فرموده تا احوال در رسید که کفار اشرار از زحمت آنحضرت واصحاب اطهار اطلاع یافته باز لشکر خجالت آثر را ترتیب داده اراده نموده اند که بمدینه بازگشته باستیصال اسلام دوباره عودت نمایند — حضرت سید البشر علیه الصلوة والسلام که به فتوح لاریبی وکشایش غیبی مطمئن الخاطر بودند بوضع ظاهری ضعف وناتوانی لشکر اسلام در عزم مصمم شان هیچ فتوررخ نموده حکم فرمودند که فردا یعنی یکروز بعدازوصول مدینه آرام نا نموده همان افراد لشکر اسلام که در احد حاضر بودند خودرا مهیا نموده در رکاب ظفرمآب پیمبری بازازمدینه بر آمده وبموضع حمراء الاسد که (هفت میل از مدینه منوره دوری دارد) برای جهاد اعدای دین حاضر و آماده باشند آن شیران بیشهٔ حقیقت ونهنگان دریای طریقت بجان منت پذیرفته با وجود جراحات زیاد بدون تعطیل وامهال با حضرت ختمیت مرتبت حاضر خدمت گردیده وتا حمراء الاسد رفته برادرانی در ایشان موجود بوده است که از محاربه روز گذشته مجروح بوده ونوبت یکدیگر را بر پشت خود برداشته می بردند — از روز شانزدهم شوال الی نوزدهم آن اقامت فرمودند — واعدای نابکار که خیال نابود شان بسبب ضعف ظاهری لشکر اسلام وکثرت وقوت خودها بر استیصال اسلام رفته بود اطلاع یافته واقعه را دیگر گون دیدند وعزم خودرا فسخ نمودند — ویکه باز گشته ندا دردادند که با (محمد صلی الله علیه وسلم)وهمراهانش مقابله دشوار است کیفیت خبر مذکور را خداوند علام در آیهٔ ذیل چنین خبر میدهند : —

(الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لکم فاخشوهم فزادهم ایماناً وقالوا حسبنا الله ونعم الوکیل فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم یمسسهم سوء واتبعوا رضوان الله والله ذو فضل عظیم)

— ترجمه — اجابت کنندگان مذکورین آنانندکه برای تخویف مردمان ایشانرا گفتند که کفار متفق الکلمه گشته اند برای قتل شما پس بترسید از آنها زیرا که شمارا با آنها طاقت حرب نیست — پس زیاده گردانید این قول مردمان ایمان ایشانرا و گفتند بسند وکافی است مارا خدای — ونیکو کارگزار است اوتعالی پس باز گشتند ازحمراء الاسدبعافیتی تام وثواب مالاکلام وزیادتی حرمت ازجانب خدای تعالی — نرسید ایشانراهیچ مکروهی ازقتل وجرح و هزیمت وپیروی کردند خوشنودی خدای را باطاعت رسول برحقش وخدای تعالی خداوند فضل بزرگ است بدفع مشرکان از مومنان — (انما ذلکم الشیطان یخوف اولیاءه فلاتخافوهم وخافون ان کنتم مؤمنین).ترجمه.فی الحقیقت آن تخویف وتحذیر مسلمانان ازجانب شیطان بود که دوستان ومحبان خودرا ترسانیده وعبدالله بن ابی باسه صدنفریهود ومنافقان بعدازخروج بالشکر اسلام واپس عودت نموده ولشکر اسلام را که یکهزار نفربودندوبرای مقابلهٔ سه هزار نفراز کفار اشرار برامده بودند بسبب تخلف خود ها اقل قلیل گردانیده وبه هفتصد رسانیدند باوجوداین همه ای مومنان شما مترسید ازاولیای شیطان وبترسید ازمن درمخالفت امرمن اگر مصدقان وعدووعید من میباشید .

ای افراد مسلمانان ازوقوعات محاربات کفر واسلام که درین جزوزمان رخ نموده است واعدای خدای جهان آفرین برقلع وقمع افرادمسلمین متفق الکلمه گشته اند حزن وغم واندوه وحسرترا بخودراه مدهید لیس هذا اول قارورة کسرت فی الاسلام توحیدرا باشرک از آدم تاخاتم نزاع برپاست واسلام وکفررا ازاول تاآخر اختلاف وضدیت برجا (کم من فئة قلیلة غلبت فئة کثیرة باذن الله) کلام مبین حضرت ارحم الراحمین است (وجعل رزقی تحت ظل رمحی) قول متین خیرالنبین حضرت ارحم الراحمین باوجود قدرت تامه

و خلافت نامه روی حبیب خود را در اعلای کلمة الله مجروح میگرداند وبا وعدهٔ منتج النتائج نصرت و امانت لشکر اسلام گاه گاه ابتلای و امتحانی میفرماید — (سبحانك لاعلم لنا انك انت العليم الحكيم) اما واضح ولایح است که نصرت آلهی عاقبت یاور بندگان رب الارباب است وفتح وظفر موعود مسبب الاسباب است کما قال جل وتعالی شانه (فالذین هاجروا واخرجوا من دیارهم واوذوا فی سبیلی وقاتلوا وقتلوا لاکفرن عنهم سیاتهم ولادخلنهم جنت تجری من تحتها الانهار ثوابا من عندالله والله عنده حسن الثواب). ترجمه پس آنانکه هجرت کردند از اوطان خود وخارج گردیدند از سراها ومنازل خود ورنجانیده شدند در راه طاعت من وکارزار کردند با کفار و کشته شدند درجهاد هر آینه در گذرم از ایشان بدیهای را ودر آرم ایشانرا ببوستانهای که میرود از زیر درختان وغرفهای آن جویها واین پاداش دادنی است ازجانب خدایتعالی و پاداش نیکی نزد خدایتعالی است . فقط

(عبد الرب)

(مقالات فنیه)

(حکمت طبیعیه)

(فن)

(مته اور لوژی)

(باد)

ما بعد از شمارهٔ ۱۰

پس منطقهٔ اصلی ریاح عبارت از همین هفت منطقه ایست که بیان کردیم . اما بعضی از جغرافیون مسالهٔ را که از شصتم درجهٔ عرض تا به قطبین امتداد میابد دو منطقهٔ جنوبی وشمالی جدا کانهٔ اعتبار نموده اند وانرا به اسم (منطقهٔ ریاح قطبیه) مسمی کرده اند که درین منطقه چنانچه مذکور گردیده بود در نصف کرهٔ شمالی (باد شمال شرق) ودر نصف کرهٔ جنوبی (باد جنوب شرق) در وزیدن میباشند .

اینست ترتیب اساسی ومنظومهٔ کلی منطقه های باد پس در هر نقطهٔ کرهٔ ارض بهر گونه بادیکه تصادف شود ان باد البته بدین منظومه منسوب خواهد بود . ولابد یکی ازین جریانها عائد وراجع است . اما باوجود آن بازهم تعیین موقع مخصوص هر بادرا مطابق این منظومه نمودن ، وجریان هر بادرا بیکی ازین منطقهها موافق ساختن کار هر کسی نی بلکه متفننان فن مته اورلوژی نیز از آن عاجز است . واسباب صعوبت واشکال ان نیز اینستکه در هر موقع وضعیت ومناسبت آب باخشکه دیگر گون افتاده ، وامتداد وارتفاع جبال ودامانها ووسعت صحاری وبیابانها وپست، وبلندی سائرهٔ کره ارض استقامت جریانها را تغییر وتبدیل میدهد که ازین سبب تعیین موقع مخصوص هر بادرا نمودن خیلی مشکل است .

(اقسام بادها)

چون اسباب مهمه ، واساس کلیه ماهیت ، وجریان ، ومنطقه های ریاح مذکور گردید اکنون شمهٔ از اقسام ، واسامی که برباد های متنوعه اطلاق میشود بیان میکنیم :

(بادهای موسم)

بادهائیکه انرا (باد موسم) میخوانند چون از برای تبدیل استقامت جریانهای مالبست ، ونیز از برای جغرافیا اهمیت زیادی دارد لاجرم درخصوص تفصیلات آن شایان وقت است

باقی دارد

فاجعه های پاریس

(ما بعد شمارهٔ (۱۰) سال دوم)

وهمانروز وقت یافتن ترا محقق بنداشته علاقهٔ پدری ودختری از ما بین من وتو بر طرف خواهد شد . این آخر سخن منست که بتو گفتم . دیگر سخن ندارم .

مادموازل دوموقوب رنگش مانند یك مردهٔ زرد شده ولی عزم ومتانتش بقدر یکذره خللپذیر نشده بی آنکه یکحرف بگوید به پدر خود گردن خم کرده آهسته از سالون براهد .

فردای آنروز که روز واصل شدن سن بلوغش بود باخدمتکار اتاق خود از خانهٔ پدر برامده در یکی از خانه های راهبه هائیکه به اجرت مسافر قبول میکرد در کشید . سه روز بعد دو نفر محرر مقاولات از طرف دایرهٔ قانونیهٔ عدالتخانهٔ مارکی دوموقوب آمده بیکطور احترامکارانهٔ وظیفهٔ قانونیه را بجا آوردند . بعد از برامدن آنها مارکی نیز بر وعدهٔ خود ثابت قدم مانده قلوتیلد نام دختر خود را مرده فرض نموده لباس یأس وماتم آزاد بر کرد.

بعد از اتمام یافتن مهلت قانونی نیکه معین بود رسم نکاح قونت دوراندال با مادموازل دوراندال اجرا گردید غونتران در حالیکه منتظر ملیون ها طلا یك ثروتی بود دید که زوجهاش تنها با سیصد هزار فرانك یك ثروت مختصرهٔ بدستش رسید . ازین کم بودن ثروت مادموازل دوموقوب تعجب نباید کرد. زیرا قلوتیلد به اعلان حریت وآزادیٔ خویش تنها به ثروت وساماتی که از مادر به او میراث میرسید حق تصرف را داشت که آنهم عبارت ازهمینقدر مبلغ بود . وآنهم ازین پیش آمده بود که مارکی دوموقوب نسبت به اصالت وثروت وتوانگریٔ خود بایك زن فقیری ازدواج کرده بود .

وقایع ما بعد این وقعه را بیکدو سخن اختصار میکنیم :

غونتران چون دید که بواسطهٔ این ازدواج مالك ثروت

باقی دارد

ادبیات

هیچکس نشنیده در آفاق اخبار انجمن
از کسی کم دیده ام طرز شکر بار انجمن
انجمن گو را بود گلهای مضمون رنگ رنگ
در بهاران هیچگه نشکفت گلزار انجمن
کام جان پرشکر از شیرین زبانهای اوست
دیده ام طوطی نمی آید بگفتار انجمن
سربسر آفاق را گردید در یکسالگی
کودکی یکساله می آید برفتار انجمن
از مضامین بلند و از خیالات بزرگ
کی بکاهمت بلند افتاده کهسار انجمن
جام جم میگفتمش در صورت حال جهان
جام جم هرگز نکردی کشف اسرار انجمن
می ربایدش بتند جان روان ازبکه گر
باید این جنس گرامی را خریدار انجمن
عادل کشور سراج دین و ملت بحر جود
ای که در عهد تو شایع گشت اخبار انجمن
سایهٔ حق آفتاب دهر شاهنشاه ملك
ای که در گیتی نمی بینم خریدار انجمن
رونق دیگر گرفت امروز از لطفت جهان
در جهان امروز کی باشد جهاندار انجمن
گشته از فیض تو مستغنی چو بلبل نغمه سنج
کیست تا گوید چو او نظم گهربار انجمن

ناموران زنان جهان

(مابعد از شمارهٔ (۱۰) سال دوم)

آنی فاطمه خاتون : — از ادیبه های استانبول است . از نسل صاحب (تاج التواریخ) خواجه سعدالدین حسنجانی یك شاعرهٔ معروفه ایست که در سنهٔ ۱۱۲۲ ه در همین شهر وفات یافته است . صاحب دیوان یك شاعرهٔ بلیغهٔ بودولی بجز همین دو بیت ترکی که در تذکره های شعرا از و دیده شده است بدیوانش دسترس نشده :

خیال عارضکه دیده صحن گلستاندر
آچلمش شرحه لر سینه ده هر گل ارغواندر
امید وصالکله ای قاشلری یاسینه دن گیجمز
خیال تیر غمزه‌ک آه خاطر نشاندر .

یعنی — بخیال عارضت دیده صحن گلستان من است . شرحه ها نیکه درسینه ام گشاده شده هریکی یك گل ارغوان منست . ای کمان ابرو ! امید وصل تو از سینه ام هیچدم نمیگذرد . خیال تیر غمزهات خاطرنشان آن بیچاره است .

آنیس : — بهاین نام چند نفر زنان مشهوره ذکر شده است : یکی دختری بود که در جزیرهٔ (سیلیا) در زمان (دیوقلیس) نام پادشاه روما بدین نصارا درآمده بود . و چون پادشاه مذکور در آنوقت بسبب دین بت پرستی نصارا را بقتل میرسانید آنیس را نیز بقتل رسانیده

باقی دارد

علم ثروت ملل

(مابعد از شمارهٔ (۱۰) سال دوم)

کار های دشوار نیز مجبور میگردد . و به این صورت هم اجرت کارگران افزونی میگیرد ، و هم مصارف و مخارج زیاد میگردد ، و از قوتهای کمصرف شود نیز بتمامها فایده برداشته نمیشود .

دیگر یك سببی که بیان کرده‌اند این است که اگر اعمال یعنی کارها بصورت خوب و درست تقسیم گردد همه آلات ، و ماشینها و بنای فابریکه وغیره چیزهائیکه از اصل سرمایه شمرده میشوند بیکار نمانده از همهٔ آنها فایده برداشته میشود و اگر قاعدهٔ تقسیم اعمال نباشد نمیشود . چونکه اصول تقسیم اعمال در عالم صنایع کارهارا بسیار ساده و آسان ساخته بخوبی و سهولت از هر چیزی استفاده میشود . و به اینصورت مصارف نیز کم شده خوبی و نفاست و بیشتری و ارزانیٔ محصولات را نتیجه میدهد .

منشأ یگانهٔ اصول تقسیم اعمال (مبادله) میباشد . اگر مبادله بنا بر هر سببی که باشد بوقوع نیاید تقسیم اعمال نیز وسعت نمی یابد و از تقیهٔ آن حاصلات نیز محدود میماند . بناءً علیه برای سهولت بافتن تقسیم اعمال اولا میباید که جای مبادله — یعنی جای فروخت اشیا موجود باشد . مثلا چنانچه پیش ازین گفته بودیم که اگر سی نفر کارگر به اصول تقسیم اعمال کار بکنند در روز پانزده هزار کاغذ قطعه بازی تیار کرده میتوانند . پس یك فابریکی که در روز پانزده هزار کاغذ را از روی قاعدهٔ تقسیم اعمال بسازد لازم است که آن صاحب فابریك در روز پانزده هزار کاغذ را فروخته بتواند و اگر لااقل ده هزار آنرا فروخته نتواند لازم است که یك قسمی از عملهٔ خود را جواب بدهد ، یا آنکه بهر یك آدم رقم رقم کارهارا اجرا کند

باقی دارد

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر و سرمحرر تحریر یافته

محمود طرزی

در چهاپ خانه حروفی دار السلطنه کابل طبع گردید

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

شماره ۱۲

فهرست مندرجات

اقتران السعدین

حوادث تاریخیه
احوال عثمانی — [illegible] — انقلاب در طرابلس
[illegible] — [illegible] — صدر اعظم [illegible]
[illegible] — [illegible] — [illegible]
[illegible] — اوروپا و ترکیه — [illegible] — مکتوب — جوابیه

باب التراجم

شکران نعمای حضرت المتان

عالم عسکری

مقالات فنیه
حفظ الصحه
مابعد از شماره ۱۱ — [illegible] — [illegible] — [illegible]

ادبیات
خطابات عالم اسلامی — تاریخ ولادت [illegible] حسن حلمی افندی [illegible]

نامورانِ زنانِ جهان

علم ثروت مال

قاموسهای پاریس

اعلان

تصاویر
تصویر اعلیحضرت [illegible] همراه خاقان مرحوم —
تصویر [illegible] — تصویر شهزاده معظم معین السلطنه صاحب [illegible] — تصویر جناب سردار محمد یوسف خان [illegible] — تصویر [illegible] عسکری

اعلان

(شرایط اشتراک سراج الاخبار افغانیه)

اج الاخبار افغانیه) نخستین اخباریست که در مملکت رفیعه و ترکیب افغانستان بسایهٔ فیوضات عرفان پروری از مضامین پادشاه مقدس مهربان ما و در دارالسلطنهٔ محروسهٔ کابل به انتشار آغاز نهاده است ، مقصد و مسلک این نامهٔ گرامی بیداری و آگاهی اهل وطن مقدس ماست براحوال عالم ، و حب دولت و وطن ، و توجه بسوی علم و فن ، دینی ، سیاسی ، ادبی ، اجتماعی ، فی یک اخبار فواید نافعیست که در صفحه های معدود ، فواید غیر محدودی مندرج دارد ، (سراج الاخبار افغانیه) از هموطنان عزیز خود چشم امید آنرا دارد که چون این اخبار یگانه اخبار وطن عزیز مقدس شان شمرده میشود میباید که یک توجه سعی و یک هوس مطالعهٔ بالخلاصی بسوی او عطف نمایند ، اداره ، در باب اشتراک مشترکین کرام بیاندرجه ارزانی و آسانی را مرعیداشته ، و برای خوبی مضامین مندرجه و خوبی کاغذ و حسن طبع و درج تصاویر فقط کارهای بسیاری بکار برده ، و تجارت را کم منظور داشته است در یوقت در ماه دو بار یعنی در غره و پانزدهم هر ماه اش ، دیده میشود که در آینده هفته وار شود ، و آنهم به همت دانشوران معزز هموطن منوط است زیرا هر اقتدر که تعداد مشترکین کرام ، و رغبت خوانندگان عظام بیفزاید ، البته در ترقی او نیز خواهد افزود ، قواعد اشتراک از قرار ذیلست :

در دار السلطنهٔ کابل قیمت یکساله اشتراک آن ۸ هشت روپیه کابلی — ششماههٔ آن ۵ پنج روپیه کابلی . در ولایات داخله دولت علیهٔ افغانستان یکساله ۱۴ چارده روپیه کابلی — ششماههٔ آن ۸ هشت روپیه کابلی . درممالک خارجه چون هندوایران و ترکستان روسی و ممالک عثمانی و اوروپا یکساله ۱۰ ده روپیهٔ انگلیزی — ششماهه ۶ روپیه انگلیزی :

(اسامی وکلای ما در خارج)

در پشاور جناب میرزا غلام حیدر خان سررشته دار داکخانهٔ دولت علیهٔ افغانستان ، در مشهد جناب عبدالله خان کار دار تجارت دولت علیهٔ افغانستان در بخارا جناب حاجی غلام نبی خان مامور فروش پوست قره قل دولت گرامی که در ممالک خارج افغانستان آرزوی اشتراک اخبار ما را داشته باشند به یک ازین وکلای ما چون وجه یکساله یا ششماههٔ اشتراک را بفرستند و از طرف وکیل ما به اداره اطلاع رسد از عاجوقت اخبار ما بهمان آدرس و عنوانیکه داده باشند جاری میگردد . آدرس و عنوان واضح و روشن نوشته شود . یک طلای پوند انگلیزی ۱۵ پانزده روپیه کابلدار است .

نگران
اردوی آگاهی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی
علی احمد

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
با مصارف داک ۱٤ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مصارف داک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

اداره‌خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همهٔ امورات تحریریه به اداره‌خانه
بنام مدیر فرستاده میشود
قیمت یک نسخه آن دو کابلی یکصاد است

تاریخ عربی یکم ربیع الثانی ۱۳۳۱ تاریخ انگلیزی ۱۰ مارچ تاریخ شمسی ۲۰ حوت ۱۲۹۱

در این اخبار از حوادث داخله و خارجه و بسی مقالات مفیده درج میشود

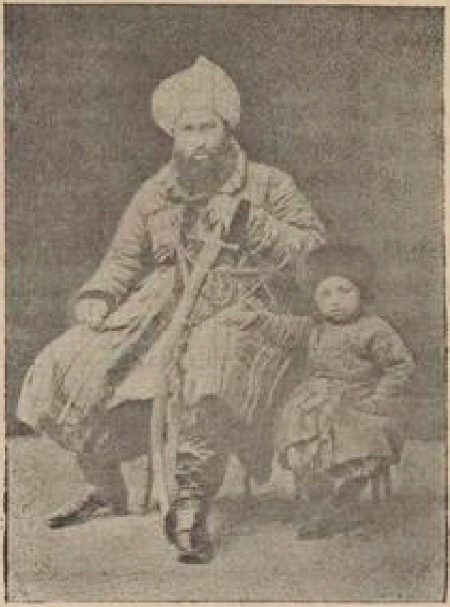

(اقتران السعدین)
(یک لوحهٔ بدیعهٔ علویت منظر . یک نظارهٔ روح پرور سعادت مظهره)
(تصویر فوتوگرافی ذات اعلیحضرت خلد مکان جنت مکین ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان وفات قدسیت صفات)
(اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان در عمر ٤ سالگی در سمرقند سنه ۱۲۹۳)

(اقتران السعدین)

(یکدو صحیفهٔ بسیار درخشان ونشان تاریخ افغانستان)

این شمارهٔ ۱۲ سراج الاخبار افغانیه بدرج نمودن یك لوحهٔ بدیعهٔ علویت منظرهٔ شرف اندوز فخر ومباهات گردیده ، کههیکل مجسمهٔ غیرت ، وشجاعت ، وقهرمانی ، ونمونهٔ مکمله عدالت ، وسیاست وخردمندی‌را بیکنظر بنظر هر صاحب نظر جلوه گر میسازد ، چه قدسی منظره ! دو وجود مسعودی که یك مملکت جسیمه ، ویك ملت معظمه‌را یکی از معدومیٔ محو و انقراض رهائی داده بنیاد هستیٔ وجودش را گذاشته ، وچنانش مستحکم واستوار ساخته که درمقابل سیلابهای فلاکت اندوز ، واژدرهای آتش افروز بکمال ثبات واستقامت مقاومت مینماید ، وآن دیگری بران اساس ، بنیاد چنان یك بنای مشید الارکانی وضع نموده وآنرا بچنان درخشنده گیهای تمدن وتجدد شعشعه افروز گردانیده که برای حال واستقبال ملك وملت یك تحشگاه امید ، ویك آمال ترقی نویدی حاضر وآماده شده است .

چه علوی منظره ! دو دیگر مهر منظری که یکی خورشید ضیا شاریست که بطلوع سعادت سطوع جهان افروزش ملك وملت از انجماد افسرده گیٔ اسارت رهائی یافته ، حیات تازهٔ سعادت ونشو و نمای حریت‌را اکتساب ورزیده ، وآندیگری به تحلیل طبیٔ آن ضیای فیوضات مآب کامیاب آمده به انوار رنگا رنگ مدنیت وترقی ، وآثار بسیار شوخ وشنگ شوکت وتعالی آرا درخشنده گیٔ سراسر زنده گی بخشیده است .

بلی ، بلی ! همین دو وجود مقدس است که افغانستانرا به نعمت آزادی و استقلال مظهر نموده ، وافغانیانرا بعالم شناسائی داده ، یکی شمس‌ست ، وآندیگری انوار ، یکی مؤسس‌ست وآندیگری معمار ، یکی شجر است وآندیگری ثمر یکی عنصر است وآندیگری جوهر ، یکی مرشد است وآندیگری رشید ، یکی سعد است وآندیگری سعید .

این اقتران السعدین ، واین نیرین بی عیب وشین تصویر دلپذیر خاقان خلد آرامگاه اعلیحضرت (ضیاءالملة والدین امیر عبدالرحمن خان) طابه ثراه است که ذات شوکتسمات اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) طال الله عمره واقباله درسن طفولیت بهمراه شان میباشند . این عکس فوتوگرافی ایست که در اثنای اقامت شان درسمرقند گرفته شده است . لهذا لازم آمد که بپاسی یك عطف نظر نموده یك دوصفحه از تاریخ افغانستانرا مطالعه نمائیم تا بکیفیت اینکه پادشاه افغانستان درسمرقند ترکستان چه گونه وچسان بوده تا یکدرجه آگاهی بهم رسانیم :

(محاربه شش گاو)

درینجا از تاریخ واقعات افغانستان که بعد از وفات امیر کبیر جنت مکان اعلیحضرت (امیر دوست محمد خان) طاب مثواه ظهور یافته تفصیلا بیان نمیکنیم ، ونیز از اختلافات ونزاعاتی که در مابین اولاد شان — که حضرت حافظ حقیقی دوباره افغانستانرا چنان روزهای بی اتفاق وخانه جنگی‌را نشان ندهد — بازهم بحث نمیرانیم ، تنها از آخر ترین محاربه هائیکه موجب حرکت اعلیحضرت خاقان مغفور سابق بطرف سمرقند گردیده شمهٔ حرف میزنیم :

تقریباً در اواسط سنهٔ ۱۲۸۷ هجری هرگاه بسوی منطقهٔ اراضیٔ (غزنین) ونواحیٔ آن یك نظری می انداختیم کوهها ، دامانها ، تپه‌ها ، شیبها‌را بایك ردای بیضای علای برف بسیار کثیف وثقیل مستور میدیدیم که زمینهای اطراف سراسر بایك طبقهٔ برف که یکنیم متر کلفتی دارد پوشیده شده است ، درین اراضی بر برف بمقابل همدیگر ، دو اردوی عسکریٔ همجنس وهمقوم وهم دین وهم مذهب‌را که از طرفین تقریباً بشصت هفتاد هزار عسکر میرسید در مقابل همدیگر بتوپ زنی و کشتن یکدیگر مشغول می یابیم کوماندانهای بزرگ این دو اردوی مخاصم‌را برادر حقیقیٔ همدیگر می بینیم !

چه دهشتناك احوال ! اما چه باید کرد ؟ ظروف زمان همچنین اقتضا کرده بود ، صحایف تاریخ واقعات بشر ، ازینگونه فاجعهای پر تیغ وخنجر بسیار پا نشان داده است ! حالا ما بی محاکات فلسفیه ، وتحقیقات حکمیهٔ واقعه نگشته ، از حوادث بیان میکنیم :

اردو گاه عساکر اعلیحضرت (امیر محمد اعظم) خان بسر افسریٔ برادر زادهٔ شان ذات اعلیحضرت (امیر عبد الرحمن خان) در (روضه) نام موقع ، واردو گاه اعلیحضرت (امیر شیر علی خان) در (شش گاو) نام موضع نصب خیام خصام نموده بودند . نقشهٔ جنگی که از طرف کوماندان بسالت نشان وسر افسر جرار ذیشوکت وشان اعلیحضرت امیر عبد الرحمن خان کشیده شده بود ، ومنصوبهٔ حربیهٔ که از روی همان نقشه به حرکت می افتاد اگرچه در صدی نود ونه تقیه پذیر موفقیت و کامیابی بود ، ومانند محاربات سابقشان بفتح وظفر رهبر بود ، ولی چه فایده که بنا بر بعضی حرکاتی که از طرف خود امیر محمد اعظم خان برخلاف نقشهٔ حرب بوقوع آمد این محاربه باهمه سامان فتح بشکست منجر گردید .

همین بخارا به موجب خروج ذات اعلیحضرت خاقان جنت مکین ضیاء الملة والدین از افغانستان گردیده است که از راه ملك وزیری وپشنك، وبلوچستان، وسیستان به ایران، واز انجا براه (در گز، وطزن، واور گنج) از ملك (خیوه) گذر نموده به (بخارا)، واز انجا به (سمرقند) تشریف فرمای سعادت شده اند.

(سمر قند)

(سمر) نام یك شخصی بود از اجداد قدیمهٔ اتراك، و (كند) بزبان تركی قدیم شهر وقریه را گویند كه باینصورت معنیٔ (سمر قند) شهر سمر، یا ده سمر میباشد [برهان قاطع]

ذات اعلیحضرت خاقان مغفور بعد ازانكه از اقتضای گردش چرخ دوار از وطن اصلیٔ موروثیٔ شاهانهٔ شان بیرون برامده تاسمرقند رسیده اند در همه حكومتهای همجوار خود كه رسیده اند به بسیار احترام واكرام پذیرائی شده اند. دولت ایران باعراده های دولتی به مشهد مقدسش رسانیده، واعلیحضرت (ناصر الدین شاه) مرحوم باسلام واحوال پرسیٔ صمیمانه دلجوئی كرده اند، واز انجا به احترام تمام بسوی (خیوه) حركت فرموده اند. جناب خان اعظم خیوه نیز غیر ازانكه پذیرائی كه در خورد شاهان لایق وسزاوار است اجرا نمود بهر گونه معاونت مالی وعسكری نیز از آماده بودن خود عرض انسانیت بجا آورد.

ذات اعلیحضرت خاقان مغفور در سوانح عمریٔ شاهانهٔ شان در اثنای سفر شاهانه از (در گز) به (خیوه) چنین میفرمایند:

«روزی یك قافلهٔ از تركمانها بر خوردیم. آنها بخیال اینكه ما ایرانی هستیم، ومی خواهیم به آنها حمله كنیم خودرا پنهان نمودند. درینجا باید مذكور بشود كه ایرانیها وتركمانها باهمدیگر دشمن هستند. اگرچه هردو مسلمان میباشند ولی علمای جاهل آنها بهوای نفس خود رفتار نموده آنهارا ترغیب مینمایند كه یكدیگر خودرا قتل رسانند یا فروشند. واینكار وحشیانه است. خدا میفرماید همه مسلمانان برادر واجزای یكدیگر اند. هر چند هردو طایفه خودرا مسلمان میدانند لكن بسبب جهالت یكدیگر شانرا چون مشرك میبینند. والزینست كه كفار بر اسلام غالب میشوند چرا كه بین خود شان نفاق دارند. اما این عیب در دین اسلام نیست بلكه خود مان مملو بمعایب هستیم».

چون اینكلام حكمت انجام اعلیحضرت ممدوح برای حال ومآل عالم اسلامی یك درس عبرت آمیزی بود بمناسبت موقع از درج آن صرفنظر كرده نتوانستیم.

والحاصل ذات اعلیحضرت خاقان جنت مكان از ممالك تركمان بپناه عزو شان برامده به بخارا، وچون جناب پادشاه بخارا به (حصار) نام موقع برای باغ ساختن مردم آنجا رفته بود بنا بر دعوت مخصوصه به آنجا تشریف فرمای سعادت شده اند.

در اثنای این سفر شاهانه چیزی كه شایان تذكار است این كلام حكمت انجام اجتماعیٔ اسلامیٔ شانست كه بدرج آن كسب افتخار مینمائیم:

«چون وارد بخارا شدم، دیدم كه پادشاه بخارا حسب الحكم دولت روس به (حصار) و (قلاب) رفته است كه با امیر (سهراب بیك) جنگ نماید چرا كه میر مذكور اطاعت دولت روس را قبول نكرده است. چون با امیر بخارا سابقه آشنائی داشتم كاغذی به او نوشته از آمدن خود اطلاع داده پرسیدم كه آیا میل دارید تا مراجعت شما در بخارا بمانم یا نزد شما بحصار بیایم زیرا كه میخواهم زود تر عازم سمر قند شوم. بمروت جواب نوشت كه بملاقات او بروم. علیهذا اشرفیهائیكه خان خیوه بمن داده بود فروختم تهیهٔ خودرا دیده باپانصد نفر عازم (حصار) شدم، وغلامهائیكه خان خیوه بمن داده بود همهرا آزاد كردم. مدت ده روز این مسافرت طول كشید. روزی در بین راه قطعهٔ زمین مرتفعی را دیدم كه بجهت چادرها وخیمه گاه امیر بخارا مسطح كرده بودند، واین قطعه زمین با خون آلوده بود. اول خیال كردم این خون قربانی هائیست كه بجهة نصرة وفتحی كه بجهت امیر بخارا رخ داده ذبح نموده اند. پرسیدم كه چرا قربانیهارا دورتر ذبح نكرده اند كه در پیش روی خیمهٔ امیر ذبح كرده اند. مردمان آنجا آهی كشیده گفتند: این خون انسانست نه از حیوان! بعد معلوم شد كه یازده روز قبل وقتیكه چادر امیر بخارا انجا برپا بود قلعهٔ حصار مفتوح شده یكهزار نفر اسیری كه تسلیم شده بودند نزد امیر آورده اند. فوراً حكم داده است در جلو روی او همهرا كشته اند. از استماع این كار ظالمانه خیلی متأثر شده گفتم شاید اینها تقصیری داشته اند والا هیچكس انسانرا نمیكشد. مردم جواب دادند: امیر صد ها آدمرا بدون تقصیر یا باز خواست بیجهت كشته است. از شنیدن اینحرف تعجب نموده با خود خیال كردم كه چون حكمرانان آنها از خدا ودین خدا غافل میباشند، ومسلمانانرا بغلامی میگیرند، ومخلوق خدارا بدون تقصیر میكشند، وامیر بخارا هم اعتنائی به احكام خدا وشرع پیغمبر ندارد، وعلما كه حامی ومروج این شریعت هستند اعتنائی ندارند، ازین سبب روسها را برانها مسلط ساخته ملكهای شانرا استیلا نمودند. ازین سبب خیلی مأیوس شدم كه اهالیٔ بخارا كه بدین شهرت دارند بر خلاف قانون اسلامیت وانسانیت رفتار مینمایند. وازین متألم شدم كه روسها آنهارا اینقدر جاهل وعجز، وغفلت یكدیگر دیده ازین فقره متنفع ومستفید میشوند. از كشته شدن این اشخاص بیگناه گریستم. وچند نفر سواران خودرا مقرر داشتم كه خون آنهارا با خاك پوشانیده صورت قبرها بران بسازند».

درینجا اگر از تفصیلات واتمامات مسافرت وایام غربت اعلیحضرت شاهانه سخن رانم گنجایش اوراقما ازان عاجز میباشد.

لهذا بر اصل مقصد رجوع کرده میگوئیم که ذات اعلیحضرت خاقان مغفور مدت یازده سال تمام در سمرقند وتاشکند بسر آورده اند . درین مدت بادولت روس ومردمان آنجا به بسیار سلوك مرغوب رفتار نموده اند . واز طرف دولت روس نیز اگرچه در اواخر بنا بر بعضی انتریکها گول خورده ذات شاهانهٔ شانرا از سمرقند به تاشکند نقل داده اند ولی من حیث الاجمال دایما دراحترام واکرام شان کوتاهی نشده است .

اینست که این تصویر دلپذیریکه سرلوحهٔ اظهار ما شده است محصولات آن اقامت زمان سمرقندمیباشد . ذات اعلیحضرت خاقان مغفور درسنهٔ ۱۲۸۷ بسمرقند وارد شده اند . و درسنهٔ ۱۲۸۹ یعنی دوسال بعد ولادت باسعادت ذات قدسیت صفات اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب‌الله خان) ادام الله دولته الی مدید الزمان بوقوع آمده است . تقریباً عمر شریف اعلیحضرت دروقت گرفتن این عکس پنج ساله بوده است .

در خصوص گرفتن عکس ، یك فقرهٔ دیگری در سوانح عمریٔ اعلیحضرت خاقان مغفور مصادف نظر گردید که بجهت غرابت از درج آن خود دارای نتوانستیم :

« فرمانفرما گفت : امپراطور عکس شما وچند نفر از سرکرده‌های همراهان شمارا خواسته‌اند . جواب دادم حاضر خواهم بود . روز بعد نایب فرمانفرما مارا بدکان عکاسی برد . ولی سرکرده های من از گرفتن عکس خود شان انکار کرده گفتند : هرکس عکس خود را بیندازد کافر میشود . تا حال خیال میکردم که همراهان من عقل دارند . ولی اینوقت دانستم که هیچ عقل ندارند . وبعد ازان در هیچ کاری با آنها مشوره نکردم » .

(ازیادگارهای شکار چناری)

(ذات اعلیحضرت پادشاهی باسه‌رأس آهویی که خود شکار فرموده اند)

سبحان الله ! پاکیست مر پروردگاری را که هر چیزی را تغیر میدهد ، وخودش هیچ تغیر وتبدیل ندارد . دروقت حاضر همین لوحهٔ بدیعهٔ که سر لوحهٔ افتخار ماست از عکاسخانه شاهانه بما رسیده است که در دارالسلطنه کابل محض بنا بر مقصد خیر مرصد یك صدقهٔ جاریٔ تأسیس یافته . وآنهم این است که واردات صافیهٔ آن بر اولاد بیکس ویتیم مملکت در یتیم خانه صرف میشود . وهیچ کس از سر کردگان وبزرگان واهالی نباشد که یکبار به این عکاسخانه یك عکس دو عکس نگرفته باشد .

ببین تفاوت راه از کجاست تا به کجا

انتهی

حوادث خارجیه

(اجمال سیاسی)

« دنیا رجعت قهقری میکند ! »

تاریخ ، یك آینهٔ قدنمای عبرتست . ولی چشم عبرت‌بین کجاست . یکوقتی بود که پاپاها وپادریهای نصارا از جهالت اهالی ، ومطاوعت بزرگان شان بمقام کلیسا راه استفاده را یافته برای رهائی دادن بیت المقدس را ازدست مسلمانان مانند سیلابهای بلا از هرطرف بر ممالك اسلامیه هجوم آوردند . اما درانوقتها مانند (قلیچ ارسلان)

سلیوقی و بعدازان مانند سلطان (صلاح‌الدین) ایوبی ، و بعدازان مانند سلطان (مراد خداوندگار) عثمانی بهادران اسلام موجود بودند که در پیش قوت شمشیر آنها بجز فرو آوردن سر تسلیم دیگر هیچ چارهٔ ندیدند .

رفته رفته در اوروپا حکیما ، و فیلسوفان با عقل و ذکا افزونی گرفته و مردمان نیز بعلم و صنعت و حکمت آشنائی پیدا کرده قوت و نفوذ پاپاها و کلیسا را از بین برافگندند . و واهی بودن این گونه خونریزیهای دینی بر همگان ثابت گردید . اگرچه محاربه‌های سیاسی بوقوع آمده و می آمد ولی کسی نام محاربه‌های دینی و مذهبی را بزبان نمی آورد .

همهٔ فکرها و تصورها در پی ترقی و تمدن ، و صنایع ، و توانگری ، و زینت و عمارت مصروف شده اوروپا «عروس دنیا» و معدن عرفان و ذکا گردیده بعدل و علم ، و حریت ، و مساوات متداول باشد .

ولی بنابر مقتضای (کل شیء یرجع الی اصله) درین عصر بیست و یکم برغم همهٔ آن مدنیتها و درخشندگیها دفعهٔ باز بهیجان یک شدت و حدت وحشیانهٔ ، بالقانیهای دوراز کار اعلان حرب صلیبیه را نمودند که دولتهای بزرگ اوروپا را نیز حیران ساختند ، چه عجب رجعت قهقری ! ...

(ازمنظره‌های شکارگاه چناری)

(شهزادهٔ معظم معین السلطنه سردار عنایت‌الله خان با محصول شکار شان)

کذالک احوال عصرها پیشتر دولت علیهٔ عثمانیه را در یک وقت باز بکمال دهشت می بینیم که رجعت نموده است . مسئله‌های زوریاها ، و زنجیرها با یک لباس دیگری جلوه‌گر گردیده است . حرکاتی که در ابتدا بران قیام نمودند چون برای کلمات عدالت مساوات حریت بود ، و همین کلمات در تصورها ، و اخبارها ، و همهٔ آثار مطبوعهٔ شان دیده میشد شنوندگان و بینندگان دور و نزدیک آنها یک امید مسرت نوید عجیبی افتادند . و به اتحاد و ترقی یک شوق و هوس غریبی در خود حس نمودند . چونکه همهٔ افکار و آمال ملیه را بر سلامت و سعادت مملکت منحصر میدیدند . کمی نگذشته بود که صداهای تشکیل یافتن فرقه‌ها گوشها را به اهتزاز آورد . آن میان بزرگ ملت که هرکس آرا مطرح اصلاح و اتحاد ، و یگانگی عالم اسلامی اعتقاد کرده بودند محل و معدن اختلافات ، و اعتراضات گردید . آن اختلافات چون بر منافع خسیسهٔ شخصیه مستند گردید اتفاق به نفاق انقلاب یافت . اعتراضات بدرجهٔ پیش رفت که سلامت مملکت حکم نسیاً منسیا را گرفت . دران ولوله‌ها یک غلغلهٔ محاربهٔ ایتالیانها برآمد . زیاده از یک سال دوام ورزید . اعتراضات تشکیل دادن کابینه‌ها درمیان فرقه‌ها بدرجهٔ آتشفشانی داشت که آن آتشهای محاربه را بجز بعضی قهرمانان غیوری مانند (انور) بیگ و رفقایش که در انجا بودند دیگر هیچکس حس کرده نمیتوانست . تا آنکه ان مملکت جسیمه نیز از دست رفت باوجودیکه حرکات خصمکارانهٔ بلغارها و شرکای جنایتش از آغاز مشاهده پدیدار بود ، ولی نفاق فرقه‌ها هیچ نگذاشت که تدارک واقعه پیش از وقوع کرده شود . بمجردیکه حرب بالقانهای وحشی که چندی پیش ازین باجدهٔ عثمانیه زیر دوش شان بود آغاز نهاد همهٔ نواقصات و عدم حاضری شان بمیدان برآمد . از مغلوبیت بمغلوبیت گرفتار آمده در استانبول محصور شدند . باوجود اینهم اختلافات و مناقشات نفاق انگیز فرقه‌ها از شدت و دهشت فارغ نگردید . تا آنکه دولتها و بالقانها برین قرار داد که همه روم ایلی و جزایر بحر سفید از عثمانی تجزیه شود . و تنها در ولایت استانبول بماند . هیئت وکلا و وزرای استانبول هم بهمین قسمت خود راضی شده کم مانده بود که برین شرایط امضا کنند که ناگهان فرصت طلبان جمعیت اتحاد و ترقی که در کمین بودند برفرقهٔ زعیم خود خروج نمودند . اما چه خروج ! خروجی که انسان را به سنه ۱۲۲۲ هجری تقریباً یکصد سال پیش ازین بیک رجعت قهقری مجبور میسازد ! .

معلوم میشود که دنیا رجعت قهقری آغاز نهاده است . باز هم

ناامید نیستیم. اینگونه کارها را بتاریخ حواله کرده واقعات سنهٔ ١٨٧٠ میلادی ملت فرانس وداخل شدن جرمنها را به پاریس در زیر نظر آورده تسلی یاب میشویم که بعد از همهٔ این فلاکتها ومصیبتها باز هم دولت فرانس زنده است ویکی از اعظمترین دولتهای دنیا شمرده میشود. اما اگر ملت عثمانیه این‌جهان اقتدار مالی. وغیرت ملی را داشته باشند که پنج ملیار (٥٠٠٠٠٠٠٠٠٠) فرنگ تضمینات حربیه را در اندک مدتی ادا. وسر از نو شرف دولت خود را اعاده نمایند! اینهم معلوم نیست که آیا ولایتهای (الساس ولورن) با قطعه روم ایلی وجزایر بحر سفید بازی کرده میتواند یا خیر؟ بهرحال ماعاجزان اینکه از صمیم دل وهمهٔ حسیات در بارهٔ سلامتی وکامیابی واعلا بودن دولت علیهٔ عثمانیه که دولت معظمهٔ اسلام ومقام خلافت است بدرگاه حضرت مستجیب الدعوات دعا کنیم دگر چه خواهیم کرد.

ما را بفرقه های متنازعهٔ شان سروکاری نیست بلکه به احوال وافکار وروکر اصحاب آنها نیز چندان معلوماتی نداریم. اما چون خوب نظر میکنیم اسبابیکه این همه فلاکتها را از نفاقها وبی اتفاقیهای از دها میدانیم که گویا برای حسن ادارهٔ مشروطیت بسر همدیگر زدند! ایران بیچاره از عثمان پیشتر به این فلاکت مبتلا گردید. پس ملاحظه شود که برای مشروطیت چقدر حاضریها وآمادگیها قابلیتها بکار است.

(بیت)

نه هرکه طرف کله کج نهاد وتند نشست
کلاه داری وآئین سروری داند

دولت علیهٔ عثمانیه

هیچ دل یک مسلمانی نباشد که ازین وقوعاتیکه در ظرف این دو سه سال اخیره در ممالک دولت علیهٔ عثمانیه رخ داده متأثر نشده باشد. چسان متأثر نشود وخون نگرید که در تمام کرهٔ زمین ازین دولت بزرگتر. ازین دولت قدیمتر. ازین دولت باشوکت تر دگر هیچ دولتی در مسلمانها موجود نیست از تاریخ ٦٩٩ هجری که اعلیحضرت (عثمان خان غازی) بعد از منقرض شدن دولت (سلجوق) بالاستقلال دولت علیهٔ عثمانیه را تاسیس وتشکیل داده اند تا به این وقت که مدت ٦٣٢ سال میشود دائما فتح بلاد. ومقاومت با دولتهای قوی بنیاد کوتاهی نورزیده اند. اول قهرمان دلاوری که از آسیا به اوروپا باجاله ها گذر کرده. وقطعهٔ روم ایلی را فتح کرده شهزاده (سلیمان پاشا) ست که پسر بزرگ سلطان عثمان غازی وبرادر بزرگ سلطان (اورخان غازی) میباشد. سوم سلطان شان (مراد خان خداوندگار) بود که در صحرای (قوصوه) اردوی بسیار جسیم اهل صلیب اوروپا را که بنا بر استمداد حکومتهای (صربیه - یعنی سرویه - وبوسنیا) جمع آوری کرده بودند همه را محو وپریشان ساخت. وخودش نیز در اثنای که بعد از جنگ در میان کشته‌ها وزخمیها اظهار افسوس کرده میگذشت بتیر غدر وستم (میلوش قابلویچ) نام یک مجروح صربی شهید شده است. شهر مشهور قسطنطنیه را اعلیحضرت (سلطان محمد خان فاتح) بچستی وهمت وجد وفداکاری وغیرت فتح کرده است که مطالعهٔ تاریخ آن انسان را حیران میسازد. (یاوز سلطان سلیم) خان پادشاهیست که عنوان [خلافت] را احراز نموده بلقب جلیل [خادم الحرمین الشریفین] ملقب گردیده است. در زمان سلطنت پسر شان سلطان [سلیمان خان قانونی] شوکت وسطوت دولت علیهٔ عثمانیه بر قطعهٔ آسیا واوروپا

(از منظره های جلال آباد)

(جناب سردار محمد یوسف خان مصاحب خاص اعلیحضرت همایونی در باغ شاهی قدم میزنند)

واقربا بدرجهٔ رسیده بود که در آن وقت از دولت عثمانی هیچ دولتی بزرگتر موجود نبود ، و یگانه دولت بری و بحری عالم شمرده میشد . والحاصل ازان زمانها تا بهمان آوان این دولت معظمهٔ اسلامیان جهان در میان بسی سیلابهای دشمنان خارجی وداخلی موقع و مرکز سلطنت خود شان را بکمال بهادری ، و شان و شرف عزت پروری محافظه کرده آمده است . باین صورت یک حق عظیمی دارد که در چنین وقت فلاکت و مصیبت شان که دولتهای بالقان بیکمرتبه از هر هر طرف مانند درندگان و دزدان برآنها حمله آور شده اند ، دولتهای معظمه از طرفداری آنها ابا میکنند ، وتنها بسر خود آن دولت باقوت رجولیت اسلامیه با همهٔ آنها محاربه میکنند و در حقیقت از طرف همه اسلامیان مدافعه مینماید همه مسلمانان دنیا را لازم است که بکرم دم ، قلم ، قدم ، درمها آنها معاونت کنند ، و در اوقات خمسه از صمیم دل برای فتح و ظفر شان دعا و مناجات نمایند . ما مسلمانان افغانستان را هیچ سرو کاری با اختلافات فرقه های سیاسی شان نیست . و هم لزوم آنرا نمی بینیم که در باب فرقه بازی آنها بیندیشیم . وطرفداری یکی را کرده طرف دیگر را بد و تقبیح نمائیم و میدانیم چون این مصیبتها را سراسر ازهمین اختلافات مشاهده میکنیم از اظهار اسف خودداری نمیتوانیم . هر فرد مسلمان اتحاد و ترقی ملت اسلامیه خود را آرزو میکند . جمعیتی که بحقیقت خادم این فکر بسیار عالی باشد هیچ شبهه نیست که هر فرد مسلمان به آن فکر عالی گرویده میشود . کذالک جمعیتی که فکر ائتلاف و آزادی اسلام را پیش نهاد خود کرده باشند . و اگر بحقیقت هم چنان باشند کیست که آنرا محترم نشمارد .

سبحان الله ! اگر این کلمات معظمه ، اسمهای با مسمی باشد و از اغراض شخصی ، دو اوبلا های واقعی معرا بوده بالاتحاد والائتلاف بحقیقت موضوع آن کلمات خدمت و کوشش ورزیده شود چه نتیجه های عظیمی برای عموم عالم اسلام روی کار خواهد آمد بهر صورت مقصد اصلی و آرزوی حقیقی ما وهمه مسلمانان بقاو دوام و برقرار بودن آن دولت معظمهٔ اسلامیه است که موجب قوت وعزت و رزانت اسلام شمرده میشود ، اللهم اعز من اعز دین محمد صلی الله علیه وسلم .

احوال حرب

(از پشاور ، بتاریخ ۶ ربیع الاول برای ما مینویسند :)

(جناب معظم محترم مدیر صاحب !)

حالا که وقت ۸ بجه شب است تارهای خصوصی برای مردم پشاور که مشتمل بر فتح عظیم ترکان بر بلغاریها باشد رسید لازم دانستم که برای خوشی خبری اهل اسلام برای آنجناب بنویسم :

تار اول ۹ فروری — دریک جنگ عظیمی که در گردونواح ادریانوپل بوقوع آمده بلغارها تلفات و نقصانات عظیمی برداشته روبگریز نهادند . ترکان تعقیب میکنند . فوجی که در ادریانوپل محصور بودند از قلعه ها برامده سخت مقابله با دشمن نمود و دشمن را هزیمت سخت داد دشمن روبگریز است .

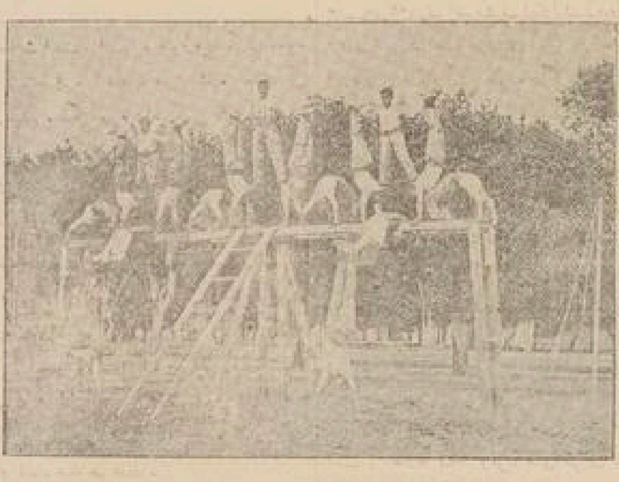

(جمناستیک عسکری در جلال آباد)

(طلبای غند اردل حضور همایونی در این جمناستیک هنرها بکار میبرند)

تار دوم : — هزاران جوان طاقتور و مستعد که از قوانین جنگ بیرون با خبراند از آسیای کوچک برای مدد ترکان روانه شده اند . چندقطعه جهازات با هزارها عسکر بار شده از قسطنطنیه بیک طرف نا معلومی روانه شده اند . محصورین ادریانوپل در نهم ماه فروری از قلعه برامده بفوج بلغاریه بجوش و خروش حمله آور شدند . و به مدد ازدوایا ، وجلال کی شمشیر شجاعت اختوا فوج بلغاریه را در مقام (دال دین) هزیمت سختی دادند و فوج غنیم بعد از مقابلهٔ سخت از مورچه ها و سیرهای خود گریختند . و نقصان کثیر برداشتند .

تار سوم : — فوجهای اسلامی از میدان ادریانوپل حمله آورشده بمقام (بابا ایرغاس) همراه فوج اسلامی" شتالجه ملحق شدند . ومتفقاً بر فوج غنیم بسیار بجوش و خروش حمله آوردند .

وجه دشمنانرا که در قرب وجوار پایا رغاس بودند یکان یکان بقتل رسانیدند واسیر نمودند صرف ده نفر زنده گرفتند . وبعد ازان فوج اسلام (بی کادس؛) را قبضه نمودند .

تارچارم : — خاتونهای ترك در استانبول یك عظیم الشان جلسه منعقد نمودند . وقراری که دران جلسه داده بودند به افسران فوج فرستادند . دران قرار داد چنین نوشته بودند : که اگر کدام سپاهی یا افسر از بزدلی ونامردی از میدان جنك گریخته بخانهٔ خود آیند اورا هرگز بخانه های خودنخواهیم ماند.

این بود خبرهای تلگرافی که دیشب رسیده وامروزبه داك خدمت شما فرستادم . اما درباب واقعهٔ بومبه که دردهلی بر هزا کسلینسی ویسرای انداخته شده بود اضافه حالات چنان بیان میشود :

وایسرای رو بصحت است . از مجرم هنوزهیچ اثری معلوم نشد . برای گرفتار کنندهٔ مجرم انعامیکه مقرر شده تعداد آن بمبلغ دولك روپیه رسیده . لکن مجرم راهیچکس تاحال نیافته.

میکویند که بر دیوار بیرونی مسجد دهلی یك اشتهاری چسپان یافته شد که مضمونش حسب ذیلست : — این اشتهار ازطرف مجرمیست که بروایسرای کلهٔ بمب انداخته من همان آدمم که پارسال روی تصویر مجسمه ملکه را سیاه کرده بودم . من همان ادمم که ازمسجد دهلی چار روشنی راکه امیر صاحب بمسجد عطا فرموده بودند دزدی نمودم ومن همان آدمم که درین روزها وایسرای کوله بم انداختم لاکن افسوس است که زنده ماند . خیر آینده دیده میشود حالا من اشتهار میکنم که هرکسی که نشان مرا یابد ومرا گرفتار نماید بغیراز انعامی که برای او مقرراست مبلغ پانزده هزار روپیه من ازطرف خود باو انعام میدهم فقط .

در کلکته نیز یك اشتهار بدین مضمون یافت شده که دران اشتهار برواقعهٔ بمب خوشنودی ظاهر نموده شده . وبزنندهٔ بمب بسیار شاباش وآفرین گفته ونیز نوشته است که این کارما مردمان بنگالی میباشد . وانگریزان را باید که ازما مردم بیغم نباشند فقط .

درین وقت بهمینقدر خبرها اکتفا ورزیده انشاءالله در داك آینده بازمینویسم . باقی عرض احترام فقط .

(* * *)

(افغانها درطرابلس)

قبل ازین دریکی از شمارهٔ های (سراج الاخبار افغانیه) نوشته شده بود که : بعضی افغانانی که درممالك دولت علیه عثمانیه پراکنده میباشند بهاین مقصد که پادشاه مقدس ما چون دروطن عزیزما باعانهٔ مالی به برادران عثمانی ما همت جهانقیمت شاهانه را صرف فرموده اند مایان چون درینجا بحرکات خود آزادیم چرا بمعاونت جانی کوشش نورزیم ، وبهاتمقصد بسیاری ازافغانان مقیم آن صفحات بعزم جهاد از راه مصر عازم طرابلس غرب شدند . ویکدوست ما ازمصر این خبررا برای ما نوشته بود که به بعضی ازانها معاونت هم کرده بود .

درینوقت در اخبار مصور بسیار قیمتدار (شهبال) که دراستانبول بیك حسن وظرافت فوق العادهٔ نشر میشود عکس یك صف داوطلبان افغانی را بقیافت ووضعیت عسکری طبع ونشر نموده است . ازقرار مسموعات گویا افغانان درمیدان محاربه داد مردانگی وشجاعت را داده اند . ومظهر توجه وتقدیر کوماندان بسالت نشان غازی انور بیك ودیگر افسران غیور عثمانی گردیده اند .

بومباردمان ادریانوپل

بعداز برهم خوردن گفتگوی مصالحه اول آغاز محاربه با بومباردمان یعنی گله باری ادریانوپل ابتدا ورزیده است . بلغارها به آتش ریزی شهر درچارم فروری ابتدا ورزیدند . یك قسمی ازشهر ادریانوپل ازتاثیر آتش طوب درگرفته است مدافعین اسلام بدرجه شایان حیرت دلاوریها وجسارتها نشان میدهند .

تلگراف کوماندان ادریانوپل

بتاریخ ۶ فروری کوماندان ادریانوپل بتلگراف بی سیم این خبررا فرستاده است : « دشمن مارا بومباردمان میکند . ۱۳۸ گلهٔ طوپ ، و ۱۱ گلهٔ شرپنیل بشهر افتاده است ۸ نفر مقتول و ۱۰ نفر مجروح شده اند ۵۲ خانه محروق شده است . هنوز هم گله ریزی دوام دارد .

درشتالجه

صدر اعظم (محمود شوکت) پاشا برخط مدافعهٔ شتالجه رفته است . بلغارها دهها وقریه های اطراف شتالجه‌را ویلها وغیره‌را سوخته وخراب کرده فرار نموده اند .

غازی انور بیك

بنابریك نقشهٔ بسیار خوبی که برای حرکت حربیه غازی انور بیگ کشیده بود بقدر بیست هزار عسکررا درکشتیها انداخته ازراه بحر برجناح چپ لشکر بلغار براورده وازطرف دیگر یك هجوم سختی برده لشکر بلغاررا درکلیپولی واطراف آن پریشان کرده است .

کوهها چه میکنند ؟

سیاه کوهها ، بسیار پریشانند . مدافعین اسلام درمدافعات شیرانه خودشان دوام دارند . بحرکتهای خروج خودشان ازقلعهٔ (اشقودره یعنی سقوطری) کوهها راپریشان میسازند وتلفات بسیاری ازکوهها بعمل می آید .

درکلیپولی

درکلیپولی که برساحل آبنای (چناق قلعه ـ یعنی داردنیلز

واقعست) عسکر بلغار مانده وخسته شده ودر مقابل عسکر تازه‌دم ترکان هیچ کاری از پیش برده نتوانسته اند .

ترکیه قوت پیدا کرد

استانبول از تاریخ ۷ فروری خبر میدهند که یك قوت بسیار عظیمی از اناطول جمع آوری شده ودر زیر کمان افسری انوربیگ بر کوه تکفور برامده جناح بلغارهارا فرا گرفته است . وبهاین سبب بلغارها از اشتالجه عقب میکشند .

جمعیت مدافعهٔ ملی

ازمصر وهندستان ودیگر بلاد اسلامیه پیسه بسیاری جمع میشود . قونسلوس عثمانی دربمبئ نیز درینباب بسیار کوشش میورزد . پیسه که جمع اوری شده یك ملیون لیرهٔ انگلیزی بالغ شده است .

اوردو پلانهای ترکیه

دراستانبول یك فعالیت عظیم عسکریه دیده میشود . اوردو پلانها یعنی کشتیهای هوائی ترك رجعت کردن بلغار هارا از شتالجه خبر میدهند .

سرور المسلمین

اخبار غراء (الشعب) منطبعهٔ مصر درزیر عنوان فوق مینویسد :

انقلاب حاضری که دراستانبول بوقوع آمد دردل هر مسلمان جداگانه یك سرور وفرحتی حاصل نمود . وهر شخص جداگانه یك طریق باظهار مسرت خودشان اشتراك ورزیدند . بعضی بواسطهٔ تلگرافات مبارکباد اظهار خشنودی وسرور نمودند . وبعضی برادران خود شانرا بجمع کردن اعانه تشویق وتحریك نمودند .

ولکن حضرت حاجی غلام نقشبند افغانی کحال که از ساکنان محلهٔ سیده زینب میباشند برای بیان مسروریت خود یك طرفهٔ دیگری استنباط کردند که آنهم عبارت از فرستادن حوالهٔ ۱۰ پوند انگلیزیست بر بنگ الاتی شرقی بنام یگانه بهادر دلیر اسلام (انور بیك) برای اعانهٔ دولت . بارك‌الله به همتش . وبسیار کثر امثالش .

مکتوب

خدمت سر محرر ومدیر محترم سراج الاخبار افغانیه زحمت افزا میگردد .

در شمارهٔ ۱۰ اخبار معتبر شما یك مکتوبی به امضای یك (سیاح درویش افغانی) مندرج بود که از انطالیه فرستاده شده بود . در مکتوب مذکور اسباب یگانهٔ تلاکتها . وهزیمتهای را که تورکیه به آن دوچار آمده سیاح موی الیه بنظر بسیار کوته بین خود بسیار غلط محاکمه کرده . وبیك طرز دلشکنانهٔ تحریر نموده است که بسبب ترك بودن خودبنام خودم برد کردن آن مجبورم :

معلوم باد که عناصر اسلامیه که در ممالك عثمانیه زندگانی دارند هیچ یکی از انها از دایه های نصارا اولاد خودرا شیر نمینوشانند . در پیش ما مسئلهٔ شیر بسیار مهم است . در خانه های بزرگان از زنان نصارا خدمتکار گرفتن یك امر مجبوریست . چرا که این زنها هم در برون وهم در حرم خدمت میکنند . آمدیم بر مسئلهٔ آشپزها : خواه در سرای همایونی . وخواه در خانه‌های وکلا وکبرا آشپزها همه‌گی مسلمان واز اهالیٔ (بولی) نام شهر میباشند . بروطنپروری . وجنگاوریٔ افسران عثمانی این محاربه‌ها ومحاربه های طرابلس شهادت میدهد . ذاتاً درویش سیاح این محاکمات خودرا بر ملاقاتی که با نفرها وگروه عوام نموده استناد میدهد . واینهم در زندگانیات مسلم است که طبقهٔ عوام از اینگونه مسایل بیخبراند . اگر سیاح اسباب این مصیبتها را در مسئلهٔ مجوسهای (اهل صلیب) اوروپائیان که در زمانهای پیش نیز اجرا کرده اند جستجو میکرد محاکاتش بحقیقت نزدیکتر میبود . گر چه اینگونه سیمائی که عامیانه ومستند بر ملاقات نفرهای عسکریٔ عوام میباشد به تنقید احتیاج ندارد ولی چون درنجا بنابر دوریٔ مسافه هنوز بر حیات عثمانی وقوف تام حاصل نشده احتمال دارد که به اینگونه سخنان تحبیبات مودت‌کارانه وبرادرانه یك تغیر وتقیصهٔ وارد شود ازانرو برای معلوم کردن حقیقت حال درج کردن این مکتوب مرا در اخبار محترم ومعتبر خودتان استرحام وتقدیم احترام مینمایم . (محمد فضل)

(جواب)

چیزیکه برادر ما محمد فضل افندی نوشته صحیح ودرستست . در اکثر کتابهای (حفظ صحت اطفال) که در زبان عثمانی نوشته شده وبنظر مطالعهٔ عاجزانهٔ ما بر خورده توصیهٔ یگانهٔ شان همین است که اطفالرا والده های شان باید شیر بدهند . ولی این راهم عرض کنیم که درویش سیاح افغانی این چیزهائی را که نوشته از بغض وعداوت با دولت علیه عثمانیه ننوشته . بلکه از سوزدل ودرد حسرت بر شکستهائی که بعساکر اسلام پی‌هم وارد آمده نوشته است زیرا چندی پیش ازین یك مکتوب اورا که از دیگر شهر گرفته بودیم سراسر بر خلاف اینشمان بود . واز بهادریهای عساکر عثمانیه درطرابلس غرب ومدح وثناهای قهرمان بسالت نشان (انور بیك) بحثها رانده بود . مانیزا گر همان اعتذار خود اورا که در آغاز مکتوب خود نوشته بود . واز عالم نبودن وسیاسی ندانستن خود بحث رانده بود نمیدیدیم از درج آن فقرهٔ آن صرفنظر میکردیم واما چون مینویسد که من

هر اقتضا چیزیکه به نثر یا منظوم نوشته میتوانم ، ظاهر میسازد که اجتناب بایه های شیر را شنیده باشد زیرا آنچنان دراویشهای سیاح به خانه های سلاطین و بزرگان که راه خواهند یافت که از اینگونه مسئله های خانگی با خبر کردند ؛ حسیات برادرانه و مودتکارانه مسلمانان را اینگونه چیزهای عرضی موقوف و منوط نمیباشد ، آن ارتباط بر جامعیت کلمهٔ مقدسه است که آنرا هیچ چیزی برهم زده نمیتواند . مسئله شیر را اگر چه برادر ما محمد فضل افندی بسیار اهمیت داده اند ، ولی اگر یکقدری بنظر تدقیق دیده شود آنقدر اهمیت ندارد . زیرا در مادهٔ عقائد شیر هیچگاه دین را جهتی تعلق نیست . دین به اقرار باللسان والتصدیق بالقلب موقوفست که آنهم بعد از سن عقل و شعور آغاز میکند . حتی اطفال غیر دین نیز در نظر اسلام یک نوع جداگانه شمرده میشود ، اگر دین ، یا محبت بشیر در بدن داخل میشد آن اطفالهائیکه بسبب ضعف شمن پستان مادرشان بشیر گاو وغیره حیوانات پرورش می یابند لازم بود که اطفال که آن حیوانات را از والدهٔ خود شان بیشتر دوست میداشتند ! حالانکه همچنین حالاتی هیچ وقوع نیامده است . باقی الامر که خلاق اعظم کائنات جل شأنه اتحاد و یکرنگی والفت و محبت مسلمانانرا بیکدیگرشان زیاد مکند .

هوالله الرزاق

باب التراجم

الله تبارک وتعالی چون ارادهٔ سعادت ملت نجیب افغانیه را انشاءالله تعالی الا فرموده است وشهریار دولتمدار عدو سوز هنرور هدایت آئین اعلیحضرت سراج الملة والدین حضرة ملک را رالازید وجوش همت مأنوس بترقی علم و تربیت وتأسیس مدارس و مکاتب موفق ومؤید فرموده وعلاوه بر آن زبان ملت وخطیب مملکت اعنی ما دو هفتهٔ سراج الاخبار افغانیه نیز از ترقی خواهی وسعادت طلبی شهریار عدالت مدار رهنمونی برآمده از آغاز اجرا تاکنون فوائد عدیدهٔ گوناگون وعوائد مفیده رنگارنگ را برای ملت ایثار فرموده است ـــ از آنرو اراده نمودیم که برای باخبری دینی افراد ملت خود عظمای اسلام و مشاهیر دین متین حضرت پیغمبر الانام را بهمت مردانهٔ جریدهٔ معظمه بطور مطوله شناسانیم وتراجم کسانی را بنویسیم که در راه دین جانبازیهای رنگارنگ نموده اند وبا قول وبا فعل برای دین فائده رسانیده وما عاجزان از برکات وجود آنان با تشکر و [illegible] تقلید ایشانرا موجب خلاص از نیران ودخول جنان دانسته به تجدید قواعد آنان جریان آب رفته را باز در جوی خواهانیم درنما لکیکه اخبار تعلیم و تربیت در تصرف افراد خیرخواهان اسلام نیست بهزار زبان از قلت اجرای امور دینی لایل از عدم فهم افراد تعلیم یافتگان مدارس بدیهیات وفرائض اسلامی شکوه ها نوشته میشود ـــ جناب فضائل اکتساب مولوی اصغرعلی روحی استاد زبان عربی وفارسی مدارس اسلامیهٔ لاهور در جلد (۷) نمبر (۱۰) رسالهٔ ماهوارهٔ الهادی در حسرت این امر میفرماید که یکی از تعلیم یافتگان درجه اعلای مدارس انگریزی پرسید که حضرت عائشه صدیقه را با جناب رسول خدا کدام رشتهٔ قرابت در بین موجود بود وهمین ذات از بیان احوال متصل نیولین بونا پارت گوش مرا کر کرده افسوس وحسرت مرا دو بالا کرد !!

پس مارا بحکم من لم یشکر الناس لم یشکر الله اولاً لازم است که شکرانهٔ وجود مسعود مرحمت آمود اعلیحضرت شهریار دیندار خودرا بسجود های بلا انتها بدرگاه حضرت عزت تعالی بجا بیاوریم کما ینبغی که ازاحکام دینیه بنوعی باخبراند که در محافل رسمیه ومجالس ایام ولیالی عبادات که علمای عظام و فضلای ذوی الاحترام درمحفل حضور لامع النور حضور داشته میباشند از تحقیقات علمیه وتدقیقات دینیهٔ شهریار دیندار تعجب نموده وتشکر میکنند و علاوه برین تحصیل علوم دینیه و تکمیل عقاید اسلامیه را درجمیع مدارس ومکاتب اسلامیه وجزو لازمی تعلیم مقرر فرموده ودر خطابات ملوکانه ونطقهای شاهانه در نزد خویش وبیگانه چنین میفرمایند (همچو برکاریم که از شریعت مستقیم وبی دیگر سیر هدایت دولت میکنیم) اللهم اید حشمته واید جیشه واخذل اعدائه والنصرة آمین

چون تفصیل تراجم اجلهٔ اصحاب در آغاز [illegible] مقصود مسطور خواهد شد . بنابران برکةً وتیمناً از حالات حضرت سید السادات علیه الصلوة والتسلیمات مفتاح باب التراجم داشته وقطعات شروع دین و دنیا را نموده [illegible] و حبیب حضرت احد اکبر مباهات ومفاخرت رفیقان ودل برونمایند و هزاران درود و هزاران سلام زمام محمد علیه السلام گفته کسب شرف مینمائیم .

هزار بار بشویم دهن بمشک وگلاب هنوز نام تو بردن کمال بی ادبیست

حضرت ختمیت مرتبت محمد مصطفی احمد مجتبی علیه الصلوة والسلام نسب شریف محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف ابن قصی بن کلاب بن مره بن کعب بن لؤی بن غالب بن فهر بن مالک ابن نضر بن کنانه بن خزیمه بن مدرکه بن الیاس بن مضر بن نزار ابن معد بن عدنان ـــ تا عدنان که جد بیستم آنحضرت است متفق علیه محدثین و ارباب علم انساب میباشد و از عدنان تا اسمعیل علیه السلام واز اسمعیل علیه السلام تا آدم علیه السلام مختلف فیه بوده تعیین عدد انتساب در روایت صحیح که خالی از معارض باشد بثبوت نپیوسته وبنا بر ارشاد آنحضرت سکوت دران اولی است ـــ اما یاد کردن وضبط نمودن همین قدر از نسب اطهر را علمای دین از آداب دین شمرده اند .

ولادت با سعادت آنحضرت درعام الفیل که سال چهل از جلوس

نوشیروان عادل بهادل بود در وقت طلوع صبح صادق روز دوشنبه دوازدهم شهر سعادت بهر ربیع الاول وقوع یافته و بقول اصح پنجاه و پنج روز بعد از ولادت ایشان حضرت حق تعالی و تقدس به برکت مقدم وی بلیهٔ اصحاب فیل را، که بعزم خراب بیت الله آمده بودند از مکه و اهالی آنجا دفع فرموده و باتفاق علما این معنی داخل علامات خارق العادت نبوت میباشد منجمین ادعا دارند که ولادت پیغمبر در هنگام طلوع غفر که یکی از منازل بیست و هشتگانهٔ قمراست بوده و اهل حساب آن روز را موافق بیستم یا بیست و هشتم ماه نیسان از شهور رومی و هفدهم دی ماه از شهور فرس در سنه هشتصد و هشتاد و دوی اسکندر رومی و سنه ششصد عیسوی محسوب میدارند . ابومعشر بلخی که از مهرهٔ فن احکام نجوم است طالع آنحضرترا درجهٔ بیستم جدی و قمررا در اول میزان استخراج نموده است .

در چهل سالگی بوحی آلهی سرفراز شده بامت مبعوث شده اند و سیزده سال در مکهٔ معظمه ایذای مخالفان کشیده و ده سال در مدینه بتقویت و انتشار دین کوشیده دین را ترقی داده و بجان و دل خدمت مولا تعالی و تقدس را نموده در این مدت بیست و سه سال که در اخر آن الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا نازل شده است . قرآن عظیم الشان بتکمیل رسیده و در روز دوازدهم ربیع الاول بعمر شصت و سه سالگی در مدینهٔ منوره بجوار رضوان حضرت رحمان پیوسته و بزبان لاحول ترجمان الرفیق الاعلی فی الجنة که یار غار میبود روح پرفتوح شان باعلی علیین عروج فرموده صلی الله علیه و علی آله واصحابه وسلم .

حضرت عایشهٔ صدیقه رضی الله تعالی عنها در زمان وفات ایشان این فقره را که باحوال حال شرافت منوال نبوی شهادت دارد میفرمودند که ترجمهٔ آن چنین است — دریغ آن پیغمبریکه فقررا برغنا اختیار کرد و آن دین پروری که از غم گناهان امت هیچ شب کامل در بستر راحت باستراحت مشغول نشد و هرگز از میدان صبر و تحمل از محاربهٔ نفس فرار ننمود و جنبانیدن هرگز عنان التفات ننمود و با وجود کثرت اعدا و انبوه کفار و اهل ضلال گرد ملال بر روی اقبال وی ننشست و در انعام و انفاق بر روی هیچ فقیر بی نوال نبست و دندان درمقابلهٔ بی تقریب سنگ دشمن شکسته شد و بر روی بصابهٔ حوادث روزگار بسته شد و شکم وی هرگز روزی از دو نان جوین سیر نشد — تمهیل تو نه چندانکه در بیان آید . منتهی وصف بگویم تو خود در آن بین .

وقایع عظیمه که در سنین هجرت برای تأسیس ترقی دین و اشاعت توحید حضرت رب العالمین از آنحضرت رخ نموده است اول آن تأسیس مسجد قبا است در بیرون مدینهٔ منوره که اول مساجد مسلمانان است و خدای متعال در شان آن مسجد اسس علی التقوی من اول یوم احق ان تقوم فیه فیه رجال یحبون ان یتطهروا والله یحب المطهرین ، فرموده است و اخیر وقایع تجهیز جیش اسامه بن زید رضی الله تعالی عنه است بجانب روم که در مرض موت نبوی فرموده شده است .

غزوات حضرت سید السادات که بنفس نفیس خود در آن حاضر بودند بقول اشهر بیست و هفت بوده و بعوث و سرایا که ایشان ولشکر اسلام را فرستاده و خود حاضر نبودند پنجاه و شش شمرده شده است که مجموع هشتاد و سه غزوه بوده در مدت ده سال بانجام رسیده است (اهل اسلام شرق و غرب این فقره را بخوبی نظر کنند و تامل دراز نمایند) اولاد حضرت خیرالعباد بقول اصح منقح هشت نفر بوده سه پسر قاسم و ابراهیم و عبدالله (که تفصیل شان در وعده داخل است) و چهار دختر فاطمهٔ زهرا و زینب و رقیه وام کلثوم که بیان مفصل آنها در نامواران زنان جهان در جریدهٔ وطنیه خوانده خواهند شد اکنون از خوف طول کلام که موجب تنگی ساحات جریده میشود ختم مقال را نموده برای خوانندگان گرام عرض میشود که تفصیل غزوات و حالات آنحضرت را اگر بوجه ذوق ادای خواستگار باشند بطرز اقم آنکه نوشته شده و بنام سراج السیر مسمی نموده از مراحم اعلیحضرت شهریارت قدردان اهل الله قدره الطبع رسیده و در تعلیم اولاد وطن داخل است شایقان سیر نبوی از دار التالیف و یا حوره حبیبه طلب فرمایند . فقط .

حرره عبدالرب عفی الله عنه

تشکران علی نعمای حضرت الشان

حضرت اقدس آفریده گار عالمیان چون میخواهد که از نعمهای کامله خود زیک ملت و مملکتی نیک سازد ، زمام اقتدار آنرا بتأییدات ذات اقدس بیهتای خود بکف کفایت — یک مالک حکیم دانا و پادشاه عادل بذل عطا و احسان میفرماید :

چنانچه افغانستان و اهالی آنرا مفتخر بوجود فیض آمود اعلیحضرت (سراج الملة والدین) پادشاه بزرگ با عدل و دین گردانید که آنرا نعمت بزرگی گفته میتوانیم که تشکران آن برما واجب و لازم میگردد .

از آن است که از فیوضات ذات اشرف همایون شان روز بروز آثار ترقی عرفان پروری در دلهای اهالی می پرورانند و دلهای شانرا بنور علم و عرفان تازه می سازند :

چنانچه اهالی افغانستان در زمانهای قدیم هیچ از واقعات گذشته عالم خبری و اثری نداشتند حالا بود که از فیوضات با برکات عرفان پروری ذات اشرف امجد همایونی اعلیحضرت (سراج الملة والدین) پادشاه بزرگ معظم در ملک افغانستان شایع شدن اخبار را ایجاد گردیده این است که بنام (سراج الاخبار افغانیه) این اخبار فواید آثار و این نامهٔ گرامی گهربار به اداره و قلم حکمت رقم

ادیب فاضل خردمند جناب (محمودطرزی) صاحب انتشار پذیر عالم مطبوعات گردید واهالی مارا از صحرای بیخبری درشهراه مدنیت باخبری انداخت که ازملاحظات آن گویا در تمام ممالك عالم سیر کرده پرده های نابیناتی چشم مارا دورساخت تمام اطراف واکناف عالم را بنظرما در آورد که هیچ حایل ومانعی درخود نمی بینیم واز منافعیکه مطالعات آن مارا دست میدهد یکی حقوق شناسی پادشاه معظم عادل معارف پرور محبوب القلوب ماست که ازفیض قلم آن ادیب خوش تقریر به این دانستن حقیق رسیدیم . الحق که این نعمت عظمی وموهبت کبری موجب هزاران شکر وثناست .

ذات اشرف همایونی شان چنان حکمت بالغهٔ به این عرفان پروری شاهانه بکار بردند که همه اهالی را محب وطن پروری واخوت المومنین یك وجود ویك تن ویك جان وجسم گفته میتوانیم — واگر بنظر تدقیق نگریم یك روح مجسم اند حب اهالی بایکدیگرشان طعم شیروشکررا پیدا کرده هرروز درافزونی است .

این است که برهمهٔ اهالی ممالك خداداد افغانستان واجب ولازم است که شکران این نعمت را بجا آرند اتفاق که ازاحسن اخلاقات حسنه است برای اهالی بتوجه ذات شاهانه شان فایض گردیده ونفاق که مذموم ترین خصلتهای ذمیمه است ، از اهالی ما دور گردانیده از درگاه خداوند جل وعلی دوام عمر وبقای سلطنت اعلیحضرت پادشاه شفیق بسیار مهربان خود مارا ازدیاد ترقی دولت قوی شوکت ملت نجیبه افغانرا نیاز میکنیم وازجملهٔ اهالی ملت همین دعارا استدعا داریم آمین ثم آمین .

(یکی ازخوانندگان سراج الاخبار افغانیه)

م ۰ ج

(عالم عسکری)

(مانوره) های بزرگ عسکری وفواید آن

(مانوره) یك لفظ بیگانهٔ زبان فارسیست . درزبان فرانسیسی این کلمه برکارها وحرکتهایی اطلاق میشود که به پیش بردن ، وپس کشیدن وبه اینسو وآنسوراندن یك چیزی متعلق باشد مثلا قطار ریل را که ازیك خط بردیگر خط میبرند ومی آرند تابرخط اصلی برابرسازند (مانوره) میگویند . یاعرابهٔ موتوررا که میخواهند پس دور بدهند ، ویابریك سرك مطلوب خود برابرسازند گاه به پیش وگاه بعقب میبرند ومی آرند آنرا نیز (مانوره) میگویند . ولی عموماً برای قواعد بزرگ عسکری ، وجنگهای مصنوعیٔ عسکری کلمهٔ (مانوره) استعمال میشود که ما از فواید ولازم بودن آن برای عالم عسکری درینجا یك قدری بیان میکنیم :

این یك معلوم است که هرصنعت دوطرف دارد . یکی جهت علمی . دیگری جهت عملی . جهت علمیٔ آن که نظریات هم میگویند برای جهت عملیٔ آن صنعت قواعد ومعلومات لازمه را حاضر وتدارك میکند . اینهم معلوم است که دردنیا هیچ چیزی بی علم میسر نمیشود ، ونیزهیچ یك علمی نیست که بی عمل ازان فایدهٔ میسر شود .

علم عسکری ، دربن عصر حاضر درذیل صنعتهای بسیار نازك یك موقع بسیار بلندی دارد . زیرا محافظهٔ حیات وموجودیت دولتها وملتها — حتی محافظهٔ صلح وآسایش — بوجود فنون عسکریه موقوفست . نوع بشر دروقت حاضر جنگهای روی زمین را کافی ندیده جنگهای زیربحر ، وروی هوا نیز آغاز کرده اند . که هائی که قیمت هریك ازان صدها بوند میباشد وبیك که صدها آدم را تلف میسازد ایجاد میکنند .

علم عسکری درینوقت یك ماشین بسیار بزرگی میماند که هزارها آلات وادوات نازك وکلانی درین ماشین موجود است این ماشین جاندار رابخوبی بصورت استعمال وجولان کردن ، وازهمه آلات کوچك وبزرگ آن بخوبی فایده برداشتن به علم ، وتجربه ، و واقفیت تامه احتیاج می افتد . وبه این سبب کار ووظیفهٔ افسران که ماشین کاران این ماشین جاندار شمرده میشوند بسیار نازك است .

اگرچه قسم نظری یعنی علمیٔ عسکری دراول امر خوب خوانده وتحصیل میشود اما قسم عملیٔ این علم که عبارت ازتطبیق دادن علم بعمل باشد هروقت وهرزمان میسر نمیشود . زیراموضوع علم عسکری وجای تطبیق دادن آن جنگ ومحاربه است که آنگاه گاهی بصورت نادر بوقوع می آید . وبه این سبب قسم عملی وتطبیقات علم عسکری که بسیار ضروری وشطر اول این علم شمرده میشود بسیار ناقص میماند

بنابرین دولتها درین باب یك چاره دیگری اندیشیده اند که آنهم (مانوره) های بزرگ عسکری میباشد که ، درهرسال دوبار یاسه بار وفداکاریهای بسیاری دراول بهار وتیرماه آنرا اجرا میکنند . این مانوره ها اساساً برنقشه ها وپلانهایی که برای جنگ ومحاربه کشیده شده میباشد ترتیب وتنظیم میشود . وهرحکومت نظر به تعداد عسکر خود یك لك یاکثر یابیشتر اردوی خودرا برای مانوره حاضر میکند وآنرا بردوقسم تفریق وجدا میسازند . ونظر به پلانی که کشیده شده میباشد یك طرف را دشمن فرض کرده به آنصورت حرکات آغاز میشود . طرف مقابل نیز حرکاتی را که بمقابل اینچنین دشمن لازم باشد اجرا میکنند . پلهای ساخته گی برنهرها می بندند ازگذرهای نهرها میگذرند استحکامهای خاکی ، وخندقهای شکاری می کنند . والحاصل چیزیکه درمحاربه لازم باشد همه آنرا اجرا میکنند . وصنوف ثلاثه — یعنی پیاده ، وسواری ، وطوپچی بجا آوردن وظیفه های خودشان را می آموزند . حتی هیئت طبیه عسکری نیز بصورت ساخته گی مجروحین را میپالند ، وبرمیدارند قسم اعظم فایده های این مانوره ها بافسران بزرگ علی الخصوص

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 563 of 1786

بسر افسر کل میرسد . چراکه ماکینیست یعنی ماشین کار کلان این ماشین جاندار همانا افسران بزرگست . لهذا افسران بواجبات محاربه ازسایهٔ اینگونه مانورهها آگاه میشوند . وبدادن امرهای قطعی وسریع عادت میکنند . غیرازینها یکفایدهٔ دیگری نیز ازین مانورهها حاصل میشود که چون درسال دوبار اردوها باینگونه مانورهها برآیند نقصانها وکمبودهای اردونیز بمیدان برآمده اصلاح واکمال میشود . دیگراینکه درنتیجه کار سرافسرکل خطاها وغلطهای افسران را دیده بعضی راسزا وبعضی را مکافات میکند

اگرچه درخصوص مانورهها همینقدر معلوماتی که عرض شد غیرکافی میباشد ولی برای این شماره همینقدر بیانات را کافی دیده انشاءالله درآینده دیگر ملاحظات نیز عرض میشود .

[م . ف]

(مقالات فنیه)

(حکمت طبیعیه)

(فن)

(مته اورلوژی)

(باد)

(مابعد از شمارهٔ ۱۱)

(بادهای موسم) همان ریاح تجارتیست که بنابرکسب حرارت مختلفهٔ خشکه وآب کیفیت استقامتش تبدیل ورزیده هبوب ووزیدن این بادها مخصوص منطقهٔ حاره وجوارانهاست . تعبیر باد موسم درازمنهٔ قدیم مخصوص بادهائی بودکه بحر (او قیانوس هند) یعنی (بحرمحیط هندی) درایام معینهٔ سالکه ازیکجهت وگاه از مقابل انجهت در وزیدن می آمد . اما دراینوقت برکافهٔ بادهائیکه دروقت معین میوزد این تعبیراطلاق میشود .

سمت های وزش بادهای موسم (۳) سمت میباشد :

۱ اول — [سمت بحرمحیط هندی] بود . که دربن سمت بادهای موسم از (استرالیای شمالی) واز (هندچینی) وازشبه جزیرهٔ هندستان) میگذرند . حدود شمالی این سمت سلسلهٔ جبال هملایه میباشد . اسباب ظهور بادهای موسم درسمت بحرمحیط هندی گذشتن شمس است ازمداری بمداری . که بدین سبب گاه خشکهٔ جانب شمالی وگاه خشکهٔ جانب جنوبی خط استوا کسب حرارت میکند . واین کیفیت موجب تغییر وتبدیل استقامت ریاح تجارت دربحرمحیط هندی میشود .

۲ دوم — [سمت ساحل کینهٔ شمالی] بود . که درقطعهٔ افریقا واقعست . حدود شمالی این سمت (جبال قونغو) میباشد . این سمت بقدرسمت اول وسعت ندارد .

۳ سوم — (سمت بحراتلانتیک) و (کورفرمکسیقو) بود . که درقطعهٔ امریقا واقعست . درینجا بادهای موسمی که میوزد هبوب ریاح تجارت شمال شرقیست که ازسبب حرارت شدیدهٔ وادی (میسیسپی) بدانطرف انحراف میکند . اینست تعریف بادهای موسم وسمت های آن .

(بادنوبتی ، وباد ساحلی وبادملتمی)

درمنطقهٔ حاره ، بعد ازطلوع شمس بسبب تسخن کرهٔ ارض از جانب بحر بسوی خشکه تاوقت غروب ، وبعد از غروب که نسبت حرارت خشکه به بحر کمتر گردد بالعکس از جانب خشکه بسوی بحر جریان بادی ظهور میکند که این بادهارا درسواحل وشهرهای قریب بحر (بادنوبتی) و (بادساحلی) و (بادملتمی) میخوانند .

اگرچه درمنطقه معتدله نیزازین بادهای نوبتی درمواسم گرما های شدید ظهور میکند ولی نسبت به منطقهٔ حاره خیلی خفیف است . درسواحل بحرسفید بادساحلی ازبرای کشتی بانان خیلی سهولت میرساند .

سبب ظهور این باد آنست : که دروقت نهارچون شمس بر سمت رأس میآید هوا گرمی پیدا نموده انبساط میدهد . وهوای بحر بسبب برودت چون هوای خشکه را خفیف میبیند بدانطرف هجوم میکند . وبعد ازغروب شمس حرارت هوای بحر چون نسبت به حرارت هوای خشکه زیاده تر میگردد لاجرم هوای خشکه دراینجا هجوم میکند چنانچه تفصیلات این مسئله سبقت نموده است .

(ریاح قفر)

بعضی ریاح خیلی گرم وعدیم الرطوبت شدید مخوف مهلک چولها وبیابانها را (ریاح قفر) میخوانند که بروجه اتی انواع مختلف دارد .

۱ اول — بادسموم بود درعربی ازلغت سم مأخوذ است . ازاسم این بادچنان مفهوم میشود که بوجود انسانی خیلی تأثیرات سیئه اجرا میکند . این باد درسمتهای (عربستان) و (نوبه) وبعض جاهای (عجمستان) ودر (بر شام) وبعضی جاهای (چین ، هندستان) درمواسم گرما هبوب میکند که ازشدت حرارت فوق العاده اش به اسم سموم موسوم گردیده .

۲ دوم — (بادخمسین) بود که این باد دردیار مصر ازسمت جنوب مدت پنجاه روز وگاهی کمتر بنهایت گرمی دروزش میآید . واز بیستم ماه نیسان رومی تادهم ماه حزیران دوام میکند . اگر چه مضرتش بقدر باد سموم نباشد ولی بازهم خیلی گرم وبی رطوبت است .

۳ سوم — (هارماتان) نام بادخیلی گرم وبیرطوبت بود که درماه های کانونین وشباط ازجانب (صحرای کبیر) یکسر بسوی (ساحل کینه) میوزد .

۴ چهارم — (سیروقو) و (سولانو) نام بادهای گرمیست که در یونانستان ، وایتالیا ، واسپانیا میوزد ، وسبب ظهور آن نیز قربت صحرای کبیر عد میشود .

۵ پنجم — (پامپاروس) نام باد جنوب غربیست که مخصوص درامریقای جنوبی درممالك (ارژانتین) ازسر کوههای پربرف (اندەس) بنهایت سردی وغایت شدت میوزد .

۶ ششم — (بوره) نام باد شمال شرقیست که درسمت ساحلهای (شرق کور فزوندیك) درایالت (دالما جیا) بنهایت شدت میوزد . گاهی چنان بشدت میوزد که جوره گاوهای قوله را بزمین میغلطاند .

باقی دارد

ادبیات

(خطاب بعالم اسلامی)

حال اسلام است چون زلف کسی درهم چرا
خون نگرید هر مسلمان زین الم زین غم چرا
ماتم اسلام باشد این زمان ازدست کفر
مازغفلت سور بنداریم این ماتم چرا
همچو ماتم دیدگان امروز می باید گریست
آه باشد چشم ماتم دیدگان بی نم چرا
ربع مسکون بود از اسلام چندی پیش ازین
می ربایندش زخود نصرانیان این دم چرا
پیش ازین بسیار میگفتند عالمرا وسیع
تنگ شد برما زدست کافران عالم چرا
عیش وراحت ملك ودولت سیم وزر مال ومنال
جملگی بردند ازما ما چنین بیغم چرا
برده است از پیش ما این قوم هر چیزی که بود
دین وایمان مانده باقی مانده اند این هم چرا
رایگان نتوان گرفتن یکعدس ازدست کس
رایگان ازدست مابردند یکعالم چرا
میرود ازدست ماملك جهان ما بیخبر
دهر برغم ماچو طفلان شادمان خرم چرا
سایه میگیرد جهان کم کم عیانست این نهان
میرود ازدست ماملك این چنین کم کم چرا
روز ماخواهد شدن چون شب سیاه ازدست کفر
صبح عیش ماباشد همچو شام غم چرا
یکنفس باقیست ازبهر خدا اسلامیان
درتغافل بگذرانیدن نفس این دم چرا
بود ازدست شماجنگل نشین این دام ودد
این زمان محکوم دام ودد بود آدم چرا
اتحادی همتی ننگی وفقی غیرتی
ازنفاق افتاده اید آخر جدا ازهم چرا
گشت هرغول نصاری آدم ازتأثیر علم
آدمیت رادهد ازکف بنی آدم چرا
بود چندی پیش جنگل مسکن این وحشیان
ازتمدن این زمان گویند حیرانم چرا

فاجعه‌های پاریس

(مابعد ازشمارهٔ ۱۱ سال دوم)

وسامانیکه تصور کرده بود نگردید ازانرو قلوتیلد درنظرش بیقدر وقیمت یك چیزی آمده بهمان سیصد هزار فرانك اویك چیزکی بدهی قرضدارهای خود انداخته ومابقی ثروت موجوده را بر مترسها وقمار بازیهای بزرگ وسفاهتهای بی اندازه بظرف یکدوسه سال صرف نمود .

غونتران چون سراسر از توانگری محروم گردید بطراری وعیاری آغاز نهاد بعد از طراری یعنی حیله کاری به قلبزنی پرداخت . وهمین بود که پولیس از طراری‌های او وقلبزنی‌های او آگاه گشت ، واورا عقب گیری کرده کرده تا آنکه در روز مذکور در اوتاقش اورا گیر کردند ، واو ازبرای آنکه رذالت بندیخانه رفتن را نبیند بشقیقهٔ خودبه تفنگچه زده به ترك دمدمهٔ حیات گفت .

حالا چون از احوال سابقهٔ قلوتیلد تا یکدرجه آگاهی حاصل کردیم باز در پیش قلوتیلد وکونت آرمان دوغراتلیو در اوتاق خانهٔ مادام آلمو در امده به بینیم که چه میگویند :

قلوتیلد — می بی آرمان که خدا مراجسان زده وهنوز در زدنست ! به این عدالت حق چیزی گفته نمیتوانم ، اماخدا کنند که غضب الهی تنها بر سر من باشد ، واز جنون جنایتکارانهٔ مادرش این طفل معصوم نوزاد جزادیده نشود ! آیا محبتی که تا بحال در حق من داشتی بعد ازین در حق این دخترك من عطف خواهی کرد آرمان ؟ اگر لازم وضروری بودن تسلیم این طفل را بتو حس نمیکردم شمارا تا به اینجا زحمت داده نمیخواستم . ولی چون دانستم که شما مرا تا بحال بیك شفقت ومحبت عالیجنابانه دوست داشته اید امید کردم آن محبت را بعد ازین در حق اولادم اجرا بکنید . آیا بمن وعده میدهی آرمان که دختر مرا

کرده آغاز مادر اول روز تعلیم علوم
این زمان دانند ازما خویش رااعلم چرا
دزدی علم و هنر کردند ازما این گروه
میخریم ازدزد مال خویش را هردم چرا
چند برما میفروشند آنچه ازما میخرند
من بهیچ این غیرت واین ننگ نفروشم چرا
آدمیم آدم چه آموزیم غزال دامودد
طیر را زین وحشیان دام نبود دم چرا
گر مخالف درنوای راستی باشد خطاست
درمقام آخر نمیدانید زیرازبم چرا
دوستی ازدشمنان آیدزهی فکر محال
زخم را دانسته ایدای غافلان مرهم چرا
آشنای خویش میدانید هربیگانه را
محرم اسرار فهمیدید نامحرم چرا
این زمان آموخت بایدعلم کار ازکافران
ای مسلمانان چه میگویم چه میگویم چرا
چند غفلت پیشگی تن پروری بی همتی
چون چنین باشید من خاموش بنشینم چرا
استراحت بردازما دانش و علم و کمال
اینقدر باشیم درتن پروری محکم چرا
خون نگرید زار مستغنی چرا ای همنشین
همدم صدغم نباشد آخر ای همدم چرا

تاریخ ولادت (حسین راغب) فرزند ارجمند عزتلو محترم
جناب (حسن حلمی) افندیٔ معرفت شیم

(حلمی) مبارک باد، نوزاد خوش نژادت
باقی بماند نامت گاهی نگشت غایب
مسعود بادیارب، درهر زمان و هرآن
ارواح قدسیانش، باشد ورا مصاحب
عمرش درازبادا، تاز کمال و فضلت
گیرد فیوض عرفان، نبود ورا متاعب
ازفن و علم و صنعت، ازخلق خوب و رأفت
وزهر کمال و حکمت، باهره باد و صاحب
آمدبهر جمش، تاریخ شد زاسمش
نقش نگین رسمش باشد (حسین راغب)
۱۳۳۱

صبح

بهرهرکاریکه داری زود شو برخیز صبح
چونکه وقت فیض باشد زودشو برخیز صبح
صبح خیزی شهپر پرواز اوج مدعاست
گرتو خواهی صید مطلب زودشو برخیز صبح
صبحدم تأثیر انفاس مسیحش دربغل
عبرتی گیر ازبهایم زودشو برخیز صبح
جمله طیر و وحش و پرانه نباتات و هوام
جان زفیض صبح گیرد زودشو برخیز صبح
شب نشینی صبح خوابی رادهدبادای عزیز
صبح خوابی شدهلاکت زودشو برخیز صبح
شب بخواب و صبح برخیز و خدارا یادکن
کارکن دردین و دنیا زودشو برخیز صبح
صبح صادق فیض خالق را نمایان میکند
بشنوای (محمود طرزی) زودشو برخیز صبح

دوست بداری، وحمایه بکنی، ومحافظه نمائی؛ اگراین وعده را بمن بکنی بسیار به استراحت بلکه بنهایت بختیاری تسلیم روح خواهم نمود.

ویقونت دوغرانلیو دستهای قونتس قلوتیلد را گرفته وبوسه داده گفت:

— قلوتیلد! عزیز قلوتیلد. خاطرجمع باشید که دختر شما یتیم نخواهد ماند. بشرف واصالت خاندانٔ خود سوگند میخورم که من پدراو خواهم شد.

— (آهسته دست ویقونت را فشرده) تشکر میکنم دوست من. منهم ازشما همین را امیدمیکردم. بعد ازین بجز اینکه بخدای خود توجه کنم دیگر کاری برایم باقی نماند. جناب حق شما را مکافاتیکه مستحق آن باشید بدهد. حالا رفته برای من یک راهب بیارید. ومرا باو یکقدری تنها بگذارید! وبعد ازآنکه راهب براید باز درپیش من بیائید. زیرا وقتیکه مرگ خودرا درتنهائی بیادم می آرم میترسم. وبعد ازانکه روحم بدنم را ترک کند چشمهای مرا بدست خود بپوشید.

آرمان فغان خفه شدهٔ جوش گریهٔ خود را بزور ضبط کرده برای اجرا کردن اوامر آخریٔ قلوتیلد ازاتاق بیرون برامد.

حالا قلوتیلد را بحالت جانکندن و آرمان دوغرانلیو را برای راهب آوردن گذاشته از زاجهٔ دیگری که مادام آلفو در وقت آمدن موسیو غرانلیو بیان کرده بود یکقدری معلومات بگیریم که آیا کیست وچیست؟

در همان شبی که قونت غتران دوراندال یکچند بستهٔ برای قلوتیلد بروی میز گذاشته وبسرعت از اوتاق برامده رفت وباز نیامد مگر روزی که پولیسها اورا گیر کرده خودرا بکشت درهمان وقت که او از خانه برامد یک دختر بدرنگ وچلی که هم شاگرد وهم خدمتکار دایهٔ مادام آلفو بود در اوتاق صاحبهٔ خود درامده گفت:

(باقی دارد)

نامور زنان جهان

(مابعد از شمارهٔ (۱۱) سال دوم)

و به این سبب دریش نصارا بدرذیل اعزه‌ها داخل شده است . وبعضی هیکلتراشها هیکلش را ساخته وبعضی شاعرها احوال اورا بنظم کشیده است . دیگر دختر حاکم آکیتانهٔ فرانس است که درسنهٔ ۱۰۴۳ میلادی ایمپراطور جرمن (هانری سوم) ازدواج کرده وبعد ازوفات شوهر خود نایبهٔ حکومت پسر خود مانده‌است . سوم دختر لوئی (جوان) که پادشاه مشهور فرانس است میباشد که در ۹ سالگی باایمپراطور قسطنطنیه ازدواج کرده است . چارم دختر (برتولد) حاکم (میرانیا) ست که درسنهٔ ۱۱۹۶ میلادی باپادشاه فرانس (فلیپ اوگوست) که زن اول خودرا طلاق کرده بود ازدواج کرده‌است . وچند اولاد هم ازو بدنیا آورده است . ولی چون در آنوقتها نفوذ وتسلط پادرهای روحانی بسیار بود زن اولین فلیپ پادرهارا بدام آورده پادرها فلیپ و گوست‌را مجبور کردند که زن اولی خودرا پس بگرداند ازاو وآنیس را طلاق داد وزن اول خودرا پس گرفت . ودرسنه ۱۲۰۱ میلادی آنیس ازغم وفات یافته که بعضی شعرا احوال اورا بصورت فاجعه نویسی تحریر کرده اند . پنجم دختر (آلبرت اول) پادشاه او ستریاست که درسنهٔ ۱۲۸۰ میلادی تولد یافته وچون پدرش قتل میرسید آنیس درسن بیست سالگی بود . بانتقام پدر خود ۱۰۰۰۰ آدم را بقتل رسانید . وبعد ازان باپادشاه مجارستان ازدواج کرد وبعد از یکسال بیوه مانده یك معبد بزرگی بنا کرده ودر میان آن بصفت راهبه گی تا به آخر عمر خود منزوی شده‌است . ششم آنیس سورل نام یك زن فرانسوی است که باحسن وجمال وعقل وذکای خود مشهوره ومعروفه میباشد . درسنه ۱۴۳۱ میلادی بایکی از زنهای بزرگ بسرای (شارل هشتم) پادشاه فرانس رفته بود . پادشاه برو عاشق شده اورا درخدمت ملکه مقرر نمود . وبه این صورت رسماً اورا معشوقهٔ خود ساخت اما آنیس سورل تسلطی را که برقلب پادشاه حاصل کرده بود بخوبصورت استعمال کرده پادشاه را ازسستی وکاهلی که دران بود بیرون براورد . وبر بیرون براوردن دولت انکلیز را ازخاك فرانسه بشوق وحرکت آورده است . بعد ازان باپسر پادشاه (شارل نهمین) کدران نتوانسته گوشه نشینی اختیار کرده‌است .

آنیس :— یك زن ایتالیای ایست که درعلوم ریاضیه صاحبهٔ ید طولا بوده است . ودر دارالفنون (بولونیا) معلمهٔ علوم ریاضیه بوده بکچند تألیفها وآثار های مقبول ومعتبرش درعلوم مذکوره باقیمانده است . درسنهٔ ۱۷۹۹ وفات یافته است .

(باقی دارد)

علم ثروت ملل

(مابعد از شمارهٔ (۱۱) سال دوم)

ازین است که در قریه ها ودهها می بینیم که یك دکاندار هم نان فروشی ، وهم قصابی وهم بقالی میکند . وباآنکه یك حکیم هم حکیمی ، وهم جراحی وهم دواسازی ، وهم دوافروشی میکند سببیکه این عدم تقسیم اعمال ازهمین است که مبادله وجای فروخت ندارد . واگر بقاعدهٔ تقسیم اعمال کار شود ، وهریك ازان کارها را یکیك آدم درعهده بگیرد آنقدر مشتری که گذران معیشت هریکی ازان اصحاب صنایع‌را درعهده بگیرد پیدا نمیشود .

دیگر چیزیکه قاعدهٔ تقسیم اعمال‌را گرایش میسازد (سرمایه) است . چونکه اگر اعمال‌را چنانچه شاید وباید تقسیم کردن خواهیم لابدعمله . یعنی کارگر — را افزونی بدهیم . وعملیاتی که این عمله آرا بکار اندازند فابریك بزرك ، مواد اصلیهٔ بسیار ، ماشینهای بسیار والحاصل بسرمایهٔ بسیاری محتاج است .

پس بینی که تقسیم اعمال ازقواعد طبیعیهٔ واجب ست ازاثرو رحمهٔ افراد جمعیت ، وبلکه بر عموم هیئت بشریه شامل است . اما نتیجه های شایان استغراب آن در فابریکها نمایان میشود . ودر دیگر همهٔ اعمال . یعنی در زراعت ، وتجارت ، واداره‌ٔ حکومت ودرعلوم وفنون متنوعه ، ودر تمام عالم مدنیت این قاعدهٔ تقسیم اعمال

باقی دارد

اعلان

یك معلم مشاق که هم خوشخط وهم کاغذ نویسی بتواند برای سرسوتی مندر (مدرسه اهل هنود نمبر ۲) بکار داریم . وروزی پنج ساعت تعلیم میدهد . حالا ماه بیست روپیهٔ کابلی تنخواه داده میشود . اگر لیاقتش ثابت شد تا بیست وپنج روپیه ترقی داده میشود . آرزو کننده گان پیش مشتهر این اعلان (بالکرشن دالی) سرمدرس سرسوتی مندر (مدرسه اهل هنود نمبر ۲ در شوربازار کابل) بیایند .

اعلان

کتابهای فارسی — انگریزی — اردو — گورومکی — باشا وغیره برای تعلیم اشتیاق فروش میرسد . المشتهر
(بالکرشن دالی سرمدرس مدرسهٔ اهل هنود نمبر ۲)
درشور بازار کابل

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد ازطرف مدیر وسر محرر تحریر یافته

محمود طرزی

در چاپخانه حروفی دار السلطنه کابل طبع گردید

سیاحت در دور ادور کرهٔ زمین

به هشتاد روز

کتاب اول یعنی افسانهٔ طرز جدید بسیار مرغوبیست که عموم الناس میشنوند ، وخیلی مفید و آموزنده است دکان ملا غلام محمد تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی بازاری جلدی قیمت (۲) دو روپیهٔ کابلی بفروش میرسد .

(کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه)

(باجلد اعلا)

ودو کتابچهٔ (علم واسلامیت) و (آیاچه باید کرد ؟)

(باجلد اعلا)

در اداره موجود است ، آرزو کنندگان خریداری کرده میتوانند

قیمت همه (۲۵) بیست وپنج روپیه کابلی

(شرائط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا در سراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، ویا دیگر هرنوع اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرائط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درین اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود برای هر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطری قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطری قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود ، طول سطر یک ستون اخبارما (۳ — انچ — ٤ قولطه) میباشد

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

شماره ۱۳ سال ۷

فهرست مندرجات

مدنیت پروریهای اعلیحضرت همایونی	
حوادث داخلیه	تشریف آوری موکب همایونی ازدره نور — مراسم جشن ولادت ذات عالی جناب نائب السلطنه صاحب — هوای کابل —
حوادث خارجیه	اجمال سیاسی — حوادث انقلاب استانبول — رئیس جمهور فرانس — کشتیهای هوائی روس در سرحد جرمن — دزدان موتر دار — تقرر ناظر خارجیه روس — خبرهای تجاریه — مکتوب ازدهلی — یك تلگراف بسیار مردانه ازطرف جناب شکری پاشا — انور بیك اوروپا وابور حمیدیه — حریق استانبول — روس واستریا — رومانیا وبلغارستان — ایضاً — برف آتش را توقف میدهد — فتوحات عثمانی در سقوطری — زنان حقوق طلب — اخبار چهره نما — اخبار افغان — ایضاً انوربیك — یك مجلس بزرگ زنانه
مقالات فنیه	مابعد از شمارهٔ ۱۲ — بادقصرته — خرطوم سحابی — بادصیقلون
کیفیت باد	
مکتوب شهر	
ادبیات	
ناموران زنان جهان	
علم ثروت ملل	
فاجعه‌های پاریس	
اعلان	
تصاویر	ذات اعلیحضرت سراج الملة والدین با بعضی منصبداران محافظ معیت شاهانه بعد مصاحبه قیررسی — عیناً همان یك منظره مصاحبه قیررسی بدیگر کیفیت شهزاده معظم جناب معین السلطنه صاحب — شهزاده مکرم جناب عین الدوله صاحب — جناب مستغنی شاعر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 570 of 1786

اعلان

(شرایط اشتراك سراج الاخبار افغانیه)

(سراج الاخبار افغانیه) نخستین اخباریست که در مملکت پرفیض وبرکت افغانستان بسایهٔ فیوضات عرفان پروری اعلیحضرت پادشاه مقدس مهربان ماو در دارالسلطنهٔ محروسهٔ کابل به انتشار آغاز نهاده است . مقصد ومسلك این نامهٔ گرامی بیداری وآگاهیٔ اهل وطن مقدس ماست براحوال عالم ، وحب دولت و وطن ، وتوجه بسوی علم وفن ، دینی ، سیاسی ، ادبی ، اجتماعی ، فنی یك اخبار فواید نثاریست که در صفحه های معدود ، فواید غیر محدودی مندرج دارد .

(سراج الاخبار افغانیه) از هموطنان عزیز خود چشم امید آنرا دارد که چون این اخبار یگانه اخبار وطن عزیز مقدس شان شمرده میشود میباید که یك توجه خاصی ویك هوس مطالعهٔ بااخلاصی بسوی او عطف نمایند . اداره ، درباب اشتراك مشترکین کرام بنهایتدرجه ارزانی وآسانی را مرعیداشته ، وبرای خوبیٔ مضامین مندرجه وخوبی کاغذ وحسن طبع ودرج تصاویر فدا کاریهای بسیاری بکار برده ، وتجارت را کمتر منظور داشته است درینوقت درماه دو بار یعنی درغره وپانزدهم هرماه نشر میشودامیداست که درآینده هفته وار بشود . وآنهم به همت دانشوران معزز هموطن منوط است زیرا هرقدر که تعداد مشترکین کرام ، ورغبت خوانندگان عظام بیفزاید ، البته درترقی اونیز خواهد افزود . قواعد اشتراك از قرار ذیلست :

در دارالسلطنهٔ کابل قیمت یکساله اشتراك آن ۸ هشت روپیه کابلی — ششماههٔ آن ۵ پنج روپیه کابلی . در ولایات داخلهٔ دولت علیهٔ افغانستان یکساله ۱۴ چارده روپیه کابلی — ششماههٔ آن ۸ هشت روپیه کابلی . درممالك خارجه چون هند وایران وترکستان روسی وممالك عثمانی واوروپا یکساله ۱۰ ده روپیهٔ انکلیزی — ششماهه ۶ روپیه انکلیزی .

(اسامی وکلای ما درخارج)

درپشاور جناب میرزا غلام حیدر خان سررشته دار داکخانهٔ دولت علیهٔ افغانستان . در مشهد جناب عبدالله خان کار دار تجارت دولت علیهٔ افغانستان . دربخارا جناب حاجی غلام نبی خان مامور فروش پوست قره قل . ذوات گرامی که درممالك خارج افغانستان آرزوی اشتراك اخبار مارا داشته باشند بهر یك ازین وکلای ما چون وجه یکساله یاششماههٔ اشتراك را بفرستند واز طرف وکیل ما به اداره اطلاع برسد از هماوقت اخبارما بهمان آدرس وعنوانی که داده باشند جاری میگردد . آدرس وعنوان واضح وروشن نوشته شود . یك طلای پوند انکلیزی ۱۵ پانزده روپیه کلدار است .

صحیفه (١)　　سال دوم　　شماره (١٣)

سراج الاخبار افغانیه
١٣٢٩

نگران
رئیس ایشک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی
علی احمد

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ٨ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
با اخراجات داک ١٤ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با اخراجات داک ١٠ روپیه انگلیزی
بهر پانزده روز یکبار نشر میشود

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

اداره خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همهٔ امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود
قیمت یك نسخهٔ آن در کابل یکعباسی است

تاریخ قمری ١٥ ربیع الثانی سنه ١٣٣١　　تاریخ انگریزی ٢٤ مارچ　　تاریخ شمسی ٤ حمل ١٢٩٢

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

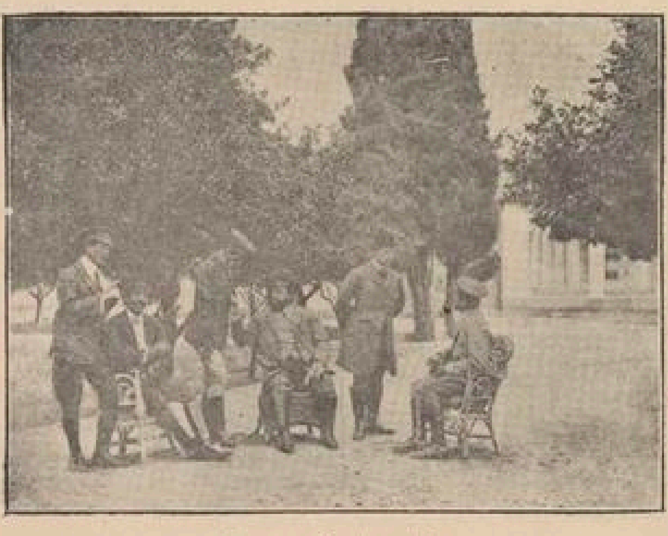

«یك مصاحبهٔ غیر رسمی»

(ذات اعلیحضرت سراج الملة والدین با بعضی منصبداران محافظ معیت شاهانهٔ شان)
(در باغچهٔ (بهاولی) نام موقع باصفا بمصاحبهٔ غیر رسمی مشغول اند)
(جناب معین السلطنه بدست چپ شاهانه پا ایستاده اند)

مدنیت پروریهای اعلیحضرت همایونی

یکدو صحیفه از تاریخ مدنیت

(مدنیت) چه‌مجهول ، چه‌مبهم ، چه‌معلق کلمه ! بلی ! این کلمه هراندازه که خیلی عالی ومقبولست ، هماقدر خیلی پیچیده ومجهول است . آیا مدنیت چیست ؟ وچند نوع است ؟ ازکجا ظهور نمود وبکجا منتهی میشود ؟ آغاز وانجام آن چه خواهد بود ؟ این است یک گروه استفهاماتی که فهمیدن ، وفهمانیدن ، وفهم گنجانیدن آن ازامور بسیار دشواری شمرده میشود .

چیزیکه معلوم است همین است که (مدنیت) ضد (بدویت) است . لهذا اول میباید که بدویت را بشناسیم تابه مدنیت پی ببریم چراکه گفته‌اند هرچیزی بضد آن شناخته میشود . معنیٔ لغوی (بدوی) صحرائیست که (بدویت) معنیٔ حال صحرائی بودن را شرح وتفسیر میکند . حال صحرائی بودن حال همان افراد انسانی ایست که علم وصنعت وهنر ومعرفت شان محدود ، واز زراعت وصنایع محروم باشند . ودرصحراها وبادیه‌ها درزیر سیاه خیمه‌ها گذران کنند ، واز صحرا بصحرائی ، واز بادیه ببادیهٔ گشت وگذار نمایند .

چوپانی ، وشیر دوشی ، وروغن ، وپنیر ، وقروت سازی ، ویک کمی بافنده‌گی که تنها سیاه خیمه‌های خودشانرا تدارک بتوانند ازصنعتهای یگانهٔ‌شان شمرده میشود . لهذا (بادیه) صحرا ، بدوی صحرائی ، بدویت صفات واحوال صحرائی گری میباشد . معنیٔ لغویٔ (مدنی) شهریست که مدنیت معنیٔ حال شهری بودن را توضیح وتفصیل میدهد . حال‌شهری بودن حال‌همان افراد انسانی ایست که ازثمرهٔ علوم وفنون وصنایع وتجارت تماماً استفاده‌میکنند وبسایهٔ هنر ومعرفت درمیان شهرها ، وقصبه های معمور و آبادانی درمیان خانه ها وکاشانه ها وسرایه های عالی ومزین بکمال آسایش وراحت زندگانی میکنند . لهذا (مدینه) شهر ، مدنی‌شهری مدنیت صفات واحوال شهری گری میباشد .

آیاهمینقدر بیانات مختصره کلمهٔ بسیار بزرگ ومهیب مدنیت را شرح وتفسیر کرده توانستیم ؟ حاشا ! این کلمه آنقدر دامان‌وسعت دارد که دامان های صحراها ، وسواد های شهرها از گنجایش آن اظهار عجز مینماید !

بعضی حال مدنیت را چنین شرح داده گفته‌اند که انسان در ابتدای خلقت خویش تایکمدت درازی بحال طبیعیٔ بسیطی زندگانی کرده‌اند که ازحال حیوانیت مافوق‌تر یک حالی نداشتند . مثلاً یک انسان لخت وبرهنهٔ بسیارقدبلند تنومند پرپشم ژولیده‌موی پنجه‌قویٔ تامدتها درازی را دریک جنگل درخت‌بهم پیوستهٔ مهیبی تصور کنید که درپشت بلندهٔ درخت بسیار بزرگی برای شکاریکه سدرمقش شود بسخو وکمین کرده‌باشد ، وچون یک حیوان کم زورتری ازخودش ازانجا گذر کند دفعةً بران حمله‌نموده باپنجه‌های قوی گلویش را فشرده ، وباناخنهای بلند شکمش و پوستش را دریده ازگوشت ودلبندش سدرمق نماید . آیااینگونه حالت را ازحال حیوانیت چه‌برتری خواهدبود ؟ رفته رفته توالد وتناسل بظهور آمده ، وعایله‌ها تشکیل‌یافته ، ولغات‌وجود یافته‌انسانها به اجتماع وجمعیتها آغازنهادند . وقبیله‌هائی که دراول تشکیل یافتند معیشت شان منحصر بصید ونخچیربود . بعدازان آهسته آهسته زراعت وحراثت را آموختند . وشیئاًفشیئاً صنایع وعلم وفن را آموخته کسب تمدن نمودند وشهرها ، وقصبه‌ها ، وقریه‌ها تأسیس داده قوهٔ‌عقلیهٔ شان‌قوت پیدانمود . وهیئتهای اجتماعیه‌عظیمهٔ‌تشکیل یافته اخلاق وعادات کسب لطافت ورزید .

پس ازین تعریف چنان معلوم‌شد که انسانها در اول وحشی وبعدازان بدوی وآخرالامر مدنی شده‌اند . ودر اول خشونت ودرآخر لطافت پیداکرده اند . چنانچه ازحفریات وجستجوی ارباب فن‌زمان معنی ظاهرشده که آلات ، وادوات ، واسلحهٔ انسانهای ازمنهٔ قبل التاریخ همه ازسنگ چاقاق بود ، ونمونه های آنهارا اززیر هزارها من خاکها کشیده درموزیم خانه‌ها نهاده‌اند ورفته رفته ازآهن ، ودیگر فلزات اسلحه وآلات عتیقه‌پیداشده رفته‌است . تاآنکه امروزه روز این آلات وادوات واختراعات واکتشافات محیرالعقول بمیدان برآمده‌است .

بعضی گفته‌اند که نوع‌بشر ازحال وحشت بحال مدنیت انتقال طبیعی نموده‌است . وحال وحشت‌حال ابتدائیٔ انسانها گفته‌نمیشود زیرا انسان اولینی که خلق گردید متمدن‌خلق گردیدواجتماع اولین را وضع نمود ، وبوحی الهی بتعلیم‌دین وآداب انسانیه ، وترتیب ازدواج اساس‌تمدن را وضع فرمود . زیرا مدنیت عبارت ازدین ونظامات مدنیه وسیاسیه واخلاق ، وصنایع وآداب وعلوم میباشد که باین‌چیزهافطرتاً انسان مفطور است . هیئت اجتماعیهٔ نخستینی که تشکیل‌یافت تمدن‌اساسی را وضع نمود . وچنانچه‌هرچیز بتدریج وآهسته آهسته ترقی میکند مدنیت‌نیز ازحال ابتدائی خود به حال تکمل رسیده‌است . ازآنرو انسان‌مدنی‌بالطبع‌است که مدنی‌بالطبع عبارت ازدرک کردن لزوم جمعیت است . وتشکیل جمعیت اززمان ازدواج آدم وحوا آغاز کرده است .

بهرحال نتیجه‌برین قرار میگیرد که (مدنیت) خواه ازوحشت به بدویت ، وباز از بدویت بمدنیت انتقال یافته باشد ، وخواه ازاصل مدنیت‌فطری ترقی‌وتکمل کرده‌باشد بهردو صورت مدنیت یک حالیست که مخصوص نوع انسان است . اگرچه بعضی معلم مدنیت را اززنبورعسل وغیره حیوانات نشان داده‌اند ، ولی آنرا چندان اهمیتی نیست . معلم مدنیت خود انسانست و بواسطهٔ قوهٔ‌عقل وادراک انسانها ، ونظامهای گوناگون اخلاق وعادات و آداب ، وسیاسات را وضع‌نموده‌اند ، وانواع قومها وقبیله ها

وجمعیتها در اطراف و اکناف دنیا تشکیل داده مدنیتهای مختلف بوجود آورده‌اند که چون بسوی تاریخ آن مدنیتها نظر کرده شود ، وباز بسوی محو وانقراض یافتن آنها ، و سپس از نو تشکیل یافتن دیگر مدنیتها نظر اندازیم خودرا دریك گرداب دریای حیرت غوطه خوار اشتباه وعبرت می‌بینیم . واینهم درنظرما مجهول میماند که آیا کدام مدنیت را بر کدام مدنیت ترجیح باید داد ؟ و کدام مدنیت را فاضله ، و کدام یك را غیرفاضله بگوئیم ؟ و کدام را عتیق و کدام را جدید بدانیم ؟

قدیمترین اقوام متمدنه مصریان قدیمست که (۳۰۰۰) سه هزار سال پیشتر از میلاد عیسی و پنجهزار سال پیش ازین وقت صنایعی را که لایق یك قوم مدنی باشد بوجود آورده‌اند . ازبعضی تصویرهای حك شدهٔ ۳۰۰۰ سال پیش که بدست انسانهای این زمان افتاده ودر موزه‌های بزرك این عصر حاضر موقعهای بلندی گرفته چنان معلوم میشود که زراعت وفلاحت دران وقت به ترقی بوده است . وانسانهای شان خیلی خوش لباس وزنان شان خوش شمایل وبازیور وزینت بودند . وجشنها وسازها ، واسلحهٔ شان مکمل بوده است . ریخته گری معدنیات مانند طلا ، ونقره ، وآهن ، ورنج سازی وغیره را میدانستند . جواهرسازی آئینه وبلور وچینی ومیناسازی وقماش بافی . حتی سیم دوزی را نیز میدانستند ازهمه بزرك صنعتی دیگری ازمصریان قدیم مانده است که مدنیت عصر حاضر درپیش آن متحیرست . که آنهم اجساد مردگان را یك مصالحی میزدند که هیچ برهم نمیخورد . وآنرا مومیا میخواندند . جسدهای مومیائی شده چندهزار ساله یافت شده است . که انسان گمان میکند که مردیست بخواب رفته . آثارهای معماری وهیکلتراشی مصریان قدیم نیز از آثار حیرت فزای میباشد (اهرام) بزرك مصر که در جوار (منفیس) نام موقع به بلندی ۱۴۴ متراست مرقد یکی ازحکمداران سلالهٔ اول مصر قدیم است . دین مصریان قدیم بت پرستی بود که برای معبودهای متعددی که تصور کرده بودند جداجدا بتها ساخته پرستش میکردند بزرگترین معبودها آفتاب‌را اعتقاد میکردند وبرای آن یك زوجه ، ویك ولد نیز میداشتند .

والحاصل این مدنیت پنجهزار ساله پیشتر را که بیان نمودیم مقصد ماشمهٔ از نوشتن (تاریخ مدنیت) است که درنظر قارئین کرام عرض نموده برای کهنه گی مدنیت یك نگری داده بتوانیم ازمدنیت قدیمهٔ بابلیها ، وآثوریها ، وفنیکه‌ها ، وایرانیها ، و یونانیها ورومانیها وغیره درینجا بحث راندن را لزوم نمی‌بینیم ، چراکه بحث مابطول می‌انجامد آخرترین مدنیتها مدنیت رومانیهاست که آنرا مدنیت عربیه برهم زده (مدنیت اسلامیه) بجای آن قایم گردیده است که ازین مدنیت فاضلهٔ حقیقیه یکقدری بحث راندنرا بی لزوم نمی‌بینیم :

دین مبین اسلام چون همه احکامش برعدالت وحقانیت وراستی ومساوات ، ولغو اسارت ، ومحافظهٔ حقوق وکسب علم وصنعت بود به بسیار زودی وسرعت جهانگیر گردید . در زمان خلفای راشدین اردوهای جسیم عسکریه بهرطرف سوق وارسال شده عدالت وحقانیت را نشر نمودند . بعدازان دولت امویه درشام و بعدازان دولت عباسیه دربغداد وبازدولت امویه دراندلس تشکیل وتأسیس یافته جهانرا بعلم و معارف وصنایع ، وعدل ، و راستکاری آبادان کردند . دراندلس علم وفن وصنایع بدرجهٔ ترقی نمود که مکتبخانهٔ همهٔ دنیا شمرده میشد چنانچه لندن ، پاریس ، برلن درینعصر منبع علم وفن وصنعت وتجارت ، وثروت ، وعمارت وزینت شمرده میشود ، درانعصر شهرهای اندلس همین صفاترا حائز بود عمارتها وسرایه های که بوجود آوردند معماران و مهندسان اینعصر را نیز درپیش صنعت معماری آن انگشت بردهان حیرت نموده است . اما رفته رفته خلفا بعیش وعشرت وذوق وصفا غرقه گردیدند عدالت را فراموش کردند خوشامد گوئی راه یافته ازترس کسی راستی را گفته نتوانستند ، تاآنکه نصاراهای غاشیه بردوش جزیه گذارشان براینها غالب آمدند ، خلفای عباسیه دربغداد نیز دراواخر همچنین شده برهم خورد ، ولی دیگر دولتهای اسلامی مانند سلجوقی ، وغزنوی ، وعثمانی ، وتیموری وغیره ظهور یافته بهمین صورت یکی بعد دیگر محو ومنقرض شدند ، ومیراث مدنیت یکان یکان به اوروپا انتقال نموده ومدنیت اوروپا وارث یگانهٔ همه مدنیتها گردیده بعالمگیری آغاز نهاد که دروقت حاضر همهٔ قطعات خمسهٔ کرهٔ زمین درزیر تاثیرکاری شعاعات همین مدنیت اوروپائی مانده است ، ودرمیان همهٔ این دریای حکومات عالم نصرانی ازادیان غیرآن تنها دوحکومت بودا وجینفوقیوس چینی وژاپانی ، وسه حکومت اسلامیهٔ عثمانی وایرانی وافغانی بمیدان مانده است .

شعشعه های درخشان مدنیت اوروپا چنان پرتو انداختهای نمایانی ازسبب اختراعات صناعیه ونظام وانتظامات ملکیه وعسکریه پیدا کرده که کسی ازان چشم پوشی نتواند ! مرکز ومنبع همهٔ صنایع وعلوم وفنون اوروپا گردید ، قوت وسطوت بحروبررا اوروپا مالك شد ، به اختراعات وایجادات محیرالعقول خودشان همهٔ عالم را بخود محتاج ومنقاد نمودند ، ژاپان پیش ازسی چهل سال بهوش آمده قدم بقدم اوروپا را تقلید وپیروی نموده بیلتنی وکوشش خارق العاده خودرا بدرجه آنهارسانید ، وتایکدرجهٔ ازشرشان وارهید عثمانی نیز ازینعصر به این طرف آغاز انتباه نموده تابه بسیار جاها خودرا رسانید ، ولی نه بدرجهٔ سعی وکوشش ژاپان ! ایران نیز اگرچه دست وپای بسیاری زده ولی خیلی عقب بود چون درین روزها سر بالا کرده زنگهای صدها هزارسالهٔ خودرا بریدند .

§

مقصد عاجزانهٔ ما ازین همه تطویل وتفصیل این است که یکقدری نظر مطالعه کننده گان گرامی وطن عزیز خودمانرا بمعانی مدنیت

واحوال سابقه ولاحقهٔ آن جلب نموده بر این مسئله نظر اندازیم که ترقیات مدنیه آیا در وطن عزیز ما از کدام وقت پرتو نثار ظهور گردیده است ؟ :

مقصود ما را از ترقیات مدنیه درك فرموده باشند که مراد از ترقیات مدنیهٔ جدیدهٔ اوروپاست . البته ! زیرا درحالیکه همهٔ اطراف عالم خواه به اسلحه وخواه به تعلیمات عسکریه وخواه به فنون مدنیه ولباس وجمله حوایج ضروریه به اوروپا محتاج باشد پس دیگر مدنیتی درکجا میماند !

اول تقلید مدنیت اوروپائی ازامورات عسکریه به افغانستان آغاز نهاده است که آنهم بعد از اول بار آمدن اردوی انگلیزان به افغانستان است یعنی تقریباً هشتاد سال پیش ازین بعد از آنکه اردوی انگلیز یکسرها درکابل محو گردیده سلطنت امیر کبیر جنت مکان اعلیحضرت امیر دوست محمد خان در افغانستان استقلال گرفت ازتجربه هائیکه دران محاربه ها حاصل شده بود لزوم قطعیِ تدارك کردن عساکر نظامی را ثابت ساخته بود . هریك از شهزادگان معظم — یعنی اولادهای امیر مرحوم کندکهای مخصوصهٔ جداگانهٔ ترتیب و تشکیل میدادند ، قواعد تعلیم عسکری زبان انگریزی اجرا می یافت . معلمها بعضی افسران نظامیِ عسکری بود که اسیر ویا تسلیم شده مسلمان شده بودند . از آنجمله یك صاحب منصب انگلیزی که مستر (کیمبل) نام داشت وبشرف اسلام رسیده به شیر محمد خان موسوم شده بود بشرف خدمت معیت اعلیحضرت (امیر محمد افضل خان) جد امجد اعلیحضرت پادشاه معظم ما سرافرازی داشت که خاقان مرحوم جنت مکین اعلیحضرت (ضیاء الله والدین) درسوانح عمریِ شاهانهٔ شان ازصاحب منصب مذکور

یك مصاحبه غیررسمی

(عیناً همان منظره بدیگر کیفیت)

به اینصورت بیان میفرمایند :

« سپه سالار کل قشون پدرم یکنفر انگلیس شیر محمد خان نامی بود که مسلمان شده بود ودر اصل نامش « کیمبل » بود این صاحب منصب درسنهٔ ١٢٥٠ هجری درجنك قندهار که باشاه شجاع شده بود بدست لشکر جدم اسیر افتاده بود ، مشار الیه یك صاحب منصب بسیار شجاع وبه امور نظامیِ عسکری خیلی آگاه وهم طبیب خوبی بود من بسبب کلانش التفات زیادی برو داشتم او نیز یك محبت خالصانهٔ بمن میپرورانید ، این شخص یکی از اشخاص باکفایت زمان خود محسوب میشد رتبهٔ سپه سالاریِ تمام قشون بلخ را دارا بود حالت این قشون خیلی منتظم بود زیرا که هرروز استمراراً آنها را مشق میدادند ، روزی شیر محمد خان ازپدرم خواهش نمود که مرا بجهت تعلیم نظامی به او بسپارد تاقبل ازوفات خودش علوم وفنون خودرا بمن آموخته باشد پدرم خواهش مشار الیه را پذیرفته بمن حکم داد که هرروزه بجهت دو سه ساعت نزد مشار الیه بروم واو هرقدر که ممکن باشد بدون ضیاع وقت بمن تعلیم بدهد ، منهم بطیب خاطر قبول نموده مشغول تحصیل شدم ، سه سال کامل مشغول تحصیل فن جراحی وفنون حربیه بودم »

این است که آثار مدنیهٔ اوروپه در آغاز امر ازفن عسکری درافغانستان رخسار نور درخشان خود را نشان داده روز بروز ترقی نموده است تا آنکه درزمان سلطنت اعلیحضرت امیر شیرعلی خان مرحوم قواعد

تعلیم عسکری نیز بزبان افغانی ترجمه شده . وصنایع طوب ریزی . وتفنگ سازی . وشاق سازی نیز تا یکدرجهٔ ترقی ورزیده در لباس وسایر وامور عسکری تجددات نمایانی ظهور نمود . اول رواج پوشیدن دریشی وبسر کردن کلاه اوروپی نیز در آن زمان آغاز نمود تقریباً بقدر هشتاد هزار عسکر نظامی بالعلیم وقواعد ودریشی وکلاه وتفنگ تنظیم یافت .

بعد از انقراض حکومت امیر شیر علی خان واستیلای دولت انگلیز بار دوم بر افغانستان . وظهور نیر تابان عصر ضیا افشان اعلیحضرت (ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان) تجددات ترقیات مدنیت عصر حاضره نیز در اصلاحات عمارات وتأسیس فابریک تجارتی اسلحه سازی وغیره درخشیدن گرفت . وچون اصلاحات داخلیهٔ مملکت بسبب سرکشیها وطغیانهائی که در دو سه سال استیلای اجنبی در همه اطراف افغانستان ظهور نموده بود لزوم قطعی داشت از آنرو اکثر اوقات به استحصال امن وآسایش بلاد و اهالی . ورفع بغاوتها وسرکشی مصروف شده است که عساکر منتظمهٔ دولت دایماً به عملیات اشتغال ورزیده خیلی مکمل شدند .

ولی حقیقت ترقی وتجدد مدنیت در افغانستان در عصر سعادت حصر ذات قدسیت صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان پادشاه با دانش وعرفان ما جلوه برای ظهور گردیده که (سراج الاخبار افغانیه) از آن آثار انوار نثار تا بحال بحث رانده ومیراند . مقصد عاجزانهٔ ما از تحریر این مقالهٔ عاجزانه محضاً تدارک کردن یک مقدمه ودیباچه ایست که برای (تجددات ترقی در عصر سراجیه) که بعد از این در شمارهٔ های آینده سرلوحهٔ مقال اتخاذ نمائیم . وچون سخن بطول انجامید حالا دعاهای خالی از ریای عمر واقبال وشوکت واجلال اعلیحضرت پادشاه ترقی آمال قدسیت خصال خودمان ختم مقال میورزیم اللهم انصر جیشه . وابد عیشه آمین .

شهزادهٔ معظم

معین السلطنه سردار عنایت الله خان . فرزند اکبر وارشد نخستین اعلیحضرت سراج الملة والدین

حوادث داخلیه

تشریف آوری موکب همایونی از درهٔ نور

سابقاً از تشریف فرمائی موکب اردوی معلای همایونی از جلال آباد بسوی (درهٔ نور) خبر داده بودیم . از قرار استخبارات موثوقه که نموده ایم ذات اعلیحضرت پادشاه معظم مقدس ما بتاریخ یوم پنجشنبه ٦ ربیع الاول از سیاحت درهٔ نور بکمال شوکت و تمام صحت وعافیت به جلال آباد تشریف فرمای عزت وسعادت گردیده اند .

(سراج الاخبار افغانیه) باهمهٔ هستی خود از صمیم دل بر تشریف شوکت ردیف اعلیحضرت پادشاه دل آگاه محبوب القلوب خود باشکران عظیم تبریکات باتکریم عرض وتقدیم میکند .

(مراسم جشن ولادت)

ذات عالی جناب فیامتاب سردار معظم نائب السلطنه صاحب الفیم لیهٔ سابع شهر صفر الخیر سنهٔ ۱۳۳۱ باشب ولادت پر فیض وبرکت ذات عالی سردار معظم فیامت نشان (نائب السلطنه سردار نصر الله خان) صاحب الفیم مصادف بوده در جلال آباد بکمال دبدبه ودارات شایسته به چراغان ها . وسازها وسرودهای پر اطعمه واشربه باحضهٔ اشراف واعیان اجرا یافته است . چون بر همهٔ تفصیلات جشن مذکور دستیاب نشده ایم از وقوع کیفیت بیان نموده بکمال اخلاص بر عرض تبریکات ودعای طول حیات ذات مکارم صفات عالی شان ختم مقال مینمائیم .

(هوای کابل)

امسال از فضل وعنایات خالق بیچون برفها وبارشهای بسیار مکمل باریده زمینها کوهها چشمه سار هارا شاداب وسیراب داشته است . شدتهای زمستان دهشت نشان رو به تنزل است

از هر طرف یکان یکان بشارتهای نوبهار پدیدار میگردد. مرغکان رنگارنگ خوش الحانی که از شدت شتاجاهای گرم کوچ نموده بودند آهسته آهسته رجعت آغاز می‌نهند. نونهالان اطفال چمن چنانچه نو از خواب برخیزند گاهی بیدار وبازافسرده میشوند. یک مثل عوامی وطن عزیز ماست که میگویند: «کابل بی‌زر باشد، بی برف نباشد!». الحق که این ضرب‌المثل احکام مؤثری دارد. زمستانهایی که برف کمتر بارد در تابستان خشک آبی رخ میدهد. وچون برف بسیار بارد در تابستان چشمه سارها توانگر شده سیرابی کامل بظهور می‌آید. لهذا برفهای زمستان امسال شهر عزیز ما بدرجهٔ کافی ووفرت باریده موسم بهار فیض آثار از حالا باهمهٔ شادابی وفرخنده گی ظهور برکت آثاری نشان میدهد.

شهزادهٔ مکرم

عین الدوله سردار امان الله خان، فرزند برومند سومین اعلیحضرت سراج الملة والدین

حوادث خارجیه

(اجمال سیاسی)

ترجمهٔ (نوط) یعنی یادداشت
دول معظمه

که از طرف سفیرهای دولتهای معظمه مقیم استانبول به ناظر خارجیهٔ دولت علیهٔ عثمانیه (نورادونکیان) افندی داده شده است: سفیرهای آوستریا ـ مجارستان، انگلستان، فرانس، روس، جرمن، ایتالیا که واضع الامضای این نوط میباشند از طرف دولتهای خودشان مأمور شده اند که بحضرت ناظر خارجیهٔ ذات شوکتسمات حضرت پادشاهی این تبلیغات ذیل را اجرا آرند: دولتهای مذکوره چون جلوگیری آغاز کردن مخاصمات را آرزو دارند از آن رو اینرا از واجبات میشمارند که نظر دقت حکومت سنیهٔ عثمانیه را برین جهت جلب کنند که اگر به وصایای مابان مخالفت کرده به اعادهٔ صلح مانع شوند مسؤلیت وخیمه را درعهده گرفته خواهند بود. هرگاه امتداد یافتن محاربه موضوع بحث شدن مقدرات پایتخت را وبلکه سرایت مخاصمات را بولایتهای آسیای عثمانی نتیجه بدهند مسؤلیت آن‌ها بخود دولت مشارالیها عائد خواهد بود. واگر اینچنین یک حالی حادث شود حکومت سنیهٔ عثمانیه بدان مغرور نشود واعتماد نکند که برای وقایه ومحافظه او بمقابل آن تهلکه‌ها که دول معظمه اورا به احتراز از آن دعوت میکنند، والیوم هم نمیخواهند که به آن تهلکه‌ها معروض عائد سعیها وکوششهای شان بکامیابی وموفقیت نتیجه پذیر گردد. درهر حال بعد از اعادهٔ صلح، حکومت عثمانیه برای تعمیر کردن مضرتهایی که از محاربه دیده است، ومحکم کردن موقع خودرا دراستانبول، واستفاده کردن از اراضی واسعه که در آسیا دارد، وعمران وترقی آن اراضی که قوت حقیقی ترین اورا تشکیل میدهد به مظاهرت ـ یعنی پشتیبانی ـ دول معظمهٔ اوروپا محتاج خواهدشد. پس برای تشبث به این امر الزام، ورسانیدن آنرا بحد نتیجه وثمره دارشدن مظاهرت خیرخواهانهٔ دول معظمه، حکومت سنیهٔ عثمانیه درانوقت انتظار کرده خواهد توانست که این وصایای دول معظمه را که بمقصد منافع عمومیهٔ اوروپا ودولت علیهٔ عثمانیه درمیان آورده است حسن قبول بنماید. بناءً علیه دول معظمه تکرار کردن این وصایارا اشتراکاً بحکومت سنیهٔ عثمانیه وظیفهٔ خودشان میشمارند که شهر ادرنه را بحکومتهای متفقهٔ بالقانها ترک کنند، ودر حق مقدرات جزایر بحر سفید قراردادی که اتخاذ بشود بدول معظمه تودیع وحواله بکنند. وبمقابل این مساعداتی که حکومت سنیهٔ عثمانیه آنرا قبول بکند دول معظمه نیز درباب محافظهٔ منافع اسلامیه که در ادرنه — یعنی ادریانوپل ـ باشد، ورعایت کردن جوامع شریفه ومبانی واملاک دینیهٔ اسلامیهٔ شهر مذکور معاونت میکنند، ومسئلهٔ جزیره‌ها را نیز بیک صورتی که به امنیت ومحفوظیت ممالک عثمانیه هیچ یک تهلکه نرساند نتیجه پذیر مینمایند.

استانبول ۱۷ جنوری ۱۹۱۳

(امضاها)

— بالاوینجی — جه رارلاوتر — م . بومبار —
— گریس — والله نهایم — قامیلو فاروقی —

§

ما در شمارهٔ این نوط یعنی یادداشت بسیار مهمی را که اکنون دولتهای معظمهٔ عالم بدولت علیهٔ عثمانیه درباب صلح پیش کرده‌اند ازین سبب سرنامهٔ (اجمال سیاسی) خود نموده بودیم که نظر عبرت مایکقدری بر حال واحوال عالم بازشده ببینیم که درزیر این عنوان بسیار بزرگ (معظمه) چه دهشتهای هول انگیز مدهش پنهانست . در شمارهٔ (۱۰) خود سرلوحهٔ اجمال سیاسی خودمانرا ازتعداد عساکر بری وبحری این معظمه‌ها ترکیب داده بودیم . آن عدد های معظمه‌را یکبار درزیر نظر آریم ، واسلحهٔ آتشبار ، وآلات کشندهٔ جانشکار شانرا درسطح بحر وزیر بحر ، ودر روی زمین وجو هوا درپیش آئینهٔ تصور گیریم ، وافزونتر ازنیم ملیون دیگری ازپیشکاران بالقانی آنهارا که دران تعداد اولی داخل نبودند علاوه کرده همهٔ اینهارا مشترکاً ومتفقاً ، ومتحداً بریك دولت اسلامیهٔ تك وتنها وبیکس وبی‌پناهی بحمله آوری علی وضعی برانگیخته بینیم ، آیا نتیجهٔ آنرا درچه منبر خواهیم یافت ؟ برحسب ظاهر هیچ شبه نیست که جز مغلوبیت !

ولی مسلمانان دایما چون بهمچنین فئهٔ قلیله بروی فئه‌های کثیره شمشیر شجاعت برکشیده‌اند وباذن الله غالب هم آمده‌اند ازاین رو مسلمانان کامل‌الایمان اتحادیان هیچ اندیشه وپروای اینگونه فئه‌های کثیره رانداراند . این جهت معنوی کیفیت است اما چون بسوی جهت مادی آن نظر اندازیم ، وکلمات معلقهٔ پیچیدهٔ آن یادداشت منحوس‌را درزیر نظر دقت درآورده بحل وتفسیر عبارات آن کوشش ورزیم مسئله داخیل دهشتناك می‌یابیم : چونکه دول معظمه بتهدیدات مدهشه حکم میکنند که دولت علیهٔ عثمانیه تنها باستانبول قانع شود . وتنها ازاراضی آسیای خود استفاده کند . درباب تقسیم جزایر بحرسفید خودنیز تن بتقدیر اوروپا بدهد ، حتی استفاده ازاراضی آسیای ، وماندن در استانبول شانرا نیز بمظاهرت وپشتیبانی اوروپا محتاج نشان میدهند .

حالا این‌را چه معنا بدهیم ؟ مگر اینکه بگوئیم موازنهٔ دولیهٔ اوروپا چنین اقتضا میکند . بلی ، دول معظمهٔ یگانه استناد شان همین تول وترازوی موازنهٔ دولیه است . وهرمطالبی که اجرا میکنند بهمین نام اجرا مینمایند . اماجای تعجب اینست که درنوط خودشان عثمانیان‌را نیز بعنوان (حکومت سنیهٔ عثمانیه) میستایند . پس از چه چیز است که این حکومت سنیه را بمحو ساختن محکوم شمرده برای موازنهٔ دولیه آنرا ازمیزان عدالت اسقاط میکنند ؟ اگر (معظمه) نبودن آن ومحو کردن کوچکهارا برای شکمپروری بزرگان مراد باشد حکومتهای بالقان به این گناهها زیاده تر بمحکومیت مستحق بودند آیا چرا محکوم نشدند ؟ خواهیم گفت که : چون آنها غالب ومظفر شدند ازاین سبب ! آیا محرك ومروج ظفر شان که بوده است ؟ ودروقتیکه عثمانیان درسنهٔ ۱۳۱۴ هجری بر یونان غالب آمدند چرا این مراعات‌را نکردند ؟

والحاصل مسئله مانند شمس تابان عیانست : دولت علیهٔ عثمانیه بجز گناه (دولت اسلام) بودنش دگر هیچ گناهی ندارد که برای توازن یافتن سیاست دولیه بمحوشدن محکوم گردیده است . شش دول معظمه ، همه طرفداری حکومتهای مغرور کوچکی را میکنند که کارنامهٔ شان پارسال هنوز رهزنی وشقاوت پیشه گی بود . آیا چرا ؟ چونکه آن رهزنان شقاوت‌پیشه هم کیش صلیب پرستی شانست ! اگر اینچنین نمیبود ، ومقصد ازاینهمه مدنیت ووجدان انسانیت میبود آن معظمه‌ها چرا اینقدر کوچکی‌ها راقبول کردند که بهزارها نفوس بیگناه مسلمانانرا مانند گوسفند سر بریدند ، وبهزارها عرضهارا پامال کردند وهیچیك معظمی برخواسته نگفت که چه میکنید ؟! اگر معظمی همچنین است هزار بار شکر بر کوچکی ! ...

(از اخبارهای فرانسوی)

(حوادث انقلاب استانبول)

مخبر اخبار ماتن فرانسوی از ۲۳ جنوری درباب انقلاب جدید استانبول که بر ضد یادداشت دول معظمه برپا گردید از قتل وجنایت هیچ چیزی بحث نرانده بکمال آرامی وسکون از تبدیل یافتن کابینه خبر میدهد . نه از جمع شدن نه هزار آدم ونه از کشته شدن یاورها . ونه از قتل ناظم پاشا هیچ چیزی نوشته نیست .

مخبر روتر نیز از تاریخ ۲۳ جنوری خبری که اشاعه نموده از قتل وجنایت چیزی دران ننوشته است .

(رئیس جمهور فرانس)

رئیسهای جمهور فرانس در هر هفت سال یکبار تبدیل ، وسپس از نو انتخاب میشوند . اهالی فرانس از یکماه به اینسو بمسئلهٔ انتخاب سرگرم اند . اخبار های فرانس که دراینهفته به اداره رسیده اکثر صحیفه های خودرا از همین مسئلهٔ انتخاب رئیس جمهور جدید خود شان موسیو (بوآنقاره) که سابق رئیس کابینهٔ فرانس بود ومفاخر مآثرهٔ خود شان مملو داشته اند .

(کشتیهای هوائی روس در سرحد جرمن)

بالونها ، ونه زوپلانها — یعنی کشتیهای هوائی — با آنکه طیاره های روس در سرحد جرمنی هیچ حسن قبول نمی بینند .

بموجب قانون جدیدی که ناظر داخلیهٔ جرمن نشر کرده بر مأمورهای ولایتهای سرحدیٔ جرمنی حکم قطعی داده شده است که هرگاه بالونهای روس بر هوای سر حد پدیدار شود یا از حدود بگذرد با گله های مخصوصی که برای خراب ساختن بالونها وه وروپلانها ساخته شده است آنها را زده بر زمین فرو آرند.

(دزدان موتر دار)

قبل ازین ازیك جنایت وشقاوت بزرك دزدان موتر دار پاریس اخبارها بحث رانده بود ویکمدتی ولولهها وحوادثهای عجیب وغریبی روایت میشد . حتی سراج الاخبار افغانیه نیز نقل وترجمه نموده بود . درینوقت از قراریکه اخبار ماتن فرانسوی خبر میدهد گویا در شهر (شیکاغو) ی امریکا درینروزها دزدان موتر دار اجرای شقاوت بسیاری بعمل می آرند .

(تقرر ناظر خارجیهٔ روس)

وزیر خارجیهٔ روس گفته است که بسبب مظفریت بالقانیها، وشورش داخلیٔ ترکیه ، وپریشانیٔ که در احوال عسکریه ومالیهٔ شان دیده میشود ضرور است که (ادریانوپل) را ترك کنند ، ومصالحه را قبول کنند . وحال جزیره ها را برأی وقرار داد دول معظمه حواله کنند . واگر بعکس این حال بوقوع آید به سیاست اوروپا ضرر میرساند که دولت روس این را گاهی آرزو نمیکند . وازین سبب دولت روس مجبور است که ازطرف آسیای عثمانی ولایتهای وان ، بتلیس ، ارضروم ، طرابزون عثمانی را ضبط واشغال نماید ، واز طرف بحر سیاه آبنای های استانبول را در زیر تهدید درآرد . در آخر این راهم میگوید که حکومت روس چون به افکار عمومیه مخالفت کرده نمیتواند ازو بسیار زودی یك جواب قطعی میخواهد . سفیر فرانس نیز بحکومت عثمانی توصیه میکند که قبول کردن این نصیحت روس برای شان خیر مندانست .

(خبرهای محاربه)

بموجب خبرهایی که از استانبول رسیده در۱۳ ماه فروری در (بولایر) نام موقع محاربهٔ بسیار شدیدی بوقوع آمده است، واز هر دوطرف تلفات وضایعات عظیمی داده شده است .

حکومت عثمانیه بر طرد وتبعید همه افراد تبعهٔ یونان که در اطراف وجوار چناق قلعه — یعنی داردنیلز — ساکن هستند قرار داده اند از مطرودان مذکور بقدر پنجاه نفر به (آتینا) پایتخت یونان واصل شده اند . این مطرودان از گرفتار شدن دو هزار یونانی خبر میدهند .

در مجلس سفرا درباب مسئلهٔ که در مابین رومانیا وبلغار بحدوث پیوسته نیز مذاکره شد . بهر دو طرف نصیحت کردند که بملایمت رفتار کنند ، ودرینوقت نازك تنازع ننمایند .

حقی پاشا که سابق صدر اعظم بود برای یافتن یك زمین موافق برای مصالحه به اوروپا رفته است ، ودرینوقت به لندن آمده است .

ازقرار خبرهای روتر در بولایر نام موقع که درمابین عساکر عثمانی وبلغارها محاربه شده بود مقتولین ومجروحین ترکها پنجهزار مقتول وده هزار مجروح تخمین شده است . ترکها در قوروطاغ نام موقع نیز به سه هزار تلفات دوچار شده اند .

از شصت هزار عسکری که در زیر کمان افسریٔ انور بیك سوق شده بود هیچ یك خبری نرسیده است.

مکتوب از دهلی

بخدمت جناب ادیب محترم محمود بیك خان طرزی مدیر وسر محرر سراج الاخبار افغانیه کثر الله امثالکم واعلی الله درجاتکم فی الدارین :

بعدها معروض آنکه در اخبار (پیسه) منطبعهٔ لاهور بعضی فقراتی مطالعه نمودم که از اخبارهای (المؤید) و (الشعب) نقل کرده بود . از مطالعهٔ آن هوش وحواسم بالکل از سر پدر رفت وخونم در میان رگهایم بجوش آمد . ظلمها وجلادیهایی که کفار نابکار بلقان بر مسلمانان رعایای آنجا کرده اند هیچ گاه چنگیزها ، وهلاکوها ، وآتیلاها در آسیا واوروپا اجرا نکرده اند . یقین است که بخدمت آن ادیب محترم نیز اخبار مذکور رسیده باشد . ولی ازینکه برمن تأثیر کرده بود باوجودی که زبان اردو را خوب نمیدانم باز هم ماحصل آنرا در فارسی عرض میکنم :

اخبار مذکور در زیر عنوان (یك حکم ناجایز) ازقتل عام مسلمانان شهرهای (اشتیپ)، و کوپریلی ، وسرفیچه بحث رانده مینویسد : که بمجردی که حکم قتل عام مسلمانان ازطرف حکومت (سرویه) بر فوجیٔ سرویٔ آنجا رسید، افسران فوجی همانـدم بر عسکر حکم داده بزارها مسلمان رعیتی بیگناه را گله گله مانند حیوانات در سلاخخانه ها برده سر بریده اند ، وبر هیچ طفل معصوم وپیر محترم نبخشوده اند . باز اخبار مذکور در زیر عنوان (شهادت رأی العین یك لیدی) از زبان یك زن اوستریایی که در (قوله) مقیم بوده ، وبچشم خود هرآنچه دیده به برادر خود که در (واینا) پایتخت اوستریا مقیم است نوشته ، وآن خط حالا در نزد حکومت استریا محفوظ میباشد چنین مینویسد :

زن مذکور میگوید که : در شهر (قوله) اول بلغارها به اینصورت قابض شدند که پنجنفر دزد نخواه خواه بلغاری داخل شده وحاکم شهر را گرفتار کرده اعلان کردند که برقوله حکومت بلغاریا قابض شد . بعـد ظهر همین روز سی نفر دیگر

در قوله آمدند . آنها نیز همین اعلان را کردند . روز دوم افواج بلغاری رو بشهر کردند . در شهر و نواحی آن عسکر عثمانی نبود . واز پیشتر عقب کشیده بودند . باشنده گان شهر به استقبال بلغاریان برآمدند . پیش روی شان یك پادری یونانی بود . زنهای نصرانیه گلدستهها بدستها گرفته . وناقوسهارا شور داده اظهار شادمانی میکردند . شب شهر را چراغان کردند . روز دوم خانهٔ یك عثمانی خراب کرده شد . وبحکم بلغاری تمام اهل خانه را ازصغیر تا کبیر قتل عام کردند . بعد ازان چند مسلمان بیگناه را گرفتار کردند که آنها بجز مسلمانی دیگر هیچ گناهی نداشتند . چون نصف از شب گذشت . آن گرفتاران بی گناه را بیدار کرده . وجوه را عریان کرده بعذاب آتش هلاك کردند . [نعوذ بالله ازین دعوی خدایی] این درنده ها نه خاطر پیر را کردند نه بمعصومیت اطفال رحم شان آمد . قریب قوله یك شهر است که آنرا (سیروز) میگویند . باشنده گان مسلمان این شهر بسیار در مقابلهٔ بلغاریان کردند . ودو آدم ازانها را مقتول کردند . به این سبب یك افسر بلغاری درروز تا چهار بجه بقتل مسلمانان شهر سیروز حکم داد . در ظرف ۲۴ ساعت (۱۲۰۰) نفر را به تیغ ذبح کردند . در شهرا کسانته وقتی که بلغار ها حمله آور شدند مسلمانها از ترس جان بمسجد ها پناه بردند . مگر بلغاریان درنده مطلق پروای این را نکرده یکان یکان را از مسجد براورده بقتل رسانیدند . بعد ازانکه کار مسلمانان را به انجام رسانیدند بسوی یهودیهای شهر رخ آوردند وتوانگر ترین آنها را گرفته به کوه بردند . وبقتل تهدید کرده از هر کدام دهده هزار طلا فدیهٔ نجات گرفتند . بعد از گرفتن پول پس آنهارا بشهر آوردند . درانروز بارش بشدت میبارید حال این قافلهٔ یهودیهای بیچاره بسیار رقت آور بود درمیان آنها یك پیر هشتاد ساله نیز موجود بود که افتان خیزان در میان گلها براه میرفت . (دول معظمه ! اگر ازین کوچهای محقرهٔ برادران بلغاری خود شان حجاب کنند جادارد . (سراج الاخبار کابل)

بلغاریان در شهر قوله بشرف محاصرهٔ شهر استانبول یك جشنی در ۲۱ نومبر برپا کردند . چراغانها . سازها . سرود ها اجرا کردند . برای شرف این جشن قربانی ها هم ذبح کردند . وآن قربانیها ۱۸ نفر مسلمان عثمانی بود ! بعضی نوابها وخیراتها هم کردند وآن این بود که تمام مسجد های مسلمانان را ویران کردند . وبعضی را به گرجه تبدیل دادند ! بعد ازان بخراب کردن مکانات وزیارات وقبرستانهای مسلمانان شروع کردند . رفته رفته جشن شدت گرفت . عسکرهای بلغار چون درنده گان وحشی بخانهای مسلمانان ریختن گرفتند . مردان شانرا بخواری کشتند . بازنان ودختران شان روی خود را سیاه کردند . یك زن را اول عذابها کردند بعدازان بحضورش یکان یکان بچه هایش را کشتند .

این است زشت کارهای بلغاریان که یك لیدیٔ استر وی قلمبند کرده است . چون شما که حالا مردمان افغانستان را ازخوب وبد عالم همیشه بذریعهٔ اخبار مبارك خود بیدار میکنید حق تعالی وجود شمارا بسلامت بدارد که شما مردم افغانستان غنیمت میباشید . اگر تکلیف نباشد محض برای آگاه ساختن برادران اسلامی این واقعاترا در اخبار خود شایع کنید که عند الله ماجور وعند الناس مشکور خواهید بود . تا همه گان بدانند که نصارا با مسلمانان چه سلوك دارند . وچون بر وطن مسلمانان دست بیابند چگونه ظلمها وخون خوارها وبی ناموسیها اجرا میکنند ! باقی بجز حسرت . و گرفتن عبرت چه عرض کنم .

(. . .)

(یك تلگراف بسیار مردانه)

ترجمه ونقل یك تلگراف بسیار مردانه ودلاورانه ایست که ازطرف قوماندان بزرگ ومحافظ شهر ادرنه جناب شکری پاشا به کابینهٔ کامل پاشا درروز سقوط کابینه کشیده شده است

« یك سرافسری که مانند شهرادرنه یك شهر مستحکم ومقدس را بیك دشمن پست فطرت خونخواری تسلیم کند درتاریخ شاندار عثمانی دیده نشده است . منهم رنجنین یك جنایت را ارتکاب نخواهم کرد . وهمهٔ عسکر خودرا درین راه فدا کرده . وفیری آخرین که بماند آنرا بابانچه خود تلف ساخته . وگلولهٔ آخرین طپانچهٔ خودرا نیز برشقیقهٔ خود خالی خواهم کرد . هر وقت که دیدم درشهر امکان مقاومت نماند بقدر چهل هزار نفوس بلغاری را که درشهر امن زیر محاصره میباشند تجرید کرده . ومخدرهٔ نسوان وصبیان شهر را زیر حمایهٔ قونسلوسهای دولتهائیکه درشهر هستند تودیع نموده . وبدستهای قونسلوسها یك یك چادر سفیدی داده از شهر بیرون میکنم . اگرخواهند اینهارا نیز مانند دیگر وحشتهای که باطفال اجرا کرده اند درپیش چشمهای مدنیت خود شان محو کنند .... بعدازین کارها طوبهای خودرا بسوی آن بناها ومکانهای معززهٔ که مشهور عالم است . وبلغاریهائیکه آنرا تجرید کرده ام دور میدهم . وهمهٔ شهر را آتش زده یك خرابه زاری تحویل میدهم . درانوقت عسکر بهادر من که درمیان درشهر به آتش سوخته شدن . ودربیرون به که دشمن شهید گشتن عادتند اگر دشمن زیاده ازیك ملیون هم باشد آنرا پاره کرده میگذرند . وبه اینصورت با بکمال دلاوری میمیرند وبا پایتخت مقدس اجداد خودرا به شان وشرف ترك میکنند . .

[هزار آفرین ای قوماندان شجاعت نشان . سراج الاخبار کابل]

(اووریك ــ اوروپا)

اخبار (نیوویه رزوورتاك) که در ویانه پایتخت اوستریا طبع ونشر میشود یك مقالهٔ بسیار مهمهٔ خودرا باین فقره ختم میدهد :

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 580 of 1786

« امروزه روز مقدرات همهٔ عثمانیت ، وبلکه مقدرات همهٔ اوروپا بدست اقتدار انوربیک است » .

(واپور حمیدیه)

(حمیدیه) نام کشتی جنگی عثمانی درمحاربه چنان دلاوریهای بکار برده که یگانه قهرمان دریاشمرده میشود ، دو کشتی یونانی را غرق کرد ، یك شهر یونانرا درزیر طوپ گرفت . تا به بحر احمر رفت . ازپورتسعید غله وذغال گرفت ، درینوقت به بیروت آمد . ازانجا که برمیگشت چار کشتی طورپیدوی یونان برو حمله نمود . کشتی حمیدیه دوعدد انرا غرق ویکی را اسیر ، وتنها یکی ازانها بفرار کامیاب آمد .

(حریق استانبول)

در ۱۸ فروری دراستانبول بمحلهٔ جامع آیاصوفیه یك حریق خانمانسوزی بوقوع آمده زیاده از صدخانه ودکان سوخته وباخاك یکسان شده است . باران بسیار شدید میبارید باز هم حریق اجرای خرابی میکرد .

(روس واوستریا)

روز خبر میدهد که درمجلس دیپلوماتها به خبرهای ولوله انگیزی که درمیان روس واستریا حدوث نموده هیچ اهمیتی نمیدهند . همهٔ این مسایل درمجلس سفرا مذاکره شده است . وآرزوهای مخالف روسها معلوم گردیده . ولی استریا به این تهدیدها هیچ اهمیت نداده برین فکرخود اصرار میکند که اشقودره — یعنی سقوطری ، ویاقوه ، ودره ، ویانیه که ازممالك عثمانیست به ادارهٔ خود مختاری حکومت ارناوودها عاید باشد .

(رومانیا وبلغارستان)

دولت رومانیا گفته است که من از سلیستره درمیگذرم ولی دربحرسیاه بندر (قالیا قرا) را بلغارها باید بمن بدهند . افکار عمومیهٔ بلغار بشدت تمام مخالفت کرده اند . افکار هر دوطرف درهیجان تمام است .

(ایضاً)

بصورت رسمی خبرداده شده است که رومانیا وبلغارستان نصیحت دولتهای بزرگ را قبول کرده راضی بودن خودشانرا بهر قراریکه دولتها بدهد اعلان کرده اند .

(برف آتش راتوقف میدهد)

بموجب خبریکه از استانبول رسیده بسبب طوفان بسیار دهشتناك برف درهفتهٔ گذشته گویا محاربه ومحاصره نشده است ! بلغارها بدیها وناگواریهای احوال را درك کرده اند .

(فتوحات عثمانی درسقوطری)

عسکر عثمانی فتوحات نمایانی درسقوطری نموده اند وسیاه کوهیها رابه تلفات عظیمهٔ شکست داده اند .

قوماندان ادریانوپل برامدن اجنبی هارا از شهرقبول نکرده گفته است که برامدن آنها موجب کسر قوهٔ معنویهٔ عسکر میشود .

(زنان حقوق طلب)

درشهر ادینبورغ انگلستان زنان حقوق طلب بحرانهای بزرگی آغاز نهاده اند . (وراقین) نام مصانع تاریخی را در بعضی جاهاریخته خرابی رسانیده اند . مادام وینفوت نام یك زن حقوق طلب دریك نطق خود بیان کرده است که مسئولیت بومبه گذشتن درخانهٔ ناظر بحریه نیز بما عاید است . این گروه زنانرا (سوفراژت) ها میگویند که دعوی حق انتخاب خود شانرا درپارلیمنت میکنند که گروه زنان نیز حق انتخاب شدنرا داشته باشند .

(اخبار چهره نما)

درینهفته شمارهٔ نخستین سالدهم اخبار فواید آثار (چهره نما) که بزبان شکر بیان فارسی درمصر به زیر ادارهٔ جناب فاضل خردمند آقای (عبدالمحمد) ایرانی علیزاده نشر و شایع میشود به اداره رسیده مارا بی اختیار ساخت برینکه تبریکات خالصانهٔ خود مارا به این نامهٔ نامی وهمعصر همقلم گرامی تقدیم نمائیم . ودوام انتشار آنرا از درگاه آلهی مسئلت داریم .

اخبار چهره نما شایان مطالعه ، وموجب استفاده همهٔ فارسی زبانان است . درشمارهٔ (۱۰) سراج‌الاخبار افغانیه یك مقاله مخصوصهٔ درباب زبان فارسی نوشته وآغاز وانجام آنرا برین فقره موضوع نموده بودیم که : « فارسی زبانان قدر اخبارهای فارسی را بشناسند ! » . ازان اخبارها که قدر آن شناختنیست یکی (چهره نما) ست .

(اخبار افغان)

همعصر معزز اخبار (افغان) که بزبان شیرین بیان اردو ویکپارچهٔ آن زبان بسیار عزیز قومی ما افغانی درپشاور طبع وانتشار می یافت چندی بود که ازطرف حکومت پشاور درزیر ضمانت نقدی گرفته شده بود . وتا وقتیکه تدارك وجه رانمینمود تعطیل شده بود . مگر از همت ارباب غیرت درکم مدت نقد ضمانترا بضمانت خواهان رسانیده درینوقت بیك رونق احسن واسلوب مستحسن باز جلوه گر بازار مطبوعات گردیده است . دوام انتشار آن همعصر معزز را خواهانیم .

انور بیگ

ناپلیون بونا پارت ثانی

اخبار سول اینډ ملتری نیوز لودیانه مینویسد

انوربی برای برقرار داشتن عزت سلطنت ترکی وبقائم داشتن همدردی مسلمانان روی زمین چنان کارهای اهم بانجام رسانیده است که کل عالم حل آنرا ناممکن تصور کرده بود — تمام عقلای یورپ بازگشت فوج بلغاریه را ازمقام شتلیه عقدهٔ مالاینحل خیال میکرد اما حکمت انوربی بمردم بلغر چنان شکست داد که تا فاصلهٔ چهل میل ازمقام شتلیه رفتند قرار نگرفتند .

اگرچه کامل پاشاه وسعید پاشاه بسن هشتاد ساله رسیده اند وچندمرتبه بمنصب وزارت عظمی رسیده وبه‌فن ورشوت دولتمند شده‌اند وکامل پاشا تجویز دادن ایدریانوپل به مردم بلغر نموده بود اماچون انجمن اتحاد وترقی ازتجویز مذکور خبر یافت بصدارت انوربی یك مجلس منعقد نموده اتفاق کرد که اشخاص غدار قوم از وزارت معزول کرده شوند . وچونکه انوربی در طرابلس غرب شهرت خاص حاصل نموده بود اکنون بنظر ترکان یك شخص معزز وتجربه‌کار تصور کرده میشود.المختصر جمهٔ ترکان وهمه‌فوج ترك وتمام مسلمانان طرفدار انوربی گشتند وانوربی بیخوف وبیم بدفتر وزارت خارجه‌رفته ازکامل پاشا استعفا گرفت بهمت جوانان و بتدبیر انوربی چندهفته درلشکر شتلیه قیام نموده و ترتیب افواج ترکیه را بدینمرتبه قائم کرد که فوج ترکی مقیم شتلیه‌مقابلهٔ بلغاریان بوجه‌احسن کرده میتواند . سن انوربی درینوقت صرف سی ساله است اما از گفتارش چنان شیرینی مترشح می شود که آنرا سحر گفتن مبالغه نخواهد بود .

انوربی شخص پاکیزه‌اخلاق ولاطمع میباشد . نه‌ازکسی خوف دارد‌ونه‌لحاظ کسی اورا مانع می آید وقول سعدی در حق او صادق می آید .

دلیر آمدی سعدیا در سخن   چوتیغت بدست است فتحی بکن
بگو آنچه دانی که حق گفته به   نه‌رشوت ستانی ونه‌عشوه ده

عرب گوید . الحق مر . اکثر مردم‌به‌حق گوئی او دشمن شده‌اند اما او درکوشش بقائی قوم وسلطنت خود مغروق است و بلوم لائم هراس ندارد . انوربی اوسطقد نیلگون چشم و لاغر اندام است اما دلیران وبهادران وجنگ آوران که ازمدت یکصدسال گذشته نام‌آور شده‌اند مثل انوربی مردانگی آشکار نکرده‌اند .

نامه‌نگار پاینیر از لندن تحریر کرده است که بخیال من بدون ناپلیون اعظم احدی مانند انوربی دلاور ومدبر نگذشته .

قدم باید اندر طریقت نه دم   که اصلی ندارد دم بی قدم

انوربی درماه اگست سنه ۱۹۰۸ سرکردگی آن‌دسته نفر را که بمعزولی سلطان عبدالحمید خان وقیام حکومت شورائی را تجویز نموده بودند اختیار کرد . وبعد ازان بطرف کوهستان مناستر روانه‌شد . ازان بعد تمام افواج ترکیه را بزور سحر کلامی مطیع خود ساخت ونتیجه اش چنان بظهور رسید که از اکثر قشون صوبهٔ مقدونیه بخدمت سلطان معزول مراسلات رسید که در دولت عثمانیه مجلس شورای قائم کرده شود .

سلطان عبدالحمید خان شمسی پاشا را بافوج جرار برای فنانمودن مرد انقلاب پسند و گرفتاری انوربی متعین نمود . انوربی بشمسی پاشا پیغام فرستاد که اگر شما ازمناستر قدم بیرون نهادید فوراً کشته خواهید شد اما شمسی پاشا پیغام انوربی را مضحکه تصور کرده وبه‌تلگراف خانه‌رفته‌خبری بدین‌مضمون فرستاد که‌عنقریب انوربی را ماخوذ نموده باجولان روانه قسطنطنیه خواهم کرد .وچون پاشای مذکور ازتلگراف خانه پس گشت درحین راه کشته شد .

انوربی موصوف محافظ فوج مناستر ترکیه ماتحت ناظر عثمان پاشا بود روزی انوربی ازجانب انجمن اتحاد وترقی بعثمان پاشا گفت که شما بعدازین همراه سلطان عبدالحمید خان خط وکتابت قطع کنید واگرشما فوراً درانجمن اتحاد وترقی شامل نشدید واز تجاویز ما مخالف گردید گرفتاربند خواهید شد . اول عثمان پاشا خیال کرد که شاید انوربی دیوانه شده‌است اماچون پاشای موصوف دید که پهره‌دار همراز اطاعت منحرف است دانست که گردش گردون انقلاب دیگر پیش آورده است و مجبوراً در اراکین انجمن اتحاد وترقی شامل شد .

پنجاه هزار سپاه ترکی از فوج مقدونیه که میعاد مدت او گذشته بود وبجای سه‌سال‌هشت نه‌سال‌درخدمت مامور بود وتنخواه دوسه‌سال نگرفته بود آمادهٔ بغاوت گردید . انوربی بماه جولائی سنه ۱۹۰۸ تنخواه همه‌سپاه اداءنموده رخصت داد.وآنهمه سپاهیان نوجوان وکلاء خودشان انجمن اتحادوترقی نصب کردند ووقت سوار شدن جهاز نعرهٔ انوربی انوربی چوق یشا بلند کردند . حالانکه برینوقع همیشه صدای پادشاهم چوق یشا یعنی خدا پادشاه مارا همیشه سلامت بدارد بلندکرده میشد .

انوربی گاهی خواهش منصب کلان نکرد وچند مرتبه اورا موقع گرفتن منصب کلان حاصل شد اما بطرف آن متوجه نشد درسنه ۱۹۰۸ که در تجویز انقلاب کامیاب‌شد بمنصب میجرمامور بود واکنون درفوج ترکی لفتنت کرنیل (نائب کرنیل) میباشد باشندگان استانبول تجویز پیشکش نمودن تلوار مرصع بجواهر به انوربی کردند . اما او غیور وباحمیت گفت که من ضرورت شمشیر ندارم و مبلغیکه برشمشیر صرف میکنید برای تیمار داری سپاه مجروح روانه دارید .

المختصر انوربی آن‌شخص است که‌درین عمرکم کارهای نمایان بانجام‌رسانیده است‌وسلطنت عثمانیه ازوجود او آینده‌نیز امیدهای بسیار دارد .

(از اخبار (الشعب الغرا) منطبعهٔ مصر)

یک مجلس بزرگ زنانه

§ — دیروز یک مجلس عظیمی از زنان مردانه صفات عالیات عثمانیات استانبول در زیر ریاست پرنسس (نظیمه سلطان) عالیة الشان که همشیرهٔ پرنس (یوسف عزالدین) ولیعهد دولت علیه عثمانیه میباشند برپا گردید ، درین مجلس (۷۰۰۰) هفتهزار خانمهای عثمانیات بازیور وزینت جمع آمدند بسیاری از ادیبه‌های ممتاز زنان نطقها وخطبه‌های بلیغهٔ پرسوز و گداز باتأثیری خواندند این نطقها چنان تأثیر عظیمی حاصل نمود که همهٔ خانمات عالیات یک شوق وهوس عظیمی بجمع آوری اعانه آغاز نهادند وجواهر بسیاری جمع آمد ، تا بحال اینچنین یک جمعیت عظیمه واینچنین یک غیرت وحماست نسویه هیچ دیده وشنیده نشده بود ،

§ — عساکر عثمانی بعد از آنکه (شارکوی) را قبضه نمودند بپیش حرکت کرده چار طابور یعنی کندک بلغاری را دیدند که بسوی شمال عقب میکنند . بیک سرعت خارق العاده خط رجعت این چار کندک را قطع نموده از هر طرف در زیر محاصره گرفته آتش بسیار شدیدی را بآنها باز کردند . وهمهٔ آن چار طابور را تا بنفری آخری شان هلاک ساختند .

§ — یک فرقه از عساکر عثمانیه بارانشیٔ بلغار از طرف (بحر سیاه) باکشتیها بفرو آمدن کامیاب آمده ۶۰۰ بلغاری محو وتلف نمودند .

§ — یک بی‌بی زن ترکی از سلانیک از کرم اخلاق یک خانوادهٔ نصارای یونانی چنین حکایت میکند : وقتیکه بلغارها در (سیرس) بنای قتل عام مسلمانان را گذاشتند شوهرم مرا ودو دختران ودو پسران خود را به پیش انداخته بخانه یکی از دوستان نصارای رومی خود که آشنای قدیمی بالوفاشت پناه گرفتن گردیدیم صاحب خانه وعیال واولاد او مارا بسیار حسن معامله قبول نمود ، وچون بلغاریان خبر شدند که درخانه ما هستیم هجوم آوردند واز صاحب خانه مارا طلب کردند صاحب خانه از تسلیم نمودن ما قطعاً ابا ورزید بلغاریان گفتند یا مسلمانان را از خانه خود بیرون برارید یا آنکه شمارا نیز با آنها تلف خواهیم کرد باز صاحب خانه رد کرد بلغاریان درین بار آلات وادوات بهوا کردن خانه را آورده گفتند یا مسلمانان را تسلیم کنید یا شمارا با آنها یکجا بهوا میکنیم ، بعد از آن صاحب خانه وعیالش مارا بسکون وآرام بودن درخانه تنبیه کرده خودشان در روزنهٔ خانه بر آمدند ، وبه بلغارهای خونریز وحشی گفتند : که این یک امر محالست که تا همهٔ مارا نکشید مسلمانان دوست خود را بشما تسلیم کنیم لهذا مرا وعائلهٔ مرا نشانهٔ تفنگ خود ساخته بکشید وبعد از آن هرچه خواهید بکنید درین اثنا دیگر نصاراهای یونانی ورومی جمع آمده وعذرها ومعذرتها نموده مارا وصاحب خانه را از دست آن قاتلان وحشی نجات دادند ولی صاحب خانه بیچاره از هول ووهم بسیار مریض شد . همهٔ ساکنان شهر ازین فداکاری این جوانمرد که بسبب دوستی ورفاقت غیردین وغیر جنس خود اجرا کرد اظهار حیرت کردند وما هم بدعای شفایافتن این مجسمهٔ غیرت وشهامت دعا خوانیم .

(مقالات فنیه)

(حکمت طبیعیه)

(فن)

(مته اورلوژی)

(باد)

(مابعد از شمارهٔ ۱۲)

(باد قصرغه)

از اقسام ریاح یکی نیز بادیستکه آنرا (قصرغه) میگویند . این باد نهایت شدید ومخرب میباشد که از مصادمهٔ بادهای مختلفهٔ جهة بظهور میرسد . وبسیار کم مدت دوام میکند . ولی بسیار خرابی میرساند . وبفارسی آنرا (گردباد) مینامند .

(قصرغه) وقتیکه در چولهای ریگستان وقوع مییابد خیلی مدهش ومهلک میشود . چونکه ریگهارا از زمین بر داشته مانند ابرهای سیاه مخوف ومدهشی تجسم میدهد . و کوهها وتپه‌های ساختهٔ گی بظهور میآرد که اگر قافلهٔ دوچار آن گردد خلاصی شان خیلی مشکلست .

(خرطوم سحابی)

(خرطوم سحابی) قصرغهٔ بحریست که در بحرهای محیط وبا کولابهای بسیار عظیم گاه گاهی ظهور میابد . وموجب تهلکهٔ عظیم بحریون دریا نورد میگردد . چنانچه بادهای مختلفه شدیدهٔ قصرغه بیکدیگر پیچ وتاب خورده وباهم مصادمه‌ها نموده بشکل خرطومی بیک سحاب بسیار کثیفی متصل میگردد . وهمچون عمود مخروطی الشکل معکوسی بنظر میآید . این شکل مخروطی بسوی چپ وراست میل کرده کرده تدریجاً بسطح آب تمدید مییابد . وچون به آب متصل گردد مانند بلای ناگهانی آبرا بشورش ودوران فوق العادهٔ میدارد . وآب نیز بشکل عمودی بسوی بالا برامده با خرطوم مخروطی مذکور یکجا میگردد . وهمچون عمود راستی بسوی جو هوا صعود میکند وچنان معلوم میشود که بر محور خویش دوران هم مییابد . وما عدا از دوران محوریهٔ خویش یکحرکت دیگری نیز اجرا میکند که آن عبارت از تبدیل مکان کردن اوست .

خرطوم سحابی بعد از کم مدتی که برین حال بماند به انتظام مخروطی ودورانش شکست وارد آمده از آب جدا میگردد . وآبی که با خرطوم متصل گردیده بود پس میریزد . وبه‌مقداری

که در سحاب باقی مانده است مؤخراً بصورت باران نزول میکند و گاهی ازین خرطوم بالعکس از سطح ماء ظهور نموده راست بسوی ابرها تمدید میابد . واپور هائیکه گرفتار این بلای اسمانی بیایند بغیر از غرق شدن دیگر چارهٔ ندارند مگر آنکه از دور خرطوم مذکور را به گلوله های توپ هدف نموده انتظامش را از هم بشکنند .

{بادصیقلون}

باد مخرب مهلك دیگر که اورا (صیقلون) میخوانند یکنوع قصرغهٔ بسیار مدهش عظیمی است که بنهایت شدت ودهشت مانند دولاب بر خود میگردد ، این باد در جهت خط استوا ودر حدود ریاح تجارت ظهور میکند که ظهورش در بعضی جاها موجب تهلکه ومضرت عظیم املاك ونفوس میگردد . در مرکز دائرهٔ این باد اکثر چکاك برق ، وزلازل رعد ، وتصادم صاعقهٔ وباران بسیار شدیدی نیز باریدن میگیرد .

باد صیقلون از خط استوا اصلا گذشتن ندارد . اما نادراً از ۸ الی ۱۰ درجه گذشتنش دیده شده است.واین آفت تا کهانی کاهی در نصف کرهٔ شمالی از ۴۰ تا ۵۰ درجهٔ عرض نیز کاه‌کاهی ظهور میکند . شدید ترین صیقلون در قریب جزیره‌های قطعات عظیمه ظهور میکند .

بنا بر بعضی تدقیقات مدققین اهل فن چنان بوضوح پیوسته که باد آفتاك صیقلون عبارت از قصرغهٔ جسیم بسیار بزرگیست که شکل وهیئت دائره را دارد . قطر این دائره از صد میل الی هزار میل وسعت وفراخی را مالك ومرکزش ساکن میباشد، مرکز این دائره بر سطح ارض بر یك خط معینی بسرعت مختلفه درظرف یکساعت ازدو میل تابیسی ، وچهل میل مسافه را قطع میکند ، این قسم قصرغه‌ها یعنی صیقلون درنصف کرهٔ شمالی ازطرف راست بسوی چپ ، ودرنصف کرهٔ جنوبی ازطرف چپ بسوی راست دوران میکند . تهلکهٔ بسیار صیقلون در نقطه‌ایست که بمرکز نزدیکتر باشد چونکه درانجا شدت دورانش بغایت سرعت ودهشت میباشد . وازینست که قپودانهای کاردیدهٔ فن وقتیکه کشتیهایشان گرفتار تجه قهرآفت صیقلون باید دائما کوشش میورزند که خودشان را ازمرکز این بلای سماوی دور وتبعید نمایند .

درخصوص سبب ظهور این آفت مهلك ارباب علم متهاورلوژی بریك سخن متفق نیستند لهذا سبب حقیقی آن تاحال مجهول مانده است.

افت مذکور درجزیره‌های (انتیل) که در قطعهٔ امریکا واقعست ودر بحر محیط هندی ، ودربحر چین گاه‌گاهی دفعهٔ ظهور میکند . وضرر وخسارات بی‌اندازه بساکنان آنحوالی میرساند .

اهالی انتیل ، این بادرا به اسم (هرقان) که درلسان شان یعنی بلاست تسمیه میکنند . این بلادرالسنه‌ها از ماه تموزتابه ماه تشرین اول رومی وعلی الخصوص در ماه اغستوس بکثرت ظهور میکند .

درسنه (۱۸۳۱) میلادی درجزیره (بارد بارد) نام که یکی از جزائر مجتمعهٔ انتیل کوچك است افت مذکور بغایت دهشت ونهایت شدت دفعهٔ ظهور نموده در ظرف ده پانزده دقیقه ازابنیه واشجار جزیرهٔ مذکور هیچیك اثری نگذاشته است وبقدر بیست ویکهزار نفس ازنفوس موجودهٔ جزیرهٔ مذکوررا هلاك وبقدر یکهزار کس‌را نیز مجروح گردانیده است . وشدت اورا ازین یك مقایسه باید نمود که یك کلیبهٔ اسربی که بوزن هزار وچار صد چارك بوده به هوا برداشته بدوری مسافهٔ ششصد متر دور تراداخته است . وهمچنان بسی جسیم وعظیم پارچه‌های احجار قوررا بهرطرف متزلزل ومتحرك نموده است .

باقی دارد

(مکتوب شهر)

یاحضرت الفاضل !

چون بمطالعات اخبار معالی‌بار (سراج‌الاخبار افغانیه) میگرایم وخدمات قلمیه شمارا درحق برادران گرامی — افغانیان ووطن مقدس افغانستان ملاحظه میکنم درحق شما بسی دعاها می‌نمایم لهذا یك عرض عاجزانهٔ بنابرفواید مطالعهٔ اخبار گهربار برای برادران اهالی وطن عزیزمی‌نمایم اگرلازم بدانند در کدام گوشهٔ اخبار معالی بار درج فرمایند . باقی بهمه‌باب سلامتی وجود فیض آمود پادشاه مهربان خودرا ومحبان وطن افغانستان را ازدرگاه حضرت احدیت خواهانم آمین

چون حضرت فیاض مطلق (نوع بنی بشررا بالطبع خواهشگر دانستن‌وفهمیدن آفرید) وبازوقتیکه دلش رابنور علم وعرفان روشن گردانید مدرکاتش بهرطرف سیران میکند .

وچیزیکه تحت نظرحیرت انسان را میرباید این تماشا خانهٔ جهان است که ازمطالعات اخبار معالی‌بار (سراج‌الاخبار افغانیه) بمادست میدهد که ازفیوضات این عصر منور مدنیت پرور حامی ملت ومربی رعیت افغان وافغانیان اعلیحضرت (سراج‌الملة والدین) پادشاه رحم آور بسیار مهربان ما درمعرض انتشار جلوه‌گر گردید . که از برکات قلم معانی رقم جناب ادیب فاضل وکاردان کامل جناب (محمود طرزی) صاحب درمعرض بیان می‌آید الحق که کلام حکمت بیانش هم نظریات وهم عملیات را شامل است وازافکار وتصورات بی‌زحمت میاند

وهرصاحب طبعیکه برآن وقوف یابد ازصفحات دربارش بسی فایده‌ها برمیدارد چه تماشاها میکند ! چه چیزهامی‌شنود ! سبحان الله اگرما اهالی وطن افغانستان می‌شنویدیم که همچنین دانای کار آگاهی دریك ولایتی وجوددارد بتعجب‌ها می‌افتادیم ! وبحیرت‌ها میرفتیم !

که ای کاش آنرا میدیدیم حالا که چنین دانای خیرخواه محب پادشاه واهالی وطن ووطن را درخود وطن عزیز خود می بینیم که آنهم ازتوجه ذات اشرف اعلحضرت جهانبانی است باید درحقش دعای نمائیم وکلامش راحقیقت دریابیم زیراکه ان ادیب فاضل وخیراندیش کامل اوقات عزیز خودرا ازروی حب وطنی وهم ملتی برای باخبری ما اهالی صرف می نمایند که ما اهالی ملک افغانستان باخبر گشته چشم بصیرت ما بازشده اطراف ونواحی عالم را ببینیم وحق پادشاه ووطن وبرادران وطن را بدانیم . لهذا اهالی وطن عزیز مقدس ما این اخبار فواید آثار وطن عزیز خودرا غنیمت دانسته وبمطالعات آن آینه جهان بین شوق بهمرسانیده فایدهٔ وسرفایده برند .

اما ازمطالعه کنندگان چون خودی توقع چنان دارم وبلکه ازهمه اهالی امیدوارم که کمی ازاوقات شبان روزی خودرا درمطالعات اخبار معالی بار وطن عزیز خود صرف نمایند بسی فایده‌ها خواهند برد زیرا که این عاجز عقل قاصر کمی ازاوقات خودرا بمطالعات این اخبار گهربار صرف می نمایم چه فایده‌ها برمیدارم چه لذتها می یابم زیرا اگر ازین عبد عاجز ازواقعات عالم پرسند ازفیض مطالعات اخبار گهربار (سراج الاخبار افغانیه) همه را یکان یکان میگویم ودیگر فوایدی که ازمطالعات ان حاصل می آید تجربه جات است که شخص ازحوادث عالم باخبر گشته شفقت پدرانهٔ پادشاه معظم بزرگ خودرا درحق اهالی وقدر وطن مقدس خود وحریت خودرا میداند وبسی فوائد های دیگر نیز دارد که بیان ان یکان یکان موجب طول کلام میشد ازان روبیانش نکرانیدیم البته برای مطالعه کنندگان که بتدقیق نظر دیده باشند میدانند لهذا برادران وطن عزیز ما نیز درین ره عبوری نمایند ومعانیٔ بردارند فاماحقیقت معنی برصورت دعوی گواهی دهد این است که لذیذترین چیزها شنیدن سخنان خوب است که شنیده باشند ازان است که سخنان حکمت بیان سودمند بسیار خوب ان ادیب فاضل وخیراندیش کامل برای اهالی وطن مقدس ما افغانیان بسی فایده‌ها میرساند که ازحصر تعدادان عاجزیم لهذا چون این عاجز عقل قاصر که یکی ازخوانندگان (سراج الاخبار افغانیه) میباشم وازمطالعات ان بسی فایده‌ها حاصل نموده‌ام که بیان آنرا زبان قلم کرده نمیتوانم بازی یک عرضی برای برادران اهالی وطن نموده که اهالی ما نیز ازفوایدان دانسته شده ازثمرهٔان حلاوتها بردارند باقی دعای دوام دولت ابدمدت قاهرهٔ پادشاه معظم خودمانرا بهمه اهالی ازدرگاه حضرت صمدیت نیاز میکنیم آمین ثم آمین

[ازخوانندگان سراج الاخبار افغانیهٔ]

م ، ج

ادبیات

ممتع ترین اصناف ادبیات کلام موزون ومقفایست که آنرا شعر میگویند کلام خوب خواه نثرباشد خواه نظم درهرجا واز هرکس که باشد مرغوب وگرانبهاست . دانه‌های جواهر ازهر دکان ودرهرگونه حلقهٔ که باشد قیمت داراست . ولی اگرازان دانه‌های جواهر یک تاجی یایک گلوبندی ساخته شود البته که آن دانه‌های جواهر بیک وضع بستهٔ بهم جمع آمدهٔ خوشنماتر وقیمت دارتری پیدا میکند همچنین است (شعر) که کلمات مرغوب مقبول را برشتهٔ سلک نظم درکشیده یک غزل یایکقطعه

فاجعه های پاریس

(مابعد از شماره (۱۲) سال دوم)

— مادام یک کسی آمده آرزوی آنرا دارد که باشما یکچیزی سخن بگوید .

دایه — (ظهر وشدی) آنکس کیست . توهیچ آدم نمیشوی راه درست سخن گفتن را هیچوقت نمی آموزی . تعبیر (یک کسی) چه معناست . آیا این کسیکه تو میگوئی مرد است زن است چیست ؟

— مرد است .

— یک مرد عادیست . یایک موسیوست ؟

یک موسیوست . هم بسیار خوب یک موسیو .

— خوب ازاول چرا همچنین نگفتی ؟ زودبدو این موسیوی خوب را در دالان داخل کن ویک کمکی انتظار کشیدن شان را رجا کن .

این صالون که دایه گفت عبارت ازیک اطاقیست که یک دو چوکی بیکه ازچوب (آقاژو) ساخته شده وروی آن بقماشهای پشمی پوشیده شده ویک میزمدور که در وسط خانه برتخته های معرخانه گذاشته شده دیگر مفروشاتی ندارد وتزئینات آن عبارتست ازیک دو پردهٔ که ازقماش جاتی کلدار سفید که ازچرکی یکقدری زرد شده ویک تجارتی دیواری که بر رف آن یکساعتی که بایک اسپ میل شدهٔ وسایس آنرا نشان میدهد گذاشته شده ، ودر دیوار ها یکدوسه لوحهٔ تصویر آبرنگی آویخته شده است . این است همهٔ مفروشات وتزئینات صالونی که مادام آنمو بکمال فخر ومباهات آنرا ذکر نموده .

مادام آنمو چون طبعاً مائل ظرافت یک زینت موهای خودرا انتظام داده وتوکهای ناخنهای خودرا گرفته و دریشیٔ خودرا پوشیده برای ملاقات بصالون درامد .

موسیوئی که خدمتکار مادام آنمو اورا (خوب موسیو

بمیدان میآرد که جواهر کلمات ومضامین را بیک رونق مرصع بسیار مصنع جلوه گر میسازد .

چنانچه هر چمن را بلبلیست همچنان هر وطن را نیز شاعریست ! شاعر چمنستان کابل بزگل وبلبل ما جناب (مستغنی) ست که گفتار شکربارش ازوصف وثنا مستغنی ست اینست که این شمارهٔ سیزدهم ما یک قطعه تصویر آن شاعر کابل وطن تزئین صحایف مینماید فن شعر دراصطلاح ارباب فن از (صنایع نفیسه) شمرده میشود . صنعت رسامی یعنی تصویر کشی — نیز از صنایع نفیسه است . درین لوحه نظر کنید که صنعت رسامی بواسطهٔ زنکوگراف رفیق خود شعر را . وشعر رفیق خود زنکوگراف را درین لوحه زندهگی بخشیده اند . وهمدیگر خودرا مجسم ساخته اند :

(شعر زنکوگرافرا میشناساند)

حبذا زنکوگراف و مرحبا زنکوگراف
لطف شاه کشور آورد از کجا زنکوگراف
از ترقی پرور ما خسرو کشور کشای
کرد دراین ملک و دولت ابتدا زنکوگراف
شد هر بروز سراج دین وملت کاینچنین
شد درین کشور بیان صدق وصفا زنکوگراف
میرساند غایبی را درحضور دوستان
مینماید بارها پیدا زنکوگراف
میبرد بخود مرا درخدمت خاقان ملک
درجهان پاینده داری ایزدا زنکوگراف
صورتم را روشناس اهل معنی کرده است
گشته با تصویر من تا آشنا زنکوگراف

کیست این تصویر بجان کیست مستغنی ست این
کش بدینصورت روان دادو بقا زنکوگراف

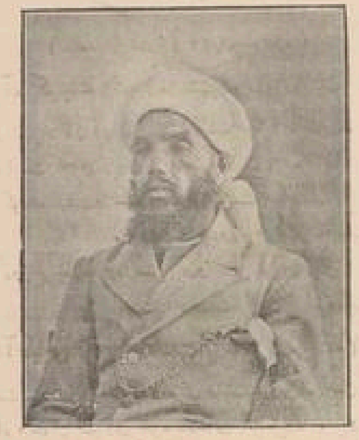

(زنکوگراف شاعررا میشناساند)

مستغنیم آه جان ندارم   تکلیف بدوستان ندارم
ای وای سلام این وآن را   چون عرض کنم زبان ندارم
تعظیم حضور دوستان را   یاران چکنم توان ندارم
از خیر و شر جهانم آزاد   اندیشهٔ این و آن ندارم
جان تحفهٔ دوستان نمودم   هر گز غم دشمنان ندارم
حیران خودم برنگ تصویر   هیچ آگهی از جهان ندارم
خاموش نشسته ام بمحفل   افسوس که همزبان ندارم
تا در قدمشان کنم صرف   صد حیف که قند جان ندارم
بالاله رخان زمن بگوئید   دل دارم و دلستان ندارم

عنوان داده حقیقتاً باین عنوان لایق یک آدمی بود . قامت این آدم ازمیانه یکقدری بدرازی مایل ، و آثار نجابت و ظرافت ازاطوار و سیماش پدیدار بود .

عمرش اگرچه بسی سالگی تخمین میشدولی اسمری رنگ پوست ، و موهای بروت سیاه وریش نوبرآمدهٔ دم بودهٔ منتظمش عمراورا زیاده ترازسی نشان میداد .

چشمهای زرگ بسبزی مایل ، وبینیٔ کشیده وکم قوسیٔ آن بسیماش دگر گونه یک صباحتی هم بخشید . لبهای با رنگش بتاثیر یک تبسمی که دایما دران پیدا بود چون یک کمی از هم باز میشد صفهای دندانهای منتظم وسفیدش را بانظار بینندگان عرض مینمود .

بدستهای بسیار ظریف و لطیف خود دستکشهای بسیار ظریفانهٔ درکشیده بود . بوتهای چرم براق بسیار نازک کثر لطافت پاهایش را پدیدار میساخت . تا تفرعات بسیار کوچک هندامیکه در بر داشت بصورت بسیار مکمل ومنتظم ترتیب شده بود که هر بیننده برصاحب ذوق سلیم بودنش حکم مینمود .

درظرف یکدو دقیقه یکه درسالون مادام آنفو تنها مانده بود مفروشات آنرا بیک نظر نفرت از تدقیق ومعاینه کردن خالی نمانده بود .

وقتیکه مادام آنفو بسالونیکه آنرا مدار افتخار خود میدانست درآمد دانست که دریش یک شخص باهیبتی درآمده است ازاو بصورت بسیار احترامکارانه موسیو راسلام داده ، وموسیو نیز بالود خیلی نازکانه بهاو مقابله کرده گفت :

— آیا بملاقات جناب مادام آنفو شرفیاب میشوم ؟

— بلی صاحب من ! زیرکه شما فرموده این کنیزک شماست .

— آیا مادام آنفو شما دایه گری میکنید ؟

— بلی ، شاگرد مکتب طبیهٔ صنف دایه گری . اما این را بفکر مدح وخود ستائی نمیگویم بلکه بذات عالیٔ شما میفهمانم که بحسن کمال بهائیکه درین فن حاصل کرده ام شهرت بسیاری پیدا کرده ام

(باقی دارد)

ناموران زنان جهان

(مابعد از شمارهٔ (۱۲) سال دوم)

آغا کوچك : — دختر شهزاده میرزا سیف الله است که از شهزادگان ایران میباشد . شاعره وادیبه یك خاتون فهیمه ایست که این رباعی از اشعار اوست :

گویند بهشت و حور و کوثر باقیست
در روز جزا دوزخ و محشر باقیست
دوزخ چه بود بغض تو آتش
جنت بمحبت پیمبر باقیست

آغاباجی : — از زوجات محترمهٔ (فتحعلی شاه) پادشاه ایرانست . دبدبه وحشمت وافری داشت . وبکمال تجمل وشکوه باخدام وجوار بسیاری بحرم پادشاهی آمده بود . باوجودیکه لیاقت وشایستگیٔ بزرگی داشت ولی هم بستریٔ شاه نایل ومزاوار نگردیده تا آخر عمر باکره مانده است شب زفاف یك چند کلمه سوال وجوابی گذشت . صبح آغاباجی این شعر ترکی را بطوریکه بخاقان نوشت :

یارم گیجه، گلدی گیجه قالدی گیجه گتدی
عمرم نچه گلدی نچه قالدی نچه گتدی

« یعنی: یارم شبی آمد وهمان شب ماند وهمان شب رفت ندانستم که عمرم چسان آمد وچسان ماند وچسان رفت . »

والحاصل آغا باجی صاحبهٔ طبع و کمالات بود ودر نظم ونثر مهارتی داشت این اشعار ذیل از نتایج افکار اوست :

خرم آن کو بدر کوی تو جائی دارد
که سر کوی تو خوش آب و هوائی دارد
بسفر رفتی و دل شد جرس ناقهٔ او
رسم اینست که هر ناقه درائی دارد

⁂

سوختم از آتش غم ناصحا تا کی ز منع
میزنی بر آتشم دامن برو خاموش باش

⁂

تاحشر نویسند اگرم نشود طی
نی دفتر حسن تو نه طومار فراقم

آغابیگی : — دختر میرزا میرانشاه گورکانی وزوجهٔ سعد وقاص نام شخص از امرای ترکانیه بود . درسال ۸۱۸ هجری که (قره یوسف) ترکمان از سلطان (شاه رخ) میرزا فرار نموده به تبریز میرفت (امیرفرخ) نام امیری را بایکدسته سواره به (قم)

(باقی دارد)

علم ثروت ملل

(مابعد از شمارهٔ (۱۲) سال دوم)

واقع وشاملست . زیرا هرافراد هرجمعیت جدا گانه یك استعداد وقابلیتی دارد که درهمان کارموافق باستعداد وقابلیت خود کوشش ورزیده ترقی میکند . وآن کسانیکه استعداد بسیار وافر وخارقه نمائی را مالك باشند باینصورت بردیگر اقران وامثال خود تفوق وبرتری کرده میتوانند . ازسایهٔ قاعدهٔ تقسیم اعمال است که همهٔ اموالی که دربازار که تجارت بمیدان استفاده میراید هریك ازآنها ازدست گونه گونهٔ صنعتکاران برامده خوبتر وارزانتر و آسانتر شده میرود . تنها یك ساعت عادیٔ که درجیب میگذاریم به صدنوع عملیات محتاج است که هریك ازان جداگانه صنعتی میباشد .

واینکه ماالبسه وپوشاك مناسب وارزان یا گران برابراحوال خود پوشیده میتوانیم سبب یگانهٔ آنهم همین است که هر جزو پوشاکرا جداجدا ارباب صنایع میسازند . تنها یك دست دریشی ما بصنعت وعمل بسیاری ازارباب صنایع توقف میکند . مثلا اول بصنعت جولای زیرابرای دریشی اول قماش لازم است که دریشی ازان ساخته شود . حالانکه پرورش گوسفندان وگرفتن پشم آن بصنعت جولای موقوفست . وبعد ازانکه پشم حاصل شد تاوقتیکه بحال کمپره دراید بهزارها صنایع مختلفهٔ دیگر احتیاج پیدا میکند که هریك ازان صنایع بملیونها آلهها واسبابها بکاردارد که برای هراسباب آن بازبسی صنعتکاران مشغول کار میشوند . پس چون اینهمه کارهارا درمدنظر آریم . وتصور کنیم که اگر قاعدهٔ تقسیم اعمال نباشد ویك آدم بخواهد که پوشاك خودرا تدارك کند چقدر محال یك امری میباشد .

مانند دیگر صنایع عادی که بقاعدهٔ تقسیم اعمال فیض وترقی پیدا میکند . علوم نیز دریك مملکت بسایهٔ تقسیم آن بر شعبه‌ها کسب فیض وبرکت میگیرد . مثلا درمملکتهائیکه علوم طبیعیه بسیار پیش رفته باشد

(باقی دارد)

اعلان

کتابهای فارسی — انگریزی — اردو — گورومکهی — پشتو وغیره برای تعلیم ابتدائی فروش میرسد .
المشتهر
(بالکرشن داس سرمدرس مدرسهٔ اهل هنود نمبر ۲)
درشور بازار کابل

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد ازطرف مدیر وسرمحرر تحریر یافته

محمود طرزی

در چهاپ خانه حروفی دار السلطنه کابل طبع گردید

از آن رو که حضرت کمالات مرتبت مدیر روشن ضمیر محب وطن دیانت مسلک در عدد (۹) سراج الاخبار افغانیه در تحت عنوان عرفان روزبهای اعلیحضرت والا فضل را در باب تأسیس دارالتالیف بیت العلوم حبیبیه بیان فرموده و بنا بر ذوق و شوق انسانی که در ترقی علوم و معارف دارند آثار قلمیه عاجزانه را توصیف و تعریف نیز فرموده بودند — بنابران برای اطلاع ناظران گرام فهرست مولفاتی را که از ابتدای دارالتالیف سنه ۱۳۲۵ الی الان سنه ۱۳۳۱ انجام یافته و بطبع رسیده در مکاتب دولت برای تعلیم اولاد وطن مقدس مقرر کنندهاند تحریر داشتیم و اظهار میکنیم که این همه آثار خیر از توجهات ملوکانه اعلیحضرت همایونی بوده بصرف مبلغ خطیر این آثار بانجام رسیده و چهاپ شده برای اطفال مکاتب دولت مفت و رایگان توزیع شده و میشود و اخراجات همه از عطیه خسروانه که برای تعلیم و تربیت اطفال دارالسلطنه مقرر شده است داده میشود و در مابعد نیز آثار دیگر در علوم قدیمه و جدیده انشاءالله تعالی از دارالتالیف برآمدنی است — انشاءالله تعالی مربی حقیق علوم و معارف را که اعلیحضرت سراج الملة والدین روحنا فداه میباشد باقبال و نصرت مستدام داشته باشد — اگر شایقین مطالعه آثار وطن مقدس اراده کنند بعد از ادا کردن قیمت برای تحویلدار بیت العلوم مولفات مذکوره را بدست آورده میتوانند و قیمتهای آن که مطابق اخراجات آنارع قلیل مقرر شده است به سرکار عاید است نه بمولف فقط

شماره	اسم کتاب	قیمت	کیفیت
۱	رسالهٔ اول دینیات	یکعباسی	درین رسایل مسایل عقاید و اعمال دینیه بعبارت آسان و روشن نوشته شده و از کتب معتبرهٔ عقاید اهل سنت و جماعت وفقه شریف انتخاب شده است
۲	رسالهٔ دوم دینیات	پنج شاهی	
۳	رساله سوم دینیات	یکقران	
٤	سراج العقاید حصهٔ اول	سه شاهی	
۵	سراج الفقه حصهٔ اول	دوعباسی	مسایل فقهیه و احادیث اخلاقیه برای درجهٔ وسطیه بزبان عربی نوشته شده
٦	سراج الفقه حصهٔ دوم	ده شاهی	
۷	سراج السیر احوالات حضرت سیدالسادات	یکروپیه	حالات حضرت رسول مقبول از ولادت تا وفات بطرز اجمال از کتب سیر و تاریخ انتخاب شده
۸	رسالهٔ علم طبیعیات	چهارعباسی	مقدمات ابتدائی علم طبیعیات از انگریزی ترجمه شده و اصطلاحات عربی نوشته شده است
۹	سراج الحساب حصهٔ اول	دوروپیه	برای تعلیم حساب درجهٔ میانه از کتب معتبرهٔ انگریزی ترجمه شده و به اوزان و مسکوکات افغانستان حل مسایل شده است
۱۰	تحریر اقلیدس فارسی اول و دوم	یکنیم روپیه	بقرار قواعد جدید از اقلیدس انگریزی ترجمه و انتخاب شده و سوالات
۱۱	ایضاً سوم و چهارم	دوروپیه	هر مقاله علیحده به آن الحاق یافته
۱۲	مرآة الارض مختصر جغرافیه دنیا	یکروپیه	مختصر جغرافیه دنیا میباشد
۱۳	احسن القواعد (صرف و نحو فارسی)	یکروپیه	قواعد صرف و نحو فارسی میباشد
۱٤	قاعدهٔ فارسی بطرز جدید (برای ابجدخوانان)	یک ستار	الفبای مخصوص زبان فارسی میباشد
۱۵	رسالهٔ ضرب زبانی (برای تعلیم ابتدای حساب)	پنج پیسه	برای تعلیم حساب درجهٔ ابجدیه تالیف شده
۱٦	کتاب اول فارسی	یکعباسی	ضروریات اخلاق و عادات حسنهٔ مفیدهٔ اطفال از کتب معتبره انتخاب شده
۱۷	کتاب دوم فارسی	پنج شاهی	
۱۸	کتاب سوم فارسی	دوعباسی	

المشتهر یکی از اعضای دارالتالیف بیت العلوم حبیبیه (حقیر عبدالرب)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 588 of 1786

سیاحت بر دورادور کرهٔ زمین

بهشتاد روز

کتاب ناول یعنی افسانهٔ طرز جدید بسیار شیرینست
که هم افسانه میشنواند ، وهم علم می آموزاند در
دکان ملا غلام محمد تاجر کتب متصل مدرسهٔ
شاهی بابشتی جای بقیمت (۲) دو روپیهٔ کابلی
بفروش میرسد .

(کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه)
(باجلد اعلا)
ودو کتابچهٔ (علم واسلامیت) و (آیاچه
باید کرد ؟)
(باجلد اعلا)
در اداره موجودست . آرزو کنندگان
خریداری کرده میتوانند
قیمت همه (۲۵) بیست وپنج روپیه کابلی

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، ویا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تابه پنج بار نشر وشایع شود برسرهر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تابه پنج بار فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریك ستون اخبار ما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

شماره ۱٤ سال دوم

فهرست مندرجات

مدنیت پروریهای اعلیحضرت همایونی	
حوادث خارجیه	احوال سیاسی — اهل اسلام در چین — آثار اغتشاش در سوریه — خبرهای محاربه — تضمینات حربیه — روس و اوستریا — شروط دول متفقه — ارناؤدها و صربیا — تکذیب — تاوان جنگ — افسران ژاپن در لندن — مکسیکو و امریکا — عن خیوه — تلف شدن یک طیاره از تجمد — قوت ارتفاع — فاجعه بندر بوشهر — بیان اخبار طنین از اجتماع خانمهای عثمانی — صورت تلگراف اطلاعنامه بانکها — مکتوب از پشاور — مکتوب یک سیاح افغانی از مصر در باب گوشت گاو
مقاله مخصوصه	چیست — چرا — فلسفه — فیلسوف
پل درنته	بیانات
مقالات فنیه کیفیت باد	مابعد از شماره ۱۳ — جهات ورود باد در اصطلاح بحریون — خاتمه
ادبیات	چهاربیتی کلام مؤلف و مدیر سراج الاخبار افغانیه — غزل مستغنی
فاجعه های پاریس	
ناموران زنان جهان	
علم ثروت ملل	
اعلان	
تصاویر	تمثال همایون اقبال اعلیحضرت سراج الملة والدین در کوه پغمان برای تماشای برف — تصویر قصر سعادت حصر ستول واقع پغمان — منظره پل سراج کلبهار که بر نهر سیلاب بسته شده که ذات اعلیحضرت همایونی با بعضی خواص حضور برای نظارت عملیات آن تشریف فرما شده‌اند — تصویر پل مهابت هیکل درنته که معلق بر هوا از آهن تعبیه شده — تصویر اعلیحضرت همایونی در شکار جنگل جلال آباد که برای فریضهٔ صلاة از فیل فرود می آیند بمعیت شاهانه ایشیک آقاسی نظامی شرفیاب میباشند

اعلان

(شرایط اشتراك سراج الاخبار افغانیه)

(سراج الاخبار افغانیه) نخستین اخباریست که در مملکت پرفیض وبرکت افغانستان بسایهٔ فیوضات عرفان پروری اعلیحضرت پادشاه مقدس مهربان ماتو در دارالسلطنهٔ محروسهٔ کابل به انتشار آغاز نهاده است . مقصد ومسلك این نامهٔ گرامی بیداری وآگاهیٔ اهل وطن مقدس ماست براحوال عالم . وحب دولت و وطن . وتوجه بسوی علم وفن . دینی . سیاسی . ادبی . اجتماعی . فنی یك اخبار فواید نثاریست که در صفحه های معدود . فواید غیر محدودی مندرج دارد .

(سراج الاخبار افغانیه) از هموطنان عزیز خود چشم امید آنرا دارد که چون این اخبار یگانه اخبار وطن عزیز مقدس شان شمرده میشود میباید که یك توجه خصوصی ویك هوس مطالعهٔ باخلاصی بسوی او عطف نمایند . اداره . درباب اشتراك مشترکین کرام بنهایتدرجه ارزانی وآسانی را مرعیداشته . وبرای خوبیٔ مضامین مندرجه وخوبی کاغذ وحسن طبع ودرج تصاویر فدا کاریهای بسیاری بکار برده . وتجارت را کمتر منظور داشته است درینوقت درماه دو بار یعنی درغره وپانزدهم هرماه نشر میشودوامیداست که در آینده هفته وار بشود . وآنهم به همت دانشوران معزز هموطن منوط است زیرا هرقدر که تعداد مشترکین کرام . ورغبت خوانندگان عظام بیفزاید . البته درترقی اونیز خواهد فزود . قواعد اشتراك از قرار ذیلست :

در دارالسلطنهٔ کابل قیمت یکساله اشتراك آن ۸ هشت روپیه کابلی — ششماههٔ آن ۵ پنج روپیه کابلی . در ولایات داخله دولت علیهٔ افغانستان یکساله ۱۴ چارده روپیه کابلی — ششماههٔ آن ۸ هشت روپیه کابلی . درممالك خارجه چون هند وایران وترکستان روسی وممالك عثمانی واوروپا یکساله ۱۰ ده روپیهٔ انگلیزی — ششماهه ۶ روپیه انگلیزی .

(اسامی وکلای ما درخارج)

درپشاور جناب میرزا غلام حیدر خان سررشته دار داکخانهٔ دولت علیهٔ افغانستان . در مشهد جناب عبدالله خان کاردار تجارت دولت علیهٔ افغانستان . دربخارا جناب حاجی غلام نبی خان مامور فروش پوست قره قل . ذوات گرامی که درممالك خارج افغانستان آرزوی اشتراك اخبار مارا داشته باشند بهر یك ازین وکلای ما چون وجه یکساله یا ششماههٔ اشتراك را بفرستند واز طرف وکیل ما به اداره اطلاع برسد از همانوقت اخبارما بهمان آدرس وعنوانی که داده باشند اجاری میگردد . آدرس وعنوان واضح وروشن نوشته شود . یك طلای پوند انگلیزی ۱۵ پانزده روپیه کلدار است .

صحیفه (۱) سال دوم شماره (۱۴)

نگران
ایشک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی
علی احمد

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
با اخراجات داک ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با اخراجات داک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

مدیر ومحرر
محمود طرزی

ادارهخانه ومطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همهٔ امورات تحریریه بادارهخانه
بنام مدیر فرستاده میشود
قیمت یک نسخه آن درکابل یکعباسی است

تاریخ عربی یکم جمادی الاولی سنه ۱۳۳۱ تاریخ انگریزی ۸ اپریل تاریخ شمسی ۱۹ حمل ۱۲۹۲

درین اخبار از حوادث داخله وخارجیه وبس مقالات مفیده درج میشود

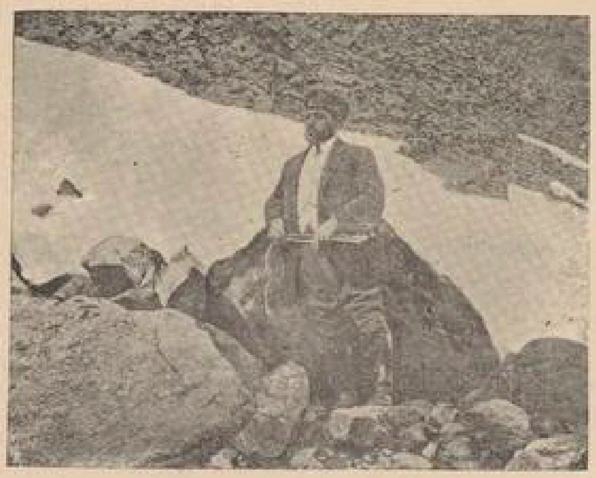

(علواندرعلو)

(تمثال همایونی ذات اعلیحضرت سراج الملة والدین درکوه علوت تمکین پغمان که برای تماشای یک برف فوق العادة که در ۲۰ ماه جوزا مطابق ۱۰ ماه جون درخلاف موسم باریده بود تشریف برده بودند موقعیکه درزیر برف است (۱۱۵۰۰) فوت ازسطح بحر ارتفاع دارد

(مدنیت پروریهای اعلیحضرت همایونی)

در شمارهٔ سابق خود یك قدری از تاریخ مدنیت بحث رانده بودیم . وگفته بودیم که آثار مهمهٔ ترقیات مدنیه در وطن عزیز ما از زمان سعد اقتران سلطنت اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) ادام الله دولته الی مدید الزمان بظهور رات آغاز نهاده است .

اولاً به تدارك کردن وحاضر ساختن ظروف مدنیت ابتدا گردید . زیرا تاظرف نباشد مظروف در چه خواهد گنجید ؟ ظروف مدنیت اول از ترتیبات وتنظیمات هیئت دربار سلطنتی و آداب لازمهٔ دربار حضور پادشاهی . ولباسهای رسمی وغیر رسمی . وترتیب مراسم جشنها . وتصنیف صنفهای نظامی وملکی ودرجات رتبه ومنصب . وانتظامات دوایر رسمی وغیره ازفرش خانه ها گرفته تا بپوشاك وخوراك درهر چیزی به تجددات ابتدا ورزیده شده است .

در زمان سابق - یعنی قبل از زمان اعلیحضرت خاقان مغفور جنت مکین حضرت ضیاءالملة والدین نمیدانیم که از افراط شوق وذوق به اسپ بود یااز چه بود . نشیمنگاه دربار پادشاه عبارت از یك چوب ترهٔ مختصرهٔ بود که در وسط یك اصطبل بنا یافته بود . دورا دور این احاطه که چوب تره در وسط آن بود آخور های اسپها بود کهاسپان صبا رفتار بسیار اعلا صفها صفها در پیش آن بعلف خواری مشغول بودند . غیر ازان در وسط احاطه نیز در هر هر جا بد کپهای یکه میخ بسیار اعلائی دیده میشد که باسم زدنهای خود شان زمین هارا می کاویدند !

مفروشات چوب ترهٔ مذکوره عبارت از یك قالینی بر زمین هموار شدهٔ بود که جای نشیمن پادشاه بایك کوریچهٔ تفریق یافته بود . پادشاه از صبح تا بعصر بر همین کوریچه مربع نشین احکام حکومتی خود میکردید . در وقت طعام پیشخدمتها اولا آفتابه لگنها را آورده . واول از پادشاه آغاز کرده تا به آخر مجلس دستهای مردمان دربار را می شستند . بغیر از پادشاه دیگر هر کس از جیبهای خود شان دستمالهای خود شان را کشیده دست خود شانرا خشك میکردند . وبعضی کهدستمال نمیداشتند بهمان دستهای تر طعام می خوردند . بعد از آفتابه لگن دسترخوان بمیدان می آمد چار نفر پیشخدمت یك دسترخوان بسیار ثقیل چرمی را دونفر از یکسر ودو نفر دیگر از دیگر سرش گرفته از حد کوریچهٔ پادشاه تا به آخر در وسط چوب تره میگسترانیدند . وباز بهمان کیفیت یك دستر خوان سان سفیدی دیگری را باز دسترخوان چرمی پهن میکردند . ویك دو پیشخدمت در وسط دستر خوان نشسته ودیگر پیشخدمتها طعام هارا آورده بر دستر خوان می‌چیدند. وبه اینصورت بدست طعام تناول میشد . بعد از ختام طعام باز به ترتیب اول طعام بر داشته شده آفتابه لگن آمده بی صابون دستها شسته می شد . وبا دستمالهای جیبی خشك میشد . لکن . وای بر حال بی دستمالان !

دربار . عرض وداد . احکام . تماشای اسپ . شطرنج بازی ساعت تیری . طعام . کلام همه در همین یك چوبتره ! قباقهای پوشاکهای مردمان دربار این چوبتره نیز به اشکال واوضاع رنگا رنك مختلف بود کهفرق ارباب رتب معلوم نبود . مراعات آداب دربار نیز یك نظم وانتظامی نداشت . هر کس بصدای پست وبلند با همدیگر گفتگو میکردند . روز های دربار رسمی وغیررسمی نیزمعلوم نبود . اگر چه تنظیمات عسکری . وورزشهای نظامی شده بود . ولی دربار حضور پادشاهی که ظرف نخستین مدنیت شمرده میشود هیچ یك انتظام وسر رشتهٔ درستی نداشت

در زمان سعد اقتران اعلیحضرت ضیاءالملة والدین امیر عبد الرحمن خان دبدبه ودارات سلطنتی یك رونق وشکوه باهیبتی پیدا نمود . سرایها . قصرها . بنا های مکمل پادشاهی ساخته‌شد. برای هر دایره . وهر سرایه مفروشات وتزئینات فاخره آماده گردید . سلام خانه دربار عام . وسلامخانهٔ دربار خاص با همهٔ مفروشات وتزئینات شایسته وبایسته بنایافت . سلام خانهٔ دربار عام یك دالان بسیار عالیٔ باشکوهیست که تقریباً زیاده از یکنیم هزار آدم دران می گنجد . درینجا از وصول وقواعد دربارهای آنوقت بحث نمی رانیم . زیرا آن چیز هائیست کهمقید ومضبوط ودرصحایف تاریخ محرر ومثبوت است. ولی بطریق اجمال اینقدر میگوئیم که ازان دربار های چوبتره‌ئی تا آن دربار های پرشکوه سلطنتی فرق بسیارفرق‌عظیمی بود که هیچ نسبت قبول نمیکند .

ذات شوکتسمات اعلیحضرت (سراج الملة والدین) درزمان اعلیحضرت خاقان مغفور نیزعهدهٔ دربار واحکام سلطنتی بذمهٔ درایت‌وفطانت شاهانهٔ‌شان محول بوده دریك مقیاس واسع اختیارات اجرای احکام دولت رانی فرمودند . وقتاکه نوبت سلطنت اعلیحضرت شاهانهٔ‌شان دررسید آثار ترقیات مدنیهٔ عصر حاضره رادراکثر امورات سلطنتی تطبیق دادن گرفتند .

اولاازاصول وقواعد دربارها بیان کنیم : دربارها دروقت حاضر عبارت ازچند دربار رسمی ایست که آنها همه ساله لابد الاجرا میباشد : اول دربار یوم‌عید فطر، دوم دربار عید اضحی ، سوم دربار (جشن اتفاق ملت) که این‌سه‌دربار‌دربارهای‌بسیار بزرك پرجوش وخروش باکوکبه ودبدبهٔ دولتی شمرده میشود . علی‌الخصوص دربار جشن اتفاق ملت که مبعوثین وروءسا وملکیهای همهٔ ملت ازاطراف واکناف دران‌اشتراك میورزند . وشب‌نیز جشن‌سرور وچراغان بعمل‌می‌آید . ایام‌دربارهای عیدین سعیدین معلوماست . دربار جشن اتفاق ملت عبارت ازتذکار ویادکار اتفاقیست که ملت‌به پادشاه خود عطا کرده‌اند . واین کیفیت درسنهٔ ۱۳۱۵ هجری مطابق

۱۸۹۶ میلادی در ۲۴ ماه اسد اولبار برای اعطای لقب (ضیاءالملة والدین) بذات اعلیحضرت امیرعبدالرحمن خان پادشاه بزرگ دولت افغانستان از طرف ملت داده شده بود اجرا یافته ، در زمان سلطنت خاقان مغفور همه ساله این جشن در بیست و چارم ماه اسد شمسی بوقوع می آمده در جلوس میامن مأنوس ذات اعلیحضرت این پادشاه معظم ، ملت باتفاق کرده وجشن عظیمی برپا شده لقب جلیل (سراج الملة والدین) را بپادشاه حقایق آگاه محبوب القلوب خود شان عنایت نمودند لهذا این جشن بسیار مبارک که موضوع آن باتفاق ملت است وازآنرو خیلی مقدس شمرده میشود درین عصر سعادت حصر در هر دوازدهم ماه سرطان بوقوع می آید .

غیر ازین سه دربار وجشن مذکورین چند جشنهای دیگر نیز همه ساله اجرا میشود مانند جشن لیلهٔ نصف شعبان وجشن ولادت بسعادت اعلیحضرت همایونی ، وجشن ولادت جناب نائب السلطنه ، ومعین السلطنه وعین الدوله صاحبان معظم که بعضی ازینها تنها دربار شباهه دارد ، وازجشنهای رسمی شمرده میشود .

دربارهای رسمیٔ دیگر نیز هست که آن دربارها پیش ازین در هر هفته دوبار ، در روزهای شنبه وسه شنبه مثلاً اجرا میشد ودرین اوقات در هرماه بچار دوبار اجرا میشود ذات اعلیحضرت پادشاه مقدس محبوب القلوب ما قواعد مراسم تشریفاتی وقواعد وآداب این دربارهارا درزیر نظم ونسق بسیار منتظمانهٔ دلپسندانه در آورده به نظام وقانون مخصوص ربط فرمودند .

مقصد عاجزانهٔ ما چون توضیح این کیفیت است که مدنیت اوروپائی درافغانستان از کدام درها وراه ها دخول یافته ، واز کدام نقطه ها شروع کرده ازآنرو ازمطالعهٔ این دو مقالهٔ عاجزانهٔ ما قارئین کرام تا یکدرجه دانسته باشند که آغاز دخول آن اول از عالم عسکری ، وبعد ازآن از صنایع ، وبعد ازآن بفروعات ابتدا ورزیده دربارها ، ومراسم حضور پادشاه ، وراهها ، وپلها ، وتلفونها ، وبناها ، وترتیب رتبه ها ومنصبها ، وتنظیم اونیفورمها ، یعنی دریشیها حتی بعضی بازیها وغیره داخل گردیده است. ولی این راهم بگوئیم که هرانقدر همتی که صرف شده در تقلید وپیرویٔ اساسهای اصلی وحقیقیٔ مدنیت اوروپائی شده است که آنهم عبارت از امور عسکری ، وصنایع مدنی میباشد ، وبطرف فائدهای ظاهریٔ بسیار درخشان درحقیقت خسران آن فالحمد والمنه هیچ میل نشده است ، مثلا عرقیاتی که شریعت غرای اسلام آنرا قطعیاً منع فرموده ابداً درین مملکت پاک راه نیافته ، ذات اعلیحضرت شهریار شریعتمدار مقدس ما درباب شراب وزنا ، وقمار ، افیون وبنگ کشی وغیره منهیات چنان مجازات شدیدهٔ مقرر فرموده اند که احدی را یارای ارتکاب آنگونه قبایح درضمیرهم نمیگنجد ، کذالک درمواظبت اهالی بنماز جماعت مساجد وجوامع وانتظام اوقات نمازجمعه درجامعهای مختلف شهر خیلی تبدلات وانتظامات فرموده اند که انشاءالله در آینده بتفصیل ازان بحث خواهیم راند .

موضوع بحث ما چون آثار ترقیات مدنیت است درینجا همین قدر میگوئیم که دربارها ، وجشنها ، ومجلسهائیکه درعصر ترقی حصر پادشاه ترقیپرور مدنیت گستر محبوب القلوب ما اجرا میشود همه لوازم اسباب مدنیه را بغیر از محرمات شرعی تماماً جامع است که انشاءالله درشمارهٔ آینده بمناسبت جشن ولادت بسعادت اعلیحضرت پادشاه مقدس معظم خودمان مفصلاً از ترقیات شمشه پس آن ها بحث وبیان خواهیم راند . حالا بدعای خلق از برای عمر واقبال وصحت وشوکت واجلال شاهانهٔ شان ختم مقال مینمائیم .

حوادث خارجیه

احوال سیاسیه

(تیغ — قلم)

باز ابرهای ظلمت آلود طوفان انگیز مدهشی افق عالم سیاسی را فرا گرفته است ! تیغ ، وقلم خدمت برق ورعد این طوفانرا بجا می آرند ! تیغ چون ازکار میماند ، قلم بکار می افتد ، و چون قلم ازکار بماند باز تیغ کارزار مینماید . درین محاربهٔ ترکی وبالقانهای وحشی این برق ورعد دوبار بنوبت میدان عالم سیاسی را بولوله انداخت . اولبار که محاربه آغاز نمود میدان میدان تیغ بود ، وچنان معلوم میشد که تا بنفس آخرین کار تیغ بگلو رسد ویکدرد همین تیغ خواهد بود وبس ! اما فتور کی نگذشته بود که باز قلم خودرا بردم تیغ انداخته کار آزمائی خودرا بمیدان برآورد . ولی هیچ باقی نمانده بود که قلم بسبب ضعف وناتوانی ، وسراسیمه گی وحیرانی سراسر ازپا درافتد که باز کهن بازتیغ بیك قوت و دهشت فاجعه آمیزی در میدان رامده قلم را از خذلان وخسرانی که میخواست به آن گرفتار آید وا رهانید !

درینوقتها بازمیبینیم که درتیغ یکسستی ورخاوتی پدیدار گردیده بازقلم آغاز بحرکات نهاده است . چنانچه ازخبرهای کندن اوراق حوادث دیده میشود حقی پاشا صدر اعظم اسبق وتوفیق پاشا سفیر دولت علیه عثمانیه مقیم لندن ، واحمد رضا بیك رئیس سابق مجلس مبعوثان ، ودیگر بعضی سیاسیون اربابقلم عثمانی دراوروپا بجستجو وپیدا کردن راه صلح تشبثات واقدامات بکار میبرند .

ازبسیار علامات هوائیٔ چنان استنباط میشود که این هنگامهٔ طوفان انگیز رعد وبرق تیغ وقلم که دراراضیٔ روم ایل و بالقانها سرزدهٔ ظهور گردیده درتمام سمای دنیا ازتاثیرات طوفانها خالی نشود ، ویك هنگامهٔ عظیمهٔ رستاخیزی برپا نکند . ازمثلث وثلاثه

روس ، و اوستریا ، جرمن ، و فرانس ، انکلیز وهم ، باهمدیکر شان دزد غرض‌اند ! لقمهٔ چرب وشیرین ممالك عثمانیه‌را تقسیم کرده نمیتوانند . وازبیم آنکه مبادا یکی لقمهٔ افزونتری رباید برهمدیکر میغرند . اکر بالقانیها روم ایلی را بکیرند جائست که کویا روس کرفته است آیارقیبان روس چون اوستریا ورفقایش به آن چسان رضا خواهند داد ؟ انکلیز باروس کویا داخل اتفاق است ، آیا باز شدن آبنای بوسفور را برای کشتیهای روس چکونه برنفس خود هموار خواهدنمود ؟ ممالك عثمانیه کیرم که بعوض ومعاوضه تابکدرجه درمابین شان تسویه بشود . ولی هندستان چیزی نیست که معاوضه داشته‌باشد ! غالب آمدن جنس اسلاو در روم ایلی واناطول تهلکهٔ عظیمهٔ مصر وهندستان است که میداند که بدیکر طرفها نیز سرایت نکند ! تهلکهٔ اختلالهای محتملهٔ داخلیٔ هندستان اکر باتهلکهٔ متصورهٔ خارجیه منظم شود چه سقوط مدهشهٔ بوقوع خواهد آمد !..

دولت فخیمهٔ برتانیا در هر پنج قطعهٔ روی زمین ازهمه کان بیشتر ممالکی دارد . وسعت ملکش برابر کرهٔ زمین است یعنی درهر نقطهٔ زمین یك بیرقکی ازو برافراشته است ، ولی اینقدر وسعت را محافظه کردن نیز بقیاس بسیار واسعی لازم است . بلیونها عسکر بلیارها زر لازم است . اکرچه در وقت صلح وآسایش محافظه ونکهبانیٔ اینهمه ممالك واسعه آسان بنظر می‌آید ، ولی توبه از وقتی که بیك دوسه مغلوبیتی هم کرفتار آید ! درانوقت هیچ شبهه نیست که قلت وزرکی وجسامت وجودش را ازهم نکشاند وابور (جسیم تیتانیك) را قلت وجسامتش به بسیار زودی غرق نموده !...

والحاصل زمان زمان تیغ وقلم است . این دوداهیهٔ عظما جهانهارا بلرزه در آورده وبه نوبت رعد وبرق طوفانهای پررستخیزرا برپامیکنند ، نادیده شود که نتیجه بکجا منجر شود !...

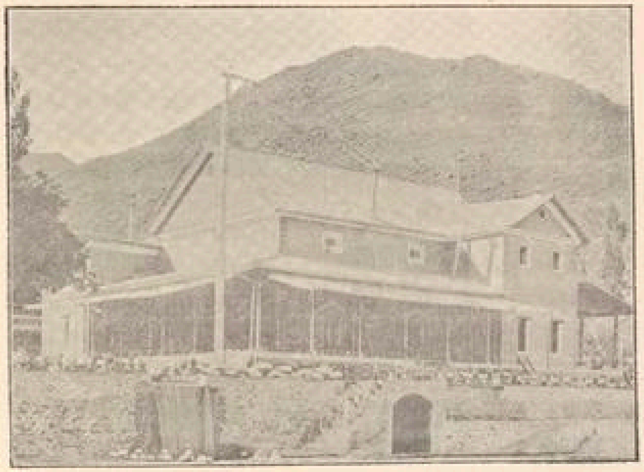

(قصر سعادت حصر (سبیل)

(این قصر ازتعمیرات عصر اعلیحضرت همایونیست که در (پغمان) نام موقع فرحفزای بنایافته است)

(موقع قصر ازسطح بحر (١٠٠٠٠) فوت بلند است)

اهل اسلام درچین

درچین یك هیئت بزرکی از مسلمانان از هر ولایتها جمع آمده از حکومت چین خواهش کرده اند که درپایتخت دولت چین یك شیخ الاسلامی از مسلمانان باشد ، وبمعیت آن شیخ الاسلام یکدامین ذوی مقرر شود ، ویك مجلس تدقیقات شرعیه تشکیل یابد ، ودر هر ولایتهای چین یکیك حاکم شرع از مسلمانان باشد که عزل ونصب شان بدست شیخ الاسلام پایتخت باشد ، وبمسلمانان حریت دینیه‌را بهمهٔ معانیٔ آن عطا نماید ، ومانندانها تطبیق دادن بسیاری ازمواد اصلاحیه را طلب کرده اند .

آثار اغتشاش درسوریه

بعضی جریده‌ها مینویسند که درسوریه وبلاد عربستان ازنتیجهٔ اختلافات ونفاق‌ها و تفرقه‌های فرقه‌های سیاسی که فکر «اللامرکزیه» را مانند یك تخم فسادی در ذهنهای مردمان کاشتند دربلاد سوریه وشامات وغیره آثار خودمختاریها پیدا کردیده‌است . بعضی میکویند که دولت انکلیز ازین پرده‌مشوق وبرانکیزندهٔ این فکر است که به آن واسطه کویا ممالك سوریه وحجاز وغیره بلاد عربستان‌را یك سلطانیٔ مستقلی درزیر حمایت خود تشکیل بدهد ، وجناب خدیو مصررا سلطان عربستان بسازد ، وان مملکتهارا درحوزهٔ ممالك مصر ادخال نماید . اللهم احفظنا من الاختلاف .

خبرهای محاربه

تلکرافهای روتروغیره خبرهایکه از محاربه میدهند دربتوقها باز ازمغلوبیتهای عساکر عثمانیه مینویسند . بموجب خبرهایکه از آتنا پایتخت یونان رسیده کویا ولیعهد یونان یك نقشهٔ جنك

بسیار برفوقی کشیده ، واز روی آن نقشه بحرکات عسکریه آغاز کرده آن شهر بسیار محکم وپرقوت یانیه‌را بیك مظفریت شعشعه ناکی ضبط وتسخیر نمود . کوماندان یعنی افسر ترکی که دریانیه تابحال بکمال جسارت مدافعه و محاربه میکرد درپیش قوت عزم سپر انداخته شمشیر خودرا بولیعهد یونان تسلیم نمود .

(سراج‌الاخبار افغانیه)

الشاقة این خبر اصل واساسی نداشته باشد ، معمافیه دربنفقره یك نکتهٔ بخاطر فاررسیده ازنوشتن آن خود داری نتوانستیم : درزمانهای سابق فن‌پهلوانی یك رواج عظیمی داشت . تربیه وتعلیم شهزادگان اکثر برقواعد آن‌فن اجرا میافت ، وآن‌پهلوانی عبارت ازتیر اندازی واسپ تازی ، ونیزه بازی ، و گرز زنی ، وکند تابی ، وکشتی گیری وغیره بود . محاربه هایکه جنگی بود یك پهلوانی دفعهٔ درمیان دوصف خود را پرتاب کرده مبارز میطلبید وپهلوان دیگر بمقابلش برامده باهم میجنگید . هر کدام شان که فن پهلوانی را خوبتر میدانست غالب می آمد .

دربنوقت می‌بینیم کهٔفن پهلوان بدیگر کیفیت ظهور نموده : یك کوماندان — یعنی یك‌سرافسرکلان ، باصطلاح قدیم یك‌پهلوان دربنعصر وزمان آنست کهٔازسن طفولیت به آموختن فن عسکری یعنی دیگر فن پهلوانی — آغاز میکند سالها در پشت میزهای دراز گرد مکتبها — یعنی دیگر ورزش خانه‌ها ، بسر میآرد وچون ازمکتب برامد ، در هرجا که یك مانوره — یعنی قواعد جنگ مصنوعی بشود هماندم درانجا حاضر میشود ، عملیات را میآموزد ، اگردر هرطرف یك‌جنگ حقیقی پیش شود بابدان دران جنگ بصورت بیطرف ونامه نگار خود را میرساند ، باطریق مطالعه حرکات آنجنگ‌را تعقیب میکند ، بعد ازان بدرجهٔ پهلوان میشود که درمیدان حرب ، دریك خیمهٔ کوچکی درپیش یك‌میزی نشسته ، ونقشهٔ طوبوغرافی موقع‌میدان حربیدرا درپیش روی‌خود بازکرده،وقوت دشمن‌را بواسطهٔ اشکشافات مکملهٔ کهٔاجرا داشته باقوت خودمقایسه کرده ازروی آنها یك پلان — یعنی یك نقشهٔ میکشد ، واز روی آن نقشه بحرکات عسکری آغاز میکند ، بکبار می‌بینی که بیك چند مانوره ، یعنی دیگر بیك چند توپ ساعدری ، یك اردوی بزرگی را بتسلیم شدن باهمو کشتن مجبور و محکوم میسازد که این واقعهٔ شهزادهٔ یونان درمحاصرهٔ یانیه یك مثالی ازین پهلوانهای این زمانه را بمیدان میرساند .

(ترقی پروریهای اعلیحضرت همایونی)

(منظرهٔ عملیات انشائیه ، پل سراج کاپاره ، که بزیر جسیم (سیلاب) بسته شده‌است ویك خیرعظیمی درمملکت بوجود آورده است)
(تفصیلش درشمارهٔ (۲) سال‌اول‌ما سبقت نموده‌این عکس پیش ازرسم افتتاح پل‌مذکور گرفته‌شده‌است که‌ذات اعلیحضرت)
باهمبعضی خواص حضور برای نظارت عملیات آن تشریف فرماشده اند .

تضمینات حربیه

نظر به‌تلگرافهایکه از صوفیه رسیده گویا ناظر مالیهٔ بلغارستان یك‌بیانانامهٔ‌نشر کرده است که دران بیانامه میگوید : بسبب که دول متفقه — یعنی بالقانیها — مظفر میباشند و بهر صورت علی الخصوص ازجهت مالیه‌بسیار فدا کاریها کرده اند حق صریح دارند بریکه بصفت غالبیت تضمینات حربیه طلب کنند .

روس واوستریا

نظر بخبرهای ویانه وبرلین چنان معلوم میشود که گویا دربن روزها دولت روس واوستریا اردوهای خودشانرا واپس کشیده پراگنده کردند ، وبد گانیهای کهٔدرمیان شان پیش آمده سراسر برطرف گردید .

(غالبا درالقهٔ ربان این دو معظمه باهمدیگر راست آمدند)

شروط دول متفقه

نظر بخبری که از روما رسیده گویا دولتهای متفقه بمذاکرات صلحیه باین شرطها داخل میشوند : ادرنه ، اشقودره ، یانیه را عثمانی ترک کند ، وحدود بلغار وعثمانی از کوه تکفور تا بخط مدیه باشد . کلیبولی را نیز ترک کند . وجزیره هایی را که یونان گرفته برای یونان واگذار شود ، و تضمینات حربیه — یعنی تاوان جنگ را عثمانی بدهد ، وجزیرهٔ کرید نیز به یونان الحاق شود !

(قوت چه عجب رجز خوانی هایی میکند ! .)

ارناودها وصربها

نظر به تلگرافهایی که از (تریسته) رسیده است بمقابل استیلای صربها یعنی سروبها — ارناودها یعنی البانیها بآتش بسیار شدیدی مدافعه میکنند ، محاربه های بسیار شدید وخونریزانه بعمل می آید

تکذیب

صدراعظم دولت علیه عثمانیه شایعاتی را که درباب صلح تواتر یافته است درپیش یک اخبار والایی که با او ملاقات کرده تکذیب نموده است ؟. دولت ترکیه اگرچه وساطت دول معظمه را قبول میکند ولی باین یک هیچ راضی نشده اند که با بلغارها یکراست مذاکره نمایند .

تاوان جنگ

نظر بخبرهای جراید اوروپا گویا دولت ترکیه بترک کردن ادرنه راضی میشود ولی بدادن تضمینات راضی نمیشود .

افسران ژاپانی درلندن

سه نفر افسران بحریهٔ ژاپانی درلندن آمده اند ، و کارخانهٔ کشتی سازیٔ (پورتسموت) رازیارت کرده اند ، ودر مکتب بحریه نیز رفته اند ، پذیرائی بسیار لایق از انها شده است .

مکسیکو وامریکا

خونریزی امسال تنها دربر عتیق نی بلکه دربر جدید نیز اجرای احکام مینماید ، در اصطلاح جغرافیون آسیا او روپا وافریقا را بر عتیق ، وقطعهٔ امریکا را بر جدید میگویند . این است که از چندی دربر جدید یعنی امریکا نیز دربین حکومت مکسیکو و امریکا آتش جنگ در گرفته است ، در سرحد مابین عسکر سواریٔ امریکا وعساکر مکسیکو مجادلات شده است مکسیکوییها را تفنگهای ماشیندار امریکا برجعت مجبور کرده است .

خان خیوه

زار روس خان خیوه را لقب (هیز هاینس) یعنی عنوان فخامتمآب عطا کرده است .

از پنجصد فوت ارتفاع

یک طیاره باز که (زوفروی) نامدارد در صحرای سالیوری پنجهزار فوت از زمین بالا برامد ، ودر وقت فرامدن از ارتفاع پنجصد فوت سقوط کرده تلف شده است .

فاجعهٔ بندر بوشیر

بنابر خبری که از طهران رسیده است مستر (قونستانس) که مدیر گمرک بندر بوشیر است چندروز پیش درأثنای که برای طعام خوردن باعیال خود بخانه می آمد درأثنای راه از طرف بعضی اشخاص مجهول برانها تعرض شده است واز گلههای تفنگی که برانها انداخته شده یکی برمیم صاحب مستر قونستانس برخورده میم مذکور وفات کرده . و خود مستر قونستانس نیز بصورت بسیار سنگینی مجروح شده است .

(بلای اگفورده کربود کواویلای قونستانس نیز برامد !)

ازاخبار طنین

محترم (طنین) مدتی بود که طنین انداز آواز نمیگردید . دراین روزها صدای طنان بسیار شیرینش بازشنیده میشود : درنسخهٔ نمبر ١٥٠٦ آن درزیر عنوان (یک اجتماع معظم خانمهای عثمانی) از تفصیلات مجلس بزرگ زنانه که درشمارهٔ سابقهٔ خود ازاخبار (الشعب) نقل نموده بودیم بحث رانده است . مجلس مذکور که مرکب ازهزار ها خانمهای اکابر واصاغر بود درسالون بزرگ (دار الفنون) بیک شکل مهیب ومحتشمی بوقوع آمده است . حضرت رئیس نعمت خانم صاحبه بایک نطق مختصر مجلس اجتماع را باز نمودند . بعد ازان اول جناب (فاطمه علیه) خانم که یکی ازادیبه های عاقله وفاضلهٔ مشهورهٔ دنیا شمرده میشود ، و پس ازان (کلثوم) خانم که از خانمهای مسلمان ممالک روسیه واز طالبات دارالفنون آنجامیباشد ، ودرینوقت برای خدمت کردن در خستهخانه های هلال احمر باستانبول آمده ، وبعد ازان (فهیمه نزهت) خانم ، وپس ازان مدیرهٔ مکتب اعدادی اناثیه (نقیه) خانم ، وازصنف ششم شاگردان مکتب اعدادی اناثیه (زهرا خانم ، وازمعلمه های مکتب مذکور (ناجیه) خانم ، ونیز ازشاگردان مکتب اعدادی (فردوس) خانم ، و (مبروکه) خانم بنوبت برکرسیٔ خطابت برامده نطقها وخطابه های بسیار مؤثر وبلیغی برخواندند . تا آنکه نوبت خطابت بجناب (خالده)

خانم که یکی از ادیبه های دلهٔ مشهوره است رسیده و به بسیار شاباشها و تحسینها بر کرسیٔ خطابت برامده یك نطقی که خیلی از نفیس شمرده میشود قرائت نمود . بعد ازانکه خالده خانم نطق خودرا بانجام رسانید خانم مشار الیها از عموم اهل مجلس خواهش این چند فقره‌را نمود که اول باردوی عثمانی بنام همهٔ زنان ملت عثمانی یك تلگرافی کشیده شود . دوم : به تمام زنان مسلمانان روی زمین ازظلمها ، و وحشتهای بالقانیهای وحشی بیان نموده بهمهٔ شان به اظهار نفرت کردن ازانها ، و اشتراك ور زیدن باعانهٔ مدافعهٔ ملیه دعوتنامهٔ تلگرافیه کشیده شود . سوم : درنزد همهٔ ملکه‌های دولتهای اوروپا ازظلمهای که بالقانیها درروم ایلی اجرا کرده اند شکایتنامه نوشته ، در باب انجام دادن اینگونه تجاوزات وتذلل صرف همت فرمودن واجرای تاثیر نمودن شان رجا کرده شود . این خواهش خالده خانم باتفاق آراء همهٔ مجلس قبول گردیده این تلگراف نامهٔ ذیل را ازطرف همهٔ زنان ملت عثمانی بتمام اردوی عسکر عثمانی کشیدند :

(صورت تلگراف)

« ای برادران ماعسکر !

دین ما ، وطن ما ، ناموس مادرتهلکه است . اگر دشمن را زدید ، واین چیز های مقدس‌را رهائی دادید رضای خداوندی ودعای مادران خودتانرا کاین کرده خواهید بود ، ومیراث اجداد شهید وپادشاهان گذشتهٔ بزرك وسعید ، وناموس دختران خود تانرا رهائی خواهید داد .

« زنان مسلمانان درقسمبار بجز آنجنان اردوی که ناموس مسلمانی ، وترکیت‌را رهائی داده باشند ، ودشمن دین وناموس ووطن را مضمحل کرده باشند دیگر گونه اردوی را استقبال کرده نمیتوانند .

« اگر پشت خود را بدشمن بگردانید ذلتهای همه دنیارا بر مسلمانی وترك بودن خود آورده خواهید بود . اگر پشت بدشمن دادید بدان یك محقق بدانید که تامهٔ زنان مسلمان را که برای خاك وطن خود ، ودین خود ، وناموس خود بمردن حاضر گشته اند پامال ولگد کوب نکنید برگشته نخواهید توانست .

« باقی الله وپیغمبر مددکار تان باشد »

(تظلمنامه به ملکه ها)

« بی بی !

« بذات حشمتپناهی شما معلوم است که بر تورکیه که تاحال هیچگاه محاربهٔ دینی‌نکرده است حکومتهای بالقان یك حرب اهل صلیبی تشکیل دادند . پادشاه بلغار دربیانات خودش کهیك شهرت مشئومهٔ گرفته اینرا علناً اعلان نمود : که این محاربهٔ صلیبیاست بمقابل هلال .

« اردو های بلغار ، خود شانرا عسکر حضرت عیسی ، که درنزد ماهم بصفت یك پیغمبر بزرگی مظهر حرمت میباشند ، وازطرف همهٔ عالم انسانیت یك تمثال عدالت ورحم وملایمت شناخته شده تعظیم میشوند اعلان کرده ممالك مارا استیلا کردند . این عساکر ساخته گیٔ حضرت عیسی چه چیزها کردند ؟ این کردنهای آنهارا ازنعشهای کهزنده ، زنده در میان کلیسها پوسیده شده اند باید پرسید .

« بی بی ! شمایك ملکه هستید . بنا برین برای همه بیچار گان وضعیفان کهدروطن شماست مالك یك حس شفقت مادری میباشید . شمایك ملکهٔ هستید کهمسلك آنجنان دینی میباشید کهرحم وشفقت‌را برهرچیز اقدم میشمارد . برسر آن چونشما یك خاندان بسیار اصیل منسوب میباشید حس شرف و ناموس را به درجهٔ بسیار بلندی صاحب هستید .

« پس بنام این ناموس ، و حیثیت اصالت ، بنام مرحمت نصرانیت ، بنام شفقت مادرانه لطف کنید . واین آواز های نومیدی وغرق کهازدلهای شکستهٔ بسی والدهها ، بسی همشیرهها ، بسی دخترها میبراید بشنوید . وبجواب‌اینها صدای تانرا که درپیش همه‌عالم محترم ومکرم است لطفاً بلند فرمائید .

« این گلههای وحشی‌را که آتش افروزیها ، وقتل عامها ، وناموس‌پامال کردنهارا کهدرینعصر حاضر درهیچیك محاربهٔ اوروپا دیده‌نشده است میخواهند کهدرزیر سایهٔ صلیب آنرا پنهان کنند لهذا این گروه وحشی‌را برای حرمت کردن بقانون حضرت عیسا وحیات انسانها وناموس زنها بخوانید ، ودعوت بفرمائید .»

بعد ازختام‌اینها اولخود خالده‌خانم کهنوادهٔ محمود پشاست پیش شده همهٔ جواهر های کهبسر وبر داشت مانند گوشوارهها انگشتر ، چوری ، ساعت ، زنجیرکه همهالماس‌ وطلا قیمتدار بود بنام اعانهٔ مدافعهٔ ملیه بنداخت . بعد ازان همه خانمهای که موجود بودند به انداختن جواهرات و وجه نقدی در صندوقهای اعانهٔ ملیه آغاز نهادند . نه عدد صندوقچه های اعانهٔ مدافعهٔ ملیه‌باین تبرعات جوانمردانه طایفهٔ محترمهٔ زنان لبالب ومملو گردید . غیرازان سه‌عدد صندوقچهٔ اعانهٔ هلال‌احمر نیزبنام اعانهٔ مدافعهٔ ملیه پرمملوشد . الحق که این همت وجوانمردی نسوان عثمانی در صحیفه های تاریخ حماست شان به حرفهای طلا نوشتن لایق وسزاوار است کثرالله امثالهن .

(مکتوب)

(یکدوست ما از پشاور مینویسد)

درباب کیفیت حالات سرحدی چه‌نویسم که چه چیزهاست ، بدانتظامی وخطر بحدی رسیده‌است که بمحرر نگنجد . قریباً از یکماه هیچ شبی نیست که درشهر پشاور ، ودورویش شهرازدا که

وازقتل وغارت خلاصی باشد . شب‌یکشنبهٔ گذشته مورخهٔ ۲۱ ربیع‌الاول بعمل دوازده‌بجه که وقت آمدن ریل عربان میباشد باستیشن پشاور مقدار سی‌نفر افغانان مسلح تاخت آوردند مأمورین وبابوهای که دراستیشن بودند بمعه‌سپاهیان پولیس محافظ همه را بستند و هرقدر روپیه و تکتهای ریل که دراستیشن موجود بودند همه‌را گرفته روبراه خود آوردند لاکن کسی آنهارا گرفته نتوانست . شب‌دوم بعمل ۱۱ بجهٔ‌شب که هنوز همه بازارها بازبودند به محلهٔ که آنرا (سرآسیا) میگویند و متصل بچهاونی ـ یعنی عسکرگاه میباشد ، وتهانه‌نیز درانجا موجوداست افغانان بجمعیت پنجاه‌شصت‌نفر باتفنگ وشمشیرمسلحاً هجوم آوردند وخانه های مردم محله را تاراج کردند . دونفر را زخمی ویکی را مقتول‌نموده وقریب پنجاه شصت هزار روپیه را نقدوجنس بدست آورده روبراه خود آوردند . جای تعجب اینست که این طایفه قریب‌سه‌چهار ساعت درشهر تاراج نمودند لاکن ازطرف حکومت انگلیز هیچکس بمحل واقعه نرسید . شب‌سوم بعمل ۹ بجهٔ‌شب به استیشن (خیرآباد) ظاهر شدند . استیشن ماستر وبابوها رابستند وتلگراف را قطع‌نموده وروپیه وتکتهارا گرفتند . وازاستیشن برآمده بخانهٔ استیشن ماستردر آمدند ، وازانجا نیزقریب ده ۱۰ هزار روپیه را نقدوجنس بردند . وازانجا برتهانهٔ عسکری هجوم برده ۶ عدد تفنگ را نیز از سپاهیان آنجا دربودند . اگرچه چهاونی نزدیک بودولی هیچکس بامداد نرسید . شب‌چهارم برقصبهٔ (کوهات) تاختند همه‌دکانهارا تاراج ویغمانمودند ، تنهاسه دکان ازچنگ شان رهائی یافت . شب‌پنجم باستیشن (اکوره) افتادند . همه‌بابوها رابسته هرچه که یافتند بردند . شب‌ششم که عبارت ازدیشب باشد نیزبه سرآسیا به ارادهٔ‌چپاو کردن‌خانهٔ غلام‌صمدانی تهیکه‌دار که درپشاور از جملهٔ دولتمندان کلان شمرده میشود قریباً صدنفر مسلح بعمل‌یک‌بجه که خودمنهم در آنوقت بیدار بودم وآوازتفنگ شانرا میشنیدم حمله آوردند . چون پیشترازان خبرها درینباب‌خبر داده بودند عسکر آماده شده ومقابلهٔ شدیدی بوقوع آمده کاری ازپیش‌برده نتوانستند . اینست احوال پشاور . ([illegible])

(مکتوب یک سیاح افغانی)

از مصر

(ای فاضل محترم)

مدت ۹ سال میشود که این فقیر در ملک عربستان سکونت دارم . چارسال درملک شام‌شریف درنفس دمشق بودم . درینقدر مدت‌بجز یک‌دکان قصابی که گوشت گاو میفروخت دیگرهیچ دکان قصابی را ندیدم که گوشت گاو فروشد . آن‌دکان هم در(سوق‌خیل) نام‌بازار بود که بجز مردم نصارا ویهود هیچ مسلمان شامی یاترك یاغیره را ندیدم که از دکان آن‌قصاب گوشت گاو ببرد . یا بخورد . بقدر دوسال مدت‌درآناطول واسلامبول گردش کردم . درآنجاها نیز گوشت‌گاو خوری‌را مخصوص یهودونصارا دیدم . وازمسلمانها همان مردمانی که آلا فرنگه تر واوروپائی مشرب تربودند بگوشت گاو میل میکردند . مدتی در مصر ماندم . درین چنین شهر عظیم‌الشان که‌دوازده لك‌نفوس دارد بجز چاریا پنج دکانهای قصاب گاو‌راندیدم که آنهم مخصوص مردمان نصاراویهود است . درین ۹ سال ندیدم که درین صفحات یك مسلمان یکبار گوشت گاوخریده باشد . اگرچه دروطن عزیزم افغانستان گوشت گاو خورده میشود ولی در آنجا نیز ندیدم که‌کسی گاو تندرست توانا که‌لایق قولبه‌رانی باشد بکشد . کدام گاوی که‌بسیار بیکارباشد ویا بیمار شده باشد ، ویا کدام گاو سالهٔ که مادرش مرده باشد ونگهبانیٔ آن برای صاحبش دشوار باشد آنرا میکشند وگوشت آنرا نیزهمان مردم‌بسیار غریبه وفقیر میخورند . ولی مردم بزرگان وتوانگران کاهی‌گوشت گاورا نمیخورند . اگرچه‌ایرانرا ندیده‌ام ولی چون بنازك طبیعی ولطف مشربیٔ شان دیده شود آنهانیز گوشت گاورا نمیخورند . مسلمانان ترکستان نیزیکقلم از گوشت گاو بیزارند . حالآنکه در اوروپا قضیه بالعکس است . درانجا علی‌الخصوص درپیش مردمان انگلیز بهترین گوشتها وقویترین شان گوشت گاواست . هرقدر دکان‌قصابیٔ که‌دیده شودبهمه حالدران یك‌گاوی دوگاوی رابقلاب قصابی آویخته می‌بینیم .

درین‌مسئلهٔ گوشت گاو من ازوقتی بغوروتدقیق کردن مجبور شدم که‌پادشاه مقدس ومهربان‌ما اعلیحضرت (سراج‌الملة‌والدین) بهندوستان تشریف آورده بودند . و درباب تبدیل دادن قربانی گاورا به‌گوسفند وامثال آن‌همان نطق بسیار پر معانی ونکات را بیان فرموده بودند . وبعضی ازمتعصبین دراخبارها برین بیانات متبوع مقدس‌ما خورده‌گیری کرده بودند . اینست که‌من‌ازان وقت چشم غور وتدقیق‌را باین مسئلهٔ گوشت گاوباز کرده دیدم که‌درین صفحات ممالك‌اسلامیه درمیان مسلمانان خوردن گوشت گاوهیچ رواج ندارد . لهذا بابعضی مردمان دانشمند وعالی که برخورده‌ام درینخصوص سوال وجواب کرده‌ام . ازجمله درین اوقات بابعضی از علما وارباب فن در یك مجلسی راست آمده .

درینخصوص سوال کردم یکی از علمای‌مصر درینباب یك حدیث نقل فرمود که‌بسبب غلطی پیش نشدن لفظاً آنرا نوشته نمیتوانم ولی مآلاً آنرا مینویسم . مفاد آن حدیث شریف چنین است گوشت گاوداء ـ یعنی مرض ـ است ، روغنش دواست ، وشیرش شفاست .) عرض کردم که‌در ممالك هندستان خود بگوش خود شنیده‌ام که قربانیٔ گاو وخوردن گوشتش را از دیگر حیوانات افضلتر میدانند . فرمودند که اینمسئله در هندستان ازسبب بعضی تعصب که‌از زمانهای پیش بجهت رقابت ومنافرت ازطایفهٔ هندو موجود بود پیش آمده و گرنه یك چیز مذهبی ودینی نیست . درانوقتهای پیش علمای اسلام هندستان ، وبرهمنهای هندو دیگر

کاری نداشتند مگر کاین دو گروه را از همدیگر تنفر بدهند. ولی درینوقت سیاست اسلامیه چنین اقتضا نمیکند که در مسایل بسیار جزئیهٔ فرعیه اختلافات و تفرقه های عظیمهٔ بشریت را برپا کنند. چنانچه پادشاه معظم شما ازهمین نکترا ملاحظه فرموده آن اتفق و حکم مهم را در هندستان اجرا فرمودند. و هم چه حاجت: آیا دین اسلام از عرب بدیگر طرفها انتشار نموده یا برخلاف آن؟ گفتم: از عرب و عربستان. فرمودند که آن کدام مسئله دینی خواهد بود که ما آنرا ندانیم. و دیگران بدانند؟

این است شنیدنهایی که از علما و سادات کرام اینطرفها شنیده ام. و برای آن فاضل محترم و ادیب مکرم نوشتم. اگر راست عرض کنم این سخنان مرا ازیک اندیشه و سودای بسیار بزرگی رهایی داد. و چون این سخنان شنیدنی را با دیدنیهای خود تطبیق نمودم (صدق رسول الله ص) گفته بمرض بودن گوشت گاو هیچ شبهٔ برایم نماند. زیرا در مدتی که بهندستان مانده بودم میدیدم که هر مریضی که بنزدیکی از طبیبهای مسلمان هندستان میرفتند اول چیزی که مریض را سفارش میکردند از خوردن گوشت گاو منع میفرمودند و هر دوایی که میدادند اکثر آنرا سفارش میکردند که با مسکهٔ ماده گاو یا شیر آن خورده شود. دیگر اینکه خواه حدیث شریفیکه دربالا مذکور گردید برای گوشت گاو صحیح و سالم و تندرست و توانا میباشد. حالانکه در ممالک شرق چون نظر کرده شود امور قولبه رانی و زراعت را کاملاً بگاو میبینیم. و بروغن خوری نیز آنهارا زیاده تر مایل می یابیم که استحصال روغن نیز از گاو میشود. لهذا گاو را اکثر برای این منفعتها نگاه میدارند و تربیه میکنند که این منافع آن از منفعت و راس مضرت گوشت آن بارها افزونتر است. و ازین سبب هیچیک صاحب گاوی بهیچصورت بدان راضی نمیشود که گاو تندرست و سالم خود را ذبح کند. مگر که آن گاو ناجور و مریض شود. پس تصور فرمائید که گوشت آنچنان گاو از نقطهٔ نظر طب تا چه درجه مهلک و مضر است.

هزار افسوس که ما مسلمانان بشرب خمر، و ربا و زنا و بیخ کنی همدیگر خود بکمال جرأت اقدام میورزیم. و برای یک مسئلهٔ جزوئی قربانی گاو که در حقیقت بجز مضرت دیگر هیچ منفعتی ندارد در هر سال منازعه ها و خونریزی ها با هموطنان خود برمی انگیزیم. و در مابین خودمان تخمهای عداوت و دشمنی را بر چنین مسئلهٔ مضره در مزرعهٔ دلهای خود میکاریم.

حالا دست بدعا افراشته از درگاه قدیم لایزال نیاز کنیم که الهی این پادشاه مقدس دیانت و سیاست شناس ما را که پادشاهی و رهنمائی ما مسلمانان مشرق زمین را بهاو سپرده تا سالهای بیشماری سایبان سرما بداری. و ما را پیرو و پایدار خیر خواهیها. و رهنمائیهای عدالت و مرحمتش داری. خدایا تخت و بخت اعلیحضرت سراج الملة والدین را دایم و قایم سازی آمین ثم آمین.

(یک سیاح افغانی)

مقالهٔ مخصوصه

چیست؟ — چرا؟

در بعضی چیز های دائرهٔ پهنای کائنات چون اندیشه دوانیم از چیزی چیز ها، و از حرف کلمه ها، و از کلمهٔ کتابها میخوانیم که در هر نقطهٔ یک سطر یک کتاب آن سالها درمانیم. از جملهٔ آن کلمه ها یکی کلمهٔ استفهامیهٔ (چرا؟) و (چیست؟) میباشد که همهٔ حسیات تجسس و تفحص و تفقد انسانی در همین دو کلمه مضمر و مستتر گردیده است. از چیز های معلومی که بنا بر آن انسانرا بر بسی چیز های مجهول رهبری میکند یکی همین حس تجسس و تفقد است. انسان برای دانستن و واقف شدن بر چیز هایی که آنرا نمیداند فطرتاً یک میل طبیعی دارد. در پیش هر چیزی که به آن پی نمیبرد (آیا این چیست؟) گفته حیران میماند. و (آنچرا؟) گفته در باب معلوم کردن آن مجهول مضطرب و نا آرام میشود. فطرتی بودن این احوال انسان تا از زمان طفولیت شان پدیدار میگردد. هر قطی و هر صندوقچه، و هر اسباب بازی که بدست شان می افتد بجانیک حس تفحص و تفقدی به آن میبینند که آن حس شان از هر سوی شان آشکار میگردد. و تا آن چیز را باز نکنند. و عرابه ها و کدیهای بازیهای خود شانرا نشکنند. و درون آنها را نه بینند راحت نمیگیرند. و چون بقدری بزرگ شوند در پیش هر کس که میرسند از بسیار سوالهای چیست؟ و چرا؟ مخاطب خود را بعذاب میکنند. و در هر جایی که یک دو نفر را برای دیدن یک چیزی ایستاده ببینند همانندم به آنسو میدوند. این است یک چند مثال عادی حس تفحص و جستجو که بیان کردید.

پس اگر نردبان عروج همه علمها و فنها، و دانشها، و معرفتها همین که چیست؟ و چرا؟ باشد جادارد. اسم مصدر (آموختن) اگر از ضمیر مایهٔ چیست و چرا بوجود آمده باشد هیچ کس آنرا رد کرده نمیتواند. آرزو و خواهش آموختن در مدنیت بشر به یک مؤثر و محرک عظیمی میباشد که تأثیرات و تحریکات آن اس اساس مدنیت را که عبارت از علمها و فنها و دانشها باشد وضع میکند.

دانش، از آموزش بوجود می آید. حس تجسس و تفقد ـ مبدا از کلمهٔ چیست و چرا است ـ انسانرا به آموزش رهبری میکند. چیست؟ و چرا؟ گفته انسان چیزهای را که نمیداند می آموزد. و چون از مجهول به معلوم برد ـ یعنی چیزی راکه نمیدانست دانست ـ بیک نشئهٔ سرور و سرمست نشاط میگردد.

یکی از حکما در کیفیت ظهور (باد) بعرض چیست؟ و چرا؟

گرفتار آمده بود . در حمام آنرا از اختلاط هوای گرم بهوای سرد پیدا کرد . آنقدر سرمست نشهٔ سرور گردید که برهنه بودن خودرا فراموش کرده ، و « یافتم ! یافتم ! » گفته از حمام به‌بیرون برجهیده است . تنها نه آن حکیم ، بلکه هر ریاضی شناس متفکری که یک مسئلهٔ ریاضی را حل کند ، و هر کیمیاگری که یک مادهٔ کیمیوی را کشف نماید ، و هر حکمت‌شناسی که یک قانون جدید طبیعی را پیدا کند ، و هر سیاحی که یک جزیره یا یک قطعهٔ نوزمین را در نقشهٔ روی زمین علاوه سازد و الحاصل هر مدقق و محقق که یک مجهولی را معلوم کند بهمین نشهٔ سرور ، مست نشاط وجود میشود .

اینست که علمها و فنها و دانشها همه‌گی از همین آرزو و خواهش آگاهی و وقوف حاصل میشود . انسان از آغاز خلقت خود بهمین حس تفقد و تفحص چیست وچرا ؟ مفطور شده است . و هر روز یک ذره از مجهولات بی‌حدوبی‌نهایی که اطراف و اکناف اورا احاطه داشته است فتح و کشف نموده بر مکشوفات روز پیشینهٔ خود افزوده‌اند . واین دانشهای کوچک روزمره درظرف هزاران سالها جمع آمده ، و با یکدیگر خودشان معاونت کرده در وقت حاضر بیک مقدار عظیمهٔ بالغ شده است . آنچنان بیک مقدار عظیمی که حوصلهٔ ذهن یک شخص از گنجانیدن همهٔ آن اظهار عجز میکند . و از آن رو بهزاران صنفها ، و هر صنف بهزاران شعبه‌ها ، و هر شعبه بهزاران قسمها تفریق و تقسیم یافته است که اختصاص یافتن بیک قسمی از اقسام آن و مهارت پیدا کردن بیکی از ابواب آن نیز خیلی مشکل و زحمت آور یک امریست .

حالا بینیم که این دو کلمهٔ چیست ؟ وچرا ؟ ما را تا بکجاها پرواز میدهد ! همهٔ (فن) را از همین جستجوی کلمهٔ چیست ؟ وچرا ؟ پیدا می‌بینیم که رفته رفته ما را به (فلسفه) میکشد . ببینید که فلسفه چیست وازچه بحث میراند ؟ :

(فلسفه — فیلسوف)

تا بحال چون کلمهٔ (فلسفه) در صحایف سراج‌الاخبار افغانیه سرلوحهٔ عنوان نشده البته که بعضی از قارئین کرام ما از دیدن این عنوان (چیست ؟) گفته بجستجو و تفقد معنی و مفادآن خواهند افتاد . بعضی که فلسفه ، وفلسفی ، وفیلسوف را از دیگر نقطه نظر شناخته‌اند از کلمهٔ عنوان (فلسفه) اشمئزاز و تنافری حاصل کرده از مطالعهٔ آن رو گردان خواهند شد . ولی اگر قاعدهٔ (العلم بشیء ، ولا الجهل به) را پیش نهاد خود ساخته ، و (خذ ما صفا ودع ما کدر) گفته بمطالعهٔ این مقالهٔ عاجزانهٔ ما که از تتبع بعضی آثار مهمه بقلم گرفته شده تنزل فرمایند درباب (فلسفه) که بعد ازین نیز در صحایف اخبار ما گاه گاهی بنظر خوانندگان کرام جلوه‌گر خواهد شد یک فکر اجمالی حاصل خواهند فرمود .

فلسفه را بعضی بمعنی (حکمت) وفیلسوف را بمعنی (محب حکمت) تعبیر کرده‌اند . وحکمت را جامع همهٔ علوم وفنون گفته‌اند . حالانکه اگر این چنین باشد پیدا شدن فیلسوف در عالم یک چیز مفقود و ناپیدا میماند . زیرا آنچنان یک مغزی که همهٔ علوم وفنون عالم را در خود بگنجاند از نوادرات کالمعدوم شمرده میشود . بعضی فلسفه را کتاب کائنات ، وفیلسوف را مطالعه کنندهٔ آن کتاب قرار داده‌اند . حالانکه این کتاب در پیش چشم هرکس باز است وهرکس از آن مطالعه واستفاده میتواند که به این حساب هرکس فیلسوف است . بلی هرکس فیلسوف است ! ولی فیلسوف مانند هرکس نیست . فیلسوف ، به تعبیر دیگر حکیم ، کتاب کائنات را مطالعه میکند . ولی در پیش هر نقطهٔ آن خود را مسئول — یعنی در زیر باز خواست — می پندارد . فلسفه را دانش ، وفیلسوف را دانا نیز میگویند . بلی ، فیلسوف داناست ! ولی دانش او ، دانش عامیانه نیست .

همهٔ دانشهای انسانها بسه شکل وصورت دیده میشود : یکی دانش عامیانه دیگری دانش فن ، سوم دانش فلسفه . دانش عامیانه همان دانشهانیست که یگانگی و توحید نکرده باشند . یعنی به جداجدا چیزها منحصر مانده باشد وبدرجهٔ آگاهی بوجود ووقوع آن چیزها قناعت کرده باشد . وهیچگونه چیست ؟ وچرا ؟ در آن نشده باشد . مثلا باران میبارد ، فلان کوه آتشفشان به آتشفشانی آغاز کرده است روح موجود است . اما بهمین قدر معلومات ودانش باقیمانده چرا ؟ وچیست ؟ آنرا تدقیق وغور نمیکند . دانش فن این است که با کلید های چیست ؟ وچرا ؟ هرگونه قفلهای سببها وعلتهای هر چیزرا کشوده حقایق ثابتهٔ آنرا ببیند وبداند . وآن حقیقتها تکیه گاه یکدیگر شده همدیگر خودرا واضح وروشن سازند . وباهمدیگر متسلسل ومرتبط گشته یکانگی وتوحید دانشهارا بوجود بیارند . دانش فلسفه آنست که آخر ترین سببها وعلتهای اشیارا جستجو کند . فلسفه دانش را از جایی آغاز میکند که فن در آنجا وظیفهٔ خودرا به‌انجام رساند . یعنی فلسفه از قواعد اصلیه واساسهای نهائیهٔ شعبه های فنون مختلفه بحث میراند مقصد آن پی بردن به علت غائی میباشد . لهذا فلسفه جامع همه علوم گفته نمیشود بلکه علم اساسهائیست که قواعد اصلیهٔ آن علوم به آن اساسها تابع است . هر علم وفن اسباب وعلل نزدیک اشیارا (چیست ؟ وچرا ؟) گفته تفحص وجستجو میکند . وعلم فلسفه آنست که دورترین وعلویترین وآخرترین سببها وعلتهای اشیارا درمعرض میدان (چیست ؟ وچرا ؟) می اندازد . واز علت بمعلول ، واز دلیل به مدلول واز سبب بمسبب رهبری میکند که از ین حیثیت تابکدرجه علویت وعظمت فلسفه را قدر شناسان عالم علم وفن تقدیر خواهند فرمود .

دانش عامیانه بباریدن باران ، وروئیدن سبزه وغیره از آن منحصر میماند . فن ، اسباب وعلل باران را جستجو کرده حقایق

ثابتهٔ آنرا بمیدان مینهد . فلسفه ، اساس وعلت غائی قوت عظیمهٔ مدبر آنرا جستجو میکند که اگر ازانجمین علم بسیار عالی که گاهی بعضی مباحث در صحایف سراج الاخبار افغانیه بنظر مطالعه کنند کان محترم تصادف نماید جاءعجبی خواهد داشت !

حالا برهمین قدریک مجمل از تفصیل فلسفه برای نشاندادن موضوع این علم اکتفا میورزیم ، ودر آینده انشاء الله بعضی مقاله های نافع ومفیدی از فلسفه درج خواهیم نمود .

پل درنته

ای رهگذر بجانب این پل نظر خوشست
گردی گر از حقیقت حالش خبر خوشست
ای رهگذر نظارهٔ این پل غنیمت است
این رهگذر برایت ازین رهگذر خوشست
رهرو دمی ببین و ازین پل گذر مکن
هرچند گفته‌اند که از پل گذر خوشست
زنهار همچو آب روان نگذری ازو
بروی دمی درنگ نمائی اگر خوشست
ایدل برای دیدن این پل ازین وطن
گر طالع اتفاق نماید سفر خوشست
محکم (پل درنته) که سدیست آهنین
بستن برای دیدن این پل کمر خوشست
چون او زبحر کاش گذشتی بیکقدم
یعنی گذر زبحر چنین بیخطر خوشست

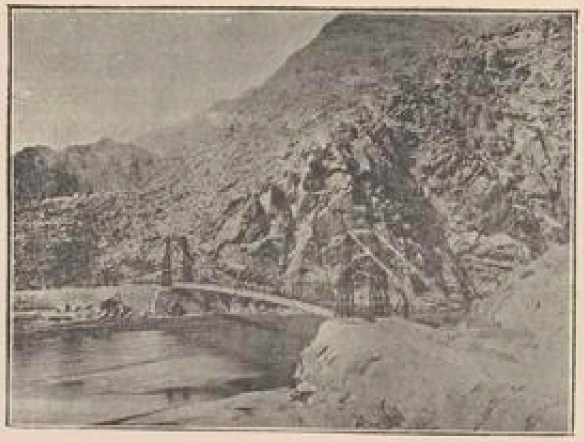

ترقی پرورهای اعلیحضرت همایونی

(پل مهابت هیکل معلق درنته که ازمعظمات آثار برحسنات عصر سراجیه شمرده میشود طول این پل که ازرقم ۰ سی ۰ بن)
(شش برج میباشد ۳۰۶) فوت عرض سطح آن (۱۰) فوت است . همه پل از آهن میباشد تفصیلاتش درشمارهٔ ۸ سال اول)

گردند بر دو پایهٔ آهن قرار او
باری باین قرار کمال بشر خوشست
سر تا بپای اوست ز آهن چگونست
سر تا بپای این پل و پا تا بسر خوشست
این سد آهنین که بنا کرد بر هوا
اسکندر زمانه کزو این اثر خوشست
یعنی سراج ملت و دین آفتاب ملک
شاهی که هرچه آید ازو سربسر خوشست
بر کرده این بنای معلق بروی بحر
گر خوانش یگانه شه بحر و بر خوشست
پیوسته تیغ ملک ستانش بکف نکوست
همواره تاج مهرنشانش بسر خوشست
ایدل ثنای او نتوانی یک از هزار
ذکر دعای اوست که شام و سحر خوشست
یارب که باد طول جهانگیریش نصیب
ملکش وسیع بیشتر ازبیشتر خوشست
در وصف پل به بحر نکو کردهٔ سخن
این شعر آبدار تو کردن زبر خوشست
نظمت چو نثر دلکش جان پرور مدیر
باری بلوح سیم نوشتن بزر خوشست
ایدل چو زلف یار مطول شد این بیان
کوته کنم سخن که سخن مختصر خوشست
در مدح شهریار ز طبع روان تو
مستغنیا شنیدن این شعر تر خوشست

(مقالات فنیه)

(حکمت طبیعیه)

(فن)

(مته اورلوژی)

(باد)

(مابعد از شمارهٔ ۱۳)

وکذالك درسنهٔ (۱۸۲۵) درجوار (غوادلوپ) نام‌محل یك صیقلون بسیار مدهش‌دیگر نیزظهور نموده‌است که‌در لنگرگاه محل مذکور بسیاری ازکشتیهای اهنین لنگر شده را ازمیان آب بهوا کرده بخشکی انداخته است .

یکی ازقبودانهای وابورهای مذکور کهزنده‌خلاص شده‌بود روایت میکند که آفت مذکور کشتی مرا از لنگرگاه بهوا برداشته بعد ازانکه در هوا پارچه پارچه کرد آیدش ازساحل مسافهٔ دومیل‌دورتر انداخته است .

اگرچه از قبیل اینچنین خرابیهای مدهش آفت صیقلون بسیاراست ولی ما در اینجا بهمین دو مثال اکتفا ورزیدیم .

مدت ظهور صیقلون در بحر محیط هندی ازتشرین ثانی تاماه حزیران است اما در ماههای کانون ثانی و مارت زیاده‌تر حاصل میشود . در کورفز (بنگاله) اکثر در تشرین اول وثانی وگاهی درمایس نیزظهور میکند . دربحر چین بلای مذکور که دران سمتها بهاسم (تیفون) موسوم میشود از تموز تابه تشرین اول وقوع مییابد .

در بلاد (افرقا) تورناد نام یك بادمدهش دیگری نیزهست که اگرچه ازقبیل آفت صیقلون معدود میشود ولی بمناسبت عدم وسعت ودوامش همچون آفت صیقلون مدهش ومهلك نمیشود .

(ازمناظر شکارگاهها)

ذات اعلیحضرت همایونی درشکار جنگل جلال‌آباد برای ادای فریضهٔ صلواة ازفیل فرومی آیند بمعیت اعلیحضرت
(شاهانه ایشیك‌آقاسیٔ نظامی جناب محمد سلیمانخان شرفیاب میباشد)

و الحاصل از جملهٔ اقسام بادها مدهشترین ومخوفترین همه باد صیقلونست .

اینست خلاصهٔ اقسام واسامی بادها . حالاشمهٔ نیزاز خصوصات متفرقهٔ سائرهٔ بادها بیان کرده ختم کلام میکنیم .

جهات ورود بادها در اصطلاح بحریون

درمیان وابورها یك‌آلتی موجود میباشد که آنرا (پوصله) مینامند . این پوصله دو گونه است که یکی برای معلوم نمودن جهات ورهنمائی وابورها استعمال میشود کهمبحث آن‌تعلق‌بدیگر شعبات حکمت طبیعیه دارد . و دیگرش (پوصلهٔ بادنما) ست که برای معلوم نمودن جهات ورود باد ها مستعمل میشود .

پس جهات ورود بادهارا بحریون چنین تعریف میکنند : که در سطح کرهٔ ارض انسان برهر نقطه که بایستد آن نقطه مرکزافق حساب میشود که دائرهٔ مادار اورا از هر طرف احاطه کرده میباشد . این افق بنابر اقتضای فن (جغرافیا) وفن (پوصله) بر (چهار جهت اصلیه) که عبارت از شمال وجنوب وشرق وغرب باشد منقسم است . ومابین هر یکی ازجهات اربعهٔ اصلیه نیز برچهار جهت دیگر که عبارت از (جهات اربعهٔ متوسط) باشد تقسیم گردیده .

حالاازین هشت جهت هشت بادیکه دروزش آمد درنزد بحریون بادهای‌اولیه اعتبار شده بادشمالیرا (یلدز) وبادجنوبیرا (قبله) وباد شرقی را (شرق) وبادغربی را (باطی) وباد شمال شرقی را (پویراز) وبادجنوب شرقی را (کشیشلمه) وبادشمال غربی را (قره یل) وبادجنوب غربیرا (لودوس) نام نهاده‌اند.

وبازدر مابین این هشت جهت یك یك جهت دیگرنیز فرض کرده بادهای که ازانجهتها بوزد آنرا بنام (اورته) موسوم میکنند .

وچون جهات ورود بادهارا یکبار شانزده جهت تقسیم کردند بعد هامیانه‌های این شانزده را نیز یکیك جهت دیگر اعتبار کرده اسم اتر (کرته) مینهد پس مجموع جهات ورود بادها را سی و دو جهت اعتبار کرده ازانقرار احوال جهات بادهارا بخود معلوم میکنند !

(خاتمه)

اینستکه تابدینجا درخصوص [باد] معلوماتیکه بقارئین کرام عرضه نمودیم ازچند کتب ورسائل بسیار معتبر حکمیهٔ بزحمت بسیار ازلسان عثمانی بلسان فارسی ترجمه نمودیم . وازبرای استفادهٔ قارئین کرام تعب فکر . ومشقت ذهن خودرا که درراه تحریر وتقریر وترجمهٔ وتطبیق آن اجرانموده‌ایم هموار ساختیم . وامیدواریم که درخصوص کیفیت باددرمنتج کتب حکمای جدید ازین واضحتر وبیشتر معلومات حاصل نشود .

امااین یکرا نیزعرض کنیم که هریك ازفنون عالیه درحالتیکه به بعضی صنایع معاونت میرسانیدند . فن متهاورلوژی نیزتابحال تنها بریك معاونت صنعت کشتیبانی منحصرمانده بود اما بعدازانکه کشت وکذارسیاحت روی هوا بواسطهٔ [بالون] مراتسانهای ایتزمار مکشوف کردید ارباب بالون ، یاانکه [سیاحان روی هوا] راازهمه زیاده تر همین فن متهاورلوژی وعلی الخصوص شعبهٔ [احوال بادها] خیلی معاونت میرساند وموفقیت کوناکون دراستقبال وعده میدهد که این کیفیت را مادر آینده انشاءالله شرح وبسط بسیاری درتحت عنوان [بالون] میتکاریم حالاازاحوال باد بهمینقدر سخن اکتفاورزیده ختم کلام میکنیم وانشاءالله درخصوصات سائرهٔ حکمت طبیعیه ومتهاورلوژیه نیزدرمحال مناسب سخنها خواهیم راند واللّه اعلم بالصواب

انتها

ازحوادثات طبیعیه وجغرافیای طبیعی
ورسالهٔ قرقانیار بالترجمه والتطبیق
به‌تحریر آمده است

ادبیات

چار بیتی

در موسمهای اول بهار که دامانهای کهسار لاله‌زار ، وتپه‌ها سبزه زار میگردد ، مردمان شهر عزیز ما که چار ماه را در زیر صندلیها از دست برد سرما به افسرده کی بسر می‌آوردند دفعةً مانند مرغان در قفس مانده پر وبال بکشایند بر کوه‌های خواجه صفا و آسامای ، وتپه های مرنجان وبی‌بی ماهرو برامده هواهای تازهٔ وطن را فرو می‌برند ، وبر سبزه زارها می جهند ، وبپای درختان ارغوان می غلطند ، وآبهای خوشگوار چشمه سارهارا مینوشند ، و گلهای شکوفه را میبویند ، وبر نعمت آزادی واستقلال وطن خود شکرانه هائی می سرایند .

بعضی خوش آواز های کوچك وبزرك وطن نوا ، بهنغمه های حجازی ادای صفا های بُصدا ، به آهنك های مخالف راستی بیا ، مانند باربد نهاوندی مأوا درهردو که بیکاه وصبا بلکه در هرروز سه گاهُ وچهار گاه ، در مقامهای لطیفتر ازنسیم صبا ، بقانون محبت وطن باصفا ، چنك اتحاد وامتزاج را به بربط دلها زده وبشهناز شهنازیٔ صدق وصفا رباب وداد را نواخته (چار بیتی) نام نشیده های عاشقانهٔ را می سرایند که این چار بیتی ها در اصل مرکب از چار مصرع است ولی چار بیتی زبا زد شده است برای نمونه یك دو چار بیتیٔ وطن خود مارا درینجا لطیفة عرض میکنیم :

مسلمانان به بپنید شب چه وقتست
که بلبل مست و شیدای درخت است
که بلبل می برد شاخی بشاخی
جدائی مادر و فرزند چه سخت است

دیگر

مسلمانان درین شهر شمایم
غریبو بیکس و بی آشنایم
چلم پر کن بده بهر مسافر
که امشب اینجاو فردا کجایم

یك صباح پر انشراح لطیفی بود . خواستم یکقدری صحرایی شوم . بانسیم صبحدم همدم شده راه دامانرا گرفتم . دامان مرا بچمنزاری رسانید که از یکطرف کهسار . از یکسو آبشار ازدیگر جهت چمنزار . از دیگر طرف درختان شکوفه باری پدیدار بود .

آسمان صاف ، هوا لطافت اوصاف بود . نوکهای اشجار بلند چنار سفیدارا که نفس صبحدم فصل ربیعی یك رنگ

پسته‌ئی دلفریبی مزین ساخته ، بود قلم زرین رقم شعاعات شمس خاوری تو به طلاکاری ابتدا نموده بود ! غنچه های شکوفه ها مانند دهنهای اطفال شیرخوارهٔ خوابرفته مینمود که برای مکیدن شیر ضیای حیات بخشای دایهٔ زندگی مایهٔ آفتاب جهانتاب اول به اول به باز شدن رخ نهاده بود ! سبزه های نورستهٔ کنار جویبار آنقدر بطراوت بود ، وچنان یك رنك سراسر اطلاقی داشت که جویبار نیز بران لطافت حیران مانده ، وآب خودرا به آئینهٔ عکاسی تحویل داده متصل بگرفتن عکس آنها کوشش میورزید ! گلهـای خود روی لاله ، وخشی ، وخبازی وغیره رنگهای مختلفهٔ بسیار خوش قاش خود شان اطراف را مینا کاری عجیبی نموده بود ! قطره های شبنم روی گلها وسبزه هارا شعاعات شمس نو طلوع بهاری برنگهای بوقلمون جواهر نمون قوس قزحی ، چنان یك درخشنده گی بخشیده بود که پروانه های رنگارنگ ، ومرغکان کوچك خوش آهنك ، بیتابانه ومشتاقانه برآنها طوافهای عاشقانه مینمودند ، وبادههای ژاله را از پیالهای لاله بسر میکشیدند ، ومست نشاء وسرور گردیده نغمه سرای مدایح حضرت سلطان بهار میگردیدند !

درین موقع روح افزا در پی یك نو نهال یکه وتنها تك تنها نشستم ، ودر لوحه های مناظر مختلفهٔ طبیعت تصور بستم ، یکباره زمینی دیدم که ازیك آب آبیاری میشود ، وتابش شمس بیك سان بران میتابد ، هوای نسیمی بیك سان بران میوزد ، باغبان یك وتیره بران میکوشد ، ولی یك درخت سیب ، دیگری تاك ، آن یکی آلو ، آن دیگری آلوبالو بار میدهد ! بلی ، بلی ! قلم معجز رقم صنع صانع بیچون هیچ یك دو نقشی را بیك رنگ وهیچ یك دو صورتی را بیك اورنك نمیکشد ! مجدد امثال آن شاهد رنگ بیمثال ، از تمثیل دو تمثال را بیك مثال ناز استغنا دارد !

عظیم توئی ! جلیل توئی الله !!! ......

لحظهٔ در دریای استغراق غوطه خوار گرداب حیرت بودم که دفعة حال اسف اشتمال (عالم اسلام) در پیشگاه نظرم مصور گردیده ازان استغراق در ربود ودر یك بحر حسرت والمی غرقابم نمود . افکارهای چه بودیم ، وچه شدیمها ؟ وتصورهای آینده باید کرد ، وچه خواهد شدها ؟ حواس خمسه ام را درمحفظهٔ دماغم در زیر چنان تضییق وفشاری در آورد که مانند تضییق یافتن دیگهای بخار انجنها که ازیك مضیق نوله آسای صفیرها برارد :

آه اسلام !

کشته فغانها بر کشیدم ، عکس صدای ولوله انگیز حسرت انجام این چند (چار بیتی) ذیل را تشکیل نمود ، بیاد گار احباب گذاشتم :

— ۱ —

مسلمانان شما بیدار بودید　به بیداری جهانرا گرفتید
بعلم و صنعت عدل و مساوات　همه روی زمین احیا نمودید

۲

مسلمانان کجاشد اخوت تان　پریشان شد چرا جمعیت تان
شما بودید همچون جسم واحد　نفاق و تفرقه شد صنعت تان

۳

مسلمانان بیا بیدار گردیم　بکار خویشتن هشیار گردیم
بدوریش خودجشی کنانیم　زغفلتها بعبرت یار گردیم

فاجعه های پاریس

(مابعد از شماره (۱۳) سال دوم)

بلی ، یکی ازدوستان من شهرت واقتدار شمارا این مدح وثنا کرده است .

— ممنون ومتشکر شدم افندی من آیا نام آن ذات خیرخواه خودرا پرسیده میتوانم ؟

— آن ذات آرزو کرده که نامش گرفته نشود .

— چون چنینست منهم نمیپرسم . ذاتاً صنعت ما همچنین اقتضا میکند که ازاسرار مشتریهای خود چیزی نپرسیم . وازین است که الحمدلله تابحال هیچ بدی ندیده ام .

— بلی ازین خاصیت شما نیز معلومات دارم . حتی محض ازهمین سبب بشما مراجعت کرده ام .

— اگر لیاقت خودرا به ابراز امن واعتمادیکه درحق من پیدا کرده اید اثبات بتوانم خودرا خیلی بختیار میشمارم .

— منهم امید میکنم که اثبات بتوانید .

— چنان معلوم میشود که یك زاچهٔ داشته باشید !

— بلی ، همچنین یك چیزی ؟ آیا شما زنان شکم داری که میزایند درینجا باجرت میزائیدنی ؟

— بلی صاحب من ، همه به آنها بحسن صورت خدمت میکنم . یعنی اگر دقت واعتنای که درباب زاچه های خود بکار میبرم بعنوان (مادرانه) توصیف کنم جادارد .

— آیا اتاقهای مناسب دارید ؟

— مناسب هم بسخنست صاحب اتاقهای ما خیلی مکمل وهمه لوازمات راحت زاچه هارا جامعاست . درخصوص اداره خانهٔ ما باهمه اقران وامثال خود بصورت غالبانه رقابت میکند .

— آیا این اتاقها رادیده میتوانم ؟

— چرا دیده نمیتوانید ؟ بفرمائید که شمارا نشان بدهم .

مادام آنقو بیانطور مغرورانه درپیش روی مسافر خودافتاده

۴

مسلمانان زمین و کان و هم آب   شمارا هم عطا کرداست وهاب
چرا آندیگران زین نعمت حق   فوایدها گرفتند و شما خواب

۵

مسلمانان خدا باران ببارد   طلا و نقره هرگز حق نبارد
طلا و نقره و هم آهن و فحم   شمارا هست لیکن سود نارد

۶

مسلمانا اگر دنیا جحیم است   ز بهر کافران دار نعیم است
گزاریدش به آنها و بگوئید   طلا معبود کفار لئیم است

۷

مسلمانان اسف بر حال مایان   که بهر زر دهیم هر چیز ارزان
ولی گوئیم دنیا نیست از ما   بود مخصوص دیگر نوع حیوان

۸

مسلمانان شما قرآن بخوانید   به رحمن سر آن فرقان بدانید
که وارث کرد او مردان صالح   زمین را او چسان گفتار دانید

۹

مسلمانان عباد صالحین کیست   بغیر از مؤمن خالص دگر چیست
چسان اهل صلیب و بت پرستان   شود وارث شمارا غیرتی نیست

۱۰

مسلمانان بیاموزید عرفان   گذارید این همه بطلان و حرمان
میاسائید یک دم زود پوئید   بی عز و هنر تاچند و نادان

خاتمه از قول صایب

من نمیگویم زیان کن یا بفکر سود باش
ای ز فرصت بیخبر در هرچه هستی زود باش

د افغانان کابل فی ۱۵ ربیع الثانی سنه ۱۳۳۱

غزل

مچین گل ز گلزار بی اتفاق   بدل میخلد خار بی اتفاق
نیابی دگر روی اقبال هرگز   حذر کن ز ادبار بی اتفاق
خمار بدی دارد این می در آخر   مشو مست سرشار بی اتفاق
دلا برکن این نخل از باغ سینه   که حسرت بود بار بی اتفاق
ندارد بجز زهر دارو فروشش   مرو سوی بازار بی اتفاق
زیانست سودش حذر کن حذر کن   نگردی دکاندار بی اتفاق
ببین بوی رسوائی آید ز مشکش   چه خواهی ز عطار بی اتفاق
هلاک آیدش مور چون پر برآرد   نگردی هوادار بی اتفاق
ندادش هیچ افسونگر افسون   چگویم من از مار بی اتفاق
غرور و غم و افسوس و درد و خجالت   بود حاصل کار بی اتفاق
حسد کینه و حقد و بغض و عداوت   تمامیست آثار بی اتفاق
ایا اهل اسلام و دین اتفاق   مسلمان و اظهار بی اتفاق
مسلمان و بی اتفاق چه لازم   مسلمان و اطوار بی اتفاق
خمش کن خموش آمستقیا اکنون   چه حاصل ز گفتار بی اتفاق
دلم سوخت بس کن آتش زبانی   مگو دیگر اشعار بی اتفاق

* * *

اورا در یکی از اطاقهای کوچک از این حالوشان ناز وصف شده بود داخل نمود .

مادام آلفو در حالیکه منتظر این بود که موسیو اطاقرا خیلی موافق یافته اظهار ممنونیت نماید موسیو گفت :

— وای ! اینهم اطاقست ؟ در چنین اطاق آیا کدام زاینده خوابانیده میشود ؟

— (لبهای خودرا زیر دندان گرفته) بسیار مشکلپسند معلوم میشوید صاحب .

— مشکلپسندی برای من نیست . من اگر از این بدتر اطاق هم باشد دران اقامت کرده میتوانم . اما از اینجا که بدست اهتمام شما آنرا تسلیم کردن میخواهم ببینکه درجاها وخوابگاههای بسیار مکلف عمر گذرانیده اینچنین اطاقرا طویله میشمارد . دیگر اینکه من چون از آن آدمانی نیستم که از مصرف پیسه چندان اندیشه کنم ازانرو بمقابل پیسه ئیکه میدهم جز خوب ومناسب میخواهم .

مادرم در چشمهای مادام آلفو از شنیدن موسیو شملهٔ حرص وطمع درخشیدن گرفته گفت :

— حالا خواهید دانست که من چسان یک زنی هستم صاحب من بفرمائید . برای خشنود ساختن شخصی که می خواهید بیارید اطاق مخصوصهٔ خودم را تخصیص میکنم . که شما هم بلا شبهه آنرا خواهید پسندید .

اطاق مخصوصهٔ خود مادام آلفو نیز مانند سالون آن مفروش شده یک اطاق بود . و چون ازان بهتر اطاق در خانهٔ مادام آلفو امکان وجود نداشت اکتفا کردن به آن یک امر مجبوری مینمود .

مادام آلفو بیکونهٔ غالبانه گفت :

— چسان ؟ آیا درین اطاق هم چیزی که گفتگوی دارید صاحب من ؟

— بسیار خوب ! این اطاق را میگیرم . آیا میتوانم که بدانم که دریناب چه شرایطیان میکنید ؟

— آیا چه زدن وکوتاه کردن میخواهید ؟

باقی دارد

ناموران زنان جهان

(مابعد از شماره (۱۳) سال دوم)

فرستاد که (آقابیگی) را بیارد . مشار الیها چون زن عاقله بود و میدانست که قره یوسف دشمن خاندان اوست با غلامان خود مسلح شده ترکانها را بگرفت و سر های شانرا بریده نزد میرزا (شاهرخ) فرستاد. شاهرخ تشکر نامهٔ به آقا بیگی نوشته در عنوان این شعر عربی را نگاشته است :

ولو کان النساء بمثل آغا   لفضلت النساء علی الرجال

یعنی اگر همه زنها مثل آقابیگی میبودند بهمه حال زنانرا بر مردان افضلتر میدانستم .

آقابیگم : ــ از زنان ادیبهٔ (هرات) میباشد که صاحبهٔ طبع موزونی بوده است . این شعر ازوست :

آه ازان دامی که دارد رشتهٔ جان تاب ازو
وای ازان لعل که هردم میخورم خوناب ازو

آی ملك : ــ دختر ابراهیم بن خلیل بن محمود و همشیرهٔ شیخ جمال الدین شرعیست که محدثه و همعصر محدث مشهور (ابن حجر عسقلانی) بوده . وباابن حجر ملاقات ومحادثه نموده در تاریخ ۸۱۵ هجری وفات یافته است .

(حرف الف مقصوره)

ابسال : ــ یکزن موهومه ئیست که شیخ ابوعلی ابن سینا در اواخر اشارات خود درفصل (مقامات العارفین) قصهٔ (سلامان وابسال) راذکر کرده است و محقق طوسی شرح و توجیه آنرا بیان کرده ودراینباب بعضی حکایات مصنوعهٔ حکایت کرده است که ابسال نیز اززنان موهومهٔ ان حکایات مصنوعه میباشد .

ابنة الخس : ــ دختر خس بن حابس الایادی میباشد که از حکیمات وداهیات بنات عرب جاهلیه بود ضرب المثل های بسیاری ازو روایت شده است . نام اصلیش (هند) بود . که انشاالله درحرف (ها) ازان بحث میشود .

ابنة عقیل : ــ برادرزادهٔ حضرت علی کرم الله وجهه ودختر حضرت (عقیل بن ابیطالب) رضی الله عنه است که از فصحای زنان الهاشم میباشند . اصل نام علیه شان معلوم نیست وبه (ابنة عقیل) معروفه میباشند . این سه فرد عربی ذیل از اشعار مبارکهٔ شانست که درلوم و توبیخ یزید واعوانش در هنگامی فرموده اند که با نسوان اهل هاشم قافله پریشان ومظلومان سادات اهل بیت رضی الله عنهم را درخارج مدینهٔ منورهٔ استقبال کرده بودند :

(باقی دارد)

علم ثروت ملل

(مابعد از شماره (۱۳) سال دوم)

هرشعبهٔ آن جدا جدا تقسیم شده وبهرشعبهٔ آن جدا جدا اشخاص همه فکر وحواس خودرا متوجه کرده یك مهارت وملکهٔ زیادی دران شعبه پیدا میکنند که به اینصورت دایرهٔ هرشعبهٔ علوم جدا جدا وسعت پیدا کرده سرازنو بردیگر اقسام متعدده تقسیم میشود . مثلا درفن طبابت می بینیم که بعضی در امراض چشم ، وبعضی درامراض گوش وبینی وحلق وبعضی درفن ولادت ، وبعضی بفن جراحی زیاده ترکوشش ورزیده ، ودرهمان شعبه اختصاص پیدا کرده دامان وسعت علم ، ومیدان ترقی آن خیلی ازخیلی فراخی گرفته به احتیاج اهالی زیاده ترخدمت میکنند ونیز علم طبابت روز بروز پیشتر میرود .

بناءً علیه درهرمملکت هراقدر که مدنیت ترقی بکند . اعمال مختلفه ــ یعنی کارهای رقم رقم نیز تشعب کرده قاعدهٔ تقسیم اعمال نیز بهمان نسبت ترقی میگیرد .

حالا بیائیم برقاعدهٔ تقسیم اعمال ازجهت تعلق آن به جمعیت انسانها : اولا این را بگوئیم که اقلیم ، وحاصلات ، وقابلیت ، واستعداد هرمملکت را حضرت خالق عظیم الشان بیك رنگ ویك رقم خلق نفرموده . بلکه هرجا بنا بر مقتضای طبیعت از همدیگر فرق دارند . وتأثیرات ارض وهوا درهر زمین ومأوا جداجدا صورتها واقعشده است . وهرقطعهٔ زمین کانها وجنگلها ونباتات ، وحیوانات مخصوصهٔ جدا گانهٔ را مالك میباشند . غیر ازینها استعداد ، وقابلیت ، واحتیاجات اهالی هر مملکت نیز رقم رقم است که بنا برین سبب ها تقسیم اعمال ، درمابین ممالك مختلفه طبعاً جاری میشود . وهرقوم وهرملت وهرمملکت بسایهٔ قواعد تقسیم اعمال ازفایده ها وقابلیتهای همدیگر بهره ورشده میتوانند . پس به اینصورت هرمملکت کم وبیش بدیگر مملکتها محتاج است که چون به حقیقت نظر کرده شود مسئلهٔ (تجارت) نیز درمابین

باقی دارد

اعلان

کتابهای فارسی ــ انگریزی ــ اردو ــ گورو مکی ــ بهاشا وغیره برای تعلیم ابتدائی بفروش میرسد .
المشتهر
(بالکرشن داس سرمدرس مدرسهٔ اهل هنود نمبر ۲)
درشور بازار کابل

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد ازطرف مدیر وسرمحرر تحریر یافته

محمود طرزی

در چهاپ خانهٔ حروفی دار السلطنه کابل طبع گردید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 607 of 1786

(اعلان)

کتب دارالتالیف بیت العلوم حبیبیه

شماره	اسم کتاب	قیمت	کیفیت
۱	رسالهٔ اول دینیات	یکعباسی	درین رسایل مسایل عقاید واعمال دینیه بعبارت آسان وروشن نوشته شده وازکتب معتبرهٔ عقاید اهل سنت وجماعت وفقه شریف انتخاب شده است
۲	رسالهٔ دوم دینیات	پنج شاهی	
۳	رساله سوم دینیات	یکقران	
٤	سراج العقاید حصهٔ اول	سه شاهی	
٥	سراج الفقه حصهٔ اول	دوعباسی	مسایل فقهیه واحادیث اخلاقیه برای درجهٔ وسطیه بزبان عربی نوشته شده
٦	سراج الفقه حصهٔ دوم	ده شاهی	
۷	سراج السیر احوالات حضرت سیدالسادات	یکروپیه	حالات حضرت رسول مقبول ازولادت تاوفات بطرز اجمال از کتب سیر وتاریخ انتخاب شده
۸	رسالهٔ علم طبیعیات	چهارعباسی	مقدمات ابتدائی فلسفهٔ طبیعیات از انگریزی ترجمه شده واصطلاحات عربی نوشته شده است
۹	سراج الحساب حصهٔ اول	دوروپیه	برای تعلیم حساب درجهٔ میانیه ازکتب معتبرهٔ انگریزی ترجمه شده وبه اوزان وسکه جات افغانستان حل مسایل شده است
۱۰	تحریر اقلیدس فارسی اول ودوم	روپیه	بطرز قواعد جدید ازاقلیدس انگریزی ترجمه وانتخاب شده وسوالات هرمقاله علیحده به آن الحاق یافته
۱۱	ایضاً سوم وچهارم	دوروپیه	
۱۲	مرآة الارض مختصر جغرافیهٔ دنیا	یکروپیه	مختصر جغرافیهٔ دنیا می باشد
۱۳	احسن القواعد (صرف ونحو فارسی)	یکروپیه	قواعد صرف ونحو فارسی میباشد
۱٤	قاعدهٔ فارسی بطرز جدید (برای ابجدخوانان)	یک سنار	الفبای مخصوص زبان فارسی میباشد
۱٥	رسالهٔ ضرب زبانی (برای تعلیم ابتدای حساب)	پنج پیسه	برای تعلیم حساب درجهٔ ابجدیه تألیف شده
۱٦	کتاب اول فارسی	یکعباسی	ضروریات اخلاق وعادات حسنهٔ مفیدهٔ اطفال ازکتب معتبره انتخاب شده
۱۷	کتاب دوم فارسی	پنج شاهی	
۱۸	کتاب سوم فارسی	دوعباسی	

المشتهر یکی ازاعضای دارالتالیف بیت العلوم حبیبیه (حقیر عبدالرب)

سیاحت بدورادور کرهٔ زمین

بهشتاد روز

کتاب اول یعنی افسانهٔ طرز جدید بسیار شیرینیست که هم افسانه میشنواند ، و هم علم می آموزاند در دکان ملا غلام محمد تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی اباشتی جای بقیمت (۲) دو روپیهٔ کابلی بفروش میرسد .

(کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه)

(باجلد اعلا)

ودو کتابچهٔ (علم و اسلامیت) و (آیا چه باید کرد ؟)

(باجلد اعلا)

در اداره موجوداست . آرزو کننده گان خریداری کرده میتوانند

قیمت همه (۲۵) بیست و پنج روپیه کابلی

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، و صنعتگرانی که صنعت خود شانرا در سراج الاخبار افغانیه اعلان و اشتهار کردن میخواهند ، و یا دیگر هر قسم اعلان و اشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج و شایع میشود :

اعلانیکه در متن اخبار از یکبار تا به پنج بار نشر و شایع شود برسر هر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه در ین ورق وقایه درج شود از یکبار تا به پنج بار فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریك ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

شماره ۱۵ سال دوم

فهرست مندرجات

لیلهٔ جشن ولادتی اعلیحضرت همایونی	مجلس جشن لیلهٔ پرسرور سعادت نشور در دالان بزرگ سلامخانه عام دارالسلطنه کابل —— قصیده تهنیت
حوادث داخلیه	مراسم جشن مسعود سالگره همایونی در جلال آباد — تشریف آوری حضرت شجاعت پناهی جناب نائب السلطنه صاحب افخم — دربار یوم سه شنبه بموجب امر حضرت نائب السلطنه صاحب — حرکت اردوی اول از جلال آباد بدار السلطنه کابل — از ماورای دریای آمو داخل شدن روسها بقاقهای مختلف به افغانستان و ممانعت آنها
حوادث خارجیه	احوال سیاسی — خبرهای محاربه هجوم نمودن بلغارها و صربیها بر ادریانوپل و تسخیر آن — در شتالجه محاربه بشدت دوام میورزد — کشتی جنگی حمیدیه — قتل پادشاه یونان — محبوس شدن یک کابل در چینی — مکتوبهای بومبدار — هلاک زدگان قطب جنوبی — اخبار ترجمان — احوال ایران
مقاله مخصوصه	حکمای قدیم چه بودند ؛ وحکمای جدید چه شدند ؛
عالم عسکری	جاسوسهای عسکری
ادبیات	از ترکستان مخمس مدح اخبار
فاجعه های پاریس	
ناموران زنان جهان	
علم ثروت ملل	
اعلان	
تصاویر	یک بنیان قدسیت نشان مزار فیوضات آثار حضرت اسدالله الغالب علی ابن ابیطالب کرم الله وجهه و مقبرهٔ اعلیحضرت امیر شیرعلیخان مرحوم و جناب وزیر محمد اکبرخان مغفور و عالیجاه لوی نائب شیردلخان مبرور — از یادگارهای شکارجاری شهزادهٔ بلنداقبال مکرم جناب عین الدوله صاحب بامحصول شکارشان — نظارهٔ یکدرهٔ لطافت منظرهٔ نهرجوشان وخروشان که معروف بنهرنیلاب است در موقع گلبهار — یکدرهٔ لطافت منظرهٔ دیگر در استالف — تصویر شکری پاشا کوماندان شجاعت نشان ترک در ادریانوپل — تصویر کوماندان کشتی زرهپوش حمیدیه رؤف بیک — تصویر کشتی زرهپوش حمیدیه — تصویر کپتان اسکوت انگلیزی که برای کشف قطب جنوبی رفته بود وتلف راه فن گردیده .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 610 of 1786

اعلان

(شرایط اشتراک سراج الاخبار افغانیه)

(سراج‌الاخبار افغانیه) نخستین اخباریست که در مملکت پرفیض وبرکت افغانستان بسایهٔ فیوضات عرفان پروری اعلیحضرت پادشاه مقدس مهربان ما در دارالسلطنهٔ محروسهٔ کابل به انتشار آغاز نهاده است . مقصد ومسلک این نامهٔ گرامی بیداری وآگاهیٔ اهل وطن مقدس‌ماست براحوال عالم . وحب دولت و وطن . وتوجه بسوی علم وفن . دینی . سیاسی . ادبی . اجتماعی . فی یک اخبار فواید نثاریست که در صفحه های معدود . فواید غیر محدودی مندرج دارد .

(سراج‌الاخبار افغانیه) از هموطنان عزیز خود چشم امید آنرا دارد که چون این اخبار یگانه اخبار وطن عزیز مقدس شان شمرده میشود میباید که یک توجه خاصی ویک هوس مطالعهٔ بااخلاصی بسوی او عطف نمایند . اداره . درباب اشتراک مشترکین کرام بنهایتدرجه ارزانی وآسانی را مرعیداشته . وبرای خوبیٔ مضامین مندرجه وخوبی کاغذ وحسن طبع ودرج تصاویر فداکاریهای بسیاری بکار برده . وتجارت را کمتر منظور داشته است درینوقت درماه دو بار یعنی درغره وپانزدهم هرماه نشر میشودامیداست که درآینده هفته وار بشود . وآنهم به همت دانشوران معزز هموطن منوط است زیرا هرانقدر که تعداد مشترکین کرام . ورغبت خوانندگان عظام بیفزاید . البته درترقی اونیز خواهد فزود . قواعد اشتراک از قرار ذیلست :

در دارالسلطنهٔ کابل قیمت یکساله اشتراک آن ۸ هشت روپیه کابلی — ششماههٔ آن ۵ پنج روپیه کابلی . در ولایات داخلهٔ دولت علیهٔ افغانستان یکساله ۱۴ چارده روپیه کابلی — ششماههٔ آن ۸ هشت روپیه کابلی . درممالک خارجه چون هند وایران وترکستان روسی وممالک عثمانی واوروپا یکساله ۱۰ ده روپیهٔ انگلیزی — ششماهه ۶ روپیه انگلیزی .

(اسامی وکلای ما درخارج)

درپشاور جناب میرزا غلام حیدر خان سررشته دار داکخانهٔ دولت علیهٔ افغانستان . در مشهد جناب عبدالله خان کاردار تجارت دولت علیهٔ افغانستان . دربخارا جناب حاجی غلام نبی خان‌ماءمور فروش پوست قره قل . ذوات گرامی که درممالک خارج افغانستان آرزوی اشتراک اخبار مارا داشته باشند بهر یک ازین وکلای ما چون وجه یکساله یاششماههٔ اشتراک را بفرستند واز طرف وکیل ما به اداره اطلاع برسد از هماوقت اخبارما بهمان آدرس وعنوانی که داده باشند اجاری میگردد . آدرس وعنوان واضح وروشن نوشته شود . یک طلای پوند انگلیزی ۱۵ پانزده روپیه کلدار است .

صحیفه (۱) سال دوم شماره (۱۵)

نگران
ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی
علی احمد

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
بااخراجات داک ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
بااخراجات داک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

مدیر ومسئول محرر
محمود طرزی

اداره خانه ومطبعهٔ
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همهٔ امورات تحریریه به ادارهخانه
بنام مدیر فرستاده میشود
قیمت یك نسخه آن در کابل یکعباسی است

تاریخ عربی ۱۵ جمادی الاولی سنه ۱۳۳۱ تاریخ انگریزی ۲۲ اپریل تاریخ شمسی ۲ ثور ۱۲۹۲

درین اخبار از حوادث داخله وخارجه وبعضی مقالات مفیده درج میشود

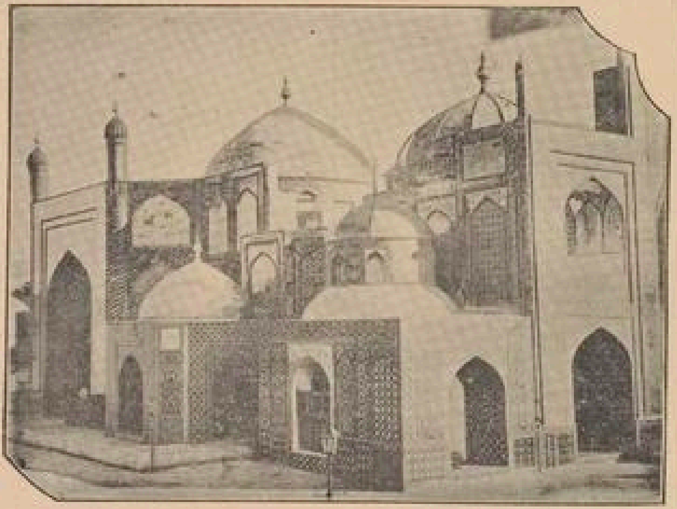

(یك بنای قدسیت نشان)

مزار فیوضات آثار حضرت اسدالله الغالب علی ابن ابیطالب کرم الله وجهه میباشد
که درنواح شهر بلخ واقعست · دوقبهٔ کوچکی که متصل بنای مذکور است یکی مقبرهٔ اعلیحضرت امیر شیرعلی
خان مرحوم ودیگری مرقد جناب وزیر محمد اکبرخان مغفور وعالیجاه لوی ناب شیردلخان مبرور میباشد

—(لیلهٔ مسعودهٔ جشن ولادتیٔ اعلیحضرت همایونی)—

شب پنجشنبهٔ گذشته ۲۵ ماه ربیع الثانی بالیلهٔ مسعودهٔ ولادت ذی سعادت پادشاه مقدس معظم محبوب القلوب ما ذات شوکت سمات اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) ادام الله دولة الی مدید الزمان مصادف آمده بر همهٔ ملت افغانیه یك عید سعید پر سروری گردیده بود .

ملت نجیبهٔ افغانیه این لیلهٔ سعیده را بهترین ومسعود ترین ایام سعادت خود شان می شمارند . زیرا همین شب فیروزی موهب است که نیر پر انوار درخشندگی نثار فیوضات آثار صبح سعادت ملت ووطن شرف طلوع - را امر سطوع ارزانی فرموده است .

مجلس جشن لیلهٔ پر سرور سعادت نشور مذکور در دارالسلطنهٔ کابل در دالان بزرگ سلامخانهٔ عام انعقاد یافت. بساعت ۸ شب دالان مذکور از اهل دربار معالی بار وارباب مناصب ملکی وعسکری که بالباسهای رسمیٔ شبانهٔ خود شان ملبس بودند کنجا کنج پر شده بود . ذات عالیٔ شهزادهٔ مکرم نائب الحکومه (سردار حیات الله خان) بساعت مذکور بدربار تشریف آورده با یك نطق مختصری مجلس را باز فرمودند . ومراسم رسمی را انجام داده اهل دربار را به سرور وافراح آزادانه امر فرمودند . وتا بساعت یکنیم شب به انواع فرحها ومسرتها بسر آمده محفل انس مذکور به انجام رسید .

اهالیٔ شهر عزیز ما دوشب متمادیاً شهر آئین اجرا نمودند رعایای صادقهٔ شاهانه دکانهای خود شان را به انواع زینتها وچراغانها تزئین نمودند . موزیکهای عسکری ـ وساز های ملی در هر هر طرف شهر عزیز ، یك ولولهٔ مسرتی انداخته بود . در اهالی یك جوش وخروش عظیم مسرت مشاهده میگردید . بازارها روشن ، دلها چون صحن گلشن شده بود . هوا های اول بهار نیز سینه هارا یك انبساطی می بخشید .

§

در نسخهٔ سابقهٔ خود ازمدنیت پروریهای اعلیحضرت همایونی بحث رانده وعده داده بودیم که در شمارهٔ آیندهٔ خود از ترتیبات وتنظیمات مدنیهٔ دربارها وجشنهایی که در دولت علیه افغانستان اجرا میشود بحث خواهیم راند . این است کهدرینجا حالا به ایفای آن وعدهٔ خود مسارعت می ورزیم :

اولا این را بگوئیم کهدولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما تقریباً صدساله یکدولتیست که آغاز آن از زمان (احمد شاه بابا) ست . در زمان سلطنت شاهان سدو زائی قواعد دربار ها سراسر به اصول وقواعد ایران تطبیق مییافت . سلطنت پادشاهان محمد زائی آن اصولها وقواعد افراط پروری را خیلی تعدیل داده وضع ساده گی را پیش گرفت که آنهم خیلی به تفریط نزدیك بود . چنانچه در شمارهٔ سابق خود شمهٔ ازان بیان نمودیم .

ذات اعلیحضرت پادشاه معظم محبوب القلوب ما سراج الملة والدین مدالله ظله فی العالمین جشنها ودربارهارا درزیر یك نظام وانتظام بسیار مضبوطی درآوردند . دراول هیچ کس چوکی ومیزرا بیاد هم نداشت . دروقت حاضر کسی برزمین نشستن را بخاطر هم نمیگذراند . دربار های پادشاهی همه باچوکیها . وطعام همه برروی میزها اجرامیشود . دراوایل چون بدربار داخل میشدند انسان گمان میبرد که در یك معرض البسه های مختلفه درامده است. یك اردا پشخدمتی بنظر بر می خورد که به البسهٔ یك جرنیلی ملبس شده بود ، ونیز یك جرنیل بنظر می آمد که لباس یك نفر عادتیٔ رادربر داشت . دروقت حاضر رتبه ها ومنصبهای ملکی وعسکری حد لایق ولازمی را گرفته هیچ کس ازرتبه ومنصب خود نه کم نه بیش چیزی پوشیده نمیتواند .

نظام نامهٔ البسه را خود ذات اعلیحضرت پادشاهی ترتیب فرموده وبصد ها نسخه ها ازان بطبع رسیده بر ارباب مناصب توزیع گردید . اصول تشریفات دربارها بچنان رونق وانتظامی درامده کهسالخورده گان افغانستان آنرا بخیال وخاطر خودشان هم ندیده بودند . ترتیب وتنظیم شبهای جشنها یك رونق بعمل می آید که انسان خودرا عادتاً در یك عالم دیگری تصور میکند. این جشنها اگر در زمستانها بوقوع آید در عمارتهای پادشاهی واگر در تابستانها باشد در میان باغهای پادشاهی تنظیم می یابد . اهل دربار وارباب مناصب ورتب بادریشهای یك رنگ ویك نسق کهفرا خورد صنف خود شان باشد ملبس شده حاضر میشود. تنویرات وچراغان یك شعشعهٔ بسیار خوش رونق شعله افروز سرور میگردد چوکیها ومیزها یك ترتیبی وضع میشود که چار چار پنج پنج ، شش شش نفر یك مجلس انسی بران تشکیل داده بتوانند . بر میز هایی که درمحفل های انس تشکیل مییابد انواع شیرینیها ، ومیوه ها ، وسیگرت ها موجود است میز های بزرگ طولانیٔ چای وقهوه نوشی بیك ترتیبدلآرا وظروف خوشنما بانواع بسکوتها ، وچیقولات ها وغیره در موضعهای مخصوصی چیده وموضوع . وچایدار ها برای خدمت مدعوین درپیش آنها بپا ایستاده میباشند . میز های کتابهای تصویر دار ، وآلبومهای پانوراما کار ، درپیش انظار هوسکاران آن گذاشته شده است. میز های شطرنج وقطعه ودیگر بازیها نیز در جا های مناسب موجود است . سازنده ها ونوازنده ها وگراموفونها ، موزیکهای عسکری ، ساز های ملی از هرهر طرف به تنشیط آذان سامعین خدمت میکنند .

بهترین مزیتهای این گونه شبهای جشنها همانا یك آزادی وبی تکلفیٔ ایست که در دایرهٔ قاعدهٔ آداب اجرا میگردد . در اول افتتاح جشن که ذات اعلیحضرت پادشاهی درمجلس تشریف می آرند بقدر پنج ده دقیقه رسماً همه اهل دربار را در حضور همایونی شاهانهٔ شان جلب ،ویك نطق بتناسب حال وزمان ایراد فرموده

همه‌گان را بنشستن وساعت تیری آزادانه امر واجازه میفرمایند . بعد ازین امر واجازهٔ همایونی اهل محفل در هر هر طرف آزادانه بگردش ونشستن ، وخوردن ، ونوشیدن ، وبازی ، وصحبت مشغول می شوند . ومراسم تکلفات قیامها واحترامهای رسمی از میان بر می خیزد . حتی اگر ذات اعلیحضرت‌شاهانه درپیش یکی از اهل محفل نزدیك شده به تلطفات ونوازشات شاهانهٔ شان تلطف فرمایند آنشخص را اجازهٔ قیام اصلا نمیباشد .

در وقت طعام میز های بسیار مکمل طعام درمواضع مناسب ترتیب می‌یابد . وچون زنك طعام نواخته شود همه کان بر خوان نعمت الوان اعلیحضرت بادشاه ذی لطف واحسان خود شان جمع می‌آیند . بر میز حضور اعلیحضرت همایونی همان ذوات گرامی که بعنوان (اهل میز حضور) شرف سرفرازی دارند گردمی آیند. طعام‌بیك‌شطارت‌ومسرت فوق‌العادهٔ به انجام میرسد بعد از صرف طعام باز تابه‌آخرشب محفل انس دوام ورزیده‌ولیلهٔ جشن مسعوده ختام می یابد .

این رقم جشنها ودربار هایی کەدر عصر ترقیحصر بادشاه حقایق آگاه ما اعلیحضرت (سراج‌الملة والدین) مد الله ظله فی‌العالمین بوقوع می‌آید از چنان آثار تمدن آثار شعشعه نثاری شمرده می شود که‌همه درخشنده کپهای ترقیات حاضره را بتمامها حاوی وجامع میباشد . ازدر گاه خالق عظیم الشان کون ومکان تضرع ونیاز میکنیم که وجود مسعود بهبود قدسیت آمود این بادشاه ترقی خواه با ابناء معظم محبوب القلوب ما را تا سالهای بیشماری اریکهٔ پیرای سلطنت سنیهٔ اسلامیهٔ افغانیه بدارد تا بسایهٔ عرفان پیرایهٔ شاهانهٔ شان ملت ووطن مقدس ما بربس معارج ترقیها وآگاهیها وبیداریها عروج نماید آمین .

« قصیده تهنیت »

شب دوشین نهادم سر ببالین
که بالین سنك بهتر بی نگارین
خیال خوابم اندر سرکه ربود
خیال یارم از سر خواب شیرین
هنوزم باخیالش بود پیوند
جدا ازخوابم این‌چشم جهان‌بین
که آمد ناگهان آن‌شوخ طناز
که آمد بخبر آن سرو سیمین
ببالینم نشست از نازو گفتا
که آه ای بخبر برخیزو بنشین
نمیدانی که فردا جشن شاهیست
که گردد شادمان دلهای غمگین
کدامین جشن جشن مولد شاه
که باشد فرحت افزاعشرت آگین
مبارك جشن مولودی که باشد
مسرت توامانو عیش تضمین
شود بازارو کوی آینه بندان
بیابد از چراغان شهر تزئین
چراغو کاسه مهتاب شب جشن
زند آتش بجان ماهو پروین
چراغان میشود همچشم انجم
زمین را آسمان گویم پس ازاین
چراغ برقی رخشنده گوئی
که خورشید آمد از بالا بپایین
روان از هر دکان باد گذشتن
که دل از کف رباید لعبت چین
زهای‌و هوی مردم شهر پرشور
که بزرب تاجهان این‌جشن رنگین
زبس از مونیاو چلشو طنبور
بلند از هر دکانی شور شیرین
بود فونو گرافی هر طرف کوك
بیا بنگر که گویا گشته ماشین
گهی از شعر رنگین نغمه پرداز
گهی ذکرش بود طهو یسین
بهر سوی گرا قونی نواسنج
نوا زد نغمهٔ پاریس‌و برلین
چگویم حرف این گویای خاموش
که او ازهرزبانی شد سخن چین
چگویم‌وصف این گلشن‌سخنگوی
که باشد بی سخن شایان تحسین
چگویم‌بعد ازین‌زین‌جشن‌دلکش
که کس یادش نداد از عهدپیشین
جوابها گفت گفتم ای‌شکر لب
جوابها گفت گفتم ای‌نگارین
نباید خفت امشب تاسحر گاه
بباید گفت زیبا شعر رنگین
بمدح بادشاه جود گستر
بوصف شهریار عدل آئین
سر شاهان مدار ملت‌و دولت
شه دوران سراج ملت‌و دین
پی یاجوج کفر از بهر اسلام
بود رای رزینش سد روئین
چوخشم او نماید چین ابرو
فتد از بیم قهرش لرزه در چین
دریغ از تیغ اودارد چرا جان
بجان دشمن او باد نفرین

مگر شد بادم تیغش مقابل
که‌خون‌ریزاست چشم خصم بدبین
چو شاخ گل نماید در نظرها
شد از تیغش زخون خصم گلچین
ننوشید از دم تیغ تو تا آب
عدوی تشنه لب کی یافت تسکین
ظفر دارد بشمشیر تو پیوند
عروس ملك را تیغ تو کابین
عدوت را پی قطع تسلسل
قضا بر روی کار آورد عنین
سبك بردار از گردن سر خصم
که مسکین بر سرش باریست سنگین
اگر تیر تو در پهلوی دشمن
کجی بنشست کو بسیار بنشین
تن بدخواه جاهت خار بستر
سر پر شور خصمت سنگ بالین
ترا خوانند در آفاق امروز
ز روی معدلت فخر سلاطین
که گوید شب نتابد مهر تابان
به انجم پیش خورشید جهانبین
تو اینك مهر تابانی شب جشن
چو انجم جمع بر گردت خوانین
بطومار عدالت نامهٔ خلق
نکو نام توی زیبد نخستین
گرو پیشی نمی سنجد ترازو
بیك میزان زعدلت تست شاهین
نهد هر روز بر خاك درت روی
قبای مهر ازان رو گشته زرین
کرمهای تویش از لب کشودن
دهد کام دل محتاج مسکین
بپایان گرچه آمد قوافی
بوصفت صرف میکردم مضامین
کنون دست دعا باید کشودن
که در پرواز باشد مرغ آمین
بدیوان قضا صد سال دیگر
ترا عمر گرامی باد تعیین
ولی هرروز ازان صدسال خواهم
بود شش ماه چون درعرض تسعین
زنام نیك دایم باد روشن
چراغت ای سراج ملت و دین
ترا نام نکو ماند بدوران
ز مستغنی بشامت شعر شیرین

(از یادگارهای شکار چناری)
(شهزادهٔ بلند اقبال مکرم جناب‌عین‌الدوله)
(سردار امان الله خان بامحصول‌شکارشان)

حوادث داخلیه

(مراسم جشن مسعود سالگره همایونی)

در جلال آباد

یکدوست مهربان ما ازجلال آباد برای ما مینویسد :

بعداز القاب

برخاطر عاطر والا گهران دانش وسر گروهان بینش مخفی ومستور نخواهد بود که ذات ستوده صفات جناب مرحمت آیات اعلیحضرت (سراج الملة والدین) بادشاه بادانش ودین‌ما روحنا فداه آنچنان یك‌بادشاه خیرخواه‌حقایق آگاهیست که‌ازیوم جلوس میامن مأنوس همایونی شان برتخت عالیبخت سلطنت اسلامیهٔ مستقلهٔ افغانستان الی‌الآن شب وروز درترقی وتمدن ملك وملت شاهانهٔ شان‌همت جهانقیمت شاهانه را مصروف داشته‌اند . وآثار ترقی وبرتریٔ که‌در امور زراعت و تجارت و آبادیٔ تعمیرات

وراهها وپلها و رباطهای سراچه وحفظ دین و ناموس رعایای صادقهٔ افغانستان بروی کار آمده است مانند شمس تابان عیان ودرخشان است که اخبار گهربار عالی شما نیز به اقسام اقسام ازان بحث رانده ومیراند. والحاصل اوصاف محاسن صفات اعلیحضرت پادشاه مراحم آثار خود مختار نکوئی کردار ما ازقدرت بشری بیرون. و ازحد وعد افزون است. بهتر آنکه بدین نعمت عظمی ودولت اعلاکه مارا برعایا گری چنین پادشاه نکوئی خواهی نایل و سزاوار فرموده بدرگاه حضرت باری جل جلاله حمد وثنا گوئیم. ودعای عمر و اقبال وشوکت واجلال شانرا ورد زبان ساخته، بتحریر کیفیت جشن مبارکه آئیم:

شب پنجشنبه ۲۵ ماه ربیع الثانی سال چهل و سوم میلادیٔ اعلیحضرت پادشاه اسلام پناه ما این بود. کارداران حضور قریب یکماه سررشته گرفته اسباب کار آمد آرا حاضر و آماده نموده بودند. بقرطاسهای خبری بقرار امر تحریری دریوم چهارشنبهٔ گذشته بوقت شش بجهٔ شام همهٔ شهزادگان عظام و سردارا ذی احترام و سادات وعلما ومشایخ کرام. و خوانین وملکان وآق سقالان ولایت (ننگرهار) بلباسهای فاخرهٔ مقرره حسب الفرمان اعلیحضرت همایونی داخل باغ رشک جنان شاهی گردیدند. معززین حضور پادشاهی در عمارت باغشاهی، وباقی نفری بچوکیهای اهل آرام گرفتند. بعد ازانکه مردم یکقدری استراحت کردند بموجب اصول وقواعد اشرفان همهٔ حاضرین دردور (چهاردرهٔ) جدید که بطرف جنوبیٔ کول صفا مستقول بیک لطافت و نظارت بدیعی مجدداً انشا یافته به انتظار تشریف آوریٔ قدوم میمنت لزوم اعلیحضرت همایونی صف بستهٔ احترام گردیدند. ذات قدسیت صفات اعلیحضرت‌ها یونی رونق افزای چهاردرهٔ خاص گردیده در پرده تشریف آور شدند. جملهٔ حاضرین بتحفهٔ السلام علیکم وتبریک جشن مبارک که بحضور پرنور پیش آمدند. وذات مقدس همایونی بعلیکم السلام وتبریک جواب مرحمت فرمودند. شادئی بسیار وفرحت بیشمار برای دولت خواهان حاصل آمد. ودرین اثنا عریضهٔ صداقت قرینهٔ تبریکیه که ازجانب جمیع رعایا ورایا معروض شده بود از طرف جناب عالی حضرت نائب‌السلطنه صاحب‌افخم بکمال فصاحت وجهٔ بلاغت قرائت فرمودند. ازهمهٔ حاضرین آواز آمین بلند گردید. بعد ازختم دعا، ذات اعلیحضرت همایونی جواب تبریک حاضرین را بزبان مرحمت بیان عنایت واحسان فرموده یک نطق بسیار شیرین علویت تمکینی بیان فرمودند که بطرز اجمال ازماکه آن برای جناب مینویسم، ولی عیناً ضبط کرده نتوانستم:

«من شکر گذارم به این ساعت واین صداقت شما اهالیٔ افغانستان، از درگاه احدیت برای شما خیرهای دین ودنیا را میخواهم به اینهم شمارا آگاه میکنم که من براهالیٔ خود شفقت پدری دارم، وهمه ملت خود را باخود جسم واحد میپندارم، واگر حرفی از طرف دول خارج پیش شود تاصوابدید وصلاح ومشورت شمادران نباشد جواب گفته نخواهد شد.»

ازین مرحمت همایونی همه متشکر ومفتخر گردیده مراسم تعظیم را بجا آوردند. بعد ازان بهمه‌گان اجازهٔ آزادی وسرور وحبور را ارزانی فرموده هرصنف، وهر جماعه بموقعهای مخصوصهٔ خودشان مأوا گزین فرحت وسرور، وجانشین شادمانی وحبور گردیدند. ذات اعلیحضرت همایونی بانفریٔ اهل میز حضور درجزیرهٔ میان کول بزم طرب آراستند. سازها، سرودها از هر هر طرف نغمه پرداز بود. چراغان بسیار عجیب وغریب رنگینی ترتیب شده‌بود که تاحال هیچ چشم بینندهٔ نظیر آنرا ندیده بود. عکسهای انوار چراغهای رنگارنگ در کول آئینه مثال صفا آهنگ انعکاس شعشعه پاشی نموده عالم را غرق دریای انوار مسرت بازی نموده بود. اقسام مائده‌های نعمتهای خوردنیٔ عالی العال، ونوشیدنیهای رنگارنگ مشروع وحلال در هر هر طرف گسترده شده همه جمعیت موجوده توأم چون نعمای پادشاه ادر الامثال در باوال خودشان میگردیدند. تا اینکه به بسیار خوشی وخرمی‌شب را گذرانیده هر کدام بمنزل‌مقصود خود مراجعت نموده‌اند.

شب ۲۶ شهر مذکور ذات قدسیت صفات پادشاه بزرگ محبوب القلوب ما باجناب صاحبهٔ معظمهٔ مکرمه (علیا حضرت سراج الخواتین) وتمام خاندان جلیل الشان سلطنت سنیه، در سراج العمارت، که یک بنای شوکت احتوای عظیم عصر فرخنده گی حضور سراجیه شمرده میشود جشن شادمانی ومسرت برپا کرده تاصبح التمام سرور وحبور بسر آورده‌اند.

این ختم بدعا باید کرد: حق سبحانه تعالی وجود مسعود اعلیحضرت پادشاه اسلام پناه ما را باشهزادگان جوانبختان بلند اقبال سالهای سال وقرنهای بیشمار بسریر امارة وجهانبانی برقرار داشته باشد. ومانند این گونه جشنهای بیعد وحد، بخیر وبافیه منقضی گردد واز دولت خواهان در مهد امن وامان وحمایت حافظ حقیقی بداراد بحق محمد و آله الامجاد.

تحرير في يوم دو شنبه ۲۹ شهر ربیع الثانی سنه ۱۳۳۱

(غ ۰ ع)

«تشریف آوریٔ حضرت فخامت پناهی»

(نائب السلطنه صاحب افخم)

یوم یکشنبه ۶ ماه جمادی الاول ذات عالیٔ - والا اکرم حضرت فخامت مآب نائبا لسلطنه صاحب افخم تشریف فرمای دارالسلطنهٔ کابل گردیدند، وبه انداخت ۲۱ فیر توپ سلام وصول سعادت موصول عالیٔ شان بهمه‌گان اعلان گردید.

ذات عالی افخمی شان یوم شنبه ٥ ماه مذکور بسواری عرابهٔ موتر از جلال آباد حرکت فرموده‌اند ، ودر همان روز مواصلت عالی شان منتظر ومأمول بود ، ولی چون بسبب باران‌های شدیدی که یك روز قبل باریده بود رفتار عرابهٔ موتر را سکتهٔ وارد آورده بود شب رادرراه گذرانیده روز دیگر بکمال صحت وعافیت وتمام عزو سعادت مواصلت فرمودند .

یك روز پیشتر بنا بر امر عالی جناب نائب الحکومه صاحب مکرم ازطرف سارجن مخبران ملکی ونظامی ارباب مناصب واهل دربار را خبر داده شده بود که در مقام عالی (زین العمارت) بلباس رسمی خود شان جمع آیند ، ولی چون در روز موعود تشریف عالی افخمی بوقوع نیامد ، وروز دیگر ناوقت‌تر خبر رسید اکثر ارباب مناصب بموجب امر عالی افخمی به البسهٔ نیم رسمی در زین العمارت حاضر شدند ، تقریباً بساعت چار نیم همهٔ معززین اهل دربار وارباب مناصب بموجب قاعده وسررشته صف بستهٔ تعظیم واحترام گردیده ، ویك باند وموزیك عسکری ویك بلوك از عساکر اردلی حضور عالی در موقع سلام ایستاده بمجرد داخل شدن عرابهٔ موتر سواری عالی از طرف عسکر وغیره سلام عالی ادا گردید . خود ذات عالی نیز بلباس نیم رسمی ملبس بودند . از موتر فرو آمده وبه تلطفات عالی همهٔ حاضرین را احوال پرسی فرموده واز بشارت صحت وسلامتی ذات قدسیت صفات اعلیحضرت همایونی همه خدام صداقت کیش سلطنت سنیه را مسرور فرموده داخل عمارت ذیسعادت گردیدند ، وحاضرین را بار حضور عطافرموده ، وبه انواع تلطفات ونوازشات عالی مفتخر ومباهی ساخته بعد از اکرام فرموده شدن چای اجازهٔ انصراف عطا نمودند .

سراج الاخبار افغانیه ازصمیم دل تشریف آوری ذات عالی افخمی شانرا تبریك ، وسلامتی ذات قدسیت صفات اعلیحضرت پادشاه معظم خودرا باجملهٔ خاندان جلیل الشان شان از درگاه حضرت خالق عظیم الشان جلت قدرته عن الزوال والنقصان نیاز واسترحام مینماید .

دربار

یوم سه شنبه بموجب امر عالی جناب فخامت مآب حضرت نائب السلطنه صاحب افخم درسلامخانهٔ عام دربار تشکیل یافته همهٔ معززین اهل دربار ، وارباب مناصب ملکی وعسکری بلباسهای رسمی تمام حاضر گردیده بودند . ذات عالی فخامت پناهی چون در روز تشریف آوری عالی شان بسبب عدم وقت و کم بودن فرصت همهٔ ذوات کرام معززین ازحضور عالی شان بصورت رسمی پذیرائی نتوانسته بودند ازآنرو بنابر تلطیف قلوب همگان تشکیل وترتیب دربار رسمی یوم سه شنبه را مناسب دیده بکمال انتظام وتمام سررشتهٔ مالا کلام بدربار تشریف آوردند ، وبدیدار سعادت آثار عالی ، وکلمات نوازشکارانهٔ فخامت پناهی آبادی قلوب فرمودند ، واز نه بجه صبح تا به یکنیم بجه دربار معالی باردوام ورزیده بقرار معمول به انجام رسید .

حرکت اردوی اول

ازقرار استخبارات که نموده‌ایم اردوی اول معیت سنیهٔ همایونی دریوم یکشنبه ٩ ماه حال ازجلال آباد بسوی دارالسلطنهٔ کابل حرکت نموده است .

ازماورای دریای آمو

برای ما نوشته اند :

از چندیست که روسها بقالبها وقیافه‌های مختلف به خاك پاك افغانستان داخل میشوند ، وچون آسان‌ترین طریق راه مسلمانی را یافته‌اند بحیله‌های مسلمان شدن داخل میشوند ، حالانکه مسلمان شدن یك روس از محالات است ، مقصد یگانهٔ اینها همین است که از ترکستان تابدرهٔ خیبر راهها وگذرگاهها را ملاحظه ودقت نموده بگذرند وعلم آوری که لازم باشد بیارند وبهمان مقصد خودشان بکمال آرامی کامیاب هم میشوند . زیرا چون از دریای آمو میگذرند مأمورین حکومت افغانیه آنها راتحت الحفظ بکابل میرسانند وازانجا ازراه خیبر بهندستان میبرانند که اصل مقصد آنها نیز همین است بعضی ازینها چون یکبار این سیاحت خودشانرا اجرا کردند به آن قناعت نکرده دوم بار باز به این سیاحت میایند وتحصولات معلومات خودرا می آرند . حالانکه اگر مأمورین حکومت از سرحد آنهارا پس بگردانند ونگذارند که داخل آن خاك پاك مقدس شوند بهتر خواهد بود .

حوادث خارجیه

احوال ترکیا

مور چگان گر بکنند اتفاق   شیر ژیان را بدرانند پوست

چه جای آنکه گرگان درنده باهم متفق شوند ! خبرهای فلاکت مغلوبیت برادران عثمانی ما نهچنان دهشتناك خبر هائیست که دلهای هرفرد مسلمانرا پاره پاره نسازد ، و حواس شانرا زیر وزبر نکند . شهر (ادرنه) یعنی ادریانوپل سقوط نمود . بلغارها وصربها متفقاً درشهر داخل شدند . شکری پاشا که محافظ وکوماندان ادریانوپل بود همه وظایف عسکری وفرایض منصبی خودرا بجا آورد ، ودر غیرت ، وشجاعت ومحافظت دقیقهٔ فرو گذاری نکرد . یك شهری که از هیچ طرف به آن مدد نرسد ، وارزاق وغله نداشته باشد بیشتر ازین چسان مقاومت کرده میتواند ؟

شهر ادریا نوپل بی محاربه وبی مدافعه تسلیم شد . وشکری پاشا مانند جنرال استوسل برضای خود شهررا تسلیم ننمود ، بلکه تا به آخر نفس جنگید . اما چسان جنگید ؛ باید برابر قوت خود جنگید . اردو های دول متفقه بزور وقوت حرب هجوم نموده شهررا ضبط کردند . تنها دشمنان بیرون شهر نی بلکه درداخل شهر نیز دشمنان بسیاری داشتند . بقدر بیست سی هزار رعیت نصارای بلغاری وروم وغیره کهدر شهر بودند همدم و هرلحظه فتح ونصرت دشمنان خارج را آرزو میکردند ، حتی درین روز های آخر پادریهای روم وارمنی درنزد شکری پاشا آمده گفتند : که درشهر علیهاق نمانده ، ومضایقه مافوق تحمل گردیده لهذا یاشهر را تسلیم کنید ویاآنکه یك اختلال داخلی درشهر ظهور خواهد نمود. شکری پاشا برای درس عبرت دیگران آن پادریهارا یکجا بقتل رسانید . و برمحاربه ومدافعه دوام ورزید . وچون دید که امکان مدافعه باقی نماند چنانچه وعده کرده بود شهررا آتش داد . وبرحسب وعدهٔ خود میخواست که یك حرکت خروج اجرا نماید ولی فرصت نیافته عساکر دشمن درشهر درامدند . ازین زیاده تر چه میتواند ؛ غیرت ، و شجاعت فداکارانه همینقدر میشود .

شهرادرنه یك شهر بسیار قدیمیست که در اول بنام (اورستیاس) یك قصبه بود . درقرن دوم میلادی ازطرف (آدریان) نام پادشاه روما بسیار وسعت وزینت یافته یك شهر بسیار بزرگ و معتبری شده است وبنام خود او نسبت یافته (ادریا نو پو لیس) تسمیه نمودندش ، درتاریخ ۷۶۳ هجری درزمان سلطنت سلطان (مراد خان خداوندکار غازی) فتح وتسخیر گردیده است . فاتح ادریا نوپل (لالا شاهین) پاشاست که یکی از سرداران نامدار ومردان جرار شجاعت مدار سلطان مذکور بود . بعد از فتح تا بوقت فتح قسطنطنیه همین شهر پایتخت دولت علیهٔ عثمانیه شده بود .

حالا ما درینجا درین مسئله یکقدری غور و ملاحظه نمائیم که درانوقت که لالا شاهین پاشا ادریا نوپل را فتح میکرد قوت دشمن مقابلش بانسبه مقابل قوت او بود . زیرا همین دولتهای متفقهٔ حالی درانوقتها نیز متفق شده مدافعه میکردند ، اسلحه و آلات حربیهٔ طرفین مخاصمین نیز باهم برابر بود ، چنان نبود که عساکر اسلام تفنگ داشتند ودشمنان شان شمشیر ، بس چسان شد که درانوقت فتح میکردند . و دریبوقت شکست میخوردند ؟ حالانکه دریبوقت نیز عساکر اسلام دراسلحه ازخصم خودرا کم نمی آرند ، و شکری پاشا از لالا شاهین پاشا در شجاعت وغیرت وفداکاری پس نمانده است .

اسباب بکلی این مصیبتها وتلاکتهارا اگرغور جستجو نمائیم در نتیجه چیزها می یابیم : بخت قضا وقدر جداست زیرا اگر مسئله را به آن بخت بگردانیم حاجت بجستجوی سبب و موجب نمیماند ولیما میخواهیم که یکقدری دراسباب ظاهری مسئله غور نمائیم . وقوعات ظاهره ما را چنین نشان میدهد که بلغارها از چند سالهاست که شب وروز سعی وکوشش کردند . درحالیکه عثمانیان آدمهای جاسوس ، وبد اخلاق و خوشامد گو بسر میرسانیدند ، بلغارها بصدها نفر از اولاد وطن خود شانرا در اوروپا فرستاده علم وفن می آموختند وآدمان جدی راست کردار بسر میرسانیدند . درحالیکه مأمورین دولت عثمانیه بجز رشوت خوری ، وتخریب‌المال ، وپر کردن صندوقهای خودشانرا ازآرزو ومال دگر اندیشه وسودائی نداشتند بلغارها وصربیا وکوهیا لحظه بلحظه درباب بدست آوردن استقلال وشرف وشان دولت خود شان اندیشه ها میدوانیدند . درحالیکه عثمانیان بنام اتحاد وائتلاف ، واللامرکزیه وغیره درباب بدست آوردن کابینه بسر همدیگر میزدند . وقوت مدافعه ومحافظهٔ مملکت خود شانرا برتر از اندازهٔ حقیقی آن تصور کرده مغرور میشدند . بلغار ها وصربیا و کوهیا ویونانیا در خصوص بر طرف کردن رقابتها وا کمال کردن نواقصهای خودشان کوشش ورزیده درمابین خود شان تخم اتفاق واتحادرا میکاشتند . این است که هردو طرف کشتهٔ خودرا درودند ، ودیدند آنچه دیدند . هزار افسوس که چشم عبرت بین نیست . در وقت حاضر مسلمانان بجز قولیات هیچ فعلیاتی ندارند . « اگر کار بگفتار است برسر همه تاجم ، و گر بکردار است بهیشه موری محتاج ! » همهٔشان ازاتحاد و اتفاق بحث میرانند ، ولی نتیجهٔ آن بعنی اتفاق وبی اتحادی نتیجه پذیر میگردد . انّ الله مع الصابرین .

خبرهای محاربه

در ۲۲ مارچ بوقت صبح بلغارها وصربیه متفقاً برادریانوپل هجوم زده سمت مشرقی شهررا که اتش استحکام وتوپخانه های بکمال مجهز بود ضبط وتسخیر نمودند . شکری پاشا شهررا آتش داد . اولا رساله های صرب درشهر درامد ، بعد ازان ولیعهد بلغار بادیگر افسران وعسکر داخل شدند . جنرال ایوانوف عسکر خود را درشهر گردش داد . شکری پاشا بادیگر افسران معیت خود درکمپ عسکری بودند . ولیعهد وسر افسر بلغاری بشکری پاشا بااحترام پیش آمدند . پاشا نیز شمشیر خودرا تسلیم نمود . امااینها بشجاعت ومردانگی که ابراز نموده بود شمشیرشرا واپس بداو تسلیم کردند .

(شکری پاشا)

(کوماندان شجاعت نشان ادرنابول)

در چتالجه

در چتالجه محاربه بشدت دوام میورزد . غالب از مغلوب هنوز معلوم نیست . بعضی اخبارها از فتوحات وغلبهٔ عساکر عثمانی و بعضی از غلبهٔ بلغاریان بحث میرانند . درحقیقت کدام یک باور باید کرد البته نتیجه‌را انتظار باید نمود .

کشتی جنگی حمیدیه

درین محاربه کشتی جنگی حمیدیه شجاعتهای نمایان ، و بهادریهای بی پایانی نشانداد . این کشتی در اول بر بندر های بلغار در بحر سیاه گله ریزی بنانهاد . و درانجا به طورپید های بلغاری مردوچار شده زخمهای مهلکی برداشت واز غرقش هیچ چیزی باقی نمانده بود درحالیکه ازطرف سر سراسر درآب غرق شده بود بهزار مشقت خودرا به استانبول رسانید و در خلیج درامده تعمیریافت . وبمجردیکه تعمیرات خودرا بانجام رسانید از آبنای داردنیلز برامده بر کشتیهای یونان حمله نمود وچنانچه در نسخه‌های سابق‌ما بیان شده بود کشتیهای یونان‌را زیروزبر ساخته یک بندر یونان‌را نیز آتش داد . و ازانجا در بحر احمر و باز به بیروت ، و بازبا کشتیهای طورپید یونان در آویخت . تا آنکه چندی احوالش پنهان و اسرار انگیز مانده دربیروز دفعهٔ بر بندر (دراج) ملک صربیه ظهور نموده برقرار که اردوی صرب بقدر پازده گله بینداخت . و بعد ازان (سن زوانی) نام شهر صربستان‌را درزیر کانطوب گرفت . و ازانجا بسوی سواحل ایتالیا خودرا کناره کشید . این حال صربیهارا خیلی پریشان و سراسیمه ساخته است . همه بارکیهای عسکری صربی‌را باکشتیهای بار کشی که در بندر بود احراق بالنار نموده است .

(کوماندان کشتی زرهپوش حمیدیه رؤف بیک)

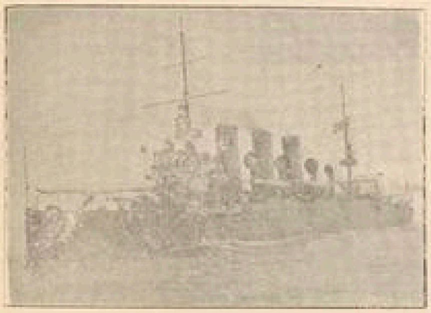

(کشتی زرهپوش حمیدیه)

قتل پادشاه یونان

در شانزدهم مارچ در اثنای که پادشاه یونان (قرال یورگی) بهمراه عیال خود بعد از پیشین برای هواخوری برامده بود ، ودرراه میگذشت بقتل رسیده است . قاتل (علقو شیناس) نام یک اوباش یونانی بوده است . ازدو یارده مسافه بایک طبانچهٔ هفت تکه برو آتش شده است . قاتل هماندم گرفتار شده است . قاتل چهل ساله یک آدمی بوده است ، وازسبب قتل انکار کرده است . که‌وجود قرال را شکافته در گذشته ، ودر بازوی یاور یعنی یادی گادش که در پهلوی او بود درامده بندمانده است . قرالرا بشفا خانهٔ عسکری برده اند ، و بعد ازنیم ساعت وفات یافت این وقوعات در (سلانیک) بوقوع آمده است در سلانیک بغیر از پرنس نیکولا پسر دومین قرال دیگر کسی موجود نبود . ولیعهد (قونستانتین) دراپیر بمحاربه مشغول بود پرنس نیکولا بنام برادر خود قونستانتین از مردم بیعت گرفته است .

محبوس شدن یک کابلی در بمبئی

در اخبار همعصر معزز (بلوچستان غزت) نوشته است که یک کابلی که از پور تسعید با (اولمپیا) نام کشتی به بمبئی آمده بسببی که در پیشش یکدو طپانچه وکارتوس آن یافت شده بجزای دوماه حبس شدید محکوم گردیده است . با کابلی مذکور عیالش ودو پسرش هم بوده است . در باب فرستادن آنهارا بکابل از حکومت بمبئی رخصت خواسته است . وحکومت نیز قبول کرده است .

مکتوبهای بومبه دار

در داکخانهٔ کلکته بعضی مکتوبها یکه بومبه دران تعبیه شده است ظهور نموده است . پس معلوم گردید که بواسطهٔ مکتوب نیز قتل کردن یک آدم ممکن میشود . چون پاکت مکتوب زور باز میشود آتش میگیرد وتأثیر مدهش اجرا میکند واین بلا اول بار براخبار والاهای بیچاره اجرا گردیده . زیرا مکتوبهای مذکور که در داکخانه رسیده بنام چار مدیر های مشهور اخبار ها نوشته شده است . ازین مکتوبها بعضی در اثنای مهر کردن باطل شد در داکخانه آتش گرفته است ازمامورین داکخانه دو سه نفر بصورت مدهش زخمی شده است معلوم شد که مدیر های اخبارها بعد ازین در زیر تهلکهٔ بابومبه پاره پاره شدن مانده اند ! .

فلاکت زدگان قطب جنوبی

کپتان (ایسکوت) نام انگلیزی برای کشف قطب جنوبی رفته بود . قبل ازان بچندسال کپتان (اموند سون) سویدنی نیز برای این خدمت سفر کرده بود . اما هیئت سفریهٔ سویدنی در وظیفهٔ خود موفق شده عودت نموده بود . این هیئت کشاف انگلیزی از یک راه دیگری سرراست بسوی محل مقصود روانه شده بود بانه نفر رفقا کپتان ایسکوت ازقرارگاه زمستانی خود حرکت نمود . اما چون دید که خوراکهٔ شان کفایت نمیکند سه نفر رفقای خودرا واپس بقرارگاه برگردانید . وخودش باشش نفر رفقای خود حرکت کرد وبهزاران گونه زحمتها ومشقتها سینهٔ خودرا سپر کرده درراه خدمت عزم وفن کوهها و جودبه های یخهارا گذر نموده بنقطهٔ قطب واصل شده است و بیرق دولت متبوعهٔ خود را درانجا برافراشته است . در وقت برگشتن بمشکلات عظیمهٔ سردو چار گردیدند . غیر ازبلای انجماد بلای مدهشهٔ گرسنگی نیز برانها وارد آمد . از رفقای شان یک الثنت اولا از رفتار مانده بیمار گردید . وچون دید که بیماری وبیقوتی او موجب فلاکت دیگر رفقایش میشود برای رهائی دادن دیگر رفقای خودرا ازعذاب خود وباقیماندن خوراکهٔ اش برای دیگران یکروزی خودرا دریک چقوری جودبه انداخته هلاک ساخت . بعد ازین یک رفیق دیگر شان نیز همچنین کرد . بعد ازانکه کوههای بلند ومخوف ومدهش یخهارا گذر نمودند بیک صحرای یخ برامدند که هنوز مسافهٔ بسیاری تا قرارگاه شان مانده بود . تخمیناً قدر ۲۰۰ میل یک مسافهٔ باقی مانده بود که از گرسنگی وسردی در وجود هیچیکی از انها قوت حرکت باقی نماند سطرهائی که کپتان ایسکوت درین حال فلاکت اشتمال نوشته است حقیقتاً بسیار الم انگیز است . این هیئت جرأتکار وفدائی راه علوم فن درمیان یک کفن بسیار سرد وسفیدی پیچانیده شده بکمال شرف وشان همدیگر را در آغوش کشیده بخواب ابدی فرو رفتند . چون عودت آنها دیر شد رفقای دیگر شان که در قرارگاه مانده بود بجستجوی آنها برامدند . ودیدند که بیچاره‌ها ازسردی وگرسنگی تلف شده اند . ضایع شدن این قربانهای راه فن انگلستان را دریک ماتم عمیق در انداخته است .

(فدائی راه فن)
(کپتان ایسکوت انگلیزی)

اخبار ترجمان

درین وقت یک نسخهٔ ازاخبار فصاحت بیان ترجمان که به لغت ترکی بسیار ساده وفصیح درشهر (باغچه سرای) ممالک روس طبع ونشر میشود برای ما رسیده است این اخبار ازسالهای دراز درراه اسلامیت وبرای قومیت خدمتهای نمایان قلمیه ابراز نموده ومیاید درنمبر ۲۹ درزیر عنوان (زور نالهای ملی ما) یک مقالهٔ خوبی نوشته که بعضی فقرات آنرا درج صحیفهٔ افتخار میکنیم: مردمان اکثر درپی غزته وجریده هوس وخواهشی زیادی نشان میدهند حال آنکه برساله ها اینی زور نالهای که درماه یکبار یادوبار میبرایند آنقدر دقت نه میکنند لاکن چون غزته یعنی گزت کار زور نالرا دیده نمیتواند میباید که اهل مطالعه زور نالها یعنی رساله هارا درزیر نظر دقت بگیرند

غزته بنام دیگر گزت همان اوراقیست که باحوادث روزانه ومعلومات مختصره پرمیباشد . این اوراق امروز نوشته میشود خوانده میشود ، روزدیگر پراکنده شده فراموش میگردد . اما ژورنال این چنین نیست زیرا درژورنالها حوادث یومیه ، واقعات زنده کانی واقتصادیه واجتماعیه ومعلومات فنیه وادبیه وسیاسیه تفصیلا بحث کرده میشود وبشکل کتاب حفظ کرده میشود .

گزت — ورق خبر آوراست .

ژورنال . یارساله‌ها — کتابیست که آن خبرهارا تفصیل وتشریح میکند بازمیگویم : بهژورنالهای خودمان بسیار دقت کردن لازم است .))

بعد ازین فقرات ترجمان حقیقت بیان اززورنالهای فنی وادبی که درممالك روسیه بزبان ترکی وغیره طبع ونشر میشود بحث وبیان رانده درباب اخبار یعنی ژورنال باجزائه‌ماچنین مینویسد :

﴿ سراج الاخبار افغانیه ﴾

نام ژورنالی که درکابل نشر میشود یك نسخهٔ آن به ادارهٔ ما آمد . این ژورنال تصویردار فارسی العباره در ماه دوبار نشر میشود . باحروفات استامبول برکاغذ خوب چاپ شده است . ازبسیار اخبارهای هندوستان که دیده‌ایم اعلاتر است . وجود (سراج الاخبار افغانیه) برترقی های سریعی که افغانیان در امور مطبعه ومطبوعات ودیگر کارها بکار برده‌اند دلالت میکند .

درنسخهٔ که گرفته‌ایم این چند تصاویر درج شده است :— تصویر شکار گاه جناب امارت پناهی — قواعد عساکر پیاده — مدیر وسرمحرر محمود طرزی . نگران ایشیك آقاسی علی احمدخان مندرجاتش خوب وهم مختلف است (سراج الاخبار افغانیه) رادیده ممنون شدیم ، موفقیت آنرا تمنی میکنیم . . ما نیز ازین حسن توجه رفیق معزز ومحترم خود عرض تشکر میکنیم ودوام انتشار فواید آثار آنرا نیازمی نمائیم .

(احوال ایران)

انتخاب از جریدهٔ فریدهٔ معاصر معزز حبل المتین

﴿ گفته یکی ازدرد مندان وطن حسب ﴾

(حال وطن)

چویك ملتی ازمیان ملل سیه بخت گردد بحکم ازل
شودمنحرف ازطریق صواب فتد در مضیق خطاء و خطل
نهد رو براهیکه اندر بجاه کند خبطها تیکه باید مثل
چو قوم عزیز من ایرانیان که بودند فخر تمام ملل
کنون ازنفاق وجهالت شدند همه خوار وزارو همه مبتذل
دریغا که این ملت باستان فتاده بخط خطاء زلل
نه در بند دین و نه در بند ملك که آرا خطرهست وایرا خلل
نه فکری بدل غیر لهو ولعب نه ذکری بلب غیر قول وغزل
که ازحقد باهمدگر در ستیز که ازجهل بایکدگر درجدل
جریدن نباشد . زاوزر ما بآسوده کی همچو جدی وحل
که گرگان خونخوار ازهرطرف درافتاده برجان ماچون اجل
پی بردن شاهد ملك ما رقیبان زهر سو کشوده بغل
چنان کشتهٔ احوال ایران خراب که آرا نمانده جز ودول
ممالك تباه و مهالك فزون سبل غیر مامون دزدو دغل
نیابی یکیرا در آن مملکت که باشد یکی قول او باعمل
همه در سخن پهلوانند لیك که کار کردن چولاقند وشل
چنان رفته جدیت ازمملکت چنان عقل مارا گرفته خلل
کباید بهر یك دوری نوشت جناب جلا لتمآب اجل

مقالهٔ مخصوصه

(حکمای قدیم چه بودند ؛ وحکمای جدید چه شدند ؛)

اولا این را بگوئیم که (حکیم) آیا بچه حکیم میشود اگر بگوئیم به (عقل) هر کس که یك کلهٔ دارد البته یك عقلی نیز دران دارد ، پس به انحساب هرکس باید حکیم گفته شود . واقعا هر آدم ذی عقل حکیم گفته میشود ، ولی باید دانست که عقل حکیم وغیر حکیم به آثاری که بمیدان رآورد ، ورأیها وفکرهائی که دران آثار بیان کرده باشد ظاهر وعیان میشود ، چنانچه حکیم شیراز میفرماید :

زبان در دهان خرد مند چیست
کلید در گنج صاحب هنر
چو در بسته باشد چه داند کسی
که جوهر فروشست یا پیله ور

یك انسان اگر هر قدر جامع العلوم والفنون باشد ، لکن اگر از حکمت ورأیها وفکرهای اودیده وخوانده نشود حکیم بودن . وشعورت بودن او مجهول میماند ، مثلا اگر ما اثرها ورأیها ومحاکمه‌های عقلیهٔ حکمای قدیمه‌را نمیخواندیم ونمیشنیدیم چسان بر حکیم بودن شان حکم میتوانستیم :

تا مرد سخن نگفته باشد عیب وهنرش نهفته باشد

حالا درین بیندیشیم که آیا (حکیم رأی خودرا چسان میدهد ، واثر حکمتش بچه استناد یافته بمیدان میبرآید ؟ هیچ شبهه نیست که هر حکیم رأی وفکر خودرا بدرجهٔ دانش ومعلومات خود داده میتواند ، وهر اثری که بمیدان میبرآرد ترجمان همان فکر ورأی او میباشد :

فکر هر کس بقدر دانش اوست

بلی ! این یك مسلم آفاقیست که دانش خودبخود حاصل نمیشود بلکه بصورت دیدن وشنیدن حاصل میشود . طفل بدنیا که می

آید هیچ چیزی نمیداند . هر اندازه که بزرگتر میشود همانقدر زیاده ترچیزها می بیند ومیشنود ، وبهمانقدر هم بردانشش می افزاید . اگر یك طفل را از ابتدای ولادتش دریك خانهٔ بیندازند واسباب زنده گانیش را بهر وسیله که باشد تدارك کرده هیچ چیزی به او نه بنمایند وهیچ چیزی به او نشنوانند در آخر کار آن طفل وحشی ونادان حتی از قوهٔ تکلم نیز درحرمان میماند . بناء علیه دانش یك چیزیست که از دیدن ، وشنیدن ، وتجربه حاصل کردن بوجود می آید .

اما درینجا باز وارد خاطر میشود که به اینصورت هر کس که دوچشم ودو گوش داشته باشد باید (حکیم) گفته شود وچون هر صاحب گوش وچشم حکیم گفته شود افلاطونها ، ارسطوها را چه قدر وقیمت خواهد ماند ؟ هیچ ! ولی کم یاب بودن حکیم ازین است که حکمت حکیم مطلق ، ودست قـدرت قادر برحق بعضی دماغهارا بچنان وضعیتی خلق میفرماید که مخطط ها وپیچپاهای بسیاری داشته در هر مخطط وهر پیچ وشکن آن انواع اسرار حکمت ، واقسام انوار معرفت را میگنجاند که اینگونه حکمت (موهبی) و (فطرتی) میباشد ، ودرینجا از صدد بحث ما خارج است ، ما از علم وحکمت کسبی وتحصیلی بحث میرانیم ، ویك مقایسه درمابین حکمای قدیم وجدید مینمائیم .

گفته بودیم که حکیم به آثار آن وفکر ورأی شان شناخته میشود ، ورأی وفکر از دانش ، ودانش از بسیار دیدن وشنیدن بوجود می آید . مقصد از بسیار دیدن وشنیدن ، بسیار خواندن وبسیار تحصیل کردنست . آلات وادوات بسیار خواندن وخوب تحصیل کردن کتابها ، مکتبها ، دار الفنونها ، سیاحتها وامثال آنها میباشد .

در وقت حاضر یك مهندسی که از مکتب هندسه ، ویا یك طبیبی که از مکتب طبیه کامل التحصیل شده میبراید رفیق خود میگوید که : « کتاب اوقلیدس ، بقراط که یك درسی از ریاضی یا از طب به او بدهم » . اگرچه اینگونه ادعا خیلی بلندپروازی وخودنمائی شمرده میشود ، ولکن چون یکقدری ملاحظات ذیل را ملاحظه فرمایند چنانچه گمان شده است ـ بلندپروازانه گفته نمیشود :

حاصلشدن دانش را از بسیار دیدن وشنیدن یافته بودیم . این دیدن وشنیدن بسیار ، دو صورت دارد : یکی آنکه بطریق سیر وسیاحت دنیا ، ودیدن انواع زمینها وانسانها ، ودانستن اشکال طبیعتها وخلقتها ، وشنیـدن هزارها رقم سخنها وحوادثها ، دوم بطریق بسیار خواندن ، وبسیار مطالعه کردن که مـدار یگانهٔ افزونی دانش بهمین دو چیزاست .

حالا بر اصل مقصد خود آمده به بینیم که دنیا در زمان حکمای قدیمه چقدر بود ، وحالا چقدر است :

از ملاحظهٔ بعضی خریطه ها ـ یعنی نقشه های زمینی ـ که قدمای جغرافیون یونانیه کشیده ، وصورتهای آن قرناً بعد قرن تا به اینوقتها رسیده چنان معلوم میشود که در انوقتها همهٔ دنیا از یونان تا بمصر وجزایر مغرب زمین از افریقا ، واز آسیای صغری گرفته تا به ایران ، از آسیا ، واز نهر طونه تا یك کمی از ایتالیا از اوروپا عبارت بوده است . وچون دنیـای به این بزرگی عبارت از همین جاهای مذکوره باشد هیچ شبهه نیست که دیدنیهای مردمان آنوقتها نیز در داخل حدود همانقدر جاها بوده است ، حالا آنکه در همین قدر زمینهای مـذکوره نیز بسبب نبودن راههای منتظم ، وآلات نقل وحمل محتشم از یك شهری بشهری ، یا از یك قطعهٔ بدیگر قطعهٔ سیر وسیاحت کردن کار هر بهادر جهان پیما نبود ! وازان سبب بود که ازوهم وقیاس بسی مملکتها ، وانسانها ، ومخلوقات غرابت نما نقل وروایت کردند ، ومانند عجایب المخلوقات کتابها تصور نموده از بسی کلهٔ گوشها ، ودرختهای کله انسان واقواقها وغیره بحثها رانده اند .

حالا یك خریطه ونقشهٔ کرهٔ زمین عصر حاضر را بسر میز نان انداخته ببیند که دنیا بار بار از دنیای پیشتر بزرگتر گردیده است . وسیر و سیاحت آن بدرجهٔ آسان شده که تمام کره را یك کس کوچك دستی در ظرف ۸۰ روز دور کردن یك ساعت تیری شمرده میشود (۱) بنابرین ثابت میشود که دایرهٔ حدود دیدنیهای مردمان این دنیای جدید از دایرهٔ رؤیت مردمان قدیم واسعتر وفراختر بوده است .

آمدیم بر مسئلهٔ بسیار خواندن وبسیار مطالعه کردن : درین یك هیچ شبهٔ نیست که بسیار خواندن وبسیار کتاب وآثار بودن منوط است گروه (مشائیون) که عبارت از شاگردان (ارسطو) ست در رکاب معلم خودشان میرفتند واز حکیم از یاد درس میکردند که ، به این سبب آنهارا (مشائیون) یعنی (رونده گان) میگفتند ، واین نبوده مگر از بی کتابی ، هر حکیمی که درانوقتها بدرجهٔ صنعت معانی میرسید همهٔ سرمایهٔ علم وحکمتش در ذهن وسینه اش محفوظ میبود ، وشاگردان نیز معلوماتی که ازو میگرفتند از یاد میکردند . وازین سبب گفته اند : (العلم فی الصدور ولا فی السطور) حالانکه هر سینه محیط همهٔ علوم نمیگردد . مثلا خریطه یعنی نقشهٔ یك قطعهٔ زمین یا همه کرهٔ زمین را انسان در صدر خود نقش کرده نمیتواند ، بهمه حال وجود خریطه ضروریست . اگرچه در زمانهای حکمای قدیم نیز کتابها نوشته شده است ، واثرهای افلاطون وارسطو تا به این زمانها خلفا بعد نقل رسیده است . اما آن کتابهای که درانوقتها نوشته میشـد بر یك رقم برگ درختی که آنرا (پاپیروس) میگفتند ، واز مصر بقیمت بسیار گرانی می آمد نوشته میشـد که آنگونه کتابهارا تنها پادشاهان وبزرگان مالك شده میتوانستند .

---

(۱) (سیاحت بدور دور کرهٔ زمین بهشتاد روز) نام کتابی که درمطبعهٔ مبارکهٔ عنایت در دارالسلطنهٔ کابل بطبع رسیده ودر دکان ملا غلام محمد کتابفروش متصل مدرسهٔ شاهی بقیمت ۲ دوروپیهٔ کابلی فروخته میشود این کیفیت را بخوبی واضح میسازد . کتاب مذکور درهمین مطبعه عنایه درده افغانان نیز بفروش میرسد .

از روایات موثوقهٔ تاریخست که بسبب بی کاغذی وبی کتابی در میان شاگردان حکما چنان اشخاصی پیدا میشد که سبقهای خود شانرا بر وجود خود شان مینویشتند . وتا بوقتی که حرف بحرف آنرا از بر نمیکردند وجود خودرا نمی شستند . غباز(پاپیروس) یك نوع ورق آمونام کاغذی از پوست حیوانات نیز موجود بود که آنهم در گرانی از پاپیروس پاکم نیاورد . ارزانترین کتابها آن بود که ورقهای آنها از تخته چوبهای باریك باریکی تشکیل یافته بود که آنهم بسبب سنگینی وکلانی برداشتن وبردن وآوردنش خیلی پر زحمت بود . بنابرین سببا حکمای متقدمین تدریس وتعلیم خودرا زبانی میدادند، وشاگردان شان مجبور بودند که کتاب خودشانرا قوهٔ حافظهٔ خود بسازند . پس زهی شاگردی که مالك قوهٔ حافظه میبود !

بحث ماطول انجامید ، وهنوز به نتیجهٔ مقصد نرسید . حالا خلاصهٔ اینقدر بگوئیم که چشمهای حکمای قدیمه چیز های بسیار کوچکی را دیده نمیتوانستند . حالانکه حکمای جدیده ذره بین ومیکرسکوپ نام آلهٔ را بر چشمهای خودشان نهاده عوالم بالا نهایهٔ میکروب نام حیوانات صغیره را دیدند که از غایت کوچکی ، ملیونها عدد آن بقدر یك نوك سوزن هم نمی آید . حکمای قدیمه چیزهای بسیار دور را هم دیده نمیتوانستند اما حکمای جدیده دوربین وتلسقوب را بردیدهٔ خود نهاده بسیر سیارات وبعد مسافات چشمهای شان ، کامیاب آمده است .

گوشهای حکمای قدیمه واقعت کثرجاهای دور را نیز بسیار دیرشنیده نمیتوانستند . حتی بسیار واقعات را هیچ نمیشنیدند . حالانکه حکمای جدیده ادنا یك واقعهٔ که در هر نقطهٔ از نقاط کرهٔ زمین بوقوع آید در آن واحد بواسطهٔ تلگراف وتیلفون میشنوند .

کلامیکه از دهن حکمای قدیمه میرامد آنرا تنها شاگردانی که در دور وپیش شان میبود میشنیدند . حالانکه حکمای جدیده (مطبعه) نام یك زبان عمومی را مالك شدند که بواسطهٔ آن سخن خودشانرا بکائنات میشنوانند .

حکمای قدیمه احوال زیر زمین را ازروی زمین خلیا کرده تصورات میپرورانیدند . حالانکه حکمای جدیده بواسطهٔ نقبهای زیر زمینی کانهای زغال سنگ تابسیار طبقات عمیق زمین سیر وسیاحت کردند . وچیزیکه بچشم خود دیدند وبدست خود لمس کردند نوشتند .

حکمای قدیمه اگر چه بر کرهٔ نسیمی عل آورده توانستند ولی آنرا بلانهایه تصوور کردند . حالانکه حکمای جدیده بواسطهٔ بالونها بر طبقات مختلفهٔ آن درمیان ابرهاسیروسیاحت کرده حدود آنرا معین کردند .

حکمای قدیمه کرویت زمین را بخیال تصور میکردند . ولی از اثبات آن عاجز بودند . حالانکه حکمای جدیده کرهٔ زمین را از غرب بشرق واز شمال بجنوب بارها دور وسیاحت کرده مسئله کرویت را مادتاً اثبات کردند .

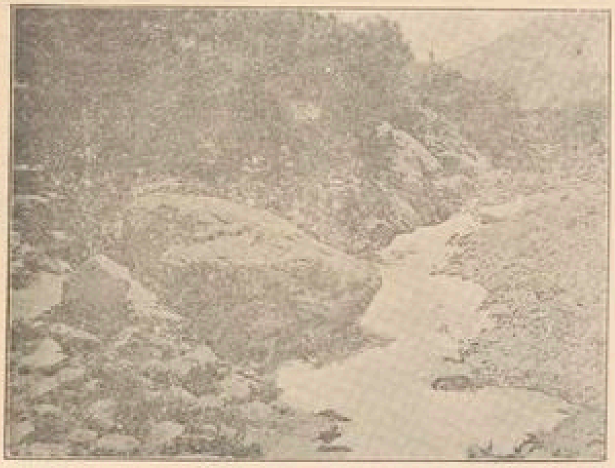

« نظارهٔ یك درهٔ لطافت منظرهٔ »

(این نهر جوشان وخروشانیست که معروف بنهر (نیلاب) درموقع کهار دردامنهٔ کوه هندوکش درسمت شمال کابل واقع شده است)

والحاصل چون بسوی مطبعه‌ها ، ومکتبها ، وکتبخانه‌ها ، وآکادامیها ، وباغچه‌های نباتات ، وحیوانات ، ورصدخانه‌ها ، وهزارها اختراعها وآلات وادواتی که درین عصر حاضر بدست حکمای جدیده می‌بینیم نظر کنیم عشر عشیر آن بخیال وخاطر حکمای قدیمه هم نگذشته بود . وچون حکمت حکیم از آثار ، وآثار ازرأی وفکر ورأی ، وفکر از دانش ، ودانش از دیدنها وشنیدنهای بسیار حاصل میشود وآلات وادوات دیدنها وشنیدنها چون عبارت از همین چیزهاست . وان آلات وادوات چون در دست حکمای جدیده میباشد ازآرو اگر یك مهندسی از مهندسان اینعصر بباز کردن کانال سویس یاپاناما وریختن آبهای یك بحر را بدیگر بحر ، ویاجزیره ساختن یك قطعهٔ بزرگی ادعا کند که : « بکمال اقلیدسی

با اورا بلندتری از هندسه بدهم ، آنقدر بلند بروزانه یك ادعای شمرده نمیشود .

حالا چون این همه محاکات را قارئین کرام مطالعه فرمایند درباب اینکه ، حکمای قدیم چه بودند ؟ وحکمای جدید چه شدند ؟ ، یك فکر اجمالیٔ حاصلکرده خواهند بود . ولکن این راهم بگوییم که ازین تفصیلات چنان مفهوم نشود که ما حکمای قدیمه را سراسر از قدر وحیثیت دور انداختیم . نی نی اقدر وقیمت حکمای قدیمه نه چندانست که آنرا انسان انکار کرده بتواند . قدما اساس نهادند ، متأخرین بران بناها ساختند . قدما معلم بودند ، متأخرین متعلم شدند . قدما تخم حکمت را کاشتند ، متأخرین حاصل برداشتند . لهذا چنانچه افضل بودن متقدمین انکار شدنی نیست ، همچنان اکمل بودن متأخرین نیز بدیهی وثابت است . والله اعلم بالصواب .

انتها

عالم عسکری

(جاسوسهای عسکری)

ازنام جاسوس همین معلوم میشود که چیزهای پنهانی را جستجو وتجسس کرده ، وبه تحقیق وتدقیق رسانیده آنرا خبر دهد . جاسوسها بردو نوع است : یکی آن جاسوسهای پست فطرت بی ایمانیست که برای ضرر ونقصان دولت ، وملت ، ووطن خود به پیسهٔ چتل ومردار رشوت دشمن دین ووطن گرویده شده وجدان وناموس وایمان خود را فروشند ، واسرارهای را که متعلق نفع دشمن وضرر وطن باشد بدشمن برسانند که ما ازین نوع دنی‌های بی ایمان بحث نمیرانیم . وازنوع دوم آن حرف میزنیم که آنها هزاران تهلکه ها ، ومشقتها را برخود گوارا ساخته وخبرهای را که برای نفع وفایدهٔ دولت ووطن وملت شان باشد بدست آورده بدولت خود خبر میدهند که اصل موضوع بحث ما درین مقاله عبارت ازهمین رقم جاسوسها میباشد .

یك درهٔ لطافت منظرهٔ دیگر

در (استالیف) نام موقع کوهدامن زمین کابل واقعست

این یك معلوم همه‌کانست که هردولت برای محافظهٔ موجودیت وهستیٔ خود ، وبرای نگاهداشتن شرافت وحیثیت قومی وملیٔ خود یگانه واسطهٔ که بدست دارند همانا اردوهای عسکریٔ بری وبحریٔ شانست . ازین سبب دروقت حاضر سعیها وکوششهای که دولتهای رقیب همدیگر برای حاضر ساختن وانتظام ، دادن اردوهای خود شان صرف میکنند خیلی شایان حیرتست . بمجردیکه در جرمن یك ادنا تبدلات عسکریه رخ نماید ، هماندم می‌بینیم که فرانس ازان باخبر شده آنرا بروی کار می آورد . وبمجردیکه انگلیز یك کشتیٔ جنگی زیاده کند جرمن هماندم بکوشش آن میشود که دو کشتی بیفزاید . بهمین منوال همهٔ دولتها دروقت حاضر از ترس حرص همدیگر ، وباغرور انتقام یکدیگر خودشان بچنان مخارج ومصارف گرفتار آمده‌اند که ازعاقبت کار خودشان نیز بااندیشه افتاده درباب جلوگیریٔ این زیادتیٔ مخارج خود شان میخواهند که قوانین صلح عمومی ، ومراجعت نمودن به حکم ، ومقاوله‌های محدود ساختن تسلیحات را بروی کار اندازند . اما کجا! اینها همه صرف خیالاست! هردولت مجبوراست که دروقت حاضر ازمقدار قوت حربیه وحرکات عسکریهٔ همسایه‌گان خود شان که امروز دوستند وفردا دشمن باخبر

گردند . وبهمان نسبت خودرا حاضر سازند . زیرا دشمنیکه قوت وقدرت آن معلوم نباشد دراوقات نتیجه‌های بدبدی بظهور می آورد که بتجربه ها ثابت شده است . لهذا دولتها درباب بدست آوردن خبرهای قوت وحرکات حربی وعسکری دشمن رقم رقم جاسوسها دارند

اولا جاسوسهای رسمی وآشکاریست که اینها بهمراه سفیرهای هردولت درپایتختهای دیگر دولتها میباشند . وآنهارا (آتشه میلیتر) میگویند . اکثر این آتشه میلیترها ازدار الفنون عسکری بدرجهٔ اعلا ترین علوم فن برامده میباشند ، ولااقل به سه چهار زبان بسیار ماهر وشاطر میباشند . این آتشه میلیترها درهر دولتی که بهمراه سفیرخود میباشند وظیفهٔ یگانهٔ آنها همین است که دایما حرکات عسکریهٔ همان دولتیراکه درنزد آن بصفت آتشه میلیتری نشسته‌است تدقیق کرده ، وازنکته های باریك اردوی آنها معلومات بدست آورده بشعبهٔ مخصوصهٔ (ارکان حربیهٔ) دولت متبوعهٔ خود منتظماً راپورها میفرستند .

این آتشه میلیترها باافسران اردوی دولتی که درانجاست دوستی وآشنای پیدامیکنند . وبواسطهٔ آنها به دانستن بعضی چیزها کوشش میورزند . وبوعده های منافع زیادی پلانهای حرب ، - یعنی نقشه‌های جنگ - وبارسمها ونقشه های یك شهر ویاقلعهٔ مستحکم راکه ترتیبات تدافعیهٔ آن جسارت بدزدی باهرحیله که باشد بدست می آرند . وآنهارا مانند گنجهای گرانبهای بدولت خود میرسانند . وچون آتشه میلیترها درمانوره های عسکری - یعنی قواعدهای بزرگ جنگی - رسماً دعوت میشوند ، بهاین سبب نیز درباب تعلیم وتربیهٔ اردوهای عسکری ومهارت ولیاقت افسران آن دولت بخوبی معلومات بدست می آرند .

ثانیاً جاسوسهای غیررسمی پنهانیست که آنها افسران کوچك عسکری ارکان حربیهٔ یکدولت میباشند که بتبدیل قیافت وتغیر لباس بمملکت دیگردولتی که زبان آنرا خوب آموخته باشند میروند . این قسم جاسوسها همان عین مقصدرا بصورت پنهانی وخفیه بدست می آرند ، وبهمان مقصد فرستاده میشوند بسیاربارها دراخبارها از گرفتار آمدن اینچنین جاسوسها حوادث شنیده میشود که اکثر آنها همین افسران کوچك ارکان حربیه میباشند .

ثالثاً درجاهای مهمی که یك دولت برای آن یك فکر ومقصد پنهانی بدل دارد درچنان جاها قونسلوسهای که میفرستند اکثر دراصل عسکر میباشند وبتبدیل قیافت ملکی خودرا صنعتکار یاتجار برقم داده بازوظیفهٔ اصلیٔ خودرا بجای آرند .

رابعاً جاسوسهائیست که ازاهالی خود یك مملکتیست که بدست استیلای دشمن درامده میباشد ، واصل خدمت بسیار بزرگ ازانها انتظار میشود اگرچه دولتهای حاکمه برچنین عنصرهای مختلفهٔ زیردست خودشان که دراول زیردست شان نبوده وبعدازان درزیردست محکومیت شان درامده بسیار سعیها وکوششها ، وحیله‌ها وظلمها بکار میبرند که آنهارا ازدیگر هم‌عنصران وهم‌ملتان شان جدا سازند . وملیت ولسان شانرا غایب وضایع نمایند . وحسیات شانرا ازهم‌کیشان شان برگردانیده بسوی خود جلب ومایل کنند . ولی این سعیها وکوششهای شان بیهوده ورایگان میرود . وحیله ها وظلمهای شان بغض وعداوت آنهارا افزونی می‌بخشد . وهمیشه درصدد آن میباشند وانتظار میکنند که چه‌وقت همجنسان شان که درانطرف سرحد میباشند بفریادشان رسیده آنهارا ازچنگ ظلم واستیلای غیرجنس شان رهای بدهند ، این است که یك ادنا معاونت ازانها خدمتهای بزرگ بزرگی بدست آورده میشود . وچون آنها ازنفس خود آن مملکت میباشند ازجاسوسهائیکه بتبدیل قیافت فرستاده شوند بیشتر فایده حاصل میشود .

اصل خدمت بزرگ ازین ها دروقت جنگ گرفته میشود . زیرا محاربه‌ها اول درسرحدها می‌جنبد ، وچون عسکر ازسرحد بخاك دشمن تجاوز نماید هماندم آن اهالیٔ محکومه بسبب جنسیت

فاجعه های پاریس

(مابعد ازشمارهٔ ۱۴ سال دوم)

— البته ، شما یك سخن بگوئید که به بینم .

— چون چنینست ، پنجصد فرانك میخواهم .

— بسیار خوب منهم پنجصد فرانك میدهم .

مادام آنفو لبهای خودرا خائیده وخود بخود ، آه چه خطا کردم باید که دو همینقدر طلب میکردم ، وموسیورا خطاب کرده گفت .

— آیا زاچهٔ تازه‌را چه‌وقت می آورید صاحب من !

— فردا بوقت شام درمابین ساعت شش تا هشت .

— خیلی خوب ، منهم برای قبول کردن او حاضر میباشم .

— اما اینرا باهم قرار دادهایم که بعد اززائیدن زن اگراو را بامادر دیگر یکجائی تصادف کنید نه اورا ونه مارا هیچ باید که نشناسید . اما همچنین نیست مادام !

— اینسخن حاجت سوال ندارد صاحب ! همه مشتریان من بعد ازانکه ازخانهٔ ام برآیند من دوباره آنهارا نمیشناسم ، من اگر مادامهای را که میشناسم درکوچه وبازار چون به بینم وبا ایشان سلام علیکی کنم هیچ کس دوباره بطرف من چرخ هم نمیخورد . ده دوازده مشتریهای دارم که چون مرا در راه یابازار می‌بیند چنانچه یك ماری رادیده باشند همچنان ترسناك واندیشه ناك میگردند . ولی من ناانکشته نیز شده میروم .

— چون چنینست کارما وشما قرار یافت ، فردا باهم می‌بینیم مادام .

اینرا گفته موسیو کلاه وچوب دست خودرا گرفته میخواست که ازاتاق برآید که مادام انفو گفت :

— عفو بفرمائید اما یك چیزی میگویم . لکن رجامیکنم که ازسخن من نرنجید .

— چرا برنجم ؟ بگوئید .

وهم کیفیتی فداکاریهای بزرگی برای مدد وخدمت همجنسان هم عنصران خودبکار میبرند . چنانچه مثالهای این‌را تاریخهای حربیه بسیار بوضاحت نشان میدهد : مثلاً معاونت طوتلوزها درمحاربه روس وژاپن به همجنسان خود یعنی ژاپانها ، ومعاونت ومددکاری جنسهای مختلفۀ بلغارها ، وروسها ، وغیره که محکوم دولت عثمانیه بودند درمحاربۀ بالقانها بهمجنسان وهم عنصران شان .

دیگر خدمتهای که ازانها گرفته میشود این است که دروقت جنگ جماعتهای کوچک کوچکی ازانها تشکیل داده ومسلح ساخته برای خراب کردن خطهای تلگراف ، وریل ، ویرانیدن پلهارا بدینامیت ، وآتش افروختن ، ودرغرق کردن وغیره چیزهائیکه موجب مشغولیت فکر وحیران ساختن دشمن شود ، وقوت اردوی اورا کم ومتفرق سازد . چنانچه درین محاربۀ بالقانها بلغارها ازینگونه عملیات بسیار فایده‌ها برداشتند . همۀ این تدبیرهائیکه موجب مضرت دشمن شود دروقت حضر یعنی آرامی وپیش ازجنگ حاضر وترتیب میشود ، ودروقت جنگ فایده‌ازان برداشته میشود .

ادبیات

از ترکستان مینویسند

درتعریف (سراج‌الاخبار مبارکه افغانیه) ازطبع پریشان ناچیز شکسته دل (عبدالعزیز) متخلص به (بسمل) که تن خسته دارد وقلم شکسته نه‌تحریری لایق دیدن نه‌تقریری قابل شنیدن بدنام کنندۀ نکونامی چند این عاجز هیچمدان‌کجا وشعر وبیان‌کجا ازطلاطم جوش محبت واخلاص مکنون ضمیر خود دراین صحیفه‌بیان آورده اماچه بیان همه‌بی مضمون وپریشان ابیات است که جواهر اخلاص این‌خزف پاره‌هارا شایان التفات وقبول سازد وبه‌نظر عاطفت جناب استادان کرام واولوالالباب عظام برساند انشاالله‌تعالی

(مخمس)

دیده حیران سراج الاخبار   دل ثناخوان سراج الاخبار
خیربنیان سراج الاخبار   علم ارکان سراج الاخبار
حب دین جان سراج‌الاخبار

ازش قوت احیا دارد   در دل سامعه‌ها جا دارد
هست روشن ید بیضا دارد   هر طرف موج تجلا دارد
شمس تابان سراج‌الاخبار

یافت درفن سیاسی جهان   بهرۀ خاص ازو پیرو جوان
ظاهراست اینکه درین سعد آوان   رونق تازه به افغانستان
داد عرفان سراج‌الاخبار

اهل‌اسلام همه یکتن گردید   ملت و ملک چوگلشن گردید
ای بسا خلق که پرفن گردید   ای بسا دیده که روشن گردید
ازچراغان سراج‌الاخبار

پرتو سایۀ ظل اللهی   بهر ملت ز ترقی خواهی
بوروا نیده چنین آگاهی   لاجرم آمده مدح شاهی
خوشعنوان سراج‌الاخبار

شهریاریکه به اخلاق نکوست   خیردین ووطن وقومش خوست
ای خوش‌آندل که‌زجیش مملوست   شاه‌دیندارجوان‌بخت‌کزوست
رفعت شان سراج الاخبار

آنکه مارا مدنیت اموخت   هرطرف نورمعارف افروخت
همه اسباب ترقی اندوخت   غفلت و بیخبری هارا سوخت
نور رخشان سراج‌الاخبار

(بسمل) هرجا که‌طپیدن‌دارد   بی‌پرو بال پریدن دارد
بدرو سینه دویدن دارد   ذوق اخبار شنیدن دارد
ازدبستان سراج‌الاخبار

— وقتیکه همراه مشتریهای خود کارا فیصله کردم عادت منست که تمام مبلغ‌را پیشکی میخواهم ازین سبب علوفهارا طلب کرده ازعادت خود بیان کردم .

— بسیار خوب عادتست . این حرکت شمارا شایان تحسین میبینم . ازجزدان خود یک بانکنوط یکصدفرانکی کشیده » بنابرین منهم همه پیسه شمارا پیشکی میدهم .

— بکمال خوشی‌بانقنوطهارا گرفته آیا بمقابل آن یک رسید میخواهید ؟

— نی‌مادام ، من برشما امنیت تامه دارم .

مادام آلفونس مهمان خود را بدفعات سلامها داده داده تابسر زینه مشایعت کرد . حتی یک چند زینه هم زیلان شده بود که بازهم از عقبش ازسلام دادنها دست بردار نمیشد . وقتیکه برامدن مهمان خود را از دروازۀ خانه دیده واپس به اوتاق خود بکمال انشراح دل برگشت خودبخود میگفت :

— یکصد فرانک ها ! هم پیشکی ! چه عجب لقمه ! هیچ‌شبهه نمیکنم که درین کار یک انتریکۀ بسیار بزرگی دور می خورد . هم انتریکه‌ها وحیله‌ها در میان عالم کلانخانه‌ها دور می خورد یا این است که‌یک مادموازل یعنی دختر کدام کلانی یک خطای بزرگ وخیمی کرده . یا آنکه کدام شوهری را بازی داده زنش راحامله کرده اند . اما من این‌را زیاده تر آرزو میکنم که کدام شوهری بازی خورده باشد . حریف بی آنکه از چیزی خبر باشد ودر خانۀ خود بخواب راحت رفته باشد از دیگر طرف یک اولادی بخانه‌اش پیدا شود . بر اووو !! (قهقهه خود بخود خندید) حقیقۀ چه عجب احوال ! من چه ؟ چون هیچ یک مردی تاحال‌طالب ازدواج من نشده از آرزو وبرشوهران هرگونه‌مصیبت وبلائی که بیاید خوش میشوم . به این مصیبت وبلاها مستحق هستند . جزا های خودرا بکشند .

روز دیگر بعد از غروب یک کمی ، یعنی در هنگامی که قونتس قونتیه دور اندال ازخانۀ پدر خود مادرکی دوموقوب

باقی دارد

ناموران زنان جهان

(مابعد از شمارهٔ ۱٤ سال دوم)

ماذا تقولون اذقال النبی لکم   ماذا فعلتم وانتم آخر الامم
بعترتی وباهلی بعد مفتقدی   منهم اساری ومنهم ضرجوا بدم
ماکان هذا جزائی اذ نصحت لکم   ان تخلفونی بسوء فی ذوی رحم

یعنی — آیا چه خواهید گفته توانست در وقتی که حضرت پیغمبر شما بشما بگوید که اینچه کردید باهل وعترت من بعد از من وشما آخرترین امتها بودید . بعضی را اسیر ، وبعضی را مدهوش ، وبعضی را بخون غرقه ساختید . این نبود جزای اینکه بشما نصیحت کرده بودم که به ذوی الارحام من بدی مکنید .

ابنة غیلان : — اصل نامش (بادیه) است که بابنهٔ غیلان مشهوره میباشد . از صحابیات عصر برگزیده رسالت است که درمیان صحابیات بدلفریبی وزینت وآرایش کری شهرت شعار یک خاتون باوقاری بود درآنوقت از ابنة غیلان ، و(فارعه بنت عقیل الثقفیه) بازینت تر وآرایش تر هیچ زنی موجود نبود . همهٔ زنان آنوقت بروی رشک میبردند . درتعریف وتوصیف آن زنان عرب این عبارهٔ عربی را میگفتند :

« فعلیک بابنة غیلان ! فانها هیفاء شموع نجلاء ،
« ان تکلمت تغنت ، وان قامت تمنت ، وان مشت ارتجت ، ،
« وان قعدت تبنت . اذا اقبلت أقبلت باربع ، واذا »
« ادبرت بثمان »

یعنی — ترا سفارش میکنم بدختر غیلان ! چراکه او کشاده طبع ولطیف مشربست ، ومانند یک شمعستان تجلاست ، ووقتیکه تکلم کند نغمه سرای میکند ، وچون برخیزد قیامت برپا میکند وچون بخرامد میلرزد ودلهارا میلرزاند ، وچون بنشیند یک برج حسن وجمال بنا میکند . اگر روبرو آید بچهار واگر پشت بگرداند به هشت است

ابنة کلن : — یک خاتون عربیه فصیحه ایست که نامش مجهول است ، وبهمین لقب مشهوره است واز زنان زمان (شعیب) علیه السلام است . در (قاموس) نوشته است که (ابجد) و (هوز) و (حطی) و (کلن) و (سعفص) و (قرشت) نامهای شش نفر پادشاهان اهل (مدین) است که (کلن) بزرگترین آنها ورئیس شان بوده است . وپدر همین زن صاحبة الترجمه میباشد وقتی که در (یوم ظله) بعذابی که برقوم شعیب علیه السلام نازل گردید همهٔ بزرگان شان هلاک گردیدند . ابنة کلن درمرثیهٔ پدرخود این ابیات را گفته است :

باقی دارد

علم ثروت ملل

(مابعد از شمارهٔ ۱٤ سال دوم)

مملکتها ، وولایتها ، ودولتها ، وملتها ازهمین سبب بوجود آمده است . اما شرط یگانهٔ فایده برداشتن از حاصلکردن ثروت ازین مربوطیت ومشارکت طبیعهٔ ممالک مختلفه این است که مبادلات به امنیت وآزادیٔ تام جاری شود . ولی هزار افسوس که درمابین ملتها از زمانهای بسیار قدیم غرضها ونفسانیتها ودشمنیها موجود است که این کیفیت مانع آزادی وامنیت مبادلات میشود . هرملت بهمین فکر است که از دیگر ملت قطع علاقه نماید ، وبه دیگری محتاج نشود ، وتنها بمحصولات خودشان اداره وگذران کند . این است که برای حاصل شدن این مقصد درراه آزادیٔ رفت وآمد مبادلات ، واخذ وعطای معاملات پئی پئی موانع بوقوع آورده ومی آورند .

از مسئلهٔ آزادیٔ مبادلات بعد ازین به تفصیل بیان خواهد شد . درینجا تنها همین قدر بیان میشود که درنظر علم ثروت ، اختلافها ودشمنیهایی که درمابین ملتها از سبب جنسیت ، وملیت پیش آمده وروز بروز افزونی میگیرد سراسر مغایر حکمت وطبیعت دیده میشود واز هرجهت برای جمعیت بشریه موجب خسارت ومضرت شمرده میشود . زیرا هرمملکت برای دیگر مملکتها یک بازارگاه بزرگ اخذ وعطا میباشد که هراقدر آن بازار وسعت گیرد ، وداخل شدن به آن بازار آسانی یابد برای محصولات آن هماقدر خیرومنفعت حاصل میشود . این بازارگاه طبیعت را سد کردن ، خوبیهای تقسیم وشرکت اعمال را نشناختن ، وخود را نیز ازان محروم ساختن است .

اهمیت وفایده های قاعدهٔ تقسیم اعمال بدرجهٔ در عالم انسانیت تأثیر دارد که اگر اینقاعده درعالم نمیبود امروزه روز از بسیار لذتها وفایدههایی که به مخارج بسیار کم ازان مستفید میشویم سراسر محروم میماندیم . مثلا یک پیاله چای را که بقیمت دوپیسه دریک

باقی دارد

اعلان

کتابهای فارسی — انگریزی — اردو — وگورمکی — بهاشا وغیره برای تعلیم اشتغال بفروش میرسد . المشتهر
(بالکرشن داس سرمدرس مدرسهٔ اهل هنود نمبر ۲)
درشور بازار کابل

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد ازطرف مدیر وسرمحرر تحریر یافته

محمود طرزی

در چهاپ خانهٔ حروف دار السلطنه کابل طبع گردید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 627 of 1786

(اعلان)

کتب دارالتالیف بیت العلوم حبیبیه

شماره	اسم کتاب	قیمت	کیفیت
۱	رسالهٔ اول دینیات	یکعباسی	درین رسایل مسایل عقاید واعمال دینیه بعبارت آسان وروشن نوشته شده واز کتب معتبرهٔ عقاید اهل سنت وجماعت وفقه شریف انتخاب شده است
۲	رسالهٔ دوم دینیات	پنج شاهی	
۳	رساله سوم دینیات	یکقران	
٤	سراج العقاید حصهٔ اول	سه شاهی	
٥	سراج الفقه حصهٔ اول	دوعباسی	مسایل فقهیه واحادیث اخلاقیه برای درجهٔ وسطیه بزبان عربی نوشته شده
٦	سراج الفقه حصهٔ دوم	ده شاهی	
۷	سراج السیر احوالات حضرت سیدالسادات	یکروپیه	حالات حضرت رسول مقبول ازولادت تاوفات بطرز اجمال از کتب سیر وتاریخ انتخاب شده
۸	رسالهٔ علم طبیعیات	چهارعباسی	مقدمات ابتدائی فلسفهٔ طبیعیات از انگریزی ترجمه شده واصطلاحات بعربی نوشته شده است
۹	سراج الحساب حصهٔ اول	دوروپیه	برای تعلیم حساب درجهٔ صبیانیه از کتب معتبرهٔ انگریزی ترجمه شده وبه اوزان وسکه جات افغانستان حل مسایل شده است
۱۰	تحریر اقلیدس فارسی اول ودوم	روپیه	بطرز قواعد جدید از اقلیدس انگریزی ترجمه وانتخاب شده وسوالات هر مقاله علیحده به آن الحاق یافته
۱۱	ایضاً سوم وچهارم	دوروپیه	
۱۲	مرآة الارض مختصر جغرافیه دنیا	یکروپیه	مختصر جغرافیه دنیا می باشد
۱۳	احسن القواعد (صرف ونحو فارسی)	یکروپیه	قواعد صرف ونحو فارسی میباشد
۱٤	قاعدهٔ فارسی بطرز جدید (برای ابجدخوانان)	یک ستار	الفبای مخصوص زبان فارسی میباشد
۱٥	رسالهٔ ضرب زبانی (برای تعلیم ابتدای حساب)	پنج پیسه	برای تعلیم حساب درجهٔ ابجدیه تالیف شده
۱٦	کتاب اول فارسی	یکعباسی	ضروریات اخلاق وعادات حسنهٔ مفیدهٔ اطفال از کتب معتبره انتخاب شده
۱۷	کتاب دوم فارسی	پنج شاهی	
۱۸	کتاب سوم فارسی	دوعباسی	

المشتهر یکی از اعضای دارالتالیف بیت العلوم حبیبیه (حقیر عبدالرب)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 628 of 1786

سیاحت بدورادور کرهٔ زمین

بهشتاد روز

کتاب اول یعنی افسانهٔ طرز جدید بسیار شیرینست که هم افسانه میشنواند ، وهم علم می آموزاند در دکان ملا غلام محمد تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی بالیشتی چاپی بقیمت (۲) دو روپیهٔ کابلی بفروش میرسد .

(کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه)

(باجلد اعلا)

ودو کتابچهٔ (علم واسلامیت) و (آیا چه باید کرد ؟)

(باجلد اعلا)

در اداره موجوداست . آرزو وکنندگان خریداری کرده میتوانند

قیمت همه (۲۵) بیست وپنج روپیه کابلی

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، ویا دیگر هرقم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تابه پنج بار نشر وشایع شود برسرهر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه دربین ورق وقایه درج شود از یکبار تابه پنج بار فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر ازپنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریك ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

شماره ۱۶ سال دوم

فهرست مندرجات

بهار اندر بهار	تشریف شوکت ردیف موکب فرخنده کی موهب اعلیحضرت همایونی
حوادث داخلیه	تشریف فرمائی ذات عالیه صفات علیاحضرت سراج الخواتین — عیناً مکتوب از محکمهٔ اطلاعات مبنی بر کرامات حضرت اسدالله الغالب کرم الله وجهه
حوادث خارجیه	اجمال سیاسی — جنگ — صلح — کامیابی مسرت آور ترکان در شتالجه و تلف شدن دو غند عسکر خامه بلغاری — یک افغان داوطلب در سقوطری جناب جعفر آغا — ابیات در وصف جناب انور بیک — شادمانهای اسلاوها در پترسبورک — جمعیت هلال احمر عثمانی — ایطالیا در طرابلس — مانتینکرو و استریا جبهه حربیه ترکیه — استریا و مانتینکرو — نکولس شاه مانتینکرو — گرفتاری طیارهٔ جرمنی ازرق زپ لین در فرانس — اسرار طیارهٔ زپلین — قهر و غضب جرمنیها — امپراطور دولت قوی صولت جرمن — نطق امپراطور جرمن
مقاله مخصوصه	هزار افسوس که مربوط ماتمن مسلمانی یک جلد تار مو و یک پارچه قماش گم شده
مونتسکیو	نام ادیب مشهور فرانسوی از زبان یک ایرانی
مکتوب از شهر	
از بیت العلوم مبارکه به اداره رسیده	یک اثر ناطق رعایا پروری اعلیحضرت والا — قصیده
اخلاقیات	آداب حضرت پیغمبری ترجمه از کنز الحکیم
ادبیات	غزل رشوت کلام مدیر سراج الاخبار — غزل مستغنی — شعر میرزا محمد عزیز — غزل مذنب (قیمت بوسه فروشی
سخنان هردقم	
فاجعه های پاریس	
نامور ان زنان جهان	
عز ثروت ملل	
اعلان	
تصاویر	تشریف آوری اعلیحضرت همایونی و فرو آمدن از عرابهٔ موتر و توقف ورزیدن به قصر سعادت حصر استور — جناب انور بیک قهرمان شجاعت نشان دولت عثمانیه — تصویر اعلیحضرت امپراطور جرمنی — از مناظر باغ شاهی جلال آباد مصاحبان خاص اعلیحضرت همایونی عالیجاهان سردار محمد آصف خان و سردار محمد یوسف خان مکالمه میکنند — ایضاً از مناظر باغ شاهی جلال آباد — قصر بادشاهی متصل ماشین خانهٔ دار السلطنه کابل

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 630 of 1786

اعلان

(شرایط اشتراك سراج‌الاخبار افغانیه)

(سراج‌الاخبار افغانیه) نخستین اخباریست که در مملکت پرفیض وبرکت افغانستان بسایهٔ فیوضات عرفان پروری اعلیحضرت پادشاه مقدس مهربان مانو در دارالسلطنهٔ محروسهٔ کابل به انتشار آغاز نهاده است . مقصد ومسلك این نامهٔ گرامی بیداری وآگاهی اهل وطن مقدس‌ماست براحوال عالم ، وحب دولت و وطن ، وتوجه بسوی علم وفن ، دینی ، سیاسی ، ادبی ، اجتماعی ، فی یك اخبار فواید نثاریست که در صفحه های معدود ، فواید غیر محدودی مندرج دارد .

(سراج‌الاخبار افغانیه) از هموطنان عزیز خود چشم امید آنرا دارد که چون این اخبار یگانه اخبار وطن عزیز مقدس شان شمرده میشود میباید که یك توجه خاص ویك هوس مطالعهٔ بااخلاصی بسوی او عطف نمایند . اداره درباب اشتراك مشترکین کرام بنهایتدرجه ارزانی وآسانی را مرعیداشته ، وبرای خوبی مضامین مندرجه وخوبی کاغذ وحسن طبع ودرج تصاویر فدا کاریهای بسیاری بکار برده ، وتجارت را کمتر منظور داشته است درینوقت درماه دو بار یعنی درغره وپانزدهم هرماه نشر میشودامیداست که درآینده هفته وار بشود . وآنهم به همت دانشوران معزز هموطن منوط است زیرا هراقدر که تعداد مشترکین کرام ، ورغبت خوانندگان عظام بیفزاید ، البته درترقی اونیز خواهد فزود . قواعد اشتراك از قرار ذیلست :

در دارالسلطنهٔ کابل قیمت یکساله اشتراك آن ٨ هشت روپیه کابلی — ششماههٔ آن ٥ پنج روپیه کابلی ، در ولایات داخله دولت علیهٔ افغانستان یکساله ١٤ چارده روپیه کابلی — ششماههٔ آن ٨ هشت روپیه کابلی ، درممالك خارجه چون هند وایران وترکستان روسی وممالك عثمانی واوروپا یکساله ١٠ ده روپیهٔ انگلیزی — ششماهه ٦ روپیه انگلیزی .

(اسامی وکلای ما درخارج)

درپشاور جناب میرزا غلام حیدر خان سررشته دار داکخانهٔ دولت علیهٔ افغانستان ، در مشهد جناب عبدالله خان کاردار تجارت دولت علیهٔ افغانستان ، دربخارا جناب حاجی غلام نبی خان‌مامور فروش پوست قره قل . ذوات گرامی که درممالك خارج افغانستان آرزوی اشتراك اخبار مارا داشته باشند بهر یك ازین وکلای ما چون وجه یکساله یاششماههٔ اشتراك را بفرستند واز طرف وکیل‌ما به اداره اطلاع برسد از هماوقت اخبارما بهمان آدرس وعنوانی که داده باشند جاری میگردد . آدرس وعنوان واضح وروشن نوشته شود . یك طلای پوند انگلیزی ١٥ پانزده روپیه کلدار است .

صحیفه (۱) سال دوم شماره (۱۶)

نگران
ایشک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی
علی احمد

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
باخراجات داک ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
باخراجات داک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

مدیر و سرمحرر
محمود طرزی

ادارهٔ خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همهٔ امورات تحریریه به ادارهخانه
بنام مدیر فرستاده میشود
قیمت یک نسخه آن در کابل یکعباسی است

تاریخ قمری یکم جمادی الثانی سنه ۱۳۳۱ تاریخ انگلیزی ۸ می تاریخ شمسی ۱۸ ثور ۱۲۹۲

﴿ درین اخبار از حوادث داخلیه وخارجیه وبعضی مقالات مفیده درج میشود ﴾

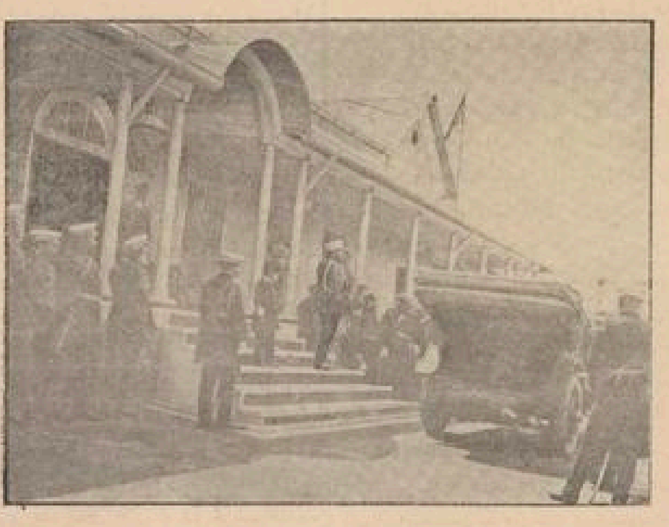

﴿ تشریف آوری ذات اعلیحضرت همایونی ﴾

ذات اعلیحضرت پادشاهی از عرابهٔ موتر فرود آمده بزینهٔ قصر
سعادتحصر استور مبارک توقف دارند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 632 of 1786

بهار اندر بهار

تشریف شوکت ردیف موکب فرخنده گی موهب
اعلیحضرت همایونی

چنانچه، درفصول حیات انسانی ، ربیع زمان جوانی یك نشاط نشاهٔ بار تازگی وطراوت نثاری دارد ، همچنان درفصول چار گانهٔ سال که قدمه های نردبان حیات انسانست فصل بهاررا خالق عظیم لیل و نهار همین خاصیت مسرت آثار طرب نثار را عطا واحسان فرموده است .

بهار، یك آیینهٔ قدنمای تجلای صنع حضرت مولاست که اسرار بدایع آثار « یحیی الارض بعد موتها » را ظاهر و آشکار میسازد . بمجرد رجعت شمس جهانتاب ازسیاحت نصف جنوبی کرهٔ ارض صفامآب ، وبه تعبیر دیگر بعد ازسیاحت خود کرهٔ زمین دلنشین ما ازنصف مدار خود به نقطهٔ اعتدال ربیعی، دفعهٔ یك حیات یك حرکت یك نشاه ، یك نشاط همهٔ عالمرا فرا میگیرد . گویا ازهر تار شعاع شمس خاوری سیلابهای حرارت ، قوت ، برکت بر روی کرهٔ زمین جاری میشود که زمین را گرمی وزور وتوانائی خارق العادهٔ حاصل شده به ایثار فیض و برکت آغاز می نهد ! گویا ازهر سرچشمهٔ درخشان تارهای زرین کار آفتاب عالمتاب انهار خوشگوار حیات زندگی نثاری روان میگردد که یك زنده گیِ عمومی همهٔ زمین کوه دره ، ودیان دامانرا فرا میگیرد ! گویا خورشید ضیا پدید ، ساقیِ بزم محفل کائنات مسرت نوید گردیده که با پیاله های سرشاریِ پرانوار خویش جمادات نباتات ، حیوانات را مست جام عشرت وشطارت میسازد !

تابش مهر عاطفت چهر برقلال جبال برف ، و بحرها ، و نهرها ، وتالابهای زرق تابیده انجمادرا بانبساط تحویل میدهد ، ازین تحول بخارها بالامیراید ، درانجا تکاثف پیدا کرده صورت ابررا میگیرد ، ابررا باران حامله میسازد ، وبه ماموریت دایه گریِ اطفال صغیرهٔ سبزه ها ، و درختها و چمنها مأمور میفرماید ، مشوقها ، ومحرکهای رعد وبرق وظیفهٔ لاله گری وداده گری را کرده ، بتربیت ومعیشت اجسام عضویِ کرهٔ زمین آستین برمیزند .

چه مسرت ! چه شطارت ! شاخهای خشك اشجار که ازجسد مردهٔ یك حیوانی هیچ فرق نمیرسانید رفته رفته خون حیات معجونی دررگها وپی هایش دویدن میگیرد ، آثار حیات دران عیاناً آشکار میگردد ، کفنهای برفهای سفید را از روی کشتزارها میروبد ومیشوید ، به تخمهای جماد آسای حبانی که در خریف افتاده شده بود شیر نور ، وشراب پرسروری می چشاند ، جمادرا به نبات تبدیل میدهد ، کرهٔ زمین روز بروز ، ساعت بساعت ، دقیقه بدقیقه ، نی نی ! بلکه ثانیه بثانیه که درهر ثانیه ۲۰ میل ازمداری که بران دردور آفتاب دور میکند بسیاحت سفر ۳۶۵ منزلهٔ خود بقطع منازل دوام میورزد ، گذر گاههای آن سلطان یکه تاز زندگی انداز بهانوار سرور وحیات پر حبوری سرسبز و شاداب میگردد .

این است که بهار زندگی آثار شهر دلپذیر ما با همهٔ شوکت وحشمت رنگارنگ خودجلوه ریز رسید ، مینا ها غنچه ها بلبلها ودیگر مرغکان رنگارنگی که از شدت وصولت زمستان مظالم نشان مهاجرت اختیار کرده بودند سیل سیل گروه گروه عودت نموده در شاخهای شکوفه بار درختان باغها وباغچه ها ماوا گزین امن وامان گردیدند ، ونواهای شیرین دلنشین مختلفه زمزمه پرداز مدایح خسرو شیرینکار حضرت بهار شدند ، چنانچه زبان صداقت بیان ما اهالیِ صادقهٔ پایتخت عالیبخت کابل نغمه سرای شکران تشریف آوریِ موکب سعادت موهب اعلیحضرت پادشاه ترقیخواه عدالت اکتناه محبوب القلوب معظم خودمان گردیده است .

بلی ، حضرت خلاق عظیم الشان لاشریك ولانظیرما جل وعلا درهر فصل ربیع دوبهار صفا نثاری مارا احسان میفرماید که یکی بهار موسمی ، و دیگرش بهار دیدار اعلیحضرت پادشاهیست . بهار موسمی ، بر نباتات تأثیر حیات بخشی مینماید ، وبهار قدوم پادشاهی بردلهای صداقت منزلت رعایا تأثیر نشو ونما میفرماید ، بهار موسمی عالمرا اززنجیر بندی برفها ویخهای ثقلت فرسای فشارها رهائی میدهد ، بهار تشریف آوریِ موکب پادشاهی دلهای انجماد یافتهٔ رعایارا بتأثیرات رأفت وعدالت زنده گانی میبخشد .

جهان گلزار میگردد ز تشریف همایونی
قد چون شاخ گل گردد زتوصیف همایونی

صبح یومشنبه ۱۹ ماه جمادی الاول یك صبح روز فیروز صفا اندوزی بود که درهمه اهالی پایتخت عالیبخت کابل یك جوش نشاط ویك خروش اخلاص بساطی ظاهر و پدیدار گردیده بود درهر چهره ، وهر جبین چون نظر میشد یك ابتسامی ، درهردل و هر سینه چون غور میشد یك سرور صفوت انسانی آشکار شده بود طبیعت نیز یك هوای صفا افزای بهاری محیط کابل را احاطه نموده بود ، اکثر مردمان شهر مینو بهر ما یك سرور و شادمانی علی بسوی سرکهای باصفای پل عیدگاه وچمن حضوری میشتافتند ، شاگردان مکاتب ابتدائیهٔ محله های شهر بلباسهای تازه ترین خود شان ملبس شده بجان مسرت طفلانه ، وجدان فرحت معصومانه در راهها صف کشیده بودند که انسانرا بی اختیار یك شطارت عام صباوتی از نظارهٔ آن دست میداد .

بعضی معززین و اشراف واز ارباب مناصب عسکری تا رتبهٔ برگد بموجب رقعه های خبری که از طرف ذات عالی فخامت مآب نائب السلطنه صاحب یکروز پیشتر نشر و تسطیر یافته بوددر برند دربار قصر بیقصور (استور) مبارك بلباسهای رسمی جمع آمده بودند واز صنوف مختلفهٔ عساکر خاصهٔ شاهانه بابیرق های بزرك مقدسه وموزیك خاصهٔ درچمن سمت شمال قصر مبارك صف بسته احترام بودند .

ذات شوکت سمات پادشاه حقایق آگاه بادانش ودین ما اعلیحضرت (سراج الملة والدین) مدالله ظله فی العالمین یومشنبه ۱۹ ماه حال بعمل چار بجه صبح باهمه ابهه سلطنت سنیه وجمیع ارکان معیت شاهانه ازباغ کوکب جلال آباد حرکت فرموده اند ، غیر از عرابه های

موتری که پیش و بعد از حرکت اعلیحضرت شاهانه روانه شده بودند دو قطعه عرابهٔ موتر بهمرکابی همایون شرفیابی حاصل داشت درمنزل گاه (جگدلک) اشراقیه فرموده اند . و درمنزل گاه (خاک جبار) طعام چاشت را تناول وصلوة ظهر را ادا فرموده بعمل سه‌نیم بعد از ظهر عرابهٔ موتر اعلیحضرت پادشاه معظم‌ما از دروازهٔ ارک مبارکه در باغ شاهی داخل گردید . واز طرف عموم عساکر شاهانه بامر وبولی ذات فخامتمآب حضرت نائب السلطنه صاحب افخم سلام شاهانه ادا وبانداخت سی ویک فیرطوپ وصول سعادت موصول اعلیحضرت پادشاه محبوب القلوب مقبول ما برهمه کان اعلان گردید .

وقتا که عرابهٔ ذات شوکتسمات اعلیحضرت همایونی در پیش زینهٔ قصر سعادت حصر توقف نمود ذات شاهانه ازموتر فرود آمده یکسر بسوی جای که عساکر نصرت مآثر شاهانه بسلام قیام داشتند حرکت فرمودند . ودرمیان صفوف عساکر گردش فرموده قلوب صداقت مطلوب آنهارا به دیدار مراحم نثار شاهانهٔ شان تلطیف و آبیاری فرمودند . وبعد ازان درمواجههٔ عسکر توقف فرموده امر کوماند وبولیٔ حرکات عسکری را برای رسم مرور بزبان فیض رسان همایونی به تمام قواعد واصول عسکری اجرا فرموده باز وزینهٔ قصر سعادت حصر توقف فرمودند . وبعد ازانکه عساکر شاهانه از حضور همایونی رسم مرور را اجرا فرمودند نفریٔ معتبرین که برای سلام اعلیحضرت پادشاهی حاضر شده بودند بموجب فرمان همایونی در زینهٔ دربار آمده صف بستهٔ احترام گردیدند . وخود ذات اعلیحضرت همایونی از زینهٔ قصر به زینهٔ دربار تشریف آورده همهٔ حاضرین را بشرف دستبوسیٔ ذات شاهانهٔ شان مفتخر ومباهی ساختند . وبه تلطفات وعنایات پادشاهی نایل وسزاوار . وبك نطق مرحمت عنوانی بیان فرموده اجازهٔ انصراف عطا نمودند .

(سراج الاخبار افغانیه) باهمهٔ هستیٔ وجود ، وجملهٔ حروفات ومعانیٔ تار وپود خود از صمیم روح وقلب برنعمای بلا انتهای خالق بیهمتای خویش شکر وثنا میگوید که جسدی روح شهر عزیزما بازبه تشریف قدوم میمنت وسعادت لزوم اعلیحضرت پادشاه معالی پایگاه معظم محبوب القلوب ما سراز نوحیات تازهٔ اکتساب نموده دلهای بهار نمای صادقهٔ شاهانه را بیك بهار نشو ونمای بهار اندر بهار فرمود . لهذا دعای خالی از ریای صحت وعافیت ، وشوکت وجلالت شاهانهٔ شانرا بکمال اخلاص وصداقت ورد زبان عبودیت میداریم .

حوادث داخلیه

{ تشریف فرمائی ذات عالیه صفات علیا حضرت }

(سراج الخواتین ادام الله عزها واقبالها

ذات عصمت سمات قدسیت صفات (علیاحضرت سراج الخواتین) ادام الله عزها واقبالها باهمهٔ عایلهٔ شریفهٔ شان بعمل پنج بجه روز مذکور بکمال عز واقبال وتمام شوکت واجلال بسواری موتر تشریف فرمای دار السلطنهٔ کابل گردیدند . وچون در ارک مبارکه داخل شدند بانداختن بیست ویك فیرطوپ سلام ذات عالیهٔ مقدسه شان ابقا گردیده دلهای عموم اهالی را یك مسرت بی اندازه وفرحت بلا نهایه استیلا نمود .

ازدرگاه آلهی جل اسمه سلامتیٔ ذات عالیهٔ مقدسهٔ شانرا (سراج الاخبار افغانیه) بکمال اخلاص وصمیمیت نیاز واسترحام مینماید .

از محکمهٔ مبارکهٔ اطلاعات

(عینا مکتوب)

جناب مستطاب مکرم لازم الاحترام مدیر صاحب سر محرر سراج الاخبار راحفظه الله تعالی همواره وجود ذی جود آنمکرم را از خداوند جهان آفرین محفوظ ومسلم تمنا دارم — اولین در خواست نیاز مندانهٔ من از خداوند بی همتا مهربان بقای عمر وسلطنت اعلیحضرت سراج الملة والدین سرکار همایون والا است درمطاوی عرض میشود قراریکه ازمزار شریف احوال بمحکمهٔ اطلاعات رسیده چنان است که بتاریخ لیل شنبه ۲۷ ماه ربیع الثانی یکنفر شخصی که از هردو دست شل بوده روضهٔ مطهره حضرت خلیفهٔ چهارم رضی الله عنه بصحتمندی هردو دست خود کامیاب گردیده است — درلیل سه شنبه غره جادی الاول دونفر دیگر که یکنفر ازمردم هزاره ویکنفر ازطایفهٔ از بلخاست وهردو نفر ازهردو چشم اعمی بودند بدربار فیض نثار مشرف گردیده هردو نفر بروشنی چشمان خویش کامران گردیده اند — روز پنجشنبه ۳ ماه جادی الاول یکنفر افغان ازطایفهٔ مهمند که این شخص هم کور مطلق بود وپاستان بوسی روضه مطهره مشرف گردیده بود بینا شده است ونفری مذکور درولایت موصوفه حاضرند کیفیت مذکور را بخدمت مکرمی تحریر نمودم که درج روزنامهٔ مبارکه سراج الاخبار بدارند زیاده صحتمندی و سلامتی افاضل محترم را ازخداوند تعالی خواهانم فقط تحریر ۱٤ جادی الاول سنه ۱۳۳۱

(معروضه سررشته دار محکمه اطلاعات .)

﴿ سراج الاخبار افغانیه ﴾

اولیا راهست قدرت از آله تیر جسته باز گرداندز راه

حوادث خارجیه

اجمال سیاسی

جنگ — صلح

بعضی کلمه‌های مرادف بنظر میخورد که لازم وملزوم همدیگر شمرده میشود ، مثلا جنگ چون ظهور کند صلح نیز درعقب آن وارد خاطر میشود . زیرا اگر جنگ باشد وصلح نباشد حیات بشریت درانداك مدتی خاتمه پذیر میگردد . جنگها وصلحها از آغاز حیات بشر آغاز نموده تا به آخر دوام خواهد ورزید . اگرچه ازنقطهٔ نظر اخلاق ووجدان انسانیت جنگ یك چیز بد وناگواری

شمرده میشود ولی‌چه فایده که بنا بر مقتضای خلقت انسانی این بلای مبرم تاازوقت هابیل وقابیل برای انسانها میراث مانده‌است. وحکم یکی از ضروریات زندگانیٔ ملتهای بشری‌را گرفته است .

درجمیع حیوانات بری ، وبحری ، وهوائی چون نظر کرده شود داعا همین‌قاعدهٔ تلف‌شدن‌ضعیفها و زبونها ازدست قویها و توانا‌ها مشاهده میشود . وچون بتحقیقت نظر شود بکه مدار حیات نیز همین قاعدهٔ آکل وماکول بودن کائناتست . ضعیفها وزبونها نیزمعصوم شمرده نمیشوند . چراکه آنهانیزلابد ازخود ضعیفتررا سدرمق شکم پروری میسازند . اماچون انسانها اشرف مخلوقات شمرده میشوند،ودر هرچیزبردیگر حیوانها صفت اکلیت واشرفیت دارند،نبایست که‌همدیگر خودشان‌رامیخوردند . حالا نکه بنظر بسیار افسوس دیده میشود که‌این نوع اشرف وا کمل از وحشیترین حیوانها نیز خونخوارتر وغدارتر میباشند . ازچه‌قدر زمانهاست که بخونریزیٔ همدیگر کمر بسته خاک کرهٔ زمین را باخونهای خود شان خمیر ساخته اند .

دروقت حاضر خاک قطعهٔ روم ایلی حکم تغار خمیریٔ خونها وجسد های بشررا گرفته است . هیچ یکوجب‌زمین این‌سر زمین نباشد که‌باخون انسان آغشته نشده‌باشد . محاربهٔ بالقانها واسلام ازمحاربه های بسیار دهشتناک خونریزانهٔ عظمی شمرده میشود . بلغارستان یک حکومت دزدی شمرده میشد که همهٔ دولتها رسماً اورا بدزدی قبول‌کرده بودند . وتااین وقتهای اخیره نیزهمین صنعت شان بود . تقریباً پیش از یازده دوازده سال (مس آلن ستون) نام یک‌زن فاضلهٔ امریکائی را کهعض برای تعلیم ومدد کاریٔ فقرا درصوفیا پایتخت‌بلغار اقامت‌داشت ازخانه‌اش دزدیدند وبکوه‌برده ازقونسل دولت‌امریکا یکصدوده‌هزار ریال امریکائی‌فدیه نجاتش راطلبیدند . وتامبلغ مذکوررا نگرفتند اورا رها نکردند .

این یک مثالیست که‌نوشتیم . و گرنه صدها ازینگونه شناعتها وبدعتهای ازین دزد دان بروی کار آمده است که‌اگر بتفصیل آن بپردازیم یک‌جلد کتاب نوشتن لازم‌است . ازبلغار هاچنین کارها بعید نیست چراکه جبلت‌وفطرت شان بر همین است . ولی جای تعجب این‌است که‌از سالهای‌سال دولتهای معظمهٔ برعتیق وجدید بوجود همچنین‌یک حکومت دزدچسان قایل‌وراضی شده بودند ؟ درانوقتها که‌این‌حکایت مس‌آلن ستون‌را میشنیدیم حیران میشدیم که آیا دولتهای بزرگ چه‌مقصد داشته خواهند بود ؟ مگر نتیجهٔ آنرا‌حالا دانستیم که‌چه‌مقصدومدعا بود ؛ مگر این شکاریٔ دزدهارا برای همین‌روز میپروراندند که‌شیررا به‌آن شکار کنند !.

درینوقتها در مابین شکاریان متفق نیز آثار و علایم بی اتفاقی سرزدهٔ ظهور گردیده است . صربها دعوی میکنند که‌هرکاری که کرده ایم ما کرده ایم . بلغارها میگویند ، نه دیگر نیست ، درمابین بلغارهاو یونانها نیزدرخصوص سلانیک‌رقابتها وکشمکشها برپاست . حتی میگویند که پادشاه یونان نیز به تشویق و تحریک بلغارها بقتل‌رسیده است . کوهیها نیزاز حقها وغنیمتهای خود چیزی صرفهٔ نبردند . خودمختاری واستقلال‌البانی که‌بحمایت‌دیگر دولتها اعلان کردید کاسهٔ آمال‌مانتنکرو را بسنگ ناامیدی‌شکستاند . تلفات عظیمهٔ که بلغار ها به آن گرفتار آمده اند کمرشانرا شکسته است . واقعاً فالحال اگرچه موفق شده‌اند . ولیکن بفضل و مرحمت خداوندی امید واریٔ کلی دارم که کامیابیٔ آخری باز بعثمانیان نصیب گردد .

والحاصل درعقب‌این جنگ‌صلح یک‌چیز طبیعی ولابدیست . واگر صلح نشود چنان‌معلوم میشود که‌سرایت آتش جنگ همهٔ دنیارا فرا گیرد . اینهم ازامور آشکاراست که‌دولت علیهٔ عثمانیه هیچگاه چنان یک صلحی که موجب کسر شان و شرف شان باشد قبول نخواهند کرد . اگرچه سراسر محو و هلاک هم گردند . حالا نکه‌هلاک‌شدن آنها‌موجب‌هلاک بسی‌معظمه‌ها‌نیزخواهد گردید .

آه دل مظلوم‌بسوهان‌ماند   گر خود نبرد برنده رانیز کند

کامیاب مسرت آور

بلغارها در چتالجه به تلفات وضایعات عظیمهٔ دوچارشده‌اند یک روزی که هوا بسیار ظلمت آلود بود . ودمهٔ وغبار بسیار کثافت آوردی جهانرا فرا گرفته بود دوعند عساکر خاصه بلغاری که‌از مردمان کلان خانه واصیل شهر (صوفیا) پایتخت بلغار تشکیل یافته بودند فرصت را غنیمت شمرده ، وتاریکیٔ هوا را روشنیٔ مقصد خودپنداشته به‌آرامی وسکوت بسوی‌استحکامات چتالجه حرکت نمودند . وبه استحکامات خود را بسیار نزدیک رسانیده بودند که‌دفعهٔ هوارا کشادگیٔ حاصل شده شمس جهان آرا بشعشعه‌پاشی آغاز نهاد وعساکر بلغار را باهمهٔ هستی شان در نظر شیران عثمانیان ظاهر وعیان گردانید . همهٔ توپخانه های جانستان ، وتفنگهای آتش فشان عساکر ظفر مآثر عثمانی آتشهای جهنم آسای خود شان را برانها توجیه نموده از دوعند مذکور فرد واحد رهائی نیافت . وهمه را فی النار والسقر گردانید.لهذا ازین ضایعات عظیمه ، وخواه ازضایعات جسیمه که در ادرنه نویل به‌آن گرفتار آمده اند بلغارهای ازغار برامده را بشدت برطلب صلح مجبور ساخته است . دیپلوماتهای سیاسیٔ اوروپا احوال بالقان را خیلی ازخیلی تاریک ومشکوک می‌بینند .

(یک افغان داو طلب)

(درسانوطری)

افغانان بسیاری که در اطراف واکناف پراگنده بودند رضا ودلخواه خود شان درامر جهاد بابرادران عثمانیٔ خود شان داو طلبانه مشارکت ورزیده اند . ازآنجمله جعفر خان نامی از دلاوران افغان درعسکرگاه اشقو دره باعساکر نظامی عثمانی بجنگ اشتراک ورزیده ومجروح شده بدست کوهیها اسیرافتاده بود . افغان مذکور میگوید که من‌ازخود بیخبربودم . چون‌بهوش آمدم خودرا درلشکرگاه دشمن دریک خیمهٔ یافتم . وچون در وجود خود نظر کردم تاب وتوانائی خودم را بجا ندیدم . کلهٔ دشمن چون گوش مرا در ربوده بود ازانسبب بیهوش شده بودم .

برخود نفرین خواندم که این چه قدر بی جگری بود که یک گوش بای دادن از خود در گذشته بودم . اما چه چاره قسمت همچنین بود . درین اثنا یک افسر مانتیکروئی که تفنگچه بدست داشت در خیمه داخل شده و تفنگچه‌را بمن راست کرده گفت :

— ای بد بخت زود راست بگو که در تارابوش نام موقع تعداد عسکر شما چقدر است ؟

با خود گفتم ای جعفر وقت فرصت فوت کردن نیست . از اسارت دست کفر مرگ برایت اولتر است . جرئت لازم . پس بچالاکیٔ هرچه تمامتر چنان یک مشت محکمی بر شقیقه اش حواله کردم که افسر بد کهر از شدت آن بر زمین غلطید . عاجلم تفنگچه اش‌را ربوده به بیرون جهیدم . پهره‌دار تا میخواست مرا بگیرد یک گله برزمینش انداختم . اسپ افسر درانجا ایستاده بود بلا توقف پادر رکاب گذاشته بتاختم . سواران دشمن مرا تعقیب نمودند . واز هر هر طرف برمن فیر میشد . ولی چون اجلم نرسیده بود هیچ یکی بر جانم نرسید . اسپ افسر مگر خیلی دونده یک اسپی بود . سواران عقب گذاردهٔ مراحلی پس انداخت ولی یک سوار بمن نزدیک رسیده بود ، و کم مانده بود که نوک نیزه اش پشتم را بشگافد . لهذا یک گلهٔ تفنگچه‌را برو فیر کردم که بر پیشانیٔ اسپش بر خورده برزمین غلطید . بعد از ده دقیقه آواز های دلنواز موزیک عسکریٔ عثمانی بگوشم خورده دلم را یک جان تازهٔ پیداشد . تا آنکه بعسکر اسلام رسیدم . و مظهر شاباشها و تحسینها گردیدم .

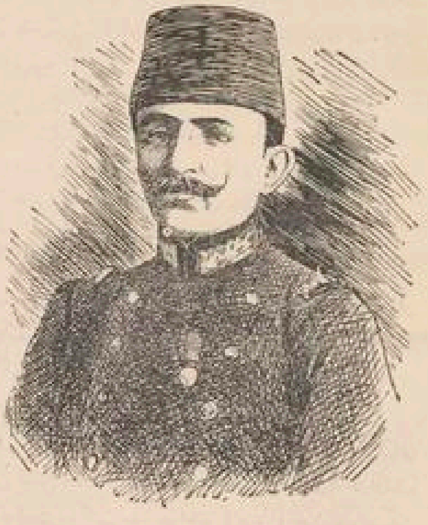

جناب انور بیک

(قهرمان شجاعت نشان دولت علیه عثمانیه)

در وصف انور بیک

کلام جناب ملاطوطی افغانی

قاهر و ناصر و خجسته صفات   حسن اسلامیان و حصن نجات
عزت افزای روم انور بیک   صانه الله عن شر الآفات
گشت محبوب خلق تصورش   ذات سامیٔ او ابوالبرکات
او بروم است مدح او درهند   نام و وصفش بلیغ هم بهرات
دید بلغاریان محرب ورا   حیدری ضرب و رستمی صدمات
گاهی ایطالیان نماید قتل   گاه بلغاریان کند قطعات
گاهی از صربیان شکار کند   گه زیونان کند فتوح جهات
در تواریخ شرق و غرب زمین   ماند تصویر فرخش بحیات
گفت (طوطی) بگلشن کابل   رستم روم را همین ابیات

(شادمانیهای اسلاوها)

در پترسبورگ

درین روزها از مظفریت بالقانیها طرفداران جنس اسلاو شادمانیها و نمایشهای بسیار پرجوش و خروشی در پترسبورگ بعمل آوردند . و میتینگها تشکیل داده و ولوله‌ها انداختند . حتی در پیش روی سفارتخانهٔ اوستریا که برضد مانتنگرو حرکت میکند نمایشهای تجاوز کارانه ، و نطقهای دلشکنانه بیان کرده بودند . لهذا دولت روس عاقبت اندیشی کرده برای اینگونه نمایشها سد ممانعت کشیده است . و از طرف نظارت پولیس اعلانها و بیاننامه‌ها نشر گردیده که اگر بعد ازین کسی اینگونه نمایشهای هیجان آور اجرا کند بشدت جزاداده خواهند شد .

(جمعیت هلال احمر عثمانی)

برای رفیق محترم ما اخبار (کامرید) مینویسند :

« صاحب من ! ازچند مدتیست که بعضی خبرها شایع میشود که گویا جمعیت هلال احمر استانبول از طرف نصاراها اداره میشود . حقیقت این مسئله را از قونسلوس عثمانی مقیم بمبئی استفسار کرده بودم . جوابی که قونسول مشارالیه لطفاً فرستاده اند برای شما ارسال کردم . هرگاه در اخبار محترم خودتان درج نمائید موجب فائده است . از رامپور   مخلص شما   قرشادخان

بمبئی ۱۸ فروری

عزیز صاحب من ! — بجواب مکتوب شما حقیقت را بیان کرده کسب فخر مینمایم : جمعیت هلال احمر عثمانی از طرف مأمورین حکومت یک ارادهٔ مخصوصه تشکیل کرده است . ارکان اداره از میان اعضای جمعیت انتخاب و معین شده است که همهٔ شان مسلمان است . خبرهائیکه برخلاف این گرفته‌اید قطعیاً راست نیست .

مخلص شما
جعفر . جنرال قونسول عثمانی

(سراج الاخبار افغانیه)

مقصد از نشر کردن اینچنین خبرها این است که در میان مسلمانها تردیدها و شبهه‌ها برانگیزانند . و مدد کاری و معاونت مسلمانها را به برادران عثمانیٔ شان سکته دار نمایند . قاتل الله غرض .

(ایتالیا درطرابلس)

عربها ایتالیهارا درطرابلس راحت نمیگذارند . باهجومهای پی' هم خود شان ایتالیهارا بعذاب دایمی گرفتار داشته اند . ازمبعوثهای طرابلس (بارونی بیك) نامیك ذاتی درجبلهای داخل خاك طرابلس یك حکومت منتظمی تشکیل داده است .

(ماتینگرو واستریا)

اوستریا کوهیهارا از الحاق سقوطری بشدت ممانعت میکنند وبه جمع آوری لشکر درسرحد ، وفرستادن کشتیهای جنگی برسواحل تهدید میکنند . کشتیهای جنگی' جرمن ودیگر دولتها حتی از انگلیز وفرانس نیزدرین نمایش بحری اشتراك میورزند .

(حیلهٔ حربیهٔ ترکیه)

شکری پاشا درادرنه برای اینکه عدد طوب های استحکامات خودرا به دشمن زیاده ترنشان بدهد ، وبه اینصورت بحرکات هجوم آوری شان سدممانعت بکشد ازمقوا یعنی کاغذهای کلفت طوبهای بسیار بزرگی ساخته درجاهای معلوم استحکامات وضع نموده بود . وقتیکه بلغار ها شهررا گرفتند این کیفیت را بکمال حیرت مشاهده کردند .

(استریا وماتی نیگرو)

درجریدهٔ ستیسمین تلگراف ذیل شایع شده است :—

اگرحرکت افواج بحری موثرنشد وافواج ماتی نیگرو علی الرغم دول برسقوطری متصرف شدند دولت استریا ١٥ بریگید فوج بهمه اتواب کوهی را بطرف سنجق کسیل خواهد نمود .

(نکولس شاه ماتی نیگرو)

شاه نکولس تا الحال برانکار خود مصراست وچنان اظهار نموده است که تادم وابسین سلسلهٔ جنگ را قطع نخواهدکرد .

(گرفتاری طیارهٔ جرمنی ازرقم زیپ لن درفرانس)

یك طیارهٔ جرمنی ازرقم زیپلن که سهواً درحدود قلمرو فرانس نزول کرده بود بدست اهل فرانس گرفتار آمد وبغور نظروامعان نظر امتحان ومعاینه کرده شد وماهران فن فرانس را برجمیع اسرار غامض آن واقفیت تامه دستداد— اگرچه مردم عوام فرانس بوقت روانه شدن منصبداران طیارهٔ مذکوره درعقب شان سنگ ها انداختند وصداهای ناسزا ودل آزار بلند کردند اما دولت جرمنی بتقاضای مصلحت ازین گونه حرکات عوام اغماض نموده دولت فرانس را درین باب معذور پنداشت— بهرحال منصبداران نظام وصناعان فن فرانس ازمعاینه وامتحان طیارهٔ مذکوره خیلی مستفید گردیده اند .

اکنون دولت فرانس یك مسودهٔ قانون خاص درباب تجاوز طیاره ها ازحدود ملك تجویز نموده است زیراکه قانون بین الاقوام درین باب که فی الحال نافذ وجاری می باشد محدود وغیرکافیست .

(اسرار طیارهٔ زیپلن)

نامه نگار اخبار ستیسمین مقیمهٔ لندن درباب طیارهٔ رقم زیپلن که درحدود فرانس گرفتار آمده است حسب ذیل تحریر نموده است

ازبسکه غبار روی آفتاب را گرفته بود طیاره مذکوره حدود ملك خودرا امتیاز نکرده درحدود فرانس نازل گشت وتاوقتیکه منصبداران نظامی فرانس که درفن طیر مهارت دارند آنرا بوجه اکمل واتم امتحان نکردند طیارهٔ مذکوره را اجازت رخصت ندادند— ترقیات جدید که درین طیاره دیده شده است یك ماشین گن (توپ آتشفشان) عجیب الصنعت وماشین بمب ویك نیل سوز خاص برای تلاش وتعین مقام غنیم وتلگراف بی سیم ازقسم خاص میباشد— علاوه برین نیز معلوم شد که طیارهٔ مذکور تا ارتفاع خاص پرواز کرده وتامدهٔ ٢٤ ساعت اجرای پرواز داشته می تواند— وچونکه فرانس براسرارغامض طیارهٔ جرمنی وقوف تام حاصل نموده است دولت جرمنی را صدمهٔ عظیم رسیده است وجرائد برلن برافشای اسرار غامض که درنظر قوم از جواهر گران بها وعزیز تر بود اظهار تأسف بسیار نموده اند واین قضیهٔ نامرضیه را برشومی بخت جرمنی حمل می کنند .

(قهر وغضب جرمنها)

ازسبب گرفتار کردن فرانسیس ها بالون جرمنی را افکار عمومیهٔ اهالی جرمن بجوش وخروش عظیمی درامده است .

(ایمپراطور دولت قوی صولت جرمن)

اعلیحضرت ایمپراطورگلیوم جرمنی ازهمه بزرگان وتوانگران مملکت خویش برای تجهیزات حربیه اعانه جمع میکند . همه ملت المان بکمال ممنونیت پیسه میدهند . به اینصورت برقوت اردوی حضری' خود سه لك عسکر دیگر افزونی میدهد .

سبب یگانهٔ این افزونی' عسکر جرمن همانا این مظفریتهای آخرین جنس اسلاوهاست . چونکه جنس اسلاوی که دراوستریا موجود است سرکشی پیدا خواهند کرد . وچون یك جنگ بزرگی در آینده پیش شود اوستریا که متفق اوست ضبط وربط اسلاوهارا به دشواری بدست خواهدآورد . لهذا ارکان سیاست جرمن دور اندیشی نموده افزونی' قوت شانرا مناسب دیده اند . وبه رقابت بحریه' که با انگلیز ها داشتند خاتمه داده مدهشترین دشمنان خود روس وملت اسلاورا دانسته اند .

تصویر اعلیحضرت امپراطور جرمن

(نطق امپراطور جرمن)

پادشاه جرمن اردوی عسکریٔ خود راخطاب نموده میگوید: ای عسکر شان دارمن !

« شاید یك روزی برما واجب شود که جاهای را که خونهای بسیار قیمتداری ریخته آنرا ضبط کرده ایم محافظه نمائیم . وشاید جرأت کننده گانی پیدا شود که بشرف وحیثیت جرمن دست درازی نماید . درانحال برقوت خود اعتماد تمام داشته شادان وخندان بجنگ خواهیم رفت ! »

مقاله مخصوصه

(هزار افسوس که مربوط ماندن مسلمانی بیچند تارمو)
(ویك پارچه قاش گمان شده است .)

این افسوس عنوان مارا چون قارئین کرام ملاحظه فرمایند بسیار افسوس خواهند فرمود که محرر تا اتصاف اینچنین دین مبین متین جلیل الاوصاف را بچه جرأت . وکدام جسارت بیك چند تارمو ویکچند پارچه قاش مربوط ومعلق میپندارد !

ماافسوس خودرا بعد ازین اظهار کرده ودراول امر قارئین کرام خودرا در اظهار افسوس شان ذی حق دانسته میگوئیم که بلی این دین مقدسی که ما مسلمانان بشرف آن نایل فوز ونجاح وسزاوار سعادت وفلاح شده ایم وبه اقرار باللسان وتصدیق بالقلب کلهٔ طیبهٔ مقدسهٔ (لا اله الا الله محمد رسول الله) را بر زبان ودل میرانیم ومیدانیم . وبه آن بر همه ادیان فخر ومباهات مینمائیم آنچنان دین متین قدسیت قرینیست که عقلای دانشمند همهٔ دینهای غیر اسلامی نیز حکمت . ومعقولیت ومقبولیت اورا تسلیم کرده اند .

چسان تسلیم نکنند دینی را که طهارت . عبادت . عدالت علم ومعرفت . اتحاد واخوت . صنعت وتجارت . ایثار وشفقت کرم وشجاعت والحاصل همه فضایل اخلاقیه ومدنیه را امر میکند . واز ظلم . وجهل . وغفلت وهمه رذایل وحشیه بشدت منع میفرماید . سعی وعمل را برای انسانها رهبر . وبرای استفادهٔ بشر بحر وبر . وخشك وتر را مسخر نشان میدهد . مساوات حقوق را بچنان شدت اجرا میکند که خلیفهٔ ذیشان اسلام بایك آدم بسیار عادی در پیش روی قاضی زانو زمین مرافعه میشود . رشوت . بغاوت . نفاق . دروغ را مذموم . محافظهٔ حقوق . امان . اتفاق . راستی را مقبول میداند . اعمال شنیعهٔ فسق وفجوررا منع . واخلاق حسنهٔ صلاح وطاعت را تعلیم میدهد .

چون بدل وجان . وتمام ایقان ووجدان برین ایمان آورده ایم که دین مبین مقدسی که ما پیرو وتابع آنیم معدن همه فضایل . ومانع همهٔ رذایلست آیا چسان میشود که آنرا بیکچند تارمو ویك چند پارچه قاش مربوط بدانیم ؟ حاشا . ثم حاشا ! قدسیت متانت . حقیقت دین مبین ما از تنزل ارتباط اینگونه اشیای حقیرهٔ رخیصه آنقدر دور افتاده که نسبت دوریٔ شمس زمین نسبت ذره را به آفتاب هم به آن نمیگیرد !

حالا چون حق بودن اظهار افسوس قارئین کرام را تسلیم نمودیم به تفصیل اظهار افسوس خود میپردازیم : از وقتی که اخبار ما مصور شده بعضی اعتراض نامه هائی درباب تصویرهای کلاه پیك داری که در اخبار ما نشر میشود از بعضی طرفها گرفته ایم که کلاه مذکوره را کلاه فرنگستانی گفته تنقید نموده اند . درعین زمان برای عین مسئله بعضی تقدیر وتحسین نامه ها نیز واصل دست عاجزانهٔ ما شده که تصویرهای کلاه پیك دار مارا بسیار پسندیده اند . وبر ترقی وبیداریٔ مملکت ما یك برهان قطعی اتباعش شمرده اند . حالانکه هم اعتراض کنندگان وهم آفرین خوانان هر دو از دانشمندان اهل اسلام اند نه از دیگر ملل .

ازین است که مارا مجبور بر نوشتن این مقالهٔ مخصوصهٔ عاجزانه گردانید . وبر اظهار افسوس معلق ماندن مسلمانی بر یك پارچه قاشی که کلاه ازان ساخته شود نمود . مخبرانیکه بعضی افندیهای معزز ترکی که بمملکت عزیز ما آمده اند . وبا بعضی تصاویری که ازانها در اخبار ها دیده شده است بسبب قطع نا کردن موهای بروتهای شان بسیاری ازهموطنان عزیز ما اعتراضهای شدیدی برین عمل نموده اند . حتی بعضی خیلی افراط نموده حاشا مسئله را تا بدرجهٔ تکفیر رسانیده اند . لا جرم

اگر مارا اینچنین دو بدگانی بر اظهار تأسف مجبور کند قارئین کرام انصاف پسند ما تا یکدرجه ما را حق خواهند داد .

چسان حق ندهند ! در چنین عصری که مسلمانان روی زمین از مدتی بسبب توجه شان بسوی فروعات ، ودور ماندن از اصول بدرجهٔ متفرق ومتشتت شده اند که با وجود کلمه گوئی ، وقرآن خوانی وبسوی کعبه سجده بری با همدیگر شان آشنائی نمیدانند ، بلکه بکفر همدیگر جرأت ورزیده بغض یکدیگر را بدل میپرورانند . وملل اوروپا با وجودیکه به بیشتر فروعات گرفتار هستند ، ولی از مدنیت که فروعات را گذاشته ، وتنها در زیر یك صلیب درامده بمقصد یگانهٔ شان که محو کردن واسیر ساختن اهل اسلام است کوشش میورزند ، وروز بروز کامیاب هم میشوند . پس چون اینچیزها را در زیر نظر آریم آیا چسان افسوس نکنیم بلکه خون نگرییم که یکچند تارموی ریش وبروت ، یا یك پارچه قماش کلاه قومها وملتهای عظیمهٔ اسلامیه را از همدیگر شان متنفر وبیزار سازد !

اساس وبنیاد همهٔ معتقدات ، وطاعات وعبادات ، وحسنات وسیئات ، دردین مبین ما بر (نیت) موقوفست . حضرت رسول بر حق ، وپیغمبر صادق خالق مطلق (نیت) امت را خیر از عمل فرموده . پوشیدن کلاه پیك دار را اگر ما بر مقصد تشبه به نصارا بر سر کنیم البته که مأخوذ ومعاتب خواهیم بود ولی اگر به تجربه برما ثابت شده باشد که در وقت جهاد پیك کلاه خدمت سپر شمس را انجا آورده برای خوبتر نشان گرفتن خدمت میکند واگر دشمن بسوی شرق باشد تابش آفتاب چشمان مارا از گرفتن نشان مانع آمده مغلوبیت مارا احتمال میدهد ، وما به این نیت آن کلاهرا بسر کنیم گمان میبریم که مستوجب مواخذه وعتاب نی بلکه مستحق تقدیر وثواب شدن ما لازم آید . دیگر اینکه آیا کدام کلاه را کلاه مسلمانی دانسته بسر کنیم تا ازلوم لایم وارهیم . وبواسطهٔ آن کلاه مسلمان خالص گفته شویم ؟ برادران عثمانیٔ ما (فس) نام کلاه ماهوت سرخ پوپك داری بسر میکنند . آیا آن کلاهرا بر کدام دلیل واسناد کلاه مسلمانی گفته میتوانیم ؟ قلپاق قره قل یا ماهوت سیاهی که ما برادران ایرانیٔ ما بسر میکنیم آیا قزاقهای روسی، وصربیا وکوهیها را از پوشیدن آن که منع کرده میتواند ؟

آمدیم برمسئلهٔ عمامه : واقعا عمامه بسر بستن یك عمل مسنونیست که ما دران باب چیزی گفته نمیتوانیم . اما آن عمامهٔ مسنون چسان عمامه بوده است . وازعصر ها باینطرف کدام مسلمان بسنت موافق ومطابق عمامه بسر کرده است ؟ عمامهٔ زرکار وزرتار دوگزهٔ که علمای برادران عثمانیٔ ما برکلاه سرخ پوپك دار خودشان می پیچند ، ویا عمامه های یازده بیست گزهٔ قماش سیاه وسبز وسفیدی که در ایران وملکت ما بسر می پیچند کدام یك بسنت موافق است بالخصوص ازلنگوته های تابو پیچ یافتهٔ کاکه ها ، ویالنگوته های ابریشمین ، وپازری ، وپتلونهای برج مانند ، و باغراقی گردهٔ ملکیهای خود مارا چسان بسنت تطبیق داده میتوانیم ؟ سبحان الله اگر ایکبار در اثنای اسپ تازی آن لنگوته باز شده در پاهای اسپها بپیچد دراوقت آنرا چسان جمع آورده خواهیم توانست؟ فرض کنیم که عمامه را بسنت سنیه پیروی کرده بسر کردیم : آیا دیگر لباسهای خود را چسان تطبیق داده خواهیم توانست ؟ صندوقهای ما از دریشهای رنگرنگ می کفد، ازجای یك بوت ویك موزه بصدها زوج آنهارا می اندوزیم ، برفرشهای ابریشمین ، و برقو میخوابیم ، بیست ، بیست وپنج رنگ طعامهای چرب وشیرین میخوریم ، رشوت میگیریم ، ربا میدهیم ، در عمارتهای عالی نشیمن میکنیم ، برای یك خطهوا وهوس خود نهالستانرا نی بلکه بسی فرشها را نیز پامال مینمائیم ، و هنوز چه چیز ها ، چه چیزها که از بیان آنها انسانرا حجاب می آید !

والحاصل مسلمانیرا اگر درسر پوش ، وتن پوش وپاپوش جستجو کنیم بذره بین هم یك مسلمانی نخواهیم یافت . مسلمانها چون فتوحات ، ونشر دین قدسیت آیات آغاز نهادند در هر بلادی که رسیدند ازانها ایمان طلب کردند نه کلاه .

دلقت بچه کار آید و تسبیح و مرقع
درویش صفت باش کلاه تتری دار

هرگاه مسلمانی را در سر پوشی وتن پوشی وپاپوشی وریش وبروت جستجو کردن لازم آیدمیباید که از سه صد ملیون نفوس اسلامی که براقوام وملل مختلفه درعالم پراکنده شده اند مبعوثهای برگزیدهٔ دریکجا جمع آمده ، وبسالهای دراز قیل وقالها بعمل آورده آخرالامر باتفاق آرا بریك چیزی قرار بدهند که قیافت وپوشاك اسلامی عبارت ازین است و ازهمان قرار بعمل آورده شود . ولی هزار افسوس که وقت اینگونه چیزها برای مسلمانان باقی نمانده ، وهمین فروعات طلبی اسلامها را از بسی چیز های اصلی محروم گذاشته است .

(مونتسکیو)(۱) نام ادیب مشهور فرانسوی

اززبان یك ایرانی مینویسد :

درمزاج مردم پاریس یك حس تجسس وپرسیدن پالی موجود است که بدرجهٔ جنون میرسد . وقتیکه دراینجا آمدم بسوی من بیك نظری دیدند که گویا یك مخلوق دیگری هستم که از مردمان زمین نی بلکه ازآسمان فرو آمده باشم . زنان ، مردان ، پیران

---

(۱) مونتسکیو ازمشهورترین حکما وادبای فرانسه میباشد . درسنهٔ ۱۶۸۹ درقریب شهر (بوردو) که ازشهرهای مشهور فرانس است تولد ، ودر سنهٔ ۱۷۵۵ وفات یافته است . درباب ترقی وزوال دولت روما یك کتاب بسیار مدققانه وحکیمانه نوشته است . بعد ازان بنام « محررات ایرانیه » یك اثر خیالی بتحریر آورده کسب شهرت نموده است . بعد ازان بعنوان «روح القوانین» یك کتاب بسیار معتبری تألیف کرده شهرتش باوج بالا رسیده است . تحریر وتقریرش خیلی منقح ومتین است .

جوانان . طفلان همه کی بآرزوی دیدن من جان میدادند . وقتیکه برای گردش وتماشا بیرون میرامدم هرکس برای تماشای من بهدرو روزن خانههای خود میدویدند . اگر بیك طعام خانه ویابك باغچهٔ ملتی میرفتم هماندم ازمردمان در اطراف خود یك دایرهٔ میدیدم . زمرهٔ زنان فرنگ هزار رنگ بدورا دور من یکقوس قزحرنکینی تشکیل میدادند . اگر بهتیاتر میرفتم بسدها دوربین بسوی من دور خورده وتیاتر را ترك کرده مرا تماشا میکردند . زنان برجبهره یکی بدیگر مرا نشان میدادند والحاصل در هر طرف که میرفتم یك جم غفیری را در عقب خود میدیدم کهباین سبب بخوبی میدانستم که بدرجهٔ من یك آدم دیده شدهٔ هیچ دیده نشده است . گاهی بعضی آدمها به من نزدیك شده و بجهرهٔ من نظر کرده یك بدیگر خود شان میشنیدم که چنین میکفتند .« اعتراف باید کرد : نامیك سیمای ایرانی !...» ازشنیدن اینگونه کلمات خندهام میآمد . بسیار عجب است تصورهای فوتوگرافی وقلمیٔ خودرا نیزدر هرهر طرف میدیدم . درهمه دکانها ، وقهوه خانهها ، واوتلها خودرا میدیدم . مردمان برای اینکه مبادا مرا شکم سیر نهبینند باندیشه میافتادند .

اما کرانست بکویم اینقدر اعتبار ، وبه ایندرجه اشتهار برمن یکبار کرانی مینمود . من هیچ گمان نداشتم که من بهایندرجه شایان تجسس ، وبهاین مرتبه نادیده یك آدمی باشم . اگرچه در حق خودم خوش گمانیم غالب بود ، ولی این یك خیال وخاطرم نمیکذشت که من چنین یك آدمی باشم که درچنین شهر بزرك اینقدر مردمرا ناآرام بسازم ، وفکر اینقـدر مخلوق را بخود مشغول کردانم . آخر بفکرم گذشت که مبادا اینهمه شهرت واعتبار من ازجامه وکلاه ایرانیٔ من نباشد ؛ لهذا باخود کفتم کهباش یك تجربهٔ کنم ، واین جامهٔ ایرانی را کشیده ببینم که بازهم مردمان بروی من شایان حیرت وتماشا یك چیزی میبابند یانی ! بتجربه آغاز کردم : یکدست دریشیٔ مکمل اسباب فیشن آخریٔ آرادر بر ، وکلاه فرنکیٔ بسیار خوشنمائی برسر وعینك طلائیٔ قیطانداری برچشم ، وچوب دستلطیفی بدست کرفته به بازار برآمدم . این تجربه قیمتحقیق واعتبارشخصیٔ مرا بمن شناختاند . بخوبی دانستم که مکر من هیچ قیمت وبهائی نداشتم ، هرقیمت واعتباری که بود به آن قلپاق بلند ، وآن رداوقبای دراز ایرانی من بود !... زیرا دریك آن دریك عالم هیچی وفراموشی دهشتناکی درآمدم . درهمان جمعیتهائی که مردمان همه بسوی من میدیدند ، ومن متوجه ومشغول میشدند داخلشده میکشتم . میدیدم که هیچکس بروی من نظر هم نمیکند . لکن اگر ازقضا یکی بجمعیت خبر بدهد که این آقای ایرانیست هماندم مردم بسوی من میدیدند ولی هیچکس باور نکرده میشنیدم که یك بدیگر میکفتند : « وای ! این آقا مکر ایرانیست برای که این یك چیز خارق العاده میباشد ؛ آقا یك انسانیست آیا یك انسان چسان ایرانی میتواند شد ؟ »

«مکتوب از شهر»

یاحضرت الفاضل !

حضرت حق تعالی — بنان بیان شمارا از خدمت وطن پروری بری مداراد — چند سطری تحریرشد اگر لازم بدانند درکدام گوشهٔ اخبار معالی بارگذارند — باقی دوام بقای عمر وجاه اعلیحضرت جهانبانی پدرتاجدار اهالی را از درگاه حضرت باری خواهانم فقط .

بهترین مقالی که سرجبل کاروان فنون محاورات کفته میشود حمدیکانه ایست جل شانه .

زبان دردهن غنچه فکر اوست
سخن در نفس سبحهٔ ذکر اوست
سخن را زدل همچو آب روان
فرو ریزد از آبشار زبان
روان کرد از نور نظاره ها
ز در باچهٔ دیده فواره ها

و خوشترین کلامی که بشادانی یادکرده میشود نعت حضرت رسالت پناهی واصحاب اوست .

ره آورد آن شاه اقلیم جود
ندارم بکف تحفه جز درود

وشیرین ترنمی که بلند آوازه میشود دعای اولی الامریست که رواج گلزار حکمتش دایما در رعیت پروریست همانا (اعلیحضرت سراج الملة والدین) است .

سراج شبستان نام آوری   مه آسمان هنر پروری

ازآنجاست که ازفیض توجهات ذات اشرف جهانبانی چراغ معانی بدست هرفردی ازافراد اهالی دادند — که اخبار آگاهی بار (سراج الاخبار افغانیه) است که از قلم حقیقت رقم حضرت فاضل جناب (محمود طرزی) صاحب در معرض انتشار میرآید یعنی تشریحات معانی را در بردارد —

ندیدم چنین مرد بیدار هوش
فسون میدمد از زبانش بکوش
بدیده زدیدن رسد روشنی   شنیدن کشاید در خرمی
شود کوش کان کهرهای ناب
دهد چشم روشن بخورشید تاب

الحق که وجدان برین گواهی میدهد که خدمت قلمیه (سراج الاخبار افغانیه) بقوت یك عسکر بسیار پرزوری برابری میکند چنانچه ارباب معارف کفتهاند .

قلمزن نگهدارد شمشیرزن   نه مطرب که مردی نیاید ززن

لهذا برحسب این مقال از درگاه حضرت ازدمتعال همه اهالی وطن را سخنورو قلم آور محب وطن ودوستدار علوم وفن خواهانم وسلامتی ذات اشرف اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه بیدار

نزول رحم آور مهربان خود ماراکه باعث آرامی وامنیت ما اهالی قطغنستان است از درگاه حضرت باری بهمهٔ اهالی رجا میداریم آمین آمین آمین

(یکی از خوانندگان سراج الاخبار افغانیه)

ع ۰ ج

از بیت العلوم مبارکه به اداره رسیده

« یک اثر الطاف رعایاپروری اعلیحضرت والا »

اگرچه مراحم ملوکانه وعواطف خسروانهٔ اعلیحضرت شهریار مقدس ما اعلی الله قدره زیاده ازان است که قلم نکته رقم اشتمال مالاظهار آنرا کرده بتواند مگر برای باخبری افراد وطن عزیز نوشته می‌شود که از برکت عرفان پروری اعلیحضرت یکی ازاولاد وطن که سنش ۱۸ سال میباشد مدت ۸ سال درمدرسهٔ حبیبیهٔ تعلیم یافته وبخرج دولت بی‌معاونت پدروباقی اقربا ازآغاز ابجد خوانی تااکنون تعلیم یافته ودرمضمون فارسی بدرجهٔ شاعری رسیده ودرعربی وانگریزی وغیره فنون حاضره درجهٔ رشدیه را بتکمیل رسانیده استعداد خدمت علمی دولت خودرا تاحدی یافته است چون به سعی وهمت استادان فارسی خود بتخصیص جناب ندیم صاحب که ازشعرای زبردست وطن عزیز است طفل مذکور بحد خوب رسیده است وقصیدهٔ را درمضمون ترغیب بدانش وتشکرهٔ وجود مسعود اعلیحضرت انشاد نموده بود بخدمت مدیر روشن ضمیر که اوقات عمرعزیز شان وقف اشاعت دانش است تقدیم شد اگر پسند فرمایند درج صحایف جریده فرموده شود تارعایاپروری اعلیحضرت عین الیقین گردد این طفلک خوش نغمه کک پسر جناب ملاعبدالاحد آخندزادهٔ طبیب قندهاری داعی زاویه نشین اعلیحضرت والا میباشد استادان او میخواهند که درجاه عیش بیندازند وعوی جان اورا بیاوزند وطفل مذکور نیز ذوق جاه مذکور را دارد وغزلیات خط وخال می‌گوید مگر داعی‌شان میخواهد که اولاد وطن به علم وفن متوجه باشند نه بشعر وسخن این قصیدهٔ او چون مطابق مذاق داعی‌شان بود تقدیم نموده شد . (حقیر عبدالرب)

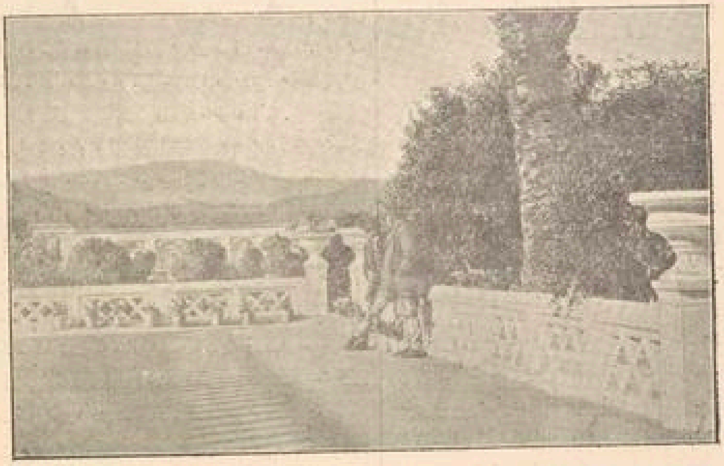

ازمناظر باغ شاهی جلال آباد

مصاحبان خاص اعلیحضرت همایونی عالیجاهان سردار محمدآصف خان وسردار محمدیوسف خان مکالمه میکنند

قصیده

امروز روز دانش و دوران دانش است
دست گداوشاه بدامان دانش است
ازبرق علم روشنی درجهان فتاد
هرسوکه بنگرید چراغان دانش است
گردید غرب شرق زانوار علمها
این مهر زآفتاب درخشان دانش است
این ثروت و ترقی قوم فرنگ بین
از دولت سرهنرو زان دانش است
وین جملهٔ مکاتب اعلای پرهنر
ازفضل عزو لطف فراوان دانش است
این ریلهاو موترو طیاره و جهاز
ازفیض های بیحدو پایان دانش است

اماجه موتریکه زسرعت معاونش
برقست واختراع حکیمان دانش است
طیاره ساخت زرنگین ملك بادرا
اینها همه زحکم سلیمان دانش است
رستم بروز جنگ چوزال نمایدش
این توپ خصم کوب‌زسامان دانش است
وین تیز روجهاز که برآب آتشیست
ازسعی و اختراع ادیبان دانش است
وین تلغراف ها که بیك لحظه حال غرب
آرد بشرق کار زباندان دانش است
وین سازهای مختلف فونگراف ها
زایجاد های نغمه نوازان دانش است

وین روز نامه‌ی پیاپی که دیده‌م
اخبار میدهد زدبستان دانش است
عالم‌علم شده زبس اخبار خوش بیان
کانها همه زفیض ادیبان دانش است
اما علی‌الخصوص درین روز نامها
یك روزنامه روح خردجان‌دانش است
شاید که برجراید عالم بنازد فخر
نازدکه بوستان وگلستان دانش است
مصر معارفست ازانجا بیان او
مطبوع طبع گل عذران دانش است
بایدکه چون‌صدف شنویش‌بگوش هوش
هرنکته اش که قطرهٔ باران دانش است

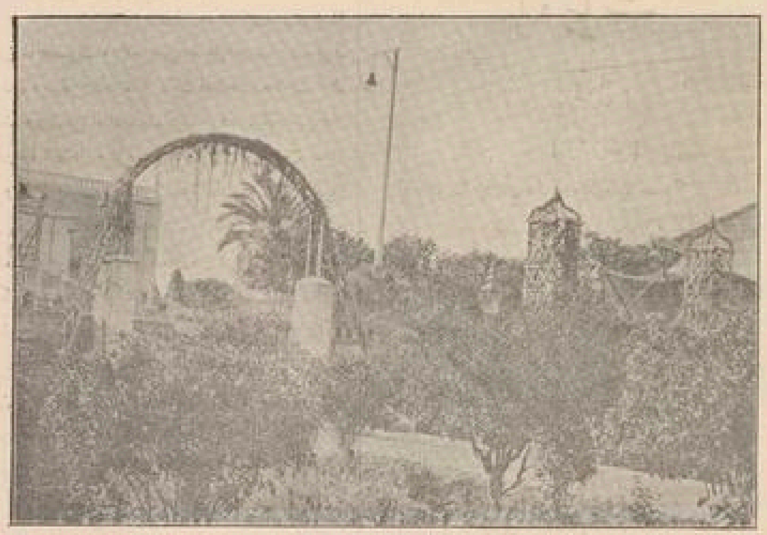

(ایضاً از مناظر باغ شاهی جلال آباد)

افغان ازولوای ترقی بلند کرد
شهراه بینش و ادبستان دانش است
دارد ملاحتی که زرنگینو گرافها
حقا که این جریده نمکدان دانش است
گروی بصر بچشم سبك دید عیب نیست
منظور رای نکته شناسان دانش است
شاهی که داده حکم بی طبع این اثر
روحیو روان‌عزو خرد جان‌دانش است
خورشید رای ظل خدا حضرت امیر
روشندل که مهر درخشان دانش است

دریای فضل و منبع بذلست دست او
بحر سخاو جود کرم کان دانش است
گشته زدست و سعی او عقل سربلند
عالی زشوکت قدمش شان دانش است
اوصاف خسرویش بعالم فگنده شور
دانم که بیشك‌او ثناخوان دانش است
فرموده حکم طبع چنان روز نامهٔ
کزفضل و عز بوده دبستان دانش است
باغیست این‌جریده پرازسوسن سخن
وین آب ورنگش ازمه‌کلان دانش است

یعنی صدر او که سرپاست علم و عقل
وزفضل وهوش دفتر و دیوان دانش است
روز و شب است دست گریبان وی سخن
بسیار کاردان وسخندان دانش است
بس کن ادای وصف چنین ذات از توکی
آید که بحر علم وخرد کان دانش است
دست دعابرار که یارب مدام دار
این شاه خیرخواه که کیوان دانش است
(عبدالهادی)

(اخلاقیات)

(آداب حضرت پیغمبری)

(عیناً ترجمه از (کنزالحکم) "

پیامبر ذیشان ما حضرت « محمد صلی الله علیه وسلم » ، مافوق دائرهٔ تصور مؤدب وموقر بودند . به نهایت فصاحت وملاحت تکلم میفرمودند . تاضرورت نمی افتاد تکلم نمیفرمودند . ازسخن گفتن بیفائده به آخردرجه احتراز میفرمودند . کلام را بصورت بسیار نازکانه ابتدا ، وبطرز بسیار ملایمانه ختام میدادند . وبه کلام بسیار کم مقصد بسیار افزونی را میفهمانیدند . آنقدر صاف و واضح تعبیرات استعمال میفرمودند که شنوندگان آن درفهمیدن ومحافظه کردن آن مشکلات وزحمت نمیکشیدند .

خندیدن شان عبارت از یك تبسمی بود . تواضع را بمرتبهٔ قصوا رسانیده بودند . سخن هیچ کس را بریده بسخن آغاز نمیفرمودند ، وچون باشخصی مصافحه میکردند تا او دست خود را نمیکشید دست مبارك شانرا نمیکشیدند . هرفقیری که ذات رسالتپناهی شانرا بطعام دعوت میکرد اجابت میفرمودند . اگر خواهش طعام نمیداشتند تناول نمیفرمودند . چون بطعام آغاز میفرمودند « بسم الله الرحمن الرحیم » گفته بدست راست وبا سه انگشت میخوردند . وبعد ازطعام ازحمد وشکرهیچوقت فارغ نمیشدند . احتیاج هیچ محتاج را رد نمیفرمودند مهم دیگرانرا برمهم خودشان دائما تقدیم میفرمودند . هیچوقت طالب انتقام نبودند . درراه حق بذل وجود ، ودرامور دین تحدید حدود میفرمودند .

خوب را خوب میدانستند ، وبه تقویت خوبی کوشش میفرمودند . بدرا بد میدانستند ، وازان خیلی احتراز میفرمودند . باخلق مدارا وتلطف نشان میدادند . با امت خودشان بصورت مشفقانه معامله میفرمودند . لسان مبارك را از فحش ، وغیبت ، وبهتان ودیگر نقایص محافظه میکردند . بزرگانرا محترم میشناختند . واهل تقوارا تعظیم ، وکوچکان را دائما شایان مرحمت میدیدند . سرهیچکس را فاش نمیکردند . اهل تقصیررا سرزنش وخدمتکارانرا بشدت خطاب نمیفرمودند ، ویکجا با آنها طعام میخوردند . شیرین زبان ، خنده رو ، دایم التفکر ، کثیرالحزن بودند . حیا وشرم شان زیاده ، ورعایتشان به آداب مجلس فوق العاده بود . بسیار وقتها سکوت میفرمودند ، ودراکثر ایام روزه دار میبودند . شب هارا بعبادت حق خالق وروزها را به نصیحت علی خلق بسر می آوردند . بیچارانرا عیادت وبه ادا کردن قرض مردگان همت میفرمودند . بیکاری وعطالت راهیچ دوست نداشتند . حتی درخانهٔ سعادت شان درامور خانه باهل بیت خود معاونت میفرمودند . سخاوت مجسمه بودند . ازبخل ، حقد ، حسد ، حرص ، مکر ، عجب ، کبر ، ریا ، وسمعه کلیاً بری بودند .

صلی الله علیه واله وسلم (از ترکی بفارسی ترجمه شده است)

ادبیات

(غزل)

(رشوت)

رشوت بود آن ماده ومیکروب مظالم
کزدهشت آن لرزه بیفتد به عوالم
رشوت چه بود راشی و آن مرتشیش کیست
ناحق کن حق گشته به این جمله مکالم
رشوت درم ومال چه جنسی وچه نقدی
راشی بود آن کس که بدادن شده عالم
شد مرتشی گیرندهٔ رشوت که کند زود
حق باطل وباطل کندت حق بمظالم
از حق چه قدر فرق بود تاعدم حق
این است که رشوت دهد این علم بظالم
ظلم است بمعنای حقیقی همه رشوت
عدل است که از رشوت ظلم آمده سالم
(محمود) گذرازسخن رشوت منحوس
رشوت بسربام ضلالست سلالم (۱)

(غزل)

ای مسلمانان بود وقت مدد کاری هنوز
هست مارا یك بدیگر فرصت یاری هنوز
چشم بهبود است اگر مرهم نهید از اتفاق
نیست زخم روم و ایران آنقدر کاری هنوز
چارهٔ این کار باید ساختن پیش از وقوع
نیست از بهر خدا چون وقت ناچاری هنوز

---

(۱) سلالم جمع سلم است که بمعنی نرد بانهاست

چون زنان در خانه دوروشب زغم خوردن چه سود
هست باری فرصت مردانه غمخواری هنوز
میتوان در فکر آزادی پرو بال زدن
نیست در دام کسی مارا گرفتاری هنوز
آبیاری میتوان کردن بکشت آرزو
اینقدر آب است درجوی توان جاری هنوز
خواب غفلت نیست لازم درچنین روز مصاف
وقت بیداریست یاران وقت بیداری هنوز
چند باید بود مست بادهٔ بیغیرتی
باشد ای ارباب غیرت وقت هشیاری هنوز
میتوان بیرون نمودن دست همت زآستین
پا برون ننهاده از حد قوم بلغاری هنوز
کاش کردی کاشکی این دام ودد یکیک برد
گرچه شیر ترك دارد میل خونخواری هنوز
کافران بر کین ترکان بسته از هرسو کمر
این عزیزانرا چه باشد بیش ازین خواری هنوز
بی سبب کشتند پیران بی کنه فرزند و زن
نیست در قوم نصاری مردم آزاری هنوز
سوختند ای وای در آتش مسلمانان ببین
نیست در نصرانیان رسم ستمکاری هنوز
میتوان دادن بترکان دلبریها دوستان
بیدلیها چیست باشد وقت دلداری هنوز

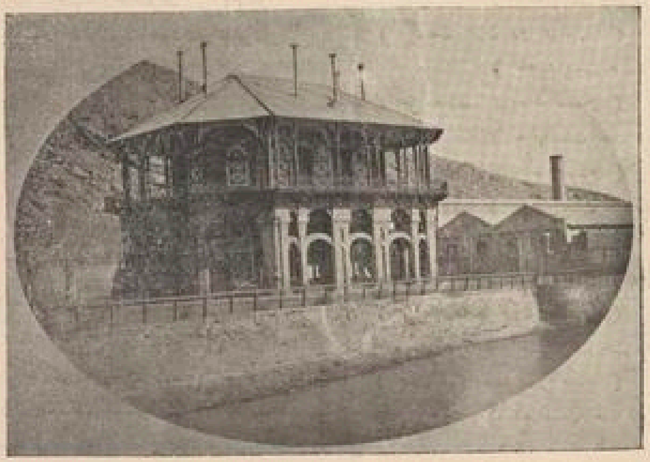

«قصر بادشاهی»

متصل ماشین خانهٔ مبارکهٔ دار السلطنه کابل

پا نیاوردند کم ترکان بدل در مصاف
میکنند بسیار انوربی جگر داری هنوز
قبلهٔ دین را نگهبانند ترکان این زمان
جان و مال و سرازایشان صرفه میداری هنوز
قبلهٔ دین کعبهٔ اسلام ازما می رود
چند گوئی ای مسلمان حرف دینداری هنوز
بیخبر از غیرت دین مسلمانی مباش
چون بسوی قبلهٔ اسلام رو آری هنوز
کشته مستغنی زخود بیخود زظلم کافران
ای مسلمانان چه باشد جای خود داری هنوز
دلخراشیهای بسیار است گفتار مرا
من کمی گفتم کمی گفتم زبسیاری هنوز
نیست پیدا بر عزیزان چاکهای سینه ام
نیست خون از زخم پنهان دلم جاری هنوز

(شعر)

زادهٔ طبع بندهٔ عاجز میرزا محمد عزیز کاتب ادارهٔ سراج الاخبار افغانیه که بطریق مناجات از درگاه قاضی الحاجات در حق برادران دین وملت خود دعا کرده

الهی مرهمی نه این وجود خستهٔ مارا
بفضل خویشتن بکشا عقود بستهٔ مارا

کجاشد مهدیٔ آخرزمان یارب توامدادی
بطوفان بلا غرقاب کن قوم نصارا را
زحد بگذشت ظلم قوم بلغاری و ایطالی
بامداد مسلمانان رسان یارب مسیحارا
چه ظلمی کو نکردند این گروه بیحیا یارب
چه خواهند گفت این گبران جواب روز فردارا
لباس بیحیائی را به بر کردند این غولان
نموده پیشهٔ خود کشتن و تاراج و یغمارا
بیائید ای مسلمانان که دستی اتفاق را
بهم بدهیم و بشماریم قوم بی سرو پارا
ندارند این گروه مروت ازخدا ترسی
بکذب و افترا بندند باخود دین عیسی را
کجاشد حضرت عیسی که تااین قوم ملعون را
زند گردن کند بیرون بکیردروی دنیارا
کجاشد احمد مرسل خدایا زودامدادی
رسان یارب تو سرداری شفیع روزعقبی را
مجاهدینیکه در جنگ اند با بلغاریان دد
خداوندا فتوحی ده تو آن مردان مولارا
الهی باد طوفانی رسان بر کشتیٔ بلغار
بکن پاك از وجود این خبیثان روی دریارا
عزیز ازسوزدل بادر کهی حق التجامیکن
که ای یارب بقهر خود مبدل کن روی اعدارا

غزل مذنب

(کامرانیست حب دین ووطن)
(زنده کانیست حب دین و وطن)
(در طربخانهٔ زمین و زمان)
(جاودانیست حب دین و وطن)
(کور به کشته خوان لایعقل)
(که روانیست حب دین و وطن)
(بنگر امروز در خور فردا)
(بیوفا نیست حب دین و وطن)
(زینهار از غم دو این مگذر)
(شادمانیست حب دین و وطن)
(گویت عزت دو عالم را)
(چه نشانیست حب دین و وطن)
(من به ایما نموده ام تضمین)
(نه نهانیست حب دین و وطن)
(منتش را به نقد جان بپذیر)
(رایگانیست حب دین و وطن)
(شکر باید نمودنت شب و روز)
(مهربانیست حب دین و وطن)
(گرچه رفته هزاروسه صدوسی)
(الف ثانیست حب دین و وطن)
(بست تقسیر کردهٔ (مذنب)
(آسمانیست حب دین و وطن)

فاجعه های پاریس

(ما بعد از شماره (۱۵) سال دوم)

بکمال یأس وحسرت بمحال مرك عودت نموده بودهاشیك عرابهٔ دوابه درپیش دروازهٔ خانهٔ بابا وفیو نیز توقف ورزیده بود. مادام آنفو که بحسب وعده ازپنجرهٔ خانهٔ خود بیرون رابا انتظار دیده بانی داشت دید که اول ازعرابه موسیوئی که پیش از یکروز باو ملاقات کرده بود برامد، ودست یك زن جوانی را گرفته بهبیرون برامدن ازعرابه معاونت کرد وبعد ازان هردوی شان درخانه درامدند، ویك آدم دیگری را نیزدیدکه درپشت عرابه خود راپنهان چسبانیده بود وبمجردیکه عرابه توقف نمود بکمال سرعت فرو آمده به آنطرف دیگر گریخت. بنا برین دایه خدمتکار وشاگرد خودرا آواز داده گفت:

— دوروته! جابك روشمعهای شمعدان رابیفروز بر آتش بخاری یکچند چوب دیگر بنداز. مهمانان ما آمدند.

مادام آنفو بعد ازانکه این امررا عطا نمود برای روشن ساختن زینه یك لامپی بدست گرفته از اوتاق برامد که درین اثنا باین مکالمهٔ موسیو ومادامیکه وزینه بالا میشدند فرصت شنیدن یافت:

مادام — امان یارب! مرا بچه سان جایها آورده (روبر)؟ ... میترسم.

موسیو — مترس، مسترخ باش عزیزمادام (هاتریت) اگرچه اینجا لایق آمدن تونیست اما چه چاره که از هرجا زیاده زود درینجا محافظه ونگهبانی تو ممکن میشود ازانسبب به آمدن درینجا مجبور شدم

دایه چون اینسخنان شانرا شنید گفت:

— بیائید محترم مادام! بالا بیائید. در حق آن بدرجهٔ فرا لیچه ها حسن معامله میشود. بیرون هوا سردست حالانکه اتاق که برای اقامتگاه شما تخصیص شده بسیار خوب گرم شده.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 645 of 1786

سخنان هر رقم

(قیمت بوسه فروشی)

ارزان گمان نکنید ! ... قیمت بوسه بسیار بالا شده است علی‌الخصوص درامریکا درین اواخر قیمت این حرکتی که ازپیش آمدن دولب برپک دیگر تشکیل یافته ونام آنرا (بوسه) نهاده‌اند وشاعرها درانباب طوفانها کرده‌اند ، به چهار هزار دولار رسیده است . اما ببینید که چسان ؟

دو سه سال پیش ازین درشهر نیویورک امریکا ازطرف یک جمعیت خیرات ومبرات یک «بازی تیاتر» ترتیب میشود که هرقدر وجهی که ازان تماشا حاصل شود بفقرا و محتاجین تقسیم گردد . بواسطهٔ این بازی پیسهٔ بسیاری جمع می آید ولی یکی از (آکتریس) ها — یعنی زنان رقاصهٔ بازیگر تیاتر — که در حسن وجمال ورعنائی وجوانی ممتازه بود برای افزونیٔ حاصلات ، وحاصل کردن ثواب در راه خیرات ومبرات یک چارهٔ دیگری می اندیشد . وهمان دم باجرا کردن این تصور خود آغاز میکند . ویک اعلان بوسه فروختن خودرا ترتیب داده . وقیمت بوسهٔ خودرا برای هر صنف اشخاص جدا جدا نوشته دربازیگاه می آویزد که آن ازینقرار است :

از کسانیکه تا به ۱۹ سال عمر داشته باشند برای یک بوسه (۶ پنس) گرفته میشود .

از ۱۹ ساله تا به ۲۵ ساله	(۱ شلین)
از شاگردان دار الفنون	(۳ شلین)
از ۳۵ ساله تا به ۴۰ ساله	(٤ شلین)
از مردان پیر خورد ده سال	(۵ شلین)
از رئیسهای تیاتر ها	(۸ شلین)
از ملیونرها یعنی کرورپتی ها	(۳۰ شلین)
از آکتورها یعنی مردان بازیگر تیاتر	(۶ شلین)
به اخبار والا ها	(مفت ورایگان)

این آکتریس نو جوان باحسن وآن بجرد یکه این اعلان بوسه فروشی را می آویزد در میان چار پنج ساعت یکمدتی جمع ومیزان حاصلات جمع آمدگی قیمت بوسهٔ آن نازنین به چار هزار دولار میرسد . ومبلغ مذکور را تماما خود جناب بوسه فروش درد سمال خود انداخته بدارهٔ تقسیم کردن اعانهٔ فقرا ومحتاجین شهر نیویورک برده تسلیم میکند . ولی چون اکثر دیگر جمعیتهای خیراتها ومبراتها میرسد ازطرف آنها بجناب آکتریس بوسه‌فروش رجانامه‌ها تقدیم میشود که برای آنها نیز همچنین یک بازار بوسه فروشی را بازنماید .

آیا رخسارهٔ جناب آکتریس نشاریده باشد ؟ ...... راج‌الاخبار افغانیه

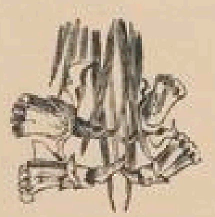

در انجا از سه چهار ساعت متمادیاً آتش افروخته شده .

زنی که آمدنی بود به امتحان مادام مقابله نکرد تنها بازوی موسیوی که (زور) اورا نام گرفته بود تکیه زده بزینه بالا برامد . وبرهبریٔ مادام آلفو داخل اطاق شده ودر پیش بخاری نشسته همانادم پاهای نازک ولطیف خودرا به آتش به گرم کردن آغاز نهاد .

روی زن بایک دسمال نقاب کلفتی مستور بود . لباس فراخی که در برداشت اگرچه شکم داری زن را ازنظر تواقتان این‌ان پنهان میداشت ولی مادام مادام آلفو یک کاریکر این کار بیکنظر دانست که زن هم شکم دار است وهم آخر ترین‌ایام شکم داریش هست . اما مادام آلفو ازین امر به تعجب افتاد که‌ان زن از چنان زنهای وجود دار نبو مندی نی بلکه نازک بنیه ورزه ریزه یک رنگینست . لهذا ازان پرسید که :

— آیا به اندیم مادام چیزی زحمت کشیده اند ؟

زن اگرچه جواب نداد ، ولی موسیو گفت :

— بلی یک کمی پیشتر که در عرابه می آمدیم بسیار درد واضطراب کشید حتی بدرجهٔ رسید که ترسیدم مبادا در عرابه بزاید .

مادام آلفو — حالا مادام مهربانی کرده سوالهای مرا بدرستی جواب بدهند تابدانم که وقت زائیدن نزدیکست یا دور ؟

مادام حامله — اگرچه جوابدادن سوالهای شما آسانست ولی درپیش زور گفتن آن نمیشود . رجامیکنم زور ! یک کمی بیرون برائید ومارا تنها بگذارید .

زور به این امر اطاعت کرده بیرون برآمد . اما در وقت برآمدن شانه های خودرا بطوریکه تحقیر آمیزی ازبالا کردن فروداری نکرد که یک چشم تیزبین معانیٔ غدر وخیانت را ازان آشکار میخواند .

زن حامله که نامش ازز بان مرد (هاریت) شنیده شد چون مادام تنها ماند دسمال نقاب خودرا برداشته بسوالهای دایه جوابدادن گرفت .

باقی دارد

ناموران زنان جهان

(مابعد از شمارهٔ ۱۵ سال دوم)

کل هدم رکنی هلک وسط المحله
سید القوم الکمال حسب نار وسط حله
جعلت نار علیهم دارهم کالمضمحله

یعنی : — کلی که درمیان شهر هلاک گردید رکن خانهٔ مرا غلطانید . کلی سید ذیشان قوم بود . مرگ بصورت یک آتش سوزانی درمیان یك ازمعظمی بورسید . وبآن آتش عذاب دار ودیارشان مضمحل گردید .

اسلاف عرب در اول حروف کتابت عربیهٔ را بعدد حروف همین شاهان مدین وضع وترتیب نموده بودند . وبعد از بسیار زمانها (ثخذ) و (ضظغ) را نیز پیدا کرده به آنها ضم وردیف ساخته حروف الفبارا تکمیل نمودند که حروف ثخذ وضظغ در اصطلاح علم ادب حروف (روادف) ازین سبب گفته شده است .

اخت حاذوق : — همشیرهٔ حذوق خارجی میباشد که درنظم اشعار صاحبهٔ یدطولا بود . مضامین بسیار غریبه در شعرهایش دیده شده است که این یک بیت ازو مذکور است :

اقلب عینی فی الفوارس لا اری حزاقا وعینی کالحجاة من القطر

درین بیت چشم خود را بحباب تشبیه داده که در دریای اشک جولان دارد . الحق که مضمون بدیعی شمرده میشود .

اخت المقصص الباهلیه : — همشیرهٔ مقصص نام مردلاوریست که از قبیلهٔ باهلهٔ عرب بود . ودرهنگام حکومت حضرت (عبدالله ابن الزبیر) رضی الله عنه بدست جماعت (بنی منقذ) بقتل رسیده است . یک دختر شاعرهٔ فصیحهٔ باکمال بود که این دوبیت از مرثیه ایست که درحق برادر خود گفته است :

یطول یومی بالقلیب فلم تکد شمس الظهیرة تتقی بحجاب
ومرجم عنك الظنون رأیته ورآه قبل تامل المرقاب

دربیت اول از درازی آن روزی که در (قلیب) نام موقع بحث رانده که دران روز ازغم بسیار چنان گمان میکرد که هیچ شب نخواهد شد . دربیت دوم به برادر خود خطاب کرده میگوید که توهمان بهادری که درهرمعرکه چون درای مردمان باندیشه میشوند که آیا بازهمان مردمیدان وفا خواهد بود ؟

ارجمند بانوبیگم : — درقاموس الاعلام نوشته است که ارجمند بانوبیگم نام اصلی زوجهٔ (شاه جهان) پادشاه است که دختر وزیر آصف خان بود . درسنه ۱۰۰۰ هجری تولدیافته و درسنه ۱۰۲۱

باقی دارد

علم ثروت ملل

(ما بعد از شماره (۱۵) سال دوم)

چایخانهٔ بنوشیم تصور نمائیم : چای آنرا درچین میابیم که آنرا درواپورها یعنی کشتیهای بخاری بار کرده به بمبئی . ویاکلکته می آورند . وازانجا درریلها انداخته تابه پشاور میرسانند وازانجا برشترها ویابوها بار کرده بکابل می آورند . فنجان آنرا که میدانید که ازخاك وفابریك کدام ملکها . وقند آنرا ازامریکا واوروپا بچقدر عملها وصنعتها ونقل کردنها تابدکان سماوارچی رسیده است کما گرمخارج ومصارف آنرا باسعیها وکوششهای میلیونها نفوس که درراه استحصال آنها بخرج رفته حساب کنیم حیران میمانیم که برای دوپیسه گپ چه چیزها دردنیا میشود . این عملیات گوناگون هریك درجدا جدا ملکهای دوردست اجرا شده است . پس میبینیم که برای یك فنجان چای که مادریك دکان سماوارچی کابل مینوشیم اقوام مختلفهٔ آسیا وامریکا واوروپا وغیره جملهٔ کوشش ورزیده اند . وبنابرقاعدهٔ تقسیم اعمال بعضی زراعت . وبعضی به فابریك . وبعضی بکشتی سازی وغیره وغیره کار کرده اند تانوشیدن آن یك پیاله چای مارا میسر شده است .

هیچ یکی ازقواعد نیست که ازمحذور . ومضرت سالم باشد وایرادگیری واعتراض برآن نشده باشد . این است که قاعدهٔ تقسیم اعمال نیزازقرار ذیل اعتراضهارا مظهر شده است : بعضی میگویند که اصول تقسیم اعمال قوهٔ استحصالیهٔ اشخاص را کوتاه ومحدود میسازد . یعنی یك شخص که قوت واستعداد حاصل کردن بسیار کارهارا داشته باشد . وبقاعدهٔ تقسیم اعمال کار کند تنها یك نوع ویك رقم کار عادت گرفته ماشین میشود که غیر ازهمان کار دگرهیچ کاری ازدستش نمی آید . وچون ازان کار محروم بماند تادیگر کارملکه ومهارت پیدا کند معطل مانده موجب معذوریت وپریشانی میشود . حالا آنکه درملکهائیکه ازراه مدنیت بسیار پس مانده اند . بازهم یك دهقان عادی را می بینیم که قولبه را خودش

باقی دارد

اعلان

کتابهای فارسی — انگریزی — اردو — گورمکی — بهاشا وغیره برای تعلیم اشتالی بفروش میرسد .
المشتهر
(بالکرشن داری سرمدرس مدرسهٔ اهل هنود نمبر ۲)
درشور بازار کابل

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد ازطرف مدیر وسرمحرر تحریر یافته

محمود طرزی

در چهاپ خانهٔ حروفی دار السلطنه کابل طبع گردید

(اع ———— لان)

≼ کتب دار التالیف بیت العلوم حبیبیه ≽

شماره	اسم کتاب	قیمت	کیفیت
۱	رسالهٔ اول دینیات	یکعباسی	درین رسایل مسایل عقاید و اعمال دینیه بعبارت آسان و روشن نوشته شده و از کتب معتبرهٔ عقاید اهل سنت و جماعت و فقه شریف انتخاب شده است
۲	رسالهٔ دوم دینیات	پنج شاهی	
۳	رساله سوم دینیات	یکقران	
٤	سراج العقاید حصهٔ اول	سه شاهی	
۵	سراج الفقه حصهٔ اول	دوعباسی	مسایل فقهیه و احادیث اخلاقیه برای درجهٔ وسطیه بزبان عربی نوشته شده
٦	سراج الفقه حصهٔ دوم	ده شاهی	
۷	سراج السیر احوالات حضرت سید السادات	یکروپیه	حالات حضرت رسول مقبول از ولادت تا وفات بطرز اجمال از کتب سیر و تاریخ انتخاب شده
۸	رسالهٔ علم طبیعیات	چهارعباسی	مقدمات ابتدائی علم طبیعیات از انگریزی ترجمه شده و اصطلاحات عربی نوشته شده است
۹	سراج الحساب حصهٔ اول	دوروپیه	برای تعلیم حساب درجهٔ میانه از کتب معتبرهٔ انگریزی ترجمه شده و به اوزان و مسکوکات افغانستان حل مسایل شده است
۱۰	تحریر اقلیدس فارسی اول و دوم	روپیه	بقرار قواعد جدید از اقلیدس انگریزی ترجمه و انتخاب شده و سوالات هر مقاله علیحده به آن الحاق یافته
۱۱	ایضاً سوم و چهارم	دوروپیه	
۱۲	مرآة الارض مختصر جغرافیهٔ دنیا	یکروپیه	مختصر جغرافیه دنیا میباشد
۱۳	احسن القواعد (صرف و نحو فارسی)	یکروپیه	قواعد صرف و نحو فارسی میباشد
۱٤	قاعدهٔ فارسی بطرز جدید (برای ابجدخوانان)	یک ستار	الفبای مخصوص زبان فارسی میباشد
۱۵	رسالهٔ ضرب زبانی (برای تعلیم ابتدای حساب)	پنج پیسه	برای تعلیم حساب درجهٔ ابجدیه تالیف شده
۱٦	کتاب اول فارسی	یکعباسی	ضروریات اخلاق و عادات حسنهٔ مفیدهٔ اطفال از کتب معتبره انتخاب شده
۱۷	کتاب دوم فارسی	پنج شاهی	
۱۸	کتاب سوم فارسی	دوعباسی	

المشتهر یکی از اعضای دار التالیف بیت العلوم حبیبیه (حقیر عبدالرب)

سیاحت بدور دور کرهٔ زمین

بهشتاد روز

کتاب اول یعنی افسانهٔ طرز جدید بسیار شیرینست که هم افسانه میشنواند ، وهم علم می آموزاند در دکان ملا غلام محمد تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی بایستی جای بقیمت (۲) دو روپیهٔ کابلی بفروش میرسد .

(کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه)

(باجلد اعلا)

ودو کتابچهٔ (علم واسلامیت) و (آیا چه باید کرد ؟)

(باجلد اعلا)

در اداره موجوداست . آرزو کننده گان خریداری کرده میتوانند

قیمت همه (۲۵) بیست و پنج روپیه کابلی

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، وبادیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تابه پنج بار نشر وشایع شود برسرهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تابه پنج بار فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر ازپنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 649 of 1786

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

شماره ۱۷ سال دوم

فهرست مندرجات

عدالت پروریهای اعلیحضرت همایونی (عدالت چه کلمهٔ مقدس است !

حوادث داخلیه	دربار معالی بار یوم سه شنبه ۲۹ جمادی الاول سنه ۱۳۳۱ محتوی بر سخنان علمی وفنی وفواید صنایع وماشین خانهٔ اسلحه سازی کابل ومصرف چوب سوخت وبنیاد نهادن فابریک الکتریک در موقع جبل السراج واراده سفر خیریت اثر اعلیحضرت همایونی در غزنین وبنیاد شهر جدید وملاحظهٔ بند سراج — مراسم امر مسنون نکاح ذات فخامت پناهی حضرت نائب السلطنه صاحب در جلال آباد — مراسم نامزدی حضرت صاحبهٔ مکرمهٔ محترمه همشیرهٔ ذات شوکت سمات اعلیحضرت همایونی بجناب شجاعت نشان برگد محمد ولی خان — کان افسری قندهار ترفیع منصب — زلزله —
مکتوب از مصر	کیفیت تشریف فرمائی حضرت صاحب چهارباغ جلال آباد بمصر و حرکت نمودن شان به بیت الله شریف ومژده رسانی مبارکبادی دامادی شهزادگان جوان بخت جناب معین السلطنه صاحب وجناب عین الدوله صاحب بجناب مدیر سراج الاخبار افغانیه
حوادث خارجیه	اجمال سیاسی — آسیا باید از آسیائیان باشد — چهره نما ژاپون ونجات دول آسیا — افغانستان وبریتانیا — خلاصهٔ اخبار ملت — تحریک مبارک انجمن خدام کعبه از اخبار زمین دار — نطق رفت اثر اعلیحضرت همایونی — مکتوب داکتر انصاری سرکرده وفد طبی هند از اخبار کامرید — جنگ بلقان — تقریر وزیر خارجهٔ جرمنی و مسئلهٔ سقوطری — جوش آسترا — یک شکایت واهیه از سراج الاخبار افغانیه —
مقاله مخصوصه	فن ژئولوژی — یعنی طبقات الارض
ادبیات	(کوشش
ناموران زنان جهان	
علم ثروت ملل	
فاجعه های پاریس	
یاد آوری	(یک نسخت فی' سراج الاخبار افغانیه
اعلان	
تصاویر	ذات شوکت سمات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه باوقار کوه تمکین در کوه پرشکوه پغمان از ارتفاع ده هزار فوت مناظر طبیعت را تماشا میفرمایند — از مناظر جشن عروسی حضرت معین السلطنه صاحب در جشن حضوری یک رونق وشکوه عدیم الامثال باذوات بسیار بزرگ — یک سپاهی اعلیحضرت میکادو امپراطور سابق ژاپان — اقتباس از هدایت المزارعه ایران — معاینه تفنگها ومترالیوزها در ماشین خانه دار السلطنه کابل — منظره تعمیرات پل سراج لقمان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 650 of 1786

اعلان

(شرایط اشتراک سراج الاخبار افغانیه)

(سراج‌الاخبار افغانیه) نخستین اخباریست که در مملکت پرفیض وبرکت افغانستان بسایهٔ فیوضات عرفان پروریٔ اعلیحضرت پادشاه مقدس مهربان مائو در دارالسلطنهٔ عروسهٔ کابل به انتشار آغاز نهاده است . مقصد ومسلک این نامهٔ گرامی بیداری وآگاهیٔ اهل وطن مقدس‌ماست براحوال عالم . وحب دولت و وطن . وتوجه بسوی علم وفن . دینی . سیاسی . ادبی . اجتماعی . فی یک اخبار فواید نثاریست که در صفحه های معدود . فواید غیر محدودی مندرج دارد .

(سراج‌الاخبار افغانیه) از هموطنان عزیز خود چشم امید آنرا دارد که چون این اخبار یگانه اخبار وطن عزیز مقدس شان شمرده میشود میباید که یک توجه خاصی ویک هوس مطالعهٔ بااخلاصی بسوی او عطف نمایند . اداره درباب اشتراک مشترکین کرام بنهایتدرجه ارزانی وآسانی را مرعیداشته . وبرای خوبیٔ مضامین مندرجه وخوبی کاغذ وحسن طبع ودرج تصاویر فدا کاریهای بسیاری بکار برده . وتجارت را کمتر منظور داشته است درینوقت درماه دو بار یعنی درغره وپانزدهم هرماه نشر میشودامیداست که درآینده هفته وار بشود . وآنهم به همت دانشوران معزز هموطن منوط است زیرا هراقـدر که تعداد مشترکین کرام . ورغبت خوانندگان عظام بیفزاید . البته درترقی اونیز خواهد فزود . قواعد اشتراک از قرار ذیلست :

در دارالسلطنهٔ کابل قیمت یکساله اشتراک آن ۸ هشت روپیه کابلی — ششماههٔ آن ۵ پنج روپیه کابلی . در ولایات داخله دولت علیهٔ افغانستان یکساله ۱۴ چارده روپیه کابلی — ششماههٔ آن ۸ هشت روپیه کابلی . درممالک خارجه چون هند وایران وترکستان روسی وممالک عثمانی واوروپا یکساله ۱۰ ده روپیهٔ انگلیزی — ششماهه ۶ روپیه انگلیزی .

(اسامی وکلای ما درخارج)

درپشاور جناب میرزا غلام حیدر خان سررشته دار داکخانهٔ دولت علیهٔ افغانستان . در مشهد جناب عبدالله خان کاردار تجارت دولت علیهٔ افغانستان . دربخارا جناب حاجی غلام نبی خان‌مامور فروش پوست قره قل . ذوات گرامی که درممالک خارج افغانستان آرزوی اشتراک اخبار مارا داشته باشند بهریک ازین وکلای ما چون وجه یکساله یاششماههٔ اشتراک را بفرستند واز طرف وکیل‌ما به اداره اطلاع برسد از هماوقت اخبارما بهمان آدرس وعنوانی که داده باشند جاری میگردد . آدرس وعنوان واضح وروشن نوشته شود . یک طلای پوند انگلیزی ۱۵ پانزده روپیه کلدار است .

سال دوم

شماره (۱۷)

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

نگران
ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی
علی احمد

قیمت سالیانه
در دار السلطنة کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
با اخراجات داک ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با اخراجات داک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکدفعه نشر میشود

مدیر و سرمحرر
محمود طرزی

اداره خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنة (کابل)
همهٔ امورات تحریریه به اداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود
قیمت یک نسخه آن در کابل یکعباسی است

تاریخ عربی ۱۵ جمادی الثانی سنه ۱۳۳۱ — تاریخ انگریزی ۲۲ می — تاریخ شمسی یکم جوزا ۱۲۹۲

در این اخبار از حوادث داخله وخارجه وبسی مقالات مفیده درج میشود

(علویت اندر علویت)

(ذات شوکت سمات پادشاه باوقار کوه تمکین اعلیحضرت سراج الملة والدین در کوه پغمان)
از ده هزار فوت ارتفاع مناظر طبیعت را تماشا میفرمایند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 652 of 1786

عدالت پروریهای اعلیحضرت همایونی

(عدالت) ، چه کلمهٔ مقدس ! هراقدر که در تعریف و توصیف آن سخن گفته شود باز هم سخن ناتمام میاند . از وقتیکه دنیا خلق شده ، و هراقدر علما ، و حکمائی که بدنیا آمده همهٔ شان درین باب به جلدها کتابها نوشته و بخروار ها سیاهیها صرف کرده اند . لکن هیهات ! نه آنرا بحق آن تعریف کرده توانستند و نه توصیف آنرا به انجام رسانیده توانستند لاجرم این محرر عاجز باوجود این همه بی بضاعه کی دریك مقاله مختصره چسان درباب تعریف و توصیف آن خامه جنبان جرأت شده خواهد توانست ؟

آنانی که بهزارها از نفوس بنی بشر را بزنجیرها بسته عرابه های خود شان را بدوش شان کشیدند نیز ازعدل و حق بحث را نمودند (۱) ! آنانی که به لکها بنی نوع انسانی را قتل عام کردند باز هم عدل وحق گفتند (۲) ! آنانی که بپی زنان مرد آنرا در آتش انداخته خاکستر ساختند باز هم ازعدل وحق دم زدند (۳) ! آنانی که هزار ها نوع اشکنجه ها و عذابها برای تعذیبات انسانی اختراع کرده عالی را به آن محو ساختند باز هم آنرا نام حق وصواب نهادند (٤) ! آنانی که ملیونها نفوس را اسیر ساخته از حقوق آزادی شان محروم کردند باز هم زمزمهٔ عدل و انصاف سرودند (٥) !

یکی دراوج عزت ، یکی درحضیض مذلت ، یکی مالك ملیارها ثروت یکی سرگردان ، یك لقمه نان معیشت ، یکی مشغول هوا وهوسات ، یکی محکوم تازیانهٔ جفا وتشددات ، یکی مستغرق لذات وتنعمات ، یکی مجبور احضار آن سفاهات ، یکی درکاش ، یکی درکاهش ، یکی در گلزار ، یکی دربیگار ! همه عدل ، همه داد ، همه حق همه انصاف ! ... بغیر ازین چه گفته شود ، بجز همین چه نوشته شود !... حالا ازین گونه محاکات محیرالعقول ، وانچنین حکیات معجز التحول صرف نظر نموده از قدسیت ، وعظمت (عدالت) چیزی بنگاریم :

عدل ، داد ، حق ، انصاف ، خوبی ، نیکوئی ، احسان ، شرع ، قانون جمله کی عبارت از اصلاح وتدریق بنی بشر است .

عدل ، عبارت ازیك حالویك نظامیست کهزندگانی جمعیت انسانهارا دریك قوام وانتظام تمامی در اورده شیرازه جمعیت بشریه را ازبی انتظامی شر وضرر وقایه ومحافظه مینماید . و انسانها را درعقب خیرها ونکوئیها میدواند . عدل برابریست که ظلم ضد آنست ظلم چیزیست که برابری دران نباشد ، و هر چیزیکه در غیر موضع آن وضع شود ظلم گفته میشود . عدل خیر و احسان است . ظلم شر وخسران ظلم بار کج است که هیچوقت بمنزل نمیرسد . عدل همان باریست که هردو طرف آن برابر باشد که بکمال آسانی بمنزل میرسد .

شاهین ترازوی عدالت هرملت وجمعیت پادشاه آن ملت وجمعیت است . چنانچه ترازو بدون شاهین آن از نشان دادن برابری وزنها عاجز است همچنان ملتها وجمعیتها علی الخصوص ملتها وجماعتهای اسلامیه بدون وجود پادشاه از عدالت محروم میماند .

مار است وقت شکر   وثنا پیش کردگار
یکبار نی هزار   بصدها هزار بار
خلاق ذوالجلال عنایت بما نمود
یك پادشاه عاقل بافیض وعدل وجود
روز جلوس او بسر تخت سلطنت
شد روز اول شرف وبخت مملکت

الحق که شرف ، سعادت ، عدالت ، ترقی تعالی ، ملت افغان ومملکت افغانستان از روز فیروز جلوس میامن مأنوس ذات قدسیت صفات پادشاه با دانش ودین ما اعلیحضرت (سراج الملة والدین) آغاز نموده است . ازان روز فیروز سعادت اندوز ابواب مرحمت و احسان ، وشهراه عدالت و عرفان بروی ملك و ملت افغان باز گردید که مابعضی ازان عدالت پروریها را درین شمارهٔ خود سرلوحهٔ افتخار مینمائیم :

اولا این راعرض کنیم که زمان سعد اقتران اعلیحضرت پادشاه بزرگ ذی شوکت و شان خاقان جنت مکان اعلیحضرت (ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان) رحمةالله علیه بچنان یك وقت پرشورش واختلالی تصادف نموده بود که اهالیٔ افغانستان سرا سرار دایرهٔ نظم و نسق بیرون رامده ، و همهٔ مملکت در یك هرج و مرج طغیان ، وسرکشیٔ عظیمی درآمده بود اقوام وقبائل مختلفهٔ افغانستان بانواع خودسری هاوبی لجامیها عادت گرفته درهرهرطرف خانها ، و درهریکی هاخود مختار انهٔ تشکیل یافته بود که تاوقت آوردن آنهارا درزیر دایرهٔ قانون و نظام ، وانقیاد واطاعت تمام به استعمال شدت وحدت مجبور شدند ، ومجازات بسیار شدیدهٔ گوناگونی سرکشان وباغیان وعاصیانرا برجادهٔ راستی واستقامت براه آوردند . وبه اینصورت رفته رفته چنان یك امن وامانی ، و چنان یك آسایش تمامی در ملك شاهانهٔ شان قایم فرمودند که درهیچ طرف نام دزد ورهزن وباغی وعاصی راکسی نمی شنید .

وقتا که ذات مراحم صفات اعلیحضرت پادشاه حقایق آگاه عدالت آئین (سراج الملت والدین حضرت امیرحبیب الله خان) ایده الله بالنصر الی مدید الزمان تخت عالیبخت سلطنت سنیهٔ افغانستانرا بوجود قدسیت آمود معدلت نمود همایونی شاهانه شرف اندوز عزو مباهات فرمودند ابواب رحمت وعدالت را بازفرموده وتجلی جلال را بجمال تبدیل داده عدل رحم ، عفو ، کرم ، رأفت ، شفقت را پیش نهاد مسلك همایونی فرمودند .

---

(۱) فرعونهای مصر ونیرانسپاها وغیره (۲) آتیلاها چنگیز ها هلاکوها تیمور ها بلغارها وغیره (۳) پادشاهان یهود ورومانیهاء (٤) انگیز یسونها .
(٥) انگیزها وروسها وغیره .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 653 of 1786

عفو عمومی را اعلان فرموده بعدها عایله های که از خاك پاك وطن بادیه پیمای غربت ومحن بودند باز به نعمت مراجعت وطن نایل وسزاوار، وآسوده نشین امن وامان خاك پاك فیوضات آثار گردیدند. وغیرازانکه مظهر عفوشاهانه شده، برجرایم سابقهٔ شان رقم عفو کشیده شد باملاك وعقار وتنخواه نیز سرافراز شدند.

درابتدای جلوس میامن مأنوس همایونی مبلغ خطیری ازباقیات مالیات سنوات گذشته بذمهٔ رعایای صادقهٔ شاهانه باقیمانده بود. ذات اعلیحضرت همایونی شان ازکمال عدالت ومرحمت پروری که درقلب سلیم بعدالت مستقیم شاهانهٔ شان درحق تبعه وزیر دستان صداقت وعقیدت نشان همایونی شان داشتند همهٔ آن باقیات مالیات را بخشیدند. وبه اینصورت یك رفاهیت، وثروت وسعادت عمومی بملت عطافرموده کمال عدل واحسان، وتمام جود وکرم پادشاهی را نمایان فرمودند.

بعضی عواید وقواعد پرکلفت، وسراسر بدعتی که دراهالی مرعی الاجرا بود وازاثرو بسی خسارتها وزیانهای کلی براینها وارد وعاید میگردید، وبسی که از قدیم الایام عرف وعادت شده بود هیچ کس خودرا ازان رهائی داده نمیتوانست: مثلا مهروکابین عروسها آنقدر بالاپروازانه، ومافوق الطاقه گذاشته میشد که انسانرا حیرت دست میداد، وازامر ازدواج انسان را بیزار میساخت. ونیز مراسم فاتحه خوانی، ومرده داری بدرجهٔ پرکلفت وپرمخارج بود که غم تدارك اسباب ضیافتهای مکلف آن ازغم مرگی مرده بارها افزونتر بود. لهذا ذات اعلیحضرت پادشاه مراحم اکتناه معظم ما این نقصان وزیان اهالی را درزیر نظردقت گرفته قوانین متعلقی درینباب وضع فرمودند. وآن عواید را دریك حدمعینی محدود نمودند.

غیرازینها بسی مرحمتها وعدالت پروریهای اجرا فرموده اند که زبان از تعداد آن عاجزاست. علی الخصوص لغو اسارت — یعنی منع فرمودن خرید، وفروخت غلام وکنیز — که یکی از بدعتهای بسیار ناگواری درعالم انسانیت شمرده میشد. آیا نوع انسانی که اشرف مخلوقات است چسان مانند دواب ومواشی خرید وفروخت خواهد شد؟

وضع نمودن قواعد استنطاق، ومنع فرمودن اشکنجه وعذاب نیز یکی از عدالت پروریهای عظیم عصر عدالت حصر اعلیحضرت سراج الملة والدین است. اززمانهای بسیارقدیمی درافغانستان برای اقرار مجرمین انواع اشکنجه ها وعذابها مانند قاه، وروغن داغ وغیره چیزهای که بدآن موهای انسانرا برمیخیزاند جاری ودارج بود واین اصول غیر ازانکه مخالف شریعت غرای اسلامی، وانسانی بود سبب اقرار مجرمین نیزنمیگردید. زیرا بسیار شده است که مجرم به آن عذابها تاب آور مقاومت نشده دیگر بیگناهانرا نیز باخود متهم مینمود یاآنکه مرگی را نسبت به آن عذابها آسانتر واهونتر دانسته، اگرچه مجرم نمیبود برای خلاصی جان اقرار میکرد. الحق که منع فرموده شدن این عمل ناگوار یکی ازعدالت پروریهای بسیار عظیم پادشاه عادل عاقل ذی جود واحسان ماشمرده میشود.

از زمانهای بسیار پیشتر(سیاه چاه)نام یك حبس خانهٔ موجود بود کهمحکوم شدن به قتل واعدام هزار باربهتر از محکوم شدن بحبس سیاه چاه بود. ناول (مونته کریستو) را البته بعضی از قارئین کرام مطالعه کرده خواهند بود. آن حبسخانهٔ مونته کریستو نسبت به سیاه چاه کابل جنت شمرده میشود. بریك تپه یك چاهی بسیار عمیق کنده شده بود. داخل آن چاه را کنده کنده ردایره ها وخانه های جداگانه تفریق داده بودند. محبوس را از مدخل چاه باریسمان آویخته دران می انداختند. ومأمورهای مخصوصه هرکدام را جابجا کرده سروگردن شان را بزنجیر ها می بستند. مأکولات ومشروبات شان ازدهن چاه برای شان انداخته میشد. ذات مراحم صفات عدالت آئین اعلیحضرت پادشاه مقدس بادانش ودین ما این محبس منحوس سیاه چاه را از بیخ وبن برانداختند. ونام ونشانی ازان نگذاشتند دیگر حبسخانه ها را نیز برداشته بعوض همهٔ آنها یك حبسخانهٔ بسیار منتظم بزرگی که بردوایر مختلفه نسبت به نوع محکومیت ومجازات تفریق شده بنانهادند. درین حبسخانه به آموختن صنعت، واصلاح نفس محبوسین کوشش ورزیده میشود. ازنقطهٔ نظرحفظ صحت، وموافق عدل وحقانیت بحال محبوسین پرداخته میشود. آنانی که جزای شان سخت تربانشد دایرهٔ حبس شان نیز درخورد حال شان ترتیب یافته، وآنانی که جزای شان خفیفتراست دایرهٔ حبس شان نیز اهون ترتشکیل داده شده است الحق که این مرحمتها واینگونه عدالت پروریها ازان چیزهائی نیست که ملت افغانیه از عهدهٔ شکران آن برآمده بتواند. سزاوار است که صحیفه های تاریخ ملی این حوادث عدل وداد اعلیحضرت پادشاه مراحم بنیاد مارا به آب زربنویسد. وتذکار این اعدالتپروریهای شهریار معدلت مدار کرم کردار خود مارا برلوحه های قلوب صداقت مجلوب خود مان تابه ابد حك نمائیم.

حوادث داخلیه

(دربار معالی بار)

(یوم سه شنبه ۲۹ جمادی الاول سنه ۱۳۳۱)

نسخهٔ سابقهٔ سراج الاخبار افغانیه تشریف موکب سعادت موهب همایونی را سرلوحهٔ فخر و مباهات خود ساخته کیفیت

ورود شوکت مورود پادشاه دل آگاه مقدس معظم محبوب القلوب خودرا باینقلم بهاری رقم بصداقت توام بنظر قارئین کرام جلوه گر نموده بود ، حوادث داخلهٔ این نمرهٔ عاجزانهٔ ما از کیفیت دربار معالی‌بار تهنیتی که بعد از تشریف فرمائی همایونی تشکیل یافته بحث میراند .

کیفیت دربارها را چون در نسخه‌های پیشتری خود بتفصیل بیان نموده‌ایم تکرار آنرا لزوم نمی‌بینیم . و تنها بعضی بیانات مراحم آیات اعلیحضرت پادشاه مقدس معظم خودمانرا که هرکدام آن جهان جهان حکمت و عالم عالم منفعت را در برداشت ودرین دربار بیان فرمودند زیب صحیفهٔ افتخار مینمائیم . اهل دربار درروز سه شنبه ۲۹ ماه جمادی الاول به ساعت ۹ صبح بقرار سررشته وقانون مقرری در دالان بزرگ سلامخانهٔ عام جمع آمده برچوکیهای مرتبه آرام گرفتند . همهٔ سلامخانه ازارباب مناصب ملکی وعسکری و مردمان اعزه و اشراف بلباسهای رسمی پرومملو گردیده بود . تقریباً بساعت ده ذات اعلیحضرت پادشاهی دربار را به تشریف قدوم مرحمت ملزوم همایونی شاهانهٔ شان شرف بخشید ، همهٔ مردمان قیام وصف‌بستهٔ احترام گردیدند . ذات شوکتسمات همایونی به احوال پرسی همه کافراد انوازی فرموده به نشستن امر نمودند برداشت سخن را از بعضی سخنان علمی وفنی نموده از منافع و فواید صنایع وفابریکها بیان واز ماشین‌خانهٔ اسلحه سازی کابل بحث رانده فرمودند . این ماشین موجوده قوت دوصد اسپ است . ودر هرروز بقدر شصت خروار چوب بخرج میرساند که بدین حساب سالیانه بیست یکهزار وشش صد خروار چوب برای آن مصرف میشود . واگر ما یکچند فابریک دیگر بسازیم . وهرقسم صنایع را در مملکت خود بوجود آریم مخارج چوب آن بمقداری میرسد که چوب مملکت ما آنرا اداره نخواهد کرد . وهم قوهٔ مالیه مارا رخنه دار میسازد واین است که مارا بر تشبث بسیار مهم وجسیم بنیاد نهادن فابریک الکتریک در موقع (جبل السراج) مجبور ساخت ازین ماشین سه هزار اسپ قوت حاصل میشود که برای روشنی شهر کابل وخود قلعهٔ السراج جبل السراج ، و ماشین خانه‌های موجودهٔ دار السلطنه وبسی فابریکهای دیگر که سر از نو تأسیس آن متصور است کفایت میکند . »

این بیانات مراحم آیات ذات شوکتسمات پادشاه ترقی خواه معظم‌لها بر قلوب همهٔ اهل دربار معالی باریک تأثیر خیریت آمال عظیمی برای حال واستقبال وطن حاصل نموده زبانها بدعای سلامتی ذات شاهانهٔ شان رطب اللسان گردید . ذات اعلیحضرت پادشاهی بعد ازین اثنا ذات شاهانه از تصور همایونی درباب سفر خیریت از غزنین بحث رانده فرمودند :

انشاء الله خیال دارم که درهمین روزها بغزنین بروم . بعضی گمان خواهند کرد که ما هنوز از سفر جلال آباد نو بدارالسلطنه رسیده وراحت نکرده بازچرا سفر غزنین را اختیار کردیم حالانکه کسانیکه فکر و تصور شاهانهٔ ما تا یکدرجه آگاهی حاصل کرده‌اند بخوبی میدانند که ما راحت خودرا برای راحت و سعادت وترقی تبعات صادقه ومملکت شاهانهٔ خود آرزو میکنیم مراد ما از رفتن غزنین اینست که بند سراج غزنین را ملاحظه کنیم . این بند انشاءالله یک زندگی وتازگی نوی بغزنین خواهد بخشید مخارج آن پنج لک روپیه تخمین شده است ما آنرا برپنج حصه تقسیم کرده‌ایم سه حصه آنرا خود ما ویک حصه آنرا عبدالاحد خان برکه . ویک حصه آن براهالی که از آب بند فایده مند میشوند تقسیم گردیده است . ولی چون حصه که براهالی اصابت نموده برای آنکه تکلیف برآنها نشود ازوجه نقدی بخدمت بدنی تحویل دادیم . ذاتاً آبی که ازین بند حاصل میشود همهٔ آن اراضی خود اهالی را آبیاری میکند . وبه لکها جریب زمین غیرمزروع را بزراعت آباد میسازد که آنهمه اراضی براهالی تقسیم گردیده موجب رفاهیت وثروت شان میگردد درعین زمان خزینه دولت نیز ازان مستفید میگردد . ومقصد یگانهٔ شاهانهٔ ما که آبادی ملک . وسعادت تبعات صادقه است حاصل میشود . ما هرکار نافعی که میکنیم برای شما میکنیم . نان ما ، دربار ما همه ازخود شماست خداوند عزوجل چون باراده ازلی خویش مارا پادشاه شما مقرر فرموده خودرا مکلف میدانیم که همیشه برخیر وسعادت شما کوشش ورزیم . واگر شما به این راضی نباشید به ارادهٔ ازلی پروردگار عظیم الشان خود عصیان ورزیده خواهید بود . »

این کلمات حکمت آیات اعلیحضرت همایونی همه اهل دربار را بیک جوش وخروشی آورده از دلها وزبانها آوازهای دعا وصداقت ، وشکرگذاریهای امت وعبودیت غلیان نمود . بعد ازان ذات شوکتسمات اعلیحضرت همایونی از تصور بسیار عالی شاهانه درباب بنا نمودن یک شهر جدیدی درغزنین . واز خرابی وقابل نبودن شهر عتیق آن بیانات بسیار واضح ومدللی درمیان آورده فرمودند :

« خواه درخصوص برق جبل السراج ، وخواه درباب بنای شهر غزنین بخیال بعضی خواهد رسید که این تصورها از قبیل طول امل خواهد بود . زیراچون این قسم کارها وتشبثها بصورت آنی وزودی ازقوه بفعل نمی آید ممکن است که بعضی آنرا برطول امل حمل نمایند . حالانکه طول امل غیر مشروع عبارت ازینگونه تشبثات عالی که ما میکنیم نیست . بلکه این گونه اقدامات از قبیل حکایت همان بزرگیست که عمرش بهفتاد سالگی رسیده بود وتخم خرما را درزمین میکاشت . پادشاهی دران اثنا ازانجا گذر کرده پرسید که چه میکاری . گفت تخم خرما میکارم . گفت ، عمرت به هفتاد رسیده ، ودرخت خرما ثمر بدهد

لااقل هفتاد سال میخواهد . پس تو ثمرین نخلی را که میکاری چه وقت خواهی خورد ؟ پیر دهقان گفت : دیگران کاشتند ما خوردیم . ما هم میکاریم تا دیگران بخورند . این است که این قسم چیزها طول امل نی بلکه استقبال اندیش شمرده میشود که همه ترقیات مدنیهٔ عالم ازان پیش آمده است . .

غیر ازین بسی کلمات بسیار حکمی . عقلی . شرعی . دینی ادبی مدنی صنایعی بیان فرمودند که هر کلمهٔ آن هزاران درس حکمت . وجهانها فواید ومنفعت را در بر داشت . ودلها وارواح حاضرین وسامعین را بانواع آمال سعادت آمود . واقسام امیدهای مسرت اندود سیراب وشاداب فرمود . ودعاهای به اجابت مقرون پادشاه مقدس محبوب القلوب معظم مسعدت رهنمون ما ورد زبان همه کان گردید . والحاصل بعد از طعام اجازهٔ انصراف عطا شده دربار به انجام رسید .

(مهمترین حوادث داخلیه که در جلال آباد بوقوع آمده است)

مراسم امر مسنون نکاح

ازاهم حوادث داخلیه که درسفر خیریت اثر جلال آباد بوقوع آمده است یکی مراسم امر مسنون نکاح ذات مکارم صفات حضرت سردار اکرم نائب السلطنه صاحب افخم سردار امر الله خان صاحب معظم است باکریمهٔ عالیهٔ جناب کرنیل نور محمد خان حاکم کلان سابق ولایت جلال آباد که بکمال شکوه . وعزت وسعادت بوقوع آمده است . چون بما خبر نرسیده بود ازان بعرض تبریکات نه پرداخته بودیم . وصحایف اخبار خودرا به آن تزئین نتوانسته بودیم . لهذا درین وقت به درج آن کسب شرف نموده ازصمیم دل بعرض تبریکات عاجزانهٔ خود مسارعت میورزیم .

مراسم نامزدی

ازقراری که درین وقت اطلاع حاصل نموده ایم مراسم نامزدی ذات عالیه صفات حضرت بی بی جان صاحبهٔ مکرمهٔ محترمهٔ یکانه همشیرهٔ ذات شوکت سمات اعلیحضرت پادشاه مقدس معظم ما روحی له فداه باجناب شجاعت مآب برگد محمد یونس خان با ارادهٔ مراحم عادهٔ ذات اعلیحضرت پادشاهی در جلال آباد بوقوع آمده است از درگاه آلهی جل اسمه این امر مسنون میمنت مقرون را بسلامتی ذات اعلیحضرت پادشاهی وجمیع خاندان جلیلهٔ شاهی از صمیم دل مبارکباد میگوئیم .

کان افسری قندهار

ازقراری که از طرف جناب عالیجاه عزت وسعادت مآب ایشیک آقاسی نظامی محمد سلیمان خان به ادارهٔ عاجزانهٔ ما خبر رسیده است عالیجاه شجاعت همراه عبد الوکیل خان که قبل ازین برگد غند اردل شده بود با فرمان وارادهٔ اعلیحضرت همایون پادشاهی بهمان منصب برگدی . خود در افواج نظامی قندهار بعهدهٔ کان افسری افواج نظامی قندهار سر افراز گردیده است .

ترفیع منصب

بعوض برگد عبد الوکیل خان جناب عالیجاه شجاعت همراه محمد یونس خان که کرنیل رسالهٔ شاهی دوم بود در غند اردل بعهدهٔ منصب برگدی مقرر وسر افراز گردید .

سراج الاخبار افغانیه هر دو افسران مشار الیهما را ازصمیم دل رتبه ومنصبهای جلیلهٔ جدیدهٔ شان مبارکباد گفته موفقیت و کامیابی شان را بخدمات محولهٔ شان از درگاه باری نیاز میکند فقط .

زلزله

یوم چارشنبه ۷ ماه جمادی الثانی تقریباً بعمل پنج بجهٔ صبح یک زلزلهٔ شدیدی وقوع یافت که حرکتش اکثر ازجهت شمال غربی بسوی جنوب شرقی محسوس گردید . لله الحمد والمنه هیچگونه تلفیات جانی ومالی نرسید . وبخیر درگذشت .

« مکتوب از مصر »

جناب مکرم وادیب افضل محترم محمود بیک صاحب مدیر ومحرر جریدهٔ فریدهٔ سراج الاخبار افغانیه اسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته .

خواستم از کیفیت تشریف فرمائی ذات بافیوضات بابرکات حضرت مرشد کامل وعالم عامل فاضل جناب حضرت صاحب چارباغ جلال آباد حضرت (ضیاء معصوم) صاحب متعنا الله ببرکات انفاسه که درین روزها بمصر تشریف آورده اند برای انجناب محترم بنویسم :

بتاریخ ۹ ماه اپریل اززبان جناب سید داود یمنی که از بزرگ تجاران هند در مدینهٔ منوره میباشد شنیدم که ایشان وچار سیتن دیگر ازمکهٔ مکرمه تا به بیت المقدس بخدمت گاری حضرت صاحب مشار الیه شرفیابی حاصل نموده اند . وازبیت المقدس جناب حضرت صاحب ایشانرا مرخص فرموده وخود حضرت صاحب باچندی ازدوستان وخدام حضور خودشان همین روزها برای زیارات بعضی اهل بیت کرام درمصر تشریف آورده ازراه سویس بجده ومکهٔ مکرمه میروند .

این فقیر از شنیدن این خبر مسرت اثر حالاً یک تلگراف به بیت المقدس بحضور شان کشیده رجا کردم که روز حرکت خودشانرا خبر دهند . از مدیر تلگرافخانه جواب گرفتم که حضرت صاحب از قدس شریف دیروز حرکت فرمودند . تاریخ تشریف رسیدن شانرا بمصر حساب کرده همانروز بذریعهٔ مکتوبها وتلفونها به بسیاری ازاحباب واصحاب خرد ومحبین دین مبین از روز تشریف

آوری شان آگاهی دادم . منسوبین ومعتقدین آن ذات مقدس بزرگوار در مصر بسیار است . بساعت یك بعد از ظهر جم غفیری از ذوات معتبره ، وعلما واشراف وطلبهٔ علوم وبیکها وافندیها در استیشن حاضر بودیم که ریل مانند تخت سلیمانی در استیشن رسید . ودر درجهٔ اول خانهٔ ریل خود جناب مولانا حضرت صاحب با یك دو نفر از مریدان معتقد با اخلاص شان که از سپاهیهای معتبر ترکی در زیر امر ومظهر انوار فیوضات اثرشان بودند از ریل فرود آمدند . خود ذات روحانی صفات شان از بیت المقدس احرام بند کعبهٔ معظمه شده محرم بودند . جمال باکمال شان مانند شمس تابانی همیدرخشید . واز جبین شان انوار معرفت همی پاشید . از هر جانب آواز صلوات شریفه بلند گردید . مردمان بدست بوسی مبارك شان مسارعت ورزید ، غیر ازمردمان که مخصوص برای استقبال حضرت شان به استیشن حاضر شده بودند بسیار نفری دیگر نیز موجود بودند که برای استقبال دیگر دوستان آمدنی خود آمده بودند . جمال و کمال حضرت صاحب اوشانرا نیز مدهوش ساخته مانند پروانه برشمع بخود همی کشید . واز دوستان خود شان این دوست خدا را دوست تر دانسته بدست بوسی شان سبقت مینمودند . یکی از محررین جریدهٔ فریدهٔ المؤید الغراء ، وخود مدیر معارف سمیر جریدهٔ فارسی چهره نما نیز حاضر شده بودند . جناب مولانا حضرت صاحب در خرابهٔ که خوداین حقیرحاضر کرده بودم تشریف فرموده بغریب خانهٔ فقیرخود تشریف آورند . من عاجز که خودرا هیچ لایق این شرف وسعادت نمیدانستم چون به این شرف نایل وسرافراز شدم ازبسیاری فیض وبرکت وسرور دریك حال استغراقی بودم . ذات بزرگوار مشارالیه سه ۳ روز در مصر تشریف داشتند ، وبعد اززیارات مقدسهٔ اهل بیت بتاریخ ۱٤ اپریل بسوی بندر سویس حرکت فرمودند خود این حقیر ودونفر سپاهیان اخلاص نشان که بمعیت شان شرفیابی داشتند در درجهٔ اول ، ودونفر خدمتگاران شان بدرجهٔ سوم سوار شده درظرف شش ساعت بسویس رسیدیم . در ۱٦ ماه اپریل بعد ازظهر باوا پور خدیوی بلاخطر ومحفوظاً بسوی جده روانه شدند . چون آخر مرتبهٔ پا بوسی مبارك شان شرفیابی حاصل نمودم چنان می پنداشتم که روح روانم میرود وجسد بیجانم می ماند . منکه ازسبب بدبختی خویش مدتیست کهبادیه گرد غربت ماندهام این چارپنج روزرا مقدسترین ایام غربت پرکربت خود میدانستم . چیزی که مدار تسلی قلب حزین این حقیر غمگین است همین است که چند بار اززبان گوهر افشان مبارك شان شنیدم که فرمودند : « یافرزند اگر توخود را درظاهر ازمن دور می بینی مگر من ترا دایما زیر

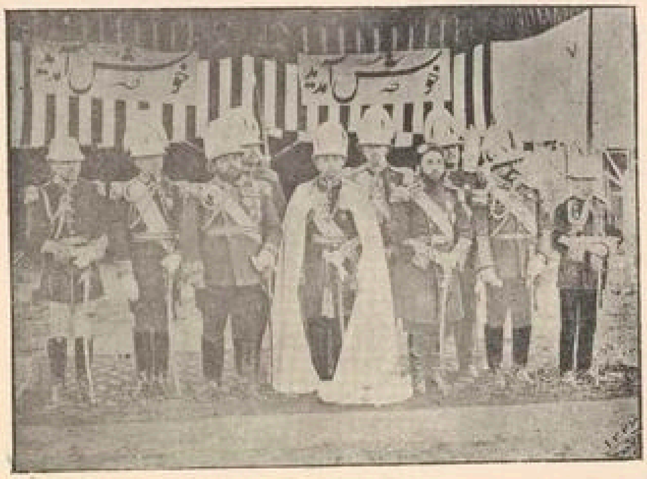

§ از مناظر جشن عروسی حضرت معین السلطنه §

که در سنهٔ ۱۳۲۷ بیك رونق وشکوه عدیم الامثالی در چمن حضوری بوقوع آمده است
اسامی اشخاص ابتدا از راست

سردار محمد کبیر خان — (۲) سردار حیات الله خان — (۳) سردار صانع محمد عمر خان — (٤) نایب السلطنه سردار نصر الله خان
(٥) سردار غلام علیخان — (٦) معین السلطنه سردار عنایت الله خان بلباس عروسی — (۷) سردار مصانع امین الله خان
(۸) ذات اعلیحضرت سراج الملة والدین (۹) عین الدوله سردار امان الله خان — (۱۰) سردار عزیز الله خان

بنظر خود میدادم . آیا برای این حقیر بهتر ازین سعادت چه خواهد بود الحمدلله هزاربار الحمدلله برین نعمت عظما . در وقت وداع حقیر سوال کردم که . آیا حضرت الوطن عزیزرا کدام وقت ازقدوم مبارك منور خواهند فرمود ؟ فرمودند . بعد مشرف شدن مکهٔ مکرمه دیده‌شود . اختیار بدست صاحب اختیار است الحق که خیلی درست فرموده‌اند . زیرا : [مردان خداخدا نباشند لیکن زخدا جدا نباشند . ؟] این‌راهم عرض کنم که از یك خبر مسرت آور دیگری نیزدرین بار آگاهی حاصل کردم که درعین فرحت وسرور بی اندازهٔ کمرا دست داد یك شکایت و گلهٔ نیز ازجناب شمامرا حاصل شد که باوجود این همه التفاتی که درحق مخلص خود دارید دربینقدر مدت مرااباین خبر مسرت آور خبر نفرمودید . وآن اینست که شنیدم قبل ازچهارسال گویا شمارا شرف مصاهرت با جناب شهزادهٔ جوانبخت معظم حضرت (معین السلطنه سردار عنایت الله) خان صاحب انجم حاصل شده است یعنی حضرت شهزادهٔ بزرگ دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما داماد شماشده اند . افسوس ازین سبب میکنم که بهاین مسرت واین شادمانیٔ عظیم آگاهم نفرمودید کهدر مبارکبادی مسارعت میورزیدم بهر صورت هزاران تشکر میکنم و از صمیم دل شمارا مبارك باد میکویم . این‌را هم شنیدم که برسران نور نور دیگری نیز افزوده که درین سال فرخنده فال نامزدیٔ شهزادهٔ مکرم بلند اقبال حضرت (عین الدوله سردار امان الله) خان صاحب نیزبادیگر کریمهٔ عصمت وسیمهٔ شما وقوع آمده است . لهذا نور علی نور گفته بهاین شرف وسعادت عظیم با آنصاحب مهربان مکرم خود جهان جهان تبریکات عرض وتقدیم میدارم . باقی‌درجهٔ دوستان خدا شمرده شوید ومحفوظ باشید والسلام .

فی ۱۵ اپریل سنه ۱۹۱۳ الفقیر غلام نقشبند

حوادث خارجیه

احوال آسیا

آسیا باید از آسیائیان باشد

(بعدازقطعهٔ (امریکا) بزرکترین قطعات پنجکانهٔ کرهٔ زمین قطعهٔ آسیا) ست که بهانکلیزی آزیا (ایشیه) وبفرانسوی (آزی) مینویسند وتلفظ میکنند . امانام اصلیٔ آن که حکمای یونان قدیم برقسم غربیٔ آن کهدر اوقتها همانقدر آن به آنها معلوم بود — نهاده‌اند (آسیا) بوده‌است . این قطعهٔ جسیمه تنهااز طرف غرب بقطعهٔ اوروپا چسپیده میباشد و اطراف دیگر آن بابحر احاطه شده است که هیئت عمومیهٔ آن یك شکل مربع غیر منتظمی‌را نشان میدهد . وقطعهٔ اوروپا مانند یك جزیره نمای این قطعهٔ جسیمه شمرده میشود . جهت شمالیٔ قطعهٔ آسیا بابحرها و جودیه‌های بحر منجمد شمالی ، وجهت جنوبیٔ آن بابحر محیط هندی وجزایر آن ، جهت غربیٔ آن باکوههای اورال ، وقفقاس بقطعهٔ اوروپا ، وجهت شرقیٔ آن بابحر محیط کبیر محدود میباشد .

درازیٔ این قطعه از ساحل غربیٔ اناطولی تابه آبنای بهرنگ که نشیب وفراز آن داخل حساب نباشد (۱۱۰۰۰) کیلومتر یك مسافه ایست که تقریباً چار ماهه . و اگر نشیبها وفرازها وکج وپیچهای آن نیزداخل حساب شود ازپنج‌ماه نیزبیشتر راه میشود . وپهنای آن ازدماغهٔ (ژولسکین) تابدماغهٔ (کومورین) ۸۰۰۰ کیلومتر یك‌مسافه ایست که آنهم بسه‌ماه‌راه میشود . هم مساحهٔ سطحیهٔ آن (۴۵۰۰۰۰۰۰) چهل وپنج ملیون کیلومتر مربع یك زمینیست که چار ونیم‌برابر قطعهٔ اوروپا میباشد . درین قطعهٔ عظیمه بقدر (۸۰۰) ملیون نفوس سکونت پذیراست که تقریباً سه‌برابر نفوس قطعهٔ اوروپست .

مقصد ما از جغرافیه نویسیٔ قطعهٔ آسیا وبقطعهٔ اوروپا درینجانیست . بلکه‌ما چون ازمردمان آسیائی میباشیم طبعاً آسیارا دوست میداریم وآسیارا مقدس میشماریم ، وآسیارا از آسیائیان میدانیم . ومتقلبین آنراغاصب‌ودزد آن میشناسیم . اوروپائیان تنها به اوروپا قناعت نکرده افریقا . امریکا اوستر الیارا نیز درزیر ثقلت حرص‌وطمع خودشان در آوردند . به آنهم قناعت نکرده از آسیای آسیائیان نیز بسی اراضیٔ واسعهٔ وممالك جسیمهٔ را بخرج شکم پروریٔ خود رسانیدند حالانکه مرض‌جوع‌البقرشان یوماً فیوم درتزاید است ومیخواهند که همهٔ این قطعهٔ جسیمه را بیکباره کی فرو برند . وهیچ جزئی ازان باقی نکذارند .

درحق ایران وعثمانی هرانچه که کردند معلومست . ولی آنهارا نیز هنوز بوجه دلخواه خود شان سراسر از کرهٔ زمین برداشته نتوانستند . به تعبیر دیگر بنابربعضی ملاحظات تا یکحد که دیگر کار را تدریج گرفتند . اما رقیبهای بسیار مدهش ومخوف اوروپائیان درآسیا حالا دولت جسیمهٔ پرنفوس (چین) ودولت قوی الشکیمهٔ (ژاپان) است . علی الخصوص دولت (ژاپان) که یکی از معظمه‌های شانرا چنان کوچك وحقیر وزبون ساخت که نه در بحر ونه دربر هیچ آبروئی برای او باقی نگذاشت این است که اصل بلای مبرمی که اوروپارا در فروبردن آسیا به اندیشه دارد دولت ژاپان است .

سبحان‌الله اگر چین هم بدرجهٔ ژاپان بیدار کشته . ویك قوتی بهم برساند . ودست اتفاق را این دودولت عظیمه باهم یك کرده دردم سیلاب اهل صلیب اوروپا بمدافعهٔ آسیا به ایستاند . عثمانی وایران افغانستان نیز آسیا را از آسیائیان شمرده وهندستان وعربستان باایشان نیز به دست وپازدن آغاز نهد هیچ شبهه نیست که شیشهٔ آمال حرص وطمع اوروپارا چنان بسنگ ناامیدی بشکنند که اوروپا را نیز بلرزه دراند .

« معزز همعصر ما (چهره نما) مینویسد »

« ژاپون ونجات دول آسیا »

دراین هفته که برید (پست) اوروپا رسید وجراید ومجله های اوروپا خوانده شد مهمترین بحثهایی ازافکار سیاسی بارجدیدهٔ ژاپون درباره استقبال دول آسیا بودکه ماهم محض خوانندگان کرام چهره‌نما بترجمهٔ انها میپردازیم .

بنابانتشارات اخیره ژاپونیان میگویند : انتهای مرام اوروپاویان این است که به تشکیل یکقشون صلیبی که ازابتدا تاانتهای آسیارافروگیرد موفق آیند وسکنهٔ این قطعهٔ عجیبه را ازتیغ بیدریغ بدیار عدم رهسپار کنند ؟ ومقدمه این مقصود منحوس همین حرکت قشون بالکان بوده که باهمتی فوق‌تصور بپشت گرمی دول اوروپا بهنیات باطله خود تعقیب کرده وبا صدای زنگ کلیساها را باآوازدر اورده‌اند ! وبافجع فضایع مسلمانان آن مرز وبوم را کشتار میکنند چنانچه اینگونه‌شنایع و حشیوکشتار مدهشه را بما تاریخ عهد حاضره نشان نمیدهد که دربازار های مکدونیا دول بالکان بمال اسلامیه حرق داشته ومیدارند . واین حرکات وحشیانه درتمام ژاپون اثردی بخشیده ودلهای ناشکیب ژاپونیان الی ناشکیب نشده این است که ژاپونیان را ازاین مشاهدات مؤثره قیام عاجل کرده‌که تمام دول آسیارا دعوت کنندکه برای حفظ اوطان مقدسه خودتحت سلاح آیند .

ژاپونیان باضطراب شدیدی دوچار شده ومتحدا برای یك مقصود مفیدی قیام کرده‌اند که بلاتاخیر بموقع اجرا گذارند ومنتهی جهدرا دراین کار مبذول داشته ومقصود شان این است که احرار ژاپون وصاحبان غیرت وسیاست انجمنهای مهمه تشکیل داده باختصاص این مقصود ومیخواهند (مؤتمر آسیائی) احداث کنند وفروعاتی درتمام بلاد ژاپون مفتوح دارند وسعی نمایند که ماهرزبانان علم‌سیاسی ازممالك ژاپون بممالك دول آسیا بفرستند که درتمام بلاد آسیاشعبه از (مؤتمر آسیائی) آنجادایر کرده ودراین ضمن چون شعبه ازین مؤتمر دربلاد آسیا دایرشده مراکز مهمی احداث کنند واورا باسم (اتحاد آسیائی) بنامند (چهره نما ما بازاپونیان هم عقیده وبالغ برپنج سالست دراین زمینه سخن رانده‌ایم)

(موسیو هاپالو) که یك ازمحررین نامی‌مسلم ژاپونست برای مقدمه این مقصودکه اذهان تمام اهالی آسیارا بدین مقصود نزدیك کند کتاب مهمی باسم (آسیا درخطر است) تالیف کرده وتمام نکات سیاسیه اینکه راجع بدول وملل آسیاست بیان کرده واز این کتاب هزارها طبع وباطراف عالم‌فرستاده‌اند (موسیو ناکاة) ژاپونی که باسلامبول رسیده این کتابرا مشغول بترجمه است .

مؤلف کتاب (آسیا درخطراست) یکان یکان ازتوارخ معاهدات و تعدیات دول اوروپارانسبت بدول آسیا وخیالات تمالك این ممالك آسیائی وتحت رقیت آوردن مردم مشرق‌زمین وعلاج این و مخاطرات قریبه بوجهی بسیار متین ایضاح مینماید مقدمتا میگوید : اعظم ممالك آسیا مملکت و دولت ژاپون ودولت عثمانی است واین دودولت ازحیث وسعت مملکت وکثرت قشون بسایرین سبقت دارند (بجز دولت چین) وباید اول معاهده محکمی میانه این دو دولت بسته گردد ومیگوید عثمانی وسایر دول آسیائی میتوانند بواسطه اتحاد بازاپون خودرا ازمخاطرات آتیه محفوظ دارند وملیونها اتباع انها درممالك ذاتی خود درزیر لوای حریت وآزادی زندگی نمایند وممالکشانرا روبتقدم گذارند واین دول وامارات آسیائی عبارت ازدولت‌چین وعثمانی وایران وافغان وهند چینی وجاوه خواهد بود درانتها کاتب شهیرژاپونی میگوید برای حاضر شدن اذهان اهالی آسیاباید ارباب جراید که ضامن روح حریت وترشان اثرات بالغه درنزد قاطبین زمام داران امور دارد بانتشار این مقدمات اقدام نمایند وصفحات خودرا بهنشر این مقصود مقدس مملو نمایند .

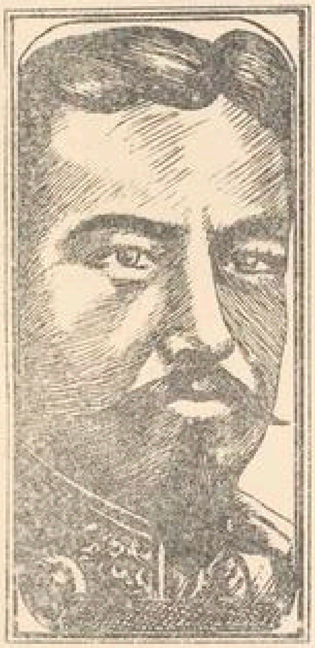

(یك سیمای بزرگی ونجابت احتوا)

(اعلیحضرت میکادو امپراطور سابق ژاپن)

(افغانستان برتانیا)

اخبارهای انگریزی واردو که درهندستان طبع ونشر میشود درین هفته از بعضی بیانات ورأی ژی هی داکتر (مرگن) نام ماهر سیاسی انگلیزی خیلی قیل وقالهای دور ودرازی نوشته است که ما در الخصوص باوجودی که جوابهای بسیار معقول وتردیدهای غیرقابل تنقید داریم ولی چون بسببی که بر اخبارما نام « نگران ایشیك آقاسی ملکی » حضور اعلیحضرت همایونی علی احمد ، نوشته شده میباشد ، وازانسبب رأیها وفکرهای شخصی خودما را درخصوص سخن دولتی ورسمی کار میکنند لهذا خنجر زبان خامهٔ خودرا مجبوراً درنیام خاموشی نهاده تنها همینقدر میگوئیم که داکتر مرگن تعلقات دوستانهٔ افغانستانرا بابرتانیا به تعلقات دوستانهٔ انگلیز بانیپال نسبت وتشبیه داده است که حقیقتاً بریك تشبیه تجاوز کارانهٔ جرأت ورزیده است .

این نسبت یك نسبت غیر متناسب ، وتشبیه غیر متشابه شمرده میشود حالآنکه تعلقات ومناسبات دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما افغانستان بادولت مفخمهٔ برتانیا خیلی عالیتر وشرفدارتر یك مناسبا نیست زیرا دولت مستقلهٔ متبوعهٔ مقدسهٔ مادولت معظمهٔ انگلیز را یك دولت مستقل ومعظم میشمارد ، وهمه حقوق استقلال وحاکمیت اورا درقلمرو ملك خود دولت مشارالیها تصدیق وقبول میکند . وهیچگونه تجاوز وتعرضی برحقوق حیثیت وشرف استقلال وحکمرانی وحاکمیت دولت بهیهٔ انگلیز بخیال وخاطر خودهم نمیگذراند . هیچ شبهه نیست که این تصدیق دولت مستقلهٔ متبوعهٔ ماتابه آنوقت خواهد بود که ازطرف مقابل خود درحق استقلال ، وحاکمیت ، وحکمرانی خود معاملهٔ مقابله بالمثل را مشاهده کند . هرگاه مجبوریت ملاحظهٔ همان نام همچون لگام نمیبود « سراج الاخبار افغانیه » این ملاحظات ومطالعات خود را بدلایل بدیهیهٔ عقلیه ومنطقیه ، وبراهین قاطعهٔ تاریخیه وحقوقیه بنام شرف دولت وملت ووطن خود برهمه کس ثابت مینمود ، اما چه چاره که قلم عاجزانهٔ مادر اینگونه مسئله ها بنا بر ملاحظهٔ مافوق آزادانه چیزی گفته نمیتواند . حالا بشنویم که بعضی اخبارهای اسلامیهٔ اردو چه گونه ملاحظات درینباب بیان مینمایند :

(همعصر معزز اخبار ملت مینویسد)

ترجمان اردوی ما ترجمه کرده است که بطریق خلاصه درج نمودیم باید دانست که داکتر مرگن که صدا نیپال را به آواز نرم کشیده است صدای مذکور افغانان را هدف شبهات وشکوك زیاده ترخواهد ساخت — زیرا که حیثیت نیپال مثل یك ریاست ماتحت خودمختار است وتعلقات آن از دول خارجیه بدرجه نفی میباشد — لاکن افغانان زنهار رضامند نخواهند شد که سلطنت شان بحیثیت نیپال موسوم گردد قوم افغان نه صرف خواهان قائم داشتن سیاست وآزادی است بلکه جدوجهد می نماید که درصف اقوام باقبال وتربیت یافته عالم شرف عزت حاصل نماید — اگر حکمران افغانستان سرپرستی سیاسی برطانیه عظمی را قبول کند مملکت وحکومت او ازاهمیت سیاسی هرقدم محروم خواهد شد واگر سرکار انگریزی خواهان قیام وبقای تعلقات دوستانه وامن مملکت هند است رام نمودن افغانان حرف سخت ودشوار نیست — وبه افغانان یقین داده می توانیم که دولت برطانیه خیال الحاق افغانستان مطلق ندارد ونمیخواهد که در آزادی وعظمت سیاسی او صدمهٔ برسد بلکه درترقی وسرفرازی او همچنان شائق است که درحیثیت دوستانه می شاید —

ممکن است که ما مدعای خود را بطرزهٔ قابل فهم ادانکرده باشیم اما یقین داریم که افغانستان کارآمد هندوستان همانوقت خواهد بود که دامن بردار انگریز یاروس نباشد اگر افغانستان دائر تعلقات خارجیهٔ خودرا ازروی معاهده به یك سلطنت واحد محدود کند نامش از فهرست اقوام معزز وآزاد وخود مختار دنیا خارج کرده خواهد شد آن حکومت که افغانستانرا به امثال نیپال مانوس میکند مرتکب غلطی سخت خواهد بود — محل وقوع نیپال چنانست که او برحالت موجودهٔ خود مجبوراً شاکر است اما محل وقوع افغانستان بمقابلهٔ نیپال اختلاف کلان دارد ودرین دوسلطنت های برقوت که درطاقت خود نظیر ندارند واقعست — بعد ازان از یك جانب به حدود هندوستان وازدیگر جانب ازان ممالك که دران اسباب کشش وتحریص بالکل مفقود است محدوداست — وهمین واقعه چنان اهم ودشوار است که مطلق نظرانداز کرده نمی شود — طریقهٔ بهترین حفاظت هند همانست که حفاظت آن بیرون حدود نموده شود وبآن اهتمام واهتمام کرده شود که کامیابی یقینی باشد وبرای کامیابی یقینی نهایت ضروری است که اقوامیکه در مابین روس وهند سکونت دارند دوست هندوستان باشند نیز ازین امر باخبر باشند که بقاء ومدارهستی وآزادی شان بحکومت انگریزی هند انحصار دارد .

ترجمه ازاخبارهای اردو بمعرفت ترجمان اوردو

(همعصر معزز زمین داری نگارد)

تحریك مبارك انجمن خدام کعبه

ان اول بیت وضع للناس للذی ببکة مبارکا وهدی للعلمین —

عالیجاه مستر شوکت علی بی — که تعلیم یافتهٔ مدرسة العلوم علیگده ویکی از متولیان مدرسة العلوم مذکور درأثنای سفرخود بمقام امر تسرورود کرده بتاریخ ۳۱ ماه مارچ شمسی زیر انتظام انجمن اسلامیه درمحل مدرسة المعلمین یك تقریر دلپذیر وروحانی نمود که خلاصهٔ آن حسب ذیل است : — تکالیف ومصائب کهدرین زمان بسلطنت های اسلام رسیده است ومیرسد احدی

من الناس از کوائف آن بخبر و ناواقف نخواهد بود و هریک مسلمان ذی‌علم بمعرکه آرائی های ترک وبلقان واقفیت تام دارد ومن درینجا ضرورت تفصیل آن نمی بینم — کیفیت ممالک اسلام بحالت افسوس رسیده است — دریک زمانه ما مردم فاتح گرده می شدیم وبافتوحات درممالک نزدیک ودور هیبت خود انداخته بودیم وا کنون مفتوحات مایکی بعد دیگری ازدست می برآید — مااز ین امر چندان مغموم نیستیم که مقدونیا ازدست ترکان رفت یاخدا نخواسته استانبول ازقبضهٔ شان خواهد برامد —

درایام گذشته دولت روسیه که برمشهد مقدس گلوله اندازی کرده بما مسلمانان صدمات رسانید ما مسلمانان چه کرده توانستیم وچونکه ماقبل برین خیال حفاظت روضهٔ مقدس مشهد نداشتیم وروس برآن گلوله بازی کرده قدر حصهٔ آنرا منهدم ساخت وما روسیارا از حرکات ظالمانه وناشائسته که در ایران زمین اجرا داشته بود منع کرده نتوانستیم — خیر مضی ما مضی —

اکنون معاملهٔ مشهد مقدس را گذاشته متوجه شوید کهما برای آینده چه سررشته حفاظت واحتیاط کرده‌ایم خدانخواسته اگرهمین روزبد باز پیش روی ما آید یعنی اگر یک سلطنت جابریا بادشاه ظالم برخانهٔ کعبه گلوله بازی کرده بحرمتی مقام متبرکترین اسلام نماید وبردلهای ماصدمهٔ عظیم برساند ما دراوقت چه کرده می توانیم — اکثر اصحاب خبر دارند کهسلطنت ایطالیه بدوران جنگ طرابلس جهازات خودرا بهمان غرض تابکه بمقام کامران فرستاده بود واگر نفری جهازات مذکور بذریعهٔ طیاره (خاکم بدهن) برخانهٔ کعبه گلوله بازی میکردند پیش ما اسباب مدافعت آنها چه بود — پس برما لازم است که اسباب مدافعت انچنین حرکات از الحال مهیا سازیم و بنابرین خیال یک انجمن بنام خدام کعبه قائم کرده شود و شاخهای آن در کل شهر های هندوستان واراکین آن درهر شهر وهرقصبه وهرقریه و هرمحله وگذر حتی کههریک خانهٔ اسلام از رکن انجمن مذکور خالی نباشد وبهر مقام که یک مسجد هم باشد باید که شاخ انجمن مذکور در آن قائم نموده شود یعنی هر مسلمان خواه عالم باشد یاامی — ذکور باشد یااناث — صاحب جاه باشد یاغریب — خورد سال باشدیاکهن سال بایدکه درانجمن داخل باشد وهرواحدمبلغ یکروپیه سالانه بطریق اعانت ادا نماید ومبلغ اعانت مذکور بسه حصه منقسم کرده شود — یعنی یک ثلث بآن سلطنت اسلام داده شود که جاروب کش خانهٔ کعبه باشد ویک ثلث آن درتعلیم مسلمانان واشاعت اسلام صرف کرده شود ویک ثلث باقی بسلطنت های اسلام بوقت ضرورت بطور امداد داده شود —

تحریک مذکور نه‌سیاسی است بلکه خاص برای حفاظت خانهٔ کعبه است کهمقام مذهبی ماست و حفاظت آن برما فرض است بایدکه ازقان حکومت تجاوز نکرده بدون اشتعال آنرا بانجام میرسانیم این یک کار دینی است وبه امورات ملکی و سیاسی تعلق ندارد —

مستر شوکت علی مذکور بوقت اختتام تقریربیان کرد کهمن فی‌الحال یک‌بنائی انجمن خدام کعبه نهاده‌ام وامکان دارد کهدران ترمیم های فروعی وقوع‌یابد — آغاز انجمن مذکور بمقام لکهنو خواهد شدباید کههمهٔ مسلمانان برای رکنیت آن‌لبیک بگویند .

حاضرین جلسه را خیلی مسرت باین‌سبب حاصل‌شد کهبرسینه جناب شوکت علی‌هلال سفید نصب بود ودرهلال بحروف سرخ عبارت خدام کعبه تحریر بود که بچشمهای مسلمانان فرحت وتازگی می‌بخشید بعدازان ابوالوفا مولوی ثناءالله صاحب تقریر دلچسپ نمود وتائید کلام مستر موصوف نموده تحریک مذکوررا نهایت مناسب وضروری ظاهر کرد اما گفت کهدرنام انجمن قدری تبدیلی باید کرد چراکه برای مسلمانان چنانکه حفاظت بیت‌الله فرض است حفاظت روضهٔ مبارک حضرت سرور کائنات نیز فرض عین است لهذا بهتراست که نام انجمن بجای خدام کعبه خدام الحرمین موسوم شود — جناب شوکت علی بجواب مولوی صاحب گفت که ارشاد مولوی صاحب بجا و درست میباشد اما انجمنیکه محافظ خانهٔ کعبه باشد حفاظت مدینهٔ منوره ترک‌داده نمیتواند ومراد ازخدام کعبه‌خدام حرمین شریفین است امایک سبب در پیش است که بباعث آن اسم خدام کعبه تجویز نموده ام اگر سبب آن بخدمت مولوی صاحب عرض نمودم امید است که مولوی صاحب ازین اسم‌نیز اتفاق خواهند کرد —

پس ازان خان‌بهادر شیخ غلام صادق صاحب رئیس و صدر مجلس شکریهٔ جناب شوکت علی نموده بتضرع وزاری برای اسلام وامداد مسلمانان درالفاظ عربی دعا کرد وحاضرین آمین گفتند وجلسه برخاست شد —

چونکه هر مسلمان به استفادهٔ تحریک مذکور واقفیت دارد لهذا لازم است که مسلمان هرباد لبیک گفته درانجمن مشارکت نمایند —

اثر تحریک شوکت‌علی در مردم چنان متاثر گشت که به اکثر مقامات از الحال فراهمی وجماعات خدام کعبه را بنا نهاده اند واین فال نیک است خداوند کریم تحریک مذکو را سر سبز وبار آور گرداناد —

به مدیران اخبارات‌اسلامی جهه عالم گذارش است که برای مهربانی وهمدردی اسلام‌مضمون‌فوق را درجرائد خود اشاعت داده درحقوق اخوت اسلامی مشارکت نمایند — فقط —

زمیندار ۲۰ جمادی الاول

نطق رقت آمیزاعلیحضرت همایونی

بسبب جنگ ترکی وبلقان گرمجوشی وجذبهٔ محبت درمردم اسلام ازعوام گذشته بوالیان ملک وپادشاهان اسلام رسیده‌است — مردم غریب ودنیادار هندوستان در امداد ترکی سعی بلیغ

میبایند اما این خبر زیاده تر دلچسپ میباشد که در افغانستان حسب الامر اعلیحضرت امیر صاحب وجه امداد فراهم کرده میشود چنانچه بذریعهٔ تلگراف جدید معلوم شده است که اعلیحضرت امیر صاحب مذاکرهٔ جنگ ترکیه وبلقان نموده تحریک اعانت نمودند ووقت مذاکرهٔ جنگ اشك از چشم مبارك جاری گشت نظارهٔ رقت آمیز کل درباریان را بگریه مجبور ساخت وبرای اعانت ترکی مبلغ ده لك روپیه فوراً فراهم گردید ـ اکنون فرمان مبارك نافذ شده است که از کل علاقه جات افغانستان وجه اعانت فراهم کرده شود وباین طریق قریباً مبلغ پنجاه لك روپیه بطور امانت به ترکی فرستاده خواهد شد فقط

همعصر معزز کامرید می نگارد

مکتوب داکتر انصار علی سر کردهٔ وفد طبی هند

داکتر انصار علی در مکتوب خود مورخهٔ یکم اپریل سنه ۱۹۱۳ ع مقام استانبول حسب ذیل تحریر نموده است : از خبر تسخیر ادرنه نوبل اهل اسلام هند خیلی ملول شده باشند لاکن شکری پاشا وافواج زبردست وی بر لوح خاطر جمیع عالم نقش جرأت وشهامت افواج عثمانی ثبت کرده است ـ انور بی از دو روز بمقام شتلجه قوهٔ مدعی را تنگ ساخته است ویوم گذشته تا مقام سلوری پیشقدمی کرده بر دو توپخانهٔ بلغاریه متصرف گشت ومابین سه وچهار هزار نفر شان را هلاك کرد. جرأت وحوصلهٔ افواج عثمانی بدرجهٔ اعلی است واگر مدد خداوندی شامل حال شان است انشاء الله مدعی را نقصان عظیم خواهد رسانید. در لیل گذشته دول یوروپ مسودهٔ صلح نامه را تقدیم نموده اند وخط سرحد را از مید یا الی نیوس تحریر کرده اند لاکن دول موصوفه در باب جزائر دریائی تجویز خواهند نمود وامید اغلب است که در عرصهٔ چهار پنج یوم مسئلهٔ صلح تصفیه خواهد یافت ـ مولوی ظفر علی خان مدیر زمیندار فی الحال درین جا قیام دارد واز انجا که مجلس وزراء درین روزها بدرجهٔ غایت مصروف میباشد مولوی مذکور تا حال به اکثر وزرای عثمانیه ملاقات نکرده است .

جنگ بلقان

تمهید صلح ـ تلگراف رویتر

لندن ۲۳ اپریل ـ از جواب ریاستهای اتحادی بلقان دول یوروپ نهایت مطمئن شده اند ومدبران سیاسی لندن امید قوی دارند که عنقریب مسئلهٔ صلح حسب دلخواه تصفیه خواهد یافت ـ

مورخهٔ ۲۹ اپریل مسئلهٔ سقوطری انتخاب تقریر وزیر خارجهٔ جرمنی روتر بذریعهٔ تلگراف اطلاع داده است که یوم گذشته سفرای دول یوروپ درباب مسئلهٔ سقوطری مباحثه کردند وخلاصه آرای شان اجمالاً این است که بصبر و استقلال حل این عقده خواهد شد لذا دول یوروپ باید که همهٔ شان بلا استثنا در تصفیهٔ مسئلهٔ مذکور متفق اللفظ ومتحد الرائی باشند ـ توقع آنست که شاه نکولس را عنقریب مجبور کرده خواهند شد که از قبضهٔ سقوطری دست بردار شود ودرین اثنا جهازات جنگی را که بعرض مظاهرهٔ حرب مامور می باشند ابقا کرده خواهد شد که دائرهٔ محاصرهٔ بحری را وسیع تر سازند ودولت آستریا چنان اظهار نموده است که ما تی نیگرو را صرف مهلت ۴۸ ساعت داده شود ـ

جوش آستریا

وزیر جنگ آستریا همراه امپراطور آستریا دیروز بوقت شام تا عرصهٔ دو ساعت کامل شریك مشورت بود در حلقهٔ سیاسی آستریا چنان اظهار نموده شده است که اگر دول یوروپ بالاتفاق از حل مسئلهٔ سقوطری تا روز دوشنبه قاصر بودند دولت ما تنها برای تصفیهٔ مسئلهٔ مذکور خواهد کوشید ـ دولت جرمنی بهر کیف برای امداد آستریا مستعد است ـ اگر آستریا مقصد خود کامیاب نشد واز تقریر سفرای دول اثری پیدا نشد بلاتوقف طریق عمل اختیار کرده خواهد شد اگر دول یوروپ همراه آستریا اتفاق رای نکردند آستریا برای شان کاربند نخواهد شد ومدعایش این است که سقوطری را فی الفور از افواج ما تی نیگرو خالی کرده شود واگر شاه نکولس ازین امر اباکند معاً به حرب نموده او را بقبول خواهش دول مجبور کرده شود واگر دول یوروپ درین باب تساهل و تغافل ورزیدند خیلی موجب دل آزاری وتلخکامی آستریا خواهد بود واین دل آزاری را دول موصوفه برای اغراض ومقاصد خود هم روادار نخواهند شد.

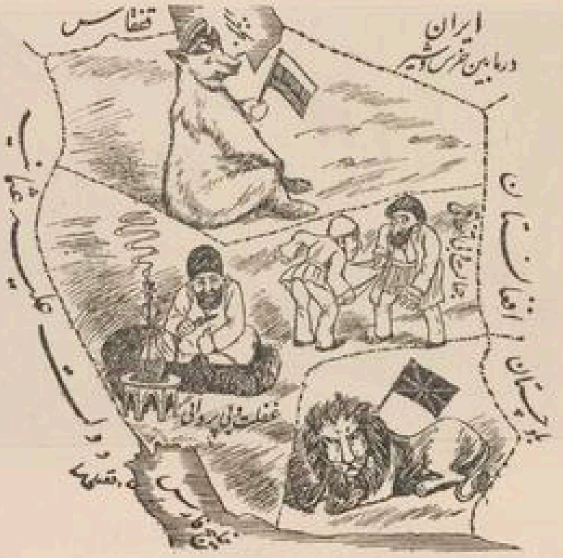

اقتباس از (الهدایة) الغرا

«یک شکایت واهیه»

ازسراج الاخبار افغانیه

ازقرار یکه شنیده ایم گویا بعضی جهلای که از الف تا با را فرق کرده نمیتوانند، وخودشانرا اهل علما میشمارند . یا آنکه چیزی جزئی خوانده اند ولی بدی اخلاق ورداءت فطرت شان مادی شده بسرشان زده است در بعضی مقامات عالیه از سراج الاخبار افغانیه شکایتنامه تقدیم کرده اند . این گروه لایفلحون بیچاره چون ازمسلک قاعدهٔ سراج الاخبار افغانیه که عبارت از خدمت عموم اسلامیان وعلی الخصوص حب پادشاه وطن وملت افغان است آگاهی ندارند بتقدیم اینگونه شکایتنامهٔ هزیان ختامه جرأت ورزیده اند . این شکایت بدان ماند که یک آدم ناخوان وناویس یک کاتب ادب آئین اصول کتابت را بیاموزاند ویا آنکه یک قبطی دارباز ادعای فن تیراندازی را نماید . بهرصورت ما از اینگونه شکایتها پروای نداریم . و از مسلکی که داریم این چنین هزیانها مارا باز نخواهد داشت . حالا هزیانها را برای هرزه گویان ترک کرده یکقدری از افکار بسیار عالی ارباب عرفان وذکا . واصحاب علم ودها بشنویم که درباب سراج الاخبار افغانیه چه میگویند وچه مینویسند :

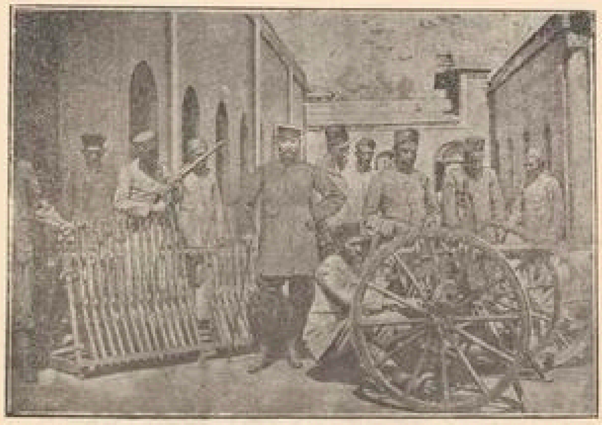

«معاینهٔ تفنگها ومترالیوزها»

(درماشین خانهٔ مبارکهٔ دارالسلطنهٔ کابل)

«جریدهٔ تصویر افکار»

یکی از اخبارهای بسیار فواید آثار قیمتداری که در استانبول پایتخت دولت علیهٔ عثمانیه بزبان علم وفن بلسان ترکی عثمانی طبع ونشر میگردد جریدهٔ فریدهٔ (تصویر افکار) است . این جریده یک اخبار یومیست که در شش صحیفهٔ بسیار بزرگ انتشار مییابد بعضی تصویرهای بسیار معنیداری نیز دارد . مؤسس این جریده ادیب کامل وحکیم فاضل مغفرت رفیق جناب (ابوالضیا توفیق) افندیست که فضایل وکمالاتشان وتألیفات پرحکمتشان مشهور آفاق است . جریدهٔ فریدهٔ مذکوره چنانچه یکبار از یک مقالهٔ عاجزانهٔ ما که درباب زبانها در شمارهٔ (۱۰) سال دوم خود درج نموده بودیم بیک لسان ستایش بحث رانده تنزلاً تشکر نیز نموده بودند همچنان در نومرهٔ ۷۰۳ خودشان در زیر عنوان (معارف مسلمین) چنین مینویسند :

« رفیق ما « سراج الاخبار افغانیه » که در کابل انتشار مییابد از فلاکتی که درین محاربهٔ حاضره به آن دوچار شده ایم متأثراً یک مقالهٔ درج کرده است که بعضی نقاط مهمهٔ این مقاله را برای نمونهٔ مثال مکنت وعلویت روابط معنویه که در مابین مسلمین حکمفرما میباشد عیناً ازقرار ذیل نقل میکنیم .

بعد از این تمهید از اجمال سیاسی شمارهٔ (۵) سال دوم ما بحث رانده است که تکرار آن لزوم ندیدیم .

(جریدهٔ اقدام)

این اخبار دی اعتبار حکمت نثار نیز یکی از جراید پر فواید بسیار معتبر استانبول است که از سالهای دراز در عالم مطبوعات اسلامیه مانند شمس درخشانی درتابنده گیست . اینهم مانند تصویر افکار اخبار یومی وشش صحیفه ایست . جریدهٔ برگزیدهٔ مذکوره نیز درشمارهٔ (۵۷۷۷) خوددر زیر عنوان « یک مطالعهٔ فلسفی یک اخبار اسلامی » از اخبار عاجزانهٔ ما بحث رانده اجمال سیاسی شمارهٔ (۹) سال دوم مارا نقل نموده است .

اخبار حکمت ودیانت بنیاد (سبیل الرشاد) واخبار دلنشین (طنین) واخبار حقیقت بیان (ترجمان) ودیگر اخبارهای اسلامی پایتخت خلافت اسلامیه نیز گاه گاهی که از اخبار عاجزانهٔ ما بحث رانده اند زبان ستایش وتقدیر استعمال فرموده اند . اخبار گهربار (چهره نما) واخبار حکمت قرین (حبل المتین) که بلغت فارسی نشر میشوند . واخبارهای (پیسه) . (زمیندار) . (وطن) (ملت) . (المشیر) . (مسلمان) . (افغان) وغیره که بزبان اردو زیور آرای عالم مطبوعات میباشند نیز ازسراج الاخبار افغانیه

کاهی تذکار فرموده اند خامه زبان خوبی ونیکوی شده اند . اخبار عاجزانهٔ ما که هنوز دوسال ازعمر خودرا بسر نرسانیده‌است چون ازچنین اخبارهای که سالهای سال درراه قوم وملت کهن افشانی نموده وبخدمتهای قلمیهٔ خود نامی را احیا کرده اند درحق نامستحق خود خوبی وستایش بشنود بجز عرض تشکر وافتخار چه خواهد توانست .

وهم چه حاجت مادامیکه ذات عرفان صفات اعلیحضرت سراج‌الملة والدین پادشاه مقدس معظم محبوب‌القلوب ـ وجناب نائب‌السلطنه صاحب افخم . ودیگر شهزادگان عظام وجوه عالیهٔ سلطنت . وهمه مأمورین وزرکان دولت . واکثر ارباب عرفان ملت نجیبه افغان به اشتراك وخریداری اخبار عاجزانهٔ ما تواضع فرموده اند وپسندیده اند وستایش میفرمایند هرکه یك جاهل غبی ، وبایك بداخلاق ردی از آن شکایت نماید چه ضرری به آن خواهد رسید !

غوك هرچند کند غوغوهٔ وش خراش
آب جاری که بود باك چه پروا دارد

﴿ مقاله مخصوصه ﴾

فن

زه‌ولوژی

یعنی

علم طبقات الارض

ازفنون معتنابهای اعصار اخیره یکی ازفن (زه‌وولوژی) یعنی (طبقات الارض) است . که موضوع ومقصود این علم نشان دادن اسباب موجبهٔ تغیرات وتبدلات سطح کرهٔ ارض است که اززمان آفرینش آن تاالی‌الآن بچه گونه وکدام کیفیت که گاهی دفعةً وبعضاً آهسته آهسته تغیر وتبدیل ورزیده ومیورزد . واین تغیر وتبدیل آنرا سبب موجبه چیزاست .

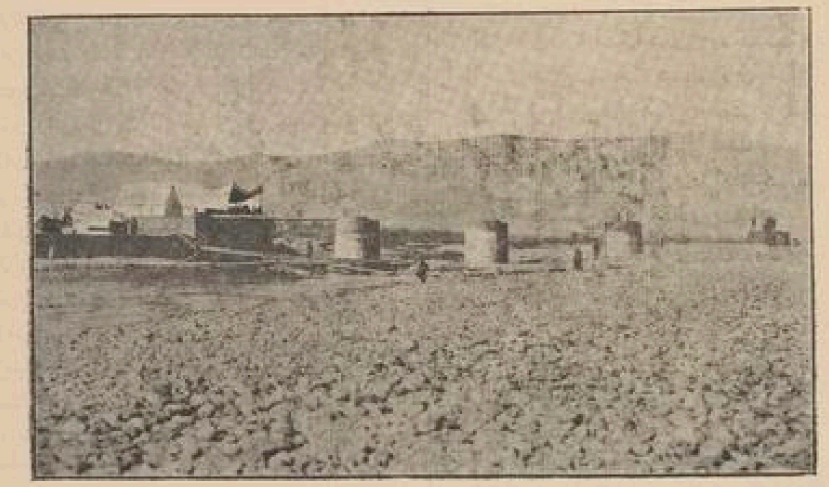

منظرهٔ تعمیرات پل سراج قلعه

علم آوردن برفن زه‌وولوژی بسبب عالی بودن مبحث . ومن حیث اهمیت معلومات مفیده‌اش مرانسان‌هارا بعد از علم هیئت محتاج الیه درجهٔ ثانی شمرده میشود .

این فن ازفنون قدیم نی بلکه فن جدید است . انسانها قبل ازانکه حال وطبیعت سنگها ، وخاکها ، ومواد مرکز زمین را بدانند به احوال وحرکات ستاره‌ها ، وطبیعت وعادات حیوانها وغیرذالك کوشش ورزیده‌اند که در آن وقتها درحق سنگها ومعدنیات کرهٔ ارض معلومات بسیار کمی داشتند . پس ازین سبب درخصوص علم آوردن . ودانستن اصل وماهیات کرهٔ ارض کمتر وماوای ملت حکمای اعصار اخیره‌سی وکوشش ورزیده‌اند . وحالا درجهٔ علویت آن خیلی معتنا گردیده است .

ما که درینجا ازفن زه‌ولوژی بحث میکنیم محض اعطای معلومات ابتدائی است که برقارئین کرام عرض مینمائیم . ورنه فن زه‌ولوژی خیلی علم جسیم وشعبات واقسام عدیدهٔ بیشماری دارد که صحایف محدودهٔ این اخبار عاجزانه ازگنجایش آن عاجز وقاصر است . وهم چه حاجت ! زیرا وظیفه سراج‌الاخبار افغانیه برقارئین کرام مخفی نیست معلوم است که ازهرگونه علوم وفنون معتنابهای عصر حاضر شمهٔ بصورت مقدمهٔ وپارهٔ بهشت معلومات اساسیه بنظر مطالعه کنندگان عرض میکند تاکه ازاساس آن علم . وبعضی معلومات مفیده

آن آگاه کردند . حالا ما از فن ژئولوژی درخصوص تبدلات سطح کره ارض ، واسباب موجبهٔ آن تبدلات بعضی بیانات مفیده علی طریق الایجاز عرضه میداریم :

تبدلات جسیمهٔ سطح کره ارض

سطح زمینیکه ما بر آن گردش داریم ، میآرامیم ، و بر آن زندگانی میکنیم . هرگاه بنظر تحقیق ، ودیده تدقیق بهر طرف آن یك نظر بیندازیم ، ودر شکل وهیئت آن یك تأملی بکار داریم . ودر پستی بلندی ، وکوه صحرا ، وتپه ، ودریا ، وغیر ذالك از عوارض آن ملاحظهٔ مدققانه ، وتفکر عمیقانهٔ اجرا نمائیم بسی چیزهائی می‌بینیم که بداهة وظاهراً دلالت میکنند بر اینکه این کره ارض از بدو خلقت ، واول فطرت بدینحال وهیئت حاضره که می بینیم نبوده است . بلکه قطعاً اثبات میشود که مانند گوئی درچوگانهای بس حوادثات ، وانقلابات مهمه دوچار شده ، وهزار تغیرات وتبدلات متنوعه دیده تا بدین درجه واصل گردیده است . وحالا نیز هنوز هم می‌بیند ، وخواهد دید !

مثلا بر قله های بعضی کوهها وریگزارهای بعضی صحراها پوستهای بعضی حیوانات بحری مانند گودی ، مدیه واستردیه ظاهر میگردد . عجبا حیوانات مذکوره درحالتیکه درخشکه رفتن ومعیشت شان غیر ممکن است درانجاها چسان رفته توانسته‌اند ؟ وچگونه بدانجاها واصل شده اند ؟ بر این یك دلیل ظاهر وباهریست بر اینکه : آن محل دریکوقت وزمانی با بحر بوده ، ویا در قعر بحر بوده باشد .

بسیار شده است — که در اثنای جستجوی معادن ، ویا جستجوی آثار عتیقه از زیر زمین جنگلهای بسیار جسیم که درختهایش

باقی دارد

ادبیات

کوشش

هر کس که بکوشش کند اظهار متانت
شك نیست که یکروز کند کسب سعادت
ارباب همم محترم اهل جهانست
از سعی کمالات بیابی همه عزت
ممتاز بشر شو تو بعرفان و کمالات
از علم و هنر میشوی شایستهٔ حرمت
تحصیل معارف بکن ای نور دو دیده
تا آنکه شوی مردمك دیدهٔ رغبت
با کوشش و باسعی بشهراه ترقی
میپوی و همیکوش و بشو حائز قیمت
انوار هنر لمعه نثار است بدنیا
کوشش کن و هردم بگشا چشم بصیرت
با علم و هنر سعی چو شد منظم و همدم
بی‌شبهه ز اقران ببری گوی بسبقت
که نظم و گهی نثر و گهی خوب و گهی زشت
(محمود) همیگوید و قصدش شده خدمت

* * *

فاجعه پاریس

مابعد از شماره ۱۶ سال دوم

مادام آنغو چون رفع شدن نقاب از روی زن بدید از حیرت بسیار یکقدم بعقب برجهید

* * *

—۹—

درحالیکه مادام آنغو امید میکرد که یك زن تنومند ورسیده را خواهد دید . دفعة در پیش روی خود یك دختر نوجوانی را که هنوز بسن اثبات رشد نرسیده چون بدید فوق العاده متحیر گردید .

هانریت اگرچه بسن هفده سالگی رسیده بود اما طراوت ولطافت رخسار ، ودرخشانی موهای طلائی رنگش دو سال کوچکتر یعنی پانزده ساله نشان میداد .

هیچیك چهره‌ئی بقدر سیمای ملاحت نمای این دختر مه پیکر خوش منظر وجاذبه پرور دیده نشده است . شعشعهٔ جمال با کمال این دختر رادردها وزحمتهای وضع حمل یك آرنك گلابی گلگون ساخته بود . وچشمهای کبود رنگ او که همرنگ سمای صاف قطعهٔ ایتالیا بود ومانند کوه آتشفشان (وزو) درشعله فشانی بود یك لطافت ومسحوریت بخشیده بود . دایه چون این را بدید خود بخود همیگفت :

— یکدختر باکره‌ئیکه هنوز بسن رشد وکمال نشده است حامله شود ها ! البته که بیچاره رابازی داده اغفال کرده اند . اگر پولیس درین کار مداخله بکند گمان میبرم که عاشق آنرا به بسیار دشواری خودرا وارهاند بیچه . او میداند وعاشقش مرا از اجرای صنعتم هیچ چیزی منع کرده نمیتواند . چونکه درینباب هرچه بکنم مخالف قانون ونظام حرکت نکرده خواهم بود .

در این اثنا سوال وجواب دایه بادختر نیز بانجام رسیده بود . (رو بر) دروازه را آهسته زده گفت :

ناموران زنان جهان

مابعد از شمارهٔ ۱۶ سال دوم

پادشاه مشارالیها ازدواج کرده ، ودرسنه ۱۰۴۱ در (زین آباد دکن) وفات یافته‌است . شاهجهان یك محبت مفرطی به ارجمندبانو داشت که تفصیلات آن در تاریخها مذکور است . جنازهٔ اورا از دکن به (اگره) که به (اکبرآباد) معروفست نقل داده‌اند . ویك بناو عمارتی برقبرا وازطرف شوهرش بنایافته که درتجمل وزینت دیگر امثال آن‌دردنیا نادرو کمیابست . این تربهٔ ارجمندبانو که خود شاهجهان پادشاه نیز دران مدفونست بنام (تاج محل معروف میباشد .

ارجوان : — جاریهٔ (ابو العباس) پسر (قایم بامرالله) است که قایم‌بامرالله بیست وششمین خلیفه ایست ازخلفای عباسیه هنگامیکه (ابوالعباس) پسرخلیفه وفات یافت‌خلیفه خیلی غمگین‌واندوهناك بود . زیرابجز ابوالعباس ذکر هیچ اولادی ازوباقی نمانده بود . وچون او نیزبلاولد ازدنیا درگذشت خلیفه‌را اندیشهٔ قطع شدن ذریت عباسیها خیلی‌بتاب ودر اضطراب انداخته بود . ارجوان چون اضطراب خلیفه رامشاهده کرد از سه‌ماهه حامله بودن خوداز ابوالعباس بیان‌نموده‌خلیفه‌را ازان‌اندیشه واضطراب رهائی داد . بعدازمرور ششماه یك‌پسری بدنیاآورد که بعدازان بلقب (مقتدی بالله) بخلافت رسیده است . ارجوان دراصل دختر یك‌ارمنیٔ بود که بلقب (قرة العین)ملقب‌بود . بسیاروقت زنده کانی کرده است

باقی دارد

علم ثروت ملل

مابعد از شمارهٔ ۱۶ سال دوم

میراند ، زمین‌راخودش کشت میکند ، کاوهارا خودش میپروراند ، بعضی آلات وادوات زراعیه‌را نیزخودش تعمیر میتواند .

اما این اعتراض درجائی وارد میشود که مدنیت درانجاترقی نکرده باشد ، ومحال ابتدائی باشد . ولی درجاهائی که مدنیت مترقی وصنایع کثرت ، وفابریکها افزونی داشته باشد اینگونه محذورها ومعذوریتهارا میدان نمیماند . ونسبت بهافزونی یافتن صنعتها‌وفابریکها . ونسبت بهافزونی یافتن فابریکها قاعدهٔ تقسیم اعمال وسعت وعمومیت حاصل کرده‌به‌عمله وکاریگرهای بسیاری احتیاج می‌افتد . وحاجت بهاین نمیماند که یك شخص اگرازیك‌کار محروم بماند دیگرکاری‌پیدا کرده نتواند ، وموجب معذوریت وپریشانیش شود که بعدازین انشاالله دراینباب تعریفات مکمله داده خواهد شد .

﴿ فصل هشتم ﴾

﴿ قاعدهٔ سرمایه وتصرف ﴾

(سرمایه) رابعربی (رأس‌المال) میگویند که‌اگر آن نباشد تجارت نمیشود . (تصرف) اداره وصرفه جوئی‌را میگویند که اگر آن‌نباشد سرمایه زود ضایع وتلف میشود . پیش ازین گفته شده بود که سعی وعمل ، وواسطه های طبیعیٔ قدرتی مانند آب ، وزمین ، وکانها وغیره سبب‌هاوواسطه های اجرای صنایع میباشد . درانجا ازیك واسطهٔ دیگر اجرای صنایع بحث‌میرانیم که‌بدون

باقی دارد

— آیاحالا درامده میتوانم نی ؟

دایه — بلی ، درامده میتوانید . سوالهای محرمانهٔ کیکه پرسیدنی بودیم پرسیده شد .

روبر درامد . مادام آنفو گفت :

— یك احتیاطکاریٔ بزرگی که کرده‌اید همین است که مادام را یك آن‌اولتر درینجا آوردید . زیرااگریك کمی‌دیر میگردید کار از کار میگذشت

— یعنی معلوم میشود که وقت وضع حمل .....

— بلی نزدیکشده امشب بهمه حال زائیدنش‌را حکم میکنم . بلکه به نیمشب نارسیده کار خلاص شود . حالا مادام باید بربستر بخوابد . ودرد وضع حمل را انتظار بکشد . وضع حمل چنانچه مادامها ازان میترسند چیز ترسناکی نیست . مادام اندیشه نکند ، به بسیار زودی زئیده رهائی میابند .

روبر به ها زینت رو آورده گفت :

— دوست عزیزهٔ من ! حالا شمارا بدست اهتمام محبتکارانه واحترامانهٔ مادام تسلیم میکنم . ازو ازهر جهت خاطرجمع‌باشید اندیشه ووسواس را بدل تان راه مدهید . به بسیار زودی رهائی میابید . حالا بخدا سپردیم . باز هم میبینیم .

هاوزینت — (بکمال اندیشه) آه ، مرا ترك میکنید ها ! حالا ننکه من امید داشتم که امشب‌را یکجا باهم بگذرانیم .

روبر — دراینجا که میمانید ... بودنم لازمست که شما هم این لزوم را بخوبی تسلیم میکنید . چون درشبها عادت ندارم که بخارج بگذرانم هرگاه امشب مرا نه بینند بشبهه نخواهند افتاد ؟ ... امابعد از اینکه بخواب روید اگرفرصت یافتم می آیم .

اینست که روبر باین مقدمات آنقدر سخنان عاشقانه ومحبت کارانه وخاطر جمعیهای اطمئنا نکارانه بدختر صرف نموده که اگر بجای دختر یك‌زن بزرگی کار کردهٔ مشاطه هم‌میبود به اینسخنهای نوجوان فریفته و گرویده شدنش ازادهٔ شبهه

باقی دارد

(یاد آوری)

یک تشبث فنی سراج الاخبار افغانیه

این یک معلوم است که (فن عکاسی) درراه فنون وصنایع خدمتهای شایان بسیاری میرساند اخبارها وکتابهای تصویردار بسایهٔ فن عکاسی جاندار میشود . محرر چیزی که عقل تصور کند فوتوگراف آنرا مجسم میسازد . مثلا نوک خامهٔ محرر یک گلزاری . یایک جزاری . یایک کهساری‌را بقوهٔ تحریر تصویر میکند . یک لوحهٔ فوتوگراف فن عکاسی آن منظره‌را عیاناً نشان میدهد . کذالک یک عالم فن نباتات یاحیوانات . هرانچیزی که بقلم می‌نویسد چون فن عکاسی با او مددکار گردد وبالوحه‌های فوتوگراف شکل وتصویر آن نبات وحیوانرا نشان دهد با آن فن وعلم یک رونق ذهن‌نشین دیگری میبخشد .

مقصدما درینجا ازبیان کردن خدمتهای مهمهٔ صنعت فوتوگراف یعنی عکاسی درفنون وصنایع نیست لهذا بهمینقدر سخن اکتفا ورزیده واصل مقصد تشبثی که آنراخیال کرده‌ایم برمیگردیم :

خواستیم که برای هوسکاران صنعت عکاسی یک (مسابقه) یعنی اسپ تازی داوطلبانه ترتیب نمائیم. چنانچه بسایهٔ ترقیات وایهٔ اعلیحضرت همایونی درهمه کارهای علم وصنعت مملکت یک ترقی وتعالی آشکاری درملک ظاهر وعیان شده‌است درصنعت عکاسی نیزیک ترقی سریع وتیزروی پدیدار آمده است . لهذا برای افزونی این ترقی . وبشوق آوردن هوسکاران این فن . مسابقهٔ مذکوره‌را تصور نمودیم . اصول وقواعد این مسابقه بتعبیر دیگر داوطلبی ازقرار ذیلست :

(مسابقهٔ اول درفوتوگرافهای منظره‌ها)

۱ — تصویرهای فوتوگرافی منظره‌ها یعنی جاهای خوب . ولطیف . وظریف‌را نشان دهد .

۲ — عکس منظره‌هایی که گرفته میشود میاید که برکاغذ (برومیت) یعنی کاغذ پرجلا چاپ کرده شود .

۳ — کسانیکه باین داوطلبی شریک میشوند عکسهای گرفتگی خودشانرا بنام مدیروسرمحرر سراج الاخبار افغانیه میفرستند ونام جای وموضع عکسی راکه گرفته‌اند بانام وعنوان خود شان مینویسند .

۴ — ازعکسهای که درمیان پانزده روز میرسد تا به عکس دهمین درمسابقهٔ اول داخل میشود . وعکسهای که بعدازعکس دهمین بیاید برای مسابقهٔ دوم گذاشته میشود .

۵ — تصویرهای عکسی‌را که بدرجهٔ اول ودرجهٔ دوم باشند سراج الاخبار افغانیه بکمال افتخار درج میکند . ونام وتصویر صاحبان آنرا نیز نشر واعلان مینماید .

امید واریم که عکاسان وهوسکاران فن عکاسی وطن عزیز ما باین داوطلبی اشتراک ورزند .

اعلان
کتابهای فارسی — انگریزی — اردو — وگورمکهی بهاشا
وغیره برای تعلیم ابتدائی بفروش میرسد . المشتهر
(بالکرشن داس سرمدرس مدرسهٔ اعلیٰ هندو نمبر ۲)
درشور بازار کابل

همه مقاله هاییکه دستخط ندارد ازطرف مدیر وسرمحرر تحریر یافته
محمود طرزی
در چاپخانهٔ حروف دار السلطنهٔ کابل طبع گردید

اعلان

از هر دهن سخنی
و از هر چمن سمنی

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه را مژده میرسانیم . و ترغیب میدهیم که ازین گنجینهٔ پراز جواهر آبدار . وازین گلزار پر از ازهار یکیک نسخهٔ بدست آورده از هر دهن سخنی بشنوند . و از هر چمنی سمنی بچینند .

در

«مطبعهٔ عنایت»

که بنیاد یافتهٔ همت عرفان قیمت شهزادهٔ جوانبخت معظم حضرت معین السلطنه سردار عنایت الله خان است زیور طبع آراسته گردیده . ودر نفس مطبعهٔ مبارکهٔ مذکوره که در ده افغانان واقعست بقیمت ۲ دو روپیه کابلی از نزد عبدالرؤف سرمرتب مطبعهٔ عنایت خریداری کرده میتوانند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 668 of 1786

سیاحت بردور ادور کرهٔ زمین
بهشتاد روز
کتاب اول یعنی افسانهٔ طرز جدید بسیار شیرینیست
که هم افسانه میشنواند ، وهم علم می آموزاند در
دکان ملا غلام محمد تاجر کتب متصل مدرسهٔ
شاهی بایشتی جای بقیمت (۲) دو روپیهٔ کابلی
بفروش میرسد .

(کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه)
(باجلد اعلا)
ودو کتابچهٔ (علم واسلامیت) و (آیاچه
باید کرد ؟)
(باجلد اعلا)
در اداره موجوداست ، آرزو کنندگان
خریداری کرده میتوانند
قیمت همه (۲۵) بیست و پنج روپیه کابلی

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، ویادیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا به پنج بار نشر وشایع شود برسرهر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر یك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا به پنج بار فی سطر یك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود ، طول سطر یك ستون اخبارما (۳ — اینج — ٤ — سوت) میباشد

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

شماره ۱۸ سال دوم

فهرست مندرجات

سیاحت غزنین	کوائف آغاز عزیمت تا به انجام عودت اعلیحضرت همایونی و بیان مزارات رفیع سمات غزنین
حوادث داخلیه	عزیمت و عودت موکب سعادت موهب اعلیحضرت همایونی — دربار معالی بار یوم سه شنبه ۲۰ جمادی الثانی سنه ۱۳۳۱ در سلام خانه عام — مواصلت نائب الحکومه قندهار بدار السلطنه کابل، — مواصلت حاکم کلان سمت جنوبی بدار السلطنه کابل — حوادث خوست و منگل — عزل جرنیل اردوی هرات — دزدی — وفات شهزاده روح‌الله خان فرزند دومین جناب معین السلطنه صاحب.
حوادث خارجیه	اجمال سیاسی یک انتقاد حکمت مفاد اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه معظم افغانستان درخصوص محاربه بالقان — وفد طبی هند در قسطنطنیه از اخبار کامرید — یک خطابهٔ نصیحت انگیز عبرت آمیز ونوحه های مقتولین مسلمانان ترک — جنک بلقان تدابیر اسعد پاشا — سازش روسیه — مسئله البانیا — جنک بلقان و بی‌صبری اسقودرا — ایضاً جنک بلقان — وضع ایطالیه — ایضاً جنک بلقان — ترجمه اخبار مدنیه درتی اقتداری جرهای واو تیر — امداد روسیه برای مانتینکرو — حب الوطنی افاغنه — معاهده ترک با انکلیس — معاملات ایران — استقلال مجاهدین طرابلس.
مقالات فنیه	فن ژه‌ئولوژی — یعنی طبقات الارض — حرارت.
ادبیات	— غزل
ناموران زنان جهان	
علم ثروت ملل	
فاجعه های پاریس	
یاد آوری	در مسابقهٔ فن عکاسی
تصاویر	ذات شوکت سمات اعلیحضرت پادشاهی با ذوات خدمتگذاران معیت شاهانه‌شان در خرما باغ نواحی جلال آباد — از منظره‌های شکارگاه ذات اعلیحضرت پادشاهی در جنکل جلال آباد سواری فیلها شکار میفرمایند — بلغار وحشی بیگناه بیچارهٔ را دست میبندند — دو نفر بیچارهٔ بیگناهی را دست بسته برای دار کشیدن میبرند — بیگناهانیکه بجز مسلمانی دیگر هیچ گناهی ندارند ریش خندها و حقارتهای وحشیان بدار کشیده شده اند — دیگر منظرهٔ شکارگاه جنکل جلال آباد — منظرهٔ یک حصه از باغ اتالیق که از کوه پایه های خوش آب و هوای کابل میباشد. قصر شهرآرا که یکی از قصرهای مال پادشاهی دار السلطنهٔ کابل میباشد

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 670 of 1786

اعلان

(شرایط اشتراك سراج الاخبار افغانیه)

(سراج‌الاخبار افغانیه) نخستین اخباریست که در مملکت پرفیض وبرکت افغانستان بسایهٔ فیوضات عرفان پروریٔ اعلیحضرت پادشاه مقدس مهربان ماتو در دارالسلطنهٔ محروسهٔ کابل به انتشار آغاز نهاده است . مقصد ومسلك این نامهٔ گرامی بیداری و آگاهیٔ اهل وطن مقدس‌ماست براحوال عالم . وحب دولت و وطن . وتوجه بسوی عز وفن . دینی . سیاسی . ادبی . اجتماعی . فی یك اخبار فواید نثاریست که در صفحه های معدود . فواید غیر محدودی مندرج دارد .

(سراج‌الاخبار افغانیه) از هموطنان عزیز خود چشم امید آنرا دارد که چون این اخبار یگانه اخبار وطن عزیز مقدس شان شمرده میشود میباید که یك توجه خاصی ویك هوس مطالعهٔ بااخلاصی بسوی او عطف نمایند . اداره درباب اشتراك مشترکین کرام بنهایتدرجه ارزانی وآسانی را مرعیداشته . وبرای خوبیٔ مضامین مندرجه وخوبی کاغذ وحسن طبع ودرج تصاویر فدا کاریهای بسیاری بکار برده . وتجارت را کمتر منظور داشته است درینوقت دوماه دو بار یعنی درغره وپانزدهم هرماه نشر میشودامیداست که درآینده هفته وار بشود . وآنهم به همت دانشوران معزز هموطن منوط است زیرا هراقـدر که تعداد مشترکین کرام . ورغبت خوانندگان عظام بیفزاید . البته درترقی اونیز خواهد فزود . قواعد اشتراك از قرار ذیلست :

در دارالسلطنهٔ کابل قیمت یکساله اشتراك آن ۸ هشت روپیه کابلی — ششماههٔ آن ۵ پنج روپیه کابلی . در ولایات داخلهٔ دولت علیهٔ افغانستان یکساله ۱۴ چارده روپیه کابلی — ششماههٔ آن ۸ هشت روپیه کابلی . درممالك خارجه چون هند وایران وترکستان روسی وممالك عثمانی واوروپا یکساله ۱۰ ده روپیهٔ انگلیزی — ششماهه ۶ روپیه انگلیزی .

(اسامی وکلای مادرخارج)

درپشاور جناب میرزا غلام حیدر خان سررشته دار داکخانهٔ دولت علیهٔ افغانستان . در مشهد جناب عبدالله خان کاردار تجارت دولت علیهٔ افغانستان . دربخارا جناب حاجی غلام نبی خان‌مامور فروش پوست قره قل . ذوات گرامی که درممالك خارج افغانستان آرزوی اشتراك اخبار مارا داشته باشند بهر یك ازین وکلای ما چون وجه یکساله یاششماههٔ اشتراك را بفرستند واز طرف وکیل‌ما به اداره اطلاع برسد ازهمانوقت اخبارما بهمان آدرس وعنوانی که داده باشند جاری میگردد . آدرس وعنوان واضح وروشن نوشته شود . یك طلای پوند انگلیزی ۱۵ پانزده روپیه کلدار است .

صحیفه (۱)	سال دوم	نمره (۱۸)

نگران
ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی
علی احمد

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
با مصارف داک ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مصارف داک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکدفعه نشر میشود

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

مدیر و سرمحرر
محمود طرزی

اداره خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنه (کابل)
همهٔ امورات تحریریه به اداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود
قیمت یك نسخه آن در کابل یکعباسی است

تاریخ عربی یکم رجب سنه ۱۳۳۱	تاریخ انگریزی ۶ جون	تاریخ شمسی ۱۶ جوزا ۱۲۹۲

در این اخبار از حوادث داخله و خارجه و بسی مقالات مفیده درج میشود

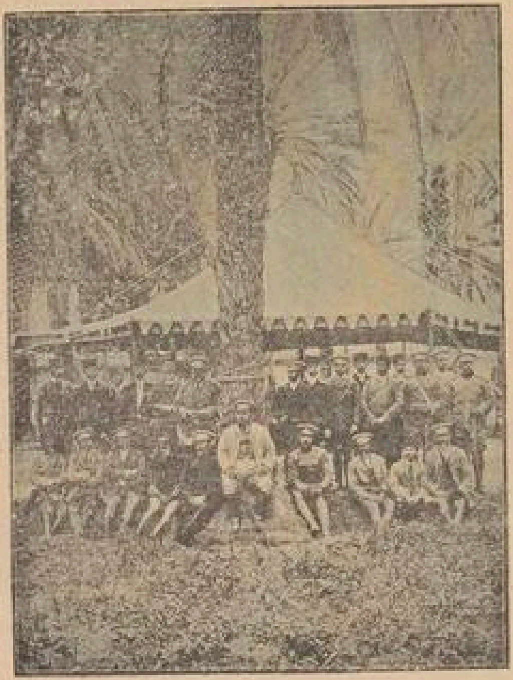

ذات شوکت‌سمات اعلیحضرت پادشاهی
(با ذوات عسکریان معیت شاهانه شان در مرغزار نواحی جلال آباد)

(سیاحت غزنین)

در شمارهٔ ۱۷ خود در ذیل حوادث داخلیه کیفیت مراسم دربار یوم سه شنبهٔ ۲۹ جمادی‌الاول سنه (۱۳۳۱) رادر قید تحریر آورده ، واز بعضی اقدامات حکمت آیات اعلیحضرت پادشاه رعیتخواه حقایق آگاه بادانش ودین خود بیان نموده بودیم . درانروز مسعدت اندوز این مدیر ومحرر عجز کستر ، وعبداحقر باخاك برابر شانرا نیز به التفات جهاندرجات همایونی مطهر فخر وشرف فرموده سعادت اندوزیٔ همرکابی معیت شاهانه را درین سفر خیریت اثر اراده وفرمان نمودند . بنابرین خواستم که کیفیت این سیاحت پرسعادت را سر لوحهٔ افتخار این شمارهٔ خود ساخته از آغاز عزیمت تابه انجام عودت یکان یکان مشهودات عاجزانه ام را در قید تحریر بیارم .

یوم جمعه ۹ جمادی الثانی بوقت عصر از طرف ایشیك آقاسی حضوری حضور اعلیحضرت پادشاهی جناب نیك محمد خان یك قطعه تذکرهٔ رسمیٔ خبری رسید که صورت آنرا عیناً درینجا مینگارم :

(عالیجاه مشفق محترم محمود بیك خان مدیر سراج الاخبار افغانیه را حفظه الله تعالی یوم شنبه ۱۰ ماه حال بساعت ۶ صبح بلباس رسمیٔ سواری درارگ مبارك حاضر شوید که بسواریٔ عرابهٔ موتر لیموزین که نکران آن محمد ولیخان است همرکاب اعلیحضرت والا به غزنین خواهید رفت فی لیل جمعه ۹ جمادی الثانی سنه ۱۳۳۱)

(نیك محمد)

بعد از رسیدن این تذکرهٔ حاضریٔ سفریهٔ خودرا دیده یوم شنبه بوقت وساعت معین درارگ مبارکه حاضر شدم . عرابهٔ موتر لیموزین مهیای حرکت بود . دیگر عرابه‌ها نیز آماده وحاضر بودند . عرابه‌های موتریکه بمعیت وهمرکابی ذات اعلیحضرت شاهانه حرکت کرده اند ، وذواتیکه بهمرکابیٔ همایونی دران موترها سر افراز بوده‌اند از قرار فهرست ذیل‌است :

(۱) — در موتر سواریٔ خود ذات اعلیحضرت شاهانه : مصاحب خاص ذات اعلیحضرت پادشاهی سردار محمد یوسف خان . نائب سالار حضور جناب سردار محمد نادر خان . ایشیك آقاسی نظامی جناب محمد سلیمانخان .

(۲) — درموتر نمبراول (۳۸) انبهٔ حضور که بصورت احتیاط موتر اعلیحضرت همایونی را پیرومیباشد : محمد یعقوبخان غلام بچهٔ خاص . سکندرخان غلام بچهٔ خاص .

(۳) — در موتر سواریٔ ذات عالیٔ جناب معین السلطنه صاحب معظم غیر ازخودشان : برادر کوچك‌شان سردار محمد کبیر خان . ومأمور خصوصیٔ دائرهٔ عالی صاحبزاده خواجه جان .

(۴) — در موتر سواریٔ عالیٔ جناب عین الدوله صاحب مکرم غیر از ذات عالی خودشان : محمد اسحق خان غلام بچهٔ خاص . دا کتر عبد الحلیم خان .

(۵) — در موتر لیموزین : محمد ولیخان سر جماعهٔ غلام بچه‌های خاص . خود این بندهٔ حقیر . محمد شریف خان غلام بچهٔ خاص . صالح محمد خان آبدارباشی . حاجی ملك خان غلام بچهٔ خاص .

(۶) — در موتر نمبر (۲) : مصاحب خاص ذات اعلیحضرت پادشاهی سردار محمد آصف خان . نائب سالار عند عساکر دار السلطنه وکوتوالی جناب محمد نعیم خان . ایشیك آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی جناب علی احمد خان . ایشیك آقاسی خارجه جناب محمد عزیز خان . سرسراوس جناب محمدهاشم خان . رکاب باشی جناب شاه ولیخان .

(۷) — در موتر نمبر اول شرکا : جناب سردار غلام علیخان . جناب محمدیونس خان برگدعند عساکر اردل . ایشیك آقاسی حضوری حضور اعلیحضرت همایونی جناب نیك محمد خان . سرخان اسپور جناب محمود خان . جناب عطا محمد خان . امین المعادن جناب میر غلام محیی الدینخان .

(۸) — در موتر بزرگ ثعبان که یك نوعی از ترام دیل میباشد ۳۰ نفر خدمه وعملهٔ حضور .

(۹) — در موترون : سی نفر عساکر خاصه حضوری از سواری سراوس ورکابی .

اینست عرابه‌های موتریکه از ارگ مبارك ازساعت (۶) تا بساعت (۸) پی همدیگر بمعیت سراسر سعادت اعلیحضرت همایونی همرکاب حرکت نموده‌اند . عرابهٔ موتر ذات عالی فخامتمآب نائب السلطنه صاحب افخم از دائره عالی فخیمانهٔ خود جناب عالی با افراد معیت شان عزیمت کرده است . اول موتریکه حرکت نمود لیموزین بود که از ساعت ۶ ده دقیقه گذشته از دروازهٔ باغ ارگ مبارکه خروج نمود . حوضهٔ خوش هوا وپر آب ودرخت (چهاردهی) را که یك نمونهٔ بهشت برین شمرده می شود بیك سرعت برق مثالی مرور نموده ، و اراضیٔ ارغنده ، ووادیهای لطیفهٔ میدان ، وتپه‌ها ونشیب وفراز های قلعه قاضی ، وشش‌گاو وردکستان وغیره‌را بسرعت طی مکانی قطع نموده بساعت دو ونیم بجهٔ روز در جوار قلعهٔ غزنین در پیشگاه زیارت مقبرهٔ حضرت (خواجه ملك یاربنده) رحمةالله علیه بانتظار تشریف فرمائی عرابه موتر سواری اعلیحضرت پادشاهی همه موتر های پیشتر رسیده کی توقف نمودند . بعداز چند دقیقه عرابهٔ موتر شوکت مظهر همایونی مواصلت نموده همه عرابه ها درپیٔ عرابهٔ شاهانه روانه غزنین گردیدند .

در پیشگاه باغیکه مطرح خیمه گاه اعلیحضرت همایونی اتخاذ شده بود عساکر پیاده وسوار وطوپچیٔ موجودهٔ نظامی غزنین صف بستهٔ احترام بودند وبفیر طوپهای متعدد مراسم سلام شاهانه را اجرا نمودند . خیمه گاه شوکت احتوای همایونی برسرهٔ بزرك

وسط باغ با صفای میرزا عبد الاحد خان که نایب ومعاون مستوفی الممالک وخان غزنین می باشد موضوع شده بود. قلعهٔ بسیار جسیم ومکمل متصل باغ مذکور که نیز عمارت کردهٔ خان موصی الیه می باشد برای اقامت شهزادگان وهمرکابان معیت پادشاهی تخصیص یافته بود .

خانها وملکان ومعتبرین وصاحب منصبان ولایت غزنین بواسطهٔ ایشیک آقاسی ملکی وخان موصی الیه بحضور معدلت موفور اعلیحضرت پادشاهی شرف بار حضور یافته . ومظهر تلطیفات جهاندرجات هایونی گردیده مرخص شدند .

بعد از صرف طعام وبیگجندی استراحت و آرام برای رفتن بزیارات مبارکهٔ اولیای عظام که در اطراف غزنین برکت فرجام دفین خاک عطر ناک میباشند اراده وفرمان شاهانه شرف صدور یافته عرابه های موتر حاضر گردید .

(در بیان مزارات پر فیوضات اولیاء الله غزنین)

همهٔ غزنین از مزارات اولیاء الله تعالی مقام مانند یک گنج شایگانیست که ما درینجا تنها از بعضی مزاراتیکه خود زیارت آن درینبار از یمن توجهات اعلیحضرت پادشاه معظم محبوب القلوب خودمان مشرف شده ایم بحث وبیان میرانیم . وتعریفات انهارا نیز از روی (روضة الالواح) نام کتابی که به اراده وفرمان ذات اعلیحضرت پادشاه مقدس ما از طرف (شیخ محمد رضای مروی) تألیف وتحریر یافته است . وحقیقتاً یک آئینه جهان ورهنمای حقیقت انمای غزنین شمرده می شود بر وجه اختصار نقل مینمائیم :

مزار حضرت حکیم سنائی :— اول زیارت مزار فیوضات آثار غواص بحر معرفت . وحدقهٔ باصرهٔ حکمت حضرت حکیم سنائی شرفیابی حاصل گردید که بقعهٔ مبارکهٔ حضرت حکیم بقدر ربع کروه بطرف غرب جنوبی شهر غزنین واقع است .

اصل نام شریفشانرا در کتاب روضة الالواح مذکور مجدود الدین بن آدم غزنوی . ودر قاموس الاعلام نام لغات جغرافیه وتاریخیه حکیم ابو المجد بن آدم غزنوی نوشته اند که ملقب به سنائی بودهاند . تاریخ وفات شانرا درقاموس الاعلام ٥٧٦ هجری قید کرده . ولی از قراریکه در روضة الالواح از روی لوحهٔ سنگ مزار مبارک ضبط گردیده است از قرار ذیل است :(هذا قبر الفقیر الی رحمة الله مجدود الدین السنائی غفر الله له) بعد ازین عبارت ایة الکرسیٔ شریف . ودر سنگ دیگر که در تحت این لوح است عبارت ذیل نوشته شده است : « کان وفات الشیخ العالم الفاضل شمس العارفین قطب المحققین طوطی شکرستان فصاحت بلبل بوستان بلاغت مظهر اسرار معانیٔ بکره مطلع انوار الفاظ فکریه یعنی مجدود الدین سنائی خمس وعشرون وخمس مائة سنه ٥٢٥ هجری »

حضرت حکیم سنائی قدس سره در ابتدا به شعر سرائی مشغول بود . واز مداحان سلطان ابراهیم بن سلطان مسعود آل ناصر (۱) وبروایت دیگر بهرام شاه غزنوی بود . وبنابر بعضی سخنان حکمت آمیز عبرت انگیزیکه از حضرت خواجه لایخوار یک مجذوب الهی شنیدند از دنیا دست کشیده دیوان اشعار خودشانرا سوختند . وبعد ازان تنها در تصوف وتوحید شعر سروده اند . واورا کتابیست که حدیقة الحقیقه نام دارد . ودر نزدعرفا گلستان حقیقت وبوستان طریقت شمرده میشود . درقاموس الاعلام مذکور است که غیر ازحدیقه بعنوان رموز الانبیا وکنوز الاولیا یک کتاب منظوم دیگری نیزدارند . بعد از ادای حج بحضرت یوسف همدانی که از عرفای نامدار مشایخ است انتساب رسانیده اند . حضرت مولانا جلال الدین رومی قدس سره در مثنوی شریف دربارهٔ حکیم به این بیت ایما فرموده اند :

ترک جوشی کرده ام من نیم خام
از حکیم غزنوی بشنو تمام

ونیز حضرت مولانا در دیوان اشعار خود شان به این بیت از حضرت حکیم بحث رانده است :

عطار روح بود سنائی دو چشم او
ما از پی سنائی وعطار آمدیم

والحاصل یک زیارت پر خشوع وخضوعی در مزار حضرت حکیم سنائی قدس سره بجای آورده عودت نمودیم . این را نیز عرض کنم که مسقط رأس ومحل ولادت این محرر بعجز مقر غزنین . ودر غزنین بجوار مزار فیوض آثار همین زیارت حکیم قدسیت قرین می باشد در سنه ۱۲۸۱ که والد بزرگوارم حضرت طرزی مرحوم بااعلیحضرت امیر شیر علیخان مرحوم به محاربه جناب سردار محمد امین خان مرحوم در قندهار رفته بودند وعایلهٔ خود شانرا از کابل طلب نموده بودند درأثنای سفر مذکور در همین مقام ولادت عاجزانه ام بوقوع آمده است . واینهم از مراحم پرمکارم ذات اعلیحضرت پادشاه دل آگاه مقدس ماست که هم بسیاحت وهم زیارت وهم بدیدن محل ولادت خویش بهمرکابی شاهانهٔ شان نایل وسزاوار گردیدم .

مزار حضرت سید احمد مکی :— این زیارت شریف درمیان یک دهی ودرین خاکها بسمت شرق جنوبی غزنین واقع بود چون در بقعهٔ شریفهٔ شان یک سنگی که اسم وشهرت شانرا نشان بدهد موجود نبود احوال شان مجهولاست

مزار حضرت بهلول صاحب :— مزار این بزرگوار بطرف شمالی شهر غزنین در دامن کوه واقعست . اگرچه احوال

---

(۱) آل ناصر کل اولاده سبکتگین را میگویند چرا که اب سبکتگین ناصر الدین بود لهذا آل ناصر گفته میشود

شان به تحقیق نه پیوسته وروایات مختلفه درباب شان مذکور است ولی چون بزیارت شریف شان انسان مشرف میشود آثار روحانیت . وفیوضات وبرکت ازدر ودیواران میریزد، وانسانرا یك حالت وجد واستغراق دست میدهد . کلمهٔ بهلول برای همان اشخاصی اطلاق می شود که حالات مجذوبانهٔ مستانه را مالك باشند . وبه این صفت بسیاری از بهلول ها در امت ناجیه محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم در گذشته اند که مشهور ترین انها حضرت بهلول دانا است که در زمان هارون الرشید بوده اند ، ودر بغداد مدفون اند . در قاموس الاعلام از یك بهلول صحابی نیز مذکور شده که بهلول بن ذؤیب نام داشته‌اند ازترس گناهان خود همیشه گریان ونالان بوده بحال مجذوبیت بسر میاوردند . اخر الامر یکدست خودرا درگردن خود زنجیربسته، وبدروازهٔ مسجد حضرت نبوی صلی الله علیه وسلم آمده وطلب شفاعت نموده بیك سمت نا معلومی رفته ناپدید شده اند . پس یك احتمال بعیدی دارد که درهمین جامده مدفون شده باشند . والله اعلم بالصواب .

مزار حضرت شیخ رضی الدین علی لالا ـــ بقعهٔ شریفهٔ علی لالا قدس سره درطرف شمال شرقی غزنین تقریباً به بعد نیم کروه واقع است زیارت بسیار بافیض وانواریست که صفای روحانی ازهرخشت وگل آن درانتشار است . ایشان پدرعم حکیم سنائی وازمریدان حضرت شیخ نجم الدین کبرا میباشد . از مشایخ کبار وبسیار بزرگوار یك ذات فیوضات آثاری بوده اند قدس سره العزیز .

از منظرهٔ های شکار گاه

(ذات اعلیحضرت پادشاهی در جنگل جلال آباد بسواری فیلها شکار میفرمایند)

سلطان سبکتگین :ـــ بعدازیارت حضرت علی لالا همراهٔ موترها بسوی دامنهٔ تپه‌هائیکه یکسر بسوی شمال‌شرق ممدود شده بود به تدویر چرخ عزیمت افزاشد . تاآنکه در پیشگاه قبرمبارك امیر ناصرالدین سبکتگین که نخستین سلطانیست ازسلطانهای غزنویه توقف نمود . درینجا ازاحوال تاریخشان بحث زائد است همین‌قدر میگوئیم‌قبران سلطان عدالت‌نشان بدرجه مندرس شده بود که سراسر ناپدید مانده بود . ذات اعلیحضرت پادشاه مراحم اکتناه مقدس ما سراج الملة والدین ادام الله ظل رأفته فی العالمین بافرمودن یك بنای بسیار خوشنمای باصفائی را ارادهٔ فرمودند وقبرسلطان مشارالیه راظاهروآشکار ساختند . درشماره‌های سابق سراج الاخبار افغانیه تصویر قبر مذکوررا باهمهٔ تعریفات آن درج نموده بودیم . امادرآنوقت تاهنوز بران ساخته نشده بود . حالانکه درینوقت یك قبهٔ چاردری مختصر بسیار مخروطی بکمال لطافت بران ساخته شده‌است که انسان‌را در پیش لطافت وظرافت ان حیران میسازد . نظارهٔ منارههای غزنین و آثار عتیقهٔ خرابه زارهای این مواقع بلسان حال لوحه‌های بسیار عبرت انگیزی درنظر جلوه میداد . یکمدتی بکمال حیرت ودیدهٔ عبرت تماشای اطراف رانموده وفاتحه تبرکه بارواح صاحب مقام خوانده عودت نمودیم .

سرمقالهٔ این‌شمارهٔ ١٨ خودرا درینجا ختام میدهیم تاموجب ملال قارئین کرام نگردد . انشاالله درشمارهٔ اینده ازدیگرکوایف این‌سیاحت پرفیض وبرکت بحث خواهیم راند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 675 of 1786

حوادث داخلیه

عزیمت وعودت موکب سعادت موهب همایونی

اگرچه سرمقالهٔ ما از سیاحت سفر غزنین بحث میراند . ولی چون تفصیلات آن سیاحت درین مقاله از ابتدا تابه انتها بانجام رسیده است ازآرو اخبار کیفیت عزیمت و عودت ذات مراحم صفات اعلیحضرت شاهانهرا درذیل حوادث داخلیه از أمورات لازمی شمرده مینویسیم کهیوم شنبه دهم ماه جمادی الثانی موکب شوکت موهب اعلیحضرت پادشاه حقایق آگاه مقدس معظم‌ما بسوی غزنین حرکت ، وبطرف سه ونیم ساعت بسواری عرابهٔ موتر بغزنین مواصلت ، ویوم چارشنبه چاردهم ماه مذکور بالخیر والعافیه عودت شاهانه بوقوع آمده است تفصیلات آن انشاءالله درشمارهٔ آینده مفصلاً ذکر میشود .

دربار معالی بار

یوم سه شنبه ۲۰ ماه جمادی الثانی سنه ۱۳۳۱ باراده وفرمان سنیهٔ اعلیحضرت پادشاهی درسلام خانهٔ عام مراسم دربار معالی بار تشکیل یافته همهٔ سرداران واعزه واشراف اهل دربار و ارباب مناصب ملکی وعسکری بده بجهٔ روز بالباسهای رسمیٔ شان در سلامخانهٔ عام جمع آمدند . وذات شوکتسمات اعلیحضرت پادشاه معدلت دستگاه مقدس معظم محبوب القلوب ما مانند شمس درخشان دربار را بفر قدوم شوکت و سعادت ملزوم همایونی شرف اندوز عزواجلال فرموده همهٔ حاضرین صداقت اندیش وخدام دولت کیش شاهانهٔ شانرا بدیدار سعادت آثار همایونی شان احیا فرمودند . وتاساعت یکنیم بعد الظهر دربار دوام ورزیده اجازهٔ انصراف عطا فرموده شد .

{ مواصلت نایب الحکومه صاحب قندهار بدار السلطنه کابل }

ازانجا که مراحم ذات شوکتسمات اعلیحضرت شهریار مکارم شعار مقدس‌ما دربارهٔ خدمتکاران صادق دولت شان دائما مبذول ورایگانست قبل از تشریف فرمائی موکب همایونی بسمت غزنین درباب حاضر شدن نائب الحکومهٔ ولایت قندهار جناب مستطاب سردار محمد عثمانخان برای شرفیابیٔ حضور همایونی در غزنین فرمان همایونی شرف تسطیر یافته بود تا هم از دیدار سعادت آثار اعلیحضرت پادشاهی بعد از مدت معهودی شرف اندوزی حاصل نمایند ، وهم در باب سرك راه کابل تاقندهار بعضی مذاکرات اجرا فرمایند . چون فرمان همایونی درقندهار واصل گردیده است بلا توقف ، [illegible] جناب نائب الحکومه بسوی غزنین حرکت نموده است ، وبعد ازدوروز ازعودت موکب اعلیحضرت پادشاهی بغزنین رسیده ، وموجب تعلیماتی که ازطرف قرین التشرف همایونی عطا فرموده شده بود باعرابهٔ موتر جناب برگد عبدالاحد خان یوم شنبه ۱۷ ماه جمادی الثانی بدار السلطنهٔ کابل مواصلت نموده ویکسر بحضور معدلتدستور اعلیحضرت پادشاهی شرفیابی حاصل نموده مظهر تلطیفات و عواطفات جهانداریات همایونی گردیده اند .

جناب نائب الحکومه صاحب ازقدمای مأمورین دولت علیهٔ افغانستان ، ونبیرهٔ سردار نامدار مغفور محمد عظیم خان طاب‌ثراه میباشند ، و رتبهٔ نایب سالاریٔ ملکی و سرداریٔ درجهٔ دوم تقریباً ازمدت دوازده‌سال بنائب الحکومه‌گریٔ قندهار ازطرف ذات شوکت سمات اعلیحضرت پادشاه مراحم شعار ما نایل وسرافراز بوده‌در ادارهٔ‌ملک ، وحسن سلوک ، واقدامات عمران پروری برموافق رضای اعلیحضرت پادشاه حقایق آگاه ترقیخواه مقدس ما تطبیق حرکات نموده اند . جناب مشار الیه تا یکچند روز دیگر هنوز بشرف اندوزیٔ حضور میمنت موفور همایونی مانده باز مرخص خواهند شد .

{ مواصلت حاکم کلان سمت جنوبی بدار السلطنهٔ کابل }

جناب دوست محمدخان ملقب بناظم حضور اعلیحضرت انوروالا که حاکم بزرگ سمت جنوبی یعنی خوست و نواحیٔ آن است مظهر عواطفات و توجهات جهانداریات اعلیحضرت شهریاری گردیده محض برای شرفیابیٔ حضور نیز بغزنین طلب فرموده شده بودند تاهم بشرف دستبوسیٔ اعلیحضرت پادشاهی اکتساب فیوضات نمایند . وهم اگر بعضی معروضاتی در باب معاملات حکومتیٔ خود داشته باشند بحضور سنیهٔ همایونی بعرض رسانیده سررشته دراین باب حاصل نمایند . جناب ناظم صاحب مشار الیه بروز بعد ازتشریف موکب همایونی بغزنین رسیده باجناب مستطاب نائب الحکومه صاحب قندهار یکجا بسواریٔ موتر بدار السلطنه مواصلت ونایل بار حضور پادشاه پرمرحمت ذی‌شفقت گردیدند .

مشارالیه نیز از مأمورین بسیار جرار و کارگذار هوشیار دولت علیهٔ متبوعهٔ ما شمرده میشوند که در بسی محاربات ومأموریتهای مختلفه از بسی سالهای درازی اثبات لیاقت نموده اند .

(حوادث خوست ومنگل)

این یك زمانه‌ئی معلوم است که طائفهٔ مردم منگل بنابربعضی عوارضاتی که رخ داده بود ، و [illegible] اباء نموده بود پارسال بدولت متبوعهٔ مقدسهٔ خود [illegible] افکار خارجه بخود مشغول نموده بود . امسال بتدابیر صائبه‌ئی که ازطرف دولت اتخاذ گردید آن آشوب وفساد برانداخته زایل گردیده آسایش عمومیه قرار یافت . درینوقت بعضی اخبارهای اسلامیهٔ اردو از قولنامه نگار سرحدیٔ پاونیر که مقالهٔ نوشته وازجمه قیماسازی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 676 of 1786

را یکانه شعار خود ساخته بعضی حوادث هیجان آمیزی نشر میکنند. حالآنکه دران نواحی از فضل و مرحمت آلهی . و توجهات ذات اعلیحضرت پادشاهی . و حسن سلوک و ادارهٔ مرغوب حاکم آنجا هیچ گونه آثار بی و عصیانی بمقابل دولت موجود نیست .

درین باب خود ما بالذات با جناب دوست محمد خان ناظم حاکم سمت جنوبی که درین وقت بارادهٔ سنیه اعلیحضرت پادشاهی مأذوناً بدار السلطنه آمده اند ملاقات کرده درخصوص احوال آنطرف استعلام کیفیت نمودیم . از بیانات حاکم مشار الیه چنان معلوم گردید که اقوام مختلفه کوهنده علاقه خوست از جهالت و بدبختی خود در مابین خود شان کشت و خون و اختلاف ورزی دارند . و اعلیحضرت پادشاه اسلام پناه بنابر غمخواری رعیت اسلام روا دار نمیباشند که رعیت سرگردان باشند . و باصلاح شان میکوشیم که بی زحمت باصلاح بیایند .

پس بنا برین بیانات حاکم مشار الیه بتحقیق می پیوندد که مردمان آن علاقه بمقابل دولت متبوعهٔ مقدسهٔ خود هیچگونه اثر تمرد و عصیانی که مغایر دین و ایمان مسلمانی ست ندارند . و هرچه که دارند از روی نادانی و بی خبری درمیان خودشان دارند که اینهم از زمانهای بسیار درازی درمابین اقوام آن سرزمین یک چیز طبیعی و عادتی شده است .

عزل جرنیل اردوی هرات

عبدالرحیم خان که سابقاً بمنصب برگدی در دار السلطنه کابل سرافراز بود و از مراحم بیکران ذات شوکتسمات اعلیحضرت پادشاهی بمنصب جلیلهٔ جنرالی و کمان افسری اردوی همایونی هرات نایل و ممتاز گردیده بود . بنا بر بدسلوکی و کج رفتاری و خلاف کاریهائی که در مدت ماموریت خود اجرا نمود و شکایات متعددهٔ اهالی و عسکری که بحضور اعلیحضرت پادشاه رعیت پرور عدالت گستر رسیده بود جرنیل مذکور را از منصب جرنیلی معزول و موقوف فرموده حاضر شدنش را بدار السلطنه اراده و فرمان نمودند تا بعد از تحقیقات مجازات عمل و کردارش در کنارش گذاشته شود . باعث عزل جرنیل مذکور اخلاق نامرضیه و کردار ناپسندیدهٔ خود جرنیل شد که بنیاد عزت و نام خود را بخاک مذلت یکسان نمود . فاعتبروا یا اولی الابصار .

دزدی

ازقراریکه شنیده ایم چند شب پیش ازین در خانهٔ میرزا افضل احمد خان که مأمور دفتر امور خارجه میباشد دزدان فرصت دخول یافته از نقد و جنس هر چیزی که یافته اند سرقت نموده اند . از طرف ادارهٔ ضابطه یعنی کوتوالی بتعقیبات و تحقیقات لازمه پرداخته شده دزدان را گرفتار و بعضی از اموال مسروقه را استرداد کرده اند . و نیز ظاهر شده است که دزدان مذکور یکنفر دو نفر نی بلکه یک جمعیت متفقهٔ بزرگی میباشند که در اجرای شقاوت و یغما گری گرویده اند . بسیاری از آنها گرفتار پنجهٔ عدالت گردیده اند و از طرف محکمهٔ عالیهٔ کوتوالی تعقیبات شدیده در اینباب اجرا میشود ما امید میکنیم که مأمورین محکمهٔ عالیهٔ مذکوره درخصوص سعی بلیغی اجرا نموده این جمعیت خبیثه را از بیخ و بن بردارند . و اهالی شهر عزیز ما را از اثر مکروه آسوده و مطمئن سازند .

وفات شهزاده روح الله جان

بکمال یأس و حسرت . و تمام حزن و کدورت از خبر غم آور وفات شهزاده روح الله خان دومین فرزند جناب شهزادهٔ جوانبخت معظم حضرت معین السلطنه سردار عنایت الله خان بتحریر حزن تصور مجبوریم که صبح یومشنبه بیست و چهارم شهر جمادی الثانی سنه ۱۳۳۱ مطابق ۳۱ ماه جون ۱۹۱۳ به پنج بجه صبح بعمر دوم سالگی طایر روح شان بشاخسار بهشت برین پرواز و باعالم ارواح ملکوتی دمساز گردید . صلوٰة جنازه در مسجد متصل دارهٔ عالی ادا و در حالیکه برادر عالیگهر شان شهزاده بلند اقبال عین الدوله سردار امان الله خان . و سردار صنایع جناب سردار محمد عمر خان . و شهزاده سردار محمد کبیر خان . و جناب سپهسالار صاحب امیر محمد خان . و جناب نایب الحکومهٔ قندهار سردار محمد عثمان خان . و جناب امین العسس فتح محمد خان . و دیگر بعضی ذوات کرام . و یک بلوک عساکر نظامی اردلی میمنت خود ذات عالی معظم حاضر بودند جنازهٔ آن معصوم ملکوتی رسوم را به تمام احتفالات لازمه در مقبرهٔ مخصوصهٔ خاندان جلیل الشان سلطنت سنیه که در بستان سرا بجوار مزار قدسی آثار پادشاه مغفور جنت مکین اعلیحضرت ضیاء الملة والدین واقعاست رسانیده دفن خاک عطر ناکش نمودند .

حاضرین کرام مراسم تعزیت و رواسم خاطرداری و تسلیت را بجناب عالی بجا آوردند . ذات عالی شهزادهٔ عرفان و سادهٔ معظم ما اطال الله عمره و ادام الله عزه و اقباله بکمال متانت و تمام استقامت یک نطق دعائیه بسیار مؤثر و معنیداری بجواب حاضرین کرام بیان فرمودند که خلاصهٔ مضمون حکمت مشحون آن قرار ذیلست :

« ما این را غم و مصیبت نمیشماریم . بلکه مصیبت عظیمهٔ عمومیه را که درین وقتها از هر گوشه و کنار بعالم اسلامی وارد آمده اصل غم و مصیبت میشماریم و باین یک خود را و شمارا یادآوری میکنیم که مایان بر حال خود شکر عظیم حضرت رب کریم خودمان جل و علا را در شب و روز بجا آریم که مملکت ما در وقت حاضر از همه گونه تسلط و مداخلات اجنبی آسوده حال است . و جناب حق تعالی چنان یک پادشاه مقدس خیر اندیش ترقی خواه پر مرحمت و شفقتی احسان فرموده که شب و روز در تقویت دین و ملت

ووطن کوشش میورزند . وما را بر خیرها وسعادتها رهبری وتشویق میفرمایند . وما واجب است که دعای سلامتی ذات اقدس واشرف شانرا از درگاه الهی جل وعلی نیاز کنیم . ونفسهای خود مارا اصلاح نمائیم . ورهبریها نیت و خیر پادشاه مقدس خود مارا خضر راه حقیقت خود شمرده از احوال عالم عبرت گیریم . و بیداری وسعی و کوشش را در راه خدمت دین ودولت خود پیش نهاد خاطر نمائیم . باقی توفیق آلهی را شامل حال خود وهمه شما برادران اسلامی خود میخواهیم . .

بعدازین اقا ذات حکمت آیات درمقبرهٔ مبارکهٔ فیوضات نشان مرحوم مغفور جنت مکان اعلیحضرت ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان علیه رحمت و غفران بجمعیت رفتند . ویك سورهٔ شریفهٔ قرآن کریم را یك حافظ جید تلاوت وفاتحهٔ شریفهٔ قرائت شده . وخود ذات عالی شهزادهٔ معظم از اوصاف ومحامد جدامجد مرحوم مغفور شان وخدمات عظیمه وطنیه ودینیه شان یك تقریر دلپذیری فرموده پس بمقام عالی خود شان عودت واز حاضرین کرام اظهار شکر گذاری و ممنونیت نموده رخصت فرمودند .

(سراج الاخبار افغانیه) بکمال خضوع وخشوع دعای سلامتی ذات اعلیحضرت پادشاه مقدس معظم خودرا وهمهٔ خاندان جلیل الشان سلطنت سنیه متبوعهٔ خودرا تضرع ونیاز مینماید . وبعد ذات مکارم صفات شهزاده معظم خود بکمال اندوه وحسرت بجا آوری مراسم تعزیت پرداخته سلامتی خودشان را و اطفال وعایلهٔ کریمهٔ شان را از بارگاه الهی مسئلت مینماید .

حوادث خارجیه

اخبار سیاسیه

« یك انتقاد حکمت مفاد اعلیحضرت سراج الملة والدین »

« پادشاه معظم »

(افغانستان درخصوص محاربهٔ بالقان)

در آغاز اعلان حربی که حکومتهای متفقهٔ بالقان بادولت علیهٔ عثمانیه نمودند . ودولتهای معظمهٔ بیطرفی جمعی خود شانرا اعلان کردند . دولت معظمهٔ انکلیز نیز بواسطهٔ سفیر شان که درپایتخت سلطنت اسلامیه (کابل) مقیم است ازاعلان بیطرفی خود درمحاربهٔ مذکوره به ذات اعلیحضرت پادشاه مقدس ما خبردادند . ذات شوکت سمات پادشاه معظم ما این اعلان بیطرفی دولت مشار الیهارا به حقوق مناسبات ومعاملاتی که دولت معظمهٔ انکلیز باعالم اسلامی آسیا دارند سراسر منافی دیده ورسماً انتقاد واعتراض فرموده به این مآل بیان فرمودند : « قبل ازاین که دولت ایتالیا درباب طرابلس غرب بادولت علیهٔ عثمانیه اعلان حرب نمود وشما اعلان بیطرفی کردید اگرچه ما آن بیطرفی دولت دوست ومتفق خود مارا منافی منافع شان دیدیم ولی گفتیم که ازایجابات سیاسیهٔ شان خواهد بود . وچون دربار که باز اعلان بیطرفی میکنند چنان گمان میبریم که بهاین بیطرفی دلهای نفوس بسیاری از اسلامهارا ازخود بیطرف سازند . زیرا دولت معظمهٔ انکلیس آنقدر نفوس رعیتی که ازاسلام درهندستان وافریقا دارند هیچگاه دراروپا ندارند . بناءً علیه ما بدوستی که باشما داریم این بیطرفی شمارا اسرار مضار منافع شما دانسته شدیداً جرح وانتقاد مینمائیم » .

حقیقتاً که این انتقاد واعتراض اعلیحضرت پادشاه مقدس معظم ما آنقدر برحق وصواب . وبدرجهٔ قرین عقول اولی الالباب است که هیچ کس ازان انکار کرده نمیتواند . دولت بهیهٔ انکلیس هرآنقدر نفوذ وتسلطی که درهندستان وسودان وغیره حاصل نموده است وهرآنقدر موفقیتها وکامیابیهای که درممالک اسلام اشتن بکف آورده است چون بحقیقت نظر کرده شود اسباب یگانهٔ آن همانا بنام دوستی واتحاد دولت علیهٔ عثمانیه بوده است . چون تاریخ ضبط واستیلای هندوستان شان بغور بنگریم مثالهای بسیار مجسمی درخصوص بنظر برمیخورد . حتی در بعضی موقعها در زیر بیرق ماه وستاره بسی کار روائیهای شان نیز مشاهده شده است .

درملکت عزیز خودما افغانستان نیز در زمان اعلیحضرت امیر شیرعلی خان مرحوم بواسطهٔ دولت علیهٔ عثمانیه ازراه اصلاح ووساطتهای لازمه بخیرباب مداخلت داخل شدند . درقطعهٔ اوروپا تنها (۳۱۴۳۳۹) کیلومتر زمین وتقریباً چهل ودو ملیون نفوس دارند . حالآنکه در آسیا وافریقا وجزایر اوقیانوس (۱۸۷۷۴۱۰۰) تقریباً نوزده ملیون کیلو مترزمین . وتقریباً سه صد وچهل ملیون نفوس را مالک میباشد که اکثران نفوس عظیمهٔ مذکوره را ملت اسلام ودیگر ملل غیر صلیب پرست تشکیل میدهند . ونیزهم معلوم است که حال امروزهٔ مسلمانان . وبودائیان . وبراهمائیان وغیره بحال چندعصر پیشتر شان قیاس قبول نمیکند . چشمها . ذهنها . عقلها فکرها باز گردیده . حقوق آزادی . واستقلال دردماغها آتش فشانی ها دارد . درآنوقتها بخواب شکار شده بودند . دربرترقیها بیدار شده میروند وچون خودرا اسیر دامی بینند بچارهٔ نجات خود میافتند . وابیم نیست که چارهٔ آرامی نیابند البته یك روزی خواهد آمد که مانند کبوتر زرکی که بواسطهٔ آشنا ئی موش خیل کبوتر بدام افتاده را رهائی داد همچنان بلندتر کی بکار برند (۱) . آسیائیان را امروه نباید پنداشت . اگرچه دولتهای عثمانی وایران را باینکه رجه مضمحل نمودند ولی سراسر محو نشده اند . اگرچه کوچك ترشدند . ولی چون بلغارها ومانتیکروها را به بینم

---

(۱) تفصیل حکایت ایندام وکبوترها درانوار سهیلی بخوانند .

برکوچکی چندان اعتمادی نباید کرد. حالآنکه مانند ژاپون وافغانستان دولتهای زنده وبیداری نیز در آسیا موجود است توبه از اژدهای افسرده شده‌چین که اوروپا بردم آن پانهاده بیدارش کرده اند. بوجه بازیها. وتهیه اسباب اتفاقها واتحادها درمابین مخالفها چیز های نیست که موجب اندیشه نباشد! علی الخصوص رقیب بسیار مدهش آسیائی او که عبارت از دولت معظمهٔ روس است هیچ گاه از فرصت جوئی. وبلا انگیزی درباب بجا آوردن وصیت پادشاه دور اندیش استیلا تدبیر متوفی پتر کبیر فارغ وغافل نشده. ونمیشود. ونخواهد شد.

پس چون انجیزها را دورتر نظر دقت درازیم. منافع وفواید چهل پنجاه ملیون نفوس اوروپائی دولت مشارالیها را نسبت بمنافع سه صد چارصد ملیون نفوس غیر اوروپائی شان خیلی دور ازقسمت می یابیم. وانتقاد حکم مفاد اعلیحضرت پادشاه مقدس خود ماورا از حدزیاده نافع حال وطرز بسیار دوستی‌ما کی می بینیم. چونکه اگر دولت معظمهٔ انگلیس درباب وحشتهای سفاکانهٔ سابقهٔ بالقانیها که درممالک عثمانیه اجرا نمودند بنظر بیطرفی نمیدید وآنچه‌رادر انکونه کارهای ناحق وناروای شان آزاد نمیگذاشت سه صدوکسور ملیون نفوس مسلمانان را دفعهٔ گرویدهٔ خود میساخت که نتیجه‌ها وفایده‌های آن درحال واستقبال برای دولت مشارالیها آزادهٔ شرح وبیانست.

این راهم بگویم که دولت بهیهٔ انگلیس دراوروپا یك دولت تك وتنهای بی یار ومددکاری مانده است. اولا موقع جغرافیٔ شانرا چون نظر کنیم طبیعتاً یك علحده‌گی دران مشاهده میشود ثانیاً چون در وضع سیاسیٔ شان به بینیم نه دراتفاق مثلث. ونه دراتحاد مثلث داخل می یابیم. اگرچه گاهی به آنسو وگاهی به آنسو میل میکند ولی یك اتحادواتفاق جدیٔ شان دیده نمیشود. بنابرین دولت مشارالیها به استمالت قلوب آسیائیان میباید که خود را یکدولت آسیائی بسازد وبادولت های آسیائی متحد شده. وآنها را تقویت نموده ازآن رهگذر استفاده‌نماید تانتیجه های آنرا درمآل برأی العین مشاهده کند.

(همعصر معزز کامرید دراشاعت ۲۶ اپریل می نگارد)

وفدطبی هند درقسطنطنیه

مراسله داکتر انصاری ازمقام عمرلی (الحال موسوم بهندکوی شده است) مورخه هفتم اپریل درداك گذشته موصول‌شده است مشعر براینکه: — برادران وطنی تاحال ازواقعهٔ تسخیر ادریانوپل آگاه‌شده باشند لاکن شجاعت شکری پاشا راکه در مدافعت غنیم ظاهر کرده است کل دول یوروپ ومبصران نظامی عالم تسلیم کرده‌اند اگرچه تسخیر ادریانوپل درمشیت ایزدی بود لاکن کنون علاوه ازینکه سکهٔ شجاعت و مردانگی آل عثمان وافواج عثمانی برلوح‌خاطر یوروپ نقش‌شده‌است واز افواج بلغاریا وسرویا چندهزار نفوس درمعرض تلف آمده‌اند. — بتاریخ ۲۱ ماهٔ مارچ وقت ۸ بجهٔ شب که غر از تعلقات وفدطبی باصدای توپ وتفنگ را شنیده بشوق تمام برسلسلهٔ تپه‌های کوه که بطرف شمال عمرلی واقعست بالاشدند حتی که بحیرهٔ مارمورا وجهازات عثمانی واردوی بلغاریه را دیده می‌توانستند والات تنورعثمانی در جهازات عثمانی‌نصبه کرده شده بودند وبلند ترین تپه‌های سلسلهٔ مذکوره روشنی می‌انداختند — درین‌اثنا ازطرف جهازهای عثمانی وتوپخانهٔ بری‌معاً برافواج بلغاریا گلوله‌باری آغازشد — علی‌الصباح فوج قلب‌بلغار آنطرف پل‌شتلجه جمع آمده‌ شدت تمام حمله‌نمود تاکه میمنهٔ فوج‌عثمانیه را ازقلب‌لشکر قطع کنند امافوج‌عثمانیه را بخت میمون یاوری کرد وغبار که روی آسیارا گرفته‌بود دفعةً رفع گردید — واز توپخانهٔ عثمانیه گلباری شدید شده پای استقلال بلغاریه متزلزل شد وروبگریز نهادند وچنان بحالت اضطراب وسراسیمگی هزیمت یافتند که تفنگها وکلاه های خودرا همرده نتوانستند — وتخمیناً مابین شش وهشت هزار نفوس شان درین معرکه هلاك گشتند اکنون افواج عثمانیه ازین فتح خیلی دل برشده اند وعزم مصمم دارند که اگر بلغاریه باردوم بحدود شتلجه یورش نمودند ماناکه نفس درتن‌است درمدافعه ومقابله‌خواهیم کوشید — مولوی ظفر علیخان مدیراخبار زمیندار درین روزها ازجملهٔ مهمانان معزز ما می باشد — من بمعیت مولوی‌موصوف برای ملاقات عزت پاشا رفتیم وپاشای ممدوح بکمال شفقت مارادرکرهٔ خاص طلب نمود — تاچند دقیقه جرنیل‌عظیم الشان موصوف خاموش بودوچشمهای پرآب وچهره مغموم وی دلالت براضطراب خاطروی میکرد واز همدردی مسلمانان هند خیلی متأثر بود — مارا هم رقت آمد وچیزیکه برخاطرما گذشته اظهار آن ناممکن است — بوقت‌رخصت پاشای ممدوح برای‌قبول دعوت فرداالتماس نمود ونیز وعده فرمود که من موتر خودرا بخدمت شماخواهم فرستاد — روز دیگر بطبق منشای میزبان محترم‌خود بسواری موتر در فرودگاه وی رسیدیم و دراثنای طعام پاشای موصوف در بابت حالت سیاسی مسلمانان هند وجذبات وخیالات وتعلیم‌شان سوالات بسیار نمود وبرترقی اهل اسلام هند اظهار تعجب کرد — بالآخر خواهش خودرا ظاهرکرد که من‌بنفس خود ارادهٔ سفرهنددارم که حالت برادران دینی‌خودرا دروطن اصلی‌شان معاینه نمایم — در موتر پاشای موصوف سوارشده ما اکثر استحکامات عثمانیه را مشاهده نمودیم که سپاهیان اناطولیا وکرد وعرب درانجا مقیم بودند وهمه شان بلااشتباه مسرور وبحالت جوش‌قومی‌ومذهبی بودند وانتظام رسد رسانی به احسن وجوه کرده شده‌بود و برای حمل ونقل آذوقه یك‌ریل مختصر ساخته بودند که درهر اردو بسهولت تمام آذوقه وغیره مایحتاج به را میرساند — علاوه از ریل مذکوره سلسلهٔ موترها مابین هادم‌کوئی ودیگر موقف های افواج عثمانی جاری است — الغرض صورت حال خیلی تسلی‌بخش است فقط

(ترجمهٔ ترجمان اردو)

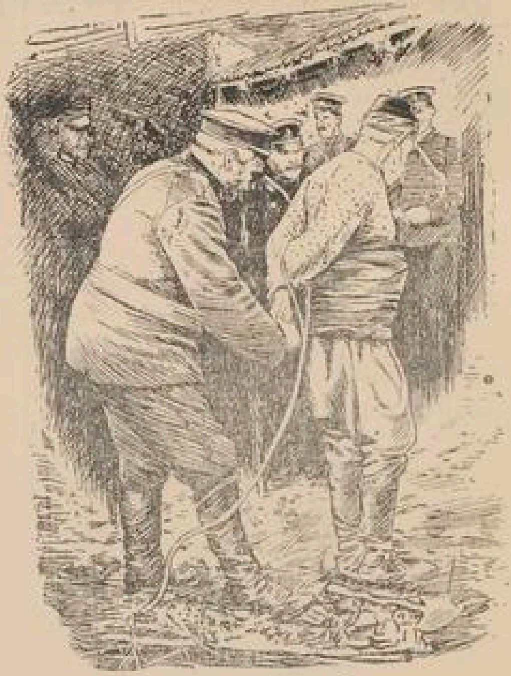

«بلغار وحشی بیگناه بیچاره را دست میبندد.»

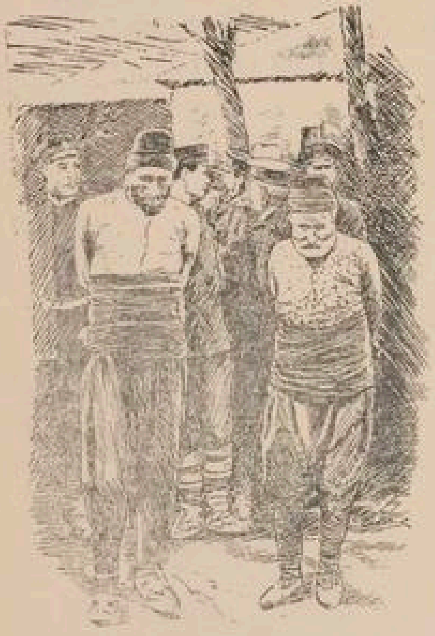

«دو نفر بیچاره بیگناهی را دست بسته برای دار کشیدن میبرند.»

(بیگناهانی که بجز مسلمانی دیگر هیچ گناهی ندارند بریشخند هموطنهای وحشیان بدار کشیده شده اند)

ای اخوان دین ووطن

ازین لوحه‌های پر حسرت عبرت بگیریم. ببینیم که اگر بیگانگان دین ووطن برما دست بیابند چه میکنند. فرعون میشوند: اولاد واطفال را ذبح میکنند، ناموسها را بی سیرت میکنند، اموالها را بغارت میبرند، املاکها را اِشغال میکنند، معبدها را تحقیر میکنند، مسجد هارا بکلیسا تحویل میکنند، ومیکنند آنچه ازدست شان می آید. شکر آزادی وطن را بجا آریم، از اتحاد ویکانکی بیکانکی نورزیم. در محافظهٔ دین ودولت وشرف ملک وملت خویش مانند بنیان مرصوص شویم.

ازاخبار های اردو وانکریزی ترجمان اداره ترجمه کرده است

(جنگ بلقان)

(تدابیر اسعد پاشا)

سنتجی — اسعد پاشا محافظ ومدافع سقوطری خودرا بمقام ایلسیو بادشاه البانیا مشهور کرده است .

در دفتر اخبار دیلی تیلکراف بذریعه تلکراف احوال رسید که سفرای دول مقیم سنتجی یك قطعه یادداشت مشترك درباب خالی کردن سقوطری تقدیم نموده اند لاکن مدبران ماتی نیکرو درباب عدم غور یادداشت مذکور معذرت کرده اندکه فی الحال مادرین باب غور کرده نمی توانیم .

مقام تعجب و تحیراست که سفیر وانتا مقیم سنتجی دفعةً بهوانتا پس آمده است حالانکه مراجعت وی تاچندماه هم متوقع نبود ـ

بعضی جرائد یوروپ چنان اظهار نموده اند که موجب طریق عمل اسعد پاشا سازش خفیهٔ او همراه سرویا وماتی نیکرو بوده است یعنی حصهٔ ریاستهای مذکوره بر سقوطری وتفویض سقوطری قبل ازوقت فیمابین قرارداد شده بود ـ

(سازش روسیهٔ)

ازبلکرید خبر تلکراف بجریدهٔ دیلی میل رسیده است که اسعد پاشا همراه ماتی نیکرو رشتهٔ اتحاد بدین شرط قائم کرده است که بر علاقهٔ کراوش ووادی بوانه خودش متصرف خواهد بود وسقوطری تعلق بالبانیا خواهد داشت ـ

ازوانتا خبر رسیده است که درپرده حرکات وطریق عمل اسعد پاشا سازش روسیه میباشد ودر صورت اغلب است که صورت معاملات زیاده ترپیچیده کردد ـ دول یوروپ یك یاداشت متفقه به سنتجی فرستاده اند مشعر برینکه سقوطری بلاتوقف مزید حکماً خالی کرده شود وفی الفور بکمان افسران بحری دول متفقه تفویض نموده شود لاکن ماتی نیکرو از قبول این حکم بر سر انکار و برانکار خود اصرار میکند ـ

دیکر منظرهٔ شکار کاه جنکل جلال آباد ـ

بذریعه تلغراف سرکاری معلوم شده است که ولیعهد ماتی نیکرو مع افواج خود ازسقوطری برآمده است وصرف پنجدستهٔ افواج پیاده درسقوطری مانده است ـ

(مسئلهٔ البانیا)

رای عامهٔ رعایای برطانیه بدینقرار است که دولت برطانیه باید که همراه جرمنی واستریا اتفاق نکند ودرکمك دول مذکور قوت نظامی خودرا صرف نکند وماتی نیکرورا مجبور نکند که ازثمرهٔ فتح خود محروم شود لاکن وضع متخاصمانهٔ روس بدرجهٔ ثابت رسیده است وبنابران دولت برطانیه بحالت مجبوری چنان وضع اختیار خواهد کرد که معامله قطعاً یکسو شود ـ

(جنگ بلقان وبی‌صبری استریا)

بتاریخ یکم ماه می مجلس سفرای دول ازبرای تصفیهٔ این امر منعقد خواهد شد که اگرشاه نکولس ازقبول خواهش دول بلاعذر وحیله انکار کند درآنحال کدام دولت ازجملهٔ دول یوروپ بخلاف ماتی نیکرو همراه استریا متفق خواهد شد ـ

رویتر بذریعه تلغراف اطلاع داده است که اکثر ازدول یوروپ درمعاملهٔ ماتی نیکرو حزم ندارد که زور وقوت نظامی برریاست مذکور انداخته شود اگرچه آنها بظاهر آماده هستند که بر بلاد ساحل قبضه کرده شود ـ

جرائد استریا وضع بی‌صبری بدرجهٔ نهایت اختیار کرده اند حتی که جریدهٔ نظامی استریا چنان اظهار نموده است که اجلاس کانفرنس یکی موقوف کرده شود ـ مزید برآن خبر رسیده که دولت استریا بلا ادراك غیری حکم یورش برماتی نیکرو نموده است ـ

سنجی بقرار تلگراف رویتر — ماتی نیکرو دول یوروپ را بذریعه تحریر اطلاع داده است که من جواب قطعی مراسلهٔ متفقهٔ شمارا که درباب خالی نمودن سقوطری نوشته اید تاانقضای ایام تعطیل کلیسای یونان داده نمیتوانم .

اگرچه صورت معاملات قدری امید افزا شده است زیرا دولت استریا حرکت افواج را تا انعقاد مجلس سفرای دول که فردا خواهد شد ملتوی کرده است لاکن از جمع آوری افواج استریا وتهیهٔ مدافعت ماتی نیکرو صورت حالات نازک میباید —

۱۵ هزار سپاه ماتی نیکرو فی الحال بمقام اینی داری موجود است وافواج دیگر هم یوماً فیوماً میرسد وبرای حفاظت شهر سررشته نظامی بکمال سرگرمی کرده میشود —

دولت استریا عزم بالجزم نموده است که اگر مدبران سنجی وضع متخاصمانه را تغیر نکنند ماتی نیکرو را بر خالی کردن سقوطری بشدت تمام مجبور سازد —

امروز سفیر استریا مقیم لندن تامدت دو ساعت همراه وزیر خارجه لندن بعد از ظهر خلوت داشت — من بعد سفیر روسیه ووکیل ماتی نیکرو هم در دفتر خارجهٔ لندن همراه سرایدورد گری ملاقات کرد —

جواب ماتی نیکرو امروز بعد از چاشت در مجلس سفرای دول تقدیم نموده شد — بعضی جرائد استریا چنان اظهار نموده اند که بعد ازان که تصرف ماتی نیکرو از سقوطری برداشته شود ما گفته نمیتوانیم که دولت استریا چه خواهد کرد — این امر از امکان خارج است که باز اسعد پاشا را جبراً بر سقوطری متصرف کرده شود — بعضی جرائد لندن چنان خیال دارند که تامدت مدید که دولت استریا واطالیه بالاشتراک بر سقوطری قابض خواهند بود —

جنگ بلقان

تلغرافات رویتر — لندن یکم می — متمقام واشاعه براین احوال آمده است که اگر ماتی نیکرو جواب مراسلهٔ دول را حسب دلخواه و اطمینان بخش نداد دولت استریا در اجلاس امروزهٔ سفرای دول اظهار خواهد نمود که من تنها طریق تشدد اختیار خواهم نمود و دیگر دول یوروپ را بعد ازان اختیار است که باهم شریک شوند یانه .

لارد مارلی یوم گذشته در مجلس دارالامارهٔ لندن اظهار نمود که مسئلهٔ سقوطری چنان شکل پیچیده اختیار کرده است که مدبران سیاسی مسئلهٔ پیچیدهٔ این قسم را شاذ ونادر دیده اند —

اگرچه بذریعهٔ سرکاری اظهار کرده شده است که دولت استریا تاحال تصفیه نکرده است که چه طریق عمل اختیار خواهد کرد اما به جرائد وائنا مظهر است که انتظام کلی از برای یورش سنجی بسقوطری نموده شده است —

بعضی اخبارات وائنا اظهار نموده اند که مدعای استریا در عرصهٔ یکماه حاصل خواهد شد —

(وضع اطالیه)

اگرچه دولت استریا بدون اتفاق رای اطالیه چیزی کرده نمیتواند لاکن وضع اطالیه تاالحال در پردهٔ تعویق است ومثل یک سر غامض میباشد —

بعضی جرائد وائنا چنان اظهار نموده اند که اطالیه بر علاقهٔ جنوبی البانیا متصرف خواهد شد واستریا بطرف سقوطری حرکت خواهد کرد —

یک اخبار اطالیه به اتفاق دولت خود چنان اظهار نموده است که اطالیه دولت آستریا را نخواهد گذاشت که تنها تصفیه مسئله البانیا نماید بلکه استریا رااطاعت خواهد شد بر شرطیکه بقرار شرائط معاهدهٔ قدیمه کاربند باشد —

بموجب بیان بعضی اخبارات لندن سفرای دول دراجلاس امروزه یک تدبیر بااعتدال خواهند اندیشید — یعنی اینکه افواج متحد که اطالیه و برطانیه واستریا انتی واری ودلسیگنو متصرف خواهند شد بشرطیکه استریا تا عرصه دو هفته از کار روائی یکطرفه ومستقل احتراز کند —

کل عالم بهشورش تمام انتظار نتیجهٔ اجلاس امروزهٔ سفرای دول دارد وامید اغلب است که دراجلاس مذکوره تصفیهٔ صلح وامن عامهٔ یوروپ خواهد شد —

اخبار تائز بعنوان .. حالت نازک .. چنان اظهار نموده است که غالباً استریا پند متفقهٔ دول را قبول خواهد کرد واگرتنها وضع متخاصمانه را عملاً اختیار نمود ذمه دار خلل امن عامهٔ یوروپ خواهد گردید —

این امر تقریباً تصفیه یافته است که وکلای مصالحت بلقان در لندن باز اجلاس خواهند نمود ودراجلاس مذکوره دول یوروپ مسوده شرائط صلح را بغرض دستخط تقدیم خواهند نمود

جنگ بلقان

تلگراف های رویتر — وائنا ۴ می — همه اخبارات وائنا برین امر متفق اند که از اجلاس فردای دول یوروپ ظهور این نتیجه نمیبرآید که دولت آستریا بر تصفیهٔ دول که تاحال نموده شده است اتفاق ندارد —

انتخاب وقت درباب طریق عمل ونوعیت ووضع آن لامحاله باید که از برای قبضهٔ آن دولت گذاشته شود که زیاده تر از کل دول درین باب تعلق دارد این عبارت از آستریا است —

چیزیکه دول آستریا واطالیه درباب معاملهٔ البانیا بالاتفاق خیال دارند اصولا باهم قرار داده شده‌است ویقین غالب است که یک معاهدهٔ کامل ومستقل قرارداده خواهد شد — روما — بموجب تحریر یک اخبار نیم سرکاری اطالیه اگر آستریا درالبانیا بنای جنگ بماند لامحال اطالیه همراه اوشریک خواهد شد وبناءً علیه وزیر جنگ اطالیه احکام نافذ کرده است که افواج لازمهٔ را حرکت داده شود تا که بوقت ضرورت مستعد باشد —

برلن — بعض اخبار نیم سرکاری جرمنی چنان اظهار نموده‌اند که قبل ازوقت پیشگوئی کردن که دول یوروپ ازرسوخ واقتدار خود درباب سقوطری فائزالمرام خواهند گردید ازامکان خارج است بنابران لامحال دولت آستریا واطالیه بالاتفاق تهیهٔ نظامی خواهند نمود —

ستنجی — درینک مجلس شورای مدبران جنگ که خود شاه نکولس صدر مجلس مذکور بود تصفیه شده است که خواهش دول درباب خالی کردن سقوطری قبول کرده شود —

کارفو — افواج سرویا بهتمام وکمال ازالبانیا برآمده است وبقیهٔ افواج تاحال مانده بود یوم گذشته بوقت صبح قبل از داخل شدن اسعد پاشا نیز بدر رفت —

پیرس منتقام ستنجی بذریعه مراسله خبر رسید که روز جمعه متصل درازو مابین افواج اسعد پاشا وجواد پاشا تامرعهٔ چندساعت هنگامهٔ کارزار گرم بود وجواد پاشا هزیمت یافته افواج او بهرطرف منتشر وپراگنده شد وافواج سرویا برای افواج اسعد پاشا را اخلال کرده وبعض نفری از افواج مذکوره بفتح ونصرت داخل شهر شدند — اکنون چنان معلوم میشود که اسعد پاشا بالاستقلال بر علاقهٔ وسط البانیا متصرف وقابض می باشد

صوفیا — حسب تحریر اخبار نیم سرکاری میرنام دولت روسیه آماده است که درباب اختلافات باهمی سرویا وبلغار محاکمه کند —

منظرهٔ یک حصهٔ از باغ الشالیف
(که از کوه پایه‌های خوش آب وهوای کابل میباشد)

قسطنطنیه — بابعالی درجواب مراسلهٔ دول یوروپ نوشته‌است که ما بقرار خواهش دول سلسلهٔ جنگ قطع نموده‌ایم — نیز اینکه ماچند نفر وکلارا مامور کرده‌ایم وخواهش داریم که یک مجلس برای تصفیه امور درلندن منعقد شود وتوقع چنان است که اجلاس اول این مجلس بتاریخ ۱۲ ماه روان منعقد خواهد شد

اخبار مدینه ۸ جمادی الثانی سنه ۱۳۳۱

چونکه اخبار پاونیر همیشه خبرهای ناقابل اعتبار درباب افغانستان مشتهری نماید واهل هند خبرهای اورا معتبر نمی‌دانند اما افسوس آنست که ما بغیر ازپاونیر دیگر ذریعه نداریم که خبرهای جدید یومیه بادستگیری کند — سراج الاخبار افغانیه که در ماه دودفعه نشر وشایع میشود در جریدهٔ خود حوادث کلی داخلیه تحریر نمیکند وما مجبوراً بطرف پاونیر وغیره رجوع میشویم — کاشکی سراج الاخبار افغانیه خبرهای قلمرو افغانستان رابه بسط وبسیط تحریر نماید که ممالک غیر ازآن خبرها مستفید گردند وبرای خریداران مقامی نیز منفعت حاصل شود —

امداد روسیه برای ماتی نیکرو

سینت پیترزبرگ ۱۶ مئی — موسیو سازونوف در مجلس شورای روسیه تجویز پیش کرده است که برای امداد باشندگان ماتی نیکرو ۹۰ هزار پوند منظور کرده شود —

حب الوطنی افاغنه

در اقوام افغان این صفت بنظر تحسین دیده می شود که هر واحد آن خیرخواه قوم وملک خود میباشد — ودغابازی وبدنیتی وحرص وطمع اومانند ایرانیان وترکان زنهار برین امر مائل نمی کنند

که امروز قومی را از دشمنان خود ظاهر سازد وملت و سلطنت را برای نفع ذاتی درمعرض خطر اندازد — وعیوب و نقائص مملکت خویش به وجوه مختلفه به دشمنان اظهار نماید بنابرین عیوب افغانستان مدام مخفی بوده اند ورعب ودبدبهٔ شجاعت وبسالت ووطن پرستی شان بر دیگر ممالک چنان اثر قوی انداخته است که بی سبب هیچکدام دولت درمعاملات افغانستان یا به فرمانروائی افغانستان ویا به حکام افغانی بلکه بارعایای افغانی هم جرأت گفت وشنید ندارد — (پیسه اخبار)

معاهدهٔ ترکی با انگلیس

لندن ۱۵ می — اخبارات فرانس معاهدهٔ ترکی را که با انگلیس وجرمنی ترتیب یافته است بنظر خطر می بینند وعلی الخصوص طرز عمل ریل بغداد را که همراه جرمنی منسوب کرده میشود در حق فرانس مضر می پندارند — وبیان میکنند که اغراض فرانس در ملک شام نسبت به دول دیگر زیاده تر وابسته است نامه نگار پاینیر از لندن اطلاع داده است که مسودهٔ عهدنامهٔ انگلیس وترکی طیار شده عنقریب تصدیق آن خواهد شد — از روی معاهدهٔ هذا هر قدر حصص ریل بغداد که تعلق به ترکی داشتند بنام برطانیه منتقل شده اند — اخبار فرانس مسمی به کالوئی فرانس تائید گفت وشنید معاهده نموده است زیرا که معاهدهٔ مذکور در ملک شام برای حقوق فرانس نهایت مضر است واخبار جرنیل بطرف اتحاد انگلیس وجرمنی ایما کرده می نگارد که معاهدهٔ هذا را آغاز تقسیم ایشیائی روم تصور باید کرد —

—(قصر شهرآرا)—

که یکی از قصرهای بسیار عالی پادشاهی دار السلطنه کابل میباشد

(معاملات ایران)

طهران ۱۵ می معلوم شده است که سالار الدوله اطاعت حکومت ایران قبول کرده بحکومت رشت رضامند شده است زیرا که روس باو اطلاع داده بود که حمایت سالار الدوله نخواهد کرد —

استقلال مجاهدین طرابلس

استقلال که مجاهدین طرابلس بمقابله اطالیه می نمایند کل یوروپ انگشت بدندان نموده است سپاه اطالیه برای قابض شدن ملحقات اندرونی طرابلس سعی بلیغ می نماید اما تا امروز در اراده خود کامیاب نشده وبمطابق حالات موجوده وآینده هم کامیابی اطالیه ناممکن است

(مقالات فنیه)

فن

ژه ئولوژی

یعنی

علم طبقات الارض

همه کی فرسوده و پوسیده گشته است ظهور و بروز نموده ، ودرمیان آن جنگل با استخوانهای بعضی حیوانات برخورده اند ،

پس اینمسئله بهیچ محل انکار نمیگذارد براینکه : آنمحل در یکوقتی بر سطح زمین نبوده باشد .

وبسیار شده است که در اثنای حفریات نهر وسوراخ کردن کوهها برای کنارانیدن دریاها بسی استخوانهای انسان وحیوان حتی بسی شهرها و خانهها تصادف نموده اند . پس کرا یارا که انکار کند براینکه در انجاها در یکوقتی مانند شهرهای مابهان ، ومانند خود مابان انسان موجود نبوده باشد !

درخصوص اثبات تغیر وتبدل کرهٔ ارض ازبعضی کتب تراجم احوال مشایخ رحمهم‌الله اینمسئله‌را نیز بنده بخاطر دارم :

چنانچه روایت میکنند که یکی از مشایخ کبار وقتی در شهر (هرات) باحضرت (خضر) علیه‌السلام ملاقی گشت . شیخ مذکور ازخضر سوال نمود که . ازغرائب عالم شمهٔ حکایه فرما .

خضر گفت آیا ازین غریبتر چه بگویم که من قبل از اعصار بیشماری برین محل گذر کرده بودم . جملهٔ اینحدود را عبارت ازیک کول بسیار عظیم وعمیق دیده بودم که قطعهٔ که حالا در انجا قبه چارسوی شهررا مشاهده میکنی عبارت ازیک گرداب بسیار مدهش و مخوف بود . وبعد ازچند عصر دیگر چون باز گذرم برهموقع بیفتاد ، نه‌ازان کولاب آبی‌دیدم ، ونه‌ازان گرداب گردشی بلکه همهٔ اینموقع را عبارت ازیک صحرای خشک وبی علف یافتم وحالا اینستکه شهر بدین جسامت ، واینهمه‌انهار وبساتین باوسعت‌را مشاهده میکنم . آیا ازین اغرب چه بگویم ؟

والحاصل مانند اینمسئله بدیهیهٔ مذکوره بسی چیزها است که محل انکار برای ما نمیگذارد که این وطن ما یعنی سطح زمین بسیار انقلابات جسیم . و تبدلات عظیم گوناگونی ندیده باشد ! پس اگر بموازنه وتماشای غرائب طبیعت شوق وذوق داشته باشیم — میباید که ، تحری وجستجوی اسباب موجبهٔ این تبدلات واقعهٔ شتائی ورزیم : سببهائیکه موجب تبدلات سطح زمین میشود

اسبابیکه موجب این تبدلات جسیمه میگردد . وآلاتیکه باعث اینهمه تغیرات مهمه میشود چنانچه گاهی بحر را بحالت بر وبر را بهیئت بحر تحویل میدهد وبعضاً جبال عظیمه‌را محو ، و بجای آن دیگررا انشاء میکند . چنان مخوف ، وباقوت ، و دهشتناک اشیائیست که در اثنای وقوع وظهور آن انسانهارا تبلرزهٔ ممات میگیرد . مانند زلزله های عظیمه . وصدمات جسیمهٔ وولقانیه .

که در مدت بسیار قلیلی تغیرات و تبدلات بس کثیری بعمل میآرد . ولی چون این صدمات ووقوعات مدهشه بصورت دایمی ومستمری اجرای حکم خودرا نمیکند لاجرم از اسباب مهمه ، و آلات معظمهٔ تبدلات وتغیرات معدود نمیشوند . بلکه آلات و ادوات تبدلات سطح کرهٔ ارض که همیشه ودایماً بتخریب وتعمیر کرهٔ ارض ساعی ومشغول میباشند عبارت از بعضی اسباب کوچک بسیار بیقوت وبی اهمیتی میباشند که از بس بی اهمیتی وبیقوتی انسان آنرا دربادی امر استخفاف واستحقار میکند . ولی اگر یک دفعه در آثار وافعال انها یکقدری دقیق رود در انحال انسان در پیش مهارت وچابکدستی آله های خراب کنندهٔ آن بحیرت میرود .

این آلات تخریبیه که اسباب تبدلات کرهٔ ارض اند و درظاهر حال کوچک وبی اهمیت معلوم میشوند عبارتست (ازحرارت) و (باد) و (آب) کهبا وجودیکه تاثیرات تخریبیه ایشان خیلی کم حس میشود . ومانند صدمات وولقانیه دفعهٔ وقوع نمی یابد ولی مانند سوهان که آهن مطلوبان رابدان تشبیه داده اند درخصوص تخریب و تبدیل سطح ارض خدمتهای مالا نهایه ، وچابکدستیهای خیلی ماهرانه اجرا میدارند .

فاجعه‌های پاریس

(مابعد از شمارهٔ (۱۷) سال دوم)

وگمان بود . حالا تنگ هانریت برعاشق خود فوق‌العاده امنیت واعتماد دارد . از آنرو اینسخنان زیاده‌تر بر دلش کارگر تاثیر آمده بمجردیکه روور سخن خودرا به انجام رسانید یک تبسم شیرین کرده گفت :

— راستست دوست من ! باید بروی ! تو هر چیزرا خوب میاندیشی وخوب اجرا میکنی . بروید اورا بانتظار مگذارید .

روور — قریباً باز هم میبینیم عزیزهٔ من ! این را گفته واز جبین معشوقهٔ خود که از حرارت تب درد زه مانند آتش گرم شده‌بود ببوسید . وبعد از ان از اتاق برامده مادام‌آلفوردا نیز اشارت کرده‌هردوی شان از اتاق برامدند . روور درخارج اتاق ازدایه پرسید که :

— آیا محقق میدانید که برای جان‌اویک تهلکهٔ موجود نیست ؟!

— دراینوقت هیچ یک تهلکهٔ نمی بینم . زن نو جوان چون دراثنای شکم داری زحمت واضطراب ندیده امید میکنم که بسیار بسهولت وضع حمل نماید

— آیا شما از بچه خوش میشوید ؟

— بلی درینباب باهر کس برابریم . کیست که از بچه بد میبرد ؟ اما ازین سوال عجیب مقصد جناب موسیو چیست ؟

— پیش ازین شمارا پنجصد فرانک داده بودم . آیا هزار فرنک دیگر کمائی کردن میخواهید ؟

— آی ! اینهم چیز یست که انسان میخواهد ؟

— بسیار خوب چون چنینست هرگاه درظرف چاررو ز ، اما میدانید درظرف چاررو ز اینزن نوجوان اگر ازخانه تنها بیرون برآمده بتواند شمارا هزار فرانک دیگر انعام میدهم !....

— این مسئله اگرچه یکقدری مشکل مینماید اما بگمانم که اینقدر عالیجنابانه انعام برای هرگونه کارهای فوق‌العاده

مثلا برسر سنگ مرمر بسیار سختی هر گاه یک قطره آبی چکیدن گیرد انسان از ضرر آن چه توقع خواهد نمود ؟ اما اگر همان قطرهٔ آب بصورت دائمی ولاینقطع بر آن مرمر بچکد می‌بینیم که بعداز مرور زمان بسیار دراز آن مرمر بدان سختی سوراخ گردید .

پس ما حالا قبل از انکه از اسباب تدبیرهٔ معظمهٔ که تأثیرات تخریبیهٔ ایشان دفعةً دیده میشود بحث رانیم از این آلات مخربهٔ سه گانه بطرز بسیار مختصر بعضی معلوماتی درمیان میآریم :

(حرارت)

اگر بنظر امعان دیده شود (حرارت) چنان مخلوق بدیع وچنان جوهر نفیس حضرت خالق بصیر سمیع است : که حیات جمیع عالمیان مربوط است اگر حرارت نمیبود درحیوانات ونباتات اثر حیات ونمایش دیده نمیشد .
باقی دارد

ادبیات

هست مذموم بهر ملت و هر دین غفلت
تا در اسلام رواشد بچه آیین غفلت
غفلت ای فرقهٔ اسلام خدارا تا کی
چیره شد چیره بما کفر زبون زین غفلت
آه اسلام چسان بود و چسان گشت کنون
آفرین کرد بما مایهٔ نفرین غفلت
وای بر حال گروهی که زناسازی بخت
سازدش راحت بیپایه درین غفلت
چرخ گهواره صفت ساخت بما طفل وشان
آه چون خواب سحر گاه چه شیرین غفلت
طرز معشوق تغافل بود ای ساده دلان
هیچ شایسته نباشد بشما این غفلت
آنچه باشد بیکسان دشمن جان و سر و مال
هست بسیار بلاها و نخستین غفلت
مرگ بهتر بود از خواب کسی را که چنین
سر نهد همرهٔ او بر سر بالین غفلت
باش هشیار اگرت قصد بود صید مراد
کرده کی صیدلی کرده چو شاهین غفلت
آسیا گشت چه سرگشته زبیداد یوروپ
آسیا بر سر ما گشت ز چندین غفلت
شور محشر بود آفاقو کس از خواب گران
سر نبرداشت بنازم بشو سنگین غفلت
نالها رفت بر افلاکو کس از جای چو کوه
نرود هیچ ببین شد بچه تمکین غفلت
اینچنین دولت افغان نشدی روز افزون
گر نبودی نفس شاه جهان بین غفلت
شاه بیدار جوان بخت سراج ملت
آنکه بیداری او ساخته غمگین غفلت
روز و شب از پی بیداری این دولت و ملک
کرده این شاه دلا آگه کدامین غفلت
شاه کشور نبود اینهمه بیدار چرا
که سزاوار نباشد بسلاطین غفلت
حذر از غفلت بسیار حذر (مستغنی)
رد از دست اگر دولت اگر دین غفلت

بز آدم را جسارت میدهد . لهذا از حالا خاطر جمعی بشما میدهم که آرزوی شما بسر میرسد بفهم باشید .

عاشق هانریعت چون از دایه این جواب اطمینانکارانه را گرفت از دائرهٔ مادام آنفوراسده بیک جله خودرا بکوچه رسانید . وبقدر صدقدم در مرکز راه رفت ، ویک عرابهٔ خالی پیدا کرده وعرابه چی را نمرخانهٔ کوچهٔ (ویل لهوتك) را داده بسرعت روانه شد . ودر ظرف یک چند دقیقه عرابه دربیش دروازهٔ بزرگ یک خانهٔ بزرگی توقف نمود .

این خانه درمابین یک حولی ویک باغچه ساخته شده خیلی واسع وبزرگ یک بنای قدیمی بود که درین اوقات باچنین خانه‌های بزرگ کم تصادف میشود . والحاصل روبر نوجوان چون دربیش خانهٔ مذکور واصل شد ، یک دروازهٔ کوچک را دق الباب کرده همانـدم دروازه باز گردید . روبر از دروازهٔ مذکور دریک حولی تیکه بسیار روشن بود درآمد .

این خانه یک خانهٔ سه طبقه‌ئی بسیار بزرگ وواسعست که در زمانهای لوئی سیزدهم انشا شده ، در دو جناح آن یکیک دایرهٔ دو طبقه‌ئی مستقل دیگری از موجود دارد . دربان به بسیار احترام روبر را سلام داده وروبر باو هیچ التفاتی نکرده بی آنکه چیزی بگوید از حولی گذشته بزینهٔ عمارت بالا برآمدن گرفت .

وقتیکه از دروازهٔ دالان درآمد یک خدمتکار دیگری که دریک طرف دالان بریک کوچ بخواب رفته بود به بسیار عجله وسرعت برخواسته وباوضاع بسیار احترامکارانه ، که در عین تعظیم یک طرز لاابالیانه آمیخته بود گفت:

— آمدید موسیو قوت اگر بدانید که چقدر خوب کردید !... چونکه موسیو (دوریدیو) بکمال تلاش شمارا انتظار میکشد . امشب برخلاف عادتش خیلی مضطربست ، باهیچکس بحسن معامله وزبان خوشی حرف نمیزند . هرکس که در نزدش میدراید دو و امدر میشود . بالجمال سه بار است که زنک نواخته مرا در نزد خود خواسته واز شما جویا شده است ، منهم بسیار براحت شده ام .
باقی دارد

ناموران زنان جهان

(مابعد از شمارهٔ (۱۷) سال دوم)

غیر از خلافت پسر خود مقتدی بالله خلافت نواسه‌اش (مستظهر بالله) و کواسه اش (مسترشد بالله) را نیز دیده توانسته است .

ارسلان خاتون : — دختر برادر (رکن الدوله طغرل بیگ) است که از پادشاهان سلجوقیهٔ عراق بود در تاریخ ۴۴۸ هجری بایك دبدبه وطنطنهٔ بسیار قاهری بالقائم بامرالله که پیش ازین بیان گردید تزویج شده است . اصل نامش (خدیجه) است که انشاءالله درحرف خا تفصیلات داده خواهد شد .

ارنواز : — همشیرهٔ (جمشید) است که از ملوك فرس قدیم میباشد وقتیکه (ضحاك) بردولت جمشید مسلط گردید ارنوازرا با همشیره اش (شهرناز) که بعد ازین انشاءالله درحرف شین ذکر میشود یکجا درحبالهٔ ازدواج آورده بود . بعد از ضحاك هردوی شان به (فریدون) رسیده است .

استطراد : — جمع بین الاختین — یعنی که یك مرد دوخواهررا درحبالهٔ نکاح آرد — در زمانهای سابق رواج بود . در شریعت غرای اسلام به آیه کریمهٔ « وان تجمعوا بین الاختین » الآیه منع وحرام فرموده شد . دردین مقدس ما یك آدم با شرایط معینهٔ مشروعه اش چار زن به نکاح گرفته میتواند ولی دو خواهررا یکجا نکاح کرده نمیتواند . ونیز با بسیار جاریه های ملك خود جمع شده میتواند ولی با دو جاریه که خواهر همدیگر باشند نزدیك شده نمیتواند .

اروی بنت اویس : — یك خاتون صحابیه ایست که بدعای بدی که از عشرهٔ مبشره حضرت (سعید بن زید) رضی الله عنه درحق او نموده بود از هردوچشم کور شده است . واخر در یك چاهی افتاده وفات یافته است .

اروی بنت الحارث : — دختر حارث بن عبدالمطلب است که عمزاده حضرت فخر کائنات علیه افضل الصلوة والتسلیمات میباشد وازجملهٔ صحابیاتست که بعد از وفات حضرت (علی) کرم الله وجهه هنوز زنده بوده است . وبحضرت معاویه ، و مروان بن حکم ، وعمرو بن العاص یك گفتگوی بسیار درشتانه وشدیدانهٔ صحابیه مذکوره وقوع یافته است که آنهارا از معاملات شان با اهل بیت حضرت رسول(ص) شدیداً ملامت وتقبیح کرده وحضرت معاویه به حلم وعفو معامله نموده مبلغ ششهزار طلا باو عطا نموده است .

باقی دارد

علم ثروت ملل

(مابعد از شمارهٔ (۱۷) سال دوم)

آن استحصال ثروت — یعنی پیدا کردن توانگری امکان ندارد . وآن واسطهٔ عبارت از محصولاتیست که از ثمرهٔ اعمال حاصل شده باشد ، وباز برای حاصل کردن ثروت جمع وذخیره شده باشد . این است که همهٔ اینگونه اشیائی که برای این مقصد وبه اینصورت جمع وذخیره شود آنرا (سرمایه) میگویند .

لفظ سرمایه در میان مردم عوام مخصوص برای زر ودینار نقد سکه شده استعمال میشود . حالا آنکه علم ثروت چنانچه پیسهٔ نقدرا از جملهٔ توانگری نمیشمارد . همچنان سرمایه را نیز منحصر بر پیسهٔ نقد نمیداند . حتی پیسهٔ نقد در اکثر اوقات خدمت مخصوصهٔ سرمایه را تنها بسر خود بجا آورده هم نمیتواند . یعنی مراد است برای حاصل کردن ثروت استعمال شده نمیتواند . بلکه وجه نقد آنوقت در راه ثروت بکار میآید که بدیگر اشیا تبدیل بیابد . مثلا سرمایهٔ یك بذرکر زر نقد نیست . چراکه زر نقد نه کاشته میشود نه قولبه کرده میتواند . بلکه سرمایهٔ حقیقی دهقان تخم و گاو و آلات زراعت ویکمقدار هم زر نقد است که آن مقدار زر نقد تنها برای اجرت ومزد عمله ومزدور کاران عیناً خرج وصرف میشود . واگر بدیگر صورت نخواهند که آن زر نقد را واسطهٔ ثروت بسازند بهمه حال باید که به دیگر اشیا آنرا تحویل بدهند .

باقی دارد

(یادآوری)

درشمارهٔ ۱۷ از مسابقهٔ فن عکاسی سراج الاخبار افغانیه نوشته بودیم . هوسکاران فن عکاسی وطنی ما اگرچه عکسهای منظره هارا برای ما فرستادند ولی چون عملیات زینگوگرافی آنهارا تمام کرده نتوانستیم ازانرو ازدرج آنها درین شمارهٔ خود طلب عفو مینمائیم . انشاءالله درشمارهٔ آینده درج خواهد شد .

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر وسرمحرر تحریر یافته

محمود طرزی

در چاپ خانهٔ حروفی دار السلطنهٔ کابل طبع گردید

اعلان

از هر دهن سخنی
و از هر چمن سمنی

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه‌را مژده میرسانیم، و ترغیب میدهیم که ازین گنجینهٔ پر از جواهر آبدار، و ازین گلزار پر از ازهار بدیع نسخهٔ بدست آورده از هر دهن سخنی بشنوند، و از هر چمن سمنی بچینند،

در

مطبعهٔ عنایت

که بنیاد یافتهٔ همت عرفان قیمت شهزادهٔ جوانبخت معظم حضرت معین السلطنه سردار عنایت الله خانست زیور طبع آراسته گردیده، و در نفس مطبعهٔ مبارکهٔ مذکوره که در ده افغانان واقعست بقیمت ۲ دو روپیه کابلی از نزد عبدالروف سرمرتب مطبعهٔ عنایت خریداری کرده میتوانند کتاب مذکور در دکان ملا غلام محمد کتاب فروش متصل بمدرسهٔ شاهی نیز بفروش میرسد.

سیاحت بدورادور کرهٔ زمین

بهشتاد روز

کتاب اول یعنی افسانهٔ طرز جدید بسیار تربیت
که هم افسانه میشنواند . وهم علم می آموزاند در
دکان ملا غلام محمد تاجر کتب متصل مدرسهٔ
شاهی باشی جای بقیمت (۲) دو روپیهٔ کابلی
بفروش میرسد کتاب مذکور در نفس مطبعهٔ عنایت
درده افغانان نیز بفروش میرسد .

(کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه)
(باجلد اعلا)
ودو کتابچهٔ (علم واسلامیت) و (آیا چه
باید کرد ؟)
(باجلد اعلا)
در اداره موجودست . آرزو وکنندگان
خریداری کرده میتوانند
قیمت همه (۲۵) بیست وپنج روپیه کابلی

اعلان

کتابهای فارسی — انگریزی — اردو — **وگورمکی** — بهاشا
وغیره برای تعلیم ابتدائی بفروش میرسد .
المشتهر
(بالکرشن داژی سرمدرس مدرسهٔ اهل هنود نمبر ۲)
درشور بازار کابل

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، ویا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا به پنج بار نشر وشایع شود برسرهر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر یك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا به پنج بار فی سطر یك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر ازپنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطر یك ستون اخبارما (۳ — اینچ — ۴ — سوت) میباشد

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

شماره ۱۹ — سال دوم

فهرست مندرجات

پیشکش نمودن جناب ایشک آقاسی صاحب ملکی حضور اعلیحضرت همایونی خود را از تکرار سراج الاخبار افغانیه

سیاحت غزنین	مابعد از شمارهٔ ۱۸
حوادث داخلیه	مراسم جشن عروسی — واقعه سیلاب درخنجان
حوادث خارجیه	احوال سیاسی — یك جمعیت مسلمان در امریکا — زرک سلطنت افغانستان — انجمن تکیهای خانهای ترك وعثمانی در استانبول — ترجمه از اخبارات انگریزی واردو — قسطنطنیه ۲۶ می موافق ۱۹ جمادی الثانی نارضائی افواج ترکی مقیم شتلجه ازافسران — نامه‌نگار اخبارلاجرنل فرانسیس از قسطنطنیه ظهور آمدن یك مناظره در میان اوریبك وضیع بیك — لندن ۲۶ می رسیدن افواج بلغاری در صوفیه — سالونیا ۲۳ می موافق ۱۶ جمادی الثانی کوشش نمودن جمعیت بلغاریان در داخل شدن علاقهٔ یونان — روما ۲۵ می وزیر خارجهٔ ایطالیا — جهاز جدیده — اخبار نارنگ بوست — واقع شدن مناظره درمیان افسر های سرویا ومانی نکرو — ۱۹ می خبر های تارهای عمده — اهالی مانی نکرو وسقوطری — اخبار الحق احوال کیبوریا — یك تار برق قسطنطنیه — دول بلقان ازسلطنت ترکی تاوان جنگ میخواهد — خبرفرحت از مجاهدین مهات منظر طرابلس وعسکری ایتالیا — تلفات ونقصانات قومی بلغاریه — اتحاد سرویا ویونان — محاربه بلغار ویونان — قرار داد ومعاهدهٔ ترکی وبرطانیه — نقل ازاخبار محیده حرکت قومی بلغاریه بسوی مغربه متحدین بالقان گوان — سفر بدریه موتو — اخراجات پل سازکیهات — خبر تأسف اثر جامع سلیم — خبر قبض ازامداد مسجد — تولد پسری بعد از گذشتن ۱۵ ماه در رحم مادر — ظهور یك شهر غرق شده — ملاقات یاور پاشا با شکری پاشا —
مرحوم احمد مدحت افندی	ترجمهٔ حال حکیم رحمت ارتحال احمد مدحت افندی
مقالات فنی	فن ژئولوژی — یعنی علم طبقات الارض — مابعد از شماره ۱۸
ادبیات	غزل توصیف
ناموران زنان جهان	
علم ثروت ملل	
فاجعه های پاریس	
تصاویر	یك سیمای علویت احتوای مؤسس بنیان سلطنت سنیهٔ افغانستان مغفور جنت مکان اعلیحضرت ضیاءالملة والدین امیر عبدالرحمن خان مرحوم — یك منظرهٔ نفرت آور در سلانیك — جمعیت چهار هزار خانهای استانبول در دار الفنون — مرحوم احمد مدحت افندی — شهزاده خلیل الله خان فرزند کهترین شهزاده جوانبخت حضرت معین السلطنه صاحب وجناب مدیر سراج الاخبار افغانیه متوجه بتعلیم شهزاده خلیل الله خان

سیاحت بدورادور کرهٔ زمین

بهشتاد روز

کتاب اول یعنی افسانهٔ طرز جدید بسیار شیرینیست که هم افسانه میشنواند ، و هم علم می آموزاند در دکان ملا غلام محمد تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی بایشتی جای بقیمت (۲) دو روپیهٔ کابلی بفروش میرسد کتاب مذکور در نفس مطبعهٔ عنایت درده افغانان نیز بفروش میرسد .

(کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه)

(با جلد اعلا)

و دو کتابچهٔ (علم و اسلامیت) و (آیا چه باید کرد؟)

(با جلد اعلا)

در اداره موجوداست . آرزو کنندگان خریداری کرده میتوانند

قیمت همه (۲۵) بیست و پنج روپیه کابلی

اعلان

کتابهای فارسی — انگریزی — اردو — وگورمکی — بهاشا وغیره برای تعلیم ابتدائی بفروش میرسد .

المشتهر

(بالکرشن داتی سرمدرس مدرسهٔ اهل هنود نمبر ۲)

در شوربازار کابل

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، ویا دیگر هر رقم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا به پنج بار نشر وشایع شود برسر هر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا به پنج بار فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریك ستون اخبارما (۳ — اینچ — ۴ — سوت) میباشد

صحیفه (۱)
سال دوم
شماره (۱۹)

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

اداره‌خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همهٔ امورات تحریریه به اداره‌خانه
بنام مدیر فرستاده میشود
قیمت یك نسخه آن در کابل یکعباسی است

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
با مصارفات ڈاك ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مصارفات ڈاك ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکدفعه نشر میشود

تاریخ عربی ۱۵ رجب سنه ۱۳۳۱
تاریخ انگریزی ۲۰ جون
تاریخ شمسی ۳۰ جوزا ۱۲۹۲

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بعضی مقالات مفیده درج میشود

(یك سیمای علویت احتوا)

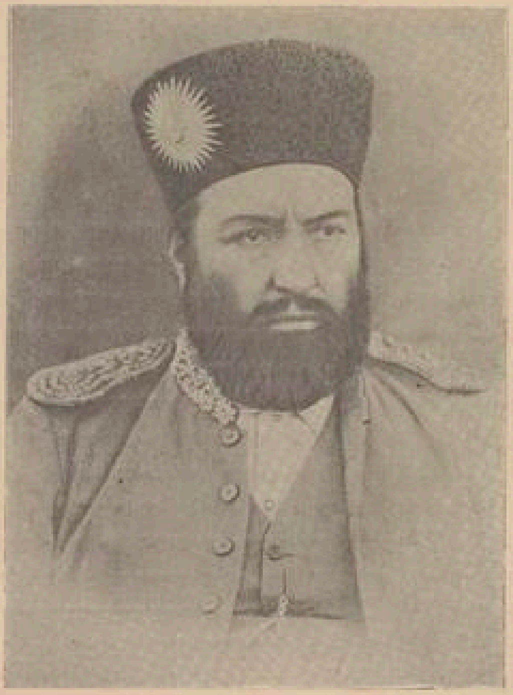

(مؤسس بنیان سلطنت سنیهٔ افغانستان، اعلا کنندهٔ شان و شرف ملت و وطن افغان مغفور)
(جنت مکان اعلیحضرت ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان)

عالیجاه دوست مرتقد محبت همراه محمود بیک خان مدیر وسر محرر سراج الاخبار افغانیه بحفظ آلهی باشند چون سراج الاخبار افغانی یك اخبار ملی میباشد و سرکاری نیست — در اول نشر اخبار مذکور که شما برای سر نگرانی مرا تکلیف کردید خیال من بود که قبول نکنم چون شروع اخبار بود هر گاه قبول نمیکردم البته خلل در شیوع اخبار موصوف پیدا میشد الحال که مدت یکسال ونه ماه از نشر اخبار گذشته وبفضل آلهی کار آن رونق پیدا نموده من خود را از منصب سر نگرانی سراج الاخبار افغانی سبك دوش کردم ونمیخواهم که منصب سر نگرانی سراج الاخبار را بعد ازین قبول کنم تا حالهم بغیر از قسم افتخاری کاسم من سر نگران بود دیگر کاری باخبار موصوف نداشتم والحال خود را از منصب سر نگرانی سبك دوش کردم مهربانی کرده عیناً نوشتهٔ مرا درج سراج الاخبار کنید تحریر یوم جمعه ۸ شهر رجب سنه ۱۳۳۱ علی احمد

﴿ سیاحت غزنین ﴾

مابعد از شمارهٔ ۱۸

در شمارهٔ ۱۸ تا زیارت سلطان سبکتگین از کیفیت سیاحت خود نوشته بودیم ، ووعده داده بودیم که در شمارهٔ آینده انشاءالله از دیگر کوایف بحث خواهیم راند . اینست که درین شماره از باقی زیارتها وغیره بعرض کیفیت میپردازیم :

سلطان محمود غزنوی : — مرقد مبارك سلطان عامهٔ یکونیم کروه بطرف شمال شهر غزنین واقعست، وآنجا در زمان خود حضرت سلطان بعمارت فیروزه مسمی بوده ، وا کنون بروضه اشتهار دارد . هنگامیکه عرابه هـای موتر همرکاب اعلیحضرت همایونی از زیارت سلطان سبکتگین بسوی روضهٔ سلطان محمود روانه میشد تقریباً دو ساعت بغروب مانده بود .

مزار حضرت سلطان دریك قصبهٔ که بروضه مسمی ست کاین بود. درمیان کوچه ها وخانه ها که همهٔ آن از خشتهای پخته قدیمه بنا یافته بود وهیچ یك رونق و تزئینات معماریهٔ دران دیده نمیشد رفته رفته بدروازهٔ مقام مبارك رسیدیم .

درزمانه های پیش ازقراریکه تاریخ ها نشان میدهد شهر غزنین وعلی الخصوص همین موضع که بعمارت فیروزه معروف بود بچنان عمارتها و زینتها وبنا هایی آراسته وپیراسته گردیده بود که عقلهارا بگرداب حیرت می انداخت . وچون اززمان آبادئ آن تا الحال تقریباً نهصدوچند سال مرور نموده وهیچکس بعداز سلاطین غزنویه بتعمیرات آن نه پرداخته بدرجهٔ نهایت ویران و مندرس شده بود . تا آنکه درسنهٔ ۱۳۲٤ چون ذات شوکتسمات پادشاه حقایق آگاه آبادی خواه مقدس معظم ما اعلیحضرت سراج الملة والدین تشریف فرمای غزنین شدند، ومرقد آن سلطان ذیشانرا به آن درجهٔ خرابی مشاهده فرمودند فرمان همایونی را به تعمیر آن شرف اصدار فرموده ومبلغ بسیاری بران صرف نموده دربنوقت مانند روضهٔ جنت دلکشا وچون باغ ارم روح افزا بطرز خوب ووجه مرغوب باتمام رسیده که آثار خیرات شهریار کامکار مرام شعار ما بصفحهٔ روزگار باقیماند :

مقام مبارك تربهٔ حضرت سلطان محمود غزنوی دروقت حاضر ازدو دایره منقسمست . اول که از دروازه درامدیم یك دهلیزی بود که دردو طرف آن یك یك اوتاق بلند مرتبهٔ موجود بود . دریکی ازین دالانها قدر دوازده نفر طلبهٔ علوم بمطالعهٔ کتابهای درسی خودشان مشغول بودند . ازین دهلیز بیك حولیٔ برامدیم که ازآثار یعنی سنگها ، و مجسمهٔ بعضی شیرها و غیره معلوم میشد که در زمانهای سابق خیلی مهم یك موقعی بوده باشد . ازین حولی باز بواسطهٔ یك دهلیز طولانیٔ واسعی بیك احاطهٔ فراخ و دلکشای باغچه دار دیگری داخل شدیم که اصل مرقد ومزار سلطان در یکطرف ان احاطه موجود بود . اکثر این ابنیه از تعمیراتیست که بفرمان اعلیحضرت پادشاهی ساخته شده است دروازهٔ که بمقام مرقد از ان درامده میشود دراوایل از چوب صندل بود که انواع نقوش غریبه وصنایع عجیبه دران بکار برده بودند . وگویند که سلطان آنرا از بتخانهٔ سومنات آورده بود . درسنه ۱۲۵۵ که اول بار انگلیسان برافغانستان تسلط نمودند دروازهٔ مذکور را بر کنده بهندستان بردند .

عباراتیکه درلوح بالای مرقد واطراف آن مرقوم است همه کی بخط کوفیٔ همان عصر چارم هجری نوشته شده است که درروضةالالواح همهٔ آنها به تفصیل وعیناً بهمان طرز وترتیب که دراصل آنست نقل وتحریر گردیده، که ما در اینجا تنها به نقل وتحریر نوشتهٔ لوحی که بالای قبراست اکتفا میورزیم :

« غفرانا من الله للامیر الاجل السید نظام الدین »
« ابی القاسم محمود بن سبکتگین غفرله . توفی »
« رحمة الله علیه ونور حفرته وبیض وجهه »
« عشیة یوم الخمیس لسبع بقین من شهر ربیع »
« الاخر سنة احدی وعشرین واربعمائة . »

سلطان محمود بلقب یمین الدوله وامین الملة ملقب بود . درسنهٔ ۳۵۷ تولد ، ودر سنهٔ ۳۸۷ درغزنین برتخت سلطنت جلوس ،

ودر سنهٔ ۴۲۱ در غزنین بجوار رحمت ایزدی پیوسته است . یك پادشاه غیور وجسور ودیندار هوشیاری بود درزمان سلطنتش همهٔ افغانستان، بلوچستان ، خراسان ، ماوراءالنهر عراق عجم ، فارس ، وبسیار جاهای هندستان درزیر تصرف حکومتش بود دوازده بار ببت پرستان هند غزا کرده وبسی . بتخانه‌هارا بجوامع شریفه تحویل داده ، وبسی جواهرها واموالی را که از بتخانه‌های هندستان بدست آورده بود بحرمین شریفین هدیه کرده است ، ودرهندستان عادات مکروههٔ سوختاندن زنان زنده را بجنازه‌های شوهران مردهٔشان که مغایر انسانیت ومدنیت است منع ویساق نموده است . شهر غزنین درزمان سلطنتش درجسامت ، وزینت وعمارت ، ومدنیت بی‌مثل آفاق بود . باوجود اینهمه فتوحات جهانگیرانه بسیار محب علما واولیاء ، وادبا وشعرا وصحیح العقیده یك پادشاهی بود . خودش نیز طبیعت شعریه را مالك بوده این رباعی زادهٔ طبیعت شاهانهٔ شانست :

رباعی

آئینهٔ خویش را بصیقل دادم   روشن کردم بپیش خود بنهادم
درآینه عیب خویش چندان دیدم   کز عیب دگر کسان نیامد یادم

رحمةالله علیه رحمةً واسعةً

حضرت خواجه بلغار صاحب : — چون از زیارت حضرت سلطان برآمدیم موترها اولا بسوی غرب وبعدازان یکبر بسمت شمال بردامنهٔ یك کوهی روبالا حرکت کرده تا آنکه در نزدیکی زیارت پرفیض وبرکت حضرت خواجه قدس سره توقف نمود . این زیارت دریك موقع بسیار مرتفع خوش هوای وسیع النظاره واقع شده بود . این مقام مبارك را قبه وعمارتی نبود . یك چار دیواری داشت که بردو مرتبه تقسیم شده بود در مرتبه دوم آن یك صفهٔ بسیار باصفائی بود که قبر مبارك درانجا موضوع بود . دیگر بعضی قبور نیز مشاهده میشد . در جهت قبله یك محراب سنگی کوچکی موجود بود . ازسنگهای مرمر محراب داری که درسطح فرش شده بود . وبعضی سنگهائی که در دیوارها واطراف مشاهده میشد چنان استنباط میشد که درسابق خیلی بازینت ونزهت یکموقعی بوده باشد . الحق که فیوضات معنوی و برکات روحانی از هرهر طرف این مزار برانوار برقلوب زایرین همیریخت . نماز عصر مسافرانه را درانجا ادا ، وبروح پاك صاحب مقام یك فاتحهٔ شریفهٔ خوانده بیرون شدیم .

ذات اعلیحضرت پادشاه مقدس ما در خارج زیارت شریف دریك موقع باصفائی مکث و آرام فرموده ، صنادیق چای نوشی که در هر موتر برای تفرجی آن موتر مخصوص و موجود ست باز گردیده یك‌جای نوشی بسیار بالطافت و برشطارتی اجرا گردید . لطافت خوش نظارت انجوقع باصفا ، ومنظره‌های بدیعهٔ اطراف وسیع الفضا نظر ربائیها داشت . یك چشمهٔ آب سرد و خوشگواری نیز از زیر مقام روحانیت بکام مذکور در جریان بود که تشنه‌لبان زایرین خودرا اسقا . وباغچه ووادیهای دلنشین تحت آنرا ارواء مینمود . قرص قمرانوار مظهر تمام شعشعه پاشی طلوع نموده بود . نمازشام یك خلوص برحالی به امامت اعلیحضرت پادشاه مقدس دیندارما ادا گردیده ازانجا عودت نمودیم .

دررياض الالواح چیزیکه درخصوص صاحب این زیارت پربرکت نوشته شده از قرار ذیلست : « مطلع انوار فیوضات کردگاری خواجه ابوبکر بلغاری قدس سره از فرزندان حضرت صدیق رضی الله تعالی عنه و در طریق معرفت صاحب تحقیق یك سالك مسالك طریقت وعارج معارج حقیقت بوده . پیوسته ابواب معارف بروی طالبان میکشوده . و او معاصر حکیم سنائی وبهرامشاه غزنوی بوده است » این است که روزاول سیاحت ما باینصورت مرور نموده حالا از کوایف روز دوم این سیاحت پر سعادت به تحریر کیفیت آغاز میکنیم :

«بند سراج غزنین»

یوم یکشنبه ۱۱ ماه جمادی الثانی ارادهٔ مراحم عادهٔ اعلیحضرت همایونی برفتن تماشای «بند سراج» شرف صدور یافته بشش ونیم بجه صبح عرابه های موتر بسوی شمال شرقی بحرکت افتاده ودر ظرف پنجاه وشش دقیقه تپها وفرازها ووادیها ودره‌ها وقصبه‌ها را بسرعت برق آسائی طی نموده در موضعی که بند درانجا در دست انشا وتعمیر است مواصلت نمودیم .

درینجا خود را در پیش یك منظرهٔ خارقهٔ عجائبی یافتیم که قوت پرعظمت علم وصنعت ، بمقابل هیبت وعداوت طبیعت بمجادله ومبارزه افتاده بود ! سنگها را میبرانیدند ، در مابین دو کوه طبیعی سر بفلک کشیده ، یك کوه مصنوعی علم وصنعت دیده بوجود می آوردند ، جریان شدید السیلان مجرای آب نهر را بند وسد مینمودند ، وازان یك بحیرهٔ دریا مثالی حاصل میکردند یعنی نهر را بحر تحویل میدادند . آیا چرا ؟ برای کشایش رزق خلق الله ، برای آبادئ ملکها ، برای آبیاری زمینها ومزرعه‌ها ، برای رفاهیت وسعادت رعایا وبرایا .

زهی پادشاه خیر اندیش آبادی پرور ، زهی شهریار عدالت کیش مرحمت گستر که برای سعادت وعمران ، وراحت ورفاهیت تبعه وزیر دستان شاهانهٔ شان تا بچه درجه صرف همت جهانقیمت ملوکانه میفرمایند، وچه اعمال خیریهٔ جسیمه بروی کار می آورند! حقیقتاً که این کار بند سراج غزنین یکی از عملیات جسیمهٔ بسیار معظمهٔ این عصر فرخنده گی حصر اعلیحضرت سراج الملة والدین ادام الله ظل رأفته علی المسلمین شمرده میشود . در همین موقع در زمانهای سابق نیز یك بندی ساخته شده بوده است که بیك روایت بانی آن عمر بن اللیث، وبدیگر روایت سلطان محمود غزنوی بوده است ، بعضی آثار آن بند نیز پدیدار است . این بند جدید

بقدر ۹۰۰ فوت بالاتر از بند سابق در تنگنای مابین دو کوه برداشته شده است . موقع بند در یك جای بسیار لایق ومناسبی از طرف مهندسین آن انتخاب گردیده است که از طرف شرق وغرب آن کوه ، ومجرای آب در مابین آن است . دیوار بند بر یك خط مستقیمی در مابین دو کوه مـذ کور بدرازیٔ یکهزار ودو فوت ، وعرض اساسیٔ یکصد وشصت فوت محدود شده است . ارتفاعش غیر از تهداب از سطح مجرای نهر یکصد وبیست فوت است . اساس یعنی تهدای دیوار بند شانزده فوت کنده شده وبر ریشهٔ کوه تصادف نموده بران ریشه کار بنا شده است . که به اینصورت اساس آن خلقتاً خیلی متین واستوار است . اساس را ازعمق شانزده فوت بعرض یکصد وشصت فوت برداشته تا بر سطح مجرا رسانیده اند . وبر محاذی سطح آب نل‌های فولادیٔ بسیار متین ومستحکمی که بصورت مخصوصی فرمایش داده وساخته شده است موازی بعرض دیوار بند وضع وترتیب شده است که خدمت مجرای جریان آب را ایفا میکنند ازین نلها یك مجرا بکنار مشرق ، ویکی بکنار مغربیٔ بند گذاشته شده است وبالای هردو نل کانها از کنده سنگ زده شده وبران کار دیوار آغاز شده است . ازین نلها که تقریباً یك مترمربع قطر آنست . دهنه های آن نلها باشیردهنهای فولادیٔ بسیار بزرگ ومتینی بسته وباز میشود که درهروقت وهر زمان بدرجهٔ ضرورت وقت وزراعت آب ازان بمصرف میرسد .

حوضه یا کاسهٔ که آب بند دران جمع می آید بقرار حسابش مستر ملر اسکاتلندی که مهندس بند سراج میباشد ازینقرار است که چون یکبار از آب پرشود سه لك و شانزده هزار جریب (۱) زمین را آب میدهد که الحق یك حیات بخشیٔ عظیم زمینهای مردهٔ بی آب شمرده میشود .

درینوقت که بمعیت ذیسعادت ومفخرت اعلیحضرت پادشاه ترقیخواه مقـدس خودمان بتماشای این بند سراسر کشایش وجیه کی فیض وبخشایش قابل وسزاوار شدیم دیوار بند ازکنج مشرق تانصفه که دروسط دیوار ساخته شده کاملاً باتمام رسیده بود که طول آن ششصد فوت وعرض آن دربعضی جاپنجاه فوت وبعضی جا کمترست . زیرا که بنیاد کار ازسنگ کوه گرفته شده ، وچون افتاد کوه بعضی جا بلند وبعضی جاپست واقعست ازان رو کار تعمیر نیزبموازیٔ آن رفته است . وجایٔ که دریاخانه بوده قویترین حصهٔ دیوار نیزهمان جاست که یکصد وشصت فوت عرض درتهدای ، ویکصدوبیست فوت عرض ازسطح مجرای آب دارد . ازین حصه بطول دوصد فوت وارتفاع سی‌ودو فوت رسیده بود .

از قرار فعالیت وسعی وغیرتی که دراجرای کار دیده میشد چنان معلوم میگردید که امسال تاموسم تیرماه که وقت کاشتن گندم ولایت غزنین است دیوار بند به بلندیٔ شصت فوت برسد ، وتاتره ماه سال دوم سراسر بانجام برسد ، ونیز ازقراریکه تخمین کرده اند امسال بقدر یك لك جریب زمین از آب بند انشاءالله استفاده خواهد کرد .

اصول وسررشتهٔ عملیات بند بتوجهات جهانداریات اعلیحضرت پادشاه قدسیت صفات معظم باقاعدهٔ بسیار پسندیده ودرستی گرفته شده است . چنانچه سنگی که در دیوار بند بکار میرود از سنگهای پرخچهٔ باسرنگ پرانده‌شده بخرج میرود پخت جونهٔ خرج آن نیزبه قاعده‌های بسیار منتظم بعمل میآید . گرات بسیارسنگین سنگی بقوت ماشینهای آبی پرجونه وریك دورخورده یك مخلوط بسیار پخته وعزتجی بوجود میآورد . یك پیمانه جونه ویك پیمانه ریك پخته شده باسنگ پرخچه درتعمیر دیوار بخرج میرود . تقریباً مزدور کارانی که دربند سراج کارمیکنند بخوشی ورضا ورغبت خود میکوشند . زیرا به اصول بیگاری نی بلکه به اجرت نقدیٔ یومیه بقراررواج ملك کار میکنند . امایك قسم مردمانی که درساختن بند سراج شرکت ورزیده اند ، بعوض وجه نقدی خدمت بدنی را قبول کرده اند ازانها مستثنا ست .

خلاصهٔ عرض کنیم که این خیر جاریٔ عظیمی که ذات قدسیت صفات اعلیحضرت پادشاه ترقیخواه رعیت پرور بزرگ ما بنیاد فرموده‌اند ازجملهٔ اعمال حسنهٔ کثیر المنفعهٔ عالی شمرده میشود که غزنین وغزنینیان را سرازنو یك زندگی ، و آبادی و تازگی و فرخنده گی به آن احسان فرموده‌اند . در چهره مردم غزنین این حال ظاهراً وعلناً مشاهده میشد که گویا یك‌داء لادوائی گرفتار بوده‌اند ، ویك طبیب مسیحا نفس قدسیت اتفاقی بسر وقت شان رسیده به تداوی مشغول شده باشد . و حالا نو یك عرق شفائی کرده امید حیات حاصل کرده باشند . پس ما راست که برخود بنازیم ، وببالیم ، و بدرگاه حضرت مستجیب الدعوات بنالیم ، وجبین نیاز برزمین عجز مالیم ودعای دوام عمر واقبال این پادشاه خیر خواه معظم ترقی آمال خودرا بخواهیم .

سرمهندس فنی بند سراج غزنین مستر ملر نامیك انگلیزاسکاتلندی میباشد که در دولت علیهٔ افغانستان موظفاً مستخدم است اماناظر وکار پرداز وسررشته دار عمومی بند موصوف ازطرف قرین الشرف ذات اعلیحضرت پادشاهی جناب میرزا عبدالاحد خان بزرگ مأمور ومقرر میباشد که بکمال جدوجهد وتمام نظام و اهتمام ومطابق رضای همایونی درین خدمت مهمهٔ محولهٔ خود کوشش میورزد .

والحاصل درحالیکه دلها یك‌جوش وخروش فرحت ودیدهها یك انوار مسرت از نظارهٔ این اعمال حیات بخشا برخود میبالید و میدرخشید ازانجا عودت نمودیم ، و بقدرسی دقیقه سرعت موترلیٔ مسافهٔ نموده دریك موضع باصفائی رسیدیم که در کنار یك نهر خوش جریان باصفا وچمزار زمردین تام فرح افزا خرگاه

---

(۱) یك جریب شصت ذرع مربع است وهرذرع ۲۹ اینچ میباشد .

علویت همراه بادشاهی بافراغت شده‌بود . میزهای سفرهٔ طعام و سازنده‌های خوش انغام ، وهمه اسباب طرب انجام حاضر وآماده شده بود . تاوقت عصر بکمال فرحت و سرور بمعیت اعلیحضرت بادشاه‌مکارم نشور خودمان بسر آورده عودت نمودیم .

دراثنای راه زیارت پرفیض وبرکت شیخ الاجل حضرت محمد سرزری قدس الله سره العزیز که یکی از اولیای عظام است ، ویك زیارت بزرگوار دیگر شرفیابی حاصل کرده بوقت شام پس درمنزل گاه غزنین مواصلت نمودیم .

§

روز دوشنبه ۱۲ جمادی الثانی ارادهٔ مراحم عادهٔ ذات شوکتسمات اعلیحضرت بادشاهی برای رفتن بسوی قلعهٔ جان مراد که در نواحیٔ مقر واقعست . وتقریباً سه منزل قافله از غزنین بعد مسافت دارد شرفصدور یافته به هشت‌ونیم صبح موترها بحرکت افتاد . سرك بسیار صاف وهموار بود . تقریباً یك ونیم ساعت درانجا رسیدیم یك صفهٔ بسیار بزرك مدوری که یك بچه چنار عجیب‌الخلقت بسیار خوشنما و مدوری برآن سایه افکن بود ازطرف صاحب آنجا پسرنایب سالار سابق مرحوم شیرمحمد خان مفروش شده‌بود مطرح اقامتگاه اتخاذ کردیده . وذات اعلیحضرت شهریاری باافراد معیت شاهانه شان یکقدری بشکار ماهی درکاریز نزدیك قلعه مشغول گشته وتاوقت عصر درانجا بهسیار انشراح وسرور گذرانیده عودت نمودیم .

§

روز سه‌شنبه ۱۳ ماه ذات اعلیحضرت بادشاهی برای تماشای موقعی که تصور آبادی یك شهر جدیدی را فرموده‌اند تشریف فرمای سعادت کردیدند . وبعداز ظهر واپس تشریف آوردند وقت‌عصر آنروز همهٔ فقرا ومحتاجین وبیوه وذرمانده ، وکور ولنك ومجروح شهر غزنین راکه بصدها نفر میرسید جمع فرموده وهمه را صنف صنف نموده ، ویك‌مبلغ خطیری که بهزارها روپیه بالغ میشد بیك انتظام واصول بسیار درستی درحضور همایونی شاهانه شان امر بتوزیع وتقسیم فرمودند که بادعاهای پرجوش وخروش آن دلسوختگان اثرپذیر افتاده‌گان ارواح علوی فرشتگان نیز اگر آمین خوان شده باشند هیچ‌شبههٔ نخواهد داشت . باقی دیگر کاری درغزنین نمانده یوم‌چهارشنبه ۱۴ ماه جمادی‌الثانی بسوی دارالسلطنه عودت موکب‌شوکت کوکب همایونی بترتیبی که دروقت تشریف فرمائی همایونی بود بوقوع آمد .

این است که تااینجا احوال‌السیاحت غزنین را بانجام رسانیدیم و بسی که موجب تطویل کلام نشود بعضی چیزها را بصورت بسیار اختصار بیان نمودیم . انشاءالله در شمارهٔ آینده شمهٔ از احوال جغرافی وتاریخی وآثار عتیقهٔ این شهر شهیر نیز بحث خواهیم راند .

* * *

حوادث داخلیه

﴿ مراسم جشن عروسی ﴾

درهفتهٔ گذشته یکی ازحوادث مهمهٔ بسیار مسرت آور وفرحت پروری که وقوع‌یافته همانا مراسم جشن عروسی جناب عالیهٔ مکرمهٔ محترمهٔ عصمت مآب (بی‌بی جان صاحبه) یگانه همشیرهٔ ذات اعلیحضرت بادشاه مقدس محبوب‌القلوب معظم ماست که با جناب آقای بزرگه محمدیونس ، خان فرزند ارجمند سردار (محمدیوسف خان ابن امیر کبیر جنت مکان اعلیحضرت (امیردوست محمدخان) بکمال دبدبه وطنطنهٔ سلطنتی بوقوع آمده است .

شب دوشنبه ۲۶ ماه جمادی‌الثانی سنهٔ ۱۳۳۱ بوقت شش ونیم‌بجهٔ وقت شام همهٔ شهزادگان عظام وسرداران کرام ومامورین معززهٔ ذوی‌الاحترام وارباب مناصب بموجب تذکره‌های رسمیٔ خبری که گرفته بودند درجشن صفامأمن جهت شمال قصر سعادت حصر استور مبارك جمع آمده بودند . اطراف جشن مذکور ، وبرنده‌های قصر فرخنده کی حصر علی‌الخصوص صفهٔ هشت رخ باچراغهای رنگارنگ انوار آهنگ ، ومیزها ، وسفرها ، واقسام فرشها وزینتها مانند نگارخانهٔ چین آراسته وپیراسته شده بود .

بعد از غروب ذات شوکتسمات اعلیحضرت بادشاهی درجشن صفامأمن تشریف شاهانه را ارزانی فرموده . وهمهٔ حاضرین درمدخل جشن مذکور صف بستهٔ احترام وتعظیم کردیده یکسر بر سرمیز سفرهٔ طعام تشریف فرما شدند . وبعد از طعام درصفهٔ هشت رخ بمسرتها وشادمانیها تایازده‌بجه امرارنموده بوقت معین قرار قاعده واصول مرعیهٔ که جاریست جناب داماد را بالای والای لازمه . وموزیکهای خوش نغمه تابدروازهٔ حرمسرای شوکت احتوای ارگ مبارکه بهمهٔ جمعیت رسانیدند .

دراصطلاح وطن عزیزما این شب را (شب حنا) میگویند که بعد از ایجاب‌وقبول‌که پیشتر بوقوع آمده میباشد اجرامیگردد . بعد از مراسم لازمهٔ که درباب حنا بندی ، وشربت خوری ، ویکقدری قرائت قرآن شریف وغیره درحرمسرای شوکت احتوا اجرا کردید باز داماد باشهزاده گان عظام بمحفل جشنی که درصفهٔ هشت رخ بود تشریف آورده ، وتابدو سه‌بجه بکمال‌نشاط وسرور بسر آمده همه‌گان رخصت شدند .

روز دیگر بساعت ده روز همهٔ ذوات معتبره در عمارت « قومی باغ » که از عمارتهای بسیار عالی وجدیدست واین اول بارست که رسم افتتاح آن برای انجنین یك مسرت عظیمهٔ قوم

وملت اجرا میشود جمع آمدند . وبعد ازیکساعت ذات اعلیحضرت پادشاه قوم پرور لطف گستر مقدس ما دالان بزرگ عمارت پر شوکت را بقدوم میمنت لزوم همایونی شرف اندوز عزومباهات فرموده مراسم نکاح شرعی اجرا گردید . وظیفهٔ شهودرا جناب عالیٔ شهزادهٔ معظم حضرت معین السلطنه . وجناب شهزادهٔ مکرم حضرت عین الدوله صاحبان ایفانمودند . بموجب شهادت حضرات مشارالیهما ذات قدسیت صفات اعلیحضرت همایونی وکیل نفس همشیره عصمت وسیمهٔ عالیهٔ شاهانهٔ شان گردید . پستویکروپیهٔ کابلی مهر شرعی را تعین واز طرفین ایجاب وقبول اجرا شده جناب امام حضور اعلیحضرت همایونی عالیجاه حافظ محمد حسن خان عقد نکاح را بستند . وخطبه وقرائت قرآن کریم وادعیهٔ خیررا بجاآوردند . وحاضرین بمراسم تبریک وتهنیت پرداختند . ذات شوکتمآب شاهانه یک اطق دعائیه که مشحون بجواهر حکمت . ومعرفت بود بیان فرمودند .

اطق همایونی چون سراسر مبنی برازادی حقیقی وطن مقدس ونجاح وصلاح قوم وملت . وفوز وفلاح مسلمین بود چنان یک تأثیر وتوقیری دردلها القانمود که تعریف آن به بیان نمی آید . چون دراتوقت فرصت قید وضبط همهٔ کمات حکمت آیات آنرا نداشتیم . اجمالا همینقدر نوشته توانستیم .

والحاصل بعد از طعام بسیاری از معززین وارباب مناصب ملکی وعسکری درارگ مبارکه بسلامخانهٔ عام جمع آمده بالالای والای بسیار محتشم ومدبدبی هودج عروس محجبه نشین پردهٔ عصمت وعفت ودرثمین صدف نجابت وسلطنت را همراهی نموده بخانهٔ داماد اصالت نهاد عالی نژاد که در « خوابگاه » نام محله شهر واقعست رسانیدند ومراسم این عروسیٔ سعادت مأنوس به انجام رسید .

(سراج الاخبار افغانیه) بکمال صمیمیت وتمام فرحت ومسرت این شادمانیٔ عظیمه را مبارکباد میگوید . وازدل وجان دوام سعادت وسلامت شانرا ازدرگاه ایزدی نیاز میکند .

« واقعهٔ سیلاب درخنجان »

بموجب خبری که ازمحکمهٔ اطلاعات به اداره رسیده : لیل سه شنبه سلخ شهر جمادی الاول از فراخ دره محال خنجان وغیره دره های محال مذکور بدون واقف شدن مردم سیل عظیمی آمده بود ازمحال مذکور بسیار خانه هارا بمه مال ومواشی آب برده است که موازی یازده نفر مرد وزن مهتر وکهتر فوت شده ازقریه دوشی محال غوری یکصدوده نفرگم ومفقود است بعضی مرده اوشان را یافته اند وبرخی یافت نشده است وازقریه پیاز خوردوشی مذکور موازی بیست وچهار نفررا آب برده است که مفقودالاثر است —

حوادث خارجیه

اجمال سیاسی

در یکی ازاجمالهای سیاسی نسخه های سابق خود پیشگوئی کرده گفته بودیم که : لقمهٔ چرب ونرم وشیرین ممالک دولت علیهٔ عثمانیه چنان چیزی نیست که دزدان متفق لقمه ربا را درمابین خود شان سازگار گذاشته موجب بر هم زدن همدیگر شان نگردد . این است که نتیجهٔ آن آهسته آهسته بظهورات آغاز نهاده است . یونان با بلغاری در مسئله سلانیک . وصرب با بلغاری در باب تویی ومنی . و کوهی با استریا در خصوص سقوطری چون موی زنگی بهم در افتاده اند . حتی چنانچه ازخبرهای اوراق حوادث مستفاد میشود بلغارها و یونانیها زدو خوردی نیز در مابین خود شان نموده تلفات بسیاری نیز درمابین شان بوقوع آمده است . عساکر بلغار وصرب نیزمن بودم وتو بودی گفته منا قشات دارند .

از یکطرف در باب صلح بالقانیها و عثمانیها کوشش ورزیده میشود . کوشش کنند گان صلح از دوهیئت مرکب اند که یکی درلندن ویکی درپاریس میباشد . درمسئله‌های صلح فرانس وروس یکطرف است که پشتیبانیٔ بالقانیهارا میکنند . دولتهای اتفاق مثلث برای منفعتی که برای خود درزیر نظردارند منافع عثمانی را پیشرفت میدهند . دولت انگلیس درین کار ازنقطهٔ نظر جرمن نظر میکند . اما چیزیکه سیاسیون را زیاده تر مشغول داشته است مسئلهٔ البانیا میباشد . درین مسئله رقابتها و کشمکشهای همهٔ معظمه‌ها دیده میشود . علی الخصوص اوستریا در یک موقع بسیار مشکل مانده است . زیرا مانتیکرو بکشش بسیار محیی سقوطری را ضبط نمود . حسن رضا پاشا که بکمال شجاعت ومردانگی شهر سقوطری را مدافعه مینمود از طرف اسعد پاشا که او هم رفیق مساعیٔ حسن رضا پاشا بود و از جنس البانی بود بقتل رسید . وبا کوهیها یک مقاوله عقد کرده سقوطری را تسلیم دست دشمن نمود . اوستریا ازین معامله دوچار گرداب حیرت شده ترک کردن سقوطری را تکلیف کرد . وتکلیف خود را بدرجه تهدید رسانید . مانتیکرو که همهٔ نفوسش از زن ومرد وپیر وبرنا به سه صد هزار نمیرسد بمقابل آندولت چهل پنجاه ملیونهٔ نفوس پایداری وثبات ورزید . وچون همهٔ دولتها کشتیهای جنگیٔ خود شانرا فرستاده بندر های اورا در زیر محاصره گرفت مجبوراً سکوت نمود .

والحاصل حاکمیت عثمانیه در روم ایلی منقرض گردید . واین ازجمله مصیبتهای عظیمی شمرده میشود که قلم در اثنای تحریر آن

خون باید گریست . ظلمها وخون ریزها وبدعتهای ناروائی که بالقانیها درآنسرزمین اجرا کردند خیلی نفرت آوراست . وبرای همهٔ مسلمانان روی زمین یك صحنهٔ عبرت بروز است . مسجد عظیم سلطان سلیم که در ادریانوپل بود . ودر حسن معماری وزینت وعظمت بینظیر آفاق بود به کلیسا تحویل یافت . بسیار زنان ومردان مسلمان را بزور وجبر نصارا ساختند وعرضها ناموسها پامال گردید .

ای کاش نتیجهٔ بی اتفاقی که در رومایلی همین بلاهارا برانگیخت . وبرای دیگر طرفها این چیزها یکدرس عبرتی میشد . در طرفهای سوریه وشامات مردمان اصلاح طلب ریا خواسته اصلاحات میخواهند . در اناطولیٔ شرقی روسها در میان کردها وارمنیها به کاشتن تخم نفاق وتشویقهای اختلال کوشش میورزند. تأثیر نفوذ فرانس در جبهای سوریه بفعالیت شدیدی اجرای حکم دارد . انگلیس وجرمن در کویت وبصره وعراق در پیش رفت مقاصد شان کوشش میورزند . مردمان آنسرزمینها غافل جاهل کاهل . اوروپائیان بیدار . هشیار . کارگذار . علم . صنعت . تجارت . سعی وکوشش گویا درآنها از بدعتها وکارهای ناروا شمرده میشود . واعظان ناصحان خطیبان هرانچه میگویند از ترك دنیا . وجیفه بودن دنیا . وترك کردن دنیا . ودست برداشتن از دنیا میگویند . آنها نیز بران عمل کرده برای دیگرانش میگذارند . هزار افسوس که دریدنات سازی را نیز نمیدانند که خشکها را ترك کرده بحر نشینی را اختیار میکردند . هزار افسوس که طیاره بازی وبالون رانی را نیز نمیدانند که عنصر خاکی وعنصر آبی را برای آنها واگذار شده عنصر هوائی را مالك میشدند . چه باقیماند ! عنصر ناری ! ... حالانکه آن عنصر را نیز از ازل آنها وارث حقیق . وخالدین دایمی میباشند ... واأسفا ! چنان یك قوت روحانی ومعنویٔ نیز دیده نمیشود که این کرهٔ ارض را گذاشته یکی از کرههای بعیدهٔ فضای لایتناهی پرواز میشد ! ....

والحاصل اوروپائیان دولت ترکیه را از اوروپا براوردند ولی بازهم از دنیا محو کرده نتوانستند . هنوزهم مانند اناطولیٔ وعربستان . وعراق . وسوریه وغیره اراضیٔ واسعهٔ خوبی را مالك هستند . نا امید نیستیم . امید میکنیم که این فلاکتها بسعادتها مبدل گردد . ودر آسیا که ذاتاً مأوای اصلیٔ شان بود یکدولت معظمهٔ بسیار باشوکت وشانی بوجود آرد . وتجبیرههای مافات موفق وکامیاب آید .

(یك جمعیت مسلمانان درامریکا)

همعصر معزز ماالخبار (ترجمان) که درباغچه سرای (قریم) ممالك روس بلغت ترکی طبع ونشر میشود بعنوان فوق یك خبری نوشته است که ما آنرا عیناً ترجمه ونقل مینمائیم :

درین روزها بپتر سبورك ـ پایتخت ـ روس ـ ازامریکا یك آدم مسلمانی وارد شده که نامش (امالزار خوشحال خان) واصل ونسلش (افغان) است . این شخص بزبان فارسی وانگلیزی تکلم میکند . درپتر سبورك بخانهٔ جناب موسی افندی بیکیف مهمان شده . وبواسطهٔ او ازمقصد سیاحتش معلومات حاصل شده است . این ذات از شهر (اوقلاند) که در ولایت (قالیفورنیا) در امریکا میباشد آمده است . مسلمانان روشن خیال عالی دماغی که در شهر اوقلاند اقامت دارند حال فلاکت وظلمت امروزیٔ مسلمانان را در زیر نظر دقت آورده به این فکر افتاده اند که تا بدرجهٔ که از دست شان بیاید در روشنیٔ فکر برادران اسلامیٔ خود مدد رسانی کنند . بنابرین یك جمعیتی بنام (انجمن حمایهٔ اسلام) تشکیل داده اند . وسر کاتب جمعیت مذکوره را که خودجناب (خوشحال خان افغان) است بولایتهای مسلمان نشین وکیل کرده فرستاده اندکه مسلمانانرا بتحصیل علم تشویق بدهد وبرفتن امریکا ترغیب بکند . خوشحال خان میگوید : که برای بیدار شدن وچشم بازکردن مسلمانان لازم است که دیگر مملکتهای ترقی کرده شده را گردش کنند . وازآنها عبرت بگیرند . علی الخصوص ازحیات وکار وصنعت امریکائیان که در تمام دنیا ازهمه کس پیشقدمی کرده اند . ژاپانیها نیز ازامریکائیان درس عبرت گرفته ترقی کردند . بسیار مردمان دنیا ازهرطرف زمین به امریکا آمده علم وصنعت وتوانگری حاصل کردند . این است که مسلمانان امریکا میخواهند که این فکررا بهمهٔ مسلمانان تلقین بکنند . وبرای آسانیٔ مسلمانانی که به امریکا بیایند این جمعیت معاونت ومددکاری را باز کردند . این جهت نظری جمعیت مذکوره است که ذکر گردید وجهت عملیٔ فکر جمعیت مذکوره ازقرار ذیل است :

اولا مسلمانان درهرجا مخصوص برای خود شان جمعیتهای مددکار خوانندگان بازکنند . این جمعیتها بدوصدروبله شاگردانرا به امریکا بفرستند . هرشاگرد به آدرس یعنی بپته ونشان ما می آید ماچون خبرآمدن شاگرد را بتلگراف بگیریم اورا استقبال کرده میگیریم . یگانه کار ووظیفهٔ جمعیت ما این است که آن شاگرد را بمکتب جابجا کنیم . پروگرامها برای او بسازیم کسانیکه مداخل نداشته باشند برای او کار وخدمت پیدا کنیم . وهرگونه مددکاری واعانه به آنها بجا آریم . هرمسلمان توانگری که درشهر (اوقلاند) موجود است مخارج شش نفر شاگرد را بذمه میگیرد . واین شش نفر شاگرد میباید که تاتاری، وایرانی، وافغانی، ومراکوئی باشند.

خوشحال خان مذکور بعد ازانکه یکچندی درپترسبورگ اقامت نموده ازراه باکو وباطوم به افغانستان رفته است وبجای خود یك رفیق دیگر خودرا گذاشته است که هرکس آرزوی رفتن امریکارا داشته باشد باو مخابره کرده میتواند . مکتوبها بهرزبانی که باشد قبول میکنند . لکن اگر بزبان انگلیزی یا عربی یا فارسی باشد زیاده تر مقبولاست .

﴿ سراج الاخبار افغانیه ﴾

ما از آمدن همچنین یک ذاتی به افغانستان تاحال یک معلوماتی نگرفته‌ایم . ولی چون از تشکیل یافتن این چنین یک جمعیت اسلامیه دردنیای جدید شنیدیم . و دران جمعیت نام خوشحال‌خان افغانی خودمانرا دیدیم جداً خوشحال ، ومسرور شدیم .

بزرگیٔ سلطنت افغانستان

همعصر معزز ما اخبار (صدای حق) که در (باکو) ممالک روس بلغت ترکی طبع ونشر میشود بعنوان ما فوق یک مقالهٔ درج نموده که ما بعضی فقرات آنرا ترجمه کرده درج مینمائیم :

نظر دقت عالم اسلام شرق را (افغانستان) روز بروز بخود جلب میکند . یکی از گزت های روس مینویسد : بعضی کسانیکه افزونیٔ اهمیت این سلطنت را به پریشانیٔ دیگر دولتهای مسلمان شرح وتفسیر کرده‌اند درست نیست . بلکه به بزرگ بودن ذات خود این دولت شرح کردن راست تر ودرست تر است . علاوه برین این سلطنت بکمال سرعت روز بروز به تمدن نزدیک شده میرود که این هم یکی از سببها نیست که افزونیٔ توجهٔ مسلمانان رابه آنطرف باعث میشود .

بیست وپنج سی سال پیشتر مسئلهٔ یگانه ساختن واتحاد دادن اقوام وطوایف افغان که ازطرف اعلیحضرت امیرعبدالرحمن‌خان مرحوم آغازشده بود تاوقت جلوس ولیعهد شان امیر حبیب‌الله‌خان حالا بر سریر سلطنت میباشند تمام شده بود . اعلیحضرت امیر حبیب الله خان چون جلوس فرمود تمام وطن خود را متفق ومتحد یافته همهٔ قوه واستعداد خدا داد خود را به تازه گی وزنده گی ، وشوکت افزونیٔ دولت خود صرف کرده بواقعی که به کامیابیهای بزرگ وموفقیتهای حقیقی نایل هم شدند .

اخبار (صدای حق) بعد ازین بیانات مافوق از تفصیلات ترقیات داخلیٔ افغانستان واصول مالیه ، وصنایع وغیره بحث‌ها رانده است کهچون آنها چیز های معلومیست بهمین قدر اکتفا ورزیم .

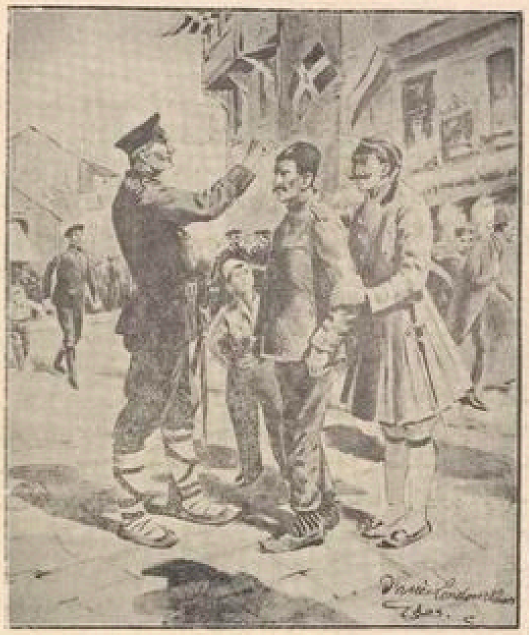

﴿ یک منظرهٔ نفرت آور درسلانیک ﴾

(عسکر یونانی دستهای یک نفر عسکر ترک را از عقب گرفته ، وعسکر بلغاری بسر آن نقش صلیب را میکند . اینواقعه را)
(یک افسر انگلیزی بچشم دیده وفوتوگراف آنرا گرفته . ای دوستداران دین وایمان ! ببینید که صلیب پرستان که بمملکت)
(مسلمانان دست یابند چه میکنند . فاعتبروا یا اولی الابصار)

انجمن نگهبانی خانمها (ی ترک وعثمانی)

(در استانبول)

درین هفته یک بیاننامه ، ویک نظامنامه از طرف یک جمعیت بسیار پر خیر وبرکتی که در استانبول از طرف زنان مردانه همت عثمانی تشکیل یافته به ادارهٔ ماجزائیمه ورود نموده است که ما آن بیاننامه را عیناً ترجمه کرده درج صحایف افتخار خودمیسازیم وچون در آخر بیاننامهٔ مذکوره برای بی‌بی های محترمهٔ اسلامیه ، عموماً در خصوص معاونت و همدردیٔ شان یک فقرهٔ درج شده بود ازانسبب بهٔیت خیر خواهانهٔ اسلامیه درج آنرا ضروری دیدیم تاباشد که بی بی های محترمه وقارئه های مکرمهٔ وطن عزیزما نیز به آن همشیره های اسلامیهٔ درد دیدهٔ دلشکستهٔ خود شان یک مددی برسانند ، و به ایاریٔ لطف و مرحمت خود آتش مصیبتهای پی‌درپی که برخانمان شان از دست و حشیان بالقان وارد آمده اطفا نمایند . وهم برای بی بی های وطن عزیزما نیز یک درس عبرت ، ویک نمونهٔ مثال هم‌شود که همشیره های

عثمانی شان تاچه درجه برای وطن وملت خود شان فکرهای خیر آور منفعت پرور بسر میپروراندند .

« ترجمهٔ بیاننامه »

این همه فلاکتها و مصیبتهای بی نهایتی که بر جنس زنها از قربان شدن شان در میدانهای جنگ برای محافظهٔ دین ووطن وارد گردید مگر کافی نبوده که بسبب بی عرفانی ، و بی صنعتی ، وبی تجارتی ، وبی زراعتی وبی رغبتی به این چیزها ، و فرومایگی دانستن این چیزها اسیر و زبون دشمنان خود گردیده‌ایم . سبب یگانهٔ این فلاکتها واین درمانده گیهای ما همین است که زنها ودختران خود مانرا نخوانانیدیم نداناندیم ، مادرهای دانا وبینا بسر نرسانیدیم معرفت ، تجارت صنعت ، زراعت را بخودمان ، واولاد های مان دوست نساختیم ، واین چیزها را بنظر حقارت دیدیم ، خوانندگی و نویسندگی را برای خود ودختران خود عیب شمردیم . به اولاد های خود حس دین و وطن وملیت را برنینگیختیم . بمال ومتاع و محصولات صنعتکاران ملت خود میل نکردیم . اولاد های خودرا محبت قومیت ووطنیت را نچشانیدیم . اناهای قدیم ماچنان اولادهایی پرورش کردند که در پشتگاه قلعهٔ ویانا — پایتخت اوستریا در کوهستان فاس ومراکو ، در بحرهای هند قهرمانی وشجاعت مسلمانی وترکیت خودرا نشان دادند . وماچون آنچنان اولادها بسر رسانیده نتوانستیم وطن خود را ، دین خود را ، اولوس خود را از فلاکت بفلاکت ، ازمصیبت بمصیبت سردوچار کرده ومیکنیم . واگر ما بر همین حال دوام ورزیم دیگر وقت هیچ شبه نیست که مصیبتهای بزرگتر ازین ما را استقبال خواهد کرد . این است که ما این انجمن را برای این برپا وقایم کردیم که جلوگیری این فلاکتها را بکنیم . ووظیفهٔ زن گری خودرا بجا آریم . دین خودرا وطن خودرا از زیر پاهای دشمن رهایی بدهیم . اولادهای خودرا ناموس ملی خودرا از پنجه‌های مردار دشمن خلاص کنیم . لهذا همه زنان ترک وعثمانی ومسلمانرا درین مسئله دعوت میکنیم که برای مقصد مقدس انجمن ما بصورت خواهرانه . ووطن پرورانه دست یک کرده کوشش ورزند . ودرهر هرجا وهرهر طرف مانند انجمن ما شعبه ها باز کنند . کارهای کردنی انجمن ما عبارت ازین چند چیزاست که در ذیل بیان میشود :

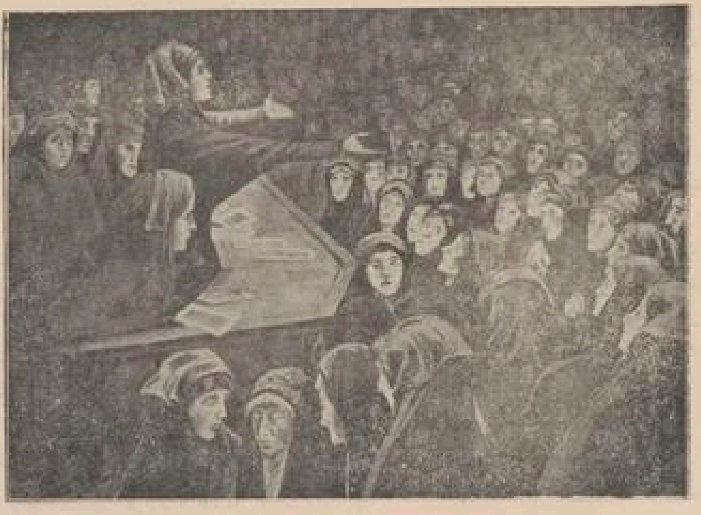

(جمعیت چار هزار خانمهای استانبول)

در دار الفنون

۱ — برای دختران شهیدان ، ومهاجران ، وفقیران ، وبیکسان خودمان که آنهارا بخوانانیم مکتبها باز کردن . ودران تربیه وتعلیم مسلمانی وترکیت را دادن .

۲ — برای این اطفال دختر وامانده ودر مانده برای آموزانیدن صنعتهایی که بزن گری عاید باشد صنایع خانه ها کشادن . وبه اینصورت صنایع خودمانرا ازدست اضطرارهایی دادن . وعایله هایی را که ازبی صنعتی محکوم فقر وسفالت شده اند خلاص کردن .

۳ — اینهارا . وبلکه همه زنان ودختران مسلمان وترک را حس محبت تجارت ، صنعت ، زراعت را دادن .

٤ — درمابین خودمان داد وستد کردن . وامتعه ومحصول

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 700 of 1786

وطنی خودمانرا رواج دادن .

۵ ـ دربارهٔ نظامنامهٔ انجمن خودمان درهرجاشعبه ها کشادن (۱)

ای بی بی صاحبه‌های محترم .

از فضیلت نسوانیه شما ، از صلابت دینیه ونجابت اصلیه شما امید داریم که برای دردهای طاقتفرسای دینی وطنی اولوسی' ما که باهم درانباب همدرد میباشیم چاره ساز بشوید ، وبا انجمن ما سعی و کوشش خود تانرا شریک سازید به جبت شما وجوابشما منتظر هستیم . باقی عرض احترامات خود را بخدمت شما تقدیم میکنیم ای همشیره های محترم ما .

§ این بود بیان نامهٔ « انجمن نگهبانی' خانمهای ترک عثمانی » که به ترجمهٔ آن پرداخته بنظر قارئین وقارئات کرام خود عرض نمودیم ذات معزز ومحترمی که این بیانامه ونظامنامهٔ آنرا برای ما از استانبول ارسال داشته در مکتوب خود این را نیز علاوه کرده مینویسد :

« این محاربهٔ ایتالیا وبالقان از همه زیاده تر موجب بیداری' زنان مسلمان مملکت ما گردید . حسیات مشفقانه از مردان ما بیشتر در زنان رو نمائد . واین انجمن را قایم ساختند . الیوم این انجمن بمعاونت ارباب حمیت محتاج است . برادران افغان ما به تشویقات پادشاه اسلام پناه خود شان به این مصیبتهائی' که بر ما وارد آمد قبل ازین ابراز حمیت فرمودند ، ویک مبلغ خطیری برای اعانه یتیمهای شهدا وزخم پیچ زخمیهای ما فرستادند . وبهاین لطف ومروت خود همهٔ مسلمانان را ممتندار فرمودند . پس اگر دربنبار به این انجمن همشیره های عثمانی شان همشیره های افغانی' شان یک مدد کاری' بکنند چه بعدی خواهد داشت . »

﴿ ترجمهٔ اخبارات انگریزی و اوردو ﴾

در اداره از طرف عبدالهادی و عبدالرحمن ترجمه شده

قسطنطنیه ۲۶ می مطابق ۱۹ جمادی الثانی

در میان افواج ترکی مقیم شتلجه بسبب نارضائی از افسران شان یک تنازع بوقوع آمده است .

نامه نگار اخبار لاجرنل فرانسیسی از قسطنطنیه یک خبر فرستاده که در میان انوربک وفتحی بک یک مناظره بظهور آمده بود خواستند که دوئللو کنند یعنی مسئله را بشمشیر قطع نمایند ولی محمود شوکت پاشا تا اختتام جنگ بلقان آنهارا منع نمود .

[ماشاءالله به این اتحاد ! سراج الاخبار افغانیه]

لندن ۲۶ می

از صوفیه یک خبر برای اخبار تائمز در تار رسیده که ۸۰ هزار فوج بلغاری که قبل ازین مقابل شتلجه افتاده بودند اکنون در صوفیه رسیده اند وحکام فوج تجاوز بی شمار برای یک جنگ ممکن الوقوع مینمایند

سالونیکا ۲۳ می ۱۶ جمادی الثانی

جمعیت بلغاریان بسیار کوشش کردند که در علاقهٔ یونانی داخل شوند ولی یونانیان مانع آمده جنگ آغاز کردند که تاحال جاریست اگرچه یونانیان گلوله باری کردند ولی چونکه کم بود هیچ بلغاری کشته نشد .

روما ۲۵ می ۱۸ جمادی الثانی

وزیر خزانهٔ ایطالیا در مجلس عام گفته است که در خزانه شش ونیم کرور پوند انگلیسی موجود است چهار کرور و ۲۰ لک لیره در اخراجات جنگ طرابلس محسوب وتقریباً دو کرور برای استحکامات قوه بحریه صرف خواهد شد.

جهاز حمیدیه کهاکنون در بحر احمر لنگر انداز مهابت ست عجده وحدیده رفته بود میگویند که « هدرا » نام جهاز جنگی یونان ودو جهاز جنگی دیگر کمی دورتر از پورت سعید منتظر جهاز حمیدیه اند .

اخبار مارننگ پوست می نویسد

لارد کچنر در رپورت سالانه خود اشارهٔ بطرف جنگ بلقان وترکی کرده میگوید کهاگر یک بدانتظامی در فوج ترکی نمیبود در کل دنیا مثل شان بهادر ومحارب پیدا نمیشد .

به مخبر سلطنت عثمانیه خبر رسیده است که درمیان افسرهای سرویا وماتی نیکرو چیزی مناظره واقعشده سخن بجنگ و کارزار کشیده است از طرفین مقتول ومجروح بسیار میدان کار زار را پر ساخته است .

۱۹ می مطابق ۱۲ جمادی الثانی

از خبر های تار های بصره معلوم میشود که اعراب بصره ما تحت غالب بی آزادی میخواهند وبعضی قبایل دیگر هم حامی شان هستند .

اهالی ما تی نیکرو سقو طری را خالی نموده وفوج بحری بین الاقوامی بران قبضه کردند .

اخبار الحق مینویسد کهباخبار (لاترکی) معلوم شده است که یونان به صحابت سفیر جرمنی باب عالی را اطلاع داده که اسرای عثمانی رابان شرط پس می فرستیم که آنها بار دوم شریک کار زار نشوند ودیگر کسانیرا که آنها را نابه‌انجام‌میرساند هیچ تعرض رسانده نشود باب عالی قبول کرده است ودوازده هزار نفر درین اوقات از ترکان خواهند رسید واین ان نفری استند که در سالونیکا گرفتار شده بودند .

احوال کلیفورنیا

کیلی فورنیا یک ریاست ممالک متحده امریکه است و مانند دیگر ریاستهای امریکه پارلیمنت و قوانین علیحده دارد ریاست مذکور خوب زرخیز وبطرف شمال مکسیکو واقع است وسلطنت شان جمهوریت مساحهٔ آن ۱۵۶۰۹۲ مربع میل است و۲۴ لک نفوس دارد وبسیار جاهائی ها دران جازراعت وسکونت وزمین

---

(۱) نظامنامهٔ انجمن شان عبارت از ۲۶ فقره یک نظامنامه ایست که یک نسخه مطبوعهٔ آن نیز برای ما رسیده است .

های خریدگی دارند کلی فورنیا اعلان یك قانون کرده است (مردم غیر دولت که کلی فورنیارا وطن خود قرار نداده باشند و هم آنجا زمین‌های خریدگی دارند حق تصرف وملکیت درانها ندارند) دولت جاپان برقانون کلی فورنیا اعتراض کرده گفته است که هرچیز که درمعاهدات پیشینه نوشته باشد درست است وقانون هذا خلاف عهدنامه پیشینه است باید که فسخ شود واهالی کلی فورنیا برین هیچ گوش نگرفته قانون خویش پاس کردند بنابران جاپان فقره مذکوره را گوشزد ممالك متحده ساخت که این قانون را نسخ نماید ممالك متحده جواب گفتند کما اختیار فسخ و نسخ قوانین ریاستها را نداریم بنابران جاپان باز اعلان کرده که یا تعمیل معاهدات پیشینه کنید ویا از طرف ما فرمان جنگ جاری خواهد شد ازین خبر دهشت اثر امریکا و یوروپ دربحر ظلمات تشویش وتحیر افتاده‌اند دیده شود تا چه شود .

یك تاربرق قسطنطنیه بیان میکند که دوهزار فوج از افواج جاوید پاشا که بیمار وزخمی بودند ازدوتاراه دریا این جانب آمدند این سپاه قریب بود که از گرسنگی بمیرند بلکه درراه ۲۰ نفراز گرسنگی وکمزوری فوت شدند انا لله وانا الیه راجعون .

دول بلقان از سلطنت ترکی ۵۰ کرور روپیه تاوان جنگ میخواهند روس مؤیدان است مگر دیگر دول عظام بسیار کم رقم راضی هستند.

اخبار لاجرنال فرانسیسی می نویسد که از اتحاد برطانیه وجرمن تقسیم دوم ایشیای آغاز شد .

(معاهدهٔ ترکی وبرطانیه)

قسطنطنیه ۱٤ می — بذرایع معتبر اطلاع رسیده است که خلاصه معاهده ترکی وبرطانیه برخلیج فارس اینست که دولت عثمانیه جزیرهٔ کویت را به برطانیه تسلیم می نماید واز بصره تا کویت سرك راه ریل راهم منظور نموده که بصره آخرین استیشن بغداد شود . دراداره از اخبارات مختلفه ترجمه شد

(عبدالهادی)

(خبر فرحت اثر شجاعت مظاهر مجاهدین)

مهابت منظر طرابلس برعسکر ایطالیا وغنیمت نمودن توپها ازغنیم مورخهٔ ۱۹ می — ...

درمقامات سیدی عزیه وراس العین افواج ایطالی برسنگرهای مجاهدین محافظین ناموس‌ودین یعنی عربان ذی تمکین حمله‌شدید نمودند اما غازیان شجاع بکمال استقلال مدافعه ومقابله نموده هفت افسر وهفتاد و دونفر سپاهی ایطالی رااسیر وبیست و نه افسر ودوصدو پنجاه‌نفر سپاهی افواج غنیم را آماج گلوله‌های توپ وتفنگ نموده درمیدان جنگ مجروح ساختند واز مشاهده این حال ومعاینه این احوال ایطالیان هزیمت خورده وتاب مقاومت نیاورده مغلوب شدند حتی عربان شجاع حمله‌های بهادرانه وتهور غضنفرانه نموده برچهار ضرب توپ وباقی جباخانه عدو قابض ودر محاربه فایز شدند وازین نتیجه سنگ یأس وحرمان برشیشه حرص وطمع ایطالیان زده‌شد وازانوجه وآن هزیمت جرنیل راگی که بکمان افسری فوج ایطالی گماشته شده‌بود استعفا نمود وجانشینش جرنیل گریگوری ذمه وار وعهده بردار گردید (اللهم اید مجاهدین الاسلام بنصرتك)

تلفات ونقصانات فوجی بلغاریه

زمیندار

تلفات ونقصانات فوجی خودرا بلغاریه ازقرار اعلان صوفیه چنین اشتهار نموده اظهار مینماید که سی هزار وچهل ویك نفر هلاك وپنجاه وسه هزارو پنجصدنفر مجروح وسه هزارو یکصدو نودوسه نفر مفقودالخبر شده اند لیکن اعلان مذکور محض غلط می نماید زیرا درهیچ محاربه نیست که ازدوازده هزار کم تلفات فوجی بلغاریه نشده باشد چنانچه درمعرکه اخیر بقتل وجرح دوازده هزار نفری فوجی خود خود اقرارمیکند وزیرا که اخبارهای معتبر نقصانیکه در جمیع محاربات برای او واقع شده زیاده از سه لك نفرمیباشد

اتحاد سرویا ویونان برخلاف بلغاریه وباعث ونتیجهٔ آن

یونان وسرویا عهدنامه مخفی برمخالفت بلغاریا نموده‌اند که اگر بلغاریه ازحدود خود اضافه طلبی کند وتجاوز نماید درتدافع آن بمعاونت همدیگر محاربه کنند ویونان از راه بحر عساکر خود قریب سالونیکا رسیده وبلغاریه نیز جمع آوری افواج خود درامر جمع مایحتاج آن نموده جانبین برای حرب آماده وتیار میباشند واگر روس بتعجیل این اختلافات رادفع واین تنازعات رارفع نمود والاحرب شدید فیابین اتحادیین بلقان واقع خواهد شد — وباعث این تنازعات واختلافات قبول نداشتن بعضی شرائط وبه آن‌وجه دستخط نکردن سرویا برصلحنامه است زیرا سرویا میخواهد که یك بندرگاه برساحل بحرادریاتیك واجازه سرك ریل که به البانیه الحاق یابد برای او داده شود واز آمدن یونان برسالونیك وخیال قابض شدنش برحصه جنوبی البانیا وبعضی جزائر بحرایجی ایطالی نیز مشوش شده ونمی خواهد که مانندبندر که سالونیکا درتحت تصرف یونان باشد ودول معظمه نیز اراده دارند که سالونیکارا درتحت تصرف اتحادیان نگذارند ومیخواهند که بندر مذکور را فی‌الحال یك حکومت بلامداخلت غیر ومستقل نمایند وباز برای اینده درتجارت آن خود دول معظمه مداخلت نمایند ودرتحت تصرف خودها بیاورند واگر سرویا رانکار دستخط کردن صلح نامه مصرشد البته برسالونیکا یك آثار حرب شدید نمودار است که واقع خواهد شد وبناءً علیه بلغاریه از دول معظمه درخواست نموده که صلحنامه را جبراً برسرویا دستخط کنند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 702 of 1786

محاربهٔ بلغاریه ویونان

سالونیکا بتاریخ ۲۲ میٔ ...

درمقام والتسا بوقت شام جنك موقوف شد وعلى الصباح بوقت پیشین بتاریخ ۲۳ ماه حال بمقام سمالکن دو کمپنی بلغاری بریك کمپنی یونانی حمله نمودند لیکن مغلوب شدند ودرین محاربات جدید تاحال دوصدو پنجاه نفر یونان مقتول ومجروح شده اند

(خدا شری برانگیزد که خیرما دران باشد)

قرار داد ومعاهدهٔ ترکی وبرطانیه

(تائمز) لندن — خلاصهٔ قرار دادی را که فیابین عثمانی وبرطانیه شده شایع نموده اگر صحیح باشد ظاهر وباهر است که درتجارت بصره وخلیج فارس برای برطانیه کامیابی واضح واقع شده زیرا ترکی قرارداد نموده که درمعاملات وحرکات داخل کویت هیچ مداخلت نخواهد کرد سررشته وحکومت آن ببرطانیه تعلق خواهد داشت ودرحکومت جزیرهٔ تمای القطر ومسقط نزسلطان المعظم دست درازی نخواهد کرد وسررشتهٔ سرك ریل بغداد الی بصره نیز درتحت مناظره یك افسر برطانوی خواهد بود وازهمه بزرگ وبهتر نظم ونسق نمودن شط العرب برای برطانیه براه تجارت خلیج فارس وبصره مدا بکلی صاف نموده وبلا مزاحمت ومدافعت دردریاهای جنوبی عراق عرب جهازرانی کرده می توانند وازین معاهده ترکی سراپا غرق دجلهٔ ندامت خواهد گردید .

شرائط وفرایض انجمن خدام کعبهٔ

۱ — حرمت وعزت حرم محترم رانگاه داشتن وخدمات هرگونهٔ اورا بجا آوردن ومحافظت آن ازشر کفار

۲ ـ برای حاصل نمودن این مقصد تدابیر ودستور العمل ذیل را ملحوظ نظر کرده معمول باید داشت

(الف) لازمیکه جماعهٔ جان نثاران کعبهٔ وحامیان توحید ازصدق دل درخدمت کعبهٔ صرف جان ومال را دریغ ننمایند

(ب) اجرای تبلیغات اسلامی را درهر مقام نمودن ودرهر حصه زمین برای اشاعت کلمهٔ توحید وتلقین دین متین حضرت سید المرسلین صلى الله علیه واله وسلم فرستادن وتقرر نمودن وعاظ

(ج) درهرجا مدرسه های اسلامی ودینی را قایم نمودن ویتیم خانه های اولادیتیم اسلامی را برپاداشتن

(د) ترغیب وتشویق دادن مسلمانان را برای محبت بیت الله شریف وآسان وسهل نمودن ذرایع وصول ورفت وآمد مبارکش رابه سعی وکوشش

(ه) جمیع نفوس عالم اسلامی مردیازن خواه غریب یادولتمند باشند رکن این انجمن شده میتوانند وآنهارا خادم کعبه گفته می شود

(و) ازهرخادم بوقت داخل شدن درانجمن عهدو حلف گرفته می شود تافرایض انجمن وشرائط اورا ازصدق بدرستی اجرا نمایند

(ز) اشخاص وذواتیکه ازجمله خدام کعبه برای خدمتگذاری انجمن زنده گی خودرا وقف نمایند آنهارا شیدایان کعبه گفته می شود وازینها بزرك حلف خاص گرفته می شود وشیدایان کعبه تایکمدت محدود اگرخواهش شان باشد خدمت کرده می توانند وتاهروقت که باشند خرج ونفقه عیالداری شان بذمه خدام کعبه فرض وواجب الاداست .

(ح) برای خدام کعبه لازم است که نشانی را که بران نام خدام کعبه نقش شده وزرد میباشد برجامه خود چسپانیده باشند وبرای شیدایان کعبه عبای سبزی معه نشان که بران نام شیدایان کعبه تحریر یافته لازمیکه همواره بپوشند فقط

(نقل ازاخبار صحیفه مورخهٔ ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ میٔ)

(نقل وحرکت فوجی بلغاریه بسوی مغرب)

مدت دوهفته قبلازین افواج بلغاریه مع جمیع ما یحتاج حرب از ۸ می الی ۱۲ می بسوی غرب به بسیار تعجیل ازسرحد مقدونیه همراه توپخانه عبور ومرور نمودند واز گفتگوی سپاهیان چنانان معلوم می شد که بسوی یونان عزیمت داشتند

(متحدین بلقان تاوان جنگ را ازترکی مطالبه مینمایند)

متحدین بلقان بمصاحبت روس مبلغ هشتونیم کرور روپیه درعوض عزم حربی خود ازترکی مطالبه مینمایند ودول معظمه نیز مطابق خیال روس میگویند کهلازم چیزی تاوان جنگ هم ازترکی گرفته شود واین سخن بربی انصافی وبی پروائیٔ دول معظمه دلالت میکند زیرا بدون این بر ترکی بسیار ظلم شده واین امر ناجائز واستحصال بالجبر است که هرصوبجات یورپی وی ازتحت تصرفش خارج شوند وهم باز تاوان حرب بذمه ورقبه اش انداخته شود اگرچه مبلغ قلیل باشد وتاحال دوارب وبیست وپنج کرور روپیه ترکی مقروض شده وهنوز

(دیت ازکشته میخواهند مرد شست قاتلها)

(سفر بذریعهٔ موترازبمبئی تاکلکته)

ازکلکته خبر رسیده که یك انگریز بسیار شکاری مشهور بذریعه موترکار ازبمبئی تاکلکته که بعد ومسافه ۱۸۳۹ میل است درعرصهٔ ۹۵ ساعت و ۲۵ دقیقه طی وقطع نموده

(اخراجات پل سارا گهات)

درمقام سارا گهات بردریای گنگ یك پل ومعبرجدید مسمی بنام محل مذکور بصرف مبلغ سه کرور ونودو سه هزار روپیه تکمیل یافته

(خبر تاسف اثر جامع سلیم)

درادرنه یك مسجد عظیم الشان که درعصر اعلیحضرت سلطان سلیم ساخته شده بود ویك جامع مبارك ویك آثار عتیق بود وبنام جامع سلیم معروف بود بگرجه متبدل گشت . فاعتبروا .

(یك خیرفیش از امداد مسجد واقع سینت پیترس برگ)

حاجی زین العابدین که یك مسلمان باحمیت ویك وجود بارکت است ودر خیرات مذهبی از حاتم طائی گوی شهرت ربوده مبلغ بیست وهشت هزار روپیه برای صرف بنای مسجد جامعیکه مسلمانان سینت پیترزبرگ بنا نموده اند عنایت ومرحمت فرموده

(تولد پسری بعد از گذشتن ۱۵ ماه در رحم مادر)

درضلع رنگپور زن حامله بعد از انقضای پانزده ماه حمل او پسری بوجود آمد که جمع اعضایش یعنی دست وپا وگوش هایش مطابق قاعده دو دو بودند واما چشم هایش شش بود وزیاده از یکروز زیست ومردم از تطویل این قدر مدت حمل وشش بودن چشمهایش در حیرت بودند وقبل ازین واقعه درضلع پتنه زن یکملاح چار پسر بیهم ومتعاقب زائیده بود لکن بعد اندك مدت هرچهار پسر پی هم لقمه اجل گردیدند .

ظهور یك شهر غرق شده در یونان

بکوزارت بحریه یونان چنین بیان میکند — که لفتنت بکر بولوس وزیر بحر برای بجا آوردن فرض منصبی خود بجانب مشرق جزیره لیوتوس در زیر بحر از ۵ کیلومتر الی ۲۵ کیلومتر یك آثار عهد عتیق بنظرش در خورد که آن یك شهر تباه شده مستغرق بود ودورا دور ومحیطش قریب ۲۰ میل معلوم می شد ووزیر مذکور در تحقیقات آن بسیار بتعجیل و کوشش احکام جاری وصادر نموده —

ملاقات یاور پاشا با شکری پاشا

شکری پاشا در صوفیه اظهار خواهش ملاقات یاور پاشا را نمود که در نومبر گذشته گرفتار شده بود ویاور پاشا را اجازهٔ ملاقات شکری پاشا حاصل شد وملاقات این دو سپه سالار قومی نهایت دلگداز بود ابتداءً بایکدیگر معانقه نموده هر دو زار زار بر حال ومصایب وطن عزیز خود میگریستند وشکر حقتعالی را بجا آورده خاتمهٔ کلام نموده ودر انجام ملاقات از درگاه مجیب الدعوات مدد ویاوری اهالی وطن خود را در خواست نمودند

(یارب دعای خسته دلانرا قبول کن)

[آیا هنوز هم مسلمانان ازین چیز ها عبرت نخواهند گرفت ؟
سراج الاخبار افغانیه]

در اداره از اخبارات مختلفه ترجمه شد (عبدالرحمن)

مرحوم احمد مدحت افندی

سبحان الله ! این مدیر ومحرر عاجز یك مرد افغانی . احمد مدحت افندی یك ترك عثمانی ! از غرب تا بشرق یك مباعدت ، از زبان ترکی تا بزبان افغانی یك مباینت ! نه او مرا دیده نه من اورا ، نه او شخص مرا شناخته نه من شخص اورا ! پس چه شد که از شنیدن خبر وفات او که در استانبول بوقوع آمد ، سرتاپا وجود مرا در کابل بلرزه انداخت ؟ اصلاً باهم اقربا بودیم ؟ نی ! شخصاً باهم آشنا بودیم ؟ نی ! آیا چه بود که خبر فراق ابدیٔ آن ادیب وحکیم محترم مرا انگیزهٔ حسرت والم نمود ؟ اگر رسالهٔ فواید اسالهٔ (شهبال) تصویر آن ادیب حکمت تمثالرا بمن نشان نمیداد ، شکل وشمایل سیمای آن محترم نیز تا باید درنظرم مجهول میماند . حضرت مولانا جامی علیه الرحمه میفرماید :

نه تنها عشق از دیدار خیزد   بسا کین دولت از گفتار خیزد

بلی ! مرا گفتار آن حکمت پژوه مفتون و مجذوب خود ساخته بود . نی نی . بلکه ازبادیهٔ تحیری بشهراه باخبری آثار قلمیهٔ او ارشاد ورهبری نموده بود .

بسن پانزده ، شانزده بودم که بجز بعضی کتابهای نثر ونظم ادبی واخلاقی مروجهٔ فارسیٔ ملك خودمرا دگر هیچ چیزی نخوانده بودم . در بغداد زبان ترکی را بدرجهٔ که عبارت خوانی بتوانم آموختم . ولی از علوم وفنون ادبیه وحکمیهٔ که آن زبان به آن مشحون است بیخبر بودم . غیر ازبعضی کتابهای قرائت وحکایت دیگر آثار فنی . ادبی حکمیٔ آن زبان بامن سخن نمیگفت . در استانبول (خواجهٔ اول) نامیك اثری بدستم آمد . بمجردیکه باز کردم حروفش بامن بسخن زدن آغاز نهاد . هرچه که گفت فهمیدم . هرچه که خواندم هوسم افزونی گرفت . اول نام (احمد مدحت) را نیز از زبان خواجهٔ اول خود شنیدم . زیرا صاحب آن اثر او بود . پس برای من دیگر کاری نماند : یك (طغارق) (۱) سیاحتی بگردن آویخته . واز (چهل مخزن) (۲) انواع زاد وذخیره را در آن اندوخته . به (سودای سعی وعمل) (۳) مانند (حسن ملاح) (٤) در اوروپا یك جولان) (۵) نمودم . (در اوروپا یك ترك) (٦) را ملاقی شدم . مرا به دور وسیر (کائنات) (۷)بصورت بسیار (مفصل) (۸) رهبری نمود .

---

(۱) (طغارجق) نام مجموعهٔ فنی وادبی وحکمیٔ احمد مدحت افندیست که ترجمهٔ (طغارجق) درفارسی یعنی توبره وانبان می آید . (۲) (قرق انبار) نام مجموعهٔ چون گنجینهٔ جواهر حکیم مشارالیه است که معنیٔ (چهل مخزن) را در بر میگیرد . (۳) (سودای سعی وعمل) نیز یك رسالهٔ اقتصادی مشارالیه است . (٤) (حسن ملاح) یك ناول بسیار شیرین ودلچسپی ست که خود حکیم مشارالیه آنرا تحریر وتصنیف نموده . (۵) (اوروپاده برجولان) یعنی در اوروپا یك جولان نام یك سیاحتنامهٔ جسیم خود مشارالیه است که درسنهٔ ۱۳۰۵ بعد ازرخصت از طرف دولت علیهٔ عثمانیه بمجلس کنگرهٔ جمعیت مستشرقین مشهور (استوکهولم) سوئد ناروی رفته وهمهٔ اوروپا را سیاحت کرده وهمه مشهودات علمی وفنیٔ خودرا درقید تحریر آورده است . (٦) (اوروپاده بر ترك) نام ناول بسیار علمی وحکمی است که خود حکیم مشارالیه مصور ومحرر آنست . (۷) (کائنات) دردوازده جلد یك تاریخ عمومیٔ اوروپاست که از تألیفات مشارالیه میباشد . [۸] مفصل تاریخ قرون جدیده] نام تألیف کردهٔ شانست که از آثار بسیار پرحکمت ومعرفت شانست .

والحاصل (تنبك) (۹) وکفی را ترك کرده در (رواج علم ودین) (۱۰) (مدافعه) (۱۱) هم نمود. تا آنکه به (بشار صدق نبوت محمدیه) (۱۲) قلب و روح و جوامع منور، وفیوضات مادی ومعنوی ام رهبر گردید.

احمد مدحت افندی یك وجود مبارکی بودکه بآثار وتألیفات برگزیده ومشهورهٔ خود بملت و وطن و دولت خود خدمات لایعد ولایحصی رسانیده است. قریب بصد جلد کتاب ازقلم این فیلسوف دانشمند برآمده است کما بعضی ازانها را که خودما خوانده وازان استفاده کرده‌ایم ذکر نمودیم. درهر شعبهٔ هرفن آثار نشر نموده است. وهرچه که نوشته معقول ومقبول بوده است. وچنان یك شیوهٔ تحریر واصول تقریری داشت که هرکس به بسیار آسانی از آثارش استفاده میتوانست.

(شهبال) نام رسالهٔ مصوره فوائد مآل در خصوص ترجمهٔ حال حکیم رحمت انتقال چنین مینویسد: «خزینه‌های علم وکمال، مانند خزینه های نقدی ومالی نیست که چون یکبار در خاك مدفون شود باز امید بیرون بر اوردن آن باشد.

«مرحوم احمدمدحت افندی»

آری، بلکه خزائن علم ومعرفت چون یکبار در خاك پنهان شد ازطرف انسانها تاابد به‌بیرون برآمدن محکوم میگردد. چقدر شایان افسوس است کهماقدر وقیمت خزینه هـای خود مارا اکثر بعدازدفن شدن آن میشناسیم. اینست که احمد مدحت افندی ازجمله خزینه‌های بود که هرملتی که مانند آنچنان یك محرری میبود به آن افتخار میکرد. بعدازانکه او را درقعر قبر نهادیم در بهای خسران خود زیاده‌تر یك غفلت بزرگی حس کردیم.»

الحق کاین بیانات رفیق محترمما شهبال بسیار راست است. بلی مرده پرستاند. تاوقتی که زنده باشی همهٔ فضل وکمالت بلا و وبالت میگردد. مظهر حسد حاسدان، هدف سنگ‌ریزی جاهلان میشوی بعدازان که در خاك سیاه پنهان شدی: «هی هی! چه خوب آدم بود.» گفته اظهار آسف وحسرت میکنند.

حکیم مرحوم درسنهٔ ۱۲۶۰ هجری ازیك عائلهٔ مفلس وبی‌نوا انکری در استانبول تولد کرده است باوجودیکه درازمان اسباب تحصیل بسیار ناقص بود محض سعی و غیرت فوق العاده خود به‌تحصیل بسیاری از علوم وزبانها کامیاب آمد. درسنهٔ ۱۲۸۵ بامدحت پاشای مشهور به بغداد رفته‌است. وبازبه استانبول عودت نموده‌سر محرری جریدهٔ عسکریرا در عهده گرفته است. درسنهٔ ۱۲۹۰ که کمال بیك مشهور نفی واخراج گردید، احمدمدحت افندی نیز بجزیرهٔ رودوس منفی شده. درسنهٔ ۱۲۹۳ مظهرعفو پادشاهی‌شده‌پس باستانبول آمده بمدیری اخبار تقویم وقایع ومطبعه عامره مأمور گردیده. درسنهٔ ۱۳۰۰ سر کاتب مجلس قرنتینه، ودرسنه ۱۳۱۲ رئیس آن‌مجلس شده است. بعد ازاعلان مشروطیت خانه نشین گردیده، ولی در دار الفنون عثمانی بمعلمی تاریخ عمومی دوام ورزیده است. وامسال ارتحال دار بقا نموده است. رحمة الله علیه. مابشاگردی معنوی این حکیم ذی فنون افتخار میورزیم، وبر روان پاکش از صمیم دل رحمتها میفرستیم.

---

[۹] [تنبك] یعنی تنبل نام یك رسالهٔ تألیف مشارالیه است. [۱۰] [رواج علم ودین] نام کتاب دیگر علمی مشارالیه است که [دراپر] نام یك حکیم امریکائی دین را باعلم منافی ومنازع ثابت ساخته، وحکیم مشارالیه تصدیق قول او را درمنافی بودن دین نصارا باعلم وفن تصدیق، وبدلائل حکمی وفنی قول خود دراپر را علم وفن با دین مبین اسلام تطبیق داده است. (۱۱) [مدافعه] درسه جلد تألیف مشارالیه است که درردنصارا بهتر وخوبتر ازان هیچ کتابی تألیف نشده است. (۱۲) [بشار صدق نبوت محمدیه] ازتالیفات بسیار عمدهٔ حکیم مشارالیه است که برمنکرین نبوت محمد صلی الله علیه وسلم بچندان دلائل حکمی وعقلی نبوت شانرا ثابت ساخته که اگر اسلام بآن افتخار کنند جادارد.

شهزاده خلیل الله خان!
(فرزند نخستین شهزادهٔ جوانبخت معظم معین السلطنه سردار عنایت الله خان را)
(مدیر و محرر سراج الاخبار افغانیه محمود طرزی با آشنا ساختن شان)
(با کتاب کوشش میورزد.)

«مقالات فنیه»

(فن)

ژه، ولوژی

یعنی
علم طبقات الارض
(مابعد از شماره (۱۸) سال دوم)

بلی حرارت همچنین است! ولی در راه تبدلات، و تغیرات سطح ارض، ابراز مخلوق غریب یعنی خدمتهای نمایان بعمل میآید و درجهٔ اعلای خدمات حرارت را، تالابهای عظیم خشکیده نشان میدهد. مثلاً در بعضی کتب عتیقهٔ قدیمه دیده میشود که در فلان موضع همچنین یک تالاب وسیع عمیق بود. ولی در این وقت همان موضع را یک صحرا و بیابانی مییابیم که اگرچه از قرار دقت علامات تالاب ازانجا معلوم میشود ولی نه از تالاب اثری و نه ازابش ذرهٔ مییابیم. پس معلوم شد که این تالاب خشکیده است.

حرارت اجرای عملیاتش را آنقدر آهسته و متانی اجرا میکند که اصلا محسوس نمیشود. اندازه یک مدت غیر محدودی دیده میشود که یک کولاب بسیار کبیر را مانند بیابان بی آبی خشک گردانیده.

باقی دارد

فاجعه های پاریس

ما بعد از شمارهٔ (۱۸) سال دوم

— (بانک تیمم میزانه) معاونه ازخوابکردن راحت نمیکم نیاوردید پهلوان (ژوزف)؟

— بی خواب نبودم موسیو لوقوت، تنها درین گوشه یک قدری چرت میزدم.

— شما راحت کنید، من رفته موسیو (روبه ربو) را خاطر جمع میکنم.

این آدم که (هانریه ت) اورا (روبر) و خدمتکار اورا (مسیو لوقوت خطاب کرده، در طرف چپ صالون توجه کرده و یکدروازه دو پلهٔ را باز کرده ازیک راهرو کوچک و مزینی داخل اوتاقی گردید که زمین آن باقالیهائیکه از طرف پادشاه فرانس بمسیو دوبهربو تحفه گویا عطا شده بود مفروش بود، و سقف آن بقلم (استاذ دوسونور) نام استادیکه ازمشاهیر نقاشانست تزئین شده بود ازین خانه درگذشته یک صالون کوچکی که لامپه بزرگی روشن و بایک آتش مکمل بخاری آن گرم شده بود داخل گردید. درنزدیک بخاری بریک آرام چوکی بسیار درازی یک پیرمرد باهیبت ووقاری که دریک لباس شب مخمل سرخ ملبس بود دراز افتاده بود.

ضیای شدید لامپه که اززیر کلاه زرک خیره آن برسیمای پیرمرد مذکور افتاده بود موهای چون ابریشم سفید سرش را، وچهرهٔ رنگ پژمردهٔ خیلی مقبولش را بادوجفت بروت سفید بسیار درازش را بنظر جلوه گر مینمود. تنها چشمهای آبی تیره رنگ او، بابروهایش که سیاه مانده بود باچهرهٔ او که سراسر سفید بود یک ضدیت عجیبی تشکیل میداد.

باقی دارد

ادبیات

بوصف حضرت شاعر مستغنی

بجریدهٔ سراج الاخبار افغانیه درج بکنید رجا میکنم

مرحبا حضرت سالار سخن مستغنی
مرحبا بلبل گلزار وطن مستغنی
درجهان چون توشناسای سخن نیست دگر
نتوان وصف تو کردن بسخن مستغنی
چه منقادو مطیع تو بود در گفتار
شاد باش از اثر طبع حسن مستغنی
هست در دولت افغان چه ادیب کامل
کیست آن کیست بگویم بتو من مستغنی
وصفت ای ناظم اعظم نتوانم که کنم
ای سخنهای خوشت در عدن مستغنی
آب ازشرم سخنهای نکویت گوهر
طبع رنگین توشد رشك چمن مستغنی
طوطیٔ چون تو ندارد شکرستان سخن
کی شود مثل توان زاغو زغن مستغنی
ای تو بلبلهای زمن از اثر طبع بلند
همزبان تو نباشد بزمن مستغنی
من عاجز نتوانم که کنم وصف خوشت
گرشود سوده چو کلکم همه تن مستغنی
نتوان وصف تو کفتن زبانی که مراست
چون زبان تو ندارم بدهن مستغنی
سیزده سال بود عمر من امروز یقین
سیزده ساله چه و حرف زدن مستغنی
السلام ای سرو سالار سخن مستغنی
مرحبا بلبل گلزار وطن مستغنی

اسلامبول دربیك اریکی محمد نورالدین افغانی ابن شیخ ولی محمد افغانی

نامواران تاریخ جهان

(ما بعد از شمارهٔ (۱۸) سال دوم)

اروی بنت عبدالمطلب : — خالهٔ حضرت نبیٔ اکرم صلی الله علیه وسلم ، ودختر جدشان حضرت عبدالمطلب است که صاحبهٔ طبعت شعریه یك خاتون بافضیلت عرب است . این چند شعر ذیل ازمرثیه ایست که درحق پدرخود نظم وانشاد کرده اند :

بکت عینی و حق لهابکاء   علی سمح سجیته الحیاء
علی سهل الخلیقة ابطحی   کریم الخیم نیته العلاء
علی الفیاض شیبة ذی المعالی   ابیك الخیر لیس له کفاء
طویل الباع املس شیظمی   اغر کان غرته ضیاء
اقب الکشح اروع ذی فضول   له المجد المقدم و الثناء
ابی الضیم ابلج هبرزی   قدیم المجد لیس له خفاء
و معقل مالك و ربیع فهر   وفاصلها اذا التمس القضاء
وکان هو الفتی کرماً وجودا   وباساحین تنسکب الدماء
اذاهاب الکماة الموت حتی   کأن قلوب اکثرهم هواء
مضی قدما بذی ربد خشیب   علیه حین تبصره البهاء

باقی دارد

علم ثروت ملل

ما بعد از شمارهٔ (۱۸) سال دوم

خدمت سرمایه در بدست آوردن توانگری این است که اجزای اصلیه را — یعنی مصالح هائیکه در اصل اشیای کار آمدی که در صنایع بکار آید ، مانند بنای کار خانه ها ، وآلات وادوات ماشینها وغیره را تدارك کند . ومدار گذران ومعیشت عمله و کاریگران گردد که اصل خدمت سرمایه ومقصد ومدعا ازان همین است . ولی آن پیسه که در راه خوراك ، وپوشاك وفرش ودیگر گونه زینتهای خانه ها صرف وخرج شود ، وبرای بدست آوردن توانگری خرج نشود آن پیسه سرمایه شمرده نمیشود . وپیسه هائی که عموم اهالی ، وصنعت کاران بر معیشت و گذران اخود شان خرج کنند نیز سرمایه گفته نمیشود .

بناءً علیه اگر سر از نو برای حاصل کردن دیگر ثروت استعمال شود ویا ثروت برای آن مقصد حفظ شود سرمایه است ، واگر برای حوائج ضروریه صرف گردد سرمایه نیست .

سرمایه بر دو قسم تقسیم میشود : یکی (سرمایهٔ ثابت) دوم (سرمایهٔ متداول) است . سرمایهٔ متداول آنست که هرانقدر برای حاصل کردن ثروت صرف گردد ازحال سرمایه گی بیرون میراید . یعنی باز بمقام سرمایه درهمان کار استعمال نمیشود که همهٔ مواد اصلیه ازین قبیل است . مثلا چرم که برای ساختن بوت بمقام سرمایه میباشد ، چون یکبار بر بوت صرف شود باز برای بوت ساختن صرف نمیشود . وپاغ که برای ساختن سان سرمایه میباشد ، چون یکبار بر سان سازی صرف گردد ، دو باره بر سان سازی صرف نمیشود .

باقی دارد

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر و سر محرر تحریر یافته

محمود طرزی

در چهاب خانهٔ حروفی دار السلطنه کابل طبع گردید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 707 of 1786

اعلان

از هر دهن سخنی
و از هر چمن سمنی

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه‌را مژده میرسانیم ، وترغیب مینمائیم که ازین گنجینهٔ پراز جواهر آبدار ، وازین گلزار پراز ازهار یک نسخهٔ بدست آورده ازهر دهن سخنی بشنوند ، واز هرچمن سمنی بچینند ،

در

مطبعهٔ عنایت

که بنیاد یافتهٔ همت عرفان قیمت شهزادهٔ جوانبخت معظم حضرت معین السلطنه سردار عنایت‌الله خانست زیور طبع آراسته گردیده ، ودر نفس مطبعهٔ مبارکهٔ مذکوره که در دهٔ افغانان واقعست بقیمت ۲ دوروپیه کابلی از نزد عبدالروف سرمرتب مطبعهٔ عنایت خریداری کرده میتوانند کتاب مذکور در دکان ملا غلام محمد کتاب فروش متصل بمدرسهٔ شاهی ازبزفروش میرسد ،

اعلان

(شرایط اشتراك سراج الاخبار افغانیه)

(سراج‌الاخبار افغانیه) نخستین اخباریست که در مملکت پرفیض وبرکت افغانستان بسایهٔ فیوضات عرفان پروری اعلیحضرت پادشاه مقدس مهربان عالم در دارالسلطنهٔ محروسهٔ کابل به انتشار آغاز نهاده است . مقصد ومسلك این نامهٔ گرامی بیداری وآگاهیٔ اهل وطن مقدس‌ماست براحوال عالم . وحب دولت و وطن . وتوجه بسوی علم وفن . دینی . سیاسی . ادبی . اجتماعی . یعنی یك اخبار فواید نثاریست که در صفحه های معدود . فواید غیر محدودی مندرج دارد .

(سراج‌الاخبار افغانیه) از هموطنان عزیز خود چشم امید آنرا دارد که چون این اخبار یگانه اخبار وطن عزیز مقدس شان شمرده میشود میباید که یك توجه خاص ویك هوس مطالعهٔ بااخلاصی بسوی او عطف نمایند . اداره درباب اشتراك مشترکین کرام بنهایت‌درجه ارزانی وآسانی را مرعیداشته . وبرای خوبیٔ مضامین مندرجه وخوبی کاغذ وحسن طبع ودرج تصاویر فدا کاریهای بسیاری بکار برده . وتجارت را اکثر منظور داشته است دربنوقت درماه دو بار یعنی درغره وپانزدهم هرماه نشر میشود وامیدوار است که در آینده هفته وار بشود . واین هم به همت دانشوران معزز هموطن منوط است زیرا هرانقدر که تعداد مشترکین کرام . ورغبت خوانندگان عظام بیفزاید . البته درترقی اونیز خواهد فزود . قواعد اشتراك از قرار ذیلست :

در دارالسلطنهٔ کابل قیمت یکساله اشتراك آن ۸ هشت روپیه کابلی — ششماههٔ آن ۵ پنج روپیه کابلی . در ولایات داخله دولت علیهٔ افغانستان یکساله ۱۴ چارده روپیه کابلی — ششماههٔ آن ۸ هشت روپیه کابلی . درممالك خارجه چون هند وایران وترکستان روسی وممالك عثمانی واوروپا یکساله ۱۰ ده روپیهٔ انگلیزی — ششماهه ۶ روپیه انگلیزی .

(اسامی وکلای ما درخارج)

درپشاور جناب میرزا غلام حیدر خان سررشته دار داگکانهٔ دولت علیهٔ افغانستان . در مشهد جناب عبدالله خان کاردار تجارت دولت علیهٔ افغانستان . دربخارا جناب حاجی غلام نبی خان‌ماموور فروش پوست قره قل . ذوات گرامی که درممالك خارج افغانستان آرزوی اشتراك اخبار مارا داشته باشند بهر یك ازین وکلای ما چون وجه یکساله یاششماههٔ اشتراك را بفرستند واز طرف وکیل‌ما به اداره اطلاع برسد از همانوقت اخبارما بهمان آدرس وعنوانی که داده باشند جاری میگردد . آدرس وعنوان واضح وروشن نوشته شود . یك طلای پوند انگلیزی ۱۵ پانزده روپیه کلدار است .

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

شماره ۲۰ سال دوم

فهرست مندرجات

صنایع	صنایع وافغانستان — ماشین خانه — مکافات — ترفیع منصب — نقل فرمان مبارک همایونی
حوادث داخلیه	مکتوب — تشکر نامه
حوادث خارجیه	خوشحال‌خان افغان — ترجمهٔ اخبارات اردو وانگریزی — محاربه یونان و بلغاریا — حالت یوروپ مخدوش است — تکذیب یک خبر — در صربه آرامیست — بلغاریا و سالونیکا — بلغاریا و یونان — تقریر وزیر فرانس — اتحاد برخلاف بلغاریا — فسخ اراده بلغاریا — تأثیر تسخیر ادریانوپل — اتوز ۲۹ می — فرانس وروم — نقصان بلغاریا در ادریانوپل — جهاز حمیدیه — خبر یک محاربهٔ غلبهٔ مجاهدین طرابلس بر عسکر ایطالی — ترکی تاوان جنگ را نخواهد داد — حالت موجوده ایطالی در طرابلس — حالت خسته و آشفتهٔ خلیج فارس — حالات متحدین فی بین خود شان — نوید صلح و امید حرب — اتفاق آرای ترکی و بلغاری در یکفقره معاهده — انسداد و امتناع تجارت افیون هندی و احتراز از خوردن آن در چین — لندن ۲۷ می — یونان و اتفاق ثلاثه — تجارت و محصول سرحدی افغانستان متعلق بر حدچمن و قندهار — بعد ازین بلغاریه در جمیع واقعات معاونت ترکی را خواهد کرد — ایجاد جدید و اختراع عجیب یعنی توپ کاغذی — الزام جاسوسی برایک افسر جاپانی — لندن ۲۸ می صحت شهنشاه جاپان — پیغام دختر شهزاده مصطفی پاشا .
مقاله مخصوصه	خواب در تاریکی
مقالات فنیه	ما بعد از شمارهٔ ۱۹ — فن ژه ئولوژی — یعنی طبقات الارض
ادبیات	غزل میرزا شیراحمد مخلص
ناموران زنان جهان	
علم ثروت ملل	
فاجعه های پاریس	
تصاویر	دریای پغمان از منظرهای لطیفهٔ کابل — یک لوحهٔ عبرت آمیز که یادری بلغاری عسکر را برضد هلال واعتلای صلیب تشویق میکند — پل گذرگاه و دیوار باغ بابر پادشاه در مدخل چهاردهی کابل .
مسابقهٔ فوتوگراف	

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 710 of 1786

سیاحت بدورادور کرهٔ زمین

﴿ بهشتاد روز ﴾

کتاب اول یعنی افسانهٔ طرز جدید بسیار شیرینست که هم افسانه میشنواند ، وهم علم می آموزاند در دکان ملا غلام محمد تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی بایشتی جای قیمت (۲) دو روپیهٔ کابلی بفروش میرسد کتاب مذکور در نفس مطبعه عنایت دردهٔ افغانان نیز بفروش میرسد .

(کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه)

(باجلد اعلا)

ودو کتابچهٔ (علم واسلامیت) و (آیا چه باید کرد ؟)

(باجلد اعلا)

در اداره موجوداست . آرزو کنندگان خریداری کرده میتوانند
قیمت همه (۲۵) بیست وپنج روپیه کابلی

اعلان

کتابهای فارسی — انگریزی — اردو — وگورمکی — بهاشا
وغیره برای تعلیم اشتقاق بفروش میرسد .
المشتهر
(بالکرشن داس سرمدرس مدرسهٔ اهل هنود نمبر ۲)
درشور بازار کابل

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، ویا دیگر هر قسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تابه پنج بار نشر وشایع شود برسر هر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر یک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه دربین ورق وقایه درج شود از یکبار تابه پنج بار فی سطر یک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطر یک ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
با مصارف ڈاک ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مصارف ڈاک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخه آن در کابل یکعباسی است

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

ادارهٔ خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ کابل
همهٔ امورات تحریریه به اداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ عربی یکم شعبان سنه ۱۳۳۱ تاریخ انگریزی ۶ جولائی تاریخ شمسی ۱۵ سرطان ۱۳۹۲

در این اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

(دره ی پغمان)

از منظره های لطیفهٔ کابل

« صنایع »

یکی از اسما ، حسنای جلیلهٔ خالق یگانهٔ بیهمتا جل‌علا اسم جلیل (صانع) است . پاکیست آن صانع قدیم حکیم‌را که بحکمت بالغهٔ ذات جلیل بی‌مانند خویش کارگاه ماشین‌خانهٔ کائنات بیحدونهایت‌را بچه گونه حسن خلقت وچه درجه اتقان صنعت تخلیق وتکوین فرموده ! عظمت وتوانائیست آن خالق بدیع السموات والارض‌را که اینهمه اجرام لایعد ولایحصی‌را درجوفضای بی‌انتها بر چنان دوایر عظیمه ومحرکهای جسیمه ومحورهای بدیعهٔ شان بدور وسیرسریع السیری درآورده که عقلها دربیش آن دور وسرعت وابعاد وعظمت سر گردان بادیهٔ حیرت میماند !

در کائنات نظر میکنم هیچ چیزرا عاطل وبیکاره نمی‌یابم آسمان در گردش آفتاب در تابش ، ابر در بارش ، زمین در پرورش ، جویبار در روانی ، بحر در موج افشانی ، کوه در سنگ غلطانی ، انسان در سرگردانی !

کائنات یک ماشین غیر محدودیست که صنع صانع قدیم علیم موجد حقیقی وطبیعت تام مخلوق بدیع حضرت سمیع حکیم ، ومهندسی وانجنیری آن مأموراست . یک کار کاهی از کار کاههای بیحدو بیشمار این ماشین خانه بدایع آثار (عالم شمس) است که خورشید شعشعه نثار دیک انجن بخار آنست ، وسیارات دور کنندهٔ اطراف آن هر کدام بیکیک دائرهٔ عظیمهٔ ماشینیست که از ابتدای ایجادش تا حال بلکه تا ابابد از دور وحرکت باز نیامده‌است . از جملهٔ آن دوایر ماشینها یکی ماشینخانهٔ سیارهٔ کرهٔ (زمین) است که مهندسیٔ این ماشین ، واعمار این زمین دانشین‌را حضرت مدبر اعظم واقدس کائنات طبیعتاً بعهدهٔ نوع شریف انسان که اورا مظهر اسم جلیل صانعیت ذات اقدسش گردانیده حواله فرموده است .

چنانچه افتاب جهانتاب بشعاعات زرین طناب خویش برعالم مرکزی خود دلشترا انوار حیات میبخشد وخدمت دیگ بخار انجن (عالم شمسی) را انجام میآرد ، همچنان صنایع ماشینخانهٔ دماغ بشر کرهٔ زمین را احیا ، وخدمت آبادی وزنده گیٔ کره‌را امر فرخنده کی مارا ایفا مینماید .

صنایع چنان یک جوهر تابندهٔ درخشندهٔ رخشانیست که جهان ومکان وزمان را منور میسازد . وچنان قوت عظیمهٔ مهیبه‌ایست که بسی قوای طبیعیهٔ جسیمه را مطیع ومنقاد مینماید . اگر موجد واجب الوجود جل وعلا محفظهٔ ماشین دماغ انسان ضعیف عجز بیچاره‌را بفکر ایجاد صنایع مظهر عواطف ذات الوهیت خود نمیفرمود ، آیا ناخن شش هفت سوت کوچک او یا ناخن‌های یک انچه ودو انچه‌شیر وپلنگ ، ویا دندانهای گرگ ، و کفتار ، ویا شاخهای گاو دشتی ، و کرگدن ویاخرطوم بقوت موسوم فیل چه میتوانست بکند ؟ آیا باموجهای کوه تمای بحرها ، یا بعد های مسافه صحراها وقطعه‌های واسعهٔ ازهم جدا مجز عجز لنگیٔ باچه کاری از پیش برده میتوانست ؟ علی الخصوص از شر کین وحرص وطمع وبغض وعداوت همجنسان خود که مدهشترین فلاکتها ومصیبتهای بشریست خودرا بچه چیز مدافعه میکرد ؟

بلی ، بلی ! فکر ایجاد ، وقوت صنایع که حضرت صانع سمیع علیم جل جلاله انسانرا عطا فرموده آنرا سبب یگانهٔ زنده گانی اش ساخته ، وبه آن قوت مسکن او را که کرهٔ ارض است آباد ساخته ، وبر جمیع حیواناتش مسلط وحاکم نموده ، وبر وبحر را به او مطیع ومنقاد داشته !

صنایع جمع صنعت است وصنعت پیشه وریست ، انسانها وملکهایی که از صنایع محروم مانده اند ، مانند زمینهائیست که از تابش آفتاب محروم است ، وهیچ نشو ونمائی درو نیست ، انسانها وملکهایی که صنایع وفکر ایجاد واختراع را مالک شده مستغرق بنور وحیات است ، متلذذ به لذائذ مدنیت صنائست ، مستفید از همه جهات است ، مستفیض از جمله نعمات است .

ذات اقدس ذو الجلال بی زوال ، نعمت عظیمهٔ صنایع‌را برهمه افراد بنی نوع انسان بصورت مبذول ورایگان عطا واحسان فرموده ، حتی مردم بدوی ووحشی را نیز سراسر ازین نعمت محروم نگذاشته ، زیرا حرمان ازان حرمان از حیاتست ، از یک کدؤ که با آن آب بنوشد ، ایک خیمه وخرقهٔ که به آن مدافعهٔ حر وبرد را نماید ، یک خنجر وفلاخنی که آنرا برای سد رمق وحافظ جان استعمال کند هیچ قومی ازاقوام بشر محروم نیست . اما آن قسم نوع بشر که بهمینقدر صنایع اکتفا ورزیده درپیٔ افزونیٔ صنایع نگردیده اند آنها از مظهر شدن به اسم جلیل صانع چشم پوشی وابا ورزیده محروم نعمای بی‌پایان خالق اکوان گردیده اند ، ودر گروهٔ تنبل و کاهل مانده ازحیات انسانی ، وحسن معیشت وزند گانی ، ومصنوعات بی پایان آلهی هیچ استفادهٔ نکرده اند ، حتی به اظهار بدایع وصنایع که در زیر اسم جلیل صانع مضمر ومستتر استنیز هیچ خدمتی ابراز نموده اند .

بیاد دارم : که فونوگراف در سنه ۱۳۱۳ در بازارهای شهر دمشق شام نو رونق افروز سامعه نوازی شده بود . دراوقت ماشینهای کوچک فونوگراف کلوله‌های داری داشت ، وشنونده آنرا در گوش میگرفت وصوت رامیشنید ببازار آمده بود یکی ازین فونوگرافها را بادو سوزنی که یکی برای گرفتن صدا ویکی برای شنوانیدن صداداشت خریده بخانه بردم . درهمانروز بوقت صبح والد مرحوم حضرت (طرزی صاحب) یک غزل جدیدی درشب گذشته انشاد نموده بودند ودروقت چای نوشی صبح برین بندهٔ عاجز خواندند که این دو فرد ازان غزل بخاطرمانده‌است :

تصویر یارصورت اندیشهٔ منست
صورت کشیٔ نقشهٔ او پیشهٔ منست

زان یاد غیر میرمد ازنقش صورتم
برشیر سرخ داغ غمش بیشهٔ منست

همان شب این محرر عاجز همین غزل‌را که عبارت از هشت نه بیت بود بصورت بسیار فصیح وواضح درفونوگراف خوانده ودر استوانهٔ آن ضبط نمودم ، وتابه نیم شب به آن مشغول بودم تاآنکه حضرت طرزی بقرار عادت دایمی که داشتند درنیم شب ازاوتاق خود برامده، ودرلب حوض حولی سراوضو گرفته مصمم رفتن جامع نورلامع حضرت یحیی علی نبینا وعلیه السلام گردیدند. بنده ازاوتاق تابستانی خود که آنرا (قاعه) میگویند برامده عرض کردم که یك اختراع جدید بسیار عجیب عصر حاضررا امروز گرفته‌ام . هرگاه ازروی ملاحظهٔ ارادتانه باشند بقدر پنج دقیقه باوتاق بنده تشریف بیاورند .

تشریف آوردند، فونوگراف را کوك کرده وسمع دارای آنحضرت مرحوم مشار علیه بگوش کرده غزل انشادفرموده گی صبح خود شانرا مفسر وموضح اززبان یك جسم بیجان چون صورت انسان استماع فرمودند . بعد ازلحظهٔ تفکر بنده‌را خطاب نموده چنین فرمودند :

«فرزند ! مخترعان این عصر وزمان خدمتگاران اسم جلیل (صانع) میباشند . خالق وصانع چوب وآهن وجمیع جمادات ونباتات وحیوانات آفریدگار یگانه است . چوب در جنگل بود ، آهن درقعر زمین ، رابر درنبات پنهان بود شیشه درسنگ جلوه نشین ! مخترع پیشه‌ور ، همه‌را جمع نموده یك آلهٔ بوجود آورد که آن آله بزبان فصیح تکلم میکند ومیگوید : اگرشما مارا جامد میدیدید ، وصامت میداشتید . به بینید که حضرت صانع حی قدیم حکیم درماقوهٔ حیات وگویائی‌را مستتر داشته بود . پس این پرده‌را ازروی کار که برداشت ؟ واین اسرار مصنوعات صانع حقیقی‌را اظهار که نمود ؟ مخترع پیشه‌ور ! لهذا مخترعان وپیشه‌وران این عصر وزمان‌را اگر خدمتگاران اسم جلیل صانع حقیقی بگوئیم هیچ مبالغه نخواهد بود ! ...»

والحاصل صنایع واختراعات است که بشریت‌را مظهر افضلیت واکملیت نموده و حکم بالغه و مصنوعات بدیعهٔ خلاق اعظم جل وعلارا ازپس پرده‌های خفا آشکار وبرملا میگرداند .

(صنایع وافغانستان)

دروطن مقدس ما افغانستان چنانچه همه آثار مدنیت وجمله ابواب خیر وسعادت درعصر ترقی حصر اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه حقایق آگاه عدالت آئین ما روی کار آمده صنایع وپیشه وری نیزیك شعشعهٔ بسیار درخشانی بهتر انوار ضیاتار آغاز نهاده است .

اقدامات وتشبثاتی که این پادشاه مراحم همراه مقدس مادرباب ترویج صنایع ، و تشویق صنعتکاران وپیشه وران فرموده ومیفرمایند حقیقتاً که هرانسان وطن دوست دولتخواه رامستغرق دریای مسرت وامتنان مینماید . ذات اعلیحضرت همایونی ازایام شهزادگی‌شان توجهات جهاندرجات شاهانه‌را درامور صنایعهٔ دولت خداداد قدسیت بنیاد ملوکانهٔ شان معطوف فرموده فابریك یعنی ماشینخانهٔ بزرگ دارالسلطنهٔ کابل ازفیوضات برکات انظار اعلیحضرت همایونی بچنان یك درجهٔ ترقی وشکوه وعظمت انبوهی رسیده که همه گونه صنایع رزم وبزم وجزوی وکلی مایحتاج دولتی ازآن بظهور میآید .

صنایع درافغانستان در زمانه‌های سابق خیلی کم نشوونما بود حالآنکه مردم افغان یك استعداد وقابلیت فطری خداداد در خصوص کسب هنر و معرفت دارند . ولی چون مانند ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین یك مربی مرحمت پروری ، ویك حامی روشنگر ایشانرا نصیب نشده بود همچنان درحجاب زنك مانده بودند . وچون پادشاه عرفان پناه معظم مقدس محبوب القلوب مادرباب آبادی ملك ، وصنعتگری وعرفان پروری همت جهان قیمت همایونی‌را صرف فرمودند جوهرهاروشن وعیان گردید .

◆ ماشینخانه ◆

(وتشریف آوری ذات اعلیحضرت پادشاهی)

درخصوص ماشینخانهٔ دارالسلطنهٔ کابل سراج الاخبار افغانیه دریکی ازشمارهٔ های سنهٔ گذشته تفصیلات مکملهٔ عطا نموده بود ، واز مصنوعات ومعمولات آن نیز بتفصیل بحث رانده بودیم . لهذا در ینوقت از تفصیلات زیاد آن صرف نظر نموده ازیك مرحمت وعاطفت عالی‌العال اعلیحضرت پادشاهی که درحق ماشینخانه ، وخدمتگاران واهل صنعت وحرفت دارند یك نبذهٔ بیان میکنیم .

چندی پیش ازین بموجب ارادهٔ سنیهٔ پادشاهی درقصر سعادت احتوای (شهرآرا) یك اکسپوزیشن یعنی نمایشگاهی برای آثار صناعیهٔ ماشینخانه برپا گردیده ازنمونهٔ هرقسم کارها وصنعتهای که درظرف یکسال بوجود آمده بود درانجا دریك دایرهٔ بسیار واسعی به‌ترتیب وانتظام تمامی چیده وحاضر ساخته بودند .

آثار صناعیه که درین اکسپوزیشن بمعرض عرض رسیده بود اولاعبارت ازاسلحهٔ ناریه مانند نمونه های طوپهای صحرا ، وطوپهای جبل وطوپهای ماشینکن یعنی مترالیوز ، وچند رقم تفنك وازاسلحهٔ جارحه مانند کریچ ، وتیغ ، وحربه ، ورنجه وغیره ، وازنوع جبه‌خانه مانند اقسام باروتها وگلوله‌های بومب ، وردون فیوز ، وکار طوپهای هرقسم وغیره بود که بینندگانرا انگشت بدندان ساخت ، ورونق وزینت ومتانت آن حیران میساخت . وچون دیده میشد که همهٔ آنها ساخت خود وطن ، وبچیره دستی کارگران خودوطن بظهور آمده هرفرد وطن دوست‌را بی‌اختیار بدعای اعلیحضرت پادشاه وطن پرور ترقی گستر رطب اللسان مینمود .

غیر ازین اسلحهٔ مدافعه که حیات وطن به آن منوط است بس اشیاو آلات وادوات کار آمد عسکری وملکی مانندزین، وموزه وبوت، واقسام اونیفورم یعنی دریشهای عسکری وافسری وکلاه وکمربند وخیمه واسباب اصطبلها وغیره بود که بسیار بهتر ومفید تر از چیزهایی که ازخارج آورده شده بود بنظر برمیخورد. ازقسم مفروشات، واشیای مطبخ، وزینت خانهها وغیره نیز بس چیزهای نفیسی موجود بود که تفصیل آنها موجب تطویل کلام میشود.

درروز دوشنبه یازدهم ماه رجب ذات اعلیحضرت همایونی درقصر فرخندگی حصری که متصل ماشینخانه یک حسن وزینت مقبولی میباشد تشریف سعادت ردیف شاهانه‌را ارزانی فرمودند.

« مکافات »

مکافات، یعنی سزای عمل نیک. مجازات، یعنی جزای عمل بد درهمه چیز، علی الخصوص درامور پیشرفت صنایع دوشهپر پرواز اوج ترقی شمرده میشود که اگراین دوچیز نباشد هیچ ترقی درهیچ چیزی دیده نمیشود. لهذاذات اعلیحضرت پادشاه دل آگاه مقدس ما در روزی که درنمایشگاه شهرآرا که قبل ازین مذکور گردید تشریف فرمای عز واجلال شده بودند کارهای اسلحه سازی ماشین خانه زیاده‌تر جلب انظار مراحم نثار همایونی شاهانهٔ شانرا نموده امرفرموده بودند که فهرست نام‌نویسی صنعتگرانی که درین کار مشغولند بامقدار تنخواه شان بحضور همایونی آورده شود. لهذا در روز مذکور مقدار تنخواه ونام نویسی نفری مذکور ازطرف جناب برگد (محمدسرورخان) سرافسر ماشین خانه‌های دارالسلطنه کابل بحضور همایونی عرض شد.

ذات اعلیحضرت پادشاهی همه صنوف طوپ سازان وتفنگسازان را درمواجههٔ برندهٔ قصر سعادت حصر بحاضر ساختن فرمان داده همه‌شان صف بستهٔ تعظیم واحترام گردیدند. وذات اعلیحضرت همایونی دربرندهٔ قصر برامده، صنعتگران موصی الیهم راکه یک جم غفیری بودند خطاباً فرمودند:

« چون شما در کار وخدمت خودسعی و کوشش نموده اید که امروز ازفضل الهی کارهای شما ازقرار سابق بسیار خوبتر وبهترشده ومنظور حضور شاهانهٔ ما گردیده لهذا ازقرار لیاقت شما که برگد کارخانجات بحضور عرض نموده افزونی تنخواه شمارا منظور نمودیم ».

کارگران وصنعتگران موصی الیهم ازشنیدن این الفاظات مراحم آیات ذات اعلیحضرت حامی مقدس معظم شان بدعاهای صمیمانهٔ طول عمر وبقای اعلیحضرت پادشاهی رطب اللسان گردیدند. وصداهای (زنده باد پادشاه مقدس ما) گفته فریادهای مسرت وفرحت شانرا به فلک دوار رسانیدند.

مبلغ دوهزار روپیه بر تنخواه صنف تفنگسازان و پنجصد روپیه بر تنخواه صنف توپ سازان ضم وعلاوه گردید که به این مکافات یک ذوق وسرور مسرت آیاتی همه صنعتگران ماشین خانه را استیلا نمود.

§

ترفیع منصب

از انجاکه مراحم وعواطف اعلیحضرت پادشاه بنده پرور وشهریار شفقت گستر مقدس ما برجمیع خدمتگاران صادق دولت شان مبذول بوده است، وراستی ودرستکاری وصداقت، وحسن خدمت چاکران آستان شاهانهٔ شان بی مکافات نماند بعد ازانکه مراحم شاهانه درباب ضم وعلاوهٔ تنخواه صنعتکاران ماشین خانه‌ها یکان گردید برگد کارخانجات جناب (محمدسرور خان) که ازبسیار سالها بخدمت سرافسری همه فابریکها وماشین خانه‌های دولتی سرافراز بود، ودرین قدر مدت در وظایف محوله‌اش بجزصداقت، وسعی وغیرت جانفشانانه دیگر چیزی دیده نشده بود. ودائما درفریضهٔ منصبی خود برحسن رضای اعلیحضرت همایونی تطبیق حرکت نموده، وبحسن سلوک صادقانهٔ خود همیشه باستحصال رضای ولینعمت مقدس اعظم خود موفق وکامیاب آمده بود ازاینرو منصب ورتبهٔ شانرا ازبرگدی به جرنیلی ترفیع فرمودند.

ذات اعلیحضرت پادشاه مقدس ما یک قطعه امرنامهٔ شاهانه‌را بدستخط آفتاب نمط همایونی تحریر فرمودند وبدست عالیجاه (محمدسلیمانخان) ایشیک آقاسی نظامی حضور مبارک عطافرمودند. ایشیک آقاسی صاحب فرمان مبارک‌را زیارت کرده وحسب الارشاد همایونی بجناب میرزا عبدالرشید خان منشی حضور مبارک دادند که علناً قرائت نماید. نقل فرمان همایونی‌را عیناً درج مینمائیم:

(نقل فرمان مبارک همایونی)

امین نظام ودوم دفتری نظام‌را واضح باد:

چونکه ازحسن خدمتگاری محمدسرورخان برگد کارخانجات رضامندم، هستم چنانچه خدمت او ظاهر است لهذا ازتاریخ امروز اورابمنصب جرنیل کارخانجات سرفراز نمودم جای نشست او بدربار سلامخانه بعد ازجرنیل حضور وجرنیل اردل خواهد بود سیاههٔ تنخواه اورا نیز حاضر دارید باز آنچه لازم بود امر کرده خواهد شد بقرار فرمان علیحده فقط

امضا

فی یوم دوشنبه ۱۱ ماه رجب ۱۳۳۱ سراج الملة والدین

سراج الاخبار افغانیه بدرج کردن اینگونه مراحم پر مکارم اعلیحضرت پادشاه مقدس محبوب القلوب خود افتخار مینماید وبه این صنایع پروری، وترقی پروریهای ملوکانه عرض تشکرات بی‌پایان نموده، دعای دوام ترقی و اعتلای دولت مقدسهٔ متبوعهٔ خودرا وردزبان

عبودیت میسازد، ونیز جناب جرنیل را باین نیل عواطف همایونی که حسن خدمت وصداقتش کلمهٔ مقدسهٔ رضامندی شاهانه را کهازهمه رتبه‌هاومنصبهای جهان افزونتر وعالیقدرتر است دربارهٔ او بقلم عواطف رقم همایونی آورده ازصمیم دل تبریک میگوید، ودربارهٔ خود وجمیع خدمتگاران دولت صداقت، وراستی، وحسن خدمت ودرستکاری را ازدرگاه احدیت نیاز میکند.

حوادث داخلیه

(مکتوب)

عالیجاه عزت همراه محمود بیک خان مدیر و سر محرر سراج الاخبار افغانیه را همواره صحیح الوجود میخواهیم و زبان ستایش بر الطافهای پادشاه بزرگ معظم مقدس خویش کشاده میکونیم — ازآنجاکه مرحمتهای جنتهای خسروانهٔ پدرانهٔ پادشاه معظم مقدس اشفق بزرگ بسیار مهربان خودمارا که ذات مراحم صفات جهاندرجات اعلیحضرت سراج الملة والدین است ما اهالی خدام کارخانه‌جات دولت مستقلهٔ خداداد افغانستان درحق خودها ازحد وحصر بیرون می‌بینیم — لهذا شکر این نعمت برماواجب ولازم میگردد — اگرچه ادای شکر آنرا کما بجا آورده نتوانیم بازهم یك تشکر نامهٔ عاجزانهٔ تحریر نموده خدمت شما فرستادیم ورجامیکنیم کهدرج صحایف اخبار معالی بار سراج الاخبار افغانیه میدارید — زیاده بجز دعای دوام بقای عمر وجاه اعلیحضرت همایونی پدر تاجدار اهالی چه زبان آریم فقط

(تشکر نامه خدام اهالی کار خانه جات)

چون حضرت حق تعالی جل شانه — ظهور جمال وکمال صفات اسمای ذات اقدس امجد بیهمتای خویش را برمملکت وملت افغان وافغانیان درنمایش آورده عنان اختیار مارا بکف کفایت اقتدار پادشاه ترقیخواه دانای کار آگاه بزرگ اشفق رحم آور بسیار مهربان ماوا گذاشت که ذات مراحم صفات جهاندرجات اعلیحضرت (سراج الملة والدین است) ذات ابوالحسناتش هرآن پروری دلهای اهالی میکند — وفیضان مرحمتش فؤاد اهالی خدام را تازه وشادان می سازد شکران نعمت را چه سان بجا آریم که ذات جهاندرجات — اعلیحضرت همایونی از مرحمتهای خسروانهٔ که درحق خدام کارخانه جات دارند هیچ گاهی ما خدمتگاران را از خاطر عاطر مبارك شاهانه شان فراموش نکرده شفقت پدرانهٔ مراحم کارانه را دریغ نمودند — چنانچه دریوم دوشنبه ۱۱ رجب سنه ۱۳۳۱ بقدوم میمنت لزوم — ما اهالی کارخانه‌جات را سرافراز ساختند پس مرحمتهای خسروانهٔ ترحمانهٔ پادشاهانهٔ خودرا نیز بذل واحسان نمودند که زیادت تنخواه ما خدام کار خانه جات را مسرور ساختند ورتبهٔ جلیلهٔ جرنیلی کارخانه‌جات بافسرکلان ما که (جناب عالیجاه محمد سرورخان جرنیل کار خانه جات) است بارضانامه وتصدیق حسن خدمتگذاری او بدستخط مبارك رقم عنایت نمودند الحق که ماشکر این دونعمت که یکی زیادت تنخواه ودیگر رتبهٔ جلیله جرنیل کارخانه‌جات ورضانامه‌را که بافسر کلان ما احسان نمودند هزاران هزار شکرو ثنا بجای آریم وعلاوه بران تشکر میداریم که افسر کلان ما حسن خدمت و صداقتش برضامندی ذات جهاندرجات اعلیحضرت همایونی پدر تاجدار بسیار مهربان‌ما اهالی خدام کارخانه جات بود ونیز حسن سلوك‌را باماهان بدرجهٔ مشفقانه بکار آورده بود — لهذا ختم سخن‌را بردوام بقای عمروجاه اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه معظم ترقیخواه مهربان‌خودها ختم مقال‌مینمائیم وبرین نعمت شاکر میباشیم وزیاده بزیاده توفیق خدمت واطاعت را از خداوند خویش میخواهیم والدعاء

(امضا)

اسامی هائیکه مهر ودستخط نموده اند .

نویسندگان

کمترین خدمتگاران میرمحمد هاشم دفتری کارخانه‌جات دولت‌علیهٔ مستقلهٔ خداداد افغانستان   حاجی میرزا محمد اکرم
میرزا قربان‌علی میرزا شیراحمد میرزا عبدالغفور میرزا میرسلام الدین
میرزا شیر احمد میرزا محمد علی میرزا سلطان محمد میرزا پیر محمد
میرزا امیرالله میرزا امام الدین میرزا امیر محمد میرزا پائنده محمد
میرزا سید محمود میرزا محمد یعقوب میرزا خواجه محمد سعید
میرزا محمد امان میرزا میر سلیمان میرزا عبد الغنی میرزا نظر محمد
میرزا عبد المجید میرزا محمد اعظم میرزا محمد امان میرزا آقا بابا
میرزا عبد الظاهر میرزا میر شمس الدین میرزا محمد قاسم

مرتبین چهاپه خانه

محمد حسن افندی محمود ندیم افندی میرزا غلام غوث مرتب
میرزا غلام حیدر مرتب میرزا یوسف‌علی مرتب میرزا عبدالحمید مرتب
میرزا محمد حسین مرتب ملا عبد الجبار مصحح ملا طوطی مصحح
میرزا غلام رسول مرتب میرزا عبد الغفور مرتب

کاتبان چهاپه خانه

میرزا محمد جعفر قندهاری ملا عبد العلی مصحح میرزا شیر محمد
میرزا غلام قادر میرزا غلام سرور میرزا عبد العزیز میرزا
محمد اکرم مفتی عبد الرحمن بیك مفتی عبد الرحیم بیك

افسران ماتحت

امیر محمد خان محمد ناصر خان حیدر قلیخان فیض محمد خان
شهسوار خان محمد عزیز خان احمد خان عبد الرحمن خان

نگرانها

استاد محمد عظیم خان نگران استاد سید محمد نگران استاد محمد
یوسف استاد گل محمد استاد الله بخش استاد ولی محمد استاد محمد
سرور استاد محمد نبی

باقی‌ها

زرک الله خان استاد فتح محمد استاد خدابخش استاد حسین بخش استاد وزیر محمد بیره محمد استاد محمد دین استاد میر یوسف استاد لعل محمد استاد سید محمد استاد محمد نصیر استاد کاکو استاد غلام حیدر استاد شیر علی استاد عبد العزیز استاد محمد ابراهیم میرزا عبد السمیع خان زرگر

(استادان کارخانه ازتوپ وتفنگ وآهنگروزرگر)

(وباقی اصناف و صنعتکران)

استاد عبد الله استاد فضل حق استاد محمد عمر سوق عبد الحق اقا بابای نقاش عبد الغفور عبد الرشید استاد محمد قاسم فیض محمد عبد العزیز غلام محی الدین محمد زمان عبد المجید غلام رسول بهاو الدین صالح محمد محمد غوث محمد کاظم عبد الغیاث اقاجان فیض محمد محمد زمان فخر الدین محمد اکبر محمد عظیم علی محمد غلام محمد میرزا محمد فقیر محمد عطا محمد عبد الله محمد عمر شیر محمد استاد طور عبد الرؤف محمد حسین محمد اعظم محمد صادق علی احمد استاد خان گل غلام محی الدین استاد محمد یوسف سید فقیر استاد مسجدی عبد الله نور محمد عبد القیوم عبد الرشید گل احمد شیر محمد

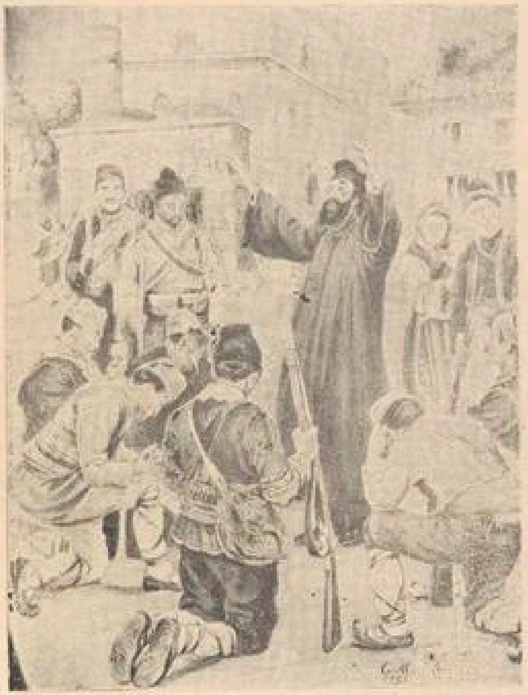

از تصویر نقاشی غلام محمد خان مصور زنکوگراف شده

(یک لوحهٔ عبرت آمیز)

(پادری بلغار پا ایستاده ، وعسکر ردیف بلغار را برضد هلال واسلامی صلیب تشویق مینماید ، پس اگر محاربهٔ صلیب نیست چیست)

حوادث خارجیه

(خوشحال خان افغان)

در نمارهٔ گذشتهٔ خود از اخبار (ترجمان) منطبعهٔ قریم یک فقرهٔ درخصوص خوشحال خان نوشته بودیم . درینهفته که اخبار

های استانبول برای ما رسیده در (تصویر افکار) رفیق معزز خود یک مقاله مفصل وعبرت انگیز آن همشهری عزیز فاضل خود را مطالعه نمودیم که از ترجمه ونقل آن خودداری نتوانستیم :

(فریاد یک مسافر افغانی به برادران عثمانی خود !)

ای برادران عثمانی من ! مملکت شما که مقر خلافت عالم اسلام است ودر کرهای مدنیهٔ اوروپا بسیار نزدیک است ازان رو چنان لازم بود که در علم ومعرفت ، صنعت وتجارت ، اخلاق وملیت بچنان مرتبهٔ کمالی رسیده میبود که بدیگر بلاد اسلامیه هیچ نسبت قبول نمیکرد . وچون از امریکا برامده در مملکتهای آسیا ، افریقا ، اوروپا گردش کردم وبس ماندن ، وعدم ترقی که در تمام ممالک اسلامیه دیدم چنان امید میکردم که بمشاهدهٔ ترقیات مدنیه که در مملکت شما ببینم همهٔ آن تأسفاتی که مرا از دیدن خرابی وتدنی دیگر مملکتهای اسلام حاصل شده بود رفع وزایل شود . ولکن به بسیار تأسف عرض میکنم که این امید من سراسر بیهوده وخالی رفت .

نخستین چیزیکه در مملکت شما بنظر دقت من برخورده این است که یک قسم مهمی از جوانان شما که در اوروپا تحصیل کرده اند از اوروپائیان بیشتر از چیزهائی که به تحصیل علم وافزونی توانگری ، وهنر ومعرفت متعلق باشد ، چیزهائی را که به لباس وزینت وفیشن متعلق است بملک شما داخل کرده اند . اینرا نمیگویم که این جوانان شما از اوروپا ازجهت علم ومعرفت

تهی دست آمده اند . هیچ شبهه نیست که اکثر آنها در هر شعبهٔ عز وترقی که به آن انتساب کرده اند بصورت مکمل تحصیل هنر ومعارف کرده‌اند . لذا این جوانان از هر چیزی بیشتر نقطهٔ بقای اسلامیت را باید که بیندیشند . بقای اسلامیت ، با بقای دولت علیهٔ عثمانیه ممکن میشود . به این سبب در اول امر بقوت دادن حسیات ملیه اسلامیهٔ خودشان کوشش ورزیدن لازم است . واز تقلید تجملات وزینتهای ظاهریٔ بی فایدهٔ فرنگیها اجتناب باید کرد . مارا چون ازحسیات ملیٔ ما محروم یافتند از هر طرف به هجوم کردن بما جرأت ورزیدند . وبه انواع دردهای الم انگیزی بمحو کردن ما کوشیدند . بصدها هزار عفت وعصمتهای همشیره های مارا برباد فنادادند . بقدر یك ملیون اهالیٔ اسلامیهٔ روم ایلی را بعضی را زنده زنده دفن کرده . وبعضی را زنده زنده به غاز وآتش درادادند . وبعضی را سرپایان بدار کشیدند . بعضی زنان ومردان را بزور نصارا ساختند . واین چیزهائیست که در مملکت شما ، درپیش چشمهای شما بوقوع آمده . واز کذب وافترا عاری ومحض حقیقت است . ازین ظلمها نه تنها مسلمانان آنجا ، بلکه هر فرد مسلمانی که درهر گوشهٔ دنیا هستند متأثر شدند . اما بهزار افسوس میگویم که مرا درانجا یك چیزدیگری ازین احوال وحشیانه زیاده ترمتأثر ومتأسف کرده که آنهم سقوط اخلاق یعنی محو شدن حس ملی ایست که درانجا مشاهده کرده‌ام . درحالیکه بصدها هزار برادر وهمشیره های ما درزیر وحشتهای دهشتناك وظلمهای خونریز بالقانیها بصورت بسیار ذلیلانه وحقیرانه زوال میشدند واین مسئله موهای بی‌حسترین آدمانرا نیز بربدنش راست میکرد بکمال افسوس میدیدم که یك قسم مهم اهالیٔ پایتخت در میخانه ها وبیراخانه های بیگ اوغلی لم موقع فرنگستانی استانبول سرمست ذوق وصفا بودند . حقیقتاً که دیدن اینحال مراخیلی دلخون نمود .

بخوبی میدانید که این هجومهای بالقانیها نه تنها از طرف خودشان نی بلکه به تشویق واتفاق همهٔ فرنگان شده . آن فرنگان که خود شانرا مدنیٔ حقیقی میگویند به این ظلمهای وحشیانه تنها چشم‌پوشی نی بلکه آنوحشیانرا برین وحشتها تشویق هم کردند . باوجود اینهمه ، به‌بسیار افسوس میبینیم که قسم اعظم شما بمحبت آنان ودوست بودن آنان بافرنگان افتخار میکنید . الیوم شب وروز از هضم شدن بالوانی های آن ها لذتیاب میشوید . محصولات ومعمولات آنهارا بهرچیزی ترجیح میدهید .

ای برادران عثمانی ! از هندو های هندستان عبرت بگیرید : پیش از هزار سال مسلمانان هندستانرا ضبط وهندوهارا مغلوب کرده بودند . دراز زمان ظلمهائیکه درینوقت درماکدونیا روادیده شده هیچ یکی ازانها برهندوها ازطرف مسلمانان ارتکاب نشده بود اما باوجود آنهم بسببی که مسلمانان مملکت شانرا از دست شان برآورده بودند بامسلمانان چنان دشمن شدند که تاحال هنوز هم مال ومتاع مسلمانانرا بافوت میکنند — یعنی بیع وشرا میکنند زیرا هندوها تنها مادةً مغلوب شده اند . ولی اخلاقاً مغلوب نشده بودند . وبه این سبب تاامروزه روز مذهب وملیت خود شانرا محافظه کرده‌اند . وتابه ابد هم خواهند کرد . امروز درمیان اهالیٔ هندستان توانگرترین آنها هندو ها میباشند .

ای اهالیٔ پایتخت ! بدانید که شما مقتدای اسلام هستید . ترقی بکنید . چرا که ترقیٔ اسلام به ترقیٔ شما وابسته است . اگر بچیزهائی که لازم وقت وزمان است توسل بکنید همه اسلامیان که دراقطار جهان هستند شمارا تقلید وپیروی خواهند کرد . این ظلمها ووحشتهای فاجعه انگیزی که بمستورات ومقدسات ما درماکدونیا ارتکاب کرده شد دردلهای تان چنان نقش بکنید که بعدازمردن وخاك شدن تان نیز آن خط زایل نشود . درمکتبهای خودتان به اولادهای خودتان صحیفه های خونین این ظلمها ووحشتهای فرنگان را بخوانانید . تاکه الی الابد حس انتقام در دلهای اولاد واحفاد وذریت تان جاگیر ماند . بکمال اطمینان شمارا تأمین میکنم که ما افغانیان این ظلمها ووحشتهارا تا که

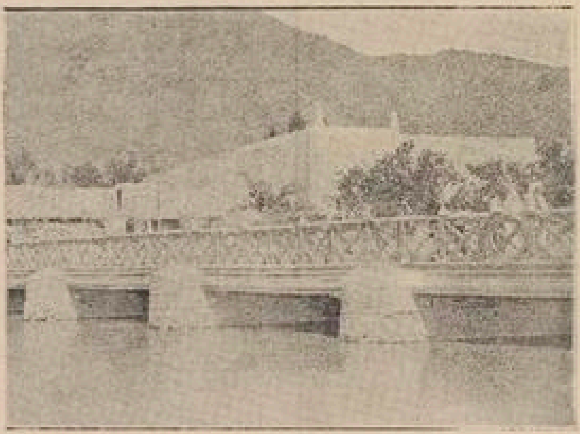

(فوتو ، سراج الاخبار افغانیه)

(پل گذرگاه ودیوار باغ بابر بادشاه در مدخل چار دهیٔ کابل)

دنیا باقی باشد فراموش نخواهیم کرد . ما افغانیان که اصلاً واساساً از چنین مردمانی که درزیر نام مدنیت آتشهای وحشت می‌افشانند نفرت داریم درینوقت آن نفرت خودرا زیاده تر تشدید میکنیم . دوست ودشمن ما‌را بشناسید . ازمعدوم شدن ملت ما‌ن اندیشه ناک بشوید . امید میکنیم که‌این معروضاتم نتیجه های نیکی بخشد برادران . . .

امضا

(خوشحال خان افغانی)

§

ما‌این تقریر دلپذیر این هموطن همزبان جهاندیدهٔ عرفان چشیدهٔ خودرا بهبسیار شوق ودلچسپی ترجمه‌وقل نمودیم . وهمه بیاناتش را موزون ومقبول یافتیم . وهمه سخنان دیندارانهٔ حسیات پرورش را نیز تأیید کرده میگوئیم : بلی بلی ! ما‌رااست که زینتهای ظاهری و شعشعه های جهانی آنها گرویده نشده درپی هنرها ومعرفت ها وصنعت‌های شان ازسرپا ساخته بجدوجهد تمام بپوئیم ودرهرجاکه آنرا بیابیم بجوئیم وبدست آریم .

هراقدر که ازتجملات وزینتهای ظاهریٔ بی‌فایدهٔ آنها اجتناب ورزیدن ، وازوحشتهای مدنیت لباس آنها نفرت ورزیدن مالازم و ضروریست . هماقدر به صنایع و هنرهای شان نزدیک شـدن و به عـلوم وفنون آنها رغبت ورزیدن و آموختـن ما لابدی و مجبوریست .

باین حسیات هموطن عزیز خود نیز متحسس ومشترکیم که ماافغانیان تاجهان جهانباشد ودربدن روان این ظلمها وبدعتهای و حشیان بلقان را فراموش نخواهیم کرد ، و بدل و جان ازآنها نفرت و برکارهای مخالف انسانیت و مدنیت آنها لعنت خواهیم نمود . ونیز دعای اجابت‌نویدی درباب امید بسیارسعید همشهری خود بدرگاه کبریا میکنیم که معروضاتش برای برادران عثمانی ما نتیجه بخشای نیکیها وخوبیها گردد .

خوشحال خان افغان را اگرچه مشخصاً ورسماً نمیشناسیم ودر خصوص هویت و کیفیت ماهیت اوهیچ معلوماتی نداریم . ولی چون اول دراخبار ترجمان یک تشبث خیر خواهانهٔ اورا . وباز دراخبار تصویر افکار یک تقریر دلپذیر اورا مطالعه نمودیم . بسبب نام‌افغانی وحب هموطنی بی‌اختیار یک تأثیر شکرانی دردل خود حس نموده به ترجمه ودرج ونشر آن مسارعت ورزیدیم .

ازاخبارات اردو وانگریزی دراداره ترجمه شده است

(محاربه یونان وبلغاریا)

یک اخبار سرکاری شایع شده است که دریونان وبلغاریا درمقام بانگیان جنگ وقوع یافت که دران ۵۹ نفر یونانی مقتول و۱۲۷ نفر مجروح گشته است .

(حالت یورپ مخدوش است)

دریوروپ اختلال واختلاف بنابر تحریک حرص وطمع وماقیوم روبترقی وتزاید است هرچند شرایط صلح دول بالقان باترکی منظور شده است ولی محاربهٔ دول مذکور باهدکر ممکن الوقوع معلوم می‌شود چنانچه بعضی جنگ‌های شانرا اخبارات درهمین‌ایام ذکر می کنند وطیاری‌شانرا برای جنگهای مسلسل هم می‌نگارند ومی گویند که بعضی ازدول متحده یعنی یونان یاسرویا بابلغاریا باترکی ارادهٔ اتفاقدارند — چنانچه بلغاریا بنابرهمین رعایت برصلح نامه ازهمه زودتر دستخط کرد اخبارات درباب روس واستریا هم بحث می‌رانند که دور نیست اگر درمیان هردو محاربه واقع شود واگر عمل جنگ اول ازطرف استریا باشد هیچ محل تعجب نیست

(تکذیب یکخبر)

بروزیک ذریعه معتبر خبررسیده است که تسلیم جزیرهٔ قبرس بهبرطانیه غلط محض است

(دربصره آرامیست)

قبل ازین بروز خبرداده بود که دربصره شورش وفساداست سفیر ترک مقیم بمبئی تردید آن می‌نماید

(بلغاریا وسالونیکا)

یکهلک فوج سرویا ازسرنو درمقام (ویلس) جمع آمده‌اند ودیروز ولیعهد سرویا جائزه هم گرفته وجمعیت کثیر بلغاری ازایدریانوپل وشتلجه آمده درتنگرتا ولاجانه جمع شده‌اند — خیال می کنند که برسالونیکا حمله خواهند کرد

(بلغار ویونان)

درمیان بلغاریا ویونان بازیک محاربه بوقوع آمده که ۳۰۰ یونانی کشته گشته‌اند وهمین قدر بلغاری هم تلف شده‌اند بلغاریان ازساحل قواله برجهازات جنگی یونان گلوله بازی نمودند مگر چونکه جهازات جنگی یونان دور بودند هیچ نقصان نرسید — وبعد ازان جنگ موقوف شد .

(تقریر وزیر خارجهٔ فرانس)

وزیر خارجه فرانس موسیو پچن دیروز در شوری گفته است مشکلات شرایط ابتدائی مصالحت بالقان که پیش شده بود برطرف‌شد مگراکنون سخن تنهابرحدجنوبی البانیا بنابراعتراض یونان مانده که بسبب آن مخالفت یونان وایطالیا هم‌پیداخواهدشد باز موسیوی موصوف گفته که دول بالقان در میان خود بهم برامده‌اند که صورت معامله شان بسیار صعب شده است امیداست که این حال خوب واطمینان بخش گردد ورنه ما ثالثانه مداخلت خواهیم نمود — درآخر تقریر خود موسیو موصوف این‌هم گفته که ما گوارانمی بینیم که تصفیه مقبوضات ایشیائیٔ عثمانی بی‌شراکت ما‌شود .

(اتحاد برخلاف بلغاریا)

ازبلگرید به اخبار (ماتان) خبر رسیده است که درینجا درتمام حلقه‌های سیاسی این سخن مشهور است که سرویا — یونان — رومانیا برخلاف بلغاریا عهدها بسته‌اند .

(فسخ اراده بلغاریا)

اخبار (طان) می‌نویسد که درمجلس های سیاسی سینت پترزبرك مشهوراست که بلغاریا خیالی که درباب گرفتن سالونیکا داشت فسخ نموده است .

(تأثیر تسخیر ادریانوپل)

ازبرلن خبرآمده است که اگرچه اخبارات سرکاری می‌گویند که ازتسخیر ادرنه هیچ اثر برقرارداد دول نشده ولی اخبارات غیر سرکاری مینگارند که بسیارحالت پرخطر است درمیان روس واستریا محاربه خواهد شد ودور نیست که عمل اول جنك ازطرف آستریا باشد

اتهز ۲۹ می خبررسیده که درویانا این خبر مشهور است که آستریا افواج جنوب‌مغرب خودرا برای آماده بودن یك‌حمله حکم داده است .

(فرانس وروم)

ازخبرهای پیرس معلوم میشود که فرانس سفیر مقیم صوفیه خودرا گفته که بوزیراعظم بلغاریا بگوید که تضمینات جنگ ازترك گرفته نشود میلان فرانس درین ایام باروم زیاده معلوم میشود واگرترك راضی باشد فرانس قرضه‌هم خواهد داد

(سلام روستائی بی طمع نیست)

(نقصان بلغاریا درادریانوپل)

اخبار . خوشیه می‌نویسد . یك جرمنی که درادریانوپل بود در (دده اغاچ) آمده است میگوید که درادریانوپل دههزار بلغاری کشته شده است .

(جهاز حمیدیه)

ازخبرهای برندزی معلوم میشود که جهاز مهابت نشان حمیدیه باردوم برشانکین حمله کرده است

(ترجمهٔ عبدالهادی)

(خبر یك محاربهٔ غلبه مجاهدین طرابلس برعسکر ایطالی)

(حمصر معزز المشیر در مورخهٔ چهارم جون خود مینگارد)

اگر مابنظر توجه وتعمق بسوی حالات وقوه های قومی وآلات وادوات حربی یورپی ایطالی معاینه نمائیم وباز بالمقابل آن بسوی بی هنری وبی خبری وبی‌اسبابی عربان بدوی بنگریم گوسپندی را درمقابل گرگ خواهیم‌یافت ولی‌چون دردل عربان جوش ایمانی وجوهر عقیدهٔ اسلامی وحب‌الوطنی موجود ومشدود داشت لهذا بنص آیه (لن‌یجعل‌الله‌للکافرین علی‌المؤمنین سبیلا) معنی (هیچگاه خداوند تعالی کفار را برمومنان مظفر ومنصور نگرداند) این امر ظاهر وباهر است که تاهر زمانی که مسلمانان کدام مملکت از عقیدهٔ اسلامیت منصرف وازجادهٔ شریعت منحرف نگردند غیرممکن است که برآنها کفار غالب شوند ویادرجنك دشمنان دینی ووطنی خود گرفتار آیند الا هنگامیکه کارهای خلاف دین متین اسلام را اجرانمایند وازصراط مستقیم شرع مبین حضرت خیرالانام انحراف وانحنا ورزند پس آنوقت نعوذ بالله غضب الهی شامل حال شان گردیده بدست دشمنان خون خوار واعدای ظلم شعار گرفتار میشوند واین نه ازتنزل اسلام است که واقع وعاید برآنقوم وآن‌مملکت میگردد بلکه از بغاوت وعصیان وشقاوت وطغیان خود به بلا مبتلا میشوند وفی‌الحقیقت (اسلام بذات‌خود ندارد عیبی — هرعیب که هست درمسلمانی ما است) اکنون از قارئین کرام آرزو داریم که توجهات شریف شمارا به شنیدن یك خبر ظفر ونصرت از مجاهدین طرابلس برعساکر ایطالی مبذول فرمایند چنانچه اخبار گهربار تصور افکار این معرکه را چنین قرانداز ورقم طراز گردانیده که بتاریخ ۲۹ جمادی‌الاول سنه ۱۳۳۱ هجری درمقام بنغازی ایطالی بابیست هزار نفر فوجی پیاده ویك‌هزار سوار وسی توپ معرکه آرا گردیده بود وعربان مجاهدین نیز چهار هزار نفر مرد جنگی وچهارصد نفر نظامی باچهار توپ خورد صحرائی بفاصله دوونیم‌میل از بنغازی تیار وآماده گردیده تاعرصه ۲۴ ساعت‌مقابله ومجادله نمودند وبکمال شجاعت وتهور درعرصه کارزار خصم را ازسه‌طرف احاطه نموده ایطالیان را ششدر ساختند حتی توپ های دشمن بیکار شدند وآخرالامر یك‌حمله تهورانه افواج ایطالی هزیمت خورده بیست وپنج توپ از اقسام آتش‌فشان ومتر الیوز ودوصد اسب وباقی جباخانه وسامان حرب قابض گردیدند ودرین معرکه یکهزار نفر ازفوج غنیم‌را بگلوله‌های توپ‌خصم کوب‌خود دونیم‌و۶۰۰ نفررا مجروح ساختند وازباقی هم یك‌دونیمی اگرجان‌سلامت بدرباشند وازجانب مجاهدین ۱۸۰ نفر شربت شهادت نوشیدند ۱۲۰ نفر مجروح شدند امیدست که بجام آب صفای شفایاب گردیده باشند

(ترکی تاوان جنك را نخواهد داد)

اخبار فواید آثار (طنین) چنین مینویسد که ترکی چنان اظهار مینماید که هرگز تاوان جنك را نخواهد داد ومیگوید که اگرچه ادرنه ازتحت‌تصرف وقبضهٔ ما خارج‌شد لیکن باوجود آن عساکرما عزم‌بالجزم وارادهٔ مصمم نموده‌اند که‌تادم واپسین ونفس آخرین بادشمن جنك خواهیم کرد واگر میخواهند قریب فصیل های شتلجه باایشان رزم آزمائی ومعرکه آرائی خواهیم نمود وطرز جنك را به ایشان نشان خواهیم داد

(خداوند تعالی توفیق خدمت وطن و محافظت آنرا از شر کفار برای عساکر ترک عنایت و مرحمت فرماید) مگر اخبار حقیقت شعار (ترجمان حقیقت) مینویسد که مرکز ممالک ترک یعنی دارالسلطنه قسطنطنیه درمعرض خطرات و محیطش به تنازعات ومعرکه ها محاطاست واخبار مذکور مصالحت ومنازعت هردو مصلحت میدهد ومیگوید که بعد ازصلح لازمست که سررشته وانتظام استحکامات شتاجه وبولیر بدرستی کرده شود تادشمن ازدارالسلطنه دورشود وقسطنطنیه نجات یابد

(حالت موجودهٔ ایطالی درطرابلس)

اخبار ملکان چنین بیان میکند که عربان شجاع به بسیار بهبود ودلاوری باایطالیان مقابله ومجادله مینمایند ومدعای اصلی وحقیقی شان اینست که ایطالی را درمقام بنغازی یکشکست فاش داده از سرحد وطن عزیزخود خارج نمایند وبرای حصول این مقصد ووصول این مطلب چند جماعه های بهادر وفرقه های دلاور تجویز شده اند که یومیه ربهره های جهازهای ایطالی حمله آورده وبهره داران ومحافظین آنرا کشته ومال واسباب شانرا به یغما میبرند وبرلشکر های ایطالی حمله های دلیرانه ومتهورانه می نمایند — ودرین چندروز پیشترمایک تارخاصی حال امیر موجودهٔ طرابلس را شایع نموده بودیم وحالا نیز یک تارامیر مذکور حسب ذیل بما رسیده که ازان ثابت میشود که درمیان مجاهدین عربان طرابلس وعساکر ایطالی یکمعرکه دیگر بوقوع آمده که ازان ظاهر میگردد که عربان برتیلیگراف های ایطالی قابض شده اند وبخوبی وبدرستی کار آرامیدانند — ومضمون خبر مذکور چنین رسیده که دیروز برشهر مجلات حمله شدید نمودیم وکیفیت آن چنان است که فوج ما داخل شهر شده وتابازار رسیدیم وجمع کثیری را ازدشمن مقتول ومجروح گردانیدیم ومبلغ خطیری را ازغنایم درتصرف خود آوردیم وبرذخایر وجباخانه عدو قابض شدیم ودرین معرکه صرف بیست نفرما بدرجهٔ شهادت رسیدند وبیست نفرما مجروح شدند وازکفار نفری بسیار ونفوس بیشمار را ازدم تیغ بیدریغ خود بدم نمودیم

(حالت خستهٔ وآشفتهٔ خلیج فارس)

سراید ورد گری — متعلق خلیج فارس چنین بیان میکند که ازقرار معاهدهٔ که بادولت علیه عثمانیه نموده ایم هنوز حکومت ومداخلت ترک برکویت ما باقی ونافذ است وتاحال دران تغیر وتبدلی واقع نشده وبان امر ترک هم اتفاق نموده که حکومت و انتظام ملکی شیخ کویت آینده برقسم سابق ونهج گذشته مطابق باشد وامید کلی است که بان سررشته ومعاهدهٔ که باترک نموده ایم کامیاب خواهیم شد و درینصورت برای ما درجهاز رانی وتجارت بغداد وخلیج فارس تصرف تمامت بلکه هنوز استحکام ووسعت باید وترقی تجارتی حاصل خواهد شد که درضمن آن فواید اصلی ومقاصد حقیقی انگریزی مضمر و مستتر میباشند واگر معاهده فوق مستجاب و مستکمل گشت البته در افزونی محصول ترکی ازدول غیر منظوری گرفته خواهد شد

(حالات متحدین فیمابین خود شان)

بلگرید ۲۹ می — دیروز در پارلمنت سرویا — موسیو پسیکس درباب اتفاق واتحاد سرویا وبلغاریه چنین تقریر نمود که درفروری گذشته سرویا ازبلغاریه درخواست نموده بود که یک عهدنامهٔ مخفی فیمابین شان کرده شود که در تقسیم فتوحات شان دول غیر مداخلت ننمایند لیکن بلغاریه ایجاباً ان معاهده را نکرده جواب انکار داد واکنون باز سرویا میخواهد که با بلغاریه معاهدهٔ دوستانه مخفی نماید وبلغاریه نیز خواهش دارد که بندر که ساحل بحرا دریاتیک است منظور فرماید ولی چون دول معظمه سرویا را ازخواهش محروم واز مطلبش ناکام گردانیدند لهذا سرویا بر معاوضه گرفتن آن از بلغاریه مستحق است و اگر بمعاملات و واقعات حرب نظر انداخته شود ضرور است که سرویا با یونان متفق و متحد شده بان اشتراک موقع وصول خود را بعلاقه مشرق سالونیکا بیابد وچون بلغاریه برعلاقه مذکور قایم ومصر گشت ویونان از سرویا مطالبه امداد نمود لابد برای معاونت یونان درفوج خود یکلک نفر مزید نمود وجبراً بامداد یونان فرستاد والا ازقرار عهدنامه یونان حق امداد فوجی برسرویا نداشت .

(نوید صلح وامید حرب)

آخر الامر وضع خشونت مصلحت آمیز سراید و ردگری بر یونان و سرویا کارگر شده از کرد و فریقین بر مبادیات صلح دستخط کردند وا کنون از مابین دولت علیه عثمانیه و متحدین بلقانیه فتنه برخاست ولی عنقریب است که فیمابین متحدین فتنه برخیزد (میر) اخبار نیم سرکاری صوفیه نیز اظهار خیال واقع نشدن ملاقات مقرره وزیر اعظم های بلغاریه و سرویا را نموده وعلاوه برین ولی عهد سرویا برای تیاری حرب درمقام دیلیس انتظام ودرستی سامان یکلک فوج را نموده از صورت واقعات چنان می نماید که بلغاریه برسالونیکا حمله خواهد کرد .

(اتفاق آرای ترک و بلغاری در یکفقرهٔ معاهده)

براصل دستخط نمودن معاهده صلح فیمابین دولتین علیه عثمانیه ومتحدین بلقانیه صرف چند دقیقه صرف شدند لیکن برضمیمه های مختلف ومسودات ابتدائی تامدت نصف ساعت مباحثه شد وبالآخر داکتر دینیف این تجویز نمود که حاجت انتظار تصدیق نباشد ومعاهده فورا نافذالعمل شود — و وکلای ریاست های دیگر بلقانی بدون بلغاری مخالفت این تجویز را کردند وازدستخط کردن برین فقره انکار نمودند ولی وکلای ترک و بلغاری فی الفور برتحریر مذکور دستخط نمودند .

(انسداد واشاعت تجارت افیون هندی واحتراز ازخوردن آن درچین)

سلطنت با مهابت مشرق زمین یعنی دولت قوی صولت چین

از افیون خواری رعایا و نظامی خود چین بجبین گشته برای گورنمنت انگریزی قسم دولتی چنین اطلاع داده که گورنمنت موصوف تجارت افیون هندی را که در صوبجات شنتونگ وانهوئی وهونان می آید موقوف ومسدود نماید ودر علاقه های فوق الذکر بزراعت و خوردن افیون از جانب سلطنت ممانعت سخت وسزای صعب مقرر شده وگورنمنت انگریزی هم اطلاع خبر مذکور را شایع وتجار افیون را مانع نمود .

(بلنچواز که بهوای جهاز هوائی بهوا می پرید از هوا تحت الثری موصلت نمود)

لندن ۲۷ مئی — .

لفتنت آرتهر که برای آموختن ومشق هوا بازی بذریعه بالون بهوا پریده بود از سر ماشین بقعر جهنم افتاد

(یونان واتفاق ثلاثه)

صحیفه روزانه

برو دوس — اخبار یونانی چنین می نگارد که وزیر خارجه فرانس که برای اشتمال جنازهٔ شاه مقتول یونان در اتهینز (پای تخت یونان) آمده بود باشاه جدید یونان کانستن تاین و وزیر اعظمش وینزیلوس ملاقات کرده درین صحبتها ایشان مکالمه نمود که فی الحال یونان هم در اتفاق ثلاثه یعنی (روس فرانس برطانیه) شامل شود وبعد از اختتام جنگ واتمام حرب بلقانیهٔ در اتفاق ثلاثه داخل خواهد شد ولهذا دول متفقه حال برای معاونت یونان کوشش خواهند کرد و عنقریب است که یونان از بانک های پرس مبلغ چارصد ملیون فرنک بطریق قرض برای تکمیل مصارف روز مصارف خود مطالبه کند .

(تجارت ومحصول سرحدی افغانستان متعلق سرحد چمن وقندهار)

همعصر معززیه اخبار در مورخه یکم جون خود چنین می نگارد

چون مقام چمن قریب علاقه قندهار یك ایستگاه آخری ریل است وباز از انجا تا قندهار واز قندهار تا چمن بذریعه بار گیر شتر وخر واستر اشیای تجارتی انگریزی وافغانی رد وبدل آورده میشوند واسباب انگریزی در علاقجات قندهار وباقی حصص داخل افغانستان بصرف میرسند وهم چنین میوجات هر قسم خصوصاً (انگور وکشمش) وپشم وتنباکو که از قندهار داخل علاقه انگریزی میگردند وبفروخت میرسند بر محصول انگریزی وافغانی آن یك نظر باید انداخت هر اسبابیکه از هندوستان خارج میشود وبمنڈی چمن داخل میشود محصول انگریزی آن فی یکروپیه نصف پیسه گرفته میشود وهم چنین چیزیکه از خارج بداخل هندوستان برود نیز همان محصول گرفته میشود — حال چون بسوی محصول سرحدی افغانستان نظر اندازیم مثلا اجناس واشیا یکه از علاقه انگریزی برای تجارت داخل علاقهٔ افغانی در منڈی چمن می شوند برای یك توپ کالا مبلغ ۷ روپیهٔ محصول گرفته میشود که وجه محصول آن برابر بقیمت خرید هندوستان میباشد واز آن جمله ۳ روپیه را عاملان و کار داران افغانی خود میخورند و ۴ روپیهٔ آنرا تحویل خزانهٔ افغانستان مینمایند وتخمیناً به این حساب سالانه بیست وپنج لك روپیه بخزانهٔ افغانستان نمیرسد ومبلغ مذکور در میان عاملان افغانی تقسیم میشوند وهم چنین در محصول داخل از قسم انگور و کشمش وتنباکو که از علاقه قندهار داخل منڈی چمن میشود مبلغ پنج روپیه فی بار از انگور ومبلغ ده روپیه فی بار کشمش وعلی هذا القیاس مبلغ بسیار از تنباکو محصول گرفته میشود وباوجودیکه در قندهار انگور بجندان کثرتست که زحمت جمع کردنش از باغها از قیمت فروختنش بسیار است ولی جمیع این محصولات لقمهٔ عاملان و کار داران سرحدی افغانی میگردد وجزئی از آنهم به خزانه افغانی نفع نمیرسد واز ظلم شان رعایای مظلوم وغریب که مال واسباب خود هارا داخل وخارج مینمایند از راه های گوشه وپنهانی میروند! که حکام برانها هیچ واقف نمیشوند لهذا اگر سررشته وانتظام سرحدات مذکور بدرستی کرده شود ودر محصول هم چیزی تخفیف منظور شود هر کس از هر جهه بشوق خود محصول مقرر را ادا خواهند کرد واین صرف نقصان یك بندر چمن بود که بیان نمودیم والله اعلم که از محصولات سرحدات دیگر که به نسبت این بزرك واهم که مانند دکه وغیره میباشند سالانه چقدر نقص بدولت افغانستان میرسد وحالانکه دول کل دنیا درین اوقات روپیه بکار دارند ومحتاج روپیه میباشند خصوصاً داشتن وجمع کردن روپیه برای افغانستان بسیار ضروریست وچون این مشتهر هم خود را خیر خواه پادشاه اسلام وبرادران افغانی خود وخزانهٔ شان میدانم لهذا درج اخبار نمودم که اگر سررشته وانتظام سرحدات افغانستان بخوبی کرده شود انشاءالله سالانه اقل مبلغ محصول چهار لك روپیه برای خزانه افغانستان عاید خواهد شد ورعایای افغانستان هم خوشدل خواهند شد وخود من البتّه از هیچ عامل وکار دار افغانی شاکی نیستم فقط

(بعد ازین بلغاریه در جمیع واقعات معاونت ترکی را خواهد کرد)

بعد از انجام صلح بلغاریه در جمیع واقعات ومحاربیکه آینده بر دولت علیهٔ عثمانیه واقع شود در مدافع آن بلغاریه نیز معاونت خواهد کرد واین سخن را بر خود فرض عین گردانیده —

(ایجاد جدید واختراع عجیب یعنی توپ کاغذی)

کروپ کمپنی — توپ ساز مشهور جرمنی اکنون اختراع وایجاد توپ کاغذی را نموده زیرا توپ فولادی از سبب ثقالت به سهولت به جاهای مرتفع وبلند بالا نمیشود لهذا بعوض فولادی توپهای کاغذی مستعمل وبکار آورده خواهند شد .

المترجم عبدالرحمن

مسابقهٔ فوتوگرافی

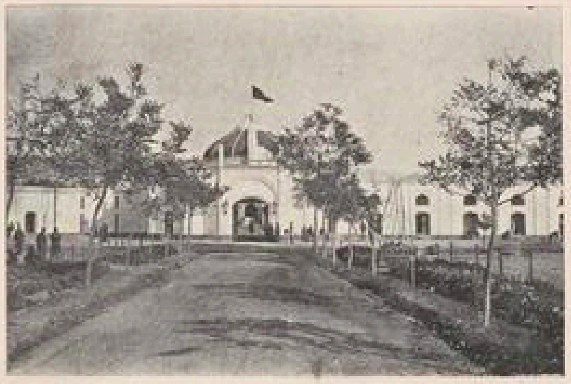

(در وازهٔ مدخل باغ شاهی جلال آباد)

از فوتوگرافی حضرت معین السلطنه صاحب افخم

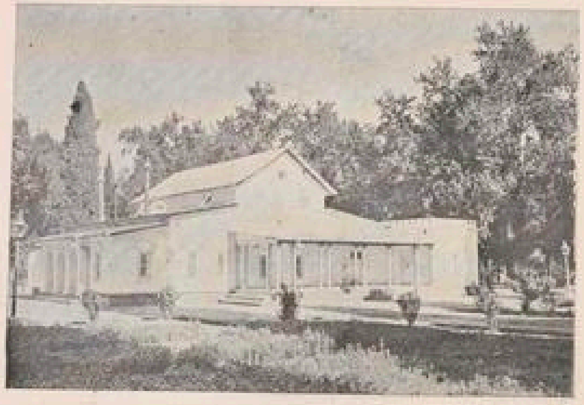

(عمارت باغ نمله که دو منزل از جلال آباد است)

فوتوگرافی سرخان اسپور جناب محمودخان

(این فوتوگرافها در مسابقه درجهٔ اول را گرفته‌اند)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 723 of 1786

بزرك افسر جاپانی الزام جاسوسی

سنت پترزبرك ۲۶ می — از تارهای سباستوپول معلوم میشود که جاپانی میجر لانك که در روس می بود از بلقان چون بسوی پترزبرك واپس می آمد بالزام جاسوسی گرفتار شد اگرچه میجر مذکور را تلاشی گرفته شد لاکن هیچ چیزی قابل اعتراض بیرون نشد، وحکام معاف خواستند دیگر از خبرهای برقی ظاهر میشود که میجر موصوف در برلن نکران فوجی ثابت شده وازین سبب رهائی یافت ونیز حکم رفتن برای نامبرده از مقام سباستوپول داده شده است .

لندن ۲۸ می صحت شهنشاه جاپان — صحت شاه جاپان روبه بهبودی است

(پیغام دختر شهزادهٔ مصطفی پاشا)

درحالیکه یک معززهٔ خاتون مصری مسماة (نازلی افندی هانم) دختر مصطفی پاشاه مصری به همدردی اسلام وصدق حب آن به نهایت جوش بذریعه تلکراف ثبوت داده درحقیقت قابل عزت وشایان فخر است که این شهزادهٔ نیکو نیک باطن بعد استخبر (بابا) برای محمود شوکت پاشا حسب ذیل بذریعهٔ تلکراف خبر داده

ای محمود — چونکه من نیز یک فردی از اسلام میباشم لهیذا برخود فرض میدانم که برای شما چیزی بگویم — کجا وزیر کدام خزانه است آن کرور ها بود که برای کار آمد روز مصیبت خود ذخیره کرده بودند افسوس — آیا شما ازین سبب بر مسند وزارت نشسته بودید که سلطنت مارا باین حال برسانید وخیانت چهار کرور پوند مال واملاک عبد الحمید خان واعانت جندهٔ غریب مسلمانان را بکنید

(المترجم فیض محمد)

مقالهٔ مخصوصه

« خواب در تاریکی »

انسانرا در تاریکی خوب خواب میبرد . حتی بعضی چنان عادت گرفته اند که اگر اندکی روشنی بچشم شان برابر آید خواب شان نمیبرد . بعضی تا چشمهای خودشانرا بانشف مندیل شان . یا یک دستمالی نه بندند از خواب لذت نمیگیرند . خواب از مانده شدن وسستی رگها وپی ها حاصل میشود . رگها وپی ها چون چند ساعت پی هم کار گذاری وفعالیت خودرا اجرا نمود یک رخوت وسستی برای شان پیش میشود . بخار طعام . وتاریکی شب نیز بآن علاوه شده خواب بظهور می انجامد که این خواب طبیعی واز لوازمات ضروری زندگانی انسانست . ودر هر بیست وچار ساعت نسبت به سن وسال هرشخص از شش تا هشت ساعت لازم ولابد است . غیر ازین خواب طبیعی . یک خواب غیرطبیعی نیز هست که آن از مرض وبیماری دماغ واعصاب حاصل میشود . وآنرا به اصطلاح اطبا (نومسباتی) میخوانند وآن یک خوابیست که بیداری ندارد . واگر معالجه ومداوات آن نکوشند شخص بخوابرفته را سور اسرافیل در روز محشر بیدار میکند .

چون بحال امروزی مسلمانان روی زمین بنظر غور وتحقیق دیده شود اکثر شانرا مبتلای همین درد صعب الدوامی ببینیم که بعد ازیک بیداری وفعالیت وکارگذاری خارق العادهٔ که از آغاز ظهور خود شان تا یک چند عصری نمودند رگها وپی ها وقوای دماغیهٔ شانرا یک سستی ورخوت عظیمی حاصل آمده . وتاریکی شب دیجور غفلت ونادانی . وتیرهگی ظلمت نشور عدم بصیرت وبیخبری روز بروز افزونی گرفته تأثیرات آن ظلمت جهالت بر رگها وپی های شان مرض اختناق دماغی را بچنان دهشت مستولی ساخت که باوجودیکه هزارها سیرخونها ازانها گرفته شد . واز طرق بطرق لول داده شدند . وبار بار جاردست وپا گرفته از بالا بپایان واز پایان ببالا انداخته شدند باز هم ادنا حرکتی دران ها دیده نشد .

بلی . تاریکی خواب را می افزاید . تاریکی ، عبارت از بی علمی بیخبری . نادانی . بی صنعتی . بی زراعتی . بی تجارتی میباشد . درهر طرف دنیا که نظر کنیم این چیزهارا در مسلمانان بیشتر میابیم . سبب یگانهٔ محرومیت خود مارا ازین چیزها از خواب رفتهگی قوهٔ متفکرهٔ خود باید بدانیم . زیرا بیداری حقیقی ، بیداری فکر است . وخواب حقیقی . خوابرفتهگی فکراست . فکرها هراقدر که بیدار شود . سعادتها نیز هماقدر ملتهارا استقبال میکند .

چنانچه تاریکی وتیرهگی خواب را می افزاید . همچنان روشنی بسیار تیز نیز خواب را میرباید . روشنی عبارت از علم ومعرفت است . چون یکبار روشنی علم وعرفان درملت ها پدیدار گردد فکرها بیدار میشود . فکرها چون بیدار گردد . صنعت تجارت . زراعت بحصول می آید . انسان هرقدر تندرست وتوانا وقوی باشد چون فکرش بیدار وتربیه دار نباشد هیچ فایدهٔ نه بخود ونه بدیگری رسانیده میتواند . همه اختراعات محیر العقول که در دنیا دیده میشود، همه ثمره ونتیجهٔ بیداری فکرهاست فکر چنان یک بخار قوت آثاریست که چون یکبار در دیک ماشین دماغ در زیر تضییق وفشار در آید همهٔ قوتهای طبیعت در پیش قوت آن سرتسلیم فرومی آرد .

هرملت از قوهٔ فکریهٔ خود استفاده کرده میتواند . اگر از قوهٔ فکریهٔ دیگر ملتهای بیدار فکر عرض احتیاج ورزد هیچ فایده نمیدارد . صائب اصفهانی میگوید :

بدوش توکل منه بار خودرا
ولینعمت خویش کن کار خودرا

حضرت طرزی افغان میگوید:

چو تخاله بردار خود بار خودرا
میفکن بدوش کسی کار خودرا

یك افغان زبان افغانی میسراید :

څوك همت درته ولاړ زړن کړی آس دی
نه په فکر دول آس ود زړن مه شه

ژاپان‌ها ، هیچ چیزی نداشتند ، درظرف یکچند سال هرچیزی را مالك شدند . ریل ساز تلگراف ساز ، دریدنوت ساز کان شناس ، پولیتیك شناس ، حرب شناس شدند . آیاچه کردند ؟ صدها صدها اولاد وطن خودرا بهرهرطرف دنیا برای آموختن این چیزها فرستادند . آنها مانند زنبورهای شهد درگلزارها وچمن‌زار های دنیا پراگنده شده مواد شهد صنایع را حاصل کردند واز ظلمت به نور برامدند . یعنی فکرشان بیدار گردیده علم وهنر آموختند واز قوای فکریهٔ خود وطن خودرا مستفید ساختند . تاوقتیکه از بیگانگان مهندس وماشینکار ، وکان شناس ودیگر ارباب صنایع را آوردند بجز آنکه بیگانگان پیسه‌های شانرا خوردند ، و اشیای شانرا تلف ساختند و بر عقلهای شان ریشخند کرده پس برامدند دگر هیچ فایدهٔ ازآنها ندیدند ، وچون خودشان از جنس خود ارباب آنرا بدست آوردند هرچیزی را مالك شدند .

استانبول بسبیکه عنوان مقام خلافت عظمی را حائز بود ، ومقام مشیخت اسلام هم دران بود ، وصدها جوامع شریفه و مدارس وتکایا را حاوی ، وهزارها علما ، وسادات ومشایخ طریقه‌ها وصوفیون ، و سوفته‌ها را محتوی بود صفت یك منشاء معنوی اسلامی را داشت وبه آن سبب اکثر مردمان آنجا تا بسیار وقتها بصنایع و معارف اوروپا و امریکا کمتر رغبت میورزیدند . حتی صنعت و تجارت را چندان چیز مقبولی نشمرده هرانقدر سعی و کوششی که داشتند دریناب صرف میکردند که اولاد های شان کاتب یعنی میرزای دفتر های سرکاری بشوند ، ومنصبها ورتبه‌های دولتی برسند ، و قلمدانهای منصبی شان دام جرمقم گردیده ازآن رهگذر توانگر شوند . این حال درهمه حکومتهای اسلامی دیده میشود . اهالی هرچیزرا بردوش حکومت می‌اندازند ، وهرچیزی را از حکومت امید میکنند ، به اوروپا و امریکا رفتن و صنعت ومعرفت آموختن‌را کفرو بدعت میشمارند واین سخن دردماغهای شان جایگیر شده که هرکس چون به آنطرفها برود کافر و بیدین شده پس می‌آید . کافری وبیدینی را ازبرکلاه ولباس حمل مینمایند و یا بتعبیر دیگر مدنیت و ترقی را تنها از پوشیدن آنها میشمارند .

در زمانهائی که مصر واندلس وبغداد منبعهای علم وعرفان بود فرنگیها به عمامه وطیلسان دران دارالفنونهای اسلامی داخل شده وتحصیل هنر کرده پس بملك خود میرفتند . حالانکه اورا هیچ کس مسلمان نمیگفت ، ونه خوداو به آن عمامه وجبه مسلمان میگردید . میشنویم که یك انگلیزی ، ویك روس بعدازانکه زبان عربی وفارسی رانخوبی تحصیل کرده درمکهٔ مکرمه یا کابل یاطهران سالهای سال بزی وقیافت خود آن مردم درامده اقامت نموده است . ودرباب احوال آن مملکت مجلدها کتاب تألیف کرده باخود برده‌اند . حتی روایت میکنند که درزمان اعلیحضرت امیرشیرعلیخان مرحوم یك مرد روسی بصفت ایلچی فوق‌العاده به کابل آمده بود ان شخص درکابل بدرجهٔ واقفیت وبلدیت داشت که گویا ازمردم خود آنشهر شمرده میشد . ایلچی مذکور میگفت که مدت ده سال من درمسجد سرچوك بلباس وعمامهٔ طلبهٔ علوم افغان بودوباش کرده‌ام .

مقصد عاجزانهٔ ما ازنوشتن این مقالهٔ مخصوصهٔ (خواب درتاریکی) این است که نادانی وبیخبری تاریکی وتیره‌ئیست که مبتلا شده گان آن درد بیدوا خواب ابدی را مستولی میگرداند . هنر معرفت روشنی ودرخشنده‌ئیست که تابش آن خواب را ربوده بیداری افکار را نتیجه میبخشد . ودرین عصر حاضر آن نور ودرخشنده‌گی را مادراوروپا ، وامریکا ، وژاپان می‌بینیم . مراد از نور صنایع واختراعات وهنرهای آنجاست نه دین ومذهب شان زیراانوار دین ومذهب درممالك اسلامیه دردرخشیدنست که شهراه آخرت مارا روشن داشته است واگر بخواهیم که دنیای خودرا آبادوروشن سازیم مجبوریم که دربی انوار دنیائی به اوروپا وامریکا وژاپان بتازیم . اولادهای وطن را دراینجاها فرستاده کان شناس ماشین ساز ، مهندس ریلساز ، مخترع موجد ساخته بدست آریم .

این نیست که درملکهای مسلمانان آهنگر ، نجار ، کشتکار ، وغیره موجود نیست . بلی هست ! ولی اگر هزارسال آهنگری بکنند چنان آهنی که برای ریل ، وماشین آنرابسازد تا نبینند ونیاموزند ساخته نتواند . از آهنگر ، کان شناس ، مهندس ، وغیره صنعتکاران ، ومعلمان علوم وفنون متنوعه بیگانه کان غیردین وغیر جنس خود بجز ضرر هیچ فایدهٔ دیده نخواهد شد .

والحاصل نور هنر که ضد آن ظلمت جهل است انسانها مملکتها ، زمینها ، کوهها ، دریاها صحراهارا غرق انوار میسازد وضد آن فکرها جهانها را میمیراند . بشنوید که جریدهٔ فریده (سبیل الرشاد) که در استانبول طبع میشود از مقدمهٔ کتاب (ازظلمت به نور) چه می نویسد :

« بلی ، منبع یگانهٔ جمیع امراض اجتماعیهٔ ماجهل ، سبب حقیقی همهٔ سفالت وبیچارگی ماجهل ، مؤثرترین همه فلاکتهای ما جهل است . تاوقتیکه ذهن ملت روشن نشود ، فکر مردمان گشایش پیدا نکند ، جریانهای غلط جلوگیری نشود امید فلاح ونجاح سراسر عبث است .

« آیا بسبب جهل نیست که مانند اناطول یك ملکی که منبت ترین ، ومحصول خیزتر دنیاست ، وقیاس ترین نهرهای جهان دران جاریست امروزه روز یك حال خرابه زار سفالت میباشد؟

« آیا بسبب جهل نیست که در بندرهای بحری ما که استعداد مرکز تجارت بحریهٔ تمام دنیا را دارد ، بجای اینکه بیرقهای

عثمانی موجه‌ها نزد سفینه‌ها وبیرقهای دولتهای بیگانگان ودشمنان گشت و گذار میکنند ؟

وآیا باز هم از روی کابوس بلای همین دشمن دهشتناك یعنی جهل نیست که در سینهٔ متروك‌الاطولها وجودیکی بس کانهای قیمتدار ووافری وبس خزینه هـای بی پایان وتوانگری مدفونست گروه گروه مردمانیکه برروی آن زمینها زیست دارند از گرسنگی تلف میشوند..

بلی ، بلی ، ماهم باهمهٔ هستی خود اینسخنان (سبیل الرشاد) رفیق معزز خودرا تصدیق وتأیید میکنیم ، ولی باین هم مجبوریم که خود از خود سوال بکنیم که آیا آن چیزی که ما آنرا جهل میگوئیم وضد علمش میشماریم کدام چیزاست ؟ آیا اینهمه مدرسه‌ها وتکیه ها ، وزاویه‌ها ، ومسجدها ، وخانقاه هائی که در هرهر طرف ممالك اسلامیه موجود است ، وباهزاران هزار ملاها ، وطالبها ، وآخندها وشیخها ، ودرویشها ، وصوفیها ، وذاکرها وغیره پر وملامال اند ، ومبالغ خطیری از وقفها ، وخیراتها ، ومبراتها برانها خرج میرسد ما چسان جرأت کرده میتوانیم که اینهمه فلاکتها ، وخرابیها ، وزبونیهای ممالك اسلامیه را بر جهل وبی علمی حمل نمائیم ! .....

این مسئله شرح وبسط بسیاری دارد که در یك مقاله ودو مقاله نمیگنجد . وهم از صدد بحث اجتقالهٔ ما خارج می شود . لهذا سخن را بر همین مدعا مختصر کرده میگوئیم : که مارا یك تاریکی وتیرهٔ کی فرا گرفته آن تاریکی بر اعصاب دماغیهٔ ما تأثیر اختناق بعمل آورده وبخواب بسیار سنگین وعمیق فرو برده ، فکر مارا در یك گرداب ناپاب ظلمت مآبی غرقه ساخته . برای محافظهٔ هستیٔ وجود ما نور لازم است . برای بیداریٔ فکر ما روشنی بکار است . آن نور وروشنی را در کانها ومعدنهای عمیق زیر زمین می بینیم ، آن نور وروشنی را در مهندسی وصنعتگریٔ کشیدن انها وساختن الات وادوات مدافعه ، وسرعت وغیر می یابیم . آن نور وروشنی را در پرواز کردن روی هوا ، در شناوریٔ بحرها ، درشنیدن آوازهارا از هزارها کیلومترها وهنوز چهها وچهها می یابیم ، ما هم راه سازی ، آهنگری ، نجاری ، زراعت تجارت میکنیم . ولی در تاریکی میکنیم . این چیزها همه درانطرف بحر های محیط است اگر ازانجاها در باب بدست آوردن ارباب انها تشبث ورزیم با میباید که هستی ووجودیت خود مارا برای انها واگذار شویم . ویا آنکه یکچندی خود را بازی داده ومال خود را نیز تلف کرده هیچ استفادهٔ نکنیم . بنا برین « کس نخارد پشت من جز ناخن و انگشت من » گفته وهر قسم فداکاریٔ که لازم باشد اجرا کرده یك آن اولتر در پیٔ آن نور بشتابیم ، وخود را منور کرده‌باشیم ووطن خود را مستغرق انوار بسازیم . والسلام .

(علم طبقات الارض)

(مابعد از شمارهٔ (۱۹) سال دوم)

ودر نزد ارباب (فن نباتات) این یك نیز روشن ومبرهن است : که حرارات ، درخصوص محو کردن ونابدید ساختن جنگلهای جسیمه پیشروترین اسباب تخریبیه میباشد .

باد

درخصوص آلات تبدلات سطح ارض (باد) نیز از جملهٔ قوای تخریبیهٔ بس عظیم شمرده میشود که روی زمین را همیشه بازبانچهٔ پر قوت خویش لیسیده‌لیسیده ازیکحال بدیگر حال تبدیل میدهد . این آلت تخریبیه از پیروان ونایبان قوهٔ تخریبیهٔ حرارتست ، مثلاحرارت ، دراول امریك کوهٔ کیٔ بسیار بزرگیٔ را بمدت بسیار مدیدی چنانچه آتش مواد سائرهٔ را خاکستر میسازد —

باقی دارد

فاجعه‌های پاریس

(مابعد از شمارهٔ (۱۹) سال دوم)

از شنیدن بسیار خفیفی که ازباز شدن وبسته شدن دروازه حاصل شد پیرمرد بسیار آهسته، که گویا حرکت بسیار خفیفی نیز برای او موجب اضطراب عظیمی میشد سر خود را بسوی دروازه دورداد. چینی که درمیان دوابروی او بر پیشانیش پیدا بود بر بیصبری وقهروغضبش دلالت میکرد. اماچون آدمیرا که بدرون درامده بود بخوبی دید وشناخت علایم سیمایش یکی بیکبار تبدیل نمود وچینی که برجبینش حاصل شده بود هماندم زایل گردید . درلبهایش اثریك تبسم مبهمی پیدا شد . دست راستش چون بیکصورتی که گویا ازروح خالیست بیکطرف آویخته شده بود ازانرو دست چپ خود را بسیار زحمت بسوی نوجوان دراز کرده گفت :

— ازهیچ نیامدن باز آمدن اولاتراست . خوش آمدید محترم قونت . اگربدانی که ترا چقدر انتظار داشتم !

روبرو نزد پیرمرد تقرب کرده . ودست رعشه دار او گرفته وبیکصورت بسیار احترامکارانهٔ اشارهٔ داده گفت :

— میدانستم که بسیار به بیصبری بمن منتظر بوده‌اید . اما اگر زود آمدن دردائرهٔ اختیار خودمن میبود یکدقیقه نیز تمدید آنرا میدان نمیدادم . حالاچون اسباب تأخر خودرا بیان کنم شماهم حکم خواهید کرد که قباحت برمن نیست . اما در اول امر از مادموازل (هانریت) بحث کنیم ..

پیر — (درچهره اش بسیار یك علایم محبت پدیدار گشته) بلی ، بلی ، ازدخترك من بمن احوال بدهید .

جوان — وظیفه وخدمتی که بمن سپرده بودید بخوبصورت بجا آوردم مادموازل هانریت وخادمهٔ اوناتش بقطار راه آهن که ازساعت پنج بیست دقیقه گذشته حرکت نمود بسوی (اورله آن) عزیمت کردند . خودشانرا درواغون درجه اول مخصوص زنانهالات جابجا کردم ، وتا بوقتیکه ترن حرکت نکرده بود ازاستاسیون جدا نشدم .

ادبیات

حیف صد حیف است بر حال مسلمانان روم
ناله‌وا حسرتا بر خواری و خذلان روم
در بلاد روم آشوب قیامت قایم است
از جفاو ظلم بی‌اندازهٔ خصمان روم
قتل عام افتاده است از فرقهٔ نصرانیان
برزن و مرد و جوان و پیر و برطفلان روم
اکثری را زنده در آتش چو هیزم افگنند
این چه بیدادی و بیرحمی است بر ترکان روم
شد زمین آتش ز جور کفر بر اسلامیان
یا الهی آب لطفی ریز بر نیران روم
دل گراز کافرور از مومن بود حق دردوست
سنگ ها در جای دلدارند جباران روم
آه آه از جور این کفار سنگین دل که هیچ
رحم جنسیت نشد زیشان بمظلومان روم
کودکان را درحضور مادران یك یك کشند
بنگرید ای مومنان ظلم ستمگاران روم
با زنان و دختران بی ستر تباهی کنند
خود بده یارب سزای جهد بدخواهان روم
هیچکس نشنیده بود اینگونه بیدادو ستم
کر جزای کافران جاری است در اوطان روم
در میان خانه و خون افتاده هر سو لاشها
از سهی سروان سیم اندام و مهرویان روم
رونق اسلامیان بشکست در اسلامبول
سخت آشوب و تدوری یافت شهرستان روم
چند دولت از نصارا متفق شد بهر او
از کمین برجست ظاهر دشمن پنهان روم
کی کند بر عهد و پیمان نصارا اعتماد
هرکه این بدعهدیش را دید در بیان روم
ای مسلمانان بجای آب خون باید گریست
برچنین حال خراب و وضع سرگردان روم
مومنان در هر وطن از فرط اندوه و حزن
دلفکار و سینه بریانند و حسرت خوان روم
هر کجا آید خرابی ها ز اسباب نفاق
کاش باهم اتفاق داشتی یاران روم
ای برادر های دین هستیم چون ماو شما
در غم و شادی شریك و نیز همدردان روم
بر فریب کافران باشیم باید هوشیار
عبرتی حاصل کنیم از حالت اخوان روم
این بلا امروز در روم است فردا پیش ما
نیست تنها از حسودان و بد اندیشان روم
مملکت های وسیع مومنان رفت از نفاق
اتفاق کفر دست افکند تا دامان روم
غیرت و مردانگی و اتفاق و علم و دین
بود سابق پیشهٔ ما و مسلمانان روم
باز باید ننگ اسلامی کنیم و اتفاق
بهر دفع خصم خویش و هم زبردستان روم
وزبرای حفظ دین و دولت و ناموس خود
با خبر باشیم باید نی چنین حیران روم
گر اصول و اتفاق دین ما برجا بدی
قدرت اقدام کی بودی بد خواهان روم

پیر — (بسوی ساعتیکه بر سر بخاری بود نظر کرده) حالا ساعت ده و نیم شده است .

جوان — ما دموازل تابحال حکماً بمحل مقصود خودش واصل شده است . دو روز بعد از و درباب احوال صحت (قوتس دوناتره) مکتوب خواهید گرفت .

— آه بیچاره همشیره‌کم (دوناتره) ! او را دو باره نخواهم دید !.

— که میداند که نبینید ؟

— (بصورت افسوس کنانه سر خود را جنبانید) پس من و او آدمها که از ده سال بهم نه‌پیتند مواصلت و دیدن ممکن نخواهد شد . ما و او بعد از این در عالم لاهوت باهم خواهیم دید . حالا تنگ بسیار نگذشته خواهد بود که آنهم ممکن شود .

— برای چه بدینگونه خیالات اسف انگیز پویان میشود . رجا میکنم این گونه خاطره های پرالم را از ذهن خود دور کنید موسیو .

— این خاطره ها برای من مؤلم نیست . بگو ببینم : این حیاتی که من دارم از زندگی شمرده میشود ؛ چیزیکه مرا بازندگی یك رابطهٔ داده همانا دخترك محبوبه گك من (هاریت) است که اگر او نمی بود از جناب حق نیاز میکردم که فردا روح مرا قبض کند . حالا از خود همینقدر بحث کردن بس است . یکی کمی از احوال شما نیز گفتگو کنیم : خوب به این میدانستید که من چقدر بیصبرانه انتظار خبر عزیمتها تربیت را داشتم . می بایست که بهر حال وقت طعام شام در خانه میبودید . آیا چه شد که اینقدر دیر آمدید ؟

— یك قضایی پیش شد از اسب .

— (بسیار هول) آی ! بر سر شما الا کدام حال بدی پیش آمد ؟

— بلی ...

— موجب وحامت یکچیزی نباشد . زود بگوئید !

باقی دارد

پادشاه ما سراج ملت و دین نام اوست
کز ترقیها گرفته دولت او شان روم
در نگهبانی ملت و دولت و ناموس ما
روز و شب ساعیست هم دلسوز بر اخوان روم
بر وجود امجدش ای مومنان شکری کنید
کو سراج ملت و دین است و از اعوان روم
مکسلید از دامنش یك لحظه دست اتفاق
کز نفاق افتاد چندین فتنه در دوران روم
گر خدا خواهد قلیل ما کثیری را زند
نص قرآن است ظاهر بر خردمندان روم
طول شد ابدل کلامت بایدش کن مختصر
در دعای شاه خویش و همت اخوان روم
یارب این آفت اگرچه از شرور نفس ماست
زانکه شاید جرم ما ویش است و هم عصیان روم
لیك چون بخشایشت بر کبرو اسلام است و عام
جرم ما را بخش با جرم گنهکاران روم
رومیان پامال گردیدند و کس غمخوار نیست
روح پاك مصطفی را ساز پشتبان روم
نصرت ایشان عطا فرمای و توفیق هدی
کافران را ساز مغلوب مسلمانان روم
دولت افغانستان را از خلل محفوظ دار
ور ز وقوع آنجهان شوری که شد مهمان روم
از پریشان حالی جمعیت اخوان روم
دیدهٔ (شیراحمد مخلص) شده گریان روم

ناموران زنان جهان

(مابعد از شمارهٔ (۱۹) سال دوم)

ما ترجمه ابیات اول چنین است که :« چشم گریست ، وحق دارد بگریستن بران صاحب سماحت که حیا در خلقتش بود ، وطبیعتش نازك وشریف المنشء وکریم الخصله ونیك نیت بود . لفظ (شیبه) را از انسب ذکر کرده که بسر جناب عبدالمطلب از وقت ولادت یکچند موی سفیدی موجود بود . و ازینسبب (شیبه) نام ویالقب شان شده است . در دیگر بیتها نیز اوصاف ومحامد آنهارا تعداد نموده است . نظر یکی از روایتها گویا این مرثیه را صاحب ترجمه در زندگیٔ پدر خود عبدالمطلب بنظم آورده است . زیرا عبدالمطلب در مرض موت خود شان دختر خودرا کایکی همین اروی ، وام حکیم ، وامیمه ، وبره ، وصفیه ، وعاتکه بودند در نزد خود خواسته گفت که میدانم بعد از مرگ من مرثیهٔ مرا خواهید گفت . چرا که صاحبهٔ طبع شعر هستید ، لهذا میخواهم که پیش از مرگ خود آن مرثیه هارا بشنوم ، وآنها نیز مرثیه های خودرا بنظم آورده اند که مرثیه فوق ازانجمله است . وانشاءالله در حرف هرنام دیگرها نیز بیان خواهد شد .

باقی دار

علم ثروت ملل

(مابعد از شمارهٔ (۱۹) سال دوم)

وبه اینصورت از حال سرمایه گی برون میشود . وزینیسهٔ نقدی که برای مزد مزدور کاران سرمایه شده است ، چون یکبار بر مزدوران صرف گردد ، دوباره باز بر همان کار صرف نمیگردد . اگرچه قماشی که ازان ساخته میشود در دست جامه ساز چون بیفتد باز سرمایه شمرده میشود ، ویا آنکه پیسهٔ که بنزد مزدور کاران بیفتد باز برای خود آنها سرمایه اعتبار میشود . لکن به اینصورت آن قماش ، یا آن پیسه یك سرمایه نوی میگردد که این گونه اشیا را (سرمایهٔ متداول) مینامند .

(سرمایهٔ ثابت) آنست که کم ویش دوام وبقاداشته باشد . مثلا بنای فابریك ، وآلات ، وماشینها وامثال آنگونه چیزها سرمایه ثابته گفته میشوند که باوجود استعمال آنها در راه استحصال ثروت حال سرمایه گری خودرا غائب نمیکنند ، وهنوز در بسیار معاملات استحصالیه استعمال شده میتوانند . کذالك بکار انداختن بلمعدن ، ویاباز کردن یك کانال ، ویا کشیدن یك راه ، ویانهر ویکار انداختن ریل ، وموتر ، وغیره نیز جملة از سرمایهٔ ثابت رفته میرود که در استحصال ثروت استعمال میشوند وصفت سرمایه بودن شان ضایع نمیگردد .

(آدام اسمیت) که از مهرهٔ علمای علم ثروت است ثروت عمومیهٔ هرملت را از قرار ذیل تقسیم کرده است :

اولا : آن ثروتی که راه براه در راه معیشت عموم ملت استهلاك میشود — یعنی بخرج ، میرسد . وهیچ مدا خلات وایرادی حاصل نمیکند . مثلا ذخیره ، وارزاق ، وما کولات ، ومشروبات ومفروشات والات کاه ، ونقود ، ومداخلاتی که بر اسباب آمیش مردمان آن ملت بخرج میرسد .

ثانیاً : سرمایهٔ ثابته که بی تبدل ورز یدن یك ایراد ، ویك نفع حاصل میکند . وتخمین بر چهار قسم اشیا تقسیم میگردد :

باقی دارد

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر و سرمحرر تحریر یافته

محمود طرزی

در چهاپ خانه حروفی دار السلطنه کابل طبع گردید

اعلان

از هر دهن سخنی
و از هر چمن سمنی

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه‌را مژده میرسانیم ، وترغیب مینمائیم که ازین گنجینهٔ پراز جواهر آبدار ، وازین گلزار پراز ازهار یک نسخهٔ بدست آورده از هر دهن سخنی بشنوند ، واز هرچمن سمنی بچینند .

در

مطبعهٔ عنایت

که بنیاد یافتهٔ همت عرفان قیمت شهزادهٔ جوانبخت معظم حضرت معین السلطنه سردار عنایت‌الله خانست زیور طبع آراسته گردیده ، ودر نفس مطبعهٔ مبارکهٔ مذکوره که درده افغانان واقعست بقیمت ۲ دورو پیه کابلی از نزد عبدالروف سرمرتب مطبعهٔ عنایت خریداری کرده میتوانند کتاب مذکور در دکان ملا غلام محمد کتاب فروش متصل بمدرسهٔ شاهی نیز بفروش میرسد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 730 of 1786

(یاد آوری)

بعضی اخبار های معاصر معززما که از هندستان بمبادلهٔ سراج الاخبار افغانیه میرسد وکیل‌ما میرزا غلام حیدر خان راکه سررشته دار داکخانهٔ دولت علیه افغانستان درپشاوراست ایدیتر اخبار گمان کرده سرنامه وعنوان را ایدیتر گفته بنام میرزای موصوف مینویسند . لهذا یادآوری کرده رجا میکنیم که سرنامه وآدرس بنام مدیر و سر محرر یعنی ایدیتر سراج الاخبار افغانیه محمود طرزی نوشته‌شود . ونیزلفظ مبادله نوشته شود تادر اداره موجب شبهه و غلط فهمی نگردد .

اعلان

(شرایط اشتراك سراج الاخبار افغانیه)

(سراج‌الاخبار افغانیه) نخستین اخباریست که در مملکت پرفیض وبرکت افغانستان بسایهٔ فیوضات عرفان پروری اعلیحضرت پادشاه مقدس مهربان مانو در دارالسلطنهٔ محروسهٔ کابل به انتشار آغاز نهاده است . مقصد ومسلك این نامهٔ گرامی بیداری وآگاهی اهل وطن مقدس‌ماست براحوال عالم ، وحب دولت و وطن ، وتوجه بسوی علم وفن ، دینی ، سیاسی ، ادبی ، اجتماعی ، فی یك اخبار فواید نثاریست که در صفحه های معدود ، فواید غیر محدودی مندرج دارد .

(سراج‌الاخبار افغانیه) از هموطنان عزیز خود چشم امید آنرا دارد که چون این اخبار یگانه اخبار وطن عزیز مقدس شان شمرده میشود میباید که بیك توجه خاصی وبیك هوس مطالعهٔ بااخلاصی بسوی او عطف نمایند . اداره درباب اشتراك مشترکین کرام بنهایتدرجه ارزانی وآسانی را مرعیداشته ، وبرای خوبیٔ مضامین مندرجه وخوبی کاغذ وحسن طبع ودرج تصاویر فدا کاریهای بسیاری بکار برده ، وتجارت را کمتر منظور داشته است دریتوقت درماه دو بار یعنی درغره وپانزدهم هرماه نشر میشود وامیداست که درآینده هفته وار بشود . وآنهم به همت دانشوران معزز هموطن منوط است زیرا هراقدر که تعداد مشترکین کرام ، ورغبت خوانندگان عظام بیفزاید ، البته در ترقی اونیز خواهد فزود . قواعد اشتراك از قرار ذیلست :

در دارالسلطنهٔ کابل قیمت یکساله اشتراك آن ٨ هشت روپیه کابلی — ششماههٔ آن ٥ پنج روپیه کابلی . در ولایات داخلهٔ دولت علیهٔ افغانستان یکساله ١٤ چارده روپیه کابلی — ششماههٔ آن ٨ هشت روپیه کابلی . درممالك خارجه چون هند وایران وترکستان روسی وممالك عثمانی واوروپا یکساله ١٠ ده روپیهٔ انگلیزی — ششماهه ٦ روپیه انگلیزی .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 731 of 1786

سراج الاخبار افغانیه

١٣٢٩

شماره ٢١ سال دوم

فهرست مندرجات

اتفاق ملت	چه کلمهٔ مقدسیست
حوادث داخلیه	مراسم پرمکارم جشن اتفاق ملت — دربار یوم پنجشنبه ۲۸ ماه رجب ۱۲ سرطان سنه ۱۳۳۱ — لیلهٔ مسعودهٔ جشن مبارکه — شهر آئین — آتش بازی وضیافت سینه درشب دوشنبه ۲ ماه شعبان — عرابه های موتر شرکا — امر مسنون نکاح — مقرر شدن عالیجاه ابراهیم خان غلامبچه بمنصب پیشخدمت باشی حضور اعلیحضرت همایونی —
حوادث خارجیه	تکذیب یک باوه سرائی عجیب — عبرت نامه — اجمال سیاسی — نقل از اخبار چهره‌نما — اتفاق انگلیس باعثمانی : — نقل از اخبار پاونیر در ساختن باروت بیدود — پرواز جهاز — جنگ مصنوعی بحری — اتفاق ترکی قتل محمود شوکت پاشا — منازعات اتحادیان وسرزنش وتنبیه شدید ازدار روس — نقل از اخبار آزرور تکالیف مشکلات ترکی — اخبار وطن عیسائی شدن ایرانیان — شجاعت لشکر مظفر جاوید پاشا — طوفان باد و باران در کانپور — شورش در مراکو — جاپان وامریکا — شهادت نیازی بیک — خیال بلاو وتقسیم نمودن ملک بلغاریه — حسیت مذهبی وغیرت فطرتی چهارنفردختر مسلمانان روس — تسلط ابن مسعود بن الاحساء وقطیف — اشخاصیکه در ممالک روم ایلی رعیت را بر خلاف دولت علیه می انگیزانند — اصل ونسل کامل پاشا
مقالهٔ مخصوصه	یک کمکی دیر
مقالات فنیه	مابعد از شماره (۲۰) فن ژئولوژی — یعنی طبقات الارض
ناموران زنان جهان	
علم ثروت ملل	
فاجعه‌های پاریس	
تصاویر	نظارهٔ سمت شرقی قصر سعادت حصر استور باغ ارگ مبارک کابل — لوحهٔ عبرت —
مسابقهٔ فوتوگراف	یک منظرهٔ لطیفه چمان کابل — نظارهٔ دریای شمال کل‌بهار به حد پل جدید

اعلان

سیاحت بر دور ادور کرهٔ زمین

چقدر فایده ها وشیرینها دارد ! علی الخصوص
که آن سیاحت با آن بزرگی ووسعت
به هشتاد روز
اجرا شود ! آرزو کننده کان این سیاحت
خارق العاده هرگاه برای خریداری کتاب
(سیاحت بردورا دور کره زمین)
بهشتاد روز

قدر دوروپیه کابلی یك مبلغ کمکی را صرف نمایند این سیاحت را گویا (فلیاس فوق) سیاح ورفقایش یکجا اجرا کرده خواهند بود ! محل خریداری این کتاب دکان (ملا غلام محمد) تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی میباشد ، ودر نفس مطبعه عنایت که در دهٔ افغانان است از نزد عبد الرؤف سرمرتب نیز خریداری میتوانند .

مؤلف این کتاب (ژول ورن) فرانسوی است که در نوشتن ناولهای فنی مشهور آفاقست. از فرانسوی به ترکی واز ترکی بفارسی ترجمه شده است. کتاب مذکور تنها ناول نی بلکه در ناول فن جغرافیا وجغرافیای ریاضی را نیز بطرز افسانه نشان میدهد .

در (مطبعهٔ عنایت) که از مؤسسات شهزادهٔ جوانبخت معظم دولت علیه افغانستان جناب عالی (معین السلطنه سردار عنایت الله خان) است زیور طبع آراسته شده است. این کتاب نایاب را زود بدست آرید وفرصت رافوت مکنید که نسخه های آن زود تمام خواهد شد. وافسوس فایدهٔ نخواهد بخشید .

(کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه)
(با جلد اعلا)
ودو کتابچهٔ (علم واسلامیت) و (آیا چه باید کرد ؟)
(با جلد اعلا)
در اداره موجودست ، آرزو کننده کان
خریداری کرده میتوانند
قیمت همه (۲۵) بیست وپنج روپیه کابلی

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، ویا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تابه پنج بار نشر وشایع شود برسرهر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تابه پنج بار فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود ، طول سطریك ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

صحیفه (۱) سال دوم شماره (۲۱)

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلیه مملکت
بامراعات ڈاک ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
بامراعات ڈاک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخه آن در کابل یکعباسی است

سراج الأخبار افغانیه

۱۳۲۹

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

اداره خانه و مطبعه
در ماشینخانه دار السلطنهٔ (کابل
همهٔ امورات تحریریه به اداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ عربی ۱۵ شعبان سنه ۱۳۳۱ تاریخ انگریزی ۲۰ جولای تاریخ شمسی ۲۹ سرطان ۱۲۹۲

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

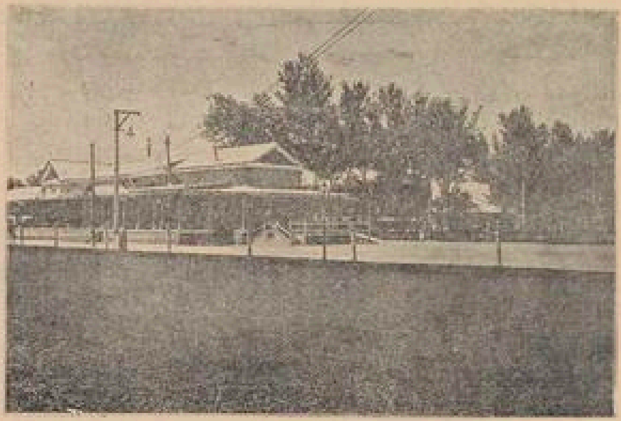

(نظاره سمت شرقی قصر سعادت حصر استور باغ ارگ مبارک کابل)

از فوتوگرافی مرخان اسپور زینکوگراف شده

(اتفاق ملت)

(اتفاق ملت) چه کلمهٔ مقدسیست که از گرفتن نام آن همهٔ حواس ووجدان انسانرا لرزهٔ تجلی آسای شوق ووجد فرامیگیرد اتفاق‌ملت که گفته‌شد ، هماندم‌حیات ، سعادت ، عظمت ، شوکت ملت درپیشگاه نظرتجسم میکند . اتفاق ملت که بزبان آورده‌شد همان‌لحظه ترقی ، تعالی ، مظفریت ، غالبیت ملت در حواس نقش پذیر میگردد . اتفاق ملت که درتصور آمد ، همه خوبیها ، فرخنده‌گیها ، فیروزیها حالاً بفعل میآید .

اتفاق است که فیئهٔ قلیله را برفئهٔ کثیره غالب آورده است . اتفاق است که ازیکمشت انسانها دولتها تشکیل داده است . اتفاق است که بر افراد متفرق بسیاری از انسانها عنوان ملت وهیئت اجتماعیه را نهاده است . ملت باتفاق، ملت گفته میشود . اگر اتفاق نباشد ملت وجود نمی‌یابد . هستی و موجودیت ازوو داع ابدی میکند ترقی واعتلا . شرف وارتقا ازورو گردان میشود انواع مصیبتها . فلاکتها . خرابیها اورا استقبال میکند .

ضد اتفاق اختلاف و شقاق است که دنیاها را برهم میزند ، ملت‌ها را پاره پاره میکند وعدم محض میگرداند . صنایع معارف وترقی را ازمیان برمیدارد . زیرا مردمان باینچیزها دقت وفرصت نمی‌یابند . همه اوقات شان بخرج بیخ کنی ، و خونریزی ، وازپا در اندازیٔ یکدیگر شان صرف میشود . تجارت ، زراعت را هم‌محو ونابود میسازد . چراکه اینچنین چیزها باتفاق سعی وکوشش واتحاد محبت و نوازش افراد بایکدیگر شان بعمل می‌آید . امنیت عمومیه — یعنی آسوده حالی وخاطر جمعیٔ عام — نیز ازبی‌اتفاقی و اختلاف ملت . ازملت بر میخیزد زیرا هرکس بقید نگهبانیٔ جان ومال خود ازشر دیگر همجنسان و هم ملتان خود افتاده آسودگی منسلب میگردد .

علی‌الخصوص بی‌اتفاقی ملت ضررها و زیانهایی که به حکومت میرساند حدوحساب ندارد . ذاتاً حکومت که گفته‌شد مراد ازان اتفاق ملت است . اگر اتفاق ملت نباشد حکومت چسان تشکیل می‌یابد ؟ یك آدم چار آدم بیست آدم حکومت گفته نمیشود :

« هیئت اجتماعیٔ ملت » « نام‌او سلطنت‌شد ودولت »

هزاران رحمت‌حق برروان پاك خاقان جنت مکان اعلیحضرت (ضیاء الملة و الدین امیر عبد الرحمن خان) باد که به تأسیس و بنیاد سلطنت و اتفاق و اجماع ملت کامیاب آمده ، ملیونها تحسین‌و آفرین برذات قدسیت صفات پادشاه دل آگاه موجودهٔ ما اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب‌الله خان) باد که برآن اساس وبنیاد بناهای رصین ومتین ترقی وتمدن راوضع نمودند . واتفاق ملت را بدرجهٔ علویت وقدسیت بخشیدند وذات شاهانهٔ خود شانرا بملت ، وملت نجیبهٔ صادقهٔ شانرا بخود چنان نزدیك ساختند که همهٔ ملت وجود مراحم آمود شاهانه را پدر اشفق وارحم ، ومحبوب القلوب اعظم شناختند . وآن پدرمحبوب القلوب ، ملت را بعنوان اولاد ، ووجود خود خطاب فرموده باربار خود را یك فرد واحدی ازآنها بشمار آوردند . در اکثر دربارهای عام ومجلسهای خاص اول نطق افتتاحیٔ که فرموده دعای آزادی ، وترقی وسعادت حال واستقبال ملت خود را بر زبان مبارك آورده‌اند . ودائما ملت صادقهٔ شاهانهٔ شانرا به این یادآوری وتأمین فرموده اند کهدر مسایل وغوایل خارجیه بدون استحصال رأی ومشورت عموم ملت صادقهٔ شاهانهٔ خود هیچ جوابی وحرکتی نخواهند فرمود .

این اتفاق ملت که حضرت خالق کائنات جل‌وعلا افغانستانرا عطا فرموده شایان شکران بیپایانست . واز چنان قوای مدافعهٔ وطنیه شمرده میشود که در پیش روی قوت آن هیچ قوتی تاب وتوانائی نیاورد . لهذا برهمهٔ افرادما ملت افغانیه واجب است که شکر این نعمت را بجا آریم ، ودوام از داد آرا از درگاه واجب الوجود جل‌و علی نیاز نمائیم . واعلیحضرت پادشاه ملت پرور خیرخواه ترقی آگاه خود مانرا بدل وجان دوست داریم ، ودعای دوام عمر واقبال وشوکت واجلال شاهانهٔ رحیمانهٔ شانرا ورد زبان صداقت نمائیم .

حوادث داخلیه

مراسم پرمکارم جشن اتفاق ملت

(دربار)

یوم پنجشنبه ۲۸ ماه رجب المرجب ۱۲ سرطان سنهٔ ۱۳۳۱ باروز فیروز سعادت اندوز (جشن اتفاق ملت) که یکی از ایام عمده ومهمهٔ اعیاد ملت افغانیه شمرده میشود مصادف آمده شهر عزیز مینو بهر مارا یك مسرت وفرحت عظیمهٔ از هر طرف استیلا نموده بود . نه تنها در پایتخت سلطنت متبوعهٔ مقدسهٔ ما بلکه درین روز مسرت اندوز در هرهر طرف وهمه ولایتهای پرشرف افغانستان یك جشن پر مسرتی برپا گردیده بود که ما درینجا تنها ازجشن های فیروزی همراه پایتخت عالیبخت کابل بحث وبیان میرانیم :

در روز چارشنبه تذکره‌ها وتکتهای خبری ازطرف ایشیك آقاسیان ملکی وعسکری برهمه ارباب مناصب ملکی وعسکری واشراف واعیان‌مملکت وجمله اهل دربار معالیبار تقسیم گردیده‌بروز پنجشنبه به هشت‌بجه‌صبح همه کان درسلامخانهٔ عام حاضرشده‌بودند زینه‌ها وصحن احاطهٔ سلامخانه ودالان بزرگی آن خنجاخنج بامردمان پرشده بود . بساعت ده تشریف شوکت ردیف ذات اعلیحضرت پادشاهی بسلامیٔ موزیکهای عسکری اخبار

گردیده ذات شاهانه مانند طلوع شمس خاوری دالان بزرگ بسیار بازینت سلامخانه را بقدوم معدلت لزوم همایونی مشرق انوار ساطعه فرمودند .

ذات اعلیحضرت بادشاهی بسدهٔ سنیه که کرسی سلطنت بران موضوعست برامده درحالیکه همهٔ اعیان واهالی دربار بااحترام قیام داشتند همه کانرا مظهر تلطفات وعواطفات شاهانه فرموده وازقدسیت ومزایای این روز فیروز جشن اتفاق ملت بخوبی بیان . ودعای آزادی واستقلال وسعادتها وترقیهای دولت وملت ووطن شاهانه شانرا آوردهٔ لسان فیوضات ترجمان فرموده آرام گزین تخت سلطنت شدند ، وحاضرین را اجازهٔ نشستن فرمودند .

ذات عالی جناب نائب السلطنه صاحب الفخم یك تقریر دلپذیری مبنی بر تبریکات این جشن مبارك وتشکرات نعمای اتفاق ملت افغانیه وملت پروریهای اعلیحضرت شاهانه ازطرف عموم بیان فرمودند .

بعد ازان بقرار سررشته وقواعد معمولهٔ همه ساله مبعوثین وفرستادگان اقوام وقبایل مختلفهٔ ملت افغانیه گروه گروه وصنف صنف ازطرف ایشک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی جناب علی احمد خان بحضور مراحم موفور اعلیحضرت شاهانه عرض وتقدیم میشدند وهرگروه وهرصنف سلام شاهانه را ادا ودعای بادشاهی وعرض صداقت واطاعت خودشانرا اظهارنموده ومظهر التفات وعواطفات جهاندرجات جهانبانی گردیده درموضعها وموقعهای مخصوصهٔ خودشان جابجا میشدند . شربتها چایها ، طعامها برهمهٔ اهل دربار معالی بار . وافراد اصناف ملت دستهدار صداقت شعار بخش واحسان گردیده بساعت یکنیم این مراسم دربار جشن مقدس ملی ختام پذیر گردید .

(لیلهٔ مسعودهٔ جشن مبارکه)

شب همان روز فیروز درباغ بادشاهی ارگ مبارك یك چراغان بسیار بارونق وپرشکوهی ترتیب یافته ، وهمه گونه اسباب فرحت ومسرت مشروعه حاضر وآماده گشته همه ارباب مناصب واصحاب مراتب واعزه واشراف واعیان مملکت بموجب ارادهٔ سنیهٔ همایونی بساعت هفت شام درباغ مذکور جمع آمدند .

دوقطعه چمن صفا پیرامن جهت شمالی قصر بیقصورا ستور که بادوسرك متوازی خوشنما از همدیگر تفریق یافته برای نشستن مدعوین تخصیص یافته بود که ابتدا درچمن دست چپ همهٔ خوانده شدگان جمع آمده وبعد از تشریف فرمائی ذات اعلیحضرت بادشاهی بچمن مذکور وادای صلوة عشابه امامت اعلیحضرت شاهانه ازچمن موصوف بدیگرچمن که بایك انوار ضیاثار وتزیینات شمعه بازی تنور وتزیین یافته بود رفته دلها را یك نوروتازه گی فراگرفت . در مواجههٔ چمن یك دیواری ازنور برافراشته شده بود که انوار آنرا اگر از محلول قوس قزح آبیر کشیم بجواهر مذاب شدهٔ رنگارنگ آبداری تشبیه دهیم جادارد . آراسته گی وپیراسته گی چمن خواه ازجهت چراغان وخواه ازدیگر تزیینات وتزئینات خیلی لطف ربایی داشت . والحاصل تاساعت سه ازشب به التفاتهای جهاندرجات اعلیحضرت بادشاه محبوب القلوب اعظم وانواع نعما ومسرتهای متوالی پی هم قلوب حاضرین ومدعوین کرام مالامال سرور وحبور گردیده شب جشن موصوف به انجام رسید .

(شهر آئین)

اهالی شهر عزیزما بشرف قدسیت این عید مسرت تجدید جشن اتفاق ملت دوشب متمادیاً مراسم شهر آئین را اجرا نمودند . بازارها ودکانها بچراغانهای پرانوار وزینتها و رونق های مسرت بار آراسته وپیراسته گردیده بود . موزیکه های عسکری . ساز های ملی . گراموفونهای خوش نغمه در هرهر طرف سامعه نوازیها اجرا می نمود . گاه گاهی که یك جمعیت قبایل مختلفهٔ افغانیه باآواز های پرجوش وخروش شان یك نشیدهٔ ملی افغانی رابیك آهنگ بلندی بسرودن آغاز میکردند انسانرا غرقهٔ لجهٔ وجد ومسرت میساخت .

ذات شوکتسمات اعلیحضرت بادشاه ترقی خواه ملت پرور مراحم گسترما باهمهٔ شهزادگان عظام و افراد معیت ذوی الاحترام شان با این فرحت ومسرت ملت صادقهٔ شان اشتراك ورزیده در هردوشب بشهر گردش فرمودند . وبه این صورت یك اخذ وعطای بزرگی درعالم تجارت بازار و امتعهٔ اصناف وتجار بعمل آمد .

در شب دوم بضیافتی که از طرف جناب امین العسس در دائرهٔ ضابطه یعنی کوتوالی ترتیب یافته بود نیز تشریف همایونی بوقوع آمده است .

« آتشبازی وضیافت سنیه »

درشب دوشنبه ۲ ماه شعبان المعظم یك تماشای آتشبازی در (چمن حضوری) ترتیب یافته همه اعزه واشراف ووجهااهالی برای تماشای آن دعوت شدند . بعضی ذواتی که آرزوی تماشای کاغذبازی ، ولیتنس بازی وغیره اسپورتها را داشتند ازساعت چارعصر به کلوپ چمن قومی باغ رفته هم تماشا کردند وهم قهوه خوری ومیوه خوری نمودند . بعضی که درانجا حاضر نشدند بوقت شام در چمن حضوری برچوکیهای که حاضر شده بود آرام گزین راحت شدند . اهالی شهر در حالیکه هریك بدست شان یك یك شمعدانی گرفته بودند فوج فوج بسوی چمن مذکور آمده دراطراف منتشر میشدند که حقیقتاً یك منظرهٔ بدیعی تشکیل میداد .

تقریباً به ساعت هشت ذات اعلیحضرت بادشاهی بچمن تشریف فرمای ، عادت شده بعدازکمی بعددادن آتشبازی شروع شد انواع آتشبازیهای رنگارنگ شوخ وشنگ شعله افروزی انوار مختلفه نموده فرحت برفرحت مسرت برمسرت افزود . بعد از انجام یافتن

آتشبازی ذوات کرام مدعو شدگان بمعیت ـ امر شرف وسعادت اعلیحضرت همایونی بسواری موترها وعرابه‌ها درباغ ارك مبارك رفته ازنظارهٔ چراغان بسیار بدیع الالوانی که بیك وضع وترتیب دلفریبی تزئین یافته بود ، ویك سرو سیمینی ازچراغهای ملون دروسط محفل موضوع شده بود فرحتها وسرورها حاصل کردند ، واز خوان نعمای عواطف نمای اعلیحضرت پادشاهی نواله چین انواع مائدهای لطف واحسان گردیده . وتابه دوازده بجهٔ شب به انواع مسرتها وشادمانیها بسر آورده جشن مقدس اتفاق ملت به انجام رسید .

(سراج الاخبار افغانیه) این جشن مقدس ومعظم شرافت عنوان سعادت بنیان قدسیت نشان اتفاق ملت افغانرا ازصمیم دل وجان وبتمام هستی وجدان بپادشاه وملت ووطن خود تبریك میگوید . ودوام اتفاق وروز افزونی ترقی وبرتری دولت وملت ووطن مقدس خودرا در زیر سایهٔ مراحم وایهٔ اعلیحضرت پادشاه ترقیخواه محبوب القلوب خیراندیش عدالت کیش خود از درگاه رب السموات والارض جل وعلا نیازودعا میکند . این دعا ازمن وازجمله ملك آمین باد .

حوادث مختلفه

عرابه‌های موترشرکا

قبل ازین ازتفصیل تأسیس (شرکت موتر) دریکی ازنسخه‌های خودبحث رانده بودیم . دربنوقت بدیدهٔ مسرت وافتخار می بینیم که عرابه های موترشرکا بکمال فعالیت درهر طرف مملکت بروی کار آمده است . ودرمابین کوهستان وکابل . وبغمان وکابل . ودیگر اطراف ونواحی درحمل ونقل اموال واهالی درفت وآمد دارد .

« امر مسنون نکاح »

درین ماههای مبارك جشنهای عروسی زیادی درشهر عزیزما بوقوع آمده ومی آید . در روزسه‌شنبه ۲۶ماه رجب امر مسنون نکاح جناب محمدعلی خان کرنیل رساله شاهی دوم که از افسران معیت اعلیحضرت شاهانه . وپسر جناب سردار محمدیوسف خان مصاحب خاص حضور اعلیحضرت همایونی میباشند باصبیهٔ عصمت وسیمه جناب فتح محمد خان امین العسس در عمارت (قومی باغ) بیك صورت بسیار شعشعه داری اجرا گردید . ذات اعلیحضرت پادشاهی از کمال لطف و مرحمتی که در بارهٔ خدمتکاران و تبعه وفرزندستان شاهانهٔ شان دارند محفل نکاح را بقدوم میمنت لزوم همایونی شرف بخشای عزو مباهات فرموده مراسم نکاح بکمال فرخنده گی و رونق بقواعد و اصول مرعیه به انجام رسید . سراج الاخبار افغانیه این مراسم مسنونهٔ فرحت ومسرت آگین را ازصمیم دل باهل عروس وعروس مبارك باد میگوید .

پیشخدمت باشی

چون خبر تعین ومقرر شدن ابراهیم خان کسابق در صنف غلام بچه های اعلیحضرت همایونی شرف سرفرازی داشت وقبل از چند ماه بمنصب پیشخدمت باشی گری حضور اعلیحضرت همایونی مقرر گردیده بود واز قلم مانده بود لهذا دربنوقت بدرج وقید آن پرداخته حسن توفیقات و کامیابیهٔ شانرا در وظیفه و خدمات محولهٔ شان نیاز میکنیم .

حوادث خارجیه

« تکذیب یك یاوه سرائی عجیب »

همعصر معززما اخبار (وطن) ودیگر همعصر های همدرد اردو زبان ـ بعضی هزیانهای یك شخص یاوه سرای چمنائی را از اخبار (ستتسمین) اقتباس ، و در اخبار های معتبر خود مندرج ساخته اند ، ونیز اظهار همدردی و دلسوزی حسرتانه کرده نوشته‌اند ، که اگر حالات مندرجهٔ اخبار (ستتسمین) صحیح ودرست باشد محافظ ونگهبان دولت اسلام باقیمانده حافظ حقیقی باشد ! .

بنابرینما میخواهیم که همعصران معزز اسلام دوست خودرا تسلی بدهیم ، و به این آسوده خاطر سازیم که اگر این سخنان را یك آدمی میگفت که هیچ غرض شخصی ونفسی نمیداشت شایان افسوس وحسرت شمرده میشد . ولی چون ما گویندهٔ آن سخنانرا ازطرز سخن او وکوتی نشیمن او که خود اوبیان کرده شناختیم کهچه قیمت وچه حیثیت آدمیت ازانسبب برای دفع شبهه وتسلی خاطر محبین اسلامی خودلازم دانستیم که قدری از اغراض شخصی ونفسی این هرزه سرای فضول بقارئین کرام خود بیان نموده محاکمه وفیصلهٔ آنرا به انصاف وتمیز خود شان حواله نمائیم .

این آدمی که درکوتی هفتهزارفوت بلند ازسطح بحر در کنار دریای کابل سکونت پذیر افتخار وانعام بوده (مالت) نام یك انکلیسی ست که درکارخانهٔ چراغ قوت برقی دولت افغانستان ملازم ومستخدم بود . ودرماه دوهزار وچارصد روپیهٔ کابلی بمقابل یك خدمت بسیار جزوی از دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما افغانستان تنخواه میگرفت . هرگونه عزت ، اکرام ، انعام ومحافظت خدمت دربارهٔ او اجرا میشد . درحضور مبارك اعلیحضرت پادشاه مقدس ما گاه گاهی که شرفیابی حاصل میکرد مظهر لطف عنایت ، التفات میگردید .

حالا بشنوید که بمقابل اینهمه احسان ها آن نمکحرام غابنچه یك دولاب دغابازیرا درکابل میخواست بدور آرد: ذات اعلیحضرت پادشاه ما آرزو فرموده بودند که از کابل تاقندهار یك خط تلگراف تأسیس وتمدید یابد . و (مالت) را امرفرمودند که از

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 737 of 1786

کابل ناقندهار بسنجد ومعلوم کند که این کار بچه قیمت تمام میشود . مالك یك سیاههٔ ساخته قیمت سیم تلگراف مذکور را شش لك روپیه نشان داد . چون این کار یك عملیات مهمی شمرده میشد بادیگر کمپنی ها نیز حرف زده شد . یك کمپنیٔ دیگر عملیات مذکور مرا کمتر ازسه لك روپیه درعهده گرفته طبعاً به او محول گردید .

باوجود این هم ازانجا که مراحم ذات شاهانه رهمه خدمتگاران دولت علیهٔ شان بدون تفریق مذهب وجنسیت رایگان وشایگانست برای مأیوس نشدن او خدمت تأسیس دادن تلگراف بی سیم را در مابین بعضی نقاط مملکت فرمان نموده مبلغ پنجاه هزار روپیهٔ کلدار آلات وادوات تلگراف بی‌سیم وغیره را ازو طلب فرمودند که رفته اشیای مذکوره را خریداری نموده بیارد .

بعد ازانکه آن ناسپاس حق ناشناس از دارالسلطنهٔ کابل مبلغ را گرفته برفت پیش ازانکه اشیای سفارش شده را بیارد هنوز مال نرسیده از هندوستان استعفا نامهٔ خود را روانه کرد . وعلاوه بران در اخبارها نیز بمقابل آنهمه لطفها واحسانها این تفوهات نالایق وناسزا واین هزیان های را در هوارا نشر نمود . هر که مال دونیم لك روپیه بشش لك روپیهٔ که او گفته بود بواسطهٔ او خریده میشد ومبلغ سه‌ونیم صد هزار روپیه درکیسهٔ حرص وطمعش میدرامد دران وقت ازافغانستان بهتر ملکی درعالم نمیبود . وپادشاه افغانستان بهترین پادشاهان عالم میبود . وقتیکه بگفتهٔ دروغ او عمل نشد ، وسنگ در کاسهٔ طمع او خورده بشکست هوای افغانستان ، ملك افغانستان ، کوه افغانستان ، مردم افغانستان، پادشاه افغانستان جمله بنظر بی بصرش خراب آمد . قارئین کرام وهمدردان اسلامیا حالاخود ملاحظه وعما که کنند که اقوال اینچنین شخص نفس پرست طماع را چه قدر وقیمتی خواهد بود ! دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما بقدر لازمهٔ کارخود به استخدام ملازمین یوروپین مجبور است . کاهی که کار بیشتر باشد تغری هم بیشتر میشود، چون کار کمتر باشد تغری هم کمتر می شود . واصل مقصد از استخدام یوروپین در افغانستان این است که مردم افغانستان ازانها تعلیم کار طرز جدیدرا بیاموزند . وسبب بیشتر بودن مردم یوروپ در اوایل ، وکمبودیٔ شان در اواخر ازین است که در اول از خود مردم افغانستان کاریگران وصنعتگران کمتر بود وحالا بسایهٔ ترقیوایه اعلیحضرت پادشاهی چون افغانان پیشه‌ور بیشتراست ویوماً فیوما بیشتر شده میروند ازانرو اگر تعداد یوروپین نیز کمتر شده باشد چه عیبی خواهد داشت . افسوس است که کاهی در بین این یوروپین اینچنین اشخاص فضول کوته بین نیزپیدا میشود . لکن صد شکر که همه یکسان نیست . مثل مشهور است که : « پنج انگشت برادر است اما برابر نیست » مانند داکتر (والتر سایز) آدمان باهوش وحقیقت بین نیز از یوروپ بین به افغانستان آمده موجود است که هرچیزیرا بنظر حکمت ودور بین راست کوی حقیقت دیده ونوشته است حالا قارئین کرام ما یکقدری ازداکتر والتر سایز بشنوند که او در باب افغانستان وپادشاه افغانستان چه میگوید :

(از اخبار تایمس)

(ترقی و تعالیٔ افغانستان)

داکتر (والترسایز) یکی ازاعضای جمعیت آسیاست که درلندن تشکیل یافته است اخیرآیه (افغانستان) یك سیاحتی اجرا کرده وپارسال درباب سیاحت خود در جمعیت مذکوره یك فونغرافی داده دران فونغرافی چنین گفته است :

« افغانستان را هرکس یك مملکت عادی شرق میداند وآن مملکترا درزیر ادارهٔ یکی ازامرای شرق میشناسد پیش ازانکه بافغانستان سیاحت کنم من هم آنچنان میدانستم وهمان فکر بودم . اما وقتیکه بافغانستان رفته احوال آنجارا برأی‌العین مشاهده کردم چنان مناسب دیدم که برای تصحیح وتوسیع کردن حسیات ومعلومات هموطنان خودرا درباب افغانستان این فونغرافی‌را ترتیب ووعظ نمایم :

ای هموطنان ! افغانستان همان افغانستان قدیم نیست . شمارا تامین میکنم که سراسر تبدیل یافته است . اگر آنجاهارا بچشمهای خودتان ببیند هیچ باور نخواهید کرد که این یك مملکت شرق باشد .

درافغانستان هرچیزی موجود است . اعلیحضرت امیر سابق مرحوم عبدالرحمن خان چاره های فایده برداشتن ازمدنیت حقیقیه اوروپا اندیشیده وتهدابهای ترقی وتعالی افغانستانرا وضع کرده بود . مشار الیه در اینباب به آخر درجه جهد وغیرت کرده است . درین خصوص شب وروز کوشیده است . خواب وراحت ، وتخت عافیت خود را برای حصول این مقصد فدا کرده است .

اعلیحضرت امیرعبدالرحمن خان مرحوم دروقتی که میخواست ثمرهای این مساعی خودرا ببیند وفات یافت وولدارشد بزرگ شان اعلیحضرت (امیرحبیب‌الله خان) چون بعدازوفات آن امیر عالی‌خیال برتخت سلطنت جلوس نمودبه‌اثر پدر مرحوم خودشان اقتدا واقتفا کرده مملکت خودشانرا احیانمودند . امروزهروز در افغانستان کارخانه های طوپ ، وتفنك ، و کارطوس ولوازمهٔ حربیه موجوداست . عسکر افغانستان کاملامنتظم ومجهز ، وبااونیفورم ملبس میباشند :

درحالتیکه پیش ازبیست سال یکوجب راهشوسه یعنی سرك در افغانستان نبود امروزهروز شوسه‌ها مانند شبکهٔ خانهٔ جولاهرطرف را فرا گرفته‌است . ملت افغانستان که دراول بیغماگری ، وچپاولی مشغول بودند امروزه روز زراع تاجر ، کاسب شده‌اند . در افغانستان حرف وصنایع خیلی ترقی کرده‌است . مکاتب ابتدائیه بسیار است در کابل سرازنو یکچند مکتب اعدادی ویك دارالفنون تأسیس شده‌است . افغانها درحالتیکه ازیك اروپائی

نفرت میکردند امروز دررحبهٔ تدریس معلمهای اروپای جان میاندازند . اعلیحضرت امیر باینهم اکتفا نورزیده برای ترجمه کردن علوم وفنون جدیدهٔ اروپارا بزبان فارسی که زبان رسمی افغانستان است در کلکته یك دارالترجمه احداث کرده . ونگرانی آنرا بنزیه وکیل سیاسی افغانستان مقیم کلکته حواله وتودیع فرموده اند . بعد ازانکه آثار مترجمهٔ طبع میشود بکابل فرستاده شده درموقع استفاده وضع میگردد . اعلیحضرت امیر باینصورت بملك وملت خود در یك مقیاس واسعی خدمت کرده . ونام خودرا ابدیاً احیا وابقا نموده اند .

برای امور زراعهٔ افغانستان ماشینهای نوسیستم زراعت طلب کرده براهالی بقیمت مناسب در فروختن است . وبدل قیمت آن ازذراع قسط قسط گرفته میشود . درکابل چون کارخانه های الکتریك بشمینه بافی وسمان بافی ، وکاغذ ، وآلات جارحه را دیدم حیران شدم . خودرا عادتاً دراسویچره یعنی سویزرلند گمان کردم . بعد از ده سال افغانستان در عمران ومدنیت هندوستان را عقب خواهند گذاشت اعلیحضرت امیر علماء وفضلاء وادباء وارباب تجارت وصنعت را دوست میدارند وبا ایشان دید وبازدید کرده تشویق وتقدیر میکنند تنها شهر کابل را نی ، بلکه همه ایالتهای را که تابع وخرجگذار حکومت افغانستانست نیز گردش کردم . وازنظر گذرانیدم . درهرجا هرچیز نواست . روز بروز فضل ومعرفت اهالی تنور فکر میکنند . ازحرفت وصنایع استفاده میکنند . شهر غزنین باین فعالیت عمران وقت تحستین خودرا خواهد یافت بلی . احتمال دارد که بازبدرجهٔ کمالی که لایق مدح وستایش شاعر شهیر ایرانی یعنی (فردوسی) گردد واصل خواهد شد . فردوسی این مملکت را بهشت تشبیه داده بود بحقیقت که اینجا مانند یك بهشتیست والحاصل ملك افغانستان وملت افغان خیلی ازخیلی تبدیل یافته ودر طریق مدنیت بسرعت تمام قطع منازل میکنند . »

اگرچه مااین گفتنهای داکتر (والتر سایز) را در شمارهٔ اول سال دوم خود از (سالنامهٔ ثروت فنون) که از اخبار معتبر (تایمس) به ترکی ترجمه کرده بود بفارسی ترجمه نموده درج صحایف کرده بودیم . ولی چون مناسبت آمد باز تکرار آنرا از فایده خالی نیافتیم . لهذا به این بیت ختم مقال نموده میگوئیم :

(سایز) آمد دید ورفت و (بالت) آمد دید ورفت
هر دو انگلیز اند اما این کجا و آن کجا

عبرتنامه

درینهفته برای ما از استانبول بعنوان فوق یك رسالهٔ مطبوعه رسیده است که از وقایع بر فجایع ظلمها ووحشتهای بالقان بحث میراند . بلی . این مسئله چندان غرابتی ندارد . زیرا آن بدعتهائیکه وحشیان بالقان بر مسلمانان آن طرف اجرا کرده اند یك طشتی‌ست که ازبام افتاده ، وآواز وحشت همرازان سامعه خراشی همه ساکنان روی زمین کر دیده است . اما چیزیکه موجب غرابت ، وشایان حیرتست این است که این رسالهٔ (عبرت نامه) بزبان قومی وملیٔ ما (افغانی) در استانبول تحریر وطبع ونشر شده است . اگرچه نام وشهرت محرر ومؤلفش دررساله تصریح نیافته . وبجای امضا تنها (مترجم) نوشته شده . ولی چون زبان بسیار فصیح افغانی مینویسد . ودر دیباجهٔ کتاب نیزافغانی بودن خود را بیان کرده هیچ شبه نیست که افغانست . وبسیار دیندار وباغیرت . وبیدار وهوشیار یك افغانست . ومحرر چون در آخر کتاب خود شدیداً التماس کرده که هر مسلمانی که این کتابرا بخواند میباید که دیگر مسلمانان را نیز به آن خبر دار بسازد . واگر اینچنین نکند در روز جزا ازو باز خواست شود ازانسبب ما که کتابرا خواندیم مجبور شدیم که در اخبار خود آنرا نشر کرده برادران دینی ووطنیٔ خود را به آن باخبر بسازیم وچون اخبارما بزبان فارسیست مجبوریم که از زبان ملیٔ افغانی خود بزبان فارسی آنرا ترجمه کرده پی درپی درهر نسخهٔ اخبار خود شایع نمائیم . این است که درین شمارهٔ خود عیناً به ترجمهٔ دیباجهٔ کتاب آغاز نمودیم :

دیباچه

ای افغانان بیائیدو بروم به بینید
که نصارا بمسلمانان چه کارها کردند

من یك افغان واز باشندگان استانبول هستم . این کتابرا من از خطها وروزنامهای فرنگیهای جرمنی واستریائی وفرانسیسی بزبان افغانی ترجمه کردم . بحقیقت آن چیزهای که من بچشم خود دیده ام وبمن معلوم است آن خیلی زیاده تر ازین است . اما چون سخنان مرا مسلمانان مبالغه خواهند دانست ازانسبب من از دستخطهای خود فرنگیان و گواهیٔ آنان ترجمه کردم تا ازخواندن آن یقین کنند که هیچکس هیچگاه بدیٔ قوم خود را پوره پوره وراست راست بیان نمیکند . پس شما خیال بکنید که خود فرنگیان چون بزبان خود اینقدر میگویند آیا راستی وحقیقت چقدر ظلمها شده باشد ؟ بیانهای خود مسلمانان آنچنان دلسوز وحسرتنا کست که موهای تن آدم را بر بدنش راست میکند مطلب من از نوشتن این کتاب این است که به افغانان معلوم شود که فرنگیها بمسلمانان چه چه رنگ کارها کردند . مقصد یگانهٔ فرنگیها گم کردن مسلمانانست . اما بسیار افسوس است که مسلمانان بسبب بیعلمی وبیخبری بفریب فرنگیها بازی میخورند وحقیقت مقصد آنها نمیدانند . واز حال همدیگر خود شان بیخبر هستند . بسبب نادانی وبیعلمی درخانه خود نیز بی اتفاق هستند . وازسبب این بی اتفاقی فرنگیها همهٔ شانرا زیر کردند .

اینهم افسوس است که در میان مسلمانان افغانان از همه زیاده تر بی علم وبیخبر هستند . از حال دنیا اکثر شان بالکل نا واقفست

علم ما افغانان همینقدر است که بچشم خود چیزی به بینیم . از حال گذشتهٔ دنیا که به کتابهاست نیز بیخبریم . چرا که کتاب خوانده نمیتوانیم . از حال موجودهٔ دنیا نیز نا واقفیم . چرا که از خانهٔ خود بیرون نشده ایم . بما دنیا همینقدر معلوم است که ازیک کوه آفتاب براید وبه پشت دیگر کوه پنهان شود . ومامیگوئیم که دنیا همین است که در مابین همین دو کوه است . سبب این همه از بیخبری وبی علمی ماست عموماً [همچنین است ولی بعضی خواص ما ازان مستثناست]

ملاهای ما نیز از حال دنیا بیخبر هستند . به آنها همین قدر معلوم است که آبدست بچه رنگ گرفته شود . وروزه چه وقت افطار شود . از حال گذشتهٔ دنیا به آنها هیچ چیزی معلوم نیست اگرچه از حال زمان رسو الله صلی الله علیه وسلم واصحاب رضی الله عنهم به آنها معلوم است اما از زمان اصحاب تابه امروز که چه حالها تیر شده است مطلق بیخبر میباشند خدا ورسول که بر ما سیر وسیاحت حکم کرده است ازین است که علم پیدا کنیم واز حال دنیا باخبر شویم . حج هم برمسلمانان ازین سبب فرض شده است که در سال یکبار همهٔ مسلمانان دنیا در مکهٔ معظمه جمع شوند . واز حال همدیگر خود باخبر گردند . لیکن بسیار وبحد افسوس است که مسلمانان ما بسبب بیعلمی به این مطلب هیچ پی نبرده ایم . از ملک خود تابه عربستان سفر کردیم . ولی به اصل مطلب نرسیدیم . یعنی خود را بر حال مسلمانان دنیا خبر نکردیم

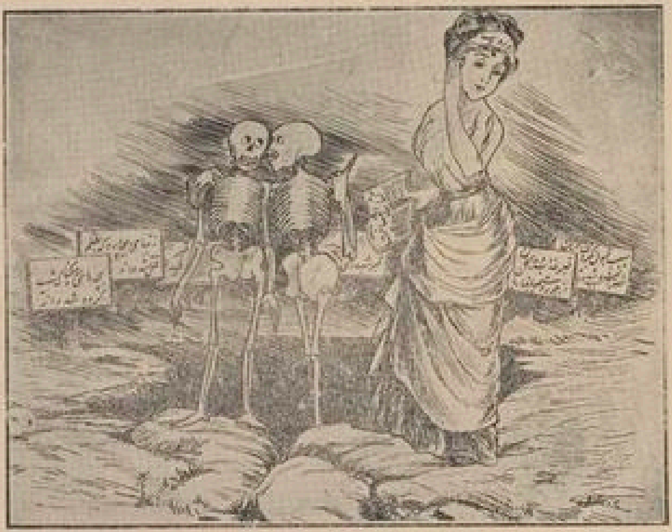

لوحهٔ عبرت

(یکی از شهیدان میگوید : ـ ماشنیده بودیم که این اورپا که کتاب انسانیت رابدست دارد بسیار عادل وانسانیت پرور میباشد)
(. لیکن در مقابل . این جنایتهای که در ماکدونیا اجرا شد . هیچ انسانیت پروری شان دیده نشد . آن دیگر شهید)
(جواب میدهد : ـ بلی . هرگاه در چین یک نصرانی کشته شود درانوقت آن انسانیت پروری حسیات خود را)
(اظهار میکند . اما اگر ملیونها اسلام در یک روز به آتش بسوزند هیچ حس انسانیت در انها پیدا نمیشود . فاعتبروا …)

در مکهٔ مکرمه از چین از مراکو از ترکستان از ایران از مصر از سودان از ملایا از شام از زنگبار از الجزایر از قرس از تونس از یورپ همه مسلمانان حاضر وموجود اند . حالانکه ما ازانها تفحص نکردیم ونه پرسیدیم که ای برادران شما چه حال دارید آیا براحت هستید . یا بسختی میباشید . آیا بشما ما یک مددی رسانیده میتوانیم . پس اگر ما از مطلب اصلیٔ حج باخبر میبودیم درآن وقت ما خود را از حال تمام برادران مسلمانان عالم باخبر کرده بوطن خود گشته می آمدیم واهالیٔ وطن خود را ازانها باخبر میساختیم مگر ما بسبب بیعلمی وبیخبری تا مکه رفتیم ولی هیچ آگاه نشدیم که سخن چیست . چشم بسته رفتیم وهمچنان چشم بسته پس آمدیم .

افغانان ! شما خبر شوید که نصارا همه دنیا را گرفتند وهمه ملکهای مسلمانان را زیر کردند وهمه مسلمانان را غلام خود ساختند . مایان مانند یک گلهٔ گوسفندی هستیم . فرنگها چون قصابان ما هستند . یک یکی از ما را میگیرند ومیخورند . ومایان می بینیم وهیچ گفته نمیتوانیم . مراکو یک ملک کلان مسلمانان بود . آن را فرنگها گرفت مصر رفت . ترکستان رفت . هندستان که هشتصد سال در زیر حکم

مسلمان بود رفت . امروز هم روز نصارا بر ایران وعرب وترک دست بالا کرده‌اند . چیزهای که در روم امروز هم روز فرنگیها کرده ومیکنند بخواندن ومطالعه کردن این کتاب بشما معلوم خواهد شد . ده لک مسلمان بیگناه بقتل رسید . هزارها دختران جوان وزنان پیر مسلمانانرا فرنگیها بزور نصارا ساختند وزن کردند . به لکها معصومان را کشتند ، بستند ، سوختند ، زنده بدار کردند ، بزور کرستان نمودند . وقتی که این کتابرا بخوانید به تفصیل بشما معلوم خواهد شد که نصارا چه کارها وچه ظلمها کرده‌اند .

افغانان ! شما ازین عبرت بگیرید ، وذهن نشین خود بکنید وبفهمید که یک روز وار ما هم خواهد آمد ، وبر ما هم ازین کارهای ناروا صرفه نخواهند کرد . ازین سبب بر ما افغانان لازم است که در وطن خود باهمدگر اتفاق کنیم ، واز کشت وخون مابین یکدیگر خود دست بردار شده خودداریها وسیاه‌داریها وهم چشمیهارا بیکسو نهیم . تامیتوانیم در پیشرفت تجارت ، وزراعت وصنعت وطن خود کوشش ورزیم . ونشر کنیم وکمپنی های تجارتی وصنعتگری عقد کنیم وکرباس ملک خودرا بهتر از شال کشمیری ملک غیر بدانیم . شرف دولت ، ناموس ملت حق وطن خودرا محافظه کنیم وبشناسیم . وبه پادشاه خود ما سراج الملة والدین امیر المؤمنین اعلیحضرت امیر حبیب الله خان تابعداری کنیم . وخدمت قوم ووطن خودرا بجا آریم . باقی از در گاه خداوندی نیاز میکنیم که این سخنان من بر دل شما اثر کند .

اخبار سیاسی

از حوادث عمده ووقوعات مهمه که درین ایام بظهور انجامیده خبر قتل مرحوم (محمود شوکت) پاشاست که بعد از قتل ناظم پاشا وعزل کامل پاشا بعهده صدر اعظمی ونظارت حربی رسیده بود . محمود شوکت پاشا همان ذاتی بود که قاید وسر افسر (اردوی حرکت) شده از روم ایلی باستانبول آمد . وسلطان عبدالحمید خان غازی را خلع نمود . باز از طرف کمیتی اتحاد وترقی ناظر حربیه شده بود . وچون کمیتی حریت وائتلاف بروی کار آمد عزل شده بود وباز چون اتحاد وترقی برپا خواست وناظر حربیه ناظم پاشارا در نفس دایرهٔ باب عالی مقتول وکامل پاشا را معزول نمودند منصب صدر اعظمی را احراز نمود .

از هنگامیکه حکومت مشروطه در دولت علیه عثمانیه قایم وعنوان (خلافت عظمای اسلامیه) بعنوان (حکومت مشروطهٔ عثمانیه) تبدیل ، وبجای طغرای غرای همایونی یک عمارت سنگی و چوبی رنگینها وغیره جایگیر گردید نیرنگهای عجیب وتغیرات غریبی در اقصر زمین یک بصورت بسیار المناکی جلوه‌ریز ظهورات شد . غیر ازانکه بسیاری از ممالک جسیمه مانند ولایت طرابلس غرب افریقا وقلعهٔ روملی اوروپا . وجزایر بحر سفید آسیا . وعلاوه بر آنها نفوس ضایع وتلف گردید بسیاری از آدمهای نامدار وقیمتداری بر طعمهٔ آتش حرص و کین غرض و نفس پرستی گردید . مقصد ما ازان نامداران تلف شدهٔ آتش دشمن که در میدانهای کارزار تلف شده‌اند نیست . زیرا آنهارا مرده نی بلکه زنده‌اند میشماریم . وهمهٔ عالم آنهارا تقدیس میکنند . مقصد ما ازان ضایع شدگان وتلف شدگانیست که از دست همدیگر شان یا خفیاً مفقود . ویا غدراً مقتول شده‌اند ، وشایان حسرت و افسوس این است که بعضی از افراد ملت شان آن بادیه پیمایان راه عدم را نفرین ولعنت میخوانند . وبعضی آفرین ورحمت میگویند .

درمیان اینها ادیبها ، محررها ، سیاسیها ، افسرها ، وزیرها ناظرها ، سرکرده‌ها صدر اعظمها ، ناظر حربیه‌ها ، حتی پادشاه وشهزاده‌ها نیز موجود است . اینها همه کی فداشدگان نفس پرستی پارتیها وفرقه‌ها شده‌است . صدها هزار نفوس اسلام بیگناه قتل عام شدند . به آتش سوختانده شدند . جبراً نصارا شدند . عرضها ناموسها شرفها پامال گردید . مسجدها معبد های اسلامی بکلیسا تحویل یافت . بجای صدای آذان آواز ناقوس بلند گردید . بجای بیرق هلال بیرقهای صلیب بر افراشته شد . نهایت الامر جنگ هم انجام یافت . چونکه شدنیها شد . مطلبها حاصل گردید . چیزی باقی نماند . ولی ماهنوز خوش که این اول قدمه‌های نردبان ترقیماست .

دفتر تمام گشت و به پایان رسید عمر
ما همچنان در اول وصف تو مانده‌ایم

یعنی در اول وصف بی اتفاقی فرقه‌ها و اختلاف پارتیها ! هنوز هم از قتل همدیگر ، وریختن خون یکدیگر سیراب نشده‌ایم . ومیگوئیم که همچنین لازم است تا بمدنیت حقیقیه فرانسها وروماها وقارطاجیها ! وغیره برسیم ! . . .

هزار افسوس که ما احوال این عصر و زمانرا میخواهیم که به احوال عصرها پیش ازین ارجاع نمائیم . نمی‌بینیم که درین وقت اوروپا حکم یک خانه ویک عائله را دارد . دولتهای شش گانه روسیه ودیگرها افراد عائلهٔ آن سرا یعنی اوروپا شمرده میشوند . قونفرهٔ صلح عمومی را برپا کردند . نتیجهٔ آن برین قرار گرفت که درمابین خود شان یک صلح واتفاق قایم ودایمی تأسیس نمودند . وبرین قرار دادند که بهاین صلح واتفاق دنیارا درمابین خود برادروار تقسیم نمایند . و این است که بتقسیم کردن از چندیست که آغاز کرده وبخوبی و آرامی موفق هم میشوند . برلین ، پاریس ویانه ، روما ، لندن ، پترسبورگ هر یک یک دالان بزرگ ومشعشعی شمرده میشود که در هرگاه وبیگاه روسای عائله که همهٔ از یک سلاله ویک نبیره میباشند دران دالانها جمع می‌آیند . وباهمدیگر عهد ومیثاق شانرا تازه میکنند .

از ما کار گذشته . چرا که ما اتفاق واخوتی که دیناً بران مأمور

بودیم برای آنها ترك كردیم . وتملق وبعضای آنها را پیروی نمودیم . چرا كمال سعی وغیرت وثبت واقدام . وعلم . وكسب حلال یعنی صنعت وهنر راكه نصارا ان مجبور بودیم بكاهلی وتن پروری . وهوسات بلا یعنی وعجزی ونادانی مبادله كردیم . این است كه جزای آنها را باید بكشیم . واگر پرسیده شود كه . آیا ازین نوحه‌های عبرت عالم اسلام چشم بصیرت باز كرده‌بسر هوش میآیند ودیدهٔ بینا وگوش شنوا میكشایند . وبرای حفظ استقلال استقبال خود وممالك وآئین خودفكری میكنند وبجهت بقیه الباقیهٔ ممالك اسلامیه دریغ جارهٔ میافتند ؟ . بجواب گفته میشود كه اسلامیها را چنان خواب سنگین وعمیق در ربوده كه چشم باز كرده نتوانند . وچنان شراب غفلت وبیخبری نوشیده‌اند كه بهوش آمده نتوانند . درحالیكه از بعضی حدیث خوانان وتفسیر دانان قول بشنوم كه . برای ما صنعت بكار نیست . ترقی لازم نیست مابفلاحیم . وسوته بر كافران غالب آمده وباز خواهیم آمد . آیا بعداز شنیدن اینچنین تفوهات چه امیدی برای بیداری خواهد ماند ؟

معذالك هزار شكر است كه رفته رفته بیدار مغزان و منور فكران امت نیز افزونی میگیرد . و دنیائیها برهمچنین فكرها باقی نمانده . وزمان خود بخود واجبات لازمهٔ خودرا نشان میدهد . ترقیات عصر اگرهیچ نباشد برای جرمغم مارا بسرعت عرابهٔ موتر میدواند . كه میداند كه هنوز چه‌چیزها بروی كار نیاید .

(همعصر معزز اخبار چهره‌نما مینویسد)

پس از اجتماع فرستاده‌گان دول بالكان وعثمانی در لندن وحضور شان دروزارتخارجه انگلیس سرادوارد گری وزیر خارجهٔ انگلیس كه سرمست صهبای امتیازات ذهبت از عثمانی بود باتشددی فوق تصور سفرای دول بالكانرا تهدید داد كه اگر شرایط مصالحنامه كه پیشنهاد میشود در امضایش تعلل دارید فوری ازپای تخت بریتانیای عظمی بیرون بروید كه دول معظمهٔ اوروپارا وقت ومجال بایكونه امورات رسیدن نیست ! وهرگز نگران خیالات طمعكارانشماها نخواهد شد — دولت عثمانی وبلغار مقدم‌برهمه حاضر برای توقیع معاهده بمصالحه شدند وسفرای یونان وسرب كه دیك هوسنا كانه آنهاازجوش هل‌من‌مزید فرونی نشست تشدد نانوبه سرادوارد گری آبسردی بحرارتشان ریخته‌ولابام تسلیم گردیدندوهمگی منتقاد اوسر اطاعت‌خم كردند!

چون وزیر خارجهٔ انگلیس (مصلح مشهور) سفرارا مستعد دید دیگرا جاز نداشته هریكرا جداگانه طلب كرد وشرایطرا بامضاء رسانید كه متن آنهارا دراینجا ذكرمینمائیم

(شرایط مصالحهٔ عثمانی ودول بالكان)

(۱) ازتاریخ امضاء این معاهده معاودت خواهد كرد صلح وسلم فیمابین اعلیحضرت سلطان عثمانی ازطرفی وپادشاهان متحالفه بالكان ازجهتی وهم چنین ابدی این مسالمت بین ولیعهدها ووارث وجانشینان پادشاهان فوق برقرار خواهد ماند .

(۲) اعلیحضرت سلطان عثمانی تنازل بپادشاه متحالفه‌میفرماید جمیع ممالك واراضی واقعهٔ خودرا در اوروپای غربی كه ابتدا میشود ازاینوس وكنار بحرایجه تامیدیا وودریای سیاه‌بغیراز قطعهٔ ارناٶدستان اماتعیین خطوط محدوده ازاینوس تامیدیا انجمنی تعیین ومرتب خواهد كرد .

(۳) اعلیحضرت سلطانی وپادشاهان متحالفه آشریح‌مینمایند كه تفویض میكنند باعلیحضرت امپراطور آلمان وامپراطور نمسه ورئیس جمهوری فرانسه‌وپادشاه انگلیس وپادشاه‌ایتالیاوامپراطور روسیه مسئله تعیین حدود ارناٶدستانرا وتسویهٔ جمیع مسائل متعلقه بقطعه ارناٶدستانرا .

(۴) اعلیحضرت سلطانی تصریح میفرماید كه تنازل میكند بدول متحالفهٔ بالكان جزیرهٔ كریدراوهم چنین تنازل‌مینماید ازجمیع حقوقیكه برسرجزیرهٔ كرید دارد حق سیادتی كه برسران جزیره داشته .

(۵) اعلیحضرت سلطان عثمانی وپادشاهان متحالفهٔ‌بالكان تفویض میكنندبامپراطور آلمان ونمسه ورئیس جمهوری فرانسه وپادشاه انگلیس وایتالیا وامپراطور روسیه مسئلهٔ حكم جزایر عثمانی كه واقع‌درسواحل بحرایجه‌یا كوه اتوس(بغیراز جزیرهٔ كرید)

(۶) اعلیحضرت سلطان‌عثمانی وپادشاهان متحالفه‌تصریح مینمایند بكنگرهٔ مالیهٔ دول كه دعوت شده‌اند در پاریس تسویه تصفیهٔ جمیع مسائل مالیه كه متعلق بجنك بوده وتنازل از املاكی كه شده است وهریك ازطرف خودنماینده برای شركت در كنگرهٔ مالیه درپاریس باید بفرستند .

(۸) مسائل متعلق بمبادله وتسلیم اسرای دول پنج‌گانه ومسائل قضایای شرعیه وجنسیه وتجارتی تسویه میابد باتفاق خاصه كه فراهم خواهدشد . این بودشرح خونین جنك بالكان وتسلیم این همه بلاد وعباد مسلمانان وغفلت ونادانی ماها وعبرت وتنبیه نشدن تمام مسلمانان دنیا !!

اتفاق انگلیس باعثمانی : باغنایم اوروپ

(جنك بالكان از عثمانی)

درشمارهٔ گذشته (۹) چهره‌نما از اتفاق جدید انگلیس وعثمانی اختصاراً اشاره كردیم ونگاشتیم برخی امتیازات سری هم انگلیس ازعثمانی حاصل نموده ! ولی تفاصیل این اتفاق كه از اثر مسافرت حقی پاشا صدراعظم اسبق عثمانی به لندن بجهت صلح عثمانی بادول بالكان باشد زود آشكار گردید . كه ماآنك مع‌الاسف برای افسرده‌گی خاطر خوانندگان چهره‌نما می نگاریم . تابدانند كه ذلت ومسكنت ومصائب مترا كه اسلامیان همه ازسایهٔ جهالت

بابهٔ خود غرضانه آرای جاهلانه مهامداران امور دول اسلامیه نموده که دول اوروپا محض خوش آمدهای ابله فریبانه — که مردم به نیرنگی مخرج سیاسیون دول آسیا داده امتیازی حاصل کرده تا صاحب خانه از همه چیز بی نصیب گردد واین است تفصیل اتفاق نامه جدیده که انگلیس محض حق الوساطه یادلالی از عثمانی گرفته است .

(۱) اعتراف مینماید دولت انگلیس بحقوق شرعیهٔ دولت عثمانی درمقاطعهٔ کویت .

(۲) دولت عثمانی ازحقوق قضوات شرعیهٔ خود درداخلهٔ کویت تنازل مینماید بدولت انگلیس واعتراف عثمانی مینماید باتفاقیکه مابین انگلیس وشیخ کویت شده ومآل این بند چنین است که مسائل خارجیه کویت تمامی راجع بانگلیس خواهد بود .

(۳) دولت عثمانی تنازل مینماید از جمیع حقوق مشروعهٔ خوددرجزیرهٔ قطر وامتیاز میدهد انگلیسرا که بنابه چراغهای دریائی در خلیج بصره نماید وتأمین دریائی خلیج بصره با انگلیس باشد .

(٤) انگلیس کفایت مینماید بکشیدن راه آهن تا بصره ووامیگذارد راه آهن تا کویترابادارهٔ راه آهن بغداد ودومدیر انگلیسی انگلیس معین مینماید بجهت شرکت راه آهن بصره !

« یك منظرهٔ لطیفه یغمان کابل »

فوتو ، سراج الاخبار افغانیه

(۵) دولت عثمانی امتیاز میدهد بانگلیس برای دجله وفرات وتأمین وسایل تجارتی او در بلاد عربیه !

(٦) دستهٔ ازانگلیس وعثمانی بنام هیئت تفتیشیه وفنیه معین خواهند شد ازبرای سیرکشتیها وپاک نمودن نهرها وانشاء چراغهای بحریه درعراق عرب !

(۷) باید حقوق امیر محمره ابدی برمحمره باقی باشد (چیره تا هیچ معلوم نیست محمره وحقوق شیخ محمره چه دخل باتفاقنامهٔ انگلیس وعثمانی دارد .

(۸) اختلاف اراضی متنازع فیه عثمانی وایرانی باقرب وقت باید تسویه وتصفیه گردد .

(۹) دولت عثمانی تنازل مینماید ازحق مراقبتیکه دایماً بقروض مصری دارد .

این است اتفاقنامه ایکه ازطرف سفیر فوق العاده عثمانی حقی پاشا باوزیر خارجهٔ مشهور انگلیس جناب (سرادوارد گری) بتازه گی بسته گردیده درواقع انگلیس دراین وساطت خود بیش ازدول بالکان حق غنیمت برد زیرا بالکانیها مال وجان دادند وانگلیس حرف وهوا ! !

اینک دولت انگلیس قبل ازرسیدن راه آهن بغداد به بغداد ودست وگریبان شدن باآلمان به بسا امتیازات مالکانه نائل آمده ومیتوانگفت امروز درعراق عرب امتیازاتش بیش از آلمان گردیده بلکه مقدم وصاحب اختیار کل گردیده .

ازاخبار های انگریزی واردو

(اخبار پانیونیر مینویسد)

نامه نگار سرحدی ما رقمطراز است که درکوشش ساختن باروت بی دود درکار خانهٔ کابل هیچ کامیابی حاصل نشده است فقط

(سراج الاخبار افغانیه)

نامه نگار سرحدی غلط رقمطرازی کرده

پرواز جهاز

یك جهاز هوائی جرمنی موسوم به زیپلین درظرف ۸ ساعت از بیدن الی وانا یعنی ٤۳۵ میل فاصله راطی نموده است فقط

جنگ مصنوعی بحری

۳٤۳ لنگر جهاز درمانورهٔ بحری یعنی درجنگ مصنوعی بحری درماه جولائی شرکت خواهد ورزید فقط

انقلاب ترکی

قتل محمود شوکت پاشا

قسطنطنیه — برخلاف کمیتی اتحاد وترقی ترکی یك بغاوت شدید بوقوع آمده است ومحمود شوکت پاشا وزیر اعظم قتل کرده شده است (انا لله وانا الیه راجعون) حسین حلمی پاشا انسپکتر جنرل (نگران کل) ولایت سوریا مقرر گردیده است .

محمود شوکت پاشا بسواری موتر بجانب حلی میرفت که ده نفراورا به فرنگکنجه ها شهید کردند فقط

بدظنی وبی اعتباری پیدا شد چنانچه برخلاف اوبك سازش برپاکرده شد وغالباً ازقتل اوخاتمه طاقت مجلس اتحاد وترق معلوم میشود فقط

تنازعات متفقین

وسرزنش وتنبه شدید اززار روس

زاروس دریکوقت بپادشاه بلغاریه وسرویارا بذریعهٔ تلگراف ازنتائج وخطرات جنگ باهمی بالفاظ شدید وسخت تنبه ساخته است ـ زاروس اظهار تأسف مینماید که انعقاد مجلس وزرا اولاً درسالونیکا وثانیاً درسنت پیترز برگ تاحال بعمل نه آورده شده است ـ مضمون تلگراف زاروس بقرار ذیل بود ـ دول اتحادیان برای جنگ راه کش تیاری‌های غیر معمولی کرده‌میروند ـ جنگ مذکور آن فتوحات شاندار را که آنها متفقاً حاصل کرده‌اند پامال وضائع خواهد ساخت ـ درین موقعه نازك این را حق وفرض خود دانسته من مجبورم بپادشاهان هردو ملت درخواست مینمایم که برقرارداد ومواعید خود ثابت قدم ومستقل مانند وبرای تصفیهٔ تنازعات باهمی بطرف روس مراجعت کنند ـ من این راهم بخوبی میدانم که کار ثالثی چیزی قدر ومنزلت ندارد بلکه یك فرض ناخوشگوار میباشد ـ من این را ازفرائض منصبی خود میدانم که اگر مابین اتحادیان کدام جنگ بوقوع آمد من هرگز هرگز خودرا خاموش وقرار نخواهم ساخت ـ من بالفاظ صریح شمارا مطلع میسازم که جنگ اتحادیان باعث خرابی وبربادی اقوام اسلاوی خواهد بود وروس بوقت جنگ وحشیانهٔ اتحادیان هرطرزی که اختیار کرده آنرا حق وکار روائی جائز خواهد شمرد ـ

(تکالیف ومشکلات ترکی)

همعصر آزور مینویسد

خبر جانفرسای قتل محمود شوکت پاشا وزیراعظم ترکی ظاهر میکند که درملك ترکی بدنظمی وبدنسقی بدرجه اتم رسیده است وبهی خواهان دولت عثمانیه‌را ازحد مایوس ونا امید ساخته است ـ دولت عثمانیه بظاهر بریك کنار خطرناك کوه آتش فشان ایستاده میباشد ویك لغزش دراین عصر حاضر وبرموقعهٔ نازك درحق آن این قسم تباهی وبربادی خواهد آورد که درتواریخ عثمانی بی‌مثل خواهد بود ودراین چنین قعرمذلت خواهد افتاد که برآمدن آن تاحشر ناممکن خواهد بود ـ تاریکی وظلمت که دربن ایام برکرهٔ هوائیهٔ دولت عثمانیه طاری ومحیط گردیده است اکنون چنان اندیشه کرده می‌شود که سایهٔ آن تاریکی وظلمت براستقبال ترکی زیاده تر تیره وتار خواهد بود ـ تکالیف ومشکلات بیرونی ملك ترکی تاحال حل نشده بود ومعاهدهٔ مصالحانه بتکمیل نرسیده بود که ازشومیٔ قسمت معهود جنگ درملك عثمانی خانه جنگی‌ها وکشت وخون باهمی را آغاز داد ومحمود شوکت پاشا وزیراعظم قربانی اول مناقشات موجوده میباشد ـ ازقتل وزیراعظم مذکور سراسر تباهی وبربادی قوم ترك متصور می‌شود ـ این وقوعه دراسباب تنزل دولت عثمانیه بالفاظ خونی تحریر یافته علاوهٔ اسباب تنزل مذکوره خواهد بود واین بلای عظمی باردیگر برافق سیاسیات ترکی مستولی ومحیط گردیده است ـ اگردست مجلس اتحاد وترقی درخون ناظم پاشا سپه‌سالار تجربه‌کار آلوده گردیده بود دشمنان مجلس مذکوره درقتل محمود شوکت پاشا ونیازی بی انتقام خودگرفتند ، یادگاران دونفر مرحوم وانوربی روح وروان ترکان نوجوان بودند ازهمین سه نفر دونفر قتل کرده شده‌اند وباقیماندهٔ نفر ازترس جان خود هراسان ولرزان میباشد ـ معزول سلطان عبدالحمیدخان بجبر وتشدد تام بوقوع

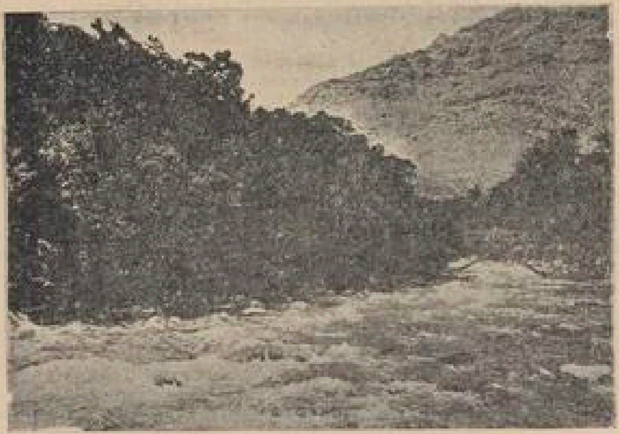

﴿ نظاره دریای شتل گل بهار بمحد پل جدید ﴾

فوتو . سرخان ابیور

مسابقهٔ فوتوگرافی

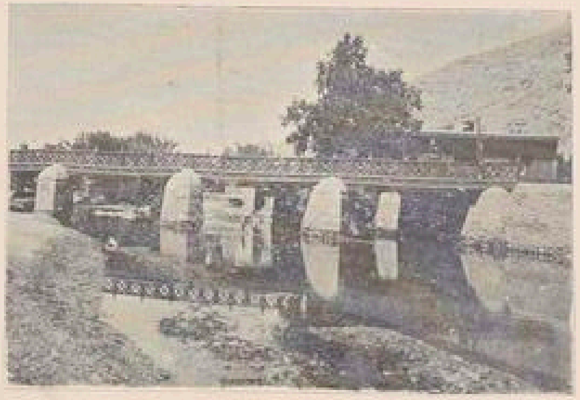

پل شاه دوشمشیره بر دریای کابل

(فوتو : سراج‌الاخبار افغانیه)

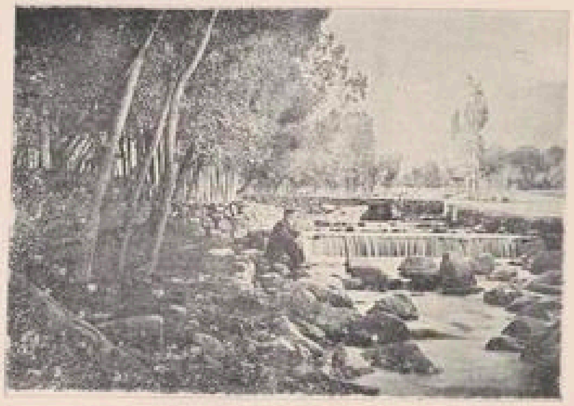

شلاله های پغمان .

(فوتو : سراج‌الاخبار افغانیه)

(این دوقطعه عکس در مسابقه درجه اول احراز کرده‌اند)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 745 of 1786

آمده بود — حاصل کردن اقتدار مجلس اتحاد وترقی بعدازقتل ناظم پاشا ومتمکن شدن محمود شوکت پاشا برمنصب جلیلهٔ وزارت عظمی ترکی برای حفاظت دولت عثمانیه ازدست برد اتحادیان بلقان درخیالات عوام الناس — تبدیل عظیم پیدا کرده است ودشمنان مجلس اتحاد وترقی از آنها متاثر شده این چنین جان های پیش بها ضائع کرده‌اند که باعث ضرر اسلام وترکی شده است —

اما این کشت وخون کجا ختم خواهد شد. واین کشت وخون تاکجا خواهد رفت . این سوالات میباشد که قدرتاً دردل هر انسان پیدا می شود —

لاکن جواب دادن آنها کار آسان نمی باشد — ازعرصهٔ چند ترکی درنظر دنیای بیرونی یك قسم معمه بوده است وواقعات وانقلابات ترکی باین طریق بغتةً بوقوع آمده است که هیچ کس نه درباب استقبال ترکی چیزی گفته می تواند ونه بروافعات گذشتهٔ ترکی چیزی روشنی انداخته میتواند —

این امردرتوارىخ عثمانی مخفی نمیباشد که سلاطین ترکی یا مقتول شده اند یا معزول کرده شده اند اکنون چنان معلوم میشود که همراه معتبرین دولت عثمانیه همان قسم سلوك کرده میشود که بیشتر بسلاطین کرده می شد وکسیکه درقسطنطنیه اقتدار حاصل میکند برای اولازمی است که ازجوی های خون بگذرد — سازش های حرم بدستور سابق دراشکال انقلابات سیاسی ظهور میاید لاکن سوال این است که آیا ترکان ازحالات ماسبق چیزی نصیحت وسبق حاصل خواهند کرد یانه ، آیا ازانها کشت وخون ناحق که باعث مذلت ترکی شده است دست بردار خواهند شد یانه ، وبرای آینده بازی قتل وغارت باهمی را ترك خواهند کرد یانه ، ازواقعات جدید ترین چنان معلوم میشود که ترکان از واقعات گذشته هیچ سبق ونصیحت حاصل نکرده اند واین نفرت وحقارت وآتش حسد وبغض درمیان آنها این قسم بیخ محکم حاصل کرده است که کندن آن ازطاقت انسانی بیرون میباشد .

(از بیت العلوم به اداره رسیده)

همعصر معزز وطن مینویسد

مسلمانان ایران گروه گروه دین عیسائی اختیار میکنند چنانچه ازین عیسائیان جدید یك جماعة درشهر لکنهو آمده‌اند واین گروه نوجوانان ایرانی در کالج رید کرسچین لکنهو تعلیم میکرند — من با آنها ملاقی شده کوشش نمودم که خوبیهای دین مبین اسلام را دانستهٔ شان نمایم لیکن هیچ فایدهٔ نبخشید درسال گذشته همین نفری بماه رمضان مبارك روزه دار بودند وافسوس که امروز حلقه بگوشان عقاید مذهب نصرانیت هستند

بیت

مبادا دل آنفرومایه شاد که ازبهر دنیا دهد دین بباد

در کانپور طوفان باد وباران

۳۰ می — شب به محل یازده ونیم بجه درشهر کانپور یك طوفان شدید باد وباران واقع شده است که بسیار صدمه‌ها ونقصانات بشهر مذکور رسانیده

شورش درمراکو

۳ جون — در مقام طیطوان یك حال خوفناك بدیدار گشته که قبائل کوهستانی باهم اتفاق نموده شهر مذکور را محاصره کردند وبرخلاف هسپانیه یك محاربهٔ شدیدرا برپا نموده اند — سرك طنجه مسدود گردیده — از مقام سیوتا افواج هسپانوی برای مددمی آید — بهپیشروی طیطوان دربحر سه جهاز لنگرانداز است — واهل کوهستانی بیرون شهر طیطوان برسویلنو حمله کرده‌اند وهر شب برمردمان فیر تفنك میکنند — ومردمان شهر برتسائل حکومت هسپانیه اظهاربی صبری مینمایند خیال کرده می‌شود که این شورش بوجه ناقابل اطمینان بودن وزارت هسپانیه برپاشده است

جاپان وامریکه

وایکونت چنداسفیر جاپانی به مستربرین یك خبر منظوری امتت عمومی‌را بقسم رسمی اطلاع‌داده‌است

(شهادت نیازی بیك چگونه واقع شد؟)

اخبار (تصور افکار) ازربان ناظم بیك رفیق راه و حاضر وقت موت نیازی بیك چنین استفسار نموده اشتهار میکند که بتاریخ ۳۰ ماه اپریل بانیازی بیک و ۶ نفر همراهانش بایستگاه ولو نیارسیدیم وشبرا درهوتل بسر بردیم وعلی‌الصباح مردم برای رفتن بستقر جهازی رخ نمودند ولی معلوم شدکه جهاز مذکور جانب یونان قدم‌انداز بود لهذا انتظار جهازدیگر کشیدیم که بعدازدو نیم ساعت مرحله پیمای منزل مقصود میگشت ونیازی بیك یك همراه خودرا برای خرید تکت فرستاد که درین اثنا ازمجمع هجوم والیوهیکه قریب ستیشن بودسه گوله فیر کرده شدند ونیازی بیك‌را باصبری یك از خوانع جهان وسوادی جهاز بی‌نیاز گردانید ولی فیر کننده معلوم نشد انا لله وانا الیه راجعون

« خیال پلاو تقسیم نمودن ملك بلغاریه »

اخبار (مالی‌جزل) که دربلغراد پای تخت سرویا نشر وشایع میگردد این نحو نزرایش کرده که مابین دول (ترکی وجرمن وسرویا) اتفاق واتحاد لازمست که در تقسیم اراضی بلغاریه تعجیل نموده بدین قسم راضی گردند که (تراقیه وادرنه) برای دولت علیه عثمانیه و (بلغاریهٔ مشرق) برای دولت قوی صولت جرمن و (وباقی بلغاریه) برای سرویا داده شود

(حمیت مذهبی وغیرت فطرتی)

(چهار دختر مسلمانان روس)

باما چنین خبر رسیده که منجمله شصت نفر دختر که در دار العلوم مرکزی سینت پطرزبرگ (پای تخت روس) بمدارج علو کمالات وبمعارج فنون سرفراز بودند چهار دختر باغیرت وهنر بمجرد شنیدن حالت وملالت مجروحین ومظلومین ترک ترک وطن نموده وکمر مردانگی بسته از همت عالی وحمیت مذهبی خود در معالجت شان به بسیار معاجلت عازم استنبول گردیده‌اند که اسمای این مستورات پردهٔ عصمت وعفت قرار ذیل است

(۱) کلثوم بنت کمال (۲) مریم بنت راستو جذون (۳) مریم بنت یعقوب (٤) رقیه بنت یونس

اخبار اوده

(تسلط ابن مسعود بر الاحساء وقطیف)

الاحساء یك شهر عرب است که تقریباً دوازده منزل از بصره تباعد و تفاصل دارد لیکن سالك جهاز بدو روز بآن واصل میشود این شهررا (احمد مدحت پاشای مرحوم) از مدت چهل و سه سال بمعاونت و امداد مشایخ کویت منقاد و مسخر گردانیده بود ودر سال ۱۳۲۰ هجری ازطرف دولت علیهٔ عثمانیه (سید طالب بك) حاکم آن مقرر گردید سید موصوف بجاقسام روابط وانواع ضوابط برین شهر کامل متسلط گشت وانجا انتظام تعلیم وتدریس وتهذیبرا نموده وبنی شوارع وسرك هارا ساخت واکثر قبایل سرکش و مردمان سرشوخ را مطیع گردانید وازطرف سلطنت چهار بلق برای محافظت وحراست شهر مذکور اضافه شده بود ولی بعد از تقرر سلیمان قطیف بك این افواج‌را والی مذکور کم نمود ویکمقدار قلیل برای مدافعه و مقابله ثقیل دشمن باقیماند وعبدالعزیز ابن مسعود که مدام در کمین چنین موقع بود فرصت‌را غنیمت شمرده ودر هفتهٔ گذشته بمقابلهٔ قلیل ومصادمهٔ خفیف حریف‌را شکست داده برشهر مذکور ومقام قطیف قابض گشت وبسیار محل تاسف است که از سواحل غربی خلیج فارس هم بیرق عثمانیه کنده شد وجمیع این ناکامیها وبدنامی ها که برای ترك واقع شده‌اند ومی‌شوند از افعال قبیحه واعمال ذمیمه شان است والا هیچگاه کفر براسلام غالب نمی‌شود بشرطیکه اطوار واوضاع آن قوم حسنه وصالحه باشند زیرا که حق سبحانه تعالی در کلام پاك کریم خود فرموده (وعدالله الذین امنوا منکم وعملو الصالحت لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم) وعده فرموده خداوند تعالی بامومنان و کسانیکه اعمال صالح کنند که بادشاه و خلیفه خواهند گردانید ایشانرا در زمین چنانچه خلیفه گردانیده بود آن کسانی را که پیش ازین ها بودند ونیز درمحل دیگر مؤید ایهٔ کریمه فوق ایت شریف هذا وارد گردیده که (ان الارض یرثها عبادی الصالحون) یعنی بدرستی که وارث زمین بندگان صالح من خواهند گردید و تا قومی اخلاق واوضاع خود را تغیر ندهد وفرایض مذهبی ودینی خودرا ترك نماید گاهی مغلوب نخواهد شد چنانچه این آیهٔ شریفه تأیید آن میکند (ان الله لایغیر ماقوم حتی یغیروا ما بانفسهم) یعنی خداوند تعالی حال قومی را بدل نمی نماید تاخود شان آنرا تغیر ندهند — خداوند برادران ترك مارا هدایت دهد .

ایضاً اخبار اوده می‌نویسد

(اشخاصیکه درممالك روم ایشیائی رعیت را)

برخلاف دولت علیه می انگیزانند

درین ایام که در بلاد شام برخلاف دولت علیه عثمانیه شورش برپا است ووکیل دول مسیحی یورپ که بظاهر خود را مصلح و درباطن رعایارا بمقابل دولت مسلح میسازد باین معنی چندی از مفسدین واشرار مانند رشید رضامالك ومدیر رسالهٔ (المنار) وکامل پاشا سابق صدر اعظم هم داخل وشامل‌اند خداوند تعالی ازشر این اشرار اسلام ومسلمانانرا رستکار گرداند ومحب ملت ومحی دولت امیر شکیب ارسلان که یك مفتی مشهور مصر معارف است درین اوقات ازین سبب سیاحت بلاد شامرا اختیار کرده تاعوام الناس‌را از شر این اشخاص محفوظ ومردم‌را از گرفتاری این دام فریب خلاص نموده از آسیب عواقب فتنه خایف واز شرارت مفسدان واقف گرداند ونیز ازحالت مشکلات جدید دولت علیه مزید آنهارا آگاه نماید

(اصل ونسل کامل پاشا)

همچنین اخبار اوده مینویسد

والدهٔ کامل پاشا سابق صدر اعظم یکی از نصرانی مذهب یونانی متدین بود که در عهد بغاوت یونان قید گردیده و تاوقت موت بودن نصرانی و آئین یونانی خود قائم بود وپسران ماما و دیگر اقربای کامل پاشا تاحال در یونان زنده وموجودند که انهارا پاشای مذکور خوب می شناسد واغلب همین سبب است که کامل جانب هموطنان خود یونانیان مایل بود وگاهی مسموع نشد که از تسلط یونان برسلانیك برای او حسرت وحیرت واقع شده باشد بلکه هنوز برایش فرحت ومسرت عاید و حاصل گردیده واین واقعه درعوام معروف است که بعد از موقوف شدن از عهده وسقوط وزارتش چون بمصر رسید وجهازش بربندر (پیر) که در تصرف یونان است توقف ورزید در یونانیان آثار فرحت نمودار وآواز مسرت ابراز شنیده شد واکنون بنابر تعصب قومی پاشای مذکور درپی انهدام واستیصال دولت عثمانیه است

عاقبت گرگ زاده گرگ شود   گرچه باآدمی بزرگ شود

مترجم عبدالهادی وعبدالرحمن

(مقالهٔ مخصوصه)

تصور افکار

یك کنکی در

به بینید که یك کنکی درماندن چه‌نتیجه‌ها میبخشد :

§ یك قطار ریل بسرعت برق آسائی حرکت میکرد . راهیش روی ریل یك قوسی داشت که در آخر گوشهٔ آن قوسی یك استیشن کوچکی بود که خدمت تبدیل دادن خطهای راه آهن را بجای آورد یعنی قیچی که یك قطار را از خطی بر خط دیگر نقل میدهد در انجا بود یك ماکینیست یعنی ریل دان یك قطار از رسیدن به این استیشن کمکی دیرمانده بود ازانسبب همهٔ سعی و غیرت خودرا صرف کرده شتاب میورزید که بمحل معلوم زودتر برسد . بمجردیکه از قوسی گذر نمود بناگهان قطار دیگری که ازمقابل می آمد پدیدار گردید . مصادمه یعنی بهم خوردن مدهشه دریك آن بوقوع آمد . فریادهای هول انگیز ، جسدهای پاره پاره شدهٔ خون آمیز عرابه های جغزی جغزی شدهٔ ریزه ریز منظرهٔ دهشتناکی نشان میداد ...

چرا ؟ چونکه : یك ماکینیست کمکی دیرمانده بود !

§ یك محاربهٔ بزرگی برپا شده بود دولتهای متفقه با (ناپولیون) در (واترلو) نام موقع محاربه میکردند . ازهشت ساعت باینطرف کندك بر کندك . غند درپی غند بردشمن هجوم وحمله میبردند . آفتاب تابستان برای پنهان شدن درپس پردهٔ افق غربی حاضر شده بود . یك موضع سختی بود که ضبط کردن آن لازم وضروری بود . وگرنه همه امیدهای غالبیت محو میشد . سرافسر بزرگ یعنی ناپولیون ازین یك خاطرجمع بود که جنرال معتبر او (گروشی) ازعقب او به امداد میرسد . ازانسبب قوای احتیاطیهٔ خودرا نیز باقوای هجوم کنندهٔ خود مزج کرده امر هجوم - یعنی «بولی» یورش راداد . ولی هزارافسوس که قوهٔ مددرسانش بوقت وزمان لازمی نرسید . عساکر خاصه اش ازطرف دشمن مغلوب گردید وبه اینصورت محاربهٔ میدان (واترلو) زاپای داد . ناپولیون درجزیره کك (سنت هلن) درغمهٔ اسارت وفات یافت .

چرا ؟ چونکه : یکی ازجرنیلهایش یك کمکی دیرمانده بود !...

§ یکی از کمپنی‌هائی که درعالم تجارت یك موقع ممتازی داشت . اما ازچندی بود که تهلکهٔ افلاس رایش پیش آمده بود . طلبدارانش پیسه میخواستند . برای وعدهٔ ادا کردن پیسه یکچند روزی باقی مانده بود . کمپنی در کالیفورنیا بسیار پیسه طلب داشت وامید میکرد که تاروز وعده ادا کردن طلبدارانش شریك او که در کالیفورنیا بود پیسه رافرستد . برای وعده وبرای رسیدن داك کالیفورنیا یك روز باقی مانده بود . داك رسید . ولی پیسه نرسید . کمپنی درمقابل طلبداران خود بجزاعلان افلاس دیگر چاره ندید . شرف واعتبارش پامال گردید . سلامت حال واستقبالش محو شد .

چرا ؟ چونکه شریکش یك داك دیر مانده بود !...

§ یك شخصی بقتل متهم شده بود . اورابرای کشتن بپای دار میبردند ولی آن شخص فعل قتلی که مرتکب آن شده بود مبنی بریك کاری بود که هرکس میبود ازانکار بغضب بسیار شدید می آمد ازین سبب هزاران آدم برای تخفیف جزای قتل او یك استرحامنامهٔ نوشته ومهر کرده بحضور حاکم بردند که باشکه جزای قتلش بحبس چندساله یادیت تخفیف یابد . همه کس عفونامه را انتظار میکشیدند . صبح یك انتظار آتشینی گذشت . آوان مدهش حکم اعدام محکمه در رسید . محکوم را بپای دار آوردند . ریسمان را بگلویش درآوردند . بعد ازیك دقیقه جسد بی‌روح و مستکره بدار کشیده شده باد درهوا میجنبانید . درین اثنا بود که یك سواری که اسپش وخودش غرق عرق شده بود جابعجله دررسید . فرمان عفو را بدست داشت . لکن شدنی شده بود آن بدبختی که بحقیقت معذور . وقانوناً محکوم بود یك مرگ هولناك وکراهت آوری مرده بود .

فاجعه های پاریس

مابعد ازشمارهٔ (۳۰) سال دوم

— نی . یك چیز بی اهمیتی ! وقتیکه از استاسیون میرامدم بهر صورتیکه بود دقت نکرده بایك عرابه ئیکه ازانطرف بسرعت می آمد مصادمه کردم ، وتیرچوب عرابه بسینه‌ام خورده یقدر ده قدم بالسو افتادم .

— امان ! بازچه شد !

— ضربه ئیکه به ان دوچار شدم اگرچه بسیار شدتناك یك ضربهٔ بود که مانند یك ذرتی هماندم بیهوش گشتم . اعتراف واقرار کردن اینسخن اگرچه یك کمی موجب شرمساریست ولی چه باید کرد ؟ والحاصل مرابرداشته بیکدواخانهٔ بسیار نزدیك آن حوالی برده‌اند . درانجا تامرابهوش آورده‌اند بسیار زحمت کشیده‌اند . نهایت چشم خودرا بازکرده توانستم . شکر درهیچ جایم یك شکستگی وزده شده گی نبود . ولی یك ضعف و بیحالیٔ عظیمی وجودم را استیلا کرده تاآن مندفع میشد یکقدری وقت گذشت . سبب تأخرم عبارت ازینست که عرض شد .

— من هم نشسته شمارا به بی اهمیتی وتکاسل اتهام میکردم . آه ! اگر به تأثیر آن ضربه تلف میشدید !... راستی که چون این چیز بخاطرم می آید موهایم راست میشود . لکن راست بگوئید حالاچه طور هستید ؟ آیا هوش تان بسرتان آمد ؟

— بلی چنان بهوش آمده‌ام که گویا هیچ چیزی نشده باشد .

— بلکه محتاج استراحتید ؟

— خاطر جمع باشید هیچ محتاج استراحت نیستم . بقرار عادت خود اخبارهای شام را خوانده میتوانم .

روبرایراکتف واخبارهای (غازت دوفرانس) و (لاپاتری) راکه هنوز قیدشان بازنشده بود میخواست بگیرد که پیرمرد گفت :

— نی !.. نی امروز نمیشود . اگرچه میدانم که تو برای خاطر من فداکاری کرده راحت را خراب میکنی ولی منهم ازان

چرا؟ چون که: فرمان حیات یك کمکی دیر مانده بود!

پس به‌بینید که یك کمکی دیری چه‌چیزها بروی کار می آورد.

آیا کمان میبرید که نتیجه های وخیمهٔ یك کمکی درماندن بهمین‌سه چار مثالی که بیان کردید تمام شد؟ نی نی. بلکه بس ثروتها. وشرفهای اشخاص؛ بس استقلالهای دولتها وبس استقبالهای ملتها درراه همین یك کمکی دیر ماندن قربان شده رفته است.

هزار افسوس برحال آن اشخاصی که ترقی وتجددرا نامشروع وناروا دانسته روز بروز. ماه‌بماه. سال‌بسال. درعقب افتادند. وچون ترقی را نشناختند که کیست. وقواعد آنرا نفهمیدند که چیست ازآنرو باترقی دشمن شدند. نهایت الامری آنکه وقت ندامت هم برای‌شان نماند در کندها. ولاشهای عدم لولیدند وغلطیدند!

این است که آنهارا (درماندگان ابدی) باید گفت.

درچنین وقت بحران، ودرچنین حال نزع روان پنج دقیقه بقدر سالها قیمت دارد. آرزو کنندگان مظفریت ازهرچیزی زیاده‌تر میباید که اینرا عادت کنند واین قدرت را مالك شوند که هرچیزی رابوقت آن اجرا بکنند. وازدیر ماندن اجتناب ورزند وتنهااز درماندن ابدی نی بلکه (ازیك کمکی‌درماندن) نیزبترسند. وبسیار بترسند.

حالایکقدری اینهمه فلاکتهای احوال، وزیر وزبر شدن افکار وخیال خودمانرا درزیر نظرتصور آورده خود ازخود سوال کرده میتوانیم: که آیا یك کمکی، بلکه چندها سال درمانده ایم؟ ...

⁂

(مقالات فنیه)

(ژه ئولوژی)

(یعنی علم طبقات الارض)

(ما بعد از شمارهٔ (۲۰) سال دوم)

بحالت غبار نرمی تحویل داده وبعدا آنباد آنرا ازآنجا آهسته آهسته برداشته بجای دیگر تفریش واعتلا میدهد.

این مسئله در نزد منتسبین حکمت بدرجهٔ ثبوت پیوسته ودر خصوص اثبات آن دلائل قاطعه وبراهین ظاهره بدست‌دارند علی‌الخصوص درامر تبدلات بعضی جاهائیکه نرمه خاك وباریکستان باشد خدمت ومهارت چیزیکه زیاده سبقت میکند هاما ریاح است درقطعهٔ (بریتانیا) محلیکه آنرا (له‌ئون) میکویند دست برمعرفت جناب باد یك قریهٔ بسیار بزرکی را باعمارهای کلیسایش بزیر خاك مدفون نموده است، ودربعضی جاهای مختلفه سطح ارض ازینکونه معرفتهای استادانهٔ بادمشهود است

آب

چیزیکه در ظاهرحال‌هاما بغایت مطیع ومنقاد بنظرمیآید ودر پیش قوهٔ تخریبیه اش هیچ چیزی مقاومت نمیآرد هاما (آب) است. مثلا اگر بگوئیم که (قطعه مصرسفلی) را حضرت آب نیل مبارك ازریکهاوخاکها (افریقای داخل) تشکیل داده است یعنی یك ایالت بسیار بزرکی ظهور آورده هیچ کس این‌سخن مارا تصدیق نخواهد کرد. ولی اگر کسی جغرافیائیرا که حکمای قدیم نوشته کذاشته‌اند ازنظردقت بگذراند البته این‌سخن مارا تصدیق خواهند کرد. زیرا در جغرافیای قدیم حکما ایالت مصر سفلی راهیچ ذکر ننموده اند بلکه آنجارا بحر. وحدود خطهٔ مصررا ازنهایت مصرعلیا نمودار کرده‌اند

باقی دارد

ادمهای خود کامی نیستم که اینرا قبول کنم. رجا میکنم محترم قونت، بمدارهٔ خود بروید، وربستر خود افتاده راحت بکنید، چونکه تاشما راحت نکنید من مستریح نمیشوم.

روبر — (تبسم کرده) تاوظیفهٔ خودرا درمقابل شما بجانیاورده‌ام بخواب رفتن من ممکن نیست.

پیر — معلوم میشود که بهمه‌حال وظیفهٔ خودرا بجا آوردن میخواهید؟

— بلی همین آرزو هستم.

— چون چنینست عرض تسلیمیت میکنم. بخوانید. اما زیاده ازیکساعت نمیشنوم. مهمترین حوادثها، وشئونات مجیترین آنهارا بخوانید. دیکر اقسام آنرا فردا میخوانید.

بعد ازین سخن روبر اخبار (لاپرس) راباز کرده جابجا کردن وظیفهٔ خواندن آغاز نهاد. نیمساعت نگذشته بودکه پیرمرد مفلوج علیل‌المزاج سرخودرا بزنکهٔ پشت چوکی نهاده بخوابرفت. روبر بملاحظهٔ اینکه اگرخواندنرا یکی بیکبار قطع کند مبادا بخواب پیر یك خلل برسد صدای خودرا بتدریج آهسته آهسته کرده بخواندن خود ختام داد. بعد ازآن برنوکهای پنجهٔ پاهای خود براه رفته ازاتاق برامد ودروازه را بازکذاشته، خدمتکار رانیز برخیزانیده برای خوابانیدن بادارش را برخوابگاهش فرستاد.

دردالانیکی ازشمعدانها نیکه برمیز افتاده بود درداده ازپته‌های سنك مرمر جلاداریکه باقالین سرخی فرش شده بود بالا برآمد ازیك دهرو تنگی بیکی ازدائره های جناح واصل کردید.

جائیکه مخصوص اقامتکاه روبرات درطبقهٔ اول دائرهٔ جناح عبارت ازیك دهلیز، ویك سالون، ویك اتاقکار، ویك اوتاق خواب، ویك توالت خانه میباشد. این دائره نیز بصورت بسیار مکلفهٔ تزئین وتفریش شده است. قالینها وچوکیها وکوچها ولوحه‌های تصاویر بسیار اعلا. وتحف وغرائبیکه دراینست آنجارا بشکل یك موزه خانه در آورده.

باقی دارد

ناموران زنان جهان

(مابعد از شمارهٔ (٢٠) سال دوم)

اروا بنت کرز : — دختر دختر عبدالمطلب ام حکیم البیضا ، وخاله زادهٔ حضرت فخر کائنات علیه السلام و والدهٔ حضرت عثمان ابن عفان رضی‌الله عنه ، ونیز والدهٔ صحابی ولید بن عقبه رضی‌الله عنه میباشد که خودشان نیز صحابیه است .

اریته : — از شاعره ها وحکیمه‌های بسیار جوان وخوش شمایل یونان قدیم است . هم معشوقه وهم شاگرد حکیم مشهور (سافو) میباشد . بعضی آثارش پیداشده ، وطبع ونشر گردیده است . بعمر ١٨ سالگی وفات یافته است .

استاتیره : — همشیرهٔ (داراست) که از پادشاهان مشهور ایرانست وبنا برعادت مکروههٔ آنوقت دارا اورا بزنی نیز گرفته است . در وقتی که دارا در (ایاس) نام موضع بدست اسکندر مغلوب گردیده ، کشته شد استاتیر بدست اسکندر اسیر افتاد . و ازطرف اسکندر معاملهٔ بسیار اسایشکارانه و نوازشانه دیده است . یك دختری نیز بنام (استاتیره) داشت که اسکندر بعد ازسفر هند اورا درحبالهٔ نکاح خود درآورده است . وبعد از وفات اسکندر از طرف (رو خانه) نام انباقش بسبب رشك و حسدیکه باو داشت بقتل رسیده است .

استاییل : — از محرره های مشهور ترین فرانس میباشد که در تاریخ ١٧٦٦ میلادی در (پاریس) تولد ، و درسنهٔ ١٨١٧ وفات یافته است . دختر (نکر) نام یك مرد فرانسوی میباشد . در سنهٔ ١٧٨٥ با (بارون هو لستان استاییل) ازدواج نموده به (مادام استاییل) معروفه شده است . بارون موسی الیه ازطرف دولت فرانس بسفارت (سویدن ناروی) مقرر شده مادام استاییل نیز باو به آنجا رفته است . ولی بعد ازکم مدتی باهمدیگر امتزاج نتوانسته جدا شده‌اند . درسنهٔ ١٧٨٨ در حق فیلسوف مشهور (ژان ژاق روسو) بعضی محررات نشر نموده باآن شهرت پیدا کرده‌است . درهنگامهٔ اغتشاش فرنك پاریس ازطرف حکومت جمهوریه ازپاریس طرد واخراج گردیده به (جرمن) رفته‌است . درانجا باحکما وادبای مشهور جرمن مانند (گوته) و (شیلر) ملاقات ومعارفه پیدا کرده زبان جرمنی‌را آموخته‌است . وچون بازپس بپاریس عودت کرده درحق جرمنها یك کتابی نشر کرده موجب آزرده گی (ناپلیون بوناپارت) گردیده درخانهٔ خودش اورا نظربند داشته است . ولی استاییل بفرار کامیاب آمده اکثر ملکهای اوروپارا گردش کرده . و برضد ناپلیون بوناپارت محررات

باقی دارد

علم ثروت ملل

(مابعد از شمارهٔ (٢٠) سال دوم)

ا — ماشینها ، دستگاهها وهمه‌نوع آلات وادواتی که اعمال صناعیه — یعنی کار های صنعتگری را آسانی بخشد .

ب — همه گونه بناها وانشا آتیکه برای صاحب خود ، ویا اجاره دار خود ایراد ونفع بیارد . مانند دکانها ومغازه‌ها ، واوتلها ، وقهوه‌خانه‌ها ، وکاروانسراها وخانه‌های کرایی وغیره .

ج — اصلاحاتی که در اراضی یعنی زمینها — اجرا شود .

د — هنر ، ومعرفتی که افراد ملت کسب وتحصیل کنند .

ثالثاً : سرمایهٔ متداوله — یعنی سرمایهٔ که درمیان مردمان دست گردان باشد . وآنهم برچهار قسم شاملست :

ا — مسکوکات — یعنی نقدینهٔ زر ودینار سکه شده — که واسطهٔ تداول سه‌قسم اشیای دیگری که ذکرمیشود میباشد .

ب — ارزاق ، وذخیره ، وغیره که دردست سوداگران آن است ، و حاصل‌شدن نفع وایراد ازان انتظار میشود .

ج — مواد واشیای خامیست که برای ملبوسات ومفروشات ، وعمارات مخصوص است . وهنوز کار ازان گرفته نشده است . ویا کم‌ویش کارشده است . ودردست سوداگران وفابریك‌والاها وچوبفروشها ونجار و آهنگر وبنا ودیگر صنعتکاران میباشد .

د — اشیا واموالیست که از حالت خامی برآمده ساخته وحاضر شده باشد . ولی‌هنوز بدست استهلاك کننده گان یعنی بدست بخرج ومصرف رساننده گان نرسیده باشد . وهنوز بدست فابریك والاها وسوداگران آنهاباشد . مثلاً اشیا واسبابهای که دردکانهای آهنگران ، وزرگران ، ونجار ودیگر اصناف دربرابر نظر خریداران درجلوه گریست .

بعضی از ارباب این فن سرمایه را بدو قسم تقسیم ویکی را (سرمایهٔ مادی) ودیگر را (سرمایهٔ معنوی) توسیم نموده اند . سرمایهٔ مادی همین سرمایه‌هائی بود که مذکور گردید . اما سرمایهٔ معنوی مانند علوم وفنون واخلاق و آداب چیزهائی میباشد که اگرچه بقواعد علم ثروت جهت شمول وتعلق ندارد ولکن چون کشفیات واختراعات صناعیه از علوم وفنون بظهور می آید . وسعی وعمل وتصرف واداره از اخلاق و آداب بهم میرسد ازانرو این سرمایهٔ معنوی مدار افزونی سرمایهٔ مادی میشود . والحاصل دراقوامیکه سرمایهٔ معنوی آن منقرض شده باشد

باقی دارد

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد ازطرف مدیر وسرمحرر تحریر یافته

محمود طرزی

در چهاپ خانه حروفی دار السلطنه کابل طبع گردید

اعلان

از هر دهن سخنی
و از هر چمن سمنی

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه را مژده میرسانیم ، و ترغیب مینمائیم که ازین گنجینهٔ پراز جواهر آبدار ، وازین گلزار پر از ازهار بیکیك نسخهٔ بدست آورده از هر دهن سخنی بشنوند ، واز هرچمن سمنی بچینند .

در

مطبعهٔ عنایت

که بنیاد یافتهٔ همت عرفان قیمت شهزادهٔ جوانبخت معظم حضرت معین السلطنه سردار عنایت الله خانست زیور طبع آراسته گردیده ، ودر نفس مطبعهٔ مبارکهٔ مذکوره که دردهٔ افغانان واقعست بقیمت ۲ دوروپیه کابلی از نزد عبدالروف سرمرتب مطبعهٔ عنایت خریداری کرده میتوانند کتاب مذکور در دکان ملا غلام محمد کتاب فروش متصل بمدرسهٔ شاهی نیز بفروش میرسد .

اعلان

کتابهای فارسی — انگریزی — اردو — و کورمکی — بهاشا وغیره برای تعلیم ابتدائی بفروش میرسد .

المشتهر
(بالکرشن داژی سرمدرس مدرسهٔ اهل هنود نمبر ۲)
درشور بازار کابل

(اسامی وکلای ما درخارج)

درپشاور جناب میرزا غلام حیدر خان سررشته‌دار داکخانهٔ علیهٔ افغانستان . درمشهد جناب عبدالله خان کاردار تجارت دولت علیهٔ افغانستان . دربخارا جناب حاجی غلام نبی خان مامورفروش پوست قره‌قل . ذوات کرامی که درممالك خارج افغانستان آرزوی اشتراك اخبار مارا داشته باشند بهر یك ازین وکلای ما چون وجه یکساله باشتهاهٔ اشتراك را بفرستند واز طرف وکیل ما بهاداره اطلاع برسد از همانوقت اخبار ما بهمان آدرس وعنوانی که داشته باشند جاری میگردد . آدرس وعنوان واضع وروشن نوشته شود . یك طلای پوند انگلیزی ۱۵ پانزده روپیه کلدار است

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

شماره ۲۲ سال دوم

فهرست مندرجات

رمضان فیض رسان	موعظه
حوادث داخلیه	شب برات پربرکات — احوال هوائیه — آفت سیلاب — میوهٔ سراپا — آغاز اصلاحات مهمه درامورات معارف — معاینهٔ مکاتب مکتب فنون حربیهٔ شاهانه — مکتب فیوضات مکتب بیت العلوم حبیبیه — افزونی تنخواه — رکاب اعزازی — نقل فرمان اعلیحضرت همایونی — استفتا
حوادث خارجیه	احوال سیاسی — حکومت مراکو چسان خراب شد — تفصیلات صدراعظم قتل محمود شوکت پاشا — محمود شوکت پاشا که بود؟ — محمود شوکت پاشا چسان بقتل رسید؟ — قاتلها که بود؟ — آقای میرزا محمد رحیم بابهان — ترجمهٔ اخبارهای اردو وغیره — فتح یونانیان — ادعای کامیابی بلغاریه — تقطیع تعلقات سفارتی یونان و بلغاریه خبرهای برقی — جنگ بالقان پیش قدمی افواج ترکی — حرکت مذبوحی بلغاریان — بیان سفارت ترکی مقیم لندن کامیابی رومانیان — اراده های سرویا و یونان — شاه بلغاریه بیمار بستری است — خیانت بلغاریان بلغاریان مقابلهٔ ترکان را کرده نمیتوانند — جهازات و کشتی های بلغاریه درعلاقهٔ روس ملتجی میباشند — مسلمانان این را بنظر توجه و عبرت ببینند — قتل شاه بلغاریه — بیکسی بلغاریه — بلغاریان پیش رومانیان اسلحه انداختند — یونان سیرس را گرفته اند — طوفان قهر وغضب در یونان — بلغاریان وحشی ازفهرست اقوام مهذب باید کشیده شوند — ترکان بسوی ادریانوپل روانه شدند — حکم قومی حکومت بلغاریا — خبرفرحت اثرازپیشاور قبضه نمودن انوربی ایدریانوپل را دوباره
تصاویر	منظر قصر دروازهٔ ماشین خانه — جناب مدیر و سرمحرر سراج الاخبار افغانیه محمود طرزی صاحب بامعلم مدرسهٔ زنسکوگراف محمدفضل رسام شهیر درباب تصاویر اخبار مذاکره میکنند — هیئت ادارهٔ سراج الاخبار افغانیه — هیئت مدرسهٔ زنسکوگراف — وزیر نامدار و سرافسر بالقدار مرحوم محمود شوکت پاشا — نقشهٔ روم یلی وجنگ متفقین درلقمه ربائی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 754 of 1786

اعلان

سیاحت بر دور ادور کره زمین

چقدر فایده‌ها وشیرینیها دارد ! علی الخصوص
که آن سیاحت با آن زودگی ووسعت
به هشتاد روز
اجرا شود ! آرزو کننده گان این سیاحت
خارق العاده هرگاه برای خریداری کتاب
(سیاحت بر دورا دور کره زمین)
بهشتاد روز

بقدر دو روپیه کابلی یك مبلغ کمکی راصرف نمایند این سیاحت را گویا (فلیاس فوق) سیاح ورفقایش بکجا اجرا کرده خواهند بود ! محل خریداری این کتاب دکان (ملاغلام محمد) تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی میباشد . ودر نفس مطبعه عنایت که در ده افغانان است از نزد عبد الرزق سرمرتب نیز خریداری میتوانند .

مؤلف این کتاب (ژول ورن) فرانسوی است که در نوشتن ناولهای فنی مشهور آفاق است . از فرانسوی بترکی وازترکی بفارسی ترجمه شده است . کتاب مذکور تنها ناول نی بلکه در ناول فن جغرافیا وجغرافیای ریاضی را نیز بطرز افسانه نشان میدهد .

در (مطبعهٔ عنایت) که از مؤسسات شهزادهٔ جوانبخت معظم دولت علیه افغانستان جناب عالی (معین السلطنه سردار عنایت الله خان) است بزیور طبع آراسته شده است . این کتاب نایاب را زود بدست آرید وفرصت رافوت مکنید که نسخه‌های آن زود تمام خواهد شد . وافسوس فایدهٔ نخواهد بخشید .

(کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه)
(با جلد اعلا)
ودو کتابچهٔ (علم واسلامیت) و (آیا چه باید کرد ؟)
(با جلد اعلا)
در اداره موجودات . آرزو کننده گان
خریداری کرده میتوانند
قیمت همه (۲۵) بیست وپنج روپیه کابلی

اعلان

افغان یك اخبار هفته وار اسلامیست که در پشاور بزبان پشتو واردو شایع میشود . درصوبهٔ سرحدی یگانه محافظ حق مسلمانان است . شکایات ومعروضات شانرا بگوش حکام میرساند . بعلم واخلاق وپاس دین مذهب آنهارا ترغیب میدهد . این اخبار در هر طرف دنیا یك رغبت عمومی حاصل کرده است درافغانستان ، بخارا ، امریکه ، افریقه ، چین ، ژاپان ، مدینه ، مکه روس ، ناتال ، لندن ، مصر ، وغیره بلاد مشتری دارد قیمت عام برای هندوستان ٤ روپیه سالانه مع محصول داك وبرای ممالك غیر ۱۲ روپیه کلدار است .

المشتهر
(مینجر افغان)

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، ویا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا به پنج بار نشر وشایع شود برسرهر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر یك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا به پنج بار فی سطر یك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطر یك ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

صحیفه ۱   سال دوم   شماره (۲۲)

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
بالمراسلات داک ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
بالمراسلات داک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یکعباسی است

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

ادارهٔ خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همهٔ امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ عربی یکم رمضان سنه ۱۳۳۱   تاریخ انگلیزی ٤ اگست   تاریخ شمسی ۱۳ اسد ۱۲۹۲

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفیده درج میشود

(رمضان فیوضات رسانرا سراج الاخبار افغانیه برهمه برادران مسلمان خود)
(که در روی زمین هستند مبارکباد میگوید)

(موعظه)

از مدرسهٔ مبارکهٔ شاهی باداره رسیده است

بسم الله الرحمن الرحیم

ماه نو روزه بر اوج افق   ابروی حوراست ذیل تتق   میکند ایما که لب از بهر ما   مهر کن ای مهر لب مهر ما

ای عزیز قاری اخبار — کلمهٔ چند در باب اشرف احسان اخبار و آثار که روزهٔ ماه مبارک رمضانست بگوش جان بشنو — و در کار بستن و عمل نمودن بدانها براه صدق دل و رسوخ عقیدت برو — حق تعالی در محکمات آیات کتاب خود میفرماید یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون ایاما معدودات ، یعنی ای کسانیکه ایمان آورده‌اید نوشته و فرض کرده شد بر شما روزه داشتن چنانکه نوشته و فرض کرده شده بود بر آنانکه پیش از شما بودند تا باشد که پرهیزید از بدیها و گناهان واحتراز کنید از متابعت نفس و شیطان چون روزه عبادتیست شاق و دشوار چنانچه در کتاب در المختار است که روزه از اعظم ارکان دینست و محکمترین قوانین شرع متین که نفس اماره بدان مقهور و مغلوب میگردد و روزه مرکب است از امساک قلب و منع بدن ز خوردنی و نوشیدنی و شهوة متعلقهٔ نکاح و آن از جبلیترین خصالت لکن بر نفوس از شاقترین و سخت‌ترین تکالیفاست پس در باب مکلف ساختن بندگان حکمت الهی چنان تقاضا نمود که تکلیف سبکترا در ابتدا فرض سازد مانند نماز تا مکلف بکشیدن تکالیف شریعت عادت بگیرد باز تکلیف اوسطرا فرض سازد مانند زکوة و در نوبت سوم که نفس مکلف فی الجمله عادتی بر داشت تکالیف الفت کرفته وخو کر شده باشد تکلیف سخت ترین را که روزه است مقرر فرمود — و در کتاب درمختار است که روزه بعد از یکنیم سال از هجرهٔ مقدسه بعد از ده روز از حکم بر کشتن قبله بسوی حضرت کعبه از بیت المقدس فرض گشته — لهذا در آیهٔ کریمه بجهت تسلی خواطر عابدان این امت فرمودند که این عبادت مخصوص بشما نیست بلکه هیچ امت از تکلیف این عبادت آزاد نبودند واز عهد (حضرت آدم علی نبینا وعلیه الصلوة والسلام) تا آخر شرائع سابقهٔ منسوخه که شریعت (عیسی علی نبینا وعلیه الصلوة والسلام) روزه داشتن فرض بود — اما نصاری چون کرفتن روزه‌را در فصل تابستان و کرمی هوا بر خود دشوار شمردند

اوقات روزه داشتن خودها را باختیار خود بی نازل شدن وحی دریاب در فصل بهار که موسم اعتدال هواست پسندیده عدد ایام روزهٔ خودرا برای وفکر خود عوض سی بجاه مقرر داشتند — وچون تفصیل اجمال کلام الله در احادیث الرسو است لهذا بعضی از مناقب روزه وماه آن را از احادیث صحیحهٔ نبوی محل صاحب الصلوة والتحیه نقل نموده معروض رای دیانت پیرای قاریان کرام مراج الاخبار میگردد — در صحیح بخاری و صحیح مسلم از ابو هریره رضی الله عنه روایتست « کل عمل ابن آدم یضاعف الحسنة بعشر امثالها الی سبع مائة ضعف قال الله تعالی الا الصوم فانه لی وانا اجزی به یدع شهوته وطعامه من اجلی للصائم فرحتان فرحة عند فطره وفرحة عند لقاء ربه ولخلوف فم الصائم اطیب عند الله من ریح المسك والصیام جنة واذا کان یوم صوم احدکم فلا یرفث ولا یصخب فان سابه احد اوقاتله فلیقل انی امرؤ صائم » یعنی آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که هر عمل نیك آدمیزاد مضاعف کرده میشود بدین گونه که اجر و ثواب یك نیکی را بده چند آن میدهند تا بهفصد چند آن بر حسب شدت ریاضت واخلاص نیت بحضرت ربوبیت وبحسب فضل او تعالی — وحقتعالی فرموده است مگر روزه که جزاء آن بیحد و اندازه است ومن جزا میدهم بآن هرچه می خواهم و چندانکه میخواهم از حد حصر و شمار بیرون زیرا که روزه محض برای منست اگرچه همه چیز برای اوست تعالی و تقدس وهمه عبادات برای اوست روزه را دران میان تخصیص نمود و بتکریم و تشریف خاص امتیاز داد از جهت آنکه این عبادت از ریا بعید است و از چشم دیگران پوشیده است واز جهت آنکه نفس را دران حظی نیست چنانکه فرمود « یدع طعامه وشهوته لاجلی » یعنی روزه دار خواهش نفس خودرا خصوصا طعام خودرا که احتیاج آن اکثر است برای من وطلب ثواب ورضای من ترك میدهد — وگفته اند هیچ معبودی بجز حق سبحانه وتعالی بروزه پرستش نشده است وتعظیم کفار معبودان خود را درهیچ عصری بصوم نبوده اگرچه بصورت صلوة وسجود وقربانی بوده است — وبعضی گفته اند استغنا از طعام وشراب وسائر شهوات از صفات پروردگار است (تعالی وتقدس) وچون بنده بدرگاه او تعالی باینچه موافق ومشابه صفات اقدس او تعالیست تقرب جست بدینوسیله نسبت شناسی باو تعالی برای خود صحیح ساخت

دل نسبتی بحضرت اعظم درست کرد   نسبت درست کرد وچه محکم درست کرد

لهذا او تعالی این عبادت را بذات اقدس خود نسبت فرمود — وموافق سیاق و روش حدیث البته آنست که این نسبت شریف از جهت آنست که او سبحانه بمقدار ثواب وتضعیف آن عالم است وبعلم مقدار این ثواب یگانه ومنفرد است که دیگری را بآن خبرداری نیست — وامام بیهقی روایت کرده است که شخصی از سفیان بن عیینه که از کبار طبقهٔ تبع تابعین است پرسید که معنی این حدیث قدسی چیست که « کل عمل ابن آدم له الا الصوم فانه لی وانا اجزی به » ایشان گفتند که این صحیح ترین احادیث و محکم ترین آنهاست ومعنیش آنست که چون روز قیامت درمیان مسلمانان وخصمان وی مخاصمه واقع شود آنچه بذمهٔ وی از حقوق خلق می براید درعوض آن از اعمال نیك وی خواهند داد تا آنکه هیچ عمل نیك باقی نماند وچون نوبت بروزه رسد حقتعالی روزه را درعوض مظلمه نخواهد داد وباقی مظالم آن بنده را خود متحمل خواهد شد واهل حقوق را بثواب راضی خواهد ساخت بعد از ان روزه همراه آن روزه دار شده او را بهشت خواهد برد — و ایضاً بمضمون آیهٔ کریمهٔ « ان الشیطان کان للانسان عدوا مبینا » وحدیث شریف « ان الشیطان یجری من الانسان مجری الدم فضیقوا مجاریه بالجوع » معنی آیهٔ کریمه آنکه بدرستی که شیطان برای انسان دشمن آشکار است ومعنی حدیث شریف آنکه شیطان در بنیهٔ وجود آدمی مانند خون جاری و روان است لهذا افکندن و انداختن خطرات و اندیشهای بد دردل و سینهٔ انسان بروی آسانست ودر اغوا ولغزانیدن انسان برای وی مانع و دافعی نیست پس شما مجاری شیطان را بگرسنگی تنگ سازید تا آزار دیدن وی و آمد و رفت وی در وجود شما کم شده خطرات و اندیشهای ردی را بشما کمتر بیندازد — وبعبارت علما ومشائخ عظام این مطلب را اینچنین بگوییم که میدانیکه در وجود آدمی محل جریان وجولان شیطان شهوات است وقوت شهوت شکست نمی خورد مگر بصولت گرسنگی ومجاری میدان شیاطین مسدود نمیگردند مگر بریاضت صوم بنابران تا آنکه طالب سعادت ابدی میدان سینهٔ خود را از ظلمات وساوس شیطانی ونجاسات شهوات نفسانی بصیقل تشنگی نیروزد ونخوابی نیشب بالتوصاق نگرداند قابل فیض اسرار صمدیت جل شانه که نمونهٔ از مضمون « الم نشرح لك صدرك » است نگردد — وخاصیت روزه آنست که راه شیاطین که موانع این سعادت اند بربنده می بندد ومار خبیث نفس اماره که دشمن دین است بتازیانه گرسنگی وتشنگی سراسیمه و سر کوفته میگردد وقوای غضبی وشهوی که غولان ورهزنان نور عقلند بقوت این ریاضت مقهور ومغلوب میگردند — بدینسبب است که حق جل وعلا این رکن را از جمیع ارکان اسلام بشرف اختصاص بخود مخصوص گردانید بیت « هرچه بدان شرع بشارت دهست   از همه حرف انا اجزی به است » — ودیگر از فضائل روزه آنست که بوی متغیر دهان روزه دار درنزد حضرت صمدیت از بوی مشك بهتر است — باید دانست که حق جل وعلا بکمال حکمت خود دو نوع ادراك را در وجود انسان تعبیه فرموده است یکنوع را ادراك صوری خوانند چون ادراکات حواس پنجگانهٔ ظاهری و این نوع ادراك ثمرهٔ لطائف عناصر است — نوع دوم ادراك معنویست چون قوت قلب وروح وباقی لطائف که اهل تصوف که بر گزیدگان امتند از ادراکات آنها بهره یابند — وهر قوتی را از ین قوتها بحسب خاصیت وجود او از ادراکات خود لذتی والمی هست وچون قلب

وروح و باقی لطائف باطنی و حقیقت انسانی بمضمون « قل الروح من امر ربی وما اوتیتم من العلم الا قلیلا » ازعالم امراند وازادراك حواس جسمانی وعقل ظاهری بلندتراند ودرتنزه وتقدس نسبت بعالم جسمانی بحضرت صمدیت مناسبت لهذا انچه ازجهة مدرکات معنوی مقبول درگاه حضرت صمدیت مشاهده وادراك آن سبب لذت قوای معنوی میگردد وهرچه مردود درگاه حضرت صمدیت سبب الم وعذاب آن قوتها میگردد — ملخص کلام آنکه آثار طاعت را عطریست که رائحهٔ آن مرغوب ملائکهٔ کرام است وسبب مرغوبی ایشان همانست که همان اثر مقبول بارگاه کبریا است چه ملائك گویا حاجبان ودربانان جلال وکبریاء الهی اند — وازین جهات حدیث شریفی که درباب خون زخمی وشهید حرب جهاد درصحیح بخاری وصحیح مسلم از ابو هریره رضی روایت شده است که « مامن احد یکلم فی سبیل الله والله اعلم بمن یکلم فی سبیله الا جاء یوم القیمة و جرحه یثعب(۱) دما اللون لون الدم والریح ریح المسك » یعنی نیست هیچیکی که زخمی شود درراه خدای و خدا میداند کسی را که زخمی میشود درراه وی (یعنی که بجز رضای الهی غرضی دیگر درمقاتله ندارد) مگر که میآید روزقیامت وزخم وی آنچنان تازه ونمایان که خون ازان بجوشش روان میباشد رنگ آن رنگ خون وبوی آن بوی مشك — درینجا نیز از مقبولیت همان عمل ببوی مشك تعبیر شده است

کار فضل تست مشك افشانی اما عاشقان مصلحت را تهمتی بر آهوی چین بسته اند

ترجمهٔ باقی حدیث شریف اول آنکه روزه سپر وپناه هست ازرسیدن شر شیطان دردنیا وسپراست از آتش دوزخ در آخرت — بنابران چون باشد روز روزه داشتن یکی ازشما پس باید که تکلم بکلام قبیح نکند وفحش نگوید و آواز خودرا بجنگ و جدل و خصومت بلند نسازد پس اگر دشنام دهد کسی روزه دار را یاباو مخاصمه کند باید روزه دار اورادشنام ندهد وباوی خصومت نورزد و در جواب وی بگوید که من مردی ام روزه دار — ودر روزه فرض زبان بگوید و درنفل در دل بگذراند تا ازریا دور باشد فقط

اکنون حدیث شریف دیگری مشتمل برفوائد اخروی و منافع تمدنی روزه و ماه مبارك روزه معروض رای قاریان سراج الاخبار میگردد وبالله التوفیق — امام بیهقی در کتاب شعب الایمان ازحضرت سلمان فارسی رضی الله عنه روایت میکند « قال خطبنا رسول الله صلی الله علیه وسلم فی آخر یوم من شعبان فقال قد اظلکم شهر عظیم شهر مبارك شهر فیه لیلة خیر من الف شهر جعل الله صیامه فریضة وقیام لیله تطوعاً من تقرب فیه بخصلة من الخیر کان کمن ادی فریضة فیما سواه ومن ادی فریضة فیه کان کمن ادی سبعین فریضة فیما سواه وهو شهر الصبر والصبر ثوابه الجنة وشهر المواساة وشهر یزاد فیه رزق المؤمن من فطر فیه صائماً کان له مغفرة لذنوبه وعتق رقبته من النار وکان له مثل اجره من غیر ان ینتقص من اجره شیء قلنا یارسول الله لیس کلنا نجد ما نفطر به الصائم فقال رسول الله صلی الله علیه وسلم یعطی الله هذا الثواب من فطر صائماً علی مذقة لبن او تمرة او شربة من ماء ومن اشبع صائماً سقاه الله من حوضی شربة لایظماء بعده ابداً حتی یدخل الجنة وهو شهر اوله رحمة واوسطه مغفرة و آخره عتق من النار من خفف عن مملوکه فیه غفرالله له واعتقه من النار » یعنی گفت سلمان فارسی رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم درروز پسین ماه شعبان برای مایان خطبه خواند وفرمود ای مردمان سایه افگند برشما ماهی بزرگ ماهیست که دران برکت کرده شده ماهیست که دران شبیا ست بهتر از هزار ماه —

بیقدری ما چون نشود فاش بعالم ماهی که شب قدر درو بود نهان رفت

روزه داشتن آنرا حق تعالی فرض گردانیده است ونماز را درشب وی نفل وسنت — کسیکه نزدیکی جوید درین ماه بدرگاه حق تعالی بخوبی وعمل که نفل باشد میباشد مانند کسیکه فرضی را درغیر این ماه اداکرد (ومعلوم است که ثواب فرض از نفل بمراتب ودرجات بیشتر است) وکسیکه فرضی را درین ماه ادا کرد میباشد مانند کسیکه هفتاد فریضه را درغیر این ماه اداکرد — وماه رمضان ماهیست که دروی صبراست از شهوات نفس وثواب صبر کردن بهشت است — وماه رمضان ماهیست که دروی غمخواری فقرا وگرسنگان باید کرد — وماهیست که رزق وروزی مسلمان دران میافزاید ودران برکت داده میشود ونیز توسیع طعام ومواسات که در وی امر کرده اند سبب وسعت رزق فقرا ومحتاجان میگردد — کسیکه روزهٔ روزه داری را درین ماه بکشاید باشد سبب آمرزش گناهان وی وسبب آزاد شدن ذات وی از آتش دوزخ وباشد مراورا مزد آن روزه دار بی آنکه ازمزد وی چیزی کم شود — ما گفتیم که یا رسول الله همهٔ ما آنقدر چیزی نداریم که روزهٔ روزه داری را بآن بکشائیم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که حق تعالی این ثواب را بکسی میدهد که روزه دار را بدمی از شیر آمیخته بآب یا یکدانهٔ خرما یادمی از آب روزه کشاید و کسیکه شکم روزه دار را سیر گرداند اورا خدا تعالی ازحوض من که حوض کوثر است آبی بنوشاند که بعد ازان هرگز تشنه نگردد تا آنکه به بهشت درآید ودرانجا هم نعمتها حاصلست — وماه رمضان اول آن سبب افاضهٔ رحمت است از جانب حق که روزه داران بدان مستعد وقابل ظهور انوار گشته از ظلمات گناهان و کثافات معصیت می برایند ... و میانهٔ وی سبب آمرزش گناهان است وآخر ماه رمضان آزادشدن است از آتش دوزخ — چون طاعات میسر شد ومعاصی مغفور گشت روزه دار مهیا و مستعد

---

(۱) (یثعب) یعنی مانند چشمهٔ بسیاری روان میشود

دخول بهشت گردید — وکسیکه از کنیز وغلام روزه‌دار خود تکلیف ومشقت خدمت‌را سبك سازد اورا حق تعالی بیامرزد و از آتش دوزخ اورا آزاد سازد — ودر در مختار از فتاوی بزازیه نقل نموده که هرگاه شخصی آنقدر ضعیف وناتوان بود که هرگاه روزه میگرفت ازقیام درنماز عاجز میگشت ونماز ایستاده نمیتوانست آن‌شخص روزه‌را ترك ندهد و نماز را نشسته بخواند تاهردو عبادت برای وی جمع شود — ودرحدیث شریف بروایت ترمذی وابن‌ماجه ازابو هریره رضی‌الله‌عنه آمده است که‌درجملهٔ فضایل ماه رمضان آنحضرت صلی‌الله علیه وسلم فرموده است « ولله عتقاء من النار وذلك كل ليلة » یعنی ومرخدارا آزاد شدگان از آتش دوزخ هست یعنی دررمضان وآن آزاد کردن درهرشب است مخصوص بشب‌قدر نیست — ودرجواهر التفسیر ملاحسین واعظ کاشفی قدس سره است که هرشبی در وقت روزه کشادن ششصد هزار بندهٔ عاصی‌را کهاستحقاق جحیم داشته باشند برات آزادی بخشندوهم وی‌ازکتاب لطائف التفریر آورده کهرمضان میدانیست منور بشعلهٔ مصابیح — دریائیست مزین بگوهر تراویح — فرح‌افزی — خجسته اختری — شیطان بندی — فردوس کشائی — پاك سرشتی — پاکیزه لقائی — معصیت گدازی — عاصی نوازی — عالی منظری — مشتاق پروری — غم زدائی — اندوه‌ربائی — دیوان‌ازو درهراس — مبتدعان ازو دروسواس — عاقلان را ازجمال اوشادیی — عاصیانرا ازبرکات‌او آزادیی — مطیعانرا ازو نوید رحمت — مؤمنانرا ازو امید مغفرت — دلهای عابدان ازو در چمن نزهت — جانهای عارفان بسبب او در گلشن راحت — چون جمال شرف این‌ماه آشکارا گردد شب محنت عاصیان را صبح اقبال بدیدار آید رایت اطلکم شهر عظیم درمیدان رفعتاو منصوبست — ورقم اوله رحمة واوسطه مغفرة وآخره عتق من النار براوراق دولت او مکتوبست —

بربند دهان ازنان کامد شکر روزه
دیدی هنر خوردن بنگر هنر روزه

(وصلی‌الله تعالی علی خیر خلقه محمد وآله واصحابه اجمعین برحمتك یاارحم الراحمین آمین)

فقیر مخلص عبدالرؤف مدرس

حوادث داخلیه

(شب برات پربرکات)

شب یکشنبه پانزدهم ماه شعبان المعظم که شبانهٔ مبارک برات بود که یکی ازاعاظم شبهای مقدسهٔ اسلامیان شمرده میشود، بشرف این‌شب مبارك يك چراغان وضيافت سنیهٔ همایونی درباغ ارك مبارك ترتيب‌يافته وامرا واشراف حضور وارباب مناصب ومراتب دعوت شدند .

ذات قدسیت صفات پادشاه معظم محبوب القلوب ما اعلیحضرت سراج الملة والدین ادام الله ظل عاطفته فی العالمین همهٔ مدعوین کرام را دربیش صفهٔ برندهٔ قصر استور مبارك بجمع آمدن فرمان نموده وخود ذات اعلیحضرت شاهانه در برندهٔ مذکوره تشریف شوکت ردیف همایونی را ارزانی فرموده يك خطابهٔ بسیار مفید وموثری درخصوص فضیلت ومزایای شب برات پربرکات بیان فرمودند . ودعای ترقی وهدایت واتفاق عموم مسلمانان . ودوام آزادی واستقلال وسعادت حال واستقبال دولت وملت افغانستانرا آوردهٔ زبان فیض‌رسان نموده وبعدازان درچمن نشاط‌مأمن مواجههٔ قصر استور مبارك کهاچراغان وتزئینات بدیعی ترتیب وتنظیم شده بود تشریف برده وبعد ازتناول طعام تابه دوازده بجهٔ شب بکمال فرحت وسرور بسرآورده شده وحاضرین کرام مظهر تلطیفات وعواطفات شهریاری گردیده رخصت انصراف عطافرموده شد .

احوال هوائیه

ازقرار راپورتهائی که از سر دروازهٔ ارك مبارك که بتوسط مأمورین مخصوصهٔ تعیین درجهٔ هوا درهفتهٔ گذشته یعنی در ٢٣ ماه شعبان المعظم بادارهٔ ماجزاء رسیده درجات حرارت‌هوای بلاد مختلفه از قرار ذیلست :

مزار شریف : — ازاول ماه سرطان مطابق ١٧ ماه رجب تابه ١٤ سرطان سلخ رجب درچهاربجهٔ روز ها از ٩٢ تابه ٩٤ درجهٔ گرمی هوا بمقیاس الحرارة فهرانهایت نشان داده است . باران وباد شدیدی هم نباریده ونوزیده .

دار النصرت هرات : — از ٤ ماه سرطان مطابق ٢٠ ماه رجب تابه ١٠ و ٢٦ ماههای مذکورین درچهار بجههای روزها حد اصغر درجهٔ گرمی هوا ٨٥ وحد اکبر آن ٩٢ درجه نشان داده‌شده است، بادهای موسمی شهر مذکور نیز بصورت دایمی وگاهی بهبسیار شدت دوام ورزیده است .

احمد شاهی قندهار : — از ٢٨ جوزا ١٣ رجب تابه ١١ سرطان ٢٧ رجب درچاربجه های روزها حداصغر درجهٔ گرمی هوا ١٠٠ وحد اکبر آن ١٠٥ فهرنهایت نشان داده شده است.

جلال آباد : — از ٢١ سرطان ٧ شعبان المعظم تا ٢٧ سرطان ١٣ شعبان درچهار بجه های روز های مذکو حد اصغر درجهٔ گرمی هوا ٩٢ وحد اکبر ٩٩ درجه نشان داده شده است .

دار السلطنهٔ کابل : — از ٢٧ سرطان ١٣ شعبان تابه ٣

ماماند ۲۰ شعبان در چار بجه های روزها حداصغر گرمی هوا ۸۲ وحد اکبر آن ۹۶ نشان داده شده است که اگر انحساب ربورتها درست باشد هوای شهر عزیزما تقریباً بدرجهٔ گرمی هوای جلال آباد پهلوزده است . وازروی انحساب ها گرمترین قصبها شهر احمدشاهی قندهاررا میدانیم که از جلال آباد هم گوی سبقت را در گرمی در ربوده است .

آفت سیلاب

جناب حق تعالی ممالک شاهانه را بوجود مراحم آمود ذات اعلیحضرت همایونی ازهمه آفات وبلیات محفوظ دارد . یوم جمعه ۱۳ ماه شعبان المعظم هوا یک کثافت وتیرهٔ گی پیدا کرده بوقت ظهر یکباد شمال بسیار شدیدی بوزیدن آغاز نهاد . بدرجهٔ که بعضی درختان قوی را نیزازبن برافکند . حتی دونفر درده افغانان کابل درزیر آوار درخت تصادف نموده مجروح گردیدند . درنفس شهر اگرچه باران بسیاری نشد ولی در دره های کوه پغمان که میرزا ها آنرا پغمان مینویسند غالبا ژاله بسیار شدید ووافری باریده بود که تقریباً بساعت ۵ روز مذکور درحالیکه ذات شوکت سمات اعلیحضرت بادشاهی نیز درآنروز بپغمان تشریف همایونی را رزانی فرموده بودند ازدریای درهٔ پغمان یک سیلاب دهشت مآب عظیمی نزول نمود که مردمان سالخوردهٔ پغمان در مدت عمرخود همچنین سیلابی را بخاطر ندارند .

کیفیت دهشت وشدت این سیلاب طوفان نشانرا بروایتی که بچشم خود دیده وما ازانها شنیده ایم ازقرار آتی در پیشگاه انظار قارئین کرام خود وضع مینمائیم :

ذات مراحم صفات اعلیحضرت همایونی تقریباً به ۹ بجهٔ روز بسواری موتر بابعضی خواص حضور همایونی به پغمان تشریف برده بودند . تایک بجه درچنار باغ نام موقع باصفائی که درقریب قصبه برکنار دریای درهٔ پغمان واقعست امرار اوقات شاهانه را نموده ، ونماز جمعه را درجامع قصبه ادا فرموده بسواری موتر بسوی قصرخلوت حضور (سپیل) که تقریباً هزارفوت ازموقع بلندتر ودوهزار فوت ازکابل وده هزار فوت ازسطح بحربلندتر واقع است تشریف فرمودند .

در اثنائیکه ذات شاهانهٔ شان در برندهٔ قصر همایونی باندما ومصاحبان حضور همایونی بصحبت مشغول بودند بادشدت ورزید وازطرف وادی بعضی صداهای مهیب ودهشتناک مسموع گردید . تحقیق پیوست که در دره سیلاب نزول نموده . میگویند که نظارهٔ سیلاب چنان بنظر می آمد که گویا کوههای ابرهای سیاه و تیرهٔ در دره بجریان افتاده باشد . چون موقع سپیل خیلی مرتفع ودورتر ازدره بود برای تماشا تانزدیک رفتند . صداهای سنگهای بسیار جسیم جسیمی که قوت آب آنهارا ازجاهای بلند غلطانیده میآورد باوجود نباتات مختلفه وسیاهی وتیرهٔ گی سیل دلهارا مالا مال خوف وخشیت مینمود .

ذات اعلیحضرت بادشاه مراحم گستر ما از آغاز ورود سیلاب بواسطهٔ تیلفون ازسپیل بهر هرطرف که دردم مجرای سیلاب بود بسرعت تمام پیغامها فرستادند . وتا بدرجهٔ که ممکن بود مردمانرا آگاهی بخشیدند .

ازفضل ومرحمت خداوندی این سیلاب بلا مآب نسبت بشدت ودهشتیکه داشت خسارت وآسیبی به نفوس قطعیاً وارد نیاورده . جزوی مال ومواشی واراضی که دردم مجرای آب بود خسارت یافت . سرک مابین چنار باغ وسپیل وبعضی سرکهای دیگر را خراب کرد . وکثری اراضی ومزروعات را نیز ضرررسانید .

ذات اعلیحضرت شاهانه بسبب خرابیٔ راهها مجبوراً یکشب را درپغمان بسر آوردند روز دیگر موترها از شهر آمده ویکمقدار راه را بسواری اسپ وبعد ازان بعراده های موتر بکمال عافیت واجلال بدار السلطنه تشریف فرمای عزو اقبال گردیدند .

اعلیحضرت بادشاه رعیت پرور مراحم گستر مقدس ماخسارت یافتگان این سیلاب را بمعاونت نقدی وجنسی وتخفیفات مالیات وغیره دستگیری ونوازش فرمودند . وبه اینصورت کمال مراحم ملت پروریٔ بادشاهانه را ظاهر وعیان ساختند . مابرسلامتیٔ بادشاه مهربان عمیم الاحسان مقدس خود شکرها وثناها میگوئیم ، ودعای بقای عمر واقبال شاهانهٔ شانرا وردزبان صداقت میداریم .

﴿ میلهٔ سرآسیا ﴾

شهر عزیز ما درهرسال بعضی میله هائی دارد که عموم اهالی به آن اشتراک میورزند . ازانجمله یکی (میلهٔ سرآسیا) ست که درهرسال بهمین موسم درسرآسیا نام موقعیکه درحوضهٔ جنت نمونهٔ (چاردهی) واقعست اجرا میابد . یوم جمعهٔ گذشته همه همشهریان عزیزما درجنگلها وبیشه های میوه دار وگلزار خوش جویبار چاردهی منتشرشدند . ودرهرگوشه وکنار . ودرلب هر جویبارو آبشار . درسایهٔ هربید وچنار . انجمنها جمعیتها ترتیب تشکیل دادند . نغمه های غزلسرائیهای ملی . وسازهای گوناگون وطنی از هرهر طرف برمیخواست . علی الخصوص درسر آسیایک ازدحام عظیم اهالی دیده میشد . کاو جنگیٔ دوبها . پهلوانیٔ پهلوانها . ودیگر انواع بازیها وساعت تیریها اجرامیشد . فاما این میله اساساً عیدهٔ دوبی ها — یعنی گازرها — معروفست که در زیارت (خواجه طواق) صاحب که درانجا میباشد بوقوع می آید . وعامهٔ اهالی به آن اشتراک میورزند . تماشای مهم آن نیز عبارت از کاو جنگی ست که دیگر تماشاها نیز بآن ضم وعلاوه میشود .

ذات مراحم صفات اعلیحضرت شاهانه باشهزادگان عظام ومعدودی از همرکابان معیت شاهانه درین میلهٔ رعایای صادقهٔ شاهانهٔ خود بصورت غیررسمی اشتراک ورزیدند ، ویک سایبانی

در موضع میله نصب فرموده بااهالی تماس فرمودند ، وبه بعضی احسانها و انعامها دلهای اهالی را شاد نمودند . و تابوقت عصر درانجا بوده میلهٔ مذکور لله الحمد والمنه بدون یك وقوعات بکمال فرحت ها و مسرتها به انجام رسید .

« آغاز اصلاحات مهمه در امورات معارف »

این یك از امورات بدهی و آشکار است که همه ترقیها وسعادتهای ملکها وملتها به علم ومعارف منحصر است . درین باب هر قدر سخن که گفته شود زاید است . در وطن عزیز ما انتشار علم وعرفان از روز فیروز جلوس میامن مأنوس ذات شوکتسمات اعلیحضرت امیر المؤمنین سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان ادام الله دوله تعالی مدیدالزمان به تأسیس وبنیاد یافتن مکتبهای اصول جدیده آغاز نهاده است . اول مکتبی که برای تحصیل علوم وفنون جدیده باصول و طرز نو بنیاد یافته مکتب فیوضات مکتب مدرسهٔ حبیبه است که بسایهٔ [illegible] ذات اعلیحضرت شهریاری مجدداً در دار السلطنه کابل تأسیس گرفت . و یوماً فیوماً از فیض حمایهٔ مکارم وایهٔ شاهانه در زیر نظارت ذات عالی فخامتمآب جناب (نائب السلطنه سردار نصرالله خان) اکتساب ترقی نموده رفته رفته هیئت یك دارالفنونی را حاصل کرد . ولی بنابر کثرت اشتغالات مهمه ذات فخامت پناهی شان نظارت امور معارف را بعهدهٔ درایت وفطانت ذات عرفان صفات شهزاده معظم جناب (معین السلطنه سردار عنایت الله خان) محول فرمودند . چون قبل ازین نظارت جلیلهٔ مکتب فنون حربیهٔ شاهانه باراده سنیه اعلیحضرت پادشاهی نیز به عهدهٔ حضرت مشارالیه محول بود ازین علاوه وظیفه همه امور معارف را بذات عالی جناب معین السلطنه صاحب راجع نمود .

« معاینهٔ مکاتب »

« مکتب فنون حربیه شاهانه »

بتاریخ یوم دوشنبه ۹ شهر شعبان المعظم حضرت شهزاده اعظم دولت علیهٔ افغانستان جناب معین السلطنه سردار عنایت الله خان اولا بمکتب حربیه تشریف عالی را ارزانی فرمودند . از قراریکه نامه نگار خصوصی ما برای ما تحریر نموده کیفیت تشریف آوری عالی بمکتب مذکور از قرار ذیل است :

در یوم مذکور که موعد تشریف عالی بود شاگردان شاکر الاحسان مکتب حربیه و شاگردان مکتب ملکزاده های متشکل و دو بلوك شاگردان مکتب عسکری با موزیك عسکری از دروازه تا به عمارت مکتب صف بستهٔ احترام بوده منتظر تشریف فخامتهٔ شان بودند . بمحل تمجه حضرت نظارتپناهی شان بسواری عرابه موتر تشریف فرموده از طرف عموم شاگردان ، وعساکر باموسیقهٔ مکتب رسم سلام وتعظیم بجا آورده شد . در پیش بنای عمارت از طرف نگران عمومی مکتب جناب نائب سالار سردار محمد نادر خان ، و مفتش مکتب برگد غلام جیلانی خان وهیئت معلمین استقبال شدند . ذات معالی صفات فخامتهٔ شان از عرابهٔ موتر فرو آمده به دالان مکتب داخل ، وبعد از یکچند دقیقه که استراحت فرمودند به درسخانهٔ عمومی که همهٔ شاگردان مکتب حربیهٔ شاهانه دران مجتمع بودند تشریف فرماشده شاگردانرا به تلطیفات عالی نوازش فرمودند . بچند نفر از طلبه از طرف معلمان شان یکچند سوال علمی اجراشده جوابهای موافق مطلوب عطا گردید . بعدازان ذات عالیهٔ نظارتپناهی عمومرا مخاطب نموده یك نطق که دلهای آهنین را نیز بگدازد بیان فرمودند که مآل نطق مذکور مبنی برنصایح ومواعظ بود که دراول احوال امروزهٔ عمومیهٔ اسلامیه را و گرداب فلاکت ومصیبتی را که امروزه روز مسلمانان دران افتاده اند بیکصورتی که درپیش چشم نابینا نیز مجسم شود بیك صدای مؤثری تشریح و تفسیر نمودند . بعدها در حالتیکه ازچشمهای مبارك شان اشك حسرت جاری بود بیکحال تأثریان فرمودند که : « همه این فلاکت ازجهالت وغفلت ، وعمل نکردن

(منظرهٔ سردروازهٔ ماشینخانهٔ مبارکه)

به احکام منیفهٔ دین مبین اسلام و بدالحق معنای حقیقی حب وطن پیش آمده است..

پس ما را واجب و ضرور است که این موانع را از خود دور نمائیم. جهل و غفلت را بتیشهٔ بیداری و علم از بیخ و بن برکنیم. حب وطن، شرف ملی خود را بهمه معانی حقیقی آن بدانیم. و در راه حفظ ناموس دولت و ملت و وطن خود حیات خود را خیلی حقیر و کم بها چیزی بشماریم. بعد از آن بشاگردان مکتب توجه خطاب فرموده به آنجملات نصایح دلارا و تشویقات ترقی افزای فخیمانهٔ شان مرده دلان را احیا و تشنه لبان را استقا فرمودند. بعد از آن بدرسخانهٔ مکتب عسکری که شاگردان آن از اولادهای مردم جدید الاسلام میباشند که از مدت سه چار سال جناب نایب سالار سردار محمد نادر خان آنها را یک صنف جداگانهٔ برای تعلیم تشکیل داده‌اند تشریف فرما شده درجهٔ تحصیل و تعلیم آن نورسیدگان وطن را که پدرها و اجداد شان کافر بودند و بسایهٔ دولت سرمایهٔ اعلیحضرت شهریاری بدین اسلام مشرف شده‌اند ملاحظه فرمودند و بتحصیل علم و عرفان تشویق و تحریص فرمودند. و به انواع لطف و نوازش فخیمانهٔ خود شان دلهای معصوم شان را شاداب فرح و سرور فرمودند. بعد از آن بدرسخانه های ملکزاده های مردم مشکل تشریف عالی را ارزانی فرموده آنها را نیز به الطاف و نوازش عالی غرق لجهٔ مسرت فرموده. و درسهای یکچند طفل معصوم آنها را استماع فرموده دلشاد گردیدند. در اثنایی که از درسخانه خروج می فرمودند ملکهای مشکل که برای دیدن اولادهای خود آمده بودند صف بستهٔ احترام گردیده سلام دادند. ذات عالی نظارت پناهی آنها را تلطیف و نوازش فرمودند. و به بعض اشخاص ملکها ترغیب و ترهیب و با انواع نوازشات فخیمانهٔ قلوب شان را تلطیف و تطییب نمودند. از جملهٔ کلمات عالی یکی این بود که فرمودند: «کاش میدید که لباس ماوشما را از همدیگر فرق و جدائی بخشد ما که این دریشیها را پوشیده‌ایم محض از برای آنست که یک شوکت و هیبت دولتیٔ خود را بنظر بیگانه و اغیار نشان بدهیم. حالانکه اخوت دینی، و یگانگی ملی و وطنی ماوشما را چنان یک وجودی و یکجهتی بخشیده که تفریق آن غیر ممکن است. اگر شما تفرقه و خلاف را با دولت خود از دل بدر کنید رضای خدا و پیغمبر خدا و پادشاه خود را حاصل کرده خواهید بود که موجب سعادت دنیا و آخرت شماست. و حق وطنیت و شرف ملیت خود را محافظه کرده خواهید بود. و اگر بر خلاف آن حرکت کنید حق خدا و رسول و پادشاه و وطن و ملت خود را پامال خواهید کرد که نتیجهٔ آن پامال شدن آزادی و استقلال و اسارت نفس و ملت و مال شما خواهد بود. امید میکنم که بسایهٔ دیانت و شفقت پیرایهٔ اعلیحضرت پادشاه بسیار مهربان ما بعد از دو سه سال انشاءالله این اولادهای شما عالم و باخبر شده شما را از نتیجه های جهالت و غفلت ملیه با خبر خواهند نمود. و ممکن است که بواسطهٔ آنها اصلاح حال و احوال کنید.»

بعد از آن از طرف عموم حاضرین دعای تمادی عمر و اجلال و دوام عز و اقبال اعلیحضرت پادشاه معارف پرور و شهنشاه عدالت گستر امیرالمؤمنین سراج الملة والدین رفع بارگاه احدیت گردیده و ذات عالی نظارت پناهی موتر سوار عز و اقبال شده بازمکتب حربیهٔ شاهانه عزیمت فرمودند. و از طرف ده بولک عسکر مکتب و موسیقهٔ شان رسم تشییع بجا آورده شد.

مدیر و سر محرر سراج الاخبار افغانیه محمود طرزی بدست راست، و معلم مدرسهٔ [illegible] محمد قلی در باب اشاعهٔ سراج الاخبار مذاکره میکنند

«مکتب فیوضات مکسب بیت العلوم حبیبیه»

کیفیت تشریف آوری ذات عالی نظارت پناهی را بمکتب موصوف برای ما بتفصیلات ذیل معلوم شده است که چنین مینگاریم:

بتاریخ یوم دوشنبه ۹ شهر شعبان المعظم حضرت شهزادهٔ اعظم دولت علیهٔ افغانستان جناب معین السلطنه برای معاینهٔ مدرسه و انتظامات آن قدوم میمنت لزوم عالی را در مدرسه ارزانی فرموده در وقت ده بجهٔ روز بمحوطهٔ مدرسه تشریف فرما شده با هیئهٔ محترمهٔ تعلیمیه و انتظامیه مدرسه که صف بستهٔ احترام بودند تلطیفات عالیه و نوازش کثیره اجراء فرموده و پیشروی هیئه ایستاده چند کلمهٔ مختصر در کیفیت تشریف آوری خود و تشویقات عمدهٔ مدرسه در جهد بلیغ بتکمیل تعلیم و تربیه بعبارت ذیل بیان فرمودند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 762 of 1786

استادان ومعلمان وباقی عملهٔ مدرسه !

امروز اول دفعه است که من باین مدرسه آمده ام وجناب عم معظم محترم حضرت نائب السلطنه صاحب افخم بسبب کثرت کارهای مهمه حضور عالیشان نظارت این مدرسه را بمن مفوض فرموده واراده دارم که باعانت الهی جل اسمه برطبق ارادهٔ سنیهٔ متبوع مقدس دیانت آگاه وقبله گاه حقایق پناه اقدس خود اعلیحضرت سراج الملة والدین روحی فداه ازین مدرسه فوائد گونا گون بدولت وملت عائد گردد

استادان ومعلمان !

هریک درکار محولهٔ خود کوشش ورزید بجان وتن درخدمت دین ودولت خود سعی کنید — من توجه خودرا کاملاً مبذول اصلاح این مدرسه خواهم کرد وبار بار بمدرسه انشاءالله تعالی خواهم آمد ومکافات ومجازات خواهید دید لازم وواجب است که درخدمت محولهٔ خود کوشش ورزید واز مراحم ملوکانهٔ تاجدار مهربان مقدس خود بمدارج ترقی وعزت برخورید .

بعد ازان بکمال اطمینان ودقت نظر همهٔ اطفال مدرسه را که تعداد آنها دریوم مذکور ۱۳۶ نفر بود ملاحظه فرموده درهمه جماعات تعلیم جدا جدا رفته درهر مضمون که درآن وقت اطفال مدرسه بآن مشغول بودند برطرز تعلیم غور آورده وچند سوال مختصر بزبان معلم از آنها فرموده وترغیب وتشویق همه کارا به تحصیل علم نموده وتألیف خانهٔ سراجیه را از ملاحظهٔ عالی گذرانیده وهمهٔ مسودات کتابهای علوم دینیه وادبیه وعلوم جدیده که مهیا بودند غور آورده و کتابخانهٔ مدرسه را از نظر گذرانیده باز جماعهٔ قرائت وتجویدرا بنظر غور ملاحظه فرموده وازقرائت صحیحه ونغمه های خوش الحان اولاد وطن که کلام الهی را میخواندند همه سامعان بحظوظ ایمانی محظوظ گشتند بعد ازان بشفاخانه مدرسه تشریف برده ودواخانه وباقی اجزای آنرا معلوم کرده بعدازان بر کتابهای فهرست کارهای سنوات گذشته واوامر اعلیحضرت والاواجرا آت جناب عالی افخمی نایب السلطنه غور آورده وهمه کتابهای کارهای مذکوره رابرای مطالعهٔ مفصل باخود گرفته دراخیر بجمع نمودن همهٔ اطفال وجمیع عملهٔ مدرسه حکم عالی صادر شده بعداز آنکه همگی اطفال ومعلمین ومحررین وغیره اعضای مدرسه بالتمام والکمال درمسجد مدرسه موصوف مهیا وآماده شدند — حضرت عالی متعالی تشریف فرما شده وبعد از ادای رسم تعظیمات همهٔ اطفال را به نشستن امر فرموده خطابهٔ بلیغهٔ فصیحهٔ را بعبارت ذیل بیان فرمودند :

شاگردان وتلامیذ مدرسهٔ مبارکهٔ حبیبیه !

من امروز ازدیدن شمایان وملاحظهٔ تعلیم وتعلم شمایان خورسند گشته اولاً دعای مزید عمر واقبال اعلیحضرت شهریار تاجدار مراحم شعار عواطف کردار خودرا مینمایم که ماوشما در ظل عاطفت ملوکانه شان بکمال آرامی واطمینان بوده وازفیض وجود بهبود شان بترقی علم وتربیت رسیده ومیرسیم

شاگردان !

شکرانهٔ الهی را برخود لازم گیرید که پادشاه ماوشما ازفرط مرحمت ورعایا پروری برای ترقی شما توجه زیاده فرموده وبخرج مبالغ عظیمهٔ استادان ومعلمان خارجه وداخله رابرای شما مقرر فرموده ترقی وتعالی شمارا بر ذات ستوده صفات خویش لازم گردانیده وآنچه فرض ذمت خود مایان است اعلیحضرت شهریار قدردان مهربان ماآنرا فرض ذمت خویش گردانیده است

ای اولاد وطن مقدس !

میدانید که در ممالک اسلامیه چه حالت است ومسلمانان بچه بلاها گرفتارند وبگانه سبب همهٔ این بلاها بی اتفاقی وازدست دادن اصول مذهب مقدس اسلام است ؟ شمارا لازم است که بحبل المتین دین مبین اسلام چنگ درزده وعقائد واعمال خودرا برطبق شریعت مطهرهٔ اسلامیه استوار نموده در حصول علوم دین وتکمیل علومیکه در جزو زمان موجب ترقی ممالک دیگر میباشند وازآنها فوائد رنگارنگ حاصل نموده اند وبذریعهٔ همان ترقیات علمی وصنعتی اسلامیان را خوار وزبون ساخته اند واکنون به قلع وقمع آنها کمر بسته اند متوجه گردیده وبرطبق ارادهٔ سنیهٔ شهریار مقدس خود رفتار نموده بفوائد دین ودنیا خودرا واصل دارید واین امر را خوب بدانید که تازمانیکه خود شما که اولاد وطن میباشید ترقیات علمی را برای خود حاصل نکنید وصنایع را یاد نگیرید از شاگردیٔ بیگانگان به نتیجهٔ حقیقی نمیرسید — استادان خارجه شما چون الحمد لله مسلمان میباشند والبته بحکم اخوت اسلامی در تعلیم شما کوشش میکنند اما این امکان ندارد که ایشان را افغان گفته شود پس شما کوشش کنید که خودرا بعلوم وفنون آراسته کنید ودر خدمت دین ووطن کامیاب گردید —

شاگردان !

قواعد دینیه را بکمال دقت ملاحظه کنید ودر تعمیل آن جد وجهد بلیغ نمائید ودر اطاعت او امر الهی غفلت را بخود راه مدهید که اساس جمیع ترقیات برای مسلمانان محکم داشتن دین مبین اسلام است — اگر ما وشما اصول اسلام را که استوار داریم از بلاهای زمین وآسمان درپناه خواهیم بود .

ای اولاد وطن !

مملکت شما که افغانستان است الحمد لله والمنه درین فرصت مستقل وخود مختار وآزاد است شهریار مقدس اعظم اکرم ما مهربان وقدردان ورعیت پرور وهنر گستر است — وقت خودرا ضایع مکنید که برای ملت خود فائده برسانید وبان درجهٔ عالیه غره مشوید زیرا که اگر صاحب علم شوید وکمال آموزید بدرجات رفیعه ومناصب بزرگ خواهید رسید — من از ملاحظه

فهرست حاضری شما افسوس زیاد میکنم و دانستم که حاضری اطفال این مدرسه خیلی ناموزون است وهرکس چند وقت رفته وآمده است ازینرودر مدت هشت سال بدولت فائدهٔ کاملهٔ نرسیده است محقق بدانید که من ازین امر راضی نمیشوم ونظام نامه‌های درست برای حاضرشدن شما وباقی انتظامات مدرسه انشاءالله تعالی اجرا نموده شمارا آگاه کردم که بعد ازین غفلت روا مدارید ـ شهریار مقدس شما ازدول خارجه برای ترقی علمی وصنعتی شما بهزاران جدوجهد معلمان واستادان طلب میفرمایند شمارا لازم است که در رفع احتیاج خود کوشش کنید وازمعلمان کمال ایشانرا آموخته وملت را از احتیاج برآورید ومعلمان واستادان خودرا نیکنام گردانیده تاآز دولت افغانستان به فوائد رنگارنگ رسیده بوطن مالوف خودها رفته ونام شما در اطراف زمین براید ـ ودر محبت دین وحب وطن راسخ قدم باشید واین را محقق بدانید که نقصان جزوی وطن هلاک حقیقی است وادنی زحمتی برای وطن ازسرزدن سخت تراست والحمدلله ماوشما بهزار درجه مرگ وهلاک خودرا از ادنی ضرری که بوطن مقدس عاید گردد بهتر و گوارا تر میدانیم پس جهد کنید وعلوم وفنون را حاصل دارید وبه تعلیم مقررهٔ خود با اطاعت کامل معلمان خود حاضر باشید ـ

زیاده برین تطویل لازم نبوده ختم مقالهرا بدعای دوام ترقی دولت مقدسهٔ افغانیه وطول عمر واقبال اعلیحضرت شهریار کامکار مقدس خود ملن مینمائیم واز در گاه ایزد بیچون نیاز واسترحام میکنیم که ترقی وتعالی ملت ووطن افغانیه حسب الخواهش اعلیحضرت متبوع مقدس‌ما بوده این اجراآت خیریه منتج نتائج حسنه گردد وما وشمارا توفیق خدمت دولت عطا فرماید !

همهٔ شمارا بخدا سپردیم !

افزونی تنخواه

چون در شماره (۲۰) سراج الاخبار افغانیه گفته بودیم که ذات مراحم وعواطف صفات اعلیحضرت پادشاه بنده پرور شفقت گستر مقدس ما بجمیع خدمتکاران صادق دولت شان مبذول ورایکان است وراستی وصداقت وحسن خدمت چاکران آستان شاهانه شان بی مکافات نمیماند ازان است که جناب عالیجاه محمد سرور خان جرنیل کارخانه‌جات را در رفع مبارکی که برای رتبهٔ جلیله اش از طرف پادشاهی عطا واحسان فرموده شده بود وعدهٔ افزونی تنخواه را نیز لطف واحسان فرموده بودند ازانجا که ذات جهاندرجات شاهانه‌شان دائما درشفقت گستری وعواطف پروری وایفای وعده ثابت وراسخ اند وخدمتگاران را همواره نوازش پدرانه می‌نمایند در یوم یکشنبه ۱۵ شهر شعبان سنه ۱۳۳۱ که ذات جهاندرجات اعلیحضرت همایونی جهت امورات کارخانه جات دولت متبوعهٔ مقدسهٔ افغانستان در ماشین خانه شرف اجلال ارزانی فرمودند بر حسب ایفای وعدهٔ که کرده بودند در ماه دوصد روپیه بر اصل تنخواه ووظایف مقرری جناب عالیجاه محمد سرور خان جرنیل کارخانه جات ضم وعلاوه نمودند که فی ماه یکهزار روپیه وظایف مقرری شان می‌شود که بحساب سالیانه مبلغ دوازده هزار روپیه مضروب ممالك دار الاسلامی افغانستان است

برگد اعزازی

چون ذات عواطف صفات اعلیحضرت جهانبانی همواره در صدد مکافات خدمتکاران دولت متبوعه مقدسهٔ افغانستان میباشند ومیخواهند که خدمت وصداقت وراستی خدام دولت که بدولت متبوعهٔ مقدسه کرده باشند ناامید از منصب ورتبت باشند لهذا جناب عالیجاه غلام حیدر خان کرنیل کل خزانه جات دولت علیه مستقلهٔ افغانستان را که از سالهای بسیار که حسن خدمت وصداقتش وراستی ودیانتش در دولت متبوعهٔ مقدسهٔ افغانستان ظاهر گردیده بود چنانچه در عهد اعلیحضرت خاقان مرحوم به امانت داری صندوقخانهٔ عین المال وسر جامه کی غلام بچه‌های حضور خاقان مغفور بخدمات موصوفه مأمور بود بجز حسن خدمت وصداقت از وی چیزی دیده نشده بود ونیز در اوایل جلوس میمنت مأنوس اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه مقدس بزرگ افغانستان به کرنیل کوتوالی دار السلطنه مأمور گردیده بود چون حسن خدمت واخلاصش هر روزه بدولت متبوعهٔ مقدسهٔ خدا داد افغانستان ظاهر میگردید موی الیه چون بدیانت وصداقت وراستی وامانت دیده شد ذات اعلیحضرت همایونی کار امانت داری دولت را یعنی کرنیل کل خزانه جات دولت مقدسه را بوی مفوض داشت درینقدر سالها بمنصب کرنیل خزانه‌جات سرافراز ومفتخر بود ازموی الیه موصوف خدمت وصداقت وراستی ودیانت که بر وفق رضای اعلیحضرت همایونی بود دیده شد ازآنرو از رتبهٔ کرنیل کل خزانه جات ـ بمنصب برگد اعزازی کل خزانه‌جات ممالك محروسهٔ افغانستان سرافرازی حاصل کردوفرمان دستخط مبارك از حضور اعلیحضرت همایونی بوی عنایت گردید که ما آنرا عیناً درج صحایف افتخار خود مینمائیم

وجناب میرزا عبدالرشید خان منشی حضور از حضورمبارك نیز امر فرموده شد که تنخواه عالیجاه غلام حیدر خان برگد خزانه جات را بحضور حاضر بدارند

نقل فرمان اعلیحضرت همایونی

یوم یکشنبه ۱۵ شهر
شعبان المعظم سنه ۱۳۳۱

از تاریخ امروز غلام حیدرخان خزانه دار که کرنیل خزانه جات بود منصباو بریکه خزانه جات مقرر گردید فقط

سراج الملة والدین

اجازهٔ پوشیدن کلاه وردی هم باو داده شد

(سراج الاخبار افغانیه) از صمیم دل در باره همه خدمت گاران دولت صداقت وراستی وحسن خدمت ورستگاری را آرزو دارد که احدیت رجا میدارد وجناب جرنیل را بافزونی تنخواه شان وبرکه را به ترفیع منصب شان مبارک باد میگوید. این را هم یادآوری میکند که ترفیع مناصب مأمورین دولت علیهٔ متبوعهٔ مقدسهٔ ما ضروراست که درصحایف سراج الاخبار افغانیه قید وثبت شود تا هم از کیفیت همه کارآ گاهی حاصل شود، وهم برای خود ارباب مناصب یک تاریخ مدون ومطبوعی دراوراق اخبار بماند. بسیار افسوس میکنیم که از ترفیع مناصب مأمورین نه از دوائر رسمی ونه از طرف خود ارباب مناصب تا بوقت وزمان معینش خبر نمیرسد وتا خود ما سعی و کوشش نکنیم معلوماتی گرفته نمیتوانیم. لهذا از جناب جرنیل بطور خصوصی تشکر میکنیم که این دو خبر مافوق را بما بوقت وزمانش رسانیدند.

استفتا

از حضور عالی محکمهٔ شرعیه شریف

هرگاه یک شخص بشخص دیگر یک کاری را تکلیف کند. وبگوید [illegible] که اگر این کار را نکند زنش براو به سه سنگ طلاق باشد، وآن شخص که برو تکلیف شده آن کار را نکند وباصاحب خود را ازان کار نه بند ونکند آیا طلاق برو واقع میشود یا نمیشود؟ فقط تحریر فی ۱۶ شهر شعبان سنه ۱۳۳۱

هو المستفتی

مدیر ومحرر سراج الاخبار افغانیه
(محمود طرزی)

جواب محکمهٔ شرعیه شریف

بقرار امر شرع انور تا خود همان شخص طلاق نکند ویا تعلیق طلاق نکند بکدام شخص دیگر وتعلیق نمودن شخص دیگر طلاق واقع نمیشود فقط تحریر فی ۱۷ شهر شعبان المعظم سنه ۱۳۳۱

الراقم قاضی القضاة

§

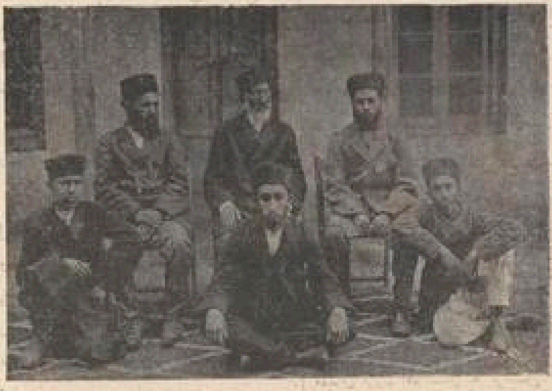

هیئت ادارهٔ سراج الاخبار افغانیه

[صف اول ابتدا از راست، ۱ عبدالهادی خان ترجمان اردو ـ ۲ میرزا [illegible]]
(۳ عبدالرحمن خان ترجمان اردو، صف دوم ابتدا از راست، ۱ ملا عبد الرحمن سرنامه نویس)
(۲ میرزا عبدالله خان مأمور مکتوب نویس ـ ۳ میرزا محمد عزیز خان مأمور [illegible])

قارئین کرام ما از مطالعهٔ این استفتاء عاجزانهٔ ما وجواب باصواب محکمهٔ شرع شریف خیلی تعجب خواهند کرد، که آیا مقصد ومدعای مدیر از نشر این استفتا چه خواهد بود؟ لهذا رفع شبهه وتعجب شان پرداخته میگویم که دربهمین یک مکتوب غرایب اقوال عجایب مآلی از یک شخص مجهول الاحوال که از نوشتن نام وشهرت خود شرم دارد بجناب آمده مکتوب خود را بی امضا ودستخط فرستادن مجبور شده است بواسطهٔ جناب سفیر شاه بیک خان بما رسیده است که در آخر مکتوب خود این عبارت ذیل را تحریر فرموده:

«اگر این نوشتهٔ عاجز را سفیر بلحاظ خدمت خود بمدیر»
«سراج الاخبار روان نکند زنش به سه سنگ طلاق باشد»
«واگر بمدیر برسد واو این نوشتهٔ مرا درج سراج الاخبار»
«نکند وجواب مرا بدلیل نگوید زناو به سه سنگ طلاق»
«باشد فقط.»

هی ما شاء الله به این عقل وفراست!... هی بارک الله به این فکر وکیاست!... گمان میبرم که آقای مکتوب نویس خودرد

(ملك الطلاق) زنان مردم قیاس کرده است وخواسته را ازاهم وظایف خیر خواهی برادران اسلامی خود شمرده است.

بلی . ممکن است که یك شخص صورت پرست که تنها بصورت بهبیند وبمعانی نظر نکند درخیالخانهٔ تصورات خود یك وظیفهٔ (ملك الطلاق) برای خود بتراشد ، ولی این ممکن نمیشود که آنچنان یك صورت بی حقیقت معین را (خیر خواه برادران اسلام) عنوان داده شود . زیرا اولاً او به احکام شریعت غرای اسلام واقف نیست که آیا همچنین یك تکلیف وادعین تحقیق شرعاً جائز است یانی ؟ خودش ازیکطرف از حدیث نبوی درباب مصورین بحث میراند . وازیکطرف حدیث (ابغض الحلال الی الله الطلاق) (۱) را فعلاً پامال میباید .

مابدرج این استفتا ونقل نوشتهٔ ناحق وناروای آن شخص مجهول نیسر وباهیچ لزوم نمیدیدیم . ولی چون برای مدیرها ومحررهای اخبارها یك ایجاد بدعت جدید الاختراعی شمرده میشد ازاینرو درج نمودن این استفتا وجواب شرعی آن را واجب دانسته معیار حقیقی عقل وفراست آن مکتوب نویس بی دستخط وامضارا نیز بمیدان بر آوردیم تا قارئین کرام ما به بینند که در دیباچه عقلها وجه فکرها موجود است .

این راهم بصاحب مکتوب بی امضا یاد آوری میکنیم که اگر شخص خودرا باما بشناساند ما بجوابهای مدلل خود هر وقت حاضر و آماده هستیم

حوادث خارجیه

اجمال سیاسی

از فرصت استفاده

یکی از دستور العمل های بسیار معتنا وعمدهٔ امور سیاسی همین جملهٔ (از فرصت استفاده) میباشد . معنی از فرصت استفاده در پولتیکی این است که فرصت مناسب چون دست بدهد هیچ اهمال و بکاهل درآن نورزیده درصدد فایده برداشتن ازآن فرصت بیفتد . هر یك جداگانه قواعدی دارد که متوغلین آن بر قواعد آن بپیروی مجبورانند . مثلاً در اخلاق چنانچه عهد ومیثاقرا یك چیزی بسیار معتنا بهای دانسته عهد شکنی را خیلی مکروه وبد می بینند . اما درعلم پولتیك بنا بر قاعدهٔ از فرصت استفاده انگلیزها را هیچ اهمیت واعتباری نبوده بمجردی که فرصت فایده دست دهد پامال کردن عهد وپیمان از چیزهای لازمی شمرده میشود که مثالهای آن در تاریخ سیاسی بسیار است .

چون درین وقت بسوی احوال وحوادث بالقان به بینیم این مسئلهٔ از فرصت استفاده را بکمال گرمی جاری می یابیم . بعد از صلحی که در مابین عثمانی وبالقانیها بواسطهٔ قاعدهٔ از فرصت استفادهٔ دولت انگلیز بوقوع آمد قاعدهٔ شر بر انگیختن وثمرهٔ خیر خود را ازآن شر بر داشتن که نیز یکی از قواعد معتنا بهای علم پولتیك است بروی کار آمده بالقانیها در مابین خودشان بهم در آویختند . به تعبیر دیگر در آویخته شدند .

باید همچنین میشد زیرا روم ایلی در زیر حکم یکدولت بود . آیا بی آنکه دیگر شکم بزرگان ازاین استفادهٔ بتوانند چسان میشود که تنها سه چهار دولت روده کوچکی آنرا فرو برده بتوانند ؟

دولت علیه عثمانیه باز بحرکت آغاز نهاد . وبنای پیشقدمی را مد نظر نمود . چرا نکند ! از فرصت کدام کس استفاده نکرده که او نکند . هم چه فرصت ! فرصتی که باز بدست آوردن آن خیلی مشکل است . دشمنانی که باهم اتفاق کرده بودند وبواسطهٔ آن اتفاق کار روائیهای عجیبی بعمل آورده بودند بغرض وطمع تو بسیار خوردی ومن کم خوردم در افتاده بر سر همدیگر زدن گرفتند . بلغاری بخیال شاهنشاهی در افتاده دیگر متحدین خودرا به کام ومرام خود تابع نمودن میخواهد . سرویه میگوید که تو کیستی که من نیستم . توچه کردی که من نکردم . البته به این سخن حق هم دارد . زیرا بامدد کاری سر بیان

(هیئت مدرسهٔ زینکو کراق)
(صف اول ابتدا ازراست . ۱ سید احمد ـ ۲ عبد الغنی ـ ۳ حاجی داود)
(صف دوم ابتدا ازراست ۱ عبدالحکیم ـ ۲ یار محمد ـ ۳ سید اوزکر)

---

(۱) حلالی که الله تعالی زیاده تر به آن بغض میکند طلاق است .

نمیبود ادرنه‌را که میتوانست فتح کند . از طرف دیگر بلغاری یونانی را نیز با اینهمه فدا کاریهایی که کرده میخواهند از بعضی جاها صرف‌نظر بکند. کوهیهای بیچاره‌را کسی بحساب هم نمی آورد اینها لازم وضرور است که اینها در مابین خود شان مسئله را فیصله نمایند وبر سر همدیگر زده غالب را از مغلوب فرق دهند، وقوتهای خود شان را در نظرهای عالم نشان بدهند . بلغار ها چنان یك روشی گرفته بودند که درظاهر دولتهای متفق خودرا وعده‌ها ومنفعتها نشان داده در باطن همهٔ منافع ، را برای خود تأمین کنند . حتی نه تنها متفقین خود را بلکه دولت رومانیا را نیز بهمین حیله‌ها ساکت‌ساخته بود در انجام کار به این دامهای تزویر بلغارها همهٔ شان دانستند. لازم شدکه وجود اورا ازمیان بردارند ، وازین است که یونان وسرویا حمله‌های شدیدهٔ بربلغار نموده کامیاب هم شده اند .

دولت علیه عثمانیه‌را ضروراست که ازین فرصت استفاده نماید وهیچ غفلت واهمال نورزیده ، وخود کشیهارا ترك نموده ، واختلافهارا برای وقت دیگر گذاشته بکار آغاز کند . ویکدقیقه فرصت را فوت نکند عدالت خداوندی نیز هیچ شبهه نیست که خونهای آن همه بیگناهان جور وستم بلغارهارا پامال کردن نگذارد درینوقت بر متفقینش نیز ظاهر گردید که بلغارها چقدر وحشی وچقدر خونریز هستند . از بعضی روایتها معلوم میشود که رومانیا با بلغار رسماً اعلان جنك کرده ، وعسکر رومانیا از سرحد بلغار عبور نموده ، زد وخوردسرب ویونان نیزبابلغار معلوم است . ترکیه نیز ازین فرصت هیچ چشم پوشی نخواهد کرد واگر بکند از قاعده از فرصت استفاده خیلی دور خواهد ماند

مردمانیکه درامور سیاسی این قاعده‌را مراعات نکرده‌اند خیلی خسارت دیده‌اند . مسلمانان درهرجا هیچگاه‌ازقاعدهٔ ازفرصت استفاده فایده‌نگرفته اند حالا نکه جهت مقابل شان قدم بقدم این قاعده‌را پیروی کرده اند . حافظ شیرازی اگرچه بهاین بیت که:

«هر وقت خوش که دست دهد مغتنم شمار
کس را وقوف نیست که انجام کار چیست

قاعدهٔ از فرصت استفاده را بیان کرده ولی هزار افسوس که مااین وقت خوش را یعنی فرصت را برای عیش ، وراحت طلبی وبه‌امورات مهمه نپرداختن ، وبه لهو ولعب ومالا یعنیات صرف اوقات نمودن مخصوص پنداشته بیت مذکور را چنین تخمیس وتفسیر نموده ایم :

حالا چهار فصل بود دور روزگار
فصل دی‌و تموزو خزانست‌و نوبهار
درهرچهارفصل بود عیش خوشگوار
هروقت‌خوش که دست دهد مغتنم‌شمار
کس راوقوف نیست که انجام‌کارچیست

﴿ حکومت مراکو چسان خراب شد ﴾

دروقتی که سیاسیون دولتهای جرمن وفرانس نقشه‌ها وپلانهای تقسیم کردن وازمیان برداشتن آرامی کشیدند درهمان روزها پادشاه مراکو باندماء وهمنشینان ظریف طبع خود درباب آوردن مغنیه‌ها وسازنده‌ها ورقاصه های مصری و فرانسوی نقشه‌ها واندیشه ها داشتند .

دروقتی که ازطرف فرانس وازدیگر طرف اسپین آدمهای کارگذار فنون شعار خود را درباب نقشه گرفتن سرحدات وراهها ومعبر های عسکری ملك مراکو به هرطرف منتشر میساختند سرحدات ملك مراکو بدرجهٔ بی‌قوت مدافعه وبرهم ودرهم بود که کارطوس های زنك زدهٔ نم کشیدهٔ درخاك تودهاپنهان شدهٔ عسکری انتظام لخت وگرسنهٔ آن سرحدات به تفنگهای شان برابر نمی آمد ، وتفنك دیگرنمبر وکارطوس ازدیگر نمبر بود .

اگرچه حکومت مراکو یك چند دسته‌قوم منتظم خوش‌دریشی داشت ولی آن فوجها محض برای آرایش ونمایش سرای والائ سلطان مخصوص بود که دیگر کاری ازانها گرفتن متصور نبود . دیگر فوجی که منتظم گفته‌شود موجودنداشت این‌است که به این سببها وامثال این گونه سختیها وبی‌پروائیها وغفلتها وجهالتها وندیمهای بدملك مراکو خراب وبدست اجنبیهادرامد .

(تفصیلات قتل صدراعظم محمودشوکت پاشا)

چقدر اسف انگیز احوال ! یك وزیراعظم یکدولت بسیار معظم ومحتشم شهید غدر وخیانت چه اشخاص پست فطرت لئیم میگردد ! این مصیبت قتل محمود شوکت پاشا چنان یك فلاکت مدهشهٔ بود که فلاکت محاربه را برطاق نسیان گذاشت . درینهفته اخبارهٔ‌ی استانبول‌که برای مارسیده اکثر بوقوعات همین جنایت وتفصیلات همین خیانت ستونهای صحایف خودرا مملونموده اند که ازقرائت آن مو بربدن میخیزد ، وگریه درگلومیپیچد . وبراحوال ممالك دولت علیهٔ عثمانیه خروار های حسرت والم ، وبار های کدورت وغم روجود مسلمانان غم شریك شان می‌نشیند .

واقعیکه مامردم‌افغان بسبب‌اخوت مسلمانی خودرا غم‌شریك برادران عثمانی خود میدانیم . به شادی شان شاد ، بغم شان غمناك میگردیم . بخوبی وبدی ، وحق وناحق فرقه های سیاسی شان هیچ سروکاری نداریم ، ونمیدانیم که کدام یك فرقه برصواب ، وکدام یك برخطاست. چراکه بدانستن این چیزها لزوم نمی‌بینیم . ولی چون به‌تجربه برما ثابت شده ، وبگوش وچشم‌شنیده ودیده‌ایم که همهٔ این مصیبتها وفلاکتها ازهمین اختلاف ونفاق وشقاق فرقه ها وپارتیها بظهور انجامیده ومی انجامد ازانسبب دوام این اختلافات ، وخانه جنگیهارا طبعاً خیلی مکروه ومنفورمی‌بینیم ، ورفع شدن این بلارا ازمیان برادران عثمانی خود ازدرگاه باری نیاز میکنیم .

بهر صورت: چون کیفیت قتل این وزیراعظم یك فاجعهٔ درد انگیزی شمرده میشود از اخبارهای ترکی ترجمهٔ کوائف آنرا برای اطلاع قارئین کرام خود خالی از فائده ندیدیم اولا این را باید بدانیم که:

(محمود شوکت پاشا که بود؟)

بغدادی‌الاصل بود که پدرش سلیمان بیك نام داشت ودر یك وقتی متصرف یعنی حاکم ولایت بصره بود. بعد از تحصیل ابتدائی که دربغداد کرده بتاریخ ۱۲۸۹ باسلامبول آمده درمکتب اعدادیهٔ عسکری داخل شده است. ودرسنهٔ ۱۲۹۸ بمنصب یوز باشی — یعنی سلطانی ارکان حرب از مکتب حربیه برآمده درفرقهٔ عسکری که درجزیرهٔ کرید برای رفتن مصر جمع آوری شده بود مأمور گردید وبعد از چند ماه پس باسلامبول آمده درمکتب حربیه بمعلمی علم جبر. وهندسهٔ عالیه مأمور گردید. وچون (فون درغولج) پاشای جرمنی درمکتب حربیه مقرر شد محمود شوکت پاشا را بمعلمی فن اسلحه مأمور ساخت. وبقدر یکسال زیردست اوکار کرد. بعد ازان درسنهٔ ۱۳۰۳ ه برای معاینهٔ تفنگهای ماوزر بجرمنی رفته قریب ده سال دربسیاری ازمانوره های عسکری. وتجربه های طوب کارخانهٔ کروپ. ودیگر کارخانه ها وبعضی تجربه ها دربرلین وپاریس بسر آورده است. درسنهٔ ۱۳۱۷ بعملیات خط تلگراف درمابین حرمین شریفین مأمور گردیده است. درسنهٔ ۱۳۲۱ بمنصب فریق تقریباً نائب سالار — بوالیگری ولایت قوصوه مأمور شده است وتازمان مشروطیت درانجا مانده است. بعدازاعلان مشروطیت بسرافسری اردوی سوم مأمور وبا اردوی حرکت باسلامبول آمده درخلع سلطان فعالیت عظیمهٔ نشانداده است. بعد ازان ناظر حربیه. وبعد از سقوط کابینهٔ سعید پاشا ازنظارت حربیه دست بردار شده است. تا آنکه درین اواخر بعد ازسقوط کابینه کامل پاشا وقتل ناظم پاشا بنابرابرام واصرار رفقایش مسندصدارت را قبول کرده است.

محمود شوکت پاشا غیراز زبانهای ترکی وعربی که زبان مادر زادش بود زبان فرانسوی وجرمنی. را نیزبصورت بسیار مکمل میدانست درفنون عسکری بسیار اثرهای مکمل نوشته است.
حالا به بینیم که این چنین یك وزیراعظم وسرافسر معظم مانند:

« محمود شوکت پاشا »

(چسان بقتل رسید)

در ۶ ماه رجب صدر اعظم وناظر حربیهٔ جناب محمود شوکت پاشا بقرار عادت معروفهٔ خود صبح بنظارت حربیه که درجوار مسجد سلطان بایزید بنام (باب والای سرعسکری) معروفست رفته بعد از فراغت کار خود از امور حربیه بسواری عرابهٔ موتر بسوی (باب عالی) می آمد در اثنائی که عرابهٔ موترش از میدان بایزید بسوی جادهٔ دیوان یولی دور میخورد از طرف دیوان یولی یك جنازه بایك جم غفیری می آمد رفت وآمد تراموایها و عرابه ها وموترها درینوقع بسیار وراه هم تنگ بود یك عرابهٔ موتر دیگر نیز در یك بغل ایستاده بود. موتر وان محمود شوکت پاشا مجبور بتوقف دادن موتر گردید. بتوقف همان وچند فیر ازطرفهای مختلف همان بود. هفت گلهٔ بر وجود پاشای مشار الیه خورده بود که سه گلهٔ آن برشقیقه ها و عمود فقری تصادف نموده چار گلهٔ دیگر دردیگر جاهای وجودش خورده است. جسد مجروح محمودشوکت پاشا را بنظارت حربیه بردند اگرچه بسیاری از اطبا بمعالجه کوشیدند هیچ ثمرهٔ حاصل نشده وبعد ازانکه بقدر یکساعت تنها حرکت دماغی مشاهده میشد آنهم معطل مانده رحلت دار بقا نمود.

وزیر نامدار وسر افسر بااقتدار مرحوم (محمود شوکت پاشا)

« قاتلها که بود »

قاتلهای یك پارتی فرقهٔ بزرگی بود که بعضی ازانها گرفتار آمدهاند وبعضی دریك خانهٔ متحصن شده وبعد از جنگ وقتل و قتال گرفتار آمدند. بعضی فرار نمودند. بعضی پنهان شدند. ازجملهٔ اینها بعضی بدار کشیده شدند. بعضی بجزاهای قید عمری وبعضی بنفی و اخراج. و بعضی غیاباً محکوم گردیدند. در میان اینها قاربازها. زناکارها. اوباشها. افسرها. زادوده ها. از افسری مطرودها. مأمور ها. پاشاها وزیرها. سلطانه زادهها شوهر سلطانهها وغیره موجود هستند. داماد صالح پاشا بادوازده نفر دیگر بدار شدند. سلطانه زاده پرنس صباح‌الدین فرار نموده وغیاباً محکوم شده. شریف پاشا رشید پاشا اولاد وتعلقات کامل پاشا

نیز درحال فرارند . آیا نتیجه چه خواهد شد ! غیر ازانکه روز بروز فرقه بازی وپارتی سازی قوت بگیرد وقتل و قتال همدیگر شان روز افزون کند دگر چه خواهد شد !...

ماعجز اینکه بکمال عجزونیاز وتمام سوز وگداز ازدرگاه خالق بینیاز رفع این مصیبت عظمارا ازبرادران اسلامی خود ، وبهوش آمدن همه مسلمانان را اضرع غائیم دگرچه خواهیم توانست .

« آقای میرزا محمد رحیم بلبلهٔی »

یکی از مسلمانان باغیرت معارفخواه و خیر خواه برادران اسلامی جناب آقای میرزا محمدرحیم بلبلهٔی باکوئی میباشد که درنجف اشرف بهتأسیس مکتبها ، و کتابخانه ها ، وتألیفها وبدیگر مؤسسات علوومعرفت موفق وکامیاب آمده ودرین راه علو وعرفان اولاد های برادران اسلامی خود ازکیسهٔ حمیت وانسانیتپروری خویش تقریباً مبلغ ششهزار پوند صرف نموده است که حقیقتاً یك فداکاری بزرکی شمرده میشود .

یك تألیف بنام (عزت دیروز وذلت امروز) بزبان فارسی نیز ازجناب مشار الیه برای ما رسیده که حقیقتاً احوال سابق ولاحق اسلامیان را به بسیاروضوح ومعلومات کافی جغرافی وتاریخی تصویر وتعریف نموده است . ما از صمیم دل خدمات این فاضل معارف خواه را تبریك . و از رکریدهٔ شانرا تحسین وتقدیر میکنیم . کثر الله امثالهم .

نفر شانرا اسیر نموده اند

(قطع تعلقات سفارتی یونان و بلغاریه)

لندن ـ ۶ جولائی ـ سفرای یونان وبلغاریا بالترتیب ازصوفیه واتهینز روانه گردیدند و حسب الاستدعاء گورنمنت های شان خواسته شدند ازیك پیام برق سرویا متبین می گردد که یکحصه فوج سرویا درمقام کرعلك محصور شده بودند و آخرکار بعداز مقابلهٔ شدید ومقاتلهٔ سخت شکست خورده وبسیار سامان جنگ وبسی قیدیها درتصرف بلغاریان آمده وقلب سرویا آنرا ازکوه ها وپشتهای متصله دیده منتظر می نموده ولی دم زده نمیتوانست

(خبر های برق)

(جنگ بالقان)

(پیش قدمی افواج ترکی)

قسطنطنیه ۱۴ جولائی ـ افواج عقبیه (ششلجه) وبلیر به بسیار سرعت اقدام ورزیده اند وبلا مزاحمت تا (شورلو) مواصلت نموده اند .

(حرکت مذبوحی بلغاریان)

بلغاریان (رودستو) را ... نموده اند وازراهیکه منهزم شده اند جمیع مواضع آن را خراب ومنهدم گردانیده اند

در قسطنطنیه به بسیار تعجیل تکمیل تهیهٔ سامان حرب وفوج کرده می شود ومعاونین فوجی وتوپ خانه وگذارموما قیوم بعدازایشیای کوچك میرسد

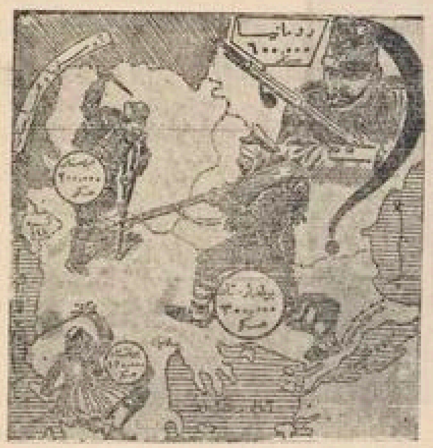

« از تصویر افکار اقتباس شده »

(نقشهٔ روم ایلی وجنك متفقین در لقمه ربائی)

(ترجمهٔ اخبارهای اردو وغیره)

(فتح یونانیان)

لندن ـ ۵ جولائی ـ دراتهینز بقسم سرکاری اعلان گردیدهٔ که یونانیان درمقام کلکیش بربلغاریان غالب گردیده اند و ۶۰ توپ ازبلغاریان راغنیمت نموده اند که ۱۷ ازان توپهای حصارانداز وحصن شکاف میباشند

(ادعای کامیابی بلغاریه)

صوفیه ـ ۵ جولائی ـ درنجا بطور سرکاری اعلان شده که بلغاریان سرویان را جانب ایکری پالنکا هزیمت داده اند و ۲۰۰

(بیان سفارت ترکی مقیم لندن)

لندن ـ ۱۴ جولائی ـ سفارت ترکی ازین امر قطعیاً انکار می نماید که ارادهٔ ترکی جانب ادرنه بتجاوز ازخط سرحدی اینوز میدیا برای گرفتن ومسخر نمودن موضعی مصمم گردیده باشد

(کامیابی رومانیان)

رومانیان جانب مشرق بر مقامات (بردارینی) و(والتشك) قابض گردیده اند وبیان کرده شده که آنها ازلب دریای دینیوب تامقامات (رسچك) و(کورابیه) رسیده اند

(اراده های سرویا ویونان)

چنان معلوم می شود که سرویا ویونان فی الحقیقت مطلع بلغاریا رادرقرار دادن بقسم یك اساس اعظم وفیصلهٔ آینده خودها بطور نیم سرکاری بیان می کنند که سرویان ویونانیانیکه باشندگان مقدونیه میباشند آینده لازمکه وهیچکدام رعیت بلغاریه رحم نکنند وازین ظاهر می شود که هوس سرویا ویونان درملك گیری بسیار شدت وحدت نموده وهر دو ریاستها ازجانب بلغاریه چنان سنگین دل گردیده اند که بدون میدان جنگ درهیچ محل دیگر فیصله نخواهند کرد

(شاه بلغاریه بیمار بستری است)

بیان کرده می شود که فردیننده شاه بلغاریه که درصوفیه بمرض وجع المفاصل گرفتار است بیمار بستری گردیده

زمیندار ـ امروز ریوترشاه بلغاریارا صاحب الفراش خبرداده وهیچ تعجب نیست که آفردا خبرموتش را هم شایع کند وخبری را که مولوی ظفر علی خانصاحب از قاهره فرستاده بودند صحیح معلوم می شود وحال مصلحتاً برآن پرده انداخته شده که از وجوه سیاسی وموجودی حرب بعمل آمده باشد

(خیانات بلغاریان)

سالونیکا ۱۴ جولائی ـ یك اخبار یونانی خبر عملیات زشت بلغاریان را که درمقام (میرس) اجرا نموده بودند بیان کرده ازان ظاهر می شود که بلغاریان پیش از آتش دادن (میرس) اول تمام شهررا غارت نموده اند وباوجود اعتراضات وکیل استریا هم کونسل خانهٔ مذکور را سالم نگذاشتند وزیورات زن وکیل کونسل خانه هم دزدیده شد وصرف وکالت خانه ایطالوی ازینسبب محفوظ ماند که وکیل آن درابتدا زروزیور تملك خودرا اداء نموده بود

(بلغاریان مقابله ترکان را کرده نمیتوانند)

برشکست ناگهانی بلغاریه وتباهی عسکرش بسیار خیالات ظاهر کرده شدولی سبب اصلی آن اینست که بلغاریا دشمن خودرا حقیر دانست وبازرین خیال خود متیقن ومطمئن بود که یونان وسرویا بااو بمجادله پیش نخواهند شد واضافه ازین درین اعیان واهل مناصب بلغاریا هم اختلاف واقع شد وامداد فوج غیرمنتظم که هنوز بردانستن قواعد وتربیه عسکری واقف نبودند نهایت بسیار درصف عسکر داخل نموده شدند وحال این سخن قابل توجه است که درقسطنطنیه تجاوز فوجی که ازطرف حکومت ترکی درخصوص دوباره قبضه واستیلانمودن ترك بمقام (تهریس) ودور نمودن وپسپا ساختن بلغاریان را تاسرحد قدیم شان حال کارگر می شود زیرا بلغاریا درینوقت مقابله شدید ترکی را کرده نمیتواند

(جهازات وکشتی های بلغاریه درعلاقه روس ملتجی میباشند)

سواستوپول ـ ۱۴ جولائی ـ ازخوف حمله ترکان رومانیان یك جهاز توپ بردار مع شش کشتی (تارپیدو) ی بلغاریه درینجا پناه گزین گردیده اند

(مسلمانان این را بنظر توجه وعبرت بینند)

همعصر سراج الاخبار چنین مینویسد :

افسوس ! که مسلمانان هند ازسبب تغافل وتساهل خودها درمیدانهای علمی ازهندوان هم عقب می مانند وازنتیجهٔ امتحان انترنس بیت العلوم پنجاب هرآنقدر طلبای که ازاهل هنود کامیاب گردیده اند طلبه مسلمانان به نسبتیکه تعلقدر آرد مخلوط باشد بلکه کمتر ازان کامیاب شده اند یعنی تعداد کامیاب شدگان طلبهٔ مسلمانان به بسیار مشکل قریب ثلث هنود هم نمی آید حالانکه مسلمانان درو قت حقوق طلبی براهل هنود خودها را اقدم می نمایند وحافظ سرکاری را برای خودها می طلبند ورعایت میخواهند ولی در تحصیل علوم وفنون زحمت ومحنت بر خود نمیگیرند وباآنکه در پنجاب نفوس اهل اسلام ازهنود اضافه وبیشتر موجود است ولی چون ما مشاهده کنیم درهرسال ازمدرسهٔ اعلای ضلع راولپندی ده نفر از ۱۴ نفر کامیاب می شوند مارا ازین ناکامی های مسلمانان بسی شرم وخشم می آید ووجدان غالباً ازین دوسخن خالی وعاری نیست که یا درمدارس طلبای نالایق داخل می شوند ویا معلمین برای تعلیم وتدریس شایق نمیباشند والاچه سبب است که دیگر مدارس مقامی پس نمیمانند ومکاتب اسلامی مدام ناکام میباشندان بیباکی و غفلتیکه مسلمانان شایان هزاران افسوس است وای کاش ! که معززین واعیان اسلام این نقایص را رفع نموده طلبهٔ مسلمانان را جانب محنت وزحمت درتحصیل مدارج علوم وتکمیل معارج فنون ترغیب ودلالت نمایند

(مترجم عبدالرحمن)

(ترجمهٔ اخبارهای اردو)

(قتل شاه بلغاریا)

همعصر معزز زمیندار مینویسد

قاهره ۱۳ جولائی ـ فردیننده پادشاه بلغاریا قتل گردیده زمیندار چونکه تارهذا بعد ازطبع ونشر زمیندار رسید دیروز سحی ازین دراخبار نوشته نشد لهذا امروز نوشته کردیم باوجودیکه خبر تصدیق آن ازریوتر هم معلوم نشده است

(بیکسی بلغاریا)

لندن ۱۲ جولائی ـ بر بیکسی بلغاریا که اورا دشمنان محاصره کرده اند نظر ترحم وهمدردی انداخته می شود لیکن اخبارات ناکامی اورا ازلغزیدن او درچالهای سیاسی خود او می پندارند

(بلغاریان پیش رومانیا)
(اسلحه انداختند)

ازیك تار بخارست (پایتخت رومانیا) مفهوم می شود که بطور سرکاری اعلان میشود که رومانیان بسلیستریا قابض گردیده اند

بلغاریان که دوصد پانصد نفر بودند پیش افواج رومانوی اسلحهای خودرا انداختند افواج رومانوی دوازده کیلومتر در علاقه بلغاریا داخل شدند که مسلمانان ورومانویها خیر مقدم های پرمسرت گفته‌اند

(یونانیان سیرس را)
(گرفته‌اند)

از اتنا شهر (پایتخت یونان) معلوم میگردد که یونانیان بمقام (سیرس) قابض گردیده اند وازاینهم بطور جزمی بیان می‌شود که درجواب دول یوروپ یونان اظهار کرده که بمعاهدهٔ صلح درمیدان جنگ دستخط خواهد شد

(طوفان غیض وغضب در یونان)

در یونان حسب‌الامر پادشاه بطور سرکاری این خبرها شایع شده است که چون بلغاریان دمیرحصار را خالی کرده بودند یك راهب اعظم یونانی ودیگر پادریها واشخاص قابل راقتل کرده بودند وازسیرس نیز چنین احوالها گوشزد شده که ازان در یونان اظهار غیض وغضب بسیار میشود

(بلغاریان وحشی از)
(فهرست اقوام)
(مهذب باید)
(کشیده شوند)

لندن ۱۳ جولائی ــ درصوفیه بغیرازانکه پیشقدمی رومانیا هیچ ذکر خبرنیست مگر درپیغامات برقی بلغرادواینهم تفاصیل دردناك مظالم بلغاریان مندرج است ودرباب پیشقدمی رومانیان بیان میشود که (شیفتکوی) و(دوبریچ) را گرفته‌اند وپناه گزینان جوق جوق وفوج وفوج درصوفیه می‌آیند شاه قسطنطین بوزیرخارجهٔ یونان درباب این معامله یك تار بدین مضمون فرستاده است که نام مرا گرفته برقیم مقامان دول مهذب اعتراض درباب این مردم مخالف افعال انسانیت کنید که من نهایت افسوس کرده بانتقام گرفتن مجبور شده‌ام ازان بدکرداران که ثابت کرده‌اند که آنها درشمار اقوام مهذب نیستند

(ترکان بسوی ادریانوپل روانه)
(شدند)

دیروزشام افواج ظفرامواج ترك بطرف ادرنه پیش رفتن آغاز نمودند این نقل وحرکت ترکها البته بسبب روش ناصلح جوئی بلغاریا بعمل آمده خواهد بود ونیز آنها یونان را ازکل ساحل بحیره ایجین تصرف نخواهند داد

(حکم فوجی حکومت)
(بلغاریا)

لندن ۱۳ جولائی ــ حکومت بلغاریا بحکام فوجی حکم داده است که آنها باسه سالارعثمانی ملاقات کرده ــ علاقجاتی را که بموجب صلح حواله ترك شده اند ازافواج بلغاروی خالی نمایند

(مترجم عبدالهادی)

«خبر فرحت اثر از پشاور»

(عیناً مکتوب)

جناب مشفق محترم مهربان محمود بیک خان طرزی صاحب مدیر وسرمحرر سراج‌الاخبار افغانیه را سلمه‌الله تعالی . بعد از دعای مزید عمر وجاه اعلیحضرت سراج‌الملة والدین سرکار اشرف والامکشوف میدارد انکه ازقرار خبرتار که ازطرف مدیراخبار زمیندار لاهور دیروز درپشاور رسیده وازطرف مسلمانها جهر هم کشتانده شده معلوم شد که غازی انوربی ادریانوپل را دوباره قبضه کرده است اطلاعاً برای انجناب تحریر شد زیاده والسلام

تحریر چهار شنبه ۱۸ شهر شعبان‌المعظم سنهٔ ۱۳۳۱

دستخط کمینه غلام حیدر

بشارت بر بشارت

(عیناً مکتوب)

جناب مشفق محترم مهربان محمود بیک خان طرزی صاحب مدیر وسرمحرر سراج‌الاخبار افغانیه را سلمه‌الله تعالی ــ بعد از دعای مزید عمروجاه اعلیحضرت سراج‌الملة والدین سرکار اشرف والا مکشوف میدارد انکه ــ الیوم باز درشهر پشاور جهر کشتانده شد که اعلیحضرت سلطان المعظم جمیع شهر های مقبوضات ممالك عثمانیه را که ضبط اعداء شده بود کامل واپس متصرف شدند ــ منادی برای خوشی مسلمانها درکوچه وبازار پشاور کشتانده شد احتمال دارد که امشب چراغان هم درپشاور خواهد شد ــ ازبرای خوشی انجناب هم اطلاعاً تحریر شد زیاده والسلام تحریر پنجشنبه ۱۹ شعبان المعظم ۱۳۳۱ مکرر انکه برای امشب تیاری چراغان درپشاور کرده شد فقط

دستخط کمینه غلام حیدر

سراج الاخبار افغانیه

این دومکتوب بسیارفرحت اسلوب دروقت طبع اخبارما رسیده. هزارها شکر ! عدالت خداوندی البته اجرا شدنی بود . زیرا بلغارها بسیار ظلم کردند ظلم دوام ندارد نتیجهٔ افکار عاجزانهٔ خودرا انشاءالله درنمبرهٔ آینده خود بیان خواهیم کرد .

همه مقاله‌هائیکه دستخط ندارد ازطرف مدیر وسر محرر تحریر یافته

محمود طرزی

درچهاپ خانه حروفی دار السلطنه کابل طبع گردید

اعلان

از هر دهن سخنی
و از هر چمن سمنی

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه را مژده میرسانیم . وترغیب مینمائیم که ازین گنجینهٔ پراز جواهر آبدار . وازین گلزار پر از ازهار یکیک نسخهٔ بدست آورده از هر دهن سخنی بشنوند . واز هر چمنی سمنی بچینند .

در

مطبعهٔ عنایت

که بنیاد یافتهٔ همت عرفان قیمت شهزادهٔ جوانبخت معظم حضرت معین السلطنه سردار عنایت‌الله خانست زیور طبع آراسته گردیده . ودر نفس مطبعهٔ مبارکهٔ مذکوره که در ده افغانان واقعست بقیمت ۲ دوروپیه کابلی از نزد عبدالرؤف سرمرتب مطبعهٔ عنایت خریداری کرده میتوانند کتاب مذکور دردکان ملا غلام محمد کتاب فروش متصل بمدرسهٔ شاهی بزازفروش میرسد .

اعلان

کتابهای فارسی — انگریزی — اردو — و کورمکهی
— پاشتا وغیره برای تعلیم ابتدائی بفروش میرسد .

المشتهر
(بالکرشن داژی سرمدرس مدرسهٔ اهل هنود نمبر ۲)
درشور بازار کابل

(اسامی وکلای ما درخارج)

درپشاور جناب میرزا غلام حیدر خان سررشته‌دار داکخانهٔ علیهٔ افغانستان . درمشهد جناب عبدالله خان کاردار تجارت دولت علیهٔ افغانستان . دربخارا جناب حاجی غلام نبی خان مامور فروش پوست قرهقل . ذوات کرامی که درممالک خارج افغانستان آرزوی اشتراک اخبار مارا داشته باشند بهر یک ازین وکلای ما چون وجه یکساله پیشبهاهٔ اشتراک را بفرستاند واز طرف وکیل ما باداره اطلاع برسد از هماوقت اخبار ما بهمان آدرس وعنوانی که داشته باشند جاری میگردد . آدرس وعنوان واضح وروشن نوشته شود . یک طلای پوند انگلیزی ۱۵ پانزده روپیه کلدار است

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

شماره ۲۳ سال دوم

فهرست مندرجات

موعظهٔ رمضان

حوادث داخلیه: استقبال هلال رمضان فرخنده فال ومراسم ختم شریف نکوئی آمال — تحریرات محکمهٔ اطلاعات — تحریرات که ازطرف جناب میرزا عبدالاحدخان ترکه مالکی وخان غزنین وسمت مشرقی به اداره رسیده — احسان نشان — اقتدار — یادآوری

حوادث خارجیه: احوال سیاسی — ترجمهٔ اخبارهای انگریزی واردو که از ترجمان بیت‌العلوم به اداره رسیده — عیناً مکتوب ازپشاور —

مقاله نصیحیه: واعظ — ناصح — مرشد —

ادبیات: تبریک رمضان کلام جناب ملا طوطی —

فاجعه های پاریس

ناموران زنان جهان

علم ثروت ملل

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 774 of 1786

اعلان

سیاحت بر دورادور کرهٔ زمین

چقدر فایده ها وشیرینیها دارد ! علی الخصوص
که آن سیاحت با آن زرنگی و وسعت
به هشتاد روز
اجرا شود ! آرزو کننده گان این سیاحت
خارق العاده هرگاه برای خریداری کتاب
(سیاحت بر دورا دور کره زمین)

بهشتاد روز

چقدر دو روپیه کابلی یك مبلغ کمکی را صرف نمایند این سیاحت را گویا (فلیاس فوق) سیاح و رفقایش یکجا اجرا کرده خواهند بود ! محل خریداری این کتاب دکان (ملاغلام محمد) تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی میباشد . و در نفس مطبعه عنایت که در دهافغانان است از نزد عبد الرؤف سر مرتب نیز خریداری میتوانند .

مؤلف این کتاب (ژول ورن) فرانسوی است که در نوشتن ناولهای فنی مشهور آفاقست . از فرانسوی به ترکی و از ترکی بفارسی ترجمه شده است . کتاب مذکور تنها ناول نی بلکه در ناول فن جغرافیا و جغرافیای ریاضی را نیز بطرز افسانه نشان میدهد .

در (مطبعهٔ عنایت) که از مؤسسات شهزادهٔ جوانبخت معظم دولت علیه افغانستان جناب عالی (معین السلطنه سردار عنایت الله خان) است بزیور طبع آراسته شده است . این کتاب نایاب را زود بدست آرید ! و فرصت را فوت مکنید که نسخه های آن زود تمام خواهد شد ! و افسوس فایدهٔ نخواهد بخشید .

(کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه)
(با جلد اعلا)
و دو کتابچهٔ (علم و اسلامیت) و (آیا چه باید کرد ؟)
(با جلد اعلا)
در اداره موجود است . آرزو کننده گان
خریداری کرده میتوانند
قیمت همه (۲۵) بیست و پنج روپیه کابلی

اعلان

افغان یك اخبار هفته وار اسلامیست که در پشاور بزبان پشتو و اردو شایع میشود . در صوبهٔ سرحدی یگانه محافظ حقوق مسلمانان است . شکایات و معروضات شانرا بگوش حکام میرساند . بعلم و اخلاق و رسم دین و مذهب آنهارا ترغیب میدهد . این اخبار در هر طرف دنیا یك رغبت عمومی حاصل کرده است در افغانستان . بخارا . امریکه . افریقه . چین . ژاپان . مدینه . مکه . روس . شال . لندن . مصر . وغیره بلاد مشتری دارد . قیمت عام برای هندوستان ٤ روپیه سالانه معه محصول داك و برای ممالك غیر ۱۲ روپیه کلدار است .

المشتهر
(مینجر افغان)

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی . و صنعتگرانی که صنعت خود شانرا در سراج الاخبار افغانیه اعلان و اشتهار کردن میخواهند . و یا دیگر هر رقم اعلان و اشتهاریکه باشند از قرار شرایط ذیل درج و شایع میشود :

اعلانیکه در متن اخبار از یکبار تا به پنج بار نشر و شایع شود بر سر هر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر یك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود . اعلانیکه در بین ورق وقایه درج شود از یکبار تا به پنج بار فی سطر یك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطر یك ستون اخبار ما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرکه شخصی اعلان خود را متمادیاً تا یك سال نشر کردن خواهد و وجه یك ساله را پیشکی ادا نماید در ورق یعنی بر سر سطری [illegible] اجرت گرفته میشود

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
با مصارف داک ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مصارف داک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکدفعه نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یکعباسی است

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

مدیر و سرمحرر
محمود طرزی

اداره‌خانه و مطبعه‌اش
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همهٔ امورات تحریریه به اداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ عربی ۱۵ رمضان سنه ۱۳۳۱ تاریخ انگلیزی ۱۸ اگست تاریخ شمسی ۲۷ اسد ۱۲۹۲

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بعضی مقالات مفیده درج میشود

موعظهٔ رمضان

سبحان الله! چه نعمت، چه سعادت! حضرت خلاق عظیم الشان ما در سالی یکبار پیروان دین مبین حبیب برگزیده و رسول مقبول پسندیدهٔ خود محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم را به یک خلعت بهشتی ردای سعادت انتمای، و یک ضیافت فیوضات احتوای عبودیت انتمای به تشریف ماه مبارک رمضان نایل و سزاوار میفرماید.

یکی از امرهای عظمای که پروردگار جمیع مخلوقات، امت ناجیهٔ محمدیه را به آن ممتاز فرموده همین است که در سال سی روز مارا مظهر بجا آوردن امر جلیل روزه داشتن فرموده است، غیر از فضیلتهای شرعی و معنوی که درین ماه مبارک موجود است و در شمارهٔ ۲۲ سراج الاخبار افغانیه از بیانات فاضل محرر عرفان مألوف جناب مولوی عبد الرؤف درج صحایف افتخار نموده بودیم، پس منفعتهای عرفی و مادی نیز درین سی روز فیوضات افروز مضمر و مستتر است که ما به بعضی از آن منفعتها باستجلاب انظار دقت اخوان دین، و هموطنان دیانت مکین خود مان کوشش میورزیم. و چنانچه جناب استاد از جهت معنویات فضایل این ماه مبارک را اعلانشان داده بود، ما نیز یکقدری از جهت فواید مادی و اجتماعی که درین شهر فضیل موجود است بحث میرانیم:

این یک معلوم است که درین ماه مبارک دلهای مسلمانان را یک جلا و صفائی حاصل میشود، حالت بشری انسانها بیک احوال ملکوتی تحول میابد. خوردن، نوشیدن که از صفات یگانهٔ بشریت شمرده میشود دفعةً معطل میماند. در روزها هیچ فرد بالغ و مکلفی را نمی بینیم که بر فرو بردن یک لقمهٔ نان و نوشیدن یک جرعهٔ آبی قادر گردد. بعضی بی پروایان لاابالی که در کدام آبدستخانه یا پس خانهٔ در آمده یک لقمهٔ یا جرعهٔ زهر و زقوم نمایند داخل بحث ما نیست. ولی احوال عمومی از همین قرار است که بیان شد.

حالا باید اندیشید که آیا این عدم اقتدار اکل و شرب که از لوازمات حیات بشر است از چه پیش آمده است؟

هیچ شبهه نیست که این حال از تابعیت باحکام قانون آلهی پیش آمده است. و چنانچه از فقرات قانون بشری انسان تجاوز کرده نمیتواند چسان میشود که باحکام قانون آلهی عصیان ورزیده بتواند. مثلاً قانون بشر یک لوحه پارهٔ مینویسد که (بدست چپ خود برود) (۱) انسانرا بعد از مطالعهٔ آن مجال آن نباشد که بدست راست خود برود. و اگر رود از خوف جزا و سزای قانون چون بید بر خود میلرزد. لهذا چون درین ماه مبارک احکام قانون آلهی بیکصورت بسیار عالی اجرای حکم مینماید، و عباد الله بیکصورت بسیار عاجزی و شکستگی باحکام رب معبود خود طوعاً انقیاد میورزد، باین سبب درین ایام سعادت انجام دلهارا یک انجلا، روحها را یک اعتلا، حسها را یک صفا فرا میگیرد. هر فرد مسلمان از عالم دنیا تجرد کرده بعالم بالا توجه میکند. هر کس بیک تنهائی تامی در جامعها و مسجدها رو میارد. عبادت، طاعت، تلاوت یگانه مشغلهٔ عام میشود.

---

(۱) از هنگامیکه در سرکهای دار السلطنهٔ کابل رفتار عرابه ها و موترها افزون گرفته برای آنکه وقوعات و صدمات حاصل نشود بموجب امر اعلیحضرت پادشاهی در هر جهار سرکها یک لوحهٔ آویخته شده که همین عبارت بران نوشته شده است.

احوال عمومی درین ماه مبارک همین است . لهذا حضرات ملایان . وواعظان وخطیبانرا واجب است که ازین انجلای روح واین صفای دل گروه عوام که در عمان بیابان جهالت . وعطالت درخواب شدن . ودست وپا زدن هستند وقت را غنیمت شمرده واز فرصت استفاده کرده بموعظه های حسنه ، بخطبه های بیدار کننده . به نصحیتهای بکار آورنده دماغهای اهالی را پرورش دهند . تربیه کنند . ولی افسوس است که درجامعها و مسجدها ما از واعظان وناصحان خود یامنی حکایتهای سه چار هزارساله قدیم زمانهای بنی اسرائیل را میشنویم . یا ترک دنیا . وگوشه نشینی وانزوا . وتوکل و فقیری . وعدم رغبت بسعی و کوشش کری تلقین وترغیب میشویم .

حاشا که ما کرنیم این چیزها بدست . ولی مقصدما اینست که مواعظ نیز . وتبلیغات شرعیه بامزجه واحتیاجات عصر وزمان متناسب باید بود . حضرات پیغمبران عظام نیز ملاحظهٔ این نکتهٔ دقیقه را فرموده نظر باحتیاجات عصر وزمان خود امت شانرا ارشاد ورهبری فرموده اند . حفر خندق را برگرد اگرد مدینهٔ منوره باحتیاجات وقت وزمان موافق یافته بنفس نفیس رسالتپناهی بااصحاب کرام خود در کندن خندق کوشش ورزیده اند . تیراندازی را برای مقابلهٔ اعدا از لوازمات عصر دانسته تعلیم انرا امر فرمودند معنی حقیقی ترک دنیا هم اینست که انسان دنیارا برای دشمنان دین ووطن خود ترک کند . بلکه مقصد فراموش نکردن آخرتست . توکل این نیست که انسان بگوید : « توکل وطن ما بخدا . خدا ملک مارا محافظه میکند . حاجت بساختن استحکامات وتقویت سرحدهای خود نداریم » بلکه مقصد از توکل این است که همه حاضری خودرا بیند وبعد ازان توکل بخدا بکند . « باتوکل زانوی اشتر ببند » . آیا فقر همین است که انسان بهیچ صنعت . وتجارت . وزراعت کوشش نکرده همهٔ محصول عرق جبین خودرا درپیش پای صنایع وتجارت دیگران نثار کند ؟ وخودرا فقیر وذلیل حقیر ساخته دشمنان خودرا توانگر بسازد ؟ از فضایل علم . وخوبیٔ علم . وضروری بودن علم هیچ ملاء هیچ واعظ هیچ مرشدی امروز نمیشود که انکار بتواند . پس چرا انجنیری . مهندسی . کانکنی . الکتریکی . طوب اندازی . عسکری وامثال اینچنین چیزهای که ترقی وتعالیٔ عصر حاضر بران ها موقوفست خارج علم شمرده بگوییم : « که انچیزها لاهوتی مردمان کافرینست » . برای مسلمانان معارف وترقی لازم نیست . « مگر پروردگار ما با فرموده است که بر وبحر . وخشک وتر . وحدید وحجر وغیره را برای شما مسخر ساختیم » . مگر آفریدگار ما با فرموده است که برای شما هیچ چیزی نیست مگر اینکه سعی وکوشش کنید . پس اگر ما امانت دار مانده گی را از خود دور ساخته جدو جهد را پیشه گیریم جملهٔ اشیارا تسخیر خواهیم نمود . هرکسی که کوشش کرد پیدا کرد . هرکسی که بازمانده نرسید .

ازخوبی اخلاق حسنه . ازعلویت اخلاق حسنه هیچ ملاهیچ واعظ . هیچ ناصح انکار کرده نمیتواند پس چرا ازحب وطن . ازلزوم اتحاد واتفاق . ازمذمت خانه جنگی وبدیداری . وخونخواری . وخون طلبی . ورقابت وسیاداری . واسرافات بیجای عروسیها . وفاتحه ها وختنها وغیره بشدت منع نمیشویم . درحقیقت ما یک واعظ . یک ناصح یک مرشد داریم که آنهم پادشاه خیرخواه ترقی آگاه ماست . برهمه چیزهای نافع وبافایده مارا ارشاد میفرماید . راههای ترقی وتکمل برای ما میکشاید . بسی خبرها وخوبیهای ترقیٔ ملک وملت مارا رهبری میکند . ولی فساد اخلاق آنقدر برما مستولی گشته که بجز پرورش نفس خود بهیچگونه ترقی وتعالیٔ ملک اقدام وورزیده نمیتوانیم .

این است که درین ماه مبارک که یک استعداد طبیعی برای شنیدن وعظ ونصیحت دردلها وجسمها وروحها . پیدا میشود واعظان وخطیبان مارا است که درتصحیح اخلاق ما . درتشویق صنعت وتجارت ما درتحصیل علم ومعرفت ما . درحب وطن وعسکر شدن ما پند واندرز را پیشه گیرند . بهترین مردمان آنست که نفعش بمردمان برسد یک آدم اگر هرقدر عابد . زاهد . مصلی . تارک دنیا . صاحب تقوا شود نفعش بخودش میرسد . بهشت های برین را برای خود کمائی میکند . برای جلب انظار دقت بهمینقدر یک موعظه که خواه خوب بداند خواهد خودرا مجبور دانسته نوشتیم . باقی

توخواه ازسخنم پند گیر خواه ملال

حوادث داخلیه

(استقبال هلال رمضان فرخنده فال . ومراسم ختم شریف نکوی آمال)

امسال هوای شهر عزیز ما یک گرمیٔ مفرطی بهم رسانیده بود . حتی چند روز قبل ازماه مبارک رمضان درجهٔ حرارت تا حد بالا رفته بود که برای دارالسلطنهٔ کابل از حرارتهای فوق العاده شمرده میشود . چون ماه مبارک روزه تقرب میورزید این شدت حرارت در دلها یک خوف و خشیتی القا مینمود ولی بفضل خداوندی همین که ماه مبارک تشرف وورود ارزانی نمود دفعةً آن حرارت مفرطه بیک هوای معتدله تبدیل یافت .

از قرار یکه جنتریها نشان میداد ماه شعبان المعظم ۲۹ روز وغره ماه مبارک رمضان میبایست که بیوم دوشنبه میبود . ولی چون درروز یکشنبه ۲۹ شعبان رویت هلال شرعاً ثابت نگردید ازاین سبب ماه شعبان المعظم سی روز کامل بحساب آمده اول ماه مبارک رمضان فیمابین روز سه شنبه تصادف نمود . درنسخه های سالاول سراج الاخبار افغانیه ازمراسم استقبال هلال وختم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 777 of 1786

شریف سعادت امثال تفصیلات مکملهٔ داده بودیم این است که امسال بازاین مراسم شریف درهمان چمن لطیف از قرار تفصیلات ذیل اجرا گردید :

بساعت پنج روز یکشنبه ۲۹ شعبان المعظم ذات شوکتسمات پادشاه دیانت آگاه معظم مقدس‌ما اعلیحضرت سراج الملة والدین مدالله ظله فی العالمین باهمه شهزادگان عظام و اعیان و ارکان دولت و صاحب منصبان نظامی و ملکی ، و اشراف و وجوه مملکت که بالباسهای فراکت رسمی ملبس بودند ، درچمن صفا پیرامن حضوری که اوصاف آن بارها مذکور گردیده تشریف شوکت ردیف همایونی را ارزانی فرموده بودند ، و بهزاران افراد ملت بادیانت نیز دراطراف چمن وجامع نورلامع عیدگاه تمام آن احاطه را پرومملو نموده بودند .

خیمه‌گاه همایونی بقرار سنوات گذشته بکمال دبدبه و احتشام برپا گردیده ، ومیزهای سفره‌های طعام بقرار سابق حاضر ومهیا شده‌بود . درهرطرف یک‌جوش شادمانی ، یک‌انتظار ایمانی دیده میشد . قبل از غروب همه دیده های دیده داران بسوی سما متوجه شده برای دیدن هلال یک آرزوی عجیب ویک‌شوق غریبی دردلها مستولی شده بود . ولی انتظار همگان را بیکان رفته برای جمع آمدن فردا جهت استقباله امروز پراگنده گردید .

روز دوشنبه ۳۰ ماه شعبان المعظم باز به ترتیب روز گذشته همه اعیان واشراف ورعایا وبرایا باپادشاه دیانت همراه مقدس خود برای استقبال رویت هلال و بجاآوردن اوامر ایزدمتعال درچمن مذکور تجمع نمودند . اما امروز مانند دیروز جهت‌آن بی‌مآل بوقوع نیامده نظرها را وصال هلال ماه مبارک فرخنده فی تعالی احیا فرمود . تقریباً بساعت بشام مانده هلال غرهٔ رمضان فیوضات احسان باشارهٔ ابروی محبوبی نموی خود از رسیدن آوان فرمان خالق کون ومکان برای فریضهٔ صیام سعادت اقتران مسلمانان را ارشاد کرده به بشارت این اشارت برخدمت خادم از طوبخانهٔ سلطنت سنیهٔ اسلامیهٔ افغانیه به انداخت ۳۱ فیرطوپ اظهار شادمانی ، وتبلیغ امرفردا روزه‌داشتن باهالسلامی اعلان گردید .

ابتدا ازهمین شب اول ماه مبارک بختم قرآن مجید حضرت خالق وحید درجامع فیوضات لامع کبیرعیدگاه که متصل چمن حضوری میباشد بصلوة تراویح آغاز گردید . ودردهشب ثلث اولماه مبارک یک صورت برفیض برکتی بانجام رسید . درچمن موصوف باز بقرار سال گذشته درپنج موضع سفره های خوان نعمت الوان پادشاهی گسترده شده‌بود . اول‌سفرهٔ میزحضور ذات اعلیحضرت شاهانه است که بوجود مقدس خود ذات پادشاهی و شهزادگان عظام ودیگر نفری معززی که به (نفری اهل میز حضور) ممتاز اند ترتیب‌یافته . دوم سفرهٔ میزاهره واشراف وعلماوارباب مناصب و مأمورین ملکی و عسکریست . سوم سفرهٔ میزخدمه وهمرکابان حضور اعلیحضرت شاهانه است چارم‌مایدهٔ بزرگیست که برای سه چهار هزار نفوس اهالی برزمین چمن‌صفا پیرامن گسترده شده ، پنجم نیز یک مایدهٔ بزرگیست که برای عساکر ظفرمآثر همایونی مخصوص است . وغیر ازینها در خارج احاطه نیز یک‌دایرهٔ وسیعی برای غربا و مساکین و ابناء السبیل تخصیص شده که دراینجا وان چارکان بی خانمان از خوان نعمت پادشاه عمیم الاحسان طعام فراوان بذل و احسان میشد .

از ابتدای سلخ ماه شعبان المعظم تابه آخر ده روز اول ماه مبارک رمضان ازشش بجه‌شام همه صحن‌چمن صفوت‌مآمن وسرکها واطراف جامع کبیر باهزاران مردمان شهر واطراف پرومالامال میشد . ارباب مناصب ملکی وعسکری وعلما واعزه و خوانین درباری وغیرهم باباسهای فراکت مزین خود شان صحن احاطهٔ چمن را رشک گلشن مینمودند .

به‌نمازشام تقریباً ده‌دقیقه مانده خرما وباقل افطار بحاضرین تقسیم گردیده همه مردمان خاص وعام در نمازگاهی که در خارج احاطه حاضرشده بود برای ادای صلوة مغرب جمع می آمدند صفوف جماعت مسلمین نمونهٔ بنیان مرصوص راانتظار جلوه‌گر میساخت بمجرد انداخت طوپ افطار ، و بانگ آذان بیدالا برابر عایهٔ صلواةالله من‌مالک الجبار هرکس یک‌چیزی روزهٔ خودرا افطار کرده یک جماعت عظیمهٔ که مرکب از هزاران افراد مسلمان است نمازمغرب ادامیگردید . بعدازادای نماز ، فرقهٔ اهالی ازطرف دروازهٔ شرق ، وصف ارباب‌مناصب واشراف واعیان ازدروازهٔ جنوبی دراحاطه داخل‌شده هرکس در موضعهای مخصوصهٔ خود شان بسفره میزهای خوان‌نعمای الطاف و احسان پادشاه معظم مهربان وولینعمت ذی‌شفقت کثیر الاحسان خود به تناول طعام آغاز مینمودند . وبعداز تناول فوج فوج ، گروه گروه ، انبوه انبوه خلایق بسوی جامع کبیرعیدگاه برای ادای عبادت یزدان عظیم‌الشان وختم قرآن خالق کون ومکان پاک پادشاه ذی‌شوکت وشان اسلامیان جریان میگرفت که حقیقتاً دریش عظمت وشوکت وجلال این احوال سعادت آمال دلها مستغرق شکران بپایان انعامهای ذات اقدس خلاق ذوالجلال میگردید .

این است که بااینصورت واین کیفیت درده روز اول ماه‌مبارک رمضان ختم قرآن کریم بازده شان بکمال سعادت وسرور بانجام رسید . درشب دهم که شب ختم شریف بود شیرینیٔ ختم‌شریف در دستمالهای حریر بحاضرین تقسیم گردید ، ویک آتشبازیٔ بسیار عجیب وغریبی برای تفریح قلوب اهالی انوار نشان نمود . وجمیعهٔ وجوه اهالیٔ که از خوان نعمت اعلیحضرت پادشاه بدینوال درین ده‌شب مبارک اطعام شده بودند بواسطه ایشیک آقاسیٔ ملکی جناب علی احمد خان که مأمور این ضیافات عظیمهٔ سنیهٔ پادشاهی بودند بحضور همایونی برای ایفای دعاوتبریک وعرض تشکر تقدیم گردیده مظهر التفات جهان توجهات شاهانه شدند .

تخمیناً درین دو شب جهل پنجاه هزار نفر ازافراد رعایا برمائدهٔ سنیهٔ پادشاهی حاضر شده‌اند که چنین یك ضیافت مکرمانهٔ شاهانه حقیقتاً شایان افتخار اوراق تواریخ است .

این راهم بطرز خصوصی تذکار باید کرد که وظیفهٔ امامت وقرائت این ختم شریف‌را جناب حافظ جید بی‌نظیر ، وقاریٔ بی بدل شهیر حافظ (محمد حسن) خان اداء نمودند ، حافظ مشارالیه بمنصب امامت حضور اعلیحضرت همایونی سرافراز ، ودر حسن قرائت ومحاسن اخلاق ممتاز یك ذات پسندیده صفات میباشند . درذیل ختم مبارك بخلعت جبهٔ ازهٔ . وعمامهٔ شال وبعض التفاتهای شاهانه نایل وسزاوار گردیدند .

جناب ایشیك آقاسی صاحب ملکی ، ودیگر مأمورین ضیافت سنیهٔ که درزیر نگرانیٔ شان وظیفهٔ میزبانی را بجامی آوردند بهبسیار خوبی وسررشتهٔ درست براداى وظیفهٔ خودشان کامیاب آمده‌اند .

(سراج‌الاخبار افغانیه) دعای دوام عمر وعافیت اعلیحضرت (سراج‌الملة والدین) پادشاه دیانت آگاه ترقیخواه مقدس خودرا نیاز میکند تابسایهٔ مراحمواریهٔ همایونی‌شان بسی سالهای درازی بتذکار انجمن لیالیٔ پرشرافت و سعادت تزئین صحایف افتخار نماید .

(تحریرات محکمه اطلاعات)

جناب فضایل اکتساب فیضمآب لازم الاحترام مدیر وسرمحرر سراج‌الاخبار سعادت آثار افغانیه‌را هواره متمکن کرسی ادارهٔ شیرین سخنی ومسند نشین هودج شیرین زبانی خواسته ، وصفحات روز نامهٔ اوقات شبانروزی اشفاق مکرم را در بلاد وامصار کامرانی وشهد کامی مزین مقبولات و مرقومه عزت و صحت وسرفرازی و نیکنامی خواهانم — بتاریخ ۹ ماه رجب سال گذشته سچقان ئیلٔ شمهٔ از نوازشات ومراحمات اعلیحضرت سراج الملة والدین پدر مهربان ملت ورعیت دولت خداداد افغانستان درخصوص طلبای مدارس حفظ قرآن شریف وانکه یازده مدرسه بدار السلطنه وولایات بقرار همان جزوی که بتاریخ مذکور بخدمت آنمهربان عرض شده بود وتعدادشاکردان واستقرار مدارس ومنظوری معلمان وحفظ کردگی یکصدوشانزده نفر طالب مدرسه‌های موصوفه را درخط مذکور مفصل تحریر نموده بودم وعرض کرده بودم که تا آخر سال سچقان ئیل سی نفر دیگرهم حافظ قرآن شریف از مدرسه ها خارج خواهد شد جناب من چون رپوت مدارس ولایات تااخیر سال کامل براین نرسیده بود بنابران دراول نوروز عرضی نتوانسته آکنون بخدمت عرض میکنم اینکه در یازده مدرسه موصوفه در شب و روز یکصدو هشتادو هفت نفر طالب ومعلم بتدریس وتلاوت قرآن عظیم‌الشان ایزد سبحان جل ذکره مشغول بود بدعای ترقی دین و دولت اسلام وسلامتی اعلیحضرت قبله انام معطف میباشند زهی سعادتمندی ملت افغانستان — زهی بهره مندی رعیت افغانستان — آیا پدران عزیزرا در بارهٔ فرزندان صلبی شفقت و مرحمت ازین اندازه خواهد بود که اعلیحضرت شهریار رعیت پرورما در بارهٔ رعایای خویش دارند — مدرسه هابرپا — معلمان مقرر — خوراك پوشاك حاضر — بخشش‌ها ونوازشها موجود — مدارس حفاظ که‌یازده مدرسه‌ویکصدو هشتادهفت نفرمعلم‌وطالب مقررند اخراجات تمامی این مدرسه ها از خوراك وپوشاك ومیوه پل و غیره از طرف دولت مقرر میباشد طباخان طبیخ خوراك که شب و روز ایشانرا می کنند فراشان بحضور ایشان میرسانند وخیاط های سرکاری لباس هـای دوخته برای ایشان آورده بتن ایشان می پوشانند وجه میوه پل ازخزانه ها بدون یکقدم زحمت کشیدن خود حفاظ نقد نقد برای ایشان میرسد مقرری این نوازش ها برای ایشان تاآنوقت است که طالب حافظ کامل شود بعد ازانکه حافظ کامل می شوند و امتحان حفظ نمودگی کامل خود را میدهند بقدر اخراجات شخصی خود او در صورتیکه ناتوان باشد روپیه نقدعلیحده وغله علیحده از طرف دولت تازمان حیات اوبطور مستمری سالیانه برای اوداده میشود آیا کدام یك پدررا محبت اضافه برین باولاد اوخواهد بود — جانب من یکصدو شانزده نفری که حافظ کامل گردیده ازمدرسه‌ها خارج شده‌اند قبل برین جزووار بخدمت آنمهربان تحریر نموده بودم وعرض کرده بودم که سی نفر دیگر تاآخر سال حافظ کامل خواهد شد اکنون بقراریکه رپوت ما رسیده وملاحظه شد عیانست که ازحسن توجه ومهربانی‌های خسرو ذره‌پرور ماچهل وسه نفر دیگر حفظ کامل شده‌اند که‌جمله نفری حافظ کامل شده‌گی مدرسه ها یکصدو پنجاهو نه نفر می شود از مدرسه‌ها بادولت حفظ‌قرآن شریف خارج شده‌اند وتعداد نفری مذکور باقرار ذیل معروض میدارم که‌حالی جناب گردد

۱۵۹

داخل عریضه سابقه	تاآخرسال حافظ کامل شده‌اند
۱۱۶ نفر	۴۳ نفر

از مدرسه دار السلطنه کابل

۴۵ نفر

سابق عرض شده بود	بعدازان که‌کامل شده‌اند درمدت نه‌ماه
۳ نفر	۷ نفر

از مدرسه دارالنصرت هرات

۳۵ نفر

سابق عرض شده بود	تا آخر سال کامل شده‌اند
۲۲ نفر	۱۳ نفر

از مدرسه قندهار

۱۹ نفر

حفاظ معروضی سابقه	کامل شده‌گی الی اخر سال
۱۳ نفر	٦ نفر

از مدرسه مزار شریف

۱۸ نفر

نفری که سابق کامل شده بودند	ثانی کامل شده اند
۱٤ نفر	٤ نفر

از مدرسه میمنه

۱٥ نفر

نفری سابقه	نفری لاحقه
۱۰ نفر	٥ نفر

از مدرسه بدخشان

۱۳ نفر

نفری ماقبل	نفری مابعد
۱۰ نفر	۳ نفر

از مدرسه خانه آباد

۲ نفر

در اول	در ثانی
۱ نفر	۱ نفر

از مدرسه جلال آباد

٦ نفر

معروضی اول	تا آخر سال
۲ نفر	٤ نفر

از مدرسه قراء جدید حافظ کامل

شده‌گی ندارد	همان یکنفر

که در سابق تحریر شده است

۱ نفر

مدرسه پشت رود

همان یکنفر سابقه	بعد ازان ندارد

۱ نفر

مدرسه غزنین همان چار نفر که اول عرض شده جدیدی ندارد

٤ نفر

مهربان من هرگاه الطاف خداوندی شامل احوال بنده‌ئی گردیده و اراده خداوندی رفته باشد که یک جمعی از بنده گان او بسعادت دارین فائز گردند پس در عالم ظاهر آن سعادت مندی را ایزد بیچون جل جلاله بواسطه یک رهنمائی پاک مقتدائی پاک پیشوائی بانها میرساند — بیقین ثابت گشته میتوانم که ملت افغانستان را سعادتمندی جاوید یابی واراده ازلی نصیب آمده است که شهریار چنین غمخواری رعیت پروری را رعیت آمده اند

ندیده و نشنیده‌ام که هیچ سلطانی از سلاطین ماقبل در تعظیم و احترام قرآن شریف چنین طرزی که سلطان جوان بختما از طریقه مسلمانی و دینداری اقدام فرموده اند ثبوت اخلاص خودرا نموده باشند بلکه یک امر عالیی که از نزد ایشان بزمین مانده بود همین سررشتهٔ مبارک مدارس حفاظ بود که اعلیحضرت سرکار همایون والا باخلاص زیاد آنرا اجراء فرمودند — پس خسرو جوان بخت مارا سزاواست که فخر کسب سعادت مندی پیروی و دوستداری قرآن عظیم الشان برحق را بر جمیع سلاطین بنمایند ومارا قوی سطوت ماراست که بهزارها زبان ادای شکر گذاری ایزد جان آفرین را بجا باورند وجود فایض الجود شهریار جهاندار خودرا آبحیات دانسته یک عطای عظیم خداوند تعالی جل اسمه بشمارند و بدانند — مهربان من هرگاه خادم وصف مخدوم و نوکر توصیف بادار و غلام اوصاف خداوند و رعیت صفت سلطان خودرا بنمایند حق دارند اما آنانکه از طریقه علو دانش بی خبر بوده گرداو طبع مجهول خویش میباشند بعضی بخوش آمد و برخی بمداهنت وجمعی بغرض وطمع واکثری بخوف وترس حساب وحواله میکنند وبهره ورانیکه ازعقیده اسلامی وعلودین واخلاص دولت وسوز محبت ملت ووطن خود آگاه بوده از امر الهی جل جلاله و حکم شریعت رسالت پناهی صلی الله علیه وسلم با خبر میباشند میدانند که ذات شریف همایون پادشاهان اسلام بر عموم اهالی اسلام که داخل سلسله اطهار کلمه طیبه شریف خودرا میگویند چقدر صاحب حقوق و واجب التعظیم ولازم التکریم میباشند و وجود مسعود همایون ایشان چقدر عطای بزرگ خداوند جهان آفرین وچقدر واسطه امنیت ورفاهیت و آسوده حال عموم اهالی اسلام می باشند خصوصاً برعایای دولت متبوعه خویش — نخستین رعایای دولت خداداد و ملت قوی بنیاد مارا واجب است که اناً فاناً باظهارت صدق واخلاص جبین عجز ونیاز بزمین عبودیت گذاشته بهر نفس شکر خداوند تعالی را بجا برسانیم ودعای بقای شاه جهاندار جوان بخت خودرا بنمائیم — مشتاقم من کیفیت مختصری که از نوازش های اعلیحضرت شهریار همایون والادرباب سررشته وتکمیل مدارس ونفری حفاظ قرآن شریف خداوند سبحان جل اسمه که بخدمت آن مهربان مرقوم نموده ام یک جزوی از کارهای تعلقه سررشته داری شخصی خودمی در تحت نظارت جناب امین الاطلاعات صاحب می باشد که از صدها جزو مهربانی های شهریار ذوالاقتدار والاتبار همایون اشرف اعلی یک جزوی خواهد بود که عرض کرده ام دفعه ثانی اگر عمر وفا کرد نیز برخی از مراعات ونوازشهای اعلیحضرت سراج الملة والدین شهریار والا را که درباره عموم رعایای دولت فرموده اند وملاحظه نموده‌ام بطور اختصار خواهم نوشت — ختم کلام خودرا بدعای خالی ازریای سلطان جهاندار جوان بخت خود میکنم که یارب بعزت مقربان درگاهت

و بحرمت ارواح کل بارکات وجود قاری المجید مسعود مجید سلطان مرحمت بنیان جوان بخت ما را با دولت خداداد از آفات و بلیات و مکروهات ارضی و سماوی محفوظ و مسلم و از پرتو انوار و تجلیات غنای همایون ما سیاهی خانهٔ مردم چشم ما اهالی افغانستان را روشن و منور دارد، و بد خواهان سیاه دل سیاه بخت سیاه روز کارش را سیاه رو و سیاه نام و کور و کر بداری بالنون والصاد اللهم آمین این دعا از من و از جمله جهان آمین باد روز پنجشنبه ۸ جمادی الثانی سنه ۱۳۳۱ میر یوسف سررشته دار محکمهٔ الملاکات ومدارس حافظ قران شریف.

تحریر ایست که از طرف جناب میرزا عبد الاحد خان برکه ملکی وکیل وطن غزنین و سمت مشرقی بادارهٔ سراج الاخبار رسیده است

عالیجاه عزت همراه اخوی محمود بیک خان مدیر و سر محرر سراج الاخبار افغانیه را خداوند حافظ و ناصر باد — چون از جریدهٔ مبارکهٔ سراج الاخبار افغانیه یک نوع باخبری عمومی از برای ملت افغانستان حاصل و عاید شده و بواسطهٔ آن از احوال ملت خویش و از احوال جهان از کم و بیش باخبر میشویم شکر این ترقی ها یکه به دولت اعلیحضرت والا سراج الملة والدین یوماً فیوماً بروی کار می آید واجب و لازم هر فردی از افراد مسلمانان افغانستان است — وچون رعیت شکران و خیر خواهان دولت لازم است که اگر بر بعضی اجراآت مدنیتکارانه و احکامات مراحم آیهٔ اعلیحضرت انور والا آگاهی داشته باشند یا آگاه شوند شما را از اطلاع بدهند تا بواسطهٔ صحایف اخبار عموم اهل وطن از آن آگاه گشته دعای دوام عمر و اقبال شاهانه را ورد زبان سازند. لهذا خواستم که از کیفیت دربار ۲۸ شعبان شما را معلومات بدهم. به این یک خود شما ز خبر دارید که ذات اعلیحضرت انور والا تعمیر یک شهر جدیدی را در غزنین آرزو فرموده اند چنانچه کیفیت آن از نقل های عرایض اهالی و فرامین همایونی که نقل آنرا برای آنجناب میفرستم عیان میشود. بتاریخ ۲۸ شعبان المعظم سنه ۱۳۳۲ همه وکلای طوایف تاجیک و غلجائی و هزاره وغیره محالات ومضافات غزنین وچهار اطراف آن که همه اشراف واعیان قومهای خودها بودند بسلام خانهٔ عام شرفیاب حضور پرنور اعلیحضرت والا گردیده عریضهٔ خود شانرا تقدیم حضور انور نمودند و بحضور انور قبول گردیده فرامینی که هر نکتهٔ آن یک جهان قیمت دارد — زیرا که دعای پادشاه اسلام انشاء الله در حق رعایای صادقهٔ شان مقبول است و برای همه طوایف عنایت شده و خلعت های فاخره بهمه خانان و ملکان مرحمت شد و رخصت شدند و شروع کار شهر مذکور که بشهر (غزنین سراج آباد) موسوم شده به سال آینده در اول بهار میشود بندوبست آن حال شد — و نیز خوانین و ملکان را که خلعت داده شد قدری دولت را از حضور انور یک قطعه نشان دیشان (حرمت) سرفراز فرمودند واعلیحضرت والا مرحمت فرمودند که این نشان حرمت به سبب همین خدمت شهر که بندوبست آن بذریعهٔ شما شد بشما عنایت و مرحمت شده است — لهذا از کیفیت نقل عریضهٔ وکلا و از نقل فرامین اعلیحضرت والا که بیست و چهار قطعه برای بیست و چهار محال صادر شده نقل یک قطعهٔ آنرا که همه یک مضمون اند و از نوازش و خلعت که وکلا به آن سرافرازی یافته و از مرحمت و لطف شهریار والا که فدوی را به نشان حرمت باشان ساخته لازم اطلاع دیده برای آن عالیجاه مفصل نوشتم و از خدای تعالی برای پادشاه خود عمر دراز میخواهم که بسایهٔ مراحم آیهٔ شان ترقی ما بدولت روز افزون باشد آمین. سنه ۱۳۳۱ ۷ رمضان المبارک

دستخط عبدالاحد برکه ملکی وطن علاقهٔ غزنین وغیره سمت مشرقی

(نقل عریضهٔ وکلای رعایای سمت مشرقی)

حضور موفور السرور پادشاه دیانت آگاه اعلیحضرت سراج الملة والدین پدر مهربان پادشاه خود مختار دولت خداداد خودها را فدا شویم فدویان خوانین و ملکان که از جانب عموم رعایای علاقهٔ غزنین و مقرو رزمت و کتواز و ارگون و وردک و جاغوری و مالستان و بهسود و اجرستان و چرخ و خرواد و چکهٔ بالای لهوگرد وکیل شده با خطوط وکالت شرفیاب حضور انور ظل الله شده ایم و حال همه حاضر دربار معلی میباشیم اول زبان عجز به دربار خالق بیچون استدعا و در خواست میکنیم که این نعمت عظمی را که مراد از ذات اقدس شاهانه باشد سالهای دراز از زوال نگهدارد زیرا که وجود مسعود موجب آب و حیات ماها و جمیع اهالی دولت خداداد میباشد و از روز جلوس میمنت مانوس همایون یوماً فیوماً ترقی و بهبودی دیده و مشاهده می شود — ثانی بخاکپای مبارک مخصوصاً از طرف خودها وعموماً و وکالتاً از جانب اقوام خودها که در ذیل این عریضه نام نویس شده معروض میداریم اینکه قطعه فرمان مرحمت ترجمان اعلیحضرت والا که اسمی عالیجاهان امیر محمد خان برکه ملکی حاکم غزنین و میرزا عبدالاحد خان برکه ملکی عز صدور یافته بود که اعلیحضرت والا خیال یک شهر لایق را بغزنین دارند زیرا که بند سراج قریب بتمام رسیده و غزنین یک مملکت وسیع و عریض و پر حاصل و پر آدم است و تجارت درست هم دارد یک شهر جدید خدا بخواهد در خیال است که آباد کرده شود تا برای دولت و ملت کار آمد باشد اما دو صورت دارد صورت اول اگر مردمان علاقهٔ غزنین و چهار اطراف غزنین کمک شوند یک شهر لایق و کلان تعمیر خواهد شد زیرا که دولت و ملت هر دو معاون یکدیگر می شوند اگر مردمان رعیت عذر بیاورند و کمک نکنند صورت دوم که در حال چهاونی نظامی و ارگ شاهی و جای حکومتی و محکمه و دفتر وغیره باشد بنا خواهد شد و ساخته می شود تعمیر شهر معطل خواهد بود دیده شود اما این فقره بصلاح و رضای عامهٔ مردمان

تعلق دارد که وکیلان درست معین ومنتخب کنند ووکیلان باقوام خودها حرف زده بعد باشرف حضور شوند بعد ازانکه حرف معلوم شد خدا بخواهد بندوبست ان یك اصول درست فرموده خواهد شد جانها فدایت همهٔ مایان که وکیل شده امده ایم یك اتفاق ویك زبان از جانب خودها واقوام خود عارض میکنیم که در اول جلوس به ذات شاهانه همه بطیب خاطر و رغبت خود به صدق دل بیعت کرده ایم وعهد نامه ها داده ایم که بهمه حال سر ومال وجان واولاد ما فدای رضای پادشاه محسن ما اعلیحضرت والا خواهد بود بوقت خدمت که بخارج پیش شود بجان ومال دریغ نداریم وبموقع که خدمت داخلی پیش آید بکوشش بدنی ومال مضایقه نمیکنیم هر آینه پادشاه ترقی خواه ما که این همه معموری ها به این عرصهٔ سیزده سال جلوس خود به روی کار آورده اند مثل بند سراج غزنین که یك کار عمده و بزرك و باعظمت و پرفایده است وشهر سراج قندهار که یك مملکت نوآباد شد ودیگر انهار و معموری ها وپل ها وراه ها وغیره وغیره از برای نفس خود نکرده اند برای ترقی ملت ودولت کرده اند وبا انتظامات نظام و اسلحهٔ لایق و کوشش های که بقوهٔ حربی سلطنت کرده اند وبرای حفظ دین و ناموس ملت نموده اند بس این بنای خیر راکه خیال دارند برای خیر دولت ورعیت و آبادی ملت ملاحظه دارند والاشنیدن ذات شاهانه رایك قصر استور که اذا آرزو قصور دولت است کفایت است لهذا بسیار خوشی کهمك ومدد درکار شهر مذکور میکنیم وهمه طوایف بیك اتفاق و بکدل بی تکلف عرض میکنیم که انجه کار که مناسب دولت باشد از دولت خرج خواهد شد وانچه ازقسم نفری مردکار که برای تعمیر قلعهٔ شهر و چهاونی و ارك باشد بقدر لازمه بقرار تقسیم نفوس همه طوایف حصه حصه معین میکنیم ومردکار نوبت کهمك وحشر میدهیم — وسوق وکاروان سراها ودکان ها وحمام ها یك اصول از حضور معین خواهد شد که هر تاجر وکسبه بقرار نقشه خواهد ساخت و خرج از خود خواهد کرد واز دمیکه کرایه را بدولت خواهد داد وبالمقابل از دولت نفری و مصالح خرج خواهد شد کرایه و امدنی ان بدولت تعلق خواهد گرفت — حویلی وسرای وبیوت کار داران وتجاران ونیابت رعایا بقرار نقشه هر طایفه وهر قوم وهر کسی برای خود به خوشی رضای خود خواهد ساخت الحاصل کهمك نفری اوسی به درستی وخوشی وبه مسرت درست میسازیم ومیکنیم طرح و اصول کارزا اعلیحضرت بهتر میدانند هر کار را که اول لازم بدانند مایان در کهمك نفری مضایقه ودریغ نداریم این عرض مایان که تفریق صنف کارزا نشان دادیم بقرار فکر خود مایان است چونکه فکر پادشاه پادشاه فکرها است بهرکار که ضرورتر وبهتر سرکار والا بدانند کهمك مایان رامایان کهمك ومدد میکنیم انشاء الله تعالی زیاده از خداوند میخواهیم که همه یکنامیا بدنیا از پادشاه ترقی‌خواه ظاهر شد یك شهر لایق و اهل هم یادکار بنام اعلیحضرت والا بصفحه روزکار باقی خواهد ماند ایام امین باد زیاده والدعاء عمرت از خواهش ما افزون باد تحریر فی یوم چهار شنبه ۲۵ شعبان المعظم سال اودائیل سنه ۱۳۳۱

(دستخط ومهر وکلای مردم اندری)

ملا سلطان جانخان ولد شیردل خان قوم لکن خیل طایفهٔ اندری کیدان ملکی. ملا محمد غوث خان ولد جلال‌خان قوم موسی خیل طایفهٔ اندری اجیدن ملکی . عبدالغفار خان ولد عبدالقاهر خان قوم مرجان خیل طایفهٔ اندری کیدان ملکی . خداداد خان ولد عبدالعزیز خان قوم جلال زائی طایفهٔ اندری . حاجی عبدالرحمن خان ولد حاجی بطال قوم مرجان خیل طایفهٔ اندری . ملك دین محمد خان ولد سلطان محمد خان قوم عموزائی لکن خیل طایفهٔ اندری

(دستخط ومهر وکلای رعایای مقر)

محمد عزیز خان ولد مرحوم محمد صدیق خان قوم فیروز خیل طایفهٔ ترهکی کیدان ملکی . عبدالرشید خان ولد محمد حسین خان قوم فیروز خیل طایفهٔ ترهکی اجیدن ملکی . محمد رفیق خان ولد غفار محمد خان قوم فیروز خیل طایفهٔ ترهکی . نامه دار خان ولد مهردار خان قوم علی خیل خودزائی . باز محمد خان ولد غلام محمد خان قوم ماهیر خیل علی خیل اجیدن ملکی . محمد جهان خان ولد احمد خان قوم بدین خیل طایفهٔ ترهکی . محمد افضل خان ولد داد محمد خان قوم بدین خیل طایفهٔ ترهکی . عبدالله خان ولد پهلوان خان قوم کرز خیل ترهکی خود اودن کوهستان پار محمد پسر عموی او حاضر هستم کپطان ملکی . پیر محمد خان ولد حاجی عبدل قوم سهول خیل طایفهٔ ترهکی . حاجی غلام محمد خان ولد ایشان دوست محمد خان قوم کرز خیل طایفهٔ ترهکی محمد علی خان ولد باز محمد خان قوم سهول خیل طایفهٔ ترهکی

(دستخط ومهر وکلای رعایای تاجکیهٔ غزنین)

میرزا محمد علی خان ولد مرحوم غلام حیدر خان . نائب محمد افضل خان ولد نصرالله خان ساکن منکور . ملك جلال الدین خان ولد شمس الدین خان ساکن آرزو

(دستخط ومهر وکلای رعایای قوم وردك)

عبدالغیاث خان ولد محمد عثمان خان قوم نوری وردك کپدان ملکی. غلام قادر خان ولد میر افضل خان قوم معیار وردك کپتان ملکی. محمد سرور خان ولد غلام حیدر خان قوم معیار وردك . محمد عثمان خان ولد سردار خان قوم معیار وردك . ملك غلام نبی خان ولد میرزا محمد خان قوم میرخیل وردك ساکن تنگی اجیدن ملکی . ملك جمعه خان ولد ملك عبدالعزیز خان ساکن بهانی وردك طایفهٔ میرخیل . جهان خان ولد رحیم خان ساکن تنگی وردك قوم نوری کپطان ملکی . محمد عظم خان ولد قسمت خان ساکن خلیل خوات ملك یار خیل . حبیب الله خان ولد ملك شیرجان خان قوم دولت خان جهل ور دل ساکن اوکه راز . عبدالکریم خان ولد حسن محمد

خان ساکن کودهٔ وردك سپاه اوریاخیل . ملك نذیرخان ولد حاجی محمد کرنیل فوتی طایفهٔ نوری وردك . گلوزیر جاردهی ولد ملك خداداد میر خیل وردك . عزیز خان الدوکی وکالت خط او با ملك غلام یکجا مخلوط آمده کیدان ملکی . محمد اعظم خان ولد نظراب خان میرخیل . جمعه خان ولد ملك اله داد خان اسمعیل خیل ساکن شیخ اباد وردك . ملك میرداد خان ولد ولی داد خان الخی وردك نوری

دستخط ومهر وکلای قوم هزاره تعلق غزنین

میرزا محمد حسین خان ولد امام قلی خان . محمد یوسف خان جغتو ملك محمد امیم خان خواجه میری . جانعلیخان وکیل جغتو . علی محمد خان ولد غلام حسین خان وکیل محمد خواجهٔ کیدان ملکی . حاجی باز محمد خان ساکن قره باغ غزنین وکیل جهاردسته .

متفرقه

غلام سرور خان وکیل مردم جاقی افغانیهٔ متفرقهٔ قره باغ . حاجی دوست محمد خان میی خیل کوچی . سربلند خان ولد قاسم خان خروتی کوچی . نور خان سلام خان دوتانی کوچی تجار

دستخط ومهر وکلای رعایای اقوام لهوکرد وچرخ وخروار

خواجه حسن ولد محمد جعفر خان تاجك برکی راجان . شاه سمند خان ولد قلندر خان تاجك برکی راجان . غلام جن خان ولد عطا محمد خان شاهمزاری . ملك محمود خان چلوزائی . ملك عبدالمجید خان درباخیل خروار . محمد انور خان ولد حاجی محمد عمر خان یوسف خیل خروار . عظیم الدین خان ولد محمد نظر کدای خیل خروار میرزا محمد صدیق خان برکی راجان . میرباقر شاه خان چرخی برادر زاده یاقوت شاه خان . غلام محی الدین ولد خان شیرین خان قوم تاجك ساکن چرخ حسکراه وکیل تعلقهٔ فیض محمد خان ولد محمد خان

دستخط ومهر وکلای رعایای اقوام زرمت وگردیز

عبدالغفور خان ولد دوست محمد خان قوم محمود زائی فتح خیل زرمت ملك خال محمد خان ولد محمد علم خان قوم یوسف خیل . طرهباز خان ولد محمد دین قوم احمدزائی . ولی محمد خان ولد سعدالدین خان قوم تاجك ساکن کرماتی‌های گردیز .

دستخط ومهر وکلای رعایای اقوام سلیمان خیل وکتواز وسرروضه

محمد یعقوب خان ولد حاجی محمد الیاس خان سلطان خیل خان کتواز حیات خان ولد سردار خان قوم جلالزائی سلیمان خیل . حاجی عرض بیگ وحیدر خان پسران ولد آدم خان قوم ادین خیل نور محمد خان ولد میا خان ساکن شرن قوم مزائی . شایسته خان ولد ظفر خان قوم علی خیل ساکن موشی خیل کتواز . عبدالرحیم خان ولد عزیز خان ادین خیل سلیمان خیل کتواز . ملا عبدالرحمن ولد فضیلت پناه قاضی ملا عبدالله . سیف الدین خان سرروضه والبه خروتی الله محمد خان تعلق ارگون وفتی

دستخط ومهر وکلای رعایای اقوام جاغوری ومالستان هزاره

عبدالعلیخان ولد سردار شیر علیخان . میرعلی ارباب ولد میر محمد اعظم علی حسن خان کپتان ملکی وعلی اکبر خان مالستانی .

بهسود هزاره

محمد حیدر خان ولد میراباز بیك قوم قبطسان . غلام شاه خان ولد خان جان خان قوم دولت پائی

صدو خان ولد محمد عالم قوم ملاخیل تلندرخیل وکیل طایفه ملا خیل اجرستان

(سواد فرمان مبارك)

(که برای وکلاء هر طوایف بموجب عریضهٔ شان)
(فرامین جداگانه از پیشگاه حضور مبارك)
(اعلیحضرت انور والا مرحمت شده)
(چنانچه نقل یك فرمان این است)

عزت وصداقت همراهان خوانین وملکان وریش سفیدان ورعایهٔ رعایای طوایف اندری عالیجاهی به الطاف پادشاهی امیدوار بوده بدانند — قبل ازین از حضور اعلیحضرت والای ما اسمی عالیجاهان عزت همراهان امیر محمد خان برکی ملکی حاکم غزنین ومیرزا عبدالاحد خان برکی ملکی خان سمت مشرقی فرمان اصدار یافته بود که اعلیحضرت والا خیال آباد نمودن شهر جدید سراج الاد غزنین را دارند هرگاه کل اقوام برای مشوره بحضور خواسته شوند برای رعایا تکلیف میشود پس قوم هر قوم بخیر بدهید که از طرف خودها وکیل‌های دانسته بگیرند ووکیل‌های هر قوم بحضور حاضر شوند که بحضور درباب آبادی شهر جدید غزنین همراه وکلاء شان حرف بزنند لهذا میرزا خان وملکان که همه وکیل از جانب اقوام خودها بودند از طوایف ترکی واندری ومیخیل متر وسلیمان خیل کتواز وتاجکیهٔ غزنین وافغانیه وتاجکیهٔ زرمت وافغانیه وتاجکیهٔ ارکون وقطن وسرروضه وخروتی ولوهانی وخروتی ودوتانی تعلقهٔ غزنین وطوایف وردك وطوایف هزاره بهسود وجاغوری ومالستان وطایفهٔ ملا خیل اجرستان وتاجکیه وافغانیهٔ چرخ وخروار وتاجکیهٔ لهوکرد ومردمان جغتو وافغانیه وهزارهٔ قره باغ غزنین از وکالت خط های شیان بمعرفت عالیجاه میرزا عبدالاحد خان برکی ملکی شرفیاب حضور انور والا شده ودر ذیل آن یك قطعه وکالت خط از جانب شما طوایف اندری المورخه شهر جمادی الثانی سنه ۱۳۳۱ جمهوری واهالی محکمهٔ شرعیهٔ غزنین وملکان وخوانین وتام‌تویس وجرگه شیان بود بتاریخ یوم چهار شنبه ۲۵ شعبان المعظم سنه ۱۳۳۱ از ملاحظهٔ حضور ما گذارش یافت اقرار واظهار داشته بودید که جمهوری میان از طرف خودها همراه ملا سلطان خان کیدان ملکی قوم لکی خیل وملا محمد غوث خان قوم موسه خیل و خداداد خان

قوم جلال زائی وعبدالغفار خان قوم مرجان خیل کیدان ملکی وحاجی عبدالرحمن خان قوم مرجان خیل وملک دین محمد خان قوم موزائی لکن خیل را وکیل خودها گردانیدیم که وکلاء مذکورین بحضور مبارک اعلیحضرت والا حاضر شوند ودرباب آباد نمودن شهر موصوف هر حرفی که اعلیحضرت والا سوال کنند وحرف زنند همان عرض وکلاء مایان عرض مایان است لهذا وکالت خط ووکیل های شما ودیگر طوایف مذکور فوق به حضور مشرف شده همراه همهٔ شان حرف زده شد وآنها همه عریضهٔ علیحده تقدیم حضور داشتند (چون نقل عریضه اهالی عیناً نوشته شده بود بتکرار آن لزوم دیده نشد)

صداقت همراهانا عریضه ووکالت خطهای همه طوایف فوق سراپا بملاحظهٔ حضور والا رسید از حسن نیت واتفاق واخلاص شمایان که رعیت صادق دولت هستید وطریقهٔ غیرت ودین داری وهمت شمایان خاطر خدیو لا را خورسندی زیاده دست داد زیرا که خیال اعلیحضرت مزه مضامین معروضه ووکلای شما موافق آمده در صورتیکه نیت پادشاه ورعیت یک کار براو افتاد اگرچه کلان وعمده باشد خدای تبارک وتعالی آن را سهل وانجام خواهد داد وبتجربه شمایان وجمیع اهالی افغانستان معلوم شده است که هیچ کاری از حضور والا برعایای صادقهٔ خود تکلیف نمیفرمایند تاعاقبت بینی وملاحظه خیر ملت ودولت پیش نهاد خاطر نباشد اگرچه این کار عمده وبزرگ است اما برای یک روزی کار آمد خود ملت ودولت خواهد شد واصول آن مدنظر چنان خواهد بود که برای یکروز مبادا کار آمد دولت وملت بوده همه وقت تجارت وسکونت وجمعیت جمع وجوش آبادی لایق بدولت شما باشد ونیز کار مذکور آنچه شایان دولت باشد دولت خواهد کرد وآنچه کمک ملت باشد شمایان طوایف فوق الذکر کمک وحشر نفری خواهیدداد وتقسیم آن از هر محال از روی نفوس وگنجایش آن خواهد شد ور شمایان تکلیف شاق هم نمی شود زیرا که اینقدر طوایف زیاد که شامل شده همت واتفاق اینقدر مردم وتوجه سلطنت وپادشاهی یک وضع درست تکمیل می خواهد انشاءالله تعالی وضع اینکار در حالیست تهیه واساس آن سال آینده بوقت بازگشت جلال آباد خواهد شد و کار آن انشاء الله تعالی سال آینده ۱۳۳۲ شروع شده بعرصهٔ چند سال که ممکن باشد اتمام خواهد شد انشاء الله تعالی مطالب ازین شرح وبیان این است که همهٔ شمایان واقف بوده بمطلب ومقصود این کار که روی کار می آید دانسته وحالی باشید زیاده از خداوند عالم خواسته در خواست مینمایم که از برای شمایان واولاد شمایان وجمیع اهالی افغانستان خیر وبرکت وعمر با ایمان نصیب کند وشما وجمیع اهالی افغانستان را از زخم چشم زمانه ودست برد اعداء در حفظ وحمایت خویش مصئون ومامون داشته باشد واز بلاها وپریشانی ها محفوظ داراد چون لازم بود که از رسیدن وکالت خط ووکیل های شما ومعروض ایشان وشنوائی ومرخصین آن مفصل خبر داده شود اکنون بذریعهٔ فرمان هذا شما را خبر داده شده ووکلای شما به خلعت فاخره سرافراز شده مرخص شدند ازین طرف قرین الشرف خاطر خود هارا آسوده دارید که خیریت کلی حاصل والطاف خداوندی شامل است فقط تحریر یکشنبه بیست نهم شعبان المعظم سنه ۱۳۳۱ دستخط ومهر مبارک (سراج الملة والدین)

بیست وچهار قطعه فرامین همه بدستخط ومهر مبارک برای طوایف که در عریضه جدا جدا معلوم است برای هر طایفه یک فرمان به مضمون فوق عنایت شده است فقط

احسان شاهانه

قبل ازین از طلب فرموده شدن نائب الحکومهٔ (قندهار) نائب سالار ملکی وسردار درجهٔ دوم جناب (سردار محمدعثمان خان) نوشته بودیم . وگفته بودیم که ذات مشارالیه یکی از مأمورین با اقتدار وکار گذار دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما میباشند . خدمات لایق وصداقتهای فائق که از ایشان در مدت مدیدهٔ مأموریت شان بدولت علیهٔ خداداد سرزده وفعالیتی که درباب حفریات وعمارات (نهر سراج قندهار) ، وساختن پلها وسرکها ، وحسن ادارهٔ ولایت موافق برضای اعلیحضرت متبوع مقدس خود بکار برده مستوجب حسن توجهات جهاندرجات اعلیحضرت پادشاهی شده یک قطعه نشان دیرشان (استور) که از نشانهای عمدهٔ دولتی شمرده میشود از طرف ذیشرف اعلیحضرت پادشاهی نایل وسزاوار گردیدند .

جناب نائب الحکومه از حضور اعلیحضرت همایونی مرخص فرموده شدند ، وچنانچه قبل از چند روز فرزند ارجمند خود شان را بسواری عرادهٔ موتر بقندهار ارسال نموده بودند خود شان نیز درهمین دوسه روز بسواری عرادهٔ موتر عازم محل مأموریت خودشان میشوند که انهم دلیل واضحیست که سرک قندهار بدرجهٔ کامل برای رفت وآمد موتر پخته وآماده وقابل گردیده است . توفیق رفیق شان باد .

دیگر

از طرف قرین الشرف ذات اعلیحضرت پادشاهی سینهٔ صداقت دفینهٔ جناب (دوست محمدخان ناظم) حاکم سمت جنوبی بیک قطعه نشان ذیشرف وشان (استور) مفتخر وممتاز گردیده بصوب مأموریت شان رخصت شدند . حاکم مشارالیه نیز درایام سفر سعادت اثر ذات اعلیحضرت پادشاهی بسمت مشرقی از خوست طلب فرموده شده بود ، ودر دار السلطنهٔ کابل شرفیاب حضور همایونی گردیده ، ودر مدت بعضی سررشته های مهمهٔ درباب اصلاحات آن سمت حاصل کرده درهمین دوسه روز بصوب مأموریت خودشان حرکت میکنند . امید میکنیم که جناب ناظم دربارهٔ در خصوص اصلاحات وانتظامات آن سمت ونواحی متعلق

وکرم ذات اقدس آلهی وسایهٔ توفیقات آیهٔ اعلیحضرت پادشاهی بحسن صورت ودرستی موفق وکامیاب آیند .

(وفات اسف انگیز)

بکمال افسوس وتمام حسرت ازخبر وفات اسف انگیز کریمهٔ جناب مستوفی الممالک میرزا محمد حسین خان نائب سالار ملکی ونظامی شدیم . چون ذات مشار الیه یک شخص بسیار لایق ویک خدمتگار صادق دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ملت بود این کدورت ومصیبت شان جداً محزون ومکدر شدیم . از درگاه خدا وندی صبر جمیل شان را استغاثه کرده بیان حزن و تعزیت مینمائیم .

اعتذار

چون کاغذیکه سراج الاخبار افغانیه بران چاپ میشد تمام گردیده ، وبرین کاغذ موجوده تصاویریکه چاپ شود هیچ یک رونق نمیگیرد لهذا تاموجود شدن کاغذ این شماره و شمارهٔ آیندهٔ مابدون تصویر چاپ میشود .

یاد آوری

(سراج الاخبار افغانیه) بکمال مسرت وافتخار مشترکین کرام خودرا یاد آوری کرده عرض میکند که سال دوم مابالنجاهٔ شمارهٔ (۲۴) که میعاد انتشارش درغرهٔ ماه شوال المکرم است ولی بسبب تعطیلات ایام عید مجبوراً بعد از چندروز از وعدهٔ خود میبراید بانجام میرسد .

البته ذوات محترمی که در خارجملک آرزوی اشتراک را بسال سوم این روزنامهٔ خادم اسلام ووطن داشته باشند قیمت سالیانهٔ آنرا پیشکی بوکلای خارج ما فرستاده اسامی شانرا دردفتر مشترکین قید وثبت خواهند فرمود .

حوادث خارجیه

اجمال سیاسی

دنیادار انتقام است . بلغارها مجازات کردنیهای خودرا دیدند ظلم دوام ندارد . ظلمهائیکه این طائفه برخلوق خدا روا داشته اند تاحال هیچ دیده وشنیده نشده است . آن بلغارهائی که دراول امر بیرق صلیب را برداشته اعلان کرد که من برادران دینی ماکدونیائی خودرا از ظلم ترکها رهانیده هم وبه آن سبب صرب و یونان و کوهیارا نیز باخود شریک ساخت . بیچاره‌ها چه میدانستند که درزیر این کلمهٔ برادری چه کلمهٔ برادر کشی پنهانست ! حتی اوروپا نیز این تشبث صلیب پرستانهٔ اخوتکارانهٔ بلغارهارا بنظر تقدیس واستحسان دیده باوجودیکه هزاران قریه‌ها وکاروانهای آنهارا دیدند وشنیدند هیچ صدای خودرا بالا نکردند . تاآنکه مسئله فیصله یافت . وبه‌هزاران نفوس زن ومرد وطفل وپیر اسلام مقتول ومصلوب ومحروق زنده مدفون گردیدند . اگر مقصد همین بودشد گرکدی باقی نماند .

نی نی . مقصد همین نبود . بلغارهای خام طمع افکار زهرداری دیگری داشتند که بزودی بمیدان برامد . یعنی بعد ازانکه بقوت ومعاونت متفقین خود دولت ترکیه را مغلوب ومقهور ساخت چشم طمع وحرص را برخوردن همهٔ ماکدونیا دوخت که مقصد یگانه اش از اول هم همین بود . نه تنها ماکدونیا بلکه البانیا را نیز فرو بردن . وازبحر سیاه تابه بحرادریاتیک یکدولت بلغارستان بزرگ تشکیل دادن بود . ازان بود که ازیکطرف یونان وصربستان‌را ازحدود اراضی که دروقت اتفاق دراینباب هیچ گفتگوی نداشت پس ترتیب کردن گرفت وازدیگر طرف برخط حدودیکه بتوسط دول اوروپا درمابین میدیه وانیوز عثمانی کشیده بود قناعت نورزیده بیشتر اراضی طلب مینمود . همان بود که صرب ویونان بااین حرکات حقوق شکنانه واین حرص وآز طمعکارانهٔ متفق خود تحملرا خارج دائرهٔ امکان دیده باو در آویختند .

بلغار ، نقشهٔ که از اول کشیده بود همین بود که چون بقوت بازوی صرب و یونان عثمانی را محو کند اول کارش همین باشد که کار صرب و یونان راتمام کند . تابه آنوقت در زیر حمایهٔ روس بران مقصد خود کامیاب گردید . چون آن کار تمام شد برای پامال کردن صرب بطرف حمایهٔ اوستریا دوید چراکه اوستریا نیز بودن صربرا دردنیا آرزو نمیکرد . ولی چون آن دیک خیال پلو شیرینش برسر خودش چپه شد یعنی همان جنرال (ساووف) پهلوان شان که می گفت در ظرف دوسه روز به پایتخت یونان وصرب میدرایم ازپیش عسکر صرب مانند روباهی که از تازی بگریزد تابه صوفیه فرار نموده در غار درامد .

ازروش احوال بخوبی معلوم گردید که بلغار هیچ مردی نبود هرمردانگی که داشت بقوت متفقانش بود . ازینهم معلوم میشود که درینعصر وزمان یکدولت اگرهرقدر پرقوت هم باشد بادوسه دولت متفق کاری ازپیش برده نمیتواند . یعنی زمانهای ناپولیون بوناپارت به اینزمان قیاس قبول نمیکند .

دولت علیهٔ عثمانیه درین گیرودار منفعلا تماشابین مانده نمیتوانست . چراکه اینهمه خونریزیها درخاک خودش ، وبرای خاک خودش بوقوع می آمد . دولت رومانیا که دراول امر بوعده‌های بلغار ساکت مانده بود مؤخراً آن وعده‌هارا نقش برآب وبرآن شاخ آهو یافت . ازانرو بتیغ دست برد . پس دولت عثمانیه اگر درچنین فرصتها استفاده نمیکرد نابعد بجز ضرر هیچ سودی

نمودند . همین بود که بیك سرعت عظیمهٔ بکار آغاز نهاده ادرنه وقرق کلیسا وغیره را پس از داد محمود که سراسر حق بدست داشت . عهد وپیمان که بادول متفقه نموده بود تا بهآن توقف بود که آنها متفق بودند . وچون اتفاق آنها برهم خورده یکدیگر دشمن شدند عهد وپیمان ازطبعاً برهم خورده پس جنك باید درگیرد . چنانچه درهم گرفت . وخوب در گرفت . ازدست رفتن ادرنه حقیقتاً همه مسلمانارا جگرخون نموده بود . هزاران شکر که در جامع سلیم صوت ناقوس بازه بآذان محمدی مبدل گردید .

درین بساط شطرنج بازی بالقان که بازی کنندگان آن در حقیقت دول معظمه میباشند حالهای بسیار نجیب ونافی گرفته هیاهودولت انکلیز است . هنوز نتیجه معلوم نیست که چه خواهد شد .

(حالات محاربهٔ بالقان وغیره)

ازترجمه‌های اخبارهای انگریزی واردو که ازطرف ترجمان بیت‌العلوم بادارهٔ رسیده است

صوفیا ــ موسیو گیشف وزیرخارجه جمهوریه بارلمنت بلغاریه بیان نمود که من یقین کامل دارم که دول یوروپ ترکان را اجازه عبور نمودن از حدود مرزیکه دول مذکوره مقرر نموده اند نخواهند داد

قسطنطنیه ــ یك حصهٔ سواران رساله ترکی زیر امر کرنیل ابراهیم بیك بعد ومعاونت یك حصهٔ فوج متحرك پیاده برادریانوبل قابض گردید ــ کمان افسر فوج متحرك پیاده انورك بود ــ انورك مسافت ۵۰ میل را درظرف ۲۴ ساعت طی نموده بود ــ

ازلندن خبرآمده است که ارنیه وقاریك ماوس والسردیک رسوفیا ضبط گشته است اگرچه ازین ترتیب که دول یوروپ ترکرا مجبور خواهند کرد که معاهدهٔ لندن را بنظر احترام بنگرند قدری تسکین پیدا میشود وازتلگرافیکه زارروس بشاه فردیند بدین مضمون فرستاده که روس متحمل تذلیل بلغاریه هرگز هرگز شده نمیتواند زیاده‌تر تسلی حاصل میشود ــ

انتشار مرض هیضه

ازخبرهای مختلفه چنان معلوم میشود که مرض هیضه بشدت تمام درافواج بلغاریه انتشاریافته است ــ مرض مذکوره درافواج یونان نیز سرایت کرده است ــ منظر حصهٔ ممالك که درآن جنگ جاری است ازحد خوفناك ووحشت انگیز معلوم میشود ــ که علاوه ازبلای آتش زدگی وشمشیر زیاد شده است ــ هزارها مردم خانمان برباد وآواره گردیده درسرك‌ها افتاده‌اند وجنگ بدستور تمام جاری است ــ

(اظهار تشکر وشادمانی)

قسطنطنیه ازسبب تسخیر ادریانوبل درجمیع مساجد قسطنطنیه امروز نماز دوگانه بغرض شکر ایزد رب ذوالجلال والاکرام اداء نموده شد وعوام‌الناس مسرت وشادمانی فراوان کردند ودرباب مسئلهٔ ادریانوبل یك جلسه عظیم‌الشان برپانموده بنابرین جمیع فرق قسطنطنیه اتفاق ویگانگت قائم کرده خواهد شد ــ

(روس واسطریا واتحادیان)

ایتهنز ــ روس واسطریا یونان وسرویارا ازحد ترغیب میدهند که چونکه حالت زاربلغاریه ناگفته بهاست بنابرین لازمی است که معامله التوای جنگ بسرعت تمام طی نموده شود ــ

(اخبارات جرمنی)

اخبارات جرمنی ازآن تکلیف وتعجبی که بوقت اختیار کردن دول یوروپ تجاوز جابرانه برخلاف ترکی پیدا خواهد شد خبرکلی دارند ــ آنها اشارة بیان میکنند که ممکن است که قضیه مسئلهٔ حدود بندی درحق ترکی حالازیاده‌ترمفید ثابت خواهد بود

قسطنطنیه ــ درقسطنطنیه بطور رسمی شایع گردیده است که بلغارها قبل از پس شدن از کرك کلیسا ذخائر سامان حرب جبه‌خانه‌ها وعمارات مرکزی را برباده بودند ــ باوجودیکه مکنی وکرووار باشندگان باندر جوش وخروش اظهار مسرت وشادمانی نمودند که از احاطهٔ تحریر بیرون میباشد زنان ازفرط مسرت گریه کنان بعساکر عثمانی گل افشانی میکردند ــ

(روانگی وکلای مختار)

وکلای مختار دول اتحادیان بطرف بخارست روانه شده میروند . وزیر بلغاریه موسیو توك جیف ووکیل مختار یونان موسیو رالس نیز روانه شده اند ــ موسیو ونیزلوس قبل از روانگی بطرف بخارست برای ملاقات پادشاه یونان در سالونیکا رفته است

(مسقط)

خبرهای مسقط مظهراست که در هفتهٔ گذشته بر قلعهٔ شماییل یك حملهٔ بیسود کرده شده بود ــ سلطان یقین کامل دارد که او بمدد قوت موجوده اینده افواج زبردست خود دفع کرده میتواند .

قسطنطنیه ــ مال غنیمت که بعد از تسخیر ادریانوبل بدست عساکر عثمانی افتاده است قرار ذیل میباشد .

۱۵۰ عراده توپ که ۷۵ عراده توپ خالصاً از بلغاریه میباشد وچهل هزار تفنگ از قسم موزر ــ یك ملیون جوال گندم ودو هزار جوال آرد .

(اخذ انتقام)

پاشال به عساکر عثمانی احکام سخت فرستاده است که از اخذ انتقام باز آیند مگر در قریهٔ مذکور از شنیدن قصه‌های جوروستم لا تعداد بلغاریه آتش غیظ وغضب شعله زن شده است ــ دو نفر مسلمانان رابجرم قتل بر مقام ملکراو دو دستور سزای موت وهشت نفر دیگر را سزای حبس مابین سه وهفت سال داده شده است .

سالونیکا ــ اهل یونان از استحکامات کریته بزور بازو

عبور نموده بربلغارها هجوم کرده حمله نمودند بلغارها بجانب جومایه سه عراده توپ را گذاشته فرار نمودند

مورخهٔ ۲۸ ماه جولائی

آتهنز — شاه کونستانتین تجویز مهلت جنگ برای سه روز باز مستردنموده است وبنابرین جنگ بدستور جاری خواهد ماند یعنی درزمان انعقاد مجلس مخابرت جنگ نیز جاری خواهدماند

محاربهٔ کریسنه

جنگ که درده هائه دره کریسنه بوقوع آمده از شدید ترین جنگ ها گفته می‌شود — جنگ مذکور دو روز متواتر جاری مانده بود .

(ترکان در ادریانوپل)

قسطنطنیه — ولیعهد ترکی معه پسر سلطان المعظم بطرف ادریانوپل روانه گردیده اند — در آنجا استقبال شان بجوش وخروش کرده خواهد شد ودر برید مدیم ایشان نظامی اشتراک خواهند ورزید — دیگر افسران نیز برای سررشتهٔ انتظام ملکی رفته اند

(آمدورفت ریل مخصوصه)

آمد ورفت قطار ریل مخصوصه مابین قسطنطنیه وادریانوپل روز پنجشنبه باین غرض جاری کرده خواهد شد که مسلمانان نماز فریضهٔ جمعة المبارک در مسجد سلیم واقع ادریانوپل ادا کرده بتوانند .

سالونیکا مورخه ۲۹ ماه جولائی

جنگ بلغاریه ویونان

بلغارها بتاریخ ۲۷ ماه جولائی برسیدن کمک جرأت داری یافته بهمراه فوج یونان که در تعاقب آنها روانه شده بود متقابل گردیدند ودرمقام جومایه یک جنگ شدید وخونریز برپا گردید — بلغارها ازیونان که طاقت آن سه‌چند بلغاریه بود یک استحکام را بزور برچه تفنگ گرفتند مگر بالآخر بلغارها بعداز برداشتن نقصان عظیم درعقب افتادند —

چونکه درفن محاربه جنوب مشرقی یوروپ تغیرات بوقوع آمده است بناءً علیه آستریا هنگری در تعداد افواج خود یک اضافه معقول خواهد نمود —

مباحثه برحالات ایران

در حین بحث دار الامرا . درباب حالات ایران لارد کرزن بیان کرد که در حصهٔ جنوبی ایران علاوه از ترتیب وقیام جندارمه دیگر اصلاح نیز ضروری میباشد عنقریب سرکار برطانیه درباب تقرر افسران انگریزی هند در ایران بر غور و خوض مجبور خواهد شد — لارد مارلی جواب داد که تجویز فرستادن افسران هندی در ایران از عرصهٔ سه سال زیربحث میباشد مگر از غور و خوض مزید ثابت شده است که این تجویز کار آمد و مفید نمیباشد فقط

ترکان در ادریانوپل

قسطنطنیه — ولیعهد عثمانی دیروز درشهر ادریانوپل داخل شد وافسران ملکی ونظامی وعلمای دین‌متین استقبال او بسیار گرم جوشی نمودند

ولیعهد موصوف بجواب خطابهٔ خیر مقدم بعد ازبجا آوری شکر ایزد تعالی بیان کرد که ادریانوپل دار الخلافهٔ ثانی ترک ازسبب دلیری وشجاعت عساکر عثمانی بازدر تصرف ترک آمده است — بعد از جانت باشندگان ادریانوپل انعقاد یک جلسه عمومی نموده برین امر قرار دادند که جمیع اهالی ادریانوپل متمنی و خواهان این امر هستند که‌زیر سایهٔ عاطفت ترک حیات مستعار را بسر برند ..

قسطنطنیه — ولیعهد عثمانی بذریعهٔ اعلان خاص کرده است که . من ظن کامل دارم که یوروپ در حقیقت نمی خواهد که ادریانوپل را از ترک غصب نماید ادریانوپل امروز نسبت بسابق نزد ترک زیاده تر مقدس و عزیز میباشد فقط

عیناً مکتوب

فرحت مسلمانان پشاور

اللهم انصر من نصردین محمد — واخذل من خذل دین محمد الخ

اگرچه عموماً خبر فرحت اثر دوباره قابض شدن ترکان بادریانوپل دردنیای اسلام طوفان جوش ومسرت برپانموده است لاکن خصوصاً اظهار مسرتیکه درین باب باشندگان پشاور نموده اند بالخصوص قابل ذکراست .

یوم چهارشنبه چون خبرفتح ادریانوپل بذریعهٔ تار موصول شد . متنفسی نبود که ازفرط مسرت وشادمانی از خود رفته باشد واز شور مبارکباد درزمین و آسمان یک همههٔ محیرالعقول نه پیچیده باشد — شب جمعه بازارها وخانه ها ومساجد پشاور از باعث چراغان یک بقعهٔ نورگشته واززوادی ایمن یادمیدادند . وجا بجا مجالس ختم قرآن ودرود ومحافل وعظ ونصایح ترتیب یافته ودرمساجد جهت ادای نافلهٔ شکریه اجتماع عظیمی بنظر می آمد بساعت نه شب اکثر اهالی بلده از کوچک وبزرگ ووضیع وشریف برون کابلی دروازه دروکتوریه هال گرد آمده اظهار ابتهاج وتبریک می‌نمودند وانعقاد وانحصار این مجالس برآن بود که ازطرف سائر مسلمانان هند عموماً واز جانب مسلمین سرحدیه خصوصاً عرضداشتی تلغرافیه بحکومت هند فرستاده شود که دولت انگلیس دراین باب مسلک بیطرفی وغیرجانبداری چنانکه از اول اختیار کرده است معمول دارد وازهیچ طریق برمداخلت

اندام نماید — چنانچه بعد از اتفاق آراء سائر اعاظم و عمائد مجلس امضاء بر آن داده و ختم مجلس بر دعای ترقی و ازدیاد قوت و شوکت اسلام و مخذولیت و منکوبیت اعادی دین حضرت خیر الانام اتمام پذیرفت .

مقالهٔ مخصوصه

واعظ — ناصح — مرشد

این هر سه کلمه عربیست که در فارسی بمعنی اندرز کننده ، پند دهنده ، رهنماینده مستعمل میشود . واعظ همان اشخاصیست که در مسجدها مردمانرا نصیحت و پند میدهند . ناصح هر شخص نصیحت کننده را میگویند . مرشد آنست که در طریق تصوف به اسرار حقایق رهنمائی کند . و پیر طریقت یا شیخ طریقت نیز گفته میشود .

وعظ ، نصیحت ، رهنمائی از احتیاجات ضروریهٔ جمعیتهای بشریه است زیرا همه افراد جمعیت بهمه چیزها واقف و باخبر نیستند و بهمه خیرها و شرها آگاهی ندارند . لهذا همان مردمانی که باخبر تر و آگاه تر باشند ضرور است که دیگر افراد بیخبر و ناواقف را بدرجهٔ باخبری و آگاهی خود به اندرز و پند رهنمائی کنند . و از امور خیر و شر واقف ساخته بطریق حق و صواب رهبری نمایند . و از ینست که حضرت فخر کائنات پیغمبر برگزیده صفات ما صلی الله علیه وسلم دین را عبارت از نصیحت فرموده است . پس باینصورت هر مرد دیندار باخبر بدرجهٔ آگاهی خود از خیر و شر برای دیگر اخوان دین خود واعظ ، ناصح ، مرشد شمرده میشود .

وعظ ، نصیحت ، ارشاد نسبت بمقتضای زمین و زمان و احتیاجات عصر و اوان برای هر انسان لازمست . واعظ ، ناصح مرشد میباید که مقتضیات وقت را در زیر نظر دقت گرفته به اندرز و پند و رهنمائی صرف نقدینهٔ همت نماید . و برای هر صنف و هر گروه ملت نسبت بمسلک و کار و صنعت شان به پند و اندرز کوشش ورزد . مثلا واعظانی که در مسجد های چوقی های عسکری وعظ میکنند ، و اکثر شنوندگان آن از آن صنف میباشند هرگاه از فضایل گوشه نشینی و ترک دنیا و شکسته گی و افتاده گی و عجز و ناتوانی و امثال آنگونه سخنانی که موجب ضعف دل و عسکری باشد وعظ و نصیحت کنند بجز ضرر هیچ فایدهٔ بران مرتب نمیشود . و نیز اگر برای تجار و زمینداران از چیزهائیکه بتنبلی و کاهلی رهنمائی کند وعظ و نصیحت شود بجای فایده ضرر میرساند .

وعظ و نصیحت ، بزبان قومی و ملی هر قوم و ملت لازمست . مثلا واعظی که بر منبر براید ، و در پای منبر نشسته گان همه افغان یا فارسی زبان باشند و واعظ بزبان عربی وعظ کند آیا چه ثمرهٔ حاصل خواهد شد ؟ و بالعکس اگر واعظ بزبان افغانی یا فارسی بر مردمان عرب یا ترک بوعظ و نصیحت آغاز کند آیا شنونده گان آن بجز اینکه خواب شان ببرد دیگر چه کاری خواهند کرد ؟

وعظ و نصیحت موافق بر واجبات و لوازمات زمان باید بود . وعظهائی که پیش از پنجصد سال وضع و ترتیب شده باشد برای مردمان اینعصر ، هیچ ثمرهٔ نخواهد بخشید . لهذا در ینجا وعظ و نصیحت (خالده ادیب خانم) نام یک فاضلهٔ ادیبهٔ عثمانیه را از ترکی بفارسی ترجمه کرده در نظر قارئین کرام عرض مینمائیم که در دالان بزرگ دار الفنون استانبول بعد از فلاکتهای متوالیهٔ که بر ملت عثمانیه درین وقت وارد آمده در یک مجمعی که چهار هزار زن در آن جمع آمده بودند تقریر نموده است . خواهند گفت : که مگر دیگر مثالی در وعظ نیافت که وعظ یک ضعیفهٔ را برای مایان میکند ! لکن مقصد ما از مثال آوردن وعظ (خالده خانم) اینست که مردان واعظ ما از آن یک درس عبرتی بگیرند ، و ببینند که زنان دنیا بمناسبت وقت و زمان و ایجابات عصر و اوان تا چه درجه دانا و بینا گردیده اند و نسبت به حال و احوال ملت و احتیاجات وطن خود چگونه تقریر های پر عبرت بیان میکنند و همچنان بینی زنان ملت خود را که ما آنها را ضعیفه عنوان داده از جنس بشر هم یکدرجه پست ترمیشماریم چسان ارشاد و بیدار میسازند ؟

خطابهٔ خالده خانم

« بی بی ها ؛

« یک ضرب مثل مشهور است که میگویند : « هر انچه فکر درویشست ، ذکر درویشست . » این ضرب مثل تنها برای درویش نی ، بلکه برای هر کس همچنین است . انسانها همیشه با همان حسها و اندیشه هائی مشغولند که دردها و فکرهای شان حاکم شده باشد ، قوت گرفته باشد . دایما یک وسیلهٔ میجویند که از همان فکر و اندیشهٔ که در دل شانست بحث و بیان نمایند . چنانچه در انسانها همچنین است ، در ملتها نیز همچنین است . ملتها هم مانند یکیک شخصیت ، هر انچیزی که ملتها را بیشتر بخود علاقه دار میسازد افراد آن ملت را نیز بهمان چیز علاقه دار میکند . علی الخصوص در زمانهای فلاکت ملت . زیرا فلاکت ملت فلاکت همه افراد ملت جدا جدا میشود . همه کی با همان مشغول میشوند . از همان چیز سخن میگویند . همان دردرا هر آن با آتش میکاوند . چشمهای خود را یک آن از آن بر نمیدارند . این است ، که ملت مایان همهٔ ما در مقابل همچنین یک فلاکتی که بر تمام هستیٔ ما حاکم شده میباشیم از اینست که در خانه ها ، در قهوه خانه ها ، در حمام ها ، در واپورها ، و دیگر همه جاهای عمومی از همین فلاکت سخن کرده میشود ، از همین در دو مرثیه میشود . و چون یک مجلس و محفل برپا گردد همهٔ ما منتظر میشویم که آدمی که در کرسی خطابت براید از همین فلاکت بحث راند ، سببهای این فلاکت را ، چاره های این فلاکت را ، تمادیٔ این فلاکت را بیاگوید . از قدیم

الایام درمیان ما یك سخنی جاری امده است که درچنین زمانهای فلاکت مل میگویند : « زنها بکارهای بزرگ تعلق ندارند » این است که زنهای ملت ما بسبب این فکر و نیز بسبب جهالت بااینچنین چیزها بیگانه ماندهاند . مثلا اما کلانهای ما که محاربه های روس را دیده اند در میان آنها هیچ یکیرا نمی بینیم که فلاکت آن روز هارا تشریح کرده بتوانند . یا ماهیت آن فلاکت را فهمند حتی بسیار پیرهزنان سالخوردهٔ ما که دران محاربهها جوان بودند نامهای آن محاربه هارا هم ضبط کرده نتوانسته اند . اگرچه باین شبهه نداریم که آنها نیز در ازمانهای خود شان همینقدر دانسته وحس کرده باشند که یك فلاکت ومصیبت پیش آمده است اما آن دانستن و حس کردن شان یکصورت مبهمی بوده است که حقیقت وماهیت آنرا ندانسته اند .

« هزار شکر کهدر مابین حس آنها دراوقت واین حس ماها دراینوقت یك فرق بسیار بزرگ و تفاوتی موجود است . آنها ، آن فلاکترا یکچیز خارج ازخودشان — مثلامانند یك طوفان و آفت سماوی کهدردورجای بوقوع آمده باشد — دریافت کردهاند حالانکه امروزه روز ما آن فلاکت ملیٔ خود را تادر درون دلخود ، درتمام وجود وهستیٔ خود حس میکنیم . درد و سوزش کهاین فلاکت بما داده عبارت ازیك ترس ، وحیرت خشك وخالی نیست . بلکه این درد از چنان دردها نیست که یك پدر اولاد خود را گم کرده باشد . یك خاندان خانمان شان سوخته و محو شدهباشد . یك والده ازجگر پارهٔ خود جدا مانده باشد . این است کهمااین فلاکترا بهانگونه حسیات حس میکنیم . واین اولیاست کهزنان ملتمامانند مادران حقیقیٔ ملت بااین فلاکت مشترك میشوند . بااین فلاکت متحسس میگردند . برای چاره یافتن درد آن دریکجا گرد میآیند .

« بی‌بی‌ها ! هزارها شکر کهما امروز وطن شناسیم . امروز وطن عبارت ازیك ملکیست کهدر دلما ، دررو حما بنا یافته است . اگر بوطن درد داده شود گویا بدلما درد داده میشود . اگر کوچك زمینی از وطنما گرفته شود گویا یك پارچهٔ ازدل وجگرما بریده میشود . چون چنین است . ای‌بی‌بی‌ها باین یك باور کنیم و بدانیم که درمیان این اشکهای چشمیکه امروز میریزیم سنگ نخستین تهدای وطنرا بصورت بسیار محکم ومتینی انداخته ایم . زیرا آن ملتی کهوطنرا دردل خود جاداده است درتاریخ هیچوقت نمرده است . این یك حقیقت تاریخی ومثبت است . فلاکت ومغلوبیت ، آن جمیتها و خرمنهای انسانهارا پراکنده و منقرض ساخته که از دلهای شان وطن بیرون بوده است . اگرچه بسیار مدتی و بسیار برقوت هم بوده اند ولی چون وطن دردل شان بنا نیافته بوده باز هم زیر وزبر شدهاند . اما آن ملتهائی که وطن را دردل های خود شان جاداده اند هیچ فلاکت هیچ مغلوبیت آنها را خراب نتوانسته . اگرچه میده میده شدهاند ولی آن میده شدن برای یك زمان جزوی وموقتی بوده کهبعد ازان بازبهمان قوت وطن دوستی برای شرف وشان ملت خود موقعهای بلند بلندی بنا نموده اند . »

§

شنیدید این وعظ یك شعبهرا ؟ ماکمی از بسیار ومشتی از خروار موعظهٔ خلده خانم را ترجمه کردیم . ولی آن وعظ تنها عبارت از همینقدر نبود . رفته رفته بعضی مثالهای تاریخیهٔ تازهٔ درینموضوع بیان نموده . ومسئله را چنان واضح وثابت ساخته کههر شنونده را باین قانع میکند کهملتهائی که سنگ نخستین تهدای وطنرا دردلهای خودشان وضع کردهاند هیچگاه خراب

فاجعه های پاریس

مابعد از شمارهٔ ۲۲ سال دوم

روبر ، زود البسهٔ خودرا ازبرکشیده ، وبرای خواب کردن نی بلکه برای اینکه فردا چون ببینند بدانند که مدت مدیدی برین بستر صاحب بستر خوابیده است برخوابگاه خود دراز کشیده انتظام بستررا ازهم برد . قدر یکساعت مستغرق بحر خیالات خود ماند . باوجودیکه چشمهایش بازبود ازلذت خواب بسیار شیرینی که میدید درسیمای لطیفش یك نور مسرت وفرحی پدیدار میشد . ازچشمانش شعشعهٔ انوار سرور وکامیابی همیدرخشید .

بعد ازانکه یکمدتی بهمین حال ماند یکی بیکبار ازجای خود برخاسته جبراً آخود بخود گفت .

— بلی ، بلی !... خیلی مسافه قطع کردم . باین حق دارم که خودم ازخود خشنود باشم . اگرچه هنوز برای رسیدن بهدف مقصود بسیار مشکلات دیگر هنوز ماندهاما ، ازبزرگترین تهلکهها برجستهام . برای کارهائیکه بعدازین درپیش رو دارم ازموافقت طالع ، وجرأت وجسارت محروم نیستم . بالاشده بالاشده آخر بذروهٔ اقبال واصل میشوم . آیاصاحب مشروع وبکارهٔ این اقامتگاه شدن چهقدر خوب وچهقدر مرغوب یك چیزی خواهد شد ! این است که طالع تراشیدن هاتریست این سعادت را برای من حاضر میکند .

بعد ازانکه این سخن را گفت نوجوان ازخوابگاه خود برخاسته بالاپوشی خودرا دربر کرد . ویك طپانچهٔ شش تکه کوچکی را درجیب انداخته ازاطاق برآمد . ازبرآمدنش ازراه راست هروقتی بظاهر زینت پنهانی کهدر اطاق توالت موجود است بوقوع امد . دراینوقت بدست روبر دو کلید موجود بود که یکی ازینها دروازهٔ را که از عمارت بحویلی میبرامد بازنمود . وچون کلید وقفل مذکور را خوب چرب وپاك داشته بود بی آنکه ادنایك شقاقی حاصل کند بازشده بحویلی برآمد . باکلید دوم دروازهٔ حویلی را که بکوچه میبرآمد

اشده‌اند ، ومحو ومنقرض نگشته اند .

بلی ، بلی ! ، هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد بعشق ، یعنی عشق وطن ، بلی ، بلی ! عشق وطن است که بر جریدهٔ عالم دوام ملتهارا ثبت میکند . ومحو ومنقرض ساختن شانرا عدیم الامکان میگرداند . ، وطن بحب وطن قایم است وهم محفوظ . که هست حب وطن تیر سهمناک وطن ، بلی ، بلی ، ! سلاح یگانهٔ محافظه ومدافعهٔ وطن همین است که وطن را انسان دردل خود بگنجاند . ورنه هزار ها طوپ و تفنگ ، وصدها قوتهای رنگا رنگ بمحافظهٔ آن مقتدر نمیشود . ، چو گشت حب وطن جای دردل ملت . عدو بلرزه فتد میشود هلاک وطن ، بلی ، بلی ! دشمن وطن دربیش ملتی که وطن دردلشان گنجیده است بنا کامیابی خود قانع شده اگر هجوم هم کند لرزان وترسان هجوم خواهد کرد وموفق هم نخواهد شد .

هزار افسوس کما هیچگاه درباب یک کلمه وعظی هم نمیشنویم هرچیزی که میشنویم ازترک کردن آن . وبدل نمیشستن بران وفانی بودن آن . وکناره جوئی ازان میشنویم . حالآنکه دنیا ومافیها عبارت ازوطن است . حفظ شرف . حفظ ناموس . حفظ دین موقوف برحفظ وطن است ، وطن چون برودهٔ انگریزها یکجا باآن میرود . نه طاعت میماند نه عبادت ، نه آزادی میماند نه ملیت بی وجدانها وبی ایمانهای که بوطن خود خیانت میکنند ، وبادشمن وطن خود دادودوانی وجاسوسی میباشند هزاران ملعون تر ومنفور تر ازان دله‌های بی ناموسیت که فلان کان خودرا میکنند ، افسوس است که عرض وناموس را دروسه‌های نجاست بنداشته‌اند ، وازحقیقت ناموس که عبارت از وطن مقدس است غافل مانده اند بهر حال .

زحق نیاز کند عاشق وطن (محمود)
که دشمنان وطن باد زیر خاک وطن

(ادبیات)

« تبریک رمضان کلام جناب ملا طوطی افغانی »

(شکر لله که ماه رمضان باز آمد)
(رحمت حق طرف کون ومکان باز آمد)
(جام انوار تجلی بضیافت گه روح)
(از کف ملهم غیبی بجهان باز آمد)
(راح روحانی صفت از ارم منبع فیض)
(بهر تفریح دل پیر و جوان باز آمد)
(پرتوش بسته تتق بر افق عرش برین)
(لامکانی طرف اهل مکان باز آمد)
(ملک از کنگرهٔ عرش بغفران نیاز)
(بهر هر صائم ماه رمضان باز آمد)
(عالم خلق نه تنها که همه عالم امر)
(به نشاط ابد از قدس نهان باز آمد)
(مستی عالم لاهوت بناسوت فتاد)
(مژده زر روی هلال رمضان باز آمد)
(روزه‌اش گنجینهٔ جسم است وعذاب تن لیک)
(صیقل ونوردهٔ روح روان باز آمد)
(روز دنی لیل نه ملی ونه عذر آمدمن)
(بل همان یوسف واسمش رمضان باز آمد)
(کوکب زهرهٔ حقیقت همه جانور افشان)
(موکب شه زچه بگسسته عنان باز آمد)
(خسرو غازی آقای حبیب الله خان)
(که بسجادهٔ لاهوتی روان باز آمد)

بازگرده بی آنکه دران خبر شود بدرگه بولوار برآمد . این وقت یکنیم بجهٔ شب بود . درخانه های توانگران ومعتبران شهر پاریس درهر وقت شب عرابه پیدا میشود ، چونکه عرابه چیهای پاریس میدانند که در چنین وقتهای شب در چنین خانه‌های اکثر اینک توانگرانی که در وادی رقص خود دیر مانده ، یا آنکه بیک زنیکه بازی که از زنانهٔ معشوقهٔ خود بنابر ورود ناگهانی شوهر زن فرار مجبور میشوند ، بهمه حال بر میخورند که با بخششهای زیادی کرایه دادن عرابه های خود کامیاب میشوند ، لهذا همیشه ازگروهی درچنین اوقات فارغ نمیشوند . دور وتنگ یکوچه برآمد امیر دانست که یکی ازچنین عرابه‌ها برخورده بیکچند قدم رفته بود که این اندیشه غلط رفت . ونتانی بیکچند فراقی باسانه ازین عرابه خود را بمرکزهای محلهٔ (مانیپول) رسانیده ازعرابه فرود آمد . وکنار کنار دیوارها را گرفته . وبرای آنکه مبادا یکبار آدم بجهه دست یاد بوده رو در خود را پیست کرده بود بر تارنار آمده بود . ازانجاییکه از عرابه فرو آمد تا خانه راه یکدو دقیقه قطع مسافهٔ زوده نامیخواست که بدروازه درآمده بیکبار هر پیش روویش یک سیاهتی پیدا شده ایک صدائی که بصدای آدم ترش درما رسیده میماند این سخنان را گفت :

— صاحب ! بدرون درآمدن شما را یاد آوری میکنم .

نوجوان ازین تصادف ناگهانی رم خورده ، ویکقدم بعقب جهیده وره وره خودرا برگویندهٔ سخن مذکور بالا کرده گفت :

— زود پس میشوی ازره راست من ، ویا آنکه همینقدم متوجهات را میباشانم

— بدا انجرزها لزوم نیست صاحب من . آیا شایمن مترجمه آدمی را که شما نسبت خوبی بعد ازینوقت ایشان فی یاد کرده اید آیا من اقسم است که انجرک شما مرا بجهت می اندازد .

آیا تا کنون شما را ضایع کردید موسیو (دوو

(باقیدارد)

(بچه امید بتراویح و بختم قرآن)
(بتمام شبی وان شاه شهان باز آمد)
(مقصدش چیست رضای حق و امن از خلاق)
(که بکار از جهان آبروان باز آمد)
(شیوه اش چیست سخاو کرم و فیض عمیم)
(که بمهمان اوخلق جهان باز آمد)
(چه دهد در رمضان بهر مساکین هرشام)
(آنچه برحتی ارباح جنان باز آمد)
(هست بر خوان عطا اواز عرب و ترک و عجم)
(که بمیت کرمش طالبکان باز آمد)
(مجلسش پاک بود همرهٔ ارباب علوم)
(که بقرنش همه از بعد مکان باز آمد)
(عسکرش زلزله افگنده در اقطار زمین)
(شه افغان بچه سامان کیان باز آمد)
(شوکتش میشکند طنطنهٔ قیصر وجم)
(آشنایست که برچرخ عیان باز آمد)
(وه چه عید که چه محفل چه چراغان و چه جمع)
(که برش هرکسی خوش خنده کنان باز آمد)
(عید زد خیمه زند مردم افغان بفلک)
(که برش شاه ملك وصف و نشان باز آمد)
(طوطی) در گلشن کابل بشکست توبهٔ خویش)
(بعد ده سال باشعار روان باز آمد)
(باد آن کشور روان ملك بان جاه و جلال)
(تاکه گویند همه ختم زمان باز آمد)

ناموران نساء جهان

مابعد از شماره ۲۲ سال دوم

اثر کرده است . بعد از سقوط (بوناپارت) پس به پاریس برگشته از طرف (لوئی هجدهم) دو ملیون (۲۰۰۰۰۰۰) فرانك به او احسان شده است . بنامهای (ولفینه) و (قورینه) دو ناول بسیار مشهوری تحریر نموده است وغیر از اینها بسی اثرهای فایده‌مندی نگاشته ، که کلیات آثارش بر ۱۸ جلد مرتب شده بطبع رسیده است

استر اتونیکه : — این زن در تاریخ قدیم یك حکایت عبرت آموزی دارد ، دختر (دمتریوس) نام پادشاه (ماکدونیا) بود که در حسن و جمال بیمثال بود . از پادشاهان ملك (سوریه) (سلفوس نیقاتور) نام پادشاه پخته سالی فریفتهٔ آوازهٔ حسن و جمال آن گردیده ، و از پدرش او را طلبکاری کرده در زیر ازدواجش کشیده بود این پادشاه (سوتر) نام یك پسر نوجوانی از دیگر زن داشت که پدرش محبت مفرطی به او میورزانید . این پسر ناگهان بمرض حزن گرفتار آمده بود که روز بروز زرد و پژمرده شده بمرگ نزدیك تر میشد . اطبا از یافتن دوای این بیماری عاجز ماندند ، پدرش بدرجهٔ در اضطراب و اندر تب و تاب افتاده بود که از غم پسر خود قصد خود کشی خود را نمود . زیرا وارث یگانهٔ او پسرش سوتر بود که غیر از او دیگر وارثی نداشت . وچون میدید که جگر پاره اش در عنفوان جوانی به اینچنین یك مرض دوا ناپذیری گرفتار آمده بهمه حال میمیرد نمیخواست که بعد از او زندگانی کند . درمیان طبیبانی که بمداوی شهزاده مأمور بودند (آرازیترات) نام یك طبیبی بود که از دیگر اطبا ماهرتر و تجربه کار تر بود همهٔ علامتهای بیماری شهزاده را بیك فطرتی موشکافانه تدقیق کرده اصل مادهٔ مرض را کشف نمود ، مگر درد عشق بود . ولی چون شهزاده این اسرار خود را بهیچ فرد آفریده افشا نکرده بود معشوقه اش را نمیدانست که کیست و کجاست . باقی دارد

علم ثروت ملل

مابعد از شماره ۲۲ سال دوم

سرمایهٔ مادی آن نیز افزونی میگیرد ؛ ومنابع ثروت آن قوم نیز آهسته آهسته رو بترقی مینهد .

حاصل شدن سرمایه بتدریج — یعنی صرفه جوئی ، وحسن اداره — یعنی بخوبی دور دادن کار موقوف است . صرفه جوئی و اداره این است که یك آدم همه ثروتی را که حاصل میکند بر نفس خود و عایلهٔ خود صرف نکرده حاصلات خود را با مصارفات خود برابر کرده و بصورت فایده‌مندی آنرا استعمال کرده یکمقداری بیفزاید ، وحفظ کند . واگر اینچنین نشود ، وهرکس همه حاصلات خود را صرف و استهلاك نماید سرمایه بحصول نمی آید .

سرمایهٔ که باینصورتهای صرفه جوئی و اداره حاصل میشود اشکال مختلف دارد که آن تنها عبارت از زر نقد نیست . یك دهقانی که هشت خروار تخم بردارد ، چون دو خروار آنرا ذخیره کرده برای کاشتن سال دیگر نگه بدارد کار دهقانیش برهم میخورد لهذا آن گندم و آلات وادوات زراعیهٔ دهقان سرمایه شمرده میشود . هنر و معلوماتی که یك آدم بدست آورد نیز سرمایه شمرده میشود ، مزدور کاری که از مزدوری خود یك مقداری را برای دیگر صنعت پس انداز کند انهم سرمایه میباشد . واینکه سرمایه اکثر بشکل زر نقد دیده میشود

باقی دارد

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر و سر محرر تحریر یافته .

محمود طرزی

در چهاپ خانه حروف دار السلطنه کابل طبع گردید

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 791 of 1786

اعلان

از هر دهن سخنی
و از هر چمن سمنی

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه را مژده میرسانیم ، و ترغیب میدهیم که ازین گنجینهٔ راز جواهر آبدار ، و ازین گلزار پر از ازهار یکیک نسخهٔ بدست آورده از هر دهن سخنی بشنوند ، و از هر چمن سمنی بچینند .

در

مطبعهٔ عنایت

که بیاد یادگار همت عرفان قیمت شهزادهٔ جوانبخت معظم حضرت معین السلطنه سردار عنایت الله خان زیور طبع آراسته گردیده ، و در نفس مطبعهٔ مبارکهٔ مذکوره که در ده افغانان واقعست بقیمت ۲ دو روپیه کابلی از نزد عبدالرؤف سرمرتب مطبعهٔ عنایت خریداری کرده میتوانند کتاب مذکور در دکان ملا غلام محمد کتاب فروش متصل بدروازهٔ شاهی نیز بفروش میرسد .

(اعلان)

صد (۱۰۰) روپیه انعام

ساعتی که وقت را درست نشان ندهد ، ودر وقت چیزی فرق داشته باشد هر کس که آنچنان ساعت را درست بتواند انعام فوق به او داده میشود واگر دران ساعت دست زند و درست نتواند مبلغ بیست (۲۰) روپیه ازو گرفته میشود فقط .

(دیگر)

هر کس که در هر صنعت گری ، وکاریگری ، وفن پیشه وری ، وکسب تجارت از من معلومات بخواهد وپرسان کند بتوفیق خدا کوشش کرده به او رهنمائی میکنم ومیفهمانم .

(المشتهر هربو اعلان فوق)

(بهگر ناران دهن مبی) سند دار انجنیر هنوز وکاریگر معروف به (بابو بیلون والا) سرای عزیز در کابل (ک مدت سکونت خادم)

اعلان

کتابهای فارسی — انگریزی — اردو — و گورمکهی — پهاشا وغیره برای تعلیم ابتدائی بفروش میرسد .

المشتهر

(بالکرشن داس مدرس مدرسهٔ اهل هنود نمبر ۲)

درشور بازار کابل

(اسامی وکلای ما در خارج)

درپشاور جناب میرزا غلام حیدر خان سررشته‌دار داکخانهٔ علیهٔ افغانستان . درمشهد جناب عبدالله خان کاردار تجارت دولت علیهٔ افغانستان . دربخارا جناب حاجی غلام نبی خان ماموفروش پوست قرهقل . ذوات گرامی که درممالک خارج افغانستان آرزوی اشتراک اخبار مارا داشته باشند بهریک ازین وکلای ما چون وجه یکساله پیشکی اشتراک را بفرستند واز طرف وکیل ما بحواله اطلاع برسد از همانوقت اخبار ما بهمان آدرس وعنوانی که داشته باشند جاری میگردد . آدرس وعنوان واضح وروشن نوشته شود . یک طلای پوند انگلیزی ۱۵ پانزده روپیه کلدار است

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

شماره ۲۰ سال دوم

فهرست مندرجات

مبارکبادی عید فطر ـ موعظه عید

(ختام سال دوم) سراج الاخبار افغانیه	
اعتذار	
حوادث خارجیه	اجمال سیاسی — پابندی شریعت اعلیحضرت امیر صاحب از اخبار المنیر بمعرفت ترجمان اداره ترجمه شده — عیناً مکتوب از پشاور واقعهٔ کانپور — ترجمهٔ اخبارهای انگریزی واردو که از ترجمان بیت العلوم به اداره رسیده — ایضاً عیناً مکتوب
مقالات فنیه	فن ژئولوژی یعنی طبقات الارض
ادبیات	غزل
سخنان هر رقم	چهار صد عروسی در یک شهر بیک روز — موجد ساعت — مصاحبه مابین دو رفیق — زن و شوهر — زن با کتاب فروش — یک اخبار والا با یک بیوه — یک دواساز و بیمار
فاجعه های پاریس	
ناموران زنان جهان	
علم ثروت ملل	

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 794 of 1786

اعلان

سیاحت بردورادور کرهٔ زمین

چقدر فایده‌ها و شیرینیها دارد! علی الخصوص
که آن سیاحت با آن زودگی و وسعت
به هشتاد روز
اجرا شود! آرزو کننده‌گان این سیاحت
خارق العاده هرگاه برای خریداری کتاب
(سیاحت بردورادور کرهٔ زمین)
بهشتاد روز

بقدر دو روپیه کابلی یك مبلغ کمی را صرف نمایند این سیاحت را گویا (فلیاس فوق) سیاح ورفقایش یکجا اجرا کرده خواهند بود! محل خریداریٔ این کتاب دکان (ملاغلام محمد) تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی میباشد، ودر نفس مطبعه عنایت که در ده افغانان است از نزد عبد الرؤف سرمرتب نیز خریداری میتوانند.

مؤلف این کتاب (ژول ورن) فرانسوی است که در نوشتن ناولهای فنی مشهور آفاق است. از فرانسوی بترکی واز ترکی بفارسی ترجمه شده است. کتاب مذکور تنها ناولی نی بلکه در ناول فن جغرافیا وجغرافیای ریاضی را نیز بطرز افسانه نشان میدهد.

در (مطبعهٔ عنایت) که از مؤسسات شهزادهٔ جوانبخت معظم دولت علیه افغانستان جناب عالی (معین السلطنه سردار عنایت الله خان) است بزیور طبع آراسته شده است. این کتاب را از بازار زود بدست آرید وفرصت را فوت مکنید که نسخه های آن زود تمام خواهد شد، وافسوس فایدهٔ نخواهد بخشید.

(کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه)
(با جلد اعلا)
ودو کتابچهٔ (علم واسلامیت) و (آیا چه باید کرد؟)
(با جلد اعلا)
در اداره موجود است. آرزو کننده‌گان
خریداری کرده میتوانند
قیمت همه (۲۵) بیست وپنج روپیه کابلی

اعلان

افغان یك اخبار هفته وار اسلامیست که در پشاور بزبان پشتو واردو شایع میشود. در صوبهٔ سرحدی یگانه محافظ حقوق مسلمانان است. شکایات ومعروضات شانرا بگوش حکام میرساند. بعلم واخلاق وپاس دین مذهب آنهارا ترغیب میدهد. این اخبار در هر طرف دنیا یك رغبت عمومیٔ حاصل کرده است در افغانستان، بخارا، امریکه، افریقه، چین، ژاپان، مدینه، مکه روس، شال، لندن، مصر، وغیره بلاد مشتری دارد قیمهٔ عام برای هندوستان ٤ روپیه سالانه معه محصول داك وبرای ممالك غیر ۱۲ روپیه کلدار است.

المشتهر
(مینجر افغان)

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا در سراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند، ویا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود:

اعلانیکه در متن اخبار از یکبار تا به پنج بار نشر وشایع شود بسر هر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر یك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا به پنج بار فی سطر یك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود. طول سطر یك ستون اخبار ما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تا یك سال نشر کردن خواهد وجه یك ساله را پیشکی ادا نماید در ورق پشتی بسر سطری سنار اجرت گرفته میشود

صحیفه (۱)　　سال دوم　　شماره (۲۴)

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

اداره‌خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همهٔ امورات تحریریه باداره‌خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
با اجرات ڈاک ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با اجرات ڈاک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یکعباسی است

تاریخ عربی یکم شوال سنه ۱۳۳۱　　تاریخ انگلیزی ۳ سپتمبر　　تاریخ شمسی ۱۱ سنبله ۱۲۹۲

در این اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بعضی مقالات مفیده درج میشود

سراج الاخبار افغانیه

عید سعید میامن پدید فطر را بهمه برادران اسلام و قارئین کرام خود مبارکباد گفته کسب فخر و شرف میورزد.

(موعظهٔ عید)

حمد بیحد و ثنای بیعد بذات اقدس یگانهٔ بی همتا جل وعلا که ما را بپیروی شریعت غرای احمد مجتبی محمد المصطفی علیه افضل الصلوات و التحایا تبجیل و سرافراز فرمود، و در بجا آوردن فریضهٔ صوم صیام مغفرت انجام موفق و کامیاب نمود، و بمکافات آن یک عید سعید میامن پدیدی مبشر و مباهی ساخت.

ای ملت نجیبهٔ شجیعهٔ افغان، و ای قوم غیور با دین و ایمان! بدانید و آگاه باشید که فضل و کرم ذات اقدس پروردگار ما بر ما از حد افزون است که شکر آن نعمهای بی منتها از حوصلهٔ طاقت ما سراسر بیرون است. اولا به نعمت اسلام مشرفیم. ثانیاً همهٔ ما یک قوم، یک دین، یک مذهبیم. ثالثاً آزادیم نه اسیر. رابعاً عزیزیم نه حقیر. پادشاهی داریم که از قوم ما، از جنس ما، از ملت ما است. ملکی داریم که از حال خود ما، از آبا و اجداد ماضی ما، از اولاد و احفاد استقبال ما است. پادشاه ما را برای عبادت رب معبود ما دعوت و شتابت میکند. ما به آن دعوت اجابت کرده رسماً حساً معناً طاعت میکنیم. ما مالک آزادی وطن خود هستیم. ما ملت حاکمهٔ آزادی میباشیم که همه حقوق دینیه، مدنیه، سیاسیهٔ ما آزاد است. پادشاه مقدس خیر اندیش ما در محافظهٔ آزادی و حاکمیت ملیهٔ ما همیات بلانهایات همایونی شانرا مصروف میفرماید، در دربارهای عام بزبان فیض رسان مبارک خود برای آزادی ما دعا میکنند.

بلسان مبارک خود ما را وجود خود اولاد خود خطاب فرموده در مقابل مدعیات و مطالبات اجانب اشتراک رأی و افکار ملت خود را اهم میشمارد. این از چنان نعمتهای نیست که قدر و قیمت آن در حیز حساب در آید. دیگران به تیغ بازی و خون ریزی بر چیزی که موفق نشده اند برای مایان خود بخود میسر شده است.

ای برادران وطن! به بینید که ذات اقدس آفریدگار ما چه خوش وطن صفا پرور متین دیانت مأمنی را احسان فرموده. کهسار های سر بفلک کشیده بر گردا گرد وطن مقدس ما استحکامات طبیعیهٔ خارقه‌نمائی تشکیل داده، نهرها، آبشارها، چشمه‌سار های خوشگوار لطیف الجریان جوشان و خروشان هر طرف مملکت ما را سیراب و شاداب نموده. اراضی ما از همه نوع زراعت گرمسیر و سردسیر را محصولات میبخشند. جوز، پسته، بادام، صنوبر، سیب، انجیر، انار، امرود، آلوها، انگورهای رقم رقم از میوه های سر درختی مملکت ما است که زمین پاک وطن مقدس ما بصورت بسیار مبذول و فراوانی بهزارها خروار خروار بما می‌افشاند. گندم، بشکر، برنج، جواری، و جمیع بقولات و حبوبات از محصولات زمینی ماست که دست پر کرم خالق زمینهای ما را با آن مستعد و آماده داشته. معدنها و کانهای توانگر و ثروتی که خاک وطن مقدس ما در سینهٔ ثروت دفینهٔ خویش ودیعت نگهداشته بسیاری از خاکهای دیگر ممالک حسرت کش آنهاست. اهالی ما

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 796 of 1786

چنان استعداد و ذکای خلقی و طبیعی را مالك است که از هیچ ملتی پس نماند . دین مقدسی که پیرو آنیم مارا بهمه خوبیهای دنیا و آخرت سائق و رهبر است . پادشاهی که بتابعیت و رعیتی آن مفتخریم بجز خوبی ما و آبادی وطن ما دیگر آرزوئی ندارد .

چون چنینست : آیا ما چرا بی مال بی ثروت بی کمال بی صنعت مانده‌ایم ؟ آیا چرا از زمینها ، و کانها ، وغیره محصولات ومعمولات ملك خود بدرجهٔ عشر عشیر ملتهای دور ونزدیك خود استفاده نمیتوانیم ؟ آیا آنها چهار چشم دارند و ما دو ؟ آیا آنها چهار دست دارند و ما دو ؟ آیا آنها دو کله دارند و ما یك ؟ آیا آنها دو مغز دارند و ما یك ؟ نی نی . چیزی که آنها دارند ما هم داریم . چنانچه آنها انسانست ما هم انسانیم . پس ما چرا از سوزن یك اینچی گرفته تا سیم تلگراف هزارها کیلومتری هر چیز به آنها محتاجیم . ما هم زراعت میکنیم . بلکه اراضی ما نسبت باراضی آنها قابل‌تر و مستعدتر است ولی هزار افسوس که ما از زمین خود نصف محصول آنها را برداشته نمیتوانیم . ما هم تجارت میکنیم . ولی چه فایده که بجای نفع بوطن خود ضرر میرسانیم . ما هم معدنهای توانگر داریم . ولی نه آنرا میشناسیم ، و نه دست زده میتوانیم . و اگر دست زنیم مفقودش میگردانیم . ازآرزو بقول اشخاصی که بگویند معدن درملك شما نیست قانع گردیده تسلی خاطر میکنیم .

ای هموطنان دانش قرین ، ای هم ملتان همدین و آئین ! بدانید که اینها نیست مگر از بی علمی ، و بد اخلاقی و تنبلی ، و کاهلی ، و غافلی ما ! دیگران بعلم مال و ثروت پیدا کردند . زیرا علم است که فقیر را توانگر میسازد . بعلم هنر وصنعت آموختند . زیرا هیچ هنر وصنعت بی علم پیش نمیرود . ما کاو سست رفتار قولبه میرانیم علم است که ماشینهای زراعت را ایجاد واختراع کرده بیکان آهنین آنرا بقدر یك گز درخاك فرو میبرد وتنها یکجریب زمین خودرا قابل زراعت سازیم علم ده برابر زمینهای مارا قابل زراعت ساخته محصولاتش را ده چند میسازد . بدی اخلاق ما را باهم دشمن ساخته کاهلی وغافلی مارا از سعی و کوشش وامانده . پادشاه ما برای تحصیل وتربیهٔ اولادهای ما مکتبها باز میکنند . ما اولادهای خودرا بکره درآن داخل میکنیم . توانگران ما تنها اندوختن زر ودینار را درصندوقها توانگری میدانند هیچیك جوانمردی پیدا نشد که یکچندی از آن اندوخته‌های خودشانرا برکشادن یك باب مکتبی یا تأسیس دادن یك کتبخانهٔ یا هنرور ساختن یك چند اولاد وطنی صرف نمایند . آیا حب وطنی غیرت ملی همین است که ما داریم ؟ حاشا ! حب وطن این است که ما وطن خودرا از دستبرد دشمنان وطن خود که مترقب فرصتند نگاه داریم . نگاه داشتن آن میسر نمیشود مگر به آلات مدافعه ، بعساکر منتظمه ، بعلم وهنرورزی ، بمال و توانگری . بکشیدن معدنها از زر وهزاران من سنگها ، بساختن ریلها و اوروپلانها . بسیار گناه است که ما بگوئیم : انگریزها را خدا فرنگ بالخصوص نموده مسلمانان نمیتوانند . آیا چرا نمیتوانند مگر آنها انسان ومایان حیوانیم ؟ اگر چنین میبود چرا در اول مسلمانان متمدن متفنن مشمول بودند وفرنگها نبودند ؟ یکبار تاریخ تمدن اسلام را بنظر غور ملاحظه نمائید ببینید که اسلامها چه بود که نداشتند . عساکر منتظمه را اسلام مالك بود . حق و عدالت و اخلاق حسنه را اسلامها مالك بود . عمارت ، صنعت ، زراعت ، تجارت ، در اسلام بود . علوم وفنون بدرجه در اسلام شایع بود که هیچ ملتی از ملل نداشتند . هر چیزیکه دیگر ملل گرفته از اسلام گرفته . پس چرا چنین شد که ما حالا هیچ نداریم ودشمنان دین ووطن ما هر چیزی دارند ؟ آه این یك درد جانکاهیست که اسباب حقیقی آنرا صاف صاف گفته نمیتوانیم ! پارسال (بنام عروة الاسلامیت) و (آیا چه باید کرد) یك دو رسالهٔ ناچیزانهٔ هدیهٔ سراج الاخبار افغانیه گفته طبع ونشر نموده بودیم وازبعضی اسباب انحطاط ما بصورت اجمالی بیان کرده بودیم . ولی چه سود ! در حالیکه از دو سه عصر باینطرف هرچه که شنیده باشیم همه‌گی عبارت از لالوی خوابانیدن ما بوده باشد بیك آواز ودو آواز چسان بیدار خواهیم شد ! .....

ای برادران دین وایمان وای هموطنان باعقل و اذعان ! این است که بعد از یك رمضان پرفیض واحسان یك عید سعید نورافشان و درخشانی را نایل ومزاوار گردیدیم . بپادشاه مهربان محبوب القلوب خود روزه گرفتیم . افطار کردیم . نماز خواندیم . ختم قرآن عظیم الشان نمودیم . حالا نماز عید فطر را بیك دبدبه وسطوت وشوکت اسلامی ادا میکنیم . قدر و قیمت این نعمت را بدانیم . چون شکر وثنا را بدرگاه ایزدی برسانیم . همدیگر خودرا بسینه‌های بیغش واحسنا در آغوش کشیم . بمصافحه‌ها و معانقه های همدیگر قوهٔ جاذبهٔ الکتریکی محبت ووداد ، واتفاق و اتحادرا در دلهای یکدیگر ها و هواخواه خود قایم ودایم نمائیم . اتحاد و اتفاق اقوام وقبایل وعشایر مختلفهٔ ملت نجیبهٔ ما در وقت حاضر از اهم امور ضروریه میباشد . زیرا یك چارهٔ مهمی که در محافظهٔ وطن مقدس از تسلط دشمنان وطن باشد همین است . ما هیچگاه از شر دشمنان تبالی . وترقی خود ایمن نباید باشیم . واگر تفرقه واختلاف در ما باشد دشمنان ما زود بر ما دست خواهند یافت . پادشاه خودرا وطن خودرا ، شرافت ملی خودرا بدل وجان وایمان ووجدان دوست نداریم . پادشاه ، وطن ، ملت را وجود واحد ، بدانیم . پادشاه محکوم و مشروط در اسلامیت دیده نشده ، و علی الخصوص به امزجه وطبایع ملل شرق ، هیچ توافق نمیکند . حکومتهای اسلامی که برین کار اقدام کردند هیچ بهبودی ندیدند . آنهارا درس عبرت دانسته پادشاه ، وطن ، ملت را وجود واحد وحاکم مطلق بشناسیم . اصلاح وخوبی وهدایت آنهارا از درگاه آلهی نیاز کنیم در اخلاق حسنه کوشش ورزیم . از نفاق ، رشوت کارهای مالایعنی اجتناب کنیم . همه یك وجود گشته بترقی و صنایع وتجارت

و زراعت وعسکری کوشش کنیم ، وبهمه اسلحهٔ که دشمنان وطن ما بدست دارند مسلح شویم .

این است که باوجودیکه نه واعظیم نه خطیب ونه عالم نه ادیب عید سعید فطررا وسیلهٔ حسنهٔ اتخاذ کرده سرنامهٔ این شمارهٔ (۲۴) سال دوم خودمارا که قدمهٔ آخرین دوساله شدن این روزنامهٔ خدمتگار وطن مقدس ملت بهمینقدر یك موعظهٔ که خواه خوب بدانند یابد املا نمودیم . وچنانچه وظیفهٔ علما وخطبا ووعاظ ماهمین است که ملت را ازاحکام دینیه واخرویه آگاهی دهند وپند ونصیحت کنند همچنان وظیفهٔ قلمیهٔ یك روز نامه نگار وطنی نیز همین است که ملت را بر حب وطن بیدار نماید ، ومنافع ومضرات وطن را تا میتواند علت نشان بدهد . اگر همه چیز را گفته نتواند هماقدر چیزیکه گفته میتواند باید بگوید بعد ازان الله کریم . علیه توکلت وهو رب العرش العظیم .

﴿ ختام سال دوم ﴾

(سراج الاخبار افغانیه)

روزنامهٔ وطنیهٔ (سراج الاخبار افغانیه) بااین شمارهٔ بیست وچارهٔ خویش سال دوم عمرخودرا به انجام رسانیده سر از شمارهٔ آینده بسال سوم قدم مینهد . دوسال کامل شد که قلم عجز رقم شکسته گی توأم (محمود طرزی) وظیفهٔ خدمت قلمیهٔ خودرا بسایهٔ عرفان پیرایهٔ ذات معارف صفات اعلیحضرت (سراج الملة والدین) پادشاه معظم ترقیخواه عدالت آئین خود بجای آرد ، ودرین ایفای وظیفهٔ خود شکر وثنای باری عز وجل را ادا مینماید .

(وظیفه) مقدس است . وظیفه رادر اصطلاح وطن عزیزما (فرض منصبی) میگویند که به اصل موضوع کلمهٔ وظیفه چندان مطابقتی ندارد . اگرچه برای کارهای دولتی تعبیر فرض منصبی صحیح است . ولی وظیفه یك شرط وعهدیست که انسان وجداناً اورا برخود لازم گرفته باشد . وظیفهٔ مقدسهٔ قلم عجز رقم (محمود طرزی) که دیناً و وجداناً خدمت آگاهی وبیداری ملت نجیبهٔ خودرا درباب حب وطن ، وحال واحوال زمن برذمهٔ عاجزی لازمه گرفته است اگر چه بسیار مورانه باشد باز هم تا یکدرجه انشاء الله بر ایفای وظیفهٔ خود کامیاب آمده خواهد بود .

در طرف این دوسال هرانچه نوشته ایم از قدسیت دین خود وطن خود ، پادشاه خود نوشته ایم هرانچه گفته ایم از ترغیب وتشویق ملت خود بر قایم داشتن دین ، بر تحصیل علم وهنر بر محبت پادشاه ووطن گفته ایم . اگر چه بر اینهم دانسته ام که بجز بعضی خواص هیچ کس بخواندن این روزنامهٔ خادم وطن رغبت هم نموده ، واکثر همچنان پیچیده در گوشههای طاقها فرسوده شده مانده ، وبی آنکه کسی بران یك نظری بیفکند باجوانبدوش خود ساخته ، وبا آنکه برای مسالهٔ دلت خوداران بوریها یافته ، بعضی که خوانده اند هم بر این نیت خوانده اند که باشی ببینیم که چه نقصان وقصوری دران پیدا کنیم تا سنگهای ایراد وانتقاد سنگبارش کنیم . بعضی (هر دلعزیز نیست) گفته بیکسویش افکنده اند . ولی آنچنان صاحبان عرفان را هم دیده ام که از صحیفهٔ اول آن تا بسطر صحیفهٔ آخرین آن به بسیار شوق ورغبت وکمال خواهش ودقت مطالعه کرده اند ، واز هر مقالات آن یك جهان استفاده نموده اند . وازیك نسخهٔ آن تا بمیعاد نشر دیگر نسخه اش به انتظار بسیار شدیدی مانده اند .

مع ذالك من نه ازعدم رغبت کنندگان آن مایوس شده ام . ونه ازهوس راغبان آن خشنود ، بلکه دایما وظیفه رامقدس دانسته دران میدان کمیت خامه را در جولان داشته ام . وبهمت خالصانهٔ دیندارانهٔ وسعی وکوشش صمیمانهٔ وطنپرورانهٔ تاحال برایفای وظیفهٔ خود کامیاب آمده ام . واینهمه نیست مگر ازاثر فیوضات عرفان پروری ذات اعلیحضرت پادشاه ترقیخواه دیانت اکتناه معظم ما که این احقر باخاك برابر ازین آرزوی عرفان پروری شاهانهٔ شان استفاده فرصت نموده امتیاز انتشار این روز نامهٔ وطنی را بدست آوردیم . ودوسال کامل به نشر آن موفق گردیدیم . وامید است که بسایهٔ مرحمت وآیهٔ معارف پیرایهٔ همایونی اگرما عاجز ناتوانیم این روز نامهٔ مبارك تا بسیار سالها دروظیفهٔ خدمت دولت وملت ووطن پایدار بماند .

بانسخههای سال اول خود دوکتابچهٔ یکی بنام (علم واسلامیت) ودیگر بنام (آیاچه باید کرد) هدیهٔ قارئین کرام تقدیم انظار اولی الابصار نموده ، ودرباب تأثیرات آن منتظر بودیم که آیا درطبایع خوانندگان کرام چگونه تأثیری خواهد بخشید ؟ آیا مقبول ، یامنفور خواهند پنداشت ؟ چون هیچ صدائی وندائی درانباب نشنیدیم باخود گفتیم که چون طبایع هموطنان عزیزما اکثر بشعر وآثار منظوم میل وهوس دارد ، حتی تحصیل ابتدائی نیز از کتابهای شعر وغزل آغاز میکنند لاجرم در پایان یك دیوانچهٔ غزلیاتی بنام :

(ادب درفن)

درعالم مطبوعات وطنیه درپیشگاه انظار شائقین عوالم ادبیه وفنیه بعرض عرض رسانیدیم . (ادب درفن) ادبیات را با فنیات آمیزش داده یك خلیطهٔ غیرممزجی ازان بوجود آورده که اگرچه درفن ادب یك جرأت گستاخانه شمرده میشود . ولی بنا برفحوای (الجود بالموجود) خزانهٔ طبع افلاس آمود محمود عاجز جز خزفپارهها دیگر موجودی نداشت . لاجرم هرچه باداباد گفته ، ونواقص خطایای آنرا بمخطا پوشی نظرارباب کمال حواله کرده عرض وتقدیم نمودیم . ومن الله التوفیق .

(مقاله)

درین آوان سعادت توامان که عصر ترقی حصر اعلیحضرت امیر گردون‌سریر سراج‌الملة والدین دام‌ملکه که بسی ویرانها ازفیض توجهٔ مرحمتش آباد وبسیار بناهای ظلم به سرپنجه معدلتش برباد وبی‌بنیاد گردیده‌است وطن امن‌مامن سعادت مسکن ما (افغانستان) بترقیات مادی ومعنوی ورفاهیات کلی وجزوی سردوچار گردیده‌است وچونکه اهالی وطن عزیز ما هنوز باین تجددات مدنیت روزانه نوع نوع آشنا نشده‌اند ذات شوکت سمات اعلیحضرت پادشاهی بحکم الناس علی دین ملوکهم بنفس نفیس شاهانه خود اجرای عملیات آن نموده رعایای سادهٔ خود را آهسته آهسته باین جانب راغب میسازند چنانچه اگر درین ایام بوقت عصر کسی بطرف دشت قوی‌باغ رفته نظر اندازد چه خواهد دید ؛ دشتی که سالها بجز چشمه مهر روشنی چهرسرایی هم بچشم ندیده بود امروز از آبیاری عدالت اعلیحضرت آفتاب جناب سیراب گشته گردی ازغبار اندوه وملال برخاطرش نمانده است

مسکن عالم‌عالم فرحت — مأمن جهان‌جهان رفاهیت بدوطرف دشت ومتصل سرك است چوکیهای چهارنفری برای اهالی وطن مقدس نصب گردیده وطرف دیگر هوتل رفاهیت‌منزل ویك خیمه عالی پایه برای ذات مقدس صفات شاهنشاهی برپا گردیده است پیش روی این دو جای باصفای برای بازی تینس ساخته شده‌است بعضی مشغول بازی تینس وبرخی مصروف بازی گالف که دران خود اعلیحضرت جهانبان کامکار نیز چوگان مدنیت بدست گرفته گوی از حریف بردن اصل سامیهٔ کارشان است ؛

اگریك خود غرض هرزه‌درائی زبان طعنه کشاده این اوضاع انسیت پروریرا تعبیرها دهد از عقل دور می‌نماید زیرا که این اوضاع اعلیحضرت پادشاه محبوب القلوب ما ازاعتقاد کامل بر رعایای سادهٔ خودشان میباشد که الهی یوماً فیوماً درتزاید باد برب العباد

واگر بغاوتهارا ازین باعث می‌پندارند دلالت برخفت عقل اومی کند زیرا آیا درعهد امیر گردون‌مهد حضرت ضیاءالملة والدین هیچ بغاوت سر نزده بود آیا هیچ فسادی برپا شده بود ؛ بسیار ! .. — پس چه جای یاوه گوئی ! ..... —

اعلیحضرت فلک‌مرتبت امیر بی‌نظیر حضرت سراج‌الملة والدین آنچنان پادشاه دیانت آگاه‌اند که بجای نشتر مرهم معالجه می‌نمایند چنانچه بغاوت منگل که اکنون الحمدلله هیچ بی‌اطمینانی درانجا معلوم نمی‌شود شاهد قول ماشده میتواند

پس بسخن یاوه گویان خود غرض گوش نگرفته دعای عمر وبقای این خدیو کامکار وخسرو نامدار که ذات سامیش موجب ترقی وتعالی دولت علیهٔ افغانستان است ازصمیم دل نمائیم

توخیراندیش خلق پس دعای توچنین باد
الهی هرچه بهر خلق اندیشی همان بینی

از محررین اداره (عبدالهادی)

اعتذار

چون کاغذیکه سراج الاخبار افغانیه بران چاپ میشد تمام گردیده . ودرین کاغذ موجوده تصاویریکه چاپ شود هیچ یك رونق نمیگیرد لهذا تاموجود شدن کاغذ این شماره و شمارهٔ گذشته ما بدون تصویر چاپ گردید .

حوادث خارجیه

اجمال سیاسی

حق به حقدار رسید . درچشم برحق تجاوز کنندگان خاك کوری کشید . یعنی (ادرنه) بنام دیگر (ایدریانوپل) ازطرف صاحب ومالك حقیقی آن فتح واسترداد گردید . (سراج الاخبار افغانیه) نیز بعموم برادران اسلامی خود همزبان وهم آوازشده برادران عثمانی خودرا ازصمیم دل تبریك میگوید .

بلقانیها اقبح بدکرداریهای که کاشته بودند درویدند . هرهلاکت وبلاهائی که برمسلمانان آورده بودند به اشنع‌ترین آن گرفتار آمدند . برای خرابی دولت علیهٔ عثمانیه یونان وصرب وقره طاغ را بازی داده وباغهای زرد وسرخ به آنها نشانداده غدر وخیانت باخود متفق وبجنایتهای خونریزی وسفاکی باخود شریك نمود .

جنایت یك شجرهٔ خبیثه ایست که هیچگاه مانند اتفاق یك ثمرهٔ حسنهٔ لذیذه را بار نمیدهد . نتیجهٔ اتفاق برجنایت ، لابد به شقاق ونفاق بردهشتی منجر میشود . دزدانی که بدزدی . رهزنانی که برهزنی . قتالانی که برقتل انسانی دراول باهم متفق میشوند علی الاکثر درآخر کار اتفاق شان به نفاق والشقاق تبدیل یافته‌است . این بود که این جنایتکاران نیز بعد ازقتلها ورهزنیهائی که درسرقت ممالك عثمانی بکار بردند دروقت تقسیم باهم راست نیامده بروی همدیگر تیغ کشیدند . زیرا مالیکه بدست آورده بودند خیلی گرانبها وقیمتدار بود . محرك یگانهٔ جنایت یعنی بلغار را حرص وطمع بهیچصورت نمیگذاشت که برخوردن دیگران قایل گردد . آنها نیز برین قایل نمیشدند که بعدازین همه جانکنیها آن لقمهٔ نرم وشیرین را تنها برای او واگذارند . رومانیا که ازآغاز جنگ مترقب فرصت لقمه ربائی بود این اختلاف راعین مدعا دانسته ازکمینگاه دفعةً برجست . ویك نیرنگی بکار برد که ازهرجهت برای خودش نافع وسودمند بود .

بلغار اگرترقی ووسعت یابد بسبب هم حدودی مضرتهای بیشمار برای رومانیا بوجود می‌آورد . ازانرو اندیشید که این فرصت

اختلاف متفقین را ازدست نباید داد . دربساط این شطرنج بازی شاه بلغار را درجای خانه یافت . دوابهٔ یونان . دورخهٔ صرب بیدق رانیٔ ما ینکروورا بهآن متوجه یافت . فرزین عثمانی که ذاتاً شاه‌بلغاری را فیل‌بند داشت نه‌جای روماینارا تسهیلات اعلاقی بخشیده عاجلم بحرکت آغازنهاد . وبیک راندن پیاده . وبك کشت دوابه . جانش مات نمود که از حیات دراوراق نماند . بهاین حرکت دلمتفقین اورا نیز بدست آورد . عثمانی رانیز ممنون معاونت خود ساخت . درعین زمان ممالك مهمه و اراضیٔ زیادی نیز بدست آورد . واصل مقصد و مدعا که ترك نشدن بلغاریات حصول‌پذیر آمد که قاعدهٔ ازفرصت استفاده را روماینا بهبسیار مهارت وحسن صورت درین باز بکاه برجیناب اداره توانسته است .

مجلس انعقاد صلح نیز در (بخرش) بنام‌دیگر (بخارست) پایتخت دولت روماینا منعقد گردید . و بیکصورتی بدون جرح مذاکرات سیاسیه بعمل آمد که تاحال هیچیك اتفاق‌مهم و معلو مداری دران دیده نشد . اگرچه بلغار و اوبلای بسیار درباب خالی کردن عثمانی ادرنه را بتمام‌عالم اضرابت برپانمود ولی تاحال هنوز کسی بران واویلاها گوش ننهاده است . دول معظمه هرچه که گفته‌اند مبهم و غیرمعین گفته‌اند . ذاتاً اگر دول معظمه درینباب فعلاً اشتراك قطعی نمایند برپاشدن یك‌مکاشفهٔ ترکی دران متصور است که نتائج وخیمهٔ خواهد بخشید .

و الحاصل دروقت حاضر چیزیکه موجب فرحت و مسرت مسلمانانست همانا تسخیر واسترداد ادرنه است که دولت علیهٔ عثمانیه بسرعت و مهارت تمامی آنرا بی‌جنگ آورده است ووليعهد سلطنت حضرت یوسف عزالدین افندی ، وپسر بزرك اعلیحضرت سلطان‌المعظم شهزاده ضیاءالدین افندی درانجا عزیمت نموده درجامع بزرك سلیمیه که ازعصرها به اینطرف بیانك آذان محمدی (صلی) علیه‌نمازها دران خوانده‌نشده‌بود وموقتاً صدای ناقوس دران نواخته شده‌بود ، مردوباره بانك‌جماعت‌عظیمه اسلامیهٔ نماز خوانده شد ، اللهم انصر من نصر دین و اخذل من خذل المسلمین آمین

(پابندی شریعت اعلیحضرت امیرصاحب افغانستان)

همعصر معزز ومحترم ما اخبار (المشیر) بعنوان فوق چنین مینویسد :

درتمام هندوستان بالعموم ودراکثراضلاع صوبهٔ ما بالخصوص این رسم قبیح واین طرز شنیع رائج و جاری است که در موقع مناکحت مقدار ومبلغ مهر چنان بسیار متعین میشود که دروقت ادای آن‌نه صرف عروس‌بی‌بلکه اگرورثای فریقین هم‌متفق‌شوند تکمیل آنرا کرده نمی‌توانند مثلا اکراوقات مشاهده میشود که شخصی که ماهانه بیست روپیه نفع داشته باشد دروقت نکاح مبلغ مهر پنجاه هزار ویك ویکنیم‌لك روپیه مقرر می‌شود ومسلمانانیکه هنوز خودهارا قدری مهذب واصلاح یافته می‌پندارند باوجود تقرر بیست یابیست و پنجهزارروپیه‌مبلغ مهراحسان عظیم ومنت کثیر بفریق عروس میگذارند ـ ولی محترم همقلم سراج‌الاخبار افغانیه تفصیلی راکه درباب مناکحت همشیرهٔ محترمه اعلیحضرت امیرالمعظم بانبیرهٔ اعلیحضرت امیر دوست محمد خان مغفور جناب سردار محمد یونس خان شایع نموده ازان متبین می گردد که اعلیحضرت امیرصاحب مقدارمهررا صرف‌مبلغ بیست ویکروپیه کابلی مقرر فرموده اند . آیا درچنین فریقین جلیل‌القدر بمبلغ حقیر بیست‌و یکروپیه کابلی کدام درجه شهار و امتیازرا مالك میشود ؟ وازقرار مقدار و درجهٔ مهررسم هند وستان شایان و سزاوار شان این چنین زوج وزوجه جلیل‌القدر لازم بود که مقدار مهر مبلغ بیست ویك ارب روپیه و جواهرات و املاك بیشمار مقرر میشد مگر اظهار شان امارت بامهر واسطه ورابطهٔ ندارد . وازین سبب درین موقع صرف برمهر شرعی اکتفا ورزیده شد ـ ای‌کاش مسلمانان غیر ازشریعت که درهندوستان میباشند ازپابندی شریعت اعلیحضرت سراج‌الملةوالدین امیرالمعظم پندگیرند ورسم بدزیادتی مهر که رواج یافته آنرا ترك نموده ازقرار مهر شرعی مقدار ومبلغ آنرا مقرر نماید فقط

(ازمحررین اداره محمد عبدالرحمن مترجم)

(سراج‌الاخبار افغانیه)

این بیانات رفیق قلم معزز ومحترم ما (المشیر) بسیار صحیح و باصوابست پیش ازین در وطن عزیز خودما نیزهمان عادات بد واروای افزونی مهرنکاح بهمچنین افراط طلبی های غیرشرعی مربوط‌بود ولی‌ذات اعلیحضرت پادشاه معظم مقدس مالك قانون نامهٔ بسیار متینی درینباب وضع نموده مهرهارا بیکدرجهٔ معین ومقرری تحدید فرموده‌اند که در ینوقت حاضر هیچکس از همان حد معین درمهر تجاوز کرده نمیتواند . انشاءالله درشمارهٔ آیندهٔ خود مفصلا ازین مسئله بحث وبیان خواهیم راند .

(عیناً مکتوب از پشاور)

واقعه کانپور

پشاور ۱۵ رمضان سنه ۱۳۳۱

جناب محترم والاشان من امید است که آنصاحب از واقعهٔ جانگداز وانهدام مسجد محلی بازار کانپور وفدا کشتن چندی فدائیان اسلام بذریعه اخبارات واقف خواهند بود ـ چنانچه دران باب درهرقریه وهرده وهر شهر هندوستان آبادی اسلامی است اظهار نفرت وناراضی می نمایند وجابجا ماتمید وهمدردی شهدای کانپور جلسها منعقد می شوند وبعدی وپس ماندگان شهدا ومجروحین وخرچ‌مقدمه جابجا مردم‌مسلمان چنده میکنند وبرای مدد شان میفرستند وبرگورنمنت‌هندی وایسرای بذریعهٔ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 800 of 1786

تا برای توجه نمودن بطرف این معامله عرض میکنند — همچنین در پشاور از یک جلسهٔ عظیمی همدردی باب بیوم جمعهٔ گذشته منعقد گشته که روئداد آن بنابر اطلاع آن مکرم و مسلمانان آتولا معروض میداریم یوم جمعه گذشته ۱۲ شهر رمضان المبارک سنه ۱۳۳۱ بعد از اختتام وادای نماز جمعه درمسجد گنجعلیخان یک جلسه عظیمی بتأیید و همدردی شهدا ومجروحین واسیران کانپور وبنابر اظهار نفرت وناراضی وبدسلوکی وکوتاه اندیشی گورمنت صوبجات متحده منعقد شد — درین جلسه تعداد مسلمانان تقریباً پنج یاشش هزار بود بعد از تقریرهای متعدد پرجوش که مبنی براظهار همدردی همرای مسلمانان وشهدا ومجروحین واسیران کانپور ونفرین برحکام آتولا بود این تجویز قرار یافت که ازطرف مسلمانان صوبه سرحدی بخدمت وایسرای هند بذریعهٔ تار عرضداشت نموده شود که جمله مسلمانان هند عموماً ومسلمانان صوبه سرحدی خصوصاً بواقعهٔ هائلهٔ کانپور وبغلط کاری وزود قوتی وبی انصافی وتظلم وتجبر گورمنت صوبجات متحده سخت اظهار تأسف وناراضی می نماید وعرض میکنند که اینهمه فساد وخونریزی وبحرمتی مسلمانان نتیجهٔ غلط کاری وکوتاه اندیشی حکام زبردست می باشد — مسلمانان سرحد صوبه به بسیار ادب جناب وایسرای ممدوح را به این طرف توجه میدهند که درین باب عدل وانصاف را منتظر داشته علاوه زیادتی که حکام کانپور بهمراه مسلمانان بعمل آورده اند تلافی آنرا نمایند واسیر اینکه بیگناه درین وقت مبتلا شده اند رها نموده شوند و مجروحین وپس مانده گان شهدا را دلجوئی شان کرده شود وحکام زبردست از لفتننت گورنر تا کلکتر یا ازین صوبه تبدیل شوند ویا موقوف . فقط

بعداز ختم تار این فقره اضافه نمودند که اگر گورنمنت هند باین عرض ما گوش نگذاشت باعث ناراضی سخت ودلگیری مسلمانان صوبه سرحد واندیشهٔ فساد عظیم خواهد بود وازایشان لاجرم براه راست بگورنمنت برطانیه یا لندن برای چاره جوئی عرضداشت خواهد کرد

بعداز اختتام کار روائی جلسه برای پس ماندگان شهدا ومجروحین وبرای خرچ مقدمه چنده نمودند چنان مردم از دل پرجوش وغم وغصه ازهم رفته بودند اگر کسی چیزی نداشتند جامه های خودرا بطریق چنده تفویض نمودند ودر آن واحد مبلغ کثیری چنده جمع شد

لکن این فقره بسیار بافسوس تحریر میشود که درین باب مردمان دولتمند وبزرگان را هیچ دخل نیست وگاهی درچنین مجالس ومجمع ازترس وقوف مناصب خود وبنا برچاپلوسی وخیرخواهی سرکار حاضر نمیشوند البته ایشان درچنین جلسه ها حاضر می آیند که باعث خیرخواهی سرکار وبدخواهی وخواری قوم باشد زیرا که ایشان آنرا باعث ترقی مناصب خود میدانند افسوس است بحالت بدی چنین پیرزرگان گندم نمای جوفروش که بعوض دنیا عقبی را فروشند ودر اوقات تنگ بخدمت قوم معروف نمیشوند

درین جلسه تماشای که نظر کار میکرد همه مردم تجار وپیشه ور وغربا بودند یکی متمول واهل منصب بنظر نمی آمد افسوس است حال قوم را باید که خودرا از خوشامد وهمچنین افراد قومفروش که بپیسه وعزت دنیاوی اسلام را میفروشند رهائی دهند وبرای خود چنان افراد قوم پیدا کنند که باعث ترقی دین وهمدردی وبهبودی ملت وناموس شان باشند فقط والسلام . امضا

° ° °

[illegible]

سراج الاخبار افغانیه

اززمانها است که این فکر واعتقاد درممالک عزیز ما زبانزد ومعتقد شده آمده است که قانون دولت انگلیز نسبت بقانون دولت روس عادلانه تر ومفیدتر است وچون پرسیده شود که چرا میگویند که قانون دولت انگلیز درامورات دینیه واحترام جوامع اسلام ومعابد غیردین شان خیلی مساعده کارانه وملایمانه ودور ازتعصب رفتار می نماید ودولت روس درین باب بشدت ودرشتی وتعصب زیادی حرکت میکند —

بسیار جای افسوس است که درین اوقات قضیه را بالعکس مشاهده میکنیم . یکبار میشنویم که مسلمانان ممالک روس اتفاق کرده واعانه جمع نموده در پترسبورگ که پایتخت دولت روس است یک مسجد بنا نمودند . دولت روس به آنها اجازه حتی مساعده هم نموده بازمی شنویم که در فلان شهر روس دولت روس برای مسلمانان مکتب باز کرد . درین روزها شنیدیم که مسلمانان شهر (کوستنجه) که در زیر اداره حکومت رومانیا میباشد یک جامع درآنجا بنا نمودند خود پادشاه رومانیا با ملکه وبسیاری از اعیان برای رسم افتتاح آن حاضر شده به احتفالات تمام رسم افتتاحیه را اجرا نمودند هزار افسوس که دولت انگلیز درباب مسجد کانپور بر خلاف مسلکی که پیش نهاد خود داشت حرکت نموده وتمام مسلمانان را به این حرکت ناهنجار خود دل آزرده ومتنفر نمود . ولی هیچ شبه نیست که این معامله از سوء ادارهٔ حاکم ورئیس بلدیهٔ آنجا بوقوع آمده باشد . زیرا که چنین یک خطای سیاسی که برای یک پیچ وتاب سرک علیه‌ها عموم رعیت خودرا از خود متنفر کردن خلاف عقل دیده میشود .

ای هموطنان عزیز ازینگونه مثالها عبرت گیرید . هر موی بدن خودرا زبان ساخته شکر آزادی وطن خودرا ادا نمائید . به بینید که اسارت چه نتیجه ها بار میدهد .

(ترجمه اخبارات انگریزی که ازطرف)

(ترجمان بیت العلوم باداره رسیده)

انتشار افواج بلغاریه خلاف توقع دلیل این امر میباشد که آن بر دول یوروپ اتحاد کلی دارد که آنها نگذارند برای عودت از خط اینوس ومیدیا لازم مجبور خواهند کرد ..

(سراج الاخبار افغانیه)

بکدام حق وانصاف مجبور خواهند کرد ؟ آیا در وقت تجاوز بلغاریه بملک عثمانی چرا کسی اورا برجعت ازان ناحق مجبور نمود .

اخبار نوو وریما میگوید که فرانس بیروی توهمات وخیال باطل مینماید — ومعاهده روس وفرانس را باطل میکند — ضروریست که بر شرائط معاهده مذکور نظر ثانی کرده شود. اخبار ویچ روسی میگوید که فرانس درباب حکمت عملی بحیره روم بیروی خیالات ذاتی ووهمی را نموده مارا تنها گذاشته است فقط

اظهار مسرت وشادمانی یونان

شاه کونستانتین موسیو وینزیلوس را تمغهٔ بهادری اعلی عطا کرده است وحکم داده است که به اظهار خوشی بر خاتمه صلحنامه در جمیع قلعه جات یونان یکصد و یك فیر توپ کرده شود — جوش وخروش واظهار مسرت وشادمانی در اتینز حد واندازه ندارد —

اتینز — شاه کونستانتین حکم داده است که جمیع قلعه جات یکطرف از دانیال الی سالونیکا وطرف ثانی از جینانی الی بحر اوقیانوس ۱۰۱ بار فیر توپ بکنند —

اخبارات یونان از اظهارات صادقانه ووفاداری مملو میباشد وشاه کونستانتین را فاتح عظیم الشان میگویند — استقبال او وقتیکه او در دارالسلطنت واپس خواهد آمد بجوش وخروش وسرگرمی تمام کرده خواهد شد —

کوائف سرحد

از وزیرستان رپوت کیفیت عجیب وغریب جنگ بین الاقوامی سرحد در حال رسیده ورپوت مذکور بیان میکند که بتاریخ ۳ ماه اگست محسود سپنکه وتوری خیل برای تصفیهٔ تنازعات باهمی انعقاد یك جرگه نمودند — وقتیکه نفری قوم محسود در قرب آباد توری خیل رسیدند اشخاص محارب موخر الذکر برای حفاظت قریه جات خود روانه شدند چراکه اندیشه پیدا شده بود که قوم محسود بر قریه جات آنها حمله خواهند کرد — چنانچه آنها گلوله باریدن شروع کردند وجنگ کل شب الی صبح جاری ماند — برای امداد توری خیل منره خیل ومددو خیل از قریه جات قرب وجوار رسیدند چراکه آنها نیز همراه محسود سپنکه دشمنی وعداوت داشتند اگرچه اندازهٔ صحیح تلفات تا حال معلوم نمی باشد مگر تقریباً ۲۶ نفر کشته وچند نفر زخمی شده اند — این نقصان عظیم غالباً باین سبب بوقوع آمده است که اقوام وزیرستان درین ایام تفنگ های طرز جدید بکثرت دارند فقط

سراج الاخبار افغانیه

ننه انگریزان ازینکه خود کثیرا سود میبرند . بازی خوردهگان عاقل وجاهل بی تمیزند که بر انگریزند . کیست وبرای چیست وبه این خوش که ما بهادری کردیم . لعنت بر بازی وجهالت!

حالات مسقط

از مسقط حالات جدید رسیده است و بیدانیم که سلطان در فرو کردن بغاوت عمان تاکنون هیچ کامیابی حاصل کرده است . سرکار هند بسبب معاونت مستحق تشکر خاص سلطان مسقط میباشد چراکه او از سبب مدد و معاونت سرکار هند درباب دار السلطنه وشهر های ساحل خود حالا چندان متفکر نمیباشد — یك لنگر جهاز انگریزی در بندر کاسب ودیگران در بندر گاه مسقط لنگر انداز میباشند ودو صد وپنجاه نفر از پلتن نمبر ۹۵ چورت بطرف مغرب مسقط بر مدخل دره خود را مستحکم کرده اند باین طریق راه آمد باغیان واطراف مسقط ومطره کاملاً مسدود گشته است — موجودگی جهازات وفوج انگریزی دار السلطنهٔ سلطان وشهر ساحل را بالکل محفوظ ساخته است — اکنون افواج سلطان برای مدافعت باغیان در هر مقام رفته میتوانند — سرکار انگریزی برای معاونت او باین سبب مجبور شده است که سلطان درمسدودی تجارت اسلحه حسب الخواهش سرکار انگریزی سعی بلیغ نموده بود .

سراج الاخبار افغانیه

بلی اینهمه شر وشور وقتل وقتال برای همین بود که اسلحه از اطراف به اینطرفها نگذرد . ولی غافل ازینکه غیر از راه مسقط دیگر راهها هم هست ...

معاهده بخارست

طرز عمل دول

اخبارات فرانس امید واثق دارند که این صلحنامه قطعی خواهد بود وامیدواری دارند که روس بخاطر دعاوی بلغاریه بر کوالا چندان مصر نخواهد ماند چراکه کوالا زیادتر بجزیرهٔ روم تعلق دارد نه بهمراه بلغاریه — این امر قابل ذکر است چنانکه اخبارات وانا امید دارند که معاهده بخارست بدون مداخلت دول یورپ بهمین طور که فیصله شده است بحال خود قائم خواهد ماند

(خبر امضای صلحنامه در ستنجی وبلگرید بکمال طمانیت
وخورسندی وصول کرده شده است —)

قیصر جرمنی بولیعهد یونان تمغهٔ بهادری اعلی عنایت کرده است چونکه این امر بوضاحت ظاهر شده است که بر معاهده بخارست نظر ثانی نکرده خواهد شد بنابرین اخبارات صو

ازحد مایوسی ویا امیدی ظاهر میکنند . اخبارات مذکور میگویند که معاهده موجوده باعث بدامنی دائمی خواهد بود وعنقریب درعلاقهٔ مقدونیه جویهای خون جاری خواهد شد .

خبر من بعد

رومانیا

رومانیا بدون ضائع شدن یك تیر خلاف توقع و خواهش درعلاقه جات خود توسیع نموده است — آن دراین وقت دولت غالب در اتحاد بلقان شمرده میشود — از تبادله تلگراف مابین قیصر جرمنی وشاه رومانیا چنان ظاهر میشود که رومانیا از اول الی آخره بموجب هدایت قیصر جرمنی عمل درآمد کرده است —

فرار

یونانی و مسلمان باشند گان علاقه جات که به بلغاریه تسلیم کرده شده است کلیسهها ومساجد وعمارات را در داده بطرف علاقه جات یونانی فرار شده اند —

ترکی وایدریانوپل

جواب بدول

ترکی بجواب عرضداشت دول یورپ میگوید که آن حتی الوسع سعی کرده بود که به شرائط معاهده لندن کاربند باشد مگر جور وستم بلغاریه آن را برای این کار روائی جابرانه مجبور کرده است چراکه حفاظت مسلمانان باقی مانده ضروری خیال کرده شده بود — نیز ترکی میگوید که آن خود را بازدر تصرف آوردن آن علاقه جات که برای حفاظت دار السلطنه ترکی ازحد ضروری خیال کرده میشد محدود مانده است — در جواب آن در باب ایدریانوپل هیچ مذکور نشده است —

از ذرائع مختلف معلوم شده است که ترکی برائی ترك کردن ایدریانوپل در قبضهٔ خود عزم بالجزم نموده است ترکی افواج کثیر التعداد در آنجا ترك کرده است مگر بلغاریه برائی انتشار افواج خود راضی شده است فقط

سومالی لیند واقع افریقه

چونکه یك دسته فوج انگریزی مقیم سومالی لیند را مجاهدین درویش کاملاً تهتیغ نموده اند بناً علیه سه صد نفر ازعدن بطرف بربرا روانه گردیده است —

« عیناً مکتوب »

محمود را عاقبت محمود باد حق جل وعلی امثال ترا درمملکت عزیزمان روز افزون داشته ظل ظلیل پرچم دولت متبوعه وسایهٔ همایون پایهٔ اعلیحضرت قدرقدرت پادشاه دل آگاه معارف پرور مارا ومعارف عموم مسلمین عموماً وبرطالبان شرف اعتلای ملت ووطن خصوصاً پرتو افکن دارد تا ابناء وطن عزیز مارا فرداً فرداً حس نوعیت حاصل ودولت ارتقای ابدی واصل گردد چه عمدهٔ مطالب وزبدهٔ مقاصد ما دراین زمان که تمامی افراد در اطراف واکناف عالم از آوازهٔ حیات بهوش آمده درمواد ترقی واعلاء کلمهٔ واحده اتفاق ساعی وکوشانند وهرقومی باندازهٔ درا کتساب کمالات بی محابا برده پس ما را است که در سایهٔ چنین پادشاهی که امروزه وجود مقدسش از برای ما بمنزلهٔ آیهٔ رحمت وذات رافت سماتش بمرتبهٔ لوای رفعت دین وملت است نفسی از کسب فضایل علویه ومعنویه وحصول شرف ظاهریه وباطنیه غافل نبوده‌ای طلب ازدیاد جلب منافع باز نکنیم باشد که بعد مساعی طالبانه فرصت فخر براقران حاصل داشته باستقبال خود بنازیم ودر میدان مباهات جلاحیه بتازیم — خلص عمریست که آرزو داشتم که سواد دیدهٔ رمد رسیده را به مطالعه جریدهٔ که زاده طبع ابناء وطن عزیز باشد منور سازم فردوالله الحمد هر آنچیز که خاطر میجو است آخر آمد زپس پردهٔ تقدیر پدید، الحمدلله ثم الحمدلله که بتوجه ذات اقدس ملوکانه پدر تاجدار ملت افغانیه اعلیحضرت ظل الله فی الارضین سراج الملك والملة والدین روحنا وارواح امثالنا الفداء شاهد مقصود رونما گردیده موجب فرحت وانبساط خاطر این بندهٔ عقیدت کیش شد وزیاده امریکه موجب فرحت فوق العاده گردیده آنست که ابراز همچه فضیاتی که ابناء نوع ما ازآن فخر باید کرد از نتیجه طبع وقاد یکی از سلاله ودودمان کمال است که در حسن فطرت وصفای طینت وجودت طبع اباً عن جد سرا آمد ارباب فضل وکمال بوده وهستند زیاده چه نویسم عجز دعای بقای وجود اهل کمالا کران هیچمدان قابل آن نیست که عنوانش قابل درج جراید کمالیه باشد امااین بی بضاعتی از توجه آن نور حدقهٔ خاندان کمال وگل حدیقهٔ بوستان شرف وجلال متوقع میبود ناشد — ریاض ضمیرت از آبیاری لطف خدای خبیر شاداب باد . احقر العبد امضا

(میرحسن موسوی)

مقالات فنیه

(فن ژئولوژی یعنی طبقات الارض)

(مابعد از شمارهٔ (۲۲)

واین نیز از قوهٔ مخربهٔ آبست که بعضی قریه‌ها وناحیه‌ها یکه بر ساحل بحر واقع شده باشد کاهی میشود که آب بحر بمرور ایام از زیر آنها کاویده کاویده ودفعةً غرق نموده است ومانند این بسی صنعت ومعرفه‌های دیگر نیز ازین مخرب جا بکتب بعمل آمده ومیاید . وبعضی اسباب دیگر که از معاونت این سه قوت نشأت میکند

چون این سه قوت باهم دست اتفاق رایك کنند ویك بادیگر معاونت نمایند یعنی اسباب محربهٔ دیگر تولد میکنند که انها نیز درخصوص تبدلات عالم خیلی خدمتها میکنند .

مثلا دریك کولاب بسیار عمیق وبزرگ بمرور ایام بواسطهٔ حرارت بنی علفها ، وکارته ها ، نی ها ، و نباتات سائره پیدا میشود . ورفته رفته نی ها وکارته ها کثرت پیدا کرده تالاب را بیك جزائری تحویل میدهد . وجناب صنعتگر بادنیز بمرور ایام لحظه بلحظه خاك وغباری زیادی برسر آن ریخته میرود . تاآنکه انجلرا بصورت زمینی بسیار سختی تبدیل میکند . وقرناً بعد قرن برین زمین قریهها وقصبه ها تشکیل میاید . پس اگر عمق آب آن تالاب بسیار بود درزیر آن قریهها وقصبهها آب موجود مانده بعد از مرور زمان بیك زلزله و یابك حوادث سائرهٔ دیگر اینزمین یك تبدل دیگر بوقوع میآورد . وقصبههای بسیار بزرگرا بهمهٔ موجوداتش غرق ونابدید میگرداند . واگر آب کول کمتر باشد درختها ونباتات انسرزمین آب کولرا کشیده وجذب نموده از آب وتالاب هیچ یك اثری هم نمیگذارد .

وبسیار میشود که بالعکس اینچنین تبدلات ظهور میاید یعنی بادیك زمین سست خاك وریگزاریرا بمرور ایام رفته رفته بقدر یك کولاب بسیار بزرگ عمق میدهد . وبعد از مدتی آب باران ویا آب نهری دران جا فراهم آمده در جائیکه صحرا بود کولاب میشود .

واین نیز از منتهای آلات سهکانهاست : کهدربعضی جاها که آب شیله ودرهها فرو میآید پارچه های بسیار جسیم جسیمی از خاك تشکیل میدهد که آن پارچه ها را حرارت دریکمدت مدیدی خشك و غبار ساخته بدست معین ذی همت خود یعنی باد تودیع میکند . و باد نیز آنرا ربوده بطرفهای دیگر پشته و تپه ها ودامنه ها بظهور میآورد .

اینست اسباب و آلات غیرمحسوسهٔ تبدلات کرهٔ ارض اما اسباب محسوسه ومدهشه که دفعهٔ ظهور میکند و جهانرا بیك لحظه ازیك حال بحال دیگر تغیر وتبدیل میدهد عبارت از صدمات دهشتناك عظیمهٔ (وولقانیه) میباشد . که این صدمات درخصوص تبدلات سطح کرهٔ ارض ازهمه زیاده ترخدمت میکند . و چون مبحث صدمات وولقانیه ازمباحث عظیمهٔ فن جئولوژیست درینجا بحث اساسی محتاج شرح وبسط زیادیست لاجرم درینجا بصورت بسیار مختصری ازان بحث میرانیم وانشاالله درخصوص صدمات وولقانیه دراجزای آینده معلومات کافی بیان خواهد شد .

(صدمات وولقانیه)

وچونیکه بارباب (علم جئولوژی) مخفی وپوشیده نیست که درطبقات داخلی ومرکزی کرهٔ ارض بسی معادن . ومواد مشتعله محترقه . وغازات وابخرهٔ ناریه موجود اند که این مواد مذکوره در جوف طبقات داخلیٔ کرهٔ ارض دائما بجوش وخروش اند . وبخاراتیکه خواه ازین مواد مشتعله بظهور میآید . ویاآنکه از آبهای داخل کرهٔ ارض که بقوت آتش مرکزیه بجوش میآیند حاصل میشود . والحاصل بهرصورتیکه باشد باشد این ابخرهٔ مذکوره درانجا بتحت تضیق وفشار بسی قوی در آمده مطلقاً جستجوی جای فراری مجبور میگردند . وازبرای اندفاع وبرون برآمدن روی زمین را بجنبش وحرکت درآورده زلزله های شدید وخیم بسی مدهشی را سبب میگردند . ودهن شواهق یعنی کوه هارا ازهم شکافته ومواد مذابه مشتعله وولقانیه که انرا (لاو) میگویند ازانجا خروج وباطراف وجوانب جبل جریان یافته . وپس از انجماد سرازنو در اطراف واکناف تپههای جسیم (تراپید) تشکیل میدهد . وشراره های دوزخ مانند آن بفلك سر کشیده وخاکستر آزاد به اطراف واکناف برده قصبههای جسیمهرا درزیر آن غرق میاید واگر شهر وقصبهٔ درجوار آن باشد دران واحد ازیکر وبدکر روش چه میکند .

وبزرگترین صدمات وولقانیه اینستکه گاهی درزیر طبقات بعضی جزیرههای بحر مواد مشتعله ناریه تراکم نموده ودفعهٔ ازهم کفیده جزیرهرا باجمیع شهر وقصبات وموجوداتش غرق ونابدید میگرداند . وبعضا دیده میشود که بنابراسباب صدمات وولقانیه سرازنو جزیره های دیگر ازمیان بحر ظهور میاید . والحاصل صدمات وولقانیه درخصوص تغیرات وتبدلات کرةالارض آنقدر مثالهای مخوف مدهشی نشان میدهد که انسانرا درگرداب حیرت القا میکند .

پس ماحالا درینجا ازبعضی تبدلات وتغیرات مهمه که ازصحایف تواریخ بنظر در آمده بسط وتمهید میدهیم . که اقرب انها نیز جزیره های نو ظهور بحر یست :

جزائر نوظهور

صورت بزرگترین وکیفیت مهمترین تبدلات عالم درجزیرهها ئیستکه جدیداً از قعر بحر بظهور آمده است . ازین رقم جزائر دروهلهٔ اولی که بنظر میخورد همانا جزیرهای (سوارد) است . جزیرهای سوارد ، عبارت ازده پانزده قطعه جزیرهای کوچك وبزرگیست که درمیان (بحرسفید) وقریب قسم بحر یونان کائن وموجود میباشند .

درینجزیرهها چون انسان بسوی خاك وسنگ وهیئت سائره انها بنظردقت ملاحظه کند چنان میپندارد که گویاحالا آب انجبال جذب شده بحالت خشکی تبدیل نموده است . حتی برقلل جبال جزیرهای مذکوره بسی ازپوستهای حیوانات بحری مانند کودی وصدف ، وغیر ذالك دیده میشود . وسنگها ومواد ارضیهٔ آن نیزازریگهای زیربحر تشکیل یافتهاست .

پس هریك ازین چیزها دلیل واضح وبرهان قاطعیست برینکه

انحلالات قبل ازین در زیر بحر بوده‌اند . جزیره‌های (رودوس) و (استانکوی) و (قالنیوس) از جزیره‌های بزرگترین این جزایر نو برآمده میباشند

لکن مع هذا ما این جزیره‌ها را هنوز بر اثبات مدعای خویش دلیل اتخاذ نمیکنیم . بلکه دیگر جزایر بدیکه اورا جزایر (سانتورن) میگویند که چند عصر مقدم از قعر بحر بیك صدمه وولقانیه برون برآمده است . ولی جزایر سوابقه بمناسبت خیلی مقدم‌بودن‌شان بر اثبات مدعا دلیل کافی شمرده نمیشوند .

جزایر سانتورن . از جزایر ممالك یونانیه میباشد که بنهایت حدود جنوبیهٔ ارض یونان واقعست . بزرگ ترین جزایر سانتورن (جزیرهٔ تیرا) ست که در اطراف آن بعضی جزایر کوچك کوچك نیز موجود میباشد .

از بعضی صحایف تواریخ درخصوص جزیرهٔ تیرا چنین استنباط میشود که قبل المیلاد به ۲۳۷ جزیرهٔ تیرا بیك صدمهٔ بسیار شدید وولقانیه از میان دو پاره گردیده (جزیرهٔ تیراسیا) را تشکیل داده است . و بعضی از تواریخ قدیمهٔ یونان روایت میکنند که قبل ازین صدمه بیك صدمهٔ اشد دیگر اصل جزیرهٔ تیرا نیز از قعر بحر مجدداً ظهور نموده است .

ودر صحایف تواریخ این نیز ثبت است : که قبل المیلاد به ۱۸٤ سال مقدم (جزیرهٔ هلیه را) نیز بیك دفعه از قعر بحر مانند یك نهنك بسیار جسیمی بروی بحر ظهور نموده است . وچند جزیره‌های کوچك دیگر نیز در اطراف آن بهمان روز ظهور نموده است .

ونیز در بزمانهای بسیار قریب — یعنی در سنه ۱٤۲۷ میلادی جزیره (ماسیه را) بیك صدمهٔ دیگر زیاده تر از آب برون برآمده دو برابر خود جسامت پیدا کرده است . وکسانیکه این واقعه را برای العین خود مشاهده نموده وتحریر نموده اند چنین روایت میکنند : که هنگام بر آمدن جزیره چنان بنداشته میشد که گویا یك حیوان بسیار عظیم الجثه برای تخلیص جان خویش شناوری کرده کرده سعی به بر آمدن دارد که از شناوری این جزیره عقول انسانیرا حیرت دست میداد .

و کذالك درسنه ۱۵۷۳ جزیرهٔ (میقرو قامیا) که درقریب جزیرهٔ سانتورن واقعست از قعر بحر ظهور نموده است که اینمسئله معلوم ومشهود جهان گردیده است .

والحاصل اگرچه ازین قبیل جزایر نو ظهور در صحایف تواریخ خیلی مذکور است ولی ما درینجا بنابر اثبات تبدلات کرهٔ ارض بدینقدر امثله اکتفا نمودیم .

(جبال قدید گشته)

این نیز بر تبدلات سطح کرهٔ ارض دلیل قوی شمرده میشود که : بعضی جبال را انسان میبیند که مانند لاشه های انسان و حیوان که گوشت و پوست شان رفته و استخوانهای شان باقی مانده باشد همچنان از ایشان نیز گوشت و پوست رفته تنها سنگهای سرتیز ودرازی باقی مانده است که در اصطلاح ژه‌ولوژی اینچنین جبال‌را جبال قدید شده میگویند .

ازین قبیل جبال قدید شده اول که به انظار دقت میخورد همانا جبال شیله (وبالرت) است که در جانب شمال قطعهٔ اوروپا ودر ممالک (اسویچره) کائن میباشد .

مشاهدهٔ منظرهٔ این جبال خیلی شایان دقت و عبرت است مثلا دیده میشود که از قلهٔ کوه بسی پارچه های خاکهای بسیار جسیم، و درختهای بسی عظیمی فرو آمده در اطراف جبل منتشر گردیده اند . و سنگهای عظیمی سرتیز و درازی که بمقام عظام رمیم جبالست مانند استوانه‌های قصیر وطویل، وعوامید صغیر وکبیری جابجا باقی مانده است . و از وضع و هیئت جبل مذکور چنان معلوم میشود که گویا سیلابهای بسی عظیمی از سر جبال مذکوره فرو آمده جمیع پوست خاکی جبل‌را فرو آورده باشد . ولی کیفیت اصلی وواقعهٔ حقیقی این جبل‌را یکی از عالمین علما مذکور چنین تحریر وبیان نموده گذاشته است :

— کوه دیلرت، درسنه ۱۷۱۳ میلادی دفعةً یکبارگی از هم پاره پاره گردیده سقوط نمود، بر سر کوه هرانقدر خاك وسنگریزه و اشجار و نباتیکه موجود بود دران واحد ازهم فرو ریخت . جهان وجهانیان از صداهای مخوف ودهشت انگیز سقوط آن مانند روز محشر درهم اوفتید . هنگامیکه این واقعه وقوع یافت نیمروز یعنی آفتاب جهانتاب در سمت الرأس واقع بود . ولی از کثرت دود وغباریکه از تلپیدن کوه بظهور رسیده شعاع شمس درزیر پردهٔ ظلمت درآمده روز روشن مانند شب تاری گردید و بقدر چهار متر و زمین درزیر انقاض کوه درامد . گوسفند وحیوانات سائره که ازین حادثه تلف گردید خارج حسابست . ولی چون عمرانات دران حدود کم بود تلفات انسانی انقدر بظهور نرسیده .

و همچنین درسنهٔ ۱۷۵۱ میلادی در ایالت (ساوا) که در (فرانسه) کائن است نیز همچنین یك کوهی دفعةً ازهم پاره پاره گردیده یکبارگی سقوط نموده است . و بوسعت شش ملیون متر قطعات ارض‌را بصدمهٔ خویش بزمین فرو آورده است . وجای تعجب اینست که اینقدر خاك وغبار ازینجا حاصل شده که مدت مدیدی مانند یك ابر بلائی ضیای شمس جهان آرارا سراسر مستور نموده بود .

پس از مثالهای سابق الذکر چنان معلوم میشود که اینهمه سنگهای سرتیز ودرازی را که در کوهها مشاهده میکنیم البته دریك وقتی بر سر شان خاکها و جنگلها و حیوانات موجود بوده است . وبمرور ایام بسبب صدمات برکانیه وغیر ذالك بدین هیئت تحویل نموده اند .

اراضی سیار

این یک نیز دلیلیست واضح بر تبدلات و تغیرات کرهٔ ارض : که بعضی محلاتیکه بردامنهٔ کوهی و یا برپشت پشته واقع باشد گاهی میشوند گوئیا بر صدمهٔ از صدمات محرکهٔ ارض موقع و مأوای خود شانرا تبدیل کرده از جائی بجای دیگری تحویل مکان میکنند .

از انجملهٔ اینچنین حوادث یکی در سنه ۱۸۰۴ میلادی در جوار (ماقوته) در محل (صولو تره) وقوع یافته است . کیفیت این وقوعات نیز چنین است : که در سنه مذکور بعد از آنکه بارانهای شدید بسیاری نزول نمود ، قدر ارضی که بر سر کوه صولوتره واقع بود بیک صدمهٔ شدیدی دفعهٔ بحرکت آمده و بعد از آنکه بقدر چند صد متر مسافه را قطع نموده بی توقف ورزید . قرا وقصباتیکه بر آن قدر ارضی پیوست موجود بودهاست اگرچه بسیار متزلزل گردیده ولی باوجود آنهم هیچ یک سقط و خسارتی بحال شان رو نداده است .

وازین غریبتر است حرکت جبلیٔ (غوبعا) که در ایالت (وندیك) کائن است . چنانچه یك شبی درحالیکه اهالی ساکنان سر کوه به خواب بودند قدر ترابی سر کوه بحرکت آمده ، بصحرای که دران جوار واقع بوده است فرو آمده است . چون فردای آن اهالی از خواب برخاسته خودرا درمیان صحرا یافتند یکبارگی بدهشت معنوی آمده ایشانرا دریك مملکت مجهولاً انداخته است خیلی بخوف و هراس افتادند . ولی چون کشف مطلب را نمودند گرفتار لجهٔ حیرت شدند .

وازین یك تازه ترش که بچشم خویشتن دیدهام که در سنهٔ ۱۲۹۴ هجری در شهر (کابل) که مرکز امارت افغانستان است یك زلزلهٔ عظیمه وحرکت ارضی پی درپی ظهور نمود که از صدمهٔ آن بسی قرا و قصبات و اماکن تلف گردید . علی الخصوص در محلی که آنرا (کوهستان) تعبیر میکنند تلفات و خسارات مالی وجانی از حد حساب بیرون بود والحاصل در محلیکه آنرا کوهستان فوقانی میگویند یک محکمه را دیدم که بعد ابنیه واشجار و غیره در حالیکه قبل از آن برسر تپهٔ واقع بود از صدمهٔ حرکت زلزله فرو آمده بود . این است چند مثال در خصوص ارض سیار . حالآنکه در خصوص این امثلهٔ دیگر نیز موجود است که ما بهمین چند امثله اکتفا نمودیم . و یکدو مثال دیگر نیز در خصوص تبدلات جبال آورده سخن را ختام میدهیم .

« تبدلات جبال »

تبدلاتیکه جبال عایدهٔ را از حرکت ارض پیش میآید ، و آن تبدلات بر تغیرات کرهٔ ارض دلیل بس عظیمی شمرده میشود خیلی بسیار است . مثلا بسا میشود که یک حرکت ارض وولکانیه سلسلهٔ جبال بس کبیری را از میان دوپاره میکند . وبمرور ایام بواسطهٔ نزول بارانها ، وجریان سیلها ونهرها محلات پست وبلند آنها تسحیح وتسطیح گردیده درهها و دو بندهای بسیار منتظمی تشکیل یافته است .

از انجمله در سنه ۱۷۷۲ میلادی در ایالت وندیك کوه (بیابر) بیك صدمه شدیدی دفعةً ازمیان دوپاره گردیده است . ویکپارهٔ بسیار جسیمش بطرف شرق نزول وسقوط نموده چند قریه نزدیک را با اهالی واشیای موجوده اش درزیر انقاض خویش مدفون نموده است . و یکپارچهٔ دیگرش مجرای نهر کوچکی را که از اطراف درگذر بود مسدود نموده از آن سبب در ظرف دوسه ماه آبهای نهر مذکور بالا برآمده چارپنج قریه را مستغرق لجهها نموده است . ویك کولاب بسیار جسیمی بجای آنها انشا کرده . وبعدازمرور ایام از محلیکه دوپاره گردیده بود چشمه های کوچك کوچکی ظهور نموده ، ورفتهرفته این چشمهها بزرگ شده ، و مجرای خود شانرا باز کرده ، بشدت بسیار باآب واشجار وانهاری سبز وخرم خیلی خوبی بظهور آورده است . که الغرض اینچنین مثالها درروی زمین خیلی از خیلی موجود میباشد

« خاتمه »

پس ازین قدر اسباب تجربیه که بصورت بسیار مختصری در خصوص تبدلات ارض عرض وبیان نمودیم چنان معلوم شد که این کرهٔ ارض مانند گوئی در جوکان نهای این قدر حوادثات وتبدلات گوناگون غلطیده غلطیده بدین پایه رسیده است که میبینیم . وهنوز علمش بخداست که تاچه قدر هنوز خواهد غلطید . لاجرم چنانچه علمای محققین رحمهم الله تعالی اجمعین بقواعد منطقیه درصدد اثبات حدوث عالم میفرمایند که : العالم حادث لان العالم متغیر وکل متغیر حادث فالعالم حادث بنابرین سخنان حکمی فن (زیولوژی) بغایت اثبات روشن ومبرهن میگردد . وچنانچه حضرت خالق کون و مکان ، و آفریننده زمین و زمان این جهان جهانرا بامریک کن از کتم عدم بعرصهٔ وجود ظهور داده ، چه خواهد بود از آنساعتیکه بیک صدمهٔ مدهشه (اعدم) همهٔ زمین و زمانرا برهم زده مصداق امر جلیل (لمن الملك الیوم لله الواحد القهار) را ظاهر وعیان سازد .

(سبحان من یغیر ولا یتغیر)

(انتهی)

ادبیات

غزل مذنب

(مرغ عشرت بدام اسلام است)
(دین و دنیا بکام اسلام است)
(شعر امروز کی توان گفتن)
(عیب و ننگ و نام اسلام است)
(بادهٔ شادمانی نوش کنید)
(همه مصروف جام اسلام است)
(سحر اندر سحر تماشا کن)
(صبح حیران شام اسلام است)
(ابرش بخت از ازل انجب)
(تا ابد گوئی رام اسلام است)
(همچنین هفت پردهٔ دنیا)
(هشت جنت مقام اسلام است)
(اینکه از پا فتاد نصرانی)
(دوستان ازقیام اسلام است)
(همه اسلام از سر رغبت)
(خیر خواه تمام اسلام است)
(مذنب) از اتفاق تا محشر)
(دستگاه دوام اسلام است)

از جور و ستمکاری کفار چگویم
زین قوم جفا جوی ستمکار چگویم
بگذاشت نصاری برما جز دو سه کهسار
هموار کشیدند زهموار چگویم
بر روی یاران چه نکردند و شنیدیم
از روس چه پرسید و زبلغار چگویم
اسلام چو درخواب بود پیش که نالم
زین خواب نگردند چو بیدار چگویم
افسون نصیحت نکند در دل کس کار
بیهوده چرا گویم و بیکار چگویم
کردار نه بینم چو زیاران زمانه
سودی ندهد این همه گفتار چگویم
گویم که نکردیم درین دام گرفتار
آنگاه چو گشتیم گرفتار چگویم
اکنون که سر رشته بدست است بکوشید
از کف چو رود رشتهٔ این کار چگویم
پر گشته ام از گوش نگیرند عزیزان
از گفتهٔ خود میکشم آزار چگویم
نشنید کسی درد دل خون شدهٔ من
پیش که کنم درد دل اظهار چگویم
بر حال پریشانی اسلام درین روز
بگذار کنم گریهٔ بسیار چگویم
اطوار پریشانی اسلام چه پرسی
داری خبر از طرهٔ دلدار چگویم
همچون دهن یار نباشد بجهان هیچ
از هیچ نیابم چو خبر دار چگویم
چون رشک عزیزان شودم شعر چو گوهر
یاران پس ازین شعر در اخبار چگویم
(مستغنی) ازین پس نکند شعر سرائی
چون رشک عزیزان شود اشعار چگویم

سخنان هر رقم

چارصد عروسی دریك شهر بیك روز

هندستان یك ملکیست که از عادتها و رسمهای عجیب و غریب مملو میباشد . در شهر (سورت) یك قومیست که آنرا (لیوازنی) میگویند . عادت آنها این است که در هر ده یازده سال یکبار پسران و دختران قوم را عروسی میدهند . دراغاز یازدهم ماه فبروری ۱۹۱۳ روز عروسی شان تصادف نموده دریك روز چارصد عروسی بعمل آمد . یعنی هر انقدر پسران و دختران که در ظرف ده یازده سال بوجود آمده اند همه را دریك روز عروس و داماد کرده اند . غرابت در اینجاست که در تمام این چارصد عروس و داماد بزرگترین شان ۱۲ ساله بوده است . باقی عروسها و دامادها از یکساله تا به ۱۱ ساله بوده اند . بعضی ازین عروسها و دامادها بزانوهای مادران و پدرانشان نشسته بوده اند . بعضی را بشیرنی و بازیچه ها از گریه کردن باز میداشتند . حتی بعضی را والده های شان به شیر دادن آرام میکرده اند !

موجد ساعت که بود

شخصیکه از همه پیشتر ساعت ایجاد کرده است خلیفه هارون رشید عباسی است ساعتیکه او ساخته بود نهایت خوشنما و طلائی بود و چرخها و غیرهٔ ساعت عجیب و غریب بود و ساعت مذکور زنگ هم میزد — در سنه ۸۰۰ ع ساعت مذکور به شاه شارل میکن تحفةً فرستاده شده بود — وقبل از ایجاد ساعت مذکوره بذریعهٔ ساعتهای آفتابی و آبی وقت معلوم کرده می شد علاوه بران اوقات روز بذریعهٔ حرکت مستمرهٔ آفتاب و ساعات شب را بذریعهٔ کواکب معلوم میکردند —

در باب شاه ابلفرد اعظم بیان کرده میشود که او بشمع مومی کار ساعت گرفته بود یعنی برشمع علامات و معیار باین طریق انداخته بود که از ساعت تفاوت نمیکرد —

در صدی سیزدهم یك مسلمان عرب ساعت کنگ دار ایجاد کرد که قیمت آن مبلغ سی هزار ربیه نقد شده بود و همین ساعت به فریدریك ثانی شهنشاه جرمنی تحفةً داده شده بود —

ساعتهای مذکوره در آن زمان بهر قدر و منزلت که دیده شده باشد اندازهٔ آن بخوبی کرده میشود اما امروز دانایان فرنگ در ایجاد ساعت با آن درجه کمال پیدا کرده اند و چنان سهولت بدست آورده اند که ساعتیکه در آن وقت به سی هزار ربیه فروخته میشد اکنون ازان بهترین به بیست و بیست و پنج روپیه بدست می آید — و ساعتهای معمولی بدو روپیه و یکنیم روپیه هم فروخته میشود و دو سه سال بخوبی کار میدهد —

(درمابین دو رفیق)

دو دوست با همدیگر مصاحبه میکردند . یکی از احوال بیماری خود بیان کرده گفت :

— برادر چه عرض کنم . بسیار سخت بیمار شده بودم پانزده روز تمام بموجب سفارش حکیم بجز شیر دیگر هیچ چیزی بلبم نرسیده است

— شکر که صحت یافتید . اما از احوال من خبر ندارید که من بیچاره دریك وقتی بچنان یك مرضی گرفتار آمده بودم که هیچ از جا برخاسته نمیتوانستم . و مدت یکسال بجز شیر هیچ چیزی نخورده ام .

— سبحان الله ! این چه وقت بود که من هیچ خبر نشده ام .

— وقتی بود که من در کهواره بودم

دیگر

برای بیماری شما داکتر چه گفت ؟

— گفت ندانستم

— باز بکدام داکتر خود را نشان خواهید داد ؟

— بهیچ داکتر . چرا که ازین داکتر ماهرتر و داناتر هیچ داکتری نخواهد بود که ندانستن خود را اعتراف کند

پیره زن و بقال

یك پیره زنی بدکان بقال رفته دو پیسه را زردك خرید . وقتیکه از دکان میبرآمد بقال را گفت :

— آیا چیزی سرانه مهربانی نمیکنید .

— چرا نمیکنم : دو سیر کچالو . یك سیر سیب . نیم سیر شلغم ده دوازده دانه مالته . واگر این سرانه را کافی نه بینید اسپ و گادی بار کنی . خود را نیز بسرانهٔ دو پیسه زردك نمایشکش میکنم . و اگر آنرا هم بسرانه قبول نفرمائید همهٔ دکان را نیز گرفته با خود ببرید .

زن و شوهر

شوهر — خوب ! حالا هرچه که تو بگوئی باید همان شود . آیا حکم من هیچ جاری نخواهد شد ؟

زن — چرا نشود ! البته حکم تو هم جاری خواهد شد : در هر کاری که رأی و فکر هردوی ما در اجرای آن متفق باشد همیشه دران کار حکم تو ، و در هرکاری که رأی و فکر ما مختلف باشد دایما سخن من اجرا شود !

(یك زن با کتاب فروش)

در اوروپا عادتست که زنان چون روز ولادت شوهر شان بیاید یك کتابی انتخاب کرده میخرند ، و بشوهر خود تحفه کرده میدهند . یك زن برای خریداری اینچنین یك کتابی بدکان کتابفروش رفته به کتابفروش میگوید :

— برای هدیهٔ یوم ولادت شوهر خود یك کتابی میخواهم . برای این کدام کتابیکه داشته باشید زودتر نشان بدهید ، چرا که کار ضرور دارم و بسیار وقت چه زدن ندارم . اما این را هم بگویم که کتابی که بمن میدهید نه ارزان باشد و نه گران . فهمیدید ؟ این را هم بدانید که شوهر من نه ملایم نه درشت یك آدمیست از بازیها ساعت تیریها چندان خوش نمیشود لهذا ازان طور کتابها نباید باشد . از کتابهای حکایتها و ناولهای بی مزه هم نمیخواهم . تاریخی کتابها هم نباشد چرا که شوهرم علم را چندان نخوانده است آماده شوید که بسیار کار دارم . وقتم ضایع میشود . اگرچه شما شوهر مرا نمیشناسید ولی بسیار خوب آدمیست بسیار کم سخن یك شخصیست . منهم بسیار کم سخن هستم که ازین سبب خوب با هم گذران میکنم . فهمیدید ؟ این را هم بدانید که همه این احوال را ازین سبب برای شما مختصراً بیان کردم که شما باحوال واقف شده یك کتاب مناسبی را تخمین کرده انتخاب کنید . فهمیدید ؟ این را هم بدانید که .....

کتاب فروش بیچاره بجان آمده و سخن او را بریده گفت :

— دانستم ، دانستم ! برای شوهر شما این کتاب کوچك بسیار مناسب است : نام این کتاب (قواعد ادارهٔ ماشین سخن) میباشد .

(یك اخبار والا و یك بیوه)

در اوروپا چون یکی از مردمان معروف که دریك صنعتی شهرت یافته باشد وفات یابد نامه نگار اخبار والاهم برای تعزیت و هم برای رسیدن سوانح عمری و ترجمهٔ احوال مرد متوفی بخانهٔ او رفته احوال و کیفیت او را از زن او میپرسند .

لهذا یکی از نامه نگاران اخبار بخانهٔ یکی از مشاهیر که وفات یافته بود رفته زنك دروازه اش را نواختن گرفت زن متوفی دروازه را باز کرده چون سبب آمدن و نامه نگار بودن زنگ نوازنده را دانست بشدت دروازه را بروی نامه نگار بسته کرده بسوی اوتاق خود بالا بر آمد لاکن زنگ نواختن نامه نگار هیچ قطع نمیشود زن باز

هیچ جواب نمیدهد ولی نواختن زنگ دمبدم افزونتر شده از درجهٔ تحمل میبراید . زن برخواسته او دررا باز میکند . وازبالا نامه نگار راخاطب کرده میگوید :

— شماچه طور آدمی هستید ! یکبار بشما گفتم که من درباب شوهر خود بشما معلومات نمیدهم . بازچرا زنگ میزنید . بروپی کارخود

— بی بی ! اگر رفته میتوانستم از وقت میرفتم . ولی هزار افسوس که رفته نمیتوانم .

— چرارفته نمیتوانید ؟

— از بسبب رفته نمیتوانم که در وقت بستن دروازه نوك بالاپوش من به دروازه بندمانده است .

براستی که همچنین شده بود . لهذا زن طلب عفو نموده نامه نگاررا رهانمود .

(یك دواساز و بیمار)

یك اجزاجی یعنی دواساز یك دوائی ترتیب کرده در اخبارها چنین اعلان نوشته بود : [هرکس که این دوارا استعمال کند پاهایش از رطوبت محفوظ مانده هیچگاه بلرزش وسرفه گرفتار نمیشود .] یك مردی این اعلانرا خوانده یك شیشه ازان دوا میگیرد . وبعد از سه روز به پیش دواساز آمده میگوید :

— از دوائی که شما اعلان کرده بودید باوجودیکه یك شیشهٔ آنرا بتمامها نوشیدم از لرزش وسرفه هیچ رهائی نیافتم .

— برای خداچه میگوئید ؛ آیا نوشیدید ؟ حالانکه آن دوا نوشیدنی نبود . آن دوا محلول رازی بود که در زمستانها آنرا بر کف بوت ویا بوش مالیده رطوبت را ازپا منع مینمود .

ناموران زنان جهان

(ما بعد ازشمارهٔ (۲۳) سال دوم)

اما طبیب برای آنهم یك چارهٔ اندیشیده شب وروز در پیش بستر جوان دلباخته رخت اقامت انداخت . وچون زنانی که درسرای پادشاهی بودند به دیدن پسر می آمدند و میرفتند طبیب به شکل وسیمای پسر نظر دوخته از نشانهای خارجی استدلال علایم باطنی اورا تدقیق کردن گرفت . بسیار زنان در اوتاق شهزاده رفت وآمد میکردند ولی در سیمای شهزاده هیچ علامتی پدیدار نمیشد تاآنکه یك روزی یك زن نوجوانی که تاانحال دران اوتاق داخل شدن او را طبیب ندیده بود به اوتاق شهزاده داخل گردید . بمجردیکه شهزاده را نظر برو افتاد طبیب دید که در سیمای شهزادهٔ دلداده بعضی تحولات نمایانی ظاهر گردید . طبیب چشمهای دقت خود را زیاده تر باز کرده دید که هر وقت چون همان زن درنزد پسر می آید همه اضطرابهای محبت ازهر بن موی شهزادهٔ بیمار بدرد غم گرفتار پدیدار میگردید . مگر این زن مادر اندرش (استراتونیکه) بود ! طبیب این تجربهٔ خود را سه روز پیاهم اجرا نمود . چون در پیشش محکم ثابت گردید که هم مرض را کشف نمود ، و هم سبب مرض را پیدا کرد به استنطاق و استجواب شهزاده پرداخت . شهزاده دراول امر انکار نمود وچون طبیب دلایل ثابته وبراهین واضحه برو عرض کرد شهزاده به اعتراف عشق ، واقرار محبت مجبور گردیده گفت :

— بلی ! مدتها هست که برحسن و ملاحت استراتونیکه مفتون و مجنون شده شب وروز بدرد والم جانکاهی گرفتارم .

فاجعه های پاریس

(ما بعد ازشمارهٔ (۲۳) سال دوم)

— (بحیرت) وای ! نام مرا وخود مرا هم میشناسید ها !

— بلی . یك کمترك مدام عوجان ! آیاشما ازصدای من مرا نشناختید که کیستم ؟ اینهم غریب است ها !

— جانم تو کیستی بگو نی ؟

— صاربیول ! حالا فهمیدید یانی ؟

— ۱۱ —

دوبر — (پای خود را بزمین زده) آیا صاربیول ؟ صاربیول درینجا باشد ها ! ...

صاربیول — شماچسان درینجاهستید آقاجان ؟ بولوارباتینیول یکجاییست که هر کس دراینجا بوده میتواند .

— های بدبخت های ! من ترا برای چه کار مقرر کردم وتو درکجاها میگردی ؟ مأموریت‌را ترك کرده درینجا آمدی ها !

— بلی همچنین است نی ! ... این است که درینجا آمدم .

— معلوم است که کار خراب شد .

— هیچ اندیشه مکنید هیچ کار خراب نشده . چونکه هر گونه تدابیر احتیاط کارانه بخوبی بکار برده شده شما از اینهکذر غم مخورید .

— بسیار خوب تابه اینجا زحمت کشیده برای چه آمدی ؟

— باشما چیزی سخن گفتن میخواستم . دیگر سببی نیست .

— آیا این ملاقات را بیکوقت دیگری انداخته نمیتوانستی ؟

— چون می بینید که تابه آمدن اینجا مجبور شده ام معلوم است که انداخته نمیتوانستم . هم آمدنم در اینجا برای شما خیلی خوب شد شماشکر کنید که من آمدم اگر نمیبودم یك تهلکهٔ بدی گرفتار میشدید

— آیا چه تهلکه بوده ؟ مراچرا ازدرآمدن خانه مانع شدید ؟

وچون اندیشیدم کهاین عشق تاچه درجه مذموم و مقبوح یك عشقیست ازآرزو همه جهد و کوشش خود را بمحو کردن آن عشق‌را ازدل خود صرف ، وروزها درآنباب سعی نمودم . اما هزار افسوس کهمن هرانقدر ازعشق دور شدن خواستم ، آن درد جانگداز همانقدر بمن محرم نمود . وازبیم آنکه مبادا این اسرار قلبی من آشکار گردد ، و موجب طعن و دشنام خلایق گردم ریاضت ساختن نفس خود قرار داده از طعام و شراب دستکشیدم تاباینصورت ازین دردی که علاج آن غیر ممکن ، و فراموشی آن ازاهم غیر ممکن است رهائی یابم . اینست که ازآن سبب باین ضعف وناتوانی دوچار آمده‌ام که میبینی .

بعضی بیماریهائی هست که باوجود کشف آن ، یافتن دوای آن محال میشود . طبیب بیماری را کشف نمود ، دوارا هم دانست که چیست . ولی دریافتن مدوات آن عاجز آمد .

روز دیگر چون پادشاه طبیب‌را مانند هرروز بحضور خود خواسته از احوال جگرپارهٔ خود سوال نمود طبیب بیك طور ناامیدانه بسخن آغاز کرده چنین عرض نمود :

— پادشاه من ! برای بیماری شهزاده تدبیر کردن غیر ممکن است . زیرا شهزاده بیك زنی عاشق است که بهیچصورت بدستش نمی آید .

پادشاه — چه‌معنا دارد ؛ درحوزهٔ مملکت من کدام دختری باشد کهحیات پسر من بهاو بسته باشد ، و آنرا ازمن کسی دریغ کند . واگر بکدام دختر پادشاه همجوارما دلباخته باشد بازهم اگر رضا نشود بزور آنرا خواهم گرفت .

طبیب — پادشاه من ! اگر محبوبهٔ پسر شما دختر باکرهٔ میبود غیرممکن شمرده نمیشد . مگربلا اینجاست که محبوبهٔ شهزاده یك زنیست که شوهر دارد .

پادشاه — آنزن کیست ؟

طبیب — زن بندهٔ شماست !

پادشاه — وای ! شما اینقدربی انصاف خواهید بود کهبرای رهای دادن پسر حکمدار خودرا ازمرگ ازیك زوجهٔ خودنگذرید آیامن حق آنرا نداشته باشم کهازشما که شما یکدوست و محب خودباید رهای دادن جگر پارهٔ خود راکنم ؟ آیاشما اینقدر بی‌مروتی خواهید کرد کهیك ولینعمت یك پادشاه یك دوست خودرا هلاك کنید ؟

طبیب — پادشاه‌من ! بندهٔ خود تانرا اینقدر بهبیمروتی متهم نفرمائید . یکقدری قیاس نفس کرده خودرا بجای من ، ومرا بجای خود قیاس فرمائید . مثلا خدا ناخواسته اگر پسر شمابما دراندر خود عاشق شود . آیا وجود اینکه این‌را بدانید که حیات فرزند شما به ازدواج باومربوط است آیارضای خود حرم خودرا به ثمرهٔ فؤاد خود تاترك کرده میتوانید ؟

پادشاه — آه ! ایکاش حیات پسر من به اینگونه یك فداکاری موقوف میبود ! خدا شاهد است که اگرزوجهام استراتونیکه باشد ، وهمهٔ سلطنتم باشد جمعرا برای حیات پسر خود ترك میکردم

طبیب — پادشاه‌من چون چنین است . علاجی ودوائیکه برای زنده کانی پسر شما لازم است خودشما آنرا بیان فرمودید وبدانید . زیراشهزاده مفتون حسن و آن ملکه استراتونیك میباشد .

پادشاه بمجردیکه این سخن‌راشنفت هماندم استراتونیکه را درنزد خود طلب کرده ، ودردل خودرا باوگفته ورای ورضای اورا استحصال کرده واورا طلاق داده بهپسر خود نکاح نموده است .

این یك مثال تاریخی ایست که ضررهای ازدواج پدران پیررا که مالك اولادجوان باشند ، وزن نوجوانی که بسن وسالشان مناسب نباشد بگیرند ظاهر وعیان میسازد .

— برای اینکه درخانهٔ مأمورهای پولیس هستند .....

— (یك صدای متغیری) آیا مأمورین پولیس ؟

— بلی ! قومیسر ، مفتش ، خفیه های پولیس ، عسکر همه دردرون خانهٔ جمع آمده‌اند هیچ یکی‌شان گذشت . اما شماخاطر جمع باشید . این‌شرافت آوری‌شان درینجا بقصد زیارت شمانیست . دیگر یك شخصی‌را گرفتار کردن میخواستند . حالانکه آن حریف خودرا گمانی کرده ازگرفتاری رهائی یافت . درچنین احوال میدانید که چه‌خواهد بود دروازه وزینه بالطبع درزیر دیدهبانی پولیس گرفته شده . قومیسر نیز بر وظیفه وسنتی کهدارد البته بتدقیق وتفتیش مائل میباشد . پس اگرشما درچنین وقت داخل این‌خانه میشدید چون قالب وقیافت‌تان شمارا نشان میدهد که از مردمان اینگونه خانه‌ها ومحله‌ها نیستید ازآن‌سبب بشبهه‌افتاده دربی تحقیقات احوال‌تان می‌افتادند که آنهم بدرد شما درچنین‌وقت نازك نمیخورد .

— حق‌داری سابیول . اقرار میکنم که بمن یك خدمت بزرگی کرده .

— چون چنین است منهم خودرا بختیار میشمارم . تاوقتیکه پولیسها بیرون برامده‌اند داخل خانه نشوید . دانا بهاینقدر تعجیل کردن لزوم هم نیست . آیا شما برای خبر گرفتن نیامده اید ؟ این‌است که من شما‌را ازاین خبردار میدهم . هم‌والده وهم پدر شما بسیار خوب وجور وتندرست هستند .

— (ازخبر دار شدن او ازین سرلرزیده) چه گفتی ؟ هم والده وهم پدر تندرست هستند گفتی ؟

— بلی همچنین گفتم . ازکم وقت نیست که من درینجا انتظار میکشم حتی ازبسیار انتظار دقشده بدرون خانهٔ‌هم درامدم و خدمتکارما دام انفورا پیدا کرده از واحوال گرفتم نیم ساعت ازلطف الهی گذشته بسیار یك پسر بسیار شیرین دنیا پیدا شده زائتی اگر این والدت مانند خودت شود بسیار کارها خواهد کرد زائیدن هم به بسیار آسانی بوقوع آمده است . مادموازل حورده ترك بدجنك کسی که عادت زنهارا بجا آورد کشیده نجات را فرو اورده .

باقی دارد

استیر — یک دختری از بنی اسرائیل بود که بحسن وجمال مشهوره بود . در وقتی که بنی اسرائیل در بابل اسیر بودند (شرویه) نام پادشاه ایران با او ازدواج کرده است (هامان) نام وزیر پادشاه مذکور با تمام اسیر وقبیلهٔ او دشمنی وقصد داشت استیر سبب رهائی دادن قبیلهٔ خود از شر وقصد او گردیده است . در کتب مقدسه بنی اسرائیل حکایهٔ این دختر مشهور است از طرف (راسین) نام شاعر مشهور فرانسوی حکایت آنصورت یک کتاب تیاتر تحریر شده است .

اسماء بنت ابی بکر — کریمهٔ محترمهٔ حضرت ابوبکر الصدیق رضی الله تعالی عنه میباشند که بلقب (ذات النطاقین) مشهوره بودند . اسماء دختر بزرگ حضرت مشارالیه وهمشیره اندر حضرت عایشه رضی الله عنها است . والدهٔ حضرت اسماء (قتیلة) بنت عبدالعزا نامیدارد . حضرت اسماء زوجهٔ محترمهٔ حضرت (زبیر) بن العوام رضی الله عنه و والدهٔ حضرت (عبدالله بن زبیر رضی الله عنه است) که بعد از انکه مدت نه سال در مکهٔ مکرمه خلافت نموده در سنهٔ ۷۳ هجری در درون کعبهٔ مکرمه از طرف حجاج ظالم شهید شده است . حضرت عبدالله بعد از وفات یزید در مکهٔ مکرمه اعلان خلافت نموده بودند . چون عبدالملك بن مروان در شام بر تخت خلافت جلوس نمود حجاج ظالم را برای ازالهٔ آن وجود مبارك با عسکر انبوهی بسوی مکهٔ مکرمه فرستاد . حجاج مکهٔ مکرمه را محاصره نمود . واز جبل قبیس در بیت شریف منجنیقها انداخته وبقوت عسکریه خود هجومهای شدیدی زده باوجودیکه حضرت عبدالله بسیار شجاعت ومردانگی مقاومت ورزید ولکن آخر الامر شهید گردید درین محاربه والدهٔ شان حضرت اسماء درباب استقامت وثبات پسر خود عبدالله وتسلیم نشدن ، وسر فرو نیاوردن بدشمن نصایح حکیمانه ووصایای بسیار دلیرانه ومردانه نموده است . درهمان روزی که پسرش عبدالله شهید میشد حضرت اسماء بایشان فرمود : « ای فرزند ! مبادا که از ترس مرگ جان یک کاری را که   باقی دارد

علم ثروت ملل

(ما بعد از نمرهٔ (۲۳) سال دوم)

ازین سبب است که نابوقت صرف کردن آنرا در راه استحصال ثروت قصداً نگاه میدارند . و اگر همان زرنقد را ثروت دانسته نگاه دارند سراسر مخالف موضوع علم ثروت است . مقصد از جمع آوردن سرمایه آنست که آنرا صرف کرده دیگر ثروت ازان حاصل شود . معنی تصرف از در حقیقت همین است که سرمایه را برای کارهای نافع که توانگری ازان حاصل شود ، صرف کنند . بناءً علیه قاعدهٔ صرفهٔ جوئی در حقیقت بر معنای صرف شامل است . اما مردمان اهل علم ثروت تصرف را بمعنی جمع وذخیره کردن دانسته اند . وبه این سبب از معنی حقیقی تصرف تصرف یعنی صرفهٔ جوئی دور افتاده اند . حالا در عجایب مسئلهٔ دیگری ظهور میکند که آیا اسراف ، وامساك چیست ؟ ومسرف وممسك کدام است . در ظاهر حال میاید که مسرف همان کسی باشد که بسیار صرف کند . وممسك همان شخص بود که هیچ صرف نکند . وایتهم معلوم است که مسرفان اسراف کننده را زیاده تر اهل ثواب میشمارند . وان ازین سبب است که مسرف تنها نفس خود را می اندیشد . وهرچه که خرج میکند برملا وظاهر میشود . ومردمان تصرفکار ازمسرفان کرده بسیارتر صرف میکنند . ولی چون بکارهای صنایع تقسیم میشود آنرا طمعکار میگویند . حالانکه از اسراف مصرف بجز ضایع شدن ثروت دیگر نتیجهٔ حاصل نمیشود . واز مصرفهائی که در راه صنایع بخرج میرود از او همگذر موجب کامل شدن نقصانهای بعضی عمله صنعتکاران گردیده در نتیجه ، ثروت موجوده افزونی میگردد .

فصل سوم

(بعضی تفصیلات درباب سرمایه)

این یک معلوم شد که معاملات هر اهل صنعت همین است که بعضی اشیا و آلات مخصوصه استعمال کرده . واز اعمال خود واعمال دیگر اشخاص . ودیگر وسایط استفاده کرده لااقل بمقابل همانقدر قیمتی که صرف کرده باشد یک محصولی پیدا کند . بنابرین سرمایه دائما از یکطرف صرف میشود . واز دیگر طرف سر از نو تولد وتجدد میکند . مثلا نانبا هر روز آرد وهیزم که صرف میکند . بمقابل آن نان بعمل آورده هر روزه آنرا فروش میرساند . وبه اینصورت سرمایه اش که عبارت از آرد و هیزم ونمك است درسال سه صد و شصت وپنج بار صرف شده سر از نو بدستش می در آید .

درینجا یک سوالی وارد میشود : چنانچه اگر قیمتی که سر از نو حاصل شود وآن قیمت باز برای سرمایه ادا شود به اینحساب چنان معلوم میشود که یک قیمت زایدی حاصل نمیشود . ومعاملات صنایع بیهوده اجرا میشود . جواب این سوال این است که یک صنعتکار درظرف یکسال اگرچه همان سرمایهٔ خود را بدست آورده بتواند وچیزی زایدی بدستش هم نماند . باز هم چون در یکسال گذران معیشت خود را وگذران دیگر مستخدمانی را که به آن کار وسرمایه تعلق داشته اند بجا آورده ودر آخر سال اصل سرمایه خود را از بدست آورده است که باینصورت قیمت چیزهائی که صرف کرده است گویا پس بدست آورده توانسته است .   باقی دارد

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر و سر محرر تحریر یافته

محمود طرزی

در چاپخانهٔ حروفی دارالسلطنهٔ کابل طبع گردید

اعلان

از هر دهن سخنی
و از هر چمن سمنی

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه را مژده میرسانیم ، و ترغیب مینمائیم که ازین گنجینهٔ پر از جواهر آبدار ، و ازین گلزار پر از ازهار یکیک نسخهٔ بدست آورده از هر دهن سخنی بشنوند ، و از هر چمن سمنی بچینند ،

در

مطبعه عنایت

که بنیاد یافتهٔ همت عرفان قیمت شهزادهٔ جوانبخت معظم حضرت معین السلطنه سردار عنایت الله خانست زیور طبع آراسته گردیده ، ودر نفس مطبعهٔ مبارکهٔ مذکوره که در ده افغانان واقعست بقیمت ۲ دو روپیه کابلی از نزد عبدالروف سرمرتب مطبعهٔ عنایت خریداری کرده میتوانند کتاب مذکور در دکان ملا غلام محمد کتاب فروش متصل بمدرسهٔ شاهی نیز بفروش میرسد ،

نمبر ۲۰۷۲ ﴿ از انجمن نعمانیهٔ لاهور ﴾ سنه ۱۹۱۳ ع

(جلسهٔ سال بیست و ششم انجمن نعمانیهٔ لاهور)

جناب ! السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته .

بعون ونصرت آلهی وامداد بارگاه مصطفائی در دارالعلوم نعمانیه بسرپرستی واهتمام انجمن نعمانیهٔ لاهور که ازمه مارچ سنه ۱۸۸۸ ع مطابق ماه رجب ۱۳۰۵ ھ جاری گردیده محض تعلیم دینیات زبان عربی مع علوم توابع که آنهم مفید عقاید حنفیه میباشند خالصاً لوجه الله تعالی درس داده میشوند . وبامور پولتیک (سیاسی) هیچ تعلق ندارد البته برای بهبودی مسلمانان هند وترقی معاشرت شان بغرض آمد اسرکاری بخدمت گورنمنت تقدیمات و گذارشات کرده میشوند مگر کل اخراجات طلبهٔ دارالعلوم ازقسم خوراک و پوشاک وکتب ومحل اقامت ازجانب انجمن مهیا میشود وبفضل وتوفیق خداوند تا حال صدها طلبهٔ این دارالعلوم علمای کامل شده برامده اند که دراکثر حصص مملکت بتعلیم وتدریس اشتغال دارند وخداوند تعالی درین خیال واراده نیک چندان برکت نهاده که تا حال درچند مقامات دیگر هم مکاتب ومدارس تعلیم دین جاری گشته اند ومحافل بزرگ بغرض این کار خیر منعقد گردیده اند وخداوند تعالی یوماً فیوماً برکت توفیق عطا فرماید ومتعلق این دار العلوم (یتیم خانه) هم است که دران طلبهٔ یتیم از ابتدا بتعلیم وتحصیل علوم دینیه مصروف ومشغول نموده میشوند ودرس قرآن مجید علحده جاری است که دران جماعات حفاظ هم برپا هستند وسالانه دوسه نفر حفاظ نتیجه ویک کتابخانه بغرض وسعت نظر ومطالعهٔ طلبا وعلما هم مجتمع گردیده که ازان برای طلبا استفادهٔ کثیر حاصل میشود دیگر رسالهٔ ماهوار هم جاری ومنتشر میشود که بلا قیمت بمعاونین انجمن داده میشود وازان کوایف دخل وخرج دار العلوم علی التفصیل مفهوم میشود .

باوجود نبودن کدام آمدنی مستقل (که بحسب زمانه مستقل گفته میشود) بصرف مبلغ چند تا حال سال بیست وشش ازعمرش گذشته که دررجب گذشته پوره شد هنوز بتوفیق آلهی رو بترقی وتعالی است .

درینمرتبه جلسه سالانه بتواریخ ۶ و ۷ و ۸ ذیقعده مطابق ۷ و ۸ و ۹ اکتوبر سنه ۱۹۱۳ بایام سه شنبه و چهار شنبه وپنجشنبه منعقد میشود که ازبارگاه حق سبحانه وتعالی امید مشاملت ومساهمت بسی مشاهیر وفضلا وعلما وصلحا را داریم چنانکه تا حال وعده های کثیر موصول گردیده اند .

فی الحقیقت ازهمدردان اسلام ازینجا می یابم که درین جلسه دینی ومذهبی امداد قدمی وقلمی ودرمی خودها را حتی الوسع دریغ نفرمایند وذخایر ثواب دارین را برای خودها بیندوزند .

ضروریات وحاجات دار العلوم وانجمن بوقت وموقع جلسه بذوات گرامی که داخل وشامل این جلسه باشند معلوم وآشکار خواهد گشت .

اگر فرستادن کدام مضمون تحریری کسی خواهش داشته باشد قبل از تاریخ ۳۰ ستمبر ارسال فرماید وهر کس تاریخ تشریف آوری خودرا مع امداد رفقای خود قبل از تاریخ مذکور اطلاع بدهد

جواب را زودی تحریر فرمایند

خاک ——— ار

تاج الدین احمد چشتی سلیمانی پلیدر چیف کورت سکرتری انجمن نعمانیه لاهور .

(اسامی وکلای ما در خارج)

در پشاور جناب میرزا غلام حیدر خان سررشته دار ڈاکخانهٔ علیهٔ افغانستان . درمشهد جناب عبدالله خان کاردار تجارت دولت علیهٔ افغانستان . دربخارا جناب حاجی غلام نبی خان مامور فروش پوست قرهقل . ذوات گرامی که درممالک خارج افغانستان آرزوی اشتراک اخبار ما را داشته باشند بهر یک ازین وکلای ما چون وجه یکساله باشتهاهٔ اشتراک را بفرستند واز طرف وکیل ما باداره اطلاع برسد از همانوقت اخبار ما بهمان آدرس وعنوانی که داشته باشند جاری میگردد . آدرس وعنوان واضح وروشن نوشته شود . یک طلای پوند انگلیزی ۱۵ پانزده روپیه کلدار است

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 813 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 814 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 816 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 817 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 818 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 819 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 821 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 822 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 823 of 1786

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

شماره اول
سال چهارم

فهرست مندرجات

آغاز بنام ایزد بخشنده مهربان	(دیباچه بزبان خالص فارسی
یکدو کلمه عرض	)
حوادث داخلیه	مراسم دربار معالی بار عید سعید فطر و بیانات اعلیحضرت همایونی — افغانستان واهمیت موقعیه وسیاسیه آن —
حوادث خارجیه	افغان — خبرهای جنگ — نامهٔ نگارما از ترکستان مینویسد — ترجمه های اخبار انگریزی بترجمانی کریم بخش خان ترجمان وجوه های داخلهٔ قوس معترضه الطرفین سراج الاخبار افغانیه — جنگ عمومی خبرهای محاربه — وعده امداد — لندن ۹ اکست حال شغل بحیره روم از جهازات — اخبار لندن خبرهای جنگ را کاغذ جدا گانه شایع میکند — مستر السکوئث — اعلان نمودن ترکی — دولتکر جهاز عثمانی — جرمنی برخلاف برطانیه اعلان جنگ کرده — اعلان غیر جانب داری — حمله جرمنی بر بلجیم — جنگ روس وجرمنی — گلوله باری جرمنی — غیرجانب داری رومانیا — سینت پترزبرک — ماینتر جت — اهل بلجیم — مقابله شدید — برلن — کوائف سرحدی افغانستان — تلفات جرمنی — کذا تلفات جرمنی — جنگ بحری شکست جرمنی — پیشقدمی روسیا — حال جنگ در هالیند — مال غنیمت — التی میتم جرمنی بایطالیه — اعلان جنگ — غیرجانب داری — الخارجیل نیوز — نظاره عجیب وغریب در برلن — تمدن افغانستان وبیدار مغزی اعلیحضرت — بیان حمله لیگ — تلفات فرانس — جنگ شدید — مصیبت الماس تراشان — مقابله سپاه پنجهزار — بلقان — تقریر قیصر جرمنی — داکتروان بتهمن هولوك — ورودپاس — یك نفر ملازم بنك — اجتماع افواج روس — بحیره روم — پیش رفت استریا بسرویا — تحفه عجیب وغریب — میادیات جنگ عظیم الشان — رپوت — دردیست مشهور است — جرالکراف — کامیابی های فرانس — التی میتم جاپان بجرمنی — جنگ بحری در بحیره ایدریاتک — خودمختاری پولیند — ایطالیه — بلقان — کوپن ورسلا — آغاز جنگ عظیم الشان — ورود امدن سپاه برطانوی بسواحل فرانس — ولیعهد جرمنی — جنگ شیرز — معاملات مشرق بعیده — غیرجانبداری ایطالیه — تردید بیانات جرمنی .
تصاویر	تمثال ذات اعلیحضرت ضیاءالملة والدین مرحوم جنت مکین غفرالله له — تمثال ذات اعلیحضرت سراج الملة والدین خلدالله ملکه — تمثال ذات اعلیحضرت همایونی وشهزادگان عظام — تمثال ذات اعلیحضرت پادشاهی ومصاحبان خاص — مقامصدارت عظما حضرت نائب السلطنه صاحب — شهزاده جوان بخت حضرت معین السلطنه صاحب — شهزاده بلند اقبال جناب عین الدوله صاحب — کره ارض .

شرایط خریداری

دار السلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیه کابلی	سالیانه	چارده روپیه کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان
هرجائیکه باشند با اجرت پوست

قیمت سالیانه	ده روپیه انگلیزی	قیمت ششماهه	شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراک قبول نمیشود

یک طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است . از همین قرار حساب کنند

(اعلان)

کتاب سال اول و کتاب سال دوم سراج الاخبار افغانیه با کتابچهٔ (علم و اسلامیت) و (آیا چه باید کرد ؟) و (ادب در فن) جلد کرده شده در اداره برای فروش حاضر و مهیاست . ذواتی که آرزوی خریداری آنرا داشته باشند از نزد مدیر طلب نمایند

یاد آوری

بر همه کارداران نظامی و ملکی و جمله خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان و خبر داده میشود : اگر از یک جا بدیگر جا بروند و یابند میباید که یک رقعه بمدیر و سر محرر را خبر بدهند که من در فلان جا بودم و حال در فلان جا میروم اخبار مرا در آنجا بفرستید . هرگاه همچنین یک رقعهٔ شان برای ما نیاید و اخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، و صنعتگرانی که صنعت خود شانرا در سراج الاخبار افغانیه اعلان و اشتهار کردن میخواهند ، و یا دیگر هر قسم اعلان و اشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج و شایع میشود :

اعلانیکه در متن اخبار از یکبار تا به پنج بار نشر و شایع شود بر سر هر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر یک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا به پنج بار فی سطر یک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطر یک ستون اخبار ما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرکه شخصی اعلان خود را متمادیاً تا یک سال نشر کردن خواهد و وجه یک ساله را پیشکی ادا نماید در ورق پشتی بر سر سطری سنار اجرت گرفته میشود

صحیفه (۱) سال چهارم شمارهٔ (۱)

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
با مصارف ڈاک ۱٤ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مصارف ڈاک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یکعباسی است
(اوراقی که درج نشود اعاده نمیشود)

سراج الاخبار افغانیه ۱۳۲۹

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

ادارهٔ خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ عربی ۱۵ شوال المکرم سنه ۱۳۳۲ تاریخ انگریزی ۶ سپتمبر تاریخ شمسی ۱٤ سنبله ۱۲۹۳

﴿ بسم الله الرحمن الرحیم ﴾

آغاز بنام ایزد بخشندهٔ مهربان

(دیباچه بزبان خالص فارسی)

سپاس وستایش برون از شمار مر آفریدگاری را سزاست که خامهٔ دوزبان را توانائی گویائی بخشید ، درود بروان پاک پیغمبر برگزیده و آلش که پیروان کیش خوب خودرا آموزش دانش بدمید . خاندان و یاران اورا دوستی و فروتنی سزاست که کارهای پسندیدهٔ هرکدام شان رهبر بختیاری و نیکوئی مایان گردید . پادشاه بلند پایگاه با داد و دانش بزرگ ما [اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله] خان را خداوند زمین و آسمان تا سالهای درازی براورنگ جهانبانی شان پاینده و آرام دارد تا گروه پرشکوه افغان وخاک پاک افغانستان بسایهٔ دانش پروریها وداد گستریهای شاهانهٔ شان برتریها و بختیاریهای بی اندازهٔ را سزاوار گردد ، ومردم دیدهٔ روی زمین و زمینیان شود .

سپاس پروردگار بزرگ خودرا بچه زبان بجا آورده خواهیم توانست که ما را توانائی داد تا سال سوم این نامهٔ گرامی (چراغ پیامهای افغانی) را بانجام رسانیده بسال چهارمینش آغاز نمودیم ، واین نیست مگر بسایهٔ دانش پروریهٔ شهریار دانای نیکوئی خواه فرخندگی همراه بزرگ ما درین سه سال بسیار چیزها گفتیم ، ونوشتیم . آرزوی یگانهٔ ناتوانانهٔ ما همین بود وهمین خواهد بود که درراه بیداری و آگاهی برادران هم زمین وهم آئین خود یک کوششی بجا آورده باشیم امیدواست که یک کمکی برین آرزوی خود کامیاب هم آمده باشیم . بااینهمه از ناتوانی و زبونی خامهٔ شکستهٔ کم جفانه ، درین نامهٔ پارسی نژاده ، هموارهٔ کوتهی ورزیده ام ، وچنانچه شاید و باید نوشته نگاشتیم ونه گفته گفتیم از درگاه ایزد دانای بینای توانا امید وار آمرزش ، واز خوانندگان فرهنگ منش آرزومند پوزش میباشیم . (۱)

﴿ یکدو کلمه عرض ﴾

فیوضات توجهات جهاندرجات ذات شوکتسمات پادشاه برگزیده صفات معدلت آئین اعلیحضرت (سراج الملة والدین) پادشاه بزرگ خود مختار دولت قوی شوکت مستقلهٔ خداداد افغانستان صانها الله فی حفظ والامان ، جریدهٔ وطنیهٔ (سراج الاخبار افغانیه) سه سال کامل از مراحل عمر گرانمایه را طی نموده باول مرحلهٔ سال چهارمین خود کام انداز قدم فرسائی گردید .

مسلک تحریریهٔ این روزنامهٔ وطنیه را قارئین کرامش دانسته خواهند بود که بجز یکخدمت ناچیزانهٔ قلمیه در راه دین و دولت وباخبری و بیداری وطن وملت دیگر چیزی نیست گاهی از سیاسیات عالم ، برخی از علوم و فنون فواید منظم ، نبذهٔ از اخلاقیات وادبیات منافع رسان ، شمهٔ از واقعات وحوادثات زمان وجهان بخبارانده ومیراند . اما مقصد اعلی ومراد قصوایش ها محامد ومناقب اعمال حسنهٔ ترقی پرورانهٔ خیر اندیشانهٔ ذات اعلیحضرت حامی مقدس محبوب القلوب خودش است که یک پادشاه دل آگاه پرترکیب که از روز فیروز جلوس میمنت مأنوس همایونی شان هزار ها باب رحمت و هزار ها شهراه علویت بر روی ملک وملت شاهانهٔ شان باز فرموده اند ، علی الخصوص بازار فیوضات آثار علم وعرفان درین عصر ترقی حصر شاهانه رواج و گرمئ حقیقی خود را پیدا کرده است .

---

(۱) درین دیباچه یک کلمهٔ عربی بجز اسم ذات اعلیحضرت همایونی که ضروری بود وورد قوس محدود کرده شده هرگاه قارئین کرام باینطرف یک کتاب ، ازیدر عربی جلد گرده شده بجاو مکافات داده میشود . آخر وعده تا یکماه .

این است که (سراج الاخبار افغانیه) نیز یکی از امتعهٔ تازه‌وزندهٔ این بازار فیض آثار عرفان نثار است که از اول یوم انتشار خود تا بایندم ، از برکت حسن توجه حامی مقدس معظم خود روز بروز در افزونی محاسن صوری و معنوی خود تا بدرجهٔ که ممکن بوده است کوشش ورزیده است .

سراج الاخبار افغانیه درخصوص ممنون نمودن ، و توجه و رغبت مشترکین و قارئین کرام خود در افزودن از هیچگونه فداکاری رو گردان نشده است . ملاحظهٔ خوبی کاغذ ، خوبی تصاویر ، تنوع مضامین برهمهٔ آنها علاوهٔ یکان کتابچه‌های هدیه ، برهمه‌همهٔ آن هم ارزانی قیمت را دائما مراعات نموده است . حتی بدرجهٔ که برای بریدن کنارهای ورقهارا ازیکدیگر ضایع شدن وقت قارئین کرام خود روا دار نشده بواسطهٔ ماشین برش همواره کنارهای صحیفه‌هارا بریده بتوزیع وتقسیم اخبار خود پرداخته است . اگرچه باوجود اینهمه فداکاریها باستجلاب حسن توجه و رغبت قارئین کرام خود موفق نشده است . و تعداد مشترکین خوش خرید خود را از عدد ده یازده افزونی داده نتوانسته است . حتی در طرفی خواه دارائی که تشخیص شان در دفترهای سرکاری میباشد نیز بی اختلاسها و کتمانها بوقوع آمده است لاجرم سراج الاخبار افغانیه اسباب حقیقی این کمبودی مشتری ، و عدم رغبت پروری را در قلت علوم و عرفان عمومی یافته هیچ فتوری و قصوری را بخود راه نمیدهد ، وهیچ لحظهٔ در راه ایفای وظیفهٔ مقدسهٔ خود که عبارت از خدمت وطن عزیز است تا جان در بدن باشد کوتاهی نمیکند .

دربهار سال چارم این روزنامهٔ وطنیه باوقوعات و حوادثات یك جنگ رستاخیز آمیز خونریز دهشت انگیز بسیار بزرگی که درمیان دولتهای معظمهٔ اوروپا برپاشده است آغاز نهاد . لهذا تا وقتیکه این جنگ دوام ورزد سراج الاخبار افغانیه اکثر صحایف خود را بخبرهای محاربه حصر میکند و اگر لزوم دیده شود صحیفه هارا هم بیشتر خواهد کرد زیرا شوق و آرزوی خوانندگان و مشترکین کرام خود را نیز در شنیدن خبرهای حرب ملاحظه وحس مینماید . اگرچه برای مشترکین گرامی که در خارج وطن داریم خبرهای محاربهٔ که درج کنیم از قبیل اعلام معلوم شمرده میشود . ولی هیچ شبهه نداریم که ایشان بپاس خاطر مشترکین داخل وطن عزیز ما را خورده نگیرند . تاریخچهٔ داخلی و خارجی یکساله را نیز که درین دوسال درنسخهٔ اول جریدهٔ خود درج میکردیم بنابر همین ملاحظه موقتاً ملتوی نمودیم . باقی در هرحال وقاطبهٔ احوال دعای خالق ازبرای افزونی عمر واقبال ، ودوام شوکت واجلال اعلیحضرت بادشاه ترقی امال مراحم خصال خردمندآرا وورد زبان صداقت نموده توفیقات ایزد ذوالجلال لایزال جل سبحانه را دربارهٔ خود نیاز واستدعا مینمائیم . من الله التوفیق .

حوادث داخلیه

مراسم دربار معلی بار عید سعید فطر

ماه مبارك فیض رسان رمضان در یوم دوشنبه بانجام رسید در لیلهٔ سه‌شنبه رویت هلال غرهٔ ماه شوال المکرم ثابت گردیده به انداختن بیست ویك توپ عید سعید میامن جدید فطر بروز سه شنبه برهمه‌گان اعلان گردید .

بموجب رقعه های خبری که از طرف ایشیك آقاسیان ملکی ونظامی توزیع وتقسیم شده بود بهشت بجهٔ صبح یوم مذکور همه ارباب مناصب ملکی و عسکری ، وسرداران عظام وعلماواشراف وخوانین کرام درقصر معالیحصر (استور) همایونی بلباسها واونیفورمهای بزرگ درباری خود شان جمع آمده بعد ازصرف چای وناشتا بمعیت ذات فخامت سمات جناب عالی نائب السلطنه صاحب افخم در کلخانه مبارك که بشرفیابی سلام ذات شوکتسمات اعلیحضرت (سراج الملة والدین) بادشاه حقایق آگاه بادانش ودین خود شان نایل وسزاوار گردیدند ، و به التفات جهبان درجات همایونی مظهر گردیده بموجب فرمان همایونی در عرابه‌های مکلف که دربیرون دروازهٔ ارك مبارك بترتیب تام توقف داشتند سوار شدند . بعد ازان که عرابهٔ سواری ذات اعلیحضرت بادشاهی از داخل ارك مبارك خروج نمود دیگر همه عرابه ها بهمرکابی شاهانه حرکت نموده بیك الای والای ذی احتشامی بجامع نور لامع کبیر عیدگاه تشریف شوکت ردیف موکب همایونی بوقوع آمد .

بنابر ازکمال مرحمت ودیانت پروری که ذات پاك اقدس الهی جل سبحانه در نهاد بادشاه مراحم بنیاد مقدس ما تودیع فرموده عساکر ظفر مآثر شاهانه را که سابق از دروازهٔ ارك مبارك تا به جامع کبیر عیدگاه در دو طرفهٔ ممرگاه موکب همایونی صف بستهٔ احترام میبستند برای آنکه در ادای نماز عید شان تعطیل وتعویق نیاید صف آرائی شان را در داخل صحن جامع شریف اراده وفرمان نموده بودند که ذات عالی شهزادهٔ جوانبخت معظم حضرت معین السلطنه صاحب افخم از صبح وقت برای نظارت تنظیم و ترتیب امور عسکریه که از طرف جناب سپهسالار محمد نادر خان وافسران نظامی انتظام یافته بود بجامع شریف رفته وباز عودت نموده بودند .

نماز عید سعید یك جماعتی که متجاوز از بیست هزار مسلمین عسکری ورعیتی بود ادا گردید . ودر وقت خروج ذات اعلیحضرت بادشاهی بیرقهای مقدس وبزرك عسکری در دهن دروازهٔ جامع شریف از دوطرف مانند یك قوسی تشکیل شده ، ذات اعلیحضرت همایونی از زیر آن گذشتند . از طرف عموم عساکر ظفر مآثر باموسیقه های شان مراسم سلام ادا گردید .

بعد از ادای صلوة در سلامخانهٔ عام مراسم دربار معلی بار انعقاد یافته وهمهٔ شهزادگان عظام وسرداران ومنصبداران کرام وهمه اهل دربار علویت نثار در مقامهای مقرری خود شان

جاگیر گردیده ذات قدسیت صفات اعلیحضرت پادشاهی سلامتمآبانه دربار را بتشریف شوکت ردیف همایونی شاهانه رونق افروز و اجلال ، و همه کارا به التفات و توجهات جهانداری همایونی قرین من و مسار عالی العال فرموده . به باد کامی عید سعید ، و دعای دوام ترقی و آزادی وطن و ملت که از لسان الهام بیان اعلیحضرت پادشاه مقدس ما صدور یافت قلوب صداقت مجلوب همه حاضرین دربار معالی‌بار را یک وجود سرور پرجوشی استیلا نمود ادعیهٔ خیریهٔ تمادی عمر و اقبال و شوکت و اجلال پادشاهی تذکار گردید . جابجا شیرینها طعامها انعام و اطعام فرموده شده دربار علویت آثار عید سعید فطر بانجام رسید .

(بیانات اعلیحضرت همایونی)

—﴿ در خصوص حرب حاضره و خط حرکت دولت افغانستان ﴾—

درین دربار عام عید سعید ، ذات شوکت‌سمات پادشاه بزرگ دولت مستقلهٔ خداداد افغانستان اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب‌الله خان) وفقه الله بالنصر من الرحمن از وقوعات جاریهٔ این محاربهٔ مدهشهٔ حاضرهٔ دولتهای بزرگ و کوچک اوروپا بحث و بیان فرمودند که مآل بعضی نقاط مهمهٔ بیانات همایونی را که جهت تعلق آن بدولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما افغانستان دارد درینجا تذکار مینمائیم .

بعد ازانکه از رهم خوردن صلح و آسایش عمومی اظهار تأسف فرمودند ، و بعضی اسباب مهمهٔ این شعله افروزی نایرهٔ جنگ و جدال عمومی را در انظار حاضرین دربار معالی بار توضیح نمودند از رسیدن خط جناب وایسرای هند جلالتمآب لارد (هاردینگ) و نوشته شدن جواب از طرف قرین الشرف ذات اعلیحضرت شاهانهٔ شان بحث بمیان آورده فرمودند :

« تحریرات وایسرای صاحب هند در خصوص اخبار کیفیت حرب عمومی دول اوروپا ، و داخل بودن دولت معظمهٔ بریتانیه درین حرب بحضور شاهانهٔ ما رسیده و ضمناً بطور اشعار دوستانه نوشته‌اند که ، چون دولت علیهٔ افغانستان از زمان اعلیحضرت ضیاء الملة والدین مرحوم با دولت معظمهٔ بریتانیا عهد دوستی و پیمان مودت داشته و دارد ، و در مهمات و معطیات امور خارجیه برسیدن رأی و استشارهٔ دولت بریتانیا ، از جملهٔ مواد عهدنامه قرار داده شده تجدید هم شده است از آن رو بیطرفی دولت علیهٔ افغانستان را درین حرب حاضره ، مناسب و موافق دانسته باشعار دوستانه و اظهار مخالصت کارانه استدعا ورزیده شده ، مآل و مفهوم تحریرات دوستانهٔ جناب وایسرای همین بود که گفتیم اما جوابیکه از طرف شاهانهٔ ما نوشته شده مآل آنرا بزودیها اهل دربار بیان میکنم تا از کیفیت آگاه باشید ، بعد از بعضی تمهیدات دوستانه برای دوست خود جناب وایسرای نوشتیم که : « واقعاً دولت علیهٔ ما با دولت بهیهٔ شما — تا وقتیکه بشرف و حیثیت ، واستقلال و حریت آن هیچ تعرضی از هیچ طرف وقوع نیامده باشد ، و شرایط دوستی معهوده خلل‌پذیر نشده باشد کاکان بر عهد و پیمان دوستی خود پایدار و استوار است و کذالک تا اینکه در منافع حاکمیت و حقوق ملکیهٔ او از هیچ طرف هیچ تجاوزی وقوع نیامده باشد از مسلک بیطرفی انحراف نخواهد ورزید »

این بود نقاط مهمهٔ افادات حکمت آیات اعلیحضرت همایونی که مآلاً و اجمالاً در باب خط حرکت سیاسیهٔ دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما بدربار عام روز عید در حالیکه سفیر دولت بهیهٔ انگلیس نیز موجود بود بیان فرمودند . و ماعیناً برای اطلاع قارئین خود درج صحایف اخبار نمودیم ، تا همه‌گان را معلوم باشد که خط حرکت سیاست دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما افغانستان درین حرب حاضر بشرایط مسروده مسلک بیطرفی میباشد .

افغانستان

و اهمیت موقعیه و سیاسیهٔ آن

یک سیاحی که از اقصای غرب شمالی مثلاً از لندن برای سیاحت آسیای شرقی رهسپار غربت شود ، و بحر های محیط را عبور ، و قطعهٔ فسیحهٔ هند را غرباً شرقاً مرور کرده بخواهد که بسوی شمال شرقی وسط آسیا عنان سیاحت خود را دور بدهد در پیش روی خود یکبار دیوار یک بام بسیار بلند سر بفلک کشیده تصادف میکند که (عروج بر فلک سروری بدشوار یست) گفته مجبور بر توقف میشود .

این بام بلند معظم ، قطعهٔ پاک (افغانستان) برومند محتشم است که یک قطعهٔ بزرگی از آسیای وسطی میباشد ، این بام ذی احتشام از طرف شرق شمالی با دیوار عظمت مدار (هندوکوه) که نامزده به (هندو کش) شده است ، و با (کوه بابا) که بکمر طرف غرب ممتد شده رفته است ، و با کوهستان (غور) مربوط است . شرقاً بالتدریج فرو آمده با (کوه سلیمان) که از شمال یکسر بسوی جنوب ممتد شده است کسب ارتباط میکند ، جنوباً تا به (بلوچستان) و از آنجا تا بساحل بحر یک سطح مایل تشکیل میکند ، در طرف غرب رفته رفته یک نشیبی پیدا کرده و در اطراف کول (هامون) یک حوضهٔ داخلی ، و در جهت جنوب غربی یک صحرای تشکیل داده بعد از آن باز طرف کوههای (خراسان) بلند شده میرود ، در جهت غرب شمالی تدریجاً تا بصحرای (مرو) و حوضهٔ (جیحون) سرازیر گشت فرو میآید .

بلند ترین مواقع افغانستان ، همانا جبهای شرق شمالی آنست که با کوههای برف‌دائمی مستور بسیار بلندی در بر گرفته شده است ، بعضی از ذروه های این کوهها بقدر (۶۰۰۰) شش هزار متر و بعضی بیشتر از آنهم از سطح بحر بلندی دارد ، حتی بعضی دره

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 828 of 1786

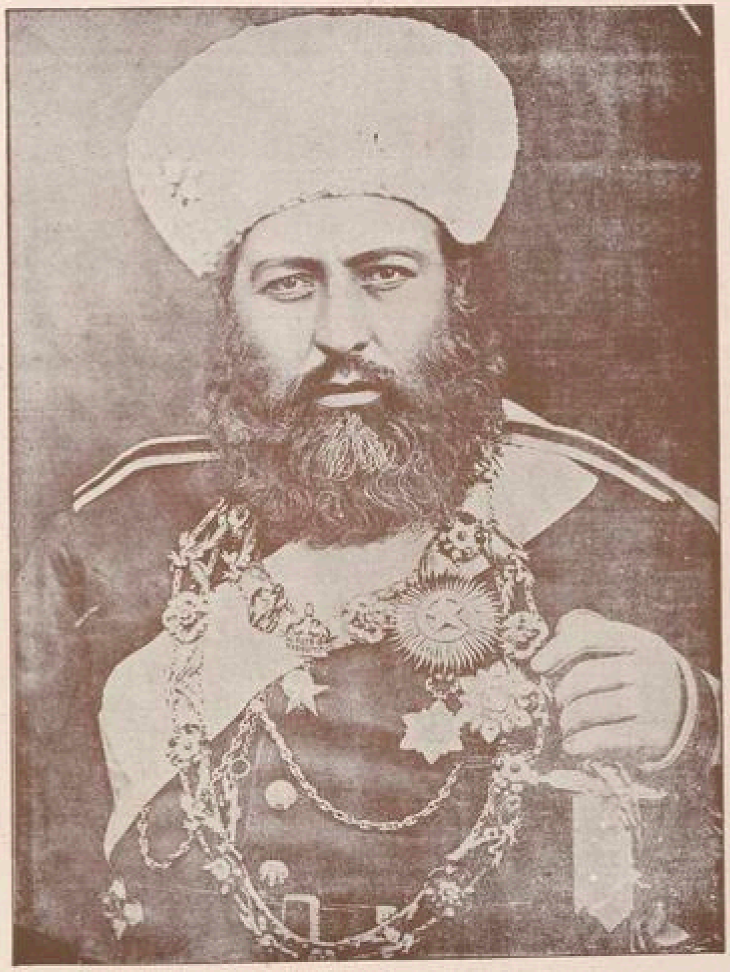

تمثال فرخ اقبال هیکل شیم شجاعت وسیاست خاقان مغفور جنت مکین
اعلیحضرت امیر عبدالرحمن خان ضیاء الملة والدین غفر الله له
(فوتوگراف : عکاسخانهٔ شاهی . زینگوگراف : سید ابوبکر)

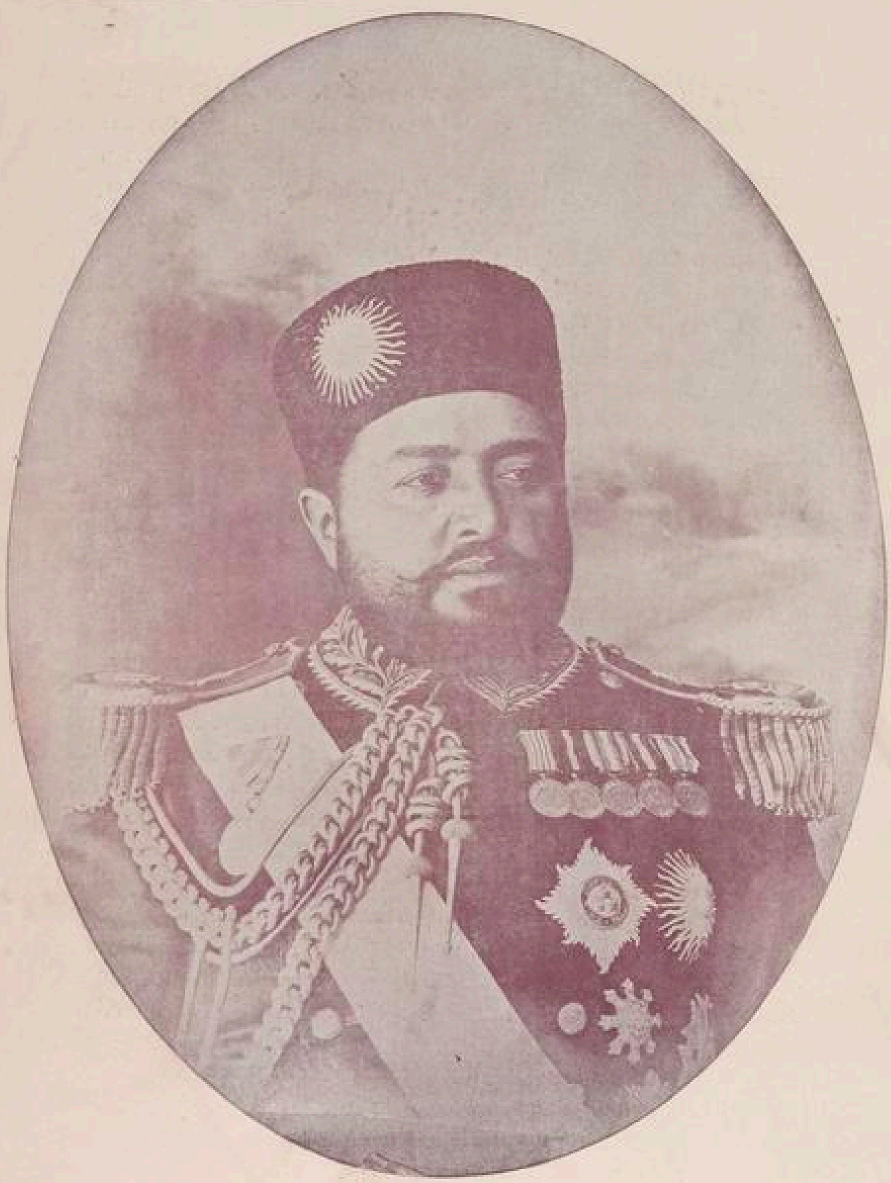

تمثال فرخ فال

ذات شوکت سمات پادشاه مستقل دولت خداداد افغانستان اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) خلد الله ملکه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 830 of 1786

های این کوهها که کمتر میدهد از کمتر از چهار هزار متر نمیباشد ، ذروه های (سفید کوه) نزد نزدیکی جلال آباد تا بارتفاع (۴۳۸۰) متر میرسد که دائماً با برف مستور است . ذروه های با برف دایمی مستور (کوه بابا) که در محل التصاق سلسلهٔ (هندو کوه) ، و سلسلهٔ (کوهستان غور) واقع است تقریباً (۴۹۰۰) متر بلندی دارد .

در مابین این کوهها و سلسله ها چنان دره های صعب المرور تنگ پرپیچ و تاب و دهشتناکی موجود است که خیال را نیز از گذشتن آن در اضطراب می اندازد . از اهم بگوئیم که این خاک یک تنها عبارت از همین کوههای بلند پر برف سر بفلک کشیده ، و همین دره های مدهشهٔ که مذکور گردید نی . بلکه بسی وادیهای پر از اشجار لطافت شعار ، و بسی زمینهای پر اثمار محصولداری دارا ، مملکتی که از هر گونه ثروتهای طبیعیه بدرجهٔ مالامال پر فیض و برکت است .

* * *

در خصوص اهمیت موقعیهٔ این خطهٔ پاک چه مقدار اکتفا کرده یکقدری از اهمیت سیاسیهٔ آن بحث مینمائیم . ولی از همه اول تران را میگوئیم که این بحث ما محض از روی افکار جریده و تبیین بوده بسیاسیات دولتی هیچ جهت تعلق ندارد . ذاتاً اخبار ملک جریدهٔ رسمی دولتی نیست که از رسمیات سیاسیهٔ دولت متبوعهٔ خود دم زند .

(افغانستان) یک دولت باهمیت و ذی اهمیت اسلامیه قارهٔ آسیا است که درجهٔ اهمیت سیاسیهٔ آنرا باریک بینان عالم سیاسی بخوبی درک و تقدیر میتوانند . برای دانستن درجهٔ اهمیت آن اولا میباید که بجهات اربعهٔ آن یک عطف نظر بکنیم :

جهت شمالی قطعهٔ افغانستانرا ممالک وسیعهٔ ترکستان روسی یعنی ماوراء النهر ، و جهت جنوب آنرا (بلوچستان) ، و جهت شرق آنرا قطعهٔ (هندستان) و جهت غرب آنرا ممالک دولت علیهٔ (ایران) در بر گرفته است . این تحدید حدود افغانستانرا که تمام هر جغرافیا خوان خریطه بین میداند و می بیند ولی مقصد ما درینجا این است که از نقطهٔ نظر سیاست اسلامیه درین حدود یک نظری نمود کنیم تا معلوم شود که اگر افغانستان بخواهد چه رولهای عجیب و غریبی در عالم سیاسی ، و چه استفاده های مادی و معنوی جزیی از فرصت و وقت بدست آورده میتواند .

بلوچستان تقریباً با پنج و نیم ملیون نفوس اسلام که همه یک جنس و یک ملت اند مسکون میباشد . ترکستان ، پانزده ملیون مسلمان خالص و در هندستان تقریباً صد ملیون نفوس مسلمان جا دارد ، و ایران یکدولت مستقلهٔ اسلامی میباشد که همین مسئله تا یکدرجه ما را به بسی چیزها رهنمائی میکند . حالا چون برای نشر اخبار ما وقت نمانده انشاءالله در شمارهٔ آیندهٔ ما را این بحث مهم بتفصیلات بسیار واضحی تشکیل خواهد داد . (باقی دارد)

حوادث خارجیه

افغان

مقصد ما از این عنوان (افغان) درینجا توضیح کیفیت قوم نجیبی که به دینداری ، دلیری ، غیرت ، ناموس معروف و مشهور ، و بحس استقلال قومیت ، و مفاخرهٔ شرافت ملیت خود شان موصوف و معزز و ممتاز میباشد ، بلکه ما میخواهیم ماهیت حقیقی (افغان) نام ورقپارهٔ را که بغیر حق این عنوان شریف را ملوث نموده بنام (اخبار افغان) در شهر (پشاور) طبع و نشر میشود به همهٔ ملل اسلامیه و علی الخصوص بقوم نجیب افغان و باز علی الخصوص ببرادران دینی مردم پشاور ، و افغانان سرحدی بهادر خود پدیدار آورده بشناسانیم که در زیر پردهٔ این نام و عنوان مقدس چه مقاصد مضرهٔ اسلام شکنانه در حق اسلامیت و مسلمانی در دل میپروراند .

از بسیار وقتها میشنیدیم که اخبار افغان نام دیگر اسم بلاجسم ــ باسم بی مسمی یک اخباریست که بمعرفت بدخواهان عالم اسلامی برای اغوای مردم افغان سرحدی طبع و نشر میشود ولی ما باور نمیکردیم . آیا چسان باور کرده میتوانستیم ؟ افغان باشد و ننگ قوم و ملت فروشی را برخود گوارا نماید خیلی بعید مینماید ! افغانانی که ننگ خیانت وطن و علامات فروختن را برخود گوارا کرده باشند هیچ شبهه نیست که در رگ افغانیت شان کدام رگی بدرگ اجنبی شامل بوده است .

ما بسیار افسوس میکنیم که شنیدنی های ما در حق اخبار افغان بدیدنی های رأی العین تبدیل یافته بتحقیق پیوست که این ورقپارهٔ خبیثه که غاصب یک اسم شریف گردیده است حقیقتاً میانجی کار خیر دشمنان اسلام است . اگر کسی باور ندارد نسخهٔ مؤرخهٔ پنجم ماه اگست سنهٔ ۱۹۱۴ اورا خوانده ببیند که در حق اسلام چه مینویسد !!

ورقپارهٔ مذکوره در نسخهٔ ۵ ماه اگست خود در زیر عنوان (حالت موجودهٔ افغانستان) از قلم کدام (نامه نگار) ایمان فروش خود بعد از تمهید یک دیباجهٔ غیر معقول چنین مینویسد :

[اگرچه مسلمانان بتعداد کم و بیش در هر ملک زیر حکومت غیر هستند لاکن تعداد کثیر آنها زیر حکومت برطانیه میباشد و اگر بنظر انصاف دیده شود همان مسلمانان خوشحال و آزاد اند که زیر حکومت انگریزی هستند .]

باین فقرهٔ خود دعوتاً اعلان میکند ، و منادی میگرداند که ای مسلمانان سرحدی افغانستان ، و ای افغانان دولت مستقلهٔ افغانستان ! اگر میخواهید که خوشحالی بوده باشید ، و آزادی زندگانی را مظاهر شوید ، هیچ درنگ مکنید ، زود بدوید ، طوق غلامی غیر دین را زیب گلو سازید تا مسعود و مختار دارین گردید ! چقدر دعوت باثواب ! مانا دعوت مسیلمهٔ کذاب ! . . .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 831 of 1786

در خصوص خوشحالی و آزادی مسلمانانی که در زیر حکومت غیردین هستند ماهم هیچ گفتگوئی نداریم . آیا خوشحالی و آزادی ازین چه بهتر وچه برتر خواهد بود که بغیر ازبدر کردن طوق غلامی را از گردن . دگر هرچه که خواهی بکن . در هر شهر هزارها فاحشه‌خانه‌ها، آلتکها، سازنده‌ها، خوشخوانها، شرابخانه‌ها وهنوز چه‌ها وچه‌ها که عقل حیران میشود ! از همهٔ این خوشحالیها هرفردی ازافراد طوق بگردنهای احکام حکام غیردین بکمال آزادی وتمام خوشحالی استفاده میتوانند. هرگاه مقصد از خوشحالی و آزادی همین چیزها باشد البته که افغانان افغانستان و افغانان سرحدیهای کوهستان انگریزهارا بخواب خود هم ندیده‌اند . اما باید دانست که اینچنین خوشحالیها و آزادیها در مسلمانان زیر حکومت حکام غیردین نیز مخصوص همان عوام الناس بی وجدان و حواسیست که مانند نامه نگار افغان اشخاص باشند . حالآنکه دران مسلمانان نیز چنان بیدار مغزان با ایمان ووجدان هم موجوداند که این خوشحالیها و آزادیهارا عین ذلت و نکبت شمرده برعدم آزادی و خوشحالی حقیقی خود شان خون میگریند . چسان خون نگریند ! بکرورها کرور مسلمانان ، در هند وماوراءالنهر وغیره از قرنهای عدیده وبلان ساکن ومتمکن باشند ، ودول غیر جنس ، وغیر مذهب شان برخواسته ، آزادی حقیقی ، استقلال ملی ، حکومتهای سیاسی ، مال ، ملک ، ادبیات ، اخلاقیات والحاصل همه‌قوای مادی و معنوی شانرا محو و منقرض ساخته طوق غلامی خودرا بگردن شان بیندازد ، وخود هارا مالک ، وآنهارا مملوک قرارداده حق مساوات را بکلی ازمیان بردارد، آیا ازچیز های نیست که ارباب وجدان واعاررا خون نگریاند ! ایکاش که نامه نگار آن ورقپارهٔ بیعار ، تنها به اغوا واضلال افغانها ، ودعوت نمودن شانرا بطوق غلامی غیردین شان اکتفا میورزید . نی . نی ! این وفادار صداقت شعار مراکوشیان، ترکان وایرانیان رانیز بسبب که در زیر حکومت غیرجنس وغیرمذهب شان ندر آمده اند بانواع قباحتها متهم ساخته مینویسد :

[حالت حکومتهای آزاد اسلامی بهر کس واضح وروشن است : باده نوشی وحسن پرستی سلاطین مراکو وجهالت رعایای آنها ، میپرستی وقوم فروشی ورشوت ستانی ولا مذهبی ترکان روم ؛ وعیش پرستی وناموس فروشی ونامردی ایرانیان را کیست که ندیده اند .]

قحبه را گفتند : — آیا میخواهی که خودت پاکدامن شوی باتمام زنان عالم قحبه شوند ؛ گفت : — نی میخواهم که تمام زنان عالم قحبه شوند . ناپهان جنسی که بی دیده‌اند مهم آنهارا ببینیم . ای نامه نگار نابکار ؛ توچون خودت طوق بگردن شدهٔ وازجنت آزادی مطرود گردیدهٔ حکومتهای آزاد اسلامی را چرا چون خود میخواهی ! این عیوباتی را که برانها میشماری سبب بیگانهٔ آزادی شان میبینی ، پس خودت که طوق اسارت بگردن داری چرا بااینهمه بلاها گرفتاری ؟ قوم فروش نیستی، هستی ؛ زیرا امت را افغان نهادهٔ ، وقوم افغانرا به اسارت غیر جنس و دیانت میخواهی بفروشی . رشوت ستان نیستی ، هستی چراکه اگر رشوت نمیستاندی این ترهات را نمیسرودی . آیا ولا مذهبی ترکان بچه حکم میکنی ؟ همهٔ عالم میدانند که مذهب رسمی ترکان (حنفی المذهب) ست . شیخ الاسلام ، و مفتی امام استانبول دایما بمذهب حنفی فتواها میدهد . مسجد های که هرکدام آنها بدرجهٔ یک قریه وسعت دارد از نماز خوانان پراست . مکهٔ مکرمه مدینهٔ منوره . مقامات انبیا . اصحاب اهل بیت . اولیا در ملک شان معمور آباد روشن خرم است . آیا لامذهبها چرا آنهارا تعظیم وخدمت کرده میکنند ؟ حکم عام کردن برلامذهبی یک ملت معظمهٔ اسلامیه که مقام خلافت وصفت خادم الحرمین الشریفین را هم حایز باشد الحق که بجز جرأت وجسارت نامه نگار اخبار افغان دیگری را نمیشاید ! آیا ناموس فروشی ، و نامردی ایرانیان را آقای نامه نگار بچه تجربه کرده است ؛ واقعا ایرانیان به افیون کشی مبتلا شده اند ، وازانسبب یک رخاوت بدنیه برای شان حاصل شده خواهد بود اما بدرجهٔ که نامه نگار اخبار افغان خبر دارد نخواهد بود ! . . . .

بعد ازانکه همهٔ ملل اسلامیهٔ آزاد وغیر آزادی را که خارج طوق غلامی غیرجنس ومذهب هستند ازانبار اسائها بیرون براورده وبلا مذهبی ونامردی وبی معیوبات متهم ساخته براصل منویات ضمیر خبث تخمیر خود که درحق دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما افغانستان دارد دهان سخن را دور داده هرزه سرائیها وژاژخائیهای کرده است که همهٔ آن مبنی براغراض دلسردی وروگردانی برادران دینی هندستان زمینها . وعلی الخصوص برادران هم ملت وهم دین افغانی ماورای سرحدنشین ماست ازحکومت اسلامیهٔ افغانیه . چنانچه میگوید :

[البته درباب افغانستان درعوام الناس غلط فهمیها موجوداند ودرمسلمانان درباب این سلطنت خورد اسلامی حسن‌ظن بقیست لهذا ما برای آگاهی ناظرین درباب این سلطنت بیان خواهیم کرد تاغلط فهمی مردم دور شود وبالخصوص افغانان بدانند که حالت این سلطنت درچه تنزل است]

بعد ازین مقدمه برسبی تفوهات نالایقه ، وگستاخیهای نادانانه درحق اعلیحضرت پادشاه مقدس ماجرات ورزیده است که تفصیل آن تفوهات نالایق باطل را لایق همان ورقپارهٔ نابکاره دانسته اوراق جریدهٔ اسلامیهٔ وطنیهٔ خودرا به آن زخرفهای جون خرفها سزاوار ندیدیم . اگرچه برروش یک حکومت واصول وقواعد یک دولت خورده گیری واعتراض میشود . ولی بذات پادشاه یک دولت کلمات نالایقه صرف کردن مخصوص بی تربیه گان وبی‌حیایست که مانند نامه نگار افغان باشند.

این بیعار نابکار ازنوشتن این نوشته های اسلامیت براندازانه دیگر هیچ مقصد ومدعای ندارد مگر اینکه یک جبههٔ حسنه ، ویک خدمت وفاکارانه بطوق نهندگان خود نشان بدهد . زیرا دراین اوقات میداند که طوق نهندگان شان چه اندیشه‌ها وچه

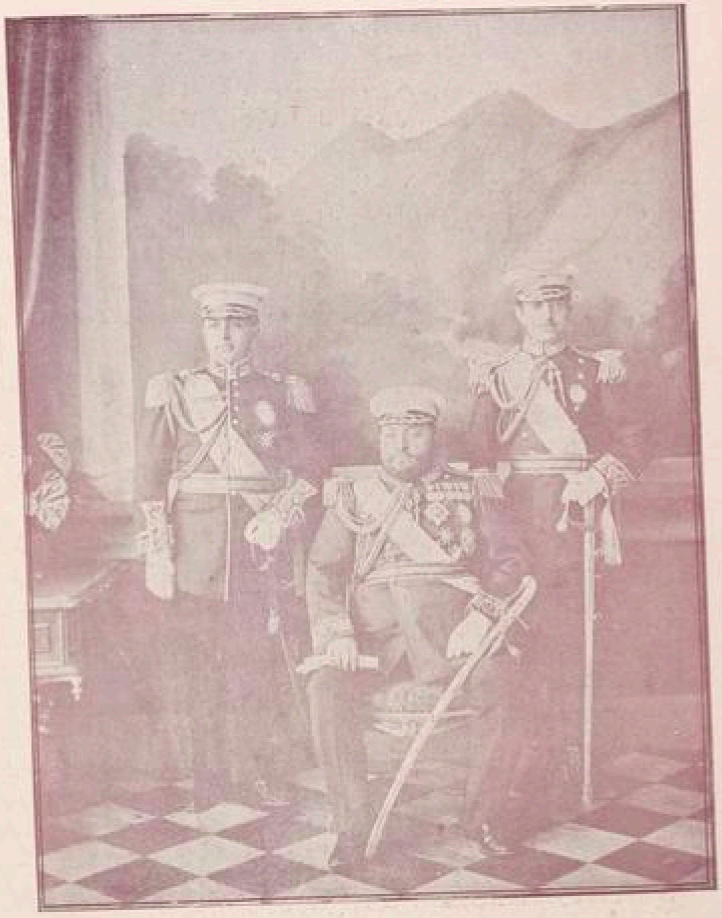

ذات شوکتسمات اعلیحضرت سراج الملة والدین
طرف دست راست شاهانه معین السلطنه سردار عنایت الله خان
بطرف چپ عین الدوله سردار امان الله خان
[فوتوگراف : عکاسخانهٔ شاهی . زینکوگرافی : یار محمد]

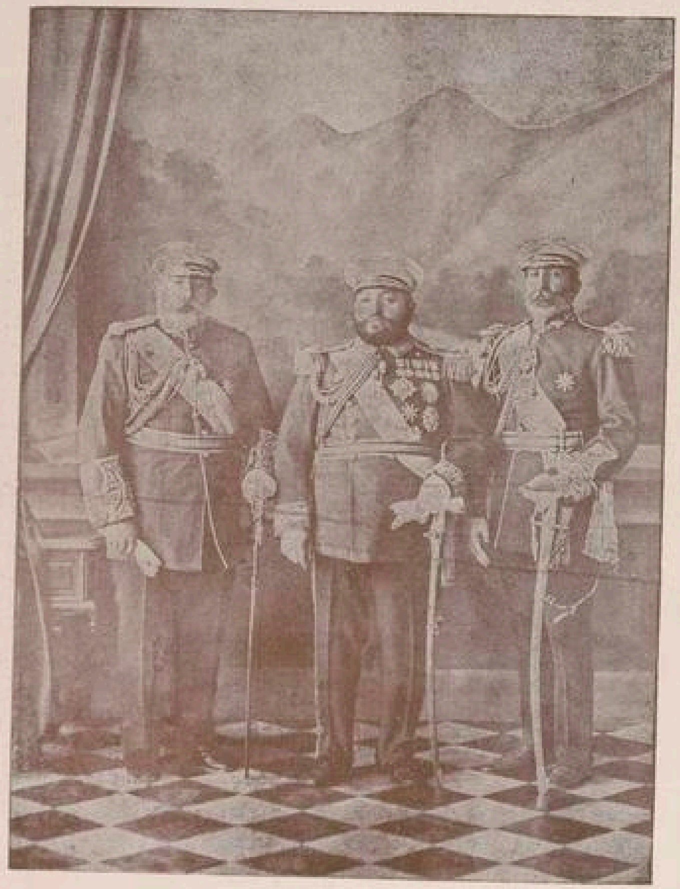

ذات اعلیحضرت پادشاهی

ومصاحبان خاص بدست راست شاهانه جناب سردار محمد آصف خان وبدست چپ جناب سردار محمد یوسف خان

[فوتوگراف : عکاسخانهٔ شاهی ، زینکوگراف : یار محمد]

افکارهای خیالی وتصوری ازدولت اسلامیه افغانیه وملل اسلامیه درضمیر خودشان محتمل الحصول میپندارند، بنابرین وقتیکه عقیدت اندیش بعضی احتمالات بعیدهٔ متصورهٔ واهیه را درمد نظر بی‌بهره کرده انگیختن یک همهمهٔ وولوله را درمیان مسلمانان وخصوصاً در افغانان سرحدین انداختن . وآنها را ازدولت علیهٔ اسلامیهٔ افغانستان دلسرد ساختن از وظایف مهمهٔ وقتشماری دانسته بنوشتن این هزیانها جرأت ورزیده است . فلهذا الغرض . (سراج الاخبار افغانیه) برهمه عالم اسلامیت اعلان میکند که (افغان) نام اخباری که درشهر (پشاور) زبان اردو ، کاهی یک دوصحیفهٔ آن زبان افغانی طبع ونشر میشود یک اخباریست که مجرد و مبنی آن خلل اندازان بنا اسلامیت میباشد . وپیکه وظیفهٔ آن سه‌چیز است : — اول تامیٔ ملت اسلامیهٔ عالم را ازمحبت برادرانهٔ اسلامیه باهم بدول نمودن ، دوم آنکه دایما درمابین طایفهٔ مسلمانان وهندو بی اتفاقی انداختن ، سوم مردمان افغان سرحدی را از حکومت افغانستان دلسرد نمودن . لهذا همه مسلمانانرا برین سرستر نهفتهٔ این ورقپارهٔ که در زیر پردهٔ نام شریف (افغان) قوم فروشی را رواج میدهد آگاه و پیش میسازیم ناحقیقت وماهیت اصلیش برهمه کان آشکار گردد .

خبرهای جنگ

نامه‌نگار ما از ترکستان مینویسد

دولت روس از بندرات لبدریای آمو مثل بندر کرکی ، وبتکی سروغیره همهٔ عساکر خود را جمع نموده بطرف پایتخت خود حرکت داده . واندک اندک سپاهی تقریباً صدصدودوصدودوصد نفر بجهت محافظت اینجاها درهربندر گذاشته است . ونیز دربین طرف افواه است که دولت ژاپان سر گرمیٔ دولت روس را با جرمن واوستریا فرصت دیده میخواهد که پی روس وجرمن را بکلّی ازخاک اقصای شرق بیرون کند . میگویند دوشهر کلان روس را ژاپانها تصرف کرده اند . ونیز باجرمنی درباب برآمدنش ازخاک چین گفتگو دارد .

کذا — دولت روس بیک نقدی خود را از بنکی حرکت داده رده است . ومردم تجار رعیتیٔ خود روس ورعایای دولت غیر کاغذهای سوم را جمع کرده بدولت روس واپس داده اند که کاغذهای خود را گرفته وچه‌قدر جاها بعضی ازینواسطه نهایت پریشانی وبی‌اعتباری برای دولت روس پیش شده است .

کذا — در مزار شریف کاغذ سوم روسی بسیار بی اعتبار شده است وهیچکس نمیخرد و کسانیکه کاغذ سوم دارند بهبسیار آزادی بفروش میرسانند و مشتری هم کم پیدا میشود این است که اینقدر قدر که بتواتر درینجا مسموع شده برای شما اطلاعاً نوشتم . ق ۲۶ رمضان سنه ۱۳۳۲ (عبدالاحد)

ترجمه‌های اخبارهای انگریزی از ترجمان کریم بخش خان
[جمله هائیکه در آخر خبرها درقوس معترضه گرفته شده ازطرف]
(خود سراج الاخبار افغانیه میباشد)

﴿ جنگ عمومی ﴾

﴿ خبرهای محاربه ﴾

چون این جنگ عمومی یک اهمیت فوق العاده دارد لهذا سراج الاخبار افغانیه برای اینکه قارئین کرام خودرا سلسله وار از وقوعات محاربه باخبر سازد اکثر صفحات خودرا به حوادث محاربه منحصر ساخته از درج کردن (کاموران زنان جهان) و (علم ثروت ملل) و (فجعه های پاریس) دردم حاضر صرف نظر نمود . انشاءالله بعد ازاختتام حرب بازسلسلهٔ آنهارا جاری خواهد ساخت این است که حالا دوهفته وار واقعات حربیه را بنظر قارئین کرام جلوه‌گر میسازد . این را هم میگوئیم که این حوادث را ماازترجمه های اخبار های انگریزی که مولوی (کریم بخش خان) ترجمان اخبار های انگریزی ترجمه کرده برای ما میفرستد درج میکنیم . وانشاءالله از اخبار های ترکی وعربی که خود ترجمه کنیم نیز بعضی حوادث مهمه را جداگانه درج خواهیم نمود ومن الله التوفیق .

وعدهٔ امداد

اکثر مهاراجگان هند (کشمیر ورا جیوتانه وغیره) افواج خودرا بصلاح ومرضی سرکار هند گذاشته اند — فقط [اگر نگذارند چه کنند ؟]

لندن مورخه ۶ ماه اکست —

دربیرمنگهن گزارش شده است که بحیره روم از جهازات آستروی خالی شده است وبیره فرانس وبرطانیه درهند واپس آمده است فقط

[آیا چه صورت وچگونه خالی شده است ؟]

اخبارات لندن خبرهای جنگ رکاغذات جداگانه شایع میکنند و درهمهٔ اخبارات کمی واقع شده است چرا که اندیشهٔ قحط کاغذ پیدا شده است — فقط [هنوز چه قحطها که پیداشود ؟].

مستر اسکوئث از وزارت جنگ مستعفی شده است ولارد کچنر بجای او مقرر گردیده است فقط

عمل ۷ بجه و۳۵ دقیقه شام —

ترکی اعلان نموده است که آن اجتماع افواج بطور حفظ ما تقدم بعمل آورده بود فقط

[آیا کدام حفظ ما تقدم ؟]

دو لنگر جهاز عثمانی ودو لنگر جهاز چلی دربندرگاه برطانوی مقیم اند ولیکن مکمل اند فقط [حیف آن جهازها !]

مورخه ۵ ماه اگست عمل ۱۲ بجه و ۱۰ دقیقه چاشت — جرمنی بر خلاف بریطانیه نیز اعلان جنگ کرده است فقط

اعلان غیر جانبداری

اضلاع متحده امریکه و سویدن و ترکی اعلان غیر جانبداری نموده اند فقط

حمله جرمنی بر بلجیم —

عمل ۵ بجه و ۵۰ دقیقه صبح —

برسلز افواج جرمنی از مقامات گیمینک و هنری چل ووالهم دیروز بعمل ۸ بجه صبح در حدود بلجیم داخل شده اند فقط

آنهم اول درو یبی رسیدن و برکناره راست دریای میوز اقامت نمودند — اهل بلجیم محافظت کنارهٔ چپ میکردند و جرمنی ازبسته کردن پل عارضی بردریای مذکور بازداشتند واهل بلجیم‌را ازقلعه لیك کمك می رسید — جرمنی مطالبه نمود که اهل قلعه لیك اطاعت آنرا قبول کنند این مطالبه آن مسترد کرده شده است یك حصه فوج که از نهر چیل برقلعه مذکور تاخته بود از افواج بلجیمی پس‌پا کرده شده است فقط | عجب داخل شدن، عجب پس‌پا شدن ! |

جنگ روسی و جرمنی

سنیت پیترزبرك — افواج روسی بهمراه افواج جرمنی را کثر حصص سرحد متقابل گشته‌اند — افواج جرمنی برمقام بیالهور زیمن درعقب نشسته‌اند — مگر اکثر دیهات‌را درداده اند فقط | عجب عقب نشستن، عجب دردادن ! |

مورخه ۵ ماه اگست عمل ۵ بجه و ۵۰ دقیقه صبح.

لیك — درنهضت اهل جرمنی ازسبب شکستن پل‌ها وسرنگ‌ها تعویق واقع شده است. آنها بطرف شمال رفته

تیلورك علاقه هالیند را تاخت وتاراج کرده‌اند — ودریای میوز ازمقام ایسدن عبور نموده‌اند — حصه دهم فوج جرمنی رایسدن وحصه هفتم درورتیزر وحصه ششم برمقامات نامعلوم میباشد — ویبی وایکین تووا درحالت آتشزدگی میباشد — ربوت آمده است که افواج جرمنی که برقصبه جات مذکور گلوله باری کرده بودند باشندگان ویبی‌را تهدید نمودند یك لك نفر سپاهیان جرمنی بطرف لیك پیشقدمی کرده اند — یك نفر پرواز کننده جرمنی هلاك شده است فقط

گلوله باری جرمنی

برسلز ربوت آمده است که سپاه جرمنی برلیك وعوز گلوله باری شروع کرده است فقط

برسلز باشندگان ویبی بطرف میستر ریخ فرار نموده اند — و اهل جرمنی در ویزی و ییمستر وریمو جیبیس داخل شده اند بعض قلعه‌ها که بردریای میوز واقع اند درحالت آتشزدگی شعله زن میباشند فقط

غیر جانبداری رومانیا

تجارست بطور رسمی شائع شده است که رومانیا غیر جانبدار خواهد ماند فقط

سنیت پیترز برگ — ۱۹ لنگر جهاز جنگی جرمنی بر میمل ولیدوا رسیده اند فقط

ماستریخت — جنگ شدید بر حد بلجیم جاریست صدای توپ وتفنگ شنیده میشود و جهازات هوای در هوا بالای سر دیده میشوند فقط

اهل بلجیم برسپاه جرمنی که بر دریای میوز پل عارضی بسته میکردند گلوله باری نموده سپاه مذکوررا نقصان شدید رسانید مگر سپاه جرمنی در عبور نمودن دریای مذکور کامیاب شد —

مقابله شدید

اهل سرویا مقابله شدید استریا برمقام بلگرید نموده میروند فقط

| آفرین |

برلن بطور رسمی شائع شده است که جهازات آهن پوش جرمنی بحیره روم بعض قصبه‌جات مستحکم ساحل الجیریا منهدم کرده‌اند فقط | الجیریا از مستملکات فرانس است در افریقا |

یك لنگر جهاز هوای بلجیم برمقام لیك بریك جهاز هوای جرمنی درهوا حمله کرده‌آنرا دو نصف کرد — پرواز کننده جرمنی کشته شده است فقط

کوائف سرحدی افغانستان

ازپشاور ربوت آمده است که بتاریخ ۴ ماه روان بوقت صبح یك دسته فوج خیبر بهمراه یك گروه بدمعاشان سرحدی درقریب عرود متقابل گردید ازبدمعاشان یك نفر کشته ویك نفر زخمی شده است واز فوج خیبر یك نفر مجروح شدید گشته است بدمعاشان در تعداد شش نفر ازقوم ذکاخیل خیبر و شنواری بودند فقط

تلفات جرمنی

لندن مورخه ۷ ماه اگست —

عمل ۸ بجه شب

برسلز عمل پنج و نیم بجه شام — جنگ شدید و خونریزی در قرب فلورن برپا گردیده است — سپاه جرمنی شکست فاش خورده است تاباین حد که بازبرلیك حمله کرده نتوانسته است —

| وهکذا بلجیم، اما الجرمن ؟ |

مورخه ۶ ماه اگست عمل دو بجه و ۲۰ دقیقه صبح —

برسلز — اعلان رسمی مظهراست که بلجیم مقابله شدید حمله‌جات جرمنی نموده است وسپاه جرمنی را از گرد و نواح لیك کشیده است قلعه جات لیك‌را صدمه نرسیده است بادشاه البرت کمان افسری سپاه بلجیم را گرفته در عرصه کار زار رفته است یك اعلان بأن مضمون شائع شده‌است که‌عساکر مغرور ومتکبر ما

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 836 of 1786

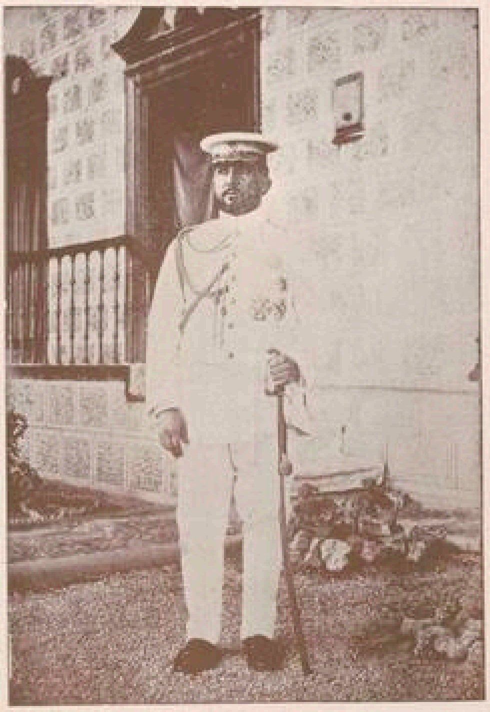

مقام صدارت عظما

حضرت فخامت مآب نائب السلطنه سردار نصرالله خان

فوتوگراف : معین السلطنه زینکوگراف : یار محمد

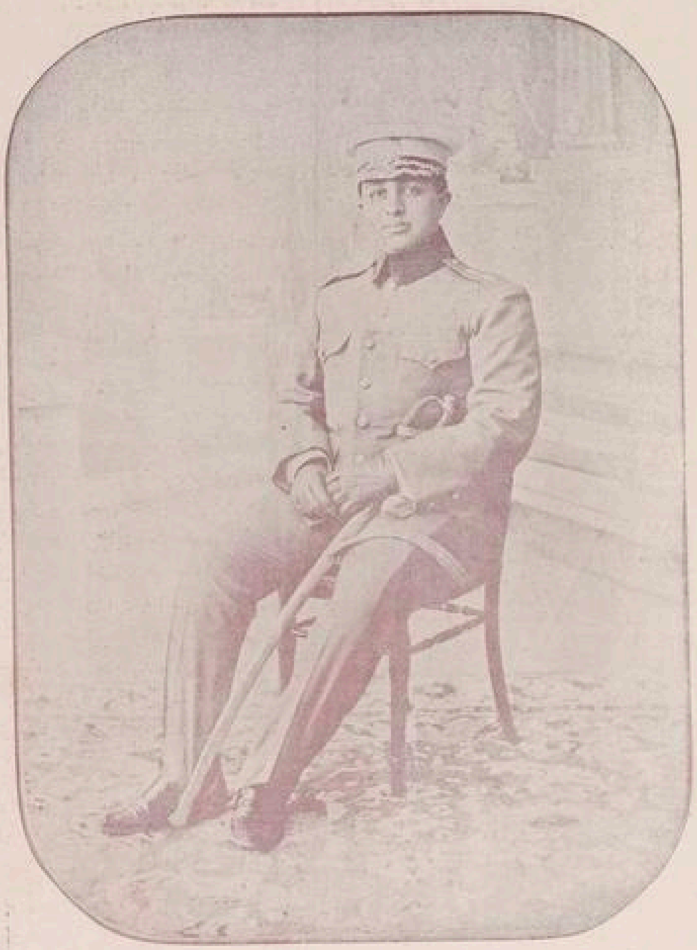

فرزند اکبر وارشد اعلیحضرت

شهزادهٔ جوانبخت معظم سردار عنایت‌الله خان معین‌السلطنه صاحب‌افخم

[فوتوگراف : عکسخانهٔ شاهی ، زینکوگرافی : یار محمد]

خلاف ورزی معاهده نموده است وبمحاصره کرده است چرا که ما از ناموس فروشی انکار کرده بودیم — ما یقین داریم که سپاهیان ما در ادای فرض مقدس بالضرور کامیاب خواهند شد فقط

تلفات جرمنی

عمل ۱۲ بجه و ۱۰ دقیقه شب —

برسلز — اخبارات میگویند که تلفات وضائعات جرمنی بهشت هزار نفر وهشت عراده توپ رسیده است — هشتصد نفر مجروحین جرمنی در برسلز رسیده اند فقط [آیا از طرف مقابل چقدر ؟]

عمل ۱۲ بجه و ۱۵ دقیقه شب —

لیك ۱۲ صد مجروحین جرمنی از عرصه کارزار برداشته شده اند اهل جرمنی در علاقه نقبها داخل شده بودند نقبها بریدند وکل شالین (فوج) جرمنی را هلاك گردانید [مگر جرمنها هم چقدر حرب نا آشنا بوده اند ؟]

برسلز امروز بوقت چاشت سپاه جرمنی یك حمله شدید برلیك نموده گوله باری که شب گذشته جاری ماند (وهلانس وجرمنی) امروز بازکوشش دلیرانه نموده درقصبه داخل شدند مگر از دست اهل بلجیم زهر هلاك چشیدند فقط [چقدر زهرناك جانور !]

برسلز — در برسلز بیان رسمی مندرجه ذیل شائع شده است ۲۵ هزار نفر سپاهیان جرمنی بتاریخ ۵ ماه حال در میدان جنك برای مقابله دشمن آمدند و استقلال غیر معمول ظاهر کردند ودفعیه حمله جات جابرانه دشمن را بوجه احسن نمودند بعد از آن اهل بلجیم برسپاه جرمنی حمله شدید کردند درین حمله آنها از حد کامیاب شدند — سپاه جرمنی در هالیند داخل شده پناه حاصل کرد [هالند بیطرف چسان آنها را طلب نکرد ؟]

اهل بلجیم شش صد نفر مجروح را برداشتند — حمله حصه دوم جرمنی امشب متوقع است —

اخبارات مینویسند که یك گوله از قلعه لیك روز چهارشنبه یك لنگر جهاز زبلین را بزمین انداخت —

جنك بحری

عمل ۱۰ بجه و ۱۵ دقیقه شب خبر تلگراف از کرکوال مظهر است که جنك بحری بساحل اف تیتز برپا گردیده است صدای گوله باری الی ظهر شنیده میشد کیفیت مفصل تا حال نرسیده است فقط [اگر خوب نتیجه میداد البته میرسید !]

مورخهٔ ۱ ماه اگست عمل ۱۱ بجه و ۵ دقیقه شب کپتان جهاز او ریتیم قونصل برطانوی را اطلاع داده است که او بذریعهٔ تلگراف بی سیم از جها بوستیا باین مضمون ربوت حاصل نموده بود که دو لنگر جهاز جرمنی که در تعاقب آن روانه شده بودند از جهازات برطانوی تعاقب کرده شده بودند و غرقاب کرده شده اند — فقط [ماهیان دریا را ضیافت !]

شکست جرمنی

برن — یك دسته رساله جاسوسی جرمنی از یك دسته رساله فرانس هزیمت خورده در سوئزرلیند پناه حاصل کرده است اسلحه از آنها گرفته شده است فقط [شاید بالعکس باشد ؟]

پیشقدمی سرویا

دروائنا بطور رسمی شائع شده است که دیروز بربلگرید گوله باری شروع کرده شد — بالادستی اهل سرویا از خبر تلگراف پیش ظاهر میشود که متطوعین از دریای سیوی گذشته وبیرق سرویا را برساحل استروی نصب کردند فقط

[عجب است که بیرق را برقلعهٔ وائنا تاحال چسان نصب نکرده اند ....]

حالت جنك درهالیند

هیك — ملکه ویلهلمینا یك حصه هالیندرا درحالت جنك قرار داده است فقط

مال غنیمت

مال غنیمت بی شمار ازجرمنی در بندر برطانیه واقع بحر شمالی آورده شده است فقط [آیا کلاه شاه جرمنی درمیان آن مالها نبوده باشد ؟]

الی متیم جرمنی به ایطالیه

مورخه ۹ ماه اگست عمل ٤ بجه و ۳۰ دقیقه صبح —

اخبارات پیترسبوت شائع کرده اند که جرمنی به ایطالیه الی متیم فرستاده است وتهدید جنك داده است چرا که او از معاونت جرمنی انکار کرده فقط [آیا حق ندارد ؟]

اعلان جنك

استریاهنگری برخلاف روس اعلان جنك نموده است فقط

غیرجانبداری

هسپانیه اعلان غیرجانبداری نموده است فقط

اخبار دیلی نیوز مینویسد که ۱۹ لنگر جهاز جرمنی دربحیره شمالی تباه وماخوذ نموده شده اند فقط [که ماخوذ کرده ماخوذ کننده مگر روئین تن بود که بخودش هیچ یك ذره تباهی نرسیده ؟....]

نظاره عجیب وغریب در برلن

برلن مورخه ۷ ماه اگست وقتیکه اعلان جنك مابین جرمنی وبرطانیه شائع کرده شد — یك گروه برسفارتخانه برطانوی حمله نموده دریچها را شکستاندند چهل نفر رعایای انگریزی درقلعه بند کرده شده اند فقط —

ازینه اخبار مورخه ۹ ماه اگست سنه ۱۹۱٤ عیسوی
مطابق ۱۳ شهر رمضان المبارك سنه ۱۳۳۲ هجری

تمدن افغانستان وبیدار مغزی اعلیحضرت

در بودن افغانستان ملک متمدن و در بودن اعلیحضرت جناب امیر المعظم یک پادشاه بیدار مغز هیچکس کلام ندارد — افغانستان از عرصهٔ قدیم یک ملک مهذب و متمدن است چند عراده توپ که درزمانه امیر شیرعلی خان صاحب مرحوم مغفور درکابل ساخته شده بودند درقلعه لاهور موجوداند — از ملاحظه آنها درباب افغانستان یقین کرده میتوانیم که ان درزمانه سابق چه قدر ترقی حاصل کرده بود —

یک عراده توپ موسوم بتوپ بهنگیا نوالی که پیشروی عجائب خانه لاهوری نصب است آن نیز در زمانه ماضی درکابل ساخته شده بود هرقدر اصلاحات و ترقیات که درعهد حکومت خلد آشیان جنت مکان حضرت ضیاء الملة والدین ودر زمان حکومت امیرصاحب حال اعلیحضرت سراج الملة والدین شده است بعد ازین اگر کسی افغانستان را غیر متمدن وغیر مهذب بگوید قصور معلومات خود او خواهد بود — در دوران حکومت اعلیحضرت سرکار عالی جناب امیر حبیب الله خان صاحب هر قدر ترقیات که شده است از حد حیرت انگیز میباشد — طبع ونشر سراج الاخبار افغانیه، تصاویر درجه اعلی اتحفهٔ توجهات روشن ضمیرانهٔ اعلیحضرت سرکار اشرف والا میباشد فقط

بیان حمله لیگ

لندن مورخهٔ ۱۱ ماه اگست عمل ۴ بجه و ۲۰ دقیقه صبح یکنامه نگار انگریزی که بوقت حمله اول جرمنی برلیگ موجود بود میگوید که گوله باری از توپ خانه جرمنی مکمل و به اصول بارابود — گوله‌ها عین برسنگر های قلعه جات میگنجیدند وکادی های معدوم شده ابواب قلعه قلعون را تنگ تنگ کردند ازقلعهٔ مذکور هیچ صدای توپ نمی آمد سپاه جرمنی نزدیک تر رسید حمله میکرد بزبان هرباشنده لیگ همین سوال بود که کمکات کنگ برطانیه آیا کی خواهند آمد | آیا حق این سوال را دارند ؟ |

تلفات فرانس

درپیرس مشهور شده است که برمقام التکرچ از سپاه فرانس یکصد نفر مقتول ومجروح شده بودند فقط | چقدر بسیار ! |

جنگ شدید

لندن مورخهٔ ۱۱ ماه اگست عمل چهار و نیم بجه صبح — افواج جرمنی شب گذشته برقلعه میزانک واقع لیک حمله شدید نمودند مگر پسپا نموده شدند — اندازه کرده شده است که هشتصد نفر جرمنی درجنگ مذکور تلف شده بودند | آیا از طرف مقابل ؟ |

لندن مورخهٔ ۱۱ ماه اگست عمل ۱ بجه و ۴۰ دقیقه ظهر — تفصیلات جنگ لیک بعد دیگری میرسد — اهل جرمنی بلاشک وشبهه قصد برلیست خود آورده است — ودر حلقه قلعه جات که گردا گرد شهر واقع‌اند دخل وقبضه نیافته‌است — اکنون آن برای تسخیر قلعه جات جد وجهد مینماید غالباً بذریعه گوله باری بلکه بهمراه حمله‌جات شدید اهل قلعه‌داد مردانگی داده‌اند ومدافعت حمله آوران بوجه احسن نموده اند تلفات جان از حد خوفناک بود —

مصیبت الماس تراشان

لندن ۱۱ ماه اگست — چهار هزار نفر الماس تراشان در ایمستردم واقع هالیند ازسبب جنگ بیکار میگردند — دیگر کارخانه‌جات هالیند بزرسته شده اند فقط . | زنها گریه کنند ! ... |

مقابلهٔ سپاه بی‌شمار

باهم متقابل شدن افواج دوبها درهرلحظه متوقع است ۲۲ فرقه افواج جرمنی که در هرفرقه تقریباً چهل هزار نفر میباشد در بلجیم والساس لورین بالمقابل ۲۳ فرقهٔ بلجیم وفرانس خواهند آمد افواج متخاصمین کاملاً مجتمع شده‌اند وتیار میباشند — سپاه فرانس پیشتر در بلجیم رسیده معاونت افواج بلجیم مینماید فقط

بلقان

لندن مورخه ۱۱ ماه اگست —

ازسبب جنگ وجدال سرویا ومناقشات بکرو برخلاف استریا معاملات بلقانیه ازحد اهمیت داده میشود — بالخصوص اجتماع افواج عثمانی ازحد پر اسرار گفته میشود — اگرچه مؤخرالذکر (ترکی) هیچ علامات ظاهر نکرده‌است که از آن نوایت آن در جنگ عمومی یورپ متصور شود مگر وزیر اعظم بوقت اعلان نمودن در باب غیر جانبداری خود بیان کرده‌است که بلغاریه بعض تجاوزیان غرض بعمل خواهد آورد که مایا که واقعه و فساد بی حد آن برپا شود یک فرمان شاهی در ترکی باین مضمون شایع شده‌است که مبلغ ۶ ملیون پوند برعرض مصارف جنگ تفویض وزیرجنگ کرده شود رومانیا خموش است مگر آرا درآن ملک ازحد مختلف اند فقط

در برطانیه کلان درباب حالات جنگ بحری برقسم مطلقاً خبری شایع نخواهند شد تاوقتیکه (مطبع بورو) که جدید قائم شده است چیزی شایع نکند — | بسیار کار عاقلانه ! البته که مطبع بورو خبرهای منحوس را نشر نخواهد کرد ! |

تقریر قیصر جرمنی

بوقت افتتاح پارلمنت قیصر ودیگر شهزادگان موجود بودند درتقریر افتتاحی قیصر ولیم بیان کرد که خواهش توسیع وتسخیر علاقه‌جات ما رابرای جنگ مجبور ساخته است — ما برای قیامتیت که خداوند کریم بخشیده است استفاده خواهیم کرد اکنون ازاراده مستقل ملهم شده وبرادر بی‌جدا بصفای دل اعتماد نموده بدست صاف وپاک شمشیر گرفته‌ایم بعدازتقریر قیصر ولیم بهمراه سرگرده های فرق مختلف مصافحه کرد وسرود قومی خوانده شد قیصر سربرهنه ایستاده گوش میکرد —

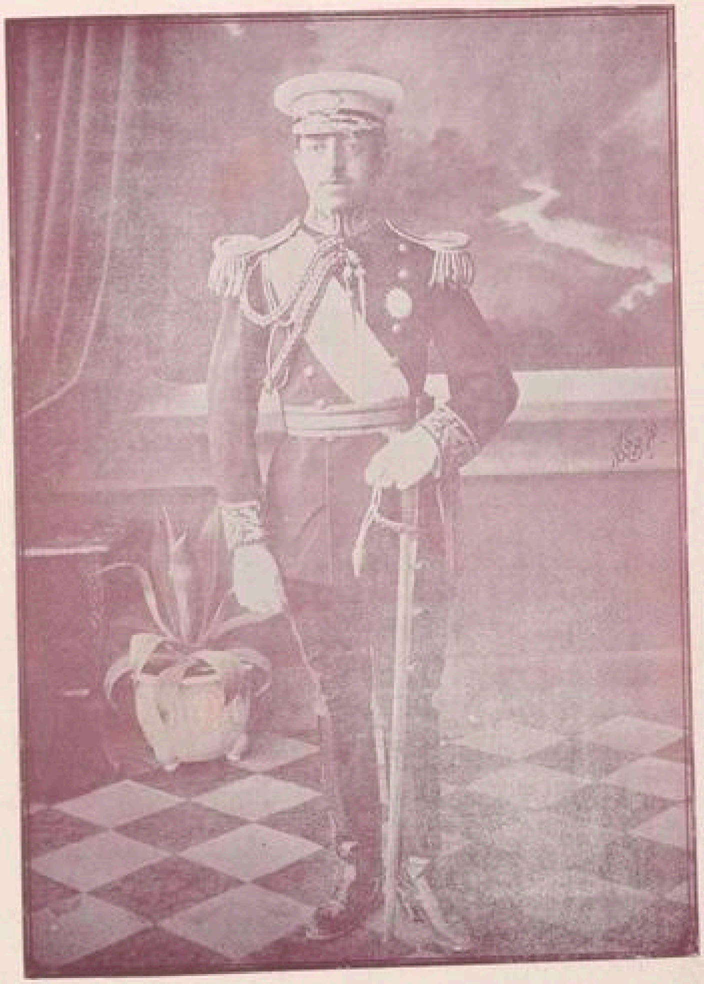

شهزاده بلند اقبال سردار امان‌الله خان عین الدوله صاحب

[فوتو گرافی : عکاسخانهٔ شهی : رسنگر گرافی [illegible] محمد]

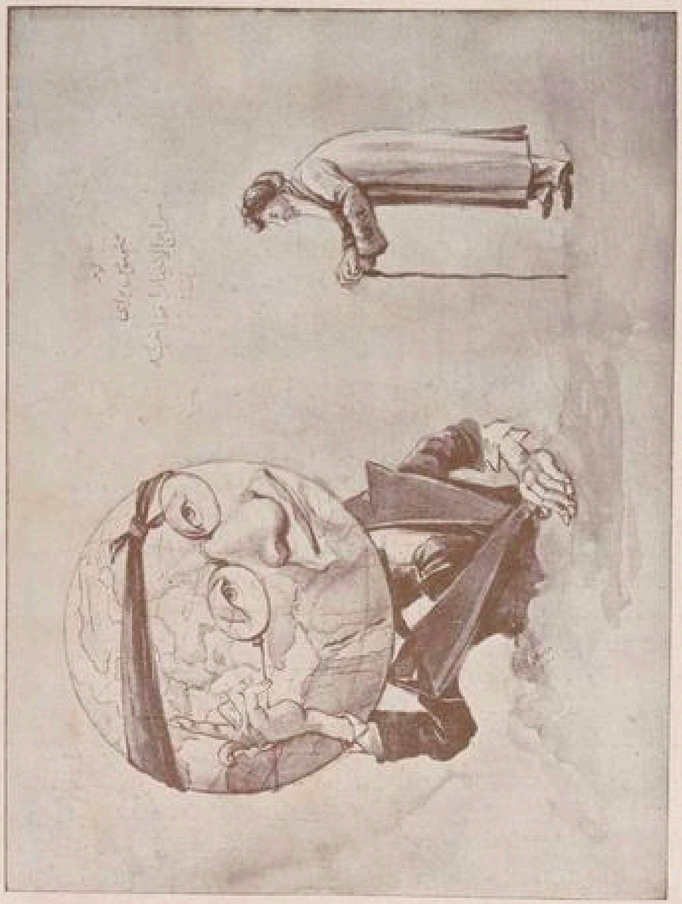

کرهٔ ارض میگوید — سرم درد میکند

طبیب شرق میگوید: — عملیات جراحی لازم است!...

لوحهٔ فوق العاده

رسام شهیر شهر عزیزما عزتمند غلام محمد خان که معلم رسامی مکتب حربیهٔ سراجیه و مکتب حبیبیه میباشد این لوحهٔ بدیعه را خاص برای سراج الاخبار افغانیه ساخته و اهدا نموده است ، مع الممنونیه قبول کرده علاوهٔ هدیهٔ تقدیم انظار قارئین کرام خود نمودیم ، بعضی کوته نظرانی که (فن رسامی) را هیچ اهمیتی نداده عبارت از یکساعت تیری میشمارند به این لوحه یک نظر امعان انداخته ببینند که چه جهان معانی را دربر دارد ، سر کرهٔ ارض اوروپاست که با یک دستمال بسته با انگشت به آن اشارت شده است که درد درینجاست ، دهنش بطرف شرق است که آواز توصیهٔ لازم بودن عملیات جراحی بیک شکل طبیب پژمرده قیافت شرق مجسم نموده ازان برمیآید الحاصل قلم ماهرانهٔ رسام ، جهت روحانی و معنوی حرب حاضره را درین لوحه تصویر نموده است هزار آفرین!

داکتر وان بتهمن هولوك بیان کرد که مابعد از بوراشدن ارادات قومی خود فی الفور بالاتفاق نقصانات بلجیم خواهیم نمود هر شخصیکه نرسانیده باشد یا برای ادائیکه فرض مقدس مصروف جنك بوده باشد بالضرور برای پیدا کردن راه نجات جد وجهد میباید — اوینز بیان کرد که اگر برطانیه غیر جانبدار ماند جرمنی برجهازات فرانس حمله نخواهد کرد فقط

(بورو برس) بطور رسمی عوام الناس لندن را تنبیه میکند که درباب رسیدن مجروحین و جهازات ناقابل کار در انگلستان شهرت ننمایند — اینچنین خبرها بالکل بی اصل و اساس میباشند اخبار مذکور میگوید که خبرهای فتوحات یا شکست وغیره فی الفور بطور رسمی شائع کرده خواهند شد فقط [بورو برس ، نافله زحمت میکشد ! خبرهای خوب چرا پنهان شود ؟]

مورخه ۱۴ ماه اگست عمل ۴ بجه و ۴۰ دقیقه عصر — یك نفر ملازم بنك که از تور الی برسلز بسواری بائسکل رفته است حالت لیگ را بدینموجب بیان میکند او میگوید که جرمنی قصبهٔ لیگ را از زور بازو در تصرف خود آورده است و همراه باشندگان آنجا حسن سلوك کرده میشود — جرمنی افواج خود را برای حرکت پیشرفت بطرف سینت ترونذ و سلیت از راه پل عارضی ولیت عبور نموده جمع کرده میرود فقط [بورو برس با این ملازم بنك چه خواهد کرد ؟]

اجتماع افواج روس

اجتماع افواج روس بسرعت خلاف توقع بوقوع آمده است — نقل وحرکت افواج روس قدرتاً از حد عقل تنگ کرده شده اند — مگر از کنایات معلوم میشود که سپاه روس بتعداد کثیر حرکت شروع کرده است از سبب این حرکت سپاه روس و مزاحمت ها که بجرمنی در بلجیم حاصل شده است اغلب امید است که کل پروگرام (نقشه تجاوز) جرمنی منقلب خواهد شد فقط [اما چه انقلاب ؟ وای بر روس !]

بحیرهٔ روم

ازین حقیقت الامری که از کوبن و برسلا تاحال سامان جنك وغیره جدا نکرده شده است ظاهر میشود که ترکی خلاف ورزی اصول غیر جانبداری نموده است بنا برین اتحادیین و ایطالیه را بتقسیم تجاوز غور و خوض میباید که از روی آنها ترکی را اصول غیر جانبداری قائم و مستقل نماید — یونان ازین سبب پریشان و متوحش است که مبادا هردو جهاز مذکور در بحیرهٔ روم بر خلاف آن استعمال کرده شوند فقط [باید بترسد !]

پیشرفت استریا برسرویا

۱۵ ماه اگست عمل ۹ بجه ۵۰ دقیقه روز —

نیش — مراسله رسمی مظهر است که بروز پنجشنبه چهارفك سپاهیان آستروی بر کل سرحد سرویا یك شبخون زدند مگر بعد از جنك شدید درعقب نشستند — و متحمل نقصان عظیم شدند دشمن باوجودان در عبور نمودن دریای سیوی و در تصرف آوردن قصبه شبز کامیاب شده است — دشمن بعد از جنك خونریز دریای درینارا نیز عبور نموده است — اهل سرویا برای جنك عظیم الشان مجتمع شده میروند آن جنك امشب متوقع است — اهل آستریا دریای درینارا از مقام لوزنیتزا عبور نموده اند مگر مقام مذکور تاحال برمدافعت قائم است (عجب — دروغ گو را حافظه نمیباشد دریك خبر چه عجیب وغریب اختلاف است هرفقره ضد یك دیگر میباشد ترجمان) [آفرین بورو برس ! چه خوب ماهیت سخنات را بمیدان میکشی !..]

تحفه عجیب وغریب

اقوام وقوم درهٔ خیبر برای شمولیت در جنك یورپ خدمات خود بسرکار هند پیش کرده اند ازین معلوم میشود که افریدیان از سبب اقفایت خود ثبوت آن و وفاداری را داده اند که آنها بسرکار انگریزی دارند — بدین طریق ثابت شده است که کل هندوستان برجه وفاداری قائم میباشد فقط [این خبر آفریدیها هیچ اصل واساس ندارد .]

مبادیات جنك عظیم الشان

لندن مورخه ۱۶ ماه اگست عمل ۵ بجه و ۵۵ دقیقه صبح — سپاه فرانس بهسپارترك و احتشام افواج یورپا (جرمنی را) بر مقامات ایوری کورت وسری که برسرحد لورین واقع است شکست داده است دشمن مجبوراً جین و مقتولین و محبوسین را درعرصهٔ کارزار گذاشته رو بفرار نهاد سپاه فرانس پیشرفت خود را بطرف دوسنجر و السانس نیالی جاری و سازی تنگ کرده است ونهن را نیز در تصرف خود آورده است — [بورو برس اینخبر را بچه شد وعد اظهار داده ؟]

ربوت که جرنیل را تیك افواج جرمنی بر لیك کشته شده است بالکل بی اصل و اساس میباشد —

درویست مشتهر شده است که سپاه جرمنی بطرف ارسیچوت پیشقدمی کرده میرود — بروز شنبه در قریب لندن و تزلمونت جنك هـای خفیف بوقوع آمده اند و مابین جرمنی و فرانس برکناره دریای میوز نیز جنك ها برپا کرده اند — این جنگها مبادیات جنك عظیم الشان میباشند فقط [خدا کند که بورو برس تخیل نکند !]

۱۷ ماه اگست عمل یك بجهٔ شب

خبر تلگراف تازه ترین برسلز مظهر است که هیچ فوج دشمن بامقابل افواج بلجیم نمی باشد مگر این تعطیل عارضی معلوم میشود فقط [عجب معما !]

کامیابی های فرانس

۱۷ ماه اگست عمل ۱۲ بجه و ۳۵ دقیقه روز —

پیرس — بیان رسمی میگوید که اهل جرمنی بردینات بهمراه دودسته رساله و متعدد پلتن ها و اتواپ آتش فشان حمله نمود — (دینات در جنوب نمور واقع است) رساله فرانس دشمن را پس پا نموده و دشمن به بسیار بی ترتیبی طرف کناره راست دریای میوز فرار نمود — [از بی ترتیبی بسیار مبادا راه را گم کرده بطرف پاریس نزدیك شده باشند !]

سپاه فرانس افواج بوریا را درسری پس پا نموده — حالت در السلس شمالی از حد خوب میباشد — و دامن کوه ودسنجر را بزور بازو در تصرف خود آورده است — [آفرین برشست وبازوبتو !]

در جنگ دیروزه و پریروزه دوسنجر فرانس یکهزار پنجصد نفر سپاهیان جرمنی را محبوس نمود ـ و متعدد اتواپ کلان بدست خود آورد فقط — [محتمل است که در مقابل دوسنجر همین یکهزار و پنجصد نفر بوده باشد !]

پوروپرس بیان میکند که جرمنی از سبب قلت اسپان از حد مشوش میباشد هزارها اسپ کشته شده است یا به دست اهل بلجیم افتاده ست و جرمنی یك راس اسپ پیدا کرده نمی تواند فقط

داخلهٔ روس در آستریا

اهل روس در آستریا از راه دریای بك وستر داخل شده اند نیز آنها برخلاف تهیدن وگراو نیز طرز حمله آورانه اختیار کرده اند — اهل جرمنی برای معاونت افواج خود مقیم سرحد مذکوره دیگر افواج بسرعت تمام فرستاده میروند فقط .

[عجب بطالت ، عجب سرعت !]

التی میتم جاپان بجرمنی

۱۷ ماه اگست —

توکیو — جاپان جرمنی را التی میتم داده است در آن مذکور میباشد که ازین سبب که در مشرق بعید کدام فتنه و فساد برپا نشود چنانکه معاهده برطانوی تصور می کند ـ جاپان جرمنی را النصیحتاً میگوید که کل جهازات مسلح را از بحور چین و جاپان واپس بطلبد یا از آنها اسلحه را فرود بیاورد و کیاوچو را فی الحال باین مفهوم بجاپان تفویض کند که بالاخر بچین داده شود — جاپان جواب این را الی چاشت مورخه ۲۳ ماه اگست می طلبد ـ اگر این نصیحت بدون شرائط منظور نکرده شد جاپان تجاویز ضروری بعمل خواهد آورد —

[جاپان فایدهٔ خود را می اندیشد چرا که فرصت نقد است !]

۱۶ ماه اگست عمل ۹ بجه و ۱۵ دقیقه شام ..

در بلغاریه صورت محاصره بطور رسمی شائع کرده شده است —

جنگ بحری در بحره آیدریاتک

لندن مورخه ۱۷ ماه اگست عمل ۵ بجه ۱۰ دقیقه صبح —

یك بیان نیم رسمی آستریا باین مضمون شائع شده است که بیزده جهازات فرانس دیروز صبح بر جهازات آستریا بر ساحل بودوا حمله نمود که لنگر جهاز آهن پوش آستروی را غرقاب و یك دیگر را در داده است و جهاز چهارم بطرف شمال فرار نمود — جنگ تقریباً یکساعت جاری مانده بود فقط [اینهم باید علاوه میشد که جهازهای فرانس را هیچ آسیبی نرسید !]

خود مختاری پولند

لندن مورخه ۱۵ ماه اگست عمل ۵ بجه و ۱۵ دقیقه عصر —

زار روس پولند را خود مختاری داده است و وایسرای پولند عنقریب مقرر خواهد شد — [آیا بعد از جنگ هم این خود مختاری باقی خواهد ماند !]

دراعلان خود مختاری پولند که زار شائع کرده است خود مختاری پولند جرمنی و آستروی نیز درج میباشد — [بدشت آهوی ناگرفته مبخش !]

ایطالیه

از روزیکه برطانیه کلان برخلاف استریا اعلان جنگ نموده است در عوام الناس ایطالیه جوش و خروش مثل تپ شدید منتشر شده است و انتظار واقعات مزید به بیتابی صبری میکنند فقط [آیا بیصبری برای چه ؟]

بلقان

۱۶ ماه اگست

یونان از ترکی سبب اجتماع افواج پرسیده است ـ یونان نیز اجتماع افواج خواهد نمود بشرطیکه جواب تسلی بخش آید فقط

کوبین وبرسلا

پور وپرس بیان میکنند که دران هیچ شك وشبه نیست . که ترك عنقریب بجای افسران واهل جهاز جرمنی کوبین وبرسلا افسران واهل جهاز عثمانی مقرر خواهد نمود — ازین بیان رسمی معلوم میشود که ترکی بالضرور جهازات مذکور را خریده است فقط

۱۶ ماه اگست عمل ۱۲ بجه و ۴۵ دقیقه چاشت

خبر تلگراف پیرس مظهر است که دول متفقه از ترکی مطالبه خواهند نمود که آن اسلحه و سامان حرب از کوبین و برسلا فرود بیاورد ومتوقع است که ترکی این مطالبه را منظور خواهد کرد — فقط [اما اگر خریده باشد ؟]

آغاز جنگ عظیم الشان

صدای توپ بوقت سه بجه روز شنبه بمقام ترلوت شنیده می شد صدا از سمت قریه جات کرد و نواح بوست و هو کردی می آید یقین کرده می شود که جنگ عظیم الشان شروع شده است — فقط

فرود آمدن سپاه برطانوی بساحل فرانس

لندن مورخه ۱۷ ماه اگست عمل ۱۰ بجه و ۱۵ دقیقه شب — بورو پریس — بیان میکند که سپاه مهمی برطانوی بساحل فرانس به بسیار اطمینان وبدون کدام واقعه و حادثه فرود آورده شده است لارد کچنر وپریس مذکور درباب اخفای راز درحق اخبارات برطانیه امتنانی میکند — فقط [معلوم است که به کمک محتاج بودند .]

لندن ۱۸ ماه اگست عمل چهار و نیم بجه صبح —

اراکین خاندان شاهی بلجیم ماسوای پادشاه که در عرصه کارزار موجود است وسائر تحفه‌ها ودفاتر سرکاری وغیره بطرف برسلز حرکت کرده اند برای حفاظت برسلز ازجمله تاکهای سنگرها وغیره بسرعت تمام تعمیر کرده می شوند حمله اهل جرمنی را بلجیم وفرانس بهسیار کامیابی دفع نموده در باب آغاز جنگ عظیم الشان نیز اطلاع رسیده است — اهل جرمنی خود را در خندقها مقیم کرده اند فقط

ولیعهد جرمنی

لندن ۱۸ ماه اگست —

در پریس ثبوت رسیده است که ولیعهد جرمنی که همراه حصه اول رساله جات بود زخمی نموده شده است و در شفاخانه ایکسلا چپل آورده شده است و امپراطور ولیم نیز به آن طرف رفته است

جنگ شبتز

مظفریت سرویا

لندن مورخه ۱۸ ماه اگست عمل ۱۰ بجه و ۵۵ دقیقه روز —

اهل سرویا آستریا را درقرب شبتز شکست فاش داده اند آنها سه رجمنت آستروی را پست و نابود ساخته اند ۱۴ عراده توپ وسامان حرب بی شمار بدست خود آورده اند — آنها در تعاقب دشمن روانه شده اند فقط [درین چه شک !]

معاملات مشرق بعیده

لندن ۱۷ ماه اگست —

جاپان اعلان نموده است که آن عظمت چین را اصولاً برقرار نگه خواهد کرد وکار روائی با اهمیت را اگر وقوع آمد الی کیاؤ چو محدود خواهد کرد — الی میتم جاپان درحلقه های سرکاری چین ازحد جوش وخروش پیدا کرده است — بیان می شود که چین بواسطه ذرائع خود خیال حصول قبضهٔ کیاؤ چو دارد فقط —

حالت فصول جرمنی از حد خوب میباشد و بیان می شود که جرمنی ذخائر خوراک برای یک سال موجود داشته میباشد واین قسم افواهات که جرمنی از سبب قلت خوراک وغیره مبتلا مصیبت میباشد سراسر لغو ودروغ است —

غیر جانبداری ایطالیه

لندن ۱۷ ماه اگست

خبر تلگراف که فی الحال از روما رسیده است بیان میکند که وزیر خارجه ایطالیه درحین گفت وشنید همراه سفراء جرمنی واستریا بیان کرده بود . که از حیث لفظ واز حیث فقره معاهده اتفاق ثلاثه غیر جانبداری ایطالیه مترشح می شود —

ایطالیه درجنگ برخلاف برطانیه هرگز شریک شده نمیتواند چرا که آن همراه برطانیه از گره های تواریخی ودوامی بسته ومربوط میباشد فقط

تردید بیانات جرمنی

پاریس ۱۷ ماه اگست

نزد گورنر بلادی جری (مقبوضهٔ فرانس در هند) از طرف وزیر خارجهٔ فرانس اطلاع رسیده است در آن تردید خبرهای غلط مشهورهٔ جرمنی نموده شده است حالت دول متفقه (انگلستان وبلجیم وفرانس وروس) ازحد خوب میباشد — لیث تاحال مسخر نشده است واهل جرمنی پس رانده شده اند فقط [مردم پاندیچری راحت کنند !]

خادم دولت اسلام الاحقر کریم بخش ترجمان
یوم پنجشنبه ٤ شوال المکرم سنه ۱۳۳۲ ه

درچاپ خانهٔ حروف دارالسلطنهٔ کابل طبع گردید
همه مقاله‌هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر وسرمحرر تحریر یافته
محمود طرزی

اعلان

سیاحت بدورادور کرهٔ زمین

چقدر فایده ها و شیرینیها دارد! علی الخصوص
که آن سیاحت با آن بزرگی و وسعت
به هشتاد روز
اجرا شود! آرزو کنندهگان این سیاحت
خارق العاده هرگاه برای خریداری کتاب

(سیاحت بدورادور کره زمین)

بهشتاد روز

بقدر دو روپیهٔ کابلی یک مبلغ کمکی را صرف نمایند این سیاحت را گویا (فلیاس‌فوگ) سیاح و رفقایش یکجا اجرا کرده خواهند بود! محل خریداری این کتاب دکان (ملا غلام محمد) تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی میباشد، و در نفس مطبعهٔ عنایت که در دهافغانان است از نزد عبدالرؤف سرمرتب نیز خریداری میتوانند.

مؤلف این کتاب (ژول‌ورن) فرانسوی است که در نوشتن ناولهای فنی مشهور آفاقست. از فرانسوی بترکی و از ترکی بفارسی ترجمه شده است. کتاب مذکور نه تنها ناولی بلکه در ناولی فن جغرافیا و جغرافیای ریاضی را نیز بطرز افسانه نشان میدهد.

در (مطبعهٔ عنایت) که از مؤسسات شهزادهٔ جوانبخت معظم دولت علیه افغانستان جناب عالی (معین السلطنه سردار عنایت الله خان) است بزیور طبع آراسته شده است. این کتاب نایاب را زود بدست آرید و فرصت را فوت مکنید که نسخهای آن زود تمام خواهد شد و افسوس فایدهٔ نخواهد بخشید.

اعلان

از هر دهن سخنی
و از هر چمن سمنی

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه را مژده میرسانیم، و ترغیب میدهیم که ازین گنجینهٔ پر از جواهر آبدار، و ازین گلزار پر از ازهار یکیک نسخهٔ بدست آورده از هر دهن سخنی بشنوند، و از هر چمنی سمنی بچینند.

در مطبعهٔ عنایت بزیور طبع آراسته گردید. قیمت ۲ روپیه

* * *

اعلان

سیاحت در جو هوا

یک ناول فنی بسیار عجیب و غریبست که در مطبعهٔ عنایت بزیور طبع آراسته شده و سومین کتاب (کتبخانهٔ مطبعهٔ عنایت) را تشکیل داده اینهم از تألیفات (ژول ورن) فرانسویست که در فن ناول نویسی فنی شهرهٔ آفاقست از زبان ترکی بفارسی ترجمه شده است بقیمت (۲) روپیهٔ کابلی بفروش میرسد.

این هر سه کتاب در دکان بازمحمد در بازار ارک و در دکان ملا غلام محمد در جوار مدرسهٔ شاهی هر یک بقیمت دو دو روپیهٔ کابلی بفروش میرسد.

کتابهای مذکور در نفس مطبعهٔ عنایت واقع دهافغانان از نزد عبدالرؤف سرمرتب مطبعهٔ موصوفه نیز خریداری میشود.

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا
یاد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از شکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنهٔ کابل خود رهائی یابیم ممکن نشد لهذا بادا کخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یک مقاوله نموده دا کخانهٔ مشار الیه تقسیم وتوزیع اخبار مارا که بهمه مشترکین کرام ما رساند در عهدهٔ ذمت خود قبول نمود . مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خودرا تبشیر ویاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فرداً فرداً بواسطهٔ آدمهای دا کخانه بخود شان میرسد .

اعلان

روضهٔ حکم

(از آثار مطبوعهٔ جدیده مطبعه عنایت)

این کتاب اخلاقی ، دینی ، ادبی ، یک اثریست که از احادیث شریفه وفقرات مفیدهٔ اخلاقیه مانند یک گنجینه جواهری میباشد ودرین روزها زینت بخش عالم مطبوعات گردیده است درنفس مطبعه عنایت از نزد عبدالرؤف خان سرمرتب ودر بازار ارک از دکان باز محمد کتاب فروش واز دکان ملا غلام محمد کتاب فروش متصل مدرسه شاهی بقیمت دوروپیه کابلی هرکس خریده میتواند

اعلان

مصور

« ۲۰۰۰۰ فرسخ »

سیاحت درزیر بحر

در حالیکه دو گز در زیر بحر فرو رفتن موجب هلاک شود آیا بیستهزار فرسخ سیاحت در زیر آن چسان ممکن خواهد شد ؛ هر که درین باب شبهه دارید در خصوص بدست آوردن کتاب (۲۰۰۰۰ فرسخ سیاحت درزیر بحر) سهل انگاری نکرده بقیمت ٤ چهار روپیهٔ کابلی ازده افغانی از نفس مطبعه عنایت . یا از دکان باز محمد از بازار ارک . یا از دکان غلام محمد از بازار متصل مدرسه شاهی زودی خریداری کنید . و بخوبی بخوانید . و انصاف و آنرا بدقت تماشا کنید تا بر شما فعلاً عقلاً ثابت شود که سیاحت درزیر دریاهای شور چه روا ممکن . بلی ممکن است !

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

شماره ۲ سال چهارم

فهرست مندرجات

افغانستان	ما بعد از شمارهٔ اول سال چهارم واهمیت موقعیه وسیاسیه آن
حوادث داخلیه	مکتوب از شهر
حوادث خارجیه	اجمال سیاسی — اجرای تاجگذاری شاه ایران — هدایای امپراطورها وپادشاهان اوروپا ـ مخدرات فاضلات ایران — تاریخ حرب ورق واشاعت فن آن — رای یك کپتان یك جهاز اسیرشده جرمن ـ اخوت هندوستانها وجاپانها در توکیو — اخراجات ماهانه جنك ـ افواج هندی چرا در یوروپ بجنگند ـ جنك یوروپ ومسلمانان هند ـ اجمال احوال — خبرهای جنك ـ ماه‌نگار خصوصی ما از سرحدهای شمالی مینویسد ـ ترجمه اخبارهای انگریزی که عزتمند کریم بخش خان ترجمه کرده — بیان فرانس درباب میدان جنك — راه دریای میوز — انسانیت در عرصهٔ کارزار — اهل جرمنی در برسلز — عرصهٔ کارزار مشرق اهل روس واهل استریا ـ محاربات بحری — بریطانیه وجنك — داخلهٔ مجروحین در لندن — فتح پاریس —
تصاویر	شهزاده والاشان سردار حیات الله خان نائب الحکومه قطغن وبدخشان — چارمین فرزند ذات اعلیحضرت همایونی شهزاده محمد کبیرخان — حضرت طرزی صاحب مرحوم سردار غلام محمدخان جناب مدیر وسرمحرر سراج الاخبار افغانیه محمود طرزی صاحب — رسام شهیر غلام محمد خان مصور — یار محمد زینکو گراف باشی

(اعلان)

کتاب سال اول و کتاب سال دوم سراج الاخبار افغانیه با کتابچهٔ (علم واسلامیت) و (آیاجه باید کرد ؟) و (ادبدرفن) جلد کرده شده در اداره برای فروش حاضر ومهیاست . ذواتی که آرزوی خریداری آنرا داشته باشند ازنزد مدیر طلب نمایند

شرایط خریداری

دارالسلطنه	ولایت داخل افغانستان
قیمت سالیانه هشت روپیه کابلی	سالیانه چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه پنج روپیه کابلی	ششماهه هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

هرجائیکه باشند با اجرت پوست

قیمت سالیانه | ده روپیه انگلیزی قیمت ششماهه | شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراك قبول نمیشود

یك طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

برهمه کارداران نظامی وملکی وجمله خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود :

اگر ازیك جابدیگر جاپروندو یابندمیباید که بیك رقعه مدیر وسرمحرر راخبر بدهند که من درفلان جا بودم وحال درفلان جامیروم اخبار مرا درانجا بفرستید . هرگاه همچنین یك رقعهٔ شان برای مانیابد واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خودشانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، ویا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تابه پنج بار نشر وشایع شود برسرهر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تابه پنج بار فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر ازپنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریك ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرکاه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تایك سال نشر کردن خواهد ووجه یك ساله را پیشکی ادا نماید در ورق پشتی بر سر سطری ستار اجرت گرفته میشود

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
با مصارف ڈاک ۱۲ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مصارف ڈاک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یك نسخهٔ آن در کابل یك عباسی است
(اوراقی که درج نشود اعاده نمیشود)

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

اداره خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه به اداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ یکم ذیقعده سنه ۱۳۳۲ تاریخ انگریزی ۲۲ ستمبر تاریخ شمسی ۳۰ سنبله ۱۲۹۳

افغانستان

مابعد از شمارهٔ
۱ — سال — ۴

اهمیت موقعیه، وسیاسیهٔ آن

اگرچه بعضی خام خیالان را خیال این است که بنابیت رقابت سیاسیهٔ که دولتین روس وانکلیس در آسیا دارند (افغانستان) بسبب حد فاصل بودن خود موقع خودرا محافظه کرده توانسته است. حالآنکه اگر عکس این قضیه ادعا کرده شود، نتیجهٔ آن صحیح‌تر کیفیت میبخشد. مثلا اگر گفته شود که مدار موازنهٔ صلح و مسالمت آسیا افغانستا نست، که، چه گفته میتواند!

بلی افغانستان حتماً کوچك جثه، مادهٔ خیلی زرنك دولت آسیائی میباشد که در موازنهٔ دولیهٔ شرقیه اهمیت عظیمهٔ را دارا است. تنها محافظهٔ موقع خودرا بسایهٔ رقابت سیاسیهٔ دولتین روس وانکلیس نی. بلکه دولتین مشارالیهم محافظهٔ آسایش و آرامی ماوراء النهر و هند شانرا بسایهٔ صلحپروری افغانستان محافظه کرده توانسته اند.

این ادعای مارا بعضی مردمان بربلند پروازی و مبالغه گوئی حمل خواهند نمود. اما چون در اهمیت موقعیهٔ افغانستان نظر کرده شود هیچ شبهه نیست که حقیقت درهمین نقطه ظاهر خواهد نمود. افغانستان از جهت غرب بپانزده شانزده ملیون نفوس برادران ایرانی خود مربوط است، واز جهت شرق نیز بالتقریب صد ملیون برادران هندستانی، واز جهت جنوب با سه چهار ملیون نفوس برادران بلوچی، واز جهت شمال بابیست، سی ملیون برادران ترکستانی خود التصاق دارد. پس اگر دولت علیهٔ افغانستان جهت صلحپروری را التزام نمیبود، وتحریکات معاندانهٔ اختلال اندازانه در هرگاه وبیگاه گه باینسو وگه به آنسو به توزیع اسلحهٔ ممنوعه، وپروپاگاندهای پروپولهٔ خفیه ورقم رقم حرکات مزعجانه نشئت وقیام میداشت چنان گمان میشود که باعث غوایل هایل همسایگان خودرا از راحت وحضور دور میتوانست نمود. علی الخصوص در ایام فرصت، واوقات فترت!....

بالعموم دولت افغانستان همیشه جهت صلح ومسالمت وعهد وپیمان مودت را مراعات کرده آمده است. حتی درین هنگامه‌های حال حاضر که هر کس بفکر ربودن کلاهی افتاده، وهرچه در انتهاز فرصتی رانده بازهم مسلك بیطرفی را پیش گرفته است. هیچ شبهه نیست که این طرز روش دولت مقدسهٔ مارا علاقه داران شرق وشمالش باآنکه تقدیر بکنند، ابراز تشکررا نیز از لوازمات همسایه داری بشمارند. اقوام افغان که در جهت شرق وجنوبی در علاقهٔ غیر هستند در هر وقت وهر زمان استعداد تشکیل یك حکومت ممتازهٔ جداگانهٔ را حائز میباشند که اطراف وجوار خودرا تهدید بتواند نمود. حکومت های کوچك شمالی وغرب شمالی که ماوراء دریای هامو هستند نیز علی هذا القیاس. قومیت، عصبیت، جنسیت، مذهب، لسان تأثیرات عجیبی دارد. اینهمه هنگامه های رستاخیزانهٔ که دریاهای خون رادر وقت حاضر جاری نموده آیا غیر از دعوای عصبیت اسلاوی وجرمنی دگر چه چیز است؟

افغانستانرا که یك حکومت کم زور وکم قوت نشان میدهند بنا بر بعضی اغراضی ست که آنرا قصداً جزم کرده اند. حالآنکه افغانستان در حدودات خود چنان قوتهای بسیار عالی ولی بسیار خفی مضمر دارد که کمتر کسی را معلوم شده باشد. مثلا بسیاری از

ملل عالم در مسئلهٔ شورای ملت، و استبداد حکومت جانکنیها کرده و خون جگرها خورده‌اند. حال آنکه تشکل حکومت افغانستان خلقتاً وطبعاً حکومت ملی تقرر یافته است ودر مابین حکومت وملت یک جزو استبدادی که تفریق داده بتواند وجود ندارد. ملت، خلاصه وجوهر وجود خود پادشاه خودرا میشناسد. پادشاه، هستی موجودیت خود ملت خودرا میداند. وبه اینصورت ملت وپادشاه یک جزو واحدی شمرده شده غیر قابل انفکاک یک وجودی تشکیل یافته‌است. ازهنگامیکه افغانستان تأسیس استقلال نموده همین قاعده جاری شده آمده‌است. ملت، دایما شیرازهٔ کتاب وجود خودرا بوجود پادشاه ملت منحصر دانسته. وطبعاً بوجود آن شیرازه خودرا بأشد لزوم محتاج یافته. پادشاه دایما خودرا مکلف انتظام جملهٔ اجزای ملت دانسته است.

این قضیه‌را بعضی مثالها ثابت میشود: — مثلا در سنه ۱۳۰۲ هجری که روسها ازجهت مرو وبالا مرغاب پیشقدمی کرده بودند. وهنوز اوایل استقلال سلطنت افغانیه بود که بوجود مسعود اعلیحضرت ضیاء الملة والدین امیر عبد الرحمن خان جعل الجنة مثواه تشکل یافته بود وبنابر دعوتیکه از طرف لورد دوفرن وایسرای هند بوقوع آمده بود ذات اعلیحضرت خاقان مغفور بهندستان تشریف برده بودند که درینجا بعضی فقرات مذاکراتی که درمابین اعلیحضرت مغفور ولورد مذکور جریان یافته است مثالاً درج مینمائیم:

وایسرای — مثل خود شما امروز مرد شجاع ودانا کمتر خواهد بود. ومثل ملت شما قومی قوی ودلیر درعالم کم است.

اعلیحضرت — شجاعت من برخود من معلوم نیست. والا دانائی خود، امی هستم که آن دانائی من تا امروز بکار قوم وملت من آمده، وخیر وبهبود آنهارا اختیار کرده. وبازهم امید بخداوند دارم که خوبتر بکار ملت من خواهد رفت.

وایسرای — دولت افغانستان، درمیان دو دولت قوی وکلان افتاده لازم. است که باهریک ضرور دوستی داشته باشد.

اعلیحضرت — منهم اینرا دانسته برای نفع ملک وملت خود دوستی دولت شمارا اختیار کرده‌ام

وایسرای — تشریف آوری شما بدولت ما دلیل ظاهر دوستی ویگانگیست.

اعلیحضرت — بلی، دوستی دولت شمارا برای منافع ملت ووطن خود نافع ومفید دانسته اختیار کرده‌ام، وامید میکنم که ازبرای منفعت ملت خود باز بادولت شما ملاقات کنم ودوستی بردوام باشد.

ازین فقرات محاورهٔ که مذکور گردید بخوبی ثابت میشود که اساس استقلال دولت افغانستان براصول وقواعد شورای ملت مبنی میباشد، وپادشاه باملت، وملت باپادشاه جزو واحدی شمرده شده هیچ جیزی بجز منافع مشترکه از هیچطرف اندیشیده نمیشود. صلاحیت ملت افغانستان‌را درامورات مهمهٔ دولت، و خیراندیشی حکومت‌را در مهمات عمدهٔ ملت از فقرات آتی خوبتر استنباط کرده میتوانیم:

وایسرای — امروز بپایهٔ تحقیق وثبوت رسیده است که روس در قفقاز ومرو برای تجاوز برخاک افغانستان لشکرتیار میکند. ولیکن شمارا تأمینات میدهم که اگربرین کار اقدام بکند، درهر طرف دنیا بالوجیک آغاز خواهد شد. شما بردولت ما باید اعتماد تام داشته باشید.

اعلیحضرت — اگرچه شخص خودمن اعتماد کرده میتوانم لاکن اعتماد ملت افغانستان آنوقت حاصل خواهدشد که باوراز دوستیها ووعدهای متواتر شما دهشت ودل زدگی آنها که از خونریزیهای چندی پیشتر ازین در دلشان جاگیر شده برطرف گردد.

والحاصل از همه محاوراتی که در مابین خاقان جنت مکین ذات اعلیحضرت ضیاء الملة والدین مرحوم، و جناب لارد دوفرن وایسرای هند که در باب مذاکرات دولتی در راول پندی اجرا شده ویک کتاب مستقل میباشد، صاف واضح میشود که حکمت سیاسیهٔ دولت علیه متبوعهٔ مقدسهٔ ماافغانستان صرف برشورای ملی مبنی بوده ملت وپادشاه وجود واحد شمرده شده است.

حالاازمحاورات اعلیحضرت خاقان مغفور بهمین چندفقرهٔ فوق براثبات مدعا اکتفا ورزیده ازبعضی کلامهای حکمت پیام سراسر الهام ذات شوکتسمات پادشاه مقدس موجودهٔ خودمان اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب‌الله خان پادشاه ملت ودولت مستقلهٔ افغانستان خلدالله ملکه الی مدید الزمان درینجا بیان کنیم:

ذات مکارم صفات همایونی در سنهٔ هزار و سه‌صدو بیست وچهار هجری محض بعزم سیاحت تشریف فرمای هندستان شدند که این تشریف شاهانه مبنی برمذاکرات سیاسی وبند وبست دولتی نبود زیرا آن مذاکرات وبند وبستها پیشترازان در دارالسلطنهٔ کابل با: کومیسیون (کومیشن) که‌ازطرف حکومت هندیهٔ انگلیسیه آمده بود فیصله شده بود. وچون جناب وایسرای هند ذات اعلیحضرت پادشاهی‌را دعوت نمود بهمین شرط اجابت فرمودند که تشریف شاهانهٔ شان محض مبنی برسیاحت وملاقاتهای دوستانهٔ دور ازسیاسیات باشد. معهذا دربعضی مجالس و محافل بدربارها ازین رهگذر بحث ها الزاماً در میان آورده میشد حتی در یکی ازمحافل رسمی ذات اعلیحضرت پادشاه مقدس ما از قرار ذیل یک تقریری بیان فرموده اند که حکمت سیاسیهٔ حکومت متبوعهٔ سنیهٔ مارا واضح میسازد درینجا تنها یک فقرهٔ آن تقریر دلپذیر پادشاه مقدس خودمان‌را که دلیل اثبات مدعا میشود تذکار مینمائیم. بعد ازانکه از لزوم قطعی دوستی

دولتین افغانستان وانگلستان بیانات واضحه ، وبراهین قاطعه بیان فرمودند گفتند :

«من از دولت شما هیچگاه عزت واحترام شخصیِ خودرا منظور ندارم وبه آن ممنون نمیشوم . شما میباید که هیئت عمومی دولت وملت مرا معزز ، محترم بشمارید ، زیرا بادشاه افغانستان هم یک فردی از افراد ملت افغانستانست . دوستی ودشمنی شخص واحد خودم برای شما هیچ ثمر وضرری نمیبخشد . اما اگر شما به ابراز دوستیها ومعاونتها ، وصمیمیتهای روز افزون خود باستجلاب امنیت ومحبت هیئت عمومیهٔ دولت وملت صادقه من کوشش ورزید وموفق شوید درانحال از دوستی واتحاددولت افغانستان امین وخاطر جمع شده خواهید بود .»

غیرازین چیزها که بیان شد (جشن اتفاق ملی) که هرسال درتمام دولت علیهٔ افغانستان اجرامیشود نیزیک مثال واضح وجاندار اثبات مدعای ماست . پارسال ذات شوکتسمات اعلیحضرت بادشاه مقدس ما در جلال آباد در لیلهٔ شب جشن مبارکهٔ مولودی بر همهٔ اعیان واشراف ورؤسای قبایل وعشایر ملت رسما بیان فرمودند که هیچگاه در امورات مهمهٔ خارجیهٔ دولیه بی استشاره واستفهام رأی ملت نشست واقدامی نخواهد شد .

مقصد یگانهٔ ما ازینهمه بیانات این است که درجهٔ قوت وشوکت اقتدار دولت متبوعهٔ مقدسهٔ خودرا تایکدرجه بر نظر یار واغیار نشان بدهیم . آیا یکدولتی که اینچنین یک اتحاد ملت وحکومت را حائز باشد برتوازان قوت وبهتوازان هیبت ودهشت چه تصور خواهد شد ؟ به اینصورت در هر دقیقه وهر لحظه ملیونها عسکر برای دولت افغانستان حاضر وآماده ایستاده است در هر لحظه همهٔ ثروت وتوانگریِ ملت باخزینهٔ دولت الحاق میشود . هر دشمن خارجی ـ که علی الخصوص غیر دین هم‌باشد ـ چون خیال خام قدم برداشتن را بسوی این خاک پاک مقدس در سر آرد چنان یک کتلهٔ عظیمهٔ مدهشه ، ویک هیئت مجتمعهٔ محتشمه را بمقابلهٔ خود حاضر می بیند که اگر کوه هم باشد بلرزه‌اش میدارد .

این سخنان مارا بر رجز خوانیِ مبالغه آمیز حمل نباید کرد . (افغانستان) حقیقتاً یک قوت عظیمهٔ فوق العادهٔ مادی ومعنوی را مالکست . اتفاقِ ملی ، عصبیت دینی ، شجاعت جبلی ، استقلال پروریِ قومی ، وبدرجهٔ افراط وطنپروری وبادشاه دوستیِ شان از قوای معنویِ غیر متزلزل شانست . مسلح بودن عمومی ، سلحشوری وجنگجوییِ طبیعی ، محبت مفرط باسلحه ، نشان انداز بودن باکثرت محارب بودن از روی طبیعت . بر سر آنهمه تقریباً دوسه لک لشکر معلّم مسلح به اسلحهٔ جدیده ، و بقدر هفت هشتصد طوپهای کوهی وصحرائی وقلعه کوب سریع الحرکه از چنان قوتهائی نیست که انسان آنرا بنظر استحقار دیده بتواند .

افغانستان ، نقصانی که دارد تنها از جهت علم وعرفان عمومیست که دران خصوص نیز درینعصر ترقیحصر مراجعه جداً سعی وکوشش ورزیده میشود . این بود که درباب اهمیت موقعیه وسیاسیهٔ وطن مقدس خود برای ناقصانهٔ مشهودات بدیهه همینقدر قلم جنبانیده توانستیم . اما اینقدر یک سوال شبهه آمیزی در فکر عاجزانهٔ ما باقی ماند که : — آیا سیاست خارجیهٔ دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما که عهداً مبنی بر رقابت وعدم ائتلاف دو همسایهٔ شرق وشمالِ ما بود ، بعد از اتحاد وائتلاف آنها تا چه درجه حکم استواری وپایداری را حائز خواهد بود؛ انشاء الله در شمارهٔ آینده آنرا نیز تدریج میکنیم . (باقی دارد)

حوادث داخلیه

مکتوب

ازشهر

حضرت ادیب فاضل محترم مدیر صاحب مکرم‌را زید برکاته

درین ایام که جناب محمد نادر خان سپه سالار مقرر شده‌اند درهر هر جا صدای مارچ عساکر ظفرمآثر افغانیه سامعه‌نواز وآواز موزیکه های افغانیه بالظفر ونصرت هم آوازند . روز سه شنبه ۱۰ شوال المکرم درپیش ، باغ چرمگری ، قریب ، مکتب حربیه ، چه دیدم که ازهرچهار غند عساکر مقیمهٔ دارالسلطنه صاحب طنطنهٔ کابل ، شیءموت ، آنهارا آورده بود که سیمای‌الارشهامت آثار شجاعت دار امتحان عساکر فیروزی مظاهر میدیدند حقیقتاً خیلی موثر یک منظره بود . افسر افغان ، سپاه افغان موزیکه افغان ، سرچی افغان همه افغان . هرصدای موزیکه راست دردم جا میگرفت ونغمه‌های آن برای محو مخالف آوای :

روا شداء علی الکفار باش خاک اندر دیدهٔ اغیار باش
بر سر کفار چون شمشیر باش هین مکن روباه بازی شیر باش

بلند می‌نمود . هرکار موسم برای بلند نمودن نام اسلام ، افغان بادشاه ، راست ایستاده بود . انتظام نظام ترانه های ملی موسیقه ها درخشیدن برچهای دشمن کش ، (برغ زاو) افسرها ، دلها را مسرت ، رفت چشمها را حیرت ، گوشها را سامعه نوازی میفرمودند .

درینروزها درعالم عسکری یک جدیت ، ورونق ونشاط دیگری معلوم میشود . گروهی دریکطرف شهر میتوپچی زدن آماج مشغول‌اند وطایفهٔ دردیگر جانب بتعلیم قواعد حربی مصروف شنیده شده که بسه شنبه دیگر امتحان مشقهای متری عساکر نصرت مآثر وبسه شنبه دیگر امتحان مشقهای کیپی است وبعد ازان خود حامی ملت افغانیه ، یگانه رعیت دوست نظام نواز

وطنخواه ملت پرور اعلیحضرت همایونی روحنا فداه امتحان جمیع عساکر وغیره هم را میکنند .

جناب سپه‌سالار صاحب بنا بر ارشاد ناظر شجاعت مظاهر حربیه جناب سردار عنایت‌الله خان معین‌السلطنه ، واقتران ارادهٔ مراحم عادهٔ قوماندان اعظم ومتبوع مقدس عواطف شیم ما اعلیحضرت سراج الملة والدین تمام صفها وریش سفیدهای عسکر را کشیده جوانان نیرومند دران داخل کرده است . وطنخواها : ـ عسکر در عصر حاضر نگهبان وطن وناموس میباشد اهمیت عسکریه در هیچ ملازمت پیدا نمی شود خواه از روی دین خواه از روی دنیا در حدیث شریف منقول است که نگاهداشتن یک شب سرحد از دنیا وما فیها بهتر است وافضل صحابه بعد از عشرهٔ مبشره اصحاب بدر رضی الله عنهم می باشند که من حیث عسکریت با حفظ وطن واعلای کلمة الله افضل می باشند . هر فرد مسلمانرا لازم است که خطاب « عسکر » را بخود قبول فرماید .

معاف خواسته گستاخی می نمایم که در جریدهٔ وطنیهٔ ما قبل ازین بسی سخنان عسکری بسیار جوش‌دار ملاحظه . تحت عنوان ماده عسکری می‌رقمیم اگر بعد ازینهم آن نایل شدیم چقدر خوشنودی ما خواهد بود زیرا که خدا مقاصد شمارا درجه کامیابی دهد .

یک اهمیت دان عسکریت

ع . ح .

(سراج الاخبار افغانیه)

ما از آغاز اخبار خود بقصد خیر مرصد استفادهٔ برادران عسکری خود یک باب مخصوصی در باب معلومات عسکری باز کرده بودیم . اما چون هیچ آرزو وخواهشی ندیدیم ناچار دانسته سکوت کردیم . این مکتوب خوش اسلوب بازگزاینهٔ شوق ما گردیده انشاءالله بعد ازین باز از مقالات ومعلومات فن عسکری خود داری نخواهیم کرد .

حوادث خارجیه

اخبار آسیا

صلح (لایخفی) بودن برای نوع بنی بشر هیچصورت جایز نیست . بعضی سیاسیون میگویند که سر ادوارد گری ، در مسئلهٔ ائتلاف با روس خطای عظیمی رخورده است . ما معتقدیم که این سخن تا چه درجه صحت خواهد داشت . ولی چیزی که ظاهر است همین است که روس ازین ائتلاف بیشتر از انگلیس استفاده توانسته است . یکوقتی بود که سعی و کوشش سیاسیون لندن برین بود که مجرای این سیلاب مدهش را که از دو سه عصر بیشتر رخ بطرف کنار لاینهای هند نهاده بود بواسطهٔ سدها وبندهای متعدد بدیگر طرفهای بسیار دور بگردانند . ومجال نزدیک شدن را بآن نگذارند همان بود که باغهای زرد وسرخ چین ومانچوری را به او نشان داده سرش را تا باقصای شرق بر کشید . وهمین کشید در بحر چین وژاپان بنای آبروش را گذاشت از بیم آنکه مبادا از بحر اصفر به بحر چین واز آنجا بحر محیط هندی بیاید بواسطهٔ دولت نوجوان ژاپان سرش را کوفته بحالی روش در کشید .

روس بعد از محاربهٔ با ژاپان خطای خود دانسته رقیب خودرا در پولتیک غالب وخودرا مغلوب یافت . وبه اینهم رد کاهیه بجز حیله کاری از پیش نمیرود . لهذا دماغ دوستی وائتلاف زدن را پیشه نهاد . وبه اینصورت فایده‌ها حاصل کرد . در ایران ملکهای خوب ومنطقه‌های مرغوب آنرا در زیر منطقهٔ نفوذ خود در آورد . وحریف خودرا بصحراهای خشک وخالی سمت جنوبی آن قانع ساخت . هیچ شبهه نیست که دوستی بسیار صمیمی خود (افغانستان) را که بچقدر جدها وجهدها ایجاد وامنیت آنرا حاصل کرده بود نیز ازین ائتلاف بشبهه‌ها وحیرتها القا نموده باشد ! علی الخصوص نتیجه‌های بسیار ناگوار این ائتلاف منحوس درین حرب خونریزانهٔ عمومی حاضره بشدت سرزدهٔ ظهور گردید .

آیا برای دولت انگلیس درین حرب کدام فایده متصور خواهد بود ؟ چیزیکه ظاهر است بجز ضررهای مالی وجانی دیگر هیچ چیزی دیده نمیشود . اینهم معلوم است که اساس این حرب از رقابت جنسیت اسلاوی وجرمانی بظهور پیوسته است حالآنکه انگلیسها بعرق جرمانی منسوب . واز اسلاوی خیلی دور است این است که این ائتلاف منحوس روس بجنسیت عرقی شان نیز انتاج ضرر نمود . وهمه منسوبان آن عرق را از انگلیسها دلسرد ساخت . در خود ملت انگلیس کمیداند که چند نفر آدم به اخیر که سر ادوارد گری راضی وشامل خواهد بود !

نتیجهٔ این حرب نیز خیلی مبهم ومشکوک است . اگرچه خبرهای صحیح جنگ شایع نمیشود ، وبجز همان خبرهای که از نظر سانسور یعنی جاسوس مطبوعات بگذرد وحک واصلاح شود . وورودپرس ازلندن آنرا نشر کند دیگر خبری از بحر محیط به اینسو نمیرسد باز هم از همان خبرها نیز صاف ترشح میکند که دولت المان یعنی جرمن تا حال از هر جهت غالب است . معلوم است که تنها مقابل اوستریا وجرمن شش دولت کوچک وبزرگ برخاسته است . تنها روس برابر اوستریا وجرمن عسکر دارد باوجود اینهم می بینیم که جرمن جواب روس را هم میدهد . وبیکی ازان دولتهای تشکیلهٔ مقابل خودرا که بلژیک باشد سراسر محو ومنقرض ساخته ، وخاک آنرا پامال نموده ازان میگذرد . ولشکر انگلیس را هم به ـ اعتراف خودشان ـ شکست داده بعدها بیل در خاک فرانس هم داخل شده است . حتی درینوقتیکه ما این اخبار را مینویسیم ـ ۱۸ ماه شوال ـ علامات محاصرهٔ شهر پاریس نیز در میداست وطیاره‌های جرمن گلوله‌های بم بر شهر پاریس نیز انداخته است پس اگر این چیزهارا غالبیت نگوئیم چه نام خواهیم داد . در جنگهای بحری چیزیکه شنیده میشود سراسر شکستها

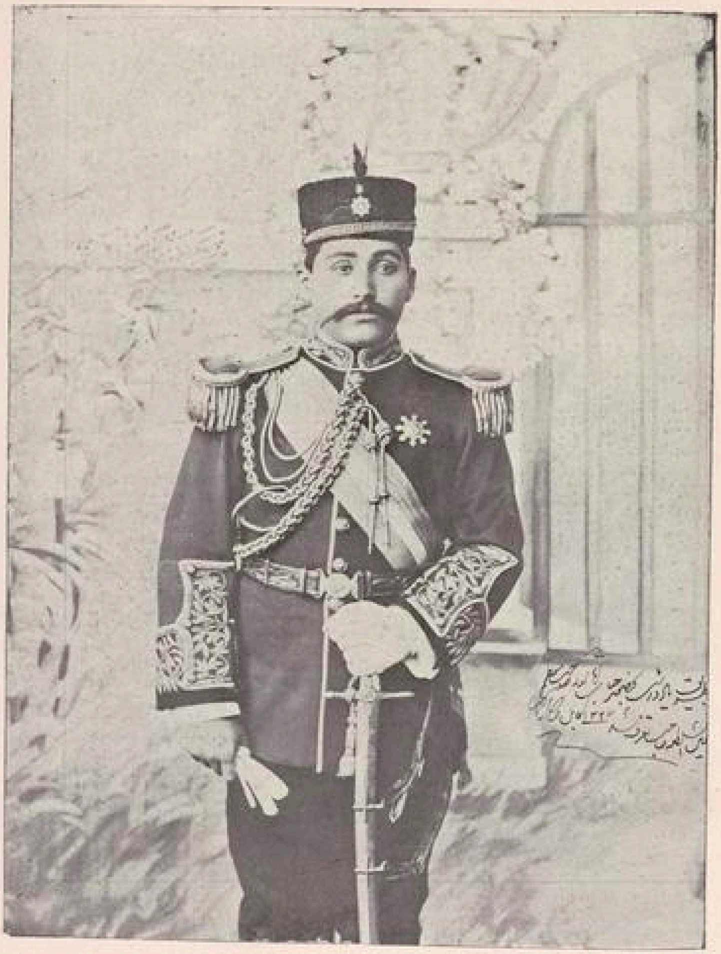

شهزادهٔ والا شان سردار حیات الله خان نائب الحکومهٔ قطغن وبدخشان

[فوتوگراف : عکاسخانهٔ شاهی ، زنبکوگراف : عبدالحکیم]

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 854 of 1786

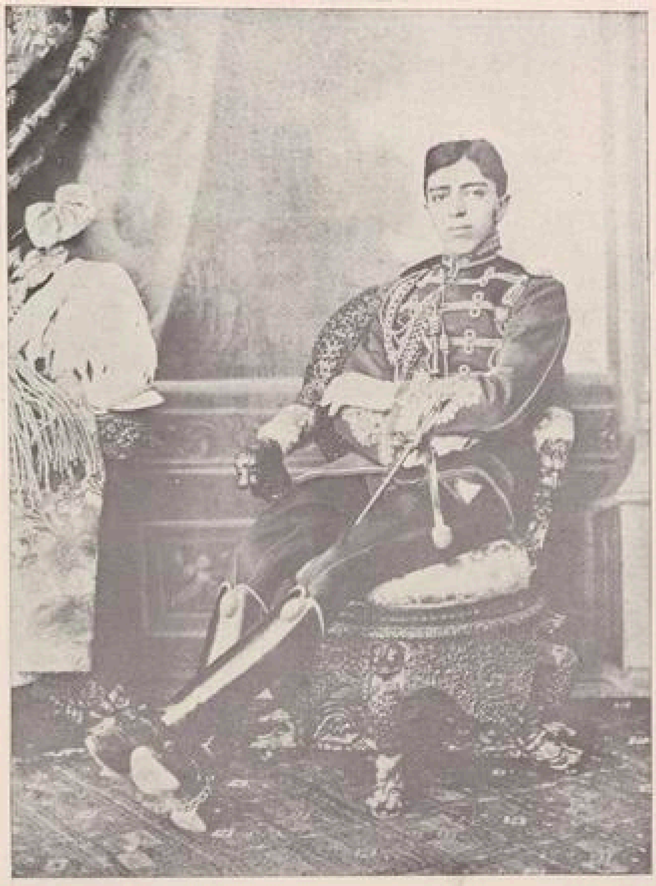

چارمین فرزند ذات اعلیحضرت سراج الملة والدین شهزاده محمد کبیر خان

[فوتوگرافی: عکاس خانهٔ شاهی. زینکوگرافی: یار محمد .]

وتفنگهای جرمن شلیده بشود ومثلا میشنوم کاینقدر در بداوت وانیقدر گرو وازور جرمن را کشتیهای انکلیس غرق یااسیر نمود ولی چون می‌شنوم که کشتیهای انکلیس هیچ ضرر و آسیبی نرسید آن خبرهم مشکوک ومشبوه میاید .

دل انسان که میسوزد ، برچیارهٔ بلزیك میسوزد ، زیرا آن دولت که حجماً کوچك ، وازروی آبادی ، و توانگری ، وعلم وصنعت خیلی بزرگ یکدولت بارقی بود آنرا فرانس وانکلیس فدیهٔ نجات موقتی خود ساختند . بیچارهها درانثنای آتش بازی جهنم آسا ، ومهاجات مدهشهٔ دیوهای جرمن فریاد میزدند که : «کجاست انکلیسها که باوعدهٔ کمك کرده بودند !»

ایتالیا نیز بجای اعلان بیطرفی ودوجبانی اسوی تجدید معاهدهٔ خود می‌خواهد چنان اوروپائیان را خوب پیدان کشید ، ومعلوم شد که عهد اتحاد شان درمیان خود شان هنوز چقدر بی بنیاد است . اما اینهم محتمل است که اگر ایتالیا بطرف روس وانکلیس ومتفقین شان درآید دامن محاربه را زیاده تر وسعت خواهد داد . درانحال ممکن است که دولت ترکی یونان بلغار رومانیا نیز دو دو سه سه یك بیکطرف شده درمعرکهٔ جنك عمومی داخل شوند ، شرارهٔ این نائرهٔ قتال ازمنتهای غرب تامنتهای شرق نیز پریده دنیارا آتش خواهد گرفت . وهیچ شبهه نیست که ژاپونها استفاده کنند ، ویای بحریان را برابر آلتزق کوتاه کرداند ، امریکا نیز ممکن است که ازالفاظها وآوازهای این جنکها بی استفاده نماند !

الحاصل بجز ملتهائیکه خونهای شان دررکهای شان افسرده شده باشد ، ویی های شان مانند تارهای سازهای ناکوك شده سستی ورخوت گرفته باشد دیگر همه ملتهای دنیا درپی استفاده ازین ولوله وغلغله افتادهاند . اما مایان دیگران چندان سر وکاری نیست افسوس ما بردولت دوست ما انکلیس است که اینهمه فلاکتها ومصیبتها را ازنتیجهٔ ائتلاف بحرمت انصاف روس بخود روا کرده وهنوز هم نتیجه نامعلوم است که چه خواهدشد . بعضی نهانکها هم ملحوظ است زیرا دولت بهیهٔ انکلیس یك جماعت بی اندازه را مالك شده است که اگر یکجهة صدمهٔ بی اهم دیگر روواده شود بزرگی وجسامت خودش اورا خواهد شکست . وجمع آوری خودرا بسیار مشکل خواهد توانست . بهتر آن بود که ازمسلك قدیمهٔ خود انحراف نورزیده رقبای خودرا بکردن همدیگر انداخته خودش بیطرف وسیربین را پیشه میگرفت ، وازان کرودار ها طریقههای استفاده را می‌اندیشید . اینهم معلوم است که اگر دولت انکلیس مسلك بیطرفی را اتخاذ میکرد ممکن بود که جلوگیری حرب را نیز زودی کرده میتوانست . اما حالا دایرهٔ وسعت این حرب خیلی فراخ ، وطول مدت آنرا نیز بسی دراز می‌بینیم . هنوزهم وقتست . اگر یك طرف خودرا کناره کشیده ودرصدد بعضی استفادهها بیفتد بهتر واولی است .

دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما افغانستان درمحاربه بیطرفی وغیر جانبداری را البته مراعات خواهد فرمود . ازین جهت دولت بهیهٔ انکلیس تاماً امین وخاطر جمع شده میتوانند . ولی هزار افسوس که مسئلهٔ ائتلاف باروس انهارا ازشبهه های کوناکون واصرارات وخیالات وظنون نیز وارسته نمیتواند . وهمین ائتلاف بدرجهٔ صمیمیت پیداکند که حیات خودرا هم دراثناء بمهلکه بیندازد البته که شایان اندیشهٔ یکچیزیست .

خبرهای مختلف

(ازجریدهٔ فریدهٔ چهره نما)

اجرای تاجگذاری شاهنشاه ایران

(۱)

« بهترین نوید حیات بخش ایرانیان »
زد صلای بشارت همی زمین و زمان
که بر نهاد بسر تاج خسرو ایران
جلوس کرد شهنشاه شاه احمد شاه
هزار وسیصد وسی دو آخر شعبان

دیده های نکران ، وکوشهای مستعد جهانیان عموماً ، وعالم اسلام خصوصاً ، وایرانیان بالاخص ، بتلاق تلکرافات مراسم بشارات تاجگذاری شاهنشاه ایران ، وارث بالاستحقاق تاج وتخت کیان ، مجدد سازندهٔ عظمت وشوکت ساسانیان ، وعدالت کسری نوشیروان ، برگزیدهٔ ملت نجیبه ایران ، وحامی اساس مشروطه ، وماحی ریشهٔ ظلم وعدوان ، ومحیی بساط علم وعمران ، خسرو معصوم جوان ؛ جوان بخت تاجدار اعلیحضرت شهریار ایران مدار (السلطان احمد شاه قاجار) خلد الله ملکه وسلطانه ، وایدالله جیوشه واعوانه پادشاه معارفخواه دین پناه کی کلاه محروسهٔ ایران صانهاالله عن الحدثان روشن گردید — وخاطر حامیان مظلومان ، وطرفداران ملهوفان ازاین بشارت مسرت بشارت خورسند گردید — وبکلی شیشهٔ آمال دسیسه انگیزان طالبان گروهی مکروه که درزوایای تیره اندیشه پرورانه خود فرخ‌ای خیالات عداوت تکارانه ودرسماغهای مفسدانه می‌پختند بسنك حسرت خورده ، وصرصر نوید شادمانیها امید آرزوی مرتجعین حرج ومرج طلبرا بکجا برد .

خلاصه : جوهر تلکرافات این دوسه روزه این بود که روز ۲۷ شعبان که هیجدهمین مرحلهٔ معمورانهٔ ذات شاهانه بالغ بود قبل الظهر درحالیکه اجتماع وکلا کاملاً ومجلس دارالشورای ایران مستطیلا مفتوح شده بود موکب خسروانه اعلیحضرت ملك فطرت شاهنشاهی (السلطان احمد شاه) بمعیت ولیعهد کردون مهد ونائب السلطنه ناصر الملك وتمام شاهزادگان خانوادهٔ سلطنتی ووزراء وامراء کشوری ولشکری وهمه مامورین ومستخدمین اوروپائی ازعمارات سلطنتی بطرف بهارستان باطنطنهٔ شاهانه و طمطراق خسروانه حرکت فرمود — افواج پیاده وسواره

واژان وپلیس وژاندارمه بالباسهای فاخره ازطرف خیابانها صف اراتی کرده وطاقهای نصرت درکمال آیین وزینت درمواقع عالی آراسته وبسته گردیده بود ، واتصالاً صداها بشاباش وبانگهای زنده بادشاهنشاه ایران بآسمان بلند بود .

اعلیحضرت شهریار ایران مدار بدارالشورای ایران ورود فرموده ومراسم تحلیف ویمین محافظت قوانین مشروطه راحسب الاصول بحضورتمام وزراء ووکلاء وعلما ونمایندگان بجای آورده که دراین بین یکصد ویك تیر توپ شلیك گردید وموزیکچیان بنواختن نغمات گوناگون مشغول گردیدند — سپس اعلیحضرت همایونی ازپارلمان تشریف فرما بمسجد (سپهسالار) شده ودو گانه بدرگاه ملك الملوك یگانه ادا نموده .

بعداز ظهر ساعت سه ازجانب گذشته اعلیحضرت همایونی درعمارت سلطنتی بحضور والا حضرت ولیعهد ونیابت سلطنت وتمام وزراء وامرا وعلما ووکلاء ونمایندگان سیاسی وقناسل دول موجوده بتخت شهریاری برآمده ودیهیم کیانی وتاج جهانبانی برفرق خسروانی گذارده صداها تبریك وتهنیت ازهرجا بلند وخطبا وشعرا خطابها وقصاید غرا خوانده وشبها چراغان مفصل وآتش بازی وضیافتهای گوناگون دولتی وحکومتی وملی شده این بود خلاصه تلگرافات مسرت علامات تاجگذاری که ازدو سه روزه ازاوروپا رسیده — وماخوانندگان گرامرا وعده باخبار مفصله موثقه وقایع نگارخاص اداره جریده چهره‌نما درطهران میدهیم که بزودی رسیده منتشر خواهیم کرد .

اینك اعضاء اداره چهره‌نما که خادمان واقعی ایران وایرانیان بوده باقلبی مالامال ازمسرت وانبساط عموم ایرانیان را ازتاجگذاری وجلوس میامن مانوس اعلیحضرت همایونی خلدالله ملکه تهنیت خالصانه سروده وامیدواریم درظل سعادت مدار این پادشاه معصوم ایرانیان ازهرچیز محروم بسعادات گوناگون وخوش بختیهای ازحداحصابیرون نائل آیند (این دعاازمن وازروح الامین آمین باد .

هدایای امپراطورها وپادشاهان اوروپا
بجهة شاهنشاه ایران در موقع تاجگذاری

بمناسبت تاجگذاری اعلیحضرت اقدس سلطان احمد شاه شاهنشاه ایران دول معظمه اوروپاهریك بانضمام اعتماد نامه سفرای خویش که در تتویج شاهنشاهی تشرف حاصل نموده اند هدیه ملوکانه بدین قرار فرستاده اند .

اعلیحضرت سلطان عثمانی نشان مرصع (خاندان آل عثمان) که از اولین نشانهای دولتعلیه عثمانیست وامپراطور آلمان یك چهل چراغ ممتاز و تحفه دیگر وامپراطور نمسه یك دسته تفنك مختلف شکاری ورئیس جمهوری فرانسه یك گنج ظروف چینی دولتی کار فرانسه وپادشاه ایتالیا یك تمثال (برونز) از روی مجسمه های قدیمه که ملکه ایتالیا کشف کرده و پادشاه اسپانیا نشان اقدس مرصع (کروس سیم بزرك) وپادشاه بلژیك نشان مرصع (لیولیه بزرك عسکری) واتحاد امریکا وروس وانکلیس هم فرستادند بعدها بنظر قارئین چهره‌نما میرسانیم .

(این نیز)
مخدرات فاضلات ایرانی

آرتیکل (ترقی زنان مغربزمین یا خودکی زنان مشرقزمین) را درشماره مقدس چهره‌نما باکمال دقت خواندم لازم دانسته شمه ازترقیات تدریجی مخدرات ایرانی عرضه بدارم مثل است مشهور که (شهرظریف پاریس دریکروز بناشده بلکه سالهای درازی خواست تاز شالوده صحیح بنا بنیاد گذاردند و بتدریج عروس دنیا شد) - امروز ایران اگرچه هنوز کوچکترین ممالك اروپ مدرسه دوشیزگان ندارد ولی انچه بنظر بصیرت دراین چهار پنج‌ساله که در ایران بوده ودیده‌ام مدارس دختران درطهران رو بترقی فوق‌العاده گذارده باوجودیکه موانع عدیده داشته یکی ازانها نبودن مدارس معلمات ومعلومست درس دادن علم مخصوصی دارد که زبان فرانسه اورا (پداگوژی) مینامند و در ایران یکی یافت نمیشود .

درسنه ۱۳۱۵ در تهران پنجاه صاحب سواد یافت نمیشد مگر درزنهای اکابر ووزراء انهم چند نفری هشت یاده نفر فرانسه‌دان درانها بیشتر نبود که از مثل مرحوم مشیر الدوله و حاجی میرزا محسن خان وامین الدوله ومشیر الملك وضیع الدوله ودوسه نفر دیگرالحال درایران تقریباً شصت‌هزار فرانسه‌دان هست مدارس متعدد انچه دراین چهارپنج ساله دیده شده ترقی درزنان فوق‌العاده بوده بلکه عرض میکنم محیر العقول بوده در اینجا توضیح میدهم انچه خوانین عالیه که معروفند بیان میدارم یکی صبیه مرحوم حاجی میرزا محسن‌خان مشیرالدوله که خود خانمهای اوروپائی بعلم ودانش این خانم معترفند دیگر صبیه مرحوم میرزا نصرالله خان مشیرالدوله همشیره مشیر الدوله حالیه که مخصوصاً در فن (پیانو) سر آمد همعصران خود بوده — دیگر نواب علیه عالیه ابتهاج السلطنه که درفن ادبیات فارسی وخوش اسلوب نویسی معروفند دیگر صبیه حاجب الدوله که معروف است به (مادموازل حاجب) کمازبان فرانسه وانکلیسی درنهایت صحت وفصاحت تکلم میکند ومینویسد باوجود صغرسن . دیگر صبیه ظهیرالدوله که درفن نقاشی مشهور وممتاز است — دیگر عصمت خانم متخلصه به (طاهره خانم) که درادب وسخنوری سر آمد مخدرات اینعصر بوده ومقالهوار بیکی های ادبی درباب سلوك زنان ایرانی ومعیشت آنان درروزنامه ایران نو مندرج داشت ودرنثر ونظم گوی مسابقت ازمردان ربوده — دیگر قدسیه خانم اشرف زاده که بسکه عاشق علم بوده بطرف آمریکا سفر کرد ودر آمریکا مشغول تحصیل شده — مدیره دبستان دوشیزه گان وطن بادونفر همشیره هایش ومدیره مدرسه حسنات سر آمده معلمات بوده و درزبان انکلیسی وفرانسه دانستن این خواهران علماً وعملاً باعث استعجاب فضلا است وبهره کافی از

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 857 of 1786

ادبیات وعلوم حدیثه وحساب وهندسه وتاریخ ونقاشی وجغرافی دارند شنیده شد خواهر بزرك زر وزیور خود را فروخته مصروف تربیت دوشیزکان مینماید وتا امروز امتحانات خوبی مدرسه اش داده است .

دیکر مرحومه (علویه) همشیره آقا سید حسین ابراهیم زاده زوجه جناب حاجی میرزا حسن رشدیه که واقعاً مادر روزکار چنین دختر معلمه فاضله عفیفه پرورش نکرده بود دیکر (خانم افندی) صبیه مرحوم رضا خان سرتیپ توپخانه وغیره واکر بخواهم هم از مخدرات فاضلات ایرانیان اسلامبول ومصر وقفقاز بنویسم شاید مدیر محترم اداره جریده چهره نما محض ملاحظه مندرج نفرمایند ولی البته مقالات خانم عالیه افندی در جراید ترکی و (خانم نمازی) را در جراید مصری دیده اید ولی در اسلامبول ومصر مدارس دخترانه مدتها بوده لیکن در ایران تا ده سال قبل ابداً مدرسه دخترانه نبود ودر این مدت کم این قسم مخدرات ایرانی ترقی کرده اند — چنانچه یکی از دوستان بنده صبیه او که سناً ۱۴ میباشد تحصیلات مقدماتی وثانویه را تمام کرده والان خود معلمه است زبان انکلیسی را از بنده بهتر میداند وحال آنکه بنده دو زبان فرانسه وانکلیسی را بخوبی تحصیل کرده ام .

اما درباب بازیهای ریاضیه که اورا (سپورت) مینامند مثل (لون تنیس) وغیره . . اکر امروزه این نوع ریاضیات بدنی در ایران یافت نشود درسه چهار سال دیکرهم پسران ودختران خواهند آموخت قدری صبر میباید که عنقریب دوشیزکان ومخدرات ایرانی همچون فاضلات ممالك متمدنه در تألیف وتصنیف اشتهار بهمرسانند مجالاً خوانندکان روزنامه مقدسه چهره نما را بمعرفه مخدرات فوق ومدارس ومعلمات ایران بهترین بشارتی بود که دادم

(رئیس مترجمین اداره کمرك ومالیه جنوب محمد علی شیبانی
چهره نما

«تاریخ حرب وترقی واشاعت فن آن»

حق سبحانه تعالی انسانرا طبعاً به ارتکاب فساد وخونریزی مایل وراغب فرمود چنانچه قبل از خلقت وتصور وجود سعادت نمود آدم علیه السلام حضرات ملایك عظام در جواب خطاب مستطاب « انی جاعل فی الارض خلیفه » بحضور حضرت کبریائی بعرض رسانیدند که « اتجعل فیها من یفسد فیها ویسفك الدماء » از همین دو آیه کریمه تاریخ خلقت آدم ولزوم حرب معاً کرفته میشود ، اما تاریخ تولد آن از کتم عدم بعد از هبوط آدم وبار آوردن حوا باردوم ابتدا وآغاز میشود .

مثلیکه از خمیر حقیقت منیر آب وکل صورت آدم علیه السلام ترتیب وترکیب یافته تخلیق فرموده شده بود همچنان از خمیر شرر شهوت حس رشك بوجود آمد وبه اراده حکمت افزاء خداوندی اقلیم قلب انسانی وطن ومسکن او مقرر کشت . وچنانکه از آدم ، حوا خلق کردید مثل آن از رشك ، حسد پیداشد واین هردو نیز مانند حوا وآدم باهم همدم کردیده فرزند دلبند جنك از ایشان متولد کشت . وبتقریب روز ولادت این مولود غضب آلود قربانی انسان اجرا کرده شد .

نخستین حادثه که بر کرهٔ ارض در اولاد آدم از نتیجه رشك وحسد به ظهور پیوست همانا واقعهٔ فاجعهٔ قتل قابیل هابیل را بود وتاریخ تولد وحدوث حرب از همین وقت مأخوذ ومحسوب است .

درعصرهای اول آلات فن حرب چندان وجود نداشتند وجنك اکثر بچوب وسنك اجرا میشد و پس از آن هرمانی که در دنیا ترقی کرد حتی المقدور فن حرب را هم ترقی داد تا تیر وکمان وشمشیر وکارد برای هجوم جارحانه بروی کار در آمدند وبر خلاف آن از بهر حفظ مدافعانه خود وسپر وزره ساخته شدند ، چنانچه مآل این آیهٔ حکمت وایه « والنا له الحدید وعلمناه صنعة لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم » که درشان حضرت داود ورود یافته بر قدیم بودن فن حرب وترقی آن در آن زمان دال ونیك کواه این مقال است .

ایرانرا ترقی قدیم این فن شهرت داده برجمیع ممالك دنیا او را مالك سطوت وجبروت ساخته بود ، داستانهای رستم زال وامثال آن برترقیات فن در آن وقت یك مثال است . فیلهای هندی آله های جاندار حرب شده عظمت وشوکت راجه کان هندرا دوبالا نموده بود ، از همه اول این فن در بر اعظم آسیا بسرعت برق آسا ترقی کرد وفن حرب از شرق تا غرب اشاعت یافت . وپس از اسیابه اروپا منتقل شد ودر آتینه ویونان واسپارتا ، تا یکمدتی خوب عروج نمود ، وباز رومیان آنرا بدرجه کمال رسانیده فن اسلحه سازی را مالك یك رواج وشهرت عظیمی ساختند .

اقرب بود که بعد از چندمدت از اوج ترقی در موج بحر تدنی پنهان شود که تا که در سال ۱۵۰۰ ع از ایجاد باروت وبازار آن که مدتی مسدود بود مجدداً کرم شد ویك انقلاب دهشت مآب بزرکی در فن جنك بوقوع پیوست که این آتش سوزان باروت جوهر وآبداری اسلحه قدیمه را برباد داده باخاك یکسان نمود ونام تیغ وزره پوش را از خیالها فراموش ساخت . وفن جنك را از چوب وسنك دفعتاً به توپ وتفنك ترقی بخشید .

درصدی هفدهم کارنامهای جنکی اروپا یك شهرت خارق العادهٔ را افاده نمود وفن قلعه بندی واستحکامات سدید یك ترقی جدید درفن حرب وارد ساخت واز آنوقت یك سلسلهٔ وسیع بعضی جنکهای وقیع که تذکار خواهند یافت قائم شد .

ودر صدی هژدهم ، فریدرك اعظم ، (پادشاه جرمن) فن حربرا خوب وسعت داد وچنان اصول وقواعد وضع نمود که فوج خودرا باندك زمان باوج کمال رسانید وپس از آن ، ناپولیون اعظم ، عسکر خودرا در وقت حرب به حصه های بزرك منقسم نموده به آنها اداب این چنین جنك را تعلیم کرد .

اروپا از آغاز درخصوص جنکهای دور ودراز بردیکر براعظمها صاحب امتیاز است . هیچکدام جنك معتنابهای آن بکم از هفت هشت سال نه انجامیده . سالهاسال درمیان اقوام جنکها دوام ورزیده

حروب مذهبی وملی درانها وقوع یافته که بعضی از آنها تا یکصد (یعنی صد سال) هم پایداری کرده‌اند. چنانکه درذیل اجمالاً از بعضی جنگهای قدیم ومشهور اروپا بحث میرانیم:

اول (سلسلهٔ خانه جنگیها ئیست) که مابین دوقوم بوروپی بسببیکه یك قانون دائم واصول جامع درادوار نبود درعصر های اوسط بغرض اخذ انتقام از همدیگر تاچند پشت بطول انجامید و تاعصر چهار دهم عیسوی قطعهٔ زمین مابین جرمن و فرانس ازخون انسانیت رنگین گشت. اگرچه، شارلامان، دردوران سلطنت خود برای دفع این جنگها ورفع این خونریزیها یکچارهٔ اندیشید اما درمقصد خود ناکام شده، لوئی، یك قانون حکمی تأسیس کرد کهازروی آن باقتضای مدت ۴۰ روز ازقتال قصاص وانتقام، هیچکس حاصل نمیتوانست.

دوم (جنگ دوفرقهٔ مذهبیه) این یکعرصهٔ وسیعرا از ۱۶۱۸ سال تاسال ۱۶۴۸ مالکست ابتداءً این حرب مابین دوفریق امرای کیتولك، ودو فریق امرای اصلاح، جرمنی قرمشد وسبب حقیقی آن این بود که، فردیناند، ثانی جمیع قوانینی راکه منبع آزادی، مذهب بوهیمیا، بود منسوخ ساخت وفریدرك خامس که حامی بزرك، مذهب پروتستانت، بود ازهمه اول درمخالفت استاده شد. و از سال ۱۶۱۹ تا ۱۶۲۳ ع بازار کارزار گرم شد بالآخر، فرقهٔ پروتستانت، منهزم گردیده وقوت فریدرك سلب گشت پس ازان شاه دنمارك، درمعاملات جرمنی مداخلت ورزیده از نو از سال ۱۶۲۳ تاسال ۱۶۲۹ جنگ قائم ماند وبالآخر، کرسچیان رابع، شاه دنمارك هم تاب مقاومت نیاورده در، لوبك، بصلح کردن مجبور شد.

پس ازین ازسال ۱۶۳۰ ع تاسال ۱۶۳۵ ع تامدت پنجسال عرصهٔ کارزار باز بگرمی گرفت و، شاه اسویج، و، شاه جرمن، در سال ۱۶۳۱ و ۱۶۳۲ فیروزی یافت، اما گستاوس کهدر معرکه اخیر کشته شده، فرقهٔ پروتستانت، بعدازفتح ومظفریت خود مکرراً مغلوب گشت. اخیراً شاه، کاردنیل ریشلیو، سپه سالاری فوجرا بعهدهٔ خود گرفته درحمایت، مذهب پروتستانت، عزم جهاد کرد اگرچه تایکمدتی در اراده خود کامیاب شد مگر در معرکه های اخیر اورا یك عهد نامه نوشتن لازم شد که در سال ۱۶۴۸ تحریر یافت ودران این (جنگ سی‌ساله) اختتام پذیرفت.

سوم، (حرب هسپانیه) کهاز سال ۱۷۰۱ ع تاسال ۱۷۱۳ ع امتداد یافت. و یك خاندان اوستریا کهمدعی تخت هسپانیا بودان حرب را برپا ساخت چنانچه اوستریا، انگلیس، هالند، روسیا وپرتگال بخلاف فرانس درین جنگ باهم اتحاد کردند. اگرچه در ابتدا میدان به دست فرانس بود لیکن چندی نگذشت که در ایطالیا وجرمن شکست خورده، مضمحل ومختل گشت. اما درهسپانیا دوبارهٔ تهیهٔ حرب نمود، ومعاهدهٔ سال ۱۷۱۳ ع این جنگ را انجام داد.

چهارم، (حرب هفت‌ساله) این جنگ ازسال ۱۷۵۶ ع تاسال ۱۷۶۳ ع دوام ورزید. این حرب بردو شعبه منقسم است. درقسم اول آن، جنگ، فریدرك ثانی، پادشاه پروشیا، برین بنا که انگلیس تائید روس وفرانس واستریا نموده بود شامل است مگر بوجود حسن تدبیر خود بالآخر، فریدرك، شکست خورده، واگر جای دشمن او (ملکهٔ الیزابت)، پطرس ثالث، وتخت روس جلوس نمی‌نمود درسال ۱۷۶۲ ع حال فلاکت اشتمال اوقریب بهلاکت ایصال ورزیده بود.

قسم دوم این جنگ ائست که انگلیس درمقابل فرانس وهسپانیا قائم کرده بود، وخاتمهٔ این (حرب هفت ساله) بذریعه معاهده سال ۱۷۶۳ ع که درفرانس تحریر یافت کرده شد.

پنجم، (حرب صدساله) این جنگ متصلاً تایکصد مابین انگلیس وفرانس نهرهای خون را جاری ساخت وبسبب امتداد مدت وطول زمان خود یك یادگار دوران سلطنت پادشاهان متعدد فرانس وانگلیس است واین همه حروب دور ودراز ازنتائج بدبختی وحسد انسانها بود.

ایست که باعظم اروپا بالفعل واقعات ماضی را استقبال کرده است، انگلیس باروس وفرانس معاون ومساعد گردیده تنها بالمان (جرمن) آویخته‌اند وهریك جداگانه درپی منافع عسکری وتجارتی خود شان جهد دارند. وتا کنون هاازصورت واقعات چنان معلوم میشود که مظفریت وفیروزی آلمانرا است والحال استقبال کسی واقف نیست که چه خواهد شد؛ آیا فتح ونصرت تاآخر نصیب آلمان خواهد ماند یا، متحدین روس، فرانس، انگلیس انتقال خواهد یافت؟ وآیا این حرب تاچقدر مدت دوام خواهد ورزید. ایست کهاین مسئلهها یعنی ازانکه بوقوع نیاید دراشکال وعدم انحلال خواهند بود زیراتاآخر مقابله کردن وفیروزی یافتن یك دولت برسه دولت بزرگترین دنیا هم چندان سهل نیست وبرخلاف آن مطیع ومنقاد ساختن یك ملت واحد مترقی مانند المان آنهم درخانهٔ خودش نیز عدیم الامکان مینماید محتمل که این جنگ هم مانند حروب قدیم اروپا بطول انجامد، واللّه العالم بعواقب الامور.

عبدالرحمن

(رای یك کپتان یك جهاز اسیر شده جرمن)

از اخبار وکیل

بوجه ظهور جنگ مابین جرمن وانگلستان بسی ازجهاز های جرمن که دربندر ها لنگر بودند گرفتار کرده شدند. ازجمله این جهازها یکجهاز، کار، نام دارد. مابین کپتان این جهاز ونماینده‌گان بعضی اخبارها درخصوص واقعات حالات گفتگو شد. که ازان اندازه حسیات وجذبات اهل جرمن تخمین کرده میشود. کپتان مذکور گفت که جنگیدن جرمن باروس، فرانس، انگلستان لازم شده است. وحالا هیچ‌قوت دردنیا اورا ازاراده های خودش باز داشته نمیتواند. عسکر جرمن ازعسکر های

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 859 of 1786

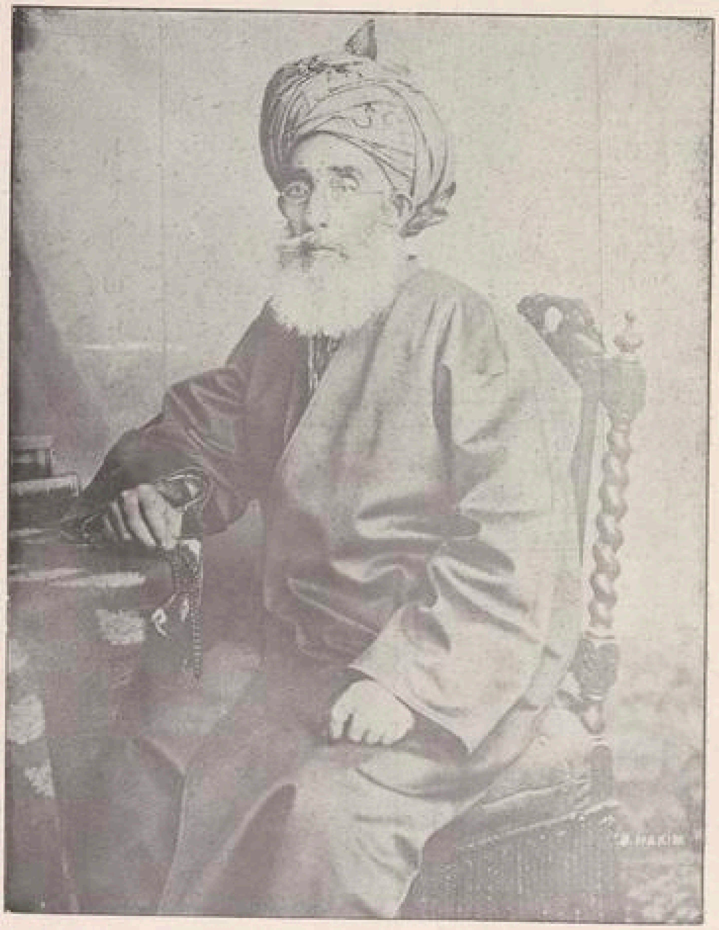

حضرت طرزی صاحب مرحوم

از سرداران نامدار افغانستان سردار غلام محمدخان طرزی صاحب افغان ابن سردار رحمدل خان ابن سردار پاینده خان غفر الله لهم . شاعر ، ادیب ، جواد ، صالح ، متورع ، شجیع بلند ذاتی بود که درسنه ۱۲۴۵ هجری در قندهار تولد ، و درسنهٔ ۱۳۱۸ هجری درشام شریف وفات یافته اند رحمة الله علیه

[فوتوگراف : سلیمان الحکیم درشام ، زنیکوگراف : سید ابو بکر در کابل]

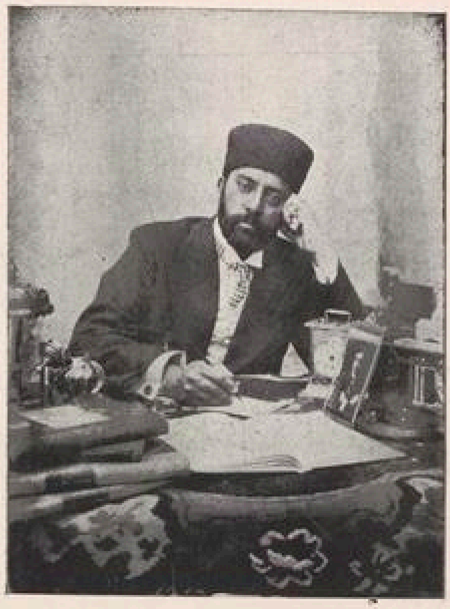

مدیر و سر محرر سراج الاخبار افغانیه

محمود طرزی ابن سردار غلام محمد خان طرزی صاحب مرحوم
[فوتو گراف : معین السلطنة ، زینکو گراف : یار محمد]

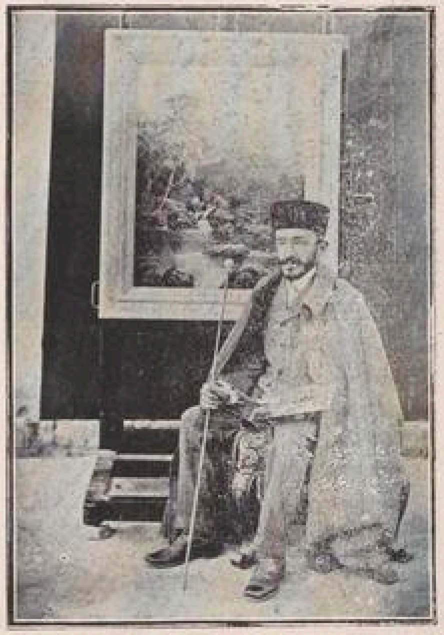

رسام شهیر (غلام محمد خان) مصور معلم رسامی در مکتب حربیه و مکتب حبیبیه

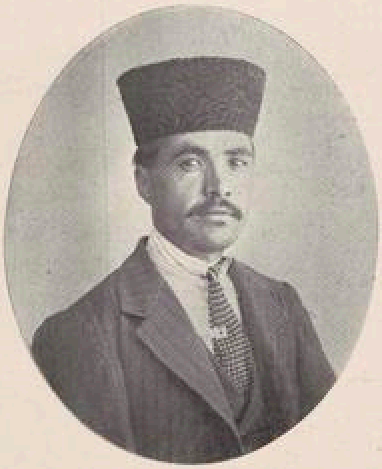

(یار محمد)
زینکو گراف باشی زینکو گرافخانهٔ کابل
در ماشینخانه مبارکه

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 861 of 1786

فرانس وروس بدرجه ها برتراست . اگر عسکر های هردوی آن متفق شوند آنوقت هم جرمن بآسانی مقابلهٔ آنها را میتواند عسکر جرمن آنقدر صاحب تربیه وتعلیم یافته است که اندازه تیاری ودرستی آنرا کسی تخمین وتقدیر میتواند که در جرمن رفته آنرا دیده باشد . دسته جنگی جرمن نهایت مکمل است . جهازهای او همه بطرز واصول جدید ساخته شده‌اند . وآلات حربیهٔ که دران جهازها موجود ومصنوع است از جهازهای کدام قوت دیگر واپس نمی آرد . وچنان دستهٔ طیاره‌ها را که او مالکست نزد هیچ ملتی از ملت‌های دنیا موجود نیست وانگلستانرا پس از تحمل نقصان معلوم خواهدشد که این مسئله « جنتلمان جرمن » چنان واقعهٔ ایست که کاهی بانگلستان پیش نیامده باشد . انگلستان دارای یکفوج قابل الذکر بری نیست . مانند قوت بحری او پس اگر دسته جهازهای انگلیزی در خلیج « فن لاند » در آمد برخچه‌هایش برانده خواهدشد . وبازکار دوم جرمن این خواهد بود که عسکر خودرا در انگلستان خواهد درآورد . واگر عسکر استریا نیز مانند جرمن مرتب ومکمل باشد . پس از حالا نتیجه را ظنی بداید ! لیکن از بدقسمتی در استریا مثل جرمن یکقوم آباد نیست بلکه اقوام متعدده‌اند . واین گفتن نهایت دشوار است که در بعض حالات نتیجه چه خواهد شد ! در جنگهای این زمانه بسیار سختیهای خلاف توقع پیش می آیند . مانند معامله روس وژاپان . لیکن این مسلم است که جرمن نیز چنان خلاف توقع ثابت خواهد شد مثل ژاپان . بازگیهان مذکور گفت که از زیاده شدن جنگها وشمولیت بریطانیا هیچ افسوس هیچکدامرا نخواهد بود وباوجود جمیع سختیها درباب جرمن یکرائی یاس انگیزانه ندارم .

(مترجم عبدالرحمن)

(اخوت هندستانیها وجاپانیها در توکیو)

در توکیو پایتخت ژاپان حالا بسیار هندستانیها اقامت مستقل اختیار کرده اند وبهوی مسرت انگیز آن اقامت ایشانست که تعلقات آنها با ژاپانیها بسیار خوب معلوم میشود . اخبار انگلشمین وجه این تعلقات خوشگوارا این نشان میدهد که درهر دو قوم امتیاز رنگ نیست ودر هردو نصب العین اخوت یکچیز است ودر تقویت این اخوت طرز معاشرت مشترك ایشان را دخل بسیار است . آنها یکجا هم نشسته نان خورده میتوانند وبرنج غذای لذیذ وکثیر الاستعمال شانست . اگر در هندستانیها کدام بنگالی موجود است اوچنان شایق ماهی است مثلیکه یکژاپانی باشد . درچای نوشی هم هندستانی وژاپانی یکسان مشترك اند .

در توکیو یك انجمن بنام (اندوژاپنیز اسوسی ایشن) قایم شده است که اعراض ومقاصد آنرا درپیش نظر داشته این خیال واندیشه بیجا نخواهد بود که توکیو عنقریب یك مرکز بزرگ اخوت ژاپانی وهندستانی خواهدشد در روزهای گذشته جمعیت مذکور در اعزاز دومهمانها جلسه دعوت منعقد کرد که از آنها یکژاپانی ودیگر هندستانی بود نام اول آنها کرمستر فروز کری است که مهتمم شاخ یك‌بنك ژاپانی بمبی است که ۲۰ سال در هندستان بوده غالباً دیگر هیچکدام جاپانی بمقابل مستر موصوف دعوای واقفیت حالات صحیح هندستانرا کرده نمیتواند جنتلمین هندستانی مقیم مشهور بنکالایم سی ملك است که در حلقه‌های قانونی ودوایر حکومتی انگلیزی نام بزرگ پیدا کرده است مستر موصوف در عادات انگریزی وهندی مهارت خاصی را مالکست . در جاپان تا بسیار مدت گذران کرده ومتعلق حالات جاپان کتابهای متعدد نوشته حالا آنها برای اقامت دایمی بژاپان رفته اند .

ضرور است که اهالی هند بتوجه غیر معمول جانب جاپان رخ کنند وبرای اموختن صنعت وحرفت ژاپانی کوشش های کامیاب اجرا کنند . همچنین برای عوام ژاپانی هم لازمست که بروادی وفیاضی باایشان پیش آیند که برادران هندی شان بقرار واقعی از اخوت وهمدردی ایشان مستفید شوند . بعا زمان جاپان این هم لازمست که عادت عزت واحترام حسیات وجذبات ملکی ومذهبی ژاپانیها را بکیرند خواه هر چند در نظرهای شان نامانوس باشد .

(اخراجات ماهانه جنگ)

زمیندار

چندسال شده که مستر اکست بیل منوق تخمین این امر کرده بود که اخراجات ماهیانه جنگ آینده فرانس وجرمن یازده کرور پوند خواهد شد واگر برطانیه واستریا وایطالیا وفرانس درین جنگ شریك باشند پس مقدار خرج ماهانه به ۴۵ کرور پوند خواهد رسید خیال کرده میشود که از فرانس وجرمن هیچکدام زیاده از سه ماه متحمل نتایج اقتصادی جنگ شده نمیتوانند اگرچه این ممکن نیست که چاه هردو در آن واحد لبریز شود چونکه این جنگ بروبیه نقد وغیره موقوفست لهذا میدان در دست کسی خواهد ماند که درباقاعده ادا کردن تنخواه عسکر از حریف خود سبقت ورزد

﴿ افواج هندی چرا در یورپ نجنگند ﴾

پیسه اخبار

از اخبارات متواتر میدان جنگ معلوم میشود که فوج الجیری فرانس هم درمقابل افواج جرمن خوب داد مردانگی داده‌اند . وقتا که فرانس عربهای الجیریا را درمیدان جنگ خواسته است که درجنگ نامَوری حاصل کرده‌اند ؛ پس چرا انگلستان بعضی افواج چیده اقوام با در مسلمان هند را برسر زمین فرانس درمقابل جرمن موقع نبرد آزمائی نمیدهد . اگر این معاهده دول یورپ باشد که اقوام غیر یورپی درمیدان کارزار نجنگند پس درحق سپاهیان الجیری هم لازم التعمیل بود ، جرمن برخلاف معاهده گلوله‌های (دمدم) را استعمال کرده ونیز دیگر بدعتها هم میکند

پس آیا انکلستانرا اختیار خلاف ورزی این چنین معاهدات مدونه نیست ؟

﴿ جنك یورپ ومسلمانان هند ﴾

درهندوستان دراینوقت برزبان هرشخص داستان جنك یورپ جاریست واین خیالدرهردماغ پیچانده است که خدا میداند که درجنك عالمگیر چقدر نفوس هلاك خواهند شد وچقدر ملکها وخاندانها تباه خواهد گشت . شکر است در هندوستان هرمرد جان نثار وخیر خواه شهنشاه وکور نمنت خود است . وخطرهٔ بالکلیه هم نیست که رعایای هند ازین محبت ذاتی واحسان مندی حکومت برطانیه رو گردانی کرده خود شانرا درمعرض ذلت وبدنامی بیارند . خصوصاً برای مسلمانها این جنك عمومی خیلی قابل تردد وانتشار است . تاحدیکه دیده میشود میلان طبایع نوجوانان ترك جانب جرمن است . واتحاد قدیم برطانیارا که چند دفعه ایشانرا از مهلکات رهانیده فراموش کرده‌اند . اگرچه ترکیه هیچطرف نیست وغیر جانبدار است ودعای ماهمه دراین همین است که خدا اورا برهمین حالت بیطرفی داشته باشد . اما بفرض محال اگر ترکی بیطرفی خودرا نگهداشته نتواند ودرجنك مداخلت کند پس آنوقت طرز عمل مسلمانان چه خواهد شد واین یك سوالست که هرمرد دور اندیش ازدل خود می‌رسد .

من بلا خیال تردید وبلا خوف اختلاف صاف صاف میگویم که مسلمانان باید که دردادن این جواب هیچ دقت وپس وپیش نکنند وآن جواب این است که : مارا باید که به برطانیا مدد کنیم ودروفاداری بانکلستان جان خود مارا نثار کنیم . . . . . .

سلطان ترکی بیشك سلطان هم مذهب ما ومحافظ حرمین شریفین است وازاین خیال مستحق همدردی ماست لیکن محض هم مذهبی وهم قومی مارا ازین سبکدوش ساخته نمیتواند که بحیثیت رعیت بودن انکلستان برما فرض است . وآن کور نمنتیکه بما آزادی مذهبی داد ومارا تعلیم آموخت وبهرطریق مارا ازدولت علم مالا مال ساخت . انکه همیشه لحاظ حقوق مارا کرد ومارا زیاده ازحصهٔ ما انتظام ملك ونوکری های برتر از اندازهٔ ما بخشید . که بدولت آن ملایق آن شدیم که باترکی همدردی شروع کردیم .

وفاداری ومعاونت همین کور نمنت ! مذهب وایمان است !

ازترکی هیچ فایدهٔ ما نرسیده ونه درمعاملات سیاسی اومارا دخل وغرضی است . خیال هم مذهبی یکخیال محدودیست هم مذهب‌های مادرمصرمراکو نیز هستند درحبش هم هستند . درافریقه هم هستند مابرای همه کی امن وآسایش خودمارا قربان نمیکنیم . هیچ وجه نیست که ما خودرا باقتدای ترکی درراه غلط بیندازیم . اگر خدا نخواست آنوقت بیاید که درتعلقات ترکی وانکلستان کشیدگی واقع شد مارا باید که به ترکی صاف صاف بگوئیم که ما همراه شهنشاه عادل خود هستیم اگرچه اوعیسائیست اما او درامور مذهبی ماحارج نیست . ودرامن وآسایش عامه‌ما میباشد ازین سبب ماازوفاداری وجان نثاری دررضای شاهنشاه خودقدمی پس نمیگذاریم .

(عزیزالدین احمد ازدهول پور)

[واوواه مسلمانی ! ...]

(مترجم عبدالرحمن)

اجمال احوال

٢ سپتمبر

یك ارویلان جرمنی برپارس ظاهر شد ویك بامب قریب کرینت لیز ودیگر بامب قریب اوپیرا انداخت . فیرهای تفنگ ها بارویلان شد ولی او بطرف شمال مشرق غایب شد همه اشارات ظاهر میکنند که توجه جرمن بمحاصره وبم انداختن بانتورپ هم زور دارد .

در برسلز وگردا گرد او قلعه ها بنا وقلعه بندیها می شود .

در برسلز که فوج جرمنی مقیم است وجرمنی به پیسه هر چیز می خرند .

یك خبرفرانس مظهر است که یك ارویلان نظامی فرانس به بلندی ١٨٠٠ متر برخط دشمن بود که یك گلوله زده شد وانجن آن خراب شده استاده شد .

از ٦ ، ٥٠ کشته

یك زیپلن برانتورپ ظاهر شد ودر بوقت صبح آنها سخت آتش‌فشانی وگله باری میکردند مثل خانها قرمزی شده‌اند .

نظاره کارزار شرق

١ سپتمبر لندن

یك پیغام روما مظهر است که آستریها برای گرفتن مونت لاوین سعی کردند لکن شکست خورده ١٦٠ کشته و ٥٠٠ زخمی گذاشتند .

م سالنکف جرنیل افواج روسی کشته شده است .

لندن ٢ سپتمبر

روسی ها قریب لمبرك درکیلا لیا بسیار کامیابیها یافته اند .

جرنیل روسی مذکور را جرمنی ها کشته است .

خبرهای جنگ

﴿ نامه نگار های خصوصی ما ﴾

ازسرحد های شمالی مینویسد

دریکی سریك گدام غلهٔ روس را آتش کرده بصد ها خروار غله را تودهٔ خاکستر نموده . غله مذکوره را درهمین روزها میخواستند که بدرونهای ملك خود برند لکن نا گهان آتش آنرا محو نموده بقدر دوسه صددکان نیز باآن درگرفته محو

گردید اما این معلوم نیست که کسی بغرض دزداده باشد یا قضاءً در گرفته است .

کذا : — . همساله بعضی مردم هزاره جات از رعایای دولت افغانستان باشندکان درهٔ صوف که ازعلاقهٔ ترکستان افغانی میباشند برای کسب وکار تجارت ومزدوری درعلاقهٔ جات روس میرفتند وبعدازچندماه که ازکسب وکارخودفارغ میشدندوابس مراجعت میکردند . امسال نیز نفریٔ مذکور رفته بودند . دولت روس دربروزها همهٔ انهارا ازعلاقهٔ ملک خود بیرون کرده وابس بخاک افغانستان فرستاده است ونگذاشته است که کار وکسب خودرا بکنند وازین سبب ضرر وزیان بانها وارد شده است فقط فی ۱۰ شوال سنه ۱۳۳۲ (عبدالاحد)

عرض میشود که درین دولت روس وجرمن که حرب زبانك میزند یوم جمعه ۹ شهرحال عمل یازده بجه شب برای افسران روس که در (کرکی) بودند تلگراف رسید مضمون انکه یوم پنجشنبه ۷ شهر حال یکجنگ خونریزی درمابین عسکر روس وعسکر جرمن که ازحدود پوینه بخاك روس درامده بودند بوقوع امد نفریٔ زیادی ازعسکر روس تلف شد .

کذا : — بموجب تلگراف که ازپترسبورك رسیده درتمام ترکستان روس عسکرگیری جاری گردید . حکومت روس ازهمه افراد رعیتی خود ازقوم روسی . وارمنی . ونوغی وغیره ازبیست ساله تاچهل وپنجساله اگرچه نوبت عسکریٔ انها گذشته بود یاهنوز نیامده بود بلااستثنا عسکر گرفتند . بنابرین درین دوسه روز هرچه نفری که اکردکان بودند یابلیکرخانه خدمتکار بودند کامل را بلباس عسکری داخل کردند . ویك هرج ومرج عظیمی درین ملکها برپاست . اهل وعیال این عسکرها وخودشان دریك واویلاست . عسکرها خوفناك وهراسانست . عسکرهای منتظم معزاو خود را همگی ازترکستان کشیده باوروپا برده اند وازهمین عسکرهای نوکی درشهرها گذاشته اند ' وانهم بدرجهٔ ضرورت میباشد که اکثر انها راهم سوق میکنند . ازقراین چنان معلوم میشود که دولت روس بسیار پریشان است .

کذا : — یکخط ازملازم رسیده نوشته است که ازیومشنبه ۱۰ ماه حال تاالیوم هیچ داد وگرفت درین مردم تجار روسی وغیره نمیباشد . معاملات یکقلم بنداست . هرکس بجان خود گرفتار است . خریداری اسب ودیگر بارگیر بسیار بزرگی اجرا میشود حتی ازخود کرکی دوهزار اسب ویکهزار شتر خریداری میشود خرید پشم ودیگر اشیای تجارتیٔ مایان که همیشه بطرف شهرمسکو میرفت سراسر کساد یافته . زیرا رخوت وریلها کاملا باربرداری عسکر والات حربیه گرفتار است ودیگر چیزرا قبول نمیکنند . وازین سبب ضرروزیان بسیار به تجار ما وارد امده . کارخانه های انجاها همه بنداست وهمهٔ انهارا بلباس عسکری دراورده اند . افواه است که دوسه شهر مشهور روس را جرمن گرفته است روس حکم عام نموده که اگر کسی حرف دولتی باهم زند بندی میشود . خیره ی راست راکسی گفته نمیتواند فقط

امضا

(م . عا . خروتی)

ترجمه اخبار انگریزی که عزتمند کریم بخش خان ترجمه کرده

بیان فرانس درباب میدان جنگ

کاروائی جنك رمینه

لندن ۳۱ اکت —

درپرس شائع شده است که رمینه بعد ازمزاحمتهای خفیف ما طرز حمله آوراه اختیار کرده ایم ودشمن پیشروی مایس باشده میرود درقلب عرصهٔ کار زار گاهی فتح وگاهی مزاحمت نصیب شده است مگر یك جنگ عمومی بازشروع شده است افواج دول متفقه باوجود تلفات کثیر شکسته دل نشده اند کبودی افواج ازچهاونی ها پورا کرده شده است

عرصهٔ دوروز گذشته است که افواج فرانس برود سنجر ولوون حمله نموده بودند این حمله بدستور بهمراه کامیابی جاری است مگر رفتار ترقی قدری سست میباشد هرمقام گرفته را فی الفور مستحکم کرده شده است افواج فرانس که درعرصهٔ کارزار سپین کورت ولونکوی برسر پیکاراند مزاحمت افواج ولیعهد جرمنی را دورکرده ونواح بیوفنجو ودوایسون واقع فرانس بخوبی نموده اند ...

برعکس آن افواج مارا نیز مزاحمتهای خفیف روداده اند باین سبب افواج ما برای عودت بطرف میوز مجبور شده بودند ازین قبل مشهور شده بود که ولیعهد جرمنی زخمی شده است اکنون شائع میکنند که اوبرسر پیکار است) ترجمان [وقس علیه البواقی]

راه دریای میوز

درظرف چند روز گذشته دشمن برای عبور کردن دریای میوز بتعداد کثیر ازحدجدوجهد نموده بود مگر ازسبب مزاحمت وحملهجات بالمقابل بی پا کرده شده است ونقصان شدید نیز برداشته است باوجود این مزاحمت سپاه جرمنی ازراه راکروی (قلعه فرانس است) پیشقدمی کرده است ـ جنك بپیمانه وسیع دراین علاقه شروع میباشد درحالات موجوده درباب نتیجهٔ جنك پیشین گوئی کردن ناممکن میباشد —

بیان میشود که چونکه سپاه جرمنی بروز شنبه درقرب کیوت (قلعهٔ فرانس است) دریای میوزرا عبور نموده است بنابران افواج دول متفقه برای گذاشتن خط مدافعت اصلی یعنی خط دینانت وجار لیردی ومیوز مجبور شده بودند علاوه برین رپوت آمده است که عودت افواج دول مذکوره برمینه سپاه جرمنی

نیز بوقوع آمده است در این مقام بهترین سپاهیان جرمنی جمع بودند ـ فقط

انسانیت در عرصهٔ کارزار

لندن ۳۱ اکست

باوجود شدت جنگ درفرانس واردات‌های سلوك محبانه برادرانه که عهده‌های طبی جرمنی وانکلستان بایك دیگر کرده‌اند نیز شنیده می‌شود دربعض مقامات داکتران وجراحان برطانوی به امداد جراحان جرمنی علاج ومعالجه مجروحین جرمنی را کرده‌اند فقط

اهل جرمنی در برسلز

فراهمی ذخایر خوراك بطرز سنکدلانه

لندن یکم ستمبر عمل ۱ بجه شب

اهل جرمنی فراهمی ذخائرخوراك را دربرسلز باین شدت نموده‌اند که اندیشهٔ قحط پیدا شده است ـ وصد یك نفر گوشت وشیر یافته میتواند ازیك نواح ٤ صدونل شراب وازیك نواح دیگر چهل هزار پو گوشت روزانه بزور جمع کرده می‌شود ـ

نان پزهای برسلز هفتاد هزار پوندنان یومیه مهیا می‌کنند ـ

عرصهٔ کارزار مشرق

اهل روس واهل استریا

لندن ۳۱ اکست ـ

حمله‌جات روس برکل سرحد استریا جاری اند اهل استریا در جنوب لبلن طرز حمله آورانه اختیار کرده‌اند (لبلن در پولینڈ روسی واقع است) آنها ربوت می‌کنند که مرده‌هـای استروی در کل ملك منتشر می‌باشند آنها وقت پیشرفت استریا کشته شده بودند. [معلوم است که استریا پیش رفتن را هم یادداشته‌اند] .

محاربات بحری

جرمنی تعریف برطانیه می‌کند

لندن یکم ماه ستمبر ـ

بیانات رسمی جرمنی درباب بهادری ودلیری سپاهیان برطانیه که آنها وقت نجات دادن مجروحین درجنك هیلی گولیند ظاهر کرده بودند رطب‌اللسانی میکنند بیانات مذکور مظهراند که برطانوی‌ها بجای اینکه تدابیر حفاظت خود بعمل می‌آوردند آنها لانف بوت(کشتی محافظ‌جان) برای مجروحین جرمنی در آب انداختند

برطانیه وجنك

نظاره درپارلیمنت

جدو جهد برای خاتمه تنازعات

لندن ۳۱ اکست عمل ٦ بجه و ٤٠ دقیقه شام

امروز وقت شام مستر اسکوئیه دردار العوام تجویز کرد که انعقاد پارلیمنت الی نهم ماه ستمبر موقوف نموده شود وگفت که من امید میکنم که قبل ازانعقاد پارلیمنت تصفیه تنازعات هوم رول بذریعه خط وکتابت کرده خواهد شد مستر بونرلا گفت که اگر تنازعات باز آغاز یافت هرملك وملت اینقسم ذلت نازل خواهد شد که دردنیا یادگار خواهد ماند .

مستر ردمند برای ملاقات فریق مخالف خواهش ظاهر کرده است نیز اوگفت که من دراین باب ازحد متفکرم که مسوده هوم رول باز درمعرض بحث آورده شود مستر بیلفور استفسار نمود که دربیوقت مسئله هوم رول را درمعرض بحث آوردن چه مصلحت دارد ازین قسم کارروائی درارا کین ازحد کشیده کی ازسر نو آغاز خواهد یافت فقط [بلای سفر بهٔ دورخانهٔ جنك] .

داخلهٔ مجروحین درلندن

سه صد نفر مجروحین درلندن رسیده‌اند مردم استقبال آنها بکمال سرگرمی نمودند ـ فقط .

فتح پاریس

درآخر طبع اخبارما افواهی خبر رسید که شهر شهیر پاریس را عساکر جرمن فتح نمودند . دریں حرب اگرچه خبرها ازطرف (بورو پریس) لندن خیلی پنهان گرفته شد . واز حقیقت جانفشانیها وفدا کاریهای بهادرانهٔ جرمنیها کسی بخوبی واقف نشد ولی این خبر فتح پاریس ثابت ساخت که جرمن درفنون حربیهٔ عسکریه یك قوت وهیبت خارق العاده را مالکست . این خبر تصدیق طلب میباشد

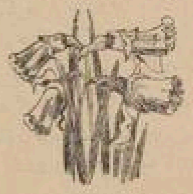

درچهاپ خانهٔ حروفی دارالسلطنهٔ کابل طبع گردید

همه مقاله‌هائیکه دستخط ندارد ازطرف مدیر وسرمحرر تحریر یافته

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 865 of 1786

اعلا

سیاحت بدورادور کرهٔ زمین

چقدر فایده ها و شیرینیها دارد ! علی الخصوص
که آن سیاحت با آن بزرگی و وسعت
به هشتاد روز
اجرا شود ! آرزو کننده گان این سیاحت
خارق العاده هرگاه برای خریداری کتاب

(سیاحت بدورادور کره زمین)
بهشتاد روز

چقدر دو روپیه کابلی یك مبلغ کمکی را صرف نمایند این سیاحت را گویا (فلیاس فوق) سیاح ورفقایش یکجا اجرا کرده خواهند بود ! محل خریداری این کتاب دکان (ملا غلام محمد) تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی میباشد . و در نفس مطبعه عنایت که در ده افغانان است از نزد عبدالرؤف سرمرتب نیز خریداری میتوانند .

مؤلف این کتاب (ژول ورن) فرانسوی است که در نوشتن ناولهای فنی مشهور آفاقست . از فرانسوی بترکی و از ترکی بفارسی ترجمه شده است . کتاب مذکور تنها ناول نی بلکه در ناول فن جغرافیا و جغرافیای ریاضی را نیز بطرز افسانه نشان میدهد .

در (مطبعهٔ عنایت) که از مؤسسات شهزادهٔ جوانبخت معظم دولت علیه افغانستان جناب عالی (معین السلطنه سردار عنایت الله خان) است بزیور طبع آراسته شده است. این کتاب نایاب را زود بدست آرید وفرصت را فوت مکنید که نسخهای آن زود تمام خواهد شد وافسوس فایدهٔ نخواهد بخشید .

اعلان

از هر دهن سخنی
و از هر چمن سمنی

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه را مژده میرسانیم . و ترغیب میدهیم که ازین گنجینهٔ راز جواهر آبدار . و ازین گلزار پر راز ازهار یکیك نسخهٔ بدست آورده از هر دهن سخنی بشنوند . و از هر چمنی سمنی بچینند .

در مطبعهٔ عنایت زیور طبع آراسته گردید . قیمت ۲ روپیه

* * *

اعلان

سیاحت در جو هوا

یك ناول فنی بسیار عجیب و غریبست که در مطبعهٔ عنایت بزیور طبع آراسته شده وسومین کتاب (کتبخانهٔ مطبعهٔ عنایت) را تشکیل داده اینهم از تألیفات (ژول ورن) فرانسویست که در فن ناول نویسی فنی شهرهٔ آفاقست از زبان ترکی بفارسی ترجمه شده است بقیمت (۲) روپیه کابلی بفروش میرسد .

این هرسه کتاب در دکان باز محمد در بازار ارك و در دکان ملا غلام محمد در جوار مدرسه شاهی هریك بقیمت دو دو روپیهٔ کابلی بفروش میرسد .

کتابهای مذکور در نفس مطبعهٔ عنایت واقع ده افغانان از نزد عبدالرؤف سرمرتب مطبعهٔ موصوفه نیز خریداری میشود

شرایط خریداری

دارالسلطنه	ولایت داخل افغانستان
قیمت سالانه هشت روپیهٔ کابلی	سالانه چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه پنج روپیهٔ کابلی	ششماهه هشت روپیهٔ کابلی

در خارج افغانستان

هرجائیکه باشند با اجرت پوست

قیمت سالانه [ده روپیه انگلیزی قیمت ششماهه [شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراك قبول نمیشود

یك طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کابلدار است . از همین قرار حساب کنند

(اعلان)

کتاب سال اول وکتاب سال دوم سراج الاخبار افغانیه با کتابچهٔ (عزو اسلامیت) و (آیا چه باید کرد ؟) و (ادب درفن) جلد کرده شده در اداره برای فروش حاضر ومهیاست ـ دوستانی که آرزوی خریداری آنرا داشته باشند ازنزد مدیر طلب نمایند

یاد آوری

عامهٔ کار داران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود: اگر ازیك جابدیگر جاروند ویا بروند میباید که بیك رقعه مدیر وسر محرر راخبر بدهند که من درفلان جا بودم وحال درفلان جا میروم اخبار مرا درانجا بفرستید . هرگاه همچنین یك رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی . وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند . ویادیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود:

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود بسرهر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درپشت ورق وقایه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر ازپنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریك ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرکه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تایك سال نشر کردن خواهد ووجه یك ساله را پیشکی ادا نماید درورق پشتی بر سر سطری سار اجرت گرفته میشود

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

شمارهٔ ۳ سال چهارم

فهرست مندرجات

افغانستان واهمیت موقعیه وسیاسیهٔ آن (مابعد ازشمارهٔ (۲)

حوادث داخلیه	امتحان عسکری — عیناً مکتوب — مکتوب از کوتوالی دارالسلطنهٔ کابل — مرقومهٔ واقعه نگار دایزنگی — واقعه رقی از دفتر جناب نائب‌السلطنه صاحب — نگارش واقعه نگار میمنه — نوشته واقعه نگار هرات — سیلاب ازمرقومهٔ واقعه نگار غزنی — از دفترایشیک آقاسی ملکی
ادبیات	مخمس
حوادث خارجیه	تاریخ حرب — احوال حرب — تبدیل کام پاتخت — لهستان — یک آلهٔ جدیدالاختراع جرمن — رأیها درخصوص تبدیل پای تخت فرانس — اجمال احوال — مکتوب از شهر پاریس — ترجمهٔ اخبارات اردو — مخبران جرمن درلندن — یک کروزوازور جرمن ۵ جهاز تجارتی انگلیز را درخلیج بنگال غرق کرد — اثر جنگ بر جبلی — آخر ترین خبرها — انتورپ را جرمن ها گرفتند .
تصاویر	برادر ذات اعلیحضرت همایونی جناب سردار امین‌الله خان سردار مدافع — برادر ذات اعلیحضرت همایونی جناب سردار محمد عمرخان سردار صنایع — برادرذات اعلیحضرت همایونی سردار غلام علیخان — جناب سردار عزیزالله خان فرزند جناب فخامت مآب نائب‌السلطنه صاحب افخم —

(اعلان)

کتاب سال اول و کتاب سال دوم سراج الاخبار افغانیه با کتابچهٔ (عز و اسلامیت) و (آیا چه باید کرد ؟) و (ادیرون) جلد کرده شده در اداره برای فروش حاضر ومهیاست . دوستانی که آرزوی خریداری آنرا داشته باشند ازنزد مدیر طلب نمایند

شرایط خریداری

دار السلطنه	ولایت داخل افغانستان
قیمت سالانه هشت روپیهٔ کابلی	سالانه چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه پنج روپیهٔ کابلی	ششماهه هشت روپیهٔ کابلی

در خارج افغانستان

هرجائیکه باشند با اجرت پوست

قیمت سالانه | ده روپیهٔ انگلیزی قیمت ششماهه | شش روپیهٔ انگلیزی

سه ماهه اشتراك قبول نمیشود

یك طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است ، از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

برهمهٔ کار داران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود :

اگر از یك جا بدیگر جا رفتند و یا شده میباید که یك رقعه مدیر وسرمحرر را خبر بدهند که من درفلان جا بودم وحال درفلان جا میروم اخبار مرا درانجا بفرستید . هرگاه همچنین یك رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، ویا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود برسرهر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود . اعلانیکه درپی ورق وقایه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریك ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرکه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تایك سال نشر کردن خواهد ووجه یك ساله را پیشکی ادا نماید درورق پشتی برسر سطری سنار اجرت گرفته میشود

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
با مصارف داک ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مصارف داک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یکعباسی است
(اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود)

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

مدیر وسر محرر
محمود طرزی

اداره خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه به اداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ ۱۵ ذیقعده سنه ۱۳۳۲　　تاریخ انگریزی ۶ اکتوبر　　تاریخ شمسی ۱۳ میزان ۱۲۹۳

افغانستان

واهمیت موقعیه وسیاسیهٔ آن

مابعد از شمارهٔ ۲

دوستی واتفاق که دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما افغانستان بادولت معظمهٔ انگلیس دارد صمیمیت وجدیت آن مانند عهدهای دوستی وپیمانهای اتفاق ذاتی دیگران نیست؛ زیرا درسیاست وپولیتیک افغانستان درزیر کاسه نیم کاسه‌ها، ودرزیر پرده پرده‌ها گنجایش دخول را ندارد. صاف ساده، وبه‌اصطلاح خودما؛ (افغانی) یک پولیتیکست. لهذا دولت دوست ومتفق افغانستان یعنی انگلیس ازین یک مطمئن وخاطر جمع شده میتوانند که درهروقت وهرلحظهٔ کهدولت روس خیال تجاوز را بهندستان از راه افغانستان، یااز کنار ملک افغانستان مصمم کند. همانَدم افغانستان را باهمه قوت وهستی‌اش، سدراه ممانعت خود خواهد یافت. درعین زمان افغانستان نیز بکمال آسودگی مطمئن است که اگر دولت روس چشم زخم خیالی را درحق او تصور بکنداند همانلحظه دولت دوست ومتفق خود انگلیس را باهمه قوت وهیئتش بمعاونت ومددکاریٔ خود حاضر وآماده خواهد دید. چنانچه این مدعارا بیکدو فقره سوال وجواب ذات اعلیحضرت خاقان مغفور جنت مکین اعلیحضرت ضیاءالملة والدین، وجناب لارد دوفرن وایسرای اسبق هندستان اثبات مینمائیم:

اعلیحضرت — درباب حملهٔ روسی بخاک افغانستان، واین پیشقدمیٔ که حال برسر حدات هرات کرده ولشکرما باشکراو مقابل شده اند، ازقرار اقرارنامهٔ که دولت بهیهٔ انگلیس بماداده ودر نزدما موجود است ذمه‌دار دفع آن میباشند. پس دراینوقت آنچه تدبیر اندیشیده اند؟

وایسرای — جمیع دولت وملت مالماده ومستعد اند که درحملهٔ روسی برخاک افغانستان، محاربات سخت وشدید دربرو بحر بااو میکنند. ونیز دول دیگر از هرطرف گریبان گیر او خواهند بود.

ازین فقرهٔ مافوق بخوبی واضح میشود که اتفاق ویکانگی دولتین افغانستان وانگلستان برضد دولت روس تاچه درجه شدت وحدت را حائز میباشد. دولت بهیهٔ انگلیس باهمهٔ هستی دولت وملت خود بمدافعهٔ دشمن خاک افغانستان اکتفا نمیکند، بلکه معاونت وگیرودار دیگر دولهارانیز درآنراه باو وعده میدهد. این است که به اینـدرجه صمیمیت‌ها به استجلاب دوستیٔ صمیمیٔ دولت افغانستان موفق آمده اند. و دولت افغانستان نیز درصمیمیت دوستی، ودرستی عهد وپیمان خود ثابت قدم است.

این دوستی واتفاق اگرچه دیگر سببهائی داشته باشد ولی سبب اهم ویگانهٔ ظاهر وباهر آن همانا تضاد منافع اقتصادی وسیاسیٔ اسیائی روس وانگلیس میباشد. روس، یک سطوت وقوت بزرگی را درآسیا مالک است. وازسه صدسال به اینطرف خیال پیش قدمی رابسوی هندستان درپیش گرفته، ودروسعت ملک وکثرت نفوذ واقتدار سیاسی واقتصادیٔ خود درآسیا روز بروز از سعی وکوشش بازنیامده ونخواهد امد. وهمان وصیت پتر کبیر را که به اخلاف خود برای گرفتن هندستان سفارش کرده هیچگاه فراموش نخواهند کرد. انگلیس، کهعروس نازنین مدعا — یعنی هندستان قیمتبهارا — درآغوش کشیده، این آز وهوس حریصانه، واین دست درازیٔ جرأتکارانهٔ آن رقیب دیرینهٔ خود را دائما ملاحظه وتعقیب کرده آمده است. ودرهرجا وهربار نفوذ درازشدهٔ

ارتکاب داده ویلهای اورا ازرفتار مانع آمده است . ولی آن رقیب دوسیرت ار هیچگاه از نیرنگ بازی وحیله پردازی غافل نمانده ونخواهد ماند . حتی بعضی را رأی براینست که همین محاربهٔ حاضره یراز نیرنگهای اوست که بعد از آنکه انگلیس راخوب میده وماندهٔ حرب سازد . باز خود را یک تمرین ویک نیرنگ از حرب واپس کشیده ، واصل مدعای خود پیشقدمی کند .

اگرچه این بلند آئی خیال وتصوریست ، ولی باز هم خارج امکان یک چیزی شمرده نمیشود . روس شایعاتی را که از حرب ژاپون داده دیگر هیچ چیزی تلافی کرده نمیتواند مگر بقبضه نمودن هندستان حالانکه برای نایل شدن باین کوهر مقصود در اول امیدها ومانده‌های ایران وافغانستانرا تسویه نمودن ایجاب میکرد واینهم میسر نمیشد مگر بهمین ائتلاف نحوست او صافیکه انعقاد پذیرفت . وچون امروزه روز قوتهای دماغیهٔ کهاز زمان (ویلیام پیت) تا (سالیسبری) هاو (گلادستون) ها یکدیگر خودرا استخلاف کرده آمده بودند موجود نبوده روسیه بسیار آسانی برین مقصد خود کامیاب آمده ائتلافنامه را بر انگلیس ها تصدیق کرانیدند . اگرچه از عدم تصدیق وتمرد افغانستان برآتش نیم پختهٔ روس آب سردی ریخت اما باز هم بسبب تصدیق ایران تا بسیار جاها کار رایش رده توانستند .

حالا اصل مسئلهٔ مهمهٔ که موضوع بحث ما را تشکیل میدهد اینست که آیا بعد از ائتلاف روس وانگلیس برای عهد وپیمان دوستی واتفاقیکه بوعد روس درین دولتین افغانستان وانگلستان منعقداست تاچه درجه اهمیت وقیمت باقیمانده باشد ؟ درینخصوص اگرچه ما راحق وصلاحیت سرد مطالعات وبیان محاکمات نیست ولی چون جریدهٔ ما بهیچ وجهی من الوجوه صفت رسمیت وپایهٔ رسمیت را ندارد چیزیکه مینویسیم محض از نقطهٔ نظر نامه‌نگاری مینویسیم . مع ذالک درینباب باز هم همهٔ تبادرات افکار خود را بنابر بعضی ملاحظات نمینویسیم . واین نانوشتن ما از این نیست که اخبار ما آزادی تحریری فکریه را مالک نیستند ، نی ! بسایهٔ معدلت پیرایهٔ ذات قدسیت صفات اعلیحضرت متبوع مقدس معظم ، وپادشاه محبوب القلوب مکرم خود جریدهٔ (سراج الاخبار افغانیه) برهمه حقوق شخصیهٔ خویش که عبارت از تحریرات اوست همهٔ آزادی کامله را حائز است . اما ازهم ، (والی اللبیب اشاره) گفته بر عتقد تفصیلات حرمقال میپائیم . ودعای خیر طول سعادتها وترقیهای دولت متبوعهٔ مقدسهٔ خود را ورد زبان صداقت نموده سخن را برین وادی دور میدهیم که درین زمان قدرت و فرصت که دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما مسلک بیطرفی را اعلان فرموده اند ملمات صادقهٔ افغان را لازم است که سکونت و اعتدال دم به انتظار نتیجهٔ انقلابات وتبدلات عظیمهٔ عالم سیری نمایم ببینیم که چه میشود ؟

هیچ شبهه نیست که دولت مقدسهٔ ما این فرصت را قیمت دانسته از تدارکات واستحضارات اسباب تکامل وترقی خطا چشم‌پوشی نخواهند فرمود . ترقی معارف عمومی و پیشرفت صنایع داخلی تنسیقات وتنظیمات امور عسکری ، وضع قوانین ونظامات ملکی ولشکری تحکیمات وترمیمات وتجهیزات استحکامات سرحدی ، سررشتهٔ امور نقلیه وباربرداری ، استفاده ازهمه ثروتهای طبیعی وغیره و غیره از وظایف مهمه ایست که درهمین فرصتها بدست می‌آید ، زیرا اگر برای انقطاف ثمره‌های ائتلافها بازفرصت بدست شان بیاید کار ازکار گذشته خواهد بود . انتها

حوادث داخلیه

[امتحان عسکری

در طرف این دو هفته در چمن حضوری ، ودر چمن نظامی امتحانات مهمهٔ عسکریه اجرا گردید . ذات شوکتسمات اعلیحضرت شهریار عسکر ورعیت پرور مقدس ما یک امتحان عمومی عساکر نصرت مآثر ملوکانهٔ شانرا اراده وفرمان فرمودند ، درهفتهٔ گذشته امتحان صنف پیادهٔ (قند اردلی) — یعنی عساکر خاصهٔ — همایونی درچمن حضوری اجرا گردید . ذات اعلیحضرت همایونی باهمهٔ شهزادگان عظام ومصاحبان ومردارن کرام بدرتنی برسمی عسکری درچمن شوکت پیرامن تشریف فرمای عزواجلال گردیدند . عساکر ظفر مآثر همایونی درزیرکمان اثری جناب سپه‌سالار محمد نادرخان بترتیب بسیار منتظمی صف آرائی نموده بودند تشریف موکب همایونی بسواری عرابهٔ موتر وقوع آمده بود بعد از آنکه از عرابهٔ موتر فرود آمدند درحالیکه شهزادگان عظام وبعض از مصاحبان خاص همرکاب ویند بسواری اسپ برهمهٔ صفوف عساکر مرور فرمودند .

ازطرف عموم عساکر شاهانه سلامی بزرگ ادا گردید ذات اعلیحضرت پادشاهی عساکر شاهانه را بالتفات ونوازشات همایونی مظهر سعادت فرموده دروسط چمن در زیر بیرقی بزرگی که مخصوص پادشاهیست عودت وتوقف فرمودند . اولا امتحان (شی مت) وبعدازان (مارچ مت) ، وبعدازان از (کین مت) اجرا گردید که هریک ازمت های مذکور ازچند رقم کار تفنگ ، وکار قدم را بکمال مهارت واتقان صنعت بحضور شوکتمعمور قوماندان مقدس اعظم ذات اعلیحضرت شاهانه ابراز نمودند . وباز همه منهبا عندیت شده (مارچ پاس !) — یعنی برسم تمجید دوبار از حضور همایونی گذشتند بار اول کینی پست وبار دوم مت پست گذشتند که این مارچ پاس برسم تمجید مت پست از مشکل‌ترین کار های امتحان مذکور شمرده میشد ، وعساکر شاهانه بکمال درستی آنرا اجرا کرده توانسته مظهر تقدیر شاهانه گردیدند . بعدازان ذات اعلیحضرت پادشاهی یک تقریر دلپذیری دریاب اهمیت نام عسکری وسعی وغیرت دراه وظیفه شناسی برعموم افسران نظامی بیان فرموده ، وازطرف حاضرین دعای سلامتی پادشاه وفتح وفیروزی عسکر وسپاه تذکار گردیده مراسم امتحان بانجام رسید وذات اعلیحضرت پادشاهی بسواری عرابهٔ موتر با همرکابان حضور بقصر شاهانه عودت فرمودند .

درین هفته درچمن اطاس امتحان عساکر طوبچی و بطاریه های طوپ گرفته شد که انشاءالله درشمارهٔ آینده ازتفصیلات آن بابعضی لوحه‌ های تصاویر آن تزیین صحایف اخبار خواهیم نمود ازدرگاه خالق متعال جل‌وعلی ترقی روز افزون دولت متبوعهٔ مقدسه ، وظفر و نصرت عساکر ظفر مآثر شاهانه را درزیر ظل ظلیل عواطف دلیل پادشاه محبوب القلوب مقدس خود مان نیاز واسترحام میکنیم .

عیناً مکتوب

مورخهٔ شنبه ۲۲ رمضان المبارك ۱۳۳۲ .

جناب مستطاب فاضل معظم وذی کمال محترم مدیر روشن ضمیر سراج الاخبار مبارك افغانیه را السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته ، ودام اشفاقه — **اکنون که جناب محترم** شبهایلیل ونهار زحمت ازحدافزون را بخود گوارا نموده‌اید ، ودر پی ترقی وتعالی دولت وملت اسلامیهٔ خود بکمال خلوص نیت عزم بالجزم داشته جویان می باشید ، بنده جناب ادیب شمارا مژده میرسانم وبشارت میدهم که در ماه صفرالمظفر سنه گذشته اودی‌ئیل ازطریق جگی بمعیت جناب مستطاب‌ناظم صاحب حضور حاکم کلان سمت جنوبی درخوست میرفتم ودر خوست که وارد شدم یکدانه سنك ازرقم الماس نماء بسیار شفاف درنزد یکنفر بهنظر بیچاره‌ء برخورد معاینه کرده جویا شدم ، چنان استنباط گردید که درحدود جگی دستیاب کرده بود ، بعد به‌بنده عرض آن جدوجهد کرده ازبرای ملافضل‌الدین نام ساکن جاجی وملك محمدشاه خان ساکن حصارك جگی که از اشناء وشناخته گان بنده بودند بجهة شان ارقام داشتم وتاکید نوشته بودم که بهر صورت میشود همین رقم سنك را برای بنده دستیاب کرده بذریعهٔ داك ویاملازم خود درخوست ارسال دارید همان بود که هردونفرمذکوران ازرقم حجرمذکور چندانه میده قسم شکیده ویکعدد سنك که بقدر سه پوخمیناً میشد ازحصارك جگی دستیاب کرده ارسال نمودند ، زمانیکه اصل حجرمذکور راملاحظه نمودم قسم سنك سماق مرمرسفید که درروی آن ازقسم بلور بسیار اعلی ودرجوف حجر مذکور که شکستانده شود ازقسم الماس نماء بسیار شفاف خارج میشود ، ومعدن مذکور را قابل مفتوح دانسته تاریخ یوم چهارشنبه ۱۲ رمضان المبارك بحضور فیض ظهور مبارك جناب نجابت وسعادت مآب حضرت شهزاده جوان بخت معظم وحضرت عالی متعالی افخم (معین السلطنه) صاحب دام اقباله وطول عمره تقدیم نمودم وحضرت عالی مکرم بکمال مرحمت منظور نظر عاطفت ظهور مبارك خویش فرمودند وحجرهای مذکور را بحویل عالیجاه شیر جانخان مرحمت نمودند وزبانی امرواجازه عنایت کردند که انشاءالله تعالی یك کان شناس درست مقرر کرده فرستاده میشود — بنابران بندهٔ بیچاره بجناب معارف خواه شما مطلع نموده تحریر نمودم که تاجناب ترقی‌خواه شما مسرور گردیده رقیمه ناچیزهٔ هذارا داخل سراج‌الاخبار فواید نثار افغانیه نموده که تمامیه برادران دین واهل وطن مقدس عزیزما که دراطراف واکناف وطن مالوف خویش به امورات مختلف مامور وموظف میباشند یادآوری شان گردیده حتی المقدور بقدر قوهٔ بشریه خودها مهربانی کرده تجسس وتفحص نمایند بلکه خداوند عالم جل سبحانه یك وسیله خیر سازد که برای دولت وملت اسلامیه مایك نتیجهٔ استفادهٔ ترقی بعمل ورودی کار آید.....

ثانی اززبان حضرت قبله گاه صاحبم که درسنه لوی‌ئیل ماضی سررشته‌دار هزاره جات وارزگان بود اظهار میدارد که بینی درارزگان معدن توانگر (سرب) نیز موجود است و درآن هنگام افتتاح گردیده بود — حالا نمیدانم که حاصل آن‌باید بدولت اسلامیه میشود یاخیر ؟ ای غمخوار ملت اسلام بنده بعقل قاصری خویش میپندارم که بزرك ترین معدنیات دنیاء درمملکت مقدسهٔ عزیزما امکان پذیر خواهد بود ، زیرا دراکثر جبالات اوطان مقدس ماهر قسم سنك وخاك بانواع گون اسود واصفر وابیض ، واحمر وآبهای‌هررقم خوش طعم — بوقلمون وآب تلخ وبکه وشور ووز نحن تجربه عجیبه غریبه غریبه آب‌ها موجود است مگرتجربه وزحمت میخواهد که انسان در ماهیت آن عارف گردد . حالا ازین نوشتهٔ ناچیزه یك‌چیزی وارد خاطر من بیچاره گردیده مجبورم که‌خلاصه بنگارم . آیا اهالی اروپا که درابتدا اهل معدن شناسی را عارف نبودند ودرثانی معارف حاصل کردند آیاخود سربدون تجربه حاصل کرده باشند یااز روی تجربه استخراج این چنین اسرار را کرده باشند ؟ هرکه ازروی تجربه استنباط معدنیات را کرده باشند بفکر قاصری بنده — تجربه اشکال نخواهد داشت وهرکه بدون تجربه بوجود آمده باشد فن ، وعقل از مستحیلات شمرده میشود ؟ زیاده ازحضرت حق جل‌وعلا سلامتی وجود ذی‌جود ذات بابرکات قدسیت صفات پدر حقیق وترقی خواه حقیقی ما اعلیحضرت (سراج‌الملة والدین) معه دودمان شاهی مبارکشان رابخشوع وخضوع نیاز وتضرع دارم که تاسالهای بیشمار سایهٔ همایهٔ پادشاه عدالت‌مدار خسرو خدیو نامدارما را کم وکوتاه نگرداند . وجناب ادیب لبیب مارا نیز صحت باعافیت نصیب داراد که تاسالهای درازدروظیفهٔ فریضهٔ خویش که‌مدعاء ازایقاظ ملت وترقی دولت باسعادت اسلامیه است بکمال مسرت اجرا دارند والسلام کب‌: نجم‌الدین .

(مکتوب از کوتوالی دارالسلطنهٔ کابل)

عالیجاه عزت همراه اخوی محبت بنیان محمود بیك خان مدیر وسرمحرر سراج‌الاخبار رامعروض میخواهم درلیل‌دوم ماه شوال‌المکرم حال عمل دوازده بجه ازطرف مطبخ دیوان جواهر سنك همسایه

دیوان بهکوانداس برادر دولت بسه دیوان تولجنداس سردفتر وجوهات وعین المال آتش بلند شده شعله آتش مذکور بخانه مهتای بهکوانداس مذکور رسیده درانجا قدری باروت وکارطوس بوده آتش گرفته وآتش مذکور بدیگر خانه های او سرایت کرده چون اجزای کلی خانه های اهل هنود ازچوب اسپه ومتصل بهمدیگر میباشند دفعتاً شراره کرده این فدوی دولت باتفاق ایلبان خود وبرگه صاحب غند کوتوال وکرنیل ها وکپدان های غند مذکور ونفری مفرزه صفائی بایبه ها ونفری سپاهی ها درهمان وقت خبرشده درموضع مذکور رفته متوجه خاموش شدن آتش مذکور شدیم — درهمین ضمن عالیجاه محمد انورخان قندهاری کپدان نفری سفرمینا که ازواقعهٔ مذکور خبرشده بود نیز بانفری خودرسیده وبحسن اخلاص وصداقت باتفاق نفری مذکور ازچهار طرف خانه مذکور را بریده وآب زیاد رسانیدند چیزی آتش بذریعه آب وچیزی بواسطهٔ خاک منطفی ومرحمت حضرت ایزدی وبیمن اقبال خورشید مثال اعلیحضرت شهریاری بعمل چهارنیم صبح خاموش گردید درحقیقت باعث خاموشی آن مرحمت خداوندی بود والاخانه مذکور که دربین خانه ها بود خاموش نمودن آتش آن عقل ازامکان بیرون بود والحمدلله والمنه بدیگر نفری اهل هنود که مطیع وزیر سایه همایهٔ اسلام میباشند ضرر وآسیبی نرسیده بدون اینکه سنج های بام هشت خانه دور آن را بریده وبا آتش مذکور انداخته بودیم ازقراریکه ازدفتر صفائی برآورده شده قیمت خانه مذکور که کامل سوخته چهارهزاروچهارصدوبیست وهشت روپیه بخته میباشد وازقراریکه ازخود صاحب خانه برآورده شد اسباب فرش وظروف وزیور عیالانه وغیره مال آن که سوخته تخمیناً مبلغ سی وچهار هزاروهشت صدوسی روپیه بخته میباشد احوالات سوختگی خانه بهکوانداس مذکور قرار فوق مفصلاً برای آن اخوی محبت بنیان مرقوم گردید فقط باقی والسلام مورخه یوم مذکور سنه ۱۳۳۲ دستخط امین العسس .

واقعه نگار دایزنگی مینویسد

قاسم نام دهقان درموضع دایزنگی ملک داری داشت — خرس درهرلیل آمده گندم اورا میخورده چونکه قاسم مذکور بزراعت خود نظر کرده دل مذکور بدرد آمده درشب رفیق خودرا واقف نموده که باهم شب که زراعت را نگهبانی میداریم همان بود که قاسم مذکور از شریک خود پیش شده رفته وشریک مذکور از عقب بوده دربالای زراعت که رسیده خرس ازین زراعت بیرون شده همین قاسم ازعقب مذکور درکوه رفته باخرس روبرو شده قاسم مذکور را ازکوه غلطانیده درپایان کوه افتاده استخوان مذکور خوردخورد شده بعد که رفیق مذکور آمده اوراتجسس کرده مرده اورا ازپایان کوه پیدا کرده دفن نموده اند ۱۶ شوال المکرم سنه ۱۳۳۲ دستخط محمدشفیع واقعه نگار دایزنگی صحیح است

واقعهٔ برق

ازدفتر مبارکهٔ جناب مستطاب افخمی

محمدشکورخان فوجدار قریه گکان وپارخط فرستاده که درقریهٔ مذکور صاعقه وباران آغاز نموده بوقت ۲ ازظهر بدوجا برق افتاده یکی بکنار دریك فیض الدین نام که قریب آن بود از آثار برق مذکور فوت شده تاوقتیکه آن سیاه وسوخته گی پیدا کرده بود دوم درقریه گکان وصبیه محمدکرم را آثار آن رسیده طفل فیض الدین نام سوخته وسیاه شده فوت شدند لیکن برق از سر مذکوره گذشته هردونفر مذکور حرف زده نتوانستند

(واقعه نگار میمنه مینویسد)

در محال میمنه در علاقه قیصار در قشلاق خواجه کند وار ۲۲ شهرشعبان المعظم تا ۱۳ شهر رمضان المبارك دربین مردم قشلاق مذکور امراض مختلف پیداشده امراض مذکور روز اول برای هر آدم تب و سردردی پیدا میشده روز دوم وسیم ازشکم آب وازدماغ چشم خون دماغ خون جاری میشد وخون مذکور هم استاده نمیشد در وسیم مذکور بیماران آن جان بحق تسلیم میکردند ونفری مذکور که فوت شده ازمرد وزن وپسر ودختر موازی بیست وهشت نفر میباشد ومرض مذکور ازتاریخ ۲۲ شهر شعبان المعظم تا به ۱۳ شهر رمضان المبارك بود بعد ازتاریخ مذکور بکلی قطع شد حال بفضل خداوند خیریت است فقط تحریر یوم شنبه ۲۹ شهر رمضان المبارك سنه ۱۳۳۲ محمدرحیم واقعه نگار میمنه

واقعه نگار هرات مینویسد

گردباد مدهش

شهریار بانزواقعه نگار هرات ازیك واقعه مدهشه یك گردباد بسیار عجیبی خبرمیدهد که باور کردن آن یکقدری مشکل میباشد . ولی چون آفت سماوی گردباد بسیار واقعه های مدهشتر ازین روی کار آورده ومی آورد چیزی بعیدالاحتمال نمی نماید زیرا گردباد چنان آفت مدهشی است که قوت دایرهٔ دورمرکزی آن گاهی شده است که کشتی های بخاری آهنین وزنکرا ازدریا برداشته بقدرنیم میل مسافه در خشکی انداخته است .

واقعه نگار مذکور مینویسد که در موضع (شهدان) علاقهٔ (فراه رود) یك خیل ازمال داران طایفهٔ اسحاق زائی در یك شبهٔ فرو آمده سیاه خیمه های خودشانرا نصب نموده بودند در وقت خفتن شب یك گردباد شدیدی پیداشد قوهٔ مرکزیهٔ گردباد در خیل سیاه خانهٔ مذکور تصادف کرده مال ومواشی وخیمه وانسانرا جملهٔ بهوا کرده است . حتی صدای چوچهٔ شتررا دریك دهی که ازانجا بسیار دور بوده بعضی اشخاص ازروی هواشنیده اند . روزدیگر که باد آرام شده بود بعضی چوپانهای دیگر خیلها درمیان تپه‌ها و کندها وپشته‌ها بعضی جسدهای انسان وحیوانرا یافته اند . ویکی ازچوپانها حکایت میکند که دریك شبهٔ صدای نالش یك شخصی را

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 873 of 1786

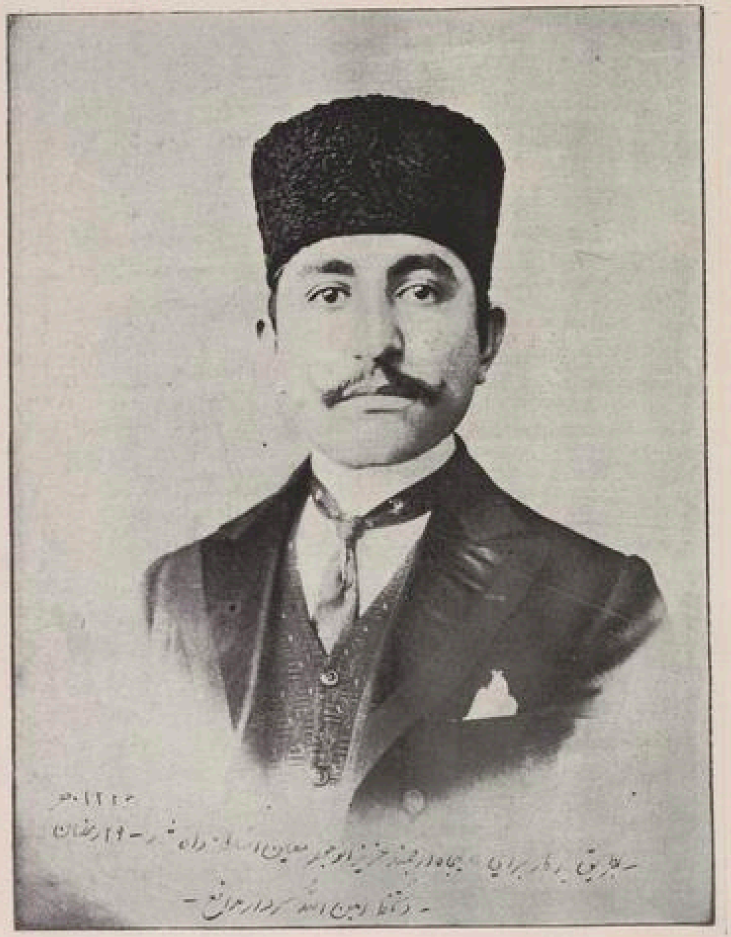

﴿ برادر ذات اعلیحضرت همایونی ﴾

(جناب مستطاب سردار امین الله خان سردار مدافع)

بوم گرافی عکسخانهٔ مذکور زنکوگرافی یارمحمد وسید ابوبکر

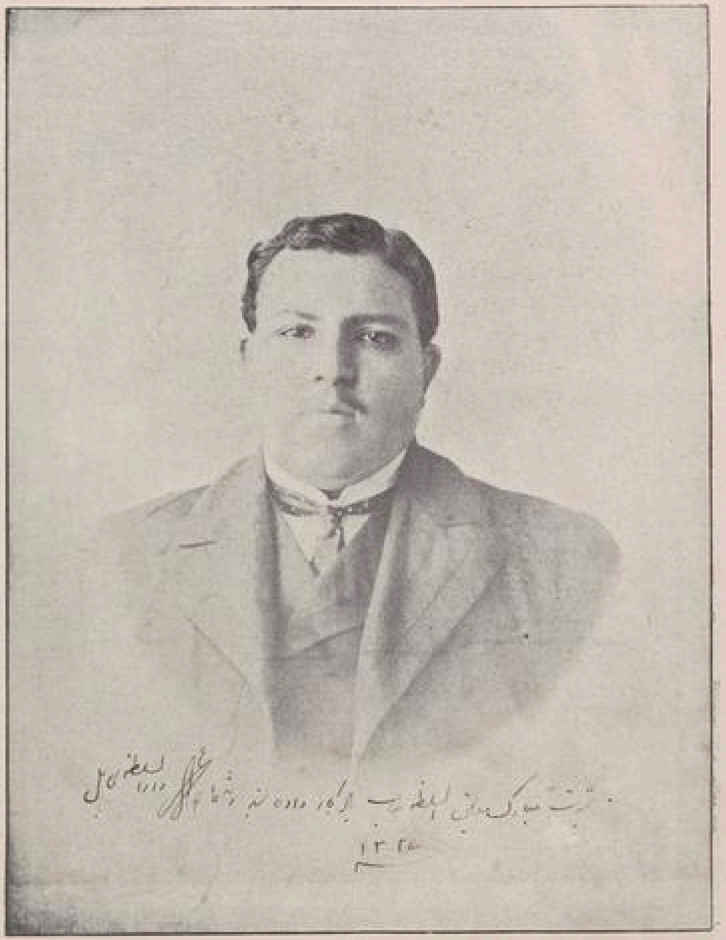

﴿ برادر ذات اعلیحضرت همایونی ﴾

(جناب مستطاب سردار محمد عمر خان سردار صاحب)

فوتوگراف عکسخانهٔ حضور فوتوگراف یار محمد ولد ابوبکر

شنیده چون نزدیکتر شدیم یك آدم مرده دیدیم که دست و پایش شکسته بحالت نزع برو افتاده است باامداد آن شتافته و یکقدری آب بحلقش چکانیدیم از احوالش پرسیده او گفت که ما یك خیل بودیم که ما مالداری و مواشی خود در موضع شهدان فرو آمده بودیم وقت شب گرد باد مهیبی پیدا شده همه خیل ما را بهوا کرد این است که من در همین جا افتاده‌ام و از دیگران خبر ندارم .

این خبر چون بجناب نائب الحکومه صاحب رسید همان دم بعضی مامورین را برای تحقیق کیفیت در موضع مذکور و جواران فرستادند . انشاءالله نتیجهٔ تحقیقات را در ثانی خواهیم نوشت .

محتکران ، و نائب سالار هرات

نیز واقعه نگار مذکور مینویسد که چندیست محتکرهای خدانا ترس بازار قیمت گندم و روغن و گوشت و دیگر چیزها را گران کرده‌اند و بهاین سبب عساکر شاهانه را زحمت و عسرت پیش آمده است . جناب نائب سالار محمد نعیم خان کلانترهای بازار را طلب کرده در باب گرانئ قیمت ارزاق تحقیقات و تفتیشات لازمه را اجرا نمودند . ولی چون بعد از تحقیق معلوم شد که هیچ یك سببی که موجب گرانی باشد پدیدار نیست حکماً تنزیل قیمت ارزاق را بحد معین آن بر کلانتران امر نمود . حاجی ابراهیم نام شخصیکه کلانتر روغن فروشانست مبلغ ۵ هزار روپیه کابلی را در یك دستمال بسته بواسطهٔ یکی از ملازمان نائب سالار بصیغهٔ رشوت پیش میکند که از ین حکم صرف نظر نماید . نائب سالار مبلغ مذکور را نگهداشته همهٔ کلانتران و خود حاجی ابراهیم را در پیش خود میخواهد ، و آنهارا خطاب کرده میگوید : — « شما ها خیال کنان افسرهای سابق نکنید که من بنابر مدعای نفسی خود بازخواست میکنم . مدعای من آرامئ سپاه و رعیت پادشاه است . » بعد از ان مبلغ مذکور را پس به آنها اعاده کرده حکم را زیاده‌تر تشدید کرده است .

[(سراج الاخبار افغانیه) — آفرین نائب سالار صاحب] ایکاش دیگران را نیز یك سرمشق عبرتی بشود !

﴿ سیلاب ﴾

واقعه نگار مقر مینویسد

در تاریخ یوم پنجشنبه ۲۴ ماه شوال المکرم بعد از نماز صبح پیش از بر آمدن آفتاب آسمان صاف و روشن مردم بوظیفه و اوراد خودها آرام نشسته بودند که ناگهان از طرف رود کندلان که سرحد رود مذکور درهٔ تنگی علاقه جاغوری هزاره جات میباشد یك صدای غرش پروحشت و گرد سیاه پیدا شد که کل مردم قریب رود مذکور در بامها و بلندیها بالا شدند که آیا این صدای پروحشت و این گرد سیاه در این آسمان صاف و روشن چه خواهد بود و چونکه از قریب دو کرو راه دور صدا و گرد می آمد که قریب رسید دیده شد سیلاب عظیم است از قرار گفته مردم ریش سفید های مذکور که درین سالها و زمانهای گذشته این طور سیلاب عظیم ندیده بودیم — و صدها درخت سبز همرای ریشه و شاخ و صدها چوب تیر خشك و مارهای کلان و خورد و ماهی‌های کلان و خورد مرده بسیار و گوسفندان و گاوان مرده را پیش رو کرده سیلاب مذکور رسید و آب مذکور در رود کندلان جائیکه پل سرك پادشاهی که رود مذکور بود از بیخ برداشته برد و آب مذکور در زمین و کاریزها چه شد تمامی مردم که قریب رود مذکور بودند کلامهای شریف را بدست ها گرفته بودند یك کاریز قلعه رحائی که قریب محکمه بود از سنك و خشت پر کرد و یکنفر دختر ده ساله را برد که در ثانی مرده دختر مذکوره را از زمین ها پیدا کردند و درخت های سبز و تیرهای خشك بسیاری را مردم مقر کشیدند و در بعضی کاریزها که آب در آمده نقصان رسانیده کیفیت همین بود که بخدمت صاحب عرض شد که این طور عجایب سیلاب در مقر کسی ندیده است فقط تحریر یوم شنبه ۲۴ ماه شوال المکرم سنه ۱۳۳۲

(واقعه نگار خاد)

از دفتر جناب ایشك آقاسی ملکی به اداره رسیده

واقعه نگار سیغان و کهمرد و بامیان دو فقره معروض داشته است اول اینکه در محل کهمرد مرض زرد تب واقع گردیده که هر شخص دو سه روز بشدت تب مذکور گرفتار بوده بعد فوت می‌شود ـــ در هر روز دو سه نفر بهمین مرض فوت میکنند فقط فقره دوم در لیل سه شنبه ۱۸ ماه رمضان المبارك در بامیان الجنان سرما شدت کرده که در ۱ گز سرهای کوه و دره برف باریده که الی دوبجه روز مذکور برف مذکور بوده بعد آب گردیده و در بعضی موضع بذر شرشف را سرما خراب کرده است فقط تحریر فی ۶ ماه شوال المکرم سنه ۱۳۳۲

ادبیات

بسم الله الرحمن الرحیم

مخمس قصیدهٔ فضایل همراه ملا طوطی کابلی که در اخبار بشارت و فرحت آثار سراجیه ماه مبارك رمضان مندرج بود چون قصیدهٔ مذکور پسندیده‌گی و دلربائی داشت بنا بر ان کمترین مسلمانان عبدالرحیم محرر دفتر محال جلال آباد پسر میرزا عبدالغفور مرحوم میرزا ایلی سرخ رودی جواهر آبدار ابیات مذکور را در رشتهٔ مخمس کشیده از جناب مجمع الکمالات منبع الفیوضات محمود خان طرزی سر مدیر اخبارات سراجیه توقع اینکه این مخمس را در اخبار آینده درج نماید که موجب فرحت و افتخار برادران دین مبین و ملت بی‌علت ما گردد انشاءالله تعالی

اینچه اخباریست یارب کامدر ایوان رسید
گر اشاراتش بشارتها بان و آن رسید
یا زلال زندگی ازچشمهٔ حیوان رسید
آفتاب اوج ثریا کوکب افغان رسید
یا فروغ عرش و کرسی یا چراغ جان رسید
نثر سردار مدیر و نظم طوطی درنظر

می نماید فی المثل ماهم چو شیر و چون شکر
آن بمعنی پرسرور و این بصورت پرثمر ●
بلکه تنزاو چو لعل و قلزاین همچون گهر
هردو تا پیچیده باهم دریکی اعلان رسید
ماه صوم است این ندانم یامهٔ کیهان عرش
کش فرود افکنده برما حضرت سلطان عرش
برشد از نورش زمین تاطارم ارکان عرش
مشرقستان ریاضت یا طلوعستان عرش
کوکبستان شرف بامشعل ایمان رسید
چون شب قدر طلب یاچون صفای روی حور
پایان لیل مقصد یاچو صبح پرسرور
یاطلوع شمس رحمت یاتجلیهای طور
یا فروغستان فضل و یا بهارستان نور
یاشعاع لامکان درعرصهٔ امکان رسید
شکر این نعمت کجا آید زدست بندگان
زانکه هست این نعمت عظمی زشاه لامکان
باز گردد اندرین شبها همه باب جنان
صحبت روحیان وخصلت کروبیان
سیرت قدوسیان درصورت انسان رسید
گوش دل بکشای و بشنو لطف رب العالمین
کاندرین دم فخر دارد برفلک صحن زمین
زانکه این نعمت ندارد اهل افلاک برین
نکهت اثمار طوبی یاشمیم حور عین
باگل گلزار عفو از گلشن رحمن رسید
قدرت یزدان ببین و رحمتش را کن نگاه
کز کرم یکجو نماند روزه‌دارارا گناه
روز و شب تسبیح گوی و بلکه هرشام و بگاه
یعنی ماه روزه آمد باهزاران عز و جاه
مژده ازفرقان اعظم مدح ازسبحان رسید
از وفور رحمت دادار پاک کبریا
بس که هست این روزها ماتم‌زدای جانفزا
خوشتر ازصد جان بود درنزد ارباب صفا
یامهٔ عشرت فزا یاکوکب برج وفا
یانگار خوش لقا بارفعت وجولان رسید
اندرین ماه مبارک جرمنی باقوم روس
درجدال افتاده ازشوق زر و ذوق فلوس
برمسلمانان بود این ماه نو چون نوعروس
آسمانش پایگاه و آفتابش پای بوس
هرکه ماه روزه‌دارد درصف خاصان رسید
فاسق و نادان چه داند قدر ماه روزه را
متقی داند طریق رسم و راه روزه را
کس ندارد طاقت بارگناه روزه را
هرکه او بی امر شرعی خورد ماه روزه را
نزد حق مردود گشت و درصف شیطان رسید
گشته صحن آسمانها جنت پیراسته
حوریان اندر طرب از هر طرف برخاسته
اروای شان چو طبع نازک من کاسته
ذروه هاى عرش باسدها علم آراسته
دور ماه روزه بهر مغفرت خواهان رسید
بسته دارای بوالهوس دروی زبدگوئی زبان
تانگردد روزه‌اش مستوجب نقص زیان
ازخدا نازل شد است این تحفهٔ نغز گران
باهمه چندین تجمل خوشتر ازصد جسم و جان
لیلی ملک عرب یایوسف کنعان رسید
میرسد اینکم بگوش مردوزن افغان عدل
کز سراج دین و ملت گشت روشن جان عدل
باد یارب اینچنینش دبدبه دوران عدل
سعی بنیاد ظلم وحامی ارکان عدل
حاتم ارباب فقر آن دجلهٔ احسان رسید
تاج صد کاوس وکی اندر رهش باداچو خاک

وقت نام اقدسش صدگیو و گودرز و هلاک
صدهزاران همچومن ازعشق رویش سینه‌چاک
داور اسلامیان سلطان حبیب‌الله پاک
آنکه صیت عدل او تاچین و خاقان رسید
بس که هست این خدیو عادل خود ساخته

قدر ماه روزه را ازجان و دل بشناخته
زان جهت شبدیز عشقش درجگرها تاخته

باز برطرف چمن شد صحن عشرت ساخته
وقت جود و طاعت شاهنشهٔ افغان رسید
هست ذات او سراج الملة و دین درلقب
باهمه علم و عمل با یکجهان حلم و ادب
ازطریق بندگی آمد بپاس حکم رب
بهر تسبیح و تراویح وقیام نیم شب
چون ملکها ازبهر ختم خواندن قرآن رسید
باد یارب اینچنین پیوسته کار و بار او

هم فروغ روی خوب و پرتو دیدار او
باحبیب اللهوش یکسان بود کردار او
خرمی و خولوسلت و دهن کو کند انکار او
زانکه نور خلق او تا طارم کیوان رسید .
ازخدا خواهم که باشد تخت و بختش برقرار
تا بود دوران انجم تا که باشد روزگار

باقسامی فوج عسکرکان نیاید در شمار
بشکند سد سکندر لشکرش یاجوج وار
گرسوی شان نشه ایدی یکلرمان رسید
هرشب ازبعد تراویح خنجرهای برنج
فرنی و آچارها باوده و قوا که هم
نیست یك نعمت که آنجابوده باشد منعدم
ازبرای اکل و شرب افغان ترکان عجم
همچو مور ازهرطرف برگرد دسترخوان رسید
از کرم هرامتی را بس که ارزان ساخته
خوان دعوت را بهر محفل پریشان ساخته
صد چو حاتم را بهر معموره مهمان ساخته
جمع عید و محفل را چراغان ساخته
همچو موران هوا ازسوبسو انسان رسید
از سر پیان گذشتن نیست شرط نام و ننگ
ورنه هریکدم برآرد شیون قوم فرنگ
هیچ سلطانی جواو نگذشته تا یور لنگ
وما گر این شاهان شوکت دهد فرمان جنگ
دردمی بینی که چون مور و ملخ افغان رسید
باهمه شهزادگان و باهمه چندین غلام
باقسامی شوکت و سامان و افواج نظام
باهمه شاغاسیان و جمله کل خیل خدام
کوکبش تابنده باد و دولتش بادا مدام
تا که عقل کس بدرك آسمان نتوان رسید
گرچه من افتاده‌ام دور ازجناب انورش
غایبا گردیده‌ام بی‌سرو بی‌زر جا کرش
ازرجبی این کهر قربان تاج و افسرش
طوطی اندر گلشن کابل دعا گوی درش
این سخن برهرکس و بزم مرزبانان رسید
هرقدر من خسته دل اندر نوا چون بلبلم
باوجود آن مرید طوطیان کابلم
وز شراب ناله شان همچو جام پرملم
حالیا ازشوق شان چون شیشه اندر قلقلم
زانکه در گوشم فغان طوطی افغان رسید
ازچنان اخبار خوش کامدزماه روز دوش
رفت ازمضمون او ازمن قرار و صبر و هوش
نیست همدردی که بامن سرکند یکدم خروش
خود بخود ویك خیالم آمده اینگه بجوش
تا که اخباری چنان درملك مرزبان رسید
ازعنایات خدا آن پادشاه ذوالجلال
کوست سلطان قدم کشور قدیم لایزال
یکهزارو سیصدو سی و دو تاریخ حال
کین مخمس دلربائی یافت این قیل و قال
هرسخن درخاطره از لطف او آسان رسید

❊ غزل افغانی بحذف حروف افغانی ❊

شکر شکر باغ مو خپل باغبان مو خپل دی
گل مو خپل بهار مو خپل بستان مو خپل دی
سرو خپله بلبل خپل چمن مو خپل دی
لاله خپل ارغوان خپل داامان مو خپل دی
نشاه خپله خمار خپل پیاله مو خپله
بزم خپل ساقی مو خپل دوران مو خپل دی
کلی خپل بازار مو خپل وطن مو خپل دی
زمکه خپل رود مو خپل دهقان مو خپل دی
شه مو خپل گدا مو خپل قاضی مو خپل دی
سپه خپل رعیت خپل دیوان مو خپل دی
غل مو خپل قاتل مو خپل مقتول مو خپل دی
محبس خپل مفتی مو خپل زندان مو خپل دی
پردی اسنه کرد خپل پوشکری وکی
ملك خپل امیر مو خپل سلطان مو خپل دی
شکر شکر بیگانه په میان کی نشته
مدیر خپل اخبار مو خپل دوران مو خپل دی
عجب عصر دی (افغان) نظر وکه
تره خپله قلم خپل بیان مو خپل دی
(جمعه نولسمه دکبی اختر سنه ۱۳۳۲)
(س — م)

حوادث خارجیه

(تاریخ حرب)

این جنك عمومی اول چسان آغاز نهاد؟

معلوم است که اول شرارهٔ حرب ازصرب برجهید وبخرمن اوستریا زده در داد، ازانجا بروس، وازروس بجرمن، وازجرمن بفرانس وازفرانس ببلژیك وازبلژیك بانگلیس سرایت کرده مانند درخت آتش بازی سرتاپا شعله ور گردید امانچه شعله؟ شعله‌های سرخ خون آلود!

لهذامیخواهیم که قارئین سراج‌الاخبار افغانیه را ازوقوعات حربیه سلسله وار آگاه بسازیم. وقوعات یومیهٔ جدیده هاالست کهازترجمهٔ اخبارهای انگریزی نوشته میشود، واین سلسلهٔ تاریخهٔ حربیه‌را ازدیگر ذرایعی که خود بدست آورده ترجمه میکنیم در نظر قارئین کرام خود درهر نمبره عرضه میداریم تادر اخرها تاریخ حرب مکمل این جنك بوجود آید: §

شرارهٔ نخستین چسان برجهید؟

شررهٔ اول این حرب، یك آدم بود که نامش (غاریلوویچ) وازملت صرب بود. این (غاریلوویچ) یك جمعیت بروپاگاند

والاهای صرب منسوب بود که قتل ولیعهد اوستریا اردمه کرفته ازخاك صربستان به (بوسنه وهرسك) — یعنی بوسنیاهرزکوین — آمده بود، وچنانچه معلوم است بضرب کلولهٔ طپانچه ولیعهد اوستریا وزوجه اش را درسرایه بقتل رسانید. بنابرین دولت اوستریا مجارستان بحکومت صربیه یك (نوت) پیش کرد. وبرای جواب آن ۴۸ ساعت مهلت داد که اکر دراینقدر مدت شرایط نوت مذکوررا صربیه قبول نکند هرچه که ببیند ازخود خواهدید. نوت مذکور چون همهٔ احوالات وواقعات مابین این دودول را واضح میسازد عیناً ترجمهٔ آنرا لازم دانستیم:

— § —

(نوت)

وینه ۲۳ جولای سنه ۱۹۱٤

«حکومت اوستریا مجارستان مجبوریت حس کرده است که درروز پنجشنبه ۲۳ ماه مذکور بواسطهٔ سفیرخود که در (بلغراد) دارد بحکومت صربستان (نوت) ذیل را تقدیم کند.

«بتاریخ ۳۱ مارچ سنه ۱۹۰۹ سفیر صربستان که در وینه بود بامر حکومت متبوعهٔ خود، بحکومت آوستریا مجارستان ازقرار ذیل چنین بیان کرده بود:

(ازامر واقعیکه در بوسنه هرسك بوقوع آمده است (۱) اکرچه حقوق حکومت صربستان دوچار خلل نشده است، بازهم بمقررات فقرهٔ ۲۳م معاهدهٔ برلین وصایای دول معظمه پیروی میکند، وازتیر ماه سال گذشته باینطرف از وضعیت اعتراض ومخالفتی که بسبب الحاق بوسنه وهرسك باحکومت اوستریا ومجارستان پیش کرفته ودست برداشتن را التعهد وقبول میکند، وبعد ازین برای تأسیس مناسبات حسنهٔ همجواری این سیاستی را که امروز مقابل اوستریا مجارستان پیش کرفته است تبدیل دادن آنرا نیز عهد میکند.)

«پس این است که حکومت صرب باوجود این عهد وپیمانی که کرده بود دران ایستادگی نکرده است. زیرا تاریخچهٔ یکساله وعلی الخصوص واقعهٔ فجیعهٔ بتاریخ ۲۸ جون (۲) به اثبات رسانیده است که درصربستان برای جداساختن بعضی اقسام امپراطوریٔ اوستریا مجارستان یك جریان مخربانه موجود است.

«این جریان که درپیش چشم حکومت صرب وجود یافته، درخارج قرابت صرب نیز بدرجهٔ رسیده است که بابعضی افعال مخربانه ویك سلسلهٔ جنایات مدهشه تظاهر میکند.

«حکومت قرالیهٔ صربستان غیر از انکه تعهدات قطعیهٔ را که دربیانات ۳۱ مارچ ۱۹۰۹ خود بیان نموده بود ایفا وانفاذ نکرده است، برای ازالهٔ این جریان هم هیچ چیزی بعمل نیاورده است بلکه برای فعالیت وکار گذاری کومیتی ها وجمعیتهای جنایت کارانه، وپروپا کاندهای مضرت آورانه که همکی مبنی بربغض وعداوت اوستریا مجارستانست مسامحه وچشم پوشیها کرده است.

«نتیجه های مشئوم این حرکات واقعهٔ فجیعهٔ ۲۸ جون درنظر همهٔ عالم به اثبات رسانید. باوجود آنهم حکومت قرالیٔ صربستان این مسامحه وچشمپوشیٔ که موجب مسئولیت اوست ترك نمود.

«ازافادات واعترافات فاعلهای سوءقصد جنایانهٔ ۲۸ جون معلوم شد که جنایت بوسنه درنفس بلغراد ترتیب شده بود. واسلحه وبومبهائیکه جانی ها بآن مجهز بوده واستعمال کرده اند ازطرف افسران ومأمورین صرب که بجمعیت (نارودنا اوبرانا) منسوب بوده اند داده شده. وبرای کذشتانده شدن آن ازخاك صرب ازطرف مأمورین حدود صربی تسهیلات وآسانیها نشان داده شده است.

«ازنتیجه های این تحقیقاتیکه بمیدان برامد، حکومت آوستریا مجارستان باین حرکاتی که ازسالها به اینطرف در بلغراد ترتیب یافته ومی یابد وبه اراضیٔ اوستریا هم سرایت کرده است زیاده برین وضعیت انتظار وصبر وتحمل خودرا محافظه وادامه کرده نمیتواند بلکه نهایت دادن باین حرکاتی که برای آسایش وحضور آوستریا مجارستان یك تهدید دایمیٔ تشکیل میکند برای حکومت اوستریا حکم یك وظیفهٔ ضروری الاجرا را کرده است.

«بنابرین حکومت اوستریا مجارستان مجبوریت حس میکند که ازحکومت صربستان طلب کند که ازاله کردن این پروپاکاند جانیانه ومخربانه را بهر وسایل ووسایطی که میشود تعهد بکند. وبرای آنکه یك ماهیت رسمیه به این تعهد خود بخشد میباید که در صحیفه نخستین (جریده رسمیه) خود از تاریخ ۱۳ تابه تاریخ ۲۶ جولای این بیانات ذیل را درج بکند:

[حکومت قرالیه صربستان همه پروپاکاند هائی را که بمقابل آوستریا مجارستان درباب تفریق بعضی از اراضیٔ او اجرا میشود شایان تقبیح وباعث محکومیت ونتایج اسف انکیز این حرکات جانیانه را سزاوار تأسف وناامیدی میداند. ونیز حکومت قرالیٔ صرب ببعضیکه افسران ومأمورین او باین پروپاکاند اشتراك ورزیده اند وبه اینصورت حسن مناسباتی را که حکومت صرب باحکومت اوستریا مجارستان در بیانات ۳۱ مارچ ۱۹۰۹ رسماً تعهد کرده بود خلل پذیر کردانیده اند نیز بسیار تأسف میکند. حکومت قرالیٔ صربستان بعد ازین در حق آن کسانیکه باینکونه حرکات تصدی بکنند شدیدترین قوانین خودرا تطبیق خواهد کرد وحکومت بهمهٔ افسران ومأمورین واهالیٔ صربستان اخطار کردن این امررا واجب میداند که این حرکات ناکوار را باهمهٔ همت خود منع وتنکیل خواهد کرد.]

«این بیانات که مذکور کردید غیر ازانکه در صحیفهٔ اول جریدهٔ رسمیهٔ صربستان درج شود، میباید که بایك امرنامهٔ قرالی بتمام اردوی صربستان تبلیغ شود، ودر جریدهٔ رسمیهٔ عسکریه نیز نشر کرده شود.

---

(۱) مراد از امر واقع مسئلهٔ الحاق بوسنه وهرسك است.

(۲) واقعه ۲۸ عبارت از قتل ولیعهد وزوجهٔ اوست.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 879 of 1786

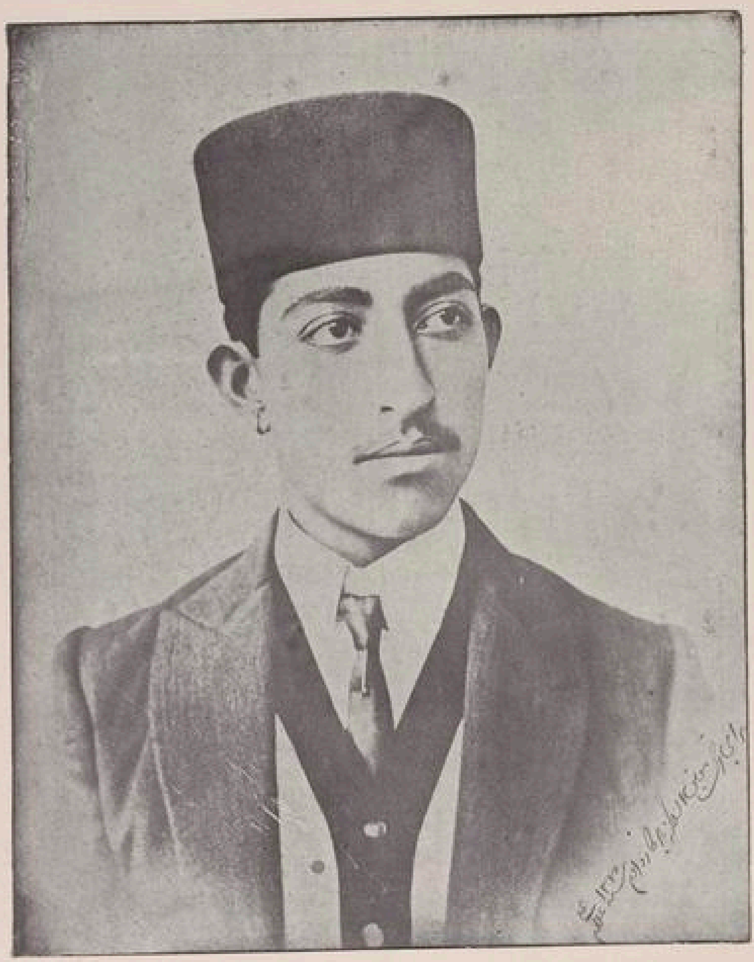

﴿ برادر ذات اعلیحضرت همایونی ﴾
(جناب مستطاب سردار غلام علیخان)
فوتوگرافی عکاسخانهٔ مصور زنگوگرافی یار محمد وسید ابوبکر

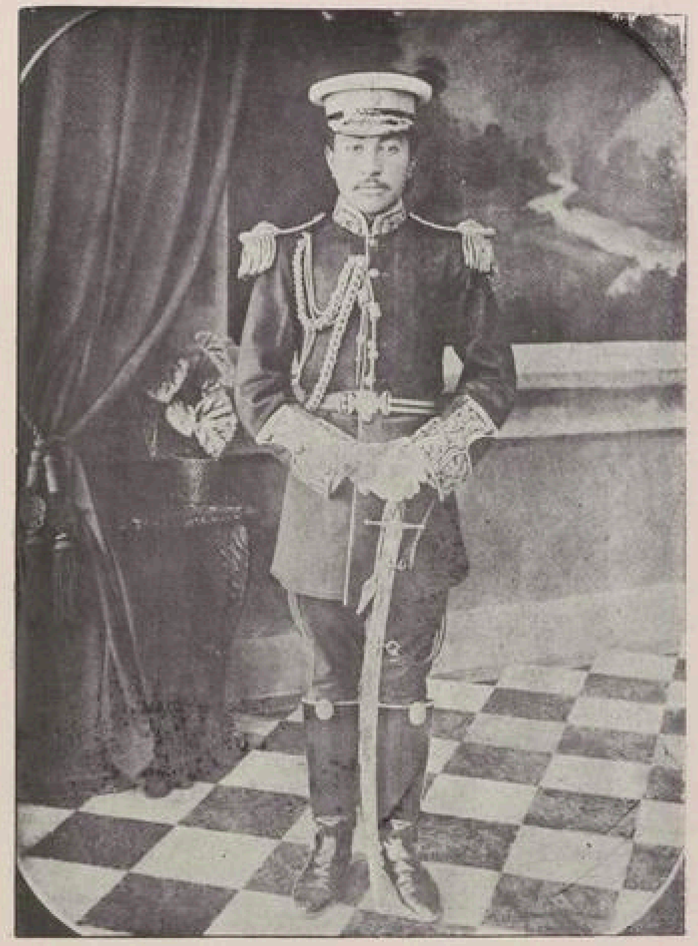

(جناب سردار عزیزالله خان فرزند جناب فخامت مآب نائب السلطنه صاحب افخم)
فوتوگرافی عکاسخانهٔ مصور زنکوگرافی یار محمد و سید ابوبکر

• غیر ازین چیزها که ذکر شد حکومت قرالیهٔ صرب این ده مطالبات دیگر حکومت امپراطوری آوستریا مجارستان را نیز باید ایفا واجرا نماید :

---

۱. — همهٔ نشریاتی را که مقصد عمومی آن مبنی بر حاصل کردن بغض وعداوت امپراطوری اوستریا مجارستان باشد ، وبه اخلال تمامیت ملکیهٔ اوستریا معطوف بود منع والغا کردن .

۲. — (نرودنااوبرانا) نام جمعیت را زودی فسخ والغا کردن ، وجوه وسایط نشریهٔ آنرا ضبط ومصادره کردن ، وبمقابل همه جمعیتهای که برعلیه اوستریا مجارستان پروپاکاند میکنند نیز بهمین صورت حرکت کردن ، وتدابیر لازمه را درباب کار گذاری جمعیات منسوخه که بدیگر نام ودیگر شکل دوام ورزند اتخاذ کردن .

۳. — از طرف معارف عمومیهٔ صربستان همه عوامل را که خواه در هیئت معلمیه وخواه در وسایط تعلیمیه برای ترتیب پروپاکاند درحق اوستریا ومجارستان خادم باشد بلامدت طی وطرد کردن .

۴. — همهٔ آن افسران ومأمورینی که به اجرا کردن پروپاکاند متهم هستند وافعال واسامی شان را حکومت اوستریا مجارستان تبلیغ بکند از خدمت عسکری بلکه از همهٔ خدمات دولتی تبعید کردن .

۵. — برای ازاله کردن حرکت محرمانه که برای خلل رساندن تمامیت ملکیه امپراطوری آوستریا مجارستان ترتیب کرده شده است کوشش ورزیدن مأمور های اوستریا را با مأمور های صربستان یکجا قبول کردن .

۶. — درحق فاعل های مشترک جنایت وسوء قصدیکه در ۲۸ — جون وقوع آمده است زودی زود بتحقیقات عدلیه آغاز کردن [درباب این تحقیقات ، مأمورینی که از طرف حکومت اوستریا مجارستان تعین واعزام میشوند نیز اشتراک میورزند] .

۷. — از کزیلیا (وئیا تنکزیک) واز مأمورها (میلان زیغانوویچ) نام شخصهارا که در تحقیقات واقعهٔ جنایت وسوء قصد بوسنه متهم میباشند مستعجلاً گرفتار کرده وبندی نمودن .

۸. — تجارت اسلحهٔ غیر قانونیه ، ومواد انفلاقیه که در حدود بمعاونت مأمورهای صرب میشود بتدابیر مؤثرهٔ سریعه منع کردن . و (لوسنیتسا) و (شاباج) نام مأمور های حدود را که قاتلهای سوء قصد بوسنه را از حدود گذشتانده اند عزل وشدیداً مجازات کردن .

۹. — درحق اکابر مأمورین صرب که خواه در صربستان وخواه در ممالک اجنبیه هستند ، وپیش از واقعهٔ سوء قصد ، وبعد از آنهم دایما درحق اوستریا مجارستان یک زبان ناروا وکلامهای خصومت پیرا استعمال کرده اند ایضاحات دادن .

۱۰. — حکومت آوستریا مجارستان نهایت تا بساعت ۶ شام ۲۵ ماه حال یعنی درظرف چهل وهشت ساعت بجواب حکومت قرالی صرب انتظار میکشد .

این است نقل وصورت نوتی که بعد از قتل ولیعهد اوستریا وزوجه اش ، دولت امپراطوری اوستریا مجارستان به حکومت قرالی صربستان پیش کرده است . وهمین نوت که عبارت از یک محاربهٔ تلخیهٔ شدیده میباشد متوجب این هنگامهٔ هول انگیز ومحاربهٔ خونریز هشت دولت از عظمت وهیبت لبریز گردیده است چون آغاز وآوردن نتیجه‌ها را از انتباه ، همین از قلم دهشت پیام نموده بود ترجمهٔ آنرا از فایده خالی نیافته محض برای آگاهی قارئین کرام خود از آثار نخستین حرب درقید تحریر آوردیم . وامید میکنیم که در شمارهٔ آینده از نتایج این نوت ، وشمهٔ از روزی تازهٔ حرب معلومات کامله عرضه دهیم ، تا قارئین کرام ما از سلسله‌وار وکوایف حربیه آگاهی حاصل نمایند . (باقی در شمارهٔ آینده)

احوال حرب

خبرهای خصوصی که ازراه خشکی بمارسیده است

دو دردنوت جدید عثمانی

دولت علیهٔ عثمانیه دو دردنوت جدید از دولت آلمانیا خریداری نمود که نام یکی (غوبن) ونام دیگر آن (برسلو) میباشد که این دو دردنوت در بحر سفید بود . هنگامیکه زرهپوشهای مذکورتین به استانبول واصل میشد یک استقبال بااحتفال بسیار درخشانی اجرا شد . همه کشتیهای جنگی عثمانی بابیرقهای رنگا رنگ آراسته شده آنهارا استقبال نمود . وبعدها کشتیهای نقل وحمل که بهزارها اهالی از زن ومرد اهالی بود بیک شوق وشادمانی بزرگی بپیش باز شتافتند . موسیقیهای بحری از همه کشتیهای جنگی نواخته میشد . بر کشتی (غوبن) نام (یاوز سلطان سلیم) وبر کشتی (برسلو) نام (مدللی) را نهادند . به وجود این دو کشتی دردناوت زرهپوش بزرگ که دولت علیهٔ عثمانیه مالک گردید یک تفوق وبرتری بزرگی برای دونما — یعنی دستههای کشتی جنگی — عثمانی در بحر سفید حاصل شد . کشتی (غوبن) بنام جدید (یاوز سلطان سلیم) از طرز (سوپر دردنوت) است که (۲۳۰۰۰ تن) حجم آن ، ودر ساعتی (۲۸) ونیم میل سرعت آن میباشد . باده قطعه طوپ بزرگ (۲۸ سانتیمتره یی) ، وبا (۲۴) طوپ کوچک مسلح است . سرعت زرهپوش (برسلو) بنام دیگر (مدللی) نیز بدرجهٔ غوبن وعدد طوپهای آن نیز همانقدر است . ولی قطر گلههای آن (۱۰) سانتیمتره یی . وحجم استیعابی آن (۴۵۰۰ تن) میباشد .

تبدیل نام پایتخت

نامه‌نگار سرحدی شمال مانویسد : — دولت روس اعلان کرد که نام پایتخت خود را از (پترسبورگ) به (پترو گراد) تبدیل

داد . این خبر درمیان مردمان انجا همهمه های عجیبی برانگیخته بسیاری را فکر برین است که این از ترس وبیم روس است بعضی انرا یك شئامت وبدقلی میکویند . زیرا درینطرفها ضرب المثل است که یکی بدیکر میکوید اکر این کار همچنین شد (نام مرابکردان) واین نام کشتاندن درمقام حقارت واستهزا مستعمل است .

لهستان

درپولیند ـ لهستان ـ اکرچه روسها اعلان خود مختاری آرا کرده اند ولی شنیده میشود که یك قیام وبلوای بزرکی رعلیه روسها دران قایم کردیده است .

یك آلهٔ جدید الاختراع جرمن

دولت المان — جرمن — دربن محاربه یك آلهٔ بسیار مدهشهٔ بسیار عجیب وغریبی استعمال کرده ومیکند که تاحال دیکر دولتها ازان بیخبر بودند . واکثر فتوحات خودرا بواسطهٔ همین آله پیش برده اند . وآن عبارت ازموتر کارهای آتشفشانست . اینهم معلوماست که درفنون حربیه وتعلیم عسکریه هیچ دولتی برابرو همسر جرمنی نیست . یك کام عسکر جرمن برابر یك دونیم ، دوکام ، عساکر دیکرانست . وقتی که فتح کردن یك قلعه یا شکست دادن یك فرقهٔ دشمن راعزم بالجزم نمایند از تلفات وضایعات کثیره هیچ اندیشه وپروا نکنند . وچنان هجوم سخت وشدتناك میبرند که بجز کامیابی دیکر چیزی نتیجه نمی بخشد . وهمینکه عسکر دشمن را شکست دادند موتر کارهای آتشفشان ازروی زمین ، وطیاره ها از روی هوا چنان آتشباریٔ شدیدی درتعقیب آنها بکار میبرند که بجز محو وهلاك ویا اسیر ویا تسلیم شدن دشمن دیکر هیچ ثمره نمیدهد . درمحاربهٔ که بافرانس دراول نموده بود هم تفنکهای جدید الاختراعی ساخته وپنهان کرده بود که فرانس ودیکر دولتها ازان محروم وبیخبر بودند . وجرمن دفعهٔ باآن اسلحه برفرانس اعلان حرب کرده مغلوبش ساخت . این است که دربنبار نیز باین موتر کارهای آتشفشان خود کامیابی های عجیب وغریب حاصلکرده است .

رأیها درخصوص تبدیل

پایتخت فرانس

معلوماست که دولت فرانس ، پایتخت نازنین خود پاریس را بجبر من ترك کرده دار الحکومهٔ خودرا به شهر (بوردو) که بسمت جنوب غربیٔ پاریس بقریب سواحل بحر محیط اطلس واقعست نقل داد . درینطرفها درخصوص بسی رأی زنیها میشود . آشنایان فن حرب میکویند که فرانس فراخی ووسعت دادن میدان جنك را منظور داشته میخواهد که اردوی جرمن را ازحد (اینورپ) تابه (بوردو) پت کنند . وچون ازیکطرف تنها جرمن وازیکطرف دوسه دولت مقابل اوست بلکه پریشانی برای جرمن داده بتوانند . امااز قراریکه شنیده میشود جرمن نیز بمجردیکه نقل وحرکت پارلیمنت فرانس را به طرف بوردو دید هماندم مانند عقابی که دربی شکار خود بیفتد خط حرکت رفتار خودرا به آنطرف درازنمود . بعضی را رأی این است که باین حرکت خود فرانس خیلی غلط کاری کرد . چراکه اولا پاریس که پایتخت بسیار عالیٔ دنیا شمرده میشد برای فتح آن بدست جرمنها آسانی پیش آمد . دیکراینکه برای تمام عسکر وملت فرانس ازین حرکت یك بیدلی وناامیدی پیدا شد . وقوهٔ معنویهٔ عسکریه را سراسر شکستاند . بعضی میکویند که فرانس ازاسبب به بوردو رفته که اکر زود برسرشان بیاید زودی پارلیمنت ودفاتر حکومت را درکشتیها انداخته به بحر محیط بکشند . امابعضی شوخ مشربها میکویند که شراب بوردو مشهور ترین شرابهای دنیاست ازاسبب پایتخت بدانجا نقل داده شده ! ! ! . . .

اجمال احوال

چنانچه دولتها درمابین همدیکر بجنك وجدال در آمیخته اند وتاحال غالب ازمغلوب معلوم نیست خبرهای اخبارهاهم همچنین است وهیچ یك خبر صحیحی که دلرا مطمئن سازد پیدا نیست ازهر دهن یك سخنی میراید همه خبرهائیکه ازمنبعهای انکلیس ، روس ، فرانس ترشح میکنند از کامیابیهای خودشان ، وشکست وهلاکت اوستریا والمان بحث میرانند . فاما ازطرف مقابل نه راست ونه دروغ هیچ خبری به اینطرفها نمیرسد . ازکدام راه وکدام طرف برسد . مکرهرچه کامیابیهای انکلیس وفرانس رابرالمان که میشنویم درخاك فرانس وبلژیك میشنویم . یعنی المان در خاك بلژیك وفرانس هستند اما کامیابی بطرف انکلیسها وفرانسیها وبلژیکیها ست وچنین نیست که فرانسیها وانکلیسها درخاك المان هستند وکامیابی بطرف المانهاست ! عجب معما !

وقایع حربیه اسرار آلودست . درخبرها شترکربهای عجیبی دیده میشود . افراطها وتفریطها بدرجه ایست که بر هیچیکی ازانها باور کردن انسان جرأت نمیتواند کرد . مثلا یکبار میشنویم که روس اوستریارا چنان شکست فاحشی داد که دولك لشکر آنرا اسیر کرفت . آیا ! همهٔ عسکر اوستریا دولك نخواهد بود چون دولك اسیر کرفته باشد آیاکشته وزخمیٔ آن چقدر خواهد بود ؟ وچون دولك اسیر کرفته باشد ممکن است که بجز یکچند نفر زائد ازمه دیکر عسکری درتمام ملکش نمانده باشد . پس روسها چرا صبر کرده اند . وتاحال چرا در ویانه قرار کاه عمومیٔ خودرا نیاورده اند ؟

بازمیشنویم که المانها پاریس را فتح کردند . آیادر پاریس چیست که المانها آنرا فتح کنند ؟ پایتخت به بوردو نقل یافت ازینکه تلفات وضایعات بسیاری داده پاریس را فتح کنند . چرا درباب فتح بوردو حرکات عسکریه را جاری نکنند ؟ بازمیشنویم که یك جنك های بسیار شدید وخونریزی بعمل آمد . ومدت ده روز دوام ورزید . وبشکست خوردن المان نتیجه پذیر کردید .

وچون سخن بر ضایعات وتلفات می آید می بینیم که از آلمان عدد وحساب تلفات وضایعات واسیر نوشته میشود واز انگلیس تنها به سیصد نفر تلفات اکتفا میشود . واز همه عجیبتر اینکه در هر جنگ عدد مفقودالخبرها از کشته ها وزخمیها واسیرها بیشتر نشان داده میشود؛

خلاصهٔ اینقدر گفته میشود که بر هیچ خبری از خبرهای وقت حاضر که در اخبارها نشر میشود باور کردن جایز نیست . چراکه خبرهای راست وصحیح از هر طرف بالفعل نمیشود . هر کس بنا بر منفعت سیاست خود خبرها نشر میکند . شایان افسوس این است که از چنین جنگ بزرگ میبایست که انسان بخوبی وراستی ودرستی از همه واقعات وکیفیات آن خبر میشد واز جریده ها واخبارهای طرفین محاربین معلومات میگرفت لکن هزار افسوس که هرچه شنیده میشود تنها از یکطرف شنیده میشود. حتی اخبارهای استانبول که یک دولت بیطرف است نیز از وقتی که جنگ شروع شده است بسیار کم بانتظام فرامیرسد واز دریا به امنو نمی شود .

والحاصل بجز اینکه انتظار خاتمهٔ حرب را بکشیم تا بعد از آن راهها باز شود واحوالکم وکیف این محاربهٔ عظیمه معلوم گردد دیگر چاره نیست .

از شهر پاریس

عزیز محترم ، ادیب مکرم السلام علیکم !

بعد از آنکه در استانبول بعضی مطبعه ها ، وکتبخانه ها ومکتبها ودار الصناعه ها را ملاحظه کردم بهیئت آنکه تماشاگاه رسمی ومطبوعات شهر (لایپسیغ) آلمانرا ببینم . ومطبعه های بزرگ وزینکو گرافخانه های جسیم شهرهای لندن وپاریس را ملاحظه کنم اول بشهر پاریس آمدم . هنوز دو سه روز نگذشته بود که اعلان حرب آغاز نمود . وهنوز یک هفته نگذشته بود که تجاوزات آلمانها بخاک فرانس ، وخبرهای فتوحات آلمانها در نزدیک افکارها را پریشان ساخت . در ظرف یک هفته حال شهر پاریس یک منظرهٔ بسیار بدرنگی پیدا کرد . در اهالی یک ترس وبیم بزرگی مستولی گردید . آن کوچه ها وبازارهای درخشان پاریس بعد از ساعت شش شام حال یک مزارستانی را میگیرد . در اینجا بحال محاصره مانده ام . هرقدر کوشش میکنم راه بیرون رفتن را نمی یابم . حتی راه لندن که نزدیکتر است نیز بسته است همهٔ ایستگاههای راه آهن ، وقطارهای آن بسبب سوقیات عسکریه تنها بحمل ونقل عسکر منحصر مانده است . همهٔ بانکهای پاریس موراتوریوم — یعنی پول ندادن را اعلان کرده اند . قیمت اشیا وارزاق نیز بلندی گرفته وروز بروز گران شده میرود . بسیاری از دکانها ومغازه های سودا گران ودکانداران آلمانها را یغما وتاراج کردند . شب وروز قافله ها قافله ها از عسکر ردیف سوق میشوند. این سوقیات عجب تماشای دارد . کوچه ها وبازارها پر از زنان ودختران پری چهرگان فتان پاریس که هر کدام یکی از آن عسکر ردیفه دوستی ومعاشقه دارند . وصفها صفها همراه آن عسکرها برای مشایعت میروند الساترا بگریه میاوردند آن پاریس پر ذوق وسروری که از هر گوشه وکنار آن بجز صدای چنگ وچغانه دگر چیزی شنیده نمیشد . ودر هر طرف آن بجز عیش وعشرت مرفهانه دگر چیز دیده نمیشد . وسراسر غرق انوار ، ویک شوق وشطارت عظیمی در آن پدیدار بود در ینوقت هر طرف آنرا یک حزن وماتم مظلم وسکوت انگیزی فرا گرفته است . سبحان الله ! بشریت مگر چقدر سفیل مسکین یک چیزی بوده است ! برای ذوق ونشاط ورفاه وانبساط خودشان بچقدر فداکاریها وجانکنیها جهدها ، چه زیبائیها چه اثرها بوجود می آورده دفعهٔ می بینی که اسیر ومغلوب حرص ، وطمع وغرور نفس اماره گردیده همهٔ آنها را به آتش میدهد ؛ در اینجا مقالهٔ خصوصهٔ که بعنوان (لازم بودن اتفاق نوع بشر بمحاربهٔ قوای طبیعیه) در نمرهٔ یازدهم سال اول سراج الاخبار افغانیه باسلوب بسیار حکیمانه ، وطرز ادیبانهٔ بسیار عبرت آورانه تحریر فرموده بودید بخاطر آورده بر دشمنان داخلیهٔ بشریت لعنت ونفرین خواندم . باز مقالهٔ خصوصهٔ که بعنوان (ضروری بودن جنگ عمومی) در نمرهٔ نوزدهم سال اول پیشگوئی کرده تحریر آورده بودید بخاطر نموده با خود گفتم که اگر اینچنین پیشگوئی را کدام شیخ وملائی میکرد هیچ شبهه نیست که بر کشف وکرامت او حمل میکردند اما چون بخوبی میدانم که نه از شیخید نه منجم نه کاهن از آن روه دانستم که آن پیشگوئی سه سال پیش از این وتتبع بخشیدن آن در ینوقت از چه پیش آمده است ا . . .

این را هم بگویم که این تفکرات وتخطرات در کجا ودر چه حالت بفکرم رسیده ، واین مکتوب را در کجا مینویسم و عرض کنم :— درین اوقات برای اجازت دادن اقامت مردمان بیگانه را در پاریس لازم است که از دایرهٔ بلدیه — یعنی حاکم شهر — نام صاحبخانه صاحب خانهٔ که در آن میخواهند اقامت کنند یک رخصتنامهٔ مصدق بدست داشته باشند وگرنه صاحب خانه کسی را قبول نمیکند . این است که درین دو سه روز از صبح تا شام در دایرهٔ بلدیه میروم ونادرپیش حاکم بر سر ساعتها را ایستاده بیگذرانم تا آنکه بعد از هزار مشقت برای اقامتم در پاریس یک اجازه نامه بدست آورده توانستم . در اثنای این انتظارها تفکرات وتخطرات مذکوره بیادم آمد . وبر یکی از کوچه های بخدمون نشسته این سطرها را نوشتم . تنها من باین بلا مبتلا نیستم . بلکه مانند من صدها هزار آدمانی هستند که از ممالک مختلفه برای آموختن علم یا برای ساعت تیری در پاریس میباشند . همه ما بهمین عذابها وجگر خونیها گرفتار آمده ایم . هر روز به ایستیشنهای ریلها میروم ، وساعتها انتظار میکشیم تا به پیش مأمور آن میرسیم وجواب میگیریم که ، بغیر از عسکر دیگر هیچکس قبول نمیشود این جواب یأس آورا گرفته محزون محزون

پس میکردیم . از همه بدتر اینکه از احوال بیرون پاریس هم کسی خبر ندارد که چه میشود . خبرهارا سانسور بشدت پنهان میکرد . هیچ معلوم نیست که چه میشود و چه میکنند . اما از کثرت فلاکتها و مصیبتها که بر من وارد آمده این است که چون از اثنا تحول می آمدم نقد موجود خودم را به کاغذهای باقوت انگلیسی که در هرجا و هرطرف دنیا بحرمت داد و ستد میشود تبدیل داده بودم چراکه برداشتن پیسهٔ نقد مشکل بود . و از دیگر نوتها نوت انگلیسی را معتبر و رواج یاب تر دانستم . مگر بسیار غلط کرده بودم . یك دانهٔ آنرا بهزار مشکلات یك پون نقصان صرف کرده توانستم . یعنی یك بانکنوت ده پونډرا به نه پون اما بهزار زحمت شکستاندم . حالا که باید پونډرا مالك میباشم کاکر تبدیل آن کاغذها دشوار شود . و همین نقد موجودم نیز تمام شود در حالیکه بصدها پوند کاغذ تحیم باشد بهلاکت گرسنگی معروض خواهم ماند . از حالا بنان و پنیر خوردن قناعت ورزیدن گرفته ام . هرکس میگوید که این محاربه بسیار دراز خواهد شد . حالا همینقدر نوشته توانستم . اگر بدانم که مکتوبم بخدمت شما واصل میشود باز خواهم نوشت . اگرچه از قبول شدن مکتوب بعدا کتابتها اعلان شده است اما از رسیدن این مکتوب خاطرجمع نیستم . ممکنست که این مکتوب را همباز کنند و چون ببینند که فارسیست پاره کرده بیکسو خواهند انداخت . همهٔ تلگرافها اگرچه خصوصی هم باشند تا مهر پس پولیس عهدهٔ تصدیق نشود تلگرافخانه قبول نمیکند . باقی سلام احترام .

پاریس — ق ۱۴ اگست سنه ۱۹۱۴ ([illegible])

ترجمه از اخبارات اردو نظر عبدالرحمن

(بحران جرمن در لندن)

از وقتیکه اعلان حرب شده است بسی مخبرهای جرمن گرفتار و مأخوذ شده اند که تعدادشان از صد زاید است و بیان کرده میشود که مخبران جرمن بسیار حرکات شورش خیز و اشتعال انگیز اجرا کرده اند . در یك اصطبل عسکری نزد عمارت ، هالبرن هال ، که دور از مرسد رسانی و بار برداری را فواج لندن خدمت میکرد تمامی اسپهای آن زهر داده شده . یکباهی که بر یکصحراه آهن مدین ، لندن وتیق ، و ، ساوت کوست ، مدین بود بگلوله هلاك شد . یکقطار یکمخصوص سپاهیان وار ، ردهل ، به ، استرهام ، میرفت سه دفعه بضرب گلوله ها تصادف ورزید . اگرچه چندنفر بشبهه منع کرده شده اند مگر متعلق واقعات مذکور تاحال کسی را گرفتار نکرده اند . پولیس در اسباب یکباهی بحری جرمن که در بنوقتها به جرمن رفته بود . نقشه های متعددی را بدست آورده که در اکثر آن خطها و حصه های سواحل شرق انگلستان نشان داده شده و در آن اشاره شده که جرمن برین حصه های انگلستان هجوم خواهد آورد .

(یك کروزر جرمن ٥ جهاز تجارتی انگلیز را در خلیج بنگال غرق کرد)

پیسه اخبار :

از اخبار امروزه مردم این خبررا به بسیار تعجب خواهند خواند که یك کروزر جرمن « ایمدن » نام که بتلاش « ستریت سیتلمنت » یك جهاز جنگی انگلیزی برآمده بود در خلیج بنگال قریب بندرکلکته درمابین تاریخ ۱۰ و ۱۴ ستمبر پنج جهاز های تجارتی که از مال ملا مال بودند غرق کرد . مگر مسافر و ملاحان آنرا رهائی داده شد چنانچه بالفعل رسماً اعلان شده که بعد از ین کدام جهاز بدون ذمه واری و عهده داری از رانگون به خلیج بنگال نیاید .

(اثر جنگ در بمبئی)

از قرار نامه نگار اخبار پیسه :

این جنگ پرخطر واندیشناك در تمام هندوستان خصوصاً در بندر بمبئی بسیار پریشانی و سراسیمگی را منتشر ساخته است . قبل از دو سه هفته شنیده شده بود که « کونیو » نام یکجهاز جنگی جرمن خودرا نشان داده که عزیمت بمبئی را دارد . از ین خبر دهشت از جمیع اهالی بمبئی از خورد و نوش و کاروبار ماندند که بعداز چند روز در تمام بمبئی بازار کشت و خون و آتش زده گی گرم خواهد شد . زیرا آن جهاز « شیل » نام یك قسم گلولهٔ بم می اندازد که از فاصلهٔ ۱۵ میل رها کرده میشود و چون بر بالای مستعمرات و آبادی میرسد فی الحال میکفد و دفعتاً دوهزار کارتوس بومبه دار از آن می بارد و بمجرد انتشار آنها یك دود کثیفی بایك مواد آتشگیری میبراید که دود آن بدماغ هرکس که برسد فی الحال از مادهٔ مسمومی که در آن موجودست هلاك میشود . و آن ذرات دیگر که بهر جا میرسد آتش میگیرد . که اثر آن به آب کم میشود مگر شکر خدا که بعداز آن معلوم شد که این جهاز جانب عدن رفت و در بحر احمر ناپدید گشت . و اهالی بمبئی از شر و شور آن مأمون و مصئون شدند . خبرهای جنگ را شنیده دکاندارها و سوداگران بمبئی جمیع اشیارا گران قیمت ساخته بودند . مگر حکومت آنهارا بقیام نرخ قدیم مجبور کرد . و نایب الحکومهٔ بمبئی بالذات ببازارها آمد و دکاندارها و تاجرارا به ارزانی نرخ تنبیه نمود . استحکامات شهر هم محفوظ کرده شده اند . علاوه جهازها شبکه روز دورادور بمبئی پهره داری و حراست میکنند قلعه های زیر بحر و سواحل را بتوپ قایم بندی کرده اند و در سرهای بحری مرانکها پوشیده شده اند . در پونه وایسرای هندوستان هم ببمبئی آمدند و خبر جمیع لشکرها و قلعه هارا گرفته بمدراس رفتند .

آخرین خبرها

اینتورپ را جرمنها گرفتند . جرمن از وضعیت تجاوزی بوضعیت تدافعی درآمده و میخواهد که جبرهٔ مافات تلفیات خود را به تلفیات دشمن بکند . کشتی جنگی (ایمدن) نام جرمنی که پنج جهاز انگلیزی را در خلیج بنگال غرق کرده بود در مدراس ظهور نموده بگلوله باری شهر مدراس را آزار داد . تفصیلات در نمرهٔ آینده .

در چاپخانهٔ حروفی دارالسلطنهٔ کابل طبع گردید

همه مقاله هائیکه دستخط نداره از طرف مدیر و سرمحرر تحریر یافته

محمود طرزی

اعلان

سیاحت بدور دور کرهٔ زمین

چقدر فایده ها و شیرینیها دارد! علی الخصوص
که آن سیاحت با آن بزرگی و وسعت
به هشتاد روز
اجرا شود! آرزو کننده گان این سیاحت
خارق العاده هرگاه برای خریداری کتاب

(سیاحت بدور دور کره زمین)

بهشتاد روز

فقط دو روپیهٔ کابلی یک مبلغ کمکی را صرف نمایند این سیاحت را گویا (فلیاس فوگ) سر بوروفقایش یکجا اجرا کرده خواهند بود! محل خریداری این کتاب دکان (ملا غلام محمد) تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی میباشد. و در نفس مطبعهٔ عنایت که در ده افغانان است از نزد عبدالرؤف سر مرتب نیز خریداری میتوانند.

مؤلف این کتاب (ژول ورن) فرانسوی است که در نوشتن ناولهای فنی مشهور آفاق است. از فرانسوی بترکی و از ترکی بفارسی ترجمه شده است. کتاب مذکور تنها ناول نی بلکه در ناول فن جغرافیا و جغرافیای ریاضی را نیز بطرز افسانه نشان میدهد.

در (مطبعهٔ عنایت) که از مؤسسات شهزادهٔ جوانبخت معظم دولت علیهٔ افغانستان جناب عالی (معین السلطنه سردار عنایت الله خان) است زیور طبع آراسته شده است. این کتاب را باید از زود بدست آرید و فرصت را فوت مکنید که نسخهای آن زود تمام خواهد شد و افسوس فایدهٔ نخواهد بخشید.

اعلان

از هر دهن سخنی و از هر چمن سمنی

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه را مژده میرسانیم. و ترغیب میدهیم که از این گنجینهٔ پر از جواهر آبدار. و از این گلزار پر از ازهار یکیک نسخهٔ بدست آورده از هر دهن سخنی بنوشند و از هر چمن سمنی بچینند.

در مطبعهٔ عنایت زیور طبع آراسته گردیده. قیمت ۲ روپیه

اعلان

سیاحت در جو هوا

یک ناول فنی بسیار عجیب و غریبست که در مطبعهٔ عنایت بزیور طبع آراسته شده و سومین کتاب (کتبخانهٔ مطبعهٔ عنایت) را تشکیل داده. اینهم از تألیفات (ژول ورن) فرانسویست که در فن اول نویسی فنی شهرهٔ آفاقست از زبان ترکی بفارسی ترجمه شده ست. بقیمت (۲) روپیه کابلی بفروش میرسد.

این هرسه کتاب در دکان بازمحمد در بازار ارک و در دکان ملا غلام محمد در جوار مدرسهٔ شاهی هریک بقیمت دو دو روپیهٔ کابلی بفروش میرسد.

کتابهای مذکور در نفس مطبعهٔ عنایت واقع ده افغانان از نزد عبدالرؤف سر مرتب مطبعهٔ موصوفه نیز خریداری میشود.

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا
یاد آوری میکنیم

مکرر سعی و کوشش کردیم که از شکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خود رهایی یابیم ممکن نشد لهذا با داکخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یك مقاوله نموده داکخانهٔ مشار الیه تقسیم وتوزیع اخبار مارا که بهمه مشترکین کرام ما رساند در عهدهٔ ذمت خود قبول نمود . مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را تبشیر ویاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فرداً فرداً بواسطهٔ آدمهای داکخانه بخود شان میرسد .

اعلان

روضهٔ حکم

(از آثار مطبوعهٔ جدیدهٔ مطبعهٔ عنایت)

این کتاب اخلاقی ، دینی ، ادبی ، یك اثریست که از احادیث شریفه وفقرات مفیدهٔ اخلاقیه مانند یك گنجینه جواهری میباشد ودرین روزها زینت بخش عالم مطبوعات گردیده است درنفس مطبعهٔ عنایت ازنزد عبدالرؤف خان سر مرتب ودر بازار ارك از دکان باز محمد کتاب فروش واز دکان ملا غلام محمد کتاب فروش متصل مدرسهٔ شاهی بقیمت دو روپیه کابلی هر کس خریده میتواند .

اعلان

مصور

۲۰۰۰۰ فرسخ

سیاحت درزیر بحر

درحالیکه دو گز در زیر بحر فرو رفتن موجب هلاك شود آیا بیست هزار فرسخ سیاحت در زیر آن چسان ممکن خواهد شد ؟ هر که درین باب شبهه دارید در خصوص بدست آوردن کتاب (۲۰۰۰۰ فرسخ سیاحت درزیر بحر) سهل انگاری نکرده بقیمت ٤ چهار روپیهٔ کابلی ازده افغان از نفس مطبعهٔ عنایت . یا از دکان باز محمد از بازار ارك . یا از دکان غلام محمد از بازار متصل مدرسهٔ شاهی زودی خریداری کنید . وبخوبی بخوانید . وتصاویر آنرا بدقت تماشا کنید تا شما فعلاً ثابت شود که سیاحت درزیر دریاهای شور بسیر و یا ممکن . یا غیر ممکن است !

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

شمارهٔ ٤ سال چهارم

فهرست مندرجات

حوادث داخلیه	مراسم دربار شوکت آثار و بیانات اعلیحضرت همایونی ـ امورات مهمه عسکریه عسکر پروریهای اعلیحضرت همایونی — نقل مکتوب جناب سپه سالار صاحب ـ
تردید	در خصوص وعدهٔ امداد
حوادث خارجیه	اجمال احوال ـ تاریخچه حرب عمومی ـ کامیابیهای بحریهٔ المان ـ شکست روسها — تکذیب — وطن پروری المانها ـ این را هم شنوید — زنها در روس — تلفات در محاربهٔ مولهوز — مدافعهٔ زنان در لیه‌ژ — روسیه و بلغارستان — عثمانیانی که در برلین اند — غلبهٔ المان — وحشیگری روسها ـ مظفریت مولهوز ـ کامیابیهای اردوی استریا — عصیان در اوده سا — ترکیه — اسلاوهای غرب — فراریهای صرب — ترکیا ، بلغار ، رومانیا ، یونان ، ـ مشکلات و اختلال در قفقاز و دیگر ممالک روس ـ وعدهٔ رشوت سیاسی با ایتالیا ـ مردم انگلستان و علیه این حرب چها میگویند ـ اسیرهای عسکر فرانس ـ فراریهای روس ـ روسها شکست میخورند ـ یك غلبهٔ مهمهٔ المانیها بر روس — اردوی ماقینکرو کاملا منهزم — حالت روحیه المان ـ المان ـ ژاپان ـ بیانات سفیر امریکا — بیطرفی بلژیك را که خلل رسانید ـ بیطرفی ایتالیا — توابع پرنس بیسمارك — زخمی شدن پرنس صرب — اشتراك اسوج بحرب ـ وضعیت رومانیا — کامیابیهای بحری المان ـ ترکیا ـ انگلیز ـ عید بزرك المانها — غلبهٔ بسیار شان در المان — تلگراف امپراطور المان ـ تفصیلات مظفریت مج ـ بیانات یکی از اخبارهای المان — مطالعات اخبارهای ایتالیا ـ تفصیلات مغلوبیت فرانسیسها ـ طوپهای جدیدالاختراع المان — مسرتها و شادمانیها در برلین ـ ایستالسقیك ـ خبرهای داك پشاور — روس یك اطلاع شایع کرده است — سه عدد طیارهای جرمن ـ افواج بحری جرمن ـ کارستانهای جهاز ایمدن —
تصاویر	از مراسم دربار عید سعید فطر ذات اعلیحضرت همایونی با ارکان معیت شاهانه از دروازهٔ جامع شریف عیدگاه داخل شده بنمازگاه تشریف میبرند — عیناً همان منظرهٔ قریب تر بنمازگاه — از مناظر مراسم دربار عید سعید فطر ذات اعلیحضرت با ارکان معیت شاهانه شان بنمازگاه داخل میشوند ـ از مناظر دربار عید سعید فطر بعد از ادای نماز عودت ذات اعلیحضرت پادشاهی از نمازگاه ـ

شرایط خریداری

دارالسلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

هرجائیکه باشند با اجرت پوست

قیمت سالیانه	ده روپیه انگلیزی	قیمت ششماهه	شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراك قبول نمیشود

یك طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است . از همین قرار حساب کنند

(اعلان)

کتاب سال اول و کتاب سال دوم سراج الاخبار افغانیه با کتابچهٔ (علم و اسلامیت) و (آیا چه باید کرد ؟) و (ادبدرفن) جلد کرده شده در اداره برای فروش حاضر ومهیاست . کسانی که آرزوی خریداری آنرا داشته باشند ازنزد مدیر طلب نمایند

یادآوری

بهمهٔ کار داران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود: اگر از یك جا بدیگر جارونده باشند میباید که یك رقعه بمدیر وسرمحرر را خبر بدهند که من درفلان جا بودم وحال درفلان جا میروم اخبار مرا درانجا بفرستید . هرگاه همچنین یك رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی . وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند . ویا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا به پنج بار نشر وشایع شود برسرهر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا به پنج بار فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر ازپنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریك ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تایك سال نشر کردن خواهند ووجه یك ساله را پیشکی ادا نمایند درورق پشتی برسر سطری ستار اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 889 of 1786

(صحیفه ۱) سال چهارم شمارهٔ (۴)

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
با مصارف ڈاک ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مصارف ڈاک ۱۰ روپیه انگلیزی
بهر پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یکعباسی است
(اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود)

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

ادارهٔ تحریر و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنه (کابل)
همه امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ قمری ذی حجه سنه ۱۳۳۲ تاریخ انگریزی ۲۱ اکتوبر تاریخ شمسی ۲۸ میزان ۱۲۹۳

حوادث داخلیه

مراسم دربار شوکت آثار

روز شنبهٔ گذشته ۱۲ ماه ذیحجة الحرام مراسم دربار شوکتمدار معالی بار در دالان سلامخانهٔ تام وقوع آمده بقرار سررشتهٔ مقررهٔ دربار، همهٔ شهزادگان عظام و سرداران کرام و ارباب مناصب ملکی و عسکری و خوانین درباری دریوم مذکور بساعت موعود در دالان عالیشان سلامخانه جمع آمده بودند ساعت ۱۱ ذات مکارم صفات پادشاه مقدس محبوب القلوب معظم عدالت آئین اعلیحضرت «سراج الملة والدین» ادام الله ظلاله الی مدید السنین محفل دربار علویت آثار را بتشریف قدوم میمنت ملزوم همایونی شان شرف افزای عز و اجلال فرمودند.

چون تشریف آوری ذات اعلیحضرت شاهانه از طرف ایشیک آقاسیان حضور اعلیحضرت همایونی به اهل دربار اخبار گردید، همهٔ حاضرین قیام نمودند. ذات اعلیحضرت همایونی از دروازهٔ غربی سلامخانه داخل، و برسریر سلطنت عروج، و بعد از مراسم سلام بر کرسی امارت اسلامیه افغانیه جلوس، و حاضرین کرام را بنوازشات احوالپرسی و عواطفات خاطر نوازی ملوکانه غریق منت و مسار فرموده بنشستن شان اراده فرمودند. ذات شوکتسمات اعلیحضرت پادشاه مقدس ما درین دربار معالی بار درخصوص بیطرفی دولت علیه مستقلهٔ افغانستان بازبعضی بیانات حکمت آیاتی فرمودند که درینجا قید و ثبت آنرا از جملهٔ لوازمات دانستیم:

بیانات همایونی

«بدربار سابق شما از ورود نامهٔ دوستانهٔ وایسرای هند و مضمون جواب نامهٔ خود ما شرح داده بودیم. حالا باز رسماً بیان میکنیم که ما در مسلک بیطرفی خود همان طوری که گفته ایم ثابتقدم خواهیم بود. و هم درین بیطرفی منافع دولت خودرا بیشتر ملاحظه کرده ایم. و هیچ ضرر و خطری دران ندیده ایم بنابرین دولت افغانستان در محاربهٔ حاضرهٔ موجوده بیطرف است و بهیچیک از دولتهای محارب جانبداری ندارد. و چنانچه خیال معاونت و مدد کاری را با هیچیکی از دولتهای محارب ندارد، همچنان فکر تجاوز و حمله آوری را نیز برملک هیچیکی از دولتهای محارب ندارد.»

⁂

این بود بیانات حکمت آیات ذات مکارم صفات اعلیحضرت پادشاه مقدس محبوب القلوب ما که رسماً بدربار یوم شنبه ۱۲ ذیقعده سنه ۱۳۳۲ مطابق ۳ اکتوبر سنه ۱۹۱٤ رسماً و عموماً بیان فرموده اند. الحق که این مسلک بیطرفی و عدم جانبداری حالاً و مآلاً مفاداً برای دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما عین خیر و سعادت و سراسر مملو از حکمت و سیاست شمرده میشود. اگرچه بعضی مردمان درین هنگامه ها بعضی ولوله ها انداخته اند که گویا دولت علیه افغانستان خیال تجاوز را بماورای دریای آمو دارد، ولی این سخنان عامیانه دور از حقیقت است که هیچ اصل و اساسی ندارد. مخصوصتر اینکه بعضی اینچنین آوازه انداخته اند که گویا سفیر جرمنی بدار السلطنه کابل آمده و دولت افغانستان را بطرفداری خود شان جلب و دعوت میکند. آیا خنده آور از این گونه خبر چه تصور شود؛ آیا از کدام راه آمده، و بر کدام منفعت مبنی آمده؟ دولت افغانستان از جرمنی، و جرمنی از افغانستان چه منفعت دارد؟ والحاصل اینگونه روایتها و حکایتها همه گی افسانه های عوام تراشه هاییست که سراسر دروغ بیفروغ است.

این است که کلام های حکمت پیام ذات اعلیحضرت همایونی

که در فوق مذکور گردید دوبار مسلك وروش بیطرفی دولت متبوعهٔ مقدسهٔما را اظهر من الشمس نمود ، و روایتهای بی اصل واساس عوامرا از بیخ و بن برافگند. لهذا سراج الاخبار افغانیه بر همه اهالی افغانستان اعلان میکند که روش حکومت متبوعهٔما درین جنك عمومی اوروپا سراسر بیطرفی وغیر جانبداری میباشد یعنی باهیچیکی از دولتهای که باهمدیگر خودشان بجنك در آمیخته اند بهیچ وجه من الوجوه مشارکت ندارد ، بهیچکدام از دولتهای محارب نه امداد ملی ونه امداد عسکری میکند . و برملك هیچ یکی از دولتهای متحارب تجاوز نمیورزد ، امااین شرط تا وقتیست که ازطرف آنها نیز برمنافع خصوصیهٔ دولت افغانستان تجاوز وتماسی بوقوع نیاید .

برما رعایای صادقه وملت نجیبهٔ افغانیه واجب ولازم است که درین هنگامهٔ رستخیز جنك عمومی دولتهای اوروپا بیك سکون وآرامی تمامی سیرین شده تماشا کنیم ، وبه نتیجهٔ آخری آن انتظار بکشیم . ذات مراحم صفات اعلیحضرت پادشاه مقدس محبوب القلوب ما خیر دولت وملت شاهانهٔ شانرا ازهر جهت در مسلك بیطرفی دیده اند که الحق عین حکمت است . پیروی افکار قدسیت نثار پدراشفق وارحم ، و پادشاه متبوع مقدس واعظم ما برهمه افراد ملت نجیبهٔ افغانیه واجب ، بلکه فرض عین است والسلام.

«امورات مهمهٔ عسکریه»

(عسکر پروریهای اعلیحضرت همایونی)

« حقوق دول » بسیار معتنا ، ومهم ومستقل یك علمیست که از چهار صد سال بااینطرف درزیر بحث ومناظرهٔ علمای سیاسیه درآمده است . ولی از دو عصر است که علمای حقوق درالخصوص سعیها وجهدهای بلیغ بکار برده بسی تألیفات وکتابهای مهمهٔ درآن علم بوجود آورده اند ، وقواعد واصولات آنرا مبین وآشکار ساخته ، یك نظم ونسق بدیعی به آن بخشیدند که معاملات ، ومناسبات ، وعلاقات دولتهارا بایکدیگر شان درزیر قانون وقاعده گرفتند . عقلا ودیپلوماتهای دولتها نیز از مدتیست که درخصوص تطبیقات قواعد وقوانین آن علم کوشش ورزیده دولتها را پابند مراعات قواعد موضوعه ونظامات مضبوطهٔ آن گردانیدند . درباب موضوع واساس « علم حقوق دول » خلاصة الخلاصه درینجا همینقدر گفته میتوانم که مقصدهمدولت ازقوانین ونظاماتی که برای امور ادارهٔ ملك خود وضع میکنند همین است که حق وحقوق هرفردی از افراد رعیتی ، وهرحکمی از احکام حکومتی خود شانرا معلوم وهویدا گردانیده حق را از باطل به آن تفریق بدهند ، وهرکس حدحق خودرا شناخته در دایرهٔ عیان حقوق خود زیست نمایند .

حالا آنکه برای خود دولتهای بزرك یك قانون نامهٔ که حقوق شانرا درمقابل همدیگر شان تعیین وتحدید کند هیچ یك استنادی نداشت . ووجود یافتن آن نیز خارج دایرهٔ امکان می نمود . حالا آنکه از وقتیکه ، علم حقوق دول ، بسعی وهمت علمای بنام این علم تدوین وتکوین نمود ، وعقلاواذکیای رجال دولتها در تطبیقات آن بمعاملات ومناسبات دولیه سعی وغیرت ورزیدند علم مذکور ، حکم یك قانوننامهٔ متینی را گرفت که دولتها در مناسبات ومعاملات خود شان خواه درحال صلح باشند خواه درحال حرب بمراعات فقرات قواعد مندرجهٔ آن درمابین خودشان پابند ومجبور گردیدند . (۱)

جای افسوس است که این علم باشرافت وعظمت درین آخرها سراسر پامال گردید ، ودولتها احکام آنرا کان لم یکن پنداشته بمقتضای منافع نفسی وشخصی خود حرکت ورزیدند . اول بار حکومت ایتالیا درمحاربهٔ طرابلس غرب برخلاف احکام حقوق دول حرکت ورزید . باز درمحاربهٔ بالقانها بسیاری از قواعد آن پامال گردید . درین محاربهٔ موجوده نیز کسی به احکام وقواعد آن گوش نگرفته هرکس کار خودرا پیش بردن گرفت .

اما میدانید که بعوض احکام قواعد حقوق دول چه چیزقائم گردیده است ؟ عرض کنیم : قاعدهٔ « الحکم لمن غلب » که از زمانهای وحشت انسانها جاری آمده بود ، واز دوسه عصر باین طرف قواعد حقوق دول آنرا فسخ ولغو نموده بود سرازنو تجدد یافت . قاعدهٔ « ایقاع مضرت نوعی برای جلب منفعت شخصی » ، وعلی الخصوص قاعدهٔ (تقدم قوت برحق) بشد ومد تمامی مرعی و اجرا گردید .

قوت ، عسکروافر منتظم تعلیم یافته ، وطوپ وتفنك بیحد وحساب فایق القوه ، ودیگر وسایط حربیهٔ متنوعه میباشد . پس درینوقت هرکس که مالك اینچیزها بود حق ، غلبه ، منفعت وهرچه که بخواهی ازوست ، ومحروم اینچیزها از همه چیز محروم است . زندگانی حکومتها دروقت حاضر بقوت شان وابسته است . ازنان وغذا ، زیاده تر بقوهٔ عسکریه واسلحهٔ ناریه محتاج اند . وازین است کازهرچیزی صرفنظر نموده بقوت خود افزودند . اگر یکی یك دریدناوت ساخت آندیگری حالا دو دانهٔ آنرا تدارك نمود . وهیچ شبه نیست که درخصوص المانها ازهمه زیاده ترکوشش ورزیدند که حالا ثمره های خوبی ومنافع آنرا میبردارند . دولت ترکیه زیورهای عیالهای خودرا فروخته کشتی جنگی می خرند . آیا چرا ؟ چونکه میدانند که بدون قوت امکان جان بسلامت بردن نیست . آیا چقدر کوششها وفداکاریها کرده باشند که باوجود اینهمه صدمه های سختی که برایشان وارد آمد باز هم دروقت حاضر برای سلامتی زندگانی خود چقدر نیم ملیون عسکر تعلیم یافته را درزیر سلاح نگاهداشته توانسته اند ؛ این نیم ملیون عسکر چقدر طوپ ، آنقدر طوپ چقدر اسپ ، آنقدر

---

(۱) آن مدیر عاجز کتاب بسیار مکمل « حقوق بین الدول » راکه از تألیفات یکی از وزرای دولت علیهٔ عثمانیه حسن فهمی پاشا بود در سنهٔ ۱۳۱۰ درشام شریف ازلسان ترکی بزبان فارسی ترجمه کرده بحضور سلطان مغفور اعلیحضرت (ضیاءالملة والدین) بطالع عرض وتقدیم نموده بودم .

اسپ چقدر خوراکه ، چقدر افسر ، چقدر پیسه بکار دارد ! حالا به بینید که نه تنها برای جنگ ، بلکه از جنگ رهائی یافتن نیز ، به قوت ، موقوف ومنوط مانده است !

چون این نکات مهمه را ذات گزیده صفات پادشاه مقدس معظم دولت مستقله خداداد افغانستان ، اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب‌الله خان ، صان‌الله ملکه عن الزوال والنقصان هیچگاه ازنظر اکسیر اثر همایونی دور نداشته ونمیدارند لهذا دایما یك توجه خاصی درامورات مهمهٔ عسکر پروری ، وترقی روز افزون لشکری مبذول ورایگان فرموده ومیفرمایند . حتی درین اوقات باوجود بسیاری کارهای دولتی درهفتهٔ یك روز منحصر برؤیت وتمشیت امورات مهمهٔ عسکریه داشته‌اند . چنانچه دردربار روز شنبه زبان مبارك فرمودند که سبب تبدیل دادن ایام دربار که روزهای سه شنبه مقرر بود ازین است که روز سه‌شنبه را برای ملاحظهٔ امورات عسکریه مقرر فرموده‌اند .

ناظر درایت و فطانت مظاهر حربیه جناب شهزادهٔ معظم ، سردار عنایت‌الله خان معین‌السلطنه ، وسپه‌سالار بیدار هوشیار جناب ، سردار محمدنادرخان ، ، ودیگر همه نائب سالارها وجرنیلها وافسران نظامیهٔ اردوهای عساکرشاهانه نیز بنا بر پیروی افکار قدسیت نثار قوماندان اعظم ، ومتبوع مقدس مکارم شیم خودشان ازجدوجهد دایمی وانمی ایستند .

درین دو سه هفته نمایشها وامتحانهای مختلفهٔ عسکریه درچمن حضوری وچمن نظامیه ازحضور میامن موفور ذات اعلیحضرت پادشاهی گذارش یافته ، وموفقیتها وکامیابیهای کامله ازان محصول انجامیده‌است . چنانچه درهفتهٔ گذشته امتحان رسم مرور واداخت طوبخانه‌ها درچمن حضوری بعمل آمده درجهٔ انتظام عساکر طوبچی ، ونظم ونسق طوبخانه‌ها بدیدار گردید . علی الخصوص طوبهای میدان وکوهی که درماشینخانهٔ دارالسلطنه بمعرفت کاریگران وطنی ساخته شده موجب افتخار ومسار بیشمار دیده میشد . درجهٔ مقاومت ومتانت این طوبهارا ازین قیاس باید کرد که بعضی ازین طوبهای وطنی خود ما پنج ششهزار که انداخته توانسته است که حقیقتاً شایان شکران بیشمار یك چیزیست .

این نمایشها وامتحانها که اجرا میشود محض برای اینست که نواقصات لوازمات عسکریه ظاهر گردیده درباب اکمال آن سعی شود . چنانچه بنا براستفساری که ازجناب سپه سالار صاحب سردار محمدنادرخان درخصوص سبب وچگونگی نمایشهای مذکور ازطرف عاجزانهٔ ما واقع شده است ذات عالیشان ازقرار ذیل معلومات عطا فرموده‌اند که عیناً مکتوب شفقت اسلوب عالی شانرا درج نموده‌بودعای خالی ازریای افزونی عمر واقبال وتمادی شوکت واجلال اعلیحضرت پادشاه فرخنده خصال ترقی آمال خود مان ختم مقال میدهیم :

نقل مکتوب جناب سپه‌سالار صاحب

یوم یکشنبه ۷ شهر ذیقعدة الحرام سنه ۱۳۳۲

عالیجاه مشفق عزیز محمود بیك خان مدیر سراج الاخبار افغانیه درحفظ الهی باشد چون آن مشفق کیفیت نمایش عسکریرا که روزهای سه شنبه های گذشته بحضور مبارك اعلیحضرت پادشاه معظم گذارش یافته ازبنده جویاشده‌بودید بنابران حقیقت آنرا برای آن دوست دانشمند تحریر نمودم اینکه چون همواره نظر وتوجه ذات همایونی اعلیحضرت والا به ترقی ملت و دولت افغانستان است واساس ترقی دولت وابسته به انتظام وآراستگی عسکر است بنابران پادشاه معظم اعلیحضرت والادرهفته یکروز ازاوقات قیمتدار شاهانه را که روز سه شنبه باشد برای اجرای امورات عساکر دولت علیه شان معین فرمودند که درروزهای مذکور جمله اموراتیکه درباب ترقی عسکر باشد بحضور مبارك گذارش داده ازحضور سررشتهٔ تکمیل آن نموده می شود بنا بران حسب الامر همایونی بروزهای مذکور شروع ازغند اردلی نموده ملاحظه جمله عسکری خود پای تخت را انشاء الله تعالی فرموده وسررشته تکمیل شان را ازجمله لوازمات سفری وحضری که بکار باشد میفرمایند — جمله افسران وسایر عسکر وافراد افغانستان ازدرگاه خداوند کریم استدعا داریم که وجود مبارك پادشاه معظم را که باعث ترقی ملت ودولت افغانستانست ازسرجمله رعایا وعساکر افغانستان کم نکند وجمله خدمت گاران دولت را توفیق عنایت نماید که خدمت گذاری پادشاه معظم ودولت علیه افغانستان را به صدق دل نمایند وکاهلی وسستی را ازخود دور نموده درخدمت خودها جد وجهد بی‌اندازه نمایند که باعث نجات دنیوی واخروی شان است فقط

امضای سپه سالار
(محمد نادر)

تردید

(درخصوص وعدهٔ امداد اعلیحضرت امیرافغانستان)

درمیان خبرهائی که بداك پشاور رسیده یك فقرهٔ دیده شد که خیلی عجیب وغریب بنظر آمد خبرمذکور را بشنوید که اینست :

« وزیر وایسرای هند اظهار کرده‌است که اعلیحضرت »
« امیر افغانستان نیز وعدهٔ امداد داده‌اند . »

اولا ما اینرا هیچ باور کرده نمیتوانیم که وزیر وایسرای هند همچنین یك اظهاری کرده باشد واگر کرده باشد ازدو حال خالی نیست یا اینست که درمابین خود جناب وایسرای ووزیرشان چنان یکانگی که از اظهارات همدیگر خودشان باخبر باشند موجود نخواهد بود یا این است که وزیر صاحب یك نسیانی درقوهٔ حافظهٔ شان موجود خواهد بود ! زیرا در حالیکه خود جناب وایسرای بطریق اشارهٔ دوستانه افغانستانرا بیطرفی تشویق کرده باشند وذات اعلیحضرت

پادشاه افغانستان هم بیطرفیٔ دولت افغانستان را اعلان فرموده باشند . آیا (وعدهٔ امداد) را چه معنا خواهیم داد : لهذا این خبر را بشدت تردید کرده میگوئیم که ذات شوکتسمات اعلیحضرت پادشاه دولت مستقلهٔ افغانستان زمسلک بیطرفی جداً ثبات دارند . وهیچگاه « وعدهٔ امداد » را که منافیٔ بیطرفیست بهیچطرف ازدول محارب نداده اند .

حوادث خارجیه

اجمال احوال

هر دعوای که بحضور محکمه می آید تا مدعی ومدعی علیه هردو حاضر نشوند . ودعوای طرفین دعوا کنندگان شنیده نشود . وشهود وادله وبراهین مدعیان بمیدان نیاید آیا حاکم درحل وفصل دعوا چه کرده میتواند ؟ البته که هیچ ! بناءً علیه تاحال درخصوص جنگ حربیه که شنیده ایم وخوانده ایم تنها بخبرهای منحصر بوده که ازمنابع مدعی – یعنی انگلیزها وروسها ترشح کرده است . صد شکر که دراینوقت بعضی اخبارهای بدستما رسیده که مراسل ازشخصان طرف مقابل – یعنی المان واوستریا بما خبر میدهد . لهذا محض برای اطلاع خوانندگان گرام خویش زحمت ترجمهٔ آنهارا بالذات برخود گوارا نموده تاریخوار آنهارا درج میکنیم تادعواهای طرفین را شنیده یک محاکمهٔ دران نمایند . قارئین گرام بدقت مطالعه فرمایند .

تاریخچهٔ حرب عمومی

مابعد ازشمارهٔ ۳

(خلاصه)

درشمارهٔ سابق خود از آغاز سببهای جنگ که عبارت ازقتل ولیعهد اوستریا وزوجه اش ازدست صربیها باشد نوشته وصورت نوتی را که ازطرف دولت اوستریا مجارستان بدولت صربیه داده شده بود و ۲۴ ساعت مهلت برای جواب آن بود بدرج کرده بودیم . حالا مختصراً میگوئیم که صربیه بعد از بیست وچار ساعت جواب نداد . اوستریا باو اعلان حرب کرد . روس بمعاونت صرب بسبب جنسیت اسلاوی برخاست . فرانس وانگلیز بسبب عقد ائتلاف که باروس داشتند بروسها پیوستند . المان که بااوستریا وایتالیا اتحاد ثلاثه را عقد کرده بود بامداد دولت معاهد خود اوستریا شتاب ورزید . ایتالیا بیهمتی کرده باوجود عقد اتحادی که داشت پای خودرا واپس کشید . وبه اینصورت درتاریخ عالم یک عهد شکنیٔ که تاحال مثل آن دیده نشده بود ایجاد نمود .

دولت بلژیک که بظاهر کوچک ومعنا بزرگ یک دولتی شمرده میشود چون دررهگذار فرانس والمان واقعشده . وانگلیز وفرانس آنرا ازوقتهای وقت بنابر نقشه وپلانی که برای هجوم برالمان کشیده بودند آماده ومستعد برای گذشتن خویشان بخاک المان ساخته بودند در بناء باوجودیکه دراول امر المان اورا بسیار نصیحت ووعدها ووعیدها داد ولی سودی نبخشید . تاآنکه بلژیک نیز بادولت انگلیز یکجا بدولت المان اعلان حرب نمودند . قره داغ – یعنی مونتنگرو – نیز بسبب عرق اسلاوی باصرب متفق شده بااوستریا والمان اعلان حرب نمود دولت ژاپان که دراقصای شرق بود نیز بسبب بعض منافع شخصیٔ خود بدولت المان اعلان حرب نمود که بهاین حساب دروقت حاضر هشت دولت کوچک وبزرگ تقریباً باده ملیون جیوش بطوب وتفنگ خود باهم درآویختند . ازیکطرف تنها المان واوستریا . ازدیگر طرف شش دولت . ازین جنگ عظیمی که تاحال درعالم بشریت مانند آن بظهور نیامده نتیجه هایی که بروی کار آید هنوز معلوم نیست که غالبیت تامه ومغلوبیت کامله بکدام طرف خواهد بود . اما چیزیکه ظاهر وآشکار است همین است که ملیونها جانها قربان میشود . وصدها هزار آثار مدنیت وعمرانی که مدار افتخار تمدن اوروپا میباشد محو وویران میگردد . خریطه ها ونقشه های روی زمین سراسر تغیر وتبدیل می یابد . نتیجهٔ طبیعیٔ آن هم این است که اوروپا تابسیار سالها بحال فلاکت وسفالت عظیمی ماند . وممکنست که مآل مصرع عربیهٔ : « مصائب قوم عند قوم فوائد » نیز باهمهٔ معانی خود ظهور آید .

حالا همینقدر بخلاصهٔ احوال ابتدائی اکتفا ورزیده ازوقوعات یومیهٔ حربیه که غیر ازذرایع اخبارهای انگلیزی وارد وازدیگر اخبارها بدست آورده ایم بعرض معلومات میدارم . این را هم بگوئیم که این ذرایع ازتاریخ ۲۲ رمضان و ۱۴ اکست عادت داده وماهم سراز حال تاریخ حوادث را مینگاریم تاقارئین گرام وقایع را که سرازتاریخ مذکور درترجمه های اخبارهای انگریزی دیده اند باهمدیگر تطبیق داده دراقوال مدعی ومدعی علیه محاکمه توانند .

§

کامیابیهای بحریهٔ المان

برلن ۱۲ اکست : — حرکات کشتیهای جنگیٔ ما که در میدانهای مختلفه جنگها اجرا کردند ثابت ساختند که افراد بحریهٔ ما کر بحریٔ ماهر حرکات تعرضیه – یعنی هجوم بردن — لیاقتها ومزیتهای فوق العادهٔ را مالک میباشند . « آوغسبورغ » و « ماغدبورغ » نام کروزوازورهای ما که بر (لباو) نام بندرگاه روس هجوم بردند به کامیابیٔ تام نتیجه پذیر گردید . شهر وبندر مذکور را در آتشها غرق کردند . روسها را یک خوف وتلاش عظیمی دوچار ساختند . از دیگرطرف استحکامهای « فیلیب ویل » و « بون » نام فرانس را زیر بومبارد دمان – یعنی گلباری – گرفته سوقیات عسکریهٔ فرانس را بمشکلات زیادی گرفتار آوردند . حرکت بسیار دلیرانهٔ « کوینگن لوئیز » نام کشتی جنگیما که بآبهای آبروش که نهر « تایمس » لندن بشرفه « و » آمپیون « نام کروزوازور انگلیزیرا غرق ، وطورپیلها – یعنی تفنگهای دریائی را در بندر

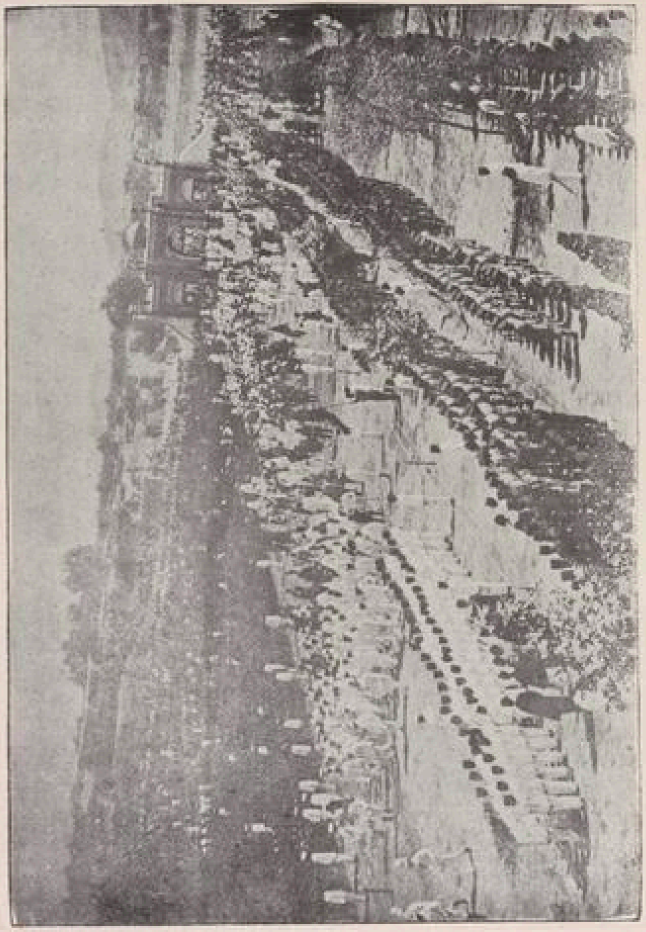

« ازمراسم دربار عید - عید فطر »
(ذات اعلیحضرت پادشاهی باارکان معیت شاهانه ازدروازهٔ جامع شریف عیدگاه داخل شده
به نمازگاه تشریف میبرند

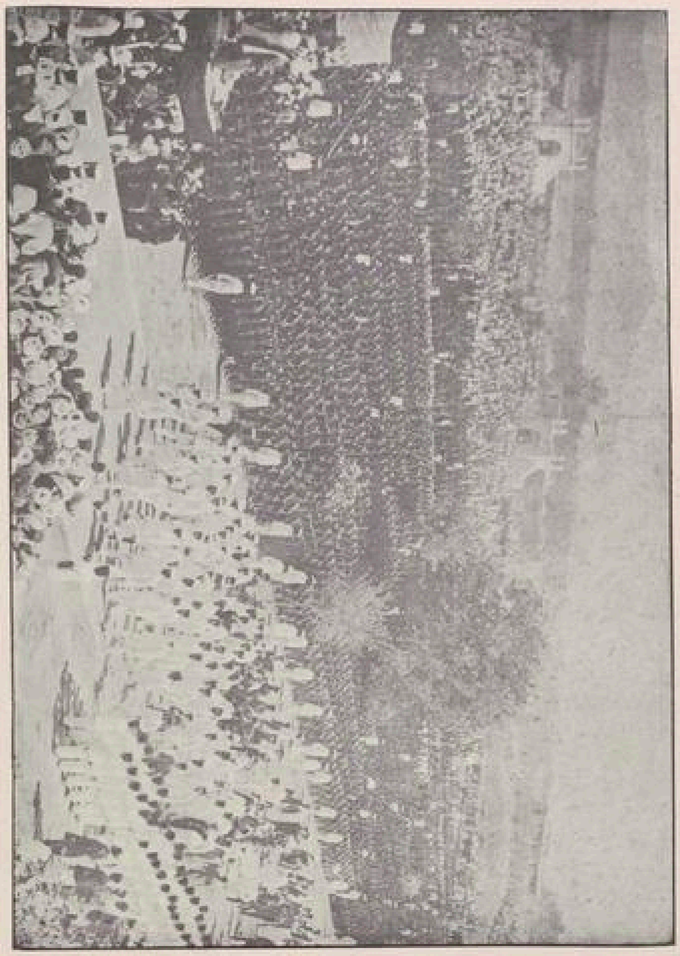

«عیناً همان منظره»
قریب تر به نمازگاه

های‌شان افشاند تمام انگلستانرا از یکسر تا دیگر سر بدهشت در آورد. «دره سدن» نام کروازور ما که تک تنها در بحرهای بیگانه مانده بود «مورو تانیا» نام کشتی انگلیزیرا تا به بندر که «هالیفاقس» پیش انداخته گریخاند. کشتیهای جنگی بحرشمال مالحال چندبار حرکت خروج اجرا نمودند. ولی دشمن جرأت مقابلهٔ آنهارا نتوانستند. «غوبن» و «برسلاو» نام کشتی‌های جنگی مابعد از انکه برسواحل «جزایر» نام ملک فرانس آتشبازی نمودند به بندرگاه «مسینا» ملک ایتالیا که بیطرفست داخل شده از دیگروا پورهای تجارتی المان که در انجا بودند ذغال کامل برداشتند وباوجودیکه بندرگاه مسینا از طرف کشتیهای جنگی انگلیزی در زیر ترصد گرفته شده بود بازهم غوبن وبرسلا بکمال جسارت ازمسینا برامده براه خود دوام ورزیدند. کشتیهای تحت البحری مااز همه ساحلهای انگلستانرا تاجزیره‌های «شتلاند» گردش کرده اند. وبه استکشافات مهمه کامیاب آمده‌اند که دربوقت بنابر مصلحت ازان استکشافات بحث کردن جائز نیست

§

شکست روسها

برلین ۱۲ آگست: ــ روسهااز «وارشاو» [مرکز لهستان است که آنرا پولند مینویسند] بصورت بسیار پریشانی ازپیش روی عساکر المان واوستریا فرار نمودند.

§

(تکذیب)

برلین ۱۲ آگست: — از پاریس بسیار خبرهای دروغ در باب کامیابیهای فرانس نشر واشاعه میشود که گویا فرانسیسها المانهارا در (مولهوز) شکست داده‌اند. این خبرها هیچ اصل واساس ندارد. فرقه‌های عسکریهٔ فرانسیسها که بطرف الساس جنوبی پیش میآمدند، عساکرما آنهارا درجهت غرب (مولهوز) سراسر منهزم ساخته وراه گریزشانرا گم کرده به اسویچره ـ یعنی سویزرلند پناه گزین شده‌اند.

§

(وطنپرستی المانیا)

برلین ۱۲ آگست: ازوقتی که در المانیا سفرجنك اعلان شده است تابحال بیشتر از ۱،۳۰۰،۰۰۰ نفر داوطلب وجود شانرا در سلك عسکری داخل کرده‌اند.

اینرا هم بشنوید

مادو سه بار در شماره‌های سابق خود نوشته بودیم که اتفاق انگلیز وروس منحوس است. حالا چون این سخنان ذیل را بشنوید میدانید که حق بجانب ما بوده است. چرا که انگلیزها هم اعتراف دارند

(هاردی لاف) نام یك انگلیز معتبری که بسیار سالها در (ویانه) پایتخت اوستریا اقامت گزین بوده است به اخبار (فرایه پرسه) یك مکتوبی درج کرده است که بعضی فقرات آن ازقرار ذیل است:

«بسیار جای افسوس است که کائنات امروزه روز شاهد یك منظرهٔ بسیار حزن آوری میشود. ملتهای بزرگی که تا به امروز در میان یك آهنك اتفاق ووفاق تامی به زندگانی کردن موفق شده بودند، در حال حاضر بمقابل همدیگر خودشان یك محاربه بسیار بی‌امانی در آمیخته‌اند، درین تجربهٔ بسیار تلخ وناگوار امیدوارم که حکومتهای انگلیز والمان منافع حقیقیه خودشانرا بخوبی تقدیر خواهند کرد وبحکومت انگلیز خوب ظاهر خواهد شد که المان دشمن انگلیز نیست دشمن بزرگ طبیعی وحقیقی انگلیز روس است روس. جناب حق حتمًا بان امپراطور المان وامپراطور اوستریا محاربستانرا بالهام خود مظهر بفرماید وموفقیت کامله عطا نماید تا انتقام مارا از روس بگیرد، وان دشمن حقیقی مارا محو سازد.»

زنها در روس

سن پتر سبورك ۱۲ آگست: — در پتر سبورك بسبب سفر حرب در داکخانه‌ها ودیگر دوایر حکومتی که مردان برای جنك رفته‌اند زنها بجای آنها مقرر شده‌اند.

تلفات در محاربهٔ مولهوز

روما ۱۲ آگست: — در محاربهٔ (مولهوز) یازده هزار تلفات ازطرفین مخاصمین بوقوع آمده است. عدد اطبا نظر بمقدار مجروحین کافی نیامده است. درمحاربه ومحاربهٔ (لاگارد) نیز از مجروحها قدر ۲۵۱۳ نفر اسیر از فرانسیسها بدست المانها درامده طوب وتفنك وده نفر افسر وبسی عرابه های غله وخوراکه وجبه خانه زیر اغتنام کرده اند.

مدافعهٔ زنان در لیه ژ

کوپنهاك ۱۲ آگست: — وقتیکه لشکر المان برفابریکهای اسلحه سازی لیه‌ژ هجوم بردند زنهائیکه دران کارخانه‌ها کارمیکردند آبهای داغ انجنهارا درسطلها پرکرده برعسکر المان ازبالا ریختند وبه این صورت فابریك خودرا محافظه کردند.

روسیه وبلغارستان

برلین ۱۳ آگست: — حکومت روس حکومت بلغاررا رهنمائی ونصیحت میکند که باصرب یکی شده به اوستریا والمان اعلان حرب کند. ولی بلغارستان این تکلیف روس را رد کرده است.

عثمانیانی که در برلین اند

برلین ۱۳ آگست: — تبعهٔ عثمانی که در برلین میباشند یك بیاننامهٔ نشر کرده اند که دران بیاننامه از احساسات دوستانهٔ

خود بهالمانها بحث راندهاند . وبرای اعانهٔ زخمیها مقدار بسیاری پیسه هم بصلیب احمر دادهاند .

غلبهٔ المان

مونیخ ۱۳ اکت : — درمیدان حرب جهت غربی محاربه که بوقوع آمده درحالیکه شهزاده (باویه را) رغند ، خود موجود بود بردشمن تعرض نموده یك مفرزه ازعسکر دراقون فرانس را کاملاً محو و پریشان نمود .

وحشیگریٔ روسها

برلین ۱۳ اکت : — روسها سفارتخانهٔ المان راکه درپتر سبورك بود خراب وتاراج کردند . هنگامیکه هیئت سفارت المان ازپتر سبورك میرافتند موسیو (فانه ر) نامیك مأمور خود شانرا که یك پیرمرد بسیار محترمی بود وازمدت سی سال در سفارتخانه خدمت کرده بود درهانجا گذاشته بودند . یك جم غفیری ازوحشیان اهالیٔ شهرپتر سبورك بسفارتخانه هجوم بردند وآن پیرمرد بیچاره را بحال بسیار فجیعی بقتل رسانیدند و سفارتخانه را آتش زده خاك یکسان کردند . حکومت هیچ اقدامی درمنع اهالی نکرد . معلوم شد که حکومت روس هنوز درراه مدنیت وانسانیت خیلی پس ماندهاند .

مظفریت مولهوز

برلین ١٤ اکت : امپراطور گیلیوم بعدازمظفریت (مولهوز) بسرافسر کل اردو هـای المان این تلگراف ذیل را فرستاده است : — « بلطف وعنایتی که جناب حق ازما دریغ نفرموده حمد وثنا میکنم . ازین مظفریت نخستینی که برفرانسیسها احراز کردهاید بشما وعسکرهای قهرمان خود تشکرهـا میکنم . بهمه عسکرهایی که درمحاربه اشتراك ورزیدهاند محظوظیت حکمداری مرابنام وطن تبلیغ بکنید » .

کامیابیهای اردوی استریا

ویانه ١٤ اکت : — عسکرهای ما قوتهـای دشمن را که درپیش روی شان بود عقب نشانده ازمنطقه هـای مختلف خاك صرب داخل شدهاند . تابهاین وقت عسکرهای ما درجمله حرکتهای خود شان کامیاب آمدهاند . موقع (شاباخ) درید ضبط عسکر های ماست .

عصیان دراوده سا

اخبار (استاندارد) که درلندن نشر میشود بموجب خبریکه ازاوده سا ملك روس گرفته مینویسد که دراودهسا مردان محال عصیانند ، وبهاوامر حکومت درباب عسکرشدن گوش نمیدهند . حکومت روس بجبر وجیرانها را بعسکری داخل میکنند ولت وکوب کرده بسیار را تلف میکنند .

ترکیه

ناظر داخلیه طلعت بیك ورئیس مجلس مبعوثان خلیل بیك برای بعضی مذاکرات در (بکرش) پایتخت رومانیا رفتهاند . اخبارهای استانبول بسبب قلت کاغذ حجم خودرا کوچك کردهاند .

اسلاوهای غرب

ویانه ١٤ اکت : — یکی ازاخبارهای غربی روس مینویسد : — « زارروس همهٔ اسلاوها را بحرب دعوت میکند . امااهالی اسلاوی غرب این دعوت زار را بکمال نفرت ردمیکنند چراکه زار مالك یك ادارهٔ وحشیانه وظالمانه میباشد . زار درحرکات خود تابه درجهٔ تنزل کرده که حمایهٔ قاتلهارا درعهده گرفتهاست وبهاینصورت درنظر همهٔ کائنات نام روسها رالکهدار کردهاست لهذا درین مجادلهٔ عظما برای اوسلاوهای غرب که فکراً ومدنیاً بار بار از زار روس عالیتر میباشند مقدس ترین وظیفه ها همین است که این لکهٔ سیاه بدنامیراکه زار بردامن عام روس گذاشته پاکسازند . وبرای اینکار بهتروطبیعیتر ازین چیزی نیست کهطرفداری همان مردمی را بکنیم که مدنیت وحریت مارا مدافعه میکنند » .

طوپهائیکه المانها اغتنام کرده اند

برلین ١٤ اکت : — طوپهای صحرائی کهالمانهادر (مولهوز) از فرانسیسها ضبط کردهاند به « استراز بورك » نقل داده اند . اهالی شهر مذکور بنهایت شور وشعف ویکسوز و طرب فوق العادهٔ درآمده طوپها را درپیش روی سرای امپراطوری نهادند . وطوپهائیکه از روسها ضبط کرده اند درحولی دایرهٔ سرافسر کل در « آل لانشتاین » تشهیر کردند .

فرارهای صرب

بودایشت ١٤ اکت : — بسیاری ازعسکرها وافسرهای صرب که ازجنك فرار نموده اند از حـدود بلغار مرور نموده دربلغارستان می آیند . حکومت بلغار اسلحهٔ شانرا گرفته اند . درصربستان یك هیجان عمومی رویداده . اهالی ملکهای نو گرفتهگی صرب همه گی ازعسکرشدن انکار کردهاند . وبکوهها فرار میکنند هم میگویند که همین وقتست که خودرا ازظلم حکومت صرب خلاص کنیم

(ترکیا ، بلغار ، رومانیا ، یونان)

اخبارهائیکه بهالك دیروز آمده از لازم بودن عقد ائتلاف درمابین ترکیا ، بلغارستان ، رومانیا ، یونان بحث میرانند . ومیگویند که رجال سیاسیهٔ این دولتها درباب همچنین یك عقد ائتلاف کوشش دارند . زیرا درمقابل این احوال امروزه روز حاصل شدن اینچنین یك ائتلاف واتفاق فایده های بزرگی دربر دارد .

(مشکلات واختلال درقفقاس ودیگر ممالك روس)

از مکتوبها ومسافرانی که از جهت قفقاسیه می آید معلوم میشود که دراطرفها روز بروز دایرهٔ اختلال مردم بروسها وسعت میکند . از خبرهای آخری که رسیده یك بسیار مهم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 897 of 1786

وجنیبی که برنهر (ارس) میباشد ، وهمین پل ریل قفقاس را بایران ربط داده است ازطرف اختلال کنندکان برهواشده است . عسکرهای روس عمهٔ اسلحه وتجهیزات خود از اختلال کنندکان کرفته بخاك ترکیا پناه کزین شده اند . جلوکیری این اختلال روز بروز مشکل شده میرود . قیمت ما کولات وغیره نسبت بسابق بچهار مثل آن بالارفته . تنها درقفقاس نی بلکه در هرطرف ممالك روس اختلال ها وشورشها برپاست . دراودهسا دستکاهها وانشاآت بحریهٔ روسها درمیان آتشها درسوختنست . یك کشتیٔ جنکیٔ روس به تپ دریائی که خود شان کذاشته بودند برخورده پاره پاره کردیده است . از غدر وخیانت کدامداران روس عسکرشان بسبب کم غذائی بسیار پریشان ودرحال طغیان میباشند . بعضی از امرای حربیه نقل میکنند که عسکرها اکثر ازسبب کرسنکی میکریزند . قزاقها جمعاً فرارمیکنند . واسپهای خود شانرا به ده ده روبله میفروشند . قزاقها از کبودیٔ ارزاق وصولت ومهابت عسکر المان قوهٔ معنویهٔ خودشانرا سراسرغایب کرده اند . رئیس لوازمات روس درشهر « ویبورغ » درارزاق ولوازمات خوراکهٔ عسکری خورده وبرد بسیار غدارانهٔ بکاربرده است . وچون حکومت روس خبر شده میخواست که بسزا رساندش خود کشی کرده است .

وعدهٔ رشوت سیاسی به ایتالیا

صوفیه ۱۵ اکست :— دولتهای ائتلاف مثلث — یعنی روس، فرانس ، انکلیز — به دولت ایتالیا وعده کرده اند که اکر بیطرف قایم بماند تمام ملك ارناوود یعنی البانیه وتریست، ودالماچیارا باوخواهند بخشید . المانیا واوستریا نیز باوتشویق میدهند که اکر بامادرجنك شریك شوی بمقابل آن ایالت ساووا ، وتمام قطعهٔ تونس، ویك قسم بزرك جزایر راتوخواهیم بخشید . بدولت عثمانی ، وروماینا ، وبلغار نیز ازهر دوطرف همچنین وعده های رشوت سیاسی بعمل میآید . [بیطرف شود بکاردارد ها !...]

مردم انکلستان برعلیه این حرب چهامیکویند ؟

بشنوید !:

دریکی از بیانامه هائیکه درانکلستان برعلیه این حرب نشر شده است این سطرهای ذیل محرراست :— « مابرای منفعت روس جنك بکنیم ؟ ما اکر باروسها متفق شده جنك بکنیم ، برای حاکم شدن روس بر اوروپا خدمت کرده خواهیم بود . ماهمان مردمی هستیم که برای مغلوبیت روس درمحاربهٔ قریم بنجاه ملیون پوند انکلیزی صرف کرده ایم . روسیه یکدولتیست که مملکت مارا ومنافع مارا ازروی حقیقت تهدید میکند . روسیه یك حکومتیست که یکچند هفته پیشتر ازین هنوز مردمان صلحجو ورزا درمیان کوچه ها نشانهٔ تفنك کرده اند . روسیه یك حکومتیست که دشمن افکار روشن ، وخصم یکانهٔ حقوق ومنافع انکلیز است . ماهمان خونی را که المان ها دربدن خود شان دارند دررکهای خودداریم و، بچیزهائی که آنها متجسس هستند متجسس هستیم . ماميبايد ٦٥ ملیون نفوس المانرا که درعلم وتجارت وصنایع آزادانه پیش میروند ، بر ۱۷۵ ملیون نفوس اسیروزبون روس ترجیح بدهیم . جنکی که بنابرطرفداریٔ روس اجراشود جنایتست که برضد مدنیت اجرا میشود . »

(اسیرهای عسکر فرانس)

اسیرهای فرانس که بدست المانها افتاده اند پوشاك شان بطرز بسیار سفیلانه وخراب وابتر بوده است . قسم اعظم این اسیرها به البسه های طرز بسیار قدیم ملبس بوده اند . وبعضی ازانها موزه هم بپانداشتند .

(فرارهای روس)

عدد قزاقهای روس که ازغالیچیا — یعنی کلیشیا — بخاك المان فرار کرده می آیند روز بروز افزونی میکیرد . یك دریدناوت بزرك روس در آبهای فینلاند ازنادانیٔ کپتان آن درکل بند مانده غرق شده است .

(روسها شکست میخورند)

لیزك ۱۹ اکست :— محاربه هائیکه درنزدیك (زاموسه) بوقوع آمده است به هزیمت کاملهٔ روسها نتیجه پذیر کردیده است . عساکر روس بحال بسیار پراکندکی وسراسیمه کی کریخته اند . روسها قبل ازانکه همه عساکرشان ازنهر بکذرند از ترس بسیار پل نهر « ویبریق » را پرانیده اند . یك مفرزهٔ روس که بانطرف نهرمانده بودند کاملاً محو کرده شده است . ودیکر عسکرهائی که خودرا بنهرانداخته به آب بازی میکذشتند یکان یکان نشانهٔ کلهٔ تفنك شده ، وبعضی غرق شده اند . اسیرهای بسیاری بدست المانها واستریاها در آمده است .

(یك غلبهٔ مهمهٔ المانها بروس)

برلین ۱۸ اکست :ــ درحدود پروسیای شرقیه در (استالوپن) نام موقع یك محاربهٔ خونریزی درمابین عسکر المان وروس درکرفت . روسها شکست فاحش خوردند . زیاده از (۳۰۰۰) اسیر وبیس طوب ومترالیوز وبیرقها بدست عساکر المان درامد . درنزدیك (بیالا) نام یك موقع یك کندك المان بحمایهٔ طوبهای خودشان بایك تند عسکرروس محاربه کردند . وروسهارا بفرار مجبور ساختند ودوازده طوب ازانها بدست آوردند .

(اردوی مانتینکرو کاملاً منهزم)

صوفیه ۱۸ اکست :— از بحر وخشکه عساکر استریا بشدت تمام برمانتینکرو هجوم بردند وعساکر مانتینکرو را کاملاً منهزم وپریشان ساختند . وطوبهای شانرا خراب کردند . همه سواحل مانتینکرورا کشتیهای جنکیٔ استریا بزرطوب کرفته خراب نمود .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 898 of 1786

حالت روحیهٔ المانیا

برلین ۱۸ اکتبر : — موسیو « بیونه رلسون » نام عاقل سویدنی میگوید : — « هرگاه دورنگیها وزبان بازیهایی که روسیه اظهار کرده است درزیر نظر دقت گرفته شود ، آنوقت سبب یگانهٔ اینهمه قهروانفعالی که المانیا بمقابل روسها دردل میپروراند دانسته میشود . زار روس در تلگراف نامه های صلحپرورانهٔ خود که بناموس قول داده بود ایستاده گی نکرد ، ازین سبب این حربی که المانیا بمقابل روس اجرا میکنند آنرا یك حرب مقدس ومشروعی میشمارند » بعدازین موسیو (بیونجرلسون) از انتظام عسکری المان زبان ستایش بحث کرده میگوید : — « حقیقتاً اینجا خیلی خارق العاده یك چیزیست ، در روی هر فردی ازافراد عساکر المان که بسوی میدان محاربه میرفتند علایم سرور میدرخشید ، درازد وچنان مسرت ، چنان شادمانی که گویا یك جشن درخشانی میروند . ضبط وربط ، انتظام ونظام بدرجهٔ مکمل که انسان حرکات شانرا چنان گمان میکنند که یك ماشین متحرکیست . درمابین حالت روحیه یك محبه بایك توانگر هیچ فرق ندیدم . مقدار دشمنان هراقدر که افزونی گیرد ، آرزوی جنگ کردن باآنها در المانیا هماقدر بیشتر میشود . هر فردی ازافراد المان بهاین یك قناعت تامی دارند که حق بطرف دولت المانست . وبه این سبب یك اعتماد قوی ومتینی توشدان بدوش وتفنك بدست بسرحد میدود . در هیچکس آثار ناامیدی دیده نمیشود . درهر طرف یك سکوت باوقاری پدیدار است . الحق که المانیا یك ملت بزرگیست . اغلبه درتاریخ عالم شایان ثبت ویادگار است که المانیادرعین زمان ازچندجبهه برمردشمن هجوم میبرند . ودرهر طرف که رخ میآرند تامحال کامیابی همرکاب استقبال شان می آید » .

المان — ژاپان

برلین ۱۹ اکتبر : — « نویسنده جاتوتیغ » نام‌اخبار المان درباب اولتیماتومی که ژاپان بالمان داده چنین مینویسد : « محاربه که با ژاپن بوقوع‌پیابد اگرچه مقدار دشمنان مارا تزئید میکند ولی اینچنین حادثه درطرز جریان وقایع حربیهٔ میدان اوروپا هیچ تأثیری نمیبخشد . مؤثر یگانه نتیجهٔ قطعیه هان وقایعی خواهدبود که درصحنهٔ حرب اوروپا جریان میکند . یك اعلان حرب زیادهٔ ترانهامارا بهیچصورت اندیشناك نمیسازد . برغلبه کردن اردوهای خود اطمینان واعتماد لایتزلزلی داریم . اردو های مابعد ازانکه در اوروپا احراز مظفریت کردند خبرهای دروغ وساختگی که دشمنانما اشاعه میکنند زیروزبر خواهدشد ، وژاپانها همه‌خواهند دانست که المانیا چیست و کیست » .

بیانات مهمهٔ سفیر امریکا

برلین ۱۹ اکتبر : — محرر اخبار (برلینه رتا غبلات) باموسیو (وت) که قبل‌ازین درپاریس ازطرف حکومت امریکا سفیر بود یك ملاقاتی کرده از زبان سفیر مذکور درباب‌اولتیماتوم ژاپان این بیانات ذیل‌را نشر کرده است : « هیچ شبه نیست که حکومت متحدهٔ امریکا این تبدل جدیدی را که در احوال بحصول آمده بایك اعتنای مخصوصی تعقیب خواهد کرد . حکومتهای ژاپان وروس اگربضرر المان دراقصای شرق تزئید قوت وشوکت بکنند حکومت متحدهٔ امریکا ازین‌قوت وشوکت آنها هیچ ممانعتی ندارد » .

بیطرفیٔ بلژیك را که خلل رسانید ؟

افشا آن مهمه

ویانه ۱۹ اکتبر : — « سیر ادوارد گرمی » بیان کرده است که المانیا چون بیطرفیٔ بلژیك را خلل رسانید ازانسبب انگلستان ازمجبور گردید که به المانیا اعلان حرب بکند . حال آنکه حقیقت چون نظر شود اینچنین نیست : درسنهٔ ۱۹۰۵ که لارد (لانسدوون) ناظر خارجیهٔ انگلیس ، وموسیو (دلکاسه) ناظرخارجیهٔ فرانس بود یك معاهدهٔ اتفاقیه ومقاولهٔ عسکریه در مابین دولتین انگلیز وفرانس عقد گردیده بود که حکومت انگلیز بموجب آن معاهده درعهده‌گرفته بودکه برای هجوم‌کردن برالمانیا دولت لشکر خودرا بمعاونت فرانس بخاك‌بلژیك میبرارد وبه‌اتفاق فرانس ازحدودبلژیك برالمانیاهجوم‌میکنند پس معلوم‌شد که‌حکومت انگلیز هنوز پیش ازنه سال برای هجوم برالمانیا حاضر و آماده بوده خلل رسانیدن بیطرفیٔ بلژیك را خودش در عهده گرفته است . موفوقیت اینواقعهٔ تاریخیه را المانیا درهر وقت به اثبات کردن حاضر وآماده میباشند » .

بیطرفیٔ ایتالیا

برلین ۱۹ اکتبر : — اخبار « نه قود وزی » اعتراف میکندکه فرانس هرقدرسعی وکوشش کرد که ایتالیارا ازبیطرفی بگرداند وبطرف خود مایل بسازد کامیاب نشد .

توأمه پرنس بسمارك

برلین ۱۹ اکتبر : — توأمهٔ پرنس بسمارك‌مشهور « قونت نیکولا بیسمارك » بصورت‌داوطلب‌درصنف عسکری‌داخل‌شده‌است .

زخمی شدن پرنس صرب

ویانه ۱۹ اکتبر : — (پرنس ژورژ) بچهٔ پادشاه صرب بگلولهٔ تفنك ازسر خود زخمی شده است .

اشتراك اسوج بحرب

روما ۱۹ اکتبر : — حکومت « اسوج » — یعنی سویدن میخواهد که ازبیطرفی برامده باالمانیا متفق شود .

وضعیت رومانیا

برلین ۱۹ اکتبر : — حکومت رومانیا قرار داده است که

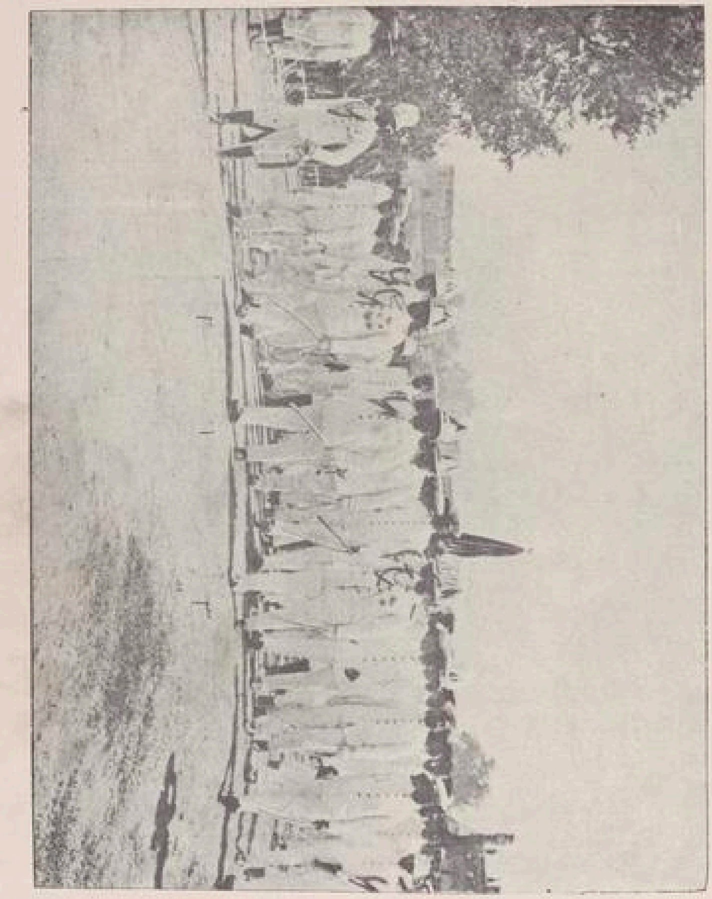

ازمناظر مراسم دربار عید سعید فطر

ذات شوکتسمات اعلیحضرت پادشاهی بااركان معیت شاهانه شان بنمازگاه داخل میشوند

۱ - ذات اعلیحضرت - ۲ - نائب‌السلطنه سردار نصرالله خان - ۳ - معین‌السلطنه سردار عنایت‌الله خان

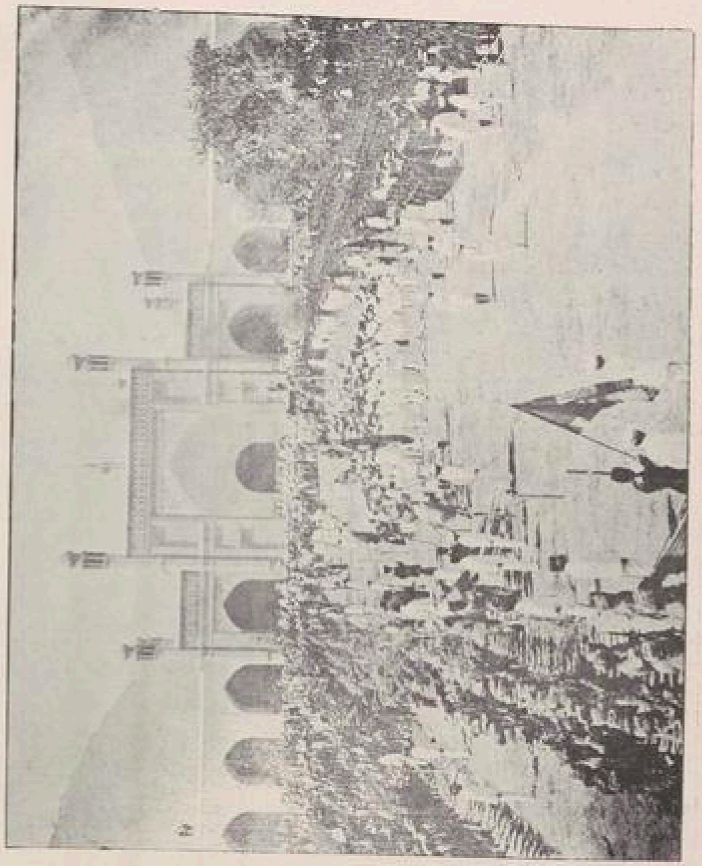

ازمناظر دربار عید سعید فطر

بعد از ادای نماز عودت ذات اعلیحضرت پاد شاهی از نماز گاه

اگر روس بخواهد از اراضی همدان بگذرد قوت سلاح مانع روسها بشود . (موسیو فیلیپ سفو) که از رجال سیاسی رومانیا میباشد در برلن باناظر خارجهٔ المان شایان معنویت یك ملاقات کرده است .

کامیابی بحری المان

برلن ۲۰ اکت : — « امیرا ژمرگ » و « استرالسوند » نام دو کروزور المان درطرف جنوب بحرشمال پیش رفته‌اند . کروزور استرالسوند درنزدیکهای سواحل انگلیز بادو کشتی تحت البحر انگلیز تصادف نموده یکی ازآنهارا غرق کرده است . کروزور استرالسوند نیز ازمسافهٔ بسیار دوری یکچند کشتی مخرب طوربیدوی انگلیز رادیده برآنها گله باری کرده ودوعدد کشتی طوربید انگلیزی را غرق کرده است . یکی از ناوهای قابل سوق المان خبرداده است که درآبها وسواحل المان هیچ اثری از کشتیهای دشمن پدیدار نیست .

ترکیا — انگلیز

خبرهای تلگرافی که درروز رسیده دردلهای ملت عثمانی یك جریحهٔ بسیار عمیق بوجود آورده ودر عالم اسلامیت تأثر بزرگی حاصلکرده است . خبرهای مذکور عبارت ازضبط کردن (سلطان عثمان) و (رشادیه) نام کشتیهای جنگی دردنوت است که به کارخانه های کشتی سازی انگلستان ساخته شده بود وانگلیز آنرا دربنوقت ضبط نمود . اخبار های استانبول ازین ناحق انگلیز زبان شکایت راباز کرده میگویند : که این دردنوت ها بدرجهٔ حیات مقیمتدار بود . ما زیورها ، واشیا های قیمتدار مادرها همشیره ها ، زنها ، دخترهای خود مارا فروخته ، حتی یادگارها ومتروکات اجداد خودمارا داده ، وهستی وزینتی خودرا پیدا کرده آن دردنوتهارا خریده بودیم . مقصد ما از خریدن آن این بود که برای سلامت خود آنهارا یك آلهٔ مدافعه سازیم . دریکدقیقهٔ که بسیار به آن محتاج بودیم انگلستان آنهارا ازما غصب نمود . تلافی آن بوعده وعید ممکن نمیشود . اگر حکومت انگلستان میخواهد که ماامروز وعالم اسلامرا دلشاد گرداند کشتیهای مارا حالیك بالسلامه پس بکنند . عدالتپروری ودوستی انگلیز را آنوقت تسلیم خواهیم کرد که همین دو کشتیهای مارا بالتسلیم کنند ودرینباب انتظار داریم .

عید بزرگ المانها

فرانسیا میگریزد — المانها درپی شان میدوند

از وقتیکه محاربه آغاز کرده تاحال درهمه جا کامیابی بسوی المان دیده میشود درطرف شرق اوستریا والمان بی آنکه روس را یکقدم از حدودش به این سو بمانند خودشان درخاك روس داخلشده کارستانها میکنند . صرب ومانتگرورا اوستریا پامال کرده ، بلژیکرا المان زیروزبر کرده تنها درقلعهٔ (آنورس) — یعنی اینورپ محصور ساخت . علی الخصوص مظفریت بسیارشاندار (میج) — یعنی میتز — که درروز بوقوع آمده ومغلوبیت کلی فرانسیا منجر شده یك عید بزرگی برای المانها ومتفقش اوستریا بود .

غلبهٔ بسیار شاندار المان

برلن ۲۲ اکت : — درمابین سلسلهٔ کوهستان (ووژ) وشهر (میج) باهشت قول اردوی فرانس عسکرهای بهادر المان محاربهٔ بسیار شدید وخونریزانه نموده فرانس بصورت بسیار پریشانی وسراسیمه گی شکست فاحش یافت . عسکر المان شدت آنهارا عقب گیری میکنند . دههزار اسیر وپنجاه قطعه توپ بدست عسکر المان درامد .

تلگراف امپراطور المان

برلن ۲۲ اکت : — امپراطور گلیوم برای دختر خود « پرنسس دوبرونسویك » ازقرار ذیل تلگراف کشیده است : « جناب حق عسکرهای قهرمان دلاورمرا بتقدیس وفیض ربانی خود مظهر ساخته مظفر فرموده . همهٔ افراد ملت بایدکه برای اردو دعاهای حرارتناکی کنند . وبه اینصورت وظیفهٔ شکران را بجا بیارند . جناب حق مددرسیم وماواگاه ملت المان خواهد بود . »

اعتراض مطبوعات انگلیز برین حرب

این را هم بشنوید :

یك قسم بزرگ اعضای قارهٔ عوام لندن برین اعلان حربی که دولت بریتانیا کرده بکمال شدت پروتست میکنند . اخبار (دیلی نیوز) لندن چنین مینویسد : — « یك محاربهٔ که برای روس دراوروپا یك موقع مظفرانه وبلندی حاصل کند ، هیچ شبهه نیست » برای انگلیزها نتیجه های مدهش وشکست آوری بار دهد . بدولت انگلیز واجب است که تامیتواند کوشش ورزد تامدنیت اوروپا دربرابر موزه های نحس قزاقها پامال نشود . محاربهٔ که المانیا بمقابل روس اجرا میکند یك حرب مدافعی میباشد . روس میخواست که مطامع خودرا براستانبول یك تجربه بکند . ازاو اختلافیکه تنها بجهت نهر (طونه) منحصر بود آنرا بشکل یك حرب اوروپ دراورد . حرب انگلستان بمقابل المانیا منافی اخلاق ومذهبیت حرکتیست . این طرز حرکت انگلستان بحرشیوروی انگلیزها یك اهانت بزرگ شمرده میشود » . درلندن یك کومیتی بزرگی تشکیل یافته است که مدعای این کومیته این است که باتما دربابِ بدیِ اشتراك انگلیز باین حرب پروپاگاندها کرده دایرهٔ این اشتراکرا محدود وکوتاه سازند . درمیان اعضای این کومیتی رئیس بلدیهٔ مانچستر ، ومتعدد ذوات سیاسیه وعلما و معتبران موجود اند . این کومیته یك بیاننامهٔ نشر کرده دران بیاننامه نوشته‌اند که : اگر دول متفقه درین حرب برالمان و اوستریا غلبه کنند ، حکومت روس برتمام اوروپا و آسیا حاکم خواهد گردید . حال آنکه مضرتر وبدتر ازین هیچ چیزی برای منافع ملت انگلیز

تصور نمیشود . پس واجب ولازم است که بهمه حال برای بوقوع نیامدن چنین حال مانع بشویم . سیر « ژون بورنز » که پیش ازین حرب ناظر امور نافعهٔ دولت انکلیز بود ، و طرفدار بیطرف ماندن انکلیز درین حرب بود وازاینسبب استعفا کرده بود یك مقالهٔ نوشته دران بیان کرده که حکومت انکلیز به آمیختن این حرب خود را یك تهلکهٔ عظیمی معروض کرده و در نتیجه اینکار ، عالم انکلیز بمشکلات بسیار مهم اجتماعی دوچار خواهند شد .

« سراج الاخبار افغانیه »

در شمارهٔ دوم سال چارم خودمان یك اجمال سیاسی نوشته دران بیان کرده بودیم که سیرادوورد کری در باب ائتلاف باروس بخطای عظیمی برخورده است . حالانکه دروقت نوشتن ان اجمال ازین حوادث مافوق هنوز هیچ آگاهی نداشتیم . مگر ظن وتخمین خودما نیز باافکار مردمان انکلستان مطابق بوده است . بازهم میکوئیم که هنوز وقت است اگر در اوروپا این خطارا تعمیر نتواند ، باری از جهت آسیا بواسطهٔ دولت افغانستان اگر در تعمیر آن بکوشد ، هیچ نباشد در بارهٔ محافظهٔ منافع هندستان خود از دستبرد آن سیلاب تایکدرجه حرکت عاقلانهٔ کرده خواهد بود . . . .

تفصیلات مظفریت مج

که آنرا در اخبارهای اردو « متز » مینویسد

راپورتیست که از طرف ارکان حربیه عمومیه المان در باب محاربهٔ مج تنظیم یافته است

فرانسیسها ، بسی که خودشانرا درجناح راست خود زیاده تر باقوت فرض وتخمین کرده بودند ، به امید اینکه ازجهت جنوب (الساس) برالمانها مظفریت مهم حاصل خواهند کرد بحرکت هجوم حمله آورشدند . خط هجوم فرانسیسها حوالیٔ (ساربورغ - مورکینن) بود . قوای عسکریهٔ شان زیاده ازهشت قول اردو بود . [هشت قول اردو تقریباً پنجلك لشکر میشود] دراوایل حرب بسبی که قوت فرانس نسبت بقوت المان بیشتر بود قوای عسکریهٔ فرانس تایکدرجه پیش امده توانستند . اما در ۲۰ اکست المانها دفعةً بوضعیت هجوم درامده فرانسیسها باجرای حرکات تدافعی مجبور شدند . فرانسیسها برای خط مدافعهٔ خود از « شاتوسالین » تاتپه های (ووز) موقعهارا انتخاب کرده بودند که این موقعها بسبب کوهسار بودن شان خیلی مناعت طبیعیه را حائز بود . المانها بر فرانسیسها ازجهت (استراربورغ) یك هجوم جبهه اجرانمودند . برای تطبیق واجرای این هجوم باقتحام کردن مشکلات وموانع بیشماری مجبوریت دستداده است . زیرا میدان حرب بسبی که از اراضیٔ سنکلاخ وکوهستان متشکل بود برای سوق واستعمال طوبهای بزرگ مساعد نبود . اما در نتیجهٔ سعیها و کوششهای جانسپارانهٔ مردانه که صرف کردید مظفریت به اردوی المان توجه نمود . اولا جناح راست اردوی فرانس شکست خورده عساکر المان بشدت تمام وحمله‌های مردانهٔ انجام تعقیب نمود . و چون این تعقیب تهلکهٔ قطع کردن خط رجعت اردوهای فرانس را در برداشت در ۲۱ اکست همهٔ اردوهای موجودهٔ فرانس بیك حال بسیار بی ترتیبی وبی انتظامی فرار نمودند . این حرب بدرجهٔ صولت وهیبت آوربود که در میان محاربه‌های اردوی المان که تاریخ آنرا ثبت وقید کرده است امثال آن کمتر دیده میشود . درجهٔ شدت وصولت عساکر المان را ازین قیاس باید کرد که غیراز کشته وزخمی نهاده هزار نفراز عساکر فرانس اسیر گرفتند . دیگر اینکه اینچنین محاربه‌های بزرك میدان که اینقدر عساکر فراوان از طرفین دست و گریبان شود ، لااقل چندروز برای نتیجهٔ قطعیه آن لازم است حال آنکه محاربهٔ میدان « مج » در ظرف یك روز به نتیجهٔ قطعیه واصل گردید که امثال اینچنین حرب خیلی نادر وخیلی جالب حیرت یك کیفیتست . استحصال اینچنین یك نتیجهٔ عجیبه بردوسبب عامل مبنی شده است : یکی آنکه جناح راست فرانسیس ، ازطرف قوتهای المان به هجوم جبهه معروض ماندند . دوم آنکه فرانسیسها از طوبهای بزرك آتشفشان جدید الاختراعی که المان مالك بود محروم بودند . احتمال کلی میرود که یادداشت این صولت دهشتناك المان قوهٔ معنویه فرانسیسهارا دوچار تزلزل کرده در محاربه‌های آینده نیز مقاومت نتوانند .

بیانات یکی از اخبارهای المان

هرطرف مارا دروغهای گوناگونی پیچانیده بود . فرانسیسها عادت شانست که دایما خودشانرا درمیان خیالات کاذبه خواب میدهند . فرانسیها وانکلیزها ازینقدر دروغ بافیهائی که در حق فتوحات وبهادریهای خودشان ، وناکامیهای المان میکنند یك چیزی امیدوارند که آنهم افکارهای مملکتهای بیطرف را بسوی خود جلب کنند ، و برالمانها محرك آرند . حالآنکه کامیابیهای المان چیزی نیست که آنها آنرا پنهان کرده بتوانند .

مطالعات اخبارهای ایتالیا

جریدهٔ های ایتالیا بعدازانکه مظفریت عظیمهٔ اردوی المان را در مج اهمیت وستایش مینویسند ازجنرال « ژوفره »(۱) فرانسوی تحت بیان آورده میگویند که خط حرکت نقشه وپلانی که جنرال ژوفر آنرا تعقیب کرده است هیچ مقصد ومدعای آن فهمیده نمیشود که چیست . وبغیر ازانکه سیکار در دهن گرفته در میان لشکرها گردش کند هیچ کاری از دستش نمیآید .

فرانسیها از هرطرف شکست میخورند .

برلین ۲٤ اکست :— تلگرافهائیکه از ارکان حربیهٔ عمومیه المان رسیده ازقرارذیل معلومات بیان میکند : « اردوی المان که در زیر قومانده ومرافسریٔ ولیعهد (باویرا) بود دشمن را مغلوب ساخته خط « لونه ویل — بلامون — سیره‌ی » را مرور کرده است . قول اردوی ۲۱ م المان امروز به (لونه‌ویل) درامد .

---

(۱) در اخبارهای اردو جنرال (جافری) مینویسد .

از تعقیبی که عسکر آلمان بدشمن اجرا میکند نتیجه‌های مهمه وموفقیتهای کامله حاصل میشود . جناح چپ آلمان که در سلسلهٔ (ووژ) در پیشرفتست تاحال مقدار کلی اسیر ویکصد وپنجاه طوب از دشمن گرفته‌اند . اردوئی که درزیر قوماندهٔ وسرافسر ولیعهد الایالت امروز باستقامت « لونفوی » سرور است بعقب دشمن شتاب میورزد . اردوئی که در زیر قوماندهٔ وسر افسری دوق « آلبره ختدو وورتمبرغ » از دوقول پیش میرود در حد « سده موا » یك اردوی فرانسیس‌را کاملاً منهزم وپریشان کرده است . عسکرهای مادروقت حاضر بتعقیب عسکرهای مغلوب‌شدهٔ دشمن شتاب دارند . بهزارها اسیر وصدها طوب وبیرقها بدست عسکرما درآمده است .درمیان اسیرها متعددافسرانی که رتبهٔ جنرال رادارند نیزموجوداست . عسکرهای ما امروز بموقع « موبوژ » که درجهت غربی نهر « موز » میباشد پیش میروند . عسکرما که بموقع « موبوژ » پیش میرفتند یك لوا رسالهٔ انگلیز را منهزم و پریشان ساخته گذشتند [یك لوا تقریباً دوهزار نفری دارد] . امضا :قوماندان قرارگاه عمومی : — «فون‌اشتاین»

تفصیلات مغلوبیت فرانسیسها در (ووژ)

یکی از ارکان‌های حرب سربین بیطرف مینویسد : — محاربهٔ « ووژ » یك حادثهٔ بزرگترین دنیاست .تقریباً پنج‌لك‌لشکر فرانس میخواستند که شهر « مچ » را احاطه کرده راستر ازوزغ هجوم نمایند . محاربه درداخل پنجاه کیلومتر یك میدان آغازنموده رفته رفته تاپنصد کیلومتریك ساحه‌را اشغال کرده است . درنتیجهٔ این محاربه که سه‌شبانه روز متصلاً دوام نمود مکملترین وممتازترین غندهای اردوی فرانس بسوی خط استحکامات « تول اپنیال » سرراست فرارنمودند . فرانسیساامید میکردند که دراینخطوط یك‌نقطهٔ استنادی خواهندیافت . بیچاره‌ها نیدانستند که وجب‌وجب زمین این اراضی بهرافسر بسیار کوچك وبزرك آلمانها معلوم ، وبرای هروجب آن‌یك نقشه وپلانی‌بجیب داشتند . اردوی آلمان، فرانسیس ها را بلا آرام شب وروز تعقیب کرده عاجز وزبون ساختند . عسکر فرانس برای آنکه به آسانی گریخته بتوانند تفنگها ، بکس‌ها وبچه های خودرا انداخته میگریختند . مواقع مهمهٔ که‌بدست‌فرانسیسها‌بود‌یکی‌پی‌دیگر بدست‌آلمانها‌درامده‌موقع‌بسیار مستحکم « دونون » بیك‌هجوم بسیار شدید آلمانهاضبط‌نموده‌شد .

طوبهای جدیدالاختراع آلمان

طوبهای جدیدالاختراع آلمان سلاحهای تخشن گله های جانسوز خود را برای دشمن فرستادند . بمقابل این سلاح هیچ کس جواب مقاومت داده‌نمیتواند . این‌سلاح مدهشهٔ نو موجب هیجان داخل وخارج شده است . بواقعیکه طرز ساخت وجنس وماهیت این سلاح مدهش به آخر درجه پنهان گرفته شده بود . حتی‌در داخل ملك خود آلمان نیز بسیار کم‌مردمازین اختراع خبر داربودند. کیفیت‌ساختن این‌طوبها ازمجلس مبعوثان آلمان نیزپنهان گرفته شده بود . این‌است که تجربه های اول این‌اختراع جدید درین محاربه اجرا گردید . ونتیجهٔ آنچنان دهشت انداز قلوب دشمنان گردید که‌بجز واله وحیرت دیگر چیز نتوانستند . مگر اینقدر دل‌خودرا تسلی‌دادندکه بعالم‌ولوله‌انداختند که آلمانها‌کارهای وحشیانه میکنند وگله های طوبهای شان تاثیرندارد . چه عجب افترای خنده آور آیا وقتیکه با تفنگهای دنباله‌دار ، بر سرشان تفنگ چاقاق وسونه بدست هجوم میبردند ، وتایکی از خود شان کشته شود صدای الامانرا میکشند کسی بآنها گفت که اینکار وحشیانه است ؟ والحاصل اردوی آلمان بااین‌سلاح جدیدالاختراع مسلح ومجهز میباشد که عدد آنهم ازحد افزونست . غیر ازین طوبهای جدید الاختراع دیگر طوبهای (هاوان)رانیز اردوی آلمان مالک‌اند که هریکی ازآنها شش‌هزار گله انداخته میتوانند . این‌سلاح های‌مدهش آلمان‌ازروزجمعه‌باینطرف درافاق (نامور) واطراف‌آن‌درخاك فرانس، ودر (لیژ) تابروکسل‌واطراف آن درخاك‌بلژیك ولوله‌انداز تجربیات میباشد این‌است‌که اردوی آلمان بااین وسایط ناریهٔ‌خود سرراست بسوی یك‌آماج درکام زدنست که آنهم : (فتح وظفر) است . . . .

مسرتها وشاد مانیها در برلین

برلین ٢٤ اگست : — خبرمظفریت اردوی آلمان که درزیر قوماندهٔ سر افسری ولیعهد بود امروز بوقت پیشین از طرف جریده ها نشر گردید . این‌خبردر اهالی برلین‌یك جوش وخروش سرور وشاد مانیٔ برپا نمود . یك روز پیشتر که جادهٔ مشهور « اونته رلینده ن » ودیگر جاهای مشهور بسبب خبر مظفریت « مچ » بابیرقها وچراغها آرایش‌وپیرایش یافته‌بود امروز برسیدن این خبر مسرت‌آور زیاده تزئین داده شد . ودردیگرهمه طرف شهر جاده ها وبازارها وسراها ببیرقهای آلمان و اوستریا وکلپ وچراغها آرایش داده شد . درمردمان انبوهیکه که درجادهٔ (اونته رلینده ن) جمع آمده بودند درجهٔ شوق ومسرت خارج دایرهٔ تعریف است . دران اثنا عرابهٔ موتر ایمپراطوریچه که برای دیدن‌زوجهٔ ولیعهدمیگذشت اهالی‌اطراف عرابه‌را گرفته صداهای مبارکباد وزنده‌باد‌امپراطوررا‌سانیدندو‌اطراف‌موتر ایمپراطوریچه را گرفته مارشهاوغزلسرائیهای وطنپرورانه ، ورقصهای مسرت آورانه‌اجراکردند‌دروقت‌عودت‌ایمپراطوریچه‌نیز‌بهمین‌قرار‌مسرتها وشاد مانیها اجراشد این مسرتهای‌وطنپرورانه‌امروز بروز بشنیدن خبرهای فتح‌وفیروزی که پی‌هم‌میرسدافزونی گرفته‌میرود .

اینا تستیك

درباب ملتهائی که باهم جنك میکنند

جریدهٔ (نوبه فرایه‌پره سه) درخصوص مقدارنفوس ملتهائی که بایکدیگر جنك میکنند یك‌جدول ایستاتستیکی نشر کرده که ازان جدول معلوم میشود که الیوم (٧٦٠) ملیون‌خلایق‌ازنوع بنی بشر بایکدیگر خودشان بخونریزی گریسته اند.جریدهٔمذکوره درخصوص نفوس ملتهای محارب ازقرار ذیل تفصیلات میدهد :

نام ملل	مقدار نفوس
آستریا — مجارستان	٥١،٠٤٠،٠٠٠
المان	٦٦،٨٠٠،٠٠٠
روس	١٦٧،٠٠٠،٠٠٠
بریتانیای بزرگ	٤٢٣،٠٠٠،٠٠٠
فرانس	٣٩،٦٠٠،٠٠٠
بلژیك	٧،٤٠٠،٠٠٠
صربستان	٤،٥٠٠،٠٠٠
مونتنگرو	٣٠٠،٠٠٠
ژاپان	٤٥،٠٠٠،٠٠٠
	٨٠٥،٠٠٠،٠٠٠

از مستملکات هم داخل حساب باشد . اینحرب گویا بر پنج قطعهٔ روی زمین شامل است . زیرا هریك از دولتهای بزرگ مانند المان ، روس ، فرانس انگلیز درهر پنج قطعهٔ دنیا دارای اراضی ونفوس وممالك میباشند . ازدیگر جهت چون ملاحظه کنیم که دولتهای بیطرف هم بسببی که اردوها خود شانرا بحال حاضر باش درآورده اند واز جهت تجارت واقتصاد از روی اینحساب گویا همهٔ روی زمین باینحرب شامل شده میباشند . لهذا از روی یك حساب سطحی تجارتی مخارج اینحرب بصدملیار ، ١٠٠،٠٠٠،٠٠٠،٠٠٠ ، فرانك میرسد که در تاریخ عالم تا بحال اینچنین یك مسئلهٔ اقتصادی بزرگ ثبت وقید نشده است .

§§§

§ این است معلوماتی که تا بحال ازعم اخبارهای انگلیزی ترجمه ودرج صحایف نمودیم . اگرچه تاریخ های ا مناسبت تاریخ نشر اخبارها خیلی پیشتر وکهنه شمرده میشود . مدعا ازاقتحام نمودن زحمت ترجمهٔ این حوادث یکی این است چه آنانرا سخن گفته ایم — که محاکمه وتطبیق روایتهای جانبین کرده شود . دیگر اینکه سلسلهٔ تاریخ اینحرب عمومی برهم نخورده برای تاریخ حرب نویس سرمایهٔ بدست آورده شده باشد . [باقی دارد]

داك پشاور

آخرین خبرها که درماه ذیقعده باداره رسیده

روس یك اطلاعی شایع کرده است که در روسیای شرقی ، افواج ما بسیار قلیل بودند وبه آن علت بر عساکر جرمن حمله نتوانستند ، واراده ما آنست که یك فوج کافی در علاقهٔ ، کیشیا ، جمع کنیم . وبسبب حرکت عمقی که جرنیل جرمن اندیشیده بود که عساکر خصم افواج ما را احاطه کند مجبوراً سپاهیان ما مقام خودرا گذاشته عقب نشستند .

لندن :

سه عدد طیاره های جرمن که دوساعت برپاریس بم اندازی کردند وعمارات بزرگ بسیار را مسمار کرده بازمین هموار ساختند ویکهزار نفر از افواج انگلیس را مجروح نمودند .

١٩ ستمبر

افواج بحری جرمن باطراف شرقی ، پترس بورغ ، حمله نموده ٣ جهاز روس را گرفتار کرده باخود بردند .

لندن

کشتی های زیربحر جرمن ٣ جهاز بزرگ انگلیس را در بحر انگلستان غرق کردند . (١) جهاز ، آبوکیر ، ١٢٠٠٠ تن (٢) جهاز ، کریسی ، ١٢٠٠٠ تن (٣) ، هوگ ، ١٣٠٠٠ تن .

درجهازهای فوق ٢ توپ ٩ انچه قطر و١٢ توپ ٦ انچه قطر ودیگر قسم توپ های خورد بسیار نصب بودند .

(کارستانهای جهاز امدن)

در ٢٣ ستمبر از مدراس خبر رسیده که ، امدن ، بارفیق خود جهاز ، مارکومانیا ، که اورا از خلیج بنگال باخود برده بود وقت ٩ نیم شب گذشته قریب ساحل نمودار گردیده بالای بندر مذکور گوله باری شروع کرد واولین گوله که بر بندر انداخته در کدام تیل تانك ، برما آیل کمپنی ، افتاده که بمجرد افتادن آن کدام تیل مشتعل شد وآنقدر روشنی شد که گوئی روز روشن است ودر وقتیکه ، امدن ، درگوله باری بود جمیع چراغهای خودرا روشن ساخته بود که از شدت روشنی آن عمارتهای مدراس فرداً فرداً برای کپتان وطائفه های جهاز معلوم میشد .

ودرافسر های جهاز مذکور یك شخص است که درحالت امن بارها بارهنمائی جهاز کمپنی جرمن بمدراس آمده است که از جمیع حالات بندر مفصلاً واقف است ووقت هجوم جهاز مذکور وقتی بود که تمام چراغهای شهر روشن وریلها وسرکها جاری واهالی مصروف کار بودند ، پس ازآنکه ، امدن ، کدام تیل را برباد داد رخ توپ خودرا جانب عمارت شهر دور داده بآتش فشانی وگوله اندازی آغاز نهاد ، عمارت عالی ، بنك اوف برما ، و ، نیشنل بنك اوف انڈیا ، را مسمار نمود ونیز بنگله‌های افسران بندر را هم خالی از نقصان کثیر نگذاشت ، چون این خبر گوله باری ، امدن ، کشتی جنگی جرمن درتمام مدراس خصوصاً در ، جارج تون ، که یك بازار بزرگ بندر است اشتهار یافت ، تمام مردم زن ومرد ها ، بگیها ، موتر سائیکلها وبائیسکلها سوار شده وبعضی پیاده بدویده روبگریز نهادند . وازپولیس های بندر که ادای وظیفه میکردند بعضی مقتول ومجروح گشتند ، ونفری بسیاری ازجهاز ، چوری ، نام که درینوقت دربندر توقف داشت کشته وزخمی شدند وخود جهاز نیز مهمل شد ، ، امدن ، پس از گوله باری برشهر جانب قلعهٔ جنگی بندر رخ نموده دو گوله بدان انداخت وقلعهٔ بندر را نیز از ورود گوله های خود محروم نساخت ولی ازخاموش ساختن چراغ قلعه که افسران داخل آن زود به آن کامیاب گردیدند گولهٔ سوم انداخته نتوانست وبدون جهاز ، چوری ، جهازهای دیگر هم دربندر موجود بودند مگر انها اینقدر متحمل نقصان کثیر نگردیده اند ولی باز هم یکچند نفر انگلیزهای که درهر جهاز بود نشانهٔ گوله گردیده مقتول ومجروح گشته اند . تخمین دیگر نقصانات تا حال تقدیر شده بدون ٣ لك روپیه ، برما آیل کمپنی ، که معلوم شده است . این همگی نقصانات و گوله باری در میعاد نیم ساعت ازطرف ، امدن ، اجرا یافت . پس از آن ، امدن ، جانب جنوب رفته قریب ، پاندیچری ، (مستعمرات فرانس درجنوب هند) نمودار شد مگر در انجا بی آنکه نظر خلایق را بجانب کارستانهای خود جلب نماید بکلی طرف جنوب روانه شده است .

درچهاپ خانهٔ حروف دارالسلطنهٔ کابل طبع گردید

همه مقاله‌هائیکه دستخط ندارد ازطرف مدیرومحرر تحریر یافته

اعلان

سیاحت بدور دور کرهٔ زمین

چقدر فایده ها وشیرینیها دارد ! علی الخصوص
که آن سیاحت باآن بزرگی ووسعت

به هشتاد روز

اجرا شود ! آرزو کننده گان این سیاحت
خارق العاده هرگاه برای خریداری کتاب

(سیاحت بدورادور کره زمین)

بهشتاد روز

بقدر دوروپیه کابلی یک مبلغ کمکی را صرف نمایند این سیاحت را گویا (فیلیاس فوق) سر و رفقایش یکجا اجرا کرده خواهند بود ! محل خریداری این کتاب دکان (ملا غلام محمد) تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی میباشد . ودر نفس مطبعهٔ عنایت که در ده افغانان است از نزد عبدالرؤف سر مرتب نیز خریداری میتوانند .

مؤلف این کتاب (ژول ورن) فرانسوی است که در نوشتن ناولهای فنی مشهور آفاق است . از فرانسوی بترکی واز ترکی بفارسی ترجمه شده است . کتاب مذکور تنها ناول نی بلکه در ناول فن جغرافیا وجغرافیای ریاضی را نیز بطرز افسانه نشان میدهد .

در (مطبعهٔ عنایت) که از مؤسسات شهزادهٔ جوانبخت معظم دولت علیه افغانستان جناب عالی (معین السلطنه سردار عنایت الله خان) است بزیور طبع آراسته شده است . این کتاب نایاب را زود بدست آرید وفرصت را فوت مکنید که نسخه‌های آن زود تمام خواهد شد وافسوس فایدهٔ نخواهد بخشید .

اعلان

از هر دهن سخنی
و از هر چمن سمنی

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه را مژده میرسانیم . وتوضیح میدهیم که ازین گنجینهٔ پر از جواهر آبدار . وازین گلزار پر از ازهار یکیک نسخهٔ بدست آورده از هر دهن سخنی شنوند . واز هر چمن سمنی بچینند .

در مطبعهٔ عنایت زیور طبع آراسته گردید . قیمت ۲ روپیه

اعلان

سیاحت در جو هوا

یک ناول فنی بسیار عجیب وغریبست که در مطبعهٔ عنایت بزیور طبع آراسته شده وسومین کتاب (کتبخانهٔ مطبعهٔ عنایت) را تشکیل داده اینهم از تألیفات (ژول ورن) فرانسویست که در فن اول نویسی فنی شهرهٔ آفاقست از زبان ترکی بفارسی ترجمه شده ست قیمت (۲) روپیه کابلی بفروش میرسد .

این هرسه کتاب در دکان باز محمد در بازار ارک و در دکان ملا غلام محمد در جوار مدرسهٔ شاهی هر یک بقیمت دو دو روپیهٔ کابلی بفروش میرسد .

کتابهای مذکور در نفس مطبعهٔ عنایت واقع ده افغانان از نزد عبدالرؤف سر مرتب مطبعهٔ موصوفه نیز خریداری میشود

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا
یاد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از شکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خود رهائی یابیم ممکن نشد لهذا باداکخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یك مقاوله نموده داکخانهٔ مشار الیه تقسیم وتوزیع اخبار مارا که بهمه مشترکین کرام ما رساند در عهدهٔ حیث خود قبول نمود . مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خودرا تبشیر ویاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فرداً فرداً بواسطهٔ آدمهای داکخانه بخود شان میرسد .

اعلان

روضهٔ حکم

(از آثار مطبوعهٔ جدیدهٔ مطبعهٔ عنایت)

این کتاب اخلاقی ، دینی ، ادبی ، یك اثر بست که از احادیث شریفه وفقرات مفیدهٔ اخلاقیه مانند یك کنجینه جواهری میباشد ودرین روزها زینت بخش عالم مطبوعات کردیده است درنفس مطبعهٔ عنایت ازنزد عبدالرؤف خان سرمرتب ودر بازار ارك از دکان باز محمد کتاب فروش واز دکان ملا غلام محمد کتاب فروش متصل مدرسهٔ شاهی بقیمت دوروپیه کابلی هر کس خریده میتواند .

اعلان

مصور

« ۲۰۰۰۰ فرسخ »

سیاحت در زیر بحر

درحالیکه دو گز در زیر بحر فرو رفتن موجب هلاك شود آیا بیستهزار فرسخ سیاحت در زیر آن چسان ممکن خواهد شد ؟ هرکه درین باب شبهه دارید در خصوص بدست آوردن کتاب (۲۰۰۰۰ فرسخ سیاحت در زیر بحر) سهل انکاری نکرده بقیمت ۴ چهار روپیهٔ کابلی ازده افغانان ازنفس مطبعهٔ عنایت ، یا ازدکان باز محمد ازبازار ارك ، یا ازدکان غلام محمد ازبازار متصل مدرسهٔ شاهی زودی خریداری کنید . وبخوبی بخوانید . واشاورآرا بدقت تماشا کنید تا برشما فعلاً ثابت شود که سیاحت در زیر دریاهای شور پیمودن ممکن . بلکه ممکن است !

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

شمارهٔ ۵ سال چهارم

فهرست مندرجات

مبارك باد عید سعید اضحی	(
همت جهان قیمت اعلیحضرت همایونی	(در خصوص ترقی صنایع داخلی
حوادث داخلیه	(مراسم روز عید سعید اضحی
عالم عسکری	(
مکتوب	(منظوم از راول پندی
حوادث خارجیه	اجمال احوال — تاریخ حرب عمومی — واتر لو — واقعه عبرت نما — غوبن و برسلاو — تأثیر غوبن و برسلاو برملت عثمانیه — حوادث مخاصمه — موقع استفاده را از دست نباید داد — از اخبار ارشاد — تبریکات تاجگذاری —
در تهنیت عید سعید اضحی	(کلام شیر احمد خان مخلص تخلص
تقریظ	(شاعر شهیر جناب مستغنی
خلاصه آخر ترین خبرها از اخبارهای اردو	دولت عثمانی بادول متحده — کشتیهای جنگی دول متحده — در رزمگاههای مشرق ومغرب — دولت ژاپان — جهاز ایمدن —
تصاویر	بعد از ادای صلوة عید تشریف فرمائی اعلیحضرت پادشاهی از جامع — از مناظر نمایش عسکری ذات اعلیحضرت همایونی درزیر بیرق شاهی باشهزادگان عظام — مرور ذات اعلیحضرت پادشاهی از مواجههٔ صفوف عساکر ظفر مآثر شاهانه — دیگر منظرهٔ رسم مرور عساکر ظفر مآثر عند اردلی از پیش گاه حضور شاهانه —

شرایط خریداری

دار السلطنه		ولایات داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیهٔ کابلی	ششماهه	هشت روپیهٔ کابلی

در خارج افغانستان

هر جائیکه باشند با اجرت پوست

قیمت سالیانه | ده روپیه انگلیزی قیمت ششماهه | شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراک قبول نمیشود

یک طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کابلدار است . از همین قرار حساب کنند

(اعلان)

کتاب سال اول و کتاب سال دوم سراج الاخبار افغانیه با کتابچهٔ (علم و اسلامیت) و (آیا چه باید کرد ؟) و (انجذرقی) طبع کرده شده در اداره برای فروش حاضر و مهیاست . ذواتی که آرزوی خریداری آنرا داشته باشند از نزد مدیر طلب نمایند

یاد آوری

بهمهٔ کارداران نظامی و ملکی و جملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان و خبر داده میشود:

اگر از یک جا بدیگر جا روند و یا شده میباید که بیک رقعه مدیر و سرمحرر را خبر بدهند که من در فلان جا بودم و حال در فلان جا میروم اخبار مرا در آنجا بفرستید . هرکه همچنین یک رقعهٔ شان برای ما نیاید و اخبار شان برای شان نرسید حق شکایت را ندارند

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، و صنعتگرانی که صنعت خود شانرا در سراج الاخبار افغانیه اعلان و اشتهار کردن میخواهند ، و یا دیگر هر رقم اعلان و اشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج و شایع میشود :

اعلانیکه در متن اخبار از یکبار تا به پنج بار نشر و شایع شود بسر هر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر یک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه در بین ورق وقایه درج شود از یکبار تا به پنج بار فی سطر یک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطر یک ستون اخبار ما (۳ — اینچ — ۴ — سوت) میباشد

هرکه شخصی اعلان خود را متمادیاً تا یک سال نشر کردن خواهد و وجه یک ساله را پیشکی ادا نماید در ورق پشتی و سر سطری ستار اجرت گرفته میشود

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
با مصارف داک ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مصارف داک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یکعباسی است
(اوراق که درج نشود اعاده نمیشود)

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

مدیر وسرمحرر
محمود طرزی
اداره خانه ومطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنه (کابل)
همه امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ ۱۵ ذی‌الحجه سنه ۱۳۳۲ تاریخ انگریزی ٤ نومبر تاریخ شمسی ۱۲ عقرب ۱۲۹۳

سراج الاخبار افغانیه عید سعید میامن بدید اضحی را بجملهٔ مؤمنین ومؤمنات مبارکباد میگوید. وبه برکت این روزفیروز سعادت اندوز خیرها وسعادتها وترقیها وبختیار یهای جماعت ناجیهٔ محمدیه وهمه دول اسلامیه راعموماً و دولت وملت افغانیه‌را خصوصاً ازبار گاه خالق یگانهٔ کائنات تضرع ونیاز میکند آمین

همت جهانقیمت ذات اعلیحضرت پادشاهی

درخصوص ترقی صنایع داخلی

(مقدمه)

ازین یک هیچکس انکار کرده نمیتواند که ترقی صنایع داخلی مدار کلی ثروت وتوانگری وسعادت وبختیاری ملک وملت است ملتهائی که صنایع داخلی شان ترقی کرده غیر ازانکه حوائج ضروریه خود شانرا تدارک کرده توانسته اند جهانرا هم به‌آن صنایع خود تسخیر وجهانیانرا هم بواسطهٔ محتاج بودن شان بمحصولات آن صنایع خود اسیرساخته‌اند. نمونهٔ مجسم وزندهٔ این مسئله اوروپاست که بقوت صنایع واختراعات خودشان همهٔ عالمرا بخود شان محتاج وخود شانرا محتاج الیه شناختانده اند. وحق هم بدست دارند. چرا که ازوحشیان افریقا گرفته تاباده‌نشینان خیمه بدوش صحرا همهٔ عالم بشریت دروقت حاضر بدرجات مختلفه محتاج محصولات صنایع آنها گردیده اند.

هیچ مملکت، وهیچ ملتی در دنیا تصور نمیشود که ازصنایع داخلی سراسر محروم باشند. وحشیان جنگلی، افریقا نیز صید یابی، چپری سازی، تیر وکمان سازی، فلاخن تابی و غیره را یاد دارند، اما چون علم وعرفان ندارند، وقوه عقب‌وردهٔ شان محدود است درترقی آن چیزها صرف ذهن نتوانسته همچنان بحال طبیعی ابتدائی مانده‌اند. کذلک مردم بادیه‌خیمه نشین نیز بسببی که احتیاجات مادی شان خیلی محدود ومحصور است بجز بعضی صنعت هائی که دافع حوائج ضروریهٔ شان باشد درپی دیگر ترقی صنایع نیفتاده اند. بلکه تنها یک کمی بافندگی واکثر بجوالی، وماست وپنیروروغن وقروت سازی وامثال آنرا اکتفا ورزیده‌اند.

فکر ایجاد واختراع درخصوص صنایع وترقی آن مخصوص عالم (مدنیت) است. هراقدرکه مدنیت ترقی کند احتیاجات بشریت هم بهمان نسبت افزونی میگیرد. وهراقدر که احتیاجات بیفزاید بهمان نسبت فکر ایجاد صنایع میزاید. رفته رفته تجملات میاید، تجملات هم اختراعات رامیدان میدهد. ازین سبب یک ترقی ترقی آسانی درصنایع جلوه‌گر میشود. پس هرملک وملتی که درمدنیت پیش رود، چنانچه همه چیزهایش ترقی میگیرد امور صنایعش نیز یوماً فیوم پیش میرود.

(ماشین دماغ انسان)

اعظم واکمل جمیع ماشینهائی که دردنیا موجود است همانا (ماشین دماغ) انسان است که صانع آن وبوجود آورندهٔ آن ذات اقدس خلاق عظیم الشان است جل عظمته. مثلا چنان ماشینهای عظیمهٔ دردنیامی بینیم که مانند کشتیهای زرهپوش دریدناوتهارا بوجود میآورد که هریک یکشهر سیار آهنین آتشباریست که درظرف یکدوساعت یکشهر بسیار بزرگی را باخاک یکسان میسازد. چنان ماشینهائی میبینیم که مانند زپلینها، وهیدروپلانها طیار هائی بوجود می آورد که بهزارها متردرجو هوا بالا رفته برساکنان روی زمین آتشباری میکند. چنان ماشینهائی میبینیم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 910 of 1786

که کشتیهای تحت البحر — آبدوز — را ایجاد میکند وکارستانها میکند . چنان ماشینهائی می‌بینیم که ماشینهای عظیمهٔ جراثقال را میسازد که بحرکت یك سرانگشت بصدها خروار ثقلرا بالا میکشد چنان ماشینهائی می‌بینیم که آلات وادوات تلکراف بی سیم وبلسیم رابوجود میآورد که خبرهای کرهٔ زمین را درلمحهٔ بصر ازغرب بشرق وازجنوب بشمال میرساند . ماشینهائی می بینیم که انجنهای بخار ریلها واپورها را بقطار های آن میسازد که درحمل ونقل انسانها واشیا خدمت لکها اسب راانجامی آورد . والحاصل بلکها ازین گونه ماشینها وماشینخانه های بدنیا دیده وشنیده میشود . که درپیش صنعت واتقان آن انسانرا حیرت دست میدهد .

حالا اندیشه کنیم که آیا اینهمه ماشینهای محیرالعقول از کدام کار خانه بظهور آمده است ؟ هیچ شبه نیست که جواب این سوال را هرفرد ذی شعوری که باشد همین را خواهد داد که آن کارخانه ، ماشین دماغ انسان ، است ! بلی ، بلی ! همین ماشین است که چون بخار های حواس را درزیر تضییق وفشار درآرد بلیونها بدایع حیرت آور روی کارمی آورد ! بحر ، بر ، کوه صحرا ، حیوان ، نبات ، جماد همه‌گی درپیش قوت آن بخار پر اسرار سرتسلیم خم میکند . زمین ، همه‌ثروتهای پنهان و اشکار خودرا درپیش پایش پا انداز مینهد . بحر ، جه اسرار خفیاتی خودرا برونثار کرده درزیر جرخهای اختراعاتش سینهٔ خودرا فرش میسازد . هوا ، بزجاج عجزوتسلیم را درپیش توجه های مایل ومستوی وپروانه های سریع الدور اوفرو می آرد .

همین ماشین بدیع التکوینست که چون یکبار بجهای اسنیم بخار دهشت کار خودرا بسوی امورات معظمهٔ سلطنت وسیاست تاب دهد چه جهانگیرها ، چه صاحقرانها ، چه داهیه ها ، چه مؤسسها بیدان میکند که دنیا هارا بلرزه میآرد . والحاصل هراقدر بدایع وصنایع وعجایب‌وغرایبی که دردنیا دیده و شنیده میشود کارگاه مصنوعات آن همین ماشین بدایع سراغ دماغ است .

حالا باز بموضوع بحث خود رجوع نموده بینیم که :

(صنایع داخلی چسان ترقی میکند ؟)

آیا ابدا گمان خواهید کرد که اینهمه صنایع عجیبه و غریبهٔ اوروپائیان کاامروزهروز چشمهارا میدرخشاند وعقلهارا بحیرت می اندازد از آغاز کار بهمین ترقی و رونق امروزینهٔ خود بوده باشد ، نی ، نی ! انچنین نیست : اوروپائیان هم در اول امر کرباس پوش نمدپوش بودند . رفته‌رفته کرباسرا بسان کوره سان کورهرا بسان‌سفید ونمدرا بکشمیره وملعوت تحویل‌دادند . اسباب یگانهٔ ترقی صنایع را درچند چیز می بینیم : یکی ازادائی کاملهٔ پیشه وران . یعنی دایرهرا بصنعتگران وپیشه وران تنك نگرفتن وهرکس را برای اجرای صنعتش آزاد گذاشتن ، دوم ازطرف حکومت بتشویق ومکافات صنعتگران کوشش ورزیدن وهرگونه تسهیلات وآسانیهاشان‌دادن . سوم ، هرصنعت وپیشهٔ که ازطرف صنعتگران‌وپیشه وران پیش شود ، وشدت احتیاج هم بهآن باشد هانوقت ازطرف توانگران وسوداگران مملکت یك شرکتی تشکیل یافته ، وسرمایه برای پیشرفت ورواج آن وضع شده درترقی آن سعی وجهد بعمل آوردن .

والحاصل مانند این دیگر بسی اسبابها هست که موجب ترقی صنایع داخلی میشود که چون ماشینهای دماغها در اسباب صرف ذهن نماید ، وافکار ها باهم مصادمه کند خیلی برقهای فواید ومنافع ازان برمیجهد که موجب روشنائی مملکت گردد . جای هزار افسوس است که جوهر گرانبهای بخار ذی اقتدار این ماشین بدیع التکوین مقدس برچیزهای لایعنیٔ غیرلایق آنهمهٔ منثورا گردد ....

(ضروری بودن ترقی صنایع داخلی)

این محاربهٔ حاضره ، که معدن وسرچشمهٔ صنایع جملهٔ عالم یعنی (اوروپا) رااز بیخ وبن بلرزه دراورد ، برهمه‌واضح وروشن ساخت که ترقی دادن صنایع داخلیٔ وطن عزیزما ازاهم لوازمات ضروریه میباشد . زیرا این جنك خانه‌خرابکارخانه های اکثر اشیا وحوایج اوروپارا که مایان بهآن محتاج بودیم معطل نمود ، راه ها بندشد ، داد وستد منقطع گردید ، بهآن سبب نرخ آن اشیا برتری گرفت هنوز که میداند که سراسر قحط ومفقود هم نشود ! پس درحال فقدان آنها ماچه خواهیم کرد ؟ یامیباید برهنه بنشینیم ، یا آنکه بکرباس وطن خود مراجعت کرده تن خود را بهآن بپوشیم ، بلی ! چون یکبار در واژهٔ سان کوره وسان سفید ملك غیر بروی ما بسته شود دیگرچه چاره داریم که کرباس نپوشیم ؟ حال آنکه اگردر زراعت پنبه ترقی ندهیم ، وکرباس بافان ملك ماهم بهمین حال عطالت وفلاکتی سرمایگی وبی اسبابی بمانند کرباس ماهم نسبت باحتیاج مملکت کافی نیامده نتیجه بازبه‌برهنه ماندن منجرخواهدشد . همچنانست حال کشمیره ها ودیگر قماشهای اعلائی که قیمتهای گرانبهائی ازخارج خریداری کرده مدار زینت مفتخرانهٔ فیشن وجود خود قرار داده‌ایم . چون یکبار حرمان ازان حاصل آید بلاشبه بکشمیره های‌چار خانه ورامعدار وبرك وکرك مملکت خود هرش احتیاج خواهیم کرد پس اگر ازحالا سوداگران و توانگران وطن عزیزما سرمایهٔ وافری جمع آورده درصدد ترقی واصلاح وفراوانیٔ آنها کوشش ورزند بجز منفعت هیچ ضرری نخواهند دید ازهمه‌بدترمسئلهٔ تیل خاك ، وشمع ، وقند ، وکاغذ وشیشه وامثال آن گونه لوازمات ضروریهٔ مبرمه ایست که بهیچ صورت استغنا ازان ممکن نیست . آیا اگر کار خانه های‌انگلیز ها بابمبه های آتش ریز هوائی ، وگله های صدمتی بحری وبری باخاك یکسان گردیده مارا محروم عواطف خود سازد چه‌خواهیم کرد ! هیچ شبه نیست که بهتیل شرشف ، وبشمعهای جربوئی پنجاه شصت سال پیش ازین خود محتاج خواهیم‌شد حال‌آنکه تیل خاك‌وشمعهای‌کافوری‌فرنگستان

از بسیار وقتهاست که مارا بخود مغرور ساخته در کشت و کار تخم شرشف وساختن شمع جربو سراسر مارا به اهمال و غفلت رهبری نموده است . تیل شرشف در قیمت ، از تیل خاك پاکم نمی آرد . شمع رزان جربو معدوم گردیده‌اند آیاچه‌باید کرد ؛ هیچ شبه نیست که بتاریکی نشسته نمیتوانیم . ضرور یك چیزی بایدکرد . اولا این‌را بایدکرد که‌از صحیفهٔ کتاب ذهنها وفکرهای خود کلهٔ « غیر ممکن » را محو و حك بکنیم . ذاتاً از معتقدات ماست که کلهٔ « غیرممکن » بجز رشریك باریتعالی جل‌وعلی بردیگر چیزی اطلاق نمیشود .

کائنات همه ممکنات است . پیدا شدن معـدن تیل خاك یك‌چیز غیر ممکن شمرده نمیشود . درجهت های هرات ، و آب ایستاده موجود بودن این‌معدن بتواتر شنیده شده است . اهل کار آنرا ازپا کو وقفقازبدست آوردن واستفاده کردن غیرممکن یك‌چیزی نیست . ولی‌این یکچیزیست که‌بوقت محتاج‌است . دم‌قد درکشت وزراعت تخم شرشف . واصلاح وترقی معصره‌ها — یعنی‌جواز خانه‌ها — ی آن کوشش ورزیدن لازم‌است . شمع ریزی هیچ یك‌کار مشکلی نیست . بجرأت‌تام میگوئیم که اگر همان‌شمعهای جربوئی پنجاه شصت سال پیش ازین ، از هماوقت تاحال در باب اصلاح وترقی آن یك‌تشویق وتحریك وجدوجهد جدی وحقیق میشدهیچ شبه‌نیست کاز وقتهای وقت درجهٔ شمعهای خارج‌را پیدا میکرد . قند کابل ازقند اروسی در شیرنی چه‌کم می آرد اگرمقصد سفیدی ، وبراق ، وبزرگی آن‌باشد ممکن‌است که‌یك کمی‌توجه وصرف همت حاصل آید . اساس شیشه سازی دروطن عزیزما مبذولست . برای شفاخانه ملکی شیشه ها در معمل — یعنی دستگاهای شیشه سازی کابل ساخته شده‌است . پس اگر در اصلاح وترقی ووسعت دادن آن معملها ، و تشویق و تجبیر کاریگران آن ووضع سرمایه وتشکیل شرکت سعی و غیرت بکار برده شود — اگرچه بدرجهٔ بلورهای اعلای اوروپا نباشد — بازهم بدرجهٔ دفع احتیاج برای ارسی ودروازه ها شیشه بروی کار خواهد آمد . در خصوص کاغـذ درینجا چیزی نمیگوئیم . زیرا چون تصـور عدم و جود آنرا بخـاطر می آریم حیـات خودرا — یعنی زندگی سراج الاخبار افغانیه — را در تهلکهٔ ممات می‌بینیم . ازآرو دستما میلرزد . حواس‌ما ابترمیشود ، قلم‌ما میگرید ! درخصـوص انشـاءالله مقالهٔ مخصـوصهٔ جـدا گانهٔ خواهیم نوشت .

والحاصل ترقی صنایع داخلی بسیار ضرور ولازم واهم شمرده میشود . این حرب عمومی اوروپا هم‌یك درس عبرت ، وهم‌یك میدان استفاده وفرصت است . درس عبرت ازین‌است که‌محتاجان صنایع آنها بدانند که اگر یك وقتی از اوقات ، بنابریك سببی ازاسباب هرگاه اموال واشیای مایحتاج ما ازانطرف ها نیاید چه خواهیم کرد ؟ میدان استفاده وفرصت این‌است که‌چون درچنین وقتی که دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما اعلان بیطرفی فرموده و باهیچ طرف هیچ سروکاری نداریم . ودیگران هم‌بجان خود گرفتارند هیچ نباشد چنگ تشبث باصلاح وترقی صنایع داخلی وانتظامات ملکی زدن ضرور است . روی سخن‌ما درخصوص ترقی صنایع داخلی بسوی توانگران ملك ماست که‌آنهارا بتشکیل شرکتها ووضع نمودن سرمایه‌ها درباب اینگونه کارها تشویق میکنیم اگرچه بعضی کنه‌عقلان موجود خواهندبود که‌این سخنان‌مارا ازجملهٔ خرافات وهزیان میشمارند . وناشنیدی میپندارند . واگر وجدان شان تایکدرجه قبول‌هم بکند . ولی غرور نفسی شان از تنزل بقبول آن‌عار میکند . البته‌عار بایدبکند ! یك‌اخبار والا چیست که سخن او باشد !...

اما هزاران شکروثنای خلاقدانا وتوانای خودرا ازبن‌هرمو بزبان می‌آریم که افغانستانرا درزیر ظل‌ظلیل مراحم دلیل‌چنان پادشاه ترقیخواه بیدار مغز تیز هوش مدنیت پروری مانند ذات شوکتسمات اعلیحضرت (سراج‌الملة والدین امیر حبیب‌الله خان) اداماالله دولته الی آخر الدوران مفتخر ومباهی داشته که‌بجز فکر ترقی واصلاح وبغیر از اندیشهٔ تمدن وفلاح وطن و ملت شاهانهٔ شان دگر چیزی نمی اندیشند . و برغم بدخواهان ترقی وتمدن شب و روز در پیشرفت اصلاحات مدنیـهٔ عصر حاضره همت جهانقیمت شاهانه را صرف میفرمایند . حالا یك شمهٔ از :

(ترقی های صنایع داخلی)

(درعصر فرخندگی حصر سراجیه)

مختصراً بیان کنیم تا‌برهمه‌کلان معلوم گردد که‌این پادشاه مقدس محبوب القلوب واین‌پدر اشفق‌ترقی محبوب افغانستان وافغانیان تاچه درجه ساعی خیرها و سعادتهای ملك و ملت شاهانهٔ شان میباشند .

اسلحه وآلات ناریه که درعصر حاضره بدرجهٔ نان گندمی برای حیات دولت لازم وضرور شده است . درعصر ترقیحصر این پادشاه معظم افغانستانرا درالخصوص ازاحتیاج خارج مستغنی ساخته ،ازماشین خانهٔ مبارکهٔ اسلحه‌سازی هرنوع تفنگها وطوپهای عصر حاضر را بدرجهٔ کافی حاضر وآماده میسازد . باروت سیاه بدرجهٔ اعلا اصلاح یافته ، باروت سفید تأمین شده . مسالهٔ بتاقی اصلاح تمام‌یافته . هرقسم طوپهای متراليوز آتشفشان ، وطوپهای کوهی ومیدان باجملهٔ لوازمات جبه‌خانهٔ آن ازرفرون ، وفیوز وبمب درکارخانهٔ اسلحه‌سازی کابل‌بدرجهٔ اوروپا ساخته میشود .

کارخانه چرمگری اعلاترین بوتها وموزه‌ها ودستکش وزین وبراق اسپ وعرابه وغیره‌را ازچرم خود افغانستان خیلی داشت دارتر و منتظمتر و ارزانتر ازخارج بوجود می آورد . ازدیگر چیزها صرفنظر تنها ازفابریك پشمینه بافی که امسال بنیاد یافته . واز مدت سه‌ماه هست که بکار آغاز کرده یکقدری بحث کردن میخواهیم :

ذات اعلیحضرت پادشاهی چون کثرت پشم مملکت ، وبیبها رفتن آنرا ملاحظه فرمودند بنیادنهادن یك‌فابریك پشمینه بافیرا برای‌استحضارات البسهٔ‌عسکریه الزم‌شمرده بتأسیس وبنیاد‌فابریك

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 912 of 1786

مذکور اراده وفرمان نمودند . قبل از سه ماه همه اسباب وبنای آن تکمیل‌یافته چنانچه درشماره های سابق خودبیان کرده بودیم ذات شوکتسمات اعلیحضرت شهریاری رسم افتتاح آنرا اجرا ، و بدست مبارك همایونی ماشین آنرا تحریك و جلان نمودند ، ومتمادیاً درهفتهٔ یکبار بماشینخانهٔ مبارك تشریف فرموده خواه درباب آن فابریك وخواه دردیگر خصوصات ترقیٔ صنایع توجهات جهاندرجات همایونی‌را مصروف فرموده ومیفرمایند .

بکمال مسرت وافتخار شنیده ایم که ازوقتی که ماشین پشمینه بافی بروی کار آمده است یعنی درظرف این سه ماه برای البسهٔ دوازده هزار عسکر قماش حاضر کرده توانسته است که الحق شایان شکران وامتنان یك کامیابیٔ شمرده میشود . ازدرگاه ایزد منان نیاز میکنیم که اعلیحضرت پادشاه مقدس ما را تاسالهای درازاریکه پیرای سلطنت سنیهٔ اسلامیهٔ افغانیه بداراد تادرسایهٔ ترقی‌پروریهای شاهانهٔ شان دولت وملت ووطن برخوردار گردد آمین.

حوادث داخلیه

« مراسم روز عید سعید اضحی »

هر چند تقویمات ایرانی وترکی روز عید میامن مزید اضحی را روزجمعه نشان میدادند وماه ذیقعده را ناقص گفته روزچهار شنبه را که حقیقتاً سلخ ذیقعده بود بغرهٔ ذیحجه تحویل داده بودند . مگر دروقت شام شب موصوف رؤیت هلال تحقیق نه پیوسته علاوه بران رعایت این قاعدهٔ معمولهٔ مجربه که درهرسال روز عید اضحی بلحاظ اساسیٔ « ایام الاسبوع » باروز اول ماه رمضان برفیضان همان سال ضرور موافق ومطابق میباشد ، نیز منظور بوده ازآنرو روز عید سعید اضحی بروز شنبه تصادف‌ورزیده ثابت گشت .

روز جمعه که « عرفه » بود وبه اصطلاح وطن عزیزما آنرا شب عید میگویند قریب غروب درحالیکه هرطرف شهرشهیر عزیز ما را یك سرور وفرحت عمومیٔ استیلا کرده بود ، به انداخت ۳۱ ضرب توپ خصم کوب خبرورود سعادت اندود مسرت نمود عید بهمهٔ اهالی اعلان وابلاغ گردید .

فردای آن که روز فرحت اندوز عید سعید میامن مزیداضحی بود بساعت ۹ بقرار اعیاد سابق حاضریٔ رفتن برای ادای صلوة العید از طرف عموم کرده شد وبسبیکه درشب یك باران شدیدی باریده گل ولای مدهشی بعمل آورده بود ازآنرو بقرار اجازهٔ رسمی درداخل شهر نیز دربعضی مساجد مقدس وسیع نماز خوانده شد ولی باوجود آن اکثر اهالی درمسجد بزرگ عیدگاه برای ادایٔ صلوة حاضر شده قریب نصف احاطهٔ مسجدرا باهمه حصهٔ داخلیٔ آن پر ومملو ساخته بود .

بساعت ۱۰ ورود موکب سعادت موهب اعلیحضرت همایونی را به نمازگاه ، آواز دلنواز « لارهٔ سلامی » که از طرف موزیکه های عسکری بکمال هیبت وجد آورانه نواخته شده برحاضرین مسجد اشعار کرد وپس ازآن صلوةالعید باخطبه عربیهٔ مخصوصهٔ که از طرف امام قرائت شد ادا گردید .

بعد ازانکه صنف ازعساکر سوارهٔ « میراسپورها » و « رکابیها » که بایونیفورمه های بس‌خوشنمائی ملبس بودند مقدمهٔ گذر نمودند ، ساعت ۱۱ بود که کوکبهٔ پردبدبهٔ متبوع اعظم ومقدس مااعلیحضرت « سراج‌الملة والدین » پادشاه بزرگ دولت خداداد افغانستان « صانه‌الله عن حوادث الزمان » که درعرابه های بسیار خوبصورت منتظم مخصوص روز عید ترتیب یافته بجانب ارگ مبارك سمت عزیمت وا مینمود پدیدار وآشکارگشته فرحت‌بخش عیون اولو الابصار گردید .

از مردم رعایای تماشائی یکه پیش از حرکت اعلیحضرت همایونی از نمازگاه ، که از همدیگر به بسیار سرعت واشتیاق در پیشقدمی پیشدستی کرده برای دیدار چهرهٔ عطوفت نثار تاجدار محبوب‌القلوب وپدر مهربان خودشان باطراف سرك اخذ مقام نموده جمع آمده بودند ، صداهای « سلام » که به آوازهای بسیار شوق آورانهٔ که ازان حسیات محبت پروریٔ صمیمانه درحق پادشاه مراحم اکتناه خودشان بخوبی مفهوم میگشت بعیوق میرسید . ودرمقابل این آواز های « سلام » از طرف ذات اعلیحضرت نیز بجواب آن اکتفا ورزیده میشد .

درین عید نیز حسب معمول سه روز پیشتر از طرف ایشیك آقاسیان ملکی ونظامی حضور همایونی اوراق تکت های رسمیٔ اذن شمولیت دربارعید درسلامخانهٔ عام ، برجمیع خوانین وعلمای عظام واهل مناصب ملکی وعسکری توزیع وتقسیم شده بود .

وبعد ازفراغ نماز ومراجعت از عیدگاه هرکس از شهزاده کان عالی تبار وعلما وخوانین وارباب مناصب به جاهای مناسب بر چوکیهای مخصص خودشان نشسته تشریف شوکت ردیف ذات اعلیحضرت همایونی را انتظار میکشیدند .

بساعت ۱۱ ذات شوکتسمات پادشاه معظم دولت علیهٔ افغانیه از دروازهٔ جنوب غربی سلامخانه داخل شده پس ازانکه قیام احترام واستقبال عمومیٔ از حاضرین بعمل آمد متکی مسندعزو اجلال گردیده همگانرا باحوال پرسی وتلطیفات شاهانه مفتخر ومباهی ساختند . وپس برجمیع حاضرین دربار اقسام شیرنی ها که دردستمال های بسیار خوشرنك مختلف‌اللونی بسته شده بود توزیع گشت . درین اثنا ساعت بزرك سلامخانه ساعت یك را نواخت وقریب شدن وقت طعامرا نشان داد . پس ازفراغ طعام میوه های تازه از قسم تاك وسیب وانکور باسبکاره ها نیز بهریك تقدیم شد . واخیراً بساعت ۲ ذات ستوده صفات اعلیحضرت همایونی حاضرین را امر رخصت عطا فرموده بعد ازانکه جمع نفری سلام وآئین را بعرض رسانیدند دربار مسرت نثار عید سعید اضحی اتمام یافت .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 913 of 1786

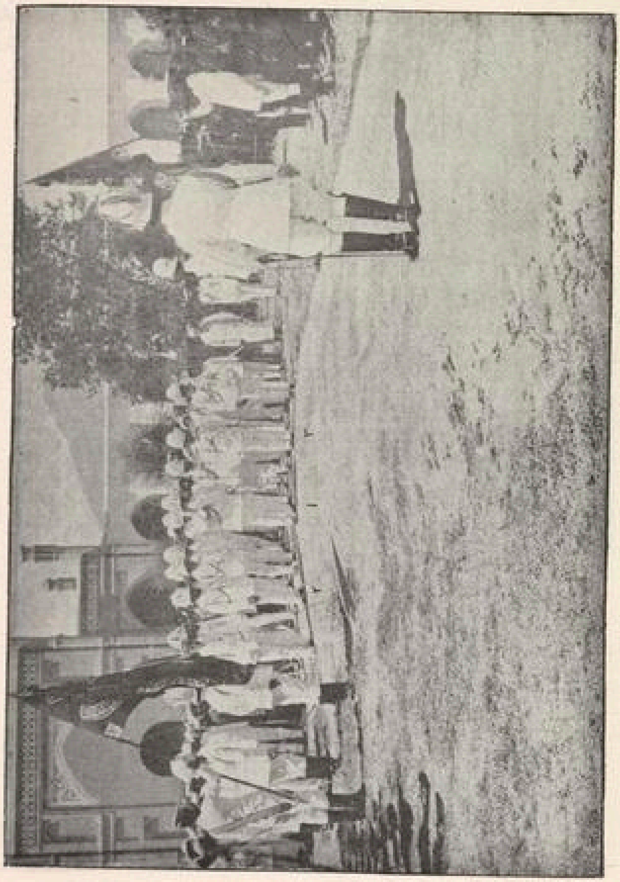

بعد از ادای صلوة عید

تشریف فرمائی ذات اعلیحضرت پادشاهی از جامع

۱ — ذات اعلیحضرت سراج الملة والدین ۲ — فخامتمآب نائب السلطنه سردار نصرالله خان ۳ — شهزادهٔ معظم
معین السلطنه سردار عنایت الله خان

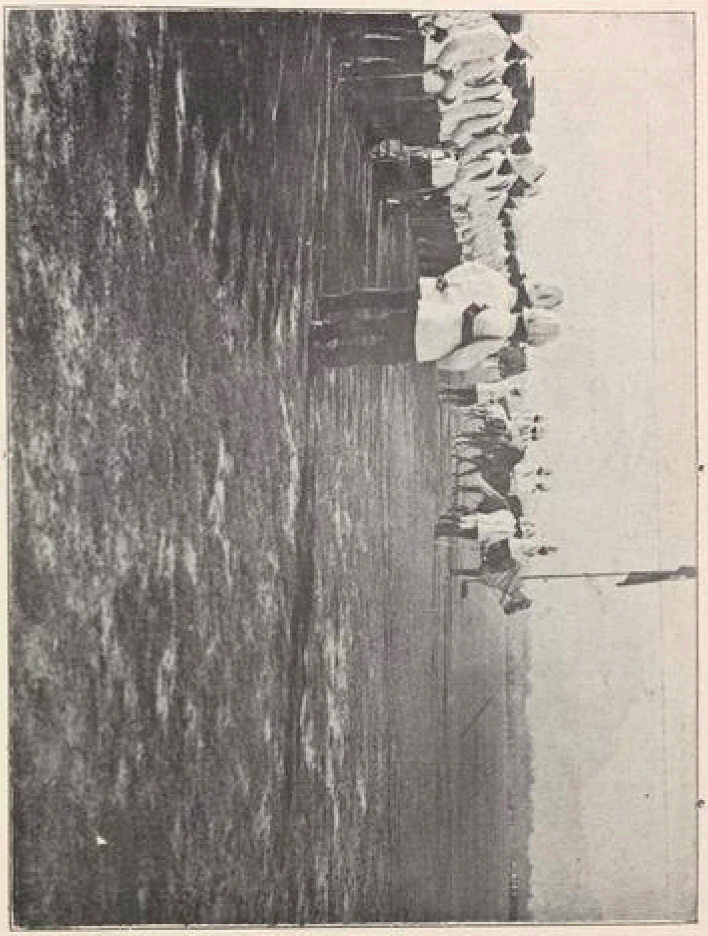

از مناظر نمایش عسکری

ذات اعلیحضرت همایونی در زیر بیرق شاهی با شهزادگان عظام سواره ایستاده رسم مرور عساکر شاهانه را نظارت میفرمایند
ارباب مناصب ملکی و عسکری درباری نیز در عقب صف بسته احترام ایستاده تماشای رسم مرور عساکر شاهانه را مینمایند

عالم عسکری

برادران نظامی ما بدقت مطالعه کنند

درسالهای اول ، « سراج الاخبار افغانیه » از عالم عسکری گاه گاهی بعضی بحثهای میراند که مقصد خالصانه ازان محض استفادهٔ خوانندگان کرام صنف نظامی ما بود ، ولی کثرت تحریر ، وعدم تشویق وتحریک مرا وصرف نظر نمودن ازان مجبور ساخت . حالا آنکه از عالم عسکری بحث راندن ومقالات عسکریه نوشتن برای سراج الاخبار افغانیه ضروری شمرده میشود ، زیرا اکثر مشترکین کرام ما از صنف جلیلهٔ عسکریه میباشند ، وچون مقالات عسکریه را درصحایف سراج الاخبار افغانیه به بینند هم موجب استفادهٔ شان میشود ، وهم چون ازمسلک خودشان سخنی بشنوند یک شوق ورغبت افزونتری برای شان حاصل میشود .

اما مقالات عسکری را طبعاً عسکر باید بنویسد ، دراول که باب بحث عسکری را باز کرده بودیم چنان امید میکردیم که افسران باکمال نظامی وطن عزیز ما البته مقالات فنون عسکریه برای ما نوشته خواهند فرستاد ، وما هم درج کرده ازعهدهٔ وظیفهٔ مبحث (عالم عسکری) خواهیم برآمد ، اما هزارافسوس که درینقدر مدت هیچ کس هیچ چیزی برای ما ننوشت . این است که درینوقت این وظیفهٔ نوشتن مقالات عسکریه را یوزباشی ارکان حربیه عزتمند محترم (خیرالدین خلوصی) بیک که معلم فنون حربیه درمکتب فنونات مکتب حربیهٔ اعلیهٔ دارالسلطنهٔ کابل میباشند درعهده گرفتند .

اینست که ازین شماره بترجمهٔ یک مقالهٔ عسکریهٔ بسیار بلند مشارالیه ابتدا میورزیم . این مقاله چنانچه گفتیم بسیار بلند است ، وبخصوص صنوف عالیهٔ ارکان حربیه است که سیاسیات دولیه نیز دران مدنظر گرفته شده است . امابعدازین انشاءالله از هرقسم مقالات نافعهٔ آسانتر ازین بحث خواهیم راند بعضی اصطلاحات فنی عسکریه را در قوسهای متعرضه گرفته شرح میدهیم . ومن الله التوفیق .

(کیفیت)

(حاضر شدن دولتهای متمدنه)

برای جنگ

اردوهای دودولت متمدن بایکدیگر دشمن که ازروی قیمت عسکری باعدد باهم مساوی باشند یابسیار باهم فرق داشته باشند عادةً یکی ودیگرشان باین ممکن میشود که در خصوص حاضری حرب پیش قدمی بکند . یعنی هرطرف که بدار الحرکات در کم مدت ، بسیارتر قوت جمع آورده بتواند ، وبردشمن مقابل خود یک ضربهٔ جنگکری فروآرد طبعاً هما طرف میدانرا میبرد .

[شرح : — « اردو » دراصطلاح مملکت عزیز ما اگرچه عسکر دران باشد هر یک قطعهٔ بزرگ سرکاری را میگویند ، اما در اصطلاح عسکری صرف اردوی عسکریرا میگویند . « قیمت عسکری » عبارت از علم ، تربیه قوائد ذاتی ، خوبی اسلحه ، نظام انتظام آنست . « دارالحرکات » محل جای وموضع وزمینی را میگویند که محاربه دران بوقوع می آید .]

سرعت — یعنی چابکی — در حاضر شدن حرب آنقدر فایده‌ها ومنفعتها دارد که گاهی تفاوت وفرق عددی را نیز تلافی میکند . یکدولت بزرگ و جسیم ، دریک دار الحرکاتی که از مملکت آن دولت بسیار دورباشد ، نسبت بیکدولت کوچکی که بدار الحرکات مذکور نزدیک باشد دیرتر عسکر جمع آورده میتواند که باین حساب ، قوت آن دولت بزرگ دور ، برابر قوت دولت کوچک نزدیک میشود ، یاضعیفتر ازان میگردد . چنانچه درحرب روس وژاپان شد .

[شرح : — مثلا درحرب مذکور دارالحرکات قطعهٔ « مانچوری » بود ، دولت روس کازدولت ژاپان خیلی بزرگتر بود ، بسبب که مملکتش خیلی دوربود ازدار الحرکات واقعشده بود ، ودولت ژاپان که کوچکتر بود ومملکتش نزدیکتر بدارالحرکات بود ازانسبب زودتر عسکر بدارالحرکات رسانیده توانست باقوت دشمن قوت خود را برابر کرده توانست ، بلکه در « پورت آرتر » قوت روس ضعیفتر گردید .]

حکومتهای کوچک ، یامیانه که بادول معظمه همسایه وهمجوار باشند مسئلهٔ یگانهٔ حیاتیهٔ شان این است که ، « سرعت » ، کم عنصر طبیعی را ، بجای افزونی و بسیاری عسکر قایم بسازند . حاضری حرب به آندرجه دور اندیشانه اجرا باید بشود که بعد ازاعلان سفر جنگ ، هرچیزی وهرکاری مانند ساعت منتظماً جریان بگیرد .

بعضی شرطهاییست که برای ظفر وغالبیت ازلوازم غیرمفارق آن شمرده میشود : مثلا تعلیم وتربیهٔ بسیار مکمل ، مجهز ومسلح بودن باهمه واسطه هائیکه امروزه روز فن حرب آنرا بعالم عسکری بخش واحسان نموده است ، مالک بودن برشبکه های خطهای راه آهن وامثال اینگونه چیزها . اما غیر ازین چیزها که بیان شد ، یک قسم وظیفهٔ حاضریهای دیگری هم هست که هیئت عالیهٔ قوماندان به آن وظیفه مکلف میباشند .

[شرح : — « لوازم غیرمفارق » چیزهائیست که جدائی نداشته باشد . « واسطه‌های فن حرب » طوپها تفنگها ودیگر همه رقم یراق واسلحهٔ طرز جدید که درینوقت دولتهای متمدن به آن مسلح میباشند ، کشتیهای هررقم جنگی ، وطیاره‌ها وبالونها وتلگرافها هم دران داخلست . « هیئت قوماندانها » افسرهای بزرگ که امر ونهی عسکری به آنها راجعست . « وظیفه » باصطلاح مقتضا دوبار خوانده شد ، امادرحقیقت وظیفه عبارت کاریست که انسان ناگزیر ازان باشد ، وبهر حال براجرای آن مکلف باشد . وظیفه‌داردرانها فرض منصبی هم میگویند .

آیا آن وظیفه کدام است ؟ آن وظیفه این است که صورت مدافعهٔ مملکت را دروقت حضر — دروقت صلح — اندیشه وتصور کند .

[یعنی تیار باشد ازانکه جنگ آغاز کند ، کرده وهیولای نقشه وپلان دور کردن دشمن را ازمملکت ، ترتیب وتنظیم کرده باشند .]

نقشهٔ این اندیشه وتصوررا ، لائحهٔ حرکات حربیه ، میگویند .

« تعرض » ، بشرطیکه اجرآت وعملیات آن ممکن باشد ، بهترین اصول « مدافعه » شمرده میشود، یعنی « تعرض » یک « مدافعه » تشبثکارانه وفعالانه است، و« مدافعه » یک مقاومت اطاعتکارانه ایست که بمقابل ضرب اجرا شود . تعرض المانیا بفرانس وروس ، ماهیت یک مدافعهٔ متعدیه را دربر دارد .

[شرح : — « لائحهٔ حرکات حربیه » یک نوشته ایست که یک تصور وتدبیر را که درباب حرکات حربیه بخاطر آمده باشد پیش ازوقوع شدن وقبول شدن آن دروقت تحریر یابد . « تعرض » حمله بردن ، هجوم کردن تجاوز نمودنست که یعنی پیش ازدشمن ، اول جنگ آغاز کند ، « مدافعه » ضد تعرض است ، دفع کردن ، رد کردن ، یعنی دشمن چون حمله هجوم کند آنرا وهجوم را دفع کند ودیگر « مدافعهٔ متعدیه » یعنی بدفع کردن که تجاوز وحمله بردشمن درو کرده باشد]

این لائحهٔ حربیه که گفتیم ، چنان نیست که همه احوال‌را که تا به آخر حرب جریان کند بیک کرامت کاهنانه مناقشه وموضوع بحث کرده بتواند . زیرا بعد ازمصادمهٔ نخستین که باردوی دشمن بشود ، نظر بنتیجهٔ غیرمعلومهٔ که ازاحوال آن مصادمه بوقوع می آید لائحهٔ مذکوره متبدل میشود اما کسانیکه عسکر نباشند چنان گمان میکنند که اینچنین لائحه قابل ترتیب خواهد بود حالانکه اینچنین لائحه ازاحوالیکه تا بمصادمهٔ نخستین باردوی اصل دشمن بوقوع میاید ، وعلی الخصوص ازتجمع سفر حرب اردو بحث وبیان میکند .

[شرح : — یعنی لائحهٔ حربیه که پیش ازوقوع جنگ ازطرف امرای بزرگ ارکان حرب نوشته میشود وآنرا نقشه وپلان هم میگویند لازم همه احوال مملکت که بعد ازان پیش آمدنیست یکایک بیان کرده نتواند چرا که جنگ یک چیزیست که هردم یک احوال دیگری پیش می آرد ، وآن پیشنگوئی را که درلائحه نوشته باشد تبدیل میدهد لهذا هم نوشتن لائحه ضروراست که تا به آغاز جنگ احوال جمع آوری لشکر وغیره را فقط معلوم سازد .]

لائحه حرکات حربیه تقریباً بترتیب وسیاق ذیل بقلم گرفته میشود لکن نظر بحال مملکت ومقصدی که مدنظر باشد متبدل میشود یعنی یک شکل معینی ندارد .

۱ — مناقشه درخصوص وضعیت سیاسیه .
۲ — حساب کردن قوتهای خودرا ودشمن را بالتعیین مدتهای اجتماع .
۳ — معلوم کردن استقامتهای تعرض دشمن .
۴ — ترتیبات مدافعه .
۵ — ترتیبات استقامتهای تعرض بردشمن ، اما بشرطیکه مدافعه اختیار نشده باشد یا اینها درکجا شده باشد ، ونیز ترتیبات مدافعه .

این است که تقریباً برای این گونه چیزها لائحه — یعنی نقشه وپلان — ساخته میشود که هریکی ازان تفصیلات وشرح وبسط زیادی میخواهد ، واین لائحه یعنی پلان ازاسرار عسکریه شمرده میشود ، افشا کنندگان این اسرار به اعدام محکوم میشوند — یعنی حکم کشتن برو اجرا میشود ، بنابرین اینک بخاطر وخیال ما هم نمیگذرد که درینجا بگوئیم که برای انگیزهائی که درفوق مذکور گردید ، آیا چه رنگ لائحه وپلان برای افغانستان تنظیم کرده میشود ؛ مقصدما درینجا این است که درباب صورت تنظیم لائحه یک روشنیٔ فکر حاصل شود . (باقی دارد)

خیرالدین خلوصی

مکتوب

منظوم منمقام کار — راول پندی

ای مبارک هدهد فرخ پی و فرخنده پر
در حضور حضرت محمود این مکتوب بر
آن نکو محضر که طرزش هست محمود وپسند
در ره تهذیب آمد قوم خودرا راهبر
رهنمون ملت است وناصح قوم خود است
روز وشب تنبیه کنان اهل وطن را ازخطر
مدح خواند زملا وقدح گوید زعلان
شیوه اش ذم ستمگر هست ومدح دادگر
گوروا مرام لسان الملک می زیبد از آنکه
میکند ساکت زبان مدعی لابه گر
مدعی هرزه گورا اهل در آتش کند
خواه انگلشمین باشد خواه باشد بابر
دشمنان دین وملت را بسازد تلخکام
از مقالاتیکه شیرین است چون شهد وشکر
غازی میدان قرطاس است با تیغ وقلم
یکقلم برد زبان طعنهٔ هر خیره سر
طرزی مارا خدا با عاقبت محمود باد
هر نهال آرزوی وی دهد شیرین ثمر
ای مکرم قوم را کن رهنمونی با سراج
اچنین شمع هدایت قوم را شو راهبر
قوم را آگاه کن ازمن به پند سود مند
به که نویسند این پند مرا با آب زر
از خدا یاری بخواه ای قوم وکن صبر وثبات
همت اقدامی بگو یاربنا شام و سحر
زین بیان حاشا وکلا شاعری مقصود نیست
مخلصانه عرض دارم چند پند مختصر

از ترقی های ابنای زمان آگاه شوند
کام شان در عرصهٔ تهذیب باشد تیز تر
جوشن شان باشد از تقوی سلاح باشد صلاح
تیغ شان باشد حمیت غیرت دینی تبر
اشتراك رنج وراحت جمله شانرا شیوه باد
همچو فرزندان دلبندان یك مادر پدر
توبه از سفاکی و خونریزی وغارت کنند
زاتحاد باهمی گردند چون شیرو شکر
دست همت کن دراز ای قوم و هم کوتاه کن
دامن عیش و طرب بهر خدای بحر و بر
کاهلی را مطلقا بگذار و چستی پیش گیر
تلخکامی را تحمل کن اگر خواهی شکر
روز کاری بگذران در محنت و رنج و تعب
آنچه میداری بدل آخر فراز آید زدر
لیس للانسان الا ما سعی را یاد کن
سعی کن تا مسند عزت ترا باشد مقر
سعی را مشکور فرماید خداوند شکور
بیشتر باشد هر آنکو سعی دارد بیشتر
شکر ایزد را بجا آرید کز لطف عمیم
هر شما را پادشاه دین پناه و داد گر
آن سراج دین و ملت خسرو والا مقام
غمگسار قوم و ملت مهربان و مهر ور
از نو صوت و از هیبتش نتوان رسید
حملهٔ شیر ژیان بر گوسفند و گور خر
قطع ز قتل و غارت دست قطاع الطریق
هر مسافر میکند قطع منازل بیخطر
یا الهی اختر اقبال او تابنده باد
تا که تابان است بر اوج فلک شمس و قمر
دشمنانش را بود بستر پر از خار و خسك
دوستان را متکا از بالش آ گنده پر
بحر مواج سیاسی در تلاطم آمده است
در فرنگستان هزاران تن جدا گشته زسر
تیر اقبال یورپ راست هنگام افول
سعی کن تا بر سپهر مهتری یابی قمر
مشتعل شد آتش پیکار در هر چار سو
حق نگهدار تو باد از فتنه و آشوب و شر
آستریا هنگری و جرمن و روس و فرانس
بلجم و انکلیس را آب بلا رفته ز سر
هر طرف در طیر در جو هوا طیاره ها
کرکس آسا جیفهٔ دنیای دون مد نظر
روس را با آنشکوه و شوکت و شانی که داشت
قافیه بس تنك گشته و در وحل مانده است خر
وسپاه روس رعب جرمنان طاری شده است
بستر اندر گور لرزان آنیون زیر و زبر
آتش قهر خدا افتاد در انبار ها
صاحب خروار ها بودو نماندش بار خر
قوت لشکر شکست و لشکری بی قوت شد
لاجرم کشت جفا را اینچنین باشد ثمر
هر که جو کارد همان حاصل کند وقت درو
کی بدست آید ز تخم تلخ غیر از تلخ بر
منتقم ذات خداوند است و بطش وی شدید
اهل طغیا را کند غرق قاب بحر پر خطر
اتفاق ملتی کو مایهٔ فخر فرانس
بود اما شد همه جمعیت وی منتشر
لشکرش را در مصاف جرمنان شد کارزار
گرچه انکلیس است یاوری یاور و سینه سپر
کیفر کردار خود را میرسد از عدل حق
هر جفا کار ستمگر کل کذاب اشر
ازپی دنیای دون دین مسحی باخته
هر یکی مناع للخیر است و لمار بشر
گر قفای بر رخت زد ظالم از روی جفا
هست فرمان مسیحا پیش کن روی دگر
جمله شان منحرف گشته ز فرمان مسیح
مقصد شان نیست جز خونریزی نوع بشر
زار و زاشد حال زارو هیچ شد فر فرانس
لشکر جرار جرمن برده میدان ظفر
خون و ناموس مسلمانان که در بلقان بریخت
این همه پاداش آن جور و جفا باشد مگر
آتش آه نهان وارا مثل شد بچرخ
گشت در طیاره های جرمنا اکنون جلوه گر
این نصیب شان بدنیا از عذاب ادهر است
هست در عقبی مقرر بهر شان نار سقر
پای تخت زارشد محصور شد کارش زبون
قصر وی از دست قیصر میشود زیر و زبر
جنت دنیا که شهر خوشنمای پرس است
بر جهاتش گشته اکثر مورد برق و شرر
هر طرف بارد بکثرت گلهٔ توپ و تفنگ
باچنان شدت که گوئی بارد از آتش مطر
کشته شد مردان جنگی صدهزار اندر هزار
صدهزاران طفل و دختر را برفت از سر پدر
صد هزاران مه جبینان پری تمثال را
درفراق عاشقان زار گشته دیده تر
عازم میدان جنگ اندو بحسرت میدهند
بوسه ها بر دیدهٔ گریان شان وقت سفر

آنکی بر چهره اش آثار حسرت ظاهر است
یاس و نومیدی نمایان است بر روی دگر
آکثری زین جور یان ترك وطن فرموده اند
زانکه می پنداین فردوس خرد را در خطر
بر دل مردان زعنا یاس و حرمان طاری است
داغ فرقت یکطرف خوف اجل طرف دگر
صد هزاران غرقهٔ بحر فنا گشته هنوز
نعرهٔ هل من مزید آید ز هر سوی سقر
مشکلست اطفای نار جنگ از روی قیاس
خیر ما یارب بود در پردهٔ شر مستتر
از خدا از صدق دل خواهم که با اوج عروج
اختر اقبال شاه ما شود باز بهره ور
بر خلوص نیت من ذات باری شاهد است
نیست زین اظهار آهو مدعا حاشا ز شر
نیست اندیشه بجز خیر مسلمانان بدل
خاصه آن قومیکه دارد در خراسان مستقر
من دعا گوی توام چه در خلا چه در ملا
من بهی خواه توام هم در قفا هم در حضر
نیستم افغان مگر زابنای اسلام یکی
بر معاصی عاصی ام از امت خیر البشر
از قضای ایزد سبحان بدار الحرب هند
روزگاری از حیات مستدام شد بسر
تختهٔ مشق جفا هرجا که بوم مسلم است
هر کجا مسلم بود سنگ بلا آید بسر
بر دهانم مهر خاموشی بود دستم کوته است
می بر آید آه آتشبار از خونین جگر
لاجرم در موضعی گمنام دارم بود و باش
مسکنم بشدی میانی مولدم باشد کنر

الراقم یکی از قارئین سراج الاخبار
۲۸ شوال سنه ۱۳۳۲

حوادث خارجیه

اجمال احوال

خلاصه از اخبار مصر

احوال حاضرهٔ حرب وقتال عمومیٔ اوروپا را هر قدر که اجمال کنیم، ومختصر ومجمل بسازیم نتیجه برهمین قرار میگردد که لابد این تاریخی که اجمال را مینویسیم — یعنی تا تاریخ غرهٔ ذالحجه — هرچیزی که میشنویم فتح وظفر وفیروزی وغلبه را ازطرف جرمنها میبینیم. اوستریا ازحق صرب ومانتنیگرو وروس بمعاونت متفق خود جرمن بخوبی میبرآیند. یعنی اوستریا وجرمن بخاك روس داخل شده جنگ درخاك روس مشتعل است. قطعهٔ پولیند یعنی لهستان روسی که یك ملك بسیار بزرك روس بود، وشهرها وآبادیها بسیار دارد، ودر اوائل یك مملکت آزاد ومستقل بود وروسها درزمان حکومت امپراطور ریجه (قاترینا) حریت واستقلال آنهـا را پامال کرده بملك روس الحاق نموده بودند دریـنوقت مرکز حرکات عسکریهٔ جرمن است. از طرف بحر بالتیك نیز در هر کجا ویکجا یك کشتی، دوکشتیٔ جنگیٔ روسها کشتیهای جنگی جرمن غرق میکنند یك بندر دو بندر شانرا نیز درزیر گلوله باری میگیرد. امادروقت حاضر نقشه وپلان جرمن درطرف شرق — یعنی باروس وضعیت تدافعی را گرفته است. وبهمینقدر اکتفا میورزد کروس رانگذارد که از حد خود تجاوز نماید. مقصدش این است که اول کار بلژیك وفرانس وانگلیز را انجامداده بعداز آن بخاطرجمعیٔ تمام کار روس رابسازد.

ازسه دول متفقه که درجهت غرب بمقابل جرمن استاده بود یکی ازانهـا را که بلژیك باشد سراسر محو ومنقرض گردانیـد شهرها وقلعه های بسیار مستحکم، وآباد، وتوانگر آنرا مانند لیژ ـ لیك ـ، وروکسل ـ برلز ـ، وانورس ـ انتورپ واستاند، وغیره را یکی دریئ دیگر ضبط وتسخیر نموده پادشاه ودار الحکومت بلژیك بفرانس انتقالیافت. ودرانجاقدر واعتبار پاپ که درملك ایتالیاست باقیماند. محرك واغوا کنندگان بلژیك دول متحده بود. بسیار افسوس است که هیچیك معاونت ومددکاریٔ جدی وحقیقی به آن بیچاره نرسانیـدند، وبمقابل جرمن تنهاماندندش.

والحاصل مقصد فرانس وانگلیز دربارهٔ بلژیك همینقدر بود که اورا تا یوقت حاضریٔ خودشان فدیهٔ نجات خود بسازند، وهم ساختند.

درخاك فرانس پیشقدمیها المانها هریك چیزیست معلوم. اگرچه اخبار های متحدین یکان بار از ترقیهای خفیف خود شان گاهی درقلب وگاهی درمیسره ومیمنه دم میزنند. اما افسوس که این قلب ومیمنه ومیسره درجاهائیست که ازصد تا صد پنجاه میل فاصله برگرد ونواح پاریس میباشد. جای اندیشه وحیرت این است که تابحال یکان کامیابی وترقی که هم میکردند ازین بود که همه اردوها وطوپخانه‌های دهشت احتوای جرمن برای محاربه های خاك فرانس فارغ نبوده، زیرا یکقسمی ازطوپخانه‌ها وعسکر شان در بلژیك مشغول بود، وچون حال ازانطرف فارغ شده همه قوای شان به اینطرف متوجه شود کار حریفان خیلی مشکل خواهد شد!

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 919 of 1786

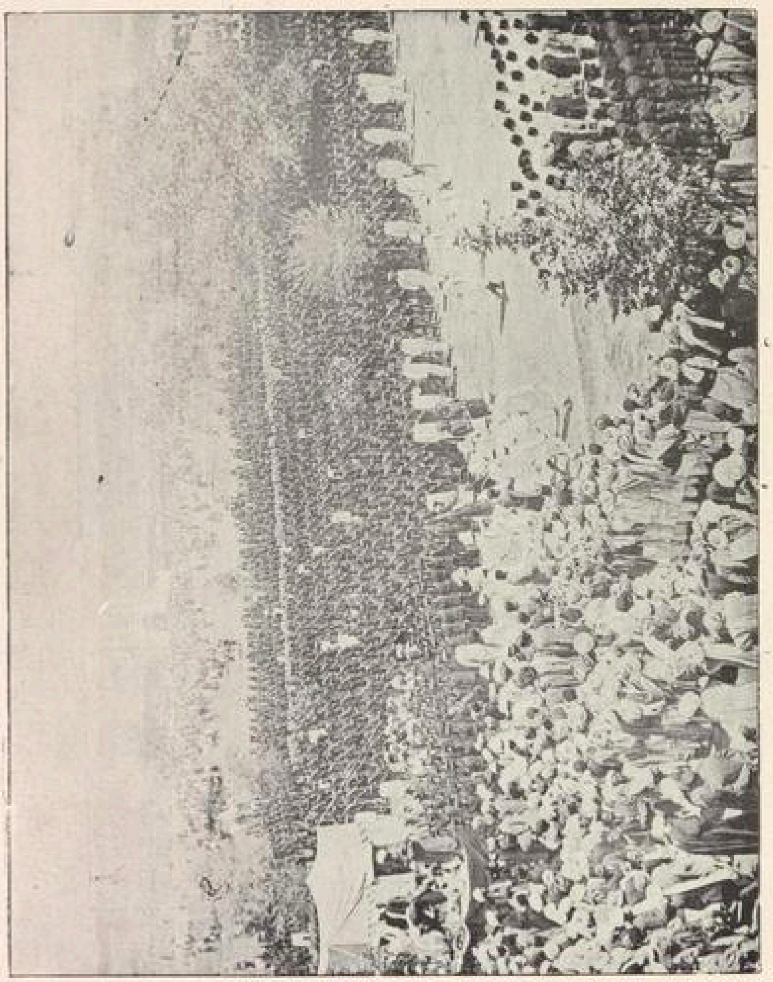

مرور ذات اعلیحضرت پادشاهی از مواجههٔ صفوف عساکر ظفرمآثر شاهانه

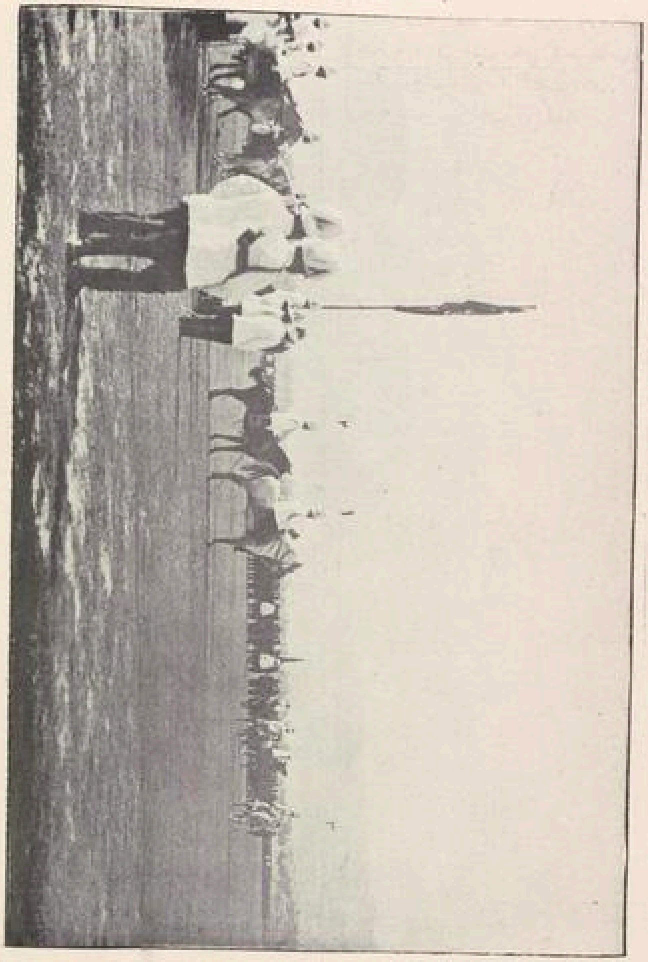

«دیگر منظره»

رسم مرور عساکر ظفر مآثر غند اردلی از پیشگاه حضور شاهانه

۱ — ذات اعلیحضرت ۲ — معین السلطنه ۳ — سپه سالار

تاریخ حرب عمومی

مابعد از شماره ٤

خبرهائیکه از اخبارهای ترکی وعربی ترجمه شده

در ظرف سه عصر اخیر چند محاربه اوروپائیان کرده اند ؟

جریده صباح مینویسد

درین سه عصر اخیر = یعنی از سنهٔ ۱٦۱۸ تا به این سنهٔ ۱۹۱٤ یکهزاروهفتصد ودوجنك بوقوع آمده است . درازترین این محاربهها ، محاربهٔ دولت عثمانی باحکومت « وندیك » است که از سنهٔ ۱٦٤٤ تا بسنهٔ ۱٦٦۹ دوام نموده است . این محاربه نام بجاه وبجلال شعله افروز بوده است . کوتاه‌ترین شان محاربه « شارل آلبرت » است که بااوستریا شده است . این محاربه تنها شش روز دوام ورزیده است . درظرف این سه عصر اخیر دولتی که بیشتر محاربه کرده است ، همانا دولت فرانس بوده است که‌هزار وهشتاد بار جنك کردهاست . درین هزار هشتاد بار جنکهای خود نهصد وهشتاد چاربار مظفر شده ، وچار صدو نودوپنج بار مغلوب گردیده است . محاربه های فرانس درمیان همه محاربه هائیکه‌درین‌سه‌صد سال بوقوع امده ، نسبت شصت‌وچار را‌ایصدمیکرد ، اوستریا درصدی‌چهل وهشت ، انکلیز درصدی بیست ، روس درصدی نوزده ، المان درصدی هجده ، اسپانیا درصدی شانزده ، وترکیه درصدی دوازده نسبت را بهمهٔ محاربه های سه صد ساله میکرند . المان وانکلیز درصدی شصت وپنج مظفر ، ودر صدی چهل مغلوب شده اند . فرانس ازسنهٔ ۱٦۰۰ تاحال باپانزده دولت‌در تواریخ مختلفه جنك کرده است . وتنها بااوستریا دوصدوشصت ودوبار جنگیده است . انکلیز یکصد وبیست بار ازفرانس شکست یافته است ، ویکصد وپنجاه وپنجبار غالب شده است . فرانس درمحاربه هائیکه بااسپانیا کرده‌یکصدو نوزده بار مظفر ، وچهل وپنج بار مغلوب شده است . حالا از وقائع حربیه دونیم صدساله صرفنظر کرده تنها‌همین نیم‌عصراخیر یعنی درظرف پنجاه سال چون انظر کنیم چارده محاربه می بینیم که سوقیات عسکریهٔ آن ازاوروپا بوقوع آمده است : — اول محاربهٔ که‌درسنهٔ ۱۸۷۸درمابین ترکیه وروس شده ، دوم محاربهٔ که‌درسنهٔ ۱۸۸۵ فرانس برتونکین اجرا کردهاست ،سوم سوقیات عسکریهٔ که‌درسنهٔ ۱۸۹۵ فرانس بر (مادغاشقار) کرده ، چارم محاربهٔ فرانس باتونس که درسنهٔ ۱۸۸۱ بوقوع امده است . پنجم محاربهٔ ترکیه‌ویونان که‌درسنهٔ ۱۸۹٦ اجراشده ، ششم محاربهٔ ایتالیا وحبشستان که درسنهٔ ۱۸۹۷ بوقوع‌امده است هفتم محاربهٔ اسپانیا وامریکا که درسنهٔ ۱۸۹۸ شده ، هشتم محاربهٔ انکلیز وترانسوال است که درسنهٔ ۱۸۹۹ بوقوع امدهاست ، نهم محاربهٔ دولتهای‌اوروپاست که درسنهٔ ۱۹۰۰ بربوکسرها درچین سوقیات عسکری اجرا کردهاند . دهم محاربهٔ روس وژاپانست که‌درسنهٔ ۱۹۰۵ ولوله انداز اقطار جهان گردیده است یازدهم سوقیات عسکریهٔ فرانس است برفاس که درسنهٔ ۱۹۰۸ اجراشده ، دوازدهم سوقیات عسکریهٔ اسپانیاست برفاس که‌درسنهٔ ۱۹۰۹ بوقوع آمدهاست . سیزدهم درسنهٔ ۱۹۱۱ محاربهٔ ترکیه‌وایتالیا ، وچاردهم درسنهٔ ۱۹۱۲ محاربهٔ بالقان ، ودرین سنهٔ ۱۹۱٤ همین محاربهٔ مدهشهٔ عمومی‌اوروپاست که سرحلقه‌محاربه هاراخاریده‌است

واترلو

۱۸۱۵ — ۱۹۱٤

کذا واقعهٔ عبرت نما

در ۲٤ اگست درنزد یکهای « واترلو » نام موقعیکه دربلژیك است ، واز (بروکسل) یعنی — برسلز — پایتخت بلژیك ۱۸ کیلومتر بسوی جنوب واقعاست درمابین رسالهٔ اوهلانهای المان ورساله های انکلیزیك محاربهٔ شدیدی بوقوع امده رسالهٔ انکلیز برجعت مجبور شدهاست .» اخبار صباح»بهاین مناسبت‌چنین مینویسد:— « بعداز۹۹ سال یك سکوت ، صراز نوشنیده شدن صدا های تفنك در « واترلو » ازجان واقعه‌هائیست که انسان‌را به تفکرات عجیب وغریبی می اندازد . پیش از ۹۹سال درهمین موقع واترلو المانها وانکلیزها دوش بدوش ایستاده بافرانسپا جنك میکردند . حالا‌که‌دریتوقت بعکس آن است . یعنی انکلیزها وفرانسپادوش بدوش ایستاده باالمانها می جنکند . نواسه‌هاو کواسه‌های جنرال « ولینکتون » انکلیزی ، بانواسه‌ها و کواسه های جنرال « بلوخر » المانی برخلاف نکه‌های خودشان بروی همدیگر تیغ میزنند . درسنهٔ ۱۸۱۵ « بروکسل — بروسلز — » از طرف انکلیزها برای جنك بافرانسپا امی‌الحرکات کرفته شده بود . حالا‌که دریتوقت المانها آنرا برای همان کار بمقابل انکلیز وفرانس استعمال میکند . درسنهٔ ۱۸۱۵ واترلو برای دفن‌شدن ادعای جهانکیریٔ « ناپلیون بونا پارت » یك‌مزار ستانی کردیده امید هـای تفوق وبرتریٔ دولت فرانس دران مدفون شد حالا‌که درین سنهٔ ۱۹۱٤ برای امید های تفوق وبرتریٔ المان یك میدان امتحانی تشکیل داده امید های جهانکیریٔ دیکران در آن‌دفن کرده میشود .

غوبن ، وبرسلاو

کذا

نام‌کشتیهای جنکیٔ المان کجا بودند ، وچسان باستانبول‌رسیدند ؟ هنکامیکه حرب آغاز‌نمود ، این‌دو سفینهٔ حربیه در پیشکاه « برندزی » بودند . [برندزی درملك‌ایتالیاست] ازانجاحرکت کرده به « مسینا » رفتند . [مسیناهم در ملك ایتالیاست] در ٤ ماه اگست بوقت شب ، بی‌انکه دشمن را بوی بر کند ازمسینا حرکت کرده‌بُرهسپار‌سواحل‌افریقا کردیدند ، وشهرهای « فلیوبل » و « بون » نام‌شهر های فرانس‌را که درمستملکات

«جزایر — الجریا» داشت زرکه باری گرفته خسارتهای بزرگی به آن رسانیدند. در وقتیکه آن شهرها را بومبار دمان یعنی گله باری میکردند در بندرگاه شهرهای مذکور کشتیهای متعدد باربرداری فرانس برای حمل ونقل عساکر جزایر ایستاده بودند. غوبن وبرسلا وبعد از آنکه در شهرهای مذکور خسارتهای بزرگ رسانیدند بسرعت برق از نظر نهان شدند. در ۵ اگست این دوسفینهٔ مذکوره بازبه بندر مسینا آمدند که بعد از کمی کشتیهای جنگیٔ فرانس وانگلیز بندر مذکوره را احاطه کردند. وراه فرارا برغوبن وبرسلا وگرفتند. وسببی که کشتیهای جنگیٔ دولتهای محاربه در بندر گاههای دولتهای بیطرف در یکمدت بسیار کوتاه ومحدودی ایستاده شده میتوانند از ارو غوبن وبرسلاو از مسینا رفتن مجبور شدند. آمیرال المان بادیگر افسران معیت خود به قونسولخانهٔ خودشان که درمسینا بود رفته وصیتنامه‌ها واشیای قیمتدار خودشانرا بامکتوبهائیکه برای عایله های خود شان نوشته بودند به قونسل تسلیم کردند. وبوقت شام هردو کشتی لنگر برداشته ازبندر برامدند. هزارها مردم از اهالی زن ومرد شهر مسینا بساحل جمع آمده حرکت سفینه های حربیه المانرا تماشا میکردند دراثنای خروج موزیقه — باجه خانهٔ — کشتی امیرال مارش المانرا ترنم میکرد. افسران وافراد کلاهای شانرا بدست گرفته برسطح کشتی باحترام ایستاده بودند. صداهای «هورا» های المان — بحار بکمال مهابت برساحل عکس نمود. اهالیٔ مسینا که برساحل بودند ازینقدر جرأت وجسارت عساکر بحریهٔ المان که بچقدر خاطر جمعی واعتدال دم بجنگ میرفتند اظهار حیرت میکردند. غوبن وبرسلاو درروشنیٔ مهتاب ازبندر که برامدند. بعد ازآنکه ازساحل دور شدند درمسینا ازطرف بحر صداهای شدید طوب شنیده شد واین صداهای غرش طوب بقدر پانزده بیست دقیقه دوام کرده بعد سکوت عمیق حاصل گردید اهالی شهر چنان گمان کردند که کار غوبن وبرسلاورا کشتیهای متعدد فرانس وانگلیز تمام کرده خواهند بود. اما چون در بحر برامده دیدند که تخته پارها وبعضی دکلها وشکست وریختهای یک کشتیٔ جنگی انگلیز برروی بحر شناوری دارد. وازدیگر کشتیها اثری پیدا نیست به تحقیق پیوست که غوبن وبرسلاو صفهای کشتیهای دشمن را درانده ویک کشتیرا هم غرق کرده گذاشته‌اند. بعدازان بتحقیق پیوست که کشتیٔ غرق شدهٔ انگلیز «وور یور» نام کرو وازور زرهپوش بود. این کروازور بدرازیٔ ۱٤٦ متر، ودر ساعتی ۲۲ میل سرعت داشت، وباشش قطعه طوب ۲۳ سانتیمتری، و ٤ عدد طوب ۱۹ سانتیمتری و ۳ عدد طوب آتشفشان چابک انداز مجهز بود. مرتبات — یعنی عسکر وعملهٔ آن ۷۲۰ نفر است که از کرو وازورهای بسیار بزرگ انگلیز شمرده میشد. اخبار «نویه فرایه پرسه» مینویسد که این حرکت غوبن وبرسلا واز حادثه های بسیار مهمی شمرده میشود، زیرا اولا شهر های بون وفلیپویل افریقای فرانسوی را که در زیر طوب گرفت لشکر های الجزایری افریقائی فرانس را بیدل ساخت، وهم فرانس را باین مجبور نمود که بسیار عسکر ازانجا نکشد تامحافظهٔ انجا را نتوانند. دیگر باثبات رسیده که دسته کشتیٔ جنگی فرانس بیکاره وغیره مکمل بود که درجلو گیریٔ کاسه باریٔ غوبن وبرسلا وچیزی کرده نتوانستند. دگر باین محاربه ثابت ساختند که اقتدار ومهارت ادارهٔ بحریهٔ المانها برانگلیز ها فایق میباشد. زیرابعد ازانکه از افریقا کشتیهای جنگیٔ المان بر گشتند دسته های کشتیٔ انگلیز که در جزیرهٔ «مالتا» بودند آنهارا عقب گیری کردند. وکشتیهای المان بسیارقد، از کشتیهای خود شان که درانجا داشتند زغال گرفتند، ودر حالیکه راه را برانها گرفته بودند بچنان مهارت واستادکی ازمیان صفهای کشتیهای دشمن برامدند که دشمن را نیز حیران ساختند.

تأثیر غوبن وبرسلاو برملت عثمانیه

جریدهٔ (الاقبال) الغرا منطبعهٔ بیروت مینویسد:

دولت علیه عثمانیه از مدت سه سال است که بفداکاریها وجانکنیهای بسیاری دو عدد کشتیٔ جنگیٔ دریدنوت را بکارخانه های کشتی سازی انگلستان سفارش کرده بود. وقیمت آنرا نیز داده ودرین وقتها باتمام رسیده افسران بحریٔ خودشانرا برای آوردن آنها بلندن فرستاده بودند. نام یکی ازان کشتیهارا (رشادیه) ودیگر آنرا (سلطان عثمان) نهاده بودند. وزن ومرد وتوانگر وفقیر وخورد وکلان ملت دراعانهٔ خریداریٔ این کشتیها ازنقد وجنس شریک شده بودند. وبه ورود آنها چنان منتظر بودند که روزه دار بهلال عید باشد. دفعةً خبر ضبط وغصب شدن آن دو کشتی از طرف دولت انگلیز مانند صاعقهٔ برملت عثمانیه رسیده. وزن ومرد وفقیر وتوانگر ملت بحالت صاعقه زدهٔ درامدند. وشعله‌های آتش غیض وغضب دردلهای شان برافروخت. برهمهٔ ملت عثمانیه ظاهر وآشکار گردید که دولت بریتانیای عظمی به این دو کشتی هیچ احتیاجی نداشت ....

....

....

....

....

ملت هنوز باین غم واندوه عظیمه اشکریز حسرت بودند که دفعةً سرجلیل «ان مع العسر یسرا» سرزدهٔ ظهور گردید خبر فرحت افزای راضی شدن دولت المان بفروختن کشتیهای جنگیٔ «غوبن» و «برسلاو» که از درجهٔ اول کشتیهای جنگیٔ دنیا شمرده میشوند مانند یک الهام لاهوتیٔ بمسرتی واصل گردید.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 923 of 1786

وهنوز کمی نگذشته بود که معاملهٔ رسمیه بیع وشرای آن اتمام یافته « غوبن » را « سلطان سلیم اول » و « برسلاو » را « مدللی » نام نهادند . باینصورت زخم بسیار کاری ٔ که انکلیزها بجگر کاه ملت عثمانی زده بودند ، المانها بمرهم مدد کاری ٔ خود شان مداوات نمودند . ...

...... اگر بگویند که المان بفروختن این دو کشتی ٔ از این سبب راضی شد که آنهارا ازدست کشتیهای جنگی فرانس وانکلیز رهائی ٔ دهد این عذرمقبول شمرده نمیشود . چراکه همین دو کشتی ٔ المان بود که درمیان صفوف کشتیهای جنگی فرانس درامده شهرهای « بون » و « فیلیب فیل » الجریا راگلهباری نمود وباز همین کشتیها بودکه ازمیانا صفهای کشتیهای جنگی فرانس وانکلیز را پاره کرده ویك کشتی انکلیز را غرق کرده همچون برق در گذشت . واگرمیخواست که به استانبول نیاید میتوانست که بقوت وسرعت وکالات خود خودرا بهرصورت که باشد رهائی ٔ بدهد مثلا میتوانست که ببحر ادریاتیك که قریب مسینا بود درامده بادسته‌های کشتی ٔ اوستریا که متفقش بود منظم شود . لهذا گفته‌میشود که این نبود مگر یك نیکوئی ٔ وخوبی ٔ بسیار دوستانه که المانها بما نشانداد . این خوبی ونیکوئی شانرا تاابد عثمانیان ، فراموش نخواهند کرد .

درجمعهٔ گذشته بقدر پنجصد نفر خانمهای استانبول که همه زر وزیور خودشانرا برای اعانهٔ خریداری ٔ « رشادیه » و « سلطان عثمان » داده بودند . ازبسیاری قهر وحسرتی که در دلهای شان بسبب ضبط شدن آنها ازطرف حکومت انکلیز پیدا شده بود باهم اتفاق وجمع آوری کرده‌سرراست بسفارتخانهٔ انکلیز رفتند . وشدت تمام بردولت انکلیز بروتست واحتجاج کردند . ترجمان سفارت درپیش روی آنها برامده بزبان ملایم عذرهای لنك بیان کرده . امااینها آن عذرهارا جوابهای معقول داده وقبول نکرده بقهر وغضب تمام ازسفارتخانه برامدند وازانجا سرراست بسفارتخانهٔ المان رفته درباغچهٔ سفارتخانه جمع شدند . « زنده باد ، فیروز باد دولت المان ! » گفته فریاد براوردند . جناب سفیر درپیش روی آنها باستقبال برامد . خانمها شکر گذاری دولت المانرا بیان کردند واشکریز حسرتشد جناب سفیر با آنها اشکریز شد ، وتسلیها ونوازشها ابراز فرمود . حقیقتاً که این منظره خیلی مؤثریك منظرهٔ بود .

حوادث مختلفه

موقع استفاده را ازدست نباید داد

نقل از اخبار (ارشاد) منطبعهٔ طهران مورخهٔ ۱۲ رمضان

وصول جواب یاد داشت دولت علیه ایران از طرف دولت بهیه روس که بخلاف همه انتظار ها مارا دچار یئس یاس وحرمان میسازد وافق پلتیك این دو دولت همجوار رابیرنك مینماید هم‌ایرانی حساس را مجبور می کندازاینکه تعمق نموده وبرای آتیه ایران وایرانیان فکری لازم‌اندیشیده وباین جواب (بی‌ترا کتانه لن‌ترانی) قانع نشده بل همگی همدست وهمفکر درصدد دادن یاد داشت ثانوی برامده وحیات پلتیکی واستقلال ملی خود را باین حرفها از دست ندهند .

خاصه دریك چنین موقع مهم تاریخی که بواسطه شروع به جنگهای موعوده مغرب واغتشاش شهرهای داخلی دولت مقتدر همسایه ما بخود مشغول واگر ایرانیان موقع استفاده را درك کنند باید حقوق مغصوبه چندین‌ساله دولت قاجاریه وصفویه را استنقاذ واسترداد نموده وباوجود یك پادشاه جوان‌صاف‌القلب پاك نژادی که بدون هیچ آلایش ودریی برای پیشرفت امور ملکی وجلب اقتدارات مسلوبه اسلاف وجذب قلوب اهالی ایران حاضر وبدون اتکاء وتمایل بهیچ طرفی اجرای ترقیات مملکت را ساعی وجاهد است وقترا غنیمت شمرده ودقیقهٔ را ازدست ندهند بعقیده قاصرما برای پیشرفت این مقصد مهم واستفاده از چنین موقع تاریخی بدوا وجود کار گرانی لازم است کهبا کمال صمیمیت وپاکی نیت وایران دوستی ووطن خواهی از شهوات نفسانی وعواید شخصی صرف نظر نموده پروانه وار خویشتن را باتش عشق ایرانیت زنند وبسوزند تابوصال معشوقه مقصود برسند

ایضاً

از اخبار مذکور

تبریکات تاجگذاری

از بابعالی — اعلیحضرت امپراطوری شاها ایران بانهایت شعف موقع سعید تاجگذاری آن اعلیحضرت را مغتنم شمرده تبریکات صادقانه خودرا اظهار وادعیه خویش را برای سعادت آن ذات عالی‌وشوکت سامانت ایشان تقدیم میدارم ودراین موقع ازآن اعلیحضرت خواهشمندم مراتب دوستی صادقانه وصمیمانه مرا قبول نمایند (محمد خامس)

از طهران — اعلیحضرت امپراطوری سلطان از تمنیات وتبریکات جمیله‌که‌اعلیحضرت امپراطوری ایشانا درموقع تاجگذاری من اظهار داشته اند نهایت امتنان را حاصل نموده قلبا تشکر مینمایم واز طرف خوادعیه صمیمانه خویش رابرای سعادت ذات عالی وشوکت مملکت امپراطوری ایشان تقدیم میدارم در موقعیکه زمام امور مملکت رابدست میگیرم اولین سعی واهتمام من این خواهد بودکه درحفظ وتشیید بهترین روابط ودادیه دیرینه بین ملتین اسلام که اینهمه روابط معنویه ومنافع حیاتیه آن دورا بیکدیگر متصل مینماید کار کنم (سلطان احمد شاه قاجار)

در تهنیت عید سعید اضحی

کلام شاعر خوش مقال شیراحمد خان مخلص تخلص

روز عید سعید قربان است   دل حجاج نیك شادان است
حاجیانند مشتغل بطواف   طوف ایشان به بیت رحمان است
ما بدار الخلافهٔ کابل   که درو بیت ظل سبحان است
بادای نماز مشغولیم   ظل سبحان امام مایان است
گرچه دوریم زانمقام شریف   لیك اینهم زلطف یزدان است
که مشرف بخدمت شاهیم   کو شریف جمیع شاهان است
دین اسلام را حمایت ازوست   مومنانرا بجسم چون جان است
مقتدای همه مسلمانان   خسرو جمله اهل ایمان است
ذات پاکش درین جهان امروز   ملك اسلام را نگهبان است
روشن ازین اوست شرع نبی   ملت ازوی چو مهر تابان است
هرکجا مومنی است درهمه دهر   داعی عمرش از دل و جان است
لقب او سراج ملت و دین   میوهٔ باغ عبد رحمن است
اسم خاصش بود حبیب الله   شده محبوب نوع انسان است
سطوت و اقتدار و شوکت او   چون دم تیغ او نمایان است
دل کفار از مهابت او   دایما همچو بید لرزان است
نام افغان که رفته در عالم   او شهنشاه جمله افغان است
شرر تیغ او بجان حسود   بی تکلف چو برق سوزان است
گرچه شاهان ملك اسلامی   هم سلاطین روم و ایران است
لیك از اختیار بیرون اند   حکم ایشان بدست ارکان است
لله الحمد کاین شه اسلام   خویش مختار و صاحب شان است
همه ارکان دولتش چو غلام   سر نهاده بخط فرمان است
پی حکم خدا و امر رسول   حکم او در نفاذ و جریان است
انتظام امور سلطنتش   جاری از حکم شرع و قرآن است
خاص و عموم رعیتش یکسر   بسته با او بعهد و پیمان است
همه قومش ز راه صدق و خلوص   جانفشان در حضور سلطان است
دست جود و کف سخاوت او   ابر نیسان و بحر عمان است
با سپاه و رعیتش دایم   شیوهٔ لطف و طرز احسان است
یارب این عید را همایون کن   بوجودیکه ظل سبحان است
شب او قدر باد روزش عید   کاشنی زعید قربان است
روز و شب با کمال صدق و نیاز   ورد مخلص دعای سلطان است

تقریظ دلپذیر شاعر شهیر

جناب مستغنی

نوبهار آمده برگل همه گلزار است این
بار از معنی رنگین شده اخبار است این
این چه اخبار دل آویز و چه الفاظ متین
این چه مضمون شکر ریز و چه گفتار است این
چه چراغیست درخشنده سراج الاخبار
که چو خورشید زهر شهر نمودار است این
این نه اخبار که آئینه دیدار جهان
این نه اخبار که گنجینهٔ اسرار است این
شیرمرغ عشرید کان باشدو جان آدم
چه گران مایه متاع و چه دکاندار است این
شد شکر آب ازین خجلت و طوطی است خموش
که چسان منطق شیرین شکربار است این
بخبر زین ادب آموز نباید بودن
کز هرچیز که پرسند خبردار است این
کند این ماه جهان گرد بهر ماه دوبار
سیر آفاق چسان کوکب سیار است این
کامل از عمر گرامی شدش امسال سه سال
در چهارم سنهٔ عمر برفتار است این
بعد یکسال شدی شعر سرا (مستغنی)
شادم از کم سخنهای تو بسیار است این

خلاصهٔ آخرترین خبرها از اخبار های اردو

§ — دولت عثمانی بادول متحدهٔ فرانس ، روس ، برتانیا اعلان حرب نموده ازیکطرف کشتیهای جنگی شان سواحل بحر سیاه روس را گلهباری میکند ، وازدیگر طرف ازراه عقبهٔ سویس برمصر حاضری هجوم را دارد . دولت بهیهٔ برتانیا ازین حرکت دولت علیهٔ عثمانیه بسیار افسوس میکند . ومسلمانان هندستان را تسلی میدهد که براماکن مقدسهٔ اسلامی تجاوز نخواهد کرد .

§ — کشتیهای جنگی دول متحده درهٔ دانیال را زیرطوپ گرفتند ولی ازطرفین هیچ ضایعاتی بوقوع نیامد .

§ — کروزورهای عثمانی چندعدد کشتیهای جنگی وتجارتی روس را دربحرسیاه غرق ، وبندرگاههای اودیسه ، ونیهودوسیه وباطوم را درزیر گلهباری گرفتند .

§ — دررزمگاهای مشرق ومغرب درمین جرمن وروس وفرانس وبرتانیا نایرهٔ حرب شدت دارد . خبرهائیکه ازمنابع دول متحده است ازترقیات خود وپسپائی غنیم خود ، واز جهت مقابل بعکس آن نشرواشاعه میشود .

§ — دولت ژاپن سنگتیا ووتام قلعهٔ جرمنی را که درچین است فتح نموده است .

§ — جهاز ایمدن یك کشتی جنگی روس ویك کشتی جنگی فرانس را درسواحل چین بازغرق نموده . تجارت هند ودریاها ازکارستانهای ایمدن درخطر وبی امنیتی ست .

درچهاپ خانهٔ حروفی دارالسلطنهٔ کابل طبع گردید
همه مقالههائیکه دستخط ندارد ازطرف مدیرو سرمحرر محرر یافته
محمود طرزی

اعلا

سیاحت بدورا دور کرهٔ زمین

چقدر فایده ها وشیرینیها دارد ! علی الخصوص
که آن سیاحت با آن بزرگی ووسعت
به هشتاد روز
اجرا شود ! آرزو کننده کان این سیاحت
خارق العاده هرگاه برای خریداری کتاب

(سیاحت بدورا دور کره زمین)
بهشتاد روز

بقدر دو روپیه کابلی یک مبلغ کمکی را صرف نمایند این سیاحت را گویا (فلیاس فوق) سیاح ورفقایش یکجا اجرا کرده خواهند بود ! محل خریداری این کتاب دکان (ملاغلام محمد) تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی میباشد . ودر نفس مطبعهٔ عنایت که در ده افغانان است از نزد عبدالرؤف سرمرتب نیز خریداری میتوانند .

مؤلف این کتاب (ژول ورن) فرانسوی است که در نوشتن ناولهای فنی مشهور آفاق است . از فرانسوی بترکی واز ترکی بفارسی ترجمه شده است . کتاب مذکور نه تنها ناول فنی بلکه در ناول فنی جغرافیا وجغرافیای ریاضی را نیز بطرز افسانه نشان میدهد .

در (مطبعهٔ عنایت) که از مؤسسات شهزادهٔ جوانبخت معظم دولت علیه افغانستان جناب عالی (معین السلطنه سردار عنایت الله خان) است بزیور طبع آراسته شده است . این کتاب را باید از زود بدست آرید وفرصت را فوت مکنید که نسخهای آن زود تمام خواهد شد وافسوس فایدهٔ نخواهد بخشید .

اعلان

از هر دهن سخنی
و از هر چمن سمنی

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه را مژده میرسانیم ، وترغیب میدهیم که ازین گنجینهٔ پر از جواهر آبدار ، وازین گلزار پر از ازهار بیک یک نسخهٔ بدست آورده از هر دهن سخنی بشنوند ، واز هر چمن سمنی بچینند .

درمطبعهٔ عنایت زیورطبع آراسته گردید ، قیمت ۲ روپیه

* * *

اعلان

سیاحت در جو هوا

یک ناول فنی بسیار عجیب وغریبست که در مطبعهٔ عنایت بزیور طبع آراسته شده وسومین کتاب (کتبخانهٔ مطبعهٔ عنایت) را تشکیل داده ایم از تألیفات (ژول ورن) فرانسویست که درفن اول نویسی فنی شهرهٔ آفاقست از زبان ترکی بفارسی ترجمه شده ست بقیمت (۲) روپیه کابلی بفروش میرسد .

این هر سه کتاب در دکان باز محمد در بازار ارک و در دکان ملا غلام محمد در جوار مدرسهٔ شاهی هر یک بقیمت دو دو روپیهٔ کابلی بفروش میرسد .

کتابهای مذکور در نفس مطبعهٔ عنایت واقع ده افغانان از نزد عبدالرؤف سرمرتب مطبعهٔ موصوفه نیز خریداری میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 926 of 1786

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا

یاد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از شکایت رسیدن اخبار مشترکین کرام دار السلطنه کابل خود رهائی یابیم ممکن نشد لهذا بادا کتخانهٔ مرکزی دار السلطنهٔ کابل یك مقاوله نموده دا کتخانه مشار الیه تقسیم و توزیع اخبار مارا که بهمه مشترکین کرام ما رساند در عهدهٔ خود قبول نمود ، مشترکین کرام دار السلطنهٔ خود را تبشیر و یاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فرداً فرداً بواسطهٔ آدمهای دا کتخانه بخود شان میرسد .

اعلان

مصور

۲۰۰۰۰ فرسخ

سیاحت درزیربحر

درحالیکه دو گز در زیر بحر فرو رفتن موجب هلاك شود آیا بیستهزار فرسخ سیاحت در زیر آن چسان ممکن خواهد شد ؟ هر که درین باب شبهه دارد در خصوص بدست آوردن کتاب (۲۰۰۰۰ فرسخ سیاحت درزیربحر) سهل انگاری نکرده بقیمت ۴ چهار روپیهٔ کابلی ازده افغانی از نفس مطبعه عنایت یا از دکان باز محمد از بازار ارك ، یا از دکان غلام محمد از بازار متصل مدرسهٔ شاهی زودی خریداری کنید ، و بخوبی بخوانید ، و تصاویر آنرا بدقت تماشا کنید تا بر شما فوراً عقلاً ثابت شود که سیاحت در زیر دریاهای شور بسر و با تمکن ، بلکه ممکن است !

اعلان

روضهٔ حکم

(از آثار مطبوعهٔ جدیده مطبعهٔ عنایت)

این کتاب اخلاقی ، دینی ، ادبی ، یك تربیت که از احادیث شریفه و فقرات مفیدهٔ اخلاقیه مانند یك گنجینهٔ جواهری میباشد و درین روزها زینت بخش عالم مطبوعات گردیده است از نفس مطبعهٔ عنایت از نزد عبد الرؤف خان مرتب و در بازار ارك از دکان باز محمد کتاب فروش و از دکان ملا غلام محمد کتاب فروش متصل مدرسهٔ شاهی بقیمت دو روپیه کابلی هر کس خریده میتواند .

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

شمارهٔ ٦ سال چهارم

فهرست مندرجات

حوادث داخلیه	اهدا ـ مرقومه از دایزنگی ـ حسن مآل وطن عزیزما افغانستان ـ مکتوب در کیفیت روز عید سعید در قندهار ـ
ادبیات	مکتوب واشعار ـ خطابهٔ منظومهٔ افغانی ـ تقریظ ـ ایضاً تقریظ ـ
حوادث خارجیه	مکتوب از اوستریا ـ ایضاً مکتوب ـ داخل شدن دولت علیه عثمانیه بمحاربه ـ شمولیت دولت عثمانی در جنگ ـ گلوله باری بردردانیال ـ وقت قربانی بولیتار ـ داک وکیل انگریزی وحوادث سراج الاخبار افغانیه ـ زمیندار وسول اینډ ملتری گزت ـ [illegible] خبرهای مبالغه آمیز رویتر ـ خبر رسانی مابین ایډن وهندوستان ـ شرایط مصالحهٔ جرمن ـ بیانات امپراطور المان ـ [illegible] ـ توجه ـ مشرق ـ اسلام شدن [illegible] خانمهای اوروپائی ـ عقبه ـ [illegible] عثمانی ـ خانهٔ ایډن ـ آخرترین خبرها ـ اخبارها وحکومت هند ـ بی خاطی روسها به پیطر[illegible] دولت علیه عثمانی وروس ـ دکسمود ـ محاربهٔ بحری ـ سواحل ـ
ایضاً و[illegible]	[illegible] عسکری [illegible] آمدن اعلیحضرت پادشاهی از شکار [illegible] موثر ـ از مناظر [illegible] عسکری [illegible] اعلیحضرت همایونی [illegible] نطق اعلیحضرت همایونی به [illegible] ملاحظه [illegible] اعلیحضرت همایونی از حین حلولی [illegible]

شرایط خریداری

دارالسلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

هرجائیکه باشند با اجرت پوست

قیمت سالیانه | ده روپیه انگریزی ، قیمت ششماهه | شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراك قبول نمیشود

یك طلای پوند انگلیزی یازده روپیهٔ کلدار است . از همین قرار حساب کنند

(اعلان)

کتاب سال اول وکتاب سال دوم سراج الاخبار افغانیه باکتابچهٔ (علم واسلامیت) و (آیاچه یاد کرده ؟) و (ادبدرفن) جلد کرده شده در اداره برای فروش حاضر ومهیاست . ذواتی که آرزوی خریداری آنرا داشته باشند ازنزد مدیر طلب نمایند

یاد آوری

برهمهٔ کار داران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود : اگر ازیك جا بدیگر جا رونده باشند میباید که یك رقعه مدیر وسر محرر را خبر بدهند که من در فلان جا بودم وحال در فلان جا میروم اخبار مرا درانجا بفرستید . هرگاه همچنین یك رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، وصنعتگران که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، ویا دیگر هرقم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تابه پنج بار نشر وشایع شود بسرهر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تابه پنج بار فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر ازپنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریك ستون اخبارها (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تایك سال نشر کردن خواهد ووجه یك ساله را پیشکی ادا نماید در ورق پشتی بر سر سطری سنار اجرت گرفته میشود

صحیفه (۱) سال چهارم شمارهٔ (۶)

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
بامصارف داك ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
بامصارف داك ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یك نسخهٔ آن در کابل یکعباسی است
(اوراقی که درج نشود اعاده نمیشود)

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

مدیر و سرمحرر
محمود طرزی
ادارهٔ خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ یکم محرم سنه ۱۳۲۳ تاریخ انگلیزی ۲۰ نومبر تاریخ شمسی ۲۸ عقرب ۱۲۹۳

حوادث داخلیه

مورخهٔ چهار شنبه ۸ ماه ذی الحجة الحرام
(از کوتوالی دار السلطنهٔ کابل)
مینویسند

اهدا

عالیجاه اخوی محبت بنیان محمود بیك خان مدیر وسر محرر سراج الاخبار مبارکه را حفظه الله تعالی از انجا که پرتو نور دین متین حضرت سید المرسلین عالمتاب است وبهر ذره که بتابد چون کبازر میسازد الحمد لله والمنه درین اوان سعادت اقتران پرتو نور عالم افروز برعقل وهوش دو نفر ذکور ویك نفر اناث جزو حاشیه طایفه اهل هنود رسیده وازدین باطله خود بیزار ودین مبین حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه وسلم را قبولدار گردیده وبتاریخ ٤ ماه حال بحضور جناب شهزاده والا جاه معین السلطنه صاحب مشرف وبه خلعت وانعام مقرره جزو حاشیه سرافراز گردیدند این فقره را باعث مسرت وخورسندی برادران دین خود لازم دانسته مرقوم نمودیم که انشاء الله درج سراج الاخبار مبارکه میکنید باقی بعزت باشید

مسماة رادو نامه بنت دیوان کاور سنك که ثانی اسم مذکوره اسلام الدین نامه گذاشته شده قوم سك انعام نقدی دارد

نقد ۳۰۰ روپیه جنسی ندارد

عطاء محمد نام پسر مسماة مذکوره قوم کهتری سك انعام نقدی وجنسی او

نقدی ٤٠٠ روپیه جنسی چوقه ٥ مثقاله یك توپ لنگی بیست وپنج روپیه کی یك تخته کلاه قرص زری یك طاقه

عطرسنك ولد آیه سنك زرگر قوم سك که اسم ثانی او غلام محمد گذاشته شده انعام نقدی وجنسی او

نقدی ٦٠٠ روپیه

جنسی چوقه ۷ مثقاله یك توپ
کلاه قرص زری یك طاقه لنگی
زری سی وچهار روپیه کی یك تخته

(از دایزنگی مینویسند)

موازی شش صد خانه ازعلاقه محال دایزنگی که درزمان سابق فرارشده طرف مشهد مقدس رفته بودند درتاریخ ۲۹ ماه رمضان المبارك همان شش صد خانه که عبارت ازیکهزار ویکصد ونود وشش نفر ذکور واناث نفوس شان میشود وازعدالت پروری همایونی اعلیحضرت پادشاه مسلمین سراج الملة والدین بواسطه دو بیرق سوار رساله که ازطرف عالیجاه جناب صاحبزاده محمد سرورخان نائب الحکومه دار النصرت هرات بجهت محافظت راه که بهمراه شان مقرر کرده بود درعلاقه محال دایزنگی وایس رسیدند وشکر این نعمت عظمی را بجا آوردیم که زهی سعادت این رعایای که همیشه بسایهٔ همایون حضرت ظل الله اسوده حال بوده ومیباشیم خداوند عالم وبحق حضرت رسول اکرم وآل واصحاب کبار آن حضرت که وجودی حضرت قبله عالم را از آفات ارضی وسماوی درحفظ وامان خود نگهدارد بحق نون والصاد .

حسن مآل وطن عزیز ما افغانستان وما نتیجهٔ آتیهٔ آمال برادران وطن پرست نجیب ما افغانیان

مدیر روشن ضمیر وناصح ذی شرف سعادت تخمیر

روز دو شنبه ۲۹ شهر شوال بموجب دستوریکه از حضور شهزادهٔ جوان جوانبخت جناب معین السلطنه صاحب باحضار

قاضی القضاة صاحب واهالی محکمهٔ شرعیه وعلمای میزان التحقیق وچندی از ثقات علمای دار السلطنه شده بود در عمارت خاص که اقامت گاه عالی شان است حضرت علما جمع وبعمل ۱۱ بجهٔ روز که تعین رو کرام باریاب بود بحضور شان مشرف گردیده پس از تقدمات موفوره باجناب قاضی القضاة صاحب وسائرین اذن جلوس فرمودند — موضوع این ارادهٔ سامی شان تحقیق مسئلهٔ شرعیه بود که بواسطهٔ اختلاف روایات وتشتت آرا وتباین افکار علما دربردهٔ قیل وقال ملفوف گردیده در تعویق افتاده بود — پس از تدقیق مسائل وتفریق حق از باطل زبانیکه شرحش در بیان نگنجد وبیانیکه توصیفش را زبان برنسنجد روی سخن را بطرف علما معطوف فرموده بکلمات حق‌مناط ذیل انجمن رطب اللسان گردیدند .

همگنان مبرهن است که من کاهی ازامر کتاب آلهی تجاوز ندارم وبرتغیر حکم خداوندی درهیچ محل از هیچکس بقدرسر موی روادار نیستم پس اگر عرض من برسد که فلان اندکی ازجادهٔ حق انحراف ورزیده است از مجازات و کیفر آن نیز خودداری نمی توانم اینهم پوشیده نیست که من ذاتاً علما را دوست میدارم بنا برروابط دینی ومنسب بشخصی شان پس برشما نیز لازم است وضرور که همه وقت از اظهار که حق تجاوز نکنید چون دین ماوشما یکی است وحکم یکی نکتهٔ لطیفهٔ حق را دست خوش هواجس نفسانی خودنموده غرض شخصی خودها ازان ترجیح ندهید اغراض شخصی انسانرا رسوا میکند وفضیحت خلق وسیاست پادشاه که خادم شرع وحافظ حدود آنست مبتلا میسازد ازسوء ین افعال مشئومهٔ خودغرضی وجهالت وتکاسل وتمیل اهالی اسلام است که از اوج ترقی وعزت بحضیض پستی وذلت افتاده از پیشرفت شرف وافتخار خود رجع قهقری نمودند . بصفحهٔ تاریخ که آیینهٔ رونما وشاهدخالی ازکذب وریاست اگر نظر دارید خواهید دید که قرون ماضیه اینکه شما درعزت ووقار وتمدن شما باکجهان شوکت وافتخار درجه باه ترقی بوده است . ووضع فلاکت اشتمال کنونی شما درچه پیمانه تدنی قبالجمله ازبدوجلوس جد امجدم اعلیحضرت خلد مکین ضیاء الملت والدین انارالله برهانه که اولین دورهٔ مجد وافتخار وخلاصی دوباره سیاست از اسارت کفار تا زمان انقراض حیات شان همهٔ سعی در بهبود حال وترقی مآل شما شده است واز اوائل جلوس اعلیحضرت قبلهٔ معظم تاحال چه غمخواری پدرانه است که از ذات شاهانهٔ شان بحال ملت مرعی نمیشود . وچه جهد طاقت برانداز انه است که از شخص خود شان بصرف دقت ودماغ درراه ترقی دولت در نظرخودی وبیگانه مرئی نمیگردد که از یکی از جملهٔ نتائج انهمه کوشش مدرسهٔ مبارکه حبیبیه است . در بدایت تشکیل این دار التعلیم جلیل چهاکفتنها بود که زبان جهال نمیسرود وچه ناشنیدنیها بود که سامعهٔ عقل نمی شنود . لله الحمد درحاضر زمان پیشرفت آرا همهٔ شما بر ذروهٔ ترقی می بیند که بمقصد نفرازطلاب سابق او و موصول باکمال است . پس ازصمیم قلب شمارا بکوشش سفارش میکنم وباز میکویم بدل وجان ومال کوشش کنید کوشش کنید کوشش شما منوط است براتفاق وبیزاری از نفاق و آنصورت نمی پذیرد جز بحسن اخلاق پس میکویم بدست یاری حسن خلق وقربانی نفاق عروس خوش سیمای اتفاق را در کنار آرید تااز ثمرهٔ کوشش بهره حاصل کنید فقط

سخن عالی شان درین محل انتهی پذیرفته یکجوش وتاثیری در حاضرین مشهودبود وبنده نگارنده که ازاسماع این کلمات حکمت سمات همهٔ تن وجدانم در وجد ! وظاهرم خوش وخون بعروقم در جوش وسر حوانم درزمین حسن مآل افغانستان ! وزبانم بشکر خالق انس وجان رطب اللسان عجیب کیفیتی وغریب حالتی بامن دست و کریبان بود ! بلی چرا نباشد در حالی که صفحهٔ تاریخ برای ما اخلاق واطوار جوانی های یکجهان شهزاده های زمانه گذشته را بابك دنیا غفلت ومستی ووو .... نشان میدهد وشهزادهٔ جوان جوانبخت خودرا که ریعان شباب‌را اولین فصل بهار ! واوایل حین عمر گرامی شان‌را نیکو ترین زمان ازه اوات در طهارت عفت بیدار مغزی عدالت پروری سلطنت گستری با بخت جوان ورای پیر قدم برقدم قبلهٔ اکرم وجد اعظم خود نهاده آنی غفلت نمی ورزند محل اهتزاز طبیعت وجای هزاران شکر است بلی چنان بود پدری کش چنین بود فرزند چنان بود عرضی کش چنین‌بود جوهر انتهی (امضا ملا عبدالشکور قایم مقام ان قاضی القضاة)

مکتوب

(در کیفیت روز عید سعید)

در قندهار

روز شنبه ۱۰ ذی حجه الحرام کهروز فیروزعید سعید میامن بداضحی بود بساعت ۷ صبح برامدم، عیدگاه‌قندهار ازشهربیرون بطرف شمال واقع است و مردم از دروازه شمالی شهر که آنرا (دروازه عیدگاه) می کویند برامده وبرسرکی است رفته‌بعیدگاه میرسند . منکه برامدم دیدم که مردم شهر برلب سرك صف کرد دوطرفه انتظار کنان ایستاده‌اند منهم‌دران حدود توقف نمودم بعداز (۲۰)دقیقه صداهای موزیکهای عسکری هوش وحواس وتماهم را بطرف خود جلب نمود بعد چند لمحه هیئت سراسر هیئت عسکر ازدور معلوم شد . آهسته آهسته عساکر فیروزی ما ترکه بدریشی های ملون ملبس بودند از پیش روم گذشتند سر افسر با اقتدار اردوی قندهار جناب برگد عبد الوکیل خان براسپ سوار بوده بمعیت عساکر میآمد . بالباس رسمی وکلاه پردار ملبس بود .

بعد ازان مردم رعایا درعیدگاه درامده وجناب جلالت ما ب

نایب الحکومه صاحب تشریف آورده نماز خوانده شد پس از ادای صلوة عید سعید نفری نظامی برجای معین بیرون عیدگاه صف آرای احترام بودند تمام مردم شهرهم به تماشای عساکر درینجا جمع شده بودند . جناب مستطاب نایب الحکومه صاحب در صحن عیدگاه مع دیگر خوانین ملکی ایستاده بودند و فرمان مهر لمعان هایونی که برای تبریک عید رعایا عز صدور یافته بود از طرف نایب الحکومه صاحب خوانده شده بعد ازان از عیدگاه برامده نایب الحکومه صاحب برعساکر تشریف آوردند و از طرف قوماندان و همه عساکر بقرار سررشته مقرره مورد سلامی گردیدند وباز باتفاق قوماندان مذکور برتوپ خانهها وکندکها وسپور وغاصه داران نظامی و سفرمینا گردش واحوال پرسی و مبارکباد عید نمودند وپس ازان جناب نایب الحکومه صاحب یك فرمان مهرلمعان را که قوماندان مذکور برای قرائت بایشان داد واز طرف قرین الشرف اعلیحضرت هایونی اسمی برکه وسایر عساکر شرف صدور ارزانی فرموده بودبآواز بلند خواندند که مضمون آن تبریک عید سعید اضحی بود بعساکر وافسران آنها باختتام این فرمان جانوسان از عسکر تاافسر سرهای خود را برهنه کرده بصد عجز و نیاز طول عمر پادشاه خیرخواه وبقای سلطنت شانرا ازدرگاه خداوندی مسئلت نمودند، بعدازان سلامی اعلیحضرت والاارا بعفیر سی ویك ضرب توپ وباجه بجا آوردند وبعد ازان عساکر بطرح (چلور سی) از حضور نایب الحکومه صاحب گذشته مرخص شدند جناب نایب الحکومه صاحب ازحسن انتظام وتکمیل نفری نظام از نزد برکه و قوماندان صاحب مذکور نهایت خورسند و رضامند شده بالاتفاق روبشهر آوردند اولاً بمعیت منصبداران نظامی و خوانین ملکی زیارت خرقه مبارکه مشرف گردیده وباز بسلامخانه عامرفته وپس ازاکل اطعمه واشربه مقرره منصبداران ملکی ونظامی دروسط سلامخانه مذکورصف بسته ثانیا سلامی اعلیحضرت هایونی رانجا آورده مرخص گردیدند

امضا

ع ٠ م

ادبیات

حضرت مدیر کامل فاضل زاداشفاقه ودام برکاته —

گرچه دوریم از بساط قرب همت دور نیست

بندهٔ شاه شمائیم وثنا خوان شما

فقیر ندیم هرچند ازرهگذر کم سعادتی خود ازشرافت صحبت کثیر المنفعت صوری محروم است— اما الحمدلله تعالی ازفوائد روحانی انجناب که امروز عالمی ازان متلذذ فیوضات مهیا شده سرشار عوائد فوائد گردیده ومیگردد — وسلامتی ذات بابرکات راازایزد متعال درخواست مینماید —

المعروض — یعنی چند ازقلم عاجزانه ندیم صداقت شیم سرزده بخدمت فرستادم — هرگاه لازم دانند داخل جریدهٔ فریدهٔ اخبار مبارك گردانند باقی بعزت دارین وسر افرازی کونین شامل باشند

عریضهٔ داعی مخلص عبدالغفور ندیم

تحریر فی یوم یکشنبه ١٣ ذی قعده سنه ١٣٣٢

چیست مردی و مروت حب کشور داشتن
کینه و بغض برادر را زدل بر داشتن
باهمه یك روی ویکدل زیستن آئینه سان
خوب و زشت خویش را باهم برابر داشتن
بردن از آئینه دل سر بسر زنگار کین
وز کدورت خاطر خود را منور داشتن
اتفاق و اتحاد آئین اسلام است و بس
کفر باشد چشم اخطلب زکافر داشتن
راست گویم راستی برمؤمنان لازم تراست
زانکه زیب تیغ بران است جوهر داشتن
نیست فرق مردم و حیوان بجز تهذیب خلق
بایدت این نکته را ازبنده باور داشتن
آدمیت گر مراد ازخوردن و خوابیدن است
چشم این معنی توان ازگاو و ازخر داشتن
معنی انسان زلفظ انس پیدا گشته است
هرکرا لازم بود این نکته ازبر داشتن
انس باهمجنس خود لطف و مدارا کردن است
نی که اورا درنظر خوار و محقر داشتن
داشتن پیوسته دردل پاس هم آئین خویش
حفظ ناموس وفا ازهرچه بهتر داشتن
گوهر رخشندهٔ اسلام را چند ازنفاق
تیره روی و گرد آلود و مغبر داشتن
چند خورشید جهان افروز دین پاك را
بهر نفس شوم خود ازذره کمتر داشتن
چند در صورت بمردم چون ملك کردن سلوك
درحقیقت وانگهی ازدیو رهبر داشتن
ظاهرا خود را مسلمان خواندن ازدستار و ریش
وانگهی درباطن خود خوی کافر داشتن
چند دردل بیخبر بودن زاحکام خدای
برزبان آیات حق را وانگه ازبر داشتن
چند ازتکریم روح پاك بودن بیخبر
رتبهٔ نفس دنی را زو فراتر داشتن
تابکی دادن قماش دین بشیطان لعین
شمع روشن را چرا درراه صرصر داشتن
چند گردن باوطن دعوای مهر مادری
خون اورا وانگهی چون شیر مادر داشتن

از برای خدمت دین چند بربستن کمر
چشم خودرا وانگهی برسیم و بزر داشتن
ای مسلمان معنی اسلام میدانی که چیست
عادت عمر گزیدن خوی حیدر داشتن
ازدل وجان محو احکام خداوندی شدن
پس دین احمدو شرع پیمبر داشتن
یکقلم آزاد گردیدن زبند نفس خویش
خویشتن را والهٔ دین مطهر داشتن
تابماند اعتبار یثربو بطحا بجای
عزت محراب کردن قدر منبر داشتن
کشتن اول جلگی باخویشتن همداستان
برفلك وانگه لوای سروری برداشتن
نکتهٔ حب الوطن را ازنبی گر خواندهٔ
پس اورا برتو میشاید سراسر داشتن
خودچه‌حاجت‌تابگویم زان‌وطن‌مطلب چه‌بود
نیست تنها احتیاج خانه و در داشتن
آن وطن اول ولای دین اسلام‌است‌و بس
خویش را یعنی مطیع شرع انور داشتن
باز مهر هر مسلمان را بحکم اتفاق
دردل خود روزوشب همچون برادر داشتن
دشمن دین را زدل پنداشتن خوارو ذلیل
کافران را درنظر پیوسته احقر داشتن
وزبرای سجده کردن برحریم شرع پاك
پای تا سر ناصیه گردیدن و سر داشتن
وانگهی برصدق پیمان واخلاص تمام
از اطیعوالله کام دل میسر داشتن
چیست معنی اطیعوا الله پس ازاحکام حق
روی دل بر درگه شاه مظفر داشتن
رهبر شرع پیمبر یاور دین آنکه هست
کارو بارش حرمت شرع پیمبر داشتن
شهریار عادل و باذل «حبیب الله» خان
آنکه اورا میسزد برتارك افسر داشتن
آنکه چون بیرون کند شمشیر کین‌را ازنیام
دشمن اورا نباشد چاره جز سر داشتن
میسزد از بوی خلق او دماغ عیش را
چون نسیم روضهٔ رضوان معطر داشتن
میتوان گر وصف لطف‌او بخاطر بگذرد
چیست فکرو دامن دل پرز گوهر داشتن
همت والای او برذمت خود مانده است
روزو شب تعمیر ملك ونظم لشکر داشتن
میسزد افغانستان را هم بعهد رافتش
خنده ازتعمیر خود برچرخ اخضر داشتن
سر فراز ازفکر کارما بعالم شد بلی
خواجه گردد سربلند ازفکر چاکر داشتن
چیست حاجت خود بتشبیه‌مدیح حضرتش
نام دارا بردن و یاد سکندر داشتن
خلق میداند زدارا و سکندر بهتر است
هرکرا زانصاف‌باشد نظم کشور داشتن
بردماغش نکتهٔ سر بزد ازفکر ندیم
کاهان را میسزد آن نکته ازبر داشتن
زینت شاهان عالم تابود تخت وکلاه
ذات اوفرخنده‌باد از تخت و افسر داشتن

خطابهٔ منظومهٔ افغانی

څه احوال دی پر دنیا   عبرت واخله ای دانا
رنگا رنگ انقلابات دی   قسما قسم اختلافات دی
هر ملت و هر دولت   اخلی نفع د فرصت
چه فرصت پیدا کی یاره   انتقام اخلی بیواره
پردرو کاتو نه نظر که   په احوال به ځان خبر که
چه فرصت هندو وکفارو   څی ونکره په موږ خوارو
بیا په موږ مسلمانانو   څه ونکره کافرانو
زره مو خوږ په مصر کوږو   چه وروره نه شه یازه وو
په مصر پاتو موږ ره   دزره وینه مو خوره
چه تاکه ایطالیانو   یورش یوو پرطرابلسیانو
زره توکر توکر بدی وو   رنګی رنګی سره بری وو
چه واخته وشوه تاکه   فضل نه وو کی الله
یووان ترغ سو چه روسیانو   چپاو یوو پر ایرانیانو
په زرو عالم په مرکی   په ظلمت په ملك ككر كی
په سوو سری په مری کری   غم په نور ږی په بری کری
پرزمی زرو مالکی پاتی سوی   بری موغونی لکه آش سوی
په کرناب کی د حیرت   توله دوب سو په حسرت
چه یارب څه احوال سو   چه علاج به دیر محال سو
موږ بدی باورن اخته وو   فکرزن جگر سوخته وو
چه واخته وسوه زمن   نه قادر بی ای سبحان
طرابلس مو بالکل هیر سو   چه د(اخرس)روسی رانیر سو
مرا کو او مصر دوازه   غم په خوره داو زاره نه
چه وموږ نه را نږدی سو   دحباطب په بری سو
موږ په دی غمو اخته وو   فکرزن اوبل سوخته وو
چه واخته بلا سوه پیښه   الامان د دی له پیښه
بیا ناری سوی چه بلغار   سوه رابور نه د بل غار
پر ترکانو په حمله کره   نن په نبل جانواخته کره
مصر بیا نو یونانیانو   هم یورش یوو پر ترکانو
څو دولت سره یو سوه   دپر ترکان په میان کی لوسوه
الحاصل چه په اصرار   ر سو لی پښتنا ر

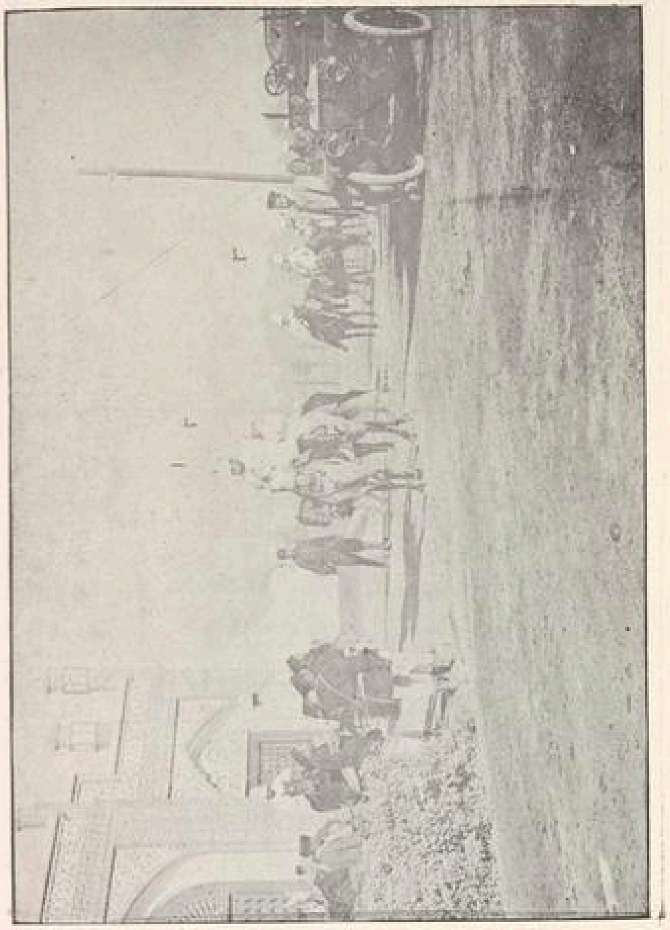

از مناظر نمایش عسکری

فرو آمدن ذات اعلیحضرت پادشاهی از عرابهٔ موتر و حرکت فرمودن بسوی چمن حضوری بسواری اسپ

(۱) ذات اعلیحضرت همایونی — ۲ — جناب معین السلطنه — ۳ — جناب عین الدوله

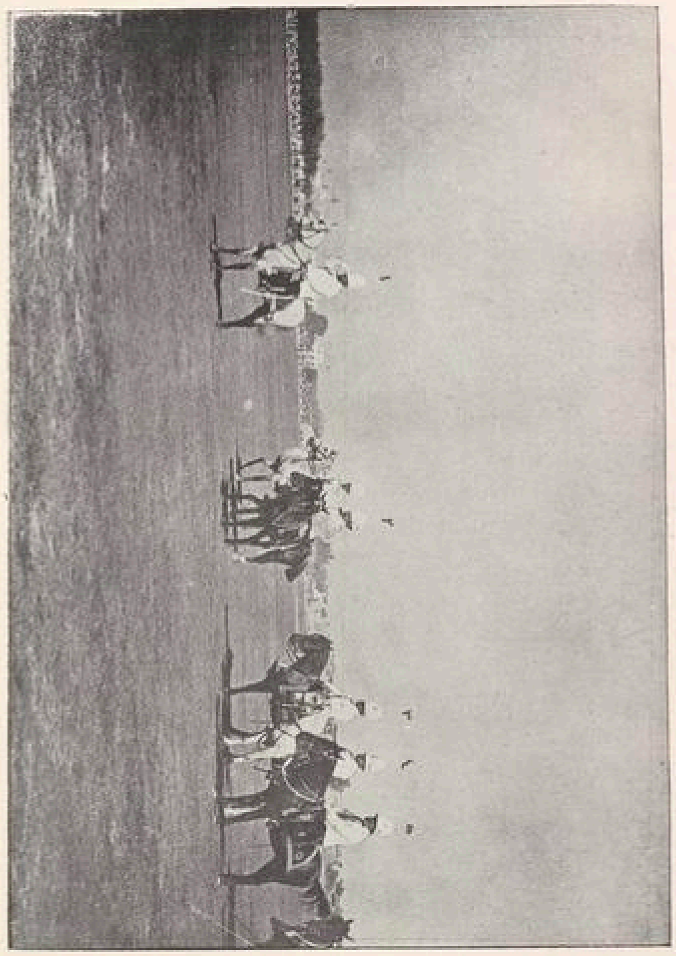

از مناظر نمایش عسکری

مراسم سلامی عساکر بحضور اعلیحضرت همایونی

۱ — ذات اعلیحضرت — ۲ حضرت معین السلطنه — ۳ جناب عین‌الدوله — ٤ جناب نائب‌الحکومه — ٥ مصاحب خاص

لا هنوز متوجه دی   به مطلب منتبه دی
خپل نه دای محکومونه   چه اسلام وزر ویشه
وتخریب نه د اسلام   توجه لری مدام
خپه لو گوله به بولی   بوله بله سره بولی
ای (افغان) دواړه لاس   پورته که شه به اخلاص
وخپل رب ته دی زاری که   بیا زاری به عاجزی که
چه ای خدایه نه قهار نی   که رحمن نی بیا جبار نی
کفار دو ترحمه نیری که   شپه وورز برموز بری که
نی به خپل میان کی اخته کی   عداوت به شه بخته کی
چه به موز سو بالکل هیر   به خپل جان اخته وی دیر
موز د دوی گورو سیلونه   دوی همیش کوی جنگونه
او وموز ته توفیق راکی   شه اخلاق ته را عطا کی
چه طاعت دی پرشتیا کو   عبادت دی بی ریا کو
به خپل میان کی متفق سو   تو یو بل سره مشفق سو
ته همت و غیرت راکی   ته قوت و نصرت راکی
ته مو شه کی که معیوب یو   بری راکی که مغلوب یو

آمین   م ، س

تقریظ

زبان افغانی کلام جناب مستقی

دا اخبار رنگین گلزار دی اخبار نه دی
چه هزاری زه یم ولی گلزار نه دی
علم زده کره گوره جهل به کار نه دی
که دی پلار دی چه جاهل دی پلار نه دی
که نی علمه خبر دار دی خبیر دی
که هشیار ده زمانی دی هشیار نه دی
که څوک سود غواری ده علم سوداشه ده
به گرمی ده دی بازار بل بازار نه دی
که سودا کری دکاندار ده علم گوره
با انصاف زده بل دکاندار نه دی
خوار هغه شی چه د علمه نه غافل شی
چه د علم دولت مومی بیا خوار نه دی
کفران گوره به علم جهانگیر شول
ما و تا زه دانت ودا عار نه دی
مرده وبده دواره پورتک وی به غفلت کی
مربه بوله هر سری چه بیدار نه دی
نه غفلت پورته خوانخواره بلا شته
کرمری څوک خونخوار ولی خونخوار نه دی
موافق ده زمانی سره رفتار کره
مخالف ده زمانی شه رفتار ندی
زمانه وی که گرمه که سره
تل زمانه به جبن کی بهار ندی
که فلک دغیر به کام شه غمگین مشه
بدی زرنده همیشه دیجا وار ندی
زره می نه اوری د زرک له وصاله
څو چیچلی ی ده زلف وبه مار ندی
مستقی زدی مین به خپل گفتار کرم
ستا بشان گفتار ده هیچ جا گفتار ندی
مستقیم زما نوم عبد العلی دی
زه پشتون یم به بل قوم می کار ندی
فارسی شعر می مشهور دی به جهان کی
به پشتو زبه می شعر شمار ندی

(تقریظ شاعر خوش کلام غلام حیدر)

مذنب تخلص

(روشنی بخش دل و دیدهٔ بیدار است این)
(صفحه برصفحه ورق بورق انوار است این)
(لاله را خون نکند قطعه‌اش ازرشك هنوز)
(کز بلندی چوفلك صاحب سیار است این)
(اندك افشانده دماغی که به نکهت سازد)
(ورنه از معنیٔ رنگین چه گلزار است این)
(چو هزاران قدراید بصد آهنك چرا)
(سطر بر سطر همه صورت منقار است این)
(زسوادش نتوان یافت بجز عنبر تر)
(نقد فطرت بکف آرید که عطار است این)
(مصدر علم و فن و صنع و سیاسی و ادب)
(چقدر از همه احکام خبر دار است این)
(نکته باتکه زاحوال جهان میگوید)
(یك گر گویش امروز سزاوار است این)
(نفحهٔ روح فزا سرسر عشرت انگیز)
(باغ الفاظ متین و گل بی خار است این)
(جو سکندر اگرت شوق رسائی باشد)
(چشم بگشای که آئینهٔ اسرار است این)
(آه ازین چار که چل ساله ندارد سخنش)
(عقل معلول بفرما که چه گفتار است این)
(روزو شب در همه جا جلوه نما میگردد)
(آفتاب سحر و ماه شب تار است این)
(مژده مر اهل سخن را که بمضمون عجب)
(چقدر لفظ کم و معنیٔ بسیار است این)
(میتوان قصد اصناف جهانش گفتن)
(انچه تقریر خدا را وجه اخبار است این)
(مذنب) آموخته ام درس فصاحت گوئی)
(که بشیرین سخن نظم شکر بار است این)

حوادث خارجیه

مکتوب

﴿از اوستراليا﴾

الحمدلله رب‌العالمين الصلوة والسلام على حبيبه سيدنا محمد وآله وصحبه اجمعين اما بعد :

ازفضل رب‌العلمين مسلمانان شهر « كلنكارى » ضلع « كنج لند » « اوستراليا » سيادت‌پناه مولانا السيد جلال‌شاه صاحب‌را بكمال اخلاص ومحبت خدمت كردند وبراى اداى صلوة التراويح ونماز عيدالفطر جناب سيد صاحب را مقرر نمودند .

بعد هرنماز ووعظ دعاى خير براى ترقى اسلام على الخصوص براى اعليحضرت سراج‌الملة والدين واهالئ افغانستان كرده‌ميشد وپس ازصلوت‌العيد سيدصاحب يكوعظ پرجوش قرائت فرمودند كه اكثر مضمون آن متعلق به اشاعت وتبليغ اسلام و همدردى باسلطان خادم‌الحرمين‌الشرفين واعليحضرت سراج‌الملة والدين بود

دريتوقت پس از باشندگان مسلمان شهر « برو كن هيل » ممالك « نيوساوت ويلز اوستراليا » سيد صاحب‌را طلب نموده‌اند وبسبيكه ماين « كلنكارى » و « برو كن‌هيل » فاصلهٔ ١٥ روزه است وعلاوه برريل به عبور دريا هم انسان دران مجبور است .

لهذا مسلمانان مذكور مبلغ ٢٥ پوند اجرت درجهٔ اول‌را براى حركت سيد صاحب انتظام كرده اند . وخيال افغان سودا گر ومسلمانان ساكنان اوستراليا برينست كه‌جناب سيدصاحب درتمام سرزمين اوستراليا براى اشاعت اسلام سياحت‌فرمايد . الله تبارك وتعالى توفيق رفيق كناد ودين اسلام‌را قوى گرداناد !

سبب آمدن سيدموصوف دراوستراليا اينكه مامسلمانان اوستراليا ازگورنمنت استدعا كرده بودند كه جناب شان‌را اجازه بدهد كه براى اشاعت اسلام يكدوسال در اوستراليا باشند امضا

(بركت‌الله)

(ايضاً از اوستراليا)

از فضل رب العالمين بتاريخ يكم ماه شوال بعد از اداى نماز عيدالفطر درشهر « كلنكارى » ضلع « كنز لاند اوسترا ليا » باشندگان مسلمانان افغانستان بهبسيار جوش براى ترقى دولت خداداد افغانستان واعليحضرت سراج‌الملة والدين دعاى خير كردند .

وهفت شبانه‌روز مراسم‌جلسهٔ مبارك‌عيد بحنان‌خوبى ودرستى كرده شد كه اكثر اروپائيان ازممالك دور نيز براى تماشا آمده بودند . وبعد از اختتام جلسه باز براى اعليحضرت سراج‌الملة والدين دعا خواستند .

براى وعظ وصلوة التراويح ونماز عيدالفطر اين‌بنده‌را طلب نموده‌بودند . بعد هرختم نماز ووعظ‌بنده بجوش براى‌اعليحضرت سراج‌الملة والدين باجميع مسلمانان هم‌آواز گشته ازخداوند كريم دعا ميخواستيم .

فى‌الحال بنده‌را مسلمانان افغانى كه تخميناً دوصد نفرمياشند وكمى عيالدار هم هستند . ودرشهر « برو كن هيل » « نيوساوت ويلز اوستراليا » اقامت‌دارند طلب‌نموده‌اند . وشهر « بروكن‌هيل » ازشهر « كلنكارى » ١٥ روزه فاصله دارد كه سه‌روز براه دريا و ١٢ روز بذريعهٔ ريل طى ميشود وبراى حركت‌من مبلغ ٢٥ پوند كراهٔ درجهٔ اول را انتظام كرده اند و اميد كه نماز عيد اضحى آنجا خوانده خواهد شد يكم ذيقعده سنه ١٣٣٢ ه امضا

﴿السيد جلال شاه﴾

اگر كسى خيال پرسيدن محل اقامت سيد صاحب مذكور باشد وهوهذا :

تولدشان درشهر كراچى هندوستان درسنه ١٣٠١هجرى واقع شده هم والد ماجد وجد امجد شان السيد حسن مرحوم ابن السيد مير احمد مرحوم كه تربتهاى‌شريف‌شان درمبائى است ومزار والدهٔ شان دركراچى‌است ووالدهٔ شان دخترسيد ميوه شاه‌مرحوم است كه تربت شريف شان در كراچى واظهر من الشمس است كه اينها در اصل از افغانستان آمده اند وما مسلمانان اوستراليا يك محبت واخلاص جدى به جناب سيد صاحب داريم

(بركت الله)

(داخل شدن دولت عليهٔ عثمانيه بمحاربه)

مهمترين حوادثهائيكه سرآغاز دراين جنگ عالمگير سرزدهٔ ظهور گرديده . وتأثيرات آن برتمام عالم اسلام شامل شده همانا اشتراك وورزيدن دولت عليهٔ عثمانيه است دراين محاربهٔ خونريزانهٔ اوروپا . درخصوص بنابر بعضى سببها ازاراده گوئى رأى خود اجتناب‌ورزيده تنها به حوادثاتى كه ديگر اخبارها دراينباب بيان كرده اند اكتفا ورزيدن‌را لازم دانستيم .

جريدهٔ فريدهٔ (حبل‌المتين) كه يك اخبار اسلامئ فارسى ، وسالهاى سال درامور جريده نويسى صاحب رأى رزين‌ونكات رنگين متين ميباشد از قرار ذيل مينگارد :

(شموليت دولت عثمانى درجنگ)

متأسفانه برخلاف آرزوى ما بلكه آمال تمام مسلمين هندوستان عاقبت‌دولت عثمانى‌دراين‌جنگ خونخوار‌شامل وباشموليتش دادند ، از زمان سلطان مخلوع عبدالحميد خان يعنى از وقتيكه جنگ يونان ومناقشهٔ جزيره (كريد) پيش آمد ، دولت عثمانى دراتخاذ رابطهٔ سياسى با المان كوشيد واين رابطه همه روزه

درازدیاد بودنا امتیاز راه آهن بغداد را کما لا حامی عثمانی بود آلمان جلب نمود وسبب گردید که یك جماعتی به اسم (ژون ترك) که بعد از مدحت پاشا پیدا شده بودند وعمدهٔ نشو ونمای آنان درهوای آزاد فرانس وانکلیس می شد برخلاف عبدالحمید خان قوت گرفته عاقبت سبب خلع وی گردیده عنان حکومت را به کف گرفتند بدون شبه در آغاز مشروطیت عثمانی این جماعت میلان ورجحانشان بجانب فرانس وانکلیس بود خصوصاً وقتیکه رکن اول دول اتحاد ثلاثه آستریا هرسك وبوسینارا الحاق نمود فقط روی التجاء ترکان به انکلستان بود چون به این فشار جوانان ترك روی از انکلستان نه پیچیده فشار دیگر به ایشان وارد آمد ، یعنی رکن دوم اتحاد ثلاثه طرابلس غرب را غصب کرد درآن موقع هم عثمانیان التجاء شان منحصر بفرانس وانکلیس بود ، چون از این طرف ها برمرام خویش چنانچه میخواستند آواز همدردی نشنیده وروز افزون روابط دولت انکلیس باروس نظر بمعاهدهٔ سال ۱۹۰۷ افزونی گرفت مأیوسانه بطرف آلمان رخ نمودند . بمجرد توجه آنان به آلمان فتنهٔ بالکان تولید ونتیجه اش آن شد که لازم به بیان نیست این نکته راهم دراینجا ناگفته نمی توان گذارد که نظر بمنازعات ومناقشات یکصد وپنجاه ساله روس باعثمانی حسیات آحاد ملت عثمانیه از زن ومرد صغیر وکبیر برخلاف روسیان بود وبهیچ وجه نمی توان دراین مسئله آنانرا ملوم قرار داد چرا که تاریخشان مملو از منازعات باروس بوده وبرعکس نظر به همراهی های صدساله دولت انکلیس درمنازعات شان باروس تمام حسیات ملت عثمانیه معطوف به همدردی وهمراهی انکلستان بود وتا کنون هم رجال عمده عثمانی بجانب انکلستان نظر دارند . فقط چیزیکه رفته رفته این توجه را کم نمود وبرخی از عثمانیان را متوجه آلمان ساخت همانا معاهده سال ۱۹۰۷ انکلیس باروس بود . وآلمان هم موقع یافته بجلب قلوب جوانان ترك کوشید وبه وعد وعید وبیم وامید آنرا بطرف خود کشانید . . تا آنکه پس از جنك بالکان وآن نتایج وخیمه که برای عثمانیان پیش آمد مصمم گرفتن فایده از آلمان شده وبرای اصلاح حال قشونی افسران آلمانی را به اسلامبول جلب نمودند واین نکته سبب اعتراض دول اتفاق ثلاثه خاصه روس آمده بی نتیجه ماند . وما مکرر خیرخواهانه نگاشته ایم که از صد سال به این طرف به همان پایه که افراد اسلامی دولت وملت انکلیس را هوادار خویش پنداشته روس را مخالف خود دانسته اند ، چه طور میتواند سریعاً نقشه صد ساله را معاهدهٔ ۱۹۰۷ از قلوب عامه زائل سازد ، واگر جوانان ترك شبههٔ بر ایشان از دوستی انکلیس پیش آمده ومجبوراً متوجه به دشمن وی که آلمان است شده اند فقط وفقط برای دوستی وی با روسیه بوده ورنه ملت اسلامیه هیچ وقت جز نظر محبت وحسیات صمیمی نسبت بدولت وملت انکلیس نداشته وندارند .

از آغاز این جنك عالم سوز آلمانیان موقع یافته که دراسلامبول به ازدیاد نفوذ ورسوخ خویش بپردازند وعثمانیان را بهر گونه وعد ووعید وبیم وامید بسمت خویش سوق دهند ، درین مدت عثمانیان هم موقع یافته درپرده بجلب منافع خویش از آلمان کوشیدند واز تلگرافات هم ظاهر میشود که تا آخرین موقع نیز عثمانیان مائل بجنك نبوده واگر مقرون بصواب باشد عذر خواهی رئیس الوزراء دروقعه بحراسود که آن را هم اقدام ابتدائیش را نسبت به روس میدهند دال است براینکه رجال بزرك عثمانی وذات سلطانی بگسسته شدن روابطشان باتفاق ثلاثه مائل نبوده اند ، اگرسبب شمولیت عثمانی دراین جنك محض دسائس آلمان باشد باز هم تصور می توان کرد که تایك اندازه روسیان مورث قهروغضب انکلستان نسبت به عثمانی گردیده اند ، علی ای نحو کان شد آنچه را که ما از آن متأسف وعموم مسلمانان هند متألم اند ، چه از یك طرف حسیات مذهبیشان بجانب سلطان میکشاند ، واز طرف دیگر خیرخواهی صمیمیشان بطرفداری انکلستان سوق میدهد مسلمانان هندوستان موقعی بس نازك یافته اند .

(گلوله باری بردر دانیال)

زمیندار ۹ نومبر :

روزسه‌شنبه گذشته گلوله باری که جهازهای جنگی انگلیزی وفرانسوی کرده بود متعلق آن اخبار « سول اینـد ملتری گزت » لاهور اظهار خیالات ذیل را کرده است :

دستهٔ متحدهٔ جهازهای انگریزی وفرانسوی مستعدی بزرگ برای اثبات وجود خودها به ترکان نشان داده است . لیکن از اینقدر دوری گلوله باری کردن بردر دانیال باعث یك نقصان کثیر شده نمیتواند . هنوز پیش از آمدن توپهای جرمن در خصوص این قلعه‌ها چنان مشهور بود که آنها از طرف بحر دفع جمیع حمله‌های گوناگون را کرده میتوانند چه جائیکه حالا توپهای جرمن نیز در استحکام آنها افزونی داده است . درین هیچ شبهه نیست که دستهٔ بحری انگریزی درماتحتی امیرالبحر « دکورث » زبردستی در دردانیال در امده بود . ولی این واقعه یکصد پیش ازین است . ودرین وقت درصورت حالات بسیار تغیر وتبدیل واقع شده وقوهٔ مدافعهٔ این قلاع بس افزونی گرفته است . دردوران جنگ بالقان دستهٔ بحری یونان باقلعه های در دانیال هیچ تعرضی نکردند . تنها بر وقت بادستهٔ بحری ترکی اکتفا ورزید . درجنگ سنه ۱۲ — ۱۹۱۱ع دستهٔ بحری ایطالی به گوله باری بردر دانیال کوشش کرده بود وآنرا اندکی نقصان هم رسانیده بود بلکه یکدفعه بعضی کشتیهای تارپیدوی ایطالی نزدیکتر آبنا حمله آور شده بودند ولی پیش ازانکه توپهای قلعه‌ها بنای آتش فشانی را بگذارند آنها ازانجا فرار جستند .

(وقت قربانی وایثار)

همعصر معزز اخبار وکیل امرتسر بمناسبت قربانی عیدسعید چنین مینویسد :

۳ روز بعدازامروز عیدا ضحی است ووقت قربانی قریباست بنظیر آن قربانی و ایثار عظیم‌الشانی که حضرت ابراهیم خلیل‌الله درپیشروی دنیا پیش کرده بود اسلام ازهرفرزند خود همان توقع را دارد . ولی بعضی چنان مسلمانهائی هستند که جزیات خود وتعایش را گذاشته به پیروی سنت‌ابراهیمی اقتداورزیده بحسابات بلندودرست آرام‌کنند خدا بگوشت وخون واستخوان حیوانات محتاج نیست واز عجز بی‌نیاز است اوتعالی اینهمه کار هارا برای بهبودی وبهتری خودما مقرر کرده که دردین ودنیا فلاح یابیم . مگر حیف که ماوشما بوقوفیت ازعلت غائی آن کوشش نیکنیم .

برای فرزندان اسلام وپیروان قرآن تنهاقربانی مادی ضرور نیست . بلکه برای بهتری معاش ومعاددنیا وعقبی برای‌شان‌ایثار وقربانی بسیارمهم‌لازمست . وروح مقدس‌پیغمبر اسلام « صلی‌الله علیه واله وسلم » درین امتحان شمارا می‌بیند .

﴿ داك وكيل انكليزى ﴾

همعصر سراج‌الاخبار جهلم ۱۹ اکتوبر .

انتظام گورنمنت ما برای وکیل انگریزی مقیم کابل بسیار درست است . داك آنها ازپشاور بسته شده میرود و بداك افغانی امیر صاحب هیچ واسطهٔ بستن وواز کردن آن نیست کارت ها ولفافه های شان مانند هندوستان بارمیرود یعنی همان محصول داکی که در هندوستان ازان گرفته میشود در داخل افغانستان نیز به آن کفایت میشود ومحصول افغانی ازان گرفته نمیشود تکت دوپیسهٔ راچسپانده برای وکیل انگریزی مقیم کابل بفرستید وصرف نام داکخانه پشاور را بران تحریر دارید در روز دهم منتظر برای آنها خط خواهد رسید ولی اگر برلفافه اسم داکخانه افغانی پشاور نوشته شود محصول آن چار چند میشود . لهذا خطیکه برای وکیل انگریزی کابل فرستاده میشود تنها لفظ داکخانهٔ کابل نوشتن لازمست . این لفافه را مأمور داک خانهٔ انگریزی علیحده بسته همراه داك افغانستان خود خواهدفرستاد و مأمورین داك خانهٔ افغانی آن خریطه ها را بلا جست وپال به کابل میفرستند .

سراج الاخبار افغانیه

این فقرهٔ مافوق شایان ملاحظه وجالب‌نظردقت اولیای امور دولت متبوعهٔ مانده است . اولا این بیانات همعصر معزز خودرا به تصحیح کردن مجبوریم که : گورنمنت بهیهٔ شان‌درهیچ گونه اموری از امورات دولت علیهٔ مقدسهٔ مستقلهٔ متبوعهٔ ماحق هیچگونه انتقادات را ندارد . این انتظامی را که همعصر محترم ما ازان بحث میراند ، محض یك معاملهٔ نزاکت پرورانهٔ خاطر نوازانهٔ خواهد بود که از طرف دولت مستقلهٔ خداداد افغانستان دربارهٔ وکیل دولت بهیهٔ برتانیا ابراز فرموده شده است . درینهم هیچ گفتگوئی نیست که خریطه های داك وکیل انگریزی بدون تفتیش وواکردن همچنان سربسته بکابل میاید . ذاتاً هیچ یکی از داکخانه های دنیا ـ بغیراز بعضی اوقات‌مستثنا حق بازکردن وواکردن اوراق ومکاتیب کسی راندارد . امامسئلهٔ که ما آنرا جالب انظار دقت اولیای امور دولت متبوعهٔ خود میپنداریم این است که چون مکتوبهای هندستان بدوپیسه تکت محصولی آنجا بکابل بیاید آیا مکتوبهای کابل بیك عباسی تکت محصولی اینجا چرا بهندستان نرود ؟ آیاتکتهای داك‌دولت خداداد افغانستان از تکتهای داك دیگران چه کمبودی دارد ؟ حقیقتاً اینمسئلهٔ شایان غور وتدقیق است . زیرا داك یك چیزیست که غیر از مسایل سیاسیه مدارکلی امور تجارت بران موقوف میباشد . حالا ببینید اگر یك تاجر کابلی برای یك گماشتهٔ خود که دربمبئی یامصر دارد اگر بخواهد یك مکتوبی بنویسد داکخانهٔ کابل آن مکتوب را تنها تابه پشاور ذمه بردار رسانیدن میشود . داکخانهٔ دولت خداداد که درپشاور است مجبور است که آنرا به داکخانهٔ انگلیزیٔ پشاور تسلیم کند داکخانهٔ انگلیزی بدون تکت انگلیزی آنرا قبول نمیکند . آیا قیمت آن تکت دوپیسه‌گی انگلیزی را تاجر کابلی بچه ذریعه به پشاور خواهد فرستاد ؟ واگر قیمت تکت انگلیزی را داکخانهٔ اسلامیه پشاور از مرسل نستاند ، یاباید از جیب خود بپردازد که درانحال موجب ضرر داکخانه میگردد . یاباید مکتوب مرسل رااراده کرده بیکسو افکند که این کار بعضی اوقات موجب هلاک شدن یك تجارتخانهٔ بزرگی رااحتمال میدهد . واگر گفته شود که داکخانهٔ اسلامیهٔ پشاور مکتوب مرسل کابل را بذریعهٔ برنگ بداکخانهٔ انگلیزیٔ پشاور تسلیم کند . وداکخانهٔ انگلیزی هم قبول کند بازهم تکت محصولی افغانی ازحکم جلش در خارج ساقط گفته میشود که اصل شایان دقت وتدبیرات و سزاوار اندیشه و تعمیق همین نکتهٔ مهمه میباشد .

(زمیندار وسول اینډ ملتری گزت)

زمیندار ۹ نومبر :

از نقطهٔ خیال حاکم ومحکوم ، حالت موجود مقتضی آنست که درچنان وقتیکه زباندرازی افواه برای‌عوام مانند قوهٔ کشش مقناطیسی کار میکند در باب اشاعت خبر ها خاص احتیاط را ملحوظ بایدکرد . چندروز شد که مستر تائمن دپتی کمشنر لاهور بعضی‌اردو اخبارنویس هارا خواسته آنهارا راحتیاط دراشاعت خبرها تنبیه کرده‌بود . مقاد بار برای گورنمنت اظهار کرده ایم کهمدیرهای اخبارهای اردو ازفرایض خودشان بخوبی آگاهند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 939 of 1786

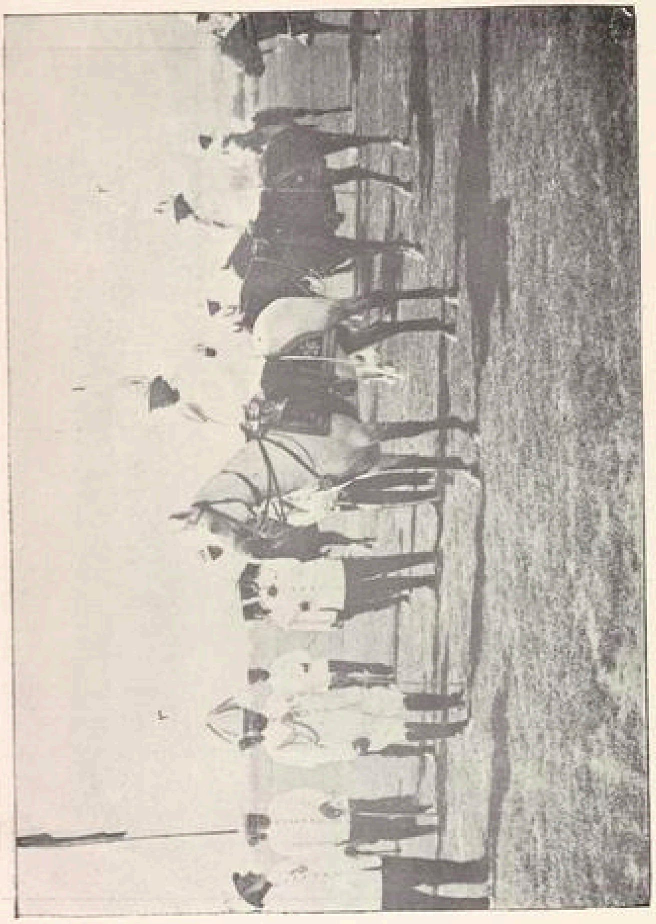

ابلق اعلیحضرت همایونی بعد از فراغ ملاحظهٔ عسکری
۱ — ذات اعلیحضرت — ۲ — عین الدوله — ۳ — ایشیک آقاسی ملکی

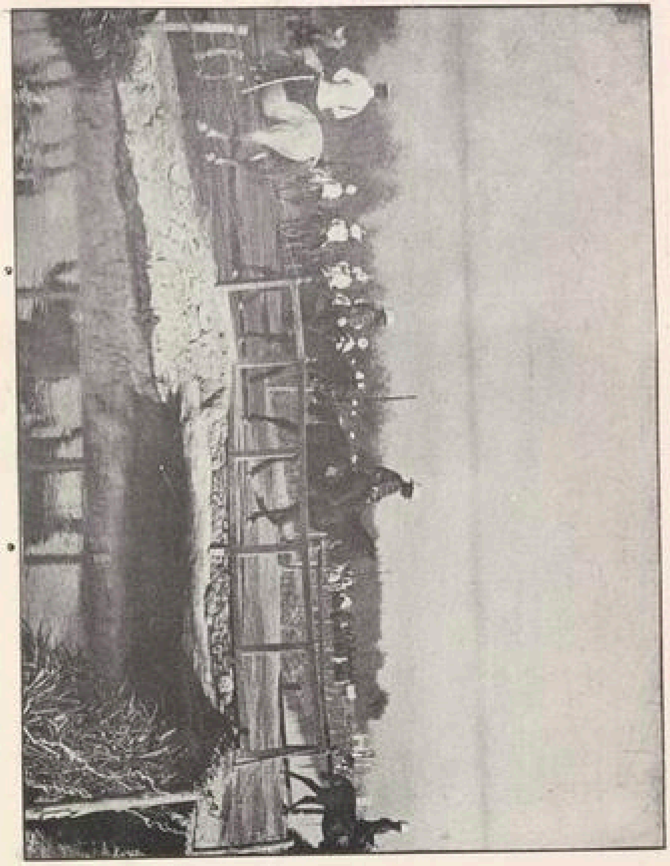

(عودت اعلیحضرت همایونی از چمن حضوری)

و آنها از طرف خود هیچ خبر را نوشته نمیتوانند و چیزیکه مینویسند از اخبار های انکریزی هندستانی نقل میکنند لهذا تنبیه و تهدید بر اخبار های انکریزی لازمست نه اردو .

قارئین ما ازین بخوبی واقف خواهند بود که ما چندروز پیش ازین بعضی خبرهارا از نقطهٔ نکاه جرمن در زمیندار درج کرده بودیم . و با وجودیکه مادر تمهید آن ظاهر و آشکار نوشته بودیم کاینها مبالغه آمیز میباشند و اینهارا هیچ وقت نباید داد ولی کورنمنت اشاعت آنهارا ناکوار دانست حالانکه «استیتسمین» و «پاینیر» و دیگر اخبار های انکریزی اشاعت خبر های جرمن را آرایش اخبار خود میدانند و تابه امروز به هیچ یکی ازچنین اخبار های انکریزی از طرف کورنمنت تنبیه نشده .

اخبار حکومتی هندی مقامی ما همعصر «سول اینډ ملتری کزت» در اشاعت ٩ نومبر خود درجملهٔ خبرهای جرمن از راه اوستراليا که درج کرده خبر ذیل قابل توجه است :

«فدیهٔ یك پادشاه»

١٩ اکتوبر :

یك جمعیت جرمنی در امریکای جنوبی این اعلانرا شایع ساخته که بکشتهٔ طیارههای زیپلن پائین شده شاه جارج را بحیثیت اسیر جنك برده است و برای رهائی دادنش مبلغ ٥٠ لك پوند فدیه طلب کرده است .

پیسهٔ اخبار ٣٠ اکتوبر :

(ازخبرهای مبالغه آمیز پرهیز لازم است)

به ١١ بجهٔ صبح ٢٩ اکتوبر دپتی کمشنر لاهور مدیر های شش اخبار مقامی «پیسهٔ اخبار» «دیش» «وطن» «دیپك» «شیر پنجاب» وبجلی را طلب کرد . و درخانهٔ فیصلهٔ عدالت در جائیکه مدیرها منتظر بودند مستر تالنتن دپتی کمشنر آمده نشست و این چنین سخن آغاز نهاد که در بعضی اخبارها خبرهای مبالغه آمیز فتوحات جرمن چاپ میشوند که بکلی دور از مناسبت میباشند چنانچه . در یك قطعه یك اخبار اردو یك خبر مخصوصی را نشان داد و متعلق آن بعضی از اخبار نویسان مذکور کفتند که این خبر در اخبار «برمنکهم پوست» انکلستان طبع شده و از آن دیگر اخبارهای رسمیٔ هند اقتباس نموده و باز اردوی آنها در اخبار های اردو نقل شده است . زیرا ما میدانیم که علاوه بر روتر خبرهائیکه متعلق جنك در اخبار های رسمی هند شایع میشوند هیچ اصلی ندارد . بنابرین دپتی کمشنر کفت که مدعای کورنمنت اینست که خبرهای راست و درستیکه بذریعهٔ روتر می آیند نوشته شوند ولی از اشاعت جمیع چنین خبرهائیکه از آن در دلهای عوام الناس اندیشهٔ غلط فتوحات جرمن پیدا شود پرهیز کردن لازمست . واکرچه درلاهور قریب یك و نیم صد مدیرهای اخبارها میباشند ولی من تنها شما ٦ اصحاب را طلبیدم شما به همهٔ اینها این منشأ کورنمنت را تبلیغ کنید . که از اشاعت خبرهای مبالغه آمیز و جوشدار همهٔ شان حذر کنند . در مقابل آن از طرف یکی از مدیرهای مذکور کفته شد که شما کورنمنت را اطمینان بدهید که درین روزها نیت همهٔ ما اینست که کورنمنت را امداد کنیم و پریشان نسازیم وبعد ازینقدر کفتکو ملاقات اتمام یافت .[میکویند که در پشاور نیز درباب صرف نقود و نقود بعمل آمده است . فسبحان الله !...]

(خبر رسانی مابین ایدن و هندستان)

همدرد ٤ نومبر :

ازین یك بشکل انکار میتوان کرد که جاسوس های جرمن درهر ملك موجودند و علاوه بران پس از آغاز جنك نیز جرمن اراده فرستادن جاسوسهای خود را در ممالك غیر ظاهر کرد . که ازانسبب کورنمنت هند را برای نکرانی واردین واجنبی ها صدور قانون هنکامی افتاد . حالا از بیانات بعضی مردم کرفتار شده دست ایمدن این بخوبی معلوم میشود که ایمدن عموماً در خصوص هندستان و خصوصاً متعلق آن جهاز هائیکه برای تعاقب وی فرستاده شدهاند معلومات کامله دارد این دوامر که یکی خبرهای هندوستان با ایمدن میرسد و دیکر که خبرهای ایمدن بهندستان میرسد ضرور معنی خیز میباشند . چنانچه همعصر «ادین دیلی نیوز کلکته» در اشاعت جدید خود نوشته است که «خبرهای کرفتار نمودن ایمدن جهاز هارا در کلکته مردم پیش از واقعه بیکذریعهٔ نامعلومی معلوم بود و همچنین خبر رفتن ایمدن بر مدراس پیش از ظهور حادثه در کلکته اشتهار داشت و این یکطریقه دیکر خبر رسیدن بهندستانست . و درحال عوام چیزیکه متعلق محفوظ برآمدن ایمدن میکویند ما آنرا شایع کرده نمیتوانیم . این امر حقیقتاً حیرت انکیز است که این خبرها در عوام چکونه انتشار مییابد . لهذا بدون این دیکر چیز کفتن بعید از صواب خواهد بود که «ایمدن» به جاسوسهای خود خبر نقل و حرکت خود را میدهد و درعوض آن ازانها خبرهای هندوستانرا میستاند . واینست که باینقسم تاحال خودرا محفوظ داشته توانسته است .

(شرایط مصالحهٔ جرمن)

زمیندار ٢ نومبر :

پاریس ١٤ اکتوبر : — «موسیو کلیمنشو» بپاریك ذریعهٔ معتبری رپورت یك کفتکو را شایع میکند که درحال در مابین سفیر جرمن متعینه «واشنکتون» و یك متمول امریکائی واقع شده . امریکائی پرسید که در اختتام جنك جرمن با فرانس چه سلوك خواهد کرد ؟ سفیر جرمن جواب داد . که جرمن تمام آن علاقه و مستعمرات فرانس را که به طرف «رق» «لائن سیدن وادی ایکس میوز» واقع است در حکومت خود ضم خواهد کرد و ٤٠ کرور پوند تاوان جنك را بر فرانس حواله خواهد کرد و جرمن فرانس را بردستخط کردن یك چنان معاهدهٔ که از روی آن تا ٢٥

سال بدون کدام شرط مبادلاتی اسباب جرمن بلاحصول درفرانس روند مجبور خواهد ساخت ونیز تا ۲۵ سال فرانس را نباید که فوج بگیرد . و فرانس بدون کدام شرط مبادلاتی ۳۰ لک تفنگ و ۳ هزار توپ و ٤۰ هزار اسب به جرمن باید تقدیم کند . وفرانس باجرمن برمعاهدهٔ اتحاد دستخط خواهد کرد وباز جرمن برای پامال ساختن انگلیز روس را باخود متفق خواهد ساخت .

(مترجم عبدالرحمن)

بیانات امپراطور المان

نقل از جریدهٔ فریدهٔ حبل‌المتین :

توصیه وخطابات امپراطور ولهم نسبت بزرگان مملکت ورؤساء ادارات وافسران لشکری را جراید المان چنین بیان میکنند امپراطور ولهم درسومین مرتبه که بزرگان مملکت را اندرز گفته تمام توجه وطرف توصیه خویش را برئیس مدارس ورئیس عدلیه بزرگ وسپهسالار لشکر قرار داده است . دراول رئیس مدارس راپیش خوانده فرموده ، که من آمال و آرزوهای حال و آیندهٔ امپراطوری خود را بدست تو می سپارم ، مقام منیعی را که بعهده گرفتهٔ باکمال جدیت حسن عمل بخرج داده وجوانان مملکت امپراطوری مارا که مایهٔ سعادت حال واقبال اند ، ازجانب من بگوئید که امپراطور آلمان محتاج بهابدی عامه وجوانان تربیت یافته ، وطن خواه حق شناس است .

سپس کلمات بزرگانه وزیر عظیم‌الشأن ما (بسمارک) را که فرموده است ، بواسطه مدارس برهمسایه خود (فرانسه) غلبه یافته وخواهیم یافت ، برآنان بسیار بخوانید .

پس ریاست محکمه عدلیه اعظم را مخاطب ساخته وفرموده ، ، از این بعد هر مظلمهٔ که درین ملک واقع گردد ، وهر قوی که حق ضعیف را غصب نماید شخص شما نزدخدا ونزد انسانیت ونزد من مسؤلید .

چه واضح است که عدل اساس بقاء عالم وظلم تیشه سنگ‌شکنانهٔ است که احجار آن اساس را خورد ودرهم میشکند پس اگر آلمانی آزاد وطن خواه نوع دوستی میانی درمیانه مردم بعدل وداد رفتار کرده وحقوق ایشان را باز داشته ، داد مظلوم ازظالم بگیر . بترس از اینکه اگر سوای این کنی وطن عزیز ونوع تو منقرض خواهد گردید ، ،

سپس به سپهسالار بزرگ نگران گشته وبالهجهٔ مهیجانه فرموده ، ، ای سپهسالار دلیر من بیدار باش ! وباچشم گشوده برمصالح وقت نگران شو . بدان که حیوة وطن درزیر سایه شمشیر تو است ، من در مقام توصیهٔ تو بر آمده ، می گویم که اصول پایداری وثبات وصبر را از دست مده . برافراد قشون خطابات دلیری وشهامت برخوان ؛ از مفاخر تاریخی گذشته وحالیه ، آنان را حکایت کن ، از شجاعت ودلیری پدران آنان برشمار . گوشهای آنان را از لفظ آلمان ، وآلمانی ، آکنده نما . چرا که این کلمه برگوشهای آنان گران نیست ، بلکه سبب جذب قلوب آنان شده آرزوی حب حیوة واستقلال در گوشهان جای گرین میگردد . افراد قشونی را آگاه کن که آلمانیان از بهترین امم ارض و آب وخاکشان از بهترین ممالک روی زمین است

سپس آنان را مرخص ودر خاتمه این کلمات ایشان را وداع کرد که ، ، آیندهٔ ما درپیش داریم . اگر هریک ازشما بوظائف خود رفتار کنید آیندهٔ ما بخیر است . بدانید ! که من بادست شاهانه کرده بر دشمنان سخت میگیرم واعتماد من بشما وتاریخ نگران ومحاسب اعمال ما وشما ست . آگاه باشید ! که حیات ما متوقف برسه چیز است (۱) لشکر وآلات دفاعیه (۲) مدارس ومعارف (۳) محاکم عدلیه . . .

جای تعجب است این حکمی را که امپراطور ولهم وسلاطین بزرگ ، اصول پشرفت واساس سعادت وترقی قرار داده اند ، در هزار و سیصد وسی واند سال قبل پیغمبر ما حضرت خاتم‌النبیین علیه‌الصلوة والسلام ، بخوانم واکل همین اصول را سبب استحکام وترقی دین اسلام دانسته وفرموده . بنی الاسلام علی اربعه ،علی الصبر ، والیقین ، والجهاد ، والعدل وهم الخیر کله فی السیف . وماقام هذاالدین الابالسیف ، ، وهم ، ، الجنة تحت ظلال السیوف ، ، وهم ، ، الملك یبقی مع الکفر ولامع الظلم ، ، فرموده وماپیروان آن پیغمبر پاك این اصول را ازدست داده مسیحیان دودستی گرفته اساس پشرفت خود قرار داده اند

بالاخره قبل ازاینکه امپراطور ولهم امر بحرکت اردو بدهد بکروزدرقصر امپراطوری نشسته عدهٔ کثیری درنزد وی بودند . ناگهان بالغ برصدهزار نفر آلمانی دراطراف قصر امپراطوری تمایش ملی داده وامپراطور را برمقاصدش ترغیب میکردند وعلی العمد امپراطور توجه بانها را طول میداد برای اینکه هیجان ملت بالا وتعصبات ملیه شان گرم تر گردد . تاآن که آن جمعیت از کثرت ابراز دلیری وخروش روش دیوانه گان گرفتند در آن حال امپراطور باسپاه غربی که رزانت وتعقل هم از اومترشح بود از دریچه سر بر آورده دست بلند ، وملوکانه سلام داده ، صدا ، بلند کرد ،

که ای قوم دلیر آلمانی ، ، امروزه برما آلمانیان روز دردناکی است . چرا که دشمنان ما میخواهند آن چیزها را که پدران ما بریختن خونهای پاك بدست آورده ازماقطع کرده بگیرند ، میخواهند اهانت کنند قبر (فرد ریك) کبیر را . میخواهند درخت عار برقبر (بسمارك) غرس کنند . بدرستیکه استخوان فداکارانی که درراه این آب وخاك جان داده واین خاك آن استخوانها را در بر گرفته میخواهند ازسم مراکب پامال نمایند باگوش دل صدای آنها را میشنوم شمارا می‌خوانند که براحترام وحفظ مقام آنها کمر بندید . ومن بشما اطمینان میدهم ، که بقوه

ومساعده وارادهٔ خداوندی نصرت وغلبه خواهیم یافت وفتح بجانب ماست چهدر راه راست وحقا نیتیم . . .

کلوله پنجهزار تومانی آلمان

(کذا)

جریده دلی میل بیان میکند که یك سرباز آلمان که زخم برداشته وبدین سبب بوطن خود معاودت وفعلاً در سویزرلند است اطلاعات خودرا درخصوص توپهای هویتزر ۱۷ انچی (۱۷ انچ دهن توپ است) الثان چنین اظهار میدارد . که هرتوپخانه آلمان ۴ عدد ازاین توپها دارد واین توپها فقط برراه آهنی که سربازها کذارده و وصل میکنند حرکت می کند ازهریك از آن توپها درهر ده دقیقه یك تیر خالی میشود . توپچی های آن که انجنیر های باهوشی هستند بفاصلهٔ معینی دور ازتوپ ایستاده وبقوهٔ الکتریك آتش میدهند

قیمت هر کلوله انیکهزار لیره (که متجاوز از پنج هزار تومان است) میباشد

• توحید •

حضرت فاضل جلیل ومنشیٔ نبیل جناب « محمود طرزی » صاحب مدیر سراج‌الاخبار افغانیهٔ (کابل) در یك نظم دلپذیر از زبان موالید ثلاثه (جمادات . نباتات حیوانات) به یکطریق بسیار دلچسپ توحید باریتعالی‌را تعریف کرده اند . برای خوبیهای معنوی ولفظی نظم نام نامیٔ جناب طرزی یك ضمانت زیاده بر کفایت است این نظم به قطع خورددر ۳۷ صفحه چهاپ شده است وبتقریب شروع جلدجدید سراج‌الاخبار حسب معمول برای قارئین هدیهٔ داده شده است . ودر آخر در یك قارقاتور خیال اشرفیت‌الانسان ضعیف البنیان بردیگر مخلوقات به‌بسیار درستی تصویر شده است . « علیگڈهٔ انستیتوت گزت »

(مشرف به‌اسلام شدن سه خاتونهای اروپائی)

وکیل :

روز عیدالفطر بعد ازخطبه « در مسجد ووکنگ « لندن یك خاتون اعلان قبول اسلام کرد . و بعد ازین بهمان شامیکه فردای آن جناب خواجه‌کمال‌الدین صاحب مبلغ اسلام عازم حج بیت‌الله میشدند یك خاتون دیکر در دایره طاهرهٔ اسلام درآمد وبعد ازرفتن خواجه‌صاحب یك خاتون سومین نیزمشرف‌به‌اسلام شد . نامهای اصلی و اسلامیٔ این هر ۳ خواتین ازقرار ذیلست:

(۱) مس رودا نام اصلی — رضیه نام اسلامی
۲) مسز کارتر » » جنت » »
۳) مس مارگرید » » حلیمه » »

وعلاوه بران دیکر حضرات متعددی از تعلیم اسلامی متأثر شده اندو امید است که بعد ازیقین کامل علی در دایرهٔ مسلمانی داخل شوند. بتاریخ ۶ سنمبر تقریر جناب مولوی صدرالدین صاحب‌بود که دران برین امر تفصیل بحث شد که قرآن‌کریم چقدر محافظهٔ حقوق زنانرا میکند . عقیده عموم عیسائیان است که زنها وبچه ها فطرتاً کناهکارند . مولوی صاحب به دلایل ساطع و براهین قاطع تردید مکمل این عقیده را کردند وثابت فرمودند که زنان نیز مثل مردان فطرتاً نیك پیدا میشوندواین محض‌از سوسائتی است که آنهارا عقیده باغیرآن میسازد وهمین طور مولوی‌صاحب علاوه برانبیاء علیهم السلام پسران را نیز معصوم ثابت کرد . واحکام مختلف اسلامیرا بیان کرده فرمودند که اسلام محافظ حقوق زنها وبچه ها ومدرس احترام وعزت انبیاء است علیهم السلام .

(عقبه)

همدرد ۸ نومبر :

پیش ازچندی خبر رسیده‌بود که یکحصهٔ عسکر عثمانی جانب خلیج عقبهٔ افزونی کرفته است وپس‌ازان معلوم شدکه « منروا » نام‌جهاز انکلیزی برعقبه کوله‌باری نموده طول خلیج عقبه‌قریب ۱۰۰ میل وعرض آن ۱۶ میل است وقصبهٔ شهر « عقبه » بمسافهٔ دونیم میل از ساحل برکنار شرقی خلیج واقع میباشد .

عقبه‌یك اهمیت‌بزرك تاریخی‌را بسبب قدیم‌بودن خودمالکست درعهد سلطنت « روما » رومائیان انجارامقام‌عسکری‌خودساخته بودند وباز درزمانه های خلفای اسلام بسبب تجارت خود کسب شهرت ورزیده بود ودر عصر ۱۲ عیسوی سلطان صلاح الدین ایوبی بران حمله برده و پس ازان عروج این شهر اختتام یافت . درسال ۱۹۰۶ع ترکان درینجا ساختن یکراه آهن را آغاز کرده بودند تا راه آهن قطار حجاز ریلوی آنرا ربط دهند . عقبه برسرحد مصر واقعست وبراه خشکی فاصلهٔ آن از « سویز » ۱۵۰ میل میباشد کوله باری که در حال برعقبه اجرا شد ازاز آغاز جنك برسرحد مصر مفهوم میکردد .

کذا

(تهیات عثمانی)

نامه نکار « تبرایست » ازقسطنطنیه درخط ۳۰ سنمبر خود مینویسد که « جمال پاشا در دردانیال مسدود شده میباشد ودرانجا توپهای جدید مشهور جرمن ودیکر توپهای خورد قسم‌جدید نصب نموده‌اند . ولی تنها مسئلهٔ اسلحه ازنقل وحرکت عسکرها وجهاز های عثمانی یکقدری اهمیت دارد « واز تحریر همین‌نامه نکار معلوم‌میشود که‌تاآخرسنمبر ۵ هزار عسکرترکی و ۶۰۰۰ عسکر بدوی در « غازه » که قریب « العریش » است جمع شده بودند وهمچنان درعقبه نیز عسکرها جمع‌شده‌بودند که تااز خبرهای مابعد معلوم کشته ونیز نامه نکار مذکور بیان میکند که برسرحد « تناژ بی » پاسبان « انور پاشا » موجود است .

پیسهٔ اخبار . (خاتمهٔ ایمدن)

آخر کار « سدنی » نام کرو وازور اوسترالیائی « ایمدن » را قریب جزایر « کوکوس » ازکوله‌باری خودشکستاند و « ایمدن »

آتش کرده بر ساحل برامد . «ایمدن» متحمل نقصان کثیر شد و «سدنی» را هم کمی نقصان رسید . «ایمدن» برای شکستاندن تار بحری «کوکوس» آمده و «سدنی» بران موفق یافته تار حیات خودش را برید .

وچونکه «ایمدن» غرق نی بلکه شکسته است . لهذا امید کرده میشود که کپتان با افسرها وطایفه‌هایش غرق نشده باشد وبلکه اسیر شده باشند حالا «ایمدن» روز خودرا بسر آورد ولی بسبب لیاقت کپتانش «ملر» «ایمدن» در تاریخ این حرب نادر خواهد ماند . اخبارهای انگلستان القدر تعریف دلیری وکامیابی «ایمدن» را کرده اند که بقول «ماونینگ» اخبار «لوکل اینسایگر» برلن همهٔ این تعریفات را تنها بر خدعه ومکر انگلیزها میداند .

آخرترین خبرها

اخبارها ، وحکومت هند

مدیر اخبار «زمیندار» مستر ظفرعلیخان که یك راد مرد نیك‌نهاد ، وصاحب افکار مستقل و آزادی بود ازطرف حکومت پنجاب اخطارینه گردیده است .

§ اخبار «کامرید» و«همدرد» که از اخبار هـای بسیار معتبر ومردلعزیز هند بودند ودرزیر مدیریت مستر محمدعلی طبع وانتشار مییافت ازطرف حکومت هند بند گردید .

§ اخبار بسیار شاندار (الهلال) که بحروف تیپ ومصور درکلکته انتشار مییافت ویك جریدهٔ اسلامیهٔ بسیار بدیعه بود درتهلکهٔ ضمانت گرفتار آمد . سراج الاخبار افغانیه ازصمیم دل بکمال افسوس وحسرت این همعصران محترم خودرا تعزیت وتسلیت میدهد .

بی‌لحاظیٔ روسیا به بیطرفی

اخبار مصر والحرب مینویسد:

معلوم است که حکومت سویدن اعلان بیطرفی کرده است . یك مهندس ، یك داکتر ، ویك معلم ، ویك شخصی که چیزی قرابت به بعضی خاندانهای بزرگ سویدن هم داشت وهمهٔ شان ازمردمان جرمنی الاصل بودند واز مدت هشت سال است که در حکومت سویدن مستخدم بودند قبل ازاعلان حرب رخصتی بوطن خود رفته بودند ودرین روزها واپس بسر خدمت خود میامدند روسیا آنهارا ازراه گشتانده محبوس نمودند . حکومت سویدن این مسئله را بی‌لحاظیٔ شرف شکنانهٔ بیطرفی خود شمرده بشدت بر حکومت روس پروتست کرده است . احتمال میرود که اگر آدمهای مذکور را وا گذار نشود اعلان حرب بشود .

دولت علیهٔ عثمانیه وروس

اخبار الزورا ، الفرا مینویسد

دولت علیه عثمانیه یك انتقام شدیدی ازسالها ست که درحق روس در دل میپرورانید زیرا همهٔ ملکهای که بر او وارد آمده سبب یگانهٔ آن روس بوده است . همهٔ ملکهای که ازدست او برآمده است ازنتیجهٔ دشمنی روس شده وسبب حتی مغلوبیت بلقانرا نیز عامل یگانه روس است . در هلاکت بالقان بجز المان هیچکس یك آواز همدردی با او بالا نمود . چون به اینهم میدانست که اگر این فرصت جنگ عمومی را از دست بدهد باز هیچ وقت شمشیر انتقامش از نیام نخواهد برامد . لهذا بادولت غالب المان دست اتفاق یك کرده بمحاربه اشتراك ورزید . ودرینوقت هم از جهت بحر اسود ، وهم از طرف خشکه غالب ومنصور است قوای بحریهٔ روسیه‌را دربحر اسود سراسر مضمحل ساخته . واز طرف خشکه اگرچه دراول امر که هنوز قوای کلیهٔ عثمانی رسیده بودیك کمکی روسها پیشقدمی توانستند ولی بعد ازرسیدن قوای کلیهٔ عثمانی روسهارا بماوراء سرحدشان طرد و دفع نموده حالا محاربه درخاك روس مشتعل است . درعین زمان برای متفقش المان نیز فواید کلی حاصل گردید . زیرا یك قسم کلی ازقوت روس بطرف عثمانی متوجه گردید . ودرحالیکه همهٔ قوایش بطرف المان متوجه بود بازهم چیزی کرده نتوانسته بود . پس چون حالا قوتش نصف شده باشد آیا با دو قوت جسیمهٔ المان واوستریا چه خواهد کرد ؟ آنجا که عیانست چه حاجت به بیانست .

دکسمود

کذا :

موقع «دکسموده» برای دول متحده ازاهمترین مواقع شمرده میشد . برای محافظه ومدافعهٔ آن جدوجهد بلیغی بعمل میاوردند . باوجود آنهم المانها تلفات بسیاری داده موقع مذکور را ضبط نمودند . درینوقت همه سواحل غربی بلژیك که بمقابل سواحل انگلستان واقعست بدست المانست .

محاربهٔ بحری

کذا

از آغاز محاربه تابه حال یك محاربه میدان بحری بوقوع نیامده است . اما درینوقت از تلگرافهای وارده معلوم میشود که در سواحل «شیلی» که در طرف غربی امریکای جنوبی در بحر محیط کبیر واقعست مابین پنج کروزر برتانیا والمان یك محاربه میدان بحری بوقوع آمده نتیجه بغرق شدن دو کروزر انگلیز وغلبه وظفر کشتیهای المان منتج شده است .

سواحل

کذا

درهمه سواحل بحر احمر ازحد باب المندب تابه مصر محاربه بشدت دوام دارد . مصر در تهلکه است .

در چاپ خانهٔ حروف دارالسلطنهٔ کابل طبع گردید

همه مقاله‌هائیکه دستخط ندارد ازطرف مدیر وسرمحرر تحریر یافته

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 945 of 1786

اعلا .

سیاحت بردورا دور کرهٔ زمین

چقدر فایده ها وشیرینیها دارد ! علی الخصوص
که آن سیاحت باآن بزرگی ووسعت

به هشتاد روز

اجرا شود ! آرزو کننده‌کان این سیاحت
خارق العاده هرگاه برای خریداری کتاب

(سیاحت بردورا دور کره زمین)

بهشتاد روز

فقط دوروپیهٔ کابلی یك مبلغ کمکی را صرف نمایند این سیاحت را گویا (قیاس‌فوق) سیاح ورفقایش یکجااجرا کرده‌خواهند بود ! محل خریداری این کتاب‌دکان (ملاغلام محمد) تاجرکتب متصل مدرسهٔ‌شاهی میباشد . ودرنفس مطبعهٔ‌عنایت که دردهٔ‌افغانان است ازنزد عبدالرؤف سرمرتب نیز خریداری میتوانند .

مؤلف این کتاب (ژول‌ورن) فرانسوی‌است که درنوشتن ناولهای‌فنی‌مشهور آفاقست . ازفرانسوی به‌ترکی وازترکی بفارسی ترجمه شده‌است . کتاب مذکورتنها ناولی‌نی بلکه درناول‌فن‌جغرافیا وجغرافیای ریاضی را نیز بطرز افسانه نشان میدهد .

در (مطبعهٔ عنایت) که از مؤسسات شهزادهٔ جوانبخت معظم دولت علیه‌افغانستان جناب‌عالی (معین‌السلطنه سردارعنایت‌الله‌خان) است بزیور طبع آراسته‌شده‌است. این کتاب‌راباید زود بدست آرید وفرصت‌را فوت مکنید که نسخهای آن زود تمام خواهد شد وافسوس فایدهٔ نخواهد بخشید .

اعلان

از هر دهن سخنی و از هر چمن سمنی

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه‌را مژده میرسانیم . وترغیب میدهیم که ازین گنجینهٔ پراز جواهر آبدار . وازین گلزار پراز ازهار یکیك نسخهٔ بدست آورده ازهردهن سخنی بشنوند . وازهرچمن سمنی بچینند .

درمطبعهٔ عنایت بزیورطبع آراسته گردید . قیمت ۲ روپیه

* * *

اعلان

سیاحت درجو هوا

یك‌ناول فنی بسیار عجیب وغریبست که در مطبعهٔ عنایت بزیور طبع آراسته شده وسومین کتاب (کتبخانهٔ مطبعهٔ عنایت) را تشکیل داده اینهم از تألیفات (ژول‌ورن) فرانسویست که درفن ناول نویسی‌فنی شهرهٔ آفاقست از زبان ترکی بفارسی ترجمه شده است بقیمت (۲) روپیه کابلی بفروش میرسد .

این هرسه کتاب در دکان باز محمد در بازار ارك و در دکان ملا غلام محمد در جوار مدرسهٔ شاهی هریك بقیمت‌دودو روپیهٔ کابلی بفروش میرسد .

کتابهای مذکوردرنفس مطبعهٔ عنایت واقع دهٔ‌افغانان ازنزد عبدالرؤف سرمرتب مطبعهٔ موصوفه‌نیزخریداری میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 946 of 1786

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

شمارهٔ ۷ سال چهارم

فهرست مندرجات

حوادث داخلیه	یك عروسی ادبی ثمر — شکار جناری — دربار معالی بار —
علوم وفنون	حکمت تاریخیه
حوادث خارجیه	اشتراك عثمانی بجنك — وافکار اهل هند — نقل جریده نوبهار — اولتیماتوم روس بایران — اولتیماتوم المان بایران — قشون عثمانی در خوی — قتل سام سون آف — کلیسای شهر ریمس — توپ قلعه شکن جرمن — خبرهای دلچسپ جنك — آخرترین خبرها ازاخبارهای اردو وانکریزی — مستملکات جرمن در مشرق افریقه — نقیض خبرها — ناکامی مونتی نیکرو وجبل اسود ه — دو مملکت ازممالك امریکا جرمن را امداد میکنند — سفیرجرمن در روما
تصاویر	سردار نامدار جناب مستطاب محمد یوسف خان پسر امیر کبیر جنت مکان دوست محمد خان طاب الله مثواه — از نائب الحکومه های باستقامت وتدبیر دولت علیه افغانستان جناب مستطاب محمد سرور خان نائب الحکومه هرات — نائب سالار باقتدار جناب محمد نعیم خان که بسر افسری اردوی همایون ظفر مقرون هرات مامورند — جناب جرنیل امیر احمد خان مرحوم که در آغاز جلوس خاقان فردوس مکین اعلیحضرت ضیاء الملة والدین ازطرف دولت افغانستان بسفارت برطانیه مقرر بود — جناب کرنیل ولی احمد خان پسر جرنیل امیر احمد خان مرحوم

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 948 of 1786

(اعلان)

کتاب سال اول و کتاب سال دوم سراج الاخبار افغانیه با کتابچهٔ (علم و اسلامیت) و (آیا چه باید کرد ؟) و (ادبدرفن) جلد کرده شده در اداره برای فروش حاضر و مهیاست ، ذواتی که آرزوی خریداری آنرا داشته باشند از نزد مدیر طلب نمایند

شرایط خریداری

دار السلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابل	سالیانه	جارده روپیهٔ کابل
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابل	ششماهه	هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

هرجائیکه باشد با اجرت پوست

قیمت سالیانه] ده روپیه انگلیزی قیمت ششماهه] شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراك قبول نمیشود

یك طلای پوند انگلیزی پازده روپیهٔ کلدار است ، از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

برهمهٔ کار داران نظامی و ملکی و جملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان و خبر داده میشود:

اگر از یك جا بدیگر جا روند و یا بتبدیل میباید که بیك رقعه مدیر و سر محرر را خبر بدهند که من در فلان جا بودم و حال در فلان جا میروم اخبار مرا در انجا بفرستید . هرگاه همچنین یك رقعهٔ شان برای ما نیاید و اخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، و صنعتگرانی که صنعت خود شانرا در سراج الاخبار افغانیه اعلان و اشتهار کردن میخواهند ، و یا دیگر هر قسم اعلان و اشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج و شایع میشود :

اعلانیکه در متن اخبار از یکبار تا به پنج بار نشر و شایع شود بر سر هر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر یك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا به پنج بار فی سطر یك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود ، طول سطر یك ستون اخبار ما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خود را متمادیاً تا یك سال نشر کردن خواهد و وجه یك ساله را پیشکی ادا نماید در ورق پشتی بر سر سطری ستار اجرت گرفته میشود

صحیفه (۱) سال چهارم شمارهٔ (۷)

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
با غرامات داک ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با غرامات داک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یکعباسی است
(اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود)

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

مدیر و سرمحرر
محمود طرزی

ادارهٔ تحریر و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ ۱۵ محرم سنه ۱۳۳۲ تاریخ انگریزی ، دسمبر تاریخ شمسی ۱۲ قوس ۱۲۹۳

حوادث داخلیه

یک عروسی ابدی ثمر

از انجا که افکار مراحم آثار ذات مراحم صفات اعلیحضرت بادشاه مقدس ما دایما در پی خیر وسعادت ملک وملت شاهانهٔ شان معطوفست آن نیت خیرخواهانهٔ شاهانه یک تأثیر عمومی ابثار نموده مراسم عروسی شهزادهٔ بلنداقبال مکرم عین الدوله سردار (امان الله) خان دام اقباله بیک کیفیتی اجرا گردید که ثمرهٔ نیکوی آن در صحایف تاریخ افغانستان یک یادگار ابدی باقی گذاشت . از مدتی همه‌کان راخیال این بود که آیااین عروسی بجدیدبه‌ها وسازهاو سامانها وطنطنه‌های فوق العاده . ومخارجهای بی‌اندازه بوقوع خواهد آمد. واقعیکه تدارکات وتهیات عظیمهٔ از در اثنا دیده میشد .

حال آنکه آنهمه انتظارهایی که برای اسرافهای بی‌سود کشیده میشد بیک طرز بسیار مستحسن و پرسودی جلوه گر ظهور گردید : تفصیل این کیفیت چنین است که شهزادهٔ مکرم مشار الیه بیک عریضهٔ مخصوصهٔ از حضور میمنت موفور والا کثیر المحامد شان ذات اعلیحضرت « سراج الملة والدین » استرحام واستدعا نمودند که اگر ارادهٔ مراحم عادهٔ اعلیحضرت همایونی شرف تعلق پذیرد که همین مبالغ مخصوصهٔ مراسم عروسی برای تأسیس یافتن یک باب « مکتب اناثیه » ویک باب « شفاخانهٔ اناثیه » بخرج برسد وملک وملت ازان مستفید شده یک تذکار ابدی ویادگاردایمی برای این مراسم عاید واز اسرافات بیهوده‌ئی نیز صرفنظر شود عین مرحمت خواهد بود .

ذات شوکتسمات اعلیحضرت همایونی که افکار علویت آثار شاهانهٔ شان همیشه در ترقی و بهبود ملک و ملت شاهانهٔ شان مصروفست این رأی وخیال خیراندیشانهٔ فرزند ارجمند شاهانهٔ شانرا بافکار قدسیت آثار همایونی موافق ومطابق یافته وشهزادهٔ مکرم بلند اقبال را مظهر تحسین ونوازشات پرآفرین همایونی فرموده مبلغ جیبی راکه برای مراسم عروسی تخصیص شده بود برای آن مؤسسات فواید آثار ابدی تعیین فرمودند . واجرای مراسم شادمانی عروسی را بیک ترتیب دلنشین ساده سنگینی اراده وفرمان فرمودند .

هرگاه بنظر امعان ودیدهٔ ایقان باین واقعهٔ انسانیتکارانه ملاحظه شود . یک شهراه امید کامسپار علوی درپیش روی ملت نجیبهٔ افغانیه مفتوح دیده میشود ، وآمال یک استقبال بسیار درخشانی دلهای اهالی افغانستانرا گشایش میدهد .

همین گزاف خرچهای اینگونه رسومات عروسیها ، خانه سوزیها کلیباست که برمردمان عالم اسلامیهٔ شرقیه مانند یک بلای مبرمی نازل شده اگرچه بظاهر آنرا خانه آبادی وشادمانی نام نهاده‌اند، ولی موجب بی‌خانه خرابیها وناکامیها گردیده‌است. مسلمانان آسیای وسطا وآسیای صغرا ، وایران وهندستان ، وافغانستان عموماً ازروی این گونه گزاف خرچهای اینچنین مراسمها دایما مبتلای هلاکتباه قرضها، افلاسها شده‌اند . ازدیگران صرفنظر نماچون بواقعات گذشته وحالیه اهالی مملکت عزیز خودما نظر انداز عبرت کردیم به بسی واقعات بسیار ناگواری برمیخوریم کهاز اظهار افسوس خود داری نمیتوانیم . مثلا بسیار وقتهاشده که برای یک جمعیت نکاح مردمان جمع آمده‌اند ، وهمه سامان ولوازمات عروسی مهیا شده است ، ولیکن بنابر مشاجره ومنازعه یکدم مابین اهل عروس وداماد درخصوص مهر وجهاز

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 950 of 1786

وخارجات پیش آمده است آن جمعیت شادمانی یک فلاکت ناگهانی نتیجه پذیر گردیده امر نکاح به استعمال سلاح تبدیل یافته است. بسیار وقتهاشده که برای مراسم یک عروسی ملک، مال، مواشی داماد خیل بفروش رسیده. وبازهم بنابر ناقص ماندن یکی از خواهشات بسیار جزوی عروس خیل آن عروسی معطل مانده است. حال آنکه چون بنظر حقیقت دیده شود هیچ دینی از ادیان نیست که بدرجهٔ دین پاک حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم درباب امر نکاح وازدواج آسانیها وتسهیلاتها نشان داده باشد، ودر خصوص از دواج اوامر قطعی صادر فرموده باشد.

حضرت خلاق عظیم الشان در قرآن عظیم خود پیروان دین محمدی (ص) را امر میفرماید:

﴿ و انکحوا الایامی منکم و الصالحین من عبادکم
وامائکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله والله واسع علیم ﴾

کلمهٔ «ایامی» جمع مقلوب «ایم» است که بمعنی «مجرد» یعنی کسانیکه ازدواج نکرده باشند می‌آید. خواه زن باشد خواه مرد. وخواه دختر باشد وخواه بیوه. همه داخل همین کلمه «ایامی» میباشند. پس تفسیر این آیه کریمه چنین است که :— کسانیکه در میان شما بی زوج وبی زوجه باشند واز غلامان وکنیزان شما کسانیکه صالح باشند بیکدیگر شان نکاح بکنید اگر فقیر باشند الله آنهارا بفضل وکرم خود توانگر میکند. الله کشایش دهنده ودانا ست..

این است که به این آیهٔ کریمه خداوند بشریت و بی نظیر ما جل و علا امت ناجیهٔ محمدیه را صریحاً به نکاح وزواج امر قطعی میدهد حتی فقر وفاقه را هم مانع ازدواج نمیداند. نه تنها حر وحره هارا، بلکه ازدواج کردادن غلامها وکنیزها را نیز امر میکند. حضرت فخر عالم صلی الله علیه وآله وسلم نیز به بسی احادیث شریفه امت اسلامیه را بازدواج ونکاح اوامر شدیده فرموده اند. در یک حدیث نبوی وارد شده است که :— «النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی» یعنی نکاح سنت من است، وهر کس که از سنت من رو گردان شود از من نیست. در دیگر حدیث شریف فرموده اند که :— «تزوجوا الودود الولود فانی مکاثر بکم الامم».. یعنی — زاینده های محبت افزا را ازدواج بکنید. زیرا به افزونی شما من برامتها غلبه میکنم». باز فرموده است :— «من تزوج فقد حرز شطر دینه فلیتق الله فی الشطر الثانی» یعنی — کسیکه تزوج بکند نصف دین خود را از فساد نگهبان کرده خواهد بود، در نصف دیگر از مخالفت بجناب حق حذر بکند.

حالا ببینید که دین پاک ما تا چه درجه ما را بزین امر جلیل نکاح وزواج امر فرموده است. حال آنکه این امر میسر نمیشود مگر به آسانیها وسهولتهائیکه از طرفین عروس خیل وداماد خیل نشان داده شود. پس ما نمیدانیم که مسلمانان آیا از چه رهگذر در نکاح وازدواج اینهمه سخت گیریها واسرافها ومخارجهارا پیشه گرفته اند؟

مملکت افغانیه باید شکر الهی را بجا آریم. ودعای اعلیحضرت پادشاه خیر اندیش خود را ورد زبان سازیم که در خصوص آسانی امور نکاح وزواج قوانین سهولت بخشی وضع فرمودند. وبه اصورت بدعتهای ناگوار بسیاری را که در امورات شرعی ما که بوقوع می‌آید جلو گیری فرمودند.

علی الخصوص این عروسی شهزادهٔ بلند اقبال محتشم عین الدوله صاحب مکرم یک ثمرهٔ ابدی ونتیجهٔ بسیار مفیدی دیگری برای ملت ووطن سر براه نمود. سبحان الله! یک شهزادهٔ جوان برومند ما که هنوز در عنفوان جوانی میباشد وهزاران هوسات شادمانی وکامرانی در سر دارد. می بینیم که همهٔ آن هوسات را برای خیرات ومبرات ملت ووطن فدا میکند. یک قبله گاه دل آگاه وپادشاه رعیت خواهی می بینیم که این عرض واستدعای فرزند برومند خود شانرا استحسان ودر راه اجرای آن برو احسان میفرماید. درعین زمان حسن نیت سراسر علویت علیاحضرت سراج الخواتین صاحبهٔ معظمهٔ مقدسه نیز انکار شدنی نیست که باوجود والده بودن شان از همه خواهشاتی که هر والده درباب مسرتها، وشادمانیهای بدبدبه وطنطنهٔ عروسی فرزند دلبند خود داشته میباشد از آن همه سازها وسامانهای اسراف کارانه باوجود اقتدار پادشاهانه صرفنظر فرمودند. ومبالغ آن صرفیات را بصرف شدن خیرات ومبرات راضی شدند. ما راست که شکر خدا را بجا آریم. ودعای عالی از برای پادشاه مقدس وخاندان جلیل الشان شان ورد زبان نمائیم.

مراسم این عروسی ابدی ثمر در یوم چار شنبه ۲۲ ماه ذی الحجة الحرام مطابق ۱۹ عقرب سنهٔ ۱۳۳۲ و ۱۱ نومبر سنهٔ ۱۹۱۴ وقوع پیوسته که شب پنجشنبه لیلهٔ مسعودهٔ زفاف بوده است.

قصر وباغ دلآرای «شهرآرا» که در جهت غربی شهر واقعست مرکز عروسی قرار یافته از آنجا تا بدروازهٔ حرمسرای شوکت احتوای ارگ مبارک که در جهت شرق شهر است وتقریباً یک کیلومتر مسافه را دارا است بر همهٔ آن جادهٔ پهنای باصفای سایه دار دور وراسته عساکر ظفر رهبر نظامی شاهانه از صنوف مختلفه بدرجه‌های منتظم صف بسته وضعیت عسکری ایستاده بودند. بوقت ظهر هیئت محتشمهٔ «اوراه» یعنی جمعیتی که برای آوردن عروس میروند — ازارگ مبارک حرکت، وبسوی شهرآرا عزیمت نمود. این هیئت محتشمه ازقرار ذیل ترتیب یافته بود:

اول: — قریب چهل وپنج عراده های بسیار مکمل ومکلف بود که عرابهٔ نخستین آن با کالها وزینتهای بسیار نظر ربائی آراسته شده، ومخصوص نشیمن ذات عالیهٔ علیا حضرت سراج الخواتین بود وباقی عرابه‌ها که جمله خاتونهای خاندان جلیل الشان سلطنتی واعزه واشراف قومی را حامل بودند آن عرابهٔ نخستین را پیروی میکردند. ودر پیش هر عرابه ازعرابهٔ دیگر چهار چهار سوار رسالهٔ شاهی — یعنی عسکر سواری دراغون — رفتار داشت.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 951 of 1786

دوم : — چهار عدد فیلهای کوه پیکر مجهز به هودجهای مکلل بود که فیل اول مخصوص سواری خود داماد فرخ نهاد وفیل دوم مخصوص جناب عالی شهزاده والاجاه سردار حیات‌الله خان بود . ودرفیل سوم جناب شهزادهٔ سردار محمدکبیر خان . ودر فیل چهارم جناب نائب الحکومهٔ کابل لوی نائب صاحب سوار بودند .

سوم : — موکب سعادت موهب سواریٔ ذات شوکتسمات اعلیحضرت پادشاهی بود که بسواریٔ اسب فیلهارا تعقیب‌مینمود بدست راست شاهانه جناب‌مستطاب ذات‌عالیٔ نائب‌السلطنه‌سردار نصرالله خان صاحب افخم ، وبدست چپ‌شان ذات عالی شهزادهٔ جوانبخت معین‌السلطنه سردار عنایت الله خان صاحب معظم ودر صف عقب مصاحبان خاص حضور همایونی سرداران کرام محمد آصف‌خان و محمدیوسف‌خان وبعدازان ایشیك آقاسیان ومنصبداران همرکاب‌همایونی‌ودیگر سرداران‌وارباب مناصب واصحاب‌مراتب واعزه واشراف درباری بترتیب بسیار باانتظامی درحرکت بودند .

این است که هیئت محتشمهٔ (او را) بهمین ترتیب و انتظام بسیار دلنشینی ازارك‌مبارك درمیان صفوف عساکر نظامی‌تاشهر آرا تشریف فرمای عز واجلال گردیده ، وبعد ازمراسم لازمهٔ مقرره عروس حجله‌نشین پردهٔ‌عصمت وحشمت‌راذات عالی‌صفات علیاحضرت صاحبهٔ مقدسه درعرابه خود شان همدوش سعادت فرموده بهمان ترتیبی که آمده بودند بارك‌مبارك که داخل حرمسرای شوکت احتوا گردیدند .

بعد ازعودت همهٔ اهل دربار معالی‌بار در دالان سلامخانهٔ عام بطعام دعوت فرموده شده بعد از تناول طعام رخصت شدند . ومراسم این جشن عروسی به اینصورت بانجام رسید .

« سراج‌الاخبار افغانیه » دعای تمادیٔ عمر واقبال‌وروزافزونی شوکت واجلال اعلیحضرت پادشاه مراحم خصال مقدس‌خودرا ورد زبان صداقت‌نموده ازصمیم‌دل عرض‌تبریکات خالصانهٔ خودرا تقدیم مینماید ، وامید میکند که عنقریب صحایف افتخار خودرا به کیفیت تأسیس وبنیاد مکتب یاشفاخانه یادیگر مؤسسهٔ خیریهٔ که یادگار ابدیٔ این‌جشن عروسی‌تصور فرموده شده‌است تزئین‌دهد .

شکارگاه چناری

همه ساله درموسم در « چناری » نام موقعیکه تقریباً دوازده میل بجانب شرقیٔ دارالسلطنه کابل واقعست یك شکارگاه جریبی برای نخجیر آهو ترتیب می‌یابد که تفصیلات آنرابتصاویر درسالهای گذشتهٔ خود درج کرده‌ایم . امسال بازبرقرار قواعد و سررشتهٔ سالهای ، سابق ترتیبات وانتظامات نخجیرگاه مذکور اجرا گردید ، وبتاریخ یوم شنبه ۲ ماه محرم موکب اردوی ذات اعلیحضرت پادشاهی بدانسمت حرکت فرمود .

شب‌را درمنزلگاه « تخاك » بسر آورده علی‌الصباح بسواریٔ اسب بسمت چناری تشریف فرمای شوکت واجلال گردیدند .

ازدوروز پیشتر بقرار نقشهٔ که تنظیم شده بود اطراف وجوانب موقع نخجیر گاه از مسافهٔ چند کروه از طرف عساکرنظامی واهالی درزیر احاطه وانحصار درآورده شده ، ورفته رفته دایرهٔ احاطه را بحد لازمیٔ آن رسانیده آهوان‌بسیاری درموقع نخجیر گاه جمع آورده شده بود .

ذات‌شوکتسمات اعلیحضرت همایونی بوقت‌صبح روزیکشنبه درموقع نخجیر گاه تشریف برده ، وبرای جناب مستطاب نائب السلطنه صاحب افخم ، ودیگر شهزادگان عظام ، ومصاحبان کرام ، وایشیك آقاسیان وسایر معیت شاهانه مواقع شکار تعیین گردید . بعد ازانکه متخصصین شکار جابجا شدند بتاقیٔ بزرك سفری که بقدر یك طوپ بزرکی اواز دارد نواخته شده احاطه کنند گان اطراف بهایوها واوازهای دهل ، وآتش افروختن آهوانرا از هر طرف بوادی که ذات اعلیحضرت همایونی وافراد معیت شاهانهٔ درکمینگاه شکار بودندفروآوردند . وهمینکه بشکاریان کمین گزین گلهٔ آهو میرسید ازهر کمینگاه فیرهای تفنك میشد ، تاآنکه مقدار هشتاد نود آهوی زشکار گردید . ذات اعلیحضرت پادشاهی چارده رأس وباقی شکاریان نیز بیکیك دو دو سه سه رأس آهو زدند .

این شکار بسبب مساعد بودن هوا ، ومناسب بودن وقت به بسیار فرحت ومسرت و کمال کامیابی وموفقیت بدون اندیشه و تشویش سرانجام وبه‌انجام رسیده یوم سه‌شنبه موکب‌ظفر کوکب همایونی بشهر عودت فرمود . شکار های مرغاب نیز دراینروزها که عین موسم شکار آنست درچمن های مخصوصهٔ آن بتمام سرور و نشاط اجرا میشود . ازدرگاه خداوندی سلامتیٔ وجود مسعود اعلیحضرت پادشاهی رابانشاط وانبساط روز افزون شاهانهٔ‌شان نیاز میکنیم .

﴿ دربار معالی‌بار ﴾

روز شنبه ۹ محرم الحرام جمیع خوانین ومنصبداران ملکی ونظامی بوقت ۱۱ بجه در دالان بزرك سلامخانهٔ عام جمع آمده منتظر تشریف آوریٔ ذات‌اعلیحضرت همایونی بودندتابساعت ۱۲ ذات شوکتسمات پادشاه معظم مقدس ما اعلیحضرت سراج الملة والدین بوجود سعادت نمود شاهانهٔ شان تخت عالی بخت سلطنت سنیهٔ افغانیه را زینت بخش عز واجلال فرموده پس ازانکه حاضرین را به شرف احوال پرسی وعواطف خسروانه نایل ومفتخر ساختند چنین به کلام ابتداورزیدند :

« که جنك یورپ همچنان جاریست یعنی‌تابه حال هیچکدام یك نتیجهٔ فیصله‌کنی بمیدان نه‌برآمده ودرینوقتها دولت‌علیهٔ عثمانیه نیز به جنك اشتراك ورزیده است . از اخبارات جدیدیکه وارد شده‌اند چنان معلوم میشودکه دولت سرویا که بترکی آزاده صرب میگویند وماننده بلجیم یك دولت خوردی بوده است نیز سقوط یافت این همان دولتیست که نخستین بار باعث این حرب اوروپی

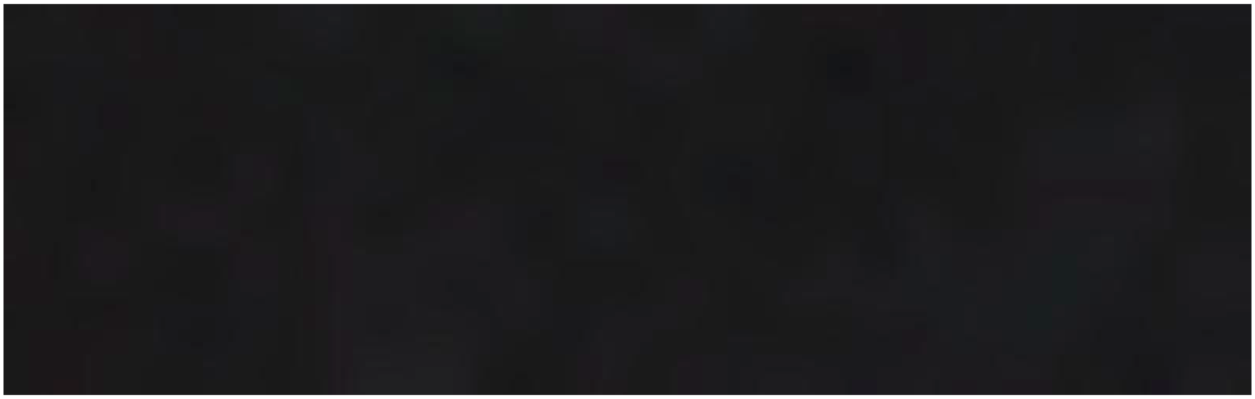

سردار نامدار جناب مستطاب محمد یوسف خان پسر امیر کبیر جنت‌مکان دوست محمدخان طاب‌الله ثراه که ازقدمای رجال دولت خداداد افغانستان وخیل معزز ومحترم یك ذات ستوده صفاتی میباشند

و کدام افعال واعمال تمدنی وقتا یافته اند . وعلماء وادباء وحکما ومشاهیر سائره بکدام سبب وکدام جهت شهرت وقبولیت یافته‌اند. و کسانیکه بنامقبولی ، وبدنامی ، وسیه کاری مشهور گشته اند اسباب موجبهٔ آن چه بوده است . وهلم جراً .

پس اگر مطالعهٔ تاریخ بدینصورت وقوع یابد، البته نورسیدگان وجوانان را بمنزله پیران وتجربه کاران واصل میگرداند . و اگر اسرارات خفیه ولدنیات مکنونهٔ تاریخ در مد نظر عبرت گرفته نشود ، وتنها باستلذاذ حکایات ، وافسانه‌های آن اکتفا رود دراینحال هیچ ثمرهٔ ونتیجهٔ حاصل نمیشود .

و کسانیکه بسن کمال واصل ، وتجربه ومعلومات شان نیز کامل باشد استفاده لاینفکاز مطالعهٔ تاریخ برمیدارد نه اینست که بسوی حکایات جنك آوری . وقلعه گیری وفتوحات . وموفقیات بی‌اندازهٔ قهرمانان . وپادشاهان از منه متقدمه بنظر حیرت ودیده استغراب امالهٔ نظرنمایند . نی ! بلکه آن حکایات . وفتوحات را در تحت نظر دقت . و محاکمهٔ فکرت در آوردهٔ اسرارات مخفیهٔ انرا درك وغور کنند: که آیا آن همه فتوحات وموفقیات . از چگونه اسباب معقوله . وچسان حرکات مقبوله حصول پذیر گردیده . و ترقی واعتلا وشرف وشان ، واعمار وطن ، وسعادت ملل ودول ماضیه از استعمال کدام تدابیر حکیمانه ،ونتیجه کدام افکار مدققانه محصول انجا میده است. و محویت استقلالیت فلان دولت . و خرابی وتدنی فلان ملت از نتایج اثار چگونه اعمال ناشایسته . واتخاذ چسان افعال غیر ممدوحه بظهور رسیده است

پس اینست که مطالعه کنندگان تاریخ که خواه شیخ باشند وخواه شاب میباید که لدنیات مدققه ، واسرارات مخفیهٔ حکایات ووقوعات تاریخیه را انجا که ودقت نمایند ، وبه اطراف ،وجوانب وقایع ماضیه تحریات وملاحظات بسیاری اجرا نمایند ، وهر نقطه ومسئلهٔ که ازان حصه وقاعدهٔ گرفته میشود دران تحقیق وتدقیق بکار دارند .

پس اگر از اهل سیاست ، واجزای حکومت باشد ان ملاحظات ومحاکات خود شرایط حال واحوال دولت وسیاست وزمانهٔ خویش تطبیق نموده درراه دولت وملت خویش یك خدمتی ومنفعتی برساند . واگر از سائر ناس باشد ان احوالات ووقوعاترا آئینه عبرت نمای برای خود قرار داده به تهذیب اخلاق ، وتنسیق اطوار نفس خویش بکوشد تا آنکه نتیجهٔ قضیهٔ مافوق که عبارت از (قول مؤرخ) است بحصول انجامد . وگرنه اینچنین وقایع ماضیه را بی آنکه انسان جهات حکمیه ولدنیات خفیهٔ آنرا جستجو وتفحص نماید از مطالعهٔ محض آن هیچ ثمرهٔ حاصل نمیشود . وتحصیل حقیقی علم ذی اعتنای تاریخ عبارت از آن نیست که انسان در محافل ومجالس مانند قصه خوانان ، وافسانه گویان بسخن سرائی ، وحکایه پردازی مبادرت نماید . واز برای اظهار معلومات خویش خود نمائی وخود ستائیها فروشد .

انسان که دریك علم وفنی صرف ذهن . وضیاع عمر مینماید البته استفادهٔ معنویهٔ مد نظر باید گرفت . اینست که درتصور وقایع تاریخیه نیز آن استفادهٔ معنویه موجود افتاده است که هرگاه درلدنیات و حکمیات آن تعمیق فکر کرده شود قوای عقلیهٔ انسانرا تربیه وتوسعهٔ فوق الحدی حاصل شده چشم انتباه انسان رنیك وبد جهان کشاده میگردد . واوضاع . و اطوار انسان برخط مستقیمی روان گشته تحصیل قضیهٔ معتابهای (حسن اخلاق) که علت غائی انسانست نیز بحصول میانجامد .

ملل متمدنهٔ اعصار ماضیه ، و امم حالیه از منافع و فوائد مطالعهٔ تاریخ بروجهیکه تفصیل نمودیم باخبر گردیده در طریق پیشرفت این مقصد خیلی صرف همت نموده و مینمایند . ودرین زمان از جملهٔ علوم وفنون جدیده بنام (حکمت تاریخیه) یکفن جلیل مخصوصی نیز ظهور کرده است . ما نیز درتصور آنیم که دربن رسالهٔ خویش گاه گاهی از فن حکمت تاریخیه بعضی وقایع رانشرح وبسط دهیم . پس بنابر مقدمه این مقصد نمونهٔ بمباشرت این مقالهٔ تاریخیه از قسم قرون عتیقهٔ تاریخ مبادرت ورزیدیم .

﴿ سمیرامیس ﴾

واقعه نویسان جرائد آثار ، ومورخین شهرت شعار صداقت گفتار چنین روایت میکنند : که درازمنهٔ عتیقه یعنی تخمیناً دو هزارو یکصد سال قبل از میلاد عیسی علیه‌السلام که تقریباً

چار هزار و دوصد سال از زمان ما میباشد در (قطعهٔ عراق عرب) . و موقعیکه اورا جغرافیون (الجزیره) مینامند دولت بسیار قوی باشکوه (بابل) که اورا (آثوریه) نیز تعبیر میکنند تاسیس وتشکیل یافته بود . اینموقع مذکوره را یونانیان قدیم (مسوپوتامیا) یعنی (مابین النهرین) وعربها (الجزیره) تسمیه کرده اند .

(جزیرهٔ مابین النهرین) ، عبارت از یکدائرهٔ درازوعریضست که درقطعهٔ آسیای عثمانی ، ودرمابین نهر فرات ونهر (دجله) واقع شده است که تفصیلات تحدید حدود ، و توضیحات سائرهٔ آن درکتاب های جغرافیا بقرار واقعی مذکور است .

والحاصل این جزیرهٔ مابین النهرین درازمنهای قدیم بردوقسم منقسم بود . یکی (شمالی) ودیگری (جنوبی) . درقسم شمالی (آثوریان) ودرقسم جنوبی (بابلیان — پالدک — کلدانیان) اقامت پذیر بودند .

درملت آثوریه اول کسیکه تاسیس وتشکیل دولت وحکومت نموده همانا (آثور) نامپادشاهی ازاولاد (سام) بن (نوح) علیه السلام بود ودربابلیان اول کسیکه تأسیس حکومت نموده (نمرود) بن (کوش) نامیست کهاز اولاد (حام) بن (نوح) علیه السلام ست. ولی بعد ازمدتی (بلوس) نامپادشاهی از اولاد آثور عسکر فراوانی جمع آورده دولت بابلیه را ازپدرانداختهاست وبابل، وآثوررا یکدولت بسیار جسیمی تشکیل داده است .

درصحایف تاریخ ازحکمداران دولت مذکور حکمداری (سمیرامیس) نامزنی مشهور است کهازین سمیرامیس خواه اساطیر ملل مختلفه ، وخواه سکهٔ قدیمه نفس آثوریه بس آثار خیریه ونیکیهای عدیده مشاهده نموده اند .وازاین سبب اسمش را کنایه از عقل وفطانت سمیرا میس نهاده بحکم ضرب المثل استعمال مینمو دند .

پایتخت ومرکز دولت حکام آثوریه اگرچه قبل ازین شهر مشهورهٔ (نی نوا) بود ولی چونآن شهر ازسواحل بحربعید ، وازطرق تجارت جدا افتاده بودلهذاسمیرامیس را خوش نیامده مقر حکومت شهربابل را اتخاذنموده است.ودرتعمیر وتوسیع شهربابل بدرجهٔ غایت والنهایه سعی وکوشش ورزیده است .نهرفرات چون ازوسط شهر درجریان میبود لاجرم پلهای متعددهٔ جسیمهٔ برآن انشانمود ، و جویها ، وقنالهای بسیاری ازآن براورده اراضی ومسالک و سیعهٔ را بدان معمور وآبادان ساخته . و مجرای نهر مذکوره را تبدیل و تحویل داده از زیر آن تونیل یعنی طریق نشلک بند سنگی بسیار منتظمی کشیده است .

ومابعدا ازتعمیرات وتوسیعات پای تخت وحدود ممالک خودش راتاهندستان ، وبحر احمر تمدید داده بود . وطرق موارادات واسباب تجارت ، ومعموریت ممالک خویشتن را بغایت انتظام ، و احسن وجوه اماده کرده بود . و چون خطهٔ آثور ازغایت معموریت ونهایت آبادی قبائل وحشیهٔ متجاوزه را همیشه مطمح نظر میبود ، لهذا بر اطراف شهر بابل بغایت متانت ، و نهایت رصانت یکسوری کشیده بود که برپهنائی ان هفت عرابه بسهولت گذشته میتوانست. ودروسط شهر یکبرج بسیار عظیم وجسیم خیلی بلند دوازده طبقهٔ بنهایت صنعت وغایت مهارت انشانموده بود. ومقدار صدعدد دروازهٔ مصنع جسیم آهنین برسور مذکور وضع کرده بود . ودر نزد جسیمترین ان دروازه، مدفن یعنی قبر خود شرا ساخته بود . ودرسنگ مرمری که برروی مدفن نصب نموده بود این عبارهٔ ذیل رانوشته بود : عباره

[هرگاه ازحکمداران بابل کسی بدرهم ودینار محتاج شود این مدفن مرا کشاده خیلی دفینهٔ جسیمی خواهد جست !]

والحاصل بعدازوفات سمیرامیس دولت بابل روبه انقراض نهادهونهایت الامرازدست اخلاف آن بیدضبط واستیلای (کیخسرو) نامحکمدار کیانیه عجم درآمد کهاینواقعه پانصدو سی‌وهشت سالقبل ازمیلاد عیسی علیه السلام وقوع یافته است . و چون کیخسرو برمرقد مشار الیها آمده عبارهٔ مذکوره را بخواند وجودیکه او را بعضی کسان بر شکافتن و تحری نمودن مدفن مذکور تحریک وتشویق زیادی نمودند . ولی کیخسرو ازعلوهمتی کهداشت گفت : — چندپارهٔ درهم ودینار پس خسیسی آنقدرحیثیت ومنزلتی ندارد که مقبرهٔ شاهان پس عزیزی رابرای ان تخریب باید نمود .

ولی در زمان حکومت (دارا) نام حکمداری که ازسلالهٔ کیخسرو است اهالی بابل بحکومت ایرانیه عصیان نموده دارا بزیسوق عسکر شهربابل رادر تحت محاصره کشید . وبنابرتدبیر یکی ازامرا شهر بابلرا ضبط واستیلا نمود . دارا چون شخص طامع مال پرستی بود هنگامیکه درشهر مظفرا داخل گردید عبارهٔ که برقبر سمیرامیس محکوک بود بنظرش در آمده هانلحظه بتخریب مقبره ، وجستجوی دفینهٔ موعوده شتاب ورزید . اماهر قدر حفریات و تخریباتیکه اجرا نمود نهاز دفینه اثری جست ونه از

از نائب الحکومه‌های بالستقامت وتدبیر
دولت علیهٔ افغانستان جناب مستطاب
محمدسرور خان نائب الحکومهٔ هرات

خزینه خیری . تاآنکه دراخر امریکباره سنك دیکر ظهور نمود که بران این عبارهٔ ایه محکوك بود : (ای طامع نابکار که اسیر حرص واز کشتهٔ مرکان مملوك چند خزفباره بیوفای دنیامیبودی هیچکاه بزور وزر نمودن قبور مردکان جسارت نمیورزیدی .) پس معلوم شد که سمیرامیس این حیله را محض ازبرای تجربه وعبرت دنیاپرستان طامع رویکار آورده بود هیچ دفینه وخزینهٔ غیرازجسد خویش درانجا نکذاشته بود .

§

بسوی اثارخیریه ، ومآثر مرضیهٔ که سمیرامیس نهاده است هرکاه بنظر حکمت ودیدهٔ عبرت نکه کنیم انسانرا حقیقتاً خیلی غیرت وعبرت دست میدهد موسی الیها با وجودیکه ازقسم زن که ضعیف ترین نوع بشر بوده است ولی باضعف خلقیت برچنان حرکات عاقلانه وافکارات حکیمانه ، واعمالات جسیمهٔ مدبرانه موفق وکامیاب آمده که صیت جهانکیری ، وشهرت ملك پروری خود شرابدرجهٔ مردان شجعان ظفر توامان واصل کردانیده است . مانند حاکمان مدبر وحکیمان معمر بجلب قلوب ، وجذب نفوس تبعه وزیر دستان خویش موفق کردیده است .

احوال ، وافعالیکه ازسمیرامیس درصحایف تواریخ تسطیریافته اکرچه ازقبیل اساطیر اولین است ، ولی ازبرای اخذ عبرت و اقدامات همت اشخاص ذی اقتداریکه رتق وفتق امورات ممالك واقوام بدست شان ست مثال بس قویست .

کمانیکه ضعف وناتوانی را بهانه ، وحکومت وسلطنت را عبارت ازعیش وعشرت اتخاذنموده اند باید بدینقوله اثار که تزئین دهندهٔ صحایف تاریخست نظر کرده درخصوص اعمار مملکت ، وترقی مدنیت وثروت وسعادت رعیت ، وتنسیق وتنظیم عسکریت وغیر ذلك غیرت وهمت نمایند ، وتن پروری وکاهلی خود شانرا بطرف سازند وملاحظه کنند که غیرت وهمت ، وسعی واقدام چه چیزیست که زنرا بمنزلهٔ مردان جهانستان میرساند سمیرامیس اینهمه اعمال جسیمهٔ فوق العادهٔ راکه مجراهای نهر های بزرك را تبدیل دادهو کوهای جسیمه را شکافته طرق مواردهٔ آنرا ازآن بیرون کشیده است لابغیر ازسعی وهمت ، وتنسیق عقل وفکرت دکرچه چیزاست ؟

(قوهٔ مفکرهٔ) انسانی به ابخرهٔ تجمع نمودهٔ دیکهای (ماشین) ماکینه‌ها ، ووابورها ، وشمندفرها مشابهت تامی بهم میرساند که آن قوهٔ بخاریه را هر قدر درتحت تضییق وفشار در آورند قوهٔ مدافعهٔ وعملیات واقعه اش بهمان نسبت میافزاید . ولی آن قوه‌را اثبات نمودن ، واز قوه بفعل آوردن بهارادهٔ جزئیهٔ منوط است که مثالهای تاریخ ازبرای ان مدار کافیست .

کاشف دنیای جدید یعنی (قطعهٔ امریکا) برچنین امر مبهمی که برابر دنیای اول یك دنیای دیکررا بمیدان براورد واکتشف کرده جمهورا معلوم نمود آیا برچنین امرمبهم ازچه موفق کردیده است ؟ هرکاه بنظر تدقیق ودیدهٔ تحقیق درصحایف تاریخ ملاحظه شود بخوبی معلوم میکردد که (خرستوف قولومب) که کاشف دنیای جدید است بجز انکه همان بخارمحیهٔ فکریه‌را درماشین دماغ درخصوص ان امرمبهم درتضییق داشته دکرهیچ چیزی نیست ؟

فالانسان ضعیف ناتوانیکه برسطح زمین نشته از احوال سمای نامتناها ، وحرکات انجم ، وکواکب مثلاً ، ودوائر هیئت عالم ها خبرها میدهد ، وسخنها میراند ازچیست ؟ ایاین همه سرعت سیر ، واینهمه چالك رفتاری که براینهمه عوالم بالاپهاپه سیر ودور کرده اورا ازچه حاصل امده است ؟ هیچ شبه نیست که بجز همان قوهٔ محرکهٔ ذی سرعت بی نظیریکه به بخار ماشینش تشبیه نمودیم دکر هیچ چیزی نیست .

آیاشاعران نکته پرداز سخندان که اینهمه مضامین عنقامثال ری نقارا ازکوه قاف معدومی رمیکشند ، وشیرازهٔ دیوان شانرا ازرنك کل ، صریر خامهٔ شانرا ازاواز بلبل قرار میدهند آیااینهمه کشش واسباب اینهمه کوشش شان چه چیز است ؟ محققست که بجز تضییق وفشار همان بخار مخزن الاسرار دکر هیچ چیزی نیست .

والحاصل اکر عینك دوربین دقت وملاحظه‌را بدیدهٔ خویشتن نهیم ، وبسوی اینهمه کشفیات ، واختراعات محیرالعقولی که ازاول زمانهای قدیم تاحال ازدست وبازوی نوع بشر بظهور آمده ومیاید یك نظری بکنیم البته یك حکم لایتغیری خواهیم داد براینکه بجزهمان تضییق‌وفشاربخار قوهٔ مفکرهٔ ماشین دماغ دکرهیچ چیزی نیست !

سبحان الله ! قدرت صانع قدیم لایزال ، وحکمت بالغه حکیم ذوالجلال این محفظه بدیعه « دماغ » واین جوهر نفیسه‌عالیهٔ «عقل» را تاچه درجه مقدس وتاچه پایه مکرم جوهری خلق فرموده که انسان ضعیف ناتوانرا بواسطه آن براقسام معارج علویه عروج وبرانواع مدارج عالیه‌خروج میدهد !

انسانیکه وجود ضعیف ناتوانش نسبت بحر های محیط بی پایان مناسبت قطرهٔ بسیار کوچکی راهم نمیکرد می بینیم که بواسطهٔ همین قوهٔ بدیعهٔ آلتی اختراع میکند که بقوت وجسامت وسرعت سیر اینهمه محیط های اعظم را شکافته ، ودائراً مادار اراکردش نمود مانند نهری آرام ورامش میسازد .

جنکلهای ذی وسعت ، وصحراهای ذی فسحت ، وبیابانهای بی آب ووادیه‌های پرسراب که تنها پای رفتار انسان ناتوان ازقطع مسافهٔ آن بسالهای درازلنك وعاجز می کردد بلکه‌وهم وخیالش نیز از توهم طی مسافهٔ اینهمه ابعاد بعادمانده وخسته می ماند می بینیم که بقوت همان جوهر غریبه بایجاد چنان اژدر صحرانوردی موفق میشود که بتیزی رفتار ، وسرعت سیران براینهمه‌ابعاد بیابان به آوازی اهتزازی خندها میزند .

انسان ضعیف ناتوانیکه قدرت یك لحه توقف برروی هوا خارج قیاس ومکان او ست می بینیم که بواسطهٔ‌همان تضییق‌بخار مخزن الاسرار عقل وفکردرماشین دماغ چنان آلتی میسازد که بقوت

تسهیلات ان مانند مرغ برروی هوا پریدن میکیرد ، وروز های درازبرروی هوا سیر وسیاحت میکند .والحاصل اکردر مخصوص هرقدردائره سخن‌را تمدید نمائیم وامثله های مجسمه ایراد کنیم بازهم سرسخن بهمان نقطهٔ بدیهیهٔ (مخار فکر) ومانیندماغ منتهی میشود . پس مباهات وافتخار کسانیرا سزاوار است که قدر وقیمت این عطیهٔ عظما ، واین جوهر کرانبهارا دانسته استعداد وقابلیتی را که در آن مکنون است بروی کاردر اورند . واسرارات بدیعهٔ مخفیهٔ آن مخار غرایب‌الاثار را ازقوه بفعل آورده هیئت ومملکت خویشتن را ازآن مستفید سازند . وبرحال اسف اشتمال آن قوم وملت باید کریست که‌این عطیهٔ عظمای دانای یکتارا بیکاروبی‌ثمرخوار کذاشته ازفعل وعمل مستمدهٔ خودش باز دارند . ودرحق آن سوء استعمالهای ناهنجاری روا سازند .

ابنای وطن‌ما چنان کمان نبرند که مااینهمه سخنهارا ازبرای توصیف وتعریف فرنکان ایراد میکنیم ، نی بلکه مقصد عاجزانهٔ ما ایقاظ وتحریکیست که ایشانرا باعمالات . واختراعات غریبهٔ مدهشهٔ ایشان که محض ازبرای ضبط واستیلای سطح زمین برپاداشته اند اخباری دهیم . تاباشد که قبل ازانکه کار ازکار بکذرد یک‌چارهٔ کاری کنند ؟ وعقل وفکر خود شانرا تضییق وفشاری دهند ؟ وعلم ، وصنعت ، واتحاد ، ومدنیت راشعاری کیرند ، وازجهالت وبطالت ،وخونریزی وبی‌اتحادی وداعی کویند ، وعلوم ، وصنایع وثروت امنیت را تحری وجستجوئی نمایند ، وازبرای آسایش ، وطن ، ومحافظهٔ دشمن چاره جوئی جویند .

هیهات ! سخن کجا بود وما کجا افتادیم . دربابل بودیم بکابل رفتیم . اکر قوهٔ حادهٔ جاذبهٔ الکتریقیهٔ (وطن) نمیبود ازبابل بکابل مارا که میکشید ؟ ای محمود !... تراچه اینهمه واعظی وناصحی چه کار ؛ وطن کجا ! وتودرچه هوا ! خاموش باش که خوشی بکلاماست نه کویائی !

حالا ماباز بصدد بحث خویشتن رجعت نموده بتکمیل احوال سمیرامیس شروع نمائیم :

§

وقتیکه (اسکندر رومی) قطعهٔ آسیارا ضبط و تسخیر نمود درممالک (آثوریه) نیز قدم ضبط واستیلارا نهاد وچون درشهر (بابل مظفرانه داخل کردید درانجا ازآن زمان سمیرامیس یک لوحه سنکی یافت که برسنک مذ کور بدستخط موی الیها اینعبارهٔ آتیه نکارش یافته بود :

(اکرچه من بکیفیت (زن) که اضعف نوع بنی بشر است برروی دنیا) (تولد یافتم ولی درممالک بابل مردانه وقهرمانانه حکمرانی کرده ام . ازبرای استحصال سعادت حال زیر دستان خویش بغیرت مردانه ، وهمت ، دلاورانه اطراف ممالکم راغرباً تابسواحل بحر احمر ، وشرقاً تاکنار دریای خضر توسیع دادم وربحر احمر،وبحر خضر، وبحرعمان‌وساحل هندستان بندرکاهای تجارت کشادم . جبالهای جسیمه راشکافته ازآنراها ودربند ها کشیدم . صحراهای انهار جسیمه راتبدیل دادم . عمارات جسیمه وبناهای عظیمهٔ بنیاد نهادم ممالکیکه بتیهٔ وحشت وبدویت خراب افتاده‌بود بدست معمار معرفت پیشهٔ مدنیت اعمار نمودم . وچون مقصد کلی ومرام اصلی ام ازینهمه کارها راحت ورفاهیت احوال تبعه ورعیت وتبدیل حال وحشت‌بدنیت بود لاجرم برخودمینازم ،وسر مفخرت بفلک میسایم .)

پس‌ملاحظه باید کرد که این تفاخر تاچه درجه مردانه‌وتاچه پایه عالی جنابانه تفاخریست ! درحالیکه ماهیتش زن بود ولی چون در راه ملک وملت خویش مردانه خدمت نموده افتخار میکند ! من حیث خلقت اکرچه در زمرهٔ ضعفا داخل بود . ولی چون بجوانمردی ودلاوری همتا نمود مغرور میشود !

حضرت شیخ سعدی میفرماید که : (عقل بسر است نه بسال) حقیقت حال بهمین منوالست . بلی عقل وفکر آنچنان کوهر کران بهائیست که در هرسر جادارد قوی وضعیف ، وصغیر و کبیر را ملاحظه ندارد . درخلوص تحدید وتعیین فرق جسم . وفکر مطالعه کنند کان تاریخ بهیچ مشکلاتی برنمیخورند . مانند این بسی مقولات درصحایف تاریخ بنظر میخورد . که بسیار کسان اکرچه خلقةً ضعیف وناتوان بوده اند ولی چون فکر وعقل شان قوی وتوانا بوده ، وقوت وتوانائی انرا بیکار وبطی نکذاشته ، وهمیشه آن‌قوهٔ بدیعه را حسن استعمال نموده لاجرم برنسی اعمال ، واشغال جسیمه موفق آمده اند .

(طبیعیون) که (هیولا) را عرض انقیاد نموده اند ، وفکر وروح را هیچ اهمیتی نمیدهند هر کاه بسوی محاکمات تاریخیه یک نظری بیندازند هیچ شبهٔ نیست که ببطلان ادعای خود شان اعتراف ورزند .

(سمیرامیس) تنها بمثال غیرت وهمت معاصرین خویش اکتفا نورزیده ـ بلکه اخلاف مستقبله را نیز درسهای عبرت بسیار مکمل جلیل‌الاعتباری نهاده است . وآن یاد کار فوائد آثار نیز عبارت از نوشتهٔ محکوکهٔ روی سنکهاست .

بنکر که آن عبارهٔ مجمل بسیار مفصل که برروی مزار خویشتن نوشته‌بود مذمومیت حرص وطمع را بچکونه مثال مجسمی مجسم داده بود .

دارا که پادشاه عظیم الشان ، ومالک اینهمه ممالک وسیعهٔ براز سامان بود ولی چون بدام حرص وطمع کرفتار آمده بود بدان همه مال ومنال وغیره اکتفا نکرده ازبرای یافتن دفینهٔ مقبرهٔ مردکانرا نیز زیر وزبر نمود . آیا اینچنین فعل کریه مستکره منافی شان وشرف شاهان ذیشان نیست ؟ کیخسرو هماقدر که عالی همتی نموده ، دارا نیز بمقابل آن هماقدر دون خصلتی کرد .

اما ازدارا روایت میشود که بعداز دیدن عبارهٔ محکوکهٔ که سمیرامیس کویامخص ازبرای تربیهٔ تنبیه اوکذاشته بود چون‌این عمل

ناشایستهٔ خودرا بوجدان حواله نمود نفس خودش را خیلی شتم ولوم نموده است . وزیرکی ودرایت سمیرامیس اقرنها خوانده . وبنابرین اخطاردی منفعت کثیرالفوائدی که ازسمیرامیس ملاحظه نمود — بنابرقول بعضی مورخین — درخصوص وقایهٔ نفس خویش ازبلیه افت حرص وطمع تانهایت حکومت خویش خیلی کوشیده است . ودلیل علی آن نیز اینکه بعدازین واقعه تا اخر ایام سلطنتش شهربابل را ازهرگونه بده ومالیات وتکالیف سائره معاف داشته است . وگفته است :

که سمیرامیس بوعده خزینهٔ که داده بود درحق من وفا کرد
ایا دردنیا ازین عبرت ، ونصیحت کدام دفینه بهتر خواهد بود ؟

§

اینستکه درینجا درخصوص حکمت تاریخیه مقدمهٔ بچند صحایف تاریخ قدیمه اکتفا نمودیم . انشاءالله بعدازین نیز درتحت عنوان (حکمت تاریخیه) بعضی چیزها خواهیم نوشت . وباللهالتوفیق

انتها

حوادث خارجیه

(اشتراک عثمانی بجنگ وافکار اهل هند)

جریدهٔ عین الکمال ، الهلال ، مطبعهٔ کلکته یک مقالهٔ غرای بسیار مفیدهٔ در مخصوص نوشته ومحاکات عقلیهٔ منطقیهٔ بسیار بدیعهٔ بیان کرده که ترجمهٔ آنرا ازفایده خالی نیافتیم . زیرا ازین مقاله درخصوص مسلک مسلمانان هند نشان برای مایک روشنی حاصل میشود :

محرر محترم مشارالیه بعدازانکه سورهٔ مقدسهٔ (القارعه) را شرح و تفسیر میکند چنین مینویسد :

(اعلان حرب)

یعنی درمابین دولت عثمانیه ودول متحدهٔ ثلاثه دراول ماه نومبر اعلان جنگ کرده شد : [اناللهوانااليه راجعون !]

(سه مسئله)

در نیوقت سه مسئله در پیش روی ماست که مسایل سه گانه مذکوره درعین زمان یک حادثهٔ پیدا کردهاست . اما با وجود آن ، نتایج آن ها سرا سر مختلف است . هر یک ازین مسئله ها ازعلیحده وحکم مستقل دارد که آنها این است

(۱) اسباب وواقعات جنگ .
(۲) مسلمانان هند ، وتعلق شان بادولت عثمانیه ، ومسئلهٔ خلافت عظما
(۳) سوال ازحالت داخلی هندوستان .

حالا میخواهیم که تاحد جهٔ ممکن به الفاظ ساده وطرز اختصار برین مسایل نظر بندازیم . درچنین وقت نازکما کوشش میکنیم که خیالات وافکار اصلی کرورها مسلمانان هندرا درپیش نظر گورنمنت واضح بتوانیم نمود . زیراعقیدهٔ مابرین است که بتر ازپنهان کردن حقیقت دیگر هیچ بغاوت وغداری تصور نمیشود .

(سه فرقه)

اما قبل از انکه مابرین سه مسئله نظر بند ازیم اینرا ظاهر کردن میخواهیم که درنیوقت درملک هند سه فرقه موجوداست .

(۱) طبقهٔ متوسطین که عام مسلمانان گفته میشوند . اینها میشنوند ، وحس میکنند ولی چیزی گفته نمیتوانند . زیرا در پیش اینها چنان وسایل ووسایطی که باآن اظهار رأی بتوانند موجود نیست . این فرقه جمعیت اساسی واصل را تشکیل میدهد که باآن فرقه تعداد هفت کرور مسلمانان پوره میشود . اعتقادات اینها اعتقادات اصلی میباشد . وبرخیالات شان حکم (خیال عام) بطورقدرتی اطلاق میشود .

(۲) یک چند مردمان راستی پسند است که اینها برای اظهار رأی واعلان حقیقت وسایل و وسایط را مالک اند . ولی کمزوری شان بروجدان وضمیر شان غالب است . ازین سبب آنها مبترسند ، و خاموش میمانند . به تعبیر دیگر ، میگویند ، ولی صاف صاف گفته نمیتوانند .

(۳) مردمان طبقهٔ عالیست کهاینها بزریاستها ومقامهای عالی هندقایم هستند . بسببی که درهندستان مانند دیگر ممالک ترقی یافته اقتدار آزادی فکر ورای عمومی برای عامه موجود نیست ازاین رو برای اظهار رأی در هر موقع همین مردمان سر را ورده گردن می افرازند ، وهمهٔ وسایل قرب واعتماد گورنمنت نیز برای همین گروه حاصل است . این فرقه ها این است که از حالت روحیهٔ جماعت اولین خبر ندارند . و باخبر دارند ولی بسببی که به منافقت وساخته کاری گرفتارند . ومبتلای اغراض شخصیه وذاتی خود میباشند ازاین رو وجود آنها در میان گورنمنت ، و جمعیت عامه چنان یک دیواریست که روشنی یکطرف را بدیگر طرف نمیگذارند که برسد . این فرقه خیلی خطرناک یک فرقه ایست که خطر وزیان آن از ملت کرده زیاده بخود گورنمنت میرسد . زیرا برای خبرشدن گورنمنت ازحقیقت حال این گروه سوء حایل میشوند ، ونا چارا برای پیدا کردن افزودن رسوخ واقتدار خودشان آماده [illegible]د ساختن ملک وملت ، بلکه منافع گورنمنت هم میباشند .

فرقهٔ اول — یعنی عموم افراد ملت — ازین فرقهٔ سوم جمله سراسرجدا هستند . وروز بروز بسبب تفریق اعتقاد ، وضدیت افکار جداترشده میروند . مامیخواهیم که حالت روحیهٔ جماعت نخستین را که درین مسئله تعلق دارد بر گورنمنت واضح نمائیم . وکوشش ورزیم که جماعت دوم رانیزاز کمزوری وارهانیم تا آنکه عاقبت نااندیشی جماعت سوم درچنین وقت نازک برای گورنمنت مشکلات پیدا نکند . اگر راستی و حقیقت را در چنین وقت اصلِ ضرورت واضح نکنیم چنانست که چراغ را پیش ازغروب آفتاب در بدهیم .

(مسئلهٔ اول)

مسئلهٔ تحقیقی که در پیش روی این سلسله میآید همانا جستجو کردن اسباب جنگ، و پیدا کردن محرک اصلیٔ آن است .

درینجا ما از مباحث تاریخیٔ مسئلهٔ مشرقیه که به بسط و تفصیل زیادی محتاج است بحث نمیکنیم . ما از دورهای مختلف اثرات تاریخی دولت عثمانیه و انگلستان و جرمنی نیز بیان نمیکنیم . و نه از زمان سلطان عبدالحمیدخان گرفته تا بعهد نوجوانان ترک احوالها را ذکر میکنیم که از بیانات تاریخیٔ این حالات کیفیت تاریخ دوستیٔ عثمانی و جرمنی بخوبی واضح میگردد . و نیز تمام آن حالات و حوادثی را در پیش نظر میآورد که بعد از معاهدهٔ سنهٔ ۱۹۰۷ پیش آمده است . و رهبان فرقهٔ اتحاد و ترقی که ایام مصیبت خود شانرا در سرزمین آزادی مانند لندن و پاریس بسر آورده بودند . و محبت آنرا باخود یکجا به قسطنطنیه آورده بودند . بسبب همان معاهدهٔ مذکوره بطور قدرتی تأثیر نفوذ (جرمنزم) حاصل گردید نیز بیان نمیکنیم . چرا که اینهمه مطالب بحث های بسیار تفصیلی میخواهد که بعد ازین آنرا بمقالهٔ مخصوصه واضح خواهیم نمود . درینجا ما از واقعات بسیار نزدیکی بحث میرانیم که یکی دریٔ دیگر سببهای جنگ موجوده شده است .

واقعهٔ بسیار اهم و تحقیقی که درین مسئله پدید آمده است مسئلهٔ دو جهاز جنگیٔ « غوبن » و « برسلاو » جرمنی میباشد . پیش از آنکه جنگ اوروپ اعلان میشد دولت عثمانی دو درید ناوت جنگی بکارخانه های کشتی سازی انگلستان سفارش داده بود ، و در وقت اعلان جنگ آن دو درید ناوت که یکی را (عثمان اول) و دیگری را (رشادیه) نام نهاده بودند تیار و حاضر شده بودند و همه افراد ملت عثمانیه بورود آنها منتظر بودند . بعد از جنگ بلقان حکومت عثمانی نقصان قوهٔ بحریهٔ خودرا چنانچه شاید و باید حس کرد . و از آن سبب بسیار جد و جهد تمام در صدد ترقی قوهٔ بحریهٔ خود افتاد . چرا که هنوز یک جنگ بحری در مابین دولت عثمانی و یونان باقی مانده بود . و اولیای دولت عثمانیه خودرا از یک جنگ بحری با یونان ناگزیر میدانستند . و چون خزانهٔ دولت از قوهٔ آن بر آمده نمیتوانست همهٔ ملت عثمانیه از زن و مرد و توانگر و فقیر باعانات نقد و جنس اشتراک ورزیده حق دو درید ناوت را جمع آوری کردند . و آنرا بکارخانه های انگلستان برای دو عدد درید ناوت دادند . و به اینصورت آن سفارشی را که یونان برای کشتیهای جنگی خود بامریکا داده بود بی اثر ساخت .

لیکن در عین زمانی که آن دو درید ناوت در انگلستان تیار شده بود دفعهٔ جنگ اوروپ شعله زن گردیده انگلستان آن دو درید ناوت عثمانی را برای ضروریکه به آن داشت ضبط نمود . حالانکه بعد ازیک برههٔ قلیله دو جهاز غوبن و برسلاو المانی از درهٔ دانیال گذر نمود که به این سبب دول متحده اعتراض کردند . این اعتراض قانوناً سراسر صحیح هم بود چرا که موجب معاهدهٔ بین الدول هیچ یک جهاز جنگی و محارب هیچ دولتی گذر کرده نمیتواند . اما دولت عثمانیه بجواب آن اعتراض اعلان نمود که آن دو جهازرا بهشت هزار پوند خریداری کرده، و نام یکی را (سلطان سلیم) و نام دیگرش را (مدللی) نهادند . بعد از اعلان جنگ اوروپ این اول موقعی بود که برای پیدا کردن از جرمنی یک فرصتی دست داد . زیرا بطور قدرتی این دو جهاز را ترکها بسیار غنیمت شمردند . چونکه بسبب خوفی که از جهازهای جنگیٔ یونان داشتند خودرا بسیار محتاج آن دو جهاز میدیدند .

بعد ازین واقعات یک درنگ دیگری بمیدان برآمد که آنهم مسئلهٔ افسران جرمنی آن دو جهاز بود . دول متحده اعتراض میکردند که اگر این دو جهاز صحیحاً مال دولت عثمانیست افسران جرمنی دران چه کار دارند تا آنکه آخر بباب عالی یک نوتی فرستادند که افسران جرمنی را جدا کنند . چنانچه گورنمنت آف انڈیا در لایحهٔ که شایع نموده این تفصیلات را بخوبی تشریح داده است . حتی گفته است که انگلستان دولت عثمانی را اطمینان داده که آن دو جهاز شانرا که ضبط کرده بودند واپس میدهد . و غیر ازین حالات بیشماری متعلق ترکی بیان کرده است که از انجمله حاضری و تیاریٔ بسیار عظیم الشان عسکریٔ عثمانی را در پیش آورده که دریک جانهٔ بسیار وسیعی بوقوع آمده است . بحقیقت که این جمع آوری فوجی در تاریخ عثمانی بینظیر یک واقعهٔ شمرده میشود از تمام ممالک ترکیه ، عراق ، عربستان ، حجاز و شام بلا استثنا جنگ آوران ملت را جمع نمودند .

حقیقت این است که دنیا برای مسئلهٔ « تنازع البقاء » یک میدان کارزاری میباشد . در دنیا کسیکه میخواهد حکومت کند آن حکومت بر « قوت » منحصر است . میدان عمل حق و باطل نیز همیشه در دست همین چیزی که آنرا قوت میخوانند میباشد این سخن صاف و واضح را نوجوانان ترک بخوبی درک کرده اند البته چنانچه ما درک میکنیم خود شان چنان درک نکرده باشند . اما این ضرور نیست که خیال شان صحیح باشد یا غلط . مگر ازین حقیقت هم انکار نمیشود که ترکان این جنگ اوروپ را یک عهد فرضی دانستند .

یک مسئلهٔ مستقل، تعلقات مسلمانان هند با دولت علیهٔ عثمانیه است درینوقت هیچ لزوم نداشت که این مسئله در پیشگاه گورنمنت و عوام در معرض بحث آید . زیرا درین عصر گذشته آنقدر واضح و روشن گشته که حقیقت غیر متزلزل آن بر جمیع دنیا آشکار گردیده است . قسطنطنیه حالا نیز همان قسطنطنیه است که پیش از یکم نومبر با سفورس آباد بود و مسلمانان هندوستان به آن تخت مقدسیکه دراینجا قایم است همان قسم عقیده دارند که پیش ازین داشتند .

مگر باآن سخت افسوس است که آن مردمانیکه گورنمنت ذمه دار اعمال مفسدانه و شر انگیزانهٔ شان نیست و از فساد دوستی

آنها گورنمنت و ملک هردو را ضرر میرسد بمجرد اعلان جنگ این مسئله را از سر بالا کرده اند و آن شیطان لعین فتنه و فساد که در درونهای شان مدام مترصد فرصت میباشد اقدر گستاخ شده که بلباس خیر خواهی گورنمنت باعث مشکلات خطرناک برایش میشود .

چنانچه بعضی چنان روحهای خبیث با آلات خبث و فساد خود مسلح شده بیرون برآمده و بی آنکه از طرف گورنمنت برای شان یک ادنا اشارهٔ شده باشد مانند یک مریضی که حرارت بدماغش اثر کند بهذیان گوئی برآمده مسئلهٔ (خلافت اسلامیه) را دوباره مرتفع ساخته اند و ایثار وفاداری گورنمنت بنداشته و متاع ایمان خود را نیز درین راه قربان کرده اند . حالانکه نه این وفاداری و نه خیر خواهی است ، بلی هی فتنة ولاکن اکثر الناس لایعلمون ،

ولی گورنمنت را واضح باد که هر که با خدا و شریعت خود وفاداری نداشته باشد باوی نیز نخواهد کرد گورنمنت تنها بریکچند نفر یکه برای اختیار نمودن راه فتنه و نفاق آماده اند حکمران نیست بلکه حاکم آن هفتاد ملیون مسلمانان هند است که تبدیل عقاید شان محال و حساب شان بس مختلف است لهذا مرورا لازمست که چنان طرز عمل را پیروی کند که از ان حقیقت حال جذبات هفتاد ملیون نفوس منکشف شود .

(نائب سالار بالاقتدار جناب محمد نعیم خان)
که بسرافسری اردوی همایون ظفرمقرون هرات مامورند

در وقت حاضر چون این مفسدان و فتنه انگیزان مصلحتهای حقیق گورنمنت و ملت را فراموش کرده این مسئله را انگیخته اند . پیش روی ما تنها دوراه کشاده است : یا باید که مطابق ادلهٔ شرعیه برین مسئله بحث کرده قلع و قمع آن هفوات و ترهات را که این جمعیت افترا شایع کرده بکنیم و یا سکوت کرده خاموش بنشینیم : از اختیار کردن صورت اول این مسئله قرار لازمی وسیع میشود که درینوقت وسعت دادن آن مناسب دیده نمیشود ، ولی با آن در طرف مقابل نیز هیچ قلب مؤمن بالله اکتفا ورزیده نمیتواند . زیرا چون غلط فهمی را وسعت داده شود و بدعات و زواید کدام مسئلهٔ شرعیه را مشتبه سازند پس برهر مسلمان شرعاً فرض است که بقدر عزم و استطاعت خود در تصحیح عقاید و اعلان حقایق بکوشد زیرا ، والساکت عن الحق شیطان اخرس ، در چنین حال ظاهر است که این ناعاقبت اندیشان چقدر مشکلات

دررا ه قوم وملت پیدا کرده اند . اگرچه نه گورنمنت از کدام طرفی به این مسئله متعلق بود و نه او در خصوص ازمامطالب کدام تبدیل گردیده بود . بهر صورت درین موقع ما صبر و ضبط رابکار برده تنها باظهار حقیقت اکتفا خواهیم ورزید، واگر این فتنه خوابیده نشد و این ظالمان مفسد برحال ملت رحم نخوردند هرآیینه این مسئله وسیع خواهد شد و نتایج امر خطرناك آن منتشر خواهند گشت ولی دربیش گورنمنت وقوم آن چند نفر مسلمانی که پیشرو رت در احیای این مسئله کوشیده اند مسئول خواهند بود .

این بنده کان جهل و فساد که از کدام طالب العلمی حدیث « الائمة من قریش » را شنیده اند مگر ازین یك کلمهٔ بی خوف گشته اند کالحمد لله تعالی هنوز شریعت تا بحال زنده و عاملان آن باقی هستند . و بالفرض اگر این حدیث کدام حدیثی باشد معنای آن تنها همینست که برای ما حق فهمیدن آن زیاده مسلم است نه که برای ان ملاحده و متفرنجین که از علوم دینیه مانند مدیرك اخبار (انکلو اندین) ناواقفند . پس آیا اینها لایق این هستند که مسئلهٔ خلافت اسلامیه باینها فهمانده شود ؟

ازینهم انسان به آن مردم زیاده حیران میشود که خلافت جلالتمآب امیرالمؤمنین حضرت سلطان محمدخان خامس را ازسببیکه اورا نوجوانان ترك سریر آرای سلطنت نموده مسلم نمیدانند . حالانکه از خلافت جلالتمآب سلطان المعظم محمدخان خامس بهیچصورت انکار نتوان کرد، زیرا آنها اولین خلیفه دستوری میباشند که به اتفاق ارباب حل وعقد وبیعت عموم ملت وعالم اسلامی خلیفه شده اند . بلکه اگر بگوئیم که در تاریخ اسلامی بعد از

ازیادگاری های تاریخی

جناب جرنیل امیراحمدخان مرحوم که در آغاز جلوس میامن مأنوس خاقان فردوس مکین اعلیحضرت (ضیاء الملة والدین) ازطرف دولت افغانستان بسفارت دولت بهیهٔ برطانیه مقرر وبصداقت ودیانت وامانت داری مشهر بود .

جناب کرنیل ولی احمد خان

پسر جرنیل امیراحمد خان مرحوم که بعد از وفات والدشان ازطرف خاقان مغفور بسفارت مذکور مقرر شده بود ودر وقت حاضر حاکم بازرگی میباشد

(خلفای راشدین) رضی الله عنهم وحضرت (عمر ابن عبدالعزیز) اعلیحضرت سلطان المعظم نخستین خلیفهٔ است که مطابق اصول حقیق ، شورای اسلامی ، برتخت مقدس خلافت اسلامیه متمکن گشته اند جادارد و سوای یکمشت ذمهٔ قلیلهٔ مبتدعین و مخالفین ، جمیع عالم اسلامی شرقاً و غرباً بلا استثنا اعتراف خلافت ایشانرا کرد ، « ولا خلافت الا بالمشوره » .

بهرحال درخصوص ما تنها اینرا ظـاهر کردن میخواهیم که مسئلهٔ خلافت اسلامیه یک مسئلهٔ جداگانه ومستقلیست ودرینوقت بلـند کردن آن بهیچصورت موزون دیده نمیشود . تعـلقیکه مسلمانان هند باترکان دارد آن بالکل قدرتی است وهرکه ازین انکار میکند یامنافق است ویا بکلی مسلمان نیست . اگر یک مسلمان هزاربار ترکانرا ناسزا بگوید مگر تاوقتیکه مسلمانست هیچ عقل ووجدان اینراقبول نخواهد کرد که دلداو ازمحبت برادرانش خالیشده میتواند .

پس گورنمنت را یقین داشتن لازمست که جمیع مسلمانان هند اعتراف خلافت اسلامیه را میکنند وبران شرعاً ودیناً مجبورند . وعقیدهٔ دینی شانست که هر مسلمانیکه ازخلیفه واولی الامر عهد خود انکار ورزد نماز وروزه اش بیفایده است وبهیچقسم اورا مسلمان نتوان گفت . موافق این خودرا ساختن خواه خوب باشد یابد ولی جمیع مسلمانان همچنان عقیده دارند وبرخلاف این کوشش کردن وبادرشان حضرة خلیفة المسلمین ناسزا نوشتن ویا ترکانرا دشنام دادن دلهای مسلمانانرا سخت جریحه میرساند واگرچه بظاهر آنها چیزی نگویند ولی در دلهای شان یک اثر پرخطر ضرور پیدا میشود .

اگر معنای خیرخواهی همان باشد که مفهومست وراستی چیزرا گفته شود که درست باشد و برای مشوره دادن امانت شرط باشد پس ما گورنمنت را مشوره خواهیم داد که او آن مردمانی را که باعث تولید اضطراب درخصوص مسئلهٔ خلافت اسلامیه در دلهای مسلمانان میشوند بکلی منع کند .

(۳)

پس ازین دومسئله مسئلهٔ سوم حالت داخلی مسلمانان هندستان را تشکیل میدهد .

این مسئله نیز بالکل صاف وساده است وبامسایل سابقه هیچ تعلق ندارد وموضوع آن تنها اینست که آن تعداد عظیم الشان مسلمانان که در هندستان درزیر حکومت برطانیه سکونت دارند آیا آنها حقیقتهای اصلی امن وسکون را بسبب ظهور این واقعهٔ جدید برای خود متغیر خواهند یافت ؟

جواب آن تنها همین یکجوابست یعنی « نی » اسباب جنگ خواه هرچیزیکه باشد ومسلمان بحیثیت مسلمان خواه هر اعتقادی که درضمن اعتقاد مذهبی نیز داشته باشد . ولی هیچ تصور نمیشود که کدام شبههٔ که منافی قیام امن وسکون هندستان باشد درحق آنها کرده شود . آنها نماز میخوانند ووفادار گورنمنت هستند روزه دارند وگورنمنت برایشان اعتماد میکند بحج میروند ودر خصوص امن پسندی شان هیچ شک آورده نمیشود وبمقابل آن ایشانرا یک اعتقاد مذهبی درخصوص مسئلهٔ خلافت اسلامیه نیز هست وعلایق قدرتی ودینی باتمام عالم اسلامی دارند . اگراعمال دینی واعتقادات مذهبی متذکرهٔ صدر منافی امن پسندی شان نباشد پس این اعتقاد وتعلق داخلی نیز منافی آن شده نمیتواند .

هندوستان یک مملکتیست که دران مسلمانان سکونت دارند ودردرون خانهای آن زنان شان ودر کوچه وبازارهایش کودکان واولاد شان میباشند ومیگردند پس آیا کدام صاحب عقل اینرا باور میتواند که مسلمان ازسببیکه باترک اعلان جنگ شده دشمن امن هندستان شوند .

اگر گورنمنت ازسببیکه هندوستان در زیر حکومتش هست خواهان امن آن است پس هرمسلمان بسببیکه آسایش خود او باهل و عیالش بامن آن سرزمین منحصر است بیشتر خواهان امن عامهٔ انست .

پس ازاین انقلاب جدید جنگ اوروپ برامن خواهی ، ووفاداری و سکون قابل اعتماد مسلمانان هند هیچ اثری نمی افتد . آنها مسلمانند ، ومسلمانی ، چنان یک جوهریست که در همه وقت حامی امن وسکون ودشمن شر وفسادات انها همچنانکه پیش از اول نومبر مستحق اعتماد گورنمنت بودند حال نیز به آن استحقاق مستحقند . نقشهٔ جنگ اوروپ تبدیل یافت نه که نقشهٔ امن وسکون ایشان . ما ازطرف جمیع مسلمانان هند یقین داده میتوانیم که درین وقت درجزیره نمای هندستان یک مسلمانی نخواهد بود که خیالش درصدد افروختن آتش فتنه وفساد باشد .

(خلاصهٔ مطالب)

این مطالب ضروری هستند که ما برخلاف عادت تحریر خود صاف صاف و به طریقهٔ اختصار ظاهر نمودیم تا به بسیار سرعت نتیجهٔ آن برآید . امروز ازان شخصیکه برین مسایل بحیثیت خلافت بحث نماید واحکام مستقل آنرا بایکدیگر لازم وملزوم بداند برای گورنمنت و ملت بدتر دشمنی نخواهد بود .

جریدهٔ نوبهار

که یک اخبار گوهربار ثمردار بسیار شیرین بود ، ودر مشهد مقدس بزبان فارسی طبع ونشر میگردید ونسخه های آن همیشه ازراه ایران باداره ما می آمد دروقت حاضر مسدود گردید . آخرین نسخهٔ آن که رسیده بایک مقالهٔ وداعیهٔ بسیار بدیعه تزیین یافته است . نامه نگار مشهد درخصوص بستهشدن اخبار نوبهار چنین مینویسد که این روزها قونسول انگلیز وروس مدیر روزنامهٔ نوبهار را طلب نموده باو گفته اند که درروز نامهٔ خود ازعقب

لشتن وشکست خوردن قشون دولت روس وانگلیس وفرانس کمتر بنویسید . مدیرروزنامهٔ نوبهار بجواب گفته که روزنامهٔ خودرا نمیتوانم بسخنان غلط ازاعتبار خارج بسازم . ازین اظهار مدیرمذکور قونسول روس وانگلیس بدشان آمده ومتفقاً درنزد نیرالدوله والی ایالت خراسان تشبثات بکاربرده درب ادارهٔ نوبهار را بسته کردند .

سراج‌الاخبار افغانیه ازین خزان یافتن رفیق قلم‌عزم خود نوبهار اظهار افسوس کرده بعضی حوادث را از نسخه های آخری آن برای تذکار یادآوری قرارذیل درج صحایف مینمائیم :

اولتیماتوم روس بایران

از صبح امروز [۱۰ شوال] تا کنون که خبرفتح پاریس درافواه‌معروف‌شده، یك خبر دیگری ضمیمه‌شده است که اولتیماتوم روس است بایران . مبنی براینکه ، دولت ایران هرچه زودترباید تهیه قوه‌نموده ودر سرحد آذربایجان بگمارد . تاکمك قشون روس از تجاوزات عثمانی جلوگیری شود .

— تهران —

خبرنگار ما مورخه ۷ شوال مینویسد :

— اولتیماتوم آلمان بایران —

درانیموقع که جنك اروپا خیال همگان رامشغول داشته است (مگرخیال هیئت دولت ایرانرا که کنکاش نمی کرد)معروف‌است که دولت آلمان وعثمانی متحداً اولتیماتوم بلاد ماتی بدولت ایران تقدیم نموده ودر خواست کرده‌اند که‌دولت ایران‌راه عبورقشون عثمانی از آذربایجان داده که قفقاز حمله نماید — بدیهی‌است دولت عثمانی ازراه دیگر هم میتواند بدولت روس‌حمله نمایدولی بواسطه نبودن استحکاماتی درسرحد قفقاز این‌راه اسهل طرق وصول مقصود است بهرحال ! اگرچه تاکنون بطور رسمی معلوم نشده که این یادداشت تقدیم شده ولی ازخبر ذیل صحت آنرا میتوان معتقد بود .

— قشون عثمانی درخوی —

چهار هزار نفراز عساکر عثمانی بمحالات اذربایجان ورود نموده اند — شهبندر عثمانی متوقف خوی شرحی بسفیر کبیر عثمانی مقیم تهران تلگراف کرده وتقاضا کرده است که دولت‌ایران به رئیس قشون آذربایجان امرنماید که باقشون عثمانی مساعدت نموده وپارهٔ پیشنهادات که ازطرف‌رئیس قشون‌عثمانی میشودقبول نماید این مسئله فعلا ازدولت ایران خواسته‌شده ودرتحت‌مذاکره است بعد چه شود عرض خواهد شد .

قتل سامسون اف

سامسون اوف : جنرال گوبرناتور ترکستان وسرکرده‌قوا قازماموور (براتیا) درموقعی که باالمان ها حمله میکرده است در مقابل خدعه دشمن بادو صاحب منصب دیگر کشته‌شده ویکصدو سی‌هزار سوار روس نیز دران حمله تلف شده اند !

ازقرارمعلوم‌دشمن درزیر زمین‌نقبها کنده وبادینامیت‌وباروت انباشته وعقب نشسته اند — روسها حمله برده ودر بالای نقبها رسیده بودند که آتش انهارا رانیده واین تلفات دراینجا صورت گرفته است !

کلیسا شهر (ریمس)

کلیسای تاریخی قدیمی درشهر « ریمس » را آلمانها شروع به عباردمان نمودند . چون موقعیت این بنای عالی‌در عالم تاریخ نادرووجودش ازبرای حفظ آثار قدیمه‌ازبهترین کوامل بیمقداری بود وبعلاوه آثار واشیاء نفیسه وزیورهای عتیقهٔ گرانبها دران کلیسا بیرومحال موجود بود . فرانسویان نخواستند این هیکل تاریخی مفقود شود . لهذا عدهٔ کثیری از تبعهٔ آلمان را که در شهر اسیر بودند درزیر طاقهای کلیسای مزبور جای‌دادهو گفتند بآلمانها که حالا شما نه‌تنها کلیسا را خراب میکنید . بلکه صد هزار تبعه آلمان را معدوم خواهید ساخت .

ولی توبخانه آلمان گویا چشم وگوشش را بسته بود ، واین ترانه هارا نمی‌شنید ، زیرا بلا فاصله توپها بغرش آمده وآواز محبوسین درزیر هوارهای کلیسا شنیده شد ، وپس از قدری فاصله دیگر نه ازان عمارت اثری باقی ونه‌از محبوسین‌نام ونشانی برجای ماند ! !

§ سراج الاخبار افغانیه :— چندی پیش‌ازین درفاقان بسیاری ازمسجد های مسلمانانرا خراب کردند ، آتش زدند ، اصطبل ساختند . فحشیات دران اجراءنمودند . درمشهد مقدس مقام بسیارباقدسیت واحترام مسلمانانرا باگلهای طوپ خراب کردند چه خونها بود که ریخته نشد . چه زنها بود که بیوه نشد چه اطفال بود که یتیم نشد ! . . . .

یکی از اسمای حسنای ذات اقدس کبریاجل‌علی اسم جلیل « منتقم » است . این است که تأثیرسرجلیل آن کلمهٔ قدسیهٔ باهیبت درطوپهای « المان » درینوقت ازظهور نموده . گندم ازگندم بروید جوزجو . از مکافات عمل غافل مشو . .

توپ قلعه شکن جرمن

زمیندار ۲۰ نومبر :

هرچند شهر انتورپ باجتان چهارده قلعهٔ جنگیٔ متین بلند خود که هرکدام ربك یك کوه نجهٔ جداگانهٔ بالیاقه وازالسبب جمیع انجنیرهای عالم فتح آنرا خیال محال میدانستند مستحکم گردیده بود ولی گلوله های مدهش توپهای قلعه شکن جرمن رخنه های این قلعه هارا رانده شهر انتورپ را فتح کرد . این توپهای قلعه شکن تامسافهٔ ۱۰ میل هرچیزی را که در راه انداختش مصادف گردد بکلی تباه وبرباد میسازد . ودرین توپها

کلولهٔ عادیْ « شل » وبم هردو استعمال میتوان کرد . به کلولهٔ بم در آن وقت پر کرده میشود که فوج مقابل در پیشقدمی باشد این کلوله چون از دهن توپ بر می آید به بسیار بلندی رفته برسر افواج اقدام کنندهٔ خصم میکفد که بمجرد کفیدن آن جمیع آن فوج مقتول ومجروح کردیده پرا کنده میشود واز پیش قدمی وامی ایستد . وکلولهٔ « شل » درانهدام وشکستاندن سنکرها وقلعه ها بسیار بدرد میخورد وهر چند قلعه وپاسنکر مستحکمی باشد درپیش این کلوله تاب مقاومت آورده نمیتواند . در وقتیکه توپ قلعه شکن صدامیکند توپچی های آن بر کوشهای خود یك آلهٔ را می چسپانند که بذریعهٔ آن آوازهیبت دمسازش که طبقات هوائیه را بکمال شدت پاره کرده طنین انداز میکردد محسوس نمیتوانند زیرا اگر این آله ها چسپانیده نشوند ممکن است که از صدای بسیار تیز ومدهش آن پرده های کوش بکفند .

متعلق انتورپ که آنرا جرمن ها به برکت این توپهای خود فتح کردند « ناپولیون » کفته بود که « این مقام به حیثیت یك تفنکچه ایست که دل وجکر برطانیارا نشان کرفته است » . نامه نکار لندنی اخبار « سول اینڈ ملتری کزت » رقمطراز است که بی شبه « اینتورپ » برای انکلستان حکم یك تفنکچه را دارد مکر دریتوقت این تفنکچه خالیست وتاوقتیکه « هولاند » بربی طرفی خود قایم باشد همچنان خالی خواهد بود .

اخبار « مورنینگ پوست » لندن پس از تسخیر « اینتورپ » دریك مضمون خود این خیال را ظاهر ساخته است : — که فرستادن یك مهم بحری را برای مدافعهٔ انتورپ یك غلطی بسیار ضرر رسان « مستر چرچیل » ناظر بحریهٔ برطانیه بود . زیرا درقلعه های انتورپ چنان توپها وجود نداشتند که مقابلهٔ توپ های قلعه شکن جرمن را میتوانستند وعلاوه بران بلجیکیان نیز بمدافعه ایستاده نبودند وبلکه برای شان این یك مناسب هم بود که « انتورپ » را خالی کرده بکدام جای دیگر میرفتند . بهر صورت درچنان وقتیکه دشمن صف اول قلعه هارا شکستانده وهرلحظه بپا ساختن آن مشکل شده میرفت فرستادن مهم بحری انکریزی یك تجویز بسیار بیفایدهٔ بود . واکر وعدهٔ امداد فوجی برای مدافعهٔ « انتورپ » باهل بلجیم نمیشد . یکوقتی سپاه بلجیم « انتورپ » را کذاشته واهالی شهرنیز از عذاب کلوله باری خودرا خلاص کرده بکدام طرف میرفتند . اخیرا « مورنینگ پوست » از کورنمنت سوال میکند که « این مهم بحکم که فرستاده شده بود ؟ وآیا این مهم فوجی بود یابحری ؟ اکر فوجی بود . آیا این تجویز را لارد کچنر وسرجان فرنچ کرده بودند ؟ واکر بحری بود . پس آیا اراکین محکمهٔ بحریهٔ کاملاً منظوری آنرا کرده بودند ؟ وآیا این تجویز مکرنتیجهٔ رأی وخیال مستر چرچیل « نبوده است ؟ » . (مترجم عبدالرحمن)

اخبار پسه ۱۳ نومبر :

(خبرهای دلچسپ جنك)

بلژیك ؟ درسالی تنها ۲ لك و ۴۰ هزارتون شکر میدهد .

در روس ازوقتیکه حرب آغازشده قطعیاً می نوشی منع کردیده واین ممانعت رسماً نیز اعلان کردیده .

هل کولاند ، که از مستعمرات بحری جرمن است دریتوقت تنها دونفر زن که آنهاهم تمبادار هستند باقی مانده .

بوردو ، پایتخت جدید فرانس علاوه بردیگر شهرت های خود مولد « رچارد ثانی » شاه انکلستان نیزهست .

بومبهٔ که ازطیاره « زیبلان » جرمن انداخته میشود بزرکترین آنها قریب ۴۶۰ پاو یعنی از ۳۰ سیر کابل کمی کمتر موزون میباشد .

درانکلستان ؛ تاثیر حرب بیکنوع دیکر نیز نمایان شده یعنی مردم وبعضی حیوانات اهلیهٔ خود شان نامهای بعضی شهر های کلان فرانس وبلژیك ومشاهیر جنك را نیز کذاشته اند مثلا نام یك پشك را « نامور » قلعهٔ مستحکم بلژیك : ونام یك سك را « جوفری » جنرال فرانس : که در میدان جنکست نهاده اند .

[جنرال فرانس بیچاره درین نام نهادن انکلیزها بسیار نقصان کشید !]

برای ریل ؛ فرانس یکهزار نفر انکریزهای مشاق وماهر ریل رانی برای انتظام قطارهای فرانسوی ازانکلستان برای استعانت خواسته شده اند .

زنان ، امرای جرمن همهٔ شان زیورها وجواهرات خودشانرا به جمعیت فراهم کنندهکان اعانهٔ جنك تقدیم کرده اند ودرعوض آن از طرف دولت یك یك انکشتری آهنین که بران این کله که « کسیکه بطلا آهن را ترجیح داده » کنده شده بهر کدام آنها داده است

جهازجنکی . تیزترین قوهٔ بحریه انکلیز « سوفت » ۳۹ میل بحری فیساعت سرعت دارد ولی جهاز جنکی جرمن « غوبن » نام که حالا درتحت تصرف دولت علیهٔ عثمانیه است ازان هم سریع تر است وبلکه کفته میشود که از جمیع جهازات روی زمین نیز وچالاکتر است .

برشهر اسیق ، واقعه فرانس جرنیل جرمنی ۴۰۰۰۰ پوند تاوان جنك حواله کرده بود و این مبلغ تنها از باشندکان شهری آن وصول شد .

حکومت فرانس ، تصاویر طیاره های جرمن را برنکهای کاغذ چاپ کرده برفوج خود تقسیم نموده تا آنها دروقت تصادف طیاره ها طیاره های دشمن را شناخته وبغلطی برطیاره های بلژیکی وانکلیزی فیرنکنند .

در ساختن دریدنات ، نام بزرکترین جهاز های جنکی ۱۲ لك پوند صرف میشود . برپرواله ها ودیگر ماشین های آن

قریب ۳ لك پوند خرج میشود . وتنها برماشین الکتریکی آن قریب ۵۰ هزار پوند . وتنها بریکتوپ آن ۱۰ هزار پوند . برنصب نمودن یکتوپ ۱۲ انچه باهمهٔ اسباب آن معقیمت توپ یك لك پوند صرف میشود .

(مترجم عبدالرحمن)

آخرترین خبرها

خلاصه از اخبارهای اردو وانگریزی

بسبب سرماهای شدید دررزمگاه مشرق ومغرب نسبتاً جنگ آرام ترشده است .

هز مجستی شاه جارج برای دیدن ودلداری افواج خود بفرانس آمده است

خبرهای بسیار باشدومدی که درباب پسپائی وشکستهای فاش جرمنها ازروس‌ها ازچندی اشاعت مییافت اخبارهای آخرین انگریزی واردو آنرا مبالغه آمیز نوشته‌اند واصل واساسی دران ندیده‌اند .

امپراطورجرمن گاهی درمیدان رزمگاه مشرق وگاهی درمیدان رزمگاه غرب اثبات وجود میکند .

جرمنها ازهیچگونه خدعه‌های حربیه خودداری نمیکنند ، وهمه عیاری وطراریهای جنگی‌را بکار میبرند : مثلا مهرهای ساختهٔ « داکخانهٔ » پاریس‌را ساخته‌اند که برپاکتها میچسپانند تا بداناند که جرمنها درپاریس میباشند . دیگراینکه بهتبدیل لباس وتغییر صوت وتقلید لهجه وشکل بارها بهبازی‌دادن خصم خود کامیاب می‌آیند . ازهمه عجیبتر که درنزدیکی خندقهای فوج دشمن خود یك جنازهٔ میگذرانیدند که درپیش روی آن جنازه یك پادری انجیل بدست گرفته میرفت وچند نفر سوگواران ازعقب جنازه بلباس ماتم میرفتند . افسر برطانوی که یك افسر نرمدلی بود ازدیدن آنحال بعسکر خود حکم داد که برپاشده جنازه‌را سلام واحترام کنند . پادری ردسلام کرده خادم جنازه‌رازمین گذاشته شد ، وازجنازه یکطوپ سریع آتش ظهور نموده بفیر آغاز نهاد ، وتابه آخرترین نفری را که درخندق مذکور بودند طعمهٔ آتش ساختند .

ازامستردام ۳۰ نومبر : — نامه نگار اخبار هندلز مینویسد که دریتوقت درمیان دریای‌ایزر ، وریپس جنگ بسیار خونریزی وقوع پذیر میشود . جرمن یك لك لشکر تازه‌دم‌بهیپرز روانه کرده است که درباب حاصل کردن فتح بردشمن به‌آخرترین درجه کوشش نماید .

ازلندن ۱ دسمبر : — ازخبر رسمی پاریس معلوم میشود که توپخانه‌های دشمن کار گذاری بسیار شدیدی اجرا میکند ولشکرهای‌شان حمله های پی‌هم ازجهت شمال‌اراس برسراتحادیان می‌آورد .

امستردام ۱ دسمبر : — خبرهای رسمی برلین شایع میکند که جرمنها کامیابیهای نمایانی درپولیند حاصل کرده‌اند و۹ هزار اسیر و ۴۸ توپ وگله وباروت بسیار وبسی سامان حرب بدست آورده‌اند .

(مستملکات جرمن درمشرق افریقه)

نیراعظم مرادآباد :

وزیرهند درین وقتها در « هاوز اوف لوردز » « دارالامرا » اعلان کرده بود که درمستعمرات جرمن مشرق افریقه مابین ۵و٦ هزار جرمن اقامت داشتند ودران عسکرهای زبردست بحری‌را ازمشرق بعید ودیگر حصص دنیا آورده اضافه کرده که ازان یك عسکر بسیار مدهش که باتوپ های سریع‌النار مسلح میباشند بوجود آمده .

(تنقیض درخبرها)

همعصر نربل سیوك ٤ دسمبر :

ازوقتیکه حرب آغاز شده خبرها آنقدرنقیض همدیگرمی آیند که مثل آن درهیچوقت دیده نشده اگر ازیك تلگراف خبرعقب نشستن جرمن میشنویم ازدیگر تلگراف خبرتوپهٔ هوشیررا بر « گیل » ملاحظه میکنیم واگر یکی تصدیق فتح روس‌را میکند دیگر قید شدن چند هزار روسی‌را بما اطلاع میدهد . حالا انسان حیران میشود که کدام‌را غلط وکدام‌را حقیقت وکدام‌را باور وکدام‌را ناباور خیال کند وازاشاعت چنین خبرها خبرهای حقیقی راهم انسان اعتبار داده نمیتواند که ازان خواندن و نخواندن خبرها یکسان است ازاروپاباید که آدم بیوز برود تاکیفیت اصل راخود معلوم کند ویا آنکه خود را ازخواندن اینقدر خبرهای متضاد منزوی سازد

(کذا) (ناکامی مونتینگرو « جبل اسود »)

درهفتهٔ گذشته ازعقب نشستن سرویا خبر داده بودیم دربیهته اینست که ماتی نیگرو « جبل اسود » نیز در مقابل اسٹریا عاجز وناکام شد وبالنتیجه سه دولت خورد شدند که آنها در مقابلهٔ اتحاد ثلاثی تسلیم کرده ومیکنند .

کذا (دو مملکت از ممالك امریکا جرمن‌را امداد میکنند)

« اکویدور » و « قولومبیا » دوعلاقهٔ امریکای جنوبی جرمن رامعاونت میکنند استیشن های تلگراف بیسیم خودهارا بکلی بدست جرمنها سپرده اند که ازان جمیع حوادث وحالات برای‌شان معلوم میشود ازین استاسیون های تلگراف بیسیم بسال گذشته درینجاها نصب شده‌اند وازسبیکه بسیار کلان‌اند خبرها به بسیار آسانی از « چیلی » وامریکای شمالی‌بجرمنها میرسد . ازانرو بریطانیا ازین دو دولت جواب طلب گردیده واز حکومت جماهیر متفقه نیز توصیهٔ آنها را دعا کرده است .

پشاور دیلی نیوز : (سفیر جرمن درروما)

لندن ٥ دسمبر :

تلگراف روما مظهر است که جانشین سابق جرمن « پرنس وان بیلیو » در روما پایتخت ایطالیا سفیر جرمن مقرر شده که زوجهٔ او از یکخاندان بسیار معزز ایطالیا ست .

ازازو خیال کرده میشود که مدعا ازتقرر او اینست که ایطالیارا از معاونت دولتهای متحده بازدارد .

درچهاپ خانهٔ حروف دارالسلطنهٔ کابل طبع گردید
همه مقاله‌هائیکه دستخط ندارد ازطرف مدیر وسرمحرر تحریر یافته
محمود طرزی

اعلان

سیاحت بدورا دور کرهٔ زمین

چقدر فایده ها وشیرینیها دارد ! علی الخصوص
که آن سیاحت با آن بزرگی ووسعت
به هشتاد روز
اجرا شود ! آرزو کننده گان این سیاحت
خارق العاده هرگاه برای خریداری کتاب

(سیاحت بدورا دور کره زمین)

بهشتاد روز

بقدر دو روپیه کابلی یک مبلغ کمکی را صرف نمایند این سیاحت را گویا (فلیاس فوق) سیاح ورفقایش یکجا اجرا کرده خواهند بود : محل خریداری این کتاب دکان (ملاغلام محمد) تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی میباشد ، ودرنفس مطبعهٔ عنایت که دردهٔ افغانان است ازنزد عبدالرؤف سرمرتب نیز خریداری میتوانند .

مؤلف این کتاب (ژولوورن) فرانسوی است که درنوشتن ناولهای فنی مشهور آفاقست . ازفرانسوی بترکی وازترکی بفارسی ترجمه شده است . کتاب مذکورتنها ناول نی بلکه درناولفن جغرافیا وجغرافیای ریاضی را نیز بطرز افسانه نشان میدهد .

در (مطبعهٔ عنایت) که از مؤسسات شهزادهٔ جوانبخت معظم دولت علیه افغانستان جناب عالی (معین السلطنه سردار عنایت الله خان) است بزیور طبع آراسته شده است . این کتاب نایاب را زود بدست آرید وفرصت را فوت مکنید که نسخهای آن زود تمام خواهد شد وافسوس فایدهٔ نخواهد بخشید .

اعلان

از هر دهن سخنی و از هر چمن سمنی

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه را مژده میرسانیم ، وترغیب میدهیم که ازین گنجینهٔ پر از جواهر آبدار ، وازین گلزار پر از ازهار یکیک نسخهٔ بدست آورده ازهر دهن سخنی بشنوند ، واز هرچمنی سمنی بچینند .

درمطبعهٔ عنایت بزیور طبع آراسته گردید . قیمت ۲ روپیه

* * *

اعلان

سیاحت در جو هوا

یک ناول فنی بسیار عجیب وغریبست که در مطبعهٔ عنایت بزیور طبع آراسته شده وسومین کتاب (کتبخانهٔ مطبعهٔ عنایت) را تشکیل داده اینهم از تألیفات (ژولوورن) فرانسویست که درفن اول نویسی آن شهرهٔ آفاقست از زبان ترکی بفارسی ترجمه شده است بقیمت (۲) روپیه کابلی بفروش میرسد .

این هرسه کتاب در دکان باز محمد در بازار ارک و در دکان ملا غلام محمد در جوار مدرسهٔ شاهی هریک بقیمت دودو روپیهٔ کابلی بفروش میرسد .

کتابهای مذکور درنفس مطبعهٔ عنایت واقع دهٔ افغانان ازنزد عبدالرؤف سرمرتب مطبعهٔ موصوفه نیز خریداری میشود

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا
یاد آوری میکنیم

مدتهای زیادی کوشش کردیم که از شکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خود رهائی یابیم ممکن نشد لهذا باداکخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یك مقاوله نموده داکخانهٔ مشار الیه تقسیم وتوزیع اخبار مارا که بهمه مشترکین کرام ما رساند در عهدهٔ همت خود قبول نمود. مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را تبشیر ویاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فرداً فرداً بواسطهٔ آدمهای داکخانه بخود شان میرسد.

اعلان

روضهٔ حکم

(از آثار مطبوعهٔ جدیدهٔ مطبعهٔ عنایت)

این کتاب اخلاقی، دینی، ادبی، یك تربیت که از احادیث شریفه وفقرات مفیدهٔ اخلاقیه مانند یك گنجینهٔ جواهری میباشد ودرین روزها زینت بخش عالم مطبوعات گردیده است درنفس مطبعهٔ عنایت از نزد عبدالرؤف خان سرمرتب ودر بازار ارك از دکان بازمحمد کتاب فروش واز دکان ملا غلام محمد کتاب فروش متصل مدرسهٔ شاهی بقیمت دوروپیه کابلی هر کس خریده میتواند.

اعلان

مصور

۲۰۰۰۰ فرسخ

سیاحت درزیربحر

درحالیکه دو گز در زیر بحر فرو رفتن موجب هلاك شود آیا بیست هزار فرسخ سیاحت در زیر آن چسان ممکن خواهد شد! هر که درین باب شبهه دارید در خصوص بدست آوردن کتاب (۲۰۰۰۰ فرسخ سیاحت درزیر بحر) سهل انگاری نکرده بقیمت ۴ چهار روپیهٔ کابلی ازده افغانان از نفس مطبعه عنایت، یا ازدکان باز محمد ازبازار ارك، یا ازدکان غلام محمد ازبازار متصل مدرسهٔ شاهی بزودی خریداری کنید، وبخوبی بخوانید، وتصاویر آنرا بدقت تماشا کنید تا شما قناعتاً ثابت شود که سیاحت در زیر دریاهای شور بسر بردن ممکن، یا غیر ممکن است!

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

شمارهٔ ۸ — سال چهارم

فهرست مندرجات

حوادث داخلیه	تعویق سفر خیریت اثر جلال آباد — مکتوب از دفتر مکتوب نویسی — سیلاب — ایضا مکتوب از دفتر مکتوب نویسی — مراسم هزار تحسین
ادبیات	هوای کابل — در مذمت دی زمستان و تعریف پوستین — غزل افغانی — غزل کلام جناب مستغنی
مکتوب منظوم	از راول پندی —
تقریظ	کلام جناب مسلم —
اهمیت تاریخی وفنی	صنعت رسامی فن تصویر —
حوادث خارجیه	ایران و جنگ کنونی — المان و عالم اسلام — تلگراف امپراطور المان — عملیات هوائی المانها — آسمان پاریس — عدد طیاره های دول جنگجو — عثمانی و ژاپن — وبای بم — ایران و روس — عثمانی و حجاج — توپ بی‌صدای جرمن — حکمت عملی ایطالی — تسخیر شهر شهیر لیج واقع بلجیم — آخرترین خبرها — فتح لودز — خط حرکت عثمانی — عثمانی و مصر — تقریر برخلاف دولت بریتانیا — گلوله باری جهاز های جنگی جرمن — اثر جرمن‌ها در چین — تأثیر جنگ بر امپراطور جرمن —
تصاویر	جناب شاه ولیخان رکاب باشی حضور همایونی — عبد الهادی خان و عبدالرحمن خان محرران ادارهٔ سراج الاخبار افغانیه — از یادگار های تاریخی جناب میرزا حبیب‌الله خان مرحوم که در عصر اعلیحضرت امیر شیر علیخان مغفور مستوفی الممالک بود — کرنیل پیین بیگ‌خان مامور جباخانه عبدالکریم خان سرسلمنر غند دار السلطنهٔ کابل —

(اعلان)

کتاب سال اول وکتاب سال دوم سراج الاخبار افغانیه با کتابچهٔ (علم واسلامیت) و (آیاچه باید کرد ؟) و (ادبدرفن) جلد کرده شده در اداره برای فروش حاضر ومهیاست . ذواتی که آرزوی خریداری آنرا داشته باشند ازنزد مدیر طلب نمایند

شرایط خریداری

دار السلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیهٔ کابلی	ششماهه	هشت روپیهٔ کابلی

در خارج افغانستان

هرجائیکه باشد با اجرت پوست

قیمت سالیانه	ده روپیه انگلیزی	قیمت ششماهه	شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراک قبول نمیشود

یك طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

رعیهٔ کارداران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود:

اگر از یك جا بدیگر جا رو بدو یا بند میباید که بیك رقعه مدیر وسر محرر را خبر بدهند که من در فلان جا بودم وحال در فلان جا میروم اخبار مرا در انجا بفرستید . هرگاه همچنین یك رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا در سراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، ویا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تابه پنج بار نشر وشایع شود برسرهر سطر ، یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر یك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تابه پنج بار فی سطر یك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطر یك ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تا یك سال نشر کردن خواهد ووجه یك ساله را پیشکی ادا نماید در ورق پشتی ز هر سطری سنار اجرت گرفته میشود

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

شمارهٔ ۸ سال چهارم

فهرست مندرجات

حوادث داخلیه	تعویق سفر خیریت اثر جلال آباد — مکتوب ازدفتر مکتوب نویسی — سیلاب — ایضا مکتوب ازدفتر مکتوب نویسی — مراسم هزار تحسین
ادبیات	(هوای کابل — درسردی زمستان وتعریف پوستین — غزل افغانی — غزل کلام جناب مستغنی
مکتوب منظوم	ازراول پندی —
تقریظ	کلام جناب مسلم —
اهمیت تاریخی وفنی	صنعت رسامی فن تصویر —
حوادث خارجیه	ایران و جنگ کنونی — المان وعالم اسلام — تلگراف امپراطور المان — عملیات هوائی المانها — آسمان پاریس — عدد طیار های دول جنگجو — عثمانی و ژاپان — وبای بم — ایران وروس — عثمانی وحجاج — توپ بی‌صدای جرمن — حکمت عملی ایطالی — تسخیر شهر شهیر لیج واقع بلجیم — آخرترین خبرها — فتح لودز — خط حرکت عثمانی — عثمانی ومصر — تقرر برخلاف دولت برتانیا — گلوله باری جهاز های جنگی جرمن — اثر جرمن‌ها درچین — تأثیر جنگ بر امپراطور جرمن —
تصاویر	جناب شاه ولیخان رکاب باشی حضور همایونی — عبد الهادی خان وعبدالرحمن خان محرران ادارهٔ سراج الاخبار افغانیه — ازیادکار های تاریخی جناب میرزا حبیب‌الله خان مرحوم که در عصر اعلیحضرت امیر شیر علیخان مغفور مستوفی الممالک بود — کرنیل پتین بیک‌خان مامور چاپخانه عبدالکریم خان سر سلمشر عند دار السلطنهٔ کابل —

از دفتر مکتوب نویسی نوشته اند

محمد حسین خان نائب حاکم مرغاب نوشته است که از تاریخ یوم چهارشنبه غره الی روز پنجشنبه ۹ ماه ذی الحجة الحرام روز وشب سه ساعت الی چهار ساعت اندك اندك باران شده روز پنجشنبه ۹ ماه مذکور بعمل پنج ونیم بجه طرف عصر ژاله باریده بقدر یکچهارك ژاله بحدود پنیرك مرغاب افتاده بعمل هفت بجه شب جمعه ۱۰ از ناوهٔ کوه سیلاب جاری گردیده از قشلاق ملك ولی محمد — وملك حاتم قوم موسی زائی ساکنین موضع مذکور یکنفر رهگذر — ویازده نفر ذکور واناث کبیر وکبیره وصغیر وصغیره را هلاك کرده است وبیست وچهار خانه پلاس را معهٔ متروکات آن وچهار صد روپیه نجده نقد — وهشتاد خانه دیوارپل پوش وسه راس اسپ نر — وهشت راس ماد یان — وشصت راس عوامل — وهشتصد وپنجاه راس گوسفند نر وماده — وهشتاد جوال گندم که درهر جوال از یازده آثار الی بیست وپنج آثار گندم بوده — ویکمیل تفنك بغل پر — ودومیل تفنك دهن پر ویکمیل تفنکچه شش تکه — وپنج خیرطاحونه را سیلاب برده است — ومقدار پنج ونیم خروار کابل تخمریز اراضی را آب برده وسنگلاخ ساخته .

سیلاب

تحریر یوم جمعه ۱۷ شهر ذی الحجة الحرام سنه ۱۳۳۲ :

از محال چیچکتو علاقهٔ میمنه مینویسند :

قریب ۱۲ یوم میشود که درین جا کم کم بارش میبارد دریوم پنجشنبه ۹ ماه حال عمل ۵ بجه تاهشت بجه شب چنان بارش بشدت تمام بارید که درین مدت سه ساعت زمین زمان را آب وسیلابهای پرخوف ورهیبت هولناك گرفتند — درموضع پنیرك علاقه بالامرغاب از خیل ولی محمد نام موسی زائی مال دار یازده نفر ۳ مرد و ۸ زن برده اند از حیوانات اشتر ۳۰ فرد اسپ ۹ راس گاو ۴۱ فرد وگوسفند هارا نیز از هرهرجا خیل برده اند غیر از خیل ولی محمد نام مذکور در دیگرجا آدمی زادرا نبرده اند واز اسباب های خانه ظرف وغیره وقزدی ها وپوشاك چیزی برای مردم مال دار های کوچی علاقه میمنه وعلاقه بالامرغاب نمانده کامل سیلاب ها برده اند وزمین وباغیات وغیره مزروعات کلی سیلاب ها خراب نموده اند این قسم سیلاب درهیچ ایام کس ندیده ونشنیده بود — الحال هوا خیلی خوش میباشد تمام روی زمین سبز گشت گوسفند وره ها به علف های سبز است —

شنبه ۲۳ محرم الحرام سنه ۱۳۳۳

از دفتر مکتوب نویسی مینویسند

قرار اطلاعدهی حاجی محمدامین خان نائب حاکم قلعهٔ نو در باب حدوث باران وژاله بتاریخ ۹ ماه مذکور بموضع مزبور نگذشته است — از ناشلاق ، یکراس مرکب ودو فرد عوامل واز خوشه مرغ سه فرد عوامل ، واز پسر حاجی جهان مشوانی دونفر اشتر ، ویکمیل ، تفنگ ، واز خیل امیر غلجائی باشنده شلقن وکلالی ، اشتر هفت نفر بواسطه طغیان سیلاب ضایع وتلف گردیده — وآب رود قادس طغیان کرده جوی افغانیه را درسقور خراب وپرریك کرده — ساکنین انجا آب خوردن ندارند — ونیز درعلاقه قادس سیلاب بسیار آمده چشمه سار هارا پرریك وخاك نموده راه جریان آب مسدود گردیده طاحونه ها از گردش مانده — از قوم عبدالقیم کوتل طوغانه هفت باب واز قوم لودین مقیم آبشاره ، دوخیل تلف گردیده — ودرخت های طوایف بزغری را انداخته اراضی مزروعی ومحوطه های رشقه ودیوار مردم بوبه را خراب نموده — بعضی دیوار های طایفه کندلان مقیم کوك جابل را انداخته ، بفضل ومرحمت الهی آدم ضایع نشده .

مراسم هزار تحسین

(اسلام علیکم) ورحمة الله وبرکاته مورخه لیل ۲۶ رمضان المبارك ۱۳۳۳

جناب ادیب محترم فاضل معظم مدیر ومحرر سراج الاخبار فواید اظهار افغانیه را خداوند حافظ وناصر باد — جناب بنده از قرار جراید اخبارات عالم که حالا مطالعه ومشاهده میشود مجسم یك تقریر دل پذیر (مقاله مخصوصه) وتصویر بی نظیر (جنك عمومیه) که بتاریخ ۱۵ ماه رجب ۱۳۳۰ مطابق شمارهٔ ۱۹ سال یکم سراج الاخبار فواید شعار افغانیه از ضروری بودن جنك عمومیه بحث وبیان فرموده بودند وخلاصة الخلاصه آن این بود که [آیا اوروپا ازین قدر سال های سال که این همه اختراعات محیرالعقول قتل وقتال وجنك وجدال را که بروی کار آورده اند هم چنین معطل وبی کار بگذارند وهیچ تجربه نکنند که دسته های کشتی جنگی دریدناوتها ووزرهپوش ها کروازورها وطورپید ها وقوت انجنیرهائیکه دولتهائی اوروپا بمبلغ های عظیمه وخون جگر خوردنهای بدیعهٔ حاضر وآماده ساخته اند دربحرهای عظیمه چه نتیجه ها می بخشد — اروپهلان ها ، بالونها ، بومبه های روی هوا برقوای بحریه وبریه آیا چه تاثیرات اجرا میکند آیا توپ ها و پهلوانهای ارکان حربیه هر دولت که هرکدام شان میگوید منم ودیگری نیست درمیدان امتحان نیاید واصول تعلیم وتربیه فنون تعبیه این قدر اردوهای مکمل ومنظم اوروپا معلوم نشود ، که کدام یك بهتراست ؟ واگر بگویند که این همه قوای بریه وبحریه وهوائیهٔ شانرا برای استعمال کردن بممالك شرقیه غیر مقاوم حاضر نموده اند این سخن هیچ فایده وثمره ندارد زیرا درجه شدت وقوت از درجه شدت مقاومت بظهور میاید . مثلا اگرکه های ۳۵ و ۲۸ سانتمتره ئی را بر قلعه های خشت خام بلادشرقیه بیندازند درجه شدت

آن طوپ ظاهر واشکارا نمی شود بهمه حال آنرا بفولاد های بمقاومت زرههای درینها استعمال باید کرد تادرجهٔ قوت آنها پدیدار شود — بلی بلی یک جنگ عمومی اوروپا بسیار ضرور است وهم لابد شد نیست ضرور باید شود. ازصلح عمومی چه کنی هرزه سرائی . ای نوع بذر صلح نباشد بنهادت . از جنگ عمومی سخن گوی چو محمود . تاآب حیاتی بشناسند مدادت ...] سبحان الله ، وبرحکم الله ، ای جناب محترم ، الحق که هر کلام حکمت انجام جناب شما محقق درعرصهٔ جولانگاه تحقیق بظهور درامد باوجودیکا کثریه سیاسی دانان عالم جریده های خودها بالعموم ازصلح عمومی رای مینمودند وراه میپیمودند ، وتصور وتفکر باریک فهم ذی ذکاء جناب شما بمنصهٔ شهود موافق گشت باقی قارئین کرام وبرادران ذوی الاحترام وطن مقدس ما افغانیان را ضرور می باید که ازمطالعه جریده سراسر فایده مملکت عزیز خویش خودها را محروم نمانده بکمال حرمت مواظبت ومداومت نمائیم که تاازداخل خانهٔ خود که عبارت ازمملکت مقدسه خودماست وخارج خانه مملکت غیراشنا ودانا گردیم ، زیاده از جناب حضرت حق جل علا سلامتی ذات خجسته صفات قبله گاه حقیق ورق خواه تحقیق ماسلمین اعلیحضرت (سراج الملة والدین) نیاز وتمنادارم . وصحت مندی جناب ادیب کامل آموده شمارا نیز التجا دارم فقط کمینه نجم الدین دفتری ناظم حضور معی مخلص شما

آدبیات

« هوای کابل »

هوای شهر عزیزما دفعهٔ یک تبدلات غریبی بکاربرده عوالم عضوی وغیر عضوی را زنجیر بند اسارت برودت نمود . از آغاز داخل شدن آفتاب ببرج قوس سرما بزتیر شدت قوت سردیٔ خودرا بزه نموده عالمی را آماج دل افسردگی ساخت .

از قرار ربوت سر دروازهٔ ارک مبارک درجهٔ حرارت هوا از قرار قاهر نهایت در ۶ ماه قوس مطابق ۹ محرم بدوازده بجهٔ روز ۵۳ درجه نشان داده شده است که بعدازیکهفته یعنی دریوم شنبه سیزدهم ماه قوس دفعهٔ تابه ۳٤ و ۳۲ درجه تنزل نموده است . ابرهای کثیف بادهای مخالف از اول ماه قوس بوزیدن وباریدن آغاز نموده چند روز بارانها ویخ بندی دوام ورزید . تاآنکه یوم چار شنبه ۱۰ قوس . و ۱۲ محرم الحرام باریدن برف شروع نموده دوسه روز متمادیاً بارید وهشت تا نه انچ ودر بروزها گاده دوازده انچ برف برروی زمینها وپشته ها و دامانها تراکم نمود .

شدت سردی آبها را منجمد کرده ازجریان بازداشت . بعضی شلاله ها وآبشارهارا یک بلورستان تحویل داد که ستونها وشمعها وآویزه های بلورین عجیب وغریب آن نظر ربائی ممالک قطبیه را

بخاطر مبآورد ! درینجا چند شعر چون سحر حلال والد ماجد مرحوم حضرت طرزی صاحب مرحوم بخاطر آمده تبرکاً تذکار میشود :

(شتائیه)

رسید موسم دیماه و اربست نقاب
کنون بموقت درنگست ساقیا بشتاب
برغم لشکر سرما بگیر ساغرمی
بدفع باد مخالف بنوش بادهٔ ناب
شکوفه بار چوشد برف ودرفشان باران
زمان زمان میاست واوان اوان شراب
زسرد مهریٔ فصل شتاو شدت برد
خنک کسی که شود گرم زاتش می ناب
هوازکثرت برفست همچوقلزم زرف
زمین زموجهٔ یخ شد چو لجهٔ سیماب
زمین زبرف شده همچو زمهریر ازیخ
جهان زآب شده چون حباب خانه خراب
زبسکه برف بیارید زاسمان بزمین
گذشته ابلق ایام را زپشت رکاب
کراست طاقت دیدن کنونکه ازسرما
نقاب دار شده آفتاب هم زسحاب
زبس تموج ابرو تلاطم باران
زآب خانه بدوش است عالمی چو حباب

§

امسال ازقران چنان معلوم میشودکه زمستان برخلاف پارسال خیلی سخت گیری بکار برد . زیرا دراول پیاله درد بار آورد . غالبا آتشهای سوزان طوپها وتفنگها وبمبه های بری وبحری وهوائی که در هرهر طرف دنیا شعله افروز خون آشامیٔ نوع بشر شده است بکرهٔ نسیمی تأثیر طبیعیٔ خودرا اجرا نموده که هوارا ببخار ماه منقلب ، وبیوست رااسراسر منقلب ساخته است وآن بخار ماه ازخوف وهراس آن آتشبارها تابه طبقات بسیار بلند کرهٔ زمهریر قرار کرده درانجا بوجهٔ قانون انجماد گرفتار ، وبکیفیت برف برروی زمین نزول نموده است .

(دمه دم فرورفت چون چشم گرگ)
(شده کار گرگینه دوزان بزرگ)

این فرد جناب مولانا نظامیٔ گنجوی رحمةالله علیه بدرجهٔ یک معیاری مطلق افتاده است . حالا که شدت برودت وقت حاضر کسی رایارای گشودن انجمن معماهارا نمیدهد ، درینوقت شعری باید بشنویم که یک جرعهٔ دفع دستبرد برد را ازان استنباط بتوانیم . اگر میخواهید که ازان یک شعری بشنوید کمندی به شاعر شیرین بیان از نصح مفلس بدین مجلس شیر احمد خان مخلص گوش بنهید که چه میگوید :

(در سردی زمستان)
(وتعریف پوستین)

وقت گرمی رفت آمد روز کار پوستین
شد هوا سرد وزرق کرد کار پوستین
در چنین عهد وزمان خرم کسی کورا بود
منزل وماوا باوطان ودیار پوستین
همچو بید از شدت سرما همی لرزد تنم
گردمی دوشم سبك باشد ز بار پوستین
ایدل از نقدی بکف داری ره بازار گیر
نقد خود را بی توقف کن نثار پوستین
از شبیخون سپاه برد کز خواهی پناه
مامن خوش نبودت غیر ازحصار پوستین
اطلس و کمخواب در کابل بهنگام شتا
قیمت و قدری ندارد در دیار پوستین
این زمان کشمیره و ماهوت با کرك و برك
گشته‌اند ازصدق دل خدمتگذار پوستین
جامه های پنبه دارو پشمی و شال و پتو
چون غلا مانند پیش شهر یار پوستین
اهل کابل در خزان گویند یك بادیگری
موسم گل رفت و آمد نوبهار پوستین
رونق زلف بتان را برده در ایام دی
کاکل زولیدهٔ تابدار پوستین
درزمستان وقت ما و پوستین باهم خوش است
اوست غمخوار من و من غمگسار پوستین
وصل معشوقانه هر شام وسحر دارد بمن
او در آغوش من و من در کنار پوستین
اغنیا گر از سمور وقاقم وسنجاب وخز
میکنند ازبهر خود نقش و نگار پوستین
من بجلد گوسفند و بره دارم اکتفا
بسته ام در بند زیب و افتخار پوستین
کشور غزنین و کابل خرم و معمور باد
کاین دو شهر آمد یکی نامدار پوستین
هرکه زکیش زاول کرده روحش تازه باد
میرسد اورا ثواب و فیض کار پوستین
پوستین دوزا شنو بند صبا ویکدمی
دست وسوزن را مکن خالی ز کار پوستین
پوستین لغز را از بهر شیر احمد بدوز
کاندرین سرما شود او کامکار پوستین

غزل افغانی کلام صالح محمد خان ازمعلمان مدرسهٔ حبیبه

دصندل غزل

به کابل کی چه استیزی یار به وری دصندلی
که له لوزی یو گیزی غم به خوری دصندلی
کدی چه هم دستار توی او به پشودی پزار توی
خوراشه او لوی تلتك به رغوی دصندلی
کدی چه خونه یخی وی لوپشت به لوپشت دا کښی وی
لس به لس کی لوی نفری به جوروی دصندلی
له اول به د قوس ز آخر د حمل
پزه میاشتی به کامل تعظیم کوی دصندلی
شکوه مه کوه (افغان) سندل عظیم نعمت دی
څه شه خوند که تودی شپی او مرکی دصندلی

یك غزل غرای فواید نمای جناب مستغنی

چونکه از بی هنران شخص هنرور خوبست
پیشه کن علم و هنر جان برادر خوبست
خوبی شخص بود علم و ادب عقل و خرد
خوبی آن نیست که گویند بگوهر خوبست
خوبی مملکت از اهل کمال است و هنر
چون شوند اهل هنر بیش بکشور خوبست
ظلمت جهل کند خانهٔ دولت تاری
اگر از نور معارف شود انور خوبست
گرد ازین روی بهر گوشه مدارس جاری
آن کس از نور خرد سینه منور خوبست
آنکه اقبال باو خادم و چاکر نیکوست
آنکه فتح و ظفرش همره لشکر خوبست
شاه بیدار جوان بخت سراج ملت
که خیالات نکویش همه یکسر خوبست
هر چه او میکند اندیشه سراپا نیکوست
هر خیالی که کند پیشه سراسر خوبست
خواهش هر نفسی دولت و اقبال مزید
آخرین منزل او برلب کوثر خوبست
اینچه شعراست وچه گفتار نکو (مستغنی)
گر نمایند غزلهای تو از بر خوبست
خواندن شعر تو هر چند مکرر خوشتر
آری آری چو شود قند مکرر خوبست

منظوم ازرا ولیندی

الا ای حضرت محمود طرزی الا ای زادهٔ مسعود طرزی
بحمدالله که دردست سراج است سراجی روشنی بخش ووهاج است
شده موسوم این فرخ جریده بنام پادشاه برگزیده

سراج دین و ملت پادشاهی
که باشد دین و ملت را پناهی
شهٔ عالی گهر والا مناقب
رفعه الله الی اعلی المراتب
محب اهل علم و علم پرور
باهل فضل و دانش یار و یاور
چو بگرفتی بکف شمع هدایت
بکن شرط هدایت را رعایت
زعلم و فن و حکمت نغمه سر کن
همه افراد ملت را خبر کن
بعلم اهل وطن را راهبر باش
پیام علم را پیغامبر باش
زمن این پند پیرانه نیوشند
پی تحصیل علم ازجان بکوشند
که این دوراست دور علم و حکمت
بحکمت تکیه‌دارد ملک و دولت
بعلم و فن مسلمان بود بانی
نبودش کس عدیل و مثل و ثانی
چرا این راهبر گردید گمراه
چرا دریوزه گر شد این شهنشاه
چرا شاگرد شد استاد عالم
چرا خود صید شد صیاد عالم

(جناب شاه ولیخان رکاب باشی حضور همایونی)

رواج علم باید عام باشد
بهر کس جرعهٔ زین جام باشد
بود لازم که در دار الامارت
شود قایم عظیم الشان عمارت
پی تعلیم هر علم و کمالی
حبیبه بود روشن مثالی
بامصار و قرا و هم بدیهات
شود تعلیم و تدریس کمالات
بود تعلیم بروفق طبایع
زعلم و حکمت و فن و صنایع
بهر شاه و گدا باید نصیبی
رسد از حسن تعلیم و ادیبی
که تا هر کس زاشراف و اراذل
کند از علم و فن طی منازل
رذیل از علم می‌یابد شرافت
بدل گردد کثافت بالطافت
بداند هر کس از احکام داور
حقوق بنده و هم بنده پرور
بداند نفع خود را هم ضرر را
تواند امتیاز خیر و شر را
شناسد دوست را از دشمن خویش
تواند کرد فرق نوش از نیش
عدو را نشمرد بیچاره و خوار
بافسونش نگردد غره زنهار
ترقیات عالم را بداند
قدم از سعی در میدان بماند
بهیبت اسب همت را براند
بکام خویش تا منزل رساند
بداند چیست اسباب تعلی
تنزل شد چرا جای ترقی
چرا اسلام در هرجا غریب است
چرا مسلم ز دولت بی نصیب است
اراذل را در مقصد بدامان
چرا اشراف در یاس‌اند و حرمان
چرا بی بهره‌اند از اختراعات
مسلمانان ز ایجادات و صنعات

مسلمانان چرا گشتند مدبر
مسیحان را شده اقبال یاور
چرا کفار در جاه و جلال‌اند
مسلمانان ز نکبت پایمال‌اند
خران را طوق زرین زیب گردن
ز پالان گشته مجروح اسپ را تن
چرا بلبل دگر نغمه سرا نیست
چرا طوطی بگلشن در نوا نیست
چرا شد آشیان ویران هما را
چرا ناز است بوم بد لقا را
چرا شد سفله هر جا صدر محفل
شریفان را شده پاها به منزل
چرا کبک دری را نیست رفتار
چرا زاغ سیه نازد بکوهسار
چرا کفار را بهره زید است
چرا حظ مسلمانان بحسرت است
چرا کفار را شهد است در جام
چرا بس تلخکام‌اند اهل اسلام
مسلمان را چرا در کیسه زر نیست
چرا بر سفره‌اش مشتی شکر نیست
چرا در کنج کافر زر بانبار
پراست و شکرش باشد بخروار
مسیحی را چرا صید است در دام
مسلمان را چرا آهو نشد رام
ز وصل یار مسلم ماند ناکام
مسیحی راست اندر بر دلارام
عدو الله ز دیبایش لباس است
محب الله قمیصش از پلاس است
چرا بر اوج عزت رفت جاپان
چرا در فقر و ذلت شد خراسان
چرا از غیر مستغنی است جاپان
چرا محتاج غیر آمد خراسان
چرا قصر مسیحی از رخام است
مسلمان را سرا از خشت خام است
بخوان دشمنان مرغ متنجن
بخانه دوست غیر از نان ارزن

مدار عشرت دنیا بعلم است   مدار راحت عقبی بعلم است
مدار عزت و دولت بعلم است   مدار ثروت و شوکت بعلم است
بعلم آمد مدار کامرانی   ببخشد علم لطف زندگانی
کسی کو فارس میدان علم است   دلش را بهره از فیضان علم است
بود بر مسند عزت مقامش   زنندش سکهٔ دولت بنامش
بهر محفل که باشد صدر باشد   بهر مجلس رود باقدر باشد
قدم را رنجه فرماید بهرجا   زدیده فرش راه سازند اورا
نشانندش بعزت برسر و چشم   برندش ناز و بردارند زو خشم
بهر راهی که بیاید بپویند   بصدق دل رضایش را بجویند
کمر بندند بهر خدمت او   به تعظیم و ادب در حضرت او
چو از تقریر افشاند درر را   ببندد از زبان سلك گهر را
بهر حرفش همی گویند احسنت   بهر لفظش همی خوانند صدقت
زهر گوشه صدا آید سمعنا   بود برهر زبان انا اطعنا
همان قومیکه در علمش قدم پیش   بود میدان ربا از دشمن خویش
دیارش را بود گر رفتهٔ کم   بود گنجش دو صدره بیش از کم
بعلم و حکمت و تدبیر لاریب   کند کاری که گوئی آمد از غیب
برآرد سد روئین راز پایش   بحکمت آفرین برحسن رایش
بحکمت میزند تیغ قلم را   برد از مدعی تاج و علم را
بحکمت زان چنان کاری براید   که از صد لشکر جرار ناید
بحکمت گوهر از کان میبرآید   بحکمت در ز عمان میبرآید
بحکمت سنگ گردد آبگینه   زخاك آید برون گنج دفینه
ببین فی الحال در دور زمانه   که بر حکمت آمد بر نشانه

عبدالهادی خان
از محرران ادارهٔ سراج الاخبار افغانیه
که در مکتب حبیبیه اکمال تحصیل کرده است

عبدالرحمن خان
از محرران ادارهٔ سراج الاخبار افغانیه
که در مکتب حبیبیه اکمال تحصیل کرده است

ستیم و برق و گیس ایجاد علم است   دردنت و کروزر داد علم است
زعلم اندر هوا طیاره‌ها شد   در آن طیاره‌ها جباره‌ها شد
بیك ساعت شود طی راه یکروز   سفر کوتاه شود بی محنت و سوز
عجب اسپی که کاه و جو نخواهد   نگردد لاغر و در تن نکاهد
زعلم این آدم خاکی بجا کرد   زخاك اندر هوا پروازها کرد
بهر علم و حکمت چون شنا کرد   ز ایجادات طوفانی بپا کرد
گهی کشتی و موتر را بنا کرد   گهی طیاره را اندر هوا کرد
گرو زر بگزیدو سب مرانی   همه درهای حکمت را خزانی
شعاع ایکس رز انداخت رنتن   شد احوال درون جسم روشن
بتشریح بدن چون شد در جوش   اصولش کرد قائم بافروعش
چو هر عضو بدن را کرد تشریح   زاحوال آمد امراضش بتصریح
بعلم طب چنان تنقید کرده   که جالینوس را تردید کرده
اکثری را که مشکل بود در حل   بحالش طی شده جمله مراحل
بسی از عقده‌های پیچ در پیچ   نماند اشکال در وا کردنش هیچ
طبیبان این زمان معجز علاج اند   زبقراط و ارسطو بردماج اند
ز امراضی که سابق لادوا بود   مریضان را شود حاصل شفا زود

غرض علم بدنیا شادکام است بعقبی نیز فائز بالمرام است
معاشش را صلاح مبنی ست بر علم معادش را فلاح مبنی است بر علم
ز علمنا است تاجی بر سر او ز کرمنا ست خلعت در بر او
شرف دارد بشر از علم و عرفان و گر نه هست آن هم مثل حیوان
تلاش علم شد فرض مسلمان حدیث اطلبوا العلم است برهان
بعلمنا ست تعریف تمامش شده طغرای فضلنا بنامش
مسلما کن راه علم پوئید
مرادو کام دل از علم جوئید

غره محرم الحرام سنه ۱۳۳۳
« الحق »
منقام کلر ـ راول پندی ـ پنجاب

تقریظ

کلام جناب مسلم

بشنو ای صاحب خرد سطری ز اخباری چنین
گر ندیدی درجهان فکر گلزاری چنین
میزند موج سخن از علم و از صنع و ادب
درنیابی میدهد بی بحر اسراری چنین
صفحه اش آئینهٔ رخسار اهل معنوی است
جوش حیرت میزند از دل ز گفتاری چنین
ظلمت دلها منور می شود از نسخه اش
فی الحقیقت ماه وخور را نیست انواری چنین
میرود درمصر و در انگلیز درایران و روم
باد صر صر منفعل دردزد رفتاری چنین
قیمتش اندك فوائد بی شمار از وی ظهور
زود دریابید یاران در شهواری چنین
آن مدیر صاحب تدبیر را صد آفرین
کو ز مضمون معانی کرده اظهاری چنین
او نهال معنی و اخبار مراو را ثمر
الله الله زین ثمر وه وه ز اشجاری چنین
گر کند منظور طبع مسلما آن محترم
میفرستم بهراو گه گاه اشعاری چنین
تا کند درج همین اخبار پر فیض و اثر
بشنوند اهل خرد از بنده تذکاری چنین

« اهمیت تاریخی وفنی »

صنعت رسامی فن، تصور

فن تصور قدیم ترین فنون مترقیهٔ بسیار معتنابهای زمانه پیشینهٔ دیناارا تشکیل میدهد . انسانها که نخستین بار به فنون و صنایع بذل توجه وصرف ذهن نموده ، همانا صنعت هیکل تراشی وفن تصورکشی را خواه ازجنس حیوان ، یاث مناظر لطیفه بوده اند برقی داده وبتدریج دراصلاح وترویج آن کوشش وسعی ورزیده اند دروقتهائیکه هنوز رسم الخط ایجاد نشده بود اسلاف بنی بشر بذریعهٔ بدیعهٔ همین فن صورت حالماضی خودرا به بذراری واستقبال زمانهٔ اخلاف شان می فرستادند ، چنانچه از مشاهدهٔ بعضی تصاویر آثار عتیقهٔ عصرهای پیشین شام ومصر قدیم ، انسان ترتیب دادن یك تاریخ مکمل ومسلسل مقتدر میتوانشد . این فن دراوایل بهبلند ترین نقطهٔ اوج عروج واصل گشت وبالآخر ازبسکه دران مهارت کامل بهمرسانیدند آنقدر شیفته ووالهٔ این مجسمه ها وهیکلهای بیروح وروان تراشیده شده دست خودشان گشتند که پایهٔ الوهیت ومعبودیت را به آن اجساد سراپاجمادی بنیاد برفساد نهاده پرستیدن وستایش کردنشان گرفتند ، چنانکه اکثر اممقدیم را که غوطه خوار قعر دریای پرزهر قهرالهی بوده آنهارا دررجعت قهقری محابیتم ازانست که همشان پرستش اصنام را بر عبادت رب الانام مرجح دانسته آواره گردباد بضلالت وجهالت گردیدند . ابتدای بت پرستی از زمان رسالت توأمان پرفتوح حضرت نوح (ع) آغاز میشود .

اهل فارس ویونانیان ومصریان قدیم این فن را بس ترقی داده توانسته اند چنانکه تصاویر محکوکیکه از آثار عتیقه این جاهها وامده اند برخوبی وحسن توجه بهاین صنعت دران وقت دال وشاهد حال این مقالست . علاوه بران توجه اهل عرب را درایام جاهلیت بعضی آثار عتیقهٔ که دربین درین اعصارا خیره ازطرف حکمای فن « آرخیولوژی » کشف شده اند نیز بدینصوت اشعار میکند . بسببیکه این فن باعث گراهی بسی ازامم سابقه گردیده آنهارا از شاهراه هدایت و سعادت منحرف ساخته بسیاه چاه مذلت وشقاوت افکنده است ، ازآن رو دین مبین اسلام ازین صنعت اجتناب وحذر را اولی وبهتر دانست . ولی چون اصل مقصدما درینجا تعریف وتوصیف دادن اهمیت وحیثیت تاریخی وفنی تصور است ! لهذا بنا بر رعایت قاعده ، خروج ازبحث نکرده واز ملاحظات دینی بران صرف نظر نموده تنها بهتشریح وتصریح بعض خدمات مهم ونمایانی که فن رسامی وتصورکشی درراه ترقی معارف کرده ومیکند درذیل اکتفا میورزیم :

اولین خدمت یگانه وهمت مردانهٔ که فن رسامی به عالم انسانیت ادا نموده همانا درایجاد اشکال وصور حروف تهجی « رسم الخط » که ازان جمیع عالم جمیع علوم ومعارف بعمل آمده معاونت کلی نموده است زیرا ، فن رسامی بود که انسانها را به آن تشوق رازذوق خود برواج قلم وسیاهی محتاج ساخت ونیز همین بود که دردل انسانها حظ عظیم ماندن احوال خودشانرا برای مطالعهٔ آنسال آینده شان بینداخت . چنانچه اثبات این آرزوی خودرا بذریعهٔ تصور وترسیم ناقص ومشکل یافته اورا برایجاد وانشای حروف خوشنمای « تهجی » که « صورت انتق انسانی » است مجبور گردانید .

پس ازین خدمت گرانقیمت عمومیهٔ اش ازوظیفهٔ مخصوصه اش که دارد هیچ که صاحبان عقل واذهان ومالکان فکر وادمان به آسانی انکار نمیتوانند که ، فن تصویر وترسیم یادگارهای بس کهنهٔ فرسودهٔ تاریخی را گاهی درنظر انسان جلوه گر میسازد ، یار دورافتاده را ازدیدن یکقطعه عکسش دردیدهٔ محبت دیده مجسم میدهد ، بالمساوات را درشباب وشیخوخیت بنگاه عبرت وآه حسرت تشکیل میابد ، فراموش‌شده را به خاطر و غایب راحاضر میگرداند .

با آنکه دراسلام بفن تصویر هیچ‌پایه قدری ننهاده‌وهیچ قرو اهمیتی به آن نداده‌اند ولی بازهم مسلمانان ازاستعمال بعضی اسباب مصوره که صنعت ملل غیر بوده دست باز نداشته اند . چنانچه دربسیار خانهای مسلمانان چنین ملبوسات ومفروشاتی که بران تصاویر حیوانات ، وانسانها ویاقصه یکمیدان محاربه نبت ونقش بوده یافته شده‌اند . چنانچه میگویند که درعهد خلافت « خلیفه منتصر » عباسی در دارالخلافه « بغداد یکفرش منقش بالصور موجود بود که برآن صورت « یزیدبن » ولید اموی وشیرویه شاه ایران نیز نبت بود وهمچنین فرشی که نزد « ام‌المستعین » نام‌زنی وجود داشت نیز بالتصاویر رنگین ملمع ومرصع بود ظروف منقش وملونی که بالتصاویر مزین میبودند نیزرواج داشتند .

تصاویر زمانه گذشته که ازطرف حکمای فن ادراك واکتشاف گردیده‌اند اکثر عبارت ازصورتهای میباشند که بردیوارها ولوحه های سنگین حك شده باشند ویاهیکل های مجسم بعضی ذی‌روح میباشند که برمعبدها ویاکدام عمارتهای شاندار نصب گردیده‌باشند ویایك نقش ونگار رنگین بافته شدهٔ میباشد که مراد ازان توضیح وتصویر نمودن بعضی واقعات ومناظر باشد تاحدیکه تاریخ اسلام بما معلومات میتوان داد هیچ گاه تراشیدن‌چنان‌هیکلهای مجسم که ازان‌بحث رانده‌ایم در مسلمانان رواج ورسم نداشت ونه دریکی ازمعابد ومساجدمقدسهٔ شان‌منصوب نمودن‌چنان مجسمه‌ویاتصاویر شنیده ویا دیده شده ولی از نقطهٔ نظر تاریخ اینقدر ثابت است که مسلمانان درعهد عروج وترقی خودها که دور تهذیب وتمدن شان گفته میشود درشهرهای بسیار شهیر ممالک خود شان مانند « قرطبه » ، « غرناطه » ، « طلیطله » ، « اشبیلیه » و « بغداد » مجسمه‌های حیوانات وهیکلهای سوارانرا جابجا نصب کرده‌بودند چنانچه دراوایل عصر چارم‌اسلام قصری را که خلیفه « المقتدربالله » عباسی‌ساخت بهمچنین زیب وزینت‌مزین بود . وبه‌سبیکه‌دران یك درخت مصنوعی بپا ایستاده وبالای شاخهای طلائی آن پرندگان بسیار خوشصورت وضع شده بودند بنام « قصر دار الشجره » موسوم بود که بریکطرف آن درخت عالی تخت‌تصویر های سوارانیکه قدهای طبیعی شان تشکیل داشتند موجود بود . وقبل ازین خلف خلیفه « هارون رشید » (صندالها) یعنی کشتیهای کوچکی که برای تفریح وتفرج سیر دریای « دجله » ساخته بود به اشکال حیوانات مختلف آنرا تصنیع وتشکیل داده بود . وهمچنان قصر زنت حصررا « که خلیفة‌الناصر » تعمیر نمود نیزبمارها واژدرها وکنجشك‌های طلائی مزین گردیده‌بود ومحلات شاهی « غرناطه » و « اشبیلیه » نیز بانواع تصاویر آراسته وپیراسته بود وبعد ازان بنی‌فاطمیه « درقاهره » انرا تقلید وتعقیب نموده تصورهای مجسم فیل ازعنبر وطلای احمر ساختند وبدان مصرف مسرفانهٔ خود شان بسیار کسب غرور وفخر نموده وبه این طریق همگنان را ثروت وتوانگری خود ایشان میدادند نقل است که « الآمربالله » بنی فاطموی برلب حوضی یکعمارت تفریحی ساخته بود که ازان جا منظر صفا گستر حوض‌بخوبی معلوم میشد ودران بس تخته‌های چوبین روغن داده شدهٔ که سطح دیوارهارا‌پوشیده وبران‌تصویر های هریك ازشعرای موجود آ‌زمان نبت وقید گردیده‌بود کار شده‌بودند‌و روزیکه « آمر » به قصر مذکور داخل شد وشعرا قصاید مدحیه خود شانرا به حضور تقدیم کردند امر فرمود که یك یك محفظهٔ سربمهر پنجاه اشرفیرا برتختهٔ که در پهلوی صورت هرشاعرخلانده‌شده گذاشته‌وهریك رفته‌ازتختهٔ‌مذکور محفظهٔ انعام خود را بردارد . همچنین از دیگر بسیار مفروشات وپرده های زربفت عهد سلطنت « خاندان بنی فاطمیه » ذکر میشود که بران تصاویر سلاطین ومشاهیر کار شده وبرهر تصویر اسم‌صاحب تصویر واسم حکومتش درج میبود . قدیم‌ترین یادگار های‌زمانهٔ اسلام را که از بعضی آثار عتیقه اسلامی دستیاب شده اند هانا هیئت یك « مجلس قضاء » (محکمهٔ قاضی) است که بریك دیوار خراب های قصر « الحمرا » که درغرناطه کاین بود مثبوت است

غیر از تصورها ومجسمه های انسانی وحیوانی را که بیان کردیم بس ازتصاویر دیگر مانند خریطه‌های جغرافی ویا مناظر میدانهای محاربه در کتابهای قدیم عهد اسلام یافته میشوند‌چنانچه دریك کتاب اصطخری که بنام « کتاب الاقالیم » مسمی ودر فن جغرافیا وتصنیف‌عصر چهارم‌هجرت‌است‌بس‌تصاویر خریطه‌های ممالك‌ودریاهای عالم‌موجوده ست وهمچنان کتاب « نهایةالحیوش » که از فن حرب وعسکری بحث میراند نیز متعلق ترتیب صفوف ونقل وحرکت عسکر وبعضی آلات حرب تصاویر ونقشه های متعددرا مالك است [این کتاب در سال ۱۸۸۰م ازعربی بزبان المانی ترجمه وشایع شده است] علاوه بران در کتابهای علم طب وتشریح وتصویر نمودن حکایات وقصص تاریخی وغیره نیز که درعصرهای ابتدائی اسلام ساخته شده‌اند متعلق هرفن تصاویر مناسب آنها یافته میشوند

بهر صورت فن تصویر ورسامی یك صنعت بسیار بااهمیت ومعتدبهای عصر حاضر نیز شمرده میشود درینوقتها نیزاین‌فن‌را اهل غرب بس ترقی داده ودر راه سهولت وصحت آن کوشیده فن عکاسی وزینکو گرافی را ایجاد واستنباط کرده اند که بعالم معارف یك نفع وفایدهٔ کثیری ازان رسانیده توانسته اند درین وقتها اخبار های که در عالم قابل قدر وقیمت دیده میشوند هانا اخبارها ورسائل مصوراست وتصویر بااخبار بس لازم وضرور است زیرا تصویر نیز یکنوعی ازخبر است که‌انسانرا ازدیدن خود ویك منظرهٔ منظور صورت یك شخص مشهور که در عمر خود آنرا ندیده باشد واقف میگرداند

(عبد الرحمن محرر اداره)

حوادث خارجیه

(ایران وجنگ کنونی)

همعصر محترم اخبار « حبل المتین » درزیر عنوان فوق یك مقالهٔ طولانی درباب بیداری ایران بر وقوعات ونتایج حرب حاضر نوشته است که بعضی اقسام آنرا اطلاعاً درج صحایف مینمائیم :

« خبر غیررسمی که ازمنابع موثوقه بمارسیده دولت ایران بهیچ وجه ازدسایس خارجی متزعزع نیامده وبیطرفی خود قائم است . ولی هرآن وهرساعت وهرروز که میگذرد مشکلات ایران افزون جسته وخطرات وی نزدیکتر میگردد . صرف نظرازینکه دراین بیطرفی ممکن است متخاصمین ایران رابه شدائد دچار وخطرات بسیار درتبدیلات سرحدی که از این جنگ محتمل است ، برای او پیش آرند

ایران امروزه سرحداتش بچهار دولت متصل ازجنوب خطی که ممتد میشود از کوه ملك سیاه بلوچستان وخاکسند ، تارسد بخلیج فارس براً وبحراً بادولت انگلیس همخاك وهم آب است . ازطرف شرق ازدهنهٔ سیستان ورود (هیرمند) تارسد به هرات وسرحدات خراسان بافغانستان واز سرحد هرات تامنتهی شود بترکستان وماورای بحر خزر و آذربایجان و آسیای صغیر بادولت روس همخاك آمده وازدهنه آذربایجان تانقطهٔ (قو) سرحدات وی بادولت عثمانی متصل است . مسلماً هر دولت بمقتضای موقع وحیثیت همسایهٔ خود استعداد واستحکاماتی برای سرحدات خویش معین نموده وهرگاه آن سرحدات اوبه دولت دیگر تبدیل شود خواه نخواه آن دولت مجبور است که استحکامات سرحدی خود را تبدیل و استعداد خویش را بر حسب مقتضی کم وبیش سازد مثلا هرگاه سرحدات ایران بجای دولت عثمانی باروس ممتد شود نقشه جات سرحدی ایران استعداد واستحکاماتش طبعاً باید تغییر کند وهمین قسم اگر سرحدات روس تبدیل بعثمانی گردد باز هم تغییرات عظیمه اورا لازم می آید

همین قسم است سرحدات او با افغانستان وهندستان واین نکته میرساند خطرات ومشکلات عظیمهٔ دولت ایران را چه درجنگ وچه بعد ازجنگ چه درتغییر سرحدی مصارف فوق العاده برای ایران ازگذاردن قشون ساخلوی واحداث استحکامات مقتضیه پیش آید وهرگاه سرحدات خویش را بحال کنونی رهاکند وبمقتضای وقت تغییر وتبدیل سرحدی ندهد بعداز صلح بخطرات عظیمه دچار خواهد گردیدواین خساره ونقصان بزرگ برای ایران متصور بلکه می توان گفت حتمی وباید ایران فقط برای حفظ بیطرفی خود ازاین جنگ متحمل بشود — چنانچه گفته‌ایم عمدهٔ منافع بیطرفی ایران دراین جنگ راجع بدولتین انگلیس وروس است ورنه باتفاق مبصرین از آغاز جنگ نمایندگان عثمانی والمان همان قدر ایران رابه شمولیت درجنگ تشویق می کنند که دولتین فرانس وانگلیس ویرا به بیطرفی ازجنگ تحریص می نمایند . البته ایران بایدبیطرف ازجنگ بماندولی نباید صرف نظر از مخاطرات آیندهٔ خویش هم بکند ، ایران باید درخصوص سرحدات خویش قبل ازخاتمهٔ جنگ بادول متحارب گفتگو نموده نقصانات خودرا نماید ومطالبهٔ حقوق سیاسی وجغرافیائی خویش را بکند تلگرافات میرساند که ازیکطرف قشون روس درخاك آسیای صغیر عثمانی که تمام متصل بایران است تارسد به (ارض روم) وارد شده ازطرف دیگر هم عثمانیان درصدد به قفقازیه یعنی صوبهٔ باطوم که قرب تفلیس است درآمده ، هرگاه روس فاتح آمد و آسیای صغیر عثمانی را قبضه کرد باید حق السکوت ایران را بدهد یعنی آن اراضی که متصل به سرحدات ایران است بایران واگذار شود تالازم به تبدیلات سرحدی برای ایران نگردد همین قسم اگر دولت عثمانی قفقاز را قبضه کرد آن حصهٔ ازقفقاز که متصل بسرحدات ایران می شود باید حق ایرانیانش قرار دهد ، ورنه طبعاً ایران مشکلات عظیم را دوچار خواهد گردید ازوقتیکه ایرانیان سست عنصر شده درحقیقت حیات رقابتی داشته‌اند وهمینکه یکی ازدول متخاصمه درسرحدات ایران برحریف غالب آمد آن حیات رقابتی طبعاً خاتمه می پذیرد وایران جداً باید به تحفظ خویش بکوشد وملیون ها صرف استحکامات نموده صدهزاران قشون درسرحدات خویش برقرار دارد درهر جنگ فتح وشکست توأم است هیچکس نمیتواند حکم کند که دراین میدان کدام یك از گروب حریف پیش خواهد برد ولی دراینکه نقشهٔ عالم پس از اختتام این جنگ تغییرپذیر است احدی شبهه ندارد . ایران راست که به اصول علاج واقعهٔ قبل از وقوع حالا که آغاز جنگ است مسئله حیات استقلال خویش راتصفیه نماید ، فرضاً اگردولت انگلیس استیلا بعراق جوید نباید حقوق ثابتهٔ مسلمهٔ مارا فراموش کند عراق عرب امروزاینکه مرکز روحانیت ایران است وضع ادبی واخلاقی ومعاشرتی انجاهمواره تابع ایران بوده وهست وصدهزاران نفوس ایرانیه درعراق عرب نشو ونمای نمایند . ازهمه بالاتر مرکز تجارتی ایران بشمار است اگر دراین نقطه تغییراتی پیش اید وقبل ازوقت ایران بحفظ حقوق خویش قیام نکند وبادول متحارب ازدر گفت گو بیرون نیامده ازروی معاهدات حقوق خویش را مسلم ندارد بعد ازخاتمه جنگ دو گروب دول هیچگونه حق را برای ایران تسلیم نخواهند نمود این نکاتی راکه گفتیم هیچ گونه نزاکت سیاسی مارا با دول متحاربه متزعزع نتواند ساخت بلکه بیطرفی مارا تقویه تواند داد ؛ معنی دوستی ونزاکت سیاسی این نیست که ماصرف نظر از حقوق مسلمه خویش بنمائیم . ایران درصورتی می تواند منافع عمده به همسایگان خویش برساند که مقتدر برحفظ استقلال خود باشد وهرگاه رجال دولت کنونی ماصرف نظر ازحقوق استقلالیهٔ خویش بنمایند نزاکت سیاسی که مارا

زلف یار بر خورد واینك مورث كه ورث شود بنمایند نه تنها استقلال خودرا ازدست داده بلكه خودرا محو نموده اند ایران دراین جنك تحمل مخاطرات عظیمه دوچار نواندشد وازحالا باید جلوگیری از آن مخاطرات بشود فرض محال محال نیست اگرچه ماقائل نیستیم كه افغانستان هم دراین جنك شامل خواهد شد وهمچه تصور می‌كنیم كه‌مانند ایران بیطرف خودباقی خواهدماند ولی باید تصور كرد كه اگر ازیك طرف عثمانی واز طرف دیگر افغانستان ازجانبی‌روس‌وازجانب‌دیگر انگلیس مشغول زدو خورد شوند حیثیت ووضعیت ایران چه‌حالی پیدا خواهد كرد وشعلات جنك كه مانند حلقه انگشتر مارا احاطه كند چه‌حالی خواهیم داشت احدی انكار ندارد كه ماورای بحرخضر وكلیه تركستان همه تحت شاهنشاهی ایران بوده فقط از زمانه ناصر الدین شاه به اجازهٔ ایران روسیان تصرف كردند حالا اگربنا شود افغانستان باعثمانی برآن استیلاجویند ایران دچارچگونه مشكلات خواهد آمد؟ نباید پیشگوئی‌های امروزهٔ مارا قبل از وقت تصور كردچه كلیه سیاست طی وترتب اثر بر آن ظنیات شده ومیشود‌ومی توان گفت آنچه میگوئیم پیشگوئی نیست بلكه پیش آمدهائی است كه منتظر نتائج آن باید بود وعلاوه امروزه احدی ازهمسایگان ایران تمنیات وی‌را چون واقعات قبل‌ازوقوع است رد نتواند نمود ولی بعد ازپیش آمد وگذشتن این‌موقع‌مهمه اعتنا بسند عیان مانخواهند كرد اگر امروزه همسایگان ما یعنی دول متحاربه تمنیات‌مارا قبول نمایند برای هریك آنان بدون نقصان است مثلا دولت روس اگربنا شود آسیای صغیر عثمانی را قبضه كند یقیناً عثمانیان قبضهٔ مارا بر آن نقاط مائل تر خواهند بود همین قسم است اگرعثمانیان قفقاز وتركستان را متصرف آمدند دولت روس از تصرفات ما در آن نقاط خوشنود تر خواهد بود یادولت عثمانی‌ودر حقیقت مراعات وپیش بندی امورقبل ازوقت مورث همراهی وهمدردی باخود منتها ضمین هم هست

البته به یك نكته می‌توان به ما ایراد نمود كه

عروس ملك كسی تنگ در بغل گیرد — كه بوسه برلب شمشیر آبدار زند

چه طور دیگران بجنك در آمده خساره برده تلفات داده حصهٔ ازنتائج زحمات خودرا بماسپارند جواب این‌امر همان است كه دولت رومانی به امارات بالكان داد كه من حق السكوت خویش‌را دراین جنك طلب می‌نمایم وعلاوه براین حفظ حقوق سیاسی‌وپلتیكی لازم‌اوفتاده بایدتحصیل شودما گربه بیطرفی ازجنك حاصل شد نعم المطلوب واگرنه تهدید بشمولیت درجنك برای حصول مقاصد به منكرین حقوقش كافی است تصفیه امورما باید بطوری كه مانوشتیم دوستانه بشود ویاآنكه حقوق خود را بقوهٔ شمشیر وشركت درجنك بیابد حالا كه دولتین انگلیس وروس مائل به بیطرفی مانده وماهم دوستانه تسلیم نموده وبیطرفی خودرا نگاه میداریم لازم است كه آلمان هم حقوق ثابتهٔ مسلمهٔ مارا كه برای آنان زیانی ندارد تصدیق بنمایند .

آلمان ، وعالم اسلام

از اخبار ارشاد مطبعهٔ طهران :

امروز كه ۱۳۳۲ سال از هجرت حضرت محمد ابن عبدالله‌هاشمی خاتم‌النبیین پیغمبر اسلام صلی‌الله علیه وسلم می گذرد اسلام‌بدرجهٔ خوار ومسلمانی بی‌مقدار شده وبواسطه نفاق كلمه كه‌فیمابین خودشان تولید گردید هرقطعه از قطعات مقدس‌اسلامی درچنك دولی وهر قسمتی ازخاك پاكش دستخوش سلطنتی گردیده همان اسلامی كه درهزار سال بعد از هجرت بیشتر از ۲۸ ملیون‌فرسخ مربع درتحت تصرف ۲۵ تاجدار مسلمان داشت امروز دول اسلامی منحصر بعثمانی وایران وافغانستان وبیشتر از سه هزار فرسخ مربع درتحت تصرف ایشان نیست آنهم (یك سره ذلت ومكنت) درفش اسلامی كه بعد از فتوحات عالمگیر برآسمان افراشته‌شد هدف‌تیر بیگانگان پادستخوش تطاول دیگران میگردد.

اینست حال تفرقه قوای اسلامی و تشتت عالم اسلامیت . ولی دراین احوال درگاهی است زمزمهٔ شنیده میشود كه :

امپراطور آلمان درمجبوحه عالم مسیحیت غمخوار وخیرخواه عالم اسلامیت نامیده شده .

این‌مسئله را ازچه نقطه باید نگریست وبا كدامین گوش هوش می‌توان اصغا كرد وبرای نفی واثبات ازچه ادله‌را باید اقامه نمود ، بعضی از ارباب فراست را عقیده برآنستكه اولین تمایل محبتی كه ازطرف آلمانیان نسبت بملل اسلامی بروز نمود نهدایت بیزمارك بود كه ملت ودولت آلمانرا بافتتاح باب مخالصت ومودت‌باملل اسلامی توصیه واز آنروزیكه مراودهٔ صمیمی‌فیمابین بابعالی كه مركز اسلامی بود بادولت آلمان شروع شد

می گویند كه چون غالباً مسلمانان تابعهٔ دول عیسوی دچار انواع تضییقات وتقیدات بوده وكمتر وقتی‌روی آزادی وآسایش‌را دیده وبز هر یك از دول مقتدره بالنسبه بمسلمانان تا یكدرجه فشار هائی رسیده وتضییقاتی وارد شده جز آنكه ازطرف‌دولت المان كمتر مزاحمتی رسیده‌بل درمواقع مختلفه بروز مساعدت وخیر اندیشی نیز می شود .

بعضی دیگر را عقیده براین است كه چون المانیان تمدن اسلامی را ز نقطه نظر فلسفه اسلامی محترم شمرده وازهمه جای دنیا درالمان حكماء الهی بیشتر وكتب اسلامی والهی مارا غالبا ترجمه ومنتشر ساخته اند شاید . همین وسیله خیر خواهی آلمان نسبت به اسلامیان شده .

بعضی دیگر چون مناسبات دولت آلمان را بادولت عثمانی كه مركز خلافت اسلامیاست مناسباتی دوستانه ووداد كارانه‌وروابطش رایك‌محور روابطمستحكم‌بایك یكانگی ومودت‌بادولت امپراطوری‌المان مربوط دیده ازنقطه‌نظر جامعهٔ‌اسلامی دولت آلمان را خیرخواه خودشان دانسته اند

باآنکه مسافرت امپراطور آلمان گلیوم دوم را در دوازده سال قبل باسلامبول بخاطر آورده که بسلطان عبدالحمید خان خلیفه مسلمین میگوید :

انجاب مساعی کامله خودرا در ترقی مسلمانان و تمدن ایشان وحمایت انها از خطرات خارجی بکار خواهم برد. از اعلیحضرت سلطان تمنا دارم به سیصد ملیون مسلمانان کرهٔ ارض یاد آوری فرمایند که امپراطور آلمان دوست حقیقی آنها خواهد بود .)

وگویا نظر بهمین وعده بوده که امپراطور آلمان در مواقع مختلفه که مسلمانان بدو متوسل شده اند مساعدت نموده واز خیراندیشی مضایقه نکرده

چنانچه وقتی مراکشیان درسنه ۱۹۱۰ دچار تطاول فرانسویان گردیده وبدو متوسل شدند امپراطور آلمان کشتی جنگی خود را بدانجا فرستاده وحمایت آنان اقدامات نمود [کوبید ، اجیر یعنی ضربت اغادیر در دفاتر دیپلوماسی دول خارجه ثبت و فراموش نشدنی است]

یادر این جنگ عالمگیر ومقابلات فرانسه با آلمان باآنکه سربازان مسلمانان فرانسه حربه گرفته وبا دولت آلمان جنگیدند پس از مغلوبیت و اسارت آنها امپراطور آلمان بوعدهٔ سابقهٔ خود وفا نموده و امرای مسلمانان را اختصاصا تأمین داده وبمرکز خلافت اسلامی (عثمانی) روانه نموده . یا نسبت بمحصلین ایرانی در برو کسل که بیرق ایرانیت خود را بلند نموده فرمانده کل قشون آلمان بآنها امنیت داده وبا مخارج کافی و کشتی مخصوصی برلن روانه نموده

مانمی خواهیم عقاید مختلفه هرطبقه را در این موقع تحت مباحثه ومقایسه اورده ودرنفی واثبات آن تفصیل دهیم ولی می‌بینیم که همین مسائل جزئیه وسیله یك نوع بروز احساساتی درمیانه مسلمین عالم شده که باوجود قلت علاقهٔ استملاکی دولت آلمان در ممالک اسلامی مورد توجه ملل اسلامی واقع شده وسایر دول معظمه که علایق استملاکی وتبعه انها در ممالک اسلامی بیشتر است کمتر مراعات این مطالب باریك را نموده اند پس از هرنقطه نظری که بوده باشد عالم اسلامیت بایك نظر محبت آمیزی بدولت آلمان می‌نگرد وتصور میکنند که اگر یك قوهٔ درخارج از عالم اسلامی پیدا شود که بتواند در حصول مقاصد حقهٔ این ملت بزرگ خیراندیشی کند همان دولت آلمان است

بالجمله سوابق ولواحق عملیات دولت آلمان خاصه مناسبات دوستانه آن دولت با دولت علیه عثمانی از نقطه نظر جامعه اسلامیت یك نحو توجه مخصوصی درقلوب نوع مسلمانان عالم تولید نموده که با کمال سادگی وخلوص از کلیه عوارض پلتیکی منزه ومبراست

وبنا براین هریك از امپراطوران معظم عالم که همین روش ومسلك انسانیت کارانه امپراطور آلمان را تعقیب کنند محبت ومودت آنان درقلوب عموم مسلمانان عالم جاری ومستقر خواهد شد

« فریدون فرخ فرشته نبود »
« زمشك و زعنبر سرشته نبود »
« بداد و دهش یافت این فرهی »
« تو داد و دهش کن فریدون تی »

کذا :

تلگراف امپراطور آلمان
بمسیو ویلسن
رئیس جمهوری آتازونی

آقای رئیس جمهوری وظیفه خود میدانم که این مطلب را بشما که نماینده عالی ترین اصول انسانیت هستید اطلاع دهم که پس ازانکه قشون من قلعه لونکوای فرانسه را فتح نمودند هزاران گلوله دمدم درانجا کشف گردید که در کارخانجات مخصوص دولت فرانسه ساخته شده بود .

ازهمین قسم گلوله‌ها نیز نزد سربازان مقتول ومجروح واسیرشدهٔ فرانسه وحتی نزد سربازان انگلیس یافت شدند

البته شما از جراحت خطرناك ودردهولناکی که از این گلوله‌ها باعث می‌شود اطلاع دارید ومیدانید که درجنگ برطبق اصولی که عموماً درقوانین بین‌الملل همه دول قبول کردند استعمال این گلوله ها جدا ممنوع است .

بهمین علت است که برضد این رویه جنگی که بواسطه مسلك بربریت رقیبان ما یکی از وحشی ترین حرکاتی است که تاریخ بخاطر داشته باشد رسماً پروتست خودرا بشما عنوان میکنم .

نه فقط خصمان ما از این نوع اسلحه‌های ظالمانه استعمال میکنند بلکه دولت بلژیك ازمدتها این طرف اهالی شهرها ومردمان غیر نظامی را تهیه وتحریك بجنگ می‌نماید .

از یادگارهای تاریخی
جناب میرزا حبیب‌الله‌خان مرحوم که در عصر اعلیحضرت امیر شیرعلیخان مغفور مبرور مستوفی الممالک بودند

کرنیل بتین بیك
مأمور جبا خانه ها

چنانکه در این مدت جنگ دسته جات حق توسط قسوان وکشیشان که خویش را عیسوی میدانند نسبت بسربازان مجروح و مجروحین وارد شده (همین اندازه حکایت میکنم که اطبا را کشته و باتفنك بریضخانها حمله نموده‌اند) باندازهٔ رسیده که عاقبت الامر سرداران مجبور شدند که باقدمات شدیده متوسل شوند برای آنکه مرتکبین را تنبیه نموده واهالی ظالم را از تعقیب کردن قتل وجنایات فجیعه جلوگیری نمایند.

بهمین جهت بود که بعضی قراء و شهر قدیم لیون را با ستثنای دار الحکومه مجبور به منهدم کردن شدند واین اقدام نه فقط برای محافظت وحراست قشون بود بلکه برای حفظ اطباء و پرستارای مجروحین وسربازان بیچاره بود که در میدان جنگ مجروح شده بودند.

قلب من از اسوراین اقدامات اجباری وصدماتیکه تمام مردم بیگناهی که بواسطه حرکات بربریت آن اشخاص شرور بدکردار وارد شده است مجروح وخون آلوداست

(ویلهلم)

کذا :

عملیات هوائی آلمانها

مارسیل — مخبر مخصوص ماتن خبر داده است که ترنهای مملو ازمجروحین میدان جنگ وارد شده وبعضی از آنها تفصیلات جالب توجهی از جنگ وحرکات جهازات آسمانی واروپلانهای آلمانی حکایت می نمایند . حکایت یکی از آنها قابل ملاحظه است ومیگوید :

« آلمانها درمدت جنگ هیچ مارا راحت نمی گذاردند ازدست آنها نه روز ونه شب آسوده بودیم »

« روزها که جنگ داشتیم وهمینکه شب میرسید وهوا تاریك میشد بدون فوت وقت اریلان های آلمانی بنای طیران بالای سرما واردوهای ما می گذاردند وچنانچه منازل ما را کشف میکردند فوری یك قسم موشك آتش باری از بالای انداخته که پشت سر او یك رشته طولانی جرقه‌های نورانی باقی می‌ماند . وقتی که این رشته جرقه‌های نورانی دیده می شد بایستی فورا ازانجا برخواسته معجلا بنقاط دور دست برویم زیرا که طولی نمیکشید یعنی بعداز چند دقیقه خمپاره‌های آلمان شروع به گلوله ریزی بهمان نقطه که جرقه‌های موشك دیده شده بود میکردند ومتدرجا عادت ما بران شده بود که اجباراً شبها چراغ و آتش روشن نکنیم »

کذا

آسمان پاریس

سلسلهٔ مانورهای بالونهای جنگی واروپلانهای آلمان در آسمان پاریس تقریباً همه روزه مجری میشود وباوجودانکه در برج ایفل وسایر نقاط مرتفعه دیده بانها قرار گرفته وطیاره‌های فرانسوی مشغول حفاظت هستند معهذا بالونهای آلمان ازارومه هوای پاریس استفاده کرده وغالبا در اربروازی نمایند که دیده بانها نمی‌توانند آنهارا کشف نموده وتیر بطرف آنها خالی نمایند اخیرا چندین فقره بمب بپاریس افتاده شده که از اروپلانهائی که در میان ابرها پرواز میکردهاند انداخته شده است واهالی غالبادر خیابانها ومیدانها باعینك ودوربین مشغول تماشای آسمان هستند که آیا آروپلان آلمانی پیدامی شود یا.

کذا

عده طیاره‌های دول جنگجو

عده طیاره‌ها وطیاره‌چی‌های دولی که فعلا بجنك مشغولند بقرار آتیه احصاء شده است

اسم	بالون جنگی	طیاره	طیاره‌چی
آلمان	۲۱	۴۵۰	۶۵۰
اطریش	۸	۱۰۰	۲۴
فرانسه	۱۰	۳۵۰	۱۳۰۰
روسیه	۱۲	—	—
انگلیس	۷	۲۰۰	۷۰۰

(۲۲۰ هزار اسیردر آلمان)

برلن ذی قعده —

عده اسرائی که فعلا در آلمان هستند بالغ بر (۲۲۰ هزار) نفر که بطریق ذیل ازدول فرانسه انگلیس وروس وبلژیك گرفته شده :

عبدالکریم خان سرسلمشر
که درمکتب حربیه انراحیه اکمال
تحصیل کرده ومنصب سرسلمشری
درعقد دارالسلطنه مأمور است

اسم دولت	سرباز	صاحب‌منصب	ژنرال
فرانسه	۸۶۷۰۰	۱۶۸۰	—
روس	۹۱۴۰۰	۱۸۳۰	۱۵
بلژیک	۲۰۲۰۰	۴۴۰	—
انگلیس	۷۳۵۰	۱۶۰	—

(عثمانی وژاپان)

وکیل ۲ دسمبر :

درتاریخ سرزمین مطلع الشمس ودولت عثمانی غالباً پیش‌ازین چنان یکوقتی نیامده خواهدبود که دردل‌این دولتین درحق یکدیگر کدام خیال معاندانه باشد بلکه بر وقت جنگ روس وژاپان همدردی عثمانی‌را بادولت ژاپان خواهیم یافت ودرمحاربهٔ طرابلس الغرب وبالقان متعلق ژاپان خیال عمومی این بود که ژاپان یگانه معاون ومددکار عثمانی است . ولی پیچیده‌گیهای این جنگ عظیم یورپ استواری تعلقات باهمی اینهر دو دولت را نیز رخاوت داده وژاپان حق رفاقت بریطانیارا ایفانموده خواست که بادولت عثمانی قطع تعلقات سفارتی بکند . درچنین وقتی که درتمام حصص دولت عثمانی آتش جنگ مشتعل است عزم قطع تعلقات ژاپان که تابه حال بعمل آمده باشد برای عثمانی درتشویش خواهدافزود . این‌چقدر یك سخن عجیب است که آن ملکی که روس درمیدان جنگ چنان سخت شکست داده بود حالاباو دوست ومددکار گردیده باچنان دولتی بمخالفت استاده که باو درهیچ وقتی رنجش نداشت ولی خدامیداند که هنوز سیاسیات چه تبدلات دیگررا ازپردهٔ مخفی خود بیرون خواهد براورد .

کذا :

(وبای بم)

ازنتایج مقدمهٔ سازش وبم دهلی چنان معلوم میشود که مرض وبای بم برای همیشه مستاصل‌شد . ولی خبرهائیکه درخصوص بم اندازی جدید ازکلکته رسیده این خیال را باطل ساخت . کیفیت واقعهٔ مذکوره چنانست که در کوچهٔ یك‌دپتی سپرنتندنت محکمهٔ تفتیش جرایم بنگال ازراه کلکین بم کفانده‌شد . اگرچه دپتی مذکور باچند نفر پولیس مذاکره داشت وبعض نشسته بودند ولی‌دپتی محفوظ ماندند . یك پولیس پنجابی که اردلی دپتی بود تعاقب بم انداز را کرد مگر او هنوز چندان دور نشده بود که یك دیگر نوجوان بنگالی یك‌بم دیگر کفانید که ازان اردلی مذکور هلاك گشت ودونفر سپاهی دیگرهم مجروح گشتند یك بنگالی مجروح بشبهه محبوس گردیده اما اضافه بران دیگر اجراآت تحقیقات هنوز بعمل نیامده ازروی تحقیق معلوم شده که‌شکل این‌بم کاملاً باآنکه انداخته‌شده مشابه هست که در دهلی بر وایسرای انداخته شده‌بود . ازین معلوم میشود که اگرچه دستهای بم کفان مختلفند ولی آلهٔ محرکه آن ازیکجاشین مخفی است .

(ایران وروس)

سیاره ۴ دسمبر :

حضرات علمای اصفهان درمسجد شاهی اجتماع نموده رعایارا وعظ ووصیت کردند که اسباب‌ساخته شدهٔ روس برما قطعاً حرام است وهرشخصیکه اشیای روسی‌را استعمال کند از اسلام خارج گشته میشود و حشر آن بکجا با مسلمانان نخواهد شد . عموم تاجران تبریز از برآمدن عسکرروس ممنون ومسرورند وباآنها جمیع تعلقات تجارتی خود شان‌ازقطع کرده اند . علمای نجف اشرف وکربلای معلا جمیع سرداران قبایل‌ایرانی را به اعلان نامه های خود شان خبرداده اند که امروز چون ما از اثرهای دولتهای اجنبی ازاد شده ایم میباید که در تکمیل قوای خود بکوشیم تا بعد ازین بر وطن عزیز ما کدام بی‌انصافی حمله وتوهین نتواند . واقعهٔ فاجعهٔ تبریز و گلوله باری بر گنبد مشهد مقدس هیچ ازصفحهٔ قلوب ولوحهٔ وجدان ما محو نخواهد شد . وامروز برشما فرضست که اطاعت احکام حکومت خودرا بکنید وبرخلاف آن هیچ کاری اجرا نکنید .

(عثمانی وحجاج)

زمیندار ۶ دسمبر :

صورت مکتوبیست که ازطرف مستر حفیظ‌الله شیدائی کعبهٔ مقیم کراچی به خدمت جناب مستر شوکت علی صاحب سکرتری انجمن خدام کعبه رسیده است :

بعد الالقاب : — از عنایات الهی امسال زمانهٔ حج قریب الاختتام است بعضی حجاج بوطن خود شان‌نیز مراجعت کرده آمده اند واین خبر بشارت اثررا نیز آورده اند که باوجود جنگ آزما بودن خود بابرطانیا دولت عثمانی در راه مراجعت حجاج‌هندی هیچ تکلیف‌ومزاحمت‌نکرده وجهاز های برطانوی که قریب بندرجده لنگر انداز بودند آنهارا حکام ترکی اجازهٔ داخل شدن بندررا برای بردن‌حاجیان داد واین چنین نکردند که از روی قواعد جنگ‌جهازهارا گرفتار کنند و یا غنیمت گشته بگیرند وعلاوه بران آنهااز مأمورین جهازهای مذکور درخواست کردند که‌دوباره آمده‌حجاج باقیمانده را نیز ببرند . حقیقتاً که این طرز عمل حکام‌عثمانی شایان آن شان و شوکت اسلامیٔ که‌سلطان المعظم راثابت‌است میباشد وعیناً مطابق‌خواهشی که وایسرای دراعلان ۲ نومبرخوداظهار کرده بود بعمل آمد .

کذا :

(توپ بی صدای جرمن)

لندن ۲۵ نومبر :

محکمهٔ اخبارات از زبان یك گواه چشمدید مصدر مقامهٔ جنگ این بیان را شایع ساخته‌اند که گوله‌باری توپهای جرمنی هیچ صدا نمیشد ودرحالیکه متعلق آنها بیان‌شده که هیچ واقعهٔ بعمل نیامده به پیشها مردم ضایع شده‌اند . گواه مذکور دربیان خود ذکر یك

توپ‌بی‌صدای جرمن را میکند که‌در وقت رامدن کوله ونه وقتیکه کوله دررفتار خود باشد ازان صدایی برآید مگر تنها وقتیکه کوله برمحل افتادن خود میرسد انجا صدای ترقیدن خود کوله بیرون میشود .

(حکمت عملی ایطالی)

پشاور دیلی نیوز :

لندن ٤ دسمبر   تقرر های وزراء درمجلس انتظامی درروما اجلاس ، چیمبراوف دیپوتیز ، (مجلس وکلا) شده است . که دران وزیراعظم ، سگرسلندرا ، تصریح حکمت عملی گورنمنت ایطالی‌را درتقرر خود کرده گفت که بیطرف مالازمست که یك شکل مستعدی بگیرد . وباید که به مضبوطی مسلح شده برای مقابلهٔ هر کارغیر متوقع حاضر باشیم . سبقیکه تاریخ بما آموخته‌ووقایعیکه امروزه‌روز ظهور پذیر گشته اندازانها همینقدر برای ما لازمکه ذهن‌نشین خود بسازیم که اگرقوت راستی بردنیا اثرخودرا انداخته‌نتواند پس‌تنها زور وقوت بازو محافظ امن وامان رعایای خودشده‌میتواند‌وزیر اعظم‌ازپارلمینت استدعا کرد که‌او گورنمنت رابرای محافظه‌مفادموجوده‌خود به‌تدابیر اعلا مدد کند که‌مفاد مستقبل ملك‌را مدنظر داشته کار روائی مناسب بعمل آورده شود . رای بسیاری از وکلای دول آنست که مدعای این تقرر آنست که ایطالیا میخواهد که به بسیار زودی درجنك داخل شود .

(تسخیر شهر شهیر « لیج » واقع بلجیم)

زمیندار ٧ دسمبر :

لفتنت جنرال « لیمان » مدافع قلعهٔ « لیج » بکداستان دلپذیر کیفیت کوله‌باری وتسخیر قلعهٔ « لونسین » را دراخبار « واسیش زیتنك » شایع ساخته وپس از انکه حال متصل قلعهٔ مذکور را بیان کرده چنان تحریر داشته است :

بتاریخ ٧ اکست جرمنی‌ها برتمام شهر قبضه کرده بودند ولی چون خط استحکامات داخلی موجود نبود از آن سبب جرمنها درحمله کردن از عقب برقلعه هائیکه بطرف کنارهٔ راست دریای « موز » بند برای خود سهولت حس کردند ودر آنوقت کوله باری ازطرف قلعه‌های دست‌چپ دریای « میوز » ممکن نمینمود . قلعهٔ « لونسین » جانب شمال‌مغرب « لیج » بران‌سرکه‌وزکیکه راست به « برسلز » میرود کاین است . این‌قلعه از طرز تعمیرات اخیره وجدیدهٔ اینعصر بود . روز ١١ اکست بتوپهای پنج وده سانتی متروده‌انهٔ بران کوله‌باری شروع شد در ١٢ و١٣ اکست توپهای سی ویك سانتی‌متر ودهانهٔ درکوله باری اشتراك ورزیدند وبه ١٤ اکست به‌آن توپها کوله باری کرده شد که آنها قلعه‌ها را بکلی تباه وبرباد ساخته باخاك یکسان ساختند .

جنرال « لیمان » این کوله باری را بر چار قسم تقسیم نموده است اولکوله باری که به ساعت چهار ونیم‌روز شروع شد . چون یك‌افسر جرمن بیرق اشاره بدستدرا گرفته ازقلعه‌ها بمسافه دوصد متروفت وتوپخانهٔ جرمنی را حکم آتش فشانی داد . این کوله باری مسلسل تا‌به‌دو ساعت دوام ورزید وتوپچی‌ها به‌بسیار صحت برهدف کوله‌ها را می‌انداختند . بعدازتفریح نیم‌ساعت باتوپهای ٣١ سانتی متر ودهانهٔ بازتجدید هجوم کرده‌شد . جرمنیهای تمام‌شب بجزیکوقفهٔ ده‌دقیقهٔ برقلعه‌ها کولهٔ « شیل » « بی‌م » رامی‌افکندند که‌ازان نقصان شدید واقع‌شد وقسم دمدمهٔ پیشروی برجهابکلی منهدم گشت وفصیل قلعه نیز افتاده بود دروازهٔ آهنی دریچه‌های قلعه شکستند واز اصابت این نقصان یك‌بختی دیگری‌محسوس شد که جمیع دمدمه های خارجی ازدود شیل پرشدند ودود های زهرناك در کوته‌ها رفت و آمد را محال وبه اشکال آورده بود . این دود جنرال را باعسکر محافظ قلعه برفتن‌به‌امروسوف مانند یا کدام‌مقام مستحکم دیگر مجبور ساخته بود مگروااسفا ! که‌این دود کلو گیر پیش ازانکه اینها باجا تبدیل مکان کنند رسیده‌اثر کار روائی عسکر محافظ قلعه را قوی ضعیف ساخت .

قسم‌سوم کوله‌باری بصبح ١٥ اکست ابتدانمود که بنهایت شدت فهیم تادوبجه‌دوام ورزیده باعث نقصان کثیر شد کوتهٔ افسران کوماندو که دران من باعملهٔ خود موجود بودم کوله‌ها بسیار متضرر گشت که‌ازاثر آن‌تمام عمارت‌متزلزل گرد بدیك کوله شیل‌بر رو شدیدان کوته اصابت نمود که ازان خانه را بیکدود کثیف کلو گیری استیلا نمود وآلهٔ رسانیدن هوا واسباب روشنی برقی سراسر تباه شد و ازانوقت عسکر قلعه را بدر دادن چراغ تیل احتیاج افتاد پس‌ازین کیفیت‌قسم‌چهارم کوله‌باری‌را که‌ازان جمیع قلعه‌ها مسخر شدند‌جنرال « لیمان » اینچنین بیان‌کرده است !

به ساعت دو بهجان شدت که درخیال هیچ فردی نمی آمد کوله باری آغاز شد در ابتدا ما گمان کردیم که توپخانهٔ جرمن شلیك میزنند مگر بعد ازان بما معلوم گشت که جرمنها برسرما به توپهای قلعه شکن مدهش ٤٢ سانتی متری که یك‌تون کوله‌وزن‌را می‌اندازد کوله باری میکنند وکوله های مذکور باقدر شدت فوق‌العادهٔ می‌ترقند که مثل آن دیده وشنیده نشده درابتدا آواز آمدن این کوله‌ها‌را حس‌میکردیم وباز درجوهوا یکغلغله رولولهٔ را میشنیدیم وپس ازان یکصدای دهشت انگیزی صاعقه نمای بگوش‌ما رمیخورد . وکمی‌بعد یك آواز بسیار تیز ومهیبی تا‌به‌جاهای دوردست این انداز خوف ودهشت گردیده‌وزمین‌را لرزانده ویك ابر کثیف خاك ودود‌بنظر جلوه گرمیساخت .

در دوران این کوله باری هولناك من دو باره براجعت کردن کوتهٔ خراب دار عزم کرده روانه شدم وبکچندقدم رفته بوده که‌ناگهان یکدم‌تند‌هوا درسوی آمد ومرا ازبرزمین‌انداخت اگرچه من برخاسته برای رفتن کوشیدم مگر طوفان یکدود کلو گیری که هرچیزرا استیلا نموده بود مرا این ارادهٔ خودم‌ناکام ساخت . این یك مجموعهٔ مرکب دود وگیس وباروت‌سوخته شده واثر آتشیکه در گدامهای جبهٔ سپاهیان در گرفته بود بود .

اگرچه مابعقب جلگه داده شدیم ولی برای مانتقی نمودن خیلی دشوار وصعب گردیده بود وقتیکه « حصهٔ امدادی » دریچه راباز کرد که دود بیرون رود من کوشش محفوظ ماندن عسکر قلعه را کردم وبردمدمه های خندقهای قلعه برآمدم مکروقتا که دیدم که قلعه بکلی منهدم گردیده که ازان اثر خندق تارجهای قلعه سراسر هموار شده واز یکسر تادیگر سر یك پشتهٔ خاك تشکیل یافته، بسیار خوف زده ومدهوش گشتم . درین اثنادیدم که بسیار سپاهی هابه حالت بسیار پریشانی بیکطرف ودیگر طرف میدوند . من آنهارا بلزیکی پنداشته آواز هم دادم ولی همین وقت بیهوش شدم .

وقتیکه بهوش آمدم درنزد خود یك کپطان جرمنی را دیدم که مرا گیلاس آب داد . ساعت شش ونیم شام بود که مرا درخسته‌خانه انداخته بهلیج آوردند . من درینوقت اسیرشده بودم ولی هنوز سلاح را تسلیم نکرده بودم وبعد ازین بمن معلوم گشت که بوقت ساعت چار و ۴۰ دقیقه قلعه بکلی سوخته ومنهدم گردیده است وان در آنوقت که من بیهوش شده بودم بعمل آمده بود وجمعیت خبر گیر جرمن برای محافظه نمودن سپاهیان ما آمده بودند .

بادیگر افسران خود معاً به « میدکوارتر » صدرمقام جرمن آورده شدم . وسرعسکر جرمن درصلهٔ ابراز بهادری شمشیرم را دوباره بمن داد که تاحال در نزدم در قلعهٔ « میکدی برگ » موجود است که از انجا به ۲۳ اکست به « کولون » فرستاده شده ام .

(اخرتری)

فتح لودز

یکم دسمبر ازامستردام :

شهر « لودز » را که یکی ازشهر های مشهور پولیند روس بود ازطرف جرمنها گرفته شد . محاربه های بسیار خونریزی ازچند روز جاری بود . خط مدافعهٔ روس میلها مسافه را به بسیار استحکام وقوت را دربرگرفته بود . جرمنها بعداز کارزار های زیادی یك حملهٔ بسیار شدیدهٔ خونریزانه خط مدافعه را از قلبگاه شکستاندند وخط رجعت میسرهٔ روس را درتهلکه انداختند . درعین زمان میمنه‌شان ازطرف اوستریا تضییق میافت که باینصورت عساکر روس یك انهزام کلی' دوچار آمده به بسیار بی ترتیبی شکست فاحش یافتند . وبقدر شصت عرادهٔ طوب و ۱۵ هزار اسیر ومقدار کلی جباخانه وارزاق واشیا واسباب بشهر لودز . وبسی قراوقصبات بدست جرمنها درامد . اینحال بروسهاراخیلی پریشان ورهم ودرهم نموده است .

خط حرکت عثمانی

۲۸ نومبر از بغداد :

دولت علیه عثمانیه پیش ازانکه اعلان حرب کند درباب بندرگاههای خود چنان اندیشه کرده بود که چون اکثر بندرگاهها قوهٔ مدافعهٔ کامله ندارد خط حرب خودرا دوراز زدگاه طوبهای کشتی جنگی دشمن تشکیل میدهد . یعنی دشمن میتواند که شهرها وبندر های سواحل را درزیر طوب بگیرد ولی همین که بخشکه قدم نهد باقوای کلیه دمار ازنهاد شان برمیآرد . چنانچه دربصره برین تصور خود بخوبی کامیابی آمده دشمن یك خطوه ازساحل به آنسو نتوانسته است بگذرد .

عثمانی ومصر

کذا :

معلوم است که دولت برتانیا مصررا برای یك میعاد معینی عاریتاً ازدولت عثمانیه گرفته بود ، وحق سیادت عثمانی بران قایم بود اما چندبار که وعدهٔ خالی کردن آن دررسید خالی نکردند . ازهمه بدتر که دروقت اعلان حرب برتانیا بجرمن مصررا بیطرف نگذاشته بجنك داخل ساخت که این مسئله بیطرفی عثمانی را که دراول جنك اعلان کرده بود خلل رسانید . لهذا عثمانی ازین فرصت بهتر وقتی برایش میسر نمیشد که مصر خودرا ازبرتانیا بازستاند این است که بحرب آغاز نمود . همه عربهای مصروسودان باعثمانی متفق اند .

تقرر برخلاف دولت برتانیا

۳ دسمبر ازامستردام

داکتر ثمان که یکی ازمشاهیر است یك تقرر بسیار مفصل بیان کرده گفته است که ازهرجهت ذمه‌دارابن جنك انکلستان است زیراانکلستان باینواقعات به بسیارخوبی باخبربودواینکه میگویند دولت جرمن بیطرفی بلژیك را خلل رسانیده صرف غلط و بهتانات است . بیطرفی بلژیك را پیش ازده سال فرانس وانکلیز بسبب نقشه که درباب هجوم برجرمن کشیده بودند پامال ساخته بودند . جرمن درهیچ باب به بلژیك ازوعده تضمینات وتاوان قصور نمودولی یگانه محرك ومشوق بلژیك برحرب انکلیز بود .

(مترجم عبدالرحمن)

پیسه اخبار ۱۹ دسمبر :

(گوله باری جهازهای جنگی جرمن برسواحل انگلستان)

لندن ۱۶ دسمبر :

محکمهٔ جنك مظهر است که قوماندان قلعهٔ مغرب قصبهٔ « هارت پول » ربورت میکند که جهازهای جنگی جرمن دردین ساعت ۸ و ۹ صبح باقلعهٔ هدامبر کرم پیکارشدند دشمن پسپا کرده شد ویکجهاز خورد جرمن بر « سکاربرو » و « ووتبی » نیز گوله باری کرد .

بوقت ۸ بجهٔ صبح بر « سکاربارو » آتشفشانی شروع شد ودرینوقت دهٔ کشتی نیز سطح بحررا استیلا نموده بود مردم بکمال اضطراب از خانه‌ها برآمدند وبعضی از ایشان بر قطار سوار شده به « مل » روانه شد اند چنانچه ایشان بیان میکنند که از گوله باری مدهش جهاز دشمن نقصان کثیر وارد امده

یك ماکینیست ریل میکوید که گوله‌ها به بسیار کثرت دراطراف ما افتاده بودند . چنان معلوم گشته که یك جهاز جنگی جرمن قریب قلعه « کلف » لنگر انداز بود سقف کلیسای « سان‌مارین » از اصابت گوله‌ها سوراخ شده ودر یك کلیسای دیکر نیز یکرخنهٔ بزرگی کشاده شده‌است . چند اطفال وزنان درلباس‌های خواب بکمال سراسیمکی بهر سو میدویدند . از ضرب گوله‌هایی سقوف خانه‌ها افتادند وقریب پنجاه گوله فیر شده بودند .

ازشهر « هارت پول » چنان معلوم میشود که بمجرد گوله باری سه جهاز جرمن چار کشتیهای تباه کن انکلیزی بمقابلهٔ شان برآمدند وآنهارا باخود مشغول بیکار ساختند .

دیوریکه از « ودکار » آمده مظهر است که ازدور صورت سه جهاز بنظر میخورد درخشندکی در گرفتن توپها ازعرصهٔ کارزارخونی معلوم میشد وازصورت گوله باری چنان منکشف شد که جهازات برقلعه های « تپاز » هجوم برده اند صدای گوله باری بالتدریج دهیمی شده میرفت درهردو دقیقه یکدرجن شعلهٔ آتش گرفتن توپها بنظر برمیخورد ودر « ودکار » اضطراب عمومی پیدا شد .

دربین ساعت ۹ و ۱۰ صبح دو کروز واژور جرمن یك گوله باری بسیار شدیدی ازمسافه ۳ میل برقصبهٔ « وتبی » کردند که ازان چند نفر متضرر گشتند ویك نفر هلاك وبعضی عمارات نیز منهدم ویکقسم عمارت تاریخی « ایی » بکلی تباه شد . کروز ، اژورهای مذکور گوله باری کرده بجانب شمال‌مشرق غایب گشتند

تلکراف « هارت پول » خبرمیدهد که درانجا از گوله باری بسیار نقصان شدید رسیده یك گوله برمخزن « گیس » اصابت نمود که ازان گیس شعله زن گشته است عدد کروز واژورهای جرمن مابین دو وشش تخمین شده که تا به ۲۵ دقیقه نمایان بودند برپورت هلاك شدن ۹ نفر کرده میشود .

« سکاربارو » :ـ یك شخصیکه کیفیت گوله باری رابه چشم خود دیده بیان میکند که دوچوك متصل ایستگاه ریل عمارات متعدد افتادند ظاهراً دشمن براستاسیون تلکراف بیسیم نیز حمله کرد فوج وتوپخانه هردو آماده وسپاهیان پیاده در خندقها بودند باوجود آن من اندازهٔ صحیح نقصان جان را نمیتوانم ولی دو نفر زخمی دیدم که بر چارپائی ها برداشته میبردند .

محکمهٔ اخبارات از جنك مظهرست که چند کروز واژور جرمن که برساحل « یارکشایر » مظاهره کردند دوران این مظاهره برهارت پول وهتبی وسکاربرو گوله باری کردند برای مظاهره وگوله باری ، جهازهای بهترین جرمنی مامور کرده شده بودند وتایکساعت برساحل دوام ورزیدند وبمجردیکه جهازهای گزمهٔ انکلیزی را بروجود این کروز واژورها علم آمد دفعةً بسوی آنها عزیمت کردند ولی جهازهای جرمنی بکمال‌السرعت دردمهٔ کثیف فرورفته غایب گشتند . محکمهٔ بحریه‌این مظاهرهٔ بحری هیچ اهمیت حربی را نداده است .

امشب معلوم‌شد که از گوله باری نقصان بسیار رسیده وخصوص « سکاربارو » متحمل تلفات کثیر گردیده است . دربندرگاه های « سکاربارو » و « وتبی » بعضی ملکی هاهلاك وزاید ازصدنفر مجروح گشتند . خبررسمی ظاهر میکند که در « هارت پول » ۷ سپاهی مقتول و ۱۴ مجروح و ۲۲۵ شهری مقتول و ۵۰ مجروح گشته‌اند . [باقی خیر خیریت] .

سیاره: (از جرمنها در چین)

در « پکین » پایتخت چین ، جرمنها برای اشاعت دادن افواه غلط بر خلاف برطانیه بسیار کوشش کرده‌اند چنانچه این‌مساعی شان مثمر نیز گردیده اند . ویکدلیل کامیابی شان آنست که‌مدیر انکلیز اخبار « پکین غزیت » مستر جارج « وودهید » بجرم مخالفت جرمنها از عهده‌اش علیحده کرده شده‌است . وحالا میخواهند که مدیر اخبار « پکین دیلی نیوز » که (بزبان چینی طبع میشود) را نیز بر طرف گردانند زیرا اوهم بر خلاف جرمنها وتائید انکلیسها مقاله‌ها میدهد .

کذا (تأثیر جنك بر امپراطور جرمن)

مستر « دیلیوام دك دورت » ازکوبن هیجن ازقرارذیل اطلاع میدهد که : از آغاز حرب تابحال امپراطورتنها یکدفعه آنهم در اثنای مراجعت از میدان رزمگاه مشرق به « برلین » آمده بود ودر اطاقگاه عادی خود توقف نورزیده بلکه دریك محل خورد قیام‌خود رامناسب پنداشت . محلسرای‌شاهانه بند شده ودروازهٔ آن پهره نیزمتعین نیست پرده‌های عمارت‌شاهی گردآلود وسرنگون وغرفه‌ها محتاج جاروبند برچهره‌اش وضعیت سپاهیانه استیلا نموده موهایش سفید بهایش را پیش از عادت پیری گرفته است . از استقبال بسیار برجوش وخروشیکه درسال ازطرف اهالی برلین بتقریب تشریف آوریش اجراشد چنان معلوم‌میشود که‌امپراطور تابحال دررعایای خود بس محبوب القلوب است . درینوقتها بذریعه یك پادری درمیدان رزمگاه بسپاهیان خود این پیغام را فرستاده است ازطرف من بآن همراهان بهادرمن که برمحاذ جنك داد مردانگی وشجاعت داده اند سلام برسانید وبه ایشان بکوئید که به ذات خداوندی توکل کنید که اوتعالی به بسیار زودی شمارا مظفر ومنصور خواهد ساخت ! . . .

درچاپ خانهٔ حروفی دارالسلطنهٔ کابل طبع گردید

همه مقاله‌هائیکه دستخط ندارد ازطرف مدیر وسرمحرر تحریر یافته

محمود طرزی

اعلان

سیاحت بدورادور کرهٔ زمین

چقدر فایده ها وشیرینها دارد ! علی‌الخصوص
که آن سیاحت باآن بزرگی ووسعت

به هشتاد روز

اجرا شود ! آرزو کننده‌گان این سیاحت
خارق العاده هرگاه برای خریداری کتاب

(سیاحت بدورادور کرهٔ زمین)

بهشتاد روز

بقدر دوروپیهٔ کابلی یکمبلغ کمکی را صرف نمایند این سیاحت را گویا (فلیاس‌فوق) سیاح ورفقایش یکجا اجرا کرده خواهند بود ! محل خریداری این کتاب دکان (ملاغلام محمد) تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی میباشد . ودر نفس مطبعهٔ عنایت که در ده‌افغانان است از نزد عبدالرؤف سر مرتب نیز خریداری میتوانند .

مؤلف این کتاب (ژول‌ورن) فرانسوی است که در نوشتن ناولهای فنی مشهور آفاقست . از فرانسوی بترکی واز ترکی بفارسی ترجمه شده‌است . کتاب مذکور نه‌تنها ناولی بلکه در ناول‌فن جغرافیا وجغرافیای ریاضی را نیز بطرز افسانه نشان میدهد .

در (مطبعهٔ عنایت) که از مؤسسات شهزادهٔ جوانبخت معظم دولت علیه افغانستان جناب عالی (معین‌السلطنه سردار عنایت‌الله خان) است بزیور طبع آراسته شده‌است . این کتاب نایاب‌را زود بدست آرید وفرصت‌را فوت مکنید که نسخه‌های آن زود تمام خواهد شد وافسوس فایدهٔ نخواهد بخشید .

اعلان

ازنهر دهن سخنی
وازنهر چمن سمنی

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه‌را مژده میرسانیم . وترغیب میدهیم که ازین گنجینهٔ پراز جواهر آبدار . وازین گلزار پراز ازهار بیکیک نسخهٔ بدست آورده ازهردهن سخنی بشنوند . واز هرچمن سمنی بچینند .

درمطبعهٔ عنایت بزیور طبع آراسته گردید . قیمت ۲ روپیه

* * *

اعلان

سیاحت در جو هوا

یک ناول فنی بسیار عجیب وغریبست که در مطبعهٔ عنایت بزیور طبع آراسته شده وسومین کتاب (کتبخانهٔ مطبعهٔ عنایت) را تشکیل داده ایم از تألیفات (ژول‌ورن) فرانسویست که درفن ناول نویسی شهرهٔ آفاقست از زبان ترکی بفارسی ترجمه شدست بقیمت (۲) روپیه کابلی بفروش میرسد .

این هرسه کتاب در دکان باز محمد در بازار ارک و در دکان ملا غلام محمد در جوار مدرسهٔ شاهی هریک بقیمت دودو روپیهٔ کابلی بفروش میرسد .

کتابهای مذکور در نفس مطبعهٔ عنایت واقع ده‌افغانان از نزد عبدالرؤف سر مرتب مطبعهٔ موصوفه نیز خریداری میشود

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا
یاد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از شکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خود رهائی یابیم ممکن نشد لهذا بادا کخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یك مقاوله نموده دا کخانهٔ مشار الیه تقسیم وتوزیع اخبار مارا که بهمه مشترکین کرام ما رساند در عهدهٔ جهت خود قبول نمود . مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خودرا تبشیر ویاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فرداً بواسطهٔ آدمهای دا کخانه بخود شان میرسد .

اعلان

روضهٔ حکم

(از آثار مطبوعهٔ جدیدهٔ مطبعهٔ عنایت)

این کتاب اخلاقی ، دینی ، ادبی ، یك اثریست که از احادیث شریفه وفقرات مفیدهٔ اخلاقیه مانند یك گنجینهٔ جواهری میباشد ودرین روزها زینت بخش عالم مطبوعات گردیده است درنفس مطبعهٔ عنایت از نزد عبدالرؤف خان سرمرتب ودر بازار ارك از دکان باز محمد کتاب فروش واز دکان ملا غلام محمد کتاب فروش متصل مدرسهٔ شاهی بقیمت دوروپیه کابلی هرکس خریده میتواند .

اعلان

مصور

« ۲۰۰۰۰ فرسخ »

سیاحت درزیربحر

درحالیکه دو گز در زیر بحر فرو رفتن موجب هلاك شود آیا بیستهزار فرسخ سیاحت در زیر آن چسان ممکن خواهدشد ؟ هر که درین باب شبهه دارید در خصوص بدست آوردن کتاب (۲۰۰۰۰ فرسخ سیاحت درزیربحر) سهل انگاری نکرده بقیمت ٤ چهارروپیهٔ کابلی ازده افغانان ازنفس مطبعه عنایت ، بازدکان باز محمدازبازار ارك ، بازدکان غلام محمد ازبازار متصل مدرسهٔ شاهی زودی خریداری کنید . وبخوبی بخوانید . وتصاویر آرا بدقت تماشا کنید تا بر شما فناً عقلاً ثابت شود که سیاحت درزیر دریاهای شور چسروا ممکن . بلغیر ممکن است !

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

شمارهٔ ۹ سال چهارم

فهرست مندرجات

صنائع — بدایع	الکتریك کارخانهٔ برق جبل السراج — تشریف فرمائی ذات اعلیحضرت همایونی بجبل السراج رسم افتتاح — عودت همایونی .
حوادث داخلیه	ازمحکمهٔ واقعه نگاران — واقعه نگار قندهار — واقعه نگار پشت رود —
ادبیات	کلام غلام حیدر مذنب تخلص —
سیاحت	از کابل تاقندهار —
علوم و فنون	معلومات — در خصوص تخم — وداء الفحم —
تاریخچه لهستان بنام دیگر — پولیند —	
حوادث خارجیه	اجمال احوال — خبرهای جنك — جنك ده لشکر — واقعه عجیبه — صدمه بتمامت ایران — جنرال وال هندنبرك — اداره سلطانی — اشاعت اراده سلطانی تحریك جرمن — انتظامات جدیده دربالقان — گلوله باری جهازهای جرمن بسواحل انگلستان —
تصاویر	سه منظره ازتشریف فرمائی ذات اعلیحضرت سراج الملة والدین برای ملاحظهٔ کارخانهٔ برق جبل السراج — یك گروپ جناب نائب الحکومه ترکستان سردار عبدالوهاب خان باارباب مناصب ملکی و عسکری — قیافت مردمان بلوچستان —

از صنایع روزبهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین بادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جرنیل کارخانه جات ، ماشین خانهٔ مبارکهٔ دارالسلطنه کابل علاوه بإیفای حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه واونیفورمه های عساکر شاهانه وغیره ، وبعضی دیگر مصنوعات داخلی که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که ازحضور اعلیحضرت همایونی حکم فروش آن صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ، ذیل (دکان عبدالله جان دربازار ارک) میباشد .

(۱) سرجهای پشمینه بالی رنگهای مختلف که قیمت آن ازقرار گز انگلیزی ۳ فوته مشخص شده ودرصندوقخانهٔ جنسی هم فروش میرسند

اقسام	قسم اول						قسم دوم					
درجه‌ها	درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم قدری کلفت قیمت آن ۱۰ پیسه زیادتر	
رقم	تاحال ساخته نشده		رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت			۷ روپیه ۰ پیسه	۶ روپیه ۱۱ پیسه	۶ روپیه ۴۲ پیسه	۵ روپیه ۴۸ پیسه	۶ روپیه ۹ پیسه	۵ روپیه ۱۸ پیسه	۶ روپیه	۵ روپیه ۱۰ پیسه	۶ روپیه ۱۰ پیسه	۵ روپیه ۲۵ پیسه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گز انگلیزی کشمیره چهارخانه ۷ روپیه ۳۵ پیسه | کشمیره رهدار هرقم ۷ روپیه بیست پیسه

(۲) جراب ها

رقم	یکتانکه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه

(۳) تکمه‌های چرمی محراب ومنبردار

کلان فی درجن	میانه فی درجن	خورد فی درجن
۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۵۰ پیسه

(۴) کروره های جدید ساخت

رقم	زه باف تکابیه دو گره دو تازه	زه باف یك اسپه دو گره سه تازه	جرم باف یك اسپه	یك اسپهٔ چار تازهٔ تخی
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲۴ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۶ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم باف دسته بادامی دواسپه	چرم باف دسته دولانه یك اسپه	دستهٔ دولانهٔ یکی چار اسپه	چرم باف هرکاب
قیمت	۴ روپیه و ۴۸ پیسه	۴ روپیه و ۴۶ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۴۳ پیسه
رقم	قبضه رنجی کلیت نقره توبخانه	قبضه کلیت نقره از چرم دولایه توبخانه	زه باف رقم سواری سامی کلیت	زه باف دو تازهٔ رکابی
قیمت	۳ روپیه و ۵۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۷ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵۴ پیسه
رقم	رکابی ازنغ	چرم باف میانه چوب پت زنانه	ازین سواری تیغ چرمی	زنانه ابریشمیٔ خیاطه
قیمت	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته بادامی تیغ چرمی	دستهٔ دولانه سامی رنجی کلیت نقره	ازین سواری دولایه تیغ چرمی کجك دار	چرم باف مابین پت یك اسپه
قیمت	۴ روپیه و ۴۹ پیسه	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

(۵) اقسام گلهای مصنوعیٔ سر

قسم	گل جیرین	گل نافرمان	گل وبینه	گل شبو
قیمت	۵ روپیه و ۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۶ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قسم	شگوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل لسقون	چنبیل
قیمت	۷ روپیه و ۴۵ پیسه	۶ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه ۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شگوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

« المشتهر »

(میر محمد هاشم دفتری کارخانه جات)

(کمیدان نظامی)

صحیفه (۱) سال چهارم شمارهٔ (۹)

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
با مصارف داك ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مصارف داك ۱۰ روپیه انگلیزی
بهر پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یك نسخهٔ آن در کابل یکعباسی است
(اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود)

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

ادارهٔ خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه به ادارهٔ خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ ۱۵ صفر سنه ۱۳۳۳ تاریخ انگریزی ۲ جنوری تاریخ شمسی ۱۱ جدی ۱۲۹۳

«صنایع بدایع»

الکتریك = کارخانهٔ برقی جبل السراج — تشریف فرمائی ذات اعلیحضرت همایونی بجبل السراج — رسم افتتاح — عودت موکب

یکی از مخلوقات غرایب آیات ذات اقدس خلاق کائنات جل جلاله قوت خارقه نمای «الکتریك» است که آنرا به اصطلاح ملك عزیزما «قوت برق» میگویند. الکتریك یکمادهٔ سیال فعالیست که ماهیت حقیقیٔ آن را عقل وذهن بشر هنوز کما حقه هم ادراك نتوانسته است. بلی! بلیارها چیزهای خارقه نمای در ارض وسما، وعوالم سفلا وعلیا موجوداست که عقل قاصر بشر از ماهیت حقیقیٔ آن نی، بلکه از موجود بودن آن نیز هنوز خبر ندارد. ماده پرستانی که تنها عقل واستدلال را پیروی کرده، ودرهر چیزی ماده را فعال مطلق شناخته، واز آثار فعال لمایریدیٔ مالك الملکوت عظیم الشان چشم پوشی کرده اند – اگرچه باستدلالات عقلیهٔ خود شان تایکدرجه برحقایق اعراض اشیاء آورده توانسته اند — ولی هیهات که آنهمه استدلالات تنها درعوارض پادرگل مانده بکنه ماهیت حقیقی آن یکقدم ازقدم برداشته نتوانسته است.

این است که الکتریك نیز چنان یك سیالهٔ غرایب اساله ایست که از تأثیرات خارق العادهٔ آن بسی چیزهای محیر العقول پدیدار گشته ومیگردد، وعالم مدنیت استفاده های عجیب وغریبی نیز ازان نموده ومینماید. ولی باز هم ماهیت حقیقیٔ آن هنوز سراسر مجهول مانده، ومانند ماهیت حقیقیٔ «ضیاء» و «حرارت» طبیعیون را به بسی فرضیات واستدلالات در انداخته است. مثلا یك پارچه کهربا، یك پارچه لاك، یك پارچه بلور وغیره راچون بر یك قاش پشمی مالیم وبر ریزهای کاغذ وخاشاك نزدیك کنیم میبینیم که آن ریزه های خس وخاشاك وپارزه های کاغذ بسرعت وشدت تمام بآن لاك پاره یا کهربا یا بلور می چسبد. یا آهن پارهٔ لعل مانندی که آنرا «آهن ربا» میگوئیم چون بسوزن پارزه های آهن نزدیك سازیم می بینیم که بیك قوت عجیبهٔ آن سوزن پارزه آهن به آن آهن ربا میچسبد. آیا آن اجسام دست وپنجه پیدا کرد که آن چیزها را در ربود؟ آیا کهربا وآهن ربا مرغی شد که بمنقار خود آن چیزها را برچید؟ نی. نی! این همان قوت سیال جوال فعالیست که آنرا «قوهٔ الکتریکیه» یا «برقیه» یا «مقناطیسیه» میخوانند.

این قوت نه رنگ دارد، نه جسم دارد، نه بو دارد، نه وزن دارد که به آن چیزها دیده شود، یا شناخته شود یا بدست گرفته شود. حالآنکه این قوت در همه اجسام طبیعیه صلب، مایع، غاز موجود است. وتأثیرات خوارقه نمای آن بواسطه های دلك وتماس وحرارت ومعاملات کیمیویه بحرکت آمده ظاهر وهویدا میگردد که باز هم سبب اصلیٔ اینمسئله را هیچ کس نمیداند که آیا اینواسطه ها بچه صورت موجب تحریك الکتریك میشود وخود آن قوت نابود موجودچه چیزاست؟

ششصد سال پیش ازمیلاد عیسی علیه السلام هیچ اثری ازین قوهٔ بدیعهٔ الکتریکیه بساکنان کرهٔ زمین معلوم نبود اول بار کسیکه بدان قوت پی برد «ارسطالیس» نام حکیم یونانی بود که ازعقلای سبعهٔ حکمای یونان شمرده میشد. وقبل ازمیلادعیسی علیه السلام به ۶۴۰ سال در «فنیك» تولد یافته بود. وپیش ازمیلاد به ۵۴۸ سال وفات یافته است. حکیم مشارالیه یکپارچه کهربائی داشت که یکروزی برای پاك کردن آنرا از یك لکهٔ که بران حاصل شده بود بایلاس پارهٔ پشمی که در برداشت مالش داده برزمین گذاشت. دید که بعضی خس وخاشاك بسوی آن کهربا دویده بآن چسپیدن گرفت. ازینحال حیرت ورا دستداده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 990 of 1786

بازتجربه کرد . خواص جاذبه را درکهربا بتحقیق رسانید . ولی این تحقیقات حکیم مشارالیه همینقدر نتیجه بخشید که خواص جذب شدن « که » درهمین سنك معدنی که آنرا کهربا میگوئیم موجود است . ودیگراستفاده و کنج وکاوی درآنباب بعمل نیامد وجه تسمیهٔ « الکتریك » هم از همان وقت است . زیرا بعد ازانکه خواص ربودن « که » درجسم معدنیٔ مذکور کشف گردید . یونانیها نام آن معدنرا « الکترون » نهادند که عیناً معنیٔ « که » و « ربودن » را دربرمیگیرد رفته رفته لفظ « الکترون » رافرانسویها به « الکتریك » تبدیل دادند که همین تلفظ « الکتریك » ازطرف هرکس قبول شده زبانزد زبان فنیٔ همه جهان گردیده است .

درسنهٔ ۱۵۶۵ میلادی « ژیلبرت » نام حکیم انگلیزی که داکتر ملکهٔ مشهورهٔ انگلستان « الزابت » بود . ودرتتبعات فن « حکمت طبیعیه » فرید عصر خودبود دربسیاری ازمواد معدنیه ونباتیه مانند کوکرد . لاك . رجنه . بلوروغیره نیز همان خواص جذبیه را که درکهربا موجود است کشف نمود . امااول کسیکه بالکتریك عملیات اجرا ودربرق هوا نیز خواص الکتریك را کشف وپیدا نموده است « فرانقلن » نام حکیم امریکائی بوده است که باین کشف خود باختراع « سپرصاعقه » کامیاب آمده یك خدمت بزرگی درراه انسانیت نموده است .

رفته رفته ارباب علوم دیگر در خصوص این قوهٔ غریبه الکتریك تجربه ها ، وتطبیقات گوناگون اجرانموده ، وشب وروز درراه استفاده ازان وکشفیات اقسام آن ازکوشش وکشش بازنه ایستادند که درینجا ازاقسام گوناگون ، وکیفیتهای بوقلمون آن بحث وبیان نمودن لزوم ندارد . بلکه تنها ازبعض آثار بسیار نافع وسودمند آن که درعالم مدنیت بمیدان ظهور آمده است ، وانسانها ازان استفاده های عظمی کرده اند بیان میکنیم اول ـ یك اثر بسیار نافع آن (تلگراف) است که فایدهٔ آن عام است . وخبر های غرب وشرق تمام کرهٔ زمین را ازیکسر تادیگر سر میرساند ، وهمهٔ عالم مدنیت فایده های عظیمی ازان برمیدارد . دوم ـ تلفون) است کـه چنانچه تلگراف آلهٔ رسانیدن اشارات مخابره میباشد ، تلفون آلهٔ مخابرهٔ صوت و صدا است که بواسطهٔ الکتریك عیناً آواز انسانرا تاجا های بسیار دور بگوش شنونده میرساند . چارم ـ « تلگراف زیربحر » است که بواسطهٔ الکتریك خبرهارا اززیر بحر نقل داده بساکنان روی زمین میرساند . پنجم ـ « تلگراف بیسیم » که بواسطهٔ الکتریك بدون سیم بذریعهٔ اهتزازات ذرات اثیریه خبر رسانی میکند وازمهمترین وجدید ترین خوارق الکتریك میباشد . ششم ـ « زنگهاالکتریکی » است که درعمارتهای خصوصی وعمومی خدمت خبردادن را بجامی آرد .

اینها که ذکرشد خدمتهائیست که درراه خبررسانیٔ عالم انسانیت الکتریك بجا می آرد . حالا ببینیم که درراه طبابت وجراحی از الکتریك چه فایده ها گرفته میشود : ــ اولا اینرا بگوئیم که جریان الکتریکی برای بسیاری ازبیماریها علی الخصوص برای امراض واوجاع عصبیه فایده می بخشد که جهاز ها و آلات متعددهٔ درآنباب ساخته شده ، و در طبابت استعمال میشود . وبرای داغ کردن وغیره نیز بعضی آلات طبیهٔ الکتریکیه اختراع شده است که عالم طبابت برای حیات بشر خدمتهای عجیبی باآنها ابراز میکنند علی الخصوص شعاع « رونتکن » « چنان یك اثرخارق العادهٔ الکتریك است که عالم طبابت را یك شعشعهٔ نورانیت جدیدی بخشیده است . این آلهٔ خارقه نما غیرازعالم طبابت در کشف حقایق بسی اشیانیز خدمات بدیعهٔ الکتریك را هویدا میسازد . مقصد چون نوشتن جهات فنیٔ اینها ازتجربه وغریبه نیست تنها به تعداد اسامیٔ بعضی ازبدایع این مخلوق بدیعهٔ حضرت خالق بدیع السموات والارض اکتفا ورزیدیم . حتی ازتأثیرات کیمیویهٔ آن که آب ، هوا ، ضیا ، وبعضی اجسام را تحلیل کرده عناصر اصلیهٔ آنهارا جدا جدا به انسان معلوم میکرداند ، واز تأثیرات مقناطیسیهٔ آن کمانند « سپرصاعقه » وعلی الخصوص مانند (قطب نما) آله ئیرا که بدون آن سیر وسفر دریاها وهواها ممکن نمیشد « واز تأثیرات روشنی بخشیٔ آن که عالمیرا باانوارضیانثار چراغهای الکتریکی شعشعه بار ، و مانند « پروژه کتور » ها نور های فوق العاده درخشانرا بروی کار آورده ، و مانند « رونتکن » شعاعاتی که اجسام کثیفه را پاره کرده میگذرد و امثال آن مانند شعاعات رادیو سکوپی » و « رادیو گرافی » که خارقه های عجیبی نشان میدهند ، واز تأثیرات حرارت آن که غیرازگرم کردن خانه ها بخاربهاودیگدانها مانند « داش مؤسان » داشهای عظیم الحراره را که مؤسان نام کیمیا گر فرانسوی بواسطهٔ آن داش ذغال سنك را بالماس تحویل داده توانسته بود . ودیگر تأثیرات عجایب وغرایب این قوهٔ سیاله بدیعهٔ الکتریك که ازصد یکی ازانرا بیان نکرده ایم بحث وبیان نمیرانیم .

تنها ازاهمیت ومنفعت ماشینهای « الدوکسیون ــ اندبکشین » یکقدری بحث وبیان میرانیم . تادر خصوص « ماشینخانهٔ برقیٔ جبل السراج » که بنایهٔ ترقیخواهٔ ذات اعلیحضرت « سراج الملة والدین » پادشاه مقدس عدالت آئین ما تأسیس وبنیاد یافته تایکدرجه یك فکری حاصل کرده بتوانیم .

ماشینهای « اندوکسیون » ــ یا ــ « ایندیکشین » ، از نقطهٔ نظر تطبیقات ، مهمترین ماشینهای الکتریك شمرده میشود . تطبیقات عظیمهٔ مدنیه وصناعیهٔ الکتریکی ، همه کی بنایهٔ همین ماشینها بمیدان وامده است . چونکه این ماشینها به آسانی قوت الکتریك بسیاری حاصل میکنند واین قوت را بهرجائیکه دل انسان بخواهد بواسطهٔ سیم نقل داده استعمال کرده میتواند .

درماشینهای اندیکسیون جریان های الکتریکی بردوقسم است . یکی « متناوب » ــ یعنی نوبتی ــ ودیگری « متمادی » ــ یعنی

دایمی — . اول آن را « مایه‌تو » ، و دوم آن را « دینامو » نیز میگویند . این ماشینها چنانچه بواسطهٔ حرکت الکتریک حاصل میکنند همچنان بواسطهٔ الکتریک حرکت نیز حاصل میکنند که باین سبب بواسطهٔ این ماشینها هر رقم ماشینها و آلاتها بکار انداخته میشود . مثلا بمجردیکه ماشینهای دینامو ، « مایه تو » یك جریان الکتریکی بگیرد بحرکت آمده هر اقدر آلهها وماشینهایی را که به آن مربوط باشند بکار می‌اندازد . مانند ترامویلها ، « لوقوموتیفهای » انجنهای ریلها — ، چرخهای عرابه‌های موتر بوطها ، اوسقور های زینهاواورو بلاها ، آسانسورها یعنی جر اثقالهائیکه آدمها را از زیر بطبقه‌های بلند عمارتهای عالی بالا میکنند — وهمه نوع جرهای اثقالی که چیزهای بسیار سنگین را بالا کند ، بادیکه‌های جسیمی که دالانهای بسیار بزرگ را هوا بدهد ، هر نوع پمپهای بسیار جسیمی که برای آبپاشی بحرکت آید ، یا ماشینهای زراعت مانند ماشین قولبه کشی ، ماشین درو ، ماشین خرمن کوبی وغیره ، برمه‌های بزرگ کان شگاف ، والحاصل هر گونه آلات وماشینهایی که در خانه ها مغازه‌ها ، کارخانه‌ها ، معدنها ، فابریکها استعمال میشود خواه کوچك باشد خواه بزرگ همه‌گی بواسطهٔ « محرکهای الکتریك » بکار می‌افتد . جریانهایی که برای این « محرکهای الکتریك » بکار می‌افتد وجریانهایی که برای این محرکها لازم باشد ، بوقت لزوم آن از آکو موتورها ویا از دینامو‌ها ومایه‌توها استحصال وسوق میشود . واین دینامو ومایه‌توها بواسطهٔ ماشینهای بخار یا « توربین » های آب دور میخورند .

درخصوص بکار انداختن ماشینها و آلات را بالکتریك خیلی آسانیها وخوبیها دیده میشود . زیرا برای بکار انداختن هر یك ماشینی که انسان آرزو کند در محرك آن سوق کردن یك جریان الکتریکی کافی دیده میشود . در فابریکها و ماشینخانه‌هایی که بالکتریك بکار انداخته میشوند از تسمه‌های چرمی دور ودراز ، وزنجیرها وچرخهای دندانه‌دار ، واز صداهای گوشخراش ، واز تهلکه‌های الم انگیزی که گاه گاهی ازان بظهور می‌انجامد هیچ اثری دیده نمیشود . بلکه قوهٔ محرکه ووسایط نقلیه وتوزیعیه وتحویلیهٔ آن جملهٔ باسیم اجرا میشود . نقل دادن قوهٔ محرکه را بواسطه‌های الکتریکیه از یك جا بدیگر جا هم بسیار آسانست . وهم تا بسیار مسافه‌های دور رسانیدن آن ممکن است . زیرا برای آن تجزیتها دو ماشین « ادیکسیون — ادیکشین — » ویك سیمی که ازان ماشین تا جایی که لازم است کشیده شود بدیگر چیزی حاجت نیست . قوهٔ محرکه که نقل دادن آن لازم است بواسطهٔ یك ماشین ادیکسیون حاصل شده ، بتعبیر دیگر — قوهٔ محرکه بجریان الکتریکی تحویل یافته — این جریانها بواسطهٔ سیم تا بدیگر ماشین میرسد که در انجا باز جریان الکتریکی بقوهٔ محرکه تحویل میابد ، وبه اینصورت قوهٔ محرکه از یك ماشین تا بدیگر ماشین بواسطهٔ سیم نقل داده میشود که باین اصول نقل دادن قوهٔ محرکه تا بدوصد بلکه سه صد کیلومتر مسافه ممکن میشود . بنابرین از جریانها وشلاله‌های آبهای روان که در جاهای بسیار دور هم باشند بکمال سهولت استفاده میشود .

درخصوص استفاده از قوهٔ محرکهٔ آبهای جاری وشلاله‌های قوی از بسیار وقتها سعی و کوشش میشد . اما سببی که این چنین شلاله‌ها و جریانها اکثر در میان کهسارها و جاهای تنها و صحراها موجود میشد راه استفاده ازان خیلی محدود ، وتنها بر آسیابها منحصر مانده بود . از وقتیکه اختراعات الکتریکیه بمیدان بر آمد ، قوهٔ محرکه بجاهای دور نقل شدن گرفت که عالم مدنیت بسایهٔ آن استفاده های عظیمهٔ از شلاله‌ها وجریانهای آبهای روان حاصل نموده است روشنی اکثر شهرها ، وبکار انداختن اکثر کارخانه‌های ممالك متمدنه از سایهٔ همین ماشینهای الکتریك که بقوت آبها وشلاله‌ها بکار می‌افتد بروی کار آمده است . در وقت حاضر در اکثر احوال ماشینهای الکتریك ، بجای ماشینهای بخار قایم گردیده وجریانهای آبها وسقوط شلاله‌ها جای « زغال سنك » را گرفته است که این مسئله در حیات عالم مدنیت یك تحول وتبدل عظیمی بروی کار آورده است .

این است که « کارخانهٔ برق جبل السراج » از بهر استحصال همین فواید ومنافع تأسیس وبنیاد یافته است که اگر ملت صادقهٔ افغانستان همه‌ٔ زبان گردند تشکر این لطف وعنایت اعلیحضرت پادشاه ترقی‌پرور مدنیت گستر خودشان را ادا کرده نمیتوانند . قوت الکتریکی که از کارخانهٔ مذکور بعمل می‌آید تقریباً از قوت پنجهزار اسپ بیشتر تخمین شده است . برای بکار انداختن فابریکهای موجودهٔ حاضره وتنویرات شهر . باصرفیات وضایعاتی که از جبل السراج تا بکابل بعمل آید بیشتر از هزار اسپ قوت بکار خواهد رفت که تقریباً چارهزار اسپ قوت بدست میاید . ممکن است که اول باول تمدید یك خط راه آهنی برای بکار انداختن یك ترام ریل برقی از جبل السراج تا بکابل از حالا سر رشته وشروع شود . وچون انجین یك واسطهٔ نقلیات بدست آید بنیاد یافتن دیگر فابریکها در نفس جبل السراج خیلی سهولت پیدا میکند . زیرا اگر فابریکها در نفس جبل السراج ساخته شود [مثلا بسبب کثرت پنبه . که دران سرزمینها زراعت میشود فابریکهای قماشهای نخی] قوت الکتریك هم ضایع نمیشود . وهم شهر قلعهٔ السراج را نیز بلندی وترقی و آبادی زیادی حاصل میگردد .

ذات شوکتسمات اعلیحضرت شهریار مکارم آثار ما اعلیحضرت « سراج الملة والدین » ادام الله دولته بالعز و التمکین درخصوص این مؤسسهٔ مفیدهٔ شاهانه‌ٔشان که اهم‌ترین آثار عصر سعادت بار همایونی‌شان شمرده میشود سعی واقدام وتوجه تامی مبذول میفرمایند . حتی در هفتهٔ گذشته موکب سعادت موهب اعلیحضرت شاهانه بجبل السراج تشریف سعادت ردیف را ارزانی فرموده ، وکارهای آنجا را از نظر فیوضات مظهر شاهانه گذارش داده بعد از سه چهار روز واپس عودت فرمودند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 992 of 1786

ازدرگاه خلاق بیزوال کائنات تضرع ونیاز میکنیم که عمر واقبال وشوکت واجلال پدشاه مقدس نیکوئی آمالمارا نااله‌ای پشیاری اریکه پیرای سلطنت سنیهٔ اسلامیهٔ افغانیه بدارد تاسایهٔ ترقیاتوایهٔ هایونی شان این ملک وملت عاجز که ازهمه‌سازوسامان ترقی وتمدن درگرداب حرمان مانده علم ، صنایع ، قوت ، ثروت راوج ترقی واعتلا عروج کند . آمین بجاه سیدالمرسلین .

حوادث داخلیه

(ازمحکمهٔ واقعه نگاران)

﴿ از دفتر ایشیک آقاسی صاحب ملکی ﴾

واقعه نگار قندهار بعریضه مورخه غره ذی الحجة الحرام ارسالی خود معروض داشته که در ۱۵ ماه ذی قعدة الحرام قریب نماز خفتن بخانه ملا خیرمحمد نام قوم سین ساکن محال معروف آتش افتاده مال وغیره اسباب او را سوخته لاکن مدعی خود را نمی گوید که از علاقهٔ غیر میباشد فقط

از دفتر ایشیک آقاسی صاحب ملکی

واقعه نگار پشت رود بخط مورخه ۱٤ شهر حال ارسال خود معروضداشته که بقرماه مذکور باران شدیدشده واز سر حدات هزاره‌جات سیلاب آمده جسر دریای هیرمندرا بسرعت بقدر نیم کروه‌راه برده ودرآنجا بلشبه آب بود کشتی‌هاندرآنجا ایستاده شده غواص‌ها عقب کشتی‌هارفته واپس آوردند وجسر مذکور بسته‌نشده‌مردمان عبور کننده‌ازدریای مذکوربذریعه کشتی می گذرند ورنگ آب تغیرپیدا کرده‌مردمان مذکوربه آب‌چاه گذران خودهارا می کنند ــ اگرآب سیلاب مذکور دراسباب برسد رنگ گرفته مطلق نمی‌رود فقط

ادبیات

﴿ کلام غلام حیدر مذنب تخلص ﴾

(دگر مذنب حدیث ازمو نگویم)
(کلام از نرگس جادو نگویم)
(سخن از غنچهٔ خوبان نرانم)
(تکلم از دهان او نگویم)
(زحرف‌زلف‌وخال‌وخط چه‌حاصل)
(بوصف عارض‌و ابرو نگویم)
(زبحث این وآنم جلگی بس)
(بکف ناهست قد زندگی بس)

(من‌و عرض دعای پادشاهی)
(که دارد از عدالت دستگاهی)
(بگردون محبت شمس خاور)
(باوج آسمان عقل ماهی)
(بجود او دهای خلق شاهد)
(بلطفش حسن خلق او گواهی)
(سراج ملت و دین است نامش)
(همیشه ساغر عشرت بکامش)
(زهی شاهنشهی باعقل‌و باقر)
(مبادا از سرش کم تاج‌و افسر)
(طفیل احمدو هر چار یارش)
(ابابکرو عمر عثمان و حیدر)
(سری کز خط فرمانش براید)
(بخونو خاک گردد او برابر)
(شهی چون اوبخوبی کس ندیده)
(تو گوئی ایزدش کم آفریده)
(گهی در فکر کار عسکری ها)
(گهی اندر رعیت پروری ها)
(چه میرسی زملك‌و انتظامش)
(چه میگوئی زوصف برتری ها)
(زهی تدبیرو رائی‌و فهم‌و دانش)
(زهی شاه‌و عدالت گستری ها)
(منور آفتاب عزو جاهش)
(فلك باشد زمین دستگاهش)
(شبو روز است در کار ترقی)
(پی گرمی بازار ترقی)
(زند در ملك دلها تخم صنعت)
(که حاصل آورد بار ترقی)
(چو خورشیدیکه بیرون آیدازابر)
(منور گردد انوار ترقی)
(زتأسیسات آرم در میانه)
(کنون یکشمهٔ از چاپ خانه)
(چه محفل عرصه گاه کامرانی)
(مقام عیش‌و جای زندگانی)
(چوصوت بلبلان باطرف گلشن)
(مرنبهاست گرم نکته خوانی)
(به ترتیب خبرها موج تحرر)
(نباشد کمتر از گوهر فشانی)
(کلام هر یکی قند مکرر)
(چوطوطی جامه‌های سبز دربر)

سه منظره

از مناظر تشریف فرمائی ذات
اعلیحضرت سراج الملة والدین
برای ملاحظه کار خانهٔ قوت
برق واقع جبل السراج ۲٦٤
کروه از کابل طرف شمال واقع
است و مهندس (مستر جویت)
کار آن شروع شده وهنوز تمام
نگردیده اینک انشاء الله تعالی
تمام شد قوت مذکور بکارخانه
های ماشین دار السلطنهٔ کابل
آورده خواهد شد و کار گرفته
خواهد شد برای روشنی خود
شهر کابل هم بکار میرود

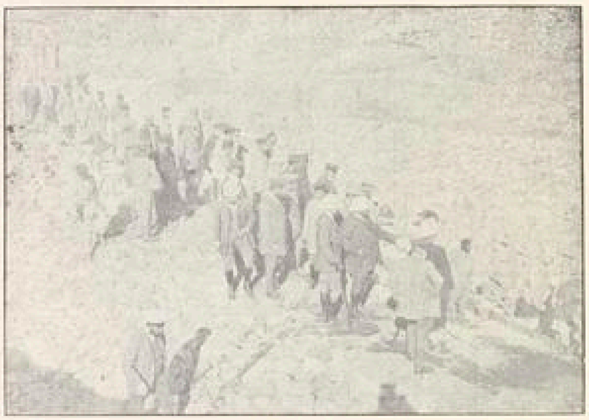

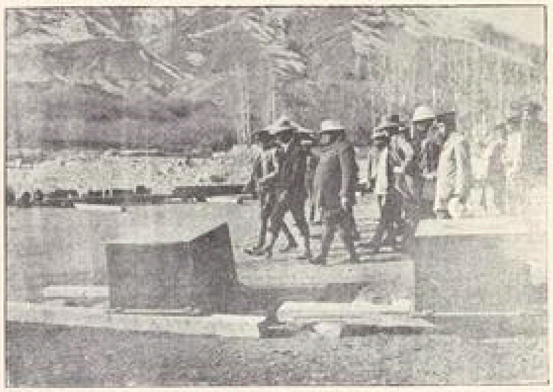

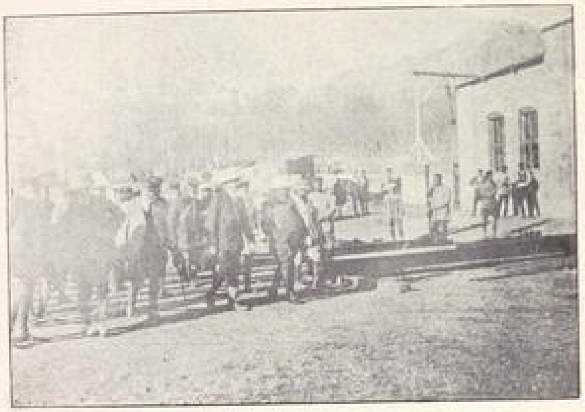

(نه تنها کار اخبار است آنجا)
(کتب هر گونه بسیار است آنجا)
(ز صرف و نحو و تاریخ و صکوکات)
(سخن راز و اذکار است آنجا)
(معانی باغ صامت میتوان گفت)
(گل معنی پدیدار است آنجا)
(زهند و کابل و روم و مصر و ایران)
(بخدمت هر یکی مأمور فرمان)

(نیم شاعر نه بحث از شعر دانم)
(نه میگویم چنینم یا چنانم)
(ندارم من تمنای غزل را)
(سخن ور نیستم بیجا نخوانم)
(غرض عرض دعا گویست اینجا)
(بهر مضمون دهد دل بر زبانم)
(الهی باد افزون عمر و بختش)
(بقای دولت و اعزاز و تختش)

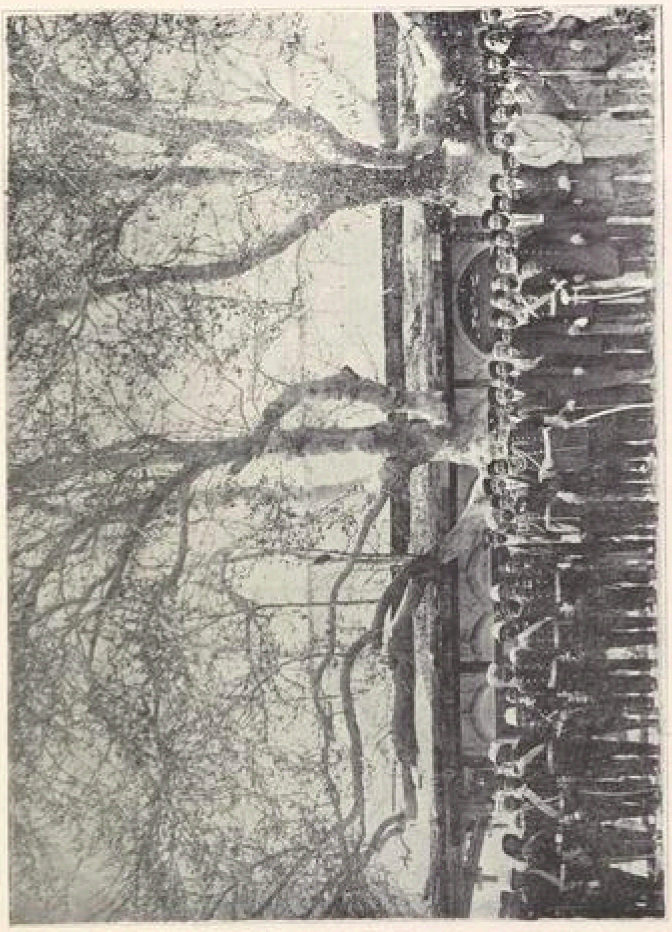

یك گروپ

جناب مستطاب نائب الحکومه ترکستان سردار عبدالوهاب خان با ارباب مناصب ملکی و عسکری ولایت ترکستان

﴿ سیاحت ﴾

از کابل — تا به — قندهار

محررش : — عبدالهادی

« گام نخستین »

(فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبة المکذبین)

یوم جمعه ۲۷ شوال المکرم ۱۳۳۲ هجری به (۳) بجه روز پس ازادای صلوة جمعه باجمعیت دوستان وعزیزان مشفق ومحبت خیال ترك مولد وموطن بمعیت آفتاب رو بمغرب نهاده تا به جای که هذا محل فراق یعنی وینك ازنشانش پیدابود رسیده آنجا برای اجرای یك امر رقت انگیزیعنی « جدائی » توقف لازم گردید ؟ نمیدانم احوال لحظهٔ وداع ولمعهٔ فراق راچه الفاظ تحریر واضطرار دلدوستانرا چگونه تصویر نمایم الحق وازسنك ناله خیزدوقت وداع یاران وبصدبیتابی دل معانقه یاران جانی برگردن گرفته وداع نمودم.

آغاز

بعدازان براسپ سوار شده وازیاران تاآیاً یك لفظ « بامان خدا » رخصت آخری گرفته رو براه ودل بسفر نهادم .

از کابل تاقندهار سرك موتر موجود وتیار است ، مگر بعضی پلها وجاهای سرك که بسبب سیلهای مدهش آفت رسیده است . ماهم برهمین سرك رفتار داشتیم . من تاتاآیك جدائی مولدم را حس کرده دلگیرمی شدم زیرا هرگامی که میبرداشتم وهرقدمی که می نهادم ازوطن مأنوس مایوس میشدم ، قدری راه رفته قریب « مهتاب باغ » که اسم آن مقصد تعمیرا نرا (که سیرمهتاب است درانجا) اشعار واظهار می دارد وبرلب سرك مذکور واقع است رسیدیم .

درینجا دیدن یك چیز برق آسا تاثیرالکتریکی دردلم پیدا نمود که چشم ازدور برموز بشارت آورسعادت آثار اعلیحضرت رعیت پرورعدالت گستر همایونی افتاده دیده ام یافت نورسینه سروره ، بعدازچند تا به بدیدار ضیا نثار بشاشت بارش مشرف گردیدم . خوش شدیم که سلامت ، سعادت ، فرحت ، اقبال ، هم ، الحمدلله پیش روآمد .

بتارین نیکفالی باطمینان تمام ومسرت مالا کلام رهسپاری آغاز نمودم خط بلحظة قطعه وسیعه خضبه « چاردهی » را که شاعران قدیم خیال به قطعه بهشت تشبیه میکنند ، وجدید خیالان لوحهٔ بدیعهٔ طبیعیه اش میخوانند بعقب چشم .

این قطعه وادیست دلکشا ، وسرزمینی است بهجت افزا ، معموریت کابل ثمراشجار وبار کشت زارانجا است . خاکش زرخیز است . هوایش دلاویز وآبش بس مسرت انگیز ، چنانچه اعلیحضرت همایونی برای سیرابی تشنگان زلال عاطفتش وآبیاری طبایع مستقبلان عطوفتش کوه هارا کنده راه ساخته بذریعه نلها آب « پغمان » که مشهوربه « بغمان » وازجاهای مستاهای همین چاردهی است و آب ان نهایت خوشگوار وباصفا ومحصول برف های کوه های همین قطعه فرحت افزاست . برای دارالسلطنهٔ بالسلطنهٔ کابل امر واراده فرموده‌اند که عنقریب به تکمیل خواهد رسید .

درمیان شهر مینوبهر کابل و « چاردهی » یك رکوه باشکوه مسمی به « شیردروازه » ودیگر کوه باتمکین آسمان سای « آسمائی » مانند دیواریاغ واقع است راهی که میان دوکوه است دروازهٔ غربی کابل شمرده میشود . وهمین راه بسوی قندهارمیرود . این راه که بصورت دره کوتاهی است آنرا « دروازهٔ جیه » هم میگویند زیرا چون ازین بگذرند میدانی وسیع که دامن کوه آسمائی شمرده میشود محل (۱) میله جیه است وبعد ازان « ده مزنك » میباشد وبعدازان زمین های مزروعه که بردولب سرك واقعند میباشد که همین سرك مرراست بجانب غربی رفته بقندهار منتهی میشود .

رهسپاری امروزهٔ ماسراسر درهمین سرزمین « چاردهی » بود چون آفتاب بخط زرین شعاعی اعلان نمود که

(رسید مژده آخر بیا که بنشینم)

ماهم برباط « قلعهٔ قاضی » رسیده طرح اقامت افکندیم گویا بسه ساعت وساعت (٦) رباط مذکور که فاصله ۵ کروه ازشهر دارد برفتار اوسط اسپ های باردار رسیدیم .

— ۲ —

رباط

(رباط) عبارت ازیك مرحمت بی نهایت وعلامه رعیت وترقی پروری های اعلیحضرت ترقیخواه ملت پرور است . رباطها فواید بی شمار ومنافع بسیاری در بردارند . امنیت راه . آسودگی مسافران . کثرت رفت وآمد ووسعت ترقی تجارت هردوشهر وغیره وغیره همه مربوط بوجود رباط واحتیاط میباشد هرمسافر بدرجه آرام میباشد که گویا خانهٔ اوست .

قدراین رباط هارا آن کس میداند که پیشتر ازینها مسافریها کرده اند وتمام شب را مانند ستاره ازترس دزدان وبیم برف وباران ومشقت برودت هوا بچشم بازگذشتانده است ، نیز برای پیدا کردن آب ونان و که وجو بمجرد بمنزل رسیدن بدهات آنجا رفته گاهی چیزی یافته وگاهی نیافته است . پس این مشقت های گوناگون را که انسان فکر میکند خواهد دانست که حفاظت حیات ، مال ، وابسته رباط بابرکت است وپیش ازرباطها ، خطرهای سفر بسیار بود لهذا مردم کمتر به سفر میرفتند وکمتر از احوال یکدیگر خبرمیشدند واگرسالی قافله روانه شهری میشد یك اهمیت بزرگی میداشت وبسیار مردم بوداعش می آمدند زیراظن غالب قتل وسرقت مال اومیبود لهذا بفراق ابدیش وداعها میکردند وآن شخص هم مغرورمیبود که (منم) که بسفر میروم

---

(۱) این جیه نام میله‌هائی است که هرسال درچهار جمعهٔ ماه حوت ازطرف دولت وملت افغان اجرا میشود برای تفرج وسیراست که عوض دلتنگیهاو فسردگیهای زمستان وبرف های کابل می باشد !

وهلاك را دیده بآن حمله می نمایم ! واستقبال میکنم ! ازین بود که راه ناهموار خوف دزدان بسیاروشب درکهسار میبود .

اکنون از رعیت پروریهای پدراشفق ارحم مهربان ما با آنهمه خطرها کم گردیده راه معلوم ، شب در رباط ، آذوقه مهیا ، خوف دزدان معدوم‌ست لهذا رفت وآمدبسیاراست چنانچه قافلهٔ که من همراه شان بودم قافله تجارتی بود ، که اشیای کابل‌را به قندهار می رسانیدند واول اشیای قندهار را به کابل آورده بودند وفروخته بودند که حال یکبارهم چنین می آیندو میروند .

الغرض تعمیر رباط بصورت قلعه‌های حربی ساخته شده‌است برکشهای بسیار دارد وبرچهار کنج چهار برج بزرگ زرك را مالك است درون آنبهر چار طرف متصل دیوار رباط خانهای مستحکم وپیش روی خانه برنده ها کمر آهن پوشیده استتعمیر شده است . درصحن رباط مسجد هم‌هست وهمه‌جاهای ضروری را حاوی میباشد ویك سرای دیگر علیحده در میان همین قلعه بیکطرف برای ایستادن وبستن اسپها وباقی بارگیرها ساخته شده است

ازطرف حکومت برای رباط « سرایدار، کدامدار، دوکاندارها » مامورندو سررشته‌است کهآنچه مسافران بدان احتیاج داشته‌باشند آنها دردکانهای خود داشته میباشند وبامسافران خریدوفروخت میکنند .

در دهان دروازه رباط اشتهار ها که بمهر های اعلیحضرت همایونی روحنافداه مزین است آویخته است که دران بدینمضمون نوشته است « مارباطهارا با پول رعایای صادقهٔ خود ساختیم تامشکلات بی‌امنی وبی‌خوراکی وغیره گرفتار نباشندودران سرایدار کدامدار، ودکاندار مقرر کرده ایم . تامسافران هرچه بخواهند ازقسم روغن ، کاه ، جو ، گوشت ، مرغ ، حاضرباشد . وبرای کدامدار هرماه نرخنامه دادهمیشود کهازقرار همان « نرخنامه » بامسافران خرید وفروخت میکنند ودکاندارها مقرر کردیم که بهرقیمت کهدکاندار وخریدارراضی شوند هر چیزخرید وفروخت شود . وسرایداربرای حفاظت سرای ومال مسافران مقررشده است اگرمال مسافریکه درون سرای مسکن گرفته شب بگذراند کم وضایع شدازسرایدار مذکوربگیرد واگردرون سرای نبرده‌اند ومال اوکم شد سرایدار یاکسی دیگر تاوان ده آن نیست . چون این نفری بی تنخواه باین ملازمت راضی نمی شدند لهذا تنخواه آنهارا ازین درك مقرر کردیم که قافله هاومسافران چون داخل سرای رباط شدند وشب گذشتاندند فی نفریك پیسه . فی اسپ ۳ پیسه فی خر ۲ پیسه فی شتر ۵ پیسه فی گوسفند ۱ پیسه به سرایدار می دهند . تادرینصورت مسافران بامان ومأمورین هم بکارخود مشغول وفرحان میباشند »

باقی دارد

علوم وفنون

معلومات

درخصوص فحم ، وداء الفحم

اینسخن بهمه کس معلوم است : که دروقت سوزانیدن (زغال) یك رائحهٔ کریههٔ بس شدیدی باطراف الحدود انتشار میابد که خارج تحمل انسانیست .

اسباب این رائحهٔ کریهه را نیز ارباب فن (کیمیای جدید) عبارت ازبعضی بخارات معفنه . وگیس‌های مهلکهٔ میدانند که زغالها آن بخارها وغازهارا حاوی میباشند .

بواسطهٔ این گیس مهلکهٔ زغال بسا شده است که درموسم زمستان بعضی کسانیکه درخانهای سنك بست بی‌منفذ اقامت داشته‌اند ازعدم دقت واعتنابه ترك دغدغهٔ حیات گفته راه پیمای بادیه عدم گشته‌اند . مرضیکه ازگیس‌های زغال مرانسانرا عارض میشود بدانمرض (داء الفحم) میگویند کهدرلسان عوام (زغال شده) تعبیرش میکنند .

گیس‌های مهلکهٔ که از زغال حاصل میشود بردونوع است که در اصطلاح ارباب فن یکیرا (حامض قاربون) ودیگررا (حمض قاربون) مینامند وایندو گیس از برای تنفس غیرصالح وبرای سبب وقوع احتراق واشتعال بنهایتدرجه مانع میباشد . وفرق ومابینیکه در میان شدت ایندو گیس موجود است نیز برارباب فن ظاهر وعیان است .

از گیس‌های مذکور (حمض قاربون) انچنان یك سم شدید التأثیریستکه اگردرصدجزء هواچهار جزء ازین گیس موجود شود فی‌الملحظه بادی انقطاع تنفس میگردد .

وکسانیکه بمرض داء الفحم یعنی زغال شدن گرفتار آمده مسموماً وفات میابند سببش اینستکه گیس حمض قاربون ، هوای خانه را استیلا نموده بادی انقطاع تنفس ، وموجب انقطاع رشته حیاتش میگردد . پس در خصوص این سیه روی تبه روزگار که زغالش میخوانیم بنهایتدرجه دقت واعتنا لازم‌است کهقبل ازانکه پخته نشود ، وسرخ نگردد منقال آتش را در خانه داخل نکنند . عوارض وامارات مسموم شدگان زغال از قرار ذیل میباشد :

اولا یك دردسر بسیار شدیدی حاصل میشود . ورفته رفته تضییق شقیقه ها ، ودوران سر ، وسخت شدن ، وصدا کردن گوشها باآن منظم میگردد . وبعد ازان بروجود انسان رخاوت وبیهوشی عارض شده قی کردن نیز ظهور میکند . ورفته رفته تضییق تنفس ، وضربان قلب شدت میکند . ولی بعدازکمی ضربان

قلب کمتر شده‌قوای عقلیهٔ انسان سراسرزائل میشود . پس چون یکچندی این عوارض وامارات دوام نماید بر مرد مسموم یك خواب سنگین عجیبی وبیهوشی افتاده بعدازچند ساعت انقطاع تنفس ، واکمال رشته حیاتش بعمل میآید که اینچنین موت‌ازنتایج آثارسمیهٔ حمض قاربونست .

درخصوص تأثیر سمیهٔ حمض قاربون این یك مثال پس غریبی را حکایه میکنیم : که —

درسنهٔ ۱۸۴۳ میلادی درشهرپاریس یکی ازجوانان فابریقه‌جی — یعنی صاحب کارخانه — که (ده‌آل) نام داشت جمیع ثروت وسامان سرمایهٔ خودش را بهوای تزئید ثروت ، وتوسیع شهرت بریك فابریقه‌بسیارجسیمی‌صرف‌وتلف نمود، تاآنکه‌ازجمیع مایملکش یك حبه باقی نماند . ولی مرام ومقصدیکه در ذهن‌خویش تصور نموده بود بالعکس نتیجه بخشید . یعنی بجزضرر وخسارت دیگر هیچ ثمره رنگرفت .

بناءًعلیه چنانچه درمردم اوروپا عمل شنیع انتحار یعنی قتل نفس خیلی سهل شمرده میشود دهال نیز بحالت فقر وضر ورت طاقت نیاورده انتحاریعنی قتل نفس خویشتن را باخود مصمم نمود .

امااین‌انتحار خویشتن‌را بدود زغال یعنی‌حمض‌قاربون‌اجرانموده است . وحالات زعیکه ازتأثرات سمیهٔ حامض قاربون در هرده دقیقه‌براو وارد میشد تاوقتیکه دست وقلمش‌کار میکرد یکان یکان تحریر وتجربه کرده است .

اینستکه مانیز آن تجربه‌های عبرتهٔ دهال را درنجا ترجمه‌میکنیم ده آل مذبور تجربه های تأثیر حمض قاربون‌را که برقتل نفس خویش‌اجرا نموده چنین مینگارد :

§

ای اخوان ! من یکی ازکار خانه والاهای شهرپاریس دهال نام شخصی ام که ازمصائب این سپهر بوقلمون بجان آمده بقطع رشته جان شیرین خویش قیام نموده ام . ولی باوجود آنهاز هم خواستم که یك خدمت کوچکی درراه منفعت جمعیات طبیه بعد ازمن بماند . وآن خدمت نیزتجربهٔ تأثیرات سمیه حمض قار بون است که برنفس خویش‌ازقرار آتی اجرا کردهام . واین عمرخانه نام فانیرا بکمال یأس‌وحسرت ترك نموده برفتم .

اولا اوطاق نشیمنگاهم را از هرطرف خیلی مضبوط نموده هیچ یك منفذی ازبرای ادخال هوا واخراج دخان نگذاشتم . وبر سرمیزیك لامپه بایك شمعدان ، وقلم‌ودوات خودمرا نهاده آداب دقیقه خودم را تنزیبك حالت بسیار سوزناکی اجرانمودم . وبعده زغالها خام برودیرا که ازپیش برای اینعمل آماده نموده بودم درمنقال کبری برنختم . وبساعت‌دهٔزغالهای مذکوره را آتش‌زدم . زغالها بدشواری تمام ابتدا بسوختن کردند .

درساعت دهٔونیم نبضم ازحالت طبیعی خویش قدری کمتر در پرش بود . درنحالت یکدود بسیار کثیفی نیز درون خانه امرا استیلا نمود وشمعیکه برسرمیزبود قوت سوختنش خیلی کم گردید . درنیزمان یکدردسر بسیار بیطاقتی برمن عارض‌شد . چشمانم از اشك مملو گردید وجودم رانیز یك‌بدحالتی بسیارعجیبی استیلانمود . نبضم نیز بسرعت وشدت تمامی درطپش افتاد .

چهل دقیقه ازساعت ده گذشته بود که شمع منطفی گردید . ولی‌لامپه‌ام‌هنوزبسوختن‌دوام‌میورزید . درین‌اثنارگهای شقیقه‌هایم بدرجه‌ازهم پاره پاره شدن درپرش افتاد . بعده دردلم‌یك‌شورش وخفقانی پیدا شده اثرقئ‌زدن ظهور نموده معده امرا نیز بمرتبهٔ که اصلاطاقت نشود یك آلام واوجاع مدهشهٔ استیلا نمود . نبضم درهر دقیقه نجا مرتبه پرش میزد .

ده‌دقیقه‌برای ساعت یازده باقی بودکه‌علامات خفه شدن ونفس گیری ظاهر شد . ودر افکارم خیلی عجیب وغریب خیالاتی پیدا گردید ودرشعورم نیزشورش و اختلا لکلی طاری گردید . در اینحالت‌بدشواری تام‌واضطراب مالاکلام تنفس میکنم . بااینحال واضطراب‌چونیك کمی‌تحمل‌نمودم‌در خودعلامات‌جنون‌وامارات لایعقلی حس کردم .

درساعت یازده در دست وقلمم طاقت نوشتن سر نوشتم نمانده لامپه‌امنیز خاموش گردید . اینست که شعلهٔ شمع حیاتم نیزبدرجه منطفی شدن واصل گردیده است .

ازساعت یازده ده‌دقیقه گذشته که . . . .

§

اینست که ده آل متحیر احوال فلاکت اشتمال خودش‌را که ازتأثیرات حامض قاربون برو وارد آمده بود تادم‌مضمحل چنانچه مسطور است نگاشته است . وبعد ازین‌قلمش که ترجمان احوال اوست از کار افتاده . وبعضی خطوط وحروفی که هیچ خوانده نشود کشیده . ودرپیش کرسی که برآن نشسته بوده است افتاده وتسلیم روح کرده‌است .

[فاعتبروا یا اولوالابصار]

ا ت پ

تاریخچهٔ

لهستان — بنام دیگر — پولیند

[مصائب قوم عند قوم فوائد]

مآل این مصـرع برجستهٔ مافوق عربی که « مصیبتهای بعضی قومها درنزد بعضی قومها موجب فایده‌ها میشود » درین محاربهٔ حاضره بحال‌مردمان قطعهٔ « لهستان » که آنرا دراخبارها « پولینده » مینویسند بسیار موافق ومطابق آمده است . چونکه تقریباًبعد ازدوصد ساله اسارتها ومصیبتهای گوناگونی که ازروسیاه‌دیده وکشیده بودند ، در آغاز حرب که طوبهای جنك بغرش آمد آواز بشارت آزادی را بگوش آنها رسانید .

اول که اردوی اوستریا والمان ازخاك لهستان که حصهٔ خود شان‌بود میگذشت . بیان نامه های بشارت آورانهٔ آزادی‌تهارا

نشر نمودند که روسها نیز مجبور گشته، همچنان بیانامهٔ آزادی نوید نشر کردند. لهذا مناسب دیدیم که بقارئین کرام خود درباب مصیبتهای لهستان که اززمان گرفتار شدن آن به پنجهٔ روس بران وارد آمده بعضی معلومات تاریخیه عرض کنیم:

لهستان، دراول یک مملکت آزاد وحکومت مستقل بود که حکومت روس ازسنهٔ ۱۷۰۰ میلادی برای محو نمودن آزادی و استقلال و استیلای ملک ومال آن چشم حرص وطمع دوخته منتظر فرصت میبود. پتر کبیر برای استیلای لهستان خیلی خواهشگر بود. لهستان یک قطعهٔ بود که عبارت اززمینها ودامنهای صاف وهمواری بود. وبهاین سبب مدافعهٔ آن ازدست استیلای دشمن خیلی مشکل میشود. زیرا درداخل مملکت چنان کوههای بزرگ، ونهر های جسیمی که سد الحرکات شده بتواند موجود نبود. بعد ازانکه پترازروی حکومت سویدن را دریشکه، بولتاوا، مغلوب ساخت برین یک قائل شد که حالا هنگام تقسیم لهستان دررسید. ازآنرو بکار ومقصد خود آغاز نهاد.

اولا بزرگان وبعضی سردار ان لهستان راکه بسیار وقتها درملک روس بنام مهمان وپناه گزین نمک خوار روس شده بودند، وزبان وعادات روسها را خوب آموخته یک صداقت ومحبت قلبیٔ بحکومت روس بهمرسانیده بودند آلهٔ شر وفساد خود ساخته به لهستان گسیل ساخت. آن خائنان ملت ووطن حقوق مقدسهٔ وطنیهٔ خود شانرا فراموش کرده، وبوعده های مهربانی روس باور کرده اززیرکاه آبهای فساد جاری کردند. وقوماندانیٔ اردوی لهستان را بدست آورده قوت اورا که دراصل تا یک ونیم لک لشکر بالغ میشد بهجده هزار تنزیل دادند. این حیلهها ودسیسه های ماهرانه را نهٔ بزرگ زادگان لهستان که درباب ضعیف ساختن اردوی عسکری بکار میرفت تأثیرهای بسیار ناگواری نتیجه بخشید. ودرهر طرف ملک اختلالها، وعصیانها ظهور آمدن گرفت. وچون عسکر کافی موجود نبود، «دره بیک»ها — یعنی خانها وکلان شونده ها فرو نشاندن آتش اختلالها را بعهده میگرفتند. ودرمیان آنهاهم رقابتها وهمچشمیها پیش آمده ملک دریک هرج ومرج مزعجی مانده بود وروس ازغفلتها استفاده میکرد.

درین اثنا پتروفات یافته بود. ودر روسیه سرازنو علامتهای ارتجاع بظهور رسیده بود وبهاین سبب حرکات استیلاجویانهٔ حکومت روس درلهستان توقف پذیر گردیده بود. امابعد ازکه تاج وتخت روس بملکه (کاترینا) انتقال یافت. این ملکه تحصیل وتعلیم مکمل یافته بود، وبمطالعهٔ آثار فیلسوف مشهور «مونته سکیو» تهذیب افکار وروشن دماغی بسیاری برایش حاصل شده بود. ازآنرو برای اعلای شان وشوکت دولت روس، وتوسیع ممالک یک شوق حرص پرورانهٔ بسر داشت. درین هنگام لهستان دریک بحران مهلکه ناکی درامده بود. حکومت ملک هیچگونه قوت واراده نبود قرار دادهایی که باتفاق آرای خانها واصیلزادهها داده میشد اجرا میکردید. وآنهم بیک صورتی اجرا میشد که اگر یکی ازخانها واصیلزادهها بهآن قرار داد مخالفت میکرد آن قرار داد اجرا نمیشد.

پادشاه هم ازطرف خانها واصیلزاده ها انتخاب میشد که اینهم برای پیشرفت مقاصد حرص پرورانهٔ حکومتهای همسایهاش یک میدان واسعی تشکیل میداد. درهنگام انتخاب پادشاه انتریکهای رقم رقم وفساد های عجیب وغریب برپا میشد. در ان هنگامه ها ملکه کاترینا یک قسمی از اصیلزاده ها را بقوت پیسه ورشوت بدست میاورد. وآن رشوت گیرندهها درمیان مردمان منازعهها، ومناقشهها، حتی قتل وقتالها برپا انگیختند. این است که درین هنگامهها ملکه «کاترینا» فرصت جسته بهبهانهٔ اینکه بر فرانس حمله میرود بقدر دوسه هزار قزاق وده هزار عسکر روس را به لهستان درآورد. لیکن بازهم لهستانیها راسراسر در زیرادارهٔ خود آورده نتوانست.

بعدازانکه زار الکساندر بر تخت حکومت روس برامد باوجودیکه درسنهٔ ۱۷۹۲ بایک اردوی جسیمی که بقدر یک لک لشکر بود لهستانرا ازیک سر تادیگر سر یغما نمود بازهم مجبور شد که لهستانرا یک حکومت مستقل بشناسد. وتنها عنوان قرال بزرگ لهستانرا برخود بگذارد. «بهاینصورت اولضربهٔ» برحیهٔ اسارت را برانها حواله نمود. درآنوقت لهستان نظام ومؤسسات خود رامحافظه میکرد. درمکتبهای شان بلسان خود شان تدریس میشد. مأمورها، افسرها از خود لهستان میبود. امادر «وارشاو» پایتخت لهستان یک وکیل خود زار روس بنام «معاون قرال» می نشست.

درسنهٔ ۱۸۱۵ یک مجلس ملیٔ تشکیل شد زار الکساندر درآن مجلس بهاین سخنان ذیل اهالی لهستانرا خطاب نمود: «این مجلس برای این جمع آمده است که احکام مرا تدقیق واجرا بکند». ازاین سخن معلوم میشد که زار بالفعل بمحو نمودن استقلال لهستان کمر همت را بسته بود. چنانچه بعد ازکمی مطبوعات — یعنی اخبارها وکتابها وتألیفات لهستان درزیر «سانسور» — یعنی عدم آزادیٔ شدیدی تابع گرفته شده هیچ یک کلهٔ که مخالف استبداد روس وموافق آزادی لهستان باشد طبع ونشر نمیشد.

تحکم وتغلب مستبدهٔ روس در هر هر طرف لهستان ظاهر وعلانیه شده میرفت که این مسئلهٔ افکار حریت پرورهای ملت لهستانرا رفته رفته یک جوش وخروش بلیغی میداورد. چنانچه درسنهٔ ۱۸۱۵ حریت پرورهای ملت یک عصیان ترتیب کرده علم اختلال را برای آزادیٔ خود برافراشتند. زار روس بمقابل این اختلال آنقدر شدت وجبر نشانداد که دریک مدت کمی غیر ازانکه عصیان واختلال را برطرف نمود استبداد وظلم را نیز به اشد ترین صورتها جاری وقایم ساخت.

درسنهٔ ۱۸۳۰ لهستانیها باز یك عصیان واختلال بزرگی ترتیب دادند. زیرا طرز ادارهٔ حکومت روس بیچاره لهستانیها را از زندگانیٔ شان بیزار کرده بود. حریت پرورها بخون روسهای ظالم تشنه شده بودند که در بیوقت بر تخت حکمرانیٔ روس «نیکولای اول» جالس بود.

درسنهٔ ۱۸۲۵ یك جمعیت اختلالیهٔ دیگری بنام «سرخها» تشکیل یافته بود، ودرسنهٔ ۱۸۳۰ یك جمعیت دیگری بنام «سفیدها» باآن ملحق گردید. این جمعیتها مجلس «دیمت» را تشکیل داده اعلان کردند، که «خطهٔ لهستان یعنی پولند را از اسارت روسها باید وارهانیم. کوتاه ترین راهها برای رسیدن بمنزل مقصود بجز جنگ وجدال دیگر چیزی نیست». زار روس بمقابل این اعلان وطنپروران لهستان چنین یك بیانامهٔ نشر کرد که: «هرکس که بمقابل دولت روس قیام بکند جزای آن مرگ است». ودرسنهٔ ۱۸۳۱ مجلس دیمت بموجب مقاوله نامهٔ که در کانگرهٔ «ویانه» در دولت اوستریا قرار یافته بود بیان کردند که: «استقلال لهستان ازطرف دول معظمه درزیر کفالت گرفته شده است. لهذا از تمام دولتهای عادل معظمه استمداد میکنیم که مارا از پنجهٔ اسارت روسها برهانند». «لارد» «پالمرستون» انگلیز به این ندای استمداد لهستانیهای بیچاره جوابداد: «که هرگز استقلال لهستان را دولتهای معظمه تکفل نکرده اند».

این جواب یأس آور دولت انگلیز لهستانیهای وطنپرور را اگرچه بگرداب ناامیدی غرقه نمود ولی بازهم از تشبثات استقلال جویانهٔ خود باز نیامدند. دولت روس چون دانست که لهستان بیکس وبیحامی ماند، وکس بفریاد او نمیرسد سرازنو قوتهای عظیمهٔ خودرا به لهستان سوق نمود. لهستانیها درسنهٔ ۱۸۳۱ پنج محاربهٔ بزرگ میدان باروسها نمودند که صفحات جگرخراش این محاربهها بامناقب بسیار سوزناك وطنپرورانه مملو میباشند. اگرچه لهستانیهاداد مردانگیها وشجاعتها را در مدافعهٔ ناموس ملت ووطن خود میدادند، ولیچه فایده که روسها دمبدم عساکر تازه دم بمیدان محاربه می آوردند، واز عساکر لهستان آنچیزیکه تلف میشد جبیرهٔ مافات آن بحصول نمی آمد. تاآنکه شهر «وارشاو» که پایتخت شان بود باگلههای طوب روس باخاك یکسان گردید. وعساکر لهستان گریان گریان گریزان گردیده بخاك اوستریا پناه گزین گردیدند.

زار «نیکولا» درسنهٔ ۱۸۳۵ در وارشاو یك امرنامه صادر نموده استقلال لهستان را لغو نمود. این امرنامه ازقرار ذیل بود: «لهستان یك ولایتیست که تابع امپراطوریٔ روس است. ولهستانیها بجز رعایای روس دیگر چیزی نیستند. هرچه که روس است لهستانی هم همانست. اگر لهستانیها بدعوی استقلالیت خود عناد بکنند بدبختیٔ شان خواهد بود. بخوبی بدانند که اگر ادنی فتنه وفسادی برپا کنند، این قلعه وشهرهای لهستان را برسر آنها خواهم غلطانید، ووجودهای شانرا در زیر سنگها وآوارهای آن محو ودفن خواهم نمود».

بعد ازانکه حکومت روس، استقلال وآزادی لهستانرا به اینصورت محو نمود، بنای روس ساختن اهالیٔ لهستانرا نهاد. مذهب کاتولیك لهستانرا در زیر تضییق وفشار گرفت. بدرجهٔ که در کلیساهای شان بزور وجبر آئین اورتودوقسی که مذهب روس است داخل میکرد. کلیساها ناچار آئین اورتودوقسی را اعلان میکردند. امامردم لهستان این مذهبرا بهیچصورت قبول نمیکردند که پاپاسها وپادریهای روس بقوت ومعاونت حکومت از اشکنجهها وعذابهای انگیزیسیونی براهالیٔ بیچاره خود داری نمیکردند. تنها درباب مذهبی، بلکه عادات وزبان ملیٔ لهستانیهای بیچاره را نیز بعادت وزبان روسی تبدیل دادن گرفتند. این اصولهای ناگوار ادارهٔ حکومت روس باز وطنپروران لهستانرا از زندگی بیزار ساخته سرازنو بنای عصیان واختلالرا نهادند. نوجوانهای بیدارمغز شان باوروپا میرفتند. ودرانجاها درباب حمایت ومعاونت استقلال وآزادیٔ لهستان مداخله کردن دولتهارا تحریك میکردند. وازیکطرف بصورت پنهانی سررشتههای اختلالرا ترتیب مینمودند. اما دربسیار حال وموقع برای کامیابی لهستانیها هیچ موافق نبود. چونکه مأمورها وکاردارها همه گی روس پرست بودند. ارباب اختلال سرحدهای اوستریارا قرارگاه اتخاذ نموده وازانجا دستهها ومفرزها تشکیل داده بلهستان میدرامدند. وباروسها زدوخورد نموده بازبخاك اوستریا التجا میبردند. مرکز جمعیت اختلال در وارشاو بود ازانجا به پنهانی بیانامهها نشرمیشد. ومردمرا بحرکت میاوردند. تاآنکه دفعهٔ آتش اختلال شعلهور گردیده خونریزی آغاز نمود ولی هزار افسوس که روسها از قوت بسیار افزون عسکریٔ خود شان آتش اختلالرا فرو نشاندند. ودربسیار جزاهای بسیار شدیدی برای وطنپروران لهستان ترتیب دادند. اکثرشانرا اعدام کردند وبه سیبریا نفی واخراج کردند. ادارهٔ حکومترا از وارشاو به پتر سبورغ نقل دادند. وچون دانستند که منشاء این چیزها مکتبها وکلیساهای ملیٔ لهستانست ازانرو مکتبهای شانرا در زیر تضییق وفشار شدیدی آورده بجز زبان وتحصیل علوم روسی دیگر چیزهارا برداشتند. کلیساهارا بند کردند. پادریهارا نفی کردند. وقانون روس شدن، وترویج دادن مذهب اورتودوقسی راجبرا جاری نمودند. وتاحال برهمین قوانین دوام میورزند، وهمین پولیتیقهرا تطبیق میکنند.

این است که جنگ کنونیٔ روس والمان واوستریا در همین خاك شعلهزن میباشد. پس قیاس باید کرد که لهستان ولهستانیها تاچه درجه طرفدار روس خواهند بود!...

(انتها)

حوادث خارجیه

اجمال احوال

کفتنهای بسیاری است ، اما ازکفتن چه‌سود ! ظاهر همین است که خونریزی درمیان نوع بشر بکمال شدت دوام دارد ، هم درمیان متمدن‌ترین عالم بشریت ! آن متمدنانی که خود شانرا ناظم نظام عالم ، معلم مدنیت بنی آدم قرار داده بودند ! آن متمدنانی که خود شانرا واضع قانون صلح وصلاح عمومی ، وخیرمایهٔ فوز وفلاح نوع بشری می‌پنداشتند ! آن متمدنانی که اوروپا را خانهٔ مدنیت وخودشانرا خانه‌نشین عین‌انسانیت دانسته وبقیهٔ عالم را بادیه گرد عوالم بدویت ووحشت میشناختند ! آن متمدنانی که خود شانرا مستحق حاکمیت ، ودیگر انرا مستوجب محکومیت میدانستند ! آن متمدنانی که خود شانرا بهمه‌معانی آن حق سیادت ، ودیگر انرا بهمه‌مفهوم آن حق اسارت می‌بخشیدند ! آن‌متمدنانی که خودشانرا من‌طرف‌الغیبی مأمور اصلاح واعمار دنیا مقرر کرده بودند ! آن متمدنانی که آسیائیان را بحشرات مضره مؤذیه نسبت داده خود شانرا برای پاك کردن دنیا را ازوجود آنها السائیتاً مأمور می‌پنداشتند ! آن متمدنانی که بصنعت ومعرفت بذروهٔ کمال عروج نموده عالمی را واله وحیران واطفال سبق‌خوان خود ساخته بودند ! آن متمدنانی که بصنایع واختراعات خود همهٔ عالم راخودشان محتاج، وخودشانرا ولی‌نعمت عالمیان شناختانده بودند ! آن متمدنانی که تنها به تسخیر هوا ، بحر ، بر اکتفا نورزیده در صدد استیلای بعضی کرات دیگر عوالم نیز بلند پروازی راخیال داشتند ! این‌است‌که آن متمدنان بدرجهٔ‌وحشیان مردم خوار وسباع خونخوار تنزل نموده اوروپا را به یك بحیرهٔ خونی تحویل دادند !

در وقت حاضر ده‌دولت کوچك‌وبزرك بخونریزی همدیگر کمر همت مدنیت را تنك بر میان بسته اند . از یکطرف هفت‌دولت، واز دیگر طرف‌سه دولت : روس ، انکلیز ، فرانس ، بلژیك، صرب ، مانتینکرو ، ژاپن‌یکطرف‌اند ، المان ، اوستریا‌عثمانی همدیگر طرف‌اند . هیئت مجموعهٔ قوای‌عسکریهٔ این دولتهای محارب تقریباً به یك کرور لشکر مسلح معلم بالغ میشود . از جملهٔ دولتهای هفتگانه دوعدد آن مراد محو ومضمحل گردیده ازصحیفهٔ هستی بدرشدند که آنهم بلژیك وصربیاست بلژیك رااللمان ، وصربیا را اوستریا پامال ساخت . از مانتینکرو نیز هیچ آوازی شنیده نمیشود ، غالبا به حالت نزع است . چیزیکه شایان تأسف است مداخلت عثمانی وژاپن است در جنك . زیرااین دو دولت آسیا را نیز داخل این جنك دهشت آهنگ نمود . حالآنکه آسیا میبایست تماشا بین این هنگامه‌های اوروپا میبود . اما این جنك از چنان جنگهائیست که آنرا « جنك جهان » میکویند . خیلی مشکلست که کسی ازین آتش خرمن خودرا محافظه بتواند !....

قیافت مردمان بلوچستان

فعلاً هر پنج قطعهٔ روی زمین به جنك‌اشتراك ورزیده‌است. قطعهٔ اوروپا معلوم‌است که مرکز جنك شده است . قطعهٔ آسیا بسبب اشتراك عثمانی وژاپن فعلاً داخل است . قطعهٔ افریقا به سببیکه در ترانسوال طغیان ظهور نموده ، وبر مصر جنك برده شده ، ودر مستملکه‌های دولتهای متحارب که دران قطعه موجوداست نایرهٔ جدال مشتعل میباشد آنهم فعلاً داخل حرب است . قطعهٔ اوستزالیا که اکثر آن مستملکهٔ انکلیز است،

وازانجا برای محافظهٔ مصر عسکر آورده شده است آنهم داخل حرب شمرده میشود. آمدیم بر امریکا، کنادای شمالی چون مستملکهٔ انکلیزاست وعساکر آنجا بمیدان حرب مشغول پیکار میباشد آنهم داخل حربست حالانکه از خبرهای آخرین معلوم میگردد که دولت امریکا نیز درین اوقات برای تدارکات وحاضریهای جنك به اکمال نواقص میپردازد. که میداند که درین روزها صداهای توپهای آن دنیای جدید را مردمان دنیای قدیم نشنوند!...

دولتهائیکه در وقت نوشتن این احوال ما از حرب خارج افتاده اند وفقط بلحاظه اشتراك شان ملحوظاست از قرار ذیل میباشند: — ایطالیا، رومانیا، بلغاریا، یونان، اسپانیا، پرتکال، سویدن، ناروی، سویزرلند، هولاند، دانمرك، که اینها در اوروپا میباشند. چین، ایران، افغانستان که اینها در آسیا هستند. ایطالیا در یکموقعی افتاده که خارج ماندن آن ازجنك یك امر بسیار دشواری معلوم میشود. علی الخصوص که از خبرهای آخرین معلوم میشود که سفرای خودرا نیز از لندن وپاریس طلب کرده است واینهم یك مسئلهٔ معنیداری شمرده میشود. رومانیا وبلغار را بیطرف مطلق شمردن خیلی دشوار است. زیرا توپ، وافسر ودیگر معاونتهای که المان بعثمانی کرده ومیکند بجز راه رومانیا وبلغار آیا دیگر از کدام راه خواهد بود؟ یونان چون درملك البانیا ازبعضی حرکات خود داری نتوانسته است البته که بصرب هم چیزی وعده های معاونت به جاآورده توانسته است! اسپانیا آرام است، ولی از بسخوی ربودن کدام کلاه باقبا جبهٔ که درپیش رویش افتاده هیچگاه از انتظار فارغ نیست! پورتکال یکان بانکهای برآمدن را ازدایرهٔ بیطرفی نواخت ولی هنوز فعلاً ازپرده بیرون نبرامده. سویدن وناروی دهن ماهیٔ بالینه مانند خودرا باز کرده که ببینکه کدام پارچهٔ ازخرسهای سفید شمالی سد حلقش بشود. سوزرلند بیطرف است ولی آنقدر نزدیك به جنك است که گلههای توپهای دول متحارب گاهگاهی گوشخراش راحت شان میشود. هولاند را درین روزها اتحادیان به پروتستهای شدید مؤاخذه کرده اند زیرا بسیار دست آوزهای عدم بیطرفی را [illegible] کرده اند. هیچ شبهه نیست که اگر ازبیطرفی اخراجش کردند دانمرك نیز ازان متأثر خواهد شد!

ازسه دولت بیطرف آسیائی اولا، چین، بسببی که ژاپن سنکتاو ورا ازالمان بنام چین ضبط نمود وبعداز ضبط دروقت حاضر ازتسلیم نمودن آنرا بچین ابا ورزید شیشهٔ آمالش بسنك برخورده. دولت امریکا نیز ازبعضی پیشرفت مقاصد دران سرزمینها چشم پوشی ندارد. زیرا ترقی فوق العادهٔ ژاپن در اقصای شرق ازاحتمالات خطر برای کانال پاناما بدر نیست. ازقرار اشاعت اخبارهای هند (ایران) بیطرفیٔ کاملهٔ خودرا اعلان کرده است.

ولیسبی که عثمانی وروس وانکلیز درقریب ترین سرحدات او جنك میکنند بیطرفیٔ دولت ایران خیلی خطرناك دیده میشود محافظه کردن بیطرفی آنوقت میسر میشود که قوت بدست باشد واستحکامات سرحدها بدرجهٔ اکمال بود واگر اینچنین نباشد ویکقوای کلی عثمانی ازراه آذربایجان برممالك قفقاس، یاقوای کلی روس ازراه ایران براه طول عثمانی، یاکه عثمانی ازراه عراق عجم بربلوچستان، یاکه انکلیز ازعمان راه برعراق عرب هجوم کند بچه چیز جلوگیریٔ آنرا خواهد توانست؟ حتی درین روزها بعضی اخبارهای هند یك تلگراف وزیرهند را که بوایسرای هند کشیده شده است نشر کرده اند که گویا ترکها بر (باد کوبه) بمکابازی دوام دارند پس ترکها بجزاینکه ازراه ایران به باد کوبه رسیده باشند دیگر کدام راهست؟ افغانستان بیطرف است وهیچ خطرهٔ هم ازاخلال بیطرفیٔ خودندارد. ازدیراه میدان جنك هم بسیار دور افتاده. روس وانکلیز چون آتش آشتی را پخته اند ازسرحدهای این دوست خود بکلی آسوده گی میباشند. اما اگر ایران بجنك اشتراك ورزد، یا آنکه دولتهای جنك آور ایران را جولانگاه ترکتازی خود سازند، یا آنکه بالفرض والتقدیر دولت علیهٔ عثمانیه ازراه قفقاز برو، یا ازراه سواحل خلیج فارس به بلوچستان تقرب نماید البته کاربکرنك دیگری خواهد گرفت که درآنوقت دایرهٔ جنك تاحدود افغانستان نزدیك خواهد شد.

حالا میبینیم که این جنك عالمگیر، یاآتش جهان سوز روز روز لحظه به لحظه دایرهٔ شعله افروزی خودرا وسعت میدهد. ومانند یك بیشه زاری که ازیك سمت آن آتش بگیرد دمبدم درهرطرف بیشه سرایت میکند. افسوس که ازهیچ طرف هیچ خاموش کنندهٔ این آتش هم پدیدار نیست. تادیده شود که از پردهٔ غیب چه بظهور میرسد.

﴿ خبرهای جنك ﴾

(از ذرایع و وسایط مختلفهٔ خبرهای جنك)

اولااینرا بگوئیم که ذرایع ووسایطی که خبرهارا ازان گرفته میشود خیلی محدود مانده است. خبرهائیکه ازراه هندستان میرسد عین فقرات، عین لغات را میخوانند که آنهم عبارت از حملهای متواتر. وپسپاشدن متکاثر جرمنها. وقدری قدری ترقی کردنهای اتحادیها میباشد. هرگاه همهٔ آن پسپاشدنهارا وترقیاتی که ازآغاز حرب نوشته شده جمع نمائیم جرمنهارا باید از رزمگاه مغرب دراقصای شرق، واز رزمگاه مشرق به آن کنار بحرمحیط اطلسی میدیدیم. اگرچه هرکس بشنیدن موسیقی مایلست اما اگر دایما یك نغمه ویك مقام شنیده شود البته ملال میدهد. وحکایت شیر ومصور بخاطر آمده هیچ اهمیتی بشنیده گیهای خود نمیدهد و به حقیقت امر هم هیچ پی نبرده احیاناً اگر کدام خبرراستی هم بشنود آنرا هم دو قس علی ماسلف، گفته هیچ باور کردن نمیخواهد. پس بهتر آن بود که خبرها صاف صاف وبدون سانسور نوشته میشد تاهم پسپاشدن وترقی کردنرا انسان باور میتوانست.

نقل از جریدهٔ فریده حبل المتین کلکته

جنگ ده لشکر

مهمترین نکات تاریخی این جنگ عالمسوز این است که از سه ماه باین طرف که مراجعه بتلگرافات روزانهٔ جنگ شود جز مکررات هیچ دیده نخواهد شد وجز اینکه در میادین شرق وغرب آلمانیان حمله کرده مارد کردیم وترقی نمودیم وبادشمن تا کام شد ومجدد فلان نقطه را قبضه کردیم ویا به ذراع معدوده پیش قدم شدیم ، چیز دیگر دیده نمیشود . درین جنگ بزرگ که ماحی جمیع جنگهای سابقه اش باید گفت وزاید برسی میدان بزرگ ، جنگ آراسته وچندین ملیون لشکر همه روزه در زدو خورد ند ، این درجه استتار وتا این پایه اشاعات ضدو نقیض از نوادری است که قدرت انتظامیهٔ دول متحار به را در استتار این واقعات تاریخی بخوبی ظاهر میدارد . مکرر نوشته ایم که تنها ما از استتار اخبارات جنگی شاکی نبوده بلکه روز نامه طمس لندن هم که تا امروز میدان دار جنگهای شرق وغرب بوده مکرر همین شکایتهارا نموده است درپارلمان انگلستان هم این مطلب مطرح مذاکره آمده رئیس الوزراء مستر اسکویت جواب داد که مامصلحة کوچکی پیش درین جنگ نداریم ونمی توانیم برخلاف رفقای جنگی خود اخباری انتشار بدهیم ودر حقیقت رشته عمدهٔ اخبارات جنگی بقبضهٔ شرکای ماست .

سابقا همچه تصور میکردیم که بس از ختم جنگ در تاریخ اخبارات صحیحه را خواهیم دید ولی حالا که تا این درجه قدرت تمامی دولهارا در استتار واقعات میادین جنگ دیده واز هرطرف بدون رودرپا وخجالت اخبارات ضدو نقیض اشاعه میباید معلوم میشود که هرقوم وملت در آینده هم تاریخ این جنگرا بمذاق خود خواهند نگاشت

کذا ﴿واقعه عجیبه﴾

روز هشتم شهر جاری که روز ترویه بود واقعهٔ غریبه ئی آمد که خیلی حیرت انگیز وشگفت آور است ـ از صبح تا بعد از ظهر روز مذکور کلاغ زیادی باصداهای مهیبه در مسجد گوهرشاد جمع شده بالای گنبد مسجد برابر گنبد مطهر حضرت ثامن الائمه النجباء حجة الله الکبری (علی بن موسی الرضا علیه الاف التحیة والثنا) نشسته واز اطراف هم جمع میشدند . تا اینکه باوضعی غریب مثل اینکه خصمی قوی آنهارا تعقیب کرده حرکت ومردم بالای بامها متعجبانه نگران بودند که آن کلاغها مجتمعاً بطرف ارک هجوم آورده بیرق قونسلخانهٔ دولت روس را که بانشان عقاب بود بامنقارهای خود پاره پاره کرده زمین ریختند در حالتیکه بیرق ایران وانگلیس وسایر دولها هم درهمان نزدیکی در اهتزاز بود ویکی رخ به آن طرف نکردند اهالی ازین واقعه وازان اقدام غریبه کلاغها متأسف شده وتأسفات خودرا از این حرکت اظهار میداشتند اگرچه برای دفاع ازآن حرکات اقدامات شدولی اثری نبخشیده وسودمند واقع نگردید

نقل از جریدهٔ فریدهٔ ارشاد طهران

(صدمه به تمامیت ایران)

قبل ازینکه جنگ عثمانی وروس شروع شود و کوس مخاصمت بین این دو دولت کوفته گردد مامورین روس در آذربایجان برضد اتباع آلمان واطریش که دراوروپا خصم او میباشند باتریک ودسیسه کاری پرداخته وچنانکه شنیدیم نسبت به قنسول آلمان ازطرف یکی از اتباع روس سوء قصدی ابراز وکار ضدیت وخصومت آن نسبت بقنسول آلمان بجائی رسید که مشارالیه برای حیات وحفظ جان خود متوسل باهل پکا تپا شده ودر پناه اقتدار آنها جان خودرا محفوظ داشت .

ملت ایران که اخلاقاً در مهمان نوازی وپذیرائی اجانب ساعی وجاهدند بر واضح است که ازرؤیت این احوال چقدر متأثر شده وتا چه اندازه بر آنها دیدن این واقعات که جز به توحش وظلم بچیز دیگری تعبیر نمیشود ناگوار ودشوار است

اولیای دولت ایران که تحفظ جان ومال سا کنین این خاک را بعهده گرفته اند معلوم است که تاچه درجه ازتماشای این واقعات شرمسار وچه سعی ها کردند که شخص مرتکب راموردد سیاست ومجازات قرار داده وبرای عدم تکرار این نوع واقعات درآتیه آنهائی را که از قاعده وترتیب معموله خارج می شوند تنبیه ومجازات دهند

متاسفانه سعی وکوشش اولیای دولت که اقلاً بایستی جلوگیری ازتظاهر این واقعات می نمود منتج به نتیجه مطلوب نگردیده . وروز کوتی دوست شمالی ما بهیچوجه اعتنائی به شکات عاقلانه وعتابات مستمراه اولیای امور ایران نموده وبعکس ترصدو انتظار هیئت دولت بعد از اینکه جنگ عثمانی وروس هم شروع گردید فوراً مامورین نظامی روس در آذربایجان برخلاف مقررات عالم در داخل خاک مملکت ایران درجه ظلم وتعدی را بالا برده وبرای اجرای مقاصد خصمانه خودشان قنسولهای اطریش وعثمانی را بعنوان اسارت گرفته وبه تفلیس فرستاده اند وپس از آن باین مسئله هم اکتفا ننموده موافق اطلاعاتی که تحصیل شده است نسبت باتباع اطریش وآلمان هرگونه زحمت واذیتی را روا میدارند .

راستی باید گفت که تمام آن اظهار ملاطفت های دولت روس که خود را دوست قدیم ایران میداند موردی نداشته که آن بذل مساعدت ها وهمراهی فوق العاده ما نسبت بدولت روس بهدر رفته .

کذا

ازطرف سفارت کبرای عثمانی ابلاغ گردیده است

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1003 of 1786

۶ تشرین ثانی سنه ۱۳۳۲

درتمام قوای دفعه دوم باز انگلیسها خواسته بودند که درعقبه عسکر پیاده نمایند ولی بواسطه مساوقی که قبایل آنجوار با امداد مهمات عثمانی نموده‌اند باحملات فدا کارانه انگلیس هارا عقب نشانیده و یکنفر صاحب منصب انگلیس مقتول و ازعثمانیان بهیچوجه ضایعاتی رخ نداده است

ایضا از طرف سفارت کبرای عثمانی تبلیغ میگردد نصف شب

۸ تشرین ثانی ۱۹۱٤

درحینی که سوار نظام عثمانی بحوالی قاغزمان (جنوب‌قارس) هجوم می‌برد اردوی مرکزی عثمانی روی قوای کلیه روس هجوم وپس ازدو روز ودوشب محاربه شدیده دشمن مغلوب ومجبور رجعت گردیدند ومواقع آنها ازطرف عثمانیان اشغال گردیده

۹ تشرین ثانی باوجود مه وابریکه درهوا بوده اردوی عثمانی بحمد الله مظفراً بطرف قفقاز درپورش است —

(سپه سالار عساکر عثمانی که برحملهٔ مصر متعین است)

زمیندار :

« جمال پاشا » سر عسکر افواج ترک که برهجوم مصر مأمورند یك شخص بی اهمیت وازمردمان عادی نیست بلکه پیش ازین برعهده‌ها ومأموریتهای متعدد انتظامی نیز مقرر گردیده است و قبل از تحصیل عهدهٔ جلیلهٔ نظارت بحریه درهیئت وزارت جدید عثمانی، در محاربهٔ بالقان نیز کارهای نمایان بانجام رسانیده بود .

کذا

(جنرال وان هند برك)

یکی از نامه نگاران اخبار « بیشل زتینك » که در میدان رزمگاه مشرق اسباب آرایش را برای عسکرهای جرمن میبرد ، باصدر مقام عسکری جنرال وان هند برك تصادف ورزیده است. این همان جرنیلیست که از طرف جرمنها انتظام و اهتمام میدان رزمگاه مشرق‌را بذمهٔ کفالت خود گرفته‌است که دراواخر ماه اکست بمقام « تین برك » در « پروسیای شرق » فتح حاصل کرد وازان وقت این جرنیل بسر عسکری افواجیکه به جانب « وار سو » اقدام ورزیده مأمور است .

نامه نکار اخبار مذکور مشاهدات خود را
چنین درقید تحریر آورده است

درپیشروی‌ما فاتح محاربات « تین برك » وغدیرهای ماسوریه استاده بود سینه اش فراخ ، ازسیمایش مروت و فتوت هویدا ، ازروی قدو قامت وقوت جسمانی برهمگنان فایق ، ازچهره اش حلم و فرخندگی ترشح میشود مختصراً ما این جرنیل جرمنی را درچنین فرحت وانبساط دیده بس محظوظ ومسرور گشتیم .

اوبما بکمال محبت پیش آمده و ابتدا بکلام ور زیده گفت « جمیع کار های من تابحال به حسن مرام انجام یافته اند دیروز عسکرهای من تابه نزدیکهای « وار سو » تقرب ورزیده جیوش روسیرا چنان یك شکست درستی دادند کهمن حقیقة خورسند گشتم در افواج منهزم سه‌حویش عسکر های « سایبریای شرق » نیز اشتراك داشتند کهبعد ازسفرییم ۳۶ ساعته بمجردیکه ازریل تنزل ورزیدند درمحاربه شامل گشتند چنانچه یك حملهٔ جمله شان درعقب نشستند وازسبیکه بهبسیار بی ترتیبی فرار نمودند متحمل نقصان کثیر گشتند .

سپس جرنیل بعضی سخنان اهم دیگررا نیزبه‌نامه نکار بیان نمود که نامه نکار از اهمیت فوق العادهٔ آنها احتراز ور زیده اظهار آنرا مناسب ندید . بعد آن نامه نکار مینویسد : که ، « جنرال هند نبرك مداح اوستریا ئیان است نزداو هر اوستریائی مستقل المزاج واولو العزم وپابند عقیدت میباشد . برگله باری توپخانهٔ روسی بدرجهٔ اعلی معترف است ولی میکوید که با آنکه روس‌ها خوب گله باری میکنند ولی مقدار کثیر گله وباروت را نیزبا آن تلف وضایع میسازند عسکر پیادهٔ شان نیز خوبست مکر رسالهٔ روسی بس ضعیف وکمزور است .

بعد ازان که جنرال کمی دیر در تعریف عسکر هـای خود رطب‌اللسان گشت طیاره‌بازان جرمنی‌را نیزبس توصیف وستایش کرد واخیراً متعلق خود این سخنان‌را بزبان راند « من بکمال صحت وعافیت میباشم وبتمام استراحت به خواب میشوم . ملاحظه باید کرد کهمن پیش ازچند هفته در « هانو وور » یك عسکری پنشن خواری بودم وقتی که اعلان حرب شد من طبعاً خدمات خودرا به حضور امپراطور تقدیم کردم کهبرای من این جواب آمد که در وقت ضرورت من خواسته خواهم شد پس ازان تایکمدتی بمن هیچ احوال از هیچ طرف نرسید و از بس منتظر ومفترس بودم مکر بالآخر برین یك بطفر خود امضا کردم که من بیکار نیامدم و بکلی از حاضر شدنم درمیدان حرب مأیوس کشتم کهدرین اثنا ناکهان یك تلکرافی بدین مضمون برای من رسید که اعلیحضرت امپراطور مرا به قوماندانی عسکر هـای میدان رزمگاه مشرق نصب وتعین فرموده اند . بنابرین بمن تنها همینقدر فرصت دست داد که برای خود بعضی کالای گرم بخرم و لباس کهنهٔ خودم را تبدیل دهم . حالا برای من یك قطار مخصوصی کهدران قارهٔ خواب وطعام‌من موجودبود حاضر شد ومن بحیثیت یك شهزاده به پروسیای شرق بما موریت خویش روانه‌شدم وتا کنون جمیع کارهایم حسب‌المرام انصرام یافته‌اند» .

(تعلیم وقایع حربیهٔ حاضره دردارالعلوم های جرمن)

کذا

ناظر معارف پروسیا « جرمن » از روی یك حکمی که درینوقتها صادر کردانیده شمولیت وقایع‌مهمهٔ حربیه درفهرست دروس مکاتب‌قومی لازم‌شده است . رئیس‌تعلیم برین‌یك تاکید نموده که هر مکتب لابد در حك کردن و نقش نمودن واقعات بزرك زمانه‌را برلوحهٔ دل‌اطفال کهمن مکتب همت وغیرت ورزد

وزیر موصوف ازکسانیکه معذوراً بمیدان حرب رفته نتوانسته‌اند این استدعارا کرده‌است که آنها ازفرض تشکر آن اشخاصیکه برای برقرار داشتن شرف وحیثیت وطن خونهای گرانبهای خودشانرا ریخته ومیریزند بزبان یك خودرا مبرا توانند کرد که در ابنای وطن اشاعت قصه های بهادری وحب الوطنی آنها را بکنند . وهروقت مکتب را لازمست نهال حریت ما که حب وطن را درزمین محبت آگین دل خود بنشاند تا برای استقبال بسار آوری و برومندی آید .

(ادارهٔ سلطانی)

همدرد ۲۹ دیسمبر :

ایمستردام ۱۴ نومبر :

انور پاشا ناظر حربیه عثمانی اعلان ذیل را بنام عساکر عثمانی شایع کرده است :

برادران ! مرا عزت اشاعت دادن ارادهٔ سنیهٔ سلطانی مرحمت فرموده شده است . عساکرما بیاری خداورسول (ص) وبه‌طفیل نماز ها ودعا های خلصانهٔ اعلیحضرت سلطان المعظم بر دشمنان مظفرومنصور خواهند گشت . « عبارت مابعد آنرا محکمهٔ سانسور اخبارات انگلیزی حك کرده است » بمظفریت وفتحمندی اقدام ورزید . فتح وبهشت درپیش رو وموت وذلت درعقب انتظار میکنند . خدا پادشاه مارا سلامت بدارد ! . . .

(کذا)

(اشاعت ارادهٔ سلطانی بتحریك جرمن)

صوفیه ۲۶ نومبر :

از قسطنطنیه خبر رسیده ، که بتاریخ ۱۲ ماه حال یك اعلان سلطان المعظم وانور پاشا بنام عساکر بری وبحری عثمانی شایع شده است که باسیار الفاظ فخروناز براست درارادهٔ سلطانی دولتهای متحدهٔ انگلیستان ، فرانس ، روس را باعث جمیع آن مشکلات ومصایب که تا به حال بر عثمانی نازل شده نشانداده شده‌اند وسبب بیان کرده شده که درین جنگ عظیم الشانی که مادر حال دران شامل گشته‌ایم بتوفیق آلهی خاتمهٔ جمیع آن سازشهای که برخلاف احترام حکومت وحقوق وحیثیت خلافت مارا شده اند بکنیم . ودرین اعلان سپاهیانرا هدایت شده که به کمال دلیری وبهادری بردشمن هجوم برند . زیرا نه تنها بقای ملت خودمان بلکه مسئلهٔ بقای سه‌صد ملیون اهل اسلام بفتح ما منحصر است . انورپاشا این یکدانیز دراعلان گفته است که « عسکر هــای بری وبحری ما از اثبات بهادری وشجاعتی که درسال داده‌اند برین سخن یکدلیل روشن وواضحیست که افواج غنیم بکلی تباه وبرباد خواهند شد . سه‌صد ملیون قوم اسلامی وهموطنان گذشتهٔ ما برای مظفریت وکامیابی مادست بدعا هستند . پیش روید و همیشه پیش روید ! زیرا در پیش روی‌تان همواره فتح ونصرت مارا استقبال خواهد کرد ! »

(کذا)

(انتظامات جدیده در بالقان)

ویانا ۲۱ نومبر :

اخبار « نیوفری پرس » ویانا بر تکمیل یافتن یك معاهدهٔ جدیده درمابین دولتهای جرمن ، اوستریا ، عثمانی ووسعت میدان جدید جنگ را ازبحر سیاه تابه مصر بسیار اظهار فرحت ومسرت کرده مینویسد که اگریکی ازینها چیزی اصابت کند بالضرور اثر آن بردو سلطنت دیگر نیز خواهد افتاد .

امروز یك فرمان سلطانی شایع شده که ازروی آن درجمیع مکاتب عثمانی آموختن زبان جرمنی لازمی قرار داده شده است . دراخبار های « ویانا » خبرهای ساختن یك راه آهن جدید از « بودا پست » تا « قسطنطنیه » شایع شده اند که از « بخارست » و « کیو » و « رسچك » و « ادرنه » خواهد گذشت . زیراخط آهن ریل سرویا بسبب جنگ بندشده است .

(کذا)

(گله باری جهازهای جرمن برساحل انگلستان)

از آمدن این خبر چند روز شده که بر « اسکاربارو » و « هارت پول » چند جهازهای جرمن گله باری کردند ودر مقامات تلفات مالیه والسانیه نیز وقوع آمد ودول جهازهای حمله آورنده از کثافت دمه استفاده نموده محفوظ برآمدند . « تایمز » لندن دریك اشاعت جدید خود این سوال را کرده بود که جرمن ازچنین حمله های بی‌نتیجه امید کدام نفع وفایده را دارد ، « نارتهه جرمن گزت » جواب این سوال « تایمز » راداده مینویسد که :— « تایمز دریك مضمون جدید خود که درحال اشاعت یافته سوال کرده که جرمن برسواحل انگلیزی چه میخواهد ؟ دردوایر بحریهٔ جرمن برین سوال اظهار رأی بطور ذیل کرده شده است ، که تایمز جواب سوال خودرا خود به آسانی داده میتواند . چونکه تایمز ومستر چرچل بیان کرده بودند که جهازهای جنگی جرمن مجبور ودر بندر گاه های خودشان بند میباشند . لهذا سپه سالار ما خواست که « موش » (چنانکه بجهازهای ما تشبیه کرده‌شده) هروقت که فرصت یافت بدون استحصال اجازه از تایمز وجناب مستر چرچل خود به خود ازسوراخ خود میبراید . پس آیا هنوز همینقدر معلومات برای جناب تایمز معصوم کفایت نمیکند » .

* * *

درچاپ خانهٔ حروفی دارالسلطنهٔ کابل طبع گردد

همه مقاله‌هاییکه دستخط ندارد ازطرف مدیر وسرمحرر محرر یافته

محمود طرزی

شرایط خریداری

دار السلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

هرجائیکه باشد با اجرت پوست

قیمت سالیانه | ده روپیه انگلیزی قیمت ششماهه | شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراك قبول نمیشود

یك طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کابلدار است . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

برهمهٔ کارداران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود:

اگر ازیك جا بدیگر جا رونده باشند میباید که بیك رقعه مدیر وسرمحرر را خبر بدهند که من درفلان جا بودم وحال درفلان جا میروم اخبار مرا درانجا بفرستید . هرگاه همچنین یك رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، ویا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا به پنج بار نشر وشایع شود بعوض هر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا به پنج بار فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود ، طول سطریك ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تا یك سال نشر کردن خواهد ووجه یك ساله را پیشکی ادا نماید درورق پشتی برهر سطری سنار اجرت گرفته میشود

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا
یاد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از شکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خود رهائی یابیم ممکن نشد لهذا بادا کخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یك مقاوله نموده دا کخانه مشار الیه تقسیم و توزیع اخبار مارا که بهمه مشترکین کرام ما رساند در عهدهٔ ضمین خود قبول نمود . مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را تبشیر و یاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای دا کخانه خود شان میرسد .

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد
کتاب سال دوم « « « مصور مجلد
کتاب سال سوم « « « مصور مجلد
علم و اسلامیت
آیا چه باید کرد ؟
ادب درفن
توحید

این کتابهای فوق دراداره موجوداست . هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشند باداره مراجعت کنند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

سیاحت بدورادور زمین بهشتاد روز مجلد
سیاحت درجو هوا مجلد
سیاحت درزیر بحر مصور مجلد
ازهردهن سخنی وازهرچمن سمنی مجلد
روضهٔ حکم مجلد

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوق را داشته باشند ازخود مطبعهٔ عنایت درده افغانان از نزد عبدالرؤف خان سرمرتب وازدکان بازمحمد کتابفروش دربازار ارك بقیمتهای معینی که درپشت هرکتاب نوشته است خریداری کرده میتوانند .

واگر ازخارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوق را بکنند بامدیر سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند .

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

شمارهٔ ۱۰ سال چهارم

فهرست مندرجات

مقالهٔ ملکی	(وعملیات مهمهٔ جراحی آن
حوادث داخلیه	(وفیات — مقررات — شدت سرما —
ادبیات	(محاورهٔ بهار وخزان کلام جناب مستغنی — ابیات کلام جناب مسلم
حوادث خارجیه	اجمال احوال — تقریر لارد کرزن — مصارف بارود وغیره بر جهازهای جنگی — یك مرده ایستاده — تاوان جنگ روسیا — جرمنها در فری واوساو بم انداختند — غرقابی یك جهاز انگلیزی — عثمانی در قفقاز — تباهی وویرانی عرصهٔ رزمگاه — میلان ایطالی — عصیان مراکو نهرسویز — عثمانی وایران — ایطالیا — بغاوت مراکو — مدافعت نهرسویز — حکومت عثمانی با رعایای خصم — دعوای فتح روسیان — فتوحات عثمانی — حال فلاکت اشتمال مانتی نگرو — ملاحظهٔ حدود بیطرفی دریاها — بهترین کشتی‌های تحت البحر جرمن — حرکت عسکری عثمانی — جهاز مسعودیه — بلندن فرانسوی درحضور امپراطور جرمن — جرمن درحرب حاضر — سخنان هردو فرق جنگ — اجرا مجدد — مناسبات امریکه وانگلستان — گلوله باری بربلغراد — قبضه ترکان بر کیبدی — بلژیکیان درعثمانی — ممنوعین حرکت — هندوستانیان چرا ازاصلاح محرومند — امریکا ومکسیکو — خواهش ایعدن دروسیان انگلستان حلیف جدید جرمن — باعث غرقابی جهاز فارمیدبیل — بیان جرمن درخصوص غرق شدن فارمیدبیل — اعلان غرق شدن دو جهاز —
تصاویر	تمثال فرخ فال ذات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه خود مختار افغانستان — عملیات جراحی — پای ازقلم بریده شده والتیام یافته — بموجب ارشاد داکتر درماشین خانه دارالسلطنه کابل مصنوعی پائی ساخته شده — پای که زخمش خراب شده پای ازقلم میبرد — وقته قبل ازعملیات — بعدازعملیات — لب چك — قبل ازعملیات وبعدازعملیات — عبدالحمید نام شخصی که دو نیم فوت روده اش بریده — وقته — قبل ازعملیات وبعدازعملیات — جناب محمد داود خان غلام بچهٔ حضوری اعلیحضرت همایونی —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1008 of 1786

اعلان

از صنایع پروریهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جرنیل کارخانه جات ، ماشین خانهٔ مبارک دار السلطنه کابل علاوه براشیای حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه واونیفورمه های عساکر شاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخل که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت همایونی حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ذیل (دکان عبدالله جان دربازار ارک) میباشد .

(۱) | سرج های پشمینه بافی برنگهای مختلف که قیمت آن از قرار گز انگلیزی ۳ فوته مشخص شده در صندوقخانهٔ جنسی هم بفروش میرسد

اقسام	قسم اول					قسم دوم					
درجه ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم وقدری کلفت قیمت آن ۱۰ پیسه زیاده شده	
رقم	تا حال ساخته نشده	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت		۷ روپیه ٥ پیسه	٦ روپیه ۱۱ پیسه	٦ روپیه ٤۲ پیسه	٥ روپیه ٤۸ پیسه	٦ روپیه ۹ پیسه	٥ روپیه ۱۸ پیسه	٦ روپیه	٥ روپیه ۱۰ پیسه	٦ روپیه ۱٥ پیسه	٥ روپیه ۲۰ پیسه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گز انگریزی | کشمیره چهارخانه ۷ روپیه ۳٥ پیسه | کشمیره رهدار هر رقم ۷ روپیه بیست پیسه

(۲)	جراب ها			﴿ ۳ ﴾ تکه های جرمی محراب ومنبردار		
رقم	تکبانکه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج	کلان قدرجن	میانه قدرجن	خورده قدرجن
قیمت	۱ روپیه ٥۲ پیسه	٤٥ پیسه	۳٦ پیسه	۱ روپیه ٤۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	٥٥ پیسه

(٤)	کروره های جدید ساخت			
رقم	زه باف حاشیه دو کره دو تاره	زه باف یک اسبه دو کره سه تاره	جرم باف یک اسبه	یک اسبهٔ چار تارهٔ نخی
قیمت	۸ روپیه و۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲٤ پیسه	۸ روپیه و ٤۲ پیسه	٦ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	جرم باف دسته ادای دولاب	جرم باف دسته دولانه یک اسبه	دسته دولانهٔ یکی جلو اسبه	جرم باف عرکابی
قیمت	٤ روپیه و٤۸ پیسه	٤ روپیه و٤٦ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	٤ روپیه و ٤۳ پیسه
رقم	قبضه برنجی کلیت نقره توبخانه	قبضه کلیت نقره از جرم سه لایه توبخانه	زه باف رقم سواری سامی کلیت	زه باف دو تارهٔ رکابی
قیمت	۳ روپیه و٥٥ پیسه	٤ روپیه و٥۷ پیسه	٥ روپیه و ۹ پیسه	٥ روپیه و ٥٤ پیسه
رقم	رکابی از نخ	جرم باف میانه چوب پت زنانه	اززین سواری تیغ جرمی	زنانهٔ ابریشمی خیاطه
قیمت	٤ روپیه و٤٥ پیسه	٥ روپیه و۸ پیسه	٤ روپیه و ٥۸ پیسه	٥ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته ادای تیغ جرمی	دستهٔ دولانه سامی برنجی کلیت نقره	اززین سواری دولایه تیغ جرمی کجک دار	جرم باف مابین پت یک اسبه
قیمت	٤ روپیه و٤۹ پیسه	٤ روپیه و٤٥ پیسه	٤ روپیه و ٥۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۳ پیسه

﴿ ٥ ﴾	اقسام گلهای مصنوعی سر			
قسم	گل جرین	گل نافرمان	گل برینه	گل شبو
قیمت	٥ ربیه و ۳٦ پیسه	٦ روپیه و ٦ پیسه	٦ روپیه و ۷ پیسه	٦ روپیه و ۳ پیسه
قسم	شگوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل نسترن	جنبل
قیمت	۷ ربیه و ٤٥ پیسه	٦ روپیه و ٥۸ پیسه	٥ روپیه ۳۸ پیسه	٦ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شگوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	٦ روپیه و ۳٥ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	٦ روپیه و ٥٤ پیسه	٦ روپیه و ٥٤ پیسه

﴿ المشتهر ﴾

(میر محمد هاشم دفتری کارخانه جات)

(کیدان نظامی)

قیمت سالیانه
دردارالسلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
دراطراف داخله مملکت
باکرایات داك ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
باکرایات داك ۱۰ روپیه انگلیزی
هرپانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یك نسخهٔ آن درکابل یکعباسی است
(اوراقی که درج نشود اعاده نمیشود)

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

مدیر ومسئول محرر
محمود طرزی

ادارهٔ تحریر ومطبعه
در ماشینخانهٔ دارالسلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه بااداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ غرهٔ ربیع الاول سنه ۱۳۳۳ تاریخ انگریزی ۱۷ جنوری تاریخ شمسی ۲۶ جدی ۱۲۹۳

﴿ شفاخانهٔ ملکی ﴾

(وعملیات مهمهٔ جراحی آن)

یکی ازمآثر حسنات سراسر خیرات ومبرات ذات شوکتسمات پادشاه عمیم الاحسان ما (اعلیحضرت سراج الملة والدین) ادام الله دولته بالعز والتمکین . (شفاخانهٔ ملکی) دارسلطنهٔ کابل است که همه روزه صدها نفر ازاهالی مملکت معاینهٔ طبیه ، ومداوات صحیه را بیکسان اجرا میشود . غیر از معاینهٔ طبیه ، ودوا دادن یومیه برای خوابیدن چهل نفر بیمارهای مزمنه قغوشها — یعنی او تاقها — ی بسیار منتظم وهوا داری را نیز حاویست که در هر اوتاق شش شش چار پایهای آهنین مفروش بارختخوابهای بسیار پاك ولطیف باجملهٔ لوازماتی که دروقت حاضر برای یك شفاخانهٔ ممالك متمدنه لازم باشد موجود دارد . حمام ، لباس ، خوراك ، دواخانه ، عملیاتخانه ، آشپزخانه وسایرهٔ آن ازنقطهٔ نظرفن باطول بسیار درست وخیلی مکمل میباشد .

سررشته دار وسرطبیب شفاخانهٔ ملکی جناب عزتمند (داکتر عزت منیر بیك) خانست که درفن داکتری وجراحی صاحب یدطولا ومهارت عظمی میباشد . بدست مهارت پیوست داکتر مشارالیه در شفاخانهٔ مذکور درظرف اینچند سال چندان عملیات جیدهٔ جراحی برچنان امراض سخت صعب العلاج اجراشده که انسانرا حیرت دست میدهد . مثلا بسیار پاها که بسبب شکستگی استخوان قرابارچه پارچه شدن استخوانها از اصابت گله یادیگر عوارض گندیده وپوسیده شده . وخوف تأثیر زهر تاکه آن ودیگر اعضای وجود ملحوظ بوده ، ازبند پازانو یازان عملیات بریدن اجرا گردیده است . بسیار غدود ها وپوقمه ها بعملیات جراحی تداوی وشفایاب گردیده است که بعض از ان پوقمه‌ها بدرجهٔ یك خربوزهٔ بزرگی بوده است . عملیات کشیدن سنگهای مثانهٔ متعددهٔ بعمل آمده است که بعض از ان سنگها تقریباً یك پوکابل وزن داشته است که بهیصد درهم پهلو میزند . عملیات بسیار مهمهٔ برعلت « فتق — یعنی چرمنیز — اجرا شده است که بعضی ازین عملیات اهمیت فوق العادهٔ را دارا است . ازجمله عملیاتها یك عملیات بسیار عجیبی ست که درین روز ها اجرا شده . وبقدر دوفوت ازرودهٔ داخل شکم که خراب شده بود ، ورنه کار مریض آنرا بهلکه انداخته بود بریده شده ، ومریض شفا یافته است .

این عملیات چون از کارهای بسیار دشوار وخیلی مهم فن جلیل طب شمرده میشود وبسایهٔ فیوضات آیهٔ اعلیحضرت پادشاهی درشفاخانهٔ دارالسلطنهٔ کابل اجراشده است ازقرار راپور خود جناب داکتر منیر بیك خان که عملیات مذکوره را بعمل آورده است تفصیلاً درج اخبار میکنیم تایك نمونهٔ ازعملیات مهمهٔ جراحیه شفاخانهٔ ملکی واضح گردد . راپور مذکور چون باصطلاحات فنی نوشته شده . بعضی ازان اصطلاحات بشرح محتاج است که مانیز شرح وتفسیر آنهارا درقوسهای معترضه نوشته‌ایم .

﴿ راپور طبی ﴾

عبدالحمید ولد محمد عظیم نام شخص ، ازبسیار سالها بمرض « فتق — یعنی چرمه — » مبتلاشده بود . روزی ازروزها این فتق او اختناق — [خفه گی] — پیدا کرده بیچاره رابحالت مرگ نزدیك ساخته بود . این اختناق فتق — [خفه شدن چرمه] — بتدبیرهای نامعقول بعضی عطلا ، ومتطببا — [متطبب آن اشخاصی را میگویند که علم طب را نخوانده وشهادتنامه نداشته باشند وطبابت کنند] — تادوروز محال

خود مانده بود. وچون دردوالم مریض بیچاره را قریب الموت نمود اورا برداشته به شفاخانه آوردند. بعداز معاینه دانستم که هیچ صبر ودرنگ بکار نیست. چراکه اگر یکروز دیگر بهمین حال بماند مریض هلاك میشود. بنابرین درهمان روز عملیات آنرا اجرا کردم. بعدازپاره کردن دیدم که بقدر ۷۵ سانتیمتر — یعنی تقریباً بیشتر ازدوفوت — رودهٔ مریض بیچاره گنده وپوسیده شده سراسر بیکار شده است. لاجرم همان مقدار رودهٔ خراب شده را بریده بیکسو افگندم لکن مریض ماچون از مجروح بیشتر به اختناق فتق گرفتار آمده احوالش بسیار ابتر وبهلکه آورشده بود. ازاینسبب دونوك آخری رودهٔ را که بریده بودم درهمانروز دوختن، ودر اندرون شکم درآوردن ممکن نبود. زیرا اگرچنین میشدهم مدت عملیات دراز میشد، وهم زندگانی مریض درصدی نودونه به مرگ نزدیك میشد. ازانرو عملیات «شرح حرقفی صنعی» را ترجیح داده اجرا کردم. — [شرح حرقفی صنعی یعنی مقعد ساختگی — یعنی دونوك رودهٔ بریدهشده رابه پوست بیرون شکم دوخته، ومجرای مزخرفات را ازراه مقعداصلی نی. بلکه ازین راه جریان دادن است.] —

روز دیگر، درجهٔ حرارت مریض بحال طبیعی واشتهاش بازشده بود. بعدازیکهفته خیاطههائیکه زخم به آن دوخته شده بود برداشته شد. احوال مریض صحت رونهاد. امابسببی که افعال طبیعیه — [یعنی فضلات ومزخرفات] — ازمجرای طبیعی — [یعنی ازمقعد] — نمی امد. وازشرح صنعی — [یعنی ازمقعد ساختگی که ازحد شکم ساخته شده بود] — بیرون میبرامد. طبعاً اینچنین منظره کریه ونفرت آور دیده میشد. باوجود اینهم بیمار بیچاره ازحال خود خشنود بود. وچون ازان دردهاو حال های مرگکی خودرا خلاص میدید شکرخدارا بجاآورده باستراحت تمام بسر می آورد. بعد ازیك ونیم دوماه که زندگانی بیمار ازمهلکه خلاص شد وخوب قوت وصحت گرفت. وزخمش هم بتماما التیام پذیر گردید قرار دادم که عملیات «ناسور غائطی مفتی» را اجرا کنم. این عملیات خیلی مشکلترودوم بارعملیات شمرده میشد که تفصیلاتش ازقرار ذیل است:

اولاً: آلهٔ که ازرا «مخزع امعاء» — یعنی پاره کنندهٔ رودهها — مینامند. واختراع کردهٔ «دوپویترن» نام جراح میباشدازهر دوفتحهٔ مقطوعهٔ امعاء — یعنی ازهردو شگاف بریده شدهٔ روده درآورده واز داخل، هردو روده را باآن آله بهمدیگر التصاق داده آله را بحال خود وا گذاشتم. بعدازیکهفته آلهٔ مذکوره هردوروده را بایکدیگر از داخل چسپانیده خود بخود بیفتاد. اما چون دیدم که مسافهٔ اشتراك دوروده خیلی کوتا هست برای آنکه مبادا بعداز یکمدتی سرد وباره یك تنگی وفشاری حاصل شود، وموجب تهلکه گردد ازانسبب بازآلهٔ مذکوره را دوم بار ازالتصاق داخل دراورده تطبیق نمودم. بعداز یکهفته آلهٔ مذکوره بازمانند اول کار خودرا کرده بیفتاد. ودرین بار دیدم که جای اشتراك بدرجهٔ کافی بود. لهذا فتحهٔ جلدیه — [یعنی سوراخی را که برپوست شکم برای شرح صنعی یعنی مقعد ساختگی] باز کرده بودم بصورت دوقاته محکم دوختم که به اینصورت جریان طبیعی امعا — [یعنی جاری شدن مزخرفات ازراه مقعد اصلی] — بازبحال اصلی خود برگردید. واینهم بیان ثابت شد که وقت شام همان روز ازمجرای طبیعی — [یعنی مقعد] غازات معائیه — [یعنی بادروده ها] ظهور نمود. ودرروز دوم ازمجرای اصلی دفع طبیعی بعمل آمد. ولی چون محل جرح — [یعنی جای زخم که برای مقعد ساختگی پاره شده بود] — بسببی که بخوبی ودرستی پاك شدن آن امکان نداشت ازانرو باز دران زخم دوخته شده یك شگافی پیدا شده مزخرفات ازانجا رامدن گرفت. لکن بازهم برای مااینقدر منفعت حاصل شد که زیاده ازنصف زخم التیام پذیر گردیده بود. بعداز چندروز باز آن شگاف را دوختم. درینبار اگرچه بازنصف همان شگاف التیام یافت ولی بازهم یك شگافك کوچکی باقیماند. اما چون دانستم که این شگاف بنابرقاعدهٔ «تقلص ندبات» — [یعنی کش شدن وبهم پیش آمدن گوشتها] — خود بخود التیام میباید بیمار بیچارهٔ خودرا که دوسه ماه ازدیدن خانه وتعلقات خود محروم مانده بود رخصت کردم که بخانهٔ خود برفت. شگاف مذکور بایکمدتی باقیماند وروز بروز کوچك شده رفت. تا آنکه قاعدهٔ تقلص ندبات بتماما احکام خودرا اجرا کرده درین روزها سراسر التیام پذیر گردید.

بسیار شکر میکنیم که اینچنین مرض مهلکی که درصدی صد موجب مرگ مریض دیده میشد امروزه زور درشفاخانهٔ ملکی دارالسلطنهٔ اسلامیهٔ کابل شفایاب گردید. واین نیست مگراز فیوضات مکارم غایات ذات شوکت ومرحمت سمات اعلیحضرت «سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان» ادام الله دولته واقباله که بانئ حقیق وحامئ مشفق شفاخانهٔ ملکئ شاهانهٔ شان میباشند ویك توجه ومرحمت خاصی درحق آن ابذال میفرمایند. حتی از کمال مراحم واشفاق شاهانه نجل نجیب شهزادهٔ معظم حضرت معین السلطنه سردارعنایت الله خان افخم رابه نظارت وباخبری آن تعیین فرموده اند که ازسعی وهممات متوالیهٔ این شهزادهٔ محاسن مفطور ونیکوئی خیو رشفاخانهٔ ملکی کابل ازشفاخانه های بسیارمکمل منتظم شمرده میشود که مانند این گونه عملیات جراحیهٔ نازك ومهلك دران به آسانی اجرا میشود.

بنابرین عرض شکران ومنتداری راازواجبات دانسته هم ازطرف خود، وهم ازطرف آن بیمار بیچارهٔ خود مان که ازیك مرگ محقق رها یافته وشب وروزاشکر زمسرت وشکران میباشد دعای واجب الاداى ذات اعلیحضرت پادشاهیرا تذکار وتکرار میکنیم.

چون این عملیات جراحیهٔ مذکوره ازعملیات بسیار مهمه فن جلیل طبابت شمرده میشد ازانرو درج شدن آزاد جریدهٔ

قریدهٔ «سراج الاخبار افغانیه» ازمناسبت خالی نیافتم . زیرا عملیات قطع امعاء — یعنی بریدن روده — درحد ذات خود از عملیات دشوار جراحی معدود است . اما چهل سانتیمتر — یعنی تقریباً یکنیم فوت بریدن روده بسیار بوقوع آمده ، ومریض آن شفایافته است . حالآنکه ۷۵ سانتیمتر — یعنی بیشتر ازدونیم فوت بریدن روده ازنادرات است . باقی توفیقات آلهی را دائماً درحق خود نیازو دوعای پادشاهی را ورده زبان دارم .

تحریر ق ۱۲ صفرسنه ۱۳۳۲ داکترمنیرعزت

حوادث داخلیه

وفیات — مقررات

میرزاسید محبوب خان که یك ذات پاك نژادی بوده ازمأمورین وکارداران صادق وراست کردار دولت شمرده میشدند ، وبسر رشته‌داری سابقهٔ قطغن وبدخشان مأمور بودند داعیٔ اجل را لبیك اجابت گفته بعوض شان جناب میرزا قمرالدین خان سررشته دار ولایت مذکور مقرر گردیدند .

جناب عالیجاه عزت همراه غلام محی الدین خان نائب الحکومه صاحب قطغن وبدخشان بتاریخ ۱۱ محرم بجوار رحمت ایزدی پیوسته . بعوض شان جناب عالیجاه عزت همراه ناظر محمدصفر خان امین الاطلاعات ازحضور اعلیحضرت ظل اللهی مقرر فرموده شدند .

جناب محمد اختر خان پسر بزرگ ناظر محمدصفر خان بجای پدرخودشان امین الاطلاعات مقرر فرموده شدند .

شدت سرما

ازقراری خبری که ازشهر خان آباد علاقه قطغن بمحکمهٔ اطلاعات درباب برودت هوا رسیده است چنین میباشد که بتاریخ پنجشنبه ۱۳ شهر صفر باریدن برف ظهور کرده الی نماز شام روز شنبه ۱۵ شهر مذکور مداومت داشت درخود خان آباد تخمیناً یکنیم چارك ودر اطراف آن نیم ذرع برف شده بود بعد ازان خنك وبرودت هوا آنقدر شدت نموده بود که اندازه نداشت درروز شنبه ۱۵ غلام محی الدین خان باغبانباشی که بیرون شهر خان آباد سکونت داشت بیان نمود که بیوم مذکور ازخانه برآمدم بسرك تالقان دونفر شخص را دیدم که بسرك بیهوش افتاده مرکب های شان استاده بود هردونفرشان را بمرکب سوار کرده بخانهٔ شان برده انداختند پس ازعبور یکشبانه روز بهوش آمدند معلوم شد که بکوه عقب چوب چیدن میرفتند بجهت مذکور ازشدت سرما بیهوش شدند — ودر یکشنبه غره شخصی ازطرف چال بهنگی علاقهٔ خان آباد می آمد درحین راه ازاضافگی سردی از مرکب غلطیده پای مرکب خودرا محکم گرفته هم چنان فوت شده بود ساکنان نورچی مذکور پیش آمده بودند متوفای مذکور را که دیده‌اند میت اورا بخانه اقوام او برده سپردند — ونیز بروز مذکور یکنفر شخصی ازمزار شریف بخان آباد می آمد درحد قندوز توابع خان آباد شش فرد گرگ اورا دوچار شدند درآنوقت دو نفر سوار پیدا شده نامبرده را از محل هلاکت مذکور نجات دادند — همچنین یکنفر دلکی خوشوقت نام ازشور آب علاقهٔ خان آباد خطوط ملك را بخان آباد می‌آورد درحین راه چهار گرگ بنامبرده برابر شدند — تقدیراً که سه سوار از یکطرف پیدا شده نامبرده را از هلاکت نجات دادند

ادبیات

محاربهٔ بهار وخزان

کلام جناب مستغنی

خزان آمد که گردد بار دیگر   گلستان بوستان بی برگ و بی بر
خزان آمد که سازد باز خالی   کنار ازساده وازباده ساغر
خزان آمد که مستان را کند باز   بطی خالی از خون کبوتر
خزان آمد مبادا زمن دگربار   چو گل آن غنچه لب سرو سیمبر
خزان آمد که دیگر بار چون پار   رنگ گل را زند از خار نشتر
خزان آمد که باز از سردمهری   رباید از عروس باغ زیور
خزان آمد بتاراج گلستان   اثاث البیت گلشن برد یکسر
خزان آمد سپاه دی بدنبال   پی جنگ بهار آورد لشکر
خزان با رنگ زرد آمد که میگفت   که این بیماری خیزد ز بستر
خزان بی مروت آنکه درباغ   بخون ناحق گل بست خنجر
نه درشد سد راه اونه دیوار   ندانم از کجا زاد این بلا سر
سپاه آورد پیش از برف و باران   نه کوه از برف خالی ماند و نی در
چنان کافور باریدار بهمن   که گرمی دور گرد از طبع اخگر
زمین را پنبه پوشانید از برف   که شاخ گل کند عریان و بی بر
ز ژاله سنگ باران پیاپی   گلستان زاده‌ها را ریخت بر سر
فکند اول گلو سرو پیاده   سواران چمن پی کرد یکسر
گسست آسان کمند زلف سنبل   حریر جامهٔ گل کند از بر
شقایق را ربود آن سرخ دستار   هم از نرگس گرفت آن زرد مغفر
ز پای سبزه بیرون کرد شلوار   ز فرق غنچه برد آن سبز معجر
یکی نگذاشت ازشمشیر نرگس   نمودش خسته و حیران و ششدر
دهان غنچهٔ گل کرد پرخون   تو گوئی ریخت دندانش سراسر
چنار بوستان را پنجه بر تافت   لباس بید بیرون کرد از بر
درین ایام سرما بیمروت   کشید ازگل قبا از غنچه چادر
بیداد زیم اورنك از رخ گل   گلستان گشت ازوی رنگ دیگر
چنان احوال گلشن شد دگرگون   که بی دیدن نخواهی کرد باور
ریاحین زادگان نازك اندام   چمن پروردگان ناز پرور
همه غنچه دهان و لاله رخسار   همه سوسن زبان و نسترن بر
سراسر گلرخ و نسرین بناگوش   تمامی سرو بالا و سمن بر
چو نرگس آن یکی با چشم شهلا   دگر چون سنبلش زلف معنبر
چمن رویان که میدیدی سراپا   سمن رویان که میدانی سراسر

شدند از دست ظالمان ستمکار   سرا پاخار دریا خاك برسر
چگویم تا چه کردان نامسلمان   که من این ظلم نشنیدم ز کافر
چه خونها خورده بیباکان جفاجو   چه خونها ریخت رحکان ستمگر
هنوزش زعفران رنگست رخسار   هنوزش دیده خونبارست چون زر
چنان در وقت او شد باغ بی برك   چنان در عهد او شد شاخ بی بر
چنان بی آب شد گلزار امروز   که بر زد حوض آتش خاك بر سر
چنان شد طالع فواره معکوس   که اکنون بر گذشت آن آبش از سر
فتاده آبشارش زان بلندی   که می آمد صدای او مکرر
لب جو خشکتر گرد از لب من   که چندی بود همچون دیده ام تر
نیاید بازش آب رفته در جوی   مگر آید بهاران بار دیگر
بهار آید که باز اندر گلستان   ز سر گیرند مستان دور ساغر
بهار آید که از هر گوشهٔ باغ   بگوش آید صدای تار و مزمر
بهار آید که باز آن سرو سیمین   خرامد سوی گلشن بار دیگر
بهار آید که باز آ رشك طاؤس   خرامان سوی باغ آید ز منظر
بهار آید که باهمن از سر لطف   رود سوی چمن آن ناز پرور
بهار آید که سازد باز نرگس   ز روسیمی که دارد صرف ساغر
بهار آید که از عطر ریاحین   دماغ عالمی گردد معطر
بهار آید که خواهد باز قمری   بلند اقبالی سرو صنوبر
بهار آید که خواند باز بلبل   ز گل شرح گل کتاب او سراسر
بهار آید که گردد سبزه نوخیز   بهار آید که گردد شاخ نوبر
چو آید نوبهار ای نور دیده   مکن جز عشقبازی کار دیگر
که خوش باشد در ایام بهاران   لب ساقی بکام و می بساغر
مکرر بوسه دادن بر لب یار   که شیرین تر بود قند مکرر
خوشست اندر بهاران شور مستی   که مستان فارغ اند از خیر و از شر
چرا از کف گذارد ساغر می   چو نرگس هر که را باشد میسر
چه خوش باشد که یار از باده سرمست   مرا مستی ز چشم مست دلبر
لب یار و لب جام و لب جوی   چو یکجا دست داد از هر چه بهتر
بهاران میرود کلفت ز خاطر   زمانی جانب گلزار بگذر
که بینی لاله رویان دسته دسته   بود هر یك ز دیگر دلرباتر
بیکسوی نوای تار و طنبور   بیکسو قلقل مینا و ساغر
بیکسو گر خمار از باده سرمست   قدح در دست و مینا دست دیگر
فتد گلچهرگان از روی مستی   یکی بر گل یکی بر سبزهٔ تر
بناز و عشوه دلهامی ربایند   صنوبر قامتان هر یك ز دیگر
زند نرگس بهر گلچهره چشمك   که آخر سوی ما یکبار بنگر
بروی شاهد گل جوش شبنم   یکی رخسار جانان از عرق تر
دهان تنگ یار و غنچهٔ گل   ندانی هیچ این یا آن نکوتر
برآید سبزهٔ تر چون خط یار   نماید سرخ گل چون لعل دلبر
شود از غازه کاری عارض گل   به آب و تاب چون رخسار دلبر
برافرازد علم سرو علمدار   ریاحین جمع سازد باز لشکر
پیاده خیل خیل از سبزه و گل   سواره صف صف از سرو و صنوبر
هوا آن چمن گردد مسلح   دهد دل هر کجا بیند صنوبر
یکی زرد یگری در صف جنك   صنوبر را که میگوید دلاور
کند چین چین کمند خویش سنبل   کمان کیسه بندد شاخ نوبر
زره در بر کند شاخ از شکوفه   نهد سوسن کلاه خود بسر
عمود خویش گیرد غنچه در مشت   فتد در دست نرگس باز ششپر
سپر بر پشت بندد کاهی از گل   بکف شمشیر گیرد سبزهٔ تر
چنار از آستین بیرون کند دست   زاره رك رك بید خنجر
بپوشد جامهٔ صدلای صد برك   ز جنك آزما این شیوه خوشتر
شوند این جمله در گلزار چون جمع   پی جنك خزان آماده یکسر
نسیم صبح کاهی این حکایت   چو چند یك بیك از پای تا سر
بگوید هر کجا گلشن بگلشن   رساند جابجا کشور بکشور
خزان گردد از این هنگامه آگاه   روان افتد تب لرزش بپیکر
زبیمش زرد گردد در بلند خسار   گریزد از میان چون باد صرصر
نگیرد بعد از آن نام گلستان   نیاید سوی گلشن بار دیگر

چه شعر است این که از سر میبرد هوش
چه نظم است این که باشد رشك گوهر
توئی امروز مستثنی درین شهر
سخن‌دان و سخنگوی و سخنور

(کلام خدایار بیك خان (مسلم) تخلص)

عرض اقبال بلند از اعتبار دانش است
خرمی جاودان از کشت زار دانش است
میرسد انسان باوج عزت از کسب کمال
اشتر هر مرده اندر قطار دانش است
علم را اعزاز کردن روز از حد و شمار
پیروی ابنعمل هم در شمار دانش است
مست سرشار نعیم از شراب عقل باش
کثرت از یفتادن از خمار دانش است
از بساط جهل بیرون نه خدارا یك قدم
هرچه میخواهی میسر در مضمار دانش است
عندلیب گفتن تحقیق جویانی اگر
صید اعطب یعنی در مرغزار دانش است
یکقلم در عرصهٔ امکان نکه آورده‌ام
برتر از اشیای موجود اختیار دانش است
رخت رحلت زود کش از ملك تعجیل و شتاب
و تحمل کن مقر آنجا دیار دانش است
بست جز اسباب این دنیا بدانش مجتمع
نفع و نقص آن جهان هم همجوار دانش است
از حضیض ذلت اندر رفعت کیوان رسند
هر که را در قبض فرصت اقتدار دانش است
پاس علم و دین و ناموس وطن را داشتن
هر که بتوانست الحق بهره دار دانش است

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1013 of 1786

دانش از الطاف بی‌پایان جل‌شانه اوست
ای خوشا طفلی که دائم در کنار دانش است
زود باش ای خامه بر اوصاف آن‌شاه جهان
زانکه مدح حضرت او افتخار دانش است
شهریار پرصفات و عزو تمکین و وقار
زانکه عدلش برومند سبزه‌زار دانش است
دوستانش فرق عزت برفلك افراخته
دشمنان در قید رأیش سنگسار دانش است
گویم از اوصاف این اخبار پرفیض و اثر
زانکه این فرحت بعالم انتشار دانش است
ترهی برقلب می‌بخشد هوای گلشنش
درحقیقت این‌چمن یکسر بهار دانش است
آن ادیب کامل الاطوار را زیبا نگر
قادش ازجوش معانی لاله‌زار دانش است
درسرا پایش نمی‌بینم بجز علم و هنر
لاجرم زالفاظ معنی سردوچار دانش است
گرچه مسلم ازکند عقل بیرون مانده است
گفتگوی نکته‌اش عیناً فشار دانش است

فقط تحریر یوم سه شنبه ۲۷ ماه محرم‌الحرام سنه ۱۳۳۳ دستخط
حقیر خدایار بیك تخلص مسلم

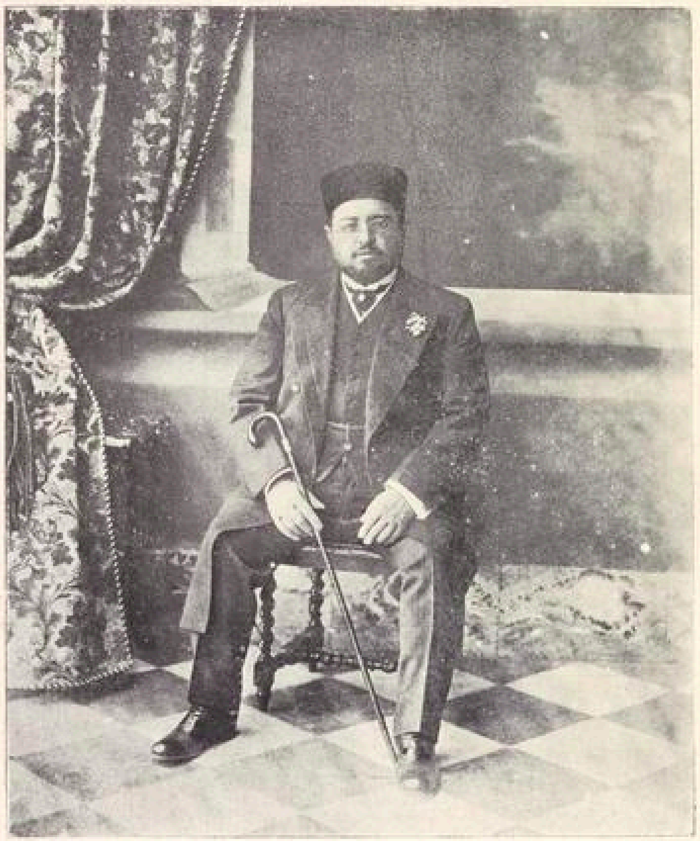

« تمثال فرخ فال »
ذات شوکتسمات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه خود مختار
افغانستان که درهمین روزها عکس گرفته شده

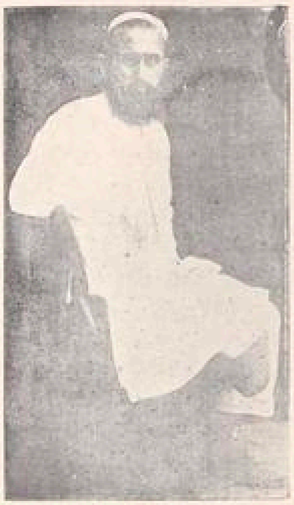

پای از قلم بریده شده والتیام یافته

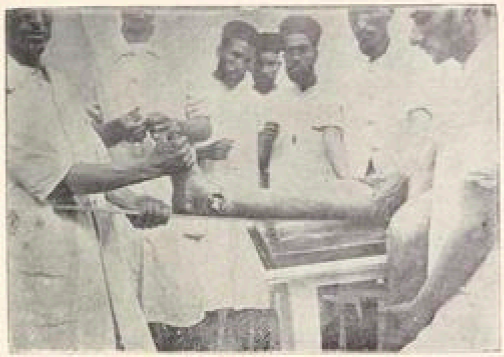

از عملیات پای بریدن

پای که زخمش عفونی — یعنی خراب شده وبجز بریدن چاره ندارد

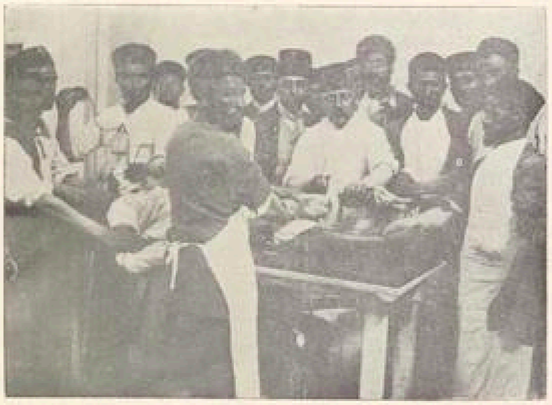

پا را از قلم میبرد

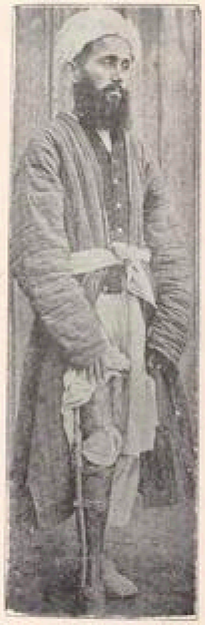

بموجب ارشاد داکتر ، در ماشینخانهٔ دارالسلطنه کابل پای مصنوعی برایش ساخته شده

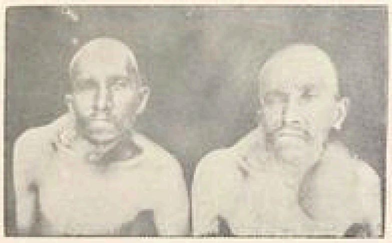

ورمه : قبل از عملیات | بعد از عملیات

حوادث خارجیه

اجمال

هر اندازه که احوال تازه را مجمل کنیم مفصل آن همین نتیجه می‌بخشد که این جنگ جهان نه فتح آن معلوم است ، نه شکست آن ، همه مجهول ، خبرهای حقیقی سراسر مفقود ! بلی ، اگر خبرها از هر طرف میرسید یک مقایسه ، ومعادلهٔ در اسباب کرده میشد ، واز چند مجهول یک معلومی پیدا میشد . افسوس که همه خبرها از یک منبع ترشح میکند . ومعلوماست که ، ناسمند زمانه در روش است : کس نگوید که دوغ من ترش است ، ، باور شدن اینچنین گفتها مشکل است . وچون باوجود اینهمه پنهان گرفتن خبرها ، وبیانات پیشقدمیها وترقیها بازهم یک خبری که از یک فتوحات تازی یا کدام شهر معروفی شنیده شود معلوم است اتحادیها دائما ترقی کردند ، پیش باشند ! امادر کجا ، ودر کدام شهرها وقصبه ها ؛ بجز بعضی تپه ها وخندقها ذکر هیچ !....

مثلا از خبرهای رسمی پتروگراد پایتخت روس معلوم میشود که روسها از جرمنها وترکها هزارها اسیر وطوپ واقسر وغیره اسیر گرفتند ، والهارا شکستهای فاش دادند . امادر کجا ، این است که آن « کجا » در خاک خود روس میباشد . چرا که انکار آن محال است ، وگرنه از اشاعهٔ گرفتن برلین وقسطنطنیه نیز خود داری نمیشد ! لهذا اگر ازادای نشر خبرها مبود حقیقت واظهار شده هرچیز را انسان باور کرده میتوانست حالانکه در ینوقت باور شدن خبرها محالست . لاجرم از اخبارهائیکه به آن دسترس میشویم که آنهم عبارت از اخبارهای هندستانست هر اخباری که ترجمه شود برای استحضار قارئین کرام خودنشر میکنیم . (۱) تمام خبرها بقلم عبدالرحمن خان محرر اداره از اردو بفارسی ترجمه شده است

(تقریر لارد کرزن)

لندن ۷ ماه جنوری . جرمنی تاحال بر کل ملک بلجیم واکثر حصهٔ فرانس قابض میباشد ودر ذخایر خوراک وسامان حرب وتوپ وتفنگ بظاهر هیچ قلت واقع نشده است ودر تعداد سپاهیان برهیچ کس محسوس نشده است اگرچه حالات متوحش ومایوس کن نمیباشد لاکن دلیری وعزم بالجزم ودور اندیشی بکار است — بهادری سپاهیان وثبات جرنیلان وذرائع بهم رسانیدن سپاه وسامان حرب ملک قابل تعریف میباشد لاکن سوال این است که امداد افواج تسلی بخش است علاوه از افواج که حفاظت وطن عزیز (انگلستان) خواهند نمود جیش جدید بکار است برای این غرض ضرورت بیست وسی لک نفر است — حیران هستم که اینقدر نفری از کجا بهم خواهد رسید — زمیندار :

(مصارف بارود وغیره برجهازهای جنگی)

اگر ۲۷ دردناووتها تا به ۸ ساعت بلاتوقف حرکت کنند قریب ۴۳۲۰ تون زغال سنگ که قیمت آن معادل به ۳۰۰۰ پوند باشد در آنها سوختانده میشود . واگر بکمک بحری ۸ دردناووتها برفتار مکمل تا ۲۴ ساعت بهم حرکت داده شوند واز جمیع توپهاو کشتی‌های خودشان یک یک گلوله ویکیک تورپیدو صرف کنند قریب ۲ لک پوند زیان خرج خواهد شد درین حساب شکست وریخت جهازها وآلات حربیه داخل نیست .

(کذا) (یک مردهٔ ایستاده)

داکترهای عسکری فرانس یکواقعهٔ بسیار عجیب میدان جنگ‌را بیان کرده اند که در یک حملهٔ دلیرانه یک مرده ایستاده دیده شد که تفنگ خودرا بهمچنان یکوضعیتی گرفته بود که گویا حالا بر سینهٔ کدام جرمنی آنرا خالی خواهد کرد واز تحقیقات چنان معلوم شد که درحالیکه او میخواست که بهدف فیر کند که ناگاه گلولهٔ دشمن بجانش رسیده بجایش کرختی ایستاده ساخته است .

در جنگ بلقان نیز چنان یکواقعه بظهور پیوسته بود که یکسپاهی بلغاری در اثنای که می خواست که تفنگ را آتش دهد گلولهٔ از طرف مقابل که بسینه‌اش خورده جابجایش ایستاده کرد .

(کذا) (تاوان جنگ روسها)

اخبار « استروبول » اینوریب رقطراز است که روس بدینمضمون یک اطلاعی به جرمن فرستاده است که روسها هرچند شهر را که در قبضه خود بیاورند از آنها دو برابر تاوان جنگی که جرمنیها از شهرهای بلجیم گرفته اند تاوان خواهند گرفت . [یعنی از شهرهای پولند که جرمنها واز شهرهای قفقاز که ترکها گرفته‌اند ...]

(کذا) (جرمنها در قریب « وارساو » بم انداختند)

لندن ۲۷ دیسمبر :

تلگراف « وارساو » مظهر است که ۵ طیارهٔ جرمنی برمقام « ساوچزاو » که در نزدیکی وارساو بعد چند میل کاینست ۴۰ بم انداختند که از اثر آن مقامهای چوبین آتش گرفتند ویک بازار یعنی کوچهای ملحقهٔ خود بکلی تباه شد . یک بم بریک جمعیت نفری که درحال فرار بودند افتاد که از آن ۸ نفر هلاک و ۲۶۰ نفر مجروح گشتند .

(کذا) (غرق یک جهاز جنگی انگلیزی)

لندن یکم جنوری :

محکمهٔ اخبارات اعلان کرده است که « فارمی دبل » نام جهاز جنگی در دریار انگلستان اغراق گردیده است :

از خبر ما بعد معلوم میشود که هنوز این یک محقق ومصدق نگردیده که آیا « فارمی دبل » بایک مرنگ بحری مصادم شد ویا کدام کشتی تحت البحر اورا غرق ساخت بهرصورت یک کروزر انگلیزی ۷۱ نفر از عملهٔ آنرا نجات داده توانست . جهاز مذکور ۱۵ هزار تون موزون ودرسال ۱۹۰۱ ساخته شده بود ودر سالهای ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۱ دوباره باسباب وآلات لازمی حربیه تجهیز گشت .

زمیندار :

(عثمانی درقفقاز)

لندن ۳۰ دیسمبر :

اطلاع رسمی پتروغراد مظهر است :— که ازیورت صدر مقام قفقاز « روس » معلوم میشود که عسکرهای محارب تجاوزی اختیار کرده اند ومابر « علاقهٔ ناروتسك » قبضه کرده ایم . وبکمک عسکرغنیم‌را قریب مقام « ساری کیشو » بکامیابی باخود مصروف پیکار ساختیم ترکان ازسمت « سوکومس » و « خراسان » حمله‌های شدید برپا کرده اند ولی ماباز بمدافعهٔ جسارت ورزیده آنهارا پسپا ساختیم . ترکان برساکنان پرامن مظالم قساوتقسم اجرامی کنند ودرقریه‌های بی‌غرض وسالم قتل‌عام میکنند . کرووازوره ایسکولد « درقریه » « المریش » که بمشرق پورت سعید وقوع دارد برعساکرترك گلوله باری کرد .

نیز یك کشتی دخانی که درقریب « بیروت » بوظیفه گرداوری اشتغال داشت برفوج عثمانی فیرکرد که ازانطرف سپاهیان ترك نیز بفیر تفنك جواب دادند .

(کذا)

« تباهی وویرانی عرصهٔ رزمگاه »

درین روز ها آن علاقهٔ که آتش جنك دران مشتعل است علاوه بر ویرانی که قبل ازین داشت از افتادن برف وگله باری غنیم نیز بیشتر تباه وبرباد شده است . حصهٔ بزرك این قطعه که قدرتاً هموار است ودرین روز ها به صورت یکدلدل مدهشی تحویل یافته دربعضی مقامات بکلی صعب المرور گردیده است . بعضی قریه های قرب وجوار از آتش فشانی توپخانهٔ دشمن نقصان شدید اصابت نموده . مردم طبعاً کارخانه ها وغیره را ترك داده رفته‌اند ووقتیکه درأثنای برفباری ودمهٔ مستولیه برین علاقه نظرافکنده شودیك منظرهٔ دهشت آور ولوحه نفرت‌کنز عجیم بربادی‌وتباهی را درآینه خیال انسان جلوه میدهد . این قطعه ازیك سرتابدیگر سرکاملاً ازخندقها وکندها وگل ولای مملو گردیده که در چنین حالت حفرخندق ها درین علاقه محض سهل یك کاری نیست زیرا خاك انجا آنقدر نرم وپشان شده که بدفعات میباید که باپیل ازدرون خندق راآورده شود . دربعضی جاهائیکه براه سیل ممروشد خاك آنقدرکسب نرمی کرده میباشد که دیوارهای خندقها هانکه کنده میشوند بپای آن می‌افتند .

(میلان ایطالی)

وکیل امرتسر :

این یك مسئلهٔ دلچسپی است که درینوقتها نظر دقت عموم مبصرین حربی‌را بسوی خود جلب کرده است ومادرینجا بدرج کردن یکان رأی که بعضی از همعصران ما درینخصوص داده‌اند قناعت میورزیم همعصر « انکلشمین » کلکته ازبعضی طرفه‌های عمل ایطالی ازنتیجه‌ها که‌ازاسناد ذیل بشایقه استنباط کرده است که ایطالی بطرفداری جرمن واوستریا مایلست :

(۱) فریق « کاو اسوریتو » ایطالی مصر است برینکه اگر ایطالیا درمظاهرهٔ جرمن‌واوستریا بعدازانکه باین دودولت از یکمدت مدیدی رشتهٔ اتحاد را محکم ساخته نبراید البته یقین که یك کار غیر مشروعی کرده خواهد بود .

(۲) آن وزارتیکه در ابتدا بیطرفی ایطالیارا اعلان کرده بود حال مستأصل و درعوض آن وزارت جدیدی که‌قائم شده طرفداری اتفاق مثلث‌را تائید وتلق میکند .

(۳) زوجهٔ سفیر کنونی جرمن مقیم ایطالی از یك خاندان معتبر وبزرك ایطالیا است .

(٤) پادریهای عیسائی طبعاً طرفدار اوستریا میباشند .

(٥) ایطالی بهانه انعقاد فونفراس سفرای خودرا از پایتخت های دولتهای متحدهٔ انکلیز . روس . فرانس طلب کرد حالآنکه سفرائی اوستریائی وجرمنی خودرا نه خواست .

پس درین هیچ شایبهٔ ریب و شبه نیست که اگر ایطالیا مسئلهٔ شرکت جنك خود را فیصله کرد بالضرور با متحالفان قدیمی خود همدست ومتفق خواهد شد .

مگر درینوقتهای اخیر بعضی‌وقایع جدیدهٔ که‌بظهور پیوسته‌اند میل ایطالیارا بتائید دولتهای متحده نشان میدهد . « والله اعلم بالصواب » !

(عصیان مراکو)

همدرد از « مانچستر گاردین » :

مراکو : سلسلهٔ بغاوت تاحدود الجزای جنوبی توسیع‌یافته باغیان برمحل حرکات حربی فرانس قبضه کرده اند . خیال کرده میشود که‌چند قبایل دیگرنیز باباغیان همدست گردیده بقوت‌متفقه بطرف شمال حرکت خواهند کرد .

کذا

(نهر سویز)

برلین ۲۵ نومبر :

روما :— بطریق تیرسی اعلان این‌امر کردشده که‌عثمانی یقین داده است که نهرسویزرا برای رفت وآمد جهازها کشاده خواهد داشت .

کذا

(عثمانی وایران)

از قسطنطنیه خبر رسیده است که کورنمنت عثمانی از مدتی است که‌باسفیر ایرانی درباب مرتب شدن یك معاهدهٔ جدید فیمابین عثمانی وایران مذاکره کرده‌است . حاکم « بوشهر » ازینکه‌بطرف انکرزان مایل است یك فریق انقلابیون‌را اخراج نموده است ویك جمعیت به این مقصد تشکیل داده شده تا برحکام طهران احترازرا ازشرکت درجنك مقدس‌مذهبی تکلیف کند ویکجهاد

انکلیزی برای حفاظت باشنده گان انکریزی وفرانسیسی بهبندر عباس رسیده است .

کذا (ایطالیا)

از خبرهای « روما » پاتخت ایطالیا چنان معلوم میشود که درکاریگران قریه های شمالی ایطالی بسبب تصرف کردن برمس وسرب ازطرف، عموم اظهار مخالفت انکلستان کردهشد . امسال درماه ا کتوبر بمقابل همینماه پارسال درتجارت صادری برطانیه ۴۰ فیصدو درتجارت واردی آن ۶۰ فیصد نقصان آمده است .

کذا (بغاوت مراکو)

از خبر هـای « مادرد » پاتخت هسپانیه معلوم میشود که فرانسیسیان قریب « کنیفرا » ازباغیان هزیمت برداشته‌اند و ۲۴ افسرو۶۰۰ سپاهی شان هلاك گردیده اند .

کذا (مدافعت نهر سوز)

انکلیزان بکمال تعجیل درمدافعهٔ نهرسوز کوشش میورزند که درحال زیر ازترکان آمده است .

کذا (حکومت عثمانی ورعایای خصم)

صوفیه ۲۴ نومبر :

طریق‌رفتی که عثمانیان بردیده‌بانی رعایای خصم اختیار کرده‌اند دران هیچ تحقیق هنوز بعمل نیامده ودرحال دوباره اعلان کرده شده که رعایای دولتهای متخاصم نمی‌توانند که ازجاهای سکونت خودشان بدر روند . ونیزجمیع کسانیکه مورد شبهه‌شوند ازمملکت اخراج کرده خواهند شد . کوتی های ممالک خارجی در تحت تحفظ کورنمنت در آمده برواهد طلا حکم شدید ممانعت صادر گردیده . کلید های بکس های روپیه بانکهای ممالک خارجی نیز بهحکام ترکی تسلیم شده‌اند . و چنانکه کان میرفت مبارزی‌را که بمناسبت یاد کار معاهدهٔ روس و عثمانی در « ینکاس » کان گردیده بودبعد ازصدور فتوا بچه‌های مکتب مستاصل وخراب کردند . ونیزخبر رسیده است که برکنار باسفورس درمقام یك یونانی بعضی الهما واسباب تلکراف بی‌سیم یافته‌شده وصاحب‌خانه پیش ازان فرار جسته است .

کذا (دعوای فتح بر روسیان)

درخبر های رسمی ترکان دعوای فتحیابی برروسها وانکلیزها کرده شده که روسها را تابه سرحد کوه قاف هزیمت داده اند ودر معرکهٔ قرب وجوار « تبن » نیز نقصان کثیر بروسها عاید گردیده‌شده که‌درانجا آنهارا تادریای « بروجك » پسپا کرده‌اند. وبعض قبایل کوهی ایران نیز درسرحد روس دراعده دشمنانرا بهنقصان وتلفات کثیری معروض ساخته اند .

کذا (فتوحات عثمانی)

خبرهای حربی ذیل را « تیلکراف بی‌سیم » در جرمن مشهور کرده شده‌اند که باز بکومبانی « مازوتی » موصول کشته‌اند :

اطلاع موصوله صدر مقام مظهر است : که ترکان دروادی « ئپسوم » کاررواقی هجوم روسهارا پسپا کرده محصرهٔ روسی‌را هزیمت دادند . اگرچه توپهای‌قلعهٔ « باطوم » درجنك مشارکت ورزیدند ولی کامیاب نشدند عسکرهای ما تا ۱۰ کیلومتر ودرضلع « ویشجورا » در جنوب مشرق باطوم در آمده اند . روسها دربیانی که در رپورت خود ها کرده‌اند که عسکر های متفرق کرده شدند وازارض روم‌دوباره مراجعت ورزیده‌اند بکلی غلط بیانی ودروغکو ئی راه بهکار برده‌اند . عسکر های‌ما بیشتر برای حاضری جار خانه برخـلاف دشمن مجهز گردیده اند دشمن از سنکر بست خود بیرون هیچ ترقی نتوانسته است بلکه برعکس آن درمقابل عساکر ظفر مآثر ما در میدان کشت ده از تمام خط تصادم درعقب نشسته است .

کذا (حال فلاکت اشتمال مانتی نیکرو)

پیترو غراد ۷ دسمبر :

شاه مانتی نیکرو دریك تلکراف بنام اخبار « بورش کرت » بیان کرده که یك ثلث فوج مانتی نیکرو در میدان جنك هلاك وتلف گردیده وجمیع ذرایع مملکت خوردنی‌را قطع گردیده‌اند . امداد روپیه و آلات حربیه مرقدر کهازطرف هرکس باشدبکمال منت وشکر گذاری قبول کرده میشود .

کذا (ملاحظهٔ حدود بیطرفی درفضا)

بغرض بم اندختن برکار خانه « زیپلن » « فره دریکس هیون » جهاز های هوائی فرانسی وانکلیزیْ کرفته بودند درجو هوا ازسر مملکت سویسره گذار شان افتاده بود کهنا بران دولت سویسره « سوئزرلند » کهیك مملکت بیطرفاست برین اعتراض کرد وسفیر های دولتهای متحده‌را کفت که این اعتراض اورا به حکومتهای خود شان تقدیم کنند . در جواب این بروقت دولت سوئزر لند مستر « ونستن چرچیل » وزیر بحریهٔ برطانیه گفته‌است که‌طیاره بازان انکلیزی وفرانسی که‌برای بم‌انداختن برکار خانهٔ « زیپلن » فره دریکس هیون رفته بودند برای آنها صاف کفته شده بود که از بالای مملکتهای بیطرف نکذرند ودر نقشهٔ که بدینغرض برای آنها حاضر شده‌بود علاقهٔ سوئزر لند بکلی ازخط حرکت آنها کشیده شده بود . ولی در وقتیکه طیاره بهارتفاع کثیری در پرواز باشد درانحال بدون یك طیاره بازما هرهرکسی نمیتواند که‌سمت حرکت طیاره‌را بخودمعلوم کند . علاوه بران در قونفرانس منعقدهٔ سال ۱۹۱۰ م « پاریس » مسئلهٔ کذشتن کدام‌جهاز هوائی دولتهای متحارب ازبالای کدام مملکت بیطرف نیزدرزیر بحث نیامده است . ازین ظاهر است که بنابرحالت کنونی قوانین بین‌الملل‌فضای‌هوا برخلاف زمین‌وآب بیطرف مانده نمیتواند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1018 of 1786

کذا (بهترین کشتی های تحت البحر جرمن)

یك نامه نگار امریکائی مینویسد ، کهدرحال یکقسم اعلای کشتی زیر بحر در جرمن ساخته شده که جرمن ها بان بس معتمدند وغالباً این کشتی ازجهان رقم جدیدی خواهد بود که آنرا قبل ازمدت قلیلی موجدین جرمن ساخته بودند . وصف بزرك وشایان دقت آن اینست کهدر مقابل کشتی های تحت البحر سابقه دیرتر درزیر آبمانده میتواند کهاقصای حدود سفر آن درزیربحر تا ۸۰۰ میل است یعنیدر آن آنقدر مصالحرا کنجایش میتوان داد کهبعد ازسفر ۴۰۰ میل دوباره بمستقر اصلی خود مراجعت کند . متعلق این کشتی زیربحر طرزجدید هنوز معلوم نشده که دران چقدر توربیدو خواهند بود ولی این یقین است که عدد توربیدو های آن نیز ازتور پیدوهای تحت البحر حالائی بالضرور اضافه خواهند بود . ازطرف جرمنها در جنك زیر بحر تاحال بیش ازقیاس سرکرمی نشان داده شده است . یکی ازکار نامه های بزرکترین این رقم کشتی آن بود که بتاریخ ۲۲ سپتمبر کذشته «ابوکر» و «کریسی» و «هوك» سه جهاز جنکی انکلیزی رادر ۱۵ دقیقه دربحر شمال تباه ساخت . بهرصورت کشتیهای تحت البحر دراین جنك ازجهاز های هوائی وجنکی سطح بحر بیشترمدهش ومهلك ثابت شده‌اند وغالباً موجدین جرمنی نیزازین منفعت تحت البحرها متأثرشده جمیع توجه خودشانرا درساختن رقم جدید این کشتیها بذل وصرف میکنند تاتلافی نقصانا تیکه درجاهای مختلف به آنهااصابت نموده بکنند . بالفعل دنیا منتظراست که حالاو در میدان بحر برآمده بکدام کار نمایان خود انظار مردمرا بسوی خود جلب خواهد کرد ؟ این اول نوبتی است که کشتیهای زیربحر درمیدان عمل حرب در آمده تاحال جهازهای بسیار بزرك بزرکی را غرق کردانیده‌اند . ولی آن رأی که پیش ازوقوع جنك امیرالبحر «اسکات» متعلق آن داده‌بود درست برآمد .

خبرهای سابقه

کذا (حرکت عسکری عثمانی)

پیترو غراد ۳۰ نومبر :

یك تلکراف رسمی که دیروز از «برلین» رسیده است بیان میکند که در «قسطنطنیه» رسماً اعلان شده‌است که عسکر های عثمانی بیعد ۲ میل در قرب باطوم رسیده اند و تردید این دعوای روسیان که ترك از «ارض روم» واپس شده‌اند بشدت کرده شده بترکان بجانب شهرسویز در اقدام دیده میشوند .

امستردام ۲۸ نومبر :

ازیك تار «برلن» که بنام «تیلیکراف» موصول شده ظاهر میشود که از «قاهره» خبر رسیده که فوج انکلیزی سرکی را کنار «فیوم» به «جرهاد» میرود بخندق های بسیار دراز وسنکر های توبخانه‌ها بسته است .

از یك تار این هم معلوم میشود که ۷۶ هزار عسکر عثمانی که درزیر قوماندهٔ عزت‌پاشا هستند درعلاقهٔ دشمن غارت کرده‌اند . ترکان یك ریل میدانیرا درنخلستان «النخیل» ساخته‌اند .

کذا

(یهودیان میخواهند که خودشانرا رعیت عثمانی بسازند)

امستردام ۳۰ نومبر :

یك تار قسطنطنیه مظهر است که کور نمنت عثمانی بنابر در خواست (دری بزرك) «پیشوای مذهبی یهودیان» یهودیان غیر ملکی وبالخصوص یهودیان روسی که درترکی آباد هستند برین شرط رعیت خود تسلیم میکند کهبعد ازجنك نیز قومیت خودشانرا نکذارند . واین نیز بیان کرده شده کهاهالی سومالا بغرض هجوم بطرف مصر اقدام ورزیده‌اند .

(جهاز مسعودیه)

سول اینډ ملتری نیوز :

«مسعودیه» جهازجنکی عثمانی که آنرا کشتی زیربحر برطانیه در داردانیال غرق کرد یکجهاز بسیار کهنه وناکارهٔ ترکی بود . از ساختن این جهاز ۳۸ سال شده بود حالانکه ازروی حساب امروزی عمرکاریك جهاز جنکی‌تنها ۲۰ سال اندازه کرده‌شده . درسال ۱۸۷۶ این جهاز درانکلستان ساخته‌شد ودرسال ۱۹۰۷ کورنمنت ترکی آنرا بشهر «جنوا» واقع ایطالی برای ترمیم فرستاد برین جهاز ۲ توپ ۹ انچ و ۱۲ توپ ۶ انچ و ۹ دیکر توپهای خورد خورد منصوب بودند و رفتار آن فی ساعت ۱۷ کروه بحری بود .

(یك زن فرانسوی در حضور امپراطور جرمن)

محمدره «انکلستان غدار است»

پاریس ۲۹ نومبر :

باامپراطور جرمن ملاقات یك زن فرانسوی که در قرب «سیدان» بایك کدی زعفران اسیر کشته‌بود واقع شد . وچونکه ازسبب الزام تجری کهرو تایدشده بود ازطرف افسر های جرمنی همواره تهدیدات قتل میشنید ، لهذاحضور امپراطور عریضه نکار کردید، کالآخر در «شار لیویل» مرورا شرف باریابی شاهانه حاصل‌شد . موسیو «هانزبلان» مدیراخبار «فرانس دیدی مین» داستان این ملاقاترا چنین شایع کرده است .

درهمان ساعتیکه این خاتون فرانسویرا «میجروان پلیس» افسر همرکاب شاهانه بحضور امپراطوری تقدیم مینمود در آن وقت اعلیحضرت امپراطور دریکی ازمحل های که قریب «شار لیویل» برای ذات شاهانه مخصوص بود اقامت داشتند . خاتون فرانسوی بمجردیکه در دالان استقبالیه داخل شد در پیشروی یك‌میز یك افسررا دید که دربینی سبزی دربر دارد ونقشه های کثیری براطرافش هموارند . افسر مذکور درحال که خاتون فرانسوی داخل دالان شد چنانچه عادت جرمنها است پاپهای

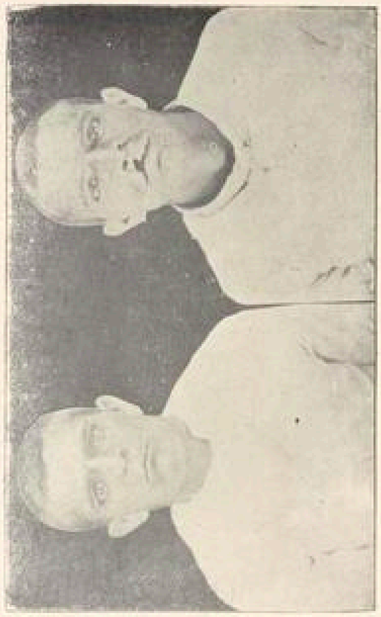

لیپاد :ـ قبل از عملیات وبعد از عملیات

عبدالحمید نام شخصی که دوزخم طوت رودماش را بریده

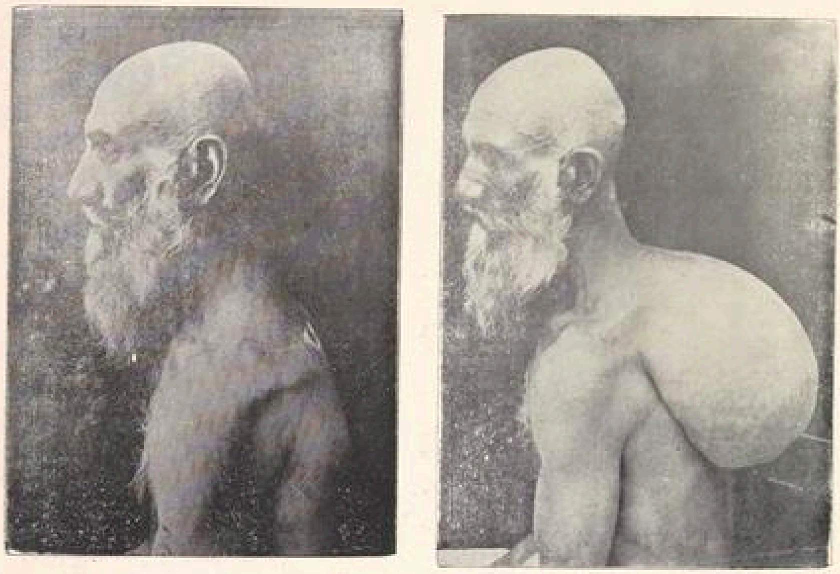

ورمه :ـ قبل از عملیات وبعد از عملیات

خودرا بهم متصل نموده برخاست و گفت «من خاتون فرانسوی را سلام میرسانم».

گویندهٔ این الفاظ مگر خود امپراطور بود. اگرچه در اول امر به خاتون فرانسوی در شناختن شان قدری دقت دست داد، ولی بعد از آن بکمال تعجب دید که ریش شان رسیده و غیر محلوق، و رنگ شان قدری زرد، و بیهای شان بحیثیت مجموعی خود بافوتوهای شان که قبل ازین گرفته شده بود هیچ یک مشابهت و موافقت کلی بهم نرسانید.

جناب محمد ایوب خان

از خدمهٔ حضوری اعلیحضرت همایونی که بشرف شاگردی اعلیحضرت در فن عکاسی سرفراز و ممتاز میباشند

چون خاتون کمی دیگر هم پیشتر آمد به نشستنش امر فرمود وسپس این چند سوالرا بهم و بکمال تیزی خود بخود ایراد کرد که «فرانس برخلاف ما چرا جنگ کرد؟» ولی آنکه بشنیدن جواب آن یک معطل و توقف ورزند متصل سوال دیگر برخود عرض فرمود که «مگر شما نمیدانید که از همه اول فرانس اجتماع افواج کرده بود؟» در جوابش به آهستگی بسوی حملهٔ بلجیم اشاره کرد. امپراطور از شنیدن لفظ بلجیم فهمیده گفت که «آنها همیشه حملهٔ بلجیم را بمن یاد دهانی کرده الزام میدهند ... کمی سخن مرا بشنوید! در پیساز ثبوت کلی این امر یامعلوم شد که درین دولتهای انگلیز، فرانس و بلجیم چنان یک معاهدهٔ تشکیل رسیده بود که از روی آن انگلیس و فرانس از راه بلجیم بر جرمن هجوم تواند کرد» در جوابش خاتون فرانسوی گفت که «حضور معاف بفرمایند! من برای اظهار ناراضی بر خلاف الزام تحریری که بمن راجع گردیده آمده در پیشگاه صاحب ابرای نفس ازان تهمت میکنم». ولی امپراطور بدان حملهٔ معترضه هیچ توجه نکرده و غیر متأثرانه چنان وانمود که گویا نشنید و بیک لهجهٔ بسیار غصه آمیزی این کلماترا زبان راند که «من خیالی که در خصوص انگلستان خوب صورت شما بروز دوام اینست که او همیشه با هرکس غدر کرده. واو عبارت از حیلهٔ مجسم است. اگر حالا من بخواهم ا... او فردا برای بازی دادن و خراب ساختن فرانس کمر خواهد بست. حیف! که شما هیچ خود تارا به آن درجهٔ شهرت تاریخی خود که میبایست مستحق آن شوید رسانیده نتوانستید. کمی فکر و ملاحظه کنید که حبشی های خونخوار از اجزای فوج شما محسوب میشوند».

درینجا خاتون فرانسوی بیکطریق متکبرانه گفت که «هرچند عسکر های سیاه ما خونخوارند ولی کاهی شنیده نشده که آنها یا اطفال را بقتل رسانیده باشند و یا پیران کهنسال ضعیف فقیر کرده باشند و یا مقابر را ویران و کلیسا هارا آتش داده باشند».

امپراطور بجواب این سخنان الزام نما فراغت نداشت بلکه این هم مشکوک و مشتبه است که آیا این سخنان را شنیدهم یانی؟ زیرا که هم درهمین وقت «میجروان پاپسن» در و از مدالان ملاقات را باز کرد.

شهنشاه کلمات آخرین این ملاقاترا به بسیار زودی گفت که «خوب! برای من چنان معلوم میشود که در شما کدام اتهامی وارد آمده است. من شمارا آزاد کردم ولی در ظاهر نمودن این سخنان که با شما گفتم احتراز و که کوش را تحریج برید ا..»

(جرمن در حرب حاضر)

(سیاره)

یک مضمون نگار امریکائی در «دیلی تیلیگراف» مینویسد: که من وقتیکه از انگلستان عزیمت جرمن را کردم من برین یک عقیده داشتم که جمیع ملت جرمن سوگوار و مغموم خواهد بود و تمام آبادی آنجا ازین یک بسیار دلشکسته شده باشند که عسکرهای آنها با دادن تلفات کثیره نیز به حاصل کردن فتح فیصله کن در مقابل متحدین کامیاب نشدند.

ولی چون من به «برلین» داخل شدم جمیع خیالاتی که قبل ازین قایم کرده بودم بکلی غلط ثابت شدند. من به احوال «برلین» قبل ازین هم واقف بودم و حالا چون مشاهده کردم در حالت طبیعی آن یک فرق بسیار کمی محسوس نمودم. اوتلها و طعامخانه ها کشاده اند و به بسیار درستی و انتظام مانند سابق در آنها سودا میشود علی هذاالقیاس تیاترو ها و تماشا گاهها نیز بهمین منوال اند.

البته ازهمه بیشتر فرقی که دران مشاهده میشد آن بود که بسیار کما عدد کثیر عسکرها بنظر برمیخوردند . من درین خصوص ها بکمال احتیاط تفتیش حال کردم که بعد ازان بمن معلوم شد که این جمعیت ۷۰۰۰۰ نفر سپاهی « لاندو هیر » (متطوع) میباشد که عمرهای شان از ۳۰ قدری متجاوز است و درحال داخل عسکر کرده شده‌اند تاجائیکه من تحقیق کردم تابه اینوقت یکی ازاینها هنوز شریك جنك نشده بودند . من پیش ازین در برلین کاهی اینقدر عدد عسکرها را ندیده بودم . به سبب امریکائی بودنم جرمنها بامن بیکوضع بسیار شریفانه والسانیتکارانه پیش می آیند .

محبوب القلوبی که درینوقت مر امپراطور وولیعهد را حاصلست درهیچ زمانهٔ مثل آنرا نتوان یافت . واثر روحانی که درینوقت امپراطور بررعایای خویش دارد نیز مثل آنرا کمتر توان دید . تابه حدیکه فرقهٔ « سوشلست های انتهای پسند » نیز باعبار زان بروسیائی درکامیابی جنك متحد ومتفق شده اند . درجمعیت های مختلف جرمن دلچپی جنك بطریق عمومی مشاهده میشود . وازین یك مخاصمین را باید که بکلی مأیوس شوند که اهالی « پوزیاه » ویا « سکیسیا » ویا « ورتمبرك » میخواهند که خود را از زیر حکومت « بروسیا » ازاد سازند .

دردلهای عمومی ملت جرمن این سخن راسخ گردیده که این جنك جبراً برانها کرده شده است وآنها درشهادت آن نامه ها ومکتوبهای سیاسی رانمایش میکنند که فرانس بابلجیم درخصوص کشیدن فوج خودرا ازان ملك یك مشورهٔ کرده بود ولی برین واقعه مطلقاتوجه نمیکنند که ازینقسم مشوره برای عساکر جرمن استحقاق تعرض بربیطرفی بلجیم ازچه چیز حاصل شد .

آنها این را نیز برریت خود شان بکدلیل میگیرند که پیشتر از اعلان جنك دستهٔ بحری انگریز مکمل فراهم آورده شده بود که برای جنك بکلی تیار بود . واینکه اگرمادراول میدانستیم که جنك بالضرور واقع میشود البته ماهمهٔ چیزهای مایحتاجی که درملك ما پیدانمیشوند ازپیش تدارك میکردیم نیز براثبات معصومیت وبیگناهی خود هااستدلال میکنند .

نفرتی که با انگلستان دارند ازقدر هرمخمنی اندازهٔ آن برتر است درمقابل این عداوت جدید شدید شان رقابت قدیمی که باروسیا وفرانسیا داشتند هیچ نسبت نتوان داد . آنها بکمال حرص درخصوص انگلستان به اجرا آت عمل سای میباشند . این دائرهٔ نفرت شان ازانگلستان گذشته تابه ژاپان نیز وسعت یافته است وبلکه ژاپانرا بیشتر قابل نفرت میدانند .

من بفکر خود برین یقین کامل دارم که عموم ملت جرمن نادم ومایوس ازجنك و نمی ایستند وهیچ قوتی نیز آنهارا ازجنك منع نتوان کرد درعمر من یك مدرنیك « کونت » دیرینه سال را بیان میکنیم که اورا بامن ازقدیم تعارف وآشنائی بود من چون بملاقاتش رفتم اول اوبکلام آغاز کرده گفت که « ازجملهٔ ۳ پسر جوان من که قبل ازین شما آنهارا دیده بودید دونفر هلا وسومین را زخمی ازمیدان حرب آورده اند . من تنها برهمین یك افسوس میخوردم که ای کاش من ۳ پسر دیگرهم میداشتم که آنها نیز بر حفاظت وحیثیت وطن خود شانرا فدا میساختند ! »

[ببینید شدت غیرت وعلوهمت را] بیانات نامه‌نگار مذکور بسیار است که از باقی آن صرف‌نظر نموده درینجا بدرج کردن همینقدر اکتفا ورزیده شد .

(سخنان هرزقی جنك)

بریکدست دریشی مکمل یك سپاهی جرمنی مبلغ ۲۷ پوند که معادل به ۸۱۰ روپیه شود صرف میشود .

درراه حمل ونقل ودیگر کارهای عسکر جرمن زیاد ازیکلك موترکار خدمت میکنند . این ها علاوه بریلها هستند .

امپراطور جرمن حکم کرده است که هرچند سپاهیانی که برتوبهای دشمن قابض گردند برانها فی ۱ عدد توپ ۳۷ پوند بطریق انعام تقسیم خواهد شد .

شهر برسلیزرا حالا مستملکات جرمن باید دانست تابحال هرقدر بچها که درشهر تولدیافته اند اسمای شان درفهرست رعایای جرمنی ثبت گردیده است . [برسلیز پایتخت قدیم حکومت بلجیم بود .]

برساحل مشرق انگلستان بغرض تجارت شکارماهی کرده میشد دریندفعه ازسبب جنك ۴۰ ملیون ماهی کم گرفته شده . درسال گذشته قریب ۱۰۳۶۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ماهی بگیر آمده بود . [ماهیان ازهرکس بیشتر درین جنك فایده برداشتند . غیرازانکه شکارشوند شکارهای تازهٔ گوشتهای چرب انسانها هم طعمهٔ شان شده است ! ...] « هراق کول » نام که یك رسام شهیرمناظر ولوحه‌های حربی است بحکم امپراطور جرمن در میدان رزمگاه مغربی برای تصویر نمودن هیئت‌ها وحال های جنك رفته است . این مصور مشهور بغرض ساختن تصاویر جنگی درجنك چینیان وژاپانیان ، وترکان ویونانیان نیز رفته بود

﴿اجرای همدرد﴾

اخبار فواید آثار حقایق بار (همدرد) که همدرد اهل اسلام وهم نبرد تجاوز وتعرض کننده گان دین حضرت خیرالانام است . که جبراً مدت ۲ هفته‌را در تعطیل کشید بالآخر غیرت وهمت افراد ملت خود جزای نقدی تدارك کرده بتاریخ ۲۹ دسمبر بتقسیم « نقد سخن باچهرهٔ فرحتبار خود دوباره نوربخش عیون قارئین لطف شعار خویش گردیده و :

(باز آمدم که سجدهٔ آن خاك پا کنم)
(گرطاعتی قضاشده باشد ادا کنم)

تفته کمرخدمت قوم وملت جست برمیان همت بسته درعرصهٔ ایفای وظیفه قومی ووطنی درآمد

« سراج الاخبار افغانیه » عموم برادران هندستان خوددرا

چنین کشتیات انسانیکارانه وجوانمردانه که در اجرای دوبارهٔ (محمدرد) واحیای مجدد ثوت یکانه هواخواه خودشان «زمین‌دار» بکار برده‌اند بنظر استحسان می‌بینند واز صمیم دل رجا دارند که حقسبحانه تعالی زیاده برزیاده توفیق رفیق شان گرداند .

محمدرد ۴ جنوری : (مناسبات امریکه وانگلستان)

«یك معما»

ژرک روتر به‌بمبئی یك تلکرافی داده است که نتیجهٔ کدام تلکراف دیگر معلوم میشود که باواز لندن فرستاده شده تار مذکور ازقرار ذیلست :

لندن ۳۱ دسمبر : — سفیر امریکه درباب یك نوت دولت امریکا باسرادوارد گرای مذاکره کرد .

«پریس بورو» مظهراست که درمسئلهٔ گرفتن تحریر دولت امریکا، ازطرف گورنمنت انگلیزی هیچ مخالفت واقع نشد . وبلکه جواب آن بزودی بجنان طرز دوستانه به امریکا داده خواهد شد که درنوت دولت مذکور مضمر است .

دراخبارهای امروزینه «نیورك» بسیاررای‌زنیها متعلق این نوت کرده شده اند . اخبار «نیورك تائمز» مینویسد که هیچ یك ارادهٔ که منافی دوستی باشد یافته نمیشود وهیچ کدام لفظی که ازان تهدید مأخوذ ومطلوب باشد استعمال نشده . «تریبون» مینکارد که این یك مسئلهٔ است که به بسیار صفائی ودرستی آنرا طی باید کرد وبرخلاف آن بطریق دوستانه اظهار نارضائی ونا خوشنودی باید کرد .

(کذا) (گله باری بربلغراد)

چارجهاز جنگی اوستریا روز سه شنبه از کنار دریای «دینیوب» دوباره برقلعه وشهر «بلغراد» پایتخت سرویا گله باری کردند .

(کذا) (قبضهٔ ترکان برکیدی)

برلین ۹ دسمبر :

ازخبرهای رسمی قسطنطنیه معلوم میشود که ترکان برکیدی که ۱۲ میل دورتر بطرف مشرق باطوم است قابض گردیدند وکارخانهٔ برق باطوم را نیز بکلی تباه وبرباد کردند .

(کذا) (بلژیکیان درعثمانی)

کوپنهیك ۳ دسمبر :

از یك تار مخصوص «برلین» معلوم میشود که درتحت گورنمنت جدید دردولت عثمانی این اعلان کرده شده که بارعایای بلژیکی درعثمانی چنان سلوک کرده نشود مثلیکه بارعایای فرانسی روسی وانگلیزی کرده میشود بلکه بسببیکه درحال بلژیك جرمن قابض گردیده ازاینرو باایشان چنان سلوك مرعی بایدداشت که باجرمنیان ملحوظ است .

(کذا) (معجون مرکب)

ما اکثر ازین یك شکایت کرده ایم که سلسلهٔ خبرها ازقبیل محکمهٔ احتساب چنان بی‌ربط میشود که بهم آوردن وسرخوردن آن بایکدیگر وازان اخذ نتیجه کردن قریباً غیرممکن است . وازینسبب اکثر چنان واقع میشود که حال‌نقشهٔ مخصوصهٔ میدان رزمگاه را که مابیکصورت دردماغ خود تصور نموده باشیم تاکه ازآمدن یك خبرمتضاد بکلی تغیر یافته بصورت دیگر تحویل میابد وهنوز آنهم کماحقه درفکرما جاگیر شده نمیباشد که دوسه سطر دیگر روتر آمده اثرانرا محو ونابود میسازد غرضیکه ازین تماشای تصاویر متحرك یك معجون مرکبی میاید . خبرهای محصولی ذرایع جرمنی درداك لندن که کاهی بنظرما میخورند آنها اکثر درمقابل خبرهای سرکاری وروتر قابل وثوق نمیباشند واین یك مسئلهٔ عجیبی است که درخبرهای داك لندن وروتره تنها اختلاف بلکه اکریکی سپید باشد دیگر سیاه میاید . ودرین قدر اختلاف تفحص حقیقت یك کار عبث وبیهوده است . متعلق نقل وحرکت افواج روسی وترکی درقفقاز همچنان حالت غیریقینی تابحال موجود است ودر اول امر شنیدیم که عسکرهای روسی بکمال تیزی تابه «ارض روم» رسیدند مگر بعدازان این سلسله برهم خورده وتایکمدتی خاموشی بود وپس ازان دفعتاً تار ۳۱ دسمبر پیتروغراد ازلندن شایع شد که «برخلاف قشون عثمانی معرکهٔ ساری کمیش جاریست» و که «یك حصه‌ازعساکر عثمانی بوادی اولاتز جالتفراهم گردیده برمقام اردهان پیشقدمی کرده‌اند» این خبر جدید گویا نقشهٔ دماغی مارا که پیش‌ازین تصور نموده بودیم بکلی تغیر داد وبجای آنکه ماقشون روسیرا درقریب ارض‌روم قرار داده بودیم حالا مجبور شدیم که برین یك معترف شویم که جنك درخاك روس واقع‌شده . «ساری کمیش» قریباً ۲۰ میل اندرون سرحد روسی میباشد . تار ۲ جنوری یك چیزك دیگری هم بران می‌افزاید که «درقفقاز . روسیان بردهٔ دوکوی که درقریب ساری کمیش کائن است گله باری کردند وترکان درانجا مدافعت شدیدی نمودند .... بارادهان جنك جاریست» . اگرچه تابحال هیچیك چنان‌خبری نرسیده بود که ازان‌معلوم میشد که عساکرعثمانی برمقامات روسی‌قابض گردیده‌اند ولی‌ازین تار ضمناً چنان معلوم شد که «درکوی» درتصرف ترکان بود وبنا بران آنها درینجا مدافعت روسیانرا کرده بودند . اگراین اوراق پریشانرا انسان یکجا بکند پس ازان یك شکل عجیبی پیدا خواهد شد یکطرف خواهیم دید که روسیان تابه‌ارض‌روم رسیده اند ودیگرطرف ترکان را ۵۰ میل درسرحد روس تا «اردهان» خواهیم یافت ازین اجزای متضادیك چنان مرکبی می برآید که ازدرجهٔ فهم وادراك ما یقیناً بلندتر است .

تار ۴ جنوری بازتصدیق این امررا میکند که جنك درعلاقهٔ روسی واقع شده اگرچه ترکان درانجا پس‌پا کرده شده‌اند .

یک نمره ۵ جنوری از مصدقات این خیالست با آن تردیدهم میکند یعنی « روسیانرا در اردهان وماورای کوه قفقاز یک فتح مهمی حاصل شد که دران ترکانرا بسیار پریشانی وسرا سیمگی شکست داده شد » این تاریخ وفراد است ولی دران ذکریک اعلان ترک نیز کرده شده که مضمون آن اینست که « بر اردهان بعد ازیک معرکهٔ شدیدهٔ قبضه کردیم »

در این تار آخرالذکر کریتز وفراد این نیز بیان کرده شده است که « درقریه‌های ساری کمیش جنگ شدید جاریست و ترکانرا نقصان کثیری رسیده است »

ازطرف وزیر هند خبرهائیکه برای وایسرای آمده اند درآنها نیز الفاظ ذیل لایق خواندن میباشند یعنی ترکان در قفقاز دعوا میکنند که ما « اردهان » را گرفتیم . مگراز اعلان روسی چنان معلوم میشود که « درآنروز قریب اردهان هیچیک معرکهٔ بوقوع نیامده بلکه در قریهٔ « ساری کمیش » جنگ خونریزی بظهور آمده است » . بهرصورت ما متحیریم که آیا محکمهٔ خبررسانیرا عیب نهیم ویا کم کوتاه نظری خودرا بنالیم ! . . .

وکیل امرتسر : (هندوستانیان چرا ازسلاح محروم‌اند ؟)

این یک سوالیست که دردل هریک هندوستانی درینوقت موجزن میباشد متعلق آن « مسز انی بسنت » دراخبار « نیو اندیا » می جود که مینویسد . قانون اسلحه برذامن وفاداری مسلمهٔ اهل هند یک لکهٔ خجالت آوریست وعلاوه برآن معاون شران وکرکان وخصوصاً دزدان وجانیانست ، زیرا دهقانهای غریبرا دزدان غیر مسلح یافته بی باکانه برآنها می افتند وبلکه در اکثراوقات خونریزی هم میکنند ، مسز موصوفه پس ازیک کمی بحث مینویسند که « این امر کم تعجب آوریست که یک بچهٔ چارده پانزده سالهٔ اوروپی که یکلی ناتجربه کار میباشد مسلح میگردد ، ویک هندوستانی ۴۰ . ۵۰ سالهٔ تعلیم یافتهٔ که بارها امتحان وفاشعاری آن گرفته شده یک کاردی هم باخود گرفته نمیتواند تا در هنگام مجبوریت به آن حفظ جان خودرا بتواند » بر همین موضوع بحث کرده میر مجلس « آلدین نیشنل کانگریس » به یک لهجهٔ بسیار پرحسرتی گفت که « اینچنین حقوق مانند اسلحه داشتن ، ودر فوج عهده یافتن وبرای تحفظ ملک خودرا بطریق عسکر تقدیم نمودن واز قبیل اینها تاکی هنوز به هندستانیها داده نشود وتاکی هندستان باتسمه‌های اراس انگلستان بسته بوده به زانو خواهد رفت ، حالا وقت آن رسیده که او بخاطر خود وانگلستان بایستادن را بیاموزد . برای هندستان وانگلستان ازین افسوسناک تر دیگر چه خواهد بود که مانند « رومة الکبری » در اثنای کدام خطرهٔ عظیم انگلستان برین یک مجبور شود که هندستانرا برای شکار شدن تفرقهٔ باهمی وحمله‌های خارجی بگذارد . متعلق حکومت ۱۵۰ سالهٔ انگلستان برهندستان این رأی چگونه قرار توان داد که او مردم این مملکت را مضبوط ولی در حالت نفاق یافت وآنهارا محتاج وضعیف گذاشت . حقیقتاً برای هندستان وانگلستان ازین بزرگ دیگر چه سختی خواهد بود که هندستان که بلحاظ کثرت نفوس وعقیده‌مندی بدرجهٔ کافی مضبوط ومحکم است دررفع کردن مشکلات وخطرات « دربار انگلستان » کوشش ورزد وهردو تحفظ اغراض خودرا بکنند » . این الفاظ پر جوشیکه بر صداقت وواقعیت مبنی هستند که برین یک دلالت میکنند که وفاداری مسلمهٔ هندستانیها هنوز برای گورنمنت کاملاً قابل اعتبار نیست . والا هیچ وجه نیست که هندستانی‌ها از حقوق شهری‌های عام هم محروم بمانند . ولی حالا که برای گورنمنت بخوبی معلوم شده که وفاداری هندستانیها تنها زبانی نیست بلکه عملی نیز هست وآنها برای اثبات آن درهر وقت وهر حال آماده‌اند وفی الواقع در میدان جنگ برای برقرار داشتن عزت ووقعت تاج برطانیه وسرا زیرشدن بیرق « یونین جیک » سینه سپر شده‌اند . لهذا یقین داریم که این مطالبه تا به بسیار مدت مارا در انتظار نخواهد داشت وبلکه به بسیار زودی آنوقت خواهد رسید که یک بچهٔ اوروپی را بر یک مرد ۵۰ سالهٔ تجربه کار وفادار هندی ترجیح داده نخواهد شد .

سیاره ۱۱ جنوری : (امریکا ومکسیکو)

قریب بکسال گذشت که در مکسیکو شورش شدیدی برپا شده بود که بنابران دولت امریکا عسکرهای بری وبحری خود را برای سرکوبی باغیان آنجا سوق نموده بود . پس ازآن خبر آمد که سر منحیهٔ باغیان یعنی حاکم مکسیکو مأخوذ شد وبازجلا وطن گردید ودوباره خبر رسید که دران با حسب المرام دولت امریکا یک نائب الحکومهٔ جدید مقرر شده است که او خاص باغیان را بسزا رسانیده ودیگر آنرا عفو نموده در تمام مملکت امن وامان قایم نمود . بهر صورت بروقت آغاز جنگ اوروپ اگر بر زور تر اتحاد کرده شود پس هیچ شورشی در مکسیکو باقی نبود . ولی دفعتاً در « پاینیر » این خبر بنظر برخورد که دولت امریکا به « جنرال ویلا » حاکم مکسیکو اولتی‌ماتوم فرستاده است . درین هیچ شبه نیست که جنگ اوروپ برای خبرهای حیرت انگیز ودور از قیاس خود نظیری ندارد ولی این معامله را بظاهر باجنگ اوروپ از هیچ طرف هیچ مناسبت وتعلق نیست . اگر دولتهای جماهیر متفقه نیز ومکسیکو دردول اوروپ محسوب میشدند پس چنانچه ما این خبرها را قبول میکنیم که « روسیها یک فوج کامل ترکانرا باجنرال آن اسیر نمودند » ویا « دو پلتن مکمل اوستریائی مسلح در دست روسیان افتادند » ویا این که « یک رژمنت لورماینالی در زیر ریاست « جنرال دربیالدی » در فرانس از طرف دولتهای متحده داد شجاعت داد » البته این را نیز مانند آنها بی چون وچرا قبول میکردیم . ولی چنانکه گفتیم که امریکا را تا به اینوقت ماهنوز ملک محاربات نمیدانیم

زیرا تا به حال او طرفداری یکی از محاربین را نکرده است که ازاقسب تا اکنون در جنك اوروپ داخل وشامل نکردیده.

ازین بیان اگرچه مراد ما این نیست که ، گرفتار شدن کامل یك فوج ترکیاجزال آن « ویلا » اسیر شدن دو بلق مکمل اوستریائی « ویا » شریك جنك شدن یك رزمنت ایطالی « غیر ممکن ودور از قیاس است ولی با آن در مسئله « التی ماتوم امریکا به مکسیکو » برای ما اینقدر حیرت بی اختیار دست میدهد که در مابین دولت جماهیر متفقه وجزال ویلا حاکم مکسیکو چه وقت وبر کدام سخن ناسازکاری واقع شد واین کدام معاملهٔ که بود اینقدر طول کشید که بالآخر دولت امریکا به التی ماتوم دادن خودرا مجبور دید!.

رمیندار : (خواص ایمدن دررودبار انکلستان)

در پترو قتها در رودبار انکلستان یك کشتی تحت البحر جرمن چنان یك شور وشری برپا ساخته که اگر زودی چارهٔ آن کرده نشود عنقریب مانند « ایمدن » کسب شهرت فوق العادهٔ خواهد کرد. در چند روز گذشته دو جهاز انکلیزی یکی « ملاشیت » نام که زغال گرفته به « هیور » ودیگری « براغاو » که آنهم زغال برداشته به « روئین » میرفت در قریب سواحل فرانس غرق کرده شدند. واز سببیکه در هردو جهاز مسئله تحفظ مسافران بیطرف ملحوظ گردیده بود ازآن رو این نتیجه مأخوذ میگردد که در هردو جا همین یك تحت البحر سرانجام مقصد نموده بود. معلوم میشود که این تحت البحر از رقم بزرکترین بوده است ودر اصل چنان تورپیدو نیکه در زیر آب نیز ازان حصول مطلب میتوان کرد خالی میتوانست. برای سوار شدن افسران وملاحان هردو جهاز بر کشتی‌های خورد، ده دقیقه مهلت داده شد. وچون کشتی‌های مذکور تا به یکحدی دور رفتند آنوقت جهاز دشمن بر جهازهای تجارتی کاماری کرد تاآنکه آنهارا یکی در زیر آب نشاند. وپس ازان کشتی تحت البحر غائب گشت. وملاحان انکلیزی عزیمت ساحل فرانس را کردند.

اولتر عملهٔ « ملاشیت » رسیده سر گذشت خودرا بیان کرد وبعد از چند روز کشتی که بران عملهٔ « براغاو » بود ۳۰ میل دورتر در شمال مغرب مقام « فیکامپ » رسید. وچون آنها نیز ماجرای خودرا بیان نمودند. پس کشتیهای نگاه کن فرانسوی در تعقیب کشتی تحت البحر جرمن بر آمدند ولی بالآخر چنان معلوم شد که بر بدست آوردن مطلوب خود کامیاب نیامدند.

مسئلهٔ دور کردن وطرد ساختن کشتیهای تحت البحر جرمن را از رودبار انکلستان برای محکمهٔ بحریه از جمیع مسایل دیگر عزیزتر واولتر دیده میشود. زیرا اگر این مسئله بزودی حل کرده نشود یقیناً که ذرایع رفت وآمد مابین انکلستان وفرانس مسدود خواهند شد. واز همه بیشتر مراکز این کشتیهارا که اینها ازانجا اخذ ذخیره میکنند باید یافت وبهر کیفیت راه رفت وآمد این کشتیها را معلوم باید کرد تاکه راه بر ایشان بسته شود. تاآنکه عدد کشتیهای تحت البحر انکلیزی وفرانسی از عدد تحت البحرهای جرمن بیشتر وافزونتر است ولی این یك را اعتراف باید کرد که جرمنها تا به حال از تحت البحرهای خودشان به بسیار درستی کار گرفته توانسته‌اند. در حرب حاضر مسئلهٔ کشتیهای تحت البحر بس نا گوار افتاده است. فرانسوی‌ها ازین بیخبرکه یکچنان زمانهٔ در پیشروی شان آمدنی است که آلهٔ ساختهٔ شدهٔ دست خودشان نه تنها بر خلاف حلیفانش بلکه در مقابل خودش نیز استعمال کرده شود. این کشتی زیر بحر را ایجاد کردند.

(کذا)

(حلیف جدید جرمن)

لندن ۱۰ دسمبر :

نامه نگار « دیلی کرانیکل » مقیم برلن رقطراز است که بقول اخبار « برلینرتاگبلات » « چین میخواهد که حلیف جرمن بشود ». بی‌شبهه که این همه از اثر پوشیدهٔ کار کذارهای خفیه امپراطور جرمن است.

پشاور دیلی نیوز :

(باعث غرقابی جهاز فارمیدیبل)

لندن ۸ جنوری

در « دارالامرا » لارد کرو گفت که این رأی قطعی است که جهاز « فارمیدیبل » را ازیك کشتی تحت البحر دو تورپیدو رسیده غرق کرده شد. واین راهم بیان کرد که کپطان جهاز مذکور دیگر جهازهارا آگاه داد که « هشدار به اینجا نزدیك نشوی که خطرهٔ تورپیدو موجود است واین کار در تاریخ بحری ما قابل یادکار است » نعره‌های مسرت!!!؟

(کذا)

(بیان جرمن در خصوص غرقشدن فارمیدیبل)

لندن ۷ جنوری :

بقول اخبارهای جرمن یك کشتی تحت البحر جرمن بذریعه تلگراف بیسیم خبرداده است که جهاز « فارمیدیبل » را اغراق نموده است. جهازهای انکلیزی اورا تعاقب کردند ولی ناکام شدند.

کذا

(اعلان غرقشدن دو جهاز)

لندن ۸ جنوری

امروز اعلان کرده شده که دو جهاز ویك تراول جهاز خورده انکلیزی در بحر شمال بامرنك مصادمه نموده غرق گردیدند که ۲۵۴ نفر آن غرق وباقی اکثر مفقود الخبر اند!!..

در چاپ خانهٔ حروفی دار السلطنهٔ کابل طبع گردید
همه مقالهائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر وسر محرر [illegible]
محمود طرزی

شرایط خریداری

دارالسلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	یازده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

هرجائیکه باشند با اجرت پوست

قیمت سالیانه | ده روپیه انگلیزی قیمت ششماهه | شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراک قبول نمیشود

یک طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

برهمهٔ کارداران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود: ۱ اگر از یک جا بدیگر جا بروند وبایشان میباید که بیک رقعه مدیر وسرمحرر را خبر بدهند که من در فلان جا بودم وحال در فلان جا میروم اخبار مرا در انجا بفرستید . هرگاه همچنین یک رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی . وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند . ویا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تابه پنج بار نشر وشایع شود برسرهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تابه پنج بار فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر ازپنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرکه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تایک سال نشر کردن خواهد ووجه یک ساله را پیشکی ادا نمایند در ورق پشتی برسر سطری سنار اجرت گرفته میشود

اعلان

عموم مشترکین کرام خود را
یاد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از شکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خود رهائی یابیم ممکن نشد لهذا با کتابخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یك مقاوله نموده و کتابخانهٔ مشار الیه تقسیم و توزیع اخبار مارا که بهمه مشترکین کرام ما رساند در عهدهٔ همت خود قبول نمود . مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را تبشیر و یاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ هر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای کتابخانه بخود شان میرسد .

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد
کتاب سال دوم « « « مصور مجلد
کتاب سال سوم « « « مصور مجلد
علم و اسلامیت
آیا چه باید کرد ؟
ادب درفن
توحید

این کتابهای فوق در اداره موجود است . هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کنند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

سیاحت بدور دور زمین بهشتاد روز مجلد
سیاحت در جو هوا مجلد
سیاحت در زیر بحر مصور مجلد
از هرفن سخنی و از هرچمن سمنی مجلد
روضهٔ حکم مجلد

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوق را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت در ده افغانان از نزد عبدالرؤف خان سر مرتب و از دکان باز محمد کتابفروش در بازار ارگ بقیمتهای معینی که در پشت هر کتاب نوشته است خریداری کرده میتوانند .

و اگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوق را بکنند بمدیر سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند .

سراج الاخبار افغانیه
١٣٢٩

شمارهٔ ١١ سال چهارم

فهرست مندرجات

صنایع داخله	(صنایع بوریهای ذات اعلیحضرت شاهانه
حوادث داخله	(ترقی در مناصب — تصحیح یك خبر از هرات — مکتوب از دفتر ایشیك آقاسی ملکی — (ایضاً مکتوب — ولادت نجیبه —
ادبیات	(تشویق نظم ونثر کلام راقم
علوم وفنون	(جغرافیه تقسیمات جمعیات بشریه حالات ثلاثه
حوادث خارجیه	اجمال احوال — ترجمهٔ اخبار های اردو واخبارات شاستری — جواب اوام جرمن — سخن های دلچسپ جنگ حمله های جرمن بساحل انگلستان — تجربه بریطانیا آرزومند حمله جرمن بود — سر دسته انگلیز — خوف از کشتیهای تحت البحر جرمن — جرمنهارا چسان فرصت دست میدهد ؟ — درید ناووت حمله آور جرمن — امکان حمله جرمن — سبب تاخت جرمن — تعجب نباید کرد — جرمنها بیرون برآمده میتوانند — انواع کروزور های جرمن — جرمن خواهش مند طریقه جارحانه — مارا چه قسم جهاز درکار است — جرمنهارا مخالفت کردن محال است — اهمیت تاریخی کیل ودنکرك — مکتوب یك توپ چی — دبه های حربیه جرمن — سلوك نیك حکومت انتریا بااسیران هند — برای خطرهٔ آینده تیار بودن لازم است — ریل شهر سوئز — افکار عباس حلمی پادشاه خدیو مصر — جراید آر لاند در حرب حاضر — ترکان مسکوبیهارا شکست دادند — قبضهٔ عثمانی تبریز — یك زلزله مهیب در ایطالیا — عدد تلفات — کلیساها نیز بسلامت نماندند — خبرهای جدید متعلق زلزله — طیارهای جرمن درفرانس — عثمانی وبلغار — عثمانی ومصر — فوج نوبحر جرمن — غرق یك جهاز انگلیزی وسه جهاز فرانسوی — جنگ جارحانهٔ ترکان — استیصال یونانیان در آسیای صغرا — بردنکرك دوباره بم افکنده شد — شریف پاشا وفرانس تبلیغ اسلام درلندن
تصاویر	از مناظر استانبول ذات اعلیحضرت سلطان المعظم برای نماز جمعه بجامع شریف — از مناظر استانبول چشمهٔ سلسبیل سلطان احمد — از مناظر استانبول غلطه نام بازار استانبول — از مناظر استانبول سفارت خانه دولت بریطانیا —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1028 of 1786

اعلان

از صنایع پروریهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جرنیل کارخانه جات ، ماشین خانهٔ مبارکهٔ دارالسلطنه کابل علاوه از ایفای حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه واونیفورمهای عساکر شاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخلی که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت همایونی حکم فروش آن صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ذیل (دکان عبدالله خان دربازار ارک) میباشد .

(١) سرج های پشمینه باف رنگهای مختلف که قیمت آن ازقرار گز انگلیزی ٣ فوته مشخص شده در صندوقخانهٔ جنسی هم بفروش میرسند

اقسام	قسم اول					قسم دوم					
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم وقدری کلفت قیمت آن ١٠ پیسه زیاده شده	
رقم	تا حال ساخته نشده	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت		٧ روپیه ٥ پیسه	٦ روپیه ١١ پیسه	٦ روپیه ٤٢ پیسه	٥ روپیه ٤٨ پیسه	٦ روپیه ٩ پیسه	٥ روپیه ١٨ پیسه	٦ روپیه	٥ روپیه ١٠ پیسه	٦ روپیه ١٠ پیسه	٥ روپیه ٢٠ پیسه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گز انگریزی ؛ کشمیره چهارخانه ٧ روپیه ٣٥ پیسه | کشمیره رهدار هر رقم ٧ روپیه بیست پیسه

(٢) جراب ها

رقم	نیکانکه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج
قیمت	١ روپیه ٥٢ پیسه	٤٥ پیسه	٣٦ پیسه

(٣) تکمه‌های چرمی محراب ومنبردار

کلان قدرجن	میانه قدرجن	خورد قدرجن
١ روپیه ٤٠ پیسه	١ روپیه ١٠ پیسه	٥٥ پیسه

(٤) وره های جدید ساخت

رقم	زه باف یک اسپه دو کره دو تاره	زه باف یک اسپه دو کره سه تاره	چرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ چار تارهٔ تخنی
قیمت	٨ روپیه و٣٣ پیسه	٩ روپیه و ٢٤ پیسه	٨ روپیه و ٤٢ پیسه	٦ روپیه و ١١ پیسه
رقم	چرم باف دسته بادامی دو اسپه	چرم باف دسته دولاته یک اسپه	دستهٔ دولاتهٔ یکی چار اسپه	چرم باف همرکابی
قیمت	٤ روپیه و٤٨ پیسه	٤ روپیه و٤٦ پیسه	٨ روپیه و ٢٣ پیسه	٤ روپیه و ٤٣ پیسه
رقم	قبضه رنجی کلیت نقره توپخانه	قبضه کلیت نقره دار چرم سه لایه توپخانه	زه باف رقم سواری ساخت کلیت	زه باف دو تارهٔ رکابی
قیمت	٣ روپیه و٥٥ پیسه	٤ روپیه و٥٧ پیسه	٥ روپیه و ٩ پیسه	٥ روپیه و ٥٤ پیسه
رقم	رکابی ازلغ	چرم باف میانه چوب پیت زنانه	اردلی سواری تیغ چرمی	زنانه ابریشمی خیاطه
قیمت	٤ روپیه و٤٥ پیسه	٥ روپیه و٨ پیسه	٤ روپیه و ٥٨ پیسه	٥ روپیه و ٨ پیسه
رقم	دسته بادامی تیغ چرمی	دستهٔ دولاته سامانی رنجی کلیت نقره	اردلی سواری دولاته تیغ چرمی کجک دار	چرم باف ماین پیت یک اسپه
قیمت	٤ روپیه و٤٩ پیسه	٤ روپیه و٤٥ پیسه	٤ روپیه و ٥٩ پیسه	٨ روپیه و ١٢ پیسه

(٥) اقسام گلهای مصنوعی سر

قسم	گل جیرین	گل نافرمان	گل ونبه	گل شبو
قیمت	٥ ربیه و ٣٦ پیسه	٦ روپیه و ٦ پیسه	٦ روپیه و ٧ پیسه	٦ روپیه و ٣ پیسه
قسم	شگوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل نسترن	چنبلی
قیمت	٧ ربیه و ٤٥ پیسه	٦ روپیه و ٥٨ پیسه	٥ روپیه ٣٨ پیسه	٦ روپیه و ٨ پیسه
قسم	شگوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	٦ روپیه و ٣٥ پیسه	٧ روپیه و ١٢ پیسه	٦ روپیه و ٥٤ پیسه	٦ روپیه و ٥٤ پیسه

«المشتهر»

(میر محمد هاشم دفتری کارخانه جات)

(کمیدان نظامی)

صحیفه (۱) سال چهارم شمارهٔ (۱۱)

قیمت سالیانه
دردار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
دراطراف داخلهٔ مملکت
با مصارف داک ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مصارف داک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن درکابل یکعباسی است
(اوراقی که درج نشود اعاده نمیشود)

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

مدیر و سرمحرر
محمود طرزی

اداره خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ ۱۵ ربیع الاول سنه ۱۳۳۳ تاریخ انگریزی ۳۱ جنوری تاریخ شمسی ۱۱ دلو ۱۲۹۳

صنایع داخله

وصنایع پروریهای ذات اعلیحضرت شاهانه

درخصوص ترقی صنایع داخلیه واستفاده ازآن تاحال بار بار بحث وبیان رانده ایم . و ازهر در وهر رهگذر درینباب حرف زده ایم . درین شمارهٔ خود میخواهیم جلب انظار برادران وطن عزیز خود را بسوی فواید و منافع صنایع وطنیه نموده تشویق وترغیب دهیم که تا ممکن باشد : « یکپهٔ خود بسازند که نو مردم کرانست » .

قارئین کرام و برادران ذوی الاحترام ما البته اعلان بعضی مصنوعات ماشینخانهٔ مبارکهٔ دار السلطنهٔ کابل‌را درشمارهٔ سابقه واین شمارهٔ ما ملاحظه ومطالعه فرموده باشند . وهیچ شبهه نیست که هر صاحب وجدان وطن دوست از خواندن آن اعلان یک مسرت بی اندازهٔ دردل خود حس کرده خواهد بود . اگرچه اعلان مذکور برحوایج مایحتاج کلی بسیاری محتوی نیست ، ولی بازهم مسئلهٔ پوشاک‌را که از مهمترین حوایج ضروریه میباشد دربر گرفته است .

قماشهایی که از فابریک پشمینه بافی بسایهٔ توجهات ترقی آیات اعلیحضرت پادشاه مراحم اکتنامما بروی کار آمده است ، خواه ازجهت خوبی ومتانت ، وخواه ازجهت داشت داری وظرافت برسیاری ازقماشهایی که ازخارج می آید برتری وتفوق میکند ، وچون ارزانی قیمت آن هم درپیش نظر گرفته شود ، وبازهم انسان ازخریدن وپوشیدن آن صرفنظر کرده بقماشهای بی بنیاد گران قیمت خارج عرض احتیاج ورزد الحق که ظلم وبی انصافی بزرگی شمرده میشود .

عزیزان ، یکبار چشمهارا هم بنظر باریک بین دقت ملاحظه کنیم که این قماشهاییکه درفابریک پشمینه بافی دار السلطنه کابل ساخته شده ، ودرمعرض استفاده درامده است . پشم آن ازهمان حیواناتی حاصل آمده که در خاک پاک وطن عزیز خودما پرورش یافته است ، درمرعاها و جزارها ودشتها و کهسار های همین خاک پاک چرانموده ، وازشیبها ودرهها وچشمه سارهای همین خاک پاک صفاناک آشامیده ، ودر آغلها وغژدیها وزمینهای همین وطن آسودگی مأمن آرامیده ، وپشم شان بقیچیهای مخترعهٔ محبهٔ خود اهل وطن بریده شده ، بدستهای مالداران وطن جمع آمده ، بریشت شتران وطن بارشده بما شینخانهٔ وطن رسیده ، از طرف عمله و کاریگران وطنی شسته شده . رفته شده . با آلات و ادوات ماشینهای فابریک وطن در خود وطن بدست اولاد وطن رشته شده . بافته شده ساخته شده است .

آیا کسیکه دعوی وطن دوستی کند ، وقماش خارج وطن‌را برچنین قماش اصل وطن ترجیح دهد در محکمهٔ عالیهٔ سلطان عظیم الشان « وجدان » بجزای خجالت و شرمساری محکوم نخواهد گردید ؟ البته خواهد گردید ! معنای حقیقی وطن دوستی همین است که انسان خاک روبهٔ وطن خودرا برزر مهنای دیگران اشرفتر بداند ! خاشاک وطن خودرا ازکافور وصندل خارج برتر شناسد ! کرباس وطن خودرا از اطلس ودیبای غیربهتر بداند ! اگرچه درحقیقت همچنین نباشد ولی چون یکبار دردل وحواس اهل وطن اینچنین یک اعتقاد واعتیادی دربارهٔ وطنش راسخ شود ؛ هیچ شبه نیست که همان جاذبهٔ کشش حب وطن رگ های غیرت ، وپی‌های حمیت شان‌را بحرکت بجلی آسایی در آورده ، وسعی وهمت ، دوچرخ موتور فعالیت شان گردیده ، واتحاد ملیه واخلاق حسنه انجین حرکت شان شده خاک روبهٔ خودرا بزر مهنا ، وکرباس خودرا باطلس ودیبا تحویل خواهند داد .

آیا این یك چیزی بوده باشیم که ذات شوکتسمات پادشاه ترقیخواه مقدس‌ما اعلیحضرت «سراج الملة والدین» از اوقات قیمت دار شاهانهٔ شان درهفتهٔ دوروز یا یك‌روز را چرا منحصر به تشریف فرمائی ماشینخانه فرموده بنفس نفیس ملوکانه درراه ترقی صنایع و تشویق وترغیب اهل کار آن همت جهانقیمت منعمانه راصرف میفرمایند؟ هیچ‌شبه نباید کرد که این نیست مگر ازکمال مرحمت پروری که در بارهٔ ملت ووطن شاهانهٔ شان دارند. بلی ذات اعلیحضرت پادشاه دل آگاه ما یگانه دوستدار حقیقی وطن خود هستند، یگانه ترقیخواه جدی ملت خود هستند، دایما درباب ترقی وسعادت ملت ووطن شاهانهٔ شان جدوجهد دارند. ازین است که فابریك قماش بافی را تاسیس فرمودند، وبعون الله تعالی انواع قماشها ازان فابریك بکمال کامیابی بروی کار آمده احتیاج پوشاك اهالی را تأمین فرمودند.

پس چون این مسئله‌را هم برملاحظات سابقهٔ خود علاوه کنیم خود ماها باید برین یك وجدانا مجبور بیابیم که تامیتوانیم تن خودرا بهمین قماشهای وطنی خود بپوشانیم. تاهم بوطن خود ابراز محبت کرده باشیم، وهم به آمال مقدسهٔ پادشاه خود پیروی کرده باشیم، وهم ثواب معنوی ازان حاصل کرده باشیم.

سبحان الله! چقدر فخر وسروری برای ما حاصل خواهد شد که چون بپای خود نظر کنیم جراب وبوت یاموزهٔ وطنی خودرا ببینیم، چون بدریشی خود ببینیم تن خودرا باقماشهای وطنی خود پوشیده یابیم، چون بسر خود نظر کنیم کلاه وطنی خودرا بسر ببینیم، هرگاه براسپی یاعرابهٔ سوارشویم قمچین وکرورهٔ وطنی خودرا بدست گیریم، حتی زین ولجام وجوت وغیره آنرا هم ازمعمولات وطنی خود بیابیم. بلی بسایهٔ ترقیخواهی ذات اعلیحضرت پادشاهی کارخانهٔ چرم سازی دار السلطنه کابل نیز بدرجهٔ رسیده است که هرنوع بوت وموزه وگیتس وزین ویراق ولوازمات عسکریه را ازپوست حیوانات خود وطن بسیار خوب وصفائی که هیچ چیزی ازمعمولات اوروپا کم نمی آرد بلکه دراتقان صنعت واستحکام بار بار ازانگونه اشیای خارجی برتری دارد. حتی درینوقتها عزتمند «قادر بخش خان» که مامور کارخانه مذکوراست باختراع بعضی ضروریات عسکریه مانند بستره بندی که عسکر در وقت سفر برپشت می‌بندند، وبعضی خیمه های بسیار مفید خفیف وکم حجمی که کم ثقلت وبسیار منفعت است نیز کامیاب آمده است که انشاءالله بعد ازین درذیل بیانات، کارخانهٔ چرمگری، ازان مفصلاً بحث خواهیم راند.

والحاصل بنظر بسیار شکران ودیدهٔ امتنان می‌بینیم که الحمدلله ثم الحمدلله وطن عزیز مقدس ما افغانستان بسایهٔ ترقیات پرتو اعلیحضرت پادشاه ترقیخواه محبوب القلوب ما یوماً فیوماً درشهراه ترقی وتقدم درپیش رفتنست. علی الخصوص ترقی صنایع داخلی ازچنان منابع ثروت وسعادت ملك وملت شمرده میشود که افراد وطن ازشکران آن عاجز است. زیرا هرملکی که صنایع آن ترقی کند ثروت سعادت، تجارت آن نیز ترقی میکند، وغیرازین دلیل کوششمندی وغیرت وحمیت آن ملت نیز شمرده میشود. ماراست که دعای دوام عمر واقبال وشوکت واجلال اعلیحضرت پادشاه نکوئی آمال خود مارا ورد زبان صداقت ساخته ازدرگاه خلاق عظیم الشان جلت عظمته نیاز وتضرع نمائیم که وطن مقدس مارا ازشر دشمنان دین محفوظ ومصون دارد آمین.

حوادث داخلیه

از دفتر ایشیك آقاسی نظامی باداره رسیده است

(ترقی در مناصب)

از حضور مبارك اعلیحضرت والا بتاریخ ۲۱ ماه ربیع الثانی سنه ۱۳۳۳ بمناصب چندنفرذیل ترقی داده شده، سرفرازی یافته‌اند بدینموجب

عالیجاه عزت همراه عبدالعزیز خان برگد غند کوتوالی بمنصب رفیعهٔ جرنیلی سرفراز گردیده مقرر افواج قندهار گردیدند وعبدالوکیل خان برگد آنجا واپس بدار السلطنه کابل ازحضور طلب شد

عالیجاه امیر محمد خان کرنیل متزلیت غنددار السلطنه بمنصب برگدی سرفراز گردیده مقرر افواج قلات گردید ومحمدصدیق خان برگد نیز طلب حضور شد

عبد الغنی خان سراوس پسر عبدالعزیز خان بکندك نورزائی قندهار عوض کبود کرنیل — کرنیل مقرر شد

عطاء الحق خان سراوس پسر خواجه خان صاحبزاده عوض امیر محمد خان کرنیل که جدید قلات مقرر شده بکندك متزلی مت غنددار السلطنه کرنیل مقرر گردید

نور محمد خان پسر عبدالوکیل خان نائب سالار مرحوم بکندك مراقی مقیم قندهار عوض کبود کرنیل — کرنیل مقرر شد

تصحیح یك خبر ازهرات

در شمارهٔ ۶ سال چهارم سراج الاخبار افغانیه یك تحریرات واقعه نگار دازنگی را درج کرده بودیم که خلاصهٔ مآل آن از قرار ذیل بود: «— موازی شصت خانه از محال دازنگی که در زمان سابق فرارشده طرف مشهد مقدس رفته بودند در تاریخ ۲۹ رمضان همان شصت خانه بواسطهٔ دوبیره سوار رساله که نائب الحکومهٔ هرات بجهت محافظ همراه شان مقرر کرده‌بود در علاقهٔ دازنگی واپس رسیدند. —» درینوقت از هرات برای ما مینویسند که حقیقت همچنین نیست که واقعه‌نگار دازنگی نوشته است. بلکه این مسئله ازقرار ذیل باید تصحیح شود: «— شصت خانوار

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1031 of 1786

مذکور از تعدیات و بیغوری حاکمهای آنجا در بنوقها فرار را اختیار کرده مجموعاً از راه هرات ارادهٔ مشهد و علاقهٔ ایران را داشتند. و چون نائب الحکومهٔ هرات را از رسیدن شان بهرات آگاهی حاصل شد سرحد دارانرا اطلاع دادند که آنهارا از سرحد نگذارند که بگذرند. سپس آنهارا نزد خود خواسته همگنانرا نصیحت و تسلی و نوازش فرمودند ایشان بجز از ظلم و بیغوری کارداران دا نزنگی دیگر شکایتی نداشتند. لهذا نائب الحکومه آنهارا خاطرجمعی داده باد و بهره ملازم رساله عازم خانه و علاقهٔ شان نمودند. چون تحریرات واقعه نگار دا نزنگی سراسر از حقیقت دور بود اصل حقیقترا نوشتم فقط

سراج الاخبار افغانیه :- « اللهم اصلح ولاة امورنا » آمین .

(از دفتر ایشیک آقاسی ملکی)

مورخه ۱۱ ماه ربیع الاول سنه ۱۳۳۳

عالیجاه عبد الرحمن خان حاکم فراه تحریر داشته است که قبل ازین مسموع شد که از طائفه تیموری سکنه قریه خواف فراه محمد گل نام ولد جمعه گل شخصی است که بسن بیست و سه سالگی رسیده در ضخامت جثه و طول قامت و زور و قوت هیچکس باو مانند و برابر نمیباشد — اینخدمت گار دولت نامبرده را بدربار حکومتی فراه خواسته مشاهده نمودم فی الواقع تعریف و توصیف که در شان او شنیده بودم مقرون بصدق آمد چنانچه هر فردی از مردم اینولا که در قامت بلند ترین افراد و عظم جثه قوی ترین اجساد بود همراه او مقابله شد در جنب او بسیار حقیر و قصیر می نمود ـ چون پیکر مهیب و هیکل عجیب او از غرائب روزگار می نمود لازم دانسته کیفیت ضخامت جسد و طول قامت اورا مرقوم نمودم —

از دفتر ایشیک آقاسی ملکی

حاجی شیردل خان حاکم چخانسور نوشته است که درین روزها جانوری مشهور بموش خرما ورا سو ظاهر گردیده بعضی اشخاص را گزیده چهل روز بعد و کثر ازان بمرض داء الکلب گرفتار گردیده دیوانه شده اند و تا حال موازی ده نفر بمرض مذکور فوت شده اند و بعضی حیوانات را که جانور مذکور گزیده است نیز دیوانه شده

(ولادت عجیبه)

از قرار خبریکه بمحکمهٔ اطلاعات در ظهور کیفیت عجیبه رسیده چنین است از زوجه شیرو نام لقانی ساکن چهار باغ لقمان سه نفر فرزند تولد گشته که دو نفر آن پسر و یکنفر آن دختر میباشد زهی قدرت حضرت خالق بیچون جل مجده ـ

* * *

ادبیات

تشویق بتعلیم و هنر و کرز بمدح پادشاه معرفت پرور از خامه عجز ختامه ناظم آتم المتخلص براقم که یکی از خوانندگان روز نامهٔ مقدسهٔ سراج الاخبار افغانیه است

ای مسلمانان کنون وقت تن آسانی گذشت
زود بشتابید کایام گران جانی گذشت
عالمی در هر طرف مصروف علمند و هنر
حیف عمری کو به بیعلمی و نادانی گذشت
گشته طوفان خیز هرجا جوش علم و کمال
تا که موجش از طلاطمهای عمانی گذشت
صنعت و حرفت بهر سو همچو دریا موج زن
آنچنان کو صافش از حد سخندانی گذشت
اهل علم از جمله اشیای جهان زر میکشند
وقت اکسیر آوری و کیمیا دانی گذشت
آب و آتش جمع زانها برق حاصل کرده اند
بنگرش ظاهر نه شرحش از قلمرانی گذشت
سیم آهن تار برق گشت و آمد در سخن
تیلفون شد تا از او آواز انسانی گذشت
تلگراف برق می آرد خبر از غرب و شرق
نکته اش از یکجهان تا آن جهانی گذشت
من چگویم برق را کاندر چراغ افروختن
زینت و زیبا تر از مهر چه میدانی گذشت
در سرائی گر فروغی باشد از برق چراغ
ظلمت شب گوئیا چون روز نورانی گذشت
از بخار آب و آتش ریل و موتر شد روان
با چنان سرعت که از مرغان طیرانی گذشت
ریل در یکدم جهانی را بملکی می برد
بگذر از اشتر که هنگام شتربانی گذشت
صد جهاز همچو کوهی را برد چون برگ کاه
در جهاز از بحر اعظم هر بیابانی گذشت
هر جهازی با چنین عظمت ز تأثیر بخار
تا نظر بکشائی از صد موج طوفانی گذشت
تارپیدو موشک دفع جهاز مدعی است
زیر آب از برق دارد رو به پنهانی گذشت
نقب دریائی دگر چیز است در بحر محیط
آنهم از برق است و نتوانزد و با آسانی گذشت
هر دو را بکجز و از برق است و جزوی داتجابت
هست بارودی و اسمش اینکه میخوانی گذشت
خامه اکنون گر جهازات هوائی دم زند
کار انسان ابتدم از رشک پرافشانی گذشت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1032 of 1786

عالمی اندر هوا ملکی بملکی میروند
زانکه پرواز جهازات ازپریشانی گذشت
با جهازات هوا صد کار جنگی می کنند
آنچنان کز صد متش بالوج نتوانی گذشت
گردش ماشین هزاران درهزار است ازبخار
کانچه اسباب معاش است از فراوانی گذشت
قوت ماشین بهرجا کوه را سوراخ کرد
تا که ریل و موتر ومردم بآسانی گذشت
اختراعاتیکه اکنون در جهان دارد رواج
ازهزاران یکدرین قطعه که میخوانی گذشت
جملهٔ اینها نه افسون و نه خرق عادت است
بلکه چیزی هست کاندر فکرانسانی گذشت
فی المثل چون زرگری سازد یکی انگشتری
در خیال دیگری بهر نگین شانی گذشت
آنچه بوداندر خیالش نیکظاهر کرده ساخت
آنچنان کز زرگر اول بوجدانی گذشت
ثانی چون دید فکری کرده سعی برگماشت
درنکوئی فکر شخص ثالث از ثانی گذشت
همچنین انجام هر کاری اگر فکری کنی
باعلو همت ازهر کس تو بتوانی گذشت
قوت اسلام را ای زمرهٔ اسلامیان
مستعد باشید گرچه کفر طغیانی گذشت
درجرائدخوانده باشید اینکه چندی پیش ازین
تاچه حد ظلم عدو برترک عثمانی گذشت
من چگویم زان ستمهای که ازاهل صلیب
تاکدامین حد بچار حزب قرآنی گذشت
لیک غافل بود از آثار امم متقدم
انتقام حق بدو باکام المانی گذشت
این زمان هنگامهٔ اقسام توپ استو تفنک
از جهان عصر کانرو تیر بارانی گذشت
تاکی باید خرید از ملک غیر اسباب حرب
همتی باید که کار ازروی گردانی گذشت
بگذرد عمر کسان در کوشش عزو کمال
عمر ملیان درتغافل باتحیرانی گذشت
وای ازان روزی کزین غفلت پشیمانی کنیم
باز گوئیم این زمان کاراز پشیمانی گذشت
سازو سامان معیشت نیست غیر از ملک غیر
حیف عمری کوبی سازو سامانی گذشت
مرده ات تاکی زملک دیگری پوشد کفن
غیرتی باید نباید از مسلمانی گذشت

سوزن غیر ار نباشد جامهٔ نبود ترا
پس بباید روز وشب عمرت بعریانی گذشت
ای برادر چندها بی حمیت زیستن
فکر کاری کن که ازوی هیچ نتوانی گذشت
بی حمیت زندگی هرگز نمی ارزد بهیچ
ای خوش آنعمریکه اندرسعی ایمانی گذشت
هر که کرده درپی علو کمالات جدید
نیست انصاف آنکه گوئی کزمسلمانی گذشت
هر گرفتاران عالم را ازین رهچاره نیست
غیرازان کودر حیات از عالم فانی گذشت
گرچه درعصر شه عاقل امیر باخرد
حالت این مملکت از بیم ویرانی گذشت
خسرو عادل شه بادل خدیو دین پناه
آنکه عمرش روزوشب درسعی عمرانی گذشت
هرطرف از منبع فیضان اونهری روان
کشت و آبش تشنگان را زاب حیوانی گذشت
هر بکانهر عظیمی سدراه خلق بود
نهرها پل یافت تامردم بآسانی گذشت
در ترقیات ملک از موتر و ماشین و برق
کرد موجود آنچه درفکر جهانبانی گذشت
راههای بس متین درهمه اعضای ملک
چون شرائین و عروق جسم انسانی گذشت
از فیوضاتش سی روست ماشین خانها
گربیانش خامه باتحریر حیرانی گذشت
کار اقساء تفنک وتوپ واسباب معاش
آنچه ماشین خانه را هست ازفراوانی گذشت
پادشاهی کاندرین ملک از شهان سالف
در عدالت درحیت کورا ثانی گذشت
سعی او تهذیب اخلاق است وز عیب کمال
انچنین شاه مهذب کی بافغانی گذشت
حضرت حق ازوجودش تاچراغی برفروخت
شام یلدای وطن باصد درخشانی گذشت
ظلمت طبع وطن را یکچراغ روشن است
کز فروغش جلکی آثار ظلمانی گذشت
کیست آنکورا(سراج دین و ملت) شدخطاب
دوره دین عمرش اندر سعی ایمانی گذشت
کرده خالق از حبیب اللهیش محبوب خلق
زان بلطف پروری ازهر که میدانی گذشت
یارب از لطف عمیم خود بحق مصطفی
آنکه درملک نبوت فرد لاثانی گذشت
از حدوث انقلاب دهر و باد حادثات
وزسوانح آنچه اندر عالم فانی گذشت

دار محفوظ این چراغی را که خود افروختی
ایکه لطفت از شمار افزون و جانی گذشت
آنچه دیدی درعیان یاآنکه بشنیدی بیان
جمله دراثبات قدرتهای یزدانی گذشت
موجد کون و مکان پروردگار انس وجان
کانتهای صنعتش از فهم انسانی گذشت
برگ سبزی چون زثمرات صنعش دفتری است
پس نه بتوان از ثنای ذات سبحانی گذشت
من کیم نادر صفاتش نامهٔ انشا کنم
صد هزاران همچو من زین ره بحیرانی گذشت
شکر لله (راقم) دلخسته را از کلک شوق
این بیان درذکر مصنوعات ربانی گذشت

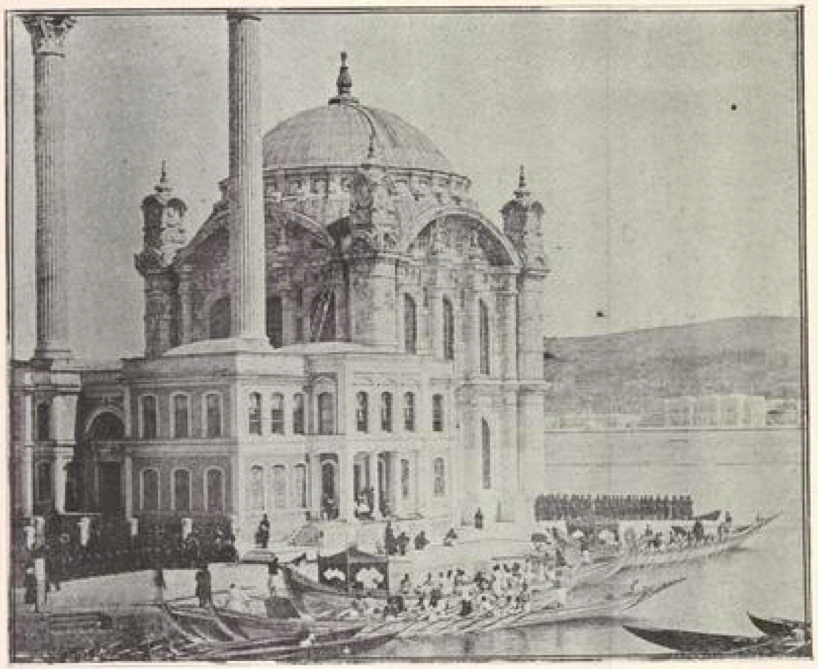

از مناظر استانبول

ذات اعلیحضرت سلطان المعظم برای نماز جمعه بجامع شریف (والده) که درنزدیکی قصر پادشاهی واقعست تشریف آورده اند .

جغرافیه

تقسیمات جمعیات بشریه

حالات ثلاثه

برطالبان روشن دلیل ، وساعیان راه تحصیل پوشیده نماندکه نوع بنی بشر دربدو فطرت ، واصل جبلت مدنی الطبع و معاونت وجمعیت بایکدیگر مجبور ومحتاج اند ، وهمچون حیوانات سائره منفرداً زیست نتوانند. چونکه ایشان اولاً دربقای نوعی خویش محتاج غذا باشند وغذای انسانی بی تدبیر صناعی چون کشتن ودرودن وخورد کردن وسرشتن وپختن مهیا نشود پس تمهید این اسباب جز بمعاونت ومشارکت صورت نبندد .

انسان بحسب طرز خلقت اعضای وجود وکثرت احتیاجات ولوازمات موجودهٔ خودش نیز نمیتواند که منفرداً بالرأس واحد زیست نماید ، زیرا اگر منفرداً بالرأس واحد باشد بررفع ودفع کافهٔ مایحتاج خویشتن مقتدر نگردد وازتأثیرات وتعرضات خارجیه

جسم وحیات خودش را محافظه نشواند . بخلاف حیوانات دیگر که قوت وقوت ایشان طبیعیست وصناعت را دران مدخلی نیست چونکه تدارک واستحضار اسباب معیشت مرایشانرا باسهل وجوه میسر است وبرای تحفظ نفس خودشان که خواه از تأثیرات طبیعیه وخواه از تسلطات غربیه باشد بابه ی خصایص وآلات چون نخو ودندان وسرعت سیر وطیران ودیگر آلات طبیعیه متخلقند که احتیاج بوسایط وآلات صناعیه ندارند . اما بخلاف ایشان انسان ازینگونه وسایط محفوظه خلقةً محروم . وضرورت تعیش ومسکن ولباس باحتیاج ساختنشان مکلف ومنظور . زیرا که بچون حیوانات سایره بآن گونه مساکن خلیقه اکتفا کردن خلاف فطرت حقیقت اوست .

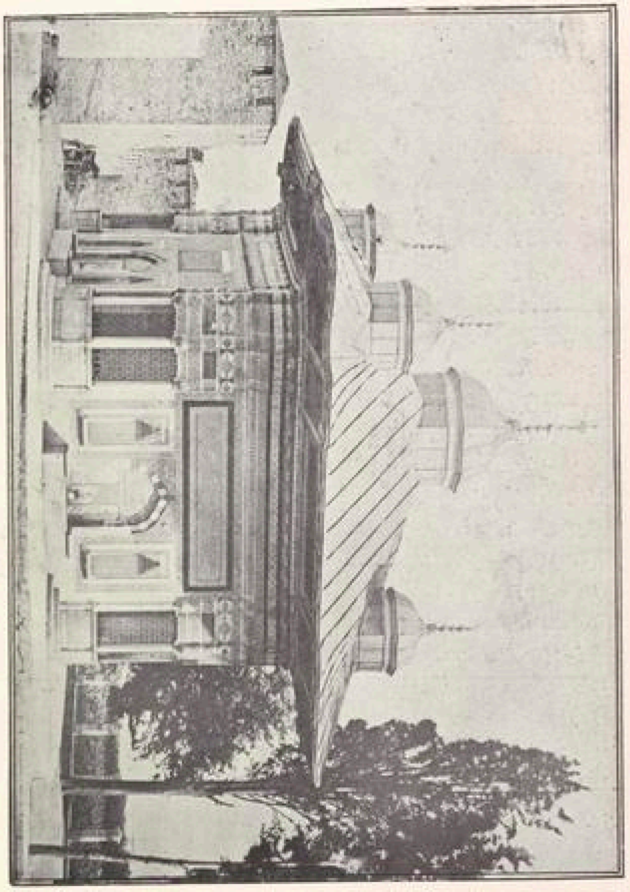

ازمناظر استانبول

(چشمهٔ سلسبیل سلطان احمد) که از نفیسترین صنایع معماری شمرده میشود ودرجوار (سرای بورنی) نام موقع استانبول واقعست

پس حضرت باریتعالی جل وعلی بحکمت بالغهٔ خویش مراین نوع را قوهٔ ادراک اعطا فرمود تا بواسطهٔ آن جمعیت حاصل نمایند ودر مدنیت ، ومعاونت ومعاوضت ومشارکت همنوع خود باذل ومبادل باشند وچون بدین کیفیت بنی جمعیت متکیف گردند بواسطهٔ قوهٔ متفکرهٔ ایشان را چنان قوا وملکات حاصل آید که اکثر موجودات عضوی وغیر عضوی اورا خادم وتابع گردد وبراقسام ملکات عالیه فایق شود .

حالاً از تطویل انبهه کلام اصل مقصد ومرام آنستکه نوع بنی بشر مبنی براسباب مشروحهٔ سابق الذکر فطرةً مجبور ومجبولند باجتماع ومعاونت همدیگر . اما این اجتماع در تمام ربع مسکون منوط بیکمنوال نباشد . بلکه هیئت اجتماعیهٔ این نوع را انواع عدیده ومراتب مختلفه ایستکه علی طریق الایجاز مرقوم رقم تدوین ومسطور قلم تبیین می گردد .

از قرار استاتستیق اخیرهٔ که محاسبان انجمن معارف ممالک

جمعیته تخمین نموده‌اند الیوم در تمام کرهٔ ارض یك ملیار وششصد ملیون — (۱۶۰۰۰۰۰۰۰۰) نفوس نوع بشر موجود است که هیئت اجتماعیهٔ اینقدر نفوس حاوی بر سه حالت است که عبارت از (وحشت) و (بدویت) و (مدنیت) باشد .

اینستکه ازقرار ذیل هریك ازان حالات مذکور می گردد .

حال وحشت

در صحاری (افریقا) و بعضی جزایر (اوقیانوسیه) وعلی الخصوص در (استرالیا) و جبال قطعه (امریقا) بعضی انسانهای کائن‌اند که ازجمیع مصنوعات ، ومخترعات قوهٔ متفکره چون علوم وصنایع وفنون وحرف محروم مانده‌اند ؛ ودر حال وحشت مانند حیوانات وحشیهٔ سائره امرار اوقات حیات میکنند .

اینوع انسانها درمغاره‌های بلندیهای جبال واجواف تنه‌های اشجار وکلبه‌های که ازغصون واوراق اشجار ساخته‌اند اسکان پذیرو آرام کرده‌اند ومدار تعیش شان برعقاقیر واوراق واثمار اشجار نابتهٔ خداداد وصیدبری وبحری منحصر است .

این وحشیان عبارت ازعائلات متفرق وبدون تحت اصول وقانون میباشند . اکل لحم انسان وسائر عادات وحشیانه مخصوص ایشانست درذات کیفیت وطراز خلقت بدترین نوع بنی بشر ایشان باشند اینستکه درنقطهٔ نظر فن جغرافیا حالت این نوع انسانهارا (حال وحشت) مینامند که دروقت حاضر خیلی کمترکی ازمردمان اینحال باقیمانده است .

حال بدویت

بعضی انسانهای دیگر نیز موجوداند که حال ایشان ازحال وحشت اعلی وازحال مدنیت درمرتبهٔ ادنی واقعند که درحال (بدویت) عمر میگذرانند .

مساکن اینقسم انسانها اکثر ازخیمه‌هائیکه اکثر ازپشم معمول بوده ودر بعضی بیوتی که ازگل مصنوع بوده باشد سکنا دارند تعیش شان برگوشت وشیر اینکه ازحیوانات مربیهٔ خودشان وبازصنعت صیادی حاصل کنند . انسانهای بدوی که کوچی تعبیر می شوند همیشه دریکجا قرار ندارند بلکه درموسم صیف درمواضع صیفی ودر ایام شتا بمواقع شتوی نقل خیمه میکنند .

جمعیت کوچیان این نوع انسانهارا (عشیرت) وبسیاری ومجموع ایشانرا (قبیله) مینامند وهریك ازعشائر وقبائل را شیخی ویا رئیسیست که درمیان ایشان مقتدر وصاحب امرونهی باشند . دراصطلاح فن جغرافیا حالت این نوع انسانهارا (حال بدویت) مینامند .

حال مدنیت

انسانهارا که ازحال وحشت ، وبدویت بخلاص وسعادت ورفاهیت را بدو تخصیص مینماید حالتیست که فن جغرافیا آنرا (حال مدنیت) تسمیه میکند . لاجرم کسانیکه درتحت جمعیت منتظمه زندگانی دارند ایشان مدنی تسمیه میشوند . جمعیات مدنیه‌را قوم وملت میگویند مدنیها ازروی هنر وصنعت ، وعلم ومعرفت پیش قدمترین نوع بنی بشر اند .

محل اسکان ایشان درخانه‌هائیست که ازسنگ وچوب وآهن وآینه معمول وبنا بردانستن فن هندسه فوق العاده مزین ومنظوم باشد . پوشاك شان ازثمرهٔ صنایع نفیسه ازاقمشهٔ بسیار عالیه مانند ابریشم وپنبه وپشم وغیره معمول ومدار تعیش شان ازاطعمه واشربهٔ لذیذه ایست که بنابرقوهٔ مدرکه که خالق عالم مرایشانرا اعطا نموده حاصل نمایند .

بنابرمقتضای قلت وکثرت خانه‌ها ، جای سکونت هیئت مجموعهٔ انسانهای مدنی اسامی مختلفه دارد . چنانچه اگر هیئت مجتمعه حاوی برخانه‌ها و بازارهای بسیار باشد شهر و پایتخت ، واگر کمتر بود قصبه وقریه اش میگویند . انسانهای مدنی درتحت حکومات وقوانین ونظامات منتظمه باهم جمعیت وزندگانی دارند . پس بحسب مخترعات عقلیه وکشفیات وجدانیه عالی ترین نوع بنی بشر انسانهای مدنی است وانسانهای مدنی نیز همه بیك منوال مدنیت ندارند بلکه درمابین ایشان نیز کلی وجزئی فرقی هست که تفریق مدنیت شانرا میکند . ذاتاً مدنیت امهٔ حقیقیه مختلفه ایست وهرکس بدیگر رنگی آنرا تعریف وتوصیف کرده است که واضع ساختن آن درپی تفصیلات وتحریرات زیادی منوط است .

حوادث خارجیه

(اجمال)

جنگ متمدنها بشدت دوام دارد . روزبروز دایرهٔ نایرهٔ جنگ فراخی میگیرد . خلاص کنندهٔ هم پیدانیست . خبرهای جنگ مانند موی زنگی بهم پیچیده ، شانهٔ باز کردن آن هم مفقود ، مگر که همه زدوده وسترده شود ! ..

هرخبری که ازمنابع اتحادیون ترشح میکند کف بکف ضد آن ازجهت مقابل شنیده میشود . زودترین وبسیارترین خبرهائی که بما میرسد ازراه هندستانست . ازدیگر طرفها اگر میرسد هم خیلی دیر وخیلی کم است . حال آنکه خوانندگان اخبار ما ازهرچیزی بیشتر وبیشتر آرزومند شنیدن وخواندن خبرهای جنگ میباشند . لهذا مجبوریم که بیشتر وزودتر خبرها را نشر کنیم وآنهم بجز ترجمهٔ اخبارهائی که بیشتر وزودتر بما میرسد دیگر چیزی نیست .

خلاصه واجمال احوال ازقرار ذیل است . درجبههٔ عراق هیچ یك ترقی نمایان اتحادیون شنیده نمیشود . بلکه درین اواخر ازیك شکست فاش اتحادی‌ها وفتح ترکها درنزدیکیهای نهر فرات نیز خبر رسیده است . ازطرف افریقا ملای صومالی وازطرف عربستان امام یحیی وترکها باب المندب را تهدید میکنند . تحشیدات عساکر عثمانی ازجهت شرق ، وتهدیدات عربهای سنوسی

ازجهت غرب ، واختلافات اعراب سودان ومصراز داخل ، خطهٔ مصریه را درتهلکه انداخته . حتی روایتهای حمله های متواتر با کامیابی نیز درشایع شدن است . حالانکه خبرهای دور وبرس عکس آرا ادعامیکنند . حقیقت مجهول ! درجهت قفقاز دولت ترك ازچند جهت عسکر سوق میکنند : ازباطوم ، ازارض روم وازرنجان ، از کردستان وتبریز که بدین صورت ازسه طرف قفقاز را احاطه کرده است . اگرچه خبرهای شکستهای فاحش ترکها را اشاعه میکنند اما چون رسیده میشود که درکجا ؟ میبینیم درقفقاز ! بجز اینکه قوت ترکها را نیز بدرجهٔ غیرمتناهی دران حدود می بینیم . مثلا میشنویم که یك یك فرقه ویك یك اردورا باجنرنیلها وافسرها وصدها طوپها همه را یکجا روسها اسیر میکنند ولی بازهم خبر بیرون کشیدن شان ازقفقاز شنیده نمیشود . ازین باب چنان معلوم میشود که ترکها ملیونها عسکر وطوپ دران جاها دارند که هیچ تمامی ندارد !

دیگر هنگامه های رزمگاه مشرق ومغربی ست که احوال حقیقی آن رزمگاه ها درمیان گپها ودودها وغبارهای آلات ناریه چنان پنهان مانده که هیچ حقیقت آن پدیدار نیست . ازمیان آن ابرهای مظلم ودمههای تیره وتاریك یکان برق که میدرخشد آنهم منحصر برحمله های متواتر جرمنها وپسپاشدن شان واز کمی ترقیهای الحادیان میاید . لکن افسوس که هنوز ازرزمگاه مشرق خبر وارسیدن جرمنها ازپولیند روسی ودر رزمگاه مغربی ازملك فرانس هنوز شایع نشده است !

ازمحاربه های بحری -- یعنی جنگهای دریایی — چنان یك حرب میدانی که حقیقت قوت بحریهٔ دولتهای متمدن را بمیدان برارد هنوز بوقوع نیامده است . تنها دوسه محاربهٔ شنیده شده که آنهم دارای اهمیت فوق العادهٔ نمیباشد . دومحاربهٔ که دربحر های چیلی امریکای جنوبی بوقوع آمده یکی ازان بغرق شدن یك کروزور وخسارت یافتن دو کروزور دیگر انگلیز ازطرف کروزور های جرمن نتیجه پذیر گردیده بود که درین محاربه قوای طرفین بایکدیگر برابر بود — یعنی پنج کشتی ازیکطرف وپنج کشتی ازدیگر طرف باهم جنگیدند . باز یك محاربهٔ دیگر درهمان بحرها بوقوع آمد که درینبار بسبب معادل نبودن . قوا کشتیهای جرمن مغلوب گردید . باز دریروزها یك محاربهٔ دیگر دربحر شمال بوقوع آمده است که یك کروزور جرمنی ویك کروزور انگلیزی غرق گردیدند . دیگر محاربهٔ بحریه وجهاز های هوایی بود که پیش ازین محاربهٔ آخری درآبهای خود المان بوقوع آمده یك نتیجهٔ معلومداری ازان پدیدار نگردید . کارستانهای ایمدن وکشتیهای آبدوزی که بعض کشتیها را غرق کرده وحملههای کشتیهای جرمن برسواحل انگلستان نیز ازچنان محاربه های بحری نیست که عنوان « حرب میدان بحری » بران اطلاق شود . لهذا گفته میشود که هنوز یك یك محاربهٔ قطعی نه دربرونه دربحر بوقوع آمده است که حرب را یك نتیجهٔ قطعی داده بتواند . بناءً علیه باید بگوئیم که حالا هنوز آغاز حرب است وانجام آن هنوز خیلی دور افتاده است .

ازاخبار پرتاب هندی کانپور مورخه ٤ جنوری سنه ١٩١٥ع

خواب ارام جرمن

بعنوان بالا دراخبار پرتاب کانپور که بزبان هندی بخط شاستری طبع میشود نقلاً ازاخبار امریکن که در امریکا نشر میگردد --- مضمونی شایع شده است ترجمهٔ آن بفارسی حسب ذیل است : —

جرمنها وثوق تام و یقین کامل دارند که ایشان عنقریب بر انگلستان حمله خواهند کرد — واین حمله را بعد از تسخیر بندر کیلی (بسرحد فرانس بطرف ملك انگلستان واقعاست) خواهند نمود — قیصر جرمنی برین امر آماده است که برای تسخیر وقبضه کردن کیلی سه ونیم لك سپاه جرار خود را قربان کند — بمجرد تسخیر کیلی توپهای خوفناك ٢٤ انچ دهانه بمحاذ دوور ساحل انگلستان نصب کرده خواهد شد پس ازیك جانب بردوور گوله باری این اتواب مهلکه آغاز خواهد گردید — واز دیگر جانب آن سرنگهای جهاز شکن را که جهازات انگریز در رودبار انگلستان منتشر نموده اند تباه کرده وراه را برای جهازات حمله آور جرمن ساخته خواهد شد — مزید بران دوصد جهاز هوایی وچندین جهازات زیپلین برانگلستان پرواز کرده گولههای بم خواهند انداخت — وجهازات جرمن بحساب فی ساعت دههزار مبارزان جرمنی فرود آورده خواهند رفت ودر ظرف یکروز دو نیم لك سپاه جرمنی بحشمت تمام برلندن حمله کنان بنظر خواهد آمد .

مترجم احقر العباد غلام محی الدین افغان

ترجمه ازاخبار شاستری پرتاب کانپور

مورخه ١٨ جنوری سنه ١٩١٥ ع

(١) دربندر های اطالیه ممانعت فرستادن چرم ومس شده بود ، چراکه او این اشیارا بجرمنی میفرستاد . بعده او احتجاج کرده گفت که من همین اشیارا صرف بسوئزرلیند ارسال میکنم . وبجرمنی ازان چیزی نخواهد رسید ازین سبب فرستادن اشیای مذکورهٔ فوق باز جاری گردید . وبعد ازان معلوم شد کاین اشیارا ، سوئزرلیند ازاطالیه وجرمنی ازسوئزرلیند میخرید . ازین سبب برای آینده جهت اطالیه مال ارسال کرده نخواهد شد .

(٢) در خصوص ترکی رازی منکشف شده ، که به ٤ سپتمبر ازجرمنی بنزد انوربی پیام رسیده بود که حالاوقت حملهٔ مصر است . درجواب آن انوربی وطلعت بی مشوره کرده وبرعهدنامه دستخط نموده بپیش قیصر جرمنی فرستاد وازو مطالبهٔ رقم کثیر نمود ، و جرمنی آن رقم مطلوبه را به ٢١ اکتوبر بنزد انوربی روانه کرده است .

(۳) مسرز بارکر خواهر لارد کچنر درافتتاح انجمنی گفت : « کما از اخبارات برادر خود معلوم میشود که جنگ بسیار طول خواهد کشید . و برای آن حاجت بسیار مردم خواهد افتاد .

احقر العباد غلام محی‌الدین افغان

ترجمه از اخبار زمیندار هفته‌وار

سخن‌های دلچسپ جنگ

همهٔ ترجمهٔ خبرها بقلم عبدالرحمن محرر اداره میباشد

(۱) یك لك کالسکه‌های جنگی . میگویند که نزد جرمنی کم ازکم یك لك کالسکه‌هائی موتر موجود است که آنها محض برای اغراض جنگی استعمال میشود .

(۲) فوج رومانیه . دولت رومانیه یك سپاه زبردست دارد که از ساز و سامان هرقسم مهیا و تربیت یافته است . و تعداد نفوس آن به شش و نیم لك میرسد .

(۳) عملهٔ داکخانه‌هائی فوجی . در داکخانه‌هائی افواج بری و بحری برطانیه درین روزها زائد از بیست هزار نفر کار میکنند .

(٤) وکلای قانونی در جنگ تقریباً ۳۵۰ نفر بیرسترایت‌لا (وکلا) در میدان جنگ اشتراك دارند . ومجلس قانون چنان سررشته کرده است که در دعواهائی که ایشان پیروی میکردند ، بعوض آنها دیگر وکلا مقرر کردند . تا که در صورت غیرشان بپیشهٔ وکالت را ضعف نرسد .

(٥) باغ وحش انتورپ . در باغ وحش انتورپ صرف یك راس پیل زنده است . که در اغراض جنگی استعمال میشود یعنی ازان خدمت بار برداری میگیرند .

(٦) فوج مسلح زنان . تجویز شده است ، که جمعیتی مسلح زنان فراهم آورده شود . این تحریك بزور وشور در ملك منتشر شده میرود . بمقام کنزنگتن یك انجمن دران خصوص منعقد شده . که در آن ۱۵۰ زن نام خود را درعرصهٔ یك هفته داده و ورزش کردند . وحالا سوال دریشی شان زیر غور است .

(۷) جزیره هلی گولیند . انگلستان جزیره هلی گولیندرا در سنه ۱۸۹۰ع بمبادلهٔ زنجبار واقع افریقای مشرقی بجرمنی تفویض نموده بود .

(۸) اخبارات در میدان جنگ . سپاه برطانوی میدان جنگ را اکثر اخبار جنگ میرسد . یك اخبار نفیس و عمده وقتاً فوقتاً طبع شده در افواج برطانوی شائع میشود . و اهتمام آن در دست رائل انجنیران (مهندسان شاهی) میباشد .

(۹) ٦۸ زخم بربدن یك سپاهی . درپیرس بعد عمل جراحی معلوم گردید که برجسم یك سپاهی زخمی کم ازکم ٦۸ مختلف زخم است . واکثراین زخمها از گوله‌هائی تفنگ واجزائی گولهٔ توپ بود ! وعجب تر این است که زخمی مذکور غالباً صحت خواهد یافت .

﴿ حمله‌های جرمن برساحل انگلستان ﴾

« تائمز » در اشاعت ۱۸ دسمبر خود مینویسد ، که این یك هنوز تا به حال معلوم نشده که جرمنها چگونه قابل هجوم آوردن بر « هار تیپول » و « وسکار بارو » شدند ؟! . وعوام هرچند که ازین تاخت بحری جرمنها دهشت زده نیستند ولی بهمه حال بضرور متعجب میباشند . زیرا این امر هیچ بفکر شان نمیرسد که دستهٔ بحریهٔ جرمن چسان برساحل مملکت ما رسید وعجب تر که صحیح وسالم هم بمراجعت ومعاودت کامیاب آمد ؟! اهالی بران چنین استدلال میکنند :

بحریهٔ برطانیا آرزو مند حملهٔ جرمن بود

قوهٔ بحریهٔ برطانیا همیشه میگفت که ، « ای کاش دستهٔ بحریهٔ جرمن بمیدان براید » چنانچه جرمن ها دو دفعه آمده و بر شهرهای ما گوله باری کرده و بسلامت عودت کردند . حالا زیاده زین قوهٔ بحریه هنوز چه میخواهد که کرده شود ؟!

این سوال حقیقتاً بسیار معقول وجواب دادن آن هم لازمست . مگر تا بر ملاحظهٔ احتیاطهای لازمی موجود ما به اینطریق جواب آنرا میگوئیم که بصورت آرزوی قوهٔ بحریهٔ ما نه چنان است که ایشان پنداشته اند ؛ بلکه مقصد اصلی قوهٔ بحریهٔ برطانیا آنست که دستهٔ بحریهٔ جرمن برای مسابقه ونبرد آزمائی درمقابل او برآید . ولی از وضع موجودهٔ آن چنان معلوم میشود که از چنین نشئت محترز است . دستهٔ بحریهٔ جرمن تنها در خفیه برامدن جزوی وگوله باری بر مردمان غیر مصاف که بیچاره گان درجواب آتش‌فشانی وی به هیچ چیز مقابله نمیتوانند مشغول است . وقبل ازانکه تابسویش کدام اقدام جزوی کرده شود فرار میکنند .

هرچند ادارهٔ بحریه اراده دارد که آنرا در وقتیکه میخواهد که مراجعت کند گرفتار نماید . ولی بازهم این یك کار سهل و آسانی نیست !

این خیال عموماً انتشار یافته که دستهٔ بزرگ ما در قریب بندرگاه‌های جرمن در گشت و گذار است . مگر بکلی یك غلط وهمی است . زیرا اگر همچنان واقع میشد تا بحال اثری نیز از دستهٔ بحریهٔ عظیم الشان ما (!) نماند وهنوز بکوتی کشتیهای تحت البحر دشمن جهازهای بزرگ مارا در زیر بحر میرسانید !

سیر دستهٔ بحریهٔ انگلیز

دستهٔ بحریهٔ ما در هر جائیکه باشد مگر دریك محل مخصوص ورقبهٔ محدودی مانده نمیتواند بعضی اوقات در بحر شمال دوره میخورد . ودرین اثنا قوهٔ بحری جرمن‌ها از بندرگاه‌های محفوظ مرکزدار خود نمی‌براید . یکان زمان بسمت دیگری عطف حرکت میکند وظیفه اصلی دستهٔ بحریهٔ ما آنست که در هر آن آماده وحاضر باشد ودر وقت ضرورت برای یك هجوم مفید اجتماع قوا بتواند . کار بهتر و اولترش آنکه دستهٔ غنیم را بکلی مستأصل وناچیز سازد نه که حفاظت سواحل مملکت ما را اختیار دهد زیرا به آنصورت ضمناً محافظهٔ اطراف وطن میشود ، « سکار بارو » مارا محفوظ داشته نمیتواند ولی در دیگر لاوتها میتوانند !

(خوف از کشتیهای تحت‌البحر جرمن)

ازین جهت نباید فهمید که نگرانی و کشك غنیم کرده نمیشود بلکه این کار شب و روز جاریست مگر ما برای انجام دادن آن جهازهای جنگی اعلای بزرك خود مانرا استعمال نتوانیم کرد زیرا خوف و خطر عظیمی که از کشتیهای تحت‌البحر غنیم متصور است مارا ازاقدام بچنین امری باز میدارد ، حتی جهاز هائیکه ما آنهارا برای ایفای همین وظیفه متعین کرده‌ایم بنزدیکیهای « هلی گولاند » و « بورکم » همیشه توقف کرده نمیتوانند ، والا به بسیار زودی ازدست تحت‌البحر های دشمن تکمیل حیات کرده غرق خواهند شد !!!

(جرمنهارا چسان فرصت دست میدهد ؟)

درشبهای دراز وسیاه ویادر پردهٔ کثیفهٔ دمه جرمنها دستهٔ سریع‌السیر بحری خود شان را برای گله باری برمردمان شهری به جانب انگلستان حرکت داده میتوانند وزمانیکه برین مقصد خودها کامیاب بیایند آنها بزعم خود این را جنك قرارمیدهند ، وبا آنکه جهازهای هجوم آورنده نهایت سریع‌الحرکة میباشند ، مگر زیاده ازساعتی درجا توقف کرده نمیتوانند . واگر ایشان را از آویزش باجهازهای ما باکی نمیبود حالا « سکار بارو » و « را » یکتودهٔ خاك می یافتیم ، وجهازهائیکه برای اینکار منتخب میشوند علاوه بران اینقدر قوی میباشند که اگر بعضی جهازهای خورده درمقابلهٔ شان آمده مانع مرام شان گردند به بسیار زودی و آسانی آنهارا پسپا کرده بتوانند !

(دریدناووت حمله آور جرمن)

ادارهٔ حربیه میگوید که درین جهازهای حمله آور جرمنی دریدناووت نیز شامل بود ، وهرچند که ترس اسیرشدن و گرفتار آمدن بس عظیم است ولی جرمنها این خطره ها را جداً تحمل میکنند وقبل ازین در دوکر و موقع دیگر نیز همچنان کرده اند که دران هیچ نقصان وعدم کامیابی بایشان وارد نیامده .

(امکان حملهٔ جرمن)

حالا باید که متعلق امکان حملهٔ جرمن نیزچیزی بیان کنیم ، اگرجرمنها واقعی بممالکت ماحمله آورگردند یقیناً که برای شان خطرات بس عظیمی پیش خواهند آمد زیرا درپیاده ساختن فوج ازروی جهازها برساحل انگلستان یك مدت مدیدی صرف میشود . وبرای انجام دادن اینکار لامحاله جرمنهارا به برآمدن جمیع دستهٔ بحریهٔ خود شان ازکمینگاه خویش احتیاج می افتد . و آنوقت بهرصورت از جنك بحری پهلوتهی نتوان کرد وبدینوقت ماهم بیك منظرهٔ آخری وواقعهٔ انتهائی دو چار خواهیم شد .

(سبب تاخت جرمن)

براسباب این تاخت بحری جرمنها بس رای زنیها کرده شده است ، چنانچه درضمن آن اغراض متعدد جرمنها مضمر بود ، ولی شبهه ازجملهٔ اغراض مذکور این یك هم محسوبست ، که درمملکت ماچنان یك اضطراب وپریشانی عمومی منتشر شود که ناچار حکومت دستهٔ بحری خودرا از مقامش حرکت داده و بچنان یکجائی بیاورد که دران مقصد بحری جرمنها حاصل شود . درین هیچ شك نیست که شهرهای ساحل را از خوف گله باری شدید مزید مشکلات بسیاری پیش خواهند آمد ومن ساکنان ساحل شرقی را این امر بس تسلی بخش خواهد شد که یکدانه درید ناووتی درپیشروی جاهای ایشان لنگر انداز باشد . ولی ادارت بحریه بکمال هوشیاری ودقت اندیشی که دارد این را اعلان کرده است که او هیچگاه ازین طریق عمل که تابحال بران تعمیل کرده انحراف نخواهد ورزید .

(تعجب نباید کرد !)

بعد ازین نامه نگار بحری « تایمز » مینویسد که « بعضی مردم را تعجب دست داده باشد که جهازهای جرمن از کمینگاه های خود شان چسان می برایند مگر اینهارا از صورت حالات و کیفیات جنك زمانهٔ حال وقوف واطلاع مکمل نیست !

(جرمنها بیرون برآمده میتوانند !!)

هرچند مارا دراینوقت درتمام بحرشمال عمل ودخل است ولی مفهوم آن این نیست که جرمنها از بندرگاه های خویش بدر آمده نمیتوانند ، ودرین ایام چون شبها دراز میباشند ازاین رو از سیاهی ودرازی شب استفاده کرده فرصت نقل وحرکت جهاز های خودرا میابند . وپیش ازاینکه شبها اینقدر دراز نبود اینها را چنین موقعی دست نمیداد . از « هلی گولاند » تا به « فلمبرو هید » یا « هارتلپول » بعد ۳۰۰ میل واقع است بلکه از مقام « بورکم » ازین هم کمتر است پس جهازهائیکه رفتار آنها فی ساعت ۲۰ میل بحری باشد این فاصله را درعرصهٔ ۱۵ ساعت قطع میکنند . لهذا اگر جهازهای جرمنی به ساعت ۵ شام که غروب تاریکی میباشد از مستقر خودشان حرکت نمایند بساعت ۷ صبح میتوانند که برساحل مملکت ما عرض دیدار کنند !

(انواع کرووازور های جرمن)

دردستهٔ بحریهٔ جرمن ۳ قسم کرووازور هستند که درین مسافهٔ بعیده برفتار سرعت ۲۰ میل فیساعت رفته میتوانند . درصنف اول ۵ کرووازور از قسم « غوبن » شاملست ، ودرصنف ثانی ۵ کرووازور از قسم « شارن هورست » ، ودرصنف سوم کرووازور های هلکی داخل میباشند که ازدوصنف اول دوچند بزرگتر وثقیل‌تر اند .

(جرمن خواهشمند طرقه جارحانه)

کشتی های تباه کن جرمن با کرووازور های حمله آور بدین غرض فرستاده شده بودند که اگر بالفرض جهازهای انگلیزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1039 of 1786

کرووازورهای هجوم کننده را به جانب بندرگاه های برطانوی تعاقب نمایند آنوقت دفعتاً کشتیهای شاه کی جرمن برجهازهای انکلیزی بجنك پیشدستی کرده بتوانند .

(مارا چه قسم جهاز درکار است)

از معرکه های متعددهٔ بحری که تا به حال بوقوع آمده اند این یك ثابت شده است ، که توپهای جهازهائیکه برجهاز های غنیم حمله کنند هرچند درعدد بسیار ودرجسامت بزرك باشند برای مانفع میرسانند . واکر رفتار کلهٔ آنهـا بیشتر ازکله های توپهای دشمن نباشد بالضرور لازمست که برابر به آن باشـد . درمقابلهٔ کرووازور های بیان شـده کی بالا بریطانیا ۵ صنف کرووازور را مالك است که بصفات مختلفهٔ هر کدام موصوف میباشند .

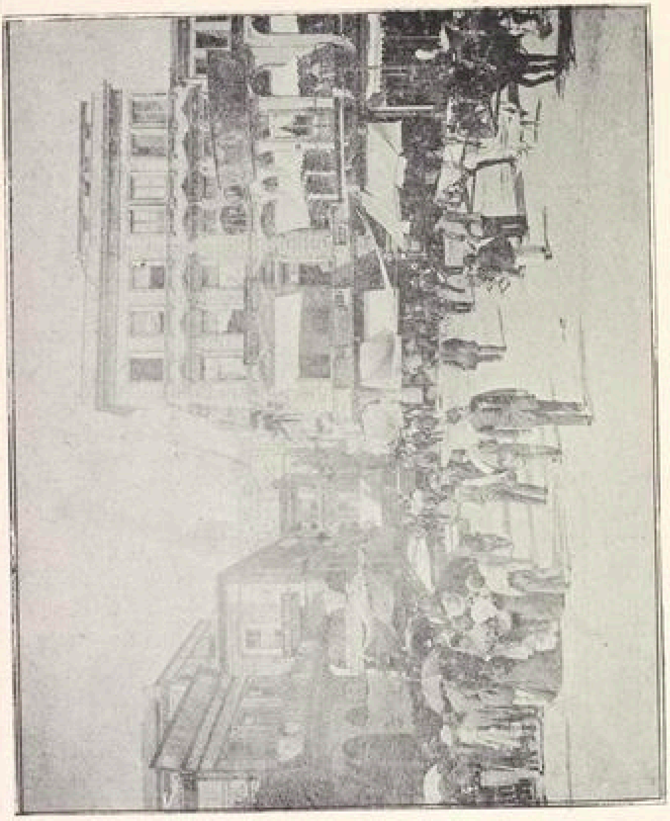

ازمناظر استانبول

(غلطه نام بازار استانبول که متصل جسر است)

(جرمنها را ممانعت کردن محالست !)

اکر چه چنان یك پیشبندی کردن ، که جهاز های جرمنی واپس به ساحل خود ها مراجعت نتوانند ، ویا از کرمهٔ جهاز های انکلیزی محفوظ نشوند ، با اینکه دربردهٔ تاریکی دربحر شمال آمده نتوانند یك امرمحالست ولی با آن ممکن است که در اثنای مراجعت بایك دستهٔ کرمهٔ جهازهای انکلیزی که قوتمند تر وبرتراز یشان باشد سردوچار شوند که آنوقت قرار واقعی ولازمی جزایشان را خواهد داد".

(کذا)

(اهمیت تاریخی کیل ودنکرك)

« کیل » و « دنکرك » نیز شهرهای بس قدیم اند ولی بمقابل « بیرز » آبادی آنها بسیار کثیر است « دنکرك » درشمال ، مقام ساحلی فرانس است وبندر کاه های آن بصرف مبلغ ۲۰ لك پوند بعمل آمده اند. این بندر ازبنادر محفوظ « فرانس محسوب میشود . درمقام درزمانهٔ جنك فرانس کرامول به ۸۰۰۰ عسکر امداد

فرانس را کرده بود و در صلح آن وقتی که « دنمرک » از تصرف هسپانیه برآمده در مقبوضهٔ فرانس درآمد پس او این شهر را به انگلستان داد مگر بعد از گذشتن چار سال آن را انگلستان به مبلغ ۵ ملیون فرانك بر فرانس فروخت و نتیجهٔ آن این شد که چون در مابین فرانس و انگلستان جنگ واقع شد سپاهیان « دنمرک » رفت و آمد جهازهای انگلیزی را مسدود ساختند .

درمابین « کیلی » و « دوور » تنها بعد ۲۱ میل است و این هردو مقام بتوسط تلگراف تحت البحر متصل گشته‌اند که درسال ۱۸۵۱م قایم شده بود در تیار کردن بندرگاه « کیلی » ۲۷۰۰۰۰۰ پوند صرف شده است .

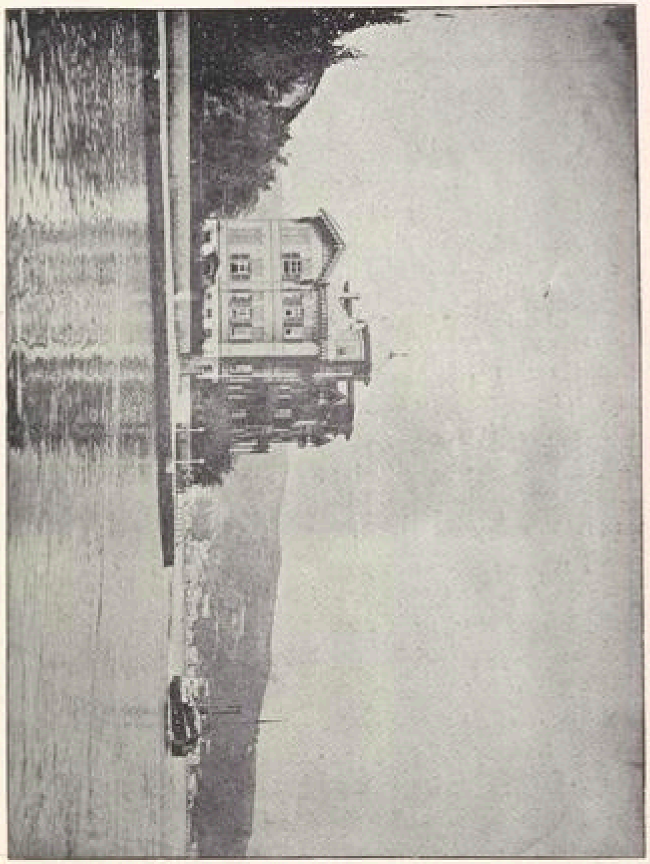

از مناظر استانبول

سفارتخانهٔ دولت بریتانیا در « طرابیه » نام موقعی که در بوغاز بوسفور واقعست

(سیاره) : (مکتوب یک توپچی)

همعصر پاریزین خط یک افسر توپچی را که از محاذ جنگ نگاشته است شایع میکند :

« درین وقت من در یک محل یک عمارت فرانسوی در پیش روی آتش نشسته این مکتوب را نوشته‌ام . من تمام روز را باستعمال یک نقشه و یک پنسل و یک کمپاس صرف کرده‌ام ، زیرا من کوشش داشتم که موقع بعضی ازین توپهای قلعه شکن را پیدا کنم که از یک هفته باینسو ما را بسیار پریشان ساخته بودند . روز اول برما بس دهشت انگیز و خطرناک گذشت و حالا امید تکرار آن نیست .

این توپهای قلعه شکن برما یک انداز حیرت دهسازی گله میبارانیدند . بخیال من کم از کم هفت عدد ازین توپها بود که در پیش رو و عقب و جوانب ما گله های « شیل » می‌افکندند

این گله‌ها که بهرجا اصابت میکرد در انجا غارهای کلان کلان ساخته میشد و چنان یک آواز دهشت طراز صاعقه آساز ازان ابراز میکرد که تامسافه ۱۰۰ گز زمین را بلرزه میدراورد . از حسن اتفاق ، ماخندقهای خودرا خوب مستحکم و درست کنده بودیم مگر خوف رسیدن نقصان شدید صرف درانوقت ملحوظ میبود که گله بهدف میخورد ولی از خوش قسمتی ما تنها یکدفعه اینچنین اتفاق افتاد که دران مرتبه گله بر توپ اصابت نموده گادیهای آنرا تکه تکه کرده انداخت و رخچه و ریزه‌های گوشت توپچی‌ها را بهوا راند که ازانجمله تنها دو نفر توپچی محفوظ ماندند که این سلامت ماندن آنها هم محض قسمتی و تقدیری بعمل آمده است ، مگر با آن نفری ما را خوف و هراس استیلا نکرد و بالکه بکمال جدیت با دشمن مقابله میکردند » .

(کذا)   (دسیسه‌های حربیهٔ جرمن)

یک نامه نگار یک جریدهٔ « انگلستانی » رقمطراز است که :

متصل شهر « هزبدلوج » وقتی که روسیا هجوم برده رسیدند پس قوماندان جرمنی بباشندگان شهر این تهدیدات داد که جرمنها عمارت بزرگ مشهور شهر را که بطرز تعمیر « گوتیک » ساخته شده بود با کلیسای ۶۰۰ ساله آن نذر آتش خواهند ساخت ساکنان شهر الحاح و زاری آغاز کرده و اعانه فراهم نمود ۵۰۰ کراون را نذرانه بسپاه جرمنی تقدیم کردند قوماندان عسکر مبلغ مذکور را گرفته گفت که حالا عمارت و کلیسای شما را ضرری نخواهد رسید مردمان شهر خاطر جمع شده رفتند که بعد از پانزده دقیقه شعله‌های آتش از « هال » خونها و ۲۰ دقیقه بعد از کلیسای سالخورده درزبانه زدن و شرر افشان گشتند و پس از ساعتی عمارت دلربا و کلیسای کهن‌سال هردو خاکستر شده برباد شدند . در اخبارها افسانه‌های حیله‌کاری های حربی جرمنها پیوسته اشاعت می‌یابند . آنها لباس زنانه را پوشیده دشمن را بسیار بدبازی میدهند . روزی سپاهیان جرمنی مردانه وار بلباس زنانه در آمده در یک کشت زار قریبی برای آلو چیدن رفتند و در یکجای دیگر نیز در پیشروی گادی‌ها بهمان لباس گشت و گذار داشتند ولی چون فرانسویان ازبسکه بدفعات بحیله‌ها و دسیسه های ایشان بازی خورده اند و حالا بدان بلد گشته اند درین بار آنها را شناختند و گله باریدن بایشان گرفتند درینوقت از پشت پرده‌های لطیف و نازک لباس زنانه اونیفورمه‌های درشت عسکری نمودار شدند . اگرچه در طرح زدن خدعه های حربیهٔ جرمن ها هیچ فرو گذاشت نمی نمایند ولی این یک معلوم نیست که آنها را با کلیساها کدام عداوت و حسد مخصوص است که بهرجا میرسند اول کلیساها را مسمار میکنند ؟ ! . . .

(کذا)   (سلوک نیک حکومت اوستریا با اسیران هندی)

از رپورت قونسول امریکائی زینت معلوم شده که با اسیران هندی اوستریا از طرف حکومت خوب سلوک کرده میشود و لحاظ حسیات مذهبی آنها خاصتاً رعایت میشود و چونکه عدد بیشتر اسیران مسلمانند ازانرو حکومت اوستریا بزهای زنده را با آنها میدهند که آنها را خود اسیران بدست خود حلال کرده و در آشپزخانهٔ خودها خود پخته میکنند . نان و برنج نیز برای شان بافراط داده میشود .

(کذا)

(برای خطرهٔ آینده تیار بودن لازمست)

کلکته ۲۵ دسمبر :—

برای اخبار « ستیتمین » از لندن تلگراف ذیل رسیده است : مبصر عسکری اخبار « تایمز » تخمین کرده است که در جرمن تاحال ۴۰ لک عسکر تازه دم دیگر برای موسم بهار آینده حاضر و آماده خواهند شد . فرانس و انگلستان را لازمست که بکوششهای متحدهٔ خودها بمقابلهٔ این خطر آماده شوند .

(کذا)   (ریل تا نهر سویز)

لندن ۲۴ دسمبر :

کورین هال :— یک تلگراف « برلین » مظهر است که ترکان درتحت نظارت جرمنها در جنوب بحر احمر از « معان » تا به نهر سویز ساختن یک خط آهن ریل را شروع کرده اند . و حال نزدیک بتمام رسیده است .

المیزان :   (افکار عباس حلمی پاشا خدیو « مصر »)

نامه نگار استانبولی اخبار « فرانک فرتزتینک » جرمنی خیالات ذیل را به عباس حلمی پاشا خدیو مصر منسوب میسازد :

این طریق عمل انگلستان را من بکمال سکوت و اعتدال دیدم که او مرا بی استحقاق و بغیر حق از مراجعت وطن منع کرد . این وضع نامناسب را چون از طرف انگلیزها درحق خود مشاهده کردم آئینه دلم بدولت علیه عثمانیه بکلی صاف و منجلی گشت و پس ازین واقعه من از شنیدن جمیع آن تجاوزیکه بر صلاح انگلستان انجام پذیر میشدند جداً انکار ورزیدم . و فرایض و امور بس مهمی مرا بدین آورد که در قسطنطنیه به خدمت مالک حقیقی مصر بیایم . درینوقت عثمانی و انگلستان برسر پیکارند . و یک عسکر جراری برخطهٔ مصر متعین کرده تا قبضه و تصرف عارضی انگلیزها را بکلی ازان مملکت مستاصل ساخته و از سرنو دران حالتی که قبل از سال ۱۸۸۲ م بود قایم کند . مرا در کامیاب آمدن این مهم عسکری هیچ شائبهٔ ریب نیست و نیز همچنان من یقین دارم که هر طبقهٔ رعیت به بسیار جوش و خروش عساکر شاهانه را استقبال و پذیرائی خواهد کرد مصر علی التواتر و خصوصاً درعمارهٔ [illegible] این یک را ثابت کرده است که تعلقات وی باحضرت خلیفه بکمال وفاداری و عقیدتمندی مربوط و مضبوط است ازواقعهٔ عقبه مدت ده سال گذشت که دران عساکر مصری وفا

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1042 of 1786

شعاری خود شاترا بادولت علیه عثمانیه اظهار نمود وچون انگلیزها جبراً خواستند که سرحدها را استحکام نمایند افسرهای ایشان بالاتفاق گفتند که ماهیچگاه درمقابلهٔ آقای خود نمی ایستیم . من ورعایام مطابق اصول مذهبی باهم شیر وشکر میباشیم واین بك بهمهٔ ما معلوم است که درحق خلیفه مذهبی خود مارا تأسی کدام اموروظایف ازواجباتست . من درین وقت برای حرکت کردن بمعیت عساکر عثمانی بطرف مصر بکلی تیار وحاضرم واز فضل الهی امید دارم که درحصول این مراد خودبه بسیارزودی فائز گردیم . من این خبرهای انگلیزان را که آنها پرنس حسین کمال را سلطان مصر ساخته اند هیچ پایهٔ وقعت وصحت نمیدهم زیرا که کام حسین کمال ازغدر وخیانت ورزیدن باخاندان وملت ووطن ومذهب بس کناره جوو گریزنده است . بهر کیف تقرر اوخلاف قانونست. من برای انجام دادن امور موجودهٔ خود یك شخص لایق راباختیارات کامل ازطرف خود وکیل وکفیل ساخته؛ درمصر گذاشته آمده ام .

(جراید « آرلاند » درحرب حاضر)

از اخبار سیاره

درینوقت اکثرجراید « آرلاند » سر ازاطاعت حکومت عمل انگلیزی خودتافته درمظاهرهٔ المان وشکست یافتن انگلیزها مقالهها وافکارها نشر میکنند چنانچه درین داك بعضی ازاخبار های هندی چندفقرهٔ یکی از اخبار های « آرلاند » را که بنام « آیرش فریدم » موسو مستدرج کرده اند که مانیز اقتباس آنرا خالی از دلچسپی نیافتیم ، اخبارمذکور چنین رقمطراز است که:

« اگر « آرلاند » درزیر اثر جرمنها بیاید حالتش به بسیار استراحت منجر خواهد گشت زیرا جرمن درراه تهذیب وتمدن از انگلیز در پیشقدمی بس پیش دستی کرده اند .

اگردستهٔ بحری برطانیه ازدستهٔ بحری جرمن شکست خورد عنقریب جهازهای دوست خودمان جرمن راسیاحت کنان دربحر ایرلاند خواهیم دید . مارابا « قوم انگلس » « انگلیزها » یکعداوت عندی نیست ولی اگراین مردم ازملک ماراه مهربانی برآیند از رفتن شان « آرلاند » چنان صاف وپاك خواهدشد که یك آدم تندرست از دورشدن یکمریض غلیظ ممنون میتوان شد .

درین حربیکه مابین جرمن وبرطانیه برپاشده « آرلاندرا » آن هیچ یکتعلق شخصی ندارد ولی محض اینقدر که مصیبت انگلستان راحتِ آرلاند است :

این اعلانه رسماند وکه بلتنهای آرلاندی ازطرف گورنمنت انگلیزی خدمت تحفظ آرلاند را انجام خواهند داد نهایت ملك ذلیل ساختن والایك اعلان بود .

مرد مانیکه ازشرافت وقوت وجلال جرمنها بخوبی واقفند یقیناً این جملهرا بنظرنفرت می بینند ومعلوم شانست که انگریزغدار محیل بریك قوم نهایت متمدن اروپ حملهٔ ناروا کرده اند .

علیحده شوید وانتقام خودرا بگیرید ! زیرا انگلستان بدون آرلاند درمقابل جرمن آنچنان هزیمت خواهد خورد . که درمحاربهٔ ترانسوال اگردرافریقای جنوب آرلاندیان درمعاونت شان داد شجاعت ومردانگی رانمیدادند .

هرآرلاندیٔ که دعای ظفر برطانیهرا بکند وودرحمایت آن دستهای خودرا بالا کندودر نزدملك وقوم خائن ثابت خواهدشد .

درتمامدنیا اگرمارا دشمنی موجوداست آن انگلستا نست .

مارور روز ازآلات حرب وقوف حاصل کرده میرویم .

ماراباید که « از فرصت استفاده » کنیم ونگذاریم که روز حساب فهمیٔ مابابرطانیه بیاید وماتیار نباشیم » .

(ترکان کاسکها را شکست دادند)

همبورد ۱۴ جنوری :

ایمستر دام ۱۶ دیسمبر :

دریك اعلان رسمیٔ عثمانی بیان کرده شده که یکدستهٔ ترکان در ایران قریب آذربایجان بطرف « شوماس دلمان » پیشقدمی کرده است. قریب سیلدوس، برکنارهٔ جنوبی تالاب « اورومیاه » رساله های ترکی ایرانی یك رژمنت کاسکها را شکست داد که ۴۰ نفرازان زخمی وبیس مقتول گشتند . دراعلان اینهم بیان کرده شده کهبطرف « یورمیاه » تعاقب روسیان کرده شدودر « اور ومیاه » یکجهاز روسی و کدام رسد رسانی نیز قبضه شد وبعد جهاز مذکور شکستانده شد . در اعلان مذکور این نیز درجست که ایران باعثمانی متفق گردیده وبرخلاف دشمن قدیم خود روس می جنگد .

(قبضهٔ عثمانی برتبریز)

پشاور دیلی نیوز :

لندن ۱۳ جنوری :

ترکان برتبریز هجوم برده آنرا متصرف گردیدهاند .

(یکزلزلهٔ مهیب در ایطالیا)

لندن ۱۴ جنوری :

تار « روما » پایتخت ایطالیا مظهر است که از « ارکونا » تا « نیپلز » یکحرکت شدید ارض محسوس شد کهازاثر آن دراکثر شهرها بصدها وهزارهامردم هلاك گردیدند . عددمجروحین نیز بیشمار است . خبررسیده است که قصبهٔ « ایوزنیو » که درزلزله معروض بود بکلی تباه وبرباد گردیده وهزارها نفردران تسلیم جان کردهاند یك بت ۲۰ فوتهٔ بزرگی کهبربام کلیسای « سن جان » شهر « روما » بوداز شدت زلزله بمیان افتاده تکهتکهشد !

لندن ۱۴ جنوری : (کیفیت مزید تباهی « ایوزنیو »)

قصبهٔ « ایوزنیو » بکلی تباه گردیدهواز علاقههای همجوار آن مردم فرار کردهاند ازساکنان این شهر بزرگ تنها ۸۰۰ نفرزنده مانده اند وبقیهٔ آن همگی هلاك گردیده وازهمین ۸۰۰ نفر نیز اکثرزخمی میباشند .

(عدد تلفات)

روما : _ ازینزلزله ۱۲ هزار نفرهلاك و ۲۰۰ هزار نفرزخمی گردیده اند .

(کلیساها نیز بسلامت نماندند)

از خبرهای جدید معلوم میشود که مقام « ونکینو » را که در قرب روما یك جای کوهستانی‌است که بران کلیساها ومحل اقامت « پوپ‌روما » ودیگر عمارات مذهبی کاین است نیز نقصان رسیده است . وبعضها کلکین‌های کلیسای « سن‌پیرز » ازشدت زلزله شکسته وریخته اند .

(خبرهای جدید متعلق زلزله)

ازعلاقه‌های مختلف خبرهای بسیار تلفات رسیده‌است ، از اطلاع ۱۴ جنوری « روما » معلوم‌میشود که‌ازین زلزله‌هایله درتمام‌شهر یك اضطراب عمومی نمودار گردیده . واگرچه‌نقصان جان بعمل نیامده ، ولی بسیاری از عمارتهای تاریخی‌را ضرر رسیده است . دخترانیکه برای خدمت تیلفون مأمور بودند همگی از خوف زلزله گریخته وپنهان شده‌اند که‌ازآنرو سلسلهٔ تیلفون هم بکلی‌مسدود گردیده است .

سیاره :

(طیاره‌های جرمن در فرانس)

لندن ۳ جنوری :

دیروز طیاره‌های جرمنی برمقامات مختلف فرانس‌دوره کردند درین مقامات « نیفی » نیز محسوست ولی ازهر جا پسپا کرده شدند .

سیاره :

(عثمانی و بلغار)

پاونیر در اشاعت یکم جنوری خود رقمطراز است که‌نامه نگاراخبار « نووی وورت منی » از قسطنطنیه اطلاع‌میدهد که سفیر عثمانی فتحی‌بی متعین صوفیه پایتخت بلغار درحال بقسطنطنیه واپس مراجعت نموده است . در دوران تقرر بایك مدیراخبار گفت « که اهالی بلغار حالا این‌یك‌را بخوبی دانسته‌اند که در اتحادشان باعثمانی آنهارا ـ اسر فایده است واز جنك این هردو مملکت دیگران استفاده میکنند وپس از برداشتن نقصان عظیم برای هردو مملکت این سبق حاصل شده است . وچونکه پس از تحمل مصایب شدید ومصاعب کثیر این‌تجربه بدست آمده ازانرو امید که‌درین اینهردو مملکت برای همیشه صلح قایم‌باشد . وپس ازان فتحی‌بی بیان کرد که « ایران » و « افغانستان » هردو بحمایت عثمانی آماده اند وازبرای امداد ازین ممالك عسکر آماده است واین « اتحاداسلامی » عثمانی‌را بس‌قوت بخشیده است لهذا مارالازمکه از درگاه حقسبحانه تعالی امید کامل داشته باشیم که مارا درین حرب مظفر ومنصور گرداند

کذا

(عثمانی و مصر)

« تایمز لندن » مینویسد که این خبربکلی درستست که جمال پاشا وزیر بحر دولت عثمانی قوماندان عسکری که برهجوم مصر متعین است مقرر گردیده است . ازین‌یك ظاهرو آشکار است که‌ترکان برسرحد مصر تنهامظاهرهٔ عسکری‌را نکرده‌اند بلکه بایکقوهٔ مکمل برمصر حمله‌آور گشته‌اند . جمال پاشا یکی ازارکان‌بزرك انجمن اتحاد وترقی است . درابتدا نائب الحکومه « اولیا » وسپس‌قوماندان‌فوج « کونیا » مقررشد و بعدازان در محاربه بالقان کلان افسری یك‌فوج مکمل به‌او تفویض شد . در مسایل سیاسیه حق مداخلت خصوصی را مالکست . اگرچه‌تابحال اندازهٔ لیاقت حربی او کرده نشده مگر درین هیچ‌شبهه نیست که جمال پاشا یك‌شخص بسیار پرجوش ودلدادهٔ ملك وملت است . دروقتیکه سفیرجرمن درقسطنطنیه به‌او اطلاع داد که بریطانیا اراده وتهیهٔ الحاق مصر را کرده است در جوابش فی‌الحال این تجویز را تقدیم کرد که‌یك مهم عسکری فوری بمصر فرستاده شود واین راهم فرموده « که حالا از انگلستان عوض دوجهاز خودما را که درنزد خود نگهداشته‌بخوبی خواهیم گرفت » !

کذا

(فوج نو عمر جرمن)

از « کوبن‌هیك » پایتخت « دانمرك » خبر رسیده‌است که ۱۲ هزار طالب‌العلم که سن‌شان درمابین ۱۵ و ۱۷ سالهاست دربرلین درعسکر برتی شده‌اند ازین بچه‌ها ۲۰ کمپنی ساخته شده وتعلیم عسکری شان نیز بکمال عجلت جاری است درابتدای موسم‌بهار آینده درمیدان رزمگاه فرستاده خواهندشد که انوقت‌عمر اکثر شان به ۱۸ رسیده خواهد بود . درعلاقهٔ « براندن برك » که دران برلین نیز شامل‌است قریب ۶۰ هزار طالب‌العلم درعسکر برتی شده اند .

زمیندار

(غرقاب یکجهازانگلیزی وسه‌جهاز فرانسوی)

لندن ۵جنوری :

« همدردی انسانی جرمنها »

« اوتاوس » نام‌جهاز جرمنی ۹۳ نفرملاح سه‌جهازفرانسوی ویك جهاز انگلیزی « بیلیو بو » نام رابرداشته به « ولاس پلاس » رسانیده است . این هرچهار جهازرا کرووازور « کرافون برینز ویلهلم » جرمنی غرق کرده بود.

(کذا)

(جنگ چارطاهٔ ترکان)

لندن ۱۱ جنوری :

دربیتروغراد رسماً بیان کرده شده است که برای نجات دادن سپاه باقیمانده جیش دهم ترکان طریق چارطاه بس شدیدی اختیار کرده اند .

کذا

(استیصال یونانیان درآسیای صغرا)

لندن ۱۱ جنوری :

بشرکت روتر معلوم گردیده که ازکارهای رسمی « اتینه »

بخت یونان مفهوم است که حال یونانیان درآسیای صغرابس غیرمتحمل گردیده است حکام عثمانی درواقعات قتل وغارت گری باشنده‌گان یونانی نه تنها اغماض بکاربرده بود بلکه در ارتکاب آن معاونت میکنند وبرای استیصال عنصر یونانی ازاوباشان مشهور کار میگیرند . درسال گذشته بموسم زمستان قریب یك‌لك وبیست هزار یونانی از آسیای صغرا اخراج کرده‌شدند که ازان‌پس حال موجود بی‌بازگشته وکورنمنت یونانی‌را مقابله نمودن بایکصورت مدهشی افتاده است .

آتینه : — باب‌عالی جمیع رعایای دولتهای ائتلاف مثلث ویونان‌را درحلب جمع کرده‌است .

کذا (بردونکرك دوباره بم افگنده شد)

لندن ۱۱ جنوری :

۱۰ ، ۱۲ طیاره جرمن روز یکشنبه بردونکرك وجوار آن یکدوره هوائی زده خاص برشهر قریب ۳۰ بم انداختند مگر وجه حفظما تقدمی که قبل‌ازین بوقوع آمده بود چندان نقصان عظیمی را باعث نشد .

کذا (شریف پاشاو پرنس صباح الدین)

شریف پاشا دردور استبداد سلطنت عثمانی برعهده جلیله سفارت فرانس مامور بود . وبعداز انقلاب ۱۹۰۸ ء حکومت عثمانی برخلاف سلطنت بروی شبهه سازش وارد آمد . وچنانچه اخبار « طنین » قسطنطنیه خبر بدست آمدن بعضی کاغذهای که مفهوم آن این‌بود که « پاشای موصوف میخواست که دولت عثمانی را بدست دول اوروپ بفروشد » نیز شایع کرده بود . بالمقابل خودش نیز دل ودماغ وقلم را درنوشتن مضامین خلاف سلطنت عثمانی وقف کرد . وقبل ازجنگ یك‌اخبار خصوصی را از « پاریس » محض بدین غرض شایع ساخت که انوربیك، جاویدبیك حسین جاهدبیك ومرحوم محمود شوکت پاشا را در رو بروی عالم صورت یك جمعیت بدترین بشریت تقدیم کند .

شهزادهٔ پرنس صباح‌الدین‌افندی خواهرزادهٔ سلطان محمدخان خامس خلدالله ملکه ، وفرزند رشید محمود پاشای مرحوم داماد سلطانی میباشند پاشای مرحوم بالزام برپا کردن سازش برخلاف سلطنت‌عثمانی قریباً مدت‌العمررا درجلاوطنی‌بسر کرده ، وفرزندش شهزادهٔ موصوف نیزازممالك محروسهٔ عثمانی غریب‌الوطن میباشند بعد ازانقلاب ۱۹۰۸ ء یك مرتبه رونق‌افروز استانبول گردیده بودند که درانجا خواستند که تعلیم اصول موضوعی خود شانرا که برای دولت عثمانی « لامرکزیت » بهترین صورتهاست جاری کنند یعنی جمیع علاقه‌ها وایالات عثمانی‌را خود مختاری واستقلال داده شود وچون این طرز عمل شان برخلاف سلطنت بود ازانرو دوباره بهجرت کردن ازبلاد عثمانی بممالك اوروپا مجبور شد . چون در تخریب عثمانی دراکثرجاها نام‌شریف‌پاشاو پرنس صباح‌الدین ذکر میشود ازانرو تعارف نمودن ایشانرا بچند کلمات فوق خالی ازمناسبت نیافتیم]

(تبلیغ اسلام درلندن)

برادر : السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته . ! شمارا تبریك وتبشیر میدهم که حق‌سبحانه تعالی بفضل خویش تبلیغ اسلام‌را بدست قدرت خودی فرماید چنانکه ازمدتی بایك خاتون خط وکتابت را شروع کرده بودم ورسالهٔ « تبلیغ الاسلام » را بابعضی کتب دیگر بنزدوایش فرستادم ؛ تااسلامرا قبول کرد وسبب‌قبول آنرا از رساله ووعظهای من نمیداند بلکه آنرا به کشف والقای الهی حواله کرده میگوید که « چند سال شد که من بخواب دیدم که ازمیان یك از کشتی هلالی‌بسیار ضیاباری‌ودرخشنده باهی برآمده است دراوقت من ازاسلام خبر نداشتم ولی حالا دانستم که آن هلال چه بود ؟ اسلام بود ! که برای نورانی ساختن دنیا واقع ظلمت کفر برآمده‌بود ومرادازانوقت اللائذ که جمیع پریشانی‌ها وکلفتهای توازان دور خواهند شد . پس ازین وقتاً فوقتاً دروقت مصیبت بعالم خواب هلالرا میدیدم حالامن باز هلالرا بخواب دیدم ودانستم که اسلام مرا ازمصایب وآلام نجات می‌بخشد . حمد وثنا الهی را میگویم . ودردلم یك تاثیر وجوش فوق‌العادهٔ است که کدام روزی بمسجد حاضر شده همراه شما یکجا حظ عبادت الهی را بردارم . اسلام جمیع رنج ومحن مرا رفع کرده است در قلبم اطمینان وتسکین پیدا شده است . من همیشه بغمها وآلام قسماقسم معروض بودم ولی الحمدلله کنون مستریحم وخودم تجربت افتاده ام که این تبدل یکبارگی چسان دراحوال من واقع شد . بمن تلقین‌شده که همواره بیدار باشم ودعا بخواهم ونیز بمن الهام شده بود که اگر توو فادار باقی ترا بنور واصل خواهند ساخت ویك شخصی پیدا خواهد شد که باعث هدایت‌تو شود . ودروقت ملاقات انشاالله من بشما مفصلاً بیان خواهم کرد که من چه‌چه نظاره‌ها دیدم وچه چیزها بمن القاشد . یك حال عجیبی برمن طاری میشود ودروازهٔ تکلم گشاده میگردد واکثر بزیارت هلال‌مشرف میشوم . یکدفعه من درخصوص اسلام فکر کردم که یك حالت غریبی حواسمرا استیلا کرد وحکم آمد که این همان نور موعودیست آنرا قبول کن وپیش برو وبدنبال منگر ! یکشب من خودرا بیرون یك مسجدی یافتم که ازسنگ‌سفیدی ساخته شده‌بود ویك صورت بسیار لطیف ودلکشی میدرخشید . من دراینوقت باخود صلاح میکردم وتردد داشتم که بمسجد داخل‌شوم یانی ؟ که ناگهان یکزن برقع سفیدی ازدستم گرفته وپیش‌رفته درمسجد داخل شد وگفت که اینراه واین دروازه است . یك‌مرتبهٔ دیگر باز این‌زن‌را دیدم که مرا گفت که « ایمان بیاور ! وبکمال‌صداقت اسلام را قبول کن !! » دراینوقت بدست این‌زن قرآن عظیم بود ومن درعالم‌بیداری اورادیدم اوگفت که نام‌من « نور » است وبرای نشاندادن نور بتومأمورم . من یکروزی باتورفته راه را نشان‌خواهم داد » » نام این‌خاتون بمناسبت کیفیت‌ها وخارقه‌های عجیبی که بروی گذشته کشف خاتون گذاشته شد « فقط والسلام

[صدرالدین امام مسجد ووکنگ لندن]

درچاپ خانهٔ حروف دارالسلطنهٔ کابل طبع گردید

همه مقاله‌هاییکه دستخط ندارد ازطرف مدیر وسرمحرر تحریریافته

محمود طرزی

شرایط خریداری

دار السلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

هر جائیکه باشند با اجرت پوست

قیمت سالیانه	ده روپیه انگلیزی	قیمت ششماهه	شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراك قبول نمیشود

یك طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

زمرهٔ کار داران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر دادهمیشود:
اگر از یك جا بدیگر جا رونده باشند میباید که بیك رقعه مدیر وسرمحرر را خبر بدهند که من در فلان جا بودم وحال در فلان جا میروم اخبار مرا در انجا بفرستید . هرگاه همچنین یك رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، ویا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تابه پنج بار نشر وشایع شود برسرهر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر یك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تابه پنج بار فی سطر یك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطر یك ستون اخبار ما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تا یك سال نشر کردن خواهند ووجه یك ساله را پیشکی ادا نماید در ورق پشتی بر هر سطری ستار اجرت گرفته میشود

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا

یاد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از شکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنهٔ کابل خودرها یابیم ممکن نشد لهذا باداکخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یک مقاوله نموده داکخانهٔ مشار الیه تقسیم و توزیع اخبار مارا که بهمه مشترکین کرام ما رساند درعهدهٔ همت خود قبول نمود. مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را تبشیر و یاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای داکخانه بخود شان میرسد.

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد
کتاب سال دوم « « « مصور مجلد
کتاب سال سوم « « « مصور مجلد
علم و اسلامیت
آیا چه باید کرد؟
ادب درفن
توحید

این کتابهای فوق دراداره موجودست. هرکس که آرزوی خریداریٔ آنرا داشته باشند باداره مراجعت کنند.

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

سیاحت بدور دور زمین بهشتاد روز مجلد
سیاحت درجو هوا مجلد
سیاحت دوزیر بحر مصور مجلد
از هردهن سخنی و ازهرچمن سمنی مجلد
روضهٔ حکم مجلد

هرکس که آرزوی خریداریٔ این کتابهای مافوق را داشته باشند ازخود مطبعهٔ عنایت دردهٔ افغانان از نزد عبدالرئوف خان سرمرتب و از دکان بازمحمد کتابفروش دربازار ارک بقیمتهای معین که درپشت هرکتاب نوشته است خریداری کرده میتوانند.

واگر ازخارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوق را کنند بمدیر سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند.

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

شمارهٔ ۱۲ سال چهارم

فهرست مندرجات

هوای کابل و میوه جه	(
حوادث داخلیه	(حوادث قندهار —
علم عسکری	(
علوم و فنون	(تعریف فن ابتالسقیق —
مقالهٔ مخصوصه	(عمر انسانی حیات جاودانی
حوادث خارجیه	اجمال احوال — نقل از جریده فریده جبیرمتا کار خانهٔ توپ ریزی و اسلحه سازی کروپ — کذا عزای کرکان آدمی کش — ترجمه اخبارات اردو — یك غلطی مدهش توپخانه انگلیزی — مسافه های بین الحدود رزمگاههای شمال اوروپ — معلومات معینه — همدردی باترکان در جزیرهٔ جاوا — امپراطور جرمن نان سپاهیانه میخورد — شورش ترکان در استرالیا — عدد اسیران جنگ در جرمن — روانگی اسیران مسلمانان در قسطنطنیه در قسطنطنیه اظهار مسرت احتیاج به امداد ژاپان نیست — التوای جهاز رانی — کشتی تحت البحر در بحر آیرلاند — نقشه های افغانستان و بلوچستان — در یك شب سه دزدی — دزدی در علاقه بنون — سلطان حاضر مصر باقی قرار داده شد — اتحاد عثمانی و جرمن — مسلمانان قفقاز بمعاونت ترکان — جنرال وان درگولتز مقابلهٔ روسیان و ترکان در قفقاز — همت و غیرت انور پاشا — فتح ترکان بحره — ذوق جرمنها بمبروبا — حالت زار پولاند — امپراطور جرمن و یك دختر فرانسوی — تلفات افواج انگلیز — توپ بزرك جرمن بنهر سوئز — غرق شدن جهاز اوریل — کیفیت غرق شدن جهاز توکومارو — یك اکتشاف جدید — در مصر استعمال کلاه انگلیزی بجای کلاه ترکی — ترجمه از اخبار زمین دار — درخصوص آمدن عزمهای بنی افاغان — جهاد — میدان رزمگاه شرق —
تصویر	از مناظر استانبول دروازهٔ مصنع سرای شوکت احتوای طوپه باغچه — از مناظر استانبول جامع شریف توپخانه و بازار آن — از مناظر استانبول قصر دلارای سلطانی در بیگلر بیکی — از مناظر استانبول چشمه و مقبرهٔ سلاطین در جوار جامع ایاصوفیه —

اعلان

از صنایع پروریهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جرنیل کارخانه جات ، ماشین خانهٔ مبارک که دارالسلطنه کابل علاوه براشیای حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه واوبطو رمه های عساکرشاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخلی که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که ازحضور اعلیحضرت همایونی حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ، ذیل (دکان عبدالله خان دربازار ارک) میباشد .

(۱) سرجهای پشمینه بافی ورنگهای مختلف که قیمت آن ازقرار گز انگلیزی ۳ فوته مشخص شده در صندوقخانهٔ جنسی هم فروش میرسند

اقسام	قسم اول					قسم دوم					
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم وقدری کلفت قیمت آن ۱۰ پیسه زیاده است	
رقم	تاحال ساخته نشده	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت		۷ روپیه ٥ پیسه	٦ روپیه ۱۱ پیسه	٦ روپیه ٤۲ پیسه	٥ روپیه ٤۸ پیسه	٦ روپیه ۹ پیسه	٥ روپیه ۱۸ پیسه	٦ روپیه	٥ روپیه ۱۰ پیسه	٦ روپیه ۱٥ پیسه	٥ روپیه ۲٥ پیسه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گز انگریزی کشمیره چهارخانه ۷ روپیه ۳۰ پیسه | کشمیره زهدار هر رقم ۷ روپیه بیست پیسه

(۲)	جراب ها			﴿۳﴾ تکمه‌های جرمی محراب ومنبردار		
رقم	نکتانکه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج	کلان قدرجن	میانه قدرجن	خورد قدرجن
قیمت	۱ روپیه ٥۲ پیسه	٤٥ پیسه	۳٦ پیسه	۱ روپیه ٤۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	٥٥ پیسه

(٤)	وره های جدید ساخت			
رقم	زه‌باف یکتا اسپه دوکره دوتاره	زه باف یک اسپه دو کره سه تاره	جرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ چار تارهٔ نخی
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲٤ پیسه	۸ روپیه و ٤۲ پیسه	٦ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	جرم باف دسته‌بادای دواسپه	جرم باف دسته دولانه یک اسپه	دستهٔ دولانهٔ یکی چار اسپه	جرم باف هم رکاب
قیمت	٤ روپیه و ٤۸ پیسه	٤ روپیه و ٤٦ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	٤ روپیه و ۱۳ پیسه
رقم	قبضه برنجی کلیت نقره توپخانه	قبضه کلیت نقره ازجرم به‌لایه توپخانه	زه باف رقم سواری سامی کلیت	زه باف دو تارهٔ رکابی
قیمت	۳ روپیه و ٥٥ پیسه	٤ روپیه و ٥۷ پیسه	٥ روپیه و ۹ پیسه	٥ روپیه و ٥٤ پیسه
رقم	رکابی ازنغ	جرم باف میانه چوب پت زنانه	از زین سواری تیغ جرمی	زنانه ابریشمی خیاطه
قیمت	٤ روپیه و ٤٥ پیسه	٥ روپیه و ۸ پیسه	٤ روپیه و ٥۸ پیسه	٥ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته‌بادای تیغ جرمی	دستهٔ دولانه سامی برنجی کلیت نقره	از زین سواری دولایه تیغ جرمی کجک دار	جرم باف مابین پت یک اسپه
قیمت	٤ روپیه و ٤۹ پیسه	٤ روپیه و ٤٥ پیسه	٤ روپیه و ٥۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

﴿٥﴾	اقسام گلهای مصنوعی سر			
قسم	گل جرین	گل نافرمان	گل برینه	گل شبو
قیمت	٥ ربیه و ۳٦ پیسه	٦ روپیه و ٦ پیسه	٦ روپیه و ۷ پیسه	٦ روپیه و ۳ پیسه
قسم	شکوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل نسترن	جلیل
قیمت	۷ ربیه و ٤٥ پیسه	٦ روپیه و ٥۸ پیسه	٥ روپیه ۳۸ پیسه	٦ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	٦ روپیه و ۳٥ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	٦ روپیه و ٥٤ پیسه	٦ روپیه و ٥٤ پیسه

﴿ المشتهر ﴾

(میرمحمد هاشم دفتری کار خانه جات)

(کیدان نظامی)

صحیفه (۱) سال چهارم شمارهٔ (۱۲)

قیمت سالیانه
در دارالسلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
بامحصولات ڈاك ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
بامحصولات ڈاك ۱۰ روپیه انگلیزی
هرپانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یك نسخهٔ آن دوکابلی یکشاهی است
(اوراقی که درج نشود اعاده نمیشود)

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

مدیر ومحرر
محمود طرزی

ادارهٔ خانه ومطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ غرهٔ ربیع الثانی سنه ۱۳۳۳ تاریخ انگریزی ۱۶ فروری تاریخ شمسی ۲۷ دلو ۱۲۹۳

« هوای کابل »

ومیله های جیه

درین سال فرخنده فال هواهای شهر شهیر عزیز ما پایتخت عالیبخت کابل نیرنگهای مخالف آهنگی بکار برده است . در آغاز درامد موسم دی . لشکر . سرما باهمه قوای مسلحه خود بشدت تامی هجوم آورده عالمی را در اضطراب انداخته بود وچنان گمان میشد که امسال زمستان خیلی طولانیها خواهد نمود . ولی آن شدت وحدت بسیار دوام نورزید . در اوایل ماه عقرب برف باری وهواهای پرسردی یکچندروز بصورت مکمل دوام نمود بعدازان هواها کسب اعتدال ورزیده چندروز متمادیاً بی بارندگی گذشت واز سردیهای شدید چیزی باقی نماند . باز در آخرهای ماه دلو واوایل جدی برفباری . وخنك شاری یکچند روزی ظهور نموده باز بهاعتدال وبی بارندگی آغاز نهاد . والحاصل تا باینوقت که اوایل ماه حوت است در تمام زمستان سه بار درشهر عزیز ما برف باریده ودر سرحد ها واطراف بدرجهٔ کافی بارندگی شده . ازهرجهت علامات خیرات وبرکات سال فرخندگی مآل آینده را نشان میدهد .

بهار صفا نثار فرحت بار پایتخت عالیبخت کابل بامیلههای جیه آغاز میکند . این میلههای جیه اززمانهای بسیاری در مردمان شهر عزیز ما دایر آمده است که ازجمعهٔ اول ماه حوت درهرروز جمعه شروع شده درجمعهٔ آخرین آن انجام مییابد . درزمانهای سابق موقع میلههای جیه درسمت شرقی شهر درجائی که آنرا دروازهٔ جیه‌میگویند برپا میگردید . درزمان خاقان جنت مکین اعلیحضرت « ضیاء الملة والدین » دردامنهٔ کوه آسامائی درعقب ماشینخانه . وبازدر آغاز جلوس میمنت مأنوس اعلیحضرت پادشاه مقدس ما « سراج الملة والدین » دردهمزنگ نام موضع دلکشای مدخل چاردهی اخذ موقع نمود .

درین سال فرخنده فال « میلهٔ جیه » را یك رونق وشکوه بی اندازهٔ حاصلگردیده است . ذات شوکتسمات پادشاهدل آگاه محبوب القلوب ما اعلیحضرت « سراج الملة والدین » ادام الله دولته الظفر والتمکین چون امسال بنابربعضی محذوراتی که درشمارهٔ اسبق خودبیان نموده بودیم تشریف فرمای جلال آباد نشدند ودرپایتخت سلطنت سنیه بوجود مسعود همایونی رونق افروز عزت وسعادت ماندند ، لاجرم میلههای جیه که ازبسیار سالها درین موسم ازموجود بودن ذات اعلیحضرت پادشاه مقدس ما درحرمان مانده بود درین سال فرخنده فال بیك رونق وشکوه عالی العالی جلوه افروز عز واجلال گردید .

اولاموقع وضع شدن تماشا گاه این میلهٔ مسرت وسپاه از دهمزنگ بسمت « سیاه سنگ » نام موضع باصفای شهر که خیلی دلچسپ وموزونتراست تبدیل موقع نمود . ذات شوکتسمات اعلیحضرت پادشاهی که برافرادملت صادقهٔ شاهانهٔشان مرحمت وشفقت پدری دارند ، واز همه جهت درپی رفاه و سعادت شان مساعی جمیلهٔ دایمی مصروف میفرمایند درخصوص انتظام این میله های ملی جیه نیز درین سال نکوئی مآل یك توجه خاص پادشاهی راصرف فرموده الحق که امسال میلهٔ مذکور بیك رونق وشکوه بسیار بدیعهٔ ترتیب یافت .

درین دوجمعه که میلهٔ اول ودوم بود ازوقت صبح بهزارها نفری ازاهالی جتها وسرکها ودامانهای میله گاه را روبجلو نموده درهرطرف وهر گوشه و کنار مرکزهای سرور ونشاط تشکیل یافته بود . هواهام بسیارمساعد وموافق بوده هربرك سبزه وهر شاخ خشکیده ورود حیات بخشی بهار پرازهار صفا بار را تبشیر مینمود . خیمهگاه اعلیحضرت پادشاهی ، وشهزادگان عظام رونق وشکوه میله گاه را بیك زیب وزینت وشکوه وعظمت بی اندازهٔ بالا

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1050 of 1786

برده بود ، علی‌الخصوص سایبانهای عالیشانی که برای ادای صلوة جمعه برپاشده وبیك جماعتی که ازده‌هزار آدم بیشتر بود نمازیاباز جمعه را بمعیت پادشاه بزرك اسلام ادا کردن از چنان چیز هائی نبودکه‌زبانهای عموم‌ملت بشکران بی‌پایان آن رطب‌اللسان نکردد .

غیراز سازهای ملی وموزیکهای عسکری که‌برای تنشیط‌دلها درهرطرف نغمه‌پردازی داشتند برای ساعت تیری وتماشا بازیهای متنوعهٔ نیزترتیب یافته بود. علی الخصوص میدان مدوری که‌برای مسابقهٔ اسپ دوانی ساخته شده بود ، و مسابقهٔ مذ کوره خیلی شایان تماشا یکچیزی بود . دار بازی ، پهلوانی هم از تماشا های معتنا شمرده میشد .

و الحاصل میله های جبه امسال رونق وزینت بسیار غریبی جلوه کرشده . وخواهدشد . ازدرگاه ایزد تعالی جل‌وعلی نیاز میکنیم که‌عمر واقبال‌وشوکت واجلال اعلیحضرت پادشاه نکوئی آمال محبوب القلوب مارا تاسالهای بیشماری ازینکه برای سلطنت سنیهٔ اسلامیهٔ افغانیه بدارد تاسایهٔ ترقیا توایهٔ شاهانهٔ شان‌ملت ووطن بسعادتها ومسرتهای‌مادی‌ومعنوی‌نایل‌وشادمان‌شوند . آمین

حوادث داخلیه

شنبه ۱۴ ربیع‌الاول ۱۳۳۳

(حوادث قندهار)

درقندهار درهمین زمستان ، زمین صاف ، هواشفاف ، اهالی شهر وقت عصر (مانند عصر بهار کابل) بسیر مشغوف وبتفرج مشغوف اند نه‌مانند کابل زمین ازبرف قاقم پوش ، نه آب ازدست انجماد بحس‌وحوش !..

چون زمستان زمهریر نشان کابل‌را بیادآرم آن برفهای زرق‌ورق آن برودرود آن آب منجمد ، آنهوای سرد ، میلرزم ودو پوستین می درایم درهوای کابل وقندهار تباین وتباعد زمین وآسمان موجود است ! ! . . .

درین ایام جمیع ساکنان ومقیمان این بلدهٔ خلد آثار وهمهٔ صاحبان مزروعات مانند صدف تشنهٔ یکقطره آب‌اند وچون ماهی ازبی آبی بیتاب، مانند گیاه‌همه سربسوی آسمان اند ودست بردعا درخواهش باران . امروز روز ششم است که بوقت شام [مطابق عادت] اطفال نابالغ بربامهای سرای‌خودایستاده بشوق وذوق‌تمام‌درشهر مینوبهر قندهار باآواز « صلوات » ولولهٔ انداخته ، وخود هارا مورد رشك ملایك تسبیح خوان افلاك ساخته‌اند . « صلوات » عادتی‌است که‌حین خسوف وکسوف وقحط‌باران باکثرت آن‌اطفال جمیع شهربآواز های‌بلنددلپسند تحیات وافره‌وصلوات متکاثره بارواح مبارك انبیای کرام خاصهٔ حضرت محمدعلیه‌الصلاة والسلام میفرستند . وعلاوه ازان اهالی قندهار هم‌اعانه‌ها کرده کذر به کذر محله به محله خیرات‌ها کرده اند ومی کنند .

کذا

بیرون از قندهار بجانب مغرب‌یك محلی‌است خصب وسرسبز وشاداب که آنرا « محل‌نجات » میگویند و مشهوربه « مالجات » است یك دهی از دهات این که قریب یك میل ازشهردور وبنام « ده‌مخصوص » مشهور است ، درنجا یك زیارت است که آنرا « بیربرند » می گویند درهمین‌هفته که‌عشره اول ربیع‌الاول است یکشب‌متولی‌زیارت‌مذکورکشته شده‌است‌صبح‌چون مردم آنجامتولی رامقتول یافته‌اند بقندهار آمده عرض کرده‌اند.ازطرف قندهار یك‌مفتی وپولیس‌ها وکوتوال رفته‌اند ، وچون متولی‌را دیده‌اند بەضرب تبرمقتول شده است ، درین أثنا شخصی رسیده وسبب اجتماع پرسیده بعدازان پیش‌مفتی وغیره گفته که‌دیروز من وملنك باهم دیدیم ، ملنك پیش‌متولی بعد ساعتی نشستن برخاست ، گفتم کجا میروی ؟ گفت فتح خان مرایك قران داده که شام گوشت بخته کنم که ایشان دونفر می آیند نان خورده یك چلم کشیده خواهند رفت ! . . . گفتم خوب برو من اینقدر خبردارم .

بعد ازان پولیس‌ها که آنهارا درقندهار (میرشب) می گویند تحقیقات وتفتیشات کرده وخانهٔ فتح خان نامرا تلاشی کرده اند درانجا کالای‌خون آلودوبستر فقیرخسته‌جگر ومتولی شامت‌اثررا یافته اندواورابندی ساختند وی‌گویند قاتل‌قایل شده می کوید که‌چون یك (۶۰۰) روپیه قندهاری پیش اودیده بودیم ، من ورفیق‌من رفته لکن‌من‌اورانه‌کشته‌ام بلکه‌رفیقم‌اورا کشته من پاهای‌متولی‌را کرفته بودم پیش‌او ۲۷ قندهاری که قریب ۱۶ کابلی می شود یافتیم وآنرا نصف کردیم ! . . . .

کذا

درین‌ایام‌قریب ۲۰ نفرازافواج‌انکلیز که‌مسلمان‌هستندفرارنموده آمده اند ، آنهارا من‌خود دیدم ، دریشی‌های درازوقانه‌ودستار های بکرنك دارند ، میکویند ایشان همه باخود تفنك آورده‌اند در « قلعه جدید » که قلعه سرحدی افغانستان است کارداران افغانی تفنك های شانرا نکهداشته ایشانرا فرستاده است ، ایشان می کویند ماازکلاچی براه جنکلها آمده ایم یك جهاز درکلاچی زخمی‌ها را فرود آورد ماازبعضی پرسان کردیم که چه دیدید ؟ کفتند یکبار درهوافرفر شده یك‌چیز روشنی بخش‌درمیدان می افتاد وبعد ازان یك‌چیز مانند بم صدا کرده برما می ریخت وبهر عضوما که میرسید قطع‌می‌شد چنانچه بعضی را پاها ودست‌ها قطع بود ، ازین‌سبب چون مادانستیم که‌مارا میفرستند ، کریختیم .

اخبار شماره ۸ دیروز که‌عبارت ازیوم چهار شنبه ۱۱ شهر ربیع الاول میباشد رسید ، فرحت بخش کردید . عبدالهادی

---

(۱) درتاریخ مذکور است که شهر قدیمی قندهار که حال آنرا (زور شهر) می کویند وآنرا نادرشاه خراب کرده چون آبادبود وبانهایت کثرت داشت لهذا همین محل‌نجات رامانع ودرخت زار ساخته وبیدها نشاندند ، در موسم کرمی مردم شهر بیجه بای آمدند لهذا نام آنرا محل نجات کذاشتند ع ه

عالم عسکری

بخدمت مدیریت علیهٔ سراج الاخبار افغانیه

آنچه صاحب گرامی فرموده اند . درباب اینکه مقالهٔ سابق خارج از دائرهٔ وقوف بعضی افسران خورد نظامی است . عین حکمت است . فی الحقیقه برموجب قاعدهٔ « تقدیم الاهم علی المهم » برای توسیع ملکه ومعلومات همین افسران کوشش باید ورزید . بنابران بعدما همین مقصد درهمهٔ مقالات عاجزی مدنظر خواهد بود . از مهربانیٔ صاحب گرامی توقع دارم که غلطهای زبان عاجزی را نظر بشیوهٔ وقاعدهٔ فارسی تصحیح فرمایند .

محاربه های اشقیا

در حرب ، خواه منصبداران خورد و خواه کلان ، برای هرحال خصوصی بیافتن چارهٔ بهتر مکلفند . هرافسر درباب کشف تدابیر مناسبترین و اعطای قرار مناسب صاحب ملکه و مهارت باید بود . تفرقات خدمت اساساً وظیفهٔ منصبداران خورد است . بنابران باید که بذریعهٔ تطبیقات مفید همین افسران خواص فوقرا کسب کنند چون محاربه‌های اشقیا برای نشوونمای همین اوصاف یکساحهٔ جولان واسع تشکیل میدهند دراینجا ازهمین محاربه ها بحث رانده خواهد شد . همین بحث ازدیگر جهت دروقت حضر برای منافع دولت خداداد افغانستان نیز خدمت میکند باوجود آن ، چون قطعهٔ مبارکهٔ افغانستان اکثر کوهساراست ، خدا ناکرده اگر در مستقبل یک اردوی اجنبی خیال خام استیلای افغانستان بندد ، افراد لشکری ورعیتی که درعقب اردوی دشمن بطرز جماعه های داره ، مانند اجرای جهاد خواهند کرد وافسرانی که بسوق واداره آنها گماشته خواهند شد ازهمین مقاله یک فکر می توانند گرفت . برای استفادهٔ کلی تفرقات خرد ترین نیز موضوع بحث خواهد شد . فریدریک کبیرجد امپراطور جرمان حشمت مآب ویلهم گفته‌اند که « بتفرقات کوشش کنید . چراکه آنها کام اولاند که بظفر میرساند » ..

(صورت حرکت درمقابل جماعه های اشقیا)

یعنی داره ها

اشقیا یادرمحال مسکونه مانندهها پنهان ویادر کوهها درحال جولان میباشند . هرگاه یکی از همین دو حال بسمع افسری که مأمور عقب گیری آنهاست برسد باید که فقره های ذیل را بنظر مطالعه گیرد :

۱ — تحقیق کردن درجهٔ صدق و حقیقت افادهٔ مخبر [زیرا که دربعضی وقت مخبرها معلومات بسیارغلط وبی اساس میدهند . برای اینکه ایشانرا کارگذار بگویند ودربعضی وقت نیز بمنافع اشقیا خدمت کرده مفرزهٔ تعقیب را بعکس جهت اشقیا وبمحل های دورمیبرند وبه جستجو های بیهوده مشغول میکنند برای اینکه اشقیا آزاد بشوند]

۲ — مقدار حقیقی وتخمینی اشقیا .

۳ — حال وکیفت تجهیزات وتسلیحات آنها .

۴ — آیادرمحل اشقیاویادر جوار آن این‌چنین دهقانها ویااشرای دیگر میتواند بود که بامداد اشقیا بدوند .

۵ — بعدیت مسافه مابین موقع مصادمه و مراکز عسکریه چقدر است؟ آیاوقت اللزوم درباب قوت ومالزمه‌ئال معاونت شدن ممکن است یانه ؟ وهرگاه ممکن باشد،در چقدر زمان و درچه مقدار وچگونه استفاده خواهد شد ؟

۶ — آیا اشقیا از موقع مصادمه بکدام جهتها فرار و التجا میتوانند کرد ؟ آیادر آن استقامتها مراکز عسکری هست یانه ؟ [هرگاه مراکز عسکری باشد باید که بآنها نیز معلومات داده وقت وصورت حرکت مقررشود .] افسرتعقیب بعدازانکه فقره های فوقرا تحقیق ومطالعه کند . نظربآن اجراآت ذیل را بکارمیبرد :

(صورت حاضر ساختن وسوق کردن قوهٔ مسلحه)

۱ — افسر احضار این چنین یک قوتی را قاعدهٔ اساسی باید دانست که ازمجموع قوت اشقیا وافرادیکه معاونت ایشان بآنها محتمل است افزونتر و بزرگتر باشد [زیرا که لزوم فائقیت عددیٔ آن طرفیکه اجرای مانوره وتعرض را درعهده میگیرد مستغنی ایضاح است]

۲ — افسر این چنین افرادراطلب وترتیب باید کرد که حتی الامکان بیچاری وبی سرفه وتیزرو وتوانا وبیدار باشند .

۳ — برای اینکه باشقیا بکامیابی هجوم ناگهانی اجرا کرده زودی گریبان گیرآنها بشوند میباید که حرکترا بسیارپنهان باید داشت تااشقیاراغافل و بیخبر بدست آرند وبعد ازبیرون آمدن باید که اولا این‌چنین حرکت های (ساختگی) اجرا کرده شود که آنهارا بی‌غلط بدهد وبعد ازان براستقامت لازم توجه کرده شود .

۴ — هرگاه حال موجب استعجال نباشد باید که بالترجیح مفرزه ازاوقات که خود شبانگاه تاوقت برآید وقبل ازفجر بمحل مطلوب رسیده ترتیبات بگیرد

۵ — شبانگاه بجای آنکه افراد از کوته های خودشان منتظماً برآمده قطار رفتار در آیند باید که در بیرون محل مسکون یک محل مستور را تجمعگاه انتخاب کرده یک یک دو دو منفردا وقسم قطار دوریه یعنی گرمه والز راههای

کوچه های جدا جداقطعه های خورد تشکیل نموده حرکت کنند ودرآنجا یکجا شوند .

۶— همین حرکت افراد بی سخن بی صدای غلغله وبی درب ودرب باید بود [کارتوس و کیسی خود شانرا که علامت سفرند . تا که بیرون برآیند نشان نباید داد در جای تجمع باید پوشید]

۷— تا که بآن موضع عملیات که جای مصادمه خواهدشد مواصلت کرده شود هیچ یکنفر بفکر افسر واقف نباید شد . ونباید دانست که بکجا میروند . حتی هر که مخبر وراه بلد را باخود یکجا میبردند باید کهتا ازدقیقه که اینها باافسر سخن نخستین گفته اند وخبر داده اند از اختلاط منع کرده شوند .

ورای اینکه افراداهالی این مقوله رهنماومخبرهارا دیده ازمخبری اینها مشتبه نشوند باید در آغاز حرکت ورفتار دریشی رسمی عسکری به آنها بپوشانند .

۸— بمجرد یک افسر بافراد امر آمادگی دهد حرکت باید کرد . ودر همین اثنا اجازه نباید داد که دربازار بافراد اهالی سخن گویند ودرحال حاضری سفر گردش کنند .

۹— آن کسانیرا که دراثنای راه تصادف خواهند کرد وهمین حرکتهای خود شانرا خواهند دید بحسن معامله بهمراهی خود گرفته تابمواصلت بموقع مقصودوشروع کارترک نباید کرد .

۱۰ — دونفررا که بزبان اشقیا واقف میباشند به قیافت چوپان و دهقان پوشانیده یکی را بفاصلهٔ ممکن در مقابل پیشدار ودیگررا درمقابل جانبدار ویا کشاف جانب به ترصد باید گماشت

۱۱ — همین نفرهـا مابین خود وهر قطعه بذریعهٔ یک چند نفر محافظهٔ ارتباط باید کرد .

۱۲ — نفرهای ارتباط بی سلاح بوده جاکت ایشانرا چه پوشیده دستمال ویا دستار بسر بسته صفت فوجی ایشان آشکار نباید بود اگر رهنما بی آنکه خودرا نشان دهدیک رهنمای اشقیارا بیند فی الفور استاده پنهان باید شد وتجسس شروع باید کرد . درهمین اثنا نفرهای ارتباط وهر قطعه نیزاستاده وزیر خس وخاشاك درآمده ویا دراز کشیده منتظر نتیجهٔ حال باید بود . درهمین زمان باید که قوماندان مفرزه پیشتر بمقسم پنهانی رفته احوال راخود دیده بسرعت یك قرار بدهد .

۱۳ — مابین رهنماها وقطعه بعضی اشارههای دیگر مقرر باید شد . لیکن اینچنین اشارهها انتخاب باید شد که دروقتیکه اشقیا رهنمارا بینند فرق وتمیز نکنند که رهنماست ویك اشاره داد رهنمای مفرزه همین اشاره هارا — دروقتیکه اشقیا نیز درعین زمان آزادید — استعمال باید کرد اما اگر رهنمای مامین باشد کهاشقیا هنوزاورا ندیده است فی الفور درازباید کشیدن آن موافقتر است . نفرهای ارتباط نیز اشاره های رهنمارا عیناً تکرار باید کرد ونفرهای ارتباط فی الفور دراز باید کشید . خواه طرف اشقیا آنهارا دیده باشد و خواه نباشد بچانچه دراز کشیدن وپنهان شدن آنها لازم است همچنان خدمههای پس پشت نیز خود شانرا پنهان باید کرد . برای اینکه تاکه ترتیبات کرند آشکار نشوند . امابرای اینکه اشارت وحرکتهای رهنما ونفر های ارتباط ترصد بتوانند باید که یکنفر چشم تیز از افراد توك پیشدار بدیده بانی گماشته شود وهمین نفر هراشارت وحرکت رهنماوافراد ارتباطرا فی الفور بقوماندان توك پیشدار اعلام باید کرد .

مابعد دارد

قوماندان مفرزهٔ مختلط حربیه و مفتش تربیه
وتدریسات عسکریه افسر ارکان حرب
خیر الدین

تعریف

فن ایستاتستیق

بسیار کسان تاحال ازمعنی لفظ (ایستا تستیق) اگاهی ندارند وبلکه اسم آنرا نیز نشنیده اند چه جای اینکه منافع وفوائد آنرا درخصوص امورات سیاسیهٔ ادارهٔ دولت وحکومت حس ودرك نمایند ! پس چنین اقتضا نمود که نبذهٔ تعریف دراین فن مفیده درج این صفحات نمائیم تاعموم سیه کان شایقین وقوف احوال علوم وفنون این عصر جدیده را از چگونگی آن اطلاعی حاصل آید .

ایستا تستیق — لغتیست ازلغات اجنبیهٔ اهل اوروپا وآن علمیست که احوالات طبیعیه ، واجتماعیه ، وسیاسیهٔ تمام کرهٔ ارض ویا ازیك قطعهٔ ارض ویا ازیك دولت ویا ازیك مزرعه ویا ازیکخانه را بواسطهٔ ارقام وجداول افاده ومعلوم گرداند . موضوع ومقصود این فن عبارت از اطلاع واگاهی دادنست انسانرا بکمال سهولت وغایت سرعت براحوال ، وحرکات ، وطبیعت ، واجزای مرکبهٔ هیئت اجتماعیه .

مثلا دریك دولت ویاکولایت چقدر حیوانات ومواشی اهلیه ، وچقدر انهار وطرق ، واراضی مزروع واراضی خالیه ، ودرهرسال چقدر تولدات ، وچقدر وفیات ، وچه مقدار آنرا کور وچه مقدارش آلت وبه امثال این هرچه که باشد از جزئی تاکلی همهرا درقید تحریر آوردن وانهمه معلومات مهمه راکمال سهولت وغایت دقت توضیح وتبیین نمودن وظیفهٔ فن ایستا تستیق است .

موجود بودن علم ایستا تستیق درازمنهٔ قدیمه خالی از شایبهٔ ریب وگمانست ، چه بدون اینعلم تسویهٔ امور اداره صورت نبندد ولما درینعصر جدیده فن مذکور مالك اسم خاص ، واهمیت ولزوم آن خارج ازحد وقیاس گردیده .

هرکسی که یکمزرعه ، ویك جفت گاو ودیگر لوازمات زمینداری را مالك باشد ، وخواهد که امور اداره و گذران خود را بحسن تسویه التزام کند مجبور است بر اینکه جمیع امورات زمینداری ، وذخائر ، ومقبوضات ، ومدفوعات خویشتن را دفتری ساخته از روی آن عمل نماید ، واگر چنین یك دفتری ندارد مطلع بر دخل وخرج اراضی خویشتن نگردد وزود باشد که سررشتهٔ کار از دستش گسیخته خسارات کلی بحالش عارض گردد ، وهم چنین است حال مردم کسبه وتجار ، وحال صاحب خانه وعیال .

پس حال دولت در خصوص بحال یك عائله مشابهت تمامی دارد چنانچه اگر حکومت از مقدار مساحی تبعه ، ومقدار نفوس ، وبیوت وطرق ومعابر وتجارت وزراعت وسپاه ورعیت وقس علی هذا جمیع امورات مملکت خویش را بقرار استاتستیق تطبیق وموافق نسازد مالیات وبدهیکه از افراد نفوس بگیرد بنا بر عدم اطلاع استاتستیق مقدار مساحی ایشان ثروت تبعه را تخریب نماید ، وهر مملکتی را که ثروت اهالی قلیلست اعمار آن نیز در تقلیل بود ودیگر امورات سائره را نیز بر این قیاس باید نمود ، لاجرم دولتی وخواه صاحب بیتی اگر احوال منابع حاصلات خویشتن را نداند مصارف را زیاده از مداخل نماید وچون چنین شود نهایت الامر حالش بهلاکت منجر گردد .

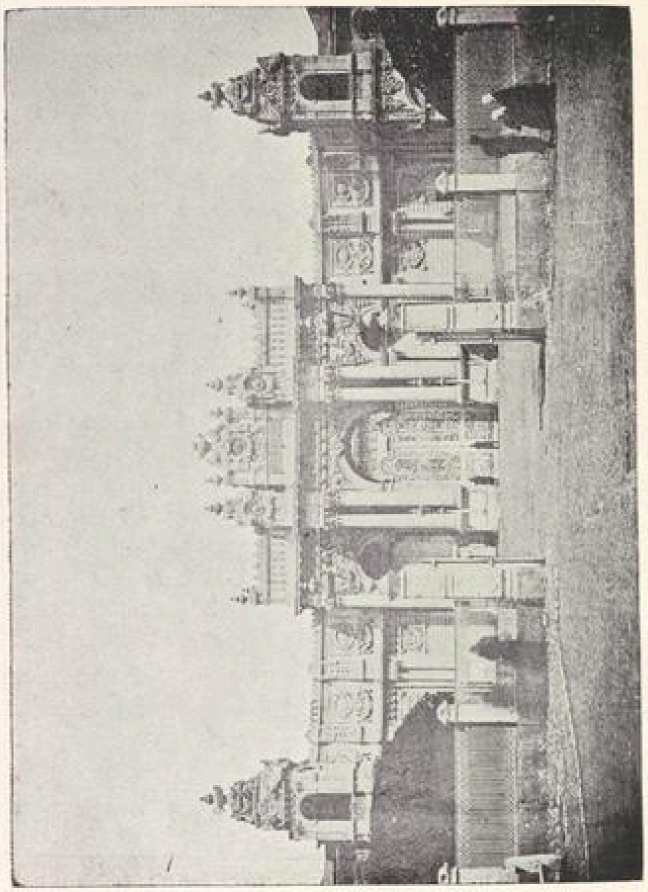

از مناظر استانبول

(دروازهٔ بسیار مصنع سرای شوکت احتوای (طولمه باغچه)

و چنانچه این اساس اکثر علوم عالیه از جانب شرق بسمت غرب نشأت نموده ودر اعصار اخیره حکمای غربیون بر آن اساسها استحکامات محکم وتعمیرات منتظم بنا نموده اند والان

اساسها شعبات عدیده وترقیات جدیده استخراج واستنتاج کرده ومیکنند فن ایستاتستیق نیز ازان قبیل است . چونکه از روایات موثوقه تاریخیه چنان مفهوم میشود که حکمای حکمت انتمای ملت بیضای اسلامیه در عصر حکومت (عبدالرحمن ثالث امویه) که خطهٔ اندلس را بسبب ترقیات علمیه وتأسیسات صناعیه بعنوان دار التعلیم عالم مظهر نموده بود ایشا تنسیق هـای

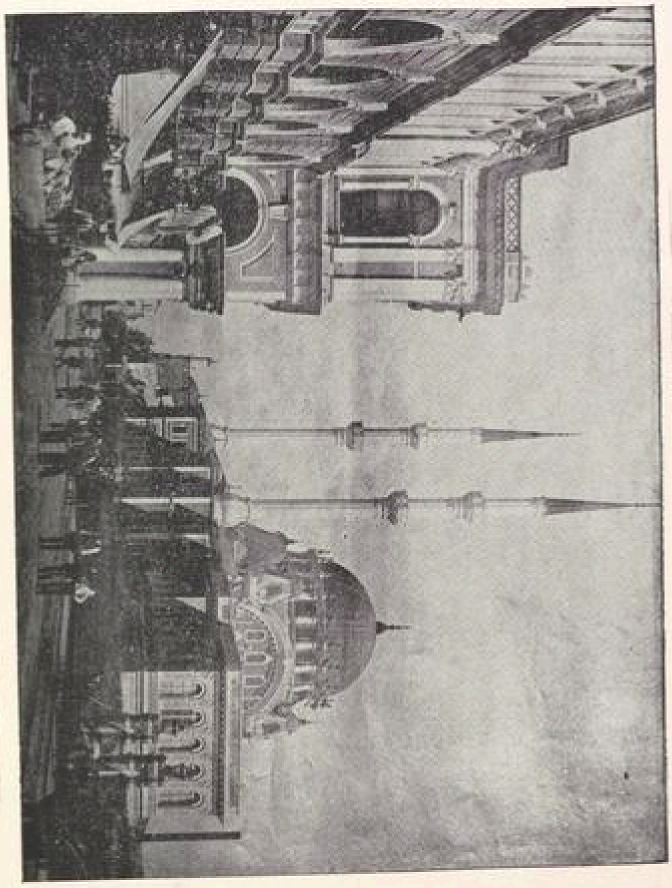

از مناظر اسلامبول

جامع درطرف طوپخانه وبازار آن

وفنون غریبه خود شارا محروم کذاشته بمجرد یک اسم ازا بشنوند توهم واستنکاف میورزند مانند جغرافیا ، وژوئولوژی ، وفوزیو غرافیا ، ومته اورلوژی ، وسائره که وجه تحصیل وتعلم نکردن اوانیز بتبعیت نکردن نصارا احل میپندارند که ازانجمله یکی نیز فن ایستاتستیق است . وبدین سخن پی نبرده‌اند که منبع اینهمه از کجا ومنشاء آن از کدام ماواست . الا بمجرد انکه اسم ان بلسان اجنبیه

بسیار منتظمی ترتیب وتنسیق داده بحضور خلیفه تقدیم نموده اند . حالانکه در آنزمان (شارلمان) نام حکمدار که ازاعاظم حکمرانان قطعهٔ اوروپا بود ومعاصر خلیفه مشارالیه بود اصلا وقطعا خواندن ونوشتن نمیدانست .

اماجای افسوس ومحل تعجب این است که بعضی مردم بیخبر از احوال زمان از فوائد ونتائج سودمند بسیاری از علوم عالیه

مانند دکر تداخل مذهبی نصارا را دران چه مدخلست ؟ بلکه اینهمه علمست وعلم امریست کلی که هرکس به اطلاع وتعلم آن مامور ، وندانستن وعدم اطلاع ازان عموماً منفور بود .

والحاصل درین زمان بدرجهٔ ثبوت وتحقیق رسیده که استعلاء هردولت متمدنه وتشریبات هرکونه مواد مفیدهٔ مدنیه متعلق بدانستن علم ایشا تنسیق است . چونکه در خصوص حسن ادارهٔ دولت

وحکومت اینچند چیز معتنابها بدون ایستاتستیق صورت نبندد :

اولا — احوال اهالی که منبع قوت وثروت ، ومقصد شان وترقی مملکت است به استاتستیق دانسته میشود .

ثانیاً — احوال قوهٔ ابنائیه ، وطرق مواردات ، ومواقع مدافعات ، ومعادن ، ومجاری ، وجبال وانهار هرمملکت ازروی قواعد صحیحه به استاتستیق دانسته میشود .

ثالثاً — صورت تنسیق مدنیه واهلیه مبنی بر قواعد صحیحه به استاتستیق دانسته میشود .

رابعاً — نفوس اهالی چقدر است ، و ازینقدر نفوس چه‌مقدار عسکر حاصل میشود ، ودرهرسال چقدر توالد وتناسل ، وچقدر تضاعف وتناقص درمملکت بظهور میرسد ، ومنشاء تناقص ازچه باشد جملگی به استاتستیق دانسته میشود .

خامساً — اهالی را تا کدام درجه تحمل تکالیف مالیه باشد وبعدازانکه مالیه بصورت مستحسنه گردآید چارهٔ توزیع وتصریف آرا بصور محقه نمودن به استاتستیق دانسته میشود .

سادساً — مقادیر وقیم محصولات صناعیه وزرعیه به استاتستیق دانسته میشود .

سابعاً — احوال تجاریهٔ مملکت ووسائط ترقی وتوسیع این مادهٔ مهمه به استاتستیق دانسته میشود .

ثامناً — اصول تعمیم وتوسیع معارف ودانش عمومیه نبعهٔ که مدار کلی اعمار وترقی مملکت است به استاتستیق دانسته میشود .

تاسعاً — روابط وضوابط تسبیقیه واصلاحیه امور ضابطه به استاتستیق دانسته میشود .

عاشراً — چارهٔ تعمیم قواعد مؤسسات خیریه به استاتستیق دانسته میشود . والحاصل محتاج‌الیه بنی‌مواد مفیدهٔ معتنابها فی ایستاتستیق است . این است مختصری ازتعریف وتعیین ایعلم . وانشاءالله من بعدازین که گاهی ازبعضی ایستاتستیقات عمومیه موادهای مفیدهٔ درج خواهیم نمود .

مقالهٔ مخصوصه

عمر انسانی ؟ حیات جاودانی !

طی میشود این ره بدرخشیدن برق
ما بیخبران منتظر شمع وچراغیم

آیا برق آسمانی چابکروتر است یا عمر انسانی ؟ درظاهر برق ؛ درحقیقت عمر ! برق درآن واحد میدرخشد ، محو میشود . حال آنکه عمر انسانی ازیک روز تاهفتاد وهشتاد ، بلکه نادراً تاصد سال دوام دارد . برق الکتریکی ، در یک ثانیه از شرق بغرب سیر ودور میکند . حالآنکه عمر انسانی باوجود وسایط نقلیهٔ سریعه که بدست دارد تاعمرها آن مسافه را نمی پیماید !

بلی ، ظاهر همین است که گفتیم . اما اگر یکبار مسئله را ازدیگر نقطهٔ نظر ملاحظه کنیم سرعت برق را نسبت بسرعت عمرمانند خردرگل ماندهٔ می یابیم ! اولا عمرطبیعی انسانرا بعمر کائنات عمرانی یک مقایسه ونسبتی باید بدهیم . عمرطبیعی انسانرا اگرصد سال وعمرکائنات را ـ صرفنظرازغیرمحدود بودن آن ـ لااقل یک ملیون عصر تخمین بکنیم ، نسبت عددیک رابه ملیون خواهیم‌یافت کهدرانحال آن دوام‌رانسبت باین‌پیشباقی ازدرخشیدن و محو شدن آنی برق کمتر خواهیم دید ! عمربرق باعمر کائنات یکجادوام ورزیده ومیورزد ، حالآنکه عمرازحد محدود مقدر خود یک خطوه پیشتر انداخته نمیتواند !

سرعت سیرعمررا ازین بلبل گلشن راز ، حضرت خواجه حافظ شیراز نیزتا یکدرجه استنباط باید کرد . چنانچه میفرماید :

بنشین برلب جوی وگذر عمر ببین
کین نصیحت زجهان گذران ما را بس

هرگاه درکنار یک جویبار تیزرفتاری دریک چمنزار لطافت‌نثاری بقدر یک ساعتی نشسته بسوی جریان آب نظر بدوزیم ، وقوهٔ متفکره را دران بندوزیم سرعت سیرعمررا عیاناً مشاهده میکنیم . بلی ، نظارهٔ جریان آب جاری برای گذر عمرانی یک آینهٔ عبرت بسیار معلومداری میباشد . هیچ چیزی گذرعمر را بدرجهٔ جریان آب تیز رفتار بچشم تجسم داده نمیتواند . زیرا انسان بچشم می‌بیند که عمرجسان جریان گذشتن دارد . ازرفتار آب ، رفتار اوقات وساعات عمردریک‌آن واحد بچشم جلوه گر میشود . ارهٔ دوسردم درکشیدن ودم فروبردن نیز اگرچه برای ازپا در افگندن نهال زندگانی درهردم وهرنفس دریش دهن افتاده ولی بازهم بدرجهٔ روانی آب روان گذران عمرانسانرا عیاناً نشان نمیدهد !

از نتیجهٔ این جا که همین حکم داده میشود که عمر را هیچ وفائی نیست . برق ، شرر ، حباب ، جریان آب ! . . . درازساختن آن هم ازحد طبیعیٔ آن محال ! حدود طبیعی اورا ازنود تابه صد و بیست مقرر کرده اند حال آنکه صد و بیست حتی دو صد هم نسبت بدهر برق وشرر شمرده میشود ! هراقدر که براعات قواعد حفظ‌صحت باهمهٔ شاید وباید آن بدرجهٔ نهایت کوشش ورزیده شود بازهم درازی عمرامکان امتداد را ندارد زیرا عمر درایام عروق وشرائین بدرایک کلفتی وسختیٔ حاصل میشود که جریان خون ازفعالیت طبیعیٔ خوددرمیان آنها عاجز میماند . اعصاب یعنی پی‌هارا تیزیکشتی وکرکیٔ پیداشده ازحال‌طبیعیٔ خود دورمی‌افتد . حجرات دماغیه‌را تنگی وفشاری پدیدار گردیده حواس ازاجرای کار دران درمیماند . دلرا چاقی وزردگی پیدا شده ، ودیها وتجویفهای آنرا تنگی وفشاری دستداده وظیفهٔ تقسیم خون‌را بخوبی بجانمی آرد . باینصورت رفته‌رفته همهٔ تاروپودی که قماش زندگی را بوجود آورده پوسیده گی و کهنه گی وارد

آمده دمهای بادیهٔ ناپایان عدم گردیدن ضروری ولابدی شمرده میشود . این تعریف و تصوریکه نمودیم برای آن کسانیست که بهیچگونه عوارض گرفتار نیامده وجولان تاز مراحل عمر طبیعی شده بمنزل برسد . هزار افسوس که چنین مرحله پیمائی برای کمی میسرشدن از نادراتست امراض گوناگون ، وعوارض تلموتی که دمبدم زندگی را تهدید میکند هیهات که کسی را بگذارد که بمنزل طبیعیش برسد !

آه ! چه ناامیدی ، چه حسرت ! باین زندگی پنجروزه چه دلبستگی ، چه خاطر جمعی !! . . .

حیات جاودانی لازماست ، زندگی ابدی بکاراست ! و گرنه این عمر برقنمای شرر آسا چه فایده !! ...

بسیار خوب ، اما حیات جاودانی ، زندگی ابدی کرامیسر میشود ، کرادست میدهد ! هر کس حضرت « خضر » زنده حیات نمیگردد که در ظلمات بچشمهٔ « آب بقا » دسترس بیابد ! وچون حضرت خواجهٔ شیراز دل زندهٔ چنان عشق پاکی نمیشود که هرگز مردن نداشته باشد ! ...

آیا حیات جاودانی ، زندگی ابدی ، چشمهٔ آب بقا ، عشق مردن نداچه چیز است ؟ بدانید ، آگاه باشید که آن چیز است :

« نام نیک »

که انسانرا هیچگاه نمیمیراند ، وزندگی جاودانی میبخشد ، ومرور اعصار ودهور آنرا محو نمیسازد ، ورق گردانی ایام صفحهٔ صحیفه های خود آنرا باحترام نگه میدارد ، زبانها آنرا زینت بخش ورد صبح وشام خود میگردانند .

پادشاهانی که بعدل وانصاف و کارهای بزرگ او صاف بگذاشتن « نام نیک » کامیاب آمده اند ، بهادران وصاحبقرانانی را که بفتوحات وجهانگیری شهرهٔ آفاق شده‌اند ، صاحبان عزم وحزمی را که ملتهای اسیرشدهٔ دست غیرملت شانرا ازاسارت ظلم واستبداد اجنبی رهانیداده استقلال و آزادی قومی وملی شانرا بآنها بخشیده‌اند آیا مرده میشمارید ؟ حاشا ، حاشا ! آنها زنده گی ابدی ، حیات جاودانی را نایل شده اند .

هزار ساله یك عمری که به انواع عیش وشادمانی ، واقسام مسرت وکامرانی بسر آید آنچنان عمریست که دوام آنرا ازدرخشیدن برق هم کمتر باید دانست ، یکروزه عمری که به ابقای نام نیکی بگذرد آنچنان عمریست که آنرا جاودانی و ابدی باید فهمید . خوش بخت آنکه از بهر استحصال چنین یك عمر ابدی فرصت یافته باشد وچون آن فرصت دست دهد منتظر شمع وچراغی نشده مانند برق بدرخشیدن آغازنهد ودرطی مسافه فوت نمودن فرصت را جنایت بشمرد .

شمعیم که جامدشده‌شعله ودماغیم
مردیم چو کافورولی‌دردسراغیم

حوادث خارجیه

اجمال احوال

نغمه همان یك نغمه ، ترانه همان یك ترانه ! او تاری که رود روز آنرا کوك میکند یوروپس آنرا بنغمه های مخالف راست کرده آهنگهای زیروبم را دردوگاه وچهارگاه بساز ونواز می آورد ! اما چیزیکه درین طنبور نغمهٔ دیگری افزوده هما دمدمه وزمزمه ایست که ازموزیك امریکا نواخته میشود . این یك معلوم است که امریکا باژاپان ازبسیار وقتهایك رقابت وهمچشمی دارد . چون درین جنگ عامی ومعاهدهٔ یکانهٔ ژاپان یعنی دولت بریتانیا بجهان خود گرفتار است امریکا ازفرصت استفاده کردنرا مناسب یافته میخواهد که اگر بتواند نفوذ واقتدار ژاپانرا ازچین ودیگر اطرافی که ضرر آن بامریکا ملحوظ باشد دفع کند . ازینطرف هم بدولت بریتانیا نیز بعضی بانکها میزند ودرباب پاشیدن دانهٔ جنك بهانه جوئی میکند . وچنان معلوم میشود که آخرصداهای طوپ‌دنیای جدید سامعه خراش دنیای قدیم‌میشود . ونیز ازبعضی علایم چنان استنباط میشود که اینصداها برضددول متحالفین بلندمیشود . زیرا چنانچه ازیکطرف بهبهانهٔ خریداری جهازهای تجارتی اعانهٔ نقدی بدولت المان میرساند ، ازدیگرطرف خیالقرضه دادن بدولتهای المان‌واوستریا وعثمانی دارد . علی‌الخصوص تولجیکی که درین اواخر درمابین امریکا وبریتانیا درخصوص تفتیش جهازهای تجارتی پیش آمده نزدیکست که رازها ازپرده بیرون افتد !

درمیدانهای رزمگاههای غربی وشرقی بجزهمان یك نغمهٔ حمله آوری متواتره وپیاپی شدنهای متکرره که انسانرا ازشنیدن آن یك‌ملالی حاصل شود ورفته رفته بمقابل اهمیت دادن ازیك بی روائی پیداگردد دیگرچیزی شنیده نمیشود . آخرترین حوادثی که رخنموده‌ویك کمی نغمه را تبدیل داده اعتراف روسهاست برشکست خوردن‌شان ازجرمنها دررزمگاه مشرق . چون همینقدر اعتراف ازطرف خود شان بشود معلوم است که این‌شکست خیلی بااهمیت خواهد بود !

ازمحاربات بحری هیچ‌یك‌از بااهمیتی پدیدار نیست . مگراینکه ازخبرهای اخیره باز غرق شدن جهازات متعددهٔ تجارتی انگلیز وفرانس ازدست کشتیهای تحت‌البحرجرمنی شنیده میشود درباب جنگهای قفقاس ومصر بازیك سکوت تامی حکمفرماست . ولی سکوت‌هم ازمعانی خالی‌دیده نمیشود . هیچ‌شبهه نیست که درپنهان داشتن خبرهاوسخت گیری سانسوروحك واصلاح خبرها ازفایده بیشتر ضرر متصور است . اگر خبرهائی که نشر میشود راست هم‌باشد اطمینان براست بودن آن‌حاصل نمیشود . واگردروغ هم بود دروغ آنرا بچه ثابت باید کرد ؟ هرچه که هست همین است ! نتیجه را انتظار باید کشید . البته بهمه حال یك نتیجه روزخواهدنمود که پنهان ماندن آن غیرممکن خواهد بود !..

(ازجریدهٔ فریدهٔ چهره‌نما)

کارخانه توپ ریزی واسلحه سازی کروپ

این اوقات بیشتر جراید انکلیسی وفرانسوی بحثشان از کارخانه مشهور کروپ آلمانی . وازاین کارخانهٔ عظیمه وادوات ناریه و آلات جهنمیه کبیرهٔ اوسخن میرانند ماهم لازم دانسته شمهٔ ازاین کارخانه آلمانی بیان نمائیم تاخوانندکان چهره‌نما آکاهی حاصل کنند .

درشهر (اسن) آلمان کارخانه باسم (کروپ)

که اسم صاحب کارخانه باشد درصد سال قبل ساخته شده وعبارت از ۶۰ دستکاه اسلحه سازیست واینها تمامی بازاه آهن بهم متصل وطول راههای آهن او ۴۰ میل (۱۳ فرسخ) میباشد فاصله ۳۰ میل راه منازل وانبارهای بسیار اومیباشد ومیدان بزرك هست برای امتحان توپها وهرزمان که بخواهد امتحان توپی کند (شاه فوت) کشیده وصدائیکه ازقوه بخار بلند میشود بتمام شهر میرود وده بار میکوید (حذر کنید وبترسید) وچون ازامتحان فارغ کردد صدا میکند (خطر نیست)

درینکارخانه ۴۰ هزار کارکر وچهار هزار خدمت کار و۱۵ هزار عمله معدن وهفت هزار فعله دیکر که جمعا ۷۶ هزار نفرند موجود بوده واین کارخانه هیچکسرا اذن دخول وبسراز اعمال اوراه یافتن نمیدهد .

توپهائیکه این اوقات این کارخانه بیرون باورده ودر محاصره (لیاج ونامور) وغیره بنای کلوله اندازی و آتش فشانی نموده محیر العقول بوده قسمیکه جراید تیمس لندن وتان ودیبا . فرانسوی شرحها ازآنها مینکارند که خلاصه اش اینست (توپ آلمانی عیار ۴۲۰ الی است جهنمی قوی شخیم وهیچکس نمیتواند اوراحرکت بدهد وسوار نماید بغیراز مهندسین خصوصی کارخانه کروپ وشلیك کلوله های اوبتوسط قوه کهربائیست بمسافت بسیار دور که تقریباً دوفرسنك ووزن کلوله او ۹۵۰ کیلو کرام وچون بنای کلوله ریزی میکذارد حرکت دوری کذارده وتا ۱۰۰۰ ذرع روببالا کلوله اورفته وپائین میآید وقرب زمین کلوله متلاشی شده ودودی اولازاو در آمده ومتفرق بسرعت میشود وبدماغ هرکس رفت فوری اورا بیهوش مینماید وریزه های کلوله متلاشی شده بجسم هرکس نشست اورا ازپادرمیاورد — همچنین توپ دیکر بعیار ۲۰ توپهای (زریتچ آهسته) و (براه دونده) که لیاج مفتوح کردند .

روزنامه (تان) ازمخبر روزنامه (نیورو ترام) هولندی که مقیم شهر (اسن) کارخانه کروپ بوده نقل میکند که آلمانها بسا توپهای دیکر دارند که هنوز موقع کار فرمائی آنها نرسیده چنانچه کروپ آلمانی توپی ساخته که هرکاه درساحل دریای (مانش) درشهر کاله فرانسه نصب کند کلوله اومیافتد درانطرف ساحل (مانش) درشهر دوفر انکلیسی ! ! ! وتوپهای کروپ آلمانی ازانجمله است که بارتفاع هشت تاده کیلومتر (سه‌فرسخ ربع) بهوا میرود واین توپ مختص شکستن کشتیهای هوائیست واغلب توپها را اتوموبیل باید حمل ونقل کند یاشش تا ۱۴ اسب باید بکشند علاوه کارخانه کروپ انواع اسلحه‌ها وتارنجکها وسرنکهای دریائی باسرار دارد که هیچکس بغیر ازمهندسین مخصوص کارخانه علمش اطلاعی بآنها نخواهد شد وبتدریج ازاین کارخانه درساختهای جنك بساختر عات محیر العقول که قابض ارواح وهادم عمارات است بعرصه ظهور خواهد پیوست .

کذا

(معنای کرکان آدمی کش ، یا عروسی کرکان آدمی خور)

تلکرافات خبرداد که حوالی قشون روس و آلمان دسته ، دسته کرکان مهیب نمایان کشته ، واتصالاً کشته های طرفینرا طعمه خود میکنند وقناعت باجساد کشته‌ها نکرده بمجروحین جاندار که رمق باقی دارند هم حمله میبرند ، و آنهارا غفلتا میربایند — بدین‌سبب عده‌ازقشون ناچارشده که دائماً با کرکها میجنکند ، وآنهارا دورمی نمایند . لاکن کرکها تازه باطعمه لذیذه ازلاشه های تازه آدمیان برنطبیعت رسیده باصداهای فرح انکیز کوناکون همیشه ازجسد های کشته ها وزخمیها شکار مینمایند واین حادثه برای مردم خیلی متاثر واقعشده چونکه کرکها درکوهها ودره‌ها وزیر برف ومغاره‌ها جادارند وبرطرف کردن آنها ازمحالاتست .

ترجمهٔ اخبارات اردو که عبدالرحمن محرر اداره ترجمه کرده

(یك غلطی مدهش توپخانهٔ انکلیزی)

بتاریخ ۱۰ دیسمبر درمیدان رزمکاه‌مغربی درعلاقهٔ شمال‌شرقی فرانس یك افسر بلقی ، توپخانهٔ انکلیزی را حکم داده بود که اکر ازمکان بلندی مخصوصه بآنطرف کسی را درحرکت ببیند فی‌الحال بران فیر کند ، چنانچه پس‌از کمی درقریب آنجا چند صد نفر درمحل مذکور کردش کنان بنظر برخورد ، که بنا بران توپخانهٔ انکلیزی بکمال نشانه بندی برانها بکلوله باری آغازنهاد وبسبب بعدمسافه دیدن‌وشناختن مردمان زیرفیر بزهیچ‌ممکن نمیشد که باری همچنان دوام داشت که رئیس توپخانه محل انداخت کله‌را بدوربین دقت کردن کرفت چون‌یك نظر کرد یکقدری بشبه افتاده بایك ، لفتنی ، (منصبدار) کفت که ، چسان شما باور میکنید ، کهاینها جرمنی‌میباشند ؟! اکرحقیقتاً جرمنی‌باشند خوب ! والا خدا بامداد شان برسد ، زیرا من آنهارا بکلی تباه کردم . منصبدار مذکور نیز بعد ازانکه تفتیش حال کرد این یك را نیز دیده کفت که ، مردمانیکه درزیر کله کرفته شده اند جمیع شان دربنی خاکی نپوشیده‌اند ، غرضیکه‌شبه تقویت کرفته میرفت تامیجربه توقیف کله باری حکم داد وایتوقت قریب‌نصف نفری زیر هدف هلاك وفنا کردیده بودند ، بعد خبر رسید که مردمانیکه برآنها باینقدر شدت و حدت کله باری شده بود همکی ازخود بودند . اصل سهو ازین دو سخن واقع شده بود ، یکی

آنکه قاصدیکه خبر گذشتن وحرکت کردن افواج انگلیزی را زخمی تیر که خورده می آورد درراه بکلّهٔ دشمن هلاك گردیده خبر مذکور بتوپخانه نارسیده ماند . ودیگر آنکه سپاهیهای زرد که بسبب بارش بار انکوتهای خودرا پوشیده بودند که بالاپوشها وبالاپوشهای عساکر دشمن بس بهم مشابهت میرسانید .

(جادو) : (یك تماشای عجیب دریك تیاتروی شهر نیورك)

دریکی از تیاتروهای شهر شهیر « نیورك » پایتخت ممالك متفقهٔ امریکا بتاریخ ۱۷ دسمبر یکواقعهٔ عجیبی بظهور پیوست تیاتروچیها میخواستند که ۳ شیررا ازیك قفس بدیگر قفس نقل دهند کذا که هرسه شیر ازدرقفس بدرجسته درمیان تماشاچیها افتادند . مردمان چون شیر ها را کشاده دیدند هر کس بگریختن و دویدن شتاب ورزیده یك شور وغوغای عمومی دالانرا استیلا کرد حتی شیر ها نیز ازین هایهوی مردمان ترسیده بی آنکه باعث ضرر و زخمی شوند بیرون ازمحوطهٔ تیاتر وگریختن خواستند . دریتوقت بردروازه یك منظرهٔ دهشت نمای عجیبی نمودار بود انسانها بجای‌های خود شیرها بجای خود ساکت واز همدیگر خوف کنان به برامدن سعی میکردند . هرچند پولیسها برای دلداری مردمان دوردست فریادها براوردند که اینها شیر نمیباشند بلکه یکنوعی از گربه ها هستند ولی کسی بان التفات ننمود . شیرها بعد ازانکه خودشانرا از انبوه انسانها کشیدند در یك خانهٔ درامده پناه گزین گشتند که این حرکت شانرا پولیس‌ها برای خودها یك موقع فرصت دانسته دروازهٔ خانه را بدنبال شان بسته کردند شیرها به حدت آمده دروازه‌را شکستانده بمقابلهٔ پولیسها برای اخذ انتقام بیرون شدند ودرمیان شیرها و پولیسها مقابله ومجادله درگرفت ازطرف پولیسها یکشیر بچه‌های فیرکشتند وچندنفر پولیس هم ازطرف شیرها زخمی کرده شدند . درأثنای این رفتار مجادله شیرارا بایك نان بانی تصادف افتاد که این نان بانی هرروز به آنها نان میداد چنانچه بمجرد دیدن نان بانی شیر هادم جنبانی گرفتند وحدت حیوانی‌شان کسب سکونت ورزید . مردمان سیرین حالا ازمهلکه محفوظ مانده از کثرت مصادمه و مواجهه یکدیگر سروپا کوفته ببد حال بخانه رسیدند .

(کذا) :

(مسافه های بین الحدود رزمگاه های حالی اوروپ)

سرحد جرمن ، از « هولانده تابه « سوید » » = ۲۵۰ میل
از « لیجه تابه « بروکسل » پایتخت سابق بلجیم = ۵۵ »
از « برلین » تابه « پاریس » = ۵۵۰ »
از « برلین » تابه « پیترو غراد = ۱۱۵۰ »
از « برلین » تابه « وارساو » = ۳۳۰ »
از « برلین » تابه « موانش » یکشهر جرمن در « بوریه = ۳۱۵ »
از « بروکسل » تابه « کولون » = ۱۱۵ »
از « بروکسل » تابه « دوور » = ۱۴۰ »
از « کیلی » تابه « دوور » = ۲۱ »
از « ویلیلم شیفن » تابه « لندن » = ۴۰۰ »
از سرحد بلجیم تابه « پاریس = ۱۱۵ »
از سرحد جرمن تابه « پاریس » = ۱۷۰ »
از « ویانا » تا « بلغراد » = ۳۱۰ »
از « وشولا » سرحد روسیای شرق = ۱۷۰ »

(کذا) : (معلومات مفیده)

درسال ۱۸۷ و۷۱ م جرمن فرانس‌را شکست‌داد وحکومت حاضر جرمن تأسیس یافت .

درسال ۱۸۷۲ م ، جرمن برای غلبه یافتن برجمیع دولتهای دنیا بنای تیاری وحاضری را گذاشت .

درسال ۱۸۷۷ ، ۷۸ م ، ازجنك عثمانی و روس کمزوری جرمن معلوم شد .

درسال ۱۸۷۹ م ، جرمن بااوستریا وایطالیا اتحاد کرده اتفاق ثلاثه را تشکیل داد ، تاروس را غلبه حاصل نشود .

درسال ۱۸۹۶ م ، درمقابل این اتفاق مثلث روس وفرانس حلیف گشته اتحاد ملی تأسیس یافت .

درسال ۱۸۹۹ م ، ازجنك بوریانی‌ها ازطرز سیاست بعضی سلطنتها انگلستانرا بخشیهٔ پیداشد .

درسال ۱۹۰۳ م ، جرمن ساختن جهازهای جنگی را زیاد ازاحتیاج آغاز کرد .

درسال ۱۹۰۴ م ، مابین فرانس وانگلستان اتحاد قایم‌شد .

درسال ۱۹۰۵ م ، امپراطورجرمن بهانهٔ مباحثه وطنجه مراکو رفت .

درسال ۱۹۰۶ ، قونفرانس « الجزراس » قایم شد که دران جرمن کوشش تا کامدشمنی‌انداختن مابین‌فرانس وانگلستان کرد .

درسال ۱۹۰۷ م ، مابین روس وانگلستان معاهده‌شد که‌از روی آن مابین‌روس ، وفرانس ، وانگلستان اتحادثلاثه قایم‌شد .

درسال ۱۹۰۸ ، ۹۰۹ م ، اوستریا بردو علاقهٔ « بوسنه » و « هرزیکونیا » ی عثمانی قبضه کرد ، اینوقت اتفاق‌مثلث کامیاب‌شد وبرای شکستاندن اتحاد دوباره یك کوشش بی‌ثمری اجرا کرد .

درسال ۱۹۱۰ م ، متعلق مراکو مابین جرمن وفرانس معاهده شد .

درسال ۱۹۱۱ م ، در واقعهٔ « آغاز مراکو » جرمن اتحاد ثلاثه را آزماید وانگلستان کی نزدیکی خودرا بوی نشان‌داد وطرفداری فرانس را کرده درحالت آنخیال جنك را باجرمن ظاهرکرد . جرمن درزیادت‌دسته بحریهٔ خویش کوشیدن گرفت .

درسال ۱۹۱۲ م ، عثمانی درجنك بالقان هزیمت برداشت واقتدار اتفاق مثلث را نقصان رسید . وجرمن درساختن جهاز های جنگی بیشتر اظهار مستعدی نمود .

درسال ۱۹۱۳ م ، جرمن برای تعالی رعب واقتدار خوددر عسکری وبحری خویش افزود .

درسال ۱۹۱٤ م ، اوستریا برای اخذ انتقام قتل ولیعهد خود برسرویا فوجکشی کرد و روس‌را جرمن واوستریا بربیطرفی تهدید میکردند روس ، فرانس ، انکلستان بنابرمعاهدهٔ خودشان اتحاد کرده بمیدان برامده جنگ حاضر شروع شد .

(همدرد) : (همدردی ترکان درجزیرهٔ جاوا)

بتویا ، اخبارات انجا برای امداد آن تحریک عمومی کرده باشنده گان این جزیره به این غرض که درمقابل اتحادیها امداد حال ترکان کرده شود کوشش میکنند .

(کذا) : (شورش ترکان دراوستر الیا)

سدنی ، دوترک عقام ، سلورتن ، بریک گادی سیاحان فیر کردند که ازان چندنفر مقتول ومجروح گردیدند . هرچند پولیس تعاقب این دونفررا کردولی آنها بکوه بالاشده خودرا ازچشم مردمان غائب ساختند ، اینهاپیش ازین فریک سوار رساله راهم زخمی کرده بودند .

(کذا) : (عدد اسیران جنگ درجرمن)

جرمن عدد اسیرانی را که بتاریخ یکم ماه جنوری بذریعه تلگراف بی سیم شایع ساخته تفصیل آن ازقرارذیل است .

از مناظر استانبول

قصر دلآرای سلطانی در (بیگلربیکی) نام‌موقع بافضای بوغاز بوسفور

فرانس	۳۴۵۹	افسر	۲۱۵۹۰۵	سپاهی
روس	۳۵۷۵	۰	۳۰۶۲۸۰	۰
بلجیم	۶۱۲	۰	۳۳۸۵۲	۰
انکلیزی	٤۹۲	۰	۱۸۸۲٤	۰
جمع کل =	۸۱۳۸	۰	۵۷٤۸۶۱	۰

(کذا) (امپراطور جرمن نان سپاهیانه میخورد)

اخبار ، لوکلن زیجر ، ازراه ذرایع معتبر معلوم شده که امپراطور ویلهلم حکم داده است که برای خود شان نیز بعدازین نان معمولی سپاهیها آورده شود .

(کذا) : (روانگی اسیران مسلمان به قسطنطنیه)

تار امستردام مظهر است که قریب ۲۰۰ نفر مسلمانیکه درفرانس وبلجیم بدست جرمنها اسیر شده بودند جرمنها آنهارا در مقام « زوسن » به قرب « برلین » فرستاده اند که بادیگر نفری اسیران مسلمان یکجا شده بقسطنطنیه فرستاده شوند .

(سیاره) : (درقسطنطنیه اظهار مسرت)

اگرچه روتر بایم خبرداده بود که ترکان درقفقاز شکستهای شدیدی برداشته اند مگر برخلاف آن در قسطنطنیه اعلان فتح « سرای کمیش » کرده شدودرتمام قسطنطنیه برین فتح یک جشن

عمومی اجرا شد . نزد جلسهٔ وزرای عثمانی از میدان جنگ تلگرافات رسیدند که مضمون آن این بود که مابر ، اردهان قبضه کردیم بمجرد اشاعت این تلگراف بر عمارات های حکومتی قسطنطنیه در هر جا بیرق ها فسیو کشاده شدند و در اخبارهای ترکی به بسیار جوش و خروش مضامین جوشدار و مقالات سیاسیهٔ همت افزا طبع و نشر شدند . « کونت ربونتلو » در جلسهٔ « دوئی توجز زیتنگ » بیان کرد که از این فتح عظیم الشان عثمانی در تمام محروسهٔ

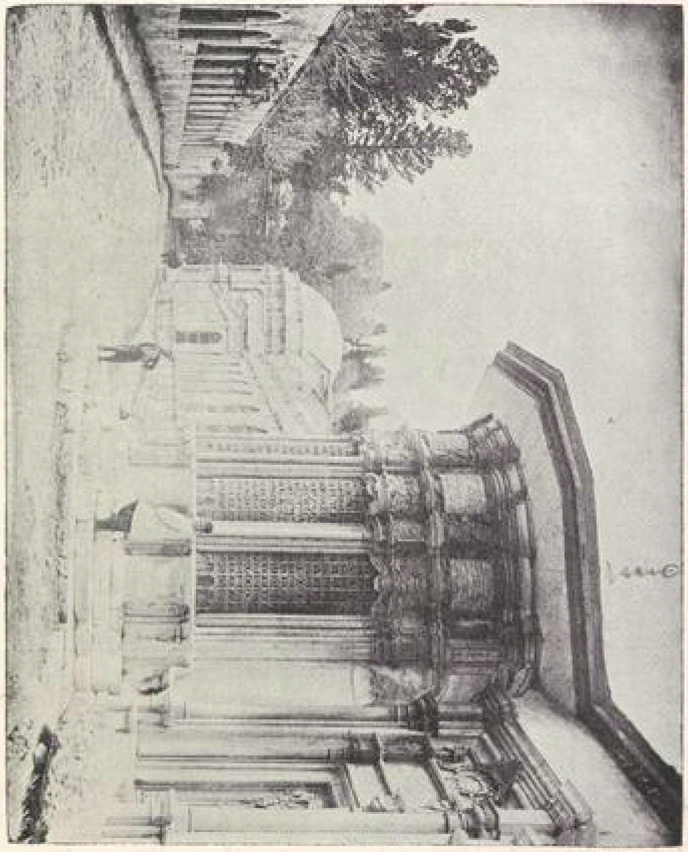

از مناظر اسلامبول

چند مقبرهٔ سلاطین در جوار جامع ایاصوفیه

گفته شود . آرای اخبار های روسی که برین مسئله صرف شده اند همه را اخبار « نجی نجی » ژاپانی بذریعه تلگراف گرفته درج کرده است آنها میگویند که از روی عهد نامهٔ که ژاپان را با انگلستان است او جرمن را از « کیاو چاو » کشیدونی اورا باروس هیچ یك چنان معاهدهٔ نیست که انسان بران چیزی گفته

جرمن اظهار مسرت و خوشنودی کرده شد . از فتوحات قفقاز این سخن بپایهٔ تحقیق پیوست که درمصر نیز عنقریب همچنان مظفریت دست خواهد داد .

(ایضا) : (احتیاج به امداد ژاپان نیست)

« سوشل بجن » سابق ناظر خارجهٔ فرانس این تجویز را پیش کرده بود که به ژاپان در خصوص جنگ با اوستریا و جرمن

نتواند . در بصورت جاپان بکدام دلیل با جرمن و اوستریا جنگ کرده میتواند . و علاوه بران امداد ژاپان در رزمگاه اوروپ دولتهای متحده را باعث بدنامی است و مردم خواهند گفت که زمانیکه ژاپان به آنها مدد کرد آنها جرمن و اوستریا را شکست دادند و پیش ازان نمیتوانستند . حالانکه ما نمی خواهیم که مردم

چنین سخنها در حق ما بگویند و بجز آن دروقتی که اگر خود ما عاجز میماندیم بزانان دربنباب مشوره کردن مناسب بود حالانکه تنها دولت برطانیا اگر جمیع قوهٔ معنوی خود را استعمال کند برای شکستادن جرمن کافی است .

پشاور دیلی نیوز

(التوای جهازرانی مابین جزیرهٔ بزرگ برطانیا وارلاند)

لندن ۲ فروری :

آمدورفت چندجهاز باقاعده درمابین جزیرهٔ بزرگ برطانیا و آیرلاند بند کرده شده است . ولیکن در « لورپول » هیچ خطرهٔ ازهیچ طرف نیست چنانچه جمیع جهازات حسب معمول درانجا رفته و آمده دارند. جهازهای مسافران نیز تا به لورپول منتظم میروند ویقین کاملست که محکمهٔ بحریه قلع وقمع حمله آوران را خواهد کرد.

(همدرد)

(کشتی تحت البحر در بحر آیرلاند)

لندن یکم فروری :

بظاهر دو کشتی تحت البحر جرمن نمبر (یو ۲۳) و (یو ۳۱) دربحر آیرلاند بودند وقتیکه ابتداءً یکی ازانها دیده شد بران یك بیرق خورد انگلیزی بلند بود بموجب روایتهای زبانی آدمهای که نجات داده شده بودند ، افسر کشتی نمبر (یو ۳۱) گفت که ، « ملاز ناآرامی شما بس تأسف میکنیم مگرچه باید کرد زیرا مارا حکم غرق ساختن جمیع جهازهای انگریزی رسیده است » :

دوبلن یکم فروری :

« لینستر » نام جهازداك از « هولی هید » بوقت دیگر روانه شد ودرقریب منار روشنی « رهیا » آرایك تحت البحر جرمن تا به یکمیل تعاقب کرد . « السترك » کشتی مسافر بردار داك نیز دیروز شام بوقت معین خود مسافران را برداشته روانه شد . « جمعیت بیمه کنندگان جهازها ازخطرهٔ جنك » درحرکت جهازها بطرف لورپول هنوز هیچ مانع نیامده اند .

(کذا):

(نقشهای افغانستان وبلوچستان)

دریکی از اوتلهای « رنغون » چندروز قبل ازاعلان جنك یك بکس یك جرمنی مانده بود ودرین چند روز که کشاده شد از مابین آن قدر بیست ودو نقشهٔ مکمل افغانستان و بلوچستان وسرحد شمال غربی هندوستان برآمدند . بکس مذکور بتوسط پولیس به حکام عسکری سپرده شد .

(المشیر)

(دریکشب سه دزدی)

ازضلع « علی پور » برای پولیس خبررسیده است که درمقام « پاراست » دریکشب ۳ جای دزدی واقع شده است , درجای اول دزدان بارچهها وسونتها مسلح بودند. آنها بخانه « بدهو موندل » واقع « بامن کاچی » بوقت شب افتادند واورا بازنش دست بسته آنقدر زدند که نیمجانش ساختند و بعدازان کلیدهارا گرفته صندوق هارا کشاده وصندوق های آهنی را شکستانده قریب یکهزار روپیه زرو زیور بردند

درمحل ثانی نیز همچنان ۳۰ نفر رهزن مسلح عین برهمان وقت به خانه « اسنهای موندل » واقع جابرا هجوم بردند دزدان دیوار احاطه را سوراخ کرده بدرون درآمدند واهل خانه را بیرون کشیده بسونتها آنهارا خوب زدوکوب دادند بعدصندوق هارا شکستانده مبلغ ۵۰۰ روپیه را زر وزیور ازان گرفته فرار کردند .

درهمین شب یك دزدی دیگر درخانه « ستانی رویداس » واقع رام نگر مقام « باراست » واقع شد . درنیمشب در وقتیکه جمیع اهالی بخواب بود بقدر ۲۰ نفر رهزنان که بارچهها وشمشیرها مسلح بودند افتاده وبازنان بدسلوکی کرده قریب ۸۰۰ روپیه را مال نیز باخود بردند .

(دزدی درعلاقه بنون)

ازبنون خبررسیده است که ۴۰ نفر محسودان شاهی شانی خیل وبتانها درشب سهشنبه گذشته برده شاهین قلیخان افتادند دهکانها ۴ نفر رهزنان را کشتند ویك را زنده گرفتند وازطرف اهل ده ۲ نفر زخمی شدند .

(کذا) :

(سلطان حاضر مصر باغی قرار داده شد)

روما ۳۰ دیسمبر :

دریك خبر رسمی قسطنطنیه بیان کرده شده است , که سلطان المعظم برخلاف حسین کامل سلطان مصر یك فتوائی (فرمان) شایع کرده است که دران بر حسین کامل برخلاف دولت عثمانیه جرم بغاوت وارد گردانیده شده . حسین کامل ازجمیع امتیازات عثمانی محروم کرده شد . ودرفتوا این حکم نیز درجست که کورت مارشال جیش چهارمی که بمصر رفته تصدیقوفیصلهٔ مسئله اش را خواهد کرد .

(کذا) :

(اتحاد عثمانی وجرمن)

یك نامه نگار اخبار « تریبونا » تلگراف کشیده که دران اظهار نموده که جرمن وعثمانی یك معاهدهٔ دستخط کرده اند که شرایط آن ازقرار ذیل است :

(۱) جرمن برای عثمانی روپیه ، کله ، باروداسلحه ، توپخانه، افسر بقدر لزوم واحتیاج مهیا خواهد کرد .

(۲) جرمن عثمانی را حصهٔ بحرآن تاوان جنگ که بعدازصلح ازدولتهای متحده بگیرد خواهد داد .

(۳) جرمن جداگانه از عثمانی صلح نخواهد کرد وآینده هرمسالت نامهٔ که بدول یورپ نکاشته شود یکفقرهٔ دران چنان

خواهد بود که ازروی آن متعهد برای تقسیم نمودن دولت عثمانی هیچ دولتی جسارت نخواهد توانست .

(٤) عثمانی برخلاف روس ، و انکلیز جنك خواهد کرد وجدا گانه ازجرمن باحریفان خود صلح نخواهد کرد .

(کذا) :

(مسلمانان قفقاز بمعاونت ترکان)

دردوایر عسکری « برلین » حالت ترکان درقفقاز بسیار خوب خیال کرده میشود . وازسبب شریك شدن جمعیت های بزرگ مسلمانان قفقاز باترکان ، ترکها کامیاب شده اند .

(کذا) :

(جنرال وان درکولتز)

امستردام : ـ اخبار « برلینر تیج بلات » بیان میکند که فیلد مارشال وان درکولتز درمیدان رزمگاه قفقاز رفته است .

(کذا) :

(مقابلهٔ روسیان وترکان درقفقاز)

امستردام : ـ ازصدر مقام عثمانی یك راپورت طویل ومفصل بذریعهٔ تلکراف رسیده است . که دران بیان کرده شده که ما « ارغان » را که قریب ٤٠ میل اندرون سرحد روسی بگوشهٔ شمال غربی قارس واقع است تصرف کردیم . بعد ازان بیان حال یك معرکهٔ شدیدی کرده شده است که دران به نزدیکهای غروب روسها هزیمت برداشته خوب عقب نشسته اند . نامه نگار « پریس ایسوسی ایشن » مینویسد کهدرین ریورت بحث وقصه های دورو دراز مظالم روسها کرده شد مثلا مال واسباب مردها وزنهای غیر مسلح را بزور گرفتند وپیش از تخلیهٔ « ارغان » چشمهای اکثر اهالی آنرا کشیدند . درریورت اینهم گفته شده که عسکرهای ما که چند فریق ایرانی هم باآنها شامل بودند ۸۰ میل دوراز « تبرز » بمقام « میان دوآب » قریب چارهزار روسی را که باخود ۱۰ توپ هم داشتند یك شکست بسیار درستی دادند . چارصد نفر شان مقتول و بسیاری شان مجروح گشتند ٦ توپ خودرا هم ضایع کردند .

کذا

(همت وغیرت انور پاشا)

مبصر حربی اخبار « نووی ره میا » ی روسی در دوران حرب حاضر که باوجود خرابیهای شدید موسمی درینوقت در قفقاز شده است ، تعریف بهادری ترکانرا میکند . اومیگوید ازهمه چیزها صرفنظر کرده تنها اگر نقشهٔ هجوم ترکان ملاحظه شود انوقت معلوم میشود کهاین نقشه نتیجه هوشمندی ودلاوری ساخته شده بود و ازان نشان طبیعت عالی همت و خود اعتمادی انور پاشا که دایما شایق شمولیت درکار ها ومعاملات خطرناك است قدری یافته میشود . برای کامیابی این نقشه دادن بسیار تلفات لازم بود وهم از کمی تا کمی تباهی ابدی متصور .

(کذا) :

(فتح ترکان)

از قسطنطنیه خبر رسیده است که درسال جدید بعد ازجنك شدید عساکر عثمانی را بمقام « ساری کمیش » کامل فتح حاصل شد . بعد درقریه « کرا » ۲۰۰۰ روسی با ۸ توپ بزرك و۱۳۰ توپ خورد ومخزن کله وباروود وغیره بدست ما اسیرو گرفتار شدند . دریکجای دیگر ۲۰۰ سپاهی روسی کشته شد و٦۱ توپ غنیمت گرفتیم . روسها خواستند که برجانهٔ عسکر پیاده کنند مگر به کله باری پسپا کرده شدند .

(سیاره) : (محمره)

درمحمره ازفتوحات عساکر عثمانی اضطراب وپریشانی عمومی شدیدی پیدا شده است ، ساکنان محمره برسخن والی خودشان گوش نمیکنند ، شیخ محمره بس پریشانست زیرا اگرجوش اهالی اضافه شد باعث نتایج خوفناك خواهد شد .

[محمره یکشهر عراق ایرانی است که از سال ۱۸۵۷ م بعد از کشاکش دولت برطانیا وایران درزیر اثر انکلیز آمده شیخ محمره ازطرف انکلیزها حاکم اینجا است]

(کذا) (رفتن جرمنها بسربویا)

کارشیر « بان تیا » واقع سرحد ایطالیا مظهر است که که مسافرانیکه درحال ازاوستریا وارد شده اند بیان میکنند که قریب ٦٠ هزار جرمن برقطارها سوارشده بسرعت تمام بملاقهٔ بوسنه برای سرکوبی سرویا رفتند ، سپاهیهای جرمنی میکنند که افواج اوستریائی بمقام « سراجیوو » باماپکجا خواهد شد .

(کذا) (حالت زار پولاند »

یك نامه نگار ازپتزو غراداطلاع میدهد که مسترداگنف معاینه ۳۲ موضع پولاندرا کرد که از جملهٔ آنها ۱۳ ده بکلی ویران وبرباد شده بودند . اگر بیکنظر عمومی دیده شود تمام پولاند نذرآتش شده است ودرجاهائیکه آتش تاثیر وکاریگری نتوانسته آنجا باباروود پرانیده شده مختصر آبدقسمت پولاندصورت یك خرابهٔ دهشت آوری تحویل یافته است .

(کذا) (امپراطور جرمن ویکدختر فرانسوی)

یك اخبارپاریس بیان میکند که درماه گذشتهٔ مشیرامپراطور جندبار بمیدان رزمگاه مغربی تشریف آورده بود . وتایکچندی در « پیل » نام دهی اقامت داشت . در همان ده بایکدختر یك کاشتکار فرانسوی یکدفعه فوتوی خودرا هم گرفته بود . یکروزی امپراطور از دختر پرسید که توچه میخواهی ؟ دختر بجواب عرض کرد که یگانه آرزوی من آنست که این ده را جرمنها آتش نزنند وخراب وبرباد نسازند ، امپراطور جرمن دربنباب بادختر وعده فرمود وبرایش یك امرنامهٔ تحریری نوشته

داد . بعد ازان چند دفعهٔ که جرمنها ارادهٔ سوختاندن این ده را کردند در هر مرتبه فرمان شاهانه را دیده ازان باز آمدند .

پشاور دیلی‌نیوز (تلفات افواج انکلیزی)

لندن ۹ فروری :

امروز در دارالامرا « مستر اسکویت وزیر اعظم بریطانیا اعلان کرد که تاتاریخ ٤ فروری جمیع نقصان عسکری انکلیزی که درمیدان حرب بوقوع آمده عدد آن یکلک و پنجهزار نفر است

(کذا) :

(توپ بزرک جرمن در نهر سوز)

لندن ۸ فروری :

نامه نکار خصوصی « تائیمز » از قاهره اطلاع میدهد که در محاربهٔ نهر سوز خبر استعمال کردن یک توپ بزرک جرمن رسیده است که ازطرف ترکان فیر کرده شده .

(کذا) :

(غرق شدن جهاز « اوریل »)

لندن ۹ فروری :

ادارهٔ بحریه مظهر است که بتاریخ ۶ ماه حال درقریب « رانی » دوعدد کشتی احتیاطی جهاز « اوریل » دستیاب شدند .

جهاز مذکور ملکیت شرکت « ستیم نیویکیشن » بود که بتاریخ ۲۹ جنوری از لندن حرکت کرد ودو روز بعد لازم بود که به « هیوری » میرسید . برین جهاز نیز غالباً همان کشتی تحت البحر جرمن تورپیدو زده باشد که جهاز های « توکومارو » و « اکاریا » را در نزدیک « هیوری » غرق نموده بود . بر « اوریل » قریب ۲۱ نفر تاجر سوار بودند .

(کذا) :

(کیفیت غرق شدن جهاز « توکومارو » و « اکاریا »)

لندن ۸ فروری :

ادارهٔ بحریه رپورت های افسر های جهاز « توکومارو » و « اکاریا » را شایع ساخته است . اینهردو جهاز چنانکه معلوم است بتاریخ ۳۱ جنوری درنزدیک « هیوری » غرق کرده شده بودند . افسر جهاز اول الذکر میکوید ، که بوقت ۹ بجه صبح روز ۳۱ جنوری جهاز ما ۷ میل دورتر از هیوری در سیاحت بود و جهاز خورد کمی بتروالی آهسته آهسته حرکت داشت که درهمین اثنا از طرف بندر کاه بران یک تورپیدو حواله شده . من ازینسبب دانستم که تورپیدو بود که از زیر بحر کف بر آمده ، طرف سر جهاز زیر آب نشستن را بنا کذاشت واز زیر برامدن دود شروع شد . حالاچون جهاز را در بحر بدور خوردن دیدم اهل جهاز را امر کردم که بکشتیها بنشینند . برداشتن کاغذهای جهاز هم از عدم الفرصتی ناممکن شده بود ودر کوتهٔ من آب بسیار شدت رخنه کرد وجهاز تادر پیشروی با آهسته آهسته غرق شد . بساعت دو همهٔ مارا یکجهاز فرانسوی که بر بدن « رنکها » مأمور بود نجات داده باخود برداشت .

افسر جهاز « اکاریا » بیان میکند که بتاریخ ۳۱ جنوری بوقت دوازده و نیم روز ۲۵ میل دورتر در شمال مغرب « هیوری » ریل کر جهاز ایستاده بودم که ناکاه آمدن یک تورپیدو را ازبعد ۳۰ فوت دیدم که برجهاز حواله شد دربنوقت جهاز بانتظار یک کار ضروری ایستاده بود که بعد از یک ثانیهٔ برحصهٔ پیشینهٔ جهاز تورپیدو تصادف نمود ودران آتش درگرفت . موجه های بحر تابه ۶۰ فوت بلند شده آب برسطح جهاز رخنه کرد وجهاز نیز فوراً غرق شدن را آغاز نهاد .

اهل جهاز در کشتی‌های ملحقه سوار شده انتظار خاتمه را میکردند . خودم والجنیر ، وبعضی ازطایفه‌ها دوباره برتختهٔ جهاز رفتیم بعد از یکساعت آهسته غرق شدن جهاز را حس کردم . و کشتی هـای کوچک مارا تابه ساحل « هیوری » رسانیدند .

(سیاره)

(یک انکشاف جدید)

یک نامه نکار از لندن مینویسد که در اخبار های انکلستان ریک انکشاف جدید قوفرسائی‌های بسیاری شده است ، تابحال این قاعده بود که برای یافتن ومعلوم کردن کلولهٔ که درجسم مجروح بندمی بود یک آلهٔ شعاعی بنام « رانتجن اشعاع » کرده میشد . این آله بعدازمرکز ساختن اشعهٔ قدرتی را بریک نقطهٔ مخصوص چیزهای غیرمرئی رامنکشف میساخت وکنون این وظیفه را تیلفون بکردن کرفت . باردهای آهنی تیلفون دو تار آویزان میباشد و اینهردو تار را بدو چوبک اتصال داده میشود وبعد یک جریان خفیف الیکتریکی بتار ها داده میشود این هردو تار درسمت‌های مختلف حرکت میکنند وبهمین سلسله کوشک تیلفون هم چسپانیده شده میباشد داکتر تیلفون را بکوش خود چسپانده ونشتر مفتش را درحصهٔ زخمی مجروح انداخته وقتیکه باکلوله تصادف میکند فی‌الحال در تیلفون صدای آن محسوس میشود وداکتر میداند که در جسم زخمی کلوله در کدام حد بند مانده است که بعد فوراً آنرا بیرون میکند . این طریقه بنام موجدش « هکزیلین » مسمی است . نامه مذکور مینویسد که به خیال خود من این طریقه از « رانتجن ریز » بسیار آسان تر است .

(بقیهٔ اخبار) :

(در مصر استعمال کلاه انکلیزی بجای کلاه ترکی)

در مصر از علامات سیادت عثمانی تابه امروز این یک هم باقی بود که افسران انکلیزی که در ملازمت مصر بودند بجای کلاه انکلیزی کلاه ترکی را در اثنای که باجرای وظیفهٔ خود در دفاتر وغیره دوایر

حکومتی می‌رفتند مجبور شدند . ولی حالا معلوم شده است که بوسیلهٔ سرآرتهر میکموهن ، هائی‌کمشنر در قاهره جمیع افسران انگلیزی کلاه ترکی را که قبل ازین می‌پوشیدند ترک داده کلاه قومی انگلیزی خود شان را پوشیدن گرفتند . مترجم عبدالرحمن

ترجمه از اخبار زمیندار هفته‌وار

(۱) آیا تو آغاخان هستی ؟

در خصوص آمد هزهای نیس آغاخان ، در مصر ، مکتوب نامه‌نگار اخبار کیتل ، مقیم قاهره مورخه یکم جنوری ، بالخصوص دلچسپ است ما آنرا برای ضیافت طبع ناظرین درج میکنیم :-

چون باشندگان قاهره ، صورت هزهای نیس را دیدند ، حیران وشش درماندند . باشندگان مصر ، و آن انگریزان که از وضع وقطع اهل عرب واقف هستند . درخصوص شخصیت هزهای نیس ، این تصور کرده بودند . که او یک بزرگ معمر ومقدس اسلام خواهد بود . که ریش او سفید ولباس او شرقی عربی ، خواهد بود . ولاکن ایشان بجای آن یک شخص نوجوان جنتل‌مین (فیشن) را ، که در لباس اروپائی ملبوس بود ، ویک کلاه دراز انگریزی بسر داشت ودر زبان انگریزی به فصاحت تمام گفتگو کرده دیدند . عوام این وضع آغاخان را دیده ، اولاً ، با آواز بلند گفتند :.. ایا تو فی‌الحقیقت آغاخان هستی ، یا کدام دیگر کس را می‌بینیم ! ازین واقعه صاف معلوم میشود ، که مردم عام مصر لباس انگریزی را ، به نقطهٔ خیال اسلامی پسند نمی کنند . این امر صحیح است ، که ترکان لباس اروپائی را ، اختیار کرده‌اند . لاکن کلاه سرخ شان یک چنین علامت ممتاز قوی است ، که در هزارها مردم اروپائی ، یک متنفس ترک هم فوراً شناخته میشود . اگر امتیاز کلاه هم نمی‌بود ، درمیان مسلم وغیر مسلم تمیز کرده نمیشد . درقاهره حیثیت هزهای نیس نیم سرکاری بود شاید ، بهمین سبب ، او هیچ پروای جذبات عامه مسلمین نکرد ، اگر او کلاه ترکی بسر میداشت ، در آنصورت مسلمانان قاهره ، شاید ، در خصوص حیثیت اسلامی او هم هیچ مایوس نمیشد .

جهاد

(۲) در اخبار انگریزی ویتنس ، چیزی از احوال حضرت رسول کریم صلعم نوشته بود . دران ، درخصوص جهاد این جملات مرقوم است : — فرض مقدس‌ترین مسلمانان جهاد است که متعلق آن تعلیم خاص حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم این است : —

(الجهاد ماض الی یوم القیامة لایبطله عدل عادل ولاجور جائر)

(جهاد تا روز قیامت قایم خواهد ماند ، که نه آنرا عدل عادل ونه ظلم ظالم باطل کرده میتواند .) حقیقت جهاد چیست ؟ داکتر دبلیو لائتنر در رساله کوارترلی ریویو درخصوص آن این جملات نوشته بود :- از مطالعهٔ بی تعصبانهٔ کتاب مقدسهٔ اسلام هر کس برین نتیجه وارد شده میتواند که کل آن مردمان که قائل توحید واعمال صالحه بجامی‌آرند نجات خواهند یافت ....

در سورهٔ حج صاف نوشته است ، که مدعای جهاد این است که مساجد وعبادت‌گاههای نصارا ویهود وخانقاهای زاهدان وعابدان را از بربادی وانهدام محفوظ داشته شود . ومابین تا به امروز از یک مجاهد نصرانی هم واقف نیستم که مقصد او حفاظت مساجد وعبادت خانهای یهودیان بوده باشد .

مترجم غلام محی‌الدین افغان

میدان رزمگاه شرق

ازمیدان رزمگاه شرق تاحال هرچه که شنیده میشد از منبعهای روس شنیده میشد ، وآن شنیدنها هم منحصر برپیش رفت روسها بود . درین هفتهٔ اخیره روسها خود اعتراف شکست خود را کردند . از پروشیای شرقی لشکر روس رانده شده خط حرب را المانها درعقب لهستان یعنی در عقب پولیند بداخل ممالک روس وسعت دادند . ومقصد شان اینست که راه آهن وارشاو ویترو کرادرا قبضه نموده بقدر دو نیم ملیون عسکر روس را در میدان جنگ محصور دارند . درصورت پیشرفت این نقشه معلوم است که روسیان خود بخود به خالی کردن وارشاو مجبور میشوند وبه ترک کردن کریکا وبکوونیا ناچار می‌آیند اگر این نقشهٔ جرمن واستریا پیشرفت کرد دولت روس بمغلوبیت کلی دوچار میشود .

کذا : بموجب تلگراف استردام امپراطور جرمن با جنرال « وان هند نبرگ » در استر برگ یک فتح بسیار بزرگی بر روسها حاصل کرده اند . به بشارت این فتح نمایان که موجب مغلوبیت کلی روس شده است تمام مردم برلین شهر آئینها وشادمانیها کرده اند ویک روز همهٔ شاگردان مدارس آزاد شده اند .

کذا : دولت استریا وجرمن « آرشدیوک » را که از سلسلهٔ پادشاهان لهستانست به پادشاهی کل لهستان نامزد نموده است . مراسم تاجپوشی او در کریکا بعد وعد تمام اجرا شدنیست . واین تدبیر برای متفق ساختن اهالی لهستان برخلاف روس است

کذا : خبر رسمیٔ جنگ که فرما فرمای هندوستان رسیده ظاهر میگردد که عساکر جرمن در پولیند پیشقدم شده ، وعساکر روس را ازپیش برداشته‌اند وبداخل ممالک روس هم قدم جلادت را نهاده اند ، دریتوقت سعی دارند که خود را به « کاوونو » برسانند . در برلین بمناسبت پیشقدمی جرمن در ملک روس خیلی اظهار شادمانی مینمایند . دو دستهٔ بزرگ عساکر روس با بسی ذخیرهٔ جنگ وتوپهای متعدد اسیر دست عساکر جرمن شده است .

درچهاپ خانهٔ حروفی دارالسلطنهٔ کابل طبع گردید

همه مقاله‌هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر وسر محرر تحریر یافته

محمود طرزی

شرایط خریداری

دار السلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

هرجائیکه باشد با اجرت پوست

قیمت سالیانه | ده روپیه انگلیزی قیمت ششماهه | شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراک قبول نمیشود

یک طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

برهمهٔ کار داران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود: اگر ازیک جا بدیگر جا روند و بیایند میباید که یک رقعه مدیر وسر محرر را خبر بدهند که من درفلان جا بودم وحال درفلان جا میروم اخبار مرا درانجا بفرستید . هرگاه همچنین یک رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، وصنعتگران که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، وبا دیگر هر قسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تاپنج بار نشر وشایع شود برسرهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار پیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درپس ورق ووقیه درج شود از یکبار تاپنج بار فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر ازپنج بار پیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد .

هرگاه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تایک سال نشر کردن خواهند ووجه یک ساله را پیشکی ادا نموده آورد پنجی بر هر سطری سنار اجرت گرفته میشود

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا

یاد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از شکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خودرهائی یابیم ممکن نشد لهذا با کتابخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یك مقاوله نموده با کتابخانه مشار الیه تقسیم و توزیع اخبار ما را که بهمه مشترکین کرام ما رساند درعهدهٔ حیثیت خود قبول نمود . مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را تبشیر و یاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای کتابخانه بخود شان میرسد .

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد

کتاب سال دوم « « « مصور مجلد

کتاب سال سوم « « « مصور مجلد

عز و اسلامیت

آیا چه باید کرد ؟

ادب درفن

توحید

این کتابهای فوق دراداره موجود است . هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشند باداره مراجعت کنند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

سیاحت ردورا دور زمین بهشتاد روز مجلد

سیاحت درجو هوا مجلد

سیاحت درزیر بحر مصور مجلد

ازهر دهن سخنی وازهر چمن سمنی مجلد

روضهٔ حکم مجلد

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوق را داشته باشند ازخود مطبعهٔ عنایت درده افغانان از نزد عبدالرؤف خان سرمرتب وازدکان بازمحمد کتابفروش دربازار ارك بقیمتهای معینی که درپشت هرکتاب نوشته است خریداری کرده میتوانند .

واگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوق را بکنند بمدیر سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند .

سراج الأخبار افغانیه
۱۳۲۹

شمارهٔ ۱۳ سال چهارم

فهرست مندرجات

	مراسم جشن ولادت اعلیحضرت پادشاهی (
	تهنیت جشن مولود اعلیحضرت شهریاری (کلام میرزا شیر احمد شاهی
حوادث داخلیه	از دفتر ایشیک آقاسی ملکی — مرقومه واقعه نگار هرات — مرقومه واقعه نگار غزنین — تحریرات دفتری ناظم حضور معلی — وفات —
علوم وفنون	(سیاسیات حکمای قدیمه — تعریف وتقسیم علم حقوق علی العموم
حوادث خارجیه	اجمال — ترجمهٔ اخبارات اردو — جنرال وان هند نبرک — سالارالدوله در قریبهای تبریز — امپراطور جرمن در رزمگاه مشرق — بلای سماوی — چین در طرفداری المان — کوشش جرمن در ایران — عثمانی وجرمن — توهین لباس شاهی — یک ماتم برپاشد — ایجاد حیرت انگیز — حالا آغان را نمایندهٔ مسلمانان هند نباید گفت — نیات جرمن برای حملهٔ انکلستان — تیاری حملهٔ لندن — زیورهای امپراطور بچهٔ جرمن — یک آلهٔ دیگر هلاک — بم در کلب دهلی — تقرر امپراطور — کد موربنک پونکاری — کمک عظیم جرمنها وپسپائی روسها از پروسیای شرقی —
تصاویر	از مناظر استانبول کشتیهای بخاری — از مناظر استانبول یک محلهٔ طرز قدیم در اسکدار نام موقع — از مناظر استانبول از بازار های طرز قدیم در جهت اسکدار — از مناظر استانبول قبرستان مسلمانان —

اعلان

از صنایع پروریهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جرنیل کارخانه جات ، ماشین خانهٔ مبارکه دارالسلطنه کابل علاوه براشیای حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه واوبشو زمه های هما رشتهاکه وغیره ، وبعضی دیگر مصنوعات داخلی که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که ازحضور اعلیحضرت همایونی حکم فروش آن صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ذیل (دکان عبدالله ... دروازه ارک) میباشد .

(۱) سرجهای پشمینه یالی ورنگهای مختلف که قیمت آن ازقرار گز انگلیزی ۳ فوته مشخص شده در صندوقخانهٔ جنسی هم بفروش میرسد

اقسام	قسم اول					قسم دوم					
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم وقتی که قیمت آن ۱۰ پیسه زیاد شده	
رقم	کامل ساخته نشده	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت		۷ روپیه ۰ پیسه	۶ روپیه ۱۱ پیسه	۶ روپیه ۴۲ پیسه	۵ روپیه ۴۸ پیسه	۶ روپیه ۹ پیسه	۵ روپیه ۱۸ پیسه	۶ روپیه	۵ روپیه ۱۰ پیسه	۶ روپیه ۱۵ پیسه	۵ روپیه ۲۵ پیسه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گز انگریزی کشمیره چهارخانه ۷ روپیه ۳ پیسه | کشمیره دهدار مرقم ۷ روپیه بیست پیسه

(۲)	جراب ها			﴿۳﴾ تکمه‌های جرمی محراب ومنبردر		
رقم	تکبانک زوج	راهدار زوج	معمولی زوج	کلان فی درجن	میانه فی درجن	خورد فی درجن
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه	۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۵۵ پیسه

(۴)	وره های جدید ساخت			
رقم	زه باف یک اسپه دو قوره دو تاره	زه باف یک اسپه دو گره سه تاره	چرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ چار تارهٔ نخی
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲۴ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۶ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم باف دسته دولاهای دواسپه	چرم باف دسته دولاه یک اسپه	دسته دولاهٔ یکی دو اسپه	چرم باف مرکب
قیمت	۴ روپیه و ۴۸ پیسه	۴ روپیه و ۴۶ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۳۰ پیسه
رقم	قبضه برنجی کلیت نقره توپخانه	قبضه کلیت نقره از چرم دولایه توپخانه	زه باف رقم سواری سائی کلیت	زه باف دو تارهٔ رکابی
قیمت	۳ روپیه و ۵۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۷ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵۴ پیسه
رقم	رکابی ارغ	چرم باف میانه چوب پت زنانه	ارزن سواری تیغ چرمی	زنانه ابریشمی خیاطه
قیمت	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته‌های تیغ برنجی	دستهٔ دولایه سائی برنجی کلیت نقره	ارزن سواری دولایه تیغ جرمی کمک دار	چرم باف ماین پت یک اسپه
قیمت	۴ روپیه و ۴۹ پیسه	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

﴿۵﴾	اقسام گلهای مصنوعی سر			
قسم	گل جرین	گل نافرمان	گل بریته	گل شبو
قیمت	۵ روپیه و ۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۶ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قسم	شگوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل نسترن	چنبیل
قیمت	۷ روپیه و ۴۵ پیسه	۶ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه ۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شگوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

﴿ المشتهر ﴾

(میرمحمد هاشم دفتری کارخانه جات)

(کمیدان نظامی)

صحیفه (۱)　　سال چهارم　　شماره (۱۳)

قیمت سالیانه

در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
با مصارف ڈاک ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مصارف ڈاک ۱۰ روپیه انگلیزی
بهر پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یکصاهی است
(اوراق که درج نشود اعاده نمیشود)

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

اداره تحریر و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ ۱۵ ربیع الثانی سنه ۱۳۳۳　　تاریخ انگریزی ۲ مارچ　　تاریخ شمسی ۱۱ حوت ۱۲۹۳

(مراسم جشن ولادت باسعادت اعلیحضرت پادشاهی)

شب جمعه ۲۵ ماه ربیع الثانی باشب فیوضات مکسب ولادت باسعادت ذات مکارم صفات اعلیحضرت « سراج الملة والدین » پادشاه مقدس عدالت آئین دولت علیهٔ مستقلهٔ خود مختار افغانستان صانه الله من آفات الزمان مصادف آمده قلوب بصداقت مجلوب همهٔ ملت صادقهٔ افغانیه ، وجملهٔ خدمتگاران وارکان سلطنت سنیه را بجوش وخروش فرحت وشادمانی درآورده بود .

ذات شوکتسمات پادشاه مقدس ما اعلیحضرت « سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان » ادام الله دولته واطال الله عمره درسنهٔ ۱۲۸۹ هجری ، درشهر « سمرقند » زینت آرای عالم شهود گردیده اند که با این جشن امساله ولادت باسعادت شاهانه ۴۴ سال از عمر گرانمایهٔ شریف ملوکانهٔ همایونی را اکمال و بمقدمهٔ چهل ونهم زدبان قصر علویت حصر حیات بارکات قدم نهادهٔ شوکت واقبال شده اند . ازدرگاه ایزد متعال بصد عجز ونیاز ، وهزاران سوز وگداز تمادیٔ عمر واقبال پادشاه فرخ فال نکوئی آمال خودرا نیاز واسترحام میکنیم .

چندسال است که مراسم جشن ولادت باسعادت همایونی بیک وقتی تصادف میکرد که موکب سعادت موهب پادشاهی در جلال آباد شرف افزای اقبال میبود . امسال مراسم مذکور دردار السلطنهٔ کابل اجرا گردید . در روز چارشنبه تذکره ها وتکت های خبری ازطرف ایشیک آقاسیان حضور انور والا بمدعوین کرام تقسیم گردیده درشب جمعه ۲۵ ربیع الثانی همهٔ شهزادگان عظام وسرداران وعلما وخوانین ذوی الاحترام واز ارباب مناصب عسکری تادرجهٔ منصب کرنیل درسلام خانهٔ ها حاضر شده بودند.

اطراف احاطهٔ سلامخانه بانواع زیب وزینت چراغان شده ، وعساکر شاهانه بادوسه دسته موزیکهای خاصه صف بستهٔ احترام بودند .

داخل دالان عالیشان سلامخانه نیز بانواع زیب وزینت چراغان شده سفره ها ومیز های اطعمه واشربه ومیوه وبازی وحجبت بطرحها وطرزهای بسیار باظرافت ترتیب یافته بود . بساعت موعود نواختن موزیکهای سلامی تشریف شوکت ردیف ذات اعلیحضرت پادشاهی را بحاضرین سلامخانه اشعار نموده بنا برامر واشارت جناب مستطاب سردار اکرم حضرت « نائب السلطنه » صاحب افخم همهٔ مدعوین کرام در پیشگاه تخت عالیبخت اعلیحضرت پادشاهی صف بستهٔ تعظیم واحترام شدند .

درین اثنا در وازهٔ خصوصیٔ سلامخانه باز شده ذات مکارم صفات اعلیحضرت پادشاه مقدس محبوب القلوب ما سلامخانه را بتشریف قدوم میمنت لزوم همایونی قرین عزو اجلال فرمودند . وسرراست بتختگاه پادشاهی شرف عروج فرموده وحاضرین را مظهر التفات جهاندار رحمات همایونی نموده بر کرسیٔ سلطنت جلوس فرمودند .

جناب مستطاب نائب السلطنه صاحب افخم ازطرف عموم حاضرین کرام یک نطق مهمی که متضمن تبریک وشکر گذاری بود قرائت کردند . ذات شوکتسمات اعلیحضرت شهریاری قیام فرموده بجواب آن یک نطق بسیار بلیغ حکمت پیرائی بیان فرموده ومراسم رسمی را انجام داده حاضرین را به نشستن آزادانه ومصاحبه های بی تکلفانه اراده وفرمان نمودند .

درهر مطرف دالان صفاتشان جمعیتها وانجمنهای حظ ونشاط تشکیل یافته جابجا شیرینیها سگرتها مبذولاً بصرف میرسید . ودردل هریک از خدمتگاران صادق دین ودولت گلهای فرحت ومسرت میدمید ، زبانها بدعای افزونی عمر واقبال پادشاهی مترنم.

وحوالیها بیرقٔ استقلال درخشان دولت اسلام متجلی میبود. بعدازان همهٔ حاضرین برخوان انعام اعلیحضرت پادشاه کثیرالاحسان بطعام دعوت شده بتناول انواع اطعمهٔ نفیسه همه کان دلسیر نعمت واحسان گردیدند . وتادوبجهٔ شب این مجلس انس وصفا باانواع فرح وسرور بی انتها دوام ورزیده باامرواراده اعلیحضرت پادشاهی ختام پذیر گردید . ودرحالیکه دعای خالص ازبرای ترقی واجلال دولت .وتمادی عمرواقبال اعلیحضرت پادشاه مراحم خصلت ورد زبان همه کان بود رخصت شدند .

— § —

فردای آن که روز جمعه ۲۵ ماه ربیع الثانی بود درمیله کاهجیه همهٔ مدعوین کرام بلباسهای رسمی بشرفیابیٔ بارحضور همایونی نایل وسزاوار آمده یك نشاط وسرور بی اندازهٔ بسر آمد .

درخصوص میلهای جیه درشمارهٔ سابقهٔ خود بعضی معلومات نگاشته بودیم . دراین بارچون آخرین میلهٔ مذکوره بود ، وباهنگام جشن ولادت باسعادت همایونی مصادف آمده بود یك رونق وشکوه فوق العادهٔ را حائز شده بود که تفصیلات آنرا جداگانه درج صحایف اخبار مینمائیم . عجالةً همینقدر میگوئیم که دراین میلهٔ جیه که بشرف جشن این عید سعید مولودی همایونی یك شرافت بی اندازهٔ حاصل کرده بود ، مافوق تماشاهای سایره عساکر خاصهٔ شاهانه نیز بعمل اشتراك ورزیده انواع واقسام ادمانهای جیمناستیکی را بمجال مهارت وصنعت اجرا کردند که حیرت بخش عقول گردید .

— § —

شام همان روز سعادت اندوز یعنی شب شنبه درچمن صفا پیرایی که درمقابل قومی باغ واقع است یك تماشای آتش بازیٔ بسیار مکمل و مطنطن عجیبی برای تسریر وتفریح قلوب صداقت مجلوب افراد اهالی ترتیب یافته فواره بازی . ورنگ آمیزیٔ اشکال والوان اقسام مختلفهٔ صنعتکارانهٔ آتشبازیهای عجیب و غریب رنگارنگی که بشعله افروزی بود انظار سیر کنندگان ودلهای بینندگانرا ازمسرت بمسرت وازفرحت بفرحت القا مینمود . حتی ازکل مراحم شاهانه فشنگهای هوائی بسیاری بسرکوه آسامائی نیز ترتیب شعله افروزی یافته ازتماشای ستاره ریزیٔ رنگ آمیز بوقلمون آن عموم اهالیٔ شهر عزیز بااستفادهٔ تماشای بشادمانی رهنمونی نمودند .

— § —

شب یکشنبه اهالیٔ شهر عزیزما ، بشرف جشن ولادتی ذات شوکت سمات اعلیحضرت پادشاه عدالت ومرحمت همراه مقدس محبوب القلوب خود شان یك شهر آئین بسیار مکمل وبازیب وزینتی ترتیب داده همهٔ دکاکین بازارهای شهررا به انواع زینت واقسام چراغانها آراسته وپیراسته کردند.وبیك جوش وخروش مسرت همدوش تاصباح اجرای آهنگ سرود وشادمانی نمودند.

(عمرت درازباد که تادور مشتری)
(مازتوبرخوریم وتوازعمربرخوری)
(آمین ثم آمین)

تهنیت جشن مولود اعلیحضرت شهریاری

نوبهار است وهوای باغ وصحرا دلکشاست
شش جهت گیتی زموج گل چوروضات صفاست
از وصال سبزه و گل با کمال اشتیاق
کبك درکهسار و بلبل درگلستان خوشنواست
عطر ریزیهای باد صبحگاهی در جهان
غیرت افزای شمیم نافه چین و ختاست
منکه از درد فراق یار خارم بردل است
باخیال او مرا دایم بهجران اکتفاست
دی روان گشتم بنظارهٔ گل سوی باغ
کاندرین موسم چمن چون حسن دلبر جانفزاست
تا به بینم سنبل تر را بیاد زلف دوست
سرو مانند قدو گل همچو روی دلرباست
بردر گلشن رسید آن ماه پیکر گفت خیر
چیست مقصود ضمیرو دردلت عزم کجاست
گفتم ازشوق قدو رویت بسیر سرو وگل
داشتم عزمی سوی گلشن ولی لطف خداست
کز جمالت یافت چشمم روشنی دیگر بدل
غیر دیدارت مرا نی مقصد و نی مدعاست
گفت ازمن تهنیت بادت که جشن خسروی
در خلافت گاه شاهی امشب و فردا بپاست
چونکه لیل بیست و پنجم از ربیع الثانی است
جشن مولود جناب حضرت سلطان ماست
پنج برچل شد فزون ازسال عمر فرخش
وزجلوسش چاردهم سال ازفضل خداست
برتماشای بهار و گل مرو اینجا بیا
کاین بهار جشن را آب وگل و رنگ جداست
صدبهاران پیش این عشرت کده درحیرت اند
وزهزاران بوستان افزون ترش نشو ونماست
شاه بنشسته بتخت سلطنت مسرور و خوش
بنده گانش را بزرین کمر بسته قباست
افسران فوجی و ملکی و ارکان عظام
حاضر درگاه شاهنشاه باصدعز وعلاست
جمله ازشهد نوازشهای سلطان کامیاب
رتبه هریك بقدر خدمتش در اعتلاست
هرطرف بسط بساط انبساط است و طرب
جام عشرت در کف اهل محافل جابجاست

مرد مان‌را داده بارعام بدرگاه خویش
عامی از خوان لطفش صاحب برگ ونواست
از چراغان نجوم آسا زمین همچون فلک
زینتی بگرفته وز انوار شان گیتی ضیاست
نقل وحلویات وامتعه‌های افزون ازقیاس
بهر خاص و عام موجود و مهیا بی ریاست
خسرو صاحبقران را جشن مولوداست‌ازان
این شب و این روز میمون و سعادت انتماست
شاه نیک اختر رعیت پرور و ایزد پژوه
آنکه ازخلق جمیلش گوش گیتی پرصداست
آن سراج ملت و دین شهریار نامدار
کز وجودش ملک وملت نوریاب و پرجلاست
پیرو دین رسول اکرم است ازصدق دل
دولت اسلام را ذاتش معین ومقتداست
درزمان او نکوکاران همه بس خرم‌اند
دل فگار از هیبت اوزمرهٔ اهل جفاست
گرچه فرق عزتو جاهش بگردون میرسد
سرفرو همواره اورا در جناب کبریاست
نعمت و دولت که‌حق کردش عطاازصدق دل
شاکر نعمات سبحان بهرصبح و مساست
باد این جشن مبارک بروجود او سعید
تاکه در ایام آثاری ز انوار دجی ست
دایما شیراحمد مخلص باخلاص ضمیر
شاه‌وهم شهزاده گان را داعی عمرو بقاست

جناب محترم شفقت گستر مدیر صاحب‌را بعد از تبلیغ دعا وتعظیم عرض پردازم که نقل تهنیت‌نامهٔ جشن مولود اعلیحضرت ارسال شد انشاءالله تعالی درج سراج‌الاخبار مینمائید .

دستخط شیراحمد شاعرحضور انوروالا

حوادث داخلیه

از دفتر ایشیک آقاسی ملکی

واقعه نگار هرات مورخهٔ ۷شهر ربیع‌الاول‌مینویسد که‌یکنفر هندو ـ دربست کازرگاه شریف رفته بحضور میرصاحب کازرگاه کلمهٔ شهادت‌را ادا کرده ـ میرصاحب موصوف نامبرده‌را بحضور عالیجاه نائب‌الحکومه صاحب فرستاد نائب‌الحکومه دفتریان‌واهالی محکمهٔ عالیه‌را طلب کرده ازتزداو پرسان نمودند بازهم کلمهٔ شهادت رابیان کرده بدین حضرت سیدالمرسلین صلی الله علیه وسلم داخل شده ـ یک‌توپ چوخهٔ‌مجده منقاله ویکطاقه کلاه زری ولنگی زری ومبلغ‌هشت‌صدروپیه‌نخته‌نقد کابلی برای‌او خلعت‌وانعام‌قرارسررشته سرکاری داده اسم اورادین‌محمد گذاشته‌بعدازآن بالای‌اسپ‌سوار کرده پنجشش نفر ملاها وجماعهٔ مسلمین همراه‌او رفته‌درمیانه شهرگشتانده ـ وکلمهٔ طیبه‌را بجهر گفته‌جوش وخروش از برای اهل اسلام پیداشده‌دعای ترقی‌دین مبین‌حضرت خاتم‌النبیین‌وازدیاد عمرواقبال اعلیحضرت انور والا را نموده نائب‌الحکومه صاحب دارالنصرت هرات دین‌محمد خان جدیدالاسلام را بسپرد تجارباشی سمت مذکور فرمودند که محافظت‌وسررشتهٔ اورا بقرارسررشتهٔ سرکاری بدرستی نماید .

(کذا)

واقعه نگار غزنین بعریضه مورخهٔ ۲۹ ماه‌ربیع‌الاول‌مینویسد که دریوم پنجشنبه ۲۶ماه مذکور یکنفر گنگه نام پسر دیوان‌هیره قوم کتری هندو ـ بمسجد داخل شده بحضور چند نفر طالبان علم کلمهٔ شریف و آمنت بالله را بخوشی ورضای خود خوانده بعد ازان اورا نزد حاکم غزنین آورده حکمران‌مذکور واهالی‌محکمه شرعیه ازتزداو استفسار کرده نامبرده بیان نمود که حاکم‌مرا بخوبی‌وجه محافظت کرده‌مثل فرزندخود بداند حاکم قبول کرده نامبرده بزبان خود جهراً کلمهٔ مبارکه را بزبان خود جاری نموده بشرف دین اسلام مشرف شد ـ لباس سابقهٔ اورا عوض کرده دریشی‌ولنگی‌زری‌بسیارخوب‌برای‌او بقرار سررشته‌مقرره‌سرکاری خلعت وانعام داده ـ نامبرده را دربالا حصار بحضور خود نگاه کرده اسم‌اورا عبدالله گذاشته ویکنفر معلم‌را مقرر نموده اورا یومیه درس میدهد الحمدلله والمنة از راه غلط براه‌راست دین‌مبین حضرت سیدالمرسلین‌صلی‌الله وعلیه‌وسلم داخل‌شد فقط .

السلام علیکم ورحمة الله و برکاته .

مورخه لیل‌جمعه ۲۷ ربیع الاول

جناب ادیب فاضل خردمند ولبیب کامل دانشمند مدیر ومحرر سراج الاخبار فوائدنثار افغانیه‌را حضرت ایزدی جل‌علا درپناه حفظ صحت ومسرت داراد اکنون در شمارهٔ پنجم سال‌چهارم اخبار گهربار، بقلم ادیبانه ورقم هوشمندانه، ازطریقهٔ خیرخواهی دولت وترقی ملت اسلامیه خود از (ضروری بودن ترقی صنایع داخل) که عبارت از اصلاح ترقی شمع ریزی وقند سازی وصابون پاک وکاغذ جوری وشیشه ریزی وغیره بحث وبیان علوی امتنان فرموده بودندانیکه [کائنات‌همه ممکنات است پیدا شدن تیل‌طلا بکیچ غیرممکن شمرده نمی‌شود درجهت های هرات و آب استاده موجود بودن‌این معدن بتواتر شنیده شده است . اهل کار آنرا ازبادکوبه‌وقفقاز بدست آورده واستفاده کردن غیر ممکن یک چیزی نیست] جناب مشفق بنده‌الحق که‌هرکلام حکمت پیغام جناب ادیب نهایت‌امر صحت‌وخلو ازمنقصت است . بلی عقل قاصر وفکر ناقص بنده درهر امر از امورات و درهر وجود ازموجودات بسعی [لیس للانسان الاماسعی] موقوف ومنحصر است ، اما بعضی عتیقهٔ تخیل‌ها درجهان پیدا خواهد شد زیرکه

نوشته هارا ازقبیل اسطوره و مبالغه پنداشته وبه هیئت اصطلاح مادی ماضی پیروی تقلید نموده چنین ترقیه ها را از اسلوب مستحیلات در حساب آرند — ولاکن الحمدلله تعالی ثم الحمدلله تعالی تشکر میکنیم وحمدمینمائیم اگرچه شکرانهٔ نعمت حضرت باری تعالی جل‌علی را به هیچ لسان وهیچ عنوان ادا نمیتوانیم ، که حضرت آفریده گار برحق وخالق حقیقی مطلق جل سبحانه بجنان نعمت گران ومرحمت فراوان عظیم‌الشان خود مایان اهالی افغانستان را چنان پادشاه دل آگاه محبوب القلوب ترقی خواه عدالت گستر و رعیت پرور اعنی پادشاه وسلطان المسلمین اعلیحضرت (سراج‌الملة والدین) طول عمره وبقاء سلطنته ، مفتخر وسرافراز فرموده ، که لیل ونهار ازنهایت دیانت و کیاست درپی ترقی و تعالی ملت اسلامیهٔ خود بکمال صمیمیت مستعد اند . چنانچه مالکان دیاروحامیان اوطان مقدس ما هرگاه بنظر امعان ازرمان سی وچهار سال ماضی را ، به آوان حالا تطبیق نمایند چه مقدار فرقهای عظیمه و تفریق های بدیعه استنباط خواهند جستند . خلاصه والحاصل قبل از سی و چهار سال رسم کارخانه های ماشین خانه که مبنی برترقی وسعت حرفت وصنعت ، و مسجد های باصفای بزرگ سفید کاری پخته طرز اصول جدید که مؤسس بر عبادت معبود برحق ، وسرک های بزرگ متین وپلهای جسیم آهنین محض از جهة سهولت عبور ومرور رعیت ، ورباطهای مراحیه سنگ متین ، در هریك گروه مستحفظان آهنین از سبب استراحت ومحافظت رعایاوغرباء ملت ، ومکتب‌ها ودارالفنون ومدرسه های دار العلوم محض ازبرای تحصیل علم ومعرفت سایر مملکت) وهم چنین اسلحه های ناریه وجباخانه های رساله از اسلوب بکروز نو آمد دولت وملت ، کذلك حفر نهر های جسیم و بنداب های متین اساس آن برترقی افزونی زراعت و کثرت نفوس اسلامیت وبنیاد دار الشفا ها ودار الیتاما بجهة صحت وجود ومعیشت بی‌پدر وبی‌مادر موجود ملت ، واقتباع موترهای مربعه و آلهای جدیدهٔ گوناگون واسباب های ماشین‌دار والکتریك ، بوقلمون یقین است که قبل از سی و چهار سال درخواب احدی هم خطور نکرده باشد . سبحان الله هرقدر که تعریف کنیم وتشکر گوئیم قلمم ازلعمه ـ گرانبها وازلطف وعنایت های بی‌منتهای پادشاهی که همه مبنی برمروت مندی‌ما ملت اسلامیه بذل واحسان نموده در حوصله تحریر وتقریر گنجا نیدن از طرفهٔ تا ممکنات . بل ناممکنات .... ای محب اسلام حالا خلاصه همین قدر دعای خالی ازریا طول عمر وبقای دولت قوی صولت محبوب القلوب معظم خودرا شعار خود ساخته باصل مطلب خود مراجعت نموده یك یاد داشت بیچارگی خودرا درنظر قارئین عظام وبرادران اوطان مقدس اسلام خود جلوه گر عرض مینمایم — مخصوص معدن تیل‌خاك درسنه تخاقوی ئیل ۱۳۲۷ کهبنده‌بچاره درهرات را بودم از زبان چندنفر رجال هراتی که در خود شهر شهیر دار النصرت هرات سکونت پذیر بودند ودر بخارا آمد و رفت داشتند چنین استماع کرده بودم ، که در آوان جناب قاضی سعد الدین خان نائب الحکومه صاحب سابقه محال موصوف وقاضی القضات صاحب رجال دار السلطنه مبارکهٔ کابل ، در تحت جوار [پل مالان] هرات یك چشمهٔ بزرگ تیل‌خاك ظاهر گردیده بود ، ویك شخص نمونهٔ آنرا ازبرای جناب قاضی صاحب تقدیم کرده بود وجناب موصوف بیره ارسال کرده بود ، همان بود که خواه ازبهره دار مقدم وخواه مؤخر مردم بادیه نشین آنجا از راه جهالت خفیهٔ چشمهٔ تیل خاك ظاهر شده را ، مسدود و مخلوط با دریاب مالان مسیار ونایاب گردانیده بودند ، چنانچه یادداشت همین حکایت دریکجلد کتاب یادداشت شده بدار السلطنه مبارکه موجود است ، ای محب اسلام اگرچه جناب مستطاب محمد سرور خان نائب الحکومه رجال هرات رو شناس بنده نخواهد بود الحمد لله تعالی تشکر میکنم که هر واحد مردمان رعایا وغرباء آن ولا که در بخارا می آمدند ازجناب نائب‌الحکومه صاحب اظهار رضامندی ودعاگوئی مینمودند وتصور شان درپیشی ترقی دولت وملت باسعادت اسلامیه شان بکمال هویدا در کار است . ودر سنهٔ ابت ئیل ۱۳۲۸ که بهادر خان نام ملازم جناب میرزا محمد سرور خان دفتری هرات در بخارا آمده بود ودفتری موصوف روشناس بنده‌میباشند ظاهرا شخص رجال خیر خواه ملت اسلام مشاهده میشود از جهتیکه دفتری آشنای بنده بود ملازم دفتری مذکور را زبانی تاکید کرده بودم که دفتری صاحب‌را ازین فقره ترغیب وآگاهی‌داده جد وجهد را شعار نماید بلکه خداوند کریم جل علی شانه یك وسیلهٔ خیر سازد که یك استفادهٔ ترقی‌ظهور انجامیده دولت وملت اسلامیه ازان مستفید گردیده از مخاص اجنبی رهائی یابیم — و بدون ازتیل خاك مسموع گردیده ام که درهرات وبدخشان معدن توانگر (چودن) موجود است بنابران بجهة آن مهربان همین قدر می نگارم که دول وملل اروپا که مستفید زیاد گردیده اند وممالك قوت وحشمت سراسر ثروت شده اند ظاهرا ازهمین دو چیز مملو از منفعت است زیرا از چودن ریختن تمدید راه آهن وآلهٔ ماشین هرقسم از (سرآوردن) همین چودن میاس معدن تولد وتشکل پذیرفته وغیر از اسباب ماشین ها ، نلهای آب ، چپرکت های خواب ، ستون های متین سیم تیلگراف وپایهای دریاب ، ازبرکت همین خزائن علوالدقان است . ومحرك ماشین مذکور قوهٔ شعلهٔ قشله همین جوهر قیمت دار تیل خاك است . که رقیق آن بجهة تنویر وتزئین چراغ های شهرها ودیارها ، وغلیظ افق آن مصارف نماید سوخت ماشین‌ها و [لاکاشیف] ها بکار می آید .... زیاده از حضرت قادر برحق وخلاق مطلق جل قدرته التجا ونیاز دارم که تاسالهای دراز وقرنهای بیشمار سایهٔ سعادت‌آیهٔ مبارك که پدر حقیقی وترقی خواه حقیقی مامسلمین اعلیحضرت (سراج الملة والدین) معهٔ دودمان مبارك شان را که

و کوتاه نکرداداد ، وجناب ادیب لبیب ما ، که عالیترین وصول انسانیت واشعار اکرامیت شان مانند اظهر من الشمس هویداست تاسالهای بیشمار صحت بالعافیت نصیب داراد که از تقریر قلم ادیبانه و تحریر رقم خردمندانهٔ عالیهٔ شان، مامات اسلامیه‌را انتباه کردیده با کتاه حقیقت بی پرده بویان شوم وسعی و کوشش را شعار خود بخایم ، تاموجب فلاح دنیوی ونجاح اخروی ملیان ملت اسلام کردد ومن الله توفیق آمین

کتبه نجم الدین دفتری
ناظم حضور معلی فقط

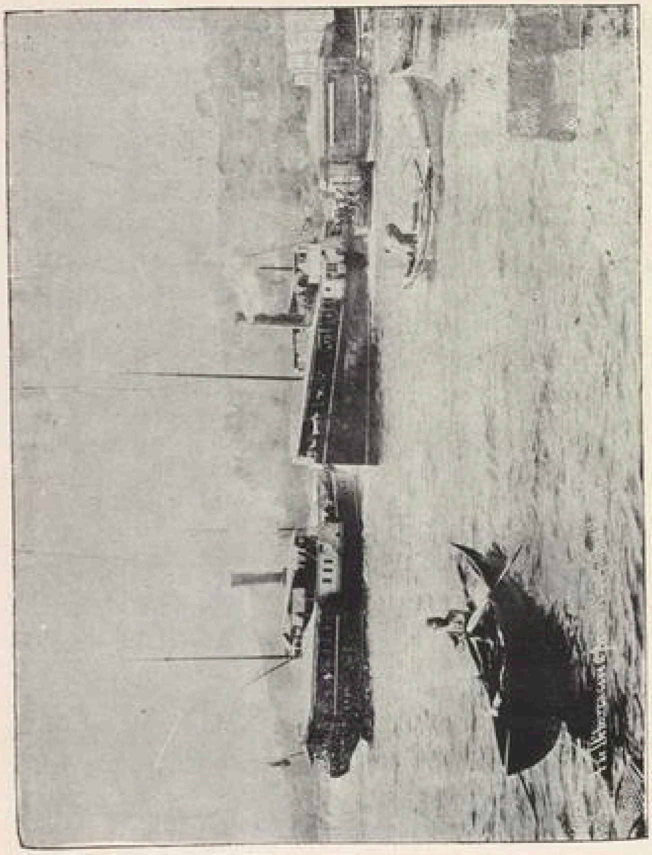

از مناظر استانبول
(کشتیهای بخاری شرکت خیریه که برای سیروسیاحت مردمان ازیک محله)
(بدیگر محله دربوغاز بوسفور کشت وگذار میکنند)

﴿ وفات ﴾

﴿ کل من علیها فان ﴾

یوم چارشنبه ۲۳ ربیع الثانی سنهٔ ۱۳۳۳ حضرت مستطابهٔ معظمهٔ بی‌بی صاحبه ، صبیهٔ محترمهٔ ، میر جهاندار شاه ، که یکی از زوجه های بسیار محترمه ومعززهٔ ذات غفران سمات خاقان فردوس مکین اعلیحضرت ، ضیاء الملة والدین ، رحمه الله بود ازبیماری که ازبسیار وقت به‌آن گرفتار شده‌بودند تخلیص گریبان نموده داعیٔ اجل را لبیک اجابت گفته عازم کاشانه سرای جاودانی گردیدند .

بی‌بی صاحبهٔ متوفیهٔ مشار الیها ازامرازادکان بسیار اصیل ونجیب بدخشان بود . والد ماجد مرحومشان جناب ، میرجهاندار شاه ، امارت مستقله بدخشان را حائز بود که بعد از انقراض استقلال حکومت خود مع عائله بسمرقند نقل نموده بودند . وچون ذات اعلیحضرت ضیاء الملة والدین مرحوم بسمرقند تشریف فرما شده بودند درانجا بابی‌بی صاحبهٔ مشار الیها ازدواج شان بوقوع آمده بود .

این ضیاع ابدیٔ بی بی صاحبهٔ مشار الیها بر ذات اعلیحضرت پادشاه مقدس ما وجمله خاندان سلطنت سنیهٔ افغانیه خیلی تأثیر اندوهگینی اجرانمود. جنازهٔ مشار الیها بالاارادهٔ سنیهٔ ذات اعلیحضرت پادشاهی بکمال دبدبه واحتشامی که لایق شان وشرف شان بود در حالیکه ذات عالی جناب فخامتمآب سردار اکرم نائب السلطنه صاحب افخم، وجناب عالیٔ شهزاده معظم معین السلطنه صاحب افخم وجناب عالی شهزادهٔ مکرم نائب الحکومه صاحب قطغن وبدخشان ودیگر شهزادگان عظام وسرداران کرام مأمورین ذوی الاحترام وارباب مناصب ملکی وعسکری ویك فرقه عساکر شاهانه موجود بودند ازقلعهٔ باقرخان برداشته شده درقول چکان

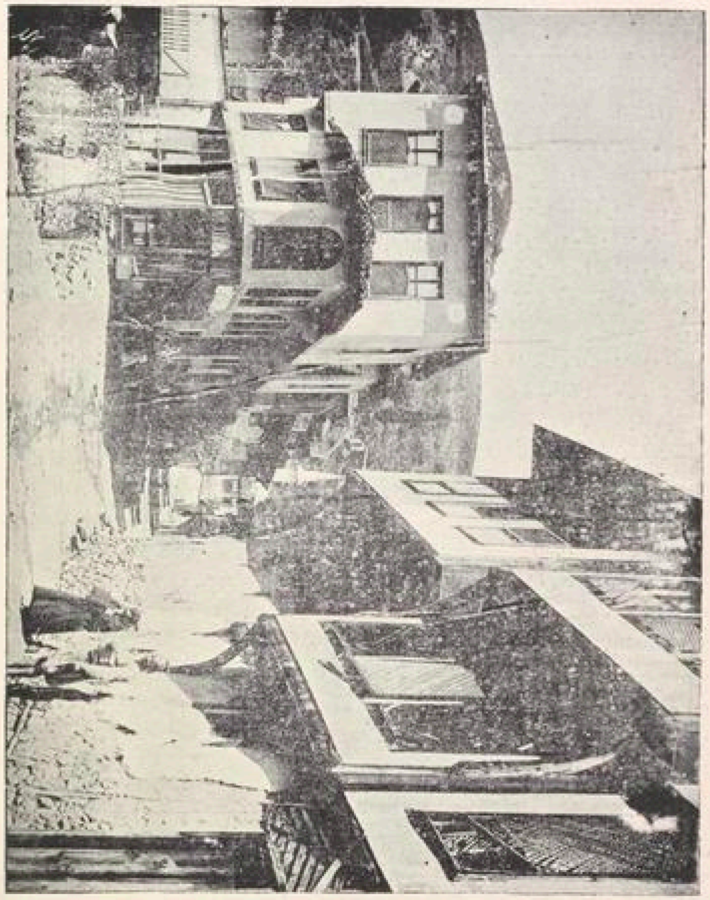

﴿ازمناظر استانبول﴾

(یك محلهٔ طرز قدیم دراسکدار کم موقع)

تا موقع دفن خاك عطرناك گردید.

مراسم فاتحه کبری وعزاداریٔ شان بامر وارادهٔ اعلیحضرت پادشاهی درجای جناب مستوفی الممالك صاحب درزیر ریاست جناب عالیٔ شهزاده سردار حیات الله خان نائب الحکومه صاحب قطغن وبدخشان وبرادر والاکهر متوفیهٔ مشار الیها جناب (شهزاده جهانگیر) اجرا گردید.

(سراج الاخبار افغانیه) بکمال حسرت واسف مراسم تعزیت را بذات شوکتسمات مراحم صفات اعلیحضرت پادشاه مقدس وجمله خاندان سلطنت سنیهٔ متبوعهٔ خود عرض وتقدیم نموده دعای تمادی عمر واقبال اعلیحضرت پادشاهی را ورد زبان عبودیت میدارد.

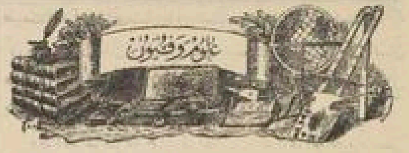

سیاسیات حکمای قدیمه

عناصر اربعهٔ دولت

علوم سیاسیه که در زمان حاضر در اوروپا متداول است یگانه دلیل متانت و رصانت نظامات و قوانین آن از انتظامات و ترقیات حکومات موجودهٔ عالم پدیدار است . اما گمان نشود که حکماء و سیاسیون شرقیهٔ قدیمه از علوم سیاسیه بی‌بهره بوده‌اند . و چیزی دران نگفته و نه سروده‌اند . بلکه بقیهٔ همه علوم و فنون و صنایع بدیعهٔ غرایب نمون از شرق بغرب جریان یافته است . همچنان است علوم سیاسیه و ملکداری .

این است که در مجارای تمثیل یک فقرهٔ سیاسی را که در یکی از آثارهای معتبر شرق مطالعه گذار ترجمه شده بود در نظر قارئین کرام عرض میداریم :

*

چنانچه حکمای متقدمین قوام و استحکام حیات اعتدال امزجهٔ ناطقه را از امتزاج عناصر اربعه مقرر نموده‌اند استحکام تمدن و سیاست نیز بر چهار چیز بود که بمنزلهٔ عناصر اربعه واقعشده است . که من حیث المشابهة والمطابقه کماحقه تماثل بدانست . و چنانچه اگر در عناصر اربعهٔ کائنات که عبارت از (آتش) (و باد) و (خاک) و (آب) است اعتدال بر کمال نباشد صلاح بفساد منجر گردد همچنان عناصر اربعهٔ دولت نیز اگر اعتدال نه پذیرد نظام ملک و دولت و قوام مدن و مدنیت منظوم و مسبوق نیفتد پس عناصر اربعهٔ دولت از قراری تعیین و مطالعه کنند که ذیلا تفهیم میشود .

اول از عناصر اربعه از کاینه عنصر (آتش) بود و در عنصر چهار گانهٔ دولت (مدافع و لوازمات حربیه) بمثابهٔ آتش است . چه مناسبت این دو با همدیگر من حیث الحرب والحرق اکمل و اتم است و موقوف بودن مصالح مملکت و محافظهٔ دولت و ملت و انفاذ حکم محکم شریعت و دیگر امورات سائرهٔ ذی منفعت بر این عنصر نافع بدیهی است .

دوم از عناصر اربعه از کاینه عنصر (هوا) است . و در عناصر چهار گانهٔ دولت مثال آن (صناعت و تجارت) بود که تشبیه ایندو نیز بنهایت مناسبت است . و منافع صنعت و تجارت مر اعمار ملک و ملت را بدرجه ایست که در عدم آن اعدام مدنیت لازم آید چه زر و دینار که حکما آنرا عادل متوسط گفته از برای آنکه وجود آن مرهم وقت و مشارکت نوع بشر را امر ضروریست . پس اگر دینار مفقود . گردد نسبت امور مخالفة الماهیه و رشته امور جمعیت بشریهٔ مدنی الطبعیه نیز نابود شود . و مدار تکثر مال و دینار نیز مبنی بر تجارت و صنعت بود .

سوم از عناصر اربعه از کاینه عنصر (خاک) است و در عناصر چهار گانهٔ دولت قرینهٔ آن (زراعت) باشد و بر فطن لبیب کمال مشابهت اینه‌دو عنصر نیز معلن و مبرهن است و چنانچه وجود آدمی از خاک است حیات نفس نیز بر حرث و زراعت است چه جمیع ماکل موقوف بزراعت و حیات انسان نیز موقت بر ماکل بود پس معلوم شد که زراعت نیز از عناصر اربعهٔ دولت میباشد .

چهارم از عناصر از کاینه عنصر (آب) است که در عناصر چهار گانهٔ دولت نظیر آن (وزراء و وکلا) باشد . اینحال اگرچه در وهلهٔ اولی نسبت بامثال مذکوره قدری بعیدتر بنظر میآید اما اگر ملاحظه نمایند بکمال موافقت و مطابقت خواهند یافت . چنانچه آبرا خاصیت آنستکه در وقت اروا نمودن اشجار و ازهار در جمیع اوراق و عروق آن ساری و منتشر گردد بمرتبه که هیچ یک از اجزای آنرا محروم نگذارد و اگر در یکی از آن اجزا جزئی نماید طراوت و نضارت آن از آن نباید . و همچنین است حال وزراء و وکلای دولت که ایشانرا وظیفه آنستکه از جمیع امورات کلی و جزوی ملک و ملت باخبر ، و قوهٔ مفکرهٔ ایشان بهمهٔ احوال داخلی و خارجی منتشر باشد و تأدیهٔ عدالترا بهر جزئی از اجزای دولت و رعیت و تجار و زراع و سپاه اجرا نمایند تا نظام دولت منتظم ماند و گلستان حکومت از طراوت نیفتد .

پس از سیاق کلام چنان معلوم شد که تقسیم عناصر اربعه بعناصر چهار گانه کمال موافقت و مشابهت را دارد و اگر در مملکتی یکی از این عناصر خلل و سکتهٔ عارض آید آنمملکت استقامت نگیرد بلکه سقیم باید گفت . حالا چون ترکیب دولت بر ترکیب و امتزاج عناصر متخالفة الکیفیات و تسالم ایشان حادث میشود و در اصول حکمت مقرر شده که مزاج کیفیتی بسیط است و منظور از ترکیب و تسالم اجزا امتزاج است لاجرم چنانچه عناصر اربعهٔ کاینه را امتزاجی هست عناصر اربعهٔ دولت را نیز مزاجی لازم است که مزاج آن عبارت از (عدالت) است و اهم وجوه عدالت و اتم آن عدالت (سلطان) است که ملاحظه رعایا نموده . عدالت دارد چه بی عدالت پادشاهی هیچکس را ممنت رعایت عدالت نبود .

سیاسیات حکمای قدیمه را شنیدیم . حالا یکقدری از علوم سیاسیهٔ حکمای جدیده نیز بشنویم اگرچه علم حقوق بین الدول را در این وقت اخیره حکم « تقدم قوت بر حق » و حکم « الحکم لمن غلب » به آب شسته ولی باز هم مادرج نمودن مقدمات این علم را از فایده خالی ندانستیم :

ازفنون سیاسیات

تعریف وتقسیم علم حقوق علی العموم
و
حقوق بین الدول علی الخصوص

مقدمه

(علم حقوق دول) یك علم مفتابها نیست که درین اعصار جدیده اگر دول وحکومات علم ازقواعد واصول آن آگاه ودانا نبوند بحال دولت ، واحوال مدنیت واسباب راحت وآسایش ملك وملت آن خسارات عظیمه ، ونتایج وخیمهٔ عائد ووارد گردیدن بدهی واشکار است .

قواعد ، واصول اساسیه (علم حقوق) در میان هیئت اجتماعیه بنی بشر ازهنگامیکه بمحاسن ومزایای تشکیل حکومت وتأسیس دولت باخبر گردیده‌اند اساس وبنیان نهاده‌است . ولی چنانچه مدنیت، وسعادت ، وراحت ، ورفاهیت انسانها رفته‌رفته تابدیندرجه که حالا مرئی ومشاهد است ترقی نموده . همچنان علم حقوق هم مانند علوم وفنون سائرهٔ دیگر حالا بدرجهٔ اعلی وذروهٔ بالا عروج نموده است .

اهم واکمل علم حقوق درشریعت غرای دین مبین محمدی علیه افضل الصلواة والسلام موجود میباشد .. ومحاکمات ، ومعاملات عامهٔ نوع بنی بشر موقوف ومنوط برشرایط اجرا ودانستن این علم مفتابهاست لاجرم دول وحکومات متمدنه درپیشرفت وتوسیع علم حقوق خیلی ساعی وجاهد میباشند ومکاتب عدیدهٔ مخصوص ازبرای تعلیم وتدریس علم حقوق تأسیس ونهره نموده‌اند .

(اما علم حقوق دول) که مفتا ترین شعبهٔ ازشعبات علم حقوقست درقطعه اوروپا قبل ازین بچار عصر مقدم موضوع بحث ومناظره گردیده است . علی الخصوص مدت دوعصر میشود که ازیکطرف مدققین ، ومتفننین اهل این فن هزاران کتب نافعه، وقواعد مفیده که درمناسبات دولیه ، ومعاملات ملیه مرعی داشتن آن مر دول وملل را بدرجهٔ نهایت لازم واهم است وضع وتألیف میدهند وازیکطرف عقلای ارباب دول درخصوص مرعیت احکام ، واجرای تطبیقات آن قواعد موضوعه بنهایت قصوامساعی وغیرت مینمایند.

لهذا درینعصر حاضر علم حقوق دول حکم علم مخصوص مستقل را گرفته . واهمیتش بدرجهٔ رسیده که اگر ازقواعد اصلیه واساسیهٔ آن ملك ودولتی باخبر نباشند ، ویاآنکه ازقواعد موضوعهٔ آن گردنکشی نمایند دوچار خسارات عظیمه وهلاکت وخیمه میگردند.

تعریف وتقسیم علم حقوق

علم حقوق تعریف دهنده، ودلالت کننده برقواعد علمیست که حق را از ناحق یعنی چیزیکه حق باشد ازچیزیکه حق نباشد فرق وتمیز بدهد برای تفریق وتمیز حق از ناحق اساس تطبیق قواعد بر دونوعست : یکی (قواعد طبیعیه) ودیگرش (قواعد موضوعه)

قواعد طبیعیه ، همان قواعد یستکه بقدرت کاملهٔ الهی، طبیعت مرنوع بنی بشر را تعلیم ونشان داده است . که آن عبارت از مدنی بالطبع بودن و جمعیت زندگانی کردن انسان ها است . این قواعد چونکه در فطرت انسانی مرکوز وموجودهست تغیروتبدیل نمیپذیرد.

وقواعد موضوعه همان قواعدیست که ازقواعد طبیعیه بعضی قواعدرا بطریق دستور العمل گرفته‌اقواعدرا ازای دوام ، وانتظام وتحکیم وتقویم قواعد طبیعیه که عبارت از مدنیت است وضع میکنند .

وچون عقول وادراك جمیع بنی نوع انسانی بریك حدو یك قرار نمیباشد لهذا اتحاد واجتماع نوع انسان براصول قواعد طبیعیه بیك طرز ویك منوال نمی آید . که ازین سبب بوضع وتأسیس قواعد موضوعه احتیاج لابدولازم آمده‌است .

پس درمحال علم حقوق به‌اعتبار ماهیت، یعنی بحیثیت قواعد مبحوث عنهایش بردوقسم منقسم گردید که یکی قسمتش (حقوق موضوعه) ودیگرش حقوق طبیعیه گفته میشود، وحقوق موضوعه بخشیکه یك جزئی از حقوق طبیعیه میباشد لاجرم کسب وقوف وآگاهی کاملهٔ آن متوقف برتشکل وتوغل حقوق طبیعیه ضروریست .

موضوع ، وغایت علم حقوق

(موضوع علم حقوق) مناسبات متقابلهٔ افراد انسانیست باهمدیگر که در داخل دائرهٔ جمعیت بهرزندگانی دارند . وغایتش نیز آنستکه این جمعیت بشریه حسن انتظام ، ودوام ، وامنیت ، وراحت ، ورفاهیت بپذیرد .

معاش وزندگانی هیئت مجتمعهٔ انسانی موقوف ومنوط بروجود تشکیل حکومتی بودکه این حکومت افرادرامتبوع ، وافرادهم او را تابع باشند . پس این کیفیت تأسیس حکومت ، وحسن انتظام هیئت اجتماعیه و مناسبات افرادبا حکومت ، ووظائف حکومت باافراد مستند برقواعد ، وقوانینیست که بیان کننده ونشان دهنده آنقواعد وقوانین ها (علم حقوق) میباشند .

ودیگراینکه : نوع بنی بشر تنهایکجا ، کی دریك جمعیت ودرزیر حکم یك حکومت زندگانی ندارند بلکه باسم دولت ، وملت وجمعیت سیاسیه متعدد هیئتها تشکیل کرده اند . واین هیئتها بایکدیگر بعضی مناسبات ومعاملات پیدا کرده‌اند . ومثلا گاهی محاربه وگاهی بصلح بسر میآرند . وافراد هرهیئت نیز برای تجارت ، ومعاملات سائره بممالك یکدیگر رفت و آمد دارند . لهذا قواعد وقوانین ونظاماتیکه در مخصوصها مستند باشد دلیل ورهبر آن باز هم علم حقوقست .

پس موضوع علم حقوق عبارت ازین بود که بیان کردیم . اما این یك رانیز ازمد نظردقت دورنباید داشت که ترقی وانتظام ابندرجهٔ علم حقوق ماادراعصاراخیره ظاهرونمایان گردیده‌است .

اقسام علم حقوق

حقوق موضوعه بنابرحیثیت موضوعش اساساً بردو قسم بود که

منقسم میگردد که هرقسم آن باز باقسام دیگر منقسم است .

اول از دوقسم اساسی علم حقوق (حقوق خصوصیه) میباشد که آنرا (حقوق بین‌الاشخاص) نیز میگویند . وظیفه این قسم نشان دادن ، وتحدید نمودن معاملات ، ومناسبات افراد است باهمدیگر شان

دوم (حقوق عمومیه) میباشد . که این قسم باحث وناطق ازقواعد تشکیل حکومت ودولت ، ومناسبات ومعاملات افراد باحکومت ، ومناسبات وحرکات حکومتها ودولتها بایکدیگر میباشد حاصلش اینکه غایت (حقوق خصوصیه) وقایهٔ منافع خاصه ، وغایت (حقوق عمومیه) تأمین ومحافظهٔ منافع عامه است .

حقوق خصوصیه واقسام آن

(حقوق خصوصیه) برسه قسم منقسمست که قسم اول آنرا (حقوق مدنیه) وقسم ثانی آنرا (اصول محاکمهٔ مدنیه) وقسم ثالث آنرا (حقوق تجاریه) میگویند .

حقوق مدنیه ، تعیین کننده ، وتحدید نمایندهٔ قواعدوقوانینی است که افراد اهالی آنرا درمابین خودشان مرعی الاجرا میباید داشت .

حقوق محاکمهٔ مدنیه همان قواعد وقوانینی است که افراداهالی آرادرخصوص استحصال واثبات حقوق خودشان درحضور محکمهٔ حکومت مجبور مرعی الاجرا بایدداشت .

حقوق تجاریه نیز شعبهٔ ازشعبات حقوق مدنیه میباشد که شامل برقواعد وقوانین معاملات تجاریهٔ اهالی میباشد .

حقوق عمومیه واقسام آن

(حقوق عمومیه) بردو قسم منقسم است که هرقسمی ازآن نیز باقسام متعددهٔ دیگر انقسام یافته.

قسم اول آنرا (حقوق عمومیهٔ داخلیه) میگویند وقسم ثانی آنرا (حقوق عمومیه خارجیه) میباشد . که (علم حقوق دول) عبارت از همین قسم آخراست .

حقوق عمومیهٔ داخلیه

(حقوق عمومیه داخلیه برسه قسم تقسیم میشود : اولا (حقوق اساسیه) ثانیاً (حقوق ادارهٔ ملکیه ثالثا) (حقوق جزائیه .)

حقوق اساسیه اشتمال برقواعدیستکه صورت تأسیس حکومت ومناسبات افراد تابعهٔ جمعیت را باحکومت متبوعه اش تعیین میدهد .

حقوق ادارهٔ ملکیه ؛ تعیین دهنده وتحدید نمایندهٔ قواعد وقوانینیست که درمابین منافع خصوصیهٔ افراد اهالی بامنافع عمومیه هیئت دولت باشد .

حقوق جزائیه ؛ همان قواعد وقوانینی است که ازبرای تأمین وتکفیل حسن انتظام وابقای جمعیت بشریه وضع شده باشد که مخالفت کنندگان ازقواعد بحکم همان قوانین موضوعه گرفتار مجازات مختلفه ومتفاوته میگردند .

حقوق عمومیهٔ خارجیه

یاانکه

حقوق بین‌الدول

دوم قسم ازاقسام حقوق عمومیه (حقوق عمومیه خارجیه) میباشد که (حقوق بین‌الدول) عبارت ازهمین است .

مهمترین شعبات علم حقوق حقوق بین‌الدول است . وآن بمعنی قواعد وقوانینیست که دولتها وحکومتها درمابین همدیگر خودشان وضع نموده باجرا وتمسک آن مجبوراً عمل میکنند . ومناسبات ومعاملاتیکه درمیان دول وملل مختلف درجریان است تحدید کننده وتعیین نمایندهٔ آن قواعد وقوانین موضوعهٔ حقوق دول است .

این حقوق دولرا حقوق ملل نیز مینامند که ازخود مستقل اقسام متعدده دارد .

« اقسام حقوق بین الدول »

علم حقوق دول بالطبع بردوقسم منقسم است که یکیرا (حقوق عمومیهٔ دول) ودیگرش را (حقوق خصوصیه دول) مینامند .

حقوق عمومیهٔ دول ؛ عبارت ازهمان قواعدو قوانین عمومیه ایست که جمیع دولتها بتمسک واجرای آن درحق یکدیگر موظف ومکلفند واز احکام آن هیچ کمی کردن کسی نمیتواند .

وحقوق خصوصیهٔ دول ؛ عبارت از همان قواعد وقوانین خصوصیه ایستکه درمیان افراد واشخاصیکه اجزای جمعیت دولتها ازآن ترکیب یافته جاری ومتمسک باشد .

وچون حال صلح وحال حرب در مابین دول طبعاً موجود است لاجرم علم حقوق بین الدول حائز دوقسم دیگر نیز میباشد که یکیرا (حقوق صلح دول) ودیگرش را (حقوق حرب دول) عنوان داده میشود .

حقوق صلح دول — همان قواعد وقوانینیست که دولتها آنرا درهنگام صلح درمناسبات ومعاملات جاریهٔ شان بمقام دستور العمل برخود واجب دانسته اند .

وحقوق حرب همانقواعد وقوانینیست که درایام حرب دولتها مرعید اشتش را لازم دانسته اند .

خاتمه درعلم حقوق

این معلومات مختصر وسطحیکه در خصوص علم ذی اهمیت ومعتنا بهای (علم حقوق) بقارئین کرام عرضه نمودیم عبارت ازیک (فهرست) اجمالی ایستکه تاقارئین کرام از موضوع ، واقسام آن تا یکدرجه اگاه گردند . ورنه این علم معتنای بسیار اعلی تاانقدر مفصل ومکمل علمیست که اوراق محدوده مختصره اخبارما باستیعاب آن کفایت نکند . درهرقسمی از اقسام این علم مفصلا ومستقلا کتب بلکه مجلدکه ها موجود میباشد . لهذا اینستکه از علم حقوق علی‌العموم واز علم حقوق بین الدول

علی‌الخصوص بدینقدر معلومات مختصر کفایت ورزیدیم .

انتها

حوادث خارجیه

اجمال

چون یکنظر سرسری بسوی این جنگ جهانسوز فلاکت اندوز انداخته شود نتیجهٔ آن برای عالم مدنیت بسیار وخیم دیده میشود . « مدنیت » را یکچیز جدیدی نباید پنداشت . عالم حادث است . چرا که متغیر است . وهرچیزی که متغیر باشد حادث است ! بلی . این مسئلهٔ منطقیه صحیح است . ودر حادث بودن عالم هیچ شک وشبهه نیست . اما تعیین این حدوث که آیا از کدام وقت حادث شده است ؟ باز هم قضایای منطقیه خارج ادراک بشر شمرده میشود . چیزیکه مارا باعتقاد حدوث آن مجبور میسازد همانا تغیر وتجدد آنست .

این تغیر وتجدد از آغاز حدوث خلقت توأم آمده است از جملهٔ تغیرات وتبدلات که درعالم پدیدار آمده است ، یکی کیفیت « تمدن » و « توحش » است . انسانها وحشی فطرت است چرا که مستعد به اکتساب مدنیت است . وچون مستعد بمدنیت باشد اصل آن راجع بوحشت است . اگرچه این برهان ازقبیل سفسطه باشد ، باز هم می‌بینیم که درین جنگ قضیهٔ « کل شئ یرجع الی اصله » بکمال وضاحت سرزدهٔ ظهور گردیده است . اوروپائیان که فطرتاً وحشی بودند . وظاهراً اکتساب تمدن نموده همهٔ دنیارا به آن مدنیت ظاهری خود واله وحیران ساخته بودند بازبجانب رجعت قهقری رجوع باصل خود کردند که موجب وله وحیرت عالمیان گردیده است .

چنانچه عالم یک حادث غیرمعین‌الحدوث است مدنیت نیز بدرجهٔ کهنه وعتیق است که تحدید حدود کهنگی آن نیز خارج امکانات است ازتدقیقات « آر کیولوژی » — یعنی فن آثار عتیقه — آشکارا میگردد که مدنیت صدها هزاربار پیدا وپنهان شده است . چون بسوی بعضی آثار مدنیهٔ انقراض پذیرفتهٔ که از زیر خاکها وآوارها وقتی بعداز وقت ظهور میرسد . ومانند خرابه زارهای « بعلبک » و « تدمر » وامثال آنها که پدیدار مانده است بنظر غور دیده شود تاچه درجه بکهنگی مدنیت پی‌برده میشود . خدا داناست که چقدر مدنیتها درعالم ظهور آمده . وباز ناپدید گشته ، وباز پیداوباز ناپیدا شده است .

این است که این محاربهٔ عالمگیر جهانسوز نیز چنین تخمین میشود که مدنیت اوروپارا رجعت قهقرئ وحشت مجبور نماید وآنهمه آثار شعشعه‌بار بدایع شانرا درزیر خاکها وآوارها پنهان سازد . ووجودمدنیهارا ازمیان بردارد ، وآن قطعهٔ مدنیت وتیفه‌را وحشت زار عاری وبراری مخوف بسازد شهرستانهارا دیوستان ، ودبستانهارا بازیگاه غولهای بیابان گرداند ؛ اختراعات محیرالعقول مدنیه که خود شان بروی کار آورده‌اند بلای جان شان گردد . قهرمانهای بهادر اخلاق ردیه مانند حرص ، طمع حسد ، رقابت بجان شدت وحدت برانها هجوم کنند که همهٔ آن اسلحهٔ بدیعهٔ عجیبه وغریبه‌را که بخونهای جگر ، وخوردن مغزسر بایجاد آن کامیابی حاصل کرده‌اند ازدستهای شان بروده بمغز وجگرکه شان حواله نماید .

هم حواله کرد ! چسان حواله ؟ حوالهٔ جانستان ! . . .

هیچ فرد انسانیت دوستی نخواهدبود که این جنگ خونریز تباه کن عالم بشریت‌را بنظر استحسان دیده بتواند . از شنیدن این خونریزیها ، ودیدن این خرابیها بجان انسانیت ، ومدنیت را موبربدن راست میشود اماچه‌چاره . که این جنگ‌عظیمه ازمقتضیات طبیعت شمرده میشد . بسیارئ نفوس ، وافزونئ عمارات ، قطعهٔ اوروپارا از استیعاب و گنجایش آن عاجز ساخت ! اگر حرب نمیشد ، باید که یک وبا وطاعون مدهش به تعدیل آن دستگیری میکرد . از قراین چنان معلوم میشود که این جنگ به این زودیها تمام‌نشود . وقت آن در رسیده است که انقلاب تمدن حاضره بوقوع آید . تأثیرات عالم‌علوی بسفل تمام فعالیت خودرا جاری‌سازد . وچنانچه آثارهای مدنیت نمرودها دربابل وازفرعونها در مصر در زیرخاکها وآوارها پنهان گردیده ودرینوقتها که بعضی از آنهارا کهان پدیداومیگردد موجب حیرت وآگاهئ اینعصر بمدنیت آن عصرها میشود همچنان بعد از قرنهای بیشمار ظهور این آثار همین اعصار بینندگان آینده تأثیرات اجرا کند !

جنگ بکمال‌الشدت دوام‌دارد . رزمگاه‌مشرق ومغرب دریای خون ومستورباجسدهای بوقلمون است . همه‌عالم گوش بآواز ورود نوبهار است . هرنوبهار مژده رسان حیات تازهٔ عالم اجسام است . امااین نوبهاری که در آمدنست خبر دهندهٔ ممات عالم است . زیرا جرمنها چار ملیون عسکر تازه‌دم خودرا برای باران آتش همین بهار نگهداشته است .

« سالیکه نکوست از بهارش پیداست »

وزیرجنگ انگلیز ، محاربه‌را تاسه‌سال ، ووزیربحر تا یکسال ، ویک وزیردیگرش الی نهایه تخمین میکنند . از جهت مقابل‌الامانها بیانک بلند میگویند که تاموش و گربهٔ در المان باشد جنگ دوام خواهد ورزید . هریک ازطرف مقابل حیات وبقای خودرا در فتح خود وشکست مقابل‌خود می‌بینند که با بحساب تعیین نمودن خاتمهٔ جنگ‌را بیرون از دایرهٔ قیاس باید شمرد . اعضای محکمهٔ صلح عمومی که در « لاهی » برپاشده بود چون داخل کومیتی جنگند صلح دهندهٔ هم پدیدار نیست .

برای کسیکه امتداد یافتن جنگ فایده شمرده میشود همانا دولت عثمانیست . زیرا این دولت اسلامیه ازطرف دولتهای روس ورفقایش

باعدام محکوم شده بود . پس هرآنقدر که محاربه امتداد یابد آن حکم اعدام هم بتعویق می‌ماند . حال آنکه در حقیقت این حکم شامل احوال همه عالم اسلام بود . بعضی کوته‌نظران شامل شدن دولت ترکیه را در جنگ بر حماقت ترک حمل میکنند . ولی چون باسرار افکار وتصورات آنها در باب ترکی پی برده‌شود . وبحقیقت تفتیش گردد . بلانشان دراینخصوص عزا آورده‌شود این اقدام ترکی را طبیعی ضروری مجبوری دیده ومی‌بینند . شخصی که بمرگ محکوم شده‌باشد آن مرا چه بدار وچه بگله وچه بآتش همه یکسان است .

والحاصل این محاربه از چنان محاربها نیست که در صحایف تاریخ امثال آن کمتر دیده شده . والبته نتیجهٔ آن بجوشدن بسی ملتها ودولتها . وحادث شدن عوض آنها منجر شدنیست . تا دیده‌شود که دنیای کهنهٔ حادث چه تغیرات وتبدلات بظهور می‌آورد!

ترجمهٔ اخبارات اردو که عبدالرحمن اداره ترجمه کرده

(همدرد) : (جنرال وان هندنبرک)

یکی از جراید جرمنی درباب لیاقت شخصی ، جنرال وان هندنبرک ، که از طرف جرمنها بمقابل روسیا درمیدان رزمگاه مشرق مأمور است مینویسد که :

بعضی عادات وحرکات هند نبرک به ، فره دریک ، کبیر وبعضی اطوار باوقارش به ، ناپولیون ، اعظم ویکان یکان افکار عالیانه اش به ، مولتکی ، فاتح محاربهٔ سال ۱۸۷۰م خیلی موافقت ومشابهت بهم میرساند ، درکار هایش چنان یکروح وجوهری موجود است که دران جمیع این صورتها بنظر می‌آیند ، اولیك انسان کامل وازهمه برتر حکمران خصایل وشمایل خود است

خمیرش ازهمان خمیرمایهٔ که ازان ، لوتهر ، بانی مذهب پروتستانت وسیاسی عظیم‌الشان ، بسمارك ، ترکیب یافته بود نیز بهره رسیده است ، مختصر هندنبرك یك مجسمهٔ ذی حیات فطانت وتدبر ، وعزم واستقلال میباشد .

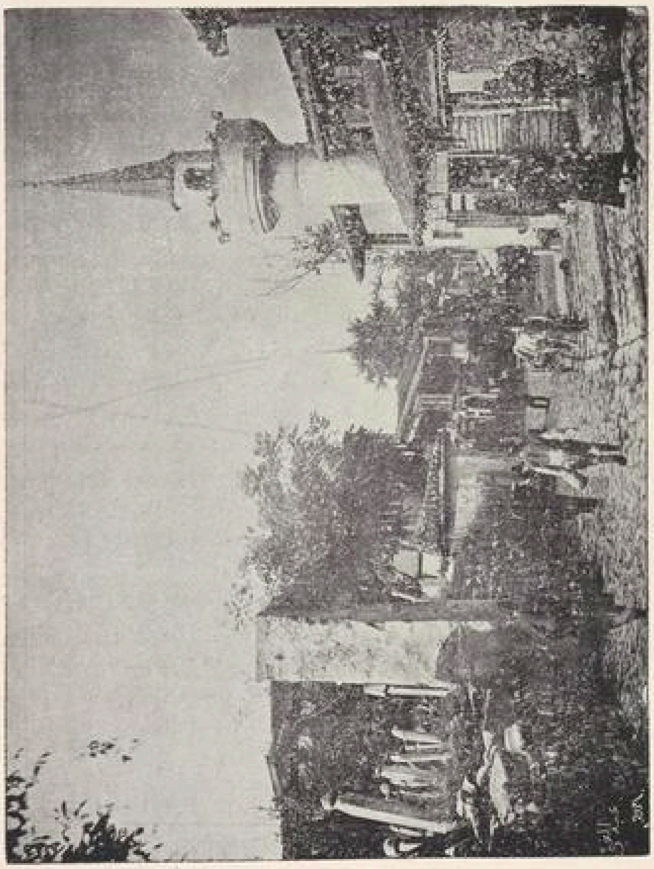

ازمناظر استانبول

ازبازارهای طرز قدیم در جهت اسکدار

(کذا) : (عسکرهای عثمانی)

بیان های جنرال لیمان پاشا را اخبار « ناتیز » متعلق عساکر عثمانی دراشاعهٔ ۷ جنوری خود به حوالهٔ یك اخبار جرمنی از قرار ذیل اشاعت داده است :

افسرهای وفد عسکری جرمن بعد ازآنکه بکمال کامل تکالیف ومحنهای شدیدهٔ را برخود گوارا کردند بپایان اسوهٔ حسنه رسیدند که درصورت اتحاد عساکر عثمانی والمانی وحرکت متفقهٔ شان بطرف میدان محاربه جلوه گر گردید . درعرصهٔ ۱۲ ماه گذشته ماعموم عساکر عثمانی را آماج زدن آموختیم . این امر شایان تحسین وآفرین است که بعد از اختلاط عمیق که ازجنك بالقان بدولت عثمانی وارد آمد ترکان بهادر بکمال اعتدال واستقلال آنرا تحمل کرده وبه بسیار سرعت فوق العادهٔ حالت داخلی مملکت خود شانرا اصلاح وسرازنو بادادن قربانهای عظیم قوهٔ حربیهٔ خودها را ترقی داده توانستند ملت عثمانی حالا این امر را ازمآل اندیشی سیاسی خود بخوبی میداند که وجود آنها بررویِ دنیا باهستی جرمن واوستریا مربوطست . دراین جنگیکه دشمنان سیاسی شان بروزهٔ ایشان اجباراً باز کرده اند به کل دنیا معلوم خواهد شد که آن ترکانیکه پیش از چند سال نیم عالم را فتح کرده بودند چسان آن عظمت تاریخی خود شانرا دوباره بدست آوردند .

(کذا) : (سخن راست متعلق جنك)

بعنوان فوق اخبار هفته وار « سنردی ربویو » یالندن دراشاعهٔ ۲ جنوری خود مقالهٔ نشر نموده است که دران ابنای وطن خودرا وصیت نموده که خودها را ازباور کردن خبرهای بادهوای

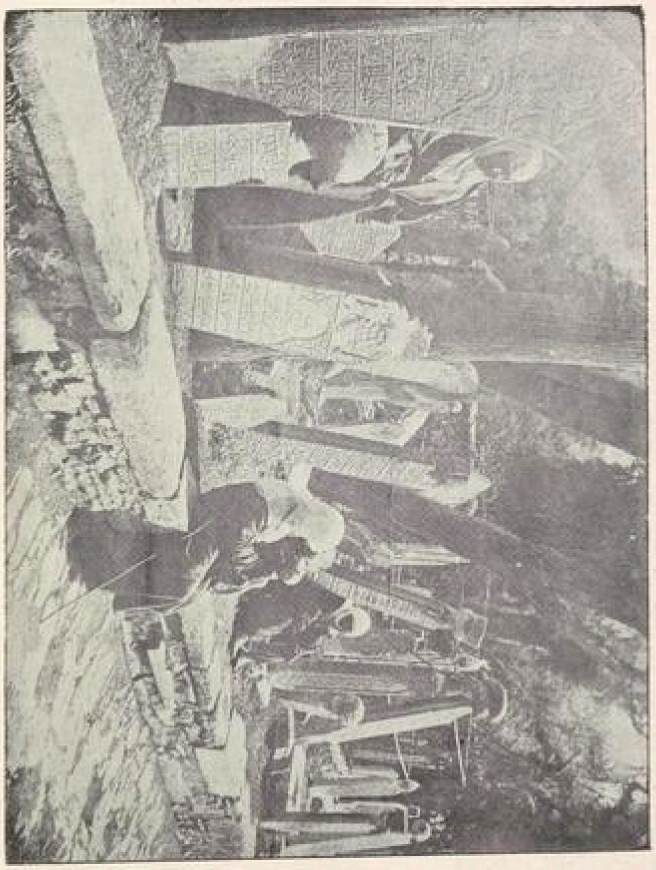

از مناظر استانبول

قبرستان سلطانان

بعضی اخبارها و مضمون نگارهائیکه کزوری فرضی دشمن وترقی وکامیابی خودرا نشان داده ومیدهند دور دارند .

آغاز سال نو وابتدای ماه ششم جنگ ، خوب موقع است که دران برحال واقعی امروزهٔ خودها یکنظر بیفکنیم : — چند ماه قبل ازین در عموم مردم این افواه اشاعت یافته بود که جرمن بسبب دقتهای اقتصادی ومعطل ماندن کارخانه‌ها وبیکار شدن اهل کسب خود اضافه از ۶ ماه بارثقیل این جنگ را تحمل نمیتواند . ولی ما این سخن را در « ستردی ریویو » ، هیچ وقعت وحیثیت ندادهٔ ازان بکلی صرفنظر کردیم . گویندگان این پیشگوئی هم یکچنان مردمانی هستند که درمابین خانه‌های خود ها بادراز وخاطر جمع نشسته ازجنگیکه درخارج جاریست هیچ خبر ندارند وبنابران اقوال فلسفیانهٔ راکه درزمان امن گفته میشوند برین جنگ مطابق میسازند . هم چسان جنگ ؛ که برخلاف چنان یك ملتی که قوهٔ متفکرهٔ مااینها ازفهمیدن بلکه ازتصور کردن پالیسی ، طرز عمل ، آرزم قدر ، ومعذور است . ابتدا اگر بکمال بشاشت این یك راکه جرمنها بزرگ قوهٔ اقتصادی که درزمان امن بدست آورده بودند تامدت های مدید مابعد نیز بامابرسرپیکار خواهدماند اعتراف کنیم هیچ کس مارا عیب نخواهد نهاد . وبدون آنکه تحریر فاخرانه ومباهیانهٔ صدر بانك بزرك سرکاری جرمن را باور نمائیم این یك را بالضرور تسلیم کنیم که حقیقتاً نزد جرمنها آنقدر مبلغ موجود است که تامدت درازی ازعهدهٔ مصارف ومخارج حربی آنها برآمده میتواند .

درینوقت دوچیز مردم را به غلط فهمی انداخته است اول کثرت افواه های دروغ وبی اصل واساس که یومیه درمابین مردمان جریان دارد ودوم ازین قسم آوازه‌های که درنزد جرمنها گندم که ، بارود تفنك ، آدم وغیره عنقریب ختم شدنی است بهزارها درکوچه ها وبازار ها گفته وشنیده میشوند . حالانکه این ها همه مفعولات وترهاتی میباشند که یکی ازایشانرا هم باور کردن لازم نیست . وتنها یك عقل ساده وعامیانه نیز برکذب اینها حکم کرده میتواند . هرچند که درین هیچ شبه نیست که جرمنها درین جنك متعلق بعضی چیزها مانند فتح قلعهٔ « لیج » ، وشمولیت بریطانیا به جنك درتخمینات خود بخطا رفته اند ولی باز هم نه اینقدر که درفراهم آوردن مایحتاج ابتدائی مانند مهیا نمودن گندم وآلات حربیه وغیره ازایشان فروگذاشت کلی واقع شده باشد چه جائیکه مثل جرمن یك ملتی که ازسالها ، ونسلاً به شهرت حربی مخصوص است ! از آغاز ، مایلزم حرب خودرا نیندیشیده باشند !

(کذا) : (سالار الدوله در قریبهای تبریز)

نامه نگار اخبار « تیرایست » رقمطرازاست ، که سالارالدوله باز در نزدیکیهای تبریز موجود است ، ولی دراینبار برخلاف سابق بی آنکه باملت پریشان برای حاصل کردن تاج وتخت پدری خود بجنگد ، درمقابلهٔ روسیا برای جنگ کردن بنای آماده گی وحاضری را گذاشته است ، چنانچه سردار رشید نایب‌الحکومه جدید آذربایجان را حکم فرستاده است که فراهمی عسکری خودرا زودی بکند که عنقریب هزهایلنس بروسیا درتبریز ارادهٔ حمله را دارد —

(سیاره) : (امپراطور جرمن دررزمگاه مشرق)

درمیدان رزمگاه مشرق ازوجود امپراطور یکجوش عمومی درعسکرهای جرمن پیدا شده است وشاید بهمین سبب درسرحد های مشرقی علاقهٔ « لودز » ، درین روزها خبرهای کامیابی جرمنها را میشنویم . درمحاربهٔ « هاهون » ، روسیا شکست فاش برداشتند بقول جرمنها درجمر که مااز چار طرف دشمن را محصور کرده وازیکطرف برانها حمله میکردیم وتوبخانهٔ ثقیلهٔ ما ازگاه بلندی خوفناك خود دشمن را نقصان کثیری رسانید . وبعدازانکه عسکر پیادهٔ مایکهجوم شدیدی بردند روسیان تاب مقاومت نیاورده روبفرار نهادند ، درین جنك ، ۱۶۰۰ اسیرو ۱۰۰۰ مقتول را درمیدان گذاشتند .

(کذا) : (بلای سماوی)

قارئین کرام ما فراموش نکرده باشند که چند روز قبل ازین خبرهای یکزلزله هیبتناکرا که درایطالیا آمده بود درج کرده بودیم حالا میخواهیم که مضمون بعضی ازان تلگرافها را تفصیل بدهیم ، این بلای آسمانی که برایطالیا نازل شده است در نوعیت خود بی مثیل است تار ۱۵ جنوری « روما » مظهر است که عدد نفوس شهر « اوزینو » ۸ هزار بود که ازجملهٔ آنها تنها صد نفر زنده مانده‌اند که آنها هم ازصدمهٔ زلزله دیوانه شده‌اند سیاحان که برای تماشای اوزینو رفته‌اند بیان میکنند که ازشدت زلزله عالم را یکطوفان خاك وتاریکی استیلا کرده بود . تمام شهر درینوقت بیکزار ستانی تحویل یافته است عمارتهای کلان کلان مسمار شده‌اند بریکوقتی اززیر یکعمارت افتاده ناگاه آواز های حزین یکچند دختران زنده درگوری بلند شد که میگفتند که زودی بامدادما برسید که ما ۱۴۰ نفر دختر بکلی قریب جاندادن رسیده‌ایم سیاحها بکمال‌السرعت عمارت منهدم را کندن گرفته‌اند تا آن دختران بیچاره را بکشند و کم بختهارا ازدستبرد پنجهٔ موت نجات بدهند ، بعداز کمی صداهای دخترها خاموش شد ولی امید است که هنوز عدد کثیر آنها زنده باشند . وتمام علاقه بردهٔ تباهی وبربادی افتاده است وازسبب افتادن سنگهای بزرگ وثقیل درکار حفر بسیار دقتها پیش می‌آیند تنها ازیك غار ۲۰۰ جسد مرده و ۱۸۰ بسملها کشیده شده‌اند از [illegible] چهاونی به حساب ۹۵ فیصدی نقصان عسکر محافظ بوقوع آمده است ودرتحت نظارت شاه ، ویکتر ایمونل ، کار نجات دادن جان های انسانهای مفلوك جاریست .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1082 of 1786

تار دیگر ناقل است ، که همان‌قدر مساحهٔ که دراول اززلزله خراب و تباه گردیده بود روز بروز افزونی واضافگی میگیرد واین خط ازسرحد اوستریا تابه حدود جنوبی ایطالیا تمدید یافته است درجوار اوزیتو ۱۸ شهر بکلی تباه وبرباد گردیده اند و ۲۰ شهر دیگر صدمات شدیده معروض گشته اند . از تار ۷ جنوری‌دوم‌معلوم میشود که تنها در علاقه ، اوبرزی ، ۳۰ هزار نفر هلاک گردیده اند . شدت واهمیت زلزله را ازین یك قیاس توان کرد که ریك گادیٔ که بسرعت حرکت داشت که ناگهان یك عمارتی که ۳۰ فوت بلند ازبیخ جدا گردیده واز فاصلهٔ ۵۰ گز پریده برخورد . مختصراً تمام شهر اوزیتو مسمار گردیده است ، ومردم برای امداد مجروحین زیرزمین درتگ‌ودو میباشند دروقت آمدن زلزله درکلیسای ، توستری ، قریب ۱۰۰ نفر برای تجهیز وتکفین یك مردهٔ آمده بودند که ناگاه زلزله آمده آنها را بیکجائی بملك عدم فرستاد .

کذا : (چین درطرفداری المان)

یك انگریز از ، پکین ، رقمطراز است که ، واقعات این طرفها بکلی قابل‌بیان‌نیستند ، وبلحاظ سکونت ومعاشرت حالا اینجا برای رعایای انگلیزی مناسب نمیباشد زیرا انجمن های چینی طرز معاندانه را تلقی میکنند وجرمنها برین کامیابی های خود شان اظهار مسرت میکنند ، ونیز افسانه های مظالم خودهارا شنیده بسیارخوشحال وشادمان میشوند . ساکنان انگلیز اینجا اوستریارا بنظر همدردانهٔ می‌بینند زیرا آنهاخیال دارند که بریطانیا برخلاف اوستریا داخل جنگ نشده است . برای من خبررسیده که بسیاری از حکام چینی دم ازموافقت جرمنها میزنند وبر خلاف حکومت بریطانیا میباشند . آنها به سببیکه ژاپان را دشمن چین وملارا دوست ژاپان میدانند دولت ملارا نیزبه‌نظر نفرت وغضب می بینند وآنراهم مانند ژاپان دشمن مفاد سیاسی خودها قرار میدهند . چینیان یقین دارند که جرمن بالآخر درین جنگ مظفر ومنصور خواهد گشت انشاءالله .

(کذا) : (کوشش جرمن درایران)

چنان معلوم میشود که جرمنها برای داخل ساختن ایران را بجنگ تیزسعی کرده اند . ومیخواهند که ایران‌راهم‌مانند عثمانی فریقه بدایرهٔ جنگ شامل بسازند . وبر خلاف بریطانیه آنها دولت های امریکا ، وایران را برای جنگیدن اغوا کرده اند . به ادارهٔ اطلاعات پیترو غراد یك‌نامه نگاری از ، بکرش ، خبر داده است که تلگرافات قسطنطنیه مظهرند که ، بعضی از ارکان انجمن اتحاد وترقی‌بانوجوانان‌ایران چندبار مجلسهای سیاسی کرده‌اند و مدعای انعقاد این کونفرانسها این بود که دولت ایران نیز در جنگ داخل‌شده وبرخلاف‌روس وانگلیس اعلان جنگ‌دهد . جرمنها بنوجوانان ترك این سخن را تأکید کرده اند ، که بهر صورتیکه ممکن شود آنها گورنمنت ، طهران ، را حلیف خود بسازند و جرمن برای دادن مصارف جنگ و لوازمات حربیهٔ ایران حاضر است .

(کذا) : (عثمانی وجرمن)

اخبار ، امپایر ، در اشاعت ۹ فروری خود عقد مؤاخات عثمانی وجرمن را بر ملاحظات ومطالعات ذیل مبنی ساخته چنین رقمطراز است :

« ما از شرکت جنگ دولت عثمانی این نتیجه را اخذ کرده بودیم که جرمن عثمانی را فریب داده است ولی . . خود غلط بود آنچه ماپنداشتیم ، زیرا حالا سراغ حالت اصلی قوم جرمن یافته میشود واکنون آن اسباب‌محکم ، طشت ازبام ، را کرده اند که ازروی آن اتحاد عثمانی وجرمن بعمل آمده است . یکی ازجراید اوستریا مینویسد که اتحاد جرمن وعثمانی یك‌امر فطرتی است زیرا ، قوای ذهنی ودماغی این‌هردو ملت بایکدیگر متحد‌اند وتاریخ بران گواه‌است . ونتیجهٔ لازمی‌این‌اتحاد آن بود که‌درمیدان ترقی‌اسپ‌های این‌هردو سلطنت یکجا دوش‌بدوش همدیگر بدوند . قوم جرمن از دل فریفتهٔ کرشمهٔ دلربای ترك واحتشام مشرق میباشند . ناولها وافسانهای جرمنی اگردیده شوند درانها جلوهٔ خیالات وتصورات مشرق بنظر خواهند آمد . حسن‌خیالی‌زنان چادرپوش چنانکه ترکارا بسوی خود میکشد جرمنها رانیزطبعاً مجذوب میسازد، دیدن نقش‌ونگار وزینت محلها‌وقصرهای عالیشان برایشان بسیار تأثیرمیکند . ازافسانها وقصص جرأت وشجاعت مجاهدین اسلام جرمنها بسیار خوش‌میشوند . ممکن که اسباب اتحاد اینهام باشند ، ولی چه میدانیم که ترکان این‌راتسلیم کنند . اخیراً جریده نویس آستروی مینویسد ، که ترك وعثمانی پهلو بپهلو برصفحهٔ هستی‌ترقی خواهند کرد وواقعات زندگی آنها بهرنك‌خون وقلم‌فولادی شمشیر برصحایف تاریخ نوشته خواهند شد . »

(کذا) (توهین لباس شاهی)

شخصی ، ادون کلارك ، نام را پولیسها به این جرم مأخوذ کرده آورده اند که اواز یونیفورمهٔ شاه خارج را بلا اجازت پوشیده بود که ازان لباس شاهی تحقیر کرده شده است . برای ملزم جزای نقدی ۲ پوند ویقید یکماه‌تجویز شد ولی اجازهٔ گرفتن اونیفورمهٔ ضبط شده برایش حاصل گشت .

(کذا) (یك ماتم پرشید)

بذرایع موثق معلوم شده است که چون زار روس حکم اجتماع افواج را صادر گردانید ، لهذا حکام باکو خواستند که مسلمانان چیده چیدهٔ آنها را انتخاب کرده بجانب سرحدروسیا بفرستند . وقتی که آنها برای رفتن به اسٹیشن رسیدند عیال و اطفال شان برای مشایعت آمده بودند افواج را نمیگذاشتند که روندویك شورماتمی برپا کرده واین را گفته کهمامسلمانان را کاهی آرام و قرار نصیب نمیشود زار زار میگریستند .

(کذا) : (ایجاد حیرت انگیز)

اخبار «توتو» رقطرازاست که مشهور سایس‌دان مستر ادیسن یك چنان آلهٔ ایجاد کرده است که اگر لازم باشد بذریعهٔ آن تحت‌البحر تایکماه درزیر آب مانده میتواند . ودر همینقدر مدت اورا به گرفتن هوا ازروی زمین هیچ حاجت نمی‌افتد زیرافایدهٔ این آله آنست که درزیر بحراو کسیجن را فراهم میکند .

(کذا) .

(حالا آغاخان را نمایندهٔ مسلمانان هند نباید گفت)

منبعد کور نمنت را لازمست که آغاخان را نمایندهٔ سیاسی مسلمانان هند نداند زیرا رای آغاخان از رای ۷ کرور مسلمانان هند مخالفست از جهةٔ نماینده کل واجب التعظیم وبااثر مسلمانان هندستان نواب وقارالملك . مولانا عبدالباری . راجهٔ محمودآباده مستر مظهرالحق . مستر محمدعلی . ومستر سیدحسن بلگرامی چنان اشخاصی هستند که ترجمان صحیح خیالات مسلمانان هند میباشند . پس مااز کور نمنت آرزو داریم که حالا بمشوره های همین اشخاص اعتماد خواهد کرد .

(کذا) : (نوبات جرمن برای حملهٔ انگلستان)

لندن ۵ فروری :

یك نامه نگار خصوصی «دیلی کرانیکل» از هولاند اطلاع میدهد که امپراطور ویلهلم «زیبرك» را معاینه فرمود که دران جا درینوقت ۹ عدد کشتی تحت‌البحر ودو عدد زپلن موجودند . هردوطیارهٔ قسم زپلن بغرض حملهٔ انگلستان روانه‌شدند ودرمقام «فیرزن» یکطیاره سومین نیز اینهارا ملاقات خواهد کرد .

(تیاری حملهٔ لندن)

(وکیل)

نامه نگار خصوصی اخبار «شکاگو تربیون» متعین شهر «جنوا» «ی سویسره» کیفیت آن زپلانهای هیبتناکرا نوشته است که بقول خوداو بغرض حملهٔ لندن درشروع سال ساخته‌شده‌اند . تاریخ خطنامه نگار ۲۰ نومبراست وتاآنوقت ۷ طیاره ازهمین قسم تیارشده بودند اومینویسد که جرمن بمعاونت قوهٔ تجربهٔ خود بآهستگی ولی بستعدی درتیاری حملهٔ هوائی بر «لندن» مصروف است .

دران کار خانهٔ که بر «لاب» «کانستنس» کاین است ازوقت آغاز جنك ۱۰۰۰ نفردران شبانروز بساختن طیاره‌ها مشغولند وپیش‌ازجنك درزمان امن اینجاها ۴۰۰ نفر کارمیکردند که فیروز ۸ ساعت را بشغل خود شان صرف مینمودند . ولی از ابتدای حرب به اینطرف این انتظام کرده شده است که از ۲۴ ساعت شبانروزی ۱۲ ساعت . نصف اول نفری وبعدازان ۱۲ ساعت . نصف دیگر نفری که به اینطریق ۵۰۰ نفر همه‌وقت مصروف کار میباشند نوبت بنوبت کار کرده بروند . حصه‌های مختلف طیاره‌ها ازدیگر علاقه‌های مملکت باین کارخانه میرسد ووظیفهٔ این کارخانه تنها ترکیب دادن وربط نمودن آنها است وبه اینصورت مکمل یك طیاره درسه هفته تیار میشود قبل ازین طیاره های قسم زپلن که ساخته میشدند آنهارا بعداز تکمیل پیش ازانکه بمنزل مقصود رسانیده شوند امتحان میکردند . ولی زپلن آخرین که هم ازدیگران بیشتر مضبوط ومتین بود بی‌انکه امتحانی از ان بگیرند یکباره گی به جانب شمال روانه کرده شد .

این زپلن ۴۰ گز طول دارد یعنی ازجمیع زپلنهای سابق درازتر وبزرگتراست وعرضش نیز ۱۴ گز . وقوت ۳ موتری را که در هر کدام آن طاقت ۸۰۰ اسب باشد مالکست وعملهٔ آن بر ۳۰ نفر افسر ودیگر طایفه‌ها مشتمل است .

بوقت روانگی ۵۰ گلهٔ که در یك بکس بزرك بودند . بران گذاشته شدند که متعلق آنها گفته میشود که هر کدام آن باعث آنقدر نقصان میتوانند شدکه ازیك گلهٔ توپ ۱۶ اینچ دهانه متصوراست . درقریب مقام «فرهدریخ شیفن» یکی ازان گله‌ها افتاد که تا ۵ گز عمیق زمین را بر کنده بهوا برانید . جمیع زپلنهای که از آغاز جنك تا کنون ساخته شده اند بهمچنین گله های بزرك مدهش مسلح میباشند .

۵ عــدد «درید ناوت زپلن» بهم بتاریخ ۵ ، ۱۱ اگست ۳ و ۲۴ سپتمبر و ۱۵ اوکتوبر و ۵ نومبر روانه شدند وعلاوه بران دوعدد دیگر نیز پیش ازینها دراوایل اگست فرستاده‌شده بودند که عدد مجموعی آنها ۷ میشود و گفته میشود که این طیاره های مهیب بکمال کامیابی حملهٔ یك «ایروپلان» قوی‌ترین را مدافعه کرده میتوانند وقریب ۳ تون باررا باخود گرفته درطبقات هوائیه بخوبی طیران کرده میتوانند . وقریب ۱۸ خانه های «گیس» دران موجود میباشند وساخت وترکیب شان چنان است که ، اگر بخواهند برسطح بحر فروآیند هم میتوانند واگر بخواهند که واپس برهوا شوند نیز پریده میتوانند . در کارخانه «فره دریك شیفن» که اینهاساخته میشوند بنام «طیارهٔ سطح البحر» مشهورند . وبه حروفهای باریك بر هر کدام آن این الفاظ نوشته میباشند که . «برای حملهٔ لندن ساخته شده» درجرمن ۳۱ زپلن ساخته شده اند ولی بقول بعضی افسران عسکری تنها آن ۱۲ عدد آن کار آمد میباشند که از همه اخیر تیار گردیده اند . رأی ادارهٔ حربی جرمن وخوده «کونت زپلن» درینباب اینست که برای حملهٔ لندن باید که کم از کم ۱۸ یا ۲۰ عدد زپلن قسم جدید مهیا کرده شوند . ودر شروع سال نو این همگی لازمکه مکمل شوند . هر کدام این طیاره های قسم جدید علاوه بران گله های مدهش بایکچند توپ خورد ویکعدد توپ بزرك نیز مسلح هستند .

کذا (زیورهای امپراطوریچهٔ جرمن)

تنها زنان آسیائی دلدادهٔ زر وزیور نیستند بلکه در اوروپ نیز شوق آرایش درزنها اضافه شده است . یك نامه نگار انگلستان مینویسد ، که در بعضی جشنها وشادمانی های خانگی ، امپراطوریچهٔ جرمن ازدونیم لك پوند کم قیمت زیورهـا را می پوشد ، یکدفعه دریك جشن بزرگ ملی ملکهٔ ، مارگریت ، امپراطوریچهٔ سابقهٔ ایطالیا ، ازامپراطوریچهٔ جرمن بیش بهازیور دربر داشت . چون امپراطور جرمن خبرشد وملکهٔ خود بسیار بغضب شد که چرا زیورهای اوازملکهٔ ایطالیا کم قیمت تر بود وحکم داد که بعد ازین همواره بازیورهای بیش بهای لعل وجواهر متجمل باشد . بیان کرده میشود که ازجملهٔ زیورات ملکهٔ جرمنی یك زیور آن بسیار بیش قیمت است که دران یکدانهٔ معدنی که ازا ، ناپولیون ، اعظم درافسر خود نشانده بود ودرمحاربهٔ ، واترلو ، بدست یکسپاهی آمد ، موضوع میباشد ، وغیرازان جواهرات گرانبهای دیگر نیز در حلیه هـای امپراطوریچهٔ جرمن میباشند ، مگرلباس ملکه بکلی ساده وشکل وشمایل شان بهلیدی‌های فرانسوی مشابهت دارد .

کذا (یك آلهٔ دیگر هلاکت)

جرمنها در حال یك آلهٔ جدید دیگر تباهی وبربادی را ایجاد کرده‌اند که بلحاظ اثرهای مهلك خود مستحق است که درصف اولین آلات جدیدهٔ مدهشهٔ حربیه جاداشته باشد چنانچه متعلق آن نامه نگار اخبار ، مورننك پوست ، ازپتروغراد خبر میدهد که ، جرمنها یك آلهٔ جدید آتشگیر را بنام ، توریپدوی بزرك ، ساخته‌اند که بامنجنیق عهدهای حکومت‌های قدیمی یونان وروم بطریق تمثیل مشابهت بهم میرساند . ، توریپدو ، بسیار بزرك میباشد وبه مجردیکه بیك چیزی برخورد بنهایت شدت می‌ترقد . ووقتیکه ترقید تکها وتوته های آن بهرطرف بهواشده می‌افتند نه‌تنها جوانب را بیك تباهی وبربادی مبتلا میکند ، بلکه یکچنان دودکثیف ومسمومی ازان منتشر میشود که بهرسو تامسافهٔ ۲۰ گز هوارا چنان زهرآلود میسازد که از اثربوی آن انسان وحیوان بسلامت مانده نمیتواند . این آلات بکمال آهستگی گشاده میشوند وناهه گرانها بشدت میروند فی‌الحقیقت اینها صورت ترقی‌یافتهٔ آن بم های‌است که جرمنها بوقت حمله کردن خندق هاازانها کارمیگرفتند این آلات بذریعهٔ حرکت دستهٔ توریپدوی خودرامی اندازند اینهارا سپاهی های جرمنی درجنك قریبی دست‌بدست که آنجاتفنگ عاجز میباشد استعمال میکنند .

کذا (بم درکلب دهلی)

بتاریخ ۱۰ ماه‌حال دراحاطهٔ ، کلب دهلی ، بوقت ۸ بجهٔ شام بم انداخته شد که آواز آن بکمال شدت تاجاهای دور شنیده ، ولی ازان بهیچکس نقصان نرسید . شخص بم‌انداز گرفتار نشد مگر از بیانات وروایات معلوم میشود که در نزدیکی شام یك آدم سفید پوش بسرك قریب دروازهٔ باغ دیده شده بود ، که بمعنی یك چیزی بود واکثر کدیها ازکلب رفته بودند وازهمه آخر یك موترکار بسرك میگذشت که آن شخص بم را انداخت . بجاسیم لب سرك تصادف نموده وبه آنسوی سرك در مابین جنگل افتاد که بعد ازمشتعل ماندن چند ثانیه بکمال شدت ترقید .

سیاره (تقرر امپراطور)

، کولن گزت ، رقمطراز است که ، بتقریب جشن سال نو امپراطور جرمن ۹۶۰ افسررا درصدر مقام‌جنگی خود دعوت کرده‌بود دالان های آراسته وبازینت همه‌اشیای خوردنی ترتیب و تنظیم داده شده بودند وبرنج سپاهی ، کیك ، و میوه وغیره خوردنی باکس های سیکاره وتنباکو تقسیم کرده شد . قیصر تقریری را که کرد ازقرار ذیل است :

ماهمیشه این روز مسرت را درملك ووطن خود ها بکمال آرامی میکردیم ولی امروز نیز همان روز است که در میدان جنك درمیان آواز هـا ودمه های توپ و تفنك رما میکنیم . بالای ما بزوردستی حمله آورده شده‌است ومنتز جواب آن راداده‌ایم . وبه‌این سبب خدا ضرور امداد مارا خواهد کرد . مابمیدان جنك ایستاده ایم ! وحالت آنست ، که دل های ما باخدا وتیغ های ما برفرق دشمنان افتاده‌اند !

کذا : (که مور ننك ، پوانکاری ،)

پاریس ۱۳ جنوری :

وقتیکه طیاره‌های جرمنی ، دنکرك ، حمله کردند ، بچند دقیقه بعد آن ، مسیو ، پوانکاری ، صدر جمهور فرانس آنجا رسید . طیاره بازجرمن که غالباً اورادر تشخیص وقت آمدن صدرجمهور غلطی واقع شده بود درشهر یك پتاقی کلانی را انداخت که بران این الفاظ نوشته بودند که ،، که مور ننك پوانکاری ، !

[کمور ننك] سلام وقت صبح اصارا است .

(کمك عظیم جرمنها وپسپائی روسها ازپروسیای شرقی)

(زمیندار) :

لندن ۱۱ فروری :ـ مکتوب رسمی پتروغراد مظهر است که این یك تحقیق معلوم شده است که درمیدان پروسیا مشرقی جرمنهارا کمك عظیم رسیده است . وعلی الخصوص که بطرف لکو وسکی ، و ، لك ، طریق جارحانه را شروع کرده اند . ازعلاقهٔ وسطی جرمن نیز عسکر جدید بطرف ، پولاند ، پیشقدمی نموده‌اند وسپاه روسی ازخط محاذ تالابهای ، ماسوری ، بجانب سرحد پسپا شده ولی باوجود آن پیشقدمی غنیم را باز داشته توانسته است . برکنارهٔ مشرق دریای ، وسچولا ، از ، رمیتره ، تا ، اوستروکنکا ، ، سرپنتا ، ودریای ، سکواد ، درمابین فریقین چندمعرکه بظهورپیوست . مگر برکنارهٔ مغربی دریای ، وسچولا ، تنها مقابلهٔ توپخانه‌ها واقع شد . روسیان درکوهستان ، کارپتین ، بعضی حمله های شدیدهٔ دشمن راپسپا کردند .

درچاپ خانهٔ حروف دارالسلطنهٔ کابل طبع گردید

همه مقاله‌هائیکه دستخط ندارد ازطرف مدیر ومحرر تحریریافته

محمود طرزی

شرایط خریداری

دار السلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابل	سالیانه	چارده روپیهٔ کابل
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابل	ششماهه	هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان
هر جائیکه باشد با اجرت پوست

قیمت سالیانه	ده روپیه انگلیزی	قیمت ششماهه	شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراک قبول نمیشود

یك طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

بعمهٔ کارداران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود: اگر از یك جا بدیگر جا روند و باشند میباید که یك رقعه بمدیر وسر محرر را خبر بدهند که من در فلان جا بودم وحال در فلان جا میروم اخبار مرا در آنجا بفرستید . هرگاه همچنین یك رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا در سراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، ویا دیگر هر قسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود بر سر هر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریك ستون اخبارها (۳ — اینچ — ۴ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تا یك سال نشر کردن خواهند ووجه یك ساله را پیشکی ادا نمایند در ورق پشتی بر سر سطری سنار اجرت گرفته میشود

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا
یاد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از شکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خود رهائی یابیم تمکن نشد لهذا بداکخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یك مقاوله نموده داکخانه مشار الیه تقسیم و توزیع اخبار مارا که بهمه مشترکین کرام ما رساند درعهدهٔ خدمت خود قبول نمود ، مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را تبشیر و یاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای داکخانه بخود شان میرسد.

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد
کتاب سال دوم « « « مصور مجلد
کتاب سال سوم « « « مصور مجلد
علم و اسلامیت
آیا چه باید کرد؟
ادب درفن
توحید

این کتابهای فوقدر اداره موجوداست . هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشند باداره مراجعت کنند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

سیاحت بدورادور زمین بهشتاد روز مجلد
سیاحت درجو هوا مجلد
سیاحت در زیر بحر مصور مجلد
ازهردهن سخنی وازهرچمن سمنی مجلد
روضهٔ حکم مجلد

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوق را داشته باشند ازخود مطبعهٔ عنایت دردهٔ افغانان از نزد عبدالرؤف خان سرمرتب وازدکان بازمحمد کتابفروش دربازار ارك بقیمتهای معین که در پشت هرکتاب نوشته است خریداری کرده میتوانند .

واگر ازخارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوقرا کنند بامدیر سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند.

سراج الأخبار افغانیه

١٣٢٩

نمرهٔ ١٤ سال چهارم

فهرست مندرجات

شکوفه	موسم بهار هوا رایحه نثار
حوادث داخلیه	مکتوب از محکمهٔ عسکری لغمان — از محکمهٔ واقعه نگاران از دفتر ایشیک آقاسی ملکی — واقعه نگار فراه — واقعه نگار لیوکرد وسیاجی وجکنی — از محکمهٔ اطلاعات — از بدخشان مرقوم داشته — از دارالنصرت هرات نگاشته —
مقاله مخصوصه	
علوم وفنون	تاریخ ترقیات اسلامیه
حوادث خارجیه	منقول از جریده نوبهار مطبعهٔ طهران کیفیت ورود عساکر عثمانی بتبریز — نقل از جریده وطن مطبعهٔ طهران الابلاغیه سفارت کبرای عثمانی — از جریده رعد طهران — اتحاد عثمانی — مقدورات انگلیس در مصر — طبع روزنامه فرانسه در المان — تخریب بنای یادگاری روس در قسطنطنیه — زوال ترکیباشاه اجودان مخصوص قیصر توقیف راه آهن فرانسه در شام — تفریح عساکر المان وفرانسه در خندقها — آخرترین خبرها ترجمه از اخبارات انگریزی — نیویارك یك جهاز جرمنی ٨ جهازرا غرق نموده — زخمی شدن جرنیلهای افواج فرانسوی — غرق شدن یك کروزار امدادی انگلیز —
تصاویر	ذات عالی جناب شهزاده جوانبخت معظم حضرت معین السلطنه صاحب افخم فرزند ارجمندشان شهزاده خلیل الله جان — از منظرهای بهار کابل و گل — حوض و آبشار حرمباغ — نهر صفه بیرون حرمباغ — آبشار صفاشار جنگلباغ

اعلان

از صنایع بروزهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جرنیل کارخانه جات ، ماشین خانهٔ مبارکهٔ دارالسلطنه کابل علاوه برانجام حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه واوبخو رمه های هـا کرشاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخل که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت همایون حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ، ذیل (دکان عبدالله خان دربازار ارک) میباشد .

(١)	سرج های پشمینه وطنی برنگهای مختلف که قیمت آن از قرار گز انگلیزی ٣ فوته مشخص شده در صندوقخانهٔ جنسی هم فروش میرسند											
اقسام	قسم اول						قسم دوم					
درجه‌ها	درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم وقدری کلفت قیمت آن ١٠ پیسه زیاده شده	
رقم	نا حالا ساخته نشده		رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت			٧ روپیه ٥ پیسه	٦ روپیه ١١ پیسه	٦ روپیه ٤٢ پیسه	٥ روپیه ٤٨ پیسه	٦ روپیه –	٥ روپیه ١٨ پیسه	٦روپیه	٥ روپیه ١٠ پیسه	٦روپیه ١٠ پیسه	٥روپیه ٢٠ پیسه
کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گز انگریزی کشمیره چهارخانه ٧ روپیه و ٣ پیسه کشمیره رهدار هررقم ٧روپیه بیست پیسه												

(٢)	جراب ها		
رقم	نکتانکه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج
قیمت	١ روپیه ٥٢ پیسه	٤٥ پیسه	٣٦ پیسه

﴿٣﴾	تکمه‌های جرمی محراب ومنبردار	
کلان فی درجن	میانه فی درجن	خورد فی درجن
١ روپیه ٤٠ پیسه	١ روپیه ١٠ پیسه	٥٥ پیسه

(٤)	کروره های جدیدساخت			
رقم	زه باف بکتابه دوقره دو تاره	زه باف یك اسپه دو گره سه تاره	جرم باف یك اسپه	یك اسپهٔ چار تارهٔ تخی
قیمت	٨ روپیه و ٣٣ پیسه	٩ روپیه و ٢٤ پیسه	٨ روپیه و ٤٢ پیسه	٦ روپیه و ١١ پیسه
رقم	جرم الحدث بالای دواسپه	جرم باف دسته دولانه یك اسپه	دستهٔ دولانهٔ یکی چار اسپه	جرم باف هرکابی
قیمت	٤ روپیه و ٤٨ پیسه	٤ روپیه و ٤٦ پیسه	٨ روپیه و ٢٣ پیسه	٤ روپیه و ٤٣ پیسه
رقم	قبضه برنجی کلیت نقرهٔ توبخانه	قبضه کلیت نقره از جرم سه لایه توبخانه	زه باف رقم سواری سامی کلیت	زه باف دو تارهٔ رکابی
قیمت	٣ روپیه و ٥٥ پیسه	٤ روپیه و ٥٧ پیسه	٥ روپیه و ٩ پیسه	٥ روپیه و ٥٤ پیسه
رقم	رکاب ازنغ	جرم باف میانه چوب پت زنانه	ازین سواری تیغ جرمی	زنانه ابریشمی خیاطهٔ
قیمت	٤ روپیه و ٤٥ پیسه	٥ روپیه و ٨ پیسه	٤ روپیه و ٥٨ پیسه	٥ روپیه و ٨ پیسه
رقم	دسته بالای تیغ جرمی	دستهٔ دولانه سامی برنجی کلیت نقره	از زین سواری دولایه تیغ جرمی کجك دار	جرم باف ماین پت یك اسپه
قیمت	٤ روپیه و ٤٩ پیسه	٤ روپیه و ٤٥ پیسه	٤ روپیه و ٥٩ پیسه	٨ روپیه و ١٢ پیسه

﴿٥﴾	اقسام گلهای مصنوعی سر			
قسم	گل جربین	گل نافرمان	گل ربینه	گل شبو
قیمت	٥ روپیه و ٣٦ پیسه	٦ روپیه و ٦ پیسه	٦ روپیه و ٧ پیسه	٦ روپیه و ٣ پیسه
قسم	شکوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل نسترن	جنبیل
قیمت	٧ روپیه و ٤٥ پیسه	٦ روپیه و ٥٨ پیسه	٥ روپیه ٣٨ پیسه	٦ روپیه و ٨ پیسه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	٦ روپیه و ٣٥ پیسه	٧ روپیه و ١٢ پیسه	٦ روپیه و ٥٤ پیسه	٦ روپیه و ٥٤ پیسه

﴿ المشتهر ﴾

(میرمحمد هاشم دفتری کار خانه جات)

قیمت سالیانه

در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
با اخراجات داک ۱۱ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با اخراجات داک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یکعانی است

(اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود)

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

مدیر و سر محرر

محمود طرزی

ادارهٔ خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ یکم جمادی الاول ۱۳۲۲ تاریخ انگریزی ۱۷ مارچ تاریخ شمسی ۲۶ حوت ۱۲۹۳

﴿ شگوفه ﴾

موسم بهار است ، هوا رایحه نثار است ، درختها شگوفه بار است. لهذا سر مقالهٔ این نمرهٔ خود را یک قصیدهٔ پر از مضامین بدیعه شرف تزئین می بخشیم که در مدح و ستایش خلیفهٔ رسول الله (ص) علی التحقیق حضرت (ابابکر الصدیق) رضی الله تعالی عنه به قافیهٔ بلیغهٔ این سروده شده است ، از اشعار دُرربار جناب غفران مآب سردار غلام محمد خان المتخلص به (طرزی) صاحب افغان طاب الله ثراه.

(مطلع)

بباغ آمده شاخ نور شگوفه
زده تاج الماس بر سر شگوفه
بطرف سپهر گلستان نماید
افق شاخ گل مهر انور شگوفه
چمن از گل و لاله بتخانهٔ چین
در و لعبتان مصور شگوفه
گل شاخ بادام نرگس بگلشن
نماید چو چشم بتان در شگوفه
سپهر است گلشن چو مه هست نسرین
گل لاله خورشید و اختر شگوفه
هوا میدهد آبش از شیر شبنم
چو طفل است پرورش مادر شگوفه
پی خواب راحت بگهوارهٔ شاخ
نهد زیر سر بالش پر شگوفه
برد تاز شوخی دل بلبلان را
نماید رخ از زیر چادر شگوفه
زرنا که خوابش ز آواز بلبل
کند پنبه در گوش خود در شگوفه
گل نو بر نو بهار است زارزو
گرفته ز گل پایه برتر شگوفه
ز طوفان جوش طراوت بگلشن
گرویسته همچون شناور شگوفه
بجوی سحر روی ناشسته شبنم
که چون صبح آمد منور شگوفه
چون گشته طوفانی موج هوا
که افکنده از شاخ لنگر شگوفه
بگلشن سر شاخ چون کاسه بازان
کند کاسه بازی بساغر شگوفه
رخ از گرد دنیا که پوشیده شوید
فگنده سر شاخ چادر شگوفه
عصا در کف از شاخ بگرفته زاهد
که شد از محنت زار و لاغر شگوفه
ز گل جامهای مصفای شبنم
نهد آینه در برابر شگوفه
از آن پر برو از رو ناز است و نعمت
که با خاکساران دهد زر شگوفه
ز شفتالو و سیب و بادام آرد
طبقهای پر میوهٔ تر شگوفه
ز پیچ و خم زد خون در اندام غنچه
چو جراح زد آستین بر شگوفه
رگ ارغوان می کشاید بگلشن
که بگرفته در دست نشتر شگوفه
کشاده است قرآن ببالای کرسی
کند سورهٔ نور از بر شگوفه
گل از رویت از گریه‌ام آب دارد
ز باران شود گرچه ابتر شگوفه
از آن پیش تاب رخت آب گردد
که خورشید سازد مکدر شگوفه
بگلشن میان بنات نباتات
نشسته است پرورش مادر شگوفه
قدم رنجه فرما بسوی گلستان
که مهتاب شیر است و شکر شگوفه
بوصف رخت این غزل میسرودم
شد از شرم در آب رو تر شگوفه

غزل

بیاد رخت چون کبوتر شگوفه
پرد از زپهلوی خود پر شگوفه
ز گلشن برون گر بیائی بیادت
بخاک افکند تاج از سر شگوفه
ز شوق تماشای گلزار حسنت
کند سر ز جوینه منظر شگوفه
طراوت ز باغ جمال تو دارد
نباشد چرا تازه و تر شگوفه
ز شرم گل رویت ای باغ خوبی
کشد بر رخ خویش چادر شگوفه
صفای رخت در خم زلف مشکین
نماید چو در سنبل تر شگوفه
ز رخ پرده بردار ای بگلشن
که باشد بمهتاب خوشتر شگوفه
کند آشکار قد و خیالت
کشیده است در رشته گوهر شگوفه
نهالیست کلک گل افشان طرزی
که گل کرده از پای تا سر شگوفه

گریز

بنور صفا سر ز گلها برآرد
چو ابوبکر از اصحاب دیگر شگوفه
بباغ صداقت محمد شده دین
بود نخل و صدیق اکبر شگوفه
عصا در کف دست و عمامه بر سر
چو ابوبکر بر روی منبر شگوفه
بیابش مگر سوده سر شاخ گلشن
که شاخش دهد بار و هم بر شگوفه

مگر دیده نور صفای دلش را   که چون صبح آمد منور شکوفه
بهپیش صفای دل باصفایش   بود از سر صدق چاکر شکوفه
وزد باد اگر بوی خلقش بگلشن   زهر سبزه روید گل تر شکوفه
کند تا ادا وصف خلق نکویش   دهن گشته از پای تا سر شکوفه
شبیخون زند تا بر اعدای جاهش   زهرسو بیاراست لشکر شکوفه

خطاب

شها سرورا بادشاها جنابا   توئی کز هوای تو زد هر شکوفه
ززر بخشی دست جود و سخایت   شقایق زده تاج و افسر شکوفه
زجیب سخای توای بحر احسان   کف و آستین کرده پرزر شکوفه
چو هم پرزر تازی و هم پاک جوهر   ازانی در اصحاب نوبر شکوفه
بصدق از همه پایه برتر گرفتی   بلی پیشتر میدهد بر شکوفه

عرض حال

بهپیش تو هرطرزی یکی عرض دارد   که ارباب دل رسته از تر شکوفه
ز لطف تو خواهم که منهم بگلشن   زنم تاج زر چون توانگر شکوفه
درین فصل چون شاخ خشکم برهنه   بود جامهٔ صوف در بر شکوفه
چنانم توانگر کن ای بحر احسان   که پیشم بود دست بی زر شکوفه
دمیده چه خواهم چنان عیدی از تو   که گردد ز غیرت مغیر شکوفه
بده صلهٔ شعر چون گوهرم را   که دارد ز تو جیب پرزر شکوفه

دعائیه

کند تا که از لطف باد بهاری   بهر سال از شاخ سر بر شکوفه
دمد تا ز شاخ کهن در گلستان   ز لطف هوا تازه و تر شکوفه
بفرق سر دشمنان تو دایم   کند کار تیغ دو پیکر شکوفه
نهد برسر دوستانت همیشه   ز الماس و وز گوهر افسر شکوفه

وصلی الله علی محمد و آله وبارک وسلم ورضی الله تعالی عن اصحاب رسول الله اجمعین. اللهم ارحم قائلیه برحمتک الجزیل، واستر علی کاتبه بسترک الجمیل آمین.

حوادث داخلیه

مکتوب از محکمه عسکری لغمان

عالیجاه عزت و سعادت نشان مشفق کرام محمود بیک خان مدیر ومسر محرر سراج الاخبار افغانیه را سلمه الله تعالی بعد از شرح دعا گوئی دولت اسلام و عزت جوئی آن گرامی اینکه چون قبل برین درقریب اردوی معلی مقیم مکوه لغمان پل نبود ومردم رعایا ونظامی تردد زیادی بدریا میکردند از کثرت آب وعدم پل چندین نفری را بمع مال واسباب شان آب میبرد چون درسنه گذشته اودی ئیل عالیجاهان عزت نشانان عبدالظاهر خان حاکم وعبد الخالق خان نائب حکومتی لغمان سررشتهٔ چوب های سرانداز کرده بودند لاکن از کثرت امورات سرکاری الا هذه السنه تابارس ئیل معطل مانده بود درهذه السنه مذکوران غلام خانه زاد خاص سرکار والا باتفاق عالیجاهان موصوف درحد قریه برکوت توابع قریه شاهی بسبب رفاهیت وآرامیٔ مردم رعایا ونظامی بتاریخ یوم چهار شنبه ۱۱ ماه ربیع الاول تهداب پل مذکور را بنا کردیم روز اول مذکور نفری نظامی برضامندی خودها بهمراه باجه‌خانه ومنصبداران نظامی گرفته تهداب پل را ماندند وعلمای کرام و سادات عظام جمع شده دعا بحق بادشاه اسلام ادا کرده بخانه های خود مرخص شدند بعد ازروز دوازدهم ماه مذکور که یوم الوقات بود مردم رعایا اتفاق کرده تخمیناً موازی یکهزار نفر برضامندی خودها جمع شده کار پل را جاری نمودند بعدت سی ویکروز کار پل مذکور بانجام رسید پایهٔ سمت مشرق طول آن هشتاد فوت وعرض آن هفتاد ودوفوت وارتفاع آن بدون دندانه‌ها دوازده فوت میباشد وطرف سمت غربی آن پل پایهٔ پل سنگ تختهٔ اصلی میباشد مگر گنجایش دندانه هارا که درین سنگ اصلی بود دندانه‌ها ماندهشد بالای دندانه‌ها سنگ وغاده ها ماندهشد وپایه طرف مشرق کامل ازسنگ های جدید برانه شدند که هر سنگ آن بقدر یکخانه کلان بود بحیل‌ها لولداده زیر زیر دل ومرسر دلمانده شد ازین رهگذر فراوانی سنگ ها اگرچه خام است چونه وخشت کاری نشده لاکن ازبس پخته کرده بنظر انسان محکم آمده — چون دندانه های هردو طرف پل مذکور موازی چهل و هشت دندانه‌ها میباشد فی چوب دندانه طول آن ازبیست و پنج فوتا الی سی فوت میباشد ولکن آن چهار فوت میباشد ودندانه های آن ازهرطرف بسه درجه ماندهشده فی درجه موازی هشت دانه چوب دندانه است برامدن آن ازسنگ بطرف دریاب سه فوت میباشد که هرسه درجه دندانه های هردو طرف نهده فوت شود وچوبهای سرانداز موازی هشت دانه میباشد طول آنها چهل وچهار فوت ولکن آن سه فوت برآمد چوبها که بالای دندانه‌ها مانده شده بهر طرف دو فوت میباشد وچهل فوت بدون دندانه‌ها متن پل است که دندانه‌ها وسر اندازها که بالای دریاب گذشته شده جمله پنجاه وهشت فوت میباشد وعرض پل بدون کناره یازده فوت میباشد وارتفاع پل از متن دریاب الی سر اندازها سی فوت میباشد — بواسطه نصب شدن این پل مذکور بسیار مردم خداورعیت ونظام بادشاه اسلام آسوده حال وآرام گردیده همه وقت بدعا گوئی دولت اسلام واعلیحضرت همایونی اشتغال دارند بنابران خدمت آن مشفق اطلاعداده می نگارم که کار جدید ومرغوب ونیک نامی خدمتگاران دولت اسلام بوده از روی مهربانی درج صحایف سراج الاخبار بدارند الطاف خواهد بود واز حد چهاونی الی پل مذکور قدریکنیم کروه راه است زیاده احوالات سلامتی خودها رامدام نویسان باشید که باعث خاطر جمعی باشد فقط مؤرخه ۱۶ ربیع الثانی سنه ۱۳۳۳ مکرر اینکه دو دفعه که نظامی همراه اعلام سرکار والا در پل مذکور رفته بودند بهر دو دفعه نان برای شان عالیجاه عبدالظاهر خان حاکم محال مذکور دادند فقط

عبد القادر کرنیل نظامی لغمان   محمد نعیم کپتان نظامی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1091 of 1786

تحریر فی ۲۱ ربیع الثانی سنه ۱۳۳۳

(ازمحکمهٔ واقعه نگاران) ازدفتر ایشیک آقاسی ملکی

واقعه نگار محال فراه نوشته است که یکنفر نیاز نام قوم یهودی ساکن دارالنصرت هرات بحکومتی فراه آمده از دین باطل خود در گردان شده بشرف دین مبارک اسلام مشرف گردیده است اسم او را نور محمد گذاشته اند وعمر مذکور تخمیناً هفتاد ساله می باشد فقط

تحریر فی ۲۱ ماه ربیع الثانی سنهٔ ۱۳۳۳

(ازمحکمهٔ واقعه نگاران) ازدفتر ایشیک آقاسی ملکی

واقعه نگار محال لهوگرد و حاجی وجکنی نوشته اینکه بتاریخ ۲۰ شهر ذی الحجه الحرام درقریهٔ چکنی باران می بارید دروقت نماز شام درقریه بابوخیل درمابین قلعه ملک اکرم خان محال مذکور صاعقه هوائی یعنی برق درقلعهٔ مذکور افتاده — دو راس اسب که یکی نریان ودیگری مادیان بود بایکراس اسب کره یکساله آن ومواشی بیست راس بزها کاملاً بسبب صاعقه سوخته اند — ودونفر مرد ویکنفرزن را نیز آثار برق رسیده بود لیکن ازفضل ایزد باری و مرحمت کردگاری هرسه نفر ایشان تماماً صحت شدند فقط

از محکمهٔ اطلاعات

از بدخشان رسیده

لیل شنبه ۲۱ ربیع الاول بوقت نماز شام در موضع جرم باد شدید برخاسته بعد ازآن باران وبعدازآن برف شروع نموده باریدن گرفت بوقت صبح صادق که غرآوری شد مقدار نیم زرعه برف بزمین خوابیده بود وبرودت هوا بحدی رسیده بود که حرکت مال ومواشی هم دشوار شده بود بقدر سه صد گوسفند از محمد نسیم بای ولد معصوم بای جرمی که در یوم گذشته بوقت اعتدال هوا برای چرایش بدشت متفرق بودند از دشت بذریعهٔ خود محمد نسیم بای مذکور ودو نفر چوپان او در موضع سکونت او آورده میشد دربین قشلاق فرغامیرو که بهمراه گوسفندان رسیده اند دفعتاً برف کوچ بمثل اژدهای رسیده محمد نسیم بای ودونفر چوپان وسه صد راس گوسفند اورا فرو برده که ناپدید گردیده اند بعد از تلاش بسیاری مردهٔ محمد نسیم بای بدست باز ماندگان او رسیده چوپان ها و گوسفندان هنوز درک ندارند وبهمان روز مذکور ازدرهٔ بشکان نیز برف کوچ بردهشتی از کوه واقع گردیده تخمیناً سی راس آهوان چابک رفتار را تعاقب نموده فرو برده بقدر چهار راس آهوی نیم جان رهائی یافته باقی معدوم الاثر گردیده اند فقط

کذا (دارالنصرت هرات)

از ۱۹ محرم الی ۱۹ ربیع الاول کامل دوماه می شود ودرمدت آثار برف وباران بهرات وتوابعات آن نزول نکرده هوا وخلق ازخداوند خود درخواست نزول برف وباران را دارند روز پنجشنبه ۱۹ ماه ربیع الاول بوده بچهار بجه عصر دفعتاً ازهر طرف سیاه ابرهای تیره یی هم نمودار گردیده بکم فرصت رخسارهٔ سما را پوشانیده غریدن وجهیدن رعد وبرق ظاهر گردیده قطرات امطار سرازیر گردیده صحنهٔ غبرا را معمور گردانید — بعدازروز دوشنبه ۲۳ ماه مذکور برودت بهوا پیداشده بحدی که قریب یک انج یخ بروی آبشارها منجمد گردیده ومیزان الهوا یا الحراره برودت هوا را ۲۰۳ درجه معلومدار نموده است فقط .

مقاله مخصوصه

﴿ هو الله الاحد ﴾

﴿ یریدون لیطفئوا نور الله بافواههم والله متم نوره ﴾

(ولو کره الکفرون)

از یک قرن بدینطرف علی الاستمرار میشنیرهای جفاکیش و کیشان خطا اندیش گاهی به رمز وایما و گاهی بی پرده وهویدا بوساطت جرائد ملی ومولفات ازحقیقت خالی خود تهمتی را بردین مبین اسلام نهاده با آهنگ بیفرهنگ نواقیس بی وجدانی در نغمند که دین متین اسلام مانع تمدن وعایق راه ترقی بلکه باعث ذلت و عسرت وتدنی اهالی آن گردیده است :

این سخنان ابله فریبانه را در اقطار خودی وبیگانه بتوسعی در پردهٔ شیطنت ومزورانه — وقسمی بی شرف وملعنت کارانه می سرایند که عوام الناس باشتباه در میخورند ! خانه تعصب بشریت خراب که چه پردهٔ مظلمی در دیدهٔ اهل غرض کشیده که یکباره روز روشن را بشب تار حکم کردن اکتفا نی بلکه باثبات آن ادله وبراهین نیز میخواهند اقامه کنند !!

هرکه بدیده انصاف درفلسفهٔ تاریخ رجوع شود معلوم است که بانی مبانی بروج مشیدهٔ تمدن فکرزرین اسلام است وبارزندهٔ نهال برومند تهذیب واخلاق دین مبین اسلام ! چگونه این کذب ازحقیقت مبرا واین تلفیق سراپا افترا در حق دین حقهٔ اسلام صادق تواند شد ! .. که مبنای آن برتهذیب اخلاق وتحریض علم وترغیب کسب صنائع وتحصیل معاش از وجه حلال گذاشته شده است !

آیا در صدر اول و (مابین) خیر القرون که صفحهٔ یورپ یکباره در ظلمت جهل ووحشت مستور بود و کتب فلسفهٔ مصر ویونان وروم در مدارس بغداد وقرطبه واشبیلیه که حیات تازه یافت ازفکر وسعی حکمت لوای اسلام نبود ؟ آیا دین مبین اسلام چه مخالفت از تعلیم وتعلم آنها نمود ؟؟ — معلوم است که هیچ !

اما چه هیچ ؟ بلکه بادله وبراهین وحدت واثبات نبوت و تزکیهٔ نفس وتربیت اخلاق وتدوین علم کلام وتمایز عن السوف پیرایهٔ دیگرش داد ! — آیا ازفیض مکرمت مدارس اسلامی نبود که طلاب یورپ استفاضه جهت بهزاران هزار (که از جهت ت

همه واقفی ــ دلوکار ــ ئالمان انکلیسی و ــ رووزن نام فرانسوی است) درین مدارس صاحب کمال ومشهور بصیت اجلال گردیدند ؟! ــ آیا مورخین باالنصاف فرنك (چون ادوارد کبین مولف تاریخ روم و کار لایل وجرجی زیدان وغیرهم) برین مقال چه سخن سرائی وچه حق پیرائی نکرده اند ؟!

بلی همچنین است که تاقرن پنجم که کوکب عزو شرف اهالی اسلام در سمای ابهت وسروری متلا بود ــ اسلام نه تنها بعلوم دینیه تکمیل عوالم روحانی را متکفل بود ــ بلکه بعلوم عقلیه وامور سیاست عالم ورفاهیت بنی آدم وتعمیر جهان وتعلیم وتربیت انسان ــ وتهذیب اخلاق ــ وتأمین آفاق ظل مجد وشرف گسترده عالم وحشت آباد را بالفت تحویل داد

پس ازانکه صرصر حوادث چنگیزیان از صحرای وحشت انتوای شمال در اهتزاز آمد ! وبهار گلشن اقبال اسلامیان تحویل بخزان گردید ! ــ وازطرف دیگر پیروان مذهب صلیب (که همیشه متهیٔ اینگونه فرصتند) بحرکات وحشیانه وسوقیات ناموس شکنانه درخطهٔ سوریه ومصروفلسطین اظهار کین وابرازعداوت دیرین نموده ــ باقی ماندهٔ اهل اسلام را مشغول داشته بودند محقق است که دردو قرن متوالی مدارس خراب وسواد اعظم ممالک اسلامی سراب ودیدهٔ عالم انسانیت از فقدان آنهمه مشئون مدنیت واعدام آنهمه سرمایان جهان انسانیت پر آب گردید !!! ــ

باین همه بنازم دین رزین اسلام را که باآن ضعف واضمحلال واردهٔ که نفس آخرینش توان گفت از طرق فاتحین شمالی را که هنوز حرارت ظلم جهانگیری شان فرو نشسته وبخیال انهدام بنیان اسلام در رقصهای وحشیانه بودند ! دفعتاً اسیر دین مبین وبغتاً مقهور اوامر حضرت سیدالمرسلین نمود وازطرف دیگر نور الدین وصلاح الدین نامان دو قهرمان خود را باسی ازاعقاب شان بتهدید قوم صلیب که هیئت اجتماعیه وحشت را تشکیل داده بودند بر گماشت

درینجا از تفصیل (کامی ــ ریچارد ــ پادشاه انکلیس وفجایع قاید فرانس وریشاتی ــ جارلس ــ ملك پورتکال ووو..... صرف نظر نموده اینقدر می نکاریم که خسرات اسلامی بدرهم خوردن اساس تعلیمی اول وفقدان علوم عقلی منتج گردیده وازخیالات حکمت پرورانهٔ بوعلی ها وابو نصر ها ونصیر الدین ها وفخر الدین ها ووو..... به تضییع اوقات وتحصیل حاصل نمودن طلاب بحجرات مدارس تنزیل نمود !!!

اما علم دینی وعقاید یقینی آن پاعلم خداوندی (که بنیان مرصوصش را بهیچ اساس قویه تشبیه نمیتوان داد) بحالت اولی به تنویر ظلمت ضلال پرتو افزا ولایزال خار دیدهٔ مبتدعین هاست نه از چنان ادیانی است که دست خوش اغراض مزعومین بی یقین وبازیچهٔ هوا وهوس قسیسین بقابل تبدیل هر زمان وزمین (وبعبارت آخر) چون تقاویم منجمین متبدل شهور وسنین گردد !!! ــ زلازل حوادث را در بنیان مرصوصش دست تصرف نیست ومخالفان لئیم را در تحایش اظهار کلمة الحق وبراهین متین توحیدش مجال تخلق !! جهد طاقت فرسای دعات مسیحیه در تنصر قوم بت پرست افریقا وبمقابل براهین رزین اسلام عقیم ماندن وآن کوی ذرین هدایت نوع خود را ازمیدان شان ربودن چیزی نیست که وجودش منحصر در نوك قلم رقم مانست بلکه عالم نصرانیت را درچنان تب لرزه مدهشی در انداخته که اندکی از تأثیر کثیرش این هزیان هاست

سررشتهٔ مطلب از دست نرود بجانب استفهامی ــ سائلیم که از لفظ ترقی وتمدن آیا کدام معنی اتخاذ نمودن منظور است ؟ مراد آزادی از قیود دین ــ ومخالفت ازاوامر ونواهی حضرت الهی وسنن مرسلین چنانکه متمدن ترین دولت فرنك (مانند ملت فرانسه و......) را مسلك اینست بوده باشد ؟ پس باید ازخرس های غابات شمال وبوزینه های جنگل های جنوبی پیروی نمود ! چراکه دریصورت متمدن تری از دواب بی شعور ومهذب تری ازحشرات ازفراست مهجور نیابیم ! زهی تمدن!!! خهی ترقی!!! در حالیکه بنی انسان وامید واری وجدان وشفقت ایمانی تمامی نوع بشر را بشاه راه الهی یکسان مستقیم میخواهد بد بختانه بکمال افسوس باراده وحشیانهٔ دعات مسیحیه دفعتاً بر میخورد که یکسر بنی نوع انسان را درلباس تمدن وترقی بشرارهٔ احتیال تحویلانه یکسر بدین وحشت سرا سوق دادن میخواهند !!! آفرین بدین هادی وحبذا ازین هدایت چند کونی سخن از سرو آزادی او مکر از بندکی حضرت او بخبری ــ واکر مراد ازان تهذیب اخلاق ومعرفت مخلوق از خلاق وتنزیه ونظافت طهارت وعفت رحمت واخوت ناموس وحیا محکومی نفس بمحاکمهٔ وجدان ــ ومظلومی معاصی از غلبهٔ ایمان وغیره ووو..... محامدی که ذکر آن همه را این ورقپاره تحمل نیارد ــ بوده باشد ؛ دین مؤید اسلام برای پیروان خود آنهمه را آمر است ــ والبلاغ بلاغنا فی مابین متوصلان این عروة الوثقی دارد

واکر ازان علوم عقلیه (که صعود بمدارج ترقی منوط بران است وعروج برتبهای ابهت وسروری مربوط بتواصل ازان) اراده باشد ؛ تأخر آن از نبودن ارادهٔ مصمم ــ ونداشتن پروغرام منظم اهالی است نه ازممانعت دین وما انشاء الله تعالی علت العلل آنرا درمقالهٔ دیگر که که (تحت عنوان علم واسلام) می نکاریم وازبرادران اسلامی خود چشم امید آن داریم که اگر بردامن عطوفت امعی ازانها کرد جسارت اصابت کند حمل برضیق حوصله وفشار نفس از مطاعن مخالفین هرزه مرس کرده بحاکم احوالاوجدانی ــ وعذر موجه مارا بمضمون این نکتهٔ حکیمه ایقان فرمایند

خوشامد سرایان نه یار تواند
ملامت کنان دوستدار تواند
زدم من آنکس نکوخواه تست
که کوید فلان خاردر راه تست

وبالله التوفیق وعلیه التکلان

امضا (یکی ازخوانندکان سراج الاخبار افغانیه)

ذات عالی جناب شهزاده جوانبخت معظم سردار عنایت‌الله‌خان معین‌السلطنه صاحب افتخار فرزند ارجمند والاشان شهزاده خلیل‌الله و کریمهٔ محترمهٔ شان بی بی (زینب)

(تاریخ ترقیات اسلامیه)

(وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون)

اطفال العثمانی

ثبت است بر جریدهٔ عالم دوام ما

نظام تسلسل عروج و هبوط ، وصعود ونزول اقوام وملل دنیا از آغاز تشکل جمعیات بشریه بوجود مجاهدین و ابطال موقوف ومنوط است . چنانچه اگر یکان یکان ، ملتهای قرون سابقه را درزیر نظر دقت آورده احوال واسباب ترقی وتنزل آنها را محققانه و مفتشانه تجسس کردن بگیریم ، اخیرا بازبهمین نتیجه متوصل خواهیم گشت که ابطال و شجعان ترقی قوم و وطن را ضامن وباعث‌اند ، مثلا ملتهای عتیقهٔ فارس ، ویونان ، ومصررا می‌بینیم که در اعصار قدامت دثار نخستین تکوین عالم آنقدر بهاوج کمال ارتقا واعتلا نمودند ، که تابه‌سالهای درازآواز دهشت انداز خوف وهراس هیبت اساس شوکت وعظمت شان دنیا را بلرزه در آورده بود ، داستانهای قوت و شجاعت رستم زال ، واخبار آثار فتوحات اسکندر یونانی ، و حکایات مخافت آیات تکبر وتجبر فراعنهٔ مصر ، وترقیات مادیٔ ملل قرون اولین ، هریك یك دلیل ساطع و برهان لامعیست ، ونیز اثبات میکنند که فردانی نامداران مقتدر باعانهٔ قوهٔ معنویهٔ سعی شخصی ، وهمت فطری خودها مسلح ومجهز گردیده بعدازضبط واستملاك قطعات کبیره ، واملاك کثیرهٔ عالم ، گوهر گرانبهای ترقیرا بدست آورده توانسته‌اند ، وبرای عصرهای آینده اسامیٔ سامیٔ خود شانرا بر صفحات تاریخ ترقیات بشریه بطریق یادگار نقش وثبت نمودند ، وبعضی ازین افراد چون بمنتهای حدود کمال و اقصای منازل اقبال اتصال یافته‌اند ، لهذا ازفرط جاه وجلال خود ها مخموربادهٔ فخر وغرور گردیده ، وبنده گان الهیرا درزیر قهر و تشدد گرفته ، وخود از تعمیل احکام سلامت انجام سماوی عصیان وتمرد ورزیده ، اعلان الوهیت باطل ، ومعبودیت عاطل خود ها داده مردمانرا بپرستیدن و ستودن خویش امر و اغوا کردند ، که بدان سبب دریای پرغیظ وغضب غیرت خداوندی بهجوش وخروش آمده ، جمیع آثار وآیات حیات آن ارباب کفر وطغیان ، و اصحاب ظلم و عدوان را درقعر بحر قهر خود اغراق و افنا نمود ، « اولم یسیروا فی الارض ، فینظروا کیف کان عاقبة الذین کانوا من قبلهم ! کانواهم اشدمنهم قوةً وآثاراً فی الارض ، فاخذهم الله بذنوبهم ! وما کان لهم من الله من واق »

سالها ، قرنها ، عمرها ، عصرها میگذرند ، حکومتها ، سلطنتها ، دولتها ، ملتها ازصفحهٔ وجود وهستی بکلی محو ونابود میشوند ، عمارتهای عالی ، قصر های عظیم‌الشان ، آبادانی های جسیم ، شهرهای بزرك ، وهمچنین هریکچیز دیگر ازسوء اخلاق وشامت اعمال اهالی وساکنان آن درزیر هزارها خروار خاك سیاه نیست ونابیدا گردیده حکمرانی طبقهٔ سفلیهٔ ارضیرا میگیرند « فکاین من قریة اهلکنا ها وهی ظالمة ، فهی خاویة علی عروشها ، وبئر معطلة ، وقصر مشید » . مگر نامهای معماران و مهندسان قصور بقصور تهذیب ومدنیت هیچگاه از صحایف تاریخ اعمارعالم حك‌پذیر نیست ، وحروف آن بریاض فلك‌سیار یادگار کارستان انسانی به حیثیت ستار کان الی یوم القیام تابان ودرخشان ثابت خواهندماند ، وقایع مهمه وجزئیهٔ دنیارا اگر باآئینهٔ میقرو سکوب ذهن خودها بدقت ببینیم درهریك امرخفیف هرچند که حرکت ذرات هم باشد ، بالضرور یك انتظام تواتر واطرادی موجود خواهیم یافت ، وهمه‌وقت وهرزمان ترقی وتنزل وترفع وتدنی را در تمام ملل واقوام در تسلسل وتداول خواهیم دید ! ، چنانچه گاهی نظر ما به چنان ملتهایٔ تقابل و تصادف خواهدکرد که‌عین براوج عروج ساکن ومتمکن بوده ، ودیگرانرا بتحشم وتجمل خودها واله وحیران ساخته ، وهمه‌گان کسب فخر ومباهات میکنند ، وباز چون یك کمترکی به اینطرف میشویم تبدلات وتلونات زمانه مارا دفعةً بچنان یك منظرهٔ رقت آوری

که سراسر مخالف ومنافیٔ آن دیدنها و مشاهدات سابقهٔ ما بیاشد تلقی میکنند ، یعنی آن ملتهای که چندی قبل ازین آنهارا برمعراج ترقع وتعالی صاعد وجاهد دیده بودیم تا کنون اکثری ازانهارا درقطع منازل سرازیر رجعت قهقری ، وبعضی ازایشانرا درچاه ها ومغاره های مضیق تیره تاریک ذلت وادبار ، وبلکه یکان یکان شانرا ازروی دنیا بکلی محو و مطرود می یابیم ، و بالمقابل آنها بایک ملتهای جدیدهٔ نوخیز حیرت انگیز ترقی شبدیز دیگری برمیخوریم که بعضی ازیشانرا درنهایات لوازم این سفر منزلت گیر وبعضی ازینهارا درنوشتن وپیمودن این طریق فواید رفیق ، حتی یکان یکان شانرا در مسابقهٔ رسیدن بنقطهٔ آخرین منزل مراد این سفر عاقبت گستر مصروف ومشغوف می بینیم ، ... کذلک ، «واورثناقوماً آخرین فابکت علیهم السماء والارض ، وما کانوا منظرین » .

از منظره های بهار کابل برکی
حوض و آبشار ، حرم باغ .

لهذا بنا بر مطالعات بالا این یک ثابت شد که جمیع امم عالم بذریعهٔ ابطال وانجاع وجهاد شخصیٔ خود ها مقام منیع ترقی را بدست آورده توانسته اند ، وچون یکچندی در همین حال بسر بردو تا به حدود موعود پیشرفت مقصود خود ها متوصل گشته اند ، پس بالآخر بشار قواعد طبیعیه بالند ربع عیش واستراحت درایشان رونق گرفته حس وجدانیٔ وطن پروری و ملتخواهی شان به لذات حیوانی شکم پرستی وتن پروری تحویل وتبدیل یافته ، تمام حسیات جدیتکارانه ازقالب اجسام شان سراسر غایب ومختفی ، وقوای متانت احتوای جدوجهدشان ، بآرزوهای استراحت طلبانه منقلب گردیده اند ، چنانچه اگر تنها اسباب ترقی وتنزل دین متین خود ها اسلام را تحقیق وتفتیش کردن بگیریم تا کجا ، بچنان نتایج عظیمهٔ سر دوچار خواهیم شد که تلافیٔ کلی خواهیم وخیمه ما را توان کرد ، اسلام ابتداءً درعهد خلافت ، که مرحلهٔ نخستین عروجش بود دریک مدت اندک بمین وبرکت دستهای برفیض وقوت ، وصرف مساعیٔ جمیلهٔ مجاهدانهٔ باحمیت حضرات خلفای راشدین رضی الله تعالی عنهم اجمعین تمام عالم را از صولت وهیبت خود مرعوب ، وقلوب جمیع عالمیانرا بروانه وار باسراج و هاج صداقت وحقانیت خود مجذوب ساخته گرفته که منادیان بالاعلان آن سایر ادیان دیگر را در مقابلش مغلوب و محجوب گردانیده واز شرق تاغرب انتشار یافته اعلای کلمة الله وتبلیغ شریعت غرا فرموده کلام الله هدایت نظام آن بهزاران قبایل وعشایر وردین کالات بدون اسلام داخل و شامل گشتند ، « ورایت الناس یدخلون فی دین الله افواجا » بعد چون عصر ابتدائی اسلام منقضی شد وخاندان اموی عهدهٔ جلیلهٔ خلافت اسلامی را نایل ومتکفل گردید ، بازهم بکمال عمومیت می بینیم که دست متانت پیوست خلیفه ، ولید ، دائرهٔ طاهرهٔ توحید را شرقاً تا بممالک قربیٔ هندستان ، وغرباً تا به حدود ممالک مغربی افریقا ، و هسپانیا وسعت وفسحت داده واسلام را بکمال شتابی ازسن صباوت بعهد شباب رسانیده قریباً قسم کلی تمام دنیای آنوقت را ازشرق تاغرب بایکرشتهٔ مقدسهٔ حکومت اسلامی ربط داده وایبهمه ممالک عظیمه را ازیکسر تابدیگر سرینام اسلام و توحید ضبط نمود ، وسپس چون عنان عظمت نشان خلافت در قبضهٔ اقتدار خاندان ذیشان عباسی بیامده ، دوران حکومت ها رون ، و مأمون ، ومعتصم هر یا را مدون ومعاینه کردن ترقیات علمی، وعملی واقتصادی مسلمانان در انوقت کامیاب میسازد ، و بطرف مقابل آن حکومت اموی اندلس رانیز می بینیم که بنا بر رقابت ومعجشی که بادولت عباسی بهم میرساند در اوروپا ، هسپانیا ، را منبع تمدن ومطلع تهذیب ساخته بهچنان آثار وصنایع فنی آرا آراسته و پیراسته اند . که بهیچ صورت ودرهیچ باب از سلطنت عباسی اسپانیا تکنارد واین زمانی بود که تقریباً عهد نیمدوری از اسلام وتسلط مسلمانان آمده بود ، واغراض جمیع ملتهای دنیا از صواحدید رای وافکار اهل اسلام فصل و اکر امر می یافت . اسف بزرگ قطعهٔ آسیا ، وقطعات کبیرهٔ معمورهٔ افریقا ، وا ممالک شاندار اوروپا دریکوقت درتحت اطاعت و حمایت سلاطین اسلام آمده بودند ، و حکمداران ممتاز ورلهٔ ممالک اجنبیه بدوستی وتعلق اسلام برهمگنان فخر وناز میکردند ، «وتلك الایام نداولها بین الناس » ، مگرچندی برهمین سیاق نگذشت که اسلام وبه هبوط وانحطاط نهاد ودمهٔ کثیفهٔ ذلت ونکبت تمام عالم اسلام را فرا گرفت ، و در هرجا نفاق ، وشقاق پیدا گردیده ، بهرطرفیکه مسلمانان رخ کردند

خواری و ادبار ایشانرا استقبال کرد ، زیرا در ایشان مجاهدین وابطال وجود نداشتند واز سالها به اینطرف بسبب نبودن مد مقابل وبیکار ماندن قوهٔ مدافعه در دیك بخار حسیات جهادقومی وسی ملیشان یك افسردگی وانجماد وسکوت عمومی حکمفرما گردیده بود . تاتاریان درآسیا ظهور نمودند وخلافت بغدادرا برباد ساختند . خوارزمرا ازصفحهٔ وجود وهستی نیست ونابود ومحو ومطرود گردانیدند . شهرهای بزرك اسلامی‌را مانند بلخ ومرو وغیره بصورت یك مزارستان تحویل دادند و ملیون ها مسلمانان ومشایخ وسادات ازدست سفاك جنکیز و هلاکو هلاك گردیده شربت شهادت نوشیدند . وقریب بودکه خدا نخواسته نور اسلام از روی دنیا بکلی منطفی گردد . مکر که صداقت وحقانیت اسلام برتمامدنیا ثابت کرد کهتاادام قیامت این دین متین و ملت حنیف را کسی از صفحهٔ هستی حك کرده نمیتواند . « یریدون لیطفئوا نوراللّه بافواههم . واللّه متم نوره . ولو کره الکافرون ! » حتی آن تاتاریان کهچندی قبل برین ماحئ اسلام گفته میشدند حالا برضای خودبدین اسلامداخل گردیده ماحی ومحی آن گشتند . وبر اعظم اسلام دورهٔ اولین زوال خودرا بانجام رسانیده دوباره ازاقصای شرق بکمال درخشانی وشعشعه باتی بطلوعشروع کرد و باضیای صداقت و هدایت ادای خود عالم مظلمهٔ تاتارا پرتنور فرموده .

علاوه برخاندان اموی وعباسی ، درقرون ترقی‌مقرون وسطی اسلام دیگر ، بسی‌خاندانها خروج نموده اسلامرا بعلیای مدارج عروج رسانیده ، شوکت وعظمت قدیم‌ازدست رفتهٔ آنرادوباره رجعت وبرقرار ساخته‌اند ، وبذریعهٔ جدوجهد ملی‌ومذهبی خودها اضافهٔ بسا ممالك دیگرراهم درحکومت اسلامی لاحق نمودند خاندانهای سلاجقه ، وزنگیه ، وایوبیه ، وغزنویه ، وجغتائیه وغیرهم ، هریك‌ازچنان خاندانهائی است که درتاریخ ترقیات اسلامیه هرکدام شان بالمناسبه شایان اهمیت وخصوصیت عظیمی میباشند ؛ تشبثات مجاهدانهٔ طغرل‌بیك ، والب‌ارسلان ، وملکشاه ، شاهان سلجوقی که سرشیرقوت قیصر قسطنطنیه وعیسائیان آسیائی‌را شکستانده آنهارا درمقابلهٔ حملات مذهبی مسلمانان بکلی عاجز وضعیف گردانید ؛ اقدامات غازیانهٔ عمادالدین ، ونورالدین زنگی که عیسائیانرابهم‌حمله‌های دلیرانه‌ومظفرانهٔ خودها متذلل ومضمحل نموده ، جوش جهادمذهبی که ازسالهای دراز بهاینطرف ازدلهای اهل‌اسلام مفقود گردیده‌بود مکرر در آنها موجود ساخت ، مدافعات غیورانهٔ سلطان صلاح‌الدین ایوبی که بکمال کامیابی مهاجمات حروب صلیب را مغلوب نموده ، قوای مجتمعه دولتهای اوروپ را از هم پاره وپرا گنده کرد ، تجاوزات بت شکنانهٔ سلطان محمود غزنوی که قریب به هجده بار هندستانرا نهب وتاراج کرده واز چرك شرکش صاف ساخته اسلام را دران نشر واشاعت داد ؛ — هر یك از چنان خدماتیست که تنها عهد خلافت اولی از عهدهٔ عرض وتقدیم نظیر آن برآمده میتواند .

(خاندان عثمانی)

همچنان در انتهای عصر هفتم ودر ابتدای عصر هشتم هجرت یك خاندان دیگر اسلامی بنام « خاندان عثمانی » درممالك آسیای صغری ظهور کرد ، که بلحاظ عزم واستقلال ، وفتوحات عظیمه واستقامت دیرینه که مجاهدین باهیبت ، وسلاطین باهمت آن در مقابلهٔ حریف‌دهشت ردیف عالم‌اسلامی ، دولتهای مسیحی اوروپ ، ابراز فرموده اند . از خاندانهای جلیلهٔ نبیلهٔ اسلام محسوب میشود . عثمانیان در اوایل مراحل عروج خودها تا مدت دو صد سال پیهم بر عیسائیان هجوم برده ، وقوت قوم قدیم مشهور سلطنت بزنتین ، را که همواره ممالك اسلامی نه دست را تهدید مینمود سراسر محو ومضمحل گردانیده ، ومانند قسطنطنیه سد سدیدی که از مدتهای مدید ، بغرض منع ودفع سیلاب شدید فتوحات مسلمانان بقوای متفقه دولتهای اوروپ مستحکم گردیده بود ، واز زمانه‌های اصحاب انجاب به اینطرف چند بار در زیر محاصرهٔ سربازان اسلام آمده وفتح آن میسر نشده ازان‌دوباره مراجعت مجبور شده بودند . بالآخر بدست‌بهادران عثمانی مفتوح ومسخر گشت « ذلك فضل اللّه یؤتیه من یشاء » . خاندان‌عثمانی بباعث فتوحات ومقاومت هفتصد سالهٔ که تا کنون در مقابل قوتهای غیر مذهبی اوروپائی بکمال متانت ادا واجرانموده ، خطاب شرافت انتساب ولقب عظمت اکتساب خلافت اسلامی راحایز واستحقاق کرده است . وحقیقتاً : اگر از نقطهٔ نظر خدمات عظیم الشان که عثمانیان برای مستقبل اسلام انجام داده اند ، دیده شود ، این یك را منصفانه تسلیم باید کرد که بعدازخلفای عظام ازهمه بزرگ وبیشتر سلاطین عثمانی را حق خلافت مسلم است لهذا مادرذیل برای تشریح وتصریح این‌مدعای خود که « ترقی وحیات جاودانی یك‌ملت ومملکت بافراد بطل‌وباسل ، وبحرکت آوردن واستعمال نمودن قوهٔ مدافعه ، وجهاد شخصی اهالی آن موقوف ومنحصر است » ، شمهٔ ازاحوال فتوحات مجاهدانهٔ که فرمانفرمایان عثمانی‌بذریعهٔ آن کشتی ملت خود شانرا دربحرمتلاطم عالم‌بامواج موج عروج‌اصعاد داده‌اند ، بعرض‌بیان‌میرانیم ؛ « وهی تجری بهم فی‌موج کالجبال » :

« سلطان‌عثمان خان غازی »

خاندان‌عثمانی دراصل ازقبل اتراك خراسان‌است که درآغاز عصر هفتم هجرت ، سیلاب‌دهشت مآب چنکیزی آنرا ازوطن ومسکن خودش برکنده ، بهجرت بجانب مغرب مجبور ساخت درسال ۶۱۱ « سلیمان شاه جدامجد ومورث اعلای ترکان عثمانی از « خراسان » به « آرمینیا » واز آنجا به « قونیه » واصل شد . وبسبب یك‌امداد کلی مالی که بهشاه‌سلجوقی قونیه تقدیم کرد اعتبار واعتمادبزرگی درهمکنان بدربار شاهی کسب وجلب نمود وهیئهٔ‌فرمانروای سلجوقی اورا بنظر استحسان وممنونیت فوق

العادة تلقی میکرد . چون سلیمان شاه وفات یافت پسرش ارطغرل بباعث شهرت خدمات عسکری خود بمهدهٔ جلیلهٔ صاحب طبل وعلم نصب وتعیین کرده شد . وپس ازار طغرل فرزند هوشمند عالم پسندش عثمان خان بنابرلیاقت ، وقابلیت شخصی خود بمنصب پدری فائز ونایل گشت . وبسبب حرکات مجاهدانه ومبارزانهٔ که درمقابلهٔ عیسائیان بتکرار ابراز نمود ازطرف همهکان بلقب مقدس ومبارک « غازی » مخاطب گردید . ودرسال ۶۹۹ھ چون علاؤالدین سلطان قونیه درمدافعهٔ شدید تاتاریان شهیدشد ، پس عثمان خان باتفاق آرای امنا وامرای دولت سریر آرای تخت « قونیه » گردید . واین نخستین سلطان خاندان عثمانی است که تمام ترکان حالانی بنام وی موسوم ومنسوبند .

سلطان عثمان غازی بمجردیکه ازانتظام داخلی مملکت فراغت یافت برای امتحان جوهر تیغ عثمانی خود اطراف وجوانب حکومت خویش را بدقت دیدن گرفت ازیکطرف نظرش باسلطنت سلجوقی وبدیگر پهلو بامالک اسلامیهٔ ممالیك مصری تصادف کرد . این سلطان مهذب آویختن باین دوفریق را خلاف مذهب وانسانیت دیده ، بجز ازاضمحلال سلطنت عیسائی « بزنطین » یك‌شیئی که باعث منافع دینی ودنیویش گردد ، دیگر کارباتوانی نیافت . لهذا بنای تهیات لوازم ومایحتاج حربی را گذاشته علاقهٔ آسیائی حکومت عیسائی را درزیر تهدید گرفته اکثر اقطاع وقلاع ایشیای کوچك را ازقیصر قسطنطنیه سلب وضبط نموده در مقبوضات اسلامی افزود . وپایتخت خودرا ازاز « قونیه » بقلعهٔ مفتوحهٔ « قراحصار » تبدیل وتحویل داد . ومادام الحیات اوقات عزیز خودرا بتقلید صحابهٔ کرام درجهاد فی‌سبیل‌الله واعلای کلمة‌الله صرف ووقف فرمود . بهرمهمی که اقدام میورزید ، عزم واستقامت ، وتوکل واستقلال‌را دران بکارمیبرد که بدان سبب همیشه فتح وظفر اورا استقبال میکرد ، « ان الذین قالوا ربنا الله . ثم استقاموا . فلاخوف علیهم ولاهم یحزنون » . بالآخر درسال ۷۲۶ھ بعدازانکه پسر خود « اورخان » را بفتح « بروسه » گماشت درعمر ۶۹ بسال ۲۶ ازجلوس خودداعیٔ فردوس برین شد (اناالله وانااليه راجعون)

سلطان عثمان ! شجاع ، عادل ، صالح ، رحیم ، خلیق یکنفری بود زهد وتقوایش بدرجهٔ بود که گویند . وقتی دراثنای سفر شب رابخانهٔ یکی ازدوستان خود آورد ودراطاقکی که ازطرف میزبان برایش تخصیص یافته‌بود بعدازفراغ نماز چون خواست که بخوابد وازماندگی راه قدری استراحت یابد ناگاه نظرش بیکی ازطاقچهای اوتاق افتاده‌دید که کلام‌الله را درانجا گذاشته‌اند پس‌خوابیدن را درپیش روی کلام‌الهی دوراز آداب یافته برای تعظیم آن باوجود ماندگی سفر دست بسته تاصبح استاده ماند .. وچون رحلت فرمود پس ازمرگ خود تنها ، یك شمشیر ، ویك اسب ویك‌قبا ، ویك دستار میراث گذاشت . ان‌الله اشتری من المؤمنین انفسهم واموالهم بان لهم الجنة . یقاتلون فی‌سبیل‌الله ! فیقتلون ویقتلون

« سلطان اورخان »

پس از وفات غازی عثمان خان پسرش « اور خان » برتخت اسلامی جلوس فرموده و شهر « بروسه » را فتح کرده پایتخت خودساخت ودریکمدت قلیل سلطنت خودرا تابه‌حدود دردنبال توسیع داد . ودرعوض یك امداد عسکریٔ که به شاه قسطنطنیه بنابر ارزویش به‌اوروپ فرستاد ، حصهٔ بزرگ ممالك آسیای کوچك اورا در قلمرو خود شامل کرد . ونیز بندرگاه مشهور « کالی پولی » راوابعضی دیگرقلعه های ملحقهٔ آن درتحت قبضهٔ تصرف واقتدار خود بیاورد . واین اولین فتحیست که ترکان را درخاك اوروپ دستداد .

از آثار عظمت دیگریکه این سلطان سعادت نشان در تاریخ عثمانی بیادگار گذاشته است : سه کار ذیل بس اهم وقابل ذکر میباشند .

(۱) یك عسکر بسیار پرجوش و منتظم بنام « ینکچر » ترتیب داد که تابه چند عصر بکمال فداکاری و صداقت شعاری خدمات اسلامی را ایفا کرد .

(۲) دراوروپ رخنهٔ فتوحات را گشاد ، وعنان توجه حکم داران اسلامی را به اینسو عطف داد . و دوباره در مسلمانان روح پرفتوح جهاد را دمید .

(۳) یك قوهٔ مکمل بحری را حاضر کرد که بذریعهٔ بکستهٔ که از ۳۸۰ جهاز ترکیب یافته بود بندرگاه « کالی‌پولی » راباعلاقهٔ جنوبی قیصر قسطنطنیه فتح کرد .

بالآخر در سال ۷۶۱ھ به عمر ۸۳ سالگی بعد از حکومت ۳۵ سال وفات یافت . « رحمةالله علیه رحمةً واسعة » .

سلطان اور خان بهادر ، سخی ، متشرع ، مشتاق جهادیك مردی بود .

« سلطان مراد خان اول »

سلطان مراد خان بمجردیکه برتخت سلطنت جلوه‌افروز گردید پایتخت خودرا از « بروسه » [واقع آسیا] به « ادرنه » [واقع اوروپا] منتقل ساخت . وتمام ولایت « تریس » وعلاقه‌های قریبی کوه « بالقان » را مسخر کرد . ازین ترقی روز افزون ترکان جمیع شاهان اوروپ علی‌الخصوص قیصر قسطنطنیه بخوف واندیشه عمیق افتاد وبی آنکه بقوای متفقهٔ خودها مقابله نتوانند بدیگر قسم نفی واخراج ترکان را از خاك اوروپ ممکن ندیدند . لهذا مجاهدین صلیب درتمام اوروپ اعلان جهادداده بایك عسکر گرانی برترکان حمله‌آور گشتند . ولی درین حرب ، ضرب شمشیر غازیانهٔ سلطان مراد خان ثابت کرد که برآمدن ترکان ازاوروپ خیلی مشکل بلکه یك تصور غیر ممکن است . وبالآخر افواج متحده منهزم گردیده هزارها اسیر وقتیل درمیدان جنگ گذاشتند وقیصر روم بصلح مجبور گردید . وممالك « البانیا » و « مکدونیا » را بقسم تاوان جنگ بترکان تسلیم کرد . دیری نگذشت که دوباره دولتهای همسایهٔ مسیحی بازیك اتحادی بهم تشکیل داده برعلاقهٔ عثمانی تاختند وباوجودیکه ترکان ازروی عدد ازثلث شان هم کمتر

بودند لیکن از غیرت قومی ، وجوش مذهبی خود ها رایشان غالب آمده عیسائیان را چنان یك شکست درستی دادند که جمیع آرزوهای شان که قبل ازین درباب بیرون کردن ترکان ازیورپ ، می پروراندند باطوفان یأس وحرمان سردوچار گردیده باخاك یکسان شد ، «کم من فئة قلیلة ، غلبت فئة کثیرة باذن الله» . در جملهٔ اسیرانیکه درین جنك بدست ترکان افتادند قرال صربستان نیز شامل بود . ونتیجهٔ این جنك عظیم آن شد که علاقه های « بلغاریا » و « صربستان » و « بوسینیا » در زیر اقتدار ترکان آمدند . مگر وا اسفا ! که سلطان مراد غازیرا یك اسیر عیسائی به خدعه و غدر بپاهایش افتاده شهید ساخت که بتاران قرال صربستان وخود آن غدار نابکار را بپاداش این حرکت وحشیانه نامردانه رسانیدند . واینواقعهٔ فاجعه در سال ۷۹۲ بوقوع پیوست .

سلطان مراد خان شجاع ، زاهد ، عابد ، مجاهد یك وجودی بود که به عمر ۶۵ بعد ازسلطنت ۳۰ ساله بدرجهٔ فیض مندرجهٔ شهادت فائز گشت . وپسرش بایزید بجای پدر تخت نشین شد .

« سلطان بایزید یلدرم »

هرچند بایزید در اخلاق خود بعضی نقصانات جزئی داشت که بدان سبب باجداد خود رسیده نمیتواند ، ولی درشجاعت وعزم ، واستقلال ذاتی خود فریدوحتی درزمان حیات پدرخود ازاحراز شجاعت وبسالتیکه درمقابلهٔ کفارا براز مینمود کسب شهرت عظیمی کرده بود . بمجردیکه برتخت جلوس فرمود بهر طرف بنای تجاوز و پیشقدمی را گذاشت ، از همه اول قیصر قسطنطنیه را که دربنوقت یك حصهٔ جزئی ومختصری درتزدش باقی مانده بود باجگذار خود ساخت ، وهم در قسطنطنیه برای مسلمانان حقوق ومساعات حاصل کرده برای عبادت شان یك مسجد تعمیر وبرای فصل مقدمات ودعاوی شان یك نفرقاضی تعیین کرد وبرقوای متفقه دولتهای فرانس ، جرمن ، ایطالیا ، اوستریا ، وغیره که بیك لك عسکربالغ میشد ؛ بمقام « نکوپولس » ودرقرب دریای « دانوب » فتح مکملی حاصل کرد . وبعض از مأمورها وسپه سالار های بزرك شانرا اسیرودستگیر نموده مگر افسوسکه پیش ازانکه باتمام دادن این ارادهٔ خود اقدام ورزد ، اولتر دفع مهم تیموری راکه ازجانب آسیا برمقبوضات مشرقی وی هجوم آورده بود لازم وواجب دید ودرحالیکه اکثر عسکرش در فتوحات اوروپ ومحاصرهٔ قسطنطنیه وغیره اشتغال داشت ، خودش بایك جمعیت قلیل بمقابلهٔ تیمور بطرف سرحد آسیا شتافته بمقام « انگوریه » توقف ورزید وچون سپاه تیموری پنج چند عسکروی بود ، واکثر تاجداران اسلامی که قبل ازین ازبعضی بدسلوکی های سابقه اش رنجیده بودند بتیمور پیوستند ، وعلاوه بران تیمور خفیتاً بذریعه جاسوسها یکانگیت جنسیت وقومیت خودرا به عسکرهای بایزید ابلاغ نموده بود . لهذا چون یوم الملحمه بسر آمد وتصادم قوا واقع شد بنا کهازیك مقابلهٔ خفیف عسکرهای عثمانی ضعیف گردیده ازحریف روبرتافته منهزم گشتند . مگرسلطان تیمور ازمشاهدهٔ این حال بجوش آمده وتیغ ازمیان نیام برکشیده برقلب فوج تیموری خودرا حواله نمود ، که درهمین اثنا اسپش کمدری خورده واز بالای زین برزمین افتاده عسکرهای تیموری این شیر عثمانی را بذریعه کمندهای جنگی خود اسیر ساختند ، ودرهمین حال اسارت ازدست تیمور ، شربت شهادت نوشید وازین حرکت وحشیانهٔ خود تیمور صریحاً یك معاونت وامداد بسیار بزرگی به دولتهای عیسائی اوروپ که حملهٔ شان بادولت اسلامیهٔ عثمانی بسر پیکار وبرای ضعیف ساختن یکقوت کلی اسلام ، در مظاهرهٔ همدیگر خود شان میکوشیدند ، رسانید ،

سلطان بایزید ، بسبیکه درحرکات ومهاجمات حربی خود بسیار تیزوتند بود ، وبردشمنان به بسیار سرعت وشدت میرفت ترکان « یلدرم » عرفش کردند ، که بفارسی معنای آن « برق » است که ، یعنی به سرعت وتیزی مانند برق بردشمن می افتاد .

« سلطان محمدخان جامع »

بعدازبایزید پسرش محمد اول دوباره در آسیا اقتدارپیدا کرد ودریورپ هم آمده بکمال متانت باعیسائیان دوباره تجدید عهدو تحدید حدودنمود ، وچون ازهمه طرف خاطر جمع شد ، به بسیار زودی همه پراکنده کی ها ، وپریشانیهای که ازجرحهٔ فجیعهٔ تیموری بسلطنت رسیده بود جمع کرد که ازانرو بنام « سلطان محمد خان جامع » شهرت یافت وبعمر ۴۸ سالگی بعدازحکومت ۷ سال رحلت فرمود .

« سلطان مراد خان ثانی »

سلطان مراد خان ثانی بتخت سلطنت جلوس فرمود . برای تهدید قیصر قسطنطنیه که نقض عهد کرده بود ، یك عسکر فراوانی باخود گرفته قسطنطنیه را محاصره کرد وعنقریب بود که قلعه فتح شود ، که ناگاه ازشنیدن خبر آمدن مصطفی برادر خورد سلطان ! عسکرهارا به برداشتن محاصره ، ومراجعت امر داده شد . وسلطان خودرا برای دفع ساختن فساد خانه جنگی اولتر مجبور دیده وعودت نموده بغاوترا فرونشاند . وچون ازین مهم فراغت یافت دوباره بمیدان مقابلهٔ عیسائیان برآمده جزیره « زمیتی » را از حکومت « وینس » ضبط نمود . وحصهٔ جنوبی یونان ، وعلاقهٔ سلانیك ، وموریا را نیز فتح کرده درمقبوضات خود افزود ، وولایت « ترانزولی تیا » ی حکومت مجارستانرا نهب وتاراج داده با ۷۰۰۰۰ اسیرازان واپس شد . وباعیسائیان عهدنامه کرده چندی ازاهل دنیا انزوا گزین گردیده درحلقهٔ درویشان درآمد . ولی اخذانتقام نقض عهدی که بنابراشتعال پوپ روما از دولتهای عیسائی همسایه اش سرزد دوباره سلطانرا بیرامدن بمیدان کارزار مجبور ساخت ، دراول امر سلطان بنابر مراعات شرایط انسانیت ، عهدنامه شانرا برنوك نیزه بلند کرده بدیشان وانمود که مگر ازکند ، ولی دید که عیسائیان هیچ بان التفات

نموده وعساکر عثمانی حمله‌آوردند وبك معرکهٔ بسیار شدیدی مابین طرفین واقع شد که نتیجهٔ آن بقتل شاه مجارستان وفتح عمومی ترکان منجر گردید . بعدازین جنك دهشت آهنك سلطان یکبار دیگر درمقام « کسووا » بعداز محاربهٔ پیهم سه روزه عیسائیان را شکست داده همان که ازمیدان جنك به ادرنه رسید بعارضهٔ سکته بسال ۸۵۶ بعمر ۴۹ وفات یافت ودر اواخر ایام حیات خود بفرزند خویش « محمد » فتح قسطنطنیه را سفارش کرده بود .

« سلطان محمدخان فاتح »

« محمدخان ثانی » بعمر ۱۹ سالگی برتخت عالی بخت سلطنت جلوس فرمود . واز برای تکمیل وایفای وصیت پدر خود عزم وارادهٔ فتح قسطنطنیه را بدل مصمم ساخت وتوطئهٔ جنك را گذاشته ازقیصر بیزانس مطالبه عوض کرد ، که سراسر مخالف ومنافیٔ مفاد سیاسی وحربی وی بود ، چنانچه قیصر بدون دادن اعلان جنك دیگر چارهٔ برخود حصر ندید . وطرفین بنای حاضری وتهیات لوازم حربیه را گذاشتند . قیصر ازدولتهای یوروپ معاونت وامداد خواست که بعضی ازانها جزئی چیزی قبول کرده بظاهرهمانی فرستادند . ازان طرف سلطان محمد خان نیز یك عسکر جراری که علاوه برخوبترین آلات حربی به جوش قومی ومذهبی نیز مجهز ومسلح گردیده بود حرکت کرده به بعد مسافهٔ ۵ میل از قسطنطنیه عساکر را صف داد . « ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفاً ، کانهم بنیان مرصوص » . ودرین عسکرها یك عدد کافیٔ مشایخ ، وعلما ، واصفیا محض بنابرینکه نطق ها وخطابه های مؤثر آنها در دل عسکرها یك تلاطم جذبات ، ویك طوفان جوش حسیات مجاهدانه پیدا میتواند برداشته شده بود ودرماه جمادی الاول سال ۸۵۷ هجری قسطنطنیه را افواج بهیهٔ عثمانی محاصره کردند دراول مرحله مدافعین خوب بجوش جرأت وجسارت خود شانرا نشاندادند وتاقریب اضافه ازیکماه مقاومت نموده شهر را تسلیم نکردند مگر بالآخر چون دیدند که قوهٔ بحریهٔ عثمانی نیز بهبندر که برای کمکبازی حاضر است ازمحافظت قلعه مأیوس شده شهر را برای ترکان گذاشتند ، که فی‌الحال عساکر عثمانی مظفرومنصور داخل شهر گردیده ودرتمام شهر برای ربودن مال غنیمت منتشر شدند . فجاسوا خلال الدیار وکان وعداً مفعولا . سلطان از همه اول کلیسای « ایاصوفیه » را بمسجد تبدیل داده حکم فرمود که دران اذان بگویند وبجای تثلیث ۱۲ صد ساله ترویج توحید . نموده نماز ظهر را درهمان جاادا کرد . وبنابر فتح قسطنطنیه بنام « سلطان محمد فاتح » معروف گشت .

سلطان محمدخان فاتح غیر از قسطنطنیه ، بسی شهرها وممالك دیگر را نیز مفتوح ساخته است . اتینه پایتخت یونان وممالك البانیا ، وصربستان ، وبوسنه ، والازه ، وولیسیا وکریمه رانیز درحکومت خود الحاق داد . ودرسال ۸۶۷ هجری فتح ایطالیا را درنظر گرفت . وبرای بسر رساندن آن یك ذخیرهٔ عظیم آلات واسباب مایلزم حرب را بایك عسکر منتظم فراهم آورده بود ، چنانچه بندرگاه « اوترانتو » ی ایطالیا را فتح نموده وعسکر کثیری با مایحتاج حرب بران پیاده ساخت ، وعنقریب بود که آرزوی دیرینهٔ جدامجد خود بایزید را انجام آورده مگر که تقدیر باین رفته بود وسلطان را رفع کردن بعضی مشکلات دیگر ازین ارادهاش بازداشته بسرحد آسیائی عودت نموده ملك خود را ازترکتاز ایرانیان وبعضی سلطنتهای اسلامی دیگر نجات داد . ودرسال ۸۸۶ هجری بعمر ۵۱ سالگی بعداز سلطنت سی ویکنیم سال دراثنای سفر که برای سرانجام دادن مهم شاه ایران میرفت روحش به اعلای علیین شتافت .

« سلطان بایزید ثانی »

پس ازوفات سلطان محمد خان فاتح پسرش بایزید بعد ازانکه برادر خود شهزاده جم را یکچندمیدان سربسرشکست داد بالآخر مستقل سلطان شد . ویکچند غزوات هم برخلاف عیسائیان کرده علاقهٔ کثیره « پولونیا » را درحکومت خود شامل کرد ، ونیز بعضی شهرها وقلعه هارا مسخرساخت . مگر به سببیکه طبعاً صوفی مشرب بود خونریزی نوع بشررا دل رقت منزلش چندان نمی‌پسندید . ودرعهدوی علوم ومعارف بس ترقی واشاعت یافتند ومکتبها ودرسخانهای کثیری تأسیس گردید . وصدها شفاخانها وخانقاه ها ومهمانسراها تعمیر نمود که ازانها جمیع خلق‌الله استفاده میکردند ودرآخر ، سلطنت راترك داده بپسران خود گذاشت وبعمر ۶۲ سالگی درسال ۱۸ ه بعداز حکمرانی ۳۱ سال ازدار فانی به سرای جاودانی رحلت فرمود .

« سلطان سلیم اول »

این سلطان بلحاظ ، علوهمت ، شجاعت ، فتوحات ، رعب سیاست ، حزم ، ولیاقت ذاتی خود سزاوار آنست که تمام خاندان عثمانی به آن فخرکنند همین سلطان عظمت نشان است که سلاطین عثمانی رابه خطاب مستطاب « خادم الحرمین الشریفین » ولقب شرافت انتساب خلیفة المسلمین » نایل ومفتخر گردانید . درسال ۹۲۳ ه ازالحاق مصر مملکت عثمانی را بسیار وسعت داد . وچون خاك مقدس درزیرحراست سلاطین مملوکیهٔ مصر بوداز آنروازفتح مصرطبعاً درتحت حفاظت سلطان سلیم آمد . بدیگر طرف بباعث فتح « قالدیران » که برشاه اسمعیل صفوی شاه ایران حاصل کرد قسمتهٔ بزرك علاقهٔ ایران ودیار بکررا درتصرف خود آورد . وبه این فتوحات عظیمه اش خلیفهٔ آخرین خاندان عباسی لقب خلافت را بنزد او ارزانی فرمود که ازانرو تاکنون سلاطین عثمانی حق خلافت را برعالم اسلام دارند . سلطان سلیم درراه وسعت وفسحت خاندان عثمانی حقیقةً خدمات گرانقدری بجاآورده است . وازهمه بزرگتر فضیلت روحانی الاحصول ، لقب خادم‌الحرمین الشریفین ،

برای اخلاق وامثال مابعد خود کسب نمود که ازروی آن برتمام عالم اسلام تعظیم ومعاونت شاهان عثمانی واجب است .

سلطان سلیم ، صاحب عقل سلیم ، پابند مذهب ، عالم ، مورخ جدا کثیر ، یك ذات نکته‌سنجی بود . وطبیعت شعر هم داشت . علما ومشایخ را به تعظیم وتکریم فراوانی تواضع میفرمود . ودر سال ۹۲۶ ه بعمر ۵۴ سالگی بعداز حکومت ۹ سال وفات یافت .

(از منظره های بهار کابل رنگی)
(نهر صفا پهر « حرم باغ »)

« سلطان سلیمان اعظم »

حالا نظر مطالعهٔ مارا این قسم تاریخ عثمانی بسوی خود جلب میکند که ازروی عظمت و اجلال ، وشوکت واقبال ، ونظم ونسق داخلی ، وفتوحات سرحدی ، ووسعت ممالک ووضع قوانین از جمیع دولتها و ملتهای حاضرهٔ وقت خود بزرگتر ونشاندارتر بود . این سلطان عظیم الشانرا در کثرت فتوحات وتوسیع مقبوضات اگر از ولید اموی ودر انتظام داخلی وترقی اقتصادی از هارون الرشید عباسی بدرجهٔ دوم بگیریم هیچ مبالغه واغراق نکرده خواهیم بود . زیرادولت عثمانی دردوران ترقی توأمان وی عرضاً از « بوداپست » الی خطهٔ صحرای کبیر افریقا وازممالک شمالی آن تفریق میدهد . وطولاً از « جبل الطارق » منتهای جنوبی اراضی اسپانیا ونقطهٔ آخرین مراکش ، الی ساحل شمال غربی هندوستان براً وبحراً تحدید وتمدید یافته بود . « سلیمان اعظم » تنها بمناسبت فتوحات وتوسیع مستملکات خود لقب « اعظم » را احراز نکرده است بلکه بیشتر باینسبب که درعهد چنان پادشاهان با اقتدار مانند امپراطور شارلس پنجم شهنشاه اسپانیا ، وفرانسیس اولشاه فرانس . والیزابت ولیوی دهم . ودر پیشروی چنان مدبرین نامدار مانند « کورتس کولومب » و « دوریه » عظمت وهیبت خودرا غیر متزلزل ساخته بکمال آسوده‌گی وبی پروائی از ممالک هنگری ، مجارستان ، اخذ باج وخراج مینمود . این لقب به او انسب است این سلطان ترقی توأمان درسال ۹۲۲ بعمر ۲۶ سالگی بعد ازوفات پدر نامدار خود تخت عالی بخت سلطنت عثمانی را زینت بخش گردید . وبمجردیکه از انتظام داخلی مملکت فراغت یافت ، شوق وذوق جهاد فی سبیل الله دامنگیر عزم واستقامتش گردیده قریب ۲۰ بار بر یوروپ هجوم ودر تمام یوروپ تیغ بیدریغ ترکان بهادر درخشیدن وبیرق اسلامی افراشتن گرفت . وچون تشریح دادن تمام واقعات وغزوات حیات پرترقیات وی تنها وظیفهٔ کتب ضخیم فن تاریخ است ازآنرو ما درذیل تنها از بعضی فتوحات عظیمهٔ مهمهٔ این سلطان عظیم الشان علی الاختصار قارئین کرام خودرا اخطار میکنیم :

در سال ۹۲۷ ه شهر شهیر « بلغراد » [پایتخت حالای صربستان] را فتح کرد که ازسالها باینطرف قوهٔ قویهٔ عیسائیان مستحکم گردیده بود ومانند سلطان محمدخان فاتح مدبری ازفتح آن ناکام براجعت مجبور گردیده بود .

در ۹۲۹ ه جزیره « رودوس » را که ازطرف عیسائیان به عسکرهای مسلح بحری استحکام یافته بود بذریعهٔ ۲ لك عسکر بحری و ۴۰۰ جهاز جنگی محاصره کرده بعداز ۶ ماه فتح کرد . واین چنان یك جزیرهٔ مستحکمی بود که اکثر سلاطین عثمانی از فتح آن عاجز آمده بودند . مادهٔ تاریخ فتح این جزیره « یفرح المؤمنون بنصر الله » برآمد .

در ۹۳۲ ه فرانس ازدست جوروستم دشمنان خود به پایگاه سلطانی بعرض رسانید که به این استغاثهٔ وی پرداخته ، ازروی استغاثه اش را قبول فرماید . که بنابران یك دستهٔ مکملهٔ بحری خودرا درمظاهرهٔ فرانس مقابل اسپانیا درزیر ریاست نظارت امیرالبحر بهادر خود خیرالدین فرستاد . که وی « جزائر » اسپانیا را فتح کرده وشهرهای جنوبی فرانس را که اسپانیا تصرف نموده بود دوبار استرداد نموده بفرانس تسلیم کرد . وازین حرکت فرانس خود فرانس را تا ابد ممنون خود ساخت .

در ۹۳۴ ه سلطان برای « کوبی » هنگری « مجارستان » عزیمت سفر کرد . وبعداز یك مقابلهٔ شدید مجارستان را هزیمت داده شاه مجارستان بگولهٔ توپ مقتول شد . وبعدازآن تمام علاقه را نظم داد وواپس مراجعت فرمود .

در ۹۳۵ ه جرمن ، واوستریا باهم اتحاد کرده و بر علاقهٔ سلطانی دست درازی کرده وشهر « بودن » را از سلطانی گرفتند که اسپ سلطان برای ادب شان به جانب اوستریا نهضت فرمود وشهر « بودن » را که عیسائیان قبضه کرده بودند

بعداز محاصرهٔ شدید فتح کرده. درأثنای مراجعت یکچند قلعه‌های جنگی که قریب شهر «ویانا» پایتخت اوستریا بودند فتح کرد.

در ۹۳۷ ه‍ یک لک و ۲۰ هزار عسکر جرار را با ۴۰۰ توپ باخود برداشته بعزم فتح «ویانا» روانه شد. عسکر های عثمانی ویانا را محاصره کردند وقریب بود که فتح شود. که ناگاه یک سیلاب. دهشت انتهای رسیده برخیمه های عساکرترکی آب برآمدوازاردو سلطان بعدازانکه از «ارچ دوک فردیناند» بادشاه اوستریا باج گرفت مراجعت فرمود ودرأثنای راه بعضی علاقه های غیرمفتوح اطاعت ورزیدند.

(از منظره های کابل بزرگ)
(آبشار صنائار «جنگل باغ»)

درسال ۹۳۸ ه‍ جرمن واوستریا. وغیربعضی دولتهای اوروپ باهم اتحاد کرده ونقض عهد نموده بعلاقهٔ سلطانی حمله کردند. عساکر ظفرمآثر عثمانی رسیده به بسیار زودی بعضی قلعه ها وشهرهای جنوبی جرمن رافتح کرده یک علاقهٔ بزرگ دیواوروپ درزیر نگین سلیمان عظمت نشان درآمد. به جانب دیگر امیرالبحر احمد پاشا در محاربهٔ بحری بعضی قلعه ها وجزیره را استملاک نمود.

درسال ۹۳۹ ه‍ بعضی شهرها وقلعه های بزرگ ومستحکم صربستان را فتح کرد.

در ۹۴۰ ه‍ شاه ایرانرا شکست داده وازعلاقهٔ خود کشیده عراق را کامل مسخرساخت وبغداد رانیزازتحت تصرف ایرانیان سلب نموده در مملکت خود شامل ساخت. وتاریخ این فتح از «فتحنا العراق» استنباط میشود.

بعدازین مابین قوای متفقهٔ بحری دولتهای ایطالیا، واسپانیا وجنوا ووینس. ودستهٔ بحریهٔ سلطانی جنگ بحری بوقوع پیوست که بالآخر از مهارت کاملهٔ امیرالبحر خیرالدین نتیجهٔ آن به فتح دستهٔ بحری عثمانی وشکست دسته های متفقه منجرشد. واکثر جهاز های متحدین اغراق وافنا نموده شدند ودرین جنگ به ۲۵ جزیره و ۳۴۰ قلعه تسلط عثمانیان قایم شد. وعلاقهٔ غربی ساحل ایطالیا نیز ازسبب هجوم متواتر خیرالدین تباه وبرباد گشت.

در ۹۴۴ ه‍ علاقهٔ «بوسنه» راتاراج کرده شهرهاوقلعه های بزرگ آنرا ضبط نمود.

در۹۴۸ ه‍ شاه اوستریا را هزیمت کلی داده بکوههایش فرار ساخت وقلعه های «اسطبور» «وزشور» را فتح کرد.

در ۹۵۰ ه‍ بعضی قبایل سرکش عیسائی را که در قطعه رومیلیا بودند تهدید نموده اسلام را بیشتر دران رواج داد. وولایت «استولین» را در علاقهٔ اسلامی افزود.

بعد دستهٔ بحری پرتگیز که سواحل غربی هندوستان راتهدید میکرد، بنابر استمداد شاه گجرات سلطان امیر البحر خود سنان پاشا را برای سرزنش آن تعین فرموده بمقابله‌اش فرستاد، که بالآخر دستهٔ بحری سلطانی بحرهای هندوستانرا از وجود پرتگیزان پاک ساخت.

در ۹۶۷ دستهٔ بحری ایطالیا را که برای حملهٔ طرابلس تیار شده بود درقرب جزیرهٔ جربه شکست داده اکثر جهاز های آن غرق وبعضی که باقی مانده بودند به بسیار زحمت تابه ایطالیا خودرا رسانیده توانستند.

در سال ۹۷۳ قیصر نو جوان جرمن «سیکسمین» برتخت نشسته عهده نامهرا بالای طاق نسیان گذاشته چیزی علاقهٔ سلطانی راتهب وغصب نمود لهذا باوجودیکه سلطان ازشدت مرض نقرس وکبر سن بسیار ضعیف ونحیف شده بود برای استخلاص علاقهٔ خود بمیدان کارزار رفته آنرا دوباره ضبط نمود ودرین أثنای مراجعت یک قلعهٔ مستحکم غیرمفتوح را محاصره کرد مگر هرچند ترکان بهادر کوشیدند فتح آنصورت بذیرنشد. بالآخر سلطان ازشدت مرض ازحیات مایوس شده برای فتح قلعه دعا خواست که بعدازکمی دریک برج بزرگ قلعه بسرنگ پریده عساکر ظفرمآثر دران داخل شدند وهمان که قلعه فتح شد، روح پرفتوح حضرت شهنشاه سلیمان عظیم الشان نیز باعلای علیین شتافت «یبشرهم ربهم برحمة منه، ورضوان وجنات لهم فیها نعیم مقیم، خالدین فیها ابدا! ان الله عنده اجر عظیم»

بعد از سلطان سلیمان اعظم دولت علیه عثمانیه آهسته آهسته رو برفتار معکوس ورجعت قهقری گذاشت. زیرا ازجای‌نشینان وی کسی چندان صاحب عزم وشایق رزم پیدانشد که همان عظمت

سلطنت را برقرار داشته بتواند . وعثمانیان بدون مدافعه از طرف خود یك اقدام وتشبثی در توسیع دادن حدود مملکت دریقدر مدت نکردند . مگر درین حرب حاضر که متجاوزانه اشتراك ورزیده است .

§

اینست که دولت علیهٔ عثمانیه را همین ابطال وشجعان عثمانی اوج عروج رسانید و نام هریك ازین سلاطین مجاهدین باتمکین ، واساطین دین متین حضرت سید المرسلین تا دوام القیام بر صفحات تاریخ عالم ثبت ونقش خواهد ماند باعث ترقی هر قوم وملت جد وجهد واتفاق خود آنست . وانسان تا خود بیك امری اقدام نورزد ظاهر است که آن کار خود بخود سر انجام نمیابد . ما این مقالهٔ ناچیزانهٔ خود را بنا بر ملاحظهٔ تا اکثر اهالی وطن عزیز ما از تاریخ ترقیات برادران دینی خود عثمانی ، کمتر وقوف و اطلاع دارند نوشتیم تا از بعضی تشبثات مهمی که ترکان بهادر در اعلای کلمة الله و دین حضرت خاتم الانبیا علیه افضل الصلوة و التحایا کرده اند باخبر شوند « هذه تذکرة . فمن شاء اتخذ الی ربه سبیلا »

(عبد الرحمن محرر اداره)

حوادث خارجیه

قبل ازین گفته بودیم بازهم میگوئیم که زندگئ اخبار به خبر است . ذرایع خبر رسانی تلگرافها ، تلفونها ، داکهای منتظم است . مملکتهای صحرا ونشینها که درمیان کهسارها محصور ومحفوظ مانده . واز ذرایع هم محروم باشند چه خواهند کرد ؟ مقصد از مملکتهای صحرا ونشینها آنست که ازبندر دریائی محروم باشند . آنچنان مملکت یك خانهٔ میماند که از چار طرف دیوارهای صاف ویك لخت آن دیوار راست بلند شده هیچ یك روزنه . ومنظره . و پنجرهٔ را مالك نباشند که ازان به بیرون خانهٔ خود یك نظری انداخته بتواند . چه مدهش حال ! علی الخصوص که راه رفت وآمد . واختلاط وارتباط هم ، خیلی محدود وبسبب بی اسبابی وکم آلاتی مفقود مانده باشد ! هرگاه از جهت بلوچستان یك منظره وپنجرهٔ را مالك میبودیم البته دنیا را دیده میتوانستیم ! . . . .

ما این نظریهٔ خود را از جهت سیاسیات دولتی محاکمه کرده نمیتوانیم . زیرا آن یك چیزیست که باوجودیکه سرمایهٔ بسط مقال ، وفرزانهٔ مشاجرهٔ قیل وقال اخبار نگاری باید شمرده شود ، ولی چه فایده که خامهٔ عجز علامه قوت وقدرت تحریر را در آنباب درخود نمیتواند به بیند ! . . .

این اظهار افسوس و حسرت ما محض منحصر به اخبار ما وفقدان خبرها برای آنست وبس . قبل از محاربهٔ منحوسهٔ حاضره اخبارهای گونا گون عربی ، ترکی ، امریکانی وغیره برای ما میرسید که ازانسبب خبرهای مختلفه ومتنوعهٔ رنگا رنگی بنظر قارئین کرام خود عرض کرده میتوانستیم . حالانکه از آغاز حرب آن اخبارها بما نمیرسد . وتنها به ترجمه های اخبار های اردو وبعضی انگلیزی که از هندوستان میآید قناعت مجبوریم .

اینست که درینبار به بعضی اخبار های ایران دستیاب شده ، و « کل جدید لذیذ » گفته عجالةً به نقل خبرهای آن پرداختیم .

اگر چه یکقدری کهنه تراست . اما چون طعامهای مربج ومساله دار سالسوری را خورده خورده دل زدگی حاصل کرده ایم از آرزو یك طعام جدیدی که ـ اگر چه یکقدری باسی هم باشد ـ باز اخبار خودرا محتاج یافتیم .

« نقل فقرات الهواق النقل »

منقول از جریدهٔ نوبهار

مدینهٔ طهران

کیفیت ورود عساکر عثمانی بتبریز

شب روسها از کنار حاجی جل حرکت کرده رفتند دوساعت بغروب پیشقراول قشون عثمانی بدین ترتیب وارد شدند :

(بدون اینکه ازطرف ایالت حتی یکسوار بدهند ملت با کمال شوق وشعف یك پیشواز واستقبالی نمودند که تاکنون کسی ندیده بود واز عهدهٔ تقریر وتحریر خارج است کاش خواننده میبود ومی دید وغبطه میبرد ازاینکه بیدست وپا که در شهر مانده بودند جمعیت نموده بابیرق سه رنگ ایران ویك بیرق هلال احمر وباقرآن استقبال نمودند)

ابتداء بکرم الله وابراهیم پاشادر کالسکهٔ ایالتی نشسته پس ازان مختار بیك در یك فایتون ومتعاقب آنان یکهزار ودویست نفر قشون که نظامی بوده وباقی اکراد بودند ورود نمودند هنگام ورود ملت از شادی دست بهم میزدند قشون عثمانی سلام وصلوة صدا را بلند مینموده وعلماء تلقین می کردند درواقع باندازهٔ باشکوه واجلال استقبال شده ووارد شهر شدند که هر بیننده از کثرت شعف میخواست بگرید . ازامنه تلای بامهای خودشان علم بیرق ایران نصب نمودند ابراهیم پاشا مستقیماً منزل ایالت رفتند وشب هم مهمان بودند سوارها در کاروانسراها منزل نمودهاند . درهر حال هرچه میخواهم شعف ملت تبریز را دراین موقع مختصر نموده وکمتر بنویسم قلم خودش بی اختیار این شعف را مینویسد ، ودر واقع امروز عید دوم ملت بود (رفتن دشمن ـ آمدن دوست) قزاقهای ایران که روز پنجشنبه بمرند آمده بودند والیان آنها را بجاسفنج فرستاده بود عصر روز جمعه برحسب احضار بالت وارد شدند ولی کلاهشان نشان دولت ایران داشت ـ ادارهٔ نظمیه را که روسها نشسته بودند حالیه یکمرتبه بیرق دولت ایران را نصب نموده وخودش درانجا نشسته است امروز آذربایجان آذربایجان تازه بود

روز گذشته چنانچه عرض شد جمعیت زیادی درشاه بلند خانه

اجتماع نموده ومختار بیلیکها کالسکاابان واردشده وروی سکوئی ایستاده نطق مفصل این مضمون کرد :

« باید امروز که دولتین اسلام باهم اتحاد واتفاق نموده اند ، ماهاهم اتحاد نمائیم. بحمدالله قشون کفر از خاک ایران باکمال خواری خارج شدند .

ماسلمانان امروز باید متحدا کفاررا که در صدد ایذاء واذیت ما برآمدند ازمیان برداریم و آنان را گوشمال سختی بدهیم. آیا بخاطر دارید که روسها باشماچه کردند وباماچه کردند و آیا میدانید که دربارهٔ شماها چه میخواستند بکنند وباماچه ؟ بخاطر بیاورید که بدست خود شماها نیکان شمارا درحوض های آب خفه کردند و آنان را بچوبه های دار بیرحمی آویختند . میدانید چه پلتیکها برای نفاق دول وملل اسلام بکار بردند که نزدیک بود بکلی رشتهٔ الفت ومحبت اسلامی که از دربار پیغمبر اکرم (ص) مابین مسلمین ودیعت گذاشته بود از میان ببرند . الحمدلله که باین آرزو نایل نیامدند وبکوری چشم دشمن اتحاد اسلام‌را کماکان محکم دیدند »

دونفر دیگر نیز نطق مفصل ایراد کردند سپس موزیک مترنم شد — امروز عصر قریب پانصد نفر از اکراد جار دولی وامیر فیروز پسر سلیم خان نیز وارد شدند واستقبال شدند — قشون نظامیهم گویا فردا وارد میشود

امروز مختار بیلیکها اعلان نموده که مضمون آن اینست :

« اعلیحضرت سلطان محمد رشاد واعلیحضرت سلطان احمدشاه باهم برادر شده اند ، بعضی مردم از ورود قشون عثمانی واهمه دارند ، در حالتیکه نباید واهمه داشته باشند چرا که ماباهم برادر وبرابر ویکسانیم وبحمدالله خاک ایران را از کفار پاک نمودیم »

منقول از جریدهٔ (وطن)

مطبعهٔ طهران

ابلاغیهٔ سفارت کبرای عثمانی

جواب ابلاغیه انگلیس که در دوم نومبر ۱۹۱۴ (۱۳ ذیحجه ۱۳۳۲) در روزنامه رسمی هندوستان اشاعه داده و ۱۵ ذیحجه هم در جریده رعد طهران نمره ۱۹ نشر نموده بود ذیلا ابلاغ میکنیم تا همه معلوم شود که حملات دولت انگلیس برضد دولت عثمانی واقع شده ودولت مشارالیها در ابلاغیه که بوسیله اعلان جنگ مابین دولت عثمانی وانگلیس ومتفقین نشر نموده تمام وقایع را بدون احساس الم وجدان تغییر داده است

چون مقصود ازاین ابلاغیه این است که عالم اسلام را باشتباه بیندازند خواستیم وقایع را آشکارا در تحت انظار عالم بگذاریم تا ثابت شود که بچه اندازه دولت انگلیس دشمن خلافت اسلامیه بوده ومیباشد

دولت انگلیس دولت عثمانی را مقصر میکند بعلت اینکه دولت عثمانی از دولت آلمان دو کشتی جنگی خریده است ولی در خصوص اسبابی که دولت عثمانی را مجبور باین خریداری نموده است هیچ سخن نمیراند فی‌الحقیقه چندی پیش از اعلان جنگ دولت انگلیس دو کشتی زره پوش مارا که در کارخانهای خودش ساخته شده بود بدون اعاده وجوه آنها که قبلا داده شده بود توقیف نمود در صورتیکه این دو کشتی جنگی بموجبات سیاسیه دولت عثمانی خیلی لازم بود بیک صورت ظالمانه از او غصب ویکی از آن دو کشتی که (سلطان عثمان) نام داشت نیم ساعت قبل از افراشتن بیرق عثمانی در آن غیر حقانه تصرف نموده ندادند بدین سبب دولت عثمانی درعوض این دو کشتی مغصوبه دو کشتی زره پوش دیگر که دولت آلمان باکمال دوستی تقدیم میکرد بالطبع به قبول آنها مسارعت نمود

دولت انگلیس برای بسته شدن بوغاز داردانل شکایت میکند لهذا سبب بسته شدن بوغاز مذکوررا به تفصیل ذیل اظهار میدارد :

در حالت بیطرفی دولت عثمانی دولت انگلیس بهانه اینکه در خدمت دولت عثمانی چندین صاحب منصبان آلمانی هستند رسماً اعلان نمود که کشتی های جنگی خودش که در مدخل بوغاز داردانل لنگر انداز بودند سفاین حربیه عثمانی را بنظر کشتی جنگی دشمن گرفته وحمله خواهند نمود در مقابل چنین اعلان خصمانه دولت عثمانی مجبور بود که برای تامین اسباب مدافعه پای تخت خود داردانل را مسدود نماید چنانچه معلوم ومبرهن است استخدام صاحب منصبان آلمانی خدمت عثمانی جز امور داخله چیز دیگری نیست لهذا محل اعتراض هیچ دولت اجنبی نمی‌شود

اما در خصوص تمامیت ملکیت عثمانی که انگلیس میگوید ما تامین کرده است ما در حقیقت بخوبی میدانیم این تامینات چیست آیا انگلیس نبود که این تمامیت ملکیه را که در جنگ بالکان از طرف دولت عثمانی همراهی از او خواهش شده بود وبرعکس برای تخریب ممالک عثمانی همیشه کارهارا مجری داشت ؟

حقیقة دولت انگلیس بتوسط (باقستون) وسایر خصماء اسلام اتحاد دول بالکان را برضد عثمانی آماده ساخت ودر اختتام جنگ تمام فعالیت سیاسیه خودرا بتامین واگذار نمودن اراضی عثمانی که در اروپ واقع شده بود بدول متفقه بالکان استعمال نمود معهذا همین انگلیس بود که قبل از اعلان جنگ مسارعت باعلان نمود که نتیجه جنگ هرچه بشود (استاتوکو) مرعی خواهد شد ووقایع در اینجا خوب گواهی میدهد که مقصود انگلیس ازاین بیانات منافقانه این بوده است که در حال مظفریت دولت عثمانی را از ثمرهٔ فتوحاتش محروم بگذارد

حقیقة در زمان استرداد ادرنه از طرف عثمانی اسکویت رئیس الوزرای انگلیس بلا تردد دولت عثمانی را تهدید میکرد که اگر عساکر خلیفه این شهر را تخلیه نکنند به صاعقه اروپ مبتلا خواهند شد حیل وتقلبات انگلیس فقط باراضی اروپای عثمانی محدود نشد ما اورا دیدیم بخیال اینکه در خلیج فارس تمامیت ملکیت عثمانی را اخلال کند ودرین قسمت ملک عثمانی بکباب دخول عربستان که از

مدتهای مدید آرزو میکرد بدست بیاورد نقشه‌را که از طرف رجال دولت خودش کشیده شده بود تعقیب مینمود

دولت انگلیس برای جلب نمودن رؤسای قبایل این قطعات از هیچ اقدامی کوتاهی نکرد ولی بعون وعنایات خدای متعال تمام اقداماتش بی‌نتیجه وهمه این رؤسا وشیوخ امروز مثل نفس واحده برای دفاع کردن از منافع اسلام زیر بیرق سلطان وخلیفه خود قیام مینمایند

دولت انگلیس بهپلتیك خصمانه خود چسبیده بهر اقداماتی که دولت عثمانی برای اصلاح داخله خود مینمود مخالفت میکرد بادولت روس اتفاق کرده تمام نفوذ خودرا درنزد دول اروپ استعمال نمود برای اینکه بهیچ یك ازمتخصصین ممالك خود شان اجازه ندهند که داخل خدمت عثمانی شده به امر اصلاحات وتشکیلات جدیده کمك کنند فقط اعلیحضرت امپراطور آلمان باین تقلبات بدخواهانه اهمیت نداده ولطف فرموده جناب (لیمان ساندرس پاشا) را مأمور اصلاح اردوی عساکر عثمانی کاامروز باخواست خداوندی باقوای متحده خصماء مبارزت میکند مأمور فرموده برای نخوتی آشکار نمودن پلتیك انگلیس برضد اسلام کفایت نمیکند که تنها وقایع برجسته پلتیك خصمانه اورا برضد عثمانی بفقط بیان کنیم تمام دول اسلام هدف تیر خصمانه اوشده‌اند فقط برای یادآوری ازین پلتیك حرکات اورا درمسئله مراکش ذکر خواهیم کرد فی الحقیقه بعد ازینکه بامیر مراکش پشتبان شد و او را در دفاع استقلال مملکتش ازطرف خود تأمینات برحسب مقاوله ۱۹۰۴ بجهة تضمین بیطرفی فرانسه ازامور خط مصر امیرمشارالیه‌را بدندان حرص و آزفرانسه واگذار وبامضاء کردن این مقاوله نامه دو حکومت اسلام‌را که عبارت از مصر ومراکش باشد امضاء نمود چند سال بعد از آن باشتراك روس متضمن همین معنی یك مقاوله نامه متعلق به خاك پاك ایران عقد وبااینکه منطقه نفوذ مقاصد استیلا کارانه خودرا ابراز نمود ازان بعد درجه شمول حقیقیه این مقاوله مشئومه کهپایمال کننده حقوق اقوام وملل است ظاهرشد وهریکی از این دو دولت غاصبه در خصوص حقوق حکمرانی اعلیحضرت شاه ایران غاصبانه رفتار نمودند

معلوم است که غلادستون قرآن مجید را دست گرفته بیان نمود که مادامیکه این کتاب در روی زمین وجود دارد عالم روی صلح نخواهد دید دولت انگلیس که غلادستون در نطق فوق الذکر زهر حسیات ونیات مصممانه اوست یك قرن تمام است که باوسائطی بی‌توان اتفاق نمودیانمود کوشش میکند که از جدول ممالك آزاد دنیا ممالك اسلامی را محوونابود نماید بخیال تهیه نمودن مزرعه استفاده جهة مجاز حریص خود دولت انگلیس که ممالك اسلامی‌را کینه جویانه در حال تعقیب است به پلتیك خود یکرنك منضمی میدهد که محبت وپشتیبانی ملت متعصب انگلیس‌را بخود جلب نماید حد وسپاس خدارا که چنان وسیله باعطا فرموده نادرمقابل دشمنان غدار انگلیس وروس وفرانسه از منافع عالیه اسلام انشاء الله رحیم دفاع کنیم .

سفارت کبرای عثمانی

منقول از جریدهٔ (رعد)

(مطبعه طهران)

(اتحاد عثمانی)

صدر اعظم آلمان پس از تمجید جان فشانی مشتاقانه عامه مردم نطق خودرا به بیانات ذیل ختم نمود :

« ژاپون برای اینکه خواست در شرق اقصی از آثار علوم آلمان غنیمتی بجنك آورد بدشمنان ما ملحق شد از الطرف مادولت متحدی مانند عثمانی پیدا کردیم تمام مسلمین میخواهند قلاده اطاعت انگلیس را از گردن خود بردارند وبنیاد قوه مستعمراتی انگلستان رادرهم شکنند مادر تحت بیرق قشون خود وزیر سایه علم جهازات جنگی مظفر ومنصور خواهیم شد . »

صدر اعظم دفعهٔ دیگر تجدیت در عهده گرفت ووعده داد که آلمان دست نخواهد کشید تااسباب اطمینانی بدست آورد که احدی جرات ننماید که صلح آلمان‌را برهم زند ترجمه ازتیمس

مقدرات انگلیس در مصر

عقیده جریده « کریردلاسرا » این است که پیش آمدامورات درمصر برای انگلیس نامساعد خواهد بود زیرا قشون ترك که رانجا حمله مینماید از هر حیث مزیت و برتری دارد . در یکی از انجمن‌های تجارتی « ژنو » قویا برضد انگلیس وفرانسه اعتراض کردند که چرا کشتی‌های تجارتی ایطالیارا تفتیش وتوقیف مینمایند —

طبع روز نامه فرانسه در آلمان

« کازت دوکلنی » خبر میدهد که آلمان تصمیم نموده است که ازاین بعد یك روز نامه جدیدی بزبان فرانسه طبع ونشر نموده واین روز نامه برای ولایات بلژیك وفرانسه است که فعلا درتحت تصرف آلمان هستند که اهالی آن نقاط از اوضاع عمومی وجنك بی‌اطلاع نباشند.

تخریب بنای یادگاری روس در قسطنطنیه

بموجب تلگرافاتیکه ازقسطنطنیه رسیده است یك اجتماع کثیری عبارت از چندین هزار نفر که نماینده کان کمیته « اتحاد وترقی » بریاست آنها بودند از محلات ونواحی مختلفه اسلامبول حرکت کرده وبدر میدان معروف « کلا کدیا » درمقابل بنای یادکاری روسیه که درسال ۱۸۷۹ ساخته بودند آمده وآن بنارا ازبالا تاپائین یك سره خراب کرده وآثار آنرا محو نمودند

قبل از تخریب الحاق اشیاء مقدسه کلیسیا وناقوس برج نمازخانه‌را باداره پلیس تحویل دادند وازطرفی هم کلیه اشیاء نفیسه خصوصا

ظروف طلا وغیره که در انجا بود قبلا کشیش های رومی که در ابتدای اعلان جنگ عثمانی باروس از «سان استفانو» عزیمت کرده همراه خود برده بودند.

ژنرال زکی پاشا اجودان مخصوص قیصر

از قسطنطنیه به برلن رسما اطلاع داده شده است که ژنرال زکی پاشا که اخیرا از طرف قیصر اجودان مخصوص شده بود از مقر خود عزیمت ویک مرتبه به اردوگاه عمومی امپراطور میرود

توقیف راه آهن فرانسه در شام

اداره کمپانی راه آهن فرانسه شامات در «بیروت» و «دمشق» و «حماه» از طرف مامورین دولت عثمانی بمدیر راه آهن حجاز تفویض گردید.

اخیرا «کمیسیون تحقیقیه» «لبنان» و «دمشق» و «دیاربکر» اعزام شده که درخصوص ساختن راه های آهن جدید که برای حوائج واقدامات نظامی وحمل بار وآذوقه وغیره لازمست تحقیقات لازمه نموده واقدام بان نمایند.

تفریح عساکر آلمان وفرانسه در خندقها

مطابق اطلاعیه ها واطلاعات واصله بواسطه شدت باران واستیلای برودت جنگهای شمال فرانسه تادرجه تخفیف یافته وبعضی نقاط بکلی متروک شده وهمانطوریکه سابقا هم اشعار شد سنگرها ومقر اقامت طرفین قشون آلمان وفرانسه درغالب از خطوط بیشتر از ۵۰ متر مسافت ندارد

در این جنگ غیر متحرك یعنی جنگی که طرفین در نقاط معینه خندقهای خود نشسته وغیر از گلوله اندازی کار دیگری ندارند افراد عساکر بالطبع مجبور شوند که بطوری لذت بحالت خود ترتیب داده وغالبا مشغول پاره تفریحات میشوند زیرا که انسان همیشه نمیتواند تیراندازی را پیشه خود سازد

قشون آلمان برای آنکه درخندقهای خودشان راحت مانده وحمله غافلانه خصم را ملتفت باشند یك نوع اختراع ساده کرده اند بدین طریق که جعبه های حلبی مربات وغیره را که خورده اند وخالی شده است هرچند قدم فاصله دور وجعبه های خالی را بسیمهای مقابل خندقها بسته اند واز یورش ناگهانی طرف راحت شده شب وروز میتوانند مشغول تفریح باشند چونکه اگر کسی بخواهد بطرف آنها رود بسیم بر خورده وجعبه های حلبی خالی بهمدیگر میخورد وصدا میکند وآلمانها فوری ملتفت میشوند که بطرف آنها می آیند.

این تعبیه سربازان آلمان باعث شده که پاره اوقات فرانسه ها با آنها شوخی نمایند

در یك شب تاریکی چند نفر از سربازان مشهور فرانسوی یك سیم محکم با خود برداشته وبشکم وچهار دست وپا بطرف خندقهای آلمانی رفته آهسته یکسر آن را بسیم بسته وبخندق خویش مراجعت کرده ونخ را تکان داده جعبه های خالی حلبی بهمخورده صدا میکنند وآلمانها بخیال آنکه بآنها حمله کرده اند بنای آتش بازی وتیر اندازی بطرف دشمن خیالی گذارده وفرانسه ها ازاین شوخی خود تفریح مینمایند

یك نوع شوخی وتفریح دیگر آنست که یك آدم مقوائی درست کرده لباس نظامی باو پوشانیده وبچوبی وصل کرده از خندق بالا میکنند وطرف مقابل بگمان آنکه آدم است تیر بطرف او انداخته واز هر طرف که تیر می آید آدم مقوائی را این طرف وآن طرف برده ومدتها تیراندازی برای همین صورت بیجان میشود

خصوصا سربازان جوان خیلی ازاین شوخیها دارند مثلا وقتی که چغندر برای خوراك آنها میرسد چغندر های درشت رابه منبت کاران وکسانیکه مجسمه سازی میدانند داده وآنها کاربکار درست کرده وصورت امپراطور را روی چغندر باتوك کارد مرسم نموده وبعد آن به طرف خندق دشمن میاندازند

بعضی اوقات وسط چغندر را خالی کرده واعلانیه های راجعه بفتوحات خودرا در آن نهاده باسباب مخصوصی بسوی خندق وخطوط خصم پرتاب مینمایند

همینکه اخیرا بخطوط مقدم قشون فرانسه خبر رسید که روس درلهستان فتح کرده است بهمین وسایل وبوسیله شیپور نقل صدا بخندقهای قشون آلمان این فتح را اطلاع دادند لیکن از طرف آنها هم همینطور جواب رسید که ادعای شما واهی وفتح روس کذب محض است وشمارا گول میزنند ومتعاقب چندین فقره سؤال وجواب شروع بشلیك ازطرفین شد.

درهر صورت این شوخیها میشود لیکن مانع آن نیست که طرفین درموقع فرمان برای اعدام یکدیگر باکمال شدت حمله نمایند

آخرترین خبرها

لندن ۱۱ مارچ — نقل از اخبارهای انگلیزی

نیویارك — یك جهاز حربی پرنس ایتل نام هشت جهازرا غرق نموده است که از آنجمله سه جهاز انگریزی وسه فرانسوی ویك جهاز روس ویك جهاز امریکوی بوده است

زخمی شدن جرنیل های افواج فرانسوی

لندن ۱۳ مارچ —

جرنیل مین آوری آرمی کاندو جرنیل ولموت در وقت معاینه خندق اول که از جرمن ها پس گرفته بوده به گوله های تفنگ زخمی شدند —

غرق شدن یك کروازور امدادی انگلیز

بایانو نام کروازور انگلیز بواسطه ضرب تارپیدوی جرمن غرق شد

در چاپخانهٔ حروفی دارالسلطنهٔ کابل طبع گردید

همه مقالههائیکه دستخط ندارد ازطرف مدیر وسرمحرر تحریر یافته

محمود طرزی

شرایط خریداری

دار السلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیهٔ کابلی	ششماهه	هشت روپیهٔ کابلی

در خارج افغانستان

هرجائیکه باشد با اجرت پوست

قیمت سالیانه | ده روپیهٔ انگلیزی قیمت ششماهه | شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراک قبول نمیشود

یک طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کابلدار است . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

برهمهٔ کارداران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود:

اگر از یک جا بدیگر جا روند ویا بندمیباید که یک رقعه مدیر وسرمحرر را خبر بدهند که من درفلان جا بودم وحال درفلان جا میروم اخبار مرا درانجا بفرستید . هرگاه همچنین یک رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، ویا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود برسرهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر ازپنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود ، طول سطریک ستون اخبارها (۳ — اینچ — ۴ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تایک سال نشر کردن خواهند ووجه یک ساله را پیشکی ادا نمایددر ورق پشتی برسر سطری سنار اجرت گرفته میشود

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا
یادآوری میکنیم

هرقدرسعی و کوشش کردیم که از شکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خودرها ئی یابیم ممکن نشد لهذا بادا کخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یک مذاکره نموده داکخانه مشار الیه تقسیم وتوزیع اخبار مارا که بهمه مشترکین کرام ما رساند درعهدهٔ حیث خود قبول نمود. مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را خبر ویاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای داکخانه بخود شان میرسد.

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد
کتاب سال دوم . . . مصور مجلد
کتاب سال سوم . . . مصور مجلد
علم و اسلامیت
آیا چه باید کرد ؟
ادب درفن
توحید

این کتابهای فوقدراداره موجوداست. هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشند باداره مراجعت کنند.

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

سیاحت بدورادور زمین بهشتاد روز مجلد
سیاحت درجو هوا مجلد
سیاحت درزیر بحر مصور مجلد
ازهردهن سخنی وازهرچمن سمنی مجلد
روضهٔ حکم مجلد

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوقرا داشته باشند ازخود مطبعهٔ عنایت دروده افغانان از نزد عبدالرئوف خان سرمرتب واز دکان باز محمد کتابفروش دربازار ارگ بقیمتهای معینی که درپشت هرکتاب نوشته است خریداری کرده میتوانند.

واگر ازخارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوقرا بکنند باداره سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند.

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

شمارهٔ ۱۵

سال چهارم

فهرست مندرجات

از ترقی پرورهای ذات اعلیحضرت همایون (کارخانهٔ چرمگری).

حوادث داخلیه	(مرثیه جدید — قتل — فریاد از دست اجاره دار —
ادبیات	(حسب حال —
مقالهٔ مخصوصه	(عبرت واسلام —
حوادث خارجیه	احوال — ترجمهٔ اخبارات اردو — وسائل وذرایع جرمنی — کوتوال نامه ی — کشتی های تحت البحر جرمن — میلان بلغاریا — یك غنیمتی که جرمنها از فرانس بدست آورده اند — جرمن ورومانیا — تهدید بحریهٔ المان — یك استیمر غرق کرده شد — کارلزروهه جهاز را غرق کرد — غرقابی جهاز ساحل — تندی جهازرانی دربحرهای انگلستان — غرقابی ستیمر زیجن — غرق شدن جهاز مسلح تجارتی — دو جهاز برطانوی درمصیبت — غرقابی دو جهاز دیگر در بحر انگلستان — ستیمر برطانوی رانده شد — غرق شدن دو جهاز دیگر — یك جهاز امریکا غرق کرده شد — دولت امریکا چه رانند کرد — جهاز تجارتی دولت امریکا غرق کرده شد — غرق شدن استیمر ناروی — غرقابی یکجهاز فرانسوی — یك جهاز زخمی دولت سویدن — غرقابی جهاز پرنسز وکتوریا — غرقابی یك جهاز دیگر — غرق شدن جهاز تنکشتی — غرقابی یك جهاز فرانسوی — طیارهٔ زپلن و کیلی — طیارهٔ جرمنی بر وارسا — پیشقدمی جرمن در فیلندرز — غرقابی جهاز جنگی انگلیز — غرقابی یازده جهاز تجارتی — دوازده جهاز مفقود الخبر — جهاز جنگی انگلیزی غرق شد — چهل وهفت جهاز ماهی گیر مفقود الخبر — جهاز کیل انگلیزی غرق کرده شد — یك جهاز فرانسوی غرق شد — چهار جهاز دیگر غرق کرده شد — جهاز فورازن غرق کرده شد — غرقابی جهازهای زندیل — تهیهٔ حمله بر لندن — آخرترین خبرها ترجمهٔ اخبارات انگریزی واردو — در دانیال — خرابیها در پولیند — نقصانات بحری — قلعهٔ برزیل — خبرهای هندوستان
تصاویر	از منظرهای هندوستان — یك حصه قلعهٔ آگره از طرف نهر جمنه از بناهای پادشاهان اسلام — از منظرهای هندوستان — (دلی دروازه) در قلعهٔ آگره از بناهای پادشاهان اسلام از منظرهای هندوستان — محل خاص وانگوری باغ در قلعهٔ آگره از بناهای پادشاهان اسلام — از منظرهای هندوستان — مقام اعتماد الدوله در آگره از بناهای پادشاهان اسلام —

اعلان

از منابع پرورشهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جرنیل کارخانه جات ، ماشین خانهٔ مبارکه دارالسلطنه کابل علاوه رانکهای حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه واوبستو رمه های عسا کرشاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخلی که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که ازحضور اعلیحضرت همایون حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ، ذیل (دکان عبدالله خان دروازار ارک) میباشد .

(۱) سرجهای پشمینه بافی ورنگهای مختلف که قیمت آن ازقرار گز انگلیزی ۴ قو ۲ مشخص شده ، درصندوقخانهٔ جنسی هم بفروش میرسند

اقسام	قسم اول					قسم دوم					
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم وقدری کلفت قیمت آن ۱۵ پیسه زیاده شده	
رقم	تاحال ساخته نشده	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت		۷ روپیه ٥ پیسه	٦ روپیه ۱۱ پیسه	٦ روپیه ٤۲ پیسه	٥ روپیه ٤۸ پیسه	٦ روپیه -	٥ روپیه ۱۸ پیسه	٦روپیه	٥ روپیه ۱۰ پیسه	٦روپیه ۱٥ پیسه	٥روپیه ۲٥ پیسه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گز انکریزی | کشمیره چهارخانه ۷ روپیه ۳٥ پیسه | کشمیره رهدار هررقم ۷روپیه بیست پیسه

(۲) جراب ها — (۳) تکمه‌های جرمی محراب ومنبردار

رقم	تکبانکه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج	کلان قدرجن	میانه قدرجن	خورد قدرجن
قیمت	۱ روپیه ٥۲ پیسه	٤٥ پیسه	۳٦ پیسه	۱ روپیه ٤٠پیسه	۱ روپیه ۱٠پیسه	٥٥ پیسه

(٤) کروره های جدیدساخت

رقم	زه‌باف یکاسپه دوگره دو ناره	زه باف یک اسپه دو گره سه ناره	جرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ چار نارهٔ نخی
قیمت	۸ روپیه و۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲٤ پیسه	۸ روپیه و ٤۲ پیسه	٦ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	جرم باف دسته‌های دولابه	جرم باف دسته دولابه یک اسپه	دسته دولابهٔ یکی جار اسپه	جرم باف همرکاب
قیمت	٤ روپیه و٤۸ پیسه	٤ روپیه و٤٦ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	٤ روپیه و ٤۳ پیسه
رقم	قبضه ریختی کلیت نقره وتوبخانه	قبضه کلیت نقره ازجرم سه لایه توبخانه	زه باف رقم سواری سابی کلیت	زه باف دو نارهٔ رکابی
قیمت	۳ روپیه و٥٥ پیسه	٤ روپیه و٥۷ پیسه	٥ روپیه و ۹ پیسه	٥ روپیه و ٥٤ پیسه
رقم	رکابی ازغ	جرم باف میانه چوب پت زنانه	ارزین سواری تیغ جرمی	زنانه ابریشمیٔ خیاطه
قیمت	٤ روپیه و٤٥ پیسه	٥ روپیه و۸ پیسه	٤ روپیه و ٥۸ پیسه	٥ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته‌های تیغ چرمی	دستهٔ دولابه سابی ریختی کلیت نقره	ارزین سواری دولابه تیغ چرمی کجک دار	جرم باف مابین پت یک اسپه
قیمت	٤ روپیه و٤۹ پیسه	٤ روپیه و٤٥ پیسه	٤ روپیه و ٥۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

(٥) اقسام گلهای مصنوعیٔ سر

قسم	گل نجرین	گل نافرمان	گل زینه	گل شبو
قیمت	٥ رپیه و ۳٦ پیسه	٦ روپیه و ٦ پیسه	٦ روپیه و ۷ پیسه	٦ روپیه و ۳ پیسه
قسم	شکوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل لسترن	جنبیل
قیمت	۷ رپیه و ٤٥ پیسه	٦ روپیه و ٥۸ پیسه	٥ روپیه ۳۸ پیسه	٦ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل کندمی
قیمت	٦ روپیه و ۳٥ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	٦ روپیه و ٥٤ پیسه	٦ روپیه و ٥٤ پیسه

« المشتهر »

(میرمحمد هاشم دفتری کارخانه جات)

(کندان نظامی)

صحیفه (۱) سال چهارم نمرهٔ (۱۵)

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
بالمراجعات داک ۱۲ روپیه کابلی
در خارج مملکت
بالمراجعات داک ۱۰ روپیه انگلیزی
بهر پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن دو کابلی یکعباسی است
(اوراق که درج نشود اعاده نمیشود)

سراج الأخبار افغانیه
۱۳۲۹

مدیر و سرمحرر
محمود طرزی

ادارهٔ تحریریه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه به ادارهٔ خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ ۱۵ جمادی الاول ۱۳۳۳ تاریخ انگریزی ۳۱ مارچ تاریخ شمسی ۱۰ حمل ۱۲۹۴

«از ترقی پروریهای ذات اعلیحضرت همایونی»

«کارخانهٔ چرمگری»

چرم، یک چیزیست که بسبب متداولیت آن هیچکس در فکر کنج و کاو اهمیت و درجهٔ لازمیت آن نیفتاده است. حال آنکه این جنس پر اهمیت بسیار با منفعت. یک جزء خیلی مهم احتیاجات عالم انسانیت و مدنیت را تشکیل میدهد.

در اول امر چون یکبار بالای برهنه پای را در پیش نظر آریم و اندیشه کنیم که بغیر از چرم فواید چرم دیگر هیچ چیزی نیست که مارا ازین دردسر رهائی بدهد درجهٔ اهمیت وقدر وقیمت این جنس محتاج بهارا تقدیر وتسلیم خواهیم کرد. بلی، دیگر هیچ چیزی نیست که قایم مقام چرم دریناب تواند شد. حال آنکه هزارها لوازمات دیگر است که بوجود چرم موقوف است.

اگر گفته شود که چرم در وقت جنگ بدرجهٔ طوب وتفنگ ضرور و لابد شمرده میشود. مبالغه نباید انگاشت. هرگاه یک اردوی تصور شود که بهزارها توپهای بسیار اعلا و مکمل را مالک باشد، وبلکهها عساکر جرار، وبهزارها رسالهٔ خونخوار هم داشته باشند، هرگاه قحط الچرم بوقوع آید، جوتها والجامههای اسپانی که توپ را بکشند نایاب مانده همه طوپها برزمین میماند، کذالک کمربند کارطوسدان بوط عساکر مفقود گشته از اسلحه ناکامیابی حاصل میشود، اززین و لجام وموزه رساله را حرمان پیدا شده رساله عبارت از یک جسم بلا اسمی میگردد!

ثانیاً امورات عسکریه. البته بااحتیاج بسیاری از امورات صنایعیه وزراعیه بوجود چرم موقوف است لذا این را هم بگوئیم که هرچرم، چرم گفته نمیشود. در وطن عزیز مقدس ما قبل از جلوس میامن مأنوس پادشاه ترقیخواه محبوب القلوب ما ذات اعلیحضرت، سراج الملة والدین، ادام الله دولته الی مدالدهور والسنین چنانچه از دیگر آثار ترقیات مدنیهٔ حاضره بوجه اتم واکمل چیزی پدیدار نبود چرمهای ملک ما نیز به اصول ترقی فنی وعلمی این عصر حاضر ساخته نمیشد، وچرمهای اعلای رنگارنگی که عالم مدنیت ازان استفادها میکنند وجود نداشت، یکنوع چرم سرخی بود که تنها برای پیزار، تمام پاپوشهای وطنی استعمال میشد. حالانکه آنهم ازخود یک فابریک وکارخانهٔ مخصوصی نداشت. و هرکس درهرجا که دلش میخواست پوست حیوانات را بیک اصول وقاعدهٔ مخصوصهٔ که داشتند بیک ترتیب نادرستی آش داده وتربیه کرده چرم میساختند، و آن چنان چرم البته که بدفع احتیاجات کافی نیامد. وبغیر از پیزار وبعضی چیزهای چقدار بدیگر درد نمیخورد.

ذات اعلیحضرت پادشاه ترقیخواه دل آگاه ما اعلیحضرت سراج الملة والدین که حضرت حق لایزال جل جلاله وجود مراحم آمود همایونی شانرا موجب فوز وفلاح وسبب ترقی واصلاح این ملک وملت خلق فرموده، چنانچه بسیاری ازابواب ترقی وتعالی را بروی مملکت بازفرموده اند. ودرباب ترقیات مادی ومعنوی مملکت شاهانهٔ شان همت بینهایت شاهانه را صرف فرموده اند. واز یوم مسعود پادشاهی شان بسی کارخانهها ودستگاه ها برای اعمالات گوناگون صنایع وحرف بروی کار آمده است که ازانجمله یکی، کارخانهٔ چرمگری، میباشد.

درین شمارهٔ خود خواستیم که بعضی معلومات لازمه در خصوص این کارخانهٔ پرفواید درج صحایف افتخار نمائیم. لهذا عبدالرحمن خان محرر ادارهٔ عاجزانهٔ خودرا مخصوصاً بکارخانهٔ مذکور ارسال داشته از سررشته دار آن جناب عطا محمد خان ومهندس وکاریگر بسیار ماهر آن جناب عزتمند قادربخش خان هرانچه معلومات دیدنی

که بدست آورده ام عرض انظار قارئین کرام خود میدانیم محرر ما ازقرار ذیل مینویسد :

«مشهودات عاجزانه»

روز شنبه ۱۸ ماه جلالی بنابر مأموریت خود به کارخانهٔ چرمگری رفته بعد ازانکه یك تعارف ومکالمهٔ مختصری باجناب کلان اکتساب قادر بخش خان مدیر کارخانهٔ مذکور بعمل آمد بمعیت شان ازهمه اول بجائیکه ابتداءً پوست های خام حیوانات درانوار بوزکرده میشد رسیدیم این احاطهٔ که برای این کار مخصوص است عبارت از یکچند حوض مستطیل است که تابه یکحد معلوم ازآب املاشده اند . وچون این پوستها درین حوضها رطوبت وتری را کسب وجلب میکنند از انجا به یك کارخانهٔ نقل داده میشود که از دیگهای حوضه مانند پرآب گرم متعددی متشکل است . این پوستها درمیان این دیگهای پرآب وچونه انداخته شده وباچوب های دراز درازی بدست انسانها حرکت داده میشود . ودرنجا موهای طبیعی که برپوست می باشد ازتاثیر چونه سراسر محو وسترده شده حکم چرم خام امیگیرد . وبازازین دیگها اخراج گردیده بدیگهای متعددهٔ دیگر که مخصوص پختن چرم مهیا شد انداخته میشود که بالتدریج درآنها پخته شده اتخاذ رنگ میکنند وبعدازین دیگها کشیده شده درپیش روی آفتاب تابه یك میعاد معینی برای دفع رطوبت کثیری که دارند گسترده میشوند وچون خشك شدند درحالیکه یك نم کی اندك را مالك میباشند به ماشینی که برای هموار کردن چرم مخصوص است آورده میشود واین ماشین بیکحرکت بسیار سریع وسنگین خود تمام آن چلکی‌های را که ازاثر حرارت آفتاب بچرم اصابت نموده است، دورساخته ازیك گوشه تابه گوشهٔ دیگر روی چرم رایکسان مسطح وهموار میسازد وهمان نمناکی جزئی آنهم بدزیر فشار این ماشین خشك میشود . و پس ازانکه چرم هموار شده ازین ماشین رهائی میابد برای دور ساختن و حك نمودن بعضی خراشیده گی های طبیعی که درپشت و روی خود داشته میباشد بماشینهای صفائی معروض میشود که این ماشینها به کمال تیزی وظیفهٔ خودرا اداء میکنند و مانند نجارها که بذریعهٔ رنده ، چوب را صاف میکنند همچنان این ماشینها نیز بصفت رنده چرم را از خراشیده گی ها وبعضی درشتی هایش پاك ساخته ملایم میگرداند . چرم ازین ماشینها چون فارغ میشود بیك ماشین دیگری که برای درخشان ساختن و تجلی دادن آن مخصوص است نقل میابد . وقسم کار آمد این ماشین که بشکل رول مالیدن سیاهی چاپ خیلی مشابهت میرساند به بسیار شدت بسطح چرم تماس نموده آنرا دلك میکند ویك جلاء درخشانی فوق العادة بهٔ آن می بخشد . ازانجا پیشتر رفته بیك ماشین بزرگی رسیدیم که چرم را روغن میداد . ودرهمین موقع این کارخانهٔ که برماشینهای گوناگون ومختلف ، همواری ، وصفائی ، ودرخشانی ، وروغن دادن چرم مشتمل بود انجام یافته بدستگاه پاپوش دوزی که دالان ماشین دوار بزرگ ، آنرا با کارخانهٔ سابق ربط میدهد داخل شدیم .

این کارخانه ، دوختن بوت ، وموزه ، وبوت موزه ، وسلیپر وغیره را تعهد کرده است . بعد ازانکه آواز های مختلف ماشینهای آن گوش‌های مارا به شنیدن خود مشغول ساخت از همه اول بماشین برش بوت که بیك پهلوی خود برد بواری انواع واقسام مختلف قالبهای برش ، پنجه ، واطراف ، وبسه کی وتلی ، و کری را بالای میخهای خلیده کی آویزان داشت ، تصادف کردیم چنانچه هریك ازین قالبهای آهنینی که برسطح چرم نهاده میشد بیکدوفشاری که بهم ماشین بران اجرا میشود مثل قالب بوتهٔ چرمی جدا میساخت . ازنجا گذشته بماشینهای دوخت رسیدیم که مشابهت کلی بماشینهای عادی کلاه دوزی خیاطها میرسانید درمقابل هر کدام این ماشینها کاریگرها نشسته پنجه ، واطراف وبسه کی بوت را بایکدیگر ربط داده میدوختند . وچون روی بوت کامل میشد آنرا بنفری دیگری میدادند که آنها قالب های چوبین پای را دران درآورده و اطراف زیرین روی بوت را بزیر قالب بهم پیش آورده کوك میکردند وبازقالبها را ازطرف دهان بوت کشیده ، روی بوت که بصورت یك مسی تحویل می یافت ، برای ارتباط تسل به ماشینی برده میشد که درانجا بالای پایه کی نیاز که بمقدار برش از زیر فشار ماشین دیگری نیز رامده واستوای سطح خودرا گم کرده وضعیت طبیعی کف پارا گرفته میبود بذریعهٔ یکسیم باریکی که درقسم ء رماشین دریك محفظهٔ موضوع بود خام کوك شده ومتصلاً ازین ماشین بماشین دیگری نقل یافته درانجا باپیچ برنجی کانتی میخ زده میشد که بنا بران روی بوت بیك اتصال وارتباط کلی نائل پیدا میکرد . وسپس بماشین دیگری که کری را باقسم متینی تلی انضباط میداد رسیدیم . این ماشین بیکصورت بسیار عجیبی از طرف دهان بوت درآمده وبیکحرکت دفعتاً کوی که هارا بطرف کری بوت بکمال قوت و شدت کوفته کری وتلی را باهم یك ارتباط وانضباط مکمل میداد . وچون از مشاهدهٔ عملیات این ماشین فارغ شدیم بوت را تماماً بصورت ووضعیت اصلیش دیدیم که بعدازان بغرض صفائی اطراف تلی و کری خود بماشینی معروض شد که بکمال سرعت بعضی زوائد کجا و ناهمواری های جوانب تلی و کری آنرا حك واصلاح نموده بماشین آخرین دیگری که وظیفهٔ روغن دادن ولشم ساختن اطراف تلی و کری را اجرا مینمود رفته وازانهم استفاده نموده حکم حقیقیٔ یك بوت مضبوط ومکمل را گرفت . وبهمینکه این کار خانه درهمین جا منتهی شد نظریات مارا نیز طبعاً باخود انجام داد . حالا میخواهیم تتمهٔ ازاحوال کارخانه مذکور را علی‌الاجمال درذیل بنویسیم :

کارخانهٔ پرمنفعت چرمگری وفابریك فوایدشریك بوتدوزی که یکی ازآثار ترقی‌دثار عصر تمدنحصر اعلیحضرت همایونی است

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1111 of 1786

بهشت سال قبل‌ازین در تحت نظارت فنی « تارنتن » نام یك نفر انکلیزی بنیاد وتأسیس یافته‌بود . و درآنوقت کار خانهٔ مذکور خیلی کوچك ومحدود یك چیزی بود . وبدون بوتهای کفتی که مخصوص عسکرها میباشد دیگر اقسام پاپوش وغیره را مهیا کرده نمیتوانست . و سپس چون « تارنتن » مذکور از طرف دولت بنابرخواهش خودش برای خریداری بعضی‌ماشینها و آلات مایلزم چرمکری وبوت‌دوزی فرستاده‌شد بوعدهٔ خود وفانکرده‌دوباره نیامد وازهمانجا استعفانمود . ودرعوضش جناب کمالات‌اکتساب حرفت آگاه‌صنعت دستگاه قادربخش خان که‌فن‌مذکوررادرممالك متمدنهٔ مترقیهٔ عالم‌مانندژاپان‌وامریکا ، وفرانس ، وجرمن ، بافنون معتنابهای دیگری مانند علم المعادن ، و کیمیا ، وغیره تحصیل وتکمیل کرده است ازپنجسال بهاینطرف برای‌مهندسی ومدیری کارخانهٔ چرمکری وفابریك بوت‌دوزی خواسته شده اند که از آنوقت تا کنون ترقیاتی که کارخانه‌را دست‌داده‌است براخلاص مندی و صداقت شعاری فرزند قادر بخش خان وحسن خدمات لایقهٔ جناب عطا محمد خان سر کردهٔ کار خانهٔ مذکور یك دلیل وبرهان روشنیست .

درین کارخانه هرقسم بوت ، وموزه ، وبوت موزه ، وسلیپر وزین ، وقیزه ، وغیره ، اسباب چرمین علاوه برصنف عسکری برای هر کس از افراد رعایای صادقهٔ شاهانه باجرت و فرمایش ساخته میشوند وغیر ازان بعددکان مستقل دربازار ارك که‌برای فروش مصنوعات داخل معین است درآنهم بوتها وغیره پاپوشهای وطنی اعلائی که‌دراستحکام ، ولطافت ، وصفائی ازبوتهای اجنبی انکریزی هیچ باپس نمیگذارند بقیمتهای بسیار ارزانی بفروش می رسند .

لهذا برهرشخص ملتخواه وطن‌دوست وجداناً فرض‌میشود که مصنوعات وطنی را بکمال ممنونیت در استعمال آورده ازان استفاده کنند وپوشیدن اسباب ممالك خارجه اجنبیه‌را ترك‌داده باجناس ممالك خود قناعت ورزیده دعای خالق ازدیای دوام عمر واقبال ذات مراحم‌صفات پادشاه ترقیخواه خودرا برزبان‌رانند .

حوادث داخلیه

میلهٔ جبه

درینبار میلهٔ جبه بلحاظ سیر وتماشا برتمام میله های سابقه تفوق داشت علاوه براسپ دوانی وپهلوانی ودارپازی یك تماشای فرحت بخشای دیگری که عبارت ازنمایش جمناستیك عسکری باشد نیز دران اضافه شده‌بود . بساعت ۱۰ ذات‌شوکتسمات اعلیحضرت همایونی بسواری‌موتر بمیدان میله کادداخل شده درخیمهٔ خصوصی شاهانه تشریف فرمای عزت واجلال کردیدند . وبعدازیك کمی وقفه که دردیدن پروغرام اوقات اصناف تماشا بعمل آمد ازهمه اولبه‌جمناستیك‌ابتدا ورزیده‌شد . وازدوصنف عسکری هایکه‌برای جمناستیك انتخاب کرده شده‌بودند اولتر صنف نفری کلان سال بملاحظهٔ که برای تماشا تخصیص داشت باموزیك‌ورزشهای مخصوصهٔ جمناستیك وموزیکه بترتیب وقواعد عسکری داخل شد . وپس ازانکه سلامی ذات شاهانه‌را موزیکه اتمام‌کرد نفری مذکور بنابر اشارات معلومهٔ که به ، اشپلاق ، فهمیاده میشدند بکار سیم آغاز کردند واقسام دورها ، ومعلق های دشوار وعجیبی داوران اجراکردند . وازپشت اسپ وشتر ایستاده هم خیز زدند که حقیقتاً شایان تحسین یك منظرهٔ بود . بعدازانکه این صنف کارهای خودرا به انجام رسانید . صنف خورد سال عسکرجمناستیکی بمیدان برآمد . این صنف خورد سال عبارت ازبچه هائی میباشد که بغرض تکمیل عدد اردلی حضور از اقوام جدیدی در عسکر بری کرده‌شده‌است . وبه سبب خفت جسم های خودشان درجمناستیك شهرت‌ومهارت فوق‌العاده‌را کسب وتحصیل کرده‌اند این بچه‌ها علاوه‌برصنف‌نخستین تماشائی که‌نشان‌دادندهماناست‌های خوشنمائی بود که برچوب های‌متوازی تشکیل‌دادند . ودرآخر ازهمه نفری صنف مذکور که به صدنفربالغ میشد‌بالای متوازیها ونردبان‌متوازی یك تماشای تعجب افزای دیده شد که علاوه بر بستهای سابق به دو طرف دو برج مخروطی بجواب همدیگر ترتیب دادند که ارتفاع آن قریب به ۶٫۵ گز قیاس وتخمین کرده میشد . بساعت ۱۲ توپ‌ظهر وانجام تماشای جمناستیك وتهیه وضو ونماز جمعه رابرده کان اعلان نمود . بعد از فراغ صلوة دوباره مردم‌برای اخذ مقام شائقه محوطه تماشاگاه پهلوانی را احاطه کردند . وپهلوانها به نشان دادن . فن‌خودها جوره‌شده باهمدیگر بزور آزمائی مشغول شدند . وچون‌پهلوانی تمام‌شد ، مسابقهٔ اسپ دوانی آغاز شد . درین دفعه اسپ دوانها را دریشی‌های بسیار چست باکلاه های جنسی از طرف سرکار مرحمت شده بود که باالوان مختلفه خود شان صاحب اسپ را از دریشی های دور بمردم تعارف میکرد . درانثنای اسپ‌دوانی دارپازها نیزضمناً کارخودرا انجام دادند . وقریب بساعت ۳ بود که مردم ازتماشا فراغت‌یافته بعودت آغاز نهادند

(قتل)

از قندهار مینویسند :

ازشهر قندهار با بعد ۱۰ میل یکجائی است که آنرا بیروان میکویند دربنجا اقبال خان نام که خانیست بزرك ازقوم نورزائی قتل شده است .

مردم قندهار وصحرائی کویند که اورا دزدها بپسر های ازکه بالو خفته بودند بوقت شفق قتل کرده است ولی پسر های او میکویند که مادرخانه نشسته بودیم یکبار صدای تفنك شد مابیرونجسته رفتیم اورادر سرای دیدیم که کوله خورده افتیم

که بودیلا؟ گفت ، درباوتی ، بودیمی مقیم درباوت بود، هنوز فیصله نشده .

خان مذکور خانی بود بزرگ مرده تعریف سخاوت وشجاعت اورامی کنند اللهم اغفرله

[افسوس این تختطه‌هاوکله ها که رسیهٔ خود آنراخالی می‌کنیم!]

(فریاد ازدست اجاره دار)

چندی‌قبل ازاین اکثر تجار قندهار ازدست بسیار گیری اجاره دارشاکی‌شده به‌نایب‌الحکومهٔ صاحب‌قندهار یکعریضه‌محتوی‌برشکایه اجاره‌دار مسمی به‌عبدالرحمن خان کرده بودندو نایب‌الحکومه‌ایشانرا تسلی‌داده باجاره‌دار سرسری گفته‌بود که ایشان عریضه‌ کرده اند ولی اجاره دار چندان اهمیت نداد پشت گوش انداخته بود باز تجار یکجا شده پیش نایب الحکومهٔ قندهار آمده وبازدهی عریضهٔ خود کرده گفته اند که اگر بازخواست ما می شود خوب ورنه به اعلیحضرت‌عریضه نگار میشویم، بعد ازآن نایب الحکومه باز اجاره‌دارا خواسته و گفته ایشانرا راضی بساز . بعد ازآن اجاره دار همه سوداگرها را که در عریضه، دست خط داشته خواسته به تنک وشیرچای برای شانکرده باایشان سوال‌وجواب کرده که من با شما چه کرده ام یکباریکی برخاسته یك رقم گفته ودیگری دیگر بعضی ازانهارا می نویسم

یکی گفته صاحب ! بریشم فی بار سه قران میگیرید که یك لك بار می شود ویکنیم لك روپیه از چه بابت !

دیگری گفته مال که می آریم نرخ فروش آنرا آنقدر می گذارید که باقیمت کسی نمی خرد واگر بگوئیم با شما میگوئید بهمین قیمت از من باشد ما نمیدانیم که شما سوداگر هستید یااجاره دار

دیگری گفت ازدروازه یك من قندهار (که از سیرکابل کمتر است) کشمش میکشیدم وبخانه می بردم آدم شما یك کابلی گرفت آیا شما همینقدر حق دارید دیگری گفت مانمیدانم که شما کوتوال هستید نایب‌الحکومه هستید یااجاره‌دار گمرک وبندی کردن هم دراختیار شما است .

این شمهٔ ایست که بجاه من ماند هنوز بسیار ها گفتند

بعدازان اجاره‌دار گفته بسیار خوب است هرچه شما بگوئید من قبول میکنم وایشانرا راضی ساخته‌است

درینجا روزی نیست که چه‌پنج‌نفر ازافواج‌مسلمان انگلیز وارد قندهار نشود دوسه‌روز قبل ١٤ نفر رایکجا نایب‌الحکومه به کابل فرستاده است .

در قندهار چلسپاه قحط شداست مردم به روپیه ها وقران خرید وفروخت می کنند .

درمدتی که من امدمام سه‌بار قافله تفنك های کونا کون مانند ناوهٔ بندیل مچکی دهان‌پر ، دنباله‌پر ، بغلپر می آید اکثر بطرز ناوهٔ انکریزی ناوهٔ تیرانی می آید ٨،٧،٦٩ تومان‌بخته فروخته میشود مردم‌صحرا وشهر خریداری تفنك می کنند ع.م

ادبیات

حسب حال

رفت امنیت زعالم وقت خون ریزی رسید
ساعت هول است هول ساعت آسایش رمید
رفت ارام شینه عصر خون ریزیست خیز
درسحر که ازشفق این نکته در گوشم رسید
خامهٔ بانیك دولتها چنان گردید کند
کز برای نزیش تیغ جهانی سر کشید
گشت جنون چاه آمایش شانرا لب بلب
لاجرم در دور آخر غنی و مسی شد پدید
هریکیرا فکر برتر بودنش دامنگرفت
هریکیرا دعوی بالائی بر گردون رسید
روس گفتا عسکرم بسیار وخوف از غم چیست
غم گفتا ضرب ضرب دست و تیغ کو چشید
گفت جرمن نیست جرمن مرد میدان وغا
خیرمن امید روس از برق فهیرم ناپدید
انگلیز ازقوه بحری فرانس از فرخویش
فتح فیروزی نصیب خویش می‌کردی امید
لیك پیر چرخ رنکی دیکری درهم ریخت
کانهمه بونکاری بیدونی وزیرانیکو نه شنید
آن خیالات سیاسی ازسر ابد ورد کرایی
همچو مرغ رنك او زنوا قمه وقتی پرید
ادعای امن عام و محفل لیك یورپ
حمله شد بزاد عصر قتل و قتالی رسید
گشت خاك خوشبوای اوروپا آتش فشان
خوف غرق ناس ازلاو (١) هایش شدید
بسکه شد دود تفنك و توپ یوروپ بلند
ابر ظلمت پرده برخور شید امنیت کشید
• جاه کن را چاه در پیش است ، گوش هوش کوا
خانه ویران گشت یوروپ زاختراعات جدید
پیش ازین درخاك و آب ازبود جنك عالمی
رفت ا کنون تاهوا این شعله آتش رسید
بحر احمر گشت دریا بسکه خون خلق ریخت
ای بسا انسان که جوع‌اش بقعر آن رسید
گفته باب السیف اندر وقت رفتن در مصاف
هر سپاهی را درخشٔ زکرمان سدید

§

کر بسوی حرب باچشم بصیرت بنکری
زان میان کاری برای خویش می آری پدید

نیست حرب این هست یك آئینه بهر اعتبار
هرکه راچشم سراست احوال خود در وی بدید
روشن است ازطرز رفتارش که سوز عالمی
از زبان شعله گوید هردمی هل من مزید
اول اندر آستریا سرو پا بنهاد پای
شعله‌اش زان بعد اندر دولت روس اوفتید
بعد ازان اندردماغ «ویلهلم» انداخت هوش
باز برملك فرانسه از غضب عسکر کشید

دولت انگلیز را دامن ازان پس بند شد
دولت عثمانی آخر خویش را ناچار دید
درمیان حمله بلجیك شق بلال شد
ازمیان سنك وآهن چون شراره برجهید
مانی نکرو باوجود کوچکی اعلان نمود
هیچ کس دراینچنین آتش نخواهد آرمید
یکسر اینحرب ژاپون کشورهای مشرقست
و آن سر دیگر بآخر نقطهٔ مغرب رسید

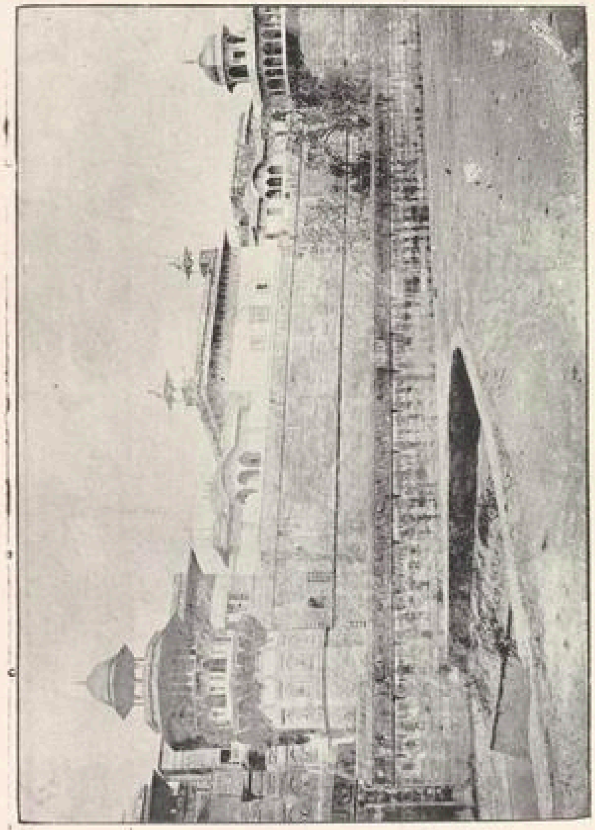

از منظره های هندستان
یك حصهٔ قلعهٔ آگره ازطرف نهرجمنه از بناهای پادشاهان اسلام

این بود رفتار حرب وآن بود تأثیر او
ای مسلمانان اگر دارید کاری پی کنید
یا یکی فوج از سر شك دیده حاضر ساختن
یا ز شور دل دو سه صندوق بارود آورید
یا یکی دیل سریع السیر از دود قلوب
یا کمانی تیر از آه سحر یکجا کنید

« گرنگردی قرین دروقت سحرحاصل بدان »
« میرسد عصر زوال ومیرود صبح امید »
ع ه

(۱) « لاو » مواد گداخته که ازکوه دروقت آتشفشانی بیرون آید باعث خرابی ملکات وشهرهای قریب می شود .

مقالهٔ مخصوصه

(علم و اسلام)

علم در لغت دانش وضد آن جهل است

ودر اصطلاح فلاسفه ومتکلمین چیزیست که وجود او مساوق است ودر هر دو معلق است بر علم معلوم در ذهن

واین لفظ چنانکه مطلق است بتفصیل فوق — نیز اطلاق میشود برانچه مرادف اوست — وآن اسمای علوم مدونه است چون نحو — وفقه وریاضی وطبیعی ووو.... —

تفصیل اینکه آیا چقدر مرادف دارد؟ واطلاقش برچقدر موضوع میشود؟

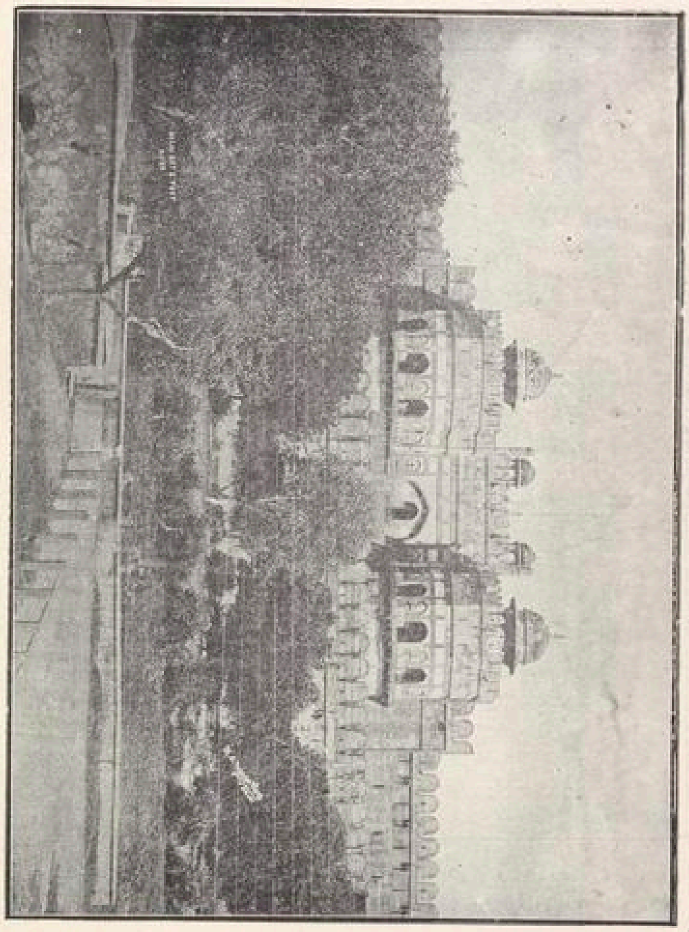

از منظره‌های هندوستان

(محل دربار) در قلعهٔ آگره بنای اعلیحضرت اکبر اعظم

اینست که توضیح اینهمه از حیز تحریر ما بیرون است وازموضوع بحث ما خارج چه — این ذات قدسی صفات برجمیع حسنات وتمامی قدرت شامل است — وبرهمه ادارات طبیعی ووضعی عامل — کوس فرهنگ جهانگیری دآب ورنگ آهنگ ازوست ومعاملات سیاست عالمرا رونق صلح وجنگ ازو — قلم سعادت رقم فیلسوف خرد در بیان اوست ومدار مهام قانون بشریت وحیات ناموس انسانیت بر فرمان او — گاهی خدمت احادیث را دامن بر کمر زده با محدثین متکلم است — و گاهی با متکلمین در منطق — گاهی منطقیان را

غوامض حکمت الهی میاموزد — و دهن زدهٔ ظلمت استبداد الهین را در رواق دماغ از نورشارق رواص اشراقیه میسوزد — زمانی باجغرافیین دریا نورد وادیه پیما است — ووقتی باتیلکراف بی سیم وطیارات مستقیماً برهوا — گاهی بنحو صرف اوقات دارد تاادب را ازعلل بشرف تحت آرد — و گاهی باطب همت میگمارد تامغرب علت برمشرق طبیعت ناصیاد چشم طمع اختلاف وتصرف ندارد خلاصه در ممکنات فرمان روا هم است — وفعال مایشاء بین الارض والسما علم — السارا بشاه راه الهی رهنما علم است وثمرهٔ حاصل دنیا ومافیها علم — علم است که .... مجهول النسب را بمدارج اعلا ومعارج اعتلا برآورده تابامهٔ تخت وخیلا برچندین ملیون نفوس ذکیه حروازاد باطوار ناواجب فرمان روائی میکنند! علم است که ملت ژاپون دولت روس را باآنهمه جبروت و نخوت زبون میسازد وازدهشهٔ ترقیات در اقصی شرق بر همگنان مینازد !

پس چرا این آفتاب تابان که بر خار و گل یکسان میتابد از اهل ما چهره در نقاب بی آزرمی کشیده !! وچگونه این ابر مکرمت ایزدی که بر خس وسنبل یکسان میبارد از ما ملت مصیبت زدهٔ قحط سال نادانی وتاراج کردهٔ ترکان نفاق وبغارت رفتهٔ بدوی شقاق بالمره دامن الفت چیده !!

درین محل هر کس سخنی دارد — وهر صاحب رأی قطف الزهور تقاضی را از جی — خیال آزاد است خیال را کسی نمیتواند که درقید اسارت آرد لاجرم بنده نگارنده نیز که علت العلل این تدنی را در مقابل ترقی وتعالی دیگران بفکر عاجزانهٔ خود در دومادهٔ مشومه احساس نموده اگر جهراً مراید — ورای رسوا نمودن این دو علت منحوسه بمضمون (ولا تخش الله لومة لائم) از هجای خویش بی پروه براید کسی نمیتواند بگوید که ترا این سخن نمیرسد لذا متبعاً برین نکتهٔ حکمیهٔ که (که میباید گفت وگو از بخشد) اقدام مینود

پوشیده نیست که ملت مغرب زمین علم را بدو حصه قسمت کرده اند که یکی علوم دینی دیگری علوم دنیوی که ما آنهارا باسم علوم (عقلی ونقلی) تعبیر میکنیم (۱) فرقهٔ علمای نقل که (که تعلق بکلیسا دارند) و آنهارا باسم علمای روحانی میکویند پس از تحصیل علوم دین خود بعضی در زوایای تجرد رهب حاصل میکنند وبرخی برای ترویج مذهب خود دامن بر کمر زده دقیقهٔ از فرض منصبی خود فرو گذار نمیکنند انجمن ها (میشنری) برپامیدارند ایانه ها فراهم میکنند دعات باقطار عالم میفرستند — ملت نیز ایشانرا تمجید وترحیب برکات دارد وازمعاونت ومساعدت خودداری نمیکنند

(۲) سایرین باسم علوم عقلیه یادشته بتحری آن ابر رحمت چمن صنایع را سیراب وتوانا کان روضهٔ ملت را شاداب میدارند — سر تجار پس از تحصیل رجوع بکسب بود میکنند — وازشعشعهٔ اختراعات جدید ورونق تازه که در قوهٔ متخیله از تحصیل حاصل کرده است از تحصیل حاصلش بدر میکند ! — پسر دهقان علم فلاحت میآموزد تاثمرهٔ فیض آن از فلاحی فلاحی پیشه ! — کذا هر صنفی از اعالی وادانی درپی علمند ومبنای جمیع حرکات وسکنات شان برعلم — تارونق کار شان روز افزون وقومه‌شان جمیع ملل عالم در مقابل اقدامات محیر العقولانهٔ شان زبون گردیده است

دوم تعلیم وتعلم در جمیع ملل فرنگ بطور اجباری است تا درجهٔ تعلیمی که مقرر گردیده پسر پادشاه واولاد گدا در مکاتب ومدارس بالمساوات تحصیل علم وتعلیم ادب میشوند نادر اکثر ملل مغرب درصد نود نفر از نعمت قرائت و کتابت مستفید اند!

آه !!! صد آه !!! که در ما ملت اسلامی اثری ازین دومادهٔ موجود نیست ! چه

(اولاً) تحصیل علوم عقلی ونقلی را یکجا علمای روحانی میکنند وپس از تحصیل علی الرسم رفته در جای خود می نشیند و کسب معاش را از حرفت وصنعت برای خود عار میدانند واستخفاف خود را از عوام الناس کفر میشمارند ! نه از علوم دینیهٔ گم کشته کان بادیهٔ ضلالت راهدایتی !! ونه از علوم عقلیه وامانده گان ابنای وطن را حاذقی دارند! اگر قطعه زمینی ازجد میراث یافته باشند ازین مولائی کوثر میگردد — وازین مولائی بالبر — ابنای حضرات که ناسی بآبای خودهم ندارند زمانی چند باسم آخند زاده کی بعین عاری تمام روزی را بشب میآورند وبه تنبلی وبیکاری شب را بروز ! از جادهٔ انصاف نباید گذشت بعدا العلم فریضة علی کل مسلم ومسلمة) اگر تمامی عالم اسلامی تعمیل این فریضه را نمایند وبکوشهٔ تقدس بنشینند پس باید که من وسلوا از آسمان نازل شود ویا رضوان ازبهشت مایده برای حضرات حل کنند والابد ما بحال که مستلزم حیات است در کردهٔ مادو خوشهٔ پروین نیز که وجود ندارد !

ای کاش اگر تنها علمای روحانی برای مناظره چنانکه می گویند قدری ازین علوم را میخواندند مگر خوش بختانه فرقهٔ دیگریکه روی سخن ما بکسر بطرف آنهاست طرفه صرف اوقات دارند چه بعضی را می بینیم که ابداً صفحهٔ از علوم دینیه نخوانده ومسئلهٔ از فقه حنیف واحادیث شریف ندانسته اوراقی چند ازین مقالات را چون طوطی ورد کرده خود را در زمرهٔ علمای روحانی کثرالله امثالهم کشیده تکیه بر بالش تقدس میکنند اگر سوال کنند که این منطق ووووراای چه تحصیل میکنید که این ربطی بعلوم دینیه وعقاید بسته ندارد وفایدهٔ معلومی نیز برای نوع بشر نشان نمیدهد — آنگاه مژده میفرمایند که این آلتی است برای دفاع خصم !!! ماشاءالله جناب ازین جواب باصواب رنجه نشوید این نه آزمان است که مخالفان دین وملت باشما براهین منطق ومناظرهٔ علمی مقابله کنند ابزمان آلهٔ اصل دفاعی هنا

توپهای کوه کوب وتفنگ های ماشین دار کروب وجبه های‌خانه واندازو طیاره های هوا پرواز شناخته شده است تنها که حرکت را از جای خود باز میدارید باین چند تلفیق خالی از تحقیق چگونه دفاع میکنید اگر به آئینهٔ مصفای تاریخ رجوع کنیم خواهیم دید که زمانیکه ما در مدرسه نظامیه ومستنصریه بغداد باین مقولات (لم ولانسلم) داشتیم وقوهٔ دفاعیه را که رجال با کمال صدر اول اسلام رضوان الله علیهم الی یوم القیام برای ما ودیعت گذاشته بودند برطاق نسیان گذاشتیم استرذیلهٔ شامانی (مغلها) باوصف وحشت وناانسانی چه سیل بلا نبود که برما نیاوردند — وچه ظلم برملا نبود که برما نکردند ! — اگر قوهٔ دفاعیه را گم نکرده بودیم البته دفع آن بلیه را باسانی مینمودیم لااقل دیوار خلافت را از صدمهٔ آن وقایه میکردیم بلی اگر قوهٔ دفاعیه را نباخته بودیم سیادت افریقائی مارا اجانب برادرانه مابین خودها قسمت نمی نمودند ! واگر قوهٔ دفاعیه را میشناختیم سطوت وجلال خود را درماوراءالنهر برایگان نمیباختیم ! واگر قوهٔ دفاعیه را میداشتیم سلطنت هند ومملکت اندلس را بهیچ نمیگذاشتیم ! وا اسفا !

غیرت هست که هیچت خبری نیست زخویش
آه اگر بگذردت زین سبب الم چویش

خوب هرکه برای چند ورق تطویل لاطایل که الهٔ دفاع تصور گردیده نیمهٔ از عمر گرامی صرف این الاطیل میشود چه ضرر دارد که قدری از علوم حرفه وصنایع جدیده نیز تحصیل کنیم که بسایهٔ ترقی پیرایهٔ آن فابریک های توپ سازی — تفنگ سازی — بارود سازی — تشکیل دهیم تادر وقت لزوم دفاعی از دشمنان دین ودولت کرده باشیم لااقل بسایهٔ آنعلوم کارخانه های نساجی و کاغذ سازی وطباعی داشته باشیم تااوراق مصاحف شریف و کفن اموات مطهرهٔ خود را از دست اجانب که مخالفان دین وملت ماهستند نگیریم !

شرم دار آخر خدا را تا بچند خویش را داری بعالم ریشخند
ساز بهر خویشتن درروز کار قیمتی پیدا درین دارالعیار
چون حریفان ساز کسب معرفت در صناعات از زبان سلطنت
رشد عالم از صناعات بدیع نیست فکر تو ولی در وی وسیع
سیر تو جز مبحث تجرید نیست حیف در توقوت تشدید نیست
زادب شد حاصل تو نی کمال کرد ضایع عمر تو ملا جلال
درس اعظمی صدرشیرازی نگفت بلکه خود علامهٔ رازی نگفت
تا زدرد مفلسی یابی نجات وا گذار این منطق واین ترهات
درد تنگی را نمی بخشد دوا صد رها خوانی اشارات وشفا

(دوم آنکه) متاسفاً درهیچ نقطه از نقاط عالم اسلامیت تعلیم اجباری وجود ندارد ملت اسلام روی همرفته ۹۰ فی‌صد بی علم وبی‌سواد چون حشرات درشوارع ومعابر مرور دارند نه از اساس اسلامیت خبری ونه از اخلاق وانسانیت تمیزی دارند ! زندگی را منحصر در خور وخواب میدانند ومسلمانی را درلفظ (مسلمان ومسلمان زاده هستم الحمد لله) محدود میدانند ! اگر روزی چند طفل را بمکتب بسپارند پیش از آنکه استقامت الف دال استعدادهاشان شود ونظارهاش ازعین عنایت کاک بهره برد پدرش که از الفت علم وادب بهرهٔ ندارد برای دست یاری حرفهٔ خود بدرش میکند وچشم از تربیت پسر می پوشد وبالفاظ منحوسهٔ (رو بابا ملّا که خیر شوی قاضی که نمی توانی شد) در جهالت پسر میکوشد ! گویا همه را منحصر درقضا وافتا میدانند ومایه الحیاة در کوری وجهالت می‌مانند آه ازین حیات سراپا افسرده زندگی الاشعار !!! —

زندگی گر این بود قصه مر این زندگی
زندگی در گندگی بگذشت هی شرمندگی

زیاده درین محل ناطقه کاو کیر است ودای ازسلاسل غم درزنجیر ! ربنا لاتزغ قلوبنا بعد اذهدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب — انتهی امضا (یکی از قارئین سراج الاخبار) .

حوادث خارجیه

(اجمال)

در دنیا جنگهای بزرگ که بوقوع آمده بسیار است . چنان محاربه هائیکه تنها درمابین دو دولت بوده است . وچنان محاربه های که در مابین چند دولت باهمدیگر بوده است . وچنان محاربه های که از یکطرف یک دولت وازدیگر طرف دو . ویا از یکطرف یک وازدیگر طرف سه چهار دولت بوده بسیار واقع شده است که صحایف تواریخ آنهارا یکان یکان بما نشان میدهد . گاهی این محاربه‌ها تنها از سبب غرور وغضب شخصی پادشاهان بایکدیگر وگاهی ازحرص وهوس جهانگیری . گاهی بنابر طمع تاراج ویغما . وگاهی ازسبب مشکلات لاینحل سیاسی . وگاهی بنابر رقابت ومقاصد تجارتی و اقتصادی . وگاهی محض بر منازعات دینی ومذهبی شعله افروز عالمسوزی گردیده است .

حال آنکه این محاربهٔ منحوسهٔ حاضره را اگر جامع الصفات بگوئیم جادارد . چنانچه غرور وغضب شخصی امپراطور ها دران شامل است . طمع ورقابت جهانگیری . ومشکلات لاینحل سیاسی . ومقاصد اقتصادی وتجارتی نیز اساس آن را تشکیل داده است . اماچیزیکه شایان افسوس وحسرت . ودرعین زمان موجب اندیشه ووحشت عالمیان میگردد این است که رفته رفته محاربه رنگ محاربهٔ مذهبی ودینی را پیدا میکند .

از معلومات بعضی اخبار ها ظاهر میشود که رئیس روحانی بزرگ انگلستان « لارد بشپ » باهمه قسیسها و هیئت روحانی انگلستان بمیدان حرب رفتنی میباشند که باینصورت جنگ اوروپ ازجنگ تمدنی بجنگ دینی و مذهبی تحویل خواهد یافت . اما اینرا نمیدانم که آیا این رئیس روحانی انگلستان تبدیل مذهب کرده بمیدان جنگ خواهد رفت یا آنکه بر مذهب « پروتستان » باقیمانده خواهد رفت ؟ اگر پروتستان بوده برود جهت مقابل او کاتالنت

نیز پروتستان است! هیچ‌شبهه نیست که‌چون‌پاپها ورؤسای روحانی انگلستان بجنگ روند ، پاپها ورؤسای روحانی فرانس که‌مذهب کاتولیک ، وپادریها ورؤسای روحانی روس که مذهب اورتودوکس دارند نیز بمیدان جنگ بطریق اولی حاضر خواهند شد . عجب هنگامه ! آیامیدانهای رزمگاههای مشرق‌ومغرب را تماشاگاه اجرای آئینهای مذاهب مختلفهٔ نصارا خواهیم‌دید! چه‌عجب واقعه !.

عجیبترش اینکه اگر محاربه درمابین دوملت مختلف المذهب — یعنی‌تنها درمابین پروتستان وکاتولیک ، یا اورتودوکس وپروتستان میبود محاربهٔ مذهبی نصارا گفته‌میشد . اماچون حربیکه‌درمابین هرسه مذهب مختلفهٔ نصارا است انسانرا حیرت دست میدهد که‌این زحمت کشی هیئت روحانی انگلستانرا بمیدان محاربه چه‌معناداده نتواند! نخستین مذهبهای معلومدار ومعروف نصارا که دولتهای معتبر ومعظمهٔ اوروپا بدان متدین‌اند همین‌سه مذهب پروتستان ، کاتولیک واورتودوکس است که‌از دولتهای متحارب ، انگلیز والمان پروتستان، روس‌اورتودوکس، فرانس کاتولیک میباشند. اگرانگلیز پروتستان نمیبود، وتنهاالمان پروتستان میبود درانحال گفته میشد که آن دومذهب دیگر برمذهب پروتستان عقد اتفاق کرده میخواهند که آنرا ازدنیا بردارند . اماچون انگلیزوالمان هردو پروتستان‌اند واوستریا کاتولیک است‌این آمدن هیئت‌روحانی انگلستان باریس روحانی شان بمیدان جنگ چنانیکه معماییست که‌حل آنرا خود روحانیان خواهند توانست . ازینکه مسئلهٔ مشکل است گاهی چنان وارد خاطر میشود که‌مبادا برادری المانها مسلمان شده باشند ؟ ورنه پروتستان باپروتستان چسان محاربهٔ مذهبی خواهد کرد ؟

ها ! یکچیزی دیگرهم هست ، مثلامتفق المانرا ببینیم که‌غیر از اوستریا کیست ؟ این است که اینجا به خیلی دهشتنا گشت ، خیل !!

اتفاق واشتراک دولت‌عثمانی‌را باالمان ، درین‌محاربهٔ عالمگیر جهان برای عموم افراد مسلمانان یکچیز سهل وبی اهمیتی نباید پنداشت . المانها باین نیرنگ خودشان که‌عثمانی را باخود شریک جنگ ساختند محو وانقراض خودرا بامحو وانقراض تمام‌عالم اسلام مربوط نمودند . اگر المان غالب بیاید دولت عثمانی هم‌یک حیات تازهٔ را مالک میشود ، واگر کار بالعکس نتیجه بخشد اگرچه ازالمان یک آثار کمکی دردنیا باقی‌هم بماند ولی ازدولت عثمانی نام ونشانی هم دردنیا نخواهد ماند . چون دولت عثمانی لاسمح الله محو ومنقرض شود تصورشود که‌حال عالم‌اسلام بچه‌منجر خواهد شد ؟ درین‌هیچ یک‌شک‌وشبهه جائزنیست که‌شرف وشان وافتخار هرملت بهاین است که‌دولتهای حاکمه ومستقلهٔ ازان ملت دردنیا موجود باشد . وچون چنین نباشد آنقوم اسیرذلیل حقیر‌وبیدل حکم آن ملت هائی میشوند که‌قوهٔ حاکمه‌را مالک باشند . چنانچه قوم‌وملت یهود‌یعنی‌اسرائیل دروقت‌حاضر یک‌مثال روشن ومبرهن این مسئله شمرده میشود . پس چسان مسلمانان خواهد بود که مغلوبیت عثمانی وجدانش راضی‌شود بلی غیرازدولت علیه عثمانی دولتین علیتین ایران و افغانستان نیز درملت مبینهٔ اسلام موجود است والشاالله تاابد همه دولتهای اسلامی موجود خواهند بود . اما چون‌نقشه وگردهٔ تصورات همسایگان باهم‌متفق‌شانرا درخصوص تقسیم این‌دو دولت درپیش‌نظر گرفته‌شود انسانرا دهشت وحیرت استیلا میکند ! پیش‌ازحرب حاضر ایرانرا بنام ، منطقهٔ‌نفوذ دربه دوقسم تقسیم برادرانه کرده بودند . اگرچه درباب افغانستان نیزاین تصوررا درخیالخانهٔ خود برروی کاغذنقشه کردند . ولی بااینهم‌افغانان اتفاق آوردند که‌تایک‌نفس متنفس‌درین خاک‌موجود باشد کامیابی شان هم‌مفقود خواهد بود .

این است که‌بسبب شنیدن خبرتبدیل یافتن جنگ مدنی اوروپا بجنگ دینی ومذهبی ، سیاسی سیاسی را فراموش کرده وازد که خوردن زلف یار اندیشه نکرده به اینقدر اندیشه های دوردراز سوق فکر نموده‌شد . حالا ازینجزها درگذرد ؛ یکقدری احوال را اجمال کرده بگوئیم : — که حرب هنوز بهمان حال است که‌بود، چیزیکه نوظهور نموده همانا هجوم وحملهٔ جهاز کشتیهای جنگی فرانس وانگلیس است که برای فتح استانبول بر آبنای چناق قلعه — یعنی‌درهٔ داردانیل — هجوم برده‌اند . وبا وجودیکه ازیکماه متجاوز است که‌این کشتیها متمادیا براستحکامات آبنای مذکور گلوله باری دارند . وبارها از خاموش کردن وخراب ساختن قلعه‌ها ومستحکمه های آن اعلان‌هم کردند، ولی‌هنوزهم از مرور نمودن آبنا وفتح استانبول چیزی اثر و خبری معلوم نشد . حتی خبرهای آخرترین رویتر ایجنسی که ازلندن بتاریخ ۱۹ مارچ درذیرعنوان [واقعهٔ افسوسناک معرکهٔ دردانیال] انتشار شده‌مشعر برین‌است که‌چند کشتیهای معتبرجنگی فرانس وانگلیز بضرب گلوله ها وطورپیلهای عثمانی باستیاری از غرق کشتی نشینان شان غریق‌بحرفنا گردیده،وجنگ مذکور بناکامیابی منجر شده است . چنانچه تفصیل آن درذیل آخرترین خبرها مذکور خواهد گردید .

ترجمهٔ اخبارات اردو المترجم غلام محی‌الدینخان افغان

وسائل وذرائع جرمنی

(۱) اخبار دیلی کرانیکل رقم طراز است ، — درمسئلهٔ اقتصادیات ناگزیر تسلیم میکنیم ، که ذرائع غنیم هنوز اختتام پذیر نشده ، برعکس ازابتدای جنگ تاالحال ، جرمنی را چنین مواقع غیر معمولی میسرشده ، که ازجهت آنها ، آن‌در فراهم آوردن ذخائر اشیای خوردنی ، ودیگر اسباب وسامان ، که برای سپاه وسائر مردم غیر مصاف ضروری است ، کامیاب گردیده . معلوم کردن این‌امر نیز نهایت اهم است . که چندی پیش از اعلان جنگ ، ازجهت پیش بینی سرگرم طرف داران جرمنی جانب ایشان اینقدراشیای خوردنی — طلا — مس — ادویه‌کیمیاوی ذخایر‌وارجات و سامان حرب فراهم کرده بودند که برای جنگ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1118 of 1786

یکساله مکتفی شده بتواند . حالا از ابتدای جنگ مهیب عرصهٔ هفت ماه گذشته است . و آن ذخایر که در آن صرف شده الاقل آنها را عینا در علاقه‌جات مفتوحه بولیند — فرانس — بلجیم کرده . داکتر دلن که در معاملات خارجه نظر دقیق و عمیق و فکر معامله رس دارد . میگوید : — تنها در بلجیم ۴۰ هزار مزدورکان کی در معادن شارلیرای — لیج و سومیتز باجرت بسیار کار میکنند . وجوه برآمده در وطن (جرمنی) فرستاده میشود . علاوه آن کی که در ذخایر جرمنی رونما شده بود . از فیکتوریها و کارخانجات معدنیات واشیای علاقهٔ مفتوحه جدید جرمنی . گرده میشود . آهن بسیار موجود است . طلا در خزانهای مرکزی فراهم کرده شده از آغاز جنگ امپیریل بنک (بنک شاهی) دو صد و نود و دو کرور و ده لک فرانک موصول شده . در اوائل دسمبر رقم سیال بنک مذکور دونیم صد کرور بود در یک علاقه فرانس قریبا کل پیداوار غله را جرمنان بیدار مغز پیش از جنگ قرض خریده در وطن خود فرستاده بودند . هنوز نوبت میعاد ادای قیمت آن نرسیده بود . که جنگ برپا شد . مزید بران دوکرور و هفتاد لک جرمن . که در ممالک غیر بودند . در ازدیاد ذخائر وطن اصلی خود سعی بلیغ نمودند . دولت جمهوری امریکا امداد این مساعی شان را ثابت قدمی میکنند و جاری میدارند و در تصدیق این طرز عمل خود . وقتاً فوقتاً . احترام عهد نامجات و حقوق اقوام تکذیب غیر جانب داران را پیش میکنند در موجودگی این بیان قابل اعتبار . ما اندازه مجد کی صورت حالات کرده میتوانیم . و هرگز این تصور نکنیم که چنانکه از بیانات نادرست اخبارات ظاهر میشود . که در جرمنی نوبت فاقه کشی رسیده باعتبار مالی . حالت جرمنی هم ابتر نیست . حالانکه در آن از بیرون آمد سامان خوراک مسدود است . در ماه گذشته . در آن جا مخارج زیست . ابدت ماهانه . قریب ده فی صدی گرانتر بود . خیال کرده میشود . که تا آخر ماه اکتوبر . مصارف حرب ۲۰ لک بوند بود . ولاکن کم از کم دولت همین رقم از قیمت تونها وصول کرده خواهند .

بااینهمه در حلقه‌های مالی . از قلت سامان خوراك و معدنیات قلت نقدی بیشتر محسوس خواهند . چرا که غنیم را در قرض گرفتن از ممالك غیر سخت مشکلات روی خواهند داد . درین وقت . نیز اگر دیده شود . برلن — وانا و قسطنطنیه را مبالغ مطلوبه داده میرود . . . .

در خصوص ذرایع و سامان فوجی جرمنی . داکتر دلن میگوید در وطن اصلی ما خواه هرقدر قلت سامان محسوس شود . لاکن قلت سپاه هرگز رونما نخواهد شد . در جرمنی قریب ۳۶۵۰۰۰ کس نوجوان هرسال در فوج جدید داخل کرده میشوند . اگر عدد مذکور را در ۲۸ ضرب بدهیم . چرا که همین اوسط ۱۷ و ۴۵ سال است . عددان نوملازمان ۱۰۲۲۰۰۰۰ میرسد . گویا این قدر اشخاص برای ملازمت فوجی دستیاب شده میتواند اگر از جمله عدد مذکور مردمان مرده یا ازکار افتادگان وطن یا مردم ناقابل ملازمت نظام خارج کرده بخواهیم یک ربع آن کم بکنیم .

ازین امر با دانسته میتوانیم که در میدان جنگ عدد سپاه غنیم قریب هفتاد و پنج لک خواهد بود . لاکن درین تعداد کثیر فوج بحری و سپاه محافظ ساحل شامل نیست . بالفاظ دیگر ما بگوییم که ذرایع و وسایل جرمنی هنوز بآن حد نرسیده . که برای آن موجب تشویش شود چنانکه در ابتدای جنگ بود . درین وقت نیز . حصول فتح را برقابت و کار گذاری افواج خود و حلیفان خود خواهیم پنداشت .

ترجمه شده از اخبار پرتاب هندی کانپور

(۱) در جرمن یك پچکاری استعمال می کنند . که بذریعهٔ آن کدام تیزاب محرك را بر سپاه روسی میپاشند . و چهره شان ازان می‌سوزد .

(۲) روز جمعه یك نویسندهٔ بنگالی کلکته برد کمپنی . برای توزیع تنخواه عمال هژده هزار و چهارصد روپیه را در گادی نهاده بکار در پیچ میرفت . در آن باغ قریب تهانهٔ کوتوالی . چند نفر بنگالی راه اورا گرفتند و گادی را ایستاده کرده همه مبالغ را اخراج نموده و بر موتر آنها نهادند . ولاکن موتروان از راندن موتر ابا نمود . دزدان اورا زدو کوب کرده فرود آوردند و خود آنها موتر را راندند . و گفته میشود که ۴ نفر بنگالی بعد بحیره روز باستاسیون ریل کالسکه موتر را بکرایه گرفتند . و بکروفز بسیار در سرك سرکولر کار ولدیع رود رسیدند .

درین جا دیگر ۴ نفر بنگالی باایشان ملحق شدند . و قدری پیش رفته بدکان شراب فروشی رسیده شراب خریدند بعد ازان دو نفر دیگر بنگالی بایشان پیوستند . این ده کس . متهمه شان نه کس در لباس بنگالی و یك نفر در لباس اروپائی است و بیان کرده میشود که دو نفر آنها را محکمه کوتوالی گرفتار نموده . ولاکن به پیش شان هیچ اسباب قابل الزام یافته نشده . تجسس و تفحص این کالسکه موتر جاریست .

(کبوتران نامه‌بر)

در انگلستان یك اطلاع سرکاری شایع شده است . که دولت برطانیه نیز به تقلید فرانس و جرمنی کبوتران نامه بر را استعمال کردن میخواهد . مردم فرانس بسیار معترف و مداح این قاصدها هستند . و ازیک مدت دراز به تعداد کثیر . در پاریس پرورش آنها کرده میشود . و درین وقت نیز در پاریس بسیار کبوتران موجود هستند . که در صورت محاصره . آنها استعمال کرده خواهد شد در محاصره سنه ۷۱ — ۱۸۷۰ ع پاریس آنها زائد از یك لك

پیامهای فوجی از شهر پاریس بیرون برده بودند ، از ان اندازه قدر وقیمت انها کرده میتوانیم .

از چند سال گذشته برای اغراض جنگی کبوترها را باصول طبی تعلیم داده میشود ، اولا چند کبوتر نو جوان منتخب کرده میشود ، واز آنها مشق پرواز ۸ یا ۱۲ میل کنانیده ، که ازان بازوهای آنها قوی میگردد ، رفته رفته فاصلهٔ آنها افزوده میدهد تاآنکه آنها فاصله ۴۰۰ میل بحساب ۴۰ میل فی ساعت طی کرده میتوانند .

کبوتران نامه‌بر جزو لاینفک جرمنی است ، وان امر ثابت شده است که همین کبوتران درمیان بعضی شهر های انگلستان و جرمنی که فاصلهٔ آنها زاید از ۳۰۰ میل باشد ، پیامی میبرند هر که میخواهد که رقعه‌را ارسال کنند آنهارا مثل قبله‌ساخته و در یک ربط ۱۳ انچ طول داشته باشد ، داخل نموده در دم کبوتر می بندند .

این کبوتران چنان تعلیم داده میشود که ، بمجرد اشاره پرش می آیند . بعد صلح پاریس شهزاده بسمارک وزیر اعظم جرمنی حکم پرورش آنها کرده بود الحال ، بتقلید آن ، هر دولت اروپا کبوترهای تعلیم یافته نگاه میکنند تا که در اوان جنگ بذریعهٔ آنها نامها فرستاده شود .

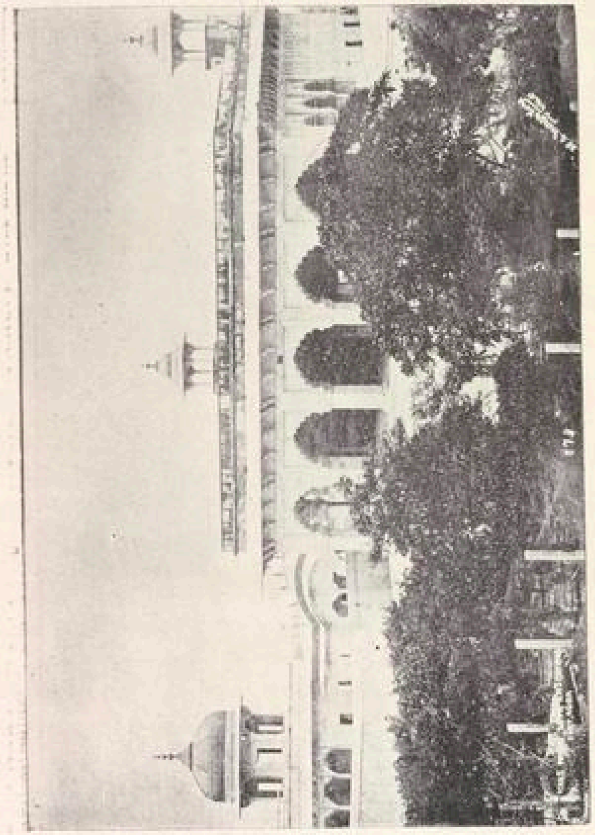

از منظره های هندستان

محل خاص وانگوری باغ در قلعهٔ آگره از بناهای پادشاهان اسلام

ترجمهٔ اخبارهای خارجه که عبدالرحمن ترجمه کرده

(کشتی‌های جدید تحت البحر جرمن)

(عمدرد) .

کوپن هاگ ۲۴ جنوری :

تلگرافات براین مظهرند که امتحان کشتی‌های تحت البحرهٔ جدید جرمن که درقرب جزیرهٔ هلی گولاند اجرا شده بود حالا بانجام پیوست . ومتعلق این کشتی بیان کرده میشود که دوراناتی

طوفانها به‌بسیار خوبی جهازهای تجارتی را بطرف میتو سه دو ماهه ماه به‌برداشتن هیچ چیزی محتاج نیست .

(میلان بالغاریا)

(کذا) :

نامه نگار آینه درمکتوب خود مینویسد که درمابین عثمانی وبلغار در خصوص یک مفاهمت باهمی دولتین ازچندی در اینجا شبهه پیدا شده بود ، درحال تصدیق آن ازمتواقعه محوی معلوم میشود که بعضی جمعیتهای ترک ، وبلغاری متحد شده میخواهند که بر حدود مقدونیا حمله کنند که درتحت تصرف صربستانست .

نامه نگار صربی ازنیش مینویسد که ، ازمدتیست که درمابین بلغاریا وصربستان مبادلهٔ تلگرافات شده است که دراین صربستان اتحاد ، واتفاق باهمی را رجا وتمنا کرده بود ، مگر هیچ یک نتیجهٔ مفیدهٔ ازان برنیامد ، وچنان معلوم میشود که حالا بلغار میخواهد که بعضی شرایط ناموافق را بصربستان تقدیم کند که آنوقت صربها را برای تردید آن دادن قربانیهای بسیاری لازم خواهد شد .

نامه نگار صوفیه مینویسد که رومانیا طریقه‌های جنگجویانه را که عنقریب میخواهد شروع کند، بظاهر بسیار قابل اهمیت میباشند مگر این یک محوی است که بیکارهای بنابر مخالفت بلغار با اجرا کرده شده‌اند .

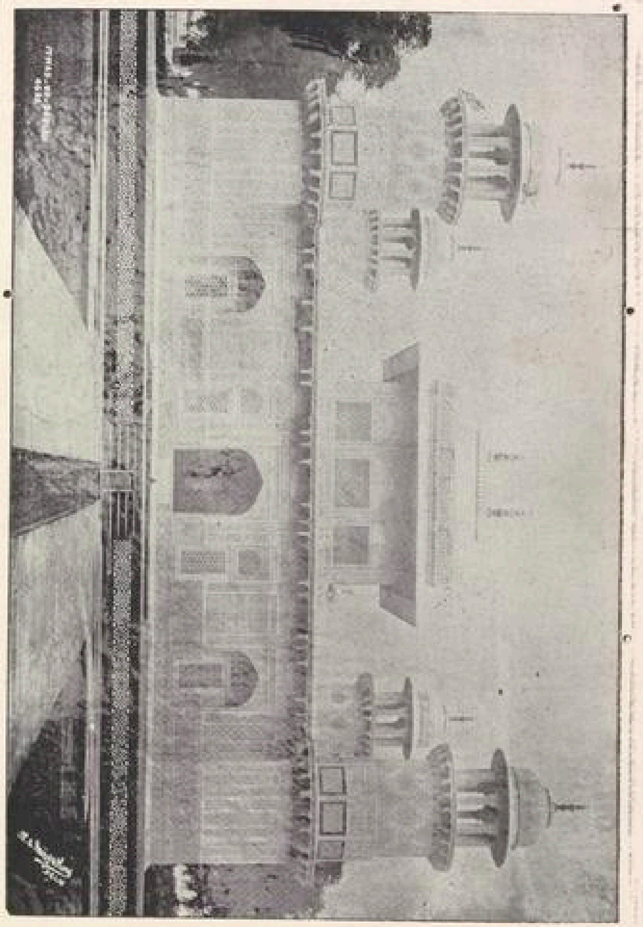

از منظره‌های هندستان

مقام اعتماد الدوله در آگره از بناهای پادشاهان اسلام

نامه نگار رومانیائی حالت سیاسی‌را به الفاظ ذیل اظهار نموده است که : درواقعات واحوال سیاسی اینجا نسبتاً سکوت است . مسایلیکه ازهمه بیشتر درزیر بحث گرفته میشود ، همانا طرز رفتار سیاسی ایطالیا ، وتعلقات بلغاریا وسرویاست واین یکسخن مسلم است که ایطالیا عنقریب درجنگ بمظاهرهٔ اتحادیون خواهد برامد .

(کذا)

(مال غنیمتی که جرمنها از فرانس بدست آورده اند)

یکروت تیرسی ظاهر میکند کهازوقتی که جرمنها درفرانس داخل شده‌اند تاکنون مال غنیمتی که ازبعضی علاقه‌های تجارتی آن مانند « روتی ووه لیل » بدست آورده‌اند قریب به ۴۰۰ ملیون پوند بالغ میشود . یکی ازمهرهٔ فن تجارت پشم که از کورنمنت « بویریا » بعلاقهٔ شمال فرانس بغرض اخذ معلومات رفته بود درایوان تجارت « مونخ » بیان کرد که جرمنها یکمقدار کثیری ازپشم ، وپوست . ومعدنیات وغیره‌را بطریق غنیمت ازغنیم گرفته‌اند . ونیز گفت که درنزدیکهای لیل جرمنها یک عدد کثیری ازکالای فوجی قایش کردیدند کهسپاهیها آنرابریده فرش زیر پای خود ساختند ، وکثرترا ازدر تقریرخود گفت که در وقت ضرورت جرمن ازعلاقه‌های مقبوضهٔ بلجیم وفرانس آنقدر مس حاصل میتوان کرد که تابه ۳۰ سال مابعدهم اگر جنگ‌را طول داده شود کفایت کند .

(کذا) (جرمن ورومانیا)

از بکرش یک اطلاع تیرسی رسیده است که رومانیا برای جرمن یک مقدار بسیار غله مهیا خواهد کرد . وجرمن برای حمل آن کادیها باربرداری‌را حاضر خواهد ساخت .

(تهدیدات بحریهٔ المان)

جرمنها بتاریخ ۶ ماه فروری یک اعلانی شایع کردند که « باید پس از تاریخ ۱۸ فروری جمیع جهازهای تجارتی انگلیز غرق کرده شوند » وتمام دولتهای بیطرف‌را نیز خبرداد که لازمست که بعد ازین تاریخ بطرف بحرهای انگلیزی جهازهای خودرا نفرستند زیرا محتملست که دراینصورت بجهازهای دولتهای بیطرف هم نقصان برسد . وکورنمنت جرمن مجبوراست که درمقابل دولت بریتانیا همچنین پیش آید زیرادولت بریتانیا ازهمه طرف وسایل ووسایط رفت وآمدرا بروی بسته‌است . ومیخواهد که ملت کرورنفوس مهذب جرمن‌را ازفاقه کشی هلاک سازد . لهذا بجمیع دولتهای بیطرف واضح باد! که تاریخ ۱۸ فروری‌را یاد دارند . ومنبعد جهازهای خود شانرا ازحدود معین باینطرف نفرستند » . پس ازتاریخ مذکور جهازهای تجارتی دولتهای متحده که ازطرف کشتی‌های تحت البحر وجهازهای جنگی جرمن اغراق گردیده‌اند . تاکنون ازقرار ذیل میباشند . بعضی جهازهای ممالک بیطرف هم سهواً غرق گردیده‌اند :

(یک استیمر غرق کرده شد)

لندن ۲۰ فروری :

امروز یک کشتی تحت البحر جرمن بجهاز « کیمبلک » بعد ۵ میل ازخلیج « آلوج » توریپدو حواله کرد ، این جهاز رهنمارا باخود برداشته بجانب لیورپول اشارت حرکت برافراشته بود .

(کارلزروهه جهازرا غرق کرد)

لندن ۲۱ فروری :

جهازهای « بوکازو » و « هایلیند بری » و « هیسمیر » رالهاو جهازهای دیگر غالباً جهاز « کارلزروی » جرمنی در بحر اوقیانوسی غرق نموده است .

(غرقابی جهاز ساحلی)

لندن ۲۱ فروری :

یک کشتی تحت البحر جرمن جهاز ساحلی « داؤون شایر » را که ۳۰۰ تون وزن داشت درقریب ساحل « کاف آف مین » اغراق نموده است . برای برآمدن اهالی آن تنها ۵ دقیقه مهلت داده شد .

(بندش جهازرانی دربحرهای انگلستان)

لندن ۲۳ فروری :

اعلان ادارهٔ بحریه مظهراست که درمابین رودبار « ایرلاند » ورود بار شمالی انگلستان جهازرانی مجبوراً بندشده است .

(غرقابی ستیمر زیجی)

ازخبرهای مابعد معلوم میشود که جهاز « زیجی » زیر توریپدو انداخته شده بود که بعد ۱۰ دقیقه غرق گردیده است .

(غرق شدن جهاز مسلح تجارتی)

لندن ۲۴ فروری :

محکمهٔ اخبارات اعلان میکند که جهاز تجارتی « کلین مکسائین » ازچندی مفقودالخبراست . وخیال کرده میشود که درطوفان واردی ۳ ماه حال غرق گردیده است . ازخبرهای مابعد معلوم میشود که ۲۰ افسر و ۲۶۰ نفر نیز باآن غرق شده‌اند .

(دو جهاز برطانوی درمصیبت)

لندن ۲۴ فروری :

بعد ۲۰ میل از « بیچی هید » ستیمر « رنگ سم جان » باسرتک تحت البحر تصادم ورزیده ، ویا ازان توریپدو انداخته شده است بهرصورت رخنهٔ بزرگی دران باز کرده شده ، عملهٔ جهاز در « نیوهیون » پیاده شد . یک جهاز بزرگ دیگر نیز در نزدیکی همین جا گرفتار مصیبت است .

(غرقابی یک جهاز دیگر دربحر انگلستان)

ازجملهٔ آن دوجهاز فلاکت زده که ذکر آنها در خبرهای دیروز آمده بود ، جهاز « او کی » که ازلندن بکاردوف میرفت ودرراه زخمی شده بود ، امروز وقتی که آنرا کشیده بجانب ساحل

می آوردند دراثنای راه غرق شد . و عملجاتش در « ریز گیت » و « دوور » پیاده شد .

لندن ۲۵ فروری . عملهٔ اوکی قبل از اصابت حملهٔ توربیدو حرکت آنرا در آب دیدند . از ضرب توربید ویك جنبش و لرزهٔ هولناکی محسوس شد شهتیرهای فولادی جهاز ازهم شکستند . ورقه های آهنین آن نیز هریك جداشده بهوا پریدند . وجهاز بعد از ۱۳ ساعت که بحالت فلاکت حرکت کرد غرق شد .

(ستیمر برطانوی پرانده شد)

لندن ۲۵ فروری :

دیروز در قریب « سکار بارو » جهاز « دیت فورد » لندن پرانیده شد ودر ۲۰ دقیقه غرق گردید . عملهٔ جهاز برسطح بحر درشناور بود بالاخر یك جهاز مسافر بردار آمده آنهارا باخود برداشت .

(غرق شدن دوجهاز دیگر)

ستیمر « رابو رانا » که بطرف بحر ابیض میرفت . وجهاز « هار پولیون » کمپانی « نیوپورتا میوز » عزیمت داشت هردو از صدمهٔ توربید ودر رودبار انگلستان غرق شدند وبدون ۳ نفر جهازیانی که از ضربهٔ توربید وهلاك شدند باقی جمیع عملهٔ آن سلامت ماند .

(یك جهاز امریکا غرق کرده شد)

لندن ۲۴ فروری :

دیروز ستیمر « کریب » امریکائی قریب سواحل جرمن غرق کرده شده است که بران ۴۶۰۰ بار پنبه بود واز طرف محکمهٔ مرکزی دولت امریکا بیمه کرده شده بود .

(دولت امریکا بیمه را بند کرد)

نیورك ۲۴ فروری :

اعلان کرده شده است که گورنمنت قانون بیمهٔ جهازها ومال واسبابیکه بدولتهای فریقین جنك برود برای چندی بند کرد که بغرق شدن جهاز « ایولن » و « کریب » منسوب میشود .

(جهاز تجارتی دولت امریکا غرق کرده شد)

لندن ۲۲ فروری :

اخبار « لوکلزیجر » مینویسد که جهاز تجارتی « ایولن » دولت امریکا که از نیورك به « برمن » جرمن پنبه می آورد ، درشمال « بورکم » بامرنك تصادم نموده غرق شده است یکجهاز جرمنی عملهٔ آنرا نجات داده باخود برداشته است .

(غرق شدن استیمر ناروی)

لندن ۲۲ فروری :

ستیمر « دیزن » ناروی کاز « شیلدز » به « ردو » میرفت امروز بوقت ساعت ۶ ونیم صبح درنزدیکی دوور غرق شد .

(غرقابی یك جهاز فرانسوی)

لندن ۲۷ فروری :

جهاز تباه کن فرانسوی « دیك » بامرنك استریائی برخورده غرق شده است رسماً بیان کرده میشود که جهاز « دیك » بایك جهاز کدام بطرف موتی نیگرو میرفت ودر اثنای رفتار بایك سرنك تحت البحر دولت استریا مصادمه نموده غرق شد و ۳۸ نفر آن نیز مفقود الاثر میباشند .

(یك جهاز زخمی دولت سویدن)

لندن ۲۷ فروری :

یك تلگراف « پومن » مظهر است که ستیمر « سوارتن » سویدن درینجا رسیده است . و درحصهٔ مخروطی جهاز مذکور یك رخنهٔ بزرگ واقع شده که یا بامرنك تحت البحر برخورده ویا توربیدو بران انداخته است .

(پشاور دیلی نیوز) (غرقابی جهاز پرنسز ویکتوریا)

لندن ۹ مارچ :

ببعد ۱۸ میل از « ورمی » برجهاز « پرنسز ویکتوریا » توربیدو حواله شد . وهرچند کاو میخواست که خودرا از انداخت توربیدوی تحت البحر بکمال احتیاط بکشد مگر ممکن نشد . حتی بساعت ۹ ونیم صبح بهره دار قسم پشتی جهاز خبر آمدن توربیدو را رفقای خود ابلاغ نمود که آنوقت هیچ فرصت جهیدن ازمحل انداخت توربیدو نمانده بود . توربیدو برجهاز اصابت نمود ویك مصادمهٔ بسیار مدهشی بعمل آمده جهاز غرق شد . وعملهٔ آن بعد ازانکه ۵ ساعت برسطح بحر باکشتی های خورد خود سراسیمه ماندند بالآخر یك جهاز خورد آمده آنهارا برداشت .

(غرقابی یك جهاز دیگر)

لندن ۹ مارچ :

یك کشتی ماهی گیر ملاحان جهاز « بلیك وود » را در « نیوهیون » فرود آورد . که بوقت ۶ ونیم صبح برجهاز مذکور وار توربیدو خالی شده بود . اهل جهاز را پیش ازانکه دیگر جهاز امدادی بردارد تادو ونیم ساعت در کشتی های خورد خود برسطح بحر شناوری داشتند . کشتی تحت البحر بعد از زدن توربید و برسطح بحر برآمد ولی هیچ یك امدادی برای نجات دادن عملهٔ جهاز ننمود .

(غرق شدن جهاز تنکستن)

لندن ۹ مارچ :

امروز بوقت ۱۲ ونیم ساعت برجهاز « تنکستن » توربیدو حواله کرده شد وباوجود عمله ودملهٔ خود دفعتاً بلامهلت غرق شد .

(غرقابی یك جهاز فرانسوی)

لندن ۱۰ مارچ :

درنزدیکی « جی هیده » یك کشتی تحت البحر جرمنی ملاحان یکجهاز « نراز » فرانسوی را اشاره کرد که ازجهاز فرود آیند . وبه

وزانکه اهالی جهاز فرود آمدند بر « ترالر » مذکور توریپدو انداخته شد . که بعد از کمی در غرق گردید .

(زمیندار) : (طیارهٔ زپلین بر کیل)

لندن ۲۳ فروری :

امروز صبح یك طیارهٔ زپلین ۱۰ بم بر کیل انداخت که از آن ۵ نفر هلاك وچیزی زخمی شدند . ومال و اسباب را نیز کمی نقصان رسید .

(طیارهٔ جرمنی بر وارساو)

بعد از توقف چندهفته باز طیاره های جرمنی بر وارساو حمله کردند . یك زپلین مهیب جرمنها به بلندی ۳۰۰ فوت بر شاهراه وارساو پرواز میکرد . درین اثنا یکتائی بلان روسی تعاقب آنرا کرد ولی ناکام شد . ودر همین اثنا زپلان بر شهر یك چند بم انداخت که از آن در تمام شهر شور و اضطراب برپا شد هرچند که کسی هلاك نشد ولی بس عمارتها را ضرر رسید توبخانهٔ روسی هم بر آن گله باری کرد مگر افسوس که ضرهٔ آن بخطا رفت شب همین روز سه عدد طیارهٔ دیگر جرمنی هم برای تشخیص مقامات بر شهر دور خوردند .

پیشقدمی جرمن در فلندرز

لندن ۱۳ مارچ —

نامه نگار اخبار دیلی مل از امزدم خبر میدهد که جرمن بسعی بلیغ پلهای چوبهای این حصه را مضبوط نموده است تا توپهای وزنی وسنگین ازبالای آنها رده بتوانند — جرمنها بطرف دریای ییزر بسرعت حرکت میکنند وازچندروز گذشت دستههای فوجی از گهنت بطرف برو کس برده می شود تاآن زمان دشمن ما از سبب ضعف توپخانهٔ خود همراما مقابله نمی توانست لاکن حالا توپ دراز دهن دورانداز در سنگرهای خود نصب نموده است و انواج خودرا بذریعهٔ موتر می برد — تادریتو شیل حالات باو موافقت کند —

همدرد : (غرقاب جهاز جنگی انگلیز)

سیکرتری ادارهٔ بحریه بکمال افسوس اعلان میکند که جهاز جنگی « موتره » که ازچند روز باینطرف مفقود الخبر بود حالاچنان معلوم میشود که باجمیع افسران وملاحان خودغرق گردیده است . اسباب غرقابی آن هنوز معلوم نیستند . ولی تختههای آنرا موج بحر بساحل شمالی ایرلاند انداخته است .

کذا : (غرقابی یازده جهاز تجارتی)

یکی ازخبر هائیکه بذرائع جرمنی رسیدهاند آنست ، که جهاز جنگی « کارلزروی » جرمنی در ۱۰ روز گذشته ۱۱ جهاز تجارتی انگلیزرا اغراق نموده است .

کذا : (دوازده جهاز مفقود الخبر)

در خبر های رسمی جرمن اینهم شایع شده است که ، اخبار « تان » فرانسوی اطلاع میدهد که ۱۲ عددجهاز های انگلیزی و فرانسوی که وزن مجموعی آنها به ۶۸۰۰۰۶ تون بالغ میشود درینوقتها بکلی مفقودالخبر میباشند . اغلب آنست کهاینهارا کدامی از کروازور های جرمنی غرق ساخته است .

(پشاور دیلی نیوز)

(جهاز جنگی انگلیزی غرق)

لندن ۱۳ مارچ :

ادارهٔ بحریه اعلان کرده است که جهاز جنگی « بیانو » که برگرده مأمور بود غرق شده است بتاریخ ۱۱ ملاحظهٔ تخته های جهاز وجسد های اهل آنرا بحر بساحل انداخت . از صورت حالات آن معلوم میشود که جهاز مذکور را کدام تحت البحری توریپدو زده است . ۴ افسر و ۲۰ نفر سپاهی آن نجات یافتهاند . ومتعلق نفری دیگر آن خیال کرده میشود که همگی غرق وهلاك شده اند .

کذا : (چهل وهفت جهاز ماهی گیر مفقودالخبر)

لندن ۱۳ مارچ :

رسماً اعلان شدهاست که از آغاز جنگ تاحال ۴۷ عددجهاز های ماهی گیر مفقود الخبر میباشند که غالبا غرق گردیدهاند .

[این عدد علاوه برجهاز های تجارتی وجنگی میباشد]

کذا : (جهاز کیل انگلیزی غرق کرده شد)

کروواز ور « درسدن » جرمنی جهاز « کیل » انگلیزرا غرق کرده است ، واهل جهازرا در « والپرزو » فرو آوردهاند .

کذا : (یکجهاز فرانسوی غرق)

لندن ۱۳ مارچ :

از « نیو لیبرز » خبر رسیده است که دو جهاز « جرجیل » ملاحان و ۱۴۷ نفر مسافر جهاز « کاو لوپ » فرانسوی بمقام « برنبکو » رسیدند که جهاز مذکور را کروواز ور « کراؤن پرنز ویلهلم » جرمنی در قریب « فرنیندو نورونهاه » غرق کرده بود .

کذا : (چهار جهاز دیگر غرق کرده شد)

لندن ۱۴ مارچ :

کشتی تحت البحر « یو نمبر ۲۹ » جرمنی جهاز های « هیدلتعز » و « السین » و « اندین سی » و « ادینیون » را توریپدو زده غرق ساخته است .

کذا : (جهازفورازن غرق کرده شد)

لندن ۱۳ مارچ :

بر جهاز « فورا زون » انگلیزی در دوبار « برستل » تورپیدو وار کرده شده غرق گردیده است .

کذا : (غرقابی جهازها رندیل)

لندن ۱۵ مارچ :

درقریب بفاصلت وقت ساعت پنج صبح یک کشتی تحت البحر جرمنی بعد از تعقیب مسافهٔ کثیر بر جهاز دهارندیل انگلیزی توربیدو انداخت اهل جهاز بر کشتی های خورد ملحقه سوار شده جهاز غرق گردید.

وکیل : (حمله برلندن)

نامه نگار خصوصی اخبار (شکاگو تریبون) مقیم جنیوا (واقع سویسره) کیفیت ماهیت آن زیپلن های مهیب را که برای حمله لندن در آلمان ساخته شده است بدینسان رقمطراز است .

دولت آلمان بمدقوهٔ بحریه خود به آرامی و مستعدی درتهیه حمله کردن برلندن بذریعهٔ جهاز های هوائی مصروف ومشغوف بود . درجهیل اکانستر یک کارخانه بزرگ زیپلن سازی ساخته بود از آغاز جنگ یکهزار نفر درین کارخانه مصروفند . پیش از حرب درانجا (۴۰۰) نفرکار میکردند فی روز ۸ ساعت . ولی از آغاز حرب این انتظام کرده اند که در ۲۴ ساعت شبا روز (۱۲) ساعت (۵۰۰) نفرکار میکنند وبعده آرام ودر دوازده دیگرباز (۵۰۰) آرامو (۵۰۰) کارمیکنند یعنی ۵۰۰ نفر مصروف کار می کنند . حصه های مختلفه جهاز هوائی در دیگر کار خانجات جرمنی ساخته‌شده بذریعه ریل باین کارخانه می آرند کارانجا فقط مرتب ساختن وپیوند کردن است . باین نوع درهفته یک جهاز هوائی کامل میشود . پیش ازین هرقدر زیپلن ساخته میشد قبل ازرفتن بمنزل مقصود امتحاناً بهوا پرانده دیده میشد . مگر یک زیپلن آخری که ازهمه زیاده‌تر مضبوط وبزرگ است وبه ۵ نومبر مکمل شده‌بود پس از تکمیل بی امتحان فوراً بطرف شمال روانه کرده شد.

طول این زیپلن چهل گزاست یعنی ازهمه زیپلن های پیشته دراز است عرض آن قریب ۱۴ گزاست وقوت آن برابر (۳) موتر ۸۰۰ اسپه‌قوت میباشد عمله آن ۳۰ نفرافسر ودیگر کارکن‌ها میباشد . بوقت رفتن پنجاه گوله‌ دران جهاز گذاشتند که هریک آن باعث نقصان کثیر میشود هرگاه آن مانند توپ مشهور ۱٦ انچه‌ بطاره‌دار نقصان رسانده‌است چنانچه قریب هر مدرج شیلن یک گله افتاد که ۵ گز در زمین حفر کرده‌ بود تا زیپلن های دیگر آن بهمین قسم گوله‌ها مسلح اند .

آخرترین خبرها

نقل ازاخبارهای انگریزی واردو

دردانیال

لندن ۱۹ مارچ :— محکمهٔ بحری دولت برتانیا اعلان نموده که درهنگام گوله باری بر دردانیال دو کشتی « دریدناوت » دولت انگلیز که یکی « اوشن » ودیگری « داری‌زستبل » نام داشت ویک دریدناوت « سوورن » نام دولت فرانس بسرنگهای متحرک بحری تصادم خورده غرق ونابدید گردید . سپاهیان وعمله‌جات کشتی دریدناوت فرانس تماماً غرق شده‌اند حال آنکه تمام سپاهیان کشتیهای انگلیزی را دیگر کشتیهای شان از غرق نجات داده اند . ونیز کشتی « گولوی » نام فرانس را ازگوله‌باری استحکامات ترک نقصان شدید رسیده ونیز برتمام کشتیهای جنگی فرانس وانگلیز که در دردانیال مشغول پیکار بودند گوله‌های استحکامات ترک رسیده زده وزخمی نموده وکشتی جنگی « انکلیبل » نام انگلیز شکسته وبیکار شده است . تخمیناً پنجاه لک پوند ازین رهگذر به انگلیز وفرانس نقصان وارد شده .

خرابیها درپولیند

پتروگراد ۲۲ مارچ :— بسبب حمله‌های پیاپی‌وباران گوله‌های جرمنی درلهستان — یعنی پولیند نود وپنج شهرهای کلان روسی وچارهزار و نهصد ده‌ها وقصبه های ملک روس ویران وتباه شد که اندازهٔ نقصان آنها ده‌کرور پوند تخمین میشود .

نقصانات بحری

لندن ۲۳ مارچ :— رسماً خبر میدهند که تاکنون پنجاه وچهار کشتی تجارتی انگلیز یا غرق شده یا گرفتار آمده . ودوازده کشتی بسرنگ بر خورده غرق گردیده است . وبیست ودو کشتی را کشتیهای آبدوز جرمنی غرق کرده است . وعلاوه برینها چهل وهشت جهازات ماهیگیری بادی هم غرق وضایع شده است.

(قلعهٔ پرزمل)

پتروگراد ۲۲ مارچ :— رسماً خبر رسیده که قلعهٔ پرزمل را که درسرحد روس ومال اوستریا بود روسها فتح وتسخیر کرده‌اند .

﴿ خبرهای هندستان ﴾

کلکته ۲۵ مارچ :— گورنمنت هندستان یک قانون بسیار مستبدانه وجابرانهٔ بسیار شدید مارشل لارا درهندستان سرازنو جاری کرده که بموجب این قانون همه حقوق رعایای هندستان را درزیر انحصار دراورده‌است که بموجب این قانون هیچکس از رعایای هند بهمراه خارج ملک هندستان خط و کتابت کرده نمیتواند . واگر کسی اندا سخنی که موجب خوف وهراس مردمان شود . وسد راه کامیابی دولت متحده گردد بگوید یابکند بقتل میرسد وبرهرکس که ادنا شبهٔ وارد شود خانه‌وسرای وقلعهٔ اورا حکومت ضبط میکند وخود اورا حبس میکنند . ونزد هرکس که اسلحه وباروت ودیگر اشیای حربیه ظهور نماید موجب هلاکش میگردد حکومت خانه ودکان هرکه را که دلش بخواهد بلاپرسان وبازخواست تلاشی میگیرد . وهرکس که برخلاف دولت برتانیا سخنی بگوید ویاموجب خوف وهراس فوجی شود . ویا کسی را منع کند که درملازمت دولت برتانیا داخل نشود ویا کسی گفت که این قانون خوب نیست وبرخلاف این قانون حرکتی کرد ویا سخنی گفت اورا گرفتار کرده روبروی سه نفر افسر که مامور اجرای این قانون هستند پیش کرده بقرار جرمی که از دست او سر زده باشد یا بسزای قتل یا هفت سال حبس ویا کالاپانی میرسانند . از اعلان این قانون اهالی را یک تب وتاب ناامیدی وطپیدن بسمل پیدا شده است .

درچاپخانهٔ حروف دارالسلطنهٔ کابل طبع گردید

همه مقاله‌هائیکه دستخط ندارد ازطرف مدیر وسرمحرر تحریریافته

محمود طرزی

شرایط خریداری

دارالسلطنه		ولایات داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیهٔ کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

هرجائیکه باشد با اجرت پوست

قیمت سالیانه	ده روپیه انگلیزی	قیمت ششماهه	شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراک قبول نمیشود

یک طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

برهمهٔ کارداران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود: اگر از یک جا بدیگر جا روند ویا بند میباید که بیک رقعه مدیر وسر محرر را خبر بدهند که من در فلان جا بودم وحال در فلان جا میروم اخبار مرا درانجا بفرستید . هرگاه همچنین یک رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی . وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند . ویا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود برسر هر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر ازپنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبارها (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تایک سال نشر کردن خواهد ووجه یک ساله را پیشکی ادا نماید درورق پشتی برسرهر سطری ستار اجرت گرفته میشود

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا
یاد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از شکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خودرهائی یابیم ممکن نشد لهذا بادا کخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یک مقاوله نموده دا کخانه مشار الیه تقسیم و توزیع اخبار مارا که بهمه مشترکین کرام ما رساند درعهدهٔ جهت خود قبول نمود . مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را تبشیر و یاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای دا کخانه بخود شان میرسد .

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد
کتاب سال دوم « « « مصور مجلد
کتاب سال سوم « « « مصور مجلد
حج و اسلامیت
آیا چه باید کرد ؟
ادب درفن
توحید

این کتابهای فوق دراداره موجود است . هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشند باداره مراجعت کنند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

سیاحت دورادور زمین بهشتاد روز مجلد
سیاحت درجو هوا مجلد
سیاحت درزیر بحر مصور مجلد
ازهردهن سخنی وازهرچمن سمنی مجلد
روضهٔ حکم مجلد

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوق را داشته باشند ازخود مطبعهٔ عنایت درده افغانان از نزد عبدالرؤف خان سرمرتب واز دکان باز محمد کتابفروش دربازار ارک بقیمتهای معینی که درپشت هر کتاب نوشته است خریداری کرده میتوانند .

واگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوق را بکنند بمدیر سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند .

سراج الأخبار افغانیه
۱۳۲۹

نمارهٔ ۱٦ سال چهارم

فهرست مندرجات

بهاریه (

حوادث داخلیه
از شفاخانهٔ ملکی دار السلطنه کابل — ابنا التبیق — عجایب خلقت — از عکسهٔ واقعه نگاران —
از کوتوالی دار السلطنه کابل مرقوم شده — سیاحت از کابل تا قندهار —

ادبیات
(بزبان افغانی

علوم وفنون
(حکمت تاریخیه

حوادث خارجیه
اجمال — نقل از اخبارهای ایران — ورود قوای امدادیهٔ عثمانی — عثمانیها در کروس —
دلایل آلمان در تحت اجمال خویش عیدرا در آلمان چگونه باید گزرانید — در مراکش —
عزیمت پادشاه انگلیس — در مصر — بیرق عثمانی در مصر — شورش در تونس — نلمهٔ بزرگ
اسلامی — دزدی در مشهد — سفینهٔ انگلیسها از بحریهٔ خود — آخرترین خبرها از اخبارهای اردو

تصاویر
از منظرهای استانبول قصر دلارای بیگلربیکی — از منظرهای استانبول (الاطول حصار)
نام قلعهٔ جنگی قدیم در بوغاز بوسفور — از منظرهای هندوستان (تاج محل) نام بنای بسیار عالی
مصنع در آگره — از منظرهای هندوستان (لاهوری دروازهٔ قلعهٔ دهلی

از منابع پرورشهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جرنیل کارخانه جات، ماشین خانهٔ مبارك دارالسلطنه کابل علاوه براشیای حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه واونیفورمه هـا گرشاهانه وغیره، بعض دیگر مصنوعات داخلی که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت همایونی حکم فروش ان صادر گردیده است: محل فروش این چیزهای ذیل (دکان عبدالله خان دربازار ارك) میباشد.

(۱) سرج های پشمینه باف ورنگهای مختلف که قیمت آن از قرار کرانکرزی ۳ فوته مشخص شده در صندوقخانهٔ جنسی هم فروش میرسند

اقسام	قسم اول						قسم دوم					
درجه‌ها	درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم وقدری کلفت قیمت آن ۱۰ پیسه زیاده شده	
رقم	تاحال ساخته نشده		رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت			۷ روپیه ۰ پیسه	۶ روپیه ۱۱ پیسه	۶ روپیه ۴۲ پیسه	۵ روپیه ۴۸ پیسه	۶ روپیه -	۵ روپیه ۱۸ پیسه	۶ روپیه	۵ روپیه ۱۰ پیسه	۶ روپیه ۱۵ پیسه	۵ روپیه ۲۵ پیسه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار کرانکرزی | کشمیره چهارخانه ۷ روپیه ۳۵ پیسه | کشمیره رهدار هر رقم ۷ روپیه بیست پیسه

(۲)	جراب ها			﴿۳﴾ تکه‌های جری محراب ومنبردار		
رقم	تکتانکه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج	کلان فی‌درجن	میانه فی‌درجن	خورد فی‌درجن
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه	۶ روپیه ۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۵۵ پیسه

(۴)	کروره های جدید ساخت			
رقم	زه‌باف بغل‌اسپه دوقره دوناره	زه باف یك اسپه دو کره سه ناره	جرم باف یك اسپه	یك اسپهٔ جاز نارهٔ نخی
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲۴ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۶ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	جرم باف دسته بادامی دو اسپه	جرم باف دسته دولانه یك اسپه	دسته دولانهٔ یکی جاز اسپه	جرم باف همرکاب
قیمت	۴ روپیه و ۴۸ پیسه	۴ روپیه و ۴۶ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۴۳ پیسه
رقم	قبضه برنجی کلیت نقرهٔ توپخانه	قبضه کلیت نقره از جرم سه‌لایه توپخانه	زه باف رقم سواری سامی کلیت	زه باف دو نارهٔ رکابی
قیمت	۳ روپیه و ۵۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۷ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵۴ پیسه
رقم	رکابی ازنخ	جرم باف میانه چوب پت زنانه	از زین سواری تیغ جرمی	زنانه ابریشمی خیاطه
قیمت	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته بادامی تیغ جرمی	دستهٔ دولانه سامی برنجی کلیت نقره	از زین سواری دولایه، تیغ جرمی کچك دار	جرم باف مابین پت یك اسپه
قیمت	۴ روپیه و ۴۹ پیسه	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

﴿۵﴾	اقسام گلهای مصنوعی سر			
	گل جرین	گل نافرمان	گل برینه	گل شبو
قیمت	۵ روپیه و ۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۶ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قسم	شگوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل لسترن	جنبیل
قیمت	۷ روپیه و ۴۵ پیسه	۶ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه ۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شگوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گیدی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

﴿ المشتهر ﴾

(میرمحمد هاشم دفتری کارخانه جات)

(کمیدان نظامی)

صحیفه (۱) سال چهارم شمارهٔ (۱۶)

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

مدیر و سر محرری
محمود طرزی

اداره‌خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه اوراق تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
با مصارفات ڈاک ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مصارفات ڈاک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکدفعه نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یکشاهی است
(اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود)

تاریخ یکم جمادی الثانی ۱۳۳۳ تاریخ انگریزی ۱۶ اپریل تاریخ شمسی ۲۶ حمل ۱۲۹٤

(بهاریه)

کلام ادب‌پیام دیانت‌انجام حضرت طرزی صاحب مرحوم

« مقدمه »

جهان چنان شده گلزار از نسیم بهار
که موج گل بچمن برگذشته از دیوار
ز اعتدال هوا بسکه باغ شد مرطوب
ز سبزه آئینهٔ آب یافته زنگار
روان بپای درختان بصحن بستان آب
نمونه ایست زجنات تجریها الانهار
بباغ لاله بر افروخته چراغ منیر
شکوفه خوانده بگلزار مطلع الانوار
زجوش لاله و گل بسکه شد فروزان باغ
توگوئی آتش سوزان فتاده در گلزار
زبسکه هست درین فصل اعتدال هوا
زشعله لاله و گل میدمد بجای شرار
زشوق مقدم گل نعره برکشد بلبل
بپای سبزه کند غنچه جان شکوفه نثار
صبا بتهنیت آرد زصد هزار قدم
شمیم نکهت گل را ز جانب گلزار
زبوی گل شده گلشن نمونهٔ فردوس
زعطر گشته چمن رشک کلبهٔ عطار
بسان چشمه کنون از تنور جوشد آب
چنانچه هست روایت ز نوح در اخبار
شد از ترشح باران عذار شاهد گل
بسان روی عرقناک شاهد خمار
توگوئی از سر نو خون کوهکن زده جوش
زبس دمیده شقایق ز دامن کهسار
بحیرتم چه ادا گل بکار بلبل کرد
که یک زمان نشیند خوش از گفتار
ربوده طاقت و صبر و قرار از مستان
فغان بلبل و صوت هزار و نالهٔ سار
زنکهت سمن و وز شمیم گل شکوئی
صبا گشاده بگلزار نافه های تتار
عجب مدار گر از اعتدال فصل ربیع
دمد شکوفه ز شاخ شکستهٔ اشجار
فتاده در قدح لاله ژاله زانکه کند
ازان پیالهٔ سرشار رفع رنج خمار
بهر طرف متمایل شده چو مستان سرو
گرفته بازوی او باهزار دست چنار
درین بهار بگلزار گر گل اندامی
زروی ناز زند گل بگوشهٔ دستار
بود همان ترو شاداب آبهار دگر
ز اعتدال هوا و طراوت سرشار

(گریز بحمد باریتعالی جل و علی)

بباغ سوسن آزاده با هزاران شوق
زبان گشاده به تسبیح خالق جبار
بزرگوار خدائی که انفس و آفاق
بوا حدیت ذاتش همیکنند اقرار
بجنب هستی او هرچه هست باشد نیست
که لیس فی وسط الدهر غیره دیار

زصنع قدرت او آیه ایست هفت فلک
زجود رحمت او قطره ایست هفت بحار
نمونه ایست زلطفش بهشت و حور و قصور
شراره ایست زقهرش جحیم و دوزخ و نار

• احوال قیامت •

چو نفخ صور سرافیل بانگ بر دارد
شود زهیبت او محو از جهان آثار
که خطبهٔ لمن الملک را جواب دهد
بجز خدای که لله واحد القهار
کجا نشان حیاتی نماند از ذیروح
بروز گار نهاری نماند از جاندار
بساط سبع سماوات را بهم پیچند
بسان صفحهٔ قرطاس و کاغذ طومار
همه زوال پذیرند غیر ذات خدای
قدیر و قادر و پروردگار لیل و نهار
زترس و بیم پدر را نه شفقتی به پسر
زخوف و رعب نه معشوق را امید از یار
فغان و ناله کنند انبیا که وا نفسا
بخویشتن همه مشغول زانشان بزار

• کیفیت شفاعت •

دران مقام کسی را نه رحمتی برکس
بغیر احمد مختار (ص) و عترت اطهار
زیک طرف حسنین و زیک طرف زهرا
زیک طرف سر اخیار چار یار کبار
همه گرفته بکف گیسوان مشک افشان
همه کنند بجان لفظ امتی تکرار
گشاده دست شفاعت بنزد خالق خلق
که رحمتی بنما سوی امت ای غفار

• نعت شافع روز جزا علیه افضل التحایا •

اگرچه مدحت ذاتش نه حد همچو منیست
بقدر دانش خود شمهٔ کنم اظهار
محمد عربی شاه خطهٔ لولاک
که هست زمره پیغمبران سرو سردار
محمد عربی باعث وجود جهان
که بود همچو بدر زمهاجر و انصار
محمد عربی آنکه از کمال شرف
بود شریعت او تا که کون را معیار
محمد عربی آنکه از ره معنی
ز انبیاست مقدم ز اولیا سالار
محمد عربی آنکه خاک نعلینش
بود زروی شرف سرمهٔ اولی الابصار
مرا که هست چنین سرور شفاعتخواه
چه باک زآتش سوزان و خوف روز شمار

• مناقب چاریار کبار رضوان الله اجمعین •

زبعد حمد خدا نعت خواجهٔ دوسرا
شنو مناقب و اوصاف چار یار کبار
پس از مدائح صدیق و حضرت فاروق
کنم محامد عثمان و حیدر کرار
چهار کان سخا و چهار بحر عطا
چهار راهنما و چهار شرع دثار
یکیست هادی ایمان یکیست جان جهان
یکیست جامع قرآن یکیست فخر کبار
چهار رکن حطیم و چهار عرش عظیم
چهار در یتیم و چهار شرع مدار
یکیست صاحب غار و یکیست عدلشعار
الا یکی سپهر وقار و یکی شه کرار
ازین چهار یکی گر کسی خلاف کند
سیاه باد رخش نزد خالق جبار

• اعتراف عجز و دعا •

چو نیست حدتو طرزی مدائح ایشان
خوش باش و بعجز و قصور کن اقرار
بمصطفای معلی و آل و اصحابش
درود و رحمت حق باد تا بروز شمار
همیشه تا که بود در چمن بفیض نسیم
زشبنم سحری رعذار گل اقطار
محب آل نبی سرخ روی و خندان باد
چنانکه گل بچمن شگفته بفصل بهار
عدوی دولت اسلام زار و غمگین باد
بسان نرگس بیمار دایما بردار

حوادث داخلیه

از شفاخانهٔ ملکی دارالسلطنهٔ کابل

«ایستاتستیق» — یعنی جدول حساب — است که از نوروز سنهٔ گذشتهٔ ١٣٣٢ تا پایان نوروز سنهٔ ١٣٣٣ عدد مریضان را که به شفاخانهٔ ملکی مراجعت کرده اند نشان میدهد :

(١) — مریضانی که هر روزه سردستی تداوی شده اند ٣٥٣٥١
(٢) — مجروحینی که هر روزه سردستی تداوی شده اند ١١٨٦٦
(٣) — اطفال که در ظرف یکسال خال چیچک زده شده اند ٤٣٢٧
(٤) — مریضان خوابانده گی که برای تداوی در ظرف یکسال بشفاخانه قبول شده اند ١٧٤

(۵) — مریضانی که شفا یافته واز شفاخانه بیرون کشیده شده اند ۱۴۵

(۶) — مریضانی که هنوز درزیر تداوی میباشند ۱۱

(۷) عملیات جراحیه مهمه وکلانی که در شفاخانهٔ ملکی اجرا شده است ۵۵

جمع کل همه تداوی شده‌گان ۵۱۸۳۹

§

وفیات

(۱) بیمارانی که بعد از عملیات فوت شده اند ۴

(۲) — بیمارانی که از دیگر مرضها فوت شده‌اند ۱۴

جمع کل همه وفات یافتگان ۱۸

§

تفصیلات وفیات

ازین چارنفر مریضی که بعدازعملیات فوت شده‌اند دونفر آن بچنان حالی که وجود شان زهرناك شده بود بشفاخانه مراجعت کرده بود. اگر چه عملیات اجراشدولی حیاتش رهائی نیافت. یك مریض دیگر نیز پیری که از سالهای زیادی از مرض مثانه مشتکی بود، وگرده هایش به التهاب متقیحه، ومثانه اش بعلت سرطان مبتلاشده‌بود. بعداز انکه مثانه‌اش باز کرده شد ودیده شد که قابل عملیات نمیباشد پس بسته شد. بعد ازعملیات درظرف ۵۳ ساعت از سبب تسمم بولی وفات یافته است. بیمار چارمین، یك مردی بود که جاغور بسیار بزرگی برایش پیدا شده‌بود. عملیات فوق‌العادهٔ آن به بسیار کامیابی وخوبی اجرا کرده شد. و آنمرض بوغمهٔ جاغورش التیام یافته نزدیك بجوری رسید. امادفعةً بمرض ذات‌الریه گرفتار آمده بعدازعملیات به ۱۴ روز وفات یافته است.

عملیات خورد وریزهٔ که بدون قوروفارم — یعنی دوای بیهوشی — اجرا شده است درین حساب داخل نیست.

§

خلاصه

عدد مریضانی که بحساب وسطی هرروزه بشفاخانه می آیند ۹۷

مجروحینی که هرروزه می آیند ۳۰

جمع کل روزانه ۱۲۷

جمع جمله مریضانی که درظرف یکسال برای تداوی بشفاخانهٔ ملکی رومی آورند (۵۱۷۱۸) نفر است. بیمارانی که بصورت رسمی — یعنی سرکاری — رفت وآمد دارند داخل اینحساب فوق نمیباشند فقط.

عجایب خلقت

تحریراتیست که از طرف محترم دوکتور میر بیك خان سر طبیب وافسر شفاخانه ملکی بهمراه‌النستیق فوق بما رسیده است.

درخانهٔ حاجی «صدرالدین» نام شخصی ازساکنان قریهٔ «ده مزنك» کابل تولدیك پسری بوقوع آمده که طفل مذکور از منفذ طبیعی — یعنی مقعد — سراسر محروم بوده‌است. چنانچه عادت واصول انجاست یك دلاك رو آورده چارهٔ آنرا طلب میکنند. دلاك آقا نیز هاندم پاکی خودرا از کمر کشیده ازیك جائی که خیلی دورتر ازمقعد طبیعی بوده باشد بتمام بهادری ودلاوری پوست‌را پاره میکند وچون از سوراخ مقعد هیچ‌اثری پیدا نمیشود پس گردن خودرا خاریده پی کار خود میرود.

اینجا بسا ازان مردمان بیچارهٔ هستند که بخانهٔ شان اولاد نیامده، واگر آمده بسبب های مختلف ضایع شده، وبی‌اولاد مانده‌اند. دربسیار که صاحب اولاد شده اند چون دیده اند که بسبب این عارضهٔ بی‌مقعدی آنهم یك مرگ محقق معروض میباشد درجهٔ غم واندوه پدرومادر بیچاره‌را قیاس باید که بچه درجه خواهد بود. اینچنین غمهارا آنکسانی درك وقیاس کرده میتوانند که بدرد و غم اولاد دلشان کباب شده باشد! مصیبت دیگر این بیچاره‌گانرا بهبیند که ازموجود بودن یك شفاخانهٔ که ازینقدر سالها بسایهٔ مرحمت پیرایهٔ ذات اعلیحضرت (سراج‌الملة والدین) صدها هزار بیمار دران تداوی شده ومیشود نیز خبردار نبوده اند. نمیدانم که آیا برچنین بیخبری خنده باید کرد، یاافسوس؟ بهرصورت: یکی ازدوستان حاجی صدرالدین که ازمتعلقات شفاخانهٔ ما میباشد حاجی مذکوررا برموجود بودن شفاخانه خبرداده، واورا سفارش وتشویق نموده طفل مذکوررا که ازتولدش پنجاه ساعت گذشته بود برداشته بشفاخانه آوردند. چون دیدم که این مسئله خیلی شایان اهمیت است، وزودی وتیزی دران بکار است همانساعت بیدرنگ عملیاتش را اجرا کردم.

چنانچه اولا از پوست آغاز کرده نسج حجروی تحت‌الجلد و«صفاقات» — یعنی پرده های نازك عنکبوتی که گوشتهارا پوشیده است. و«عضلات» یعنی گوشتهارا طبقه به طبقه پاره کرده تابه «پروستات» — وپشت مثانه، تخمیناً زیاده ازچارسانتیمترو وبقدر سه انگشت می آید دریك نقطهٔ بسیار عمیق آخر روده را پیدا کرده توانستم. شکم طفلك پنجاه ساعته بیچاره طبعاً ازجمع آمدن غازات یعنی گیسها پرباد وآماسیده شده بود، وازدرد بسیار گریه وناله دوام میورزید. در جائی که روده را یافته بودم مجبور شده روده‌را پاره کردم. ازشگافی که حاصل شد مقدار بسیاری از گیسها ویك موادسیاه رنگی بیرون برامد. آماسیده‌گی شکم فرونشست وطفل بیچاره نیز از گریه آرام گردید.

بعد ازان این کار باقیماند که مقعدرا اصلاح ودرستی داده برای اجرای کار طبیعی آن کار آمد بسازم. لهذا التصاقات — یعنی چسپیدگیهائی را که ازان نقطهٔ عمیقه به اطراف حاصل شده بود گاه باانگشت وگاه باآلات جراحی باز کرده، روده را بدرجهٔ که لازم بود بپایان کشیدم، ونوك‌های آنرا بپوست دوختم.

بعد از بست ومجروز زخمهایها التیام‌پذیر گردید ، وامروز قریب دوماه میشود که آن طفل نوزاد بکمال صحت بوده فضلاتش نیز از مجرای صنعی که حال طبیعی را گرفته است بخارج دفع میشود.

اینچنین وقوعات بین انجنین ولادتهائی که طفل نوزاد به این کیفیت تولد یابد اگر نادرات نیست ، ولیکن محصور ماندن روده درینقدر جای عمیق از وقوعات بسیار نادری شمرده میشود . اگر شفاخانهٔ ملکی نمیبود برای این طفل بحسب ظاهر زنده‌ماندن محال میبود . لهذا این مرحمت عام وحیات بخشیٔ اعلیحضرت پادشاه کثیرالانعام است که بانیٔ حقیقی وحامیٔ اعظمیٔ شفاخانهٔ ملکی میباشند . آیا دعاها ونیازهای دلسوزان دلخستگان که بدرگاه حضرت پروردگار عظیم الشان درحق اعلیحضرت پادشاه با مرحمت وپدری شفقت خود شان رفع بارگاه کبریا نمایند چسان مظهر حسن قبول نخواهند شد ؟ .

درینجا چیزیکه بحصهٔ من میرسد این است که سبب جلب کردن دعاهای خیریت‌انتهای رعایا وبرایای شاهانه برای ذات اعلیحضرت ملوکانهٔ شان میشوم که برای این عاجز بزرگتر ازین فخر ومباهات تصور نمیشود . ومن الله التوفیق . تحریر فی یوم پنجشنبه ۲ شهر جمادی الاول سنه ۱۳۳۳

« از محکمه واقعه نگاران »

واقعه‌نگار کهمرد وسیغان مورخهٔ ۲۲ ذی‌حجة‌الحرام ارسالی خود نوشته است — لعل محمد نام ولد کریم ساکن باجگاه را مرضی واقعه شده که بروز سه‌شنبه ۲۱ ماه حال محل سه‌پهرروز دفعتاً از زبان گنگ گردیده و کوشش‌های اندام های خود را بدهن می کند صبح روز مذکور فوت شد عمر آن تخمیناً سی‌ساله بود —

واقعه‌نگار مزارشریف مورخهٔ ۲۶ ذی‌الحجه الحرام ارسالی خود نوشته است — از تاریخ ۲۴ ماه ذیقعده الحرام الی ۲۱ ماه ذیحجه باران های زیاد و متواتر باریده خرمن‌های گندم وغیره اهالیان همه بدشتها بود وخراب شده از باعث باریدن باران ها نقص زیاد برای مردم زراعت کار صفحه ترکستان رسیده است فقط

واقعه‌نگار هرات بعریضه مورخه ۲۵ ذیحجه الحرام ارسالی خود نوشته است که یوم شنبه ۱۸ ماه حال بعد از نماز شام الی نیم‌شب باران بسیار شدید باریده صبح آن در نهر انجیر وجوی نو سیلاب آمده بخانه های دهقین آب درآمده خود نائب‌الحکومه هرات همراه نفری زیاد رفته آمد سیلاب را ازدوی بسته نمود که خلوق خداوند از ضرر آب فارغ گردیدند والا نقص وخرابی زیاد می نمود فقط

مورخهٔ یکشنبه ۱۲ ماه جمادی‌الاول سنه ۱۳۳۳
از کوتوالی دارالسلطنه کابل مینویسند

اینکه عالیجاه محمد قاسم خان کلانتر گذر مراد خانی بروت الاطلاعی یوم شنبه ۱۱ شهر حال خود تحریر کرده که یوم جمعه ۱۰ شهر مذکور در کوتهٔ دیوار خانه حسین بچه کر — وسنج پام وطاق خانه شربت نام زرگر برق سماوی رسیده، بعضی جاهای خانه های مذکور را اندک اندک سوخته گی و خراشه شده — وازصدمهٔ برق مذکور خود حسین صاحب خانه — ومرور نام هزاره ولد غلام رسول که دوساعت بیهوش گردیده — بعده بهوش آمدند بدیگر جاها فضل الهی ضرر ونقصانی واقع نشده — فقط

« سیاحت از کابل بقندهار »

(مابعد از شمارهٔ ۹)

[— ۲ —]

(ارغندی — میدان)

شب در رباط بانجات مامن ومألف بودیم . مرا خواب نمی آمد افکار پریشانه حواسم را افگار میساخت . زیب زیب اسپان مخل سکوت شب میشد این شب بمن سخت گذشت . زیرا شب اول سفر اول منست . چون بیدار ودر انتظار بودم شب دراز شد وشب سحر دامانکشان ایستاده بود . علاوه درخیالات شاعرانه من صبح شد . این روز قیامت است شب نیست .

علی الصباح بعد از ادای صلوة در مسجد رباط بوقت طلوع آفتاب معادل ساعت (۶) بار قافله بسته شده برو براه آوردیم وازرباط خودرا تا سرک رسانیدیم . وازرهان سرک رفتار داریم . من که گاه روی خود گردانیده درختها ، خرمن های بلند بعضی حصص چار دهی را نظاره میکردم . قدری راه رفتم که پشته سنگی سنگ پشت مانند چون سنگ تفرقه فلک در میان افتاده چهاردهی از نظرم مستور ومرا مهجور ساخت . ! . . . .

امروز چیزیکه جلب نظرما می کند ، همانا قطعات سبز وقلعه جات « ارغندی » ست ، که درخت غلو وسبز آن از دور اظهار آباد بودن آنرا می کند

ارغندی چهار کروه از « قلعهٔ قاضی » مسافه دارد ، قبل ازانکه ملجأ مسافران یعنی رباط خوش بساط ساخته شده بود اکثرمسافران ازقلعهٔ قاضی گذشته درمقام ارغندی قریب‌دهات شب میگذشتاندند .

برسر راه اینجا یک مقام « خرج گیری » واقع ومشهور به « چوکی ارغندی » میباشد . کمی گوش نهیم درعقد چها میشنویم:

چون صدای درای قافله بگوش ملازمان (خرج گیری) درامد ، فی الفور ازدرون « کوته » برآمده باهیئت عجیب وصدای غریب ، باشید ! ایستاده باشید ! که معنی توقف رااعلان مینمود از چار پنج دهان بیکبارگی خارجشده قافله مجبور بایستادن شد . دانستی که اگر همچنین پنج صدای متواتر بگوش قافله نمیرسید گاهی نمی ایستادند . زیرا چون از قلعهٔ قاضی برآمدیم در قافله همین ذکر بودکه درچوکی ارغندی چه خواهیم کرد ؟ وچسان خواهد شد ؟ زیرا ایشان در خرجین ها بعضی اشیای تجارتی پنهان ونیمه(۱) دارند ! . . . لهذا مشوش میباشند ! ! . . .

از فریقین حرکات وسکنات غریبی مشاهده افتاد ، مردم قافله سامی کیک بارگیرا بکذرانند وملازمان خرجگیری جهدمیکنند که بارگیری نگذرد ولهذا طرفین باطوار غریبه صداها وگفتگوها می کنند . پس از گفتگوهای بسیار یک شخص از طرف قافله کفت چه سخن است ؛ تنها هم شیرنی خود را گرفته قافله را بکذارید تارود ، ایشان گفتند خوب است چه گفتگوی باقی می ماند

بعد ازان دو سه نفر سوداگر ازقافله به « گوتهٔ خرجگیری » داخل شده بعد ازساعتی توقف پس آمده همه قافله گذشت تمام اهالی دیدند که خرجین هارا پالیدند ! .... حقیقة که

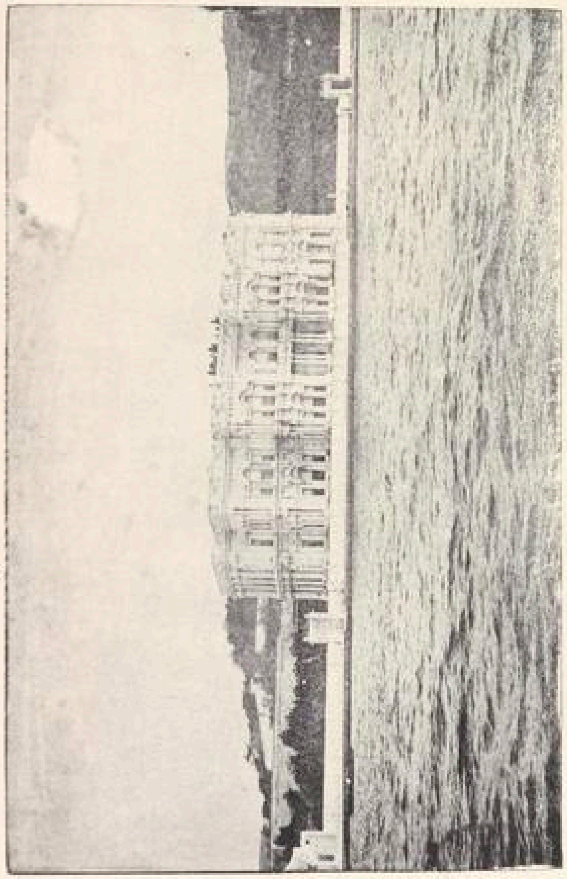

از منظرهای استانبول
قصر دلارای بیکلربیگی از بناهای سلطان عبدالعزیز خان مرحوم
در جهت ساحل اوروپای بوغاز بوسفور

شیرنی عجیب مزه دار چیز بود !! ..... !

§

امروز هم در دامن کوه ها ودره ها رفتار داریم ولی آهسته آهسته میرویم کمی راه رفته بودیم که یکبار زمین وسیعی سراسر خضرا ، انهارش روان ، بادش فراوان ، چنارش بخجهٔ سرو در آزادی تافته ، وباغهایش یاد ازخلد داده ازدور چون صفحهٔ لوحهٔ نکاشتهٔ رسام شهر قدرت بازیب وزینت بوده واز نزدیک درصفائی وخوشهوائی بوی از (میدان) جنت ربوده . ! ...

پرسیدم اینکدام جای است ؟

گفتند : — آیاتام ، میدان ، را شنیده اید

حقیقة که خوش میدانی است ! ... ولی

(مظهر)

بابی فرصت چه حظ باشد زسیر گلستان مارا
که رفتن لازم افتادست چون آب روان مارا

بطرف غرب وشرق آن دو کوه عظیم الشکوه واقع است طول میدان از شمال بجنوب است . مردم میدان بزبان اصلی افغانی خود تکلم میکنند . وکذران آنها درقلعه ها میباشد واین رسم قلعه ازان است که چون ازقدیم ایشان بنزاعهای مابین وخارجی مشغول بودند وشب وروز به کشت و خون خود ها مشغوف میبودند ازبیم شبخون یکدیگر چند خانه هارا محاط یک چار دیواری ساخته دروازه آنرا شب می‌بستند ودفع حمله و تربور(۱)های خودمیکردند . اینست که تاحال همان رواج ساختن قلعه‌ها دراینجاهست که هرقلعه بنام شخص مشهور آنجا معروف میباشد ماازدامان کوه شرقی رفتارداریم که جمیع میدان رابی کم وکاست مشاهده میکنیم . رو بطرف جنوب داریم . ازطرف دست چپ مقبرستانهای مردم میدان که به اصطلاح افغانی آنرا « هدیره » میگویند واقع است . برسر دوسر قبرسنگهای باریک بسیاردراز برخلاف مزارهای پشته که دیده بودیم میدیدم وتعجب میکردم .

(باقی دارد)

ع . م

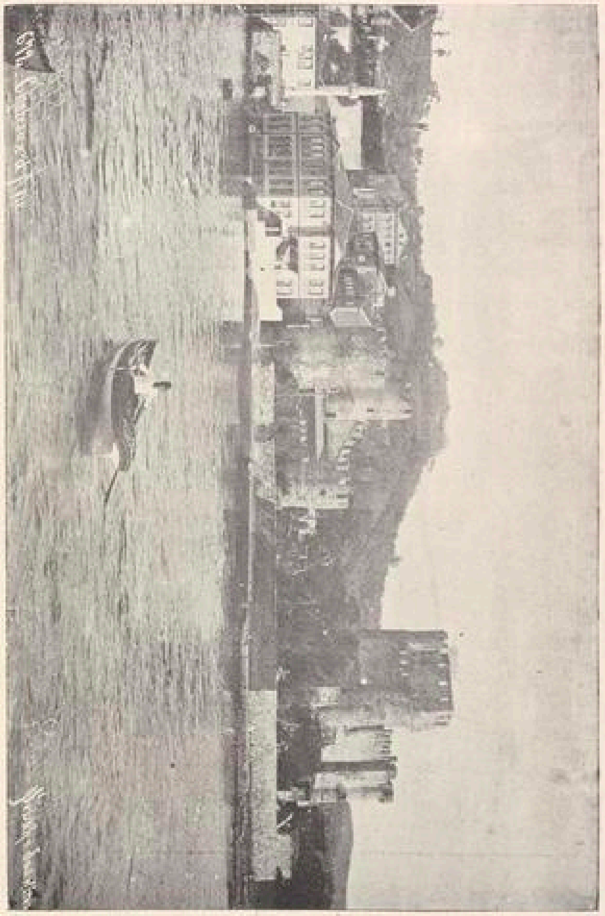

از منظره های استانبول
(اناطول حصار) نام قلعهٔ جنگی قدیم در بوغاز بوسفور

ادبیات

زبان افغانی

(بحالت امروز دنیا یك نظر عبرت)

ته کره دا زمکی گوره   نظر وکه زما وروره
څه عجبی آوازی دی   رنګارنګه ننداری دی
عالم توله دی په شور کی   مردو زن په شور ماشور کی
د بعضو ځ ترق نه —   د بعضو داو پیتی نه —
زنی نور ملکو ته نسی   زنی خپل سا تلای نسی
بعضو لوی تهدای کښیښو و   بعضو خپل رهځای پرېښود
زنی وا لوته هـواته   زنی شوه پر زمکه پاته
یو عجب رنګه احوال دی   شور ماشور او قیل مقال دی
دنیا ده پر شور را غلی   تو پدلی قهر پدلی —
لوی دول چه پر دنیا دی   په یورپ که په ایشیا دی
تول په جنګ ـ ه اخته دی   په سره وینو آغښته دی
پر (دنیا) زخپل سرتیر دی!   خانه من په بالکل هیر دی!
په یورپ کی زلزله ده   سینه روزو په تور شپه ده
د جرمن پر غلبه ده —   زمکه سره دودی پر شپه ده
بل دی هر چیری تو رونه   د تو پو ګزی وا رونه
په هوا دی جها زونه   په اوبو کی آبکو تونه
هم زمکه دی زیلونه —   په دښتو کی موټرونه —
د تو پو تور دی بهار دی   دسرو کرچو شرپهار دی
د توپکو تنګ هار دی   د مردو کو شرنګ هار دی
هم دیا سه بمان او ری   هم کښتی بلادی تو ری
لوی عظیم مهلك تو پونه   دیر مدهش آوازونه
پر دشمن کـوی وارونه   وراته وی هر یو شپړونه
په لکو عالم قتلیږی ..   په لکو هم اسیر یږی
دقر تو لوی دولتونه —   د عمر و سلطنتونه —
په یوه آن کمی بر باد —   د دشمن په زره سی شاد
شه بر باد قوم په خراب سی   پیش عظیم لوی اضطراب سی
یو سه بل را سته —   سی خپور بل ابتدا ده
د بلجیم وحال نه گوره   له دی حالهدی خدای ژ بوره
په یوه آن سو بر باد —   د جرمن زره سو په شاد
یو عجیب رنګه احوال دی   یو غریب منقلب حال دی
جرمن دی خدای کار لی   روس انګرزئی شکار لی
روسیان زاری (زار) زاری کی   جرمن خاندی خوشالی کی
انګرزان په ویر آخته دی   دیر مغموم خو را خپه دی
په فرانس کی ولوله ده —   د جرمن پری غلبه ده —
الحاصل چه یو احوال دی   چه تعبیر په دیر محال دی
خوشحال دی مسلمانان   خصوصاً بیا افغانان

چه عجب یو ښه فرصت دی   خدای را کړی غنیمت دی
همت کوره د تر کانو —   د روسیانو عثمانیانو —
بیدار مغز کملان دی   با غیرت عاقلان دی
د سلطان همت ته گوره —   مردانه غیرت په گوره
د همت توره یه کښل   د غیرت په لاس نیولی
آفرین دی رحمت وی   صد تحسین دی پر غیرت وی
چه فرصت په کی پیدا   و روان سو په رښتیا
عربی وکی ور رهی سو   مقابل هم د روس سو
زنی وی نیولی قفقاز   په مطلب سو سر فراز
هم پر مصری حمله کړی   هم پر سوئز په چپه وری
بل بل ښه فرصت دی   خدای را کړی غنیمت دی
عطنا سوی دی له لاسه   مفت په مه باسی له لاسه
ای زما برادرانو !   ای جمله مسلمانانو !
شه فرصت دی خدای را کړی   شه نعمت په عطنا کړی
چه نفاق سره اخته دی   په سرو وینو آغشته دی
شکری وکی چه سی زیاد   کافران سی تول برباد
همیشه شه فرصت نه وی   بل بری پر څښتیم نه وی
کاهی کاهی سی پیدا   مردانه نه وی پر دنیا —
تیر کلونه که نظر   په احوال که زمان خبر
چه پر موز بادی څه حال وو   پریشان زموز احوال وو
د کفارو غر غری وی   شپه وو رواز پر موز لعری وی
زخوله تیری پی کولی   لاق شاق بی وهل —
و حسرم نه بی نسبت —   دوی ککوه په جمیت —
خدای اخته کره اوس بخپله   سره وژنی بوله بله —
داد خـدای مهربان ده   دخالق نګهبان ده —
چه یو موز گرو زنی خلاص   شکری وکی په اخلاص
بل بل مهربان دی —   د مظلومو نګهبان دی —
له ظـالم انتقام —   اهل دی همیش مدام —
ای بادی پرور دګاره   ای قادر ای غفاره —
خوار (افغان) ناله زاری کا   بیا زاری په عاجزی کا
موز تنګ کی له آفاتو   له جمله آفاتو —
په سایه کی موده شاه   زموز امیر حبیب الله —
آسوده لری ای خدایه   ای هادی او رهنمایه

تحریرات دمصطفی
محمد مجتبی (س)

سه شنی اومه ددو پی خور سنه ۱۳۳۳
په مدرسهٔ شاهی کی (صالح محمد)

(حکمت تاریخیه)

یك نظر بسوی اوایل قرون وسطی !

درشمارهٔ ۸ سال چارم خودیك مقالهٔ درزیر عنوان «حکمت تاریخیه» در قید تحریر آورده، وعده کرده بودیم که بعدازاینهم گاه گاهی درزیر این عنوان بعضی معلومات تاریخیه دربیشگاه نظر قارئین کرام عرض خواهیم نمود. لاجرم چنانچه درآنبار ازقرون اولی چیزی چیزی بیان نمودیم دراینبار از اوایل قرون وسطی بعضی احوالات تاریخیه‌را مینویسیم. ماقبل ازآنکه بمقصد شروع نمائیم یك دو کلمه درباب «تقسیمات تاریخیه» بیان میکنیم تامعلوم شود که مقصدما از (قرون وسطی) کدام مدتست :

مؤرخین این اعصار جدیده «تاریخ عمومی» را برسه قسم تقسیم کرده اند :

(۱) — اززمان خلقت عالم — یعنی اززمانهای مجهولی که تاریخ آن ضبط وثبت نشده است — تابانقراض دولت امپراطوری «رومهٔ غربی» مدتی‌راکه مرور نموده است «قرون اولی» وبنام دیگر «ازمنهٔ متقدمه» میگویند.

(۲) — اززمان انقراض دولت امپراطوری «رومهٔ غربی» تابه انقراض دولت امپراطوری «رومهٔ شرقی» — یعنی تاوقت فتح قسطنطنیه ازطرف دولت عثمانی — «قرون وسطی» وبنام دیگر «ازمنهٔ متوسطه» میگویند.

(۳) — ازفتح قسطنطنیه تااینزمان‌را که مادران موجودیم «قرون جدیده» وبنام دیگر «ازمنهٔ متأخره» میگویند.

«قرون» جمع «قرن» است. یك قرن یك عصر عبارت ازهمان مدتیست که ازیکصد ویکم سال تابه یکصد ویکم سال دیگر مرور نماید — یعنی یك قرن، یك عصر عبارت ازیك صد سال است.

فن تاریخ از مهمترین فنون و علوم متداوله شمرده میشود. ولی شرط اعظم آن همان است که درمقالهٔ سابق بیان شد یعنی انسان بخواندن بری، ومطالعه سرسری آن اکتفا نورزیده بدیدهٔ حکمت وبعین بصیرت تماشا کرده بخواند. واز خبرهای آن مخبر احوال عالم — یعنی علم جلیل تاریخ — بتطبیق احوال سابق‌را باحال کوشش ورزد. وازین مجموعه مدنیت ارشاد، خذما صفا ودع ماکدر، را پیروی کرده سخنان عبرت آور حکمت پرور آنرا رهبر نجاح وسعادت سازد. حال بهمین قدر یك مقدمه اکتفا ورزیده باصل مقصد رجوع مینمائیم :

§

در آخرهای عصر ششم میلادی قطعهٔ عربستان باممالك دو دولت بسیار باشوکت و عظمت باثروت وهیبت همجوار بود که یکی دولت «امپراطوری رومهٔ شرقی»، ودیگری دولت شهنشاهی ساسانیان ایران بود. لکن ملت این هردو دولت بواسطهٔ حرکات ناشایسته، واعمال سفیلانهٔ امرا وحکام خود شان یکسر بسوی یك گرداب نایاب مدهش محو وانقراض غلطان غلطان همی رفتند. اقوامی که درزیر حکم این دودولت عظیمه بودند بازیچهٔ دست هوا وهوس «رشتی» حکام خود شده بودند. اگرچه ازهردو حکومت معظمه درظاهر حال خیلی باشوکت وپرحشمت دیده میشدند، وملاك قصرهای زرنگار، وکاشانه‌های مشعشع شان بودند، دبدبها وطنطنه‌های شان داستان عالم شده بود. اما درحقیقت حال این هردودولت پوسیده گی، وتعفن پیدا کرده بودند. اعمال ورعایای هردو حکومت درزیر بار جهالت وسفالت میده وکوفته شده بودند. میکروبهای «پنهانی» مرض جور وظلم، بنیاد واساس آن هردو امپراطوری جسیمه را چنان جویده بودند که مانند یك چناری اجوف وکاواکی ساخته بود. مرهر طرف مملکت ازآزار ظلم وملك مردم خوری «حاکمهای خرد وکلان» یك حال خرابه زاری درامده بود. افراد رعایا درزیر بار مظالم واحتیاج بدرجهٔ محو واضمحلال رسیده بودند. مال، جان، عرض، حتی همه زندگی نیمه واهالی درپنجه‌های خونریزی بعضی کار داران بی وجدان مانند بازیچه مانده بود. داء بیدوای جهالت وبیخبری باهمه قوت وشدت خود دماغهای اهالی‌را افسرده وخوابانیده، وقوهٔ فکریه ومعنویت شانرا ازبیخ وبن برافکنده بود. درمیان اهالی هیچ کسی نبود که بداند یك بداند — یابخواهد که بفهمد — که آیا چه میشود، وچه خواهد شد. وبکجا میروند، وبرای چه زندگانی میکنند؛ همه کس باین مسئله راسخ الاعتقاد شده بودند که حاکمها صاحب ملکند، وخود شان غلام واسیر آنها میباشند. ودرخصوص چنان قناعت وعرض تسلیمیت کرده بودند که این احوال حاکمها وخود شانرا از حقوق طبیعیهٔ لازم ولابدی میشمردند!

دولت «ساسانیان» که قبل ازهجرت نبوی صلی الله علیه وسلم به ۳۹۶ سال تأسیس یافته، وبعد از هجرت تابه ۳۰ سال دوام ورزیده بود آخرترین دولتهای ایرانست که درقرون وسطی تشکیل یافته است. آغاز آن به حکومت «اردشیر» وانجام آن حکومت «یزدگرد» است که بعد از محاربهٔ «قادسیه» ازدست عساکر اسلام قتل رسیده استقلال دولت ایران را خاتمه داده است.

برای تمثال عبرت در دولت ساسانیه از حکومت «بهرام» پنجم که مشهور به«بهرام گور» بود چیزی چیزی بحث مینمائیم:

بهرام گور، چاردهم پادشاهست ازپادشاهان دولت ساسانیه که در ایران حکومت رانده اند. بتاریخ ۴۳۸ میلادی برتخت

سلطنت جلوس کرده ، ومدت ۱۸ سال بکمال دبدبه وطنطنه وتمام عیش وعشرت پادشاهی کرده است . فردوسی درشاهنامه ، ونظامی درهفت پیکر نام آنرا دیبهٔ گرانبهای خود شان بابیی مبالغات شاعرانه ، ونکته پردازیهای ادیبانه ازان بحث رانده اند که ما ازان همه تفصیلات صرفنظر کرده تنها بصورت اجمالی همینقدر میگوئیم که عامل یگانهٔ خرابیٔ دولت ساسانیهٔ ایران همانا عیش پرستی وشکار دوستی ، ومحبوبه خواهیٔ بهرام گور گردیده است . بهرام در حد ذات خود یك پادشاه باعدالت وحقانیت ، وصاحب قوت وجسارت بود ، ولی بسببیکه هواوهوس وعشرت پرستی برطبعش غلبه نموده بود همهٔ امور سلطنت خودرا بدست چند نفر وزران بی وجدانی که برانها ازدل وجان اعتماد کرده بود تسلیم نموده خودش هیچ دماغ سوزی درامورات مهمهٔ سلطنت نمیتوانست نموده آن چند نفر وزرا ووکلا یك شرکت مالپرستی برای نفس خود تشکیل داده ملك ورعیت را پامال وخراب نمودند . همهٔ منافع ومداخلات خزینه درمابین همان چند نفر شرکا تقسیم گردیده یکمقدار بسیار جزئی بخزینه داخل میگردید که آنهم الا بمخارج هوسات پادشاه کفایت میکرد . دائماً مقصد یگانهٔ آن کومپانیٔ خاین همین بودکه ملکهارا بمقابل رشوتهای معین ومقرری که برای هر حکمرانی تعیین کرده بودند بطریق اجاره گویا میدادند وآن حاکمها در اجاره رفته اول کار شان همین میشد که بحاصل کردن رشوتی که داده بودند کوشش ورزند . بعد ازان درپی سه چهار مثل آن مبلغ را برای کافی کردن خود میکوشیدند وباز ازبرای آنکه معزول نشوند تدارك دیگر رشوت برای کومپانیٔ مرکزی میپرداختند که باینصورت اهالی مانند کالبدهای بیجان گردیده قریهها قصبهها بحال خرابه زاری تحویل می یافت .

بهرام دراصل فطرت چون یك پادشاه باعدل وداد ، ومحب ترقی وسداد بود اگرچه این نا گوارهارا حس میکرد اما عیش دوستیش اصلاحات را بتعویق می انداخت . تا آنکه پند یکی ازموبدان موجب بیداری غفلتش گردیده ، ودفعةً به ترك عیش وعشرت گفته کمرهمت اصلاحات ملك را تنك برمیان بربست . خائنان دولت را یکان یکان بعقوبات شدیده مجازات نمود . خرابهارا به آبادی تبدیل داد ، بعد از اصلاحات داخلی بفتوحات خارجی آغاز نهاد ، وتا بهندستان توسیع ممالك نمود .

در خصوص بیداریٔ بهرام از غفلتش از قرار ذیل روایت کرده میگویند که یکروزی بهرام باموبد سیر وسفر میکرد بعضی قلعهها وقریههای خرابه زاری بنظر پادشاه برخورد که آوازهای بومها ازان بسیاری آمد . از موبد پرسید که آیا اینچه آوازهاست؟ موبد گفت : — این قیل وقال جمعیت بومهاست که برای جشن یك عروسیٔ گرد آمده اند ، وبسبب نزاعی که در خصوص کابین درمابین شان پیش آمده باهم گفتگو دارند ! پادشاه گفت : — آیادر میان بومها همرسم کابین جاریست ؟ موبد گفت : — بلی ، کابین بومها خرابه زار هاست . عروس خیل صدقریه مانداین قریهٔ خرابه به کابین عروس طلب میکنند . داماد خیل میگویند که : — « گرملك اینست وهمین شهریار » زینده ویران دهمت صد هزار ! »

اگرچه او اخر سلطنت بهرام به بسیار خوبی مرور نموده ، ولی اخلافش باز بهمان مسلکهای عیش وعشرت وظلم وستمکری رفتار نمودند . تا آنکه « انوشیروان » نام پادشاه عادل ومعارفپروری قبل ازهجرت ۴۳۹ سال بر تخت دولت ساسانیه جلوس کرده شرف وشان دولت خودرا بعدل وفتوحات بلند گردانید . وچنانچه امن وامان داخلی ملك وفتوحات خارجی را وسعت داده همچنان در باب اصلاح اخلاق اهالی نیز غیرت وسعی نمود . پیغمبر دوران صلی الله علیه وسلم درزمان انوشیروان گهواره پیرای عالم وجود گردیده اند . بعداز انوشیروان ایران بازدرهرج ومرج ظلم ستمکری واغتشاش درامد . « هرمزداد » خلف انوشیروان آنقدر یك شخص ظالم وسفاکی بود که اهالی بعصیان مجبور شده در زندانش کردند ، وبدست پسرش « خسرو پرویز » بقتل رسید . حالانکه خود خسرو پرویز نیز در عیش پرستی وعشرت بدرجهٔ ترقی نمود که بربهرام گور صلوانها فرستاد . تا آنکه اونیز بدست پسرش « شیرویه » بقتل رسیده در زمان خلفش « یزدگرد » دولت ساسانیه را انوار شعشعه بار عدالت وحقانیت شمس آفتاب عالمتاب اسلام محو وناپدید گردانید .

حالا یکقدری بسوی دولت امپراطوریٔ « رومهٔ شرقی » نظر عبرت افگنیم : — امپراطوریٔ رومهٔ شرقی از امپراطوریٔ رومهٔ غربی جداشده در « بیزانس » که مرکز آن « قسطنطنیه » است تأسیس حکومت نموده است . از احوال سابق ، وکیفیت تأسیس آن صرفنظر نموده تنها از احوال اخیرهٔ آن : یکدو مثال مختصره اکتفا میورزیم :

« هراکلیوس » که در زبان عربی به « هرقل » مشهور است اگرچه یك امپراطور جسور وغیوری بود ، امابعداز ودردولت رومه چنان نا گوارها ورذالتهای ظهور یافت که انسان ازنوشتن آن شرم میآید . مثلا امپراطور « میخائیل دوم » چنان رذیل یك امپراطوری بود که از « هیپودروم » که تماشاگاه تیاترو مانند هیچ جدا شدن نداشت . حتی یك روزی که درهیپودروم بتماشا وذوق وصفا مشغول بود یکی از مأمورینش دویده باو خبرفرستاد که لشکر دشمن از حدود قسطنطنیه تجاوز نمود . امپراطور بمجرد شنیدن این خبر شمشیر برهنه ازهیپودروم بیرون جسته وخبر آورنده را خطاب کرده گفت : — ای بی ادب بیوقوف! درچنین وقتیکه من مشغول حظ وسرور خودم به اینچنین سخنان بیهوده چسان پریشان کردن ذهن من جسارت میورزی ؟ » اینرا گفته وشمشیررا برو حواله نمود .

درحالیکه از یکطرف این دو امپراطوریٔ معظمهٔ فرس ، وروم درزیر تختهٔ خرابیٔ بیدادواستبداد ، وآههای مدهشهٔ ملتها

وجهالت انچنین زار وزبون مانده بود . ازطرف دیگر اراضیٔ خشك وخالیٔ آتشین ، حجاز ، برای یك انقلاب بسیار واسعی حاضری میدید . تا آنکه درسنهٔ ۵۷۱ میلادی ازیك بقعهٔ بلند سنگستان حجاز نیر درخشان اسلامیت طلوع کرده در ظرف سی وسه سال ریگستان بیابان عربستان را بنور عدالت ومعرفت غرق نمود . وبعربهای بدوی یك روح معالی . ویك حیات عرفان وکار گذاری بخشید . سر ازین تاریخ سیاهی وتیرگیٔ جهالت که جهان انسانیت را فرا گرفته بود تدریجاً ازعربستان گرفته تاماورای اقصای شرق وغرب درزیر پرده ها محجوب مستور ماند . اساسات عالیه ومتین قرآن مبین یك قسم بزرك قطعهٔ آسیا وافریقا وبعضی اقسام اوروپا را به انوار عدل وعلم وعرفان منور ساخت . خرابه ها را به معموره ها . بدویتها را به مدنیتها جهان وحشت را بگلزار معرفت تحویل داد .

نتیجهٔ حکمت . وخلاصهٔ عبرتی که ازین بیانات حاصل میشود این است که اگرچه آن ذوات قدسی صفاتی که این اساسات متینه را بناء اثر کردند در گذشته اند ولی هزار شکر که قرآن مجیدشان باقیست . هرگاه اوامرحیات نثار اتحاد وعدالت ومعرفت وسعی وکوشش وغیرت وشرف وغیره که قرآن بدان آمراست رهبر حرکت گرفته شود — باوجودیکه دریك بقعهٔ محدودی باشد واطراف . باهزار گونه حیوانات وحشیه مانند خرسها وشیرها ودیوها وددها وبلاها وببرها فرا گرفته شده باشد . بازهم سلاح بدرعهٔ اتحاد واخوت اسلامی که مسلمانان شرق وغرب را یك وجود ساخته . و اخلاق حسنهٔ عالی که جوشن صبر واقدام واستقامت را به آنها پوشانیده . وغیرت وشجاعت که همهٔ دنیارا درپیش جرأت وجسارت آن سر فرو کردهٔ تسلیم نموده بودهٔ آنهاغالب می آورد . علی الخصوص در وقتیکه ظلمها وبیدادها وبی انصافیها چنان کمال وتعفن وپوسیده‌شان کرده باشد که‌بدرجهٔ حیوانات مفترسهٔ درندهٔ شان رسانیده باشد . حتی قوهٔ افتراس شان نیز بدرجهٔ هیبت شیرهای قالی وتصور خرسها واژدرهاهای خیال تنزل یافته باشد ! .

حوادث خارجیه

(اجمال)

این جنك خونریزی آهنك را هیچ تاریخی یاد ندارد . ببینید که درچند جاها کدام ها جنك دارند :

(۱) — محاربهٔ دولت المان بابلژیك درخاك بلژیك که بمحو ومنقرض شدن دولت بلژیك به انجام رسید . (۲) — محاربهٔ دولت المان بافرانس درخاك خود فرانس . (۳) نیز محاربهٔ دولت المان بافرانس وانکلیز درسواحل غربیٔ خاك فرانس . (٤) — محاربهٔ دولت المان باروس درپروسیای شرق . (۵) محاربهٔ دولت المان باروس درلهستان . (٦) محاربهٔ دولت المان بادولتین فرانس وانکلیز درجاهای مختلف افریقا . (۷) محاربهٔ دولت المان بااستراليا نیوزیلندیها در اوقیانوس کبیر (۸) محاربهٔ بحریٔ دولت المان بادولتین فرانس وانکلیز دربحر شمال ومانش . (۹) محاربهٔ بحریٔ دولت المان باانکلیز دربحرهای امریکا . (۱۰) — محاربهٔ بحری دولت المان باانکلیز دربحرمحیط هندی . (۱۱) — محاربهٔ دولت المان بادولتین ژاپن وانکلیز در اقصای شرق (۱۲) — کارزار دولت اوستریا بادولت روس درغالیچیا . (۱۳) — کارزار دولت اوستریا بادولت روس در لهستان (۱٤) کارزار دولت اوستریا بادولت صرب درخاك صرب . (۱۵) — کارزار دولت اوستریا بقره طاغ — یعنی مانتینگرو درخاك آن . — (۱٦) — کارزار دولت اوستریا باصرب وقره طاغ دربوسنه وهرسك که تبع اوستریا وخراجی آن دو حکومت منجر شده . (۱۷) کارزار بحریٔ دولت اوستریا بادولتین فرانس و انکلیز درسواحل بحر ادریتیك . (۱۸) — محاربهٔ دولت عثمانی بادولت انکلیز در حدود مصر (۱۹) — محاربهٔ دولت عثمانی بادولت انکلیز درحدود عدن . — (۲۰) — محاربهٔ دولت عثمانی بادولت انکلیز درسواحل خلیج فارس . (۲۱) — محاربهٔ دولت عثمانی بادولت روس درقفقاز . (۲۲) — محاربهٔ دولت عثمانی بادولت روس درایران . (۲۳) — محاربهٔ دولت عثمانی بادولت روس دربحرسیاه . (۲٤) — محاربهٔ دولت عثمانی بادولت انکلیز وفرانس دردره دانیال . (۲۵) — ونیز محاربهٔ بحری دولت المان بادولت روس دربحر بالتیك . (۲٦) ونیز محاربهٔ مجاهدین مراکو بادولت فرانس درسرزمین مغرب .

بالحساب اکثر نقاط کرهٔ زمین ازتأثیرات جنك متأثر دیده میشود . ویك هرج ومرج خونریزی درتمام عالم احکام اجرا میکند . متمدن ترین انسانها مانند سباع و حشیهٔ درنده یکدیگر خود شانرا بکمال بیرحمی میدرد . پاره پاره میکنند . محو مینماید ! تعجب اینکه درعین زمان دانشمندان شان بجان میکوشند که قباحت ومسئولیت این فتنهٔ عالم آشوب را یك بردیگر انداخته خود را معصوم وبریٔ الذمه برقم دهند ! مثلاً اوستریا میگوید که ولیعهد شانرا صربیها بقتل رسانید وبرهمه جهان ظاهر واشکار گردید که این نبود مگر بتحریك خوددولت صرب . بناءً علیه باید هر کس بمن حق بدهند که اورا یك گوشمالی بدهم . اول کسیکه این حق اورا تسلیم کرد المان بود . حالانکه درعین زمان روس خودرا بدیهی دلایل وبراهین حامی ومعین صرب نشان داد که المان نیز مجبور شده هزارها دلیل برای کمك معاهد ومتفق خود اوستریا بیان نمود . از انطرف فرانس دلایل معاونت خود را به روس ، واز طرف دیگر انکلیز در باب حمایت بلژیك دلایل وبراهین بمیان آورده هریك ازینها خودرا برحق وصواب، وطرف مقابل خود را متعدی ومورد عتاب نشاندادند که چون المان

یکان یکان اوراق کتابهای آبی و نارنجی و سرخ و سفید وزرد شانرا مطالعه کند درپیش جرزه های منطقیهٔ شان حیران میماند، ومتردد میشود که آیا کدام یك راحق بطرف وکدام شانرا ازحق منحرف رقم دهد !

چیزی که اظهر من الشمس وابهر من الامس است همین است که سبب یگانهٔ این جنایت خونریزی عمومی محض حس رقابت تجارتی دو دولت که انگلیز والمان باشند دیگر هیچ چیزی نیست . انگلیزها بقوت صنایع وتجارت توانگر ترین وقویمند ترین دنیا بودند ، ودروسعت اراضی وتفوق یگانهٔ عصر خود شمرده میشدند . حالآنکه ازچند گاهی باینطرف دولت المان درصنایع وتجارت بدرجهٔ رسیدند که تقریباً خود شانرا با انگلیزها یکسر و گردن همدوش ساختند . ودرحالیکه قوهٔ بحریهٔ دولت انگلیز برهمهٔ

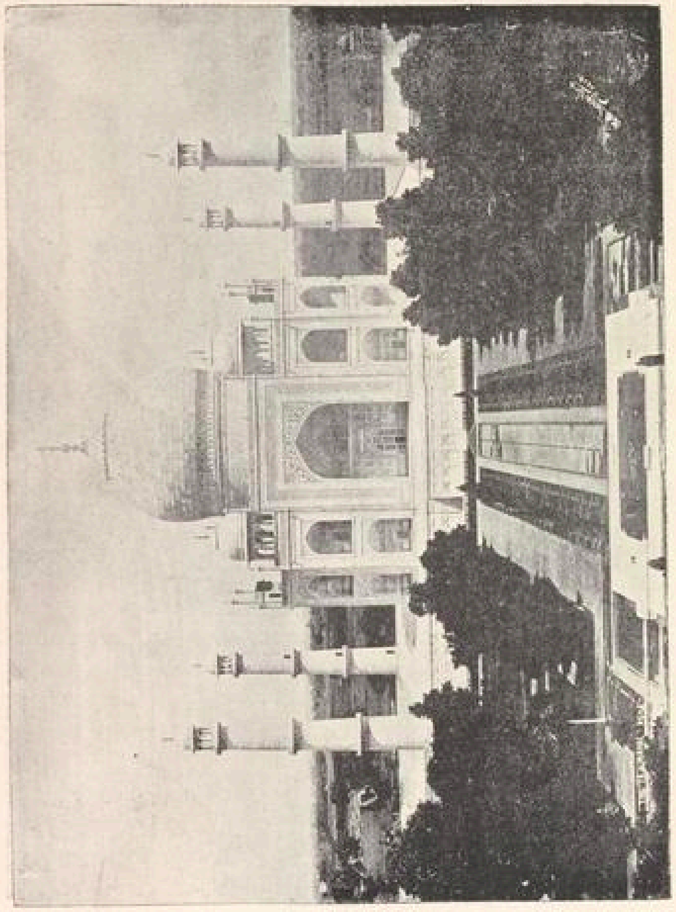

از منظره های هندستان

(تاج محل) که از بناهای بسیار عالی و مصنع درآگره از بناهای پادشاهان اسلام

دولتها برتری داشت . دولت المان قوای بحریهٔ خودرا نیز قریب به آن رسانید که انجیزها دولت انگلیز را جداً باندیشه وهراس عظیمی درانداخت . وتنور حسد و رقابتش را شعله افروز حرارت نمود . حال آنکه قوای بریه وانتظامات عسکریهٔ المان هم نمونهٔ امتثال عالم عسکری جهان شده بود . وبسبب اتفاق مثلث بودن المان بااوستریا وایتالیا بت خوش قوای عظیمه را مالك شده بود دولت انگلیز که تنها یك رقیب دردنیا داشت . و آنهم عبارت از دولت روس بود که آن رقابت هم تنها برقابت جهانگیری وتوسیع اراضی منحصر مانده بود . وقتیکه این دهشت مدهش رقیب جدید خود — یعنی المان — را دید فکر توسیع اراضی وحس

تفوق جهانگیری ازیادش رفته بارقیب جهانگیر هندستان آرزوی خود — یعنی روس — عقد ائتلاف ورفع اختلاف را مناسب ولازمتر دانست . ذاتاً دیگر چارهٔ هم بجز ائتلاف و موافقت درمقابل آن رقیب مدهش جهانگیر خود در خود ندید . زیرا اگرچه ازجهت اقصای شرق پشرفت آنرا واسطهٔ دولت ژاپن تا یکدرجهٔ جلوگیری کرده توانست . ولی ازراه فارس ونهر آمو وچترال وغیره بریک سد ممانعت متین ومشیدی چندان اعتماد واطمینانی نداشت . لاجرم مجبور گردید که بارقیب جهانگیر خود طرح مواخات ومماشات انداخته ممالک آسیای وسطای باقیمانده چنان استیلا کرانهٔ رقیب جهانگیر خودرا برادر وار درمابین خود واو تقسیم کند . تاازین رهگذر خاطر جمعیٔ کامل حاصل کرده . ورقیب دهشتناک قدیم خودرا حسب منافع اشتراک جدید خود ساخته دهشت ومصیبت ملحوظهٔ دشمن جانستان تازه دم خود — یعنی المان — را به آن دفع کند . و چون بهاینهم میدانست که اگر باروس عرض وداد واتحاد نماید . لابد مظهر حسن توجه واعتماد دولت فرانس هم خواهد گردید . وچون درمسئلهٔ مراکو بدولت فرانس برضد دولت المان مظاهرت ومساعدت نمودار کرد آن حسن توجه و اعتماد را از هرجهت تأمین وتأیید نمود . ونیز درهنگامهٔ طرابلس غرب چون درخیلی چیزها یاری ودمسازی ایتالیا را باروس یکجا بعمل آورد بهاین

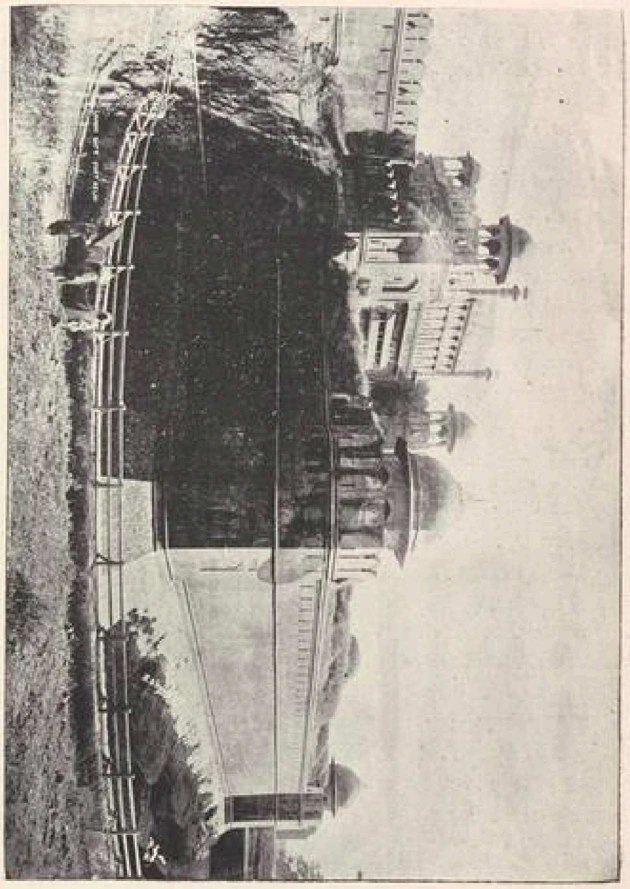

از منظره های هندستان

(لاهوری دروازهٔ) قلعهٔ دهلی از بناهای پادشاهان اسلام

عملیات دولت ایتالیارا نیز از منتفیش کثری داده وبه‌ائتلاف ثلاثه‌اش مایل ساخت که درعین زمان هنگامهٔ بالقان را نیز برپا کردند. هیچ شبهه نیست که آتش افروزندهٔ خونریزیٔ بالقان مجردهما وباد زنهای ائتلافیون دیگر هیچ عامل ومؤثری نداشت.

حالا دیده میشود که این هنگامهٔ حرب موجوده یك چیز ناگهانی ودفعهٔ نبوده. بلکه از سالهای بسیار درازی اسباب آن تهیه و آماده گردیده بوده‌است. حتی ازوقتیکه درمحاربهٔ روس وژاپن، بعزاپان ضمناً مددکاریها میشد نیز برای این محاربهٔ وقت حاضر یك تهیه وحاضریٔ بود. حال آنکه دولت المان هم ازان غافلها وبی اندیشه های نبود که از تدارکات حال و مآل خود چشم پوشی کند. اوهم شب‌وروز درتزئید قوای بری وبحری واختراعات وایجادات حربیهٔ نازیٔ خود کوشش ورزیده بدرجهٔ خودرا حاضر وتوانا ساخت کاامروزه روز باوجودیکه درمقابل زور کثرین وقویترین دولتهای دنیا‌ئمانده‌است بازهم بغیراز غلبه و فتوحات متواترهٔ شان دیگر چیزی شنیده نمیشود. لهذا این را هم بگوئیم که دولت المان دراتریك های سیاسی بکعب رقیب خود رسیده نتوانسته است، وهرچه که کرده‌است اعتماد برنفس خود کرده رفته است. ازاتحاد ثلاثه تنها یك اوستریا برایش ماند که یك جزو مهم آن که ایتالیا بود، بهانتریك های سیاسیٔ رقیبانش بطرفی را پیشه گرفت. حال آنکه ازجهت مقابل مانند دولت فرانس یك دولت معظمهٔ که بصنعت، وثروت و دلاوری ونظام وانتظام وقوهٔ بریه وبحریه شهرهٔ آفاق شمرده میشود، و مانند روس یك‌دولت جسیمهٔ قوی الشکیمهٔ کهتقریباً اسدس کرهٔشمالی زمین را بوسعت اراضی مالك، وتقریباً دو صد ملیون نفوس بنی آدم را صاحب میباشد، و مانند انگلیز یك دولت محتشمه که درهریك از پنج قطعهٔ روی زمین بهزارها کیلومتر اراضی وبصدها ملیون نفوس انسانی را مالك وحاکم است، ومانند ژاپان یك دولتی کهروس‌را چون موش بغار نموده‌بود. ودیگردولهای خورده وریزهٔ که باوجود کوچکی مانند یکیك آتش پارهٔ شمرده میشوندبه اتریکها ونیرنگهای رقیبش چنانباهم‌یك‌وجود گردیدند وچنان کورانه وندانسته برقیب وعسود دولت انگلیز حمله‌آور شدند کهعالمی‌را انگشت بردهان حیرت ساختند. همین الماناست که در مقابل اینهمه بلاها سینه کشای همت واستقامت گردیده توانسته است

دولت‌المان. دولت علیهٔ عثمانیه‌را بهرنیرنگ وافسون و آهنگی که بود باخود متفق وشریك جنك ساخت. وچنان گمان میکرد کهبه‌این وسیله سه‌صد ملیون نفوس اسلامیه‌را بهیجان آرد ومحرك اتحاد شان گردد. زیرا دروقت محاربهٔ طرابلس غرب ومحاربهٔ بالقان هیچ‌فردی ازمسلمانها درهیچ‌ملکی ازملکهانبود کهاظهار همدردی و به اعانه دستگیری دولت عثمانیه را نکرده باشند. جم‌غفیر ومقدار کثیر جمعیت اسلامیه در هندستان، وماوراءالنهر است که این هردو کتلهٔ عظیمهٔ اسلامیه ایرانی هستند که دست وپا وچشم و زبان شان بسته شکسته کور کنك شده مانده اند. در وقت محاربهٔ طرابلس وبلقان هیجانها وفغانهای مددکارانهٔ که ازهندستان برمیخواست طنین انداز آذان عالمیان میگردید، چرا؟ چونکه از اقتضای پولتیك حکومت متبوعهٔ شان بود! درینبار باوجودیکه مسئله نجات وممات دولت عثمانیه — بلکه‌نجات وممات تمام عالم اسلامیه — تعلق میگیرد کسی چلق کرده‌نمیتواند وبعضی ارباب وجدان وایمانی که کاری کرده‌اند: بحبس شدید، بدرجهٔ محو شدن بجرم گرفتار آمدند! چرا؟ چونکه دولت عثمانیه باحکومت متبوعهٔ شان می جنگد، وبرآن روی محو کردن آنرا پیشنهاد خاطر استبداد مظاهر فرموده است!

چیزیکه اسباب شان اسف وحسرت دیده میشود همین است کهدرین جنك محو واضمحلال جرمنی بامحو واضمحلال دولت علیهٔ عثمانیه ومقام خلافت عظمای اسلامیه مربوط گردیده است که به‌این سبب هیچ فرد مسلمانی در دنیا تصور نخواهد شد که به این محو واضمحلال دلش مایل ووجدانش قبول کردد، واگر ازدست وپا وزبانش چیزی نیاید، هیچ شبهه نیست کهدل وحواسش بزارنالیها وتضرع ونیاز بسوز و گداز نیست ونابود شدن محو واضمحلال طلبان عالم اسلامیه‌را آرزو نکند

نقل از اخبارهای ایران

در آذر بایجان که ازمه ربیع‌الاول تاریخ دارند

ورود قوای امدادیهٔ عثمانی

نظر بیك خبر خصوصی که در موقع طبع روز نامه باداره رسیده هیجده هزار قشون عثمانی اخیراوارد آذربیجان شده‌اند یك‌عده ازان‌قشون بریاست نصرالله خان یوردچی بسمت اردبیل اعزام گشته که شاهسونها را برعلیه قشون روس وادار بجنك نمایند ویك عده هم بسمت تبریز عازم شده اند

ایضا خبر خصوصی

عثمانی‌ها در کروس

عدهٔ از عساکر عثمانی باکثیر صاحبمنصب بکروس واردشده آنچه معلوم است دراین دو روزه عساکر زیادی از عثمانی ازطرف کردستان وارد کروس میشوند که بسمت تبریز حرکت نمایند

از جراید انگلیس

دلایل آلمان درصحت اعمال خویش

جراید انکلیس مقاله مفصل زاکاه، کازت دوکانی «(روزنامه نیم رسمی آلمان)اخیرا انتشارداده نقل می نمایند وجریده مزبور چنین می نکارد.

«بواسطه‌پیش آمد واوضاعی که اکنون درمعرض نمایش‌است دولت آلمان آزاد است که از همه معاهدات بین‌المللی جنگی یعنی قرار داد های که عملیات متخاصمین را در موقع جنك محدود می‌نماید صرف نظر کند.

اولا بواسطه آنکه دولت انگلیس خودش دورا زمنه گذشته قدری معاهدات وقرار دادهای بین‌الملل را نقض کرده که امروزه دیگر حق ندارد که مطالبهٔ در خواست کردن وتقاضای ایفای آنهارا بناید

ثانیا بعلت آنکه مفاد معاهده کنفرانس « لاهه » راجع به بمباردمان شهرها ومسائل راجعه به جنگ مشعر براین است که در صورتیکه تمام دول متخاصمه امضای آن معاهده را کرده باشند بایستی مقررات آن را مراعات نمایند .

نظر باینکه دولت عثمانی وهم چنین صربستان آن قرار داد را امضا نکرده و آلمان هم فعلا دوست متحد عثمانی میباشد برحسب مفهوم قرارداد مزبور حق دارد که مواد آن را مورد ملاحظه قرار ندهد .

عیدرا در آلمان چگونه باید گذراند .—

در موقع عید « نوئل » یکی از جراید برلن به تمام رجال بزرگ واشخاص معروف آلمان مراسلات متحدالمآل نوشته واز آنها تقاضا نموده است که هریک عقیده خودرا بروزنامه او بنویسند که برای گذراندن عید «نوئل» چه حال خوبست وبهترین حالتها کدام است که انسان عید خود را بگذارند .

بعضی از جوابهائی که از اشخاص بزرگ آلمان بوی رسیده ازین قرار است . مارشال «ون در گولتز» نوشته‌است «باشرف تروعالی « تربرای گرفتن عیدنوئل چیزی به از این نیست که درمقابل خصم درخندق جنگ زیر باران هولناک گلوله‌ها مانده وعیدرا بسر برد »

« امضاء مارشال ون در گولتز »

جواب پروفسور « ون هارناك » بدین مضمون است .

عقیده مرا در خصوص بهترین وضع گذراندن عید « نوئل » استفسار کرده‌اید باعتقاد من عالی ترین شکلی که این عیدرا می‌توان گرفت این است که قسم یاد نمائیم که جنگ خواهیم کرد وباینقدر جنگ وفداکاری نمائیم تا آنکه بتوانیم یك صلح باشرف وافتخار ویك نوع صلح قابل دوامی برای مملکت خویش تحصیل نمائیم)

امضای پروفسور « ون هارناك »

دکتر « ژوهانس کامپف » رئیس « رئیختاك » مجلس ملی آلمان اینطور جوابداده «عظمت وافتخار این روزهای تاریخی را بایستی باطفال خویش که زیر درخت (میوه بندان) «نوئل» جمع می نمائیم کاملا القاء کرده ودر مزرعه قلوب آنها مانند تخم بنشانیم زیرا که اطفال واعقاب ما هستند که از نتیجه ثمرات این جنگ عظیم هولناك بهرمند شده ودرآتیه میوه آن را خواهند چشید »

« امضاء دکتر « کامپف »

مسیو « ارتورون گوینر » مدیر کل بانك مملکتی آلمان چنین نوشته است « بیشتر از پیشتر درعملیات ومشق محبت وانسانیت باید کوشید »

امضاء ون گوینر »

دکتر « ون‌جاکو » رئیس پلیس برلن عقیده خود را چنین اظهار کرده‌است : « بگذاریم که قلوب متوجه واعتماد به پروردگار ومشتهای ما در اجسام دشمنان خود مشغول زدن وکار خود باشند »

امضاء « رئیس نظمیه برلن »

در مراکش

از مراکش خبرمیرسد که دایرهٔ جهاد وسعت یافته مجاهدین بسر کردگی امیر عبدالمالك قصبهٔ (فضل الله) و (یوزنیکا) را که در ساحل وشهر (دار اولاد هادی) را که در داخله مراکش واقع است تحت تصرف آورده اند .

عزیمت پادشاه انگلیس

اخیراً خبرداده میشود که پادشاه انگلیس عازم است ازلندن باخانواده خود بطرف ایالت شمالی حرکت نماید زیرا یك تلگراف ازکنتر اسمان پیمای آلمانی دریافت کرده است که بمحض ورود بلندن اول بمب بقصر سلطنتی افکنده خواهد شد .

درمصر

ازمصر خبررسیده است که ده نفر صاحبمنصب انگلیسی برای تفتیش وارد اداره روزنامه (الشعب) گردیده اند بنجاه نفر کارگرانی که دراداره مزبوره بوده‌اند صاحبمنصبان را گرفته وحبس کرده‌اند انگلیسان چون باداره میفرستند بعداز ورود می‌بینند متجاوز ازهزارنفر جوانان مصری دراداره مجتمع هستند ناچار انگلیسان بنای ملایمت گذاشته وزحمت صاحبمنصبان را مستخلص می‌نمایند — مصریان صدارا بزنده‌باد قشون عثمانی وزنده باد ملت اسلامی وزنده باد سلطان ما خلیفهٔ مسلمین بلند کرده اند .

بیرق عثمانی درمصر

امراء واغلب اهالی مصر بیرقهای عثمانی را بالای عمارات خود نصب کرده اند من‌جمله ادارهٔ روزنامه (الشعب) یك بیرق ازحریر بارتفاع ۱۵ متر برافراشته وپهلوی آن یك علم سبز دیگری نصب کرده که بسیاری ازآیات قرآنی من‌جمله آیهٔ (هوالذی انزل السکینة فی قلوب المؤمنین) بر آن نقش است .

شورش در تونس

روزنامهٔ صدای مادرید مینویسد . یك تونسی ازامضای فرمانی که فرانسویها داير بجمع آوری واعزام بجنك باسنوسیها در (وادای) نوشته بودند امتناع ورزیده وبدین واسطه فرانسویها اورا حبس کرده اند .

تلگرافی ازمیلان خبرمیدهد که تونسی ها برقشون فرانسه مقیم تونس غالب شده وتمام را اسیر کرده اند کشتی های جنگی فرانسه تهدید کرده اند که فرانسویها را مستخلص ننمایند والا سواحل تونس را خراب خواهند نمود ولی شورشیها اعتنائی بان تهدید نکرده‌اند .

ثلمهٔ بزرگ اسلامی

بشهادت یکی ازعلمای بزرگ عرب

خبر تأسف آور ذیل ازمنابع مختلفه رسیده وتفصیل آنرا وعده میدهیم شهید مظلوم ، آقاسید مهدی آل حیدر که یکی از علماء صمیمی باحرارت واز کبار پیشوایان عرب وعجم ساکن کاظمین بودند درجنگ (کرنه) بدرجهٔ رفیعهٔ شهادت رسیدند !

این شهید رشید — واین پیرمرد غیورپس ازاشتهار حرب در عراق عرب و حملهٔ انگلیسها بر (بصره) و (کرنه) تاب شکیبائی نیاورده وبنفس شریف باضعف پیری حرکت فرموده وبعزم دفاع مقدس وتهییج اعراب بطرف کرنه روان میشوند .

ومع التأسف دریکی ازمقابله‌های اخیر ، تیردشمن اصابه نموده وآن وجود بزرگوار وعالم ربانی رابدرجهٔ رفیعهٔ شهادت میرساند .

جنازهٔ مطهر ایشانرا وارد بغداد نموده و باهیجان شدیدی بکاظمین حمل مینمایند .

آری این است حقیقت مردی ومردانگی — این چنین است نتیجهٔ علم وفقاهت وپیشوائی . باین قسم بایدنام خیر بشرا عالم ومقدس وپیشرو مسلمین گذاشت .

وبالاخره بصرف حرف عنوان روحانیت اسلامیه را ازخود خوشنود ساخت رحمه الله ومن معه ونسئل الله التوفیق (نوبهار)

دزدی در مشهد

روسها درمشهد دزدی میکنند . درلیلهٔ غرهٔ شهر ربیع الاول شش نفر دزد (!) یکساعت ونیم ازشب گذشته میروند درب خانه کربلائی رضای علاف ساکن محلهٔ عیدگاه ، ودرزده یکی ازدزدها میگوید که من کمیسر محضر وباداره تحدید تریاک راپورت داده اند که دراین خانه تریاک قاچاق است ، بموجب حکم اداره من باچند نفر مفتش اداره برای تفتیش آمده‌ام .

صاحب خانه بیچاره دررا باز کرده آقایان مصنوعی را بجهة تفتیش بمنزل دعوت نموده آقایان پس از ورود بمنزل وارد اطاق شده مشغول تفتیش میشوند ـ صاحب خانه میبیند که حضرات اموال مرغوب ازقبیل قالی وقالیچه راتفتیش مینمایند نه تریاک را باکمال سادگی میگوید گمان نمیکنم شماها کمیسر ومفتش باشید (آقایان تاآن زمان فارسی شکسته بسته صحبت میکردند ویکدیگر کمیسر و مفتش خطاب مینمودند پس از اظهار صاحب خانه فارسی را مبدل بروسی مینمایند !

وپس ازانکه میفهمند که صاحب خانه ازمسئله مطلع شده فوری دستهای اورا بسته وبا اسلحه تهدیدش مینمایند — ومطالبهٔ اشیاء نفیسه از او میکنند

بیچاره هم حاصل زحمات مدت عمر خود را که عبارت از سیصد وکسری اسکناس وسی وچند تومان پول سفید وقریب هزار وپانصد تومان النگوی طلا وانگشتر یاقوت وزمرد وغیره که از دیگران در نزداو رهینه بوده درطبق اخلاص گذارده تقدیم میدارد !

کمیسر مصنوعی باتفاق همراهانش دست کربلائی رضا وعیالش رابسته خدا حافظی کرده تشریف میبرند ! (نوبهار)

تنقید انگلیسها از بحریه خود

اهمیت دخول عثمانی درجنگ

مخفی داشتن عده تلفات

روز نامه تیمس یومیه درمقاله اساسی خود از وضع بحریه تنقیدات سخت نموده ومعلوم میشود که داخل شدن عثمانی درجنگ عمومی اروپا چه قدر اهمیت دارد وشاید موجب بسی خطرات بزرگ گردد .

ازانجمله می نویسد درعصر جمعه گذشته صورت مفصل ازتلفات زره پوش بحری انگلیس که دراوورس واقع شده باداره مارسید که تقریبا ازسه ستون ونیم روزنامه تیمس باحروف خیلی ریزه تجاوز نمود چندین نکته دراین صورت بنظرما رسید که بهیچ وجه بنظرما رضایت بخش نیست .

مانمیفهمیم که چرادر روز جمعه بان دیری منتشر شد که تنقید وایراد بان ممکن نمیشد وهمچنین نمیفهمیم چرا بدون توضیحات لازمه اداره مطبوعات داده اند یك عده معدودی را ازانهمه اسامی مفقودین علامت گذاشته اند یعنی صاحبان این اسامی بطور غیر رسمی فرض شده است که جزو اسرای جنك درالمان می باشند پس انهمه اسامی که علامت روی انها گذاشته نشده چه شدند (آیا اداره بحریه نمیداند که برانها چه آمده است واگر میداند چرا باطلاع عموم نمیرساند)

اوورس در ۱۷ اکتبر ازقشون متحدین تخلیه شد وچندین هفته است که تقریبا تمام مملکت بلژیك بدست دشمن افتاده دوزره پوش بحری ما یعنی انچه که ازانها باقی مانده بود فوراً بانگلستان برگشته ممکن بود که دریك هفته عدهٔ آن (زره پوش که ازانگلستان خارج شده وعدهٔ که برگردیده وعدهٔ تخمینی تلفات ، سببهای مختلفه که باعث گردیده تماماً ذکر شود تا امروز هیچ ثبت ورقی منتشر نشد مابدون تحقیقات عمیق اطمینان رسمی که از طرف بحریه داده شده بود قبول کردیم لکن این سکوت ادارهٔ بحریه درباب تلفات وتردد انها انشا کردن بعضی ازانها تولید یك نوع حس درما می نماید که کلیه دراین امر عدم صمیمیت موجود بوده باید بخاطر آورد که احترام قوای بحری باشاد مقدمة الجیش

مخاطرهٔ انورس بود ومستقیماً باعث تلف شدن سه کشتی شد این فاجعه نیز مسکوت بذیرفته شد ولی این سکوت بابك سوء ظن بدی آلوده بود که آیا اگر ادارهٔ بحریه این اهتمام به بازیك را بایك دستهٔ صاحب منصب کافی شایسته تکمیل کرده بود هیچکاه هیچ فاجعه روی میداد؟ — ودیگر انکه بنظر ما میاید که اداره بحریه یك ربطی در اخفا میکوشد که بکلی الحس حکایتی نه میکویند مخالف است

فرار کشتی کوبن ازمسبابات مسئله خیلی وخیمی بود وانقدر وخیم بود که حالا وخامت آن کم کم روز میکند هیچ چیز بقدر ورود کشتی کوبن بمدار دانال بونی جلتر ا درعلت عثمانی تحریك وکمك نکرد وتنها همین نکته باعث اعلان جنك دولت عثمانی کردید —

داخل شدن دولت عثمانی بصحنه جنك میدان این جنك را خیلی وسعه داد وشاید منتج اثراتی بشود که اکنون ماسخن میتوانیم پیش بینی کنیم — دو نفر امیر البحر که در مسئلهٔ جلو کیری از کوبن متهم شدند بعد از تفتیشات رها شدند وملامتی بر آنها وارد نیامد پس کهرا باید ملامت کرد؟ تقصیر با کیست ما نمیکوئیم که تقصیر با ادارهٔ بحریه جنك است انجرا کهمافعلا اظهار می کنیم آن است که چون وقایع شکلاً مبنا ربطی بتدابیر بحریه حالیه ندارد باید بی پرده ملت را آگاه نمود که چکونه این دو نفر صاحب منصب بی تقصیر کذاشتند که کشتی (کوبن) فرار نماید وسبب حوادث عظیمی بشود که عاقبت آن را هیچکس نمیتواند پیش بینی نماید

بمیکر دیم عنك بحریه (شیل) ومی بینیم همین کونه مطالب موجود است اگر بخواهیم رجوع بشجاعت امیرالبحری کهرئیس آن دسته جهازات مامور نموده خودرا راضی کنیم مطلب ختم نمیشود زیرا کهمقصود ما این مسئله نیست مامیخواهیم بدانیم که چرا اورا با کشتی هائی که برای این قصد صلاحیت ومناسبت نداشته واهل آن کشتی ها همه سربازان جدید و تازه کار بودند باین ماموریت فرستادند وچرا یك کشتی کهنه کند روی که مثل سایرین برای این مقصود هیچ فایده نداشت همراه او کردند؟ آیا ادارهٔ بحریه توضیحی میتواند بدهد که چه باعث شد که امیرال (کرادك) داخل جنك شد ومیتواند توضیحی بدهد که وقتی که کشتی (کانوپوس) رالازم داشتند چرا درانجا حاضر نبود بالاتر ازهمه میتوانند مایکویند که چرا این امر مخصوص را باین کشتی ها سپردند وباید نامزد کردن این کشتیها برای این امر کسی مقصر هست یانه؟

اولا باید دانست که این مطالب بتکالیف عمدهٔ که ادارهٔ بحریه مامن حیث المجموع دارد ربطی ندارد ومابطورکلی ازادارهٔ بحریه تنقید نمیکنیم بلکه مقصر میدانیم ولی در ضمن هم تواتر فاجعه های مذکوره نشان میدهد که درکار کوتاهی شده است واین کوتاهی را مربوط بعموم بحریه باید تصور نمودواز جمله بی تناسبی صاحب منصب وعدم کنترل مرکز بایددانست ونیز در آخر مقاله خود میکوید قطری هم بقشون در میدان جنك افکنده ودر صورتیکه از وضع فرانسه وبلژیك چیزی علت کفته نمیشود دیکر نباید تقصیررا بقشون دانست وهمچنین قشون نباید درمیدان از ملت وسستی در سرباز کیری وعدم امتنان ملت از زحمات وصدمات آنان درمیدان وشدت احتیاج که بکمك دارند کله داشته باشند اکر تقصیری هست تقصیر درخانه ملت نیست — لاینقطع کاغذ از میدان جنك برای ما میرسد وکاهی انهارا بنظر عموم میرسانیم که مرتباً شکایت از سستی ملت مخصوص در امر سرباز کیری است — درکاغذی که درنمره کذشته بطبع رسانیدیم بانهایت ملامت وتوبیخ میکوید کویا عوض سرباز در وطن برای ما زیکاد صندلی لشین تهیه میشود و هیچ درنظر نیاورند که دربعضی جاها صفوف خاکی های خیل لاغر (یعنی قشون هندوستان) درسنکرها نشسته جنك میکنند که انکلستان را از صدماتی که فرانسه و بلژیك دوچار شده اند رهانند — این سرزنش ها وملامت ها درست نیست البته وقتی که نمیکذارند ملت بفهمد اوقت چه میداند تکلیفش چیست

آخرترین خبرها از اخبارهای اردو

لندن ۹ اپریل — دیروز بسه بجه درو قتی که حسین کامل خدیو جدید مصر ازجای خود میرامد یکی ازاختلال جویان مصر به تفنگچه رو بر نمود. نتیجه هنوز معلوم نیست. میکویند که مشارالیه رهایی یافت.

کلکته ٥ اپریل: — در میادین غربی نسبتاً خاموشی پیش آمده وچون خبراهمی نیست سپهسالار کل قشون انکلیس راپورتهای یومیه نمیفرستد.

ایضاً: — جهاز (فلاور) نام انکلیزی را که ٤٧٠٠ تن وزن داشت ویکصد وچهل جهاز لشین دران بود ویکصدوبیست نفر عملهٔ آن بود یك کشتی تحت البحر المانی آرا ده دقیقه مهلت داده بعد ازان باتار پیدو غرق نمود.

پترو کراد ۳ مارچ: — رسماً درپتر وکراد اشاعه یافته که جهازات المان در بحر بالتیك بندر لیبای روس را در زیر کلوله باری کرفته نقصانهای زیادی رسانیده اند.

لندن ٦ اپریل: — کشتیهای جنکی عثمانی با کشتیهای جنکی روس در بحر سیاه محاربهٔ شدیدی نموده است. وزره پوشهای کوبن وبرسلاو عثمانی بکشتیهای دریدنا وت روس آتشباری زیادی نموده درتاریکی شب پنهان کردیدند.

امستر دام ٦ اپریل: — فاندرکولتز از راه وینا به استانبول رسیده است از محاربهٔ دره دانیال هیچ نتیجه برای متحدالفین تابحال حاصل نشده است.

درچاپ خانهٔ حروفی دارالسلطنهٔ کابل طبع کردید

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد ازطرف مدیر وسرمحرر تحریریافته

محمود طرزی

شرایط خریداری

دار السلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	یازده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

هرجائیکه باشند با اجرت پوست

قیمت سالیانه	ده روپیه انگلیزی	قیمت ششماهه	شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراء قبول نمیشود

یك طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

برهمهٔ کارداران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود: اگر ازیك جا بدیگر جا بروند ویا بروند میباید که بیك رقعه مدیر وسر محرر را خبر بدهند که من درفلان جا بودم وحال درفلان جا میروم اخبار مرا درانجا بفرستید . هرگاه همچنین یك رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی . وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند . ویا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا به پنج بار نشر وشایع شود وسرهر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا به پنج بار فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر ازپنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریك ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تا یك سال نشر کردن خواهند ووجه یك ساله را پیشکی ادا کنند ورق پشتی بر سر سطری سنار اجرت گرفته میشود

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا
یاد آوری میکنیم

هرقدرسعی و کوشش کردیم که از شکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خودرها ئی یابیم ممکن نشد لهذا باداکخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یك مقاوله نموده داکخانه مشار الیه تقسیم وتوزیع اخبار مارا که بهمه مشترکین کرام ما رساند درعهدهٔ حیث خود قبول نمود. مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را تبشیر و یاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای داکخانه بخود شان میرسد.

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد
کتاب سال دوم « « مصور مجلد
کتاب سال سوم « « مصور مجلد
عز و اسلامیت
آیا چه باید کرد؟
ادب درفن
توحید

این کتابهای فوقدر اداره موجوداست. هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشند باداره مراجعت کنند.

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

سیاحت بدورا دور زمین بهشتاد روز مجلد
سیاحت درجو هوا مجلد
سیاحت درزیر بحر مصور مجلد
ازهردهن سخنی وازهرچمن سمنی مجلد
روضهٔ حکم مجلد

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوقرا داشته باشند ازخود مطبعهٔ عنایت دردهٔ افغانان از نزد عبدالرؤف خان مرتب وازدکان بازمحمد کتابفروش دربازار ارك بقیمتهای معینی که درپشت هرکتاب نوشته است خریداری کرده میتوانند.

واگر ازخارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوقرا بکنند باید در سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند.

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

نمرهٔ ۱۷

سال چهارم

فهرست مندرجات

مرحمت وشفقت پروریهای اعلیحضرت همایونی ؛

حوادث داخلیه	دربار معالی بار یوم شنبه ــ یك وفات دلخراش ــ مرقومه از کوتوالی ترکستان ــ
ادبیات	ابیات افغانی کلام غلام محی الدینخان افغان ــ اشعار فارسی ــ کلام جناب مستغنی ــ کلام مذنب ــ
عالم عسکری	
حوادث خارجیه	اجمال ــ نقل از جریده حبل المتین وضعیت روس در جنك موجوده ــ خبرها براه ایران ــ نامه نگار ازمشهد نگاشته ــ نقل ازجریده رعدطهران ــ اثرات حیرت آمیز یك گوله ــ اعلامیه عباس حلمی خدیو مصر ــ غرق تحت البحری فرانسه توسط اطریش ــ غرق کشتی زره پوش فرانسه توسط اطریش ــ علت فتوحات فوق العاده المان ــ المان فوق همه کان ــ وضعیت شهرلودز ــ حوادث جنك ــ تلگراف از المان ــ آخرترین خبرها ازاخبارهای انگریزی
تصاویر	ازمناظر هندوستان منظرهٔ عمومی شهراجمیرشریف ــ مقبرهٔ مبارك حضرت سلطان قطب الدین [illegible] در دهلی ــ مقدمهٔ شبه [illegible] حشتی واسلامی [illegible] در آگره ــ دیوان خاص در قلعهٔ آگره ازبناهای پادشاهان اسلام ــ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1148 of 1786

اعلان

از صنایع پروریهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین بادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جرنیل کار خانه جات ، ماشین خانهٔ مبارک دارالسلطنه کابل علاوه براشیای حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه واونیفورمه های اعلا کرشاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخل که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که ازحضور اعلیحضرت همایون حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ، ذیل (دکان عبدالله خان دربازار ارک) میباشد .

(۱) سرج های پشمینه بافی ورنگهای مختلف که قیمت آن ازقرار کرانگریزی ۳ نوع مشخص شده درصندوقخانهٔ جنسی هم بفروش میرسند

اقسام	قسم اول					قسم دوم					
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم قدری کلفت قیمت آن ۱۰ پیسه زیاده شده	
رقم	تا حال ساخته نشده	رنگه	خوردرنگ	رنگه	خوردرنگ	رنگه	خوردرنگ	رنگه	خوردرنگ	رنگه	خوردرنگ
قیمت		۷ روپیه ۵ پیسه	۶ روپیه ۱۱ پیسه	۶ روپیه ۴۲ پیسه	۵ روپیه ۴۸ پیسه	۶ روپیه -	۵ روپیه ۱۸ پیسه	۶روپیه	۵ روپیه ۱۰ پیسه	۶ روپیه ۱۵ پیسه	۵ روپیه ۲۵ پیسه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار کرانگریزی | کشمیره چهارخانه ۷ روپیه ۳۵ پیسه | کشمیره رهدار هر رقم ۷ روپیه بیست پیسه

(۲)	جراب ها			«۳» تکمه‌های جرمی محراب ومنبردار		
رقم	تکبانکه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج	کلان فیدرجن	میانه فیدرجن	خورد فیدرجن
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه	۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۵۵ پیسه

(۴)	کروره های جدیدساخت			
رقم	زه‌باف یک اسپه دوقره دوتاره	زه باف یک اسپه دو کره سه تاره	چرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ چار تارهٔ تخی
قیمت	۸ روپیه و۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲۴ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۶ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم باف دسته بادامی دو اسپه	چرم باف دسته دولانه یک اسپه	دستهٔ دولانهٔ یکی جار اسپه	چرم باف عمرکانی
قیمت	۴ روپیه و۴۸ پیسه	۴ روپیه و۴۶ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۴۳ پیسه
رقم	قبضه برنجی کلیت نقره توپخانه	قبضه کلیت نقره از جرم سه‌لایه توپخانه	زه باف رقم سواری سامی کلیت	زه باف دو تارهٔ رکابی
قیمت	۳ روپیه و۵۵ پیسه	۴ روپیه و۵۷ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵۴ پیسه
رقم	رکاب ازنغ	چرم باف میانه چوب پت زنانه	از زین سواری تیغ جرمی	زنانه ابریشمی خیاطه
قیمت	۴ روپیه و۴۵ پیسه	۵ روپیه و۸ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته بادامی تیغ جرمی	دستهٔ دولانه سامی برنجی کلیت نقره	از زین سواری دولایه تیغ جرمی کجک دار	چرم باف مابین پت یک اسپه
قیمت	۴ روپیه و۴۹ پیسه	۴ روپیه و۴۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

«۵»	اقسام گلهای مصنوعی سر			
	گل جرین	گل نافرمان	گل برینه	گل شبو
قیمت	۵ ربیه و ۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۶ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قسم	شکوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل نسترن	جنبل
قیمت	۷ ربیه و ۴۵ پیسه	۶ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه ۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

«المشتهر»

(میر محمد هاشم دفتری کار خانه جات)

(کیدان المانی)

صحیفه (۱)   سال چهارم   شمارهٔ (۱۷)

بسم الله الرحمن الرحیم

در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
بالمراسلات داک ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
بالمراسلات داک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یک عباسی است
(اوراق که درج نشود اعاده نمیشود)

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

مدیر و سرمحرره
محمود طرزی

اداره خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه به اداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ ۱۵ جمادی الثانی ۱۳۳۲   تاریخ انگریزی ۳۰ اپریل   تاریخ شمسی ۱۰ ثور ۱۲۹۴

(مرحمت وشفقت پروریهای ذات اعلیحضرت همایونی)

در خصوص پرورش وحمایت اطفال واولاد یتیمان وبیکسان وطن

سبحان الله ! شکر وسپاس این نعمت عظمی ودولت اعلا را بکدام زبان ادا توانیم کرد که خلاق عظیم الشان منزه عن الزوال والنقصان ما [illegible] اسلامیهٔ افغانستان را وجود مسعود جهان یک پادشاه بالعطف واحسان مانند ذات اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) ادام الله دولته الی آخر الزمان سر فراز فرموده است ! وجود مراحم آمود این پادشاه مقدس محبوب القلوب ما یک حیات نمایان ویک روح روانی بجسم ملک وملت در دمیده است . از هنگام جلوس میامن مأنوس شاهانهٔ شان بجز آبادی وعمارت ، بجز رحمت وعدالت ، بجز سعادت ملت ، واعمار مملکت دیگر چیزی دیده وشنیده نشده است . راهها ، پلها ، رباطها ، نهرها ، بندها ، فابریکها ، ماشینها ، اسلحهٔ آبها تأسیس مکتبها وبسی آثار نافعه ومدنیهٔ بر گزیده بسایهٔ عمر افزای این پادشاه مقدس ما در وطن عزیز ما اساس وبنیاد یافته است .

رأفت ، مرحمت ، شفقتی که بر حال واحوال رعایا وبرایا وافراد ملت ، وابنای مملکت ازین پادشاه ملک خصال نکوئی آمال معظم مشاهده میشود از هیچ یکی از پادشاهان سلف مشاهده نشده است . حسن خلق ، عدل ، احسان از صفات ممتازهٔ ایست که وجود مسعود همایونی شان با آن تزئین یافته . بدون اعدام قاتلان ، وقطاع الطریقان وخیانت پیشه گان راه بغاوت وضلالت از قتل واتلاف نفس بدرجهٔ نهایت اجتناب ورزیده اند . همیشه در پی اصلاح ونجاح وفلاح ملت کوشیده اند . وازین است که محبت وصداقت واطاعت این پادشاه مقدس در قلوب وجوارح افراد ملت بدرجهٔ راسخ و جایگیر شده است که ذات ملکوتی صفات همایونی شان را مانند پدر شفیق مهربان ومربی محبوب القلوب قدسیت‌شان خود عنوان داده شب وروز بشکران خالق انس وجان رطب اللسان میباشند .

درینجا میخواهیم یک شمهٔ از مراحم بیپایان اعلیحضرت پادشاه بسیار مهربان خود را که دربارهٔ جمع آوری وحمایتکاری ونوازش وپرورش یتیمان بیکس ، ودر ماندگان بی فریادرس وطن ابراز فرموده‌اند تفصیلاً تذکار نمائیم :

چهار سال قبل ازین نظر خیرات وحسنات پرور ذات اعلیحضرت پادشاه مقدس محبوب القلوب ما را احوال سفالت اشتمال اولاد واطفال یتیم وامانده ودرماندهٔ که در کوچه‌ها وبازارها به انواع پریشانی وسر گردانی بگدائی وبینوائی بسر می آوردند جلب نموده عدالت ومرحمت شاهانه چنان اقتضا نمود که اینها را ازین سفالت وپریشانی وارهاند . بناءً علیه — چنانچه درشمارهٔ (٤) سال نخستین سراج الاخبار افغانیه — مذکور گردیده بود در سنهٔ ۱۳۲۹ بتأسیس وبنیاد دار الیتاما — یعنی خانهٔ تربیه و پرورش اولاد یتیم — امر وارادهٔ سنیهٔ اعلیحضرت شهریاری شرف صدور یافت .

ذات شوکتسمات اعلیحضرت پادشاه مقدس ما بسی وسایل وذرایع ، برای درآمد مداخلات یتیمخانه احداث وایجاد فرمودند مثلاً واردات ومداخلات عکسخانهٔ شاهی ، ومداخلات عصریهٔ جشن حضوری ، ومداخلات بعضی تماشاگاهها وبسی چیزهای دیگر را برای یتیمخانه تخصیص فرمودند . بر سر اینهم سالیانه مبلغ هجده هزار روپیهٔ کابلی از خزانهٔ عین المال شخصی شاهانهٔ شان برای یتیمخانه مقرر داشتند ، وغیر ازینها دفترها وطومارهای اعانه‌ئی چندیها شده همهٔ اعیان وبزرگان وتوانگران وسوداگران وتاجرزادگان مملکت هر کس بقدر استطاعت وقدرت

ثروت ویسار خودشان باعطای اعانه مسارعت وهمه ساله بتأدیهٔ آن تکفل ورزیدند این است که ذات مراحم صفات اعلیحضرت پادشاه محبوب القلوب مقدس ماباین مراحم ومکارم خیرخواهانهٔ دین پرورانهٔ پدرانهٔ شاهانه که درحق اولاد یتیم ودرماندهٔ ملت صادقهٔ ملوکانهٔ شان بیدریغ ورایگان فرموده اند ، حقیقتاً که غیر از خیرات وحسنات اخروی ، یعنی فواید مادی ومدنی نیز برای مملکت وملت شاهانه تأمین وحاضر ساخته اند .

پس اگر سوء استعمالات ، وعدم وغبن واختلاسات در واردات و مداخلات این مؤسسهٔ حسنات بنیاد اعلیحضرت پادشاه بارحم وداد مقدس ما راه نیابد ، وبنحو لایق واصول موافق به تدویر چرخ خرج ادارهٔ آن از روی حقانیت ودیانت کوشش وسعی ورزیده شود ، وخیانت درامانات پیدا نشود هیچ شبهه نیست که ازین یتیمخانهٔ آنچنان اولاد های فرزانه بسر رسد که درراه دین ودولت ووطن وملت بسی خدمات نمایان وفواید شایگان از دست شان بظهور رسد . اگرچه این یک در داخل وظایف نامه نگاری ما نیست که بعضی معلومات غبن ها واختلاسهای واگفته به را که در خصوص مال یتیمخانه تقدیم وتحقیق کرده ایم درج صحایف سازیم ، ولی بنا برمنطوق حدیث شریف حضرت پیغمبر صادق مصدوق ما صلی الله علیه وآله وسلم که فرموده اند : — [من رأی منکم منکراً فلیغیره بیده ، فأن لم یستطع فبلسانه ، فأن لم یستطع فبقلبه وذالك اضعف الایمان .] — یعنی اگر یکی ازشما یك چیز ناگواری ببیند آنرا بدست خود دفع ورفع کند ، واگر بدست خود — یعنی فعلاً — نتواند زبان اورا منع کند ، واگر زبان هم نتواند بدل ازان انکار کند که این درجهٔ سوم ضعیفترین ایمان شمرده میشود — لهذا برای متنبه ساختن وآگاه کردن غابنین ومختلسین این امر بر خیرات وحسنات اعلیحضرت (سراج الملة والدین) که اگر براستی بران جرأت وجسارت ورزیده باشند بعضی آیات بینات قرآن عظیم الشان ، واحادیث شریفهٔ حضرت هادی ایمان را داخل وظایف نامه نگاری خود دیده تذکار وبیان مینمائیم ، شاید ازین میانه یکی کارگر شود ؛ :

« آیات بینات »

درسورهٔ شریفهٔ نسا میفرماید : — « وآتوا الیتامی اموالهم ولاتتبدلوا الخبیث بالطیب ولاتأکلوا اموالهم الی اموالکم انه کان حوباً کبیرا » . — یعنی بدهید مریتیمانرا مالهای شانرا ، وتبدیل مکنید مال ناپاك یتیم را بمال پاك خودتان ، ومخورید اموال ایشانرا بآمیخته کردن باموال خودتان . تحقیق بدانید که این کار گناه بسیار بزرگ است .

ونیز در سوره مذکوره میفرماید : — « ان الذین یأکلون اموال الیتامی ظلماً انما یأکلون فی بطونهم ناراً ، وسیصلون سعیرا . » — یعنی بدرستی آنانکه میخورند مالهای یتیمان را به بیدادوستم جز این نیست که میخورند درشکمهای خود شان آتش ، وزود باشد که انداخته شوند — خورندگان مال یتیم — در آتش افروخته شده

اگرچه در خصوص یتیمان آیات کریمه موجود است ولی بهمین دو آیهٔ قدسیه اکتفا ورزیده شد ، « در خانه اگر کس است یك حرف بس است » .

احادیث شریفه

در (جامع الصغیر) از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم منقول است : — « أتحب أن یلین قلبك وتدرك حاجتك ارحم الیتیم وامسح رأسه واطعمه من طعامك یلن قلبك وتدرك حاجتك » : — یعنی ایا میخواهید که نرم دل شوید ، وبمراد خود هم رسید ؟ پس رحم آرید بریتیم ، وبرسرش دست بکشید ، وازطعام خود اورا سیر کنید که به این معامله دلتان نرمی پیدا میکند ، وبمراد خود میرسید .

ونیز منقولست : — « احب بیوتکم الی الله بیت فیه یتیم مکرم » : — یعنی خداوند ارحم الراحمین همان خانهٔ شمارا بیشتر دوست تر دارد که یتیمی دران کرم وعاطفت به بیند .

ونیز منقولست : — « انی احرّم علیکم حق الضعیفین ، الیتیم والمرأة » . یعنی بدرستیکه من حرام میکنم برشما حق دو ناتوان را که یکی یتیم باشد ، ودیگری زن .

از درگاه خالق ارض وسما جل وعلا نیاز میکنیم که ذات مراحم صفات اعلیحضرت پادشاه مقدس محبوب القلوب مارا که مرحمت عام شاهانهٔ شان زمرهٔ افراد ملت افغانیه از صغیر تا کبیر ، واز فقیر تا وزیر ، واز یتیم تا اسیر مانند پرتو آفتاب جهانتاب یکسان میتابد ، تا سالهای بیشمار اریکه پیرای سلطنت سنیهٔ اسلامیه بدارد تا از مرحمتها وعاطفتهای جهان احتوای شاهانهٔ شان ملت ووطن برخوردار گردد . واعمال واخلاق ما را اصلاح ومستقیم سازد تا در رضای معالی ارتضای شاهانهٔ شان تطبیق حرکت کرده بتوانیم ، آمین .

حوادث داخلیه

دربار معالی بار یوم شنبه

روز شنبه گذشته ۴ جمادی الثانی در دالان شوکت نشان سلامخانهٔ عام ارك مبارك ، مراسم دربار معالی بار شاهانه شرف انعقاد پذیرفت ، بموجب رقعه‌ها وطومارهای خبری که یکروز پیش از طرف ایشیك آقاسیان دربار حضور انور والا توزیع وتقسیم شده بود ، جملهٔ شهزادگان عظام وسرداران کرام ، وارباب مناصب نظامی ، واصحاب مراتب ملکی وجمله درباریان ملبس بلباسهای رسمی درباری خود شان در دالان سلامخانه جمع آمده هر کس بجرا خورد جاه ومقام خود شان جابجا شدند .

تقریباً یازده بجه بود که آواز سلامی موزیکه های عسکری ازخارج سلامخانه ، تشریف شوکت ردیف ذات شوکتسمات پادشاه مقدس محبوب القلوب ما اعلیحضرت « سراج الملة والدین » را ادام الله دولته برحاضرین دربار معالی بار اعلان نموده همهٔ حاضرین

قیام ، ووضعیت سلام واحترام را گرفتند . ذات اعلیحضرت پادشاهی از دروازهٔ سمت شرقی بقدوم میمنت ملزوم همایونی مجلس دربار را شرف سعادت وشوکت بخشیده برسریر سلطنت عروج ، ور کرسی شوکت جلوس فرمودند . وحاضرین دربار معالی‌بار را بهالتفات جهاندرجات واحوال پرسی وخاطر نوازیٔ مکارم‌غایات ، مظهر تلطیفات وعواطفات همایونیٔ شاهانهٔ شان نموده ازکلامهای حکمت پیام فنی که در خصوص بعضی مسایل حکمیهٔ طبیعیه متعلق حرارت وبرودت هوا وبارومیتر وترمومیتر . وبعدازان ازبعضی حکمیات دینیه وشرعیه بیانهای پرحکمت ومعرفت فرموده موجب استفاده واستفاضهٔ عمومی گردید .

درین دربار از اوضاع حالات حرب حاضره نیز بعضی بیانات مناسبه بمیان آورده از مقدرات خداوند بیچون ، واز تجلیات نیر نکهای دهر بوقلمون ، وخوبیهای اخلاق حسنهٔ دوستی واتحاد ، وبدیهای دشمنی وبیداد ، وفواید کنار جوئی ازین طوفان سماکیٔ بنی بشر ، واولی بودن انتظار به نتیجهٔ هرخیر و شر وبعضی کلمات حکمی وسیاسیٔ فواید مظهر بیان فرمودند .

بعد ازان سفره میزهای نان ونعمت شاهانه گسترده شده اهل میز حضور دروسط دالان . ودیگر درباریان رجالها ومقامهای خود شان بطعام دعوت شده بعد از فراغ طعام دربار معالی بار رسیدهٔ حد ختام گردید .

یك وفات دلخراش

سراج الاخبار افغانیه خبر کدورت اثرالمانگیز وفات حضرت ایالت فرزندیٔ دلبند ارجمند جناب مستطاب فخامت مآب سردار اکرم حضرت عالی نائب السلطنه صاحب افخم را که تقریباً ماهه بیکمدت قلیله در هوای عالم زندگانی بهره یاب حیات گردیده ومانند یك غنچهٔ نهال سعادت که هنوز نو بشکفتن آغاز نهاده باشد در سلخ ماه جمادی الثانی گرفتار باد خزان اباد اجل گردیده اند بکمال حسرت وتمام اسف درج صحایف حزن واندوه مینماید ، ومراسم تعزیت‌را بکمال فروتنی عرض میدارد ، حق لایزال جل وعلا وجود عالی را سلامت دارد . وروح پرفتوح آن نوباوهٔ گلشن سرای لاهوتی را شفیع اخروی شان گرداند .

مورخهٔ یوم یکشنبه ۱۹ شهر جمادی‌الاول سنه ۱۳۳۳

از کوتوالیٔ ترکستان مینویسند

درین آوان سعادت اقتران دو کیفیت عجیبه بظهور رسیده فقرهٔ اول اینکه خواجه میر جلال الدین‌خان کوتوال محال سرپل مرقوم داشته که ارباب بابه کندز بلوچ در روت مستمری یومیه کوتوالی مرقوم نموده که درلیل یکشنبه ٥ شهر حال در خانهٔ ملا آستان ولد شاه مرزا طفل دوپسر ویکدختر تولد یافته جناب قاضی صاحب اسم پسران مذکور را محمد حسن ومحمد حسین واسم دخترا فاطمه گذاشته کمرسه نفر آنها تاحال درقید حیاتند —

فقرهٔ دوم اینکه یکنفر آدم محمدرحیم نام ولد داتیار باشندهٔ قشلاق شاه توت محال سرپل علاقهٔ بلخرا که درین روزها بمزار شریف آمده تخمیناً بعمر ۲۵ ساله گی میباشد بدربار معدلتدار حکومتی ترکستان وبلخ بحضور جناب جلالتمآب نائب‌الحکومه صاحب حاضر آوردند که هر دو دست او مادر زاد از حد شانه نبود و ودرهر شانهٔ آن مثل یك انگشت سبابه یك چیزی از گوشت و استخوان بود بعد جناب نائب الحکومه صاحب ازو استفسار فرمودند که روی شستن ونان خوردن شما بچه قرار خواهد بود عرض کرد که همرای پای خود روی خود را می‌شویم واکل وشرب هم مینمایم نائب الحکومه صاحب برای او چای خواستند دستهٔ پیاله چای را درمابین دو پنجه پای خود گرفته ویکپای خود رابالای زانوی دیگرپای خود گذاشته وبسیاردرستی درشرب‌چای مشغول گردیده تاپیاله‌چای‌را کامل خورد و بعد جناب نائب‌الحکومه صاحب فرمودند که درپیاله بیدسته باو چای بدهید چون بپیاله بیدسته چای انداختند پیاله‌را باحتیاط تمام همراه دو پنجه پای خود گرفته درزیر بغلك پای دیگر خود گذاشته چای را کامل خورده وخودهم او بیان نمود که بدوکان سماوارچی به یك پای خود ازدست چاینك گرفته بپیاله‌ریخته بعدپیاله‌را بقانونیکه ملاحظه میفرمائید برداشته میخوردم ونیز دستاررا ازسرخود برداشته باز کرده کلاه رابزانوی خود گذاشته همرای یکپای وبمعاونت لب ودهن دستار خودرا به بسیار صفائی بسته نمود ودرهمانمجلس جناب نائب‌الحکومه صاحب مبلغ سی روپیه هم بخشانه برای او داده نامبرده‌را مرخص فرمودند حال بروضهٔ شریفهٔ مرتضویه کرم‌الله‌وجهه شخص مذکور حاضر است

امضا (دستخط محمد اکبر کوتوال مزار شریف)

ادبیات

افغانی

﴿ هوالغفور الرحیم ﴾

(حب الوطن من الایمان)

زرهٔ ځمادك دى له مينى د وطن
حبّ وطن ماته عزيز دى ز جان تن
هر يوكل م د وطن په مادر گران دى
ز كشمير تر پاريس تر لندن —
شيرين ځان م په شيرين وطن فدا دى
زه خو دارنگه فرهاد يم كوه كن
گلستان م د وطن لا ور كنار دى
خارستان دى د وطن راته گلشن
د وطن په حمايت كى ځان مباح دى
په دا چى كه لازم دى سر باختن

د جابه سر کی چه سودا دوطن نه وی
سر د ده دی مستحق د بریدن —
جابه زره کی چه جنون دوطن نه وی
د هغه زره د خدای عیش لری غمجن
ساکنان دخپل وطن چه څوك غربولی
هغه غدار د زمانی دی هم دشمن
که دیر دی په جهان کی عزتونه
دیر عزت دی په خدمت کی د وطن
د ملت و دین سراج اعلیحضرت دی
په جهان کی لکه نمر دی دی روښن
هسی شان ترقی شوی دده په عهد کی
چه په کاروی دوئی د پاره څوژ من
مدرسی او مکتبونه اوس جاری دی
د هر علم د هر کسب د هر فن
نه توپونه اوس جوړیږی په کابل کی
استغنا مو شوه له کروپ د جرمن
هم اخبار موشایع کیږی په وطن کی
دیر مرغوب لکه محبوب شه مزین
یو مدرسی چه جامع د کمالات دی
خدای دی دی سلامت ساتی له هر حزن
واقعات مو چشم دید شوه د هر شهر
که پیکن دی که لندن دی که برلن
اخر دعا دافغان دا ده ای صاحبه
چه اسلام صاحب د جاه کړی ذوالمنن
من کلام حقیر غلام محی الدین افغان

﴿ کلام جناب مستغنی ﴾

(فغان که جنك یوروپ زد به بحر و بر آتش)
(فگنده است در آفاق سر بسر آتش)
(فتاد در همه آفاق شورش از جرمن)
(توان بجمله جهان زد بیك نفر آتش)
(کسی چه چاره تواند که در گرفت جهان)
(شود بهر نفس ای وای تیز تر آتش)
(که میکند ز طرفه دارو بهر طرف پرش)
(چو شد بلند بپرسد ز خشك و تر آتش)
(آب چاره گرت دسترس بود دریاب)
(حذر چه سود چو گردید شعله ور آتش)
(توان نشست بجنگی چنین قرار کسی)
(اگر سپند نشیند قرار در آتش)
(مگر زخانهٔ گردون بدر دوبم برون)
(گرفته است میان خانه ابو در آتش)
(کنون بحر من مه میرسد شرارهٔ او)
(بلند ساخته این جنك آنقدر آتش)
(شود سمندر ازین انقلاب هر ماهی)
(که بحر نیز نشست از سرك بر آتش)
(هوا بلندی هر زیبان چه می بزنی)
(زخاك جانب گردون کشیده سر آتش)
(کسی ندانست ازین جنك خانه سوز خبر)
(بلی بد است چو افتاد بی خبر آتش)
(درین بهار زد این جنك آتشی بجهان)
(که همچو لاله زهر سو کشید سر آتش)
(کنون بجان و بدل کوشش ای مسلمانان)
(که گردماست زهر گوشه سر بدر آتش)
(ببین بچشم خود آتش فشانی دشمن)
(چرا نباشدت ایدوست در جگر آتش)
(مشو زگرمی بازار علم و فن غافل)
(که زد بجمله جهان جرمن از هنر آتش)
(مشو مشو دگر آتش زبان تو (مستغنی))
(مزن مزن بجهان بیش ازین دگر آتش)
(درین بهار که باران شده است طوفه گوش)
(بگو بگو زکجا کردی اینقدر آتش)

﴿ کلام مذنب ﴾

(چرا سرما نخیزد از بر گل   بهار آمد کنون بالشکر گل)
(بخوبی قطع شد پای زمستان   که باید بار دیگر بسر گل)
(ز خشکیهای سرمائی خلند روی   مگو غیر از رخ گرم تر گل)
(زمان باده نوشی به ازین نیست   چمن بگرفته در کف ساغر گل)
(ز گل هدهای گل نام بعرزی   که گرده بلبلان گرد سر گل)
(سحر قمری بشاخ سرو بگفت   بیکپا ایستاده چاکر گل)
(چرا افتد کوه و باغ و صحرا   ز رنك لاله حسن احمر گل)
(این لطف و ترا کنها چه لازم   چرا در خار باشد بستر گل)
(معطر کن دماغ خویشتن را   که شو ابافت صبح دیگر گل)
(نیداری بشور عندلیبان   که میخوانند وصف و فر گل)
(مباد آزرده گردد از لطافت   ندارد زور شبنم پیکر گل)
(ز تکلیف هوا های مخالف   عرق فصل ازد باور گل)
(عجب نبود اگر از خود رود من   به مستیها زبوی شعله گل)
(سواد اعظم کابل منور   شد از خورشید و ماه و اختر گل)
(الهی سبزه فرش زیر پایش   شگوفه سایه انداز سر گل)
(ز هجر میکه در حسنش تمامست   دل (مذنب) ببند بجر گل)

عالم عسکری

[باده نوشی وحرب == مثل ازتاریخ حرب]

درین وقتها دراخبارات ازترک مینوشی بحث ها وبیانها رانده میشود ، چندی پیش ازین دولت روس مینوشی را قدغن نمود . از خبرهای این هفته معلوم میشود که دولت بریتانیا نیز برای ترک مینوشی بعضی تشبثات بکارمیبرد زیرامضرتهای بی انتهای باده نوشی درین حرب اخیره بر آنها بعدازبیست عصر حالا اشکار گردید . بنازم دین پاک حضرت پیغمبر بر گزیده خودمانرا که پیش ازسیزده عصر ام الخبایث گفته امت ناجیهٔ اسلامیه را ازان منع فرموده است ، نه تنها ازشراب خانمان خراب ، بلکه ازهمه افعال سیئه واخلاق ردیه که مستوجب ضرر ونقصان عالم انسانیت است باجتناب وپرهیز کردن امت خود را مأمور نموده است . مثلا ، حرص وطمع ، . . بغض وحسد ، را نیز شنیعتراز شرب ام الخبایث شناخته امت را بشدت ازان منع فرموده اند . اگرچه روس

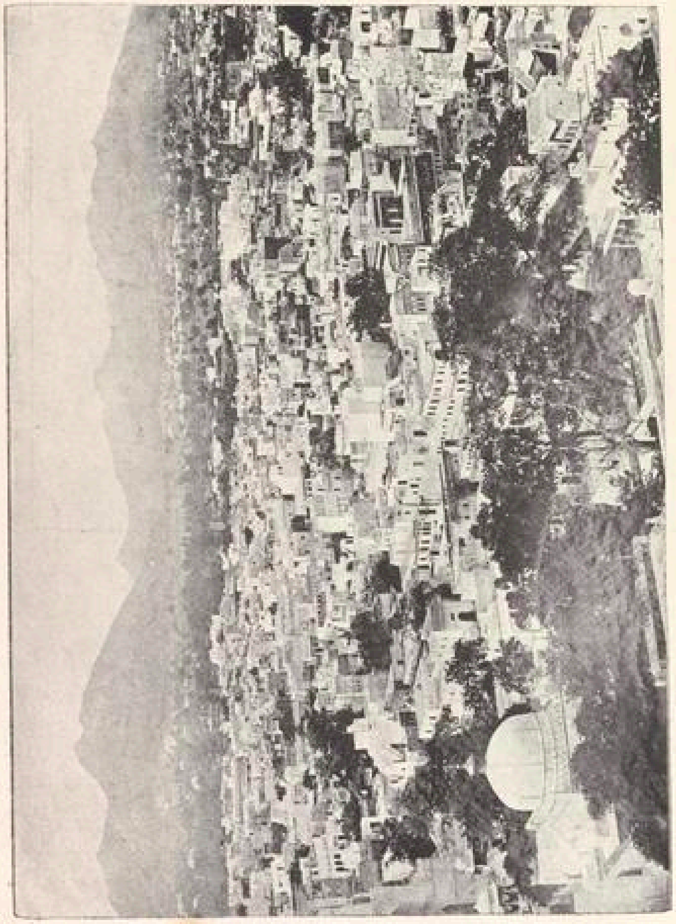

از منظره‌های هندستان

منظرهٔ عمومی شهر اجمیر شریف

وانکلستان مضرت شرابنوشی را احساس کرده بمنع وقد آن آن اقدام ورزیدند . واین را برای زودبه انجام رسیدن محاربهٔ حاضره وفوز وفلاح خود شان یك چارهٔ مفیدهٔ دانستند . اما شایان حیرت واسف این است که از عامل یگانه ومؤثر حقیقیٔ این محاربهٔ حاضره چشم پوشی وتجاهل عارف ورزیدند !

باید دانست که عامل ومؤثر یگانهٔ این حرب بجز زهر قتال « حرص وطمع » . وسم مهلك « حسد وبغض » دیگر هیچ چیزی نیست . همان حسد ورقابت جهانگیری — علی الخصوص هندستان خوری — بود که انگلیز وروس را دشمن امان جان همدیگر شان ساخته بود . حتی عاوعدهٔ قطعی میداد که اگر روس ازراه افغانستان خیال حملهٔ هندستان را بکند همهٔ دولتها را درمحرور راو خواهد برانگیخت . وچون مانندالان یك مبغوض ومحسود مدهش دیگری در نقش اوروپا برایش ظهور نمود . ومرکزشوکت وعظمت وثروت وتجارت خود را که انگلند باشد درزیر تهدید آن محسود مبغوض دهشت آمود خود درلرزه وتهلکه دید . هندستان ازیادش رفته چارهٔ عاجل دفع آرا اولی وضرورتر دانست عاجلاً یعنی ازهنگام آن تهدید تجارت — بارقیب دیو قوت هندستان طمع خود طرح نیرنگ ائتلاف را درانداخت . وبمقاسمهٔ برادرانه

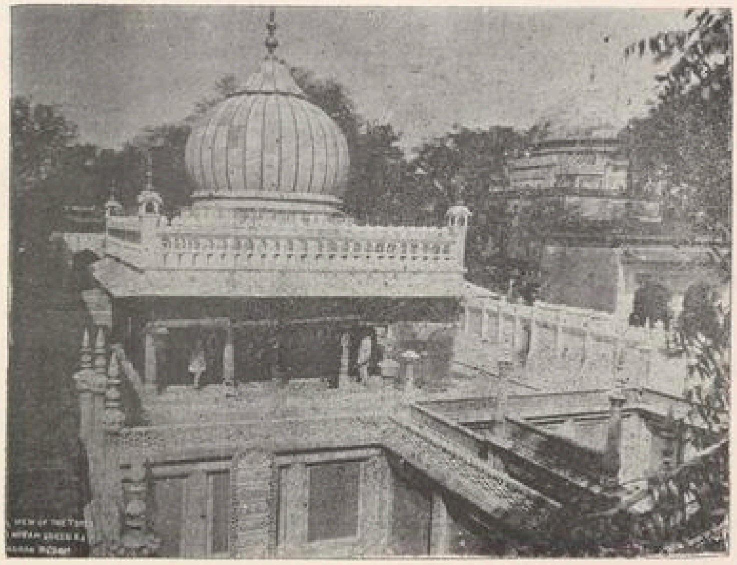

از مناظر هندستان

مقبرهٔ مبارك حضرت سلطان نظام الدین اولیا در دهلی

ائتلاف برادرانهٔ اراضی آسیای صغرا وعراق . وفارس وغیره رقیب خونخوار الطماع وحریص نموده ورقیبش را نیز حرص وطمع این نقد . از حرص وطمع آن لقمه دردم حاضر گوارا وموافقتر آمده این است که اینهمه هنگامه های بلااندوز . واینهمه آتش‌های جهانسوز را شعله افروز عالم انسانیت ومدنیت نمودند ! لهذا بی بروا باید گفت که اگر زودبه انجام رسیدن این حرب را که مخرب عالم انسانیت وازپا درافگنندهٔ جهان مدنیت است براستی وحقیقت آرزومندند میباید که ازحرص وطمع . وحسد وبغض دست بکشند . وبرای پوره کردن آن مقاصد دنیه عالم مدنیه عالیه را منتشر نسازند .

خیر ! بهرصورت . حالا از تجزیها صرفنظر کرده یك کمکی ازمضرات وخسارات آن آب شرارت مآب که مینوشانش بادهٔ ناب ولو شدادروی اولی الالباب میخوانند بحث میرانیم : — درلسان شرع شریف محمدی (ص) شراب را به « ام الخبائث » : — یعنی مادر بدیها وخباثتها — تعبیر کرده اند که الحق تعبیر بسیار با معنی وبرجائیست . سرمنشاء همهٔ قبایح ورذایل شرابست . وسر چشمهٔ جملهٔ فضایح وفجایع لازمهٔ شراب است . غیر ازضرر های شرعی واخروی آن . از نقطهٔ نظر صحت وطبابت نیز معایب ومضرات

آن در نظر فن جلیل طب بدرجهٔ ثبوت رسیده است . بهترین وگرانبها ترین چیزها عقل است که بواسطهٔ این جوهر مقدس انسان از حیوان تفریق یافته است . حالآنکه اهم ضررهای این مایع زهرآلود اول بعقل تأثیر خرابئ خود را اجرا میکند . انواع امراض مهلکهٔ مزمنه از باده نوشی بر وجود بشری مستولی میگردد . آلات مهمهٔ حیاتیهٔ داخلئ وجود مانند شش وجگر وقلب وروده ها ومعده وغیره بدوام وافراط باده نوشی از اجرای کار گذاریٔ خود درمیماند . اگرچه یك گرمی وجرأت موقتی حاصل میکند ولی بعد از کمی بسردی ورخاوت عظیمهٔ تبدیل میابد . وچون از نقطهٔ نظر عسکری دیده شود . زهر قاتل عسکر شرابنوشی . ومغلوبیت کلی فن حرب را ازید مستی باید شمرد . فن حرب از نازك ترین فنون است که بعقل وحواس کامل اجرای حرکات وعملیات آن موقوف ومنوط میباشد . وچون شرابنوشی وبدمستی زایل کنندهٔ عقل وحواس است لاجرم در فن حرب بدمستی حرام قطعی شمرده میشود .

درخصوص انشاءالله درآینده یك مقالهٔ مستقله مفصله خواهیم نگاشت . درینجا همینقدر میگوئیم که درین روزها در بعضی اخبارها دیده شد که هزمجستی بادشاه انگلستان دردوایر عالیهٔ بادشاهئ خود شان شرابنوشی را منع وقدغن نموده تادیگر گروه ها نیز شاید پیرویٔ این عمل اورا بکنند . لارد کیتچنر وزیر حربیهٔ انگلیز نیز دریك محفل بجای شراب آب زلال را قایم مقام جام صحت بادشاهی گفته نوشیده است . اما ازین هم خود داری نمیتوانیم که بگوئیم این شرف وفضیلت آب زلال نوشی را بجای میکشی « یاشیرو » نام کپتان ژاپانی ده سال پیشتر ازین در محاربهٔ روس گوی مسابقه را درربوده است که بنا بر اثبات مدعا یکدو صحیفه از « تاریخ حرب روس وژاپان » را درزیر این سرلوحهٔ « عالم عسکری » خود بنظر برادران صنف نظامئ وطن مقدس خود عرض مینمائیم : (۱)

§

(یکدو صحیفه از تاریخ حرب روس وژاپان)

(تشبث نخستین رسد کردن مدخل)

﴿ پور آرتور ﴾

هجومهای اول ودوم که ازطرف دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپون بوقوع آمده بود اگرچه قوای معنویهٔ روسها را منکسر وقسم مهم سفاین حربیهٔ شانرا مأیوس ومتضرر ساخته بود ولی باوجود آنهم کشتیهای جنگی روس هنوز بحالیکه بحرکت کردن غیر مقتدر باشند نرسیده بود . بناءً علیه درجوار « شه مولیو » که ژاپونها سوقیات عسکریه را اجرا میکردند - یعنی اپاپورهای نقلیه از سواحل ژاپان به اراضئ مانچوری عسکر میاوردند احتمال اجرای تعرض ازطرف کشتیهای جنگی روس درهر آن وهرزمان موجود بود وچون سفائن روس که در محاربه های اول ازطرف کشتیهای جنگی ژاپان خسارت زده شده بودند آهسته آهسته تعمیر میشدند احتمال تعرض را بیشتر میگردانید . دیگر اینکه بناسبت شدت طوفانهای برف مدخل « پور آتور » را همیشه درزیر ترصد داشتن برای ژاپان ها کیفیت بسیار مشکلی بود . لهذا وایس امیرال « توغو » اندیشید که یکچند سفینه های تجارتی را درمدخل پور آرتور غرق کرده دسته های کشتی جنگی روس را درانجا حبس نماید .

امیرال توغو برای اجرای اینکار پنج عدد سفینهٔ بزرگ وکهنهٔ تجارتی بدست آورد عمله و مرتبات سفاین مذکوره عبارت از (۱۰) افسر و (۶۹) نفر عسکر بود . این نفرها از میان صدها دلاوران داو طلب انتخاب شده بود . وهمه گی آنها درزیر کوماندانئ « یاشیرو » نام کپتان کشتئ زرهپوش « میقازا » که سفینهٔ امیرالست داده شده بود .

تنگترین جائیکه در مدخل بندرگاه پور آتور است تقریبا « ۳۰۰ » مترومیاید . بالماحظ آب سفائن جسیمهٔ حربیه بهلندئ « ۷۰ » متر میباشد لهذا قسمی که درمدخل یعنی راه درامد بندر مذکور مساعد وموافق برای سیر سفائن باشد زیاده از صد متر پهنائی ندارد .

امیرال « توغو » این پنج کشتئ که برای غرق گردانیدن تدارك نموده بود به سنگ وچیم ودیگر مواد ثقیله وبعضی مواد مشتعله مانند پترول ونفت وغیره ومالامال نمود . وبرای دردادن این مواد مشتعله ترتیبات الکتریك نیز ساخته بود که باین صورت دریك زمان واحد هم کشتیها آتش میگرفتند . وهم بقوت رشدن آب در کشتی بسرعت تمام درقعر دریا فرو می رفتند .

باین سفینه ها « ۱۲ » عدد کشتیهای جنگی مخربهٔ طورپیدو نیز یکجا میرفت وظیفهٔ این طورپیدو ها آن بود که اولاً کشتی جنگی « رتویزان » روسی را که خسارزده شده ودر مدخل بندرمانده است سراسر از کار انداخته ضرر آنرا مانع آیند . ثانیاً بعد ازانکه کشتی های خودرا درمحل مقصود غرق سازند مرتبات آنهارا تخلیص ورهائی بدهند .

پیش ازانکه این پنج کشتی بصوب مقصود حرکت کنند . افسران دلاوران داوطلب کشتیهای غرق شدنی بادیگر رفقای خود مراسم وداعیه را ایفاء کردند . وبرای حسن موفقیت وکامیابئ آنها دعاها ونیازها کردند . بعد از اتمام یافتن همه حاضریهای این سفر حربیهٔ بسیار مهلکه ومدهشه که درصدی نود ونُه نجات یافتن افسرها وعسکرهای مقررشدهٔ آن محال مینمود « یاشیرو »

---

(۱) « تاریخ حرب روس وژاپان » دو ربع جلد یك تاریخ حربیست که قبل ازچند سال بموجب امروفرمان اعلیحضرت « سراج الملة والدین » این مدیر وسرمحرر عاجز از زبان ترکی عثمانی بفارسی ترجمه کرده ام . یك اثر بسیارنافع ومفیدیست . افسوس که هنوز بزیورطبع آراسته نشده . از مراحم عرفان پروری ذات اعلیحضرت همایون امیدواست که طبع ونشر آنرا درمطبعهٔ حروفات دارالسلطنهٔ کابل امروفرمان نمایند .

نام کپتان کشتیٔ « زرهپوش » آساما ، یك قدح نقره ئی را که یکی از شهزادگان ژاپان بکونی به او بخشیده بود از آب صاف زلال پر ساخته ، و دلاوران داو طلب فدائی را که بکشتی های غرق شدنی سوار میشدند خطاب نموده این نطق ذیل را برایشان خواند:

(صورت نطق)

« ای فدائیان شرف و ناموس ملت و وطن !

« شمارا یك موقع بسیار مهلکه ئی که در زیر آتش طوپهای دشمن معروض میباشد میفرستم ، سلامت باز گشتن ازین معرکه در هزار یك احتمال ندارد . شمارا که باچنین موقع مهلکه ئی میفرستم ، چنان میپندارم که از فرزندهای جگرپارهٔ حقیقی خودم جدا میشوم ولیکن بدانید که اگر صد فرزند میداشتم که از صلب خودم میبود همه را در راه این شرف و سعادت عظمائی که خدا امروز شمارا نصیب کرده فدا میساختم ، و سرهای آنهارا در گذرگاه دشمن که بدامن خاك مقدس مابای تعرض دراز کرده می انداختم ! نه تنها صد فرزند ، بلکه اگر تنها مالك یك فرزند صلبیٔ خودم میبودم باز هم آنرا ازین شرف و سعادت امروزیهٔ شما محروم نمیساختم .

« بروید فرزندان من ، بروید ! جرأت و شجاعت اولادهای مملکت « شمس طالع » را بر دشمن آن مملکت مقدس اثبات نمائید ! در اثنای بجا آوردن وظیفهٔ تان ، اگر دست راست خود تانرا ضایع کنید ، بدست چپ خویش ، و اگر هردو دست خود تانرا غایب کنید ، بپاهای خویش کوشش ورزید ! و شاید پاهای شما هم برود ، باز ، ببدن خود تان درباب بجاآوردن امر آمر و کوماندان خود تان سعی و غیرت نمائید !

« اینانرا هم بخوبی بیاد دارید که برهریکی از شما وظیفهٔ بسیار عظیم ، و مسئولیت بسیار جسیمی بار کرده شده است . هر کسیکه در خود برای بجا آوردن اینچنین وظیفهٔ عالی متانت و پایداریٔ کافی و کامل نمی بیند ، از حالا بگوید ، زیرا ترقش عیب نیست ، اما در وقتیکه بدانش بقدر ذره از خوف و تردد باشد ، و به جرأت دروغی ، و شجاعت ، ساخته گی بمیدان جنگ و وغا برود ، بدتر ازان عیب و زشت تر ازان عار برای او دیگر هیچ چیزی نیست » .

در اینجا سخن کپتانرا صداها و هایهوهای بسیار پرهیجان « زنده باد میکادو ، زنده باد ملت و وطن ! لعنت باد بر کسانیکه در فدا کردن جان خود در راه شان بترسد و بزدلی کند » برید . بعد ازانکه ایطوفان جوش و خروش پرهیجان فدائیان فرو نشست ، کپتان باز بر نطق خود دوام کرده گفت :

« پس چون چنینست شمارا وصیت و سفارش میکنم که بمیرید ! همهٔ تان بلا استثنا بمیرید ! ولکن حیات خود را مفت و رایگان ندهید ، مرگ را حقیر بشمارید ، ولی نه تنها بمقصد حاصل کردن نام و شهرت خشك و خالی ! نی ، نی ! من میخواهم که مرگ هیچ یکی از شما بی ثمره و بیفایده نباید بود ، تا دشمن تانرا مسرور و شادان نسازد ! هریك ازشما میباید که اول برهمین سعی و کوشش باشد که کشتیهای غرق شدنی را به نقطهٔ مطلوبهٔ غرق شدنش برساند ، و در انجا غرق کند ، بعد ازان که این وظیفه را بخوبی ایفا نمود ، مرگ را به بسیار مسرت و افتخار در آغوش باید کشید !

« ای فدائیان قهرمان ! از پشت پردهٔ استقبال ، یك سیمای بسیار منوری می بینم و به تجلیٔ یك روز بسیار مسعودی منتظر میباشم که آن روز فیروز سعادت اندوز همانست که بسایهٔ غیرت و حمیت و فداکاریٔ مانند شما اولادهای وطن ، دسته های کشتی های جنگیٔ دشمن در بندرهٔ پورت آرتور « محبوس » ماند و بشنیدن اینخبر مسرت اثر تمام ژاپان بوجود شما افتخار بکنند .

« درین هنگامیکه از شما مفارقت ابدی میکنم ، لازمهٔ مراسم وداع را — [مانند عادت اوروپا] — با قدح « شامپین » بجا نخواهم آورد ، چونکه این وظیفهٔ مقدسه که بر شما بار شده است رونق فکر و وضوح قلب بکار دارد ، ولی شامپین یك چیزیست که رونق و صافیت فکر و روح را زایل میکند !

« بیائید ای عسکرهای فداکار ، و اولادهای حکمدار ظفر قدار ! بیائید ای نونهالان چمن وطن ! و ای بهادران شهادت کفن ! بیائید که همهٔ ما یکیك قدح آب صاف درخشان که حیات همه اشیا بدان موقوفست نوش کنیم ! آری ، آری ! بنوشید ، و بسفینه های خود تان که مقرابدیٔ تان خواهد شد سوار شوید ! زنده باد میکادو ! زنده باد ژاپان !!! .... »

(انتهی)

حوادث خارجیه

(اجمال)

مهمترین حوادثیکه درینروزها جلب انظار عمومی را بسوی خود نموده هجوم دسته های کشتی جنگی دولتین فرانس و انگلیز است بر آبنای « داردنیل » . لهذا خواستیم که در خصوص احوال این آبنای بسیار مهم تایك درجه معلوماتی به پیشگاه انظار قارئین کرام خود عرض نمائیم :

این آبنا ، بسببی که دو بحر ذخار مشهور و معروف را بایکدیگر ربط و آمیزش میدهد ، و بجز همین آبنا برای گذشتن از یکی ازین دو بحر بدیگری راه دخول و مرور مفقود است خیلی مهم شمرده میشود ازین دو بحر یکی آن بحریست که قدما آنرا بحر « اجه » میگفتند ، و در کتابهای جغرافیای ترکی « اطه لر دکزی » یعنی « دریای جزیره ها » مینویسند ، و یك شعبهٔ از « بحر سفید » میباشد که آنرا « بحر متوسط » نیز میگویند ، دوم « بحر مرمره » است که در اطلسهای اردو و انگریزی آنرا « مارمورا » تحریر میکنند . این است که آبنای داردنیل ممر و معبرهٔ کشتیهائیست که از بحر اجه به بحر مارمورا ، یا از بحر مارمورا به بحر اجه سیر و سفر میکنند .

شهر شهیر « استانبول » بنام دیگر « قسطنطنیه » ، بنام دیگر « دارالخلافة العلیه » در آخر بحر مرمره ، بلمارمورا ، ودر اول آبنای «بوسفور» بنام دیگر « بوغاز استانبول » واقع شده است که این آبنای بوسفور بحر مرمره را با « بحر سیاه » ربط والحاق میکنند . « بحر سیاه » یك بحر داخلی بسیار مهمی میباشد که بجز همین آبنای بوسفور از هیچ طرف هیچ ممر ومعبری بادیگر بحر های دنیا ندارد . ــ یعنی اگر آبنای بوسفور باز باشد ، یك کشتی که از بحر سیاه لنگر بردارد میتواند کهاز آبنای بوسفور گذر کرده به بحر مرمره ، واز بحر مرمره ــ بشرطیکه آبنای داردنیل هم باز باشد ــ از آبنای داردنیل گذر کرده به بحر اژه واز بحر اژه به بحر سفید واز انجا به تمام بحر های دنیا سیرو سفر بتواند . اما بالعکس اگر آبنای بوسفور ، وآبنای داردنیل بند بود ، بحر سیاه بیك خانهٔ میماند که یك دروازه داشته باشد وبران دروازه هم قفل انداخته شود . در بحر سیاه ، دولتهای روس ، رومانیه ، بلغاریه ، عثمانیه بندرها وشهرهارا مالك هستند که قسم اعظم آن بروس متعلق است .

حالا چون این کیفیت ها نظر کرده شود تابکه درجه اهمیت آبنای داردنیل ، وآبنای بوسفور . وعلی الخصوص اهمیت موقعیهٔ استانبول بنظر جلوه گر میگردد . حالانکه ساحلهای یمین ویسار این دوآبنا دوقطعهٔ جسیمهٔ زمین را که عبارت « ازقطعهٔ اوروپه » و « قطعهٔ آسیا » باشد نیز دریك نقطه بهم گرفته است . لاجرم عنوان «سلطان البرین والبحرین» که بپادشاهان ذیشان قسطنطنیه گذاشته شده است یك عنوان بیمنای شمرده نمیشود .

بحر سیاه و بحر سفیدش بود به بر
یوروب هم آسیاست بیك نقطه جلوه گر

بر مدخل ــ یعنی دروازهٔ درامد که آبنای « داردانیل » از طرف بحر اژه استحکامات بسیار متین وجسیمی بآخرترین اصول جدیده ساخته شده است که یکی را « قلعهٔ سلطانیه » بنام دیگر « جناق قلعه » میگویند ، ودیگرش را « کلید البحر » بنام دیگر « سدالبحره » میخوانند . قلعهٔ سلطانی بر ساحل آسیا ، وکلید البحر بر ساحل اوروپا واقعشده است . درازی مسافهٔ این آبنا ، از حد این مدخل مذکور تابه حد موقعیکه آنرا « کلی بولی » میگویند ومنتهای آبنا شمرده میشود ، هفتاد کیلومتر ــ یا آنکه هفتاد هزار متر ــ است . [هر « متر » تقریباً یك گز شاه است] .

عرض این آبنا در بعضی جاها هزار ، ودر بعضی جا ها تا به هفت هزار متر پهنائی دارد ، وعمق ــ یعنی چقوری ــ آب آن از شصت تاپنجاه متر است . تنگترین جاهای آن در مدخل مابین قلعهٔ سلطانی وکلید البحر میباشد که بقدر هفتصد متر پهنائی دارد از مدخل آبنا تابه آخر آن در همهٔ نقاط مهمه استحکامات بسیار متین ورصینی بآخر ترین اصول جدیده ساخته شده ، وبا اسلحهٔ ناریهٔ مدهشهٔ تجهیز یافته است که دخول کشتیهای جنگی دشمن درین آبنا خیلی دشوار دیده میشود ، اما بازهم محالشمرده نمیشود . مثلاً اگر صد کشتی جنگی زره پوش هجوم کنند تاهشتاد دانهٔ آن غرق نشود گذشته نمیتواند . واگر دربعضی نقاط تنگ آن دوسه کشتی غرق شود برای گذشتن دیگر کشتیها راهرا بند میکنند و گیریم که از صد کشتی بیست کشتی آن بگذشتن کامیاب هم آید ، آیا آن بیست کشتی چه خواهد کرد ؟ البته باستانبول گلولهباری خواهد کرد ! اما تابکی ؟ تاوقتی که گلهٔ شان تمام شود ! بعدازان چه خواهدشد ؟ بسیار جاهای استانبول خراب وتلفات نفوس بوقوع خواهد آمد که بعد از تمام شدن جبه‌خانهٔ کشتیهای جنگی آن کشتیهای بی‌جبه‌خانه اسیردست قافچیان استانبول خواهد شد ! ونسبت بضرر ونقصانی که آن کشتیها به استانبول رسانند سه چهار مثل آنرا خود شان هم خواهند کشید !! ...

عیناً نقل از جریده گرامی حبل المتین

وضعیت روس درجنك موجوده

خاك روس مملکتی وسیع وحصهٔ بزرگی از کرهٔ ارض است وعمدهٔ این وسعت بواسطهٔ خاك غیر معمور سیبریا است واین دولت نصف بیشتراروپارا که غیر معمور است در دارد ازاین رو ثروت طبیعی خاك روس بی اندازه وبی توان گفت مثلاً معمول ترین قطعات زمین است ولی سرمایه های هنگفت می خواهد که این ثروت های طبیعی را بکار اندازد روسیه آنچه فعلاً از زرخیزی ممالك خود فایده می گیرد از برکت زراعت است مملکت روس ازغالب اشیاء محتاج بخارجه می باشد خصوصاً در ادوات جنگی وقور خانه . وامثال آن ، جا خالی تمام این احتیاجات روس را دو چیز پر می نمود اول گندم روسیه که سالی ملیارها فرنگستان میرفت ، دوم کار خانجات صنایعی او در شهر (لادز) بولند که ملیارها صناعت وی حمل به آسیا می گردید .

در موقع صلح دولت روس چند طرفهٔ حمل ونقل داشت یکی از دریای بالتیك به بحر شمال دوم از دریای سیاه بطریق داردنلز به مدیترانه سوم بواسطهٔ راه های آهن آستریا و آلمان به براعظم اروپ چهارم از طریق بسیار طولانی از دریای منجمد به بحر (پاسفك) ولی از آنجا خیلی کم آمد وشد می‌شود از آغاز جنگ راه های آهن براروپ بروی روس بسته آمد ودریای بالتیك هم بواسطهٔ جهازات جنگی آلمان مسدود شد از وقتی که عثمانی هم شمولیت باین جنگ نمود دریای سیاه وبغاز داردنلز هم مسدود گردید شهر (لادز) هم که در روسیه حکم (منچستر) انگلستانرا داشت ومرکز صناعت و کارخانجات روسیه بود قبضهٔ آلمانیان در آمد در حقیقت یکدفعه قلع تجارت وصناعت ومراودات روس از اروپا گردیده .

دولت روس منتهای احتیاج را به قورخانه وادوات جنگی داشته ودر این موقع هم هیچیك از متفقین وی انگلیس وفرانس

نمی‌تواند ازهیچ رهگذر تأیید ، بروس نمایند ناچار کمك اسلحه وقورخانه روسیه باید از ژاپون داده شود اولاً ژاپون باندازه که کافی از مهمات جنگی امروزهٔ روس باشد ندارد وثانیاً بقدری بعد مسافت درپیش است که بموقع خود بروس نمی‌تواند رساند وازطرف دیگر بواسطه گران وارد شدن قورخانه واسلحه خسارات بزرك بدولت روس وارد می‌آید دولت روس در این جنك بیشتر از فرانس وانگلیس از طریق تجارت نقصان یافته واگرچندی به این منوال بگذرد فقرالدم این سر تا آن سر روس را احاطه خواهد نمود به تجارت صناعتی او بواسطه بندشدن کارخانجات یکدفعه فلج شده وتجارت زراعتیش هم بواسطهٔ انسداد بغاز داردنلز ودریای بالتیك وراههای آهن بالکلیه از جریان افتاده بزرك ترین مال التجاره که از روسیه به خارجه حمل می‌شد گندم بود که اینك در سواحل دریای سیاه می‌پوسد وفرانس و انگلیس محتاج بدوینه وبهمین مناسبت است که گندم درتمام کرهٔ ارض ترقی نموده گندم خیز دنیا اول روسیه است که امساله یك دانهٔ از گندمش به اروپ وارد نگردیده دوم امریکااست که بواسطه کثرت خروج مورث ضیق معاش اهالی آن مملکت شده ومصمم شده اند که در آینده بیش از مقدار معین اجازهٔ خروج ندهند سیم هندوستان است که آن هم بواسطهٔ کثرت نفوس خود محتاج بداو است وجز مقدار کمی خارج نمی تواند شد واگر زیاده خارج شود اهالیش مبتلا بجوع میگردند چهارم استرلیا است که آنهم امساله زراعت گندمش خراب شده است از طرف دیگر اروپا خیلی محتاج بگندم است ، فرانس هم بواسطه اشتغال بجنك ولشکرکشی بممالك وی مقتدر زراعت نیامده واوهم کمتر از انگلستان محتاج به گندم نیست این ثلث دول روس فرانس وانگلیس را مصمم داشته که ولوبه تحمل هر گونه نقصان باشد بغاز داردنلز راباز نموده مراودات روس را بااروپا بگشایند چه گشایش بحر بالتیك بواسطهٔ جهازات آلمان دشوار وراه های آهن هم بدون تسخیر ممالك آلمان و آستریا غیرمیسور است پس اسهل طریق برای مراودات دول متفقه همانا افتتاح بغاز داردنلز میباشد واین مسئله قدری اهمیت پیدا کرده که حکم حیات وممات دول متفقه روس فرانس انگلیس را پیدا نموده است وی گویند اگر بغاز داردنلز غیر مفتوح ماند نه روس از محاصره بیرون آمده مراوده به اروپ پیدا می نماید ونه ضیق معاش در فرانس وانگلیس رفع خواهد شد ونیز ملیارها کمك مالی بروس از خروج گندمش بوی نخواهد رسید ونیز مراودت بین فرانس وروس وانگلیس هم باز نشد که بتوانند یك دیگر کمك اسلحه وقورخانه وقشون نمایند بدین مناسبات است که ما مکرر نگاشته ایم که فتح اسلامبول افتتاح بغاز داردنلز نصف جنك را بر مرام دول متفقه خاتمه می دهد بااینکه بعقیدهٔ ما گشادن داردنلز وقبضه براسلامبول غیر ممکن تصور نمی شود ولی بدون شك تحمل خسارات عظیمه وطول زمان در کار دارد برعکس اگر دول متفقه بادولت عثمانی ازدر سازش وآشتی در آیند کامیابی شان سهلتر ونقصانات شان کمتر خواهد بود وچنانچه از تلگرافات مستفادمی شود عمده رجال عثمانی مائل بجنك نبوده وحالا هم نیستند نهایت در نتیجهٔ آلمان و آلمان پرستان دوچار آمده فعلاً امکان ندارند که منفرداً ازدر صلح درآیند پس اگر دول متفقه باعثمانی سازش نموده وبه او اطمینان بخشیده، کمك جدی داده تاتواند خودرا ازچنگال آلمان بدرآرد پیشرفت مقصود که مراودهٔ روس با اوروپاست بدون نقصان حاصل تواند آمد علاوه براین در صورتی هم که دول متفقه باطول زمان وتحمل خسارات بزرك بغاز داردنلز وباسفورس را گشاده قبضه براسلامبول نمایند چون این نکته بیان شده که اسلامبول را بقبضهٔ روسیان خواهند سپرد دوچار مشکلات عظیمتر توانند گردید یعنی کلیهٔ امارات بالکان این خیال را نه پسندیده ممکن است به ضد این مصوبه برخیزند چه مسلماً قبضهٔ روس بر اسلامبول محویت کلیهٔ امارات بالکان را تهدید می کند ونمی توان گفت امرای بالکانیه بعاقبت وخیم خود پی نبرده در چنین موقع بفدا کاری وجنگجوئی برنخیزند عمده سکوت ایطالی وکنار کشی یونان در شمولیت بدول اتفاق ثلاثه درهمین نکته است وممکن است که اگر ضدیت دراین موضوع شود بیشتر از میادین شرق وغرب دول اتفاق ثلاثه در شرق قریبه مبتلای بجنك گردند واین نکته سبب گردد که قوت آنان درشرق وغرب کم شده وخصم بر آنان چیره شود از این روسیاست مرقهٔ دول متفقه نیست که بقوه بغاز داردنلز وباسفورس را مفتوح دارند پس اسهل شقوق آن است که نگذشتیم باعثمانی سازش نموده اطمینان به استقلال آیندهٔ اوداده بغازرا بروی روس بگشایند ورنه خوف آن است که دراین جدوجهد بجای نفع نقصان تولید شود درست باید غور نمود عثمانی امروزه علاوه برصیرت چند صد سالهٔ که براسلامبول وبغاز داردنلز دارد دارای یکملیون قشون جرار است وتاآخرین نقطه فدا کاری را درحفظ استقلال خود وبقای قبضه براسلامبول وداردنلز خواهند نمود

خبرها براه ایران

یك نامه نگار ازمشهد مینگارد :

قونسلهای روس وانگلیز درمشهد متفقاً بسیار کوشش وترقب دارند که بدانند درمابین دولتین علیتین ایران وافغانستان آیاکدام مناسبات ومراودات ومخابرات ومکاتبات میشود واز آراء ترکها چه میکنند ؛ ولیسی و کوشش شان هیچ ثمره نبخشد چونکه چیزی نیست که بخشد .

درکوه سنگی درپشت کوه اول عمارتی که هنوز ساختمان انجا وطرز عمارت ونقشه اش هیچ معلوم نیست وفقط جز دیوارش چیزی مشهود نیست از طرف روسیا ساخته ؛ گویا ایالت خراسان برای تحقیق وتفتیش بان نقطه تشریف فرماشده ولی بواسطه موانع بسیار برایشان مجهول مانده است

— نفوذ روسها در کلیه نواحی خراسان وباز هم بالخصوص در مشهد اندك اندك رو بازدیاد رفته وشاید بالاخره بنقطه دوسال قبل تعالی یابد

— قانون سانسور علناً از طرف قنسول روس وانگلیس نسبت بجراید جاری میشود کلیه دوائر مخصوص اداره حکومتی موقتیه دریکحالت خستگی وجمودت باشند فقط اداره قشون نسبتاً بوظایف خود میرسد .

یك نطق

نقل از اخبار (رعد) منطبعهٔ تهران :

رئیس پارلمان سویزرلند درمقدمه افتتاح مجلس نطق ذیل را ایراد کرد :

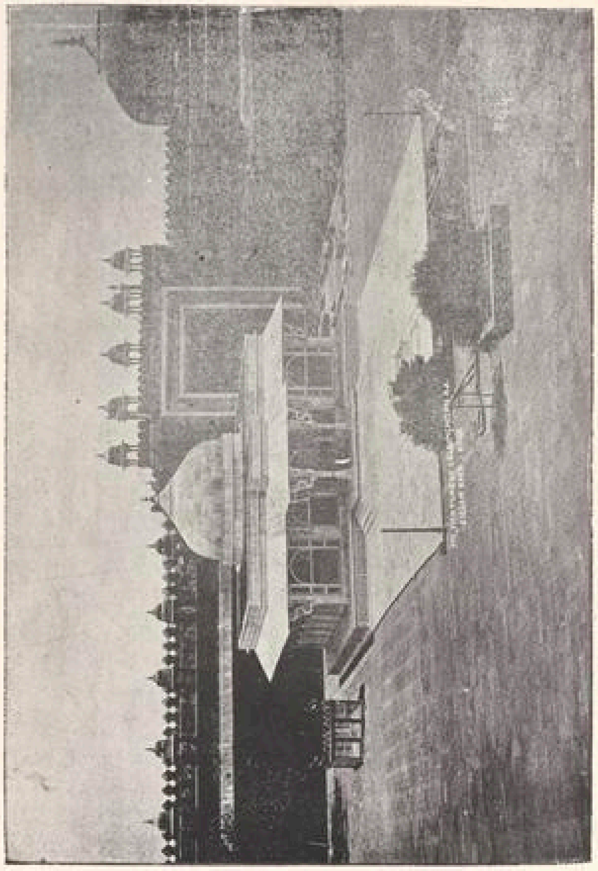

از مناظر هندستان

مقبرهٔ شیخ سلیم چشتی ، واسلام خان در اگره

« دول صغیره دنیامانند دول عظیمه حق حفظ حیات وبیطرفی خودرا دارند وفقط همان ممالك صغیره می توانند تعادل قوای دنیا واوروپارا فراهم وتأمین کرده مانند یك سدی خودرا بین دول عظیمه رقیب قرار داده وباین وسیله موجبات تصادم مستقیمه آنهارا قدری مشکل سازند . »

« پادشاه عاقل که فکر تأسیس دول صغیره دردماغش جای گرفت واعدام آنهارا مقتضی نمی دانست هانری چهارم بود وبعلاوه عقیده‌اش این بود که ابقای دول کوچك دردنیا ونوع جنگهای بزرك را کم می کند . »

« برای ممالك کوچك ومتوسط شرط اصل حفظ وجود وبقای هستی محارست بیطرف است واین اصل اساسی‌را معلمین حقوق خوب تشریح وتوضیح نموده اند . »

«بقول پروفسور معروف (هیلدربرک) کلمهٔ بیطرفی مرادف مفهوم بی‌قیدی ولاابالی گری نیست بلی. با اعلان وحفظ بیطرفی هم ملتی نباید مفهوم بیفکری وبی خیالی در جریان حوادث را تلقی نماید.»

«ما بیطرفی را نگاه میداریم لیکن این حق را از دست نمی دهیم که در جریان حوادث عصر غور ودقت نموده منافع حقیقی‌ده تامین کرده وخویشتن را درزمینهٔ عدالت کاملا نابذیر ودروح تاریخ وفلسفهٔ تکامل حال است قرار میدهیم ودر همین حال بایستی باینک دردوالم فوق العاده این مطلب را تلقی نمائیم که جنگ فعلی یک لطمهٔ عظیمی باصول بیطرفی وارد نموده است.»

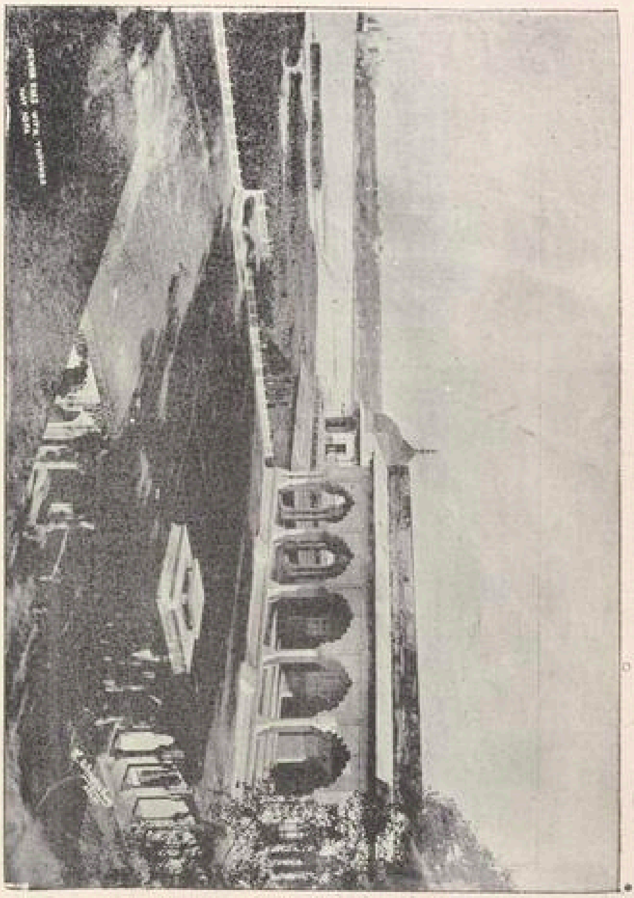

از مناظر هندستان
دیوان عام در قلعهٔ آگره از بناهای پادشاهان اسلام

رعد میگوید .·.

گفتار خردمندانه فوق عبارت از احساسات یک ملتی است که درمیان غوغای اروپا وهم جواری باصدها میدانهای قتال از زبان رئیس کنکاش خانه سویس تراوش نموده

بلی. سویس یکی از ممالکی است که از بدو جنگ بیطرفی خود را اعلان وبواسطه تعقیب این دستور سیاست که با اعلان وحفظ بیطرفی هیچ ملتی نباید مفهوم بیفکری وبیخیالی درجریان حوادث را تلقی نماید.

از عهده محافظهٔ حقوق مملکت ومنافع ملت برآمده باضعف قوامی ومفهوم حقیقی بیطرفی را کاملا مجری داشته حتی اگر

اتفاقاً طیاره های آلمانی از آسمان سویس گذر نموده سخت مورد اعتراض سویس واقع گردیده .

مملکت ایران هم یکی از ممالکی است که بیطرفی خودرا اعلان ولی بواسطه لاقیدی در جریان حوادث هر گونه تجاوز وتعدی را دوچار گردیده !

چرا برای چه ؟

بعلت آنکه سوویسهای معنی بیطرفیرا فهمیده ومحض محافظه شرافت ملی وحیات سیاسی خودرا برای هر گونه فدا کاری درمقابل تعدیات متجاوزین احتمالی حاضر ساختند .

ولی کار کنان ایران مفهوم بیطرفی را عبارت از بیقیدی ولاابالیگری پنداشته واقعات اسف آوررا بنحو بی اعتنائی نگریسته وبه همین جهت است که متعاقب اعلان بیطرفی از تیر های سهم آگین نقض بی طرفی که بر جسم شرافت مملکت وارد آمد هیچ گونه تاثر عملی را ازخود ظاهر نساختند !

دولت ما بیطرف شد ولی نخواست این حق را بخود بدهد که در مقابل جریان حوادث اطراف وعصر خویش غور وتامل نموده منافع حقیقی مملکت را فداکارانه مدافعه نماید .

از کلمه بیطرفی مفهوم بی قیدی را چنانچه باید وشاید عمل کرده مثل اینکه از اعلان این مسلك می خواستند وسیله دست آویز پیش آمد حوادث سر تسلیم وتمکین را فرود آورند .

این حس بیقیدی در مقابل تجاوز متعدیان نه تنها اختصاص به دولت داشت بلکه بیشتر از نماینده کان ملت ومظاهر اقتدارات جمعیت ماهویدا گردید .

چه امناء دولت درمقابل نقض بی طرفی اقلاً به تنقیدات کتبی وفرستادن یادداشت های رسمی تجاوز به حدود وحقوق ایران را طرف اعتراض خود قرار میدادند ولی کرسی نشینان مجلس شورای ملی به اظهار تاسف وتنفر هم نخواستند علاقه خود را باین رشته مصائب وارده بر مملکت آشکار نمایند .

باآنکه درخطابهٔ که مجلس شورای ملی بجواب نطق افتتاحیه اعلیحضرت شهریاری تقدیم داشته نماینده کان برای بجا آوردن مراسم ظاهری موافقت خود را در اتخاذ مسلك بیطرفی معروض حضور همایونی نموده اند ولی ابداً لازم ندیدند که تاسفات خودرا از مراعات نشدن این تصمیم دولت بوسیله تجاوزات خارجی خواطر نشان نمایند .

در صورتیکه یکی از وظایف وتکالیف غیر قابل تاخیر نماینده کان همین مسئله میباشد

این سکوت وخواموشی وکلا موجب آن میگردد که از فعالیت وزراء نیز قدری کاسته گردد

بلی ! اگر در غیاب مجلس حوادث جنگ رخ داده ودیگران شرافت بی طرفی مارا به تجاوز خود جریحه دار میکردند عامه ایرانیان مترنم باین مقال میشدند که : اگر مجلس بود چنین وچنان میکرد .

اینك مجلس . گویا بکلی خود را تماشا چی در مقابل حوادث قرار داده ودر پرسش مصائب مملکت مثل اینکه خودرا مسئول نمیخواهد قرار دهد .

کلمه بیطرفی طوری تولید مرعوبیت وخواموشی هولناکی در ما نموده که گویا محض رعایت یك مفهوم غیر منطقی حاضر برای وتمام اعتبارات واز دست دادن کلیه اقتدارات خود گشته‌ایم .

بیطرفی که ایران شعار خود ساخته تعدی آزادی فکر ومختاریت در جلب منافع ودفع مضار مملکت را از ما سلب کرده که حتی برای علاج درد های بی درمان باندیشه های بی اساس جسارت بیان عقاید خود را نداریم .

ما گفتیم برای مصالح مملکت بیطرف باشیم ولی آیا التزام هم داده ایم که آزادی خویش را محدود سازیم ؟

راست است ما واسطه سست عنصری نمیتوانیم موجبات تصادم مستقیم دول متحارب را مشکل سازیم ولی آیا این درجه هم نمیتوانیم که از بسط دایره خرابی در داخله مملکت خود جلو گیری بنمائیم .

رفع تمام اشکالات وتهیه وسایل نیل بمقاصد برای ما آسان خواهد بود در صورتیکه بیطرفی را مرادف مفهوم بی قیدی ولاابالی گری نه پنداشته حال که خود مقصد از این تصمیم را نمی‌دانیم اقلاً از دیگران آموخته گفتار سایرین را که بمراتب بصیرتر از ما هستند سر مشق زنده گانی سیاسی خود قرار داده از لاقیدی وبی اعتنائی به مقدرات مملکت تاکیداً احتراز نمائیم .

اثرات حیرت آمیز یك گلوله

در جنگ اخیر « اراس » در حینی که طرفین مشغول جنگ وبمباردمان بودند . یك گلوله خمپاره که با(دینامیت ماده محترقه جدید الاختراع) ساخته شده بود از طرف (آلمانها) دریك عمارت وباغچه نزدیك کوچه « سن مورلس » افتاد گلوله مزبور پهلوی یك درخت عظیم وکهن بزمین رسیده طوری زمین را بایك عمق زیادی کند وزیر درخت رفته وآن درخت عظیم وتنومند را با ریشه وتنه وشاخه نوعی از جا کنده وبهوا پرانید که تمام درخت بدون آنکه یك شاخه آن گم شده باشد از پشت بام ودیواری که متجاوز از چهار متر ارتفاع آن بود پریده ودر یك فاصله دوری درست وبی عیب در خیابان مجاور افتاد .

اعلامیه عباس حلمی خدیو مصر

عباس حلمی پاشا خدیو « مصر » (که انگلیس ها بجرم دوستی وطرفداری وی از عثمانی اعلان خلع مشارالیه واستقرار پرنس حسین‌را دادند اعلامیه خطاب باتباع « مصر » ومملکت « سودان » صادر نموده وپس از بیان مقدمات متنوعی چنین اشعار میدارد

« امروز مدت سی ودوسال است که یك دولت وملت اجنبی

عدوانا مملکت و وطن محبوب ما را اشغال کرده و موقع استخلاص قطعی رسیده و ناقوس نجات وطن ما به صدا آمده است .

ای مصریها و سودانیها — فرزندان عزیزم موقع مناسب رسیده وقت را مغتنم شمرده و استفاده از حوادث بنمائید .

یگانه منظور و کلمه واحده شما چنین باشد ، استخلاص مصر از چنگال اجانب و احترام نفوس و اموال اتباع اجانب ، دشمنان حقیقی استقلال ما فقط اشغال کننده انگلیس و کسانی هستند که با آنها مساعدت می نمایند خداوند قادر متعال ما را امداد خواهد کرد که به آمال خویش موفق شده و مقاصد حقه ما که اساس آن حقوق و عدالت و آزادی است تأمین شده شاهد سعادت ملی را در آغوش گیریم .

غرق تحت البحری فرانسه توسط اطریش

ابلاغیه رسمی ، اطریش ، اشعار میدارد که یک فروند کشتی تحت البحری در فرانسه که بحر ادریاتیک و نزدیک بندر اطریش آمده بود توسط جهازات کرده و مستحفظ و باطریهای ساحلی بمبارده و غرق شد بدون آنکه بتواند بجائی حمله نماید .

فرمانده کشتی و ۲۵ نفر عمله جات آنرا خلاص و اسیر کردیم و فقط یک صاحبمنصب درجه دوم مفقود الاثر است .

برحسب اطلاعات این کشتی تحت البحری از سیستم ۳۹۸ تن که فرانسه عده از آن دارد می باشد .

غرق کشتی زره پوش فرانسه توسط اطریش

کشتی تحت البحری اطریش موسومه بنمره ۱۲ در تحت فرماندهی لیتن ، کون ، یک کشتی زره پوش فرانسه در بحر ادریاتیک حمله ور شده و آن را با تورپیل غرق ساخت

این کشتی تحت البحری اطریش که زره پوش فرانسه را غرق ساخت ۷۵۰ تن ظرفیت دارد و در کارخانجات آلمان ساخته شده و در ماه ژوئیه گذشته که جنگ اروپا شروع شد دولت آلمان تحت البحری مزبور را باداره بحریه اطریش داد .

علت فتوحات فوق العاده آلمان

در عالم اقتصاد در بازار دنیا و عالم رزم

هرگاه سؤال شود در کرهٔ ارض کدام ملت از حیث علم و تمدن و فنون و صنایع و ادبیات از ملت آلمان فوق و امتیاز دارد گویا جواب این سؤال موجب بسی تفکر و تعمق شود زیرا هیچ یک از ملل متمدنهٔ عالم از حیث تدبیر ایجاد و اختراعات از ملت آلمان امتیاز ندارد برعکس ملت آلمان بواسطه کولتور عظیمه خود در صف اولین ملل بزرگ عالم ایستاده است !

بس مشکل است در عالم اختراعات و انکشافات و شعبه از علوم و صنایع ذکر کرد که ملت آلمان هنر و چیره دستی خود را در آن ظاهر ساخته باشد در ادبیات ، موسیقی ، صنایع مستظرفه طبابت فلسفه و در کلیهٔ چیزهائیکه محور ترقیات فکری یک ملت است آلمان بدرجه امکان تکمیل کرده است ! مخصوصاً میل مفرط و عشق نشر کتب در آلمان بدرجهٔ افراط رسیده و هرگاه آن میل مفرط در مورد دیگر ظاهر میشد حتماً حمل بمرض یا جنون میگردید ! صرف نظر از اینکه صنعت طبع و چاپ در آلمان بواسطهٔ (گوتنبرگ) اختراع گردیده و بعد بسایر نقاط عالم منتشر شده ، اکسپوزیسیون انطباعات و شهر (لیپزیک) در سنهٔ گذشته مقام عالی ترقیات علمی و ادبی و فکری آن ملت را بدنیا ثابت و مدلل داشت .

صورت احصائیهٔ کتب بخوبی ظاهر نمود که از کلیهٔ کتبیکه در اروپا منتشر میشود نه عشر آن در آلمان بطبع میرسد

در صنایع و فنون ماشین سازی ملت آلمان بقدری جلو رفته که چند سال قبل ادوارد هفتم پادشاه انگلستان اعتراف و اقرار نمود که آلمان در عالم میکانیک مدتهاست از انگلیس جلو افتاده برای اثبات این مدعا همین بس گفته شود که مسافرت شکلتون سیاح معروف چندی قبل بواسطهٔ اینکه اشیاء و آلاتیکه در آلمان سفارش داده بود و کارخانجات آلمان عمداً بملاحظهٔ ساختن آلات مزبور را بتاخیر انداختند مسافرت آن سیاح و دانشمند مزبور بتعویق افتاد و چون ساختن آن آلات در انگلستان غیر ممکن بود لهذا شکلتون سفارش خود را بکارخانجات آمریک رجوع نمود .

همه کس از ترتیب توپهای وزن ۴۸ سانتیمتری جدید الاختراع شنیده و از سرعت غرسفاین و تکمیل زیبلن و آیروپلنهای آلمانیکه در موقع جنگ کنونی یکی از عمده ترین عوامل پیشرفت عملیات جنگی است از جراید مطلع هستند

دانشمندان و احصائیون عالم درجات ترقی و تمدن ملل را بوسایل مختلفه مقیاس و اندازه گرفته اند بعضها از مقدار طبع کتب بعضها کثرت جراید برخی مقدار صابونیکه رفته مدت چند سال در یک مملکت استعمال میشود میزان گرفته بالاخره یک میزان التمدنی هم در این اواخر یافته اند که درجهٔ تمدن هر ملتی را تخمیناً تعیین می نماید و آن وسیله عبارت از صندوقهای پستی هر مملکت است که صورت آن از قرار ذیل است :

(احصائیه صندوقهای پستی ممالک)

اسم مملکت	عده
در مملکت آلمان	۱۷۵ ، ۰۰۰
اتازونی امریکا	۱٤٤ ، ۰۰۰
انگلیس	۷۱ ، ۰۰۰
فرانسه	۷۰ ، ۰۰۰
ژاپون	٦۷ ، ۰۰۰
اطریش	٤٤ ، ۰۰۰
ایطالیا	۳۹ ، ۰۰۰
روسیه	۳۱ ، ۰۰۰
هنگری	۱۵ ، ۰۰۰

سویس	۱۳،۴۰۰
دانمارك	۱۲،۰۰۰
بلژیك	۱۱،۰۰۰ قبل از جنك
اسپانیول	۹،۰۰۰
پرتوقال	۶،۱۰۰
یونان	۵،۲۰۰
رومانی	٤،۸۰۰
بلغار	٤،۳۰۰
ایران	۱۳
حبشستان	۶

مختصری هم از صفت واخلاق ملت آلمان واستفادهٔ که از علوم وصنایع نموده است ذکر کرده امید وارم که صفات پسندیده ملل درس عبرتی برای بیداری مانده اوقات خودرافقط تحسین وتمجید این وآن نکذرانیم ! افراد ملت آلمان از سن طفولیت در روی نیمکت‌های مدارس همواره ازمعلمین خود عبارت ذیل را میشنوند ودر کتابها وسرودهای ملی خود می‌خوانند :

آلمان فوق همه کان

آلمان فوق همه عالم

دولت وملت آلمان علوم وصنایع والسنه رافقط برای ترقی وارتقاء ملت ومملکت خودمیخواهد وتقسیمی آن ملت مانند ماشین کوك تربیت شده است که کاملا برین قانع کشته‌اند که منافع عموم نوع بشر فقط بسته بمنافع خصوصی آلمان است :

همینکه ملت آلمان در مدت قلیلی بدرجات عالیهٔ تمدن وثروت وقدرت رسید وبه کلیه‌شقوق آن کامیاب شد از موفقیت خویش نتیجهٔ ذیل‌را گرفت .

هر گاه‌قدرت موجب تزیید جلال وثروت وشوکت است پس قدرت هاالامری آسمانی است‌بنابراین ملتیکه‌سعی وکوشش میکند که‌بواسطهٔ قدرت‌خودفرمان فرمائی کندهمیشه‌ملتی برگزیده است وسایر ملل باید مطیع وی باشند ،

بعقیدهٔ آلمانها آنچه‌درمیدان‌وجولانگاه‌تصورممکن‌الاجرامی‌باشد انسان درآن ماذون ومجاز خواهد بود . بعقیدهٔ آلمانها حقوق بشری چیزی است که‌در معاهدات‌بین‌الملل قیدشده و معاهدات بین الملل آن چیزیست که‌میل واراده غالب ووقایع دران مندرج وتصریح شده است بنابراین‌حقوق وقدرت‌دارای یک‌معنی‌می‌باشد که در مواقع مفید کاغذپاره‌ئیش نیست وهمان کاغذ پاره در واقع مقتضیه ممکن است با کمال سهولت لکدمال وپاره پاره گردد :

ماطه وس ملك پاس

﴿ وضعیت شهر لودز ﴾

دراین موقع که قوای آلمان باشدت وحرارتی فوق‌التصور ازطرفی برای اشغال پای‌تخت «لهستان» روس پیش‌رفته وازطرف دیگر دومین شهر معتبر و معروف آن مملکت لودز مشغول اصلاح وتعمیر وبکارانداختن کارخانجات اشتغال هستند . لازم است که‌موقعیت واهمیت اقتصادی ونظامی انجارا بنگاریم .

مهمتر وبزرگترین شهر صنعتی روس «لودز» مانچستر مملکت پلی روس یکی از مهمترین شهر های جدید صناعتی دنیا ویکی ازان مراکز عظیمه کارخانجات عالم‌است که درممالك بزرگ دنیا این شهر درردیف نمره اول مراکز مهمه تجارتی وصنعتی محسوب میگردد .

این نقطه ازمراکز جدید الاحداثی است که بطرز جدید برای مرکزیت تجارت روس درقطعه اروپاساخته‌وپرداخته‌شده‌است .

یکصد سال قبل «لودز» یك‌قصبه بود که چند صد نفر بیش اهالی‌نداشت ودروسط بیابان بایری واقع شده‌بود وامروز متجاوز از ششصد هزار نفر سا کنین انجااست (یکصدو نجاه‌هزار نفر کار گر در کارخانه جات خوددارد که‌ازاین عده یکصد هزار نفر آنها آلمانی می‌باشند .)

شهرلودز ازیك خیابان طویل دوازده‌کیلو متری تشکیل شده است که در طرفین آن از کارخانه جات نخ باف وماهوت سازی ورنکرزی وآبجو وفولادسازی وغیره وغیره وهزاران دوائر صناعتی وفابریك که قسمت اعظم آنها بدست آلمانها است .

درابتدای امر یعنی درسنه ۱۸۲۳ فقط دویست وسیصدنفر از نساجان آلمانی ازاهالی‌ساکس وسیلزی درتحت ریاست بانك «لهستان» بآنجا آمدند وازآن ببعد همین‌عده کوچك نقطه‌مرکز دائره تجارت و صناعت ونفوذ آلمان شده وشروع به توسعه وعظمت کرده وسکنه آنجا که فقط یازده هزار نفر بود در سال ۱۸۵۰ بیکصد هزار نفر ودرسنه ۱۸۷۸ بسیصدویازده هزار ودرسنه ۱۸۹۵ بیك کرور وامروز متجاوزازششصد هزار نفرجمعیت دارد

کارخانه جات آنجا ازیك قلم‌مال‌التجاره پارچه های پشمی ونخی سالی ۳۵۰ میلیون منات (بالغ بر ۹۰۰ میلیون فرانك) وغالب ازاین کارخانه جات هریك دمالی دوازده هزار عمله و کار گردارند ودرعین فلاکت وبدبختی اهالی اطراف مکنت هـای گرافی برای صاحبان‌وادارهٔ کنندگان کارخانجات حاصل‌شده‌است .

در اطراف «لودز» شهر هـای دیگری مانند «زژرز» ۳۲،۰۰۰ سکنه‌و‌شهر «پابیانیز» (٤۰۰۰۰ نفر) و «طمیثز» وغیره نیز وجود دارند که تمام آنها صناعتی و یك دایره مهمه تجارت وصناعت درمحیط آنجا تشکیل کرده است .

درحین جنك وتصرف آن ایالت توسط قشون آلمان وضعیت وفعالیت ساکنین و کار گران دوچار عسرت گردید ولیکن آلمانها بعدازاشغال جدامشغول هستند که کاف‌السابق زندگانی عادی اهالی تجدید شده و کارخانه‌جات مشغول کارباشند

اسرای جنگی که‌تااول‌سال ۱۹۱۵ درمملکت آلمان حبس‌میباشند

صورت عده اسرای جنگی که‌تا آخر سال ۱۹۱٤ یعنی اول ماه ژانویه این سال از قشون متفقین در مملکت آلمان به عنوان

محبوسین جنگ تحت نظر و مراقبت مامورین نظامی الدولت هستند .

سرباز ۵۷۷۸۷۵ (پانصدو هفتادوهفت هزار و هشتصدو هفتادو پنج نفر) صاحب منصب ۸۱۳۸ (هشت هزار و صدوسی هشت نفر) جمع سرباز وصاحب منصب ۵۸۶۰۱۳ نفر

عده مزبور باستثنای اشخاصی است که به عنوان گرو نگاه داشته یا آنکه درراه ها اسیر شده اند وعلاوه ازاحصائیه که اول سال است (یعنی یک ماه و نیم قبل) و اسرائی که دراین مدت یک ماه و نیم دیگر گرفته شده بانها اضافه میگردد .

صورت جزو اسرای فوق الذکر از قشون فرانسه ، روسیه انگلیس و بلژیک از قرار ذیل است .

اسرای قشون فرانسه

سرباز ۲۱۵٬۹۰۵ نفر صاحبمنصب ۳٬۴۵۹ نفر

(هفت نفر ژنرال جزو انها است)

اسرای قشون روس

سرباز ۳۰۶٬۲۹۴ صاحبمنصب ۳٬۵۷۵

(هیجده نفر ژنرال روس جزو آنها است)

(این عده اسرای روس باستثنای اسرائی است که در لهستان از روس‌ها اسیر شده اند)

اسرای قشون انگلیس

سرباز ۱۸٬۸۲۴ صاحبمنصب ۴۹۲

اسرای قشون بلژیک

سرباز ۳۶٬۸۵۲ صاحبمنصب ۶۱۲

(پنج نفر ژنرال بلژیکی جزو انها است)

حوادث جنگ

تلگراف مخصوص از وین نمرهٔ ۱۱۷۲ مورخه ۱۴ فوریه

اداره روزنامه رعد

حملات تعرضیه قشونهای متحده اطریش والمان در جبال کارپات وهمچنین حمله‌های تعرضی قشون اطریش دردره . بو کوین . بمظفریت هاومساعدما دوام دارد

در همه جا اهالی از قشون اطریش با مهربانی وسرور پذیرائی مینمایند درمدت سه ساعت (یکه ثلث) (عبارت تلگراف لایقرء بود) . بو کوین . از وجود قشون روس تخلیه گردید

روسها در حال سرگردانی وفرار در همه جا نسبت بدهات وزنان ودختران مظالم شنیعه وارد میاورند .

مجموع سربازان که در جنگهای اخیر از قشون روس اسیر ماندند بالغ بربیست ونه هزار (۲۹۰۰۰) نفر میباشند .

تلگراف از آلمان

پیشرفت عظیم قوای آلمان در روس شرقی

برطبق تلگراف رسمی از برلن : قشون المان متعاقب جنگهای سخت اخیر در روس شرقی نزدیک به بیست وشش هزار نفر (۲۶۰۰۰) ازقشون روس اسیر گرفته ومقدار عظیمی مهمات جنگی بغنیمت برده‌اند عده مجروحین خصم هنوز مشخص نیست لکن در هرحال مقدار مجروحین عساکر روس خیلی زیاد است.

(آخرترین خبرها)

از اخبار های انگریزی

خبر قسطنطنیه مارچ ۱۵ — بعدازانکه هشت عدد کشتیهای جنگی انگلیز وفرانس درحملهٔ ابنای دادانیل غرق وخسارت زده شدند دوباره جرأت برحملهٔ ابنای مذکور تاحال نشده است .

شمله ۱۵ — اپریل : — حملهٔ روس برپرزمسل این نتیجه بخشید که جرمن واوستریا ازعقب روسیا را دوزور محاصره گرفتند وبسبب رسیدن کمک بسیاری که ازاستریا وجرمن رسید زرق روس مسدود شده است . قیصر جرمنی بذات خود کمان افواج را درکارپتین گرفته است .

لندن ۱۵ اپریل — جهازات متعدد هوائی جرمن بممالک انگلستان حمله‌ور شدند وبربسیار شهرهای انگلستان گوله باری کردند ونقصانات بسیاری رسانیدند .

کشتیهای تحت البحر جرمنی باز دراین روزها چند کشتیٔ دیگر را در بحر شمال غرق کرده‌اند .

از قراریکه اخبارات خبر میدهند معلوم میشود که یک جنگ بسیار بزرگ ومدهش بحری دربحرهای شمال پیش امده است ولی ازنتیجهٔ ان هیچ تفصیلات ننوشته اند .

لندن ۱۵ اپریل — کشتی تحت البحر انگلیزی نمبره ۱۵ دراثنای دردانیل داخل شده وبه تپ دریائی برخورده غرق گردید ۳۱ نفر عملهٔ ان بدست فوج عثمانی اسیر شدند . طیاره های عثمانی نیز برجهازات جنگی انگریزی بمها انداختند .

شمله ۲۰ ماه اپریل : — دوکشتیهای تارپیدوی عثمانی دربحرایجه برجهاز نقلیهٔ انگلیز که افواج انگریزی را بسوی دردانیل میبرد حمله نموده غرقابش کردند .

بمبئی ۱۹ ماه اپریل : — ازعدن مینویسند که افواج عثمانیه بمقام اورن که قریب عدن است حمله نموده ضبط کردند .

لندن ۲۰ ماه اپریل : — جنرال وان درگولتز جرمنی که ازسالهای بسیار بتعلیم فوج عثمانی مقرربود دریتوقت کمان افسر فوج اردوی اول عثمانی مقرر گردیده است .

کذا : — خبر رسمیٔ پترو گراد است که درقفقاز گوله‌باری توپ وتفنگ بسوی ساحل جاریست — شاید ساحل بحر خزر باشد — .

شمله ۲۱ ماه اپریل : — در محاربهٔ انگلیز باقبایل مهمند که قریب پشاور بوقوع امده است ۱۴ نفر افسر انگلیز مقتول ، و ۵۷ افسر مجروح شده است .

درچاپ خانهٔ حروف دارالسلطنهٔ کابل طبع گردید

همه مقالهائیکه دستخط ندارد ازطرف مدیر ومحرر محرر یافته

محمود طرزی

شرایط خریداری

دار السلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

هرجائیکه باشد با اجرت پوست

قیمت سالیانه] ده روپیه انگلیزی قیمت ششماهه] شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراء قبول نمیشود

یك طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کابلدار است . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

برهمهٔ کار داران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود: اگراز یك جا بدیگر جا برونددو یابندمیباید که یك رقعه مدیر وسر محرر را خبر بدهند که من در فلان جا بودم وحال در فلان جا میروم اخبار مرا در انجا بفرستید . هرگاه همچنین یك رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، ویا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود برسر هر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریك ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تا یك سال نشر کردن خواهد ووجه یك ساله را پیشکی ادا نماید در ورق پیشی بر هر سطری سنار اجرت گرفته میشود

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا

یاد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از شکایت رسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خودها برایم ممکن نشد لهذا با کتابخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یك مقاوله نموده دا کتابخانه مشار الیه تقسیم وتوزیع اخبار مارا که بهمه مشترکین کرام ما رساند درعهدهٔ حمیت خود قبول نمود . مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را تبشیر ویاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبارهای شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای دا کتابخانه بخود شان میرسد .

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعه آثار ادبیه را مژده ! ازین ثمرهٔ نوبنو رسیدهٔ گلزار « مطبعهٔ عنایت » کام جان را شیرین نمائید ! « جزیرهٔ پنهان » یك ناولیست که قوت علم ومعرفت وسعی وغیرت را برای اساس زندگانی نوع بنی بشر بنظریات وجلوه گر میسازد . هم حکایت ، هم عبرت هم فن ، هم فضیلت ! خوبی چاپ ، خوبی کاغذ ، خوبی تصویرش علاوه ، قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان ! تنها (٦) شش روپیه محل فروخت نفس مطبعهٔ عنایت در ده افغانان ، دکان باز محمد در بازار ارك ، دکان غلام محمد متصل در مدرسهٔ شاهی .

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد

کتاب سال دوم « « « مصور مجلد

کتاب سال سوم « « « مصور مجلد

عز و اسلامیت

آیا چه باید کرد ؟

ادب درفن

توحید

این کتابهای فوق در اداره موجود است . هرکسی که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

سیاحت بدورا دور زمین بهشتاد روز مجلد

سیاحت درجو هوا مجلد

سیاحت در زیر بحر مصور مجلد

ازهردهن سخنی وازهرچمن سمنی مجلد

روضهٔ حکم مجلد

هرکسی که آرزوی خریداری این کتابهای مافوق را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت در ده افغانان از نزد عبدالرئوف خان سرمرتب وازدکان باز محمد کتابفروش دربازار ارك بقیمتهای معینی که دریشت هرکتاب نوشته است خریداری کرده میتوانند .

واگر ازخارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوق را بکنند باداره سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند .

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

شمارهٔ ۱۸ سال چهارم

فهرست مندرجات

غزل	(تعریف کوهدامان زمین کابل
حوادث داخلیه	احوال هوائیه — خبرهای اطراف متعلق بازندگی ودیگر حوادث از دفترایشیک آقاسی ملکی معلومات بارندهٔ باران از محکمه اطلاعات — از بهسود هزاره مرقوم داشته — از حاجی وچکنی نوشته — از هرات نگاشته اند —
حوادث خارجیه	المانها درچه حال هستند — نقل وترجمه اخبار های مختلفه منطبعه طهران — فتح جدید المان — ابلاغیه المان — میدان جنك فرانسه — جاسوس المان — جنك در آرگون — اعجوبه های بینظیر — مزرعه خراب شوم — انقلاب درسودان — اظهار غیرت بیان نامهٔ والی بغداد — حکمت بلکت — مرا کش — داوطلب — اعانه — نقل اوراق — مایه جدید الاختراع — عقب‌نشستن فرانسویها — برای جهاد — اعانه برای جهاد — ترجمه اخبار های اردو — حرب دربحر — اخرترین خبرها ترجمه اخبارات انگریزی — جنك برای تسخیر کیل — کر کدن حامی جرمن — غازمهلك جرمنها —
تصاویر	از مناظر ترکستان افغانی — مزار فیوضات آثار حضرت شاه اولیا رضی الله عنه — منظرهٔ میلهٔ گل سرخ در مزار شریف شاه اولیا — از باغهای دلارای باصفای شهر احمد شاهی قندهار — یك گروپ دربغلی —

اعلان

از منابع روپیهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جرنیل کارخانه جات ، ماشین خانهٔ میار که دارالسلطنه کابل علاوه بر ایفای حوایج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه واوپیغو رمه های عساکر شاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخل که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت همایون حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ، ذیل (دکان عبدالله خان دربازار ارك) میباشد .

(١) سرج های پشمینه بافی ورنگهای مختلف که قیمت آن ازقرار گرانکیری ٣ نونه مشخص شده ، درصندوقخانهٔ جنسی هم بفروش میرسند

اقسام	قسم اول					قسم دوم					
درجه‌ها	درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم	درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم وقدری کلفت قیمت آن ١٠ پیسه زیاده شده	
رقم	تاحال ساخته نشده	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت		٧ روپیه ٥ پیسه	٦ روپیه ١١ پیسه	٦ روپیه ٤٢ پیسه	٥ روپیه ٤٨ پیسه	٦ روپیه –	٥ روپیه ١٨ پیسه	٦روپیه	٥ روپیه ١٠ پیسه	٦روپیه ١٠ پیسه	٥روپیه ٢٥ پیسه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکیری کشمیره چهارخانه ٧ روپیه ٣٥ پیسه | کشمیره رهدار هر رقم ٧ روپیه بیست پیسه

(٢)	جراب ها			«٣» تکمه‌های جری محراب ومنبردار		
رقم	نکهانگه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج	کلان قدرجن	میانه قدرجن	خورده قدرجن
قیمت	١ روپیه ٥٢ پیسه	٤٥ پیسه	٣٦ پیسه	١ روپیه ٤٠ پیسه	١ روپیه ١٠ پیسه	٥٥ پیسه

(٤)	کروره های جدید ساخت			
رقم	زه باف یکطابه دو قره دو تازه	زه باف یك ابیه دو کره سه تازه	جرم باف یك ابیه	یك ابیهٔ جار تازهٔ نخی
قیمت	٨ روپیه و٣٣ پیسه	٩ روپیه و ٢٤ پیسه	٨ روپیه و ٤٢ پیسه	٦ روپیه و ١١ پیسه
رقم	جرم باف دسته بادامی دو ابیه	جرم باف دسته دولانه یك ابیه	دستهٔ دولانهٔ یکی جار ابیه	جرم باف عمرکانی
قیمت	٤ روپیه و٤٨ پیسه	٤ روپیه و٤٦ پیسه	٨ روپیه و ٢٣ پیسه	٤ روپیه و ٤٣ پیسه
رقم	قبضه زرنجی کلیت نقره توبخانه	قبضه کلیت نقره از جرم سه لایه توبخانه	زه باف رقم سواری سامی کلیت	زه باف دو تازهٔ رکابی
قیمت	٣ روپیه و٥٥ پیسه	٤ روپیه و٥٧ پیسه	٥ روپیه و ٩ پیسه	٥ روپیه و ٥٤ پیسه
رقم	رکابی ازنغ	جرم باف میانه چوب پت زنانه	از زین سواری تیغ جری	زنانهٔ ابریشمی خیاطه
قیمت	٤ روپیه و٥٥ پیسه	٥ روپیه و٨ پیسه	٤ روپیه و ٥٨ پیسه	٥ روپیه و ٨ پیسه
رقم	دسته بادامی تیغ جری	دستهٔ دولانه سامی رنجی کلیت نقره	از زین سواری دولایه تیغ جری کجك دار	جرم باف مابین پت یك ابیه
قیمت	٤ روپیه و٤٩ پیسه	٤ روپیه و٤٥ پیسه	٤ روپیه و ٥٩ پیسه	٨ روپیه و ١٢ پیسه

«٥»	اقسام گلهای مصنوعی سر			
قسم	گل جریین	گل نافرمان	گل برینه	گل شبو
قیمت	٥ ربیه و ٣٦ پیسه	٦ روپیه و ٦ پیسه	٦ روپیه و ٧ پیسه	٦ روپیه و ٣ پیسه
قسم	شکوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل لسترن	چنبیلی
قیمت	٧ ربیه و ٤٥ پیسه	٦ روپیه و ٥٨ پیسه	٥ روپیه ٣٨ پیسه	٦ روپیه و ٨ پیسه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	٦ روپیه و ٣٥ پیسه	٧ روپیه و ١٢ پیسه	٦ روپیه و ٥٤ پیسه	٦ روپیه و ٥٤ پیسه

«المشتهر»

(میر محمد هاشم دفتری کار خانه جات)

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
با مصارف ڈاک ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مصارف ڈاک ۱۰ روپیه انگلیزی
پهر پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یکعباسی است
(اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود)

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

مدیر و سر محرر
محمود طرزی
اداره خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ یکم رجب ۱۳۳۳ تاریخ انگریزی ۱۶ می تاریخ شمسی ۲۶ ثور ۱۲۹٤

غزل

(تعریف «کوه دامان» زمین کابل دلنشین کلام)
(حضرت طرزی صاحب مرحوم در اثنای گلگشت آنجا فرموده)

دامن کهسار کابل از تماشا کردنی ست
لاله زار و کوهسار و آبشارش دیدنی ست
درچنین گلشن که شمشادش قمری مائل است
رخت زوسایهٔ سرو بلندش بردنی ست
چشمهٔ آب روان از زیر هر سنگش رود
تا کی افسرده این آب جاری خوردنی ست
ای رفیق سست عهد ازخانه بیرون تر خرام
غنچهٔ شاخ گلی زین باغ عشرت چیدنیست
هر که از سیر چنین گلشن زمانه گوشه گیر
از کل شاخ گل پیکان حسرت خوردنیست
ای صبا بهر عذار نو عروسان چمن
نسخهٔ رنگین سواد ازروی باغش بردنیست
هر که شد مردود طبع باغبان این چمن
بیگمان از نامرادیهای حسرت مردنیست
خامشی لطفی ندارد عندلیبان چمن
همچو (طرزی) صد فغان در پای هر گل کردنیست

حوادث داخلیه

احوال هوائیه

هوا های ملک عزیز ما بسیار تبدلات عجیب وغریبی بظهور آورده است . درموسم زمستان گذشته چنان بارندگیهائی که بدرجهٔ شاید وباید باشد بوقوع نیامد . همین که نوروز شد درهر طرف مملکت بارانها وبارندگیهای طوفان نمائی ظهور نموده چنانچه از یکطرف در باب قوهٔ انباتیهٔ زمینها و کشتزار ها فیوضات حیاتبخشانی بکاربرد . ازیکطرف هم بعضی خرابیها بظهور آورد که تفصیلات آنرا ازقرار راپورتهای نامه نگاران بقرار ذیل یکان یکان درج میکنیم :

دار السلطنهٔ کابل

تمام ماه حمل وتاحال که هشتم ماه ثور است گاهی یکهفته متواتراً و گاهی بفاصله بارانهای شدید باریده است ودر بعضی خانهای شهر خرابی رسانیده . دریای کابل سیلاب آب بسیار جوش وخروش طغیانها نموده . ولی الحمد از کنارهای سنگ بست آن باطراف شهر سیلان نموده است . دریغمان وتوابعات وملحقات آن نیز از حد زیاده بارانهای شدید باریده وبسیاری ازخانهها را خراب وبر هم ساخته است ولی ازنفوس چیزی تلفاتی بوقوع نیامده است .

خبرهای اطراف متعلق بارندگی ودیگر حوادث ازدفتر ایشیک آقاسی ملکی

محمد اسلم خان تعلقدار عبدالغنی خان حاکم میدان مرقوم داشته است که درین روزها باران وبرف زیاد باریده درموضع دره نرخ وسرچشمه وسنگلاخ که سرحدات علاقهٔ میدان است خانه های مردم اکثر جاها خراب وبرهم گردیده ویکنفر دختر درقریهٔ سرچشمه زیرخانه شده — فقط مورخه ٤ ماه جمادی الثانی سنه ۱۳۳۳

کذا

عالیجاه امیر محمد خان حاکم غزنین مرقوم داشته است که از ابتدای ظهور روز شنبه ۱۸ الی ۲۷ ماه جمادی الاول که نه روز شود متصل باران میبارید مگر سه شب وسه روز برف باریده

وباقی آن باران — بود عمرانات وعمارات حکومتی بالاحصار وشهر غزنین ورباط سراچه وخانه های رعیتی علاقه تاجکیه اکثر منهدم وخراب شده نقصان زیادی اموالی برای رعایا رسیده است .

کذا

عالیجاه سلطانعلی خان حاکم چهاربکار ارقام داشته است که از عمل ۸ بجه شب یکشنبه ۱۹ ماه مذکور الی ۶ بجه روز چهارشنبه ۲۲ ماه جمادی الاول متواتر باران باریده ودر جبال برف زده سیلاب ازشیبه های کوه ها جاری گردیده خرابی زیادی بسرك ورباط های سراچه و آبادی رعایا رسانیده — ویکباب خانه نشیمن عطامحمد توتمدرهٔ علیاق در ۲۱ ماه جمادی الاول بالای عطامحمد مذکور وعیال ودو پسر او افتاده نفری همسایه او واقف گردیده خود عطامحمد مذکور را از زیر خانه مذکور مجروح وعیال ودو پسر او که بقتل رسیده بودند مردهٔ شانرا کشیدند وپسران مذکور یکی پسر هفت سالگی ودیگر آن یکساله بود —

تحریر یوم پنجشنبه ۲۳ جمادی الاول سنه ۱۳۳۳

کذا

واقعه نگار دایزنکی نوشته که در ۲۷ ماه ربیع الاول غلام نبی ویعقوب علی وعلی حسین نامان ساکنان (کندر کندآب) دایزنکی بجهة شکار آهو بکوه (نایب) همراه ده نفر رفته بودند — ازقضا در روز مذکور برف زیاد باریده وبرف سابقه بسرعت کوچ کرده بعضی ازاسامیان مذکور را بقوت تمام بیك طرف انداخته که هیچ آسیب وضرری برای شان نرسیده وسه نفر مذکور زیر برف کوچ مانده که از شان معلوم نبود — همان نفریکه از زیر برف کوچ یك طرف افتاده بودند قشلاقهائیکه قریب کوه مذکور بودند رفته نفرها را واقف ساختند — نفری زیاد آمده برفها را پاك کرده بعد از دو ساعت دو نفر حیات ویکنفر را مرده از زیر برف کشیده اند

بتاریخ سلخ ماه ربیع الاول از طرف محمد هاشم خان حاکم ارکوی خبر رسیده که خط مورخه دهم ماه ربیع الاول فوجدار یوسف خیل کنه واز رسیده مرقوم است که موازی دوازده نفر اناثیه جهة آوردن گل درکلکته رفته بودند درجنگ در انجا رسیدند کلکه خراب وبالای شان افتاده مردم قریه که واقف گردیدند در آنجا رفته اززیر گل موازی یکنفر را حیات ویازده نفر مذکوره را مرده شان را کشیده اند —

واقعه نگار سیغان و کهمرد ویکه اولنك ویامیان نوشته که شداید سردی هوا درین محالات بسیار است چنانچه در کوه سارها برف زیاد باریده ودر تنگها تقدر یك چهارك ونیم چهارك زرعه برف میباشد — و درمحال کهمرد باز مرض زردتب پیدا شده فی روز دونفر وسه نفر فوت میشود ودر محال سیغان و کهمرد ودو آب مرض سرخکان دفع نشده وکودك بسیار فوت میگردد فقط تحریر یوم چهار شنبه ۲۲ شهر جمادی الاول ۱۳۳۳

(کذا) (عجیب خلقت)

بتاریخ ۱۷ ماه ربیع الثانی محمد ایوبخان حاکم جاغوری مرقوم داشته است که زوجه صفدر علی نام طایفه علیشیر دستهٔ بزودی مدت نه شبانه روز بوضع حمل گرفتار شده بعد ازان پسر دوسره ازو تولد گردیده که دو گردن ودو سر ودر هر سر دو چشم ودو گوش ویکیك بینی علیحده علیحده داشت و چهار دست که دو دست آن مخالفت اصل ودو دست دیگران بسینه او ملصق بود وباقی جثه آن یکی بوده مدت یکروز بعد از تولد شدن حیات داشته فوت گردید وزوجه مذکوره نیز فوت شده

(کذا)

عالیجاه فتح الله خان حاکم پشت رود ارقام داشته است که بعمل (۱۰) ده بجه روز ۱۵ ماه مذکور الی نماز ظهر روز مزبور ملخ زیاد درهوا ظاهر شده بعمل سه بجه باد شدید جاری گردیده غریدن رعد وبرق ظاهر گردیده آنقدر هوا تاریك گردید که بعمل چهار بجه روز مذکور چراغها روشن شده تامدت پانزده دقیقه چراغ افروخته بود بعد ازان هوا صاف وروشن گردید واندك باران نیز شده — مورخه یوم چهار شنبه ۶ ماه جمادی الثانی سنه ۱۳۳۳

معلومات عارضه باران ازمحکمهٔ اطلاعات

ازسمت مشرق دارالسلطنه در جلال آباد شروع باران از ۱۹ جمادی الاول شده بود برای بعضی خانها وپلها به ۱۴ روز مداومت خود ضرر رسانی کرده است ازشنواری احوال رسیده که حدوث باران بطرزی بود که هوا را کامل گردوغبار گرفته افزونی غبار بحدی رسیده بود که بفاصله سی قدم هیچ چیز ملاحظه نمیشد از کوهسارها سیلاب به نهجی می آمد که کاهی بقیاس نرسیده بود غریدن رعد ودر خشان برق بحد افراط بود اکثر دیوار ها وخانها خراب ومنهدم گردید چنانچه ازانجمله خانهٔ نوروز نام دراچین شنواری لیل یکشنبه ۲۶ جمادی الاول دفعتاً فرورفت اما جای تشکر است که خودداو وعیال واطفال او قطعاً ضرری نرسیده خاص دوراس گوسفند او هلاك گردیدند —

درموضع رودکوت صاعقهٔ سماوی افتاده بدو نفر تصادف نموده است که یکنفر آن هلاك و دیگر آن بالکل سوخته است روز سه شنبه ۲۱ جمادی الاول دیوان رمسنگه نام ساکن قریهٔ اوغی رودحصارك در قریهٔ هزار ناوورود مهمندره ازانجا عیال خود را که بخانهٔ پدرش رفته وودیاسنگ نام پسر ده سالهٔ پرم سنك نیز همراه مادر خود رفته بود ایشان را باسپ مادیان سوار کرده بحصارك بجای خود می آمدند بحد رودار اسی پنی کوت رسیده بودند که دفعتاً سیلاب ازرود مهمندره شنواری رسیده عیال پرم سنك ودیاسنگ پسر او را همراه اسپ مذکور آب برداشته وبلعیده است اگرچه بعدار یکشب وروز اسپ سواری مفروقه را مسلمانان تی کوت ازروی ریتها را آورده اند که حیات است اما از عیال وپسر هندوی مذکور خبری واثری پیدا نیست تا ۲۷ جمادی الاول

باران بهمان شدت میبارد ورعد وبرق جاری است تاازپردهٔ غیب چه ظهور کند فقط

در سمت جنوبی ازروز چهار شنبه ۱۵ جمادی الاول باران شروع بباریدن نمود شب وروز متواتراً میبارد جوهوارا ابرتیره وتار آنچنان فرو گرفته که بقدریک لحظه هم روشنی معلومدار نمیشود گاهی گاهی برف واکثر باران میبارد تمامی دشت وصحرا واراضی مزروعه وغیرمزروعه‌را آب فرو گرفته رود خانه‌ها بقسمی جاری شده که در خیال کهن سال بسیار قوی الجسم را مثل خاشاك برداشته میبرد روز۲شنبه ۲۰ جمادی الاول برف باریدن گرفت بقدر چهار ساعت بشدت میبارید چنانچه درگردیز بقدر نیم فوت برف زمین مفروش گردیده بود ودشتها قریب یکنیم فوت وبکوه قریب سه پاو ونیم فوت برف افتاده بود بعدازان برف باز بباران تبدیل یافته سراسر باران دهشتناك میبارید روز ۲۶ جمادی الاول باز دفعتاً باران به برف مبدل گردیده علی الاتصال برف میبارید تاآنکه قرار روز ۲۰ جمادی الاول باز دشت و کوه وهمه اراضی را برف مستور ومفروش نمود بعضی خانه‌ها ودیوارها غلطیده ومنهدم گردیده چنانچه که طرف خانه عالیجاه محمدامین خان حاکم گردیز هم غلطیده فرش زمین گردید اما جای بسیار شکرانه گی است که بخود ایشان وتعلقات ایشان ضرری وارد نیامده است تاالیوم که ۲۷ جمادی الاول است همچنان باران دوام دارد تارضای خداوند جهانیان چه باشد فقط

درترکستان یعنی نواحی بلخ وتوابعات وملحقات او مدت سه تخمیناً میشود که قطعاً باران نشده ویوماً فیوماً محتکران بدبخت که درهمه وقت درهمهٔ عالم موجود میباشند نرخ اشیای خوراکه را بلند کرده میروند چون حکومت قاعده معینی در باب فروش غله نمیدهد باید محتکران خود مختاری در نرخ بکنند بنابران یك آثار مزار شریف آرد بدوازده تنگه رسیده است — بتاریخ ۹ماه جمادی الاول جناب نائب الحکومه صاحب مزار شریف بجمعهٔ چهار پانجهزار نفر بدشت توبرب برامده نماز حاجات خوانده دعا کردند سه روز هرروز نماز خوانده دعا میکردند خیرات ها درمساجد می نمودند لاکن از باران اثری پیدا نشد — روز دوشنبه ۲۰ ماه جمادی الاول که فصل گل سرخ ومیله تماشای خلایق است درچارباغ روضهٔ مطهره خلق بسیار جمع بودند نائب الحکومه صاحب هم درمجلس تماشا حضور داشتند پهلوانی وکشتی گیری ودارباز ی وغیره اجراداشت بوقت نماز عصر نائب الحکومه صاحب وغیره مسلمانان دعا کردند که الهی ازفیض عام خود مخلوق مسلمان خود را محروم مگردان ابر دردامان ظاهر گردیده بود بعدازشش دقیقه شروع باران شده سه شب وسه روز علی العموم میبارید چنانچه دشت وکوه وهمهٔ اراضی سیراب ومعمور گردیدند وبازار محتکران خط اندیش کسری یافته همه گرفتار هم وغم گردیدند الحمد لله تعالی پیدایش غله بخوبی ودرستی رونق پذیر شده همه رعایا را رفاهیت وارامی حاصل گردیده فقط

درقندهار در شهر کهنه سه نفر دهاقین ملك غلام نبی خان بار کراتی یازده راس مرکب برای آوردن شوره رفته بودند بدنه گل کنه بالای ایشان افتاده همه‌را فرو برده یکنفر خرکارزنده رهاداده شده دونفردیگر بایازده راس مرکب فوت وهلاك گردیدند

در قطغن یك گوساله دو ساله سمندر خان کوتوال گوساله زائیده است که کاهی شنیده نشده خواهد بود که گوساله دوساله چوچه آورده باشد ازعجائبات زمانه است فقط

درکلات توخی عیال یك شخصی از یك بطن سه نفر ولد آورده است که دونفر آن پسر ویك نفر آن دختر ست که در هیچوقت درنواحی مذکور اینچنین معامله اتفاق نیفتاده بود فقط

درنواحی فراه دونفر دزد بصورت گدایان درخیل‌های مالدار آن گدائی کردند دریك نجدی رسیده گدا کرده اند دران نجدی یکنفر عیال نوعروس تنها نشسته بود که شوهر آن بصحرا رفته بود دزدان حرامزاده عروس نوجوان پرزیوررا تنها دیده سراورا بریده زیور واسباب اورا برده اند شوهر عروس که در نجدی آمده عروس مظلوم را مقتول دیده باطاقهٔ خود ازهمدیگر پرس جوی کرده درك گدایان را شنیده ازعقب ایشان برامده درنواحی ریك سرحد سیستان دزدانرا بدست آورده بقتل رسانیده است که باسباب وزیور عروس مقتول عودت نموده بعزا وماتم مشغول گردید فقط

درقلعه جعفرضلع کلات توخی یکدهقانی چاه کاریز برای املاك خود حفر می نمود حفر زمین که به بیست زرعه رسیده بود دفعتاً زمین فرو نشسته یك نقب قدیمی معلومدار شده مردم خبر دار شده بهمراه چراغها رفته ملاحظه نمودند تاقریب هفصدزرعه طول نقب بملاحظه مبصرین رسیده وملاحظه کرده‌اند که به اطراف نقب خانه‌ها هم موجود است وبعضی استخوانهای پوسیده انسانها بهر طرف پارچه های تغارها وخم های شکسته افتاده استخوانهای مذکور که ملاحظه شد نسبت به استخوان زمانه حال قوی تر وکلان تر معلومدار شده که بمحض دست‌زدن پاشان میشد ونقب مذکور در طول خود بیست به زینه‌ها هم دارد وچنان معلوم میشود که نقب مذکور از زمانه های بسیار قدیم است در موضعیکه نقب ظاهر شده دامنهٔ کوه است که حال از بسیار سالها زمین مزروعی است آیا از کدام عصر وزمانه خواهد بود که رفته رفته دامنهٔ کوه وزمین مزروعی گردیده کاهی بقیاس براز نمیشود که در چنین دامنهٔ کوه چنین نقب وبود باش انسانها بوده باشد فقط —

کذا

بدخشان — رعایای فیض اباد بدخشان بقرار عرف وقاعدهٔ قومی آبا واجداد خود همساله درموسم نوبهار بدشت قرق که بقرب فیض اباد واقعاست ووسعت بسیاری دارد دران ها رفته بخوشی وعیش وسپاه اتفاقاً چند روزی را بخوشی ومیله وتماشا می گذرانند کارداران ملك ومنصبداران نظامی نیز بتماشا بعزم سیر وتفریح

درمیله مذکور شرکت وهمراهی میکنند امسال در ۱۵ ماه جمادی الاول قرار قاعده خود بدشت مذکور برای همان میله وتماشای کهداریخ سپاه ورعیت با اطفال واقوام ودوستان خود رفته بودند بهر طرف هنگامه سیر وتماشا برپا بود بتاریخ روز یکشنبه ۱۹ جمادی الاول عمل سه پنج روز بناگهان یک ابر سیاه تیره ازطرف مغرب ظاهر شده باد بسیار شدتناکی باظهور ابرهما قباً شروع بوزیدن نموده اول باران بعدازان ژاله بسیار شدت فیرنمود بحدی یکساعت نگذشته بود که تمامی دشت وسیع غرق درآب فرو رفته از دره ها وشیبه ها سیل بسیار آمدن گرفت خاصه ازدره خارك که درعقب شهر وخانه‌های مردمان فیض آباد واقعست کما کثر سپاه هم بهمین سمت توقف دارند سیلاب بسیار تیره وغلیظ آمده تخمیناً ده خانه‌را خراب کرده وبسی درختان قوی‌را ازبیخ وریشه براورده ورده است وازدرهٔ جوزون سیلاب که آمده سه حجر آسیاب را خراب ومنهدم کرده ویکنفره گاو قلبه را همراه یوغ واسپار وغیره از کدام کوه برداشته سراسر بدریای کوکچه اورده رسانیده بود اما جای بسیار شکرانهٔ کی خداوند است که باحدی از سپاه ورعیت بدخشانی ضرری نرسیده است فقط

کذا

از علاقه مشرق دار السلطنه رسیده — اینکه در نواحی ورکرانی یکقریهٔ که انرا کندی می گویند یك قلعه ازجمع قریه کندی مذکور دربغل یك کوه واقع شده بود که دران قلعه بعضی نفری سکونت دارند دوام داشت باران عالمگیر که زرق نموده بود از طرف شب همان قلعهٔ بغل کوه همراه زمین وغیره از جای خود لغزیده قریب دوصد زرعه بهمراه زمین ومردم مسکونهٔ خود بپایان آمده اما باحدی ضرر نرسانیده است فقط

مردم قریه خله خانی دردشت برای آوردن بتهٔ سوخت رفته بودند دردشت الحیری صاعقه سماوی بالای ایشان افتاده پسر جبر نام را صدمه سخت رسانیده بود از دشت تاخانه او اورا زنده آوردند بخانه خود که رسید برحمت الهی پیوست فقط

کذا

مسجدهای که رخ بخرابی گذاشته بود نائب نائب الحکومه صاحب قطغن وبدخشان عالیجاه ناظر محمدصفرخان سیاههٔ انرا طلبیده‌اند که سررشتهٔ مرمت آنها بدرستی کرده شود و برای اطفال خورد سال قطغن وبدخشان خیال دارند که بذریعهٔ پدران ایشان بررشته مدرسه ها وتعلیم وتدریس ایشانرا بکنند — وبرای اطفال یتیم وبی کس واقوام نواحی حکومتی خودهم خیالات بسیار غمخوارانه درنظر گرفته اند که اجرا کنند —

کذا

چند نفر تجار باشندکان قلعه‌فاضل بیك کابل برای خریداری کوسفند بالقان میرفتند درحد قریهٔ سیجانیها قریب بیست نفر دزد بالای ایشان خودرا انداخته سه نفر ایشانرا بقتل رسانیده ویك نفر ایشانرا سخت مجروح نموده مبلغ یازده هزار روپیه که همراه تجاران بود برده اند این احوالات که بحکومت قطغن رسید چهار بیره سوار درموضع مقتل جامقرر کرده‌اند که یا قاتلانرا پیدا وبسر حاضر میکنند یا پنجاه هزار روپیه از دیت واصل وجه تجاران وجریمهٔ سرکار تحویل خزانه میکنند مردمان مذکور در تلاش وتردد هستند دلیل قوی بر آنست که قاتلان بدست آورده شوند

کذا

غلام صدیق ولد عبدالخالق تتاری درقطغن نزد شخصی دهقانی میکرد قریب پنجصد روپیه از اجورهٔ خود جمع کرده روانه وطن خود شده بود چار نفر دزد اورا تعاقب نموده بحد شوراب اورا بضرب تفنك مقتول ساخته وجه آنرا گرفته اند مردمان هزارهٔ شورابی که ازحکم نائب صاحب پنجاه هزار روپیه جریمهٔ سیجانیها واقف بودند همینکه صدای تفنك را شنیده اند جمهوراً ازخانه های خود برامده مقتول بیچاره‌را در حال طپیدن وجان سپردن وقاتلان دزد بدبخت را درتهیهٔ فرار دیده قاتلانرا تعاقب نموده‌اند قاتلان دزد در کوه بالا شده اند هزاره ها عقب ایشان خودرا رسانیده هر چار نفر دست گردن بسته بخان آباد اورده تحویل کوتوالی نمودند فقط

کذا

از هرات مینویسند که جناب نائب الحکومه صاحب هرات ازهنگامیکه درین ولایت مقرر شده‌اند بچنان حسن سلوك وحقانیت بارعایا وبرای اعلیحضرت پادشاهی رفتار کرده اند که همه مردم اینولا شب وروز دعاخوان وشکر گذار میباشند

وجناب محمدنعیم‌خان نائب سالار بنهایت درجه محبت وشفقت باعسکری ماتحت خود شیوه های نیك وجیودانه ابراز میدهند ازانجمله یك قاعده نیکوئی که نائب سالار موصوف گذاشته‌اند اینست که هرگاه کدام سپاهی مریض شود چون هرشب ربوت نظامی خودرا ملاحظه می کنند ازمریضی سپاهی وملازمت وجای سکونت ان واقف شده فردای ان بعیادت آن سپاهی مریض رفته اورا حضوراً پرس وجوی کرده دلجوئی ها داده یك پنج ده روپیه نقد هم برای مریض داده معاودت میکنند اگر مریض صحت شد خیر واگر فوت شد بالای تجهیز وتکفین سپاهی فوتی خودرا رسانیده بعد از شست وشو همراه اندیوالان سپاهی نماز جنازهٔ اورا خوانده تا بقبرستان همراه میت رفته اورا بخاك می سپارند بعد ازان نائب سالار موصوف بجای خود می آید فردا صبح باز نزد باز مانده کان فوتی برای فاتحه رفته فاتحه وتسلائی میدهند یازده بیست روپیه نقد هم میدهند که ازطرف من عقب مرحومی خیرات کنید بعدازان بجای خودمی آیند همین شیوه‌های بسیار معقولانه درست باجمیع عسکر ماتحت خود می کنند فقط

کذا

اسمار ونورستان سلخ جمادی الاول

بدرجات نورستان ودرهٔ پیچ وغیره علاقه جات نواحی مذکور سیزده شب وروز علی التواتر باران میبارید ودرهٔ پیچ بعضی خانه‌ها خرابشده چنانچه بقریه ودیکرام درهٔ پیچ یك خانه افتاده سه نفر درتحت خانهٔ مذکور آمده برضای الهی فوت شده اند — بقریه دمدم چغه سرای سفلی نیز یك خانه افتاده سه نفر درزیر خانه شده بودند ازانجمله یك نفر مرد حیات اما مجروح زنده برامده دونفر دیگر که یك نفر آن مرد دیگر آن یك ضعیفهٔ بود برحمت الهی پیوستند وما کثر سر کها وراه ها ضرر وزیان رسانیده که مرمت طلب میباشد ویکزالهٔ بسیار برشدتی هم بدرهٔ پیچ حادث گردیده بود چنانچه ازبرك اشجار آثاری بدرختان نگذاشته فقط

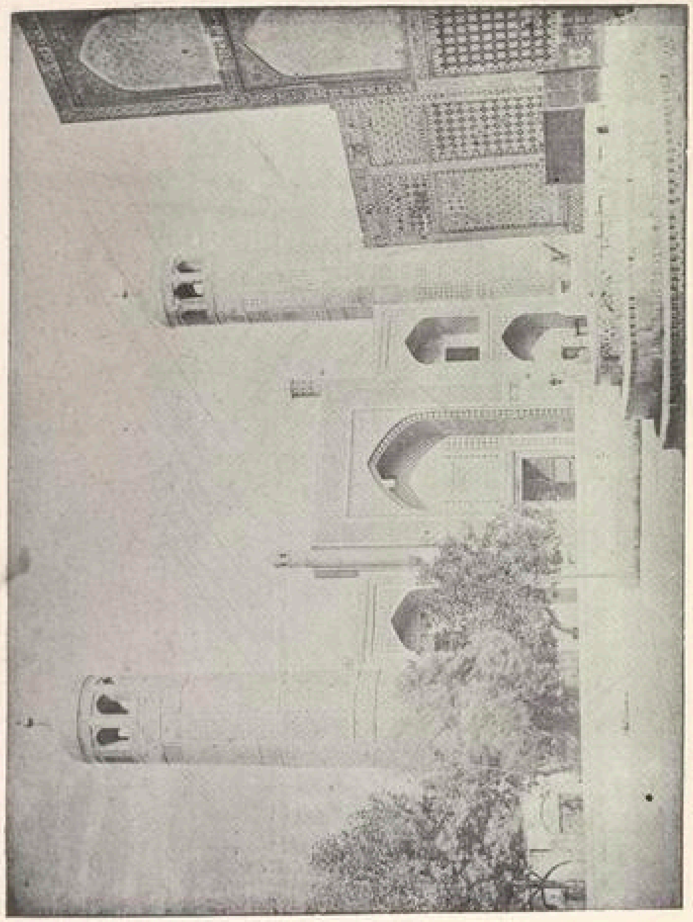

از مناظر ترکستان افغانی

مزار فیوضات آثار حضرت شاه اولیا رضی الله عنه

کذا سمت جنوبی ۱۴ جمادی الثانی

خانقی دزد یك نطفهٔ حرام ویك دزد غداری بود که بهر سرزمین وبهرجا قطاع الطریق کرده مال مسلمانان را بتاراج وبعضا میرساند وعلاوه بران درقتل نفس خود مسلمانان صاحب مال هم صرفه ودریغی نمیکرد همانست که بجزای اعمال رسیده اعدام گردید — بعد ازان خان میر نام جدرانی که از پیروان خانقی حرامزاده بود بطریقهٔ خانقی مذکور یك جیب بدکاران سارق را باخود همراه ومتفق ساخته راه های عبور ومرور

مسلمانان را از سمت غزنین ووردک وعبدال واهو کرد قطع کرده اکثر مسلمانان را به تیغ وتفنگ بقتل میرساند واموال ایشان را بغارت میبرد روز شنبه ۲ ماه جمادی الثانی بسعی وهمت ومردانگی مردم موضع اسپین تخت زرمت بجزای کردار هایش رسیده مقتول گردید — کیفیت بقتل رسیدن الحرامزادهٔ دزد چنین است — که خان میر دزد مذکور بهمراه چهل نفر سارقان ماتحت خود نزدیک قریهٔ اسپین تخت زرمت آمده همراهان خود را بالای بلندیهٔ متصل قریهٔ مذکور توقیف نموده بود قریهٔ مذکور بسمت جنوبی محال زرمت بدامنهٔ کوه قریب مزار حضرت سید احمد صاحب روحانی قدس سره در بین زرمت وجدران واقع

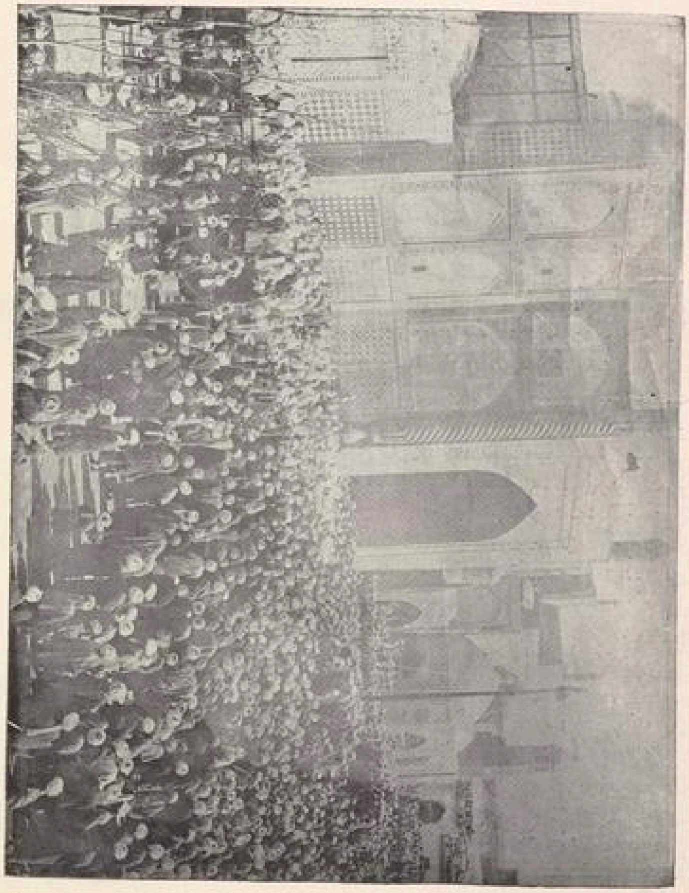

از مناظر ترکستان افغانی

منظرهٔ میلهٔ گل سرخ و برافراشته شدن علم مبارک که در همین موسمهای اول بهار در مزار فیوضات آثار مبارک برپا میگردد

میباشد خود خان میر دزد داخل قریهٔ مذکور گردیده دوراس گوسفند وده آثار آرد بالای رعیتی موضع مذکور حواله کرده بود که فوراً برای من درتهیه برسانید دوسه نفر از قریهٔ مذکور امر اورا اطاعت ورزیده بقدر یکساعت بقسم فریب اورا معطل کرده بودند اما درخفیه نفری را خبر داده اطراف اورا همراه تفنگ ها گرفته بودند خان میر دزد که دفعتاً باطراف خود نظر انداخته نفری را دیده که همراه تفنگها اطراف اورا گرفته اند خاین دزد خیز کرده بود که خود را از بین بکشد نفری رعیتی اورا امان نداده عموماً براو فیر کرده بودند بنسبت ضرب گلوله بجسم او رسیده بخاک افتاده بود دو نفر از رعیتی پیش شده

بودند کمر اورا بریده بردارند تفنگچهٔ شش تک که بدست داشت بردو نفر مذکور فیر کرده بود که یکنفر آن را بشهادت رسانیده ویکنفر آن را مجروح نموده است بعد ازان که جان از قالب او برامده سر او را بریده در گردیز بحضور حاکم آوردند حاکم نفری مذکور را بیکک طاقه لنگی زری داده وپوست سر دزد بدبخت مذکور را کشیده بحضور جناب حاکم کلان سمت جنوبی ارسال نموده وسمت مذکور از فتنه وفساد او براسود. هرکس کز حد برون نهد گام اینست سزای او سرانجام

از پسود هزاره مینویسند

از تاریخ یوم پنجشنبه ۱۶ ماه حال که درین محال در هوا ابر وصاعقه ظاهر گردیده غریدن رعد وبرق آغاز نموده بطرف نماز عصر درقلعهٔ شش رجه کج آب پسود صاعقه هوائی یعنی برق در گنبدی خانه شخصی افتاده درین خانه دو فرد ماده گاو ویکفرد نرگاو ویکراس مرکب را سوختانده ویکنفر آدم اتیز که درین خانه بوده یکطرف بازو وپای اورا سوختانده که ازان آن بیهوش گردیده لاکن حال ها کمال سقط شده وشخص مذکور حیات است که احتمال صحت دارد بعد ازان باریدن باران وبرف شروع نموده دایماً هوا ابر بوده باریدن برف وباران علی التواتر دوام داشت یوم دوشنبه ۲۰ ماه درقریهٔ ابزك محمد اکبر نام شخصی که همراه سه نفر دیگر در بالای لمی کاری ها بودند ومحمد اکبر نام داس آهنی بدست خود داشت صاعقه بالای مذکور افتاده خود اورا درهمان جا سوختانده که هلاک گردیده وباقی سه نفر که همراه مذکور بودند بیهوش گردیده لاکن هیچ نقصان برای ایشان نرسیده باریدن برف وباران تا یوم دوشنبه ۲۷ دوام داشت که هوا هیچ صاف نشده چند ساعت که توقف میکرد باز می بارید باوجودی که بسیاری آب می شد حالا درزمین هموار بمزرعه ودر کوهسار ها اضافه برف افتاده سرما شدت دارد یوم سه‌شنبه ۲۸ از الطاف خداوند هوا صاف گردیده الیوم که ۲۹ ماه مذکور است برف اقدر سخت شده که بزور مردم شکستن ندارد وچون درین محال چوب کمیاب است اکثر خانه‌ها گنبدی از خشت آلاشده خرابی زیاد رسانده باشد تاریخ فی ۲۹ جمادی الاول سنه ۱۳۳۳

از جاجی وچکنی مینویسند

از تاریخ ۱۵ ماه جمادی الاول لغایه ۲۸ ماه حال از تقدیرات آلهی باران وبرف زیاده شبروز درین محال جاجی وچکنی بارید که از کثرت برف وباران مذکور بسیاری خانه‌ها وآبادی‌ها وقلعه‌ها خراب شد چنانچه درین روزها نزد مردم کوچی که از علاقه خارجیه بعلاقه داخلیه دولت خداداد می آیند در محال جاجی که منزل مردم کوچی مذکور شده چون از سبب شدت سرما وبارندگی سه نفر چوپان رمه ویک نفر زوجه وقریب سه‌صد راس گوسفند ویازده نفر اشتر درعلاقه جاجی بقتل رسیده وقریب هشت نفر اشتر ازمردم کوچی درمحال چکنی فوت شده وورود چکنی نهایت زرق نموده که یک نفر بچه هشت ساله را ازمردم چکنی بقتل رسانید وقریب پنج خانه را از قریهٔ استرکلی چکنی هم خراب کرده برده اکنون صاحب خانه‌ومتعلقات او همراه عیال داری خود قبل از بردن وخراب شدن خانه خود برآمده بدیگر جای رفته بود که چیزی ضرر برای او نرسیده ودرحد قریهٔ بطان قریب چهل جریب زمین را همراه زراعت تخمیناً آب برده که امکان آبادی هم ندارد حال مدت دویوم میشود که از فضل وعنایت خداوند باران ایستاده شده فی تحریر یوم پنجشنبه سلخ ماه جمادی الاول سنه ۱۳۳۳

از خوست مینویسند :

یک حادثهٔ مغموم عارضه از جهة سیل وارد شد که چند روز متواتر باران باریدن گرفت وروز بروز آب اضافه تر شد که دفعتاً از یوم شنبه ولیل یکشنبه چنان سیل مهیب آمد که همان باغ که درشمال اوسط آنجای حاکم نشین حاکم کلان ونشیمن که بندهٔ بی چاره کلی است وباغ مذکور در زمان جناب سردار محمد اکبر خان تشکیل بسیاری آن یافته بود وبقدر یکنیم الی دو زرعه چهار اطراف باغ مذکور دیوال بسیار متین از سنگی وبعضی گلی بنا کرده بود مگر تمام نشده بود واز هرقسم حبوبات اشجار غرس بود وبعضی جا که هنوز گرد بست نشده بود جناب ناظم صاحب تشکیل گردبست کرده بود طول باغ درسنه اودئیل اول که بنده در خوست آمده بودم وقدم کرده بودم موازی شش صد و چهل وهفت زرعه وعرض غرب آن مساوی وعرض شرق باغ ازجهة که خانهٔ برکه اطاعی می باشد کم است مدعا خلاصه از طرف غروب بقدر هشتاد قدم دیوار را هم سیل منهدم کرده ودروازهٔ مذکور را غلطانده وازطرف سمت جنوب بقدر چهارصد وهشتاد قدم دیوار را خراب کرده وقریب یکنیم الی دوجریب زمین متن باغ را سنگزار وخراب نموده که حالا آب آن درجریان است وآب الی محکمه خوست که درنصف باغ دربالای سرک مابین است درجوار اعمار درجریان بود بعون وعنایت خداوندی از یوم دوشنبه که دوروز باشد آب از باغ خلاص شد وبسیار ضرر درخوست رسانیده مردمان ریش سفید های اینجا بیان میکنند که در یادی مایان این چنین سیل مدهش دیده نشده بود نهایت افسوس از خرابی دیوار وباغ شد زیرا زندگی وتندرستی نظامی وملکی چهاونی از جهة گرمی در همین باغ مربوط بود.

﴿از هرات نوشته اند﴾

که درایتوقت عالیجاه حاجی محمد امین خان نائب حاکم قلعهٔ نو معروض داشته است که درینوقتها گرگ دیوانه درتکاب خارستان پیداشده چند نفر آدم وچند فرد عوامل را گزیده سه نفر فوت شده.

ودوراس اسب وبیست فرد عوامل سقط گردیده ودرتکاب فرعج پلنك دیوانه نیز پیدا گردیده یکنفر را گزیده پلنك هم مرده وشخص مذکور نیز فوت شده است ودر تکاب قدس گرگ دیوانه یکنفر آدم وچهار نفر اشتر را گزیده شخص مذکور واشتران مزبور هلاك شده اند فقط

حوادث خارجیه

المانها درچه حالی هستند

یکنفر ازفرستادگان مخصوص روز نامهٔ « تان » که به لباس هند ومخفیانه به المان مسافرت کرده وضعیت داخلی واحساسات اهالی آلمان واطمینان ایشانرا بقشون واطاعت آنانرا از امپراطور به تفسیر ذیل شرح میدهد

از مونیخ تا برلن

برلن — ازفرستاده مخصوص ما

صبح یکشنبه است وتعطیل شهر « مونیخ » مردمان شهر بصدای ناقوس کلیساها ازخواب برخواسته هوا آفتاب اهالی دسته بدسته بمعابد میروند که ازخدای آلمان درخواست فتح ونصرت عساکر آلمانرا نمایند در کلیساها ازانکه کشیش دعای معموله را خواند دربالای منبر از خدا مجازات دشمنانرا خواست کشیش میگفت : دشمن ما فقط انگلیس است . اهالی هم سرودشده ومیگفتند دشمن ملت ما اوست .

درقلوب تمام اهالی ازین طرف تا آن طرف مملکت این عقیده مثل سکه به زرنقش بسته است که مؤسس جنك وموجب صدمات اروپا فقط بتحریك حسادت انگلیس ها بوده وهست . بوعظ کشیش گوش میدادم مشارالیه شخص تنومندی بود این عبارات را مکرر میکرد (خداوند بما همراه است ودهشت روی میزده و میگفت) دشمنان ما دشمنان حق هستند ومأموریت آلمان دردنیا همین است که : « دشمنان حق وحقیقت را معدوم نماید وهیچ کس قادر نیست که آلمان را مغلوب سازد چرا که درظل حمایت مخصوصهٔ پروردگار میباشد بایدفرانسه مضمحل گردد — انگلیس متلاشی شود — روسیه معدوم گردد . اراده خداوند تبارك ماچنین است وباید مجری شود »

حاضرین بایکدنیا مسرت وهیجان بعدازخاتمه نطق کشیش بیرون رفته ودرمهمان خانه‌ها وقهوه خانه‌ها پراکنده شدند .

روز دوشنبه بودان شهر وتفرج مردم ابدا باایام سابق تفاوت نکرده واگر سربازان زیاد باالبسه نظامی زیادتر ازایام عادی در کوچه‌ها دیده نمیشد هیچ کس خیال نمیکرد آلمان درکار جنك میباشد .

تمام ساکنین شهر در آفتاب مشغول تفرج وتماشای حرکت سربازان هستند که باپالتوهای گرم زمستانی قدم نظامی گرفته بطرف سربازخانه میروند وگاهی هم سربازان مجروح که تازه معالجه شده‌اند دیده میشود که باعیال یادوست خود ملایم مشغول تفرج میباشند وگاهی هم بعضی زنها مشاهده میگردند که علامت سیاه به بازوی خود بسته بایك نگاه حزن آمیزی سربازان را بانظر مشایعت می‌نمایند سربازان جدید جوان دیده میشود که صاحب منصبان آنهارا بطرف سربازخانه میبرند وغالبااهالی بطرف آنهارفته بنای صحبت نهاده قوطی سیگار را باز کرده وبعموم جوانان مزبور سیگار تعارف میکنند . تامدتی کمی ومغازه‌های « مونیخ » بازاست لیکن اهالی بمغازه‌های کتابفروشی ونقشه فروشی وکارت پستال که نقشه‌ها وصور جنك هارا میفروشند هجوم برده عکس های جنگی را تماشا وخریداری می‌نمایند .

درتمام تصویر ونقشه جات صورت امپراطور ویلهلم وتصویر ولیعهد بااطفالش درحال فرمان دهی قشون مرسوم است .

کلیه مردان تاریخ وسرداران بزرك المان مانند بیزمارك ژنرال مولتکه وامپراطورها ازقبیل فردریك کبیر وویلهلم اول قیصر حالی ویلهلم دیده میشوند که تصاویر ومجسمهای مقبول ومقوای آنها درمغازه‌ها نهاده شده‌است .

پس از آن درتمام مغازه‌ها تصویرهای جنگی که همه روزه طبع میشود جلب توجه ناظرین را مینماید که سربازهای آلمان شهرها وقلاع را فتح کرده وسربازان فرانسه باشلوار های سرخ واهالی ازمقابل آنها فرار کرده ومجروحین دشمن درحال مردن هستند .

بیرقهای ملی المان عبارت ازسه رنك سفیدوسیاه وسرخ درتمام نقاط دیده‌میشود که درحاشیهٔ آن این عبارت صریح رسم گردیده است : « — هر قدر دشمنان مابیشتر همان قدر فتوحات وافتخارات مابیشتر »

تفرج کنندگان درمقابل شیشه های نقوش وتصاویر هجوم آورده احساسات قلبی خود را تبادل می نمایند واتحاد افکار واحساسات این دسته جات متفرقه را بیکدیگر متحد و متفق میسازد وخوب معلوم میشود که تمام افراد ان ملت فقط دارای یك روح درابدان مختلف هستند آن هم روح خشن المان که کاملا اطمینان بقوه وقدرت خود دارند ودرنهایت جدیت ازفوق ومزیت قوه خویش ملزم ومطمئن میباشند ومأموریت خویشتن راچنین میدانند که المان باید برسایر نژادها فائق آمده و آنان را تحت استیلای خود آورد .

این تربیت عقیده نیست که اصلا یف گوبینو بملت المان القاء کرد که نژاد های مختلفه مساوی نیستند « وتوتونها (المان) اساس اتحاد زمینرا روی آن عقیده طرح کردند :

حالا نویسندگان سابق المان ازقبیل « گوبینو » و « لاپوژ » و « شامبرلن » بیایند ومشاهده نمایند که چه نهرهای ازخون در «بلژیك» و«فرانسه» و«روسیه» درمیان آتش ها وخرابیها جاری است

قهوه خانه ها وهتلها خیلی جالب انظار است . اهالی در اطراف میزهای مدور هجوم آورده . یك طرف یك فامیل بااطفال خود وطرف دیگر اجامی از دوستان وگوشه دیگر جمع هم قطاران دیده میشوند که دود سگارشان بطرف سقف طلاقی آتشکن بالا رفته وصدای صحبت وصدای بازشدن کاغذ روزنامها وکیلاسها بهم دیگر مخلوط شده مستخدمین قهوه وغذا مرتبا می آوردند . در تمام این دسته ها غیر از مذاکره ازجنك مطلب دیگری نیست همه کس روزنامه را دست گرفته از استراتژی وفنون جدیدهٔ جنك سخن میراند وتقریبا چنین میگویند عسا کر امپراطور درفلان مکان رسیده اند . بلی « برلینر تاکبلات » تصدیق کرده پس صحیح است !

محقق است که فرانسه ها درهمه جا درمقابل قشون ماتاب نیاورده مغلوب شده اند و « قیصر ما » درفلان روز در پاریس وارد میشود . روسها !

روسها آنها نیز درتمام میدانها مغلوب ومتواری شده اند بله . . .

ژنرال هیند نبورگ « روسها را درلهستان ازپا در آورده دراطراف « وارشاوه کارشان ساخته است . اما انگلیسها آنان نیز مضمحل می شوند . ایشان در « لندن » ازشدت بیم برخود می لرزند . چرا که یکصدوپنجاه فروند بالون جنگی سیستم زپلین را که مشغول تجهیز هستیم یکروز صبح . زود بایکصده قشون مقتدری بیکی ازنقاط انگلیس پیاده میشوند . آفرین بر کشتی « امدن » که مدتها اقیانوسهای مشرق را به حیطهٔ تصرف در آورد . حالا هم برای حمله با نکلستان زره پوشهای ماآز کانال « کیل » منتظر فرمان حرکت ویوروش هستند . .

دراین ضمن من هم مشغول خواندن یك روز نامه بودم ویکنفر ایطالیائی هم درمقابل من بملاحظه جراید مشغول بود وتبادل نظر هم میکردیم پس ازدقیقهٔ چند باحاضرین بنای صحبت را گذاردم وازیکنفر سوال کردم ـ شما ازفتح وغلبه اطمینان دارید ؟ لیکن قشون المان درمشرق ومغرب باید جنك کنند وهنوز فرانسه ها وروسها قوی هستند ؟

فرانسه ها ! عجب سخن ! آیا از اول جنك تاحال کدام فتحی را کرده اند وهمیشه ازمقابل مافرار می نمایند ـ عقب نشستن از مارن راچه میگوئید عقب نشستن المانها عقب نمی روند ! حرکات استراتژی بلی . لیکن عقب رفتن ابدا . ـ بسیار خوب . پس برای چه شش هفته است که برای رسیدن به « کاله » سعی دارند ؟

برای اینکه ما هروقت بخواهیم بانجا برسیم همان وقت خواهیم رسید قیصر ما چنین حکم داده والبته ارادهٔ امپراطور بایستی مجری گردد . اگر قیصر وصول به پاریس را حکم قطعی نماید انهم مانند قضای مبرم باید فعلیت یابد . ـ خیلی خوب آیا تصور می کنید که فرانسه ها بگذارند ـ بیچاره فرانسه ها . عساکر المان مغلوب شدنی نیستند جناب آقا بسلامتی شما این جام نوشیده واطمینان میدهم که فرانسه در مقابل ماقابل توجه نیست

ـ مرسی آقا . آیا این شایعه صحت دارد که درین جا محبوسین جنك خوش رفتاری نمی شود . درفرانسه میگویند که اسراء جنك درالمان دوچار سرماو گرسنکی می شود ـ این مطلب برعکس است ماباری اسرا خصم منازل گرم وغذای خوب ترتیب داده ایم همان طوریکه بسربازهای خود یومیه جیره و غذا میرسانیم به اسرای جنك نیز همانهارا میدهیم بلی فقط زحمت ورنج ایشان همان است که در اسارت هستند لیکن اطمینان داشته باشید که دو چار صدمه ومشقت دیگری نیستند

درخصوص انگلیسها آن شخص آلمانی که یکنفر تاجر متمول می آید اظهار عداوت میکرد لیکن در ضمن میگفت که تهمت هائی را که ما در خصوص تیرباران کردن اسرا وقتل مجروحین انگلیس وبدرفتاری میدهند کذب محض است وبا آنها هم مثل سایرین رفتار می شود .

چندهفته است که در آلمان احساسات خصومت بفرانسه تغییر کرده ودلسوزی وعطوفتی نسبت بدانها ابراز میشود ومیگویند فرانسویان رقیبان لائق ظرفیت میباشند .

در همهٔ آلمان برای فرانسه ها غمخواری کرده ومیگویند بیچاره ملت فرانسه دوچار شدت جنك شده وخودرا فدای اتحادبا « روس » کرد ! میگویند بیچاره فرانسه ها که فدیهٔ طمع ورزی وحرص ثروت طلبی انگلیس شده وبابودن علائق معنوی وحسی وحیثیت وجوانان خودرا قربان استبداد سلطنت « انگلیس » وخودسری روس وحشی نمود !

اخیرا عقیدهٔ مراکز آلمان واهالی چنین است که فرانسه وآلمان که هردو ملت متمدن وعالم هستند میبایستی بایکدیگر اتحاد کامل ودوستی می نمودند

اگر فرانسه طالب صلاح بود این مسئله باقرب وصمیمیت با آلمان بهترصورت میگرفت . چرا که آلمان غیر ازیك ولایت « شامپان » ابدا میل گرفتن اراضی فرانسه را نداشت وازبابت صلاح وغرامت جنك فقط بگرفتن ده ملیارد فرانك قانع میشد .

پس از این که این دو دولت صلاح کرده ومتحد شوند بدوا انگلیس را مضمحل و پس ازان باتفاق روسیهٔ مستبد را معدوم می سازند وفرانسه در ازای هجرو زحمت خود تمام افریقای شمالی از « مراکش » « تانژه » « مصر » را بتصرف در می آورد .

هم چنین « طرابلس » را نیز از ایطالی برای مجازات وی ازاین خدعه وخیانتی که به « اتحاد مثلث » نمود گرفته وبفرانسه مسترد می شود وبرای آلمان مابقیه متصرفات عظیمهٔ انگلیس کافی خواهد بود . ازانطرف نیز ضربه بقلب خرس شمالی « روس » وارد کرده « لهستان » وی را گرفته واو را بطرف بحرهای شمالی میراند

طرف مغرب بود که از « مونیخ » عزیمت کردم وسوار یك ترن اطائی شدم که مملوه از جمعیت بود بدرجهٔ که مردم در را

روزها ایستاده بودند مسافرین که همگی سربازان بودند که بعدآنها میرفتند درتمام شب ومدت مسافرت بسرود ملی و جنگی مترنم بود و یکدسته یك مصراع را خوانده ودستهٔ دیگر باهمان لحن اجماع بمصرع دیگر جواب میدادند –

در حالتیکه تمام آنها بصفوف مقدم جنك میروند همگی آنها فرحناك وبالیك دنیا هیجان ومسرت میروند . و یکنفر آنها بالیك اطمینان وخوشحالی بمن کفت که عنقریب بتماشای برج ایفل خواهم رفت تمامی آنها اشخاص قوی المزاج وتنومند وخوش قواره بودند کلیهٔ آنها جوان وجزو قشون ذخیره هستند وبسیاری از ایشان دوسال در نظام خدمت کرده واز فنون جنگی اطلاع دارند ولباس های شان لباس نظامی خاکی رنك باپوتین های زرد اعلا وپاشنه های آهنی .

فرحناکی وهیجان آنها مثل آن است که برای مانوری دقیقه نظامی دربیرون شهر میروند وابدا آثار ترس و وحشت درآنها نیست وذرهٔ تشویش آن را نمیکنند که شاید تاچند روز دیگر نعش های آنها درکل‌ها وباطلاقها قبای فلان را عیان افتاده کلوله های خصم کشت عمر آنهارا درونماید .

التهابات وحرارت رؤسا درحین عزیمت این جوانان واظهار احساسات اهالی وجود آنهارا یك توده الکتریك می‌نماید .

باآنها از تحصیل افتخارات و شرافت نظامی مذاکره کرده ووعدهٔ صلیب آهن بایشان میدهند . بآنها کفته اند که خدای آلمان با آنها درهر قدم همراه است و خداوند آلمان باکلاه خود ومغفر فولادین در میدان های جنك حاضر وناظر و سایرین را غضب کرده آلمانهارا حمایت وحراست میکند .

درایستاسیون موتور امپراتور . ازاین قطار راه آهن کاین جوانان را بسوی جنك ومیدان میبرد فرود آمدم . برف بطور ملایم شروع بباریدن کرده شب است وشهر در حال سکوت وقطار راه آهنیکه به « برلن » میرود ، خالی درکار ایستاده وبرف مانند یك ورقه نازك لطیف روی بخرمهای ترن قرار کرفتند . درمدت حرکت هرکجا که قطار آهن بمحل ایستگاه میرسد اهالی و پرستاران مجروحین باطراف قطار دویده فریاد میزنند صلیب احمر ، صلیب احمر یعنی درین جا مریضخانه وکابینات صلیب احمر است واکر بیمار ومجروحی هست برای پرستاری وامداد حاضر هستیم غالبا هم دیده میشود که یکنفر مریض که درحال بهبودی است یکنفر سرباز مجروح را علامت داده کرده بطرف مریضخانهٔ صلیب احمر برده وفورا دربغل قدری تخم مرغ وآب کوشت سوپ مقوی بوی داده قدری شکولات در جیب او نهاده ویك قطی سیکار باو میدهند که درراه تغیر ذائقه دهد وپس ازآن اورا بطرف ترن برده و بسوی مقصد رهسپار میکردند .

بالاخره باراه آهن به « برلن » رسیدم هوادمه بود ودو چرخه های روزنامه فروشی در اطراف بصدای بلند حرکت کرده ومردم ازهرطرف بامیل ورغبت روزنامه را خریده درهمان کوچه مشغول خواندن آخرین اخبار واصله جنك میشدند . یکروزنامه فروش از نزدیك من عبور کرده وفریاد میکرد ، یك فتح بسیار بزرك قطعی آلمان با روس — هشتاد هزار اسیر ... صد توپ مترالیوز غنیمت . . نجاه توپ بزرك دشمن متصرف ما است

نقل وترجمه ازاخبار های مختلفه (رعد)

بتاریخ سه‌شنبه هشتم ربیع‌الآخر اخبار شهاب ثاقب
مطبعهٔ طهران مینویسد

فتح جدید آلمان

از قرار خبریکه ازمرکز رسمی بما میرسد فتوحات بزرك و غنائم بی شماری که نظیرش را تاریخ جنك کنونی کمتر نشان داده درسرحد شرق روس نصیب قشون آلمان کردیده تفصیل واقعه وجزئیات این فتح بزرك از قرار ذیل است :

﴿ ابلاغیه الثانی ﴾

نتیجه جنك بزرك درمشرق دریاچه های مازورس اینك باجزئیات آن منتشر شده است قشون دهم روس که مرکب از ۱۱ دیوزیون پیاده نظام وچندین دیوزیون سواره نظام بود بکلی متواری وتقریبا معدوم کردیده . فرمانده‌هان قشون آلمان درمیدان جنك مارشال (هیندنبورغ) ودوژنرال (ایش‌هرن) و (بولو) بودند علاوه برکشته وزخمی روسها ۶۱۰۰۰ نفر اسیر وهشتاد توپ وهفتاد مترالیوز از دست دادند .

درلهستان آلمانها شهر (بلیج) و (بیلسك) و (رازیونغ) را فتح نموده اسرای زیاد کرفتند .

در فرانسه آلمانها در نزدیکی « سنت الوار » یك کیلو متر از خندقهای انکلیس را فتح نمودند دریك منازعه نزدیك « سواسن » قشون فرانسه علاوه برمجروحین دویست نفر مقتول چهار صاحب منصب و ۴۶۸ اسیر تلفات داشته در صورتیکه ضایعات آلمان از کشته وزخمی بیش ازهفتاد نفر نبود درنزدیکی « سنت میئیو » آلمانها مجددا یکهزار و دویست متر از مواقع مهمه فرانسه را فتح نمودند در حوالی « هنت امونن » قریه « نوروا » بدست آلمانها تصرف شد ودر نزدیك تپه یکصدو نجاه ودو نفر فرانسوی دیکر را اسیر کردند (شهاب ثاقب)

﴿ ابلاغیه الثانی ﴾

تازه ترین اطلاعات واصله

آلمانها قشون شکست خورده روس را (ترکی) و کردنو وسوخوزلین تعاقب کرده ۶۴۰۰۰ اسیر ۷۱ توپ یکصد مترالیوز ویکصد ونجاه واکن قورخانه ازروسها کرفتند درجنوب‌شرق کلنودشمن کلشاو عقب‌نشسته هزاران اسیر ازدست داد درجنوب میشتر وشمال راس بتش روسها از واقع خود متواری شدند درمشرق رازبونغ ۳۰۰۰ اسیر از روسها کرفتیم .

– میدان جنك فرانسه –

در فرانسه قشون متفقین از فتوحات عظیمه جدید آلمان درروسیه بهیجان وخشم آمده اقدام به حمله شدیده نموده ولی

نتیجه نبردند جزاینکه انگلیسها ۱۷٤ اسیر از دست داده و مواقع خود را نتوانستند بازپس بگیرند و فرانسویها در شمال شرق (رایمس) ۲۰۰ اسیر با کشته و زخمی زیاد داشته و حمله خود را قطع کردند

— در شامپانی —

در (شامپانی) قشون فرانسه با عده کثیری حمله سخت بعمل آورده منجر به جنگ تن به تن گردید و بالاخره تعرضات آنها بکلی عقیم مانده ٤ صاحبمنصب و ۷۸۵ اسیر و مقتولین بیشمار از دست دادند .

— و جنگ در آرگون —

در آرگون قسمت بزرگی از مواقع مهمه قشون فرانسه را تصرف نموده ۳۵۰ اسیر و دو توپ گرفتیم حمله قشون فرانسه برقه بورای بی ثمر مانده ۸ صاحبمنصب و ۱۰۷۹ اسیر و مجروح از دست دادند .

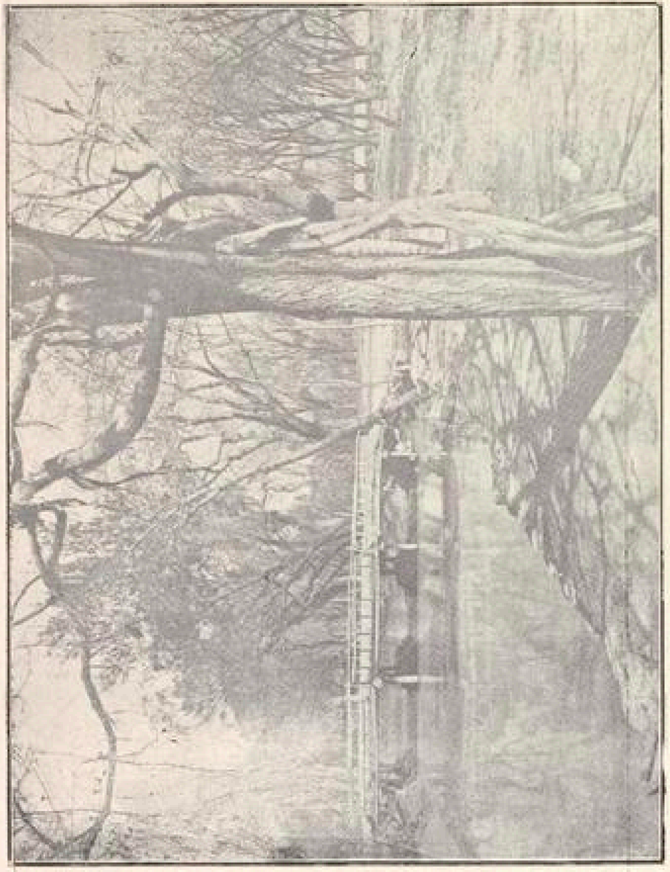

از باغهای دل آرای بامفای شهر احمد شاهی قندهار

جاسوس المانی

(وسر گذشت یک صاحب منصب فرانسوی)

یکی از صاحب منصبان فرانسوی در روزنامه (الفورماسیون) پاریس سر گذشت خود را اظهار نموده که جالب بسی تعجب است وما عینا ترجمه مینمائیم — میگوید :

ما از صبح در یک دمهٔ غلیظی مشغول جنگ شدیم در ساعت دو بعد از ظهر آلمانها مقام خود را ترک نمودند — با بلوقی که من جزو آن بودم آنها را دنبال نمود چطور شد که من خود را ازروی عدم تفکر در راه خیاره کشیدم — نفهمیدم همینقدر میدانم که اول شب از یک خواب خیلی سنگینی که گویا یک ضعـ

وغش طولانی که از زخم چپاره بود و بمن روی داده بود بیدار شده و بازوی چپ خود را سخت مجروح یافتم -- از جا برخواستم که ببینم کجا هستم و بچه جا باید بروم — تاریکی شب اطراف را فرا گرفته شخص در چنین موارد معلوم است چه حالی پیدا میکند! متوحش و پریشان بی اختیار و عزم براه افتادم — بعداز پیمودن

مزبور زخم را باطوری که میتوانست بست مرا بترك اسب خود گرفته روانه شدیم — دراین وقت دمه خیلی غلیظ شده و ما بسر یك چهار راه رسیدیم که نمیدانستیم بکدام راه برویم — خاصهٔ یکی از تکات صندوقهای توپ المانیها در یك سمت صحرا ریخته و در سمت دیگر که خیلی دور نبود دریاچهٔ کوچکی واقع و در سمت

دویست و پنجاه متر خسته شده و در شرف آن بودم که بزمین افتاده از کار خود ناامید شوم — ناگاه صدای یکنفر فرانسوی بگوشم رسید صاحب صوت را شناختم که یکنفر از سربازان فوج (اژوری) فرانسه بود چون هنوز درد شدت نکرده بود خیلی داد و فریاد را انداختم — بعد از انکه صاحب منصب

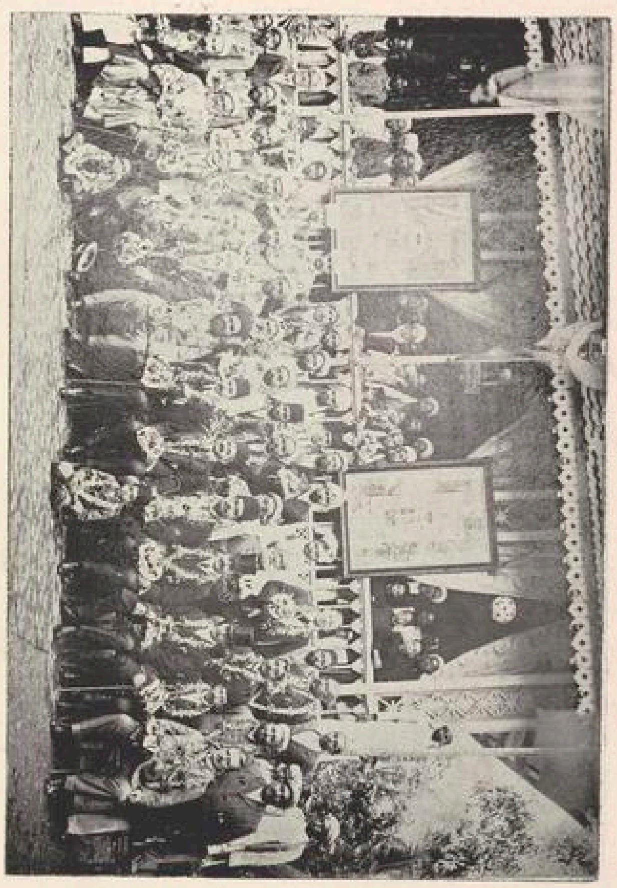

یك گروپ در بمبئی

بمناسبت جشن اتفاق ملت که از مراسم مقدسهٔ دولت علیهٔ افغانستا است جناب کرنیل غلام رسول قونسل دولت خدا داد افغانستان همهٔ قونسلهای دولتها و بسیاری از اشراف و اعیان و مامورین را دعوت کرده است

دیگر یك مزرعه کوچکی بود که ازپشت درختهای چنار درست پیدا نبود صاحب منصب مذکور نقشهٔ جیبی خود را بیرون آورده مراجعه بآن می نمود —

مجوبه های بی قطیر

ناگاه صدای چند تیر تفنگ بلند شد ما خود را بزمین افگندیم.

ده یازده نفر سربازان روسی که در میان صندوقهای بی صدا نشسته چپق میکشیدند مارا دیده بودند شش یا هفت نفر از آنها بطرف ما دویدند

که مارا بگیرند آنها بحرف ما نشدند رفیق من مرا جلو انداخته کشان کشان افتان وخیزان خودمان را بدریاچه رسانیدیم پر چین های کنار دریاچه مارا از گلوله های تفنگ حفاظت کرد اما حالا چه کنیم صاحب منصب بدون تأمل بمیان آب جست نمیدید عمق آن چقدراست معلوم شد تا کمراو آبست بمن اشاره نمود من هم خودرا بآب انداخته باو رسیدم اطراف ما پر از گل وعلفهای آبی بود سربازان روسی این خدعهٔ مارا ندانسته ماهم خودرا درمیان آب فرو برده فقط صورتمان برای تنفس از آب بیرون بود وازنزدیکی هم رخ آنها پیدا بود که باطراف نگاه میکردند ماچقدر دراین حمام غیرمترقبه توقف کردیم نمیدانم همین قدر بود که خیلی سرد بود ولی من میبایست ممنون از مسکن آب دریاچه باشم زیرا که فوراحالت تبرا تسکین داد وگویا از سحر ومعجزه تمام قوای من عودت نموده بالآخره دشمنان دست از تجسس کشیده بطرف دوچرخه ها وصندوقها رفتند ماهم از آب بیرون آمده میان علفها لباس خودرا میفشردیم

مزرعهٔ خراب شوم

باین حال روانه شدیم وخودرا درساعت دوازده شب بمزرعهٔ رسانیدیم که دران نیم بازبود بمحض آنکه داخل شدیم یک زنی که بنظر جوان میامد بیرون امده اشاره براه نموده گفت راه دهی که چندان دور نیست آن طرف است صاحب منصب رفیق من گفت ما می خواهیم اندکی اینجا استراحت کنیم ـ ابدا دراین ده خوردنی پیدامیشود ؟ آن زن جواب داد : افسوس جناب صاحب منصب بیچاره من هرچه اینجا بوده غارت شده حتی یک جرعهٔ آب هم پیدا نمیشود بهتر آن است که مستقیما بان ده بروید وضع غریب این ده ومنظر شوم آن دلچسب نبود باطاق که ماداخل شدیم اطاق خواب بنظر می آمد کشوهای میز همه بیرون کشیده وحوله ها ریخته وپاشیده بشقابها روی هم ریخته وشکسته صندلیها افتاده ازاین مناظر بی نظم وترتیب ماسوء ظن پیدا کردیم رفیق من گفت یقین دارم که در انبار زیر زمین یک چیزی پیدا خواهد شد که مانبوشیم زن اظهار کرد آقایان من باین رفتن بیحاصل است هیچ چیز آنجا نیست

(بیکوی ما اوفت)

در اول زن بکلی از رفتن بزیر زمین مضایقه داشت ولی ما نپذیرفته ناچار تهدید کردیم که راضی شود دیدیم تمام اعضای او بلرزه افتادو همی خودرا ازمادور میکرد وگفت خودتان تنها روید باین به بینید ولی ما گفتیم توباید اول پیش بروی باین رفتیم زیر زمین باوسعتی دیدیم پر از صندوق بعضی خالی بعضی پر ودرمنتهای آن یک زیر زمینی کوچکتری بود که در خیلی سنگینی داشت که ماداخل آن شدیم وهرچه آن زن دهقان مارا تخویف کرد اعتنا نکرده مشغول تفحص شدیم دست بیک پیپ چوبی زدیم صاحب منصب گفت این پراست (پیپ چوبی غالبا جای شراب است) درینوقت آن زن رجسته بکردن ویکوی ما اوفته ومارا انداخته خواست فرار نماید من اورادنبال نمودم (وقتی که انسان در خطر است بعضی کار های پر مسئولیت را هم مرتکب میشود و بعد پشیمان میگردد) من رولور خود را کشیدم میخواستم که اورا بزنم که صاحب منصب فریاد کرد زن دهقانی را مزن ـ پیراهن زن دهقان بپایش پیچیده بود من خود را باو رسانیده با حربه که در دست داشتم اورا بفرمان خود در آوردم اما دراین یک دقیقه ببینیم که درزیرزمین چه واقع شد رفیق من نزدیک یک پیپ خیلی بزرگی که مثل دیگرها خالی بود شده که ناگهان مردی از گوشهٔ که پنهان شده بود رجسته بارولور خود بارفیق من مقابل شد همین قدر صدای دو گلوله بلند و بعد صدای افتادن یک جثه شنیدیم دیگر چه شد صدای زنگ الکتریک وخر وخر دستهٔ تلفون بلند شد

حالا ملتفت شدید که سر زیرزمینی چه بود این زیرزمینی یک استاسیون تلیفون آلمانی بود آن پیپ کوچک محتوی شیشه وقوهٔ پیپ بزرگ محتوی یک دستگاه تمام تلیفون بود باتمام لوازم وما مانع جریان ارتباطات تلیفون صفوف آلمان شده بودیم ! ! !

انقلاب در سودان

روز نامهٔ (عثمانی شرلوید) خبرمیدهد که ملاعلی حاکم دار فور (یکی ازایالات سودان است) باهشتاد هزارنفرمجاهد شروع بجهاد نموده واهالی ناحیه کاپ (ازایالات سودان انگلیسی است) سرطغیان براورده ومراکز انگلیسی را غارت کرده وانبارهای ذخیره را مجاهدین دارفور متصرف شده اند ـ بعد ازانتشار این خبرمسلمانان ابوراه نیزتحت سلاح رفته وبمجاهدین ملحق شده وبشهر خرطوم پای تخت سودان نزدیک گردیده اند ـ انگلیس برای جلو گیری انها یک قسمتی قشون ازمصر احریاده کرده وازطرف (طلفه) (وسواکن) بداخله سودان سوق داده است قشون طلفه‌ئی شده وبین هندیها وانگلیسیها جنگ خونریزی شده است ودسته قشونی که ازواسواکن جلو میرفته اند تن اتحادیون توقیف نموده اندناچار مراجعت کرده اند (زهور)

اظهار غیرت

تازگی دولت عثمانی یک سکه زده است که روی آن نوشته شده است (ضرب فی دارالخلافه) واولین سکه جدیدرا اهالی قیصر به مزایده گذاشته وتا کنون قیمت آن بهجده هزار قروش رسیده است (زهور)

بیان نامه والی بغداد

والی بغداد بواسطه بعضی شایعات بی اساس که راجع بمطامع

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1182 of 1786

عثمانی با ایران شبیه بمطامع روس انتشار یافته بیان نامه رسمی از طرف دولت خود در بغداد وعراق عرب منتشر کرده است

بعداز شکایت از کسانی که مقاصد انهارا تحریف والقاء شقاق ونفاق بین عثمانی وایران می نماید مقاصد دولت عثمانیرا این قسم توضیح میکند : حفظ استقلال بلاد ایران یگانه مقصد دولت خلافت است و همیشه آرزو دارم که شیر و خورشید و ماه وستاره باهمدیگر متحد باشند وبقدری که محافظت خاك عثمانی محل توجه ماست حفظ استقلال ایران را هم برای حیات خود لازم میدانیم ـ وبعد از حصول مظفریت اراضی ایران را بصاحبان حقیق خودش رد کرده وحسن مقاصد خودرا بهمه کس ثابت خواهیم نمود

ودر اخر بیان نامه اظهار میکند که ماه وستاره برادر معزز خود شیر وخورشید با کمال شفقت ونوازش سلام میکند (زهور)

از اخبار زهور

خدمت بمملکت

دولت عثمانی باهمیت زراعت توجه مخصوصی نموده ودربسیاری ازولایات حبوبات بی عیب برای تخم کاری بفلاحین بخشیده است من جمله درایدین که ازتوابع ازمیر است ۲۰۰۰۰۰ اوقه در بین رعایا توزیع نموده است

مراکش

مکتوبی که امیر عبدالملك نوشته چنین می گوید مجاهدین شهر (فاس) پایتخت مراکش رادر ظرف ازده روز فتح نمودنداهالی باآواز تحسین وتهلیل مجاهدین را پذیرفتند . دشمنان فرار کرده ومقدار زیادی ارزاق ومهمات را ترك کردند که غنیمت ماند . از فرانسه ها سه هزار وپانصد نفر مقتول وعدهٔ زیادی مجروح گردید . مجاهدین ۸ توپ دهن گشاد وعدهٔ مترالیوز وعرابه‌های حمل ونقل غنیمت گرفتند

داو طلب

اهالی ناحیهٔ هندیه درعثمانی چندین هزار نفر جمع شده بایکدیگر عهد وپیمان بسته درتحت کوماندانی شیخ العراقین واولاد کونه زیر سلاح رفته بطرف بصره حرکت کردند و کذالك اهالی (دلیم) واهالی (اردو) و (چهار شنبه) تحت سلاح رفته اند

اعانه

جمعیت خانمهای عثمانی و آلمان برای کمك بخانوادهای سربازان مبلغی اعانه جمع کرده وبدویست ونودو هفت فامیل آذوقه تقسیم کردند

نقل اوراق

دولت روس اوراق حکومتی را از شهر تفلیس پایتخت قفقاز بیرون برده و بجاهای خاطر جمع فرستاده است اجتناب نادر ... اسباب اندیشه وخیال اهالی شده درشهر پطروگراد نیز بواسطه گرفتاری بعضی سوسیالیستها وظهور پارهٔ امارات اختلال دولت روسیه قوی خاصه را ازمیدان جنگ ورشو طلبیده است که درپایتخت برای محافظت ساخلو باشند زهور

مایه احتراق جدید الاختراع

روزنامه مرنك پست میگوید آلمانها یك چیزی اختراع نموده‌اند واوانشکل کپسول های گرد ساخته هریك نفرسرباز چندین عدد ازاین کپسول را همراه دارند به محض نزدیك نمودن آن بشعله یك کبریت یاآتش سیگار دوده ای که جای فتیله است یك نوع اشتعال خاموشی ناپذیری پیدا میکند وبعد سرایت به وسطان مینماید وچنان آتش وشعله باحدت وشدتی که مدتی سوختن ان طول میکشد تولید مینماید که مجاور ونزدیك هر چیزی باشد محترق ومشتعل میسازد این کپسولرا غالبا درموقع حملات ویورش‌های شبیکار میبرند وگاهی برای جلوگیری ازشبیخون دشمن مقداری ازانها را آتش زده‌در دهات وفراسنگ بین انها ودشمن میباشد انداخته فوراً ازانیك شعله آتش میسازند که برای ممانعت حمله دشمن مثل یك خندق باشد برای گرم شدن سربازهادراین سرمای زمستان دربیابان وصحراها نیز بدرد میخورد

۱۵ ربیع الثانی (نوبهار)

سوء قصد بژنرال مستول درمصر فرمانده کل قوای عمومی انگلیس ژنرال مستول در حالتیکه بادونفر یاور ازقصرالنیل عبور مینموده یك نفر سرباز مسلمان هندی سه تیربطرف مشار الیه خالی نموده ویاور مشار الیه مقتول می شود

کذا عقب نشستن فرانسویها

عقب نشستن فرانسویها ازسواسان درپورسهٔ وپریس سوء تأثیر بخشیده است

کذا برای جهاد

شیخ محمود که یکی از مشایخ معروف سلیمانیه است باعدهٔ کثیری مجاهدین سواره برای اشتراك درجهاد بناصریه عزیمت نموده است

درسر حدروس درجبال کاراپات مسلمان هائیکه درسرحد روس در اردوی روسیه هستند از جنگیدن بااطریشها استنکاف مینمایند

روز نامه نویه وره میا اعتراف میکند که خطوط جنگی ورشورا آلمانها درهم شکافته اند

کذا اعانه برای جهاد

مسلمانهای چین به مجرد شنیدن اعلان جهاد پانزده ملیون غروش اعانه برای جهاد تدارك نموده اند هیجان فوق العاده درمسلمانان چین بنابر حکم جهاد تولید شده است

ترجمهای اخبارهای اردو که عبدالهادی ترجمه کرده

(حرب در بحر)

(کارهای خارقه نمای تحت البحرهای جرمنی)

(این خبرها از منابع متحدین اشاعت یافته)

لندن : ١٤ جمادی الاول

رجهاز « کرادن آف کیستل » انگلیسی قریب جزیرهٔ سیلی تارپیدو انداخته شده است . عمله آنرا یک جهاز فرانسوی از کشتی‌ها رهانده است

---

١٥ جمادی الاول

رجهاز « اپرر » فرانسوی قریب بیچی‌هید بی‌اطلاع تارپیدو انداخته شد که در ٥ دقیقه غرق و ٤٢ نفر از عملهٔ آن پس از دست وپازدن یکنیم ساعت در آب رهائی یافتند ، ١٩٠ نفر غرق شده‌اند و ٢ نعش‌ها یافته شده‌اند

کذا

رجهاز سیون سیز (١١٩٤ خرواره) انگلیسی که از لندن به لورپول میرفت ، قریب بیچی هید تارپیدو انداخته شده در ٣ دقیقه غرق ویک کشتی تباه کن ٧ نفر از عمله آنرا رهائی داده و ١١ نفر آن غرق شد

کذا

یک تار از لزبن (پایتخت پرتگال) خبر میدهد که تحت البحر (٢٨٢) جرمنی یک جهاز انگلیزی را در ٩٠ میل بطرف جنوب راس فنستر غرق کرد ، یک جهاز برطانوی ٣٦ آدم آنرا بلزبن رسانید

کذا امستردم

یک کشتی تحت البحر جرمنی یک جهاز ناروی در بحیرهٔ شمال تارپیدو انداخته غرق نمود ، ١١ نفر عملهٔ آن در « دهلت آف هالند » آورده شده اند

کذا

فلاپاکم جهاز دالاامریکائی را یک تحت البحر جرمنی به تارپیدو غرق ساخته است ١١٢ نفر مع کپتان آن تلف شده ١٣٧ نفر محفوظ شدند . افسر اعلای جهاز بعد از دونیم ساعت دست وپازدن در آب رهائی یافته است

---

١٦ جمادی الاول

کشتی تحت البحر « یو ١٠ » جرمنی امروز ٢ جهاز ماهی گیر (جین) و (کلوکسیا) نام انگلیزی را قریب شیتلند غرق وعمله آنرا بر جهاز ماهی گیر دیگر سوار نمود ، بعد از آن یک جهاز دیگر ماهی گیر (نیل) نامرا غرق نموده عمله آن در کشتی نشسته برامدند

---

١٧ جمادی الاول

جهاز ولندیزی شیلد در بحیرهٔ شمال غرق شده است ، از عملهٔ آن ٦ زخمی ویک مقتول وباقی ملاحان به بندر (هل) رفتند

پاریس ١٨ جمادی الاول

ریک کشتی « زارا » (نیو فوندلند) نام نزدیک هاور تارپیدو انداخته شده کارکنان آن بسلامت خلاص شدند . کشتی غرق شد .

لندن ١٩ جمادی الاول

ویک جهاز انگلیزی موسوم به « ستی آف برلن » قریب (لیندزاپند) تارپیدو رسیده غرق شد ، از عمله آن ٤ نفر غرق و ١٣ محفوظ ماندند وبمقام پترلس آنهارا فرود اوردند

کذا

یک جهاز امریکائی « گرین برایر » نام در بحیرهٔ شمال با کدام چیزی مصادمه کرده تکه تکه شده است وعمله آن در صوبهٔ شیلسوک بساحل فرود آمده اند

کذا

رجهاز خورد کلا سگو « اولیوائن » نام وجهاز « هرمیز » روسی تارپیدو وار شده کشتی‌ها غرق ولی عملهٔ آن محفوظ ماندند

---

٢٠ جمادی الاول

جهاز دالکولندزی « پرنس مارتس » قریب راس هاتوس غرق شد از جملهٔ عملهٔ ٤٩ ملاح و ٤ مسافر غرق شدند

---

١٩ جمادی الاول

اطلاع رسمی پتروگراد (پایتخت روس) اظهار کرده است که کشتی‌های ساز قاصهٔ دراز کورین ورسبلار قریب ساحل کریما مصروف بیکار ساخت وناوقت تاریکی تعاقب آنها می کرد بوقت شب باز کشتی‌های تباه کن ما بفاصله ١٠٠ میل دورتر از نای فورس با آنها دو چار شدند مگر آنها سخت گلوله باری کرده سلامت بیرون شدند

کذا

یک تار روما مظهر است که جرمنی‌ها یکدسته جهازات هوائی برای عثمانیان داده اند و آنها الحال برای بالایی ونگرانی متجسسانه در دانیال و باسفورس مقرر شده است

---

٢٠ جمادی الاول

یک تار امستردم مظهر است که (فیلا مارش وان در گولتز) یا تارسیده است وازانجا پس به استانبول میرود

کذا

دو افسر جرمنی که در مقام « دینگ شایر » [بطرف جنوب مغرب انگلیند] با دیگر قیدیها زیر حراست بودند از انجا گریخته اند ، یکی از آنها هوا باز بود ، برای گرفتاری آنها انعام مشتهر شده است

کذا

اخبار تیلگراف ولندیزی خبر داده است که دو عدد کشتی‌های تحت البحر جرمنی در حینیکه به بحیرهٔ شمال میرفتند از دریای شیلت گذشته اند

کذا

رجهاز (ارنهولند) که از طرف تارپیدووار شده برای سوار شدن عمله بر کشتی‌ها مهلت ٥ دقیقه داده شد و آنها بیک جهاز بلجیمی در بندر که ویل رسیده اند

(اخبار زمیندار از دیلی اکسپرس انگریزی ترجمه نموده است « هنوز دهلی دور است »

گوله باری ردر دانیال دلچسب ترین پهلوهای حرب حاضر است عموم از پیشقدمی وپسپائی های افواج (بهادر) روسی وفرانس

از جنگ دراز خندق ، فلیندرز ، که در موسم زمستان میشد مانده شده عنان توجه خود را بطرف چنان عرصهٔ کارزار منعطف نموده اند که از غرایب و عجایب از بعض مملواست ، آغاز کار به بسیار طریق مستحسن شده است و حلفا (روس ، فرانس ، انگلیز) را قربانی کم فوائد بسیار حاصل شده است ، اما وقت غلغله و آواز بلند کردن تحسین و آفرین هنوز دور است ، تا حال در دردانیال بزور داخل شدن ممکن نیست و اغلب گمان آنست که برای فتح استانبول عرصهٔ چند هفته بکار است و آنهم بشرطیکه در هر کار افواج حلفا کامیاب شده بروند .

بدبختانه طبایع مردم این ملک است چنان که قبل از حصول فتوحات آوازه می اندازند ، و فتوحات قلیل بی اهمیت را با اغراق و مبالغه بیان میکنند از ۱۵ نومبر در کارزار مغربی افواج متحدین افواج جرمنی را از پیشقدمی منع کرده توانسته اند و در کارزار مشرق روسها دشمن را آنقدر نقصان رسانده اند که بخود ایشان رسیده است ، این امرها البته مهم است ولی هنوز بسیار کارهای دشوار باقی است .

بر سطح بحرها تجارت جرمنی را و کروزرهای اورا فنا و برباد داده ایم ، اما کشتیهای تحت البحر جرمن تا حال به تجارت ما نقصان رسانده میروند ، آری مقابله ها کرده اما اهالی برطانیه باید بدانند که نتیجه و خاتمه معلوم نیست ، فتح و ظفر آخرین هنوز دیده نمیشود و تا آنوقت حاصل نمیشود که قوم انگلیز تمام قوت و وسائل خود را بکار نبرد

ملاحان که بر قلعه های ترکی گولباری میکنند خوب میدانند که آنها تجربه مرسمه و دیوار های قسطنطنیه بسیار دور هستند ما یقین داریم که ملاحان زد و خورد کرده در دردانیال بزور بسی داخل خواهند شد و با وجود بسیار شوق و افتخار متوقع شنیدن خبر های پیش رفتن آنها هستیم ، اما انجام آنقدر دور است که تا حال دیده هم نمیشود

حمله بر ترکیت ترکها سخن کم اهمیت نیست ، تسخیر قسطنطنیه و اخراج ترکان از یوروپ بر مشرق ادنا بسیار تاثیرات اخلاق خواهند انداخت و اغلب است که تا کسی ترکها مات هزیمت آستروی ها میشود ، ما بسیار مواقع موافق را زود دو طی می کنیم زیرا اگر واقعات همچنان واقع هم شوند سلطنت المانیه باز هم باقی میماند ، و تباه کردن آن لازم خواهد شد این عادت جرمنی نهایت لایق تعریف است که مردانه وار بر خود اعتماد می کند ، سپاه جرمنها و مدبرین آنها گاهی به ترک و آستریا امید های لغو ندارد آنها همیشه سر رشتی حقارت آمیز آستریا می کنند و از ترک آنها هیچ امید ندارند مگر که در رعایای مسلمانان حریف های شان فساد پیدا کرده بتواند .

اگر جهازات متحده فرانس و انگلیس غرض محال بر استانبول قابض شوند و روسها در دردانیت داخل گردند و ایطالویان بروانیا تصرف کنند آنوقت هم اصل مقصد جنگ حاصل نخواهد شد ، بلا امتناعات بر استقلال افواج قیصر را خوب دانسته ایم ، علاوه بر آن مسلم است که قیصر هنوز یک هشت شخص زیر علم حرب جمع کرده می تواند ، خاتمه جنگ نزدیک نیست و نابود شدن افواج جرمنی منحصر آست و این وان امکان ندارد مگر بر بسیار مستعدی انگلستان .

آخرین خبرها

جنگ برای تسخیر بندر کیلی

از ترجمهٔ اخبار های انگریزی

شنبه ۲۷ ماه اپریل — ۱۲ جمادی الثانی —

یک تلگراف وزیر هند بنام وایسرای هند مظهر است که چنان معلوم میشود که تجویز اصل جرمن که در ایام زمستان معطل شده بود از بعض آمدهاست و افواج جرمن باز جدوجهد برای گرفتن بندر کیلی آغاز نموده اند و آنها در عبور نهر یسر و گرفتن دو لرزان (که در کنار غربی نهر مذکور واقع است) کامیاب شده اند .

کرگدن های جرمن

اخبار کیپ تاون (از افریقهٔ جنوبی) رقم طراز است که در جنگ گذشته در افریقه مشرق یک کپنی سپاه جیش انگریزی در موترها سوار بود وقت شب (برای علیحده کردن یک حصه فوج جرمن از باقیان) میرفت — که ناگاه یک کرگدن بر آنها حمله نمود و یک موتر را چپه کرد و باز واپس آمده یک موتر دیگر را بالکل خراب ساخت و چهار نفر کشته شدند و بالآخر نجات از آنرا مشکل گشتند . لیکن قبل از کشته شدن یک موتر دیگر را نیز تباه کرد

غاز مهلک جرمنها

بیانات طریق پیدا کردن غاز مذکور مختلف است بعضی می گویند که چند نفر در لباس غواص های بحری نلهای زاری را که با آله غاز پیوسته میباشند از رو سنگر و خندقهای فرانسوی میبرند و بعضی می گویند که اول یک مایع را بر خندقهای مذکور میپاشند و بعد از آن مایع مذکور را آتش میدهند و غاز مذکور از سوختن آن مایع پیدا می شود —

لندن ۲۳ ماه اپریل — یک جهاز بزرگ ، سینت لارنس ، نام انگلیزی را کشتی تحت البحر جرمنی غرق نموده اکثر کشتی نشینانش غرقاب گردید .

لندن ۲٤ — تیاری های بسیار فوق العاده واهمیتی جرمنها دیده اند و یک قوای عسکریهٔ عظیمی جمع کرده از راه بروسلز بطرف کیلی میبرند .

پاریس ۲۸ اپریل : — سبب شکست یافتن عساکر فرانس در مقابل عساکر جرمن که دیروز و پریروز بوقوع آمده است از این بود که جرمن بر خلاف معاهده هلک یک غاز زهرناک خفه کننده مهلک را بر خندقهای فرانس پیشاند که طاقت آن محال می نمود .

لندن ۳۰ اپریل — نعشهای لشکرهای کنداهای انگلیزی که در میدان جنگ دیروزه معاینه شد معلوم گردید که زخم سلاح بر آنها نبود ، و همه از غاز مهلکی که جرمنها آنرا بر خلاف معاهدات حقوق دول استعمال کرده بودند خفه شده مرده بودند .

فرانس شمالی ۲۶ اپریل — از چند روز بود که جرمنها انتظار فرصت داشتند بعد از آن افواج متحده دیدند که یک ابر غلیظ بخارات سیاه بطرف آنها در آمده است ، از این واقعه حیران مانده بودند که دفعةً جرمنها از این سراسیمگی متحدین استفاده کرده بمدد توپخانه حملهٔ شدید آورده متحدین را پریشان ساختند و حمله آوران یک قسم نقاب پوشیده از تاثیر غاز محفوظ بودند .

در چاپ خانهٔ حروف دارالسلطنهٔ کابل طبع گردید

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر و سر محرر تحریر یافته

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1185 of 1786

شرایط خریداری

دار السلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالانه	چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

هرجائیکه باشد با اجرت پوست

قیمت سالانه	ده روپیه انگلیزی	قیمت ششماهه	شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراک قبول نمیشود

یک طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

زمرهٔ کار داران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود: اگر از یک جا بدیگر جا روند و باشند میباید که بیک رقعه مدیر وسر محرر را خبر بدهند که من در فلان جا بودم وحال در فلان جا میروم اخبار مرا در انجا بفرستید . هرگاه همچنین یک رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، ویا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا به پنج بار نشر وشایع شود برسر هر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا به پنج بار فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطر یک ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تا یک سال نشر کردن خواهد ووجه یک ساله را پیشکی ادا نماید در ورق پشتی بر هر سطری سنار اجرت گرفته میشود

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا

یاد آوری میکنیم

هرقدرسعی و کوشش کردیم که از شکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خودرهائی یابیم ممکن نشد لهذا با کتابخانهٔ مرکزی دار السلطنهٔ کابل یك مقاوله نموده دا کتابخانه مشار الیه تقسیم وتوزیع اخبار مارا که بهمه مشترکین کرام ما رساند درعهدهٔ حیت خود قبول نمود . مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را تبشیر ویاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبارهای شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای دا کتابخانه بخود شان میرسد .

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعه آثار ادبیه را مژده ! ازین ثمرهٔ نوبسر رسیدهٔ گلزار « مطبعهٔ عنایت » کام جانرا شیرین نمائید ! « جزیرهٔ پنهان » یك ناولیست که قوت علم ومعرفت وسعی وغیرت را برای اساس زندگانی نوع بشر بنظرآیت وجلوه گرمیسازد . هم حکایت ، هم عبرت هم فن ، هم فضیلت ! خوبی چاپ ، خوبی کاغذ ، خوبی تصویرش علاوه . قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان ! تنها (۶) شش روپیه محل فروخت نفس مطبعهٔ عنایت در ده افغانان ، دکان باز محمد در بازار ارك ، دکان غلام محمد متصل در مدرسهٔ شاهی .

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد

کتاب سال دوم . . . مصور مجلد

کتاب سال سوم . . . مصور مجلد

عز و اسلامیت

آیا چه باید کرد ؟

ادب درفن

توحید

این کتابهای فوق دراداره موجوداست . هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد بهاداره مراجعت کند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

سیاحت بدورادور زمین بهشتاد روز مجلد

سیاحت درجو هوا مجلد

سیاحت درزیر بحر مصور مجلد

ازهردمن سخنی وازهرچمن سمنی مجلد

روضهٔ حکم مجلد

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوق را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان از نزد عبد الرؤف سرمرتب واز دکان باز محمد کتابفروش در بازار ارك واز دکان غلام محمد کتاب فروش متصل مدرسه شاهی بقیمتهای معینی که درپشت هرکتاب نوشته است خریداری کرده میتوانند .

واگر ازخارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوق را بکنند بمدیر سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند.

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

شمارهٔ ۱۹ سال چهارم

فهرست مندرجات

معارف پروریهای اعلیحضرت همایون (

مراسم — افتتاح مکاتب ابتدائیه (

حوادث داخلیه	عریضهٔ شکریه رعایای طائفهٔ هنود دولت علیه خداداد افغانستان — ازدفتر ایشیک آقاسی ملکی مرقومهٔ واقعه نگار قندهار — مرقومه فتح‌الله خان حاکم پشت رود — نگاشته عبدالرسول خان حاکم‌بوبه قره — نوشته پیرمحمد خان حاکم قریه کشنده علاقه مزار — مرقومه حاکم بهسود درخصوص ابیات نظم سیدهاشم ساکن بهسود —

مسلمانان یکدیگر خودرا دوست بدارید — (

حوادث خارجیه	نقل از اخبارات ایران — از جراید فرانسه — جنگ قفقاز وتلفات روس — نقل از جریدهٔ امریکا — نقل از اخبار زهور — شهاب ثاقب — اخبار زهور انهزام ازجنگ داوطلبان — راجع بکانال — جنگ در جوار اولقی — بیان سفیر ژاپن — احساسات مصریان — سنوسیها ومصر اعتقاد یکدوادعان بتوحید — تناسخ یک کشتی — تبریکات مارشال هین‌تبورك — ادبیات نقل از اخبار رعد — ترجمهٔ اخبارات اردو — تحت‌البحریه — آخرترین خبرها — محاصره خرتوم —
تصاویر	یک منظرهٔ ازمراسم احتفال تشکیل انجمن معارف در دایرهٔ شهزاده جوان بخت حضرت معین السلطنه صاحب — کذا منظرهٔ مراسم موصوف — یک منظرهٔ شاهراه لطافت آشیانه در پغمان کابل منظرهٔ خرابیهای سیلاب در پغمان کابل — کذا منظرهای خرابیها پغمان — اقتباس ازرسالهٔ فی ادبی (العصر) — عجائب خلقت یک‌زن ریش‌دار بروت دار — کذا — ادنی ریش‌دار عمهٔ پسر وتوانه اش —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1188 of 1786

اعلان

از منابع پرورشهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه رعیتخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جرنیل کارخانه جات ، ماشین خانهٔ مبارکه دارالسلطنه کابل علاوه برایفای حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه واوبتو رمه های عساکرشاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخل که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که ازحضور اعلیحضرت همایون حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ، ذیل (دکان عبدالله خان دربازار ارگ) میباشد .

(١) سرجهای پشمینه باف برنگهای مختلف که قیمت آن ازقرار گزانگلیزی ٣ فوته مشخص شده ودرصندوقخانهٔ جنسی هم بفروش میرسد

اقسام	قسم اول					قسم دوم					
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم وقدری کلفت قیمت آن ١٠ پیسه زیاده شده	
رقم	تاحال ساخته نشده	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت		٧ روپیه ٥ پیسه	٦ روپیه ١١ پیسه	٦ روپیه ٤٢ پیسه	٥ روپیه ٤٨ پیسه	٦ روپیه	٥ روپیه ١٨ پیسه	٦ روپیه	٥ روپیه ١٠ پیسه	٦ روپیه ١٠ پیسه	٥ روپیه ٢٥ پیسه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گزانگلیزی کشمیره چهارخانه ٧ روپیه ٣٥ پیسه | کشمیره رهدار مردم ٧ روپیه بیست پیسه

(٢)	جراب ها			«٣» تکمه‌های جرمی محراب ومنبردار		
رقم	تکباتکه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج	کلان قدرجن	میانه قدرجن	خورد قدرجن
قیمت	١ روپیه ٥٢ پیسه	٤٥ پیسه	٣٦ پیسه	١ روپیه ٤٠ پیسه	١ روپیه ١٠ پیسه	٥٥ پیسه

(٤) کروره های جدید ساخت

رقم	زه‌باف باطانه دوتره دوتاره	زه باف یک اسپه دو کره سه تاره	جرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ چار تارهٔ تختی
قیمت	٨ روپیه و٣٣ پیسه	٩ روپیه و ٢٤ پیسه	٨ روپیه و ٤٢ پیسه	٦ روپیه و ١١ پیسه
رقم	جرم باف دسته بادامی دو اسپه	جرم باف دسته دولایه یک اسپ	دسته دولایهٔ یکی جار اسپ	جرم باف هرکاری
قیمت	٤ روپیه و٤٨ پیسه	٤ روپیه و٤٦ پیسه	٨ روپیه و ٢٣ پیسه	٤ روپیه و ٤٣ پیسه
رقم	قبضه برنجی کلیت نقره توبخانه	قبضه کلیت نقره از جرم سه لایه توبخانه	زه باف رقم سواری سادی کلیت	زه باف دو تارهٔ رکابی
قیمت	٣ روپیه و٥٥ پیسه	٤ روپیه و٥٧ پیسه	٥ روپیه و ٩ پیسه	٥ روپیه و ٥٤ پیسه
رقم	رکابی ازغ	جرم باف میانه چوب یت زنانه	از زین سواری تیغ جرمی	زنانهٔ ابریشمی خیاطهٔ
قیمت	٤ روپیه و٤٥ پیسه	٥ روپیه و٨ پیسه	٤ روپیه و ٥٨ پیسه	٥ روپیه و ٨ پیسه
رقم	دسته بادامی تیغ جرمی	دستهٔ دولایه سادی برنجی کلیت نقره	از زین سواری دولایه تیغ جرمی کجک دار	جرم باف مابین یت یک اسپ
قیمت	٤ روپیه و٤٩ پیسه	٤ روپیه و٤٥ پیسه	٤ روپیه و ٥٩ پیسه	٨ روپیه و ١٢ پیسه

«٥» اقسام گلهای مصنوعی سر

قسم	گل جرین	گل نافرمان	گل ربینه	گل شبو
قیمت	٥ ریه و ٣٦ پیسه	٦ روپیه و ٦ پیسه	٦ روپیه و ٧ پیسه	٦ روپیه و ٣ پیسه
قسم	شگوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل نسترن	جنبیل
قیمت	٧ ریه و ٤٥ پیسه	٦ روپیه و ٥٨ پیسه	٥ روپیه ٣٨ پیسه	٦ روپیه و ٨ پیسه
قسم	شگوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	٦ روپیه و ٣٥ پیسه	٧ روپیه و ١٢ پیسه	٦ روپیه و ٥٤ پیسه	٦ روپیه و ٥٤ پیسه

«المشتهر»

(میرمحمد هاشم دفتری کار خانه جات)

(کمیدان نظامی)

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
با مصارف ڈاک ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مصارف ڈاک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یکعباسی است
(اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود)

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

اداره خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ ۱۵ رجب ۱۳۳۳ تاریخ انگریزی ۳۰ می تاریخ شمسی ۹ جوزا ۱۲۹۴

« معارف پروریهای ذات اعلیحضرت همایونی »

ازجملهٔ مرحمتها وداد گستریهای که ذات مکارم صفات پادشاه باعدالت ودین ما اعلیحضرت « سراج الملة والدین » حفظ الله دولته من شر اعداء الدین ، در حق ملک وملت شاهانهٔ شان ابراز فرموده اند اعظم واحسن آن نشر « معارف » است . معارف جمع « معرفت » ومعرفت ، شناسایی ، دانایی ، باخبری ، عارف شدن و کمال را گویند . پادشاه مقدس مهربان ما برای ترقی صنایع وآلات حربیهٔ دافعه وبسیاری از اسباب دفع احتیاجات ملک وملت شاهانه یعنی فابریکها وماشینها ایجاد و بنیاد فرمودند که از انجمله بنیاد فرمودن « فابریک های انسان سازی » است !

آری ، آری ! « مکتب » « معارف » « ماشینخانهٔ عظیم انسان سازی » شمرده میشود ، مکتبهای متنوع مختلف صرف ، یک دستگاه آن ماشینخانه است که نوع نوع انسانهای کارآمد هنرکار را بوجود می آورد . چنانچه اشیا ومواد خام نساخته آهن ، چرم ، پشم وغیره را به فابریکها وماشینخانه‌ها آورده ازآن ها باشکال مختلف اشیای کارآمدنی وخوارات حیاتی مصنوعی وآلات ، الات ، وغیره ساخته میشود ، اولادهای وطن را نیز مانند هم اشیا و مواد خامیست که درین کارخانهٔ آدم سازی یعنی مکتبها — داخل شده انسانهای کامل دانای باعقل ودانش میبرآیند که برای هرکار وهر یک وهرفن مستعد وقابل میشوند .

درین هم هیچ شبهه نیست که اگر این کرهٔ زمین متحرک را یک «موجود» فرض کنیم ، روح فعال کار کنندهٔ آنرا عبارت از «انسان» هم خواهیم یافت ؛ زیرا غیر از حرکت ودور طبیعی محوری که زمین دارد ، دیگر هرقدر حرکت وحیاتی که بر سطح آن دیده میشود همه گی از آثار فعالیت انسان است !

آیا در بادیه‌ها وصحراها وکهسارها وبیشه زارهای خالی از انسان یک حیات وزندگانی دیده میشود ؟ آیا زمینهای خالی از آدمی زاد مانند یک جسد بیجانی بنظر نمی آید ؟ البته که درین خصوص (نی) گفته نمیتوانیم ! اما بعکس آن درشهرها وقصبه‌های انسان نشین حرکت های گوناگون ، وهایهوی های بوقلمون که یگانه علایم حیات است دیده وشنیده میشود ! باز هم این حرکت وصدا در آنقسم زمینهاییکه انسانهای آن پخته شده باشد — یعنی ازماشینهای انسان سازی برآمده باشد — نسبت به آنقسم زمینهایی که انسانهای آن خام باشد — یعنی از کارخانه‌های آدم باقی برآمده باشند — خیلی کم ونقصان ، بلکه مانند یک بیمار نیمجانی مشاهده میگردد !

پس ازین سبب است که ذات اعلیحضرت پادشاه مهربان محبوب القلوب ما زنده گی ، تازه گی ، درخشنده گی ، راحت ، سعادت فعالیت ملک وملت متبوعهٔ شان را دایما آرزو فرموده ومیفرمایند که توجهات جهاندارانه وهمت مکارم غایتهای حالیه را بسوی ماشینخانهٔ عظیمهٔ انسان سازی — یعنی امور ومعارف — مصروف میفرمایند ! حتی ازکمال توجه خاص که درین خصوص دارند ، نظارت ادارهٔ این ماشینخانهٔ معظمه یعنی « معارف » را زیر نظارت فرزند ارجمند ارشد شاهانهٔ شان شهزادهٔ جوانبخت معظم حضرت (سردار عنایت الله خان معین السلطنه) صاحب افخم محول فرموده اند .

حضرت شهزادهٔ معظم مشار الیه که فطرتا بلند ذکاوت وهو شمندی

ودرایت و عرفان پسندی از جبین تابناك اصالت ونجابت ادراك عالی شان هویدا است برمطابق رضای معالی ارتضای والد ماجد کثیر المحامد خویش تطبیق حرکت فرموده درظرف این دوسالی که برین عهدهٔ جلیله مأمور فرموده شده اند — باوجودیکه بسیاری ازدیگر امورات دولت را نیز اجرا میفرمایند — بازهم لحظهٔ از تشبثات نافعه ، واقدامات مهمهٔ این امر جلیل الشان غفلت وچشمپوشی نورزیده اند ، « مجلس معارف » را که اعضای شان از مردمان فاضل ودانشمندی مرکب است درزیر نظارت عالی خود شان تشکیل دادند ، وعلی الاکثر درهرانعقاد مجلس بنفس نفیس خود درمجلس حاضر شدند ، سررشته ها ، ونظامنامه ها وپروگرامهای بسیار نافع ومفیدی وضع و ترتیب فرمودند ، معلمان بسیار فاضل وکامل باعلم وتهذیبی از ممالك بعیده طلب نمودند ، ودایما به نطقها وبیانات مؤثرهٔ بلیغه ، وتشبثات واقدامات جدیه دروظیفهٔ محولهٔ خود شان کوشش ورزیدند که الحق این سعیها وغیرتهای عرفان پرورانهٔ خیرخواهانهٔ این شهزاده معظم جوانبخت شایان هزاران تمجید ومفخرت دیده میشود .

اما ازیك نکتهٔ که درخصوص فکر ناقصانهٔ ما رسیده است خود داری نتوانسته عرض میکنیم که عایدات ومداخلاتی که برای امور معارف از خزانهٔ دولت مقرر شده است ، نسبت به احتیاجات فوق العادهٔ که مملکت به علم وعرفان دارد ، خیلی کم است ، وازین است که معارف بصورت عمومی درهرطرف ممالك محروسهٔ الممالك افغانستان تعمیم نیافته است ، حتی درنفس پایتخت سلطنت سنیه نیز بناها وعمارتهای بسیار عالیٔ که لایق وسزاوار شان وشرف مکاتب باشد هنوز وجود پذیر نگردیده است ، دیگر اینکه مطبعه — یعنی چاپخانه — ومطبوعات — یعنی چاپ شدنهای سرکاری نیز در زیر نظارت وادارهٔ معارف نمیباشد که اینهم بشمولیت عامی که نظارت جلیلهٔ معارف دارد موافق دیده نمیشود حالانکه مطبعه ومطبوعات درهمه جاها مربوط است به نظارت معارف تعلق داشته میباشد ، وواردات ومداخلاتی که ازاینهم حاصل آید ازجملهٔ عایدات معارف شمرده میشود ، حتی یتیمخانه که ازجملهٔ مکتب ها شمرده میشود آنهم از خود جداگانه یك جزیست که به نظارت معارف شامل نیست .

باقیماند یك رجا واستدعای خصوصی ما ازنظارت جلیلهٔ معارف که آنهم این است : — درمکتبهایی که سرازنو تأسیس مییابد ، یاقبل ازین تأسیس شده است ، اساس تحصیل اولادوطن برپابندی دین ، صداقت دولت ، محبت مفرطهٔ وطن ، حفظ شرافت ملی وعداوت شدید بدشمنان استقلال وحاکمیت و آزادی وطن بنیاد یابد ، واین حسیات عالی مانند پیچ کاری بدماغهای اولادهای وطن تلقیح شود که انشاء الله حضرت شهزادهٔ عرفان وسادهٔ معظم ما این نکات معروضهٔ صادقانهٔ مارا بار بار بهتر وخوبتر ازما اندیشیده و در معرض اجراهم آورده باشند .

بدربار که ایزد علیم حکیم توانا جل وعلا چنین عجز ونیاز میسازیم وافزونی عمر واقبال وشوکت واجلال اعلیحضرت پادشاه بلند خیال ترقی آمال مقدس خود ما را نیاز واسترحام میکنیم ، ونیز توفیقات صمدانی را درباره حضرت شهزادهٔ معظم عرفانشیم خود مان دعا مینمائیم که بحسن توجه عالی شان معارف که حیات وطن وملت برآن موقوف است یك ترقی نمایانی ابراز کند .

§

دیروز چون شنیدیم که مراسم افتتاح ، مکاتب ابتدائیه ، در مدرسهٔ مبارکهٔ شاهی اجرا میشود محرر ادارهٔ عاجزانه ارجمندی (عبدالهادی) خانرا فرستاده بودیم که کیفیت مراسم مذکور را مشاهده نموده برای درج شدن اخبار درقید تحریر آرد ، این است که لایحهٔ تحریری موصی الیه را از قرار ذیل درج صحایف افتخار میداریم :

مراسم

(افتتاح مکاتب ابتدائیه)

ساعت ۷ بجه را نشان میداد که داخل دائرهٔ داخل مدرسهٔ شاهی (که دارالمعلمین هم درآنجا است) گردیدم .

امروز روز سه شنبه ۱۲ شهر جمادی الثانی است که روز افتتاح مکاتب ابتدائیهٔ جدید از طرف نظارت جلیله معارف حضرت شهزادهٔ معظم معین السلطنه صاحب افخم مقرر گردیده است .

[مکاتب ابتدائیه محصول مجوزات انجمن معارف است که در نقاط متناسبهٔ شهر شهر تجویز شده اند ، این مکاتب در اصل دوازده مکتب می باشند ، ولی مردست پنج مکتب تأسیس شده است ، به سررشته داری این مکاتب جناب مولوی عبدالرب خان مامور شده است که سررشته دار دارالمعلمین ونیکذات شایسته صداقت است که درباب ترقی معارف درملت خود خیال مخصوص ممتازی دارند ، نیز تقرر شان از طرف دولت متبوعهٔ مقدس ما برهان واضح لیاقت ، ودرو شتحالی شان بنظر میآید]

سررشته دار صاحب مذکور (درحینیکه رفتم) باشتغالات تشریف فرمائی حضرت عالی معین السلطنه صاحب افخم مشغول بودند .

ساعت ۸ و ۱۵ دقیقه آمدن طلباو معلمین و همهٔ مکاتب ابتدائیه از جاهای معینهٔ شان یکان یکان آغاز نهاد ، که همهٔ اینها با انتظام بسیار درست (باوجود ابتدائیت شان) آمده پس از ادای مراسم سلامی برای حاضری دادن میاستادند .

میرزای حاضری نام یکان یکان آنرا با آواز بلند گفته وآنها کلمهٔ (حاضر صاحب) را با آداب درست ادا میکردند شاگردان این مکاتب یکی دربی دیگری میآمدند که نامهای مکاتب شان از نوشته قطعه یکه در دست طالب العلم نخستین آنها میبود معلوم می شد تاساعت (۹) هر پنج مکاتب ابتدائیه [که استقبال وطن وابسته سعی ایشان وامثال ایشان است] حاضر شدند

دراینوقت بعضی حضرات ملایان هم آمدند ، انتظام فرشیه

انعام پذیرفته بکجای بلندی برای نظارت جلسهٔ معارف ساختند، بعضی تحریرات وعرایض را که عبارت از کار امروزه است هم ومیز گذاشتند

ساعت ۱۰ بجه و ۲۰ دقیقه را نشان میداد که اوضاع جمعیت منتظر تشریف معین السلطنه صاحب را اعلان نمود منهم بمعیت دیگران فی الحال بشرف استقبال شان مشرف شدم که حضرت افخمی بسواری موتر تشریف آورده بودند وبمعیت شان جناب ایشیك آقاسی صاحب حضور وشان که مفتش عمومی مکاتب است ومنشی انجمن معارف حاضر بودند

چون بدایرهٔ دومین داخل مدرسه شدم (که طلبه ومعلمین شان به ترتیب مناسب منتظر ایستاده بودند) تشریف آوردند ازطرف همگی یك سلام صمیمانهٔ خلوصیت کارانه به (بولی) یك مأمور (ورزش) که افغان است ادا وازطرف حضرت عالی بردِ آن سرافراز شدند

حضرت عالی برجای مخصوص شان نشسته ملای حضور همایونی جناب (مولوی عبدالرؤف خان) وسر رشته دار مکاتب ابتدائیه وسررشته دار مدرسه حبیبیه ودیگر نظری وعموم شاگردان ومعلمان وغیره را که پیشروی شان درصف احترام بودند باحوال پرسی مفتخر فرمود وازطرف آنها یك دولهٔ شوقا آورانه مراسم افتخار بجا آورده شد

(خطاب بعموم)

حضرت عالی افخمی پیش میز ایستاده از اجراآت وابتری طرز تعلیم سابقه سخن رانده فرمودند : « اصول تعلیمی سابق در وطن عزیزما افغانستان جاری بود ، آشکار است که طرز خراب واصول لا یعنی داشت که کسی منکر آن نیست . یك مدرس از (۱۰) (۱۲) نفر طالبعلم کتاب های مختلفه بلکه علوم غیرمؤتلفه سبق می داد ، وقت ضایع ، حواس پریشان ، می شد وفایده هم هیچ نمی شد ازیك علم یادو علم بسبب شرحها وحاشیه ها وحاشیهٔ حاشیه ها ده دوازده سال درس میگفت .

من خود قریب ۱۸ سال اول سبق را نزد استاد از سر تا آخر خوانده ام که بازهم نمی فهمیدم ، ازین طرز غلط واصول دیگر که رسم عمل بود که افغانستان هیچ ثمرهٔ ندیده بلکه ضرر یافت ، بسیار وقتها درچنین درسها گذشتانده که آن وقتها را وقت خواب بگوئیم یعنی ایشان بخواب بودند لهذا قبلهٔ اعظم اقدس اعلیحضرت پادشاه بیدار ترقیخواه ، بعد از بسیار مقدس آنکه ما ازین خواب عمومی رانیده بتحریك وتأسیس مکاتب طرز جدیده مفیده فیض بار صبح سعادت وبیداری رملت خود شدند .

ماهیچ گونه زبان تشکرات نداریم که سزاوار ولایق این نعمت بسیار عالی و مفید اعلیحضرت همایونی شان باشد این طرز تعلیم بسیار مفید وبکم مدت حاصل می شود ، نه که عمر را در نحو صرف می کنند آخر هیچ خبر ندانسته میباشد

(از مبتدا مپرس که نبود خبر مرا)

و ازینرو مابه پیروی بادار اقدس افخم اعظم خود افتخار کرده و دردرستی مکاتب سابقه کوشیدیم چنانچه طرز تعلیم سابقه را از اولاد وطن خود بلکلی منع کرده مکاتب آنها را جداگانه واستادان وسررشته وانتظام درست نمودیم همچنین که دردرستی طرز سابق تغییر کردیم درجاهای سابقه شان که مساجد معبود برحق بود ولی بسبب اطفال وملا مکتب شده بود تبدیل نموده ، مسجد را از خراب کردن محفوظ داشتیم » .

پس ازآن مأمورین مکاتب ابتدائیه را مخاطب فرموده درباب تربیت واخلاق طلبا تاکیدا کیدی کرده ، معلمین شانرا از اخلاق سیئهٔ طلبا اگرچه بیرون مکتب باشد مسئول قرار دادند .

واز حاضری اطفال بحث فرموده سعی بسیاری درباب حاضر شدن شان امر کردند و احوال حاضری شانرا کمتر یافته واشتدا بودن آنرا بیان کرده برای آینده سعی برحاضری را بشدت امر فرمودند (درینجا خطاب بسر رشته دار بود)

(عرایض)

بعد ازین بعضی عرایض تقدیم وبعضی اموراجرا پذیرشد که بعضی از آنهارا ازقرار ذیل مینویسیم :

(۱) یکدسته ملایان عرض نمودند که قبل ازین طلبای این مکاتب ما که ابتدائیه پیش ماملاها درمساجد سبق میخواندند ، والحال چون آنهادر مکاتب ابتدائیه داخل شده اند ما کار غیرتعلیم دیگر هیچ کاری کرده نمی توانیم بیکار وبی تنخواه مانده ایم زیاده اختیار ازحضرت من له الامر است

درین بین سررشته دار مکاتب ابتدائیه عرض کرد که چون اطفال قابل تعلیم در دارالسلطنهٔ کابل بسیار زیاده میباشند واین دوازده مکاتب ما که هنوز پنج مکتب آن تأسیس شده است بهیچگونه گنجایش ندارد ، لهذا باین شرط ملایان را اجازهٔ مکاتب خصوصی خواهیم داد که

(۱) نصاب تعلیم وطرز تعلیم بقرار مکاتب دولتی باشد

(۲) مکاتب ایشان نیز مکاتب ابتدائیه دولتی باشد

(۳) هرطالب العلمی که برابر درجه از درجه های مکاتب دولتی باشد آنرا در مکاتب دولتی بفرستند ونزد خود نگاه ندارند

(٤) این مکاتب تحت نگرانی مأمور مکاتب دولتی باشد

(٥) درمسجد باید به طلبا تعلیم داده نشود ، تامسجد خراب نشود .

دریندباب حضرت افخمی به منشی مجلس معارف میرزا محمد عمر خان فرمودند که اینرا یادداشت بنویسید که درانجمن معارف در اثنای مذاکره شود .

(۲) دو یك نفر ملای که معلم مکتب خصوصی جناب مستوفی الممالك صاحب بودند پیش شده ویکدرامه عریضهٔ مستوفی صاحب هم تقدیم حضور شد ، که جناب مستطاب مستوفی الممالك صاحب یك مکتب رامعه همه لوازماتش بررقبهٔ خود گرفته اند ، از تنخواه

استادان ، وعطیهٔ طلبا ، ولوازمات دیگر وغیره ولی انتظام ونگرانی آن هم تحت نظارت معارف جلیله خواهد بود که آنرا هم روز مخصوصی افتتاح نموده خود نظارت جلیله معارف تشریف افزا خواهند بود (که احوال آنهم مفصلاً در آتی درج اخبار خواهد شد)

حضرت عالی افخمی ازین وطن دوستی وخیرخواهی جناب مستوفی الممالک سخن رانده ، فرمودند که دایماً تعقیب دیگر صاحبان مناصب دولت ما هم بایدبشتابند ترقی روزافزون مستوفی الممالک اقدام ورزیده ، بوطن مقدس خود منفعتی برسانند [جناب مستطاب مستوفی الممالک صاحب که مستشار مالی دولت متبوعه مقدسهٔ ما ویکی از افراد بسیار عاقل هوشمند میباشند فطرتاً یک شخص وطنخواه وذاتاً آنرا مرد دیانت آگاه وازاحتیاجات وطن مقدس خودباخبر میباشند ، قبل ازین هم درباب یک شفاخانهٔ عمومی ملی تشبث خیرخواهانه کرده بودند که سراج الاخبار افغانیه آنرا افتخاراً درج کرده است ، این است که دراینبار باز درباب مکتب تشبث کرده اند ، انّ الله لایضیع اجر المحسنین] . بعد ازان ذات عالی افخمی درباب سعی وکوشش وجد وجهد مفرط درپیشرفت معارف نطق موثری فرمودند که اجمالاً مضمون آن ازقرار ذیل است :

« امروز چون در احوال حاضرهٔ دنیا نظر کنیم پیشرفت وترقی همهٔ ملل عالم را نسبت بترقی وپیشرفت معارف آن ملت میبابیم ، حالا آنکه ملت افغان باوجودی که درقوهٔ ذکاوت واستعداد تعلیم علم وصنعت ، وغیرت وشجاعت برهمه ملل دنیا برتری دارد بااظهار افسوس که درپیشرفت معارف خیلی ازخیلی درعقب مانده‌اند ، وازهمین عقب ماندن بود که بعضی ازدشمنان دین اسلام در محو اسلام کوشش میکردند و عنقریب بود که آن خیالات باطل ظاهر میساختند اما خداوند جهاننده ایشانرا بحوادث جنگی گرفتار ساخت که مستعمرات را گذاشته بدارالسلطنه های خود میلرزند .

« امروز بی علوم ومعارف هیچ کاری اجرا نمی‌یابد ، این دولتهای که امروز ماازان خوف میکنیم ، بسایهٔ علوم ومعارف باینمدرجه رسیده اند ، ای اولاد وطن درتحصیل معارف بکوشید وخودرا برترین اقوام دنیا بسازید که شما شریف ترین ملل دنیا هستید ، ملت افغان خوب ترین جمیع ملل روی زمین است این خوبی خودرا ازهمه طرفها تکمیل کنید ، تادرمرتبهٔ فوقترین ملتهای دنیا گردید .

« ای معلمین! بوظایف خود کوشش کنید ، اگر ازشاگردان خطای سرزند آنهارا شما بازخواست کنید واگر شما کدام کار مخالف نظامنامه گردید البته سررشته دار بشدت باز خواست خواهد کرد وازسررشته دار ومفتش من ومن اگر کدام کاری مخالف بکنم حضرت قبلهٔ اقدس اعظم مفخم من باز خواست خواهند فرمود . »

بعد ازان سررشته دار مکاتب ابتدائیه یک تقریر مختصری بدین مضمون بیان کرد : « علم چیزی است که بواسطهٔ آن امروز کفره‌را بتوسیع ممالک ، اختراعات محیرالعقول ، صنایع ، براسلام غالب آورده است اگر اسلامیان خودرا بدین اسلحه مسلح سازند کام کفره‌را هم ازاید دمر خواهند کشید . »

این تقریرها یک اثری برعموم انداخته مظهر تحسین شدند ، پس ازان یکی ازشاگردان سابقهٔ دارالمعلمین برکرسی نشسته (آیة الکرسی) برتب تاآخر رکوع خواند ودلهای را که بجوش اسلام مملو بود درچنان حال انداخت که همهٔ مجلس باوجود سکوت وولوله انداز عالم صداقت گردید (صدق الله العلی العظیم) از زبان حال شان پیدا بود ، خواندن قرآن عظیم الشان یک تاثیری در دلها انداخت که بعد ازخواندن آنهم قدری سکوت بر عموم طاری بود . در چهرهٔ همه مجلس و درچهرهٔ صدر این مجلس آثار تاثیر قرآن شریف ازدور معلوم بود .

پس ازان جناب مولوی عبدالرؤف خان دعائیه برای ترقی وتزاید اسلام وسلطنت اسلامیهٔ افغانیه بالا برده همگنان متابعت کردند ومراسم افتتاح اختتام یافت .

حضرت عالی افخمی ساعت ٢٥ دقیقه گذشته از ١٢ تشریف بردند ، طلبه هم رخصت شدند ، از هرفرد طلبهٔ خورد سال سررشته دار استفسار خانه ویدش را کرده رخصت نمود . نیم ساعت ازتوپ گذشته بود که من هم آمدم .

(ع ، ه)

حوادث داخلیه

(مراسم تشکریه رعایای جامعه هنود دولت علیه افغانستان)

اگر هزاران جان های خودرا فدای خاکپای اعلیحضرت پادشاه محبوب القلوب معظم ومتبوع مقدس افخم خود نمائیم سعادت دوجهانی میدانیم چون مامردم اهل هنود دارالسلطنهٔ کابل که زیرسایهٔ عاطفهٔ سرکاروالا ازدیر زمان موروثاً بشرف رعیتی دولت افغانستان سرفراز بوده ومی باشیم ازچهار پنج یعنی جهاد طائفهٔ انگلیس وشکر همه میدانند که جل شانه که خالق یکتا است همواره ازصدق دل دعای ازدیاد عمر واقبال پادشاه ظل الله عدالت گستر سراج الملة والدین را داریم که الهی سالهای سال وقرنهای بی شمار سایهٔ الطاف ذات اعلیحضرت پادشاه مقدس مهربان مارا از جمیع خلایق افغانستان وازین کمترینان دعا گویان کم نکرداناد آمین یارب العالمین — چنانچه از آسوده حالی که سالهای سال ازنوازش پادشاه خود داریم وبهرنوع آرامی وفراغت بالی رعایان میسر است همواره شکرانه بدرگاه خداوندتعالی داریم وعدالتهای گوناگونی که از اعلیحضرت برعایا رسیده در اخبار سال یکم نمبر ٢٢ سنه ١٣٣٠ مفصل وار مندرج است — درینولا که ٢٠ ماه حمل که سنکرانت یعنی ماه ونو سال مراسم آئین ویسا که مامردم

اهل هنود بود — و بهندوستان مردم اهل هنود از راجا و فقیر و تجار وغیره میله خود ها را در هردوار یعنی گنگا جیو میکنند که ما دوبیا که امسال مردم اهل هنود بسیار اوتم یعنی نیک و مبارک میدانیم در مقام مخصوص آن رفته خرمی و شادمانی و رسوم خود را میکنند و بدار السلطنهٔ کابل چون ازده بیم که کلانهای ما شمارا اینکه آب هر چشمه بار گنگاه که در کتب مایان مشهور است در محال لهوگرد چشمه بود خواب شاه ده می ماند از عهد آبیار که میدویاب لهوگرد می آید گذشتگان ما در قریه شیوکی ده یعقوب علی دریای مذکور میله جای از قدیم معین کرده بودند لهذا امسال هم بر حسب میله جشن را دیوان نرنجداس گریل ملکی از حضور اعلیحضرت [illegible] دار السلطنه [illegible] خواسته بودند از عنایت شاهانه بچهار روپه

یک منظرهٔ از مراسم احتفال آغاز تشکیل انجمن معارف
در دایرهٔ فاخرهٔ شهزادهٔ جوانبخت معظم حضرت
معین السلطنه صاحب افخم

بعد از مذاکره جناب نجابتمآب ذات معالی صفات سردار اکرم نایب السلطنه صاحب و جناب عالی شهزادهٔ معظم معین السلطنه صاحب و دیگر مدعوین کرام از زینهٔ قصر عالی فرو می آیند

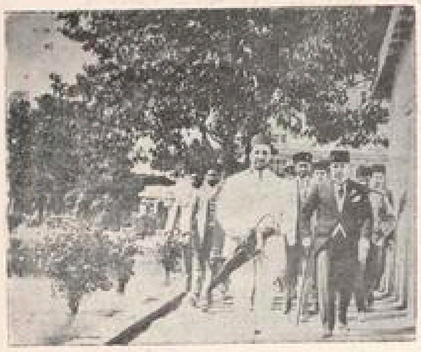

کذا از منظرهٔ مراسم مذکوره

بعد از مذاکره ذات مخدومان اکرمی و جناب شهزادهٔ معظم الاشان «معین السلطنه» که در دایرهٔ اعمال جناب نظارت‌پناهی وکالت عودت فرموده اند

بقرار مقرری رخصت از حضور عطا فرموده سرفراز و ممتاز ساختند هزاران شکرانه بجا آوردیم — حتی آنکه احسان پادشاه معظم مهربان ما اعلیحضرت جهان مطاع ظل الله شاهزاده های والا جاه و مصاحبان و عمله حضور در میله این کمترینان تشریف فرما و رونق افزا و نزول اجلال آورده اند که اکثر جاهای خود را نثار حضور اعلیحضرت غازی هنود کار است جاهای خیمه گاه شاهانه در یک سمت میله گاه مناسب گزیده بود و یک بلوک عسکر خیمه شاهانه بیرق های زرین شان باجه موزیکا نظامی در پیشگاه خیمه که باز شاهی صف بسته احترام بودند ذات اعلیحضرت همرکاب حضور هوای موتر تشریف آوردند و سر افتخار مارا فلک [illegible] که همه مارا یان باجز مراسم سلامرا بجا آوردیم بلسان در فشان برای مایان فقرا چنین فرمودند که دین علیحده است مگر در دنیوی و معاملات جهانداری چون خالق یگانه ما امروز مارا پادشاه افغانستان ساخته و مسلمان و هندو را رعیت ما گردانیده همه را بمثل فرزند دانسته ازین سبب امروز در میله و خوشنودی شما اشتراک ورزیدم — این کلمه کارا چنان خورمی و خورسندی حاصل شد که اول از بیان در فشان پادشاه محبوب القلوب ودویم از دیدار فیض آثار مثل که آفتاب و ماهتاب زمایان جدید درخشان گردید از خورد و کلان کل اهل هنود از سیوک و سکه سر برهنه و دست بدعا نموده و در روی خاک افتاده هزاران شکرانه را بجا آوردیم که زمایان دو زیارت و دو میله حاصل شد یکی زیارت پادشاه ظل الله که در مذهب ما مردم اهل هنود پادشاه را بزرگوار و خلیفه از جانب حق تعالی که در هندی دیوتا یعنی از خاصان حق جل الله میدانیم حاصل شد دویم میله وبیا که که چون در کتب مایان اسم ذات نارایان است یعنی نار آب جاری واین

خانهٔ آب همه کیما اقوام ازین خوشنودی هــای زیادی کرده میخواهیم که جانهای خودها را بعهٔ اطفال خود نثار هرقدوم میمنت لزوم پادشاه خود نمائیم زهی سعادت دوجهانی است وعید وجشن ماسپار رونق پذیرشد که اعلیحضرت شهریار والا غریب پروری نموده اند زبان گفتار نداریم بدون اینکه جانفشانی تامادام حیات بهرفردی که ازاهل هنود وچهار برن یعنی چهار طائفه درهرجا بود وباش مایان باشد سرهای خودرا در رکاب پادشاه خود فدا سازیم فقط

(دشمنت را همچو میخ خیمه می خواهیم ما)
(پای در گل سنگ برسر ریسمان در گردنش)
زیاده آفتاب دولت واقبال روز افزون باد

(امضاها)

دیوان رنجنداس — دیوان پربل سنگهه — بهگواناس ولد ایشرداس — دیوان جهنداس — دنی چند چوهری تجار — بسنت سنگهه تجار — سوبهسنگهه تجار — دیوان چیت سنگه اولاد نانک — دیوان رامچند کپور — دیوان رامچند پسر منشی نرائن داس

* * *

یك منظرهٔ شاعرانه لطافت آشیانه در یغمان کابل

عزتمآب حسن علی بیگ خان ریسکی در پیش شلاله
نشسته درتماشای ساده های طاقها را میشمرد ؟

کلکا
(منظرهٔ خرابیهای سیلاب دریغمان کابل)

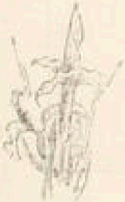

(ازمنظره های خرابیهای سیلاب دریغمان کابل) کلکا

رامچند گوجر دلال شکر — بال مکند دفتری دوم سابر — دیوان‌ار چیداس — رامچند جودهری — ایشرداس قوم شکارپوری — بهگت ایشرداس پسر هرچی — شنکرداس چود هری فقیرچند پسر لاله هندومل — کنه سنگهه پسر هری سنگهه — رامچند لسین — دیوان لعل چند ومهرچند — مشر کیشورام هرچند چود هری

از دفتر ایشیک آقاسی ملکی

واقعه نگار قندهار نوشته است که بتاریخ ۱۲ جمادی الاول درقریه مبالجوی رفته بودم — در حدود قریه بلهه وقریه شهر سرخ — وبالا کدر دروازه شکارپور ملخ بالدار ورد بسیار پیدا شده که ازقبل وقال مردم قریه جات مذ کور درپرواز بودند — وتامحدود کوتل مورچه رسیده وزاحوال معلوم نشده که جابگیر شده ویاروان باشد فقط تحریر ۱۶ جمادی الثانی سنه ۱۳۳۳

(کذا)

فتح‌الله خان حاکم پشت رود مرقوم داشته است که ازتاریخ ۱۴ لغایه ۲۷ مه مذکور باران شدید باریده سیلاب زیاد جاری گردیده متن بازار گرشک وتمامی باغ ها کشتی را آب گرفته بسیاری دکانهای بازار ودیوارهای باغ مذکور را خراب نموده در علاقه جات گرشک جبل هائیکه قریب دریای هیرمند بود ازسبب وفور آبدریا وباران اکثر خراب شده وبسیاری خیلها وگاو وگوسفند واسب را سیلاب برده نقصان زیاد رسانیده فقط

(کذا)

عبدالرسول خان حاکم بوینه قره علاقهٔ مزار شریف مرقوم داشته است که ازتاریخ ۱۴ ماه مذکور ازدهن تنگ چشمه شفاء الی حد پلان باغ قدر ژاله شدید باریده اکثر مرغها در حین طیران هلاک گردیده فقط

(کذا)

عریضه مورخه سلخ ماه جمادی الاول ارسالی پیر محمد خان حاکم قریه کشنده علاقه مزار شریف رسیده مرقوم داشته است که در۱۷ ماه مذکور درموضع جانو ژاله باریده که هر دانه آن قدر بیضه کبوتر بود مواشی بقدر گاو و هفده راس و گوسفند زیاد سقط شده ودربعضی جا فصل کنده وجو تمامی نقصان رسیده فقط تحریر ۱۸ جمادی الثانی سنه ۱۳۳۳ (محمد هاشم امضا)

(سراج‌الاخبار افغانیه)

شایان حیرتست که میرزا کلان دفتر محکمهٔ عالیهٔ جناب ایشیک آقاسی صاحب ملکی از قبیل اینگونه خبرهای مافوق که وظیفهٔ کیفیت آب وهوا نگارانست درهر هفته متعدد و کتباً بصورت رسمی برای ما میفرستد ودر کتابچهٔ خود از ما رسید حاصل میدارد . ولی ازبعضی خبرهای رسمی که واجب‌الدرج است خود داری میکند . مثلا خبر مقرر شدن جناب (عبدالعزیز خان) را بسفارت هندستان و انفصال یافتن جناب (حاجی شاه بیک خان) رااسبب جاری ازسفارت مذکور که از خبرهای ضروری راجع بملک بود برای ما ننوشتند . ومادم بالطبع آن خبر هارا بدرج کردن اخبار خود جرأت ننمودیم . ونیز خبر تشریف فرمایی جناب ایشیک آقاسی صاحب ملکی را بسمت جلال آباد که بر چگونه مأموریت مبنی بود . ودر آنجا چه قسم اجرا آت نافع برای رفاهیت و سعادت رعایا ورایای اعلیحضرت پادشاه مقدس اسلام پناه بکار بردند ننوشتند . گمان میشود که جناب میرزا اخبار سراج‌الاخبار افغانیه را تنها برای خبرهای مکدر سیلابها وخرابها منحصر تصور فرموده اند ! وهذا من العجائب ! ....

(بابلا مژدهٔ بهار بیار) (خبر بده بوم شوم گذار)

حاکم بهسود مینویسد

این چند ابیات نظمیه هاشم ساکن بهسود است که صفات اعلیحضرت والا و مدح جناب انور علی نائب السلطنه صاحب وبعضی الفاظ هزاره گی ولطیفه است امید که داخل سراج‌الاخبار افغانیه شود

منظومه فی المدحهٔ اعلیحضرت سراج الملة والدین
سراج ملت و دین است ظل حضرت داور
نهاده دست حق اورا زرفعت تاج زر برسر
خدیو عادل باذل بعلم و حلم دریا دل
عمل را عامل کامل صواب اندیش هرکشور
عدیل وی بپرسیدم زفطرت تابین دو راز
بگفتا مثل ومانندش نزاده در جهان مادر
سراج دین که او منصور گشته درصف هیجا
زبیم سطوتش دائم گریزان عسکر کافر
اگر ازآستین آید برون دست عطا بخشش
هزاران حاتم طائی ثنا خواند بهر زر
کند سوی گدایان گر نظر ازمهرآن خسرو
گدا سازد سر ایشان فخر ازطارم اخضر
برآرد سر اگر از بهر سیر قصر و ایوانش
چهارم چرخ را افتد کلاه آفتاب ازسر
اگر خواهم بیان سازم زوصفش شمهٔ باید
کمال و عقل و عمرو طبع رمن دفعهٔ دیگر
من و مداحیش هیهات ازین اشعار ناقابل
ودچون شبنم ازطوفان نوح این مدح باکشور
الهی حق پیغمبر همیشه حافظش باشی
بهر آفات و ناهات و بلیه آصف عشر
مدامش تیغ کین بران تا برفرق بدخواهان
حسودان را بود برکنده چشم بد نظرازسر

نکو خواه ترا آب بقا دائم به پیمانه
بد اندیش ترا زهر بلا پیوسته در ساغر
خدیوا قابل مدح تو هاشم نیست میدانم
سلیمانی تو و این بی نوا موریست بل احقر

مدح جناب نائب السلطنه صاحب

بیا ساقی ز روی مهر و الطاف   بده از بزم شاه یکجرعهٔ صاف
حریفانرا چنین مگذار مخمور   درین عهدیکه عالم گشت معمور
بیا ساقی طلب کن بار دیگر   بر آور پردهٔ از کار دیگر
درین فرخنده بزم خجسته   که شد عالم ز جور و ظلم رسته
پس از عدل سراج ملت افروز   شب خلقان ز عدلش روز نوروز
خدا رحم خلق از روی الطاف   فکنده ظل رحمت قاف تا قاف
بعدل و داد معمور جهان است   بعزم و عقل دین را پاسبان است
دیگر من از جناب صاحب خویش   ز نائب سلطنه گویم کم و بیش
هزاران قیصر و فغفور غلامش   که نائب سلطنه بنهاده نامش
زمانه سر فکنده در پناهش   فلک سوده جبین بر خاکراهش
مدائح سوی آن دربار باشد   دعا گوئی سر سردار باشد
بلفظ خود دعا گویم بجانش   بشرط آنکه فهمد ترجمانش
مرا حاکم نکو جود منجی   نیکدنم مرا میکرد قیفی
بگفت حاکم که جدیت شکر ریز   بلفظ خود بگو این خنده آمیز
روانه میکنم در پیش صاحب   که بیند لفظهایت را عجایب
جناب صاحبم سردار عالی   کهدل خود را کنم در پیش تو خالی
وجودت روزمین ظل الهی   چو لس خوب سردادا الیجاهی
بهر کس مثل آفیتوی به پیتیو   رعیت آسوده قل‌ولا وقل شیو
همه اسقال وبایچه نوکری تو   کمال دکیو دارم صدقه سری تو
زکوسیون روزماتیو وزکوبک   نه ور جان سردار است یکیک
ولی ملک مو بداست بسیار پیروه   تفلیجی مو که برف اندر زمستوه
بیها اوغون کوچی در توشلی   کوند ری دکر کو مو که عو طی
زیکسو میرقد و آس سرکد   زکشت خوردو دو پیدا کرده براد
روی م درسو ای ولکه پا پا آغل   زیس مو ما غریب مو که بتعجیل
دنبه خطهٔ پهلوی خاو   فیلس مو که که لشت خوردو آسیو
بیا کابی بدست قادر بیلی   بکوی خورده مو نه تیون مو برلی
زیکسو وقی که آقا عمری قابض   سو ای دو قره مو کلاک میکند تیز
رخ مو باخدا و بادشا هست   بنائب سلطنه این التجا است
که مارا بی زرو پل بنده سازد   بفرق نور خود تابنده سازد
خدا این نور را از مو نگیرد   بحق چهار یارو نور احمد
منم داعی بصبح و شام و هردم   بنائب سلطنه سردار اعظم
بس است هاشم ترا این لفظ شیرین   دعا کن بر سراج الملة دین

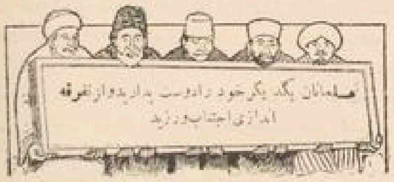
مسلمانان یکدیگر خود را دوست بدارید و از تفرقه اندازی اجتناب ورزید

بعضی تحصیل یافته گان مکاتب عالیهٔ اروپا — [آن اروپائی کتابیه را مأکل و مشرب خود قرار داده بودند] — دولت علیه عثمانیا را یکدولت غیر مترقی ، و مردم ترک را از علوم و معارف مدنیه عاری میدانند و ادعا میکنند حتی این ادعای باطل خود شان را بطریق پروپاگاندا بصورت علنی بمیان کردن نیز جرأت میورزند .

اگر چه ما آنها را برین پروپاگاندشان معذور میداریم ، زیرا اگر همچنین ادعا نکنند ، و همچنین اعتقاد نداشته باشند تحصیل و تعلیم شان ناقص شمرده باید شد ! و هم هر کس در فکر خود آزاد است ، هر آنچه بفکرش راسخ شده باشد آنرا بیان کرده میتواند . پس چنانچه آنها فکر راسخ خود شان را آزادانه بیان میتوانند و عیبی هم برآنها وارد نمیآرد . هر گاه ما نیز فکر راسخ خود را درینباب آزادانه بیان کنیم هیچکس حق عیب گرفتن را بر ما نخواهد داشت !

نخستین سوالی که مداریم اینست که : — آیا ملت نصارا در همه اقطار عالم چرا معزز محترم ، و ملت یهود در هرجا حقیر ذلیل دیده میشوند ؟ کسانیکه در دنیا سیاحت کرده اند اینرا بچشم مشاهده کرده خواهند بود که در بلیطه وایورها مردمان نصارا بالانشینتر مکرمتر دیده میشوند . در محکمه ها . و کورتها به اعزاز به آنها پیش میآیند . در هرجا و هر کجا یک امتیاز و اعتبار مخصوصی داشته باشند . در هریکی از آنها یک فخر و غروری ، و یک رواق و شادابی مخصوصی دیده میشود . — باین از چه پیش آمده است ؟! اگر بگوئیم که از قدسیت دین شان است . آن دین با چنان خرافاتی مملو و در چنان اساسهای بی بنیادی بنا یافته است که عقلا و دانشمندان خود شان نیز از آن بیزار و دوا آزار هستند . و گر بگوئیم که از علم و دانش و فن و صنعت شان است . آن علم و دانش را اگر یک آسیائی در مکتب ، کمبرج ، هم . آنها یکجا و یک درجه تحصیل کرده و آموخته باشد لازم او رو پی اعلاتر و آسیائی بدرجه نازلتر دیده میشود . پس معلوم میشود که درین مسئله یک کیفیت دیگری مضمر ، و یک اسرار دیگری مستتر است !

بلی ، آن اسرار و آن کیفیت اینست که از ملت نصارا تقریبا بیست بیست و پنج دولتهای مستقل ، حکومتهای پرقوت مشمول موجود ، و از ملت یهود حکومت نی ، بلکه آزادی هم مفقود است . یهود پرستان نیز تنها یک فخر و مباهاتی که دارند همین است که

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1197 of 1786

باوجود کثری منابت بازهم ازآنها مانند دولت شمس طالع وابن سبا دولتهای دردنیا پایدار است. حتی کبرهای نیران پرست هم باوجودیکه بدین ومذهب باهم شراکتی ندارند ولی بازهم چون خودرا ازخلف ایران وجنس کیان میدانند بهمان نامهای دوهزار سال پیشتر ازین اولاد خود شانرا موسوم، وضمیراً وضمناً به استقلال دولت ایران خودشانرا مفتخر ومعلوم میشمارند.

آه بدبخت مسلمان! در حالیکه در شرق وغرب دنیا متعدد دولتها وحکومتهای مستقل باحشمت وشوکت آزاد اسلام موجود بوده ودروقت حاضر بجزسه دولت اسلامیه که استقلال و آزادی شان برمحل وحاکمیت شان برکمال مانده دیگر هیچ دولت اسلامیه باتلسکوپ ومیکروسکوپ هم دیده نمیشود، مانند تو واری مسلمان نامی پیدا میشود که درحق اعظم واکبر آنها که دولت علیهٔ عثمانیه باشد مخالفت زبان درازی میکنی، وباعتمنه‌های تحصیل خود به بد کوئی ناطقه پردازی میبافی! بشرم ای دیانت ناشناس بحیا کن ای ملیت ناسپاس!

خود این سرمحرر عاجز افغانست، آباً عن جد افغانست، وطن دوست افغانست، بشرافت قومیت وملیت افغانیهٔ خود مفتخر یك افغانست، بفدا کردن جان، مال، اولاد خود درراه محافظهٔ استقلال وحاکمیت دولت متبوعهٔ مقدسهٔ افغانیهٔ خود در هرآن وهرزمان حاضر وآماده یك افغانست، بدرجهٔ که اگر مسئله کفر واسلام درمیان نباشد، ودولت ترك لاسمح‌الله بخواهد که درصدد استیلای وطن عزیزم برآید، وبرحقوق حاکمیت واستقلال دولت مقدسه‌ام تجاوز کند اول کله که درمیدان کارزار مدافعهٔ وطن بملطه همین کلهٔ خشك این سرمحرر عاجز خواهد بود! بلی، نیت خالصانهٔ صادقه‌ام همین است که عرض شد. اما این مدافعهٔ قلمیه‌ام درخصوص دولت علیه عثمانیه از نقطهٔ نظر اسلامیت است وبس!

دین مبین اسلام، که بشرف پیروی آن سرافراز ودرتمام ملل دنیا به آن شرف ممتازیم، مارا به برادری ویگانگی وخیر خواهی تمام اخوان دینما که خواه درشرق باشند وخواه درغرب امر قطعی نموده است. علی‌الخصوص مارا بادولت علیه عثمانیه، ودولت علیه ایران ازجهت عشق وفا ووفاداری یك رابطهٔ معنویهٔ دیگری هم موجود است. زیرا بخیال ناقصانهٔ خودما همین است که چون در تمام دنیا همین سه دولت عثمانی، ایران افغان باقیمانده است که به استقلال وحاکمیت سیاسی آن بفضل ایزد منان وروحانیت حضرت پیغمبر ذیشان دست تسلط دشمنان دین وایمان بقرار دلخواه خود شان دراز نشده است، پس اگر خدا ناخواسته یکی ازینها علی‌الخصوص بدولت علیهٔ عثمانیه که برادر بزرك شمرده میشود ـ چشم زخمی رسد هیچ شبهه نیست که حیات آن دوی دیگر هم بمهلکه بی اندازه افتد، که اگر ازجای یك دولت اسلام دو، وازدو سه، وازسه چار، وازچار پنج، واز پنج ده دولت باشد برای همه مسلمانان اسیر وآزاد دنیا موجب قوت، صلابت، مسرت مفتخرت شمرده میشود.

حدیث (رسول مقبول اکرم) صلی الله علیه وسلم است که امت ناجیهٔ اسلامیه را خطاباً امر فرموده اند:

[اثنان خیرمن واحد وثلاثة خیرمن اثنین واربعة خیرمن ثلاثة فعلیکم بالجماعة فان الله لن یجمع امتی الاعلی هدی]

«یعنی دو ازیکی بهتراست، وسه از دو بهتراست، وچهار از سه بهتراست. پس شمارا است که جمعیت واتحاد کنید واز جماعت رونتابید. زیرا الله تعالی جل وعلا امت مرا جمع نمیکند مگر بر هدایت وسعادت.»

نفرین باد بر کسانیکه درراه تفرقهٔ جماعت اسلامیه کوشش می‌ورزند! ویل برانشخاصیکه دلسردی ودوروئی مسلمانان را ازیکدیگرشان آرزو میکنند! لعنت برآنانیکه عظمت کفررا بر اسلام میخواهند!...

در خصوص مترقی بودن وغیر مترقی بودن دولت علیه عثمانیه تنها بدرج بعضی جدولهای استاتستیکی که ده سال پیشتر ازین درجغرافیه های دنیا طبع ونشر شده است اکتفا ورزیدیم که این جداولرا ارباب مطالعه، واحد قیاسی ویکمقیاس اساسی اتخاذ نموده حکم فرمایند که این چنین یك دولت را مترقی باید گفت یا غیر مترقی؟

(تجارت عمومیهٔ دولت علیه عثمانیه)

ادخالات یعنی درآمد اموال واشیا بحساب لیرهٔ عثمانی	اخراجات یعنی برامد اموال واشیا بحساب لیرهٔ عثمانی
٢٤٤٩٦٥٤٠	١٥٥٩١٤١٠

(راههای آهن و کشتی های تجارتی دولت علیهٔ عثمانیه)

راههای آهن کیلومتر	عدد کشتیها	حجم کنجایش بحساب تن
٨٦٦٧	١٠٢٣	٢٣٥٧٤٤١

کشتیهای تجارتی که درظرف یکسال به بندرگاههای عثمانی رفت وآمد دارند

عدد کشتیها	حجم کنجایش شان بحساب تن
١٩٤٦١٩	٤٩٣١٩٦٩٣

(خطهای تلگرافهای دولت علیه عثمانیه)

عددمرکزهای تلگراف یعنی تلگرافخانه ها	درازی سیم بحساب کیلومتر	عدد تلگرافنامه که در یکسال ردوبدل میشود
٩٤٧	٦٥٢٧٠	٥١٢٩٨٦٢

مداخلات سالانهٔ تلگراف بحساب لیرهٔ عثمانی	مصارفات تلگراف بحساب لیرهٔ عثمانی
١١٠٩٢١٠	٣٠٢٠١٠

تلگراف تحت البحر بحساب کیلو متر
٦٨١٠

(پوست ـ یعنی داک ـ دولت علیه عثمانیه)

عدد داکخانه های ممالک عثمانیه	عدد مکتوب سالانه که سالانه میرود و میاید	عدد پوست کارد سالانه که سالانه میرود و میاید
۱۳۵۷	۲۴۳۶۶۰۰۰	۵۸۸۰۰۰

عدد اخبارها و رساله‌ها و نوته‌ها که سالانه بداک حوالان میشود	عدد حواله نامه‌های پولی ها که سالانه بداک میرود و میاید
۵۴۷۷۰۰۰	۱۱۵۰۰۰

مداخلات سالانه داک بحساب لیرهٔ عثمانی	مصارفات سالانه داک بحساب لیرهٔ عثمانی
۳۲۹۸۷۳	۹۴۶۶۹

معارف

مکاتب عالیه و اعدادیه در نفس پایتخت سلطنت عثمانیه

نامهای مکاتب	عدد شاگردان	نامهای مکاتب	عدد شاگردان
مکتب دار الفنون	۲۴۵	مکتب مهندسخانهٔ بری	۲۸۳
مکتب ملکیه	۱۴۱	مکتب بحریه	۴۵۸
مکتب حقوق	۱۸۶	مکتب دار المعلمین	۱۷۸
مکتب تجارت	۲۵۰	مکتب نواب	۶۴
مکتب فنون حربیه	۲۴۱۹	مکتب صنایع نفیسه	۱۷
مکتب طبیهٔ عسکریه	۷۵۸	مکتب هندسهٔ ملکیه	۱۰۳
مکتب طبیهٔ ملکیه	۱۲۰۰	مکتب بیطاری ملکی	۶۰
مکتب کندوکتورای کشتی های تجارت	۵۷	مکتب عملیات کرکهٔ بحریه	۱۸۲۸
مکتب زراعت	۶۴	مکتب سلطانی	۹۴۵
مکتب دار الشفقه	۴۰۰	مکتب اعدادی مرجان	۶۵۰
مکتب اعدادی وفا	۶۰۷	مکتب اعدادی اسکدار	۱۶۲
مکتب نمونهٔ ترقی	۳۴۹	مکتب برای اولاد قبیله های عراق	۶۳۰
مکتب اعدادی حربیه	۱۶۸۱	مکتب اعدادی طبیه	۶۰۴

در نفس پایتخت غیر از اینها که مذکور گردید ۳۷ باب مکاتب رشدیه عسکریه و ملکیه ، و ۳۷۰ باب مکاتب ابتدائیه ، و ۱۴۵ باب مکاتب اناث . یعنی مکتبهای دختران موجود است که عدد شاگردان اینها نیز تقریباً یازده هزار نفر است که همهٔ اینها از طرف دولت است باز شده است . حتی برای نابینایان و کنگان نیز یکدو باب مکتب موجود است . اما مکتبهای خصوصی که از طرف اهالی در نفس پایتخت سلطنت سنیه تأسیس و مفتوح شده از قرار ذیل است :

مکاتب خصوصیه در پای تخت

نامهای مکاتب	عدد شاگردان	نامهای مکاتب	عدد شاگردان
مکتب سعادت	۳۷۰	مکتب نمونهٔ تدریس	۶۹
مکتب عثمانی	۲۰۰	مکتب حدیقهٔ معرفت	۳۱۴
مکتب روضهٔ ترقی	۶۷۱	مکتب حدیقة المعارف	۱۳۰
مکتب رهان ترقی	۲۰۰	مکتب دار الفیض	۱۱۳
مکتب دار العلوم والتعلیم	۱۸۰	مکتب مرآت فیض	۱۰۰
مکتب تفیض	۱۶۷	مکتب شعلهٔ ترقی	۱۷۲
مکتب حمیدی	۳۱۵	مکتب کنز المعارف	۵۰
مکتب شمس المکاتب	۱۵۰	مکتب لمعهٔ معارف	۸۰
مکتب رهبر تحصیل	۲۲۵	مکتب گلستان معرفت	۸۰
مکتب مشرق فیوضات	۱۵۰	مکتب تشویقیه	۱۰۱
مکتب دار الادب	۱۳۰	مکتب گلشن معارف	۸۰
مکتب رهبر سعادت	۹۰	مکتب محمودیه	۵۰
مکتب آفتاب معارف	۱۵۰	مکتب منبع تحصیل	۱۱۰
مکتب نجم ترقی	۷۰	مکتب صحرای جدید	۵۰
مکتب رهنمای فیوضات	۱۲۰	مکتب دار التحصیل	۸۰
مکتب دار العرفان	۱۲۰	مکتب آلتونی زاده	۹۹
مکتب منبع العرفان	۵۰	مکتب جلال بیک	۴۰
مکتب روضهٔ معارف	۱۱۰	مکتب حدیقهٔ عرفان	۱۰۰
مکتب شمس المعارف عرفی	۱۸۰	مکتب وسیلهٔ ترقی	۹۰
مکتب نمونهٔ عرفان حمیدی	۸۰	مکتب مربی اطفال	۵۰
مکتب دار التدریس	۶۵	مکتب بدرقهٔ فیوضات	۸۰

این مکتبها ئیست که در نفس پایتخت است . اما در ولایات ممالک اسلامیهٔ عثمانیه هیچ ولایتی نیست که شهرها و قصبه‌ها و قریه‌های آن از مکاتب اعدادی و رشدی و ابتدائی خالی باشد که تقریباً تعداد جملهٔ نفوس شاگردان ممالک دولت علیهٔ عثمانیه تقریباً به سه ملیون میرسد .

قوهٔ بریه و بحریهٔ دولت علیهٔ عثمانیه

قوهٔ بریه		قوهٔ بحریه	
در وقت آسایش	۵۰۰۰۰۰	کشتیهای زرهپوش	۱۸
در وقت جنگ	۱۸۰۰۰۰۰	کروازور وغیره	۴۰
طوپ	۱۸۰۰	طورپیدو و تحت البحر	۶۰
		کشتی تجاری	۱۲۰
		طوپ	۹۰۰
		عسکر بحریه در وقت آسایش	۲۲۰۰۰
		عسکر بحریه در وقت جنگ	۵۰۰۰۰

حالا برو بافاده کنندگان ناطقه پردازی که عدم ترقی دولت علیهٔ عثمانیه را ادعا میکنند . این جداول اینها نتیجهٔ مافوق را ملاحظه کرده انصاف کنند که همچنین یک دولتی را مترقی بگوئیم یا غیر مترقی !! اگرچه ما میگوئیم که در تجارت و معارف و قوای

بریه وبحریه دولت علیه عثمانیه بدرجهٔ دولتهای معظمهٔ اوروپاست ولی به آن دولتهای معظمه ملت نصارا باید بنازند وافتخار کنند نه مسلمانان .

حوادث خارجیه

نقل از اخبارات ایران

از جراید فرانسه

موقعیت نظامی وجغرافیائی قامیش وارد هان

«ساری قامیش» و«اردهان» که جنگ های اخیرهٔ قوای عثمانی وروس در آن نقاط واقع شده وابلاغیه های رسمی طرفین موقعیت عظیمی بآن جنگ ماداده وبرای تصرف آن نقاط ازطرف قشون ترك فدا كاریهای عظیم شده است موقعیت نظامی و اهمیت جغرافیائی آن نواحی از قرار تفصیل ذیل است —

«ساری قامیش» یکی از نواحی مهمه ایالت نشین (قارس) وواقع در ماوراء قفقازستان وجزو اراضی متصرفات آسیائی روسیه میباشد

این ولایت درفاصله بیست کیلومتری سرحد آسیای عثمانی ودرنجاه کیلومتری مشرق «اولتی» و درناحیه «قراداغ» روسیه واقع گردیده است

«اردهان» یا «اردقان» (که بزبان گرجی ارتاآن نامیده میشود) یك شهر حاکم نشین کوچك وجزو ایالت «قارس» روسیه ودرفاصله صد کیلومتری شمال «ساری قامیش» وهفتاد کیلومتری شمال «قارس» واقع شده است .

موقعیت نظامی وسیاسی آن خیلی مهم است وانجا یکی از شهرهای سابق عثمانی است که در جنگ سابق عثمانی وروس بعلاوه «قارس» و «باطوم» واراضی متعلقه بآن دو ایالت مهم یعنی یك قسمت از گرجستان عثمانی مطابق معاهدهٔ ۱۸۷۸ «برلن» بدست روس افتاد

این ناحیه بارتفاع ۱۸۳۵ متر از سطح دریا درطرفین سواحل رود خانه «کر» که از تفلیس عبور می نماید ودردامنه کوهستانی که در طرف مشرق بدشت های مرتفعه «اردهان» اتصال می یابد واقع گردیده واز دو طرف مسلط بطرق واراضی گرجستان روس میباشد

این نقطه مهم که مسلط وسر کوب براه های تجارتی ونظامی «باطوم» و «قارس» و «ارض روم» میباشد درجنگ ۱۸۷۷ عثمانی وروس مدخلیت های عظیم داشته ونقاط مزبوره را توسط مهندسین مستحکم کرده ومحاربات عظیمی در آن نقطه واقع شده ویك روابط بزرگ تاریخی باعثمانی دارد ویاد کارهای عظیمی هنوز دربعضی نقاط از وقایع جنگ های سابق باقی است

از جراید ترکی

جنگ قفقاز وتلفات روس

ارض روم — بطوریکه از بیانات اسرای روس مفهوم میشود کردارمه «ترکستان» روس که درجنگهای قفقاز باعثمانی شرکت نموده تلفات زیاد بر ایشان وارد شده وعدهٔ آن به بیست هزار نفر تنزل کرده است .

اسرای روس درارزنجان

ارزنجان — درجنگهای اخیر سرحد ارزنجان اسرائی که از سپاه روس بدست عساکر عثمانی افتاده اند عبارت از دو نفر فرمانده کل و (۲۳) نفر صاحب منصب و (۴۲۰۰) سالدات میباشند که ماموربن نظامی محبوسین مزبور را بشهر آورده اند .

اقتباس

عالم خیال

(نقل ازجرایدامریکا)

بیاننامه کمیته هندوستان درامریکا

کمیته انقلابیون هندوستان درامریکا بیاننامه خطاب باهالی امریکا ازسوء سلوك وتضییقات دولت انگلیس نسبت باهالی هندوستان منتشر کرده . و از حرکت آن دولت اعتراض نموده اعضاء این کمیته عبارت از مسلمانان وبراهمه هند میباشند که در بیان نامه خود چنین میگویند :

«انگلیسها حقوق قدیمه مارا پایمال کرده وطرز رفتار آنها بااهالی هند شدید گردیده وعساکر هندوستان را که عادت بممالك واقلیمهای سردسیر ندارند باراضی طاقت فرسا اعزام داشته اند . و «پولتیك» انگلیز اساسا درهند برای القاء نفاق بین ملل ومذاهب مختلفه آنجا است وتماماً کار او اختلافاتی است که بین ساکنین حقیقی آن سرزمین بدبختی حاصل می کند .

هندوستان ازقانون اساسی که انگلیس برای او وضع کرده

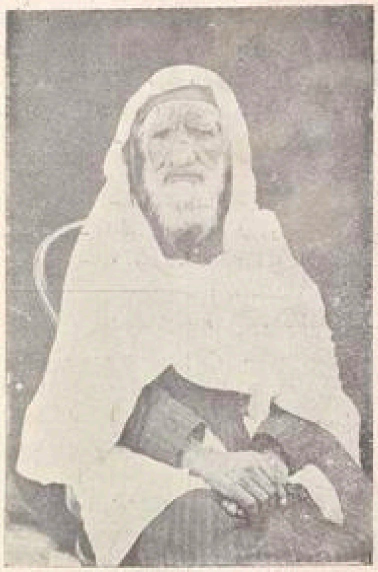

عجایب خلقت

یک زن ریش دار، ثروت دار، بچه دار، نواسه دار در کابل اسمش (ارم بوبو) معروفه به (ادی ریش دار)

ابدا نمیتواند استفاده نماید و هندیهای بیچاره از تاجری و حیز طبیعی جاهای خویش را در خاک بلژیک فرانسه و میدان جنگ مصر فدای انگلیس و سیاست وی نماید و دولت برتانیا بهیچ حق چنین خلاف مینماید هندیها این حرف حق را دارند قطعه ، آسیا حق اهالی آسیا است ، و با اشغال انگلیس و اقدامات حق شکنانه آن پروتست مینمایند کمیتهٔ هندوستان برعکس ، آقا خان ، که از وجدان و اعتقاد محروم است از روی صداقت و ملت پروری مدافع منافع حقیقی اهالی هندوستان را برعهده میشناسد ، انگلیس امثال ، آقاخان ، را باطوار کاذبانه و ریاکارانه بکار وا برده و برخلاف وجدان ترجمان افکار هندیها معرفی مینماید اقدامات انگلیس برای سلب حقوق هندوستان و تشبثات ریاکارانه بیهوده است زیرا که احساسات ملی هندوستان تأثیرات شدیده در افکار اهالی مینماید .

علی رغم آنتریکها و دسایس انگلستان بین تمام عناصر هند فعلا اتحاد موجود است و همینکه زمانه مساعد برسد از استرداد حقوق مغصوبه خویش غفلت نمی نمایند و نه آقاخان و نه فرمانفرمای هند قطعا موفق به القای نفاق و شقاق بین اهالی هندوستان نمیشوند و تشبثات آنها تماما بیفایده است . در خاتمه بیان نامه ، کمیته هند ، از روابط تامه و قویه هندوستان با مقام خلافت اسلامی سخن رانده و اظهار امید واری مینماید که اهالی امریکا توجهی بحال ملی اهالی هندوستان بنمایند .

نقل از اخبار زهور

نطق سلیمان نظیف افندی والی بغداد

عون وقوهٔ حضرت همایون والاشاه و تأئید مفتخر کائنات علیه افضل التحیات حبیب خدا محمد مصطفی (ص) درعار و کارزار سه ساله از طرف دول ثلاثه مشغول شده ایم ویگانه مقصود مان فقط حفظ دین مبین بوده لاغیر واعمال وافعالمان العموم شهادت میدهد خرسندانه بامظفریت نزدیکیم . ولی دشمنان ما برای ترویج والقاء شبهه و نفاق بین اسلام میخواهند حرکات مارا در داخله ایران بشکل ورنگ دیگر تحریف کرده برادران ذی ما ظنین نمایند ! که دولت عثمانی مقصود اصلیش از دخول بخاک ایران و جنگ با روس تملک ایران است !

عجبا ! با اینکه تمام اطراف مارا دشمنان اسلام احاطه کرده باز این حال چشم طمع دوختن بخاک اسلامی یک حرف منطق شکن بی مغز و بهتان صرف آیا نیست !

در حقیقت و نفس الامر ما بقدر پرستش دین خود و وطن خود، وطن عزیز برادران محترم ایرانی و مقدسات وطن آنها خدمت میکنیم

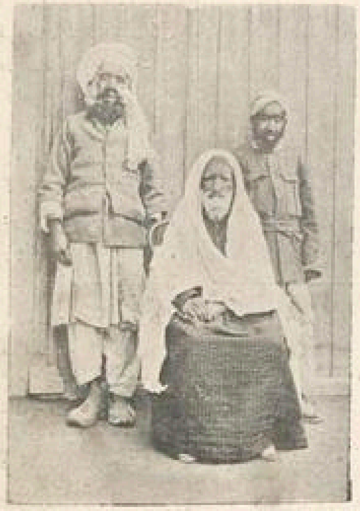

کذا

(ادی ریش دار) نشسته پسرش تاج محمد و نواسه اش جلال الدین پا ایستاده

چند سال قبل از اعلان حرب عموی روس و انگلیس ایران را بین خود تقسیم کرده وعساکر خود را برای استیلای خود شان بخاك پاك ایران اقامة داده بودند . حالا بعید اینها از برای منافع واستقلال ایران خدمت قیمت داری آید بست .

اشخاصیکه برای خاطر پول دین و وطن خودرا بروسها فروخته وباعث ورود قشون روس شدند . وعلی رغم انها ایرانهای حقیقی که درمقابل اتباع جهاد اقدس پیغمبر (ص) وحفظ استقلال وطن خود اول کسی بودند که با یار ویاور شدند هیجوقت بین شیر وخورشید وماه وستاره یك همچو برادری ووحدت وقوت دیده نشده بود باین حال دشمنان ترسوی ما هزاران افتراء مشغول بتفریق بین برادران ماهستند ! فقط مساعی منافقانه اینها را عدل الهی حکمیت خواهدفرمود .

دولت علیه عثمانی درحدود شرقی برای حفظ منافع وحیثیت ملی و کلیه اقتدار خود وقتی یکدولت مستقل باقدرتی مثل ایران رابه بیند دیگر بیشتر باسعادت ومفتخر بلکه مطمئن تر خواهد بود .

بدبختانه روسها وانگلیس ها درحدود شرق مامتفق شده نه تنها برای تعذیب استقلال ایران . بلکه در مقابل امنیت استقلال مانیز تهدیدات مالایطاق میکردند .

انشاءالله از این جنك ماوایشان مظفر و منصور بیرون خواهیم آمـد . وانوقت درمقابل حقوق برادران ایرانی خودمان چقدر رعایة ها خواهیم کرد . تمام دنیا خواهنددید که (ماه وستارهٔ) عثمانی برادر (شیر و خورشید) خودرا چندین بار دیگر باعواطف وشفقت سلام خواهد کرد . (زهور)

نقل از شهاب ثاقب

مراجعت از جنك

روزنامه خبر میدهد که جنرال (بو) فرانسوی ازورشو به پطرز بورغ مراجعت نموده است این مسئله دارای خیلی اهمیت است زیرا که این جنرال بدرجه روحه اردوهای ورشو بود بعد از شکستهای اولیه روس که معلوم شد حرکت روسیان ازروی یك نقشه مرتب نیست دولت فرانسه بتصویب دولت انگلیس جنرال بورا برای اصلاح وتنظیم قشون روس وترسیم نقشه جنك وانتظام حرکت اردوها مامور جنك شرق کرده و تمام فعالیتی که این اواخر روسها درلهستان ظاهر ساختند بواسطه مهارت این جنرال فرانسوی بود که تادرجه لیاقت خودرا مقابل مارشال هیندنبرغ ظاهر ساخت ... الان که این شخص ورشورا وداع گفته وبه پطرز بورغ عودت کرده است معلوم میشود حالت قشون روس بوضع بدی منتهی شده است درهرصورت خبر مراجعت این جنرال رااردو ابراطاس یك اهمیت خاصی تلقی میکنند

ترجمه از روزنامه صباح

کذا

بلوچستان

تاثیرات عظیمهٔ اعلان جهاد اکبر در بلوچستان تدریجا مشاهده میشود این مسئله ازاشعارات کمپانی (هاواس) از یقینی شده خوب مکشوف میگردد (آژانس هاواس یك شرکت نشر اخبار تلگرافی فرانسوی است مثل روتر که مال انگلیسها وولف که متعلق بآلمان است) از وقتی که اهالی بجمعیت بلوچستان ازاعلان جهاد مقام خلافت اسلامی برعلیه انگلیس وروس وفرانسه مطلع شده وفتاوای مشیخت اسلامیه دراین خصوص منتشر گردیده چندین هزار نفر ازاهالی بلوچستان مسلح وداخل درمجاهدین گردیده وازسرحد شمالشرقی هندوستان تجاوز نموده وورودا خاك هند پیشرفت کرده اند حکومت هندوستان متعاقب وصول این خبر قشون بدان صوب فرستاده وبین فریقین مصادمات مهم وقوع یافته است ـ حس عداوت انگلیس که در بلوچستان منتشر بود بعداز اعلان جهاد با خردرجه کسب شدت کرده وچندین دستجات مجاهد دیگر نیز درکار تشکیل است

اعتراف آژانس هاواس کمپانی شرکت اخبار فرانسوی است بقضیه مجاهدت بلوچها وتعدی انها بخاك هند کافیست برای ارائهٔ درجهٔ اهمیت اوضاع بلوچستان

نقل از اخبار زهور

انهزام از جنك

انگلیس ها ملتفت شده اند که در نقاط مجاور بصره نخواهند توانست اقامت کنند اینست که اهالی ان نقاط را تخلیه کرده بطرف جنوب رهسپار میشوند

داو طلبان

امیر معروف نجد ابن رشید که بکثرت عده وعده از تمام امراء عربستان پیش است باقوای عظیم خود وارد میدان ساحت جنك گردیده کافه قبائل وعشایر عرب باشوق عظیمی درجنك شرکت نموده وامید است که بهمین زودی فتح قطعی حاصل شود

راجع بکانال

جرائد اسلامبول مینویسند انگلیس در کانال سوئز جهاد زره پوش داشت قشون عثمانی یکی از انهارا غرق کرده دیگریرا سوراخیده وبسیار خسارت زیاد زده اند درجنگهای سوئز هزار وهشتصد نفر قشون انگلیس کشته وهشتصد نفر مجروح گردید شش توپ وبسیاری ذخایر جنگی نصیب عثمانیان گردید

جنك در جوار اولطی

یك قوه روسی مرکب ازهزار ودویست نفر به جسر (بورت) که درمنطقه اولطی واقع است حمله کرده سیف الله بك بمعیت ارض روم پانصد نفر درمقابل آنها ایستاده دویست نفر از روسها را کشته ومابقی را بایك حالت بدی متفرق وهزیمت دادند

بیان سفیر ژاپن

سفیر ژاپن درلندن تصریح کرده است که چون حمل ونقل

قشون ژاپونی بمساحت جنگ اروپا ممکن نیست لذا اضطرارا ژاپون تصمیم کرده که درجنگ حاضر اروپا شرکت نماید

احساسات مصریان

ازمصادر موثقه خبر رسیده است که حس دشمنی انگلیس درمیانه مصریها درتزاید است وچند نفر از ضباط که حسین کامل پاشا امین کرده بود ازطرف اهالی مضروب وبعضی مجروح گردیدند

سنوسیها ومصر

ازروم پایتخت ایطالیا خبر میدهند که طوایف سنوسی وارد شهای مصر گردیده وشهر (سیوا) را تصرف نموده‌اند (سیوا شهریست بلکه واحه ایست درطرف شمال غربی مصر که دارای اراضی ودهات ومزارع زیاد وبین مصر وطرابلس واقع است سی میل طول وپنج میل عرض دارد وچندین قریه ومزارع ودرخت حاصل خیز وچشمه‌ها وقناتها خوب دارد که نظیرش دران حدود کم است وتصرف آن بسیار اهمیت دارد شهاب ثاقب) وهمه مامورین انگلیس را که درانجا بوده‌اند اسیر کردند

(زهور)

(اعتقاد پاك وایمان بتوحید)

اگرچه اساس مذهب (لوتر) وطریقه پروتستانی که درآلمان شیوع دارد ومذهب رسمی دولت است تاحدی وحدانیت پروردگار عالم را در اذهان معتقدین وپیروان جای داده واز طریقه تثلیث واقانیم ثلاثه که مذهب سایر طوایف مسیحی خاصه کاتولیك وارتودکس است دور ساخته وهمانطور اعتقادات باطله و موهومه ازقبیل معصوم بودن پاپ وداشتن اختیارات فوق الطبیعه وفروختن بهشت وآزاد کردن از عذاب نیز دربین آلمانیان کمتر از سایر طوایف مسیحی است ولی شخص اعلیحضرت امپراطور آلمان دریگانگی خدا وبودن تمام قدرت وحول وقوت دردست ذات پروردگار وتوکل بخالق زمین وآسمان عقیده بسیار محکمی دارد که کمتر نظیرش دیده شده است در هر نطق اول کلمه که از زبان امپراطور جاری میشود وحدانیت خدا وتکیه وتوکل باوست وملت آلمان را همیشه سفارش میکند که بخداوند عالم تکیه کرده وذات لایزال را بوحدانیت پرستش کنید و بعون قوت ازلی بخدای پشت گرم باشید خصوصاً درمواقع جنگ حاضر همواره قشون را برحمت الهی متکی وخاطر جمع میسازد وبرای حصول فتح وظفر اسمی از اردو های منظم توپهای آتش بار عساکر شجاع طیارات تندرو وکشتی های او. بوت وغیره نبرده فقط فتح وظفر را مستند بتوجه الهی میدارد ومیگوید ما فاتحیم برای آنکه خدا باماست ودشمنان ما از خدای روی گردانند وبرخلاف اراده ازلی بقوت وتدبیر خود درپی غلبه ونصرت میگردند .

درسه چهار سال قبل درموقعیکه یکدسته از کشیش ها عازم افریقای شرقی بودند امپراطور نطق مفصل کرد که خلاصه قسمتی ازان ازاین قرار است : اسلام دینی است بزرگ وبلند که پیروانش را بوحدانیت خدا تبلیغ کرده وعظمت الهی را دراذهان آنها جای میدهند اسلام بهترین مدرسه تربیت وتهذیب اخلاق است که بربرها بتوسط او به نردبان مدنیت وترقی صعود وعروج کردند ندیدم دینی که در عقیده توحید ویگانگی خداوند عالم قدر دین اسلام سعی داشته باشد این دین توانسته است قسمت بزرگی ازنوع بشر را که بالغ برششصد کرور است بعبادت وتوحید خداوند درآورد — سیصد ملیون پیروان دین اسلام بمثابه کوه عظیمی است که سر بآسمان کشیده وطبقات فوقانی ان از کثافت وظلمت ابرهای تیره گذشته بذروه اعلا رسیده است قله های این کوه بلند بنور توحید و یگانگی خداوند عالمیان منور است .

البته خوانندگان ازمضامین این خطبه خوب ملتفت میشوند که چگونه امپراطور گیلیوم دوم در باب توحید دارای عقیده راسخ و ثابت است که بهیچ نوع تردید تزلزل نمی یابد مثل آنکه سقراط بزرگ حکیم معروف یونان درعقیدهٔ توحید ثابت وراسخ بود وبا تهدید بقتل ازعقیدهٔ محکم خود دست نکشیده برای خوردن سم و ترك حیات حاضر شد واز یگانگی خداوند دست نکشید — منقبت دیگر امپراطور محبت اسلام وتمایل بمسلمین است

(طهران : شهاب ثاقب)

(تاریخ یك کشتی)

نقل ازاخبار (رعد)

کشتی تجارتی « برلن ایتل » آلمانی که فعلاً جنگی شده است ٨٧٩٧ تن بارگیری دارد وهردقیقه ١٥ میل سرعت حرکت دارد سابقا دراقیانوس کبیر مسافرت کرده و با کشتی جنگی آلمانی « شانهرست » از سواحل شرق اقصی حرکت کرده ودر اقیانوس درحین مسافرت بکشتی جنگی مبدل شد ومشغول رساندن آذوقه وکمک بجهازات جنگی آلمان گردید .

درهمان اقیانوس کشتی « شارکاس » انگلیسی را گیر آورده وبعد ازآنکه همه جاشوان اورا کنار خود جا داد اورا غرق کرد .

« شارکاس » انگلیسی ٥٠٦٧ تن بارگیری داشت ومتجاوز از دو ملیون فقط قیمت مال التجاره او بوده که بانگلستان میبرده است .

(کذا)

(تبریکات بمارشال هیندنبورگ)

برلن — بمناسبت فتوحات عظیمی که اخیراً قشونهای تحت سرکرده گی مارشال « هیندنبورگ » در حدود پروس شرقی و « لهستان » نموده وموفقیتی که در نقشه جنگی مارشال مزبور حاصل شده است ازطرف تمام شهرهای آلمان ومبعوثان ونمایندگان وغیره تلگرافات تبریک وتشکر آمیزی نسبت به اقدامات عظیمه وی نموده‌اند ومشارالیه نیز جوابهای امیدواری ازحصول نتایج قطعی فداکاری را باهالی اظهار نموده است .

ادبیات

نقل از اخبار (رعد)

سر تا سر آفاق پر از شورش وغوغاست
از دست اروپاست
وین آتش سوزنده که آمدز چپ وراست
از دست اروپاست
امروز جهانی همه با ناله زارند
با رنج دچارند
وروی زمین درهمه سوشورش ودعوی است
از دست اروپاست
آن آلت ناریه که آن کشور خیره
میساخت ذخیره
جود یکایك همه بر پیکر خود راست
از دست اروپاست
این شرق که یك قرن ز بیداد نیاسود
وز ظلم بفرسود
وان آه که از سینهٔ او تا به ثریاست
از دست اروپاست
دلها ز تو بد در همه آفاق پر از خون
نه عدل نه قانون
خودچون دگران شو که مکافات درانجاست
از دست اروپاست
دانی ز چه آن بخت کهن شد ز تو زایل
بی هیچ وسایل
وان بوم وبرت جلگی امروز به یغماست
از دست اروپاست
آن خاك روان بخش که خود از همه عالم
میداشت مقدم
چونست که امروز چه این بوم وبرماست
از دست اروپاست
گفتی که به نیرو بکنم کوه دماوند
افسوس که آن بند
گردید پرا کنده وهر تار یك جاست
از دست اروپاست
گفتی بجهانم بجهان علم وادب را
هم فخر ونسب را
دیدم که آن جمله چو یك پرده معماست
ازدست اروپاست
بودت بسر انجاك همایون که جهانی
از پیش برانی
روزت ز چه امروز سیه چون شب یلداست
از دست اروپاست

خراسان : قانی

نقل از اخبارات اردو وانگریزی که عبدالرحمن محرر اداره ترجمه کرده
(تحفه یافته)

از دیلی کرانیکل ۲۶ مارچ :

یکی از اهالی مملکت ناروی که بغرض معلوم کردن تأثیرات حرب حاضر به جرمن رفته بود . سیاحت اورا اخبار « دیلی کرانیکل » لندن بکو صحبت وپیرایهٔ بسیار دلپذیری دراشاعت کنونی خود درج کرده است ذعیناً آنرا برای مطالعهٔ قارئین خود در ذیل ترجمه میکنیم . سیاح مذ کور مینویسد :

هنگامیکه من در نوروی بودم از زبان مردم وصحایف اخبارات حس میکردم که حال داخلی جرمن درین جنك فوق العاده خوب است . ازآنرو دم عراق افتاده خواستم که بالذات به جرمن رفته بعضی احوال دیده کی خودرا درقید تحریر آورده درپیشگاه انظار عموم عرض وتقدیم نمایم .

بعد ازانکه بحدود محروسهٔ جرمنی داخل شدم روزی یك جرمنی بمن گفت که مرا برملتهای بیچارهٔ فرانس وبلژیك بسیار رحم می آید که چرا ملتهای دوقوم بسر بیکار شدیم . امروز دوز سلطنتهای که تهذیب وتمدن انسانی را پامال کرده اند همانا دولتین روس وانگلزاست وارادهٔ ما نیز از بربادی این هردو دولتست . یگانه غرضیکه می پروراندیم باهمین دوقوم ودر عرصهٔ کارزار که برآمده ایم نیز برای محو نمودن این هردو دولت ا بلجیم برای همیشه وجودش از صفحهٔ هستی ترك بقا گفت وحکومتش ناپاید ازجمع ممالك آزاد منفی شد وپادشاهش در لندن بیك حال فلاکتی گرفتار آمد . درین اثنا بعضی جرمنهای دیگری نیزبامن ملاقی شدند که هر کدام شان از همین قبیل سخنان می گفت .

بعد ازانبه « هامبورغ » رسیدم وانجا هرجرمنی را دیدم که بکمال جدیت درتهیهٔ جنك بحری مشغول است و کوشش دارند که بذریعه قوهٔ بحریه بر بریتانیا محو برند . تحت البحرهای جدید دربحر انداخته شده بودند ودر آب امتحان رفتار آنها کرده میشد .

درینوقع من یك کشتی دخانی را به کرایه گرفته برای معاینه بندر کاه روانه شدم دراطراف بندر کاه بعضی ازجهازهای تجارتی وبار برداری را کورنمنت جرمنی اسیر کرده بود که اکثر شان مال فرانس وبریتانیا معلوم میشدند . از ملاحان اغمر های انکلیزی وفرانسوی جهازهای مذ کوردیگر کارهای فوجی گرفته میشد . در انجاز بندر کاه یك جهاز امریکائی همبورغ نیز لنگر انداز بود که بجانب امریکا اعزام میشد مگر که به سبب شروع شدن جنك بتوقف مجبور گردیده است .

در همینوقتها نیکه من به « هامبورغ » بودم قیصر در « کیلاز » به تجهیزات حربیه مشغول بود دقل وحرکت عسکرها بیکو تیره دوام داشت

و هریک جرمنی برای رفتن بمیدان محاربه تیار و آماده بود . بچه‌های خورده « جنك » « جنك » گفته بکمال شدت و ابرام رفتن خود را . در فوج استدعا و آرزو میکردند .

بعد از انقضای یک مدت مختصر آمدن گادی‌های زخمی‌ها به خسته خانهٔ بزرگ « هامبورغ » از میدان جنك آغاز شد چنانچه پس از چندی نعش یک افسر جرمنی آمد که موافق به آداب عسکری تجهیز و تکفین گردید اتفاقاً بازن افسر مذکور ملاقی شدم و از و احوال شوهرش را پرسیدم گفت که عمر شوهرم ۳۲ سال بود واو سه دفعه در خواست کرد که در فوج ثبت شود مگر در هر سه بار در خواست او منظور نشده گورنمنت به جوابش گفت که عیالمند است و والده‌اش ضعیف است . بار آخر مرتبهٔ چهارم هم آرزوی عسکریت نمود که دینبار از طرف دولت قبول شده بکمال مسرت و ممنونیت بمیدان محاربه شتافت . حالا از سوانحهٔ حس جنگجوئی و وطنخواهی جرمنی‌ها را قارئین کرام ما یک حدی درك میتوانند .

آخر ترین خبرها

از اخبار زهره :

جراید انگلیس در شوقها از فتوحات خود در دانیال بسیار بحث میرانند و از برامدن لشکرهای فرانس و انگلیز بخشکه و گرفتن قلعه‌های سدالبحر و کلیبولی و غیره مبالغه‌ها میسرایند . حالانکه این حرفها هیچ اصل و اساس ندارد . و انها نیست مگر اینکه میخواهند نظر مردمها را از مغلوبیتهای متواتری که در رزمگاههای مشرق و مصر و بصره و بحرهای اطراف انگلستان می بینند ، دور داده برفع دانیال معطوف نمایند . حقیقت این است که اگرچه دسته‌های کشتیهای جنگی انگلیز و فرانس از مدتیست که آنها دانیال را محاصره کرده‌اند و از که باری قصور نکرده اند ولی ربع خسارتها و زیانهای را که بسبب غرقشدن چند کشتیهای جنگی بزرگ . خود آنها دیده‌اند ، قلعه‌های آنها مذکور هیچگاه ندیده‌اند از آخر ترین خبرهائیکه تلگرافاً بما رسیده معلوم میشود که عساکر مظفرهٔ اسلامیه درین روزها یک فتوحات عظیم الشان بسیار مهمی حاصل کرده‌اند . چنانچه انگلیز و فرانس چون دیدند که از راه بحر برقلاع مستحکمهٔ دانیال فوز و ظفر محال است بخیال این افتادند که از طرف دریاچهٔ سیروس عسکر بخشکه براورده و رأ برقلعه‌های دانیال و کلیبولی تصرف نمایند . رئیس ارکان حربیهٔ اردوی عثمانی چون این عمل را پیش تخمین میدانست در ایاب ترتیبات و تدارکات لازمه را اتخاذ نموده بود ، و میخواست که یک ضربهٔ بسیار شدیده و تلفات عظیمه برعساکر متحده وارد آرد . لهذا از برامدن عساکر انگلیز چشمپوشی و تغافل بطرف را مناسب دید . همینکه یک فرقهٔ مکمل عساکر انگلیز و فرانس که تخمیناً بیست هزار یا بلکه فوق داشت که افسری جنرال (...) بخشکه برامد و یک مسافهٔ بعیدی را از بحر پیش بودند ، بمسافهٔ بعیدی کوچک کوچک عسکر عثمانی بجنك و گریز آنها را پیش آمدن دلیر نمود . ناگهان بالقوتهای بسیار از زیر از قوتهای آنها حمله‌های تجاوزی بسیار مدهشهٔ اجرا کرده چنانچه شکست فاحشی به آنها داد که اکثر عساکرشان مقتول و مجروح گردیده مقدار قلیل بقیة السیوفشان بهزار مشقت پس بکشتیهای خودشان رجعت کردند که از انها اکثر شان در دریا غرقاب شدند . جنرال ترینه کشته شدند . و یک جنرال بزرگ و پسر صدراعظم انگلستان که کماندان بود مجروح گردید . ازین فتوحات عظیمه مراسم شادمانیهای بزرگی در استانبول بپا گردید . و شیشهٔ آمال متحدین از فتح دانیال بسنگ ناامیدی برخورده است .

لندن ۶ می ۲۱ جمادی الثانی : — مستر اسکویت در دوران تقریری که در مجلس وکلا کرده گفته است که من بسیار افسوس میکنم که در افواج متحدین تعداد مجروحین و مقتولین از حد زیاد میباشد و جرنیل ترینیز کشته شده است .

ایضاً پتروگراد : — روسها مابین کلیسای مغربی و کاربی تون و دنیجولا پسپاشده میروند . و جرمن الاعلاقة گرا کو افواج جرار آورده حمله‌های شدید بروسیه نموده است . روسیه بعد از مدافعهٔ شدید پسپا گشتند .

لندن ۸ می ۲۳ جمادی الثانی : مستر لاید جارج اعلان کرده که بیمر سوم وزیر اعظم انگلستان را در دانیال زخم کاری شدید رسیده است .

کذا : — جرمنها از جهت بحر بالتیک کارروائیهای بسیار شدیدی اجرا کردن گرفته‌اند . بندر (لیباوو) را قبضه کرده‌اند . و از ان راه مقدار کثیری از عساکر بیرون براورده سرراست بسوی پتروگراد در پیشقدمی است .

جرمنها بطرف کیل بسیار تقرب ورزیده اند و قریب است که خبر فتح آنجا برسد . (زهره) .

لندن ۸ می ۲۳ ماه جمادی الثانی

حسب اعلان محکمهٔ بحری انگلستان کشتی جنگی تباه کن « مادرنی » نام انگلیز که از کشتیهای عظیم جنگی بود بیک تف بحری خورده غرق شد و ملاحان کشتی مذکور در کشتی های خورد نشستند — و کشتی تباه کن کروسیدرنام برای امداد آن رسید — لیکن باطریه‌ئی جرمن از ساحل جرمن گوله‌باریرا آغاز کردند — و کروسیدر کشتی‌ها را گذاشته گریخت —

و قرادیان جرمن آنها هفت افسر جدید و هشتاد نفر ملاح را گرفتار نموده بمقید زوریج بردند —

(کذا) (محاصرهٔ خرتوم)

اخبار « رلز ناجز وتینك » جرمن مظهر است که تقریب ۶۰ هزار مسلمان که قبایل مختلفهٔ مربوطه از وسط ماه فروری به اینطرف شهر خرتوم را محاصره کرده‌اند . و هنوز برای وصول کیفیت مفصل انتظار باید کشید و از آنرو که ۶ هفته مابین مصر صعید و سفلی سلسلهٔ مراسلات منقطع شده است .

در مطبعهٔ حروفی دار السلطنهٔ کابل طبع گردید

همه مقاله‌هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر و سر محرر تحریریافته

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1205 of 1786

شرایط خریداری

دار السلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابلی
ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیهٔ کابلی

در خارج افغانستان

هرجاییکه باشد با اجرت پوست

قیمت سالیانه] ده روپیه انگلیزی | قیمت ششماهه] شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراک قبول نمیشود

یك طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

برهمهٔ کار داران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود: اگر از یك جا بدیگر جا برونددو یا بندمیباید که یك رقعه مدیر وسر محرر را خبر بدهند که من در فلان جا بودم وحال در فلان جا میروم اخبار مرا درانجا بفرستید . هرگاه همچنین یك رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، ویا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا به پنج بار نشر وشایع شود برسرهر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار پیشتر نشر کردن خواهند فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا به پنج بار فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار پیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریك ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تا یك سال نشر کردن خواهد ووجه یك ساله را پیشکی ادا نماید در ورق پشتی بر سر سطری سناز اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1206 of 1786

اعلان

عموم مشترکین کرام خود را

یاد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از شکایت رسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خود رها یابیم ممکن نشد لهذا با کتابخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یك مقاوله نموده با کتابخانه مشار الیه تقسیم و توزیع اخبار مارا که بهمه مشترکین کرام ما برساند درعهدهٔ حمیت خود قبول نمود . مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را بتبشیر یاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبارهای شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای با کتابخانه بخود شان میرسد .

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعه آثار ادبیه را مژده ! ازین ثمرهٔ نوبنو رسیدهٔ گلزار « مطبعهٔ عنایت » کام جانرا شیرین نمائید ! « جزیرهٔ پنهان » یك ناولیست که قوت علم و معرفت وسعی وغیرت را برای اساس زندگانی نوع بنی‌بشر بنظریات وجلوه گر میسازد . هم حکایت ، هم عبرت عرفان ، هم فضیلت ! خوبی چاپ ، خوبی کاغذ ، خوبی تصویرش علاوه . قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان ! تنها (٦) شش روپیه محل فروخت نفس مطبعهٔ عنایت در ده افغانان ، دکان باز محمد در بازار ارك ، دکان غلام محمد متصل در مدرسهٔ شاهی .

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد

کتاب سال دوم ٠ ٠ ٠ مصور مجلد

کتاب سال سوم ٠ ٠ ٠ مصور مجلد

عز و اسلامیت

آیا چه باید کرد ؟

ادب درفن

توحید

این کتابهای فوقدر اداره موجوداست . هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

	قیمت روپیه کابلی
سیاحت بدورا دور زمین بهشتاد روز مجلد	۲
سیاحت درجو هوا مجلد	۲
سیاحت درزیر بحر مصور مجلد	٤
ازهرده سخنی وازهرچمن سمنی مجلد	۲
روضهٔ حکم مجلد	۲

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوقرا داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان از نزد عبد الرئوف سرمرتب واز دکان باز محمد کتابفروش در بازار ارك واز دکان غلام محمد کتاب فروش متصل مدرسه شاهی بقیمتهای معینش خریداری کرده میتوانند .

واگر ازخارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوقرا بکنند باید بسراج الاخبار افغانیه مخابره کنند .

سراج الأخبار افغانیه

۱۳۲۹

نمارهٔ ۲۰ سال چهارم

فهرست مندرجات

لیلهٔ معراج سعادت منهاج از نقطهٔ نظر فلسفهٔ اسلامیه (

ترجیع بند — درنعت (

اخلاقیات (دین ، دولت ، وطن

ادبیات (وطن

رومان وطریق خواندن آن (

حوادث داخلیه (راپورت درخصوص مرض تخاك — راپورت طبی — اطلاع ازمحکمهٔ اطلاعات

حوادث خارجیه | خلاصهٔ وقایع جنك اقتباس ازجریده حبل المتین — شرف وقومیت — مرخص — نقل از اخبار رعد سلاطین وشهزادگان المان که درجنك هستند — مسلمان شدن یك خاندان امریکا — آخرترین خبرها — جنك ایطالیا بااستریا —

تصاویر | منظرهٔ مکهٔ مکرمه — منظرهٔ شهرمدینه منوره — جناب شیخ عبدالعزیز جاویش — ازمجاهدین مشهورحضرات مشایخ سنوسی — طوپهای بزرك المان — هجوم شدید رسالهٔ استریا برطوبخانهٔ روس — مس امستون که درلندن بشرف اسلام مشرف شده

اعلان

از صنایع پرورشهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جرنیل کارخانه جات ، ماشین خانهٔ مبارکهٔ دارالسلطنه کابل علاوه برایفای حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه واوبغو رمه های عساکرشاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخلی که ازآن اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که ازحضور اعلیحضرت همایون حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ، ذیل (دکان عبدالله خان دربازار ارک) میباشد .

(۱) | سرج های پشمینه بافی ورنگهای مختلف که قیمت آن ازقرار گز انگلیزی ۳ قوله مشخص شده ، درصندوقخانهٔ جنسی هم فروش میرسند

اقسام	قسم اول					قسم دوم					
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم وقدری کلفت قیمت آن ۱۰ پیسه زیاد شده	
رقم	تا حال ساخته نشده	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت		۷ روپیه ۵ پیسه	۶ روپیه ۱۱ پیسه	۶ روپیه ۴۲ پیسه	۵ روپیه ۴۸ پیسه	۶ روپیه	۵ روپیه ۱۸ پیسه	۶ روپیه	۵ روپیه ۱۰ پیسه	۶ روپیه ۱۰ پیسه	۵ روپیه ۲۵ پیسه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گز انگریزی کشمیره چهارخانه ۷ روپیه ۳۵ پیسه | کشمیره رهدار هر گز ۷ روپیه بیست پیسه

(۲)	جراب ها			﴿ ۳ ﴾ تکه‌های جری محراب ومنبردار		
رقم	نکتائنکه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج	کلان قدرچی	میانه قدرچی	خورد قدرچی
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه	۱ روپیه ۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۵۵ پیسه

(۴)	کروره های جدیدساخت			
رقم	زه‌باف بقتابه دو قره دو تاره	زه باف یک اسپه دو گره سه تاره	جرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ چار تارهٔ تخی
قیمت	۸ روپیه و۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲۴ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۶ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	جرم‌باف دسته‌بادامی دو اسپه	جرم باف دسته دولاٰه یک اسپه	دسته دولاٰهٔ یکی چار اسپه	جرم باف هرکاب
قیمت	۴ روپیه و۴۸ پیسه	۴ روپیه و۴۶ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۴۳ پیسه
رقم	قبضه برنجی کیلت نقرهٔ توپخانه	قبضه کیلت نقره ازجرم رساله توپخانه	زه باف رقم سواری سامی کلیت	زه باف دو تارهٔ رکاب
قیمت	۳ روپیه و۵۵ پیسه	۴ روپیه و۵۷ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵۴ پیسه
رقم	رکاب ازنغ	جرم باف میانه چوب پت زنانه	از زین سواری نغ جری	زنانهٔ ابریشمی خیاطه
قیمت	۴ روپیه و۴۵ پیسه	۵ روپیه و۸ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته‌بادامی نغ جری	دستهٔ دولاٰمه سامی برنجی کیلت نقره	از زین سواری دولاٰبه نغ جری کجک دار	جرم باف مادین پت یک اسپه
قیمت	۴ روپیه و۴۹ پیسه	۴ روپیه و۴۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

﴿ ۵ ﴾	اقسام گلهای مصنوعی			
قسم	گل جرین	گل نافرمان	گل پرینه	گل شبو
قیمت	۵ ریه و ۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۶ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قسم	شگوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل نسترن	چنبیلی
قیمت	۷ ریه و ۴۵ پیسه	۶ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه ۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شگوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

﴿ المشتهر ﴾

(میر محمد هاشم دفتری کار خانه جات)

(کیدان نظامی)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1209 of 1786

صحیفه (۱)   سال چهارم   شمارهٔ (۳۰)

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
با محصولات ڈاک ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با محصولات ڈاک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یکعباسی است
(اوراق که درج نشود اعاده نمیشود)

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

ادارهٔ خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه به اداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ یکم شعبان ۱۳۳۳   تاریخ انگریزی ۱۴ جون   تاریخ شمسی ۲۴ جوزا ۱۲۹۴

لیلهٔ معراج سعادت منهاج
از نقطهٔ نظر فلسفهٔ اسلامیه

بسم الله الرحمن الرحیم

سبحان الذی اسری بعبده لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الذی بارکنا حوله لنریه من آیاتنا انه هو السمیع البصیر

«پاک است خدائیرا که برد بندهٔ خود را شبی از مسجد حرام بمسجد دورتری که برکت دادیم گرداگرد اطراف آنرا تا بنمائیم از دلایل قدرت خود مراورا تحقیق که خداوند تعالی شنوا و بیناست.» صدق الله العظیم

* * *

چون پیش از سه روز از نشر این شمارهٔ ما مصادف با شب بیست و هفتم ماه مبارک رجب بود لهذا تبرکاً و تیمناً سرنامهٔ مقال این شمارهٔ خود را بتذکار معراج شریف حصر نمودیم. لیلهٔ مبارکهٔ معراج یکی از لیالی مقدسهٔ اسلامیه است که درین لیلهٔ مقدسه درسال پنجاه و یکم ولادت سراسر سعادت حضرت فخر کائنات محمد مصطفی علیه افضل الصلوة والتسلیمات معراج قدسیت منهاج وقوع آمده است. در آن شب قدسیت موهب حضرت جبرائیل علیه السلام از طرف حقتعالی جل وعلا آمده آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم را از مکهٔ مکرمه بمسجد اقصا که عبارت از بیت المقدس باشد. و از آنجا بسموات علیا برد. ذات قدسیت سمات حضرت رسالتپناهی بعد از انکه آیات بینات قدرتها و حکمتهای بیشمار و عجایب و غرایب حضرت باریتعالی جل وعلا را مشاهده و بالذات دیدار حق را رؤیت فرمودند بهمانشب پس بسعادتخانهٔ رسالتپناهی شان تشریف آوردند. فردای آن کیفیت معراج را به امت ناجیهٔ خود بیان فرمودند اولا حضرت ابوبکر الصدیق رضی الله تعالی عنه و بعد از ان دیگر اصحاب کرام تصدیق و تبریک نمودند.

اکثر علما برانند که معراج در سال دوازدهم از بعثت بوده و در ماه او اختلاف کرده اند ولی اکثر و اشهر همین است که در شب بیست و هفتم رجب بوده است. رفتن آنحضرت صلی الله علیه وسلم از مکه به بیت المقدس بنص قرآن ثابت است که نعوذ بالله اگر کسی انکار آنرا بکند کفر است. مراد از مسجد الاقصی بیت المقدس. و مراد از (حول) یعنی اطراف آن اراضی شام است که برکت معنوی آن مهبط وحی و معبد انبیا بودن آن است. و برکت مادی آن بسیاری اشجار و انهار و میوه و فراخی معیشت و خوبی هوای آنست.

چون مسئلهٔ معراج یک چیز خارق العاده و مافوق تصور عقول بشری دیده میشود منکرین این معجزهٔ باهره در گفتار ناهنجار بیشمار است. اما اهل اسلام که بر وحدانیت و کمال قدرت و حکمت ذات اقدس خلاق کائنات اعظم، و آیات محکمات قرآن عظیم الشان معظم و نبوت رسول برحق اکرم صلی الله علیه وسلم از ازل و جان و تصدیق بالقلب و اقرار باللسان ایمان آورده اند بقدر ذرهٔ شبه و انکار را بخیال و خاطر خود هم راه نمیدهند و حاجت دلیل گفتن و برهان آوردن هم برای مسلمانان دیده نمیشود. اما برای منکران اعجاز قرآن عظیم الشان از نقطهٔ نظر «فلسفهٔ اسلامیه» بعضی دلایل فنی و عقلی که بفکر عاجزانهٔ ما رسیده است خود داری نتوانستیم:

دلیل یگانهٔ منکران معراج قاعدهٔ طبیعیهٔ « ثقلت اجسام » است که گویا ثقلت مانع بلند شدن جسم است از سطح زمین بسوی بالا . حالا ببینکه « آرشیمید » حکیم یک قاعده بیان کرده گفته‌است که : « آیا بعضی اجسام چرا در آب غرق میشود ، وبعضی چرا غرق نمیشود ؟ مثلا یک تخته پارهٔ را چون در آب بیندازیم می‌بینیم که برروی آب شناوری میکند وچون یکپاره سنگی را بیندازیم حالا تاقعر آب غرقشدن آنرا مشاهده میکنیم ، ازامعان فکری که درجسته نمود این نتیجه را استحصال کرد که : « حجم هرجسمیکه ازهماقدر یک حجم آب سنگینتر باشد آن جسم غرق وهرجسمیکه ازهماقدر یک حجم آب سبکتر باشد آن جسم غرق نمیشود اگرچه قانون فنیٔ « آرشیمید » ازروی فن کیمیا وحکمت طبیعیه به بسی تعبیرات واصطلاحات جدیده ومغلقهٔ بیان شده است ولی ماازبهرآنکه ذهن مطالعه کنندگان به‌تشویش وتغلیط نیفتد ازقرار فوق بعبارات بسیار ساده ووجیزه تعریف وتبیین کردیم .

تقریباً یکنیم عصر پیشترازین این قانون « آرشیمید » بکرهٔ هوا نیز تطبیق یافته ارباب فن اندیشیدند که اگر یک جسمی پیدا شود که از هوا سبکتر باشد هیچ شبهه نیست که برهوا بالارامدن آن ممکن خواهد شد . تا همین بود که « بالون » نام آلهٔ را که پسران « مونغولفیه » به یک اثر تصادف کشف نموده بودند « الکساندر شارل » نام کیمیا گرمشهور با « مولدالماء » نام غاز بسیار خفیفتر ازهوا که برکشف آن کامیاب آمده بود پرواملا نموده راه بالا برامدن طبقات علوی را برزمین نشینان عالم سفلی بازنمود وتنهاکار برهمین مسئلهٔ خفیفتر ازهوا باقی نماند بلکه کار ازانهم بالاتر رفته درصدد این برامدند که اجسام ثقیلتر ازهوا را نیز بزور وقوت و قدرت فن و حکمت بالا براورده برطبقات عالیه حکمرانی نمایند . چنانچه کردند . وبه طیاره بازی وزپلین رانیٔ خود چهابیست که نکردند .

پس ای منکر حق و حقیقت ! یکقدری ملاحظه فرما وانصاف نما ! اگر هرچه‌باشی ، وبهر دینی کهتدین ، وازهرملتی که هستی . اگرچه بیدین مطلق هم باشی ، آیاحس و عقل هم نداشته خواهی بود که باین یک پی‌ببری که آیا بشریت باینهمه عجز وضعف و ناتوانی که دارد بازهم میتواند که از معاملهٔ کیمیویٔ « حامض کبریت » را با « آهن » « مولدالماء » نام غاز بسیار خفیفتر ازهوا را بوجود آورده وبالون نام یک آلهٔ را باآن مملو ساخته درسبد آویخته شدهٔ آن می نشیند ، و از سطح زمین بهزارها متربالا برامده میتواند ، پس چسان انکارمیتوانی که ذات اقدس خلاق کائنات ، وهستی دهندهٔ موجودات بدرجهٔ بشر عاجز محقر نیز ازعلم ، حکمت ، قدرت محروم باشد نتواند که یکی ازخاصان خودرا که مراد فرماید بجوهر قدسیهٔ علویهٔ ذاتیهٔ خود ازثقلت جسمیهٔ عالم‌سفلویهاش چنان سبکدوش سازد که اسرع ازبرق شده بدور عالم ارضی و بوادی بجولان نیاید ؟ .

بلی ، انکار این امر برای آن گروه لابطحوتی ممکن است که ازوجوب وجود ذات باری منکر باشند ، وچون از وجود واجب الوجود انکار کنند ، لابد ازصفات علم ، حکمت ، قدرت نیز منکر خواهند بود ، و لیکن وا اسفا که این انکار آنچنان انکار کنندگان پیر وشیطان بجز یک عناد و عصبیت جاهلیهٔ بی بنیاد ، گرهیچ چیزی نیست . زیرا وجدان وحسیات خود آنها نیزدرین بادیهٔ بیسروپای گمکرده راهی هیچگاه از تردد واضطراب وتشتت وعتاب رهائی نمی‌یابد ، وباوجودیکه وجدان شان برفتن راه حقیقت اجبار شان میکند ، و هزار ها هزار خارقه های گوناگون وبدایع بوقلمون این کائنات عظمت نمود درهرلحظه وهر لمحه رهنمئیٔ واجب ارشاد شان میباید ولی عناد آتشین شیطانی، وتمرد سر کشی نهادی اعماق چشمان شان را میپوشد ، یا آنکه مانند خفاش که پرتو شمش جهان آرا تاب آور دیدن نشود جبرآ میپوشاند . لهذا روی سخن ما درین مسئله باآن چنان گروه لابطحوتی نیست .

درخاتمه لطیفهٔ محاورهٔ یک پادریٔ نصارا را بایک ملای مسلمان تذکار نموده مقالهٔ خودرا خاتمه میدهیم !

« پادری : — هرقدر فکر میکنم که بدانم آیا محمد [ص] از کدام راه برآسمانها بالارامده ؟ هیچ پی برده نمیتوانم !

« ملا : — وای ! مگر شماهیچ خبر ندارید که پیغمبر ما از کدام راه به سما عروج نموده ؟

« پادری : — نی !

« ملا : — چون چنینست ، باشید که من شمارا خبربدهم .

« پادری : — بسیار مهربانی !

« ملا : — البته میدانید که حضرت عیسی (ع) به آسمان صعود فرموده بود ؟

« پادری : — بلی !

« ملا : — آن نردبان را که حضرت مسیح (ع) برای بالا برامدن نهاده بران بالاشده بود ؟ همان نردبان را ملائکه‌ها فراموش کرده بودند که بیوردند . این است که حضرت محمد [ص] همان نردبان راپیدا کرده بران برامده است ! . . . .

این لطیفه ایست که برای الزام خصم ایراد شده است ، وگرنه ما مسلمانان را کهخدای یگانهٔ بیچون وبیمانند براه راست هدایت فرموده ؛ برمعراج سعادت منهاج پیغمبر برحق ما کهازمکه‌مکرمه تابه بیت‌المقدس وازانجا به آسمانها رفته وعروج فرموده ، وبلقات بدیدار پروردگار شرفیاب حاصل نموده چنان اعتقاد راسخ وایمان قوی ایست که بهیچ چیزی خلل پذیر نمیشود . « والله یهدی من یشاء الی صراط المستقیم . .

حالا تیمناً یک ترجیع بند دلپسند والد مرحوم بزرگوارم حضرت « طرزی صاحب » را که درنعت شافع روز جزا حضرت

«محمد مصطفی» علیه صلوة والسلام والتحایا بشام شریف انشاد فرموده بودند تیمناً و تبرکاً درج صحایف شرف و سعادت مینمایم:

ترجیع بند

در نعت

(۱)

شب وقت سحر زبام خاک رفتم چونکه بسیر افلاک
از ماه گرفته تا بکیوان دیدم همه را بچشم ادراک
صد خیل ملک ستاده برپا از نور و صفا بسان جان پاک
جنت همه پر زلاله و گل دوزخ همه پر زنار و غمناک
از طوبی و سلسبیل و کوثر از زهره و مشتری و افلاک
هر صوت و صدا که گوش کردم هر نقش که دید دیده پاک
هریك بزبان راز میگفت اوصاف رسول شاه لولاك
اینها بچه فهم وصف گویند بشنو که بگویمت ز ادراک

حق گفت چنین باحمد پاك
لولاك لما خلقت الافلاك

(۲)

نورش سبب ظهور عالم قدش الف روان آدم
نامهر نبوتش نگین زد شد ختم پیمبری بخاتم
اوصاف وی از زبان عیسی صد بار شنید گوش مریم
شد جام جهان نماز نامش سر خط رموز ساغر جم
بر زخم دلم طبیب لطفش هر لحظه نهد ز رحم مرهم
آبی ز کرم فشان بروم زیراکه شدم کباب از غم
خم چون نکنم بپیش او سر پیشش چو سپهر کرده قد خم
در پایه دو کون و بحر گردون در پیش بحش بود نمی کم
جائی که کند خدای مدحش اوصاف ویست بهر من دم
من کیستم و کیم که نامم کز ثنا علوی او زنم دم

حق گفت چنین باحمد پاك
لولاك لما خلقت الافلاك

(۳)

والشمس بود صفات رویش واللیل ثنای تار مویش
در حسن وصفات و تازه روئی جنت نبود چو خاک کویش
چون مرده ز نو حیات یابم هر صبحدم از هوای بویش
ازبس گل روی او لطیف است دزدیده نظر کنم بسویش
لب تر نکنند بآب کوثر هر تشنه که نوشد آب جویش
از دام دو کون گشتم آزاد تا گشته دلم اسیر مویش
در صورت اوست شخص عکسم آئینه شدم ز بس بر رویش
دل از تو چو طرزی مدح خواهد این نکته سر نهفته گویش
با ناز و ادا بصوت دلکش از قول خدا بگو بر رویش

حق گفت چنین باحمد پاك
لولاك لما خلقت الافلاك

(٤)

ای نقش نشان بی نشانی دانای نهان و هم عیانی
خوانی خط لوح غیب را صاف هر چند الف ز با ندانی
در جنس بشر بحسن اخلاق کس باتو و تو بکس نمانی
عشق تو زبس شباب طبع است آموخته پیر را جوانی
هم عالم سر رمز معنی هم واقف وحی آسمانی
زان گوشهٔ دامنت گرفتم چرخ است بمن بشخ کمانی
بکشای گره زکار بارم زیرا که ز لطف میتوانی
طرزی نکنی ادای وصفش صد سال اگر تو قصه خوانی
چون خامه خموش باش بگذار مدحش بکلاه آسمانی

حق گفت چنین باحمد پاك
لولاك لما خلقت الافلاك

(٥)

فرش است فلك بخاك راهش بر عرش رواست تکیه گاهش
دارد بخدای قرب ذاتی ذاتست بجز قرب راهش
رحاه کنند تکیه مردم چه تکیه زند بتخت گاهش
مه را چکنی باو مقابل خورشید خجل بود ز ماهش
شد تیر بلا بپای جانت خاری که فتاده در راهش
درباغ بهار عکس رویش گلزار دمیده از گیاهش
طرزی تو بگو حرف مدحش سایه نرسد بقرب ماهش
خود مدحت او کند خداوند طرزی تو مباش سنك راهش

حق گفت چنین باحمد پاك
لولاك لما خلقت الافلاك

(٦)

رویش گل بوستان جانست یاقوت لبش چو جوی روانست
جیبش چو بهشت لاله خیز است دستش چو سحاب درفشانست
از هیبت ابرو سهم رمحش موی تن دشمنان سنانست
شاهنشهٔ قل کفی است زانرو در موکب او شهان روانست
خورشید بسفرهٔ نوالش یك گردهٔ گرم روی خوانست
از سهم خدنگ او عدویش در گوشه خزیده چون کمانست
بگرفت جهان زشرق تاغرب شمشیر کجش چو کهکشانست
اوصاف محامد کمالش طرزی تو بگو کرا گمانست
خاموش نشین و گوش بگشا این مدح شنو که به ز جانست

حق گفت چنین باحمد پاك
لولاك لما خلقت الافلاك

(٧)

باقرب خداست بسکه دمساز گشته چو خیال آسمان تاز
هم عاشق و دلبراست و محبوب هم جمله نیاز هم همه ناز
در دایرهٔ خط بود سر بست انجام وی است حرف آغاز
باعث اوست چرخ گردون چون کبك ضعیف و چنگل باز
سررشته گره زکار کارم جز ناخن او که میکند باز

طرزی نرسید تا بگوشش هر چند بلند کردم آواز
نومید مشو که آخر کار این در برخ تو میشود باز
ای مطرب دلنواز یکدم نی پرده مرا چو چنگ بنواز
طرزی ز سخن کند عبدحش این نغمه بتار ساز بنواز

حق گفت چنین باحمد پاك
لولاك لما خلقت الافلاك

اخلاقیات

دین ؛ دولت ؛ ملت ؛ وطن

این چار کلمهٔ مقدس را می بینید ! اینها چار عنصریست که قوام انسانیت انسان به آنست . کسیکه وطن خود را دوست ندارد شرافت ملی خودرا محافظه نمیتواند . کسیکه شرافت ملی خود را محافظه نتواند ؛ حقوق خدمت و صداقت دولت خودرا نمیشناسد کسیکه انچیزها را ندانست ، و نتوانست ، و نشناخت دینش را ناقص اخلاقش را فاسد ، تربیه اش را مفقود ، و از هیئت اجتماعیه اش مطرود باید شمرد .

« وطن » چیست ؟

« وطن » یك ظرفیست که ملت مظروف آنست . چنانچه ظرف بدون مظروف خالی و بیکاراست ، کذلك مظروف بیظرف نیز از جمعیت ، به پریشانی مرهون دچار است .

« وطن » « پدر مهربان » « وطن » مادر شفقت نشان است که ملت اطفال پرورش یافته و اولاد حمایت دیدهٔ اوست . چنانچه مادر و پدر بی اولاد ، عقیم و عنین است ، کذلك اولاد بی پدر و مادر را نیز یتیم ، اسیر ، حزین باید دانست .

« وطن » شجر است ، ملت ثمر ، وطن چشم است ، ملت نظر ، وطن مزرعه است ملت محصول آن ، وطن خزینه است ملت نقود آن . پس چنانچه شجر بی ثمر ، دیدهٔ بی نظر ، کشتزار بی حاصل ، خزینهٔ بی معامل از فایده و نفع معراست ، کذلك وطن بی ملت ، و ملت بی وطن نیز از همه چیز معراست .

حالا ازین تعبیر های شاعرانه در گذشته یکقدری معناهای حقیقیٔ این کلمات مبارك و مقدس را بعبارات ساده بیان کنیم تا اولادهای وطن بدانند و بفهمند که اینها چیستند و چه تأثیرات و تا چه درجه اهمیت دارند .

پیش از سه چهار سال که بسایهٔ مراحم‌وایهٔ عرفان پیرایهٔ ذات معارف صفات پادشاه مقدس خود ما اعلیحضرت « سراج الملة والدین » اول بار به نشر این اخبار عاجزانهٔ خود آغاز نمودیم کلمهٔ مقدسهٔ « وطن » را که مینوشتیم بعضی از ابنای وطن عزیز ما در خصوص قدسیت آن ، و درجهٔ اهمیت آن تردد میکردند . و حقیقت معنای آن نمی فهمیدند . بدرجهٔ که محبت قدسیت و محبت و فداکاریٔ آن یك چیز عجیب و غریب بیگانه بگوش شان رمیخورد . حتی کلمه‌های « اولاد وطن » « ابنای وطن » را کلمات تحقیر آمیز واستهزا انگیزی میشمردند . زیرا بعضی کله ها و اوباشها را خطاب « بچهٔ وطن » داده تعبیر اولاد وطن را از همان قبیل یك کلمهٔ محقرانه و مستهزیانه گمان میکردند . رفته رفته بآن کلمهٔ (وطن) گوشها عادت گرفت ، و درجهٔ اهمیت و قدسیت آن تا یکدرجه بعضی دلها و فکرها را بشور و حرکت آورده اما لازم بعضی چنین گمان خواهند کرد که مراد از « وطن » همان قریه یا قصبه یا شهری خواهد بود که دران تولد و بود و باش شان باشد ، و مقصد از دوستی وصداقت و فداکاریٔ وطن منحصر بهمان ده و قریه و قصبه و شهر خواهد ماند ، حالانکه معنی حقیقی وطن این نیست .

مختصر ترین و حقیقت نزدیکترین معنیٔ « وطن » این است که « وطن » همان خاکی را باید شناخت که با خطهای سرحدیٔ غربی وشرقی و جنوبی و شمالی از خاك دیگر دولتهای همسایهٔ خود جداشده باشد . بتعبیر دیگر « وطن » ، هرقدر ملکها و زمینها و شهرها و قصبه‌ها و دهها ییست که حکم یك دولت و یك حکومت دران نافذ و جاری باشد . وطن کابلی ، جلال آبادی ، لغمانی ، کنری ، نورستانی ، شنواری ، سپید کوهی ، خوستی ، منگلی ، جدرانی ، کوهستانی ، کودامنی ، نجروی ، تگاوی ، پنجشیری ، غزنیچی ، هزاره‌ئی ، وزیرستانی ، بدخشانی ، قطغنی ، بلخی ، مزاری ، میمنه‌گی ، هراتی ، قندهاری ، وغیره وغیره همه‌گی همان خاك پاکیست که آنرا « افغانستان » میگویند و میخوانند و مینویسند .

حالا بیائیم بر معنی لفظ « ملت » : — ملت نیز مانند لفظ وطن یك شمولیت عمومی دارد . اگر چه همهٔ اهل اسلام را « ملت اسلامیه » میگوئیم و میدانیم ، اما مراد ما از کلمهٔ « ملت » همان مردم و قومیست که در خاك پاك وطن مقدس « افغانستان » معیشت و سکونت و بود و باش دارند و رعیت و تابع یك دولت و یك حکومت هستند . که برجملهٔ آنها عنوان « ملت افغان » اطلاق میشود . تعبیر « قوم » معنیٔ « ملت » را ادا نمیکند . زیرا ملت از اقوام مختلفه ترکیب و تشکیل یافته است . و چنانچه کلمهٔ « وطن » تنها بر یك شهر و یك قصبه و یك ده منحصر نماند ، همچنان کلمهٔ ملت نیز عبارت از یك قوم و یك قبیله و یك ذاتی نیست . درانی ، غلجائی ، تاجیك ترك ، اوزبك ، هزاره ، کوهستانی ، پنجشیری وغیره وغیره جملگی « ملت افغان » گفته میشود . چرا که دریك وطن ، و زیر حکم یك دولت سکونت و معیشت دارند . و آن وطن ! وطن مقدس « افغانستان » ، و آن دولت ! دولت مستقلهٔ « افغانستان » است و بس .

آمدیم بر کلمهٔ « دولت » : — هزار افسوس که در عوام الناس ما کلمهٔ دولت تنها بر پیسه و روپیه و طلا و مال — یعنی توانگری — اطلاق میشود . مثلا میگویند « فلان آدم بسیار دولت دارد » ، یا « فلان آدم دولتمند است » مرادشان این است که یعنی آن شخص

بسیار صاحب پیسه وثروت وتوانگری میباشد . وچون طایفهٔ هنود بامور صرافی مشغول . وبثروت وتوانگری معروف‌اند القاب وخطابی که برای آنها نوشته شود «دولت پناه» نوشته میشود . و اگر با آن طایفه مراسمهٔ سلام و کلام ابتدائی ملاقات بوقوع آید . بجواب «خدانگاهدار» و «آنها دولت زیاد» گفته میشود . عجب القاب وخطاب زردکی مآب ! . . .

اما عجیبتر اینکه این القاب و خطاب را از روی کم زدن و خوار شمردن میدهند . نه از روی اعزاز واکرام ! چرا که آنها را چون لایق خطاب والقابی که بمسلمانان داده شود نمیبیند از آن رو بچنان خطاب والقابی که لایق مسلمانان نباشد مخاطب وملقب میشوند . حالا ملتفت «دولت پناه» باید یک لقبی باشد که مخصوص وزرا ووکلای دولت شمرده شود . بهر صورت ؛ حالا ازین سخن صرف نظر کرده این را بگوئیم که «دولت» در لغت اگرچه معانی بسیار وبرشاخ وبرگ داری دارد اما برای اینکه سخن دراز نشود . واز راه کوتاه تری بمقصد برسیم همینقدر اکتفا میورزیم که «دولت» عبارت از قوهٔ حاکمه ایست که زمام اداره وانتظام

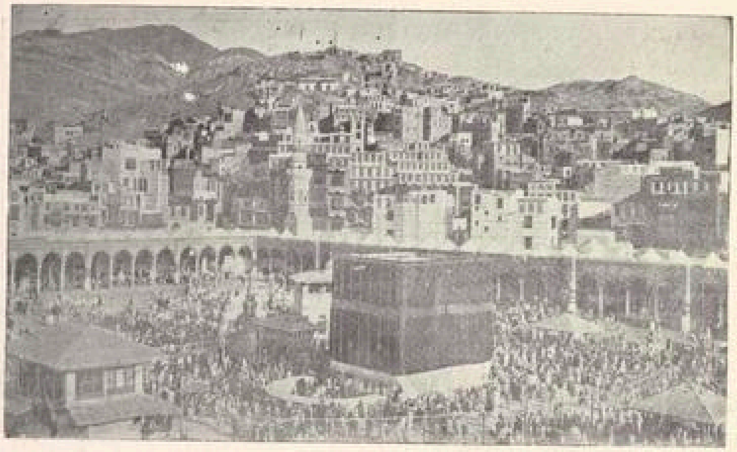

منظرهٔ مکهٔ مکرمه

حرم کعبةالله شریف ویک قسمی از شهر مکهٔ مکرمه

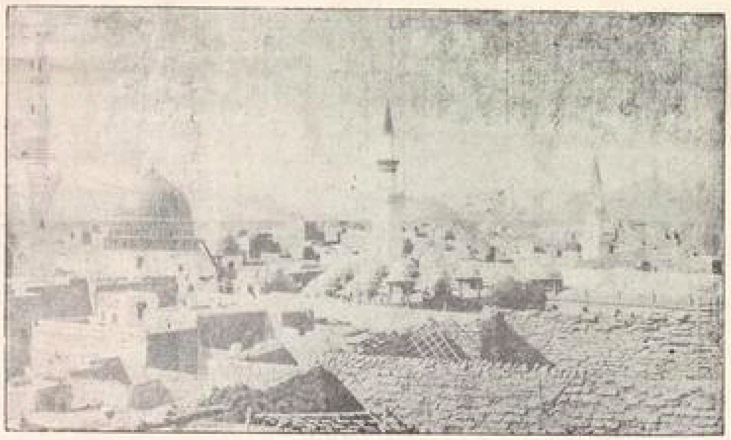

(منظرهٔ شهر مدینهٔ منوره و گنبد روضهٔ مطهرهٔ نبویه صلی الله علیه وسلم)

واحکام عدالت ورفاهیت وثروت وسعادت وآبادی وعمران یك ملت ویك وطن بدست کفایت و درایت ان قوهٔ حاکمه که ازوطن وملت ودین خودشان باشد سپرده شده باشد دولت که گفته شد روح و دماغ ان پادشاه را باید شناخت پس چنانچه وطن بی ملت ، وملت بی‌وطن هیچ وجودپذیر هستی نمیشود، همچنان وطن وملت بی‌دولت ودولت بی‌پادشاه نیزمانند یك جسد بیجان ، مانند یك عرابهٔ موتر چالان‌شده بی‌موتروان ماند، یك اسب سرکش بی لگام ، مانند یك ماشین‌خانهٔ بی‌قوهٔ بخاریهٔ حرکت فرجام میماند !

شیخ عبدالعزیز جاویش

از علمای متبحر مشهور ومجاهد غیور مصر است که درین محاربهٔ حاضره برای رهای دادن وطن خودرا ازدست انگلیزهنگامه‌های عجیبی برپا کرده است

چون این سه چیز — یعنی وطن ، ملت ، دولت نباشد دین هم ناقص وبیکار میماند . بگوئید که چرا ؟ میگویم ازین سبب که تاریخ وواقعات یومیه بما عیاناً نشان میدهد که آن وطنها وملتهای اسلامیه که در زیر احکام وقوانین فرمان روائی غیر دینشان در آمده و آزادی ملی ووطنی شان به اسارت منقلب گردیده در احکام دینیهٔ خود آزادانه مالك نیستند ، یکبار باطراف خود ببینید ! آیا گمان میکنید که آن برادران دینی ما که در زیر پنجهٔ فولادی اسارت غیر دین وغیر ملت خود درآمده اند مانند ماها آزادی دین ، حق وطن ، شرف ملی را مالك خواهند بود ؟ لا والله ! حاشا ! هیچگاه !! .....

آیا نمیشنوید که مسجد مسلمانان را خراب میکنند ، عزت وحقوق واعتبار مساجد ومعابد اسلامیه نسبت بکلیساهای خود شان لاشی میماند ، اگر سرك یاراه ریل شان بکدام معبد ویا تکیه‌گاه مقدس اسلام برابر باید بکمال بی‌پروائی وبی‌باکی آنرا می‌شکافند وخراب میکنند ، در عزت واعتبار وحقوق هیچگاه یك مسلمان بسیار معتبر واحیثیت بایك آدم معمولی خودشان برابری کرده نمیتواند ، اگر اولاد مسلمان هزاربار بدرجهٔ خودشان تحصیل یافته باشد باز هم در رتبه ومنصب ومأموریت بدرجهٔ اولاد تحصیل یافتهٔ خودشانرا نمیابد . حیثیت خودشانرا ، ومارا ودیگران را نوکر میدانند . آنانیکه بوطن وملت ودین خودشان خائن ، غدار ، دشمن باشند خطابهای بزرك والقابهای سترك وعزت واعتبار وروزی میکنند . آنانیکه ادنا میل ورغبت بوطن وملت ودین خود داشته باشند ، ویا براه حقوق دینیه ووطنی وملتی خود دم زدن بخواهند بقلم زنند ضبط میشوند ، تاراج میشوند ، بندی میشوند ، اعدام میگردند .

بتحریف و [illegible] (کافرون) ازالقرآن عظیم الشان جرأت ونشئت میورزند . ملاها وامامهای مسجدهای مسلمانان را بدانستن زبان خودشان ، وبطالب شدن علوم خودشان مجبور میسازند ، قاضی‌ها ومفتی‌های مردم مسلمان اگر احکام دینی وقوانین ملکی شانرا اداکنند مجازات میشوند . والحاصل برای آن اخوان دینی ما که در زیر تسلط وحاکمیت غیر دین وغیر ملت خود شان در آمده اند : نه محافظهٔ دینی نه شرافت ملی نه حقوق وطنی هیچ چیزی باقی نمانده است . اسیر وذلیل حقیر بیچارگانی هستند که خالق کون ومکان ، وروح حضرت پیغمبر آخر زمان ودر کتاب قرآن عظیم الشان مارا ازاینحال نگهدارد ، وآن اخوان مارا هم نجات بدهد آمین .

الشیخ محمد السنوسی
الشیخ بشیر الفزانی

از مجاهدین مشهور حضرات مشایخ سنوسی

ای اولاد وطن !

دین ، دولت ، ملت ، وطن خودرا عناصر چارگانهٔ حیات خود بشناسید . در پابندی دینی صداقت بورزید . حفظ شرافت ملی ، محبت وطنی خود بجان ودل کوشش ورزید . درین نهاره

بهمین قدر سخن اکتفا ورزیدیم . انشاءالله در شمارهٔ آینده از هر کدام این کلمات مقدسهٔ چارگانه جداجدا بحث خواهیم راند .

(باقی در شمارهٔ آینده)

ادبیات

وطن

کلام مسلم تخلص

فرح بقلب همی بخشد آرزوی وطن
نمك بنطق چکانیده گفتگوی وطن
وطن عزیز بود الفتش سزاوار است
هزار جان گرامی فدای روی وطن
بتنگنای غریبی بدل کشم
چه مدعاست بگو گفت یاد روی وطن
شمیم بردهٔ مشك و سواد عنبر تر
نمونه نیست زعطار خاك کوی وطن
اسیر حب آن با مروم کز صدق
گشاده دیدهٔ الفت همیشه سوی وطن
خبردهم بنوای مرغ دل زمن بشنو
فراغت بازد فضای کوی وطن
شه شهان سلاطین سراج ملت ودین
که کس ندیده چواو هیچ کامجوی وطن
دوام دولت و عمرش همیشه خواهانند
جمیع اهل تلاشای شکر کوی وطن
بیمن همت محمود طرزی افغان
چشیده ساغر عشرت ز آبروی وطن
بمستقیم دیار از کجا رسد زحمت
شراب عیش توان خوردن از سبوی وطن
تو رنج کلفت و غربت ندیدهٔ مسلم
چه بحث میکنی از شرح گفتگوی وطن

(رومان : وطریق خواندن آن)

رومان یا ناول عبارت از اثرهای ادبیهٔست که بطرز افسانه نگاشته میشود در عصر حاضر رومانها بسبب خدمتی که در راه تنویر افکار نموده‌اند بیکجزء بسیار مهم ادبیات جدید شمرده میشوند . رومانهای ادبیات قدیم کتابهای الف لیله وسرخروی وغیرهم عبارت از افسانهای دیوها وپریها است که با اعتقادهای بسیار مهمل وباطل نوشته شده‌اند وبی آنکه از فائدهٔ رساند ضرر کلی اخلاق برای خوانندهٔ آن متصور است . افسانهای طرز جدید بنام دیگر رومانها مراد از افسانه‌های بسیار دلچسپ وشیرینی میباشد که از مطالعهٔ آنها یك فرحت وانبساط ذهنی حاصل میشود . اما امروزه روز در اوروپا خوبترین وبهترین ناولها آنست که بطریق افسانه اسارا از فواید علمی وفنی واخلاق نیز بهره‌مند گردانیده ودر ضمن افسانه خوانی وساعت تیری یکدرس حکمت راهم بیاموزاند . واین قسم ناولنویسی دشوارترین شیوه‌هاست که از دست هرکس میسر نمی آید . مگر تنها « ژولورن » فرانسوی یك ادیب مشهوری گذشته که در فن ناولنویسی فنی وعلمی واخلاق مهارت تامی بهمرسانیده توانسته است وچنان اثرهای خوب ومرغوبی را درخصوص نگاشته که تمام اوروپا را درین فن راشادی خود قائل ومعترف ساخته است چنانچه تا بحال بمقدار سه جلد عدد آرا « مطبعهٔ عنایت » که یك اثر بسیار نافع عرفان پروری ذات عالی شهزادهٔ معظم حضرت معین السلطنه صاحب الفخامت برای استفادهٔ اهالی وطن بزبان شیرین بیان فارسی ترجمه ونشر نموده . ودربیان کتابیکه درزمرهٔ مطبوعات این مطبع میمونات منبع جلوه افروز گردیده همانا « جزیرهٔ پنهان » نام ناولیست که بر سه حصه مشتملست . این ناول حال یك پنجنفر فلاکت زدگانی را که از یك بالونی جدا شده وچنان یکجزیرهٔ غیرمعلومی افتاده‌اند که از وضع انهار واشجار آن ظاهر است که از ابتدای خلقت تاکنون بالسانها مسکون نگردیده . ویسکه ازقطعات عظیمهٔ عالم مجرد بوده ودر راه آمدوشد یك واپوری نیفتاده از آن رو در هیچ یك از خریطه‌ها نام وموقع آن هم ثبت نیست بحث وبیان میراند که ، چسان این فلاکت زدگان درحالیکه یك ادوات واسبابی باخود ندارند . وبکلی حالشان بحال زمانهای ابتدائی بشریت رجعت کرده بسعی وصداقت ، واتفاق وهمت خودها همهٔ لوازم وما یحتاج حیات خودرا بدست خود مهیا میکنند . وحالیکه یك آخور مزاحم مالك نیستند بمعاونت همدیگر خود دکه‌ها وکوزه‌ها یکدست خانهٔ منتظمی را که با همه این گونه لوازم تکمیل یافته است برای سکونت خود شان ویك احاطهٔ آغیل را برای رهایش گوسفندان وغیره حیوانات کوهی که بدست آورده‌اند میسازند . وبقوهٔ علم وفن خودها مابین آغیل گوسفندان وخانهٔ نشیمن خودشان تیلیگراف ربط میدهند که همه وقت ودرهرحال اگر چیزی در آغیل بوقوع آید همان یکنفر رفیقشان که در آغیل برای محافظه حیوانات موجود است بایشان خبر بدهد . از یکدانهٔ گندم یك کشتزار وسیعی چسان بوجود می آورند وازان استفاده نموده رفع جوع مینمایند . آیا در چنین جزیرهٔ خشك وخالی صندوق پر از کالا از کجا برایشان میرسد ؟ ودر جزیره چه اسرار است که هواده بی آنکه ایشان از آن خبر شوند ویا آنرا ببینند بسر وقتشان میرسد ؟ صاحب اسرار کیست ؟ ودر کجاست ؟ وچسان خودرا بدیشان وا می‌نماید ؟ بعد از آنکه سه چار سال را درجزیره گذشتانده وآنرا چنان آباد ومعمور میسازند که بایکی از ممالك متمدنه علی‌پهلو میزند چسان همه زحمتها وخواریهای شان برباد شده از زیرزمین جزیره آوازهای هیبتناك رعدمانندی میشنوند که پس از چندی جزیره با ماحلهای خود دفعتاً ازهم پارچه شده بهوا میشود وآبهای بحر بجای آن هجوم آورده از جزیرهٔ معمور یك اثری نمی‌ماند وآیا این پنجنفر رفقا چگونه بسلامت می‌مانند وچسان ایشان دوباره باوطان خود مراجعت میکنند و

مختصراً ناول «جزیرهٔ پنهان» اثر وطنیه که مخصوص ناولهاست جهان جهان علم وفن عالم عالم حکمت واخلاق را حاوی است . ولی چون درینجا تنها مرادما از تعریف ناولها نیست بلکه طریقهٔ خواندن آنهاهم یکجزو مهم عنوان ماست از او میخواهیم که درذیل به برادران وطنی خودمان طرز خواندن رومان را بیاموزانیم :

ناول ها مانند کتابهای افسانه های طرز های مروج وطن عزیز ما که انسان ورق زده ازمابین یکجای را بکشاید و بخواندن آن آغاز کند خوانده نمیشوند بلکه برخلاف آن کتابهای ناول را ازسرباب اول و از صفحهٔ نخستین باید خواند و با آن هم اگر یکدو سه ورق آن هم خوانده نشوند و باب اول آنرا سرا پا انسان بدقت مطالعه نکند مراد ومطلب آنرا نمی فهمد ودر اول امر خوانندهٔ آن درمابین یک هجوم بزرگ موهومات ومبهمات بندی ماند که هیچ بسرانجام آن عقلش نمیرسد . مثلاً اگر ناول «جزیرهٔ پنهان» را سر از صحیفهٔ اول باب اول که ادمیس لیسم اقوتر وعنوان «بخواندن ابتدا کنیم تا کجای این جمله‌ها را می بینیم که بی هیچ دیگر نوشته شده‌اند «یکی میگوید «بالا میرویم» » دیگری میگوید «پائین می آئیم» «... بلی بلی «درزیرپای ما بحر ذخّار است» .

حالا چون کسی ابتدا بخواندن کند ودر آغاز کتاب نظرش را چنین صداهای مجهول و ناگهانی که گویندهٔ آن هم معلوم نیست جلب کند از سبیکه چاره نابلداست ازین آوازها متوحش شده بخیالش میرسد که مگر آقای محرر این کتاب دیوانه شده است که پیش ازانکه مانند کتابهای افسانه های طرز قدیم مادران نوشته باشد که «ناقلان آثار وراویان اخبار چنین حکایت کنند» و سرسخن و آغاز بحث معلوم باشد . دفعتاً به آواز های مجهول «بالا میرویم!» و «پائین می آئیم» که هیچ از حقیقت و کیفیت آن هم خبرندارد ابتدا کرده است ومحض بهمین یک دیدن خود که نتیجه اش را ندانسته دل تنگ شده و آنرا سخنان گفته خودرا یکسو کشیده ازخواندنش دلسرد میشود زیرا آغاز این حکایت وموضوع آن معلوم نیست ودر آواز صداهای مجهول که مفاد آن هم تاحال خیلی مجهول است نوشته شده اند .

خیر! بعضی مردمانی هم هستند که شوق خریدن ودیدن این کتابها دردل شان می افتد و آنرا به خیال اینکه یک افسانهٔ مانند کتاب «حاتم» و «پنج در وپنج» که آنرا بارها خوانده است خواهد بود . پس محض برای عار آوری چنانچه قاعده است ازمابین کتاب یکجایش را کشاده بجای کُن که اینهمانند «کتاب حاتم» [باب پنجم «رفتن حاتم بکوه ندا»] یک چیزی خواهد بود ودوسر سخن همین باب ظاهر از همین جا شروع خواهد شد . ولی چون باب پنجم این کتاب را میکشاید بعد از خواندن یکدو سه سطر دفعتاً چشمانش را یک ماندگی و تنگی فرا میگیرد زیرا بجای آنکه آغاز سخن وشروع به حکایت دیگر باشد ، میانهٔ سخن و ذکر حکایت است ونیز بعضی نامهای عجیب وغریب را که در عمر خود هم نشنیده می بیند بیچاره حیران میشود که این چه افسون است و آنرا « سحر است و سر و پاش معلوم نیست » گفته برجایش میگذارد . وملامت هم نیست چرا که ازعهد طفولیت نظر مطالعه اش بخواندن کتابهای حکایات طرز قدیم آشنائی گرفته است . حالانکه این ناولها بی مبالغه صد بار از افسانهٔ «سرخ‌روئی» «خسرو و شیرین» «شیرین وفرهاد» «هزار الف لیله» وغیره نافع ومفیدهستند .

لهذا طریقهٔ خواندن ناولها چنانست که انسان از سر کتاب از باب اول شروع کرده وبی آنکه سبب نفهمیدن خود را دراول امر ازدل خود سوال کند مسلسل بدقت بخواند و چون باب اول را خواند دراخیر ازیک درک آنرا خودبخود یافته رفع اشتباهش میشود . وباز بباب دوم بامید حل بعضی مجهولاتی که درباب اول دیده است آغاز میکند وهمچنان بکمال ذوق وشوق تا به‌اخیر کتاب بمطالعهٔ خود دوام میورزد .

علاوه برین یکانه مانع بزرگی که در راه خواندن آثار مطبوعه مطبعه عنایت وتوسیع اشاعت اخبار واقع شده همانا نا آشنا بودن اهالی وطن ملت ازچاپ حروف «تیپو گراف» و از آنست که بعضی مردم میگویند که عبارت اخبار مغلق ، و کتابهای مطبعهٔ عنایت مغلق خوانده نمیشوند . حالانکه همهٔ این کتابهای مطبعهٔ عنایت بزبان مروجه فارسی سلیسی که ازان آسانتر ومرغوب‌تر ممکن نیست نوشته شده اند مگر چه چاره که عوام الناس چاپ حروف وطرز جدید تحریر آنرا دیده و آنرا عربی یا انگلیزی پنداشته واز ان ترسیده همان فارسی خود را بدلبری خوانده نمیتوانند . حالا این نقصانرا باخبار ومطبعه راجع نباید کرد ، زیرا امروزه روز مطبعه های اعلا واشیق که در دنیا موجود وشایان قدر واهمیت میباشند تنها مطبعه‌های حروف «تیپو گراف» هستند . ولی چه توان کرد ! که چشمهای اکثر اهالی وطن عزیزما باچاپ قدیم سنگی بمبئی ولاهور عادت و آشنائی گرفته است :

چشمی که بود لایق دیدار ندارم
دارم گله ازچشم خود آزار ندارم

مگر حالا میباید که این عادت خودرا ترک کنند ونظر خودشان را با چاپ حروف آشنا وعادی بسازند ، زیرا در افغانستان از توجهات جهانداریهای مرحمت زودی اعلیحضرت پادشاه ترقیخواه محبوب القلوب مظنه محتمل که آینده اجزاء حروف برای آوردن مطبعه‌ها عطا شود وهر کس ، بشوق خود برای خود یک مطبعهٔ مستقل خریده ودران آثارطبع ونشر کند ، وازینجا ظاهر است که آن مطابع البته ازصنف مطبعه های حروف خواهند بود .

حالانکه مطبعهٔ غیرسرکاری که در وطن عزیز ما موجود است همانا «مطبعهٔ عنایت» است که از دو سه سال باینطرف کار کرده و تاحال باوجود کوچکی خود درینقدر مدت اندک قریب ۷ عدد اثرهای بسیار مفیدی‌را انتشار نموده است که حقیقتاً یک خدمت بسیار بزرگ ملی ووطنی‌را درراه علوم ومعارف انجام داده است .

مطبعهٔ عنایت ازقسم رومان ، غیرازکول ، جزرهٔ پنهان ، که وصف آن مذکور گردید ناولهای «سیاحت درزیر بحر» و «سیاحت بدورادور کرهٔ زمین به هشتاد روز» و «سیاحت درجوهوا» را با دو عدد کتاب بسیار شیرین ادبیات جدید فارسی بنام «روضهٔ حکم» و «ازهر دهن سخنی وازهر چمن سمنی» که همهٔ این آثارمذکوره ترجمه وتألیف وطنخواه غیور ادیب مشهور فاضل یگانه فیلسوف فرزانهٔ وطن عزیز ماجناب «محمود طرزی صاحب» است وهر کدام آن لطافت وذکاوت صوری ومعنوی را مالک است نیز طبع ونشر نموده است بهمه حال ما از جناب حضرت حق سبحانه تعالی خواستگاریم که در زیر سایه ترقیخواه اعلیحضرت پادشاه ترقیخواه معارف اکتناه خود مادر ملت افغان ووطن عزیز ما افغانستان بس آثار مفیده باعث ترقی مادی ومعنوی باشد درمعرض انتشار در آمده مملکت وملت را ازان یک ترقی فوق العاده دست دهد !

«یکی از خوانندگان سراج الاخبار افغانیه» م ع

حوادث داخلیه

راپورت

در خصوص مرضی که در تخاك ظهور یافته بود
از طرف جناب امین العسس بحضور عالی حضرت
معین السلطنه صاحب افخم واز طرف عالی شان
برای درج شدن باداره عاجزانه مارسیده

بتاریخ روز شنبه ۹ ماه جمادی الثانی بکوتوالی احوال رسید که یک قسم مرض بسیار مهلک درتخاك که شش کروه از دار السلطنه کابل بعید است پیداشده وتاحال چند نفر بمرض مذکور گرفتار وهلاک شده اند فی الفور امیر الدین خان وعبد العزیز خان داکتران برای علاج آوری ازمقرر وبسواری گادی فرستاده شدند هردو نفر مذکور واپس آمده اظهار کردند که مرض مذکور نهایت مهلک ومتعدی است ازقراریکه ازمردم انجا تحقیق کرده شد در (۲۶) ماه جمادی الاول یکنفر مسافر ازپشاور آمده حینیکه درمنزل تخاك رسیده تب کرده واستفراق برای او پیداشده فوت گردیده دفن کنندگان او که یکنفر ملا وسه نفر دیگر بودند بعد ازان بهمین مرض گرفتار وبدو یوم فوت شدند چنانچه دریکخانه دونفر برادر ویک خاله شان برای خبرگیری امده بودند نیز بهمین علامات گرفتار وفوت شدند غالباً مرض مذکور بتوما یا بطاعون خواهد بود ازین احوال بحضور حضرت عالی معین السلطنه صاحب فی الفور عرض شد ازانجا که حضور مبارک غمخواری زیاد برای رعیت دولت خداداد دارند فی الفور بقلم مبارک خود برای عالیجاه عزت مند میر عزت بیک خان داکتر شفاخانه ملکی فرمان تحریر نموده موترسواری خودرا برای او فرستادند که رفته علاج آوری نموده صورت علاج آوری خودرا معروض دارد داکتر موصوف که شخص خدمتگار صادق دولت ودرفن داکتری قابلیت زیاد دارد رفته علاج اوری نموده بحضور مبارک شان از قرار ذیل بعرض رسانیده : که درینوقت بنا بر بعضی عوارض که درسه نفر مریضها دیده میشود حکم نمیتوانم که این مرض طاعون باشد بلکه مرض ذات الریه متعفنه میباشد اما بقرار افسانه هائیکه از مردم شنیده ام معلوم میشود که یک مرض شدید متعدی خواهد بود لهذا درین فقره ضرور است که اولا روز یکدفعه خود من برای دیدن مریضان مذکور بروم - دوم ۹ پهره قطاری مقرر شود که مردم قریه تخاك را ازقریه بیرون نگذارند ، سیوم خیمه ها برای مریضان وعطار خانه واسپتال داده شود چهارم خرج سرکاری ازطرف روز نان و گوشت ودو وقته چای واز طرف شب پلاو برای مریضان ونفری اقوام مریضان که برضای خود تیمار داری مریض ها را میکنند داده شود — پنجم گادی از طرف سرکاری مقرر شود که همه وقت ادویه وغیره که بکار شود در تخاك برساند . ششم انچه لباس که ازجان متوفا کشیده شود سوختانده شود اما وجه ان ازسرکاری داده شود که بورثه متوفا برسد بعد از منظوری این استدعای خود بقراریکه لازم بدانم خود رفته سررشته معالجه شان را انشا الله تعالی بقدر امکان و لازمه میکنم اضافه اختیار بحضرت کردگار است ، فدوی دولت درباب استدعای داکتر مشارالیه وغیره انتظامات آن بحضور حضرت عالی نائب السلطنه صاحب نیز عرض نمودم حضرت عالی موصوف بحضور پرنور اعلیحضرت والای روحی وجسمی فداه بعرض رسانیدند — حضور مبارک فدوی دولت را با عالیجاه ملک محمد اصغر خان مقرر فرمودند که در تخاك رفته سررشته بند وبست جاهای تهانه ها وغیره را بکنم از حضور مبارک یکمراه موتر مقرر فرمودند که بسواری موتر رفته جاهای پهره هارا ملاحظه کرده بحضور مبارک حضرت عالی نائب السلطنه صاحب ومعین السلطنه صاحب بعرض رسانیدم فقرات عرض واستدعای داکتر مشارالیه را منظور فرمودند حسب الاحکام شان فدوی دولت پهره هارا مقرر کردم ونفری تخاك قرنطین نموده شد برای مریضان ونفری خدمتگاران شان مطابق منظوری ازطرف روز دووقته چای ونان وشوربا ، واز طرف شب پلاو مقرر نموده اضافه بران برای بعضی نفری غریب کار که شبه درشهر آورده بفروش رسانیده اخراجات وقوت عیال وارهٔ خودرا مینمودند بقدر گذارهٔ شان بواسطهٔ عالیجاه ملک محمد اصغر خان گندم وجواری از کدام بطریق مساعده داده شده که اسوده ونارام باشند ونفری که فوت شده لباسهای او آتش داده شده قیمت آن از طرف سرکاری برای ورثهٔ آن رسانیده شده — وحضور مبارک حضرت عالی معین السلطنه صاحب موترسواری خودرا مقرر کردند یومیه بدمن خانه داکتر مشارالیه موتران عالی موتررا برده همراه داکتر

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1218 of 1786

مذکور وعالیجاه عبدالمجید خان تعلقدار کوتوالی در بتخاک میرفت واز محکمهٔ کوتوالی نیز اجرای قطرات فوق شده نفریکه از ابتدا الی روز جمعه ۲۲ ماه جمادی الثانی بمرض مذکور گرفتار وفوت وصحت شده‌اند از قرار ذیل است بدینموجب —

۲۲ نفر

فوت شده ۱۵ نفر

دین محمد ولد خیر محمد — ملامهمند ولد غلام نقشبند — فتح علی ولد گنج علی — ملانورالله ولد غلام نقشبند — عیال ولی محمد ملاعجی نام — یك نفر مسافر — عبدالباقی برادرزاده ملا مهمند گنج علی پدر فتح علی مذکور — عیال محمدزمان — شیرمحمد ولد یار محمد — محمد ایوب نام — ملك سیف‌الدین پسران ملك مذکور — دونفر آقا محمد عبدالرحمن

نفری که صحت شده‌اند ۷ نفر

عیال ملاقیام‌الدین — ملك محمد ولد حاجیخان — بازو نام — عیال نوروز خان — عیال گنج علی مذکور — سیدال نام — محمد اسمعیل نام جراح —

بعد از تاریخ مذکور متواتر الی روز چهارشنبه ٤ ماه رجب رپوت خیریت رسیده بقرار اجازهٔ داکتر موصوف نفری نظامی خواسته شده وقرانطین موقوف گردیده الحمدلله والمنه از برکت بخت بامسعادت اعلیحضرت همایونی مرض مذکور دفع ورفع گردیده وخاطر جمعی کلی حاصل وفضل خداوندی شامل احوال است چون این واقعه بسیار سخت ووهمناك بوده برای رعیت دولت خداداد پریشانی زیاد ازین باعث باید احوال شان گردیده ضرور است که مهربانی فرموده مفصلاً درج سراج الاخبار مبارکه بدارید تابرای جمیع رعایای دولت خداداد که ازین احوال شنیده‌اند مسرت وخاطر جمعی حاصل شود —

ونیز از اتفاق ومسلمانی ودیانت مردم قریهٔ بتخاك مرقوم میشود که بقرار تعلیمات داکتری واوامر حکومت به بسیار درستی واطاعت وحسن خدمت حرکت کردند وبه هیچ قسم بیجرائی وخوف واندیشه دوچار نیامده در معاونت مریضان خود شان وبجا داشتن قرانطین بجان کوشیدند وبه اعتقاد راسخ واعتماد کامل ثابت‌قدم ماندند — ونیز داکتر موصوف الذکر حسن خدمت گذاری وصداقت کیشی نفری نظامی وغیره نفری خدمتی که از طرف سرکاری برای انتظامات بتخاك وغیره بقرار ذیل مقرر شده بودند بحضور حضرت عالی معین السلطنه صاحب بعرض رسانیده رضامندی زیاد نمود حضور مبارك بنابر حسن خدمت گذاری نفری مذکور و کمال مهربانی دوماهه تنخواه نفری مذکور را بصیغهٔ انعام برای آنها مرحمت نمودند تاجمیع صداقت کیشان دولت امیدوار احسان ومرحمت پادشاهی بوده همواره خدمت خود را بصداقت وراستی بدارند نفری که برای شان دوماهه تنخواه انعام داده شده

۷۰ نفر

نفری نظامی ۶۷ نفر	غیرنظامی ۳ نفر
سپاهی وحواله دار ۶۵ نفر	مهماندار کوتوالی نفر
عالیجاه محمد یعقوب خان کپتان نفر	ماتحت مهماندار مذکور نفر
سقاء شیعت کوتوالی نفر	محمد علم مبرز نفر

رایورت طبی

بحضور عالیجناب معین السلطنه صاحب افخم
از طرف عزتمند داکتر منیر عزت بیك خان

بتاریخ دهم ماه جمادی الثانی بموجب امر وفرمان عالی بتخاك رفته وافکار عاجزانهٔ خودرا بتفصیل عرض کرده بودم از تاریخ مذکور تاامروز مشاهدات فنیهٔ خودرا که روزمره بوقوع آمده است بقرار ذیل عرض میدارم ملك محمد ولد حاجیخان وعیال ملاقیام الدین را که پیشتر ازین بمرض گرفتار آمده بودند هردو نفر شانرا بکمال دقت معاینه کردم درملك محمد علایم مرض ذات‌الریه بصورت بارز ومعلوم داری موجود بود ودرجه حرارتش ۳۸ محسوس میشد عیال ملا قیام الدین اگرچه در سینه اش علایم التهاب دیده شد اما بسیار مضطرب نبود ودرجه حرارتش تا ۳۸ بود از نتیجه سوال وجوابی که کرده‌شد اقرار کردند که ملك محمد وهم ملاقیام الدین بخانهٔ که مریض دران مرده بود برای فاتحه رفته بودند وقوعات سابق را که دیده بودم ومانند یك افسانه شنیده بودم چون تفصیلات آن افسانه بااین مشاهده منتظم گردید امکان نماند که قطع تشویح برین که مرض یك مرض متعفن وشدید متعدی میباشد یعنی یك مرضیست که ازیکی بدیگری سرایت میکند دردهم ماه شیرمحمد ولد یار محمد بیمار گردید اندیشیدم که این بیماررا برای روشنی فکر خود بکمال واحد قیاسی وبرای تعین نمودن حقیقت وماهیت مرض مقیاس اساسی باید بگیرم لهذا بیك دقت فوق العاده هرطرف آنرا معاینه کردم اولاً هیچ یك علامتی که مرض طاعون را نشان بدهد در اونیافتم حتی یك غدود بسیار کوچکی نیز درهیچ طرف وجودش رانخوردم درسینه چپش بسیار درد شدیدی موجود بود از پشت در سرش نه ودر یك نقطه محدودی که گوش نهادم خرخرصدای فرقیه را شنیده همین نقطه دردشدید بالمس داشت ودرجه حرارتش نیز ۳۹ بود نفس تنگیش هم بسیار آشکار بود وقتیکه سرفه میکرد اخلاط خون آلود از سینه اش می آمد لهذا تشخیص ذات الریه را وضع کردم امااین شیرمحمد یك روز پیش از آن از علاقهٔ جبار داکتررا آورده وباهیچ یك مریضی از مریضان سابقه خود واو متعلقانش اختلاط نکرده است وخودش گفت که از چندروز طبیعتم خوب نبود روز سه شنبه خبر گرفتم که عبدالباقی نام شخصی با عیال ولی محمد بیمار شدند عبدالباقی اگرچه از نفس مضطرب بود ودرجه حرارتش

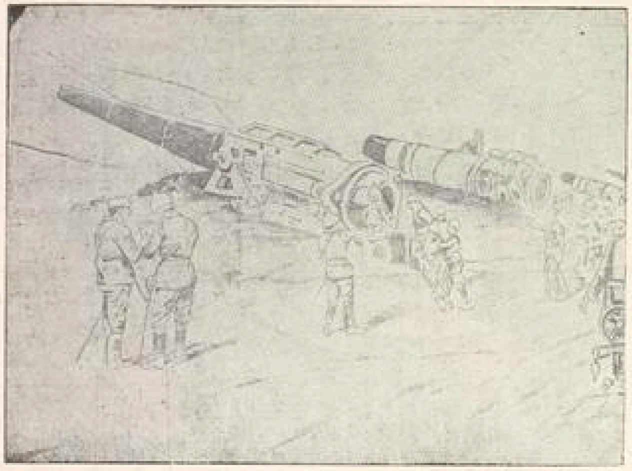

طوپهای بزرگ سحرپرداز جانستان المان

جلند وفوق العاده متعیب دیده میشد خفیف سرفه میکرد واز سینه‌اش خون نمی آمد چون بسیار بیتاب بود معاینه اش ممکن نشد احتمال دارد که از اول بمرض سل گرفتار بوده باشد برعیال ولی محمد نیز مانند شیر محمد ذات الریه تشخیص کرده شد ملا محمد ایوب چون بعد از خبر شدن ما به نیم ساعت وفات کرده بود در حق مرض او بیان فکر نمودن صحیح نیست ولی یکشنبه مرحوم سینه اودرد داشت وسرفه میکرد شیر محمد بوسه شنبه وعبدالباقی روز چهار شنبه و عیال ولی محمد روز پنجشنبه وفات کردند دررپورتی که ۱۷ماه تقدیم شده بود که مفصلاً ذکر شده بود ملا صفی الدین روز جمعه دچار شده بود فوراً معلوم کرده بودم که بمرض ذات الریه مبتلاشده بود و یکشنبه وفات یافت در این مرض های که دیدم در وجود هیچ یک از آنها یک غده کوچکی تصادف نکردم مرض ذات الریه یک مرض متعدی است که بشکلهای مختلف رونما میشود این مرض چنانچه در اصل خود از امراض مهلکه شمرده میشود مکروبی بودن آن هم شرط است و هر مرض مکروبی ساری میباشد ودر نقطه نظرقل یک مرض هر مرض از علامتهای که از آن کشف کرده میشود واین علایم دریک نقطه محدود سینه درد شدید وتنفس تنگی و ترفع حرارت ونفث الدم ودر او نقطه محدود سینه خراخر فرقعیه میباشد نظر بگفته متخصصین ماهرین مکروبان مرض بنام (نیمو قوق) یک مکروبی دارد که اگر مقدار آنها گاهی خیلی زیاده شود و یا شاربون استرپتوکوک و استفلوکوکوس مثل دیگر مکروبها مترافق شود در مرض حکم خود را شدیداً اجرا میکند واکثر مریض آن رهائی یافته نمی توانند که این مسئله را تنها متخصصهای مکروبیولوژی تعین کرده می توانند بالارقام ، نظرقل یک که تشخیص شده تنها عبارت از ذات الریه میماند باوجود یکه یک مرض ساریست ولی سرایتش نسبت دیگر امراض بسیار خفیف است دیگر اینکه استعداد مرض هم در این شرط است ذات الریه های که از نتیجه یک مرض متعفن باشد دارای بصورت ثانی ظهور میکند یعنی بعد از آن که مریض داخل بدن

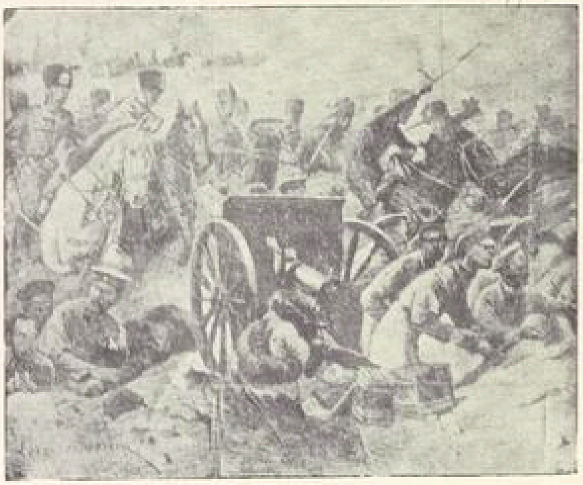

هجوم شدید رسالهٔ اوستریا بر طوپخانهٔ روس

بشود و علایم خود را ابراز کند متعاقباً یك ذات الریه ظهور میکند و کرنه یك مرض ذات الریه طاعونی ابتدائی موجود نیست و نمیشود بناءً علیه تا بحال هیچکس که بمرض طاعون دچار شده باشد ظهور نکرده است در یك مملکتی که مایهٔ مرض طاعون موجود نباشد و هم مرض حکم فرما نباشد تنها یك ذات الریه که خود بخود ظهور کرده باشد طاعون گفتن صحیح نیست پس در اینحال درباب این مرض که پی همدیگر یك شکل و یك نوع اعراض و در یك مملکت ظهور نموده است چه تفسیر باید کرد بجواب گفته میشود که نظر باستعداد اهالی و تبدلات هوائیهٔ موسم و دیگر بعضی اسباب هاواقعتدن بعضی امراض مستولی در بعضی مملکتها از واقعات است آیا این مرض نخالك را که ادعا کرده میتواند که امروز در کابل هم موجود نباشد تنها در شفاخانهٔ ملکی از ابتدای نوروز تا بحال هشت نفر دچار که بهمین مرض مبتلا بوده اند بشفاخانه آمده است که سه نفر آن فوت شده است و پنج نفر آن شفایاب شدند که از آن پنج نفر دو نفر شان تا بحال در شفاخانه زیر تداوی میباشد و بدیگر هیچ کسی مرضش سرایت نکرده است پس در اینحال گفته میشود که مرضیکه در این روزها در نخالك موجود است قطعاً از علایم طاعون مبراست و از نقطهٔ نظر قلبی قبل یك مرض ذات الریه میباشد اما شکل مرض اگر از نقطهٔ فن مکروبیولوژی باشد بسیار تأسف میکنم که در آن فن جلیل چون اختصاص ندارم سکوت میکنم طاعون بسیار مهلك و شدید متعدی یك مرضیست در این زمان های اخیر در بعضی جاهای هندوستان در طرف یکماه چهل هزار آدم آن مبتلا میشوند و سی و چهار هزار آن وفات می یابد اینچنین ظالم یك مرض بر اهالی نخالك کاهی شفقت و مرحمت نخواهد کرد تدبیریکه بعمل آورده‌ام با آن درجه شدید نیست که سرایت را مانع شود که مانع شدن انتشار مرض را ادعا کرده بتوانم بناءً علیه در یك دهی مانند نخالك که هر جبهٔ آن و هر حال آن از حفظ الصحه قطعاً عاری باشد در میان یك جمع کثیری که قطعاً از احتیاط و تدبیر و اصول نظافت مبرا باشند سرایترا توقیف کرده توانستن عدیم الامکان است در اینحال این مرض بکدام شخص سرایت کرده است و کدام شخص از چاری کدام کس مرض را ربوده بیمار شده است این است که در این خصوص عجالتاً میدان اینچنین وقوعاتی ندیدیم و نه میدیدیم مثال اولاً از جملهٔ مشاهدات عاجز هر مریض یك سبب که داشتند مریض شدند ملك سیف الدین همراه مریض ها کاهی اختلاط نکرده و لاکن بعد از ماندگی بسیار و جان عرق بر خود را اشهال داده دوغ و آب سرد و دیگر اشیاء سرد خورده دو ساعت بعد آثار لرزش پیدا کرد بچه های ملك مذکور همدوی آن بسیار سنگ های کلان کلان را بار کرده بالای قبر پدر برده اینها هم مثل پدری احتیاط طی کرده یك دو ساعت بعد از برای شان علایم لرزش پیدا شد محمد اسمعیل جراح ملازم شفاخانه از سکونت جای خود تا منزل قافله رفته قافله را یکان یکان ملاحظه نموده در آفتاب جان او عرق بسیار کرده بعد از آنکه ملاحظه اسپ را سوار شده دوانیده جان خود را اشهال داده از برای اینهم یك دو ساعت بعد علایم لرزش پیدا شد ثانیاً پدر ملك محمد و ملا قیام الدین بنوکاغذه برای فاتحه رفته و پسر یکی و عیال دیگری بیمار شدند اگر این مسأله را سبب مرض فرض بکنیم ملا قیام الدین هر روز پنج وقت در مسجد نماز میخواند و با اهالی تماس میکند و پدر ملك محمد بسبب که دکاندار است هر روز با او بسیاری از مردمان اخذ و عطا میکنند و در

« مِیس آمستون »

(که در لندن بشرف اسلام مشرف شده است)

خانهٔ شیر محمد هشت نفر اولاد و عیال و پدر و مادرش موجود است و در خانهٔ عبدالباقی و در خانهٔ ولی محمد دوازده نفر موجود است و در خانهٔ ملک سیف الدین اولاد و اقارب مذکور سی چهل نفر میشود تا به ظاهر شدن مرض او عادتاً همه یک جا و یک وجود بودند. وقتیکه مرض از برای او معلوم شد بخانهٔ آن ده نفر مانده دیگر تعلقات شانرا جدا نمودیم سه پسران که هم خانهٔ پدر بودند و یک پسر دیگر آن آقا محمد نام خانهٔ علیحده داشت که همراه پدر خلطت نکرده چند یوم بعد از پدر خود عبد الرحمن و آقا محمد پسران ملک بیک روز مریض شدند هرگاه فرض کنیم که عبدالرحمن هم خانهٔ پدر بود مرض را از پدر گرفته آیا ناجوری آقا محمد بچه قسم تفسیر کرده میشود و باقی سی چهل نفر که همراه ملک خلطت داشتند چرا مریض نشدند والحاصل همسایهها و دیگر مردمانی را که با ملک محمد وملا قیام الدین و بابچههای شان اختلاط میکنند بسیار نفری میشود حال آنکه تا امروز در هیچ کس شکایت ظهور نکرد از وقتیکه مواد مرضیه در وجود دخول میکند تا بوقتیکه مرض ظهور میابد روزهای را که درین اثنا میباشد آنرا دور تفریخ میگویند بنابران دور تفریخ طاعون از بیست و چهار ساعت تا به سی و شش ساعت است که باین حساب شیر محمد از سیزده روز محمد ایوب و عبد الباقی از دوازده روز عیال ولی محمد از یازده روز باین سو وفات کرده اند پس چون چنین باشد از انجاء شصت نفری که در ان خانه ها موجود دارند در هیچ یک از انها عوارض مرض دیده نشود ان مرض را مرض ساری گفتن و این حال را طاعون ادعا کردن برای یک طبیبی که از جدیت و شرف طبابت نصیب داشته باشد یک معامله جدی شمرده نمیشود مع مافیه برای این همه وقوعاتی که از اول تا باینجا عرض کرده امدم وقوعاتی که تا تاریخ امده و گذشته است استنباط کرده بکمال اطمینان عرض کرده میتوانم که در این حال حاضر این مرض طاعون نمیباشد تا بحال اصولیکه تطبیق کرده شده عبارت از یک کسانی بود که یک مرض متعدی موجود است مع مافیه درخصوص بقای آن بالفعل آن باقی الحال و بابعد از تحقیق دیگر حکم اعلیحضرت همایونی تعلقدارد ومن الله توفیق محرره یوم یکشنبه ۲۴ شهر جمادی الثانی سنه ۱۳۳۳ دکتور منیریک

(از محکمهٔ اطلاعات)

(از بدخشان رسیده) اینکه روز دوشنبه ۱۱ ماه جمادی الثانی بعمل دو بجهٔ روز در جوسا ابر پیدا شده باران شروع باریدن نمود همینکه دو ساعت از نزول باران ومداومت باران منقضی گردید از درهٔ جوز کوه علامات آمدن سیلاب ظهور نموده از مجرای دره که آب دهشتناک سیلاب بیک جوش و خروش مدهشی خارج میشد اطراف خود را عموماً در زیر جریان خود در آورده راه بیمائی می نمود — موسفیدان وکهن سالان شهرفیض آباد عموماً بهمین یک سخن اقرار داشتند که درمدت العمر خود سیلابی بدین وخامت ندیده ونه شنیده ایم — قربان محمد نام شخصی باشنده کمی کاکنان بچهٔ فروش نمک در بازار شهرفیض آباد آمده نمک های خود را فروخته جریده همراه مرکب های خود روانه ماوای خود بود در مقابل روضهٔ مطهره خرقهٔ شریف زاد هم الله شرفاً وتعظیماً بسیلاب خانه خراب بغتاً تصادف نموده وسیلاب مدهش دفعتاً مرکب های اورا بلعیده غرق و ناپدیدار ساخت قربان محمد بتلاش خلاصی جان خود افتاده اگرچه مردم بسیار باطراف آن پراگنده بودند و باحوال قربان محمد مذکور افسوس وحسرت خورده حتی الوسع در رهائی دادن اوشی کوشیدند اما سیلاب سیاه روی که غریده وجهیده لحظه بلحظه افزونی میگرفت هیچکس را طاقت آن نبود که در عقب یک شخص جان بلب رسیدهٔ خودرا باب مذکور انداخته خود و هلاک گرداند همان است که قربان محمد مذکور مرگ را باخود دست و گریبان دیده رخ بطرف آستان مطهرهٔ روضهٔ خرقهٔ شریفه نموده نیازمندانه یک التجای خلاصی خود را نموده وهنوز از عرض التجا کیتی خود خلاص نگردیده بود — که موج سیلاب همچون یک برگ کاهی قربان محمد را برداشته بشکل غرق و ناپدید نمود همه که حاضران را اشک در دیده پدیدار گردید — وازعقب قربان محمد بصدها و هزار ها خروار سنگ های بزرگ و کوچک وریگ وگل ودرخت وغیره را سیلاب از کوه می آورد که قربان محمد با آنها آمیخته بدریاب کوکچه ناپدیدار گشت ودریاب کوکچه باچنان وسعت و عرض وطولی که مالک است آنقدر مملو گردیده بود که دهنه مجراهای پل خشتی قریب دوساعت مسدود گردیده بود و هرقدر آسیاب و آبادی که بدرهٔ مذکور بوده همه را خراب ومنهدم گردانیده برده

سیلاب مذکور بقدر دوساعت بهمان یک قرار ترقی وطغیان داشت — بعد ازان رخ به تنزل نهاده خاموش گردید ـ فردای آن که روز سه شنبه ۱۲ ماه حال باشد جناب جلالت مآب حاجی محمد گل خان جرنیل نظامی بامنصب داران عساکر ظفرمآثر بدربار عسکری جمع بوده مشغول خدمات محوله خود بودند ـ که دفعتاً قربان محمد مغروق درمجلس عسکری حاضر شده ادای سلام نمود جناب جرنیل صاحب وهمه حاضرین که از احوال روز گذشته قربان محمد متاسف بودند بحیرت دوچار شده خوب تحقیق کردند که خود قربان محمد مذکور است جویای احوال اوشدند ـ بیان سرگذشت مردن وزنده شدن خود را بدینقرار شرح داد —

درو قتیکه آب مرا فرو برد تا بچند قدمی بدست وپازدن وبی اختیار اهرفتن خود در زیر آب بخوبی میدانستم بعد ازان از شدت صدمات امواج ومسدودی نفس ازهوش برآمده باحوال خود ندانستم بعد از نیم ساعت تخمیناً آب مرا بالا کرده بسطح برآورده بود که از هوائی که بدماغ من رسیده بهوش آمده چشم خودرا گشودم خودرا بسطح آب ویک چوب سفیدی را در پهلوی خود موجود یافتم بهبسیار ناتوانی دست دراز کرده چوب را گرفتم و یادم آمد که یک جاه بلا کندم ودو فرد کاو قلبهٔ دارم همه را در راه نجات خود

به خیرات کردن بدرگاه خداوند تعالی قبولدار شدم وچوب را محکم گرفته که درتحت آب که درسطح آب سیلاب خانه خراب مارا بی اختیار همچون برگ کاهی میبرد بحال بسیار ضعف ونقاهت که باخود که بخود گرفتار همین احوال بودم که دفعتاً خودرا بیک زمین از آب بر کنارهٔ حس نمودم چشم گشاده بدقت ملاحظه نمودم که درقرب قشلاق کری واقع شاه بعدازان که کروه راه مغروق آمده‌ام باب نهر افتاده‌ام حالست که ازجای خود برخواسته درقشلاق رفتم شب را درقشلاق گذرانیده‌الیوم بحضور شما حاضر شدم همه عالم بدرستی بدانند که خداوند زنده را چسان می میراند — ومرده را چسان زنده می کند . اگر تیغ عالم بجنبد زجای — نبرد رگی تانخواهد خدای — ازحضور جرنیل صاحب فوراً یکتوب چکمن بدخشی اعلی ویکصد روپیه نقد وازطرف همه حاضرین وغیره برادران دین وملت واحداً واحداً فرداً فرداً برای قربان محمد مذکور عطاء وبخشش فرموده شد بعد ازان قربان محمد بعوض مرکب های خود دیگر مرکب وآلات کارآمد خودرا خریداری کرده همچنان که ازخانه خود برآمده بود همچنان واپس بخانه خود عودت نمود فقط —

حوادث خارجیه

(خلاصه وقایع جنگ)

آتش خاموش نشونده ، یاجنگ اوروپا

اززمانهای پیشین اساطیرالاولین روایت میشود که چون « زردشت » بدعوی پیغمبری برخواسته دین آتش پرستی را درفارس قدیم اعلان نمود بنابراثبات دعوای خود باظهار بعض خوارقها نیز پرداخت که ازانجمله ، آتش خاموش نشوندهٔ ، آتشکدهٔ فارس‌را برافروخت . میگویند درمیان کانون آتشکدهٔ مذکور دوچوب صندلرا بریکدیگر استناد داده آتش‌داد . همین دوچوب هزارو چند سال — یعنی تازمان‌سعد اقتران شب‌ولادت نبوی صلی الله علیه و آله وسلم — شعله افروزی نموده‌هیچ‌خاموش نشد . میگویند که چون زردشت بعلم نیرنجات وسیمیا ودیگر حکمیاتی که دربنوقت معلوم ومعروف نیست خیلی دانا وحکیم یك شخصی بود . گویا بهتسخیر خواص اجرام علویه کامیاب آمده خاصیت آتشی وسوزندگی سیارهٔ « مریخ » رادرهمان دوتخته پاره چوب صندل بهرصدها وطلسمها تطبیق وبرابر کرده ازتأثیر آن چوب پارههای مذکور برابهیه شعله افروزی هزار وچند صد سالهٔ خود دوام ورزیده توانسته است .

این جنگ حاضرهٔ اوروپارا اگر همچنان یك آتش خاموش نشوندهٔ زردشتی مریخی بگوئیم جادارد ! زیرا ازوقتی که این آتش در گرفته است تاحال بجز آنکه رفته رفته دایرهٔ احتراق خودرا وسعت داده رفته است . و شدت ودهشت خودرا روز بروز افزون کرده است دگر هیچ چیزی ازان دیده نشده است احوال ووقایعی که ازخبرهای مختلفه تشکیل یافته ازقرار ذیل است : دررزمگاههای مشرق خودروسها برشکست های فاحش درگلیسیاوپولیند اعتراف دارند . جرمنها فتوحات خود شانرا درهرهرطرف ممالك روس بمنمعلامینویسند . حتی ازفتح وارشاو ومرراستسوی پترو گراد رفتن‌خود شان نیز زمزمه‌ها دارند . دررزمگاههای مغرب جرمنها ازپیشرفت خودشان سرراست‌بسوی بندرگاه کیلی وغلبهٔ وغلبه خودشان حکایت میکنند . وانگلیزها وفرانسیها باوجوداعتراف برحملههای سهاجمانه وتقدم جرمنها وطاقت نیاوردن عساکر خود شان بمقابل آتشها وغاز های زهر ناکی که جرمنهااستعمال میکنند ، باز هم ازمدافعت شدیدهٔ خودشان ، وتلفات عظیمهٔ جرمنها وبیبا کردنها یاباها میرانند . کارخانهای تحت‌البحری جرمنها ازشدت دوامدارد . درهرگاه‌وبیگاه خبرهای غرق شدن کشتیهای تجارتی انگلیزی شوائر میرسد که‌در میان این کشتیهای غرق شده کیا مانند ، لسیتانیا ، کشتیهای عظیم الشانی نیز هست که موجب ریزه ریزه شدن جگرهای تمام ملت انگلیز شده‌است . بلکن کشتیهای بزرك بزرك جنگی شان نیز کاهی بسلك و کاهی بسرلك و کاهی از طرف تحت البحرها غرق میشود که بهاین‌سبب ضررها وزیانهای قوه‌بحریه‌دولت انگلیز که معظمترین قوتهای بحریهٔ دنیا شمرده میشد یك‌چیز ظاهرومعلوم‌مداریست . یکی خود زیانی دادن ، ودرچشمهای عالم خاك پاشیده‌است . ویکی این است که حقیقت وبدهیات‌را انسان انکار نکند . چیزی که حقیق وبدیهیست همین است که‌همهٔ دولتهای معظمهٔ که باین‌جنگها گرفتار آمده‌اند بخسارتها وضرر های عظیمه گرفتار آمده‌اند . وبمحتوای ضرب المثل « هرکه بزرك دردش هم بزرك » کسب ، هرانکه معظمتر بوده ضرر وزیانش هم عظیمتر بوده است که باعتبار انگلیز وروس دردهای کرشکن یافته‌اند .

نغمهٔ که نو در طنبور جنگ زیاده شده است همانا روایتهای داخل شدن ایتالیاست در جنگ . تاهنوز اگرچه بیانهای حوادث تأیید نیافته است مگر اخبارهای انگلیزی‌اقطاع مناسبات سیاسیه‌را درمابین استریا وایتالیا نشر نموده‌اند که باز هم بصورت رسمی تأییدونا گیدنشده است . ایتالیا یکی از عضو های مهم اتفاق ثلاثه است که آلمان ، استریا ، ایتالیا میباشند . در آغاز اعلان جنگ‌مشورهٔ متفقین خود بیطرفیرا اختیار کرده چرا که سواحل ایتالیا ازهرطرف باز ومفتوح بوده‌محافظهٔ آن‌ازکهجاری کشتیهای جنگی انگلیز وفرانس خیلی دشوار میبود ، ودایت بقدری که از اشتراك جنگ اوبه متفقینش وخودش میرسید از بیطرفیش نمیرسید بلکه بیطرفی ایتالیا برای متفقینش فایده هم میرسانید . اطلاعات شایعهٔ اشتراك جنگ ایتالیاهیچ‌معنا داده نمیشود که آیابکدام طرف باشد .

نغمهٔ دیگری که در طنبور افزوده خبر اتفاق دولت ژاپان وچین است که بسبب قبول شدن شرایط اولتیا تـوم دولت ژاپان ازطرف دولت چین ، این هردو دولت شرقی آسیا درباب مسئلهٔ

— آسیا باید از آسیائیان باشد ، دست بکار گردند ، هیچ شبهه نیست که بسبب این اتفاق و داخل شدن چین در تربیت و تعلیم ژاپن اقصای شرق برغام اقصای غرب غالب و فائق بیایند . تصور شود که اگر یکبار یك دولت ششصد و شصت ملیون قوهٔ مترقیهٔ متقنهٔ قویهٔ از عرق اصفر در دنیا بمیدان برآید حال غربیان بکجا منجر خواهد شد ! . . .

از دار دنیل ، و مرور از آنتای آن کشتیهای جنگی انگلیز و فرانس اعتراف عجز نمودند ، زیرا بعد از غرق شدن دریدنوت ها و تحت البحر های انگلیزی و فرانسوی در مدخل آنجا دیگر خبری نیامده اما میگویند که برخشکی کشتی مقصد خودشانرا ادا میخواهند ، ولی از آنهم خبرهای فیصله کنی نمیرسد ، واقعات مهمه در یك سکوت عمیق پیچیده رفته است که از هیچ خبری اثری در اخبارهای انگلیزی از اطراف دیده و شنیده نمیشود . اگرچه از طرف عراق بعضی زمزمه های بدخوانی بگوش میرسد ، ولی اخبارهای جهت مقابل آن ترانه ها را بی سر و بن آهنك ادعا میکنند ! . . .

نغمهٔ دیگر طنبور که خیلی پیدا دارد تبدلات و انقلابیست که در پارلمنت انگلستان پیش آمده است که ازین تبدلات اشتباه یك انقلاب بزرگی در عالم سیاسات حاضره و جنك موجوده ملحوظ شمرده میشود . . . . .

اقتباس از جریدهٔ گرامی حبل المتین

﴿ شرف و قومیت ﴾

در عالم شهود و سلسلهٔ وجود حب وطن و حفظ استقلال قومی و صیانت شرف ملی و تضامن جنسی واسطهٔ ترقی و نردبان تعالی شناخته شده هر قوم که افرادش از وجود این عواطف محروم باشند ولو اینکه در شجاعت ثانی رستم و در سیاست و تدبیر ثانی بوذرجمهر هم باشند هیچ وقت بدورهٔ معالی و قلهٔ تعالی صعود نخواهند نمود — اینکه امروزه اغلب دول متمدنه مسلح شده و افراد بشر جانهای خود را در کف نهاده بایك عالم شهامت و افتخار در میدان مجادله بقاء و معرکهٔ حیات مشغول فدا کاری و جان فشانی هستند تماماً برای حفظ شرافت و عظمت و شوکت وطن خود میباشند — اگر کسی از نقطهٔ نظر تحلیل سلسلهٔ علل را تعقیب کند خواهد دید که علت و سبب حقیقی و اعتلاء اقوام همان محبت وطن و محبت استقلال و حب آزادی و شرف است .

کذا

(مرخس)

چند روز قبل از طرف حاکم مرخس روس نظر باشارهٔ فرمانفرمای تاشکند حکم شد که شهر را چراغانی نموده و برای یك شهری که عجالةً روسی ها از آلمانی ها پس گرفته جشن بگیرند ولی اسم و عنوان شهر در میان نبوده چراغانی مختصر به عمل آوردند و این جشن گویا برای اسکات ترا که بود — چونکه از بعضی رؤسای ترا که زمزمه های نامساعد شنیده میشود —

یکماه قبل هم بحکم امپراطور روسیه کمك مالی و افرادی مجدد از ترا که خواسته و ترا که تاکنون زیاد رفته اند خود دولت روسیه بواسطهٔ جنك در ساری‌قیش و اردهان و قارص در ترکستان و قفقاز سست شده و بازار تجارت و کار بقسمی از رونق افتاده که تا صد سال دیگر تلافی آن محال است از مذاکرات پلتیك نااندیشانه مأمورین روس منتها درجهٔ تزلزل در ارکان روسیه دیده میشود چندی قبل ۳ نفر از اتباع عثمانی را بجرم تفتیش از تاشکند ترکستان دستگیر و بر سر دار زدند در صورتیکه سندات تفتیشیهٔ آنها را ظاهر نکردند امپراطور روسیه حکم بوزیر مالیه نموده که ۵۰۰ ملیون سند دولتی چاپ کرده و بعنوان الحاق دولتی برای مخارج قشون وجه مزبور را از تجار جمع آوری نمایند در گنجه یك انبار توتون و تنباکو که متعلق بیك تاجر المانی بوده از طرف روس توقیف و قیمت ۴ ملیون منات بمعرض فروش گذارده شده است ، در مدت نه ماهه جنك علی التوالی که شهرت داده شده اسرای المانی را بمرخس خواهند آورد اما تا حال یکنفر از ان اسرا دیده نشده و حال آنکه آوردن اسرای المان در این موقع بصفحات ترکستان خیلی بحال روس نافع است ، فقط یك عده از اسرای اطریش که آنها هم اصلا از اهالی سرب هستند بمرخس روس اورده اند جراید روسیه این روزها از فلاکتهای پی در پی و تلفات و ضایعات مال و جانی سربها مینویسند آنچه بدست اطریشها مقتول و گرفتار نیامده بیك نوع وباء ناخوشی که هیچ وجه معالجه ندارد دوچار آمده اند چنانچه در یك روز بواسطهٔ این ناخوشی فقط ۶۸ نفر طبیب فوت و ۱۵۲ نفر هم مبتلا شده که در تحت معالجه اند از این قرار تلفات سایر اصناف بچه اندازه خواهد بود ۶ شهر از ولایات و بلاد معظمهٔ سرویا بواسطهٔ بمباردمان پی در پی اطریشها بکلی منهدم و مبدل بیك تودهٔ خاك گشته شده نوعی قحط و غلا در تمام — وبا و اغلی از نقاط روسیه حکم فرما است که برای بذر و تخم زراعت زارعین عریضه بدولت داده و بذر خواسته اند .

نقل از اخبار رعد

سلاطین و شاهزادگان آلمان

که در جنك هستند

عملیات و خدمات نظامی امپراطور و سلاطین و شاهزادگان آلمان را در جنك جراید چنین صورت داده اند .

⁂

بعد از دو هفته از شروع مخاصمت امپراطور « ویلهلم » با اماژور خویش از برلن بفرونت غربی جنك شتافت و در عملیات جنگی بلژیك و فرانسه که در منتها درجهٔ شدت بود مداخله داشته و از آنجا بمیدانها و خطوط جنگی فرونت شرق رفته عملیات حربیه قوای خویش را بر روسها نظارت نموده و بواسطه کاری شدن مختصر کسالت مزاج به « برلن » برگشته و بعد از چند روز توقف بمیدان فرانسه عزیمت کرد

اردوگاه عمومی امپراطور اول دفعه در « کوبلانز » و ثانیاً در « لوکزامبورگ » وبالاخره ثالثاً در خاك « فرانسه » مقرر گردید بدون آنکه نقطه آن بطور قطع معین گردد .

« کرونپرنز » ولیعهد آلمان فرمانده کل قشون پنجم ازژنرال (کنولسدورف) رئیس اکمازوروی وعساکر مذبوره بین (وردون) و (ووز) جنگ می نماید .

سایر پسران کوچکتر امپراطور نیز در فرونت های مختلفه جنگ هریك مشغول خدمات نظامی خویش می باشند .

فرزند دوم قیصر « پرنس ایتل » فرمانده بریکاد اول پیاده نظام گارد پروس است

سومین وچهارمین فرزند قیصر « پرنس ادالبرت » و « پرنس اگوست ویلهلم » نیز در اردوگاه عمومی مشغول خدمت بودند وبواسطه صدمه که از اتوموبیل به « پرنس اگوست » رسید مجبور به مراجعت برلن ومعالجه گردید

پنجمین پسر امپراطور « پرنس ژوهاکیم » در کرداره پانزدهم صاحبمنصب واردو تابع ژنرال « بلوسکو » می باشد ودر پروس شرقی ومقابل روسها جنگ می نماید و بواسطه زخمی که در جنگ بوی رسید چندی برای معالجه زخم معاودت به مریضخانه نمود .

« پرنس هانری » برادر کوچك قیصر ویلهلم امیرالبحری است وچندی نیز دراردوگاه عمومی دراتاماژور خدمت میکرد

پسر بزرگوی « پرنس والدمار » فرمانده پنجمین دوزیون اتوموبیل های زره پوش جنگی آلمان است .

پسران برادر دیگر امپراطور « پرنس لئوپولد » در رژیمانها هوسارد گارد امپراطوری پروس صاحب منصب وداخل عملیات جنگی میباشند وصورت شاهزادگان خانوادهٔ هوهانزلرن « (فامیل امپراطوری) ازاین قرار بود که ذکر شد .

پادشاهان « باویر » و « ورتامبورك » و « ساکس » داخل عملیات آکتیف یعنی حاضر السلاح نیستند وگاهگاهی عیدهای جلنوباز دید قشون به فرونت رفته ومعاودت مینمایند وولیعهدان آنها در کار فرماندهی میباشند .

بسیاری دیگر ازپادشاهان فعلی المان که داخل صاحبمنصبان آکتیف ومشغول خدمات نظامی میباشند :

پادشاه « هس » « پرنس شارل » فرمانده رژیمان ۸۱ پیاده نظام « دوك ارنست » فرمانده رژیمان ۵۳ « پرنس شومبورك » وپرنس هانری فرمانده هان رژیمان ۱۴ هوسارد

« گراندوك دوهس » و « دوك برنسویك » داماد امپراطور « پرنس والدك » در جز وافواج ایالت خویش مشغول خدمات نظامی ونیابت سلطنت ملك خودرابه زوجه‌های خویش مفوض کرده اند .

« پرنس هوئنین » برادر ملکه آلمان و « پرنس ارنست » و « پرنس ماکس » که هریك والی یك امارت مستقل هستند درافواج وفرونتهای شرق وغرب مشغول خدمات نظامی میباشند .

ولیعهد باویر سردار قشون ششم و « پرنس ولیعهد ورتامبرك » سردار قشون چهارم است وسه پسروی درصفوف مختلفه دراکتی جنك مشغول خدمت میباشند . « پرنس کراد باویر » درحین جنك با رژیمان سوار خویش مجروح شده و « پرنس وید » پادشاه سابق آلبانی فعلا در دوزیون ششم سواره نظام سمت ماژوری را دارد .

تاکنون هفت نفر ازشاهزادگان آلمان درجنك مقتول شده اند ویك نفر شاهزاده فعلا در انگلیس محبوس است واین شاهزاده محبوس همان فرمانده کاپیتن معروف کشتی « امدن » میباشد که بعد ازآنهمه ابراز رشادت توسط قوای استرالیا دستگیر و به « لندن » فرستاده شد .

کذا (مسلمان شدن یك خاندان امریکا)

صورت مکتوب :

« یکی از خاندانهای امریکا از مدت چندماه میشود که سلسلهٔ خطوکتابت را جاری کردیم ونتیجهٔ آن این شد که در دل خود صاحب خانه واهلیه‌اش الله تعالی بفضل خود یك تحریك مقدس پیدا کرد وخواندن رساله ها وکتب اسلامی را شروع کردند وبهر هفته مکتوب فرستادند واستفسارات میکردند . وبالآخر آن خانه که عبارت از یکزن وشوهر ودو پسر باشند مسلمان شده شکر ایزد یگانه رابجا آوردند . والحمد لله رب العلمین . الاسم زدنوزد ! »

« خاکسار صدرالدین

امام مسجد ووکنك لندن »

(آخرترین خبرها)

جنك ایطالیا بااوستریا تأیید نموده است . در دانیال کامیابی حلیفان پدیدار نیست . دررزمگاه مشرق شکست روسها متواتر دررزمگاه مغرب جنك بشدت تمامدوام است دوکشتی جنکی دیگر حلیفان جدید در بحر سفید بضرب تارپیدو غرق شده است . زیپلینهای جرمن بمبهای متعدد برلندن انداخته آتش افروزی بزرگی بوقوع آمده است . دولت عثمانی برتمام دولتها اعلان نموده که قنالسویس را دراحاطهٔ جنك داخل کرده است واگر بکشتیهای بیطرفها صدمه برسد ذمه‌دار آن انکلیس وفرانس خواهد بود . کشتیهای تحت البحر جرمنی در غرقاب کشتیهای دشمن روز افزونی دارد . یك مرکز تحت البحر های جرمنی در بحر روم قایم گردیده کشتیهای بسیاری ازدشمن را غرق کرده میروند وقنال سویز هم ازاین سبب دروزر خطرمانده است . ازقفقاس ومصر خبرها درمیان نیست . دربصره عربهای مجاهد بسیار ترقی کرده اند . از حرکات امریکا بر خلاف ژاپان و حمایت چین اندیشها پیدا شده است .

درچاپ خانهٔ حروفی دارالسلطنهٔ کابل طبع گردید

همه مقاله‌هائیکه دستخط ندارد ازطرف مدیر وسرمحرر تحریریافته

محمود طرزی

شرایط خریداری

دارالسلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

هرجائیکه باشد با اجرت پوست

قیمت سالیانه | ده روپیه انگلیزی قیمت ششماهه | شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراک قبول نمیشود

یک طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

رعیهٔ کار داران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود: اگر از یک جا بدیگر جا روند ویا بند میباید که بیک رقعه مدیر وسر محرر را خبر بدهند که من در فلان جا بودم وحال در فلان جا میروم اخبار مرا درانجا بفرستید . هرگاه همچنین یک رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی . وصنعتگران که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند . ویا دیگر مردم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود:

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا به پنج بار نشر وشایع شود بسر هر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا به پنج بار فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبارها (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرکه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تا یک سال نشر کردن خواهد ووجه یک ساله را پیشکی ادا نمایند در ورق پشتی ز هر سطری سنار اجرت گرفته میشود

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا

یاد آوری میکنیم

هرقدرسعی و کوشش کردیم که از شکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دار السلطنه کابل خودرها ئی یابیم ممکن نشد لهذا با کتابخانهٔ مرکزی دار السلطنهٔ کابل یك مقاوله نموده را کتابخانهٔ مشار الیه تقسیم و توزیع اخبار مارا که بهمه مشترکین کرام ما برساند درعهدهٔ حمیت خود قبول نمود . مشترکین کرام دار السلطنهٔ خود را تبشیر و یاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبارهای شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای را کتابخانه بخود شان میرسد.

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعه آثار ادبیه را مژده ! ازین ثمرهٔ نوبنو رسیدهٔ گلزار « مطبعهٔ عنایت » کام جانرا شیرین نمائید ! « جزیرهٔ پنهان » یك ناولیست که قوت علم و معرفت و سعی و غیرت را برای اساس زندگانی نوع بشر بمنظر آبت و جلوه گر میسازد . هم حکایت ، هم عبرت هم فن ، هم فضیلت ! خوبی چاپ ، خوبی کاغذ ، خوبی تصویرش علاوه ، قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان ! تنها (۶) شش روپیه محل فروخت نفس مطبعهٔ عنایت در ده افغانان ، دکان باز محمد در بازار ارك ، دکان غلام محمد متصل در مدرسهٔ شاهی .

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد

کتاب سال دوم « « « مصور مجلد

کتاب سال سوم « « « مصور مجلد

علم و اسلامیت

آیا چه باید کرد ؟

ادب درفن

توحید

این کتابهای فوقدر اداره موجوداست . هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

	قیمت روپیه کابل
سیاحت بدور دور زمین بهشتاد روز مجلد	۲
سیاحت درجو هوا مجلد	۲
سیاحت درزیر بحر مصور مجلد	۴
ازهر دهن سخنی و ازهر چمن سمنی مجلد	۲
روضهٔ حکم مجلد	۲

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوقرا داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت در ده افغانان از نزد عبد الرؤوف سرمرتب و از دکان باز محمد کتابفروش در بازار ارك و از دکان غلام محمد کتاب فروش متصل مدرسه شاهی بقیمتهای معینش خریداری کرده میتوانند .

و اگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوقرا بکنند بهاداره سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند.

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

نمبرهٔ ۲۱ سال چهارم

فهرست مندرجات

علوم وفنون	(عرفان پروری های اعلیحضرت همایونی
اخلاقیات	(دین ، دولت ، ملت ، وطن
حوادث داخلیه	از محکمهٔ کوتوالی ترکستان مرقوم نموده — مرثیه — کذا از محکمهٔ کوتوالی ترکستان — مکتوب از میمنه — مکتوب از قندهار —
حوادث خارجیه	مسجد اسلامیهٔ افغانیه — ایضاً مسجد اسلامیهٔ افغانیه — احوال ماوراءالنهر از نامه نگار کرکی ومرو — ترجمهٔ اخبار های انگریزی — قبضهٔ زمین بذریعهٔ نازها — حکایهای محاربه — بیان یک سیاح امریکانی — مزاح جرمنیها — حمله در دایال — یک فصل ناگفته تاریخ جنگ سرحد فرانسه — ملاقات قیصر جرمنی باشهنشاهی فرانسس ژوزف — ملاقات یک نامه نگار بایک افسر مجروح جرمنی — خود کشی یک داکتر جرمنی — زپیلن قسم جدید — خلاصه آخرترین خبرها —
تصاویر	ذات عالی معین السلطنه صاحب افخم — جنتلمن افغانی محمد عمرخان حروق تجار — منظرهٔ خرابهای میلاک بغمان — دروازهٔ باغ شاهی جلال آباد — یک منظره از سرحد های بلوچستان — یک اسکول در کراچی —

اعلان

از منابع پرورشهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه خیرخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جرنیل کارخانه جات ، ماشین خانهٔ مبارک که دارالسلطنه کابل علاوه برانجای حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه واونیفورمه های عساکر شاهانه وغیره، بعضی دیگر مصنوعات داخل که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که ازحضور اعلیحضرت همایونی حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ، ذیل (دکان عبدالله خان دربازار ارك) میباشد.

(١) سرج های پشمینه باف برنگهای مختلف که قیمت آن ازقرار گرانکلزی ٣ قونه مشخص شده، در صندوقخانهٔ جنسی هم بفروش میرسند

اقسام	قسم اول					قسم دوم					
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم وقدری کلفت قیمت آن ١٠ پیسه زیاده شده	
رقم	تا حالا ساخته نشده	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت		٧ روپیه ٥ پیسه	٦ روپیه ١١ پیسه	٦ روپیه ٤٢ پیسه	٥ روپیه ٤٨ پیسه	٦ روپیه	٥ روپیه ١٨ پیسه	٦ روپیه	٥ روپیه ١٠ پیسه	٦ روپیه ١٥ پیسه	٥ روپیه ٢٠ پیسه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکلزی | کشمیره چهارخانه ٧ روپیه و٣ پیسه | کشمیره راهدار هر رقم ٧ روپیه بیست پیسه

(٢)	جراب ها			﴿ ٣ ﴾ تکمه‌های چرمی عراب ومتبردو		
رقم	تکه‌انگه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج	کلان قدرچن	میانه قدرچن	خورد قدرچن
قیمت	١ روپیه ٥٢ پیسه	٤٥ پیسه	٣٦ پیسه	١ روپیه ٥٤ پیسه	١ روپیه ١٠ پیسه	٥٥ پیسه

(٤) کروره های جدیدساخت

رقم	زه باف یکتا اسپه دو کره دو تاره	زه باف یک اسپه دو کره سه تاره	چرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ جلو تارهٔ نخی
قیمت	٨ روپیه و٣٣ پیسه	٩ روپیه و ٢٤ پیسه	٨ روپیه و ٤٢ پیسه	٦ روپیه و ١١ پیسه
رقم	چرم باف دست بادامی دو اسپه	چرم باف دسته دولانه یک اسپه	دسته دولانهٔ یکی جلو اسپه	چرم باف عمرکاب
قیمت	٤ روپیه و٤٨ پیسه	٤ روپیه و٤٦ پیسه	٨ روپیه و ٢٣ پیسه	٤ روپیه و ٤٣ پیسه
رقم	ابنه برنجی کلیت نقرهٔ توپخانه	قبضه کلیت نقره از چرم سه لایه توپخانه	زه باف رقم سواری ساس کلیت	زه باف دو تارهٔ رکاب
قیمت	٣ روپیه و٥٥ پیسه	٤ روپیه و٥٧ پیسه	٥ روپیه و ٩ پیسه	٥ روپیه و ٥٤ پیسه
رقم	رکاب ازغ	چرم باف میانه چوب پت زنانه	ازرین سواری تیغ چرمی	زنانه ابریشمی خیاطه
قیمت	٤ روپیه و٤٥ پیسه	٥ روپیه و٨ پیسه	٤ روپیه و ٥٨ پیسه	٥ روپیه و ٨ پیسه
رقم	دسته بادامی تیغ چرمی	دستهٔ دولانه ساس زنجی کلیت نقره	از زین سواری دولایه تیغ چرمی کمک دار	چرم باف مابین پت یک اسپه
قیمت	٤ روپیه و٤٩ پیسه	٤ روپیه و٤٥ پیسه	٤ روپیه و ٥٩ پیسه	٨ روپیه و ١٢ پیسه

﴿ ٥ ﴾ اقسام گلهای مصنوعی سر

قسم	گل جرین	گل نافرمان	گل برینه	گل شبو
قیمت	٥ روپیه و ٣٦ پیسه	٦ روپیه و ٦ پیسه	٦ روپیه و ٧ پیسه	٦ روپیه و ٣ پیسه
قسم	شگوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل لسترن	جنبیل
قیمت	٧ روپیه و ٤٥ پیسه	٦ روپیه و ٥٨ پیسه	٥ روپیه ٣٨ پیسه	٦ روپیه و ٨ پیسه
قسم	شگوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	٦ روپیه و ٣٥ پیسه	٧ روپیه و ١٢ پیسه	٦ روپیه و ٥٤ پیسه	٦ روپیه و ٥٤ پیسه

﴿ المشتهر ﴾

(میر محمد هاشم دفتری کار خانه جات)

(کمیدان نظامی)

صحیفه (۱)
سال چهارم
شمارهٔ (۲۱)

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
دراطراف داخلهٔ مملکت
بالخراجات ڈاك ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
بالخراجات ڈاك ۱۰ روپیه انگلیزی
پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یك نسخهٔ آن درکابل یك پیسه است
(اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود)

مدیر ومحرر
محمود طرزی

ادارهٔ خانه ومطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه بادارهٔ خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ ۱۵ شعبان ۱۳۳۳
تاریخ انگریزی ۲۸ جون
تاریخ شمسی ۶ سرطان ۱۲۹۴

(عرفان پروریهای ذات اعلیحضرت همایونی)

(مراسم افتتاح توزیع مکافات)

یعنی جلسهٔ سالانهٔ بخش کردن انعامات برشاگردان مکاتب عالیه

بسایهٔ عرفان آیهٔ ذات شوکتسمات پادشاه مقدس حقایق آگاه معارف پناه ما اعلیحضرت (سراج الملة والدین) ادام الله دولته از روزی که امور معارف دولت مقدسهٔ متبوعهٔ افغانستان بموجب امر وفرمان پادشاه ترقیخواه ذی شوکت وشان بعهدهٔ فرزند ارشد ارجمند شان ذات عالیٔ شهزادهٔ جوانبخت معظم حضرت سردار عنایت الله خان معین السلطنهٔ صاحب افخم تعلق گرفته است یك رونق وترقی نمایان ودرخشانی دران ظاهر وعیان گردیده است که از مشاهدهٔ آن دلهای ترقیخواهان وطن عزیز مقدس را یك شوق وشادمانیٔ عظیمی فرامیگیرد .

این شهزادهٔ معظم که نظارت های جلیلهٔ امور معارف و حربیه هردو به عهدهٔ درایت وفطانت شان محولست چون نقطه به نقطه وقدم بقدم همهٔ افکار وخیالات خود شانرا درپیروی رضای معالی ارتضای ذات اعلیحضرت قبله گاه مقدس خود شان حصر وصرف داشته اند . وذات اعلیحضرت پادشاهی یك توجه خاص جهانبانی شاهانه را درترقی این دو امور جلیله مبذول میفرمایند . ازانست که ذات عالیٔ افخمی هیچ لحظه ودقیقه را درترقی وپیشرفت این امورات عالیه اهمال نمیفرمایند وچنانچه در خصوص ترقی وتعالی علم وعرفان مملکت « انجمن معارف » را دردایرهٔ اقتدارگاه عالیٔ خود تشکیل داده به نفس نفیس عرفان پروری خود شان در خصوص هرگونه ترقیات علمیهٔ وطن مقدس کوشش میورزند . کذالك برای بسررسانیدن افسران قابل وباکمال حربیه . وتدارك اسباب تعلیم وتربیهٔ صنوف لایهٔ عسکریه « مجلس عالی عسکری » را در « مکتب فنون حربیهٔ شاهانه » قایم فرموده اند که درهفتهٔ یکبار بالذات دران مجلس اثبات وجود فرموده باجناب سپه سالار صاحب . و مدیر مکتب حربیه . ومعلم فرقهٔ نمونه ودیگر معلمان مکتب مذکور واعضای مجلس مزبور مذاکرات واجرآت بکار میبرند که از نتیجهٔ این تشبثات واقدامات اجتهاد پرورانهٔ عالیٔ شان انشاءالله بسی ترقیات مهمه را دولت ووطن وملت مقدسهٔ ما استقبال خواهند نمود .

درهفتهٔ گذشته . مراسم افتتاح توزیع مکافات شاگردان مکتب فیض مکتب (مدرسهٔ عالیهٔ حبیبیه) که همه ساله اجرا شدنی میباشد بعمل آمده بود . اما امسال این مراسم بیك احتفال ودبدبه وطنطنهٔ عالعالی بوقوع آمد که تاحال امثال آن دیده نشده بود ذات عالی نظارت پناهی معین السلطنه صاحب افخم بعد از استحصال ارادهٔ سنیهٔ همایونی موضع اجرای مراسم مذکوررا درجامع نورلامع بزرك عیدگاه تعیین فرموده اکثر بزرگان ومأمورین دولت واکابرین را ازعلما وشرفا دراینجا دعوت فرمودند . ارباب مناصب ومراتب ملکی وعسکری جملهٔ باالبسه های رسمی شان ملبس بوده برچوکیهائیکه بانتظام درست قطاری درزیر سایبانها وشامیانه های بسیار عالی ترتیب یافته بود بوضعیت دربار های رسمی جمع آمده نشسته بودند . همه اسباب ها وآلات امتحانیهٔ علمیه وفنیه . وتحفه ها وهدایای انعامیه به ترتیب بسیاردرست ومنتظم حاضر و چیده شده بود . از جملهٔ هدایای انعامیه که برای مکافات شاگردان ازطرف ذات عالی شهزادهٔ عرفان وسادهٔ معظم ما ترتیب شده بود یکی یکساله اشتراك « سراج الاخبار افغانیه » بود که تخمین نسخه های اشتراك شان که ازشمارهٔ (۱۷) سال چهارم آغاز میکرد بکمال فخر وسرور در میان اشیای هدایای مکافات جلوه گری داشت . « سراج الاخبار افغانیه » به این قدر شناسی ومرحمت عالی نظارت پناهی تشکرات صمیمانهٔ متعجزانهٔ خودرا عرض وتقدیم مینماید . چون خود

این مدیر عاجز بسبب عارضی که مانع ملاقات بمحفل این مراسم احتفال حاضر شده نتوانستهام لهذا محرران ادارهٔ باجزاء ارجمندان عبدالرحمن وعبدالهادی خان را که از تحصیل یافته گان همین مدرسهٔ عالیه که امروز جلسهٔ سالانهٔ انعام آنست میباشند مأموراً فرستاده بودم که کوائف دیدنی وشنیدنی خود شان را ازقرار ذیل درقید تحریر آورده اند :

—§—

روز شنبه ۱۴ رجب المرجب بساعت ۷ داخل دایرهٔ عید گاه شدیم . کثرت مردم ایام عید سعید را یاد میداد

اگر بنظر دقت به بینیم ، این روز هم بهیچ صورت از روز عید واپس نمی آید ، زیرا یک محفلی که دران از طرف نظارت معارف عمومیه برای طلبای افغان مکاتب افغانستان، انعام ها تقسیم میشود، شهادتنامه ها تسلیم میشود ، وباینهمه یک جوش وخروش کمی درنظر عرفا کار ملکی ونظامی افغانستان اجرا می یابد واولاد وطن را برای فردا کارهای گوناگون درحق وطن خود تعلیم وتربیت می کنند بهیچ وجه از عید کمتر نیست

از توجهات جهان بدرجات اعلیحضرت شهریار اقدس اعظم ما واقدامات ومساعی فوق العادهٔ نظارت جلیلهٔ معارف امیدهای بزرگ بزرگ درحق توسیع معارف جدیده وترقی ملت افغانیه به تشکیل تزئید شده است

امروز حضرت نظارت پناهی همه افسران ملکی ومنصبداران نظامی را خواسته وهمهٔ طلبای علم را درعیدگاه بحاضر شدن امر فرموده تاامتحانات سالیانه که گرفته بودند ، کامیاب ها را تحسین وانعام بدهند وملت ودولترا از ترقیات مکاتب که ازفیض توجهات شاهانه اعلیحضرت همایونی روحنا فداه یافته اند آگاه ومستحضر سازند احوالات مفصل این احتفال ازقرار ذیل است

از ساعت (۷) چند دقیقه گذشته بود که از دروازهٔ بزرگ سمت شرق عیدگاه طلبای مکتب فیض مکتب حبیبیه به لباس رسمی به ترتیب درست فوجی داخل میدان وسیع عیدگاه گردیده وبمحل مخصوصیکه ازاول برای شان معین شده بود رسیده وبه اهالی محترم مجلس یک سلام بااحترامی قرار آداب وقواعد اداو نمودارد آنرا ادا کردند ، وبعد چند دقیقه مکاتب ابتدائیه بالخته های بلندیکه اسم هر مکتب را نشان میداد داخل شده بهجاهای مفرزهٔ خود شان توقف ورزیدند وجماعت بیشترازان دارالمعلمین بمعیت محلهٔ متعلقهٔ خود بادیگر تفریق شامل شدند وقریب ۲۰ دقیقه بعد صدای فرحت فضای موزیک عسکری آمدن طلبای (مکتب حربیهٔ سراجیه) را اشعار واخبار نموده وارد احاطهٔ اجرای مراسم احتفال بااشرف واجلال شده درسمت جنوب جلسه بصف چوکی های مدعوین کرام صف بستهٔ احترام گردیدند ودرمقابل شان بچه های مکتب خورد سال جدیدی نیز ازدل بنظام مکمل و درست استادند . وبچه های ملت زادگان منکل بافری کار کننده کان ستارهٔ دولت که این هردو مکتب بمعیت مکتب جدید بپا بافرشا گردان مکتب حربیهٔ سراجیه آمده بمقام ومحل خصوصی خود شان که ازابتدا تهیه شده بود قرار ورزیدند

پی به پی آمدن طلبای مکاتب مختلفه بهرنگ های گوناگون وطن پرستان معارف دوست را حظی زیاده از بیان می بخشید ، اینوقت درهر کس یک مراقی حس میشد وازاوضاعش یک حال (انتظار) آشکار میشد که دفعةً آنهمه انتظار به یک استقبال پرجوشی تبدیل یافته صدای عرادهٔ موتر تشریف آوری شهزاده عرفان وسادهٔ آزاده معظم حضرت معین السلطنه صاحب افخم که نظارت امور معارف عمومیه در عهدهٔ جلیلهٔ شانست اعلان نمود ، این وقت ساعت ربع بالا هشت را نشان میداد

اهالی مجلس برای تعظیم حضرت نظارت پناهی برخاستند ودرحالیکه برادر محترم شان جناب نائب الحکومه صاحب قطغن وبدخشان سردار حیات الله خان وهم محترم شان جناب سردار محمد عمرخان سردار صنایع بمعیت عالی شان همراهی داشتند تشریف آورده بچوکی مخصوص خود قرار گرفتند بعد ازاحوال پرسی عمومی اهالی دربار یکبار ساکت شدند ،

زیرا یک طالب العلم مدرسهٔ مبارکهٔ حبیبیه عبدالاحد نام ازجماعت اعدادیه اول آغاز بتجوید کرده وبصوت دلکش همه را مجبور به سکوت کرده آری گرا بهاست که برکلام ملک متعال جل جلاله دمزده شوانند ، بعد ازانکه دلهای مؤمنان این مجلس را بانوار فیوضات قرآنی روشن ساخت حضرت عالی نظارت پناهی برخاسته فرمود :

«خطابهٔ عالی»

پوشیده نیست که زبان یگانه ترقی ووسطهٔ نخستین تعالی عزوجاهش است ولی ، بی علم ومعارف هیچ دولتی بهیچ ترقی نخورده ونمیخورد وهیچ ملتی فیضی نبرده ونمیبرد علم را هرقدر که بستائیم کمتر است که شما همه ازان بوره باخبرید . ازاوقات خجسته صفات اعلیحضرت همایون روحی فداه که دایم خیالشان درپی تدارکات ترقی دولت علیه مستقلهٔ افغانیه است ازبنای یک مکتب فیض مکتبی که بنام نامی گرامی خودشان آنرا مبارک ساختند خودداری نتوانستند . و سررشتهٔ آنرا بدست جناب عم محترم مکرم حضرت نائب السلطنه صاحب افخم دادند

مدت یک دو سال میشود که بسبب اشتغال کثیرهٔ حضرت عم محترم کار مدرسه به من تعلق گرفته است ، قبل ازان بسبیکه به استادها وسررشته دارهای مدرسه یک دستورالعمل کافی و وافی داده نشده بود ونیز بسبب تبدیلات سررشته دارهای آنها هرخیال هر سررشته دار اجرا پذیر میبود مدرسه دریک تعویقی افتاده بوده وهیچ نتیجه ازان بظهور نیامده بود

من چون دستخط های مبارک واحکام مبارک حضرت قبله وکعبه اقدسم را در کتاب های مدرسه که سال بسال تحریر فرموده بوده دیدم بیقین دانستم که اعلیحضرت والا درباب تعمیم تعلیم وتربیت یک توجه کامل ویک عزم مصمم دارند چون ماخدمتگاران را در اطاعت وپیروی خیالات بسیار عالی شان صرف قدرت فرض ولازم است بنابران قرار همان ارشادات اعلیحضرت قبله اقدسم خودمن نیز توجه زیاده وزیاده نمودم وچون کار تعلیم وتربیت علاوه برقوت عاقله یک هیئت تعلیمی هم بکار دارد بنابران اولا یک انجمنی از ارباب دانش واصحاب بینش بنام (انجمن معارف) تشکیل داده ودرمدت سه ماه فقرات منظور شده سابقه مدرسه ومجاوز آینده زحمت وتوجه زیاد سنجیده شده خلاصهٔ کار کردگی انجمن معارف را

بحضور والای قبلهٔ اقدسم تقدیم کردم همان بود که دستخط مبارک والا درباب معروضات انجمن شرف تلاقیات یافت بدین مضمون : — « که خیالات مبارک که اعلیحضرت مطابق تجاویز انجمن است و ارادهٔ سنیهٔ اعلیحضرت والا باجرای تجاویز معروضه صدور یافته است » .

صورت موجودهٔ تعلیم و تربیت هرچند نسبت بسابق خوب شده ولی پیش خیالات رفیعه شاهانه گویا هیچ نیست

بعضی تجاویز انجمن معارف اینست که اول بنای یک دار المعلمین را قرار دادیم ، زیرا طرز و طریقه تعلیم یک کار مهمی است که هر کس نتواند از عهدهٔ آن براید و امتحان اول آنرا گرفته برای کامیابهای شان شهادت نامه ها داده شد و به کار های تعلیم مکاتب و دیگر امور معارف مأمور شدند

دوم پیش ازین کتابهای که برای تعلیم مکتب حبیبیه در خود کابل تألیف میشد ، درهندوستان چهاپ میشد که اینرا هم یک کار نادرستی یافته طبع و چهاپ شان را درمطبعه نفس دار السلطنه کابل تجویز و امر کردیم ، نظامنامه های مکمل وضع شد ، اصلاحات عمده در باب امور معارف ومکاتب ابتدائیه و عالیه اجرا گردید وازین قبیل تجاویز بسیاری در انجمن معارف فیصله وامضا شده است

در باب مصارفات مکتبها پیش ازانکه من بخدمت حضرت قبلهٔ اقدسم معروض دارم خود شان بزبان مبارک خود ازکمی آن اظهار داشتند .

و چنانچه پیش ازین ذکر کردیم که علت خرابی سابق مدرسه نبودن دستور العمل برای سررشته دار و معلم وغیره بود لهذا یک نظامنامهٔ بسیار کامل در انجمن معارف برای مدرسه ساختیم تا هر کس از وظیفه خود باخبر بوده مسئول آن باشد

اینست که ازین انتظامات مدرسه اعلیحضرت همایونی روحنا فداه مطمئن شده ، داخل شدن شهزاده کان عظام رااهم درمدرسهٔ مبارکهٔ حبیبیه اراده فرمودند

وماهم برای ایشان سررشته درست کرده درمدرسه ، رشته اخلاق علمی ، جوش اسلام وحب وطن را در دلهای شان جا دادن کوشش می کنیم ومعلوم است که تربیت شهزاده کان باید نسبت بدیگر نفری بطرز درست باشد وهم تعلیم و تربیه ایشان لازم است زیرا در یک وقتی قوت وقدرت آنها بسیار میباشد اگر تربیت یافته باشند از قوت خود استفاده کرده کارهای نمایانی برای دین ودولت میرسانند واگر تربیت یافته نباشند بجای نفع ضرر از ایشان متصور است .

کوشش های انجمن معارف درمقاصد خود زیر توجهات شاهانه همایونی انور والا کامیاب شده وبیهوده نرفته است تنها اگر مقابلهٔ تعداد طلبا در باسالهای سابق کنیم می بینیم که اول طلبا درصرا جمع جرم گری بودند چون آنجا تنگ کرد لهذا مکاتب ابتدائیه جاری شد و حالا چون مکاتب ابتدائیه تنگی کرده مکاتب خصوصیه جاری شدند ، بعضی از کاردولت بفواید مکاتب دانسته باعانه اجرای بعضی مکاتب خصوصیه را بذمه خود گرفته اند

چنانچه صداقت همراه میرزا محمد حسین خان مستوفی الممالک برای اجرای یک مکتب خصوصی ده هزار روپیه نقد وماسه صد روپیه معاونت کرده اند]

—§—

درین اثنا یک طالب العلم علی محمد خان نام از جماعهٔ اعدادیه سوم که یک طالب العلم ارشدی است یک تقریر دلپذیر فلسفه اسلامیه را عبارات فوق العاده رجوم خوانده اهل مجلس را غرق عرق جوش وخروش دینی اسلامی ساخت ، چونکه صحائف سراج الاخبار افغانیه گنجایش نداشت ، انشاءالله در شمارهٔ آینده درج اخبار خواهد شد .

بعد ازان جناب مستطاب مستوفی الممالک صاحب برخاسته تشکر توجهات جهانداریات اعلیحضرت همایونی واظهار ممنونیت فوق العاده از اقدامات شهزاده جوان تخت معظم حضرت نظارت پناهی اعظم بجا آورده گفتند :

[امروز ۱٤ رجب المرجب است که ما خدمتگاران دولت دریک جلسهٔ موجود شده ایم که ترقیات مدرسهٔ مبارکهٔ حبیبیه را بچشم می بینیم وبگوش میشنویم وشکر می کنیم ، وچند سال قبل ازین مدرسه را شنیده بودیم که اعلیحضرت شهریار همایونی روحنافداه تأسیس کرده اند ، بازچند وقت شنیدیم که مدرسه درتحت مدیریت بعضی مدیرها مانده است وچون هیچ کدام دستور العمل ازطرف دولت داده نشده است [چنانچه خود سردار صاحب هم فرمودند] کارهای مدرسه درست نیست ، همان بود که باز مدرسه تحت نظارت حضرت عالی افخمی نظارت پناهی آمده واز توجه عالی وزحمت های انجمن معارف باز انوار فیوضات بمدرسه مذکور تابیدن گرفت ، این بازگشت ثانی توجهات شاهانه اعلیحضرت همایونی وآمدن مدرسه تحت نظارت عالی افخمی بهمان بازگشت حضرت مولینا صاحب رومی بمثنوی شان تشبیه دارد که میفرمایند

مدتی این مثنوی تأخیر شد مهلتی بایست تا خون شیر شد

ونیز روز بازگشت شان بمثنوی روز ۱٤ رجب المرجب بود که بهمین روز مصادف استفتاح است ، وبازگشتش روز استفتاح بود ،

وامروز هم روز استفتاح است ، امیداست که چنانچه ازبازگشت مولینا بمثنوی شریف نتیجه تکمیل مثنوی شریف وزرعق انوار معارف بفرق اسلامیان ظاهر شد ، ازین بازگشت هم انوار فیوضات معارف بفرق اسلامیان خاصة افغانیان وتکمیل مقاصد مکتب مذکور ظاهر گردد .]

بعد ازان طالب العلم مذکور ثانیاً پس از فراغت ازخواندن مضمون (فلسفه اسلامیه) یکمضمون مختصری بزبان انگلیسی درباب عروج ونزول اسلام وعلت آن بمتانت خواند که مظهر تحسین اهل مجلس شد ، وجوش وخروش دینی وقابلیت قرائت انگلیسی در کنفر از مضامین دوگانه آن معلوم گردید

ترجمه مضمون انگلیسی آنرا فیض محمد خان طالب العلم جماعه مذکور بجرأت فوق العاده خوانده مورد آفرین گشتند ؛ سلطان احمد خان نامی که اولین جماعهٔ مذکورهٔ (اعدادیه سوم) است بایک تقریر مختصری یک آله اختراع کردگی خود را عرض انظار حضار ازراه مجلس نمود ، الهٔ مذکوره آله مساحه بنا بود که باصول عرضثلثات ازروی درس خود درک کرده بود و بیرسه قسم شکل دیگر هم برتخته سیاه کشیده فکر خود را

بیان نمود، بعد از ختم این حضار مجلس ملاحظه الواح بدیعهٔ رسم و نقشه کشی که مرکب از گلهای گوناگون و ظروف بوقلمون و خریطه های جغرافی ساختهٔ طلبا بود نمودند و پس ازین ملاحظهٔ طلبهٔ اعدادیه دوم و اول بود که تجربه های حکمت و کیمیا را بمیزها اجرای کردند درانجا نمونه های سمی که روسیا در محاربه پورت آرتهر در مقابله جاپانیا استعمال کرده بودند و نمونه زنگ برق و زینهٔ برق آلودهٔ که کپتان نمو برای دفع شر وحشی‌ها در کشتی خارق‌العاده نوتیلوس را برق آلود ساخته بود موجود بودند که حاضرین ازان حظ وافری بردند

[اولیا اگر میخواهند که ازینهم زیاده تر حظ برند و تأثیرات و خاصیات محیر العقول الکتریک یعنی برق را بشنوند، کتاب مطبوعهٔ مطبعه عنایت را که بنام سیاحت در زیر بحر موسوم است و کیفیت همین زینهٔ برق بتفصیل درآن مندرج است خریده مطالعه کنند . ع . م]

پس از اجرای تجربه‌ها و تقریر یک طالب‌العلم در باب اختراعات جدیدهٔ حربی مانند گیس و غیره که بزرگ همین علوم هست ، انور علی نام از جماعهٔ اعدادیه سوم پیش آمده یک قصیده غرائی تخلص (ندیم) خواند که حضرت عالی‌افخمی توصیف طبع روان ندیم را بیان کردند

[سراج الاخبار افغانیه هرچند بسبب عدم گنجایش از درج این تقریر و تحریر های طلبا و قصاید غرا فی‌الفور بالافسوس صرف نظر نموده ولی در آتی انشاءالله شیأ فشیأ درج خواهد نمود .]

چون قصیده ختم شد طلبای مدرسهٔ مبارکهٔ حبیبیه که کامیاب و در مضامین خوانده خود از اقران گوی سبقت برده بودند یعنی در مجموع مضامین نمبر (۱) و نمبر (۲) و نمبر (۳) بودند یا در یک مضمون نمبر (۱) را مده بودند یا حاضری‌شان بسیار درست می‌بود یا در اخلاق نمبر (۱) می‌بودند لایق مکافات شده، بحصول آن مفتخر می شدند

طرز انعام دادن آن بود که حضرت عالی افخمی نظارت جلیله معارف شهزاده جوانبخت معظم حضرت معین‌السلطنه صاحب افخم انعامات را بدست مبارک خود گرفته و نام طالب‌العلم مذکور را از زبان مبارک خود رانده بدستش میداد [ازین زیاده چه سعادت !]

تفصیل اسامی که بان انعامات و این نعمت عظمی بروز خود سرافراز شده‌اند چون از دفتر مدرسه مبارکهٔ حبیبیه باداره رسد در آتی درج خواهد شد و نیز اسامی کسانیکه شهادتنامه‌ها یافته‌اند نیز بوقت آمدن فهرست شان درج اخبار میشوند

پس از اتمام توزیع مکافات مذکوره و شهادتنامه‌های موصوفه که همه بدست‌خط خوش نمط عالی افخمی مزین شده بودند همه اطفال بجاهای خود ایستاده شده حضرت عالی افخمی برخاسته و همه اکابر حاضر هم برپا خاستند ،

(نطق ثانی)

حضرت عالی خطاب بهمه مجلس کرده فرمودند :

همهٔ شما معلوم است که امروز روز ترقی جمیع ملل وابسته بعلوم و فنون است و بس. امکان ندارد که هیچ دولتی از دست دشمن‌های خود تخلیص گریبان بتواند مگر بسبب علوم و فنون من اگرچه بالذات چیزی نیستم ولی چون در حق پادشاه معظم و دولت قوی خود صادق هستم و می‌خواهم که دولت ما از دشمن‌های خود تخلیص گریبان کند و ترقی یابد و بواسطهٔ ترقی دولت ما اسلام از خطرات آینده محفوظ بماند ، و باز علم اسلامی بزمین های دنیا ایستاده تا اسلام سر بلند کند، لهذا در خدمات محوله خود که معارف و عسکرات است بروفق رضای قبله و کعبه اقدس اعظم که اینهمه خیالات ما باراده های سنیه شاهانه خیرخواهانه ملک و ملت شان نسبت یکدولت هم ندارد بصداقت کامل میکوشم و چون معلوم است که نتایج صداقت ضرور و مفید است و منهم الحمدلله صادق هستم ، لهذا امید دارم که دولت ما بالآخر بترقی نایل شده نقطهٔ وحیدهٔ مطلب خود را که اعلای کلمة‌الله و نگهداشتن اوطان مقدسهٔ دینی و اصلی خود ماست از دست دشمنان کامیاب گردیم

ما همه را لازم است که وظایف خود را بصداقت اجرا کنیم . بخدا معلوم است که من همهٔ شما را با خود یک می‌بینم زیرا همهٔ ما خدمتکاران یک بادار بیدار دیندار اقدس اعظم خود می باشیم و من بسبب صداقت خود همه خدمتگذاران صادق شما را دوست دارم ، من علما و فضلا را از خود بارها بهتر میدانم و ایشان را احترام میکنم هرچند من وضع سپاهیانه و نظامی را آنقدر دوست دارم که امروز هم بلباس نظامی آمده‌ام و لباسی که برای طلبای مدرسهٔ مبارکهٔ حبیبیه مقرر کرده‌ام هم نظامی است و خودم هم وضع سپاهیانه دارم ولی مناصب علما را بجهت تقدس آن احترام میکنم و وجود شما را برای دولت و ملت خود نافع میدانم .

دیگر در حق انجمن معارف هر کس هرچه بگوید غلط است انجمن معارف یک انجمنی است که آنرا برای توسیع و ترقی معارف و تعمیم آن در دولت خود ما تأسیس داده‌ام و کارهای که انجمن مذکور اجرا و تجویز کرده است همه را پادشاه متبوع مقدس ما برضای معالی ارتضای خود مطابق یافته بدست‌خط مبارک خود مزین ساخته است .

۸ روز پیشتر کارها و تجاویز انجمن را بحضور مولای مقدس خود برده منظوری آنرا حاصل نمودم که آن از قرار ذیل است :

(۱) تقسیم تعلیم درجه رشدیه است برای داخله و خارجه
(۲) تأسیس مدرسه قضا و فتوی و محرری محکمه جات
(۳) تأسیس مکتب میرزائی ، مکتوب نویسی ، رقوم و سیاق
(٤) تأسیس مکتب قواعد حکومت از روی کتب فقهیه و کتابچه های حکومتی

انشاءالله چون مکاتب مذکوره جاری شوند تحصیل یافته‌گان اینها خدمات دولت خود را بصداقت و امانت کرده دولت خود را از تنزل و ادبار نجات خواهند داد

نفری که بخارجه میروند در رشدیه تعلیم آنها تغیر یافته برای استعداد و کسب کمالات تعلیم مناسب می‌یابند ، این نفری البته از نفری که در داخل ملک تعلیم می‌یابند کمتر میباشند ، لهذا خرج آنها هم غیر از مخارجی است که برای مدرسه مقرر شده است که پادشاه نکته‌سنج دقیقه رس خیرخواه ۸ روز پیشتر هم چنین فرمودند بعد از ان ذات عالی امیدهای خوشگواری از انجام و عاقبت مکاتب سه گانهٔ فوق‌الذکر بیان فرموده و در بارهٔ بیداری مردم ملک خود را از ترقیات جدیده بیان کرده‌اند، جناب قاضی ملا محمد رفیق آخندزاده را که درباب (ناموران زنان جهان) بسراج الاخبار افغانیه بود ذکر نموده

درباب فواید مکتب اناث بحث راندند و باز عنان سخن را بر تهانی و یکجهتی عالم اسلامی دور داده حضرات مجلس را به صداقت و اتحاد و اتفاق برای ترقی دین و دولت امر فرموده و فتح اسلامیه را درین جنگ عالم سوز تأثیرات بسیار مؤثر جوش دار از خدا خواسته ؛ فرمودند : —

« اقوام بهادر غیور افغانستانرا چه شده است که از شجاعت و جری و غیرت نسل و دلاوری سرشتی خود ها استفاده نکرده همچنین بیکار مانده ، امروز در شجاعت و بسالت بی نظیر اند همچنین اگر در ذات تحصیل علوم و فنون برآیند که مدت بعد یکی از ملل یگانه روی زمین بوده ملجاء عالم اسلامی شده می توانند »

درین اثنا یکبار باز صدای دلربای یک قرائت قرآن شریف که از دهان یک طالب العلم نور محمد نامی که پهلوی حضرت عالی افخمی معین السلطنه صاحب بر کرسی نشسته بود سوامع حضار مجلس را محظوظ آیات حسنات و دلالات قرآن عظمت نشان ساخت . هوا ، فضا زمین ، در دیوار مسجد را سراسر یک گوش باهوشی یافتم که این لآلی عالی را مانند جان در دل جا میدادند . دل های حضار را یک وجد دست داده بود آیات البشارات کریمه الناس را متحیر ساخته بر حق بودنش هزار بار گواهی بر زبان می آمد و چنانچه افتتاح مجلس بقرائت قرآن شده بود اختتام آن هم همچنان بعد ها بدعای حضور جناب مستطاب مولوی عبد الرؤف صاحب دست دعای ترقی دولت اسلامیه و سلطنت ابد بالا برده ، حاضرین همه با نهایت مسرت و جوش و خروش آمین گفته با دلهای خالی از رنج یاس و گوشهای پر از فصایح دین پرورانه رخصت شدند و خود حضرت عالی افخمی هم تشریف بردند امضا

(عبدالهادی)

اخلاقیات

دین ، دولت ، ملت ، وطن

در شمارهٔ سابق خود در زیر سرلوحهٔ (اخلاقیات) ازین کلمات چارگانهٔ قدسیت آشیانه بعضی بیانات نموده وعده کرده بودیم که در شماره آینده از هر یک که مقدسهٔ آنرا جدا جدا بحث خواهیم راند . اینست که به ایفای وعده خود مسارعت میورزیم . اما قبل ازانکه بمقصد شروع کنیم لازم دیدیم که یکقدری از حقیقت کلمهٔ سرلوحهٔ (اخلاقیات) بحث رانیم :

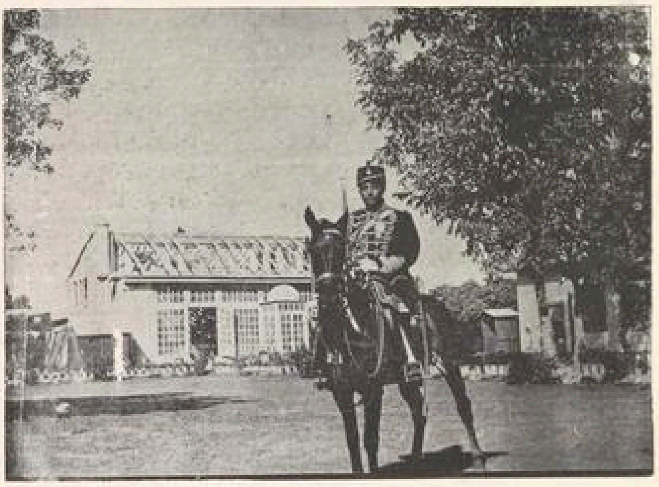

(ذات عالی معین السلطنه سردار عنایت الله خان افخم)
در بنگاه حظیرهٔ مبارکهٔ عنایت

اخلاقیات ، مباحث و مطالباتی را گویند که به اخلاق تعلق داشته باشد . « اخلاق » جمع « خلق » است . خلق خوی ، طبیعت ، خصلت ، تمایل انسانیست که در نفس انسان رکوز و راسخ شده میباشد . و اعمال انسان تابع همان خلق و خوی بوده خود بخود از انسان سر میزند . « اخلاق حسنه » ، خویهای خوب ، « اخلاق سیئه » خویهای بد ، « اخلاق عمومیه » ، « اخلاق ملیه » ، خویهای تمام مردمان یک قوم و ملت را گویند . بعضی مردمان ، خوش خویی یا بد خویی را تنها بر خنده رویی ، و چینگره گی منحصر میدانند که اگرچه خنده رویی نیز یکی از جملهٔ اخلاق حسنه و چینگره گی هم یکی از اخلاق سیئه شمرده میشود ، ولی خوش خویی و بد خویی را تنها بر همین امر منحصر نباید پنداشت . حکمای اخلاقیون ، اخلاق حسنه را یعنی خویهای خوب را بکمال بیان کرده اند ، و کتاب ها درین خصوص تألیف و تدوین نموده اند و درباب آموختن آن اصولها و قاعده های نافع و مفیدی وضع کرده اند و از اخلاق سیئه — یعنی خویهای بد اجتناب ورزیدن و دوری جستن را نیز به تعلیمات بسیار پسندیده رهنمایی کرده اند . پس ، اگرچه خلق ، به تعبیر دیگر خوی یا طبیعت یک چیزیست که فطری و خلقی در نفس انسانی مرکوز شده میباشد . و اگر آن

خوی خوب باشد کارهای خوب، واگر آن خوی بد باشد کارهای بد از انسان سرمیزند. اما العلم، تربیه، تحصیل، تأدیب، مجاهدهٔ نفس چیزیست که خوی‌های بد را بخوی‌های خوب تبدیل داده میتواند.

وجود مسعود حضرت فخر کائنات و مفخر موجودات، هادی ورهنمای ما، پیغمبر ذیشان ما صلی الله علیه وسلم عظیم‌ترین همه اخلاق حسنه را فطرتاً و خلقتاً جامع بودند. بدرجهٔ که ذات اقدس خلاق عظیم الشان جل جلاله خلق آنحضرت صلی الله علیه وسلم را به لفظ وعظیم، تعریف فرموده‌اند. وخود رسول الله صلی الله علیه وسلم بحدیث منیف شریف خود شان بعالمت ناجیهٔ خود بشارت داده فرموده اند که: — «انما بعثت لاتمم صالح الاخلاق» — یعنی من برای اتمام کردن اخلاق خوب و صالح بعث شده ام — ازین یک نحوی معلوم میشود که اخلاق حسنهٔ صالحه تا بچه درجه اهمیت دارد. علی الخصوص کما با متی چنان یک پیغمبر ذیشان که برای اتمام کردن اخلاق حسنهٔ مابعث فرموده شده باشند سرفراز باشیم چسان میشود که برای اکتساب اخلاق خوب بجان کوشش نورزیم.

اخلاق حسنه کدام کدام چیزهاست؟ بتعبیر دیگر انسان چه کند که صاحب اخلاق حسنه شود؟ این است که کتابهای معتبرهٔ اخلاقیهٔ که علمای معروف ومشهور اخلاقیون رحمهم الله تألیف وتدوین فرموده اند به تفصیل ازان بحث رانده اند. واصول و قواعد مکملی درالخصوص نشان داده اند. ولی ما چون کتاب اخلاق نمینویسیم بلکه مرادما اینست که ازبعضی فضایل اهم والزم اخلاقیه براخوان وطنی خود عرض نمائیم تادروقت وزمان حاضر برای محافظهٔ هستی ووجودما بکار آید.

بنابرین به آواز بلند فریاد میکنیم که بهترین فضایل اخلاقیه، ومقدس ترین خصایل انسانیه همین است که [دین، دولت، ملت، وطن] خودرا انسان ازجان، ومال، اولاد خود، بلکه ازتمام جهان زیاده‌تر دوست بایدبدارد.

(دین) چیست؟ ودوست داشتن آن چسانست؟ — دین ما دین مبین مقدس اسلام است. دین یک زنجیر طلائی مرصعیست که ما را ازمعاصی منع میکند. وبراوامر خالق ما، واحکام پیغمبرما، ورهنمای قرآن ما پابند میدارد. ازعقاید واحکام دینیه یکان یکان بحث راندن درینجا بیلزوم و اعلام معلوم شمرده میشود. زیرا آن چیزیست که الحمد لله ازصغیر وکبیر، همه برادران ما میدانند. مانها از سیاست دینیه یک مختصری بیان میرانیم:

اولا باید بدانیم، واعتقاد کنیم، واعتماد ورزیم که دین مقدس اسلام از همه دینهای که در دنیاست خوبتر وبهتر واقدس‌تر است. ثانیا بنابرهمان اعتقاد واعتماد، برین یک بجان وسر ومال وهمهٔ وجود وهستی خود درهردم، وهرلحظه وهردقیقه حاضرو آماده ومهیا باشیم که نگذاریم دیگر ادیان بردین مقدس ما دروطن ما حاکم، ودین مقدس ما دروطن ما محکوم دیگر دین شود. ثالثا همه مسلمانان را که هم دین ما هستند اگر در شرق باشند اگر در غرب، اگر در جنوب باشند اگر در شمال باید برادر خود بدانیم، وغم وشادی شان خود را شریک بشماریم. واگر از دست ما معاونتی برسد در حق شان دریغ نکنیم، باهمه برادران مسلمان دور ونزدیک خود رابطهٔ قلبی واتحاد معنوی داشته باشیم. رابعاً بردین خود ثابت قدم، ومستقیم باشیم، وغیرت دینیه و حماست، وغیرت دینیه را ازدست نداده بمقابل دیگر دینی که بردین ما تجاوز وحمله کنند، بجان ومال فدائی وار مدافعه نمائیم تاحق محبت دین را بجا آورده باشیم.

(یک جنتلمن افغانی)

محمد علم خان عروزی از محرر مشهور ملیه مبینه مکتوبش در صحیفهٔ (۷) همین شماره

دولت چیست؟ وصداقت بدولت چگونه است؟ — دولت ما دولت خداداد افغانستان، است که متبوع ملت، وملت تابع آنست. دولت، وملت جسم ووجود واحد شمرده میشود. یعنی دولت ازملت است وملت از دولت. درمیان این جسم ووجود که آنرا دولت وملت گفتیم: دولت، بمثابهٔ اعضای رئیسه — مانند قلب ودماغ — شمرده میشود. وملت بمثابه دیگر اعضای بدن. البته که این جسم ووجود را یک روح یعنی جان هم لابد ولازم است. این است که جان وجود دولت وملت، پادشاه، آن دولت وملت میباشد.

پادشاه ما، اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان ابن اعلیحضرت مغفور امیر عبدالرحمن خان، است که از دین ما وحامی دین ما، ازملت ما وحامی ملت ما، از وطن ما وحامی وطن ما میباشد.

شرط اعظم دولت برای یک ملت همین است که دولت وپادشاه شان از دین خودشان، ازملت خود شان، ازوطن خودشان باشد. اگر خدا ناخواسته ازدیگر دین، از دیگر ملت، از دیگر وطن باشد، آن ملت ووطن را مرده باید پنداشت. لهذا چون دولت غیر دین، وغیر ملت بخواهد رحم و بقای دولت خود آن ملت، قدم تجاوز وحمله را روا دارد. دولت برای محافظهٔ دین وملت ووطن. وملت نیز برای محافظهٔ دین ودولت ووطن باتمام هستی وجود خود بمدافعهٔ دلیرانهٔ شیرانه تا به نفس واپسین سعی وکوشش ورزند. تادولت وظیفهٔ دولتی وفرض منصبی خودرا، وملت حقوق صداقت ومحبت وشرافت خود را بجا آورده شده باشند.

درین شماره همینقدر گنجایش داشت انشاءالله درشمارهٔ آینده بیشتر ازین تفصیلات براولاد وطن عزیز ومطالعه کنندگان باتمیز خود ملل

اعطا خواهیم نمود . ومن الله التوفیق .

حوادث داخلیه

(از محکمهٔ کوتوالی ترکستان مینویسند)

بتاریخ یوم پنجشنبه ۱۲ شهر حال در چشمهٔ شفاء محل بازده مجمع روز بود واجتماع یک جماعهٔ غفیر وکثیری بود حاجی احمد علی نام مشهور بحاجی زنبور ولد فضایل آگاه ملا رمضانخان مرحوم بود در آن مجمع حاضر بود نامبرده باختیار خود بدون تکلیف از خانهٔ که بالای چشمه میباشد برخاسته دربالای چشمهٔ لب دریاب آمده که آببازی کند محمد اسحق نام متولی چشمهٔ مذکور و بعضی دیگری اورا مانع شده که این دریاب نهایت شدت دارد آب بازی مکنید نامبرده اظهار کرده که من دریاب اتک وجلال آباد غسل کرده ام این چه دریاب است که من غسل نکنم اینرا گفته لنگ زده بدریاب اندرون شده بمجرد رفتن در آب نامبرده را آب فرو برده در آن اثناء که اورا آب چپاینده غلغله وآواز بلند شد که حاجی زنبور در دریاب آببازی میکند جاهائی که در بین جابالای چشمه نشسته بودند همه یکباره برای تماشای آب بازی حاجی مذکور برخواسته هنوز در لب رودخانه مذکور رسیده بودند که آب حاجی مذکور را میبرد مگر حاجی مذکور بعنوان آب بازی به مغروری زیاد میرفت اورا یکن کامل نبود که یعنی آب اش میبرد بعدت چند دقیقه مسافت هزار قدم از محل انظار مردم غایب شده معلوم نگردید اشخاصیکه دربالای ولب دریاب بودند عقب او رفته هرقدر سعی کردند نتوانستند قرار بیان محمد اسحق متولی چشمهٔ مذکوره که هرقدر بحاجی مذکور گفتم که دست خودرا بدهد دست خودرا نداده آب اورا میبرد خلص حاجی مذکور بدریاب غایب گردیده نعش آنرا فردای آن که بروز جمعه ۱۳ باشد نماز عصر از دریاب بموضع بچه مرده که آنجا کنار تواعمات نهر چنال است برآورده بقریهٔ سید میرقاسم آقا متعلقهٔ نهر مذکور متصل مقبرهٔ سید میرقاسم آقا مدفون ساخته اند فقط

مرثیهٔ جناب مستغنی درحق متوفی برادرش

چسان بحر بلا گردت آشنا مردن
بچشم دیده کس از چشمهٔ شفا مردن
چه جای چشمهٔ شفا که روز اجل
برای خضر شود چشمهٔ بقا مردن
گرفت وقوف که مرزاست آشنای بحر
کرا خبر که کم باشد و کجا مردن
بآب دفن و مقابر نکرد فلک
چرا تو مردی و بودات حق ما مردن
برادری چو تو رعنا رشید و راد و غیور
گذاشت ایکه نمود از منت جدا مردن
عمر تو کاش کی پیش از اجل مرا بکشد
سلامتی نگه دارد بکوی تا مردن
زمین دگر پس ازین زندگی چه میخواهد
چرا گهمت چنین زندگی مرا مردن
چرا نگشت غم مرگ این جوان مرگ
چرا بمن [illegible]
بمرگی راضیم از زندگی شدم بیزار
پس از فراق تو کجا زندگی کجا مردن
بحیث زندگیم بعد ازین گذاشت اگر
بمن نفس بنفس میکند جفا مردن
علاج درد تو میکرد آه مستغنی
روا نکرد اگر داشتی دوا مردن

کذا

بهشب شنبه ۲۳ ماه مذکور از نیره سیاه و شمال سخت و گرد وباد از جانب قبله پیدا شده رعد وبرق درخشیدن وبرق زدن شده از شدت شمال شاخه‌های درختها شکسته درشب مذکور اشخاص‌های زیارت چی‌ها ازطرف مزار شریف راه می آمدند ازشدت شمال وسیاهی شب پریشان شده بعد قدری باران بارید شمال از شدت خود مانده هوا بعد از نصف شب روشن گردیده درحد خم دان ابتداء زراعتهای اشترغان یکنفر پسر هفت ساله روزی محمدخان صدباشی اشترغانی از نزد اشخاصیکه با او همراه بودند مفقود گردیده بود درشب مذکور پیدا نشده فردا درک اورا درحدود مذکور کرده مردهٔ بچهٔ مذکور را بروز یکشنبه ۲۴ از بین آب کی زراعت پیدا نموده اند که بچهٔ مزبور دربین بوته آب کی شده فوت گردیده فقط

مکتوب

(از میمنه)

جناب فضایل مآب سرمحرر ومدیر روشن ضمیر جریدهٔ محترمهٔ مبارکهٔ سراج الاخبار افغانیه را الله تبارک وتعالی هنوز قوت قلب وعمر زیاد عطا فرماید که ملت نجیبهٔ افغانیه خودرا یومیه از ترقیات جهان باخبر میسازید . سراج الاخبار افغانیه فیض بخش تمام اسلام علی الخصوص از خود ملت افغانستان شده که از احوال تمام روی زمین و از ترقیات علم وادبیات مارا باخبر ساخته ومیسازد — این چند فقره را برای ملت وبرادران عزیز وطن خود عرض میدارم اگر منظور شود درج نمائید — ازوقتیکه شهریار همایون پادشاه بادیانت مهربان ملت افغانستان اعلیحضرت سراج الملة والدین که بتخت سلطنهٔ اسلامیه جلوس فرموده‌اند مملکت افغانستان چنان ترقیات نمایان نموده که به تمام روی زمین چنان آفتاب نمایان میباشد — چونکه به مملکت ما‌ها سابق چند پیچ تفنگ که تلف میشد ساخته نمیتوانست حال الحمدلله کارخانه های توپهای آتش پس ودنباله پر و تفنگ های چاقوردار گرچ وزن وبوت وغیره لوازمات که بدار السلطنه کابل تیار میشود ازهیچ دولت کم نیست بلکه توپهای مایان از دولت های که من دیدم بهتر است اگر دلیل آن را بگویم عریضه هذای من کثال میشود — درشوق سایهٔ پادشاه ما هرعلاقه وقلعه آهنگران مایان تفنگ های اولی و چاقوردار تیار میکنند وشکست ساعت وبایسکل وموتر را بخوبی میسازد انشاء الله تعالی بعد از مدت اندک این اسباب ها را کامل خودما صاحب خواهیم شد که از اخراج [illegible]

بیدار مغز مایان کار خانهٔ کشمیره باف تیار کرده از کشمیره های خارج به اندک مدت فارغ می شویم — ما مردمان ملت افغانستان کامل بخبر وصحرائی بودیم که از لذت زندگانی خود مطلق بی خبر بودیم یعنی به هزار خانه یک نفر خانده یافت نمیشد حال الحمدلله تمام آنها صاحب خط وسواد ضروری خود میباشد ولباس های پوتا که بسیار غلیظ کلان بجرک میپوشیدیم حال بجای لباس های خوب که قماش آن از ملک خود ماست رسیدیم که عکس خودرا محض برای نمونه برای تان فرستادم — خود این بنده بعد از شانزده سالگی بخواندن شروع کردم حال الحمدلله خط هدای فارسی واندک خط روسی را تعلیم یافتم توجه پادشاه محبوب القلوب مبارک مایان بترقی ملت خود فرموده ما مردم ملت افغان از برکت و شرافت آن کامل امیدوار زندگی خود باخبر شدیم درین هفت سال خود تجارت کردم چنان ترقی کردم که بقرار فرمایش خود بکارخانه‌های روسی بشهر مسکو مالهای باب مملکت خود تیار کردم بسر هر توپ آن نام ونشان مبارک دولت افغانستان رابفرمایش چاپ کردم وبه‌هرسال تخمیناً هشتاد هزار تنگه تک روپیه بخزانهٔ مبارک دولت خود مختار مقدس خود محصول ازمال تجارتی خود تحویل میدارم اینهم کامل ازترقی روزی های پادشاه ماست بهر دوکان وشهر روسی برتوپ ها نام ونشان دولت ما میبینند ای برادران ملت افغانستان از برای خدا بکوشید وببینید که ازجهان صنعت های گوناگون می براید وآخر شرم نیست که مایان محتاج به غیر دین از مالها واسبابها باشیم افغانستان وطن‌ما هاست افغانستان بجان از جانما بهتر است پس لازم است که شب وروز بدعای پادشاه مهربان خود باشیم اگر بدیگر قسم دانسته تان نمی شود همین جریدهٔ وطن خودرا خوب ملاحظه کنید انشاءالله تعالی یک نسخه آن برای انسان کافی است بدیگر جای ها برای هیچ شخص به بسیار زحمت میسر نمی شود اگر شود به بسیار ملاحظه تمام آن را ملاحظه میکند .

زیادالله‌تبارک‌وتعالی سایهٔ همایهٔ پادشاه مهربان اعلیحضرت محبوب القلوب ماه سراج الملة والدین دام الامر ملت افغان وجمیع مسلمانان کم و کوتاه نکرداند بحق جمیع انبیا آمین فقط دستخط محمدعزیز پسر محمدگل خان خروتی ساکن غزنین مقیم میمنه صحیح است تحریر یوم شنبه ۱۰ ماه رجب المرجب سنه ۱۳۳۳

مکتوب از قندهار

جناب مشفق محترم گرام مهربان محمود بیک خان سر مدیر محکمهٔ اخبار سراجیه دولت خداداد اسلامیهٔ افغانستان همواره بدولت اسلام معزز دارین باشند بعد از دعای دعا گوی دوام دولت پادشاه اسلام پناه مشهود میدارم اینکه دراخبار سال چهارم تاریخ ۱۵ شهر جمادی‌الاول سنه ۱۳۳۳ شخصی در محکمهٔ اخبار اطلاع‌دهی کرده در حق شکایت ازدست اجاره دار های قندهار تحریر داشته مضمون اینکه اضافه ستانی میکنند یک‌لک باریشم روانه هندوستان شده فی‌بار یک‌نیم روپیه یک‌لک و پنجاه هزار روپیه گرفته وحرف های نامشروع بد گفته یعنی اضافه ستانی بی آبی میکنند ازدست اجاره دارها صادر شده شرح طویل داده اکنون عرض دعا گویان پادشاه اسلام اینست که اینگونه عریضه و گفت و گوی نکردیم خلاف گفته چنانچه حرف خلاف آن ظاهر معلوم‌دار است اولاالحمدلله شخصی مسلمان صادق ونادان نائب‌الحکومه درقندهار است ـ که درعدل خود پایان ندارد چگونه شخصی زبردستی خواهد کرد ومیکند — ثانیاً اینکه یک‌لک باریشم نوشته فی بار یشم یکصد روپیه محصول آن میباشد ازیک‌لک‌بار مبلغ یک کرور روپیه محصول میشود البته در تمامی افغانستان اگر یک‌لک‌بار یشم موجود شود — ثالثاً آنکه این چگونه گفت و گوی دعوی خواهد باشد که فیصله آن دریک پیاله شیر چای شود — چنانچه کار تجارت کار اعتبار واب است کار بی اعتباری وبیجه گی نیست اضافه برآن این دعا گویان تجار قندهار خود را صادق خدمتگار دولت جان فدا میدانیم وهستیم اگر یک شخصی درجه آنهارا بقرار فرمان مبارک واحکام ازطرف پادشاهی بالای غلامان مقرر شود — اینقدر و یا عمال شخصی رامدنظر نداریم حکم واحکام پادشاهی را بصددل وجان قبول داشته معمول میداریم — خلاف قاعده نمیکنیم ونخواهیم کرد انشاءالله تعالی — چونکه عالیجاه عبدالرحمن خان بسیار شخص مسلمان و آدم درست باصلاح آراسته خوش گذران میباشد زیاده بعزت باشید خط هذا محض برای استحضار آن مشفق مهربان صادق خدمت کار دولت اسلام تحریریافته که آسوده خاطر باشند ومهربانی کرده درج اخبار مبارک کنند که تردید قول آن شخص که درست گوئی نکرده بشود فقط والسلام

امضا ها

تجارهای طایفهٔ مسلمین

الشاهد میرعزتجار بشمرودلال صحیح‌است ـ امیرمحمد تجار صحیح‌است ـ شمس‌الدین عالیجاه بازمحمد خان فوفلزائی صحیح‌است ـ عبدالمجید فوفلزائی افغان ـ الشاهد حاجی گل‌محمد تجار قندهاری صحیح‌است ـ الشاهد محمدسرور خان — عبدالحمید جدران تجار — حاجی محمد رسول خان تجار صحیح است — محمدایاز صحیح‌است — محبوب خان اچکزائی صحیح‌است — عالیجاه شهباز خان بارکزائی صحیح است — مجنون خان اچکزائی صحیح‌است — ملک محمد خان صحیح‌است — نیاز محمدخان فوفلزائی صحیح است — محمد عمرخان ترکی تجار صحیح است — ملاصدیق کلان تجارها صحیح است — حاجی محمد حسین قوم خروتی صحیح است — عبدالغفور خان صحیح‌است — محمدیعقوب‌خان فوفلزائی صحیح‌است — عطا محمد تجار صحیح است — خواجه محمد دلال ملا نور تجار ساکن ده خوجه صحیح است — ملا فیض محمد ترکی تجار صحیح است — میرزا غلام جیلان تاجک صحیح‌است — ولی محمد تجار صحیح است — غلام حیدرقوم اچکزائی صحیح‌است — محمد حسین‌خان فوفلزائی صحیح است — شاه‌بابا خان فوفلزائی صحیح است — محمد طاهر خان نورزائی صحیح است — عبدالشکور صحیح است — عبدالغفور بارکزائی صحیح است — عبدالخالق الکوزائی صحیح‌است — غلام‌حیدر صحیح‌است — عبدالقادر صحیح‌است — محمدحسن صحیح‌است — میرزا عبدالرشید صحیح است — خداداد صحیح است — عبدالمجید صحیح است — سید محمد حسن خان پسر سید تاجیر آقا تجار غلجی صحیح است — علی محمد صحیح

است — غلام محمد خان نورزائی صحیح است — میرزا محمد اکرم صحیح است — میرزا عبدالرحمن صحیح است — فضل احمد صحیح است — میرزا علی اکبر صحیح است — قنبر علی صحیح است — محمد عالم صحیح است —

دستخط تجارهای طایفه اهل هنود بطریق شهادت

دیوان دهره تجار — دیوان مهرچند ولد پرتم داس شکارپوری — دیوان شیوه مل دلال — دیوان پتاشاه سنگ تجار — دیوان گوپال دلال برادر امیرچند — دیوان منگله — امیرچند و حکم چند سرای راجاه — دیوان آتشو — دیوان بور دلال دیوان جتامل — دیوان فقیر چند — تجار صحیح است — دیوان دوارکه مل تجار — دیوان موتی سنگ تجار دیوان کشن ولد رام سنگ — دیوان سیوک دلال — دیوان لچهنداس — دیوان ستومل — دیوان سنگامل — دیوان کیمه دلال — تخومل زاز — تلومل زاز — صاحب چند — شیوه مل خورد دلال — دیوان شیومل ولد مول چند — دیوان نندو لنگومل — دیوان پوکر مل زاز — دیوان فقیر سنگ — دیوان کشن مل زاز — دیوان گری دلال — دیوان اوتم و لنکامل — دیوان گردامل ولد پرتم — دیوان لنکو ولد اشومل — دیوان لعل و حیون — دیوان موله سنگ دلال — دیوان دره مل دلال — دیوان رعومل دلال — دیوان دوتی چند برادر سوک — دیوان جیه مل خورد — دیوان لنکومل — دیوان کندن مل — دیوان مرومل ولد اوجل — دیوان بوله سنگ — دیوان نارومل ولد جنگل — دیوان لیکومل دلال — دیوان لنکامل ولد اشومل — دیوان راجی عطار — دیوان تیک چند —

سراج الاخبار افغانیه

عجب هنگامه‌ها! شخصی که برای ما آن فقره را نوشته بود که در نسخهٔ مورخهٔ ۱۵ جادی الاول همین سال درج کرده بودیم یک شخصی بود که نه تاجر بود و نه کاردار ؛ بلکه یک سیاح هرزه و لاغرضی بود که از جملهٔ شنیدنیها و دیدنیهای او شاید یکی هم آن فریادها بوده باشد . اخبار چون یک مجموعهٔ خبر است، و غرض راودان رهگذری نیست . لهذا چنانچه خبر آن فریاد را عیناً درج صحایف نموده بود خبر این استمداد را نیز (العهدة علی الراوی) گفته عیناً درج میکند . اما نکتهٔ شایان دقت اینست که در آن فریاد نامه چیزی که موجب عدم عدل و انصاف جناب نائب الحکومه صاحب باشد بنظر نمیخورد . زیرا نائب الحکومه صاحب اول مصالحه را امر نموده اند که عین عدل و انصاف در اول دعوا همین است و اگر صلح نشد هیچ شبهه نیست که بازخواست هم میکردند آقایان صاحبان امضای این نامه هم حق بدست دارند که اگر گفتگو و دعوا برحق و صواب میبود آیا چسان یک پیاله شیرچای حل و فصل میگردید ؟ . والحاصل سراج الاخبار نظر بوظیفهٔ مجموعه بودن اخبار هردو خبر را بدون کم و کاست درج نمود باقی العهدة علی الراوی .

* * *

حوادث خارجیه

(مسجد اسلامیه افغانیه)

(در پارتهٔ وستن آستریلیا)

پارتهٔ شهریست بزرگ که از اهل فرنگ وغیره آبادانست ، از بندر فرمانتل باندازه (۱۲) میل از دریا فاصله دارد ، و عمارات عالی مصنع آن حیرت انگیز است و تمام بازارها و سرک و عمارات در صفائی مانند سنگ مرمر صاف است و در زمین وستن آستریلیا این شهر پایتخت است که نائب الحکومه اکثر اوقات همین جا سکونت میدارد ، بازار کلان آن ولیم سریت نام دارد ، هردو طرف بازار تمام با آئینه و چراغهای برق و عمارات شیشهٔ و مرمر است در میان همین بازار بجانب دست راست مغربی مسجد اسلامیه افغانیه بنا شده است

افغانان از گورنمنت استریلیا استدعا کرده بودند که ما میخواهیم در میان شهر مسجد تعمیر کنیم ، گورنمنت مذکور بلاتردد اجازه داد این مسجدی است عظیم و عالی از خشت پخته و گچ تعمیر شده و دیوار هــای درون وبیرون بسیار منقش است در صحن مسجد حوضی است عظیم و گرداگرد حوض باغچه گل و سنبل گوناگون و حوض از سنگ پخته و گچ تعمیر شده ، گرداگرد مسجد باغی است مدور که تا کهای انگور آن بسیار نظر ربا است گرداگرد باغ دیواری بقدر قد آدم ساخته شده است

این مسجد در شهر آستریلیا شهرت تامی دارد ، و رونق این قابل تعریف است، صنعت کاران این یوروپین بودند ، بدو طبقه مدور ساخته شده است ، طبقه (۲) آن سه دروازهٔ بلند از شیشهٔ بلور ساخته شده است که بعضی شیشه‌ها سرخ و سبز و زرد و سفید و به نقوش غریبه منقش میباشند

در داخل مسجد چهار دریچهٔ بلوری باز شده و محراب مسجد به تکلف بسیار آراسته شده است که نقشه‌های غنچهٔ گل در دیوارها کشیده شده آن هم از ورق طلای مصنوعی مطلا شده و سه چراغهای برقی که از کارخانه مشین برق والا سیم آورده شده است که درون مسجد بشب روشن میباشد و دو چراغ برق در صحن مسجد یکی بر کنارهٔ حوض در صحن مسجد و دیگر آن بمسر دروازهٔ طبقه دوم بر دروازهٔ میانه و کنار سقف مسجد آویزان است که مسافه دوری را بشب منور میسازد از منظرهٔ آن اهل اسلام سیر میشوند و تمامی یوروپین ها متحیر و انگشت در دهان میباشند وبسیاری از مردان و زنان یوروپی برای دیدن مسجد می‌آیند ، و بوتهای خود را از پا کشیده بطور مؤدبانه و صفائی سیر کرده واپس میروند

از چهار هزار پوند زیاده درین مسجد خرج شده است هنوز برای مدرسه سراجیه که نو بنا شده است مبلغ دو سه هزار پوند ضرور است .

بر کنارهٔ راست دروازهٔ مسجد در سنگ مرمر بخط خوش واضح این مضمون کنده شده است

«الحمد لله پایهٔ بنای این مسجد اسلامیه روز دوشنبه بتاریخ ۱۵ ماه رمضان المبارک ۱۳۲۳ هجری نهاده شد، الله تبارک وتعالی برجه مسلمانان مبارک وباعث بر کشاد رحمت گرداند»

روز محشر که جان گداز بود
اولین پرسش نماز بود

ودر کناره چپ دروازه مسجد عین مضمون به انگلیزی ترجمه شده درسنگ مرمر بخط خوش وواضح زر تحریر و کنده شده است الحمد لله رب العالمین انشاء مدرسه را چه نحوی شده است. افغانان مشورت این بنده را بوجه احسن وبمحبت قبول فرمودند. قانون وقاعده مدرسه چنان قرار یافت که هرچه مسلمان زادهای که درین جاهستند، دووقت برای درس بیایند. بعد نماز صبح وبعد نماز ظهر ومدرس جناب مولوی ملایار محمد صاحب پسر مولوی محمد غوث قندهاری است. که برای امامت ودرس مقرر شده اند که مولوی موصوف در عربی، فارسی، انگلیزی تعلیم یافته شده است. ممبران مسجد هشت نفر افغانان می باشند که در سرکار برطانیه استریلیا در کورت رجستر شده است

اگرچه ملایار محمد خان ریسیدنت افغان است لا کن امامت ودرس را هم اواجرا می کند زیرا ما می خواهیم که هرکه امام ومدرس ما باشد باید افغان باشد

دیگر

(مسجد اسلامیه افغانیه)

(درشهر آدلید سوتهه آستریلیا دروسط شهر)

(در گلبت ستریت)

آدلید یک شهریست در سوتهه استریلیا (استریلیای جنوبی) وبر کنارهٔ دریا بفاصله ۹ میل واقع است، شهریست عظیم ووسیع. اهالی آن اهل یورپ اند، بازار های آن وسیع وهمه آن به سنگ مرمر فرش شده بکنارهٔ دست چپ در وسط شهر در گلبت ستریت مسجد اسلامیه افغانیه واقع وبنا شده است این مسجد از سنگ تخته وگچ ساخته وزمین مسجد ودیوار های آن بکمال هنر صنعت کاران مصنع ومزین شده است وبرنگ های مختلف منقش وملون. در صحن مسجد حوضی است وسیع برای وضو وتمام کنارهٔ حوض گل وسنبل کاشته شده است. دو منارهٔ بلند وعظیم وپر رونق متصل دروازه ساخته شده است که بفاصله یک میل دور از توسط شهر خوش جلوه می دهد که از منظرهٔ آن اهل اسلام سیر نمی شود ووجود یوریها متحیر میشوند در صحن مسجد درختان انجیر وتاک های انگور غرس شده اند. یک زمین مرغزار برای محفل جلسه ووعظ مهیا گردیده است

درین مسجد تخمیناً زاید از سه هزار پوند خرج شده هنوز یکنیم هزار پوند، برای مدرسه مراجعه ضرورت هست. ممبران مسجد اهل افغانانند که در سرکار برطانیه کورت استریلیا رجستری شده اند مسجد برزبند کنج لیند آستریلیا زیر تعمیر است

(از شهر پرت وستن آستریلیا) امضا

السید جلالشاه

سراج الاخبار افغانیه

در شمارهٔ (۶) همین سال چهارم خود شمهٔ از ترجمهٔ احوال سیادت وفضیلت پناه جناب سید جلالشاه صاحب که یک سید عالی نسب، ویک عالم روحانی با حسب میباشند نوشته بودیم این است که در ینجا این مکتوب عالی شانرا نیز درج نمودیم. حقیقتاً تشویقات وارشادات این ذات ستوده سیرت، وسعی وغیرت برادران افغانی ملت ما که در اوستریلیا مقیم اند درچنین اعمال خیریه شایان تشکرات فراوان شمرده میشود، جزاهم الله خیراً.

تحریر یوم شنبه ۱۰ شهر رجب المرجب از محال میمنه سنه ۱۳۳۳

(احوال ماوراء النهر)

نامه نگار ما از کرکی ومرو مینویسد:

کیفیت داخله مملکت روس از مردم ترکمن از اول جنگ تا حال چهار کشت اسب جمع آوری نموده که گویا اسپ سواری رایش نمانده — بهغره ربیع الثانی کورناز تاشکند آمده بود مردم ترکمن را از بعد جیوه نامبرد از چهار اطراف آنرا بحضور خود خواسته بود که شما مردم سابق از دولت روس چند خانه وغری ومال های مواشی ونقدی داشتید وحال چه قدر دارید سیاهه آنرا بدهید چرا که دولت روس چون حرب داشت از شما مردم نهایت اسب های زیاد کمک. گویا رسیده حال میخواهد عوض اسپ ها وصداقت شما ها بقرار احوال تان تنخواه مقرر میشود ونشانهای صداقت از طرف دولت بهر کدام شما ها داده میشود مردم ترکمن عوام بودند هر کدام آن ها سیاههٔ خود را اضافه از جایداد خود داد بعد از سیاهه برای نامبرده ها گفت که شما مردم از سابق بکی زیست غری ومال شماها زیاد شده حال دولت ماها جنگ دارد از شما مردم کمک وجه نقدی را میخواهم مردم لاجواب شدند درجه اول از پنجصد منات تادرجه اخیر فی نفر ۱۴ منات وجه نقد جمع آوری بود بعضی بعضی که وجه نقد ومال نداشت فی ۱۴ نفر یک نفر عسکر گرفت تخمیناً یکهزار نفر شد بجای حرب خود فرستاده بود میگویند که آنها کامل بدست دولت معظمه عثمانی زنده افتاده اند — بهغره ماه جمادی الاول عکس امپراطور روس معه عکس عیال آن بهر یک قطعه از کلکته نامبرده شهرهای بزرگ وکوچک کرد بود بازار ها گشتند ومیگفتند که حق پادشاه خود دعا بکنید که حق سبحانه تعالی دعای اهل اسلام را مستجاب میگرداند از لاعلاجی از دهن هر شخص چیزی می براند بدعای خوب وبدعای بعد از آن برای این مردمان گفت که عکس پادشاه شما ها معه عکس عیالان او ورده لازم است که چیزی کمک وپاداده شود چهار درجه کرد درجه اول فی دوکان دوصد منات درجه ۲ یکصد وپنجاه منات درجه ۳ یکصد منات درجه ۴ بقال و بازارچی پنجاه منات وجه نقد جمع آوری نمود — طلاچه روسی یک قریافت ندارد بشهر های حکومتی خود حکم نمود که تاپنج یوم هر شخص که طلاچه روسی داشته باشند تحویل خزانه وبنک های سرکاری بکنند عوض آن کاغذ صد مناتی بگیرید بعد از پنج یوم از نزد هر شخص اگر طلاچه روسی یافت شود فی منات شش منات جریمه وشش ماه محبوس می شود — نرخ کاغذ صد مناتی دولت مذکور به هر دو صد ودو روپیه میباشد — دولت اوستریا شش هزار نفر عسکر خود را بملک پراخوت [illegible] یک

از منظرهٔ خرابیهای سیلاب بغمان

بندر خود می برد براحوت مذکور دربین آب طوفانی شد از بندر که خود دور افتاده نفری مذکور که دربین براحوت بودند و اسلحهٔ حربیه نداشت تقدیری بدست روس اسیر شده از شش هزار نفر اجتماع شهرهای حکومتی خود گردش داد نصف ازادرین روزها به مرو آورده بود میگفت که چنان عسکرهای اوستریا را گرفتم و میگوید که دست بسته بدستم افتاد و میگوید که هزارها مثل این ها از عساکر من قتل رسیده و اسیر بدست مذکوران میباشد معلوم میشود کسابق ازین هیچ دست گیر مذکور نشده اگرمیشد مثل این ها به بازار ها میگشتاندند —

از مملکت داخله خود روسی کمل مسلمانان بخارائی و ترکمن و یهودی که دران جاتجارت میکرد کشیده از تاشکند به اطرف نهاد که بروز ۱۶ ماه جمادی الاول ازطرف حکومت روس بمرو حکم رسید که فی هشت نفر یک نفر عسکر از مردم ترکمن جمع آوری نماید، امروز بای ها و کلان شوند های مردم ترکمن را حکومت به مرو خواسته معلوم شود که چه جواب بدهد و از دیگر علاقه ها مثل تاشکند و علاقهٔ بخارای شریف نمیدانم که قرار مرو حکم شده باشند یا نه در ثانی خلص عرض میکنم — خزانهٔ قدیمهٔ بخارای شریف را بچند دفعه به بهانهٔ قرض روس برد که چیزی برای شان نمانده هدیه مرحان بداخله مملکت مذکور پریشانی زیادی میباشد .

از ترجمهٔ اخبار های انگلیسی

که ترجمان انگریزی ترجمه کرده

لندن ۲۷ می ۱۲ رجب المرجب

مستر اسکویته درتقریر خود بیان نموده است که جنگ به کامیابی جاری داشته نمیشود اگر وکلای فرق مختلفه انگلستان در وزارت داخل نباشند .

لندن ۲۶ می ۱۱ رجب المرجب

مستر اسکوا تهه درتلگراف خود اسمی سکتور سلبند را بیان نموده که ازشرکت ایطالیه در جنگ در انگلستان مسرت زیاد رخ نموده است و دوستی قدیم ایطالیه و برطانیه ازین شرکت مبدل به اتحاد کامل گردیده است —

روما — ۵ می کرنیل وپای اطالوی دو هزار نفر اطالوی و چهار هزار نفر افریقوی را با خود گرفته به مقام مصدرا واقع طرابلس روانه گردید که بر بعضی اقوام یاغی حمله نماید — چون مسافت ده میل رسید فوج افریقوی بغاوت نمود — ومابین فوج اطالوی و فوج افریقه جنگ شدید واقع شد —

قبضهٔ زمین بذریعه غاز ها

فیلد مارشل فرینچ میگوید که آن حصه های میدان که در مشرق یپرس بسبب استعمال غازها از دست مارفته بودند تاحال ما برآنها متصرف نشده‌ایم — وی میگوید که مقدار غازها اینقدر زیاد بود که قبل از آن کاهی دیده نشده بود — غازها از اینجا تا چهار و نیم ساعت متواتر برآمده و در پنج میل منتشر بود و دران اثنا گوله‌های کلو کبیر مثل باران باریدند واین غاز در بعضی مقامات چهل فوت بلندی داشت وازین سبب اکثر حصه فوج ملالنکی از کار افتاد —

لندن ۲۷ می ۱۲ رجب المرجب —

بهاخبار تأثیر از مقام آتیون کوروو اطلاع رسیده که بتاریخ ۲۴ و ۲۵ می حملهٔ جرمن برقلب فوج روسی در گلیشیا در تواریخ جنگ بی نظیر بود — غیر از توپخانه های کثیر طوفان آتشباری بر قلب فوج روسی دیاهود و آنرا برهم ساخته اراده داشت که بر یمین و یسار فوج روسی رجوع نماید لیکن افواج روسی به ترتیب درست و منتظم میباشند —

◆ دروازهٔ باغ شاهی جلال آباد ◆

یک منظره از سرحدهای بلوچستان

شمله ۲۹ می ۱٤ رجب المرجب

خبر ذیل از انگلستان به شمله رسیده است —

باستعمال توپهای کلان و بهخرج کثیر سامان جنگ و بهنقصان تعداد کثیر فوج جرمنها دریای سان را عبور کردهاند — حمله جرمن و آستریا بطرف جنوب و مشرق پرزمسل نهایت شدید میباشد و فوج کثیر مصروف پیکار است و هرگز ظاهر نمیشود آیا بهسبب جنگ ایطالیه قوت استریا و جرمن در رزمگاه مشرق کمزور شده باشد .

لندن ۲۸ می ۱۲ رجب —

اعلان سرکاری مظهر است که جون جهاز جنگی مجستک مقام گیلی پولی در جنگ مصروف بودیک کشتی زیرآب دشمن آنرا غرق کرد — وقریباً کل افسران وسپاهیان محفوظ ماندند —

لندن ۲۷ می ۱۲ رجب المرجب

جهاز پرنسس آیرین در بندر کامشیرانس اتفاقاً پریده — وصرف یک نفر از اهل جهاز سلامت مانده — وقریب دوصد نفر کشته شده است — این حادثه وقت یازده بجه روز وقوع آمد ویک شعلهٔ بزرگ پیدا شد وجهاز غائب گردید

حکایتهای محاربه

نامه نگار اخبار ذیل میل از فرانس اطلاع میدهد که بوقت شب تاریخ ۱۸ ماه مارچ زپلن ها دو مرتبه بر کیلی حمله کرد ونقاط مختلف شهر قدر یکدرجن بم انداخت . وجوه مدعای این هجوم موافق آن بود که استاسیون مشهور ریل میری تائیم ، کیلی تباه کرده شود از آنرو در نزدیکی همین موقع بیشتر بم افگنده شدو از انجمله یکدانه آن بریکی از اوتاقهای ایستگاه افتاد که ۱۰۰ نفر را هلاک وهمانقدر را مجروح ساخت — زپلن قریب نیم ساعت بر شهر پرواز داشت ودر همین اثنا از هرطرف بر آن فیر کرده شد ولی با اینهمه بکمال کامیابی مراجعت نمود در هوتل که من اقامت داشتم عین ساعت ۱۲ و نیم شب خادم اوتل به سراسیمگی در اوتاق من داخل شده مرا مخاطب ساخت که طیارهٔ زپلن بر شهر دوره میکند وتنها زودی بیرون شتابید ، هنوز من از اوتاق خود بیرون نبرامده بودم که صداهای توپ وتفنگها بگوشم رسیدند مهم به تعجیل بوت هایم را پوشیده و خود را بسرک برآب کرده بدقت کردن اطراف و جوانب خود مشغول شدم که درین موقع بعضی آدمها و زنهای را از برامدن منع کردند ولی من سخن هیچکدام آنها را اهمیت نداده بدیدن نظاره دوام ورزیدم . شب تاریک بود . و توپخانهٔ فرانسوی بر زپلن از هر طرف گله باری میکرد ولی همهٔ آن بیفایده ثابت شد . در جائیکه ایستاده بودم از ظلمتی که حکمفرما بود هیچ چیزی بنظرم نمی آمد از آنرو واپس به اوتاق خود عودت کردم تا از انجا بمرتبهٔ بالائی اوتل رفته چیزی استفاده کنم . در اینوقت صدای ماشین زپلن متصل بگوشم میرسید تخمیناً که بعد ۱۰۰ گز از اوتل بکمال شدت یک آواز مهیبی را حس کردم و باخود قرار دادم که باید ضرور ازین واقعه معلومات بدست آورم هرچند که در اوایل هلاکت بم محسوس است . لهذا دو مرتبه از بالا زیر فرو آمده بطرف سرک رفتم که باز سه آواز هولناک متواتر دیگری که از ضربهٔ آن تمام عمارات اوتل لرزیدند قوهٔ سامعه ام را پراگنده ساخت . شب بسیار سیاه وتاریک بود که انسان بردیدن هیچ چیز مقتدر نبود وهرچند که زپلن را در فضا تفتیش کردند نیافتند ولی گله باری هنوز هم دوام داشت . بعد از کمی دیر چنان معلوم شد که حالا زپلن برکیلی نیست واز انجاست که گوله باری توقف نمود مگر دفعتاً بنهایت شدت یک آوازی برامد که متصل آن صداهای توپ و تفنگ هم دوباره بالا شد . من همدرین اثنا برای تحقیق نقصانات روانه شدم و بعد از انکه به استاسیون رسیدم معلوم شد که چند مسافریکه در خانه های ریل بخواب رفته بودند از اثر بم هلاک شده اند . وکمی دورتر نه دیدم که از اثر بم دیگر یکچند گادی ریل را آتش گرفته . شعلههای آن بلند شده است که پس از کوشش وتکلیف بسیار منطفی گردید .

* * *

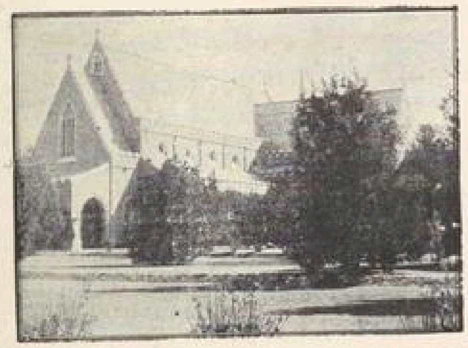

یک اسکول در کراچی

حکایت دیگر

(بیان یک سیاح امریکائی)

در اخبار «دیلی میل» لندن یک سیاح امریکائی که در حال از سیاحت جرمن فراغت یافته واپس به مملکت خود مراجعت کرده است مینویسد که: «من از مدتها آرزو داشتم که به جرمن رفته وحالت عمومی آنجارا دریافت نموده عوام الناس را از آن خبر دهم. غرض من در وسط ماه دسمبر به جرمن رسیدم وحالا از انجا واپس آمده ام. در اثنای سفر روزی در مابین هوتل دزل «بکرش وبودا پست» بنان خوردن مشغول بودم که یک نفر اجنبی آمده نزدم نشسته پرسید که «آیا! شما انگلیزی هستید؟» من در جوابش گفتم که «نی من یک امریکائی هستم» وبعد مابین من واو یک مکالمهٔ خوبی واقع شد. او گفت امروزه روزها که بسی از جهازهای انگلیزی را بذریعهٔ کشتیهای تحت البحر خود غرق کرده ایم سبب اصل آن اینست که بهیچ صورت غله وخوردنی را که به انگلستان نرسد، درینوقت هر چیز در انجا گران است واگر ما هم نگذاشتیم که غله به آن رسد انگلیزان هیچگاه انتظام خوراک خودرا کرده نمیتوانند. تا کنون نزد ما ۴۰۰۰۰ سپاهی و ۵۰۰ افسر انگلیزی اسیرند وعلاوه بران حالا حصهٔ بزرگ پولاند روسی و شمالی فرانس وبلجیم در تحت تصرف ما است.

وقتیکه به محروسهٔ جرمن داخل شدم در انجا حالت عجیبی مشاهده کرده. تیاترو ها وقهوه خانه ها همه بند شده اند وهر کس میخواهد که بمیدان جنگ رفته بادشمن بجنگد. بچه های کم سن که هیچ قابلیت برتی شدن عسکررا نداشتند برای خواهش رفتن به جنگ درخواست ها می کردند ولی ادارهٔ حربیه درخواست شانرا بنابر صغر سن شان نامنظور مینمود. زنانیکه در ادارهٔ حربیه رفته خدمت فوجی را آرزو کرده اند حالا وظیفهٔ پولیسهارا انجام می آورند. زنان فاحشه کارهای گذشتهٔ خود ها را گذاشته در لنگرخانه ها ودواخانه ها بجای مردها کار میکنند. مختصراً هرجائی را که دیدم در انجا زنها بنظرم برمیخوردند که بکارها مشغول میبودند وهر شخص درین جنگ عیش وعشرت را برخود حرام کرده بود لهذا اگر همین حالت جرمنی ها که من در دسمبر وجنوری دیدم که حال برقرار باشد تا به حدیکه من میدانم از اقوام دیگر دنیا پیشتر ترقی میتوانند کرد. واین یک هم بدیهی است که در دل هر مرد وزن وطفل که چنین خیال وجود داشته باشد آن قوم هیچگاه از روی دنیا محو نمیشود.»

حکایت دیگر

(مزاح جرمنی ها)

در حال جرمنها بر بلجیکها یک مزاح ظریفانه کرده اند: — جرمن ها اعلانی شایع کردند که «در تیاتروی بزرگ برلن جرمنها یک تماشای جدید بسیار اعلائی نشان میدهند لهذا کسانیکه آرزوی دیدن این تماشارا داشته باشند میاید دو روز پیشتر تکت های خودرا بخرند». غرض چون بلجیکها این خبر را شنیدند بسیار مردم جا بجا، پنج شش روز پیشتر به خریدن تکت ها آغاز کردند وباین قسم جرمنها از اهالی شهر یک مبلغ جریمه‌را جمع کرد. شبی که برای تماشا معین بود رسید ودرین شب جرمن‌ها دروازهٔ تیاترورا بسته کرده وبه اطراف آن پولیس هارا مقرر نمودند مردمانیکه تکت‌هارا خریده بودند بوقت معلوم کرده گروه، به تیاترو رسیدند ولی همه شان دروازهٔ تیاترو را بسته وپهرهٔ پولیسهارا بران دیده پس گردن خودرا خاریده واپس بخانه های خود شان مراجعت کردند.

وفردای آن جرمنها این اعلان را شایع کردند که «ما بهرادنان مزاح کرده بودیم».

حکایت دیگر

« حملهٔ دردانیال »

از قرار یک جرمنی که برای اخبار «کولون گزت» جرمنی نوشته وتایمز لندن ازان نقل نموده است.

یک افسر جرمنی مقرر قلعهٔ «حمیدیه» کیفیت حملهٔ جهازات متحدین را بر دردانیال بدین صورت نگاشته است.

در ۱۸ ماه مارچ بایک حملهٔ بسیار شدید دستهٔ جهازات انگریزی وفرانسوی را پس پا ساختیم که از روی اخبار ها خوانده خواهید بود.

علی الصباح یکایک ده جهاز برطانوی وچهار جهاز فرانسوی بنظر درآمد که بسیار جهازهای تباه کن دیگرهم باخود داشتند این جهازها آهسته آهسته در دره داخل می شدند. یک جهاز که کوین الیزبته وبران توپ های ۱۵، ۱۶ انچه نیز نصب بودند ۱۱ میل دورتر از ساحل ایستاده شده گوله باری شروع کرد. از گوله باری او که در مقابل آن هیچ نمی توانستیم من آدمهای خود را بجاهای محفوظ فرستادم وخود بایک لفتنت که قبل از سنتن توبخانه بسیر آتشباری جهازها مشغول شدیم. من آنوقت بکمال شوق انتظار می کشیدم که ماهم گوله باری شروع کنیم.

در مقامات محفوظ بیکار نشستن بسیار بد معلوم میشود من باطمینان در توبخانه میگشتم وبا مردم مزاح کرده بآنها سیگار تقسیم می کردم.

درین اثنا توبخانهای ما که به جهازات نزدیکتر بودند آتشباری شروع کردند ازین سبب جهازات به پس شدن مجبور شدند که تاثیر گوله باری شان هم کمتر شد.

پس ازانکه دو سه ساعت در گوله باری شدید ماندیم مارا هم به درست کردن توپها حکم شد مردمان طوبخانه بخوبی رفته برای اول بر یک جهاز فرانسیسی گوله انداختند. بر توبخانهٔ ما جهازات دشمن سخت گوله باری میکردند گاهی گاهی مارا به مقامات محفوظ مراجعت میافتاد. ولی آخر ما جهاز بیوت را صدمه رسانیدیم ما خوب میدیدیم که گوله های ما چسان بران جهاز میخورد. مردم ما غرق عرق میشدند ولی بعزم جزم کار میکردند. به بسیار زودی وقت آخری حیات جهاز رسیده در گرفت چون یک گلهٔ دیگر ما بر پهلوی او خورد بعد از سه دقیقه مانند سنگ پشت در آب رفت بعد از ان ما بجهاز های نزدیکتر

رطانوی « ارزرسیتل » و « اوشن » نام هاشو جنگیدیم ، ارزرسیتل اول و در ۶ و نیم بعد اوشن نیز غرق گردید .

از صداهای رعد نمای توپ های قلعه های ما و جهازهای دشمن گوش ها کر می شدند ، پس از هنگامه مذکوره احوال توپخانهٔ ما خیلی عجیب بود ، بعضی سوراخ شده بودند ، و منتشر افتاده بودند ، ۴ نفر ما قتل و ۱۴ زخمی شد نقصان قلعه های دیگر هم کم بود .

ما توپخانه را باز از نو درست کردیم غیر یک توپ که کامل بیکار شده بود ، از آتشباری متصله ما علاوه بر سه جهاز جنگی یک کشتی پاک کن وسرک چین نیز غرق شد ، پنج گلوله توپ بزرگ در « کوین الیزبت » افتاد ، بسیار نفری دشمن تلف شدند وقت شام اسب ها و سپاهی های خود را دفن کردیم و بر قبرهای آنها گلها و تکه های گلوله ها نهادیم .

آهسته برگ گل بفشان بر مزار ما
بس نازکست شیشهٔ دل در کنار ما

دیروز جنرال جاوید پاشا خود بسینه من نشان جهادی ترکی چسپاند ، ورای من سفارش صلیب آهنی هم شده است و ۲۴ سپاهیهای جرمنی را این نشان داده میشود دشمن حالا و بس خواهد آمد و اگر آمد ما را مثل اول قوی خواهد یافت .

حکایت دیگر

یک فصل ناگفته تاریخ جنگ

قلاع سرحد فرانسه

اواخر شهر اوت که آلمانها بسمت (مارن) پیش می آمدند اعلامیه های فرانسه بطور اختصار از پیشرفت دشمن خود سخن میراندند و غالب اوقات نظر بسرعت جریان حوادث یا بعلل دیگر بسیاری از مطالب ناگفته میماند — از جمله سوانحی که چیزی از آن نشنیدیم و نه گزارش را دیدیم سر گذشت بلاد مستحکمه ، سرحدی بود که دشمن قوی بجهت آنها چگونه معامله کرد — لانگوی — یکی از شهرهای بود که سقوط آن را ورقهٔ رسمی اعلام نمود شهر و قلعه (مونمدی) را نیز از آخر اعلامیه ها فهمیدیم در دست مهاجمین افتاده اما حالیه از بیانات اسرائی که از آلمان فرار کرده بارهائی یافته اند مشروحات دلکشی راجع بورود آلمانها بر نقاط مزبوره میشنویم (مونمدی) را سپاه فرانسه که بمحافظتش مامور بودند بدون مقاومت بدشمن تخلیه کردند و فاتحین مغرور در ۲۸ اوت وارد آن شدند — ولی اماکن مستحکمه و ذخیره های جنگی را قبلاً قشون ساخلوی متلاشی و محترق ساخته بودند —

اما قلعه های (آکاژ) ، لانکوبان ، به مرزبرز ، عقدات و تقریباً بمسافت ۶ میل از زرشهر ، لانکوبان ، میرود نیز خراب کردند — آلمانها این خطرا خیلی لازم داشته سانواین خود شان در قلعه گرمی که « لانگوبان » روی آن ساخته شده بطرفراه آهن جدیدی بنا نمودند — قلعه « شارلمونت » را که نزدیک « گیوت » واقع است آلمانها در ۲۹ اوت هدف حملات خود قرار دادند و سه روز گلوله ریزی کردند توپهای که برای بمباردمان این قلعه بکار رفت عبارت بوداز توپهای بزرگ اطریشی که از هفت میل و نیم مسافت قلعه گلوله می انداختند ولی گلوله توپهای قلعه آن اندازه راه نمیرفت از این رو در عرض یک چشم بر هم زدن قلعه قوی پیکر در زیر خمپاره های مهیب چنین زیر و زبر گشت و ساخلوی هایش در ... سپتمبر تسلیم شدند —

البته بتقاضای ساخلوهای این قلعه مثل مستحفظین « منتمری » انبارهای باروت و قورخانه را آتش زدند و هر چه بود از توپ و ذخیره وغیره بدست آلمانها افتاد —

یکی از ساکنین « لانکوی » شرح جدالی در خصوص محاصره آن شهر میدهد قسمت مستحکم شهر مزبور قلعه « لانکوی علیا » بود که از مستحکمات معروفه قرن ۱۷ از آن حراست می نمود در اواسط ماه اوت آلمانها قشون ساخلوی انجا را به تسلیم دعوت کردند ولی بعلت استنکاف فرمانده فرانسوی از قبول این معنی فوراً سپاهیان آلمان آنرا محاصره نمودند صبح ۲۱ اوت در ساعت چهار بمباردمان آنجا شروع شد عمارات کوه « سن مارتین » یکمرتبه مشتعل گردید در سایه شعله های آتش سربازان فرانسوی قشون آلمان را میدیدند که ترانه (واخت آم راین) را می سرودند —

خلاصه این نقطه هم شش شبانه روز هدف بمباردمان سپاهیان آلمان واقع شده در ۲۶ اوت این قلعه باعظمت یک توده خاک و خاکستر گردید و دیگر طاقت مقاومت در خود ندیده کماندار حکم به تسلیم داد —

(حکایت دیگر)

(ملاقات قیصر جرمنی با شهنشاه فرانسو ازوزف)

اخبار تازه در اشاعت کنونی خود مینویسد که قیصر ویلهم برای ملاقات شهنشاه فرانسوا ژوزف امپراطور اوستریا هنگری بغرض یک مذاکره در باب شرکت جنت ایطالی نظر فداری اتفاق ثلاث به « وی انا » رفته بود ، در اثنای گفتگو شهنشاه ژوزف قیصر را ازین یک نحو مطمئن ساخت که اگر در حرب حاضر ایطالی بمعاونت شان شرکت هم نکند میتواند که بکمال جدیت با روس ، فرانس ، و انگلستان مقابله کند ، روس این یک را در زیر نظر دقت گرفته بود که اول عثمانی را شکست داده و بر قسطنطنیه قابض گردیده باز از راه دردانیال با فرانس و انگلیز مربوط شود ولی هنوز او درین ارادهٔ فاسدهٔ خود ناکام مانده است . گلوله باری که قوهٔ بحریهٔ متفقین بر دردانیال کرده و هنوز دوام دارد تاکنون ازان یک نتیجه برای متحدین حاصل نشده است ، مگر در حقیقت اگر فرانس و انگلیز بر دردانیال قابض شدند در آن وقت خیر جرمنی و اوستریا را دران می بینیم که اولاً عثمانی را امداد کنیم . بجواب این فقره قیصر جرمنی فرمود که بلی منهم همین خیالات را حس کرده بودم و در دل من نیز بحسب همین تخیلاتیکه شما آنرا ظاهر کردید موجزن بود ، من ترکها را به وقت اخیر امداد خواهم کرد . علاوه از آن مرا با ترکان یک محبت مخصوصی است و این محبت از امروز نی بلکه از چند سال باینطرف متداول آمده است اسنار کارخانه مشهور کرپ مابین سامان حرب بقسطنطنیه رفته است وملت من برای اعانهٔ برادران عثمانی خود یک مبلغ جسیمی نیز فراهم نموده است

ترکان بسبب شجاعت و متانتی که در دردانیال در مقابلهٔ قوه بحریه متحدهٔ فرانس و انگلیز نشان داده اند سزاوار آفرین و تحسین بلیغ میباشند . انگلیز و فرانس تا بحال بر دردانیال بمحاصره دوام ورزیده اند و عجب نیست که عنقریب بذریعهٔ فوج از راه خشکه بران هجوم آورند ولی باز هم بخیال من آن حمله کامیاب ثابت نتوان شد ، من اراده کرده بودم که به قسطنطنیه بروم ولیکن حالا خود را به حاضر شدن در میدان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1243 of 1786

رزمگاه مغرب بیشتر مجبور می بینم چرا که من قصد کرده ام که تا ممکن باشد زودی و ، کیل ، قابض شوم و اگرچه در راه تسخیر آن فدا ساختن بسی جانها لازم می افتد مگر بآن من هیچ باك نخواهم آورد چرا که این جنگها نیکه ما کرده ایم دران خود غرضی شخصی خود ما مضمر نیست بلکه برای آزاد کردن ملك وملت این همه هنگامه ها بروی کار آمده اند .

بعد ازین ذکر طعام زده شد وهردو تاجدار به خانهٔ طعام رفته بخوان خوردن مشغول گشتند .

حکایت دیگر

(ملاقات یك نامه نگار بایك افسر مجروح جرمنی)

نامه نگار اخبار ، دیلی ایکسپرس ، از مصدر مقام موثقی انگلیزی اطلاع میدهد که مرا بایك افسر مجروح جرمنی که اسیر شده بود ملاقات اتفاق افتاد وپیش ازینچون در لندن باو تصادف کرده بودم او مرا شناخته ونام گرفته آواز داده نزد خود طلبید که در بغلش خورده بود وبه حد کرش بکرم بسیار بزرگ وسنگینی کشاده بود . درمیان من واو تادیر گفتگو دوام ورزید . من ازوی پرسیدم که در خصوص جنگ خیال شما چسان است جواب داد که اگر باید ۹ سال محاربه را طول داده شود ملك ما بخوبی و کمال اطمینان از مقابلهٔ روس ، فرانس ، وانگلیز برآمده میتواند وهرفرد ملت ما همین آرزو دارد که در عسکر داخل شده بادشمن در میدان حرب بجنگد .

حب وطن در دل زنان به اینقدر بجوش وخروش آمده است که زنان پیریکه هیچ قدر از دست شان پوره نیست برای سپاهیان ومجروحین ژی میدوزند ویکار بد بوده را کرده نصف واردات خود شان را که ازالی امر بدست می آورند در اعانهٔ جنگ داخل میکنند . تیاترها وقهوه خانه ها بند شده اند در هوتلها وغیره همان رونق وجم وجوش باقی نمانده است و دل هر کس بمیدان جنگ رفتن میخواهد وهرقدر کاشتکاران نوجوان که بودند همه بمیدان جنگ آمده اند . درینجا مجروح قطع کلام خود کرده بسبب ضعف و ناتوانی که از زخم باو رسیده بود اززیاده سخن گفتن معاف خواسته خاموش ماند .

حکایت دیگر

(خود کشی یك داکتر جرمنی)

اخبار ، دیلی میل ، در اشاعت جدیدترین خود مینویسد ، که ، مستر درز اجنبول هند ، یك فیلسوف جرمنی که در یك دار العلوم مشهور لندن پروفیسر بود خود کشی کرده است وچند ساعت پس از خود کشی اویك کاغذیکه پیشتر ازان در وقتیکه حیات بود نوشته است برسر میزش یافتند که دران سبب این فعل خودرا که عبارت از خود کشی باشد چنین نوشته بود :

چون درینوقت وطن من برخلاف انگلیزها وفرانسوی ها برسر پیکار است لهذا در دل من بعضی خواهشها بود که بیك قسمی بوطن خود برسم وبکار وطن خود بیایم مگر هرچند کوشیدم ازینجا رفتن من هیچ ممکن نشد . آن شخص بدرجها ازمن بهتر وبرتر است که مثل وانك باشد ولی خدمت ملك وملت را کرده تواند . خداوند بمن دست ویا و گوش وبینی را عطا فرموده است مگر افسوس که من آنهارا در خدمت قوم ووطن بکار آورده نمیتوانم . برای من مناسب آنست که خود کشی بکنم . دراول امر اراده کردم که خودرا از کلو بیاویزم لیکن درین صورت چون دربرامدن جان خودم بسیار زحمت راحس میکردم بناءً علیه بالسویهٔ نیز خود گلوی خودرا خود می برم ومن یقینا درظرف ۱۰ ۱۵ دقیقه راهی ملك عدم خواهم شد . پس اگراهالی بریطانیا با نعش من بازهم یك همدردی میخواهند بکنند آن بدینطریق ممکن است که نعش مرا به یك شفاخانهٔ جرمنی بفرستند که در آنجا طالب العلم های جرمنی جسم مرا تکه تکه کرده ازان یك معلومات فنی بدست آورده هیچ نباشد درفن جراحی کامیاب بشوند ومن نیز پس ازمرگ فخر کنم که من بدنصیب هم به کار وطن خود آمده توانستم .

زپلین قسم جدید

اخبار ، دیلی میل ، رقمطراز است که ، جرمنیها درهمین وقتها یك زپلین قسم جدید را ساخته اند . دروقتیکه زپلین پرواز میکند ازان یك آواز عجیبی بر می آید که از دوره حرکت چار عدد انجن آن که دو عدد آن در پیش ودو عدد آن در دنبال زپلین میباشند و هر کدام آنها قوت ۲۰۰ اسپ را مالك هستند حاصل میشود هرچند که ماهران فن انجنیری جرمنی دربرانداختن این آواز کوشش دارند که بهمراه این انجنها آنچنان یك آله را بچسپانند که همان آواز را محو وزایل گرداند ولی تا کنون درین کشش خود شان هنوز بدرجهٔ اتم کامیاب نشده اند . وزپلین هرقدر ارتفاعی که پرواز بکند بازهم صدای مهیب آن خفته گان را هنوز بیدار میسازد . وزمانیکه زپلین برای پرواز بسوی فضا روانه میشود چنان می نماید که درجو هوا یك قوهٔ جاذبهٔ بسیار شدیدی موجود است که بذریعهٔ آن این آلهٔ هیبتناك بکمال سرعت بطرف سما درطیران میشود در وقت طوفان ها و گردبا ها حال آنهم به حال یك جهاز بحری که طوفانی شده باشد تحویل می یابد .

جرمنیها دروقت حاضر دوطرز زپلین را طیار کرده اند که یکی بحری ودیگری بری است نمبر قسم اول آن ، ل ۹ ، ونمبر قسم دوم آن ، ل ۵ ، میباشد . زپلینهای قسم ، ل ۹ ، درینوقتها اکثر برفراز شمال در پرواز مشغولند ، قوهٔ بحریهٔ انگلیزی را تعاقب میکنند که طول آن ۵۲۵ فوت وعرضش ۵۰ فوت وشکل آن تماما بیك چروت مشابه است درزپلین مقدار ۱۰ لك مکعب فوت گیس موجود میباشد وموجدین آن کاونت زپلین بیان میکنند که این گیس را از کفیدن وآتش گرفتن هیچ اندیشه نیست زیرا دران بکیجان آلهٔ نصب گردیده که اگر گیس بمقدار کثیر دران جمع شود آنرا اخراج می نماید . قسم اعظم زپلین از آهن المونیوم و چوب چارمغز ترکیب می یابد ودران یك آلهٔ دیگری هم بدینغرض وضع شده که زپلین را بسیار سرعت درطبقات بلند هوا پرواز داده وهمچنان بهمان سرعت آنرا فرو آورده میتواند . و زپلین توپهای کلدار ویك ذخیره بزرك بم وبکه ، وبارود موجود میباشد و بمهای که از زپلین انداخته میشوند دروزن قریباً ۵۰ سیر میباشند وبمیکه برشاه بلجیم درانتورپ انداخته شده بود وزن مجموعی آن قریب ۱۵ اسیر کابل تخمین شده است .

مترجم این سه فقرهٔ فوق (عبدالرحمن)

(خلاصهٔ آخرترین خبرها)

ایطالیائی ها بناکامی خود شان وقوت اتریا اعتراف کرده اند

وزیر هند برای وایسرای تار داده که جرمنها و استریائی ها در گلیشیا قرار سابق در پیشقدمی هستند وعنقریب است که روسی‌ها سنگرهای آخری خود شان را گذاشته در علاقهٔ خود روس پسپا شوند ، در شمال پولیند هم روسها بشکست خود شان معترف شده اند ومیگویند که جنگ بسیار بشدت جاریست وجرمنی‌ها درمیدان روس درین وقتها فوج خودرا چار چند ازاول افزونتر کرده وچندی پیش ازاین ۴۲ دوزیون که هردو زیون تخمینا ۴۰۰۰۰ ، نفر میشود بودند وحالا همهٔ تعداد دوزیونها ۱۴۱۰ دوزیون رسیده است ، جرمن‌ها دررزمگاه مغربی بر رایمین ، در علاقهٔ فرانس با توپهای بسیار دور زد جدید الاختراعی گله باری کرده‌اند که قطرشانرا [illegible] بیان می‌کنند برطانیه ۲۵ کرور پوند برای اخراجات جنگ منظوری کرده

۹جون — خبر لندن — درویانا بطریق رسمی اشاعت یافته که یک جهاز آبی هوائی دولت استریا بر یک جهاز هوائی دولت ایتالیه حمله نموده جهاز ایطالیه‌را تباه نمود ـ وهفت نفر عملهٔ آنرا گرفتار کرده ـ

۱۰جون ـ خبر ـ بهالندن برای وایسرای هند خبر رسیده ـ که درگلیشیا جنگ بسیار شدید جاری است افواج جرمن واستریا ـ بطرف مشرق برز جمل پیش قدمی نموده‌اند ـ وافواج روسی برکنارهٔ شرقی دریا قابض میباشند ـ مگر ازطرف جنوب فوجهای دشمن دریای نیستر را عبور نمودند ـ

۱۰ جون ـ خبرلندن ـ یک جهاز هوائی دولت استریا برشهر وینس ملک ایطالیه حمله نموده بمبها انداخت ازان صرف یک نفر هلاک وچند نفر زخمی شدند وچند باب عمارات را قدری نقصان رسیده ـ دیگر ازهرباب خیریت است ـ

۱۱جون ـ خبرلندن ـ یک جهازقسم زیپلن دولت جرمن دربحر شمال دولنگر جهازات ماهی گیری دولت برطانیه‌را غرق نموده ازعملهٔ آنها هشت نفر نجات یافته باقی غرق گردیدند ـ

۸ جون ـ خبرلندن ـ مستر ایسکوتیه ـ دردیوان عامیان نمود که نقصانیکه ـ از باعث حملهٔ جهازات هوائی دول دشمن برای باشندکان ملک انگلستان رسیده یارسد ـ معاوضهٔ آن را دولت برطانیه ادا خواهد نمود ـ

۱۱ـجون خبرلندن ـ ازمقام نومون خبررسیده ـ که جهازدخانی لی نام انکلیز ـ قریب دا کربنک ـ غرق گردید ـ وچهار نفری که درجهاز سوار بودند غرق گردیده فناء فی الماء شدند ـ

۱۰ جون ـ خبرلندن ـ محکمهٔ اخبارات دولت برطانیه اعلان نموده که دولنگر کشتی هـای تارپیدوی نمبر۱۰ و نمبر۱۲ دولت برطانیه را درساحل شرقی انکلستان ـ کدام کشتی آبدوز دولت جرمن ـ بذریعه تارپیدو غرق نمود چهل ویکنفر ازعملهٔ کشتی هـای مذکور نجات یافته بساحل رسیدند ـ

۱۰ جون ـ خبرلندن ـ امروز موازی شش لنگر جهازات قسم ترالر دولت برطانیه را کشتی های آبدوز دولت جرمن غرق نمودند ونیز یک جهاز دولت جرمن که قبل ازین درهمین جنگ موجوده بدست مایان آمده بود ـ اورا بمعیة یک جهاز کوچک خود مایان ـ کشتی‌های تحت البحر دولت جرمن غرق نمود

۱۰ جون ـ خبر لندن ـ درشهر لندن درمقام ویست ایند آتش گرفته ـ صد عراده موترکارهای جنگی سوخته خاکسیاه شدند ـ

اخبار تایمز لندن نقل ازاخبارات جرمنی می‌نویسد خلاصهٔ مضمون اینکه درموقعهٔ جشن تاجپوشی اعلیحضرت سلطان المعظم انور پاشا اعلان فتوحات گیلی پولی‌را نمودند ـ وسفیر دولت جرمن قطعه تار مبارکباد فتح جنگ گیلی پولی منجانب قیصر جرمن‌را بحضور مبارک سلطان المعظم تقدیم نمود ـ که دران بسیار به گرم جوشی ـ اظهار خورسندی کرده شده بود ـ وازخیالات جریده ترک وجرمن چنان ظاهر میشود ـ که معاملهٔ درهٔ داردانیال فیصله شد ـ واین دوم ناکامی است که برای دول متحده ـ دردرهٔ داردانیال حاصل شده ـ چنانچه ظاهر میشود که دول متحده ـ ازحالات دره داردانیال بی‌خبر محض بودند ـ ویک امر روائی وتدبیر درست دردره مذکور از دست ایشان نیامده ـ ونه ایشان اینقدر همت دارند که این قسم معاملات‌را بدرستی بر انجام نمایند ـ ونه جهازات جنگی شان دردرهٔ مذکور کدام کاری نمایان وسودمند برای شان کرده بلکه اکثر خود غرق وتباه شده‌اند ـ واین حملهٔ دومین برگیلی پولی مدهوشانه افواج متحده ـ برای بهادران ترک بسیار موزون ثابت شده که گویا دول متحده ـ اینقدر فوج ازاین مدبادر گیلی پولی آوردند که افواج ترک بالای شان مشق چاندماری کرده دست خود را صاف نمایند ـ

وهرقدر جهازات دول متحده ـ که در بحر روم غرق شوند هانقدر جهازات وطاقت بحری دول متحده دربحر شمال برای استعمال جنگ کم خواهد شد ـ وهرقدر سپاه دول متحده که در گیلی پولی هلاک شود همانقدر کم سپاه درمیدان فرانس برای مقابله‌یان خواهد ماند ـ واین فوجهای ناتربیت یافته وبادرینی‌های رنگ برنگ که دولت فرانس و برطانیه ازمصر وآستریلیا و کنادا ـ وغیره یک جا کرده ـ بالای آنها ارادهٔ فتح ـ گیلی پولی را نموده ـ درمیدان جنگ آوردند ـ

البته اگر دول متحده ـ آنهارا برای ترسانیدن زنهای پیر ـ ودلوت کردن زنهای پیر مقرر می‌نمودند بهتر بود ـ نه اینکه چنانچه کان‌را درمقابل افواج سنجیده وبهادر ترک بیاورند ـ همان بود که ازحملهٔ بحری کرده نقصان بسیاردرین حملهٔ بحری برای شان رسید ـ واینقدر تعریفها که می‌شنودیم جمله هیچ ثابت شد ـ ازساحل اشیائی دره داردانیال نام ونشان دشمن گشته ـ وازتمام ساحل یورپ ـ یعنی گیلی پولی وغیره ـ هم فوج دشمن را کشیدیم ـ صرف دریک مقام کانیپ نام جزئی فوج دول متحده ولب دریای سمندر ـ بتحت حفاظت توپهای جهازات جنگی خود باقی مانده‌اند ـ فقط

در چهاپ خانهٔ حروفی دارالسلطنهٔ کابل طبع گردید

همه مقالهائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر ومسر محرر تحریر یافته

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1245 of 1786

(اعلان)

پراکنده

از آثار مطبوعهٔ تازهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت ، وعبارت از یک مجموعهٔ اشعار ابدار تجدد آثاری میباشدکه برکاغذ اعلا ، وخوش طبع دلربا ، باتصاویر بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است . اگرچه از بحث خط وخال بعید است ولی مضامین وخیالاتش سراسر بیکطرز جدیداست . نسبت بخوبیها ظاهری ومعنویش قیمتش خیلی ارزان ، یعنی بمقابل (۲) دو روپیهٔ کابلی درخود مطبعهٔ عنایت از نزد عبدالرؤف خان سر مرتب ، ودر بازار ارک از دکان از محمد ، ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان غلام محمد هرکس خریده میتواند .

شرایط خریداری

دارالسلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

هرجائیکه باشند با اجرت پوست

قیمت سالیانه	ده روپیه انگلیزی	قیمت ششماهه	شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراک قبول نمیشود

یک طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است ، از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

بر همهٔ کار داران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود : اگر از یک جا بدیگر جا روند وبیایند میباید که یک رقعه بمدیر وسر محرر را خبر بدهند که من درفلان جا بودم وحال در فلان جا میروم اخبار مرا درانجا بفرستید . هرگاه همچنین یک رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، ویا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشند از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تابه پنج بار نشر وشایع شود برسرهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقع درج شود از یکبار تابه پنج بار فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر ازپنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تایک سال نشر کردن خواهند ووجه یک ساله را پیشکی ادا نمایند درورق پشتی برسر سطری سنار اجرت گرفته میشود .

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا

یاد آوری میکنیم

هرقدرسعی و کوشش کردیم که از شکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خودرها یابیم ممکن نشد لهذا بادا کتخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یك مقاوله نموده دا کتخانه مشار الیه تقسیم وتوزیع اخبار مارا که بهمه مشترکین کرام ما رساند درعهدهٔ حیث خود قبول نمود . مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خودرا تبشیر ویاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبارهای شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای دا کتخانه بخود شان میرسد .

اعلان

خوشگذاران مطالعه آثار ادبیه را مژده ! ازین ثمرهٔ نوبنو رسیدهٔ گلزار « مطبعهٔ عنایت » کام جانرا شیرین نمائید ! « جزیره پنهان » یك ناولیست که قوت علم ومعرفت وسعی وغیرت را برای اساس زندگانی نوع بشر بنظر آیت وجلوه گر میسازد . هم حکایت ، هم عبرت هم فن ، هم فضیلت ! خوبی چاپ ، خوبی کاغذ ، خوبی تصویرش علاوه ، قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان ! تنها (۶) شش روپیه محل فروخت نفس مطبعهٔ عنایت در ده افغانان ، دکان باز محمد در بازار ارك ، دکان غلام محمد متصل در مدرسهٔ شاهی .

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد
کتاب سال دوم » » » مصور مجلد
کتاب سال سوم » » » مصور مجلد
عز و اسلامیت
آیا چه باید کرد ؟
ادب درفن
توحید

این کتابهای فوق دراداره موجودست . هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

	قیمت روپیه کابلی
سیاحت بدورادور زمین بهشتاد روز مجلد	۲
سیاحت درجو هوا مجلد	۳
سیاحت درزیر بحر مصور مجلد	٤
ازهردهن سخنی وازهرچمن سمنی مجلد	۳
روضهٔ حکم مجلد	۳

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوقرا داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان از نزد عبد الرؤوف سرمرتب واز دکان باز محمد کتابفروش در بازار ارك واز دکان غلام محمد کتاب فروش متصل مدرسه شاهی بقیمتهای معینش خریداری کرده میتوانند .

واگر ازخارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوقرا بکنند بادارهٔ سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند .

سراج الاخبار افغانیه

١٣٢٩

شمارهٔ ۲۲ — سال چهارم

فهرست مندرجات

تشریف حلول ماه مبارك رمضان (	
صنایع پروریهای ذات اعلیحضرت همایونی (	
علوم وفنون	(مابعداز شمارهٔ (۲۱)
اخلاقیات	(دین ، دولت ، ملت ، وطن
مقاله مخصوصه	(تذکار شرف وتقدس رمضان
حوادث داخلیه	(پشت رود
حوادث خارجیه	گفتگوهای محاربه نقل‌ازاخبار نوبهار منطبعه طهران — یادداشت دولت ایران — سوزانیدن دهات‌شمالی آذربایجان — خبرهای مختلفه — مکتوبات عجیب — گرانی ارزاق‌در روسیه — تجاوز قزاقان روسی بناموس — ملحق شدن باعراب — آخرترین خبرها ترجمهٔ اخبارهندای انگلیزی وغیره — قوت دشمن — پس‌پائی روسیه — خبرمهم — یك نظریهٔ فلسفیه از جریده حبل المتین —
تصاویر	مسجد مبارك علیا دردارالسلطنه کابل — قصرپادشاهی درقلعة‌السراج‌لغمان — نظارهٔ عملیات نهر سراج قندهار — قوس ایوان قلعه بست ازآثارعتیقه قندهار —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1248 of 1786

اعلان

از صنایع پروریهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جرنیل کارخانه جات ، ماشین خانهٔ مبارکهٔ دارالسلطنه کابل علاوه برابقای حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه واونیفورمه های عسا کرشاهانه وغیره، بعضی دیگر مصنوعات داخل که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت همایونی حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ، ذیل (دکان عبدالله خان دربازار ارك) میباشد.

(۱) سرج های پشمینه بافی ورنگهای مختلف که قیمت آن از قرار گز انگلیزی ۳ فوته مشخص شده ، درصندوقخانهٔ جنسی هم بفروش میرسند

	قسم اول					قسم دوم					
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم وقدری کلفت قیمت آن ۱۰ پیسه زیاده است	
رقم	کاملاً ساخته شده	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت		۷ روپیه ۵ پیسه	۶ روپیه ۷۱ پیسه	۶ روپیه ۴۲ پیسه	۵ روپیه ۴۸ پیسه	۶ روپیه	۵ روپیه ۱۸ پیسه	۶ روپیه	۵ روپیه ۱۰ پیسه	۶ روپیه ۱۰ پیسه	۵ روپیه ۲۵ پیسه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گز انگلیزی | کشمیره چهارخانه ۷ روپیه ۳۵ پیسه ، کشمیره رهدار هر رقم ۷ روپیه بیست پیسه

(۲)	جراب ها			‹ ۳ › تکمه های جرمی محراب ومنبردار		
رقم	تنکه بانکه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج	کلان فی درجن	میانه فی درجن	خورد فی درجن
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه	۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۵۵ پیسه

(۴) کروره های جدیدساخت

رقم	زه باف یکتابه دوکره دوتاره	زه باف یك اسپه دو کره سه تاره	چرم باف یك اسپه	یك اسپهٔ چار کرهٔ تخی
قیمت	۸ روپیه و۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲۴ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۶ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم باف دسته بادامی دواسپه	چرم باف دسته دولانه یك اسپه	دسته دولانهٔ یکی چار اسپه	چرم باف همرکاب
قیمت	۴ روپیه و۴۸ پیسه	۴ روپیه و۶۱ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۴۳ پیسه
رقم	قبضه برنجی کلبت نقره توبخانه	قبضه کلبت نقره از چرم سه لایه توبخانه	زه باف رقم سواری سامی کلبت	زه باف دو تارهٔ رکابی
قیمت	۳ روپیه و۵۵ پیسه	۴ روپیه و۵۷ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵۴ پیسه
رقم	رکاب ازنخ	چرم باف میانه چوب بیت زنانه	ازرین سواری نخ چرمی	زنانه ابریشمیٔ خیاطه
قیمت	۴ روپیه و۴۵ پیسه	۵ روپیه و۸ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته بادامی نخ چرمی	دستهٔ دولانه سامی برنجی کلبت نقره	از زین سواری دولابه نخ چرمی کجك دار	چرم باف مابین بیت یك اسپه
قیمت	۴ روپیه و۴۹ پیسه	۴ روپیه و۴۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

‹ ۵ › اقسام گلهای مصنوعیٔ سر

قسم	گل جیرین	گل نافرمان	گل رپینه	گل شبو
قیمت	۵ ربیه و ۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۶ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قسم	شگوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل لسون	جنبیل
قیمت	۷ ربیه و ۴۵ پیسه	۶ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه ۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شگوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

‹ المشتهر ›

(میرمحمد هاشم دفتری کارخانه جات)

(کمیدان نظامی)

صحیفه (۱) | سال چهارم | شمارهٔ (۲۲)

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
بالمحصولات ڈاك ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
بالمحصولات ڈاك ۱۰ روپیه انگلیزی
چهارده روز یکبار نشر میشود
قیمت یك نسخهٔ آن درکابل یکعباسی است

(اوراق که درج نشود اعاده نمیشود)

مدیر ومحرر
محمود طرزی

ادارهٔ خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنه (کابل)
همه امورات تحریریه به اداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ یکم رمضان ۱۳۳۲ | تاریخ انگریزی ۱۴ جولائی | تاریخ شمسی ۲۲ سرطان ۱۲۹۴

تشریف حلول ماه مبارك رمضان غفران نشان را سراج الاخبار افغانیه بجملهٔ مومنین ومؤمنات مبارکباد میگوید ، ودعای ترقی وتعالی دین مبین اسلام را ورد زبان صداقت مینماید .

صنایع پروریهای ذات اعلیحضرت همایونی

درخصوص فواید ومنافعی که (صنایع داخلیه) بدولت وملت ووطن میرساند اگر هرچه بگوئیم ، وهرچه بنویسیم ، و کتابها تدوین نمائیم هنوز نسبت یك قطره را ببحر ، و نسبت یك پشم را به غنم بیان کرده نخواهیم توانست . هر ملتی که ترقیٔ صنایع داخلیهٔ خود را مالك شوند اول از احتیاج خارج رهائی میابند ، وچون از احتیاج خارج رها شوند پیسهٔ که بخارج برود در نفس مملکت میماند ، وچون پیسهٔ مملکت در خود مملکت بماند اهالیٔ آن مملکت ثروت وتوانگری پیدا میکنند . اهالیٔ که صاحب ثروت وتوانگری شوند ، وطنی را که دران مسکون اند معمور ، آباد ، روشن گلشن میسازند ، دولتی که مالك ملك وملت آباد وتوانگر باشد ، صاحب قوت ، شوکت ، عظمت میشود ، هیچ ملتی در دنیا تصور نمیشود که سراسر از احتیاج دیگر ملت وارسته باشد . زیرا از خواص یگانهٔ جمعیت مدنیهٔ بشریه یکی همین است که ملتهای بدیگر خود شان محتاج باشند وبسبب آن احتیاج یك بدیگر معاونت برسانند تامدنی بالطبع انسان جلوه گرظهور گردد . مثلا باوجودیکه اوروپا دار الصنایع تمام عالم شمرده میشود بازهم اگر اشیا ومواد خام ممالك شرقیه نباشد بسیاری ازکارخانهای آنجا بسدباب صنعت مجبور میگردند . حتی در خود اوروپا بعضی ممالکی هست که یك قسم صنعت ، وبعضی دیگر دیگر رقم حرفت امتیاز و اختصاص دارند که بصورت مبادله بایکدیگر معاونت میرسانند ، وبدفع احتیاج همدیگر خدمت میکنند . لهذا مقصد از ترقیٔ صنایع داخلیه این نیست که بیکبارگی انسان از همه چیز های خارج استغنا حاصل کرده بتواند . زیرا آن یکچیزیست که خارج دایرهٔ امکانست . اما مقصد از ترقی دادن صنایع داخلیه این است که تابدرجهٔ که ممکن باشد مملکت ازاشد ترین حوایج ضروریه بواسطه صنایع داخلیهٔ مملکت رهائی داده شود ، واهالی را بصنعت و حرفت تشویق و عادت داده از تنبلی و کاهلی وبیکاری که زهرهای مهلکهٔ اخلاق ملت شمرده میشود بر کنار دارد . ودر عین زمان خزینهٔ دولت وکیسهٔ ملت بزرها نیز مملو گردد ، وبرسر آن همه خزینه ها ودفینهای زر و معمور پنهان ومستور طبیعت که در زمین دلنشین وطن عزیز ودیعهٔ ذات اقدس کبریا جل وعلا شده است بروی کار آمده موجب استفاده شود .

ازین است که ذات شوکتسمات پادشاه حقایق بین اعلیحضرت ، سراج الملة والدین ، شهریار عدالت آئین مقدس محبوب القلوبمان نکات دقیقه ، ومنافع عدیدهٔ صنایع داخلیه را در پیشگاه انظار مرحمت آثار ملوکانه درآورده ازهنگام سعادت انجام جلوس فیوضات مأنوس همایونی یك توجه خاصی بسوی ترقی دادن و توسیع نمودن صنایع ایران فرموده اند . وامروزه روز ملك وملت شاهانه شانرا ازبسی احتیاجات مبرمه نجات بخش لطف و احسان گردیده اند . چنانچه بسایهٔ ترقیپیرایهٔ این پادشاه معظم مقدس اسباب مدافعهٔ وطن از آلات و اسلحهٔ ناریه وجارحه وهمه لوازمات حربیه حاضر وآماده گردیده است ، همچنان بسی حوایج ضروریهٔ وطنیه نیز رفع ودفع گردیده ومیگردد .

ذات اعلیحضرت پادشاه محبوب القلوب ما ادام الله دولته از هنگام شهزادگی همایونی شان تا به اینوقت همه وقت ماشینخانهٔ مبارکه را بنفس نفیس شاهانهٔ شان در زیر توجهات ترقی آیات همایونی داشته اند که از فیض این توجهات جهانداری ملوکانه ترقی های نمایانی در کارها، و تشویقات فراوانی در کارگرها پدید آمده است. حتی درین هفتهٔ گذشته یک مراسم احتفال و افتتاح بسیار بارونق وشکوهی در ماشینخانهٔ مبارکه به تشریف شوکت ردیف شاهانه بوقوع آمده است. کوایف آنرا محرر و نامه نگار خصوصی ما عبدالهادی خان که مخصوصاً اعزام شده بود از قرار ذیل قرار دیدگی وشنیدگی خود در قید تحریر آورده است که سراج الاخبار افغانیه محض برای آگاهی قارئین کرام خود عرض انظار اولی الابصار مینماید:

کیفیت تشریف آوری ذات اعلیحضرت همایونی

به کار خانهٔ پشمینه باقی

روز یکشنبه ٥ شهر شعبان المعظم در ماشین خانهٔ مبارکه یک صفائی، یک رونق، یک تازگی مشاهده میشد، عساکر لباس های مخصوص برداشتند و سرکها آبپاشی وپاک بودند، و در دل هر کس بی اختیار یک سوال آیا چیست؟ پیدا میشد. آری امروز ذات شوکتسمات والاصفات پدر مهربان رعیت، خیرخواه وطن و ملت اعلیحضرت سراج الملة والدین خلد الله ملکه رسماً تشریف می آرند. تفصیل این اجمال آنکه: — امروز اعلیحضرت همایونی روحنا فداه همه افسران و اکابر دولت از ملکی، نظامی، سر دفترها وغیره را بلباس غیر رسمی خواسته اند که بمعاینه کارخانهٔ پشمینه باقی تشریف می آرند. اگرچه ذات خجسته صفات همایونی ذاتاً بارها دیده اند ولی این بار می خواهند که بدیگر اعیان و منصبداران نیز بنمایند که نتیجه کوشش های کثیر و خرج مبالغ فراوان چه شده است و آیا خود مردم ما باشتکار چقدر بلدیت پیدا کرده اند؟

لهذا یک یک ورق چهاپ کرده بسیار زیبا بهمه نفری که خواسته شده آمده بودند توزیع شد که دران فهرست ماشین های پشمینه باقی علی الترتیب درج است که برای کار های مختلف متعدد خریده شده اند، چنانچه اعلیحضرت همایونی هم بهمان ترتیب بسیر و معاینه ماشین ها آغاز کردند:

اول معاینه انجن بزرگ که همهٔ ماشینخانه را دور میدهد واز انجا در کارخانهٔ رقم کردن پشم تشریف آوردند درین کار خانه نفری بدست پشم را تفریق میدهند یعنی یک رنگرا بیکطرف و دیگررا دیگر طرف می نمایند اینهارا خود اعلیحضرت بدیگران هم نشان میدادند

از انجا بیک خانهٔ دیگر رفتند که ماشین های خاک تکانی پشم در انجا نصب بودند، این ماشین ها دو عدد بودند که از یکطرف پشمرا دران می انداختند و از طرف دیگری خاک و گرد می برامد و ازین ماشین ها یک نل بیرون خانه زیرفرش خشتی خانه رفته است که گردهای پشم ازانراه بیرون می روند

بعد ازان بخانهٔ دیگری که دو عدد ماشین شستن پشم دران نصب است تشریف بردند که ماشین اول پشم را باسوده وصابون میشوید و ماشین دوم پشم را از سوده وصابون بشستن پاک می کند.

واز انجا بیک خانهٔ دیگر که پشمرا بواسطهٔ بخار خشک می کند. اینها هم دو عدد ماشین هستند

از انجا به کار خانهٔ دیگر رفتند که انجا پشم را تیل وصابون زده ماشین نداف میشود و در همین خانه ۲ ماشین دیگر هم نصب میباشد. یک ماشین که جری کاررا پشم میسازد، و یک ماشین که تکه های کهنه ورش خیاطی را پشم میسازد، و یک ماشین جدیدی برای خاک تکانی وباز کشی ماشینها میباشد که اختراع وساخت خود اولاد های وطن مقدس افغانستان است واسبابهای ان در ماشین خانه ساخته شده اینها همه را اعلیحضرت همایونی فرداً فرداً دیده وبدیگران نشان میدادند

وازان خانه بخانهٔ دیگر تشریف بردند که در انجا ماشین های فتیله کردن نصب بود، که غراره وزن پشمرا در یکطرف آن هموار کرده می انداختند واز طرف دیگر فتیله شده بیک چوب مخصوص پیچیده میشد که آنرا (بیلی) می گویند. درینجا شش ماشین بود حسب ذیل

ماشین درجهٔ اول یعنی پشم	فاین	۲ ماشین
ماشین درجه دوم یعنی	میدیم	۲ ماشین
ماشین درجه سوم یعنی	کورس	۲ ماشین

و در همین خانه چهار عدد ماشین تاب دادن پشم برای تار وپود موجود ونصب بود که درهر ماشین ۳٦۰ دوک می باشند، همه مردم دربار بدیدن اینها متحیر میشدند و توصیف فکر وعقل یورپین ها را می نمودند. [حال آنکه اگر آسیائیها وافغانها درپی علم بکردند و آنرا تحصیل کنند، خود ایشان همچنین چیزهارا ایجاد واختراع میتوانند بلکه بهتر وخوبتر ازیرا یورپیها نه ولی هستند ونه ساحر که بداشتن چنین چیزها بقوت ولایت وسحر کامیاب آمده اند. محرر]

از انجا بیک خانهٔ دیگر که یک میزان معلوم کردن درجهٔ قوت ووزن تار بود و کدام توجیک برای تفریق تار وپود بود رفتند واز انجا بخانهٔ دیگر رفته معاینه ماشین مشله که تار را بران جهت ماشین وکارگاه های بافت می پیچانند نموده، از انجا بمعاینهٔ کارگاه تالسته کن وماشین پیچایندن تالسته بالای بیلی جهة کارگاهها تشریف بردند

واز انجا بیک خانه فراخ که صداهای ترق ترق آن نمی گذاشت که کسی صدا وسخن کسی را بشنود تشریف بردند، دران خانه کار گاه های بافت تانهای سرج و کشمیره از قسم دستی ٦۲ کارگاه واز قسم دیگر که به بخار وتسمه حرکت می کند ۳ ماشین بودند که اینهمه بیک سرعت فوق العاده مشغول (بافتن) بودند و در همین خانه سطرنجی باف ها که بدست بروی زمین کار میکنند کار می کردند ذات قدسی صفات همایونی تکه هارا دیده وبه اعالی دربار واکابر آمده گی نشان می دادند. اما از دست صداهای بلند کارگاهها هیچ نشنیدم که ذات همایونی چه میفرمایند اینوقت از ۱۵،۱۲ دقیقه گذشته بود که اعلیحضرت همایونی ازین خانه برآمده به خانهٔ دیگر رفتند. (راه بلدی این خانهارا جناب جرنیل (محمد سرور) خان که سر افسر همه ماشینخانه هاست بفرمودهٔ اعلیحضرت همایونی بر عهده گرفته بودند) درینخانه ۲ عدد ماشین های شستن تان که بهمراه سوده وصابون می شویند نصب بود بعد از دیدن اینها اعلیحضرت پیش ماشین فشار دادن تانها رفته وخطاب به جناب اعتماد الدوله صاحب نموده فرمودند: — « که تهارالاصول

این ماشین می خواهم خبر بسازم » وبعدازان اصول مذکور را بیان کردند بدینطریق :

« این ماشین خشك كردن نان استبذریعه فشار اما شما بظاهر فشار اورا نمی بیند همین قدر می بیند که ماشین دور میخورد ، ولی قاعده است که چون ماشین دور میخورد ودر مابین آن نان مذکور که افتاده است از مرکز ماشین قرار قاعده طبیعی دوری میورزد وچون از اطراف در عقب بندآست لهذا در یك فشار قوی می دراید ازمابین (مرکز) قوتطبیعی ودور خوردن ماشین آنرا به دیوارهای اطراف چنان می چسپاند که هیچ دستهای قوی چنین فشار داده نمی تواند ، ازین فشار چیزی رطوبت که دارد از راه توله بیرون می براید چنانچه شما به بینید »

پس ازان یك نان را که بسیارتر بود آورده ودر ماشین انداخته ومیل مرکزی ملحق ماندند ، چون ماشین بدور خوردن آغاز کرد ، نان مذکور از میل مرکزی دور دور شده رفته بدیوارهای اطراف ماشین چسپید واز توله بیرون ماشین آب ریختن آغاز نمود ، واین تشریح اعلیحضرت همایونی مخاطبها ودیگرانرا بسبب فهمیدن خوب حظ بخشید .

ازان بعد معاینهٔ چهار عدد ماشین ها که نانها را مالش می دهند فرموده وازانجا بیك خانه دیگر که ماشین رش دران بود رفتند ، این ماشین برای بلند کردن پشم کمبل کار می دهد

وبعد ازان بخانه رنگرزی که در حوضهای چوبی بذریعه بخار هر قسم تانها رنگ داده می شوند تشریف فرما شدند ودران خانه پنج عدد حوضهای چوبی موجود بودند که همگی را ملاحظه فرمودند .

ازین خانه هم بخانه دیگر تشریف بردند که انجا تانها پس از رنگ شدن وشسته شدن در انجا برای قیچی کردن موهای آن آورده می شوند . آنرا هم اعلیحضرت بمردم نشاندادند ، جناب اعتمادالدوله صاحب پس از تجربه گفتند :— « آن پشم چرك پس از چقدر پیچ وتاب وتغیرات بیندرجه رسیده » ، اعلیحضرت فی الفور بجواب فرمودند :— « ماهها باید که تایك پنبه دانه زآب وگل ؞ شاهدی را حله گردد یا شهیدی را کفن » در اثنائیکه پیش این ماشین ایستاده بودند سخن از پشم افغانستان آمده پس ازتوصیف آن اعلیحضرت همایونی فرمودند :— « که درهندوستان در یك کارخانه پشمینه بافی رفته بودم ، آنجا یك کمی پشم نشاندادند وگفتند بهترین پشمها پشم افغانستان است چون دیدم گفتم انشاء الله بعد ازین این پشم نصیب‌تان نخواهدشد گفتند آیا تجارت آنرا منع می کنید . گفتم نی چون اراده دارم در افغانستان انشاء الله کارخانهای پشمینه بافی بنیاد می نهم ازینرو چون پشمها در ملك خودما بکار شوند بیرون چرا بیارند » درینوقت حضرت علی‌افخمی معین‌السلطنه‌صاحب بعرض رسانیدند که :—

« الحمد لله والمنه که این ارادهٔ سنیهٔ اعلیحضرت بخوبی انجام یافته امروز ما مردم از نتایج امید برخورداری داریم ، وامید داریم که همه آرزوها وارادههای سنیهٔ اعلیحضرت همچنین در ملت ما روز بروز به انجام رسیده دولت وملت ما ازان فایده برداشته روند آمین »

بعد ازان عنان سخن بر رنگ آمده جرنیل کارخانجات گفت :— « که انشاء الله عنقریب رنگها را هم ساخته بحضور همایونی تقدیم می کنیم سبب ساختن رنگ جنگ موجوده است که رنگ از جرمنی پیدا میشد وحالا بواسطه جنگ انجا رسیده نمیتواند لهذا در همین جا می خواهیم بسازیم » . بعد ازان بملاحظه ماشین اوتو کردن تانها که بذریعه بخار گرم می شود تشریف بردند وبه اوا آئین نشان دادند

به یك بجه ۵ دقیقه مانده بود که ازانجا به تحویلخانه تانهاتشریف بردند ودر چوکی نشسته مزهارا خواسته وهر رنگ تانرا خواسته تماشا میکردند . وآخر کتابچه های پر آنهارا گرفته میدیدند که لایق وسزاوار تحسین نیکها بودند .

پس ازان اعلیحضرت همایونی امر فرمودند که یك خانه دیگر بطور مشهر ومعرض ساخته شود که دران از هر قسم تان یك یك دران نهاده شود ، تا برای ملاحظه ومعاینه باشد .

درین اثنا جناب جرنیل محمد سرور خان جرنیل کارخانجات یکعریضه بحضور معدلت ظهور همایونی تقدیم نمودند که نقل آنرا اینجا درج می کنیم :

(عریضه)

فدای حضور فیض ظهور اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقی خواه معارف پرور صنعت گستر بدر تاجدار ملت شمس کمال دولت خود گردیم . ازانجا که خاطر مرحمت مظاهر اعلیحضرت پادشاهی را همواره متوجه ترقی صنایع ملاحظه نموده واز حسن نیت خیر مرحمت همایونی انواع انواع صنایع مختلفه در مملکت بفیض وبرکت خود درین زمان فیوضات اقتران جاری وساری می بینیم که هریکی آن برای رفاهیت ملت نجیبهٔ افغانیه خودمان وفواید مالی اهل صنعت پیشه گان است هیچ زبان عرض شکریه بعاکفان پایه سریر سلطنت ادا کرده نمیتوانیم خصوصاً دیروز فرخنده کی فیروز که شمس طالع موکب سعادت کوکب قسم رسمی انوار تجلیات را درکارخانه جات دولتی لامع وساطع ساخته باخدمتگاران معیت ذات بارکات شاهانه وخدمتگذاران صداقت کیش دولت ابد مدت بملاحظهٔ کارخانهٔ پشمینه بافی تشریف حضور ارزانی داشته اند . ماخدمتگاران و غلامان که باوجود الطاعت اولی الامری حضور اعلیحضرت که شرعاً ودیناً بالای ملیان فرض وواجب الاداست خودرا نمك خوار وخدمتگار دولت میدانیم وصدبار بلکه هزاربار در مقابل احسانات حضور مولای مسلمین سر ومال و جان خود را تملیك عبودیت حضور باهرالنور نموده ایم نمیدانیم که درمقابل این جان بخشی حضور مباهر النشور که بذات قدسیت صفات همایونی به ملاحظه کار کارخانه جات که وظیفه خدمت گذاری غلامان است تشریف می آورند چه تحفه تقدیم حضور باهرالنور نمائیم مگر اینکه این جان عاریت را فداسازیم با آنکه دست دعا بدرگاه کبریا بلند نمائیم و سرهای فکنده وخجالتزده بضاعت مزجات خود را کتحفه دعاست بحضور مبارك عرض وتقدیم نموده عرض بداریم که الله تبارك وتعالی وجود

ستوده صفات اعلیحضرت پادشاهی وخلدان‌علیهٔ سلطنتی‌الی‌مرورالزمان تخت عالی بخت دولت علیه نجیبه اسلام مرزر آرای تمکین عزو اجلال داشته ما رعایای صادقهٔ شاهانه را توفیق خدمت گذاری ومتابعت زیاده وزیاده نصیب گرداند همچنین که ما ملت نجیبه ازفواید کارخانه مبارکه پشمینه بافی بهره‌ور گردیدیم امید بدرگاه حضرت واهب العطایا داریم که بدیگر آثار ترقی و تمدن که نیت خیر مرصد همایونی برای رعایای صادقه خود خیال دارند مستفیض گردیم. بحضور مبارك عرض تبریك کارخانه مذکور را که در حقیقت فایده عامه جمیع ملت نجیب افغانیه عموماً و فواید ملیان خدمتکاران اهل فن و صنعت خصوصاً میباشد بحضور مبارك نموده امید قبولیت داریم .

امضا

(غلام فدوی محمد سرور جرنیل کارخانه جات)

بعد از خواندن عریضه اعلیحضرت همایونی آنرا در جیب بیبیب مبارك انداخته وفرمودند، بیایید که به ماشین‌خانه قدیمه که بعضی جاهای آنرا مانند ، جلب خانه ، وغیره ندیده ام بروم ولی بعد از مذاکره قرار دادندکه‌بروز یکشنبه دیگر انشاءالله آنهارا معاینه میکنیم .[اگر بمعاینه آن تشریف بردند آنرا هم برای قارئین کرام تحریر مینمائیم]

پس ازان اعلیحضرت ازتخویلخانه برامده ، بطرف کوتی بمعیت خدمت کاران رفته وخود برزینهٔ آنجا ایستاده دیگران بپائین زینه ایستادند ویك نطق بسیار مؤثر اعلیحضرت را گوش نهادند

(نطق همایونی)

« من امروز شمارا برای دیدن ماشین های پشمینه بافی ازین سبب آوردم که‌شما بدانید که من بعد انشاءالله مردهٔ ما بی کفن وزنده‌ما بی‌چپن نخواهند ماند. هرچند که‌تاحال هم‌الحمدلله بی کفن وبی‌چپن مرده وزنده‌ما نمانده ولی‌چون مالآنرا از خارج میخریدیم وبه بیگانگان محتاج بودیم ، ماخودرا برهنه میشمردیم ، علی‌الخصوص درین اوقات که‌بسبب محاربه دولتها راه تجارت مسدود است و چیزها نمیرسد ، اگر یکبار همین راهئك بسته‌شود آنگاه‌چه خواهیم کرد ابست کهشمارا برای این آوردم کهشمابدانید کهماانشاءالله بسعی وتوسیع این‌فابریك تایك‌حدی از احتیاج غیر خودرا خلاص میکنیم ونیز خدمتی که من برای قوم‌خود کرده‌ام بشما نشان بدهم .

این ماشین خانه قوت ۵۰۰ اسب دارد ویك توربین که عنقریب انشاء الله به تکمیل میرسد قوه ۱۵۰۰ اسب دارد که اگر آن برسد ، یك ثلث بسیاری میرساند ، وشما قوه اسب را حقیقتاً خیال میکنیدکه ۵۰۰ اسب قوه این معنی ندارد که قوه ۵۰۰ اسب را که یکجا کنید بلکه این اسپیك مقیاس میباشد». بعدازان حضرت نائب‌السلطنه‌صاحب واعتمادالدوله صاحب تشکر الطاف خسروانه ومراحم شاهانه شانرا که درحق قوم عاجزخود دارند بجاآورده وتقدس ذات والاصفات شانرا بیان کرده شکر خداوندی بجا آورده که ما ملت افغان تحت حراست وحمایت خارج نیستیم .

ذات شوکت سمات شاهانه هم دعا کردندکه «خدا ازذیردستی خارجه مارا نجات بدهد . خدامارا باآبرو داشته باشد . هرچندنان‌ماجوارین باشد ولی آبرو داشته باشیم واینمصرع فرمودند

« نان خشك خویش بدین آب تر کنیم »

وباز نائب‌السلطنه صاحب تصدیق قول اعلیحضرت همایونی نموده گفتند : « آری خدا مارا باآبرو داشته باشد . وحیات حقیق نصیب کند ، حیات حقیق حیات راحگانی‌نیست که‌زوبیه ومعیشت‌شان‌بدرجهٔ نهایت اعلی است ولی مالك‌حیات‌ملی‌نیستند ، محکوم غیرمی‌باشند اگرچه برای شکار های اعلی ، معیشت ازحد بالا وثروت بی انتها را مالك اند ولی هیچ زنده نیستند ، بلکه ازمرده‌هم بدترند ، که خداوندمارا ازین حال نجات بدهد که عدم وجودما بهترست ازآنحال ، ماوجود مسعود اعلیحضرت پادشاه مقدس‌خودشکر خداوندی بجا آورده والطاف ومراحم شانرا درحق ملت تشکر میکنیم .

ماهی‌دانیم که ذات‌اعلیحضرت یك‌پیچ‌این ماشین‌خانه را بایك‌تان این کشمیره‌هارا باخودنخواهند برد معلوماست که‌اینهمه‌را برای خدمت قوم وملت‌خودمی کنند وبس تایك نشان خدمت‌شان که درراه ملت کرده‌اند باقی باشد ، لهذا اساس مطلب ازخدمت قوم باید خدمت دین باشد تا « رضای خداوندی » حاصل شود که اصل مطلب اعلیحضرت همین استوبس . »

بعد ازان اعلیحضرت همایونی جرنیل (محمد سرور) خان جرنیل کارخانه جات وکرنیل محمدعظیم خانرا خواسته ودست مبارك خودرا برشانه جناب جرنیل موصوف گذاشته وحضرت نائب‌السلطنه صاحب وحضرت معین‌السلطنه صاحب ودیگر نفری که بمعیت شاهانه آمده بودند مخاطب ساخته بزبان مبارك فرمودند : « هرکاریگر درماشین خانه بقدر کار وطاقت خود سعی کرده است ومن ازجرنیل (محمد سرور) خان خوش میباشم زیرا که جرنیل (محمد سرور) خان درخدمت مدام سعی وصداقت‌را بکار برده است چنانچه من درحیات اعلیحضرت (ضیاءالملة والدین) مرحوم هم ناظر کارصنایع بودم وباز تاحال‌نظارت ونگرانی کارخانهٔ هارا بذات خود بذمه گرفته‌ام ودرین اوقات اخیر درهرهفته بماشین‌خانه آمده انتظام وکارهای محوله جرنیل‌وحسن‌صداقت اورا وکرنیل محمدعظیم خان را دیده ام درهیچ وقت هیچ‌تساهل درکار شان معلوم نشده وهمیشه خدمات شان درنزد من گواهی‌صداقت را داده است ازین سبب من‌اورا درجملهٔ خدمتگاران‌ترقی‌باشکه‌بدرجهٔ اولاد خود میدانم واظهار این‌را‌هم برای آن میکنم که شمایان هم‌اورا بهمین نظر عزت ببینید »

وروی هردورا بوسه داده شرف‌دست بوسی‌شاهانه‌را حاصل نمودند وجناب جرنیل(محمد سرور) خان بعد ازشرف دست بوسی سرخودرا برهنه نموده لوازم شکر گذاری را که شیوهٔ غلامان جان فشان است بجا آورده، بکمال عجز وانکسار عرض نمود : « که این جان عاریت را که ازحضرت ایزدی جل‌علی‌شانه بسپرده شده اگر درراه دین ودولت وپادشاه معظم خود فدا نسازم چه قدر ومقداری‌خواهد داشت‌امالهای

شکریهٔ این نوازش شاهانه را بهیچ زبان کرده نمی توانم و از خداوند تعالی توفیق خدمت را زیاده و زیاده و رضامندی مولای خود را خواهانم.

باز جناب نائب السلطنه صاحب فرمودند که ما این رضامندی صاحب را برای این دو نفر تبریک میکوئیم و این مرحمت صاحب را بدیگر خدام نشان داده ایشانرا هم بصداقت در خدمت دولت دعوت میکنیم که هر کس بصداقت و سعی در خدمت دولت کوشش نموده بدینگونه نوازشها مشرف خواهد شد و باز فرمودند که جناب جرنیل محمد سرور خان بمانند انجن بزرگ است چنانچه در اول که انجن کلان در حرکت و گردش نبود دیگر ماشینها معطل بود و وقتیکه انجن کلان در حرکت و گردش آمد دیگر ماشینها را بحرکت و گردش آورد گویا جرنیل کارخانه جات بمانند انجن بزرگ است که کارخانه ها را اجرا میدارد — و بصداقت خدمت میکند.

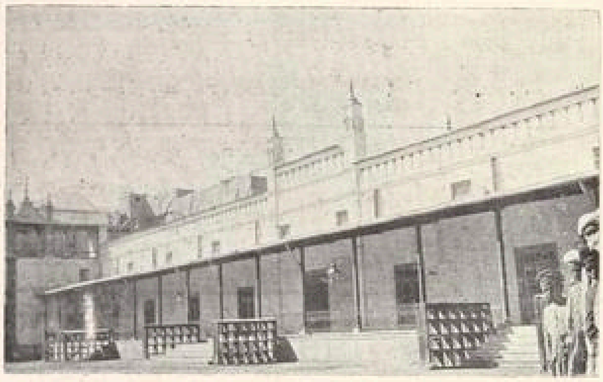

مسجد مبارک علیا در دارالسلطنهٔ کابل

«مبرهٔ دولت پروری ذات قدسیت صفات سراج الخواتین علیاحضرت صاحبهٔ معظمه»

و حضرت معین السلطنه صاحب نیز نوازشات شاهانه را بجناب جرنیل مبارکباد گفته و دست مبارک خویش را بگردن جناب جرنیل انداخته و روی اورا بوسه نموده بزبان مبارک فرمودند که «ما جرنیل را پیشتر در جمله خدمتگاران صادق میدانستیم» حال بمنزلهٔ برادر خود میدانیم». و جناب جرنیل نوازشهای گونی را که شیوه صداقت پیشگان است بجا آورده بدعای بقای عمر و جاه اعلیحضرت همایونی و شهزاده بلند اقبال مترنم شدند.

بعد از آن اعلیحضرت همایونی شاه ولیخان رکابباشی را بر زینه خواسته و بعموم خطاب فرمودند:

«چند روز پیشتر، شاه ولی از من یک سوالی کرد که من جواب داده نتوانستم ولی اورا گفتم که جواب شما را یکروز خواهم داد امروز که شما همه گی مردم حاضر هستید. امید می کنم که جواب شاه ولی را بگوئید.

ما یک هوتل بر لب کول چمن حضوری بدینمقصد ساخته‌ام که هر کس درانجا آمده و هر چیز که می خواهد خورده باشد و نقدی که ازان می گیریم بمصرف یتیم خانه میدهیم. پارسال فقط پنجهزار روپیه حاصل هوتل شده بود امسال برای جاری داشتن این هوتل ما چند نفر یکجا شده پنجاه پنجاه روپیه اعانه کرده‌ام که چون بکول میرویم آنجا در هوتل مخصوص نشسته اگر چیزی بخواهیم میخوریم و وجه آن بمصرف یتیم خانه میرسد.

سوال شاه ولی این بود که آیا این مردم دیگر چرا نمی آیند و در هوتل چیزی نمیخورند؟

این فقره را جواب نیافتم الحال از شما می پرسم که این چه جواب دارد فرض کردم که شما در هوتل آمدید و چیزی که یک قران می ارزید به (۱۰) روپیه خریدید آیا این روپیه شما نقص میشود. نی بخدا اگر شود آیا آن یتیم های بی پدر و مادر و بی خویش و اقربا («آواز مرحمت همراز ذات ملکوتی صفات امیر صاحب لغزیافته گریه گرفتن شانرا فهمانید») که بسبب بی کسی در کوچه ها می گردند. نه نانی دارند نه مکان و مأوی یتیم های کیستند؟ و اولادهای که؟..

اگر ما و شما ایشانرا تربیت نه کنیم، که خواهد کرد؟ فردا اگر بی تربیتی اورا بدزدی آموخته ساخت و گرفتار شد یا یک برادر دینی خود را قتل کرده بود باز گرفتار کرده شد اورا لازم است که بقصاص برسانیم، اما وجدان ما با ما چه خواهد گفت؟ آری گناه ماست که اورا تربیت ندادیم!... و گناه آن سرقت و قتل هم بگردن ماست می گویند یک آدم بسیار دزد و رهزن بی تربیتی یک وقت گرفتار شد امروز اگر اورا تلاش کنید یک متخصص بزرگ است در بلجیم، آیا چرا اورا اورا تربیت دادند و چنین ساختند، یعنی تربیت یک شخص بسیار شقی را هم بدرجه بسیار عالی رسانده میتواند. و در این شرکت کوچک ما کسی داخل شده نمیتواند مگر هر قدر روپیه که شرکت ازو خواستند و ادا کرد البته داخل شده میتواند، و بازی گولف را من محض برای صحت خود می کنم که برای من بقدر دواست اگر نکنم مریض میشوم.

ما میخواستیم که چمن را پر کنیم آیا خاک از کجا می آوردیم اینست که انجارا کنده گل آنرا در چمن انداختیم انجا کول شد و انجا پشته چون دولت ما یک دولت بحری نیست و هیچ منظرهٔ بحری ندارد و صاحب کشتی و جهاز نیست درین کول اگر یک نمونهٔ سفر بحری در کشتی به بینید چه عیب دارد که نیم ساعت یک شلنگ داده در کشتی گردش کنید. درین اثنا حضرت افخمی معین السلطنه صاحب گفت: «بلی افسوس است که دولت ما هیچ بندر بحری را مالک نیست.» و اعلیحضرت همایونی هم فرمودند: «که بلی ضرور است که دولت ما یک بندر بحری داشته باشد! ولی خیر ما، امید می کنیم که این سر دفترهای ما که یکروز بچمن نیامده اند گاهی گاهی بیایند.»

الحال همه‌شمارا بخدا سپردم ، همه بجاهای معینهٔ نانخورده هرکس بجای خود خواهد رفت والسلام .

بدو بجه ۲۰ دقیقه مانده ـ بود که همه نفری برای طعام رفتند وبرای طعام دو جای ساخته شده بود یکی در کوتی مذکور ودیگر بالان خیمه ایستاده کرده بودند بعضی نفری بالا بکوتی رفتند وبعضی بالان بنانخوردن مشغول شدند وبعد از نانخوردن هرکس بخانهٔ خود رفت .

امضا

محرر اداره : عبدالهادی

(مابعد از نمبرهٔ ۲۱)

تقریر ذیل یوم یکشنبه ۱۴ رجب المرجب در جلسهٔ سالانهٔ مدرسه مبارکه حبیبیه پیش از توزیع مکافات از طرف یک طالب العلم ارشد جماعهٔ اعدادیهٔ سوم علی محمد خان نام بفصاحت تمام خوانده شد ، که اهل مجلس را غرق عرق جوش وخروش اسلامی ساخت وچون احوال مراسم احتفال مذکور در نمبره (۲۱) سراج الاخبار افغانیه درج شده بود وبرای اندراج تقریرهای طلبا درنمبره های دیگر وعده شده بود اینست که تقریر اولی که درانجا خوانده شده بعرض انظار قارئین کرام گردید .

بسم الله الرحمن الرحیم

(فلسفهٔ اسلامیه چیست وازچه بحث میراند)

فلسفهٔ اسلامیه مضمون دینی است که مجدداً درنصاب تعلیم مدرسه مبارکه حبیبیه شامل شده است ـــ مفاد ونتیجهٔ آن تصحیح عقاید دینیه ودانستن اسرار وعبادات بدنیه واثبات حقانیت دین مبین اسلام وانحصار ترقی دین ودولت درپابندی احکام حضرت نبی خیرالانام علیه الصلوة والسلام است .

فواید دینی وذوق وشوق ایمانی وجوش وخروش اسلامی که ما جاکرزادگان اعلیحضرت شهریار زمان از دروس این مضمون هدایت مشحون حاصل نموده‌ایم دریکمقاله ویکروز ویک کتاب احصاوانحصار آن عدیم الامکان بوده از حضرت احدیت جل مجده نیاز می کنیم که این جوش اسلامی خودرا باداى خدمات صادقانه دین ودولت بوجه کمال باثبات رسانیم .

اکنون درحضور انور جناب عالی متعالی شهزادهٔ دیندار باحمیت افغان خودما حضرت معین السلطنه صاحب افخم ادام الله اقباله که نظارت معارف عمومیه دولت علیه مستقلهٔ افغانستان یکی ازامور مهمه متعلقه ذات عالی شان است بطور نمونه مشتی ازخروار وکمی ازبسیار این مضمون حکمت مشحون را بسمع حضرات فخام و سامعین کرام بعرض میرسانم وخلاصهٔ یکی از دروس فلسفهٔ اسلامیه را بیان میدارم وبالله التوفیق .

(درس)

(مسلمان عاقل هرحرکت وسکونرا برای خدمت دین می کند)

﴿ قصر فرح افزای پادشاهی در قلعهٔ السراج لغمان ﴾

مقصد عاجزانه ازین عنوان هدایت ترجمان اینست که مسلمان عاقل همیشه دست درکار ودل بیار بوده روی دل خودرا چون سوزن قطب نما که همواره متوجه ستارهٔ قطب است بجههٔ طاعت ورضای الهی داشته باشد چنانچه قطب نما را هرقدر پیچ وراست حرکت دهند سوزن آن لرزان لرزان باز بسمت قطب توجه میکند وازینرو که توجه او بنقطهٔ واحدهٔ قطب است هادی رهروان دریا نوردان گردیده بذریعه آن در بحار بیابان راه مقصود یافته میشود همچنین اگر دل مسلمان همواره متوجه اطاعت ورضای حضرت واحد حقیقی وفرد صمدی جل جلاله وعم نواله بوده باشد دربحر ظلمات نفسانیت وبشریت راه هدایت وسعادت دارین را بسبب همان توجه یافته هرجا که باشد وبهرامری که اشتغال داشته باشد مقصد قلبی ومراد دلی او همان یک بوده ازسمت مقصود که حصول سعادت دارین است هیچ گونه منحرف نخواهد گشت .

نتیجه قطعیه که برای ملیان اولاد وطن مقدس افغان ازین عنوان هدایت ترجمان حاصل شده است اینستکه : ـــ مارا لازمست که جمله حرکات وسکنات خودرا برای رضای حضرت یزدان واطاعت حضرت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1255 of 1786

خشنودی منزلت پیغمبر الهی و جان علیه صلوة الرحیم الرحمان نمائیم — اگر درمدارس دولت بتعلیم علوم وفنون جدیده اشتغال‌ورزیم مقصد یگانهٔ ما این باشد که ازراه حصول اینعلوم وفنون (درظل عاطفت اعلیحضرت متبوع مقدس معظم خود اعلی الله قدره که آنهم بحکم دین‌متین فرض ولازم است) محافظه دین ووطن را نموده از اغیار اشرار که بهمین وسایل دین ودولت مارا (لاسمح‌الله) پست ونابود میخواهند سبقت بریم ، واگر بخدمات دولت مشرف شویم منظور نظرما این باشد که بوجود ضعیف خودها بقدر قدرت ناقصه بشریه خدمتی بجا آریم که ترقی دولت ما ازان حاصل شود .

السنهٔ خارجه غیر ملت را برای این‌باید بگیریم که علوم‌وفنون ازان استفاده کنیم وازراه دانستن زبان بکر وحیله‌ها وتزویرات دلی شان بدانیم ، وازین رومحافظه دین ووطن را ذمه همت خود ثابت داریم صنایع جدیده وحرفتهای مفیده را برای این بیاموزیم که ثروت ملت ووطن‌دیانت مسکن ما بشجاعت وغیرت ذاتی که داریم یکجا شده‌موجب ترقیات مادی ومعنوی دین وسلطنت اسلامیه افغانیه ما گردد .

هرقدر درالسنه خارجیه وعلوم وفنون جدیده ازراه دین انحراف ورزیم ومانند تعلیم یافته کان محکوم ملت غیر از تعلیم وتربیت ما افراد غیر ملت استفاده ها نمایند . واین‌قدر غافل نباشیم که بنام‌تعلیم وتربیت وحفظ دین وناموس ازراه حقیقت‌بازکنند . عقایددینیه‌ما متزلزل کرده وجوش وخروش ایمانی‌ضعیف گشته ازراه‌معتقدایان دین‌خود که کفار اشرار را باوجود قوت وثروت شان مخذول ومنکوب نموده بودند مایل شده وبعض ترقیات جدیده را بوجب کامیابی خود بدانیم که این گونه ترقیات نزد دشمنان دین ودولت بمقاصد قلبیه‌خودها واصل ومیشوند ثی وثی .

بلکه ازچنین‌تعلیم‌وتربیت حاصل داریم که حصول رضای حضرت‌ایزد متعال‌ورسول ذکال وحفظ دین‌وحفظ ناموس‌وحفظ وطن‌دیانت مسکن افغان ومدافعه‌ترمات وغیر قوم واطاعت حضرت‌پادشاه اسلام پناه ثمره حقیقیه آن باشد وهمه‌افراد خدمت دین ودولت وسردادن ومحو ونابود ساختن خودرا دراطاعت وخدمت اعلیحضرت متبوع مقدس‌افخم‌خود مقصد قلبی‌خودها دانسته‌اعدای دین‌ودولت رادر تدابیروحیل شیطانیه خودها ناکام سازیم انشاء الله الکریم .

وان را یقین بدانیم که اگر توجه دلی ما بخدمت دین مبین بوده باشد امور دنیا را فرض همت خود دانسته سعادت دارین را ازان حاصل خواهیم کرد .

(۱) تصحیح‌عقاید اسلامیه وتحصیل‌اطمینان قلبی (۲) ادای‌عبادات بدنیه وایجاد نور ایمانی باطنی (۳) محبت خدا ورسول ودین اسلام (۴) محبت قوم (۱) قوم اصلی یعنی افغان ، ب ، قوم دینی یعنی عامه مسلمانان روی زمین (۵) محبت وطن اول وطن اصلی یعنی افغانستان دوم وطن دینی یعنی مکه مکرمه و مدینه منوره که یکی قبله و دیگری دار التصرف اسلام است وصرف قدرت عامه افراد مسلمانان در حفظ وبقای عزت این هردو فرض عین‌وعین فرض است (۶) محبت واطاعت اولی الامر که ترقی دین ودولت دران منحصر واطاعت خدا ورسول بآن وابسته است (۷) قبح و ملعونیت محکومی غیر اول غیر دین دوم غیر قوم (۸) تخلق باخلاق فاضله صداقت ، امانت ، عفت ، شجاعت غیرت .

ومقصد یگانهٔ ما از تحصیل این‌ملکات فاضله خدمت و اطاعت فرد اول مسلمانان شهریار زمان — ومتبوع مقدس اعظم افغان خود مان اعلیحضرت سراج الملة والدین خلدالله تعالی ملکه وسلطانه بوده باشد که درجمیع مساعی جمیله خود بروفق خیالات رفیعهٔ دینیه شان روان باشیم — تادرهمان ارادهٔ قلبی خود که (جمیع حرکات وسکنات مابرای خدمت دین است) صادق برائیم .

آیات کریمه واحادیث نبویه‌واقوال‌وافعال مجتهدین‌دین که دردروس فلسفه اسلامیه در لزوم اطاعت اولی‌الامر خوانده وبذوق دلی‌والحمدلله آنرا دانسته‌ایم زیاد ازان است که درین فرصت اظهار وبیان آنرا کرده بتوانیم بلکه رساله علیحده درباب آن داریم .

اکنون یک نکته مختصره را معروض‌میداریم که کسانیکه مسلمان ودرامت حضرت سیدالانام علیه الصلوة و السلام محسوبند واز شومی اعمال زیرتسلط ملت غیر در آمده ودین وناموس شان درمحل خطرات در اطاعت احکام غیر دین خود کوشش میورزند و بجهانهای نفسانی وتسویلات شیطانی اطاعت ملت غیر را برای خود موجب نجات تصور کرده اند وکفر حقیقی وشرک ظاهری ونصرانیت بدیهی حکام ایشان موجب عدم اطاعت حکام غیر دین شان نمیگردد — ماسلمانان افغان که بحمدالله والمنه دعوی — غیرت دینی وقومی وفطری را داشته وداریم ودل دادهٔ محبت و اطاعت حضرت رسول انام علیه الصلوة و السلام وخدام و چاکران صمیمی دین متین اسلام بوده و میباشیم وزیردستی ملت غیر را مخالف وضد ایمان و اسلام خود دانسته بار بار قوم وناموس خودها را از تسلط ملت غیر بحکم دین وایمان بتوفیق ایزدمنان وبنورانیت دین‌متین حضرت سیدالبشر وجان محفوظ داشته ایم وصغیر وکبیر وبرنا وپیر ما فنا نمودن روح وروان کفیل حفظ دین وناموس وده هستی خودرا با محکومیت غیر ملت موجب خسران دین ودنیا ومحرومیت از رضای حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم وموجب نزول غضب الله تعالی دانسته ومیدانیم .

پس باوجود اتصاف ما باین چنین صفات فاضله که خویش و بیگانه الحمدلله والمنه اقرار واظهار آنرا کرده ومی کنند چگونه در اطاعت ومحبت وخدمت شهریار دیندار هدایت آئین اعلیحضرت سراج الملة والدین روحنا فداه که بنیت صادق واعتقاد موافق و عبادات لایق متصف است وجود خودرا محو ونابود نسازیم ورضای حضرت پادشاه خود وسعی در اطاعت وفرمانبرداری اورا چرا برای حصول رضای صاحب دین متین و ترقی شرع مبین و ابطال ارادهٔ باطله اعدای دین وناکامی تدابیر مفسدین اخوان الشیاطین بالیقین حاصل نداریم .

خدایا کریما پروردگارا توفیق و هدایت وارشاد نصیب ملت و پادشاه ما بدار تا از طریق رضای تو و بروفق اوامر رسول رحمت در خدمت دین ودولت صرف همت وغیرت نمائیم ودولت علیه مستقله افغانیه ما درظل عاطفت شهریار دیندارما ترقی دینی نموده جمیع حرکات وسکنات حاکم ومحکوم وتابع ومتبوع قوم وملت ما برای خدمت دین متین حضرت سید المرسلین باشد .

این دعا ازمن واز فوج ملک آمین باد

احقرالعباد علی محمد طالب العلم
درجه اعدادیه سوم
مدرسه مبارکه حبیبیه

این تقریر که درذیل درج است ترجمهٔ یك تقریر انگلیزی است که تقریر مذکور را علی محمد خان نام طالب العلم زبان انگلیسی خوانده وترجمهٔ آنرا فیض محمد خان نام طالب العلم جماعه اعدادیه سوم بجرأت فوق العاده بعموم قرائت نمود . بقرار وعدهٔ که در شمارهٔ ماقبل گذشته است ، عیناً تقریر مذکور را درج می نمائیم

[ترجمه تقریر انگلیسی]

خاص ترجمهٔ مضمون انگلیسی را که استاد محترم جناب مستطاب حافظ صاحب انشا فرموده اند وبرادرم علی محمد خان آنرا بعد به حضور حاضرین نمود بزبان فارسی عرض وبیان می کنم .

نخست ازهمه فرایض منصبی که داریم درخواست مقصد وسلامتی ذات ستوده صفات اعلیحضرت ظل اللهی مدظله وشکریهٔ حضور عالی حضرت شهزاده جوان بخت جناب معین السلطنه صاحب است

حاضرین عظام — منت خدایرا که ما وشما همهرا پیروان دین متین اسلام آفرید

شکر لله که مسلمان زادیم   وز عذاب ابدی آزادیم

وقتی بود که آفتاب فتوحات دین مبین اسلام بوروپ، ایشیا وافریقه را بنور ضیای خود منور ساخته ظلال سیوف اسلامیه بربع مسکون سایه افگن گردیده بود ، لکن دراین زمان هریکی ازمامیداند که بچه مذلت وادبار گرفتاریم وازآن شان وشوکت واوج ورفعت که حامیان دین متین بزور بازوی خود حاصل کرده بودند بمحاك ذلت افتادیم

سوالی دارم آیا چه باعث بود که آنها بآن عروج شان رسیدند وچه سبب شد که مایان باین مذلت وادبار گرفتار گردیدیم ، بلی ، هرگاه هر شخصی قدری بحال خود توجه کند ضمیرش جواب میگوید که البته باعث ترقی و جهانگیری گذشتگان ما پیروی دین حق بود که بمحتوای ان الدین عند الله الاسلام دین پسندیده اسلامرا گوهر گرانمایه خیال بنداشته در ترقی پایه و تعالی مرتبهٔ او لحظهٔ غفلت نورزیده صاحب ومالك ترقیات دینی ودنیوی گردیدند وکسانیکه ازروی بدبختی وشقاوت احکام مبارك کتاب مقدس را توجه کرده غافل شدند تمام وسایل ترقی ازدست شان رفت و نصیب غیر شد آری :

اسیر وضع غفلت هرکه شد ازکار میماند   جوانی خفت پای دیگر ازرفتار میماند

دراین زمانه جدوجهد زیادی است که اصلاح اوضاع اسلامیان نموده شود لاکن اصلاً کسی نمیداند که اصلاح چه معنی دارد ، اگرمعنی اصلاح چنین باشد که بدعت های ظاهر ونمایان تهذیب یوروپ را اختیار کرده ازخوبی های حقیقی دین اسلام بکلی بیخبر باشیم گاهی ترقی کرده نمی توانیم . افضل ترین اصول ترقی که برای اهل اسلام باقی است واز مطالعهٔ تاریخ عیان میگردد تصدیقاً متابعت دین متین اسلام است وبس ، لهذا ای برادران دین وهموطنان عزیز بیائید تا کمر همت بسته اصول ترقی خودرا روشن سازیم وخود هارا ازمعنی حقیقی ترقی آگاه نموده درمعیشت وتمدن خود قانون شرعی اسلامرا تمسك گرفته زورق زندگی خودرا که قبل ازین امواج سیلاب تغافل مدتها طوفانی بوده بسکان اصول دین متین بساحل مراد برسانیم وشعله کینه ونفاقرا ازسینه های خود بیرون کرده متفقاً بیکدل وزبان ترقی دین ودولت وسلامتی ذات مرحمت آیت پادشاه معارف خواه عدالت پناه خودرا ازایزد متعال درخواست واستدعا نمائیم بان زبانکه :

خسروا عمر وجاهت افزون باد   چهرهٔ دولت تو گلگون باد
تاج و تخت و سریر سلطانی   بجناب تو سعد ومیمون باد
داوری سروری شهنشاهی   بهمان ذات پاك موزون باد
لطف حق یار و یاورت دایم   واجب وفرض عین ومسنون باد
سلطنت معدلت جلالت وحشم   در تزاید و روز افزون باد
شاه دوران سراج ملت ودین   که فروغش بدور گردون باد
هم زما اهل علم این مکتب   این دعا برخدای بیچون باد
هرکه سویت بچشم بد بیند   ابد الدهر غرقه در خون باد

ونیز بحضور حاضرین معروض میداریم که مقصد ما ازمطالعه زبان انگلیسی محض دانستن انگلیسی نیست بلکه مدعا ازتعلم انگلیسی اینست تا اسرار واحوال مردم غیررا دانسته ، اخذ علوم وفنون ازدست رفته خودرا که زبان وحکمت وغیره شایسته دوباره حاصل داشته وانشاءالله تعالی تردید اعتراضات شان بزبان خودشان نموده بتوانیم فقط ومن الله توفیق .

چون در شمارهٔ گذشته از تفصیل وتقریر سلطان احمد نام طالب العلم اولین جماعه اعدادیه سوم که درباب یك آله اختراع کرد که خودش بود وعده داده بودیم لهذا تقریر اوراعیناً درج می نمائیم:

(تقریر سلطان احمد خان)

عنوان مطالب رابدعای بقای عمرودولت ودوام سلطنت اعلیحضرت والا روحنا و جسمنا فداه وسلامتی وجود مسعود شهزاده جوانبخت عزوجود ترقی خواه مزین می سازم زیرا که   زینت ازتو که خورشید جهان آرائی   این یك نکته را بهموطنان عزیز ومعززین کرام عرض میدارم که بر خاطر شریف شان معلوم وهویدا خواهد بود که قیاسات جزئیه علوم بسا اوقات باعث بر اختراعات کلیه وعجیبه میگردد چنانچه می گویند که اختراع طیارهای موجوده بهاصول « کاغذ باد » میباشد وبه نهایت کم توجه بسا امثال این را پیدا کرده می توانیم

پس برای ما اولاد وطن واهالی آن لازمست که از اهمیت تعلیم موجوده غافل نبوده آنرا بقرار اصول دین یاد گرفته فواید دینی ودنیوی ازان اخذ نمائیم . وامید است که خداوند کریم ماهارا بحصول مطالب وضروریات کلیه وجزئیه خودها توفیق عطا فرموده کامیاب گرداند بمقتضای اینکه (ومن طلب فقد وجد)

علم جوهری است که جوینده خود را از قعر ذلت باوج رفعت رسانیده بی نتیجه نمیگذارد ، در حدیث شریف آمده است

(الحکمة ضالة المؤمن حیث وجدها فهو احق بها)

اما بعد عرض میشود که این حقیر سراپا تقصیر در مطالعه ریاضیات بلکه رغبت خصوصی دارد مگر اکثر مردم که از فواید این علم غافل اند خیال می کنند که ریاضیات علمی است که دران محض از استدلالات قیاسیه ونظریه بحث میشود حالانکه این علم علاوه از حصه قیاسیه یک حصه وسیع عملی هم میدارد چنانچه ترقیات صنایع مغرب زمین که اساس آنها اصلاً مبنی بر علم ریاضیات است در این امر دلیلی است روشن وحجتی است مبرهن

بناءعلیه چون این حقیر تعلیم علم مثلثات را شروع کردم ودرآن در نسبتهای مثلثی یک زاویه بهر حال خواه ضلع کلان باشد یا خورد مستقل می ماند رسیدم فکری بدماغم رسید که اگر جدولهای کافی مرتب نموده یک آله اختراع شود که بران جدول های مذکوره را ترتیب بدهیم ، ممکن خواهد بود که فاصله یک شی بعید بقرار تناسب یک ضلع ویک زاویهٔ قائمهٔ مقرره بدون زحمت مساحه آن معیار کرده بتوانیم ازان رو شوق حقیر افزونتر شده بسر کردن تمام این آله موجوده را که اجزای آن کاملاً نامکمل وبی ترتیب وتقسیمات آن کم وزیاد است از باعث اینکه برای ترویج خیالم از نظر اساتذهٔ کرام بگذرانم مخترع گردیدم مگر چون ایشان این را مشاهده کردند افکار مرا تصدیق وبندهٔ هیچمدار را تحسین فرمودند و گفتند که در درستی اصول این آله هیچ جای شک ومغالطه نیست اما این آله موجوده به ترتیب وتقسیمات درست ساخته نشده است ، باز هم بعضی مسافات قلیل را با این آله تخمیناً نشان داده میتوانیم .

بعد ازان اشکال موصوفه موعوده را بروی تخته سیاه تسوید وترسیم کرده مهارت کاملهٔ خود را ثابت کرد .

پس از اتمام اینها یک طالب العلم انور علی نامی یک قصیده غرای فارسی را به لهجه وجرأت تمامی خواند که در آخر به تخلص (ندیم) قصیده شناخته شده مورد تحسین شد وحضرت عالی معین السلطنه صاحب تعریف طبع روان شانرا فرمودند

قصیده ندیم که در جلسه سالانه مدرسه حبیبیه از طرف انور علی نام طالب العلم اعدادیه سوم خوانده شد

بعالم دیده بگشاید چو مرد عاقل دانا
نیابد هیچ در چشمش بغیر از علم اعلا ها
شد از تعلیم اسما جمله کار این جهان جاری
شد از تعلیم اسما جمله اسرار نهان پیدا
نگردید ار تعلیم اسما از ازل باعث
چو عنقا بی نشان می ماند تخم آدم و حوا
همین علم است وعرفان امتیاز آدم وحیوان
همین علم است فرق اندرمیان جاهل و دانا

غرض گردیده عزت کشاید صاحب عزت
بغیر از علم واز حکمت نه بیند در جهان اصلا
بدست از علم می آید گر جاه است وگر حشمت
بدست از علم می آید اگر دین تا گر دنیا
نگردد بهره ور جاهل ز لذات جهان هرگز
که محروم از فروغ شمس باشد دیدهٔ اعمی

خوشا آن رهرو کامل خوشا آن بندهٔ عاقل
که روز وشب بجان ودل بود پابند این سودا
خوش آن جوینده ایقان خوش آن پوینده عرفان
که از خمخانهٔ دوران بود سرمست این صهبا
نباشد گر ملل بی فکر صنعت در جهان امروز
اگر مومن اگر کافر اگر گبرست و گر ترسا

پی تحصیل علم از جان ودل امروز کوشند
فرانسی جرمنی ژاپان وروم وروس واستریا
بیا آخر بچشم سر بر اوضاع جهان بنگر
که امروز از همه کشور جهان اینشعله شد بالا
چه بود این آتش جرمن که عالم سوخت زو خرمن
که زد این شعله را دامن که کرد این فتنه را برپا

چرا جرمن بصد کشور براند لشکر وافسر
زند آخر چرا قیصر بیک عالم تن تنها
همانا علم است وآن صنعت که بدهد برتری قدرت
چه دید از زحمتش راحت چه خورده از حنظلش حلوا
زعلم خود میان همکنان ممتاز شد آری
ز اقران میشود ممتاز مرد عالم دانا

غرض ما زمرهٔ افغان اگر از علم واز عرفان
سخن را بهر دوران سمر گردیم در دنیا
بود از همت عالی بود از رافت والی
که گردد از لطف خود حالی رموز علم را برما
سراج الملت والدین شه با عزو با تمکین
امیر معدلت آئین خدیو مملکت پیرا
زهی حامی این ملت که گردید از ره همت

سراسر رایج صنعت عمادم ناشر معنی
که کرد این فیض را دیگر روان برروی این کشور
که از شادی شکفت ایدر دل پیر و رخ برنا
معین السلطنه سردار والا جاه نیک اختر
که از رویش فروغ دولت و حشمت بود پیدا
چنانش برده از جا شاهد عرفان و آگاهی
که جز بهبود ملت نیست فکری در سرش اصلا
بعالم دشمن اوضاع و اطوارش نباشد کس
بلی برخاطر عالم ولایش کرده استیلا
بسکار دین کمر بسته روی فتنه در بسته
هزاران رمز سربسته کند پیدا بیک ایما
سخن ازعلم و حکمت بود و نیم نکتهٔ دارم
که از صد دفتر حکمت بود در چشم من زیبا
نخستین علم ای جان برادر علم دین باشد
که تاب هر گروه از علم دین گردیده بر دنیا
همان علمی که بر تعلیم اولاد راه دین اقی
مرو دنبال او هرگز مشو در فکر آن اصلا
گر از تحریر دین گوید زتعلیمش گریزان شو
اگر باشد معلم فی الحقیقه بوعلی سینا
سر رمز دانش در حقیقت کی بکار آید
بقدر ذره چون نبود ولایش در دل ازمولا
پس چون علم دین آموختی در کار ملت شو
زعلم خویشتن کن بهر ملت خدمتی بر
که تا این هر دو گردد موجب خوشنودی کونین
که تا این هر دو گردد باعث جمعیت دلها
حکایت زانکلیس و شیرین که اکنون بکیم اضمین
ز گفتار سنائی یادم آمد دری انشا
وجو علت هست خدمت کی چو دانایان گذشت آید
گرفته جیدان احرام و مسکی خفته در بطحا
چو علم آموختی از حرص آنکه ترس کاندر شب
چو دزدی با چراغ آید گزیده تر برد کالا
تو چون موری و این راهست همچون موی مهرویان
مهرویان پر تقلید و پر تحمید و پر عمیا ،
ندیم از مو سخن باز کر کفتی سوش کفتی
بنازم طبع موزونت که ریزد لؤلؤ لالا
بیا اکنون ز تکلیف شعار شاعران بگذر
بزم خاص بنی چند کن بهر دعا انشا
خداوندا بحق احمد مرسل شه لولاک
که عالم از طفیل ذاتش کشت گردیده پیدا
بچشم ماز نور معرفت کن سرمه بینش
رموز خفیه و باریک حکمت سازمان بینا
عنان ما مبر از شاهراه معرفت بیرون
مکن ما را درین وادی میان همگنان رسوا
الهی آنچه نپسندی مکن ما را بآن مشغول
مکن پنهان خداوندا صراط المستقیم ازما
مر این شهزاده را ازبخت و دولت بهره ور گردان
باو توفیق خدمت ازره دین مرحمت فرما
بیکزار وطن دارد چو دایم فکر سرسبزی
نهال آرزو یش را مده افسرده کی اصلا

امضا

محرر اداره : عبدالهادی

اخلاقیات

دین ، دولت ، ملت ، وطن

ملت و وطن آنچنان باهم مربوط و بایکدیگر پیچیده و رشته و بافته چیزهائی میباشند که اگر هر دو را یك چیز واحد بگوئیم جا دارد . زیرا این دو چیز بدون همدیگر یك معنی مستقل را در بر نمیگیرد . ذاتا دراول مقالهٔ خود ثابت ساختیم که این چهار کلمهٔ مقدسه بایکدیگر بدرجهٔ مرابطات و مناسبات دارند که اجزاء لاینفك شمرده میشوند ، و یکی بدون دیگر قوام و دوام نماند .

چنانچه قبل ازین گفته شده بود باز تکرار میکنیم که اگر خدا ناخواسته وطن یك ملت ازدست شان رامده بدست دولت غیر دین وغیر ملت شان بیفتد اول چیزیکه باوطن یکجا محو شدنیست (دولت) و (دین) آن ملت است . زیرا مثالهای تاریخی بصورت واضح بما نشان میدهد که بریك ملت و وطن که اجنبی مستولی شده است محو شدن (دولت) آن ملت و وطن بصورت آنی و دفعهٔ واقع شده است .

چونکه تا دولت یك ملت و وطن محو و منقرض نشود بران وطن و ملت اجنبی مستولی شده نمیتواند . اما دین آن ملت و وطن شان بصورت تدریجی آهسته آهسته محو و منقرض میگردد ، و شرافت ، حقوق ، اخلاقیات ، ادبیات ، زبان ، تهذیب ، تربیت آن ملت یکی بعد دیگر محو و منقرض شده میرود تا هیچ اثری ازملت آن هم باقی نماند . اما بعضی خواهند گفت ، که آقای سر محرر دربارهٔ مبالغه گوئی میکند . این است بعضی مملکتهای بسیار نزدیك همسایهٔ شما که باوجود استیلای غیر دین وغیر ملت شان بران ، باز هم باین درجه هائیکه سر محرر میگوید چیزی نشده است ..»

حال آنکه این یك تسلی و دلخوشی ایست که خود آن گوینده بخودش میدهد ، و چون عینك دوربین حقیقت را بدیده نهاده بنور و انصاف نظر کند بعضی ازان مقدسات را سراسر محو و منقرض می بیند و بعضی را نیم منقرض ، و بعضی را روبه انهدام و انقراض مثلا دولت و وطن شانرا .. سراسر محو و منقرض می بینیم . زیرا دولت شان همان دولت

غیر دین وغیر ملت شان است که برآنها حکم میراند واز خود دولتی ندارند، ووطن شان یک پارچهٔ از اعضای بدنیهٔ همان وطنی است که وطن اصلیٔ دولت حاکمهٔ شان میباشد. چرا که قانون هردولت همچنین حکم میکند که هرپارچهٔ از پارچه های قلمرو هردولت یک عضویست از اعضای وطن همان دولت. اگرچه وطنِ اصلی آن دولت درغرب باشد. وآن پارچه اش درشرق! دین شانرا باید منقرض بدانیم. زیرا اولا نماز جمعه وعیدین که بخطبه موقوفست ناقص شمرده میشود. وبعضی ازاحکام دینیه تماما اجرا نمیشود که اگر یکان یکان ازآنها بحث رانیم یک کتاب عقاید باید بنویسیم. ملت شانرا روبه انهدام وانقراض بدانیم. زیرا زبان خود شان که یکی از اهمترین اشیا ذات ملی شان شمرده میشود زبان رسمیٔ دولتیٔ شان نیست. وباوجودیکه زبان شان ازفارسی وعربی واصل زبان خود شان مرکب است رفته رفته بعضی ازاجزای مرکبهٔ آنرا سراسر کشیدن وحذف نمودن میخواهند. مثلا زبان فارسی که در یکوقتی زبان رسمیٔ سلطنتیٔ ملیٔ شان وزبان ادبیٔ اصلیٔ شان بود. ودر وقت حاضر زبان دو دولت مهمهٔ اسلامیه میباشد، واز زبانهای بسیار عمدهٔ شرقیه شمرده میشود. این زبانرا سراسر میخواهند لغو کنند وتحصیل وتعلیم آنرا منع نمایند. وممکن است که رفته رفته زبان عربیرا هم که جزء ثانیٔ زبان شانرا تشکیل داده نیز محو سازند. وبالآخره زبان اصلیٔ شانرا نیز از میان برداشته زبان ملی وحکومتیٔ خود شانرا قایم گردانند که اینهمه حقیقتاً خیلی دهشتناک یک ضربه ایست که برجانکاه ملیت شان حواله مینمایند! تنهانه زبان. بلکه بسیاری از حقوق ملیٔ شان پامالست.

این احوال مملکتهای نزدیک ماست که بسبب استیلای دولت غیر ملت وغیردین شان باین حالهائیکه یک قطره ازبحر ازآن بحث رانده نتوانستیم گرفتار آمده اند. وچنانچه وطنیت وحاکمیت شان سراسر محو ومنقرض گردیده. دین وملیت شان نیز تدریجاً زایل شده میرود. حالانکه اگر یکقدری دورتر رفته به (اندلس) نظر بیندازیم درانجا هیچ اثری ازآثار این چار کلمهٔ مقدسه را بامیکرو سکوب هم دیده نمیتوانیم.

پس ای نونهالان چمنستان وطن عزیز!

برحال واحوال ملل عالم بینا شوید! وبرنعمهای که خالق یگانهٔ بیهمتای ماجل وعلا برماوشما احسان فرموده دانا گردید! این چهار عناصر مقدسهٔ حیاتیهٔ خودرا ازجان وجهان عزیزتر وقیمتدارتر بدانید! زیرامنافع دین ودنیا. دردوست داشتن همین هاست! زیرا حاصل کردن حیات ابدی درفدا کردن جانست درراه همین ها! زیرا مالک شدن بهترین اخلاق حسنه نقش کالحجر ساختن محبت همینهاست دردلها! زیراصاحب شدن برحمهٔ علوم عالیه وآیهٔ تربیه کردن صداقت بردوست داشتن همینها! زیرا ناموس. شرف. عزت. اعتبار. سعادت. افتخار همه کی درمحبت باینها. دربذل قلب باینها. درقایم بودن اینها. دردوام ماندن اینهاست!

ای ابنای وطن عزیز. ای ملت نجیبهٔ باتمیز!

الحمدلله. دین مقدس ما احسن واشرف واقدس واعلا ترین همه ادیانست زیرا خداوند تعالی را یگانه گی. وبی مانندی، ولاشریکی میستاید. سبحان الله آن ملتهائی که بعذاب تثلیث گرفتار آمده اند چقدر معذب، چقدر مزدد، چقدر مشغول الفکرند! تا یک رادو، دورا سه، وباز سه را یک کنند چه عذابها. چه مشکلاتها میبینند! پیغمبر برحق ما، قرآن قادر مطلق ما بجز خوبی بجز نیکوئی. بجز عدالت بجز راه های نجات وسعادت دیگر چیزی بما نشان نمیدهد. راه های راست دنیا وآخرت را برای ما بازداشته است. باهمه افراد بنی نوع بشر مارا برخوبی وحسن سلوک مأمور فرموده. وباهمه ملتهای که همدین ما باشند خواه درشرق باشند خواه درغرب به برادری وهمدردی ویکوجودی دستور داده است. دولت متبوع ما (دولت اسلامیه افغانستان) است که ما تابع آنیم. صاحب دولت ـ یعنی پادشاه ما ذات اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) است که از وطن خود ما از ملت خود ما ازدین خود ماست. متدین ومقید باحکام شریعت سیدالمرسلین است. درترقی وخیراندیشیٔ دولت همه وقت صرف افکار میفرمایند اززمان جلوس میمنت مأنوس این پادشاه حقایق آگاه محبوب القلوب ما چه ترقیها. چه سعادتهائیست که بروی ملت ووطن بازشده است.

نظارهٔ عملیات نهر سراج قندهار در حد تورمه

عادل ، رحیم ، شفیق ، ترقی پرور ، کرم گستر یک پادشاه مقدس است. ملت ما (افغان) است از حیثیت تابعیت به دولت افغانستان افغان است از حیثیت معیشت و سکونت در خاک پاک افغانستان افغانست ، دیانت ، شجاعت ، اطاعت باولوالامر در نهاد و فطرت ما ودیعهٔ آلهیست ، افتخار شرافت ملی ، بدرجهٔ افراط وطن دوستی ، غیرت ناموس ، ذکا ، هوشمندی از شیم عالی ایست که خداوند عالم بصورت بسیار وافری بما احسان فرموده . وطن مقدس ما (افغانستان) است که حضرت خالق ارض وسما جل وعلا از همه ثروتها وتوانگریهای طبیعت آنرا معمور وملو داشته است ، چه زمینهای زراعت شعار ، چه چشمه سارهای خوشگوار ، چه جویبارهای با آبشار ، چه کوههای سر بفلک کشیده ، چه جنگلهای تبر ندیده ، چه میوه های حلاوت بار ، چه علف های پشمبار چه معدنهای مختلفه ، چه حیوانات متنوعه نیست که دران نیست .

لاجرم، اینچنین دین مقدس، اینچنین دولت و پادشاه مقدس اینچنین ملت مقدس اینچنین وطن مقدس خودرا اگر تمام وجدان وایمان دوست نداریم ، ودر راه اعلای آن در راه صداقت آن در راه شرافت آن در راه محافظت آن جان فدا ساختن را شرف عظیم نشماریم خدای ما برما غضب خواهد کرد، دولت بر ما لعنت خواهد کرد ، ملت ما را مطرود ، وطن ما را مردود خواهد نمود !

ای برادران همدین ، وهم تابعیت ، وهم ملت ، وهموطن !

بیائید که همه دست یک کنیم ، دلهای همدیگر خودرا بزنجیرهای محبت این عناصر اربعهٔ مقدسه چنان بیکدیگر مربوط نمائیم که شیرهای قوی پنجهٔ مفترسه و خرسهای عظیم الجثة و حشیه نتوانند آنرا از هم بگسلند ! اگر دشمنان این مقدسات تصور چشم زخم رسانی را دریک گوشهٔ از گوشه های دل خود ، دریک حسی از حواس دماغ خود جا دهد ، بقوت اتحاد وارتباط همان محبت این عناصر مقدسه ، دلهای شانرا از درون شان برآورده ریزه ریزه کنیم ، مغزهای شانرا از دماغهای شان کشیده حواس شانرا پاره پاره نمائیم !

بلی ، بلی ! برای حفظ این مقدسات خود ، بیدار گردیم هشیار شویم ، همدم وهر لحظه حاضر باشیم ، بیاموزیم ، بیندوزیم ، غیرت ورزیم ، همت کنیم که بهترین اخلاق حسنه همین است والسلام درین شماره همینقدر ، انشاءالله در شمارهٔ آینده از حقوق متقابلهٔ اینها بحث میرانیم .

(باقی در آینده)

مقالهٔ مخصوصه

(تذکار شرف و تقدس رمضان)

هذا بیان للناس وهدی و موعظة للمتقین

لفظ رمضان مأخوذ از رمض است که معنی آن شدت حرارت وحدت گرمی را دربرمیگیرد ، ونیز از فحوای بیانات بعضی کتب چنان استدلال و استنباط میشود که در ایام قبل از ظهور اسلام در عربها حساب و رسم بعضی ماههای شمسی وفصل رواج داشت ، و چون این ماه همواره بموسم گرمی وقتیکه صحاری وبوادی ریگزار عرب تصادف نموده هر دانهٔ ریگ و سنگ تلال وجبال ارض مقدس را مانند یک یک اخگر آتش پرشعله و شرر میساخت ازانرو بدینها سبب آنرا برمضان منسوب وموسوم نمودند. اگر عصرهای بسیار قدیم وسالهای نخستین اسلام را از روی تاریخ در زیر دقت مطالعه آورده وحظ نظر اندیشهٔ خودمانرا تابه ۱۱ سال پیش از هجرت تمدید وتوسیع دهیم ، ناگاه بچنان لوحه های عجیب وغریب انقلابات وتبدلات مادی ومعنوی عالم انسانیت برخواهیم خورد که بهیچصورت ازیک حیرت فوق العادهٔ خودداری نتوانیم ! یعنی در زمانیکه تمام کرهٔ ارض در زیر فشار وانحصار یک ابر کثیف تیره وتار یک ظلمت و جهالت درآمده بود ، وآفتاب حقیقت ومعرفت درعقب پرده فلاکت زدهٔ غمام پرغموم غفلت و وحشت غایب ومحتجب گردیده بود ، وملکهٔ گلعذار نیکوئی و حسنات ازدیو غدار معصیت وضلالت شکنجهای سربسر برداشته درهیچ یک زاویهٔ دنیا اثری

قوس ایوان قلعهٔ بست از آثار عتیقهٔ مهمه در ولایت قندهار

ازو باقی نمانده بود ، و آیهٔ کریههٔ ظلمت و تیرگی بر همهٔ کائنات مسلط گردیده با جنود مردود خود قوت نور و حقانیت را بیم تهدید مینمود ، ودر هر طرف دنیا برخلاف اوامر واحکام الهی ومبادی علم تیره گی رجس نی و عصیان برافراشته شده بود ، و عنقریب بود که دیو باطل کفر وطغیان ملک سلیمان توحید وایمان را درزیر نگین آورده سراسر ضبط و تسخیر نماید ، وهمه اطراف و جوانب عالم را یک ظلمت شدید شرک وعصیان استیلا کند ، که بیکبار درمیان این همهٔ عالم تاریکی وسیاهی از غار پر اسرار کوه حراء یک ضیای بسیار درخشان ومنوری درخشنده پاشی ونور افشانی مشاهده شد که از وضعیت وادایش چنان ظاهر است که در یک مدت بسیار اندک بکمال سرعت خرمن کفر ومعصیت را سوخته وبرباد داده ، وهمهٔ عالم بشریت را از دستبرد وظلم ظلمت وتیرگی وارهانیده با مژدهٔ حقانیت ونورانیت مقدس خود چشم همه کارا روشن گرداند ، وبیک حملهٔ شدیده لشکر دیو پیکر وحشت وغفلت را از هم پارچه کرده بفرار وهزیمت مجبور ساخت وبه این صورت حکومت قدم از دست رفتهٔ تهذیب وانسانیت را بیش ازپیش مستحکم گردانیده بر دنیا راستی وحق پرستی اجرای احکام نمود واوامر حقه نمود ، وروی زمین را از چرک شرک وفساد با آب شایستگی ومدنیت شسته ، وبایک رشتهٔ مقدسه جمیع پارگی هارا که ازدست درازی ضلالت وجهالت بردامن الفت پیرامن توحید ومعرفت وارد آمده بود دوباره ربط نموده ودر روی دنیا سراز نو فرشتهٔ برکت سرشتهٔ امن وامان بجای شیطان لعین ودیو بیدین فسق وفساد حکمران گردد !!

این ضیای سعادت احتوا عبارت از ذات بابرکت محمدت صفات حضرت سید المرسلین وخاتم الانبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم است که درهمین موسم گرمای عرب بتأثیر شدت حرارت هیچ باک ناورده و روز های دراز تابستانی را اهمیت نداده درغار تیره وتار کوه حرا روزها از اکل وشرب باز وشبها نیز از عالم انزوا ورزیده بطاعت وعبادت الهی روزها را تا بشب فاقه وشبها را تا بسحر بسهر بسر می آوردند ، درهمین شبها یک شبی بود که برهمهٔ ماديات یک سکوت و سکونت عمومی حکمفرما گردیده بود ، وافلاک وسیارات همه از عالم بالا برعالم سفلی بیک موعود مسعودی دیدهٔ انتظار دوخته وهمه تن چشم گردیده یک شیوهٔ بسیار والهانه برزمین عطف و سرنظر داشتند ، ودر کرهٔ خاک نیز طبعاً جمیع حیوانات ونباتات وجمادات بزبان خاموشی چنان نشان میدادند که چون برای یک تشریف سعادت ردیفی گوش بهوا میباشند ازاروهیچ یک کلهٔ باهمدیگر خود نمیگویند تاتخلل فکر و اندیشهٔ شان نشود ، درحالیکه دریکطرف غار مبارک کوه حرا همان عزلت گزین وزاویه نشین محترم هم دیده میشود که ازهمهٔ عالم تجرد ورزیده درحصول رضای خالق کائنات بریاضت وعبادت مشغول ودر تقدیس وتحمید ذات پاکش محو وازخود بیگانه شده دربحر ناپیدا کنار معرفت وشناسائی اش فرورفته است : تا که جبرئیل امین بامعشر ملایک قدوسی ازسماء بغبرا فرو آمده وبرصاحب غار اعنی ذات احد مختار وسید الابرار (ص) کیفیت وحی طاری گردیده وجبرئیل یک چند آیهٔ بدو تلقین نموده واز آنشب حامل وحی به تنزیل دادن قرآن هدایت ملآن درسینهٔ نبوت دفینه اش آغاز نهاده رسالتش را ثابت ساخت . و همین شب را خداوند عظیم الشان درکلام سعادت پیام خود به « لیلة القدر » تعریف و تسمیه فرموده ، و آنرا بسبب شرف نزول قرآن برهزار ماه فضیلت بخشیده و جبرئیل وملایک را بتقریب همان لیلهٔ مسعوده بفرود آمدن بزمین امر کرده ، و آنشب را تامطلع فجر ازهمهٔ آفات و بلیات سالم داشت : « انا انزلناه فی لیلة القدر ، و ما ادراك مالیلة القدر ؟ لیلة القدر خیر من الف شهر تنزل الملائکة و الروح فیها باذن ربهم ! من کل امر سلام ، هی حتی مطلع الفجر ! » این لیلهٔ مقدسه که با اوائل قرآن درآن آغاز نهادند ، وآنرا درسینهٔ بی کینهٔ مبارک پیغمبر ما (ص) تنزیل و تحویل دادند ، وجبریل امین باملایک درآن رحمت وبرکت را از آسمان بزمین آورده برعالم تقسیم و توزیع نمودند ازماه رمضان برنعمت و احسان یک شب سعادت موهبی بود « شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن هدی للناس وبینات من الهدی والفرقان ! » .

چون دراوایل اسلام وابتدای بعثت حضرت خیرالانام علیه الصلوة والسلام عدد امت ناجیه آنقدر افزونی و زیادتی نکرده بود و ملت اسلامیه عبارت ازچندنفر متعددی بود که آنهم درمکه بودند که ازشر کفار نفاق شعار ساعتی را به آسوده گی و استراحتی نیتوانستند بگذرانند ، و از دستبرد اذیت کارانهٔ شان بیم تحمل هرگونه تکلیفات و مصایب خود را مجبور میدیدند لذا از جانب حضرت سبحانه تعالی درآن وقتها روزه را بدین سبب براهل اسلام فرض نگردانید تا کفار نگویند که چون حالا مسلمانان بوجوهی مقتدر نیستند وخوراک ومعاش خود را تدارک وتهیه نمیتوانند ، لهذا بالمجبوریه بتحمل جوع رجوع نموده ونام صوم وفرضیت آنرا بظاهر یک بهانهٔ ساخته اند . وغیر ازآن درآغاز چون اسلام بسیار ضعیف بود وهنوز کسب قوت ومتانت نموده بود وحقیقتش هم تاآنوقت بخوبی درمعرض شهود نیامده بود اگر صوم فرض میشد ممکن بود که بسببیکه درصوم نفس را بشدت اذلال کردن لازم میشود ، این عمل ازدست هرکس میسر نیامده وهرشخص ابتدای این قیودرا مشکل پنداشته درمسئلهٔ مهمهٔ اشاعت وتوسیع اسلام بقسمه تزلزل واقع ومانع میگشت ، خیر ! بهمه حال اینقدر محقق است که بسال دوم هجرت نبوی درمدینه طیبه زمانیکه اسلام روز بروز قوت و متانت حقیقی خود را جلب مینمود ومردمان گروه گروه بدین فضایل بدوین خداوندی داخل وشامل میشدند ، وازهمه طرف ازهرگونه نعمای نامتناهی الهی برمسلمانان کثرت ووفرت گرفت وچون هروقت غنایم از کفار جمع و فراهم می آمد ازجمیع لوازم و احتیاجات معیشت و زندگانی خود چنان امین و مطمئن گردیدند که نزد هریک ازاصحاب کرام کنیزکان متعددی که درغنیمت از کفار گرفته بودند حاضر ومهیا بود ، لهذا حق سبحانه تعالی برای اینکه مسلمانان شکرنعم خداوندیش را که برایشان انعام واحسان فرموده بجا آرند وازانسبب در روزی شان برکت و افزونی وارد آرد بنابر مناسبت تذکار شرف نزول قرآن عظیم الشان واسوهٔ حسنهٔ پیغمبر آخر الزمان صیام ماه رمضان سعادت نشانرا برهمهٔ مسلمانان علی الاعلان فرض گردانید وبدینصورت این قانون سماوی نافذو جاری گشت ، « یاایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم ! لعلکم تتقون ! » .

ازان روزیکه این آیهٔ هدایت غایه بسوی حضرت رسالت منزلت (ص) بصورت وحی القا گردیده است تا کنون بمعشر اسلام هرساله در ماه رمضان فیضرسان قیام صیام مانند ادای صلوة یکفرض دینی ومذهبی شمرده میشود، وصوم نیز مانند صلوة بشرایط و آداب مخصوصه اش بجا می آید ، و چنانکه نماز بی طهارت ووضو ونیت درست نیست همچنان روزه نیز بی آنکه انسان جمیع مطالبات و آرزو های نفسانی خودرا ترک نکند ، و از لذاید مادی مانند خورده و نوش وقبیل آن دست بردار نشود ، وتمام جوارح واندام خودرا ازاستعمال منکرات وخشات بازندارد روزه اش صحیح تسلیم نمیشود . در آداب صوم ذات فخر کائنات علیه افضل التحیات محمدی؟ کـه فرموده اند که اگروقتی برای صایم کسی دشنام های سخت دهد وبمقابله اش برخواسته بجنگش آماده شود ، صایم بجوابش تحمل ورزیده وهیچ آثار قهر وغضبرا نشان نداده بگوید کهمن روزهدارم . چنانچه درحدیث صحیح مذکور گردیده است « اذا کان یوم صوم احدکم فلایرفث ولایصخب . فان سابه احد وقاتله فلیقل انی امرؤ صائم » . ودیگرجا فرموده است که کسی کهروزه گرفت دررمضان ، باایمان ، و آداب شرعی آنرا جمیع گناهان گذشته اش عفو وسمح شود « من صام رمضان ایماناً واحتساباً غفرله ماتقدم من ذنبه : کتاب صحیح » : حالانکه اکثر مردمرا بکمال تأسف می بینیم کهحدود وآداب صوم راهیچ ملاحظه نکرده بهبسیار جسارت و کستاخی درماه صیام بیش از عادت فحش و هزیارا وزبان می رانند وبه تقدیس وتعظیم صوم هیچیك نیاورده وآن فرض مقدس و مبارك الهیرا آلهٔ محرکهٔ فسق وفساد وجنك وجدالخود میسازند . وتاوان والزام جنکهای بیهودهٔ خودشانرا برآن قانون پاك سماوی افترا و بهتان میکنند « فاشتد بالفاء سمیع علیم » . ازانهم بدتر بسیاری از عوام الناس درهر کوچه و بازار دیده میشود که بجای آنکه نماز بخوانند و یاتنها روزه گرفته بکسی ضرر نرسانند برخلاف آن در ماه رمضان بقمار مشغول و مصروف میباشند واگر ازنزد شان پرسیده شود که این عمل شنیعرا چرا میکنید ؟ میگویند که روزهٔ خودرا میکذرانیم . « واذا قیل لهم لاتفسدوا فی الارض قالوا انما نحن مصلحون » . نحی روزهٔ باتوانی کهمیعاد مقرر آنرا که دراوقت ، مایه حسنات وادای صلوات وعبادات مأموریم بازادر کهٔ ام الخبایث ، ابو الفسوق میسر بازی وساعت تیری بسر آریم هرچند میسریکه خدای قهار در کلام هدایت انجام خود مارا بشدت وتکرار ازان منع فرموده ودرجهٔ خباثتش را پس از خمر وبیش ازبت پرستی نشان داده است « یاایها الذین آمنوا انما الخمر والمیسر والانصاب والازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون » .

غیرازینها یك دو فریق دیگری که بدرجهها ازایشان بدترند نیز موجود است و باوجودیکه خود شانرا مسلمان هم میگویند ولی روزه نمیگیرند گروهی ازان عوام الناس است که ازشدت غفلت و بیخبری ، وعدم تعلیم، وجهالت خود ازنماز وروزه منکر . نی ! بلکه تنها قبول دارند ودیگر هیچ اثری ازدوام برعمل آن نشان نمیدهند وتکلیف نفسرا تحمل نیاورده پوشیده روزه را میخورند کهاین یك طبقهٔ بسیار سفیهٔ است که عدد اینچنین اشخاص اگرچه هم بسیار قلیل است « اولئك کالانعام بل هم اضل واولئك هم الغافلون » . وگروه دیگر آن ، عبارت ازبعض کسان متعددی است کهخود شانرا نمونهٔ تهذیب جدید پیش میکنند و باآنکه خودرا عالم ومتقی میدانند ونام اسلام ومسلمانی دعوادارند بنابر مدنیت یورپی روزهرا بمقتضای اعتقادات زمانههای قدیمهٔ بیهوده شمرده وآنرا یك رسم کهنه وفرسودهٔ گفته وهیچ درجهٔ اهمیترا بهآن نداده ازان سهل میکذرند وبهاینصورت احکام جلیل الهیرا استهزاواهانت میکنند وازخود خبر ندارند « الله یستهزئ بهم ویمدهم فی طغیانهم یعمهون » وخداوند جزای عمل اینچنین کسانرا بهبسیار شدت وکمال صفت قهاریت خودادا میکند « وانا جعلنا فی اعناقهم اغلالاً فهی الی الاذقان فهم مقمحون » والحمدلله تعالی که ازین طبقه درکل ملت نجیب افغان کسی نیست .

حالا آمدیم برلك جماعت دیگری که جمیع فرایض سماوی واوامر الهی را مقدس ومحترم دانسته باملاحظهٔ آداب و حدود الله آنرا بجا می آرند ، روزه میگیرند ، نماز میخوانند ، معتکف میشوند ، صلوة تراویحرا میکذارند ، زبان خود شانرا ازغیبت وهزیان محافظه می نمایند، رشوت نمیخورند، سود نمیگیرند ، برای اغراض شخصی خود حقوق عباد الفقرا پامال نمیکنند وبا آن بکمال صداقت در خدمت وطن وملت سعی وغیرت میورزند ، وخیرات و زکوة را به مستحقین ومساکین میدهند ، امانات را خیانت نمیکنند در اموال شاما دست درازی را روا نمیدانند ، واز حرام خوری ابا وانکار میکنند ، غرض ازجمیع منکرات بشدت اجتناب میورزند ودراوامر ونواهی الهی بدقت حرکت میکنند . پس اینها بندکان حقیق خدا گفته میشوند ، وعباد الصالحین عبارت ازینهاست زیرا برای رضای خداوند خود تمام آرزو های نفسانی خودرا پشتپا میزنند ودر اظهار عبودیت وبندگی واعتراف عجزوفروتنی همهٔ مطالبات شخصی خود شانرا ترك میکنند « اولئك علی هدی من ربهم واولئك هم المفلحون » . مکر بکمال تأسف چنان ظاهر میشود کهدر وطن ما ازین طبقه عبارت ازچنان یك گروه بسیار کوچك ومختصری است کهوجود وعدم آن هم درشبهاست . بههرحال ماازدرگاه خداوند متعال بصد عجز ونیاز آرزو داریم کههمهٔ افراد ملتمارا بهمچنین اخلاق حمیده وعادات حسنهٔ کهدران رضای خدا و خوشنودی پادشاه وآسودهگی رعیت وخیروطن وملت مضمر ومستترباشد متخلق گرداند .

درهرسال چون ماه صیام فرحت اختتام ازورود برکت آمود خود دیدهٔ جمیع اسلامیانرا بدیدار سعادت آثار خود روشنی میبخشد ، ذات شوکتسمات پادشاه دیانت آگاه ملت پرور محبوب القلوب معظم مادر عشرهٔ اول آن [بشرطیکه یك عذر مشروعی نباشد] یومیه بوقت شام باجمیع ارباب مناصب ملکی وعسکری ویك جمعیت بزرگ رعایای صادقهٔ شاهانهٔ شان درمیدان باصفای خوش آب وهوای چمن حضوری دارالسلطنهٔ کابل تشریف می آورند ، وقریب ٤ ، بجهزار غروب به وقت افطار صیام با پادشاه مقدس خودشان بریکخوان گستردهٔ لطف واحسان ملوکانه یکجا بهم نشسته بخوردن اقسام فواکه والاطعمهٔ لذیذه مشغول گردیده بعدازفراغ افطار ذات اعلیحضرت بمعیت این جمعیت عظیم بسوی مسجد عیدگاه حرکت وعزیمت فرموده

سنت صلوة تراویح وختم کلام‌الله رابجا می آورند که هر مسلمان چون اینهمه‌قدر ومرحمت شاهانه‌ئی را درحق دین وملت ببیند بعجبصورت ازیک دعای خالی از ریای دوام عمر ودولت ذات مراحم صفات این پادشاه دیانت اکتناه حقایق آگاه خود داری میتواند !!.

(عبدالرحمن محرر اداره)

حوادث داخلیه

پشترود

(پشت رود) یك موقع بسیار مهمی وحاکم نشینی کلان علاقهٔ قندهار است . از مدتی بود که حاکم مخصوصی داشت ورأساً بولایت قندهار ملحق شده به آنصورت اداره میشد . ازانجا که مرحمتهای ذات اعلیحضرت (سراج الملة والدین) پادشاه غمخوار مرحمت کردار رعایا وبرایا بر عموم تبعهٔ صادقهٔ شاهانه شان شامل است ، اهمیت موقعیهٔ انجارا مد نظر اکبر تر فرموده عالیجاه عزت همراه ، فتح‌الله‌خان ، حاکم سابقهٔ (فراه) را امسال در پشت رود حاکم مقرر فرمودند.

از قراری که از زبان بعضی واردین مسموع افتاده حاکم مشارالیه بمجرد رسیدن به آنجا اجراآت بسیار لازمه ومفیده را مرعی نموده بس ناگوارهای که درانجا پیش آمده بود به اندك مدت رفع نمودند. ودزدها ورهزنها وبعضی زبردستهائیکه راحت وسعادت رعایای پادشاهی را اخلال نموده بودند بسزا رسانیدند ، وباقیات مالیات ووجوهات سرکاری را بحسن صورت ایفا وسررشتهٔ انتظام آن ولا را به بسیار خوبی بجاآورده‌اند که الحمد لله بسایهٔ توجهات مراحم‌آیات اعلیحضرت پادشاهی کار وبار آنجا به بسیار خوبی براه شده‌است

حوادث خارجیه

گفتگو های محاربه

نقل از اخبار نوبهار منطبعه طهران

یاد داشت دولت ایران

کابینهٔ آقای مستوفی‌الممالك دریاد داشتی که بحکومت روس تبلیغ نموده ازتجاوزاتیکه بواسطه عساکر روسی دراثنای مراجعت از آذربایجان برعایای ایران واملاك واراضی آنان شده وخساراتیکه وارد آورده‌اند بشدت پروتست کرده‌در یادداشت مزبور بمناسبت حوادث ذیل اظهار شکایت شده است

۱ ـ سوزانیدن دهات‌شمالی آذربایجان
۲ ـ نگهداشتن چند نفراز معتبرین‌اهالی بعنوان گروی ـ
۳ ـ تخریب حوالی خوی وغارت واحتراق دهات شاه‌بولاق ـ

روزنامه‌اقدام منطبعهٔ اسلامبول دریك‌مقاله‌اساسی یادداشت‌مزبوررا مورد بحث قرار داده میگوید ـ ازاخبار فوق دونتیجه بدست میآید نخست درجهٔ مظالم روس‌ها ـ دوم حالت توانائی دولت ایران وداشتن این اندازه جرأت وجسارت که بوسیله اینها بتواند درمقابل حرکات روسیان پروتست نماید مسئله اولی ذاتاً ازمسائل بدیهیه است چه مظالم بیگانه وحرکات روسها که حتی درهیچ قوم وحشی نیز امثال ونظایر آنها دیده نمیشود چندان تازگی ندارد هرقدر دیپلوماتهای روسی بخواهند این حقیقت‌را بالفاظ خوش ظاهر مستور بدارند وچه‌اندازه که متفقین روس یعنی فرانسه وانگلیس تابع مطامع ومنافع روسیه‌شده اینهمه تعدیات ظالمانه‌را بتاویل یاسکوت واغماض بگذرانند بازهم مردم دنیا بدون هیچ تردیدی این مظالم‌را تصدیق میکنند ـــ

روسها با کدامین حق وصلاحیت داخل ایران شدند؟! آیا برای اصلاح؟! باید دید که روسها درایران چه‌ها کردند ؟ این‌دیار لطیف اسلامی را بچه‌حال تباهی انداختند !! درایران چقدر خون بی‌گناهان‌را ریختند بمعابد مقدسه ایران‌چگونه بی‌احترامیها کردند ! وبرای اینکه این مملکت رابدون هیچ گونه حق تصاحب کرده باشند چگونه این کشور زیبارا محکوم‌ساختند که درتحت جبروتضییق یك‌رژیم جابر زنده‌گانی نماید؟ در تشریح این‌مطالب چندین جلد کتاب نوشته شده است حتی محل تأثر‌است که اغلب این قبیل کتابها در انگلستان تالیف وطبع شده است همین انگلیسها که امروز باروس دست بدست همدیگر داده‌اند یکی دوسال پیش نیست که درموضوع ایران بایك نظر نفرت آمیزی به روسها نگاه میکردند آری اینك دولت ایران ازمعاضدات اخلاص‌کارانه دولت عثمانی که بمقتضای حیث همجواری بلکه‌ازنقطهٔ نظر نژادی ودینی باایران مربوطیت تام ومناسبات کامل داشته ودارد استفاده کرده وازمظالم روس پروتست نموده‌است .

اینك وقتی که بیانات سازانوف روسی نظرمیکند آدم روسیه را دریك موقع ملاطفت کاری ملاحظه نموده تصور میکند که عثمانیها دشمن ایران وروسها یارجانی ودوست گرامی ایرانیان میباشند فقط زمان که هرحقیقتی‌را بعرصهٔ ظهور درآورده سفیدی‌را ازسیاهی مطلقاً تشخیص میدهد ـ این‌اقدامات مضحك ونظریات مصنوعی سازانوف را بخوبی تکذیب میکند ـــ

بلی اینك روس‌وبیانات‌عثمانی ـ حقایق بطورخیلی واضح‌نمایان‌شده وازاین روشنتر هم جلوه گرخواهد شد ـ

خبرهای مختلفه

مکتوبات عجیب

ازجیب وبغل اکثر مقتولین روس مکتوباتی‌پیدا کرده‌اند که‌درانها تلفات مدهش روسها درمیدانهای‌جنگ تذکار وبعساکر روس توصیه شده‌است ـ برای هوای‌نفسانی زار روس‌واتباع‌اوخودرا بکشتن ندهند .

گرانی ارزاق درروسیه

درروسیه گرانی ارزاق بی‌اندازه موجب‌تشویش شده کلیه‌مطبوعات روسیه‌دراینموضوع‌بس‌شکوی‌میکنند . روزنامهٔ (نویه‌وریمیا)فوق‌العاده اظهار تلاش کرده‌میگوید ـ نرخ ارزاق‌ولوازم ضروریه بایك سرعت مدهش روبترقی گذاشته ومحتمل‌است‌در اندك‌زمانی‌بحدمافوق‌تحمل برسد .

تجاوز قزاقان روسی بناموس

قزوین ۹ ـ دراین چند روزه دومرتبه قزاقهای روس درخیابان جلوزنهارا گرفته که باخود ببرند کسبه اجتماع کرده جلوگیری میکنند

دی شب و امروز کسبه خیابان دکانهارا بسته بکمیسیری دفعه عریضهٔ تظلم داده‌اند که این مسئله ضرر مالی نیست که توانیم تحمل نمائیم و تا حال از اقدامات کمیسیری نتیجه ظاهر نشده است ـ

(ملحق شدن باعراب)

بوشهر از قراریکه شهرت دارد یک عدهٔ از سربازان انگلیس در بصره باعراب ملحق شده‌اند ـ

(آخرترین خبرها)

ترجمهٔ اخبار های انگلیزی وغیره

قوت دشمن ـ

اندازه شده است که قریب بیست لک جرمن و استروی در گلیشیا موجود میباشند و ازین چهار لک و پنجاه هزار محض بر کنار دریای بیستر در جنگ مشغول هستند ـ و کل فوج حریف از ساحل بالتک الی بکو وینا چهل لک تخمین است روسیه از لمبرگ بمسافت شش یا هفت میل دور تر گریخته اند .

پسپائی روسیه از لمبرگ ـ

لندن ۲۴ ماه جون ـ ۱۱ شعبان ـ روسیه از لمبرگ به ترتیب و سر رشته درست پسپا گشت و اهل آستریا هیچ مال غنیمت در لمبرگ نیافتند .

امستردم ـ خبر رسمی ویانا بیان میکند که لمبرگ را فوج دوم‌ها فتح نموده است ـ

لندن ۲۳ ماه جون ـ ۱۰ شعبان ـ

امستردم ـ خبر رسمی برلن اطلاع میدهد که لمبرگ را افواج آستریا وقت شب گرفتند ـ و روسیه از علاقه سان و کنار دریا وسچولا گریخته می‌رود ـ

لندن ۲۲ ماه جون ـ ۹ شعبان ـ

از کوپن هیگن (واقع دنمارک) و امستردم (واقع هالند) خبر رسیده که جرمن‌ها مقام لیبارا بسیار مستحکم کرده می روند ـ توپهای کلان بحری را در بازار ها نهاده اند ـ

لندن ۲۲ ماه جون ـ ۹ شعبان

یک توپ جرمنی که از مسافت بسیار گوله می اندازد بدنکرک گوله باری را شروع کرده است ـ و پانزده گوله بم انداخته بسیار نفررا کشته است

لندن ۲۲ ماه جون ـ ۹ شعبان ـ

اتهنز پایهٔ تخت یونان پنج کشتی آبدوز حلیفان در بحیرهٔ مارمورا رسیده راه آمد و رفت افواج را بطرف گیلی پولی مسدود ساخته اند ـ

(خبر مهم)

۲۱ ماه جون خبر کلکته ـ گورنمنت هندوستان در ایوان تجارت های هندو بندرات جهاز حکم فرستاده که بعد از تاریخ امروز برای دولت بلغاریه هیچ قسم اشیاء تجارتی فرستاده نشود و برای دولت یونان و رومانیه ـ اشیاء بکار آمد مصارف فوجی که در آن اشیای خوراک انسان و حیوان باشد ارسال کرده نشود ـ

۲۸ ماه ـ می خبر لندن ـ در بندرگاه شیرنس واقع ملک انگلستان که قریب لندن یک بندر کلان و مشهور است ـ یک گولهٔ بم از یک جهاز هوائی دولت جرمن در جهاز پرنس آیرن نام دولت برطانیه افتاد ـ جهاز مذکور ـ همراه دو صد و پنجاه نفر مسافر تباه گردید جهاز مذکور شش هزار تن وزن داشت و در سال گذشته باتمام رسیده بدریا انداخته شده بود ـ چون در وقت ۱۱ بجهٔ روز ـ ۲۷ ـ ماه مذکور بم در جهاز مسئولهٔ مذکور افتاد ـ بمجرد افتادن ـ یک آواز بسیار مهیب برخواست و روی بحر را دود گولهٔ مذکور مثل یک ابر بسیار تیره مستور ساخت و بعد از پانزده دقیقه چون دود مذکور آهسته آهسته غائب شد ـ نشانی از جهازات و نفری باقی نبود البته تکه‌های جهازات که از صدمهٔ بم پریده بودند بنظر می آمدند ـ آواز بم مذکور ـ در مقام میدستو که از بندرگاه مذکور ۲۲ میل دور است شنیده شده ـ و در مقام ستنگ بورن که از جای وقوعه ـ ده میل فاصله دارد ـ از صدمهٔ بم مذکور آئینه های اکثر عمارات شکسته و سقف یک عمارت مسمار شده ـ از مقام رینهم که از شیرنس ۴ میل فاصله دارد ـ عیال یک خیاط ـ برای شوهر خود ـ در شیرنس بذریعهٔ تیلیفون اطلاع ـ داده دریافت نموده ـ که این چه کیفیت است که اول یک آواز بسیار مهیب شنیده شد ـ و یک لحظه بعد آن ـ یک زوج بوت و یک عدد کلاه ـ و یک پوند مسکه از هوا در صحن یا حجرهٔ مایان افتاد ـ و در بندرگاه شیرنس ازین صدمه برای جهازات دیگر هم بسیار سخت نقصانات رسیده ـ در بندر بسیار نفری هلاک و زخمی شده‌اند ـ گفته میشود ـ که متعدد جهازاتیکه دران وقت در بندر مذکور بودند همگی فنا شدند ـ از جمله نفری که در بندر ـ و جهازات بودند ـ یک نفر آتش کار یک جهاز و سه نفر دیگر اشخاص نجات یافته باقی همگی غرق و هلاک گردیدند ـ

۲۸ ـ ماه می ـ خبر لندن در انگلستان یک اطلاع سرکاری شایع شده که در وقت حملهٔ جهازات هوائی دشمن مردم دروازه‌ها و کلکین های عمارات خود را بسته کنند تا که دود زهرناک گیس درون عمارات نرود ـ

لندن ۲۶ ماه جون ـ ۱۳ شعبان ـ

پطرو گرید ـ وزیر جنگ روس استعفای خود را داخل کرده است میگویند که استعفای وزیر جنگ روس بر شکست های گلیشیا مبنی است و قلت سامان حرب نیز یکی از اسباب استعفای او می باشد ـ

(یک نظریهٔ فلسفیه)

منقول از جریدهٔ فریدهٔ حبل المتین

یکی از اجلهٔ فلاسفه در موضوع این جنگ چنین پیشین گوئی مینماید بزرگترین صدمه و لطمه که باخلاق آسیائیان ازاین جنگ وارد آید آن است که پس از خاتمهٔ این جنگ از روی فنون احصائیه ثابت خواهد گردید که ۲۵ ملیون عدهٔ زنان در اروپا بر مردان فزونی خواهد یافت و خواه مخواه دست طبیعت این جماعت بی مونس و صاحب و رفیق را مانند سیل دمان بقارهٔ آسیا فرو خواهد ریخت ،

بعقیدهٔ ما فساد اخلاق که فلاسفهٔ اروپا را از آزادی زنان و وضع معاشرت آنان بستوه آورده پس از ورود آن مهمانان ناخوانده بسرعت برق آسیا را هم فراخواهد گرفت و جلوگیری از آن هم باندازهٔ مشکل است که میتواند بدرجهٔ محال دانست چه هیچ چیز نمیتواند سد مجاری طبیعت را نماید پس باید گفت بزرگترین صدمهٔ که ازاین جنگ به آسیا رسد همان وقعهٔ الیمهٔ ورود مهمانان ناخوانده محسوب است .

در چهاپ خانهٔ حروفی دارالسلطنهٔ کابل طبع گردید

همه مقاله‌هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر و سر محرر یافته

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1265 of 1786

(اعلان)

پراکنده

از آثار مطبوعهٔ تازهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت ، وعبارت از یك مجموعهٔ اشعار ابدار تجدد آثاری میباشدکه برکاغذ اعلا ، وخوبی طبع دارا ، باتصاویر بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است . اگرچه از تحت خط وخال بعید است ولی مضامین وخیالاتش سراسر بیکطرز جدیداست . نسبت بخوبیهای ظاهری ومعنویش قیمتش خیلی ارزان ، یعنی بمقابل (۲) دو روپیهٔ کابلی درخود مطبعهٔ عنایت از نزد عبد الرؤف خان سر مرتب ، ودر بازار ارك از دکان باز محمد ، ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان غلام محمد هرکس خریده میتواند .

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعه آثار ادبیه را مژده ! از این ثمرهٔ نوبسر رسیدهٔ گلزار « مطبعهٔ عنایت » که دهنرا شیرین نمائید ! « جزیرهٔ پنهان » یك ناولیست که قوت علم ومعرفت وسعی وغیرت را برای اساس زندگانی نوع بنی‌بشر بنظر اثبات وجلوه گرمیسازد . هم حکایت ، هم عبرت هم فن ، هم فضیلت ! خوبی چاپ ، خوبی کاغذ ، خوبی تصویرش علاوه . قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان ! تنها (۶) شش روپیه محل فروخت نفس مطبعهٔ عنایت در ده افغانان ، دکان باز محمد در بازار ارك ، دکان غلام محمد متصل در مدرسهٔ شاهی .

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد
کتاب سال دوم . . . مصور مجلد
کتاب سال سوم . . . مصور مجلد
عز و اسلامیت
آیا چه باید کرد ؟
ادب درفن
توحید

این کتابهای فوق دراداره موجوداست . هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشند باداره مراجعت کند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

	قیمت روپیه کابلی
سیاحت بدورادور زمین بهشتاد روز مجلد	۲
سیاحت درجو هوا مجلد	۲
سیاحت درزیر بحر مصور مجلد	۴
ازهر دهن سخنی وازهر چمن سمنی مجلد	۲
روضهٔ حکم مجلد	۲

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوق‌را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان از نزد عبد الرؤف سر مرتب واز دکان باز محمد کتابفروش در بازار ارك واز دکان غلام محمد کتاب فروش متصل مدرسه شاهی بقیمتهای معینش خریداری کرده میتواند.

واگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوق‌را بکنند باداره سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند.

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا
یاد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از شکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خود رهائی یابیم ممکن نشد لهذا با داکخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یك مقاوله نموده داکخانه مشارالیه تقسیم وتوزیع اخبار مارا که بهمه مشترکین کراما برساند درعهدهٔ همت خود قبول نمود . مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را تبشیر ویاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای داکخانه بخود شان میرسد .

شرایط خریداری

دارالسلطنه	ولایت داخل افغانستان
قیمت سالیانه هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه پنج روپیه کابلی	ششماهه هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان
هرجائیکه باشد با اجرت پوست

قیمت سالیانه | ده روپیه انگلیزی قیمت ششماهه | شش روپیه انگلیزی
سه ماهه اشتراك قبول نمیشود
یك طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

برهمهٔ کار داران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود: اگر از یك جا بدیگر جا رونده باشند میباید که بیك رقعه مدیر وسر محرر را خبر بدهند که من در فلان جا بودم وحال در فلان جا میروم اخبار مرا در آنجا بفرستید . هرگاه همچنین یك رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، وصنعتگران که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، ویا دیگر هر قسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تاپنج بار نشر وشایع شود بسر هر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر یك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطر یك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطر یك ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تا یك سال نشر کردن خواهد ووجه یك ساله را پیشکی ادا نماید در ورق پشتی از هر سطری ستار اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1267 of 1786

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

شمارهٔ ۲۳ سال چهارم

فهرست مندرجات

جشن مقدس اتفاق ملت	(فواید اتفاق
قصیده دربیان اتفاق ملی دولت افغانستان	(کلام جناب شیراحمد مخلص تخلص
اخلاقیات	(دین ، دولت ، ملت ، وطن
حوادث داخلیه	(اطلاع ازطرف جناب ایشیك آقاسی ملکی متعلق ملخ
زراعت	(ماده یگانه حیات نی شکر است
حوادث خارجیه	نقل از اخبار نوبهار — سوءن هدین — امریکا وژاپان — اندیشه‌های لارد زاورز — موقعیت ایطالیا — وجهٔ اخبارهای انگریزی — خبر روما — لندن ۱۸ ماه جون — لندن ۱۷ ماه جون — کذا — جنك روس — پیشقدمی غنیم درعلاقهٔ پولیند — مبارکبادیهای طعنه آمیز — نمونهٔ نقصان جنگ — خطرهٔ وارسا — رزمگاه غربی و جنوبی — خطرهٔ هندوستان — خبر دیلی ازطرف وزرهند به ویسرای رسیده است — ایجاد جدید حیرت انگیز جرمن — اخبار بواسطهٔ ریوتر — عزم جزم قیصر جرمن درشهر برلن — افتشان درپاریس کاربلایکه‌ها باند — نامه نگار خصوصی ما از مرو مینویسد — حمله‌های شدید جرمن
	(روزه — شکر به ختم ماه مبارك رمضان فیض رسان
تصاویر	(سرافسر کل ماشین خانه جات دولت علیهٔ خداداد افغانستان جناب جرنیل محمد سرور خان — (یك حصه ازقصر سعادت حصر استور دردارالسلطنه کابل — پل کهنهٔ نهر سیاب کذا یك منظرهٔ (دیگر ازهمان موضع —

اعلان

از صنایع پروریهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جرنیل کارخانه جات ، ماشین خانهٔ مبارکهٔ دارالسلطنه کابل علاوه برآنهای حوایج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه واونیفورمه های عساکرشاهانه وغیره، بعضی دیگر مصنوعات داخلی که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که ازحضور اعلیحضرت همایونی حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ذیل (دکان عبدالله خان دربازار ارک) میباشد.

(۱) سرجهای پشمینه باف برنگهای مختلف که قیمت آنها از قرار گز انگلیزی ۳ فوته مشخص شده ودر صندوقخانهٔ جنسی هم بفروش میرسد

اقسام	قسم اول					قسم دوم					
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم وقدری کلفت قیمت آن ۱۰ پیسه زیاده شده	
رقم	تاحال ساخته نشده	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت		۷ روپیه ۵ پیسه	۶ روپیه ۱۱ پیسه	۶ روپیه ۴۲ پیسه	۵ روپیه ۴۸ پیسه	۶ روپیه	۵ روپیه ۱۸ پیسه	۶ روپیه	۵ روپیه ۱۰ پیسه	۶ روپیه ۱۰ پیسه	۵ روپیه ۲۰ پیسه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گز انگریزی | کشمیره چهارخانه ۷ روپیه و ۳ پیسه کشمیره رهدار هر رقم ۷ روپیه بیست پیسه

(۲)	جراب ها			(۳) تکه‌های چرمی محراب ومنبردار		
رقم	نکتابنکه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج	کلان قدرجن	میانه قدرجن	خورد قدرجن
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه	۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۵۵ پیسه

(۴)	کروره های جدیدساخت			
رقم	زه باف بغلپایه دوکره دوتاره	زه باف یك اسپه دو کره سه تاره	جرم باف یك اسپه	یك اسپهٔ چار تارهٔ نخی
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲۴ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۶ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	جرم باف دست بادامی دو اسپه	جرم باف دسته دولانه یك اسپه	دسته دولانهٔ یکی چار اسپه	جرم باف عمرکابی
قیمت	۴ روپیه و ۴۸ پیسه	۴ روپیه و ۴۶ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۴۳ پیسه
رقم	قبضه رنجی کلیت تارهٔ توپخانه	قبضه کلیت نقره از چرم دولایه توپخانه	زه باف رقم سواری سامی کلیت	زه باف دو تارهٔ رکابی
قیمت	۳ روپیه و ۵۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۷ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵۴ پیسه
رقم	رکابی ازغ	جرم باف میانه چوب پت زنانه	اززین سواری تیغ چرمی	زنانهٔ ابریشمی خیاطه
قیمت	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته‌های تیغ چرمی	دستهٔ دولانه‌سامی رنجی کلیت نقره	اززین سواری دولایه تیغ چرمی کجك دار	جرم باف مابین پت یك اسپه
قیمت	۴ روپیه و ۴۹ پیسه	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

(۵)	اقسام گلهای مصنوعی سر			
قسم	گل جرین	گل نافرمان	گل بوینه	گل شبو
قیمت	۵ روپیه و ۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۶ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قسم	شکوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل نسترن	چنبیل
قیمت	۷ روپیه و ۴۵ پیسه	۶ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

المشتهر

(میرمحمد هاشم دفتری کار خانه جات)
(کیدان قطامی)

صحیفه (۱) سال چهارم شمارهٔ (۲۳)

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
با مصارف ڈاک ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مصارف ڈاک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یکعباسی است
(اوراق که درج نشود اعاده نمیشود)

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

اداره‌خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل
همه اوراق تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ ۱۵ رمضان ۱۳۳۳ تاریخ انگریزی ۲۸ جولائی تاریخ شمسی ۵ اسد ۱۲۹۴

جشن مقدس اتفاق ملت

(فواید اتفاق)

اتفاق چیست ؟ اتفاق یک حس حسن طبیعی است که ذات حضرت خلاق حکیم دانای قادر توانا جل وعلا برای ترتیب وانتظام عالم و آسایش ورفاهیت بنی آدم آنرا خلق وایجاد فرموده در قلوب عبودیت مجلوب بندگان خود تودیع وتوزیع نموده ، تا بذریعهٔ آن از راحت ، امنیت ، بختیاری ، سعادت استفاده توانند وبتوسط آن بذروه های رفیع وقلل منیع کوه بارفعت وشکوه ترقی وتعالی برآمده ازانجا مناظر لطیفهٔ اراضی وسیعهٔ صنعت حرفت زراعت ، تجارت ، مدنیت وغیرهم را یکان یکان اززیر نظر دقت خود شان بگذرانند . اتفاق یک آلهٔ فعالیست که بیک ادنا حرکت دادن آن ، سعادتها ، ترکیها ، کامیابیها ، مظفریتها ، ترقیها ، نیم انسانرا ازنشان دادن صورتهای خوب واشکال وقیافتهای مرغوب خود شان بیش ازحد ممنون ومسرور میسازند . اتفاق یکقوهٔ برق آسائیست که هیچ یکقوتی درمقابل آن ایستاده نمیتواند وجمیع قوتهائیکه برروی دنیا دیده شده ومیشوند بدفعات ازین قوت بدیع شکستها وهزیمتها برداشته بالآخر در پیش روی آن خودرا به تسلیم واعتراف ضعف وناتوانی مجبور دیده اند . اتفاق یک پنجهٔ آهنیست که همهٔ دستهای بقوت و متانت ازتاب دادن و برتافتن آن عاجزند . اتفاق یک قفل بسیار امینیست که هرکلید در کشودن آن کامیاب نیامده خودرا قاصر یافته است . اتفاق یک کوه بلند بامکینیست که هیچ فردی به برآمدن ودرزیر پای آوردن قله های آن موفق نگردیده . اتفاق یک عسکر پرسلاح بسیار متینیست که همهٔ عالم را از هیبت خود بلرزه درآورده وهرجا که قدم گذاشته فتح ونصرت نیز یک آن اولتر اورا استقبال وپذیرائی کرده است . اتفاق یک قلعهٔ جنگی رصینیست که قوت مند ترین سلاح هم حصار سنگ بست آنرا ضرری رسانیده نتوانسته . اتفاق یک حصن حصینیست که هرکه آنرا درزیر محاصره گرفته باز داشتن خسارات وتلفات عظیمی ازفتح آن مأیوس شده به عقب نشسته است . اتفاق یک آلهٔ مدافعهٔ بسیار مهلک وهیبتناکی است که بارها ازتوپهای بزرگ ۱۷ انچی وزپلین های عظیم بقوت و دهشت ناکتر است . اتفاق یک سد سدیدی است که هیچ یکسیلاب تندی آنرا آفت ونقصان رسانیده نتوانسته و خودرا بیک کنار کشیده باشور وشر رستاخیز خود از پهلوی آن جریان و سیلان نموده است . اتفاق یک حرارت بسیار شدیدی است که ازدور وجود دوتن شانرا باجوشش شان ازشدت گرمی خود آب میسازد . مختصراً اتفاق چنان یک ماشین بدیع سریعی است که بعد ازانکه درکارخانهٔ قدرت الهی جوشها خورده تخته شده است بمیدان شهود وتجربه برامده این یک را باثبات رسانیده که یکجان قوت محیر العقول را مالک وحاوی است که اگر هرچرخ بزرگ کارخانهٔ احتیاجات ولوازم انسانی متوجه شود آنرا به دور وحرکت می آورد وهم هیچ قوتی به عملیات واجرآآت مهمهٔ آن دافع ومانع شده نمیتواند .

اگراتفاق نمیبود تمام مارا امروز یک فلاکت عمومی مردودبار مییافتیم ، انسانهارا ازهمدیگر شان متنفر ، کرهٔ ارض را ازآثار عمران و آبادی سراسر خالی ، عالم بشریت را ازلباس وپوشاک عاری میدیدیم . قوت ممیزه را معدوم ، زبان را ازنطق محروم ، وجدان را مانند نقطهٔ موهوم تلقی میکردیم . خودمارا وحشی ، برهنه ، گرسنه ، ترسنده ، سراسیمه ، آواره وبه جمیع صفات وحشت وحیوانیت متصف مییافتیم . خوراک خود مارا از شکار گوشت خام حیوانات وپوشاک خود مارا ازبرگهای درختان تدارک می کردیم وبلکه برای لباس وستر هیچ لزوم هم نمیدیدیم . روزها دردشتها وجنگلها وشبهارا درمغارهها وکوهها بسر می آوردیم ، درتمام دنیا نه ازعلم اثری ونه ازفن خبری . نه اززمین شجر باروری ونه از درخت دانه وثمری بنظر می خورده . نه از تجارت نامی نه ازصنعت نشانی ، نه ازجامه وکالا نام ونه از زراعت

گردهٔ ناتی بمیدان می‌براند . قوانین وانتظامات امروزی عالم انسانیت‌را مراد مفقود وازروی زمین بکلی نفی ومطرود ومحو ونابود می‌یافتیم . واز چنین‌ولا کُبها حقیقتاً احوال انسان ضعیف ناتوان ووضعیت این جرم خاکی بی جان که بران سکونت داریم وخلقت ترک منجر میشد . عذاب . خسوف . ووحشت محنت . دهشت . . جهالت روز بروز کسب قوت ومتانت نموده‌ما را بانواع عقوبتها وزبونیها مانند انعام وبهایم . بتسلیم روح وصرف عمر مجبور میساخت . مگرچون خالق عظیم الشان وقادر سبحان ازازل وروز اولایان اسباب رادیده بودلهذا اتفاق را بیافرید وآنرا بنی نوع انسان عنایت ومرحمت فرموده تا بمعاونت این سلاح ازدستبرد وستم هرگونه مصایب و آفات فلاح‌وازجور وجفای وحوش وسباع نجاح یابد .

ضعیف ترین اقوام دنیارا اگر بنگریم که نه حاکمیت داشته باشند ونه پیسه داشته باشند ونه سلاح ومعاونی را مالک باشند وعلاوه بران حکومت شان هم سلب شده باشد ودرزیر اطاعت وانقیاد ملت غیر باشند . شرف ملیت . وحقوق قومیت شان سراسر پامال گشته ازدست غدر وظلم حکومت غیر دین وملت شان بکلی مبتذل ومضمحل گردیده باشند باینهمه اگر یکبار اختلافات جزئی ومذهبی خود شانرا رفع کنند وخود شانرا ازیکوطن ویک ملت بدانسته متفقاً بکوشند ! آیا که گفته میتواند که در کمترین اوقات حکومت خود شانرا واپس بدست آورده نتوانند ؟ ویا آزادی معنوی را مالک نشوند ؟ ویا حلقهٔ اسارت وقیادت ملت غیر را از گردن خودها جدا نکنند ؟

مور چگان گر بکنند اتفاق   شیر ژیانرا بدرانند پوست

وقتی که ازیک ملت اسیر اینچنین کارهای الشان بهرکت اتفاق محتمل بماند پس چون افراد یک ملت باشرف وناموس دجسور وغیور دنیا مانند قوم جلیل وملت نبیل افغان که از آغاز وسالهای دراز متصل غیرت . همت شجاعت خود شانرا بتمام دنیا بارها به اثبات رسانیده باشند . وجمیع اقوام وملل عالم بتکرار . تهور . دلیری قوت . متانت شانرا اعتراف وتسلیم نموده باشند . وکمال اخلاص وصداقت درخدمت دین . ومحافظهٔ وطن . وخیر ملت . ومحبت پادشاه از شعار وخصایل لازمی طبیعیٔ شان باشد . وازته‌دل حیات وآزادیٔ خودرا به حیات وبقای دین . دولت وطن . ملت خودها موقوف ومنوط دانند ، یکی یکبار باهمدیگر دست محبت ووداد داده بحبل المتین اتفاق واتحاد مضبوط ومربوط گردیده . وهمه اغراض نفسانی را پامال ساخته برای ترقی وخیر اندیشی دولت وملت بهمدیگر خودمعاونت نمایند . دراندک فرصت خواهیم دید ، که ترقی . تعالی . تهذیب . تمدن . علم . فن . صنعت . تجارت سعادت . آسایش . امنیت . همه را مالک شوند . واز جمیع اثمار حلاوت بار اشجار باغ فرحت سراغ سر زمین مسرت آگین اتفاق شیرین کام گردیده بهرطرفیکه رخ نمایند ازغیرت ملی وحمیت دینی ، فاتح مظفر . غالب . منصور قدم برفرق دشمن نهند ودر تمام دنیا درعرصهٔ وسیعهٔ علم وهنر ازهمه کان سبقت برده پیشتر مانند وخود شانرا انتهای مدارج ترقی ورفعت رسانیده ونقطهٔ اوج کمال لاحق گردیده برهمگنان فایق گردند . وهمهٔ عالمرا ازچنین ترقی سریع السیر فوق العادهٔ خودشان دروطهٔ تعجب وحیرت اندازند . میدانید ؟ که کدام چیز بر دنیا حکومت کرده است اززور وقوت ! که آنهم نتیجه وحصول اتفاق واتحاد ست . ژاپون به آن کوچکی را دیدیم که ببرکت همین اتفاق ومؤدت روس به‌آن عظمت وزور کرا هزیمت داد . حالا هم می‌بینیم که دولت آلمان بقوت همین سلاح ومتانت رسه حریف دهشت ردیف خودغلبه ونصرت یافته است وتا کنون بکوجب زمین ازاراضی ممالک اورا هیچکدام ازخصمانش تصرف نموده است . وبلکه برخلاف آن قطعات بزرگ علاقه‌های غیر خودرا سلب نموده درحکومت وقلمرو خود شامل واضافه گردانیده وهنوز هم که انکار کرده میتواند که تاآخر بهمین نوع کامیاب نماند ؟ واراده خویش را حسب المرام اتمام وسرانجام ندهد . چرا اینها یک چند مثالی بود که برای اثبات وتصدیق دعوای خودشان بمیان آورده ازان بحث راندیم تا هموطنان خودرا ازفواید اتفاق آگاه گردانیده واز نتایج عظیمهٔ آن درحضور ایشان یادآوری وتذکار نمائیم

امروز چه‌روز فیروز سعادت اندوزی است که یک جمعیت رعیت دو کرور نفوس باناموس شجاع‌ودلیر غیور اسلامیه افغانیه یک آواز هم دمساز گردیده بهمدیگر خود صدای اتحادداده وبسوی اتفاق ومؤاخات یکدیگر خود شانرا اصلاً ودعوت نمودند ازنفس خودها یک نفررا پادشاه وامیر خود انتخاب و تسلیم نموده وبقرار احکام الهی و حدود شرعی اطاعت و فرمان اورا برخود لازم دانسته درزیر سایه یک علم اسلامی درامدند وبرای خودشان یک قطعهٔ وسیعهٔ زمین را که دران ساکن ودران متولد وبه آن مدفون گشته و میگردند وطن مقدس گفته حفاظت وحراست آنرا برخود یکی ازفرایض دینی قرار داده . درمدافعهٔ آن جمیع قوای متانت احتوای خود بکمال شدت غیرت وجسارت فطریٔ شان سعی واقدام را بر ذمهٔ خودها لازم گرفتند . ودر مقابل همهٔ عالم اعلان آزادی واستقلال خودشانرا به آواز بلند درداده درصفحهٔ اولین فهرست اقوام ذیحیات وباشرف دنیا نام خودرا درج وداخل نموده . وحاکمیت ملی خود شانرا به اثبات رسانیدند . پس امروز مسرت افروز را که دران جملهٔ افغانان بالمیک رشتهٔ اتحاد واتفاق مربوط گشته‌اند عید بزرگ افغانی و نوروز نخستین بهار ملی باید گفت و چون بتقریب این عید فرحت شار درهرفرد ملت نجیب افغان طبعاً یکنوع سرور وشادمانی ومسرت وفرحاکی مشاهده میشود ازان رو هرساله درتذکار این روز میامن روز از ۱۲ ماه سرطان دوشب‌ودوروز مراسم یک جشن فرحت بخش عمومی ازطرف تمام ملت اجرا میشود ودوایر رسمی وغیر رسمی وبازار های جمیع ممالک محروسهٔ الممالک افغانستان صانها الله عن الآفات الدوران باکمال زینتها و چراغانها آراسته و پیراسته میشوند چنانچه درین سال فرخنده فال جشن اتفاق ملت باز باعث فرحت و مسرت در زیر سایهٔ مراحم آیهٔ پادشاه مقدس محبوب القلوب ملت نجیبه افغان اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) ادام الله دولته الی آخر الدوران بکمال دبدبه اجرایافت . اینست که تفصیل آنرا از قرار ذیل بیان میکنیم .

(مراسم دربار معالی بار جشن اتفاق ملت)

روز یکشنبه ۲۱ ماه شعبان مطابق ۱۲ سرطان بوقت ۶ بجهٔ صبح اگر کسی از خانهٔ خود برخاسته جانب دایرهٔ فاخرهٔ ارک مبارک یک سیاحت اجرا مینمود درراه یک . تازگی . فرحت . نشاط فرخنده گی را که عموماً بهرطرف حکمفرما بودحس ومشاهده میشود ونیز ازیک تماشای مسرت بخشای دیگری که عبارت ازجوق جوق آمدن نفری مدعوین واهالی دربار است که دوروز پیشتر بموجب رقعه‌ها وتکت های خبری دربار جشن ازطرف ایشک آقاسیان ملکی ونظامی اخبار گردیده بسوی سلامخانه عزیمت دارند حظ واستفاده میتوانست . بساعت ۸ ارباب

مناصب ملکی و عسکری و علمای عظام و خوانین حضور بلباسهای سفید رسمی و ملکیان وکلانتران و صنعت گران وغیره متفرقه بلباسهای معمولی خودشان در پیشروی سلامخانه باجمع وفراهم آمده بودند بساعت ۸ و نیم چون اکثر نفری حاضر شدند دروازهٔ عادی سلامخانه کشاده شده همهٔ نفری دربار حضوررا بداخل شدن و برجاها وچوکی های مناسب خودشان بهنشستن امر واجازه دادهشد . در رندهٔ سمت شمالی سلامخانه مردم متفرقه مانند میرزا های دفتر ها و کاریگر های ماشینخانه وغیره نشسته بودند . ودر پیشروی آنها خارج از رنده سایه‌بانها و خیمه های کشیده شده زمین آن بقالینها و شطرنجی های اعلا تفریش گردیده بود برای یتیمخانه ، و ملکیان ، و کلانتران وغیره مردم تخصیص داشت . عساکر ظفرمآثر نیز در هر طرف صف بستهٔ شوکت بودند منظرهٔ داخل دالان زرنگار سلامخانه بانواع گلها و گلدانهائی که برمیز انگوری حضور چیده شده بودند رونق و تزیین یافته بود . از سقف گچدار زرین کار آهنین دالان نیز گلهای خوش‌رنگ بسیار لطیف مابین گلدانهای قشنگ بس طریق آویخته شده‌بودند . که انسان چون باینهمه تزیینات و تفریشات خوشنما عطف نظر می نمود بی اختیار شرفیابی یک دیدار لمعه آثار را در قلب و حواس خود یک مراق شدیدی حس می نمود یعنی همهٔ اهل دربار یک هیجان فوق العادهٔ تشریف آوری موکب سعادت موهب اعلیحضرت پادشاهی را از بغمان انتظار داشتند . که بساعت ۱۰ همهٔ نفری حاضرین را دربیرون سلامخانه باستقبال همایونی و ادای سلام امر شد . هرکس بکمال سرعت مشتاقانه به بیرون برآمده همهکان در پهلوی سرک محیط قلعهٔ ارک مبارکه در عقب عمارت باشوکت ورفعت سلامخانه متصلا صف بستهٔ احترام گردیده به ساعت ۱۰ و نیم ذات شوکتسمات اعلیحضرت سراج الملة والدین بسواری عرابهٔ موتر از بغمان تشریف آورده موزیکهٔ عسکری سلامی شاهانه‌را اشعار نموده از طرف عموم مراسم سلام ذات شاهانه ادا و اجرا گردیده از طرف قرین الشرف همایونی هم بردآن سرافراز گردیدند ذات پادشاهی بتوقف موتر اشارت فرموده بعد از آنکه همهٔ حاضرین را باحوال پرسی نایل و مفتخر ساختند ازبالای موتر عموم را مخاطب فرموده بدینطریق ابتدا بکلام مبارک ور زیدند .

ومن از درگاه الهی ترقی وقوت اسلامرا علی العموم و از ملت و وطن خودم افغانستان را علی الخصوص میخواهم . این جشن جشن مقدس اتفاق ملت است که جشن آزادی واستقلال ملت است هرکسی دران آزاد است . من اصلاح ملت خودمرا ازخداوند عظیم الشان آرزو ورجا دارم ومن عمل هرکس‌را بخودش سپردهام کسیکه عمل خیرونیک کند . درپیش خدای خود شرمسار ومسئول نخواهد بود . وکسیکه بدمیکند من ازخدا اصلاح اورا خواستهام کهاورا هدایت فرماید . باقی سلامتی همهٔ شمارا خواهانم » !

درینجا از هرطرف این جمعیت بزرگ که از سه چار هزار نفرتشکیل داشت آواز های دعا وصداهای « زندهباد پادشاهما » برآمد . باز ذات اعلیحضرت پادشاهی ابتداء بکلام نموده از شدت مرض پای مبارک شان بحث مفصل راندند وخواص مرض نقرس‌را قرار معلومات فنیهٔ داکتری ایراد فرمودند . وبالآخر حاضرین را از تخفیف مرض خود شان خبر داده دلهای همه‌را تسکین وتطمین نموده همهکان دعای صحت وجود مرام آمود شاهانه‌را خواستگار گردیدند . و اخیراً خطاب فرموده گفتند ، « که چون از مرض کم‌وبیش یک اذی باقیست لهذا بالذات از اشتراک مراسم دربار معذورم و الحمدلله شمارا هم بصحت دیدم وحالا عودت میکنم » . اهالی دربار سلام آخرین‌را نیز ادانموده به ساعت ۱۱ موتر به حرکت افتاد . وهرکس دوباره بهداخل سلامخانه عودت نموده به جای خود نشسته پس از وقفه ۱۰ ، ۱۵ دقیقه ذات فخامت پناهی نائب السلطنه صاحب افخم داخل دربار گردیده از طرف عموم تعظیم واحترام شان بجا آورده شد . بساعت ۱۱ ونیم بتقسیم نمودن شیرینی وحاضر کردن طعام امر داده شد ، که یکساعت در تقسیم نمودن دستمال‌های شیرینی وچای خوردن صرف گردید بساعت نیم یک طعام نواخته شد . دراثنای خوردن طعام و میوه وغیر ایشک آقاسی ملکی حضور همایونی قرار عادتی که درانتظام وترتیب نمودن نفری‌دارد گاهی بیرون وخارج سلامخانه وگاهی بداخل سلامخانه آمده وتنظیم دربار نظارت می نمودند . بساعت یک از طعام فراغت حاصل شده وبه ساعت ۲ دربار معالی بار جشن اختتام یافت .

§

« شب چراغان وشهرآئین »

خبر چراغان شهر و بازارها برای شب جمعه وشنبه یک روز پیشتر از طرف مأمورین صفائی به عموم دکانداران وغیره اهل کسبه ابلاغ واخبار گردید . روز پنجشنبه درهمهٔ اطراف شهر مینو بهر متنزه ما ودرهمهٔ افراد علی الخصوص دراحوال الاطفال خوردیک فرحت وخوشحالی فوق العادهٔ مشاهده میشد . هردکان به انواع پردهای زرین وقطعه های بزرگ بزرگ تصاویر آراسته شده بود . یکان یکان تصویر جنگ حلالی هم بنظر می خورد که عوام الناس بکمال حیرت به آن عطف نظر داشتند یکان تصاویر مشاهیر اوروپا را که مردم میدیدند آنرا عکس پادشاه جرمن گفته هرکس بالطرف بکمال شوق ورغبت متوجه میشد ودر پیشروی عکس ایستاده رایها میدادند . ازین شوق ورغبت اهالی بخوبی معلوم میشد که جنگ درینجا هم بسیار تأثیر وسرایت نموده است و هرکس ازان خبر گشته باآن یک‌دلچسپی حاصل نموده است .

ذات شاهانه درهردوشب بسواری موتر تمام بازارهارا دوره کردند و درهرجا از لطف واحسان و کرم وسخای شاهانه دست باز نداشتند واکثر دکاندار هائی را که دکانهای خود شانرا به چراغها وشمع های بسیار آراسته می بودند مشت مشت طلاو بوند مرحمت وبخشش فرمودند ذات عالی شهزادهٔ معظم حضرت معین السلطنه صاحب افخم نیز درشب اول بسواری موتر خصوصی خود شان باذات شاهانه معیت وهمراهی داشتند . به شب دوم جمیع شهزادگان عظام وغیره نفری اراکین ومأمورین بزرگ دولت دربعضی دکانهای بازار ارک بخریداری بعضی اشیا واسباب جدید وعجیب وغریب مشغول بودند وبه اینصورت برای نفری تجار ازین دادوستد واخذ وعطا یک واردات درستی بدست آمده نفع برداشتند روز شنبه چراغان وشهر آئین وغیره مراسم پرمکارم جشن مقدس اتفاق ملت به حسن انتظام وخیریت تمام به انجام رسید .

(عبدالرحمن محرر اداره)

قصیده درجشن اتفاق ملی دولت افغانستان

ساقیا در سر خمار باده ام از مدت است
ترکی زمی پرستان خوف زهد و علت است
خیز یک ساغر بده کز سر خمارم را برد
زانکه وقت نوبهار است و زمان عشرت است
خاص تر امروز و امشب گرمی عیش و طرب
شش جهت گسترده فرش انبساط و فرحت است
از عنایات شهنشاهی بدار السلطنت
بلکه در هر شهر جشن اتفاق ملت است
جمله اهل دولت اسلام را این روز و شب
همچو عید فطر و قربان فرح و باحرمت است
پیروان دین احمد در چنین روز سعید
یکجهت گردیده باهم زانسبب پربهجت است
گر شبش را قدر و روزش عید گویم میسزد
کاین شب و روز از نشانهای صنع قدرت است
از کمال لطف سبحانی و فیض دین حق
این شب و این روز را بس احترام و عزت است
آن سراج ملت و دین پادشاه مسلمین
کز خدا اورا عطا تاج و نگین و دولت است
بر سریر سلطنت بنشسته با عز و وقار
مر خدا را شکر پرداز عطای نعمت است
سایر ارکان و اعیان و غلامان و خدم
درحضورش ایستاده از برای خدمت است
خوش بساط عیش و اسباب طرب افگنده اند
عالمی را در دماغ و دل نشان عشرت است
باغ شاهی رونق ترتیب نیکو یافته
درجهان امروز این گلشن نظیر جنت است
روضه های اوست چون قطعات گلزار بهشت
دوحه هایش نیز چون فردوس عالی فطرت است
طایران خوش نوای سبز بال نغمه سنج
برفراز شاخها هریک بذکر وحدت است
شاه بار عام داده اهل ملک خویش را
کاندرین شب ترک تعظیم است و رفع کلفت است
افسران ملکی و سر کرده گان فوج را
در سر و بر جامه های فاخر است و شوکت است
بر فراز مسند شاهی بزم خسروی
هریکی بر کرسی بنشسته باخوش زینت است
خسرو از فرط نوازش با گروه چاکران
در مقام پرسش و آمیزش و هم الفت است
میوه های تازه و تر هم زنقل و حلویات
درمیان طشت ها آماده باصد لذت است
هم زما کولات و مشروبات گونا گون بسی
خوانچه ها مشحون برای مردمان پرنعمت است
هرکه بر هر خوان نشیند باز هر چیزی خورد
امتیازی نیست کس را از حضورش رخصت است
جایداران کاسه های چای را همچون شراب
گردش خوش داده گردی جان و دل را راحت است
محفل عیش و طرب گرم است در هر جانبی
حمد لله طبع خسرو را کمال فرحت است
صحت و فرحت قرین حال او همواره باد
کز حمایت های او اسلام را بس رفعت است
کوتی استور و باغ ارگ از پس شمعها
گوئیا از نور امشب کرده در تن کسوت است
بسکه مشک و عنبر و عطر و عبیر افشانده اند
وارسیده در دماغ عالمی این نکهت است
شمع های برقی و کافوری از بالا و زیر
گرد فور نورشان خورشید و مه را حیرت است
درمیان ارگ و باغ شاه روشن بوده اند
نورمه از پرتوان نورها در خجلت است
بر فراز نخل ها فانوس ها آویخته
هریکی در روشنی و نور انجم طلعت است
نیز در بیرون ارگ و باغ شاهی همچنین
شمعها افروخته درچار رکن دولت است
باغ و راغ و کوچه بازار کابل هر طرف
پر چراغان گشته مشعلها بسی در کثرت است
در میان رسته بازار ها در هر دکان
چون نگاهی میکند یک گلشنی پر زینت است
هر دکان داری پی آرایش دکان خویش
حلیه ها و زیوری آورده کافزون قیمت است
شهر کابل گشته امشب غیرت ارژنگ چین
بسکه اورا زینت و نقش و نگار و نزهت است
یارب این فرخنده دولت را بذات شهریار
استدامت ده که این سلطان همایون خصلت است
عشرت دارین اورا کن عطا با عمر بیش
کز وجود امجدش خوش رونقی در ملت است
درشب دو شنبه و از ماه سرطان سیزده
ابتدای روز یکشنبه طریق عشرت است
سال هجری یکهزار و سه صد و سی و سه است
یافته کاین جشن ترتیب نکو درملت است
کرده شیر احمد رقم این نظم بهر یادگار
تحفه اورا در حضور پاک اعلیحضرت است

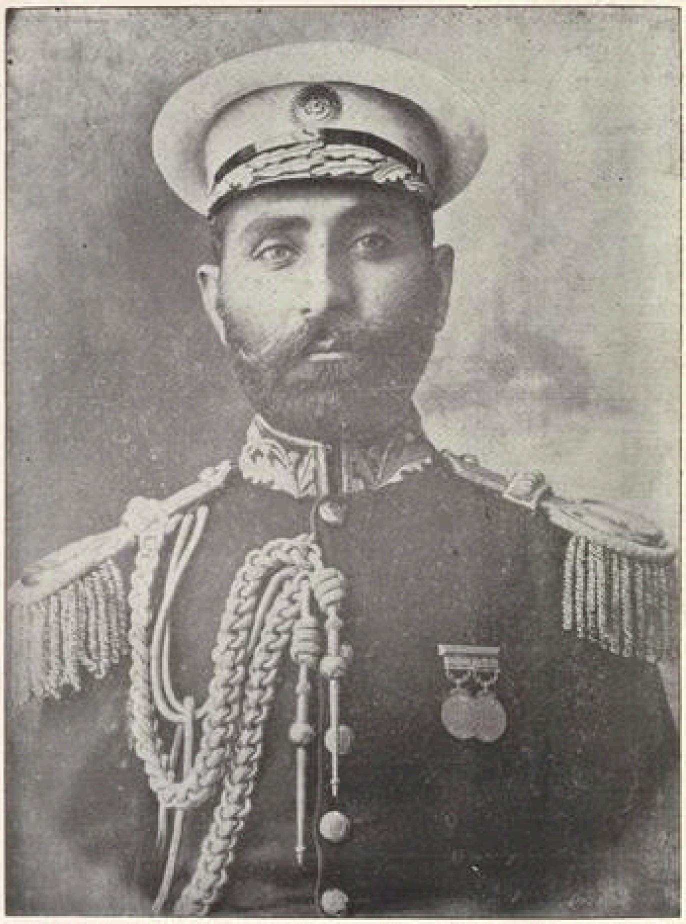

سرافسر کل مشین‌خانجات دولت علیه خداداد افغانستان جناب جرنیل محمد سرور خان که از نتیجهٔ حسن خدمت و صداقت خود مظهر تلطفات و مواطفات ذات شوکتسمات اعلیحضرت پادشاهی گردیده و در هفتهٔ گذشته بخطاب فرزندی تلطیف شده اند

اخلاقیات

❮ دین ، دولت ، ملت ، وطن ❯

(حقوق متقابله)

[ایضا]

حالا یکقدری از حقوق متقابلهٔ این مقدسات بحث و بیان راندن لازم است . تامعلوم شود که حق یک مقدس بر مقدس دیگر چیست:

از ین چارگانهٔ مقدسه ، کلان اول و آخر آن یعنی (دین) ، و (وطن) حق دار ، و صاحب حق هستند ، اما (دولت) ، و (ملت) چنانچه یکی بادیگر خود شان به ادای حق همدیگر مجبور و مکلف میباشند ، همچنان هر دوی شان در بجا آوردن حقوق دین و وطن نیز در زیر تکلیف شمرده میشوند .

اولا از حقوق متقابلهٔ دولت و ملت باید بحث برانیم که این بحث خیلی مهم ، و بسیار نازک است . و بیان آن باظهار حقیقت ، و عدم کتمان و آفتابی کردن هر چیز موقوف است . بااینهم محرری که میخواهد از چنین مسئلهٔ مهمه بحث راند میباید که یک معلومات و عرفان فوق‌العادهٔ واسعی ر

مالك باشد، وقلمی که میخواهد ازین نکتهٔ سربسته چیزی بنگارد، میشاید که یك میدان فراخی سنگلاخ آزادی را صاحب باشد تاجولان شعلهٔ جوالهٔ آسائی خودرا تماماً بکار آرد. حال آنکه این محرر عاجز راه معلومات وعرفانی انکارست، ونه قلم لنك نالهٔ نگش را قوت جولانی پدیدارست. لاجرم از بعضی بیانات ساده وبسیط بدیهی وآشکار این مسئلهٔ مهمه چیزی چیزی مینگاریم. تادرترتیب موضوع بحث ما بی انتظامی نیابد.

بادولت بی ملت، یاملت بی دولت را بچه چیز تشبیه داده میتوانیم؟ بارها گفته ام وباردیگر میگویم، که ملت بی دولت بیك گله اسپهای فربه وتوانای بدمستی میماند که افسار وبجارهای شان گسلیده، وبجلهایشان ازسرشان کشیده شده، ودریك ساحهٔ محدودی که چهاردیوار ازچهار جهت محاط باشد به لگد کوبی وکپ گیریٔ همدیگر آمده باشند؛ یابه رمه های گوسفند بی چوپان. یابه عرادهٔ موتر، انجن ربل جلالهٔ دقتی موتوران مشابهت میرساند! آیادولت بی ملت چه خواهد بود؟ هیچ! بلی، یك هیچی وعدم مطلق! دولت بوجود ملت، دوام دولت را کرده میتواند. وگرنه یك پادشاه ویك چند نفر وزیر ووکیل را در یك دشت بی آدم چه نام خواهیم داد؟ پس معلوم میشود که دولت وملت یك وجودیست که سر آن دولت، وبدن آن ملت است. چنانچه تن بی سر زنده شمرده نمیشود، همچنان سر بی تن نیزجان حکم را در برنمیگیرد. چون بحث سر وبدن درمیان آمد لازم شد که حقوق متقابلهٔ دولت و ملت را نیز از نقطهٔ نظر فن (منافع الاعضا) درزیر بحث بیاریم:

معلوم است که همه اجرای حرکات اعضای بدن تابع دماغ ـ یعنی سر ـ است زیرا دماغ موضع عقل و حواس میباشد. عقل پادشاه، وحواس، هیئت قوهٔ حاکمه است که تمام اعضای بدن ارادهٔ حکمرانی رااجرا میکنند. عقل تمیز، تصور، تخیل، تفکر، محاکمه، دیدن، شنیدن، شمیدن، چشیدن، دانستن اگرنباشد اعضای بدن حرکت کرده نمیتواند، واگر حرکت بتواند آن حرکت همان حرکت غیر اختیاریٔ بی لگامانهٔ مهلکه خواهد بود. این است که حق دولت برملت بمثابهٔ حق دماغ است براعضای بدن:

ملت بدانست! در بدن پای، دست، پنجه، شانه، گردن، کمر، معده، جگر، قلب وغیره اعضای مهمهٔ موجود است که هریك ازانها وظائف حقوق حیات را بجامی آرند. دست، پای، پنجه، شانه، کمر؛ سعی وکوشش زراعتی، تجارتی، صناعتی، عسکریٔ ملت است که مواد غذائیه ومالیه ومعدنیه ذهبیه وفضیه وتداعیه را ادراك واحضار میکنند. معده استهلاکات نافعه را اجرا کرده مادهٔ ماءالحیات خون را حاصل، وکیمیاخانه وضرابخانه وادارهٔ خزنه های جگرها و گردها وزهره وغیره آنهارا تصفیه وترتیب، ودیگر احوالات نافعه بکاربرده زرمهای خون را در خزینهٔ عامرهٔ قلب جمع آوری میکنند. که ازانجا بواسطهٔ مأمورهای اجراآت شرائین وورید ها درتمام بدن ساری و جاری داشته واعصاب واعضا را حیات وقوت بخشیده بحضرت دماغ عرض وتقدیم میباید. این است که حق ملت بردولت بمثابهٔ حق اعضای بدنست بردماغ!

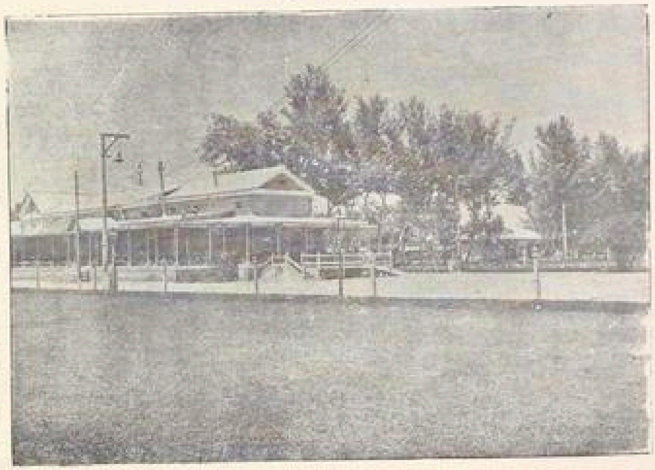

(یك حصهٔ ازقصر سعادت حصر استور مبارك)
(در دار السلطنهٔ کابل)

اما این راهم باید دانست که حقوق متقابلهٔ دولت وملت چنان باهم رشته وبافته است که اگر یکی درایفای حق خود قصور و تکاسل ورزد در بجا آوردن حق آن دیگر نیز قصور ونقصان وارد میشود. مثلا اگر دولت در وضع قوانین متین، ونظامات مفید ذهن نشین برای اجراآت عدالت و آسایش مملکت، و معموریت، و سعادت، و رفاهیت، وراحت عمومی، وتعمیم معارف عمومی، وانتظام عسکر گیری، واعتدال مالیه گیری، وترویج صناعت، وافزونی تجارت وغیره وغیره کوتاهی وسهل انگاری کند، ازفواید ومنافعی که ازملت حاصل شدنی باشد امید باید نکنند. درانحال، دولت بدماغ مختل وضعیفی مشابهت میرساند که حرکات اعضای بدن نیز تابع همان قسم معالیت دماغ مانده درهر آن وهرلحظه تهلکه افتادن، وغیر انتظامهای گرفتن، ورفتن، وسوءهضم و بیماریهای مختلفه ازعدم انتظام جولان دم ملحوظ است. کذالك اگر ملتی که به قوانین موضوعه، واحکام مرعیهٔ دولت خود عدم صداقت وعدم اطاعت ورزد آن ملت را مفلوج، معیوب وبه انواع امراض عصبیه مبتلا باید شناخت که نه خود شان ازدولت، ونه دولت شان ازچنان ملت هیچ استفاده نمیتوانند. که بیم محو وهلاك هر آن باآن توأم افتاده است.

اگرچه قواعد حکمیه ومنطقیه وسیاسیهٔ بسیاری درباب این حقوق متقابلهٔ دولت وملت ازطرف علمای حقوق بیان شده است ، ولی ما ازان مسایل مبهمهٔ مغلقه صرف‌نظر نموده به همچنین بیانات خودکرندی ساده وقریب الفهم وجیزی قناعت ورزیدیم ، ، درخانه اگر کس است یکحرف بس است ، ،

حالا این را بگوئیم که دولت باملت ، وملت بادولت چنانچه به ایفای وظایف حقوق متقابلهٔ همدیگر خود شان مکلف اند ، همچنان درجا آوردن حقوق (دین) و (وطن) نیزمکلفیت ومجبوریت قطعی‌دارند دولت چنانچه بقوانین ونظامات‌وسررشته های تدبیروسیاست ، ملت را آسایش ، سعادت ، معرفت ، صنعت ، تجارت می‌بخشد ، وملت نیز بسعی وکوشش وعلم وصنعت خود دولت را قوت ، ثروت ، خدمت تقدیم میکند ، همچنان لازم وواجب است که دولت وملت هردو باهم دست یک کرده باتمام هستی وهمه قوای خود شان حقوق دوحقدار مقدس خود شان ـ یعنی دین ووطن ـ را بجا آرند، نخستین و ظیفهٔ بجاآوردن حقوق این دومقدس همین است که از هجوم وحملهٔ دشمنان‌دین ووطن آنهارا محافظه ومدافعه کنند . یعنی اگر دشمنان دین ووطن بخواهند که برخاک پاک مقدس وطن که دین ، دولت ، ملت در آغوش شفقت وحمایت آن غنودهٔ گهوارهٔ سعادت وراحت است ، بقدر یک قدم ازحد خود تجاوز کنند ، هماندم دولت باهمه قوتهای ناریهٔ کوههای آتش فشان آسا ، واسلحهٔ جارحهٔ برق‌نما ، وملت باهمهٔ هستیٔ وجود توانا ، مردوزن وپیروبرنا چنان صولتهای شیرانه وچنان مدافعه های مردانه نشان بدهند که تمام هستیٔ ملکیت وملیت دشمنان را از بیخ وبنیاد بلرزهٔ انهدام وزلزلهٔ محو واعدام دراورند . تاحق دین‌و وطن بجاآورده شود . احکام دین‌را بجا داشتن ، ومحبت مفرطهٔ آنرا دردل کاشتن نیز ازحقوق مرعی الاجرائیست که دولت وملت بهاشد لزوم بهآن مکلف است . آباد داشتن وطن ، ومزروع ساختن وطن‌وبکار انداختن معدنهای وطن ، وهمه چیزهائیکه موجب زنده‌گی وتازه‌گی ، ورونق وثروت وسعادت وطن باشد حاضر و آماده نمودن نیز ازحقوق مشروعهٔ لازمی ولابدی ایست که برذمهٔ دولت وملت فرض وقرض است ، ودرعین زمان محبت مفرطهٔ وطن را در حواس وقلب پروریدن نیز از وظایف حق شناسیٔ عظیم دولت و ملت است دربجا آوردن حقوق وطن .

سرلوحهٔ اخلاقیات مادرباب این چار عنصر مقدس بااین مقالهٔ عاجزانهٔ خود خاتمه میدهد . انشاءالله درما بعد از دیگر محاسن اخلاق وفضایل تهذیب که موجب تنویر اذهان اولاد وطن عزیزما گردد نیز بحث وبیان خواهیم راند . ذاتاً وظیفهٔ یگانهٔ فقرمحرر قم محمودطرزی درین اخبار وطنیهٔ مقدسه بجزهمچنین بحثهای که یک خدمت عاجزانهٔ شمرده شود دگرچه چیز است ! (ومن الله التوفیق)

حوادث داخلیه

ازطرف ایشیک آقاسی صاحب‌ملکی باداره رسیده

درباب پیداشدن ملخ قرار ذیل اطلاع رسیده بدینموجب واقعه‌نگار پشت‌رود بخط مورخهٔ ۱۵ رجب‌المرجب ارسالی خودتحریر داشته است که از محال زمین‌داور درموسی قلعهٔ پشت‌رود بتاریخ ۱۴ ماه حال خبر رسیده که نورمحمدنام مالدار بصحرا غژدی خودرا نصب کرده بود ـ ثانی همراه مالداری خود کدام طرف رفته ـ زوجه مذکور یکنفر پسر شیرخواره دوماهه خودرا بگهواره خوابانیده خود جهت جمع کردن هیزم رفته بود ـ بمجردیکه دقیقه که حاضر شد آنقدر ملخ بالای گهواره طفل دوماهه خود دید که ازهوش رفت هرقدر کوشش کرد ـ که پسر خودرا گرفته بصحرا برد توان خودرا ندیده بسرعت تمام دویده ـ بدیگر غژدیها رفته دادوفریاد کرده ـ کمک ومعاونت طلبیده چندنفر آمده بعضی ملخ‌هارا کشته‌و برخی‌را دور کردند آنقدر بود که بحساب نمی‌آمد ولته‌های طفل‌را تمام ملخ خورده بود ـ ودنبال روی طفل‌را همراه لب‌زیر ونوك بینی ویك‌جانب‌روی‌ودست‌وپیشانی که بقدریکدرهم خورده اگر ده‌بیست دقیقه معطل می‌شد البته طفل معصوم کامل خورده میشد ونیز غژدی مذکوررا شکاف‌شکاف کرده بودندبعدازان غژدی مذکوررا برداشته دردیگر غژدیهای خودنصب‌نمودند ـ وآنقدر ملخ درمحال مذکور واقع است که بحساب نمیرسد آنقدر کهن سالهیچ بیادندارند ـ که‌چنین ملخ کاهی آمده باشد ـ دیده شود که عاقبت چه خواهد شد ـ فقط

وواقعه نگار قندهار بسه‌قطعه خطوط ارسالی خود تحریر داشته است قطعه اولاینکه خط حاکم کشک نخود ازمورخهٔ ۲۵ رجب رسیده که درهمماه حال ازحد گذشته ملخ جوجه‌دار پیدار آمده که گرداگرد افتاده‌ومخلوق خدا زیاده بتنك آمده شب‌و روز آرام نداریم ـ کیه سبز وبرك درخت درملك نمانده گندم که خشك بود غرضدار نشده جائیکه جوسبز بوده تمام کرده آسیاب مردم ازدست ملخ بند شده نان بخته کرده نمیتوانیم اگر پنج روز دیگر باشد آدم‌را خواهد خورد گذران گوسفند واشتروعوامل حال‌بسیار سخت‌میباشد ـ هرقدرانسان سعی کند که جای پای گذاشتن باشد صورت ندارد تمام خانه‌های مردم ودیوارها وزمین براست فقط

قطعه ۲ ازمورخه ۲۸ ماه مذکور اینکه الیوم خط غلام دستگیر خان ضابط‌نحوالی وسفیدروان اسی قدوی دولت رسیده که درتوابع قلعه میراخورحسن نام طایفه خشکی ساکن مندوزائی بتاریخ عمرورجب هفت‌ساله بچه وشش‌ساله دختر که عقب‌مادر وپدر خود سردرو خوشهٔ گندم‌را می‌چیدند طرف صحرا رفته‌طفلان مذکوررا ملخ ضایع نموده و گوشت‌های آنهارا خورده‌بدون سرهای‌شان آثاری‌باقی نمانده ـ هردو نفرهلاك شده ـ چنانچه از محمدصدیق‌خان نورزائی که خان قریهٔ مذکور بود استفسار شد که این‌فقره واقعی میباشد ـ نامبرده اظهار کرد که واقعی وصحیح است وهجوم ملخ بدرجه‌هست که گنجایش ندارد وعلف ورشقه وتلك‌را خورده ـ سبز رگی باقی نمانده ـ فقط و خط محمدطاهرخان حاکم دهله‌نیز رسیده که کیفیت ملخ همین است که دردهم جمادی‌الاول‌ملخ‌پردار درملك آمده تخم کرده ـ ودر ۲۰ جمادی الثانی مجیع آن پیداشده که بعضی آنحال برکشیده وبرخی پیدار میباشد ـ ودر وطن باقی است ونقصانات زیادی درا نذرقریه‌جات علاوه محال مذکور مثل سردرخت وزراعت جوو گندم وعلف رسانیده ـ که نه‌برك بدرخت‌مانده ونه‌میوه گندم سبزرا باتمام رسانیده ـ وگندم که‌بدرو میباشد قدری نقصان رسانیده ـ هنوز ملخ مذکور دفع نشده ـ فقط قطعه سیوم مذکور ازمورخه ۱۰ شعبان اینکه خط حاکم شوراپك رسیده تحریر داشته است

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1276 of 1786

که قبل از رسیدن فدوی ملخ زیادی درمحال مذکور آمده کیاههای سبزه‌را کامل خورده ــ که غیراز خار خشك چیزی باقی نمانده ــ از قرار بیان مردم شورابك که بفصل کندم ــ وجوهای نیز نقصان زیاد رسیده وبعضی جا که کندم وجو خشك شده کم نقصان رسانیده ــ ورنی که سبز بود کامل خورده شده ــ وعرض فدوی رسیده ــ که خرابی زیاد رسیده وبالله فقط واقعه‌نگار جاغوری ومالستان وبهسود بخط ۲۲ رجب خود تحریر داشته اینکه در ۱۹ ماه حال از قریه مارغاه علاوه بهسود خبر رسیده که ملخ زرد بالدار ــ بسیار پیدا شده بیست وپنج خروار حاصلات وزراعت بهاری قریه مارغاه‌را خورده ــ وهنوز هم ملخ مذکور دفع نشده فقط الله رب العالمین فضل خود‌را بکند تحریر ۱۷ شعبان المعظم سنه ۱۳۳۳

علی احمد

سر ازین شماره‌یك سرلوحهٔ بسیار نافع وقیمتداری درجریدهٔ خود علاوه نمودیم. (زراعت) مادهٔ یگانهٔ حیات بنی بشر است. ترقیٔ مدنیت ترقیٔ عمارت، ترقیٔ ثروت و سعادت ملل به ترقیٔ (زراعت) مربوط ومنوط است.

اگر زراعت نباشد، علم، صنعت، تجارت هیچ کاری کرده نمیتواند. چرا که به گرسنگی هیچ کاری نمیشود. خزینهٔ دولت را هیچ چیزی پر کرده نمیتواند مگر تولید دهقان. دولت اگر مالك ملیونها عسکر، صاحب ملیارها توپ و تفنگ پرشرر باشد چون کدامهای پر و پیمان غله وارزاق نداشته باشد هیچ است. سعادت وبختیاریٔ کلی در زراعت است. چونکه زرها، جواهرها، قصرها، سامانها، زنجیرها وچها چها هیچ یکی قدر وقیمت خوشه های کندم، ودانه های جواری، وکلچه های شلغم وسیب های زمینی‌را پیدا کرده نمیتواند! چنانچه حکیم دانای شرقٔ شیرازی میفرماید:

گر نبود بالش آگنده پر　　خواب توان کرد حجر زیر سر
ور نبود دلبر همخوابه پیش　　دست توان کرد در آغوش خویش
این شکم بی هنر پیچ پیچ　　صبر ندارد که بسازد بهیچ

هم چه حاجت! این جنك عالم افروز جهانسوز بهمه عالم ثابت نمود که مهمترین قوای حربیه، ویگانه اسباب غالبیت ومغلوبیت به غله وارزاق موقوف میباشد. انگلیزها هرقدر سعی و جهدی که داشتند صرف نمودند، تا المانهارا از گرسنگی بمیرانند. حال آنکه آنها برین کار خود بدرجهٔ المانها کامیاب آمده نتوانستند. زیرا المانها از یکطرف بقوت کشتیهای زیر بحر خودشان رزق‌را بجزیره نشینان برتانیا بند نمودند، واز دیگر طرف بقوت متفق خود عثمانی آبنای داردنیل‌را سد کرده غله‌های بحد وحساب صحرا نشینان سیبریارا درانبار خانه‌های بندرهای شان پوسیده ساختند. ودرعین زمان باغچه های جنت مثال حیوانات ونباتات ومتنزهات برلین ودیگر شهرهای بزرگ ملك خودشانرا با میدانهای سبزانکاهها وهمه زمینهای خالیٔ زیبا وفرح افزای شهرهارا بسبب زمینی وکچالو مزروع ساختند که ازهمین یك معلوم میشود که مسئلهٔ زراعت تاچه درجه وقعت واهمیت فوق العاده دارد.

(سراج الاخبار افغانیه) در زیر این سرلوحهٔ (زراعت) خود انشاءالله ازمواد مهمهٔ (علم زراعت) بحث وبیان خواهد راند. وامید میکند که حکومت متبوعهٔ مقدسهٔ ما، و نیز زمینداران و کشتکاران وطن عزیز ما یك توجه تام ویك اهمیت مخصوصه بدین سرلوحه وعنوان ما عطف نموده هرآنچیزی را که قابل تدقیق بهبینند در تطبیقات وعملیات آن سعی وهمت فرمایند. وچون امسال چندبار ازاطراف ولایات شاهانه خبر دهشت اثر ظهور یافتن (ملخ) که مدهش ترین آفات و بلیات زراعت شمرده میشود برای ما رسیده، لاجرم دراول امر وظیفهٔ خدمت قلمیهٔ عاجزانه را درخصوص حصر نموده از قرار معلومات و تجاربی که خود این مدیر وسرمحرر عاجز دراثنای سیاحتهای ممالك عثمانی وغیره حاصل کرده‌ام و کتابها ورساله هائی که درخصوص بدست آورده‌ام بعضی تحریرات لازمی‌را عرض انظار قارئین کرام مینمایم:

عملیات

در خصوص محو وتلف نمودن تخم ملخ

اولاً: — درهر جائی که ملخ پیدا شود از دوحال خالی نیست: یا این است که آن ملخ بصورت پرواز سیلاب آسا ازدیگر طرفها آمده میباشد، ویا آنکه از تخمهائی که پیشتر دراندرون زمینها گذاشته میباشند بصورت مبیخ پیداشده ملخ میشوند. بهردو صورت، بمجردیکه دریك زمین یا یك ده، یا یك قریه، یا یك قصبهٔ ملخ ظهور کند هماندم ریش سفیدها وملکهای آنجاها به حاکم نشینیٔ خود یا کلانی که آن ده وقریه به آن تابع باشد خبر دادن مجبوراند، وآن حاکم ها کم کلانتر از خود واو به نائب الحکومه ونائب الحکومه بداك ضروریٔ حالاً بدارالسلطنه خبر باید داد تا برای جلو گیریٔ آن درهر طرف ملك یك بیداری وباخبری حاصل باشد.

ثانیاً: — چون ملخها درتیر ماه پیش از آنکه هواها خنك شود همهٔ در هرجائیکه پیداشده‌اند یکجاجمع آمده تخم می‌اندازند وتخمهای خودشان‌را درخاك پنهان میکنند وبعد ازیك روز یادو روز درهمانجا ویادرنزدیکهای همانجا خود آن ملخها که تخم داده‌اند مرده می‌افتند. این است که درهمان روزهای تخم اندازیٔ ملخها، درهرده وهرقصبهٔ که ملخ ظهور یافته باشد ملکها وریش سفیدان آن ده وقریه همهٔ اهالیٔ خودشانرا جمع کرده به پالیدن و جستجوی تخم ملخ آغاز کنند. و جای آن‌را پیدا کرده به حکومت آن محل خبرشان بدهند، وحاکمها از طرف دولت باید مجبور باشند که ضرور خود شان متوجه شوند وسر درانجا رفته بهر وسیله وواسطهٔ که باشد جای تخم نهادن ملخ‌را پیدا کنند.

ثالثاً: — به این یك نکوئی باید دانست که چارهٔ یگانهٔ دفع ملخ بجز تلف ساختن ومحو نمودن تخم وبیخ آن دیگر چیزی نیست، ودیگر هیچ دوا وهیچ تدبیری برای آن موجود نشده است. اگر اهالی چنین اعتقاد کنند که این یك بلای سماوی است وهیچ تدبیر ندارد، ودست بسته ویا شکسته نشسته تماشاچی آن بشوند قحط وگرسنه مرگی را برخود قبول باید بکنند. لهذا بمجردیکه درده‌ها وقریه‌جات ملخ ظهور نماید همه مردمان باید برای مدافعهٔ آن چنانچه برای دفع دشمن حاضر میشوند

همچنان حاضر و آماده شده ملاک ها و ریش سفیدان ، و مأمورین حکومت همهٔ مردمان دهات وقریه جات را که سالم وتوانا باشند برجمع آوردن تخمها وتلف ساختن مچخ های ملخ بگمارند .

رابعاً : — برای محو کردن وجمع آوردن تخم ومچخ ملخ ازطرف دولت یك قانوننامهٔ مخصوصه باید ساخته شده بطبع برسد ، ودرهر ولایت نائب الحکومه لشکری ، وهر محل حاکم لشکری نسخه های مطبوعهٔ آن نظامنامه توزیع وتقسیم شود ، وبموجب فقرات آن نظامنامه ، حکومت باید همه مردمان سالم وتندرست را برجمع آوردن وتلف ساختن تخم ملخ وخود ملخ مجبور سازند ، و کسانیکه درینباب به امر حکومت اطاعت نکنند بموجب فقرهٔ که درباب مجازات دران نظامنامه نوشته شده باشد بسزا برسند .

خامساً : — چنانچه حاکمهای خورد بحاکمهای کلانتر از خود ، وآنها بنائب الحکومه ها مجبوراند که خبر پیداشدن ملخ را بدهند ، درعین زمان بهاینهم مجبور ومکلف میباشند که بموجب احکام نظامنامه خودشان نیز حالاً تدابیر لازمه درهرجا آغاز کنند . مثلا اول ازپنج شش نفر کلان شوندگان همان مملکت یك انجمن تشکیل داده درباب تطبیق دادن فقرات نظامنامهٔ تلف ساختن ملخ مذاکره و مشاوره کنند وزودی هرچه تمامتر هیئت آن انجمن را باقوهٔ ضابطه یعنی کوتوالی ، وبالخاصه دارها یاعسکر هائیکه بمعیت آن حاکم مأموراند باخود گرفته در جائیکه ملخ یاتخم آن ظهور یافته بروند . واهالی قریههائی که دران جوار باشند همه را جمع آوری کرده بوقت معینی که مقرر شده باشد بسررشتهٔ بسیار درست تجمیع کردن ، و تلف ساختن ملخ وتخم آن مباشرت ورزند . وتاوقتیکه سراسر بیخ آن کنده نشود دست بس نکنند . واگر ملخ بسیار باشد وتنها مردم یك ده ویادو سه ده کفایت نکند ، حاکمهای کلان حتی نائب الحکومه ها هم بآن اشتراك ورزیده ونسبت بکمی و بیشی ملخ مردمان اطراف ونواحیرا جمع آوری کرده برای اجرای کار ، نگرانی ونظارت نمایند .

سادساً : — حاکمها بهمراه اعضای انجمنی که بجای جمع آوری تخم ملخ میروند ، باید ازمیرزا های ماتحت خود نیز یکدو نفررا باخود ببرند که امور حساب وکتاب ونوشت وخوان را اجرا کنند . واز افسر های نظامی که دران حاکم لشکری باشد نیز برای اجرای احکام ودیدبانی ونگرانی وسررشته وانتظام اهالی وجمع آوری تخم ملخ وتلف ساختن خود ملخ باخود ببرند .

سابعاً : — ملخها وتخمهائی که جمع شود ، درجاهای دورتر از دهها درمیان چقوری های بسیار عمیق که کنده شود برکنند ، وبرسر آن بقدر دو انگشت چونهٔ آب نارسیده انداخته ، و بقدر یك گز خاك وسنگچل بران انداخته بهتکها ولگدها وپشت بیل خوب سخت کنند .

ملخ چسان تخم میدهد ؟

باید دانست که ملخ ازتخم ملخ حاصل میشود . هرملخ صددانه تخم میزاند ، ویکی را بادیگر چسپانیده به بزرگی تخم کبوتر یکیك کولهٔ بوجود میآورند . ملخها دائما باهمدیگر یکجا زیست میکنند . درموسم تیرماه یکجایکی در یك محل تخم می‌اندازند . وتخمهای خودرا کوله کرده بچقوری هفت هشت انگشت درزیر خاك گور میکنند . دراول بهار که هوا رو بگرمی میبند ملخها ازتخم میبرایند ، وسه چهار روز هیچ چیزی خورده نمیتوانند وبرسبزهها وبتهها وخاشاکها خودرا چسپانیده میمانند . بعد ازان بگردش آمده آهسته آهسته بخوراك میآیند . ولی ازوقت برآمدن شان ازتخم تاقدر دوسه هفته بیقوت وبی قدرت بوده مانند پیوشان گردش میکنند . بعد ازسه هفته مانند مار که پوست می اندازد ملخ هم پوست انداخته وروز بروز قوت گرفته بخیز زدن وکم کم بپرواز کردن آغازمینهند . اینست که تلف ساختن ومحو کردن ملخ درهمین دووقت ممکن میشود . یعنی یکی درموسم تیرماه که تخم میدهند ، وبصورت جمع کردن ومحو ساختن تخمهای آنها ، ویکی درموسم اول بهار که نو ازتخم برآیند وپیش ازانکه بپرواز بیایند آنهارا جمع کردن ومحو ساختن .

ملخ ، وتخم ملخ را چسان جمع وتلف میکنند ؟

درموسم تیرماه پیش ازانکه هواها خوب خنك شود ، ملخها باهم جفت شده بتخم دادن ، وگور کردن تخمهای خود ابتدا میورزند . درزمینهای قولبه اشدهٔ سخت ، ویا دیگر از تخمهای خودرا بچقوری هفت هشت قدم گور میکنند . وقتیکه تخم دادند اگر هوا یکقدری سردتر باشد درهمانجا ، وهمانروز میمیرند ، واگر هوا یك قدری گرمتر باشد یك دو روز زنده مانده ، ویك چند ساعت مسافه دورتر رفته درانجا میمیرند .

چنانچه دراول ودوم فقرهٔ نمایانامه بیان کردیم ، وقتیکه درنزدیکهای موسم تیرماه درهرده وقریهٔ که تابع یك حاکم لشکری شود بکلان سیلاب پرواز ملخ بیاید ، همهٔ ملاك های دهها وقریه ها ظهور یافتن ملخ را بحاکمی که تابع آن میباشند خبر میدهند . وچون دراوقت که سیلاب ملخهای کلان پرواز کننده می آید جمع کردن ومحو کردن شان غیرممکن است ، ازانرو همه مردمان دهها وقریهها باخبری و هوشداری بکنند که ملخها بکجا میروند ، ودرکجا تخم میدهند که درخصوص میبایدیك لحظه غافل نشوند . وچون دراوروز ها ازیکطرف ملخهای مادهٔ حامله شده مسکین شده میروند ، وازدیگر طرف ازوجاده شان باهم جفت میشوند ازانسبب ممکن است که دراوقتها ملخهارا جمع کرده بتوانند . واگر ملخها دروقت جفت شدن دیده نشوند البته بعد از ریختاندن تخمهای خودشان دریك طرف مرده افتاده میباشند ، همانجاهارا پالیده وزمینهارا کنده تخم شانرا پیدامیکنند ، واگر درهمانجاها پیدانشود ، درنزدیکی آنجا هائیکه مردهٔ ملخ پیدا شده باشد زمینهای سخت قولبه شده را ودیگر زمینهارا کنده تخم ملخ را پیدا میکنند . بعد ازان به اصول وقاعدهٔ درست آن تخمهارا جمع کرده درجاها وچقوری های که پیشتر کنده وحاضر شده باشد می‌اندازند ، وبرسر آن یك یك گز خاك انداخته تخته میکنند . ویاآنکه بوته وخاشاك بسیاری برانریخته آتش میدهند .

هرگاه باینصورت تخم ملخ جمع شود درانجاها ظهور یافتن ملخ امکان پذیر نمیگردد . اماباز هم برای احتیاط دراول بهار که هواها گرم شود باز مردمان دهها درهمان محلها ئیکه تخم ملخ را جمع کرده اند میروند ، وبقی ماندهٔ تخمهائی را که درتیرماه بچشم نیامده باشند ودرگوشه وکنار پنهان شده مانده باشد ، ونوصورت مچخ بحرکت آمده باشند آنهارا هم جمع وتلف میکنند . برای آسانیٔ جمع کردن وتلف ساختن مچخهائی که نواز تخم برآمده باشند ، درهرجاهای که تخم ملخ جمع شده باشد بعضی عصاچوبها دروهٔ هرطرف برزمین میخلانند ومچخهائی که نواز تخم برآمده میباشند چون عادت شانست که برچوبها بالاشده میخسپند ، وبقدر سه چارروز

حرکت کرده نمیتوانند مگر روی چوبها وخشتها وبوتهها باشند . اینها بوقت صبح وقت مردم بر آنها هجوم برده وبسیار آسان آنها را جمع کرده میتوانند . ویا آنکه در اطراف آنها آتش افروخته همه را میسوزانند . وچون باینصورت ملخهایی را که هنوز تولید تخم را نداده اند تلف نمایند درست ملخها را از آن جاهای که ظهور یافته از بیخ وبن برمیکنند . ولی میباید که بقدر دو سه هفته هر روزه همچنین دوام نمایند تا هیچ اثری از آن باقی نماند .

ملخهایی که نوپا وجهیدن آمده باشند ، دائما یکجایی که بهر طرف که رو آورده باشند بهمانطرف میروند . برای تلف ساختن آنها قاعده چنانست که اهالی را بر دو قسم تقسیم میکنند . یک فرقه که از بسیار مردمان مرکب باشند باجاروبهای دستهدار ، وباچوبهای شاخهدار در پیش روی رفتار ملخ می افتند . وبسعی وکوشش تمام رفتار پیش رفتن آنها مانع میشوند . ویک فرقه دیگر اهالی نیز باجاروبهای دستهدار ، وباچوبهای شاخهدار از عقب آنها زده وتلف کرده میروند . وچون ملخها غیر ازجهتی را که در پیش گرفته بدیگر طرف رخ نمیآرند ، وبعقب هم نمیگردند . درمیان همین دو فرقهٔ اهالی محصور شده میمانند ، وباینصورت باچوبها وجاروبها تلف کرده میروند . دیگر اینکه بهمان طرفیکه ملخها روبراه شدهاند بچقوری یک گز پایین و نیم گز پهنا وبدرازی لازمی جرها وجویچهها کنده میشود ، وخاکی که از آن جرها کشیده میشود بطرف مقابل مانند دیوار بالا میکنند . وقتیکه ملخها از آنجا میگذرند درمیان آن چقوریهای محو افتند . وچون ملخ در چقوری مذکور افزونی گرفت خاکهای کناره را بر آنها انداخته تخته میکنند .

وبرای بقیه باقی ماندن آن ملخ همچنین یک دو سه جرهای دیگر پیشتر از آن کنده ، هم از همچنین جرهای یکی از دیگر پیشتر انداخته تلف میکنند . اگر ملخها در وقت کوچکی شان محو وتلف نشوند ، وقوت پیدا کرده زیاده تر بجهیدن و کم کم پرواز کردن آمده باشند ، در آنوقت جرها وجویچههای که کنده میشود باید یکقدری چقورتر و پهنتر باشد . ونیز خاکهای آنرا که در جهت مقابل جر ، مانند دیوار برمیکنند ، بر آن خاکها از یکسر جر تا دیگر سر جر پردههای که از جنس بوری باشد ویکقدری بسوی جر مایل باشد میکشند که ملخها از آن گذشته نتوانند ، وبهمان پرده مصادفه کرده پس به جر بیفتند . بعد از آن خاکها را بر سر آنها تخته کرده ، ویکقدری چونه بر آن انداخته ، باینصورت محو وتلف میکنند .

برای محو وتلف کردن تخم ملخ ، ومیچخ ملخ که هنوز بجهیدن بسیار نیامده باشند ، وبال نکشیده باشند همین اصولها وقاعدهها بود که بیان شد . اما بعد از آن که ملخها قوت بگیرند وبه پرواز بیایند جمع وتلف ساختن آنها خیلی دشوار میشود . واگر آنقدر بزرگ شوند که مانند سیلاب از روی هوا پرواز کنند در آنوقت علاج آن غیر ممکن است . لهذا در خصوص وظیفه جمع کردن ومحو وتلف ساختن تخم ملخ ومیچخ وخود ملخ را در وقت ظهور یافتن آن یعنی در سر اول بهار میباید که دولت ، وحاکمها وارباب الحکومهها وملکها وهمه مردمان وجمیع اهالی بدون تأخیر از سر وقت به بسیار سعی و کوشش تمام واقدام تام نمایند تا اینکه تلف شدن ارزاق عباد الله ، بتلف شدن آن حشرات مضره دهشت همراه برطرف شود .

درین شماره خود همینقدر اکتفا ورزیدیم . انشاءالله در شمارهٔ آینده ترجمهٔ قانوننامهٔ دولت علیهٔ عثمانیه را که درینباب مبنی بر همین قواعد به ترتیب قانون ونظام نوشته شده ، ویک نسخهٔ آن بدست ما آمده ترجمه ودرج خواهیم نمود . ومن الله التوفیق .

حوادث خارجیه

(نقل از نوبهار)

(سون هدین)

که از اهل سوئد واز محررین ودانشمندان اروپا است که در ضمن سیاحتهای متعدد خود بایران نیز مسافرت نموده ودارای مقام عالی وصاحب تألیفات متعدده است . این شخص معروف که تألیفات او باغلب السنه ترجمه شده است ، یکی از اعضاء انجمن جغرافی انگلستان بوده دراین اواخر ازقرار اشعار تلگرافات روتر ، انجمن مزبور مشارالیه را از عضویت خود منفصل داشته این انفصال را مستند بتمایلات او نسبت بالمان نموده چنانکه رفیق ما (عصر جدید) در شماره ۲۷ این مطلب را درضمن یاد داشتهای اساسی خود قید نموده ، ما نیز در تعقیب مطالعات راجع باین قضیه ، یک قسمت از مقاله دانشمند مزبور را که در بعضی مطبوعات اروپا انتشار یافته ، وبدست اخیر بما رسیده ، در اینجا اقتباس می کنیم :

« مطبوعات انگلیس ، بملت آلمان وحشی خطاب میکنند ، ملتی که امثال (شیلر) را بعرصه ظهور آورده ، وحشی وبربری نمیشود بلکه آن جامعهٔ که باصربهای قاتل وباروسهای مستبد بنای اتحاد را گذاشته و ملل سیاه پوست وزرد پوست را برای قتل ملت سفید پوست متمدن سوق داده ، و بواسطه ایجاد جنگ در افریقا تمدن نوزاد آن اقلیم را منهدم میسازد ، شایسته ترآنست که حقیقة وحشی وبربری بشمار آید . انگلیس تجارت تریاک را درچین معمول داشته وبدین واسطه مرتکب وحشیگری شدند ، قبایل وحشی را برای جنگ بااینها سوق داده و باین وسیله جنایت بزرگی را بعهده گرفتند . درموقعیکه تصور میشد که هنگام پیشرفت تمدن است ، پالتیک انگلیس ، اوضاع قرون وسطی را در نظر ما مجسم میسازد : بسیاری از دوستان من که در انگلیس هستند : از این اوضاع شاکی ومتنفرند . »

کذا

امریکا وژاپن

ازقرار معلوماتیکه از پطرسبورگ به (وینه) رسیده برحسب اخبارات روزنامه (رچ) سفیر امریکا مقیم (پکن) اعلام نموده است که از هر گونه امر منافیکه مخالف با تمامیت ملکیهٔ چین بوده باشد بانهایت شدت مدافعه خواهد کرد

کذا

اندیشه های (لارد زارژ)

« لارد زارژ » وزیر مالیه انگلیس در یا ذکور نطق کرده ضمناً میگوید در خصوص آلمان ما دچار اشتباه بوده ایم حالا حقیقت مطلب که از پشت پرده بیرون افتاده ما را زهیدهد این فکر و ذکاوت آلمانها که در صدد برامده اند که از سبب زمینی بقدر کفایت نان تدارک نمایند یک مسئلهٔ وحشتناکی است که مافوق ظن و تخمین ماست اینکه بطور استهزاء جسوی آلمان نگاه کردیم یک حرکت عاقلانه نبوده و من از تعبیه های (هند نبرگ) بیش تر از اینها میترسم

اختلافات مابین

متفقین

جریدهٔ عثمانیشر لوید — از مطبوعات نیویورک مطالب ذیل را که نمونه از وضعیت جریان افکار عمومی پاریس و لندن است ، نقل میکند : « در پاریس غلیان شدیدی برعلیه دولت انگلیس حکم فرما ست . و همین طور نسبت بحکومت (بوردو) هیجان در تزاید است . حکومت را متهم میکنند باینکه امروز موقع مملکت را ملتفت نشده میلیارد های خود را بروس داده است اگر آنده که موقع مملکت از روی مآل اندیشی موضع دقت میشدند این همه فداکاریهای امروزی بهدر نمیرفت . در پاریس و نیویورک معاونت عمده مخصوصاً در معاونتها و کمک های مالی از انگلیس انتظار دارند در ایام اخیره آنچه از نظریات رجال سیاسی استنباط شده است . این است که : از همان ساعتی که موضع صلح فرانسه مطرح گردد انقطاع مناسبات انگلیس و فرانسه محقق الوقوع خواهد بود . فقط در حال حاضر فشار ها یکه از یک خصم مشترک بر دو دولت متوجه است ، موقعی برای ظهور اختلافات نظر باقی نگذاشته .

افکار ملت انگلیس در این زمینه سیر میکند که فدا کاریهای بریطانی کبیر از سایر متفقین بیشتر است میگویند اگر روس و فرانسه همان اندازه که ما در دریا وظیفه مهمی را بعهده گرفته و انجام میدهیم ، در خشکی وظایف خود را انجام میدادند امروز ما خیلی موفقیت تحصیل نموده بودیم .

علاوه براینکه خسارت مادی ما از سایر متفقین بیشتر است ، از نقطهٔ نظر دیپلوماسی نیز مناسبات ما با دول بیطرف بیش از روس و فرانسه دچار تباهی گردیده است تدابیر سیاسی که ما اتخاذ کردیم موجب استفادهٔ روس و فرانس گردید — در همان حینی که مناسبات حسنهٔ متفقین ما در نتیجه همان تدابیر با دول و ملل بیطرف برقرار است تولید احساسات خصومت آمیز نسبت بخودمان نموده است !

روس و فرانسه قبلاً میدانستند که دولت انگلیس اعزام یک استعداد نظامی را باروپای بری عهده دار نبوده ، بااین تقدیر مساعی (لرد کیتنر) لازم بود که امتنان متفقین را جلب نماید ، انگلیس پیش از وظیفه باری خود صرف ثروت کرد . اگر علیبان ما باحکام معاهده تطبیق میشد . دولت انگلیس در همان ماه (نوامبر) می توانست صریحاً بگوید که (من وظیفه خودم را انجام دادم شما چه خواهید کرد) تهی بودن خزانه متفقین اکنون انگلیس را بیدار مینماید . اکثر اعضای پارلمان انگلیس میگویند (متفقین ما شمشیر بدست با هجوم کرده و میگویند یا باید پول بدهید ، و یا اینکه ما علیحده صلح خواهیم کرد) :

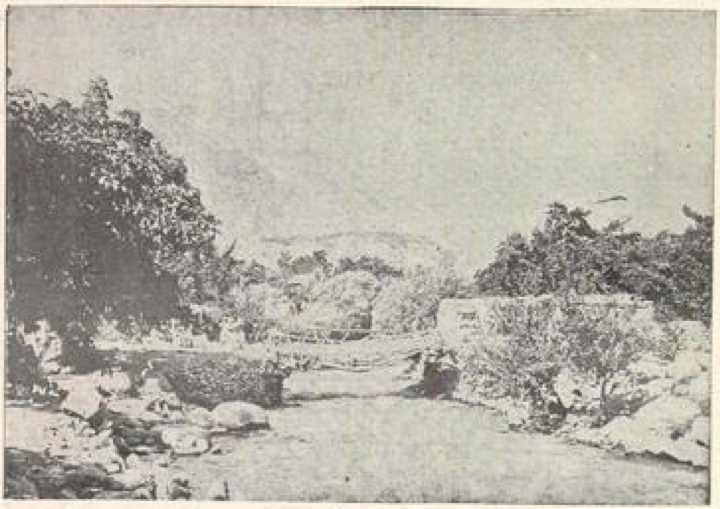

پل کهنه نهر نیلاب

یک منظرهٔ از نهر نیلاب در موقع جنت مثال درهٔ کابل که بعوض این پل شکسته و ریختهٔ معلومه بنای عمر (؟) اعلیحضرت پادشاه نو دوره پل آهنین اشکوهی ساخته شده است

کذا

موقعیت ایتالیا

روز نامه مزبور ، مطالعات خود را در این موضع ادامه داده میگوید : حاکمیت روس در بحر اژه تجارت تو ایتالیا را که تا بحدی مرسد ، محو خواهد کرد . و اتصال آن دولت را با مستملکاتی که در بحر احمر و بحر محیط هندی دارد ، منقطع خواهد ساخت . این تهلکه که ازطرف روس بایتالیا متوجه میشود ، خطر تاکنز و مرهف (؟) اصدمات

است که از طرف انگلیس ان دولت وارد شده ومیشود .

در این موقع کافی است مخاطران را که چندی قبل از مناسبات روسیه باجشتان برای ایتالیا فراهم شد . بنظر بیاوریم .

غلبهٔ ائتلاف مثلث از طرف دیگر مالکیت ایتالیارا درطرابلس نیز بمهلکه خواهد انداخت درحقیقت بهراندازه که قدرت ونفوذفرانسه زیاد شود جهان در چه مالکیت ایتالی درطرابلس غرب بخطر خواهد افتاد . اینك آمال خود پرستانه روس راجع به بغازهای دولت ایتالی وحکومات بالکان را بیش از آلمان واتریش تهدید میکند . طبیعی است درصورتیکه اتحاد مثلث . آلمان اتریش عثمانی . غالب آیند — تمامیت ملکیه ومنافع حیاتیهٔ تمام دول . ایتالی یونان رومانی — وبلغار . را تامین خواهد نمود .

کذا

تحافظ رومانیا

یکی از اقتصا دیون مشهور . رومانی . در روز نامه . پلتیك که دره تجارت منتشر میشود مطالعات ذیل را اشاعت داده‌است

اشغال بغاز چناق قلعه از طرف روسها تجارت دولت رومانیا را درصدی شصت تنزل خواهدداد . رومانیا برای صادرات خویش طرق بحری آزادرا لازم دارد از بتروبلیك ائتلاف مات تولید اندیشه های بسیار بزرك برای رومانی می نماید

لندن ۱۸ ماه جون

ترجمهٔ اخبارهای انکلیزی که ترجمان انکلیزی ترجمه کرده

خبررومامظهر است که کشتی زیر آب میدوسانام ایطالی را یك کشتی زیر آب دشمن بذریعهٔ ضرب تارپیدو غرق کرد — ویك افسر وسه نفر دیگر که زنده ‌ماندند — اسیر شدند —

لندن ۱۸ ماه جون — ۵ شعبان —

از حالت جنگ میدان مشرق دردوس پریشانی پیدا شده است —

گرند دوك (سپه سالار افواج روسی) بیك ترتیب خوب افواج خود را واپس می‌آرد افواج روس برضا ورغبت خود پسپا نشده‌اند بلکه دشمن درمقابله فوج تهات کثیر آورده بود

جرمنها بردهانهٔ بحیرهٔ ابیض تقهای بحری را نصب میکنند تا بعروس سامان جنك رسیده نتواند — وجهازات سویدن وناروی را اطلاع داده شده است —

لندن ۱۷ ماه جون —

جهازدخانی ترافورد که بطرف سیلانی میرفت در بحیرهٔ آئرلینه بضرب تارپیدو غرق شده‌است و جهاز ترنول‌مزکاوله تارپیدو خورد لیکن بر کنار رسید —

کذا

افواج جرمن واتریا درعلاقهٔ گلیشیا پیشقدمی کرده میروند وافواج روس بطرف مشرق پسپا میشوند — و بتاریخ ۱۵ ماه جون وقت شام بطرف مشرق مقام‌فستوبرت فوج انگریزی حمله کرده خط اول خندق های جرمنی را گرفت لیکن در شب مجبوراً پسپاشد — یك زپلین جرمنی بتاریخ ۱۵ ماه جون برساحل مشرق انکلستان حمله آورده بمبا انداخت ونوزده نفرمقتول ونوزده نفرمجروح شدند — ودربعضی مقامات آتش در گرفت — درمیدان جنك گلیشیا تخمیناً سی‌وپنج جیش فوج جرمن وآستریا جمع‌شده‌اند — وازانجمله یك‌ثلث بطرف جنوب دریای دنیستر باقی‌مانده بردریای‌سان موجود میباشند — مقصدجرمنها ماسوای لمبرگ این است که روسیهارا شکست‌داده افواج جنوبی روسیه‌را کمرکر آنها گفت است ازافواج شمالی کمرکر آنها ماسکو وپترو گرد میباشد جدا کنند وبان مقصد خود نزدیك است که کامیاب شوند

لندن ۱۸ ماه جون

فیلد مارشل فرنچ مینویسد که بروز سه‌شنبه جنك برخط مدافعت انگریزی جاری‌بود خط مدافعت دوم را که بوقت صبح گرفته بودیم درقبضه خود نگه کرده نتوانستیم —

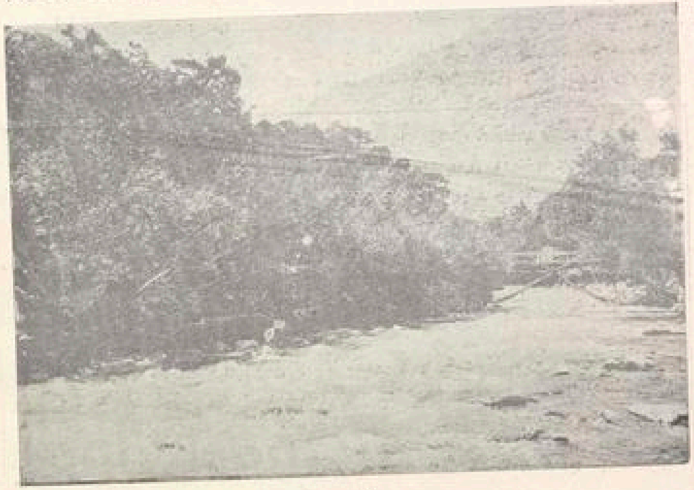

کذا

یك منظرهٔ دیگر از محل موقع
دردانیل محاذات بل‌ساحل

لندن ۱۸ ماه جون —

ازرازدم (واقع هالند) احوال آمده که چهار لک فوج جرمن ازطرف سرحد هالند بطرف خط مدافعت رفته است وجرمن برمقام کورت راهی توپخانهٔ عظیم‌الشان مع ۲۰۰ توپ کلان‌را جمع نموده‌است ویک لک سپاهی را بطرف لاهی وبیدرس روانه کرده است .

جنگ روس

پترو گرید — بقرار خبر سرکاری درعلاقهٔ آوزارو جنگ بشدت جاری است وجرمنها برکنار چپ دریای وسچولا پیشقدمی نموده‌اند — بتاریخ ۲۶ ماه جون روسیا برکنار دریای نیلای قرار کردند

پیشقدمی غنیم درعلاقهٔ پولیند

لندن ۳۰ ماه جون — ۱۷ شعبان —

خبررسمی پترو گرید — یک تعداد کثیر افواج جرمن مابین منبع های دریای بیپزر ویک واقع پولیند پیشقدمی نموده میرود —

مبارکبادی‌های طعنه آمیز

اخبار مارننگ پوست بدیوک نکولاس سرکردهٔ افواج روسی تلگراف مبارکباد فرستاده که پسپائی افواج روس باچنین کامیابی بوقوع آمده‌است که نظیر آن درتواریخ دنیا موجود نیست دیوک مذکور بجواب تلگراف نوشته که فوج روسی مانند فوج دیگر رفیقان خود برای فتح و ظفر پسپاشده میرود !

نمونهٔ نقصان جان

یک امریکوی که میدان جنگ را بچشم خود ملاحظه نموده بیان میکند که دریک مقام مابین لورتی دنیول (واقع فرانس) قریباً ده هزار نعش مقتولین جنگ فرانسوی برزمین افتاده بود که کسی آنها رادفن کرده نتوانست — ازین اندازهٔ نقصان جان بخوبی میشود —

لندن ۲۹ ماه جون — ۱۶ شعبان

روما بقرار اطلاع سرکاری از سبب باران و خرابی موسم جنگ ایطالیه معطل میباشد بقرار بیان اهل استریا یک کشتی زیربحراستروی یک کشتی تارپیدوی ایطالیه را غرق نموده است —

شمله ۳۰ ماه جون — ۱۷ شعبان —

ازتلگراف وزیرهند بنام وایسرای ظاهر میشود که روسیا ازحصهٔ شمال دریای‌نیمن بیشتر پسپاشده‌اند — ودرپولیند کشمکش جنگ جاری است

خطرهٔ وار — سا

لندن ۲ ماه جولائی — ۱۹ شعبان —

وزیرهند تلگراف ذیل بنام وایسرای هند ارسال نموده است — بسبب پیشقدمی استریا وجرمنی از گلیشیا بعلاقه پولیند وارسادرمعرض خطر میباشد چنانچه حمله‌های جارحانه جرمن مابین دریای ویپرز ودریای بک جاری میباشد وافواج روسیه پس‌شده میرود وبسبب این فتوحات جرمنی ، در مشرق دریای وسچولا ، روسیه مقامات زاوی چوست واوزرو وسینورا که استحکامات مضبوط او میباشند خالی کرده است یک احوال جرمنی مظهر است که در مشرق لیتا ازروسیا اثری پدیدار نیست

رزمگاه غربی و جنوبی

فرانس بیان می کند که بعد از گوله‌باری سه‌روز جرمنی درنواحی بکائل یک حصهٔ خط مدافعت فرانس متصرف گردید — ودر شمال وردن هم گوله‌باری نمود — وایطالیه بیان میکند که بسبب ناموافقت موسم کار توپخانه‌ها معطل گردید ودرین اثنا دشمن خود را مضبوط ساخت مگر برسرحد آسوزو ایطالیه حمله‌های استریارا پسپانمود وبقرار بیان استریا ایطالیه استریا را پسپا نه نموده بلکه استریا ایطالیه را پسپا ساخته است —

لندن ۲ ماه جولائی — ۱۹ شعبان —

اطلاع رسمی خبرمیدهد — که جنگ درمحاذ آسوزو بسیار شدید بود — لاکن فوج ایطالیه بنقصان کثیر پسپاشد اگرچه فوج مذکور قریب خندقهای استریا رسیده بود —

لندن ۳ ماه جولائی — ۲۰ شعبان —

پیرس — بجرنیل گوارد که سرکرده افواج فرانس دردردانیال بود زخم شدید رسیده‌است وعوض او جرنیل بی‌لود مقرر شده —

لندن ۱۶ ماه جون — ۳ شعبان —

هجرت بعضی نوجوانان ازحصهٔ غربی آئرلیند بطرف امریکه موجب حیرت میباشد —

خطرهٔ هندستان

۲ جولائی — خبر دهلی — بتاریخ ۳۰ ماه جون — بوقت مغرب یک‌شخصی به لباس فقیرهای هندی دریک برج لال قلعهٔ دهلی که مشهور به برج سلیم گراست بطریق خفیه ازعقب برج بالاشده توپهاییکه دربرج مذکور بودند اسبابهای آنهارا خراب میکرد — وچند عراده‌توپ‌را خراب‌هم کرده‌بود — که شخص مذکور را سپاهیان انگریزی گرفتار نمودند ازین واقعه برای حکام بسیار خوف پیداشده — که این معامله پیش‌خیمهٔ یک واقعهٔ کلان خواهد بود آما تاحال حقیقت آن ظاهر نشده —

خبر ذیل ازطرف وزیرهند بویسرای رسیده است —

پیشقدمی افواج جرمن و آستریا درپولیند جاری میباشد ـ وافواج آنها برزاموسک وبرعلاقهٔ شمال تانیو قابض شده‌اند ـ والی مقام‌تارلو تعاقب روسیان را کردند ـ وروسیان تسلیم میکنند که پیشقدمی دشمن جاری است وبتاریخ ۲۹ جون بافوج محافظ عقب جنگ شدید واقع‌شد وفوج جرمنی بمقام کوهاتی رسیده است وجرمنها برمقام ندان حمله کردند که ازلبلیا بمسافت شصت میل واقع میباشد — وحملهٔ جرمن ها در علاقهٔ ارکان بشدت میباشد — ودرجنگ علاقهٔ آسوزو پیشقدمی اطالویهای نهایت سست میباشد ـ وبقرارخبرا ستروی فوج آستریا افواج اطالیه‌را پسپانموده برای حملهٔ جدید تیارشده‌است ـ نامه‌نگار اخبار تایمز درباب جنگ دردانیال مینویسد که درجزیره‌ای گیلی‌پولی حملهٔ حقیقتاً پیش‌نامده‌ست چراکه‌هیچ موقع کمزور ویا استحکامات درانجاها نیست .

ایجاد جدید حیرت انگیز جرمن —

لندن ۶ ماه جولائی —

نامه‌نگار اخبار دیلی میل ازشهر رتردم ، واقع هالیند ، مینویسد تازه ترین ایجاد های جرمن برای تباهی وحیرانی دول حلیف طریق پر کردن توپهای کلان میدانی مثل تفنگ آتش فشان میباشد که خود بخود پر میشوند — چون جرمنها برای حمله ومحاذ مغربی تیار شدند سرعت آتش باری آنها بسبب اختراع مذکوره خلاف قیاس واز حد زیاده خواهد بود —

اخبار بواسطهٔ ریوتر —

عزم جزم قیصر جرمنی درشهر برلن —

لندن ۵ ماه جولائی — ۲۲ شعبان ..

پیرس — یکشخص مشهور ازدولت غیر جانبدار که ازشهر برلن آمده است بیان میکند که درهفتهٔ گذشته دردوران یك تقریر بموقع یکمدیم عسکری قیصر قسم خورده کهعزم جزم کرده‌ام کهتازمستان هیچ جنك نخواهد بود — وجنك حاضر درماه اکتوبر سال روان باختتام میرسد ـ وافسران وسپاهیان اظهار خوشنودی کردند ودردار السلطنه برلن نهایت جوش پیدا شده است — همهٔ اهالی عموماً وقسم عسکری خصوصاً اعتقاد تام دارند که نقشه ها واختراعاتی که جدید بروی کار آورده شده‌است جنگرا بهمه‌حال پیش‌ازمستان خاتمه وفیصله میدهد ودشمنانرا مجبور به تسلیم میکند .

اغتشاش درپاریس

۶ ماه جولائی

در شب گذشته باشندگان شهر پیرس بسیار مشوش بودند زیرا که جرمنها بیان کردند که آنها افواج انگریزی را بعد از کشت وخون بسیار درمیدان غربی بالکل مغلوب ومنهزم نمودند .

(کار بملایکها ماند !)

۱۷ ماه جون — سنه ۱۹۱۵ — خبر لندن — از میدان جنك خبررسیده — که یك دسته سپاه برطانیه درحالیکه ازمقام مانز شکست خورده — پس پامیشدند ـ دران وقت یك جماعت ملائکه را دیدند ـ که دربین سپاهیان — انگلیز — وسوار ان جرمن حائل شده — وسپاه ـ جرمنی رااز تعاقب سپاه انگلیز بازداشته منتشر نمودند —

۳ جولای : خبرلندن مستر ـ جی ـ پی ـ مارکن — انگلیز که درملك امریکه بجهة خرید اری اسباب حرب رفته بود یك شخص جرمنی کهدر — امریکه — دریك مدرسه مدرس است بالای انگلیز مذکور ـ دوفیر طپنچه نمود ـ مستر مارکن ـ هلاك شد ـ ازقاتل پرسیدند که چرا چنین کردید گفت تادوباره مردم — انگلیز ترغیب خریداری اسباب جنك را ازملك امریکه نه نمایند —

۵ جولای خبرلندن ـ جهاز کارتیج ـ نام جنگی ـ دولت فرانس را ازورود دردردانیال قریبدارس عیس کدام کشتی تحت البحر ترك بذریعهٔ تارپیدو — غرق نمود ازهمهٔ آن ۹۶ نفرنجات دادهشد — وشش نفر مفقود الخبراند —

۵ ماه جولای خبر ایمستردم — کشتی تحت البحر یو لیو ۳۰ — دولت جرمن که قبل ازین غرق شده بود ـ جهاز مذکور راجرمن هابعد ازمدت ۳۶ ساعت — ازقعر دریا کشیدند — ازجملهٔ آندرین مدت ۳۶ — ساعت درزیر بحر صرف یك ملاح هلاك شده بود باقی جمله نفری حیات بودند —

۸ جولائی — خبرروما — بطریق رسمی خبررسیده ـ که درشب گذشته جهازات دولت اطالیه درشمال بحرایدریاتك درتردد — بودند که کدام کشتی تحت البحر — دشمن بریك جهاز جنگی — قسم کروزر ـ ایلفی نام دولت اطالیه تارپیدو انداخت چون تارپیدو — بجهاز رسید یك طرف کج شد — وبعد ازچند دقیقه غرق گردید ، دراثنای غرق‌شدن نفری جهازهورا کشیدهبادشاه خودرادعا کردند ،

۹ ماه جولائی خبر لندن ـ امروز بوقت صبح بمقام هاونسلو ـ که بسمت جنوبی مغربی‌شهر ـ لندن یك موضعی است ـ دریك کارخانهٔ بارود سازی ـ آتش گرفته صدای بسیار بشدت پریدن بارود ـ شنیده شد ـ بعد ازان یکستون بسیار بزرگ دود برهوا ظاهر گردید ـ صدای پریدن مذکور ـ در ۱۵ ـ میل‌دور ازمقام مذکور شنیده شد ـ میگویند کدام جهازهوائی دولت جرمن برکارخانهٔ مذکور بم‌انداخته است نفری زیاد هلاك شده واز کارخانه اثری باقی نمانده است

نامه نگار خصوصی ما ازمصر مینویسد

کنسول دولت روس که درمملکت ایران بود آنرا قتل رسانیده‌اند تاحال معلوم نیست که مردم ایرانی بقتل رسانیده ویا ازطرف دولتهای محارب دو شهر روس‌را در حدقفقاس عسکر عثمانی فتح نموده — درین روز ها جمعیت عسکر روسی در شهر بادکوبه میباشد از قرار گفت کهاز حدزیاده عسکر دولت مذکور بلکه آنچه قوت کهبوجودمند کرد بوده‌است کامل‌دراینشهر بادکوبه برده‌عسکرهای دولت معظمهٔ عثمانی وجرمانیه واوستریا اطراف شهر مذکوررا محاصره نموده معلوم‌شود کهچه‌میشود حرب‌کلان‌مذکوردران‌همین‌شهر بادکوبه‌است اگر این‌شهر ازدست‌روس رفت احوال مذکور خیلی خراب خواهد شد ازدست انور پاشا روز ندارد در اخبار های خود نوشته میکند انور پاشا اگر جرمن نیست درفن خود ازجرمن کم هم نیست — الجین‌ها یعنی کلان ترهای مردم ترکمن را حکومت روس از هرجا به مور خواسته بود به ۲۰ شهر رجب‌المرجب الجین ترکمن‌ها بشهرمور جمع شدند تخمیناً تصدنفر الجین بودند بغیر لیك یعنی حاکم مور بالجینها گفت که دولت روس ازشما مردم فی نفر الجین بیست وپنج سوار برای خدمت میخواهد الجین ها درجواب مذکور گفت که چند مرتبه روس ازما مردم پل نقد واسپ ونفری خواست مامردم دادیم مدعا هرچه که ازطرف دولت حکم‌شود مامردم قبول کردیم حال که روس فی‌الجین بیست وپنج سوار میخواهد صحیح است مامردم رعایا هستیم لازم است که ناخورد وکلان بحرب برویم وسر خودهارا دریغ نه‌کنیم لاکن امسال کهدولت روس حرب‌داشت ازمامردم خیلی نفری واسپ وپل نقده رفت هیچ معلوم نشد ونمیشود حال که باز همین نفری ازماها گرفته شود وبمثال سابقه بی جای میرود نی برای مامردم تفنگ وسلاح کامل داده شود بعدازده‌یوم آنچه که هستیم به هرجای که حکم باشد میرویم وخدمت میکنیم افسر وغیره هیچ چیز بدون سلاح ازروس قبول نداریم کامل از خودمامردم‌باشند حاکم‌مذکور گفت که این عرض شماها قبول نمیشود الجین‌ها گفت که این عرض مامردم قبول نمی کند پس مامردم هم این حکمرا قبول‌نداریم چونکه

خدمت مأمورم یکنیم تام یکی از دیگر شخص باشد اخیر حاکم مذکور دو یوم وعده داده بود که بعد از ده یوم جواب میدهم لاکن روس باینقدر مردم از بیم جان خود بعام وخاص تفنك داده نمیتواند ومردم ترکمن هم یك نفر نمیدهد — فراخوت‌های هوائی جرمن شهر لندن پایتخت انگلیس رادرداده خیلی نقصان ها بشهر مذکور رسانیده — امپراطور روس درین روزها بهانکند می آید در اخبار های خود نوشته میکند که برای هواخوری وصحت می آید لاکن ازعلامات معلوم میشود که از بیم جرمن یك جا وود پایتخت خود سکونت کرده نمیتواند — قند وسی وپولاد در مملکت افغانستان از طرف دولت مذکور می آمد مس وپولاد را یکقلم قدغن نمود وازقند فی‌پوت سه منات از خانهٔ سرکار بخریدار قند داده میشود وقند حال در تجارت دانه چهار نیم روپیه رسیده

۱۳ ماه جولائی سنه ۱۹۱۵ — خبر سمله منجانب وزیر هند برای ویسرای هند از لندن خبر رسیده — که جرنیل سرجان فرنچ سپهسالار فوجهای دولت برطانیه از میدان جنك ملك فرانس رقمطراز است که جرمن ها در مقابل فوجهای مایان این قسم گاس‌های تیز وزهرناك مهلك در مقابل سپاه مایان استعمال می‌نمایند — که چون دود گاس مذکور بدماغ انسان میرسد بمجرد رسیدن بوی دود — بر انسان یك حالتی بقسم سکته طاری میشود وبعد از ان بهسیار — تکالیف تمام — وحالت دردناك هلاك میشود جرمنها قبل از حمله نمودن در صورتیکه رخ هوا بطرف فوج مایان بوده باشد — گاس‌های مهلك را بالا از بسیار تیره — بطرف مایان می‌فرستند و چون دود مذکور — در بین فوجهای مایان رسید وسپاهیان از دست گاس بتنك آمده محتاج خود شدند بعدازان سوارانشان حمله نموده — یك حالت دردناکی بر پا مینمایند — چنانچه ازهمین کارروائی گاس‌های خود درنواح ییپرز یك فائدهٔ بسیاری نمودند —

۱۵ جولائی — خبر لندن — ازپیترو گراد خبر رسیده که دولت جرمن بسیار فوجهای بزرك خودرا درشمال وارساو بهتق وحرکت آورده — وبتاریخ ۱۲ ماه حال فوجهای دشمن درمحاذ ناربوبك حملهٔ بشدت چار جانه نموده — بلب دریای بیبا — روز ۱۳ ماه حال سنگر های مایان را قابض شدند — ۱۶ جولائی خبر پیترو گراد بطریق سرکاری خبر رسیده که برای فوجهای جرمن واسترا در میدان جنك روسی — بسیار سپاه تازه دم کمك رسیده — بتاریخ ۱۴ ماه حال در علاقه جات شاول جرمنها یکبارگی — یك حملهٔ بسیار بشدت نموده پیش قدمی نمودند — ودر بعضی مقامات دریای دنستررا عبور نمودند جنك بسیار بشدت جاری است فقط

۱۵ جولائی خبر پیترو گراد — از میدان جنك یك حکم نامهٔ — فوجی بدستخط جرنیل میکنس جرمنی دستیاب شده — در ان تحریر است که این تسخیر دوباره عظیم‌الشان ملك — کلیشیا — محض یك تمهید — رومان — یعنی فسانهٔ — جنك موجود است بابدوم — رومان مذکور — درنواح کیف ظاهر خواهد شد — وازین نسبت که در استحکامات وقلعه بندی‌های کلیشیا مدت — مدید دولت روس جدوجهد نموده — فوجهای مایان در مدت یکماه تمام — استحکامات وقلعه بندی های ایشانرا تباه نموده — تمام کلیشیارا تسخیر نمودیم — پس ازین نسبت — باید که مایان — ازین گروه درقلیل مدت دریای تحت دولت روس خودرا برسانیم — وتمام علاقه‌جات مغرب روسیه را قابض شویم —

(حمله های شدید جرمن)

لندن ۱۳ جولائی — سلخ شعبان —

خبر رسمی پیرس مظهراست که جرمنها در علاقه آراس حمله های جدید شروع کردند وبعدد گلوله های گلوگیر در حملهٔ دوم قبرستان وخندقهای نواحی آن قبضه نمودند در مقامات خصوصاً در سمت جنوبی بذریعه گلوله‌های بم دستی حمله‌های شدید آوردند

لندن ۱۲ ماه جولائی — ۲۹ شعبان —

خبر پترو گرید مظهر است که بطرف جنوبی لبلن جنك جاری است ودر بعضی مقامات جرمن ها این قسم گازهارا استعمال می کنند که به نسبت اول غلیظتر وسریع‌تر میباشند — لهذا از ان نقصان زیاده میرسد سامانیکه برای زائل کردن اثر گاز تجویز شده بود بی کار ثابت شده است — وجرنیل میکنس (جرمنی) بیان کرده که باز گرفتن علاقه کلیشیا چندان وقت نداده — روسی‌ها تا ده ماه کلیشیا را مضبوط می ساختند وما در یك ماه کل استحکامات آن را برهم نمودیم وامیداست که ما در وقت کم تا دارالسلطنه قدیم روس (وارسا) خواهیم رسید ودر علاقه جنوبی ومغربی روس قبضهٔ دائمی خواهیم کرد —

نامه نگار اخبار دیلی گرافك خبر میدهد که در وسط پولیند جرمن‌ها سررشتهٔ ذیل کرده اند — مابین وارساو ودنا سه‌خط مستحکم ساخته شده وفوج صرف درخط اول میباشد ودوخط دیگر احتیاطاً تیار شده اند که بصورت پسپائی بکار بیایند — همه طریق‌های استحکام که تا حال در دنیا مروج بود باستعمال آورده اند بلکه بعضی طرزهای جدید هم اختراع کرده‌اند — ودرخت های جنگل را سوراخها نموده پس پشت آنها برای سپاهیان جای ساخته اند — ودر ساختن خطوط خندقها تخته‌های فولادی استعمال کرده‌اند — پیشروی خندقها احاطهٔ سیم‌خاردار میباشد وپیش روی آنها تادور نقبها موجود مهیا شده وپیشروی نقب های مذکور اچنین نقب هامی باشند که بمجرد نهادن پای می کفند — ودر بعضی ها گاز زهردار پرمیباشد وسرك هاى ریل تیار شده است که بسرعت تمام سامان جنك برده شود — وهر آبادی را بصورت قلعه تبدیل نموده اند ودر آنها توپ‌های ماشین دار نهاده اند — ودر شاخهای درختان برای توپها وسپاهیان جای ساخته‌اند —

در علاقه بالتیك متعلق روس تعداد کثیر مالکان آراضی از نسل جرمن میباشند — ودر ابتدای جنك ملازمین آنها (که دراصل نفری نظام جرمنی بودند) غائب گردیدند واکنون بطور رهبر فوج جرمن کار می کنند چون جرمنها از حالات آن علاقه بخوبی واقف بودند لهذا فوج جرمنی در علاقه مذکور بذریعهٔ موترها رفتار سی یاچهل میل روزانه پیش قدمی کردند —

لندن ۱۲ جولائی — ۲۹ شعبان —

نامه نگار دیلی گرافك ازنیویارك مینویسد که دریك کشتی انگریزی که ازبرو کلین بطرف مار سیلز قند میبرد دریك خریطه قند بم توقید وبعد ازتحقیق درچند خریطه دیگر نیز بم‌ها یافته‌شد میگویند که در کار خانه‌های قند سازی امریکه اکثر نفری ازنسل جرمن میباشند —

لندن ۲۰ ماه جون —

یك سپاهی استرلیا درخط خود نوشته است که معرکهٔ گیلی پولی سخت ترین معرکه های جنگ حاضر میباشد — او میگوید که درهیچ وقت کسی از آتشباری پناه یافته نمی تواند —

شمله ۸ ماه جولائی — ۲۵ شعبان —

تلگراف ذیل ازطرف وزرهند به وایسرای رسیده است — بعد ازتوقف عارضی دشمن درعلاقهٔ پولند پیشقدمی نموده است ـ ومقصد دشمن گرفتن لبلن میباشد وبعد ازجنگ شدید افواج جرمن وآستریا رس دوطرف کراسنك خط فوج روس را برهم ساختند ـ وروسیان بنقصان کثیرپسپا شدند ـ روسیان بیان میکنند دشمن مابین کراسنك ودریای ویپ رز بطرف لبلن حرکت میکند — ودر کابشیای مشرق روسیان پسپاشده دریای زوتالیپارا عبور نموده اند —

لندن ۷ ماه جولائی — ۲۴ شعبان —

بقرار اندازه یك کپی فرانس الی ۳۱ماه مه ازافواج فرانس چهار لك نفر مقتول وهفت لك نفر مجروح وسه لك نفر مفقودالخبر شده اند

لندن ۷ ماه جولائی — ۲۴ شعبان

جرمنها ازراه بلجیم توپخانهٔ جدید بطرف مغرب میبرند ـ وافواج شان نزیه همان سمت حرکت میکنند وکوشش دارند که مقصدحرکت افواج شان ازدشمن مخفی باشد —

لندن ۸ ماه جولائی — ۲۵ شعبان —

حملهٔ جرمن ها بمقام سوچزجاری میباشد ـ وآنها درشب گذشته بطرف مشرق سنت میبل بذریعهٔ گولهباری حملهٔ سخت آوردند وبریك مقام خط فوج مارا تامسافت هفت صد میتر شکستاندند بطرف مشرق بوس لی پریتر جرمنها درحملهٔ خود آتش روان وسیال استعمال کردند.

افغانی

روژه

روژه مباشت ده مخسو ر   زان خبر که لسو ر
د روژی فضایل ډېر دی   له حساب نه حد تېر دی
خو را ډېر به ثوا بونه   دی په دا تول ځکا بونه
روژه خدای ده خاص کړی   وخپل ځان ته منسوب کړی
دا حدیث شریف قدسی دی   پدا شان «الصوم لی» دی
«انا اجزی به» کښو ره   دی د دی بیان کی ورو ره
خدای وېلی په قرآن   په ده طور او په ده شان
چه «شهر رمضان»   «انزل فیه القرآن» —
خورا نیك مباشت ده جانه   ځان په بوه که برما کړانه
رحانی انوار له پس —   تالیزی نم له لاس —
هم دهر چار زق ډېر بزی   تمشو بربوا تیزی —
روژه دری قسم ده جانه   ځان که بوه واروه له ماته
درجه چه به ادا ده   ځان خبر که هغه دا ده
له خوړل او له چښل دی   او دبطن وفرج سابل دی
دا روژه ده د عموا مو   د مطلق مسلما نانو —
د نیکانو روژه دا ده   چه مقبوله د مولا ده
باید تول اعضا ساتل کی   له گناه په پناه کی
نه په پښو نه په لاسو ټی نه   په نورو اندا مو
پر کښه وکی اقدا م —   خپل ځان وساتی مدام
دا اعلی درجه دا ده   چه تر ټولو ته اعلی ده
چه زړه پاك له ماسوا کی   وابسته په مولا کی
دا روژه ده د خاصانو   د باری د مقبولانو —
چه روژه په وی گناه کی   فایده نکی ځان تباه کی
روژا تی چه کښه کاروی تی   په مثال د دی بیاروی:
چه پرهیز کی میوه نخوری   اوبه لوی لاس زهر وخوری

(صالح محمد)

شکریهٔ ختم ماه رمضان المبارك

شکرلله که ماه رمضان باز آمد   آنکه مهمان عزیز است چو جان باز آمد
یاد دیرینهٔ ما وه که پس از یك سالی   یادما کرد وبصد عظمت وشان باز آمد
صالحان را ست ازین مژده نشاط جدید   طالحان را بدل اندوه گران باز آمد
مومنان راهمه جا خاص به افغانستان   درکف ازادهم مقصود عنان باز آمد
زانکه با عادت دیرینه بختم قرآن   شاه با جمله اعیان و سران باز آمد
یعنی آن خسرو گیتی که سراج الملت   لقبش درهمه آفاق عیان باز آمد
بسکه شوق بعلاوه به عبادت دارد   ازپی طاعت شهر رمضان باز آمد
سوی جامع بتراوح بروان شد ازارك   بادی آن حافظ فرخنده لسان باز آمد
بهر ده روزه اقامت بچمن زار حضور
قبهٔ رایت شه نور فشان باز آمد
خیمه وبار که خسروی آمد بچمن
چون بهاری ز پی دفع خزان باز آمد
پهن گردید بساط نعم سلطانی
وقت افطار بپیرو جوان باز آمد
بسر خوان شهی یافت صلا خاص وعوام
بهره وراز نعمش خلق جهان باز آمد
بعد افطار همان جمع غفیری ا شاه
سوی مسجد همه ناخورد و کلان باز آمد
مسجد جامع عیدین دران مه ده شب
زینت صومعه ها فخر کنان باز آمد
ختم قرآن بدهم شب چو پذیرفت اتمام
مومنان را ز غم کار امان باز آمد
یارب این خسرو اسلام که فیض کرمش
همچو دریا بهمه اهل زمان باز آمد
تا به گیتی بود آمد شد ماه رمضان
خلق گوید که چنین رفت وچنان باز آمد
بهره ور باد به افزونی عمر و دولت
که باسلام از و امن و امان باز آمد
هست شیر احمد مخلص چو دعا گوی درش
شاغل دعوت او روز شبان باز آمد

در چهاپ خانهٔ حروفی دار السلطنهٔ کابل طبع گردید

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر وسر محرر تحریر یافته

محمود طرزی

اعلان)

پراکنده

از آثار مطبوعهٔ تازهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت ، وعبارت از یك مجموعهٔ اشعار ابدار تجدد آثاری میباشدکه بکاغذ اعلا ، وخوبی طبع دلربا ، باتصاویر بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است . اگرچه از تحت خط وخال بعید است ولی مضامین وخیالاتش سراسر یکطرز جدیداست . نسبت بخوبیهای ظاهری ومعنویش قیمتش خیلی ارزان . یعنی بمقابل (۲) دو روپیهٔ کابلی درخود مطبعهٔ عنایت از نزد عبدالرؤف خان سر مرتب ، ودر بازار ارك از دکان باز محمد ، ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان غلام محمد هرکس خریده میتواند .

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعه آثار ادبیه را مژده ! ازین ثمرهٔ نوبنو رسیدهٔ گلزار « مطبعهٔ عنایت » کامجانرا شیرین نمائید ! « جزیره پنهان » یك ناولیست که قوت علم ومعرفت وسعی وغیرت را برای اساس زندگانی نوع بنی بشر بنظرآیات وجلوه گرمیسازد . هم حکایت ، هم عبرت هم فن ، هم فضیلت ! خوبی چاپ ، خوبی کاغذ ، خوبی تصویرش علاوه . قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان ! تنها (۶) شش روپیه محل فروخت نفس مطبعهٔ عنایت در ده افغانان ، دکان باز محمد در بازار ارك ، دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی .

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد
کتاب سال دوم « « « مصور مجلد
کتاب سال سوم « « « مصور مجلد
علم و اسلامیت
آیا چه باید کرد ؟
ادب در فن
توحید

این کتابهای فوق دراداره موجوداست . هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

	قیمت روپیهٔ کابلی
سیاحت بدور دور زمین بهشتاد روز مجلد	۲
سیاحت در جو هوا مجلد	۲
سیاحت در زیر بحر مصور مجلد	۴
از هر دهن سخنی واز هر چمن سمنی مجلد	۲
روضهٔ حکم مجلد	۲

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوق را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت در ده افغانان از نزد عبد الرؤف سر مرتب واز دکان باز محمد کتابفروش در بازار ارك واز دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل مدرسه شاهی بقیمتهای معینش خریداری کرده میتوانند .

واگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوق را بکنند بامدیر سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1286 of 1786

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا
یاد آوری میکنیم

هرقدرسعی و کوشش کردیم که ازشکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خودرهائی یابیم ممکن نشدلهذا بادا کخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یك مقاوله نموده دا کخانه مشارالیه تقسیم وتوزیع اخبارمارا که بهمه مشترکین کرامها برساند درعهدهٔ همت خود قبول نمود . مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را تبشیر ویاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای دا کخانه بخود شان میرسد .

شرایط خریداری

دارالسلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	یازده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیهٔ کابلی	ششماهه	هشت روپیهٔ کابلی

درخارج افغانستان
هرجائیکه باشد با اجرت پوست

قیمت سالیانه | ده روپیه انگلیزی قیمت ششماهه | شش روپیه انگلیزی
سه ماهه اشتراك قبول نمیشود
یك طلای پوند انگلیزی یازده روپیهٔ کلدار ست . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

برهمهٔ کار داران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود:

اگرازیك جابدیگر جاروند ویایند میباید که یك رقعه مدیر وسرمحرر را خبربدهند که من درفلان جابودم وحال درفلان جامیروم اخبار مرا دراینجا بفرستید . هرگاه همچنین یك رقعهٔ شان برای مانیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت راندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، وصنعتگران که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، ویا دیگر هررقم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا به پنج بار نشر وشایع شود برسرهر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشرکردن خواهند فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود ازیکبار تا به پنج بار فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر ازپنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریك ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرکه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تا یك سال نشر کردن خواهند ووجه یك ساله را پیشکی ادا نماید در ورق پشتی فی هر سطری ستار اجرت گرفته میشود

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

شمارهٔ ۲۴ سال چهارم

فهرست مندرجات

مبارك باد عید سعید فطر (

ختام سال چهارم (

عبادات روزهای ذات اعلیحضرت همایونی (از محکمه اطلاعات نوشته

مراسم ختم شریف ماه مبارك رمضان (

حوادث داخلیه (عیناً مکتوب از حاجی وجکنی — عینا مکتوب یکی از حجاج

از استرالیا — حکایهای محاربه — یك مقاله مختصر در بین محاربه — دیدنهای یك سیاح در آلمان — الفضل لمن شهد به الا عداء — آلمانها — البومین ومواد غذائی را میخواهد از هوا بگیرند —

حوادث خارجیه از جریده فرانسه بیانات اعلیحضرت سلطان عثمانی — تفصیل محاربهٔ روس وجرمن — اخرترین خبرها — امید تازهٔ قیصر جرمن — غرق کشتی جنگی ایطالی — تلفات — افسران مقتول ومجروح — اخراجات جنگ — حوادث جنگ براه خشکه — معلومات آلمان درباب ایطالی — راجع بمصر — ازجریده استانبول — عددتلفات روسی ازابتدای جنگ تاماه آوریل — تلفات بحری انگلیس — توپهائیکه آلمان غنیمت برده — فتح وارسا — وارسال چه حال دارد —

تصاویر خروج ذات اعلیحضرت همایونی از جامع شریف عیدگاه — منظره جامع شریف عیدگاه بعد از ادای نماز عید — دروازهٔ سلامخانه مبارکه — جناب عالیجاه محمود خان میرآخور حضور اعلیحضرت همایونی —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1288 of 1786

اعلان

از صنایع پرورېهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جرنیل کارخانه جات ، ماشین خانهٔ مبارک دارالسلطنه کابل علاوه برانهای حوایج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دافعه واونیفورمه های عساکر شاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخل که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که ازحضور اعلیحضرت همایونی حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ، ذیل (دکان عبدالله خان دربازار ارک) میباشد.

(۱) سرج های پشمینه بافی ورنگهای مختلف که قیمت آن ازقرار کرانکریزی ۳ قوه مشخص شده ودر صندوقخانهٔ جنسی هم بفروش میرسد

اقسام	قسم اول					قسم دوم					
درجه ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم وقصوری کلفت قیمت آن ١٠ پیسه کم داده شد	
رقم	کامل ساخته شده	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت		٧ روپیه ٥ پیسه	٦ روپیه ١١ پیسه	٦ روپیه ٤٢ پیسه	٥ روپیه ٤٨ پیسه	٦ روپیه	٥ روپیه ١٨ پیسه	٦ روپیه	٥ روپیه ١٠ پیسه	٦ روپیه ١٠ پیسه	٥ روپیه ٢٥ پیسه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار کرانکریزی | کشمیره چهارخانه ٧ روپیه ٣٥ پیسه ، کشمیره رخدار هر رقم ٧ روپیه بیست پیسه

(٢)	جراب ها			(٣) تکمه های چرمی محراب ومنبردار		
رقم	نکتانکه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج	کلان قدرجن	میانه قدرجن	خورد قدرجن
قیمت	١ روپیه ٥٢ پیسه	٤٥ پیسه	٣٦ پیسه	١ روپیه ٤٠ پیسه	١ روپیه ١٠ پیسه	٥٥ پیسه

(٤) کوره های جدید ساخت

رقم	زه بافی یک اسپه دوکره دو تاره	زه بافی یک اسپه دو کره سه تاره	چرم بافی یک اسپه	یک اسپهٔ چار تارهٔ تخی
قیمت	٨ روپیه و ٣٣ پیسه	٩ روپیه و ٢٤ پیسه	٨ روپیه و ٤٢ پیسه	٦ روپیه و ١١ پیسه
رقم	چرم بافی دست بادامی دو اسپه	چرم بافی دسته دولانه یک اسپه	دستهٔ دولانهٔ یکی چار اسپه	چرم بافی عمرکانی
قیمت	٤ روپیه و ٤٨ پیسه	٤ روپیه و ٤٦ پیسه	٨ روپیه و ٢٣ پیسه	٤ روپیه و ٤٣ پیسه
رقم	قبضه ورنجی کلیت نقره توپخانه	قبضه کلیت نقره از چرم دولایه توپخانه	زه بافی رقم سواری سامی کلیت	زه بافی دو تارهٔ رکابی
قیمت	٣ روپیه و ٥٥ پیسه	٤ روپیه و ٥٧ پیسه	٥ روپیه و ٩ پیسه	٥ روپیه و ٥٤ پیسه
رقم	رکابی ازتغ	چرم بافی میانه چوب پت زنانه	ازرین سواری تیغ چرمی	زنانه ابریشمی خیاطه
قیمت	٤ روپیه و ٤٥ پیسه	٥ روپیه و ٨٩ پیسه	٤ روپیه و ٥٨ پیسه	٥ روپیه و ٨ پیسه
رقم	دسته بادامی تیغ چرمی	دستهٔ دولانه سامی ورنجی کلیت نقره	ازرین سواری دولایه تیغ چرمی کجک دار	چرم بافی مابین پت یک اسپه
قیمت	٤ روپیه و ٤٩ پیسه	٤ روپیه و ٤٥ پیسه	٤ روپیه و ٥٩ پیسه	٨ روپیه و ١٢ پیسه

(٥) اقسام گلهای مصنوعی سر

قسم	گل جورین	گل نافرمان	گل برینه	گل شبو
قیمت	٥ روپیه و ٣٦ پیسه	٦ روپیه و ٦ پیسه	٦ روپیه و ٧ پیسه	٦ روپیه و ٣ پیسه
قسم	شگوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل نسترن	جنبیل
قیمت	٧ روپیه و ٤٥ پیسه	٦ روپیه و ٥٨ پیسه	٥ روپیه و ٣٨ پیسه	٦ روپیه و ٨ پیسه
قسم	شگوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	٦ روپیه و ٣٥ پیسه	٧ روپیه و ١٢ پیسه	٦ روپیه و ٥٤ پیسه	٦ روپیه و ٥٤ پیسه

(المشتهر)

(میر محمد هاشم دفتری کار خانجات (کپتان نظامی)

صحیفه (۱) سال چهارم شمارهٔ (۲۴)

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
با مصارف ڈاک ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مصارف ڈاک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یکعباسی است
(اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود)

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

ادارهٔ تحریرخانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنه (کابل)
همه اوراق تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ یکم شوال ۱۳۳۳ تاریخ انگریزی ۱۳ اگست تاریخ شمسی ۲۱ اسد ۱۲۹۴

سراج الاخبار افغانیه بر جمیع مؤمنین و مؤمنات
عید سعید میامن بدید فطر را مبارکباد میگوید،
و خیرها و سعادتهای جمله ملل اسلامیه را عموماً
و دولت و ملت و وطن مقدسهٔ خود را خصوصاً
از درگاه خداوند تبارک و تعالی تضرع و نیاز میکند.

ختام سال چهارم

بعون و عنایت ذات اقدس حضرت باریتعالی جل و علا، جریدهٔ گرامیهٔ وطنیهٔ سراج الاخبار افغانیه با این شمارهٔ بیست و چهارم خویش آخرین نسخهٔ سال چارم خود را بانجام رسانیده، سر از شمارهٔ آینده که مصادف بپانزدهم ماه شوال المکرم است، انشاءالله تعالی نخستین نسخهٔ شمارهٔ سال پنجم خود را بعرض انظار قارئین کرام خود میرساند.

ذات معدلت صفات پادشاه مقدس باشوکت و شان و شهریار محبوب القلوب مهربان اعلیحضرت **سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان** ادام الله دولته الی آخر الدوران چنان یک پادشاه دل آگاه ترقیخواه مقدسیست که بجز عدل و حقانیت، بجز ترقی و سعادت، بجز انتشار علم ومعرفت، بجز، توسیع زراعت و صناعت و دیگر همه خیرها و نیکوئیهای ملک و ملت شاهانهٔ شان دیگر چیزی نمی اندیشند، و نمی پسندند، و آرزو نمیفرمایند. و از نتیجهٔ همان، اندیشهٔ مستقیم ارجا، و نظر علویت اثر اکسیرها، و آرزوی خیر و سعادت احتوای شاهانهٔ شانست که وطن عزیز مقدس ما افغانستان روز بروز در شهراه ترقی و تقدم خطوه انداز فوز و فلاح گردیده است.

از ثمره های عرفان پروریهای ذات اعلیحضرت پادشاه مقدس ما یکی هم انتشار یافتن این جریدهٔ گرامیهٔ وطنیهٔ (سراج الاخبار افغانیه) است که بسایهٔ معارف پیرایهٔ همایونی چهار سال کامل را باجرای نشریات خود کامیاب آمده است. اگرچه سراج الاخبار افغانیه یک جریدهٔ رسمیهٔ دولتی نمیباشد، و تنها یک جریدهٔ وطنیه ایست که محض بنا بر آگاهی و بیداری اهل وطن، و خدمت قلمیهٔ ملت رسانیدن طبع و نشر میشود. امابا وجود آن همه ذات اعلیحضرت پادشاه دانشمند عرفان پسند مقدس ما یک توجه و مرحمت خاص شاهانه را درخصوص دوام زندگانی آن ابراز فرموده و میفرمایند که اگر این مرحمت های عرفان پروری همایونی نمیبود یکوقتی رشتهٔ حیات خود بخاتمه کشیده میبود. زیرا اول چیزیکه برای ارباب جراید در خصوص دوام نشر جریدهٔ شان لازم می آید افزونی اشتراک کنندگانست که بمنزلت تیل چراغ حیات، و آتش زندگانی جریدهٔ شان که قوت مال است بحصول انجامد. این است که یکی از حیات پروریهای ذات اعلیحضرت پادشاه مقدس عرفان آگاه ما اعطا فرمودن احکامیست که بموجب آن اراده و فرمان شاهانه همه مأمورین عظام و جمیع تنخواه خوران گرامی که تادرجهٔ هزار روپیه تنخواه داشته باشند باشتراک ورزیدن اخبار باجزاء ها مکلف و مجبور میباشند.

حقیقتاً این مرحمت حیات بخشای اعلیحضرت شهریار عرفان نثار مقدس ما چنانچه برای دوام زندگی سراج الاخبار افغانیه یک احسان شایان درخشانی شمرده میشود، در عین زمان برای عام ساختن و عادت دادن جریده خوانی بزرگ تازیانهٔ شوق و همت گردیده است.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1290 of 1786

انتشار یافتن اخبار ، در وطن عزیز ما یکی از ایجاد های فواید انتمای بسیار مهمه ایست که مخصوص عصر فرخندگی حصر سراجیه میباشد .

درخصوص فایده‌ها و منفعت‌های جراید ، از هنگام آغاز نشر سراج‌الاخبار افغانیه بارها بیانها رانده‌ایم . و اگر هرقدر گفته شود باز هم نسبت باهمیت آن کم شمرده میشود . در وقت حاضر جراید یومیه و هفته‌وار و ماهانه بدرجهٔ خوراک و پوشاک مایحتاج مردمان گردیده است . ملیونها خروار کاغذ در زیر چرخهای ماشینهای محیرالعقول طبع ، در پیراه خروج میرود ، و باز هم نسبت باحتیاجی که مردمان این عصر بجراید پیدا کرده‌اند کافی دیده نمیشود . وطن عزیز ما درینوقت تنها همین یک دانه جریدهٔ وطنیه را مالک است ، و امید است که بسایهٔ عرفان پروری اعلیحضرت پادشاه معارف آگاه ترقیخواه مقدس ما بنسبت تعمیم یافتن و توسیع نمودن علم و عرفان ملک و ملت ، جراید نیز کثرت و افزونی گیرد .

(سراج الاخبار افغانیه) درظرف چارسالی که بنشریات آغاز نهاده است بقدر وسع و طاقت تحریریه ، و بدرجهٔ قوت و قدرت قلمیهٔ ناجزانهٔ موراهٔ خود صرف مقدرت نموده هرانچه که میدانست . و هرانقدری که میتوانست درجا آوردن وظیفهٔ خود — یعنی در خصوص عرض نمودن معلومات نافعه ، و نصایح مفیده ، و احوال عالم ، و اطوار امم براخوان دین ، و هموطنان عزیز خود کوتاهی ننمود . اگر خوب میگوید اگر بد ، اگر راست میگوید اگر کج ، نیت و مقصدش بر خیر خواهی و راستی و دوستی مبنی میباشد . گاهی از علوم و فنون ، گاهی از صنایع و بدایع ، گاهی از زراعت و تجارت ، گاهی از اخلاقیات و ادبیات ، گاهی سیاسی گاهی قلمی ، گاهی داخلی ، گاهی خارجی و الحاصل هرچه که میگوید و مینویسد خواه منقول خواه معقول همه کی بنیت خالصانهٔ خدمت دین ، دولت ، ملت ، وطن است .

(سراج الاخبار افغانیه) یگدانه جریده ایست که بسایهٔ عرفان پیرایهٔ اعلیحضرت پادشاه مقدس خود جلوه‌گر بازار معارف شده است ، لهذا مجبور است که خودرا جامع‌الصفات ساخته درراه استفادهٔ اخوان دین ، و هموطنان عزیز خود عرض خدمت نماید . و لازم است که هم بصفت یک مجلهٔ علمیه ، و هم بشکل یک رسالهٔ موقوتهٔ ادبیه ، و هم بطرز یک جریدهٔ سیاسیه ، و هم برنگ یک اخبار خبرهای یومیه شده بمیدان میبرآید . اگر همچنین نکند ، چه کند ! زیرا برای یک مملکت ازهرقسم انچنین جرایدی که مذکور گردید بصدها جراید لازم است .

حالانکه « من یکدل عاشق صد آتشین رخساره ام ! » .

(سراج الاخبار افغانیه) باهمهٔ تار و پود هستی خود — یعنی باهمهٔ حروف و کلمات و عبارات و صحایف و اوراق خود — از مراحم و اشفاق ذات شوکت‌آیات اعلیحضرت حامی مقدس عرفان پناه مقدس خویش عرض تشکرات بلانهایات مینماید ، و دعای ظل اللهی افزایی افزونی عمر و اقبال ، و ترقی شوکت و اجلال شاهانهٔ شانرا ورد زبان عبودیت و صداقت مینماید ، ترقی و تعالی روزافزون دولت متبوعهٔ مقدسهٔ خودرا ازدرگاه ایزد متعال نیاز و استرحام میکند . برای ملت و وطن مقدس خود سعادت ، سلامت ، عزت ، شرافت میطلبد . و در بارهٔ خود توفیقات صداقت را تضرع میکند . تا وظیفهٔ خدمات قلمیهٔ خود را بدرستی و خوبی بجاآورده بتواند .

(سراج الاخبار افغانیه) حسب الوعدیکه بامشترکین کرام در آغاز انتشار خود نموده ، و تا بحال در هرسال بتقدیم یکیک رساله کتب نیز بالقطع بنام (هدیهٔ سراج الاخبار افغانیه) موفق آمده ، در امسال نیز بعرض و تقدیم نمودن یک کتاب (مختصر جغرافیای عمومی) عرض خدمت میورزد ، چون بعضی از مشترکین کرام ما برای ما مینوشتند که از بعضی اصطلاحات جغرافی و زمینها و شهرها و موضعهائی که در سراج الاخبار افغانیه نامهای شان مذکور میگردد تفصیلات و معلومات کافی بنویسیم . لهذا خواستیم که اول بهریک از مشترکین کرام خود یکیک کتاب جغرافی اگرچه مختصر هم باشد — عرض و تقدیم کنیم تا در علم جغرافیه یک معلومات اجمالی حاصل کنند ، و از تقسیم قطعات خمسه و اصطلاحات جغرافیه یک سررشته بکف آرند . در مشترکین کرام ما آنذوات محترمی که از صنف منتهی شمرده میشوند البته که باین کتابها احتیاج نداشته خواهند بود ، ولی چون صنف مبتدی اکثریت دارد لهذا این هدیهٔ ناجزانهٔ ما انشاءالله خیلی نافع و مفید یک خدمتی شمرده خواهد شد . ذاتا سراج الاخبار افغانیه بجز خدمت تنور افکار هموطنان عزیز خود دیگر چه مدعا دارد ! امید است که این هدیهٔ ناجزانه مقبول انظار اولی الابصار گردد .

(سراج الاخبار افغانیه) بادعای صداقت انتمای خالصانهٔ صمیمی تزاید عمر و اقبال پادشاه مقدس محبوب القلوب و حامی اعظم معارف مجلوب خویش بسال چارم خود خاتمه میدهد . و بدوام انتشار خود توفیقات ربانی و توجهات جهانبانی را نیاز میکند .

دیانت پروریهای ذات اعلیحضرت همایونی

(از مجلهٔ اطلاعات مینویسد)

چندانکه صحائف روزنامهٔ لیل النهار مزین از تحریر شهادهٔ اخبار ماه و سال است اول از درگاه ایزد وحده لاشریک جل جلاله بقای عمر و دوام دولت اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه عدالت دستگاه و قبلهٔ اسلامیان پناه را خواهانم — ثانی بخدمت جناب مستطاب مدیر صاحب مکرم و سرمحرر صاحب معظم سراج الاخبار فیض و سعادت آثار عرض میشود که در سال گذشته بخدمت انجمنها از حفظ کردن حفاظ مدارس قرآن عظیم الشان عرض شده بود — درهذه السنه نیز بقرار گذشته حفظ کردنک کمه نفری حفاظ مدارس موصوفه را که بسعی و توجه اعلیحضرت ظل الله حفظهم الله تعالی در مدارس موصوفه به تکمیل رسیده مفهوم میگردد — در ۲٤ ماه رمضان سنه ۱۳۳٤ که خاص باراده شاهانه تجویز مدارس حفاظ کلام الله شریف از حضور فیض و مرحمت گنجور فرموده شد — خلص فرمان مهربانان اینکه شاید که بسعی و توجه پادشاهی حفاظ کلام الهی در بلاد مملکت محروسه خداداد افغانستان بسیار گردیده فیض ایشان بخاص و عام برسد — تنخواه معلمین مدارس ممدوحه و خوراک ایشان و تنخواه فراشان و خوراک و پوشاک و ماهوار نقدی حفاظ و جمیع مایحتاج ایشان از طرف دولت منظور و مقرر فرموده شد — همان است که بموجب فرمان مرحمت ترجمان مدرسه های حفظ قران در یازده موضع دولت وضع گردیده و الی حال دوصد و چهارده نفر حافظ کامل از مدرسه های ممدوحه پادولت حفظ قرآن الهی خارج شده‌اند که تفصیل آن بدینقرار است :

۲۱٤ نفر

مدرسه دارالسلطنه کابل که چهار نفر معلم مقرر است ۶۹ نفر — مدرسه مزار شریف دو نفر معلم مقرر است ۲۰ نفر — مدرسه بدخشان که یکنفر معلم مقرر است ۲۰ نفر — مدرسه خان آباد یکنفر معلم مقرر است ۵ نفر — مدرسه هرات که دو نفر معلم مقرر است ۴۳ نفر — مدرسه قندهار دو نفر معلم مقرر است ۲۲ نفر ، سابقه ۲۱ نفر ، الیوم بثبوت رسیده ۱ نفر — مدرسه فراه که امسال بواسطه عدم حفاظ در لقان تبدیل شده ۱ نفر — مدرسه پشت رود مثل فراه درلهوکرد تبدیل شده ۱ نفر — مدرسه میمنه یکنفر معلم مقرر است ۱۸ نفر — مدرسه غزنین یکنفر معلم مقرر است ۸ نفر — مدرسه جلال آباد یکنفر معلم مقرر است ۷ نفر

درینصورت معلومدار است که ملت نجیب ما افغانستان و اولاد اولاد ایشان تاهنگام وداع نفس واپسین خویش از عهدهٔ شکریهٔ مراحم و نوازش و شفقت و حق تربیت و زحمات خسرو جهاندار خود و خدیو عدالت شعار خود و ولینعمت غمخوار خود بهیچ صورت برآمده نمی تواند بجز اینکه سر و مال و جان و زندگی و هستی خود را در راه رضامندی و خورسندی پدر مهربان و پادشاه جهانبان خود فدا و نثار کنند . که باز هم از عهدهٔ هزاریک شکریهٔ احسان ولینعمت مهربان خودها بدر نخواهیم شد مدرسه دارالسلطنه در تحت نظارت جناب امین الاطلاعات صاحب و مدارس محالات و ولایات در قید نظارت جناب حاکم صاحب و جناب قاضی صاحب و جناب سررشته دار صاحب و کوتوال صاحبان ولایات و محال میباشد — چون جناب مستطاب محترم محمد سرور خان جرنیل سابق نائب الحکومه شهر هرات یک قسم توجه مخصوص درباره حفاظ مدرسة القراء داشته و دارند — بنابران در خروج حفاظ نسبت بدیگر مدرسه‌های محالات و ولایات مدرسه دارالنصرت هرات یک را یک ابراز خدمت و صداقت نموده است که جای تحسین بر معلمان مدرسه موصوفه و محل تشکر از نگرانی ها و غمخواری های جناب نائب الحکومه صاحب ممدوح است — و محکمهٔ اطلاعات شکریهٔ توجهات جناب نائب الحکومه صاحب را از صمیم قلب نموده درخواست ترقی توجه ایشانرا زیاده بر زیاده می نماید — و جناب محمد اسحق خان حاکم فیض آباد بدخشان و جناب آخندزاده صاحب عبدالرحیم خان حاکم میمنه را نیز خداوند تعالی جزای نیک بدارین نصیب فرماید که درسعی و کوشش صادقانهٔ خود کوتاهی نکرده اند و جناب ممدوحان را بدولت اسلام بسلامتی ذات شریف همایون اعلیحضرت قبله انام باعزت و نیک نام خواهانم زیاده فقط تحریر ۲۹ شهر رجب المرجب سنه ۱۳۳۳ ، دستخط میر یوسف سررشته دار محکمهٔ اطلاعات » .

﴿ مراسم ختم شریف ماه مبارک رمضان ﴾

افغانستان ، یعنی وطن عزیز بسیار مقدس ما ، از روی موقع یک مملکتی است بسیار مهم و از روی استعداد طبیعی مستعد و مهیای هرگونه امر و کار .

افغانستان ، صحیح البدن ، قوی ، باهوش ، زیرک ، زحمت کش ، یک مرد توانا نیست که علاوه برآنها یک استعداد فطری دارد که محیر عقول است . اما یک معلم عاقل و فیلسوف فاضل محتاج بود ، که در زمینهٔ او علی وجه الکمال کوشیده ، پس از مدتی اورا عالم فاضل ، مدبر عاقل ، متفنن کامل ساخته بتواند .

افغانستان ، بلند ، شامخ ، بزرگ ، یک کوهی است که نظر کیمیا اثر آفتاب جهانتاب طبیعت براو تافته درونش را پر از گوهرهای نهایت بیش بها و معادن لایعد و لایحصای ثروت و توانگری مملو گردانیده ، ولی بیک مهندس ماهر احتیاج داشت که از ثروتهای طبیعیه آن استفاده نماید .

افغانستان ، سطح قابل تعمیر و تدبیر ، بسیار متینی است ، که مصالح تعمیریه هم از خودش وهم بدرجهٔ اعلا ، یعنی سنگش در سختی خارا و گلش تخمیر یافته آب خوش و گچش سر سوراخ گرفتهای بدخشان را رجحانست ، لیکن محتاج معماری بود صاحب یدبیضا که بنایش را اصلها ثابت فی الارض و فرعها فی السماء ، از استحکام و علو سازد .

هزارها بار شکر و سپاس بخداوند وهاب بیقیاس ، که اگر افغانستانرا چنین طفل باعقل و ذکاء و صاحب استعداد کامل گردانیده ، همچنان معلم فاضل کامل باعلم عطا کرده ، و اگر افغانستانرا کوه پرشکوه پراز معادن بیکرانک ثروت ساخته ، همان گونه یک مهندس بسیار دانا احسان نموده ، و اگر افغانستانرا یک سطحی قابل آبادی ساخته اورا همانسان معماری کامل صاحب اقتدار بخشیده ، که لسان صداقت ملت افغان اسم نامی و لقب گرامی اورا پادشاه حقایق آگاه ترقیخواه مرحمت گستر اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) گفته اند

این پادشاه مقدس ما ، از روز فیروز جلوس سعادت مأنوس شان دقیقه از دقیقه‌ها و لحظهٔ از لحظه‌های فکر پیدا کردن وسایل ترقی و وسایط تعالی برای وطن و ملت و دولت خود نبوده اند و نخواهند بود .

ازطرف معارف ، مکتب‌های اعدادیه ، ابتدائیه ، یتیم خانه ، دارالمعلمین ، دارالقراها تاسیس دادند ، در توسیع معارف و مطبعه ها کوشیدند هم اولکسی که پایهٔ عالی معارف جدیده مفیده را در افغانستان نهاد ذات شوکتسمات اعلیحضرت است وبس

ازطرف صنایع ، ذاتاً بنظارت آنها مصروف و همیشه در توسیع آنها کوشیدند فابریک های جدید ، زرگر بزرگ آورد ، فابریک برق ، فابریک پشمینه بافی ، زینکوگراف ، تیپوگراف وغیره وغیره انشا فرمودند

« خوشا ملکی که باشد شحنهٔ عدل تو معمارش »

ازطرف دینداری ، چون بوده می دانستند ، که هیچ دولت و هیچ ملت اسلامی بی پیروی و اتباع اوامر مقدسه اسلامی گاهی ترقی نمیکند ، و هرقدر که در متابعت مفخر موجودات علیه الصلوة والتحیات تساهل و تکاهل ورزند ، جز ذلت و خزی دنیا و آخرت نخواهند دید ، لهذا : در تائید شریعت غرای محمدی صلی الله علیه وسلم و تشیید بنای اسلامی و تاکید اوامر الهیه مساعی جمیله بکار بردند ، دربار معالی بار خودرا ازعلما و فضلای اسلامی مزین ساختند ، در هرمسئله ازیشان استفتاها کردند ، نه تنها خودرا با آداب اسلامی مودب کردند بلکه برای رعایا داشتن دین مبین قواعد و قوانین بسیار درست و مضبوط وضع کردند . محکمهٔ احتساب قائم کردند ، و محتسب های فراوانی مقرر نمودند . برای مساجد تقسیمات بسیار درستی درباب موذن و امام و خطیب و خرج و تعمیر مسجد انتظام کردند .

علاوه برینها بنفس نفیس همایونی بچنان امور اقدام میورزند که باعث تشویق مردم بطرف دینداری میشود که یکی ازانها نماز تراویح ماه رمضان مبارک است که همه ساله باسیاری ازخدمت گذاران ورجالهای جانفشان خود باجرا واداء آن میکوشند که امسال هم بقرار سابق تراویح را ادا نمودند که تفصیل کیفیت آن را ایفاً بر وظیفه نامه نگاری چنانچه عیاناً مشاهده کرده ام ازقرار ذیل عرض میکنم :

«نماز تراویح»

در لب شرقی چمن صفا مامن وکنار طراوت بار کول خیمه های عالی برای ذات اعلیحضرت همایونی وشهزادگان عظام ودیگر نفری دربار برپا شده بودند . بطرف کنار شمالی چمن برای طبخ طعام جای علیحده ساخته شده بود .

برای ذات اعلیحضرت همایونی ، واهل دربار وکلا نتران کندزها ورجالهای تکت دار وعساکر شاهانه در جاهای مخصوصه درصحن چمن سفره های طعام حاضر ومهیا شده بود .

باساعت ۷ بجه ذات اعلیحضرت همایونی وهمه خواسته شدگان بلباس فراکوت رسمی حاضر شده ، چون طوب افطار صدا میکرد ، ایشان بخرما یاچیز دیگر افطار کرده ونماز مغرب را بجماعت خوانده بعد ازان برای تناول طعام بجاهای معین خود مشغول نشستند وساعت هشت ونیم فیر یك طوب دیگر که در عیدگاه گذاشته شده بود برسیدن وقت نماز را اعلان مینمود واعلیحضرت همایونی وشهزادگان واهل دربار در موترهای خورد وکلان ازچمن تا عیدگاه تشریف می آوردند ، ونفری دیگر هم صدای طوب را شنیده بطرف عیدگاه می آمدند بساعت ۹ نماز آغاز وتاساعت (۱۱) انجام می یافت

انتظام روشنی بوجه خوب شده بود ، هر میونه رواق دولابه عید که بچراغهای تیل خاك روشن بود بهر یك داخل عیدگاه وسرك های بیرون نیز همین چراغها روشن بودند . پیش روی امام هم چراغ های بسیاری نهاده وآویخته شده بود علاوه برین روشنی برقها هم مسجد معالی پایگاه عیدگاه را ازشب روز تبدیل داده بودند .

همچنین انتظام آب سرد فراوان هم شده بود ، هر هر طرف ظرف بزرگ بزرگ برازآب برف وچلی های براز آب یخ وظروف آبخوردن مهیا بود .

ادای صلوة یکوضع دلکش داشت . یکجای بلندی برای چند نفر مؤذنان مکبر ساخته شده بود تاهمه مردم آواز تکبیر بشنوند . یك تأثیر عجیبی درنماز مشاهده میشد

بهزاران نفر ساکت وصامت ایستاده ویك صدای بسیار دلکش فصیح یك حافظ جید با آیات مکرمت بر اشارات قرآن مجید زنگ زداینده دلهای مسلمانان است وعظمت خداوندی ازدل حاضرود واز غایبان وشاه وگدا نسبت به خدمتش او یك ویره ویکسان

درویش و غنی بنده این خاك درند
آنانکه غنی ترند محتاج ترند

هر آیه گریه ووعد ووعیدی که امام میخواند در مسلمانان ازیك امید وبیم وخوف فرحت وهیبت پیدا میکرد . ازصدای پر تاثیر الله اکبر مکبران وعکس ان صدا ازطرف محراب ورواق عظمت وکبریای الهی درنظر مردم جلوه گرشده مضمون این مصرع « جائی رفت که محراب بفریاد آمد » راست ودرست گردید ملخص آنکه بهفت شب بهمین کیفیت قرآن عظیم الشان را بامامت حافظ جید بینظیر حافظ محمد حسن خان بایك جماعت بزرگ مسلمانان ختم نموده شد . شب آخری یعنی شب ۱۷ رمضان المبارك به اراده ذات والا صفات اعلیحضرت همایونی بنفری شیرینی تقسیم گردیده بمسجد آمدند ودرمسجد بمردم رعایا پیه های عطر آلوده تقسیم شده ونماز ایستاده ختم کردند .

پس ازنماز همه نفرهای دعا دور کول گرد آمدند خود اعلیحضرت وبهمرکابی شان دیگر درباریها بسواری موتر تشریف آوردند که به تماشای آتشبازی مشغول شدند اول آتشبازی های هوائی ازپشت تپه کك خورد کنار کول اززمین تا آسمان رفته ودرانجا کفیده ستاره های سبز وسرخ غریب المنظری فرو میریختند که عکس آنها در کول مانند ستون رنگ رنگ بنظر می آمد

منظره های این آتشبازی خیلی بدیع بودند که تصویر آتش پاره های رنگارنگ در آب افتاده منظره را دوبالا می ساختند . اما آنچه جلب نظر این سوخته دل کرده همانا درختها وسرو های چراغان بودند که بزبان حال این بیت میرزا مظهر جانجانانرا تکرار میکردند

سوز دل از هرین موسم نمایان کرده اند
ای مسلمانان مرا سرو چراغان کرده اند

والحاصل به اینصورت ختم کلام مجید حضرت ملك العلام ، وسنت تراویح حضرت سید الانام علیه الصلوة والسلام باسلامی ذات اعلیحضرت پادشاه اسلام ختام وانجام یافت

امضا
محرر اداره (عبدالهادی)

حوادث داخلیه

هوالله تعالی شانه

عیناً مکتوب

بعد ازالقاب همه مقاله های اخبار فیض آثار میمنت شعار گرامی سزاوار هزاران توصیف وتحسینات که هر کلمه آن دردرزنامه وجواهر مجدده بوده ومیباشد ما مردم افغانستان را واجب ولازم است که همه اوقات دست الابت وتضرع اجابت را بدرگاه الهی برداشته بچشم تملك مترصد تشکر وتفخر از نعمت بیبها وعطای بی انتها بوده ومیباشیم که بیمن طالع لامع اعلیحضرت جهان مطاع عدالت اتباع وتوجه کامله آن ذات بارکات در وسعت میدان جلوه افشان گردیده اند جای هزاران تشکر وتفخر اند وانشاءالله تعالی درقریب مدت اهل بصر دولت باسعادت علیه اسلام از فیوضات آن متناقض شوند بهزاران زبان مشکوریم که ترقیات عمیم در مملکت باسعادت دولت علیه اسلام روز بروز درداوج عروج رسیده ومیرسد که نسبت بسوابق آلات حربیه وکارخانه جات وانتظام وتعلیم افواج ظفر امواج ومساجد ومدارس عمومیه اسلامی وغیره آلات مابحتاج دولت که برای تعلیم وفوائد مندی قبائل اهل اسلام بتوجهات بالغه همایونی تعبیه گردیده صورت انتظام یافته اند این همه نتائج سعادت مندی وبیدار بختی دولت علیه ما مردم افغانستان است باز هم سپاس بی قیاس مر خداوند را است که ما مردم افغانستان همکی یك مذهب ویك ملت اسلامی باحمیت شجاعی ووجدانی بوده ومیباشیم از ادیان باطله ومذاهب مختلفه در مملکت ما مردم از طوائف غیر نمیباشند که بنیاد نفاق واساس تفریق شاق را درین ما مردم گذارند تا بواسطه آن مقاصد ومطالب ازدست

ما رونده لاکن از آنجا که بر فواید بشارت منطوق سرور کائنات که(شرافت الانسان بالعلم والادب لا بالمال والنسب) مستمند و بهره مند نمیباشیم وجوهر انسان در علوم شریف واداب در کمالات در فنون لطیف منحصر اند کماهی مؤید بر این (العلم فریضة علی کل مسلم ومسلمة) ـ آیهٔ شریف (یرفع الله الذین امنوا والذین اوتوا العلم درجات فلولا نفر من کل فرقة منهم طائفة لیتفقهوا فی الدین ولینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون) قال رسول صلعم (فضل العالم علی العابد کفضلی علی ادنکم) بدلیل توضیح آیهٔ شریف (انما یخشی الله من عباده العلما) و نیز براین رهان میمنت ترجمان ثابت است (والجهل ظلمة والعلم سراج بذیل الظلمة) هر آینه اگر مطابق دار السلطنه مدارس عمومی و معلمان کامل از برای تعلیم شاقان واطفال عموم در اطراف و اکناف مملکت محروسهٔ افغانستان نیز بتوجهات بالغهٔ کاملهٔ اعلیحضرت خود مختار دیانت آثار تعیینه شوند انشاء الله تعالی ظلمت بی خبری وجهالت از مملکت محروسهٔ علیه رفع گردیده اضافه ترقیات بلا غایه در ضمن آن عائد و واصل میشوند و بطور قدغن اطفال اهل اسلام در همه محالات برای تحصیل علوم شریفه و فنون غریبه مأمور گردند در قریب مدت منتج خیر آن بر صحائف روز گار ابداً منشور ومسطور وذخیرهٔ یادگاری خواهند ماند بواسطهٔ تحصیل آن در چشم خصم ملک وملت ما خس وخاشاک افتاده خواهد شد چون ترقیات دول کرهٔ روی زمین همه از تعلیم فنون اکتسابی ظاهری اند لهذا ما مردم اهل اسلام با وجود شرافت اسلامی اگر تحصیل آن نصیبهٔ ما مردم افغانستان شود نور علی نور خواهد شد دراین خصوص تعلیم فنون وعلوم وکمالات هرچند توجهات ارا کین دولت و حقوبین ملت دولت علیه اسلام مبذول شوند نتائج خیرمند هند بیشتر بهرچه اقتضاء کرامی قرار گیرند صواب باشد بنده اله در عجز وقصور گرائیده جسارت است چون سابق بر این که واردات این محال را بخدمت عرض کرده بودم و در اخبار مبارک اسم داعی داخل نیامده بود هر گاه مناسب و منظور باشند که درج اخبار فیض آثار میبایند اسم داعی راقعین میفرما شید زیاده افتاب اقبال گرامی ام تابنده باد برب العباد فقط تحریر یوم چهار شنبه ۱۸ شهر رجب المرجب سنه ۱۳۳۳ دستخط

حقیر سعادت حاکم حاجی وجوکی

عیناً مکتوب

در صحایف جراید این روز گار در خصوص ترقی پروریهای ذات شوکت سمات اعلیحضرت (سراج الملة والدین) مقالهها دیده ازمطالعه آن خودرا غریق سرور می نمودم . کاها حجاج وزوار دیگر این دیار مرور وعبور نموده بودند . از عدالت گستری ومعارف پروریهای ذات اعلیحضرت سخن می راندند . شنوده مسرت بر مسرتم می افزود بعد از شنیدن اینگونه خبرهای مسرت اثر ملاحظه نموده نخود میگفتم (موقعی که سیاستاً اهمیت تمام داشته باشد وذاتی کهاتی این موقع وحامی

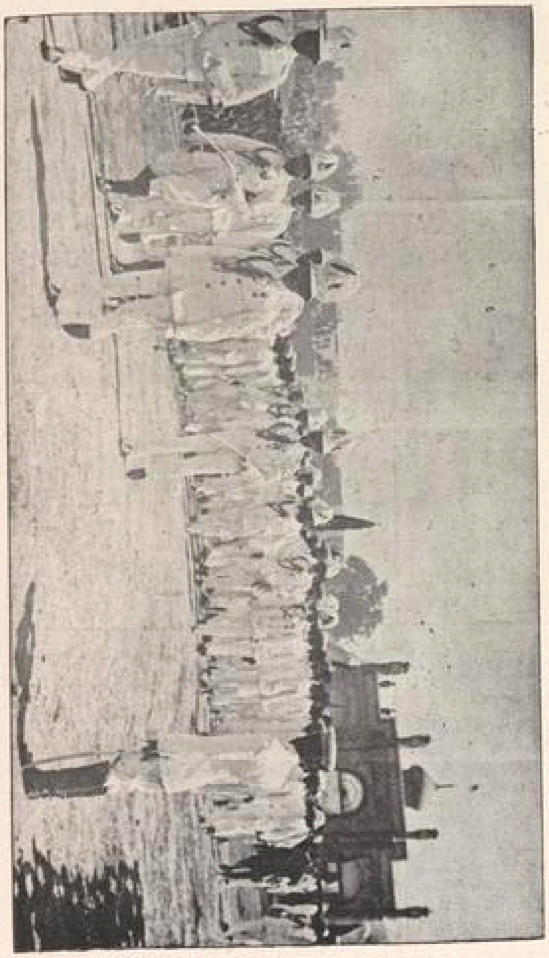
خروج ذات اعلیحضرت همایونی از جامع شریف عیدگاه

این موضع باشد البته اینگونه خواهد شد .) وقتی از مصر القاهره قصد ادای ارکان حج بطرف حجاز معرفت طراز روانه شده بزیارت مکهٔ معظمه مشرف شدم در بین حجاج ترکستانی بخلاف سابق عدم خشنودی از معامله های مردم افغانستانی مشاهده نمودم هر حاجی که ازاین دیار مرور نموده آنجا رسیده بود از نا ملایمی معامله های خرجگیران وبندریان راه کابل شکایت واستغاثه میکرد . از حیثیتیکه حسن نام به باشندگان این مقام داشتم این اظهار ناخوشنودی آنها بطوربسیار ناگوار می آمد . و در بعضی وقت با آنها بمدافعه و مجادله قیامی نمودم بعد از زیارت مکهٔ معظمه و زیارت والدین که در سمرقند فردوس مانند اند مشرف شدن تکراراً برای تکمیل تحصیل بطرف مصر روانه شدن را اختیار نمودم وعنان عزیمت را بطرف افغانستان وهندوستان تافته روانه شدم . وتاقریب حدود افغانی رسیدم در اثنای راه از زوار ها و آینده هائی که از طرف افغانستان می آمدند غیر از شکایت از طرز خرجگیران وبندربانان افغانی دگر چیزی نشنیدم از کیفیت احوال آنها سوال واستفسار می نمودم که ای برادر . چه بودند . وچه میکردند ؟ یکی درجواب میگفت . ای ! چه می پرسی قالینچه که برای فرش واستراحت آورده بودم در وقت گذشتن بندربانان افغانی از من بی عوض بزوری از دستم گرفتند بدادن آن راضی نشده ممانعت کردم مرا ضرب ولت کردند . دیگری میگفت در هنگامیکه بطرف افغانستان گذشتم بندربانان جامهٔ مرا سوغاتی گویان بزور گرفتند . و دیگر یکی . از یغما شدن کرته ولازمی شکایت . ودیگری از غصب شدن کلاه وطاقیه حکایت می کرد . ازین سخنان آنها خیلی در حیرت بودم وباحوال اسلام واسلامیان افسوسها میکردم که به مسلمانها اینهمه فلاکت ازین گونه ظلمهای روی داده . بازبخود میگفتم که شاید افترا وخلاف واقع باشد . ولی بنابر متعدد وسنجیده بودن آنها به اعتراف سخنان آنها مجبور می شدم . وقتی بحدود افغانی قریب شده با کشتی بخاک افغانستان گذشتم

منظرهٔ جامع شریف عیدگاه بعد از ادای نماز عید

اول معامله که از بندربانان دیدم سخنهای ناسزا و اعمالهای نابجا بود . بعد از ادای لوازم بندرداری چهار نفر مخصوصاً آمده بمعاینه وتفتیش خورجین ها مشغول شدند . اولاً تفتیش اینها را دیده خیلی خورسند شدم . چونکه در بنادر . تفتیش خورجین و اشیای آینده گان خیلی مصلحت واز ضروریات است . اما این نفرهائیکه به تفتیش ومعاینه کی مشغول بودند در اثنای تفتیش چیزیکه بنظر شان خوبتر می نمود آنرا غصباً و جبراً می گرفتند . بعضی مسامحه نموده چیزی نمی گفت . وبعضی بنابر ضروری بودن آن از دادن ابا می نمودند که آخر بمجادله ومشاتمه می انجامید . وگاهها دست بگریبان شدنها واقع می شد . در ظرف سه ساعت که در آنجا بسبب استراحت مانده بودم . دو مرتبه جنگ زد وخورد انجام یافت . بی روزی زوار چه میگویند ؟ وبه که میگویند . خیر است. اینها راجاشان گذاشته عنان ملاحظه را بطرف مزار فیض آثار تافته احوال متولیان ومجاوران آن زیارت که امام وآنمقام سعادت انجام را بنظر بنگریم . اشخاصیکه درین مقام بعنوان . دعا گوئی ورضاجوئی زاویه نشین گشته اند . به بد اخلاق وبی تربیتی از همه گوی سبقت ربوده اند بلکه یك جماعت سارقان ورهزنانی میباشند که برای لخت کردن وآزار دادن مسافران زوار نشسته اند وقتی که احوال اسف مآل آنهارا مشاهده نمودم سراپای وجودم را یك ناامیدی ومأیوسی استیلا کرد . از فرط مأیوسی گریهها کردم واز بعضی سوال کردم که آیا نائب الحکومه صاحب بافعال قباحت مآل اینها مانع نمی شوند جواباً بمن بیان نمودند که . نائب الحکومهٔ سابق به اصلاح احوال آنها کوشش بجا آورده بافعال نامعقول آنها مانع می شدند . اما نائب الحکومه حالی در خصوص آنها چیزی نمی گویند وباز خواست آنهارا ازجملهٔ کارهای سیاست حکومت نمیشمارند از شنیدن این جواب بخود گفتم که اینقدر مردم بیگانه " مسافر دور ونزدیك که می آیند البته بسبب خرید وفروخت یك فایدهٔ شان بولایت میرسد این یك

سیاست دیگر اگر آن مردم مسلمان یکباره آزار وبیزار شوند بدنامی وخسارت دولت میشود این دیگر سیاست پلی . ما مسلمانان به چندین بی انصافیها موصوف وبه ناشایسته کیها مألوف ومرغوبیم . اگر این احوال أسف مآل بدینحوال دوام پذیر باشد به آینده هیچ شکی نیست که به آمدن هزاران زواریکه در آوان میلهٔ گل سرخ از بار دریا وایران ودیگر بلاد برای مشرف شدن زیارت شریف می آیند فاصله وغائله پدید . العیاذ بالله اگر عاقبت باینحوال قرار گیر گردد غیر از نا امید شدن هزاران مسلمانها از زیارت مزار فیض آثار . منافرت ومباعدت نیز در میانهٔ این دو اخوان دین جایگیر خواهد شد. حالا این بد بختیهائیکه بعالم اسلام روی داده اگر یکباره سبب آن منافرت ومباعدت . نبوده ؟ دیگر چیست ؟ دریکی از شمارههای سراج الاخبار خوانده شد که پادشاه ترقیخواه دولت خداداد افغانستان جمی از اکابران را دریک مجلس جمع نموده در خصوص آمد وشد راهروان عبارت از (۱۰۵) فقره قانون ترتیب دادند که حالا در موقع تطبیق مانده نشده وبرای روندگان وخصوصاً محاجیان خیلی نافع است بل بلی. اداره امور ملکیه بقوانین انتظامیه خوب وآسانترانت خصوصاً آن قانون سعادت مقرون باصوابدید ذات شوکتسمات اعلیحضرت امیر (حبیب الله خان) مرتب شده باشد . ولی اگر تطبیق کنندگان آن مانند همین خرج گیران بادر ترکستان ومانند خراج دار کامس دوزی سنگ که بد اخلاق آنها معلوم وظاهراست . باشند . از خوبی آن قانون چه فائده . واز مفید بودن آن چه استفاده وبرای قاصرینده از قوانین خوب ترتیبدادن . تطبیق کنندگان خوب پیدا کردن . برداختن هزار بار خوبتر ومهمتراست مراد ما از تحریر این مقاله بدیگران پند دادن نیست . پند دادن از قوهٔ فکریهٔ ما بیرون است . چونکه ما از حیثیت آنکه مسلمانایم بخورسندی آنها خورسند شده افتخار میکنیم وبه ناخورسندی آنها خودمارا آنها یک شمرده مأیوس ومکدر میشویم واین سخنان را می نویسیم دمی که تنهوالا ماهر عاجه . وبا خوب باست گویان بکار خود می شدیم. باقی سلام مع الاحترام   امضا

(یکی از حجاج عبد السلام المفتی سمرقندی)

حاشیه

درخصوص باشندگان راه پشاور در آینده خواهم نوشت

سراج الاخبار افغانیه

این عبد السلام افندی وقتیکه بدار السلطنه رسیدند برای ملاقات این مدیر عاجز تشریف آوردند حقیقتاً صاحب اخلاق وکامل یک طالب العلمی بودند که خیر خواه عالم اسلامی بودن شان از گفتار واطوار شان ظاهر وعیان میبود هیچ شبهه نیست که این مکتوب خود را از همدردی اسلامی نوشته‌اند وهیچگاه بر خلاف واقع نیست . زیر از دیگر بعضی حجاج هم همچنین شکایتهای خرجگیران اشنیده‌ام . لهذا سراج الاخبار افغانیه از مأمورین بزرگ دولت متبوعهٔ مقدسهٔ خود بنام انسانیت واسلامیت رجا واسترحام میکند که نظر خیر خواهانه صداقت کارانهٔ عالی خودشان را به این مسئله متوجه فرمایند، وخرجگیران وبندریان با اخلاق وتربیت را برای این کار انتخاب کنند وتنخواه شانرا یکقداری بیشتر بدهند که از احتیاج تنگ کردن حجاج وزوار مسلمین دست بردار شوند تا پیداشتن یک بدنام کنندهٔ نکو نامی چندقدر ومنزلت کمومدرا پامال نکنند این رجا ازمن واز حضرت شان اجرا باد

حوادث خارجیه

از اوستراليا

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی رسوله سیدنا محمد وآله وصحبه اجمعین اما بعد از فضل رب العالمین جل جلاله تمدن افغان درترقی است خصوصاً مجددین سرزمین آستریلیا بمقام مازنت گهراؤنت شهر برزبند کنیع لیند آستریلیا مسجد پررونق بکمال زیبا افغانیان تعمیر نموده‌اند ویکمسجد پررونق بکمال زیبا بمقام هارکت اسپرنک سوت آستریلیا تعمیر شده ویک مسجد در بروکن هیل نیوساؤته ویلس آستریلیا نیز تعمیر شده — ویکمسجد عظیم پررونق درشهر ادلیدسوت آستریلیا بکمال تکلف وزیبا تعمیر است ویک مسجد درشهر پارته ویستن آستریلیا در بازار ولیم ستریت تعمیرات صاحبان این دومسجد که یک دربارته ویستن آستریلیا تعمیر شده ویک مسجد درشهر ادلیدسوت آستریلیا بسیار زیبا وپررونق که اندرون مسجد فرش های رنگارنگ وگرداگرد مسجد تاکهای انگور وباغ گل های قسماقسم وحوض کبیر ورباط مصفا که اکثر کار مانند سنگ مرمر مصفا ساخته شده‌اند وبرای تبلیغ اسلام بقدر وسع خود سعی بلیغ میکنند وکتب های تبلیغ اسلام وقرآن شریف که بخط انگریزی مرقوم شده درمدرسهٔ سراجیه که فی الحال پایهٔ جدید نهاده شده — موجود است اکثر اهل یوروپ یانرا خیالجدیدن باشند تاکخوشی آمده از حالات اسلام واقف شده اگر در قسمت ازلی مسطور باشد خود اسلام قبول خواهد کرد .

اکثر اهل یوروپ برای دیدن وخواندن کتب اسلام می آیند الله تبارک وتعالی جل جلاله قوت اسلام را قایم داراد .

صاحبان درین مسجد از انجمن اسلام افغانیه **سراجیه** مبارکباد اجرا

سراجیه آن افغانانند که از عطایای اعلیحضرت سراج الملة والدین اند که بطور فخریه مسمی شده‌اند جلسهٔ عظیم شده بود که بنده خود حاضر بود که تمام اهل افغانان بسیار بحث شده مطلب نموده بودند — همدرین جلسه خاتون نام بی بی فاطمه نومسلمه که اصل انگریزبود که بعد آوردن اسلام بنام بی بی فاطمه مسمی شده بسیار بجوش محبت اسلام را اظهار کرد ودیگر خاتون مسمه بی بی زینب نومسلمه که اصل ازقوم فرانسوی است که بعد اسلام بنام بی بی زینب مسمی شده نیز بسیار بجوش محبت اسلام را اظهار نمود این همه بجوش درترویج دو افغان سراجیه در آمدند ازانجمن اسلام افغانیه بسیار بجوش وخروش دعای خیر برای پادشاه اسلام سراج الملة والدین واهالی افغانستان کرده شد وبرای خلیفهٔ مسلمین که خادم الحرمین الشریفین است بسیار بجوش دعا کرده شد الله تبارک وتعالی جمله مسلمانانرا دردین اسلام خود قایم داراد ودشمنان وحاسدان اسلام را ذلیل وخوار گرداند بعد از ختم جلسه ودعای اسلام — یکدعای پرجوش برای سردار محمودخان صاحب طرزی که مدیر سراج الاخبار است کرده شد — که انجمن اسلام افغان تشکرهٔ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1296 of 1786

اورا ادا کردن نمی‌تواند سبب تمدن خودرا ایشان همین جریدهٔ سراج الاخبار میدانند که بخواندن سراج تمدن ایشان مترقی است روز بروز درکار دین اسلام وخیالات فایده رسانیدن برای قوم خود مستغرق‌اند سبحان‌الله وبحمده که درین تمام زمین آستریلیا که جوش وخروش افغانان درکار دین اسلام مترقی شده وخیالات ایشان درفایده رسانیدن برای قوم خود محو شده بلاشك سبباو همین سراج‌الاخبار است

افسوس میکنم که سرداران وخوانین بلوچستان ازریاست قلات وسیله خصوصاً خوانین اهالیه کیچ مکران وسرداران قوم منگل وسرداران قوم نوشیروانی وسرداران دزك واهالیهٔ جالق وبیور وگیه وقصرقند که همراه این بنده محبت ذاتی بوسیلهٔ محبت پدری وجدی میدارند چرا اوقات زندگانی خود را بخواب غفلت ضایع میکردانند ـ لازم که خودرادرزمرهٔ مشترکان جریدهٔ سراج‌الاخبار افغانیه شامل گردانند خواه رئیس باشد یاغریب که ازعلم تمدن وخیرخواهی قوم آگاه شده سرگرم بشوند که کاردین اسلام همین است لازم که خودرا هرفردی ازین خواب غفلت بیدار و آگاه گرداند .

ازمسجد اسلام افغانیه سراجیه ولیم استریت شهر پارته وستن آستریلیا بنده سید جلال‌شاه عفی عنه = مورخهٔ ۵ ماه شعبان سنه ۱۳۳۳

(حکایتهای محاربه)

(یك مقایسه مختصردرین محاربهٔ (۱۸۷۰) و (۱۹۱٤))

درین محاربهٔ خونریز الانکیزی که یك مصیبت عظیمی ویك صدمهٔ جسیمی بعالم بشریت ومدنیت آورده ، برای رهائی دادن گریبان خود را از مسئولیت عظیمهٔ این جنایت عظما هریك ازدولتهای محارب سعی میکنند که خودرا معصوم وطرف مقابل خودرا مسئول برقرار دهند . و درخصوص مانند کتابهای « رنگ دگر رنگ دگر » های حقه بازها یعنی مدارها اوراق رنگارنگ سرخ وزرد وآبی وسبز وسفید ونارنجی وغیره را در نظر مردمان جلوه میدهند . علی‌الخصوص فرانسی هرقدر زوری که دارند صرف میکنند که همه قباحتها و مسئولیتها را بگردن المان ها بیندازند . حتی جریدهٔ (تان) که معتبرترین جریده‌های فرانسی است ، هرقدر که میتواند ازبدیهای اخلاق واوصاف المانها بحثها میراند که ازانجمله دریکی ازنسخه های خود ازمحاربهٔ سابقهٔ سنهٔ ۱۸۷۰ فرانس والمان بحث بمیان آورده میگوید : ـ « که المانها طبعاً شرور وجنك طلب مردم میباشند . چنانچه « بیسمارک » مشهورشان برای باز کردن دروازهٔ جنك را بافرانس درسنهٔ ۱۸۷۰ تلگرافنامهٔ بادشاه ناپلیون سوم را تحریف کرده بود » . حال آنکه این سخن جریدهٔ (تان) درنظرارباب بصیرت بجزیك خرافات ساخته گی دیگرهیچ قدر واهمیتی را حائزنیست زیرا چون بتاریخ نظر کرده شود تحقیق می‌پیوندد که محاربهٔ ۱۸۷۰ را تماما خود فرانسویها ایجاد کرده بودند و آخرالامر درهمان چاهی که کنده بودند خود شان افتادند .

حقیقت این است که درتاریخ مذکور پرنس (لئوپولد) نام یك شهزادهٔ خاندان (هوهنزولرن) المانی که برادر همین پادشاه (رومانیا) بود که چندی پیش ازین وفات یافت برای پادشاهی تخت اسپانیا انتخاب شده بود . دولت فرانسی این انتخاب را نه پسندیده ، و انداختن دانهٔ جنك را یك بهانهٔ پیدا کرده بنای قیل وقال وجنك وجدال را گذاشت . پرنس (لئو پولد) مذکور برای آنکه بسبب شخص او یك جنگی بوقوع نیاید از حکومت اسپانیا دست بردار گردید . باوجود اینهم چون فرانس جنك طلب بود ، دایما بواسطهٔ سفیر خود که در برلین داشت بادشاه المان را که جد قیصر امروزی المانست موی دماغ شده آزار میداد ، وازو طلب میکرد که بدرستی قول بدهد که بعد ازینهم در هیچوقت ازخاندان (هوهنزولرن) کسی بپادشاهی تخت اسپانیا انتخاب نشود . ایمپراطور المان دراوقت درشهر (امس) بود ، وسفیر فرانسی هرروزه بدروازه اش رفته بااصرار تمام همین خواهش دولت فرانس را ازو طلب میکرد ، تاآنکه ایمپراطور ازین لجاجات سفیر به تنك آمده بواسطهٔ یکی از یاوران معیت خود به او گفت : ـ « که پرنس لئوپولد ازتخت اسپانیا دست بردارشد ، واینخبر رسماً بمن واصل گردید . دیگر گفتنی باسفیرندارم والسلام . » ایمپراطور این کیفیت را به تلگراف بپرنس بیسمارک نیز خبر داد .

هنگامیکه این تلگراف ایمپراطور به پرنس بیسمارک میرسید ، پرنس مشارالیه بامارشال (مولتکه) که رئیس ارکان حرب بود ، وناظر حربیه (رورون) یکجا برسرسفرهٔ طعام نشسته بودند . پرنس بیسمارک بعد ازانکه یکدوبار تلگراف را تنها خودش خواند بدو رفیق خود داده گفت : ـ « ازین روش فرانس معلوم میشود که مطلق باما جنك کردن میخواهد . حالآنکه ما باك مسلك نرم و مدارات میخواهیم حرب را منع کنیم . واگر زیاده برین همین وضعیت را محافظه کنیم برای حال واستقبال حکومتهای المان که یك امید اعتلا واتحاد را بدر میپروراند یك آفت عظیمی شمرده میشود » . ابتدا گفته ازناظر ورئیس مذکور پرسید : ـ « که وضعیت عسکریهٔ ان چگونه است ؟ » . مارشال مولتکه که اکثر اوقات ساکت وصامت یك حالی داشت ، ازین سوال برای یك حال خوشی وشطارتی پیداکرده وخود را درمواجههٔ یك حرب ناگزیری که فرانس بران تشبث نموده یافته گفت : ـ « هیچ وقت ضایع کردن لازم نیست . باجنگجو بجز جنگجوئی دیگر چارهٔ نیست » . بعد ازان درحالیکه چشمهای خودرا بسقف دوخته بود ، دست های خود را به قبورغه های خود زده گفت : ـ « همین که یکبار اردوهای خود را بفرانسه براندم ، بعد ازان بگذار که همین سقف برمن بیفتد » .

پرنس بیسمارک چون بخوبی دانست که فرانس بهمه حال برسر پیکار است ، لهذا برای آنکه جنك را ازیاده ترناگزیر بسازد ، همانروز تلگراف نامهٔ مذکوره را تحریف نی ، بلکه یکقدری تعدیل نموده بمطبوعات ـ یعنی به اخبارها ـ داده درعالم منتشر نمود . به این سبب درفرانسه قیامتها برپاشده آتش حرب درگرفت .

درینوقت فرانسه فریادها وفغانها میکند که گویا این حرب حاضر را المانیا سببیت داده ، حالآنکه همهٔ عالم بدان یك میدانند که سبب یگانهٔ این حرب بجز جنایت صربیهٔ قاتل ، وحمایت کردن روسیه آن قاتل ، ودرین حمایه فرانسه وبرتانیا نیز خودرا شریك ساختن باقاتل دیگر هیچ چیزی نبود . وچنانچه درسنهٔ ۱۸۷۰ قباحت بفرانسه بود درین سنهٔ ۱۹۱٤ نیز قباحت بفرانسه است . علی‌الخصوص که قباحت این بارفرانس چون بصورت آبی ودنباله روی اسلاوی بظهور پیوسته است ، ازآن رو ازچنان قباحتهائی نیست که عفو شدنی باشد .

حکایت دیگر

دیدنیهائیکه یك سیاح درالمان دیده وبه جریدهٔ (تان) نوشته

دراین موقع جنگ خواستم ملاحظه نمایم که آیا در وضعیت اهالی تغییری یافته وتزلزلی درعظمت آن مکان راه یافته یانه

درهوتل وکلار بزرگ آنجا که رسیدم مانند مواقع خیلی عادی تمام صندلیها ومیزها مملو ازمردم ودود سیگار دراطاق بروبك مکان عالی بنظر می آمد

قیمت آب جو بیشتر از بیست و هفت پفنك هم نبود

بیك زحمت زیادی آخر یك صندلی خالی پیدا کرده نشستم واگرچه حاضرین ازبابت جنگ صحبت می داشتند لیکن قدری جمعیت وهمهمه بود که نمی توانستم درست عقیده آنهارا فهم نمایم

بواسطه این که گرسنه بودم خیال نان خوردن کرده وخواستم بفهمم که همان طوریکه درخارج شایع است نان جدید آلمان که غیراز گندم خالص بعضی حبوبات دیگر وجو داخل دارد گران وکمیاب است یاخیر

اولین حیرت من از این شد که در صورت قیمت خوراك ها ونان که حسب المعمول روی میزها است نسبت به قیمت سابق ابدا تغییری نیافته وقیمت نان حالا بامسال قبل که درهمین موقع بهار خودم در آلمان بوده تفاوتی نکرده است وبعلاوه نرخ سایر ارزاق وخوراکیها تقریباً بترتیب سابق باقی مانده است ودر ازای یك مارك پول آلمان تقریباً سه قران پول ایران یك جوجه مرغ ومقداری برنج پخته برای من آوردند که بانان وپنیر کاملا مرا سیر کردند

خیلی دوچار حیرت شدم که پس این شایعاتی که در فرانسه هست که قحط وغلا در آلمان راه یافته است وارزاق فوق العاده کم و گران شده چیست وفوراً صحبت یکی از دوستانم که در پاریس به من گفته بود بخاطرم آمد که میگفت این آلمانهای حقه باز میخواهند افکاررا برما بشورانند ومیگویند آذوقه کم دارند در صورتیکه مسلماً همه چیز دارند وابداً بخارج احتیاج ندارند

در حقیقت هر کجای شهر رفتم غذاهای لطیف ولذیذ یافتم وخوش مزه اینکه درشهری که گمان میکنند ازبرای قحط وغلا زبون وناچیز شده است من چاق وفربه شدم .

مار شال هیندنبورك درهمه جای آلمان مجسم است، ازپشت شیشه‌ها تصاویر ومجسمه مختلفه این سردار نمایان وچشم خودرا بعابرین دوخته. درتابلو وعلامات مخصوصه هوتلها اسم مارشال باخطوط طلائی درخشان وروی قوطی های سیگار باشکال سواره وپیاده نمایان وحتی روی بادزنهای اجناس ظریفه وعلائم کارخانجات تصویر مار شال هیندنبورك هویداست وهرکجا که چشم بیندازیم مارشال مزبور حاضر وناظر است.

تا کنون این امتیاز مخصوص قیصر بود یعنی تصاویر امپراطور انظار را بخود خیره ساخته بود وحالا ژنرال مشارالیه مانند قیصر افکار وتوجهات آلمان را جلب کرده است .

وضعیت وحیات شهر مونیخ تقریبا مانند ازمنه عادی است وفقط علامتی که آلمان دارد جنگ میکند دراین شهر این است که عده از تفرج کنندگان سربازانی هستند که مجروح بوده وتازه معالجه شده وازمریضخانه بیرون میآیند وهنوز درسیمای آنها اثرات مهابت وعظمت مخاطره این جنگ مشاهده میگردد .

این باوار یائیها (مونیخ پای تخت مملکت باواریای آلمان است) را که درست نگاه کنی سیمای خونخواری ازوجنات ایشان هویداست ومیتوان فهمید که از دست این نوع مردمان شدید البطش چه کارهائی درجنگ ساخته میشود

بقول پیران ما پیران این آقا نمایهای باواریائی ازچیزی که خوششان میاید قدرت جنگ جوئی ومحاربه است و چنانچه بدقت رفتار وقیافه ایشان دروقتی که بطرف میدان جنگ میروند نگاه کنی که چگونه دسته گلی بنوك کلاه خود آهنی زده وکارد خودرا درچکمه‌ها جاداده اند صدق این مسئله وعقیده مکشوف میشود

مردمان مزبور طبیعتا قوی بنیه ودرشت استخوان وبزندگانی زیر آسمان وصحرا عادت دارند ومعیشت درصحاری میدانها ابدا اذیت نمیکند واین ها که درزمان صلح نیز روزهای تعطیل یکشنبه پیوسته کشتی وکتك کاری را تفریح خود قرار میدهند قطعا برای جنگ جوئی ومحاربات تن بتن ودست بیخه بهترین قشون مهیا شند .

همانوقتیکه من ازمونیخ باراه آهن حرکت کردم عده کثیری نظامی بطرف میدان غرب حرکت کرد و تماما مملو ازهمین سربازهای باوار یائی بود وایشان قشون جدیدی بودند که برای « وژ » و « آلزاس » اعزام میشدند

(بعد)

كذا (الفضل لمن شهدت به الاعداء)

(ژورنال دوپاری) فرانسوی درباب آلمانها چنین مینویسد .

آلجبرا که والاتر وعالی تر صنعتی دردنیا بتواند بصنایع وفنون جنگی بدهد آلمانها بحد افراط آنرا دارا هستند . برای آلمانها تاریکی وروشنائی تقریباً یکی است ومی توان گفت ظلمت شب برای ایشان وجود ندارد وبواسطه نورافکن‌ها آنها درهرمکانی که اراده نمایند شعاع‌های درخشان موشك های نورانی که برای هدایت درشب ومشاهده عملیات خصم لازم است ملحق میشود .

از اروپلان های آلمان درهر کجا که تصور شود مانند ارواح برق سیر حاضر ومهیای کار میباشند وبمجرد آنکه آنها یکی ازمواقع توپخانه مارا کشف نمودند دیگر تکلیف معلوم است وفوراً ازجهان بالای آسمان بتوسط دود سیاه علامات موشکی که ازاروپلان بحرکت می آید آلمانها درست می فهمند که ما در کجا و توپخانه‌ها در چه نقطه است

در ابتدای جنگ ازحیث عرابه‌های برق واتوموبیل های بسیار فوق العاده برتری قوای فنیه واتصالیه مارا مبهوت نمودند وهرچه که راجع به علائم ونشانی ها است در نزد ایشان باخرین سرحد کمال رسیده است خطوط تلگراف وتلفون حتی در یك گروهان کوچك قشون که در یك نقطه دور یا نزدیك باشد وجود دارد وهیچ دسته معدودی نیست که بوسیله آنها باتمام قشون ارتباط نداشته باشد

افواج (سفرمینا) ومهندس ایشان بطوری دارای هرگونه وسایل عملیات ومهیای کارهستند که برای ایشان خراب کردن یکفرسخ خطوط آهن یا راندن پل یا تعمیر ویا کشیدن راه یك کار عادی بسیار سریعی است

دونفر ازنویسندگان نظامی فرانسه تقریباً مضامین شان مساوی است نویسنده معروف (گوستاو هروه) در روزنامه (مجادلات اجتماعی) مینویسد (آلمانها موفق شده‌اند که کشتی های تجارتی انگلیس را در بحر « ارلند » یعنی در ساحل انگلیس که بطرف امریکا است زیرآب زده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1298 of 1786

وتخریب نمایند المجمراه ووسیله آنها در مجاور (لیور پول) خودرا رسانیده اند ! — هنوز برما مجهول است وچیزی که میتوان تشخیص دادان است که آلمانها تحت البحری هائی ساخته ودر صدد ساختن هستند که چنین قوهٔ را بروز داده کمی تواند مواد احتراقیه وترپیل واذوقه وغرات برای یکچنین مسافرتهای بسیار طولانی حمل نماید

بعلاوه آلمانها فوق العاده قوی نجه وزبردست میباشند وقوه فکر واقدام در آنها زیاد است .

مافرانسه‌ها وانگلیسها تاحال خیال میکردیم که مشهور ترین ملل ازاین حیث هستیم وقوه فکر وشروع را منحصر به خویش نموده‌ایم .

در حقیقت قوه تشکیلات وسعی وعمل آلمانهارا نمی‌توانستیم تردید نمائیم لیکن بنظرما ایشان مردمان سنگین وغیر چالاکی آمدند وتصور میکردیم که آلمانها فقط مقلدها بوده ودر اختراعات از ماتقلید می‌نمایند لیکن جسارت عقلانی وقوای مدبر که آلمانرا تا کنون غافل بوده‌ایم .

باین‌دلیل که از اول جنگ تا کنون فقط آلمانها هستند که ازجهت قوای مخترعه را جمع بمهمات وفنون جدیده حربی همه کس را متحیر ساخته اند .

آلمانها اتوموبیل زره پوش جنگی را اختراع کرده ونتایج عمده در این جنگ گرفته . ایك مشاهده می کنیم که روی دریا ودر اقیانوس‌ها عقاید وتصورات قدیمه را زیرپا گذارده ومافرانسه‌ها وانگلیسی‌ها ارباب النوع های دریا بایستی سرمشق از آنها گرفته ومتابعت اختراعات جسارت آمیز ایشان را نمائیم • دانشمند ونویسنده معروف مادام سن للون در روزنامه تان می‌نویسد ! « مافعلا بایك نوع رقیبان نمره اول دنیا سروکار داریم واگر کسی خوب بخواهد بفهمد که باچه زمره مردمانی طرف هستیم بایستی در میدان جنگ رفته وباصاحب منصبان ومتخصصین علم نظام ودانشمندان فنون حربیه صحبت کرده وانوقت اطلاع حاصل نماید که تدارکات جنگی فوق التصور واستراتژی عالی ومحیر العقول آلمانها بچه حد وتاچه درجه فوق العاده است ودر تمام جزئیات وکلیات آلمانها چگونه این نکته‌را مدلل میدارند وچه نوع زیر دستی وچیره گی ایشان فوق هر گونه سعی وعملها میباشد

در هریك از قسمت های صغیر و کبیر در تمام خندقها وصندوق المان هادارای یك دیده بان مخصوص هستند که مامورین کمترین حرکت زمینی وآسمانی مارا مراقب هستند وهیچ حرکتی از ما را آنها پوشیده نیست . آلمانها از بدو جنگ تاحال در تمام مواقع وتحته‌های جنگ هزاران خدعه‌های جنگی بکار برده که همگی نوظهور میباشند

گاهی چنین وانمود مینمایند که میخواهند عقب بنشینند وباین حیله مارا پیش کشیده وسپس صفوف مارا بامیترالیوزهای زیادی که در زیر درختها وتوده های کاه وخاك از انظار مخفی داشته اند درو کرده وخرمن هستی سپاهیان مارا آتش میزنند

چنانچه اگر باین حالت خندقهای آنها را متصرف کردیم بایستی منتظر باشیم که آیا از عقب وجلو مبتلای باران گلوله های آتشبار میترالیوز که برای جاروب کردن واعدام متصرفین جدید هر گوشه مخفی شده نخواهیم شد یا گرچه متقابله در وسط یکی از دالانهای تحت الارضی که بشکل مارپیچ وغیر معلومی ساخته شده بعمل نیامده آنوقت دوچار کمین گاه نمیشویم ویرحانه تمام تازه رسیده گان را تلف نمی‌نمایند !

بمب اندازهای آنها مانند موشکهای احتراقیه ایشان بقدری موثر وشدید العمل است که محتاج بتوضیح نیست .

وقتیکه خیال نمائیم که انگلیسها وروسها وفرانسه‌ها باچه خودپسندی وبی‌فکری به آلمانها تهمت زده وچگونه آلمانهارا بدون استثنا اشخاص بی‌شرف وبی‌وجدان معرفی مینمایند میتوان تصور کرد که این حال چقدر برای جراید فرانسه وانگلیس سخت مشقت دارد که ازروی ناچاری از تمجید عساکر آلمان نمیتوانند خود داری کنند

این است که آلمان که باچهار دولت بزرگ وچندین دولت بی‌جهت کنترسیم جنگ مینماید تفوق وعظمت قوای خویش را بدرجه بعالمیان مشهود داشته است که حتی دشمنان خونی او خویش را مجبور می‌بینند که بلااراده وطوعاً کرهاً از اظهار تعجب وتحسین زبان خودرا نه بندند .

(آلمانها البومین ومواد غذائی را)

کذا میخواهند ازهوا بگیرند

جراید ومجلات علمی آلمان درخصوص کشف محیر العقول جدیدی که بوسیله آن مقدارهای عظیمی (البومین) یعنی ماده غذائی گندم بانشاسته مصنوعی که ازهوا گرفته میشود هیجان مسرت آمیزی دارند

درذیل این عنوان (فتح بزرگ علم آلمان) روزنامه معروف (نوست ناخریش) می نویسد آلمان بوسیله علوم عالیه وقدرت اکتشافات اقتدار ثروتی واقتداری خویش را باوج عظمت رسانیده ووجود مساعی جدی دشمنان که میخواهند این مقام رفیع را ازوی بربایند موقع شایسته خویش را در زیر آفتاب حفظ خواهند کرد . البومین یا ماده غذائی گندم مهمترین عامل حیات انسانی است ومملکت آلمان ازحالا درکار اقدام است که مقادیر بسیار عمده ازان حاصل وبرای اغذیه دوابیکه مانند گاو و گوسفند واسب وغیره مصرف سازد .

ازطرف دیگر (برلیز تاکبلاد) یك مقاله بسیار مبسوطی راجع باین اکتشاف جدید نوشته وسپس این مسئله درپاریس موضوع بحث گردیده وعلمای متخصص فرانسوی درتحت مداقه قرار داده وبعد از تحقیقات بسیاری مسیو (ماری) رئیس دارالعلم علوم عالیه پاریس نظریات وعقاید مجمع علمارا بتفصیل ذیل بروزنامه‌ای چنین ابلاغ نموده است

برلیز تاکبلاد منطبعه برلن خبر میدهد که دارالعلم مواد غذائی آلمان موفق شده است که ازهر چیزی که بخواهد یك نوع غذائی برای حیوانات بسازد که ازصد جزو آن پنجاه قسمت مواد ازته داشته باشد پس از دقتهای لازمه درین عمل معلوم ومکشوف میشود که بطور ساده ولی نادرجائی که شاید فوق التصور دارای عظمت واهمیت باشد ترتیبی کشف کرده باشند که فعلا درهمه جا معمول است یعنی ماده حوضت را که درهرچیز ودر آب وهوا موجود است مبنای این عمل قرار دهند .

همه کس میداند که ماده حوضت را همینکه یك ماده غذائی یا یك امونیاك بوی بدهند میتوان درعوض الکل بیرون آوردن اران بیك طوری آنرا عمل آورده وخشك نمایند که مواد البومین آن کاملا بکار غذا بخورد ولی نه پنجاه قسمت ازصد قسمت بلکه ۴۱ ازقسمت ان ماده البومین خواهد بود

همان طوریکه فعلا می‌توانند مستقیما امونیاك را از ماده آزوت هوا استخراج وبدست آورند معلوم میشود که ادعا وعزم دار العلم غذائی برلن بی اساس نیست واگر نتوانند هرچه میگویند صورت دهند لااقل نصف الصورت بذیر است چونکه تا کنون پیوسته برای ساختن قندچقندر لازم بوده ومعین شده است که ماده قندی فقط درهوا میباشد وبس وحالا زیاده براین دراین موضوع نمی‌خواهیم بحث نمائیم

پس درینصورت حالا دشمنان ما یعنی آلمانها می خواهند عناصر طبیعت را بخدمت خود وا دارند ومقدار های لازم ازاین ماده حاضر سازند وباین مقصود موفق خواهند شد درصورتیکه کار خانجات بزرگ ومتعددی مجاور اردو گاه های خود برای ساختن وبدست آوردن امونیاك ساخته وتناسب باغذای اسب های زیاد قشون چونکه این غذارا آلمانها فعلا برای اسبها وحیوانات خویش می‌خواهند بکاربرند نه برای خود شان دست بکار شوند که مقادیر زیادی تدارك نمایند

یك نکته دیگری باقیست که تذکار آن بی اهمیت نیست عبارت ازاینکه مواد البومین برای غذای اسبان وحیوانات لازم است واگر علما ودانشمندان آلمان بیك وسیله علمی کشف میکردند که مقدار جو وعلوفه که برای اسبان لازم است در یك روز از زمین روئیده میشد حیوانات بیشتر از آنها ممنون می شدند امضا

رئیس عملیات

دار العلم پاریس

ازجراید فرانسه

بیانات اعلیحضرت سلطان عثمانی

دریك تشرف حضوری که درقسطنطنیه بروزنامه نگاران امریکائی مرحمت شده‌بود اعلیحضرت سلطانی بیانات عدیده نموده‌بود ضمن سایر مطالب راجع بعملیات متفقین دردار داانل ومقاصد آنها درمتأثر ساختن دول بی‌طرف . فرمایشات ذیل‌را نموده است :

« نهایت اطمینان رادارم که قوای متفقین هیچوقت قادر بمقهور کردن بوغازهای داردانل نیست

« عملیات دلیرانه که قوای منصوره ما اخیرا وجدیدا درمحاربات بوغاز نموده اند طوری درخشان است که امروز می‌توانم بدنیا بگویم وخاطرجمع دهم که متفقین هرچه‌نمایند ومساعی آنها هراندازه باشد وهرقدر قوه‌بیاورند بالاخره اعتراف مینمایند که مقهور کردن قوای مدافع غیرممکن است

دروازهٔ سلامخانه مبارکه

« روس‌ها انگلیس را مجبور باین اقدام نموده اند لیکن خودشان خواهند فهمید که این خیال چه خطای بزرگی است که بتصور خودشان داردانل وقسطنطنیه رااشغال نمایند فقط برای آنکه بتوانند واردات وصادرات ازروس داخل وخارج نمایند.

لیکن مطلب مهم‌تر برای متفقین کشف میشود که افواج وقوای دفاعیه شجاعت وفدا کاری خودرا بعالمیان ثابت نموده ومعلوم میشود که عساکر عثمانی قابل‌انجام وظیفه خود میباشند

پس‌ازآن سلطان ازرشادتهای نمایان عساکر آلمان وصاحب منصبان آلمان که برای دفاع داردانل جنك می‌نمایند وازلیاقت و قابلیت ذاتی قیصر ویلهلم توصیف نموده وبعدچنین بیان‌می‌نماید .

« خیلی خورسند هستم که روزنامه نگاران امریکائی‌رادراین موقع مشاهده‌می کنم که‌درموقع حملات‌متفقین بداردانل‌خودروزنامه‌نگاران حضور دارند وحقایق امررا بالعیان می بینند .

من بافکار عمومی دول وممالك بی‌طرف خیلی اهمیت میدهم وموقع‌رامغتنم میشمارم که اظهاررضایت از روابط حسنه ازدولی باعثمانی بنمایم

(وضع زندگانی)

در یك تحت‌البحری آلمان فرمانده تحت‌البحری « یو ۱۶ » لیوتنان « هانس » بیك نفر از روزنامه نگاران امریکائی اجازه ملاقات « انترویو » داده و صاحب منصب مزبور در این ملاقات اطلاعات دقیقه راجع به زندگانی کردن درتحت‌البحری واوترتیبات فرورفتن وبیرون آوردن وحمله بدشمن‌را بانفصیلات جالب توجهی شرح داده است که عینا مینگاریم

همین که نزدیك دشمن وکشتی‌های او رسیم باآنکه دریا در تلاطم وطوفان باشد ووضعیات بحری مستلزم گردد فوری زیرآب رفته ودر آنجا بکمال آسایش مراقب کار وفرصت خود میشویم

بدوا که فرو میرویم تمام روزنه‌ها را مسدود وتوسط تلمبه تاحد معینی از فشار هوای خوب داخل محفظه های احتیاطی داخل کرده وتاچند دقیقه بار ومترا (درجه هوا) نگاه می نمائیم که آیا درجه فشار پائین آمده است یانه و همینکه تمام کار ها مرتب و وسایل لازمه مهیا شد زیر آب میرویم

در حینی که زیرآب حرکت مینمائیم یکسکوت شبیه‌مرگی درکشتی و دریا حکم فرماست وموتر الکتریك بدون ذره صدا درکار حرکت است وآب بقدری خوب ناقل صداست که‌چنانچه‌یك‌کشتی روی آب

بالای سرمان نزدیک کشتی ما عبور نماید فورا آب صدای ماشین آنرا بما می رساند و بلا فاصله می فهمیم کشتی در چه فاصله و در کدام طرف ما است

کشتی رانی ما در زیر آب مطلقا توسط نقشه و پرگار میباشد وقتی که خیلی زیر آب میباشیم و مقتضیات دریا مارا مجبور می کند که زیاده از حد معمول تحت آب باشیم هوای کشتی گرم و متعفن میشود و بوی روغن ماشین مخلوط بهوائی گردد و کسانیکه تازه در خدمت داخل شده و کاملا معتاد نشده اند طوری خواب بآنها غلبه می نماید که بزحمت می توانند خود داری نمایند و خیلی باید سعی نمایند که آنهارا خواب نرباید

گاهی بعضی اشخاص کار نکرده در کشتی می بودند که بواسطه عدم اعتیاد در سه روزه اولی که داخل شدند ابدا غذا نخورده و خواب مهلت غذا خوردن را بایشان نمیداد و متدرجا که عادت شدند این حالات برطرف می شود .

باری همینکه هوای دریا طوفانی شد یا آنکه نزدیک قوا و کشتیهای دشمن رسید بایستی برضد آنها داخل عملیات گردیم در آب غوطه ور می شویم و به کسانیکه موقع کشیک خدمتشان نیست حکم میشود که خوابیده یا آنکه مطلقاً راحت نمایند وابداً مداخله در عملیات وزحمت ننمایند زیرا که کار و حرکت اسباب آن است که زیاده استنشاق هوا نموده و اکسیژن هوا را در تنفس زیاد مصرف کنند و مسئله صرفه جوئی از مصرف اکسیژن در کشتی تحت البحری درست مثل آب است که یک آدم تشنه در صحرای بی آب و علف باید حتی الامکان آخر قطره آب خود را احتیاطاً پس انداز کند که مبادا دچار تشنگی مهلک شود .

(جناب عالیجاه محمود خان سرخان اسپور)

حضور اعلیحضرت

نکته دیگر که در تحت البحری محل دقت است مسئله آتش است که بهیچ وجه نبایستی در آنجا آتش روشن کنند چرا که آتش نیز اکسیژن هوا را بدل به کاربن (ذغال) مینماید.

قوه الکتریکی محفظه‌های الکتریکی و برق در کشتی خیلی نفیس است و در صورت لزوم عوض آتش برای طبخ پاره اشیاء میتوان بکار برد. غذای ما در مدت مسافرت و تعقیب جهازات دشمن فقط غذای پخته سرد است که همراه برمیداریم و بطوریکه دیده اید مطبخ و اسباب طبخ یا سالون غذاخوری در کشتیهای تحت البحری نیست . در این سردابه‌های مهیب دریائی که جای بزرگ و تفریحگاهی ندارد من خودم روزی هشت ساعت تمام بایستی در مقابل منشور شعاعی (آلت بلورین دوربینی است که مثل تلسکوب در وسط کشتی تحت البحری قرار گرفته و توسط چندین عدد از همین منشور های شعاعی عکس کشتیهائی که در روی آب است در آن افتاده و کاپیتن از روی آن مشاهده مینماید که در وسط دریا چه خبر و کشتی در کدام طرف است) ایستاده وچشمم در آن کار نماید و بدقت مراقب دریا باشم پس از آنکه مدت تمام وخسته شدم فوری دیگری را بجای خود گذارده و در کمال لذت و میل زیر آب بخواب راحت وخوش میروم و کشتی ما مانند یک گاهواره ملایمی حرکت مینماید و همان حرکت بیشتر اسباب لذت در ربودن خواب میگردد وقت بالا آمدن و قبل از آنکه روی آب بیائیم حکم میدهیم که چند دقیقه همگی ساکت باشند و خوب گوش میدهیم که آیا در اطراف ما و نقاطیکه توسط منشور شعاعی نمیتوان دید آیا کشتی دشمن هست یا نه چرا که آب قدری خوب ناقل صوت است که صدای گردش چرخ کشتیها را از دور مانند یک ناقوس بصداقتی بما میرساند .

از بابت حمله برخصم از قبیل ترپیل زدن با لوله‌های مخصوص یا توپ انداختن آن زیاده براین حکایت نمیکنم و اکتفا مینمایم بانکه اگر کشتی جنگی باشد بی خبر از زیر آب دو سه تا ترپیل که هر یک بیش چهل من دینامیت دارد بطرف او روان کرده و کارش را میسازیم و اگر کشتی غیر مسلح باشد با کمال راحتی روی آب آمده و باهالی اخطار میدهیم که سوار کرجی شوند و بعد در نهایت آسودگی خاطر با گلوله توپ یا نارنجک بقعر آب روانه‌اش می نمائیم

تفصیل محاربهٔ روس و جرمن

۱۹ – و ۲۰ ماه جولای سنه ۱۹۱۵ – خبر لندن در تمام محاذ میدان جنگ روس از ساحل بحر بالتک الی سرحد رومانیه در وسعت یکهزار میل جنگ بسیار سخت جاری است جنرال هندن برگ جرمنی در سمت شمال و جنرال میکنسن در سمت جنوب کماندای فوجهای جرمن را میرانند هردو جنرال های مذکور از هر دو سمت پیش قدمی بسیار بشدت نمودند و فوجهای روسی در اکثر مقامات مجبور شده عقب نشستند – فوج های جرمنی تحت کمان جنرال وان و جیلو بتاریخ ۱۴ ماه حال در علاقه ساحلات بالتک دریای وندا ورا عبور نموده – و از انجا بسرعت تمام پیش قدمی کرده – بساحل شرقی دریای مذکور سنگرهای خود را مستحکم نمودند و الحال از انجا بطرف علاقه توکوم که در مغرب بحیره ریکا – یعنی خلیج ریکا یک مقامی است – پیش قدمی دارند – سپاه روسی مجبور شده مقام ویرزالیبز واقع شمال پولاند را خالی نموده – بطرف همان سنگرهای خود عقب رفتند – که قبل ازین بسیار مستحکم تعمیر کرده شده بودند مگر سپاه جرمن حمله نموده – بتاریخ ۱۶ شهر حال سنگرهای مذکور را قابض شدند و سپاه روسی در بین دریای بیسا – و دریای وسچولا در تمام محاذ بطرف نیرو پس باشند – دولت روس بطریق رسمی اطلاع داده.

که سبب این همه پیش‌قدمی‌های دولت جرمن وپس‌رفتن دولت‌روس این است که دولت جرمن تعداد سپاه خود را در محاذ روسی نسبت بماقبل مضاعف یعنی یک بردو نموده ـ ازین رو افسرهای روسی بقرار مصلحت وقت لازم دانسته ـ فوجهای خودرا ازکنار دریای وسچولا عقب برده ـ ازسرنو مرتب نموده ـ حمله خواهند نمود ـ چنانچه کار روائی مذکور بلامزاحمت غیر بعمل آورده‌میشود ـ برکنار غربی دریای وسچولا پیش قدمی فوجهای جرمن بسیار بسرعت جاری است ازین مقام سپاه روسی بطرف عقب دریای هرنکا در علاقهٔ جنوب زولن پس پا شدند وافسران جرمنی میخواهند ـ که سپاه شان دریای بلندرا عبور نمایند باین طرف دریا خودرا برسانند درین حالت که اکنون ابتداء حمله شان است فوجهای جرمن بسیار علاقهٔ ملک روسی را قبضه نموده‌اند لیکن نقصان بسیار سخت برای سپاه خود ایشان هم رسیده درتمام محاذ میدان جنگ روسی جنگ بسیار خون ریز جاری است اما در دوجا سی وحمله فوجهای جرمن ازحد زیاده دانسته می‌شود ـ یکی درمقام نورتیز جویسک وعلاقه جات و استحکامات دریای نار یودوم در علاقه جات لیلن که باهمیت کلید میدان جنگ را دار است فوجهای جرمن حمله های بسیار سخت نموده ـ موضع بلری واقع محاذ ناربورا قابض شدند ـ وبالخصوص درمحاذ لیلن جنگ بسیار بشدت جاری است سپاه روسی تمام روز حمله های سخت و بشدت سپاه جرنیل میکنسن جرمنی را پس پا نمودند مگرفردا بوقت طلوع آفتاب فوجهای جرمن یک حملهٔ بسیار سخت نموده مقام کرپونستارا قبض شدند ـ ودرتمام علاقه جات مقام مذکور سنگر های خود را مستحکم نمودند و فوجهای استرا باعداز جنگ بسیار شدید وخونریز ـ مقام استوستارا ـ قبضه نمودند ونیز درانجا سنگرهای خود را مستحکم نمودند ـ سپاه روسی قدری عقب رفته درصف دوین سنگرهای خود را استحکام نمودند ـ ونیز درتمام محاذ میدان جنگ گلوله باری بسیار بشدت توپهای کلان دولت جرمن جاری است گویا در محاذ یکهزار میل قیامت برپاست

۱۷ جولائی خبر لندن — ازپرس بطریق سرکاری خبررسیده— که درمیدان جنگ فرانس — جنگ بسیار بشدت جاری است درشمال سوشیر تمام شب گلوله باری توپهای کلان جرمن جاری بود ودر علاقهٔ میری نورلس فوجهای دشمن جرمن یک حمله بسیار بشدت نموده بمهای— دستی استعمال نموده درمقام بوریلی فوجهای جرمن دودفعه حمله‌های بسیار سخت برسنگرهای ملیان نمودند مگر ایشان را پس پا نمودیم درعلاقهٔ ارگون فوجهای جرمن یک حملهٔ بسیار سخت نموده ـ همان سنگررا ـ که قبل ازین ملیان از دست فوجهای دشمن گرفته بودیم دوباره فوجهای دشمن قابض شدند —

۱۹ جولائی خبر شمله بطریق سرکاری رسیده — که سپاه ترک درمقام لحج حمله نموده — سلطان لحج را زخمی نمودند — سلطان مذکوررا درعدن زخمی آورده بالای او عمل جراحی کرده شد مگر نامبرده فوت گردید — این سلطان — که اسمش سرعلی بن احمدعلی المشهور به سلطان عبالی بود — وبسیار دوست وخیرخواه دولت برطانیه گفته میشد چنانچه دولت برطانیه خطابات — کی — سی — آی — ای برای او داده بود و حکومت لحج که درسرحد عدن بطرف یمن یک ملک است بدو تعلق داشت بدست عثمانی درامد فقط

۱۸ جولائی خبر لندن — مبصران جنگ ملیمپیزو گراد — بیان نمودند که از طرف شمال درمحاذ یکصد میل فوجهای جرمن بطرف وارسا بسیار بسرعت پیش قدمی می نمایند این خط محاذ فوجهای روسی درمین — لین های — ملاوا — وارسا ر بلوای — ودریای یسا میباشد — ازین حرکت جارحانه مدعای دولت جرمن است که همین فوجهای که درمحاذ یکصد میل از شمال بطرف وارسا پیشقدمی مینمایند — ازیک طرف وفوجهای گلیشیا — که الحال سپاه مذکور ازین فوج — یکصدو هشتاد میل دور بطرف مشرق میباشند ازدیگر طرف حمله نموده ـ بطرف وارسا پیشقدمی نمایند وقریب وارسا هردو فوج باهم اتصال یافته یک بارگی بروارسا حمله نمایند — وهرقدر فوج وآبادی که درین همین هردو فوج بیاید پامال وبرباد کرده شود — دولت روس — برای مدافعت حملهٔ مذکور کوشش میکند

۲۰ جولائی خبرلندن — ازرپوت افسران جرمنی — درایمستردم معلوم شده که فوجهای جرمن شهر وعلاقه جات وندا اورا فتح کرده قابض شدند — ودولت روس بدون هیچ گونه مزاحمت شهر وملحقات وندا اورا خالی نمودند — وندا و برساحل بحر بالتک قریب خلیج ریکالیک شهر است —

۲۲ جولائی خبرلندن — ازباعث پیشقدمی فوجهای جرمن درملک روسی ودرمعرض خطر آمدن وارسا — وریکا — درتمام ملک روسی بسیار بیقراری واضطراب پیدا شده — اعلان کرده‌شد که درتمام ملک ۲۴ ساعت یعنی یک شبانروز دعا کرده شود چنانچه وقت دعای مذکور ازشش بجه شب سه‌شنبه شروع کرده‌شد — وروز چهارشنبه در گرجهٔ کلان پتروگراد آنقدر هجوم خلائق بود که بقدر کف دست جا دست نمی آمد — مدت ۲۴ ساعت درتمام گرجه‌های ملک روسی مردم دست بدعا بودند — وزنگ‌های گرجه‌ها متواتر آواز می نمودند — باوجود اینکه دران روز گرمی هم ازحد زیاد بود —

۲۲ جولائی خبر لندن — ازپرس بطریق سرکاری خبر رسیده که درمقامات مختلف گلوله باری بسیار سخت دولت جرمن جاری است درمشرق ارگون سپاه جرمن یک حملهٔ بسیار بشدت نموده — وبعد ازجنگ بسیار سخت در گرفتن یک سنگر ملیان کامیاب شدند — جنگ تاحال جاری است —

۲۵ جولائی خبرلندن — یک لنگر جهاز دولت روس ویک لنگر جهاز دولت فرانس و۲۶ لنگر جهازات خودرا که در آخر بحر شمالی درنقل وحرکت بودند — کدام کشتی تحت البحر — دولت جرمن حمله جهازات مذکوررا غرق نموده — دریک جهاز — نه نفر هلاک شدند باقی نفری نجات یافتند —

۲۵ جولائی خبرلندن — درشهر لندن درکلیسای بزرگ یک گروپ معززین بمعهٔ بادشاه دولت برطانیه جمع شده — بجهة فتوحات فوجهای بری و بحری دول متحده — دعا نمودند

۲۶ جولائی خبرلندن — بعداز خاموشی یک هفته — کشتی های تحت البحر دولت جرمن — دوباره حمله نموده — فعل قزاقانهٔ خودرا اجرامینماید چنانچه بتاریخ ۲۲ ماه حال قریب اورکنی یک جهاز روسی را غرق نموده — ودیشب جهاز فرانسه — نام دولت برطانیه را بلااطلاع نشانهٔ تارپیدو ساخته غرق نمود — وسه لنگر جهازات خودرا هم

در بحر سمنتلز غرق نموده و یك جهاز دولت برطانیه را گرفتار کرده — بیرق اورا گرفته — جهازرا غرق نمودند — ودروقت غرق گردیدن جهاز بیرق را حرکت داده — خنده های تمسخر می نمودند —

۱۰ می خبر لندن — یك جهاز کوینی والهلمینا را کدام کشتی آبدوز دولت جرمن در بحر شمال غرق نموده جهاز مذکور بسیار در همراه کشتی آبدوز مقابله نمود مگر از باعث کم رفتاری از کشتی آبدوز گریخته نتوانست افسر کشتی آبدوز نفری جهاز را مهلت دادند — کهایشان در کشتی ها سوار شدند بعد از ان جهازرا غرق نمود —

۱۰ می خبر لندن — دولت جرمن درباب غرقاب جهاز لوسی‌تینیا — که قبل ازین اورا غرق نموده بود — برای دولت امریکه جواب داده — که دولت جرمن در خصوص غرق گردیدن نفری امریکه در جهاز لوسی تینیا اظهار همدردی نموده ظاهر می نماید — که ذمه‌داری این نقصان عظیم بردولت برطانیه میباشد — بقرار وجوهات ذیل —

۱ دولت برطانیه جرمن را برای کردن این قسم کارها مجبور ساخته — که دولت جرمن جهازات را غرق کند —

۲ تمام جهازات تجارتی دولت برطانیه مسلح میباشد و از غرق نمودن جهازات جرمنی که بدست ایشان برسد دریغ نمی نمایند — ۳ — درجهاز لوسی تینیا پنجهزار وچهار صد بکس‌های کار طوس بار بود — ازین سبب غرق نمودن جهاز مذکور بقاعده جنگ قابل غرق نمودن بود ونیز ملال افسوس می کنیم که مردم امریکه بروعده های انگریزها — که درباب محافظت مردم امریکه کرده اند یقین کرده — برگفته‌ملیان کاهی خیال هم نکردند

۱۱ ماه می سنه ۱۹۱۵ خبر لندن — نامه‌نگاران ملك فرانس بیان دارند که ازساحل دریای ایزر — الی ساحل بحر سمندر درتعداد هفتاد میل جنگ بسیار شدید جاریست — چنان معلوم می‌شود — که جرمن ها برای بدست آوردن بندرگاه کیلی کوشش بلیغ می نمایند — درین جنگ از طرفین بسیار نفری کشته و زخمی شده اند روز شنبه جرمنها — بالای ایزر اینقدر بشدت گوله باری نمودند — که قبل ازین کاهی دیده نشده بود و از گوله باری مذکور سنگر های فوج برطانیه زیر وزبر شده ودرحالت مجبوری فوج های برطانیه سنگر های خود را خالی نمودند — چون جرمنها به جمعیت کثیر پیش قدمی نمودند افواج برطانیه حمله نموده بسیاری شان کشته باقمانده شان پس پاشدند —

۱۰ می خبر لندن از ایمستردم ملك هالند خبر رسیده — که قیصر جرمنی در میدان جنگ گلیشیا بذات خود آمده کیفیت جنگ را بچشم خود ملاحظه نموده — چنانچه در جنگ یك دسته سپاهیان گارد خود او موجود بود —

۷ جون سنه ۱۹۱۵ خبر پیترو گراد — جرمن‌ها در مقام راوکا — اینقدر بشدت استعمال گاس مهلك را نمودند که در تمام علاقه جات دور ونزدیك هیچ ذیروح از اثر مهلك آن محفوظ نمانده — وجمیع حیوانات علاقه مذکور وبه تعداد کثیر زنها وکودکهای خورد سال هلاك شده اند اسپ های کثرت یعنی بار برداری افواج روس بعضی ریسمان و قیضه ها را شکستانده فرار نمودند وبعضی همانجا هلاك شدند —

۱۳ — می — خبر لندن — دولت جرمن درمیدان جنگ فرانس — در بسیاری جاها برچه‌های فولادی — که نوکهای آن ها بسیار تیز است در زمین بقسمی نصب کرده — که خود او درزمین دفن و نوك تیز آن اززمین بیرون است — که هر که اسپ ویا آدم از سرآنها بگذرند — زخم بسیار مهلك برای شان میرسد — واین قسم برچه ها را اگر در کدر که دول متحده نصب کرده‌اند —

۲۲ می — خبر لندن — یك ریل کادی اسپیشل یعنی ضروری که درین آن چهار ده نفر افسر وچهارصد وشصت وپنج نفر سپاهی از افواج دولت برطانیه سوار بودند وبطرف میدان جنگ می رفتند قریب استیشن لاتل واقع ملك انگلستان همراه یك ریل کادی مستمری که درین آن مردم رعایا سوار بودند تصادم نموده هردو ریل کادیها تکه تکه شدند درین ضمن یك ریل کادی ایکس پریش یعنی خاص از طرف دیگر آمده همراه هردو کادی شکسته تصادم نمود وهرسه ریل کادیها تکه تکه شده مشتعل شد بسیار یك نظاره درد ناك آتشین بود بعدها نفر زنده ومرده و زخمی دران می سوختند وعلاجی ازدست کسی نمی شد چون حاضری سپاهیان مذکور دیده شد از جمله ۴۶۵ نفر سپاهی و ۱۴ نفر افسر ۹۶ نفر باقی مانده بودند دیگر همه گی هلاك شدند —

(آخرترین خبرها)

لندن ۲۰ ماه جولائی —

خبر پترو گرید مظهر است که جنگ برای فتح وارساه نهایت شدت جاری است — وجرمن ها با وجود نقصان کثیر پیشقدمی کرده میروند — جرمن ها قریه باری را گرفتند وبمقام گراوستا متصرف شدند.

لندن ۲۰ ماه جولائی — ۷ رمضان —

در پترو گرید بطور رسمی اعلان شده که بتاریخ ۱۹ ماه جولائی درعلاقه شیولی پیشقدمی جرمن ها جاری بود — ودر علاقه سوکال جرمن‌ها و استروی ها بسیار زور آورده اند — از جنرل هندن برك دربترو گرید بسیار مایوسی رخ نموده است —

شنبه ۲۱ ماه جولائی ۸ رمضان —

اطلاع ذیل ازطرف وزیر هند به وایسرای رسیده است — پیش قدمی استریا وجرمن بر کل خط مخاذ و برقیست — وجرمن‌ها مقام ونداوارا گرفته اند — وفوج روس پسپا شده دریای ناریورا عبور نموده است و دشمن دریای بك را عبور کرده — بشدت جنگ میکند — وفوج ایطالیه درعلاقهٔ آسونزو پیشقدمی نکرده ویك جهاز جنگی ایطالیه دربحیرهٔ ایدریاتك غرق شده است فقط —

امید تازه قیصر جرمنی —

لندن ۲۱ ماه جولائی ۸ رمضان —

قیصر جرمن ملك خود را بمقام پوسن خواسته است وعوام‌الناس خیال دارند که قیصر دراین انتظار است که چون وارسا مسخر شود — بحیثیت فاتح در آن داخل گردد —

لندن ۲۱ ماه جولائی —

مستر بونرلا در دارالعوام بیان کرد که حالت افریقه مشرقی برعکس فتوحات افریقه جنوبی وشرقی و توکولیند وکیمرون بسیار خراب است —

شنبه ۲۲ ماه جولائی — ۹ رمضان

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1303 of 1786

تلگراف ذیل از طرف وزیر هندوستان وایسرای موصول شده است ـ حمله‌های جارحانهٔ جرمن تا حال جاری میباشند و در صوبه بالتك جرمن رو به رفیست و در مشرق توکوم روس جانب ریکا پسپا شده است و عراو بیان جرمن در شمال سکرودس وپیا جرمن بسیار استحکامات روسیه را گرفته و بر قلعه‌های مستحکم مقام اوستزو لنکا قابض شده است احوال جدید که از جرمنی موصول شده مظهر است که جرمن تا مقام بلونی گرجك که از وارسا ده میل میباشد پیشقدمی نموده ولی زورا ورا که استحکامات روسی میباشد رسیده است و جرنیل واز سیچ روسیان را از استحکامات جنگی که در جنوب وارسا میباشند کشیده وفوج سواره او به برینده رسیده لیکن روسیان محض همین قدر می گویند که دشمن با احتیاط تمام به استحکامات جدید خود میرسد فقط ـ

پیشقدمی متواتر افواج جرمن بر کل محاذ ـ

لندن ۱۹ ماه جولائی — ٦ رمضان —

جنك شدید بر کل محاذ روسی از بحیرهٔ بالتك الی بسارا بیا که یکهزار میل درازی دارد جاری است — جرنیل وان هندبن برك درحصه شمال وجرنیل میکنسن درحصه جنوبی روز پنجشنبه گذشته برای حمله جارحانه عمومی حکم دادند — واطلاعات رسمی روس تصدیق می کنند که افواج روس پسپاشده به خندق های که پیشتر تیار کرده بودند عقب رفتند — اخبار روس وجرمن درباب مقابله های افواج سواره درصوبجات بالتك متفق اند — ودرصوبجات مذکور جرنیل وان بلو (جرمنی) دریای وندا وارا عبور نموده طرف شمال وجنوبی بندرگاه میتاو پیشقدمی مینماید ـ وشدید ترین حمله‌های جرمن درعلاقه راسنا ز جاری میباشد روسیان اعتراف می کنند که آنها بر پسپائی طرف دریای ناریف مجبور شده اند لهذا ترتیب جدید افواج بر کنار چپ دریای وسچولا ضروری بود — جرنیل میکنسن روز شنبه قریب مقام واتکولاز که بطرف جنوب لبلن ومابین دریای وسچولا وبك واقع است حمله شدید آورده وروسیان در وقت شب مجبوراً بطرف شمال پسپا شدند —

غرق کشتی جنگی ایتالی

بتاریخ ۱۸ ماه جولائی یکدسته چهار جهاز زره پوش ایتالی بر راه آهن بندرگاه کتزوکاوله باری کردند ـ ووقت پسپائی یك کشتی زیر بحر اوستریا حمله کرده جهاز جنگی بزرك گرباالدی نام ایتالی را غرق نمود —

تلفات

درباب تلفات افواج بحری وبری انگریز در در دانیال تا آخر ماه جون وزیر اعظم انگلستان به دار العوام اطلاع ذیل داده است ـ

افسران مقتول ومجروح —

مقتول ٥٤۱ نفر ـ مجروح ۱۲٥۸ نفر ـ مفقود الخبر ـ ۱۳٥ نفر ـ

سپاهیان مقتول ومجروح

مقتول ۷٥٤۳ نفر ـ مجروح ۲٥٥٥۷ ـ مفقود الخبر ۷٤۰۱ نفر ـ

مجموع

مقتول ۸۰۸٤ نفر ـ مجروح ۲۹۸۱٤ ـ مفقود الخبر ۷٥۳٦ نفر ـ

اخراجات جنگ

لندن ۲۰ ماه جولائی ۷ رمضان —

وزیر اعظم از دار العوام پانزده کرور پوند برای مصارف جنگ طلب نموده است ـ اگر این مصارف منظور گردید کل مصارف جنگ انگلستان به یکهزار ویك کرور وبیست لك پوند خواهد رسید فقط ـ

حوادث جنگ

راه خشکه

مسؤلین حمله دار دانل را می خواهند

روزنامه (اروح) فرانس درمقاله جالب توجهی می نویسد این مسئله محقق گردیده است که عملیات بر علیه دار دانل را قبلا خوب حساب نکرده بودند وبدون مطالعه داخل چنین عملیات بزرگی گردیدیم ، بواسطه عدم موفقیت چندی حملات متزلزل شد لیکن دو مرتبه باز هم باهمان فقدان پیش بینی شروع کردند ، برای چه؟ عده از بهترین جهازات جنگی وسربازان فرانسه را بایستی درتحته سنك های خارجه وآبهای دار دانل فدا کنیم ونتیجه نبریم .

ما فقط سرداران خویش را تنقید نمی کنیم لیکن از حالا آنها اخطار می کنیم که یك روزی درصدد تفحص مسؤلین آن برخواهیم آمد

چنانچه قضا وقدر وپیش آمد های اجباری قابل عفو باشند ملت بهیچوجه نمی تواند لاقیدی را نیز عفو نماید .

مطبوعات آلمان درباب ایطالی

مطبوعات آلمان بایك هیجان تنفر آمیزی عهد شکنی ایطالی را موضوع بحث قرار داده وبدولت خویش توصیه می نمایند که شدیدترین اقدامات را آلمان برای کیفر چنین ست عنصری دربار « رم » بایستی اتخاذ نماید ولهجه ایشان چنین است :

ملت ایطالی میتواند از کاینه « سالاندرا » تشکر نماید که آن ملت را درانظار تمام دنیا ملبس به لباس خجلت نموده ومانند یك نابکاری وخائنی جلوه داده است که میخواهد با کال بی غیرتی دستی را که نهایت صداقت بحوبه بوی پیشنهاد کرده باخنجر شقاوت قطع سازد وایطالی را ملتی معرفی نموده است که دولت خود را باپول به دشمنانش فروخته است بلی تابلو وعلامت مغازه دزدان بی شرف همین است .

(سالاندرا رئیس الوزرا) و (سونی نو وزیر امور خارجه) خیانت بدولت خود نمودند وخون او لادان مملکت را در ازای پول بالجانب فروختند ، اخلاق سارقین تمایلات ایطالی را اداره میکند ووی را بسوی سفاهت ورذالت آمیزترین جنك کنونی سوق میدهد :

ایطالی در مدت مدا کرات سابقه خویش با اطریش مثل زودا که بخیانت مسیح را بدشمنان فروخت برای مزد نامشروع سخن میراند ومتعجب درآن است که چنین قطاع الطریق که خود را با اشخاص باشرف مخلوط نموده اند در صورتیکه خودشان شرافت وحرمت نفس را زیرپا انداخته‌اند مردم مسئله شرف واعتبار را دریش میکشند ! .

(راجع بمصر)

سکوت از اوضاع مصر چه در اخبار روزنه چه در ابلاغیه ها موجب شده بود که بعضی تصور می کردند عثمانیها از خیال آنجا منصرف شده‌اند ولی در ۲ جمادی الاخری اعلان افتتاح خط راه آهن شعبه مصر در طول هشتاد کیلومتر داده وبرای حمل مسافر ومال التجاره تا دمشق وقدس ترنها را حاضر کردند .

معلوم شد علت سکوت تدارك مقدمات کار بوده است .

تقریبا این اعلان مصادف بود با اعلان دیگری که دولت عثمانی بدول بیطرف درباب تصمیم عملیات در کانال سوئز داده و مسئولیت خسارات وارده را بفرانسه و انگلیس نسبت داده بود .

از جراید استانبول

۲۶ مه ـ کروازور فرانسه (ژول میشل) که با قایق زورك توپ دار می خواست قشون پیاده نماید ، قایق با سربازان وقورخانه اسیر عساکر عثمانی گردید .

۳۱ مه ـ در حملات اخیره عثمانیها در اری بورنو صد نفر مقتول دشمن در میدان باقی ماند و عده کثیری کشته در دریا بود و در جلو قومش اطه یك زره پوش فرانسوی و کشتی نقلیه دشمن دوچار آتش گلوله های توپخانه عثمانی شد

۵ ژون ـ در اطه تردکری تحت البحری عثمانی یك کشتی زورك دشمن را باتورپیل غرق کرد و در جوار ارض روم بواسطه تورپیل دیگر یك فروند کشتی خصم بکلی متلاشی شد

۶ ژون ـ محاربات شدیده در منطقه سدالبحر بموفقیت کامله عثمانیان خاتمه یافته قورخانه زیادی با ۱۷ میترالیوز نصیب عساکر ما شد

بواسطه شلیك توپهای آری بورنو یکی از جهازات دشمن محترق وما بقی بعجله فرار کردند .

ابلاغیه های انگلیس و فرانسه که از عثمانیها چهار صد اسیر گرفته اند بالکل دروغ است و یك نفر اسیر نداده ایم و بالعکس از پانزده هزار نفر متجاوز دشمن تلفات داشت بنا بهزیمت رفتند و نتوانستند مقتولین را از میدان بدر برند و از ۱۷ میترالیوز که ما گرفته ایم اسم نبرده اند

۱۱ ژون ـ در فرونت قفقاز اردوی روس می خواست بطرف اولتی هجوم برد لیکن حملات شدید عثمانیها آنها را عقب نشاند و مواقع آنان را متصرف گردید .

در بحر سیاه جهاز عثمانی « مدلی » با دو کشتی جنگی روس مصادف شد یکی را غرق و دیگری را خراب کرد که بزحمت توانست فرار نماید .

ابلاغیه رسمی آلمان مورخه ۲۱ مه مشعر است بر اینکه مجموع عده اسرائی که تا ماه آوریل در دست آلمان و اطریش گرفتار هستند بترتیب ذیل میباشد .

روسی	۱۰۰۰۱۷۰٬۰۰۰
فرانسوی	۲۵۴٬۰۰۰
انگلیسی	۲۴٬۰۰۰
بلژیکی	۴۰٬۰۰۰
صربی	۵۰۰۰۰
جمعاً	۱٬۳۸۵٬۰۰۰

عده تلفات روسی از ابتدای جنگ
تا ماه آوریل

در روزنامه رسمی روس آنکه از وزرای عمومی دولت روسیه انتشار میدهد که تلفات روسیه تا ماه آوریل تقریباً چهار ملیون نفر بوده است .

تلفات بحری انگلیس

موافق معلومات اداره بحری امریکا دولت انگلیس در ماههای اوایل جنگ ۴۳ فروند کشتی جنگی از دست داده است غیر از کشتیهای معاون کروازور و جهازات تجارتی

توپهائیکه آلمان بغنیمت برده

بر حسب یك فقره صورت رسمی که در برلن اشاعه یافته است عده توپهائی که قشون آلمان تا اول آوریل از دشمن در جنگ بغنیمت گرفته است ۵۵۱۰ عراده میباشند که صورت جزو آنها از دول متخاصمه چنین است

از بلژیك	۳۳۰۰ عراده
از فرانسه	۱۳۰۰ عراده
از روس	۸۵۰ عراده
از انگلیس	۷۰ عراده

مقدار کثیری از همین توپها خوب و قابل استعمال هستند وامروزه با کمال فایده بر ضد متفقین در جنگ ها بکار میروند .

(فتح ، وارسا)

« وارسا » عظیم ترین شهر جنگی روس غربی است و مرکز مهمات و انبارهای افواج روسی بود . عموما آن قلعه درجه اول جنگی میشمارند درون حدود شهر برکنار چپ دریای وسچولا ۵ قلعه حلقه زده اند و ۱۰ قلعه از طرف بیرون حلقه زده اند و هفت قلعه که بطرف راست دریای وسچولاست علاوه بر اینها بوده اینها ، قلعه ها بفاصله ۵ میل از شهر میباشند این قلعه ها به ۱۴۰۰ توپ مسلح بودند . روس ها وقت رفتن از وارسا همه پلها و سامان (۱) حربیه را آتش زدند و بسیار جاها را خراب کردند

(منظره بازگشتن روس ها)

وچون افواج روس ها از وارسا واپس میرفتند ، و وارسا را خالی کردند در راه مردم بسیر آنها آمده بودند . و با افواج بصداهای بلند میگفتند پس آمدند پس آمدند و افواج در جواب آنها گفت . مطمئن باشید که عنقریب از همین راه وارسا برای فتح برلین خواهیم رفت !!!....

(نظارهٔ برلین بشنیدن فتح وارسا)

قیصر بمملکت خود بذریعه تیلیفون خبر وارسا را فرستاد ، قیصر به جنرال کل کماندر برلین را حکم داد که در برلین بایسکل سوارها برای رسانیدن و انتشار خبر فتح وارسا فرستاده شود حسب الحکم بایسکل سواران در بازارهای برلین رفته واعلان تخلیهٔ وارسا را می نمودند و در هر کوچه گشته جیغ میزدند مردم برلین و پولیس ها یکدیگر را بوسه میکردند نظاره های پر جوش و خروش ایجاد که بتحریر نمی آید ، مردم بیرقهای ملی را می بر آوردند . مدرسه ها بند شدند . کلیساها با آواز ناقوسها همهمه برپا کردند ، بر خانه ها بیرق ها بلند شد . اخبارات علاوه های مخصوص طبع و نشر کردند . مردم برای خریدن آنها بجوش و خروش می آمدند

(وارسا چه حال دارد)

جرمنی ها میگویند که ما روس ها را پیش از آنکه حلقه استحکامات را ضرر رسانده بتواند مجبور بفرار کردیم

روس ها میگویند که هیچ چیز در وارسا درست نمانده است پلها برباد شد انتظامات آبرسانی بسبب کشیدن نلها خراب شد اکثر نفری از شهر برآمدند ، کارخانه ها محو شد ، مردم مالهای خود را در گاریها انداخته از شهر برآمدند سلسله تلگرام خراب شد . افواج جرمنی وقتیکه بشهر می درآمدند غیر از آتش و خاکباد چیزی دیده نتوانستند ،

مگر کتب خانه عظیم الشان که در وارسا بود کاملا بدست جرمنی ها آمده است که روس ها آنرا نقل داده نتوانستند

در چاپخانهٔ حروفی دار السلطنه کابل طبع گردید

هر مقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر و سر محرر تحریر یافته

محمود طرزی

(اعلان)

پراکنده

از آثار مطبوعهٔ تازهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت، وعبارت از یک مجموعهٔ اشعار ابدار تجدد آثاری میباشدکه برکاغذ اعلا، وخوبی طبع‌دلربا، باتصاویر بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است. اگرچه از بحث خط وخال بعید است ولی مضامین وخیالاتش سراسر بیکروتجدداست. نسبت بخوبیهای ظاهری ومعنویش قیمتش خیلی ارزان. یعنی بمقابل (۲) دو روپیهٔ کابلی درخود مطبعهٔ عنایت از نزد عبد الرؤف خان سر مرتب، ودر بازار ارک از دکان باز محمد، ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان غلام محمد هرکس خریده میتواند.

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعه آثار ادبیه را مژده! ازین ثمرهٔ نوبنو رسیدهٔ گلزار «مطبعهٔ عنایت» کام جانرا شیرین نمائید! «جزیرهٔ پنهان» یک ناولیست که قوت علم ومعرفت وسعی وغیرت را برای اساس زندگانی نوع بنی‌بشر بنظر اثبات وجلوه گرمیسازد. هم حکایت، هم عبرت هم‌پند، هم فضیلت! خوبی چاپ، خوبی کاغذ، خوبی تصویرش علاوه. قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان! تنها (٦) شش روپیه محل فروخت نفس مطبعهٔ عنایت در ده افغانان، دکان باز محمد در بازار ارک، دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی.

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد

کتاب سال دوم ... مصور مجلد

کتاب سال سوم ... مصور مجلد

عز و اسلامیت

آیا‌چه باید کرد؟

ادب درفن

توحید

این کتابهای فوقدر اداره مو جوداست. هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کند.

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

	قیمت روپیه کابلی
سیاحت بدوردنیا دور زمین بهشتاد روز مجلد	۲
سیاحت درجو هوا مجلد	۲
سیاحت درزیر بحر مصور مجلد	٤
ازهرچمن سخنی وازهرچمن سمنی مجلد	۲
روضهٔ حکم مجلد	۲

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوق‌را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان از نزد عبد الرؤف سرمرتب واز دکان باز محمد کتابفروش دربازار ارک واز دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی بقیمتهای معینش خریداری کرده میتوانند.

واگر ازخارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوق‌را بکنند بادارهٔ سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند.

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا
یاد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از شکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خودرها نیابیم ممکن نشد لهذا بادا کخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یك مقاوله نموده دا کخانه مشارالیه تقسیم وتوزیع اخبارمارا که بهمه مشترکین کراما برساند درعهدهٔ ذمت خود قبول نمود . مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را تبشیر ویاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای دا کخانه بخود شان میرسد .

شرایط خریداری

دار السلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

هرجائیکه باشد با اجرت پوست

قیمت سالیانه | ده روپیه انکلیزی قیمت ششماهه | شش روپیه انکلیزی

سه ماهه اشتراك قبول نمیشود

یك طلای پوند انکلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

برهمهٔ کار داران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود:

اکر ازیك جا بدیکر جا بروند ویابند میباید که بیك رقعه مدیر وسر محرر را خبر بدهند که من درفلان جا بودم وحال درفلان جا میروم اخبار مرا درانجا بفرستید . هرکاه همچنین یك رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداکرانی که مال تجارتی ، وصنعتکرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند . ویا دیکر حروف اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود برسرهر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واکر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت کرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واکر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت کرفته میشود . طول سطریك ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرکاه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تا یك سال نشر کردن خواهد ووجه یك ساله را پیشکی ادا نماید درورق پشتی از هر سطری ستار اجرت کرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1307 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1308 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1309 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1310 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1312 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1313 of 1786

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1315 of 1786

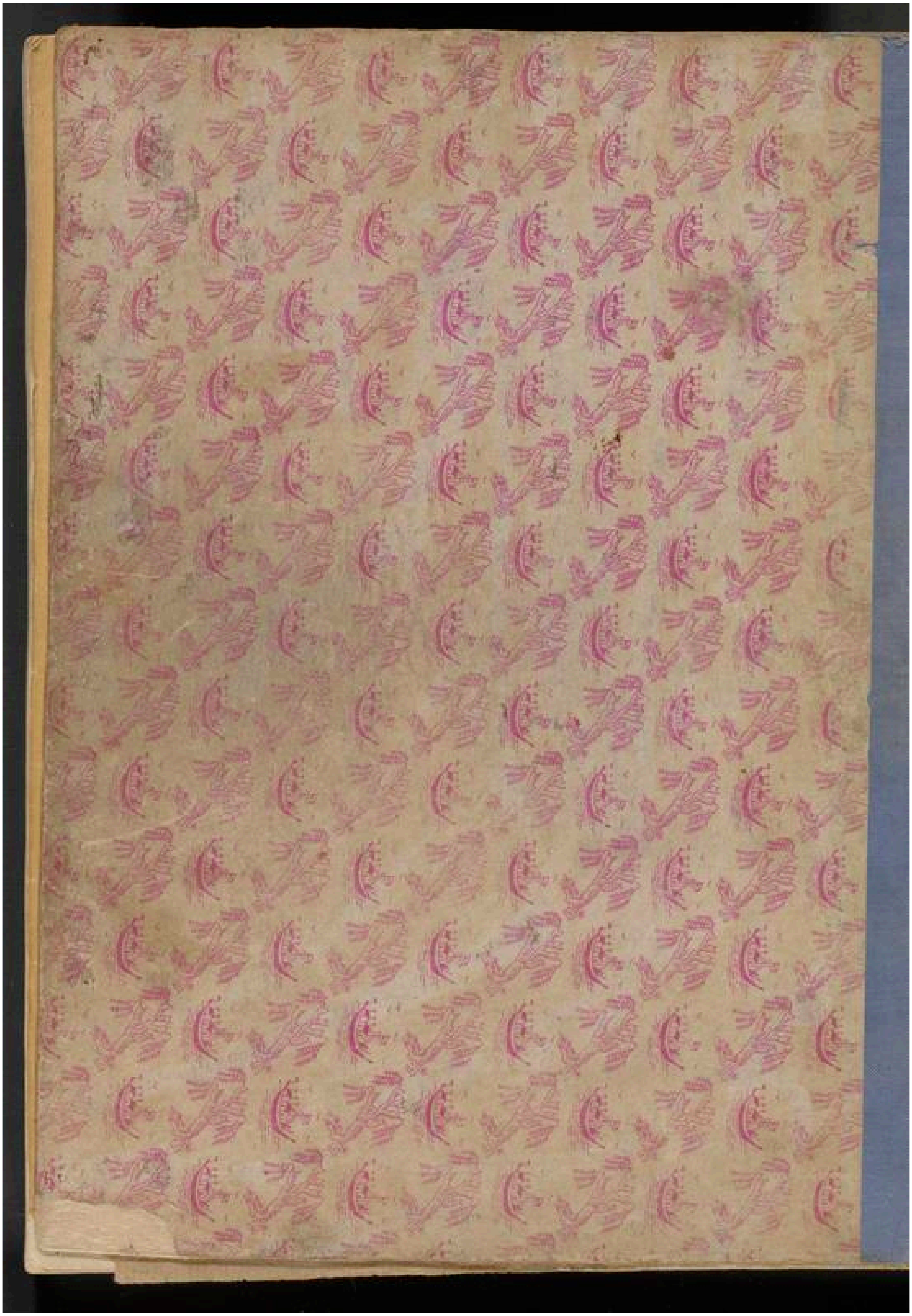

M 200
24/5/82

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1318 of 1786

سراج الاخبار افغانیه
١٣٢٩

سال پنجم

فهرست مندرجات

مقاله افتتاحیه سال پنجم سراج الاخبار افغانیه (

مزایا و ثنایای ذات اعلیحضرت همایونی (

حوادث داخلیه (مراسم دربار روز عید سعید فطر — واقعه بیادی — دوای دفع مرض — از شیرین نویسند —

حوادث خارجیه
تاریخچه جنگ رستخیز اهنک — آخرزین خبرهای جنگ — سپاه ترک — حمله جرمن
روس — یک خطر جدید — سپاهی ترک درمیدان جنگ — فتح وارسا — فواید تلگراف
بی سیم — تفصیل فتح وارسا — نیازنامه جرمن روس —

ایضا حوادث داخلیه (موت فضایل آگاه جناب مولوی عبد الرؤف خان مرحوم

تصاویر
یک تمثال اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان علیه الرحمه و الغفران
تمثال ذات اعلیحضرت ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان علیه الرحمة والغفران
تمثال ذات اعلیحضرت سراج الملة والدین صانه الله عن آفات الزمان —
یک گروپ حشم دربار سردار اکرم حضرت نائب السلطنه صاحب افخم
شهزاده گان جوانبختان معظم حضرت معین السلطنه صاحب و عین الدوله صاحب —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1320 of 1786

اعلان

از منابع پرورشهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین بادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جرنیل کارخانه جات ، ماشین خانهٔ مبارکهٔ دارالسلطنه کابل علاوه ازلباسهای خواص دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه واونیفورمه های عساکر شاهانه وغیره، بعضی دیگر مصنوعات داخلی که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که ازحضور اعلیحضرت همایون حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ، ذیل (دکان عبدالله خان دربازار ارک) میباشد.

(۱) سرجهای پشمینه بافی رنگهای مختلف که قیمت آن ازقرار کرانکلری ۳ فوته مشخص شده، در صندوقخانهٔ جنس هم فروش میرسد

اقسام	قسم اول					قسم دوم					
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم وقدری کلفت قیمت آن ۱۰ پیسه زیادشده	
رقم	کالاساخته نشده	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت		۷ روپیه ۵ پیسه	۶ روپیه ۱۱ پیسه	۶ روپیه ۴۲ پیسه	۵ روپیه ۴۸ پیسه	۶ روپیه	۵ روپیه ۱۸ پیسه	۶ روپیه	۵ روپیه ۱۰ پیسه	۶ روپیه ۱۰ پیسه	۵ روپیه ۲۰ پیسه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار کرانکری | کشمیره چهارخانه ۷ روپیه ۳۵ پیسه | کشمیره رهدار هر رقم ۷ روپیه بیست پیسه

(۲)	جراب ها			(۳) تکه‌های چرمی محراب ومنبردار		
رقم	تکبانکه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج	کلان قدرچین	میانه قدرچین	خورد قدرچین
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه	۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۵۵ پیسه

(۴)	کروره های جدیدساخت			
رقم	زه بافی یک اسپه دو کره دو تاره	زه باف یک اسپه دو کره سه تاره	چرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ چار تارهٔ تخی
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲۴ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۶ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم باف دسته بادامی دولابه	چرم باف دسته دولابه یک اسپه	دسته دولابهٔ یکی چار اسپه	چرم باف عمرکانی
قیمت	۴ روپیه و ۴۸ پیسه	۴ روپیه و ۴۶ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۴۳ پیسه
رقم	قبضه برنجی کلیت نقره توپخانه	قبضه کلیت نقره از چرم ساده توپخانه	زه باف رقم سواری سامی کلیت	زه باف دو تارهٔ رکابی
قیمت	۳ روپیه و ۵۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۷ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵۴ پیسه
رقم	رکابی ازنخ	چرم باف میانه چوب پت زنانه	از زن سواری نخ چرمی	زنانهٔ ابریشمی خیاطه
قیمت	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته بادامی نخ چرمی	دستهٔ دولابه سامی برنجی کلیت نقره	از زن سواری دولابه نخ چرمی کجک دار	چرم باف مابین پت یک اسپه
قیمت	۴ روپیه و ۴۹ پیسه	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

(۵)	اقسام گلهای مصنوعی سر			
قسم	گل چیرین	گل نافرمان	گل ریبه	گل شبو
قیمت	۵ روپیه و ۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۶ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قسم	شگوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل لسترن	چنبیل
قیمت	۷ روپیه و ۴۵ پیسه	۶ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شگوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

(الناشر) (میر محمد هاشم دفتری کار تامینات (کرنیل نظامی)

صحیفه (۱) سال پنجم شمارهٔ (۱)

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
با مصارف داک ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مصارف داک ۱۰ روپیه انگریزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل [illegible] است
(اوراق که درج نشود اعاده نمیشود)

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

ادارهٔ اخبار و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنه (کابل)
همه امورات تحریریه به اداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ ۱۵ شوال ۱۳۳۳ تاریخ انگریزی ۲۷ اگست تاریخ شمسی ۴ سنبله ۱۲۹۴

بسم الله الرحمن الرحیم

مقالهٔ افتتاحیهٔ سال پنجم سراج الاخبار افغانیه

آفریننده لوح و قلم، بخشندهٔ مواد ترکیب، که پیدا کنندهٔ ظهور وجود را از کتم عدم، حضرت خلاق عظیم الشان که شانش بیان اعظم اجل و اعلا را دیارها مقدار حمد و ثنا تقدیم [illegible] بر حضرت سید و سرور اولاد آدم پیغمبر برگزیدهٔ خلاق عالم، هادی و رهبر بنی آدم، رسول اکرم، نبی مکرم محمد مصطفی صلی الله علیه و علی آله و صحبه و بارک و سلم ملیونها ملیون درود و تحایا میفرستیم. آل و اصحاب کرام و پیشوایان دین رضوان الله علیهم اجمعین را تعظیم و تکریم مینمائیم. پادشاه مسلمین، متبوع مقدس افغانیین اعلیحضرت (سراج الملة والدین) را دعا گفته بعرض مقصد میپردازیم:

مقصد از عرض مقصد این است که میخواهم سامعه خراشی [illegible] بیداران دین و هموطنان عزیز خود گردیده عرض کنم که درین زمان بلکه در همهٔ اوان ترقی و تمدن و راحت و سعادت [illegible] انسان در علم و عرفان منحصر است. اگر علم نباشد انسان [illegible] خود را [illegible]. [illegible] را میداند باطل را [illegible] را [illegible] کتاب [illegible] میداند.

اما در اظهار سخن را پوست کنده و صاف صاف میخواهم بگویم. خواه خوش کسی بیاید، خواه نیاید! خواه صحیح داند، خواه غلط. مقصد از علم، همان علمیست که درین زمان نهایه [illegible] جوشن دین و دولت ما، و کشوران وطن و ملت ما گردد. مقصد از علم همان علمیست که از [illegible] پرشرمنده [illegible] ما را خاطر جمع سازد، و بر مسند حرمت و بر فرازی بنشاند. مقصد از علم همان علمیست که از حکومت و احتیاج اجانب ما را مستغنی سازد، و از دفینه های لا تحصا و کنزهای لا یفنای طبیعت توانگر و غنی گرداند. مقصد از علم همان علمیست که آهن را از کف عامه موم کند، و طبقات عالیهٔ هوا را جولانگاه ما گرداند. مقصد از علم همان علمیست که قلعه های آهنین سرحدهای مملکت ما، کله های صد منی دشمنان ما را از تأثیر اندازد، و کله های هزار منی طوپهای ما قوجهای دشمن را از هم شکافد. مقصد از علم همان علمیست که خطهای دراز آهنی مادر یک [illegible] صدها هزار عسکر ما را از یک جا بدیگر جا نقل بدهد، و خطهای تلگراف ما در آن واحد از هر حرکت دشمن ما را خبر رساند.

هزار افسوس که ما آن علمها را علم شیطانی میدانیم، و عمر خود را صرف ما لا یعنی میکنیم. در وقت حاضر علم همین علمهاست که به محافظهٔ اساس اسلامیت خدمت میکند، و بنیادهای قصر دین را از زلزال حادثات این دهر پر آفات نگهبانی مینماید. خروارها علمی که منحصر بر دانستن ترکیب (ضرب زید عمراً)، و فهمیدن قضایای (سالبهٔ جزئیه، موجبهٔ کلیه) و حل کردن (هذا جاز وهذا لا یجوز) مانده باشد، درین عصر و زمان حاضر بدرجهٔ یک سرزده، [illegible] یک فونهٔ فولادی و یک [illegible] منقاله [illegible] بدین محمدی خدمت کرده نمیتواند. [illegible] در مدرسه های بسیار معروف و مشهور اسلام، در مصر و بخارا و هند و ایران وغیره داخل شویم، صدها، طلبه های [illegible] که دوازده سال پانزده سال بتحصیل مشغول شده اند. اما چون بیک نظر [illegible] تحصیل حاصل [illegible] معلوم گردد هیچ چیزی [illegible] نتوانسته اند، [illegible] منحصر [illegible] (دین) برای محافظهٔ خود از [illegible] اعدای دین به آن محتاج است. دولت برای قوت و قدرت خود به آن محتاج است. ملت برای راحت و ثروت و سعادت و آزادی خود به آن محتاج است. وطن برای عمران و تمدن و ترقی و اعلای خود به آن محتاج است. [illegible] و ندیده اند و نخوانده اند!

میگویند که ما پیروان [illegible] سلف خود هستیم، آنها برای ما همچنین علمها را گذاشته اند، و از علمهای که شما میگوئید بحث نرانده اند. بجواب عرض میکنیم که علمای سلف ما رحمهم الله تعالی اجمعین در صدر اول اسلام (علم) را بصورت تام تقدیر کردند، و آنرا یک آلهٔ قوه برای بقا و قوت و قدرت اسلامیت شناخته از یکطرف علوم

دینیه را تدوین ، واز دیگر طرف فنون متنوعه‌را از هرجائی که یافتند ترجمه کردند ، وبیك بیداری وهوشیاری تامی درراه علا وقوام دین کوشش ورزیدند ، وبهر چیزیکه در همان عصر وهمان موقع بیداری شوکت وصلابت دین‌را به آن محتاج یافتند دراسباب سعی وهمت فرمودند وآیندهٔ کاررا به سعی وهمت آیند گان خود ترك نموده از جهان فانی در گذشتند . کثّرالله خیرهم ، ونوّرالله قبورهم .

آینده گان که بعدازان آمدند اگرچه بمحافظهٔ همان مقصد از جدو جهد فارغ نه نشستند ، ولی‌چون بیك‌زمان فساد وشرور تصادف کردند ، وآثار تفرقهٔ طریقه ها وگروه های مختلفه‌را در اسلام مشاهده نمودند اهم را برمهم ترجیح داده تنها بمحافظهٔ موجوده اکتفا ورزیدند . ووراى جلو گیرئ تفرق وتشتت ، دائرهٔ علوم را از توسیع طبیعی آن مانع آمده دریك حد معینی محدود نمودند . لهذا رفته‌رفته در وسعت علوم وفنون یك حال توقف رونما گردید . و نیز چون رقیبهای عالم اسلامیت که عبارت از اروپای اعدا باشد دریك حال نوم وغفلت بودند‌این حال توقف ومحدودیت علوم‌وفنون چندان ضرری نمیرسانید ، بلکه برای رفع بدعتها ، ودفع تفرقه‌ها مفیدهم شمرده میشد .

رفته رفته این حال توقف ومحدودیت به کسالت ورعونت ، ونوم وغفلت مبدل گردید . وطریق تدریس وتدرس بمسائل‌جزئیهٔ تعقیل ازین مد کور گردید مانند (جارّمجرور) و (ضرب‌زید‌عمراً)منحصر ماند که آنهم مبنی برهمین قدر یك مقصدی بود که تانگویند بیکار نشسته‌اند . ووراى نان پیدا کردن یك راهی بدست داشته باشند .

وقتا که دشمنان دین اسلام — یعنی ملل غربیه اوروپا بهبیداری وکار گذاری آمدند ، وبهمان علوم وفنون که در صدر اول اسلام علمای‌اسلام اساس آنهارا وضع کرده بودند چنك تشبث زده عملیات آنرا به استحضارات قوت وثروت تطبیق دادند ، وبواسطهٔ آن قوت وثروت دراساس بنای‌اسلامیت بکلنگهای تامرخنه ها انداختند . علمای کرام اسلام بچنان خواب سنگینی فرورفته بودند که طراقه های هول انگیز آن همه صدمه های پیدرپی هیچ سامعه خراشی بیداری شان نگردید . بلکه آن زلزله های شدیده را عبارت ازیك جنبش گهوارهٔ آسایش استراحت خود پنداشتند .

روی سخن ما بهمه علمای کرام اسلام است . زیرا ورثهٔ انبیای عظام علیهم‌السلام ، وسکاندار کشتئ امت ناجیهٔ حضرت خیرالانام علیه‌الصلوة والسلام ایشانند . این عصر واین زمان به اعصار سالفهٔ یعنی وپیدشتی مشابهت ندارد . ازبدیهیات انکار نباید کرد . آیامدافعهٔ این آلات ناریه ، واین صواعق مدهشهٔ سماویه ، واینهمه اختراعات عجیبه وغریبه که دیده وشنیده میشود بجز حاضر کردن همان گونه اسباب متقابله ممکن میشود ؟ بایك قوهٔ سمعی که ازیك گوشه‌مرا تادیگر گوشه‌مرا شنوانیده‌املاك باشد بایك گوشی که در ظرف یك ثانیه از امریکه آسیا صدارا بشنود برابری کرده میتواند ؟ آیارفتار شتر بارفتار عرابهٔ موتر ، وبار برداری وسرعت عرابهٔ کراچی باقطار های راه آهن همسری کرده میتواند ؟ آیاطوپهای که قطر دهن شان از سه چارانچ تجاوز نکند باطوپهای که قطر دهن آن تاشصت انچ میرسد ، ویك گلهٔ آن خرواری را تامسافهٔ ۳۰ میل پرتاب میکند پیش قدمی کرده میتواند ؟

علمای کرام‌خواهند گفت : — « که‌جهت تعلق‌امتحان یا چیست که‌این اخبار والای هرروزه‌دراخلاق خود‌دراهمیدرد ومغزمرامیخورد ؟» . عرض‌میکنیم که‌جهت‌تعلق امتحان‌به (علم) است ،ودعوهٔ‌علما راجعست .

ما نمیگوئیم که علمای ما‌ریل بسازند . یاطوپ ! ولیکن چیزیکه وجیبهٔ عالی علمای کرام ترتب میکند این است که عموم‌را تشویق کنند ، تحریك نمایند . فتواها دهند . اجتهادها فرمایند . تااین‌چیزهارا بوجود آورند ، واین چیزها بوجود نمی‌آید مگر به افزونیٔ مکتبهای که‌علمای آموختن وبوجود آوردن اینچیزها دران خوانده شود . معلوم است که ریلها ، تلگرافها ، بالونها ، زره کشتیها ، اوروپلانها ، زیپلینها ، تحت البحرها ، فوق البحرها ، تحت‌الارضها ، فوق الهواها ، بومبهها ، گلهها ، غازها ، دردها ، بلاها وچهاوچها در زمانهای سلف نبود که‌علمای سلف مارحمهم‌الله ازانها بحث وبیان میراندند! این علمهای جدید است که مخصوص عصر‌جدید است . جبر ، هندسه ، حساب ، ریاضیات ، طبیعیات ، فزیك ، شیمیك ، میکانیك ، جغرافی ، قوزمو غرافی ، زه‌ئولوژی ، دیپلوماسی وغیره‌وغیره علمهاییست که‌غربیون‌اساسات آنرا ازشرقیون گرفته‌وترقی‌داده‌داده آلههای‌غالبیت مظفریت ، سیادت ، حاکمیت خود ساخته‌و کامیاب آمدند . باوجود اینهم که‌اینهارا علمهای جدید گفتیم . اما اعتقاد واعتماد وایمان کامل ما‌این است که قرآن عظیم‌الشان‌ما (کتاب قدیم) است . وهیچ رطب‌ویابس نیست که‌دران نباشد . همهٔ اینچیزها تنگ مد کور گردید . وعلمای‌ها چیزهای دیگری که‌زبان انسان از بیان آن‌عاجز است همگی در زیر کلمهٔ‌مقدسهٔ (حکمت) مستور ومضمور است . حکمت ، آنچنانیك کنز عظیم لایفنا ، ووسعت جسیم عطا‌ئیست که‌چون بکسی احسان‌وعطا فرموده شود (خیر کثیر) به اواحسان میشود . (۱) کثیر‌را به قلیل ، کلیات‌را بجزئیات ترجیح نباید کرد . بزرگترین ووافرترین خیرها حفظ‌وصیانت (دین) است از پامال شدن ومحکوم ماندن به احکام دیگر‌دین . حال آنکه‌اعلمای‌این عصر وزمان وقت‌حاضر محافظهٔ اساس‌وبنیاد دین‌را بتحصیل (حکمت) منحصر داشته . ازهمه‌خوشترانکه : حکمت ، یك‌مال گمشدهٔ‌مسلمانهاست که‌در هرجا بیابند باید بگیرند . (۲) افسوس که‌ما در نگرفتن آن وارا نمودن ازان کوشش میورزیم ! دردین‌هم هیچ شبهه نداریم وایمان کامل داریم که‌دین ، دین خداوند تعالی‌است . محافظ او‌هم ذات پاك او سبحانه‌جل وعلااست (۳) ولیکن مارا نیز بمحافظهٔ آن مأمور فرموده وبه بسیار آیات کریمه‌تاکید فرموده . ما اگردست وپای بسته بنشینیم ، وهیچ تشبث واقدامی دراسباب نکنیم عجبا این تو کل ما کی پسندیدهٔ ذات‌اقدس باشد . اگرچه « حکمت » را انواع نوع تفسیر کرده اند . ولی‌جمهور علما دانش‌را عین‌حکمت گفته‌اند . دانش ، علم ، معرفت ، حکمت همه‌یك نقطه‌سرمیزند . واگر « حکمت » تنها بزهد وتقوا وعبادات منحصر تفسیر شود ، دراینحال بسیار احادیث منیفه میبینیم که فضیلت‌علم برفضیلت عبادت ترجیح داده شده است (٤)

والحاصل این چهار سال کامل شد که سراج‌الاخبار افغانیه در خصوصیها ازتحریر وتقریر وا نه ایستاد . تاآنکه سال‌چهارم خود‌را باتجام رسانیده بسال پنجم قدم‌نهاد . فریادها . فغانها . ناله‌ها کرد . امااز دهنش براهده بجائش در آمد ! این است که‌درین بار مقالهٔ افتتاحیه خود را

---

(۱) درقرآن کریم میفرماید :— « یؤتی الحکمة من یشاء ومن یؤت الحکمة فقداوتی خیراً کثیرا » . (۲) حدیث شریف است : « الحکمة ضالة المؤمن اخذها اینما وجدها » . (۳) آیهٔ کریمه : — « انا نزلنا الذکر وانا له لحافظون » . (٤) حدیث شریف : — « فضل العلم احب الی من فضل العبادة وخیردینکم الورع » . دیگر : — « طلب العلم ساعة خیرمن قیام لیلة ، وطلب العلم خیرمن صیام ثلاثة اشهر » .

واینچنین یکبار نامهٔ تحویل داده برجرأت استرحام ازعلمای کرام مجبور گردید. زیراه جراید و ، جریده‌نگاران ، بانام دیگر اخبارها ، و ، اخبار والاها ، آن اهمیت وعزت واعتباری را که امروزه روز درعالم مدنیت حائز میباشند ، درنظر زعمای عشر عشیر آنرا هنوز پیدا نکرده است . بلکه اگر بگوئیم که درنزد بعضی موجب نفرت واحتقار هم باشد جادارد !

ای علمای کرام ! ای ورثهٔ انبیاء عظام ! وقت میگذرد ، تهلکه روز بروز می‌افزاید . بارشاد ، باجتهاد همت فرمائید . بتحصیل علومی که بمحافظهٔ اساس اسلامیت خدمت کند ، وبواجبات ولوازمات عصر وزمان موافق ومطابق باشد عموم ملت را شوق بدهید . رغبت افزائید . رهبری فرمائید . این علوم شرعیهٔ موجودهٔ که بتعلیم وتعلم آن مشغولیم بمحافظه ونگهبانی بنیاد واساس قصر مشید اسلامیت در چنین عصر پر آشوب وفتن . ازشر دشمنان دین براوکی خدمت بتواند . علومی که بمحافظهٔ بنیاد قصر دین خدمت میکند علوم حاضر ساختن آلات مدافعه است که مذکور گردید . وعلوم متداولهٔ ما متعلق نقش وزینت آن بناست . لهذا بنا بر قاعدهٔ حکمیهٔ « ثبت العرش ثم النقش » میباید که اول اساس وبنیاد قصر اسلامیت را از خلل محافظه ووقایه نمائیم وبعد ازان بتزئینات ونقوشات وترتیبات داخل آن بپردازیم . لاسمح الله . العیاذ بالله ! اگر ملل غربیه اصرار ازین کردار قیامت آثاری که درینوقت بآن گرفتار آمده اند . یکبار رهائی یافته بجبرهٔ مافات ازدست داده گیهای خودشان درصدد بدست آوردن ممالک شرقیهٔ اسلامیه آغاز کنند . آیا در آنوقت ترکیب وضرب زید عمر آنرا بهرکه خواهیم فهمانید . جارمجرور را بهرکه خواهیم شنوانید ؟ درینوقت علمی لازم است که برای محافظهٔ دین ، دولت ، ملت ، وطن ماقلعه‌های آهنین واستحکام های آتشین بکند . علمی لازم است که همه مارا عسکر تعلیم یافتهٔ مسلحه بسازد . علمی لازم است که از هرچیزی برای ما زر بکشد ، ـ کیمیا از جهاتی باز کند :: وقتا کیمیا گری بگذشت ورفت ، . علمی لازم است که پاهای مارا سرعت قوت برق بخشد ، ـ عصر عصر موتر وریل است وبرق :: گامهای اشتری بگذشت ورفت ، . علمی لازم است که مارا هوا پرواز ساخته بدشمنان ما به آتشباری وادارد . ـ شدهوا جولانگه نوع بشر :: وقت زیالو ری بگذشت ورفت ، . علمی لازم است که گوشهای مارا آنچنان تیز کند که درآن واحد صدای غرب وشرق را بشنوند ـ . سیم آهن درسخن آمد زبرق :: تیلفون بشنو کری بگذشت ورفت ، . تاتوجه عمومی بتحصیل این علوم نشود تمکن پیشرفت آن نیست . توجه عمومی بدوعطیا ، اجتهادها ، تشویقها ، ترغیبهای علمای کرام وابسته است . صحیفه‌های « سراج‌الاخبار افغانیه » برای مقاله های تشویقیه وترغیبیهٔ اهل فضل ودانش باز است عقل تدبیر ، مآل اندیشی عصر وزمان همچنین اقتضا میکند که عرض کردیم . اگر غلط وخلاف حقیقت عرض کردیم مارا ارشاد وهدایت فرمایند که بعد ازین سکوت کنیم ، وحلق خود را ومغز دیگران را بدرد نخوریم که این هم یک ثواب وحسنهٔ عظیمه شمرده میشود . زیرا انسان ازخطا خالی نیست . ممکن است که این معروضات ما برخلاف حق وصواب باشد . پس اگر مارا ارشاد فرمایند بدرهنمائی یک برادر مسلمان خودشان همت فرموده خواهند بود . واگر این معروضات ما اقرب حق وصواب میدانند کمر همت را برارشاد ملت ورهنمائی امت برای تحصیل علم ومعرفت وبدست آوردن خیر کثیر حکمت تنگ برمیان بندند تاهیچ نباشد ازبار مسئولیت وارهند . بلی درهر حال ووظیفهٔ احوال فوز و فلاح ونجاح وصلاح امت ناجیهٔ محمدیه (ص) را ازبار که خالق عالم جل سبحانه نیاز میداریم . ومن الله التوفیق !

یک قطعهٔ دلچسپ

بمناسبت سرمقالهٔ مافوق خود دراخبار گهربار
(زمیندار) بعینه عینا نقل کردیم

اینچنین درسگه علم ، بدان حال تباه
خود ببیند ومیر سید که جنون میباید
فرصت ازدست شده هرچه کنی زود بکن
نیست کاری که دروصبر وسکون میباید
اینچنین کار به تمکین وسکون بر ناید
اندکی نیز درین شیوه جنون میباید
کار ملت نه بافسانه وافسون باشد
سینهٔ سوخته و درد درون میباید

مزایا وثنایای ذات اعلیحضرت سراج الملة والدین

« سراج‌الاخبار افغانیه » یک کودک نوزبان آمدهٔ چهارساله‌ایست که ازقدمه های نردبان عمارت زندگانی خویش تنها چهار قدمه‌را طی کرده وبرقدمهٔ پنجم پانهاده است ! یاایتیم ، بروز تربیهٔ مهد یاسعد عهد چون شهید چنان پادشاه حقایق آگاه معدلت همراه مقدسیست که تاثیر نشو ونمای بهار عواطفات عرفان نثارش ، بدرجهٔ پیران کهنسال جهان نورد دنیا دیده اش ایصال نموده ، وبرشحات سحاب عصر ترقیحصر ربیع صفاتش بچنان شادابی وخرمی وسرسبزی رسانیده که نهال آمال حال واستقبالش را بگلهای رنگارنگ علم وحکمت ، ومیوه‌های حلاوت اورنگ فن ومعرفت زینت وباروری بخشیده است !

بلی ! عصر سعادت حصر ذات اعلیحضرت (سراج الملة والدین) یک زمان ربیع معرفت . ویک اوان نوبهاری بختیاری دین وملت است که ازنفحات الانس هوای حیات بخشای ربیعش افغانستان وافغانیان رایک جان تازهٔ دربدن دمیده . واز گل های علم وفن استشمام روائح سعادت وعلویت نموده . وبه ثمرهای لذیذهٔ پرحلاوت آثار مدنیت لذت امتزاج ذائقهٔ گرفته ! « سراج‌الاخبار افغانیه » بلبل نواسنج این گلزار پرازهار نوبهار عصر معرفت بار ، وپروانهٔ سراج وهاج محفل این زمان سعادت نثار ترقی آثار است که موسیقار منقار خوش گفتارش مزایا وثنایای حامی مقدس خود را تکرار علی التکرار ، ونوبر توشیع خسار زمان مدنیت نثارش بالافشانی شوق بر مسار مینماید !

پادشاه مقدس محبوب القلوب ، واب اشفق ارحم به تکوین محبوب وطن وملت افغانستان وافغانیان ذات اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب‌الله خان) اطاله الله دولته الی معبدالزمان چنان یک پادشاه حقایق آگاه معدلت اکتناه بزرگیست که درزمان سعد اقتران سلطنت همایونی شان دولت علیهٔ خداداد افغانستان را ، شوکت ، عظمت ، قوت بدیدار آمده است . وطن افغانستان را ترقی ، تعالی ، مدنیت استقبال کرده است . ملت افغانستان بختیاری ، آزادی ، سعادت ، معرفت رو آورده است .

ازهنگام جلوس میامن مأنوس این پادشاه دل آگاه مقدس بزرگ ما چه خیرها ، چه ترقیهای تابان و درخشانی نیست که بظهور نه پیوسته . درماههای اول که تخت عالیبخت سلطنت سنیهٔ افغانیه بوجود مسعود این پادشاه مکرم معظم زینت افروزی گرفت ، نخستین مرحمتی که برملک وملت عطا فرمودند بخشش باقیات مالیات سابقهٔ بود که وقتاً بعدوقت بذمهٔ رعایا راکم نموده بود . باین بخشش انعام پادشاهی ملت را یک حیات تازهٔ عطا فرموده شد . درعقب آن عفو عمومی را اعلان فرمودند که باین مرحمت شاهانه کم کشته کان آغوش شفقت وطن عزیز را نعمت مراجعت وطن حاصل آمد . سپس بدربار عام بعموم انام اعلان واعلام فرموده کفتند : — « چون ترقی وسعادت امروزهٔ عالم موقوف بر تعمیم معارف وتکثیر مکاتب است ، مرا ازامروز امر واراده فرمودیم که در ممالک شاهانه‌ام مکاتب اصول جدیده باز کرده » . به این فرمان حیات رسان پادشاهی ازهمان روز دریچه‌های ترقی وتعالیٔ استقبال وطن باز کردید .

اینها یکان نمونه‌های بسیار مجمل مزایا وشتایای ذات اعلیحضرت این پادشاه مقدس ملت که هزارها کتاب تفصیل محاسن در بردارد ، ودر دوسه سال اول جلوس همایونی پی‌هم اجرا کردیده است . حال آنکه ازان روز فیروز سعادت اندوز تاامروزه روز ، هردم وهر لحظه بس آثار تجدد وترقی وتمدن بروی کار آمده ومی‌آید که اگر بتفصیلات همهٔ آنها یکان یکان بپردازیم یک کتاب مستقل باید بنویسیم اما تیمناً وتبرکاً درین نسخهٔ شمارهٔ نخستین سال پنجمین خود باجمال فهرست مانند بعضی آثار ترقی پروریهای زمان سعد اقتران ذات اعلیحضرت همایونی اکتفا میورزیم :

راهها وسرکهای منتظم که رشته های رکهای حیاتیهٔ ملک است در هرطرف تمدید یافت . پلهای آهنین متین و مستحکمی بربعضی نهرهای بزرک که مرکزهای مهم‌شمرده میشد ساخته‌شد ، ورباطهای سراجیه ، درمنزلکاه های راههای همه ولایات ممالک محروسهٔ المسالک شاهانه بناشد . کانال های بسیار بزرک وپرآبی برای آبیاریٔ اراضی درهرهرطرف حفر کردید مانند سراج الامصار . وقلعة السراج قلعه های مستحکمهٔ تأسیس یافت . قصرها وعمارات بسیارعالی وعجیبی درهرهرطرف بناشد . کارخانه ها ، ماشینخانه ها ، برقها ، تلفونها ، موترکارها وبسی آثار تمدن وترقی دروطن عزیز مقدس ما بسایهٔ عرفان پایهٔ ذات اعلیحضرت (سراج الملة والدین) بروی کارآمد .

وبرترین همه‌چیزها کشاده شدن شهراه علم وعرفانست که بروی ملت ووطن باز کردیده است . مکتب مبارکهٔ حبیبیه ومکتب حربیهٔ سراجیه مکتب دارالمعلمین ، مکتبهای متعدد ابتدائی ، مکتبهای استحضاری وغیره هریک روزنه های فلاح ونجاحیست که شعاعات آفتاب سعادت وبختیاری را درخانهٔ استقبال آمال ملک وملت پرتو اندازعزت وعلویت میکرداند .

ازجملهٔ آثار حیات‌نثار عصرشاهانه یکی بوجود آمدن این نامهٔ گرامیٔ (سراج الاخبار افغانیه) است که اینهم یک مکتب عرفان بار سیاری شمرده میشود ، وبرای عموم ملت باز کردیده است . چنان یک مکتب عالیست که حاوی بسیاری ازدانشهاست . شاکردان این مکتب عالی حاجت زحمت کشی رفت وآمد مکتب را هم ندارند ، بلکه خود این مکتب ازسرقدم ساخته بخدمت شان میدود ، ودروازه های درسخانه های رنگرنگ خودرا بروی هوسکاران تدریس هرنوع درسها میکشاید . « سراج الاخبار افغانیه » بسایهٔ معارفپروریهای حامی مقدس خود بکمال فخر وسرور تأثیرات نظریهٔ خودرا مشاهده میکند ، وبوجود مینازد ومیبالد ! اگرچه تأثیرش تدریجیست ، ولی اساسی وترویجیست !

سراج الاخبار افغانیه ازدرکاه خالق ارض وسماوات وعلا ، وروحانیت حضرت محمد مصطفی علیه افضل التحایا تمادیٔ عمر واقبال ، وتزاید شوکت واجلال اعلیحضرت پادشاه مقدس همایون فال و حامی مقدس تکوین آمال خودرا تضرع ونیاز میکند ، ودوام خدمات قلمیهٔ خود درراه دین ، دولت ، ملت ، وطن توفیقات عنایات ذات کبریائی را دربارهٔ خود استرحام مینماید . ومن الله التوفیق .

حوادث داخلیه

(مراسم دربار روز عیدسعید فطر)

امسال ماه رمضان سعادت فیضان دراکثر ممالک محروسهٔ المسالک افغانستان ازروز چهار شنبه حساب شده روز پنجشنبه بوقت شام سلخ ماه مذکور هلال عید برافق غربی بدیدار کردیده بدیدار مسرت نثار خود جمیع اهل اسلام‌را ممنون ومسرور کردانید . توپهای شادمانیٔ که برای ادای تعظیم ووداع ماه صیام فرحت اختتام واستقبال وپذیرائی عید میامن پدید انداخته میشدند باهرصدای آن صدها صدای خوش ادای اطفالیکه بربامها برای شنیدن وحساب کردن توپها انتظار داشتند نیز هم‌آواز کردیده فرحت عمومی‌را دوبالا میساخت . روز جمعه بساعت ۸ همهٔ اهالی شهر واطفال که بالباسهای رنگارنگ جدید ملی خود شان ملبس بودند بکمال نظارت دیده میشدند که جوق جوق بسوی مسجد جامع عیدکاه توجه وعزیمت داشتند ودرعموم یک فرحت و نشاط طبیعیٔ دینی مشاهده میشد . تاساعت ۱۰ احاطهٔ وسیع مسجد عیدکاه باصفوف جمعیت بزرک نماز خوانان سراسر پر واملا کردیده بود . ودرهرصف بعضی ملاهای متعددی کردش داشتند که بآواز های بلند خود شان هرکدام طریق نیت وادای حرکات وسکنات وترتیب صلوت عیدرا بمردم یادآوری نموده می آموختند . ونزد هر کدام شان ورقهای چاپیٔ که ازطرف سرکار برای شان داده شده بود ودران مسایل صدقهٔ فطر متصل ثبت وتحریر یافته بود موجود بود . که ازروی آن بمردم ادای صدقهٔ فطررا تلقین می نمودند . غیرازین چندروز قبل هم دراکثر مساجد وبازارها همچنین ورقه های چاپی ازطرف سرکاری آویخته شده بودند که مردم آزادیده طریق ادای صدقهٔ فطررا ازان بیاموزند . درین اثنا عساکر ظفر مآثر شاهانه از غند اردل . واردل و کوتوالی . ودار السلطنه که همهٔ شان بااونیفورمه های عسکری و رسمی روزعید ملبس بودند نیز بهم باموزیکه های دلنواز قدمهای بسیار مستقیم ومنتظم خود شان از روی سرک بزرک قومی باغ مرور نموده از دروازهٔ وسطی شرقی . داخل صحن مسجد کردیده بدو طرفهٔ سرکی که از دهن دروازهٔ مذکور تا رواقیکه انجام آن به محراب و منبر خطبه منتهی میشود امتداد یافته صف‌بسته شوکت کردیدند بساعت ۱۰ ونیم کوکبهٔ پردبدبهٔ شاهانه که دوطرفه باعساکر سوارهٔ رکابی ، وخان اسپور ، و سراوس محاط بود بکمال هیبت وعظمت از روی سرک عیدکاه بداخل مسجد مشاهده شد ، موزیکهٔ عسکری بملاحظهٔ دلنواز سلامی خود دخول ذات

شاهانه را بمسجد اشعار نمود پس از توقف چند دقیقه بادای دوگانهٔ عید ابتدا شده بساعت ۱۱ از نماز فراغ حاصل شده نفری مدعوین که دو روز پیشتر بذریعهٔ تکت‌های خبری از طرف ایشیک آقاسیان ملکی و نظامی برای ادای سلام بدربار روز عید بسلامخانهٔ عام دعوت شده بودند از راه از دیگر مردم جدا شده عازم سمت سلامخانه گردیدند. به ساعت ۱۱ و نیم جمیع نفری دربار حضور که بلباس‌های رسمی سفید خودشان ملبس بودند در عمارت داخلی سلامخانه بر چوکی‌های بسیار منظمی که به ترتیب بسیار درستی گذاشته شده بودند نشستند، پرده و خارج سلامخانه که بقالینها و قالین‌های اعلای تفریش شده بود برای نفری میرزاها و کارکنان ماشینخانه و کلانتران شهر و غیره متفرقه تخصیص داشت. ذات عالی شهزادهٔ معظم حضرت معین السلطنه صاحب افخم قبل از تشریف آوری اعلیحضرت همایونی بسلامخانه صف بصف گردیده حضرات علمای کرام و جمیع خوانین و اهل مناصب صف ملکی و عسکری داخل عمارت مراتب به شرف معانقه و مصافحه و دستبوسی عالی شان سرافراز فرمودند و بهر کی فرداً فرداً بیکوضع بسیار مناسبی که ازان جمیع معانی ملت پروری شان فهمیده میشد تواضع و مراعات فرمودند. به ساعت ۱۲ چند دقیقه باقی بود که ذات شوکت‌سمات اعلیحضرت همایونی از در وازهٔ بزرگ سمت جنوبی سلامخانه داخل گردیده صدا زانگ از طرف عمومی یک حرکت تعظیمی برای ادای سلام‌بعمل آمده در پیش کرسی تخت عالی تخت سلطنت سنیهٔ افغانیه توقف ورزیده همه کارا بوسلام، و احوال رسمی و عید مبارک را تبریک و مشرف ساخته جلوس فرمودند درین اثنا عساکر رکابی داخل سلامخانه گردیده در عقب چوکی‌های نفری مدعوین دربار متصل دیوار سلامخانه به هر دو طرف صف کشیدند. ذات شاهانه در باب فضایل ماه صیام ابتدا بکلام نمودند، و از فواید توپ افطار و توپ سحر که آغاز و انجام مدت صوم را تعین و اشعار می‌کند بحث را آغاز فرمودند: که «چون پیش ازین در سالها تنها قاعدهٔ توپ انداختن برای سحر و افطار بود در آنوقت تماما اختیار روزهٔ مردم بدست مؤذنها بود چنانچه بعضی ازانها قبل ازوقت و بعضی خودشان افطار کرده و بعد از وقت اذان شام می‌گفتند و مردم هم گاهی پیش و گاهی پس بشنیدن آذانهای ایشان در انتظار بوده روزه را افطار میکردند و هم چنین از طرف صبح هم گاهی پیش و گاهی پس ازانها گفته میشد و تحقیق و درست یک وقت معینی برای آن نبود. لهذا به تمام شهرها و حاکم نشینی‌ها فرمان صادر نمودم که در ماه رمضان بوقت سحر که آغاز صوم و وقت شام که انجام صوم و وقت افطار است قرار قاعدهٔ که در دار السلطنه از چند سال بدینطرف جاریست یک یک توپ زده شود» درین اثنا نفری ملاها تنها برای تعین شرعی وقت افطار ساعتهای بسیار درست و مکمل در ماه رمضان برای اجازهٔ آتش دادن توپ وقت معینش مقرر بودند بذریعهٔ ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی بحضور عرض شدند ذات پادشاهی از همهٔ نفری ملاهای مذکور اظهار خورسندی و رضامندی ابدی نموده و بر درست بودن توپهای ماه رمضان آنها را تحسین فرموده قرار شنیده کی انعامهای نقدی نیز به آنها مرحمت فرمودند.

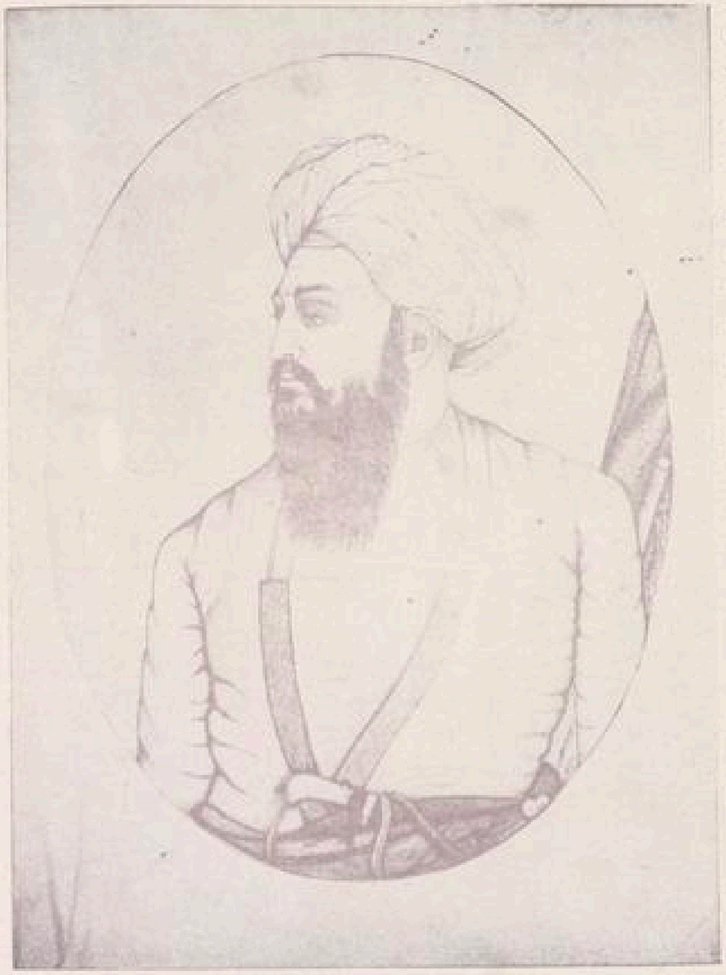

یک تمثال بیهمال تاریخی

مؤسس بنیاد سلطنت خاندان جلیل الشان محمدزائی در افغانستان پادشاه صاحب الرأی و التدبیر
امیر کبیر جد اعلیحضرت (امیر دوست محمد خان) علیه الرحمه و الغفران

بساعت نیم بجه آوردن طعام شد وبگاه ساعتیکه که زنگ طعام نواخته میشد انواع طعامها ومیوه‌ها برمیزها چیده شده همهٔ اهالی دربار بخوردن آن مشغول گردیدند بساعت یك از طعام فراغت حاصل شد. ذات اعلیحضرت همایونی بعد از فراغ طعام فرمودند که پس از تقسیم چای وشیری صلوة جمعه را درمسجد درون ارك مبارك خواهیم خواند وان حکم شاهانه بهمه کان تبلیغ گردید پس از تقسیم چای وشیری اکثر نفری دربار . ذات شاهانه را پیروی کرده بمسجد داخل ارك مبارك رفته بعد از ادای صلوة جمیع حاضرین مرخص گردیدند . امضا

(عبدالرحمن محرر اداره)

(واقعهٔ جاری)

حضرت کبریاء دافع البلاء والوباء جل وعلا ممالك محروسهٔ اسلامیه را محفوظ ومصون بدارد آمین .

بتاریخ سلخ ماه مبارك رمضان در قریهٔ (علاء الدین) واقع چارده‌هی داخل شش کروهی دارالسلطنهٔ کابل وقوعات مرض وباء استخبار گردیده حالاً تدابیر لازمهٔ طبیه از طرف حکومت سنیه از قبیل قرنطینه و غیره اجرا شد ولی هزار افسوس که درنفس شهر نیز قبل از ان یا بعد از ان سرایت مرض بوقوع آمده تعمیم نمود . الی تاریخ یومنا هذا که ۱۱ شوال است یومیه وقوعات ووفیات درتزاید است. مرحمت خداوندی را تضرع میکنیم . اگرچه درخصوص توسل باسباب وسررشته وانتظام گفتنیهای بسیار واقدامات و تشبثات طبی وقی بصورت جدی از حد زیاده بکار است ولی از گفتن چه سود ! ...

لهذا چون از تشبثات مادی مأیوسیم به درج نمودن یك علاج معنوی عرض خدمت ورزیده میگوئیم که جناب ملا (عبدالجبار) پسر فضیلتمآب (کل آخند زاده) ادعیهٔ ذیل را برای درج شدن درسراج الاخبار افغانیه جافرستاده است . این است که آنرا عیناً درج نمودیم انشاء الله از فایده خالی نخواهد بود . (دعای دفع مرض)

(دعاء الوباء للامام الاعظم رحمه الله تعالى)

در کتاب یاقوتة صفحه ٥٤ فی الوعظ تصنیف الامام الهمام الصدر الکبیر ابی الفرج علی بن جوزی از رسالة الشفا لطاش کبری زاده چنین نقل نموده که روی انه وقع فی مدینة بغداد وباء عظیم ومات فی ذلك الطاعون (اثنی عشر الف) صبی کلهم حفظة القرآن سوی سایر الناس من الشیوخ والشبان و کان فی بغداد تاجر اسمه مبارك ولم یقع الطاعون فی بیته اصلا وسمع الخلیفة هذا الامر وسأله عن سببه قال التاجر عندی دعا

مجدد ومؤید دولت قوی شوکت خداداد افغانستان پادشاه سیاست وکیاست عنوان اعلیحضرت ضیاء الملة والدین
(امیر عبدالرحمن خان علیه الرحمة والغفران)

مروی عن الامام الاعظم (ابی حنیفه) رضی الله تعالی عنه وقال کل من اشتغل بقرائته او جمعه عن الطهارة او حفظه فی بیته حفظه الله تعالی وامنه عن الطاعون ببرکة هذا الدعاء فکتبوه عنه (وهو هذا)

﴿ بسم الله الرحمن الرحیم ﴾

(اللهم انی اسألك) (بعدد خلقك) (بعزة عرشك) (برضاء نفسك) (بنور وجهك) (بمبلغ علمك) (بغایة قدرتك) (ببسط قدرتك) (بحق حقیقة شکرك) (بمنتهی رحمتك) (بدوام مشیئتك) (بکیفیة ذاتك) (بکل صفاتك) (بتمام وصفك) (بنهایة انبیائك) (بمکنون سرك) (بجمیل سترك) (بجزیل برك) (بکمال منك) (بفیض جودك) (بشدید غضبك) (بسابق رحمتك) (باعداد کلماتك) (بغایة نوعاتك) (بتفرید فردانیتك) (بتوحید وحدانیتك) (ببقاء بقائك) (بسرمدیة ازلیتك) (بعزة ربوبیتك) (بعظمة کبریائك) (بجاهك) (بجلالك) (بکمالك) (بافعالك) (باسمائك) (بسیادتك) (بملکوتك) (بجبارتك) (بعنایتك) (بعطفك) (بلطفك) (ببرك) (باحسانك) (بحقك) (وبحق حقك) (ان تجعل لنا فرجاً ومخرجاً وشفاءً من الهموم والغموم والوباء والبلاء والفناء وجمیع الآفات والعاهات فی الدنیا والآخرة)(بحق کهیعص) (وبحق طه ویس وص) (وبحق حمعسق)

﴿ وبحق انا فتحنا لك فتحا مبینا ﴾

﴿ برحمتك یاارحم الراحمین ﴾

عالیجاه عزت همراه مشفق مهربان جناب مدیر صاحب ومحرر محترم (سراج الاخبار) افغانیه سلمه الله تعالی عرض نیاز دعا گوی شما (ملاعبدالجبار) پسر (ملا گل احمد زاده) مدرس مدرسهٔ شاهی [illegible] صاحب اینکه همین دعا مذکور فوقرا محض بلحاظ خیرخواهی اهل دولت وملت خود بسعی بلیغ از کتب معتبره بسندش تحقیق کرده برآورده ام انتظار دارم از جناب آن خیرخواه دولت وملت میکنم که بعون توجه کریمانهٔ آن فیضرسان چهاپ شود علیحده یا درضمن سراج الاخبار صاحبم عندالله ماجور وعندالناس مشکور خواهد شد السلام علیکم فقط

امضا

(ملا عبدالجبار)

ازشهر میمنه

ازجملهٔ دین پروریهای اعلیحضرت اینکه ـ جناب سیادت وثقافت نصاب حضرت میر محمدعثمان خان میرصاحب متولی حضرت خواجه انصار قدس الله سره العزیز را که ازسلالهٔ سادات عظام افغانستان بودند چون وفات یافتند جناب میرصاحب میرغلام نبی صاحب پسر ارشدشان را بسجادهٔ نشینی پدر منصوب فرموده فرمان جلیله بعدی شان را خلعت شاهانه درهرات ارسال فرموده نائب الحکومه ونظامی ودفتری آنجارا ارشاد فرمودند که جلسهٔ عظیمانه درگاه شریف منعقد ساخته که دران مجمع افسران ملکی ونظامی وعلماء وسادات واشراف واعیان هرات حاضر آمده خلعت شاهانه را برقامت لیاقتشان پوشانیده مراسم عزت الاطرف قرین الشرف پادشاهی بجاآرند بعد خود جناب موصوف عریضهٔ تشکر بپایهٔ سریر اعلی گردیدند که ما بنا بقاعدهٔ مقررهٔ قبله گاه خود وبعاززدید وتحفه واظهار اداء شکرانه این همه مراحم خدیوانه ومکارم شاهانه مشرف اندوز حضور ساطع النور میگردیم بعد از حصول اجازه مرقایبدار السلطنه گردیده قبل ازورودشان درمیر ضیافت وجای مسکن برای شان آماده گردیده بود درروز جشن ملی که اعلیحضرت تاجدار غازی رونق افزا گردیدند چون حضرت موصوف حاضر بودند سراج فرموده مهربانیهای شاهانه که دربارهٔ شان شده بود وهمت عن رؤس الاشهاد بحضور حاضرین محفل مدیومثال کل جشن ملی بزبان عنایت ترجمان بیان فرمودند بعد در محفل افطار وختم تراویح شب اول در فاتحهٔ تعزیهٔ قبله گاه مرحوم شان را درمحضر حاضرین ختم دعا فرموده حاضرین آمین گفتند درباقی شبها درهرشبی عنایات تازه ونوازش بی اندازه مبذول میفرمودند ودرروز عید سعید خلعتهای فاخره که برای خودشان وملازمان ایشان عنایت شده بهمرکابی در عیدگاه رفته بعد ازنماز بمصافحهٔ عید ایشانرا مخصوص داشته بهمرکابی والا دررسالهخانهٔ تا دم تراب احترام امتیاز فرمودند

خدایا توان شاه دین پرور دوست	که آسایش خلق در ظل اوست
بسی برسر خلق پاینده دار	بتوفیق طاعت دلش زنده دار

ازین مهرباغ امیدوار یهای جمیع سادات وعلماء وارباب دعا تازه وشاداب گردید کلهای امید شان شگفتن گرفت فقط

امضا

یکی ازخوانندگان

حوادث خارجیه

تاریخچهٔ جنگ رستخیز آهنگ

﴿ مقدمه ﴾

اگر کدام قائلین ـ به اصطلاح ازما ـ روی طالع اخبار مارا باز میکرد ، وماهم ازمعتقدان میبودیم که بطالع وقالها گوش مینهادیم مطلق طالع اخبار خودرا ، مریخی ، مینامیدیم . زیرا بنابر اقوال اساطیر خاصیت سیارهٔ مریخرا خون ریزی وآتش افروزی میگویند ! اخبار مارا هم مگر درروزیکه « نحوست مریخ » بود عرصه پیرای عالم وجود گردیده است !!!.....

سال اولما حوادث خونریزهای محاربهٔ طرابلس غرب ، سال دوم وسوم ما حوادث خونریزی بالقانها ، وسال چارمما بهمینها حوادث این جنگ موجودهٔ رستخیز آسا رو املا گردید . حال سال نجم اخبارما شروع بود : ببینیم که ، مریخ ، چه میکند ! البته بقیامت کبری ، یاقیامت صغری را برپاخواهد کرد ! .

ازخواجه نصرالدین پرسیدند که قیامت کی میشود ؟ گفت : ـ آیا ازقیامت کلان میپرسید . یاقیامت خورد ؟ گفتند : ـ قیامت یك قیامت است ، خورد وکلان آن کدام است ؟ گفت : ـ قیامت کلان آنوقت میشود که من بمیرم ، وقیامت خورد آنست که همه مردمان بمیرند!....

حالا ماهم منتظریم که ببینیم چه میشود ! هیچ شبهه نخواهد بود که قیامت کبرای خواجه نصرالدین برخود اخبارما برپا خواهد شد زیرا می بیند ، میشنود حس میکند ولی چیزی گفته نمیتواند ، ودمبدم خورده خورده آخرالامر مانند غازات متراکمه وولکانها دماغش یك انفجار

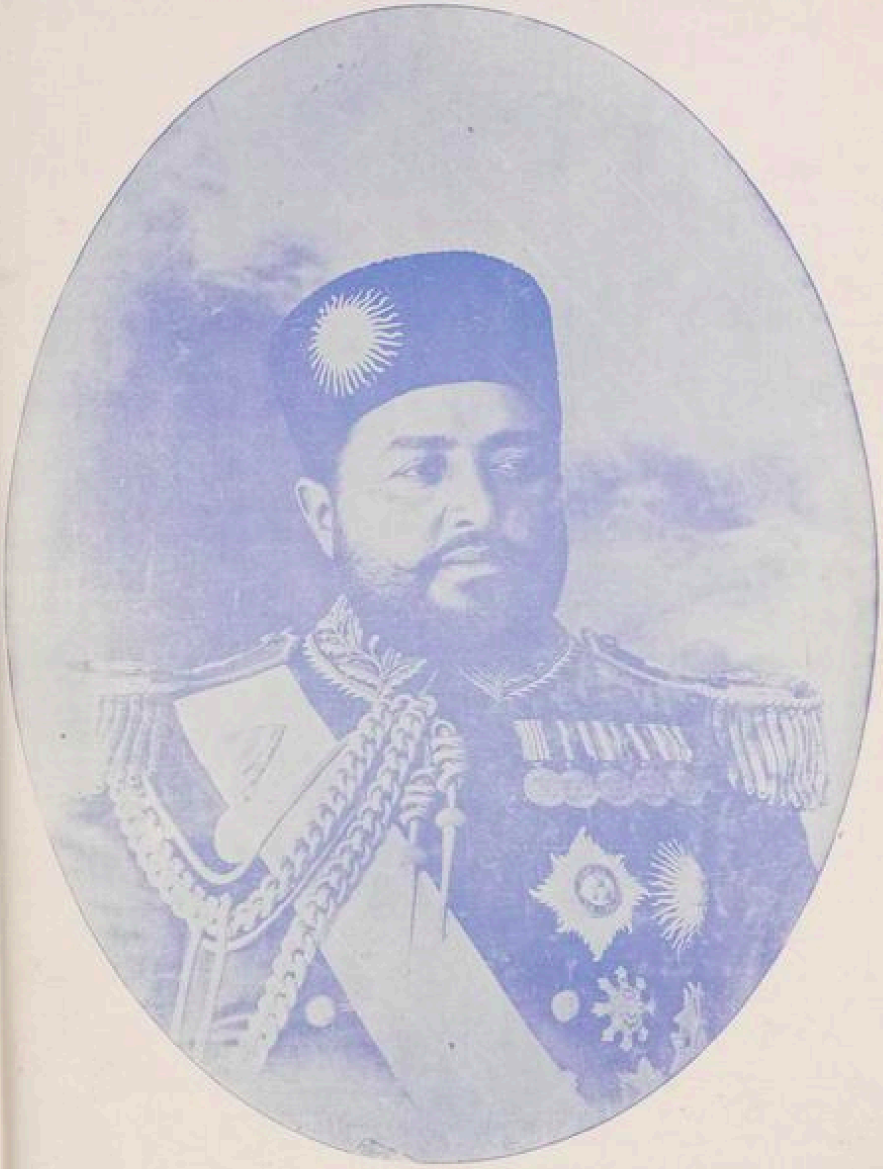

تمثال جمال فرخفال
پادشاه حقایق آگاه معارف پرور دولت علیهٔ مستقلهٔ خداداد افغانستان
اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان صانه الله عن الآفات الزمان

واقلاق مدهشی گرفتار می آید ، وازهم پاره پاره گردیده ازدغدغهٔ غلط هستی وامیرهد! اگر بگوید ، دیك مهار را میرید! ، ، واگر بگوید ، بزارش میرید! ، چه مشکل حال!...

مرا دردیست اندردل اگر گویم زبان سوزد
وگر دم درکشم ترسم که مغز استخوان سوزد

کشتی‌های اخبار ماهم ، «افسانه» ... «مکتك!» ، «گردید!» ، «کلم کلوما بتم ـ ش!» ، «عریان درعریان!» ، «زلزله درزلزله!» ، «ملعبه بالعقد سفسطه فی الفلسفه» والحاصل هیچ درهیچ!!!...

بس کن ای دل چند داری نالهٔ شبگیر را
رو نماند از ناله هیهات قوت تأثیر را

همدردی ، ازقرار دردی دردیگر عنوان مصرع برجستهٔ ذیل :
دیوانه باش تا غم تو دیگران خورند

چنین یك خبری مینویسد که :ـ « گورنمنت بنگاله برای دیوانه‌های پاگل خانه ـ یعنی دیوانه خانهٔ ـ شهر « بوالی‌پور » اسباب وسامان قسم اقسام تفریحات وساعت تیریها مهیا ساخته است . آنهارا تماشای بایسکوپ نشان میدهند ، گراموفون میشنوانند ، تخته نرد ، شطرنج قطعه وغیره بازیها میدهند ، درنتیجه مخارج ده هزار روپیه روشنی برق ، وپنکه‌های برق برای آنها مهیا کرده‌اند ».

بعد ازنقل خبر ما فوق ازطرف خود چنین یك ملاحظه بیان کرده میگوید : ـ « انتظامات این اندازه اسباب راحت ورفاهیت که ازطرف گورنمنت برای دیوانه‌ها شده است ! هیچ شبهه نیست که از خوش قسمتی دیوانه‌ها میباشد ! اینکه عقلمندی باشد که اینچنین آرامیها وراحتیهارا بیند ودعای دیوانگی را نکند ! ».

بعد ازبیان این ملاحظه بازچنین مینویسد :ـ « میگویند که سبب این انتظامات ، دیوانه‌ها اگرچه راه و آرام میشوند ، اما در زمانه آینده بسیار دیوانهٔ خلق خواهند بود که راه و آرام شوند ، واگر راه شوند هیچ شبه نیست که بحکمت این خود ضرور افسوس خواهند کرد ، وخواهند گفت :
« آرزو که عقل پیش عمر دوبار بتن »

می‌بیند که ، «سراج الاخبار افغانیه» ازچه گونه‌ها دیوانگی را نشانداده است ، دگاه [illegible] عنوان سخن را [illegible] «نتیجه حرب» نهاده . ودامان سخن را «حکایت» و «کلکته» [illegible] بوده کشیده ! اگر دیوانگی نیست ، پس چیست !

آری او ! چه دیده که این جنگ خونریز واین هنگامهٔ رستاخیز ازجان بلاها ومصیبتهای یست که عقل بشر گیج میماند ، وحواس را دركمه خانهٔ سرزیر وزبر میکند ! چگونه که از زمان آدم تا امروز چشم هیچ بیننده وگوش هیچ شنونده ندیده وشنیده است . هیچ تاریخی تا حال ازچنین یك جنگ خبرداده است . طاعونها ، وباهای بزرگی که تاریخ نشانداده است هیچگاه به این درجه تلفات عظیمه را بوقوع نیاورده است . در سطح زمین رهمه جاهائیکه اصطلاحات جغرافیا بران حاوی است ـ یعنی دردشت ، کوه ، تپه ، جزیره ، دماغه برزخ ، تنگنا وغیره ـ جنگ است ، درزیرزمین هم جنگ است ، چرا که استحکامات وخندقها ، وسوقهائیکه درمیدانهای جنگ زیر زمین کنده شده است نیز محل مبارزه قرار داده‌شده است ، وسطح بحر جنگ است ، درزیر بحر جنگ است در روی هوا جنگ است درمیان فضا جنگ است .

شربت جان بخون همدیگر تشنه شده‌اند که طوپهای آتشفشان طوپهای مخرب جهان ، بمبهای خراب کنندهٔ خانمان را کافی ندیده برهمدیگر خود دریاهای آتش گازهای مهلکه را می‌افشانند ، درخصوص قتل وخونریزی اختراعات حیرت بخش عقول ایجاد میکنند ، بدرجهٔ که مریخ ومریخ نشینان از شرمساری بسیار دردزد چادر زحمه رخ میپوشانند .

مختصر اینکه متمدن ترین انسانها این هنگامه‌ها را برپا کرده‌اند ، آن متمدنانیکه دم از صلح وصلاح عموم عالم انسانیت میزدند ! ازقرار حسابی که تا حال کرده‌اند مقتول ومجروح ومفقود واسیر عالم متمدنان به ۱۱۰۰۰۰۰۰ = یازده ملیون نفوس رسیده است ، وجمع خسارات وزیانات زراعتی ، صناعتی ، تجارتی شان در پنج قطعهٔ روی زمین به ۲۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰ = بیست ویك ملیار روپیه بالغ شده است ، درتمام کرهٔ زمین ـ یعنی درهر پنج قطعه ـ بالذات ، یا بالواسطه نایرهٔ جنگ وقتال مشتعل است .

این است که حالا ما میخواهیم از نتیجهٔ این جنگ حربیه را بنویسیم ، هم میخواهیم که همهٔ این یك دنیا حربیه را تنها در همین یك چند صحیفهٔ محدودهٔ همین یك نسخهٔ خود درج نمائیم ؟ آری چند خلاصه میخواهیم کرده ذکرش نمائیم [illegible] لهذا درین شمارهٔ خود بطور یك فهرست اجمالی درخصوص [illegible] حرب جهانسوز [illegible] عرض معلومات میداریم تا یك [illegible] حاصل شود ، ولی [illegible] مکمل الحرب را ازروی قواعد ، تاریخ حرب ، [illegible] عسکری [illegible] نیست بلکه آنرا از کتابهای حرب ماهر عسکری میخواهند [illegible] .

ـ ۱ ـ

میدان حرب

اگر در باب مبدا ومیدان این حرب بخواهیم [illegible] میباید که بقدر وسعت دائرهٔ یك قوس قزحی که یك افق بزرگ خود هوا را برتسار احاطه کرده‌باشد یك طومار دست آریم ، زیرا میدان تماشای [illegible] زرد آلی و [illegible] وسرخ [illegible] رنگهای دولتهای بزرگ را [illegible] که هرکدام شان بمخصوصیت خود ، وقباحت دیگری کوشش ورزیده‌اند همراه نمائیم [illegible] زحمه کرده بعرض انظار قارئین گرام خود برسانیم که ایجاز محال است ، لهذا خلاصة الخلاصه همینقدر مینویسیم که عامل [illegible] این خونریزی عمومی بلاهای حرص ، حسد ، طمع وعداوت که آنهم آنرا [illegible] بلکه از چندین سالها مانند دینامیت ها در دلها پرشده بود ، ازهنگامیکه دولت المان رو بترقی نهاده بود ، این دینامیت حرص وحسد بیشتر در دل انگلیز جایگیر آمده بود ، زیرا دولت انگلیز هیچگاه این چشم ودیده را ندارد که ازخود برتر کسی را ببیند ، وقتیکه ناپلیون مشهور فرانس ترقیات عظیمهٔ فتوحات را حاصل کرده بود ، بازهم همین انگلیز بود که همه دولتها را او برانگیخته آخر الامر مضمحلش ساخت وچون روس یك سطوت وشوکت بزرگی را حاصل کرد ، ازچشم حسدش بیرون آمده [illegible] دولت ژاپان سرکوبی کرد ، والحاصل بسیار مثالهای تاریخی دیده میشود که این حسیات حسد وغرور انگلیز را ثابت میسازد .

از مدتیست که دولت انگلیز تجددات و ترقیات دولت المان را بیك نظر حسودانهٔ خائفانه نظر میکرد . حتی از وقتی که دولت المان بر دولت فرانس غالب آمد ، و بتدبیرهای عظمای سیاسی پرنس بسمارك با اتفاق ملت موفق آمدن آلتی شعور گردیده بود ، تا آنکه رفته رفته المان قوت شوکت پیدا کرده رفت ، و بهمان نسبت بغض و عداوت نیز بالا شده رفت اولها فرانس عداوت دیرینه را از طرف کرده ، و بواسطه دلالگی او با دشمن و رقیب سه صد سالهٔ خود روس نیز باب آشتی را مفتوح نمود . و بمقابل اتحاد ثلاثهٔ المان ، اوستریا ، ایتالیا ، ائتلاف ثلاثه ، روس ، فرانس انگلیزرا تشکیل دادند

از هنگامیکه این ائتلاف ثلاثه بمقابل آن اتحاد ثلاثه تشکیل یافت — علی الخصوص از وقتیکه در سنهٔ (۱۹۰۷) اتفاق روس و انگلیز در باب مقاسمهٔ (ایران) و « افغانستان » وغیره عقد گردید — معلوم شد که این اتفاق و اجتماع اضداد پیش خیمهٔ یك جنگ عظیمی میباشد . و هر روزیکه از ان اتحاد گذشته رفت مقدمات جنگ اتحادیون و ائتلافیون را نیز نزدیك کرده میرفت .

بناءً علیه سبب یگانهٔ این جنگ جهانسوز عالم افروز را در آتش حسد وحرص وطمع انگلیز در مقابل اقتدارات و ترقیات خارق العادهٔ تجاری وصنائعی المان باید دانست .

۲

آتش را که ؟ و چسان افروخت ؟

دینامیت ها و . مخزنهای باروت رشدهٔ سالها را اول کسیکه آتش زد « غاوریل پرنسیب » نام شقی صرب بود که ولیعهد و جوان دولت اوستریا « آرشیدوق فرانسوا فردیناند » و زوجهاش « دوشس دوهوهنبرغ » را در « سراجیوا » نام شهر (بوسنیا) هدف گولهٔ طبانچهٔ غدر و ستم نمود

قاتل مذکور دو نفر بودند که یکی « غابرینوویچ » بود که در اول بار گلولهٔ بم رعبانهٔ موتر سواری ولیعهد مذکور انداخت . اما ولیعهد بیك حرکت دلاورانه نموده بومبه را بازوی خود دفع نمود . و بعد از آنکه موترش گذشت بومبه بر زمین خورده در گرفت ، و پنج شش نفر از اهالی سرین و دو نفر موتر نشینی را که در عقب موتر ولیعهد بود بصورت مهلك مجروح ساخت . ولیعهد برای رسم احتفالی که بشرف او از طرف مأمورین در دارهٔ امانت شهر ترتیب شده بود میرفت . بعد ازین واقعهٔ بومبه اگرچه خواستند که ولیعهد رفتن خود را تا وقتیکه تدابیر لازمهٔ عسکریه اجرا شود بتعویق اندازد . ولی ولیعهد قبول نکرده بجان رو کرامی که در پیش گرفته بود حرکت نمود .

از دو نفر موتر نشینی که در عقب موتر ولیعهد بودیکی برگید مدیر یکی بود که زخمی شده بود . ولیعهد خواست که بشفاخانه رفته استفسار خاطر او را بکند . در آثنائیکه عرابهٔ موتر ولیعهد در دروازهٔ « فرانسوا ژوزف » میخواست داخل بشود ، از طرف « غاوریل پرنسیب » دو فیر تفنگچه روشد . گلهٔ اول بسینهٔ زوجهٔ ولیعهد « دوشس هوهن برگ » خورده عالم جسدش در آغوش شوهرش بغلطید . در عقب آن گلهٔ دیگری آمده بگردن ولیعهد خورده ، و گلوگاهش را شگافته بصورت آنی وفاتش را نتیجه بخشید .

ولیعهد « آرشیدوق فرانسوا فردیناند » در سنهٔ ۱۸۶۳ در شهر « غراج » تولد یافته . و در سنهٔ ۱۹۰۰ با زوجهٔ متوفیهاش « آرشیدوشس هوهن بورگ » که از خاندان شاهی نبود ، و از معتبرههای سرای امپراطوری بود ازدواج کرده ، این ازدواج محض بسبب یك عشق بسیار شدیدی بوقوع آمده بود . زیرا بنابر قانون خاندانی امپراطوری اوستریا شهزادهها میبایست که با شهزادهها ازدواج بکنند . و اگر با دیگر خانوادهها ازدواج کنند اولادی که از ان زن بیاید وارث تاج وتخت نمیشود . حالانکه ولیعهد مشارالیه حقوق حکمداری اولاد خود را عشق پر سوزی که داشت فدا نموده ازدواج کرد .

بهمه مردمان عصر معلوم بود که ولیعهد فرانسوا فردیناند در فنون عسکریه یك مهارت و اختصاص فوق العادهٔ را مالك بود . و در نزد تمام محافل عسکریهٔ اوستریا یك حرمت و اعتماد بسیار بزرگ را حائز بود . کذلك برای طرفداران اتحاد المان نیز یك استنادگاه بسیار بزرگ شمرده میشد از ین سبب بود که وجود این ولیعهد برای رقیبان این اتحاد خیلی مضر و مهلکه ناك شمرده میشد . اینهم بپایهٔ ثبوت رسید که قاتلها بیك جمعیت « اتحاد شیدی » صرب منسوب بود . و ترتیبات این جنایت فاجعه ناك در شهر « بلگراد » پایتخت صرب بوقوع آمده بود . و بومبه هائیکه از طرف قاتلها استعمال شده است از طرف افسر های نظامی و مأمورین ملکی صرب بقاتلها داده شده بود .

این است که این واقعهٔ فاجعه انگیز در ۲۸ ماه جون سنهٔ ۱۹۱۴ کبریت خرمن جبه خانهٔ مواد ناریهٔ کدام شدهٔ اوروپ گردیده تمام عالم بشریت را بلرزهٔ رستاخیز واقعهٔ کبری در آورد .

۳

اعلان حرب اوستریا به صرب

هر صاحب انصاف دولت اوستریا . را بیك اخذ انتقام شدیدی از حکومت صرب ذیحق خواهد دانست . تمام ملت اوستریا بیك هیجان پر غم والم ازین جوروستم در آمدند . دولت اوستریا در ۲۳ جولای سنهٔ ۱۹۱۴ یك « نوت » متصل که معنی او الیتاتوم و بلکه معنی اعلان حرب بدا هم در زمیگرفت بحکومت صربستان پیش کرد ترجمهٔ نوت مذکور چون فقره بفقره در شمارهٔ (۳) سال چارم اخبار عیناً درج شده است حاجت تکرار آن نیست . در نوت مذکور ۴۸ ساعت مهلت بصربیه داده شده بود که اگر در ظرف این ۴۸ ساعت شرطهائیرا که دولت اوستریا پیش کرده است از طرف حکومت صربیه قبول نشود مناسبات سیاسیه دولتین مذکور از همدیگر منقطع خواهد گردید .

در عین زمان دولت اوستریا بواسطهٔ سفیرهای خود که در نزد دیگر دولتها داشت نیز از همین نوتی که بصربستان داده بود آگاهی داده گفته بود که « دولت امپراطوری اوستریا ازین یك خاطر جمع است که باجرا کردن این نیت خود — یعنی با اخذ انتقام خود — تحسیات کل دول و ملل متمدنه موافق یك حرکتی کرده خواهد بود . زیرا دول متمدنه هیچگاه این را قبول و تصویب نخواهند کرد که عزم پادشاه کشی در محاربهٔ سیاسیه بی جزا مانده شود » .

والحاصل مهلت ۴۸ ساعت باتمام رسید . و از طرف دولت صربیه جواب شرایط دولت اوستریا نرسید . همان بود که سفیر دولت اوستریا از بلگراد پایتخت صربستان برآمده مناسبات سیاسیهٔ هردو دولت منقطع گردید . و در ۲۷ جولای دولت اوستریا بدولت صرب رسماً اعلان حرب داده اردوهای عسکریش از سرحد مملکت صرب تجاوز نمود . و آتش حرب بکمال شدت درمابین هردو حکومت شعلهور گردید .

۴

جنگ عمومی

واعلان حرب دیگر دولتها یک دیگر

در آغاز کار بهمه کس معلوم گردید که این جنگ اوستریا و صرب دریک دایرهٔ محدودی نخواهد ماند ، بلکه دایرهٔ سرایت آن تا یک جنگ عمومیٔ بین الملل نکشد صورت ندارد ، زیرا دولت روس که یگانه حامیٔ جنس اسلاواست در باب صرب که یکی از اعضای مهمهٔ اسلاویست سکوت نخواهد کرد . چنانچه در روز های اولین وقائع صرب و اوستریا روس صدای تهلکهٔ خودرا براورده گفت :ـ که دولت روس این اختلاف اوستریا و صرب را بکمال دقت تعقیب میکند . ـ و بمقابل این اختلاف لاقید مانده نخواهد .

حال بود که در تاریخ ۳۰ جولائی دولت روس تحشیدات عسکریهٔ خود را اعلان نمود ، یعنی جمع آوری و عسکر رانیٔ خودرا بسر حدهای ملک خود فعلاً بعمل آورده اشتراک خودرا بجنگ بهمه کان مبرهن ساخت . و چون دولت المان ازو پرسید که :ـ «آیا چه خیال داری ؟» . گفت : ـ «هیچ . این جمع آوری از سبب بعضی حادثات داخلیه است .» . ولی المان به اینچنین خاطر جمعی دادنها بازی نخورد ، علی الخصوص که اجتماعاً هم بثبوت رسید که این حرکات عسکریهٔ روس با حرکات عسکریهٔ فرانس یکجا ، و برای همدیگر اجرا شده است . والحاصل یکچند روز بهمچنین تحشیدات عسکریه و سوال و جواب دولتهٔ مرور نمود که اگر به تفصیل آن بپردازیم سخن دراز میشود ، تا آنکه در (۲) ماه اگست سال گذشته دولت المان بدولت روس اعلان حرب نمود و در ۵ ماه اگست عسکر المان حدود روس را تجاوز نمود ، و نیز درهمین تاریخ پیش از آنکه اعلان حرب بشود طیاره های فرانس برشهر نورنبرگ المان بومبه ها انداخت . ایتالیا اشتراک نکردن خودرا درین حرب اعلان کرد . حکومت مستقلهٔ لوکسمبورگ ، از طرف المان اشغال شد . فرانس اعلان حرب نمود . دولت عثمانیه برای محافظهٔ بیطرفیٔ خود جمع آوری عسکری خودرا اعلان کرد .

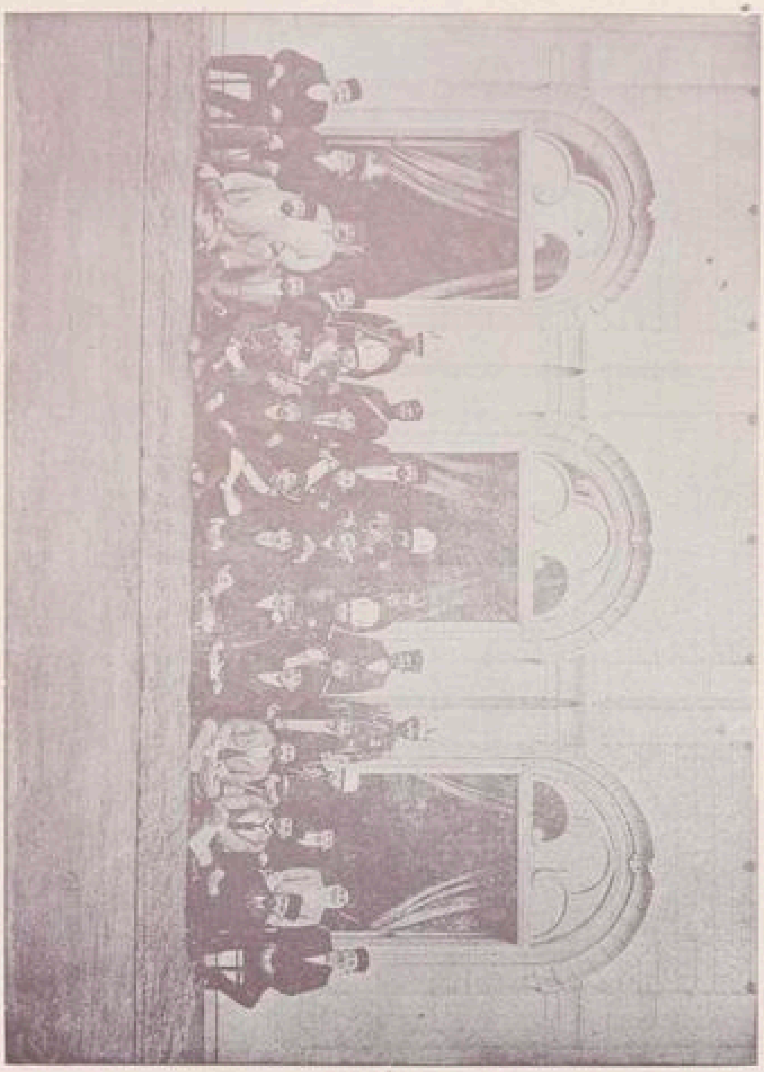

(یک گروپ محتشم)
در دایرهٔ فاخرهٔ جناب مستطاب سردار اکرم حضرت نایب السلطنه صاحب افخم

در ۴ ماه اگست اول دولت بلژیک ، بعد ازان دولت انگلیز به المان اعلان حرب کرد ، بعد ازان ژاپان ، عثمانی ، ایتالیا نیز یکی درعقب دیگر بجنگ اشتراک ورزیده ، و دولتهای بیطرف که تاحال بر بیطرفی دوام نموده اند باقی مانده جنگ عمومی با تمام معانیٔ خود در میدان قتل وقتال عالم بشریت جلوه پیرای ظهور گردید .

وقوعات یومیهٔ که در میدانهای حرب از تاریخ آغاز حرب تا بحالی

هم بمیدان ظهور آمده است جزئیات معلومه که شرح دادن آنرا درینجا گنجایش ندارد . اما شمهٔ از کیفیت اشتراک دولت عثمانیه بجنگ یک کمی بیان میکنیم زیرا این کیفیت یک جزئیست که اکثر مسلمانان روی زمین را متأثر نموده . بعضی را مغموم و بعضی را آمادهٔ کم و بیش [illegible] ساخت .

دولت علیه عثمانیه چسان بجنگ اشتراک ورزید

این دولت معظمهٔ اسلامیه قبل ازانکه جنگ عمومی درافتد به تدارکات جنگ مشغول بود . و خود را به بیباک کردن حساب خود با یونان مجبور میدید . لطمه‌ها و صدمه‌های که از اتالیا و بالقانیها خورده و دیده بود اگرچه باسترداد (ادرنه ـ بابا ـ [illegible]) بالمقابله یک درجه بیباک کردن حساب خود کامیاب آمده بود . ولی جزیره‌های بسیار نازنین و دلکش و مانند سلانیک یک سرزمین ثروت آگین او را که بهمراه زادهگی وطنی از دستش رفته بود جانگداز آتشی را در هرفردی امت عثمان پاید که بجز جریان دادن دریاهای خون عسکر چیزی آتش را سرد کرده نمیتوانست . ازین رو که هم وطن از همه روز همت بود و قسمت دو کشتی جنگی درجه اول را تدارک کرده بدولت انگلیز داده . و نام (عثمان اول) و (رشادیه) دو کشتی جنگی درجهٔ اول خریده . در حالیکه منتظر ورود آن کشتیها بود این حرب عام را آغاز ظهور نمود . دولت عثمانیه برای جمع آوری عسکر خود بنام محافظت بیطرفی فرصت بدست آورده در یک مدهٔ قلیله قدر یک ملیون عسکر حاضر و آماده ساخت . همچنین تشبث و اقدامی که راست داده از فرصت نموده لغو نمودن امتیازات اجنبی بود . اول کسیکه تصدیق و تجویز این کار عثمان را نموده دولت المان و اوستریا بودند . ولی کسیکه جگجگها اعتراض و احتجاج ایراد کرد دولت انگلیز و [illegible] بود که اقتضا؟ موجب میل قلوب عثمانیه به آلمان و دلتنگی از انگلیز گردید . هنوز کمی نگذشته بود که دولت انگلیز دو کشتی جنگی را که عثمانی او خریداری کرده بود ضبط کرد . درمقابل آن دولت المان

دولت روس وهم متفقهای او که دولت های انگلیز و فرانسه باشند سفیرهای خودشانرا ازآنجا واپس طلبیدند . و بدینصورت مناسبات سیاسیهٔ خودشانرا قطع کردند . درعقب این عسکر روس بحدود مشرق [illegible] تجاوز نمود . دسته های کشتیهای جنگی انگلیز و فرانسه متفقاً بر استحکامات چناق‌قلعه . و کشتیهای انگلیز بر عقبه طوب انداختند . تا آنکه اینکه دشمنهای عثمانیه که یکی دری دیگر ظهور یافت صلح را که از ایشان توقعا آنرا آرزو داشتیم ترک کرده و با دولتهای المانیا

دو کشتی جنگی «گوبن» و «برسلاو» خودرا بدولت عثمانیه بفروخت که این سراسر موجب کسر قلوب عثمانیان از انگلیز . و تمایل کلی شانرا بالمان سبب گردید . احتجاجات و اعتراضات انگلیز و روس پیش از پیش گردید . و تکالیف شاقهٔ بر عثمان پیش نمودند . تا آنکه سفرای خودرا از استانبول طلب کرده اعلان حرب نمودند . عثمان هم که انتقام های صدساله در دلش از روس داشت فرصت را غنیمت دانسته بکمال ممنونیت محاربه را قبول . و با المان و اوستریا متفق گردید . حالا درینجا ترجمهٔ بیان‌نامهٔ اعلیحضرت سلطان المعظم را که بیان‌نامهٔ اوروپا شما را ترجمه کرده مینگاریم که ازین بیان‌نامه کیفیت اشتراک عثمانی بجنگ بدرستی بخوبی ظاهر میگردد :

بیان نامهٔ اعلیحضرت سلطان المعظم

رعیای گرامیه و بحریه شاهانهٔ شان در آغاز اعلان حرب

« اردوی من ، دسته‌های کشتیهای جنگی من !

« بنابر اعلان حربی که در بین دول معظمه وقوع آمده ، بعضی ازین اینکه حقوق و موجودیت دولت و ملکت موروثم را مقابل دشمنان فرصت جو ، در وقت ضرورت مدافعه کرده بتوانم شمایانرا زیر سلاح آورده بودم . در حالیکه باینصورت در حال بیطرفی مسلحی بسر می آوردیم . دسته های کشتیهای جنگی روس که برای وضع نمودن طوربیل‌ها بیعنی تنگهای دریا ـ در آبنای بحر سیاه باراه افتاده بودند ، بریک قسمی از دسته‌های کشتیهای جنگی ما که در آنجاها بتعلیم و تعلم مشغول بودند ناگهان که هاری کردند . ما هنوز به انتظار این بودیم که روس تصحیحات تجاوز احمق و مغایر حقوق بین الملل خود را بکند که دفعهٔ هم

شهزادگان جوانبختان معظم و مکرم حضرت والا
عنایت‌الله خان معین السلطنه و حضرت سردار امان‌الله خان عین الدوله

و اوستریا مجارستان متفق شده برای مدافعهٔ منافع مشروعهٔ خودمان بسلاح بر داشتن مجبور شدیم . دولت روس از سه عصر به اینطرف دولت علیهٔ ما را بسیار ضررهای ملکی مردود چار کرده است . شوکت و قدرت ملیهٔ ما را در هر گاه و بیگاه با حربها و بین حیلها و دسیسهها محو کردن کوشش ورزیده است . دولتهای روس ، انگلیز ، فرانس بر ملیونها اهل اسلامی که در زیر ادارههای ظالمانهٔ خودشان آنها را از روانان ساختهاند ، و همهٔ آن مسلمانان از روی دین بخلافت معظمهٔ ما مربوط میباشند . هیچ وقت از پروراندن فکرهای بد در حق آنها فارغ نشدهاند ، و مسبب و محرک یگانهٔ هر گونه مصیبتها و فلاکتهای ما گشتهاند . این است که با این جهاد اکبری که درینبار به آن توسل کردهام بدشمنهائی که از بسیار وقتها شان و شوکت خلافت ما و حقوق سلطنت ما را هیچ انگاشتهاند ان شاء الله تعالی گوشمالی آخری خواهیم داد .

« ای عسکرهای بهادر من !

« درراه این غزا و جهاد مبارکی که بر دشمنان دین مبین و وطن عزیز خودمان باز کردهایم ، یک آن و یک لحظه از عزم و ثبات ، و وفاداری و جانبازی جدا مشوید . بر دشمنان دین و وطن مانند شیران غران صولت انداز و مهابت شوید . زیرا حیات و بقای دولت ما و سه صد ملیون نفوس اهل اسلام را که بفتوای شرع شریف بجهاد اکبر دعوت کردهام بمظفریت شما وابسته است . دعاها و نیازهای سه صد ملیون مؤمنین مظلومین که در هر طرف دنیا میباشند بکمال وجد و استغراق با شما . در هر مسجد و هر جامع و در کعبة الله بحضور رب العالمین همراه و یکجا میباشند .

« ای اولاد های دلاور من عسکر !

« این وظیفهٔ که امروزه روز بر شما ترتیب کرده تاحال در دنیا بهیچ اردوی عسکری نصیب نشده است . در اثنائی که این وظیفه را بجا می آرید باید بیندیشید ، و بعالم نشان بدهید که شما خیرالخلف های همان اردوی های عثمانی هستید که در یکوقتی دنیاها را بلرزه آورده بودند . آنکه دشمنان دین و دولت بر خاکهای مقدس ما پا دراز کردن ، جرأت نتوانند . و اراضی مبارکهٔ حجازیه که بر کعبة الله شریف و مرقد نور نبوی محتوی میباشد از شر اعدای دین محفوظ ماند . بر دشمنان دین و وطن خود بصورت مؤثر هویدا سازید که یک اردوی عسکریه و دسته های کشتیهای بحری عثمانی موجود است که دین خودشان را ، وطن خود شان را ناموس و شرف عسکریهٔ خود شان را بقوت سلاح دلاوری خود مدافعه میتوانند ، و در راه پادشاه خود مرگ را بسیار چیز محقری میشمارند .

« چون حق و عدل در ما ، و ظلم و عدوان در دشمنان ما است هیچ شبهه نداریم که بعنایت صمدانی جناب عادل مطلق ، و امداد معنوی پیغمبر بر حق ما یار و یاور خواهند شد و با این جهاد تلافی ما فات ضررهای ماضی خود را خواهیم کرد ، و یکدولت باشان و شوکت و قوت و قدرت شده بدنیا میآئیم . شهیدان ما بشهیدان سالفه مژدهٔ ظفر ببرند ، و غزای زنده ماندهگان مبارک باشد ، و شمشیرتان تا ابد تیز باشد . فی ۲۴ ذی الحجه ۱۳۳۲

بیاننامهٔ انور پاشا

برموجب عساکر شاهانه انور پاشا که وکیل سرافسر کل — یعنی وکیل حضرت سلطان المعظم میباشد و قائد الجیش عمومی ، و ناظر حربیه است

« ای رفیقان سلاح من !

ارادهٔ سنیهٔ سر کوماندان محبوب خلیفهٔ ذیشان خودمان را بشما تبلیغ میکنم . بعون و عنایت جناب الهی و امداد روحانی پیغمبری و دعای خیر پادشاهی اردوی ما دشمنان ما را مغلوب و پریشان میسازد . یک دلیل بزرگترین غالبیت ما و مغلوبیت دشمنان همین است که از روزیکه جنگ آغاز کردهام تا امروز در بحر و در بر امیر و عسکر برادران من بجز دلاوریهای مردانه و هجومهای شیرانهٔ عسکر چیزی ندیده اند . با وجود اینها باید که هر افسر و هر عسکر فراموش نکند که میدان حرب یک میدان فداکاری و جانبازیست . در اینجا هر عسکری که بیشتر خود را بپیش پرتاب کند ، هر عسکری که از گلولهها و از آتشهای دشمن چشمش نترسد و دایما در پیش رفتن دوام کند ، و به آخر ثبات و استقامت کند ، آن عسکر مطلقا بازی حرب را میبرد . تاریخ شاهد است که از عسکر عثمانی ثبات دارتر ، از عسکر عثمانی فداکارتر هیچ عسکری نیست همه ما باید فکر کنیم که بر سرهای ما ارواح مقدسهٔ پیغمبر ما و اصحاب کرام پیشواهای ما در پرواز است . روحهای پدرهای شاد ما بطرف ما می بینند که ما چه میکنیم . اگر براستی امت همان پیغمبر و پیرو همان پیشواها ، و اولاد همان پدرها باشیم باید مردانگی و غیرت خود را نشان بدهیم . و اگر بخواهیم که از لعنت خواری باز آئیم که خود خلاص شویم باید کوشش کنیم .

سه صد ملیون مسلمانانی که گرفتار زنجیرهٔ اسارت همین دشمنان هستند که ما با آنها جنگ میکنیم برای مظفریت ما دعا میکنند هیچ کس نیست که از پنجهٔ مرگ رهائی یابد . چه در تخت باشد ، چه در تخته چوبین و زیر لحاف باشد ، چه در بروج مشیده ، چه شرافتمند است آنانکه دائما به پیش روند ! چه سعادتمند است کسانیکه در راه دین و وطن شهید بشوند !

پس همیشه بپیش رویم زیرا ظفر ، شرف ، شان ، شهادت ، جنت همه در پیش رفتن است . ذلت ، حقارت ، اسارت همه در پس ماندن است . روح همه شهیدان مبارک و مقدس باد و تحیهام بر شما ، بخوانید : زنده باد پادشاه ما

* * *

این است که با اینچنین بیاننامه معاونت و اعانهٔ ترکیه دولت علیهٔ عثمانیه بجهاد اکبر کمر همت را بسته بجنگ شریک گردید . و از یکطرف چنانچه برای گرفتن مصر یک اردوی جسیمی تشکیل داد ، از طرف دیگر بر جبهت قفقاز بحرکات عسکریه آغاز نمود . خواه در طرف قفقاز و خواه در طرف مصر کامیابیهای نمایانی حاصل کردند . ولی انگلیز برای توقف دادن حرکات عسکریهٔ عثمانیه را بطرف مصر یک چال دیگر ریخت که با فرانس متفقاً آبنای داردنیل را در زیر تضییق و فشار آوردند . اگرچه میگویند که این یک معاونتیست که بروس میخواهند رسانند ولی در حقیقت همین است که گفته شد .

حال جنگ در وقت حاضر

وقت ، وقت رستاخیز است ، جنگ ، جنگ جهان آشوبیست که « هل من مزید » گفته لحظه بلحظه در شدت و حدت خود میافزاید . از یکطرف دولت المان ، دولت اوستریا ، دولت عثمانی . از دیگر طرف دولتهای صرب ، مونتنگرو ، بلژیک ، روس ، فرانس ، انگلیز ، ایتالی ، ژاپون ، یعنی سه دولت بمقابل هشت دولت ! ! گر پرسیده شود که هشت غالب است ، یا سه ؟ بکمال آزادی و جرأت گفته میشود که تاحال سه ! از این هشت دولت صرب و مونتنگرو اگرچه تاحال حرکت میکنند ولی حرکتشان مانند مارهائیست که سرشان کوفته شده باشد . بلژیک سراسر محو

ومضمحل شده همهٔ ممالك آن ضمیمهٔ ممالك المان گردید. ازخاك فرانس صدها کیلومتر اراضی ومتعدد شهرها وقصبه‌ها بدست المان درامد. قطعهٔ پولند روسی بتمامها وازممالك اوروپای غربی روس صدها شهرها وقصبه‌ها وقریه‌ها درحوزهٔ تصرف المان واوستریا درامد. جزیرهٔ بریتانیای انگلیز دردرِ محاصرهٔ بحری کشتیهای تحت البحر المان گرفته شد. حالا تنها ازممالك المان ومتفقینش یکوجبه زمین بدست دولتهای هشت گانه نیامده است.

از دولتهای هشت گانهٔ متفقه کسیکه فایده های عظیمهٔ ازین جنگ برده است، دولت ژاپانست. غیر ازانکه بندر گاه سنکتاو ورا ازالمان درربود مانند دولت، چین، یك لاشهٔ بالیه مانند بسیار بزرگ راشما یا نوش جان فرمود! بلی، چین همه شرایط استقلال شکنانه را که ژاپان براو گذاشت همه‌را قبول کرد. و بواسطهٔ آن قبول کردن از همه حقوق آزادی وحاکمیت و استقلال خود اوداع نموده دردرِ حمایت وسیادت ژاپان درامد که بحقیقت این مسئله یك موفقیت وکامیابی عظیمی برای ژاپان شمرده میشود.

خاتمه

این است که تاریخچهٔ حرب خودرا خلاصه کرده تابه همین قدر درقید تحریر آورده توانستیم. واین یك فکر اجمالی است که بقارئین کرام خود عرض نمودیم. واگر بخواهیم که ازواقعات حربیهٔ یومیهٔ رزمگاههای این حرب رستاخیزآسا بیان نمائیم صدها شهنامه هانوشتن لازم میآید. چون درنوشتن آن رعایت خواطر ومراعات این وآن لازم می آید. ازان رو واقعات را ازروی حقایق ودقایق که قابل انکار نیست نوشتیم ودرحتی که درخصوص از تتبعات وتدقیقات زیادی رخود گوارا نمودیم بجاست تادیدهٔ که قارئین کرام ما ازاین رهگذر بدست آرند زحمت مبدل میشود. باقی دعای خیروسعادت اسلام وزودی رفع شدن این خونریزی ازعالم انسانیت ختم کلام مینمائیم. (ومن الله التوفیق)

◆

آخرترین خبرهای جنگ

شمله ۲۸ ماه جولائی ۱۵ رمضان

خبرذیل ازطرف وزیر هند بوایسرای رسیده است —

دررزمگاه جنگ شرقی زورجنگ بطرف شمال است وجرمن ها اطراف مقامات کوونو وولنارا احاطه کرده میروند — جنرال بیلوی (جرمن) درعلاقهٔ پوسول ووش وریس رسیده که قریباً چهل میل بطرف مشرق شیول میباشد — وجرمن ها دریای ناریورا زور عبور نموده اند — وقریب استرولنکا جرمنها بتدریج روسی ها را ازطرف بطرف پس پا کرده میروند —

سپاه ترك

مسترا شمید بارتمت انگلیزی ازدر دانیال مینویسد که حالت آنجا عین مانند حالت مقامات بیدرس وسوچیز میباشد وفتح متفقین زود حاصل شده نمیتواند — وفوج ترك جنگ را بوقت شب خوش دارد —

حمله جرمن روس —

لندن ۲۸ ماه جولائی — ۱۵ رمضان —

داخل شدن جرمن در اضلاع بالتك در روس به توجه زیاد دیده میشود — وبیان کرینه دیوك در خصوص داخل شدن جرمن مابین علاقهٔ نمن ودوینا ازامعی خیال کرده میشود واکثر مردم یقین دارند که مقصد جرمن قطع نمودن سلسله ریل مابین پترو گرید ووار[سا] میباشد —

یك خطر جدید —

کوشش منقطع نمودن سلسله آمدورفت وارسا —

لندن ۲۸ ماه جولائی — ۱۵ رمضان —

ازسبب پسپائی وتقسیم ثانی افواج روسیه طول خط مدافعت اکنون بوسعت صدمیل محدود میباشد که ازان در یکصد میل جنگ جاری است اگر فوج روس بطرف خط مدافعت جنرال میکنسن درجنوب لبلن میباشد — وحالت درمحاذ دریای ناریو بسیار نازك شده است — وپیشقدمی جرمن درچهل میل ظاهر میکند که یك حملهٔ عظیم از طرف اضلاع بالتك خواهد شد — ومقصد این حمله رسانیدن افواج درعقب استحکامات نیمن میباشد — وعلاوه ازین حمله‌ها از طرف جنوب ومغرب نیز قریب قلعه کوونو رسیده اند — ویقین کرده میشود که فوج جرمن ازین طرف درمحاذ یکصد وبیست میل دراز (مابین کوونو ودو نابرگ) پیشقدمی کرده می آید — ازسست رفتاری جنرال میکنسن جرمن ها ناامید شده اند و کوشش دارند که ازطرف جنوب سلسله آمدورفت وارسارا منقطع کنند —

سپاهی ترك درمیدان جنگ

لندن ۱۵ جولائی —

مستر آشمید بارتمت در یك مراسله می نویسد که افسران افواج مادر تعریف بهادری سپاهیان ترك رطب اللسان میباشند ومی گویند که آنها پروای مرگ را هرگز ندارند لاکن طریق جنگ آنها مطلق بیکاره وخرابست

۲۸ جولائی خبر پاریس — ازمیدان جنگ مظفر الس خبر رسیده که در علاقهٔ سوچز — جنگ بسیار شدید صورت اختیار کرده میرود — چنانچه توپخانه دشمن بشهر اریس — دو دفعه بسیار — بشدت گوله باری نمودند — که از گوله باری مذکور شهر — اریس آتش گرفته — که بعدازان بسی بسیارفرو گردیده — ودرعلاقهٔ ارگون — هم جنگ بسیار بشدت — وخون ریزی جاریست — وتوپخانه دشمن گوله باری بسیار بشدت می نمایند —

«فتح وارسا»

از اخبارات انگلیزی نقل شد

افواج شمالی جرمنی که تحت قوماندانی جنرال وان هندن برگ بودند ازطرف شمال، وافواج جنوب جرمنی که در پولند تحت قوماندانی وان میکنسن بودند ازطرف جنوب افواج روسی متعینه وارسا را محصور کردن خواستند، ولی روسی‌ها بقرار خبر رسی خودشان بشوره حلقه‌های خود، افواج را ازوارسا پس بردند وجرمنی‌ها یکفوج دیگر ازطرف شمال وجنوب برای محاصرهٔ شان فرستاد ولی تارسیدن آنها روسی‌ها از انجا پسپا شده بودند، جرمنی‌ها فوج سوم ازطرف شمال وجنوب بدوره کلان فرستاد ولی روس‌ها ازانجا پسپا شده رفتند، هرچند افواج روسی (بنابر قابلیت که دوك نکولس درپسپائی دارد) محصور نشدند ولی تنها وارسا را بلکه قریب ۷۰ میل ازوارسا پس‌تر رفتند

خبرهای جنگ

بذرایع مختلفه

فواید تلگراف بی‌سیم

لندن ۲۷ ماه جولائی — ۱۴ رمضان —

درمجلس سالانهٔ مارکونی کمپنی مستر گادفری آیزکس بیان نموده است که در اپریل سنهٔ ۱۹۱۰ عیسوی کمپنی مذکور به حکومت انگلستان استدعا کرده‌بود که برای یك سلسلهٔ تلگراف خانه های بی‌سیم اجازت داده‌شود چون حکومت انگلستان این درخواست‌را منظور نکرد — دولت جرمن بصرف بیست لك‌پوند یك سلسلهٔ تلگراف خانهٔ بی‌سیم قایم کرد — بوقت پنج و نیم بجهٔ شام تاریخ چهارم ماه اگست بجهازات جرمن بوساطت بی‌سیم خبررسانید که مابین جرمنی وانگلستان جنگ شروع شده است وباین طریق صدها جهازرا محفوظ نمود — حالانکه کل اخراجات تأسیس سلسلهٔ مذکور برابر قیمت یك جهاز (از قسم وار لیند) میباشد

تعداد آتش فشان‌های جرمن —

لندن ۲۷ ماه جولائی — ۱۴ رمضان —

نامه نگار اخبار دیلی ایکسپرس از پیرس رقمطراز است که تعداد آتش‌فشان های اتواپ جرمن که بمحاذ غربی موجود است تخمیناً نود ونه‌هزار میباشد —

لندن ۲۷ ماه جولائی ۱۴ رمضان —

پتروگرید — ماهران روسی بیان‌میکنند که‌شدت حملهٔ جرمن در حدود عادنارنو ولبلن در دوهفته دیگر بدرجهٔ انتهائی خواهد رسید — ودر چندروز ظاهرمیشود که‌سی‌هزار فوج‌سوارهٔ جرمن که در علاقهٔ بالتك موجود است — وفوج عظیم که‌برمحاذ نیمن میباشد چه‌خواهد کرد — چنان خیال کرده می شود که مدعای آنها تصرف بریکا کووئو و ولنا می باشد —

محاذ ایطالیه

— غنیم کلوله های غاز کلو کیر را استعمال کرد جرنیل کنتور کمسر کرده فوج ایطالوی درحملهٔ طرابلس بود بمقام آلواقع ترینتینو قتل رسیده است —

لندن ۲۷ ماه جولائی — ۱۴ رمضان —

نامه‌نگار روبوتر بعداز ملاحظه کوه نمبر۶۰ که‌جرمن‌ها واپس گرفته‌اند بیان می کند که‌بر کل حصه‌بالائی کوه‌مذکور که‌تقریباً ۶۰ فت بلندی‌دارد چندقطار خندق های‌جرمن یکی‌بالای دیگری‌موجود است — وهمچنان درحصه‌زیرین آن خندق‌های انگریزی است ودریك‌مقام‌افواج‌انگریزی وجرمنی ازیك دیگری به بعد شش گز میباشند —

۱۹ ماه جولائی — خبرایتنز پای تخت دولت یونان — دولت جرمنی ازباب عالی ذمه داری این سخن را طلب کرده — که همراه دول متحده جدا گانه صلح ننماید — زیرا که دولت برطانیه میخواهند — مبلغ بیست کرور پوند — قرض تاوان جنگ برای دولت عثمانی داده همراه او از راه صلح درآید ولی عثمانی رد کرده.

۲ اگست خبرلندن — نامه‌نگار رویتر ازمیدان جنگ فرانس رقمطراز است که درمقام هوك جرمن‌ها برسپاه دولت برطانیه نیل‌های مشتعل‌شونده — بذریعهٔ پیپه‌ها پاشیدند — درجنوب هوك سپاه جرمن برفوج‌های دولت برطانیه حمله‌نمودند — حمله‌های بسیار سخت‌نمودند — بعدازآن فردا علی‌الصباح اول یك کلوله باری‌بسیار سخت برسپاه دولت برطانیه نمودند یکبارهگی بلغ‌های شان یك‌حمله بسیار بشدت‌نمود — بمجرد حملهٔ بلغ — انجنیرهای جرمنی که‌منتظروقت فرصت آماده وتیار بودند دهن‌لوله‌های پیپه‌های — نیل آتش گیر بطرف سپاه‌برطانیه بازنمودند — درسنگرهای فوج برطانیه نیل آتشین باریدن گرفت درین فرصت سپاهیان جرمن درسنگرهای سپاه برطانیه رسیده درسنگراولین داخل شدند وبذریعه بمبا پرانیده — سنگر مذکوررا کلان نمودند — کیفیت نظاره این جنگ خوفناك ازحد بیان دور است این حملهٔ یکبارگی دشمن وباریدن نیل آتش گیر عقل‌یاران سپاه‌برطانیه‌را بسیار پریشان ومراسیمه ساخته چون سپاهیان برطانیه سیلاب آتشین نیل‌را دیدند که بسیار بسرعت بطرف شان می آید مجبور شده‌ازمقابله این‌قسم‌طریقهٔ جنگ‌ظالمانه پس‌رفته‌سنگراول خودرا بجهت دشمن وا گذار شدند —

لندن ۳۱ ماه جولائی —

نامه‌نگار اخبار دیلی تلگراف از کوپن‌هیگن (دنمارك) خبرمیدهد که از برلن اطلاع رسیده که فوج جرمن قدر ده لك زیاده شده است دران‌زیاده نوجوانان ۱۸ و ۱۹ ساله داخل میباشند — وآنهارا به‌بسیار سرعت تربیت داده میشود واکثر حصهٔ آنها درمیدان جنگ شرق رفته اند —

لندن یکم ماه اگست — ۱۹ رمضان —

درخبر سرکاری پتروگرید اعتراف این امرشده که لبلن وریل‌مابین مقامات نووا الکزندریا وبیوور خالی‌شده اند — وروز یکشنبه به‌آن افواج روس که مابین دریای ویسچولا ودریای بك مقیم بودند حکم داده‌شد که درشب طرف‌عقب خودبه‌مقامات مستحکم پس‌باشوند چنانچه بکامیابی وحفاظت تعمیل این احکام نموده شد —

لندن ۳۱ ماه جولائی ۱۸ رمضان —

یك کشتی زیرآب جرمنی جهاز انیرین را بضرب تارپید وغرق کرده — وتقریباً هفت نفر ازاهل جهاز تلف شده اند —

شمله یکم ماه اگست —

سرجان فرنچ اطلاع میدهد که جرمن‌ها بعداز کوله‌باری شدید بذریعهٔ کلوله های‌شعله‌خیز برخندقهای انگلیس حمله نمودند وبطرف شمال وجنوب مقام هوج برخط اول خندق ها متصرف گردیدند — وجنگ هنوز جاری است —

پوپ روما یك تحریر بنام فریقین محارب شایع کرده است که خلص مضمون آن حسب ذیل میباشد —

اراده تباهی دیگرا ترك دهید — واین خیال را بگذارید که تنازعات باهمی‌محض بذریعه شمشیر فیصل میشوند — درجنگ اقوام تصرف سردست تباه میشوند بلکه نفرت و خواهش انتقام بوراثت نسل‌های آینده نیز میرسد — چرا واسطه بالا واسطه تبادلهٔ خیالات نمی کنید ای حامیان امن بکوشش متفقه جنگ‌را ختم کنید تاامن وامان قائم شود —

آخر ترین خبرهای جنگ

۵ ماه اگست — ۱۹۱۵ — خبرلندن — یك جهاز کاسترل که دولت

رطانیه را کشتی تحت البحر جرمن غرق نموده — از عمله و نفری آن یک نفر هلاک و یکنفر مفقود گردیده —

۹ ماه اکتبر جرمن — یک جهاز جورجیا نام انگلیز را کشتی تحت البحر دولت جرمن غرق کرده — از عملهٔ آن ۱٤ نفر نجات یافته —

۷ ماه اکتبر جرمن — جهاز مدلینه نام انگلیز را — کشتی تحت البحر دولت جرمن غرق کرده عمله و نفری آن بعد الاسر گردانیدن ایشان نجات داده شدند —

تفصیل فتح وارسا

۹ ماه اکتبر جرمن — در پترو گراد قسم سرکاری اعلان یافته — که از دست عمومی خراب حالت دولت روس در باب واپس فوجهای خود که در سمت غربی وارسا بودند احکام جاری کرده سپاه مذکور تاریخ ۵ ماه اکتبر گرفته در سنگرهای جدید خود واپس رسیده‌اند.

۹ ماه اکتبر خبر پترو گراد سپاه جرمن در علاقه‌جات بالتک بسیار [illegible] پیش قدمی نماید جانب [illegible] الحال ایشان [illegible] رسیده‌اند آن [illegible] از مقام ریگا قدر ۱۲ میل فاصله دارد جرمن درین علاوه همراه خود بسیار اسباب حرب آورده — اول جهازات هوائی شان برشهر ریگا بمباها انداخت بعد ازان گوله باری دولت روس شهر را خالی کرد عجب [illegible] قبل ازین که شهر مذکور در تصرف روس [illegible] جرمن [illegible] چون دولت روس شهر ریگا را خالی نمود بعدها فوج جرمن از [illegible] کوچه و بازار [illegible] نعره‌های خوشی [illegible] از پیش [illegible] دولت جرمن [illegible] ریگا جاری میشود که خط [illegible] جرمن از حد زیاد وسعت دارد و تعداد سپاه شان از حد حساب [illegible] روس [illegible] بسیار بزرگ [illegible] زیرا از دست دادن [illegible] بسیار بزرگ است که بر روس رسیده. وارسا [illegible] غربی روس [illegible] مرکز بسیار با اهمیت روسی و دارای قوت حربی بسیار بود — که از [illegible] در تمام ملک روسی اسباب و ذخائر جنگ فرستاده می‌شد — و نیز از جمله اول درجه قلعه‌های جنگی دولت روس و نقطه [illegible] گاه دریائی [illegible] دانسته میشد — که در وقت [illegible] جرمن یک هزار و چهارصد عراده توپ های کلان در آن [illegible] و هم اسب جرمنها گرفتند — [illegible] معلوم شده — که قیصر جرمن [illegible] فتح وارسا را ذریعهٔ بالون در برلن فرستاده — بمجرد [illegible] خبر — [illegible] سوارها در تمام شهر برلن با آواز بلند فتح وارسا را منادی نمودند در تمام شهر برلن جوش و خروش از حد زیاده دیده میشد — مردم به یک دیگر خود مبارک باد داده — روی و دست یکدیگر را میبوسیدند — برای تمام دوائر و مدارس رخصت داده شده و سامان جشن خوشی [illegible] —

۷ ماه اکتبر خبر لندن [illegible] میشود که قیصر جرمن از میدان جنگ بطرف برلن روانه شده خیال کرده میشود که روز یکشنبه در برلن خواهد رسید — گفته میشود که در برلن یک اجلاس عمومی کرده خواهد شد [illegible] این اجلاس مذکور این است که [illegible] اوستریا [illegible] مملکت پولاند مقرر کرده خواهد شد —

۸ ماه اکتبر خبر پترو گراد — اخبار نووی ریمیای روسی رقمطراز است که افواه صلح دولت روس همراه دولت جرمن از ماسکو الی پترو گراد مشهور گردیده است.

نیاز نامهٔ جرمن به روس برای صلح
یک نمونهٔ دروغ

لندن ۱۲ اکتبر

اخبار (نووی ریمیا)ی روسی مینویسد که جرمن در پیش [illegible] زاری میکند که با جرمن مصالحه صلح بکند و اگر روسیان [[illegible] جرمن را قبول کند کلیشیه و دارد آنیل را جاو [به بسیار [illegible] پیشکش میکند ! ...

[یکبار فتوحات جرمن و شکستهای روس را در زیر نظر [illegible] بعد ازان قارئین کرام ما در باب خود یک حکمی بدهند که [illegible] و راستی چه خواهد بود ! ...]

﴿ ایضاً حوادث داخلیه ﴾

هو الحی الباقی

موت العالم موت العالم

بکمال افسوس و کلفت و حسرت با چشم اشکبار و قلم ماتم‌بار خبر کدورت اثر ضیاع ابدی عالم علامه و فاضل کامل فرزانه فضایل همراه عالیجاه مولوی (عبد الرؤف) خان صاحب را درج صحائف غم و اندوه مینمائیم. (انا لله و انا الیه راجعون)

علامهٔ فاضل مشار الیه یوم جمعه ۱۵ ماه شوال المکرم بمرض وبا مصاب شده و بعمل ده بجهٔ شب ترک دنیای فانی نمودند [رحمة الله علیه رحمةً واسعه]

چون این خبر حزن آور در وقتی که این شمارهٔ اخبار [illegible] از طبع برآمده بود رسید ازان سبب همینقدر اخبار کلیت پرداخته انشاءالله در شمارهٔ آینده از سوانح عمری مشار الیه و درجهٔ فضل و کمالات بتفصیل عرض معلومات خواهیم نمود.

(سراج الاخبار افغانیه) به مولوی زاده گان ذی فضل و عرفان جناب مولوی عبد الواسع خان و مولوی عبد الرب خان فرزندان ارجمند حضرت مرحوم مشار الیه عرض تعزیت تقدیم میکند.

در چاپخانهٔ حروف دار السلطنه کابل طبع گردید
مضمونهائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر و سر محرر تحریر یافته
محمود طرزی

(اعلان)

پراکنده

از آثار مطبوعهٔ تازهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت، وعبارت از یك مجموعهٔ اشعار ابدار تجدد آثاری میباشدکه برکاغذ اعلا، وخوبی طبع دلربا، باتصاویر بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است. اگرچه از بحث خط وخال بعید است ولی مضامین وخیالاتش سراسر یکطرزجدیداست. نسبت بخوبیهای ظاهری ومعنویش قیمتش خیلی ارزان. یعنی بمقابل (۲) دو روپیهٔ کابلی درخود مطبعهٔ عنایت از نزد عبد الرؤف خان سر مرتب، ودر بازار ارك از دکان باز محمد، ودر متصل بمدرسهٔ شاهی از دکان غلام محمد هرکس خریده میتواند.

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه را مژده! از این ثمرهٔ نو بدر رسیدهٔ گلزار «مطبعهٔ عنایت» کام جانرا شیرین نمائید! «جزیرهٔ پنهان» یك ناولیست که قوت علم ومعرفت وسعی وغیرت را برای اساس زندگانی نوع بنی بشر بنظر ثابت وجلوه گر میسازد، هم حکایت، هم عبرت هم فن، هم فضیلت! خوبی چاپ، خوبی کاغذ، خوبی تصویرش علاوه، قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان! تنها (۶) شش روپیه محل فروخت نفس مطبعهٔ عنایت در ده افغانان، دکان باز محمد در بازار ارك، دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی.

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد
کتاب سال دوم . . . مصور مجلد
کتاب سال سوم . . . مصور مجلد
کتاب سال چهارم مصور مجلد
علم و اسلامیت
آیا چه باید کرد؟
ادب درفن
توحید
مختصر جغرافیای عمومی

این کتابهای فوق در اداره موجوداست. هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کند.

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

	قیمت روپیه کابلی
سیاحت دردورادور زمین بهشتاد روز مجلد	۲
سیاحت در جو هوا مجلد	۲
سیاحت در زیر بحر مصور مجلد	۴
از هردهن سخنی وازهرچمن سمنی مجلد	۲
روضهٔ حکم مجلد	۲
پراکنده مصور مجلد	۲
جزیرهٔ پنهان مصور مجلد	۶

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوق را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان از نزد عبد الرؤف سرمرتب واز دکان باز محمد کتابفروش در بازار ارك واز دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل مدرسه شاهی بقیمتهای معینش خریداری کرده میتوانند.

واگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوق را بکنند باید در سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند.

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا
یاد آوری میکنیم

مدتهاست و کوشش کردیم که از شکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خودرا رهائی یابیم ممکن نشد لهذا با کتخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یك مقاوله نمود تا کتخانه مشار الیه تقسیم و توزیع اخبار ما را که بهمه مشترکین کرام ما برساند درعهدهٔ حیثیت خود قبول نمود . مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را تبشیر ویاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای دا کتخانه بخود شان میرسد .

شرایط خریداری

دارالسلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالانه	چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان
هر جائیکه باشد با اجرت پوست

قیمت سالانه	ده روپیه انگلیزی	قیمت ششماهه	شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراك قبول نمیشود

یك طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

برهمهٔ کار داران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود:

اگر ازیك جا بدیگر جا روند بایشان میباید که یك رقعه بمدیر وسر محرر را خبر بدهند که من در فلان جا بودم وحال در فلان جا میروم اخبار مرا در انجا بفرستید . هرگاه همچنین یك رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا در سراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، ویا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا به پنج بار نشر وشایع شود برسرهر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا به پنج بار فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریك ستون اخبارما (۳ — اینچ — ۴ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تا یك سال نشر کردن خواهد ووجه یك ساله را پیشکی ادا نماید در ورق پشتی بر هر سطری [illegible] اجرت گرفته میشود

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

شماره ۳ سال پنجم

فهرست مندرجات

قصیده درتهنیت عید سعید فطر (

اخلاقیات (زبان واهمیت آن

علوم وفنون (اختراعات عجیب‌المعقول

حوادث داخلیه | تشریف فرمائی اعلیحضرت همایونی به پغمان - کیفیت بهاری عارضه - یک خسارت تأسف‌آور علمی - ازدفتر مکتوب نویسی مرقوم داشته - ازقندهار نگاشته -

ادبیات (افغانی — فارسی

حوادث خارجیه | حکایتهای محاربه — ترجمه ازاخبارات اقدام — فتوای شریفه — الجواب — اوضاع داخل المان - کشفیات المان - استادهای المان - نقل ازاخبار رعد - المان وبزمارک - المانها ازتلکراف بیسیم چه‌فایده گرفته‌اند - وکیل ۲۸ حوالی — یک جمعیت بزرگ مبلغین مسیحیت برای هندوستان — خبرهای جنک راه خشکه — کازهای خفه کننده — اختلال داخلی روس

تصاویر | منظره ادای نماز دراطراف بیت‌الله الحرام زادالله شرفاً - سلطان البرین والبحرین خادم الحرمین الشریفین الغازی اعلیحضرت سلطان محمدرشاد خان خامس - منظره شهر مدینه منوره وگنبد مطهره حضرت نبوی صلی‌الله علیه واله وسلم - غازی انور پاشاه وزیر حربیه دولت علیه عثمانیه

اعلان

از صنایع پرورشهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه رعیتخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جرنیل کارخانه جات، ماشین خانهٔ مبارکهٔ دارالسلطنه کابل علاوه رفعای حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه و اونیفورمه های عساکر شاهانه وغیره، بعضی دیگر مصنوعات داخلی که از آن اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت همایونی حکم فروش آن صادر گردیده است: محل فروش این چیزهای، ذیل (دکان عبدالله خان دربازار ارک) میباشد.

(١) سرج‌های پشمینه بافی رنگهای مختلف که قیمت آن از قرار گز انگلیزی ٣ فوت مشخص شده و در صندوقخانهٔ جنسی هم بفروش میرسد

اقسام	قسم اول						قسم دوم					
درجه‌ها	درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم وقدری کلفت قیمت آن ١٥ پیسه زیاده شده	
رقم	تا حال ساخته نشده		رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت			٧ روپیه ٥ پیسه	٦ روپیه ١١ پیسه	٦ روپیه ٤٢ پیسه	٥ روپیه ٤٨ پیسه	٦ روپیه	٥ روپیه ١٨ پیسه	٦ روپیه	٥ روپیه ١٠ پیسه	٦ روپیه ١٥ پیسه	٥ روپیه ٢٥ پیسه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گز انگریزی | کشمیره چهارخانه ٧ روپیه ٣٥ پیسه | کشمیره رهدار هر رقم ٧ روپیه بیست پیسه

(٢)	جراب ها			﴿٣﴾ تکمه‌های چرمی محراب ومنبردار		
رقم	تکه‌بانکه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج	کلان قد درجن	میانه قد درجن	خورد قد درجن
قیمت	١ روپیه ٥٢ پیسه	٤٥ پیسه	٣٦ پیسه	١ روپیه ٤٠ پیسه	١ روپیه ١٠ پیسه	٥٠ پیسه

(٤) کروره های جدید ساخت

رقم	زه باف یک اسپه دو گره دو تاره	زه باف یک اسپه دو گره سه تاره	چرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ چار تارهٔ نخی
قیمت	٨ روپیه و ٣٣ پیسه	٩ روپیه و ٢٤ پیسه	٨ روپیه و ٤٢ پیسه	٦ روپیه و ١١ پیسه
رقم	چرم باف دسته بادامی دو اسپه	چرم باف دسته دولانه یک اسپه	دسته دولانهٔ یکی چار اسپه	چرم باف همرکاب
قیمت	٤ روپیه و ٤٨ پیسه	٤ روپیه و ٤٦ پیسه	٨ روپیه و ٢٣ پیسه	٤ روپیه و ٢٣ پیسه
رقم	قبضه رنجی کیت نره و توپخانه	قبضه کیت تمام از چرم پیهلایه توپخانه	زه باف رقم سواری ساعی کیت	زه باف دو تارهٔ رکابی
قیمت	٣ روپیه و ٥٥ پیسه	٤ روپیه و ٥٧ پیسه	٥ روپیه و ٩ پیسه	٥ روپیه و ٥٤ پیسه
رقم	رکابی از نخ	چرم باف میانه چوب بیت زنانه	از زین سواری نیخ چرمی	زنانهٔ ابریشمی خیاطه
قیمت	٤ روپیه و ٤٥ پیسه	٥ روپیه و ٨٩ پیسه	٤ روپیه و ٥٨ پیسه	٥ روپیه و ٨ پیسه
رقم	دسته بادامی نیخ چرمی	دستهٔ دولانه ساعی رنجی کیت نقره	از زین سواری دولایه نیخ چرمی کنجک دار	چرم باف مابین بیت یک اسپه
قیمت	٤ روپیه و ٤٩ پیسه	٤ روپیه و ٤٥ پیسه	٤ روپیه و ٥٩ پیسه	٨ روپیه و ١٢ پیسه

﴿٥﴾ اقسام گلهای مصنوعی سر

قسم	گل جیرین	گل نافرمان	گل وینه	گل شبو
قیمت	٥ روپیه و ٣٦ پیسه	٦ روپیه و ٦ پیسه	٦ روپیه و ٧ پیسه	٦ روپیه و ٣ پیسه
قسم	شکوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل نسترن	چنبیل
قیمت	٧ روپیه و ٤٥ پیسه	٦ روپیه و ٥٨ پیسه	٥ روپیه و ٣٨ پیسه	٦ روپیه و ٨ پیسه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	٦ روپیه و ٣٥ پیسه	٧ روپیه و ١٢ پیسه	٦ روپیه و ٥٤ پیسه	٦ روپیه و ٥٤ پیسه

(المشتهر) (میر محمد هاشم دفتری کار خدمات (کمیدان نظامی))

صحیفه (۱)   سال پنجم   شماره (۲)

مدیر و سرمحرر
محمود طرزی

اداره‌خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه به اداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
با مصارف داک ۱۱ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مصارف داک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یکعباسی است
(اوراق که درج نشود اعاده نمیشود)

تاریخ یکم ذیقعده ۱۳۳۳   تاریخ انگریزی ۱۲ سپتمبر   تاریخ شمسی ۲۰ سنبله ۱۲۹۴

قصیده در تهنیت عید سعید

بحضور اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ملک و ملت

ماه روزه که بود فرخ فال   حیف گر چشم ما نهفت جمال
در شبستان دهر همچون شمع   چهره افروخت شاهد شوال
جام عشرت بکف گرفت جهان   چون بابرو اشاره کرد هلال
عید فرخنده آمد و در دهر   گسترانید مسند اجلال
گرچه عید است پس سعید ولی   روزه هم داشت عظمت و اقبال
شام هر روزه‌دار بود چو عید   وقت افطار از نشاط کمال
خاصه آن روزه‌ئی که حضرت شاه   با فقرا وان تجمل و اجلال
دعوتی داشت خلق را بچمن   مزید عطا و جود و نوال
یعنی از بهر ختم قرآنی   مردمانرا ز هر نواح و محال
در حضور شریف خود آنجا   جمع فرموده بود چند لیال
جشن عالی در آن چمن هر شام   بود ترتیب بانکو متوال
خلق از خوان نعمت شاهی   حسب خواهش موافق آمال
در حضور سراج ملت و دین   شاه دین پرور خجسته خصال
فیض یاب از طعام گوناگون   میشدندی و هم ز شرب زلال
باز با آن جماعت میمون   حضرت شهریار عدل خصال
سوی مسجد پیاده‌ئی ز چمن   با بسی دستگاه و جاه و جلال
در تراویح می نمودندی —   ختم قرآن ایزد متعال —
فالحمد که ماه روزه —   رفت و آمد ز عید او شوال
خلق را نور مهر عید سعید   جلوه گر شد بساحت احوال
ساغر خاطر جهان گردید   از شراب نشاط مالا مال
شاه مسکین نواز بهر نماز   با گروه مشایخ و افضال
جانب عید گاه عطف عنان   کرد با اهل این بلاد و محال
خدم و حشم همه ارکان   در رکابش روان باستعجال
از ادای نماز و خطبهٔ عید   شاه با قوم گشت فارغ بال
پس از آنجا عنان رجعت تافت   در حضورش نفاذ یافت مثال
که بسوی سلام خانهٔ شاه   همه آرند روی استقبال
شه در آن خانه بر سریر نشست   که مبادا بر آن سریر زوال
چند گاه ایستاده از دو طرف   پیش تختش جدا ز یمین و شمال
فرقه فرقه خلایق از هر قوم   در حضور شه مبارک فال
یافته راه و ز مبارکباد   پی تبریک عید کرده مقال
غلغل فرحی بلندی یافت   بود شهر پای ذی اقبال
محفل جشن عشرت شاهی   رونقی یافته بحد کمال
نعمت باغچه های سلطانی   کرده دور از قلوب زنگ ملال
خوان در آنجا فراخ گسترده   وز نعیم کثیر مالامال —
اطعمه نقل و میوه حلویات   زانچه نارد کسی بفکر و خیال
جمهور خوانچه‌ها بخوش ترتیب   مائده در پیش عام و خاص رجال
بهره زان خوان نعمت الوان   بر گرفتند همه بی اشکال
هر کسی برد جانب خانه   میوه های کثیر در دستمال
یارب این عید را مبارک کن   اولا بر شه فرشته خصال
پس بشهزادگان و اخوانش   با همه خاندان و اهل و عیال
نیز بر جمله فرقه اسلام   بر رجال و فوج خیر سگال
تا که در صفحه جهان باشد   رفت و آمد ز روزه و شوال
تا که این عید را بود گردش   در ولایت مومنان هر سال
دولت و عمر شاه ما یارب   باد بر فرط ضبط و استقلال
فرق اعدای دولتش بادا —   زیر سم سمند او پامال —
شغل شیر احمد است مدحت شاه   نیست او را جز این دگر اشغال

حاجی شیر احمد شاعر حضور

﴿ زبان ، و اهمیت آن ﴾

یکی از مکارم اخلاق حسنهٔ ملی هر ملت محافظه کردن زبان، و اصلاح و ترقی دادن آنست . زبان رسمی دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما زبان « فارسی » و زبان ملی ما زبان « افغانی » میباشد . زبان فارسی ازین سبب زبان رسمی دولتی ما شده است که قبل از تشکیل و تأسیس یافتن دولت مقدسهٔ افغانیه و استقلال یافتن حاکمیت ملی ما، خاکپاک وطن مقدس ما از اجزای ممالک ایران محسوب بود .

هنگامیکه (نادرشاه) مشهور که پادشاه غیور و جسور ایران بود در ایوان قتل رسید ، (احمد شاه) درانی که از امرای نامدار افغان در معیت نادر بود همهٔ قوم افغان را جمع آوری کرده به (قندهار) آمد . و در سنه ۱۱۶۱ هجری سلطنت افغانیه را تأسیس نهاده اعلان استقلال نمود . نخستین پادشاهی که همین سلطنت حالیهٔ دولت علیهٔ افغانیه را تشکیل داده ، و تمام افغانستان ، و بسیاری از ممالک ایران، و تمام قسم شمالی هندستان، و کشمیر و نواحی آنرا ضمیمهٔ ممالک ساخته ، و یکدولت نوپشو که معظمهٔ افغانیه را ایجاد و بنیاد داده همین پادشاه بزرگ است که بلقب (غازی) و (بابا) ملقب شده است . این حکمران ذیشان ، و مؤسس نخستین دولت افغان ۲۶ سال بفتوحات و مجاهدات سلطنت کرده در سنه ۱۱۸۷ در شهر قندهار که بنام نامی شاهانه شان بود و به (احمدشاهی) مسمی شده بود بجوار رحمت ایزدی پیوسته از دار دنیا در گذشته اند . رحمة الله علیه رحمةً واسعةً .

وقتیکه اعلیحضرت (احمد شاه بابای غازی) بتأسیس و استقلال سلطنت افغانیه کامیاب آمد امورات دفتر و کارهای کتابت و میرزایی و جمله نوشت و خوان دولتی که اساس امور سلطنت بران موقوفست زبان فارسی و بدست همان مردمان فارسی زبان ایرانی الاصل بود که از یادگار های حکومت سابقهٔ ایران باقی مانده بودند . زبان افغانی بدرجهٔ اصلاح نیافته بود که دفعةً امورات دفتری و کارهای کشوری به آن زبان تحویل میشد . ذاتاً مردمان افغان چون عموماً بکار عسکری و فتوحات بلاد و امصار و حرب و ضرب گرفتار بودند بکارهای میرزایی و تحریرات امورات حکومتی وقت و فرصت نداشتند حتی اینچنین کارها را برای خود عار میشمردند ، و بکنایات حقیرانه [میرزا ک دی] [و ملا ک دی] ارباب تحریر را حقارت هم میکردند . کتابهای متداولهٔ تحصیل علم و ادبیات هم بزبان عربی یا بزبان فارسی بوده زبان افغانی بدرجهٔ کفایت ازین چیزها برابر محروم مانده بود .

این است که بنا برین سببهای که بطور اجمال از ان بیان نمودیم از آغاز تأسیس استقلال دولت افغانیه زبان رسمی دولتی ما زبان فارسی شده مانده است . بعد از آنها هم بسبب غوایل خارجی و اختلالات داخلی هیچ کس دربارهٔ اصلاح و ترقی زبان افغانی و تبدیل دادن رسومات دولتی را از زبان فارسی بزبان افغانی و زبان رسمی ساختن آن نیفتاده اند . دیگر اینکه در خاکپاک وطن عزیز ما تنها اقوام افغانی الاصل که زبان شان صرف

افغانی باشد ساکن نیستند ، بلکه اقوامی که زبان شان فارسیست نیز بکثرت
مقیم و موجود هستند که از اصل اجزای ملت افغان محسوب اند . مثل
نفس پایتخت ، و اکثر شهر های بزرگ نائب الحکومه نشین ها عموماً
زبان فارسی متکلم هستند . در عموم دفاتر و محاکم رسمی دولتی ، زبان
فارسی از آغاز تأسیس و تشکیل یافتن حکومت مستقلهٔ افغانیه بدرجه
را کر و رواج گردیده که تبدیل و تحویل آن خیلی مشکل است . زبان
دربار و خاندان جلیل الشان سلطنت ، خواه در وقت حکومت سدوزائی
درانی ، و خواه در وقت حکومت محمد زائی درانی فارسی بوده و هست

بنا برین هیچکس حکم داده نمیتواند که زبان رسمی دولتی ما دفعت
زبان افغانی تبدیل یابد . یک محذور دیگری هم هست ، و آن این است
که زبان فارسی نسبت بزبان افغانی یک عمومیت و اهمیت بیشتری دارد و
مثلا زبان افغانی منحصر و محصور بخاک پاک افغانستان و همین چند ملیون
ملت افغانست، حالآنکه زبان فارسی غیر از آنکه زبان عمومی تمام خاک
دولت همسایهٔ ما ایران میباشد ، کذالک در تمام ممالک ماوراء النهر
و ممالک هندستان ، حتی در ممالک عثمانی نیز معروف و متداول است
و از اجزای مهمهٔ زبانهای اسلامیهٔ اهل شرق شمرده میشود . یک جزء
زبان ترکی عثمانی ، و ترکی ماوراء النهری ، و اردوی هندی را زبان فارسی
تشکیل میدهد که به این سببها اگر زبان رسمی دولتی افغانستان نیز
فارسی باشد غیر از آنکه ضرری بران مرتب شود ، از فایده ها
سیاسی هم خالی نیست .

در اوروپا تا بسیار وقتها زبان فرانسوی ، زبان رسمی عمومی
دولتهای اوروپا بود . بلکه تا بحال هم اکثر محررات مهمهٔ سیاسیه ما
معاهدات صلحیه وغیره عموماً بزبان فرانسوی نوشته میشود . در دولت
علیهٔ عثمانیه از آغاز تشکیل و تأسیس آن تا بسیار زمانها همه محررات
دولتی شان بزبان فارسی بود . در زمان حکومت اسلامیهٔ مغلیه در هندستان
تا بوقت انقراض شان زبان فارسی زبان رسمی دولتی بود .

از اهمیت زبان فارسی بسیار بحث راندیم . و این را هم تسلیم کرد
که زبان فارسی زبان رسمی دولتی ما باشد . حالا لازم آمد که یکقدر
از خود بگوئیم ـ یعنی از زبان ملی افغانی خود ـ بحث بیان آوری
ذاتاً موضوع بحث ما ازین عنوان (زبان، و اهمیت آن) زبان افغانی خود ما

اولا این را باید دانست که مفهوم و صفات زبان قومی و ملی
زنده است . ملتی که زبان شان محو و ضایع شود ، هستی و موجود
شان نیز نابود میگردد . محافظهٔ زبان اصلی و فطری هر ملت بدرجهٔ
زندگی شان اهمیت دارد . ما را « ملت افغان » و خاکپاک وطن عزیز
افغانستان » میگویند . چنانچه عادات ، اطوار ، اخلاق مخصوص
داریم . زبان مخصوصی را نیز مالک میباشیم که آنرا زبان افغانی
میگویند . این زبان را مانند حرز جان باید محافظه کنیم . در ترقی و اصلاح
آن جداً کوشش ورزیم . تنها مردمان افغانی زبان نی . بلکه همهٔ
اقوام مختلفهٔ ملت افغانستان را واجب است که زبان افغانی وطنی و
خود را یاد بگیرند . در مکتبهای ما اهمترین آموزشها باید تحصیل
افغانی باشد از آموختن زبان انگلیزی اردو ترکی حتی فارسی
زبان افغانی را اهم و اقدم باید شمرد .

بفکر عاجزانهٔ خود ما یگانه وظیفهٔ انجمن عالی معارف باید اما
ترقی و تعمیم زبان وطنی و ملی افغانی باشد . از ارباب علم و دانش

زبان یك گروپ مخصوص تشکیل یافته کتابهای تعلیمیهٔ ضروری ولازمی آموختن آنرا مدون و حاضر باید کرد . حتی برای تعلیق دادن کلمات فنی وصنائعی . واختراعات جدیدهٔ که نامهای آن در زبان افغانی غیر معروفست کلمات مناسب ونامهای متناسب زبان افغانی پیدا باید کرد وهر قدر اصلاح وترقی که لازم است دران باب اجرا باید کرد .

این را هم گوئیم که زبان افغانی ما ، بلکه زبان بسیار خوب وباقاعده میباشد . قواعد ، یعنی صرف ونحو ، آن بسیار متین ومنتظم است . متانت وصلابت آن مانند متانت وصلابت خود ملت افغان مردانه وپرمهابت میباشد . وازین است که بکمال فخر و ... ور میدیدیم که زبان عسکریٔ دولت مقدسهٔ ما عموماً زبان ملیٔ افغانی است . همه بولها وقوماندهها ونامهای قواعد عسکری نظامی زبان افغانیست . زیرا صلابت ومهابت این زبان برای این مسئله خیلی موزون ومناسب افتاده ، وبك شان وشوكت جسورانه قواعد عسکری بخشیده است . اگر بولهای قواعد عسکری زبان فارسی میبود بسیار سست وکشال وغیر موزون دیده میشد . مثلا درمابین بولٔ فارسی :- « ای بلدم چپك قدم بپیش » وبولٔ افغانی « ربغزاو » . وبولٔ « تفنگ را آتش ده » وبولٔ « اوووزه » وبولٔ های عسکرها ایستاده شوید ، وبولٔ « دریږه » وامثال آنها فرق که موجود است هرکس تسلیم باید بکند .

در سال اول (سراج الاخبار افغانیه) یك مقالهٔ نوشته ثابت کرده بودیم که « زبان افغانی اجداد زبانهاست » . قارئین کرام ما آن مقالهٔ مخصوصهٔ ما الابکار از نظر بگذرانیده باشند که زبان اصلی ملیٔ افغانی ما تا چه درجه یك زبان بااهمیت وطبعی وقدیم یك زبانیست . با اینهم زبان افغانی از ادبیات وحکمیات هم خالی نیست . وهم ادبیات بسیار شیرین وحکمیات خیلی نمکینی دارد که انشاالله . سراج الاخبار افغانیه همیشه بعضی پارچههای رنگین ادبیات وحکمیات زبان اصلیٔ ملی خود را درج صحائف افتخار خود خواهد نمود .

ای نونهالان چمنستان وطن !

زبان ملی افغانی خود را قدردانی نمائید ، ودوست دارید ودر آموختن آن بسیار کوشش کنید . زبان رسمی وسیاسیٔ فارسی خود را نیز بسیار دوست داشته بخوبی تحصیل کنید . زبان عربی چون زبان مقدس دینی همهٔ مسلمانان وموجب فهمیدن قرآن عظیم الشان است از همهٔ زبانها آنرا مقدستر بشناسید ، وآموختن آنرا برای ترجمه وفهمیدن معانیٔ قرآن کریم از واجبات شمارید . زبان ترکی وارد ونیز چون از زبانهائیست که بسیاری از برادران مسلمانان ما بدان متکلم میباشند لهذا اگر محض بهمین مقصد ونیت اتحاد واخوت اسلامی بیاموزید هیچ باکی ندارد . اما چون زبان ترکی بدرجهٔ زبانهای اوروپا بعلوم وفنون متنوعهٔ جدیده توانگر نمیباشد وهم زبان یکدولت معظمهٔ اسلامیه میباشد غیر از مقصد اتحاد واخوت اسلامی برای ترجمهٔ علوم وفنون را از آن زبان زبان خود ملی تر مفیدتر ثابت میشود .

(وکل لسان بالحقیقت انسان)

یعنی زبان دان شو وزبانهای بسیاری را بیاموز . زیرا هر زبان در حقیقت یك انسانی میباشد . بنابرین اگر زبان انگریزی ودیگر زبانهای غیردین را بیاموزید نیز چیزی بدی ندارد ، ولکن در آموختن زبان انگریزی اگر احتیاط ودقت بسیاری دران نشود ضررش نسبت بنفعش بیشتر است . زیرا اگر احتیاط نشود نتیجه بخشیدن « همزبانی خویشی وپیوندیست » ملحوظ است . فکر عاجزانهٔ این است که درمکتبهای مبارکهٔ حربیهٔ سراجیه ومکتب حبیبیه از شاگردان صنف منتهی که از علوم دینیات وفلسفهٔ اسلامیه شهادتنامهٔ درجهٔ اعلا را حاصل کرده باشند یکچند نفر شاگردان دیندار ووطن دوستی برای تکمیل تحصیل این زبان جدا شود ، ومقصد از تکمیل تحصیل زبان انگریزی آنها همینقدر باشد که اقتدار وملکهٔ مکملی در ترجمهٔ کتابهای فنی وصناعیٔ آن زبان حاصل کنند . وبعد از اینکه ملکهٔ لازمی را دران حاصل کردند به تنخواههای کافی محض برای ترجمهٔ کتابهای فنون وعلوم جدیدهٔ محتاج الیه مأمور شوند ، زیرا تا کتابهای علمی وفنی عصر حاضر در زبان خود یك ملت بسیار نشود هیچ فایدهٔ حاصل نمیشود . چیزی که بخود این مدیر عاجز در خصوص ترجمه بتجربه ثابت گردیده این است که مترجمی که میخواهد از زبان غیر زبان خود چیزی ترجمه کند شرط اعظم آن همین است که اول اصول تحریر وانشا وکتابت زبان خود را بدرجهٔ اعلی بداند . تا بتواند که معانی زبان غیر را بزبان خود تطبیق بتواند .

والحاصل یکی از جملهٔ اخلاق حسنهٔ ملی ما مسئلهٔ زبان بود که همینقدر تحریر وتقریر درالخصوص خود را مکلف ومجبور میدانستیم . این است که بعرض ملی الحال خلوصیت آمال خود پرداخته توفیق خداوندی را دربارهٔ خود ، وهم برادران دین خود نیاز میکنیم .

اختراعات محیر العقول

از زمانهای سابقه ، تنها هفت اختراع عجیب وغریب روایت شده است که آنرا « عجایب سبعه » گفتهاند . ولی در بعصرهای جدیده چنان اختراعات محیر العقول بظهور آمده که عجایب سبعه را « اعجب العجایب سبعیه » ابلاغ نموده است . بناءً علیه خواستیم که در این شمارهٔ جریدهٔ عاجزانهٔ خود از بعضی اختراعات عجیبه وغریبهٔ عصرهای حاضره بعضی معلومات مفیده بنظر قارئین کرام خود جلوه گر سازیم . ذاتاً مقصد یگانهٔ (سراج الاخبار افغانیه) همین است که در توسیع معلومات ابنای وطن عزیز خود کوشش ورزد . وازین است که گاهی از دین ، وگاهی از دنیا ، گاهی از صنایع وگاهی از بدایع ، گاهی از اخلاقیات ، وگاهی از ادبیات گاهی از فلسفه وگاهی از سفسطه ، گاهی از سیاسی وگاهی از اقتصادی وغیره مباحث واذن وجه جیاندن را وظیفهٔ لازمهٔ قلمیهٔ خود میشمارد . اگر چه بعضی :- [مغز ما خورد وحلق خود بدرید] گفته خندهم کنند ولی چون صدای ناخوش خود همی بی آید از آن رو از انقطاع سرائی خود داری نمیتوانیم !! ...

§

۱

ماشینهای دوار طبع

اول از یك اختراع بدیعهٔ فن طباعت - یعنی چاپ - سخن میرانیم که مادر علم وفن شمرده میشود :

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1344 of 1786

یکی از بزرگترین اختراعاتی که درین عصر نوزدهم میلادی برای کشایش فکره و ترقیات مدنیه خدمتهای عجیبه و غریبه ابراز نموده است همانا (ماشینهای دوار کنندهٔ طبع کردن جریده های یومیه) یعنی اخبارهای روزانه میباشد که اگر این ماشینها بوجود نمی آمده بودی ، درعالم مدنیت امروزیه جریده های روزانه که یگانه سبب نشر افکار و تعمیم معارف شمرده میشود این فیوضات و ثمرات خارق العادهٔ خودشانرا پیدا نمیکردندی اما اگر قارئین کرام ما اخبار شانزده صحیفگی سراج الاخبار خودشانرا که در هر پانزده روز یکبار بقدر هزار و ششصد نسخه طبع و نشر میکند در پیش نظر خودشان بگیرند ، و ماشین طبع آنرا که درماشینخانه است در تصور آورده ، وقس علی هذا ، بگویند ، در احوال ازین ، ماشینهای دوار طبع ، که درینجا بیان آنرا میخواهیم بکنیم چیزی نخواهند فهمید زیرا این ماشین طبعی که سراج الاخبار افغانیه را طبع میکند قرار مقاوله و قراردادی که استاد ماشین مذکور بما کرده است همین هزار و ششصد نسخهٔ جریده مارا به پنج یا شش روز چاپ کرده میتواند . و بعد از آنکه در تمام ممالک محروسهٔ افغانستان و چیزی چیزی بخارج هم میرود و تقسیم میگردد باز هم قدر یکصد و کسور نسخهٔ آن در اداره باقیمانده میشود .

حالا اینچنان شهرهای معمور شود که مالك بیست لك ، سی لك ، تا پنجاه لك نفوس باشند ، و در اینهمه نفوس شهر روزنامه خوانی بدرجهٔ دیگر حوایج ضروریهٔ حیاتیهٔ شان رسیده باشد . پس برای آنچنان شهرهای پنجاه لك نفوس آیا چگونه ماشینهای طبعیه لازم خواهد بود که این احتیاج را دفع بتواند ؛ این است که آن احتیاج را همین (ماشینهای دوار طبع) که سرلوحهٔ مقالهٔ خود ساخته‌ایم دفع و رفع میتواند .

پیش از آنکه صنعت طباعت از طرف « گوتنبرگ » نام متفکر المانی روی کار بیاید ، و بسایهٔ آن کتابهای چاپی ظهور پیدا بکند فکر کنیم که بی کتابی تا بچه درجه بوده باشد ؛ اگرچه کتابهای قلمی موجود بود اما هرکس مالك آن نبود ، و بصورت عمومی هرکس از آن استفاده کرده نمیتوانست ، بسایهٔ ظهور یافتن صنعت طباعت یك انقلاب بزرگی در افزونی کتاب و از نتیجهٔ آن در توسیع علم و عرفان پدیدار آمد . این است که کشف و اختراع ماشینهای دوار طبع نیز در عالم نشریات جراید یومیه عیناً همچنان یك انقلاب و ترقی محسوس آورده است .

اما جراید یومیه که گفته شد ، باز قارئین کرام ما جریدهٔ وطنیهٔ سراج الاخبار خود شانرا درپیش نظر خود بگیرند ، و جراید یومیهٔ که بچاپ سنگی در هندستان طبع میشود آنرا بنظر بیارند . مقصد ما از جراید یومیه اینست که در شهرهای بیست لك ، سی لك ، پنجاه لك نفوسیه مانند برلین ، پاریس ، نیویارك ، لندن و امثال آن طبع و نشر میگردد یك ورق کاغذ مانندی می بینید که یك گز درازی ، و سه چارك پهنائی ، ده ستون ، تا پانزده ستون و روی آن نوشته پر مملوست ، و در هر روز ملیونها نسخه از آن طبع و نشر شده بفروش میرسد که اگر همچنین ، ماشینهای دوار طبع ، نباشد آیا اینچنین اخبارهای روزانه چسان بوجود پدید خواهد شد ؟

پیش از چهل پنجاه سال اینچنان ماشینهای طبعی که در یکساعت چار چهار هزار جریده طبع کند موجود نداشت ، و نه کس ممکن بودن اینچنان ماشینهارا بخیال و خاطر خود آورده میتوانست . ماشینهای طبعی که موجود بود که این ماشین طبع سراج الاخبار ما هم از همان قبیل است — کاغذ را دست در آن میگذارند ، و حروفات را بیك سطح راست و همواری درماشین گذاشته رفت و آمد آن سطح کاغذ های اخبار چاپ شده میر

حالا آنکه بهای اصول رفت و آمد سطح دوری روی که کاغذ بران پیچید شده است هیچگاه از یك مقدار معین بیشتر چیزی چاپ شده نمیتوا اما برای اینکه عدد طبع را یك حد غیر محدودی بالا برند لابد باید ماشینی باشد که بهاین اصول نباشد .

این اصول جدیدرا (ماریتونی) مشهور در سنهٔ ۱۸٦٦ میلادی پیدا کرد . اول بار یك ماشین طبعی بوجود آورد که همهٔ فورمه یك اخبار لحاف مانند بزرگ را بجای سطح هموار ، بیك استوانه رول — عمل میدهد . واین رول که حروفات بران وضع شده ماشین بدور سریع آمده کاغذهای اخبار را به آنصورت چاپ میکند . کاغذ که درچنین ماشینها بخرج میرود تخته تخته نیست ، بلکه مانند تخ بعرض همان اخبار بصورت طولانی بر رولها واستوانه‌ها پیچید شده است . کاغذ مذکور خود بخود باز شده بزیر رول حروفات میدر و رول حروفات بران کاغذ ، حرکت دوریهٔ خود را اجرا کرده نوشته بران چاپ کرده میرود . درانطرف ماشین مذکور یك آلات دیگر موجود است که کاغذ را از طومار مانند چاپ شده را باندازهٔ طول و عر فورمهٔ اخبار میبرد ، و روی همدیگر می چیند که بجز برداشتن و کردن دیگر کاری نماند .

نخستین بار که این ماشینها ایجاد گردید یکی بیکبار عدد چاپ کردن جریده ها روزانه را از ساعتی چار هزار ، بساعتی بیست هزار بالا برآورد . از آن رفته رفته اصلاحات و تعدیلات دران بعمل آمده ، و نواقصات اکمال شده در ساعتی شصت هزار ، و هشتاد هزار ، حتی تا یکصد هز بالا برآمد . حالانکه درین سالهای آخر در اهالی ممالك متمدنه معارف و هوس جریده خوانی بدرجهٔ رسید که این ماشینهای که در سا صد هزار نسخه میاوردند نیز کافی دیده نشده بیشتر ازانرا آرزو کر تا آنکه از اول عصر بیستم میلادی بسایهٔ ترقیاتی که در ماشینهای دوا طبع حصول آورده شد . امروزه درو چنان ماشینهای دوار طبع موجو است که در ساعتی (۲۷۰۰۰۰) دولك هفتاد هزار نسخه از اخبار ها لحاف مانند چاپ کرده میتوانند .

حالا یکقدری درین بیندیشیم ، و فکر خود را بجولان آورده ببی که دنیا چه بود ، و چه شد ! یکوقتی بود که خط و کتابت موجو نبود ، بشریت مقصد خود را باشکال بعضی انسانها یا حیوانها یا دیگر اشی مشهودهٔ خودشان برسنگها و خشتها ، و آهن پارها وغیره بصورت بازمانی بعد دفتر یادگار می نمودند . رفته رفته اشکال حروف بهمی رساند گرچندول کاغذ وجود نداشت که بران چیزی نوشتانده بنویسند چوبها و پوست حیوانات ، وبعضی برگهای درختان برگ بزرگ نوش باز که کاغذ وجود یافت ، آنقدر خطاطها و کاتبهای بود که در چه احتیاج نشر علم را شایع نتوانستند ، یك کتاب مجلد صحیفگی را که ماشینها دوار امروز بظرف دو ساعت بیست هزار نسخه ازان بوجود آو در انوقت یك کاتب خوشنویس بدو سال هم نوشته نمیتوانست . با صنعت طباعت روی کار آمد ، اینچنین ماشینها موجود نبود پس بیا اندیشه کنیم که امروزی که این ماشینهای مطبعه ها دنیا را همه از یك ساعت چار پنجهزار ، بساعت دولك و هفتاد هزار ترقی یافته . درانوقت معلوم میشود که علم و معرفت در عالم مدنیت بشریه تا کجاها باید رو

کرده ، واین ماشینهای دوار طبع تاچه درجه‌ها درین راه خدمتها بعالم آورده است !

قارئین گرام‌ها چنین تصور نکنند که بدست آوردن چنین ماشینها بمواکری قارون موقوفست ، نی‌نی! آنقدر خارق‌العاده قیمت ندارد ، مگر اینرا بیندیشند که اگر انجنیر یک ماشین دوار طبع در مملکت عزیز ما باشد ، اولا آیا چه چاپ خواهد کرد ؟ وچون چاپ کند بکه خواهد خواند ؟ وبکجا خرج خواهد رسانید ؟ چونکه انجنیر ماشینی که بهر ساعتی دولک وهفتاد هزار نسخه جریدهٔ روزانهٔ طاق مانندی چاپ کند ، لااقل درهشت ساعت مدت حلاقی خود (۲۱۶۰۰۰۰) دو ملیون ویکصد و شصت هزار نسخه بعمل می‌آید که اینقدر نسخه مناسب ومی‌بودن آن باید تافردای هارووز عموی تصرف رسد ، واگر نرسد موجب خسارت اداره خانهٔ آن میشود . لهذا درمملکتی که هر روزه اینقدر خوانندهٔ اخبار پیدا شود ، هیچ شبهه نیست که اینچنین اختراعات محیرالعقول نیز باید پیدا شود !

والحاصل ازین معلومات مختصری که اینجا بیان کردیم ، تاینقدرچه معلوم میشود که این (ماشینهای دوار طبع) تاچه درجه اهمیت ووقعت دارد ، وتاچه‌وزه ازوسایط وآلات مدهشهٔ امور طباعت شمرده میشود .

وچون سادهٔ ایجاد واختراع این ماشینهای مهم ، عدد طبع جراید بدرجهٔ فوق‌العاده افزونی گرفته است بالطبع بترقیات فطریهٔ جهان نیز خدمتهای بسیار مهمهٔ عظیمه ابراز نموده است که اگر این (ماشینهای دوارطبع) را ازمهمترین اختراعات وکشفیات نصف اخیر عصر نوزدهم میلادی بگوئیم ، واز آثار ترقیات صناعیهٔ جدید انگلیس بدانیم بجا دارد .

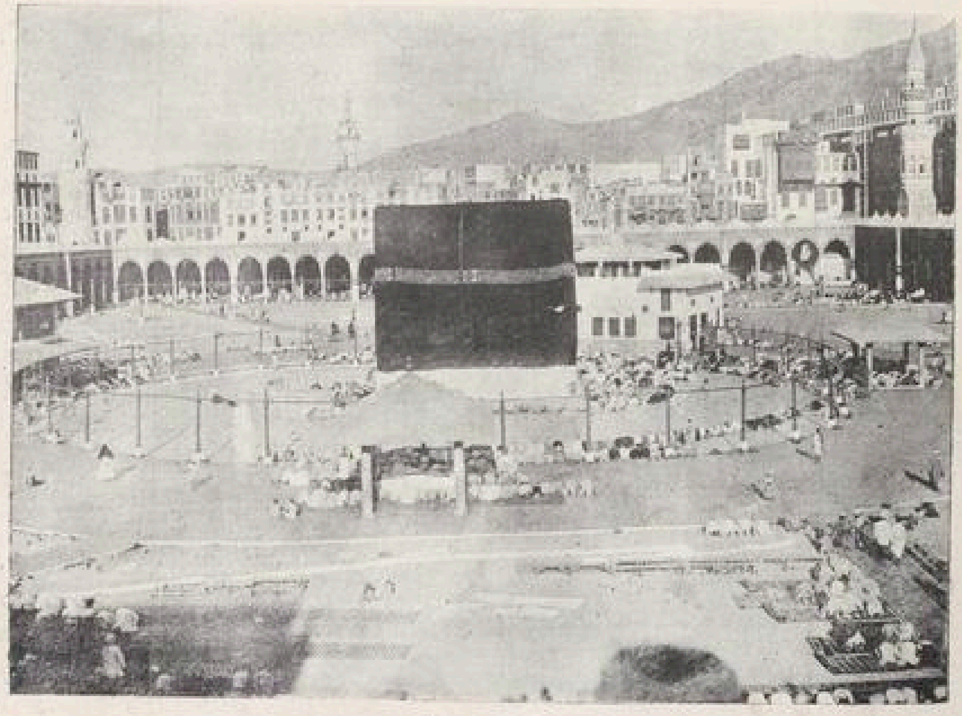

منظرهٔ ادای نماز
دراطراف بیت الله الحرام زاد الله شرفه

حوادث داخلیه

تشریف فرمائی موکب ذات اعلیحضرت همایونی به یغمان

بنابر ظهور عارضهٔ مرض در شهر کابل موکب ذات شوکت سمات اعلیحضرت همایونی باجملهٔ شهزادگان عظام و همه متعلقات سرای شوکت احتوای خاندان سلطنت بسوی صبیهٔ یغمان تشریف فرمای عز و اجلال شده است .

کیفیت جاری عارضه

جناب حافظ حقیقی جل وعلا ممالک محروسهٔ شاهانه را از آفات وبلیات محفوظ دارد .

مرض عارضهٔ دهشتناک وبا بتاریخ ۱۹ ماه رمضان المبارک اول بصورت ناگهانی در قریهٔ (علاءالدین) که ازمضافات شش کروهی دارالسلطنه است ظهور نمود . بعد ازان در دیگر بعضی قریه‌ها سرایت کرده بیوم دوشنبه ۴ ماه شوال در شهر آغاز نهاد . تاتاریخ الیوم که ۱۹ شهر شوال المکرم است میزان جمع وفیات شهر و اطراف آن به ۲۸۳ نفر رسیده است .

اگرچه در آغاز مرض که در قریهٔ علاءالدین ظهور نمود بموجب فرمان حیات رسان ذات اعلیحضرت همایونی عزتمند داکتر منیر بیك خان برای تدابیر لازمه وتحفظیه مقرر گردیده، واجراآت فنیه بعمل آمده در اندك مدت قریهٔ مذکوره از وفیات ومصابات جاری رهائی یافت. اما بکمال افسوس دیده شد که دایرهٔ سرایت جاری در قریهٔ مذکوره محدود نمانده بدیگر اطراف و نفس شهر انتشار یافت وروز بروز افزونی گرفته رفت. جناب امین العسس صاحب اگرچه بصورت بسیار فداکارانه وهمت های دلیرانه در خصوص تنظیفات و تدابیر لازمه سعیها و اقدامات لازمه را اجرا می کند، ولی بنا بر مقتضای وضعیت شهر وبی رواجی اهالی جلوگیری مرض کماحقه بقرار فن نشده است. در خصوص ازین بیشتر چیزی گفته نمیتوانیم. همینقدر تضرع می کنیم که ذات اقدس باری تعالی جل وعلا بفضل ومرحمت خداوندی خود این بلا را از سر مسلمین رفع نماید. آمین.

* * *

سلطان البرین والبحرین خادم الحرمین الشریفین
الغازی سلطان محمد رشاد خان خامس

(یك خسارهٔ تأسف آور علمی)

(وفات حسرت آیات جناب مستطاب فضایل مآب مولوی عبدالروف خان غفر له ربه)

ازدیدهٔ زمانه روان است جوی خون
ای دیدهٔ زمانه بگو تا چه دیدهٔ

درین ایام یك سانحهٔ روداده که از تحریر آن قلم میلرزد، چشم مسترخی میشود، دل می طپد، حواس پریشان میشود یعنی زندگی علم وعرفان حیات ادبیات یك صدمهٔ جانکاه ویك تزلزل مهلکه همراهی برخورد. یعنی روح علم ودانش، روان عرفان وبینش جناب فضایل دستگا
و کمالات همراه مولوی
مکرم محترم (مولوی
عبدالروف خان صاحب)
دنیای بیوفا را ترك گفته
عازم دار بقا گردیدند
انا لله وانا الیه راجعون.
مرحوم مشار الیه نه تنها
در وطن عزیز ما بلکه
در بسیاری از صفحات
دنیا از الامثال یك عا
فاضل بود که در همه علو
عقلیه ونقلیه وفنون عربیه
وادبیه صاحب ید طولی
بودند. ضیاع ابدی این
فاضل نحریر الحق که
از خسارات وضایعات
خیلی دهشتناکی برای عا
علم وعرفان وطن عز
شمرده می شود.
فاضل مشار الیه ذات
عرفان صفاتی بودند که
جامع علوم نقلیه وعقلیه
و ماهر کامل الس
متداولهٔ عربی، فارسی
افغانی بودند. چنانچه
در وقتی که کس اخبار
نمی شناخت، اخبار
عربی که برای ذات
شوکت سمات اعلیحضرت
همایونی خلدالله ملکه ا
مصر، شام وغیره مما
میرسید، ایشان
حسب الامر والا تر
می نمودند.

ولادت شان در قندهار درشهر صفرالمظفر سنه ۱۲۶۷ هجری قدسی واق
شده. تحصیل علوم متنوعه را فقط ازپیش والد بزرگوار خود نموده
همچنانکه والد بزرگوار شان ازپیش والد بزرگوار خود جد امج
مولوی صاحب مرحوم تحصیل علوم کرده بودند.

جدامجد ایشان جناب عالم فاضل وحید الدهر وفرید العصر استادالکل
فی الکل (مولوی حبیب الله) صاحب قندهاری است که تصانیف جـ

تعددمایشان درعلوم متنوعه مشهور اطراف ومعروف اکناف است . در اوایل جلوس سعادت مأنوس اعلیحضرت ضیاءالملة والدین طاب الله ثراه مولوی‌صاحب مرحوم بحضور شان رسیده ودردربار بجای معین مقرر شدند .

همرکاب اعلیحضرت خلد آشیانی سفرها کرده اند . درسفر مزار شریف هم‌اعلیحضرت مرحوم بوده وقت زیارت مزار فیض آثار نور بارك سلامیه زبان فصاحت توامان عربی که خود تحریر نموده بودند خواندند تا بدرجه پسند افتاد که آنرا بخط زر نوشته در دوطرف دروازهٔ قبه‌درون مزار متبرك نصب کردند که تاحال ودراستقبال هم یادکار خواهد بود بس ازوفات اعلیحضرت خلد آشیانی درعهد سعادت مهد اعلیحضرت سراج‌الملة والدین در خدمت دولت مصروف و بخطاب ملای حضور سرافراز بودند همیشه مورد عنایت وتلطفات همایونی می بودند . حتی درین وقت حاضر نیز در حالیکه درحضور اعلیحضرت همایونی درپغمان بودند مصاب گردیده از حضور در موتر به خانهٔ خودش فرستاده شدند . واعلیحضرت همایونی از کمال توجهی که درحق شان داشتند ساعت بساعت دریعهٔ تیلفون احوال شانرا میرسیدند تاآنکه بعمل ۱۱ بجه‌شبنه ۱۶ شوال‌المکرم جان بحق تسلیم کردند . اللهم اغفر له

چون اکثر عمر شان مشغول خدمات سلطنت بوده فرصت تألیف وتصنیف چندان نیافته‌اند . وآنچه ازقلم عالی‌رقم شان سرزده محتاج‌الیه دولت یامأمور برای سلطنت بوده که حسب ذیل است .

(۱) تفسیر آیات المعهود من کلام‌الملك الودود یك تفسیر جلیل آیات عهدیهٔ قرآن مجید ونیز احادیث بزبان فارسی درموضوع لزوم وفاء بعهد ومراعات سیاسیه و اقتصادیه دینیه باسلوب خوش وتقریر زیبا در عهد سلطنت حضرت ضیاء الملة والدین تألیف کرده اند که بسیار قابل افاده است

(۲) عقد اللآلی فی تتبع النظم بدء الامالی قصیده ایست غرا بزبان عربی درتحقیق عقاید اسلامیه فرقهٔ ناجیه اهل سنت‌وجماعت حاوی‌مسائل کلامیه وناقد مباحث خلافیه

(۳) کلمات امیر البلاد فی الترغیب الی الجهاد رساله فواید آساله کلامیهٔ اخلاقیهٔ متضمن ابحاث شرعیهٔ مرغوبه که مطالعهٔ آن درهر وقت وزمان مثمر نتایج دنیوی ودینوی میباشد که حسب الامر اعلیحضرت ضیاء الملة والدین مرحوم هزاران هزار نسخه مطبوع ومقبول گردیده است

(۴) خردنامه . رسالهٔ مختصره است درتفصیل مراتب عقل که برای ذوی العقول نافع ومفید است

(۵) تفسیر افغانی، تفسیر سوره فاتحه وجزو اخیر کلام‌الله شریف بزبان افغانی است که بعلت سبقت اجل ناتمام مانده است .

(۶) کشکول، دوجلد ضخیم است که جامع جمیع متفرقات وحاوی مضامین عربیه و فقرات لایق مطالعه و باعث توسیع معلومات مفیده و مشتمل ابحاث نادرهٔ مرغوبه وادبیات نظم ونثر میباشد

(۷) رسائل مختصره درحل مسائل مغلقه وابحاث ضروریه بسیار دارند که بسبب اختصار شان ازذکر مفصل شان صرف نظر نموده شد .

علاوه برین همه علم وفضل حافظ جید کلام ملك علام بودند ودر ادبیات یك خصوصیت ممتازی داشتند . ازخامهٔ عنبرشمامهٔ خودشان هم قصاید برفواید غرا واشعار وادبیات بسیار بامعنی سرزده است .

ولی افسوس کمولهٔ نشد و همهٔ را ازمرقاة عمرعزیز بتکمیل نرسانده وطن‌را ازدیدار وفواید خودبیشتر محظوظ ننمودند . رب اغفر وارحم وانت خیر الراحمین .

بلطف خویش خدایا روان او خوش دار
بآبحیات بکن زین حیات خورسندش

جناب‌حق وفیاض مطلق عمر و عافیت ذات شوکتسمات اعلیحضرت سراج‌الملة والدین‌پادشاه عرفان‌پناه بادانش ودین‌مدارا مزداد فرماید آمین .

سراج الاخبار افغانیه بحضور ذات اعلیحضرت همایونی شان مراسم تعزیت جناب مولوی صاحب مرحوم را عرض میکند . زیرا مرحوم مشارالیه یکی‌ازعلمای نامدار افغانستان وعلی‌الخصوص مظهر توجهات جهاندرجات اعلیحضرت پادشاه بادانش وعرفان شمرده میشد . وهیچ یکی ازاهل ومتعلقات ومنسوبین مرحوم مشارالیه نخواهدبود که بدرجهٔ اعلیحضرت همایونی بضیاع ابدی مرحوم مشار الیه متأثر شده‌باشند . لهذا اول مراسم تعزیت‌را بپایگاه سریر سلطنت تقدیم نموده بعد ازآن بازماندگان کرام اورا تعزیت وتسلیت میدهیم که خدای غفار رحیم آن عالم ربانی را غفران نماید . وایشانرا توفیق صبر ودعا احسان فرماید .

کل من علیها فان ویبقی وجه ربك ذوالجلال والاکرام

از دفتر مکتوب پولیس مینویسند

عالیجاه محمد سرورخان نایب الحکومهٔ هرات ازقرار اطلاع‌عرض محمد صدیق خان نایب حاکم قادس معروض‌داشته است که درلیل چهار شنبه ۳ ماه شعبان المعظم بعمل ۹ بجه ازطرف میانهٔ قبله وجنوب ستارهٔ بزرگی روبطرف‌شمال فرود آمده که درقادس روشن گردید الی دودقیقه صدای بسیار عظیمی که ازتوپ‌های بسیار کلان هم‌صدای آن اضافه بود بگوش مارسید چنانچه دراول خیال زدن صاعقه را نمودیم — وآواز آن الی شانزده کروه راه رفته بود —

ز قندهار مینویسند

چون مطابق احکام‌اعلیحضرت خاقان مغفور مبرور ضیاءالملة والدین‌علما وطلبای مملکت محروسه را از حوالهٔ خانه واری ودیگر تکالیف شاقه معاف ومرفوع‌القلم فرموده اند . ولی درولایت بعلوم‌الجهالت عوراً کر کسی‌طالب‌علم ودست آوردن کمالات وفی اشتغال ورزد رئیس وعامل محله حتی الوسع آن طالب العلم‌را از تحصیل مانع میشود وزجر وتوبیخ واذیت بی اندازه اورا میرساند وبالمشافهه میگوید که تو ملا . فلان ملا وفلان ملا و . و . و . همه شمایان ملا وطالب میشوید پس وجه روپیه سرکاررا از که حصول کنیم —

مبادا دل آن فرو مایه شاد   که از بهر دنیا دهد دین بباد

امضا

گل محمد الکوزی المتوکل

(ادبیات افغانی)

پشتو ژبه دشیرینه   هسم فصیحه هم متینه
قواعدئی خوراشه دی   فوائدئی هم لژنه دی
داو سیمه ده خورا   ژ تول ژبود دنیا
کی کاریخ نه نظرو کی   پرآکاری گندرو کی
داده شی دزنه گویان   جمای لاله ای تماشان

ژه خورا قدیمه یم (په کوشش مسمسمه)
شعرا پکښ دردی ترحسابه زښار بردی
ازو څه دی جوړ سوی ادیب نودی لیکلی
کی بیان که تومونه بکار کیږ دفترونه
تباو خوشحال خان کوره ئی دیوان جنور کړای ورووره

حداالفاظی مستعمل کړه مشکلات ئی تمام حل کړه
طبیعت ئی نور روانه دی چه بدل دی دافغان دی
ژاکی کښ څه بیاندی چه شوک ده ئه پیشاندی
جه بیان دخط وخال کی صایب نه کلیم لال کی
صنایعمو کی سلمان دی بدا یعو کی طمو قادی
کده هجوی پلار سپورنی قاآنی په ورته چنورنی

تنها نه قدیم خیال دی چه دیغرق په خط وخال دی
جدا طرزی ئی جدید هم اعلی دی هم مفید
تعلیمو نه د کوی دی لعجرشی دی خبر وی دی
دصحت دحفظ دپاره قواعد کی در شکاره
داولاد په تربیت کی خورا ویرنا کید شدت کی
هر پښکار دی پهوی دی هرڅه کار درزده کوی دی
په تاریخ کی فکر دی کړی دعلو موذ کړدی کړی
جیو کړیږ کی دی ژعیزی پرزو دکی دی کیزی

چه فارسی اشعار ده دی هغه هم ئی خوند نه دی
پشتو غندی هرسو نه دی پیاهم دوی بدندی نه دی
تخلص خپل دی ایز دی په پارسی قول کښ روهی
په پښتو کښ چه مقال کړی تخلص خپل ئی خوشحال کړی
غرض داچه خوشحالخان دی خو دا شیرین بیان

هم دده له شه کتاب ما معلوم کړ منتخاب
په پښته پوزرو وشل بویل هم باید تمیزل
تولیمو خوشحال خان چه خوشحال کړ جهول

عبدالهادی

ادبیات

من کلام شیر احمد مخلص

نمیدانم چه آشوبیاست پیدادر جهان امروز
کدام آفت رسیده بر زمین از آسمان امروز
بعالم انجمن شور و شر و خونریزی مفرط
که وارد باد گر حکم قضا آمد عیان امروز
شده توپ وتفنگ یورپین مابین یک بکسر
بهر شهر و دیار و بحر و بر آتش فشان امروز
همانا انتقام مومنان روم را زیشان
همیگیرد خدای کارساز بنده گان امروز
فرا بگرفته اطراف جهان را ابر خشم حق
بجای ژاله بارد نار بر نصرانیان امروز
هلاک خلق در سابق گراز طوفان آبی بود
زنه طوفان آتش موج در دور زمان امروز
بهار بخزانی آن دولتهارا بکفتندی
کنون رسید که آمدازچه برآنها خزان امروز
اساس سلطنت را تکیه بر تدبیر دادندی
کمخواهد گردان قدیر را عطف عنان امروز
زجوش آتشین طیارهای جانگزا هرشب
همی بارد صواعق در بلاد دشمنان امروز
چوتخم گندم وجو صدهزاران جسم انسانرا
بهر جا ریخت دهقان اجل در خاکدان امروز
درین مدت که گشته شهود این آتش فتنه
شده هشتاد لک شاید شمار کشته گان امروز
فزون گویند از تعداد مجروح و اسیران را
هنوز از فتح و نصرت کس نگشته کامران امروز
پرزو بان مه پیکر باطراف فرنگستان
زقتل شوهران دارند صدآه و فغان امروز
چه امصارو عمارات مثل باغ وبستان ها
که گردیدند محو از دهر و بی نام ونشان امروز
چه اموال و متاع و گنج و اسباب جهانداری
بغرقه حرق شد در بحر و بر نقص و زیان امروز
معین نیست کاین آشوب را آخر چه خواهد شد
نه کس واقف بود زانجام آن راز نهان امروز
شجاعت کیشی و مردانگی بنگر که در گیتی
عجب هنگامه برپا نموده آلمان امروز
فنون حربیه سامان و سلاح جنگ را جرمن
بیکی جلوه گر کرد از گرانی تا گران امروز
چنان اوکند غوغا در اروپا از ره حکمت
که میلرزد همچون بید از وی خاندان امروز
کمالات و هنرمندی نخست اندوخت بهر خود
که تا آورده آنرا درمقام امتحان امروز
زفیضان کمال و فن ترقی کرد چون جرمن
گرد خصمان او دارند بیم ملک و جان امروز
بیائید ای مسلمانان که ماهم بهر عرفان
بجد و جهد بربندیم روز و شب میان امروز
زعلم و حکمت دانش ترقی میکند دولت
نمی شاید که ماباشیم درخواب گران امروز
ترقیات جرمن را بخود سر مشق انگاریم
بتعلیم فنون کوشیم بر قدر توان امروز
اگر کردیم سابق غفلتها کنون شویم آگه
چرا دهیم از کف عمر خود را رایگان امروز
بطرز اتفاق ای مومنان روی دل خود را
بی کسب و کمال آریم باید همگنان امروز
نفاق از کف نهیم و اتحاد عز آموزیم
مگر گردیم درآفاق مشهور جهان امروز
بعهد حضرت شاه ترقی خواه عدل آگاه
که ازجیش گرفته گرد رفتار شبان امروز

ندیده دیدهٔ ایام شاهی همچو او در دهر
رعیت پرور و اصاف خوی و مهربان امروز
ترقی کرده دین و دولت اسلام در عهدش
راحت بوده در ایام او پیر و جوان امروز
سراج الملت والدین آنکه در شاهان اسلامی
پناه اهل اسلامی است او را آستان امروز
بظل رحمتش ده مومنان را ای الهی یارب
بتائیدات غیبی کن مظفر و کامران امروز
اساس دین و دولت را بذات او قوی گردان
سر افرازش نما زجمله شاهان جهان امروز
سپاهش را که اعوانند مر دین و شریعت را
بفیروزی و نصرت دار یارب همعنان امروز
الهی مومنان را فتح و نصرت ده بهر کشور
خصوصاً کن مظفر دولت افغانستان امروز
قتال کافران را گرم کن در بین خود دایم
رسان اسلامیان را زان بسی خیر و امان امروز
بدرگاه الهی کن دعا شیر احمد مخلص
که توفیق قرین گردد بجمع مومنان امروز

حوادث خارجیه

حکایتهای محاربه

ترجمه از اخبار اقدام :

در ۱۲ ماه جمادی الآخر سنه ۱۳۳۳ مطابق ۲۷ ماه اپریل سنه ۹۱۵ در آستانبول یك جوش و خروش و سرور و شادمانی بسیار عظیمی روینده بود . نه تنها در پایتخت ، بلکه در هر طرف ممالک ترکیا این سور و سرور بردوام بود . زیرا روز مذکور با جشن سالگرهٔ جلوس اعلیحضرت سلطان المعظم مصادف آمده بود . در حالیکه در پایتخت خلافت عظمی و هر طرف ممالک ترکیا چراغانها و شادمانیها اجرا میشد . از یکطرف هم دشمنان دین مبین محمدی (ص) از چند روز پیشتر بخیال این افتاده بودند که همین روز سرور را بیك روز ماتم پرشر و شوری تبدیل دهند . و به تدارکات و تهیات پنهانی حاضریها دیده و نقشه ها کشیده بودند که در همان روز جشن عید جلوس اعلیحضرت در قلبگاه شان خنجر بیداد را حواله نموده کار شانرا بیکبارگی تمام نمایند .

از یکطرف اعلان کرده بودند که از ریختن عسکر در سواحل قلعهٔ سلطانیه و سدالبحر در گذر شده اند . از طرف دیگر عسکرهای بسیاری جمع آوری کرده متصل با کشتیها آورده میرفتند . حکومت دور اندیش سرعسکر عثمانی ازین نقشه و پلان دشمنان خاین خود بخوبی آگاه بود . اما عنایتها و قدرتهای خلاق یگانهٔ خود چشم دوخته ، و بجرأت و شجاعت مدافع های بهادر خود اعتماد ورزیده یك وضعیت مردانه و دلاورانه با کر و ساکت خودرا نشان میداد و به این ترتیبات دسیسه پردازانهٔ دشمن هیچ اهمیت نمیداد . دشمنان خاین دین اسلام حاضریها و ترتیبهای خودشانرا کامل کرده ، بوقت صبح روز یکشنبه که روز مقدس عید جلوس خلیفهٔ ذیشان بود برای بدست آوردن مقر معلای خلافت یك هجوم و یورش نا گهانی اجرا نمودند .

دسته‌های کشتیهای جنگی روس — آن روس که دشمن تام و تمام انسانیت ، و منفور جملهٔ دوستداران انسانیت میباشد — بایك حرکت بدمستانه از طرف بحر سیاه آمده در خارج آبنای بوسفور چندین ساعت یك گله باری بی تأثیری اجرا نمود ، و چون گلههای جانستان استحکامهای عثمانیان را بر سر و کمر خود خورده ، فرار را برقرار اختیار نمود . از طرف دیگر شریکهای جنایت او — یعنی انگلیز و فرانس — نیز بر آبنای داردنیل نقشه های دسیسه پردازانهٔ پنهانی خود شانرا بروی کار آوردند . چنانچه در ۱۲ ماه اپریل بوقت صبح در سواحل غربی جزیره نمای ، گلیبولی ، از چهار نقطه به بیرون براوردن عسکر تشبث کردند .

قطعه های عسکری دشمن که درجوار ، تکه برونی ، نام موقع برآمده بودند بهجوم رجعهٔ عساکر عثمانی بدریا ریختانده شدند . قطعات عسکریهٔ دشمن که درجوار ، آری برونی ، نام موقع بیرون برامده بپیش آمدن کوشش میکردند ، از نتیجهٔ حملههای شدیدانهٔ مدافعهای قهرمان عثمانی بگریختن ، و باقیماندهای خود پس بکشتیهای خود رجعت کردن مجبور شدند . عساکر دشمن که درجوار ، قوم‌قلعه ، بیرون شده بودند ، و در زیر حمایهٔ گله‌های طوپهای کشتیهای جنگی خودشان پیش آمدن میخواستند نیز به حملههای شدیدانهٔ عساکر عثمانی تاب آور مقاومت نشده واسیرهای بسیاری داده ، و کشته‌ها و زخمیهای بیشماری در میدان گذاشته فرار نمودند . عسکرهای مسلمان هندی ، و جزایری انگلیز و فرانس که درجوار ، قباتپه ، بیرون کشیده شده بودند بعساکر عثمانی سلام کرده ببرادران دینی خود التحاق کردند .

در حینیکه این احوال بود ، در بحر نیز کشتیهای جنگی شان از غرق و خسارت خالی نماند . یك کشتی جنگی زرهپوش بسیار بزرگ ، تریومف ، نام انگلیزی سه گلهٔ بزرگ از توپ استحکامات عثمانی اصابت نموده جاهای مهمهٔ آنرا پارچه پارچه نمود . و بسیاری از نفری آن کشته و زخمی شده به بسیار زحمت از خط حرب خودرا بیرون کشید . و یك کرووازور بزرگ دیگر شان نیز دو گلها و سکانش پاره پاره گردیده بحال نیم غرق فرار نموده توانست .

این بود نتیجهٔ دسیسه‌های شیطان پسندانهٔ دشمنان دین اسلام که برای روز مقدس عید جلوس حضرت سلطان المعظم اسلام نقشه کرده بودند . و بخیال خام و هوس ناکام افتاده بودند که از یکطرف روس و از یك طرف انگلیز و فرانس زور آورده سرور اسلامیان را بماتم بدست آوردن مقر خلافت مبدل نمایند .

هنگامیکه در روز آن بشارت پرسعادت در استانبول انتشار یافت در تمام اهالی یك جوش و خروش عجیب و غریب فرحت و مسرت برپا گردید . اساسهای چراغانها و زینت ها و سامانهای که برای عید جلوس حاضر شده بود یك بر صد علاوه شده تمام شهر دریك نور و سرور مستغرق شده بود . طوپهای شادمانی از هر طرف انداخته و باجه خانه های مسرت نواخته میشد . اهالی یکی بادیگرهم آغوش شده همدیگر خودرا تبریك میکردند .

بشرف این روز فیروز عنوان جلیل الشان (الغازی) نیز بفتوای شریفه در نام اعلیحضرت سلطان علاوه گردید که نقل آن فتوای شریفه را از قرار ذیل مینویسیم :

(فتوای شریفه)

« که از طرف حضرت شیخ الاسلام داده شده »

درصورتیکه، خلیفه رسول رب العباد خلدالله خلافته الی یوم التناد، حضرت مولانا السلطان محمد رشاد خان خامس عساکر اسلام را در این نفیر سلطانی مشروع مقرون بنصر با خلوص نیت ورغبت وسرور تجهیز نموده، وان عساکر با نیت خالص در راه خدا جلشانه با اعدای دین مقاتله مینمایند. وشرعاً ثابت شده است که حضرت خلیفه اسلام بموجب نص حدیث شریف غزا نموده است که «ومن جهز غازیاً فی سبیل الله فقد غزا» «اگر کسی یک غازی در راه خدا فرستد بتحقیق که غزا کرده است».

پس در حال الثابتیه هست که اسم کریم سلطانی در جمیع اوامر ومحافل ومنابر وخصوصاً در خطبه ها بعنوان «غازی» مقرون شود؛ وآیا این مشروع است؟

الجواب :

نعم :

(کتبه الفقیر الیه تعالی : موسی بن خیری الا..کوبی عفی عنهما)

ونیز مینویسند :

که برای عنوان (غازی) بودن سلطان اعظم سلطان محمد خان خامس از محکمهٔ شرعی حکم ذیل صادر گشته «بواسطه همم عالیه و آثار سامیه در امر جهاد وعزم ونیاتی که برای شوکت وسطوت اسلام وسعادت مسلمین عثمانیین از جانب سنی الجوانب خلیفه اعظم بمنصهٔ ظهور وبروز رسیده باید که اعلیحضرت سلطان شرعاً مصداق عنوان (غازی) باشند وموافق فتوای شریف که از طرف وکلای مجلس نیز تصدیق شده وموشح بتوشیح اعلیحضرت همایونی گردیده باید نام بلند قدر خلیفهٔ اعظم را باعنوان (غازی) ردیف سازند. ودر تمام محافل ومجالس ومنابر خصوصاً در خطب لازم است که عنوان جلیل القدر (غازی) بنام اعلیحضرت سلطان قرائت گردد واین عنوان باید عاجلا در همه جا مخصوصاً برای خطباء تبلیغ گردد».

حکایتهای محاربه

اوضاع داخلی آلمان

روزنامه «ارو» منطبعه خارکوف: مقاله یکنفر امریکائی که مدت مدیدی در بلاد آلمان توقف داشته واوضاع داخلی آلمان را در بحبوحه جنگ مشاهده نموده است، واطلاعات خود را در یکی از روزنامجات بزرگ انگلیسی اشاعت داده است نقل میکند:

در سه ماه اخیر نقاط مختلفهٔ آلمان را سیاحت کرده در هیچ نقطه آثاری از قحطی و گرانی ارزاق ندیده در کلیهٔ شهرها ودهات آلمان وضع ارزاق بحال عادی بوده است ودر هیچ نقطه مثل بلاد انگلستان مسئلهٔ ارزاق در تهلکه نبوده است یقین دارم که آلمانها تاموقع محصول جدید، از حیث ارزاق بهیچوجه دچار زحمت نخواهند شد — محصولات امسال نیز بطور وفور وزیادتر از معمول سنوات موجود است در کلیهٔ اراضی آلمان یکوجب خاک بی زراعت نبوده است. در تمام نقاط شهرهای آلمان عده افراد اهالی از میزانی که قبل از جنگ بوده است کم تر نشده — در آلمان هنوز اشخاص بیست الی چهل ساله که میتوانند به جنگ حاضر شوند، عده زیادی هستند که هنوز دعوت نشده‌اند وفقط اسامی آنها در دفاتر عسکری نوشته شده.

من در آلمان با رؤسای تمام اصناف وطبقات معاشرت وملاقات نموده اطمینان حاصل کرده‌ام که در تمام بلاد آلمان در ۱۰۰۰ یکنفر پیدا نمیشود که اطمینان قطعی بمظفریت آلمان نداشته باشد. اهالی آلمان اعتماد کامل بحکومت خود دارند. فعلا ششصد هزار نفر افراد سوسیال دموکرات آلمان در تحت اسلحه هستند در ملاقاتیکه (باشایدمان) منشی اول کمیته سوسیال دموکرات ولن نمودم سعی کردم که مشار الیه را باین فلسفه معتقد سازم که مغلوبیت آلمان، بحال سوسیال دموکرات مفیدتر است! زیرا که در اینصورت از تحت قلاده «ملیتاریزم» رهائی خواهند یافت.

مشار الیه جواب داد که ما مایل نیستیم که محاربه وجنگ خاتمه یابد، زیرا درصورت شکست آلمان صنف عمله بیشتر در تحت اسارت ملیتاریزم واقع خواهند شد. علاوه براین دشمنان ما تجارت وصنایع ما را در تحت شرایط سختی خواهند گذاشت که بیشتر اسباب تضییق صنف عمله خواهد بود.

باو گفتم پس چرا تا قبل از جنگ ضد تسلیحات بودید. جواب داد: حالا ملتفت میشوم که تا آن اندازه ذیحق نبوده ایم. ماهنوز هم باصنف عملجات فرانسه وانگلیس روابط داریم. ولیکن تا آن اندازه قدرت نداریم که در تمام حوادث دنیا اجرای نفوذ نمائیم در صورتیکه اردو های آلمان دارای این اندازه قدرت وقوت نبود ماها نیز بهمان تهلکه که فرانسه الان دوچار شده است گرفتار میشدیم

حکایت دیگر

شعبات آلمان

مخبر روزنامه «روسکی اسلوا» مینویسد:

هروقت هوا صاف میشود، برای عملیات طیاره‌ها بیشتر مساعدت مینماید. آلمانها قریب دو هزار نفر صاحب منصب آسمانی دارند. وعدد طیاره‌ها قدری زیاد است. که طیاره‌چیان چاپارمثل اسب در چاپارخانه عوض کنند هروقت بخواهند طیاره خودش را عوض کرده باطیارات تازه نفس از روی سنگرهای (روس) طیران میکنند!

یکمرتبه دیده میشود که ۱۰ — ۱۲ حتی ۱۵ طیاره مثل یک دسته کشتی جنگی در روی سنگرها نمودار شده مثل تگرگ بمب میریزند!

ابتدا چنین مستفاد میشود که این طیاره‌ها برای انکشافات مواقع حربیه خواهند آمد — ولی بعد یکمرتبه دیده میشود که ابهار روی مردمان آرام بیچاره بمب های هولناک خود را مثل باران میبارانند!

ولی در مقابل آن — طیاره های ما یعنی «روس» خیلی بااحتیاط حرکت میکنند — یعنی رفته انکشافات خود را کامل کرده مراجعت میکنند بدون اینکه بمبی یا چیزی در میان مردم بیندازند. آنها همینطور که در هر کاری نمیخواهند خودشان را عبث بتهلکه بیندازند، در مسئله طیران نیز عملیات خود را در تحت مسائل حساب وریاضی اجرا میکنند!

مثلا در این اواخر در یکی از سنگرهای روس یک طیاره آلمانی را پس از زحمت ومسافت کامل پائین می‌آورند، وطیاره‌چی‌ها را دستگیر مینمایند. مذاکرات ذیل ما بین صاحب منصبان روس وطیاره‌چی مزبور پیش آمد:

— چندین روز است که در بالای سر ما چرخیده وتوقف میکردی — ما نمی‌فهمیدیم که تو در چه ساعتی از کدام طرف بالای سر ما حاضر خواهی شد! شما چه مقصود داشتید وچه چیز را میخواستی کشف نمائی؟

— خیلی لازم بود که مواقع توپهای سنگین شمارا کشف کرده باشیم، زیرا که آنها خیلی مارا اذیت میکنند.

— بسیار خوب بیائید برویم مواقع توپ هارا بشما نشان بدهیم.

(در اینوقت طیاره‌چیرا در جنگلی که توپ های سنگین روس‌ها در آنجا مخفی بوده میبرند . . .)

— افسوس میخورم که من نمی دانستم توپها کجاست! آه — خیلی دیر شده است. حیف که وجود من بعد ازین برای وطن من مفید نخواهد بود!

— آیا از خیلی وقت طیران میکنی؟

— ازین جهت خیال من راحت است زیرا تا کنون چهل دفعه پرواز کرده ام وبهمین اندازه ازخودم ممنون هستم که درمقابل وطن وظیفهٔ خودرا انجام داده ام! . . .

طیاره چیهای آلمانی، بانهایت جسارت ومهارت درروی خطوط جنگی برای اکتشافات طیران کرده، ودر همین حال بمب هم میاندازند! واز شرپنل هائیکه ماروبه آسمان بطرف آنها می اندازیم ابدا اعتنا نمیکنند!

آلمانها در ممالکی که اشغال کرده‌اند، غالبا توپهای خود شان را درخانه‌های دهاتیها — کار خانها ومغازه‌ها مخفی میکنند وما از توپهای آنها بیخبریم — ولی توپهای ساده خالی مخفی شده در بیابان وصحرا دیده میشود، وآلمانها متصل درمیان آنها بمب میاندازند!

وقتی که باقسام حیله گریهای آلمان نظر شود دیده خواهد شد که این ملت حیله وخدعه را در تحت اصول علمی مرتب کرده، درین خصوص عملیات آلمان در هنگام محاربه مثل تردستیهای حقه بازهاست. حیله و خدعه آلمانها هیچ حد واندازه ندارد، مثلا یک جنگل را ازریشه کنده ودر جای دیگر تعبیه مینمایند، برای اینکه مابیهوده یک جنگل را بتوپ ببندیم در حالتیکه توپخانه آنها درجنگل مصنوعی است!

واگر طیاره چیها زحمت کشف کنند که توپهای آلمانها درکجاست، تازه ارکان حرب گفتهٔ آنهارا باور نخواهند کرد، زیرا ازروی نقشه می بینند که در چنان نقطه جنگل وجود ندارد!!

در بعضی مواقع آلمانها توپهای خودرا بارنگهای خاکی یا روپوش های خاکی رنگ پنهان می کنند. گاهی هم توپخانهای مصنوعی که از چوب ساخته‌اند، درمحلی نصب کرده بعضی توپهای بیکاردرا هم ضمیمه آن ساخته و مقداری قوای روس‌را صرف ویران وآتش زدن آن توپخانه‌ها وقف کرده، وآنوقت توپهائی که حقیقهٔ اسباب تخریب قوای دشمن است، ازانظار مخفی نگاه میدارند وگاهی هم برای تکمیل حیله های خود در توپخانه های چوبی ومصنوعی دود وغبار وعلامات اشتعال ظاهر میسازند، وبیشتر اسباب مصرف شدن قوای روس‌را فراهم میسازند!

سالدات روس وقتیکه اینگونه حیله‌هارا می بینند متحیر شده میگویند: «چه حرامزاده مخلوق! اه، چطورهم باین حرامزاده گی میشود داشت؟! واین مخلوق بیحیا غلبه وفتح را هم بشارلاتانی وحرامزاده گی میخواهند ببرند!!»

برحسب تصدیق خبرنگار مزبور موفقیت آلمانها در صدی پنجاه بواسطه کشفیات طیاره‌ها وپنجاه دیگر بواسطه مهارت — سوسیاست تشکیلات جاسوسی که فعلا در آلمان هست هیچوقت نبوده است.

نظر باعتراف یک صاحب منصب آلمانی این تشکیلات باردوی آلمان نه‌فقط بقدر توپ های ۴۲ سانتیمتری، بلکه بیش از توپهای صد سانتیمتری فایده می بخشند!

«منظرهٔ شهر مدینهٔ منوره»

(وگنبدمطهره حضرت نبویه صلی‌الله علیه وآله وسلم)

حکایت دیگر

استادی های آلمان

مخبر روزنامهٔ «ر. و. دومستی» ازاستکهلم مینویسد:

آلمانها برای اینکه اطلاع حاصل کنند که گلولهٔ توپها بخندقهای دشمن رسیده وبهدف خورده است یانه از آلات تلسکوب که در کشتیهای تحت البحری استعمال میشود استفاده میکنند.

این آلت عبارت است ازدو آئینه که موازی هم واقع شده وبایک لوله بهم اتصال دارد — وقتیکه این لوله را ازسنگرها بالا میبرند، عکس سنگرها وخندقهای خصم‌را بآئینه که درزیر لوله واقع شده منعکس میسازند. این لوله قدری باریک است، که نمیتوان آنرا با گلوله هدف قرار داد. واگرهم هدف قرار دهند ماشین آلت مزبور را خراب نمیکنند زیرا که لوله از یک قسم مقوا ساخته شده است.

غازی انور پاشا

وزیر حربیه دولت علیه اسلامیه عثمانیه

وزیر برای اینکه خندقها از طرف دشمن بوسیلهٔ نقب زدن خراب و منهدم نشود: ماشینی از نوع «میکروفون» که آلت تشخیص حوادث تحت الارضی است: در خندقها نصب کرده و بواسطهٔ آن فوراً مطلع میشوند که دشمن در کدام فاصله مشغول عملیات تحت الارضی است. و بلافاصله بامینها و بمبها دشمن را در آن محل استقبال مینمایند!

و نظر باینکه غالبا خندقهای طرفین بیکدیگر نزدیک بوده و میدان قابل استعمال گلوله های توپ نیست جارقادیده، و بوسیله منجنیقهای جدیدالاختراع آلات انفجاریه را بمسافت معین نزدیک پرتاب میکنند. و در موقعی که هوا تاریک میشود، بقلاخنهائی که از زین ساخته‌اند بمبها و سایر آلات منفجره را بسنگرها و خندقهای دشمن می‌اندازد؛

آلمانها این بمبها را که از مسافت نزدیک استعمال شده و گازهای زهر آلود متصاعد میسازد، از عیار دهانی که با توپ صورت بذر و مفیدتر میدانند!

علاوه اینها آلمانها شیوهٔ دیگر برای دفع بمبهای دشمن بکار برده و آن سیمهائی است که در جلو خندقها تعبیه نموده‌اند که بمبهای دشمن با آنها گرفته و برگشته در مسافتی که چندان ضرر وارد نیاورد، افتاده منفجر میشود!

در آلمان شایع شده که بواسطهٔ کمیابی طناب و ریسمان آلات ادارهٔ بحریهٔ آلمان ممکن است زحمت بیفتد. بمحض اینکه چنین خبری شایع شد در تمام شهرهای آلمان دلاکها تصمیم کردند که تمام موهای کوتاه الاسر و صورت مشتریان خود شان جمع میکنند. بی درنگ وزارت بحریه بفرستند و برحسب احصائیه اواخر سال ۱۹۱۴ – ۵۴۴۹۰۰۰ گوسفند در آلمان موجود بوده و برای جلوگیری از خاطرهٔ قحطی ریسمان پشمهای گوسفندان مزبور برای همین مسئله تخصیص گردید!

اینجا حکایت محاصرهٔ «کارتاژ» و موهای زنان آنها را تاریخ یاد آور می شود.

حکایت دیگر

نقل از اخبار رعد — آلمان و بیزمارک

مطابق نگارش جراید آلمان جشن سال صدم تولد پرنس «بیزمارک» در تمام آلمان خصوصا در برلن باشکوه و عظمتی متناسب با حوادث فعلیه آلمان اجرا شد و پایتخت امپراطوری درخشان ترین روز تاریخی خود را دیده احساسات ملت آلمان باوضع هیجان آمیزی جلوه گری کرد.

در اطراف بنای یادگاری ملی که در مقابل عمارت (ریخشتاک) واقع است طاقهای مرتفعی از گل بسته و برای خوانندگان و موزیک و مدعوین بزرگ تختهای عالی بسته و منبرا مخصوص برای نطق نصب شده بود

از ساعت یازده ورود و دقیقه صاحب منصبان بزرگ و مستخدمین و مدیران کشوری و هیئت مبعوثان و نمایندگان مخصوص ممالک مختلفهٔ آلمان و فرستادگان سلاطین وغیره شروع شد.

پرنس (آتو بیزمارک) نوادهٔ بیزمارک متوفی که فعلا سیزده ساله است نیز حاضر بود و پرنس (ویلهلم دوپروس) فرزند بزرگ ولیعهد از طرف قیصر امپراطور بنمایندگی جد تاجدار خویش حضور یافت.

امپراطور حکم کرده بود که وزرای جنگ و بحریه از جانب قشون بری و بحری تاج باشکوهی از گل بافتخار بیزمارک تقدیم نمایند.

از طرف خود امپراطور نیز تاجی به مقبره تقدیم شد که این عبارت در کنار آن منقوش بود «تقدیم وزیر آهنین در این دورهٔ آهنین»

تاجی که از طرف (ریخشتاک) مجلس ملی تقدیم شد این کلمات در آن منقور بود «از طرف ملت متحد بواحد و موسس اتحاد مملکت آلمان»

سپس «دکتر عمان هلوک» جانشین امروزی «بیزمارک» برخواست و نطق مهیجی نمود که جزوهٔ از مسائل نطق چنین است:

«آلمان [illegible] و هیچیک از افراد آن اجازت نمیدهد که دشمنان مملکت نتیجه سعی و مؤسسه «بیزمارک» را متلاشی سازند.

«بیزمارک» بما تعلیم داده است که غیر از بار تعالی از هیچ فرد و قوه نترسیده و در مقابل دشمنان ثابت قدم و دلیری را پیشهٔ خود ساخته و بقوهٔ ملت معتقد و مطمئن باشیم.

دشمنان از جوانب و اطراف، بر زمین ما هجوم آورده‌اند و ما باید تمام آنها را مغلوب و متواری نمائیم.

با این قوت نفس و اعتماد تزلزل ناپذیر است که برای خاطر امپراطور و مملکت محبوب بافتخار خویش شمشیر از نیام کشیده و رقیبان را دو چار شکست و اعدام خواهیم کرد.»

در جواب تلگرافی که رئیس الوزراء در موقع جشن بیزمارک بقیصر نموده است امپراطور از میدان های عمومی حرب چنین اشعار داشته است.

(تلگراف شما راجع به جشن هیجان انگیز (بیزمارک) موجب فرح و مسرت فوق العاده من شد.

من هم شخصاً در اردو که جنگ در جشن صدر اعظم بزرگ حضور داشتم و بنام من تاج گل به سر مقبرهٔ وی در میان احساسات ملت و نمایندگان او تقدیم شد

احترام‌وحق‌شناسی من برای مرد بزرگی که دردورهٔ بزرگ امروزه معرف ومجسمهٔ قوه وعزم راسخ آلمان است کامل ، و آن شخص با کمال افتخار وظیفهٔ خویش را انجام داده در دامن وطن خویش فعلا آرمیده است ،

لکن وظیفهٔ من دراین موقع نسبت بملت آلمان مسلح آن است که در میدان پر افتخار جنگ برای حمایت واز دیاد عظمت و قدرت مملکت در اقطار داخله و خارجه آنچه امروز آن ممکن شود سعی و فدا کاری نمایم ،

و اولین ضامن و امید واری ما بفتح وفیروزی لطف خداوند وسپس اراده متحد عموم وعزم فولادین است که بهر قیمت رقبا را از میدان رقابت خارج نموده ومعنی عزم واراده ملت را بعموم عالمیان آشکار سازیم وبالاخره ثبات قدمما که حوادث روزگار بعرض امتحان گذارده است که مدلل نمائیم فدا کاری برای وطن یگانه شیوه ما است ،

و حس اتحادی که نزد ما و در میدانهای با مهابت جنگ ملت آلمان را ببالا رفتن از گروه های مشکلات کمک و هدایت کرده بااین عزم های طوفان آمیز جنگ طوری ترقی کرده که پس ازآنکه فیروزی وفتح قطعی خود را بطور دلخواه بدست آوردیم بزرگی و ظرافت و توسعه عظمت ما بصورت زیبائی از افق وطن طالع خواهد شد .

وبعدازآن درازای قیمت فتح وفدا کاری حیات ملی آلمان قوی و بزرگ خواهد شد و ملت آلمان در آنوقت میتواند آزادانه و قوی کار امال ملی خویش را بروراند .

و در حقیقت آنوقت است که نتیجهٔ کوشش ومؤسسهٔ بزمارك منتج بنائی خواهد شد که مفهوم تاج عظمت و نتیجهٔ آن سعادت ابدی ملت آلمان است .

ازاردوگاه جنگ قیصر ویلهلم

کذا

حکایات دیگر

آلمانها از تلگراف بی‌سیم چه‌فایدها گرفته اند

هریك از ممالك اروپا نسبت بخود چند دستگاه تلگراف بیسیم دارند ودرفرانسه دودستگاه موجود است که معروفترین وقوی ترین آنها دستگاه تلگراف بالای برج ایفل است وازحیث اهمیت وقوت شهرتی دردنیادارد ومسافتی را که میتواند مخابره نماید ۶۵۰۰ کیلومتر است وهیچ وقت ده هزار کیلومتر نتوانسته حرف بزند

درهیچ مملکتی قدر آلمان دستگاه تلگراف بیسیم زیاد نیست صرف نظر ازعدهٔ کثیر آلمان یك دستگاه تلگراف بیسیم فوق العاده قوی و بر فاصله حرف زدن دارد که در تمام دنیا نظیر آن یافت نمیشود و آن دستگاه تلگرافی است که در ولایت نوئن نصب شده (همان دستگاهی است که باتلگراف خانه بیسیم اصفهان ازهمان جا مخابره می کردند) که تا ۱۲ هزار کیلومتر (قریب یك هزار ونهصد فرسنگ) بلاواسطه میتواند حرف زند یك دستگاه دیگری باهمین قوت وعظمت آلمان دراسپانیون دارد ویکی درافریقا ویکی دیگر درساویل مقابل نیویورك دستگاهی که درامریکا دارد دراول جنگ این قوه راداشت ودرهمان ایام درنهایت درجه محرمانه قوه اورا مقابل کردند

این دستگاه سه ستون دارد که هریك ۱۵۰ زرع بلندی آنها است که تمام دستگاه را در آلمان ساخته ومخفیانه بدنجا حمل نمودند

ازابتدای جنگ تلگرافات تحت البحری آلمان باسایر نقاط دنیا قطع شد لکن بوسیله همین تلگرافات بیسیم بود که امپراطوری آلمان توانست باتمام ممالك دنیا رابطه خود را حفظ کند

امواج برقیه تلگراف بیسیم درهوا بدون کم وزیاد سرعت سیر نور حرکت میکنند (ثانیه سیزده هزار فرسنگ راه میروند) وعیناً مثل نور آفتاب که توسط آینه یامنشور شعاعی میتوان اشعه اورا ازخط سیر منحرف ساخت تلگراف قوی تلگراف ضعیف را منحرف مینماید .

دریك آن واحدی که چند تلگراف بیسیم مشغول مخابره باشند طبعا اشعه برقیه آنها درفضای محیط باهم تلاقی می نماید وهر دستگاهی که میان آنها قوی تر باشد سایرین را بخود جلب می نماید ودستگاه پرقوت را دستگاه کمقوت بی‌اثر می کند ودرحقیقت فایده وثمر تلگراف بیسیم عاید ملتی میشود که دستگاه آن ازسایر ممالك قوی تر باشد وبدین معلوم است که امروز فایده این دستگاه تقریبا منحصر بمملکت ودولت آلمان گردیده است ، درایام سابق یعنی درزمان صلح برای ترمیم این نقیصه که نفع تلگراف بیسیم انحصار بممالك معظمه مثل آلمان نداشته باشد وسایرین هم بتوانند فایده ببرند مجمع بین المللی درلندن تشکیل وقرار دادی بین دول جاری شد که درچه ساعت دستگاه های آنها بکار باشد و درچه ساعات دیگران مشغول کار بشوند .

پس ازطلوع جنگ اروپا قرار مزبور متروك شده والمان که دارای قوی ترین دستگاه های تلگراف بیسیم دنیابود بنای رابطه ومخابره را باستاسیون های (نوئن) و (اسپانی) وامریکا نهاد وتلگرافات یومیه وابلاغات رسمی روزانه راجع بجنگ وامور تجارتی وسیاسی آلمان درتمام نقاط منتشر شد بدون آنکه سایرین بتوانند از دستگاه خود ذره منتفع بشوند .

آلمان بهمین اندازه قناعت نکرده وشعبات جزوی از آن درتمام ممالك تشکیل داد الا زولی بی وتش دستگاه جزو درتمام ایالات ودر مکزیك شانزده دستگاه وهم چنین درتمام امریکای شمالی وجنوبی ودرمشرق اقصی وعثمانی وایران وافریقا عده کثیری دستگاه مخابرات ترتیب داد که از (نوئن) و (ساویل) مستقیما وتوسط شعبات واسطه دائما مخابره مینماید .

روابط تلگراف بیسیم را آلمانها درتمام نقاط دنیا کامل مهیا کردند

در دریاها

از همان ابتدای جنگ که بحری آلمان در اقیانوس کبیر هفت کشتی معروف اول (امدن) وآخر ، کالسروهه زرّه درعالم تجارت وبحرپیمائی متفقین انداختند چگونه توانستند که مدتهای مدیدی دراقیانوس ها گردش کرده وچپ وراست کشتی های متفقین را درهم کوبیده غرق واسیر نمایند وباوجود آنکه کروازرهای جنگی انگلیس وژاپون درتعقیب آنها بودند نمی توانستند بدانها دسترس باشند

تازه اکنون معلوم گردیده است که فرداً فرد کروازر های جنگی وجهازات معاون جنگی آلمان همگی دارای دستگاه های تلگراف بیسیم بوده است که قوه آنها ازدستگاه های جهازات انگلیس وفرانسه وژاپون بیشتر می باشند .

علاوه ، آنها آلمانها درتمام کشتی‌های تجارتی وزغال کش حتی جهازات کوچك تجارتی که دراغلب ها باهی گیری تعبیر میشود مستقیما

وخبر مستقیم درتمام نقاط هندوستان وچین وامریکا وسواحل روس وژاپون دستگاه های تلگراف قرار داده و تماماً مثل خط زنجیر بهم وصل می کردند

مثلاً کشتی امدن وکالسروه وغیره درتمام مدت عملیات همه ساعت باآلمان مخابره داشته واز برلن دستور وخبر می گرفته واطلاعات دریائی واحوال خویش را بمراکز بحریه آلمانها خبر میدادند .

همان که آن هفت کشتی معروف تاریخی آلمان از بندر کیاچو ماشه بالای میمو بیرون جسته ودر اقیانوس کبیر بنای شکار کردن جهازات انگلیس وروس وفرانسوی را گذاردند وهرکدام طرقی را اختیار کردند در واقع هیچ یک تنها نبودند ودر اطراف هریک از آن جهازات جنگی آلمان چندین فروند کشتی تجارتی وزغال کشی وماهی گیری آلمان در شمال وجنوب ومغرب ومشرق آنها بودند که از یک طرف محرمانه بآنها زغال و آذوقه رسانده واز طرف دیگر مثل جاسوسان زیر دست توسط دستگاه های تلگراف بیسیم خود بآنها خبر میدادند که فلان کشتی انگلیس یا فرانسوی از کدام سمت حرکت کرده وچه وقت میتواند آنرا غرق نماید ودر حقیقت جهازات تجارتی آلمان پیش قراولان جهازات جنگی بودند که وسایل عملیات را فراهم میکردند

کروازرهای قیصر آلمان مانند تحت البحری های وی طوری موجبات انقلاب دریاهای دنیا را فراهم آوردند که اولیای امور متفقین باهمه غیر قابل توصیف اقرار بعجز خود داری نکردند ودر واقع بوسیله تلگرافات متعدده بیسیم بوده وهست که این عملیات شعبده مانند تا کنون صورت یافته است چنانکه تلگرافات بیسیم که هرون در نیویورک اداره کل انهارا عهده دار شده بود در کار نمی شد عملیات جهازات آلمان تا این درجه برای متفقین منجر بوحشت نمی گشت اگر درست دقت شود که کشتی (پرنس ایتل) چگونه وارد بندرگاه نیویورک شد و چطور دو ساعت توسط تلگراف بیسیم ها (کالر روده) مذاکره میکرد وبچه ترتیب در هوای ازوره از کنار جهازات جنگی انگلیس بخیر گذشت آنوقت میدانند که مقیاس فعالیت آلمانها ، وفایدهٔ تلگرافات بیسیم آنها چقدر وچیست ،

حتی خود صاحب منصبان انگلیسی و فرانسه به شجاع عظیمه تلگرافات بیسیم آلمانها چاره ندارند وموضع مزبور بایک اهمیت بزرگی درمقابل انظار آنها مجسم است

درخشکی های دنیا

وقتی که توانستیم حل نمائیم که باوجود مشکلات وموانع عظیمی که در دریاها موجود است آلمانها باین درجه از کار این قبیل کارها را کرده اند خوب می توان فهمید که درخشکی های دنیا که تلگراف بیسیم ایشان تر و بجامع تر است آلمان چه نتایج مفید وعظیمی حاصل کرده است

توسط همین تلگراف بیسیم بود که مسیو هرون در نیویورک که دو روز قبل روزنامه خبر معاودت اورا بآلمان داد همه روزه مستقیماً باخود امپراطور مشغول تبادل نظریات ومذاکره بود .

بلااستثناء هر روز مسیو در نیویورک اخبار واطلاعاتیکه بهزار وسیله توسط جاسوسان امریکائی خود از فرانسه وانگلیس واز شایع عمومی دنیا تحصیل کرده بود مستقیماً بقیصر خبر داده وطرفین از هم تعلیمات می گرفتند .

بهمین وسیله بود که در نیویورک با امپراطور وهیئت وزراء وی جریان بازار امریکا ووضعیات دیپلوماسی وغیره را خبر میداد ودر عوض از برلن ابلاغیه های رسمی وتوضیحات لازمه و فتوحات آلمان وغیره را دریافت کرده وتوسط هفتاد هشتاد دستگاه تلگراف جزو خود درتمام مطبوعات « آمازونی » و « شیلی » « پرو » « مکزیک برزیل » و مملکت « چین » منتشر کرده ودر حقیقت افکار عامه را زیر نگین آورده بود شعبات تلگرافات بیسیم آلمانها روزی یازده ساعت مرتباً برای مخابرات خودشان لازم دارند وبعد ازانکه این یازده ساعت تمام شد باز هم دست بردار نیستند ومشغول می شوند چراکه ازیک طرف بواسطه انکه تلگرافات انهاقوی تر است اخبار سایرین را جلب کرده وبهترین وسیله کسب اخبار دشمن است وازطرف دیگر بعلت قوت این دستگاه وکم قوتی دستگاه های دشمن دائماً امواج برقیه تلگرافات بیسیم انگلیس وفرانسه را در فضای هوا مختل کرده ونمیگذارند خبری به آنها برسد پس معلوم است تلگرافچی های آلمان درسواحل چین وامریکا واروپا بیکار نمی نشینند و دشمنان آلمان درنهایت ضعف تماشا میکنند که روابط تلگرافی بیسیم آنها مقطوع وازاین راه فایده نبرده اند .

حالت تلگرافچی های بیسیم استاسیونهای ساحلی وجهازات انگلیس وفرانسه در دریاها واقعاً رقت انگیز است ، مخابرها چندین ساعت درکنار دستگاه های خود دست ها را زیر بغل نهاده وازتموج اشعه برقیه می فهمند تلگرافات بیسیم آلمان مشغول کار استند وتلگرافچی انگلیسی که ازضعف دستگاه خود مطلع است ومی داند با کار کردن آلمانها او نمی تواند مخابره کند انتظار دارد که شاید دقیقه آلمانها تعطیل نمایند وخودش مطالبی که دارد بگوید لیکن چندین ساعت انتظار میبرد وقت آن کارهم فوت میشود وآلمانها بدون دقیقه راحت وفاصله مشغول هستند ودائماً تلگرافچی ها میبینند امواج برقیه آلمانی هوارا بتصرف دارد ودستگاه های انهارا یک چیز بی مصرف ساخته است .

دستگاه های فرانسوی هم از سیستم انگلیسی ساخته شده وهمان نقیصه را دارد وخیلی سعی میکنند که دراین راه تکمیل نمایند ودر حقیقت باید گفت امروزه تلگراف بیسیم فقط خدمتگذار آلمان است واز خدمات به سایرین استعفا داده است .

یکی از قواعد واصول ناپلیون کبیر این بود که می گفت برای مضمحل کردن خصم وبهترین راه سهل برای معدوم کردن او قطع مراودات وجدا کردن اوست ودراین یک زمینه عوض آنکه انگلیس وفرانسه کار خود را صورت دهند آلمان بهمان وسیله متقیت شده است .

(یک جمعیت بزرگ مبلغین مسیحیت برای هندستان)

وکیل ۲۸ جولائی :

مسلمانان هند این خبر را بکمال حیرت وافسوس خواهند شنید که کار کنان دنیای مسیحی برای نشان تیاری فرستادن یک جمعیت بزرگ مبلغین دین نصرانیت را کرده اند .

چند سال قبل این در جنوبی هند برین مجلس اصرار شده بود که کلیساهای هند را لازم است که بهبسیار قوت وهمت در هندستان تبلیغ عیسائیت را بکنند ولی بعضی فرقه های دعوا را در انوقت برای هندستان لزوم ندیده و گفتند بیشتر مارا باید که در افریقا مساعی خودرا انجام بدهیم

درعلی این مسئله دوباره دربریز قطر غور وتحقیق آورده شده و « ربورند ایچ بی فرنچ » « ازلات پدری استدعا کرده که این معامله درپیشروی ارباب حل وعقد انگلیکن چرچ « انگلستان » پیش کند

وبس ازمبلغین مسیحی تأیید این درخواست را کرده اند و کیفیت سیل تحریك نموده که بالاتفاق تمام جمعیت‌ها یك جمعیت بزرگی بنام « آل اندیا مشن » [جمعیت هندی] قایم کرده شود که دران مبلغین را به بسیار دقت طریق تبلیغ تعلیم داده شود و کار کنان آن درتمام هندستان منتشر شوند که ازینجا بدیگرجا تبدیل هم شده بتوانند .

ودردرخواست مذکور بیان کرده شده که درمدت ۱۰ سال گذشته ۴۰ هزار هندو مسلمان شده اند وبعضی عیسائیان هم در همین زمانه مشرف باسلام شده اند ودر کار تبلیغ ، مسلمانان ساحل مغربی هند بسیار پیشقدمی کوشش کرده اند که مطمح نظر شان هم اکثر هنود بوده اند .

ودردرخواست مذکور یقین ظاهر کرده شده که ازغفلت وسهل انگاری موسیونرهای مسیحی که درحق مسلمانان هند ازیشان ابراز گردیده ازان نتایج بسیار افسوسناکی پیدا شده اند . زیرا مسلمانان درینوقت دریك حالت شك وشبه هستند وصد حیف که تا بحال برای بارآور ساختن چنین دلهای غیرمتیقن ومذبذب کم کوشش بعمل آمده است . پس حالا بچنان کار کنان رو حال نکته رس ، و مصلحت اندیش ، ضرورت واحتیاج داریم که ازمسائل اسلامی وخیالات مسلمانان کماحقه واقفیت داشته باشند تا بر نوجوانان اسلامی امروزه این را ثابت کرده بتوانند که یسوع مسیح حاجت روائی شان را به چنان یکطریقه میتواند که ، عیاذاًبالله ، پیغمبر شان ، صلی الله علیه وآله وسلم ، هم نمیتواند .

ودردرخواست مذکور بعدازاظهار اینقدر خیالات توقع ظاهر کرده شده که اگر تمام کلیسا ها یکجا شده متفقاً دراجرای این کار بکوشند یقیناً اثر آن برمسلمانان هند بسیار اهم ودوررس ثابت خواهد شد . وآنوقت لازمست که در مرا کز بزرگ هندستان اقامت اختیار کنند وسررشته تعلیم کار کنان هم بیك اندازهٔ وسیعی کرده شود ودرزبان اردو وغیره زبانهای اهلی یکرسالهٔ تبلیغیهٔ هم شایع کرده شود وهیچ دقیقه ازپیش کردن یسوع مسیح را درپیش روی مسلمانان فرو گذاشت نشود چرا که اکثر چنان کسانی درآنها موجودند که مذهب آبائی خودشانرا مکمل ندانسته درتلاش اختیار کردن یك مذهب دیگر هستند .

مبلغین مسیحی دردرخواست خودشان حالت ناگوار مذهبی مسلمانان هندرا کماشایع کرده اند . مارا بکمال افسوس برین یك معترف میسازد که آنها درست اندازه کرده توانسته اند . فقدان تعلیم وتربیهٔ مذهبی مسلمانان را بسوی مادیت مایل گردانیده و اگرچه یك طبقهٔ محدود پابندی مذهبرا درحالت موجوده بنزاعت نکوئی دنیاو آخرت میدانند . مگر افسوسکه پابندی عمل مذهبی ازقسم اعظم آبادی اسلامی مفقود گردیده است . بی شبه درهرپنج وقت آواز جذبه انگیز الله اکبر از مساجد شهرها و دهات بلند میشود ولی صد حیف که در مسجدها همان رونق قدیم هیچ نمانده وبجای آنها حالا کلب‌ها بارونق وباهم وجوش میباشند وآن کسانیکه قبل ازین روز پنجوقت در حضور الهی بر کوع وسجود مشغول میشدند بعوض آن حالا وقت خودشانرا بتنیس وغیره میگذرانند . واین هیچ یك سخن معیوب وغیر مرغوب نبود که اگر بامغرب پسندی خدا پرستی هم قایم میماند ولی حیف که بخاطر مغرب خدا بالکل ازخاطرها فراموش گشت !!

پس چون معامله بدینصورت باشد اگر پادریهای مسیحی ازین حالت زار مذهبی مسلمانان استفاده کنند وبرای تبلیغ عیسائیت درمسلمانان تربیه فرستادن یك جمعیت بزرگ موسیونری را بیندیشند بکلی حق بجانب خواهند بود . حالا درین مسئله تفکر کردن فرض مسلمانانست که آیا حالت موجودهٔ خود شانرا تغیر نداده جمعیت مذکوررا بارادهٔ فاسده اش کامیاب میسازند ؟ ویا که تنزل مذهبی خودشانرا اصلاح نموده کوشش خواهند ورزید که سعی این جمعیت را بی اثر ثابت کنند ؟ ودرینموقع دانستن این را می خواهیم که آن انجمنها ودرسگاه های مذهبی که یگانه مراد شان تحفظ دین و اشاعت مذهب است درنا کام ساختن این مهم موسیونرها تاکدام درجه مدافعت ومقاومت خودرا ثابت میتوانند . برای خودما برای متأثر نشدن ازاثر ناگوار این جمعیت مجوزه از همه اول همانا مایل ساختن مسلمانان موجوده است بسوی پابندی دین ومذهب والبته تاوقتی که در تعلیم وتربیه عنصر مذهبی را غلبه نباشد حاصل نمیشود ازانرومارا لازمست که درتعلیم وتربیهٔ مذهبی بچه‌ها ونوجوانهای خودما بیش ازپیش توجه کنیم و بزودی قلع وقمع این حالت افسوسناك رابکنیم واگر این چنین نکردیم حال ماهم بحال اسف اشتمال برادران دینی ما مسلمانان فجی منجر خواهد شد .

حال مسلمانان فجی بسیار قابل رحم است عددشان زائد ازدوازده هزار نیست اینها آن کسان ویااولاده آن کسانی است که از هندستان برای مزدوری رفته بودند وپس از اختتام معاهده درهمانجا مقیم شده بودند ولی چون درتمام آب وهوای آن عیسائیت سرایت کرده است ازانرو مسلمانان آنجا ازمسلمانان هند هم بدرجها تنزل نموده اند . درانجا هیچ یك مسجدی نیست و نه کسی نماز میخواند در رمضان هیچکس روزه نمیگیرد و نه کسی ازایام مقدسهٔ اسلامی خبر دارد وقتی که از یك مولوی فجی پرسیدند که آیا شما نماز میخوانید ؟ او درجواب گفت ، که درین ملك کسی نماز نمیخواند ، یك پادری بیان می کند که روزی بوقت شام نزدیك مولوی آنجا رفته بود او فی‌الحال یك کاسهٔ آب برای وضو طلبید پادری چون گفت که این آب برای وضوی شما کفایت نخواهد کرد او گفت که تمام اعضای من پاك هستند تنها دهان خودرا میشویم . مختصراً اسلام درانجا درچنین حال کس‌مپرسی بیچاره وضعیف افتاده است .

مسلمانان هند را واضح باد ! که اگر حال موجودهٔ خود شانرا بزودی اصلاح وجلو گیری ننمودند پس در آنها ومسلمانان فجی هیچ فرق نخواهدماند وهمانطوریکه بقول ریورند فراقلن که درانجا مبلغین مسیحی را درعیسائی ساختن مسلمانان بی‌اندازه کامیابی پیش آمده درهندستان هم اگر همچنین بود بس ازمسلمانان ممکن است که دین مقدس خود شانرا خیرباد گویند وبهاینصورت آنها را موقع کامیابی بدهند چنانچه بعضی آثار آن ازحالا هنوز ظاهر گردیده ومیگردد .

علامهٔ شبلی نعمانی همواره بغرض اشاعت اسلام درممالك مسیحی برای تیار و آماده کردن یك جمعیت موسیونر های اسلامی کوشش و آرزو داشتند و کامیابی که آنهارا درین مقصدشان رخ نمود هم اظهر من الشمس است ولی شاید که این جواب همان کوششهای آنها بود که دروطن خود شان اعظم گده ودرأثنای حیات شان یك جمعیت مبلغین عیسائیت قایم شد که مقصد آنهم این بود که موسیونرهای یورپ برای تبلیغ عیسائیت درمسلمانان فجی به فجی فرستاده شوند واین جماعت همراه جمعیت‌های

دیگر موسیو زیهای عیاشاق یکجا شده و مسلمانان جزرهٔ قبی در مقابل مساعیٔ آنها در تسلیم خودشانرا بطرو آوردن مجبور گشتند .

اگر مسلمانان هند حالا حالت ناگفته به مسلمانان قبی را درست کرده نمیتوانند و باعث برداشتن این بار گران در آنها نیست آیا اینقدر هم نمیتوانند که از حال آنها برای خود عبرت بگیرند . اینها را روشن باید که در اقوام وملتهائی که میلان بی دینی وغفلت از امور مذهبی پیدا شود بالاخر آن ملت مذهبرا بکلی پشت پا میزند ونتیجهٔ آن این میشود که ملتهای دیگر آمده آنهارا هم خیال خود ساخته بدین خود میگردانند پس مسلمانان را درین موقع از همه اول لازمست که بکمال قوت جذبات مذهبی خودشان در مدافعه ومقابلهٔ این هجمت بخود آمده بکوشند و بر همهٔ افراد آنها ثابت کنند که مسلمانان هند اسلامرا بهترین مذاهب دنیا میدانند ودر صورت وجود اسلام دیگر هیچ مذهبی را اختیار نخواهند کرد .

(کذا)

(توپهای جاپانی در روس)

نامه نگار خصوصی اخبار مقیم توکیو پایتخت ژاپن را خبر رسیده است که چون با وجود تجربه هائیکه روس‌را از سنت های بالقان بدست آمده بازهم حکم فوجی روس توپخانهٔ روسی را آنقدر زبردست ثابت کرده نتوانستند که درین جنگ حاضر ازان امید کرده میشد . لهذا بدین مناسبت افسرهای توپخانهٔ روس باسفیر جاپانی مقیم پیترو گراد مشوره کردند وبالآخر رأیشان براین یک قرار یافت که چون کارهای توپخانهٔ ژاپانی که در جنگ روس کرده بود بروسیان بسیار مؤثر ثابت شده بود ازاینرو حالا لازم که توپچی ها از جاپان خواسته شوند . سفیر ژاپانی این تجویز را قبول نموده فی الفور از ژاپان توپچیهای چیده ویک توپخانهٔ بزرگی طلبید که امروز روز در میدان رزمگاه مشرق در مقابل توپخانهای متحدهٔ جرمنی واوستریا بیکه بازی دوام دارد . این توپهای جاپانی ازرقم بسیار جدید می باشند وبه نسبت توپخانهٔ جرمنی مؤثر و کامیاب ثابت شده اند . علاوه بران مناسبات روس وژاپان بسیار واز حد افزون اصلاح یافته است . وبرای مؤخراً هر قدر سامان جنگ وتوپ وتفنگ وکالا وغیره که بکار باشد همه از جاپان فرستاده میشوند . اسباب حربی مانند بونها وغیره که در میدان جنگ آنرا سپاه روسی صرف میکنند همه ازینجا مهیا کرده میشود . جمیع کارخانها واسلحه خانهای ژاپانی شب وروز بکار مشغول میباشند وبرای روس سامان حرب میسازند وازانجا بسیار زودی وبلاتأخیر روس فرستاده میشوند وبعوض آن از روس زمین میگیرند اگرچه از چندیها بیشتر جرمنی باین اندیشه بود که مبادا ژاپان با روس بسامان جنگ امداد کند ولی آمدن توپخانهٔ ژاپانی بمیدان رزمگاه مشرق این شبهٔ اورا به حقیقت مبدل ساخت .

خبرهای جنگ براه خشکه

گازهای خفه کننده

یک مخبر از طرف روزنامهٔ (تیمس) مینویسد : دول ائتلاف مثلث خیالواهی میکنند که آلمانیارا بواسطهٔ گرسنگی وقحطی بتوانند مغلوب نمایند زیرا که ذخیرهٔ احتیاطیه آلمان روز بروز در تزاید است حتی امروزه آذوقهٔ آنها باندازه شده که در اوایل جنگ خود آلمانها این امید نداشتند این اوقات دولت آلمان روز بروز ملکهای نو میگیرند وآن ملکهارا مزروع میسازند وخودرا مثل یک دولت آزاد نمیداند بلکه مجبور است که تمام آذوقه ولوازم‌را از خاک خویش تحصیل نماید باین همه مملکت آلمان امروزه از تمام دول روی زمین بهتر اداره شده وتمام لوازم جنگی خوبی از داخله مملکت حاصل میشود بهیچ جهت تأسیساتیکه دولت آلمان در اوایل جنگ تشکیل داده تا امروز نقصی وارد نیامده است وبالعکس نواقصیکه قبل از جنگ مشاهده میشد امروز اکمال میشود اصول (کاوچوک) امروزه در خاک آلمان خیلی ترقی نموده است ومواد (آزوت) در تحت تجربیات که از هوا گرفته میشود برای غذا وآذوقه پروفیسور های ماهر آلمان شب وروز بدون اینکه خسته ومانده شوند در اجزاخانها مشغول عملیات میباشند .

دراین اواخر آلمانها تمام امید خویش‌را منحصر به گازهای خفه کننده نموده اند . هرچند که استعمال گازهای خفه کننده در کنفرانس لاهه ممنوع شده است لیکن فن حرب آلمانها آنقدر تأثیر نمیکند . کیمیاگرهای آلمان گازهای خفه کننده‌را بهترین اسلحه وقوهٔ مدافعهٔ آن قرار میدهند وعقیده آنها این گازها باز درست تکمیل نشده است کیمیاگرهای مزبور میگویند که این گازها برای نمونه بکار برده میشود وبرای زمان آتیه ازان مواد ، بمهای محرقه وسایر آلات قتاله آن خواهند کرد . برای اثبات این مسئله کیمیاگرها میگویند که : این آلات قتاله بواسطهٔ خفت وسهولت حمل ونقل بهترین وسیلهٔ موفقیت در جنگ میباشد . حالا آلمانها در فکر پیدا کردن وسیله هستند که این گازهارا مقدار کلی بمیدانهای جنگ بتوانند بآسانی حمل ونقل نمایند .

عقیده کیمیاگرها اینست که بعد از حل این مسئله عملیات آنها تکمیل خواهد شد .

(اقبال)

اختلال داخلی روس

راجع باغتشاش مسکو

درباب حادثهٔ اخیر مسکو روزنامهای پترو گراد ازاداره سانسور اجازه گرفته تفصیلات ذیلرا مینویسند :

اطلاعاتیکه از ادارهٔ بلدیه شهر مسکو بدست آورده ایم حاکی براین است که از اغتشاش مسکو ۴۸۵ باب تجارتخانه ۲۰۸ باب خا متضرر شده و ۳۸۴۹۸۰۰۰ منات (معادل سی وهشت کرور دوبیس وچهل ونه هزار تومان) خسارت وارد شده است : کاغذهای قیمتی‌دار وسندات داخل مبلغ فوق نیست) سبب خسارت ۱۲۲ باب تجارتخانه ۵۰ باب منزل‌را که صاحبان آنها معلوم نیست خبر میدهند ازین اغتشاش عظیم وازین نظامی شهریه ۱۱۳ نفر از تبعهٔ آلمان واتریش ۴۸۹ نفر تبعه متفقین و ۹۰۰ نفر روس خسارات کلی وارد آمده است .

آخرین اخبار واصله که از دار دانل مستند به ابلاغیه پاریس است میگوید : کشتی جنگی فرانسه موسوم به (کارتیج) در دار دانل مورد حمله زیربل واقعشده غرق گردید ۶۶ نفر نجات یافته ۶ نفر مفقود الا شدند .

در چاپخانهٔ حروفی دارالسلطنهٔ کابل طبع گردید

هر مقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر وسر محرر تحریر یافته

محمود طرزی

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا
یاد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از شکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خودرا رها نمائیم ممکن نشد لهذا با داکخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یک مقاوله نموده داکخانه مشارالیه تقسیم و توزیع اخبار مارا که بهمه مشترکین کرام ما رساند درعهدهٔ حمیت خود قبول نمود . مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را تبشیر ویاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای داکخانه بخود شان میرسد .

شرایط خریداری

دار السلطنه	ولایت داخل افغانستان
قیمت سالانه هشت روپیهٔ کابلی	سالانه چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه پنج روپیه کابلی	ششماهه هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان
هر جائیکه باشد با اجرت پوست

قیمت سالانه | ده روپیه انگلیزی قیمت ششماهه | شش روپیه انگلیزی
سه ماهه اشتراک قبول نمیشود

یک طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

بجملهٔ کارداران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود:

اگر از یک جا بدیگر جا بروند و بیایند میباید که یک رقعه مدیر و سرمحرر را خبر بدهند که من در فلان جا بودم وحال در فلان جا میروم اخبار مرا درانجا بفرستید . هرگاه همچنین یک رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند . ویا دیگر هر رقم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود برسرهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر یک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تاه پنج بار فی سطر یک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر ازپنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطر یک ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تا یک سال نشر کردن خواهند ووجه یک ساله را پیشکی ادا نمایند درورق پشتی فی سطری ستار اجرت گرفته میشود .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1358 of 1786

(اعلان)

پراکنده

از آثار مطبوعهٔ تازهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت ، وعبارت از یک مجموعهٔ اشعار ابدار تجدد آثاری میباشدکه بکاغذ اعلا ، وخوبی طبع دلربا ، باتصاویر بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است ، اگرچه از حسن خط وخال بعید است ولی مضامین وخیالاتش سراسر یکطرز جدیداست . نسبت بخوبیهای ظاهری ومعنویش قیمتش خیلی ارزان . یعنی بمقابل (۲) دو روپیهٔ کابلی درخود مطبعهٔ عنایت از نزد عبدالرؤف خان سر مرتب . ودر بازار ارک از دکان باز محمد . ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان غلام محمد هرکس خریده میتواند .

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه را مژده ! ازین ثمرهٔ نورس رسیدهٔ گلزار « مطبعهٔ عنایت » کامهارا شیرین نمائید ! « جزیرهٔ پنهان » یک ناولیست که قوت علم ومعرفت وسعی وغیرت را برای اساس زندگانی نوع بشر بنظرات وجلوه گرمیسازد . هم حکایت ، هم عبرت هم فن ، هم فضیلت ! خوبی چاپ ، خوبی کاغذ ، خوبی تصویرش علاوه . قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان ! تنها (۶) شش روپیه محل فروخت نفس مطبعهٔ عنایت در ده افغانان ، دکان باز محمد در بازار ارک ، دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی .

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد
کتاب سال دوم « « « مصور مجلد
کتاب سال سوم « « « مصور مجلد
کتاب سال چهارم مصور مجلد
علم و اسلامیت
آیا چه باید کرد ؟
ادب درفن
توحید
مختصر جغرافیای عمومی

این کتابهای فوق دراداره موجوداست . هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد بهاداره مراجعت کند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

	قیمت روپیه کابلی
سیاحت دورادور زمین بهشتاد روز مجلد	۲
سیاحت درجو هوا مجلد	۲
سیاحت درزیر بحر مصور مجلد	۴
ازهردهن سخنی وازهرچمن سمنی مجلد	۲
روضهٔ حکم مجلد	۲
پراکنده مصور مجلد	۲
جزیرهٔ پنهان مصور مجلد	۶

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوق را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان از نزد عبدالرؤف سر مرتب واز دکان باز محمد کتابفروش دربازار ارک واز دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل مدرسه شاهی بقیمتهای معینش خریداری کرده میتوانند . واگر ازخارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوق را بکنند بهاداره سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند .

سراج الأخبار افغانیه

۱۳۲۹

شمارهٔ ۳ سال پنجم

فهرست مندرجات

قصیده در مدح پادشاه اسلام اعلیحضرت سراج الملة والدین (

حوادث داخلیه (جدول اصابات و وفیات مرض هیضه واسهال — وفات — مریض

حوادث خارجیه
انکلستان وعثمانی — اطلق صدر اعظم آلمان — آخرترین خبرهای جنگ
راه خشکه نقل از اخبارهای ترکی وعربی — در دانل بود ازنهر — درباب شرکت ایطالیا بجنگ —
درباب اعلان جنگ ایطالیا بعثمانی — یک جنگ جنگ عجیب — اصول جنگ رزمگاه مشرق —
نقل از اخبار چهره‌نما تسلیم شدن چین بجاپون — ایضاً آخرترین خبرها راه خشکه نقل از
اخ ایران — در دانل — اوضاع سوید — حبشه وایطالیا — اختلال وانقلاب در مسکو —
تا — ایضاً در دانل — توپهای تازهٔ کارخانهٔ کروپ — عملیات المان در رومان —
یتان جاسوس — تحت البحری کشتیهارا اسیر میکنند — امریکا درین جنگ تجارت میکند —
مراجعت اردوی عثمانی از کرمانشاه — ترجمهٔ اخبارهای انگریزی واردو — یک خبر عجب لب —
ادبیات نقل از جریدهٔ حبل المتین — خبرهای هندوستان یک قتل سیاسی در نواح کلکته — ایضاً
نقل از اخبار حبل المتین — مسلمانان لیتوا — اوضاع طرابلس — فتح روست لیتو وسک —

تصاویر
یک نظارهٔ علویت منظره ذات اعلیحضرت سراج الملة والدین در کوه یغمان مناظر عوالم‌را
تماشا میکنند — از منظرهای جلسهٔ سالانهٔ مکتب فیض مکتب حبیبیه — منظرهٔ دیگر از جلسهٔ سالانه —
کار یکاتور رجز خوانی ژاپون به امریکا —

اعلان

از صنایع پرورشهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جرنیل کارخانه جات ، ماشین خانهٔ مبارکهٔ دارالسلطنه کابل علاوه ازاجرای حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه و اونیفورمهای عساکرشاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخلی که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که ازحضور اعلیحضرت همایون حکم فروش آن صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ، ذیل (دکان عبدالله خان دروازار ارک) میباشد.

(١) سرجهای پشمینه بافی رنگهای مختلف که قیمت آن ازقرار گز انگریزی ٣ فوته مشخص شده ودر صندوقخانهٔ جنسی هم بفروش میرسند

اقسام	قسم اول					قسم دوم					
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم مقدری کلفت قیمت آن ١٥ پیسه زیاد است	
رقم	تاحال ساخته نشده	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت		٧ روپیه ٠ پیسه	٦ روپیه ١١ پیسه	٦ روپیه ٤٢ پیسه	٥ روپیه ٤٨ پیسه	٦ روپیه	٥ روپیه ١٨ پیسه	٦ روپیه	٥ روپیه ١٠ پیسه	٦ روپیه ١٠ پیسه	٥ روپیه ٢٥ پیسه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گز انگریزی : کشمیره چهارخانه ٧ روپیه ٣٥ پیسه | کشمیره رهدار هرقم ٧ روپیه بیست پیسه

(٢) جراب ها

رقم	تکمالنگ زوج	راهدار زوج	معمولی زوج
قیمت	١ روپیه ٥٢ پیسه	٤٥ پیسه	٣٦ پیسه

(٣) تکمه‌های چرمی محراب ومنبردار

کلان فی درجن	میانه فی درجن	خورد فی درجن
١ روپیه ٤٠ پیسه	١ روپیه ١٠ پیسه	٥٥ پیسه

(٤) کروره های جدیدساخت

رقم	زه باف بغلدار به دو کره دو تاره	زه باف یک اسپه دو کره سه تاره	جرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ چار تارهٔ تخی
قیمت	٨ روپیه و ٣٣ پیسه	٩ روپیه و ٢٤ پیسه	٨ روپیه و ٤٢ پیسه	٦ روپیه و ١١ پیسه
رقم	جرم باف دسته دار دو دولاب	جرم باف دسته دولانه یک اسپه	دسته دولانهٔ یکی چار اسپه	جرم باف عرکابی
قیمت	٤ روپیه و ٤٨ پیسه	٤ روپیه و ٤٦ پیسه	٨ روپیه و ٢٣ پیسه	٤ روپیه و ٤٣ پیسه
رقم	قبضه رنجی کلیت نقرهٔ توپخانه	قبضه کلیت نقره از جرم سه لایه توپخانه	زه باف رقم سواری ساس کلیت	زه باف دو تارهٔ رکابی
قیمت	٣ روپیه و ٥٥ پیسه	٤ روپیه و ٥٧ پیسه	٥ روپیه و ٩ پیسه	٥ روپیه و ٥٤ پیسه
رقم	رکابی از نخ	جرم باف میانه چوب پت زنانه	از زین سواری تیغ چرمی	زنانهٔ ابریشمی خیاطه
قیمت	٤ روپیه و ٤٥ پیسه	٥ روپیه و ٨ پیسه	٤ روپیه و ٥٨ پیسه	٥ روپیه و ٨ پیسه
رقم	دسته‌های تیغ چرمی	دستهٔ دولانه ساس رنجی کلیت نقره	از زین سواری دولایه تیغ چرمی کجک دار	جرم باف مابین پت یک اسپه
قیمت	٤ روپیه و ٤٩ پیسه	٤ روپیه و ٤٥ پیسه	٤ روپیه و ٥٩ پیسه	٨ روپیه و ١٢ پیسه

(٥) اقسام گلهای مصنوعی سر

[illegible]

قسم	گل جرین	گل نافرمان	گل پرینه	گل شبو
قیمت	٥ روپیه و ٣٦ پیسه	٦ روپیه و ٦ پیسه	٦ روپیه و ٧ پیسه	٦ روپیه و ٣ پیسه
قسم	شگوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل نسترن	چنبیل
قیمت	٧ روپیه و ٤٥ پیسه	٦ روپیه و ٥٨ پیسه	٥ روپیه و ٣٨ پیسه	٦ روپیه و ٨ پیسه
قسم	شگوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	٦ روپیه و ٣٥ پیسه	٧ روپیه و ١٢ پیسه	٦ روپیه و ٥٤ پیسه	٦ روپیه و ٥٤ پیسه

(المشتهر)

(میر محمد هاشم دفتری کارخانه‌جات (کمیدان نظامی))

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
با مصارف ڈاک ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مصارف ڈاک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یک عباسی است
(اوراق که درج نشود اعاده نمیشود)

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

مدیر و سر محرر
محمود طرزی
ادارهٔ تحریرخانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ ۱۵ ذیقعده ۱۳۳۳ تاریخ انگریزی ۲۶ ستمبر تاریخ شمسی ۳ میزان ۱۲۹۴

قصیده در مدح پادشاه اسلام

ذات شوکتسمات اعلیحضرت (سراج الملة والدین) پادشاه خودمختار دولت علیهٔ مستقلهٔ افغانستان خلد الله ملکه

* * *

زان بیکجای اقامت نکند آب روان
که نه جای که دان است جهان گذران
خاصه این عصر که از حرص و حسد اهل فرنگ
آتش انداخت در آفاق کران تا بکران
خاصه امسال که این جنگ جهان سوز یورپ
تا کجاها بجز این برق بلرزد بجهان
خاصه امروز که از دولت تهذیب نشست
چون دل عاشق بیچاره بخون مالیان
هر این واقعه آموخت یورپ این تهذیب
که نماند در آفاق ز دیار نشان
گر دو زنده درین جنگ کس از چنگ اجل
نرساند خبر مرگ بماتم زدگان
یکنفس نیست درین حادثه بیکار اجل
خواند بیچارهٔ سرگشته الف سر گردان
تن تنها بجهانی بکشد عزرائیل
خود کند قبض بیکبار مگر جان جهان
این اگر حاصل تهذیب ، توان گفت بلند
که کم از دام و دد امروز نبود آدمیان
این اگر حاصل تهذیب ، توان گفت بجهر
که بحیوان دنی فضل ندارد انسان
دام و دد گشت مهذب که در آفاق کنون
نه ز اخلاص بود نام و نه از صدق نشان
مرحبا تا عدهٔ خلق چنین است چنین
حبذا شیوهٔ تهذیب چنان است چنان
ملکی کرد فنا خانهٔ تهذیب خراب
داد بر باد جهان کشور دانش ویران
خاک عالم بسر تهذیب که از طرز جدید
سیل خون کرد در آفاق بهر گوشه روان
برق در خرمن آفاق زدند از تهذیب
اینچه تهذیب خوشنما سیرت وحشی صفتان
اینچه تهذیب که کردند جهان زیر و زبر
اینچه تهذیب که شورند هم پیر و جوان
ای خوش آن جنگ که می‌بود دران تیر و تبر
خنک آن رزم که بوده است بشمشیر و سنان
نکشد تیر و تبر خلق بصدها ملیون
نکشد تیغ و سنان قتل همه اهل زمان
خوشتر آن عصر که کردند دران نوع بشر
چون دد و دام بهم جنگ بچنگ و دندان
جنگ و دندان که توان کشت دو کس را ماده
گشت تهذیب بیکبار ببین جمله جهان
بحر آتش بود امروز جهان از تهذیب
هرطرف توپ و تفنگ است بهم شعله فشان
غرق گرداب فنا کرد جهانرا تهذیب
توپ جرمن بود امروز ز تنور طوفان
چون در انداخت در آفاق صدا توپ و تفنگ
گشت بیقدر بر خلق دم تیغ و سنان

نشانند بی جنگ بیکجو شتر
رفت از قبضهٔ آفاق دگر تیرو کمان
خم ابرو نکند مهر زیم شمشیر
گشت در دیدهٔ مهرو سبک گرز گران
بعد ازین کیس کند درصف هیجا بیقدر
عرهٔ توپ و صدای تفنک و نالهٔ بان
گوله باران بودو کیس کنون ابر بلا
ابر بیکار نشست است و نبارد باران
باش تا از پی ایذای بشر نوع بشر
دغ و طاعون و وبای دگر آرد بمیان
باش تا اهل یوروپ را ز پی ساز نبرد
چه بلاها و بترها ست که سازند عیان
باش تا بهر بنی آدم بیچاره هنوز
چه خطر هاست پس پردهٔ تقدیر نهان
بس کن از شکوهٔ تقدیر و شکایت منهای
کهچنین است و چنین است و چنان است و چنان
ختم کن قصه دلا عاقبت کار بخیر
سرکن اکنون صفت عشوه گر غنچه دهان
دلبر سیمتنی ماه رخی زهره جبین
صنم سنگ دل لب شکری موی میان
شوخ عاشق کش بیرحم ستمکار دلیر
ترک لشکر شکنی غارت دل آفت جان
آنقدر مست که ازراه نداند ناجاه
آنقدر شوخ که آتش نشناسد ز دخان
خلل انداز زمان خانه براند از زمین
که ببیداد کند خانهٔ خلق ویران
چون بت سنگ دل من که زجورو ستمش
همچو من مردم یك شهر نشیند گریان
فتنه از گردش چشم سیهش گوشه نشین
خیل مژگان کجش کرده بلا گوشه نشان
لب بدندان نگزم چند زحسرت که رقیب
آن لب لعل گزید است بزخم دندان
قیمت بوسه اگر دل طلبد اینك دل
عوض وصل اگر جان طلبد اینك جان
باغبان زلف کجش دید و نبید سنبل
وان خط سبز شنید استو نبوید ریحان
گل بخون غرق زرخسارهٔ آن غیرت گل
پابگل سرو زرشك قد آن سرو روان
ای بت سرو قد گلرخ شیرین حرکات
باده پیش آر که برباد بود کار جهان
بادهٔ ده بمن امروز که رباید هوش
بادهٔ دهبمن امروز که بفزاید جان
بده آن باده که آرد بسرم عقل وخرد
بده ان باده که آرد بتنم تاب و توان
آن میم بخش که سازد دل رنجور صحیح
آن میم ده که کند در تنی پیر جوان

باده دلکش بود ایشوخ میان گلشن
باده بیغش بود ای ماه بطرف بستان
باده درباغ برد کلفت بسیار زدل
باده درباغ برد زحمت و آزار زجان
تشنکی سوخت دل آن آب جو آتش آخر
یعنی آن بادهٔ بیغش که کند طبع روان
بده از لطف بمن جام بیاپی ساقی
تاکنم مدح شه ملك امیر افغان
شاه شاهان وامیرالامرا خسرو عهد
عاقل و عادل و باذل ملك ملك ستان
کوهر مجدو نتاج شرف و تاج هنر
معدن جود و محیط کرم و جان جهان
خسرو ملك ستان بادشهٔ بالمکبر
ملك عهد و شهٔ عصرو شهنشاه زمان
طالب امن وامان راغب احسان و کرم
مایهٔ فهم وذکا آیهٔ صدق وایقان
بردل وتهمتن وشیر شکار اژدر در
یم جود وکرم رستم روز میدان
بزم را لطف وکرم مهرو وفاجود وسخا
رزم را شیر ژیان ببرسان پیل دمان
شاه جم جاه فلك قدر سراج ملت
آنکه مثلش نتوان داد در آفاق نشان
آنکه درعهد خوشش جای آهوست بپلنك
آنکه در سلطنتش گرگ پلید است شبان
آنکه طالع کندش یاری واقبال مدد
آنکه پیر است بسند پیرو باقبال جوان
آنکه در کشور اوباغ جنان است زمین
آنکه دردولت اوامن وامان است زمان
آنکه ازخلق نکویش چوبهاراست خریف
آنکه ازرو نکویش چوبهشت است جهان
آنکه باشد دلش ازجود بدریا دشمن
آنکه باشد کفش از راه کرم خصم بکان
آنکه شدوقت شرفش بمعدن معروف
آنکه شد عمر عزیزش پی کار عمران
افکند سطوت او لرزه به بنیاد عدو
بارد از هیبت او زهره روان شیر ژیان
از خدا بهر دعایش بدعا میخواهم
که مرا غنچه صفت باد زبان زر زبان
تا اسد خانهٔ خور شید برسم تنجیم
تا که منسوب بود زهره بثورو میزان
تاحمل باشد و میزان شرف شمس و زحل
کوکب طالعش از برج شرف باد عیان
تا بود ختم قصیده بغزل نیکوتر
گویم اکنون غزلی در صفت لاله رخان
ماو دل شاد ازآنیم که آن جان جهان
جان زما خواست شب وصل و سپردیم روان

اینکه چون ماه رخت مهر نباشد روشن
تا کی از دور بدیدار تو باشم نگران
در لب لعل تو میدید عیان اسکندر
چشمهٔ خضر کزو بود یکسر نهان
هیچ اگر نیست دهان تو دران نیست سخن
زان میان یکسر موئی بمیان نیست نشان
دو کمان میکشد ابروی تو پیوست چرا
میکند کار من غمزده یك پشت کمان
میکنم جان بلب لعل تو سودا هر چند
من سودا زده نی سود شناسم نه زیان
جان بدان از کس خونخوار دهد (مستغنی)
میشود گر لب جان بخش توای شوخ ضمان
خواهدم طبع دگر بار مکرر مطلع
آفرین باد مکرر بچنین طبع روان
درج اخبار کنم مدح شهنشاه زمان
غیر ازین نکند خاطر غمگین شادان
عذر مافات توان خورد بتکرار قسم
تا مسلمان نخورد روزه بماه رمضان
بخداوند توانا و بقرآن سوگند
باز بر صدق رسولان وبنور ایمان
بصف لشکر مژگان و بچشم جادو
به نگاه غلط انداز و بناز خوبان
بوفای غم جانان و به بیمهری دوست
بستمکاری دور انرو بعمر گذران
بشب وصل که افزون زشب قدر بقدر
بشب هجر که گویند ندارد پایان
بدل آن بت بیمهر که صد بار فزون
بدرش خورده قسم از سر سختی سندان
قسم از سر اخلاص بآن است وباین
قسم از ره تصدیق باین است و بآن
فوت فرزند نمیکرد اگرم دل پرخون
ورم از مرگ برادر نشدی اشك روان
مرگ این هردو جوان مرگ بیکبار اگر
قدم از بار غم و رنج نمیکرد کمان
گر نشان ماندیم این درد ازان شعر بلند
گر اثر ماندیم این رنج ازان طبع روان
گرم این ماتم دلگیر نمی ساخت غمین
ورم این مرگ گلو گیر نمی بست زبان
لب نمی بستم از اوصاف سراج الاخبار
آنکه وصفش نتوان کرد بتقریر و بیان
کار او مدحت اسلام بود غیرت دین
کس چگوید که درو مدحت اغیار بیان
کارش از غیرت دین خدمت قوم است و وطن
از اجانب نتوان یافت درو نام و نشان
گرچه از کار جهان است خبر دار ولی
نکند کار جهان کار همان است همان
درج اخبار وطن میکند اشعار وطن
مدعی شعرش اگر سوی نگنجد بمیان
کاشکی بشنود این حرف که گردد خاموش
از سخن طوطی شکر شکن هندستان
تا که گر مدح نصاری بسراج الاخبار
نفرستد که کند نشر در اطراف جهان
هم امروز بکابل که روان شعر ترم
تشنگان نوش نماید عوض آب روان
نبود گرچه هم از اهل زبان (مستغنی)
بود اقرار بلطف سخنش اهل زبان

§

این قصیدهٔ حکمت نشیدهٔ فوق مبنی بر یك حکایتی درج صحایف افتخارما شده است :

قبل ازینکه از ریاست «لوهارو» ممالك هندوستان یك مکتوبی بایك کتابچهٔ گرفتیم که کتابچهٔ مذکوره عنوان (قصیدهٔ عرض اخلاص) را حاوی و بحسن خط وحسن طبع مطبوع شده بود . صاحب مکتوب درج قصیدهٔ مذکوره را در سراج الاخبار افغانیه آرزو کرده بود . قصیدهٔ مذکوره تقریباً یکصدو پنجاه و چند بیت یك قصیدهٔ غرائی بود که در خوبی و حسن مضامین شعریه اش هیچ گفتگوئی نداریم . ولی موضوع آن بمذهب ما و مسلك اخبارما آنقدر ضد و بعید بود که درج آنرا نی بلکه خواندن آنرا نیز بطبع خود گوارا نتوانستیم . لهذا بجناب شاعر شیرین بیان وطن عزیز خود جناب «مستغنی» مراجعت کرده بدین قصیدهٔ مافوق تابکدرجه تشفیٔ صدر توانسته کردیم . از صاحب مکتوب بالخاصه اعتذار میکنیم که در صحایف سراج الاخبار افغانیه آنچنان اشعار و گفتار راه دخول ندارد .

حوادث داخلیه

حضرت ذات اقدس آلهی جل سبحانه ممالك محروسهٔ شاهانه را ازهمه آفات وبلیات محفوظ دارد .

بیماریٔ مدهشهٔ هیضه واسهال که در شهر و اطراف شهر ظهور نموده اگرچه تا بوقت تحریر این حروف هنوز دوام دارد ولی فلله الحمد که از تاریخ ۲۹ شهر رو به تخفیف نهاده است چنانچه از جدول ذیل بخوبی مستبان میگردد . وامید از فضل و کرم نامتناهی آلهی که تا چند روز دیگر اثری ازین عارضهٔ مدهشه نماند :

جدول اصابات ووفیات مرض
هیضه واسهال
از تاریخ ۱۹ رمضان الی ۳۰ شوال
بموجب رپورتهای کوتوالی

اصابات	وفیات	تاریخ
۱۰	۳	آغاز مرض در قریهٔ علاءالدین از ۱۹ رمضان الی ۲۹ رمضان
۱	۰	ایضاً در قریهٔ مه کور فی غرهٔ شوال
۲	۱	روز شنبه ۲ شوال قریهٔ علاءالدین
۳	۲	۳ ماه قریهٔ علاءالدین وقریه باغبانان
۳	۱	۴ ماه در شهر واطراف
۴	۳	۵ ماه در شهر واطراف
۳	۲	۶ ماه در شهر واطراف
۵	۱	۷ ماه در شهر واطراف
۱۳	۵	۸ ماه در شهر واطراف
۱۶	۱۱	۹ ماه در شهر واطراف
۶۰	۱۵	۱۰ ماه در شهر واطراف
۷۱	۲۳	۱۱ ماه در شهر واطراف
۷۵	۳۵	۱۲ ماه در شهر واطراف
۷۹	۳۹	۱۳ ماه در شهر واطراف
۱۴۴	۱۱۷	۱۴ ماه در شهر واطراف
۱۳۳	۱۰۷	۱۵ ماه در شهر واطراف
۱۴۴	۱۰۰	۱۶ ماه در شهر واطراف
۱۴۴	۱۲۴	۱۷ ماه در شهر واطراف
۱۴۴	۱۰۳	۱۸ ماه در شهر واطراف
۰۹۳	۲۳	۱۹ ماه در شهر واطراف
۴۴	۳۰	۲۰ و ۲۱ در شهر واطراف
۵۱	۲۷	۲۲ و ۲۳ در شهر واطراف
۵۷	۲۳	۲۴ در شهر واطراف
۵۹	۱۹	۲۵ در شهر واطراف
۴۹	۴۷	۲۶ در شهر واطراف
۲۳	۱۵	۲۸ و ۲۷ در شهر واطراف
۱۳	۲	۲۹ تنها در شهر
۵	۳	۰۰ در اطراف
۵	۲	۳۰ در شهر
۱۴۲۲	۸۸۳	

وفات حسرت سمات

بتاریخ یوم‌شنبه ۲۳ ماه شوال المکرم سنهٔ ۱۳۳۳ صبیهٔ محترمهٔ ذات فخامت مآب معالی جناب سردار اکرم نائب السلطنه صاحب‌افخم لیلی (رقیه) صاحبه که تنها هشت نه‌سال از باغ بیوفای دنیا هوای حیات بیقرار را تنفس نموده بود از دغدغهٔ عالم هستی‌نمایش گریبان زندگانی نموده طایر روح پرفتوحش بشاخسار جنت برین‌الارواح قدسیان هم‌نشین گردید . اناللّه‌وانا‌الیه‌راجعون .

محترمهٔ مشارالیها درشب تاریخ فوق به هشت بجهٔ شب بمرض مدهشهٔ موجوده مصاب گردیده بوقت صبح جان بحق تسلیم نموده .

سراج‌الاخبار افغانیه بکمال اسف وحسرت مراسم تعزیت‌را تقدیم نموده سلامتی ذات اعلیحضرت همایونی وجناب عالی نایب‌السلطنه‌را از درگاه آلهی نیاز میکند .

وفات

عالیجاه میرزا عبداللّه خان که در ادارهٔ جریدهٔ ما از اجزای مهمهٔ اداره وبلکه یک مرد محترم ، وکار شناس باهمت بود . واز مدت هشت‌سال است که اول در دارالترجمه . وبعد از تأسیس ادارهٔ سراج‌الاخبار افغانیه دراداره بهمراه این‌فدوی دولت بوده ودر وظیفهٔ خدمت محولهٔ خود بکمال‌غیرت وهمت باوجود ضعف پیری جدوجهد لازمه‌را بکار برده‌بود . یوم‌چهارشنبه ۲۷ شوال المکرم سنهٔ ۱۳۳۳ داعی‌اجل‌را لبیک اجابت گفته از دارفنا بدار بقا رحلت نمود . رحمة‌اللّه علیه .

وفات این مأمورکارآزمودهٔ ما که امور محاسبه ومکتوب نویسی ادارهٔ جریدهٔ مارا بکمال غیرت وهمت اجرا میکرد حقیقتاً یک‌ضایع از ضایعات مهمهٔ ادارهٔ ماشمرده میشود . خداوند متعال اورا مغفرت وبازماندگانش را تسکین وتسلیت عطا نماید .

دیگر میرزای ادارهٔ جریدهٔ ما جناب ملا عبدالولی خان وبرادر شاعر شیرین وطن عزیز ما جناب ملا مستغنی‌نیز اگرچه بمرض مهلکهٔ مدهشهٔ معلومه مصاب گردید ولی بفضل و کرم نامتناهی آلهی الحمدللّه کاملاً رهایی یافته است .

از بارگاه آلهی نیاز میکنیم که این بلای مرض ظالم مهلک‌را زودی از سرمسلمانان دفع ورفع نماید آمین .

حوادث خارجیه

(انگلستان وعثمانی)

بنابر بعضی ملاحظاتی که زنده‌ماندن اخبارما بران موقوف بود از نوشتن احتمالهای سیاسی که از طرف خود مینوشتیم از مدتیست که صرف نظر کرده‌ایم . اما بنوشتن نقل وترجمهٔ تحریراتی که از خارج بدسترس ما بیاید آزادیم . وکسی‌را حق شکایت برما نیست . لهذا ترجمهٔ بعضی فقرات یک مکتوبی که از (سویتزرلند) بجریدهٔ اقدام نوشته شده است درذیل عرض انظار قارئین میداریم :

« انگلستان یک وقتی بود که دوست دولت عثمانیه بود . بعد ازان سراز ، کلادستون ، گرفته ازطرف (لیبرال) ها برخلاف دولت عثمانیه یک پولیتیکی بنیاد گردید . کلادستون ، بزرگترین دشمنان اسلام بود انگلستان بجای پولیتیک دوستیٔ عثمانی ، پولیتیک دوستیٔ روس را که بزرگترین دشمن عثمانیست پیشه گرفت . واین‌چند مقصد ذیل درذهن ، لیبرال ها قرار گرفت :

« اولاً ـ بااسلامیت دشمن شدن .

« ثانیاً ـ استقبال هندستانرا ازشبهه رهادادن

« ثالثاً ـ برای چارهٔ تنهایی انگلستان ، ازیک حکومتی که مالک‌قوهٔ بریه باشد مددگاری طلب کردن .

« این آرزوها وپولیتیک قدم انگلستان‌را درشرق قریب تبدیل نمود مع‌هذا حشمتمآب ادوارد هفتم ، دوست شخصیٔ ترکیا بود . ودرزمان سلطنت اودروازه‌های امیدهای بزرگی‌را برای ترکیا باز کرده‌بود . بدرجه که وفات مشارالیه یک ماتم بزرگی در ترکیا برپا نموده بود . اگرآن حشمتمآب زنده میبود این پولیتیک متجاوزانهٔ امروزی برخلاف دولت عثمانیه پیروی نمیشد .

، بمجردیکه دولت انگلستان دولت روس را معاون قوهٔ حربیهٔ خود ساخت ، دراوروپا زنگهای هلاك ومصیبت نواختن گرفت . انگلستان ازنزدیکی واتفاق روسیه بخیال خود یك چند فایده ومنفعت را درمدنظر گرفته بود . ومقابل آن منفعتهائی که خودش حاصل کند ، لازم بود که برای آمال ومقاصد روسیه نیز خدمت کند . یکی ازین منفعتهای مقابل مسئلهٔ تقسیم ایران وافغانستان بود ودیگر منفعتی که انگلستان از مقارنت روسیه انتظار داشت چند چیز بود :

اولاً : ـ روسیه را که به استانبول آورده و آنجاهارا بدست اوداده وفکر و خیالش را سراسر از هندستان برگردانیده آرزوی وسعت دادن ملك گیریش را بممالك عثمانی کشیدن .

ثانیاً : ـ خلافت اسلامیه را سراسر از بیخ وبن برکنده برای مسلمانان هندستان هیچ یکنفوذ معنوی نگذاشتن .

ثالثاً : ـ بالقانها وآسیای عثمانی را در مابین خود تقسیم کردن وبرخلاف المانیا یك هیئت متفقهٔ حاضر ساختن .

رابعاً : ـ برمصر سراسر یك مالکیت مستقله حاصل کردن .

خامساً : ازبصره گرفته همهٔ عراق عرب و عراق عجم را بدست آوردن .

سادساً : ـ یگانه رقیب تجارت وسیاست خود المانیا را ازروی دنیا برداشتن .

ازوقتیکه حکومت مشروطه درعثمانی قایم گردید همهٔ کابینه‌های عثمانی همین مسلك را پیش گرفتند که باانگلستان خوش گذرانی کنند . مسئله‌هائی که درمابین عثمانی وانگلستان مختلف فیه بود برای حل وفصل کردن آن حکومت عثمانی آنقدر سعی وکوشش ورزید که براصلاحات داخلی خود نیز آنرا ترجیح داد . ولی چه فایده که سیر ادوارد گری که بشرو کابینهٔ لیبرال بود چنانیك مثلاً ، عداوت کورانهٔ پیش نگرفته بود که این تشبثات سودمند افتد . تنها دل شکنی عثمانی ، بلکه اوضاع تاکنون انگلستان هیچ مملکتی در دنیا نگذاشته بود که با انگلستان دشمنی ورزد عنی پیدا نکرده باشد . انگلستان برای حرص محافظهٔ منافع اقتصادیهٔ خود بحریت واستقلال همه ممالك دنیا ازوزن یك پشی کینه خود داری نکرده است . بفرانسه ، بروسیه ، بهولانده ، بهاسپانیا ، به امریکا وغیره وغیره مربدی که ازدستش آمده قصور نورزیده است . وازین است که باوجودیکه عثمانیان خیلی ازخیلی با انگلستان ابراز دوستی نشان دادند بمقابل آن بجز بدی دیگر چیزی ندیدند .

وبصورت واضح معلوم گردید که بشرو کابینه لیبرال ـ یعنی سیر ادوارد گری ـ پولتیك فدا ساختن عثمانی‌را بمنافع روسیه یك مسلك مستقیمی برای خود گرفته است و درهر قدمی که بر میدارد پیروی همین مسلك درهرحرکات او پدیدار میگردد .

دریکوقتی بود که دولت عثمانیه برای انگلستان بسیار لازم بود برای تعطیل کردن حرکات روسیه که بکسر درآسیای وسطی پیش شده میرفت یکدولت عثمانی احتیاج قطعی موجود بود واما انگلستان دفعهٔ یك رفتاری دیگری را پیش گرفت : ـ دولت عثمانی را طعمهٔ دهن بازشدهٔ آن گرگ کهنه بیخ ساختن ، وهندستان را بهاینصورت ازچنگ حرص وطمع آن رهائی دادن ، ومنافع سیاسی واقتصادی المانیا را نیز درشرق قریب بواسطهٔ

﴿ یك نظارهٔ علویت منظره ﴾

ذات شوکتسمات اعلیحضرت سراج الملة والدین در کوه پرشکوه پغمان مناظر عوالم طبیعیه را تماشا میکنند بمعیت شاهانه‌شان والیجاه (احمد شاه خان میر اسپور

آن طعمهٔ جری که بدهنش انداخته بدست او پامال ساختن .

انگلستان اگر بجای این مسلک ، مسلک تقویت دادن موقع اهل اسلام هندستان را معناً ومادةً پیش میگرفت ، وهمه حقوق آنها را محافظه میکرد ، درآنوقت هندستان را بصورت دایمی ازین بهتر از تجاوز روس محافظه کرده میتوانست . اما چه چاره که کابینهٔ لیبرال از پولیتیک مودت ودوستیٔ اهل اسلام خیلی دور افتاده اند .

نطق

صدر اعظم المان (بتمان هولوک) درباب اشتراک

کذا

ایتالیا بجنگ

مجلس « رایخشتاغ » بازاجتماع نمود ، درحین کشاد جلسه دالان اجتماع ولوج های آن خنجاخنج پرشده بود . مسرو کیل موسیو « بتمان هولوک » درکرسیٔ خطابت بالا برآمده این نطق ذیل را بیان نمود :

[پیش ازین بهشت روز وقتیکه وضعیت ایتالیا را رشتها ایضاح میکردم هنوز یک شمهٔ امیدواری موجود بود که اشتراک الانوقت حکومت مذکوره را بجنگ جلوگیری نمایم . اما این امید بسر نرسید . روح المان هیچ احتمال آنرا نمیداد که ملت ایتالیا ارتداد خودشرا بالحرفهای خون آلود درصحایف تاریخ بدستخط خود بنویسد . [درینجا صداهای شدیدناک برسوایی بودن این سخن ازاهل مجلس برخواست] کان میو
که (ماکیاویل) یک روزی گفته بود که : - (اگر برای محارب
ضرورت پیش شود ، درانوقت آنجنان یک حرب برحق وبرعدل میباشد)
اما این نقطهٔ نظر (ماکیاویل) که از افکار اخلاق سراسر عاری ووارسته است ، بازهم اگر اساس محاکمتما اتخاذ شود آیا بااین محاربه
لزوم وضرورت موجود بود ؟ آیا این محاربه سراسر مغایر عقل سلیم

از منظره های جلسهٔ سالانهٔ مکتب فیض مکتب حبیبیه

تشریف ذات عالیٔ شهزادهٔ جوانبخت معظم معین السلطنه صاحب افخم درمراسم جلسه بلباس رسمی عسکری
بطرف دست چپ شان اول : برادر والا گهرشان نائب الحکومه شهزاده سردار حیات الله خان
دوم عم محترم شان سردار صنایع سردار محمد عمر خان

نبود ؟ [صداهای : بلی ! بلی !] . ایتالیارا هیچ کس تهدید نمیکرد نه ازجهت اوستریا مجارستان ، نه ازجهت المانیا برای ایتالیا هیچگونه تهلکهٔ وارد نبود . غافل ساختن ایتالیارا وعدهای طلاکاری ٔ ائتلاف مثلث یك چیز معلومیست که دراخر تاریخ آنرا اثبات خواهد کرد [نعرهٔ تحسینهای برشدت]

ایتالیا ، بی آنکه یکقطره خون بریزد ، بی آنکه حیات یك فردی ازاولاد خودرا بمهلکه بیندازد ، بمتصرفاتی که مفردات آنرا بروز رتبا خوانده بودم دسترس شده بود . بالخصوص که ـ ایتالیا درجهت (تیرول) ودرجهت (ازونزو) در داخل هاقدر منطقهٔ که زبان ایتالیانی درآن استعمال میشود زمینهارا حق السکوت گفته بدست میآورد (۱) . ودر (تریسته) نیز آمال ملیهٔ ایتالیا ترویج میشد . غیر ازینها ایتالیا درالبانیا نیز مالك آزادی ٔ حرکات میشد ، بزمر اینهمه مانند (آولونیا) یك بندرگاه قیمتداری بما واداده میشد . الا ایتالیا اینهمه مساعداترا چرا قبول نکردند ؟ آیا ایتالیا میخواست که همه قطعهٔ تیرول را که بالالمانیکو لست بدست ضبط خود دراورد؟ دستهائیکه باین تصدی بکند بشکند ! [نعرهای شدید تحسین]

ایتالیا این موقعی را که امروز بصفت دول معظمه احراز کرده است بپایهٔ خدمات المان بوده است . آیا ایتالیا همین مقصدرا میپروراند که المانیارا مغلوب کند ! [نعرهای بلی ! بلی !] ما بکابینهٔ (رومه) فهمانیده بودیم که اگر بمقابل عسکر اوستریا مجارستان هجوم بکند ، بهجوم ومقاومت المانیا نیز معروض خواهد ماند . ودر خصوص جای هیچ شبهٔ برای ایتالیا نگذاشتیم . [نعرهای تحسین] ایتالیا تکلیفات کابینهٔ (وینه) را آیا چرا بلك صفت بزرگی رد نمود ؟ ایتالیا که میگوید درمابین سخنان میان خالی تنها یك سوء نیت احساس کرده است . حال آنکه در وقت اعلان حرب او درمقابل هیچ گونه یك صراحتی موجود نیست . درمطبوعات ایتالیا ، ودر نطقهای پارلمنت شان شایع شده بود که تکلیفات اوستریا مجارستان ناوقت رسیده ، وبه این تکلیفات اهمیت واعتماد کرده نشده وازاین سبب باعلان حرب کردن مجبور شده است . گمان میشود که ایتالیا که در وقت اعلان حرب خود انجیزهای فوقرا ذکر نکرده ازینجاست که اوذکر وبیان آن شرمش آمده است . آیا حقیقت حال همین است ! رجال حکومت ایتالیا ، نظر به اساماتی که در خصوص رعایت وصداقت عهودات التزام کرده اند ، بهیچ وجه اصلا حیثیت دار نبودند که حسن نیت دیگر ملتهارا محا که کنند . [صداهای شدیدتر تصویب ، ودقیقه های مسلسل]

تعویضاتی را که از طرف اوستریا مجارستان نشان داده شده بود ، المانیا حرف بحرف تطبیق واجرای آنرا بالذات تکفل واتعهد کرده بود بنابرین برای ایتالیا هیچ سبب معقولی موجود نبود که بی امنیتی نشان بدهد [تحسینهای شدید] تکلیفات اوستریا مجارستان چرا دیر رسیده باشند ! بلی دیر رسیدن آن ازین است که ایتالیا باوجودیکه در اتفاق مثلث داخل بود واتفاق مثلث هنوز زنده بود ، واوبی آنکه شرمش باید بسیار پیشترها در زیر تعهد ائتلاف مثلث درامده بود که دروقت تکلیفات اوستریا مجارستان خودرا از آغوش ائتلاف رهائی داده نمیتوانست . حال آنکه قرال وحکومت ایتالیا بعد از اعلان حرب اوروپا نیز باقی بودن اتفاق مثلث را تصدیق کرده بودند .

تاازماه دسمبر در وضعیت کابینهٔ ایتالیا بعضی علامات تبدل موجود بود . حقیقتاً بابك نیز دو ناخته زدن هروقت خوب یکچیزیست ایتالیا درخصوص از بسیار وقتها ، باوضاع وحرکات متلون ودورنگی میال بود . اما معلوم است که مادربك دالان رقص نبودیم . بلکه اینجا یك تختهٔ محاربهٔ خونریزانه ایست که دراینجا المانیا واستریا بمقابل یك جهان دشمن برای محافظهٔ موجودیت خود شان مجادله میکنند . [تحسین های برشدت] رجال حکومت ایتالیا همان بازی هائی که بمقابل ما بازی کردند ، عیناً همان بازیهارا بمقابل ملت خودشان نیز بازی کردند . اگرچه آن حوالی که در حدود شمالی ٔ ایتالیا بزبان ایتالیانی تکلم میکنند از وقتهای وقت در زیر نظر هر ایطالیانی بود ، اما با اینها کثریت عظیمهٔ ملت ایتالیا متفقاً صلح را آرزو میکردند . درپارلمنت ایتالیا نیز افکار اعضای پارلمنت عیناً درهمین سر کرده بود . دراوائل ماه می درمجلس اعیان ایتالیا در پنج چار نفر ، ودر مجلس مبعوثان درسه دونفر رهمین فکر بودند که حرب نشود در میان طرفداران صلح رجال بسیار جدی ومعتدل موجود بود . اما چه فایده که در مملکت عقل ومحاکمه هیچ کاریگر نمیشد . ادارهٔ مملکت بدست پست پایه ها افتاد . رجال حکومتی که نوبسر کار امدند بقوت طلاهای ائتلاف مثلث اهالی را غافل ساختند وتشویق کردند . بدرجهٔ که کوچه ها دریك بدمستی ٔ شراب خون نوشی پرولوله گردید . یعنی پست پایه هائی که مردم عوام را اداره میکردند قرال را بیك اختلال تهدید میکردند ، وهمهٔ اعتدال پروران را که با آنها طرح جنگ را نینواختند به نعرهها وقتلها دم میدادند .

رجال حکومت جدید ایتالیا از صفحات مذاکراتیکه با اوستریا مجارستان جریان یافته بود ، واز درجهٔ وسعت مساعداتی که از طرف کابینهٔ وینه ابراز شده بود ملت ایتالیا را قصداً خبردار نکرده بودند که به اینصورت بعد از استعفای کابینهٔ (سالاندرا) هیچکس بر تشکیل کابینهٔ جدید جرأت کرده نتوانست . ودرمجلس اعیان ، مجلس مبعوثان یك خطیبی برخواسته نگفت که ازطرف استریا مجارستان چگونه مساعدات برقیمت وبااهمیت به ایتالیا نشان داده شده است . ارباب عقل ووجدانی که نامیخواستند چیزی بگویند گفتنی ٔ شان درمیان قیل وقالهای حرب طلبان پنهان گردید . اما امید قوی ٔ ما آنست که چون ازنتیجهٔ حرکات عسکری خود ملت ایتالیا مایوس وناامیدی بیفتند آنوقت چشمهای شان بازشده خواهند دانست که بچه صفت عقل بحرب عمومی داخل شده اند . هرانچیزی که از دست ما میآمد در باب جداشدن ایتالیا از اتفاق ما اجرا کردیم . متفق خود استریا مجارستانرا برای دادن تعویضات به متفق ثالث خویش یعنی ایتالیا ـ تشویق وتشجیع کردیم . اینهم معلوم است که اوستریا مجارستان درمساعدات تاباخر درجه پیشرفت . پرنس « بولیو » برای حصول یك ائتلاف ، تمام فعالیت ومهارات دیپلوماسیهٔ خودرا درایتالیا صرف کرد [تحسینهای برشدت] اگرچه همه مساعی پرنس مشار الیه بیهوده ماند ولی همهٔ ملت ازو تشکر گذار است ؛ [تحسینهای برشدت] باشفقهای خود برادر وار سلاح بدست گرفته .

---

(۱) آیا افغانستان نیز همچنین یك استفادهٔ از حق السکوت خود درمنطقهٔ که زبان افغانی درآن استعمال میشود حق داشت ؟ بلی داشت ودارد ، وخواهد داشت ! (مترجم)

این هجوم دشمن نوخود هم تحمل می کنیم . [تحسینهای پرشدت]

از ماهها است که بااوستریا مجارستان متفقاً درپیش روی قوت فایق دوچند خود — یعنی روسیه — سینهٔ صبر ومقاومت را گشاده جنگ می کنیم . وبظفرشهای تمام دشمن هجوم کرده بسیاری از ملکهای شان را ضبط کردیم . وهم امیدی کنیم که با این عزم لایتزلزل خود این دشمن نوخود را نیز مغلوب کنیم [تحسینهای پرشدت]

تورکیا درین محاربه اقبال وتجدد خود شان را استعداد می کنند . همه ملت المان بایک محبت وصداقت بزرگ اردوی بری وبحری عثمانی را که باما مربوط هستند وضربههای شدید شان که بر هجومهای دشمن خود وما میزنند ، وبیک صورت آتشین مظفرانه مقاومت می کنند بایک صمیمیت وحرارت تعقیب می کنیم . [تحسینهای پرشدت] . دشمنهای ما تاحال همه وسایط قوت وقدرت دنیا را به عرصهٔ مبارزه راوردند . ولی تاحال هیچ یک نتیجه حاصل نکردند . ما مانند دشمنان خود نیستیم که قوت آنها را استحقار کنیم . نی بلکه ما میدانیم که در مقابل یک خلیطهٔ مهیب عساکر ملتهای پرقدرت وسطوتی جنگ میکنیم . دشمنان ما بسیار است . ولی ما برای حق وحقانیت هستیم که ظفر وغالبیت هم با ما است . دشمنان ما خواستند که یک ملت هفتاد ملیون نفوس المان را بازن وطفلش از گرسنگی هلاک نمایند . برما فرقرقه دروغها وافسانهها اشاعت دادند . درلندن وپاریس بجز همین افسانهها که المان ها هیچ پیش رفته اندواز بیچه خانه گی ومفلسی وگرسنگی به هلاک نزدیک شدهاند دیگر چیزی شنیده نمیشود . سانسور بدرجهٔ سخت گیری میکند که ملت فرانسه از هزیمتهای مدهشهٔ پی هم که بر روسها وارد آمده نیز خبردار نمیشوند . دولتهای دشمن ملتهای خود را بازی داده و بچشمهای ملت خود خاک افشانده کورکورانه حس کین وخصومت شان را می افزایند . اما ما از راه راستی که آرا میشناسیم وبران میرویم یکسر مو انحراف نمیورزیم . برغم این تشتت افکاری که درمیان دشمنان ما مشهود است ملت المان با کامهای متین وساکن براهیکه درپیش گرفته رواناست . ما این محاربه را ازروی کین وحسدی ، بلکه بایک غضب مشروع وعالی اجرا میکنیم .

[از هرطرف یک طوفان شدید تحسین]

دشمنان ما تهلکهٔ را که از هرطرف بما متوجه ساخته اند هرانقدر که بزرگتر شود بهمان نسبت حس محبت وطن نیز دردل ما افزونی میگیرد . هرانقدر که درحق اولاد واحفاد ما اندیشههای بازیاده تر باشد مقاومت ما نیز بهمان نسبت شدیدتر باید شود . و تا به آخر — یعنی تاوقتیکه دشمنان ما تنها ونیکجا باما محاربه کرده نتوانند — برمجادله باید دوام ورزیم .

[از هرطرف طوفانهای بسیار حرارتناک تحسین] در اطراف ما هرانقدر که گرد وباد طوفانها دهشتناکتر شود باهم میباید خانهٔ خود را بهمان نسبت محکمتر بنا کنیم . [تحسینهای شدید ومکرر] اقبال حس فداکاری وعزم لایتزلزلی که ملت المان دارد ، وشما ها که برای وطن مساعیٔ مجاهدانه صرف می کنید بجهة شما ها حسیات مقتدرانهٔ بسیار صمیمی وگرم اعلیحضرت امپراطور را تبلیغ می کنم [بسیار تحسینهای شدید وحرارتناک درهرطرف والان عکس انداز گردیده نطق خاتمه یافت]

* * *

آخرترین خبرهای جنگ بره خشکه

(ترجمه های اخبار های ترکی وعربی)

اصول جنگی که المان درپیش گرفته بسیار عجیب است . دو میدان حرب درپیش رو دارد : یکی در شرق باروس ، دیگر درغرب باانگلیز وفرانس . ازوقتیکه جنگ شروع شده تاحال بهردو طرف المان کامیاب آمده است . یکبار که بطرف شرق بحرکات تجاوزی آغاز می کند ، درطرف غرب وضعیت تدافعی را پیشه میگیرد . چنانچه بحرکات تجاوزیٔ عساکر المان عساکر روس بجز پسپایی ومغلوبیت چارهٔ نمی بیند ، همچنان وضعیت تدافعیٔ آن برچنین لایتزلزل است که انگلیز وفرانس از حملههای متوالیهٔ خود بجز اظهار عجز دیگر چیزی نمیتوانند . در وقت حاضر همه همت ومقدرت خود را المان به اتفاق متفق خود اوستریا مجارستان برروس صرف می کند . و عزم جزم کرده است که تاروس را بالسره خورد ومضمحل ، باصلاح راضی نکند رو گردان نشود . واز این سبب است که درطرف غرب بجز حرکات تدافعی وطوپبازی دیگر کاری نمیکند وبه اینصورت تلفات کلی بدشمن وارد میاورد همینکه از طرف شرق بمقصد خود کامیاب آید مانند سیل خروشان بسوی غرب رو آورده همان حالهائیکه بروس وارد آورده بغنیمهای غربی خود خواهد آورد .

داردنیل — بور آرتهر

اکثر ارباب بصیرت تشبثات فتح داردنیل را یک تشبث خیلی غلط میشمارند . ومی گویند که ائتلافیون درین تشبث خودشان کوپ خود را خطا کردند . زیرا گرفتن اینچنین مقامات مستحکمه بفدا کاریهای عظیمه وقوتهای بسیار فایقه ودادن تلفات جسیمه متوقف میباشد . استحکامات داردنیل اگر بدرجهٔ بور آرتهر نباشد ازان کم هم نیست . حال آنکه باوجود قوهٔ فایقهٔ بحری ژاپان بازهم بزور وقوت بحریه بر بور آرتهر غالب آمده نتوانستند . وتا آنکه ازطرف خشکه قدر دوصد هزار لشکر بسیار جرار وکار آزموده سوق نمودند . و طوپهای بسیار بزرگ قلعه شکاف را بزحمتها ومشقتهای فوق العاده ازخشکه نیاوردند ، وکشتی های جنگیٔ روسیه را ازراه خشکه با آن طوپها غرق نمودند بور آرتهر را گرفته نتوانستند . حال آنکه درینجا قضیه سراسر بالعکس است . اولا کشتی های جنگیٔ ائتلافیون از استحکامات داردنیل که یک آبنای تنگ و آتش است به آسانی گذر کردن شان خیلی دشوار بلکه عدیم الاحتمال است . دیگر آنکه لااقل نصف همه کشتیهای جنگیٔ موجودهٔ خود شان را فدا سازند . واگر اینچنین یک فدا کاری را بنظر بگیرند ، درانوقت قوهٔ بحریهٔ المان درطرف غرب وشمال تفوق حاصل کرده دمار از نهاد شان میبرارد . واگر ازخشکه بخواهند که درتشبثات خود کامیاب شوند آنهم ازان مشکلتر است . زیرا دربور آرتهر عسکر محاصر ژاپان باوجودیکه ازعساکر محصور روس خیلی فایقتر بود بازهم بزور هجوم و یورش نتوانستند کاری ازپیش برند ، بلکه باصول تدریجی وخندق کنی وتدافعی جاهها بمقصد خود کامیاب شدند حال آنکه محصور ماند کان بور آرتهر ازخشکه بهیچطرف اتصال نداشتند ، وهیچ مدد و کومکی به آنها ازهیچ طرف نمیرسید . بعکس آن داردنیل هم به پایتخت ، وهم بتمام ممالک آسیای صغرای عثمانی از خشکه مربوط است و عساکر تازه دم دمبدم به امداد آن میرسد . اما عسکر وطوپ ولوازمات خودرا که و حربیه

که ائتلافیون از راه بحر بسواحل (ساروس) براوردن میخواهند زحمتها ومشقتهای بسیاری دارد . اولا از بحر بخشکه عسکر کشیدن اینقدر یک کار دشواریست که در فنون حربیه از مشکلترین کارها ونازکترین امورات حربیه شمرده میشود . علی الخصوص که بیم ونهنگهای تحت البحری های المان هم در بحر سفید موجود باشد . ثانیا در چنین محاربه های استحکامات جبهه بجبهه حال طوبهای بسیار بزرگی که بر طوبهای استحکامات دشمن فایق باشد لازم دارد . حال آنکه اینچنین طوبهای جسیمه را از سواحل انگلستان وبسواحل فرانس در کشتیهای بار کردن وتا بسواحل ساروس رسانیدن واز کشتی بخشکه بیرون براوردن از چنان کارهایی نیست که ارباب بصیرت فنون حرب آنرا سهل بتواند شمرد . ثالثاً در داردانیل واطراف آن عثمانی تقریبا بهمه جای یک لشکر بصورت دایمی حاضر کرده میتواند که ائتلافیون میاید بهمه حال فقط ازان قوت . دران نواحی حاضر کنند . آیا این قوای فایقه را از کجا تدارک خواهند کرد ؟! اگرچه چاریک لشکر درجه اعلای خودرا ازرزمگاه غربی به آنسو تکمیل نمایند درمقابل مانند المان یک خصم برقوت خود ضعیف میمانند که تشبث چنین کار بجز خفت ثقل ودیگر چیزی حاصل نمیشود . واگر از مستملکات ومستعمرات دوردست خود عسکر بیاورند . صرف نظر از مسافات بعیدة که درمابین است : آیا آن عساکر سیاه وزرد سرلوچ وپای لوچ بوز باندی واسترالیایی وافریقائی ماند وحشته آنها در مقابل عساکر تازه دم کار آزموده بهادر عثمانی چه کرده خواهند توانست ؟ حال آنکه تفوق عددی را هم بهیچصورت بدست آورده نمیتوانند . لاجرم حکم میشود که این تشبث ائتلافیون بجز بازی دادن خود وچشم پوشانیدن مردمان دیگر هیچ چیزی نیست .

درباب شرکت ایتالیا بجنگ

بداخلاقی وسست عنصری ایتالیا درین جنگ رهنمای برهن گردید . عهدشکنیش برهان بداخلاقی اوست . سست عنصریش بازی خوردن بوعدها ووعیدهای کاواک ائتلافیون است . همین زمینهایی را که ایتالیا برای بدست آوردن ان خونها میریزاند وجانها تلف می کند ، متفقین سابق او — یعنی المان ، واوستریا مجارستان بی آنکه یک فردی ازافراد ملت ایتالیا خون شود بهاو میدادند . مگر ایتالیای سست عنصر آنرا قبول نکرده بچرب زبانهای ائتلافیون گرویده شد . ایا تاحال چه فایده وثمره حاصل کرده است . ؟ بغیر ازینکه چند کشتی جنگی خویش غرق شد ، وبس عساکرش تلف شد . دیگر چه ؟ اوستریا مجارستان چون بکار بسیار مهمتری — یعنی مغلوب نمودن روس — مشغولست ، ایتالیا را هیچ اهمیت نمیدهد . وبکان لشکر پسه کانی بر دفعش حواله می کند که همان لشکر برای او کافیست . اما همینکه یک قدری ازانطرف فارغ شده وطرف او بیاورد ، بازایتالیا قدرعافیت را خواهد دانست که چیست !

درباب اعلان جنگ ایتالیا بعثمانی

ازخبر اعلان جنگ ایتالیا بعثمانی همه کان را یک حیرت خنده اوری دست داد . زیرا این اعلان جنگ ازانوقت شده بود که ایتالیا ازعهد ومیثاق متفقین عثمانی رو گردان شده بدشمنان عثمانی متفق گردیده بود باعلان دوم چه حاجت بود . الاازین اعلان جنگ او چه ضرری که بعثمانی رسد ، وقتی که باایتالیا برخورد چه خواهد بود ؟! اگر قوای بحریه خودرا بقوای بحریه ائتلافیون همراز ودمساز از دردانیل یک چند کشتی دیگر که بر کشتیهای سابق دشمنان بیفزاید چه اهمیتی خواهد داشت ؟ اما درعین زمان این راهم باید اندیشید که اگر ایتالیا کشتیهای جنگی خودرا فدائی کشتیهای ائتلافیون ساخته در مدخل ابنای داردانیل مدفن انهارا بسازد میباید که دربحر ادریاتیک قوه بحریه خودرا کم کند که درانحال قوه بحریه حاضرباش اوستریا مجارستان از فرصت استفاده کرده اتشها برسواحل ان خواهد ریخت . ودرمقابل یک فایده جزوی که بجاری دهند کلان خود برساند . ضررهای کلی برخاکهای خود خواهد رسانید . ازراه خشکه عثمانی باایتالیا هیچ ارتباطی ندارد که چیزی ضرری بعثمانی یاچیزی فایده بایتالیا برسد . حالانکه مسئله (طرابلس غرب) هم درمیانست . تمام اهالی مسلمان انسرزمین بسبب اعلان جنگ ایتالی بعثمانی جشنهای سرور وشادمانی برپا نمودند . حضرات سنوسیها حالا اعلان جهاد عمومی نموده بکمال جوش وخروش وجمع اوریها وحاضریها آغاز نهاده اند وانشاءالله قریباً وقت ان رسیده که طرابلس غرب ازچنگ غدر وخیانت ازدشمن دین مبین رهائی یابد . مسلمانان روی زمین باید باین اعلان جنگ ایتالی خاطر مسرت کنند وهیچ بیم واندیشه را بخاطر خود راه ندهند .

یک جنگ جگر عجیب !

بعضی ازارباب سیاست را رأی برین است که پولتیک دولت بریتانیا درین بازیگاه رستاخیز انسانیست که یک نیرو دوتاه میشود —— یعنی می گویند که : « زهر طرف که شود کشته سود انگلیز است » مضمحل شدن روس رابدست المان هم عین فایده خود میشمارد ! حال انکه درعین زمان دشمنش المان نیز بمقابلی که دراثناء مبعد فایده اوست فرانس هم اگر ازپادرافتد بغیرفایده چیزی ضرری برای او نمیرساند . دررزمگاه غربی بعوض یک ادم که از انگلیز تلف میشود چهار ادم از فرانس تلف میشود که اینهم یکدلیل ان پولتیک است . بعد از انکه کار روس و فرانس را المان فیصله کند بهرزنگی که باشد انگلیزها بالو راست خواهد امد ؟! ...

اصول جنگ رزمگاه مشرق .

المان دررزمگاه مشرق اصول « جنگ احاطه » را پیش گرفته . وبه این اصول ، کامیابیهای نمایانی حاصل کرده است . مثلا وارشو را درمیان گذاشته ، ازجنوب وشمال ان بسوی شرق ان پیشقدمی کردند . وخواستند که خط رجعت ومواصلت روسها را ازعقب قطع نموده یک اردوی مکمل روس را یکجا اسیر کنند ولی روسها پیشتر خودرا ازان دایره احاطه بیرون کشیده ملک پولندرا با تخت ان تماما بدست المان دادند . در طرف ریکا که جهت شمالی روس است وطرف بسارابیا که جهت جنوبی روس است نیز همین خط حرکت را المان و اوستریا پیش گرفته اند که نتیجه ان سراسر به کامیابی وپیشقدمی انها ، وناکامی وپسپائی روسها منجر شده میرود . دروقت حاضر جبهه حرکت اردوهای اوستریا وجنرال میکنزن المانی شهر « کیف » و جبهه حرکت جنرال هیند نبرک المانی سر راست شهر پتروگراد میباشد .

﴿ نقل ازاخبار چهره نما ﴾

﴿ تسلیم شدن چین به ژاپون ﴾

درین هنگام که سرگرمی اوروپا مشاغل ، وسیاسیون انها مغرق افکار

(موت وحیات) ملت ودولت ومملکت خود هستند . دولت ژاپون نیز وقترا غنیمت دانسته بافراغت بال پیشنهادهای استقلال شکن ذیلرا بزور قوه ، بدولت جمهوری چین قبولانید . و چین بانهایت ذلت در ظرف چهل وهشت ساعت مطالب استقلال شکنانه‌را قبولکرد وتسلیم صرف شد (غیر تسلیم ورضا کوچاره !) که ما اجمال شرایطرا برای آگاهی خوانندگان چهره‌نما میکنیم .

(در ایالت جانتنج)

(۱) دولت چین متعهد میشود که : موافقت کند باشرایطیکه بعدها مابین ژاپون وآلمان در خصوص تصرفات و امتیازات و غیره که درباره (جانتنج) میشود

(۲) دولت چین متعهد میگردد که : ابداً درایالت (جانتنج) قطعه زمینی یاجزیره وغیره بکسی باجاره بدهد ویاتنازل کند .

(۳) دولت چین قبولمیکند که : دولت ژاپون راه آهنی از (چیفو) تا (لونجکاو) کشیده متصل براه آهن (کیاوچو) و (چینان) بکند .

(٤) دولت چین متعهدمیشود که : برای مصالح تجارتی وجای دادن تجار خارجه جاهائی درون بلاد مقرر کند خصوصاً درایالت (جانتنج) که بندرات تجارتی گردد وشهرهائیکه این عملیات دراو اجرا خواهدشد باید در معاهدهٔ جداگانه برده باشد .

(در جنوب منجوریا ومنغولیای شرقی)

(۱) دولتین چین وژاپون متفق میشوند در امتداد اجاره اینکه بندر پور آرتور وراه آهن منجوریای جنوبی وراه آهن انتونغ وموکدن تامدت نود ونه ساله (چهره‌نما یعنی تاانتهای دنیا)

(۲) ژاپونیان میتوانند در جنوب منجوریا وشرق منغولیا زمین بخرند یااجاره بکنند بناهای تجارتی یاصناعتی وزراعتی برافرازند .

(۳) ژاپونیان آزاد خواهندبود که در جنوب منجوریا وشرق منغولیا ساکن شوند یانقل ومکان نمایند برای تجارت بهرقسمی که میلشان بوده باشد !

(٤) دولت چین متقبل میشود که تمامی معادن ومناجم اراضی جنوب منجوریا وشرق منغولیارا بدولت ژاپون بدهد . اماازمعادنیکه هرمعدن بازشد منافع اورا بادولت چین اتفاق خواهد کرد که چه میکند (چهره‌نمایعنی تماما ژاپون خودش میل میکند !

(٥) دولت چین متقبل میگردد که برای امور دو گانه آتیه اول باژاپون مشورت کند (اول) بااذن ومشورت ژاپون ساختن راه آهن باقرض برای ساختن راه آهن در جنوب منجوریا وشرق منغولیا بوده باشد (دوم) اگر چین خواست قرضی بکند باید ضمانت آن قرض مالیات محل جنوب منجوریا وشرق منغولیا باشد .

(٦) دولت چین متقبل میشود که : هرزمان خواست مستشار برای امور سیاسیه یامالیه یاعسکریه در جنوب منجوریا وشرق منغولیا بگیرد اولباید ازدولت ژاپون استشاره کند (چهره‌نما جانانم ، ژاپون دراجرای مقاصد خود خواهانهٔ استقلال شکنانه دولت چین طابق النعل بالنعل باهمسایگان شمالی وجنوبی مادر یك مدرسه تحصیل کرده ! چاره دولت چین نیز بادولت ایران تقریباً دریك مزرعه پرورش یافته !)

(۷) دولت چین متقبل میشود که : امتیازساختن راه آهن (کرین تاجانغ چون) را بمدت نود ونه سال بدولت ژاپون بندکی کند .

(درامور مالیه چین)

(۱) دولتین چین وژاپون متفق میشوند که هنگام فرصت کپانی (هان — یه — پنج) بهمزده و کپانی تشکیل بدهند از ژاپون وچین ودولت چین متعهد میشود که تصرف در املاك شرکت نکند یاشرکت را چیزی به بخشد بغیراستشاره از ژاپون .

(۲) دولت چین متقبل شد که : معدنهائیکه نزدیك معدنهای شرکت (هان — یه — پنج) بوده بکسی ندهد مگر برضایت شرکت جدید (چین وژاپون) وهم چنین دولت چین متعهد میشود که کاری نکند در آن اراضی که مؤثر بمصالح شرکت جدیده باشد بدون اجازه شرکت جدید (چهره‌نما شرکت هان یه پنج چینی کپانی مهمی بوده که بسرمایهٔ رجال دولت چین وملت چین توام برای استخراج معادن وتجارت تشکیل یافته بود (همچون شرکتی که مرحوم امین الدوله برای احداث کار قند در کهریزك تشکیل داد و روسها زمین زدند) وژاپونها ابتدا از چینها گرفته ولی خوبست منحل نکرده‌اند)

(در متفرقه جات عمومی)

(هموطنان بادقت این فصولرا بخوانند)

(۱) دولت چین متعهد میشود که : ابداً آنکهایاجزیره یاساحل و که واقع در سواحل چین است بکسی از دول ندهد .

(۲) دولت چین باید مستشاران وزارت خارجه ومالیه وجنگرا باسا دواز دولتی از دولت ژاپون بگیرد (چهره‌نما مثل دولت مظلومه ایران ودول عادلهٔ انگلیس وروس ! در ایران .

(۳) دولت چین برضا ورغبت حق میدهد که ژاپونیان زمینها بجهة معادن وبیمارخانه‌ها و مدارس وسایر بناهای خیریه در سرتاسر ممالك چین خریداری کند .

(٤) نظربآنکه اتصالاً مشاکل متعدده واقع میشود مابین پلیس ژاپونی وپلیس چینی بایدادارهجات پلیس درچین توسعه یابدوتحت اداره کردن ژاپونیان وچینیان باهم باشد واین ادارهجات پلیس در ممالك چین عدد بسیاری از ژاپونیان برای مساعده به چینیان که در کار پلیس مهارت پیدا کنند باید بگیرد .

(٥) دولت چین مایحتاج عسکریه خودرا مقداری معین باید ازدولت ژاپون بخرد و آن هم باید لااقل مقداریکه محتاج میشود از صدی پنجاه بخرد یاآنکه درچین کارخانه اسلحه سازی ودر سواحل کار خانه کشتی سازی احداث کند که مدیرهای آنها ژاپونیان باچینیان باهم باشند وبرای این کارخانه جات مستشاران فنی ازژاپون بگیرد وجمیع موادان کارخانه‌جات باید همیشه از ژاپون خریداری شود .

(٦) دولت چین متقبل میشود که امتیاز ساختن راه آهن (ووجانغ) و (کیو کیانغ) و (ناجانغ) و (هانجاجو) وغیره رابدولت ژاپون بدهد .

(۷) اگر دولت چین محتاج شود بپول خارجه برای کار کردن معدن یاساختن راه آهن یابنای اسکله درسواحل باید مقدم با (صاحب اختیار کل وملك ممالك چین یعنی) ژاپون مشورت کند .

(۸) دولت چین متقبل میشود که ژاپونیان در ممالك چین دیانت بودرا رواج دهند .

* * *

چهره‌نما

هر کس بنظر سطحی وفهم عامیانه‌اند کی‌در نکات مهمه‌مدققانه فصول وشرایط نفی‌اندازانه . ومقررات استقلال‌شکنانه اینکه‌دولت‌مرزنده ، ورجاب بمغز (ژاپون) بدولت بیچاره (چین) پیشنهاد وقبولانیده ، ودولت‌چین با آن‌ممالک شاسعه‌واراضی واسعه کثرت نفوس مبتذلانه‌در نهایت‌مسکنت‌ووقت آشکارا‌مقبول‌لکرده‌مغرور کند . ومنصفانه‌دراولین نقطه نظر که خود تصدیق خواهد کرد که ازاین به بعد برای دولت منحطه وملت کثیره چین هیچ آزادی ، سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی بالاثر ازعهدی برقرار نخواهد ماند . وازاین تاریخ دولت‌چین استقلال خودرا‌وداع گفته‌وبدولت ژاپون تسلیم شده است

آخرین خبرهای جنگ راه خشکه

از اخبار های ایران

در دیتل

ورود قشون های جدیدهٔ عثمانی برای متفقین موجب اضطراب است ویك قسمت عمده ازقوای ساخلوی قسطنطنیه‌را برای طرفین داردانل اعزام کرده وازطرف دیگر قسمت بزرگی از اردوی ساخلو ادرنه‌را به « کشان » فرستاده ودر آنجا مشغول استحکامات شده اند که اگر متفقین برای مشوش کردن حواس عثمانی بخواهند درساحل شرق خلیج آنوس پیاده شده وطرف تراس پیش روند ازآنها ممانعت بعمل آرد .

﴿ منظرهٔ دیگر از جلسهٔ سالانه ﴾

ذات عالی شهزادهٔ جوانبخت معظم برحاضرین کرام مجلس نطق میفرمایند

نطق مذکور در شمارهٔ ۲۱ سال ٤ مسطور است .

جهاز جنگی شدنوز بیر عثمانی موسوم به « معاون الملة » که اخیراً ست بکار عملیات شده برای اولین دفعه اعمل درمدخل جنوبی بوغاز کشتی جنگی انگلیس موسوم به « گولیات » را غرق کرده وسلامت مراجعت نموده است .

کشتی « معاون الملة » ازجهار فروند ضد توربیل آلمانی است که‌در سنه ۱۹۱۰ توسط وجوه اعانه ملی از آلمان خریده وتقدیم بحریه گردیده وباین اسم موسوم شد

جهار کشتی مزبور درزمان ابتیاع به ظرفیت ۶۱۵ تن وهریك دارای دوتوپ بزرك وچهار مترالیوز وسه‌لوله تربیل انداز بود. وعده ملاحات آنها ۸۳ نفر بوده ومتعاقب خرید پارهٔ تکمیل ها در آنان بعمل آمده است وفعلا تماما متعلق به بحریه عثمانی میباشند

اوضاع سوید

اخیرا اوضاع (سوید) شکل دیگری پیدا کرده وبعضی حرکات برضد متفقین از آنها مشهود میگردد مخصوصا مخبر روزنامه(روسکی اسلوا) اطلاعات دهشتناکی از آنجا میدهد زیرا که حرکات جنك جویانه برعلیه روس ودر خواست دخول درجنگ‌را ازدولت روز بروز کسب عدت مینماید وهر روزه دراین باره معلومات تازه میرسد

حبشه وایطالیا

حمله سیاهان حبشه بمستعمرات ایطالیا (الصوع — وارتیره) که در ساحل بحر احمر واقعند روز بروز مهمتر میگردد ودوائر نظامی وسیاسی ایطالیارا بوحشت واضطراب میافکند بدتر ازهمه آنکه فرستادن قوه بدانجا موقوف بعبور از کانال سوئز است

ودولت عثمانی چندی قبل وجود مخاطره را درآنجا خبرداد وروز تفسیر کرد که مقصود ازاین اعلان بسط عملیات تحت البحری بمتعلقه کانال است علی هذا عبور سفائن ایطالیا ازخوف تحت البحری مزبور بنهایت مشکل خواهد بود در صورتیکه حبشه همسایه آن نقاط است وبسهولت میتواند قشون وآذوقه بدان ساحل وارد کنند وشاید ازآنجا هم تجاوز کرده وارد مصر وسودان شود

اختلال وانقلاب در مسکو

روز ۲۸ و ۲۹ ماه ملی روسی شهر شهیر مسکو پایتخت قدیم روس
راز صداهای شورش وانقلاب گردیده همهمهٔ شورشیان وفر
غارتگران ، ناله غارت شده گان ، استغاثهٔ طفلان وزنان ، صدای خر
عمارات ومغازه‌ها ، شکستن درب وغرفه‌ها ، فروریختن سقف‌ها و
خوردن شیشه‌ها هنگامه قیامت هولناکی دران شهر برپا کرده نمونه
رستاخیزرا ظاهرداشت

ظلم روس

ازطهران :

شخصی چند روز قبل سر خودرا بریده ازقرار مسموع ازاسرا ک
مسلمان ترکستان روسیه وخیلی متمول بوده در جنگ حاضر باسا

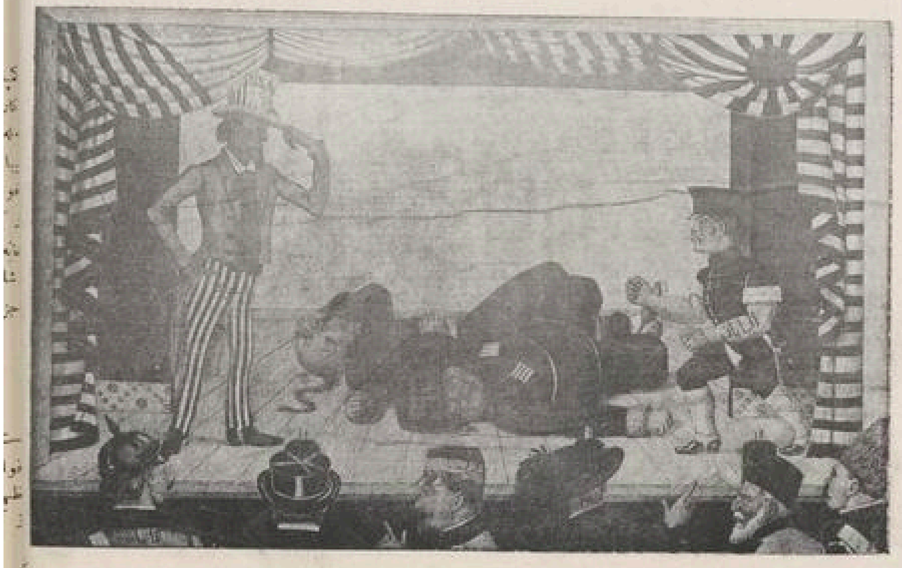

کاریکاتور

رجز خوانیٔ ژاپن به امریکا – ژاپن پهلوان روس وچین را از پا در انداخته به امریکا میگوید : – آیاچسان ! عبرت میگیری ؟ – امریکا میگوید : – هوش کن هشیار باش ! (دولتهای دیگر تماشا میکنند)

مختلفه برای قشون گیری واعانه وبدل عسکری پسرهایش وسرمایه خودرا ازدست داده وبالاخره پسر هایش را هم بجنگ فرستاده‌اند ناچار بایران آمده وچندی درطهران بوده بالآخره اززندگانی خود سیرشده وسر خودرا بدست خود بریده است

هرون در نیورك در سوئد

مسیو هرون درنیورك وزیرمستعمرات آلمان که عملیات غرابت آمیز اورا درامریکا تادرجه اطلاع داریم اخیراً وارد آلمان گردیده واز قرار پارهٔ انتشارات خیال مسافرت بممالك سوئد ونروژ دارد واستماع این خبرخیلی موجب اندیشه متفقین گشته است چرا که کفایت واستعداد

این شخص بدرجهٔ ایست که نمیشود مسافرت وی را بی اثر
خصوصاً دراین موقع که باوجود تکذیبی که در جراید راجع بتکد
روابط روس وسوئد دیده میشود معلوم می نماید که مطلبی در بی
واگر کدورتی هم نباشد لااقل صفا ومودتی دربین نیست

در دار دانیل

عملیات متفقین دردردانل بمشکلات بزرگ برخورده ازیکطرف
تحت البحری های عثمانی حمایت سفائن برای قشون کاسته شده.
ازطرف دیگر هرچه قشون پیش بیاید ازسفائن دور ترشده
نابلد میرسد که عثمانیها تدابیر زیاد دراینجاها بکار برده جاهای مخفی
کنده اند . گاهی میشود که از عقب اردوی متفقین تك تفنگ

ه می کنند بالاخره معلوم میشود در نقب هائیکه علف روی آنها او نشاید ، نقب بوده اند واندوقه تاییست روز راهم دران نقب‌ها داشته سنگر های ساختگی هم زیاد دیده شده که متفقین سنگر حقیقی تصور کرده باهجوم در آنها ریخته بغتتاً در حفره ها میریزند که خلاصی از آنها ممکن است چاه هائیکه میخ آهن ومیخهای برنده در آنها نصب شده بسیار زیاد هستند ، بعلاوه گر گودالها را کنده توپهای سنگین مخفی کرده اند که تا آنها کشف شوند چندین کشتی باید قربان گردد نتیجه تدابیر وره ، کثرت تلفات متفقین است که یکقسمت از مجروحین آنها تمام مریض خانه‌ها ومدارس وعمارات نظامی و کشوری مصر را پر کرده ابلاغیه عثمانی ت یکروز متفقین را ۳۰۰۰ نفر باغنیمت ۱۷ مترالیوزی گویند موافق کراف جمال پاشا در یک روز شش کشتی حامل مجروح وارد مصر شده یکی از آنها حامل ۵۵۰ نفر زخمی بوده است .

توپهای تازه کارخانه کروپ

خبرهائیکه از جراید هلند تحصیل کرده ایم حاکی است که از طرف کیان کروپ درشهر ۰ نه سین ، یک باب کارخانه بزرگی تأسیس شده کارخانه مزبور دراوائل ماه اوت روی افتتاح یافته است که برای کارخانها ه های تام و کامل آورده اند که قابل توجه مدیر های کارخانه نیز باشند ازقرار مسموع در این کارخانه توپهای بزرگ وسریع الاطلاق اهند ساخت . لابد این گونه توپهارا چند ماه قبل برای درادارهٔ کل حرب آلمان انشاء نموده اند . گمان میکنند که آلمانها در این کار ه یکنوع توپهائی خواهند ساخت که نشانه‌ها را خیلی مسافت دور انداخته ملیك این توپها بواسطه فشار هوا خواهد بود بعلاوه مسافت دور هوا عزوه بیاندازد که یک میدان بزرگ را مشتعل خواهد نمود .

(نوویه ورمیا)

عملیات آلمان در رومانی

بواسطه نتایج عملیات آلمان در رومانی هیچ جای شبهه باقی نمانده ت که اگر رومانی داخل جنگ شود حکماً بجماعت متفقین واهد بود ونطق اخیر سازانوف که راجع برومانی نمی توانم چیزی اظهار دارم جای شبهه باقی نگذارده است که طرفداری رومانی آلمان در دو ماه اخیر پیشرفت کلی نموده است .

فعالیت آلمان درممالک بیطرف بقدری شگفت آمیز است که نظیر دردنیا دیده نشده است ومسئله ذیل کشف مینماید که آلمانها با چه جدیت بوظیفهٔ خود از هیچ گونه مساعی خود داری ننمایند . نکه ورود به مطبوعاتی که بزبان مملکت نشر میشوند در ممالک دنیا ل کم و غالباً ممنوع است آلمانها در دو ماه گذشته مبلغ ۸۰۰۰ الک حق‌الورود مجلات ومطبوعاتی که بزبان رومانی در برلن نوشته‌شده ت بگمرک رومانی پرداخته اند

از همین مبلغ هنگفت میتوان قیاس کرد تا چه اندازه رومانی در زیر کار وعملیات آلمان غرق گردیده وچگونه مقدرات احساسات تابع آلمان گشته است واگر بخاطر آوریم که از اوایل جنگ به بعد سفیر آلمان م وکلاست چه مبلغ های گزافی برای انتشار احساسات آلمانی اطراف خویش صرف کرده اهمیت مطلب بهتر مکشوف میشود بلغارستان ویونان نیز مطلب تقریباً از همین قرار هستند وهیچ قوه فعالیت آلمانها نمی تواند جلو گیری کند ومساعی فرانسه و روس

درمقابل این عملیات خطیر بقدری زبون و ضعیف است که هیچ نتیجه مناسبی نمیتوان از آن انتظار داشت .

کشیشان جاسوس

از بندر (بادی) به (رم) اشعار میدارند که جاسوسان نظامی اطریش وآلمان جداً عملیات خویش را تعقیب مینمایند وعده از کشیشان داخل این خدمت هستند وشب در موقعی که شهر تاریک بود باعلائم نورانی بادشمن مشغول مخابرات رمزی بودند وپنج نفر از کشیشان دستگیر شده اند .

در انبار کلیسای ایشان یک ماشین که باعلامت نور در شب حرف میزند بدست آمده ونوشتجات چندی نیز راجع بقشون اطریش وآلمان واوضاع سرحدی در آنجا بوده است .

از قراریکه معلوم میشود کشیشان مزبور مدتها است که روابط خصوصی باکشیشان وین داشته اند .

از جراید هلاند

تحت البحری کشتی هارا اسیر میکند

تحت البحری های آلمان نه فقط عملیات خویش را برای غرق کردن جهازات جنگی تجارتی صرف مینمایند ولی ازقراریکه اخیراً معین شده است تحت البحری‌های مزبور هرقدر از کشتی‌های تجارتی انگلیس را نزد یک بحرشمال مشاهده نمایند و کشتی جنگی مزاحم نباشد جهازات را اسیر کرده وبامحمولات سالماً ببنادر آلمان می آورند

مطابق اخباری که به استردام رسیده است در هفته گذشته تحت البحری‌ها چهار فروند کشتی تجارتی که بنام‌های برین ولاشینگتون‌مس وآمن وینه بود در بحر شمال اسیر کرده وهمراه خود ببندرها مبورك آورده وبار های آنها را مامورین دولت تصرف نمودند

امریکا درین جنگ تجارت میکند

امریکا برای ترویج تجارت خود موقع نیکوئی بدست آورده است .

دو مملکت بزرگ تجارتی اروپا یعنی آلمان و انگلستان اولا در تحت تهدید محاصره بحری ثانیاً بجنگ خود مشغول هستند . از این دو مملکت به کشورهای بیطرف مال التجاره قابل ذکری حمل نمیشود . درین موقع امریکائی ها تمام مال التجاره‌ها را که آن دو مملکت بعمل میاوردند خود ساخته بممالک بی طرف میفرستند .

این تجارت مشروع است زیراهم احتیاجات ممالک دیگر رفع میشود وهم خود آنها منافع بزرگ میبرند .

لیکن علاوه براین امریکا موقع را مغتنم شمرده یک تجارت دیگری راهم اختیار کرده اند که در صفحه تاریخ آن ملت آزادی خواه متمدن لکه بشمار میرود و آن تجارت اسلحه میباشد .

مردمان هم ازین حریص‌ها میپرسند که چرا هم‌جنسان اسلحه میفروشید جواب می گویند هر چه اسلحه بیشتر بفروشیم سرباز ها زیاد تر کشته میشوند وبالطبع جنگ زودتر تمام میشود . از اسلحه امریکا فقط متفقین میتوانند استفاده کنند زیرا ورود آن بآلمان مسدود میباشد . این مسئله تاحال باعث چند پروتست از طرف دولت آلمان شده ومکرر در جراید امریکا میخوانیم که آلمانی های آلمانی زمزمه شکایت آمیز مینمایند ودولت خودرا تحریک می کنند که ازحمل اسلحه بخارج ممانعت کند

مراجعت اردوی عثمانی از کرمانشاه
بسرحد خود شان

نظر باطلاعاتیکه این دوروزه بوزارت داخله رسیده است حسین رئوف بیك فرمانده قشون عثمانی باعساکر عثمانی از کرند چندروز قبل حرکت نموده بسمت سرحد رفته اند وفعلا درصفحات کرمانشاهان اتفاق تازه رخ نداده است (رعد)

ترجمهٔ اخبارهای انگریزی واردو

۱۰ ماه اگست سنه ۱۹۱۵ خبرلندن یك دسته جهازات هوائی دولت جرمن درشب گذشته بوقت ۸ بجه و ۴۵ دقیقه بساحل شرق ملك انگلستان حمله نموده الی ۱۲ بجه و ۴۰ دقیقه صبح در تردد بودند — وبمها می انداختند — ازین بمها بسیاری ازمقامات آتش گرفته ونقصان بسیار رسیده — ازباعث تاریکی شب وابروغبار پرواز جهازات هوائی دولت برطانیه دشوار گردیده — باوجود آنهم بعضی جهازات هوائی دولت برطانیه برای مقابلهٔ جهازات جرمنی پرواز نمودند — درین دارو گیر یك افسرکلان راه غائی جهازات هوائی دولت برطانیه بجزار شفقت یك طیارهٔ خودرا بهوا کرد ولی بسیار زودی افتاده رهپیمای بادیهٔ عدم گردید.

۱۰ ماه اگست خبرلندن — محکمهٔ بحری دولت برطانیه اعلان کرده — که یك جهاز جنگی قسم تباه کن دولت برطانیه دربحر شمال همراه کدام مرکب بحری تصادم کرده غرق گردید — ازعمله وبحری آن جهاز نفر افسر و ۲۲ نفر ملاح نجات یافته باقی غرق گردیدند —

۱۰ ماه اگست خبرپترو گراد — بتاریخ ۸ ماه حال یعنی اگست ۹ لنگر جهازات جنگی و ۱۲ لنگر جهازات قسم کروزر — وبی شمار جهازات تباه کن دولت جرمن دربحر بالتك بجهة بدست آوردن خلیج ریگا حمله نمودند — درین جهازات جرمنی وروسی جنگ بسیار بشدت جاری شد که این قسم جنگ بحری تاحال پیش نیامده بود —

۱۱ ماه اگست محکمهٔ بحری دولت برطانیه اعلان نموده — که یك جهاز خورد — گرمهٔ — دولت برطانیه را که درحالت تردد بود — یك جهاز گرورز دولت جرمن دربحر شمال غرق کرده —

۱۲ ماه اگست خبرلندن — یك جهاز معاون — یعنی بدرقهٔ جهازات تجار — مسلح یعنی جنگی اندیانام دولت برطانیه که دربحر شمال نگرانی جهازات تجارتی را می نمود — کدام کشتی تحت البحر دولت جرمن اورا بذریعهٔ تارپیدو غرق نمود — ۲۲ نفرافسر — ۱۱۹ نفرسپاه و نجات یافته اسیرشدند باقی چندنفر غرق گردیدند —

۱۲ ماه اگست خبرپیرس درمیدان جنگ فرانس جنگ بدستور سابق جاری است ولیعهد جرمنی بسپه سالاری فوج های جرمنی را درمیدان فرانس می نماید — درمقامات میری — بریس — و میروشین — وکرکس — وچارجیر — سپاه جرمن حمله های بسیاری سخت نمودند — ودرتمام ریجزی جنگ بسیار شدید جاری است ودرمقام دوسنجرهم سپاه دشمن حملهٔ بسیار بشدت نمودند —

۱۹ اگست خبرکلکته ازخبرهای آمدنی یورپ ظاهر میشود — که دولت جرمن نقشهٔ حرکت فوج های خود — ودولت استریارا درمیدان جنگ مشرق یعنی مقابل دولت روس ازین قرارتجویز کرده — که — جمله فوج های دولت جرمن که دراینوقت درمیدان شرق زیاده ازچهل لك نفرداشته میشود — در دوحصه تقسیم یافته یك حصه بماتحتی جرنیل میکنسن بطرف ماسکو — ویك حصه — بماتحتی جرنیل وان هندن برك بطرف پتروگراد — وجمله سپاه دولت استریا بطرف کیف وساحلات اسود — حمله نموده پیش قدمی نمایند —

۱۱ ماه اگست خبرلندن کشتی هـای تحت البحر دولت جرمن لنگر جهازات خوردو کلان دولت برطانیه ویك جهاز روسی را دربحر شمال بذریعهٔ تارپیدو غرق کرده — عمله وبحری جهازات نجات دا شدند —

۱۱ ماه اگست خبر پترو گراد — سپاه دولت جرمن — بفا شش میل — شهر کودنو رسیده اند — شهر کودنو را دولت رو خالی نموده وپیشقدمی سپاه جرمن بدستور سابق جاریست

یك خبر چپ ولپ

۱۹ ماه اگست سنه ۱۹۱۵ خبرلندن — جرنیل هملتن کماندان سپ انگریزی ازگیلی پولی رپوت فرستاده — که سپاه ملیان برسنگرهـ شمالی وجنوبی ترکان حمله نمودند — ونیزقریب خلیج سوالا یك جمع بسیار بزرك تازه دم — جدید ازجهازات فرود آوردیم — ازبیان اسیرا ترکی معلوم شده — که درین مقام سپاه ترك به تعداد بسیار آمده ومیخواستند که برسپاه ملیان حمله نمایند — مگرملیان ۲۴ ساعت قبل ا وقت حملهٔ آنها برایشان حمله نمودیم — ودرین سپاه فریقین یك جنگ بسیار وحشت ناك خون ریز جاری شد — ونقصان بسیار را برداشت نمودیم — تجویز فرود آوردن سپاه درخلیج سوالا بسیار معقول و وبسیارخوبی سرانجام یافت مگرازین سبب که ترکان قبل ازوقت ازخیا وحرکت ملیان خبردار شدند — چندان فوائدی حاصل نشد — زیرا دشمن برتجویزملیان وقوف یافته — جمله افواج خودرا ازقسم مستحفظ وغیر آن درآنجا جمع نموده — ابواب ترقی را برملیان مسدود ساخت مگرملیان خودرا دوباره مستحکم نمودیم — وحوصله وهمت سپاه حالا خوب است —

۲۰ ماه اگست خبرپتروگراد — دولت روس اعلان نموده — که آخر کار جمعیت عظیم جهازات جنگی دولت جرمن جهازات روسی پس پا نموده درخلیج ریگاداخل شدند — مگرجنگ بحری تاحال جاریست — اعلان رسمی دولت روس ظاهر می کند — که جهازات محافظ خلیج ریگا از زیادتی جهازات جرمنی مجبور آمده عقب نشستند — وچونکه طاقت جهازات دشمن از حدزیاده بود — درخلیج مذکور داخل شدند — ونیز درآنوقت جهازات جنگی کلان روسی موجود نه بودند — وچندلنگرجهازات خورد محافظت می نمودند —

۲۰ اگست خبرلندن یك جهاز نیویارك استین نام دولت برطانیه که ازبندر گاه برستل بطرف نیویارك میرفت ویك جهاز سبورك نام دولت ناروی را کشتی های تحت البحر دولت جرمن غرق کرده —

۱۸ اگست خبرایتهنز — پای تخت دولت یونان — سفیردولت جرمن مقیم یونان دولت یونان را مطلع نموده — که چونکه در بحر ایجین احتمال حمله جهازات تحت البحر جرمنی ممکن است لهذا جهازات دولت یونانرا مطلع کرده شود — که بیرق های بسیار بزرك علامت دولت یونان را که ازدور دیده شود — برجهازات خود بطور حفظ ماتقدم نصب نمایند تا که برغلطی کدام تحت البحر برجهازات یونان حمله نه نمایند —

۲۰ اکست خبرلندن ـ کشتی زیر آب دولت جرمن یک لنگر جهاز ود ارسکن نام ۵۵۰۰ تن وزن ـ و یک جهاز ایستارتر ـ نام ۲۰۰۰۰ ن وزن دولت برطانیه را ـ غرق نمودند ـ

۲۱ اکست خبرلندن ـ دولشکر جهازات بیترن ـ و بیارا آلمان سه هزار تن وزن ـ باربرداری دولت برطانیه را کشتی تحت البحر ولت جرمن غرق کرده عمله و نفری آنها نجات داده شده ـ

۲۱ اکست خبرلندن از پطروگراد ـ خبررسیده ـ که کشتی تحت البحر ولت روس یک جهاز باربرداری دولت ترک را که درین آن هشت زار تن زوغال سنگ بار بود و بطرف قسطنطنیه میبرد ـ قریب ساحل اطولیه غرق نمود ـ

۲۲ اکست خبرلندن ـ دولت اطالیه بخلاف دولت ترک اعلان جنگ ود درممالک دول متحده بسیار اظهار پسندیده گی شد ـ

۲۲ اکست کشتی تحت البحر دولت جرمن یک جهاز دکس نام ـ ک جهاز کارنسیولا نام ـ و یک جهاز دوبندر نام دولت برطانیه را غرق رده عمله و نفری آنها نجات داده شده ـ

۲۰ ـ و ۲۲ اکست خبرپطروگراد ـ فوج های دشمن بعد از سعی سیار وجنگ خون ریز ـ شهر کودنورا قابض شده ـ و از آنجا پیش قدمی ده درون دریای نمن ولشکرهای خود را قائم نمودند درمقام تودو رجوسک سپاه دشمن بسیار شدت حمله آورشدند ـ و در بین دریای بجولا ـ و ناربوم بسیار جنگ خون ریز جاری است چنانچه تعداد سیار کشته های سپاهیان جرمن درسیم های خاردار سنگرهای ملیان ده شد ـ و توپخانهٔ جرمن درنجا آنقدر بشدت گلوله باری نمود توپخانهٔ ملیان را بخاموشی مجبور ساخت و دیوارهای قلعه جات بین ای ـ داکر ـ و ناروز را منهدم نموده اند ـ سپاه روسی با جودسی یار ـ به عقب رفته مجبور گردیدند ـ یک جهاز هوائی ملیان از جار سك خبر آورده ـ که وقت شام ۲۰ ماه حال حالت قلعه جات جار وسك بسیار نازك بود و یقین است که سپاه قلعه جات آنجا بعد ازین امت نمی تواند ـ

۲۳ اکست خبرلندن از پیرس خبررسیده ـ که درمیدان فرانس مقامات مختلف گلوله باری توپ های متخاصمین جاریست وگلوله های شی هم استعمال کرده می شود ـ گاهی سپاه دشمن و گاهی سپاه ما قدمی میایند ـ

۲۳ ماه اکست سنه ۱۹۱۵ خبرلندن یک جهاز دوبندنام ۴۶۰۰ تن ل مال هولت کمپنی انگلیس را کدام کشتی زیر آب دولت جرمن ق نموده از جمله عمله و نفری آن یک نفر کپتان جهاز مذکور همراه فر ملاح هلاک شده باقی نفری نجات یافته اند ـ

۲۴ ماه اکست خبرلندن از پطروگراد خبررسیده ـ که بسبب اختلالهای ل جمله ارکان و معتبرین دولت روس در یک مجلس عمومی جمع آمده ـ ر داده بودند یک مجلس وزراء جدید برپا نمودند که اسم آن مجلس وزراء ظ ملکی خواهد بود و همراه وزراء موجوده درهر کار مداخلت اهند ورزید ـ زیرا که برای اشناس ملك محسوس شده که این ات موجوده ـ از باعث عدم توجه وزراء موجوده رونما گردیده ـ ن باب بحث و مباحثه بسیار کرده شد ـ

۲۵ ماه اکست خبرلندن ـ یک جهاز سلوپانام انگریزی که از بندر که لور پول روانه شده بود کدام کشتی زیر آب جرمنی ـ جهاز مذکور را غرق نمود عمله و نفری آن نجات یافته ـ

۲۳ ماه اکست خبرلندن ـ از پطروگراد خبررسیده که یك لشکر جهاز جنگی سیوچ نام ـ دولت روس را جهازان جنگی دولت جرمن قریب ریگا غرق نمود از جمله عمله و نفری آن که ۱۴۸ نفر بودند صرف پنج نفر نجات یافته باقی جمله نفری غرق دریا و هلاک گردیده اند گفته میشود که دو نفر افسر و ۴۰ ملاح از جهاز مذکور بدست جرمنی ها زنده گرفتار آمده اند ـ

ادبیات

نقل از جریدهٔ پر گزیدهٔ حبل المتین

(در نصیحت ابناء وطن)

بدندان آهن و فولاد سودن   بمژگان زنگ از آهن زدودن
روی آب جاری نقش کردن   میان آتش سوزان غنودن
بدون اسلحه اندر نیستان   شکار از جنگ شیر نر بودن
تفکر کو نه وند بر ناقص   ز کار مملکت عقده گشودن
ز غفلت از گروه مستبدین   تمنای و طمع خواهی نمودن
نمودن ضرب واحد را بواحد   بمقدار عدد آنگه فزودن
بود صدبار آسان تر که چون عبد   مطیع دولت بیگانه بودن

خبرهای هندوستان

(یک قتل سیاسی در نواح کلکته)

در انگلشمین حالات یک قتل سیاسی در موضع ۱۰ کرپاره در نواح کلکته شایع شده است

موضع ۱ کرپاره قریب ۸ میل از کلکته دور تر است و از بارکپور ۶ میل فاصله دارد ، یک شخص سپاری موهن سرا که عمر آن قریب ۵۰ سال بود و ملازم سرکاری بود ، درخانه خود دختر نجساله خود را نان میخورانید که یک آدم نوجوان که لباس خوب پوشیده بود ، او را برای یک کار ضروری بیرون طلبید ، با و دختر خود را در بغل گرفته بیرون برامد چون قریب نوجوان مذکور آمد ، نو جوان به ریوالور خود شش فیر بر باو کرده باو انداخت ، و دخترك بیچاره هم زخمی شد

قاتل پس از ان به سرك رفت که آنجا دونفر دوست او و موتر ایستاده بود ، خواستند که در موتر سوار شده روند که دو نفر سپاهی ها خواستند ایشان را منع و معطل کنند ، مگر بران هردو هم فیر کردند که هردو بزمین افتادند ، و قاتل ها بطرف کلکته روانه شدند یک جماعت که بتلاش وجستجوی قاتل ها برامدند سپاهی های مجروح را بشفاخانه آنجا رسانیده ، حال مجروحین خراب است

سبب قتل مقتول جز اینکه مذکور یک گواه مهم بود چیزی معلوم نمیشود او گواه مقدمه یک دا که بود که بسبب ان کرپاره چندروز پیشتر افتاده بود.

در قتل باوی مذکور ۱۰ نفر شریک بودند مگر دو نفر آنها قتل باو آمده بودند . باوی مذکور را بشفاخانه می بردند مرد . از زخم دخنوك خورده مهلك بست . دو انگشت های دست او بریده و برك پای او زخم رسیده ست

سپاهی های پولیس که در تلاش شان برامده بودند موتوکار را آهسته آهسته روان دیدند که پیش پیش آن دو جوان بنگالی پیاده میرفتند . یك جوان دو بایسکل در دست های خود داشت و یك جوان دیگر در یك دست یك بایسکل و در دست دیگر یك طمانچه داشته گفت هو تو فرض بگیرید که بنگالی ها مسلح میباشند سپاهی ها ترسیده گفتند اگر آنها مسلح هستند ضرور دزد هم هستند

وچوب را بجانان ضرب برسر بنگالی زد که او بزمین افتید یك کانستبل که شوسا کرپاطك نام داشت بضرب گلوله زخمی و دو نفر دیگر پشت تنه های درخت پنهان شدند اینوقت بنگالی ها پرا فیرها می کردند . کوت یك سپاهی را سوراخ کرده بجسمش ضرر رسیده

درین اثنا یك بنگالی رفیق بیهوش خود را در موترکار انداخته و دو بنگالی ها بایسکل سوار شده بطرف کلکته رفتند کمی دورتر بعد یك سر کانستبل آمده و یك بایسکل بنگالی ها را که مانده بود گرفت هرچند دو نفر بنگالی بعد ازان آمدند ولی چون او را هم مسلح خیال کردند پس رفتند در کانستبل زخمی هستند . برای مقدمه مذکور عدالت مقرر میشود .

(نقل از جریدهٔ مبارکهٔ حبل المتین)

(مسلمانان لیتوا)

روزنامهٔ (وقت) درضمن یك مقاله وضع معیشت مسلمانان لیتوا را (که یکی از شهر های ایستان روسیه است) چنین شرح میدهد

در بعضی شهرهای لیستان مناره هائی که باسمان بلند شده دلالت بر کثرت مسلمانان زیاد در آن نواحی می نماید لکن این مسلمانان مع التاسف لسان مادری خود را بکلی فراموش کرده و بزبان روسی و پولی تکلم میکنند . تنها در شهر (لیتوا) متجاوز از بیست هزار نفر مسلمان میباشند که بیشتر آنها در ادارات دولتی مستخدمند و در میان آنها صاحب منصبان نظامی نیز زیاد است

مسلمانانی که در شهرهای (مینسکی) (ویلنا) و (کوونو) وغیره ساکن هستند مساجد زیادی دارند ولی ابداً مکتب ملی ندارند و مسائل دینیه و شرعیهٔ خود را از کتاب (شرایط الاسلام) که بزبان روسی طبع شده یاد میگیرند . ملاهای آنها غیر از سوره (فاتحه) و (توحید) از زبان عربی چیز دیگری نمیدانند . در مساجد نماز های یومیه ادا نمیشود وفقط نماز جمعه و عیدین را فراموش ننموده اند دعاهای که در بین نماز میخوانند اکثر آنها زبان ترکی است واین ادعیه را هم بتوسط حروف روسی یاد گرفته اند (در ۱۹۰۸ که دولت روس در جنگ باژاپون شکست خورده وقدری ضعیف شده وبدین واسطه مسلمانان قفقاز جرأتی پیدا کرده از دولت بعضی امتیازات برای ترویج زبان ترکی که زبان مادری آنها میباشد درخواست میکردند روزی یکنفری که تقریباً ٤٥ الی ٥٠ سال داشت وارد مدرسه شده وبطرز اهل اسلام سلام داد ولی وقتی که خواست داخل صحبت شود معلوم شد از زبان های ترکی و عربی وفارسی که محمدی ترین السنهٔ اسلام است هیچ نمیداند زبان روسی ازاو
آقا مذهب وآئین شما چیست ؟ . زبان ترکی نهایت صعوبت جو
(مسلمانم الحمدلله) پرسیدم چه مسلمانی هستی که جز زبان روس
دیگری را نمیدانی ! . فوراً آثار حزن وهیجان در بشره اوظا
وبا وضع استغنا کی در جواب گفت . چندین عصر است در تحت
وفشار روس واقع شده ایم وبمرور زمان زبان مادری خود را ازدست
و چون شنیده شد که در قفقاز معارف ملی رو بترقی گذاشته
آن نواحی مرا که از علمای آنها هستم فرستاده اند که از مسلمانا
استمداد جسته شاید بتوانیم ملیت خود را که جزاسمی از آن با
زنده کنیم و نیز دراثنای مسافرت بیك نفر از مسلمانان قازان
نمودم که خواهش کرد (حمد و سوره) را برای او بخوانم منهم خواهش
اجابت کرده ولی ازاول حمد تا آخرسوره هرچه من قرأت کردم او غلط
مثلاً من خواندم (قل هو الله احد) واو میگفت تو غلط میخوانی
این است (گول خو والا خو آخاد)

خوب است اشخاصی که قدر آزادی واستقلال واقعی را
بگیرند . مترجم .

(اوضاع طرابلس)

ان اول زوبه ازمنابع موثقه خبر میدهند که در اسلامبو
است که بکسته اسیر کرده های عشائر شیخ سنوسی چند نفر
جوان ترك ملاقات میابند نتیجهٔ ملاقات آنها این شده که از
بطریق دره آقاج دو دسته صاحب منصب آلمان برای تنظیم قش
ایتالی روانه نموده اند

فتح روست لیتو وسك

ابلاغیه آلمان دعوی میکند که قشون جنرال (وان ارز) ب
سخت دوقلعه (بریست لیتوسك) را قبضه نموده اند وشا
وجنرال (ارز) بقلاع داخله رسیده قشون ساخلوی دو
شده اند

دربرلن بمناسبت تسخیر بزرگترین قلاع روسیه (بریست لی
اظهار مسرت وشادمانی می نمایند

درابلاغیه برلن شام ۲۷ آگست جنبش قشون (جنرال
را در (میناو) ذکر نماید وچنین بیان میشود که روسها
را تخلیه نموده اند ولی این عقب رفتن روس آنچه خبر ر
منظم وبا دبدبه بوده است

در چهاپخانهٔ حروفی دارالسلطنهٔ کابل طبع گردید
هر مقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر ومحرر
محمود طرزی

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا

یاد آوری میکنیم

هرقدرسعی و کوشش کردیم که از شکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دار السلطنه کابل خودرهائی یابیم ممکن نشد لهذا با داکخانهٔ مرکزی دار السلطنهٔ کابل یك مقاوله نموده با داکخانه مشارالیه تقسیم و توزیع اخبار مارا که بهمه مشترکین کرام ما رساند درعهدهٔ حمیت خود قبول نمود. مشترکین کرام دار السلطنهٔ خود را تبشیر و یاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای داکخانه بخود شان میرسد.

شرایط خریداری

دار السلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

هرجاییکه باشد با اجرت پوست

قیمت سالیانه	ده روپیه انگلیزی	قیمت ششماهه	شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراك قبول نمیشود

یك طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است. از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

برهمهٔ کارداران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود: اگر از یك جا بدیگر جا بروند ویا بند میباید که بیك رقعه مدیر وسر محرر را خبر بدهند که من درفلان جا بودم وحال درفلان جا میروم اخبار مرا درانجا بفرستید. هرگاه همچنین یك رقعهٔ شان برای ما نیایند واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند.

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند، ویا دیگر هر رقم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود:

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا به پنج بار نشر وشایع شود بسر هر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر یك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا به پنج بار فی سطر یك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود. طول سطر یك ستون اخبار ما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تا یك سال نشر کردن خواهند وجه یك ساله را پیشکی ادا نمایند در ورق پشتی برهر سطری ستار اجرت گرفته میشود

(اعلان)

پراکنده

از آثار مطبوعهٔ تازهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت ، وعبارت از یك مجموعهٔ اشعار ابدار مجدد آثاری میباشدکه بکاغذ اعلا ، وخوبی طبع دلربا ، باتصور بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است ، اگرچه از بحث خط وخال بعید است ولی مضامین وخیالاتش سراسر یکطرز جدیداست ، نسبت بخوبیهای ظاهری ومعنویش قیمتش خیلی ارزان ، یعنی بمقابل (۲) دو روپیهٔ کابلی درخود مطبعهٔ عنایت از نزد عبد الرؤف خان سر مرتب ، ودر بازار ارك از دکان باز محمد ، ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان غلام محمد هرکس خریده میتواند .

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه را مژده ! ازین ثمرهٔ نوبنو رسیدهٔ گلزار ، مطبعهٔ عنایت ، کام جانرا شیرین نمائید ! ، جزیرهٔ پنهان ، یك ناولیست که قوت علم ومعرفت وسعی وغیرت را برای اساس زندگانیٔ نوع بنی بشر بنظر اثبات وجلوه گر میسازد ، هم حکایت ، هم عبرت هم فن ، هم فضیلت ! خوبی چاپ ، خوبیٔ کاغذ ، خوبیٔ تصاویرش علاوه ، قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان ! تنها (٦) شش روپیه محل فروخت نفس مطبعهٔ عنایت در ده افغانان ، دکان باز محمد در بازار ارك ، دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی .

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد
کتاب سال دوم « « « مصور مجلد
کتاب سال سوم « « « مصور مجلد
کتاب سال چهارم مصور مجلد
علم و اسلامیت
آیا چه باید کرد !
ادب درفن
توحید
مختصر جغرافیای عمومی

این کتابهای فوق دراداره موجوداست . هرکس که آرزوی خریداریٔ آنرا داشته باشد بهاداره مراجعت کند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

	قیمت روپیه کابلی
سیاحت دورادور زمین بهشتادروز مجلد	۲
سیاحت درجو هوا مجلد	۲
سیاحت درزیر بحر مصور مجلد	٤
ازهرچمن سخنی وازهرچمن سمنی مجلد	۲
روضهٔ حکم مجلد	۲
پراکنده مصور مجلد	۲
جزیرهٔ پنهان مصور مجلد	٦

هرکس که آرزوی خریداریٔ این کتابهای مافوق‌را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان از نزد عبد الرؤوف سر مرتب واز دکان باز محمد کتابفروش دربازار ارك واز دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل مدرسه شاهی بقیمتهای معینش خریداری کرده میتوانند .

واگر از خارج افغانستان ارزوی خریداری کتابهای مافوق‌را بکنند باید بسراج الاخبار افغانیه مخابره کنند .

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
با مصارف داک ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مصارف داک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یکعباسی است
(اوراق که درج نشود اعاده نمیشود)

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

مدیر و سر محرره
محمود طرزی
ادارهٔ خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ یکم ذی الحجه ۱۳۳۳ تاریخ انگریزی ۱۱ اکتوبر تاریخ شمسی ۱۸ میزان ۱۲۹۴

(باغچه های لیمو ، و پورتقال)

مملکت عزیز ما خاکپاک (افغانستان) صانها الله عن شر العدوان چنان یک خاک حاصلخیز پر خیر و برکتی میباشد که از هر نوع حبوبات و هر رقم میوه بسر میرساند . قطعه های مختلف الطبیعه دارد که هم میوه ها و مزروعات گرمسیر ، و هم سرد سیرها را میپروراند .

عجالتاً که در زیر سرلوحهٔ زراعت تحریر میخواهیم بیان کنم محتوی مسایل زراعیه خواهد بود که در وطن عزیز ما تعاملی در آن باشد ، و یا آنکه اراضی قابلیت و استعداد آن قسم زراعت را داشته باشد ولی بسبب بعضی موانع از زرع آن استفاده نشده باشد . مثلاً اراضیٔ (ننگنهار) با وجودیکه درختهای نارنج بسیاری را بسر می آرد ولی درخت لیمو و پورتقال که آنرا مالته میگویند در آن زمینها بسر نمیرسد . حالانکه لیمو و پورتقال نسبت به نارنج خیلی نافعتر و ، و تجارتش فایده مندتر میباشد . لیمو و پورتقال ـ یا ـ مالته اگرچه یکقدری از نارنج نازک تر ـ یعنی به هوای سرد ناتوانتر ـ است ، اما باز هم در قطعهٔ که نارنج ثمر برسد بسر رسیدن آنها هم خارج امکان شمرده نمیشود . بالنتیجه حکم قطعی کرده نمیتوانیم که لیمو و پورتقال در اراضیٔ ننگنهار ضرور باید بشود ، اما بسبب فایده مند بودن پورتقال نسبت به نارنج هرانقدر معلوماتی که در خصوص اصول زراعت و تربیهٔ این میوهٔ لطیفه بدست دارم عرض انظار قارئین کرام ، علی الخصوص برای برادران باغ دار ملک ننگنهار نشین خود میدارم که اگر قابل تطبیق به بینند شاید فایدهٔ از آن مترتب شود .

منطقهٔ زراعت

یعنی سرزمینهایی که قابل زراعت درخت پورتقال است

درخت پورتقال بسیار نافع و یک سر چشمهٔ مداخلات کلیٔ برای تجارت شمرده میشود . اما بهر اقلیم و هر اراضی امتزاج کرده نمیتواند . کاشت و پرورش یافتن درختهای لیمو و پورتقال و امثال آنها ، سراز منطقهٔ (خط استوا) گرفته ، تا بدرجهٔ چهل و سوم عرض کرهٔ زمین امتداد می یابد . اما درین درجهٔ چهل و سوم عرض زمین یا از ان بالاتر عرضها درختهای لیمو و پورتقال در زمینهای باز و کشاده بسر نمیرسد ، بلکه در گلخانه ها و جاهای محفوظ بسر رسانیدن شان ممکن میشود . حال آنکه زمینهای ملک ننگنهار ما تقریباً در سی و چهارم و سی و سوم درجهٔ عرض کره واقع شده است که تقریباً با اراضی ملکهای سواحل بحر سفید آسیای صغرا برابر میباشد . زمینهای سواحل بحر سفید از همهٔ دنیا بهتر و خوبتر پورتقال بسر میرساند . و یک تجارت و در آمد بسیار عظیمی از ان حاصل میشود . اینقدر هم هست که تنها درجهٔ عرض بر گرمی و سردی منطقه ها تأثیرات اجرا نمیکند بلکه ارتفاع یعنی بلندیها و پستیهای موقعهای زمین نیز بر گرمی و سردیٔ هواهای هر قطعه جدا گانه تأثیرات میبخشد . و چون مملکت عزیز ما نسبت به اراضیٔ سواحل بحر سفید اگرچه در درجهٔ عرض کمتر فرق دارند ولی از روی ارتفاع خیلی باهم فرق دارند ـ یعنی اراضیٔ ننگنهار نسبت به اراضیٔ سواحل بحر سفید خیلی بلند تر میباشد ـ لهذا اگر به این سبب پورتقال در زمینهای ننگنهار نشود احتمال دارد ، اما چون خود این سر محرر عاجز هم اراضیٔ سواحل بحر سفید و هم اراضیٔ ننگنهار را دیده ام در گرمی اراضیٔ ننگنهار را ز اراضیٔ بحر سفید افزونتر میبینم ، و نیز چون نارنج و نیشکر وافری در آنجاها بسر میرسد باین دو دلیل میتوانم که بگویم در اراضیٔ ننگنهار ما ممکنست که پورتقال و لیموی بسیار اعلای بدر رسد

در اصطلاح ، علم نباتات ، همه درختهای قصیلهٔ نارنج خیل را یعنی نارنج ، پورتقال ، کنه ، متّه ، سنتره چکوتره و غیرها را (ستروس) مینامند . درین جنس ، ستروس ، از همه بیشتر که به سردی طاقت آورتر میباشند

جانا درختهای نارنج و پورتقال شیرین میباشند . اما دیگر اجناس آن بدرجهٔ بسیار توانائی ندارند . حالا در خصوص منطقهٔ زراعت لیمو و پورتقال همینقدر نوشته اکتفا ورزیده به بحث نهال نشاندن وتربیه کردن وبسر رسانیدن آن یکقدری عطف نظر نمائیم :

— ۱ —

مسئلهٔ آب وآبیاری

مهمترین مسایلی که در زراعت درخت پورتقال در زیر نظر دقت باید گرفته شود مسئلهٔ آبدادن درختان پورتقال است . اولا این را باید دانست که درختان پورتقال که آنرا در اصطلاح ملک ماماله میگویند از درختان پرکشیست که میوهٔ بسیاری محصول میدهد . اما آب فراوان جان این محصول شمرده میشود . در جاهای کم آب درخت پورتقال بهیچصورت پرورش نمی یابد ومحصول نمیدهد . بهترین پورتقالهای دنیا پورتقال « یافه » است . یافه در ساحل بحر سفید ، بندر گاه « بیت المقدس » شریف میباشد . همینکه غورهٔ میوهٔ پورتقال در تابستان بقدر یك جوز بشود ، بهمه حال باید درهفتهٔ یکبار آب بسیار وافری به آنها داده شود . هر که آب جاری موجود نباشد، باید چاهها برای آبیاری باغچه های پورتقال کنده شود ، وبواسطهٔ پمپهای متحرك آب چاه را کشیده در حوضهای مخصوص تخته کاری که ساخته شده است پر کنند ، وبه واسطهٔ جویهای تخته کاری در هر طرف باغچه تقسیم شود .

— ۲ —

انتخاب زمین برای نهال نشاندن

اگرچه مسئلهٔ انتخاب زمین برای هرنوع زراعت خیلی مهم شمرده میشود که برای نهال نشانی پورتقال نیز از اهمیت خالی نیست . اما بدرجهٔ مسئلهٔ آب وآبیاری اهمیت ندارد . زیرا درخت پورتقال از جنس وطبیعت زمینهای مختلف خیلی متأثر نمیشود . در خصوص خاك خیلی نازك نیست . — یعنی در هر رقم خاکی که باشد نشو ونما میکند — . اما خاکی که نهالان پورتقال آنرا دوست ندارد همان خاکهائیست که از جنس گل مرشوی سخت ولزوجناك ، ومانع نفوذ آب در آن باشد، ونیز خاکهائیکه بسیار جونه دار ، وبسیار ریگزار باشد برای تربیت وپرورش آن فایده مند نیست . زمینهای گل مرشوی آبرا چون خوب جذب نمیکند از آن سبب ریشه های نهال را گندیده میسازد ، و زمینهای که جونهٔ بسیار در آن باشد نهالها را زرد وناتوان میسازد ، وزمینهائیکه ریگ بسیار داشته باشد زود زود آب دادن آن لازم میشود که باین سبب قوت بارو را کم میسازد .

— ۳ —

اصول کاشتن وفراوان ساختن درخت پورتقال

اصل جان مسئله درینجاست. وچیزیکه مارا تایکدرجه ناامید میسازد همین است که آیا چون درخت پورتقال نداریم آنرا چسان بکاریم؟ وچسان فراوان سازیم ؟ هر که در اراضی جلال آباد ما درخت پورتقال موجود ، وکشتکاری آن معروف ومعلوم میبود هیچ مشکلاتی درپیش نمیبود . معذلك چون این معلوماتی را که درذیل بیان میکنیم قارئین کرام ما مطالعه فرمایند سراسر ازوجود یافتن درخت پورتقال ناامید باید نشوند :

اولا این را بگوئیم که میوهٔ پورتقال ازهندستان بکثرت درملك م
می آید . لاجرم از تخم جنسهای اعلاترین آنها بسر رسانیدن نهال
پورتقال یك کار غیرممکنی شمرده نمیشود . اما اگر بگوئیم : — « که
روباها ! تا آن تخمها بثمر رسد که مرده که زنده ! » بااینچنین گفتن
واید بشیدن چنانچه ازهیچ کاری ثمرهٔ حاصل نمیشود . همچنان ازمیوهٔ
پورتقال هم ثمرهٔ حاصل نخواهد شد . حالانکه همهٔ کارهای دنیا باندیشهٔ
استقبال آمال پیش میرود . اگرما بکاریم . ومیتوانیم که یك گروه نهال
ازان بسر برسانیم ممکنست که اولاد واحفاد ما ثمرهٔ آنرا بکمال لذت
وحلاوت بخورند . ودرحق ما خدا بیامرزی بدهند .

لهذا اول اصول ماهمین است که بطریق کاشتن تخم پورتقال نهال
پورتقال را بسر برسانیم . اما بهترین اصولهائی که درنزد باغ دارهای
پورتقال جاری ومرعی میباشد اصول (پیوند) است که باصول پیوند
میوهٔ پورتقال بقوت وکلان ومزه دارتر میشود . ونیز برای اصلا
جنس پورتقال خدمت میکند . اینهم بتجربه ثابت شده است که هم برا
پیوند پورتقال . وهم برای پیوند سنتره . وهم برای پیوندنمو درختهای
نارنج ویا درختهای لیموی شیرین که آنرا ما میگوئیم خیلی نافع ومفیداست
یعنی اگر یك قلمك ازشاخچه گك درخت پورتقال بدرخت نارنج
پیوند شود — یکسال دو سال بعد درخت پورتقال ثمردار اعلای بار
میرسد . ازدرخت لیموی شیرین پیوند کرده درخت نارنج برای پیو
بهتر است .

حالا درینجا بازیك مشکلات عظیمی پیش آمدیم که بازمارا اززراع
پورتقال مأیوس میسازد . مثلا قلمك شاخچه گك درخت پورتقال
ازکجا بدست بیاریم که بدرختهای نارنج خود پیوند کنیم؟ درخصوص
همینقدر گفته میتوانیم که هر کاری که عزم واقدام وهمت اصول
جدی را سنخ شود هیچ شبهه نیست که آخر نتیجهٔ مصرع « عاقبت جوینده
یابنده بود » ظهور می پیوندد . مثلا اوردن یك چند نهال پور
ازجنس اعلاترین پورتقالهای هندستان غیرممکن یك چیزی نیست . بم
اگر نصف مبلغی را که سالیانه برای آوردن میوهٔ پورتقال ازهندست
صرف میکنیم برای آوردن یك چندنهال آن صرف کنیم چندان مش
ندارد . نهالها را اززمینی که دران کاشته شده اند بیکشودن که بیک
ریشه آن ضرری نرسد ازبسیار جقور براوردن . ودر پیپهای پر
ازریگی که خاك وداروی لازمهٔ آن بدرجهٔ معرفت او باشد وضع
باشد گذاشتن . وآن پیپهارا بواسطهٔ ریل تابه جرود رسانیدن وب
لحظه ازریل برداشته درموتر های باربرداری گذاشته بجلال آباد آور
غیرممکن یك چیزی شمرده نمیشود . حال آنکه غیرازین اصول، اصول
ازتخم پورتقال را بسر رسانیدن نیزموجوداست . (باقی دارد)

ازاختراعات محیرالعقول

تله سکوپ — میکرو سکوپ

درشمارهٔ سابق از « ماشینهای دوار طبع » بحث رانده بودیم

نمرهٔ خود خواستیم که از «تله‌سکوپ» و «میکروسکوپ» نام آلتهای غریبه که از اختراعات بسیار عجیب و غریب شمرده میشود یک شمهٔ معلومات بقارئین کرام خود عرض نمائیم .

یکی از اختراعات بسیار عجیب و مفید عالم مدنیت ، تله‌سکوپ و میکروسکوپ است که ، تله سکوپ ، مسافات بعیدهٔ عظیمه را بچشم انسان نزدیک می آورد ، و میکروسکوپ ، چیزهای بسیار کوچک فوق‌العاده را که قوهٔ نظر بشر از دیدن آن سراسر عاجز است بهزارها بار بزرگتر ساخته انسانرا بحقیقت آن مطلع میکرده اند .

(تله سکوپ) چنان یک آلهٔ بدیعه ایست که قوهٔ بصریهٔ بشر را بهزارها بار از حد طبیعی آن زیاده میکند ، میدان رؤیت انسانرا به اعماق فضای بی منتهای سما میرساند ، به کنه سرایر کائنات انسان را رهبری مینماید . این آلهٔ بدیعهٔ تلسکوپ در خصوص کشفیات اجرام سماوی بعالم مدنیت خدمتهای نمایانی بجا آورده است که باین حیثیت از بزرگترین اختراعات عصر مدنیت شمرده میشود . اگر تله سکوپ ایجاد نشده بودی و این مکملیت امروزهٔ خود را پیدا نکرده بودی آیا ، علم هیئت ، امروز بچه حال درمانده گی میماندی ؟ آیا اگر معاونت این آلهٔ بدیعه نمیبود ، «غالیله» نام حکیم مشهور میتوانست که دوران دنیا را بدرجهٔ ثبوت برساند ؟ آیا اگر این اختراع غریبه بمیدان نمی آمد این انتظام قوانین علم هیئت که منظومهٔ عوالم را دور میدهد بدرجهٔ که امروز دیده میشود وضع و تعیین شده میتوانست ؟

بسیاری از محررین و مؤلفین ایجاد تله سکوپ را که اکملترین انواع دوربین است از وقتهای زمانهای قدیم بیان کرده‌اند و در خصوص کتری دلیلها نیز آورده اند . اما متفق علیه همین است که این کشف مهم از اختراعات اعصار جدیده شمرده میشود . محررینی که آنرا از کشفیات زمانهای قدیم ادعا میکنند دلیل یگانهٔ شان این است که معاملات رصدیهٔ فلکیه در نزد ملتهای قدیمه نیز بکامیابی اجرا شده است که اگر دوربین و تلسکوپ نمیبود آیا چسان اعمال رصدیه را بجا آورده میتوانستند ؟ حال آنکه باین فکر خود بازی خورده اند . زیرا حکمای قدیمه اعمال رصدیهٔ خود شان را بواسطهٔ چاههای عمیق اجرا میکردند ، و بسا نها لوله‌های استوانه‌ئی درازی را که مانند لوله‌های دوربین بود ولی آئینه نداشت برای اعمال رصدیهٔ هیئت استعمال میکردند . چونکه درین چاه های چقور و تاریک ستاره‌ها بسیار خوب و درستی عکس انداز میشوند . حتی در روز های روشن نیز ازین چاه ستاره‌ها بخوبی دیده میشوند . لوله‌های استوانه‌ئی دراز نیز مانند یک چاهیست که بدست گرفته شده باشند .

در خصوص ایجاد دوربین اکثر مؤرخین بر یک متفق هستند که در پایتخت مملکت (هولاند) در شهر «لاهی» از طرف «لیپرشی» نام یک آئینه سازی ایجاد گردیده است . لیپرشی یک آدم صنعتکاری بود که بلورهای مدور و محدب و مقعر را برای بعضی از صنعتهای خود میساخت .

یک روزی بود که بچه‌های خورد سال لیپرشی در دکان پدر خود با آن بلورها بازی میکردند که در اثنا یک عدسهٔ محدب و یک عدسهٔ مقعر را که برجاگیهای تختهٔ میز بر کنار عدسه خلانیده بودند و از پشت آن عدسه ها بیرون را تماشا میکردند دفعةً منارهٔ کلیسای بزرگ شهر را که از دکان شان بسیار دور بود خیلی نزدیک ، صاف مشاهده کردند ، و از خوشی بسیار که یک چیز نوی یافتند بمسرت و شادمانی و کف زدن آغاز کردند . لیپرشی از جای خود برخاسته آمد دید که بچه‌ها چه میکنند . چون بر حقیقت مسئله واقف گردید حیران مانده خادم بعملیات ابتدا نموده ، و دوربین را ایجاد کرده در عالم مدنیت شهرت مخترع را حاصل کرد . این است که نخستین دوربین همین دوربینی ست که در سنهٔ ۱۶۰۶ میلادی از طرف (لیپرشی) به اثر تصادف بمیدان وجود و ظهور آمده است ، و رفته رفته ترقی کرده بدرجهٔ این تله سکوپهای محیر العقول موجوده واصل گردیده است .

در سنهٔ ۱۶۰۹ بدست (غالیله) نام حکیم مشهور هیئت‌شناس نیز یک دوربینی آمده بود که بواسطهٔ آن برخی کشفیات فلکی موفق گردید . حتی خود غالیله نیز چند عدد دوربین های رنگ رنگ ساخته است که یک چند دانه آن تاحال در موزه خانهٔ (فلورانس) موجود است . قطر عدسهٔ این دوربینهای غالیله بقدر چار سانتیمتر ، و درازی خود لولهٔ دوربینش درمابین پنجاه سانتیمتر ، تا یک متر است .

اما اصل تکمل و ترقی که در دوربینها پیدا شده ، و بزرگی و جسامتی که امروزه روز در تله سکوپ ها می بینیم مخصوص عصر نوزدهم میلادیست که عصر مذکور مادر همه ترقیات مصنوعات و مخترعات شمرده میشود . برای دانستن درجهٔ ترقی و تکمل تله‌سکوپ همینقدر می گوئیم که در زمان (غالیله) یعنی در سنهٔ ۱۶۰۹ درازی دوربینها از یک متر بیشتر نبود . حال آنکه در بعصر حاضر بهستگی پنج شش خروار ، و درازی بیست و پنج متری مثل تله سکوپی می بینید که تنها قطر بتهٔ آن یکصوم برابر درازی تمام دوربین غالیله می آید . بسایهٔ همت اینچنین تله‌سکوپها امروز روز در حالیکه انسان بجای خود نشسته میباشد بجولان و سیران عالم فضای بیپایان کامیاب میاید . بقوت تیزی رؤیت تله‌سکوپ ، بهر قصور عاجز انسان به اسرار های سیاراتی که ، منظومهٔ شمسی ، را تشکیل داده‌اند نفوذ مییابد . قطعه‌ها ، بحرها ، قطبهای منجمدهٔ سیارهٔ (زهره) یکان یکان دیده وشناخته میشود ، کوهها وادی‌ها ، دشتها ، دره‌های کرهٔ ، قمر ، در پیش چشم انسان بتمامها جلوه گر می گردد . حتی خریطه ـ یعنی نقشهٔ ـ مکمل آنهم گرفته میشود .

والحاصل تله سکوپ یک آله و واسطهٔ بی‌نظیر هیئتیه ایست که خاصهٔ تدقیق و مشاهدهٔ خوارق و بدایع کائنات را عامبخشد ، با تله سکوپ وقت و زمان خسوف و کسوف ، و صفحاتی که عاید به دور و سیر کرهٔ زمین است ، و همه حرکات قمر که ثانیه بثانیه بوقوع می آید معلوم و معین می گردد . جولانهای سیارات ذوالذناب ـــ یعنی ستاره‌های دمدار ـــ را قدم بقدم تعقیب می کند . بنابرین ، چون این آلهٔ بدیعه تعیین کردن و تدقیق نمودن احوال و حرکات اجرام سماویه را که بمیلیونها کیلومتر مسافه از کرهٔ زمین بعد مسافه دارند ، بساکنان زمین عطا و احسان می کند ، و انسانرا بر عظمت و کبریائی خلاق عظیم الشان کائنات و بدایع مخلوقات او سبحانه معترف و آگاه میسازد اگر یکی از بدایع مخترعات و ایجادات بشریت و مدنیت شمرده شود جائز است .

§

آمدیم بر آلهٔ که آنرا (میکروسکوپ) می گویند : این آله برعکس دوربین است که آن دور را بچشم نزدیک می کند ، و این نزدیک و خورد را بچشم بزرگ می گرداند . اما خورد که گفته شد ، خوردی (ذره) و بزرگ کردن (ذره‌ها) را گمان نباید کرد . این آلهٔ میکروسکوپ از ذره بینهائی که ما برای ساعت گیری یک کیک را سه چار بار بزرگتر با آن می بینیم خیلی فرق دارد . زیرا میکروسکوپ (میکروب) نام

اجسام اصغر الاصغری را بچشم انسان مجسم می‌گرداند که از ذره خیلی کوچکتر چیزها هست. کوچکیٔ آنرا از این یك قیاس باید کرد که در یك قطره آب زلالی که چند بار صاف شده باشد، و بچشم نی بلکه بذره بینهای موجوده نیز هیچ چیزی در آن دیده نشود. چون یکبار آن قطرهٔ آب زلال را باین آلهٔ بدیعهٔ خارقه نما نظر کنیم بصدها حیوانات مختلف الشکل عجیب وغریبی در آن قطره در حرکت وجولان می‌بینیم. کار میکرو سکوب تنها همین قدر نمیباشد. بلکه بواسطهٔ این آلهٔ عجیبهٔ بدیعه که بطامی کوچك وبعضی خیلی بزرگ ست در همهٔ شعبات علمیه وفنیه و کار گذاریٔ بشریت مهمترین وبزرگترین خدمتها وروی کار می‌آید. حتی یکی از علمای فنون جدیدهٔ عصر حاضره می‌گوید: — «اگر میکرو سکوب اختراع نمیشد، امروزه روز دروازه های ترقی برای بسیاری ازفنون مسدود میماند. وافکار بشر بیك صورتیکه دل آدم را بسوزد دوچار شك وفشار میشد.»

حقیقتاً میکرو سکوب امروز برای اصحاب فن وصنعت یك واسطهٔ تحقیق وتدقیق بسیار لازمی وضروری شمرده میشود علی الخصوص در فن طبابت خدمتهای نمایان بسیار عمدهٔ که آلهٔ بدیعهٔ میکرو سکوب بوجود آورده هیچ انکار شدنی نیست. اگر همین آلهٔ نیکی که از سه چار پارچه بلور های محدب الشکل، ویك آئینه، ویك لولهٔ دوربین مانند کوتاه، ویك دو سه پیچ وغیره تشکیل یافته موجود نمیبود (پاستور) نام حکیم مشهور ومعروف فرانسوی باینقدر کشفیات (میکروب) های امراض مختلفه کامیاب نمی‌آمد. وامروزه روز حیوانات کوچك کوچك میکروبیٔ امراض مختلفه مانند (سگ دیوانه گزیدگی)، و (خناق) و (فرنگی)، و (حمای تیفوئیدی) وغیره که مدهشترین وموحشترین دشمنان حیات عالم انسانیت میباشند کشف وپیدا نمیشد. این است که اسباب مولده وسرایت تأثیرات مدهشهٔ این حیوانکهای میکروبیه، همگی بسایهٔ همین آلهٔ میکرو سکوب بمیدان برآمده است. واز وقتیکه این میکروبها بواسطهٔ آلهٔ میکرو سکوب کشف گردیده چاره‌ها وعلاجهای مؤثر آن مرضهای مهلکه را نیز پیدا کرده اند.

خدمتهای میکرو سکوب تنها به کشف میکروبهای امراض برای حیات بشر منحصر نماند بلکه بواسطهٔ این آله رگ وپود رگهاویها وصفحات استحاله های عجیبی که انساج بدنیهٔ انسانی را تشکیل داده اگر ادا یك عوارضی پیش شود بواسطهٔ میکرو سکوب تدقیق وتحقیق میشود. حتی انقلابات نشو ونمای وجود بشر از وقتیکه بحال نطفه برحم مادر میافتد تا وقتیکه حال مضغه گی را می‌گیرد، ووجود پیدا می‌کند بواسطهٔ میکرو سکوب تماماً معین می‌گردد. علاوه‌بها، در خصوص فن ازرع ذبحیات، و کشفیات معدنیات، وتوصیف الاحجار، وتدقیقات آثار عتیقه نیز خدمتهای بسیار بزرگی برای ارباب فن ابراز می‌کند.

این یك معلوم است که اساس میکرو سکوبها را در اول امر، بلور های محدب ذره بینها که آنرا «ذره بین» یا «زنوسوز» — یعنی چیزیکه بپرتو خود میسوزاند — تشکیل داده است. حالانکه بلورهای محدب ذره بینها — بنام دیگر زنوسوزها ازبسیار قدیم وقتها بمیدان برآمده است. اطلاعیکه تاریخ در ینباب ضبط کرده است دو روایت موجود است: یکی اینکه نظریات اولیهٔ میکرو سکوب را نخستین بار «زاهاریوز انسن» نام متفنن هولاندی در سنهٔ ۱۵۹۰ پیدا کرده. دیگر اینکه: «قورنیل بوس دره بل» نام یك محرری نخستین بار در سنهٔ ۱۶۱۰ یك میکرو سکوبی بوجود آورده است. بهرصورت، مخترع آن هرکسی که باشد باشد، اما مدتهای این تکملات میکرو سکوبهای امروزینه بعد از نصف اخیر عصر نوزدهم میلادی آغاز نهاده است. وامروزه روز درجهٔ نهایت مکملیت را پیدا کرده است. زیرا باین میکرو سکوبهای موجودهٔ حالیه یك چیزی را تا صد هزار بار ازحد اصل آن درازتر کرده بچشم میدارد. مثلاً چون تصور کنیم که یك دانه کیك را سه هزار بار بزرگتر ساخته نشان بدهد هیچ شبهه نیست که تشریح اعضای داخلی وخارجی آن بکمال سهولت اجرا میشود. وچون قدر یك ارزن ریگی که احتمال یك معدن در آن باشد باین آله دیده شود، البته ذره ذرهٔ آنرا در نظر مجسم داده وحقیقت آن انسان را آگاه خواهد گردانید. وچون دریك خون یك قطره زیم یك قطره بلغم وجود یك مریض را باین آله تجربه دیده شود هیچ شبه نیست که بصدها حیوانات صغیرهٔ میکروبیه در آن دیده خواهد شد. ورق رقم دواها واجزاها بر آن حیوانات صغیره استعمال شده تأثیرات آنها تجربه خواهد شد که بسایهٔ میکرو سکوب روز بروز نوبنو میکروبهای اقسام مرضها پیدا شده میرود. وتجربه های گوناگون برای میکروبها اجرا شده خدمتهای بسیار مفید وافی برای حیات نوع بشر بروی کار آمده میرود. لهذا میکرو سکوب ابراز اختراعات بسیار بدیعهٔ گرانبهای این عصر حاضر باید شمرد.

صنایعخانهٔ ادبیات

این یك عنوان جدیدیست که برای تفریح دماغ خوانندگان کرام خویش سرلوحه کردیم. سرلوحهٔ «صنایعخانهٔ ادبیات» ما از نظم ونثر های ادبیهٔ که در آن یك صنعت یك مضمون بسیار بدیعهٔ مضمر باشد بحث میراند.

(ادبیات) یك کائنات واسع وبزرگیست که همه چیز دارد. از آنجمله یك (صنایعخانهٔ) بسیار مکمل ومنتظمی را مالك است که صنعتهای گوناگون، وحرفتهای بوقلمونی ازآن میزاید که انشاءالله درضمن عنوان یك نمایشگاه بدایع صنایع ادبیهٔ فارسیه را بنظر قارئین کرام درمعرض عرض خواهیم رسانید.

صنعت رقطا

رقطا درلغت بمعنی گوسفند ابلق آمده است. اما در صنایع ادبیات نام یك صنعتیست که صنعتگران چیره دست کارخانهٔ ادب دستگاه تخیل یك لفظی یا اثری بوجود آرند که هر کلمهٔ آن از یکحرف منقوط ویکحرف غیر منقوط متشکل شده باشد.

مثلا (سلمان ساوجی) میگوید:

ازاثر بوی خوش طبع تو
باز صبا نافهٔ بیشان کند

دراین شعرفوق چون از سرتا پا بنگرید یك حرفرا نقطه دار و

حرف زا بی نقطه مینویسد . چنانچه (ا) غیرمنقوط (ز) منقوط . (ا) غیرمنقوط (ث) منقوط الی آخره .

حضرت « طرزی صاحب افغان » علیه رحمة والغفران میفرماید :

چون کنم با غم تو توبه زمی   خون می از لب سبو بکشا
ای صنم رو مکن حجاب از رخ   جعدشان زلف و بکشا
زهر باش سیر پای سبو   می عناب رنگ زو بکشا
بام زلف مشکو جام   بسته شد زلف مشکو بکشا

صنعت منفصل الحروف وموصول الحروف

واین صنعتیست که بیشه وران ماشینخانهٔ ادبیات نثری یالفظی ایجاد کنند که همه کلمات آن یا از چنان حروفی مرکب باشد که بهمدیگر وصل نشود . یا از چنان کلماتی تشکیل شده باشد که هر کلمه بدو حرف ، یا به سه حرف ، یا چهار حرف ، یا پنج تا ازان وصل شده باشد .

مثلا حضرت مولانا (جامی) قدس سره السامی درین پنج بیتی که در ذیل مینویسیم اول بیت آن منفصل الحروف است که چسباندن حروف آن بخط نستعلیق فارسی غیرممکنست . دوم آن از کلماتی مرکب است که دودو حرف وصل شده . وسوم آن به سه سه حرف . وچارم آن به چارچار حرف . وپنجم آن به پنج پنج حرف :

رخ زرد دارم ز دوری آن در   زده داغ دردم درون دل آذر
چو من کشت گوئی شب فرقت تو   مه تو کجا شد بدین گونه لاغر
خطت خضر جعد مشک تبت   تبسم لعل لبت تنگ شکر

از مناظر هندستان

یک سمت عمارت کشمیر در کنار نهر

عجب نعیم منعم محبت   بهشت محفل نصیب مقتصر
لبها مسیحی نگهش فسیحی   لطافت صبیحی بگیسو معنبر

ونیز (سلمان) ساووجی درین رباعی ذیل خود همین صنعت را رعایت کرده که مصرع اول را از حروف منفصل . ومصرع دوم را از دوحرف . ومصرع سوم آنرا از سه حرف . ومصرع چارم را از کلمات چارحرفی تشکیل داده است .

ای درد دل آذرزده از زخ آذر   مانی زر مشکین خط تو چاکر
نقش شکن جعد تو کت کاکل قفا   مشکل بکشد بشکل چنبر عنبر

کمالات سلمان درین بیت ذیل صنعت موصل بدوحرف را مراعات کرده است :

لب تو مئی ؤ خط تو سرگرد لاله
شب تو حامل کوکب مه تو با خط هاله

§

حضرت (طرزی صاحب افغان) در رقعهٔ ذیل که برای حضرت (جانان) صاحبزادهٔ مجددی قدس سره نوشته اند نیز صنعت موصل بدو حرف را رعایت فرموده اند :

(رقعه)

« جانانم جانم قربانت !
« حامل نامه کاغذ جانانم بدست من حریف ظریف رساند . هرحرفش »
« مرهم خاطرفگار ناچیز شد . باخون خط بزلالهٔ ترقایق ، جانم برخط »

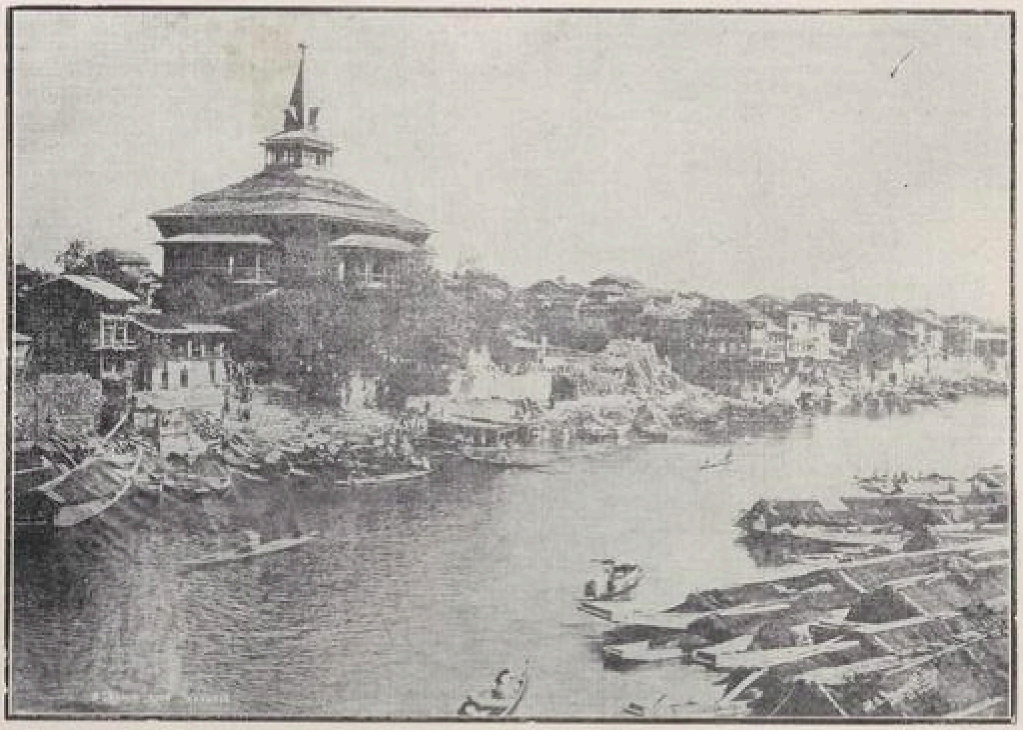

از مناظر هندستان
یك منظرهٔ دیگر از شهر کشمیر

«خوش عاشق . نی نی ! دل بی هوشم ساخت .
«صاحب من ! هرکس‌به جرعهٔ ساغر خم خانهٔ ساقیٔ باقی نوشد . »
«با کف پاکیزهٔ مرحم گذشت . هرکس سر خونیٔ میٔ مریق »
«باطن پاکش گرفت . بدست پرحم شاهد مدعاقایم گرفت . هرسرکه »
«خدمت مرشدکامل یافت ، سالم ماند . هرگز متظاهر ، مافع باطن‌خو »
«شش باید ، باقی : کف پاپچ کر نوبی ساید . پرسر کاسهٔ سر »
«کی دوم . پس اس . »

§

در صنعت منفصل الحروف این غزل ذیل جناب امیر خسرو دهلوی را نیز بشنوید :

ای دل زره دردووا در ره دادار
وزدرد ره آورده دردش آی وو دوو آر :

داوودوش آزادی وازدر رو دوش
آوازدل آزادی دراور زدل زار

رخ زردی رو دلزاری ودادوی رخ ودل
رو رو وروان آرزد ره داداد

دوری زدرداور و دلزار ازان روی
از روح روان دور ز دل درد او آر

ازرادی وآزادی درراه ارادت
آزاد رو وزود رو وودور زآزاد

§

انفصال غزل فوق را دیدید ، حال اتصال این بیتهای ذیل را هم ملاحظه فرمائید که صنعتگران کار خانهٔ ادبیات چه نمونه ها بمیدان آورده اند :

نعیش‌بنجیه‌نکشتیم کبیجمیشنیکشتبجار

دیگر

بشتبنیبشنیشست بشتایشنیشست‌بیست
بنیشتیشتبنیبیست بنیشتبشتبنتنشکست

این دوبیت آخریٔ فوق را صنعت (اسنان انتشار) نیز میگویند ، وبرای آنکه خواندن آن خواننده را زحمت ندهد ، بیتهای مذکور رابه املای درست هم مینویسیم :

بیت اول

تن عیشم نحیف گشت بغم کل عجم نهفته گشت بخار

دو بیت آخر

بیش تب بی پست نشست بیش تب بی سست بیست
سست پیش بیش تب تن بیست تنش بیش‌تن سست شکست

یادآوری

شاعران شیوابیان وادیبان نکته سنجان وطن عزیز خود را یاد آوری میکنیم که مقصد « سراج الاخبار افغانیه » ازباز نمودن باب « صنایعخانهٔ ادبیات » این است که در باب ادبیات آثار قدیمهٔ شعرای متقدم فارسی که داد سخنوری را داده اند یک خدمتی ابراز کرده باشد ، موزم » — یعنی یک مجالس خانهٔ ادبیه درمجلات خود تشکیل دهد . واین مقصد میسر نمیرسد مگرآنکه هوسکاران فن ادب اگرآرزوی دوام این آرزوی اخبار وطنیهٔ خود را آرزو داشته باشند ، که میبایدابراز مروت نموده هرکاه در کتابهائیکه درنزد شان موجود است ازان گونه نثری وباطلی که مبنی بریک صنعتی باشد بنظر ملاحظه ومطالعهٔ شان برسد امساک روانداشته برای مدیرعاجز روانه فرمایند که مع التشکر درج صحیفهٔ افتخار نمائیم ، وشکر گذار ادب پروریٔ شان گردیم .

ونیزاگر شاعران شیرین مقال ما بعضی نثرونظم صنعت تحریرخودرا مهربانی کنند آثارها هم بکمال ممنونیت قبول میکنیم ، اما شعر قدیم یا جدیدی که روانهٔ سوی ادارهٔ ما کرده میشود باید که بهمه حال معانیٔ شعریهٔ آن درست ومفهوم باشد ، ونتها رعایت الفاظ ازبهر صنعت اکتفا نشده باشد ، نام شاعر آن هم اگردرنزد فرستنده آن معلوم باشد نوشته شود ، ودستخط خودارسال کننده نیز موجود باشد ، ومن الله التوفیق .

حالات خوشحال خان ختک

بطور اختصار از کتب متفرقهٔ افغانی وفارسی نوشته شده ـ

خوشحال خان ولد شهباز خان ولد یحیی خان ولد ملک اکوخان ـ قوم ختک ساکن ملک پور المعروف بسرائی

ولادت خوشحال خان ـ ش ؛ درسنه ۱۰۲۲ ه ـ چونکه قوم ختک از قدیم باقوم یوسف زئیٔ عناد و عداوت داشت — وهنگامهٔ کارزار همیشه درمیان ایشان گرم می بود ـ ازاین سبب پدر مع اجداد خوشحال خان درجنگهائی مردم یوسفزائی بقتل رسیده اند ـ خوشحال خان درزمان سلطنت شاهجهان ازجملهٔ اکابر دولت او وخان قوم خود بود ـ هرگاه اورنگ زیب پدر خودرا محبوس ساخت خوشحال خان ملازمت را خیرباد گفته بوطن اصلی خود مراجعت کرد ـ وبعزت وحرمت تمام اوقات خودرا بسر می گذرانید ـ چونکه خوشحال خان نزد شاهجهان نهایت مقرب وازهوا خواهان او بود اورنگ زیب بسبب خوف که مبادا خان مذکور کدام فتنهٔ رانگیخته شاهجهان را ازقید او رها کند ـ اورنگ زیب ازین جهت قصد حبس خوشحال خان را کرد و ظاهراً برای اوچنان نوشت : —

چونکه شما یک شخص دانسته ولایق میباشید همچنانکه درعهد شاهجهان عزت وحرمت داشتید در دربار من نیز شمارا بهمان قسم عزت ومرتبه عطا کرده خواهد شد لهذا باید که شما حاضر دربار فیض آثار پادشاه متبوعه شوید . خوشحال خان باوجود کمال ودانش به تحریر او فریفته شده درسنه ۱۰۷٤ ازمسکن خود بطرف دهلی بهوای جمعیت کثیر روانه گردید — چون بپشاور رسید صوبه دار پشاور فوراً اورا بقرار فرمان اورنگ زیب که قبل ازین برای اورسیده بود محبوس کرده باو گفت اگر شما مبلغ ٤٠ هزار روپیه برای من بدهید شمارا رها میکنم ورنه بطور یک بندی بحضور اورنگ زیب پیش خواهید شد ـ خوشحال خان بخیال اینکه دروقت شاهجهان خدمات بسیار کرده ام شاید که اورنگ زیب علاوه ازرهائی بلحاظ حقوق خدمات سابق بمرتبهٔ بزرگ خواهد رسانید ـ ازین سبب برای صوبه دار مذکور گفت که من جهت شما یک حبه ودینار نمیدهم بلکه میخواهم که بنده را بدهلی روانه کنید ـ صوبه دار پشاور خوشحال خان را بحفاظت تمام روانهٔ دهلی کرد ـ اگرچه اقوام خوشحال خان چند مرتبه برای جنگ ورهائی دادن او جمع شده بودند ـ مگر خوشحال خان ازین ارادهٔ شان باز داشت — بالجمله دروسط ماه مبارک رمضان سنه ۱۰۷٤ ه بدهلی رسید ـ وبعداز عرصهٔ چند دربارهٔ او ازحضور اورنگ زیب چنان احکام صادر کردند

که خوشحال خان دردهلی محبوس باشد وعیال واطفال او دردهلی آورده شود ـ بمجرد صدور احکام شاهی پسران واو بطرف ملك خود روانه شدند یعنی سعادت خان ومیرباز خان جهت آوردن عیالها دروطن خود آمده آنها را بدهلی بردند ـ بعد از عرصهٔ چهار سال اورنك زیب خوشحال خان را از حبس رهائی داد ـ ومنصبی که درعهد شاهجهان داشت برای اوداده شد ـ اماّاورا درزمرهٔ ملازمین خود منسلك ساخت بعدازچندی خوشحال خان خودرا مع عیال واطفال بکدام حیله ازدهلی کشیده بوطن اصلی خود باز آمد ـ بعدازان بسبب عناد وعداوت اورنك زیب چندمرتبه اقوام خودرا جمع کرده باافواج او مقابله کرد ـ ودریك ویاو محاربه حریف خودرا نیز هزیمت داده است ـ خوشحال خان ازحد زیاده دردیوان خود هجو اورنك زیب کرده است چنانچه خود خان مذکور می گوید : ـ که فردوسی چنداشعار درهجو سلطان محمود غزنوی گفته امامن هجو اورنك زیب را به بارها گفته ام .

مذهب خوشحال خان : ـ اهل سنت وجماعت ومحب علمای حقیقی ومتنفر ازشیخان ریاکار بود .

عادات و اخلاق : ـ خوشحال خان صاحب سلوك ـ واحسان — و مروت ـ وشجاع ـ وسخی بود ـ با وجودیکه در سال مالك بسیار مبالغ میشد اما چونکه آنرا بطور جوانمردی وسخاوت صرف وبذل می کرد بقول خوداو کاهی زکوة واجب نشده بود .

شوق شکار را نهایت زیاده داشت چنانچه تا آخر عمر خود شکار میکرد . اگرچه خوشحال خان شعر افغانی وفارسی را می گفت ـ مگر شعر گوئی را بد میدانست عمر : ـ تاریخ انتقال خوشحال خان معلوم نیست ـ مگر اغلب یقین کرده میشود که عمر اومابین ۷۲ و ۸۰ خواهد بود .

کار نامهای خوشحال خان : ـ خوشحال خان مشهور ترین افغانان وخان زبردست قوم ختك بود ـ قوم ختك قریب بیست کثیر تعداد ـ وبسرحد افغانستان وهندوستان مسکن وماوا دارند ـ دیوان خوشحال خان که بحر زخار پند ونصائح وضرب الامثال وجواهر نایاب است ـ درحجم از کتاب دیوان حافظ دو چند بزرك میباشد ـ اگرچه درعلوم وفنون مختلفه این شخص زائد ازیکصد کتاب تصنیف کرده است ـ امافی الحال از تصنیف اوهمین دیوان وفضل نامه ـ وفرخنامه ـ وریاض الحقیقه ـ وعیار دانش ترجمه انوار سهیلی بمشکل میسر میشود ـ این بدیع افغان درا کثرعلوم معقولات ومنقولات علامهٔ دهر گذشته است ـ علاوه ازین خان موصوف در شجاعت وجوانمردی وسخاوت رستم وقت وحاتم دوران خود بود خوشحال خان پنجاه و شش فرزند نرینه علاوه از دختران کثیرالتعداد داشت که منجملهٔ ایشان ۳۲ فرزند اودرجهٔ اعلی شاعر بودند ـ اقوال اوقریب بدرجهٔ اعجاز رسیده است ـ واکثر آنها ضرب الامثال گشته اند ـ اشعار افغانی اوبی مثل واشعار فارسی خوشحال خان بدرجهٔ اعلی میباشد ـ خوف تطویل اجازت نمیدهد که اشعار او قدری نقل کرده شود تاهم بطور نمونه چهار شعراو درافغانی وفارسی معروض میدارم :

اشعار افغانی

ډیو طلسم ئی بی اعتباره له خاك باده آب نار —
اول هیڅوک پیاېدهم هیڅ نی بځان خبرشه دخدای دیار ؛

(ایضاً)

بیتی عشق دهٔ که نه پوهیږی لوئی پستی ده که نه پوهیږی
پدهٔ زهرسه پداجهان کښ خود پرستی ده که نه پوهیږی

اشعار فارسی

یك نیمه بلهو عمر باطل بگذشت ونیم دگر بشکل و تمائل بگذشت
ایدل پس ازین مباش چون حیران از بهر خدا که عمرت از چل بگذشت

(ایضاً)

امروز نه از قصر شهان خانهٔ ماست چون آن بت برگزیده بکاشانهٔ ماست
گنجی که کسی بکنج ویران طلبد زین به مطلب که گنج ویرانهٔ ماست

احقر العباد غلام محی الدین افغان
۲۷ شوال سنه ۱۳۳۳

(کل من علیها فان ویبقی وجه ربك ذوالجلال والاکرام)

(قصیده افغانی)

امید مکړه چه عیش بهٔ ئی خوشحال په دنیا کښی دی هرڅی له زوال
هیڅ شی ئی نه ثبات او قرار نشته دی ثبات دهغه تاتو دیر محا
پادشاهان ده گذشته زمان چه شو چه دی ووصاحب دجاه اودمال
خودارهٔ سکندر کل جهان دی چه دی لارسه له دنیا نهٔ عال
لانی مرته چه اجل ورته راغی نهٔ پکاریٔ پادشاهی شوه نهٔ اقبال
د بابل اوده نینوی سلطنتونه دانی نیرشو لکه نیرشی دیاخیال
ورمکو کړو فرهٔ داشان نیرشه لکه نیرشی په خوشی کښی اندك ملا
ورورونه کښی فصیح لکه سبحان او کټلی لکه یوسف صاحب جما
اوکه فرد فریدون تاره حاصل نی او جمشید عونه دجامی مالامال
اوکه عقل دلقمان جله ستا نی معمر لکه چه نوح ئی نه یکار
اوبه ونه که دراز لکه چه نوح نی اورستم عونه که ئی قوی
اوبه عدل کښی که ئیلکه عمرنی که بحیا کښی ئی عثمان خوش خص
او که به قرأت کښی ابی کعب ئی اوبزر عونه که ئی صادق مقا
به شجاعت کښی که خالد وید ئی اوبه خط کښی که ئی روی دهلا
القرض چه مکمل بهٔ هر صفت ئی نه دی لاوی په دنیا کښی
چه داهی داجل ناوته نازل ئی نهٔ به وکړی له دنیا ئه از محا
ای افغان ناصح مشه وتوزخه مکرنه که ئی کار بند به

حقیر العباد غلام محی الدین افغان

ادبیات

ترکیب بند مسدس

به امضای فرغانه‌ئی معلم صوفی زاده محمد شریف بما رسیده

یارب نیاز بندهٔ ناچیز از توان
ازروی لطف عالم اسلام را ببین
رفتار خود نکه کن وعصیان مامبین
ملت بعجز نقص خود اقرار و نیز مکین
ظل سراج ملت ودین وزره مبین
مرحمتت مباد کم زسر جمله مؤمنین
اکنون زخواب دائمی بیدار گشته ایم
از کیف کهنه اندکی هوشیار گشته ایم
وز انقلاب چرخ چو بیدار گشته ایم
حالا بعشق حب وطن یار گشته ایم

درسایهٔ امیر جهانگیر تخت زیب
سطح جهان چمن شد وما آن چو عندلیب

غیرت فزوده صنعت یوروپ بر شان قوم
باغبطه بخش غیرت ملت زبود قوم

هرکس بنقص خویش روادیده شتم ولوم
هردم شنید نوکری بعد از صلوة وصوم

به به چه خوش شهنشه مختار مستقل
حی حی زهی عساکر اسلام وشیر دل

بامو تحیات کافهٔ اسلام را بده
بر زر جریدهٔ توجهان نام را بده

فیض نظام ورونق احکام [illegible]
ما حاجیان کوی تو احرام را بده

وانگه بسوی کعبهٔ خدمت روانه کن
باخود زخم تیغ شهادت نشانه کن

مایان جان موحدو اسلام پیشرو
دستار ماخون شهادت شده گرو

قلقال ماکلاه سپاهی بوقت دو
محراب ومنبر نبوی بیدق ویلو

عصار های دوست جوانان صف شکن
قربان دین یکسرو عشق چمان تن

طوب وتفنگ وخنجر وشمشیر توطبور
شایان افتخار ومباهات وجشن زور

مایان اگرچه اوزبک وفرغانه شهردور
لیکن دعای دولت وملت بما ضرور

مکتب اصول صوتیه را کرد ناقبول
واشد بروی اهل ترقی ره وصول

وزهمدو روم بعض ادیبان خوش مزاج
الحق فدای ملت وپروانهٔ سراج

همدرد احتیاج و رفیقان ابتهاج
هریک مدیر دائرهٔ حسن امتزاج

جمعیت تجمل مارا نگاه دار
از هر ضرر حوادث ایام روزگار

تشریف کرد خانهٔ مشتین نیکبخت
فیض ستوده داد باولاد پای تخت

تلفون وتلگرام ومتاع وقماش ورخت
موتر براه تر وسواری براه سخت

از حاسدان دشمن واغیار الحفیظ
یاربکه بیوفت ازان یار الحفیظ

امروز روز روشن وشب همچو لیل بدر
مرحا روی بچشم مسلمان نموده قدر

حرب حنین وجنگ احد گوو دار بدر
منقوش شد بصفحهٔ تاریخ تاصدر

از افتراق تفرقهٔ قوم الغیاث
وقت دمیدن سحر از نوم الغیاث

اینهم ازان دمی است که عیسی دمیده بود
این حرف ازان حروف که موسی شنیده بود

این لطف ازان لطیف که عالم ندیده بود
سلطان انبیا شب معراج دیده بود

جمعاً بکی بحبل الهی زنید دست
همچون هجوم عام ارواح در الست

قرآن فتاده آیت وآیت ورق ورق
در ابتدای دعوة حضرت براه حق

از غیرت امام رسل گشته ماه شق
دنیا گرفته در مدنیت زما سبق

از صوفی زاده جز قرو انکسار نیست
بخشا کریم در کرم اینچه عار نیست

حوادث داخلیه

جناب حق وحافظ مطلق ممالک اسلامیه را از جمیع آفات وبلیات ارضی وسماوی محفوظ ومصون فرماید .

درشمارهٔ سابقهٔ خود جدول حساب اصابات ووفیات مرض منحوسهٔ مدهشهٔ هیضه را از آغاز وقوع مرض تا به آخر ماه شوال از قرار رپورتهای محکمهٔ کوتوالی نوشته بودیم . اگرچه از فضل ومرحمت خداوندی از تاریخ ۲۹ ماه شوال تا بحال مرض رو بتخفیف نهاده ولی چون بالکل منقطع نشده است لهذا آزاد مملکت را ازاین مرض گفته نمیتوانیم . این است که جدول حساب اصابات ووفیات را از قرار رپورتهای محکمهٔ کوتوالی از تاریخ غره ذیقعده تا به ۱۲ ذیقعده درج صحایف آنسف میکنیم که از جدول مذکور بدرستی معلوم میشود که حال مرض در یکعروج ونزول عجیبی دیده میشود .

اصابات	وفیات	تاریخ وموقع
		از پنج بعد از ظهر [illegible] شنبه تا پنج بعد از ظهر [illegible] غرهٔ ذیقعده
۱	۰	در شهر
۵	۱۳	در اطراف شش کروهی
		از پنج بعد از ظهر یکشنبه ۱ تا 〃 〃 دوشنبه ۲ 〃
۲	۰	در شهر
۸	۳	در اطراف 〃
		از پنج بعد از ظهر دوشنبه ۲ تا 〃 〃 سه‌شنبه ۳ 〃
	۰	در شهر
۲	۵	در اطراف 〃
		پنج بعد از ظهر سه‌شنبه ۳ تا 〃 چهارشنبه ٤ 〃
۰	٤	در شهر
۰	۰	در اطراف 〃
		از 〃 روز چهارشنبه تا 〃 پنجشنبه ۵ 〃
۰	۲	در شهر
۰	۰	در اطراف 〃
		از 〃 〃 روز پنجشنبه تا 〃 جمعه ٦ 〃
۰	۰	در شهر

٠	٠	در اطراف « «
		از « « یوم جمعه تا به « شنبه ۷ «
٠	١	در شهر
٠	٠	در اطراف « «
		از « « یوم شنبه تا به « یکشنبه ۸ «
٤	١	در شهر
٧	٤	در اطراف « «
		از « « یوم یکشنبه تا به « دو شنبه ۹ «
١	٠	در شهر
٨	٤	در اطراف « «
		از « « یوم دوشنبه تا به « سه شنبه ۱۰ «
٤	١	در شهر
٧	٥	در اطراف « «
		از « « یوم سه شنبه تا به « چهارشنبه ۱۱ «
١	٠	در شهر
٦	٥	در اطراف « «
		از عصر یوم چهارشنبه تا به عصر پنجشنبه ۱۲ «
١	٢	در شهر
٤	١	در اطراف « «
٦١	٤١	

از دفتر اینبیك آقای ملکی

سید جعفر خان حاکم کورستان ارقام داشته است که در یوم دوشنبه ۲۸ ماه شعبان المعظم بدره پنج باران زیاد شده عیالهای مردم لنده لام در آسیاب جهة آرد نمودن گندم رفته بودند وقوع سیلاب شده موازی هشت نفر اناثیه وبیست فرد گاو وگوسفند ورا برده نقصان برای مردم مذکور رسیده — ویکنفر پسر را نیز سیلاب برده بود مادر او جهة بیرون آوردن پسر خود را در سیلاب انداخته هرقدر تلاش نموده که پسر خود را از سیلاب بیرون آید ممکن او نشده آخر الامر پسر مذکور از سیلاب بیکمال صحت برآمده مادر مذکور فوت گردیده

از دفتر اینبیك آقای ملکی

عبدالطاهرخان حاکم لادان مرقوم داشته است که در یوم سه شنبه سلخ ماه شعبان در فراجغان ودره اسمعیل زائی باران زیاد شده سیلاب جاری گردیده موازی شانزده نفر مرد واناثیه را از علاقه فراجغان برده ونیز مالداری مردم را از گاو وگوسفند ونیز از سیلاب برده است وخرابی زیاد در املاک شان رسیده است ودران منطقه گرد باد مخالف وزیده در بعضی قریجات مثل نقان اشجار قدیمه وغیره را از بیخ کنده —

حوادث خارجیه

خبرهای جنك از اخبارهای یوروپ

فرانسیسها از روسها ممنون نیستند

اخبار (تن) مینویسد که فرانسیها با متفق خود شان انکلیزها ، از آغاز جنك تاحال دوش بدوش در رزمگاه غربی تا یك درجه ابراز موجودیت توانسته نمودند ، ومقابل آلمانها کم وبیش فعالیت وموفقیت شان دادند ، حال آنکه متفق دیگر شان یعنی روسها در حرکات عسکریهٔ شان بجز مغلوبیت وهزیمت پی هم دیگر چیزی دیده نمیشود ، اگرچه افسرهای ارکان حربیهٔ روس این شکستهای خود شانرا میخواهند بنظر عالم یك (پلان رجعی) — یعنی نقشهٔ جنك باز گشت — نشان بدهند ولی اینرا متفقهای او باور کرده میتواند ، ونه خود روس نی ، نی ! این جمله اردوهای روس بجز هزیمت ومغلوبیت دیگر هیچ معنا ندارد ، از همه بدتر که این شکستهای پی درپی روسها در خصوص شکست قوهٔ معنویه نیز خیلی موثر است ،

سفیر جدید بلغارستان در برلین

موسیو « رزوف » که دریتوقت از طرف حکومت بلغار بسفارت برلین مقرر شده است قبل ازین مقرری خود در (روما) سفیر بود وازدوستان پرنس « بولو » وازطرفداران شدید پولتیك اوستریا وال میباشد . ازین سبب موسیو (رزوف) مذکور بعد از اشتراك ایت بجنك در روما مانده نتوانست .

استنکاف کنادائیها

اخبار (لوکال انجایگر) مینویسد که از کوپنهاگ خبر رسیده کنادائیها از فرستادن دیگر عسکر برای انگلستان استنکاف ورزیده اند

بیرق المان در اسکندرون

اخبار (شبها) مینویسد که برقولسونیانهٔ (اسکندرون) بندرگاه (حلب) است بیرق المان نصب بود . یك کرووازور فرانسو در قربهای آن بندر غیر مستحکم بغرض آمده برای حاکم بندر فرستاد که بیرق المان را فرو آرد . حاکم طبعاً جواب رد داد . ل کرووازور مذکور بیرق مذکور را نشان گرفته یازده گلوله بران بینداخ گلولهٔ یازدهمی بر بیرق مذکور اصابت نموده بیرق بزمین افتاد . و خادم مصطفی نام یك نفری عسکریهٔ عثمانی بیرق مذکور را از ز برداشته وبر کنار دریا رفته ، وبیرق را بهوا جنبانیده « زنده باد های عثمانی والمان » گفته بصدای بلند فریاد براورده .

طریق جنك المان

یکی از (آتشه ملیتر) های دول بیطرف بایك مخبر اخبار (ل بشر لونید) در اثنای ملاقاتی که کرده است بیانات ذیل را نموده است « اگر گفته شود که درین زمان حاضر استاد اول فن حرب المانها هیچ مبالغه نباید پنداشت . موجد ومخترع نقشه ها وپلانهای نوبنو تازه میباشند . درحرکات عسکریه چنان چیزهای اختراعی کرده درهیچ کتاب وهیچ آثار حربیه دیده نشده است . وهم این حرکا صورت عمل در وقت جنك ودر اثنای حرکت دمبدم بروی کار می آ مثلا درعین حرکت تجاوزی یك اردوی جسیمی ، دفعةً دیده میـ که یك وضعیت تدافعی غیر متوقع درامدند . ویا درحالیکه وضعیت را تدافعی نشان میدهند ناگهان چنان وضعیتهای تجاوزی را دفعةً ب کار می آورند که دشمن را سراسیمه ومتحیر میسازند . هراقدر فتو که در رزمگاه مشرق به کامیابیٔ تام حاصل کرده اند همه از نتا همچنین حرکات محیره وغریبهٔ عسکریهٔ شانست . « وارسا » را بدست گرفتند که روسها هیچ پی به آن نبردند . درحالیکه روسها استحکا قلعه های خارجی وارسا را بصدها توپها و انواع اسباب تدافعیه سیمهای خاردار وتفنگهای آتشبار وغیره مستحکم نموده منتظر هجا

بسیار شدیده وخونریزانهٔ جرمنها بودند ، وجرمنها نیز همچنین نشان میدادند که بهجوم و حمله آغاز خواهند کرد دفعةً دیده شد که بیک سرعت خارق العاده وارسارا گذاشته ، ازدو طرف رنجاد استرو لنکا وگرودنو ، ودیلونا وگرودنو چنان پیشقدمی‌را پیش کردند که نقشهٔ جنگ روس را زیروزبر ساخته بجزاینکه تنها از وارسا ، بلکه ازتمام قطعهٔ (پولند) بیرون رانند دیگر چارهٔ ندیدند ، حال نیز همچنین حرکتهای بی غلط از طرف ریگا سرراست بدو قول پیشرفتن را خط حرکت گرفته‌اند که یک قول بر ء ماسکو ء ویک قول بر ء پتروگراد ء وکذلک ازطرف جنوب یک قول بطرف ء اودیسا ء ویک قول بطرف ء کیف ء خط حرکت پیشرفتن‌را در مدنظر دارند ، یکی هم از حرکات چپ انداز حرکات عسکریهٔ جرمن است کدر اثنای حرکات تجاوزیه دفعةً یک حال تدافع و توقف را میگیرند که دشمن باز بامیدها افتاده حمله کردن را شامیپند ، حال آنکه این توقف بجز اینکه یک کمی دم راست کنند ، وجاهائی را که گرفته‌اند انتظام دهند ، وسر از نو نقشه‌ها وپلانهای جدید اختراع کنند دیگر چیزی معنی نمیباشد .

فراماسونهای المان

اخبار ولیز تلغرافات مینویسد که لوج ء فراماسون ء المان دراجتماع دورهٔ خود شان ، بافراماسونهای فرانس وایتالیا قطع علاقه نمودند .

از مناظر هندوستان

استیشن ریل شهر سکهر

[فراماسون ـ یا ـ فرامیسن که در زبان ملت ما آنرا ء فراموش خانه می گویند یک جمعیت مخصوصه ایست که درهر طرف دنیا جاهای آن موجودات ، ومحفلهای آنرا ءلوج ء می گویند . درخصوص اسرارها واتریکهای جمعیت فرامیسن انواع روایتها و حکایتهای عجیب و غریب زبانزد شده است . حالانکه آنهمه روایتها بجز مبالغه دیگر چیزی نیست درحقیقت یک جمعیت دنیوی ایست که برای بعضی تریکهای مسلک خود شان وپیشرفت مقاصد مخصوصهٔ شان بنام خدمت انسانیت ، وعقد اتحاد واخوت یک لباس هزار رنگ ، وپرده‌های رنگارنگ برروی کار آورده اند ، این جنگ رستخیز آهنگ چنانچه پرده از روی بسی اسرارها برانداخت ، پردهٔ فرامیسنی‌را نیز پاره نمود مثلا یکی از پرده‌های فرامیسنی این بود که دو فرامیسنی هیچگاه باهمدیگر خود دشمن نمیشوند ، وباز یکدیگر بیگانگی نمی کنند ، اگر درشرق باشد اگر درغرب همدیگر خود را میشناسند ، و بمعاونت ومددکاری یکدیگر بجان می کوشند حال آنکه دروقت حاضر همهٔ دولتهای کهبایکدیگر جنگ وخونریزی می کنند ومنافع یکدیگر را پامال میسازند پادشاهان شان ووزرای شان وبسیاری ازاهالی شان بیکلوجی ازلوجهای فراماسون ـ یا ـ فرامیسن منسوب میباشند . زهی خدمت انسانیت ! خری یگانگی واتحاد واخوت ومعاونت !!! سراج الاخبار افغانیه]

غرق کشتی ملازسنیک

اخبار (دیلی نیوز) لندن درخصوص غرقشدن (ملازسنیک) نام

کشتیِ جنگیِ زرهپوش انگلیزی که چندی پیش ازین در پیشگاه آستانهٔ داردانل غرق شده بود چنین مینویسد : —

ضایع شدن زرهپوش «مژستیك» در انگلستان موجب تأثرات بسیار عمیق شده است . یکی از متخصصهای امور بحریهٔ انگلیز میگوید که ظهور یافتن تحت‌البحر های المان در بحرانها برای دسته‌های کشتیِ جنگیِ ما در پیشگاه آستانهٔ داردانل یك تهلکهٔ عظیمی شمرده میشود . طوبخانه‌های ساحل عثمانی که بصورت بسیار ماهرانه ستر شده است . واستاسیونهای طورپیدو ومینه‌های دائمی طوریلها ئیکه درمدخل تنگه افشانده شده است کم بود که حالا تهلکهٔ عظیمهٔ کشتیهای تحت‌البحر نیز بران افزون گردید . دایرهٔ فعالیت و کار کنندگیِ این کشتیهای تحت‌البحر جرمنی بقدر یازده میل امتداد دارد . از آغاز حرب تا دسته های کشتی جنگی مان زرهپوش «مژستیك» تقریباً ده و کشتیهای جنگیِ اعلا ضایع کرده است که بااحتساب دسته‌های ک جنگیِ ما درمدتی بیست ازسیصد کشتیِ ما ستیك نقصان یافته اس حال آنکه دسته‌های جنگیِ المان ازین گونه وان سیصد هیچیك ک ضایع نکرده اند . پس چون یك‌قدری فکر کنیم معلوم میشود ک ضایعات بحریِ ما در بالهٔ ترازوی میزان حرب چقدر سنگینی داده‌اس

بهادران کشتی (ایمدن) در استانبول

اخبار اقدام مینویسد :

معلوم است که بعضی افسرها و نفرهای باقی ماندهٔ کشتی (ایمد

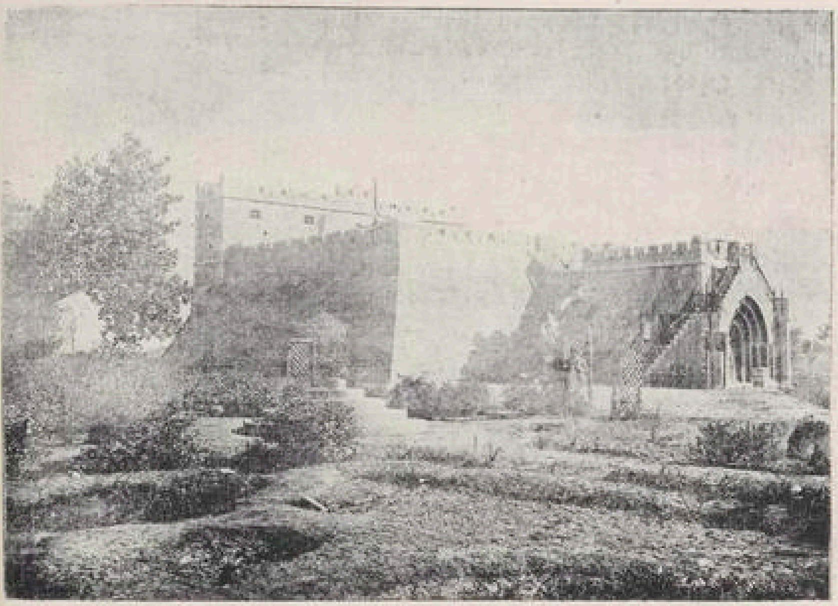

ز مناظر هندستان
مخزن تقسیم آب در سکهر

بچه قدر فداکاریها و دلاوریها از چقدر جاهای دور خود شانرا ازدست دشمن رهانیده تابه‌اسلامبول رسیده بودند . عثمانیها درپاس خاطر آنها ومهمان نوازیِ شان نهایت درجه ابراز همدردی و عزت‌داری میکنند . دیروز نیز از طرف امانت شهر — یعنی منیسپالتی — یك مهمانیِ بسیار مکلف ومعزی درباغچهٔ (سرای طوپقپو) بشرف آنها ترتیب یافته بود که از طرف اعلیحضرت سلطان المعظم ، وولیعهد سلطنت بحیثیت‌مأمور خصوصی ، واز وزرای دولت بعضی ، واز اعضای مجلس اعیان ومبعوثان بعضی ذوات ، وسفیر هـای دولتهای المان ، و اوستریا ، ودیگر بعضی معتبران شهر دران ضیافت حاضر بودند . موزیکهای بحریِ کشتیِ ارطغرل و غیره بنغمه‌های دلنواز نشاط انداز قلوب سامعین می گردید . ضیافت به بسیار فرحت و سرور از چاربجه تا به‌نصف شب دوام ورزید

« حکایتهای محاربه »

عثمانی و روس اول درقفقاس چسان جنگ آغاز کردند ؟

(راپورت عثمانی)

روسها چنانچه درحق دسته های کشتیِ جنگیِ ما در بحرسیاه حمله آوری ناحق اجرا نمودند ، عیناً همچنان در حدود قفقاس نیز معامله نموده بی آنکه اعلان حرب بکنند ، در ۱۹ ماه اول باپنج قول عسکر از قفقاسیه حدود را گذر کردند . هیچ که اجرای اینچنین حرکت دشمن ، از بسیار وقتها پیشتر ترتیب

شده بوده است . واشکار است که دشمن ، دربارهٔ ما از زمانهای درازی حمله آوری را قصد وتصمیم کرده بوده است . قطعه های عسکری ما که محدود بودند بر غم این قصد وتصمیم دشمن ، امرها وتعلیمهای را که به آنها داده شده بود بکمال مهارت وشجاعت تطبیق واجرا کردند . چنانچه اولا دشمن را ضربه‌های شدیدی زده و آهسته آهسته عقب کشیده ، وتلفات بسیاری از دشمن بوقوع آورده فرصت رسیدن برای قطعه‌های عسکریهٔ ما که درپس بودند بخشیدند تا آنکه ترتیبات لازمه وتحضرهای کاملهٔ خودرا گرفتند . قطعه های عسکریهٔ پیشینهٔ ما بسبب پایداری ومقاومتهای بی دریغ که بمقابل دشمن ابراز نمودند ، دشمن باوجودیکه همهٔ قوتهای خود شانرا جمع کرده بود ، بعد از چار روز تنها بحوالی « کوپری کوی » آمده توانستند در کوپری کوی یک هجوم رسالهٔ قزاق روس از طرف یکی از فرقه‌های رسالهٔ ما طرد ورد کرده شد . بعد از آن وی بتعرض وهجوم نارسید . در ۲۲ و ۲۳ تشرین اول حرکات تعرضی دشمن توقف کرده شد و یکدن خندقها وموضع تدافعی آغاز نهادند . رساله‌های ما بجنگ پیاده شده پیش آمدن دشمن را مانع آمدند . دراین اثنا قطعه‌های عسکری ما بآنها رسیده ترتیبات لازمه و وضعیت تعرضیه را اتخاذ نمودند ... [وضعیت تعرض را در ترجمه‌های انگریزی که ترجمانها می‌کنند حمله های جارحانه مینویسند] ... در ۲۵ تشرین اول قطعه‌های ما به حرکات تعرضیه آغاز نهاد . دشمن در جهت عربی « کوپری کوی » در یک موضع قوتمندی وضعیت تدافعی [که مدافعه خود حمله است] ... مقاومت ورزیدند . تعرضهای ما ۲۶ تشرین اول دوام ورزید ، در ۲۶ تشرین اول بعد از پیشین عسکر های شجیع ما در خندقها وسنگرهای دشمن درآمدند ، و موضع قوتمند دشمن را ضبط واشغال نمودند . این موضع از طرف چار الای ، [یک الای از سه بلوک یا چار بلوک مرکبست] — ویک الای طوبخانه ویک فرقه سواری — که کمابیش از شصت هفتاد هزار عسکر باشد — مدافعه کرده میشد . دشمن که از آنجا شکست یافت ، در عقب کوپری کوی دریک موضع شدتاً مستحکمتر دیگری خود را محکم کرده باز مقاومت تدافعی آغاز ورزید که در آنجا دیگر قوای امدادیه نیز برای روس واصل شده بود . در ۲۷ تشرین اول مکمل یک فرقهٔ عساکر خاصهٔ روس یک قول اردوی تمام قفقاس در پیش روی ما افتاده بود . جبههٔ موضع دشمن بدرازی ۱۵ کیلو متر بود واز جهت جنوب موضع شان به نهر « آراس » ، واز جهت شمال بیک سلسلهٔ کوههای بسیار سخت وبالی مستند بود . و بتمام اینجو ضمها محکم بندهای مکمل ساخته بودند . ودرعقب جناح چپ خود دشمن بسیار قوتمند یک قوهٔ احتیاط هم داشتند . در ۲۸ تشرین اول بحرکات تعرضیه آغاز نهادیم . ودر ۲۹ تشرین اول بوقت صبح بر موضعهای دشمن از هر طرف به تعرض عمومی وهجومهای شدید ابتدا ورزیده شد ، بعد از یک محاربهٔ بسیار خونریزی بوقت ظهر یکی از نقاط استنادیهٔ دشمن را عسکر مظفر عثمانی بقوت هجوم سرنیزه ضبط نمود ، وتاوقت شام ازچار حصه سه حصهٔ مواضع مستحکمهٔ دشمن بدست آورده شد . نقطهٔ آخرین استناد دشمن که تپهٔ نمبر ۱۹۰۵ بود بیک شبخون شدیدی بهجوم سرنیزه ضبط گردیده در ۳۰ تشرین اول غلبهٔ عساکر عثمانی نتیجه پذیر شده همه مواضع دشمن بدست عساکر منصوره درآمده اردوی روس بصورت بسیار پریشانی فرار نمود . قطعات دلاور ما دائما درعقب گیری دشمن دوام ورزیدند تا آنکه در ۳۱ تشرین اول وتشرین ثانی دشمن را ازحدود ما آنسو رانده ، دور تعرض ما بر ممالک دشمن آغاز نهاد .

خبرهای جنگ راه خشکه

نقل از جرائد ایران

۲ نوبه ۱۹۱۵ امروز استحکامات عثمانیه فرونده کشتی جسیم نقلیهٔ دشمن را دیده که بلاانقطاع حمل مجروحین میکردند باوجود اینکه این کشتیها علامت فارقه صلیب احمر که مخصوص مجروحین است نداشتند باز استحکامات برایشان گلوله نینداخته اند محاربه که از سه روز باینطرف در سدالبحر باتهابات درجه سخت شب وروز دوام میکرد بحمدالله تعالی بامظفریت کاملهٔ افواج اسلامی اختتام یافته ومیدان جنگ پراز مقتولین دشمن گردیده است درهمین روزها طیاره های عثمانی همه با کمال جلادت بسر دشمنان بمبهای جان ستان می انداختند

۳ نوبه — در سدالبحر دشمن برای جلوگیری ازتدارکات افواج عثمانی یک حمله قطعی برجناح یسار او هرچند بی اندازه صرف مهمات حربیه کرده است بااینهجوم نیز با کافهٔ عثمانیان که داخل خندقهایشان تاب مقاومت نداشته بی اختیار فرار نموده اند از طرف دیگر استحکامات عثمانی در اثنا طول باران گلوله برقایقهای دشمن که میخواستند افواج تازه برای دستیاری قوای مغلوبه ایشان پیاده کنند ریخته وآنان را به تلفات بی عد وحساب دچار نموده اند دیگر سفائن نقلیهٔ دشمن تاب مادون آن احوالی را نداشته بالجمله تمام عقب نشسته اند (آیروپلانهای) دشمن گلوله چند قریهٔ (بی شهر) انداخته بدون تأثیر برگشته اند

٤ نوبه — در فرونت داردانیل وموقع (آری بورنی) دشمن گلوله های برنارخفه کننده انداخته ولی خوش بختانه باد سمتی آن گازهای مسموم را بنوعی متفرق داشت که ابدا افواج اسلامی از آنها ضرری ندیدند روز دویم همین ماه عساکر عثمانی با سرنیزه وهجوم سخت شدیدی تادرون خندقهای دشمن ریخته تمام آنهارا بقتل رسانیده اند استحکامات ساحلی ما باروه که دشمن آتش شدیدی ریخته توپخانه وافواج وآیروپلانهای آنهارا محو وتلف نموده اند

۵ نوبه — درفرونت قفقاز دستجات سواره دشمن که از جناح یمین مادفع وطرد شده با کمال سختی تعقیب میکردد

در فرونت دار دانل روز چهارم نوبه یک ساعت ونیم از ظهر گذشته یکی از جسیم ترین سفائن نقلیه فرانسوی که دارای دو دود کش بوده ازطرف یک سفینه (تحت البحری) باهمه افواجش غرق گردیده است همین سفینه در ظرف سه دقیقه زیر آب پنهان شده است شب همین روز بنابر تاثیر توپخانهٔ عثمانی یک مخزن مهمات جنگی دشمن آتش گرفته اشتعال عظیمی پیدا وتوپخانهٔ دشمن که نزدیک او بوده خراب گردیده است افواج دشمن که برای دفاع حریق بدان نقطه شتاب میکردند آماج گلوله‌های استحکامات اسلامی گردیده همگی تلف شده‌اند

درفرونت (الجزیره) قوای دشمن که بشهرفرات میخواستند جلو روند دچار هجوم مجاهدین وعساکر اسلامی گشته بعداز جا گذاشتن ششصد مقتول که میان آنها یک فرمانده ودو صاحب منصب انگلیسی بود منهزما عقب نشسته اند

ابلاغیه های اخیر عثمانی

میدان آسیا پیشرفت تعرضیه ترکها را درجبههٔ قفقاز خبر میدهد

این پیشرفت در جناح یسار عثمانی خیلی آشکار بوده ، قرار گاه عثمانی ٤ ژوئن خبر میدهد که : افواج عثمانی — که در جوار اولی مشغول هجوم بودند — جناح یمین روسهارا بطرف شرق راندند .

٥ ژوئن خبرمیدهد که : عساکرعثمانی پس ازجنك سختی کوهقره داغرا — که بارتفاع ٢٩٠ متر در دو ساعتی حدود عثمانی ونزدیکی (قلعه بوغازی) واقع است ـ ضبط نموده اند .

٦ — ٧ ژوئن خبر میدهد که عساکرعثمانی روز دهم ماه جاری- یعنی(ژوئن) روسی که مطابق ٢٣ ژوئن فرنکی میباشد ـ آخرین دسته قشون روسهارا ازجوار قلعه بوغاز دفع کرده است . .

١ ژوییه خبر میدهد که : در صحنهٔ قفقاز محاربات — که در مواقع سخت کوهسار واقع است ـ بطرز مساعد بعثمانیان مداومت دارده . عثمانیها دراین محاربات غنایم واسرای زیادی بدست آورده اند کهازجمله غنایم قریب هزار صندوق جبخانه وآلات وادوات استحکامات است . ودر میان مقتولین روس خیلی صاحبمنصب ویك نفر فرمانده بوده .

قوای عثمانی دربغاز دار دانل

برحسب تحقیقات مخبرین نظامی طمس قوای عسکری دولت عثمانی درشبه جزیره کالیپولی در مقابل عساکر متفقین عبارت از ٣٧٥ هزار نفراست

قوای مزبوره متعلق بشش کردار مهستند که در موقع صلح مراکزایشان درقسطنطنیه وادرنه ورودستو وازمیروانکوریه میباشند

بعلاوه آنها دیویز یونهای چندی دیگر قشون درازمیر تشکیل شده که درموقع ضرورت بقسطنطنیه اعزام میشوند

هر دیویز یونی عبارت از ١٢ هزار نفرو هریك دارای شش باطری توبخانه صحرائی بالوازم و لوازم مهندسی وپل سازی ویك بریکاد سوار نظام هستند

بعلاوه اتوموبیل ومهمات نقلیه درهر کردارمه موجودوقریب سی هزار نفردیگر که سه ربع آن بریکاد های سوار هستند در اطراف اردوها برای ماموریتهای خارجی باطراف قشون متفقین حاضردارند

تمام این ششکردار مه دارای توبخانه های سنگین وقلعه کوب هستند که در کلیه دسته جات وباطریهای توبخانه عده کثیری ازصاحبمنصبان وسربازان آلمانی وجود دارد وزرهپوشهای آلمانی طرفین بحر مرمر ودو طرف داخلی بغاز را حفظ مینمایند وتمام وسایل حمله ودفاع را فراهم ساخته اند

در مقابل این قوای عثمانی متفقین یعنی انگلیس و فرانسه نیز جمعا نزدیك ٢٧٥ هزار نفرقشون تدارك دیده اند وباین عده قشون بدیهی است نمیتوان مغلوب کردن قوای عثمانیرا انتظار داشت

مخبر نظامی طمس خاطرنشان مینماید که عثمانی باروبهٔ تدافعی کهاتخاذ کرده استالبته این مقدار قوای وی خیلی عظمت واهمیت دارندوقشون مهاجم نمیتواند بقوه مدافع مزبور برابری نماید ودراینصورت نمیتوان انتظار داشت که باین سهولت وسرعت پشرفتی مابه طرف قسطنطنیه صورت خارجی یابد

قوای جدید آلمانها در مغرب

استردام — وقایع نکارها اظهار میدارند که آلمانها توبخانه جدید ازراه بلژیك به سمت مغرب میفرستند وکوشش میکنند که متفقین از نقطهٔ مقصود ومحل حمله آنها بی اطلاع باشند .

تلفات ده ماهه فرانسه

بموجب صورت رسمی تلفات فرانسه تا ٣١ ماهمه چهار صد هزار
مقتول وهفصد هزار مجروح وسیصد هزار مفقود بوده است .

دعوی قیصر

جریده « عالم یهود » میکوید از روسیه اطلاع رسیده که قیصر چون
وارد شهر لودز شده کیسه رفته پس ازتقدیس ورقه احکام عشر
داشت که او ماشیهٔ (مسیحا) ی موعود است .

آلمان در لهستان

تصرفات مالکانه آلمان درلهستان روس هیچ جای شبهه باقی نگذا
که از حالا آلمان می خواهد آن مملکت را مانند داخلها آلمان اداره نما
دوائر پستی وشعبات تلکراف در تمام نقاط بین لهستان وآلمان مف
کردیده ودر شهر های لودز وغیره که مراکز صناعتی هستند حتی الام
کار خانجات بکار افتاده اند .

ابلاغیه آلمانی

سیصدو هفتاد هفت هزار اسیرجنك

ازاردو گاه عمومی ٣٠ ژوئن وغرهٔ ژوئیه

در (کورلاند) ودر ولایت (کوتو) درماه ژوئن ٢٥٦٩٥
سرباز و ١٢١٥ نفر صاحبمنصب اسیر ویرق وهفت عراده توب و
ماشین بمب افکن و٥٢ عراده مترالیوز ویك طیاره بغنیمت گر
در (کالیس) خط رود خانه (کیلالیا) را قشون ژنرال لیزین
باهجوم متصرف شده ودو هزار وسیصد وسی نفر روسی وپنج
مترالیوز گرفته است مارشال مکنسن درلهستان روس بین رود (و
و (ویستول) جلومیرود وبشهرهای (کارف) و (زامش) ر
است ودرمغرب (ویستول) آلمانها واطریشیها کناررود خانه (
مینسا) جلومیروند .

درماه ژوئن قشون آلمان واطریش درتحت فرماندهی ژنرال (لیزنگ
و (ماکنسن) و (ورتش) ٤٠٩ نفر صاحبمنصب و ١٤٠٦٥٠
تابین روسی اسیرو ٨٠ عراده توب و ٢٦٨ عراده مترالیوز بغنیمت برد

درداردانل درایام اخیره درشمال وجنوب (سدالبحر) و (
رنو) انگلیسها هجوم آوردند ولی باتلفات بسیار شکست خو
درنزدیکی (آراس) فرانسویهارا ازبعضی نقاطی که سابقا گرفته
عقب انشاندیم وهجوم فرانسویها بتپه های (موز) جزشکست و
زیاد آنها نتیجه نداد .

برحسب تلگراف که ازاسلامبول رسیده یك روزنامه سوئدی
میدهد که ازشصت فروند کشتی زرهپوش درجه اول انگلیسی ازاب
جنك تا کنون بیست فروند آن غرق شده است وحال اینکه ازابتدا
کشتی آلمان یك فروند هم غرق نشده است بدینجهت آن روزنامه
اظهار عقیده میکند که موقع نزدیك رسیده است که بحریه آلمان با
درروی آب نزدهاقطور که درتحت البحری جنکند بابحریه انکلیس
نبرد نماید .

قشونهائی که درتحت فرمان صاحبمنصبان اطریشی بوده اند درماه
ژوئن روبهم رفته ١٩٠٠٠٠ اسیر و ١٠٠ عراده توب ٣٥٠
مترالیوز غنیمت گرفته اند ازاردوکاه عمومی ٣٢ ژوئیه ١٩١٥ ضبط

در جنوب و مشرق کالوارایا لشکرهای روس را که روی تپه مرتفع واقع شده بود ۱۰۰۰ نفر اسیر گرفتیم .

قشون ژنرال لیژینکن بسرعت در عقب روسهای شکست خورده پیشرفته از شهر ملدا میل گذشته و از شهر فیرلیف رد شده و برود خانه استالیبیا رسیده است ۷ ۷۶۵ نفر روسی اسیر و ۱۸ عراده متراليوز گرفته است مارشال مکنسن در لهستان از رود خانه (لاونکا) و (رز) گذشته و شهر کرازنیك را اشغال کرده است ژنرال ورش در بوکوین روسها را هزیمت داد و ۷۰۰ نفر اسیر گرفته است .

هجوم روسها در مغرب شهر رادم دفع شد حملات فرانسه ها در نزدیك سوز دفع گردید و همینطور در نزدیکی ارس بار با وجود آنکه فرانسویها گلوله های دستی و بمبهای گازدار زیاد استعمال کردند .

در آرا گن قشون ولیعهد آلمان یك خندق بطول ۳ هزار و سیصد ذرع گرفته است سپاهیان آلمان مرکب از اتباع آلزاس لرن و روتمبرك ۱۷۲۵ نفر از فرانسویها اسیر و ۱۸ عراده میتراليوز و ٤٠ ماشین بمب افکن و توپهای سریع الاطلاق گرفته اند .

بازهم اختراعات المان

بیشتر از هر چیز آلمانها در این جنك بواسطه اختراعات غریبه خود عالم را متحیر کرده اند توپ ٤٢ سانتی متری و بزرکتر از آن تحت البحری های آتش افروز ، زپلنهای مهیب گاز های خفه کننده و بیهوش کننده و موشك های عکاسی و غیره و غیره را سابقاً خبر دادیم و عموم مطلعند مجدد باز خبر چندین فقره اختراع از طرف آلمانها شنیده میشود من جمله دو فقره اختراع یکی برای حمله و دیگری برای دفاع نموده اند . اختراع راجع بحمله عبارت است از مایعی که بتوسط لوله های مخصوص پاشیده میشود و آهن را فورا مثل آب میسازد گویا نام افراسیاب که فردوسی در شاهنامه اشاره کرده میگوید کوه آهن از شنیدن آن مبدل بدریای آب میگردد همین مایع باشد در حمله طرف دشمن و رسیدن بخندقهای خاردار و سیم دار مایع مزبور را بکار برده سیمها را آب میکنند و بی مانع وارد لشکر های خصم میشوند دیگری که مخصوص دفاع است یك نوع سمنت مصنوعی است که پروفسور (روهلاند) معلم یکی از شهرهای دورتموند اختراع کرده و روز نامه آلمانی در هشتم ژوئن اشاره بدان می نماید این اختراع مخصوص ساختن سنگرهای سخت و محکم است بتجربه ثابت شده است که سختی و استقامت آن چندین برابر سنگر های سابق است که از ساروج یا سمنت ساخته میشد .

محکمهٔ غنائم آلمان

جهازات جنگی و تحت البحری های آلمان که حتی الامکان در آبهای مجاور اسیر کردن و بغنیمت آوردن جهازات تجارتی خصم را بغرق نمودن آنها ترجیح میدهند بازهم اخیرا چندین فقره کشتی های مملو از مال التجاره و آذوقه و مهمات را در دریا اسیر کرده و در بندر هامبورك تسلیم اولیای امور بحریه کرده اند .

محکمهٔ غنائم بحری که در هامبورك تشکیل گردیده جهاز تجارتی موسوم بهالاور متعلق بیکی از اتباع هلاند را نگاه کرده و مطابق رای محکمه یکقسمت از محمولات کشتی که برای انگلیس و جنوب افریقا حمل میشده ضبط کرده و قسمت دیگر که برای هندوستان ارسال میشده است رها نموده اند و چونکه نصف بیشتر از محمولات قاچاق و ممنوعات جنگی بوده است خود جهاز را نیز بعنوان غنیمت ضبط کرده اند .

کار خانه جات بحری آلمان بی کار نمانده است

مطابق مراسله که یك نفر از صاحب منصبان بحری آلمان از هلاند نگاشته است کار خانجات کشتی سازی جنگی آلمان بافعالیت فوق العاده تر از ایام سابق مشغول ساختن و اتمام کشتی های بزرك دردنوت و زره پوش میباشند .

بعلاوه تحت البحری های جدیدی که امیرال تیرپتز جدا مشغول ترتیب عده و بکار انداختن آنها است صاحب منصب مزبور اشعار میدارد که آلمان در همین مدت جنك یك کشتی دردنوت درجه اول ساخته است که ۲۵۶۰۰ تن (هفتاد و هفت هزار خروار) ظرفیت این جهاز تنومند میباشد .

یك کرواذر دیگرهم اخیر اتمام کرده که ظرفیت آن ۲۶۲۰۰ تن (قریب هشتاد هزار خروار) میباشد و این کرواذر زره پوش سریع السیر از حیث عظمت در جنس خود منحصر بفرد میباشد بجای توپهای ۳۰۵ میلیمتری توپهای ۳۸۱ سانتیمتری در آن قرار داده اند و این تغییر را باین واسطه در نظر گرفته بودند که این کشتی را مانند کشتی دردنوت سیستم اول انگلیس کوئن الزابت میساختند . بازهم صاحب منصب مشارالیه در خاتمه اظهار میکند که دو فروند کرواذر خیلی سریع السیر که در کار خانه مشغول ساختن آن بودند تمام کرده اند و بآب انداخته اند .

بدین طریق امسال آلمان چهار فروند دردنوت و عده چندی زره پوش و دردنوت بر بحریه خویش اضافه نموده است

بعلاوه عدهٔ زیادی تحت البحری های بزرك و کوچك که همین امسال ساخته اند ۲٤ فروند تحت البحری هریك بظرفیت ۱۲۰۰ تن (سه هزار و ششصد خروار) ساخته اند و بدرجه تکمیل نموده اند که خط عملیات تحت البحریهای مزبور را تا ۳۰۰۰ میل (یکهزار فرسنك) معین کرده و سرعت سیرایشان در روی آب ۲۰ نود است

ازقراریکه معلوم میشود آلمانها تحت البحری های دیگری هم دارند که با پنجهزار میل (هزار و ششصد و شصت فرسنك) یکسره مسافت طی کرده و دامنهٔ عملیات را تا اقیانوس ها میتواند توسعه دهد چرا که مطابق اطلاعات وارده از برلن دولت آلمان اشعار میدارد : بواسطهٔ آنکه کاپیتن هرسکس فرمانده تحت البحری توانسته است پنجهزار میل طی مسافت کرده و در بحر اژه دو جهاز دردنوت انگلیس را غرق نماید نشان « لیاقت » بوی داده شده است .

متعاقب اعلان این مسئله حالا اولیای امور انگلیس این واقعه غرابت آمیز را که شبیه به سحر است کشف نموده اند که تحت البحری های آلمانی از بحر مانش و تنگهٔ جبل الطارق و بحر مدیترانه از میان دنیای دشمن و اسکادرهای بحری انگلیس و فرانسه که دائماً مراقب هستند هزار و هفتصد فرسخ طی طریق نموده و در مقابل داردانل کار خود را صورت دهد بدون آنکه باز هم بحریه انگلیس بتواند کشف نماید که مقر تحت البحریها کجا است و چگونه از انظار مخفی شده اند

مسلك جدید تحت البحری های المان

برای پیش بینی از هر گونه سوء تفاهمی و برای آنکه مقصود از محاصرهٔ بحری انگلستان بعمل آمده باشد و صدمه هم بنفوس مسافرین جهازات

وارد نشود تحت البحرهای آلمان جدیداً مسلك تازهٔ اتخاذ نموده اند
کاپیتانهای پارهٔ جهازات نوروی وغیره که آذوقه ومال التجاره برای
انگلیس بار داشته وخالی وارد نیوکاسل بندر انگلیس شده اند حکایت
می نمایند که دربین راه تحت البحری های آلمان آنهارا ملاقات ونگاه
وبین دوطریقه ایشانرا مختار نموده .

یکی آنکه تمام امتعه واموال که به جهت انگلیس حمل می نمایند
بآب دریا ریخته وبا کشتی خالی خود برای انگلستان روند یا آنکه برای ترپیل
خوردن وغرق شدن مهیا شوند

جای شبهه نیست که کاپیتانهای جهازات مزبوره شق اولرا اختیار
نموده ودر حضور وتحت نظارت فرمانده تحت البحری آلمان تاآخرین
بار آذوقه و آخرین صندوق مال التجاره را بآب دریا ریخته و کشتی
خالی بامسافرین بسوی بنادر انگلیس عزیمت کرده است

این مسلك تحت البحری های قیصر آلمان یك مسئله قضاوتی که
تاکنون چنین موضوعی درامور قضائی دیده نشده بود ایجاد مینماید
عبارت ازاینکه کرایهٔ حمل ونقل این امتعه را بایستی صاحب اموال
که درقعر دریا آرمیده بدهد یا آنکه ازجیب صاحب کشتی بیرون رفته است
این موضوعی است که عنقریب دوائر قضائیه انگلستان بایددرصدد
حل آن برآیند .

حریق های هولناك درانگلستان

دراین اواخر متوالیا چندین حریق مدهش درانگلستان وقوع یافته .
درچندین شهر عظما وبدون هیچ سبب وسابقه گاهی درتجارت خانها گاهی
در دستگاه های کشتیها وگاه درکارخانجات مختلفه حریقهای ناگهانی
واقع شده است .

اهالی ازاین حوادث دچار منتها درجهٔ هیجان وتشویش گردیده .
این وقایع را بالتمام ازطرف جاسوسهای آلمانی میدانند .

علی رغم تدابیر جدی که ازطرف مامورین حکومتی دراطفای این
گونه کارها اتخاذ شده اتصالا برشدت ووحشت این حریقها می افزاید.
چنان که اخیرا درلندن در دستگاه های (ویکتوریا) وانبار های
روغن وانبار پنبه حریق هولناکی واقع شده بعد از ۱۲ ساعت باطفای آن
موفق گردیدند .

در (مانچستر) کار خانه بزرك رنگرزی (جوهر سازی) آتش
گرفته است .

« اتفاقاتنها همین یك کارخانه بوده که ازحیث جوهرسازی با کارخانه
آلمان درتمام دنیا رقابت می کرده است ! »

ژنرال دست وپا شکسته

ژنرال کورو وارد پاریس شده دستراستش درسفر کالی پولی جدا
شده استخوان رانراستش شکاف برداشته وپای چپش شکسته است

خبرهای مختلفه ازاخبارهای متنوعه

مهمات جنك بعثمانی میرسد

دده اقاج بطوریکه اطلاعات غیرقابل تردید حکایت مینماید مهمات جنك
وقورخانه مقدار های زیادی دینامیت ومینهای بحری وترپیل متوالیا
از آلمان بعثمانی میرسد واداره حربیه عثمانی ازحیث ذخایر جنك کاملا
مملو وابداً ازاین حیث عسرتی ندارد

این مهمات حربی ازطرف آلمان برای دده اقاج (بندر بلغار در
از.) حمل شده وپس ازرسیدن آنجا بسوی بلغارستان فرستاده می
لیکن همینکه توسط راه آهن بسرحدود ادرنه رسید مامورین نظامی
آنهارا توقیف وتصرف کرده وبرای خویش نگاه میدارد

ازقراریکه معلوم شده درصورتیکه ارسال آنها ظاهراً بعنوان
ستان است تا کنون ابداً از طرف دربار صوفیه باین اقدامات مخا
لشده است وازاین قرار چنین مستفاد میشود که قراردادی درباط
دربارهای دولتین حاصل است که باین ترتیب غیر مستقیم وسائل حل
وقورخانه از آلمان برای عثمانی سهل وسریع کرده

باغ های امپراطوری

برای فراوانی ارزاق وتدارك اذوقه اخیراً از طرف امپراط
« فرانسوا ژوزف » حکمی صادر شده است که درباغ های م
امپراطوری وین وسایر شهر ها کل گلها وخیابانها را موقتاً مو
کرده وبجای آنها سیب زمینی وسایر صیفی الات که برای تغذیه
است کاشته شود .

تحت البحرهای آلمان کبوتر قاصد هم دارند

ازمخبر هلاند روز نامه دیلی میل تلگراف رسیده که حکایت
آمیزی اززرنگی وپیش بینی تحت البحری های آلمان می نماید تلگ
مزبور حاکی است که سه کشتی ماهی گیری هلاندی را دوسه
ماهی گیری مسلح آلمان تعاقب کرده وآنهافرار کرده وببندر فلسنك
شدند لیکن قبل ازرسیدن یك کبوتر قاصدی را دیدند که ازرو
پرواز می کند وخیلی خسته شده است وازشدت خستگی فرود
ودرکشتی آنهانشست دربال کبوترقاصد نامه برای آلمان دیدند که
کلمه در آن نوشته بود صدمیل ساحل نوشته میشود تاحالا چیز
ندیدیم

ازقراریکه معلوم میشود تحت البحری های آلمان همراه خویش
کبوتر های قاصدی هستند که هرزمان بخواهند اخبار خویش
برمز نوشته وبرای مراکز خودارسال داشته وباین وسیله روابط
خطوط واخبار خودرا ارسال میدارند

راجع به تلفات جنگی انگلیس

(دکترلنك) کشیش بزرك بورلینك عدهٔ زیادی ازاهالی رامخاط
گفت : درهیچ قرنی ازقرون اخیره جدال وباهای شدید وجدا
مسریهٔ دیگر عدهٔ مقتولین باین اندازه نبوده است - روز بروز
تلفات خود مارا میخواهیم وازبس زیاد است خیال نمیکنیم
سختی عارض ماشده - ملاحظه کنید که ازیکدسته پیاده نظا
که دارای چهار صد صاحب منصب و ۱۲ هزار تابین بود فق
صاحب منصب و ۲۳۳۰ تابین باقی مانده اند وازیك رژیمان
چهل صاحب منصب ویك هزار و دویست تابین بود فقط یك
وسیصد تابین مانده است

در چاپخانهٔ حروفی دارالسلطنه کابل طبع گردید

هرمقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر وسرمحرر

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1395 of 1786

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

نمرهٔ ۵ سال پنجم

فهرست مندرجات

مبارکباد عید سعادت انتهای اضحی	(
بمناسبت عید اضحی	(
اخلاقیات	(عجائب قرآنیه
علوم وفنون	(اختراعات محیرالعقول
حوادث داخلیه	(مرض عارضهٔ هیضه
حوادث خارجیه	احوال ایران — واقعه جانی در اصفهان — راجع بواقعه بوشهر — ایضاً بوشهر — اعلان — کذا — شیراز — کذا تلگرافات از طهران — عثمانیها در ساوجبلاغ — تلگرافات خصوصی از برجند — کرمانشاه — سیستان — مرقومه یکی از نامه نگاران ماوراءالنهر — آخرترین خبرهای جنگ — ابلاغیه عثمانی — کاربالدی چطور غرق شد — بلغار وعثمانی — تدارك المان برای حمله بصربستان — تحت البحری المان — تحت البحری زره پوش — بلغار واتفاق مثلث — برودت مابین یونان وایطالی — کانال سویس — ترجمهٔ اخبار های اردو وانگریزی — پرواز طیارهای جرمنی بطرف قسطنطنیه — مجموعه کل تلفات برطانوی — احوال هندوستان — دزدی در اثنای حرکت ریل — دزدی دراز از جندان پور — بجای افیون کارتوس را مده. قتل یك بهره دار — جرمانه در پاداش اشاعت مسایل صیام — احوال دزدی میمن سنگه — خرابیهای سیلاب در لکنهو — انقلابیان هند — خانه تلاشی ها در پشاور —
تصاویر	منظرهٔ غرق شدن کشتیهای جنگی انگلیز وفرانس در پیش گاه دردانیل — از مناظر مصر — قبرستان مصر وزیارت حضرت امام شافعی رضی الله عنه — قبرستان مسلمانان در جوار اهرامها — کاریکاتور السیاسة المصوره —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1396 of 1786

اعلان

از منابع پرورهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جرنیل کارخانه جات، ماشین خانهٔ مبارکهٔ دارالسلطنه کابل علاوه برایفای حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه و اونیفورمهای عساکر شاهانه وغیره، بعضی دیگر مصنوعات داخلی که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت همایون حکم فروش ان صادر گردیده است: محل فروش این چیزهای ذیل (دکان عبدالله خان دربازار ارک) میباشد.

(۱) سرجهای پشمینه بافی برنگهای مختلف که قیمت آن از قرار گز انگلیزی ۳ فوته مشخص شده، در صندوقخانهٔ جنسی هم بفروش میرسد

اقسام	قسم اول						قسم دوم					
درجه‌ها	درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم وقلندری کلفت قیمت آن ۱۰ پیسه زیاده شده	
رقم	تا حال ساخته نشده		رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت			۷ روپیه ۰ پیسه	۶ روپیه ۱۱ پیسه	۶ روپیه ۴۲ پیسه	۵ روپیه ۱۸ پیسه	۶ روپیه	۵ روپیه ۴۸ پیسه	۶ روپیه	۵ روپیه ۱۰ پیسه	۶ روپیه ۱۰ پیسه	۵ روپیه ۲۰ پیسه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گز انگریزی | کشمیرهٔ چهارخانه ۷ روپیه ۳۵ پیسه | کشمیرهٔ [illegible] از قرار ۷ روپیه بیست پیسه

(۲)	جراب			﴿۳﴾ تکمه‌های چرمی محراب ومنبردار		
رقم	تکانکه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج	کلان فی درجن	میانه فی درجن	خورد فی درجن
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه	۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۵۵ پیسه

(۴) کروره های جدید ساخت

رقم	زه‌باف بخیابه دوکره دوتاره	زه باف یك اسپه دو کره سه تاره	چرم باف یك اسپه	یك اسپهٔ چار تارهٔ تخی
قیمت	۸ روپیه و۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲۴ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۶ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم باف دسته‌دارای دو اسپه	چرم باف دسته دولانه یك اسپه	دسته دولانهٔ یکی‌تار اسپه	چرم باف عمرکان
قیمت	۴ روپیه و۴۸ پیسه	۴ روپیه و۴۶ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۴۳ پیسه
رقم	قبضه رنجی کلیت نقرهٔ توپخانه	قبضه کلیت نقره از چرم سه‌لایه توپخانه	زه باف دو قم سواری سامی کلیت	زه باف دو تارهٔ رکاب
قیمت	۳ روپیه و۵۵ پیسه	۴ روپیه و۵۷ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵۴ پیسه
رقم	رکاب ازنغ	چرم باف میانه چوب یت زنانه	اززین سواری تیغ چرمی	زنانه ابریشمی خیاطه
قیمت	۴ روپیه و۵۵ پیسه	۵ روپیه و۸۲ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته‌دارای تیغ چرمی	دستهٔ دولانه‌سامی رنجی کلیت نقره	اززین سواری دولابه تیغ چرمی کچك دار	چرم باف مابین یت یك اسپه
قیمت	۴ روپیه و۴۹ پیسه	۴ روپیه و۴۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

﴿۵﴾ اقسام گلهای مصنوعی سر

قسم	گل جرین	گل نافرمان	گل برینه	گل شبو
قیمت	۵ روپیه و۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۶ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قسم	شکوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل لسترن	چنبیل
قیمت	۷ روپیه و ۴۵ پیسه	۶ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

(المشتهر) (میر محمد هاشم دفتری کار خانجات (کپتان نظامی))

صحیفه (۱) سال پنجم شماره (۵)

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
با مصارف ڈاک ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مصارف ڈاک ۵ روپیه انگلیزی
پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن ۲۰ پول کابلی است
(اوراق که درج نشود اعاده نمیشود)

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

اداره خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه اوراقات تحریریه به اداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ ۱۵ ذی الحجه ۱۳۳۳ تاریخ انگریزی ۲۵ اکتوبر تاریخ شمسی ۱ عقرب ۱۲۹۴

عید سعادت اثنای اضحی را «سراج الاخبار افغانیه» بعمهٔ مؤمنین و مؤمنات و جملهٔ مسلمین و مسلمات مبارک باد میگوید، و یگانگی و اتحاد و رابطهٔ قلوب و وداد مسلمانان روی زمین را بیکدیگر شان از بارگاه کبریا جل وعلا نیاز و استرحام مینماید آمین

بمناسبت عید سعید اضحی

خالق ارض و سما، رازق جرندگان، خزندگان، پرندگان، شناوران زمین وهوا و دریا را هزاران حمد و ثنا، باز هزاران حمد و ثنا که ملت ناجیهٔ محمدیه (ص) را بر راه راست هدایت فرموده، بواسطهٔ وجود مسعود بهبود فخر کائنات، و اشرف و افضل مخلوقات، محمد مصطفی، صلی الله علیه وعلی آله و صحبه وسلم ما مسلمانانرا بهترین امم موجودهٔ عالم ساخت، یک کتاب مستطاب قدسیت جنابی مانند قرآن مجید و فرقان حمید را برای امور معاد و معاش ما مسلمانان مشعلهٔ رهنمای هدایت و سعادت افروخت.

اگر ما خودرا بهترین امم نسازیم، و برهنمائی انوار سعادت نشراه ترقیات مدنی و معنوی پویان و شتابان نشویم گناه بر خود ماست در افضلیت و نورانیت دین ما نیست.

بار خلاق اعظم کائنات جل سبحانه را هزاران هزار شکر و سپاس که بملت افغان نعمتهای استقلال، حاکمیت، آزادی، دیانت، شجاعت، غیرت، جسارت، وطن دوستی، اطاعت ورزی کرم و احسان فرموده، و در یک وطن باانصاف و بیغش و خلل مانند افغانستان، در زیر سایهٔ عدالت آیهٔ یک پادشاه مراحم همراهی مانند ذات اعلیحضرت **سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان** که حسن نیت، و قلب سلیم، و صفوت شاهانه اش زمامدار سکان کشتی ملت است مقیم و سایه گستر امن و امان داشته است.

ملت افغان همان ملت باغیرت ثابت است که بقوت جلادت، و سیف سرتیز شجاعت خود تشکیل دولت و استقلال نموده، و از یک عشیرت مختصره در سنه ۱۱۶۱ یک دولت معظمهٔ مستقله بوجود آورده از هندوستند تا انجاب حتی تا به دهلی و کشمیر و ما وراء النهر بتوسیع ممالک پرداخته، و از آن تاریخ تا الی الآن و انشاء الله تا به آخر دوران بر محافظهٔ استقلال، حاکمیت آزادی خود موفق و کامیاب آمده و می آید.

ما راست که دائما شرافت و حیثیت ملی خودمارا مدنظر داشته حق استقلال خودرا بقیمت جان خود محافظه نمائیم. زیرا شرافت و حیثیت دولتی، ملی، قومی ما موقوف بر استقلال و حاکمیت ماست. استقلال و حاکمیت آنست که هیچیک دولت بیگانه، در هیچ امور داخلی و خارجی دولتی ما حق هیچ گونه مداخله و تجاوز را نداشته باشد. اگرچه در وسعت ملک، و تعداد نفوس وغیره برابر دولتهای کلان نباشیم. لکن شرعاً عرفاً قانوناً با همه دولتهای کلان مستقل، مساوی و برابر شناخته شویم.

هزاران هزار شکر و ثنا که دولت علیهٔ متبوعهٔ ما ایامیکه ترقی آیهٔ ذات شوکت سمات پادشاه دانش پرور شهریار معدلت آئین ما اعلیحضرت **سراج الملة والدین** ابقاءالله دولته تعالی الی یوم الدین تمام حقوق استقلال و حاکمیت و آزادیرا مالک است. اگرچه بسبب بعد مسافات و عدم اختلاط تصدیق استقلالما از طرف دولتهای معظمهٔ دنیا به تعویق افتاده باشد، ولی بفضل نامتناهی حضرت بارتعالی جل وعلی و مدد روحانیت حضرت رسول الله علیه افضل التحایا دولت متبوعهٔ اسلامیهٔ ما همیشه مستقل بوده و خواهد بود، و ممکنست که عنقریب دولتهای معظمهٔ دنیا نیز تصدیق و قبول خواهند نمود. (وهذا من فضل ربی)

قدر و قیمت نعمای عظمای بارتعالی را بدانیم بادشاه خیرخواه نکوئی آمال بزرگما اعلیحضرت (سراج الملة والدین) محبت، صداقت

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1398 of 1786

اطاعت ورزیم ، دعا و ثنای همایونش را ورد زبان صداقت سازیم که در عصر سعادت‌حصر این پادشاه مقدس معظم انواع ابواب رحمت وسعادت بر وطن وملت افغان مفتوح گردیده است . واز قرانهای صاحبقرانی این پادشاه مقدس محبوب القلوب ما یکی این خواهد بود که استقلال تامهٔ موجودهٔ دولت متبوعهٔ معظمهٔ ما کهذاتاً موجودست بنامها بوجه احسن باتمهٔ معانی ان اتم واکمل گردد .

بحمدالله دین مقدس خود رشته‌های حیات خود را چنان رشته وبافته وبسته کنیم که هیچ تیر وتیشه وارهٔ اوهام باطله وافکار فاسده‌ئیکه هیچ از یك تار آن بریده نتواند . دین مقدس ما ، دین فتوحات ، دین ظفر ، دین غالبیت دین شرف ، دین ناموس ، دین غیرت ، دین علو ، دین ارتقا میباشد ، ذلت ، مسکنت ، عطالت ، پستی را هیچ راه مداخلت دران نیست . هیچ پیغمبری از پیغمبران ذیشان علیهم السلام ، مانند حضرت پیغمبرما « محمد مصطفی » علیه افضل الصلوة والسلام بجهانگیری وفتوحات ووضع سلطنت باعدالت ومحافظهٔ حقوق عباد واعمار بلاد مأمور فرموده نشده است وازین بود که از آغاز ظهور این دین مقدس ، دراندك مدتی آفاق جهان را بانوار عدالت ومدنیت اسلامیه منور ساخته یك دولت عظیمهٔ قوی الشکیمهٔ مظفرهٔ بنیاد نهاد اینست که تاحال آن دولت عظیمهٔ قوی الشکیمه بوجود دونه دولت موجودهٔ خود عرض اندام شوکت ومهابت مینماید .

مارااست که درهر صبح ومسا ، « الحمدلله علی دین الاسلام » گفته ، ودر هرگاه وبیگاه ، « علو الهمة من الایمان » رادر پیشگاه نظر انتباه خود داشته ، ودر هر دمی ومی خطهٔ محبت و صداقت پادشاه ووطن ، ومحافظهٔ شرافت وحیثیت ملی خود مارا دردل کاشته جاهد ، ساعی ، فعال ، حاضر ، مهیا ، متحد ، متفق باشیم تا از اعلترین ، قابلترین ، مستعد ترین امت ناجیهٔ محمدیه (ص) در حساب آئیم . ومن الله التوفیق .

اخلاقیات

[نخائب قرآنیه]

بسم الله الرحمن الرحیم

﴿ ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم ﴾

یعنی بتحقیق که الله حال هیچ قومی را تغییر نمیدهد تا آنکه آن قوم حال خود شانرا در نفسهای خود شان تغییر ندهند .

این آیهٔ کریمهٔ کتاب عزیز قدیم ، یك شهراه حقیقت و آیینهٔ قدنمای عبرت‌نماست برای عموم اقوام وملل نوع بشر . زیرا آشکارا میفرماید که مرحمتها وعنایتهای عام خداوند تعالی جل وعلا مانند مرحمت وعنایت بندگان نیست که تاخوش باشند ودل شان بخواهد احسان وانعام کنند ، وچون دلشان نخواهد ، ویا برخواهشات وشهوات نفسانیٔ خود ازکسی دل زده وروگردان شوند احسان وانعام خود را باز گیرند . نی ، نی ! ذات اقدس الله ذوالجلال جلت عظمته ، رحمهٔ مخلوقات ، وکافهٔ موجودات ، وتمام اقوام وامم وجملهٔ ملل بنی آدم مرحمت وعنایت عام کریمی ورحیمی اقدسیت خداوندیش را یکسان ویکسان شامل داشته است ، همهٔ فلاکتها ومصیبتهای که براقوام وملل بنی بشر وارد می آید وموجب محو واضمحلال شان میشود بجزاین نیست که آن قوم وملت نفسهای خودشانرا باعمال سیئه واخلاق ردیه خودشان تغییر میدهند . واز راه حق وصواب انحراف ورزیده بضد آن پویان میشوند . نوررا بظلمت ، عدل را بجور ، عفت را بشهوت ، استقامت را به رشوت ، مساوات را بکبر ونخوت تبدیل میدهند . حقوق عبادالله را برای مشتهیات نفس خود پامال ، دین را برای دنیا اهمال مینمایند پس درانوقت خود شان خودرا مستحق مذلت ونکبت ، وسر دوچار هلاکت واسارت میسازند .

« تاریخ » یك عبرتگاه اولی الانتباه ، ویك جام جهان نماییست که هرچیزی دران دیده ویافته میشود . صحیفه های تاریخ بما ثابت وروشن مینماید وشهادت میدهد که قوت وسطوت وشوکت وعزت بعض اقوام وملتهایی که به فساد اخلاق مبتلا گردیدند ، ودر نفسهای خود تغییر دادند زایل ، وهیئت مجتمعهٔ شان محو ومضمحل شده است . هیچ شبهه نیست که باعث یگانهٔ حك وحل یك ملت از صحیفهٔ هستی دیگر هیچ چیزی نیست مگر اینکه آن ملت بفضایل اخلاقیه رعایت نکنند . فضایل اخلاق ، قوهٔ موجده ودوام و قرار دهندهٔ هرنوع سعادت واقبال قومها وملتهاست . درخشنده‌گی فکرها ، زنده‌گی دلها بفضایل اخلاق حاصل میشود . اتحاد ویگانگی بفضایل اخلاق بظهور میآید . رفاهیت و آسایش عامه بفضایل اخلاق تجلی میکند . شعشعهٔ شوکت وکمال حرمت بفضایل اخلاق ابدی الظهور میشود . فضایل اخلاق است که ماهیت امت را محکم وتأیید میکند . فضایل اخلاق است که شرف وحیثیت ملت را از انقلابات ازمنه ، وتبدلات دولیه محفوظ ومصون میدارد . فضایل اخلاق است که نظامات متینه وقوای عمومیه را وجود میدهد .

اخلاق فاضله قوتناك ترین رابطه ایست که علوم دینیه وسیاسیه وفنیه را بایکدیگر شان مربوط ومضبوط میسازد . اخلاق فاضله علوم مذکوره را وسعت عظیمه می‌بخشد ، وشیرازهٔ انتظام وامتزاج آنهارا بیکدیگر شان محکم وقوی گردانیده روز بروز موجب ترقی‌های ملتهای میگردد که متمسك آن باشند . فساد اخلاق چنان زهرهلاهل وسم قاتلیست که در نخستین حمله رابطهٔ علوم دینیه وسیاسیه وفنیه را از همدیگر گسیخته درمیان آن علوم یك جدایی وبیگانگی وناآشنایی ، بلکه یك عداوت وبغض ودشمنی قایم میگرداند . درملتهایی که فضایل اخلاقیه درجهٔ کمالرا نیافته باشد مطابقت وموافقت سیاست وفن بادین وجود پذیر نمیگردد . حالآنکه دین مقدس اسلام کدام چیزیست که آنرا دربر نداشته باشد . نقصان فضایل اخلاقیه است که به اندك چیزی دین ، فن وسیاست را از دایرهٔ حدود خود اخراج میکند . کذالك نقصان فضایل اخلاقیه است که فن وسیاست (دین) را مانع وزنجیر پیشرفت خوددانسته بیك نظر بیگانگی وناآشنایی به آن مینگرد .

هیچ شبهه نباید کرد که بداعتقادی ، فساد اخلاق بظهور می‌آید . هرگاه اخلاق فاضله برکمال باشد ، وفساد وتفرقه مراد نباشد ، جمیع محاسن وجمیع خوبیها ، جمیع ترقیات جمیع احکام مدنیه ، جمیع فضایل اخلاقیه ، جمیع ترقیات فنیه ، جمیع امور سیاسیه در دین مبین مقدس اسلام موجود است . دین مقدس است که : — « ان الله یأمر بالعدل والاحسان » فرموده اساس سیاست وقوام حکومت را با آن آیهٔ جلیله وضع میفرماید . کذا بعدی

عبرت وکدام آیهٔ حکمت در اکتساب فضایل اخلاقیه روشنتر وواضحتر از همین نص جلیل عنوان فوق پیدا خواهد شد ؟ دین مقدس است که برای ترغیب وتشویق تحصیل علوم وکمالات منادی ندا میکند، علم را بنور ، جهل را بظلمت ، عالم را بینا ، جاهل را به نابینا می ستاید . برای اکتساب صنعت وتجارت ، برای آبادیها وعمارت ، برای انواع تأسیسات مدنیت وزراعت ، برای اصول وقواعد حرب واستحضارات جنود ورباط خیل وجهاد وتنوع آلات ومقاتله بالمثل وغیره که متعلق امور عسکری وحربی باشد کدام سخن ناگفته هست که در آیات قرآنی در احادیث نبوی در اصول فقهی گفته نشده باشد .

علی الخصوص در خصوص حرب وجهاد وفتوحات امصار وبلاد ، درجهٔ که دین مقدس ، قواعد عدل وحقوق را امر فرموده هیچیکی از قواعد عسکری دنیاوی ازآن نبرده است . ازنهب و غارت وتاراج ویغما ، ازقتل پیران واطفال وزن وناموس زنان بلادی که فتح میشود عساکر اسلام شدیداً منع فرموده شده ، ممالکی که بصلح تسلیم شوند همه حقوق دینیه ومذهبیه و آزادیء شان نیز محفوظ میماند . والحاصل اگر اخلاق فاضله درقوم وملت حکمفرما شود ، ودین را یك چیزی علیحده نه بدانند منبع جمیع سعادتهای اخرویه ، و دنیویه ، واساس همه ترقیات واصلاحات مدنیهٔ فاضله اش دانند ، و حکمت را بکمال گمشدهٔ خود دانسته دربی جستجوی آن تاهجین وماچین وجابلسا وجابلقا هم اگر باشد بدوند بدست آرند ، و نفسهای خودرا ازجهالت و عطالت و سفاهت تغییر وتبدیل داده به فضایل اخلاق ، و استقامت و فعالیت وجدو جهد وتقوا و عفت وحیا خوبی وحق شناسی اصلاح نمایند هیچ شبه نیست که ذات اقدس ارحم الراحمین جل سبحانه هیچگاه حال آزادی سعادت آن قوم وملت را بذلت واسارت تغییر وتبدیل نمیدهد .

ذات اقدس ارحم الراحمین جل عظمة در دیگر موضع شریف کتاب عزیز میفرماید : — « و ضرب الله مثلاً قریةً كانت آمنةً مطمئنةً يأتيها رزقها رغداً من كل مكان فكفرت بأنعم الله فأذاقها الله لباس الجوع والخوف بما كانوا يصنعون » . یعنی الله یك قریهٔ را مثل آورد که آن قریه امن ومطمئن [یعنی بسبب فضایل اخلاقیه خودشان از هرخوف وخطر آسوده وخاطر جمع] بودند ، ازهر طرف رزق شان بکمال وسعت وفراخی می آمد . اما بنعمتهای پروردگار خودشان کفران نعمت کردند [یعنی قدر وقیمت وسعت رزق و آسودگی را که جناب منعم حقیقی بمکافات فضایل اخلاقیهٔ شان درین دنیا انعام و احسان فرموده بود ندانستند ونشناختند] . لهذا الله [تعالی جل و علا] نیز لباس ترس وگرسنگی را به آنها چشانید . [یعنی چنانچه لباس بدن را از هرطرف احاطه میکند ، جناب حق نیز آنها را از هرسو به خوف و جوع سردوچار نمود] .

همهٔ ثروت سعادت وآسودگی وخاطر جمعی در اکتساب فضایل اخلاق حسنه وهمهٔ افلاس ونکبت وفلاکت وترس وگرسنگی وذلت وخرابی دربدی اخلاق وفساد اخلاق هرقوم وملت مظمر است . حالا بیك دو مثال از آیینهٔ قدمای عبرتنمای :

« حکمت تاریخیه »

نظرافکنیم

دولت کبرای (روما) که دریك وقتی دوشهبال سطوت وشوکت خود را برشرق وغرب عالم بکمال عظمت و جلال گشاده داشته بود در اوایل احوال خود یك نمونهٔ مجسمهٔ نجابت فضایل اخلاق شمرده میشد . دردورهٔ اولای حکومت ، ملت « روما » بسیار باتربیه ، بسیار باآداب ، بسیار اهل عرض وناموس ، بسیار صابر ، بسیار کوششمند بسیار غیور ، بسیار جسور یك ملتی بود . دلهای شان بامحبت وطن ، وپاس شرافت ملیت مملو بود . در مسلك خود شان ثابت قدم ، راد ، آزاد بودند . اسراف ، سفاهت ، نفس پرستی ، جور و تعدی بیك دیگر برای حرص وطمع جمع مال درپیش شان ازمنفور ترین چیزها بود . عسکرهای شان درجسارت وشجاعت ، درصبر وتحمل ، دراطاعت وانقیاد برگزیده ترین عسکرهای دنیا بود . چنان وزرا و زمامداران حکومت ، وچنان رجال سیاسیهٔ بادرایت وفطانتی داشتند که بیك مهارت دور بینانه بیك مسلك معین بسیار مستقیمانه حرکت میکردند . دقت واعتنای ملت وحکومت درمسئلهٔ عرض وناموس بدرجهٔ بود که نام فاحشه نیز درروما شنیده نمیشد . اعتبار وشرف به ثروت و سامان نبوده ، بلکه محترم ومعتبر همان شخصی بود که بزیور فضیلت اخلاق وعلم وکمال آراسته بود . اما رفته رفته از فضایل اخلاقیه و کمالات انسانیه دوری گرفتند . به اسراف وسفاهت ، و عیش و عشرت گرویده شدند ، کار گذاری و فعالیت ، کوششمندی و غیرت را ترك کرده به ذوق وحظ وسرور وصفا پرداختند . چشمهای شانرا پردهٔ حرص وطمع پوشیده برای اسباب ذوق و صفای خود پامال کردن حقوق عباد جرأت ورزیدند . شهوت پرستیء شان بدرجهٔ رسید که درراه عشوه و غمزهٔ یك زن فاحشه حقوق بسیاری ازاهل عرض وارباب ناموس را فدا ساختند . از شرف وناموس نام ونشانی نماند . بدرجهٔ رسید که درمیان حمامها زنان و مردان فوج فوج برهنه باهم یك جا شست وشو میکردند . درمهمانی های رسمی بعد ازانکه زنان ومردان ازسفرهٔ طعام و شراب برمیخواستند ، بانواع فضیحتها ودر تالارها بهرگونه فحشیات وبدکاریها علناً مشغول میشدند وهرزن باهر مرد وهرمرد باهرزنی که برابر میشد بصورت بسیار بیشرمانه و ملعنتکارانه باجرای فحشیات میپرداختند . باوجود اینهمه رذالتها بخوردن و آشامیدن شکمپروری نیز بدرجهٔ مبتلا شده بودند که بزرگان واکابر روما بیك بار شکمسیر نان خوردن قناعت نمیکردند ، وبعد ازانکه در شکمهای شان گنجایش دیگر طعام نماند یك نوع دوای قی کردن ترتیب داده بودند که آنرا خورده طعامهای خوردگیء خودرا واپس بیرون میاوردند ، وباز بدیگر نوع طعامها شکمهای خودرا پرمیکردند . وبهمین صورت دریك شب مهمانیء مکلف بیشتر ازدهبار شکمهای خودرا بسدها رنگ طعام پر وخالی میکردند . وازسر شام تاصبح متصل بخوردن وآشامیدن وزنا بسر میآوردند . برای تدارك مخارج ومصارف این گونه اسرافها و سفاهتها دست جور وتعدی ، وباب ارتکاب ورشوت خوری را چنان باز ودراز کردند که رعایای حوزهٔ ممالك روما بفقر و گرسنگی بدرجه هلاك رسیدند .

این است که آن دولت محتشمهٔ روما که دراول یك مجسمهٔ فضایل اخلاق شمرده میشد رفته رفته بدرجهٔ آنچنان یك هیئت اجتماعیهٔ که منفور ترین ، ذلیل ترین ، حقیرترین ، ظالمترین ، مشوش الاداره ترین هیئت های اجتماعیهٔ عالم گفته شود تنزل نمود ، تاآنکه آن بنای معظم سلطنت که بیشتر ازصد ملیون نفوس را محتوی بود بیك طراقهٔ دهشت انگیز هولناکی سقوط نموده باخاك سیاه یکسان گردید . آیا سبب این عروج واین زوال چه بود ؟ هرکه بعین عبرت دقت ، درآیینهٔ حکمت

تا بعجب نظر کرده شود ، سبب یگانهٔ آن عجز درکمال وزوال (فضایل اخلاقیه) در دیگر چیزی نخواهیم دید . تا که دولت مختشمهٔ روما نفسهای خود شانرا از فضایل اخلاقیه به اخلاق ردیه ، و اعمال سیئه تغییر دادند ذات اقدس باریتعالی جل وعلی احوال آنهارا تغییر نموده بود . همینکه خود شان نفس خود را تغییر دادند ، خدای لایزال نیز تغییر احوال شانرا اراده فرمود .

اختراعات محیر العقول

درشماره های سابق خود درزیر عنوان مافوق از بعضی اختراعات عجیبه وغریبهٔ اعصار مدنیهٔ حاضره یکدوبار چیزی چیزی نوشتیم . دراین شمارهٔ خود خواستیم که از قوتهای فوق العاده که در نوکهای سر زیرکهای مهندسهای خارق العاده ، وقوهٔ بدیعهٔ عقل وذکای که ذات اقدس حضرت خلاق اعظم عقلها و جسمها در محفظهٔ دماغ انسان تخلیق فرموده یکدوسه مثال بیان می کنیم :

(کانال سویس)

اول چیزیکه نظر انسانرا درکشاده شدن این کانال بخود جلب می کند این است که درتشکیل وتقسیم جغرافی قطعات کرهٔ زمین بسبب کشاده شدن این کانال تعدیل وتبدیل واقع شده است . مثلا پیش از باز شدن کانال سویس ، وقتیکه فن جغرافیا ازقطعات زمین بحث بیان می آورد قطعهٔ « افریقا » را به « جزیره نما » تعریف و بیان کرده از طرف شرق شمال بواسطهٔ خاکنای سویس مربوط بودن آنرا بقطعهٔ جسیمهٔ « آسیا » بیان مینمود . اینست که کانال سویس این رابطه را بریده آن دوقطعهٔ کلان زمین را ازهمدیگر جدا نمود ، ونام قطعهٔ افریقا را از « جزیره نما » به (جزیره) تبدیل داد .

اینهم شایان دقتست که باوجود اینکه حفر کانال سویس بعد از نصف اخیر عصر نوزدهم میلادی ازقوه بفعل آمده است اما تصور عظیم آمیختن (بحر سفید) را با « بحر احمر » که از ادوار ابتدائیهٔ تاریخ درقوهٔ مفکرهٔ انسانها جایگیر شده بود که اینهم دلیل واضحیست برینکه این مخلوق ضعیف عاجز که برابر نصف وجود خود یک سنگ را ازز مین برداشته نمیتواند بقوهٔ عقل وذکای خود باستعداد وقابلیت چگونه کارهای عظیمه متخلق گردیده است

کسیکه اول بار بفکر باز کردن یک کانال درین برزخ ـ یعنی خاکنای سویس افتاده بود ، همانا (سزوستریس) نام فرعون مصر بود که قبل از میلاد عیسی علیه السلام در گذشته است . درآنوقت چنان تصور شده بود که اول شاخچهٔ آخرین نهر نیل را که بحیث ذ ق واقعشده است تا به کول « تمساح » وصل داده ازآنجا ببحر احمر کانال کشیده شود ، برین تصور در همانوقت نیز کامیابی حاصل شده تا به کول مذکور عملیات حفریه آن اجرا شده بود . بعدازان « نخاع » نامی که از اخلاف او بود بر عملیات کشیدن کانال از کول تمساح تا بسویس آغاز شده بود ، بعدازان ازطرف ملوك فرس که مصررا استقلا کرده بودند برای بسر رسانیدن این کار عقب گیری شده بود . بعدازان بسبب حفریاتی که درزمان رومانیها بوقوع آمده بود درکار حفریات مذکور اهمال شده کانال مذکور پس باختلا بر گردید . درزمانهای حکومت تراژان وآدریان سر از نو باز گردید . و بعدازان باز اهمال شده سراسر بند شده بود . در اثنای فتوحات اسلامیه در زمان خلافت حضرت « عمر » رضی الله عنه کانال مذکور از طرف « عمرو بن العاص » که سر عسکر اسلام شده بدآنطرف رفته بود سر از نو حفر و کشاده گردید . ودرینبار از « فسطاط » هم پیشتر گذشته طول امتدادآنرا (۲۰۰) کیلومتر به « ۳۲۰ » بلومتر ابلاغ گردید درزمان ملوك امویه باز اهمال ، ودرزمان خلیفه (منصور) عباسی برای آنکه مجموع مصر را ازجزیرة العرب منقطع گرداند جهت مدخل بحر احمر آنرا سراسر مسدود نمودند . آثار قدیمهٔ این کانال زمانهای پیش تابحال در بعضی جاها پدیدار مانده است .

هنگامیکه « ناپلیون » برمصر مستولی گردید ، درتصور خود این رامصمم نموده بود که درمابین « بورسعید » وبحر احمر کشادن یک کانال ممکن است . اگرچه درخصوص تنظیم واجرای تدقیقات را نیز آغاز نهاده بود ، امابسببی که اقامتش درمصر بسیار دوام ننمود این تصورش ازقوه بفعل نیامد . تاآنکه بوجود آمدن این اثر عظیم بازنصیب یک فرانسیس گردید ، ونوك پرکار مهندس مشهور فرانسوی موسیو « فردیناند ولسپس » کانال موجودهٔ امروزهرا باز نمود .

« فردیناند ولسپس » بعد ازتتبعات وتدقیقات بسیاری که اجرا نمود خط گذرگاه کانالرا کشیده درسنهٔ ۱۸۵٦ به خدیو مصر « سعید » پاشا مراجعت کرده ، وتصور خودرا باوقبول کرانیده امتیاز کانال مذکوررا بافرمان مخصوص خدیو مشارالیه استحصال . ودرسنهٔ ۱۸۵۹ بحفریات وعملیات انشائیهٔ آن آغازنهاد . دولسپس مذکور بنابرحق امتیازی که خدیو مصر بصورت بسیار فوق العاده باوبخشیده بود ، بسیاری از اهالی فقرا و بیچارگان مصری را بطریق بیگاری ـ یعنی بی اجرت ومزدوری ـ سالها استخدام کرده ، بعرق جبین وقوت بازوی آنها بعد از کوششها وزحمتها ومشقتهای مالایطاق که درمدت ده سال متمادیاً اجرا نمود آخر درسنهٔ ۱۸٦۹ عملیات آن سراسر بانجام رسیده مراسم افتتاحیهٔ آن بکمال دبدبه وطنطنهٔ عظیمه اجرا گردید .

برای اینکه قارئین کرام ما درباب بزرگی وجسامت این همت وغیرت عظیمهٔ شان یک فکر اجمالی حاصل کرده بتوانند ، لازم آمد که شمهٔ ازطول وعرض این کانال یکقدری بیان کنیم :

کانال سویس درازای (۱۲٦) کیلومتر یک طولی را مالکست که تقریباً برخط مستقیم ازکابل تا بجلال آباد میرسد . عرض آن دربعضی تنگ ترین جاهای آن (٦٨) متر ، ودربعضی پهنا ترین جاهای آن (۱۰۰) متر میباشد . عمق یعنی چقوری آن تا هشت ونیم متر می آید . برای ساختن اینقدر یک مسافهٔ دور و درازی را باین قدر چقوری وپهناوری (۷٤) ملیون متر مکعب خاك بیرون کشیده اند . وقتیکه کانال بحد ختام رسید (۳۷۰،۰۰۰،۰۰۰) سه صد و هفتاد ملیون فرانك بران صرف شده بود . [یک فرانك تقریباً یک روپیه و سه شاهی میباشد .]

کشاده شدن کانال سویس اوروپارا بهندستان . وسواحل بحر محیط کبیر خیلی ازخیلی نزدیک گردانید ودرحیات اقتصادیهٔ عالم یک انقلاب

عظیم فوق‌العادهٔ محصول آورده است. بسایهٔ این کانال، از اوروپا بهندستان ودیگر ممالک راههارا بدرجهٔ نیم کوتاه گردانیده است. مثلا پیش ازگشاده شدن کانال، از (لندن) تا (بمبئی) (۶۰۰۰) کیلومتر مسافه موجود بود. حالا آنکه بعد از گشاده شدن کانال به (۳۰۰۰) کیلومتر مسافه تنزل نمود. دولت انگلیز اهمیت فوق‌العادهٔ این کانال را در حیات عالم، وعلی‌الخصوص برای یکدولت بحری بخوبی درك وتقدیر نموده بود که بنا برمقصد بدست آوردن آن، درسنهٔ ۱۸۷۵ سندهای حصهٔ شخصی خدیو مصر را که به (۱۷۷۰۰۰) عدد بالغ میشد یکجا خریداری نمود وبه این واسطه ازهمه دولتها بیشتر حصه‌دار کانال گردید.

اگرچه کانال «کیل» که در المانیاست، وکانال «پاناما» که در امریکا جدید باز شده است نیز خیلی بااهمیت، وازاعمال جسیمهٔ صنایع عالم مدنیت شمرده میشوند، ولی منافع عظیمهٔ کانال «کیل» چون تنها بدولت المانیا راجعست، وکانال (پاناما) هنوز بدرجهٔ شاید وباید اکمال نشده است ازاین سبب دروقت حاضر بکمال جرأت گفته میتوانیم که کانال سویس هم ازجهت تصور کردن کشیدن آن، وهم ازجهت عملیات بوجود آوردن آن، یکی ازبزرگترین آثار فکر وذکا وسعی وهمت بشر شمرده میشود، ویکی ازعجایب سبعهٔ عالم عصر حاضر گفته میشود.

بندهای نیل

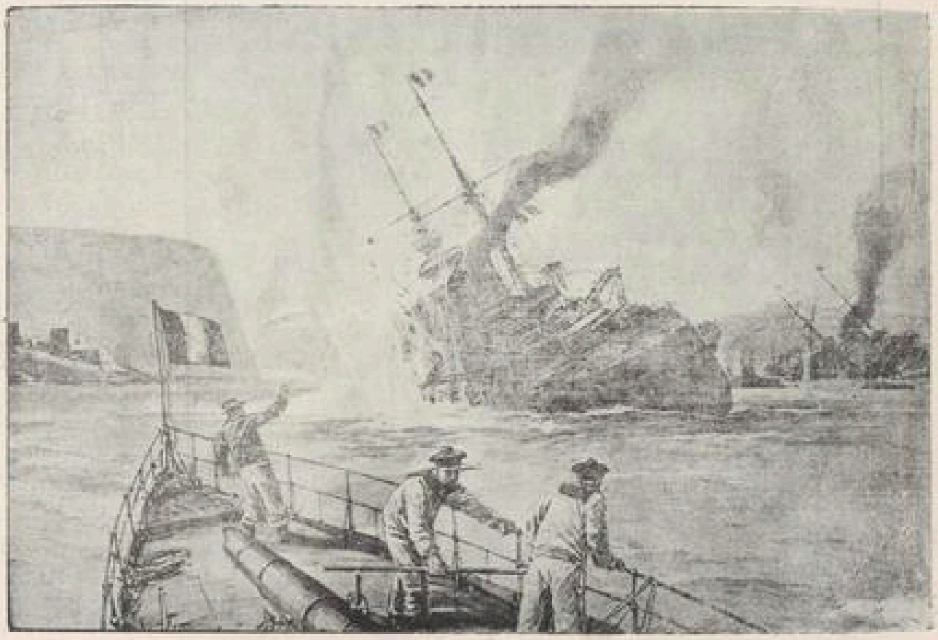

استخوان سخت است

منظرهٔ غرق شدن کشتیهای جنگی انگلیز وفرانس در پیشگاه داردانیل بضرب گله های عثمانی
یکی کشتئ جنگی «ز. هیوش» «بو ووت» نام فرانسوی، دیگری (آری سیبتیل اوشن) نام انگلیزی

«بندهای نهر نیل» که فرانسیسها آترا «باراژ دونیل» ومصریها آترا (قناطر خیریه) میگویند از معظم‌ترین آثار صناعیهٔ بشریه است که درقیمت واهمیت با کانال سویس مساوی شمرده میشود.

این یك معلوم است که نهر نیل یکی ازانهار معظمهٔ دنیا میباشد، واگر گفته شود که موجب یگانهٔ ثروت ومعموریت قطعهٔ مصر، همین نهر است مبالغه نخواهد بود، ولی بسببی که درجریان آن یك انتظام تامی موجود نبود گاهی بعوض نفع، ضرر بار می‌آورد. لهذا اول کسیکه فکر انتظام دادن جریان آترا اندیشید، خدیو اسبق مصر (محمدعلی) پاشا بود که بواسطهٔ انشا نمودن همین بندها ارتفاع وانحطاط جریان آبهای نهرنیل‌را یك نظام وانتظام تامی آورده فیوضات قوهٔ انباتیهٔ اراضی مصریه‌را یك برصد بدان افزونی داد.

همت وذکاوتی که درساختن این بندها بخرج رفته، اول ازین قیاس باید کرد که درپیش روی جریان یك نهر عظیمی مانند نیل که کشتی‌های بخاری دران رفت وآمد میتواند بند انداختن تاچه درجه یك تشبث فوق‌العادهٔ قدرت ومهارت وذکاوت بشررا نشان میدهد! این است که این مهارت وذکاوت نیز درتولد افکار (موژل) نام مهندس فرانسوی جلوه‌گر شده است

درسنهٔ ۱۸۴۳ مهندس مذکور بفرمان محمدعلی پاشا مراسم سنگ‌نهادن نخستین اساس بندهارا اجرا، ودرظرف ده سال بسعیها و کوششهای متمادیهٔ بی‌انتها انشا واکمال کرده توانسته است. درازی همهٔ این بند، عبارت از (۹۷۴) متر است که جملهٔ (۱۳۲) عدد قنطره ـ یعنی چشمهٔ بند

رفت آبرا ملاك است . وضعیت ماشینهای بند کردن وباز کردن این بند رفتها بیك صنعت ومهارت عجیبهٔ ساخته شده است که انسانرا حیران میسازد . بسبب این تدبیرتدها ، جریان آب نهر چنان یك انتظامی پیدا کرده که از سیلانی وخشك آبی ضرری نمیرسد . همین بندهاست که باعث بکلی عمران وترقی حاضر قطعهٔ مصر گردیده است . پس اگر انجنیریك اثر عظیم صنعت علم وفن را که مانند قطعهٔ مصر یك سرزمینی را بایندرجه غرق فیض عمران و ثروت کرده باشد از عداد ترین بدایع مدنیه بگوئیم جا دارد .

بزرگترین پلهای دنیا

پل است که در انکلستان روی نهر « فورث » ساخته شده است .

این پل نیز از چنان آثار فوق العادهٔ صناعیهٔ شمرده میشود که حیرت بخش عقول است . پل مذکور در ملك « اسقوچیا » روی نهره فورث » انشا گردیده که درازی آن دو نیم کیلومتر – یعنی (۲۵۰۰) دوهزار وپنجصد متر میباشد از همه بزرکتر پل بهاین درازی همه کی از آهن وفولاد ساخته شده است که این مسئله از نقطهٔ نظر فن معماری شایان اهمیت فوق العاده شمرده میشود . اگر گفته شود که در تمام دنیا باین جسامت وبزرکی یك اثر صناعت مدنی موجود نیست هیچ مبالغه نباید پنداشت روی همواره پل ، مرور وعبور ران میشود ، پایه‌های فولادی که هر پایهٔ آن به بلندی (۱۰۹) متر درازی دارد استناد داده شده است . پایه‌های فولادی باین بلندی که بقدر ثلث بلندی برج (ایفل) می آید از چنان صنایعی است که انسانرا در پیش مخارج نقدی ، وقوهٔ تصوری وهمت وقوت بشری که در امر ساختن آن بکار رفته حیران میسازد . پل بزرگ و بحاپایه‌های فولادی بهمین بلندی که مذکور گردید استوار شده است .

این پلرا دو مهندس انکلیزی که یکی « سیرجون فورستر » ودیگرش نیز امن به بکره نام دارند از سنه ۸۶۳ تا به سنه ۱۸۹۰ در ظرف ۲۷ سال بانجام رسانیده اند . بانحساب ازمدتی که کانال سوئس در ان بانجام رسیده است دو نیم بار زیاده‌تر یك زمانی در اراه صرف شده است که اینهم یك برهان روشن اهمیت وجسامت این اثر بدیعهٔ عالم صنعت این عصر مدنیت را بمیدان میرا ورد . لهذا اگر پل « فورث » انکلستان یکی از اختراعات محیرالعقول تصورات و تطبیقات فن معماری اثر گفته شود هیچ سخن [illegible]

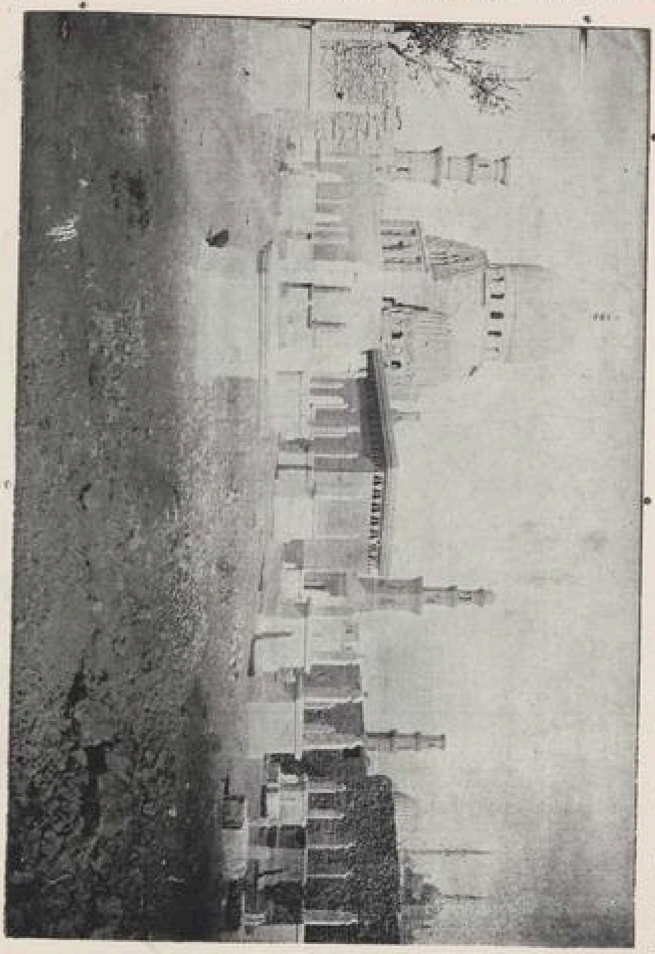

از مناظر مصر

تونل (سه مبلون)

(تونل) نقبها وسوراخهائی را میگویند که برای گذرانیدن راه آهن یاراه های آب در زیر کوهها میشگافند .

دریندرقم تونلها اعظمترین وادهشترین آنها تونل (سه‌مبلون) است که از زیر کوه « آلپ » بین » که درمابین (سویزرلند) و (ایتالیا) میباشد گذرانیده شده است . تونل (سه مبلون) ، معظمترین آثار

این عصر بیستم میلادیست که دلیل یگانهٔ لایتزلزل سعی و غیرت دستها و فکرهای بنی بشر را درخصوص برداشتن و رفع نمودن موانع طبیعیه صورت بسیار جلی و آشکاری نشان میدهد. حقیقت که برای شکافتن و باز کردن این تونل که درازترین و عمیقترین راه های زیر زمینی این زمان حاضر میباشد، مشکلات بسیار عظیمه و سنگستانهای خیلی سخت و فولادمانندی تصادف شده بود که بزحمت حل این مشکلات و زحمات فوق‌الطاقت بشر، قوت ماشینهای بسیار قوی شدند. و برمه‌های فولادی خارا شکاف که از نتیجهٔ فن و صنعت درین سالهای آخر بوجود آمده است. کار حفریات تونل مذکور در ظرف هفت سال یک مدتی که نسبت بجسامت کار مذکور خیلی کم یک مدتی شمرده میشود باتمام رسیده است.

بلی عروس، اینچنین کارهای عظیمه را بوجود می آورد، و گرنه بیل و کلنگ و قوت بازو در هرجا موجود است که یک تونل ساده را هم سالها نتواند بسر رساند!

کلنگ نخستین این عملیات عظیمه در بیست و دوم ماه نومبر سنهٔ ۱۸۹۸ زده شده بود. آخرترین ضربه‌های کلنگ آن بعد از شش و نیم سال در بیست و چهارم ماه فروری سنهٔ ۱۹۰۶ زده شده است. درازی تونل (سمپلون) بیست کیلومتر، یا بیست هزار متر یک مسافهٔ عجیبهٔ دارد که در تمام روی زمین درازتر ازین راه زیر زمینی هیچ راهی در زیر زمین موجود نیست. در عمق یعنی چقوری نیز مانند این تونل هیچ تونل تا اینوقت در دنیا موجود نمیباشد. زیرا این کوه عظیمی که علوم و فنون و صنایع گوناگون در سینهٔ خارا ویقهٔ آنرا شکافته است. البرودهٔ آن یعنی از بالای آن تا سطح تونل (۲۱۳۵) متر بلندی را حائز میباشد که این چقوری تونل تا بحال نه دیده و نه شنیده شده است.

در وقت حفریات این تونل عجائب مانعه هائی تصادف شده بود که برداشتن و رفع نمودن آنرا هیچ عقل قبول کرده نمیتوانست. مثلاً از انجمله ظهور یافتن یک چشمهٔ بسیار پرزور و قوتی بود که در نصف راه تونل دفعتاً بصورت ناگهانی از یک دیوار تونل فواره آسا آب راندن آغاز نهاد. بلا این بود که این آب بدرجهٔ حرارت ۹۰ — یعنی مانند آب جوشان بخارها گرمی داشت که نزدیک شدن به آن غیر ممکن بود. و بخار خفه کنندهٔ پر حرارت آن نیز در میان تونل پیچیده عمله و مزدور کارها را بفرار مجبور نمود از انسبب کار حفریات تونل ماهها معطل ماند. زیرا در میان تونل یک نهر آب جوشان و بخاری تشکیل یافت که در میان آنچنان جهنم آسا کسی جرأت کار کردن را نداشت. حال آنکه انسانهای این عصر بیستم وسائط صناعیه را بدرجهٔ تکمیل رسانیده اند که چشم شان از چنین مانعه‌ها هم نخورد. لهذا برای دفع آن هم به بسی چاره ها و حیله ها تشبث ورزیده بر ایم غالب آمدند. و بتوقف دادن آن آب جوشان پرزور و قوتی که غیر قابل مقاومت معلوم میشد کامیاب آمده کوه کلان را بالاخره شگافته با ولوله های سایر های با اهتزاز راه آهن ریل‌های خود ازان در گذشتند. لهذا این تونل سمپلون را نیز اگر یکی از خوارقات محیرالعقول اختراعات این عصر حاضر شمار آریم حق صریحی خواهیم داشت.

برج (ایفل)

دو سال پیش ازین مراسم سنهٔ دوریهٔ بیستم تجمیع اتمام یافتن کار برج (ایفل) در پاریس اجرا گردیده بود که باین مناسبت یک جشن بسیار بزرگی برپاشده در نفس برج مذکور بسیاری از قدر شناسان مهندس مشهور موسیو (ایفل) که هنوز زنده است جمع آمده مراسم مخصوصهٔ بادبدبهٔ اجرا شده بود. چون از ساخته شدن برج ایفل تا بحال بیست و هفت سال مرور نموده، و در اوراق جراید و کتابهای تصویردار صورت آن بارها بار دیده شده از انسبب گوشها و چشمها آنقدر بشنیدن و دیدن آن عادت گرفته که این اثر محیرالعقول آهنین را بسیار کسان از آثار معظمهٔ اختراعات بشریه نخواهند شمرد. حال آنکه پیش از بیست و هفت سال که هنوز این برج ساخته نشده بود و تصور ساختن آن از طرف مهندس (ایفل) بیان گردید هیچ کس بوجود یافتن اینچنین برج آهنین سه صد متری عظیمی باور نمیکرد، و بعقل خود کسی گنجایده نمیتوانست که اینچنین اساس و تهدابی که به ثقلت اینقدر برج آهنین عظیمی مقاومت بتواند بوجود بیاید، حتی بعضی میگفتند که گرم همچنین یک برجی بوجود بیاید، ولی اینچنین یک برج کلفت و درشت آهنین را در میان اینقدر بناها و عمارتهای ظریف و دلنشین پاریس برپا نمودن یک منظرهٔ بدنمائی تشکیل خواهد داد. اما مهندس ایفل، بهیچ یکی ازین تنقیدات و اعتراضات گوش نداده بکار آغاز نهاد، و بر آوردن تصور خود را از قوه بفعل بکمال جرأت اصرار نموده بالاخره نقشه‌های آنرا به بسیار دقت و محنت حاضر نمود.

ضربهٔ نخستین کلنگ تهدای این برج عجیبهٔ جدیده در بیست و هشتم ماه جنوری سنهٔ ۱۸۸۷ زده شده بود. و تهدای مذکور در ظرف پنج ماه باتمام رسیده بعملیات برداشت کاملا بر آوردن آهنهای آن آغاز شده بود. و در ماه مئی سنهٔ (۱۸۸۹) تماماً عملیات انشائیهٔ این بنای معظم آهنین اختتام یافته مراسم افتتاحیهٔ آن بکمال دبدبه و تمام طنطنه اجرا یافت. بدان صورت، همهٔ عملیات انشائیهٔ این بنای دهشت افزای آهنین که افسانهٔ برج نمرود را به آب شسته، بلندترین و معظمترین همهٔ بناهای میباشد که در دنیا از زمانه های قدیم تا بحال از دست انسانها بوجود آمده است، در ظرف دو سال و دو ماه و چند روز اتمام پذیر گردیده است.

این برج آهنین از چند طبقه متشکل است که طبقهٔ اول آن از سطح زمین (۵۷) متر، و (۹۷) سانتیمتر بلندی دارد. طبقهٔ دوم آن (۱۱۵) متر، وطبقهٔ سوم آن (۲۷۶) متر بلندی دارد. اما لکن که اکثر سیاحینی که برج ایفل را تماشا کردن میخواهند تا همین طبقهٔ آن بالا میشوند. ازین طبقه یک دوربین اعلا تا جاهائیکه در داخل محیط (۹۰) کیلومتر یک مسافه باشد به بسیار خوبی تماشا میشود. سه چار طبقهٔ دیگری نیز ازین طبقه بالاتر دارد که آن طبقه‌ها برای اجرای ترصدات فنیه بدایره‌های مختلف تقسیم یافته است. حتی برای شخص خود موسیو (ایفل) نیز یک اوطاق مخصوصی در آن طبقه های فوقانی موجود است. بر بالای برج ایفل یک چراغ بسیار بزرگی افروخته میشود که روشنی این چراغ بواسطهٔ بعضی آینه های عکس دهنده که بقرار فن زبان گرفته شده، در شبها از مسافهٔ (۱۲۷) کیلومتر دیده میشود. و همه طبقات این بنای عظیم غریب‌الشکل بواسطهٔ (آسانسور) یعنی آلت بالا رانده میشود. همهٔ بنای برج ایفل از آهن است که سنگ و خشت و چونه و غیره هیچ ندارد. مقدار آهنی که درین بنای عجیبه بکار رفته است بهفت هزار (تن) یعنی تقریباً بیست هزار خروار — آهن میباشد. برج ایفل چنانچه از جهت تصورات و عملیات فن معماری یک بدیعهٔ صنعت شمرده میشود، همچنان در خصوص علوم و فنون نیز خدمتهای عظیمهٔ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1404 of 1786

بکار می‌آورد : مثلا در خصوص ترصدات اجرام سماویه واحوال جویه وهوائیه برای ارباب فن خدمتهایی که این برج بعمل میآرد دیگر هیچ رصد خانهٔ نمیتواند . ازانجمله چندی پیش ازین یک کونگرهٔ بین‌المللی درباب توحید ویکانکیٔ ساعتها تشکیل یافته بود که درروز دوبار ازسر این برج بواسطهٔ تلکراف بی‌سیم بهمه مرکزهای متمدنهٔ جهان اخبار کیفیت میشد . و ازین رهکذر تمام عالم مدنیت استفادهٔ عظیمی کرده میتوانست . لهذا برج ایفل یک اثر بدیعهٔ محیر العقول آثار صناعیهٔ عالم تمدن شمرده میشود .

حوادث داخلیه

مرض عارضهٔ هیضه

جناب رب منان ممالک محروسهٔ اسلامیه‌را از آفات وبلیات درحفظ وامان بدارد .

مرض مدهشهٔ وبا از قرار ریوتهای محکمهٔ کوتوالی تاهنوز رفع نشده است ویک نزول وعروج عجیبی دارد . چنانچه از جدول استاتستیک اصابات ووفیات نمرهٔ سابقه وحالیهٔ اخبار ما معلوم است که بعضی روزها خیلی شدت وبعضی خیلی کم میشود . غالبا یک جای امن واماتی که موافق طبیعتش بوده پیدا کرده . مردمان حلیم وسلیمی درمقابل خود می‌بیند که آرزوی جدایی‌را نمی کند . مثلا دریک جایی که فکرها برین یک ثابت شده باشد که دفن اموات بجز قبرستان که قوم وخویش شان دران دفن شده باشد در دیگر جا امکان ندارد مرض چسان با آن جنازه‌ها از جای بجای متابعت نکند ؟ یک شهری که در کدام قریه مصاب میشود یا یک قریهٔ که در شهر مصاب یا وفات میشود ضرور باید حمل ونقل شود . چه چاره سرباید کرد تا خودش بتنگ آمده تشریف ببرد ! بهرصورت ازبار گاه آلهی نیاز میکنیم که این بلارا از سر مسلمانان رفع نماید .

اصابات	وفیات	تاریخ
		از . . یوم پنجشنبه تا به جمعه ۱۳ ذیقعده
٤	۳	در شهر . .
٤	٤	در اطراف . .
		از . . یوم جمعه تا به شنبه ۱٤
٤	۳	در شهر . .
۱٦	۱۲	در اطراف . .
		از . . یوم شنبه تا به دوشنبه ۱۵
۲	۵	در شهر . .
۱۵	۷	در اطراف . .
		از . . یوم دو شنبه تا به سه شنبه ۱٦
۱٤	۵	در شهر . .
۹	۵	در اطراف . .
		از . . یوم سه شنبه تا به چهارشنبه ۱۷
۱۱	٦	در شهر . .
۲۵	۱٦	در اطراف . .
		از . . یوم چهارشنبه تا به پنجشنبه
۵	۲	در شهر . .
۱٤	۹	در اطراف . .
		از . . یوم پنجشنبه تا به جمعه ۱۹
٤	۱	در شهر . .
۷	۳	در اطراف . .
		از . . یوم جمعه تا به شنبه ۲۰
۱٤	۵	در شهر . .
۱۹	۵	در اطراف . .
		از . . یوم شنبه تا به یکشنبه ۲۱
۸	۱۲	در شهر . .
۱۵	۸	در اطراف . .
		از . . یوم یکشنبه تا به دوشنبه ۲۲
۳	۷	در شهر . .
۵	٦	در اطراف . .
		از . . یوم دوشنبه تا به سه شنبه ۲۳
۳	۲	در شهر . .
۵	٦	در اطراف . .
۱۸۸	۱۲۸	

حوادث خارجیه

« احوال ایران »

جریدهٔ رعد مینویسد

آوخ ! که کذارشات نظر روز کار باسرعت هرچه تمامتراز دید های غبار آلود ما میکذرد و جانبازی کرور ها ابناء نوع سرنوشت آینده ملل را معین میسازد در حالیکه حس آگاه کنان ایران بجنبش در نیاید وفعالیت مدعیان دانش درمقدمات فریبانه صرف میکردد . از کرفتاری درپیچ وخم تردید وتلون عمر ودقایق زندکانی یک جمعیتی در کرداب جهالت وخود خواهی نابودی ودر مقابل تمام مصایب و کل شداید باوهام دلها خوشنود میکرد

کذا

واقعه جنایی در اصفهان

نظر باطلاعات و اصله شب چهار شنبه رئیس بانک استقراضی قنسول روس دراصفهان درحالیکه بمعیت پیشکار مالیه تقریبا ساعت ازشب کذشته از یک مهمانی عودت میکردند درخیابان از میانه در ختها صدای شلیک بلندشده وچند تیر کلوله بطرف مذکور انداخته میشود رئیس بانک مقتول وپیشکار مالیه مجروح

کذا

راجع بواقعه بوشهر

در ۲۰ سرطان مقارن غروب آفتاب چند نفر از صاحب‌منصبان انکلیس باچند سوار هندی از سبزآباد که محل ژنرال قونسولگری است حرکت کرده بعنوان تفحص از تنکستانیهائی که بان آمده بودند بمسافت سه میل از سبز آباد رفته پس از چند دقیقه مقدمه ازاطراف شلیک می شود وملازم الیفانت وبا ، کاپتن ویک هندی مقتول ودونفر هم مجروح میشود

نقل از اخبار حقیقت بین
حبل المتین
ایضاً بوشهر

(استحقاق عبودیة الدولة البریطانیه)

از ۲۰ رمضان وضعیت شهر بوشهر تغییر و حکمران عارف عالم اشرف واقف بمواقف عصر دست بروی دست نهاده گویا منتظر پیش آمدی مهمی نشسته بود برخی ابلهانه همچه تصور میکردند بحران کابینه ایشان را هم در حال بحران گذارده و حال آنکه همه وقت کنز خود را مربوط بکابینهٔ طهران نمی پنداشتند تا آنکه در یوم یکشنبه ۲۶ رمضان قشون انگلیس وارد و ادارات رسمی را تصرف کردند آن وقت معلوم شد آقای موقرالدوله که از یکهفته پیش منتظر بودند منتهای دانش و سیاست را داشتند در هر صورت علی الرسم دارالحکومه را هم قشون انگلیس قبضه نمود و موقرالدوله را محترم نگاهداشته یکی از دو امر را از ایشان خواستند اول اینکه بطرف طهران روانه و یا اینکه مثل سایر مردمان عادی در بوشهر توقف کنند ، موقرالدوله ساعتی چند غور نموده گویا چنین تصفیه کردند که چون مرکزیان از وضعیت جنوب واقف نبوده قبل از این پیش آمد کنونی بلقب وطن فروش مفتخر شان داشته بودند باین پیش آمد چه لقب خواهند داد معلوم نیست و خوف جانشان هم میرود توقف در بوشهر هم با مردمان عادی با آن علو طلبی و شرف دوستی که در وجود ایشان موجود است نه پسندیده خواهش نمودند آزادانه با عیال و اطفال روانهٔ بمبئی گردند مشروط براینکه پس از اینکه دولت انگلیس بوشهر را تخلیه نماید موقرالدوله را در همان عمارت حکومتی جای داده روند ، یعنی موقرالدوله را بحکومت بوشهر برقرار دارند و باطناً هم آنچه لازمهٔ تقویت باشد از ایشان بشود ،

اعلان

کذا

دولت انگلیس او امر صادر فرموده اند قوای انگلیس که حالا در بوشهر است فوراً بوشهر و جزیره ها را تصرف بکنند و حکومت بوشهر را بعهده گرفته گمرک خانه هم تحت ضبط بیاورند

این اقدام از طرف دولت انگلیس بسبب تعدی که برخلاف میل و رغبتشان برآنها زور آور شده است بعمل آمده و این تعدی ایشان از مهاجمهٔ تازهٔ تأسف انگیز طوایف بری بوشهر که درضمن آن دو صاحب منصب انگلیس و سه نفر سپاهی کشته و زخمی شدند بتصدیق پیوسته است —

ازین رو این وضع یك وضعی است که دولت انگلیس تحمل نتوان کرد ولهذا مجبور شده اند که اقداماتیکه برای مصالح خود لازم تصور کرده بعمل آورند و مداومت بتصرف بوشهر کنند تاوقتی که دولت ایران ملتزم بشود که تلافی کامل از اشخاص مقصرین از حملهٔ اخیره بیاید و سایر مطالبات دولت انگلیس را اجابت نماید

بموجب اوامر دولت بهمه مردم بوشهر و تمام کسانیکه مربوط هستند لهذا باید بدانند که امروز این جانب حکومت بوشهر را از جانب دولت انگلیس بعهده گرفته ام (امضا) (ترور) حاکم از جانب حکومت نظامی انگلیس

کذا

وکیل روز از پطروگراد خبر داده که قرب قزوین شاهسون ها عصیان ورزیده جنك شده یك نفر افسر سویدی با ۱۲ ژاندارم کشته و ۲۲ نفر هم مجروح گردیده اند

کذا

﴿ شیراز ﴾

(۵ رمضان)

اوضاع سپهری کما کان است ادارات دولتی مفتوح و اعضاء همه روزه حاضر ولی کارروائیشان مفقود است ایالت جلیله شخصاً اصلاح جو و امنیت خواه اما اجزاء و اتباع عموماً مفسد و طماع جو و طماع هرقدر ایالت جلیله در تحصیل امنیت و رفاه ملت برمی آید برعکس اعضاء ادارات در خرابی ملت و مملکت مساعی جمیله خود را مبذول میدارند هراندازه خوبیهای ایالت بی غرض و بی طمع ولی اجزاء و اتباع طمعشان مافوق النهایه و غرضشان مافوق تصور است مختصراً رؤسای ادارات باندازهٔ غرض رانی و خود پرستی بخرج میدهند که تمام اعمال نیك چند سالهٔ ایالت جلیله هم بهبا و هدر داده اند

کذا

تلگرافاً از طهران خبر رسیده که ایلات لرستان بژاندارمه قرب بروجرد حمله برده دو توپ از آن ها گرفته اند و نیز تلگرافاً خبر رسیده که در کنکور قرب کرمانشاهان همراهان قونسل آلمان که در تبریز بوده بهمراهان قونسل های انگلیس و روس حمله برده طرفین استعمال سلاح نموده همراهان قونسلین نقصان یافته اند و نیز از ژاندارمه کاری پیشرفت ننموده نا امید گردیده اند این خبر فوراً بوزرای طهران داده شده حکم بافسر قزاقی که در صحنه بوده و تاکنکور چهار روز است رفته که بقونسلهای روس و انگلیس کمك نماید

اخبار رعد مینویسد

عثمانیها در ساوجبلاغ

روز پنجشنبه شهر رمضان تلگراف ذیل از میان دوآب بطهران مخابره شده است :

کاغذ صدق بیك قوماندان است که از ساوجبلاغ رسیده عیناً درج میشود : خدمت آقای رئیس تلگرافخانه میاندوآب بعد از تقدیم عرض سلام و احترامات فائقه خالصانه زحمت افزا میشود مخلص خاطر شریف و عموم برادران دینی آن طرف را مطمئن میباید که دولت علیه عثمانی غیر از استحکام مبانی اتحاد و دوستی و تشیید اساس اخوت با دولت علیه ایران و آسایش و رفاهیت رعیت و تطهیر خاك پاك ایران مقصودی ندارد و در این صورت وحشت و تفرقه که رعایای کرد عجم خیلی بیجهت و بلکه باعث استفاد دشمنان اسلام میباشد بطوریکه مخلص در این جا مشغول اعادهٔ امنیت و آسایش کلیه رعایای عجم و کرد می باشم از جنابعالی و سایر مأمورین محترم خواهش مندم بهرشکلی اقتضا میباید در تأمین رعایای بیچاره بذل مرحمت فرموده آسوده آنها را بجاهای خود برسانید که بدون نگرانی مشغول کسب و کار خود باشند و خصوصاً از طرف مخلص بایشان اطمینان کامل بدهید که بدون خیال سرجای خود بیایند بکسب خود مشغول باشند اتفاق نیست دشمنان اهالی در این ضمن از ملعا استفاده نمایند الحمدلله تجار محترم و سایر عجمهای این جاها بنهایت استراحت را دارند زیاده زحمتی ندارد

قوماندان ساوجبلاغ صدق

(نوبهار)

تلگرافات خصوصی

از برجند — با کمال تأثر عرض میکنیم دراین اوقات که تازه علاسوز اروپا افروخته با وجود رسیدن احکامات حجج اسلام در همراهی بدولت همکیش و آئین و دخول در جهاد که امروزه از فرایض شمارست دولت علیه ایران ملت را امر بیطرفی فرمودند در صورتیکه از هم جواران دراین مدت بغیر از اقدامات ضد بیطرفی هیچ چیز مشاهده نشده از طرف همسایه شمالی تمام قطعه شمال را اشتغال و تصرفات غیر مشروع نموده از طرف دیگر همجوار جنوبی در تمام بنادر و عربستان دخالت های حق شکنانه می نماید فقط که قدری کمتر طرف توجه همسایهگان بود دو قطعه قاینات و سیستان بود که حکومت جلیله دراین انقلاب از هر حیثیت رفع بهانه ایشانرا نمود بهر دلیل براین مدعای مستشهد بود کمال اینکه دراین مدت از هر گوشه و کنار آثار انقلاب ظاهر شد مگر قاینات و ملت قاینات هم در اوامر مطاعه دولت تمکین صرف بوده و ملاحظه اهمیت قطعه را نموده بهانه و عذری بدست همسایگان نیامده ولی صفحه ازوطن مقدس ما را هم مثل سایر جاها فعال مایشاء کردند ولی افسوس که با اینهمه تمکین ما و تأمین دادن ایشان بورود عساکر خود این قطعه را نیز دوال نمودند باهم اینکه دو نفر آلمانی بشهر قاین در پانزده فرسخی برجند وارد شده اند مالامنیت ندارم متوالیا سالدات و توپ و تفنگ وارد می نمایند و از طرف دیگر دولت انگلیس هم محض عقب نماندن از هم عهد و پیمان خود قریب پانصد نفر رسته هندی بسیستان وارد نموده است در صورتیکه بمحض خبردادن خود ایشان حکومت جلیله را بورتهای متعدده بدولت دادند و از طرف دولت امر و تکلیف معین شد و حضرت حکمران باشان اطمینان از هر حیث دادند که تا آسوده باشید قوای دولت بقدر ممکن حاضر است و شخصا خود من هم از هر گونه اقدامات کوتاهی ندارم و اطمینان میدهم که هیچ حادثه رخ نخواهد داد با وجود این متقاعد نشده این ملت بی صدا را بصدا آوردند وطول نخواهد کشید که این صفحه هم مثل سایر جاها یکپارچه آتش خواهد شد مسجد و معبدگاه ما مسلمانان قاینات جای سالدات و اسبان آنها رعیت از قتل و غارت سالدات روس چه نظر تا بحال مقتول و هدف گلوله بی رحمانه ایشان ، ناموس و اهل و عیالمان در چنگال خون خوارانه ناکار بیرحم ، ما گر اولیای دولت و ملت رفع غائله نمودی ننمایند مجبوراً آنچه لازمه غیرت اسلامی است اقدام خواهیم نمود».

امضاء ۱۳ نفر از علما و متنفذین اهالی

کرمانشاه

از قرار اخبار واصله حسین رؤف بیک بازاز خانقین قصر و سرپل قوه سوق می کرده است ، گویا رؤسای کرمانشاه نیز به آقای اقبال الدوله مکتوبات مفصلی نوشته در ضمن اظهار داشته اند که ، هنوز احتمال مخاطره بکلی رفع نشده است ،

سیستان

«دراین اواخر انگلیسها بهانه اینکه در حوالی طبس سوار آلمانی دیده شده ۴۵۰ نفر قشون هندی بحدود برجند وارد کرده اند .

روسها نیز بهمین عنوان عده قشون بدان صمت سوق نموده اند قوای روس دو بطرف قاینات حرکت کرده است .»

یکی از نامه نگاران ، از ماوراءالنهر مینویسد

«در خصوص دولت روسی چنان است که درین روزها کرید های داخلهٔ مملکت خود را کامل ازمردم مسلمانان و یهودی و غیره فرقههای غیر روسی که بدولت مذکور است موقوف نموده بلکه قریب دوهفته شده که در گمرک برای کسی کرید نیامده است ونمی آید دوسه مال سنگین باب مثل درب و کنتور وغیره اجناس پشمی و کلاه و نخ از بردن تجار ها که بدولت های غیر می برد موقوف نموده ونمی ماند — ونیز در ترکی افواهات که بدرهٔ داردانل عسکر عثمانی به عسکر دولت انگلیز وفرانس شکست زیادی داده بلکه دوازده هزار عسکر شان را غرق دریا نموده است — ونیز مسموع شنیدیم که چند ضرب توپ وچیزی عسکر سوارهٔ روسی درمشهد مقدس جهة جلوگیری عساکر عثمانی بطهران بوده آمده است

آخرترین خبرهای جنگ از اخبار نوبهار

ابلاغیهٔ عثمانی

از طرف سفارت کبرای عثمانی تبلیغ می گردد

خبراز اردوگاه عمومی عثمانی

درجبههٔ قفقاز پری روز یک مفرزه عثمانی تپه مهمی را از دشمن ضبط کرده بود روسها با اینکه حمله های سخت برای پس گرفتن این تپه می کنند جز دادن تلفات زیاد نتیجه نبرده

دیروز بعدازظهر زره پوشهای دشمن موسومه (تلدران)(دتس) باچهار عدد موشک انداز پیش که (قبابه) آمده بیشتر از دویست گلوله بمواقع عثمانی انداختهاند نتیجه این تعرض یک شهید ودو مجروح بوده استحکامات مقابله کرده یکی ازآن زره پوشها دوچار خسارت گشته و فرار نموده بنابراین کلی آتش استحکامات (آناطولی) دشمن فعالیت ودعیاتش را در موقع (تنگه بورنی) از دست داده

جبهه قفقاز جناح یمین ما که درحوزه رود (ارس) حرکت مینماید با سواره وپیادهٔ روسها شروع بجنگ دشمن را با دوهزار مجروح ومقتول عقب نشانده است درتعاقبیکه دشمن ترک و فرار نموده تااکنون ششصد جسد ملحوظ شده مجروحین داخل در روز در مواقع آری بود دشمن بیک آتش توپخانه سخت برجناح یمین ما هجوم قطعی نموده در مقابل دلیرانه قشون عثمانی کلیتاً محو وپریشان شده وفراریان [illegible] مدهش خود شانرا ترک کرده اند از نتیجه این محاربه عساکر عثمانی عدهٔ زیاد واسلحه بحساب بدست آورده اند

درسد البحر هاروز دشمن سه دفعه بجناح یمین ما هجوم کرده وغیر از دادن تلفات زیاد کاری نکرده درجناح یسار محاربه خندقها دو کرده ازدشمن دو عراده مترالیوز بدست افتاده است درکافه این نقاط بااینکه دشمن قریب شصت هزار گلوله توپ صرف نموده است نتیجه جدو جهدش بیک هزیمت کلی منقلب شده تلفات بی اندازه داده ازمواقع عقب نشسته است

دیروز درموقع سد البحر دشمن برجناح یمین ویسار ما حملات متوالیه آورده با سرنیزه مقابله دیده محو وپریشان شده ودراین کرّات عده انگلیسها اسیر گشته اند

جبهه عراق شب یازدهم ماه کشتیهای انگلیس در نهر فرات مرجه جرأت ورزیده اند که طرف شمال جلو روند بنابر مقاومت شدید قراولهای عثمانی با تلفات زیاد عقب نشسته اند

۱۵ ماه جبهه داردانل سمت آری بورنی یك سفینه قلعه دشمن كه مملو از قشون بوده در رفاقت یك کشتی جنگی بساحل تقرب نموده بنار شلیك توپخانه عثمانی یکی از کشتیها غرق ودیگر محترق گشت

جبهه عراق قرات عثمانی دشمن را احاطه کرده نتیجه یك محاربه دوازده ساعت بالتلفات زیاد عقب نشانده اند بااینکه انگلیسها مقتولین ومجروحین خود را حمل کشتیها کرده سمت بصره برده‌اند باز در عرصه جنك بیشتر از پانصد جسد مانده است که میان آنها دو نفر صاحب منصب بوده غنایمات مادرین حرب یك صاحب منصب وپنجنفر شهید وبیست ویکنفر مجروح شده دراین محاربه کشتیهای انگلیس بقوای عثمانی تقریبا سیصد گلوله توپ انداخته اند .

جبهه دار دانل در آری بورنی دشمن برای اوضاع کشتیها که درخندقها افروخته ام جد وجهد بسیار می کنند

در سد البحر کشتیهای قلعه دشمن از دو روز باینطرف مهاجما حمل ونقل مجروحین می کنند

جبهه عراق دشمن که سیزدهم ماه ژوئیه بموقع قلعة المحمود قریب (قورنه) عقب نشانده شده بود قوای تازه گرفته درشب ۱۴ ماه حمله بمواقع مادر ساحل فرات برده درنتیجه یك محاربه شدیدی کلیهٔ منهدم وپریشان گشته عده انگلیس پیاده حین فرار امکان سوار قایق کشتیها نداشته همگی ازطرف عساکر عثمانی اسیر شده اند دراین محاربه تلفات انگلیسها زیادتر ازهزار نفر بوده درمیان آنها یك فرمانده ودو صاحب منصب است سی ودو قایق دو عراده متراليوز دویست عدد تفنك عدهٔ بسیار شمشیر ونیزه مهمات وفشنك ودوربین وغیره اغتنام گردیده است

کاریبالدی چطور غرق شد؟

تفصیل غرق کروازر کاریبالدی نام ایتالی را اخبار روترا اینطور مینویسد: یك دیویزیون از کروازرهای ایطالی که به جهازات وارس ، فرویسی ، کاریبالدی ، وتریبسانی مشتمل بوده در حوالی کاتارو نمایش داده دنکام مهاجمت جهازات ایطالی‌ها دچار حملهٔ تحت البحرهای اطریش میشوند . کروازر کاریبالدی حمله را دفع کرده در حملهٔ ثانی توربیل خورده غرق میشود .

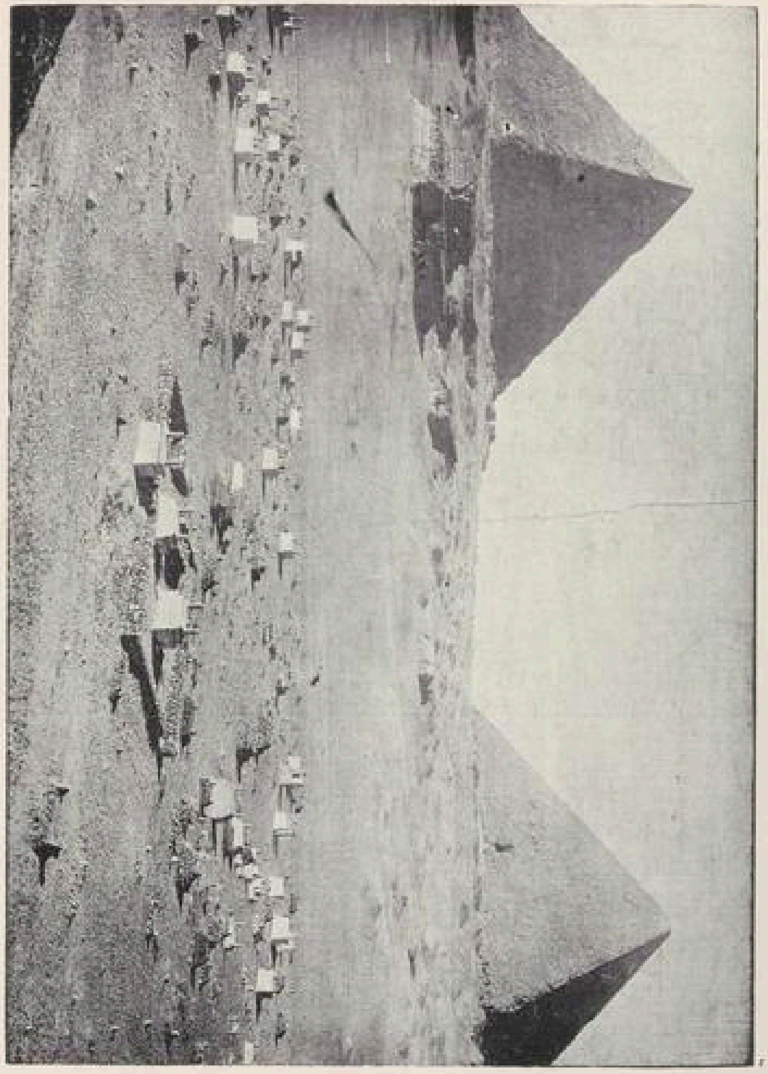

ازمناظر مصر

قبرستان مسلمانان در جوار اهرامها که ازعجایب سبعهٔ عالم محسوبست

بلغار و عثمانی

مخبر روزنامه (تایمس) مقیم صوفیه خبرمیدهد که عهدنامهٔ بین بلغاریا وعثمانی به امضا رسیده است وبالنتیجه راه آهن (دده آغاج) ببلغار

وا گذار شده ـ و نیز تمام راه آهن (موریج) بعثمانی داده شده و این معاهدهٔ جدید تمام مسائل غامضه سیاسی را که بین دولتین بلغاریا و عثمانی از دیر زمان موجود بوده تصفیه وحل نموده است

پترو گراد — برحسب معاهده که مابین بلغار و عثمانی منعقد شده ست ، قوای عسکریهٔ بلغارستان در سرحدات صرب و یونان تزیید و تقویت شده است .

مسکو — برای ترتیب کار خانجات لوازم حربیه عدهٔ زیادی از متخصصین میکانیک آلمان از راه بلغارستان ورومانیا جدیداً بعثمانی اعزام شده اند .

پترو گراد ـ روز نامه (روما) منطبعه صوفیه خبر میدهد که مفا کرا
مابین عثمانی و بلغار خاتمه یافته است . امروزه آلمانها از طریق بلغارستا
بخاک عثمانی مقدار زیادی اسلحه روانه میدارند . آلمانها بواسطهٔ استحکاما
روجه ترکها را محکم سازند خیال دارند که چندین دسته عسکر
روانه نمایند آلمانها چهار نفر مهندس بصوفیه برای رسید گی به حمل
و نقل اسلحه و ترمیم آنها روانه نموده اند . از قرار مسموع یکحصه
وا گونهای راه آهن بلغار حاضر شده ، که چند روز موقتاً حمل و نقل
معمولی را توقیف نموده بحمل مهمات مزبوره بپردازند

§ پترو گراد — در رومانی سوقیات خصوصی صاحبمنصبان امتداد

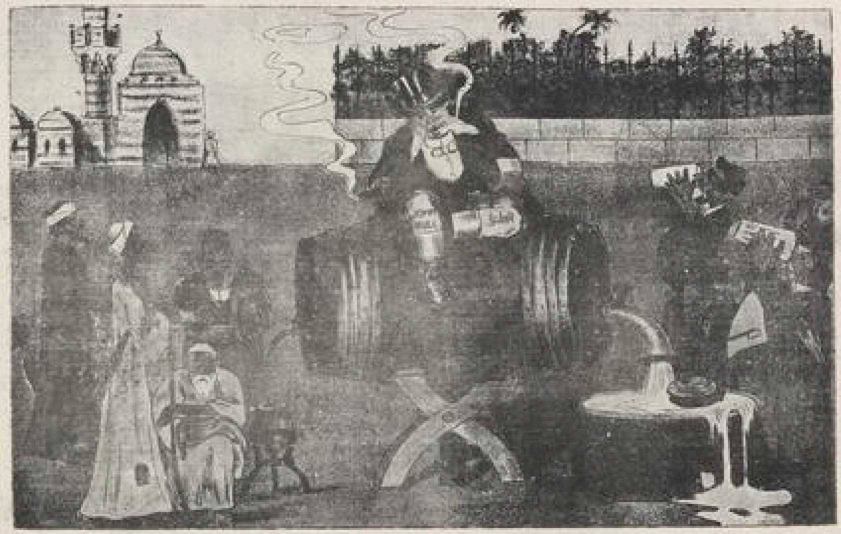

کاریکاتور

السیاسة المصوره

پیپ کلان مصر است که از ثروت و سعادت ملامال است . انگلیز ، بکمال مستی سرشار و از آن متمکن عزو افتخارات . در ظرف خودشان از شیر دهن فراخی مانند سیلاب ریخته ظرف را لبریز ، و کیسه های شاداب ، و شکمهای شانرا طبل ساخته . در ظرف وطنی های خود مصر مانند اشك چشم یتیم قطره قطره میچکد ، و تا ظرف یکی پرشده نوبت دیگری رسد از تشنگی میمیرد سلطان اعظم (!) مصر ، آیا سیراب است یا تشنه ؟

میکنند . آلمانها اشاعه میدهند که حرکات رومانی برضد ائتلاف رباعی میباشد .

§ پترو گراد — ازطریق رومانی آلمانها هزاروا گون اسلحه بخاك عثمانی وارد کرده اند .

تدارك آلمان برای حمله به صربستان

آژانس پترو گراد مورخه ۱٤ ایلول (۱٤ رمضان) خبر میدهد که نظر به شایعات جدید آلمانها تازه گی مصمم شده اند که یك حملهٔ سختی به صربستان نموده بدینوسیله یك راه مستقیم از داخلهٔ آلمان و اتریش بخاك عثمانی باز کنند وضمناً در بلقا رستان نیز نفوذ خودرا محکم سازند . برای اینمقصود تدارکات بزرك دیده میشود . از قرار معلوم آلمانها پس
از آنکه در خطوط شرق پیشرفت خود را تأمین نمودند ، مسئله هجو
صربستان را تعقیب خواهند کرد .

تحت البحری آلمان

« بارسون » امریکائی درضمن ملاقات خود با مخبر روزنامهٔ « نیویور
گفته است :

« تحت البحر های آلمان تا امروز به جنگهای جدی وحقیق
آغاز نکرده اند فعلاً ۱۱٦ فروند تحت البحر آلمان درسواحل انگلستا
مشغول مین گذاری هستند . عده این مینها بالغ بر ۳۰۰۰۰ خواهد
وقتیکه تحت البحری های آلمان بجنگ جدی شروع کرد مملکت انگلست

وقایع مهمهٔ مشاهده می کند که عقلهارا حیران میگذارد ، ونیز گفته است که : « امروز در کار خانهای آلمان ۴۰۰۰۰ عمله موجود است که به ساختن تحت‌البحری های تازه مشغولند وهر هفته یك چند تحت‌البحر جدیدی درآب میاندازند » .

تحت‌البحری زره پوش

از اول این جنگ مهندسین دولت آکازوئی بواسطهٔ پیمودن دریاها گرم تشبثاتی میباشند . نظر بقول بعضی جراید نویسها گویا مهندسین دولت مزبوره بخیال افتاده اند که یك فروند کشتی زره پوش تحت‌البحری که دارای یك عراده توپ سنگین باشد انشا نمایند .

بزرگی کشتی باید باندازه باشد که در سطح آن یك برجی دارای یك توپ بزرگ دیگر بنا شود . تقریبا بزرگی آن مثل کشتیهای جدید سطح البحری باشد بغیر از آن برج باید برج دیگری باشد که دارای چندین عراده توپ کوچك برای دفع هجوم کشتیهای زره پوش وتحت‌البحری بشود محرك این کشتی باید احتیاج باتش خارجی نداشته وبقوهٔ الکتریك کار کرده ودر هر ساعتی سی میل کشتی را راه ببرد . در وقت جنگ این کشتی باب فرورفته در سطح آب فقط آن برجی که دارای زره میباشد میماند وبدین واسطه این کشتی را مثل زره پوشهای دیگر ملبس بزره نکرده وزره پوش شدن برج خارجی اکتفا میکنند .

یکی از (روزنامهای) انگلیس خیلی تعجب درباره آن کشتی نموده ومیگوید که : یك کشتی که فروباب رفته ودرساعتی سی میل راه رود اولا باید حجم آن خیلی بزرگ باشد وثانیاً باید خیلی گران تمام شود زیرا کشتی که دارای چنین برج شده ودروقت جنگ باب فرورود غیراز این دوشق غیرقابل امکان است

(کاسپی)

(بلغار واتفاق مثلث)

هر چند بیشتر از یك هفته میگذرد که نمایندگان متفقین پیشنهاد متضمن معاوضات ومساعدات که بلغارستان را بطرف اتفاق مثلث متمایل کند تقدیم صدر اعظم دولت بلغار نموده‌اند ولیکن تا کنون ازطرف اندولت جواب به پیشنهاد مذکور داده نشده جزاینکه نسبت به برخی ازمواد پیشنهاد مذکوره توضیحاتی خواسته اند ودر همین هنگام نیز (رادو سلاوف) بانمایندگان آلمان وعثمان در مجالس عدیده مشغول مشاوره بوده است

برودت مابین یونان وایطالی

بحریهٔ ایتالیا در این اواخر کشتیهای یونان را بشدت بنای تفتیش گذاشته زیرا که یونانیها به تحت البحریهای آلمان معاونت میکنند مطبوعات یونان باتهامات سختی تأکید میکنند که دولت مزبور این وضع تحمل ناپذیر را بفوریت خاتمه بدهد (پی اقبال)

کانال سوایس

اهمیت کانال سویس برای انگلیسها مخصوصا در این موقع جنگ و شروع انقلاب هندوستان خیلی واضح است .

انگلیسها برای هندوستان دو طریق دریائی دارند یکی همین طریق کانال است ودیگری در جنوب افریقا ازجلو دماغه امید پس از حفر کانال راه دماغه امید از کار افتاده بندرها وایستگاههای منظم ومرتب نداشته که جهازات بستی هندوستان ازآنها مایحتاج خودراتهیه کنند .

مسدود شدن کانال علاوه براینکه متجاوزاز ۳۰۰۰ میل راه جهازات انگلیس را دورتر خواهد کرد تأسیس بنادر لازمه هم محتاج وقت زیاد است . وممکن است که تشبثات جمال پاشاهم از عملیات تخلیهٔ کانال مانع بشود . در این صورت باید گفت که بعجالة راه انگلیسها ازدریا برای هندوستان بسته شده وفرجه بدست شورشیان هند افتاده است . مسدود شدن کانال سویس را ابلاغیه عثمانی برای ما اینطور خبرداده : —

« درجبههٔ مصر درظرف این دوهفته یك کشتی جسیم دشمن در میان کانال سویس غرق گردیده عبور ومرور ازکانال کاملا قطع شده است » مطبوعات روسیه که بایستا خبرات باداره ما رسیده درتأیید این وقعه میگویند :

« بموجب اخباریکه از منابع رسمی بامیرسد گویا در کانال سویس یك فروند کشتی بزرگ تجارتی که پراز امتعه بوده بدون جهت وواسطه غرق گشته وراه آمد وشد را بسته است »

روزنامه پی اقبال پس ازدرج خبر فوق اظهار میدارد که بعضیرا عقیده براین است که این کارهارا تماما آلمانها می کنند .

ونیز ممکن است که این کشتی را انقلابیون هند که در آن مستخدم بوده اند همراه خود بقعر دریا برده وراه تعدی دشمن را برفقای خود بسته باشند ! (نوبهار)

از ترجمهٔ اخبارهای اردو وانگریزی

۱۰ ماه اکتبر سنه ۱۹۱۵ خبر امستردم — ازمراسلات امدهٔ دمشق ظاهر گردیده — که‌جهان فانوس نقری ساخت که قبل ازین قیصر جرمنی — برای مزار سلطان صلاح الدین — وعده کرده بود — فانوس مذکور رابه اتمام خاص تیار کرده شده — وبه ترك واحتشام — تمام دردمشق رسانیده شده — وبه‌مزار مبارك سلطان صاحب مرحوم آویخته شد —

۲۶ اکت خبرشمله دولشکر جهازات تجارتی دولت برطانیه که گورنمنت هند در بین آنها غله کندم بار کرده بطرف ملك انگلستان فرستاده بود هردو لشکر جهازات مذکور را کشتی های تحت‌البحر جرمنی غرق نمود —

۲۳ اکت خبرلندن ازقرار راپورتهای آمده که دره دانیال ظاهر گردیده که بدون افسرهای خورد مثل کپتان و کرنیل ولفتنت — دونفر افسرهای کلان — یکی جرنیل اج باملن — مقتول وجرنیل بی کرانت مجروح گردیده —

۲۷ اکت خبر امستردم — از خبرهای آمده کورلن ظاهر گردیده — که‌جرنیل هندنبرك در بحر بالتك دوباره نقل وحرکت شروع نموده — مکرر گرخنگ جرنیل مذکور درسمت جنوب متادی باشد — وگفته میشود که‌دولت روس مقام اولتا را خالی نمود وسپاه جرمن مقام مذکور را قبضه نمودند —

۳۰ اکت خبر کلکته از اخبارات یونان ظاهر گردیده — که بامداد بسیار کارخانه کرپ جرمنی در قسطنطنیه آمده کارخانهای اسلحه سازی برپا نموده اند که در کارخانه های مذکور روز وشب کاریکرها درساختن — گوله واسباب جنگ مصروف می باشند واز اناطولیه سپاه جدید متواتر در قسطنطنیه میرسند — ونیز ظاهر گردیده — که دولشکر کشتی های تحت البحر جرمنی در بحراسود ومارموره ودره دانیال — وپنج لشکر کشتی‌های مذکور در خلیج سمرنا می باشند —

١٢٨ گست خبر پترو گراد — از طهران بذریعهٔ تار خبر رسیده — که سفیرهای دولتین روس و برطانیه مقیم تبریز — در بیگهای خود سوار از طرف کنکور می آمدند — که سفیر جرمنی بهمراه یك دستهٔ سپاهیان کارد بالای شان حمله نمود نقصان بسیار برای نفری سپاهیان سفیرهای دولتین رسیده — درموقعه سپاهیان جندرامهٔ ایرانی هم کاری کرده نتوانستند وزارت ایران همان وقت فی الفور اجلاس نموده — دو توسومان بنام افسر بزرگ سپاه جندرامهٔ ایران احکام فرستاده شد که در مقام مذکور خودرا رسانند —

١٣٠ گست خبر لندن — درمیدان جنگ فرانس جنگ بسیار بشدت جاری است درعلاقهٔ ارگون توپخانهٔ دشمن — یك گوله باری سخت نموده — وتاحال جاری است درین مقام سپاهیان جرمنی بم هاهم استعمال می نمایند وسرنگها یعنی نقبها هم می پرانند —

١٠ سپتمبر سنه ١٩١٥ خبر شمله — منجانب ویسرای ملك هند اعلان یافته — که قبل ازین مشهور شده بود — که یکدسته کوچك سپاه دولت برطانیه بعلاقه بوشهر ملك ایران — قبضه نموده بود — حال خبر رسیده — که در شب ٩ ماه حال یك جمعیت مردم قبائل ایران که تعداد آنها قریب ششصد نفر خواهد گردید — بماتحتی دو نفر سرداران ایرانی برسپاه انگریزی حمله نمودند — بمجرد حمله فوراً جدید — فوج طلب کرده شد — وجمعیت قبائل نشر کرده شد — از طرف مردم قبائل — چهل نفر مقتول گردیده — واز طرف سپاه انگریزی دو نفر افسر هلاك وچهار نفر زخمی شدند —

١٠ سپتمبر خبر شمله از لندن برای ویسرای هند خبر رسیده که در مشرق گلیشیا سپاه روسی برسپاه جرمن واستریا حمله نمود — مگر دروسط ملك روسی — وساحل بحر بالتیك پیش قدمی سپاه جرمن جاریست جرمنها قریب مقام لودی شروبذریعهٔ گسهای مهلك یك حملهٔ بسیار سخت نمودند وجنگ بسیار خونریزی جاریست — واز اعلان دولت جرمن ظاهر گردید که سپاه جرمن — مقام وانکور را از دولت روس فتح نمودند —

١٢ سپتمبر خبر لندن — اعلان — نموده — که در علاقهٔ سکادل — فوجهای روسی بسیار بشدت وتندی حمله نمودند مگر جرنیل هندن برك جرمنی — بعد از جنگ بسیار سخت خونریز بوقت شب بر شهر سکادل قبضه نمودند —

١٢ سپتمبر خبر لندن — از پترو گراد معلوم شده — که کشتیهای تحت البحر دولت جرمن — در بحر اسود — در بندر گاه کرچ حمله نمودند — اکنون جهازات جنگی دولت روس در پی — تجسس کشتی مذکور می باشند

١٢ سپتمبر خبر لندن — برای ویسرای ملك هند خبر رسیده — در محاذ روسی جنگ جاریست فوج های جرمنی تحت کان — جرنیل می کنسن درمقام کوسوف رسیده اند — این مقام از برست لتوسك ٨٠ میل بطرف شمال می باشد — ونیز بیك مقام دیگر که از پنسك ٢٧ میل بطرف مغرب یك قلعه روسی بود — قبضه نمودند درعلاقهٔ ارگون دو اسفیر — جنگ بسیار خونریز جاریست — درآن گون جرمنها توپهای کلان بکثرت استعمال نمودند مگر سپاه متحدهٔ ایشانرا پس پا نمود ودرمقام واسفیر — سپاه جرمن — بذریعهٔ گسهای مهلك وروغنهای — آتشگیر — حمله نمودند — سپاهیان — فرانس مجبوراً صف اول سنگر خودرا گذاشته درصف دویمین قدری عقب نشستند —

١٤ ماه سپتمبر ١٩١٥ خبر لندن — کشتی سنت الیبیا نام دولت ایطالیه ١٧٠٠ سپاهیان دولت ایطالیه را از نیویارك ملك امریکه سوار کرده — بطرف ملك ایطالیه می آمد جهاز مذکور در بحر ادریاتیك آتش گر

١٥ سپتمبر خبر گلکته از اخبارات آمده که ممالك یورپ ظاهر ش
که دولت جرمنی — سعی بسیار می نماید که بهر صورت که ممکن شود — دو
دولت فرانس علیحده صلح کند — گفته می شود که دولت ج
می خواهد — که صوبهٔ ایلس — ولوارن را بدولت فرانس واپس بد
ونیز علاقهٔ ملك افریقه را که در مقابل مراکو چند سال قبل ازین از
فرانس حاصل نموده بود —

١٥ سپتمبر خبر شمله — منجانب ویسرای ملك هند اعلان یافته —
فوجهای جرمنی بمقام — ولنیا — ولین های ریل که بطرف پترو
می رود رسیده اند — از ملك روسی خبر رسیده — که سپاه روس از ا
درروز — که از مقام ولنیا — بقدر ٢٨ میل بطرف شمال مشرق یك ا
کلان پترو گراد ریلوای بود — پس پا شدند — وازسمت جنوب حملهها
بطرف شرق سکیمدل بسیار شدت جاری است — کمك بسیار هم
سپاه جرمن رسیده — ودر علاقه جات والکومك و کابرز — سپاه
بسیار احتیاط و آهستگی — پیش قدمی می نمایند —

خبر رسیده که کشتی ای نمبر ٧ تحت البحر دولت برطانیه را جهازات د
دردره دانیال غرق کرده ٣ نفر افسر و ٢٥ نفر ملاحهای کشتی مذ
اسیر نموده اند چونکه بعد از چهارم ماه سپتمبر — درك کشتی مذکور معلو
گفته می شود که بیان دشمن صحیح خواهد بود —

١٧ سپتمبر خبر روم — بطریق سرکاری اعلان یافته — که در چند روز
برای — سپاه — استریا — کمك بسیار رسیده — سپاه استریا بعد از گول
بسیار بشدت توپهای کلان — برچند مقامات حملههای بسیار سخت نمو
لکن در همه جا — وجمیع حملهها به نقصان بسیار سخت ایشان واپس نمو

١٧ سپتمبر خبر پیرس اعلان یافته که در تمام محاذ جنگ فرانس گول
بسیار بشدت جاری است در علاقه ارگون سپاه دشمن بمهای سن
انداخته — ودر اکثر مقامات گوله های توپ های کلان سنگر نمو
به تعداد بسیار استعمال نمودند —

پرواز طیاره های جرمنی بطرف قسطنطنیه —

لندن ١٣ ماه سپتمبر —

نامه نگار روتر از پیتز اطلاع می دهد که از بلغاریه بروت پان
رسیده است که طیارههای جرمنی از اورسووا پرواز نموده از
سرویا وبلغاریه دائماً گذشته بطرف قسطنطنیه می روند

مجموعه کل تلفات برطانوی —

لندن ١٤ ماه سپتمبر —

در دار العوام مستر تنت اعلان نمود که کل تلفات برطانوی درمد
جنگ بدین موجب بود

مقتول
افسر ٤٩٦٥ — سپاهیان ٧٠٩٩٢ —

مجروح
افسر ٩٩٧٣ — سپاهیان ٢٤١١٠٨٦ —

مفقود الخبر
افسر ١٥٠١ — سپاهیان ٥٣٤٦٦ —

یعنی کل تلفات مقتول ومجروح ومفقود الخبر سه لك وهشتاد و
ونهصد وهشتاد وسه نفر میباشند [درسال دوم جنگ البته که این تعدا
بدو مثل آن بالغ خواهد شد ، اگرچه نسبت بتعداد تلفات دیگر

این تعداد خیلی کم بنظر میآید ولی چون نسبت باصول وقواعد عسکری دولت انگلیز شود خیلی افزون یك تلفیاتیست ؟.. خدا این آفت بصفهٔ جریدا زودی خاتمه دهد]

احوال هندستان

(دزدی دراثنای حرکت ریل)

چریك دزدی حیرت انگیزی که برریل راه آسام وبنگال واقع شده رسیده که تفصیل آن ازقرار ذیلست ، که چار نفرجوز قبل ازین وسقه رانانه مهری ساکن « راجشاهی » به « دوبری » میرفت . دراثنای که ریل کادی بکمال سرعت فوق العادهٔ که دارد ره بپای مقصود بود درمیان ستاشیون های « مادونکر » و « اورانی » دزد در کوپهٔ ستذرانانه ودیگر مسافران در آمده آنها را بقتل رسانیده همه اسبابهای پیش بها وملغهای نقدی را ازنزدشان گرفتند . وپس ازآن دفعتاً درعین رفتار وسرعت حرکت ریل بپائین جستند که تا حال هیچ اثری ازآنها معلوم نیست .

(کذا) :

(دزدی دربازار چندانی‌پور)

یك اخبار ازدور قطرازاست که درحال دربازار چندانی پور واقع مدوده « تباه آمده » بردکان عبداللطیف نامی دزدان آمدند ودکاندار مذکور تجارت « سن » میکند . وتعداد آنها قریب ۳۰ بود که همگی بشکها وریجه ها وسوته ها ودیگر آلات مهلك مسلح بودند . دزدان همه دکاندارها ترسانیده وبا آنها بدسلوکی پیش آمده قریب ۲۸۰۰ روپیه نقد ازایشان بردند .

(بجای افیون کارتوس برآمده)

بتاریخ ۱۲ ستمبر یك نوجوان بنگالی ازریل مغلسرای درآمده در استاشیون « هوره » پیاده شد . وبه شبههٔ افیون کالا واسبابش راتلاشی نمودند . مگر دراثنای تلاشی بجای افیون ۹۰۰ دانه کارتوس تفنکچهٔ ماوزر ازنزدش برآمد که بنابران بنگالی مذکور فوراً زیر حراست گرفته شد .

(کذا) :

(قتل یك پهره دار)

خبر یك قتل ودزدی حیرت انگیزی ازچین فوجی لکهنؤ رسیده است که پهره دار دفتری که درمیدان قواعد فوج لکهنؤ بوده بقتل کرده شده و صندوق آهنی دفتر درقریب احاطهٔ دفتر بریکیدان شکسته یافته شد . ازمجرمان تا حال کسی بدست نیامده .

(کذا) :

(جرمانه دربادافراه اشاعت مسایل صیام)

محرر « المنیر » دراشاعهٔ ۸ ستمبر خود مینویسد :

« اگرچه تذکار مسئله را دراخبار خود مناسب ندیدیم مگر چهه حال اخبارات خارجی درالخصوص درپی اخذ معلومات افتاده نوشتند که بر « المنیر » مطابق دفعهٔ ۲۹۲ قانون هند مقدمه ساخته شده است که باران ازطرف بسیاردوستان خطوط استفسار امر الوالی ما رسیدند حالا اطلاعاً عرض میشود که در « المنیر » مورخهٔ ۱٦ جولائی درتحت عنوان « ماه صیام » متعلق احکام ومسایل صوم از اخبار « القمر » نقل جلب شده بود ازجملهٔ آن بعضی فقرات آن درنظرکورنمنت پنجاب مخش معلوم شدند وبعدازمقرر شدن دو تاریخ روز یکم ستمبر محکمهٔ عدالت بر « المنیر » دادن ۱۵ روپیه را بطریق جزا امر کرد .

ازنقطهٔ نظر سیاسی نمیخواهیم که درخصوص چیزی بنویسیم ولی ازنقطهٔ نظردینی این یك نامناسب نخواهدبود که بگوئیم که روزه ونماز وحج وزکوة همگی فرایض شرعیه هستند که متعلق آن احکام مقدس شرعی درتمام کتب فقهیه بشرح وبسط تام موجودند . المنیر نیز همین احکام شرعیه و مسایل دینیه را که بسیاء لعتقدانش شایع نموده بود . پس اگر اشاعت این چیزها مخش باشد آیا حکام میتوانند که جمیع کتب فقه اسلامی را که درآن ها این مسایل بکمال تفصیل درج میباشد مخش قرار بدهند .

« المنیر » را لازم است که در محکمهٔ چیف کورت لاهور مرافعه کند تاازین فیصله نظر ثانی کرده شود باحکام مذهبی ما ضرردار نشوند »

(کذا) :

(احوال مزید دزدی میمن سنکهه)

حالات مزیدهٔ دزدی که دربازار « چندرمای » « میمن سنکهه » واقع شده بود معلوم شده وازآن چنان ظاهر میشود که تعداد اشقیا قریب ۳۰ بود که بعض کرته وکرتی پوشیده بودند وبرسرهای بعضی کلاه های خکی قسم کورکی بود وبعضی بر سر های خود شان تنها لنکوته بسته بودند نیز روی های شان بانقابهای سرخ پوشیده شده بانفنکچه وغیره سلاح مهلك مسلح بودند . دزدان بتوسط یك کشتی دریای « میر » را عبور کرده آمده بودند وقریب ۸ بجهٔ شام بر ٦ دکان دیگر نیز هجوم بردند که از جملهٔ آن ٤ دکان از مردم « مور واری » و ۲ دکان از « بنگالی ها » بود . مقدار مبلغ نقد مسروقه ۲۱ هزار روپیه تخمین کردهشده است وسه هزار روپیه زیور علاوه بران است اشقیا مبلغ بسیاری را که از یکجا برده اند قریب ۱۱ هزار روپیه اندازه کرده میشود که ملك کبنی « بیراب داس بیراب چند » بود . دربن دکان ٥ نفر مجروح هم شدند که در میان آنها یك بچهٔ ۱۲ سالهٔ هم داخل است اشقیا باکشتی که آمده بودند دریارا بهآنسو عبور کرده واپس رجعت کردند وهمراه خود سه عدد تفنك را نیز بردند که یکی از « مالك مسروك » ثم ودو عدد آن سرکاری بودند که عاریتاً برای کبنی مذکور داده شده بود .

(خرابیهای سیلاب در لکهنؤ)

در لکهنو سیلاب دهشت ناکی که بتاریخ ۱۳ اکست آمده بود تاشام تاریخ یکم ستمبر دوام ورزید بهزار ها خانه را ویران وبسی جاها تلف کردانید وتامه روز در شهر صورت قیامت یك حالی برپا گردید تنها درعرصه ۲٤ ساعت ۹ اعشاریهٔ ۷ مکعب انچ باران بارید و ٥ مکعب انچ در روز ماقبل هم باریده بود و بارشیکه بعدازان بارید اندازهٔ آن تحویلی هنوز معلوم نشده . درهر کوچه از افتادن خانه ها ودیوار ها وگرفتن اعلی از ترس جان مناظر بسیار دهشت آوری نمودار بود . بهزار ها عمارت ها وخانها مسمار گردیدند وبلك ها مردم بی خانمان گشتند . کورنمنت مردم را بسیار پریشان وبی‌مأوا دیده در بعضی عمارات بزرك سرکاری آنها را اجازهٔ داخل شدن داد . پولیس در بعضی دکانها ودوایر حکومتی نیز مردم را سکونت امر کرد . علاوه برخرابی های بارش طغیانی دریانیز باعث بسیار ضرر ها ونقصان ها شد . بسی از دهات قریبی راآب بدوهمهٔ آبادی

کنارهٔ دریا وزمینها و مزارع زیر آب شدند . دوزن و ۲۵ گاو را علایهٔ دریا برد واین قسم طغیانی پس از سال ۱۸۹۸ ع هیچ گاه تا بحال بوقوع نیامده بود .

۱۰ ستمبر خبر لاهور — چندی قبل ازین — ۶۳ نفر هندو را گورنمنت هند درلاهور گرفتار کرده بودبعد ازتحقیقات بالای — ۶۱ نفر مذکور — جرم سازش خلاف سلطنت ثابت شد که ایشان بندو بست نموده بودند — «جهسپاه هندوستان راترغیب داده خلاف دولت آمادهٔ بلوانمایند. خزانه‌جات واسلحه خانه‌های سر کاری راقوت وغارت نموده افسران انگریزی را هلاک کرده یك بلوای عام ازیك سر ملك هند الی دیگرسر آن برپا نموده – انقلاب سلطنت نمایند – چنانچه معلوم شده کاصل مرکز انجمن مذکور درامریکه وبرلین میباشد – بعدازتحقیقات وثبوت جرم – ۲۴ نفرشان را سزای پهانسی – و۲۷ نفرشانراسزای حبس دوام – به عبور دریای شور – یعنی کالاپانی – و ۶ نفرشان را سزای قید به میعاد مختلف نمودند —

انقلابیان هند

بمناسبت این خبرمافوق ازاصل واساس این کومیتهٔ انقلابیان هندستان وافکارشان بعضی معلوماتی که جریدهٔ (خاور) نوشته است درنجا نقل میکنیم تاقارئین کرام برحقیقت این مسئله آگاهی حاصل کنند :

کومیته انقلاب‌چیان هند که درشهر (سان فرانسیسقو) میباشد – برای انقلاب هند باکمال فعالیت کار می کنند . بیان‌نامه که‌تازگی ازطرف کومیته‌مذکور نشر کرده . حاکی‌ازمظالم‌دولت انگلیس بوده ونوشته‌اند کهمبالغی که‌همه‌ساله دولت‌مشار الیها‌ازمالیات هندتحصیل نموده بانگلستان میفرستد گویا ۱۶۷ ملیون‌لیره انگلیسی بوده‌است این‌پولهارا انگلیسها باکمال ظلم وتعدی باقانون های انسانیت کشانه ازمردم تحصیل می کند مردم‌بیچاره هرکاری بکنند باید درصدی هفتاد و بجرا تمام مالیات بانگلیسان بدهند این است که درشهر های بزرگ‌هند ازبی‌پولی هزارها مردم در کوچه وبازار — ازبی حالی — خوابیده اقلیع میشوند – حقیقة هزارها مردم در کوچه بدنیا آمده ودر بزن محکوم سفالت ومیرکند . باوجودیکه انگلیسها دم‌ازمدنیت وانسانیت همیشه میزنندهیچ وقت‌بفکر ترفیه حالاین بندهگان خدا نیفتاده وبنارانی ایهارا بانواع حیله وخدعه ازدست‌شان ربوده بلندنهایی بخشند که صرف‌زینت زن‌وشراب وویسکی کنند یکی از مرتب های انگلیس (اندرسن) نام در آنثاییکه میخواست سوار کشتی شود یکی از مرزبان هندی بانیزه اورا کشته است انگلیسها فوراً قاتل‌را اعدام نموده اند

هنگامیکه دولت انگلیس برحسب تصویب (لورد کیچنر) از هندو ستان لشکر آماده کرده وبساحه جنك اروپا میفرستاد . وبوجودبهادری لشکریان‌هند افتخار میکردروزنامه پانیر که در اله آبادهند چهاپ ومنتشر میشود . مقاله استهزاء آمیزی نکاشته واین سخنان ذیل را درج نموده است :- «دولت انگلیس ازفرستادن لشکر هندی باروپ فائده حاصل نخواهد کرداگر اهل‌هند مرد رزمی وخون گرم بودند حالا چه دولت انگلیس بامعدود قلیل‌هندو ستان‌را چه گونه‌بچنك آورد ، هندی‌هامردم کم همتاند درسرماوبرف شدید اروپ چه کاری وموفقیتی‌رامیتوانند ازعهده‌ برآورند ؟ خوبست‌دولت انگلیس‌بهادری‌عسا کرسفیدپوست انگلیس خود نازیده‌آنهارا بجنك آلمانها بفرستدورنه ازهند های سیاه سوختهٔ باریك ران حاصل نخواهد برداشت » ازین بیانات اهالی هند بهیجان آمده روزنامه‌ها ولطاقین خودشان جواب‌سخت دادند ازا
(موتی لال نهرو) هندو که یکی از اعضای مجلس ادارهٔ
الله آباد است . دریکی ازمجالس کهزاران کس برای استماع سخ
مشارالیه بدانجا شتافته بودنطق مفصل ایرادنموده . درجه بدش
وطعن وطنز انگلیسهارا یکان یکان بیان کرده وگفته «حیف
بعدازین بااینهمه سرزنش های‌دروغ وبیجای انگلیس‌ها درروزنا
شان ماهل هند درراه این بدسگالان بابول وباجان خودمان فدا
کنیم ! . » گویا ازمقاله همین روزنامه آثار اغبرار واشمئزاز در
هندوستانیان نمودارو آشکار گردیده‌است خوبست سرکار – آق
هم ازمعاملات وزشتی اخلاق وحرف های انگلیس ها حصهٔ گ
مسلمانان را بفدای این دشمنان اسلام کمتر تشویق وترغی
ودلالی مصیبت وکفررا اندکی کنار بگذارد وپیش ازاین نام نی
واجداد بزرگوار و خانواده محترم خود را بباد ندهد چه کهد
دوروزه قابل اعتنا نیست که ایشان شرف و آبروی اصیل وعام ال
را برای خاطر انگلیسان ریخته . بفروشد ! آقاخان سیدصحیح
وازاولاد واحفاد خلفای بی فاطمه است ازپدرومادر شرف از
دارد حیف است بزرگواری مانند ایشان مجالوسی . نام‌خودرا ار
تازگی درشهر کلکته بنگالیان بم انداخته دونفر ازمنتسبین
را زخمی کرده فرار نموده است پولیسهای که به تعقیب ایشان
قراریان راوسه بم دیگر انداختند آنهارا نیز کشته گرزانده اند
مقدمات اختلال است چنان معلوم میشود که عنقریب خطه ز
هندوستان میتوشان حریت وآزادی خودرا بدست آرند
القبله‌حبل . خاور اسلامبول

« خانه تلاشی ها در پشاور »

بوقت ۱۱ و نیم بجهٔ شب ۱۸ ستمبر دفعتاً سر گرمی و مست
پولیس بظهور آمد . ومیان‌عبدالله سوداگر جای فوراً گرفتار
شد . چند ساعت پس ازوی یکهندوی نوجوان « بهارت متر »
ماخوذشد . ومتصلاً بصبح تاریخ ۱۸ ستمبر بعضی‌خانه تلاشیها بو
پیوست که‌نامهای بعضی خانه‌والا های که خانه های شان تلاش
شده ازقرارذیل است :

۱ — بهارت متر ۲ — مهر چند ۳ — بابو باشیشر
۴ — مستر امیر چند
۵ — منهٔ امیرچند که‌قبل‌ازاین ضمانت ازوی گرفته شد
۶ — لاله آپرام زرگر
۷ — لاکی مل . ۸ — میان عبدالله سوداگر جای .

غیر ازاینها یخنفر دیگر نیز هستند که تلاشی خانهٔ ها
گرفته شده ولی تاحال نام شان هنوز معلوم نشده . ووقت ش
۱۸ ستمبر یکنفر معلم یافته‌دیگر نیز گرفتار کرده شد . مگر ت
این یك معلوم نیست که این گرفتاریها چرا وبچه سبب بعمل آ

در چاپخانهٔ حروفی دارالسلطنه کابل طبع گردید
همه مقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر ومیر محرر تحریر
محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1413 of 1786

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا

یاد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از شکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خودرها نمائیم ممکن نشد لهذا با دا کتخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یك مقاوله نموده دا کتخانه مشارالیه تقسیم وتوزیع اخبارمارا که بهمه مشترکین کرامها رساند درعهدهٔ حمیت خود قبول نمود . مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را تبشیر ویاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای دا کتخانه خود شان میرسد .

شرایط خریداری

دارالسلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابل
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابل

در خارج افغانستان

هرجائیکه باشد با اجرت پوست

قیمت سالیانه	ده روپیه انگلیزی	قیمت ششماهه	شش روپیه انگلیزی

بیه ملعه اشتراك قبول نمیشود

یك طلای پوند انگلیزی یازده روپیهٔ کابلدار است . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

برهمهٔ کارداران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود:

اگر از یك جا بدیگر جا روند وبیایند میباید که یك رقعه بمدیر وسرمحرر را خبر بدهند که من درفلان جا بودم وحال درفلان جا میروم اخبار مرا درانجا بفرستید . هرگاه همچنین یك رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، ویا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تابه پنج بار نشر وشایع شود برسرهر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تابه پنج بار فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریك ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تا یك سال نشر کردن خواهد ووجه یك ساله را پیشکی ادا نماید درورق پشتی برسر سطری ستار اجرت گرفته میشود

(اعلان)

پراکنده

از آثار مطبوعهٔ تازهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت ، وعبارت از یک مجموعهٔ اشعار ابدار تجدد آمگری میباشدکه برکاغذ اعلا ، وخوبی طبع دلربا ، باتصاویر بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده **است** . اگرچه از بحث خط وخال بعید است ولی **مضامین** وخیالاتش سرابسر بیکطرز جدیداست . **نسبت بخوبیهای** ظاهری ومعنویش قیمتش **خیلی ارزان** . **یعنی بمقابل (۲)** دو روپیهٔ کابلی **درخود مطبعهٔ عنایت** از نزد عبد الرؤف خان سر مرتب ، ودر بازار ارک از دکان باز محمد ، ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب هرکس خریده میتواند.

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعه آثار ادبیه را مژده ! ازین ثمرهٔ نوبسر رسیدهٔ گلزار ، مطبعهٔ عنایت ، کام جانرا شیرین نمائید ! ، جزیره پنهان ، یک ناولیست که قوت علم ومعرفت وسعی وغیرت را برای اساس زندگانی نوع بنی بشر بنظرگاهٔ وجلوه گرمیسازد . هم حکایت ، هم عبرت هم فن ، هم فضیلت ! خوبی چاپ ، خوبی کاغذ ، خوبی تصویرش علاوه . قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان ! تنها (٦) شش روپیه محل فروخت نفس مطبعهٔ عنایت در ده افغانان ، دکان باز محمد در بازار ارک ، دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی .

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد

کتاب سال دوم . . . مصور مجلد

کتاب سال سوم . . . مصور مجلد

کتاب سال چهارم مصور مجلد

علم و اسلامیت

آیا چه باید کرد ؟

ادب درفن

توحید

مختصر جغرافیای عمومی

این کتابهای فوق دراداره موجوداست . هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

	قیمت روپیه کابلی
سیاحت ودورا دور زمین بهشتاد روز مجلد	۲
سیاحت درجو هوا مجلد	۲
سیاحت درزیر بحر مصور مجلد	٤
ازهردهن سخنی وازهرچمن سمنی مجلد	۲
روضهٔ حکم مجلد	۲
پراکنده مصور مجلد	۲
جزیرهٔ پنهان مصور مجلد	٦

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوق‌را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان ازنزد عبد الرؤف سرمرتب واز دکان باز محمد کتابفروش دربازار ارک واز دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسه شاهی بقیمتهای معینش خریداری کرده میتوانند.

واگر ازخارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوق‌را بکنند باداره سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند.

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

نمرهٔ (٦) سال پنجم

فهرست مندرجات

	بمناسبت تجدید سنه هجری (
حوادث داخلیه	یك خبر اثر پرور رحلت جناب غفران مآب الحاج میان غلام قادر — مکتوب — مرثیه — رفع شدن مرض هیضه واسهال — مکتوب — ایضا مکتوب —
ادبیات	(دو مخمس میرزا پوری خان خرمی
حوادث خارجیه	ترجمهٔ خبرهای جنك از جراید اوروپا — علامت نومیدی در پاریس — ناامیدی ائتلافیون از رومانیا ـ اختلاف صرب ومانتینکرو ـ بلغار وائتلاف مربع ـ صرب ویونان وائتلاف مربع ایتالیا از ائتلاف مثلث چه لقمه‌ها دربرود ـ گله گذاری متفق‌ها ـ ثروت دولت انگلیز آب شده میرود ـ طرابلس غرب وایطالیا — اسپانیا وفاس — من کیهای تا کیهان اسرار انگلیز — دشمن‌تهم ـ بیانات خلیل خالدبیك ـ اغتشاشات در مصر ـ بیاننامه سر افسر اردوی عسکری عراق ـ ائتلاف مربع در چه حال است ـ گنهکار کلان جزای کلان خودرا میکشد ـ از گرسنگی مجبور بدزدی شدند — ایتالیا زاری می کند — شکست ایطالیا در طرابلس غرب — ایطالیا دستخط نکرد — آخرترین خبرها — حالت نازك بلقان — خبرهای هندوستان — اخلالجویان راهزن در علاقهٔ تناولی — پولیس بمعاونت فساد پیشه گان ـ برپولیس فیر کرده شد ـ اشتهارات در پارس ـ پرچه‌های آزادی ـ علاوه‌های مقویانه ـ آخرترین خبرها از اخبارهای متنوعه ـ بلغار بجنك اشتراك ورزیده —
تصاویر	شهزاده جوانبخت معظم جناب معین السلطنه صاحب ـ یك حصه از مناظر باغ چهار بادشاه ـ شهزاده بلند اقبال مکرم معین الدوله صاحب — کارستانهای تحت البحرهای المان ـ کاریکاتور السیاسة المصوره

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1416 of 1786

اعلان

از صنایع پروریهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جرنیل کارخانه جات، ماشین خانهٔ مبارکهٔ دارالسلطنه کابل علاوه برفع حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه و اونیفورمههای عساکر شاهانه وغیره، بعضی دیگر مصنوعات داخلی که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که ازحضور اعلیحضرت همایون حکم فروش ان صادر گردیده است: محل فروش این چیزهای ذیل (دکان عبدالله خان دربازار ارك) میباشد.

(۱) سرج‌های پشمینه بافی رنگهای مختلف که قیمت آن ازقرار گرانکاری ۳ قونه مشخص شده در صندوقخانهٔ جنسی هم بفروش میرسد

اقسام	قسم اول					قسم دوم					
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم وقدری کلفت قیمت آن ۱۰ پیسه زیاده است	
رقم	تاحال ساخته نشده	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت		۷ روپیه ۰ پیسه	۶ روپیه ۱۱ پیسه	۱ روپیه ۴۲ پیسه	۵ روپیه ۴۸ پیسه	۶ روپیه	۵ روپیه ۱۸ پیسه	۶ روپیه	۵ روپیه ۱۰ پیسه	۶ روپیه ۱۵ پیسه	۵ روپیه ۲۰ پیسه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکری | کشمیره چهارخانه ۷ روپیه ۳۵ پیسه | کشمیره زه‌دار هر رقم ۷ روپیه بیست پیسه

(۲) جراب

رقم	نکتانکه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه

(۳) تکمه‌های چرمی عراب ومنبردار

رقم	کلان قدرجن	میانه قدرجن	خورد قدرجن
قیمت	۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۵۵ پیسه

(۴) کروره های جدیدساخت

رقم	زه‌باف بغل‌اسبه دوکره دوتاره	زه باف یك اسبه دو کره سه تاره	جرم باف یك اسبه	یك اسبهٔ چار تارهٔ تخی
قیمت	۸ روپیه و۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲۴ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۶ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	جرم باف دست بادامی دواسبه	جرم باف دسته دولانه یك اسبه	دسته دولانهٔ یکی چار اسبه	جرم باف همرکابی
قیمت	۴ روپیه و۴۸ پیسه	۴ روپیه و۴۶ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۴۳ پیسه
رقم	تیغه برنجی کلبت نقره توبخانه	قبضه کلبت نقره از جرم سه لایه توبخانه	زه باف رقم سواری سامی کلبت	زه باف دو تارهٔ رکابی
قیمت	۳ روپیه و۵۵ پیسه	۴ روپیه و۵۷ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵۴ پیسه
رقم	رکابی ازنخ	جرم باف میانه چوب پیت زنانه	ازتن سواری تیغ جرمی	زنانهٔ ابریشمی خیاطه
قیمت	۴ روپیه و۴۵ پیسه	۵ روپیه و۸ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته‌بادامی تیغ جرمی	دستهٔ دولانه سامی برنجی کلبت نقره	از زن سواری دولایه تیغ جرمی کجك دار	جرم باف مابین پیت یك اسب
قیمت	۴ روپیه و۴۹ پیسه	۴ روپیه و۴۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

(۵) اقسام گلهای مصنوعی سر

قسم	گل جرین	گل نافرمان	گل برینه	گل شبو
قیمت	۵ روپیه و۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۶ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قسم	شکوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل نسترن	جنبیل
قیمت	۷ روپیه و ۴۵ پیسه	۶ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

(المشتهر) (میر محمد هاشم دفتری کار خانجات (کپتان نظامی))

صحیفه (۱) — سال پنجم — شمارهٔ (٦)

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
با مصارف ڈاک ۱۱ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مصارف ڈاک ۱۰ روپیه انگلیزی
پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن ده [illegible] است
(اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود)

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

مدیر و سر محرر
محمود طرزی
ادارهٔ خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ قمری یکم محرم ۱۳۳٤ — تاریخ انگلیزی ۹ نومبر سنهٔ عیسوی ۱۹۱۵ — تاریخ شمسی ۱٦ عقرب ۱۲۹٤

بسم الله الرحمن الرحیم

بمناسبت تجدید سنهٔ هجری
از ۱۳۳۳ به ۱۳۳٤

آن به ها را دقیقه ها، دقیقه ها را ساعتها، ساعتها را روزها، روزها را هفته ها، هفته ها را ماهها، ماهها را سالها، سالها را عصرها تعقیب و پیروی میکنند! بشریت، در زورق حیات رفتار وجود و عدم در باغ حیات و ممات بوالعجب! وجود — یعنی پیدا شدن، عدم — یعنی فنا گردیدن از لوازمات طبیعیهٔ عالم ترکیب و ضم میباشد! همین جذر و مد است که محیط حیات بشر را بحرکت زنده گی وضعیتی نشان میدهد! جذر و مد بحرهای محیط، آثار حیات آنرا بنظر تجسم میدهد. چنانچه از دودم حیات بشر نفس کشیدن، و نفس فرو بردن است. همچنان جذر و مد بحرها نیز تنفس زندگانی آنست. هزار افسوس که بحرها تنفس میکنند و میمانند، کوهها سرفرازی میکنند و پایداری دارند. آه انسان بیچاره! که هر نفست بسوی عدم نزدیک میکند. و هر نفس، از قصر عمرت خشتی برمیکند!

نفس هردم ز قصر عمر خشتی میکند « بیدل »
پی تعمیر این ویرانه معمار اینچنین باید «

امام فخر الدین رازی رحمة الله الباری میفرماید:

وکم قد رأینا من رجال ودولة — فبادوا جمیعاً مسرعین وزالوا
وکم من جبال قد علت شرفاتها — رجال فزالوا والجبال جبال

حضرت شیخ سعدی شیرازی علیه رحمة الغفار میفرماید:

ایدل بکام خویش جهانرا تو دیده گیر
در وی هزار سال چو نوح آرمیده گیر
بستان و باغ ساخته و اندران بسی
ایوان و قصر سر بفلک برکشیده گیر
با دوستان مشفق و یاران مهربان
بنشسته و شراب مروق کشیده گیر
هرجا کنیزکیست پریچهره و ظریف
آن جمله را بسیم و زر خود خریده گیر
آواز رود و بربط و سارنگ و طبله را
هر صبح و شام میشنوی، هم شنیده گیر
چندین هزار اطلس و زربفت قیمتی
پوشیده در تنت و آنگه دریده گیر
هر نعمتی که هست بعالم تو خورده دان
هر لذتی که هست سراسر چشیده گیر
آخر یقین که زین قفس تنگنای دهر
روزی قفس شکسته و مرغش پریده گیر

باز میفرماید:

اینهمه هیچست چون می بگذرد — تخت و بخت و امر و نهی و گیرودار
نام نیکو گر بماند زادمی — به کزو ماند سرای زرنگار

باز میفرماید:

قارون بباد رفت که صدخانه گنج داشت — نوشیروان نمرد که نام نکو گذاشت

آری، آری! نام نیکو، آب بقائیست که بدست آورندهٔ آن پاینده گی خضر همراست! نوشیروان، ایوان کسرا را بنا نمود، در عین زمان عدل و داد را هم احیا کرده، ملکهایی که در زمان اسلافش بدست دشمنان درآمده بود پس بدست آورد. از ایوان عظمت نشانش در سنوات بجز بقیهٔ خاکی دیگر هیچ چیزی عیان نیست. اما نام نیکویش تا بحال زبان زد عالمیان، و ضرب المثل عدل و احسان شده مانده است.

از غرهٔ این ماه محرم الحرام سنهٔ جاریه صدی اسلامی سی و سوم قدمهٔ نردبان عروج خود را تکمیل نموده بقدمهٔ سی و چهارم قدم عزت و شرافت خود را رونق افروز ارتقا گردانید. یعنی سنهٔ ۱۳۳۳ هجری نبوی علی صاحبها الف تحیة بی بسنهٔ ۱۳۳٤ شرف تجدد ورزید. از مرحمتهای بی پایان ذات اقدس ارحم الراحمین جل و علا، و روحانیت بابرکت ذات قدسیت صفات رحمة للعالمین علیه افضل الصلوة والتحایا متضرع و نیاز مامول است که این سال فرخنده فال جدید را بر عموم امت ناجیهٔ محمدیه

مبارک ومیمون گرداند . ورجع علم اسلامی را درتمام دنیا برافرازندهٔ فوز وفلاح دانسته قوت وترقی ، شوکت وبرتریٔ دین مبین اسلامی را روزافزون دارد . دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ماافغانستانرا زیر سایهٔ همایهٔ پادشاه نکوئی آمال ترقی خصالش ذات اعلیحضرت (سراج الملة والدین) یک شکوه وهیبت وجلال مجدد مثال ظفروشوکت عطافرماید . وازبهار فرصت ثمره های عزت وسعادتش حاصل آید .

« رویت ماه نودیده مبارکباد ماه من »

شمهٔ در بیان کیفیت هجرت

حضرت فخر کائنات علیه افضل الصلوة والتسلیمات ازمکهٔ مکرمه بمدینهٔ منوره

نخستین علم و نخستین علمدار دراسلام

اگرچه واصل شدن حضرت فخر کائنات ومفخر موجودات علیه افضل الصلوة والتسلیمات در « قبا » نام قریهٔ (مدینهٔ منوره) بیوم دوشنبه دوازدهم ماه ربیع الاول درسال پنجاه وچارم ولادت باسعادت شان ، مصادف باسنهٔ ۶۲۲ میلاد عیسی علیه السلام بوقوع آمده است ، اما رأس سنهٔ هجری از غرهٔ ماه محرم الحرام ازین سبب اتخاذ شده است که مأذونیت هجرت باصحاب کرام درماه محرم عطا فرموده شده بود .

بعد از ارتحال جد واجب التبجیل حضرت رسول جلیل ، حضرت اسمعیل بن خلیل علیهما الصلوة والسلام ، یک جند عصری نگذشته بود که پردهٔ کثیف جهالت دیدهٔ بصیرت ساکنان حجاز را پوشانیده ، وتنها حجازبودنی بلکه همهٔ گم گشتگان بادیهٔ جهالت جزیرة العرب ، درمیان یک ظلمت آباد تیرهٔ ضلالت مانده بودند .

هنگامیکه حکمت بالغهٔ صمدانیه چنین اقتضا نمود که آفتاب جهانتاب حقیقت وعدالت ، پرتوشان هدایت آن حوالیٔ مظلمه گردد ، وضیای بیش فزای عرفان چشمان جهانیانرا جلاپذیر اعیان سازد . همان بودکه وجود مسعود حضرت فخر المرسلین علیه وعلی آله صلوة الملک المعین مانند خورشید فیض تمهیدی درافق سپهرتک بلدة الحرام نورافزای عالم شهود گردید . وطنطنهٔ نبوت ورسالتش گوشهای همهٔ مردمان جهانرا ازآفاق تاآفاق پرنمود ، وظلمت شرک بانوار پرتوارش ازعالم برطرف گردید . روز بروز دران بلدهٔ مقدسه گمگشتگان بادیهٔ حیرت بندای (اجیبوا داعی الله) اجابت میکردند ، وروشنی جویان حقیقت مانند پروانه بسوی شمع فروزان اسلام میپیوستند . لکن این شعشعهٔ فیضافیض ، چشمان جهلهٔ مشرکین را که مانند بوم وشوم بظلمت پسندی عادت گرفته بود کور میساخت ، وسرهای شانرا بدوار می آورد . وچون بدان فیوضات روشنی آیات تحمل کرده نمیتوانستند ازان رومیخواستند که باطفای لشئات الهیانه ، فروغ آن شمس بازغهٔ لاهوتی را ستروخفا نمایند ، وآن شعاع چراغ الهی را بدامانهای هوای خباثت خود خاموش سازند اما غافل ازینکه :

چراغی را که ایزد برفروزد
هرآنکس پف کند ریشش بسوزد

درین اثنا بود که بنا براحکام رب جلیل لایزال که در هرحکم آن حکمتهای بیشماری مندرج است ، هجرت باسعادت حضرت (محمد) صلی الله علیه و آله وسلم بوقوع آمد . یعنی آفتاب سعادتمآبی که ازافق مکه طلوع نموده بود ، برای آنکه بادیه های واسعهٔ ضلالرا بیشتر بانتشار انوار هدایت منور سازد بسمت الرأس مدینه بلندی گرفت . تفص این اجمال اینکه :—

قبل از تشریف فرمائی آنحضرت بهجرت ، چنانچه دربالا بیان ش اول مأذونیت هجرت اصحاب کرام اجرا گردید . واول کسیکه ازاصحا کرام وطن خودرا ترک کرده ازمکهٔ مکرمه بمدینهٔ منوره هجرت نمو است حضرت « ابوسلمه بن عبدالاسد » میباشد . بعد ازان حضر « عمرالفاروق » رضی‌الله تعالی عنه بابرادران شان حضرت « زید » « عیاش » بادیگر رفقای شان که ازبیست نفر مرکب بودند بسمت مدینهٔ منو هجرت فرمودند . ازهمه بعدتر حضرت « عثمان » رضی الله عنه هج فرمودند . حضرت فخر کائنات علیه افضل الصلوة والتسلیمات باحض (ابوبکر الصدیق) وحضرت « علی المرتضی » رضی الله تعالی عنهما د مانده بصدور اذن الهی انتظار داشتند .

مشرکین قریش چون دیدند که اصحاب آنحضرت صلی الله علیه و آل یکان یکان بمدینه هجرت کردند ودرانجا قوهٔ اسلامیه کسب شوکت وعظ کرده راه شام که بکاه تجارتگاه شانست دردر تهلکه خواهد افتاد لها (دارالندوه) اجتماع نموده قرار دادند که وجود مسعود قدسی روح کائنات را ازمیان بردارند ، ورشتهٔ حیات اسلامیت را به ا نمودن آنحضرت ازهم بگسلند . این قرارداد فاسد کفار معاندانه جلیل حضرت رب العالمین بواسطهٔ جبرئیل امین به آنحضرت صلی الله وسلم ابلاغ و برای هجرت فرمودن شان بسوی مدینه رخصت اعطا فرمودن اشقیای مشرکین اطراف خانهٔ سعادترا بعد الاشام دور زده گرفته وقت خواب آنحضرت را منتظر بودند . حضرت خاتم الا علیه التحایا حضرت علی کرم الله وجهه را درفراش خوابگاه مبارک خوابیدن امر فرمودند . وامانتهائی که ازمردم نزدشان بود حضرت علی المرتضی رضی الله تعالی عنه تسلیم نموده ، وسپردن آنهارا بصاحبا توصیه فرموده ، آمدن شانرا بمدینه ارشاد نمودند . بعدازان حض پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم سورهٔ (یس) شریف را از اول آن « فهم لایبصرون » خوانده ، ویک مشت خاک دمیده آنخاک را ط دیده ناپاک ملاعینی که اطراف خانهٔ سعادترا بهوسیار تیز بینی وهوش رصد میکردند بیفشاندند . ومانند روحی که از جسد براید ازدرون برامده باحضرت ابی بکر الصدیق رضی الله عنه بمغارهٔ که در جبل ثور عزیمت فرمودند . اشقیای کفار تا هنجار هیچ چیزی ندیدند ، استند . وچون وقت موعود بحجرهٔ سعادت درامدند از جامه خو حضرت نبوی قیام نمودن حضرت علی المرتضی رضی الله عنه را دیده مح ماندند . وچون ازحضرت علی رضی الله عنه پرسیدند که « محمد کجاست » ایشان بجواب فرمودند که « نمیدانم » ازحیرت بحیرت افتادند . که فجرهٔ قریش چون ازین خبر آگاه شدند بجستجو آغاز نهادند ، گوشه و کناری را در مکه نگذاشتند که نپالیدند . وبمنادیها اعلا کردند که « هرکس محمد (ص) را پیدا کند صد شتر بهاو انعام داده میشو

حضرت خیرالبشر باصدیق اکبر در مغارهٔ « جبل ثور » سه اقامت فرمودند اگرچه کفار ازآثار قدم تادهن آن مغاره آمده ولی چون بحکمت ربانی ، وبمعجزات حضرت نبوی یک عنکبوت در مغاره تنیده ، ویک جفت کبوتر صحرائی درانجا تخم نهاده بود ، اب خلف ، آنرا بدیگر رفقای اشقیای خود نشانداده گفت که « از

علامات معلوم میشود که ازمدتهای مدیدی درین غار کسی نیامده باشد.. این گفتهٔ اورا دیگران نیز تصدیق کرده ازانجا در گذشتند .

عامر بن فهیره ، که از بندگان آزاد شدهٔ حضرت ابابکر الصدیق رضی الله عنه بود ، درشبها خوراك برای آنها می آورد ، وعبدالله بن ابی بکر احوال قریش را بایشان خبرمیداد . درشب سوم (عبدالله بن ارقطه) شترهای را که پیش ازین حضرت صدیق اکبر رضی الله عنه اشترا کرده بود بدهن مغاره آورده آنحضرت صلی الله علیه وعلی آله وسلم ، باحضرت یارغار وعامر بن فهیره در همانشب برشترها سوار شده رهنمای ، عبدالله بن ارقطه ، راه مدینه را پیش گرفتند .

خلاصهٔ مشرکین مانند جمعیت ترکسها جمع آمده بامید واهیٔ بدام انقیاد آوردن آن شهباز علوی پرواز کوشش میورزیدند. بهرهرطرف جاسوسها وعقب گیرها روانه کرده آن جسم لطیف را بدست کثیف خود آوردن میخواستند . بهادرترین عقب گیرانشان (سراقه بن مالك) بود که مانند سایه درعقب آن خورشید گرم سیر ـ های قدسیت دررسید ، وچون میخواست که بر گستاخی حمله آوری جرأت ورزد دراول قدم پاهای اسپش دریك فرورفته ازین جرأت گستاخانهٔ خودازنرم زمین فرورفت ، ومجبور گردید که از مرحمت بیپایان آنکهف الامان استیمان باید . دیگر ازعقب گیران (بریده بن الحصیب) بود که از دلاورهای مشهور قبیلهٔ ، بنی اسلم ، بود ، وبایك جمعفیری بفکر بدست آوردن رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم افتاده بود . اگرچه آن همای سعادت را کمیجست پیدا کرد ، ومیخواست که بگیرد ، اما مجذوبات ساحرانه‌ی آن ذات القلوبی که گرفتن وبستن آنرا آرزو کرده بود خودش گرفتار وبسته گردید . ومجرد دیدار سعادت نثار پرانوار آن سیدالابرار برشتهٔ اخلاص وعقیدت شان بسته شده باهمراهان خود یکجا بشرف ایمان وسعادت اسلام مشرف گردید . در حالیکه میخواست راه را زان هادی صراط المستقیم هدایت بگیرد ، دفعهٔ خودش رهبری آن رهنمای امت را در عهده گرفت .

، بریده بن الحصیب ، بعد ازانکه بشرف اسلام مشرف شد ، همرکابی حضرت رسالتپناهی را اختیار نمود اول کاری که کرد این بود که عمامهٔ سفیدی را که برسر داشت باز کرده ، بر نوك نیزهٔ خود — که آن نیزه بعد ازان سینه‌شکاف جانستان دشمنان دین وایمان میشود — بسته کرده بحضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم چنین عرض نمود :

— یارسول الله ! ذات اقدس نبوی که سرور وسردار جنود مجندهٔ ارواح میباشند ، وسپهسالار قافلهٔ اشباح هستند وجدانم برین راضی شده نمیتواند که بدون ، علم ، حرکت بکنند . اجازه فرمائید که در پیش روی موکب اجلال رسالتپناهی بشرف قبانی ، نخستین علمدار ، شدن افتخار بکنم .

این استدعای حضرت ، بریده ، که از جوش خالص ایمان عرض شده بود مظهر قبول حضرت رسول کبریا علیه الف تحایا گردید . وجناب ، بریده ، آن لوای والارا که بنفحات هدایت ، ونسیمات نصرت موج موج شده بود ، بروش هدایت همدوش خود برداشته تا به قریهٔ طیبه ، قبا ، رکاب قدسیت انتساب حضرت رسالتپناهی رسانید .

این است که ، نخستین علمدار ، در اسلام همین صحابیٔ گزین است ، و ، نخستین علم ، همین رایت ظفر آیت است که در سبیل الهی کشاده وبر افراشته شده است . اگرچه بعضی ازمؤرخین نخستین علمداران علمی را میدانند که به نخستین قوماندان سریهٔ اسلام حضرت ، حمزه ، رضی الله تعالی عنه داده شده بود . اما آن علم ، چنان علمی شمرده میشود که اول بار برای حرب برافراشته شده است . حالانکه عنوان ، نخستین لواء ، همین علم مبارك حائزاست که مذکور گردید وعنوان ، نخستین علمداری ، رانیز مخصوص همین صحابیٔ جلیل ، بریده بن الحصیب ، میباشد . حضرت بریده رضی الله عنه بعد از مواصلت حضرت فخر کائنات صلی الله علیه وآله وسلم به مدینهٔ منوره در همه غزوات نبویه موجود بوده است . و چون نویسنده وخوانده بود از جملهٔ کاتبهای حضرت نبویه نیز معدود است . بعد ازرحلت آنحضرت صلی الله علیه وسلم دره جیش اسامه ، که حضرت ابابکر الصدیق رضی الله عنه بردولت روم سوق نموده بود نیز علمداری کرده است . ویکصد وهفتاد وهفت حدیث روایت کرده است . بعد ازان برای جهاد به ، بصره ، وازانجا بخراسان رفته بسال ٦٢ هجری در (مرو) وفات یافته است . رضی الله عنه وارضاه .

بمناسبت تجدید سال جدید تبرکاً وتیمناً بهمین یك فقرهٔ تاریخیهٔ اسلامیه سر مقالهٔ این شمارهٔ ٦ خود را که مصادف باغرهٔ ماه محرم سنه ١٣٣٤ آمده بود شرف تزئین دادن را از واجبات دانستیم . والی از درگاه ذات اقدس کبریا جل وعلا تبارك وتعالی دین مبین اسلامرا اقدرع وشاداب میداریم ، ورایت ظفر آیت محمدی را بظفرهای متوالیه ونصرتهای مجاهدهٔ دایما برافراشته و سرفراز . وبدخواهان دین مبین سیدالانام ورهزنان وتفرقه اندازان ملت ناجیهٔ اسلامیه را مخذول ومنکوب وشرمسار . وبرچم اعلام دشمنان علم اسلامیت . وبدخواهان اتحاد ووداد امت رامغلوب و مقهور ونگونسار میخواهیم ربالعباد آمین .

حوادث داخلیه

(یك خبر المرور ازیك رحلت سراسر مصیبت)

خبر رحلت سراسر مصیبت جناب غفران مآب الحاجمیان غلام‌قادر صاحب مجددی علیه الرحمة الباری رابادیدهٔ اشکبار وقلب جریحه‌دار درج صحایف حزن والم اخبار مینمائیم . این غم والم جانکاه نه تنها بدل صفا منزل والاماجد مکرمشان که رهنمای هدایت وپیشوای طریقت میباشند تأثیر جگر خراشی بکار برده ، بلکه قلوب بالم مغلوب اکثر مسلمانان وعموم مخلصان و دستگیران آن دودمان پاکرا غمخانهٔ یأس و حسرت داشته است .

سبحان الله ! جلوه‌های تجلیات اسمای حسنای ذات اقدس کبریا ، رخشان بارگاه جلالش چه‌نازهای بینیازی بکار میبرد ! دیت خون شهیدان میدان ترکتازی قهارش را بجز خم نمودن سرتسلیم و رضا دگر چه‌چیز است که ادا بتواند !

اهل دلی ، درنغمهٔ آهنگ حجازی نوازی چنین میسراید :

در مشهد شهیدان هنگام ترکتازت
رنگ دیت نگیرد خون شهید نازت
چون جنك نازگیری در نرم بینیازی
ازجای نغمه بیرون خون میچکد زسازت
برآتش عتابت از سوز دل چه پرسی
هردم چو شمع سوزم در بوتهٔ گدازت

سیپاره بود زین پیش از خنجر تو جانم
صد چاک ساخت امروز دلداربان کارت

خون شهید تیغ مضمون بیبا زیست
از خط زخم خواندم معنی سر دارت

از دست بود نازت از بسکه در هراسم
سر تا پا نیازم در معبد نمازت

صدبار اگر شهیدم سازی بخنجر ناز
از نو حیات یابم از لطف جان نوازت

با صد نیاز مندی (عزری) زعجز گوید
یارب بنده خواهم از ناز بی‌نیازت

بیشتر ازین قلم رقم الموام را جرأت دمزدن نیست ، تنها وقوع این حادثهٔ جانگداز ، وشمهٔ از احوال آن روحانیان مظهر ناز بینیازرا درج نمودن مکتوبی که برای اخبار این کیفیت پر مصیبت بما رسیده است عیناً اکتفا میورزیم .

مکتوب

ازواقعهٔ جان گداز الم افزا از وفات حسرت آیات ثمرهٔ شجرهٔ حقیقت نوباوهٔ دودمان طریقت حضرت شهزاده جان میان صاحب غلام قادر صاحب پسر بزرگ و جانشین حضرت عمدة السالکین زبدة العارفین جناب ولایت مآب عالی مراتب حضرت صاحب چهارباغ صفای جلال آباد اطال الله تعالی علی العلمین من فتوحاته خبرداده میشود که آن سالک راه طریقت و پیرو راه روان شریعت بس سی و هشت ساله که بمرض محرقه گرفتار گردیده جهان فانی را دربیست و سوم ماه ذی قعده الحرام سنه ۱۳۳۳ بدرود کرده روح مطهرش بمقام بالا انتقال نمود اللهم اغفرله وارحمه وانزل علینا من برکاته آمین — حالات و کرامات که در سن کودکی وجوانی از حضرت مغفور مبرور جنت مکان مشاهده شده نهایت بسیار است انشاالله تعالی در کتاب علیحده درج میشود اکنون بطور اختصار بخدمت گرامی مرقوم میشود که حضرت مغفور ممدوح در علم ظاهری عالم کامل بودند و در تفاسیر و احادیث و علم اصول وفقه شریف باخبری تام داشتند وصایم الدهر وقایم اللیل عالم علم شریعت و سالک راه طریقت و بعد مراتب فایض حرمین شریفین شده بودند و از طرف پدر بزرگوار خود مأذون ارشاد نیز بوده بصدها مرید و بهزاران هزار مخلص وخادم در افغانستان و عربستان و هندوستان دارند ازوفات اینچنین مرشد زادهٔ فاضل کامل همه عالم اسلامی خصوصاً ما مخلصان وخادمان خیلی محزون وغمگین شده درهرجا هریک از مخلصان صداقت شعار آنچه لازمهٔ تعزیه و احترام شان بود محضاً لله تعالی بجا آورده والله تبارک و تعالی وجود باجود حضرت صاحب بزرگ را درپناه خود داشته و اعلیحضرت شهریار دیندار دیانت شعار هدایت آئین سراج الملة والدین را که عقیده واخلاص زیاده در حق حضرت صاحب مجددی فاروق دارند باقبال و نصرت جاودانی فایز داشته دوست نواز ودشمن گداز داراد و دولت وملت افغانستان را از برکت وجود ذیجود اولیای زمان درحفظ وحراست خویش نگاه داراد والسلام خیرالکلام ومرثیه‌نامهٔ منظومهٔ علیحده که بعضی ازمخلصین شان گفته‌اند ومیگویند علیحده بخدمت ذی مکرمت ارسال گردیده که ملاحظه فرموده داخل خواهند نمود والسلام علیکم تحریر یومشنبه ۱۳ شهر ذی حجه الحرام سنه ۱۳۳۳ دستخط میرزا محمود امین نظام برگد

هوالله تعالی شانه

مرثیه پسر حضرت صاحب چهارباغ ملقب بشهزاده جان واسم او حضرت غلام قادر الهم اغفره

هزاران آه و حسرت زین مصیبت   کنا که دور جهان کرد اظهار
قلوب عالمی در بس ولایت   بتیغ غصه و غم گشت افکار
وزین ماتم بچندین عذابها   بپاشد شیون بسیار بسیار
خصوصاً شد مریدان را بهر جا   مصایب دیده‌ها زین غصه خونبار
کدام است اینچنانکه گروی   محبان را فتاده در جگر نار
وفات حضرت شهزاده جانست   که بادا روح او را در جنان بار
لقب شهزاده جان بودش ولیکن   غلام قادر است اسمش پدیدار
جوانی بود زیبا کز جبینش   همی تابید مثل شمع انوار
خجسته طلعت و میمون لقا بود   فرشته طینت و فرخنده آثار
بسی و هشت عمرش بود واصل   ز روی سن بگو بهر تو زنهار
به بستان مجدد الف ثانی   وجودش بود نخل پر و بار
بعمر کم کمالات فراوان   ز انواع علوم و کشف و اسرار
عنایت کرده بودش حق ز الطاف   ضمیرش بود گویا بحر زخار
مقامات طریقت طی نموده   بتدقیقات شرع و دین خبردار
رئیس سالکان و عارفین بود   سرور گروه زهاد ادوار
بوعظ و پند و تشریح مسایل   زبانی داشت چون ابر گهربار
خردور زیرفهم و خوش سیر بود   فصیح و نکته سنج و نغز گفتار
نبودش جز صلوة و صوم شغلی   بعمر از زهد و تقوی داشتی کار
گرفته دست بیعت از پدر بود   شده هم از پدر مأذون و مختار
پدر اندر حضور خویش او را   خلیفه کرده بود از وقت بسیار
مریدان را ز چندین سال تلقین   همیکرد آن چراغ زمرهٔ اخیار
در آیین و طریق حق برینی   فراوان جهد بود او را بدوار
جناب والدش خود شمس آنا   بود مشهور در اکناف اقطار
ملقب اوست در گیتی بحضرت   ضیاء معصوم نام خاصش انگار
مقام و موطن او چهارباغ است   بذات اوست آن مسکن چو گلزار
درین هنگام نافذ جابجهات   فتاد آن نخل تازه از بر و بار
ز تقدیرات ربی چند روزی   برنج محرقه گردید چار
ندای ارجعی آمد بگوشش   روان شد جانب سر منزل یار
چراغ عمر او گردید خاموش   شد از چشم پدر آن نور ابصار
ازین محنت کده عزم سفر کرد   سوی فرحت سرای کوی دلدار
چو در دل حب افزون داشت با دوست   بجان شد وصل جانان را خریدار
ز هجرانش جهان را شور برخاست   که گوئی حشر شد آنجا پدیدار
پدر را از فراقش سینه شد چاک   خلیفه مادرش را در جگر خار
عزیزان و اقارب از وفاتش   نشستند از پی اندوه در نار
ز احوال مریدان خود چه گویم   که زین غم شد برایشان کار دشوار
ز کابل تا عرب ماتم شد روز   بچشم هر مرید او شب تار
کسانی را که بود اخلاص وار   شدند اندر وفاتش تعزیت دار
الا ای دوستداران و محبان   اگرچه هست این غم سخت دشوار
ولی چون هم رضاییت باید   طریق صبر را گیرید لاچار
دعای مغفرت در بارهٔ او   کنیم از جان و دل تکرار تکرار
الهی کن بهشت او را کرامت   بدیدار خودش گردان سزاوار
ز غفران خلعتی او را ببر کن   که تو ستاری و باقی و غفار

روشنبه بیست وسه از ماه ذیقعد | بجان بخشای جان را کرد ایثار
درآن مسجد که حق را سجده میکرد | بخلوت رفت ورخ پوشید ز اغیار
زهجرت سی وسه باسیزده صد | همین تاریخ آن مغفور شهیار
چو این مرثیه شیر احمد رقم کرد
کشید از غم بهجرش ناله زار

* * *

مرحمت ذات اقدس ذوالجلال
در رفع شدن مرض هیضه واسهال

از فضل وکرم نامتناهی ذات اقدس پروردگار جل شانه از مدت یک هفته میشود که قرار روزنامه‌های محکمهٔ عالیهٔ کوتوالی هیچگونه اصابات ووفیات از مرض بلاء هیضه واسهال نه در شهر ونه در اطراف بوقوع نیامده است . امید میکنیم که انشاء الله در شمارهٔ آینده راپور رسمی محکمهٔ مذکوره را در باب پاک بودن مملکت ازین جاری بروفق عبارت درج کنیم . وهذا من فضل ربی .

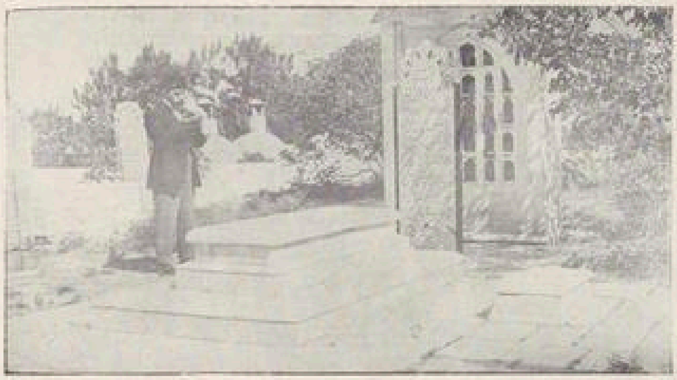
شهزادهٔ جوانبخت معظم معین السلطنه صاحب افخم بر مزار پدر پادشاه فاتحهٔ شریفه میخوانند

مکتوب

جواب حاجی ملا عزیز احمدخان متوطن محل میرزا التحقیقات [illegible] از سوال عالیجاه عزت همراه مدیر ومیر محرر سراج الاخبار افغانیه در علمای زمان درباب وعظ نمودن تحصیل علوم واجرای مکاتب در دول افغانیه

عالیجاه عزت همراه خیر خواه باالاخلاص دین ودولت وملت اسلام منبه ومستیقظ از نوم غفلت خواص وعوام مدیر ومیر محرر سراج الاخبار افغانیه جناب محمود بیگ خان طرزی دامه الله تعالی عن الشر والحق واجل عرض نیاز بجناب افخم سرافراز اینکه آن مهربان بعد از طی مراحل فصاحت وبلاغت بعنوان مواعظ علمیه برای کل علما در شمارهٔ اول سال پنجم امر بجواب گفتن نموده بودید که خلاصهٔ آن چنین است که اگر غلط وخلاف حقیقت گفته باشم مرا ارشاد کنید تا سکوت کنم واگر حق وصواب است باید کمر همت بارشاد ملت وهدایت امت برای تحصیل علم تنگ برمیان بربندید لهذا امتثالاً للامر کم درشطری از روزگار خود اگرچه فراغت بال مساعد حال نیازمند نبود ونمیباشد موافق رأی هیچمدان خود محضاً لله تعالی وخالی از ملاحظهٔ جدوای نفس گمراه بجواب صاحبم پرداختم اما نخست ترین سخنیکه گوشگذار صاحبم خواهد شد همین یک کلمه است که جواب را بعنوان نزاع نگفتم واگر بطور نزاع بگویم این معنوی نی بلکه محض لفظی خواهد بود چرا که مدعای ما وشما جز تحریض نمودن اخوان اسلام خود بمحافظهٔ ملت خویش و عداوت اعداء دین چیزی دیگر نمیباشد بلکه از جهة مقال حکمت مآل شاهنامه استشار نیز شنیده میگویم که طرز سوال الصاحب عین صواب است لکن قلم خوش رقم صاحبم در اول چنین مرسوم گردیده که (درجهٔ اول ترقی وتمدن وراحت وسعادت نوع انسان وعلوم وعرفان منحصر است اگر علم باشد

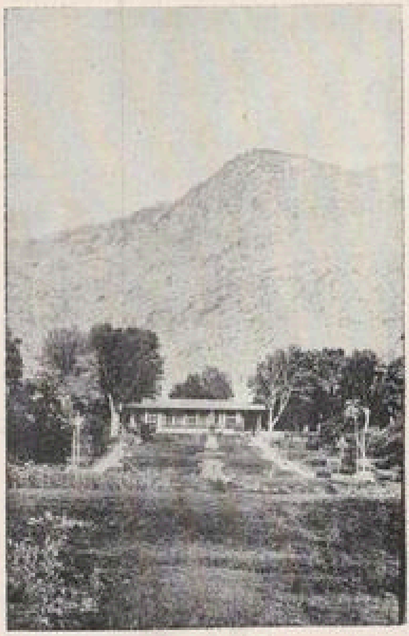
یک حصهٔ از مناظر باغ بابر پادشاه
در دار السلطنهٔ کابل

انسان نه خدا جل جلاله را میشناسد ونه خود را نه حق را میداند ونه باطل را نه راه را می‌بیند ونه چاه را کور لنك کنك شل میباشد) ودرثانی چنین مرقوم است که (مقصد ازعلم همان علومیست که آهن را در کف ما موم کند وطبقات عالیهٔ هوا را بجولان ما خوگر کرده نماید قلعه های آهنین سر حدی های ملك ما که هدف صدمهٔ دشمنان ما را کارگر اندازد) عرض میکنم که در بدایت کلام شما عبارت ازعلم معاش

ومعاد هردو دارد یعنی به همین علم اگر باشد خسران دنیا و آخرت بانسان عائد است که هیچ مأموربه را چون صوم وصلوة و زکوة وحج الطاهر و پادشاه اسلام جهاد اعداء دین تجویز آلات حرب وغیره را بجا آورده نمیتواند وحلال را ازحرام فرق نمیتواند جدا کرد بهمان دوام مشروع بدایت کلام شما مذموم میباشد اما در زمان بیداری اهل اسلام بسبب ندانستن فنون حاضره روز بروز از صدمهٔ اعداء دین و ملت

شهزادهٔ بلند اقبال مکرم عین الدوله سردار امان‌الله‌خان

عاجز می‌آید بنابر گفتهٔ آنصاحب لائق حال انسان مسلمان چنین است که علم خود را تنها درین علم منحصر نماید وعمر خود را همگی تنها درین علم مصروف نکنند واز حصول فنون غریبهٔ روزگار خویش که مدافعهٔ دشمن قوی زمانهٔ خود را بآن بتواند محروم نباید کرد وعلم درثانی کلام آنصاحب بنظر این مجیب تخصیص یك شعبهٔ ازعلم دارد که عبارت ازعلم صناعات باشد ادعاء حصر و تخصیص علم تنها باین شعبه صناعیه نیز

کرده نباید شد که رتبهٔ این موخر از رتبهٔ علم ذات وصفات الهیه و فرعیه میباشد تاطبع انسان در ابتداء استعداد تکلیف شرعی و الهی باحکام اصول عقیده واحکام فروعیه فقهیه متحلی نباشد عقائد باطله رای انسان خطر بزرك احتمال دارد آری بعد از رسوخ اسلامیت وسبق ازتحصیل احکام فروع قدر ضرورت نه پرداختن که موجب تعطیل از سایر کلات ضروریه باشد الحق که همین علم

چونکه تعلق بتجهیزالات حربیه دارد بسا ضروری است علی الخصوص درین زمان که مساعد حال اهل اسلام که تفاصیل آنرا خود آنصاحب بسط تام مبسوط نموده‌اند حاجت باز گفتن ندارد هرچند که در تحصیل این فنون تا کجاها فرموده‌اند این تکالیف شمارا بخیال خود حقیر از شوائب غلط گفتن خیلی بعید پنداشته بحق موافق میدانیم چنانکه کلام خیرالانام بدرباره آن وارد است (عن عقبة بن عامر رضی الله تعالی عنهما قال سمعت رسول الله تعالی صلی الله علیه وسلم وهو علی المنبر یقول واعدوا لهم ما استطعتم من قوة الا ان القوة الرمی الا ان القوة الرمی الا ان القوة الرمی رواه مسلم) وقبل زمخشری وقاضی بیضاوی رحمهما الله تعالی در تفسیر خود فرموده‌اند که ازین تیر اندازی مراد نیست بلکه (کل ما یتقوی به فی الحرب) مراد است مگر تخصیص رمی در کلام خیرالکلام بسبب آنست که رمی دران زمان قوی ترین آلات حرب بود هر گاه که سرور کائنات علیه افضل الصلوات درزمانهٔ خود قوی ترین آلات حرب تحضیض مجاهدین مقرر نموده‌اند پیروان انبیا صلوات الله علیهم اجمعین لیلا ونهارا بترقی دین ودولت اسلام نکوشیم وچرا درین زمان که ملت اسلام از دست نصاری زبون و تحقیر مردم را تجهیز آلات حرب وصناعات آن نکنیم لالا بلکه ضرور آنرا بکنیم مگر آنصاحب یقین بدانید که هیچ یکی از علماء زمان ازین موعظه وانه استاده‌اند هریکی بقدر وسع خود درین باب وعظ مینمایند ودر ضمن ترغیب به اطاعت وانقیاد پادشاه مسلمین حضرت سراج الملة والدین کار وبار مکتب هارا نیز بانواع تحسینها بیان می کنند واعلی دولت علیهٔ افغانیه پادشاه معظم ما نیز بساختن مکاتب بسیار راغب اند چنانکه خودان فدوی دین ودولت بسبب آنکه چندسال در مکتب حربیهٔ سراجیه بقرار فرمان مبارک ولی نعمت محترم ما جناب معین السلطنه صاحب برای اصلاح بعض ترجمه‌ها مقرر بودم تحسینات وفوائد وترقیهای مکتب چیزی که معلوم خاطر حقیر بود زمانیکه که در هر سرزمین وا کثر مجالس اخوان مسلمین خود بسیار بسیار بمعرض بیان آورده ام ومی آرم ومردم را بسیار راغب مینمایم

(س) آیا درین خصوص همین شوق وهمت مرا ازچه برخاست (ج) از سایهٔ فرط همت وشجاعت شهزادهٔ افخم ما جناب معین السلطنه صاحب که خود فدوی در چند مجلس آن شاهزادهٔ والاجاه چند ساعت که حاضر بودم جناب مذکور درباب تمدن وترقی دین ودولت چنان در شهوار مواعظ را در گوش سامعین مجلس نمودند که هرفرد از حاضرین مجلس بقدر استعداد ذات خویش محظوظ غناء عارضی گردید نه همت موعظت آن محترم رادیدم که درین عمر عنفوان شباب وذوق جوانی که درباره دیگران عادهٔ زمانه لهو ولعب شمرده میشود شهزاده مذکور از فرط شجاعت وهمت خود را بزحمت گرفته دائما درباره تربیت اهالی دولت وترقی دین وملت خود سعی بلیغ مینمایند لهذا بمقابلهٔ نعمت وجود چنین شهزادهٔ عرفان وساده شکرانه ایزد بیهمتا را بجا آورده برخود لازم گرفتم که من هم درین باب بقدر وسع ناچیزانه خویش مجاهده باید نمود ودر عقب همین اقدام خود بازغافل نه نشسته ام بلکه در هر مقام که مجلسی را سخن پذیر دیده ام سعی خود را دریغ نداشته تقلید شهزادهٔ والا را نموده احسن تبلیغ تعبیرات شهزاده محترم را کرده ام تاحدیکه قوم افتخر از شنیدن چنین منافع مکتب که اولاد مردم بهمهٔ انواع علوم دینیه ودنیویه متحلی میگردند وازارذل خصلتها متخلی میشوند همگی ایشان از خوانین وملکان از روی صدق واخلاص آرزومند شدند که اولادهارا بهرطور که باشند سعی بکنیم که داخل مکتب شاهی گردیده از جهل برهند ومقابل همین نعمت عظمی شکرانه الهی را بجا آورده حق نعمت پادشاه خود را دانسته درخدمت پادشاه مهربان خود بجان ودل کوشش نمودن را دریغ ندارند وقتیکه مردم تمنای کمالات نتیجه مکتب‌ها بمفارقت اولاد خود راضی میشوند وازراه راستی تمنای خود میخواهند که بدارالسلطنه ارسال کنند آیا اگر در وطن خود شان مکتب ترتیب شود برغبت تمام دران داخل نخواهند نمود ؟ لکن عرض می کنم که اجرای مکاتب کاری است عظیم وامری است جسیم بخیال این هیچمدان چنین میرسد تا که یک شعبهٔ حکومت وموعظت علماء باهم نباشند اجرای آنها بنظر صعب دیده میشود واگر باهم باشند مظنون میشود که از برکت واقبال سرکار والاتبار وازفرط علو همت ناظر معارف نعمت ما جناب معین السلطنه صاحب واز سعی اخلاص و کوشش آنصاحب در کل افغانستان باسانی اجراپذیر خواهد شد انشاء الله تعالی طرز معیت شعبهٔ حکومت باموعظت بفکر ناقص عرض میکنم (لایکلف الله نفسا الا وسعها) اگر قبول رای آن عالیجناب افتد فبها والا امری است اجتهادی احتمال طرفین دارد (اینکه) در دولت افغانستان عدد محکمه‌ها تقریباً بهشتاد میرسد اگر قاضی ومفتیان وحاکم هر محکمه در نیسان وسنبله در بیشان قطعهٔ محروسهٔ خود علما را جمع نموده بهمراه شان به بسیار دلاسائی ورغبت دهی درباب مکتبها مشاوره کنند تا ایشان برضا ورغبت عریضهٔ رضانامه بمهرهای خود بدهند و برضاء والحاح خودها از حضور پرنور ناظر مکتبها جناب معین السلطنه صاحب از مجلس معارف معلم طلب کنند امید است که بهمین قسم اجراء مکاتب بطبع هیچ یکی از خواص وعوام ناگوار نخواهد شد (والله اعلم بالصواب) باقی با عزت باشید آمین بتاریخ (۲۸) ماه ذیقعدة الحرام سنه ۱۳۳۳

امضا
عزیز احمد

سراج الاخبار افغانیه

بجناب این عالم فکر وهوش وطن عزیز خود عرض شکران خود را تقدیم می کنیم . هیچ شبه نیست که در مهام امور ، علی الخصوص در امورات معارف که حیات ترقی زان منوط است وامثال آن ، رأی وفکر شخص واحد اگرچه افلاطون هم باشد از خطا سالم نماند . تنقید ، یک شهراه ترک افتتاح فرجه‌ها ودماغها شمرده میشود . مبادلهٔ آراء ، مصادمهٔ فکرها برقهای حقیقت را بمیدان میآرد . اگر سراج الاخبار افغانیه یک چیزی بگوید ، ومنتقد ومعترضی در مقابل خود نیابد بجای اینکه ممنون ومسرور شود ، یک دلتنگی حیرت آوری حس میکند . وچون در چنین مسایل محاوره ومناظره بوقوع آید در هرقدم یک نتیجهٔ مثمرهٔ مفیده منتج میشود که فایدهٔ کلی تنقید همین است . چون درین شماره گنجایش نداشت انشاء الله در شماره آینده باز در خصوص با جناب فاضل مشار الیه باب همخیالی و همدردی را باز خواهیم کرد . و من الله التوفیق .

مکتوب

جناب فیض اکتساب معزز محترم رفیع القدر جلیل المراتب مدیر وسرمحرر اداره سراج الاخبار دولت خداداد افغانستانرا السلام علیکم بعداز تبلیغ تحف دعا وتقدیم هدایای تحیه وثنا مرفوع میدارد ازانجا که از آنجناب کالت مآب افاده‌تام وافاضهٔ تمام بعموم‌انام ساری واهتمام خدمت گذاری و صداقت شعاری شان نسبت بدولت خـدا داد ثابت وجاری ست که همواره بدستیاری کلك دوزبان بدایع ترجمان حل‌رموز کنهیات لغات هرملل و کشف غوامض حقایق هردول را که سالهای متمادی درحجاب خفا مضمر ونقاب تواری مستتر بود وقوه مدرکهٔ احدی پیرامون خیال آن باقدام افهام جسارت ومبادرت نورزیده بعرصهٔ بیان و معرض عیان جلوه داده مسکن گزینان ظلمت کده بیخبریرا روشنائی شناسای آشنا ساخته هرهمه‌را هوشیار وبیدار وازدقایق فنون ورسوم هرمملکت واقفیت وخبر داری بخشیده‌اند لهذااین مایده خواران سماط عنایات احدی وزله ربایان بساط شریعت احمدی سید احـمد مکی قریشی دلیل‌حجاج ممالك فرغانه وسیدابراهیم مدنی ساکنین بلدین طیبین شریفین زاده هماالله شرفا که مرهون احسان وممنون بر و امتنان دولت خداداد گشته‌ایم واستحساناتی کما لاحق وبایدحال این خادمین حرمین الشریفین گردیده بعنوان تشکر تذکر وبمحل تبیّن تزئین می‌ورزد که‌ازین اظهار محض عدالت گستری ورعیت پروری های‌ذات ملکی صفات قدسی آیات اعلیحضرت عمدة السلاطین ومفخر المسلمین حضرت سراج الملة والدین پادشاه جمجاه اسلام پناه و ترفعات مواد حشمت وترقیات اسباب دولت بوضوح میانجامد غرض مـدعا اینکه این پیروان دین مبین اغاز ازمقام حجاز آهنك عراق نموده بعتبات بشام شریف انداخته عازم ووارد قدس مبارك شده ازانجا سمت روم وخطه دولت اسلامی عثمانی عنان توجه انعطاف داده سیرممالك روسیه کنشته تاممالك فرغانه که‌اصل مقصدبود رسیده رحل اقامت افکندیم ودرین‌اثنا بهربلاد وامصار وشهر ودیار که‌تلاقی دست‌میداد رسومات ملی‌وقواعدات ملکی هرطوایف ازموافق ومخالف بنظر تدقیق‌وامعان ملاحظه ومشاهده میرفت ور کاهی مذهب ومسلك شان اطلاع کامل وعلم شامل بهم میرسید پس ازتوقف فرغانه بنیت زیارت روضه مقدسه وعزم وطن مالوف حرکت کرده ماوراالنهر آمده ازدریای آمویه عبور وبخطه دولت خداداد اسلام بنیاد افغانستان مرور نموده داخل مزار فائض الانوار حضرت اسد الله الغالب شده بتقبیل عتبه سدره مرتبه مفتخر ومباهی گردیدیم وبعد از انقضای دوسه یوم‌بتقدیم حضور جناب جلالت وایالت دستگاه شجاعت وشهامت همراه نایب الحکومه صاحب شدیم وجناب نایب الحکومه صاحب ممدوح‌الشان کریمانه وشیوهٔ بزرگانه مراسم مسافر نوازی وغریب پروری را مرعی داشته تفقدات شایان وتلطفات نمایان دربارهٔ این شکر گذاران دولت خداداد مبذول داشته در جوار روضه مقدسه مسکن و جیرهٔ دو وقته ازلنگر خانه مبارکه معین نمودند که تاحال بفراغ‌البالی ومرفه‌الحالی درظل عاطفت وسایهٔ رافت دولت پادشاه ظل‌الله شریعت پناه بهمال ط
آسوده ایم ودرینولا ملاحظه مورود جای هزاران شکراست که
و سلوك رعایای این دولت بروفق احکام شریعت نهاده طرز و ا
ممالکها بن‌چنان‌سلطنت برطبق اوضاع عدالت آماده و جمهور رعایا ا
بیك کیش‌وملت اسلامی‌افتاده وقاطبهٔ برایا طوعاً بدر انقیاد و او
پادشاهی داده همه کی‌ازالطاف وعنایات‌الهی مسرور وا اعطاف وعن
پادشاهی مشکوراند الحمدلله که‌ملت‌اسلامی مافوق‌هرملل ودولت خد
افغانستان محسود هردول است خصوصاً بقعهٔ رفیعهٔ روضهٔ منیفه حض
مرتضویه علیه الف‌الثناء والتحیه که‌بعد الحرمین الشریفین خیرالا
وبهترین بقاع‌بسیط‌زمین‌است همه‌وقت‌ابواب فیض کشاده ومواد
آماده اولاً در طباخ خانه مبارکه حضرتی که ازقبل پادشاهی مقرر
یومیه انواع اطعمه طبخ‌یافته جیرهٔ جاروکشین ومسکن گزین از مجاو
و مسافرین برسم جیره وظیفه هرروزه میرسد ثانیاً تاکتب خانه که
حرم محترم ساخته شده دراتجا اصناف کتاب از تفاسیر وسیر و تف
و دیگر عـلوم متنوعه موجود و مهیا است هر شخصی باندازه
ازمطالعه آن مستفید میگردد به تخصیص صدها مصحف قرآن مجید وا
الخیرات شرف کهی روزه خدام حضرتی زیر الواح متعدده ک
وبرای تلاوت آماده نهاده‌اند کهاز طلبه صبح‌صادق الی‌ادای صلو
جماهیر مسلمین بقدر وسع فرصت بقرأت وتلاوت اشتغال ورزیده
آنرا بروح پرفتوح حضرت خیر الانام علیه اکمل‌الصلوة وافضل ال
وبر آل کرام و اصحاب عظام او بخشیده دعاهای مخلصانهٔ صادقانه
پادشاه اسلام‌پناه وجمیع متعلقین دولت ومنتسبین حضرت وسایر م
مؤدی می‌نمایند چون اهمیت مذهبی واکملیت مدنی این دولت‌خدا
بنظراین خیر خواهان ملت اسلام جلوهٔ استحسان بخشید بتعص
نیك نامی ونیکو سرانجامی این‌دولت ابدمدت‌را مدنظر داشته
بیان آورده با آنصاحب والا مراتب نگارش رفت توقع که درج
گردیده بمقام‌اشتهار گراید زیاده والسلام والاکرام فقط‌تحریر

۱۴ شهر ذیقعده الحرام سنه ۱۳۳۳ .

الفقیر الداعی‌بخیر السید احمدالمکی‌الحربی القریشی احقرالعباد
ابراهیم المدنی الفقیر الشیخ بشیرالمدنی

ادبیات

دو مخمس میرزا بودی خان خرمی ملاحظه نویس سابقه حضور
مکان ضیاالملة والدین مرحـوم برغزل محمودخان طرزی مدیر وسر
سراج الاخبار افغانی

مخمس اول

معارف‌ اعقل اول نورو ابداعش بود تحصیل
معارف آفتاب‌و چرخ گرداش بود تحصیل
معارف خلدفردوس‌است وحورانش بود تحصیل
معارف گلشنی دان که‌ریحانش بود تحصیل
معارف‌عندلیبی خوان که الحانش بود تحصیل
معارف را نمیداند کسی آغازو انجامش
که نبود طایر وحدت برون ازحلقهٔ دامش

شاید ظاهرو باطن سر از فرمن اعلامش
اگر اهل معارف بگذرد باقی بود نامش
حیات جاودان علمست و برهانش بود تحصیل
خرد در شیشهٔ دانش کند علم بری زادی
کندمانی چوارژنگش هزاران نقش بهزادی
بجز عرفان نباشد آدمی را توشه وزادی
می' بزم معارف میدهد از جهل آزادی
خسارت دید کانرا رفع خسرانش بود تحصیل
اگر دیدار میخواهی بغیر ازمعرفت مطلب
که علم معرفت دارد وثوق اکثرو اغلب
عبارتها درین معنی بیانی از کتاب رب
معارف شدغذای روح و جای آن بود مکتب
جهالت درد بی درمان و درمانش بود تحصیل
معارف باشد ای عاقل حیات جاودان ما
همو سرچشمهٔ حیوان همو روح و روان ما
همو دنیاو دین آمد همو شد این و آن ما
معارف هم آگاهی بود اندر زمان ما
که از شر جهالت ها نگهبانش بود تحصیل
مکو آدم توای انسان بکیتی مرد نادان را
مسلمان کی توان کفتن کروه نامسلمان را
بیا پوری طلب ازحق تعالی نور عرفان را
بیا محمود از فیض معارف تازه کن جان را
بنای قصر جان عرفان و ار کانش بود تحصیل
مخمس دوم
دور دو ران سر سری بگذشت و رفت
حاصل اندر بی بری بگذشت و رفت
این و آن تا بنگری بگذشت و رفت
وقت شعرو شاعری بگذشت و رفت
وقت سحرو ساحری بگذشت و رفت
از وفا کن جامه و از مهر مهد
دست زن در دامن خوبی عهد
زهر دنیا را کزین برجای شهد
وقت اقدام است و سعی و جد و جهد
غفلت و تن پروری بگذشت و رفت
در زمانه نیك و بد را نیست فرق
عالمی در بحر سودا گشته غرق
جامه از ساتوس و عمامه ز زرق
عصر عصر موتور ریل است و برق
کامهای اشتری بگذشت و رفت
بار دنیا کاو تو یا خر کشد
کیست از فرمان دنیا سر کشد
خاك آخر عالمی را در کشد
کیمیا از جمله اشیا زر کشد
وقت اکسیر آوری بگذشت و رفت
هوشها مصروف لافو داوری
سعی ها در ننگ و جنگ و خود سری
همت مردم همه غارتگری
مختم عنسر بت سینه صنعت پری
قصهٔ دیوو پری بگذشت و رفت
بر تن و جانت زنند از تیغ ضرب
با کسی هرگز مکن دعوی' حرب
چیست دنیا جای دردو رنج و کرب
تلکراف آرد خبر از شرق و غرب
قاصد و نامه بری بگذشت و رفت
پی سپر شد این زمین تاغرب و شرق
در میان دورو نزدیك نیست فرق
خواه معجز خواه حکمت خواه زرق
سیم آهن در سخن آمد چو برق
تیلفون بشنو کری بگذشت و رفت
چند صحرا را بو بی شهر شد
چند دریاها که جوئی نهر شد
رخش بی بهره بسی با بهر شد
کوه ها سوراخ و برها بحر شد
جا نشینی را کری بگذشت و رفت
در هوا کم بود راه آدمی
فضل و دانش شد کواه آدمی
این زمان همچون نکاه آدمی
شد هوا جولا نکاه آدمی
رشك بی بال و پری بگذشت و رفت
دید پوری این چمن داو رفت
بلبلان سرو سمن را و برفت
کفت مومن اهرمن را و برفت
کفت محمود این سخن را و برفت
سعی کن تنبلکری بگذشت و رفت

حوادث خارجیه

ترجمهٔ خبرهای جنك از جراید اوروپا
علامات نومیدی در پاریس

از پاریس بجریدهٔ «نویه زوریخر جایتونغ» مینویسند:

هروقتیکه حکومت حرکات تجاوزی — [به اصطلاح ترجمانهای زبان انکلیزی حملهٔ جارحانه] — را اعلان میکنند بجای ناامیدی و بدبینی بسیار سنگینی که دماغهای مردمان پاریس را فرا گرفته است، کوییش یك شعلهٔ امید و نیك بینی' قایم میکردد. اما کمی نمیکذرد که از آن حرکات تجاوزی هیچ فایدهٔ حاصل نشده باز از بدبینی و ناامیدی' اول الم انکیزتر یك بدبینی و نا امیدی خلق را بکرداب حسرت و ماتم غرقه میسازد. اگرچه مطبوعات فرانسی دایما به اغفال کردن و بازی دادن مردمان کوشش میورزند. اما کارها بدرجهٔ رسیده است که اهالی را غافل

و امیدوار ساخته بتواند . هیچ کس باقی نمانده که به خبرهای مظفریتی که مطبوعات آنرا نشر میکنند اعتماد و باور بکند . فقدان معلومات صریح وتلفات عظیمهٔ عسکری و هر روزه آمدن مجروحین کلی ، وسوق شدن آخرین قوتهای احتیاط بمیدان جنگ چیزهائیست که مردمانرا از نومیدی به نومیدی و از دینی بدینی القا کرده میرود . فرانسه‌ها چون فکر میکنند که با یک محاربهٔ زمستان مجبور خواهند بود سراسر در گرداب یأس و ناامیدی مستغرق میگردند . یک قسمی از مطبوعات فرانسه ، از حرکات عسکریهٔ که به آتنای داردانل اجرا شده است و قوای اصلیهٔ شان را پراکنده کرده است دائما سر خود شانرا بخطا بودن این حرکت انگلیز و فرانسه میجنبانند . فرانسه‌ها بعد ازین از روسها نیز هیچ امیدی واری ندارند . انگلیزها نیز میگویند که روسها وظیفهٔ خود شانرا خوبی بجا نیاوردند .

ناامیدیٔ ائتلافیون از رومانیا

جریدهٔ « اونیوه رسول » :

این جریده از جریده هائیست که از دیگر جریده‌ها بیشتر در رومانیا فروش میرسد و از آغاز حرب دائما طرفداریٔ ائتلاف ثلاثه — یعنی روس ، فرانسه ، انگلیز — را پیشه کرده است و بشدت تمام طالب آمدن روس را ادعا می کند . جریدهٔ مذکوره از وقتی که اوستریا و المانها « بوقوینا » را فتح کرده مظفرانه در اراضی « بسارابیا » پیش رفتن را آغاز نهاده مجبوراً از ادعای خود صرفنظر نموده است . این جریده که تبلیغات رسمیٔ اوستریا و المانیا را نیز نوشته میکرد در ستونها از فتوحات متوالیهٔ اوستریا و المانیا بکمال گرمی دم میزند . معلوماتست که ائتلافیون در رومانیا هر اقدر جد و جهدی که در وسع شان بود برای جلب نمودن رومانیارا بسوی خود صرف نمودند ، ویک وقتی آمد که برای کامیابیٔ شان یک رمقی باقی مانده بود . حتی میتینکها ، قونفرانسها ، پروپاکاندهای متعدد در رومانیا برخلاف المانها و متفقینش در رومانیا برپا گردید . ولی چون رفته رفته دیدند که ائتلافیون بغیر از بادادن بازی هیچ ردی ندارند دانستند که سابق فایده های که ائتلافیون به آنها نشان میدهند هنوز نه آیست . حالا باین یک قانع شده‌اند که فایدهٔ شان در طرفداریٔ المان و متفقین اوست ، و در لحاف یار خودرا پیچانیدن چندان کار عاقلانهٔ نیست . این تمایل بدرجهٔ رسیده است که ائتلاف مربع — یعنی روس ، فرانسه ، انگلیز ، ایتالیا — نیز از رومانیا ناامید شده‌اند .

اختلاف صرب و مانتنکرو

از صوفیه خبر رسیده است که بسبب ملک البانیا در مابین صربها و مانتنکروها اختلافات بسیار مدهشی بظهور پیوسته است . حتی این اختلافها بزد و خورد هم منجر شده است . مانتنکروئیها بصربها گفته اند که اگر شما بر اشقودره — سقوطری — حمله کنید ماهم به البانیها متفق خواهیم شد .

بلغار و ائتلاف مربع

[از وقتیکه ایتالیا با ائتلاف مثلث رفیق شده عنوان ائتلاف مثلث بعنوان (ائتلاف مربع) تبدیل یافته است] .

برای همراه کردن بلغارستان کوششهائی که بدولت راست بیاید حکومتهای ائتلاف مربع اجرا کردند . ولی تا حال کامیاب نیامدند . وهیچ دسیسهٔ آنها بلغارها بازی نخوردند . بلکه تا بحال آنهارا بازی داده‌رفتند . چنانچه در اوائل امر تکلیفات ائتلافیون را بدون قید و شرط رد نکرده بمقابل آن جواب حاضر کردند . و پیش از همه چیز بعضی جاهای ماکدونیا را که بدست صرب و یونان بود طلب کردند که از آنها گرفته باو بدهند . ائتلافیون گفتند « تو دم نقد خود را در آتش حرب بینداز ، بعد از آن دادن اینجاهارا بتو دادن آسانست » وضعیتی که بلغار بجواب این سخن ائتلافیون گرفته عبارت از یک خندهٔ استخفاف بوده است !

صرب و یونان و ائتلاف مربع

بجریدهٔ (اوده سکی لیستوق) از « نیش » مینویسند :

در مابین کابینه های صرب و یونان در خصوص جلوگیریٔ مقاصد ائتلاف مربع که از ماکدونیا اراضی به بلغار بدهند مذاکرات آغاز شده است . نزدیک است که در مابین این دو حکومت مذکوره یک ائتلاف عقد شود که مستند برین اساس بوده باشد که برای مانع شدن دادن تعویضاتی که ائتلاف مربع از اراضیٔ صرب و یونان به بلغارستان بخواهند بدهند با همهٔ قوتهای خود شان مقاومت ورزند .

ایتالیا از ائتلاف مثلث چه لقمه‌ها در ربود؟

معاهده نامه

از (لاهی) بجریدهٔ (نویه فرایه پرسه) مینویسند :

نقاط اساسیهٔ معاهده نامهٔ که در ۲۴ مارس در مابین ایتالیا و دولتها ائتلاف مثلث عقد گردید از قرار ذیلست :

۱ — بایتالیا مبلغ « ۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰ » پنج ملیار فرانک قرض کویا داده میشود .

۲ — انگلیز ، در خصوص « ۵۰۰۰۰۰۰۰۰ » پانصد ملیون فرانک که بصورت حساب جاری از امریکا اسباب و لوازمات جنگ بایطا داده شود ضامن میشود .

۳ — برای خریداریٔ خورا که از امریکا برای ایطالیا می « ۳۰۰۰۰۰۰۰۰ » سه صد ملیون فرانک دیگر جداگانه یک حسا کشاده میشود .

۴ — دولت فرانسه ، از فابریک توپ سازیٔ خود مقدار ک توپ به ایتالیا تسلیم می کند .

۵ — ائتلاف مثلث ضامن میشوند که ایتالیا بر ممالک معینی که نظر دارد مستولی شود ، وغیر از بندرگاه « آنتیواری » و یک بند دیگر که برای صربستان انتخاب بشود ، دیگر همه سواحل بحر « ا تیک » بایتالیا عاید میباشد .

بمقابل اینها ، ایتالیا تعهد می کند که مقدار « ۱۵۰۰۰۰۰ » یک ملیون و یک قوهٔ عسکریه را با امر متفقهای خود حاضر و آماده میدارد . (۱)

---

(۱) ایتالیا هرچه که هست باز یک دولت کلانی شمرده میشو در لقمه فرو بردن حلقومش مساعد است . شما دولتهای کوچک کوچ مانند بلغار ، یونان ، رومانیا ، صرب را ببینید که چون دهن و دندان حک و تدبیر را مالک اند برچگونه لقمها دهن باز کرده‌اند ! آه ، بیچاره ا و امثال آن که از عدم حکمت و تدبیر ، هیچقدر یک دندانی را مالک نالقهٔ خود را بجویند . بجای که عالی همت‌را بر دیگر لقمهای حا که در بنوقت و فرصت آماده و مهیا افتاده است بکشایند !! اگر نخو میخورندت آقا ! ... (مترجم)

گله گذاری متفقها

جریدهٔ (روسقویه اسلووو) مینویسد :

متفقهای ما در دارالحرب غربی هیچ فعالیت و کار گذاری که بایك باید رساند نشان ندادند . روسها هان روسها هست که در آغاز محاربه اگر روسها پروس شرقیرا استیلا نکردند حالا پاریس فرانسه الحال اورمس ژرمن‌ها بود نبیشد . روسها بود که پاریس را ازدفعهٔ اوّل رهائی دادند . عجب اینست که فرانسیها در آنوقت نیز از شکایت خالی نمانده بودند ، با وجودیکه در آن اثنا روسیه هنوز حاضری سفر حرب خود را درستی نکرده بود فرانسیها اورا مؤاخذه می کردند که چرا واسع یك حرکت تعرضی اجرا نمی کنند . اما حالا که اردو های بزرگ المان و اطریش کالوپولند و کالیسیای مارا استیلا کرده دائما در پیشرفتن دوام دارند ، آیا متفقهای ما بما کدام کومك و مدد رسانیده توانستند ؟ متفقهای ما در جبههٔ غربی آیا کدام موفقیت و کامیابی بدست آوردند ؟ در وقتی که ما باردو های جبههٔ دو دولت زور خورده داشتیم متفقهای ما چرا در سنگرها و خندقهای خود دست بزرچه نشسته سرین ماندند ؟ چرا بهم رضیها و مهاجمهای واسطری ثابت نکردند و بما کومك رسانیدند حالانکه در میدان غربی تنها المان در مقابل فرانسه و انگلیز مانده بود ، قوتهای این هردو دولت — بلژیك هم بالاتر — آیا همینقدر نتوانستند که این بار سنگینی را که تنها بر دوش ما افتاده بود یك قدری تخفیف دهند ؟ همینکه یك چند گز از خندقهای خود پیش میجهند ، باید از دادن تلفات عظیمه بر کدام خندق المان قابض میشوند ، واویلاها وولوله‌های موفقیتها و کامیابیهای شان دنیاهارا برمیدارد ، حالانکه این موفقیتهای کوچك برابر از اهمیت عاریست . از دیگر طرف ایتالیا هم تا کمال عجز بعضی محاربات پیشدار دیگر هیچ کاری از پیش برده نتوانسته‌اند . همین روسهاست که در پیش ابلهه بلاها سینه که ای سپر و مقاومت مانده‌است .

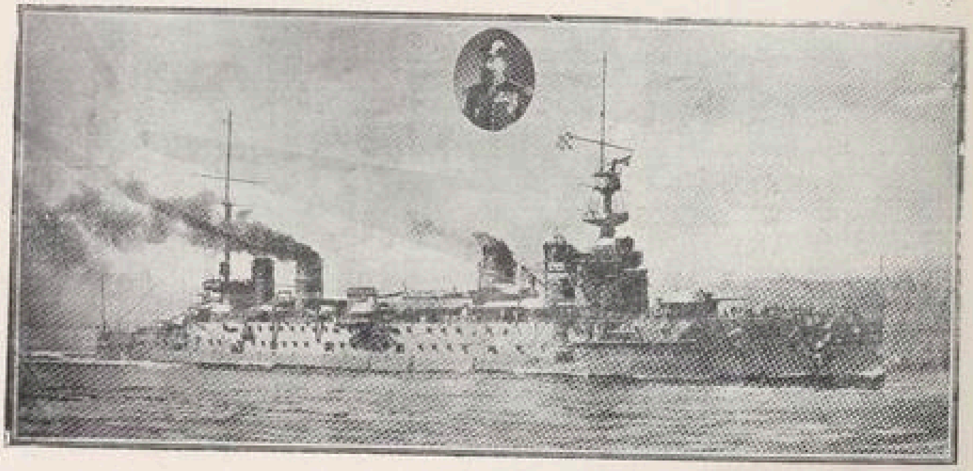

کارستانهای تحت‌البحر های المان

« لیون غامبتا » نام کروازور فرانسه که در راه « اوترانتو » بضرب تاریپدوی تحت‌البحر المانی باهمه افسران آن غرق کردیده است صورت شخصیکه در تجالشاداده شده امیرال « سنس » سر افسر است

ثروت دولت انکلیز آب شده میرود

از (لوزان) بجریدهٔ (اقدام) مینویسند :

مخارج یومیهٔ جنگی دولت انکلیز دو سه ماه پیش ازین در هر روز به (۳۰۰۰۰۰۰) سه ملیون پوند بالغ شده بود که بدان سبب صدراعظم دولت انکلیز مستر (اسکویت) از پارلمنت (۲۵۰۰۰۰۰۰۰) دوصد و پنجاه ملیون پوند تخصیصات فوق‌العاده طلب کرده بود . ازین حساب چنان معلوم میشود که ثروت و توانگری دولت انکلیز بیك سرعت بسیار مدهشی مذاب شده میرود . ذاتاً این مسئله را ناظر مالیهٔ سابق دولت انکلیز « لوید جورج » نیز در نطقی که در پارلمنت ایراد کرده بود این خبر فجیع والیمرا از کرسی خطابی که دران ایستاده بود بملت انکلیز خبر داده گفته بود : « ما در وقتی که بحرب داخل میشدیم چنین تخمین کرده بودیم که این محاربه از هر چیزی بیشتر به پیسه میشود ، وچون ثروت و توانگری موجودهٔ انگلستان بیك درجه ایست که المانیارا در اندك مدت مغلوب بتواند ازازو کارهای خود را از روی همان حساب ساخته بودیم . حال آنکه المانیا بآثار خارقه نمائی اثبات کرد که مافوق حساب و تخمین ما مالك ثروت و توانگری میباشد ، ما هم برای خود وهم برای متفقین خود به پیسه رسانیدن مجبور هستیم . مبلغی که بریتانیا برای محافظه کرده توانستن حاکمیت بحریهٔ خود صرف می کند نسبت بهمه مصارف حربیهٔ متفقهای ما قات قات افزونتر است . بر سر اینهم متفقهای ما در خشکی زر از معاونت ما انتظار می کشند . اگرچه ما هم میخواهیم که به آنها مدد برسانیم ولی این خارج امکانست . بنا برین بعد ازین متفقهای ما زیاد از همین درجهٔ موجوده در خشکیها از ما مدد رسانیدن را انتظار نباید بکشند . چرا که نظر بقوهٔ مالیهٔ کهداریم درین خصوص هیچ امکانی برای ما نمانده‌است . » این اعتراف « لوید جورج » یك تأثیر بسیار عمیق در انکلستان حاصل کرده بود . و یك هیجان و قیل وقالی برپا کرد که از نتیجهٔ آن تبدل کابینه هم بوقوع آمد . او وارد

گرهٔ بیهانهٔ چشمدردی یک گوشهٔ کناره کشید . لورد چرچیل به ترک کردن نظارت بحریه مجبور گردید . انگلیز میخواست که المان واوستریارا مقروضه دوچار کرده بصلح مجبور گرداند . در تحساب خود آنقدر گول خورده بود که نزدیک خودش بدآنحال محکوم گردد . نه‌تنها همین بلکه بسیار تخمینهای شان بیهوده رفت . درحالیکه المانهارا بمهلکهٔ گرسنگی انداختن حساب می‌کردند . خودشان عصبیت گرسنه ماندن گرفتار شدند . درحالیکه روس وفرانسه‌را بچه‌حال غالب حساب کرده بودند . درخصوص هم بسیار بازی خوردند . درحالیکه ورینک

قانع بودند که اگر که ایتالیا بجنگ یک‌تأثیر عظیمی برحرب عمومی خا
خواهد کرد . این حسابشان نیز سراسر خطا برآمد . علی‌الخصوص ک
وتخمینی کمدر باب آستانی داردنیل کرده بودند لکهٔ بسیار بدر
رشوکت وعظمت بحریهٔ انگلیز حاصل کرد . درروز سه‌ملیون‌و
که انگلیز برجنگ صرف می‌کند قسم اعظم آن در حرب داردن
خرج میشود . از مملکتهای بسیار دوردور جنس‌جنس عسکرهارا
کردن وآوردن . وتنخواه ونان وشراب دادن . کشتیهای جنگی ج
وارداتها همیشه موجود داشتن . تقلیات . اخراجات . ضایعات

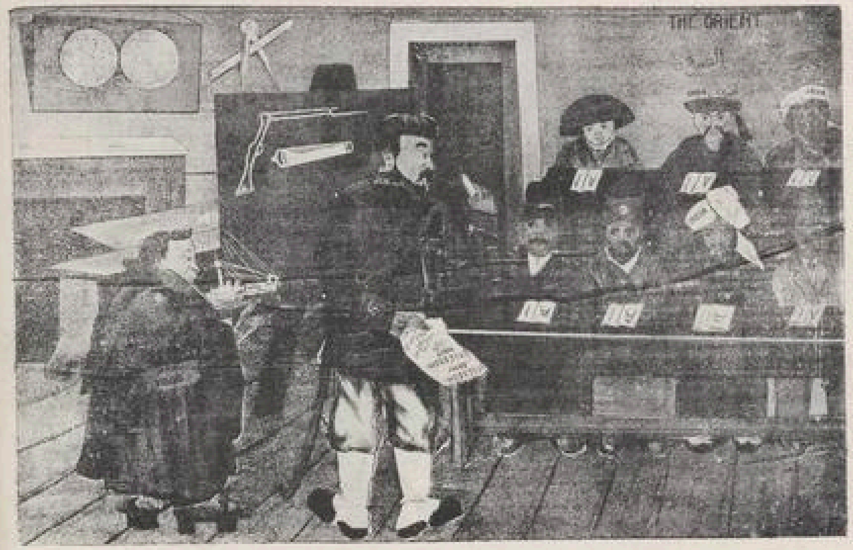

کاریکاتور

السیاسة المصوره

استاد شرق میکادوی ژاپانی ، در مکتب شرق شرقیون را درس داده میگوید : — ای اولادهای عزیز ! آیا میتوانید بگوئید که این عظمت وشوکت واقعی اوروپا بر کدام چیز بنایافته ؟ ترکیا میگوید : — باتفاق . ایرانی میگوید : — برسعی واقدام . هندی میگوید : — بر کبر وغرور . مصری میگوید : — بدست آوردن مملکتهای ضعیفان وبیچارگان . جاوینی میگوید : — رطل . چینی میگوید : — بمکر ودسیسه . کوریایی میگوید : — اول باید بدانم که آیا جناب شما دولت اوروپایی میباشید ؟ استاد ژاپانی میگوید : — نی جانم ! منهم مانند شما شرقی ام . ولی تحقیقت پی بردم ودانستم . اینست که بشما هم میدانانم : برهمهٔ همین چیزهایی که گفتید بنایافته . ولی ازهمه زیاده‌تر برهمین دوائی که بروجه نقش کردم مبنی میباشد .

(یعنی قوت !)

مجروحین وغیره چنان مخارجیست که میزان جمع‌آن خیلی مدهش است . مصارف حربیهٔ انگلیز تنها عبارت ازهمین مبالغ نیست که در میدانهای محاربه صرف میشود . بلکه درصحنهٔ سیاسیات دراداره‌هایی ووزارات نیز بصرف کردن ملیونها پول مجبور است . نظر بدروش احوال‌چنان معلوم میشود که‌بعدازین روزبروز مخارجش خیلی ازخیلی افزوده‌تر شده رود . باوجود اینهم درین گیرودارها اینهم تحقیق پیوست که حاکمیت بحریهٔ‌شان نیز عبارت ازیک‌قوهٔ‌تخیلیه بوده‌است . انگلیزها در آغاز حرب ادعا کرده بودند که بسبب قوهٔ حاکمیت بحریهٔ شان به تقلبات تجارت خلل وارد نمی‌آید . حالانکه درخصوص نیز حساب شان خطا برآمد
تحت‌البحرهای المان انگلیزهارا خیلی سراسیمه ساخت . وور
شدت بتجارت بحریهٔ شان نقصان وارد آورده . اینست که‌بعدازین
ثروت‌وتوانگری دولت بریتانیا روزبروز آب ومذاب شده‌میرود .

طرابلس غرب وایتالیا

کذا ، لوزان ، :

سرافسر اردوی ایتالیا که‌درطرابلس غرب است ، درحوالی داخ
آنجا مقاومت کردن را خارج امکان دیده ازایتالیا دیگر قوای امداد خیال

طلب کرده است ، ونوشته است که اگر مدد بوقت وزمان معین نرسد داخل مملکت وایس بطرفهای سواحل بگریختن مجبور خواهند شد

اسپانیا وفاس

ازبرلن :

جریده‌های فرانس بدرجهٔ نهایت اندیشه ناك اند . گویا دراسپانیا جنبشهای متعدد تشکیل یافته پروپاکاند کرده اند که (فاس ازاسپانیا باید باشد) .

سرکشیهای ناگهانی اسرار انگیز

کنا :

دردسته‌های کشتیهای جنگی بحر بالتیك روس سرکومندان امیرال (اسن) وچند نفر افسرها دریك روز بصورت ناگهانی خبر وفات شان شایع گردیده است . اکثر مردم را خیال برین است که عسکر های بحری کشتیهای مذکور عصیان کرده افسرهارا قتل رسانیده اند .

اختلالها در روسیه

جریدهٔ (فوسیشه سایتونگ) از پترو گراد خبر گرفته است که از طرف سرکومندان شهر موسکو به وزیر داخلیهٔ روس یك راپوری آمده دران نوشته شده است که در موسکو حادثات بسیار مهمی واقع شده ومیشود . اهالی شهر موسکو تنها بیغما گری وخراب کردن بعضی جاها اکتفا نکرده بلکه غارتها وحرکتهای سیاسی نیز اجرا کرده اند در کوچهٔ (تیورسکیا) شاگردان مکاتب عالیه . وجم غفیری از مزدوران و کارگران بیرقهای سرخ بدست گرفته ، و [بمیرند قاتلهای ملت ... محو شوند مستبدهای این محاربهٔ خون آلود ....] گفته فریادها براورده اند ، درموقع (دراغو میلوف) بلوا کنندگان بسیاری از نفرهای پولیس وژاندرمه هارا قتل وجرح کرده اند ، دربازار (کیه روتو) غرغلرانهای اختلال کرده اند ، و [در زمین گور شود زار وذریت او ..] گفته فریادها براورده اند . جم غفیری از اهالی بالنجمعیت بلوائیا یکجاشده در کوچه‌ها گردش کرده اند ، و [زار واعوان اومیخواهند که مارا ازیکطرف به گرسنگی واز یکطرف بدم طوبها بمیرانند ، مانان وصلح میخواهیم ....] گفته و لوله ها انداخته اند . از مطالعهٔ اخبرها بخوبی معلوم میشود که درروسیه بحران بسیار مهم داخلی حکمفرما میباشد . در وقت مغلوبیتهای روس به ژاپان نیز همچنین اختلالها برپاشده بود . چنانچه دران جنك نیز هرروز خبرهای نیامدنی گوشزد اهالی روس میشد دربنوقت نیز خبرهای شکست پی هم ، وصدها هزار تلفیات واسیر خودشانرا اگر چیزی نمیشنوند . بعد ازین درهیچ یك فردی از افراد روس امید کامیابی باقی نمانده ، وهمهٔ این بلاها را از استبداد زار واعوان او میدانند . زار وارکان دولتش ازین اختلالهای داخلی بیشتر از محاربهٔ که بآن گرفتار اند خائف واندیشناك میباشند ، واز بسیار علامتها معلوم میشود که دولت روس بزودی خودرا ازاتفاق فرانس وانگلیز جدا ساخته بصلح درآید .

﴿ دشمن هم ! ... ﴾

از (لوغانو) به جریدهٔ (فرایه پره سه) مینویسند :

بنا برتشویقات (ایتالیا) حکومت جمهوری (سان مارینو) نیز خیال دارد که بر دولت المان و اوستریا اعلان حرب بکند . حکومت (سان مارینو) کوچکترین حکومتهای دنیاست که بر ساحل بحر (ادریاتیك) واقع ، و ۱۱۲۵۷ نفر نفوس دارد . مجموع اردوی عسکریش عبارتست از (۳۹) افسر و (۹۵۰) نفر عسکر !

بیانات خلیل خالدبیك

خبر برلین :

خلیل خالد بیك که سابق دربمبی از طرف دولت علیهٔ عثمانیه قونسول بود ودرین روزها در المانیا میباشد یکی از مخبر های جریدهٔ « تاکبلات » ازتأثیر اعلان جهاد در هندستان بحث بمیان آورده بیانات ذیل را گفته است : « درهندستان زیاده از ۷۰ ملیون مسلمان موجود است کهعدد آنها نسبت بدیگر مذاهب روز بروز در افزونیست . درمابین مسلمانان هندستان یك اتحاد و مخادنت بسیار صمیمی موجود است وبه خلیفهٔ مسلمین یك حرمت ومحبت بزرگی میپرورانند . برای حوادثها وخبرهائی که از خارج بهندستان می آید سانسور انگلیز خیلی شدت کرده ، حتی جریده‌ها و مجموعه های انگلیزی هم درانجا ممنوعست . اگرچه انگلیز ها قوای عسکریهٔ خود شانرا خیلی از پیش در آسیا زیاده کرده اند واقوام مختلفهٔ هندستان مانند پیش بصورت مطلقه اجرای حکومت کرده نمیتوانند . مسلمانانی که نواز اقوام مسلمان وهندو وغیره بسر میبرند همهٔ غیرت وقدرت خود شانرا درراه استقلال ملی خودشان متوجه کرده اند . »

(اغتشاشات درمصر)

خبر وینه :

جریدهٔ (موردینك پوست لندن) مینویسد که درقاهره اغتشاشات بسیار مهمهٔ بوقوع آمده است . وبنا برخبرهائی که از طرف علما شده است ، حکومت عسکریهٔ انگلیز همه جامعهای مصررا بند کرده است .

(عدم ممنونیت از قوهٔ بحریه)

درمجموعهٔ (روووودوموند) امیرال « ده کوویس » عدم‌ممنونیت خود را از قوهٔ بحریهٔ فرانس و انگلیز بیان کرده میکوید که : باوجود دعوای حاکمیت بحریهٔ که متفقها میکنند درین محاربه بطرز حربی که المانها گرفته اند مجبوراً محکوم شده اند . المانها در بحر بالتیك آزادانه بدلخواه خود حرکت میکنند . حال آنکه از دسته های کشتی جنگی متفقین تاحال کدام یك کاری که مناسب دعوای حاکمیت بحریهٔ شان باشد دیده شده است ؟ دریك دوسه جنگهای خورده وریزهٔ که درینطرف و آنطرف شده است هیچیك تفوق معلومدار شان پدید ار نیامد . آیا حرکت بحریهٔ که بدون تدقیق ومحاکمه بر آبنای دردانیل اجرا کرده اند بجز بدنامی حاکمیت بحریه چه نتیجهٔ بخشید ؟ اگر بجای آن حرکت بیجا وغیر معقول در بحر شمال که درپیش بینی شان افتاده وتاحال هیچ یك نتیجهٔ درانجا استحصال نکرده اندیك حرکات حربیهٔ تثبت میکردند خوبتر و معقولتر یك کاری شمرده نمیشد ؟ آیا اگر فرانس در بحر ادریاتیك بجای داردانیل حرکت حربیهٔ خود را اجرا میکرد نافعتر نمیبود ؟ . .

بیاننامهٔ سرافسر اردوی عسکری عراق

جریدهٔ « رأی العام » بیاننامهٔ سرافسر جدیداردوی عراق‌را که درین روزها به « بغداد » مواصلت کرده است ازقرار ذیل نقل میکند :

« سلامتی جناب حق بر کسانی باشد که برراه راست میروند »

« مستعيناً بالله‌تعالى به ايفاى وظيفهٔ خود آغاز ميكنم . حضرت خليفهٔ مسلمين افندى' ما راى يك كردن خطهٔ مباركهٔ عراقيه را از لوث وجود ناپاك دشمنان دين بمن اختيار كامل عطا فرموده اند . الزم چيزى بيشتر اين يك معلوم باد كه هر كس باجر كات و افعال خودش موازنه و مجازا كه خواهد شد . در نزد من براى تعيين ماهيت و هويت اشخاص غير از اين ديگر مقياسى نيست : قدم انداختن جيوش كفار بر بعضى از بلاد اسلاميه چنان كيفيتى نيست كه مردمان مسلمان با آن صبر كرده بتواند على الخصوص براى مسلمانان عراقيان كيفيت يك مرك سرمى شمرده ميشود . انكليزها و متفقهاى او ادعا ميكنند و مدعى‌اند كه بيت الله الحرام و روضهٔ مطهرهٔ نبويه ، و مشهد هاى اهل بيت — يعنى خطهٔ مباركهٔ عراقيه ، و دار الخلافت اسلاميه را بگيرند و آن جا كهاى مقدس را باموزه هاى ملوث و مردار خود پامال سازند . و بر سر اينهم كوشش ميكنند كه در دنيا هيچ يك حكومت اسلاميه را باقى نگذارند . دشمنان بى‌چون در مابين دين اسلام يك اختلاف صورى و ظاهرى مشاهده ميكنند دجرأت پيدا كرده برين مدعاى خود جار نعم ميزنند . همين مسئله براى باز شدن چشمهاى بيدارى و آگاهى ما بايد يك سبب عظيمى شمرده ميشود . من شمايان بصورت واضح بيان ميكنم كه وقت و زمان آن در رسيده است كه همه مسلمانان كه بجامعهٔ توحيد زنجير بند دين شده اند بايد اتفاق ام بكنند . جبههٔ موحدها اتحاد تمام نمايند . زيرا اگر دشمنان دين بما بن اتحاد و اتفاق تام علم اليقين آگاه گردند بالهاى جرأت شان ميشكند ، مانند مرغ كه خورده از هوا بسينه بزمين ميخورد . اى اخوان دين از براى محافظت و صيانت ناموس ملى ، و دين و مقامات مقدس خودتان همت كنيد غيرت ورزيد اجهد كنيد كه يك وجود وحيد . يك سد متين جديد بشويد . بيقين ميدانم وامينم كه هر فرد موحد و مؤمن بداين دعوت من اجابت خواهد كرد . از لطف جليل كبرياجل و على آثار عظيمهٔ اين اتحاد و اتفاق را تضرع ميكنم . بداينهم همگنان بدانيد كه اگر بقدر يك ذره اهانت و خيانت در شمايان به بينم جزاهاى بسيار سخت و سنگين را دربارهٔ آن تطبيق خواهم كرد . اين بيانات مرا كه معطوف بسلامت عامه ميباشد دايماً در پيش نظر دقت بايد داشته باشيد . همه اصناف مأمورين و علما و مشايخ را بهاجراى تلقينات و ارشادات سدهم در اين باب توظيف ميكنم . هيچ شبهه ندارم كه قريباً موفقيت و كامياب اهل ايمان ميسر ميشود . آيت كريمهٔ (نصر من الله و فتح قريب و بشر المؤمنين) را نيز كار ميكنم . باقى توفيق از خداوند عظيم الشان است . »

ائتلاف مربع در چه حالست ؟

جريدهٔ « آواتى » نام سيو سيالست كه در ايتاليا انتشار مييابد از لندن يك مكتوبى فرستاده شده و نشر شده است كه مشكلات عظيمه و ضايعات وخيمهٔ مزبورهٔ دولتيرا كه سابقاً ائتلاف مثلث و لاحقاً ائتلاف مربع گفته ميشود از قرار ذيل تصوير و حكايه ميكند : — كيفيت وصول تحت البحرهاى آلمان در پيشگاه آبناى دار دانيل ، و حادثهٔ غرق شدن كشتيهاى جنگى زرهپوش « تريومف » و « ماژستيك » ، نام انكليز بصورت واضح و علانيه ظاهر ميسازد كه متفقها در خصوص زور آوردن آبناها چگونه مشكلات بزرگى تصادف ميكنند . جريدهٔ « تايمس » كه محاربهٔ آبناى دار دانيل را بكلمهٔ (معظم) وصف ميكند ، در عين زمان اين را هم اقرار و اعتراف مينمايد كه اين حركت حربيهٔ دار دانيل كه از طرف متفقها اجرا شده است هيچگاه بنظر معنويت موجب موفقيت ديده نميشود . جريدهٔ تايمس چون مروج افكار (نوفلر ويتو) ميباشد ، وحكومت حاضره بدين ، ليبرال ، علت از السبب بايد گفته شود كه سخن تايمس در بيان مبنى بر بعضى اغراض باشد . حال آنكه جريدهٔ (ديلى نيوز) كه مرو مروج افكار حود ليبرال است بر چنين مينويسد : — اگر چه آن كيف معلوم بود كه تحت البحرهاى آلمان در جوار آبناى دار دانيل يك وقتى ديده خواهد شد ، اما اين خيال غريبه كه اينصورت زودى و بدان كيفي پنهان اثبات وجود بتواند . اين است كه برخلاف انتظار مابين آن تحت البحرها وضعيت بسيار موثر دسته هاى كشتى فرانس و انكليز ر در آنجا مشكلاترا كه از پيش هم داشتند بار بار مضاعف نمود . با كشتى (ماژستيك) هشتمين دره‌دنوطيست كه از آغاز محاربه تا به اوايل مى ضايع كرده ايم . آيا بعد ازين چه خواهد شد : با احتساب ماسبت غو بحريهٔ آلمان خيلى بيشتر ضايعات داده ايم . دولتهاى محارب كشتيهاى از اول جنگ تا ماه مى ضايع كرده اند از قرار حساب (تن) از قرار ذيلست

كشتيهاى ائتلاف مثلث : ۱۹۰۸۶۲ تن
كشتيهاى دولتهاى دشمن : ۶۵۷۱۴ تن

از جمله اين مقدار تن كه از ائتلاف مثلث ضايع شده است ۹۲۲۲۸ ت آن بحساب حركات بحريهٔ آبناى دار دانيل داخلست . غير از اينها ائتلافيو سه كشتى تحت البحر نيز در پيشگاه آبناى مذكور ضايع كرده اند [اين اعداد تا اواسط مى بوده است ، حالا تا كنون تا بحال خيلى افزونى گرفت

گنهكار كلان جزاى كلان خودرا ميكشد

« گوسبودين آنكوف » كه از محررهاى عسكريهٔ مشهور بلغارستان بعنوان فوق يك مقاله نوشته در يكى از اخبارهاى « صوفيا » مدرج شده اس كه ترجمهٔ آن از قرار ذيلست : — « در ميان جنگ و دعواى خونين در گاليسيا حكمفرما ميباشد و امثال آن تا بحال ديده نشده است حال رو بيك ره گوزر كه بايد تمدنها و بهاى ارزانسته و در سلاخخانهاى ذبح كرده‌اند ، و در خونهاى خود شنا ميكنند ! آيا اين حال ، جزا جزاى گناههاى كلان كلان روس نيست كه تا بحال آنرا فعلاً اجرا نموده و حق مستحق آن شده است ؟ ملت عاجز زير دست خودرا كه از نور عر تماما محروم و جاهل بودند ، فكر و ذكا و مدنيت و حريت آنها را تحقير كرده رفتند ، به استبداد ، به جور ، به زندانهاى زمهرير آس سيبريا ، بظلمها و غدرهاى دهشتناك ، همه خود را مجازات ساخت . همه عشق همه حريت ، همه حسيات دماغيهٔ تبعهٔ بيچاره بالكل حيات عموميهٔ آن مملك تابع كيف و آرزوى يك چند عمال و فتهاى مستبد كه عرفان استبداد از هت مانده است . پس اگر همچنين يك گنهكار كلان همچنين جزاهاى كلان بكشد چيزى بعيد نخواهد بود » . جريدهٔ مذكور بعد از نقل اين مقا انكليز نقل كلام نموده مينويسد : — « امروز كه روسيه جزاهاى گناههاى كلان خودرا مى كشند ، هيچ شبهه نيست كه انكليزها نيز جزاهاى مدهش معنوى خلاص نشدن خود شارا به انديشيدن آغاز بدهند انكليزها نيز مانند روسيها بحقوق بشر رعايت نكردند . اگر چه طرز اد اين دو حكومت جدا جدا ميباشد ، ولى به اعتبار نتيجه در مابين ش هيچ فرق موجود نيست . انگلستان تنها بحقوق انكليزها رعايتكارند حريت ، عدالت و هر چيزرا تنها براى انكليزها تطبيق ميكنند . حقوق صرف براى انكليزها لايق و مستحق ميدانند . اما بمقابل ديگر اقوام چن يك سياست خود كامانه دارند كه گويا غير از انكليزها ديگر انسانها الب

بسند ، برای انگلستان اینیک خبر مشروع و مقبولیک کاری شمرده میشود که انگلیزها بر تمام انسانها حاکم بشوند . و بر حقوق انها بهر رنگی که زورشان بخواهد تجاوز بکنند . خواهش و آرزوی انگلیزها در باب حاکمیت بحریه نیز بجز این نیست که انسانهای بیچاره را که در مستملکات و مستعمرات شان زیر حکم شده اند همهٔ آنهارا برای منفعت خود بکار و زحمت کشی انداخته کل ثمارا از دست شان بربایند ، و خودشان مانند آقایان بدون کار و زحمت زیست کنند . این است که حالا انگلیزها بر مانند روسیها به کشیدن جزای این احمقیهای خود البته محکوم خواهند شد .

از گرسنگی مجبور به دزدی شدند !

از (سمرنا) مینویسند : — در ۸ ماه گذشته بوقت صبح دشمن های ما قدر (۳۰۰) نفر دزدها و اشقیا را که از بعضی جزیره های اطراف بزور پیسه جمع آوری کرده بودند در ۲۰ عدد قایقها نشانیده و قایقهارا در زیر حمایهٔ یک کرو وازور و سه طور پیدو سوق نموده در ساحلهای دور دست شهر ازمیر — یعنی سمرنا — خشکی بر آوردند . و دزدهای مذکور بقریهٔ (یوحان) هجوم آورده قدر ۱۵۰ رأس گاو ، و ۵۰۰ رأس بز مردم ده را چپاو کرده میخواستند که به قایقها بر کردند . اما حاکم مردم ده و یکمقدار عسکر محافظ آنجا مسلح شده خودرا بدزدها رسانیده راه فرار را برانها گرفتند . دزدها گاوها و بزها را گذاشته قایقها خودرا رباب کردن خواستند . ولی یک قسمی از اهالی که طرف کنار دریا گرفته بودند بر انها فیر کرده چندی کشته و زخمی بر زمین انداختند . دزدها ، اسیمه شده بعضی قایقها بفرار کردن موفق شدند و بعضی بسوی جنگلی که دران نواحی بود فرار کردند . دیگر عساکر عثمانی نیز رسیده جنگل مذکور را از هر طرف احاطه کردند و یک زد و خوردی وقوع آمده چند نفر آنها کشته و زخمی و بعضی گرفتار و بعضی فرار نمودند . مقدار کلی اسلحه بدست عساکر اسلام درآمد . از طرف ما چهار نفر خفیف مجروح بوقوع آمد . از چنین دشمنی که بواسطهٔ دزدها و اشقیا از دهات و قریه جات بدزدی کردن گاو و بز نزول کنند بجز نفرت دیگر هیچ تأثیری حاصل نبود .

ایتالیا زاری میکند

جریدهٔ (نه کلی خه روند شاو) از یک منبع موثوق که مخابره از ویانه بدست آورده است خبر ذیل را نشر میکند : — « ایتالیا ، بدلالت یک متوسط به کابینهٔ ویانه گفته است که اگر اوستریا مجارستان همان اراضی را که پیش از محاربه وعده کرده بمن بدهد من از محاربه دست بردار میشوم ، و وعده میکنم که بر هیچ حرکات خصمانه اقدام نکنم . و بعد از محاربه باز در معاهدهٔ اتفاق مثلث در آمده عهد و پیمان را تجدید کنم » .

شکست ایتالیا در طرابلس غرب

خبر برلین : — قطعات عسکریهٔ ایتالیا که در داخل ملک طرابلس بود از نتیجهٔ محاربهٔ شدیدهٔ که با مجاهدین نموده اند به ضایعات جسیمه دوچار شده بطرف ساحل فرار نموده اند .

* * *

ایتالیا دستخط نکرد

خبر (لوسرن)

یکی از دیپلوماتهای بیطرف که از روما آمده است بیان میکند که دولت ایتالیا و عهد نامهٔ که رفیقانش در بارهٔ جدا گانه عقد صلح نکردن همدیگر شان امضا کرده اند از دستخط کردن امتناع ورزیده است .

* * *

آخرترین خبرها

حالت نازک بلقان

از ترجمه های اخبار های اردو وانگلیزی که تاریخ (۵) اکتوبر رسیده است چنان معلوم میشود که احوال بلقان خیلی نازک شده میرود . ائتلاف مربع روس ، فرانس ، انگلیز ، ایتالیا از یکطرف ، اتفاق مثلث المان ، اوستریا ، عثمانی از دیگر طرف دقیقهٔ از نیرنگها و انتریکهای سیاسی در بلغاریا و رومانیا و یونان فارغ نیستند . و چنان استنباط میشود که بلغار برابر بطرف المان و اوستریا و عثمانی متمایل بلکه تقریباً متفق شده است . رومانیا نیز بسببی که روس از اطراف ملک او عقب نشینیهای پی‌هم دور شده است و از هر طرف درمابین اوستریا و المان محاط مانده است خواه مخواه او آرام نشیند . و یا بطرف اتفاق ثلاثه یعنی المان و اوستریا و عثمانی خواهد شد . از اوضاع یونان نیز معلوم میشود که با ائتلاف مربع بسیار بسی سر گرم اتفاق نشود . چونکه حرکات ایتالیا وضبط کردن انگلیزها دو سه جزیره‌ها را برای مأوای کشتیهای جنگی خود یونان را خیلی رم داده است .

حرکات رزمگاه مشرق ، اگر چه از ترجمهٔ اخبارها معلوم میشود که روسها حمله‌های تجاوزانه کرده‌اند و تخاصمهای خود را بپا کرده‌اند ، ولی چون هیچ نتیجهٔ قطعی از آن پدیدار نشد و در عین این خبرهای متواتر باز دفعهٔ گرفته شدن مانند (ویلنا) یک شهر عظیمی اعتراف گردید هیچ شبهه نماند که آن حمله‌ها هم یک روایت پوچی بوده باشد .

حرکات رزمگاه غربی نیز همچنین است که از خبرهای حمله های تجاوزکارانهٔ اتحادیان هیچ نتیجهٔ قطعی پدیدار نیامد . بلکه چنان استنباط میشود که حمله های تجاوزی از طرف مقابل بعمل آمده باشد و اتحادیان بامور تدافعی جدو جهد شانرا بیش از پیش کرده باشند .

از طرف داردنیل ، و جنوبیک مأیوسیت تام اتحادیون دیده میشود . از عراق ، و قفقاز هم خبر هائی که شایان دقت باشد شنیده نمیشود . تا دیده شود که چه میشود .

خبرهای هندستان

« اختلالجویان رهزن در علاقهٔ تناولی »

از قصبهٔ « مشکرا » نیز کامل « واقع علاقهٔ تناولی » مدراس خبر یک واقعهٔ حیرتناکی رسیده است ، که چند شب پیشتر قریب ۸ نفر فساد پیشه کان از حال بدریت ماهتاب استفاده کرده و خود شانرا باسلاح مهلک

مسلح باخانهٔ تجارهٔ یك ملازم « منذر » درامدند . وبه‌سیار جبر و تشدد پیش آمده ۷ نفر را زخمهای کاری نیز رسانیدند . از گردن یك زن همهٔ زیورهایش را دزدیدند واز گوشهای زن صاحب خانه نیز گوشواره هایش را بزور گرفتند . ویك زن بیچاره را وقتیکه بخواب بود رهزنان اورا مرد بنداشته خوب لت و کوب کردند . وچون صاحب خانه از آه وناله زن بیدارشده بمعاونتش شتافت اورا نیز خوب زدند . یك آدم خدا است که راهرا رابجا بکرد وی اورا بیشتر ازدیگران بلت وکوب کاری محکم کردند . یك زن دیگر که درهمین قریه هاسکونت داشت « دزد ! ! دزد ! ! » گفته فریاد راورد ولی رهزنان اوتر راو دور خورده بعد ازانکه هردو گوشهایش را از بیخ بریدند همهٔ زیورهایش رانیز ازازدش دزدیدند . یکزن بشوهر خود برای امداد مجروحین ازخانهٔ خودشان رددادن بیرون آمدند لاکن افسوسکه آنها هم پس ازانکه یك خوب لت وکوب خوردند بمراجعت کردن مجبور کشتند . بالآخر عاصیان بامال غنیمت بسیار بدر رفتند . وچون جماعت پس ازوانکه آنها از تجار در محلهٔ زر کران نیز عیناً همینطوریك واردات وقوع پیوست ازاودو آنرا هم بهمین طوری منسوب میدانند . وهردو مواقع مذکوره قریب تهانه و در قلب قصبه واقع میباشند .

« پولیس ضمانت فساد پیشه کان »

(کذا) :

درمحکمهٔ عدالت کلکته یك مسئلهٔ فیصله شده که دران یك شخص « جن » نام توت ضمانت دادن برای اینکه در آینده خوش سلوکی کند یادشده بود . وبروی این جرم ثابت شده بود که او دزدان وفسادجویان را نزد خود پناه میدهد وازمال مسروقه حصهٔ خود را میگیرد ویك چند افسر پولیس « تهانهٔ موچی پیرا » نیز امدادش را میکنند . ازشهادت ثابت گشت که مجرم فی الواقع یك آدم خیلی بدمعاش است و دزدان و شورانگیزان متعدد را نزد خود همه وقت پناه میدهد واین دزدان درنقب زدن خصوصیت ومهارت تامی دارند . دو گواه دیگر شاهدی دادند که افسر پولیسهای تهانهٔ مذکور نیز معاون رهزنان وفسادپیشه‌کان میباشند . ودزدان ، خاص درحدود تهانهٔ « موچی پیرا » دزدی ونقب زنی میکنند ویك شاهد دیگر گفت که چون من برای نوشتن رپوت مجرم موصوف بتهانهٔ مذکور رفتم پولیسهای دیگر تهانه مرا تهدیدات نموده ازتهانه خارج کردند .

« بر پولیس فیر کرده شد »

(کذا) :

از « بلاسپور » خبر رسیده است که درمابین پولیس ویك چند نفر اشخاص مسلح یك فساد سختی واقع شده چنانچه تفصیل آن ازینقرار است که بپولیس اطلاع رسید که یك چند نفر اشخاص مسلح که بظاهر ازملتهای اجنبی معلوم میشوند بی تعین کدام مقصد آشکار در علاقه هر سو گشت وگذار دارند . لهذا پولیسها درپی گرفتاری این مردم برامده باایشان مقابل گشتند . اشخاص مسلح بر پولیس فیر کرد . ازجانبین یك چند نفر زخمی شدند . ازاشخاص اجنبی ۳ نفر مجروح شد که ازقرار شنیده‌گی یك نفرشان فوراً در همانجا مرد ولی هنوز تصدیق این قول رسماً قبول نشده . ازپولیسها نیز چند نفری مجروح شد . دو افسر پولیس « دستر کت » و « سپرنتنت » نیز بر موقع محاربه حاضر بودند .

« اشتهارات مغویانه در بنارس »

(کذا) :

از بنارس خبر رسیده است که بردیوار های « سنترل هندو ودیگر بعض مکاتب اشتهارات مغویانه چسپان و آویزان یافته شده آن نزد حکام فرستاده شد .

« پرچه های آزادی »

(کذا) :

خبر کلکته مظهر است که بتاریخ ۱۳ ستمبر یك پرچهٔ « آزادی » بردیوار کالج « بنگاباشی » آویزان یافته شد . ونیز پرچه‌های باقیمانده روز ۱۴ ستمبر در « کیلا » تقسیم کرده شده پرچهٔ مغویانهٔ دیگر بردیوار عمارت دارا و گاهٔ فرید پور نیز دیده شد .

« علاوه های مغویانه »

(کذا) :

خبر دیگر جدیداً از کلکته رسیده است که باز پرچه های « آزادی » بردیوار های کالج های « ستی » و « زین » وغیره یافته شدند . کارکنان کالج فوراً آنرا پاره کرده برکندند درتمام علاقه ازتقسیم پرچه ها تقسیم نیز کرده اند .

(مترجم عبدالرحمن محرر ادار

آخرترین خبرها از اخبار های متنوعه

بلغار بجنك اشتراك ورزید . و بدولتهای المان ، اوستر اتفاق نمود . — سفیر های دولت انگلیز و روس وفرانس پایتخت بلغار مفارقت نمودند . — میگویند که اتحاد بلغار باالمان وعثمانی نسبت باتفاق ایتالیا بادولت انگلیز وفرانس وروس خو وباقعتر شمرده میشود . — (بلگرید) که پایتخت سابق . و (پایتخت لاحق صرب بود هردو ازدستش برامده ، وحال در (اسکوب) که درمحاربه اخیر ازدولت عثمانی به صربها رسیده انتقال داده . قوهٔ مدد کاری فرانس وانگلیز به صربها از وارد شده است .

— از روش حال یونان چنان معلوم میشود که کامل خود قایم است ، ولی ظروف زمان چنان نشان میدهد که

— کار صربیا به آفتابه لگن کشیده شد . ایتالیا که سختیٔ راه‌ها را برای عذر پیش رفت خود پیش میکردند عذر معقول دیگری نیز برای شان طبیعت فراهم آورده که برفهای شدیداست بران راههای سخت . — ازرزمگاه مغربی هیچیك خبر مبنی که نتیجهٔ قطعی را نشان بدهد معلوم نمیشو جزء هاوپسمانها وقدری توپها که ازینها شنیده میشود

در چاپخانهٔ حروفی دارالسلطنه کابل طبع گردید

هر مقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر ومحرر محمود طر

محمود طرزی

(اعلان)

پراکنده

از آثار مطبوعهٔ تازهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت . وعبارت از یك مجموعهٔ اشعار ابدار تجدد آثاری میباشدکه رکاغذ اعلا . وخوبی طبع دلربا . باتصویر بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است . اگرچه از بحث خط وخال بعید است ولی مضامین وخیالاتش سراسر بیکفرزجدیداست . نسبت بخوبیهای ظاهری ومعنویش قیمتش خیلی ارزان . یعنی بمقابل (۲) دو روپیهٔ کابلی درخود مطبعهٔ عنایت از نزد عبد الرؤف خان سر مرتب ، ودر بازار ارك از دکان باز محمد ، ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب هرکس خریده میتواند.

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعه آثار ادبیه را مژده ! ازین ثمرهٔ نورس رسیدهٔ گلزار ، مطبعهٔ عنایت ، کام جانرا شیرین نمائید ! ، جزیره پنهان ، یك ناولیست که قوت علم ومعرفت وسعی وغیرت را برای اساس زندگانیٔ نوع بنی بشر بنظرثابت وجلوه گرمیسازد . هم حکایت ، هم عبرت همرفن ، هم فضیلت ! خوبی چاپ ، خوبیٔ کاغذ ، خوبیٔ تصورش علاوه . قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان ! تنها (۶) شش روپیه محل فروخت نفس مطبعهٔ عنایت در ده افغانان ، دکان باز محمد در بازار ارك ، دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی .

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد
کتاب سال دوم ۰ ۰ ۰ مصور مجلد
کتاب سال سوم ۰ ۰ ۰ مصور مجلد
کتاب سال چهارم مصور مجلد
عز و اسلامیت
آیا چه باید کرد ؟
ادب درفن
توحید
مختصر جغرافیای عمومی

این کتابهای فوق در اداره موجوداست . هرکس که آرزوی خریداریٔ آنرا داشته باشد باداره مراجعت کند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

	قیمت روپیه کابلی
سیاحت ردورا دورزمین بهشتادروز مجلد	۲
سیاحت درجو هوا مجلد	۲
سیاحت درزیر بحر مصور مجلد	٤
ازهردهن سخنی وازهرچمن سمنی مجلد	۲
روضهٔ حکم مجلد	۲
پراکنده مصور مجلد	۲
جزیرهٔ پنهان مصور مجلد	۶

هرکس که آرزوی خریداریٔ این کتابهای مافوق را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان از نزد عبد الرؤف سر مرتب واز دکان باز محمد کتابفروش دربازارارك واز دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل مدرسه شاهی بقیمتهای معینش خریداری کرده میتوانند.

واگر از خارج افغانستان ارزوی خریداری کتابهای مافوق را بکنند باید به سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1434 of 1786

اعلان

عموم مشترکین کرام خود را

یاد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از شکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خود رهائی یابیم ممکن نشد لهذا بادا کخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یك مقاوله نموده دا کخانه مشارالیه تقسیم و توزیع اخبار ما را که بهمه مشترکین کرام ما رساند در عهدهٔ حمیت خود قبول نمود . مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را تبشیر و یاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای دا کخانه بخود شان میرسد .

شرایط خریداری

	دارالسلطنه	ولایت داخل افغانستان
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه یازده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

هرجائیکه باشند با اجرت پوست

قیمت سالیانه] ده روپیه انگلیزی قیمت ششماهه] شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراك قبول نمیشود

یك طلای پوند انگلیزی یازده روپیهٔ کلدار است . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

برهمهٔ کار داران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود:

اگر از یك جا بدیگر جا بروند ویابند میباید که یك رقعه مدیر وسر محرر را خبر بدهند که من در فلان جا بودم وحال در فلان جا میروم اخبار مرا در انجا بفرستید . هرگاه همچنین یك رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، وصنعتگران که صنعت خود شان را در سراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، و یا دیگر هر قسم اعلان واشتهاریکه باشند از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه در متن اخبار از یکبار تا به پنج بار نشر وشایع شود برسرهر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا به پنج بار فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریك ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرکه شخصی اعلان خود را مبادیاً تا یك سال نشر کردن خواهد ووجه یك ساله را پیشکی ادا نمایند در ورق پشتی بر هر سطری سنار اجرت گرفته میشود

سراج الأخبار افغانیه

۱۳۲۹

شماره: (۷) سال پنجم

فهرست مندرجات

مسلمانان باهمدیگر اتحاد کنید وازهم جدا مشوید (

حوادث داخلیه (تشریف فرمائی موکب اعلیحضرت همایونی از پغمان بدار السلطنه

مقالهٔ مخصوصه (مکتوب ازهرات

تقریظ (

ادبیات (

حوادث خارجیه ترجمهٔ خبرهای جنگ وغیره ازجراید اوروپا — شتهای وطن وملت — بندربوشهر — یک کامیابی عثمانیان در ماروبیل — فعالیت مجاهدین سنوسی — سفالت و پریشانی در روس — استقراض انگلیز عقیم ماند — تحت البحرهای المان چسان بهبحرسفید رسیده توانسته اند — کامیابیهای المانها درمحاربه های قلعه گیری — افکار عمومی درفرانس — آثار اندیشه درایتالیا — بیانات یک امیرمسلمان افریقائی — مطبوعات خارجه راجع بایران — جریده راؤتنا گیلان میگوید: — شکست انگلیس ها — افغانها درقفقاسات — آخرترین خبرها ازترجمهٔ اخبار های اردو وانگریزی — افتادن هزیمتی خارج ازاسپ — خبرهای بالقان —

تصاویر عرابهٔ موتری که مخصوص سواری ذات معالی صفات اعلیحضرت سراج الخواقین میباشد — کارستانهای تحت البحرها — ازمناظر مصر یک نخلستان در جوار اهرامها — کاریکاتور السیاسته المصوره —

اعلان

از صنایع روزبهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جرنیل کارخانه جات ، ماشین خانهٔ مبارک که دارالسلطنه کابل علاوه، بر اقلای حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه و اونیفورمهای عساکر شاهانه وغیره، بعضی دیگر مصنوعات داخلی که از ان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت همایون حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ذیل (دکان عبدالله خان دربازار ارك) میباشد،

(۱) سرج‌های پشمینه بافی برنگهای مختلف که قیمت آن از قرار گز انگلیزی ۳ فوته مشخص شده ودر صندوقخانهٔ جنسی حربیه وش میرسد

اقسام	قسم اول					قسم دوم					
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم وقدری کلفت قیمت آن ۱۰ پیسه زیاد است	
رقم	کاملاً ساخته نشده	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت		۷ روپیه ۵ پیسه	۶ روپیه ۱۱ پیسه	۶ روپیه ۴۲ پیسه	۵ روپیه ۴۸ پیسه	۶ روپیه	۵ روپیه ۱۸ پیسه	۶ روپیه	۵ روپیه ۱۰ پیسه	۶ روپیه ۱۰ پیسه	۵ روپیه ۲۰ پیسه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گز انگریزی | کشمیره چهارخانه ۷ روپیه ۳۵ پیسه | کشمیره زهدار مرقوم ۷ روپیه بیست پیسه

(۲)	جراب			﴿۳﴾ تکمه‌های چرمی محراب ومنبردار		
رقم	تکه بانکه زوج	راهدار زوج	معمول زوج	کلان قدرچین	میانه قدرچین	خورد قدرچین
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه	۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۵۰ پیسه

(٤)	کروره های جدیدساخت			
رقم	زه باف یک لایه دو کره دو تاره	زه باف یک لبه دو کره سه تاره	چرم باف یک لبه	یک لبهٔ چار تارهٔ تخی
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲٤ پیسه	۸ روپیه و ٤۲ پیسه	٦ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم باف دسته‌دار دولبه	چرم باف دسته دولایه یک لبه	دسته دولایهٔ یکی چار لبه	چرم باف هرکاب
قیمت	٤ روپیه و ٤۸ پیسه	٤ روپیه و ٤٦ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	٤ روپیه و ٤۳ پیسه
رقم	دسته برنجی کیت نقره توبخانه	قبضه کلیت نقره از چرم سه لایه توبخانه	زه باف رقم سواری سامی کلیت	زه باف دو تارهٔ رکاب
قیمت	۳ روپیه و ۵۵ پیسه	٤ روپیه و ۵۷ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵٤ پیسه
رقم	رکابی ازغ	چرم باف میانه چوب پت زنانه	اززین سواری تیغ چرمی	زنانه ابریشمی خیاطه
قیمت	٤ روپیه و ٤۵ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه	٤ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته‌دار تیغ چرمی	دستهٔ دولایه سامی برنجی کلیت نقره	اززین سواری دولایه تیغ چرمی کیک دار	چرم باف مابین پت یک لب
قیمت	٤ روپیه و ٤۹ پیسه	٤ روپیه و ٤۵ پیسه	٤ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

﴿۵﴾	اقسام گلهای مصنوعی سر			
قسم	گل جرین	گل نافرمان	گل بینه	گل شبو
قیمت	۵ روپیه و ۳٦ پیسه	٦ روپیه و ٦ پیسه	٦ روپیه و ۷ پیسه	٦ روپیه و ۳ پیسه
قسم	شگوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل نسترن	جنبیل
قیمت	۷ روپیه و ٤۵ پیسه	٦ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۳۸ پیسه	٦ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شگوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	٦ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	٦ روپیه و ۵٤ پیسه	٦ روپیه و ۵٤ پیسه

(المشتهر) (میر محمد هاشم دفتری کارخانه جات (کپتان نظامی)

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ٨ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
با اجرت ڈاک ١٠ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با اجرت ڈاک ١٠ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
بهای یک نسخهٔ آن در کابل یکعباسی است
(اوراقی که درج نشود اعاده نمیشود)

سراج الاخبار افغانیه
١٣٢٩

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

اداره‌خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه به اداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ قمری ١٥ محرم ١٣٣٤ تاریخ انگریزی ٢٣ نومبر سنهٔ عیسوی ١٩١٥ تاریخ شمسی ٣٠ عقرب ١٢٩٤

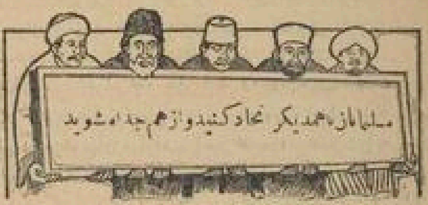
مسلمانان همه بیکدیگر اتحاد کنید و از هم جدا مشوید

یکدو سخن بمناسبت یوم مبارک
(عاشورا)

این شمارهٔ ما چون با یوم مبارک «عاشورا» مصادف آمده است خواستیم که یکقدری معلومات تاریخیه در خصوص عرض انظار قارئین کرام داریم. و از نقطهٔ نظر (اتحاد اسلام) بعضی ملاحظات عاجزانهٔ خود را در خصوص سرد و اثبات نمائیم:

«عاشوراء» در نزد مسلمین بروز دهم ماه محرم الحرام اطلاق میشود که در روز مذکور واقعهٔ پر فاجعهٔ «کربلا» بوقوع آمده‌است. این واقعهٔ جانسوز الم انگیز از چنان واقعه ها نیست که هر فردی از افراد مسلمین را از روز وقوع آن تا بحالا آزرده‌دل و داغدار الم داشته، و در صحیفه‌های تاریخ اسلام یک لکهٔ تیرهٔ بدنمائی بیادگار گذاشته است. هیچ قوم، هیچ ملت، هیچ هیئت اجتماعیهٔ از امت ناجیهٔ «محمدیه» «صلی الله علیه و آله وسلم» نخواهد بود که به اهل بیت الاطهار حس محبت و احترام نپرورانند. محبت اهل بیت یکی از ارکان عمدهٔ اسلامی شمرده میشود. محبت اهل بیت را در دل نداشتن بدرجهٔ بغض اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم را در دل داشتن گناه عظیم و وبال جسیم را در بردارد. بنابرین چون در روز «عاشورا» یعنی دهم ماه محرم الحرام مصادف بسال (٦١) هجری، حضرت سید الشهداء حسین ابن علی المرتضی رضی الله تعالی عنهما که سبط رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم میباشند، با بسیاری از خاندان رسالت بیک صورت فجیع و الم انگیزی حرباً شهید گردیده‌اند، از این سبب این روز (عاشورا) یک روز ماتم و مصیبت عمومیهٔ اهل اسلام شمرده میشود.

کیفیت وقوع این واقعهٔ فجیعه چون در کتب تاریخیه بتفصیل بیان شده‌است و هر کس ازان خبردار هست بنا بران در اینجا لزوم دیده نمیشود. مگر همینقدر گفته میشود که این واقعهٔ جانسوز، در عالم اسلام از بدترین واقعه های جانخراش الم انگیز و فاجعترین مصیبتهای درد آمیزی میباشد که دیگر مثیل و مانندی ندارد. اما چیزی که در نظر ما عاجزان مصیبتها و اکبر فلاکتها شمرده میشود، همانا شقاق و افتراق و مباغضت و منافرتیست که از نتیجهٔ این واقعهٔ اسفناک در هیئت اجتماعیهٔ اسلامیه پیش آمده است. این مصیبت افتراق از چنان مصیبتهائیست که ارواح قدسیانرا بلرزه می‌آورد، و بریشهٔ شجرهٔ مقدسهٔ اسلامیه تیشه میزند، بنیاد قصر مشیدهٔ دین را بانهدام تخریب میدهد.

مدارج علویه، و معارج قدسیه که برای آن بزرگان دین تهیه و آماده شده بود اسباب یگانهٔ آن بر همین جانبازی فجیعهٔ که در کربلا پیش آمده بود موقوف بود. ارادهٔ ازلیهٔ سبحانیه سید الشهدا شدن آن ذات قدسی صفاترا بطی نمودن همین مراحل پر عذاب زار آلاء و اکدار این دار دنیای ناپایدار منوط داشته بود. هزاران حسرت و افسوس است که ازان واقعهٔ جانگداز (١٢٧٣) سال تمام گذر نموده و عداوت و بغض ایرانی و افغانی، ایرانی و عثمانی چنان معلوم میشود که گویا حالا سر از نو تولید یافته باشد! حالانکه جهت قاتل و مقتول نه ایرانی نه افغانی نه عثمانی بودند، بلکه از قوم و عنصر و جنس واحدی بودند که باینها هیچ جهت تعلق نداشت. این است که در نظر ما اعظمترین مصیبتها و ادهشترین فلاکتها نتیجه یافتن همین بغض و عداوتیست که در مابین هیئت اجتماعیهٔ اسلامیه و کتلهٔ دین مقدسهٔ محمدیه علیه افضل الصلوة و اکمل التحیة بظهور آمده است.

این افتراق و انشقاق، رخنه های دهشتناکیست که در قلعهٔ متینهٔ هیئت اجتماعیهٔ اسلامیه پیدا شده، و از همین رخنه هاست که دشمنان حقیقی

دین بکمال موفقیت وکامیابی درمیان آن قطعهٔ وسیعه فرجوب وصول گردیده است . نخستین ضربهٔ افتراق ... در وحدت اسلامیه زده شده ، وبکاه ضربهٔ انشقاق که وجود دین را از میان دو پاره کرده ، همانا همین مسئلهٔ شیعگری وسنیگری میباشد . حالا آنکه درین عصری که اسلام ظلا کنهای بسیار تلخی گرفتار آمده است ، از چنین افتراقها و انشقاقها بجز ضرر و خسارت هیچ فایده و منفعتی حاصل نمیشود . لابد وضروری ست که همهٔ امت ناجیه که بسلسلة الذهب کلمهٔ طیبهٔ (لااله الا الله محمد رسول الله) مربوط میباشند اگرچه در شرق باشند وگر در غرب ، ازهرقوم وهر عنصری که باشند ، باختلافات فرعیهٔ مذهبیه اهمیت نداده مادهٔ مهمهٔ (اتحاد اسلام) رانشئید وتأیید نمایند اگرهزار بارگویند که من مسلمان ایرانی ام ، آدیگر مسلمان عثمانی ، اگر صدبار بگویند که من مسلمان افغانی‌ام آدیگر مسلمان هندی ، اگر نجاه بار بگویند کهمن مسلمان جاوئی‌ام ، آدیگر مسلمان چینی ، اگر فریاد ها بکنند که من مسلمان مصری‌ام آدیگر مسلمان مراکوئی ، اگر فغانها برارند کهمن مسلمان ماوراءالنهری‌ام آدیگر مسلمان حجازی هیچکاه دشمنان حقیقی اسلام ومسلمانی حوالهٔ سمع قبول نخواهند کرد ، وتا وقتیکه بوحدانیت آله واحد جل وعلا ، وبپیغمبری خاتم الانبیا محمد مصطفی علیه السلام والتحایا ، و حقانیت قرآن مبین ، و قبله بودن بلدة الامین ایمان کامل واعتقاد متواصل مسلمانان برکمال باشد اگرازهر گروه واز هرعنصری که باشند ، ودر هر گوشهٔ از گوشه های دنیا که ساکن باشند ، درنظر آن ملتی که برکرسی خطابت برامده وقرآن رابالا کرده گفتند که : ـ « تاآن کتاب واحکام آن دردنیا موجود باشد آرامی رای ما مفقود است » باعدام وانهدام محکوم خواهند بود .

بنابرین برای محافظهٔ بقا وعلامت اسلامیت ، تهداپها واساسهای بنای معظم « اتحاد اسلام » را کاملاً ، شرعاً جمیع مسلمانها بران مأمورانداضرور بصد ضرور باید وضع نمود ، ودرخصوص هیچ یکی از ملل واقوام مسلمانان روی زمین غفلت وبی پروائی نباید بکنند ، وبقدری که وسع‌شان برسد درترویج همین مدعا کوشش ورزند ، مدعا این نیست که همهٔ مسلمانان دفعهٔ بدون یک سبب صحیح دست بشمشیر شده بر ملل غیر دین خود محاربه وغاقیام کنند ، نی ، بلکه مدعا این است که همهٔ مسلمانان روی زمین همدیگر خودرا بشناسند ، یک دیگر خودرا دوست داشته باشند ، به خیر وشر ، ونفع وضرر همدیگر خود را شریک شمارند ، تامیتوانند بدرجهٔ قدرت وطاقت بهدم ، بقدم ، بقلم ، بدرم ، بهم خیالی بهم فکری ، بهم دردی ، بهم روی ، بهم آبی ، بهم گوئی ، بهمشنوی یکدیگر خود مدد ومعاونت ، خیر ورکت رسانند ،

رابطهٔ مشترکه که مسلمانانرا بیکدیگر شان مربوط داشته دین است ، دین در قرآن مبین ، و پیروی سیدالمرسلین است ، تاوقتیکه خرافات ، وتشتتات واختلافات ، وافتراقات دردین داخل نشده بود ، اسلام وجود واحدی بوده جهانگیر شده بود ، قرآن کریم است که « انما المؤمنین اخوة » ـ یعنی تحقیق که همهٔ مسلمانان برادر همدیگر هستند ـ فرموده ، فرقان حکیم است که : ـ « و اعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا » ـ یعنی خوب محکم محکم گیرید ریسمان خداوندرا یعنی دین را ـ همهٔ شما وهیچگاه ازهمدیگر جدا مشوید ـ را امر نموده حضرت فخر کائنات پیغمبر وپیشوای برگزیده صفات ماعلیه وعلی آله وسل الصلوة والتسلیمات در (حجة الوداع) برشاخهٔ بلند جبل عرفات باده ازصدهزار مسلمانان که درانجا جمع آمده بودند آخرترین خطبهٔ بلیغهٔ رسالتپناهی خودشانرا چون بیان فرمودند یکقسم مبنی ازامور اجتماعیه واتحادیهٔ امت ناجیهٔ شانرا نشان داده اند که تنها معنیٔ فارسی بعضی فقرات آن خطبهٔ مقدسه را درینجا مینگاریم :

« ای امت من ! سخنانی را که بشما میگویم بگوش جان بشنوید ، زیرا امید ندارم که بسال آینده درینجا درمیان شما موجود باشم . مانند قدسیت وحرمت این روز ، این ماه ، این بلده ، مال وجان هریکی ازشما بدیگر شما مقدس وحرام است . اینرا ازخاطر خود بیرون نکنید که چون بحضور رب العالمین برائید از همهٔ افعال وحرکات خود تان بحساب دادن مجبور خواهید بود .

« ای امت من ! چنانچه شما برزوجه‌های خودتان حقدارید ، زوجه های شما نیز برشما حقدارند . باآنها برفق وملایمت معامله بکنید . آنها شمایانرا ودیعهٔ الهیست . تدارک امرنفقه ومعیشت شان برشما فرضست .

« ای امت من ! سخنان مرا بیاموزید : بدانید که همهٔ مسلمانان بایکدیگر برادر میباشند مال یکی ازشما بدیگر شما حرام است . مگر که خود آنشخص برضا ورغبت خود بخشش بکند درانوقت حلال میشو ازاجرای ناحق وبیعدالتی پرهیز کنید . کسانیکه درانجا حاضر ا اینسخنان مرا بر کسانی که حاضر نیستند نقل بکنند . »

این است که قرآن مجید خالق اکبر واحادیث منیف حضرت خیرالبش برای اتحاد ، اتفاق ، اجتماع ، عدل ، احسان ، امداد ، معاونت ، خو رفق وبسی خوبیهای دیگراست ناجیهٔ محمدیه را بیکدیگر شان امر وار فرموده ، واز تفرقه ، و جدائی ، وبغض و کین وحقد وحسد وب بدیهای دیگر مسلمانانرا بشدت منع وتحذیر نموده . پس از چنین باوجودیکه همهٔ مسلمانان روی زمین یک قرآن ، یک پیغمبر ، یک ایمان وتوجیه دارند ، وهمهٔ شان کلمهٔ مقدسهٔ توحید خالق وحید بزبان میرانند وبدل تصدیق می کنند ، چرا بغض ودشمنی همد را در دل بپرورانند ؟ علی الخصوص درچنین وقت وزمانی که ازچو وسنگ آدم ساختن ، وبهیئت اجتماعیهٔ خود افزودن لازم است .

آه ! هزار افسوس که این اختلافها و جدائیها وبغض ها و ک را درمیان امت ناجیهٔ محمدیه (ص) خرافات ، احترامات ، اغرا شخصی ، امراض روحی بظهور آورده است . وگرنه دین مبین مق اسلام از آغاز ظهور خود برچنان اساسهای بسیار عالی ، وبسیار وبسیار صاف ، وبسیار راست که مخصوصهٔ ادراک هردماغ ، وهرعقل بسیار سهولت و آسانی بگنجد تأسیس وبنیاد یافته بود ، واز خرا و عنعناتی که در اعتقادات مصریها ، ایرانیها یونانیها ، هندیهای ق موجود بود اثری دران پدیدار نبود ، حیات که رفته‌رفته ان خر هرآلود . پیشرفت وصورت هلاکت نمود ، درپردههای دیانت اسل خودرا بجانیده ، وسته واختفا نموده بمرور ایام بظهور پیوست . هر وناتی که بتجربهٔ دقیقه مراجعت کرده بایک اندیشه وتفکر بصیرت ک بمحاکمات وتدقیقات این کوایف برداخته شود بسی حقایق وسیء این تفرقه‌ها وجدائیهای اهل اسلام ازیکدیگر شان بمیدان علانیت خو رامد که درینجا گنجایش آنهمه تفصیلات را درصحایف جریدهٔ نبینیم ، وهم از اصل مقصود خود که دعوت اتحاد است دور « بعضی مباحثات ومشاجرات مذهبیه سخن منجر میشود . حالا

ثروت واین زمان گنجایش اینچنین چیزها را ندارد . وقت آمد که ما هم کلمه گویان محمدی (ص) از نشهٔ بادهٔ غفلت چشمان خمار آلود خود مانرا باز کنیم . از خواب سنگین رخاوت وعطالت بیدار شویم . مناقشات فرعیه را بطاق بالا گذاشته ودرحصهٔ تدریسات حال واحوال حاضر بمطالعهٔ علاجهای اصلیه مشغول شویم . ازینکه بعضی اوقات گذشتهٔ هزار ودوصد ساله پیش ازین همهٔ عمر خودرا بگریه ونوحه بسر آوردیم بهتر آنست که برحال موجودهٔ فلاکت آلودهٔ مصیبت آلودهٔ اندیشهٔ حال واستقبال خود گریه کنیم . والحاصل چون وجود شخص مقدس عالم اسلامی ازامراض مزمنهٔ تفرقه وتشتت ، بی قوت وبی قدرت گردیده است چارهٔ یگانه ، و مداوات عاجلانهٔ آن رفع نمودن تفرقه وقایم ساختن اتحاد است .

آیا ازیک تار « سن » نام علف بیابانی چه امید خواهیم کرد که چه قدر قوت وتاچه درجه متانت را مالک خواهد بود ؛ آیا هیچ عقل احتمال خواهد داد که آن تار در حال انفراد خود یک طوب بزرگی که خروارها ثقلترا مالک باشد کشیده بتواند ؟ هیچ احتمال ندارد نی ؛ حالا یکبار همان تار « سن » را ازحال انفراد برآورده باسیاری ازتارهای دیگر همان علف تاب اتحاد بدهید ، ویک ریسمان محکم کلفتی ازان بوجود بیارید ، ببینید که چقدر طوبها چقدر ثقلهارا کشیده میتواند ! همچنین است حال افراد ، واتحادامت وملت که اگر منفرد باشند هیچکاری کرده نتوانند . اما همینکه متحدالفکر والمنفعه شوند قوت ومتانت فوق العادهٔ رامالک شده به استحصال واستکمال هر گونه اسباب رفاهیت ومعیشت مدنیه ، و وسایل ترقی وسعادت بشریه موفق وکامیاب آمده ازتجاوز اغیار محفوظ ومصون میمانند .

مسئلهٔ اتحاد امت ، اولا ازافراد هرملت جداجدا آغاز باید کرد — یعنی هرملت اسلامی درهرقطعه وهرخطهٔ که سکونت دارند اولا درمابین خود شان رشته های اتحاد ویگانگی را تاب بدهند . این راهم بگویم که مقصد ازاتحاد این نیست که وجود های خود را انسان مانند خمیر بکدهی سن بهم یک وجود بسازد ! چرا که اینچنین یک کار خلاف طبیعت درتصور نیگنجد . مقصد ازاتحاد ، متحدشدن فکرها وخیالهای ملت است دریک نقطه که اهمترین آن نقطه ها دروقت حاضر همانا نقطهٔ آزادیٔ ملیٔ آن ملت است ازاسارات اجنبیٔ غیردین وغیرملت . اگر وین اتحاد بتمام قوت وکمال متانت مستحکم گردد ، وملل اجنبیٔ غیردین وغیرملت ازین یک ایمن وخاطرجم شوند که درفلان مملکت همچنین یک اتحاد فکریه باستقلال وآزادی شان موجود است ، درانحال هیچگاه بخیال وخاطر خود درخواب هم تجاوز واستیلای آن ملت متحدالفکر را گذشتانده نمیتوانند . آیا اگر این اتحاد فکریهٔ ملیه درایران موجود میبود ، ودشمنان ازین یک بخوبی خاطر جمع نمیبودند که دران ملت بعضی چنان اشخاصی که تنخواه خوار وگرویدهٔ دام اسرار شان است موجود میباشد . آیا برین یک جرأت ورزیده میتوانستند که درحجره های قصر های پترسبورگ ولندن درپیش میزهای سیاسیٔ خود نقشه نقشه تقسیم آن ملک را بنام منطقهٔ نفوذ درخریطهٔ عالم بتوانند بکشند ؟ اگرچه درباب وطن مقدس ماهم بهمانسبب ها بهمین خیال ها افتاده بودند اما ملت افغان بخداوند عظیم الشان خود ملیونها ملیون شکران بیپایان اداءبکنند که مانندوجود مسعود اعلیحضرت (سراج الملة والدین) پادشاه بیدار مغز تیز هوش جسور وغیوری به آنها احسان شده است که بتدبیرشاهانه ورأی رزین فرزانهٔ نفس نفیس خویش ملت ووطن را ازان تهلکهٔ عظیمه وارهانید .

عنان سخن را بازازدست دادیم ، لهذا باز برسرمقصد خود رجعت کرده میگویم که این یک عقلاً وحکمتاً ثابت شده است که اتحادواتفاق افکار و آمال ملت ، شیرازهٔ کتاب آزادی واستقلال ، وترقی واجلال آن ملت است ، وتفرقه ونفاق که ازتشتت واختلاف مقاصدومنافع ملت بظهور آید — یعنی هرکس بدیگرمقصد ودیگرمنفعت خدمت کند باعث اضمحلال حقوق واندراس شرف ملیٔ آن ملت خواهد گردید . ملیونها ملیون نفوس ماوراء النهروهندستان که درپنجهٔ آهنین اسارت مضمحل شده اند ، سبب یگانهٔ آنرا چون درتاریخ تدقیق کنید بجزهمین تشتت مقاصد واختلاف منافع دردیگر چیزی نخواهید یافت .

حضرت حق علیم درقرآن حکیم امت مرحومهٔ محمدیه (ص) را خطاباً میفرماید : — « ولا تکونوا کالذین تفرقوا واختلفوا من بعد ماجاءهم البینات واولٰئک لهم عذاب مبین . » — شمانباشید مانند آنهائی که ازهم جداشدند ، وباهم اختلاف کردند ، بعد ازانکه برای شان آمد وجود براهین قاطعه وبینات ساطعه ، وآنهاست که برای شان عذابهای معلومدار مقرر است — این آیهٔ کریمه یک امرونهیهٔ مؤکدیست که برای همهٔ مسلمانان روی زمین شهراه مستقیم هدایت وسعادت شمرده میشود ایضاًبانگ بلند میگویم که درچنین عصروزمان که دشمنان دین اسلام در هرطرف — یعنی درترکستان وماوراءالنهر وقفقاز وهندوسند وبلوچستان ومصرومراکو ودیگر بلادافریقا ملیونها نفوس اسلامی را درزیر شکنجه های اسارت آورده ودرباره ایران ووطن عزیز مقدس ما افغانستان ، ومقام خلافت عظمای اسلامیان یعنی نقشه های استقلال براندازانه ، وافکاراسارت پرورانه کشیده بودند ، وبمحو واضمحلال همه حکومتهای اسلامی کمربسته بودند . ودمی نمانده بود که این افکار فاسده ، ونوایای غدارانهٔ خودرا ازقوه بفعل هم بیاورند . اما ازانجا که ذات اقدس ارحم الراحمین جل وعلا وعده فرموده اند که : — « انا نحن نزلنا الذکر وانا له لحافظون » — یعنی ذات اقدس باریتعالی جل وعلاست که کتاب قدیم وفرقان حکیم واحکام دین قویم را نازل فرموده وذات اقدس اوسبحانه است که حافظ ونگهبان آنست . — بنابرین وعدهٔ صادقهٔ ذات اقدس خلاق مطلق بود که برگزیده کان محوساختن آن کتاب مستطاب دریتوقت هزاران ابواب عذاب را بازنمود ، وملکهای انتقام را ازهرکراو وبرآنها مسلط ساخت که نزدیک است که انشاءالله بنیاد شانرا ازعالم هستی بردارند . معهذا دریتوقت وفرصت برهمهٔ مسلمانان روی زمین ضروراست که اختلافات وتفرقه را ازمیان برداشته بنیادها ونهادهای بنیان اتحاد واتفاق را درمابین خود شان قایم ودایم دارند . وبرخود رحم آرند تاخداهم برآنها رحم فرماید . والسلام علی من اتبع الهدا .

حوادث داخلیه

تشریف فرمائیٔ موکب اعلیحضرت همایونی از پغمان

دارالسلطنه

از فضل وکرم نامتناهیٔ باریتعالی جل وعلا مرض عارضهٔ مدهشهٔ وبا که برشهر واطراف آن مستولی شده بود ازیکماه به اینطرف سراسر

دفع گردیده است . حقیقتاً که بسبب این جاری شهر عزیزما را یک کابوس غم وپریشانی ویک اندوه وسرگردانی بقساوتی فرا گرفته بود . هیچکس از زندگانی خود برای فردا امیدواری نداشت . عادتاً یک میدان محاربه ! زیرا کسانیکه درصف حرب موجود باشند بسبب تگرگ ریزی گلوله های تفنگ وشرپنل لحظهٔ امیدوار زندگانی خود نمیتوانند بود . حال الغرض مدهشهٔ وبا نیز همچنین بود . اگرچه ازسهام قضای آجال درهیچوقت وهیچ لحظه رهائی باتفاق امکان ندارد . ولی وهم وهراس واندیشهٔ که در وقت این بلای مبرم بردلها مستولی میشود بدیگر وقت مشابهت ندارد . انسان درخانهٔ نشیمنگاه خود دراثنائی که بیک حال بیغمی نشسته باشد . دفعةً از اطراف خانه های همسایه های خود یک گریه وواویلائی بگوشش رمیخورد . دلها حواسها را یک غم و اندوه ویک ترس وبیم پرستوه ابتلا مینماید ! هنوز ازان اندیشه فارغ نشده که خبر کدورت اثروفات یااصابت یک دوست و آشنا . ویایک خویش واقربا مانند صاعقه گوشزد میگردد . اضطراب براضطراب می افزاید . دربعضی خانها که این بلای خانه ویران داخل شده یک قتل عامی اجرا کرده . که نه کسرا مانده ونه همه را . وخانه سراسر بسته شده کلید خانه اش تحویل کلانترشده است . درمحاربه ها چون انسان درزیر باران گلوله ها میدر امیدهای حیات بخشای مدافعهٔ دین ودولت . ومحافظهٔ شرافت وطن وناموس ملت . وآرزوهای منتظرت اتمای ظفر وغلبه بردشمن . یادهای دادن خاک پاک مقدس وطن انسانرا قوت . جسارت . غیرت وتهور می بخشد . حالانکه در شهرهائی که این بلای خانمانسوز وبا حکمفرما باشد ازینگونه امیدها هیچ چیزی بمیدان نبوده قوت وجسارت محو میگردد . دلشکسته . دست وپابسته هردم وهر لحظه منتظر موت می نشینند !

یک کدورت ویأس وحسرت دیگری که بسبب الغرض مدهشه شهر عزیزما را فرا گرفته بود . همانا خالی ماندن شهر بود از وجود معدلت آمود ذات مراحم صفات پادشاه دادپاش و دین اعلیحضرت (سراج الملة والدین) ادام الله دولته الی یوم الدین . شهر مانند یک جسدی بود که بیجان مانده باشد . هر صبحدم که اهالی باصداقت توأم از خواب بر میجهند نخستین چیزی که جلب نظر دقت شانرا میکند . ومزرعهٔ دلهای شانرا آبیاری . ودیده های افتخار شانرا رونق افزائی مینماید همانا مشاهدهٔ علم سعادت رقم سردروازهٔ ارک مبارک است که علامهٔ تشریف داشتن ذات اعلیحضرت پادشاه معالی پایگاه مارا در دارالسلطنه اشعار مینماید . این است که ازمدت سه ماه بود که بسبب تشریف داشتن موکب اعلیحضرت همایونی درمقام (پغمان) نظارهٔ تموجات آن رایات سعادت آیات از نظرهای صداقت کاران پنهان مانده بود .

خداوند عظیم الشأن را هزاران هزار شکران بیپایان که درپومشنبه ٢٦ ماه مبارك ذی الحجه آن رایات باسعادت بتموجات پرلطافت سراسر بشارت خود تشریف فرمائی موکب فرخندگی موهب ذات اعلیحضرت پادشاهی را بر همگنان اعلان نمود .

بلی . ذات شوکتسمات اعلیحضرت پادشاهی بصبحهٔ روز مذکور بسواری عرابهٔ موتر باشهزادگان عظام ومصاحبان خاص وفخری معیت شاهانه درجن حضوری تشریف سعادت ردیف همایونی ارزانی فرمودند . بعضی ذوات گرامی از منصبداران ملکی ونظامی که بنا رامر وارشاد ذات عالی جناب مستطاب نائب السلطنه صاحب المعظم ـ که قبل از یکهفته دارالسلطنه تشریف آورده بودند ـ بلباس عروسی درجن حضوری بشرف باریابی وسلام اعلیحضرت ملوکانه حاضر بودند . به ١٠ کشتان دستبوسی مبارك نایل آمدند .

ذات معالی صفات علیاحضرت سراج الخواتین قبل ازیک روز تشریف آوری ذات ملکوتی صفات همایونی بسواری موتر خاص مکرمهٔ شان تشریف فرمای دارالسلطنه شده بودند . شهزادگان عظ معین السلطنه ومعین الدوله بمعیت ذات شوکتسمات اعلیحضرت همرکاب بودند

(سراج الاخبار افغانیه) شکر نعمت دفع شدن بیماری . ودوام بقای دولت قویشوکت ذات اعلیحضرت همایونی را دفع بار کبریا مینماید

مقالهٔ مخصوصه

(مکتوب از هرات)

خدمت باشرافت جناب نجابت انتساب اعلی مهتر ترقی مائلهٔ افغان مدیر روشن ضمیر جریدهٔ مبارکه سراج الاخبار افغانیه را جا کرده رسانیده عرض میداریم ـ که بعد ازدنیا کوفی ازدیاد عمر پادشاه ذیجاه عرفان پرورخود ها خواستیم که بواسطهٔ جریدهٔ فریدهٔ خودها بعضی نکات دلپذیر که مبنی برترقی ملت ودولت مایان بوده وازمطا کتب تاریخ وروزنامهٔ مبارکه ونظر تجربه بعقل قاصر این ترقی خواه ملت اسلام رسیده گوش زدمکتبیان وهموطنان عزیزخودنمائیم ـ تاجوا وطن عزیز مایان ازفایدهٔ روزنامهٔ ملی خود بهتر ازپیشتر واقف گر واز پرورش های آن جناب ادیب فاضل که دربارهٔ اهل عرفان دا اطلاع یافته بدانند که هرکه درباب خیر وبهبودی ملت ودولت خودها نماید زحمت آنها نیز مثل ما درنظر مقبول لطف آنجناب افتاده وبلکه شان بموجب آن جریدهٔ فریده درروی کرهٔ زمین بحروف اشتهار یافته ملت اسلام زبان تحسین دربارهٔ آنها گشاده ومابین همگنان سرافراز خواه بود ـ فلهذا بنابموجب خیالات ترقی خواهی دولت وملت عزیزخو درمقام زبان درازی رامده وهموطنان عزیز خود هارا مخاطب جسارت میورزیم ـ که مدت چهارسال است که چند روزی مملکت افغان اعنی اعلیحضرت پادشاه ترقیخواه معظم ماشرف یک روزن مبارکه را قریب بلقب مبارك باسم سراج الاخبار بانجهت ترقی وآ ماملت سنیهٔ اسلامیه امر واجازه داده والحق آن جریدهٔ فریدهٔ چر است که باشعاع الکتریک تمدن سرتاسر دولت قوی شوکت افغانستا روشن نموده ومدیر ادیب نجیبا ـ نهایت سعی وکوشش قلمی را بدا ماملت مبذول داشته وازمضامین آن روزنامهٔ مبارکه خوب مدلل گر که در ابتدا دولتهای اوروپا چقدر مردمان ذلیل ووحشی بود وحال تاچه اندازه ترقی نموده که کوس عظمت شان گوش کرهٔ ارض کر کرده ودست صنعت شان فضای هوا را برفتار آورده وذیل شان سحاب را دریده وپای ثروت شان آبهای دریا را بجنبش انداخته البحرهای شان زمین دریا را مسخر نموده ـ سحاب را ابی مقاومت مانده وماهیان آب ازدست تعدی تمدن شان آنها خلاصی یافته وه بیچاره دقیقهٔ بی تزلزل بوده چه ظرها که دربارهٔ همجنسان خود نمیتوا دولتهای اسلامیه را که باسم تمدن تعدی تمای خود ازدست ماملت

نکشیدند چنانچه از مرور روزی وتنگی زیاد شد که ذات اقدس با وجهت خودها قبل گردیده خود را اخذای دنیا و دریا خطاب نمودند ـ پس حالا هر کاه از هموطنان عزیز خود سوال نمایم که آیا این دبدبه و عظمت را بکدام قوه این اشخاص پیدا نموده خود را متمدن و ما مردم اسلام را وحشی معرفی مینمایند البته بی تأمل جمیعاً همین جواب را خواهید داد که قوه ـ اتحاد و اتفاق ـ جنابش فرد اعظم مخلوقات و خلاصهٔ موجودات پیغمبر برحق معبود اعلی (احمد محمود) صلی الله علیه و علی آله وسلم جهت ما امت بی‌ودیعت گذاشته و بزبان معجز بیان فرموده‌اند که المؤمنین اخوة وما را باخوت و برادری همه یکر امر نموده لاکن بنا بخواب غفلت آن سرمایه سعادت ملی ما را دزدان اوروپا از دست برده و ما را غافلات افاده آنها را عیان بلوچ قوت وشوکت رسانیده‌اند زیرا که غیر این فقره جواب دیگری نخواهید داشت بلکه خودها آنها همرا باعث ترقی و سعادت خودها همین تریاق فاروق را دانسته و میدانند ـ پس حال که سعی و کوشش پادشاه ذیجاه ترقی خواه ما این درجه با آرزو از قلمهای آهنین مدبر روشن ضمیر و معاونین جریدهٔ فریده ملی خودها از خواب بیدار شده ایم لازم است که سعی و کوشش و تردد نموده آن جوهر مقصود را که آن متمدن ها قدر و قیمت آنرا ندانسته و در نیوقت حکم (کل شیء یرجع الی اصله) بطریقه سابق خودها یعنی بی‌اتفاق و خون‌ریزی توده توده نموده وان تابوت سکینه را گذاشته اند مثل قافله اقبال وادبی بدست آورده و خود را بمنزل مقصود برسانیم حال هرگاه جواباً شوید که آن [illegible] کی ما را درست

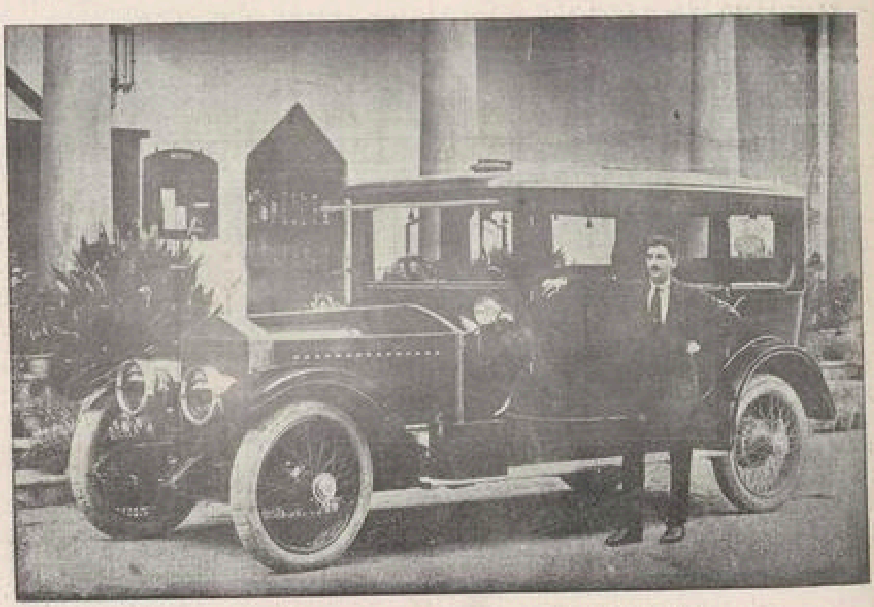

عراده موتری که مخصوص سواری ذات معالی صفات علیا حضرت سراج الخواتین
صاحبه معظمه میباشد ، و بهترین موترهای موجودهٔ دارالسلطنه شمرده میشود
قوت از ۴۰ الی ۵۰ اسپ
رفتار درساعت ۶۰ میل

و مرده ما را زنده ما را از وادی ظلمت بشاه راه هدایت میرساند کدام جرأت که این اسم باسمی را بخود بسته است بجواب خواهیم گفت که کلمهٔ طیبه (اتفاق و اتحاد) ای هموطنان عزیز و ای علما و بزرگان ملت و ای برادران جوان رشید افغان حال وقت وزمان تغافل گذشته وچشم امید از همسایه و بیگانه برای ملاق نمانده ، موجهای خون اطراف ما را فرا گرفته پادشاه رؤف مهربان اعلیحضرت ملت و وطن دوست ما را خطاب فرزند نموده و ما رعایای صادقه خود را از ملکی و نظامی وطن سلطنت و دولت شریک نموده و آزادی شریعت غرا که آزادی ما ملت میباشد حسب الاحکام حضرت آلهی وحدیث حضرت نبوی صلی الله علیه و علی آله وسلم بما عطا نموده و ما را از قید اجانب رها داده چنانچه در دربار مهمات زمانی که تشریف آورده بودند بزبان مبارک فرمودند ، که من هم از جمله شبابک نو ملی محسوب بوده و تمام اهم شریک و فرزند خود میدانم و همیشه ترقی شما ملت را مد نظر کیمیا اثر گرفته‌ام چونکه دولت را از شما و خود را جزو شما میدانم از خداوند مسئلت دارم که شما اتفاق بدهد که بسعی و کوشش دولت شکستگیهای خود را درست نماید زیرا که دولت و ملت لازم و ملزوم‌اند ملت بیدولت دولت بی‌ملت ترقی نمیکنند و بنا بتمثیل دو کف مبارک را بهم زده گفتند زمانی که دو دست بهم خورده صدا بلند میشود و یک دست صدا ندارد ولا این گفتار دربار که هزار ها جان شیرین فدای آن باد غیر از امر اتفاق و عطای آزادی ما ملت کدام چیز را در بر داشت و باز فرمودند که من این مراتب

محض ملاقات شما فرزندان خود زحمت سواری اسپ وگرد راه ومشاقه کردا بناچیز سرمشق دادن شما بوجود گزینه واراده گردش مملکت را نمودم انشاء الله مراتب ثانی غیرسواری اسپ ملاقات شمارا خواهم نموده ازین بیان همایونی معلوم است که آن پدر مهربان تاچه درجه ترقی ملت را بوجود دیخود خود روادار شوند — و حالا بر ما وشما لازم است که سر ومال وجان خودرا فدای پادشاه خود نموده ودست (بحبل المتین) اتفاق زده هم چشمی وحسد ورقابت وزیروزبری وعیاشی ودشمنی ودزدی وقماربازی وافعال ردیه را که خدا ورسول صلی الله علیه وسلم ازان نهی نموده از خود دور داشته اولاً خدمت حکام بزرگ وکلان افسران ملت نجیب خودها عرض میداریم که چون اعلیحضرت همایون زمام کاروبارهای صادقه ملکی ونظامی خودرا درهر علاقه واطراف بحول شما نموده وشمارا در عدالت وآزادی مقرب کرده واز همه ملت شمارا برتری داده وبموجب عهدنامه ها شمارا امین وذکیمان بوده خود مقرر نموده باید قدر این نعمت عظما بیشتر ازپیشتر دانسته و کمر اتفاق را همچنین که حال بمیان خودها بسته دارید محکم تر بسته نمائید زیرا که اتفاق شما حکام وبزرگان وکلان افسران رشید که بعد — از اعلیحضرت همایون منزله پدری را برما رعایای ملکی ونظامی تعلقه خودداریده و امروز جمیع ملت باتفاق شما چشم امید داشته و آبادی وطن خودرا از شما خواهان بوده اتفاق شما باعث اتفاق ملت گردیده — وملت هم از (حسد) و (رقابت) و (قماربازی) وافعال شنیعه دست بردار شده وباتفاق شما دست تعدی ظلم کوتاه گردیده وتجارت وارباب صنعت زیاد گردیده و زراعت ترقی کرده بفقره اتفاق شما احکام شریعت اجرا یافته وبقوه اتفاق شما سرحد وثغور محکم شده وباتفاق شما مدارس ورواج پیدا کرده وباتحاد شما عار اعدا بسته شوند وباتفاق شما اعتدا کردیده دشمن خود را دشمن ودوست را دوست داشته وباتفاق شما صاحب پادشاه ووطن درکانون سینه‌ها جا گرفته وبرکت اتفاق شما خاطرها درراه دوستی پادشاه اسلام ووطن عزیز فدا شده وباتفاق می توانید ازخاین باز خواست نموده وبمصداق الاتفاق نمائید خلاصه آنچه ترقی دولت وملت بعد ازوجود اعلیحضرت همایونی و خانه دان عظیم الشان شاهی بسته بوجود شما بزرگان سلطنت ودولت میباشد چنانچه از روی تاریخ خوب استنباط می شود که هر دولتی که حکام ملکی ونظامی آن اتفاق داشته آن دولت بترقی وتمدن مانی کمابین این دوقوه آتش نفاق افتاده اولاً بی اتفاقی آنها بمتعلقات شان سرایت کرده واز آنها بدوستان شان اثر نموده کم کم دامن بمتعلقات لگدار شده این فقره باعث جری شدن اشخاص فتنه انگیز گردیده وهر کدام یک چیز را بخود دسته وبشاق دزدی وحرامزاده گی را آغاز داشته وبدربارها هم یکسته بعدادست دیگر شان معاونت را گذاشته وخورده خورده بواسطه بی نفاق خواست ملت ناامید گردیده ودر شوق زورزه دشمنان سلطنت هم که چنین روز و زوال را خداخواهند دست وپ گرده آهسته آهسته باشاره وایما ودلایل های جیل گناه را بوجو سلطنت ثابت کرده وملت را از پادشاه دو گردان ساخته وچون بی اتفاقی بدربار سلطنتی نیز سرایت کرده وهر دار کان هوا خواه یکطرف شده شخ سلطان نیز از حقیقت بی‌خبرمانده وعاقبت همین کوانقباعت انقراض سلط بیکخاندان دیگر گردیده وهرج ومرج مابین ملت پیدا شده وملت خرچ وبان حکم خاربرقرار رسیده باقبت دست ندامت ونیشمانی سودی ندا بلکه کتابها درین مقولات تصنیف شده که هر که مثالها ودلایل تحریر شود باعث تطویل مراسله ما خواهد گردید الحمدلله که از کوش اعلیحضرت همایونی ونشر روزنامه مبارکه افغانیه ومضامین این جر فریده که مبنی بر همین فقرات عبرت آمیز بوده شما حکام وکلان افسر وبزرگان ملت استفاده های نموده ومثل برادران صلی درهر الیت دوا محروسه افغانیه باهم اتفاق نموده وترقی ملت را وجهه گرفته اید در این لازمات تجدید کوئی ازدیاد عزت وترقی واتفاقتا ختم کلام خودرا نموده وازان لطائی خوده محافظ ساحت ملکوت اعلیحضرت پدرمهربان افغان شمارا فرزند خط نموده ومداء الوقت و ملت و عیدین بعیدین قرار بدری در ملاحوبش اس شما برآمده و بوجه وشوکت شما افزوده و دارید وهم مقرر وشما غلامان صادقه خود بنشان های صداقت افراز فرموده وشیوه واتفاق راه احکامت درجات رسانها تعلیم والفاظیکه بوی نفاق ازد کر آن مشام میرسید ازمابین بعداوت موقوف داشته چنانچه در زمان های سابق مابین ما اهالی افغان تردید بود که اشخاص نوکر همدیگر را بلفظ نظامی خطاب واشخاص غیرنوکر را رعیتی گفته این لفظ نظامی ورعیتی اهالی را به دوشعبه جلوه داده صنف نظام بخیال مردمان خارج دولت مثل کالبتدار حمله رعیت مدرج خواهد بود اعلیحضرت همایونی و پد ما محض باتفاق ملت نجیب افغان این کلمه را موقوف داشته امر بر اشخاص نوکر بلفظ عاملی نظامی وغیرنوکر بلفظ عاملی ملکی نامحکی به تحت لفظ عیتی ذکر ورد شده لفظ وطاعه کفته حال تصور نمائید که اعلیحضرت همایونی تاچه اندازه اتفاق خواهان بوده الفاظیکه بوی نفاق ازلفظ آن ظاهر بشد موقوف ومارا باتفاق برادران و برادران ملکی مابین خوانده برما وشما و اسلام و ولازم است که اعلیحضرت همایونی و پدررؤف خودرا اطاعت حضرت الی اولی الامر خودها دانسته بعد از اطاعت افسران و وازان بزرگان خورد خودرا که ازطرف پادشاه عادل بکمال افسری وم

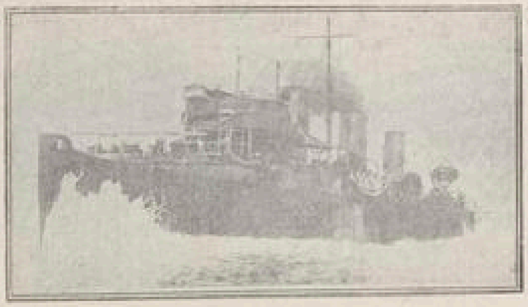

کارستان های نو ایمرها

(درهتس بکروب) الوی‌بوس جنگی انگلیز که در بحر شمال بعرب تارپیدوی تحت البحر المان غرق شد

مقرر می شود برخود واجب دانسته و قرار قانون نظام نایك وحوالهدار خویش را در زمان حکم واجب الاطاعه بدانیم زیرا که هرگاه خدا نخواسته اطاعت نایك وحواله دار را نکردیم گویا اطاعت حکم صوبه دار و کپتان را بجا نیاوردیم و اطاعت نکردن آنها باعث بد اطاعت نکردن حکم کپیدان و کرنیل شده و نا اطاعتی حکم کلان افسر گفته شده واز این فقره اطاعت حکم پادشاهی که اولو الامر است بجا آورده نشده شخص باغی مطعون میشویم خداوند پادشاهان اسلام را از این لقب نگهدارد چرا که اشخاص باغی و صاحبان این لقب قرار حکم الله تعالی و حدیث شریف جای شان در دنیا خاری و در عقبی ویل خواهد بود والله که شخص باغی روی جنت را نخواهد دید خداوند بالا بحرمت سید رسول اکرم صلی الله علیه وعلی آله وسلم ما غلامان نظامی را توفیق بدهد که همچنین که حال قلاده اطاعت منصبداران خود را بگردن داریم مداماً بگردن داشته و سرهای عزیز را قرار حکم و قول آماده فدای وطن عزیز خود نمائیم و کلان افسران ما را هم خدا هدایت کند که ما را براه راست حب دین و وطن و بغض دشمن خاك پاك دولت مان ارشاد کند —

و ثانیاً بحضرات مذکور و عسکر واجب است که پدران و برادران ملکی خود را هر صنف وطایفه که باشند بمنزله پدر و برادر خود دانسته مال وناموس شان را بر خود حرام قرار داده و حفاظت آنها را حسب الامر پادشاه مهربان خودها برخود فرض عین دانسته و بدانیم —

زیرا که همین پدران عزیز وطن است که شبها بیدار خوابی کشیده واز ریشه جان ما شیر داده و ما و شما را پرورش کرده بکمال رسانیده که حال در راه وطن خود خدمت نموده زیر بار یراق واسلحه ملی خود رفته ایم —

و همین پدران مهربان است که شب و روز زحمتها کشیده و سختیها را برخودها دیده در روز های تابستان گرم وشب های زمستان سرد به آهن دست و پوطن عزیز ما را زراعت و فلاحت کرده و صنعت وتجارت کرده از حاصل رنج دست و شانه و عرق جبین خودها حصه ما وشما را از نقد و جنس به کابلها و خزانه های پادشاهی محض آسوده حالی ما و شما اولادان عزیز ذخیره نموده و می نمایند که برای ما نهایت تعارف و رضا حصول ما و شما رسیده و میرسد تا ما آسوده حال بوده متوجه سرحد داری خودها گردیده ولایت عزیز خود را از هجوم بیگانه بجان عزیز حفاظت نمائیم آسوده حال بوده ودعا گوئی اعلیحضرت همایونی را که سرافسر کل اردو های دولت ما ست کرده و امر عسکری خودها مشغول بوده ملت و وطن عزیز ما را آباد و ما را آسوده نگاه دارند و باید ما و شما در عالی نظامی هیچ زمان معاونت های که در ایام های مقدمه های سابق پدران ملکی ما همرا ما نموده و شانه بشانه همراهان دشمنان دولت ما جنگیده ما فراموش نکنیم همین ملت است که مثل ما فرزندان را پرورش داده و می دهد که امروز در راه وطن عزیز ما زیر بار قدم می رود و عیالهای همین ملت بوده که در روزهای مقدمه برادران نظامی و شهدای سابقه ما در میدان جنگ نان و آب می داد والله جهة هیچ ملت و دولتی این درجه ورتبه حاصل نشده که رعایای ملکی و نظامی شان یك ملت و یك طریقه واز یك خاك و یك خون باشند این وطن عزیز ما و شما است که همگی یك طایفه و یك ملت و یك طریقه گفته شده یك نام خطاب میشویم باید قدر این نعمت عظمی را دانسته بپاداش این نعمت شکرانه حضرت الهی را بجا آورده از افعال شنیعه مثل زناکاری وچرس وقمار ودزدی ومردم آزاری وغیره که طریقه نفاق است همچنین که حال اجتناب داریم بیشتر اجتناب نموده و دست اتحاد برادران خود داده شب و روز بکار قواعد و نظام داری خودها که قانون جهاد گفته می شود بهتر از بیشتر شاغل بوده و خود را مجاهد دانسته رضاجوئی حضرت الهی را در رضاجوئی پادشاه مهربان وشهزاده گان عظام وافسران وصاحب منصبان خود دانسته جان عزیز را فدای وطن محبوب خود در رکاب پدر مهربان خود نموده و در این جا لازم است که بعد دعا ختم کلام خود را نموده —

و پدران و برادران ملکی را مواجهه قرار داده عرض نمایم که ای پدران و برادران عزیز فرزندان عزیز نظامی شما قرار امر اعلیحضرت همایونی منافع اتفاق را دانسته وقدر شما را می دانند شما هم باید قدر آنها را دانسته بکمال آرامی و آسوده حالی تلاش کرده بقوهٔ اتفاق اعانه ها جمع آوری کرده و مکتبها بقوه مجلس مبارك معارف ملی که مثل شهزاده آزاده بلند اقبال معین السلطنه صاحب معارف خصال حامی آن میباشد راه انداخته واز آن ماشین خانه های آدم سازی جوانان قابل برسانید و بقوهٔ اتحاد راه ها و سرك های وطن عزیز خود را شوسه وآباد نموده و باآن راه ها ماشین های زراعت وفلاحت وصناعت وتجارت را از خارج بداخل حمل نموده و دولت جوان خود را رشك خلد برین نمائید —

زیرا که دولتی که صنعت واسباب مذکور را نداشته قوه ندارد امروز که کوس دولت مظفر المان گوش ها را کر نموده و بمقابل دولتهای معظم روس وانگلیس وفرانس و ایطالی و ژاپون وغیره تاب مقاومت آورده وکار را از پیش برده همه بقوهٔ راه های آهن وسیم های تلگراف وکار خانه های متعدد بوده در زمانهٔ حال هیچ دولت بدون صناعت و اسباب طی الارض یعنی ریل و سرك های آهن که بقوهٔ آن اردو های معظم را از یك سمت بدیگر سمت حرکت می دهد محکم و آباد نخواهد شد زمانهٔ سابق گذشت در آنوقت هرگاه ریل و سرك و ماشین نداشتیم همسایه های ما هم باین قوه نبودند امروز چهار اطراف دولت ما را سرك های آهن اجانب احاطه نموده و هزار و سه صد وسی و سه سال قبل از این جناب پیغمبر و پیشوای اهل اسلام اعنی حضرت (محمد مصطفی) صلی الله علیه وآله وسلم مدافع این روز را بامتان نجیب وپیروان دین حنیف اسلام نشان داده و حفر خندق را در آنزمان بتدبیر مبارك خویش وخلفاء واصحاب راشدین صلوات الله علیهم اجمعین الی یوم الدین جهة نگهبانی مسلمانان مدینهٔ طیبه و در آنوقت حفر خندق را مدافع بکار دانسته و بما مسلمانان امت نجیب خود سرمشق قرار دادند که بجهت مدافع دشمنان و وطن عزیز خودها هریك اتحاد واتفاق کرده دار السلطنه های خودها را که تحت هر سلطنت اسلامی باشد بعنوان عنوان تدابیر محافظه نمایند تا کسی از خود و بیگانه دست تقلب بولایت شان دراز نکند پس ما مردمان دولت سنیه افغانیه که ماتحت پادشاه مهربان اسلامی خود میباشیم و در حقیقت از روی حیثیت مذهبی و هم جنسی وهم وطنی حکم یك وجود و وطن عزیز ما بواسطه پیوسته گی حکم یك مدینه را دارد لازم است که پیروی به پیشوا ومقتدای خود ها نموده ودست اتحاد واتفاق بهم داده بیلها و کلنگها را بدوش خودها گرفته وبهزارها شوق وشعف بروشنی تدبیر چراغ ملت و دین خودها اعلیحضرت مهربان و پادشاه ترقی خواه وطن عزیز خود بواسطهٔ جلب آبادی وطن و مدافع دشمن در (وطن) عزیز خودها سرکهای پخته وریلها وغیره وغیره درست نموده و اعانهها جمع آوری کرده و بآن وجه بهمدستی پادشاه رئوف خود که ترقی ما را خواهان است و ماشینها وریلها وکارخانهها بولایت عزیز

خود آورده و مکتب‌های حربی وصنایعی بکرد نموده وخودرا ازاحتیاج اجانب رهاداده، وطن عزیز خودرا بواسطهٔ خطوط راه آهن بهم وصل نمائیم تادروقت ضرورت به آسانی وزودی بهمدیگر رسیده در غم وشادی هم دیگر شراکت داشته باشیم والله همچنین که درابتدای اسلام حفر خندق برای حفاظت مسلمانان مدینهٔ طیبه لازم بود امروز خطوط سرک‌ها وسیم ها استحکامات وماشین‌ها جهة حفاظت ماوشما لازم است زیرا که در آن زمان مثل یگانه محافظ اهل اسلام اعنی سرور وسردار انبیا (محمد مصطفی) صلی الله تعالی علیه وعلی آله وسلم وجود مبارک که هزارها جان فدای اسم مبارکشان باد حاضر ونگهبان حاضر بوده حاجت بحفر خندق نبود مگر آن کار درحقیقت سرمشق بوده وجهت ما اهل اسلام دستورالعمل گذاشتند تا بهرزمان وبهر عنوان که مدافع دشمنان وطن عزیز خود را بدانیم همان قسم اقدام نمائیم امروز ازروی فن سیاسی عسکری هردولت بستهٔ خطوط راه آهن وسرک ماشین وتاربرقهاست ، هردولتی که صنعت داشته باشد قوت دارد بواسطهٔ که امروز چهار طرف وطن عزیز مان را خطوط راه آهن حلقه کرده ماهم باید این قوهٔ فی‌الارض را دارا باشیم تایک ساعت هزارها نفر حاضر شده جانهای عزیزرا فدای وطن نمائیم قوهٔ مذکور می‌توانیم درسال های گرانی غله وخوراک یک شهر را بدیگر شهر خود رسانیده ازهم وطنان خود دفع جوع را نموده وبقوهٔ مزبور می‌توانیم بیک ساعت افواج مجاهدین را ازیک سرحد بدیگر سرحد حرکت بدهیم وبقوه آن می‌توانیم تجارت خودرا رواج داده وازفایدهٔ آن ملت ودولت فایده ها رسانیده وخزانهٔ دولت مایان وجه کرایه ومحصول آن مملو شده وطن عزیز آباد شود هرگاه تمامی فایده‌های آن را تحریر داریم باعث تطویل مباحثه خواهد گردید هرکس خواهش دارد که فی الجمله از فایدهٔ آن اطلاع حاصل نماید بدو روپیه کتاب جدید الاختراع مطبعهٔ مبارکهٔ (عنایت) یعنی سیاحت هشتاد روز کرهٔ ارض را که نظر مشکین رقم یگانه معلم ترقی ملت افغان جناب مدیر روشن ضمیر سراج الاخبار محض دانش مامردم بفواید مرکب‌های آهن بقسم رومان بسعی وکوشش شهزادهٔ ازادهٔ جوان بخت عرفان روز باتمام رسیده خریداری نموده ملاحظه نماید که یک شخص بچه آسوده حالی بقوه راه آهن وآگبوت ها به هشتاد روز دور تادور کرهٔ ارض را گردش وسیاحت نموده وفایدهٔ هنگفتی بواسطهٔ شرط برده وهمان کتاب جمیع فواید را نشان داده بلکه در حقیقت معلوم گردیده درضرر نبودن راه آهن شکست دولت معظم روس وفتح دولت کوچک ژاپون مثال است زیرا که جمیع شکست های روس بواسطهٔ نداشتن راه درستی بلاد حد ژاپون بوده .

بنا بران عرض میداریم که دولت مرفهه کوشش خودرا نموده حتی‌المقدور اسباب ترقی را مثل سرکهای شوسه و ریلهای سراجیه ومکتبهای متعدده وماشین خانه‌های حربی وغیره دروطن عزیز ایجاد نموده امروز زمان کوشش ملت است هرگاه ماوشما اتحاد واتفاق نموده روز یک پیسه ازاخراجات خودهاپس کشیده بیک قطی علیحده ذخیره کنیم ماهی یک قران وسال دوازده قران شده . الحمدلله بیست ملیون نفوس میباشیم ازقرار نفوس مبلغ بیست وچهار ملیون قران میشود باین روز یک پیسه بی‌انداز بقوهٔ اتفاق بیکسال اینقدر وجه کلی بدست آورده میتوانیم که بطریق (اعانه) بحضور پدرمقدس مهربان خود که درحقیقت چراغ ملت ودین است تقدیم نموده خواست دارشویم که همین وجه را باشخاص فقیر دولت مایان بطریق اجوره داده وآنهارا وادار نماید که سرک ها وخطوط راه آهن وسیم تلگراف دولت مایان را درست کرده وبدوساله اعانه انشاءالله هم وطن عزیز مان آباد وهم فقراء آسوده حال گردیده تن پروری و گدائی از برادران فقیر مایان دور شده وبقوهٔ اعانه می‌توانیم هزارها مدرسه دایر نموده واولاد های یتیم وطن را بذریعهٔ جمع آوری کرده ودران ماشین خانه هـای آدم سازی انسان های کامل گردیده وفردا تکیه گاهای دولت شاه انها درست شده وبدوسال خواهیم دید همراه کاملا ازقیداجانب خلاص گردیده در تن مایان لباس وجنس ساخت دولت وملت خود مایان خواهد بود —

فلهذا چونکه داناشدن ملت بدانستن نکات ترقیشان بسته بمطالعهٔ اخبار میباشد بنابرین ازجملهٔ حکام وصاحب منصبان وغیره سر های کارات دولتی وارباب و آق سقالان وطن عزیز خود خواهش داریم که چون داناشدن ملت بخیرشان حسب الامر همایونی پادشاه روی مایان بعهدهٔ شما قرار گرفته —

بنا بخیر ملت هرگاه هر ارباب وملک را امر نمائید که هرساله مبلغ ۱۴ روپیه قیمت یکساله روزنامهٔ مبارکهٔ ملی خودرا بطریقه ای ک ازنزد رعایای ماتحتی خود که سالانه فقط یک پیسه و نیم پیسه میرسد جم آوری کرده وبآن مبلغ روزنامه زبان ملت خودرا خریداری نمو وماه دودفعه رعایای ماتحتی خودرا جمع آوری کرده و آن ها را از نصایح دل پذیر و نکات مدبرانهٔ آن جریدهٔ فریده واقف ودانا ساخت صاحب منصبان جهت افواج ماتحتی خود قرائت نموده جمیع ملت ر بااین شیوه از خبردار آنها وفواید حب پادشاه اسلام ووطن مقد عزیز شان واقف سازند انشاءالله بدوسال این ملت نجیب گوی سبقت از جمیع اهالی روی زمین برده و وطن عزیز مایان آبادی وعسکری ایش بخود جلب نموده وروزنامهٔ مبارکهٔ ملی مایان هم بتاشوق و شو ملت هفته وار وروزانه گردیده وهرقوم ملت را بقوهٔ آن شاه ر هدایت رسانیده بمطالعهٔ آن ازسخن های غیبت برادران دینی وبی اتفاقی خلاص شده حلقه های اتحاد واتفاق بهم وصل می‌گردد زیرا که مطالعهٔ اخبار بهرملتی روح تازه بخشیده وروزنامه و که علم تمدن را بروی کرهٔ زمین نشر داده ووحشی‌ها را آدم ساخته وروزنا است که حقانیت وزندگی ملت خودرا ثابت نموده واین روزنامه ا که صنایع قلمی ودستی ملت خودرا بعالمیان داده وروزنامه است که باتفاق چشم های ملت را بدیدن عکس های عزیز وجوانان رشید ش روشن ساخته چنانچه برکت مطالعهٔ جریدهٔ فریدهٔ ملی ماناست که ما ماز نادانان را تااین درجه وادانسته که منیات محسنه خودرا بملت نجیب خو خالی نموده وباشخاص خارجه دولت ثابت نمائیم که الحمدلله بسعی وکوش پادشاه موفق ترقی‌خواه ملت نجیبه سینهٔ افغانیه بیدار گردیده وشوق دوس پادشاه درکانون سینه‌ها جا گرفته ومثل زنبور عسل در چمنهای بستهٔ روح ملت اعنی اعلیحضرت امپراطور اعظم افغانستان وترکستان حضرت سراج الملة والدین) خلدالله ملکه وسلطنته بسته میباشد الحمدلله بسعی اعلیحضرت همایونی بی اتفاقی های ملت رفع گردیده وملت نجیب افغ سخن‌های نصایح ملی خودرا هرگاه اززبان شخص کوچک بی‌استعد باشد هم قبول نموده وهمین اهالی افغان است که درزمان های سابق بامح کالزراه حسد معاندین شان آنهارا وحشی خطاب می‌نمودند هزار نفر جان عزیز را بقوهٔ اتحاد و اتفاق بدون داشتن پادشاه فدای وط عزیز نموده ویک وجب وطن پاک خود هارا بهمسایه های اجنبی ن

را گذاشته باوجودی که در آن زمان از صد نفر یک نفر تفنگ داشته و آنهم فتیله‌گی بوده قوم شمشیر و چوب بدروی به پیشوا و مقتدای خود حضرت سرور و شفیع روز جزا محمد مصطفی صلی الله علیه و علی آله که در روز بدر اقدام جهاد کرده بودند نمودار اردوهای معظم مسلح دول انگلیس و روس را از وطن عزیز خود دمار انداختند و شجاعت و شرافت خود را گوشزد دول عالم کرده.

بر وطن دوستی ملت نجیب همین فقره کافی است که هرچند بعضی جوانان شیطان ظاهراً از برادران وطن خود مکدر شده بخارجه فرار کرده در آنجا بیکار وقت گذران نکرده و خود را زیاد زحمت گرفته همیشه خیال باعتقاد که صنایع خارجه را آموخته و در زمان فرصت بوطن اصلی خود مراجعت کرده برادران ملت را تعلیم نمایند و دیده شده که هرکدام که یک صنعت را از خارجه آموخته بودند خارجه را بخود عار دانسته فوراً از حضور انور همایونی استدعای رجعت را نموده و بوطن عزیز آمده از فواید خودها ملت را مستفیض نموده چنانچه از جمله اشخاص مذکور یکی جناب معارف آداب حضرت مدیر روشن ضمیر جریده فرخنده مبارک سراج الاخبار حضرت (محمود طرزی) میباشد که بقوه نجابت ذاتی و کمال معاداری که داشتند محض حاصل کردن تجربه و دریافت علم جدید سالها در خارجه مانده و بعد تکمیل حسب الامر همایونی بوطن عزیز مراجعت نموده که امروز بسعی و کوشش اعلیحضرت همایونی و قوه قلم خویش اتحاد و اتفاق را مابین ما ملت رواج داده و ما را ارشاد راه هدایت رسانیده و معارف پروری های اعلیحضرت همایونی را گوشزد ملیان نموده. الآن فها علم تمدن را علت و دولت ملیان نشر داده و ما ملت هم باید قدر این رادمرد نجیب و خدمتگذار دولت و ملت اسلامیه خود را دانسته شب و روز درحق پادشاه معارف پرور خود دعا گوئی داریم که مثل این مغز معارف آگاهی را مامور تعلیم ما ملت نموده اند و در سخاوت ملت نجیب افغان همین کافی است که مهمان را هدیه حضرت الهی دانسته اکثر اوقات مردمان ایلات سر مهمان که بخانه یکی بوده و دیگری به مناقشه و نزاع بوده و هرگاه شخص مهمان معاونت مالی و جانی خواسته مال و جان خود را از آن شخص دریغ نکرده چنانچه مابین ما مردم مثل است که یک زمانی یک نفر سلطانی بشکار خوک بدر شده یک خوک از شکار که گریخته در راه گذارشان خانه‌های مردم رشید افغان سر راه بوده خوک از ترس جان مابین خانه در آمده و از عقب آن سلطان و شکاریها رسیده شخص صاحب خانه و مردمان افغان حربه‌های خود را برداشته بمیدان ایستاده شده جهة سلطان بیان نمودند که این خوک مابین خانه های ما آمده و پناه بما آورده با وجود نجسی آن از شیوه مردی دور است که به مقتول آن حیوان نجس راغب شویم آخر الامر جنگیده و خوک را نداده و به این واسطه همان مردم بواسطه رشادت ذاتی و دل صاف که داشتند حمایت خوک را که بخانه شان پناه برده بود نموده اگرچه بمذهب مسلمان حرام گوشت و نجس میباشد و موسوم به خوکیانی خیل شده‌اند در قومیت و وطن دوستی ملیان همین فقره پیش است که هر یک اهالی وطن در زمان ضرورت خود را یک قوم و یک وجود دانسته در راه وطن جانها را فدا نموده و می نمایم و بدون از خاندان شاهنشاهی افغان خود دیگری را بسروری و پادشاهی خود قبولدار نمی شویم — زیاده زبان درازی را امیدوار عفو بوده دعا می کنم که زنده باد پادشاه ترقیخواه ونجاء افغان و اولاد و احفاد خاندان شاهی افغان و پاینده و برقرار باد ملت نجیب و وطن عزیز افغان و بر دوام باد سراج الاخبار افغانیه و نابود باد دشمنان سلطنت و ملت افغان .

امضاها

علی اکبر کوت دفعه‌دار قندهاری . عبدالله طالب العلوم جدیده

سراج الاخبار افغانیه

(ناطق) تخلص یک شاعر فارسی میگوید : — « وا رسیدیم بجائی من و ناطق در عشق . که نبود بلبل و پروانه اصحبت گرما » اما چه بلبل و چه پروانه بلبل که برگ گل خوش رنگ خوشبوی حسدین ، دولت ، ملت ، وطن را در منقار دارد . پروانه که بر شمع عرفان ، و پادشاه عرفان ، و گلزار عرفان بالاتر از عشق و شوقش رفتاری دارد! بعضی از خود بیان بلند منشان چون این مقاله را سرتا پا خوانده ، را امضاها رسند . و در پیش نظر خود شان یکنفر یک کوت دفعه دار ، و یک طالب العلمی بچشم آید که کف اصغری در صدد ترشیف را امده باخود خواهند گفت : — « عجب ! اما چنان گمان کرده بودیم که این مقاله سیاسی ، اجتماعی ، اخلاقی ، ملکی عسکری را کدام ملاواعظ شیوا بیان ، و یا کدام دیپلومات واقف احوال جهان ، و یا کدام افسر بسیار کلانی نوشته خواهد بود! او ، مگر این یک کوت دفعه دارک ، و یک طالب العلمک بود ! ... » ما میگوئیم : — « بندگیر از سخن هیچ مبین قایلش . نیکوئی متاع بین بچه دکان که شکری » . وجدان ، ذکا ، فهم ، هوش یک چیزی نیست که در زیر انحصار در آید و مخصوص ذوات کبار با اقتدار باشد . نی نی ! اینها تخمهائی است که هر زمین قابل و مستعدی را که بیابد در آنجا نشو و نما میکند . وثمر و محصول میدهد . نه کوههای بلند سر افراز را می بیند . و نه زمینهای پست عاجزی هموار را می اندیشد .

سراج الاخبار افغانیه بکمال فخر و سرور مکتوب صداقت و حقیقت اسلوب این دو اولاد رشید غیور وطن عزیز خود را در سینهٔ محبت دفینهٔ خویشتن حفظ می کند . و برای سرمشق دیگر اولادهای وطن مباهات تمام نشر مینماید . و دعا های آجرین وجدانیهٔ آن دو دل سوختهٔ اتحاد آموخته را تکرار اعلی التکرار نموده آمین آمین ثم آمین یا ارحم الراحمین بجاه سید المرسلین (ص) میگوید .

یک تقریظ دلپذیر

بسم الله الرحمن الرحیم

وفق الله تعالی جمیع المسلمین لکل خیر وصلاح آمین

محب اخبار خوشنما و جریدهٔ فرحت افزا که در جنب شکر گفتار شکربارش نرخ جان شیرین ارزان ، و در برابر بیاض بین السطورش ــ لاله نور ظلمت نشان اوبا آن شورابه کتان نیم حرماوالزلال کوثر ، و سوادش دیده افروز آهو چشمان سیهجرور! الفاظش را سلسهٔ آب روان لازم و معانیش را لطافت جان ملازم! هاکر دار سایهٔ اقبال و خرمی و ترقی دولت شاهانه ای برفرق مشتاقان انداخت. هزاران شکر که این سال همایون فال سال پنجم سراج الاخبار ما آغاز نموده رسم مقرر و آئین مستمر کرا بار قدر و شرف گردید و بدیدار آن دیدهٔ انتظار مطلع انوار گردید و بمطالعه آن سفینهٔ بیقراری بساحل قرار رسید و بمعانقه اش شاهد مراد در بر آمد و طراحی رنگ آمیزش رقم بهزاد و مانی خط در کشید خون غواض محبت و ولا و نوع پرستی و وطن خواهی و تعصب با اجانب بغیرت و جوش

آورنده مسلمانی وانواع لماع وذکر مناقب زاکیه وشرح مراتب عالیه پادشاه محبوب القلوب جناب رافع لواء الخلافة القاهرة وشاهر حسام الصالة الباهرة مغفر المؤمنین بنصر الایمان ومذل الملحدین بقهر الطغیان الامیر ابن الامیر اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) لازال مؤیداً لحفظ الدین اداماه دوله وخلد سلطنته وجعل العز معقوداً علی بنود اعلامه که در مطاوی آن مندرج است دستیابه سرود مسرت گردیده شما را وجمیع قارئین کرام را از صمیم دل تبریک می گویم مخبر شما مدت دوسال است که جریدهٔ فریده حبل المتین درشهر قندهار برای من هفته وار می آید چون مدیرشان شخص عالم وواقف باوضاع زمان واسلام میباشند از حق گوئی وتنوع خواهی او نهایت محظوظ و ممنونم اگرچه در بعض جاها درخصوص بعض فرق تا یان اغماض میهاینه سر آن حقیر مشکور شان میباشد دیگر اخبارهای عربی وفارسی را هم دیدهام وملاحظه کرده اما سراج الاخبار ماه امروزه دوزاجها سر امدان اخبار های اسلامی شمار است ذوق بشوق افزود همواره مشغول واشفتهٔ مطالعه ازمباشم موجب ساعت تیری حقیرشما میباشد بالفعل تا این جریده برای منتظران راحت روح وروان است وان مشتاقانرا مقدم فرخنده شان بااخلاص مندان اسلامی مبارک باد وورود این نخجسته اخبار مدام جمعیت بخش دلهای پریشان عامهٔ مسلمانان باد از حضرت دائم البقا جل ذکره اسباب نیل سعادت وبقای دولت امیرالاعظم الذی ارتفعت بایده العلوم والمعارف والخاقان افخم الاقدر استظلت الامم بظل عدله العوارف درة تاج الامارة الاسلامیة و واسطة العقد السلطنة الافغانیة اعز الله ملکه استدعه میباشم وما ذالک علی الله بعزیز زیاده

دل روشنت قابل راز باد   درفیض وخاطرت باز باد

فقط سنه ۱۳۳۳ ه دستخط حقیر سید میر محسن القندهاری عفی عنه

ادبیات

بامضای «گل» از ایران وارد شده

رستخیز

برخیز زخواب گاه ننگ است
بشتاب که روز رزم و جنگ است

ای خواب ربوده باش بیدار   ای مست زباده باش هشیار
ای باخته نقد جان بچنگ آر   ای مست که موسم درنگ است
برخیز زخواب گاه ننگ است
بشتاب که روز رزم و جنگ است

هل شیشهٔ می بگیر شمشیر   از گیسوی یار بند مپذیر
بشتاب که ترسمت رسی دیر   اسود مورد مشک ومثک(۱) است
برخیز زخواب گاه ننگ است
بشتاب که روز رزم و جنگ است

تاچند زبان زظلم بسته   زآزادی خویش دست شسته
نومید بگوشهٔ نشسته   گر چشم نه کوروپای لنگ است
برخیز زخواب گاه ننگ است
بشتاب که روز رزم و جنگ است

تاچند خروش واه وزاری   زین پس نه سزاست بردباری
زین پیش نه در خوراست خواری   فرمان بردن بدروس ننگ است
برخیز زخواب گاه ننگ است
بشتاب که روز رزم و جنگ است

باز آمد آینهٔ کاری   اندر سر روس عناد خاری
همان بزود زنگ رستگاری   ازکوشش زرا بسوی زنگ است
برخیز زخواب گاه ننگ است
بشتاب که روز رزم و جنگ است

تاروس علف جا گرفته   تاچند بگلستان نشیند
نادشمن کیفرش نه بیند   خوردشید بکام ما شرنگ(۱) است
برخیز زخواب گاه ننگ است
بشتاب که روز رزم و جنگ است

هم از زن ومرد وپیر وبرنا   بر آمده شیفتهٔ شکیبا
تن در دادن بروس حاشا   پیمانهٔ صبر ما بسنگ است
برخیز زخواب گاه ننگ است
بشتاب که روز رزم و جنگ است

پس رخیه کنیم مان خویش   کاری نتوان بیرون ازین بیش
باجو دن دشمن بد اندیش   بر گردن وپای پالهنگ است
برخیز زخواب گاه ننگ است
بشتاب که روز رزم و جنگ است

دیگر نزنیم دست برسر   دیگر نکشیم آه اخگر
دیگر نکنیم دیده ها تر   ازاین پس کار بازرنگ(۲) است
برخیز زخواب گاه ننگ است
بشتاب که روز رزم و جنگ است

دل جان شد از غم ایران   کز طهمورث آن خدیو ایران
اندروس کو است دیو ایران   این غول سیه کمی غدنگ(۳) است
برخیز زخواب گاه ننگ است
بشتاب که روز رزم و جنگ است

این دیو دغل دلا بتوس است   این دو دراچهره سندروس است
این اهرمن سیاه روس است   یکپاره غول بد ز رنگ است
برخیز زخواب گاه ننگ است
بشتاب که روز رزم و جنگ است

خوش آن باشد که تیغ آزیم   اندر بیکار(۴) سرفرازیم
شمشیر زخون سرخ سازیم   چندی است که تیغ زرد زنگ است
برخیز زخواب گاه ننگ است
بشتاب که روز رزم و جنگ است

از بهر وطن بجان بکوشیم   در رزم بسان نیل جوشیم
چون شیر دژم بهم خروشیم   کو دشمن اژدر ونهنگ است
برخیز زخواب گاه ننگ است
بشتاب که روز رزم و جنگ است

کرددر شود زتن سرما   افتد در خاک پیکرما
بدهیم ز چنگ افسرما   نادر ز کنش یکی خدنگ است
برخیز زخواب گاه ننگ است
بشتاب که روز رزم و جنگ است

---

(۱) = مشك = قار

(۱) = شرنگ = زهر (۲) = زرنگ = آواز شمشیر
(۳) = غدنگ = بی‌اندام (۴) بیکار = میدان جنگ

در معرکه چون نهنگ ایم   با ببر و خود و جوشن ایم
مردانه و شیر افکن آییم   جاورد کوی چون پشنك (۱)
برخیز زخواب گاه تنك است
بشتاب که روز رزم و جنك است

اتش افشان شد هلال عثمان   شهر بگشود عقاب المان
غرید از خشم شیر ایران   از هرسو خرس زردنك است
برخیز زخواب گاه تنك است
بشتاب که روز رزم و جنك است

از مناظر مصر
یك نخلستان در جوار اهرامها

المان زپی سفیره بر خاست   دریا دریا سپاه آراست
از نیروی دشمنان ما کاست   زو بیم و هراس در فرنك است
برخیز زخواب گاه تنك است
بشتاب که روز رزم و جنك است

زاریش بروس بس گرداست   این آتش واند کز سپند است
از دشمن الحذر بلند است   خوش خرس دژم در آذرنك (۲) است
برخیز ز خواب گاه تنك است
بشتاب که روز رزم و جنك است

---

(۱) پشنك ـ از دلاوران توران

(۲) آذرنك = هلاك

بلژیک سواره و پیاده اندر دم پیل مست داده
مات آمده پادشاه ساده این است سزای او و روز ننگ است
برخیز ز خواب که تنگ است
بشتاب که روز رزم و جنگ است

بر کشتی انگلیس مکار هر گوشه شکست شد پدیدار
زان پس زند گزاف بسیار کاندر دریا یکی نهنگ است
برخیز ز خواب که تنگ است
بشتاب که روز رزم و جنگ است

شد تیره چو خاک کاخ مینا از دود توپ کوه فرسا
لشکر بگرفت دشت و دریا از برق و ز خون زمین خلنگ(۱) است
برخیز ز خواب که تنگ است
بشتاب که روز رزم و جنگ است

فریاد و خروش از سواران هر روز گذرد ز چرخ کیوان
آمد از دود تیره کیهان یعنی از خون هزار کنک(۲) است
برخیز ز خواب که تنگ است
بشتاب که روز رزم و جنگ است

از غلغل بوق و کوس و کرنا شوری افتد بچرخ مینا
خون بگرفت کوه و دشت و دریا پنداری چرخ سرخ رنگ است
برخیز ز خواب که تنگ است
بشتاب که روز رزم و جنگ است

شمشیر یلان در این تکاپو آمد چو کمان و گه هیاکو
لرزد دل شیراز هیاهو این روز روز فروهنگ است
برخیز ز خواب که تنگ است
بشتاب که روز رزم و جنگ است

---

(۱) خلنگ = [illegible]

(۲) کنک = رود معروف هند

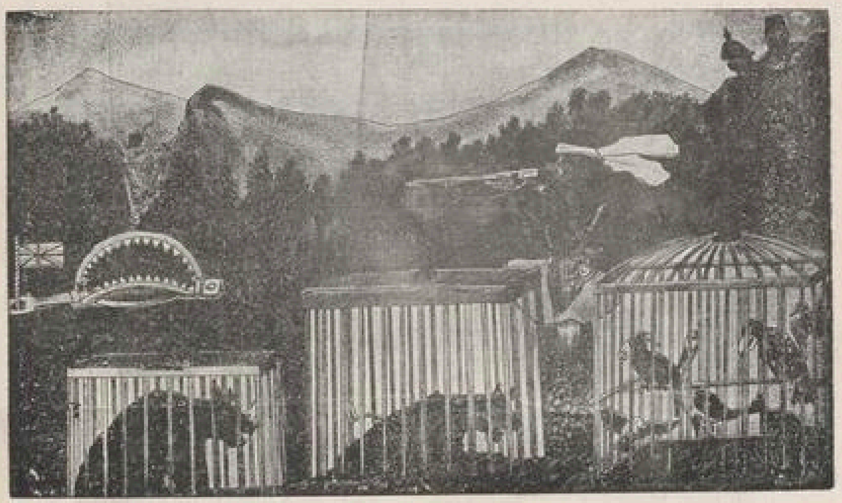

کاریکاتور

السیاسة المصورة

انگلیز — بعد از آنکه کرگدن افریقا و سودان ، و پلنگ هند ، و مرغان رنگارنگ کانادا و استرالیا و جزایر بحر محیط را در قفسها انداخته ؛ تله و دانه داری را گذاشته ، دیگر جاها را میخواهد به آن بگیرد و در قفس بکند . عثمانی و المان از پشت کوه مه حرکت او را در زیر النظر ترقب داشته میگویند : — بیهوده زحمت مکش ، وقت آزادی رسیده ، آزادی ! . . .

این کفر را خدا برانگیخت بر فرق عدو غبار غم بیخت
زایشان چندین هزار خون ریخت یک قیصر روس در غرنگ(۳) است
برخیز ز خواب که تنگ است
بشتاب که روز رزم و جنگ است

---

(۳) غرنگ = گریه

حوادث خارجیه

ترجمهٔ خبر های جنگ و غیره از جراید اوروپا

خائنهای وطن و ملت

جریدهٔ خاور مینویسد :

در مکتوبیکه یک شخصی از شیراز ، برای یک دوست خو
مشهد نوشته از حالات آن نواحی بحث رانده مینویسد :

آنهایك براشخاص اعتماد وامنیت کرده ودر اطراف خود آنهارا جمع کرده وزمام امور عسکری و ملکی را بدآنها سپرده که همهٔ شان زنالها تنخواه خوار وفداکار انکلیز بودند . و مهیا بودند که راه کرفتن بندر « بوشهر » را برای انکلیزها باز وبعض اسبابها برای آن فراهم آورده بودند . اما درینوقت طشت آن خائنان دین ودولت ، وغداران وطن وملت ازبام افتاد ، وبدرجهٔ کارشان آفتابی کردید که مقدار تنخواه شانرا کهاز انکلیز میکرفتند مردمان بازارهم میدانند که چقدراست . ازقراریکه شنیده شده آن خائنهارا بطهران طلب کردهاند که بکیفر کردار شان برسانند . این خائنان غدار را منافع شخصی وتنی چنان چشمان شانرا پوشیده کهدین، وجدان، ایمانرا فدا کردند. برای دنیای فانی مقدساترا پامال ساختند . حال آنکه نامهای آنهارا صفحه های تاریخ ملت تاابد محفوظ خواهد داشت ، وخود شان ، وذریت شان نسلاً بالنسل تاوقتی که ایران وایران دردنیا باشد مظهر لعنت و نفرت خواهند بود . لعنت بر خائنان دین و دولت ! نفرت بغداران وطن وملت !

بندر بوشهر

جریدهٔ « نووه ورمیا » مینویسد :

درتمام ایران یك غلیان و هیجان عظیمی از ضبط کردن انکلیز بندر بوشهر برپا کردیده است دراصفهان بنابر تشویق علما و اهالی تمام عشایر وقبایل برپاشده اند ، وعهد وپیمان کرده اند که تا یکقطره خون دربدن داشتهباشیم انکلیزهارا ازبندر بوشهربیرون خواهیم کشید.

یك کامیابیٔ جدید عثمانیان در داردنیل

جریدهٔ اقدام مینویسد :

ازسه روز به اینطرف است در جبهت « آناقار طهها » تمام موقع محاربه های بسیار مهم بوقوع آمده است . جنرال (هامیلتون) که ازوقت مقرریٔ خودبباز کردن آبنای داردانیل بجز خوردن ضربه های شدیدهٔ متوالیه هیچیك نتیجه ندیده ، وتنها در نزد افکار عمومیهٔ فرانس نی ، بلکه درهرطرف دنیا بجز بدنامی ورسوائی دیگرهیچ فایدهٔ نبرده ، آخر بسودای آن افتاد که انتقام اینهمه تلخکامی های خودرا بهر صورت که میشود باید بگیرد ، و هیچ نباشد بحضرات متفقها که درتمام جبهههای حرب بغیر ازفلاکت ومصیبت دیگرهیچ ندیده اند یك مژدهٔامید آوریٔ رسانیده بتواند . هرچه باداباد گفت یك نقشهٔ هجوم وحمله آوریٔ بسیار بزرکی کشیده بود ، وبرای ازقوه بفعل آوردن این کار مقدار کلی قوای معاونه — یعنی لشکر مددکار — طلب نمود. وبارابور های معقول متفقین را برین قانع ساخت که اگر مدد لشکریٔ لازم بجاو برسانند بهرحال یك کامیابی عظیمی حاصل میکند، متفقین اگرچه برای تدارك کردن قوای معاونه خیلی دلتنك شدند و بمشکلات بزرکی برخوردند ، ولی بنابر اعتمادی که بر جنرال نامداری مانند « هامیلتون » داشتند امیدوار کردیده تکلیف هامیلتون را در باب فرستادن مددلشکری چارناچار قبول کردند ، وهزارها مشقتها وخون جکرها قوای امدادیه را بهجنرال هامیلتون رسانیدند هامیلتون همه توپهای خودرا جمع کرده ، بصورت بسیار شدیدانه و مستعدانه برای پیش بردن نقشهٔ کشیدهٔ خود ازسه چار طرف برموقعهای مستحکمهٔ عثمانی هجوم ویورش برد محاربه سه روز متمادیاً دوام ورزید . حالاآنکه برحمهای خداوندی ، و مقاومت و شجاعت دلاوران عثمانی از هرطرف بهشکستهای فاحش ، وتلفیات مدهش کرفتار آمدهخائب ،خاسر، مقهور ، مغلوب شده بفرار مجبور کردید . از قراریکه بحساب آمده تنها مقتولین این محاربات سهروزه زیاده از پانزده هزار عسکر فرانس وانکلیز میباشد . ضایعات عثمانی بهنسبت آنها خیلی کمتراست . اکثر هجومهای دشمنان بقوت هجوم مقابل وشجاعت عدیم المثال عسکرهای بهادر عثمانی بزور رجه وشمشیر وخنجردفع کردیده است . توپهای دستکیٔ بسیاری نیز استعمال شده است . طیاره های عثمانی نیز بمحاربه اشتراك ورزیده برمواضع مهمه واردوکاه دشمن بومبهای بسیارموثر انداخته است . طوپهای استحکامات عثمانی چنان آتشباریٔ شدیدوپر تأثیری اجرا کرده کهخود دشمن نیزاعتراف میکند . بعدازین محاربه برای متفقین سراسر ناامیدی ازداردانیل حاصلشده هامیلتون نیزدفع شده پی کار خود رفته است .

فعالیت مجاهدین سنوسی

بجریدهٔ (جیرونّاله دیتالیا) ازمصر اشعار میشود :

مأمورین مصر وطرابلس ازطرز حرکت ورویهٔ کهدرین اوقات رؤسای مشایخ سنوسی پیش کرفتهاند بسیار پریشان و اندیشناك دیده میشوند . درمابین سنوسیها وجمال پاشا که بکرفتن مصر مأمور است ومنتظر اغتنام فرصت ، اماآهن بهتدارکات جمع آوری قوای عظیمهٔ مشغول است دایما مخابرات جاری میباشد همینکه ازین طرف حرکات تعرضیه آغاز شود سنوسیها هم به حرکت حاضر و مهیا میباشند . و درینوقت بهقلع وقمع ایتالیا ازطرابلس کرهمت بستهاند وازهرطرف تضییقها وفشار هـای سختی رابایتالیا آورده اند . آخرترین خبریکه جراید (سویجر زائد) ازروما گرفته نشر کردهاند مشعربرین است که اکثر ایتالیایان کهدر طرابلس بودند به (مسینا) نقل کردهاند ودرطرابلس بغیراز مأمورین حکومت دیگر کسی از ایتالی نمانده است ، درمابین شهر طرابلس واطراف آن مناقلات ومخابرات تعطیل یافته است .

سفالت و پریشانی در روس

جریدهٔ « کیه فتقا پامیسال » روسی مینویسد :

ملتجیها وفراریهائی کهاز شهرهای الماك کرفته شدهٔ داخل ملك روس میآیند ، وبادٔمنظرهٔ یكسیلاب سفالت وفلاکترا نشان میدهند ازحدو حساب خارجشده است ، ازهزارها ولکها کذشته حالا بملیونها رسیده است ، شهرها وقصبه وقریه ها وده هائی که بوبه بدست المانها واوستریاها افتاده میرود ومردمان آنهامانند سیلاب یکسره بسوی شرق روانشده میرود یك منظرهٔ دهشت آوری دارد . قافلهها قافلههائی دیده میشود کهاز مرد وزن وپیر وجوان واطفال درجنکلها وصحراها وکوهها وتپهها مانند ملخ پخت شدهاند . وهرچه درپیش روی شان آمده میرود خورده ورفته میروند . دهها وقریههارا بعدازانکه غارت ویغما میکنند آتش داده درمیکذرند . این فرار ومهاجرت عمومیهٔ اقوام ادوار اولیهٔ تاریخیه را بخاطر می آورد ، یا آنکه روایت شکسته شدن سد سکندر وخروج یاجوج وماجوج را بیاد میدهد . خوف و دهشتی که دلهای این فراریها رااستیلا کرده بهعسکر و دیگر اهالی سرایت کرده یك دلشکستکی وبی جرأتی عمومیٔ حاصل شده میرود . ازهمه بدتر که این منظرهٔ اضمحلال وپریشانی موجب قتل وقالها وکفتکوها وغربوهای

عمومی میشود که آیا این حرب بی ثمره وبی نتیجه تابکی دوام خواهد کرد؟ وحکومت چرا زودی یك چارهٔ برای رفع این مصیبت عظما نمی کند؟ وازین گفتگوها وغریوها اندیشهٔ یك اختلال وانقلاب عمومی درروس پدیدار است .

استقراض انگلیز عقیم ماند

جریدهٔ (نوبه فرایه پرسه) مینویسد :

استقراض سه ملیار (۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰) مارق که انگلیز میخواست از امریکا قرض بگیرد بنابر اعتراضی که ازطرف رئیس جمهور موسیو (ویلسون) واقع شد عقیم ماند .

تحت البحر های المان چسان بجر سفید رسیده توانسته اند ؟

اقدام مینویسد :

درین هنگامهٔ حرب عمومی بلندترین نمونه‌های جسارت وفداکاری‌را قوهٔ بحریهٔ المان نشان داده است که یك چند کشتیهای تحت البحرخودرا ازبحر شمال رهسپار دریا نوردی داشته وازدریاها ، وآبناهائی که همگی با کشتیهای دشمن ودیده بانهای هزارفن فرا گرفته شده‌بود گذرانیده بامداد متفق شجیع خود ترکیا فرستاده بود . این خبر چون اول‌بار شایع گردید بسیار کسانی بودند که بهیچصورت این‌راباور نمی کردند . واین باور نکردن شان چندان بیمناسبت نبود : زیرا تحت البحر ها ازممالك المانیا که نزدیك ترین و راست ترین راههای بحری حرکت کرده بممالك عثمانی بیایند بلازم میبایست که یك بحر بزرك شمالی‌را ، وآبنایهائی‌را که درمابین فرانس وانگلستان واقعست ، وبحر فرانس‌را وآبنای جبل الطارق را که هرطرف آن بااستحکامات مدهشهٔ انگلیز محاطست ، وبحر سفیدرا تماما ، وبحر یونان وجزیره هارا باجمیعها طی کرده به آبنای داردنیل رسیده میتوانست . این راه دور و دراز بشرطیکه درهیچ بندری توقف نشود وسرراست شب‌وروز قطع مسافه نموده تواند که (۶۲۵۰) کیلومتر ویا (۳۳۰۰) میل مسافه‌را مالك است . تحت البحر ها چون اکثر این مسافه را باید درزیر آب طی کنند ، ودر زیر آب در ساعتی از ۸ تا ۱۰ میل وبرروی آب از ۱۵ تا ۱۶ میل‌قطع میکنند ازینسبب طی کردن اینهمه مسافه‌را خیلی بعید الاحتمال میشمردند . حال آنکه در پیشگاه آبنا چون آن تحت البحرها بچشم دیده‌شد ، وغرق شدن کشتیهای بزرك بزرك جنگی انگلیز وفرانس‌را بواسطهٔ آن تحت البحرها مشاهده کردند هرکس بباور کردن مجبور شدند

کامیابیهای المانها در محاربه های قلعه گیری

ازخبرهای « آژانس وولف » :

از آغاز محاربه تاحال عسکر های المان در خصوص ضبط نمودن قلعه‌های مستحکمه کامیابیهای خارق العاده نشان داده‌اند . در رزمگاه غربی ۹ عدد قلعه‌های بسیار مستحکم ومشهور را فتح کرده‌اند که‌از قرارذیل است : (لیژ) (نامور) (لونغوی) (مونمدی) (لافر) (لوتون) (موبوژ) (آنورس) (لیل) . هریك ازینها غیر ازمستحکم بودن‌شان ازشهرها وقصبه‌های معمور ومشهور دنیاهم شمرده‌میشوند . ونیز در رزمگاه غربی ٦ عدد مستحکمه های توقیف را گرفته اند که اینهاست : — (مانوویل له) (ژیوه) (لفزا بوله) (هیر سون) (فونده) (فازده رومین) . همهٔ این شهرها وقصبه های مستحک

دربلژیك وفرانس واقعست . آمدیم دررزمگاه ش ق : دربن رزمگ

۱۲ عددقلعه‌های مستحکمهٔ شهرهای معروف‌را ضبط کرده‌اند کهازقرا

ذیلست : (لیباوو) (رو ذان) (بولتو وسك) (ایوان گرود

(وارشاو) (لومجه) (اوستزولینکا) (کوونو) (نووو جورج یوسك

(اوسو ویك) (برست لیتو وسك) (دەمینیسك) (یلونیه) . ای

شهرهائیست که با استحکامات بسیارقوی ومتین مستحکم بوده اند

شهرها وقصبه های غیر مستحکمی که گرفته‌شده وباخود روسها کذا

کرفته‌اند داخل احتساب فوق نیست . دررزمگاه غربی نیز همان شه

وقصبه‌های مذکور گردید که مستحکم بودند وبزور هجوم گرفته شد

وگرنه شهرها وقصبه‌های غیرمستحکمی که گرفته‌اند خیلی افزونتر اس

موقعهای مستحکمهٔ بلژیك و فرانس در ظرف ده هفتهٔ نخستین ح

گرفته شده بود . غیر از استحکام (لیباوو) بضبط و تسخیر

استحکامات روسیه‌را آخر سال‌اول‌حرب‌آغاز شده‌بود . دراینهمه‌محار

معلوم گردید که هیچ کونه موقع مستحکم دشمن در مقابل عملیات عا

منتظم عسکرالمان مقاومت کرده‌نمیتواند در زیر تأثیر دهشتناك طوپ

بزرك و سنگین المان واوستریا استحکامهای دشمن در کم مدت س

می کند . (لیژ) ازنتیجهٔ یك هجوم نا کهانی ، و(نامور) بعداز

بومباردمانی که پنج روز دوام ورزید سقوط نمود . (موبوژ

آتش طوپهای دهشتناك‌المان دوروز مقاومت کرده‌توانست . (آنورس

کهازمهیب ترین‌وقوی ترین استحکامهای دنیاشمرده میشد در د

روز ضبط و تسخیر گردید . دیگر استحکامات رزمگاه غربی

یك‌روزوبعضی چندساعت گرفته شده‌است . دررزمگاه شرقی نیزاح

همچنین بوده است : لیباوو ، روزان ، بولتو ووسك ، نو

اوستزو لینکا ، اوسو ویك بی آنکه حاجت بمحاصرهٔ منتظمه

سقوط کردند . بعدازانکه موقع بولونیه‌را عسکرهای المان ضبط ون

کردندروسها وارشاورا خودبخود خالی نمودند ، وچارروز بعد

خالی کردند . ایوان گرود بعدازآغاز تعرض بسیزده روز ، و

بعداز بومباردمان دوازده‌روز تسخیر گردید . قلعهٔ مستحکمهٔ

(نووو جیووسك)را بازیاده ازهشتصد طوپ وکنیم‌اك عسکر

آن یك‌جا بظرف ده‌روز بدست آوردند . استحکام دومینیسك د

ماه اگست ودر ۱۹ ماهمذکور همهٔ قلعه وشهرآنرا گرفتند . بر

لیتو وسك را در ظرف یك‌هفته باهمهٔ استحکامات آن قبضه نمو

[احتساب فوق‌تاماه اگست‌است . امابعد ازان تاحال نیز بسی

واستحکامها را نیزالمانها بعضی‌را بهجوم وبعضی‌را که‌خود رو

کرده‌اند بدست آورده اند]

افکار عمومی درفرانس

یك مکتوبی که ازفرانس بجنوره آمده شایان دقت یعنی

درباب افکار عمومی مردم فرانس مندرج دارد . دران مکتوب

که درفرانس آنجنان طبقه‌های مأیوس وملالی موجود است که

قوتناك آنها دولت فرانس‌را بهمه حال بصلح مجبور خواهد کرد

فرانسویها خیلی درشور وشغف دیده میشود . هیچیك فرانسوی

دیده نمیشود که باهمهٔ موجودیت خود شان هواخواه صلح نب

بدسیسه‌های حکومت وآدمهای حکومت امنیت واعتماد هیچ

شده است . خبرهای اضمحلال روس در جرگهٔ فرانس تأثیرهای بسیار ناگوار حصول آورده است . وهرکس یأس و نومیدی شدید و مخوف کرده است . فرانسویهارا از انگلیز هاهم امیدی نمانده است آمدنهای وعشق جورج ولورد کیچنر بیك صورت که از شوق ونشئهٔ عاری بود تلقی کردید . هر فرانسوی که فکر رسا دارد دردل خود بجای تحیت کین ونفرین میپروراند . انگلیزهارا مسبب کلیهٔ اینهمه بدبختیها ومحرومیتهای خود میداند . خلاصه امروزه روز برای فرانسه از متفقین ودوستانش هیچ امیدی باقی نمانده . وبرقوت وموجودیت خودش نیز اعتمادش خیلی کم شده است .

آثار اندیشه درایتالیا

نظر بخبرهائی که از ۰ سویسره ۰ رسیده است چنان معلوم میشود که از ضربهٔ مدهشهٔ که روس برسر وکر خود میخورد از همه زیاده تر ایتالیارا لرزه میبردارد . بخوبی معلوم میشود که در وقتیکه ایتالیا بجنگ اشتراك میورزید قطعاً تخمین کرده نتوانسته بودند که روسها به اینقدرجه مضمحل وپریشان خواهند شد . وچنین گمان میکردند که روسها بهمه حال خطوط مدافعهٔ کارپات را پاره کرده پیش خواهند رفت . وبحقیقت هم چنین بود که دران تاریخ روسها باتمام موجودیت خودشان برگذرگاههای کوههای کارپات زور آوردن کوشش میورزیدند . ائتلافیون یعنی بازی دهندگان ایتالیا ـ بتعبیر دیگربازی خوردگان ایتالیا ـ نیز چنان حکم می کردند که اگر ایتالیا بحرب اشتراك ورزد . اوستریا از امر حیرت زده شده بکار خود واله وسرگردان خواهدماند . وروسها نیز بسیار آسانی از کارپات گذرکرده ایتالیا بدون زحمت بمقصدخود خواهد رسید . ونیز این امیدرا هم داشتند که از اشتراك ایتالیا بجنگ نتیجهٔ حرکات آلمانها نیز طرف داری ائتلافیون بعمل خواهد آمد از ین بود که ایتالیا بهمچنین خیال پلوها بجنگ داخل شده بود . اما چون دیدند که از اینهمه جانها وامیدها بجز ضرر هیچ فایده برای شان حاصل نشد . وهمهٔ آرزوهای شان برباد فنا رفت دربنوقت به اندیشه‌های خوفناکی دوچار شده‌اند .

بیانات یك اسیر مسلمان افریقائی

درمیان مطبوعاتی که از قرارگاه عساکر عثمانی از نیم جزیرهٔ گالیپولی رسیده فقرهٔ ذیل نوشته شده . : ـ درمیان اسیرهائیکه دیروز از عسکر فرانس بدست ما آمده (داوودا قمارا) نامیك زنگی مسلمان سنگالی نیز موجود بود . [سنگال از مستملکات فرانس است در افریقای غربی] این اسیر میگوید که من از مسلمانان سنگال میباشم . پدرم محمدنام دارد فرانسویها وقتیکه مارا بعسکری خود داخل میکنند از عبادت ووظائف مسلمانی مارا منع می کنند . مارا از ملکت ما بجبر وزور جمع کرده باینجا سوق کرده‌اند . عالم‌مانیده‌اند که ترکها اسیرهارا قتل می کنند هوش کنید که اسیر نشوید . ماهیچ نمیدانستیم که با مسلمانها جنگ می کنیم . اگر دیگر رفیقهای من بدانند که شما مسلمانید و با ما اینقدر بخوبی معامله می کنید همهٔ شان گریخته بپیش شما خواهند آمد .

مطبوعات خارجه راجع ایران :

ازجراید آلمان

انگلیس وجنوب ایران

جریده (فرانکفورتر زیتونك) آلمانی مورخه ۲۳ اوت تلگراف ذیل را که از اسلامبول رسیده است اشاعت میدهد :

قونسول انگلیس مقیم بوشهر بسمت فرمانفرمائی وحکمرانی جنوب ایران معین شده است . بیرق انگلیس را درتمام نقاط جنوبی ایران که ممکن بود نصب کرده اند . عدهٔ قشون هندی که پیاده شده اند ازقرار معلوم متجاوز از ۳۰۰۰ است . هیجان ایلات جنوبی ایران خیلی زیاد است . و مشغول تهیه وتدارك هستند که اگر انگلیس ها مقاومت نمایند . ایلات معتبر جنوبی ایران متفق شده اند که اعلام جهاد نمایند .

جریدهٔ برلنر تاکبلات میگوید :

تصمیمی که سیاسیون ایران کرده اند بزرك است . جنگی که آنها میکنند جنگی است برای حیات و استقلال خویشتن یا برای تحصیل استقلالی که در طی تعاهدات انگلیس وروس برای اعادهٔ انتظامات مملکت از کف مملکت ایران رفت . تکلیف ایران این است که معاهده ۱۹۰۷ انگلیس وروس را از صفحه وجود محو نماید و گریبان خودرا ازعواقب وخیم آن برهاند .

این معاهده را بدون مشورت مملکت ایران بستند و دولت ایران همیشه برضد آن پروتست نموده است لیکن غیراز پروتست کاری نکردند .

شکست انگلیس ها

تلگراف ذیل ازبرازجان بتاریخ دوم شهر ذیقعده رسیده است از قرار اخبار واصله درجنك تنگك ازطرف اردوی مجاهدین ۵۰ نفر مقتول وهشتاد نفر مجروح شده ولی زخم مجروحین بی خطراست وامید بهبودی میباشد ازعده مقتولین نظامیان انگلیس روایات مختلف است کمتر ازپانصد وبیشتر ازهزار نفر گفته میشود اخبار هفتصدنفری زیاد است اردوی مجاهدین دراردوگاه مستقیم وروز بروز برعده آنها افزوده میشود ازقراریکه شنیده‌شده دراین جنگ مجاهدین نهایت رشادت وشجاعت را بخرج داده اند زیرا که عده مجاهدین سیصد نفر بوده است وعده نظامیان انگلیس بالغ برسه هزار نفر .

افغانها در قائنات

موافق راپورت تلگرافی درشهر قاین شهرت دارد که عده افغانها بدوفرسخی درخش رسیده‌اند (درخش دوازده فرسخی بیرجنداست)

(شهاب ثاقب)

آخرترین خبرها

ازترجمه های اخبارهای اردو وانگریزی

افتادن هزمجستی جارج ازاسب

ازلندن ۲۹ اکتوبر : ـ هزمجستی جارج پنجم پادشاه انگلستان برای معاینهٔ افواج رزمگاه غربی از لندن بفرانس آمده بود . هنگامیکه بسواری اسب برصفوف افواج گشت وگذار میکرد . وافواج نعرههای تحسین میاوردند دفعهٔ مادیان سواری پادشاه از آوازهای باجه‌ها وهاهوی‌های افواج رم‌خورده وبجست وخیزآمده پادشاه را بالا کرده بزمین انداخت وصدمه‌های بسیار شدید بوجودش رسید . همرکابان حضور شان پادشاه را ازخاك برداشته وغالیچهای سروبدن شان را تکانده با احتیاط تمام درعرابهٔ موتر سوارش کردند . وبه بندرگاه وازانجا درکشتی سوار شده بلندن رسیدند . باوجودیکه کسی را ازین واقعهٔ دهشت انگیز خبر نکرده بودند بازهم بسیاری از مردمان ببندر جمع آمده بودند . هزمجستی ازدرد

بسیار مضطرب وبستری میباشند ـ واطبا گفته‌اند که اگرچه صدمه بسیار شدید است ولی تکسر استخوان اعضا نیست وامید است که زود صحت یاب شوند ـ

خبرهای بالقان

۲۰ ماه اکتوبر سنه ۱۹۱۵ ع خبر لندن — دولت سرویه دریک اعلان سرکاری خود اعتراف نموده که سپاه دشمن یعنی دولت بلغاریه شهر (اسکوب) را فتح نمودند ـ

۲۸ ماه اکتوبر خبر لندن — معلوم میشود که علاقهٔ شمال مشرق ملک سرویه بدرقبضهٔ دشمن آمده چنانچه دریک اعلان جرمنی ذکریافته که در [illegible] درین سپاه آستریا وجرمنی همراه فوجهای دولت بلغاریه اتصال قایم گردیده ـ

۱۳ ماه اکتوبر سنه ۱۹۱۵ ع خبرلندن ـ اخبارات یورپی بحواله اخبارات جرمنی می نویسند که این فتح شهر (بلغراد) وبدست آوردن ملک سرویه جزو اعظم یک جنگ بسیار عظیم الشانیکه درصورت جاری بودن آن فیصله قسمت تمام دنیا مربوط است دانسته میشود ـ زیراکه برای دولت جرمن ازبرای تخت برلن الی پای تخت قسطنطنیه ودرمابین یک مرکز راه راست پیدا شد وافسران جنگی دولت جرمن اظهار خیالات نموده بیان می نمایند که ازبرای شکست دادن دشمنان دولت جرمن بدست آوردن بندرگاه کیل چندان ضرور نیست ـ بلکه تسلط دره دانیال که قریب ملک مصر است بهتر دانسته میشود وبذریعهٔ ملک مصر وراه سویز علق انگلستان همراه ملک هند قایم است گویا ملک مصر یک حلقهٔ بسیار بزرگ زنجیر سلسله انگلستان وهنداست ازین بیان درارباب سیاست انگلستان آثار بیقراری پیداشده ـ

یکم ماه نومبر خبرلندن ـ نامه نگار اخبار تایمز ازبخارست اطلاع فرستاده ـ که جهازات جنگی دولت روس برساحل بندرگاه (دیرناه) دولت بلغاریه نمودار شده ازخوف سرنگهای بحری ازفاصلهٔ پنج میل دور گوله‌باری مینمایند ـ گفته میشودکه همراه جهازات جنگی تعداد بسیار جهازات باربرداری که درین آنها فوج است هم میباشند جهازات (گوبن برسلاو (جدید) یامان دولت ترک وتوپخانهٔ ساحل ـ بجواب جهازات روسیه گوله‌باری نمودند ـ

۲ ماه نومبر خبر لندن ـ محکمه بحری دولت برطانیه اعلان نموده که یکلنگر کشتی تارپیدوئی دولت برطانیه در اثنای جبل طارق همراه یک جهاز تجارتی تصادم نموده غرق دریاب شد دونفرافسر ونه نفر عملهٔ کشتی مذکور مفقود میباشند که غالبا غرق شده خواهند بود ـ نامه نگار اخبار تیزات مقیم بخارست رقمطراز است که درین روزها درین دولت رومانیه ودولت جرمن یک عهدنامه مرتب گردیده ـ که ازروی آن دولت جرمن مقدار پنجهزار تن ذوغال برای دولت رومانیه خواهد فرستاد ودولت رومانیه عوض آن ـ جواری وغیره خوراکه باب خواهدفرستاد چنانچه پنجصدریل گادی پراز ذوغال ـ در رومانیه رسیده گادی هــای مذکور را بعد ازخالی نمودن اشیاء خوراکه باب پرکرده فرستاده خواهدشد ـ

۲ ماه نومبر خبر لندن — بطریق سرکاری اعلان یافته که جرنیل سر جان انکس کماندان سپاه انگریزی متیعهٔ جنگ خلیج فارس وعراق عرب قریب بغداد رسیده —

۲ ماه نومبر خبر کلکته ـ اخبارات یورپی کیفیت مجبوری شمو دولت رومانیه را همراه دولت جرمن چنین می نگارند — که د دولت رومانیه هرقدرتوپ وتفنگ که موجود است همه ساخت کا کرپ جرمنی است ازین سبب دولت رومانیه طبعا ازبرای حاصل نو گوله وباروت محتاج دولت جرمن است زیرا که این یک نقص و کلی توپهای کرپ است که دران گوله های دیگر توپها کار نمی د چنانچه دولت رومانیه درشروع جنگ برای دولت روس وبرط مجبوری خودرا ظاهر نموده بود که اگر دولت رومانیه درج موجوده همراه دول متحده شرکت نماید همه اسباب وتوپخانه او از نبودن گوله وباروت بی کارآمد خواهد شد ودول متحده درین ف این عقده راحل کرده نمی توانند یعنی درین وقت اسباب وکارخانه س این قسم جبه‌خانه را مهیا نمودن کاری است بسیار مشکل واگر د رومانیه توپهای خودرا تبدیل نموده بجای — توپهای جرمنی تو قسم دول متحده را مروج نماید ـ این قدر فرصت نیست که مر وانتظام آن کرده شود ـ

۳ نومبر خبر لندن ـ هز مجستی جارج پنجم بادشاه دولت بر بتاریخ یکم ماه نومبر درلندن وارد شد ـ محکمه خبررسانی بیان ن درشب ۳ ماه نومبر شاه موصوف ازشدت درد بسیار بیقرار بود درد شدید موجود است —

۳ ماه نومبر خبر کوئیلو ـ سفیر روسی قرار بیان اخبارات ر اظهار نموده که سپاه جرمنی سعی بسیار مینمایندکه دریای (دونا) عبور نموده برشهر ومرکز این های ریل (روتسک) قبضه نمایند اگ روتسک بنظر اهمیت جنگ چندان اهم جای نیست مگر جرمن‌ها د بدست آوردن آن ازین سبب این قدر سعی می نمایند ـ که برای ر ریلیکه بطرف پترو گراد ممدود است تسلط حاصل نمایند ـ اخبارات ر بیان می نمایند که دولت روس مقام وعلاقه جات (روتسک) و را خالی نموده و همان اسباب و اشیاء که برای جرمن ها ک دانسته‌میشد بدیگرشهرها ـ منتقل نموده‌اند ازین اخلاء این دانست که دولت روس ازین شهرها دست بردار شده مگر ازقرینه معلو که عنقریب برای بدست آوردن مقامات مذکور ـ فوجهای یک حملهٔ بسیار سخت خواهند نمود ودرین علاقه جات جنگهای خون ریز پیش خواهند آمد ـ واگر فوجهای جرمن بالای جات مذکوره قابض هم شوند ـ بدون قربانی هزارها عسکر سپاهی نخواهد

۴ نومبر خبرلندن ـ یک کشتی زیرآب دولت فرانس ازصدمهٔ بازی دشمن ـ در بحر ماموره غرق گردید ـ دونفر افسر وبیس عملهٔ کشتی مذکور را ترکها گرفتار وقید نموده اند —

۴ ماه نومبر خبردهلی ـ ازلندن برای ویسرای ملک هند بذر خبر رسیده ـ درمیدان سرویه فوجهای جرمنی برکوه‌های نگرز (ا) حمله نموده اند وفوجهای بلغاریه بطرف نش پیش میآیند وحرکت جارحانه فوجهای آستریا ازسمت شرق (و جاری است حملهٔ سپاه ملاقی نیکروس باشد ـ درمیدان جن جنگ جاری است —

در چهاپخانهٔ حروفی دارالسلطنه کابل طبع گردید

هرمقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر ومیر محرر تحر

محمود طرزی

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا
یاد آوری میکنیم

مقدرسی و کوشش کردیم که از شکایات نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خود رهائی یابیم ممکن نشد لهذا با داکخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یک مقاوله نموده داکخانه مشارالیه تقسیم وتوزیع اخبار ما را که بهمه مشترکین کرام ما رساند درعهدهٔ حیث خود قبول نمود . مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را تبشیر ویاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ هر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای داکخانه بخود شان میرسد :

شرایط خریداری

دارالسلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیهٔ کابلی	ششماهه	هشت روپیهٔ کابلی

در خارج افغانستان
هرجائیکه باشند با اجرت پوست

قیمت سالیانه	ده روپیهٔ انگلیزی	قیمت ششماهه	شش روپیهٔ انگلیزی

سه ماهه اشتراک قبول نمیشود

یک طلای پوند انگلیزی یازده روپیهٔ کابلدار است . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

برهمهٔ کارداران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود: اگر از یک جا بدیگر جا روند ویا بند میباید که یک رقعه مدیر وسر محرر را خبر بدهند که من در فلان جا بودم وحال در فلان جا میروم اخبار مرا درانجا بفرستید . هرگاه همچنین یک رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن بخواهند ، ویا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشند از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود وسرهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر یک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه در بین ورق وقایه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطر یک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطر یک ستون اخبارما (۳ — انچ — ۴ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تا یک سال نشر کردن خواهد ووجه یک ساله را پیشکی ادا نماید در ورق پشتی برسر سطری ستار اجرت گرفته میشود

(اعلان)

پراکنده

از آثار مطبوعهٔ تازهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت، وعبارت از یك مجموعهٔ اشعار آبدار تجدد آثاری میباشدکه بکاغذ اعلا، وخوش طبع‌داریها، بالتصاویر بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است. اگرچه از تحت خط وخال بعید است ولی مضامین وخیالاتش سراسر بیکطرز جدید است. نسبت خوبیهای ظاهری ومعنویش قیمتش خیلی ارزان. یعنی بمقابل (۲) دو روپیهٔ کابلی درخود مطبعهٔ عنایت از نزد عبد الرؤف خان سر مرتب، ودر بازار ارك از دکان باز محمد، ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب هرکس خریده میتواند.

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه را مژده! از ثمرهٔ نوبر رسیدهٔ گلزار «مطبعهٔ عنایت» کام جانرا شیرین نمائید! «جزیرهٔ پنهان» یك ناولیست که قوت علم ومعرفت وسعی وغیرت را برای اساس زندگانی نوع بشر بطرز نکات وجلوه گر میسازد. هم حکایت، هم عبرت عرفی، هم فضیلت. خوبی طبع، خوبی کاغذ، خوبی تصویرش علاوه، قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان! تنها (۶) شش روپیه محل فروخت نفس مطبعهٔ عنایت در دهٔ افغانان، دکان باز محمد در بازار ارك، دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل دروازهٔ مدرسهٔ شاهی.

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد
کتاب سال دوم ... مصور مجلد
کتاب سال سوم ... مصور مجلد
کتاب سال چهارم مصور مجلد
عز و اسلامیت
آیا چه باید کرد؟
ادب درفن
توحید
مختصر جغرافیای عمومی

این کتابهای فوق دراداره موجود است. هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کند.

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

	قیمت روپیه کابلی
سیاحت دردورادور زمین بهشتادروز مجلد	۲
سیاحت درجو هوا مجلد	۲
سیاحت درزیر بحر مصور مجلد	۴
ازهردهن سخنی وازهرچمن سمنی مجلد	۲
روضهٔ حکم مجلد	۲
پراکنده مصور مجلد	۲
جزیرهٔ پنهان مصور مجلد	۶

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوقرا داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت دردهٔ افغانان از نزد عبد الرؤوف سرمرتب واز دکان باز محمد کتابفروش دربازار ارك واز دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی بقیمتهای معینش خریداری کرده میتواند.

واگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوقرا بکنند بامدیر سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند.

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

شمارهٔ (۸) سال پنجم

فهرست مندرجات

رونثاری یک نجم سعادت در افق مشکوی سلطنت و اجلال (

تشریح (در تهنیت شهزادهٔ کامکار

قصیده (قصیده در ستایش اعلیحضرت همایونی ـ قصیدهٔ دعائیهٔ اعلیحضرت همایونی از کلام جناب (مستغنی) — ایضاً قصیده ـ

مکتوب (

حوادث خارجیه	نطق داکتر بتهمولوک صدراعظم المان ـ ترجمهٔ اخبارهای اردو ـ نقل از اخبار ترجمان ـ رزمگاه گیلی پولی ـ وعده‌های قیصر به بلغاریا شاه یونان بهوا خواهی جرمن ـ خدمت اجباری عسکری در انگلستان ـ شاه یونان بمخالفت الحادیان ـ بحث در دیوان خاص ـ بالقان و مسئلهٔ مهمهٔ آن محکمهٔ احتساب ـ ایدوره گری ـ ضبط اخبار کاوب ـ حالت اصلی بالقان حال فلاکت اشتمال سرویا ـ قسطنطنیه و بغداد ـ تفنگهای خصوصی جدیدالاختراع المان ـ خبرهای هندوستان ـ قتل افسر پولیس ـ تفصیل این واقعه قتل ـ قتل یک افسر پولیس دیگر ـ حملهٔ اختلال جویان بریک ده ـ قتل یک حواله دار ـ وارجاقو بریک افسر
تصاویر	عزطفر رحیم ناظر حربیه حضرت انور پاشا ـ پرنس فریدریک ویلیلم ـ یک شباهت تام هزمجستی خارج انگلستان باهزمجستی پادشاه روس ـ فون فالکن هاین ناظر حربیه دولت المان ـ قصهٔ کمستابل نامه فرانس ـ مارشال فون هیدنبورگ جنرال مشهور و معروف دولت المان ـ فون میکنسن که از جنرال های مشهور المان ـ فون لودندورف ناظر ارکان حربیه المان ـ دروازهٔ جامع شریف نورعثمانی در استانبول ـ حمالهای استانبول ـ زنان شیرفروش در ملک هولاند ـ

اعلان

از صنایع روزبهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب حر
کار خانه جات ، ماشین خانهٔ مبارکه دارالسلطنه کابل علاوه بابقای حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه و اونیفورمه
عساکر شاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخلی که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت ها
حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ، ذیل (دکان عبدالله خان دربازار ارک) میباشد.

(۱) سرجهای پشمینه بافی برنگهای مختلف که قیمت آن ازقرار گز انگلیزی ۳ فوته مشخص شده ودر صندوقچهٔ جنسی هم بفروش میر

اقسام	قسم اول					قسم دوم					
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم وقندی کار قیمت آن ١٠ پیسه زیاد	
رقم	تاحال ساخته نشده	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودر
قیمت		٧ روپیه ٥ پیسه	٦ روپیه ١١ پیسه	٦ روپیه ٤٢ پیسه	٥ روپیه ٤٨ پیسه	٦ روپیه	٥ روپیه ١٨ پیسه	٦ روپیه	٥ روپیه ١٠ پیسه	٦ روپیه ١٠ پیسه	٥ روپ ٢٠

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گز انگلیزی | کشمیرهٔ چهارخانه ٧ روپیه ٣٥ پیسه | کشمیرهٔ دهدار هرگز ٧ روپیه بیست پ

(٢) جراب

رقم	نکتانکه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج
قیمت	١ روپیه ٥٢ پیسه	٤٥ پیسه	٣٦ پیسه

(٣) تکمه‌های چرمی جراب ومنبردار

کلان قدرجن	میانه قدرجن	خورد قدرجن
١ روپیه ٤٠ پیسه	١ روپیه ١٠ پیسه	٥٥ پیسه

(٤) کروره های جدید ساخت

رقم	زه باف یک اسپه دو کره دوتاره	زه باف یک اسپه دو کره سه تاره	چرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ چار تارهٔ نخی
قیمت	٨ روپیه و ٣٣ پیسه	٩ روپیه و ٢٤ پیسه	٨ روپیه و ٤٢ پیسه	٦ روپیه و ١١ پیسه
رقم	چرم باف دسته دارای دوالیه	چرم باف دسته دوالهٔ یک اسپه	دسته دوالهٔ یک چار اسپه	چرم باف هرکابی
قیمت	٤ روپیه و ٤٨ پیسه	٤ روپیه و ٤٦ پیسه	٨ روپیه و ٢٣ پیسه	٤ روپیه و ٤٣ پیسه
رقم	قبضه ورنجی کلیت نقره توبخانه	قبضه کلیت نقره از چرم سه لایه توبخانه	زه باف رقم سواری سامی کلیت	زه باف دو تارهٔ رکابی
قیمت	٣ روپیه و ٥٥ پیسه	٤ روپیه و ٥٧ پیسه	٥ روپیه و ٩ پیسه	٥ روپیه و ٥٤ پیسه
رقم	رکابی ازنغ	چرم باف میانه چوب بیت زنانه	اززین سواری تیغ چرمی	زنانه ابریشمی خیاطه
قیمت	٤ روپیه و ٤٥ پیسه	٥ روپیه و ٨ پیسه	٤ روپیه و ٥٨ پیسه	٥ روپیه و ٨ پیسه
رقم	دسته دارای تیغ چرمی	دستهٔ دوالهٔ ماسی ورنجی کلیت نقره	از زین سواری دوالیه تیغ چرمی کجک دار	چرم باف مابین بیت یک اب
قیمت	٤ روپیه و ٤٩ پیسه	٤ روپیه و ٤٥ پیسه	٤ روپیه و ٥٩ پیسه	٨ روپیه و ١٢ پیسه

(٥) اقسام گلهای مصنوعی سر

قسم	گل جرین	گل نافرمان	گل برینه	گل شبو
قیمت	٥ روپیه و ٣٦ پیسه	٦ روپیه و ٦ پیسه	٦ روپیه و ٧ پیسه	٦ روپیه و ٣ پیسه
قسم	شگوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل لشترن	چنبیل
قیمت	٧ روپیه و ٤٥ پیسه	٦ روپیه و ٥٨ پیسه	٥ روپیه و ٣٨ پیسه	٦ روپیه و ٨ پیسه
قسم	شگوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	٦ روپیه و ٣٥ پیسه	٧ روپیه و ١٢ پیسه	٦ روپیه و ٥٤ پیسه	٦ روپیه و ٥٤ پیسه

(المشتهر)

(میر محمد هاشم دفتری کار خانجات (کپتان نظامی)

صحیفه (۱) سال پنجم شمارهٔ (۸)

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
با مصارف ڈاک ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مصارف ڈاک ۱۰ روپیه انگلیزی
بر پانزده روز یکبار نشر میشود
[illegible]
(اوراقی که درج نشود اعاده نمیشود)

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

مدیر و سرمحرر
محمود طرزی

ادارهٔ خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنه (کابل)
همه امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ قمری یکم صفر ۱۳۳٤ تاریخ انگریزی ۹ دسمبر عیسوی ۱۹۱۵ تاریخ شمسی ۱٦ قوس ۱۲۹٤

پرتو نثاری یک نجم سعادت واقبال
در افق مشکوی سلطنت و اجلال

ماهی از برج شرف زادهٔ خورشید کمال — زاده الله جمالاً بجهان داد جمال
کلین انبته الله نباتاً حسنا — بنماید سپه از چمن جاه و جلال

یوم پنجشنبه دهم ماه محرم الحرام سنه ۱۳۳٤ هجری حضرت فخر الانام علیه الصلوة والسلام پرتو نثاری یک نجم سعادت واقبال از افق شوکت واجلال بوقوع آمده بجهان جهان فرحت ومسرت دلهارا شادان دیدهارا درخشان نمود ودر جنستان خاندان جلیل الشان سلطنت سنیهٔ متبوعهٔ مایک نونهال تازه بنشو ونما آغاز نهاد .

ولادت باسعادت حضرت شهزاده (عبیدالله) خان اطال الله عمره بالعز والشان از صلب پاک اعلیحضرت پادشاه مقدس مهربان ومتبوع مقدس افغانیان واز صدف بحر عصمت ذات معالیه صفات (علیاحضرت سراج الخواتین) علویة الشان یک فال خیر دولت علیه افغانستان از شمرده شود جادارد . زیرا درچنین زمان وآوانی که پی شموس خیرها وسعادتها در آفاق وطن عزیز مقدس ما بهمت جهاندرجات پادشاه خیرخواه دل آگاه ما از ترقیها وکمال وآزادی باستقلال بدرخشیدن آمده ولادت باسعادت این فرزند جدید بدمید شاهانه یکفال بسیار نیک و مبارکی برای استقبال ملت گرفته میشود، واین واقعه پیش خیمه ومبتدای عزت وعظمت آینده واتحاد میشود . زیرا این درچنین وقتی که از هرجانب آثار ترقی وسعادتمندی نمودار گردیده تولید این چنین فرزند سعید پادشاه بزرگ . حقیقتاً خالی از یک نتیجهٔ فرحت ومسرت آینده برای وطن وملت نیست :

زفال خوش بشود حال خوش

بمناسبت ولادت باسعادت این مولود مسعود بتاریخ ۱٦ ماه موصوف بحسب رسم وعادتی که در وطن عزیز ما متداول است جشن ونشینش و عام وخاص درسلام خانه ارگ مبارکه برپاشد ، که دران اکثر اعاظم واشراف شرف حضور داشتند و کذلک از طرف ذات معالیه صفات (علیاحضرت) صاحبهٔ معظمه مراسم دعوت وضیافت بعمل آمده بودند ودرون ارگ مبارک درلیلهٔ مذکور بانواع چراغانها وزینتها آراسته گردیده بود ذات شوکتسمات اعلیحضرت همایونی بتقریب بشارت این واقعه و کسانیکه بحضور شاهانه عرض تبریک وتهنیت نموده بودند، ونیز عموم اطفال مکاتب نظامی دار السلطنهٔ کابل که برای تبریک خوانی ومبارکبادی رفته بودند احسانها فرمودند.

سراج الاخبار افغانیه نیز بکمال شوق وشطارت تبریکات عاجزانهٔ خودرا به عتبهٔ سنیهٔ شاهانه وذات معالیه صفات (علیاحضرت) صاحبهٔ معظمه عرض وتقدیم نموده کسب فخر ومباهات میورزد واز صمیم قلب اظهار که حضرت خالق کبریا جل وعلا تضرع ونیاز میکند ، که این شهزادهٔ را که حالا قدم از کتم عدم بعرصهٔ وجود نهاده باتمام شهزادگان بلند اقبال درظل عاطفت مهر لمعات اقدس پدر رحیم ومهربان ملت از جمیع آسیبهای زمان محفوظ و برکران داشته بکمال پیری برساند ،

این دعا ازمن واز جمله ملک آمین باد !

تتمه بطور مخمس در تهنیت شهزاده کامکار

هیکویم ثنا و حمد و تحسین   ترا ای خالق ایجاد وتکوین
بحق حضرت طه و یاسین   باین شهزاده بخشا عمر وتمکین
ثنا کویند ای حضار آمین

چه فرخ ساعت و میمون زمانی   که از فضل خدا خوش میهمانی
به بزم شاه آمد همچو جانی   خدا او را دهد امن و امانی
ز دور چرخ کجرفتار آمین

درخشان اختری از برج اقبال   عیان شد چو در آئینه تمثال
قدوم او بود یارب نکو فال   برای شاه و خاتون همه وسال
شوندش خرم از دیدار آمین

مبارکباد کز الطاف سبحان   بفرخنده حرم قدس سلطان
سراج ملت و دین شاه ذیشان   که چون خورشید شد نامش عیان
رسید این شمع پر انوار آمین

سراج کل خواتین مادر اوست   که الطاف الهی یاور اوست
حرم شاه همچون خاور اوست   ز عصمت خوش ردای بر سر اوست
که بادش خرم این کلزار آمین

مبارکباد کز لطف خداوند   بدولت خانه شاه خردمند
تولد شد چنین فرزانه فرزند   قلوب مومنان کردید خرسند
بود اقبال او بیدار آمین

مبارکباد کاین شهزاده امروز   چو کل در باغ شد شد جلوه افروز
وزو کردید عالم فرحت اندوز   خدایا در جهانش دار فیروز
نکردد هیچکه بیمار آمین

مبارکباد کاین مصباح ناکاه   فروزان کشت اندر دولت شاه
مبادا جاکران و حسبدخواه   برآمد از کل لطف الله
بسی زین مژده شد تذکار آمین

مبارکباد این فرزند نامی   که کیتی یافت از وی شادکامی
هوا خواهان او باید تمامی   دعای طول عمران کرامی
کنند از صدق در اسحار آمین

مبارکبد جمیع دوستان باد   بجمله جاکران و بندکان باد
وجود او سعادت زا شان باد   ز آفات زمانه در امان باد
شود لطف خدایش یار آمین

چو آمد از عدم یارب باظهار   بمهد عافیت اورا نکهدار
بشیر دایه اش کن شهد در کار   چو طوطی شکرینش ساز کفتار
کنش از عمر برخوردار آمین

چو این شهزاده در اخلاق اکبر   رساند از برای دایه در بر
نصیبش باد از الطاف داور   حیات خضر و اقبال سکندر
شود خوش خلق و خوش کردار آمین

بخوان ای دایه بسم الله و تکبیر   پس آهسته در اغوش خودش کیر
بزاند لب چون شکرش شیر   مکن در خدمتش یک لحظه تقصیر
دعایش کن بکو بسیار آمین

تو این شهزاده را یارب جوان کن   وزو خرم دل شاه جهان کن
بهر مقصود اورا کامران کن   علوم دهر را بروی عیان کن
کمالاتش بده سرشار آمین

به بخشید ز لطف حی بیچون   دهم بود از محرم وقت میمون
ولادت یافت این نور همایون   که بادا مقدمش بالفیض مقرون
کنید ای کودکان تکرار آمین

همانا این پسر کز شهریار است   چو در عاشوره آمد مختار است
حساب سنه اش هم آشکار است   هزار و سه صد و سی و چهار است
شد از شیر احمد این کفتار آمین

دستخط حاجی شیر احمد شاعر حضور انور والا

قصیده در ستایش اعلیحضرت سراج الملت والدین روحنا فداه

برای فرقهٔ اسلام فکر دین بهتر
بلی برای مسلمان چه کار ازین بهتر
باعتقاد و عمل شد چو حصن دین محکم
که قصر دین مبین از همه متین بهتر
ولای دولت و دین بهتر است و قوم و وطن
همانکه نیست چنین در تهٔ زمین بهتر
بسعی خویش وطن بی نیاز کن از غیر
وطن پرست برای تو انچنین بهتر
بسعی و کوشش قوم است کار ها مرهون
ز کوشش است که جاپان بود ز چین بهتر
زسعی و همت خود جوی هر مراد که هست
مراد بخشی اگر بایدت همین بهتر
بسعی و کوشش و علم و کمال و استعداد
بدانکه هر بشر است از ره یقین بهتر
بهرزه عمر تا کی بیش ازین کذشت کذشت
خلاف پیش اکرت پیشه بعد ازین بهتر
علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد
بلی که صاحب فرهنگ پیش بین بهتر
چو شاه عصر ترقی طلب وطن پرور
خوش آنکه خویش زبیکانکان درین بهتر
چو خواهد از من و ما شاه وقت علم و کمال
که اهل علم پی کار ملک و دین بهتر
رعایت شهٔ ملک است و رعیت فرض
که هرچه امر اولوالامر دلنشین بهتر
پی ترقی ملک و وطن چه خواهد بود
ازینکه ما و تو باشیم ازان و این بهتر
رهین دوست وطن بهتر است یا دشمن
ازین دو کار کدامیش ای امین بهتر
میان نفع و ضرر فرق بایدت کردن
بکو کدام یک از زهر و انکبین بهتر
تفو بغیرت محکوم غیر دین بودن
که مردن است ز محکومی چنین بهتر
مباد از سر ما دور شهریار زمان
سراج ملت و دین شاه مسلمین بهتر
خوشا شهی که بجا یکدل و زبان یکدین
که شاه کشور اکر باید انچنین بهتر
شهٔ رحیم و شهٔ مهربان شهٔ مشفق
زمانه باید ندارد شهی ازین بهتر
زهی امیر وطن پرور ترقی خواه
خهی شهنشهٔ نیک اختر کزین بهتر

شاهیش چو خدا بر گزید در افغان
بود ز جملهٔ افغانیان این بهتر
همیشه باد این مملکت همین سر ور
دعای مردم این مملکت همین بهتر
بمدح شاه سخن ختم کن خموش دگر
دگر مگوی که آن بدتر است و این بهتر
مرا پند و نصیحت چه کار (مستغنی)
ز من حکایت آن یار نازنین بهتر
مرا به نیک و بد مردمان چکار و غرض
مرا روایت از آن شوخ مه جبین بهتر
مرا بلعل بدخشان چه و عقیق یمن
فتاد اگر بکف آن لعل آتشین بهتر
بدیده همچو تو غلمان بسر ملامت نیست
که گفت زاهد نادیده حور عین بهتر
عزیز تر بود ای ترک تیغ جوهر دار
از آن بازو بت از ناز موج چین بهتر
شکر که شهرهٔ آفاق شد بشیرینی
چه شد نباشد از آن لعل شکرین بهتر
ز روی مهر بمن بوسهٔ عنایت کن
که مهر پیش من ایمه جبین ز کین بهتر
قد تو بیند و گوید بباغبان قمری
که راستی نبود سرو ما از این بهتر
نو دم این غزل تازه تحفهٔ یاران
دهند صلهٔ قندم کر آفرین بهتر

قصیدهٔ دعائیه و مدحیهٔ اعلیحضرت سراج الملة والدین شهریار والا نژاد که بمحامد همایونی در ترویج علوم و صنایع و فنون و بدایع و نشر و ایجاد و تعلیم چهل روزهٔ درجه ابتدائیه که نتیجهٔ خیریست از نتائج حسن نیات و برکات اعلیحضرت پادشاه اسلام خلدالله ملکه و مدظله از کلام «راقم».

(قصیده)

تا زمین است و آسمان باشد
دوری از مهر و مه نشان باشد
این سپهر وسیع و چرخ رفیع
تا مزین باختران باشد
تا سموات از گروه ملک
تا زمین پر ز انس و جان باشد
تا در اقصای عالم ملکوت
ذکر و تسبیح قدسیان باشد
تا بمحرابه مسجد و منبر
یاد حق ورد هر زبان باشد
تا باوج فلک ز گردش و سیر
ماه و برجیس را قران باشد
تا بروی زمین ز تابش مهر
رونق باغ و بوستان باشد
تا وقوع بهار و تابستان
تا ورود دی و خزان باشد
تا فصول چهار گانهٔ دهر
متعاقب درین جهان باشد
تا ظهور لیالی و ایام
متوالی بهر زمان باشد
چمن تا که در فصول بهار
گل و نسرین و ارغوان باشد
خلد و بید مشک و نیلوفر
نرگس و ورد و ضیمران باشد
تا به بستان دهر در لب جوی
سرو و شمشاد در افشان باشد
تا ز اهتزاز نسایم سحری
تا معطر مشام جان باشد
بلبل از شوق در روی گل هر سال
تا نوا سنج گلستان باشد
تا بگلزار عند لیب و هزار
مترنم بداستان باشد
یارب این خسرو زمان محفوظ
ز آفت آخر الزمان باشد
ملکش از دستبرد کفر و ضلال
وز بد فتنه در امان باشد
گشت آنخسرو یگانه مدحت او
ورد هر پیر و هر جوان باشد
آشکارا به سراج ملت و دین ،
نامور در جهانیان باشد
نامی او ، حبیب الله ،
بصفت نیز هم چنان باشد
عاقل و عادل و جواد و کریم
در دلش رحم بیکران باشد
حامی سنت رسول کریم
ماحی بدعت جهان باشد
شاه رو شن دل که باتدبیر
پیر و ، باهمت جوان باشد
دارد از بس مکارم اخلاق
خلق را از وی امتنان باشد
بر صغیر و کبیر بر که و مه
از دل و دیده مهربان باشد
در گهر پاشی و زر افشانی
دل و دستش چو بحر و کان باشد
مرحمت کیش و پیشوا یان را
در دم جود زر فشان باشد
مرحمت های خسروانهٔ او
مرهم ریش خستگان باشد
در قوانین معدلت دایم
حکم او نافذ و روان باشد
امرش از مسلک صلاح و سداد
سر موئی نه بر کران باشد
توسن نیتش بمنهج خیر
با دسیر و سبک عنان باشد
رخش همت بی ترقی ملک
دانش هر طرف جهان باشد
که بمیدان صنعت و حرفت
که بدو زینت جهان باشد
که بجولانگه علوم و فنون
تا که در جسم ملک جان باشد
یک طرف کارخانها برپاست
تا وطن مستفید از آن باشد
از سلاح مروج عالم
که بدو ملک را امان باشد
وز قماش و دگر متاع معاش
آنچه معمول این زمان باشد
وانچه اندر زمانهٔ موجود
دهر را اقتضای آن باشد
تا وطن خود دهد باهل وطن
نی که محتاج دیگران باشد
یکطرف شد بنا مدارس علم
که بتعلیم را بکان باشد
تا باولاد ملت از تحصیل
نعمت علم بیکران باشد
تا که هر فرد قوم از ین فیضان
مفتخر در جهانیان باشد
تا کفایتای ملت از تعلیم
فیض علم و هنر عیان باشد
وسعت رزق را سبب گردد
عز و توقیر را ضمان باشد
هر پدر از تمتع فرزند
خوش و مسرور و شادمان باشد
بسکه ترویج نیک داده بعلم
خلق را فکر نی چنان باشد
گر برای تعلم و تدریس
وانچه لازم حصول آن باشد
طرز خاصی بروی کار آید
تا که آسانیٔ در آن باشد
خاصه تعلیم ابتدائی را
نه تعلق بکو دکان باشد
بلکه هر یا از صغیر و کبیر
متمتع ز فیض آن باشد
بزمان قلیل فیض کثیر
حاصل عمر طالبان باشد
زانکه هر علم و هر کمالی را
شرط اول نوشتخوان باشد
مر عروج کمال صنعت را
اولین پایه نردبان باشد
علم هر گز نمی شود حاصل
تا که کس را رهی بدان باشد
راه آن خواندن است و نوشتن
ورنه کی بهره از آن باشد
می شنیدم که زین وطن مردیست
که بر از فهم و کاردان باشد
طرز تعلیم ابتدائی را
کرده ایجاد و آنچنان باشد
که بعهد تعلم چل روز
شخص ناخوان سواد خوان باشد
نه چهل روز کامل که درو
صبح تاشام درس آن باشد
بلکه هر روز چار ساعت آن
صرف تعلیم طالبان باشد

مبتدی بعد ازین زمان قلیل   مستمند بهر امتحان باشد
بنویسد مرا نجه بر کونی   خواندنش نیز همچنان باشد
ازسیاق رقوم و هندسه نیز   نا قصدری حسا بدان باشد
بشنیدن مرا عجب بود   کاین تعلم هلا جسا باشد
تا تلا مید آن دبستان   که مرادوری این بیان باشد
متعدد بچشم خود دیدم   کنه وهم است و نی گمان باشد
بعد دیدن مرا یقین افتاد   کانچه بشنیده‌ام همان باشد
اینهم ازحسن بخت شاهی است   کاین اثرهای خسروان باشد
وین متاع گران بهای ثمین   که مساوی بنقد جان باشد
شدبیا زار معرفت پیدا   که همه سودنی زیان باشد
خاصه کاین فیض خاص عام شود   متداول بمرد مان باشد
تا دراندک زمان بمملکتش   خلق باجمله نامه خوان باشد
هیچ امی نماند اندر ملک   نی ازو نام و نی نشان باشد
زین نمط گر سخن سرا گردم   کی تمامی درین بیان باشد
زانکه افزونی محامد شاه   آشکار است کی نهان باشد
الغرض آن ملکی که رمز او   انجنین نیک مرزبان باشد
به که من باز درد ها کوشم   تا مرا طاقت و توان باشد
اینک یال های را فت تو   بر سر خلق سایبان باشد
خواهم از کردگار اینکه ترا   عمر بر کام دوستان باشد
در دم هیبت و صلابت و کین   تیغ بر حلق دشمنان باشد
سر دشمن که پای مالت باد   مورد خنجر و سنان باشد
دایم از بیم سطوت عدلت   گردن سرکشانرا شبان باشد
سر وران زمانه را بدرت   سر طاعت بر آستان باشد
نقش محراب ومنبر و علمت   برتر از فرق فرقدان باشد
گرچه جاوید نیست مدت عمر   مر ترا عمر جاودان باشد
عمر جاوید چیست نام نکو   کز تو در صفحهٔ جهان باشد
ابتدا ازمن است و آمیش   زبان فرشته کان باشد
بسلیمان چو مور پای ملخ   تحفهٔ بی رضا عیان باشد
جونکه گر تحفه نیست در اقران   ازوی این قطعه ارمغان باشد
تابماند بیاد گار از تو   نام نیکی که اندران باشد

(مکتوب)

(السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته)

جناب مستطاب ادیب فاضل — و لبیب کامل مدیر روشن ضمیر سراج الاخبار مبارکه افغانیه‌را حضرت حق تعالی جل علاشه سراسر فرحت دارا داد — الحمد لله تعالی که جناب ادیب شما از جهة تمام خوادی دولت ، و بهبودی ملت اسلامیهٔ خود مستعد بالخیر میباشند وکرهمت التیامی ملت اسلام خودرا بکمال زحمت ومشقت تنگ برمیان بربسته شد . لهذا بتاریخ ۲۲ رمضان المبارک سنه گذشته پارس شیل بخدمت جناب ادیب خود بنده نکاشته بودم وبخدمت برادران دین و هم وطنان مقدس اسلام خود عرض عاجزی خودرا کرده بودم که یعنی بزرگ ترین معدنیات دنیا در مملکت مقدس ما امکان بدر خواهد بود زیرا جبالات محیهٔ رنگارنگ وشواهق های غریبه خوش‌شکل . ولدیت عارض مزروعی بکثرت کان است [هرگاه برادران دین و اهل وطن مقدس عزیزما که در اطراف واکناف وطن مالوف خویش بامورات مختلف مأمور و موظف میباشند یاد آوری شان گردیده حتی المقدور سعی وشری خودها را مهربانی کرده تجسس وتشخیص نمایند بلکه خداوند جل سبحانه یک وسیله خیرسازد که برای دولت وملت اسلامیه ما یک نتیجهٔ استفاده ترقی بعمل ورود بکار آید] چنانچه آنجناب ادیب کامل ازروی خیر خواهی ومسلمانی بشمارهٔ سوم سال چهارم اخبار گهربار درج صحایف الابصار تزئین فرموده بودند ، وبنده افسوس میدارم که ترقیاتی که ازمعدنیات بدیگر دولتهای خارجه پدید میاید ، در مملکت مقدس عزیزما نسبت بوسعت خاک ، وکثرت جبالهای سردر افلاک درق هزار یک هم تصور نمیشود ، ای محب اسلام مثال مشهور است که سخن واعظ بی عمل هیچ قدر وقیمت ندارد ، بلکه درمعرکهٔ محافل هم قابل استماع نمی نماید ... بناءً علیه بنده که درسمت جنوبی دفتر خودم نهایت گرفتار وظیفه خود بودم ، لاکن اکثریه برادران دین ووطن مقدس عزیز خودرا ترغیب دادم که بهرجا که سنگ عجیب بنظر شان برخورده برای کتبه ارسال دارید چنانچه برای عالیجاه بیرلانجان کرنیل ملکی جدرانی ، در بعضی جبال جدران ، رسم از جانب خود نوشت کرده بودم که مسموع گردیده‌ام که در (سور کوخ) جدران معدن توانگر (سرب) وسرمه موجود است وهرقسم سنگ وخاک محیه که دستیاب گردید برای من ارسال دارید ، زیرا خدمت دین و دولت اسلام برهمه مسلمانان فرض وواجب است ، همان بود که بیرک خان الصداقت فطری که بدولت باسعادت اسلامیه خود داشت نمونه ازسنگ سرب وسرمه از سور کوخ جدران دستیاب کرده معه نمونه [ابرک] بسیار اعلی که مثال ورق نقره شعاع آن می نماید ، برایم آورده تسلیم نمود ومعدن های مذکور ازاقرار اظهار بیرکخان موصوف بسیار توانگر است ، وهنوز دربعضی معدنیات دیگر مانند مس وطلا ساعی میباشد که اگر خدا جل علی بخواهد دستیاب ومفتوح گردد — ونمونه دیگر که قسم سنگشاه مقصود نمی باشد ودر دوام‌استکبار جکنی معدن توانگر دارد ، وقرار اظهار عالیجاه سعادت خان حاکم جاجی وجکنی کمی قدری هم را بم جاری در پشاور فروش دارد ، ونمونهٔ آنرا برای این چاره عاجز ارسال داشته بود — ثالث یک قسم سنگ دوم ابرک طلائی نما مایل برنگ بسته‌ئی که سنگ آنرا جناب مستطاب ناظم صاحب ازکوه (لکن) خوست دستیاب کرده برایم آورده بود — رابع بخصوص معدن نمک مسموع گردیده بودم که در دره کوتل شهر ، کان است وچند دفعه ظاهر شده وباز نهان شده اکنون در تائید مسموعی بنده عالیجاه بیرک خان جدرانی هم شهادت داد بلکه اظهار کرد که خودمن نمک آنرا که‌ه ودوام ، بتاریخ پنجشنبه ۲۶ رجب المرجب بنده که از گردیز عازم دار السلطنه مبارکه می‌شدم ، بدوام رفته از نزد جناب ناظم صاحب رخصت خودرا معه جناب شاه دوله خان سرهنگ سمت جنوبی ومفرزه گرفتم ، واز بیرک خان جای نمک‌را تعین کرده نشانی جای آنرا گرفته عازم ورواده کوتل شهر شدیم ، در حدود خلعهزاره که رسیدیم ازخرخ بکری آنجا که حالا خرابه است موازی دو صدو پنجاه قدم مقدم نشانی کرده بود که یک شیبه میباشد ، زیرا در حدود شیبه که وارد شدیم رفیق‌های راهما وداع کرده عازم اردو گردیدند ، بعضی برادرهای ما دران روز حکم دیوانگی برین بیچاره عاجز مینمودند ، که نجم الدین دیوانه شده که درین شیبه های مهیب ازراه چپ میرود ، اول دستیاب ممکن ندارد اگر دستیاب شود دنیا چه‌تعلق دارد ، بنده بجناب سرهنگ موصوف تکلم کرده گفتم بلی بعضی ازبرادرهای ما گذشته ازشهامت طریقه حب‌های وترقی دولت اسلامیه را نشنیده‌اند ، وذالک شانهم

پهلوی ورزی ملت خود را بخشیده ، محروم مانده اند فی الحقیقت ملت نباشند که ملازا لوم مینمایند ، لهذا حقیقت چنین است که هر انسان ، وملک وجدان، بشرط ثبت بهبودی محتوی بر تعالی دولت وملت اسلام خود هرقدم که بجانب خیر بنهد وعازم گردد حقیقتاً عبادت بنماید واجباناً اگر شخص بخدمت دین ودولت ووطن خود بناحق قتل رسد زهی سعادت آن شخص که فدوی دولت وملت اسلامی خود گردیده موجب سزاوار (ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احیاءٌ ولا کن لاتشعرون) گردد . خلاصه مدعا در اول شبهٔ دست راست کنار آبادی خاك هزاره بقدر پنجصد قدم مجملاً مجرا شبه بعدت دارد ، رفته افتاش کردیم درك کرده نتوانستم . ثانی از آن شبه خارج شده شبه دوم که در جوار آن کان بود رفته معاینه کردیم مشتبه نشد مگر خاك جگری تا بکثرت داشت . ثالثاً از آب دره گذشته بجانب یسار که در شبه آسیاب بود . از آسیابان جویا شدیم و بلکه رو بیدم وعده کردیم از چشمه شور و کان نمك انکار مطلق نمود . بعد در شبه بالا شدیم هرقدر که تفحص کردیم میسر نشد . و آب که ازراه مترشح میشد شیرین بود . ولیکن شبهٔ ما در آن شبه اضافه شد زیرا که هم یسار آن شبه ازهم جدا جا بجا معاینه میشد . ظن برین میشود . که کان نمك در تحت آن حاصل باشد زیرا که در زمان برف وباران احتمال مایع شدن روی آن دارد . شواهق های خاك ازجهت کرو به نزول است از حدود خود تجاوز حاصل کرده جا بجا میشود والله اعلم — رابع ازان شبه نیز مراجعت کرده در شبه سوم همین بالا شدیم در آخر آن شبه دو خانه نزدی به نظر بچاره ما برخورده در آن موقع رفتیم . دو نفر زن و یك صبیه معهٔ یك نفر پیرمرد بود ، اکنون از نزدی های خود برای ما یان دوغ آب آورده تقدیم کردند . دوغ آب را تناول کرده مر هنك صاحب را گفتم که شما از دختر مذکوره جویا شوید که ناخوش دارم . آیا چشمهٔ شور درینجا بکجا می باشد که یك بوتل آب کار داریم چون مثال مشهور است که راستی را ازخورد جو یا شوید که صبیهٔ مذکور بیان کرد که ازین شبه را مدید و در روی شبایان چین خورده است چشمهٔ شور درانجا موجود است و ازانجا بجانب یمین شما یك شبه که جوار این شبه است بروید در آخر شبه پیش روی شما غندی میباشد که زهای ما سنك های آنرا می لیسد این بچاره و مر هنك صاحب رفته ملاحظه کردیم که از غندی مذکور آب ترشح می نماید و آب آن در سنك بقسم نمك منجمد میشود . مدعا از سنك های او چند دانه نشانی گرفته عازم شدیم . وجاییکه تخته های نمك دار دخورد بیرانخان خبر دارد وکان نمك درانجا یقین است حالا اینك نمك از ترکستان دولت قوی صولت خداداد افغانستان بچقدر مسافت بعید بدار السلطنه مبارکه می آید هرگاه این معدن مفتوح گردد هیچ شبه نیست که بسیار فایده عاید بدولت باسعادت اسلامیه ازجهت قرابت طریق تمکن پذیر خواهد شد . ای محب اسلام ازان شبه برگردیده بطرف دست راست بطرف کوتل تهره می آمدیم در سر کوتل که رسیدیم بطرف دست چپ سنگهای زاغ رنگ که بتل شیشهٔ بوتل سیاه مشابه دارد درو قتیکه از دار السلطنه در سنهٔ گذشته بارس نیل رفته بودم سنگهای او نیز جالب نظرم گردیده بود چنانچه نمونهٔ آنرا باخود داشتم کینه از اسب نزول گردیده در تفحص گردیدم دفعهٔ یك عروق ازرق سنك زنگ تا مشابه سنك مس به نظر عاجزم برخورد و قدر نمونه آنرا نیز باخود گرفتم — مدعا که حدود مذکور بدون تاثیر نخواهد بود زیرا سنك عجیب و غریب دارد — خلاصه والحاصل بتاریخ یوم شنبه ٦ شعبان المعظم هشت رقم نمونه های موصوف را بحضور فیض ظهور جناب مستطاب ، بیدار سعادت شعار معظم وحضرت عالی شهزادهٔ جوانبخت مکرم (معین السلطنه) صاحب دام اقباله وطول عمره تقدیم نمودم ، وحضرت باسعادت عالی محتشم بکمال فرحت منظور انظر عاطفت ظهور خویش فرمودند ، وحجرهای مذکور را تحویل عالیجاه شیرجان خان عنایت نمودند . . . . . سبحان الله حضرت باری تعالی جل علا بفضل ومرحمت بی نیازی خود ، بوجود سعادت آمود حضرت شهزادهٔ ممدوح چنان ذات افکار درخشان ، و فطانت علوی احسان فرموده که نوشتهٔ اجزاءٔ این عاجز بیچاره گنجایش توصیف شرح آنرا در خود نمی بیند که تفسیر نماید زیرا در آن روز سعادت افروز نطق های مؤثرهٔ از منبع حب وطنی واتحاد ملی وصداقت بدول اسلامی ومرحمت های پدری اعلیحضرت شهریاری عنوان فصاحت و بلاغت ابلاغ فرمودند که نطق های مبارك شان مانند جذبهٔ مقناطیس بت آرای قلوب های صداقت مجلوب اهالی حاضرین گردیده و حواس عالم انسانی به ترقی استقبال درخشان مآل دولت باسعادت اسلام متحمس میگردید (اللهم دفزد) آمین ، ای محب اسلام هرگاه ما ملت افغان یعنی جمیع رعیت که بخاك پاك دولت قوی صولت خداداد افغانستان متمکن وماوقیم وباسم افغان کسب شهرت داریم وفخر مینمائیم ، خوشحالا فرداً فرداً فدای این دین مبین اسلام خود وجسم جسم اصدق این چنین پدر مهربان پادشاه ترقی خواه خود کنیم ، هنوز در دائرهٔ حساب السابقت قاصر خواهیم آمد ، زیرا شخصی اگر در مدرسه مبارکه دار العلوم حبیبیه ویامکتب دار الفنون حربیه سراجیه ویادیگر مدرسه های متعدده ویاشفاخانه مکمله وغیر وغیره ، که از توجهات جهاندر حانت عالیه شاهانه ایجاد وبنیاد گردیده رود معلوم بتواند زیرا معلم ومدارس درپش وکتاب رایگان بخشش واحسان نان ومیوه دره کتب حربیه سراجیه بالا تخواه اضافهٔ راز رای محتاجان سبحان الله آیا کدام پدر خواهد بود که در حق پسر چنین دلسوز مهربان باشد بلی بلی پدر رعیت اسلام شهریار عدالت قرین ترقی خواه مسلمین اعلیحضرت سراج الملة والدین است ومذکرین آن خائنین

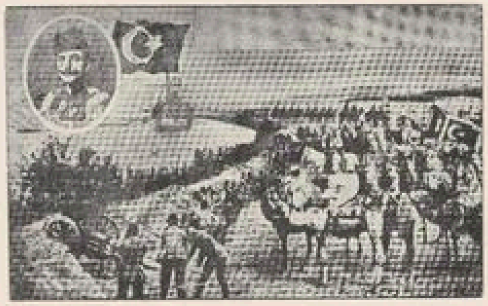

علم ظفر پرچم ، وناظر حربیه حضرت انورپاشا

یك منظره از جنگهای کانال سویس : عسکر نظامی دولت علیهٔ عثمانیه ، وعسا کر شتر سوار اعراب در کانال

پرنس فردریک ویلهلم حضرتلری
ولیعهد دولت المانیا که سرافسر کل اردوی رزمگاه عزیز
دولت مشار الیه میباشد وازمدتیست که مقابل اردوهای
عسکریهٔ دولتهای انگلیز وفرانس بکمال موفقیت
شان وشرف مقاومت ومظفریت را احراز میکند

ملت مسلمین است .... زیاده از حضرت ایزدی جل علا شاه سلامتی ذات قدسیت صفات پدر حقیق وترقی خواه ماسلطان المسلمین اعلیحضرت (سراج الملة والدین) معه دودمان شاهی مبارک شانرا بخشوع وخضوع نیاز والتجا دارم که تا سالهای دراز سایه عاطفه مبارک شانرا از روس ملیان ملت افغانستان کم وکوتاه نگرداناد وجناب ادیب لبیبا کماحسن ترقی اصول انسانیت است نیز صحت پرمسرت داراد که از تحریر خردمندانه وتقریر هوشمندانه عایدهٔ شان ما ملت اسلام ازنوم کسالت انتباه آگاه گردیم تاموجب سعادتمندی وفیروزمندی مایان گردد آمین کتبه نجم الدین دفتری ناظم حضور معلی مخلص جناب ادیب شما فقط

حوادث خارجیه

درین دو هفته چون اخبار های اوروپا وارد نشده درین شماره ترجمهٔ خبر های آن موجود نشده است . اما نطق صدر اعظم المان جناب (بتمان هولوغ) را که یک نطق تاریخی ودارای بسی معلومات سیاسی میباشد از جریدهٔ فریدهٔ (رعد) عیناً نقل نمودیم . تایک سرمایهٔ تاریخ شمرده شود . وچنان خیال کرده ایم که نطقهای مشهور مشاهیررا پیدرپی درج صحایف کنیم انشاءالله .

نطق دکتر بتمانهلوک سانسلیر آلمان

در رخشتاغ

کلیات اوضاع فعلی

آقایان — در وقتیکه نیرومندانه متصرفات میدان مغرب را محکم دردست داریم . درزمانیکه در داردانل وسرحدات ایطالی امواج یورشهای بیهوده دشمنان درمقابل سنگهای خاره رشادت عساکرما درهم میشکنند (احسنت احسنت) ورود درعرصه سال دوم جنگ در میدان مشرق فتوحات جرئت انگیزی برای ما حاصل کرده است که ازحیث عظمت ش بافسانه ها وقصص سالفه است (غریو هلهله در نمایندگان وحضار ازخدای متعال شاکر باشیم (آفرین آفرین) ازامپراطور ممنون با قوه مدرکه وکفایت فرماندهان کلرا تقدیر نمائیم (احسنت احسنت صاحب منصبان وسربازان خویش را سزاوار امتنان دانیم (غرش احسن وزنده باد) از وضعیت اداره مملکت قیصری شاکر باشیم درجات اجتها آلمان ازصدر تاذیل جزء . وکل بطوری که انتظارمی رفت تمام وسائ وموجبات برای مقابل باوضعیات لازم بود بحد اکمل فراهم کرد (هله های طولانی احسنت احسنت)

امپراطور متبوع ما دراعلامیه مورخه ۳۱ ژوئیه حالات روح واحساسات ملترا کاملا تذکار داشته است وکلمات محکم وروحانی که حقایق آنانرا مشهور میداشت وهیجان اطمینان آمیز دروقت درقوای تزلزل ناپذیر داخله مملکت ووسایل مختصه ملت واتحاد م انعکاس بزرگی درتمام نقاط آلمان شیرین دنیا نمود .

سال دوم است که ملت آلمان بااطمینان باری تعالی وبااتحاد قو مملکت امپراطوری با ارادهٔ راسخ دراطراف قیصر جمع ومتحد ش وحکومتهای متحده آلمان برای این جنگ که برای هریک نفر آلمان ج مقدس محسوب است حاضر بفدا کاری شده ویک صلحی میخواهند برای تمام ملل دنیا راه آزادی وترقی وتوسعه معارف را بازنماید.صلح که بملت آلمان تضمیناتی بدهد که درآینده دشمنان هیچ گونه خطر قوه مزاحمت باو را ندارد .

« فریادهای هورا شانسلر »

آقایان نمایندگان از زمانیکه پارلمان تعطیل شده تاکنون که اکنون میاید وقایع فوق التصور عظیمی در دنیا عرض اندام کرده است .

مارشال فون هیدنبورک
جنرال مشهور ومعروف دولت المان که فاتح بهادر ممالک روس میـ

مسائل سیاه فرانسه که مرتبًا خوار شمرده و در فداکاری نفوس خویش افراط نموده و از هیچ نوع فداکاری مضایقت ننمودند که صفوف را از هم دریده و سیاستهای آنجای تن ثابت‌قدمت و بی نتیجه مانده و در مقابل مقاومت دلیرانهٔ عساکر ورودستها فائده حاصل نکردند .

ایتالی که خیال می‌کرد بسهولت مستعمرهٔ سال همسایه خود را ببرد و چشم طمع به املاك دیگران دوخته بود با نهایت شجاعت دفع کردید با وجود آنکه عده نفرات وی در مقابل اطریش زیاد تر بود تلفات نفوس بیشتر تحمل کردند .

در « داردانل » عساکر نیرومند ترك طوری مقاومت نمودند که دوش را مغلوب نشدنی معرق کردند .

لیکن ما هم در این مدت رو به حمله و تعرض بدشمن را اختیار کرده و در هر طرف خصم را مغلوب و لکد کوب فتح نموده و با متحدین خویش که عده از دیگری ممالك « کالیسی » « لهستان » « لیتوانی » « کورلند » « والکرود » و شهرهای « لوبلین » « ورشو » « کوونو » و غیره را تحت تصرف خویش در آورده‌ایم .

با قدم‌های ظفر مندی در داخل ممالك خصم رفته و خطوط ماقبلا و حصارها و دیوارهای سدی است که دشمن قدرت گذشتن از آن را ندارد و قشون‌های جدید و نیرومندی اکنون در تحت اقتدار داریم که حملات ابتلا جویانه جدید را بهر طرف بخواهیم متوجه می‌سازیم .

در نهایت اعتماد و اطمینان بعساکر ظفرمند خویش آینده را در کمال متانت و انتظار و بدون ترس و ورود مشاهده می‌نمائیم . در میان گیرودار این جنگ به ممکن الظفار حق شناسی خویش را بممالك مجاور متوجه میسازیم که در خصوص تبادل اشخاص غیر نظامی و مجروحین اقدامات نمودند

حملات بر علیه متحدین

دشمنان ما مسؤل و مرتکب حقیقی این همه سیل‌های خونی هستند که از ابتدای وقوع شر جاری است که غیر از فریب دادن ملل خویش کاری نکردند در همان زمانیکه مغلوبیت‌های خود را قدرت انکار ندارند فتوحات ما را وسیله پرتاب گردن تهمت‌های جدید بطرف ما قرار داده‌اند .

مثلا چنانچه در همان سال اول ما واقع شده ایم می‌گویند که آلمانها ماه‌های مدید محرمانه مشغول تدارك این جنگ بوده اند و خودشان بی گناه و معصوم و غیر از عشق بصلح و سلامت حاضر برای کار دیگر نبودند .

(تبسم و خنده های استهزا آمیز حاضرین) آیا بخاطر دارید که مقالات جنگ جویانه که وزیر جنگ روس در بهار سال ۱۹۱٤ اشاعت میداد چه لهجه داشت و رجز خوانی که تدارکات روس برای جنگ کامل شده تا چه اندازه بود .

آیا شما نمایندگان در نظر دارید که با چه لحن و زبانی فرانسه‌ها در سنوات اخیره و با چه مسلك هیجان آمیزی صحبت می‌کردند؟

شما خوب میدانید که فرانسه هر وقت پول بروسیه قرض میداد شرط معهودی این بود که قسمت عمده از این وجوهات بایستی بمصارف تدارکات و مهمات جنگی مصروف شود .

« سر ادوارد گری » در سوم اوت که شب آن اعلان جنگ داده شد در پارلمان چنین اظهار میدارد :

« با این قوای بحریه مقتدر چنانچه ما اشتراك در جنگ جوئیم مخارج ما فقط یك مبلغ کمی فرق دارد تا انکه بحال بی طرف بمانیم

وزیری که در شبی که می‌خواهد اعلان جنگ بنماید این چنین جدی و از روی اطمینان حرف زند آن هم مثل « سر ادوارد گری » که پولتیك دوستان خود را هم اداره میکرد مسلما بدون اطلاع از تدارکات عظیمه جنگی مؤتلفین ابدا این طور مطمئنا نمی توانست نطق نموده

خود انگلیس این افسانه موهوم را کنار گذاشته که فقط برای خاطر بلژیك داخل جنگ شد چرا که دیگر هیچ کس بی‌ماخذی این ادعا را درك کرده بود . ایا دیگر بیچاره ملل می‌توانستند فریب خورده و این ادعای انگلیس و دوستان او را باور نمایند که برای حمایت ممالك صغیره و حفظ نظر تمدن اشتراك در حرب جسته است ؟

انگلیس تجارت و روابط ملل بی طرف راحتی الامکان در دریاها حفظ مینماید و جهازات آنها را مجبور می‌سازد که اعضای انگلیس را سوار کرده و مطیع دستور آنها باشند . انگلیس بدون ذره تردید جزایر یونان را عدوانا تصرف می‌کند چرا که عملیات نظامی او و دوستانش لازم است و می‌خواهد یونان بی طرف را مجبور سازد که اراضی خصوصی و ملك خودش را به « بلغارستان » بدهد برای آنکه اورا بتواند شریك جنگ سازد

در « لهستان » روسیه با متحدین خویش برای آزادی ملل جنگ می‌نماید (خنده حضار و نمایندگان) در حین فرار و عقب رفتن آن مملکت بی گناه را ابر خانه ویران میسازد و تمام قراء و قصبات رعیت بدبخت را آتش زده محصولات آنها را لگدمال و نابود می‌نماید اهالی بیچاره را از یهودی و عیسوی مجبور از انجا کوچانیده و به نواحی بعید و ویران میفرستد این است معنی تمدن و ازادی که دشمنان ما برای آن جنگ مینمایند .

المان و انگلیس

وقتی که « انگلیس » مدعی حمایت ممالك صغیره و ملل ضعیفه دنیا میشود از این غفلت میکنند که یادگارها و تخطرات تلخ و نا گوار آزوی در خاطر دنیا نقش بسته است

در سال ۱۹۰۲ انگلیس با جمهوری های صغیره « بوئر » « ترانسوال » را ضمیمه خویش کرده و سپس نظرات خود را به « مصر » دوختند در حالی که انگلیس رسما و صریحا قول داده بود که « مصر » را از قوای خود تخلیه نماید

همین انگلیس آزادی « بوئر » بوده که بوی پیشنهاد کردیم اگر بی طرف باقی بماند ما هم استقلال و تمامیت بلژیك را تعهد مینمائیم با کمال سربلندی جواب داد که تعهدات خویش را در موضوع بی طرف بلژیك نمی تواند اسباب چانه زدن قرار دهد و صرف نظر از قول خود کند .

همین انگلیس بود که بدون پروا و آزرم در تقسیم ملك دیگران با فرانسه تعهدات خود را در مقابل تمام اروپا باد فنا فراموش کرده و معاهده با فرانسه بست که « مصر » مال انگلیس باشد و « فرانسه » « مراکش » را برای خود سهم برد .

راجع بایران

در سنه ۱۹۰۷ با روسیه از در موافقت در آمد و بوسیلهٔ عهدنامه تمام جنوب مملکت « ایران » منطقه نفوذ و منافع انگلیس شد و قسمت شمالی آن مملکت عرصه جولانگاه قزاقان آزادی بخش و حریت پرور روس نمود . (خنده حضار)

⁂

دولی که مثل انگلیس وروس چنین سیاست طمع ورزانه بحقوق وهستی ملل صغیره را تعقیب مینمایند حق ندارند دولت ومملکتی را مثل آلمان که مدت ٤٤ سال ابدا چشم طمع بملك دیگران ندوخته وتوسعه اراضی را درنظر نداشته وصلح اروپا را حفظ کرده متهم بمسلك جنگ جوئی نمایند درصورتیکه خودشان دائما اراضی دیگران را بقهر وغلبه تصرف میکردند وملل صغار را تحت رقیت درآوردند واقعا شیوه ریاکاری وسالوس است! حقیقتاً باید شرم کنند. شواهد قطعی راجع بتمایل انگلیس درحدوث جنگ دراوراقهای وزرای بلژیك بدست آمده است! اگر راستگو هستند برای چه اسناد را درپاریس وپطروگراد درتحت حجاب استتار نگاهداشته اند و خوبست ملل آنها اسنادی را که در باب مذاکرات محرمانه اتاشه نظامی انگلیس ووزیر جنگ بلژیك اشاعه داده ایم بخوانند ومسؤلین جنایت خونریزی بین المللی را در وجود زمامداران خود بشناسند.

بلی از مشاهده آنها تمام ادعاهای دشمنان که میخواهند خودشان را معصوم وما را جنگ جو ومتعدی جلوه دهند باطل وضایع میشود.

آیا سیاسیون آلمان ازاین حوادث سری اطلاع داشتند ویا آنکه عمدا چشمهای خود را ازمشاهده حقایق بسته بودند؛ خیر هیچ کدام نبود. بمن بسبب کم هوشی وعدم بصارت دررویه سیاسی دهند بهتر است تا بگویند برای صلح کار نکرد چرا که بااطلاع باین اوضاع باز هم سعی کردم که یك موافقتی با انگلیس بنمایم. خداوند متعال را شکر میکنم که توفیق سعی بمن عنایت کرد حالا موفق شدم آن تقصیر برانگلیس وارد است.

مثل روز روشن است که اگر انگلیس صمیمانه با آلمان نه فقط طالب صلح بود کار میکرد ازاین بلیه عظمی ومصیبت سهمگین که بشریت را عنادا روحیت جامعه دنیا را در آتش انداخته نجات وجلوگیری ممکن بود که در اروپا تصور یك چنین خطری را میکرد آیا من از اینجا هدایت باوجود سنگینی او غفلت کردم؟ بااطلاع بمقصود انگلیس که زمره مرتکب این جنایت می بایستی می شکافت باز هم برای آن ازوی نشستم.

وقتی که مسئله ازجمله نظریات جهان وجهانیان دارای این چنین عظمت فوق التصور میب باشد ورد زبان من چنین بود.

« با خواست خدا هیچ چیز محال نیست »

صلح را ازتعاقل بیشتر میتوانستم نمود هموار نمایم. پادشاه متوفی انگلیس ادوارد دائما بانیك انفرادی بریتانیا را برعلیه آلمان تقویت میکرد وبعد ازفوت وی امیدوار بودم که مذاکرات ۱۹۰۹ ما منجر بنتیجه خوشی خواهد شد. مذاکرات بطول میکشید تا سنه ۱۹۱۱ وسپس درآن سال مداخله جدی انگلیس درمذاکرات بین فرانسه وآلمان درموضوع مراکش تمام عالمیان نشان داد که پولتیك برای سیادت وتسلط دنیا چگونه وبچه اندازه صلح عمومی دنیا را تهدید مینماید

همان وقت ملت انگلیس کاملا فهمید که پلتیك مادا را [illegible] به متمدیانه است وبعدا رفع غائله بحران ملتفت شد جری عائده بود که در گرداب خطر خیز جنگ بین المللی عوض [illegible] نبود آن وقت در مقامات مملکتی وی یك حس تمایل ایجاد شد [illegible] روابط خود را با ما که مانع از حدوث اقدامات مسلحه دنیا شده بود دوم بالفت برقرار سازند.

مأموریت لرد هالدن

دراین موقع « لرد هالدن » وزیر جنگ انگلیس در فصل بهار ۱۹۱۲ ببرلن » آمده وبمن اطمینان داد که انگلیس صمیمانه [illegible] موافقت [illegible]

لاکن بودجه بحریه ما راجع بتزیید قوا موجب اضطراب شده است من ازوی سؤال کردم که آیا اتفاق با آلمان که حفظ جنگ انگلیس با آلمان ممتنع میسازد بلکه خطر احتمال جنگ ازاروپا مرتفع میکند بقدر دو « درید نوت » که آلمان کمتر یا بیشتر بسازد زیاده بر آن قیمت ندارد.

لرد هالدن برای همراهی کردن بانظریات من شاید حاضر بود ولی از سؤال کرد که چنانچه آلمان از صمیمیت انگلیس اطمینان حاصل آیا برای استحلال فرانسه مبادرت بجنگ بوی نخواهد نمود.

من جواب دادم پلتیکی را که آلمان چهل سال است تعقیب آیا چنین سوء ظنی را می تواند مرتفع داشته باشد وچنانچه آلمان قبیل خیالی را داشت وصلاح دران؛ ارث پیشه را می خو اتخاذ نماید درموقع جنگ « ترنسوال » یادرموقع جنگ روس وژا بهتر موقع را میتوانست اختیار نماید. آلمان که مایل بوده وهست با فرانسه مجاورت عمل نماید اگر میخواست میتوانست یك مملکت دیگر باشد حمله نماید.

بعد از عزیمت « لرد هالدن » مذاکرات « لندن » تعقیب شده منجر شدن بروابط مستحکمه دائمی از طرفین بدون شرط مربوط تعهدات بین الثنین با انگلیس پیشنهاد کردیم.

انگلیس بعنوان آنکه دوره قدیم تکلیف ما را اداره کرده محدود دیگری نموده آرام قبول نموده وفرمول ذیل را بما تکلیف کرد که پیشنهاد کنیم:

« انگلیس بدون جهت معین حمله بآلمان نخواهد کرد ازپولتیك بآلمان خود داری می نماید

ودر معاهدات ومقرراتی که انگلیس باسایر دول دارد حمله درآن نیست ومعاهده که جنگ با آلمان از مقررات آن باشد بعدها منعقد نخواهد نمود »

بعقیده من بین دول متمدنه ذیل معمول نبود که بدون جهة را مورد حمله قرار داده ومعاهدات باسایرین منعقد سازند که چنین یکی از مقررات آن باشد وبنا بر این قبیل وعده انگلیس که این قسم حمله نماید موضوع یك قرار داد رسمی نیست ومعاهده لازم ندارد.

کابینه انگلیس پیشنهاد کرد که فرمول فوق این عبارت زیاده

« نظر باینکه دولتین متعاهدین میل دارند که بین آنها صلح ودوستی ماند انگلیس ملتزم می شود که بی جهة حمله از طرف او واقع

انگلیس والمان

این تکلیف ثانوی انگلیس چیزی نبود که تغییری در عقیده نسبت بوی بدهد و کان ندادم کسی حق ملامت داشته باشد که چرا کرات را درآن زمان قطع کردم.

بالآخره برای آنکه مرحله قدرت داشتم برای تأمین صلح دنیا کنم بانگلیس خبر داده که حاضر برای قبول آن فرمول هستم اینکه این حمله بروی زیاد شود. متابران چنانچه جنگ برآلمان تحم شود انگلیس مسلك بیطرفی دوستانه را حفظ خواهد کرد.

مراد وارد کردن الحاق این جمله امتناع نموده ود بمجا ما گفت که هم آن را دارد که الحاق این عبارت دوستی انگلیس را در خطر اندازد.

مقصود از این حرف این بود که مذاکرات دیگر فایده ندارد وانگلیس متعهد می شود که بی جهت به حمله نکند لیکن در موقعی که یکی

دوستانش نخواهند با حمله عدیده در اقدامات خود آزاد خواهد ماند. دوما کنون مستر اسکویث در کاردیف در نطق خود بخاطر میآرد که این فرمول انگلیس که بدون جهت آلمان را مورد حمله قرار ندهد برای مصادره امور المان کافی نبود وی میخواستند که اگر المان داخل جنگ شود انگلیس بیطرف نماند. این طرفه از حقیقت مستر اسکویث حقایق را مستور میدارد در صورتیکه ما فقط همین را میخواستیم که اگر سایرین با ما حمله نمایند او بیطرف بماند واین نکته را مستر اسکویث مخفی کرده وحق داریم بگوییم که مشارالیه افکار عامه انگلیس را اغوا کرده است.

چنانچه مستر اسکویث برای ضلالت افکار حقایق را در پرده اخفا مستور نکرده بود می‌توانست در نطق مزبور اشعار دارد که در واقع المان قوای بحری و بری خود را زیاد کرده وی خواست این قول را از ما بگیرد وسپس برای استیلای اروپا مشغول عملیات شود.

نمیدانم نمیدهم چگونه وجدان مستر اسکویث این گونه مطالبی را که خوب مسبوق بود برخلاف تعبیر کرده وبرعکس حقیقت نتیجه آنرا اظهار دارد.

برای این نکته واقعی مزبور را خاطرنشان مینمایم که برعلیه اکاذیب ومفتریات عظیمی که دشمنان ما اسلحه بی تناهی خود قرار میدهند درمقابل تمام عالم وعالمیان پروتست واعتراض کنم.

در صورتیکه باطلاع مقامات ضدالمانی انگلیس هرچه انگلیس ها خواستند بعمل آورده‌ایم باز هم می‌خواهند بوسیله استتار حقایق مطلب را معکوس جلوه دهند.

فرضا که دشمنان ما موفق شوند که این اظهارات را در کشمکش های جنگ ومیان دودهای شور حرب مستور دارند ومقاصد شناعت آمیز خود را در تحریک ملل تعقیب نمایند روزی خواهد آمد که تاریخ قضاوت این وقایع را کرده محکوم ومقصرین حقیق را اعلان نماید.

ماطالب صلح دنیا بودیم

موقع آن رسیده بود که انگلیس والمان موافقت صمیمانه بایکدیگر کرده صلح دنیا را تأمین کرده وعالمیان را از مصیبت جگرشکاف جنگ آسوده سازند ما خواهان آن بودیم لیکن انگلیس نخواست وابدالدهر این لکه جنایت را از دامان خویش نمی‌تواند پاک نماید.

به این فاصله «سر ادوارد گری» و «مسیو کامبون» سفیر فرانسه مقیم لندن مراسلاتی رد وبدل شد که از مفاد آنها اطلاع یافتیم ومقصود آن تعاطی افکار راجع به اتحاد نظامی دائمی انگلیس وفرانسه بود.

زمینه در هرجا تدارک شده وبوسیله قرارداد های جدا گانه بین اما مأمورهای کل قوای بحری وبری دولتین مزبوره اتحاد نظامی مذکور صورت یافت.

این مسئله را نیز مخفی داشته وبه اطلاع عامه انگلیس نرساندند وفقط وقتی که دیگر چاره جز توضیح وصحبت نداشتند در تاریخ سوم اوت روز قبل اعلان جنگ این واقعه را بمعرض اطلاع عامه گذاردند وآنا زمان وزرای دولت انگلیس پیوسته در پارلمان خویش اظهار می‌کردند که دولت «بریتانیای کبیر» در موقع طلوع جنگ اروپا از قیدهر گونه تعهدی آزاد هستند.

انگلیس همین سیاست خصمیت المان را تعقیب می‌کرد تاوقتی که مذاکرات اتحاد قوای بحری انگلیس وروس در بهار ۱۹۱۴ بین امیرالبحری روسیه وانگلیس شروع شده ومذاکرات مزبور برای این بود که امیرالبحری روس در خیال بود که بامداد واستظهار جهازات انگلیس ایالت «پومرانی» المان را فتح وتصرف نماید.

اینک قصد دول ائتلاف که باتمایلات خصمانه وضدیت صریح می‌خواستند آلمان را از حلقه اطراف خود را محصور سازند از این قرار بود از طرف هم ما ناچار بودیم که برای صیانت هستی وحیات خویش مهیا باشیم وبوجه هنگفت تزیید قوا را درسنه ۱۹۱۳ تهیه وپیشنهاد کردم.

روس والمان

راجع به «روسیه» پیوسته عملیات خود را مطابق این اطمینان تعقیب می‌کردم واستقرار روابط دوستانه جداگانه بالهشایی مخالف ملت شاید ممکن شود که شدت کدورت مناسبات را تخفیف دهد.

در مسائل خصوصی سعی نموده وبا روسیه موافقت خوبی حاصل کردیم ومعاهده «پتسدام» را شاهد یادآوری مینمایم وروابط دولتین آلمان وروس دراوقات نه فقط خالی از تکدر بود بلکه رابطه اطمینان های شخصی نیز استحکام می‌گردید.

ولی با این حال تیره گی وضعیات ومناسبات عمومی باین چیزها مختصر تصفیه نمیشد چرا که از یک طرف حیات ائتلاف وانتقام فرانسه ها واز طرف دیگر احساسات جنگجوئی وتمایلات ابدی برای توسعه «اتحاد اسلاو» واستیلای روس پیوسته دائم التزاید بود وبولتیک موازنه قوا را که اعضاء ضدآلمانی کابینه «لندن» تقویت می‌نمودند بیشتر بوخامت اوضاع می‌افزود تمایلات جنگجویانه واشتداد حرارت های درونی روز افزون آنان بقدری درکار ازدیاد وطغیان بود که هیچ مانعی درمقابل قادر بجلوگیری نبود وبالاخره آنچه باید بشود شد وعماله آتش فشان در تابستان ۱۹۱۴ منفجر گردید.

پیشنهاد انگلیس راجع بکنفرانس

در انگلستان حالیه گفته می‌شود که چنانچه من تکلیف «سر ادوارد گری» را قبول کرده وبرای تسویه مشاجرات روس واطریش اشتراک در کنفرانس نموده بودم ممکن بود از وقوع جنگ احتراز بعمل آمده باشد.

تفصیل پیشنهاد کنفرانس این بود که در تاریخ ۲۷ ژوئن ۱۹۱۴ «سر گوشن» سفیر انگلیس مقیم «برلن» به «مسیو ژاگو» وزیر امور خارجه درضمن مذاکرات شفاهی این مطلب را تکلیف کرد و«مسیو ژاگو» به سفیر مزبور خاطرنشان کرد که ترتیب پیشنهاد شده بنظر او شایسته نیست.

ودر خاتمه بوی گفت که برحسب اطلاعات واصله از «روسیه» «مسیو سازانوف» برای تبادل افکار ومذاکرات مستقیمه با «کنت برختولد» وزیر امورخارجه اطریش حاضر است ومستقیماً مذاکرات بین دربار های «پطرسبورگ» و«وین» بهتر می‌توانند به یک نتیجه مساعد ورضایت بخش منجر شوند وبدین جهت به عقیده «مسیو ژاگو» بهتر این بود که منتظر نتیجه مباحثات مزبوره بشوند.

در حقیقت مذاکرات بین وزرای خارجه روس واطریش سر گرفت و دوام یافتند تا رسما بیک تجهیزات عمومی روس شروع شده ومذاکرات دیپلوماسی را قطع کرد

دفعه دیگر با کمال جدیت وصراحت تکرار می کنم که این طفره از حقیقت واین افترای بزرگ که می گویند ما ازقبول پیشنهاد انگلیس راجع به کنفرانس امتناع نموده وبدین جهت مسئول ومرتکب این جنگ شده ایم از همان تمره وزمره بهتان های عظیمی است که دشمنان ما می خواهند در عقب آن پنهان شده تقصیر وارتکاب خود شانرا مخفی سازند .

میدانید چرا جنگ حتمی الوقوع شد فقط بواسطه تجهیزات عمومی روس که برای مقاصد سیئه مبادرت ورزیدند .

اعتماد دارم واطمینان میدهم که ما ازجنگ های این تهمت ها وهم از جنگ های میدان‌های مختلفه فاتح ومظفر بیرون خواهیم آمد واسلحه افترا وحرب ودشمنان هردو ناچیز وزبون خواهند بود .

موضوع مملکت لهستان

افواج فدا کارما واطریش به حدود شرق مملکت « لهستان » سرحد « روسیه » رسیده اند .

در قرنهای متوالیهٔ ماضیه وضعیات جغرافیائی ومقدرات سیاسی آلمانها و « لهستانی » هارا وادار گردیده بود که بین خود زد وخورد و کشمکش نمایند ولی یاد کارها وخطرات این مشاجرات قدیمه احترام ما رانسبت بایشان در مقابل تمایلات وطن پرستانه وجدیت های شایان آفرین که ملت « لهستانی » . تمدن قدیمه مغرب زمینی خود را دفاع میکرده ودر مقابل علاقه وعشق که برای استقلال خویش درعین رنج ومصیبت های شدیدی که در دورهٔ استیلای سخت روس‌ها تحمل میکرده ودر مدت بلای وارده این ملک نیز محبت استقلال را فراموش نکرده است ابدا کم نخواهد کرد .

امیدوارم که تصرف فعلی سرحدات شرق « لهستان » توسط قشون آلمان واطریش برای آن ملت ستمدیده یکدوره سعادت واقبالی را شروع نماید که تمام اختلافات قدیمی ومناقشات قرون سالفه را بین آلمانها و « لهستانی » ها برطرف ساخته واین مملکت محنت کشیده که از زنجیر اسارت ورقیت اطاعت روس مستخلص شده است باقدم های مرتبی بسوی یک آتیهٔ متمشی وسعادتمندی حرکت نماید بطوری که بتواند حیات افرادی واجتماعی خود را تامین ورونق دهد .

ما مملکت مزبور را اداره می نمائیم لیکن حتی المقدور بامعاونت خود ملت واشتراک مخصوص خود اهالی آنجا سعی خواهیم کرد که مشکلات ولطمات آن مملکت را بر طرف ساخته وجراحاتی که روسیه به جسم آنجا وارد نموده است معالجه ومداوا نمائیم .

صلح آتیه

هرقدر جنگ بیشتر بطول می انجامد بهمان نسبت زخم‌های بزرگ که خون اروپا ودنیا را روان می سازد واوضاع تأثر آمیزی زیاد تر خواهد گردید دنیائی که پس از خاتمه جنگ در مقابل انظار بشر عرض اندام می نماید آن دنیائی نبایستی باشد و دنیائی نخواهد بود که دشمنان ما خیال میکنند . خصمان صلح ما درخیال هستند وانتظار دارند که وضعیت اروپا را بطوری برقرار سازند یک آلمان ضعیف وعاجزی که تقریبا حراج کرد

یک روس مهیب وتنومندی باشد .

خیر ! خیر ! این طور نبایستی بشود . این جنگ جهانسوز سهمگین ابدا ترتیبات سابق و وضعیات قدیمی را دو مرتبه اجازت تشکیل نخواهد داد

اروپا نمیتواند بصلح نائل گردد مگر بیک آلمان مقتدر ومغلوب نشدنی . پولتیک موازنه وتعدیل قوا که انگلیس تعقیب میکرد بایستی از صفحه سیاست جهان معدوم شود چرا که همان پولتیک است که اخیرا بقول نویسنده وشاعر انگلیسی « مستر شاو » مرکز مفاسد ومطلع رویه‌بدی ومحرک حقیقی جنگ ها است .

درچهارم اوت ۱۹۱٤ موقعی که پس از اعلان جنگ سفیر مابرای خدا حافظی ازنزد « سر ادوارد گری » بیرون میامد مشارالیه بسفیر ما چنین اظهار داشت : « این جنگ بین آلمان وانگلیس بعد از انعقاد صلح به « سر ادوارد گری » اجازت خواهد داد که خدمات نفیس ، که تا کنون بواسطه‌ی طرف انگلیس نتوانسته است بکند بآلمان نماید

(قهقهه خنده عموم حضار ونمایندگان)

بلی درو قتی که « سر ادوارد گری » این حرف را میزد درمقابل چشم وی یک روسیهٔ کوه پیکر مهابت انگیزی جلوه کرده وشاید آن را در عقب او در کمال خواری وخفت مشاهده میکرد ودر آن وقت آلمان مغلوب وضعیف برای انگلیس خوب بود که ازروی ناچاری ملحق شده وتحت الاطاعه دربار (لندن) شده وانگلیس را به استعانت خود طلب نماید .

(تبسم عموم حضار)

آزادی دریاها

آلمان بایستی مقام خویش را محکم نماید . موقعیت خود را سخت پایدار واستوار سازد بطوریکه بعدها سایر دول هرگز در این قصد برنیایند که ازنقطه نظر سیاست اورا منفرد سازند .

برای تجارت خویش برای صیانت سایر ملل بایستی آزادی دریاها واقیانوس های دنیا را تحصیل نمائیم ولی نه بطوری که انگلیس ها برای استیلای دریاها نموده اند بلکه برای اینکه عموما تمام ملل آزادانه کشتیرانی وتجارت نمایند طالب صلح وآزادی ملل کبیره وصغیره ملل دنیا بوده وخواهیم بود .

ما نیستیم که ملل کوچک ژرمن نژاده مانند سوئد _ نروژ _ دانمارک _ هلاند قسمت عمده از « سویس » را تهدید وتحریک می نمائیم وشما خود ملاحظه میفرمائید که دیپلماسی « ائتلاف مربع » چگونه سعی دارد که ملل بالکان را متأثر ساخته وبدیشان میگویند که فتح دول مرکزی موجب اسارت وبندگی ایشان است در صورتیکه غلبه « ائتلاف مربع » باعث آزادی واستقلال وتوسعه خاک آنان شده وضعیات اقتصادی آنها را ترقی میدهد .

چند سال پیش نیست که روسیه صراحتا مسئلهٔ استیلا جوئی وحرص مملکت گیری را بان بهانه عنوان ساخته است .

« بالکان مال ملل بالکان است »

واین فرمول خیلی زود از درجهٔ اعتبار افتاد وسوء نیت وی ظاهر بر اثر آنکه بدون تکمیل موجبات نقض معاهدات « سرب » « بلغار » را اقدام کرد . همچنین چندی پیش نیست که یکدول بزرگ دیگری در قرن گذ

یک شباهت کم
هزمجستی جارج پنجم پادشاه انگلستان
هزمجستی نیکولا پادشاه روس

فون فالکین هاین ناظر حربیهٔ دولت معظمهٔ آلمانیا

قصبهٔ (کاستابل) نام فرانس در مغرب اقصا که کشتی جنگی گوبن درانثنای آمدنش به استانبول آنرا بومباردمان کرده بود

فون مکنسن که از جنرالهای مشهور وجسور دولت معظمهٔ آلمانیا ست
(فاتح گالیشیا)

فون لودندورف ناظر ارکان حربیهٔ عمومیهٔ دولت معظمهٔ آلمانیا

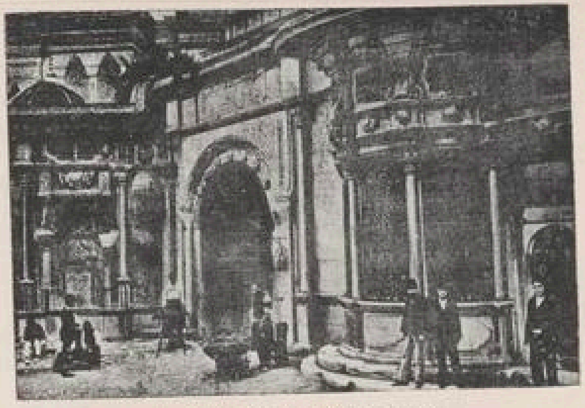

دروازهٔ جامع شریف نور عثمانی در استانبول

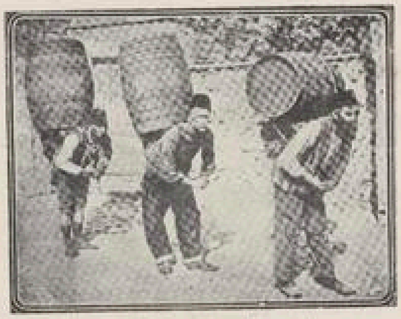

حمالهای استانبول پیپهای کلازه چسان
بر پشت میبر دارند

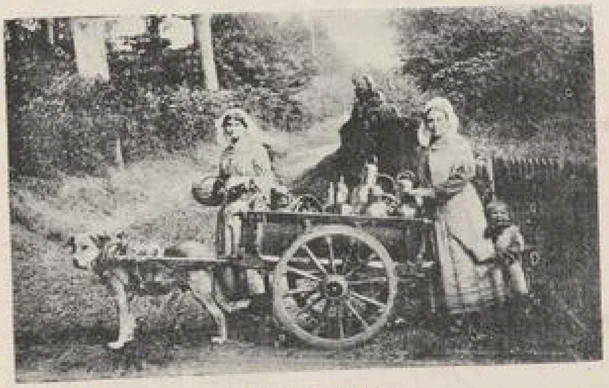

زنان شیر فروش و عرابهٔ شان
در ملک هولانده

آتش مصاعب ومصائبی از دست همان دولت تعدی پیشه جفا کار حاصل نمود .

یکی ما آن صدماتی را که برای ماتهیه کرده بودودوست داشتیم چراکه لمات ومفاسد دشمنان متانت وجرئتیرا درما ایجاد نمود که برای آن سعی کرده وامروز توانستیم این چنین پیش رفتها وفتوحات طول دردنیا تحصیل نمائیم .

برای امپراطوری متحد المان هریک سال صلحی که طول میکشید نوع مواد عظیمی را بغنیمت میبرد زیرا که درحال مسالمت وبدون آن میتوانست راه تعالی را پیموده وسریعا ترقی نماید .

المان هیچ زمانی در صدد تفوق ونفوذ دراروپا نبوده است وپیوسته حفظ کار میکرده است که درعالم صلح وسلامت ازحیث رفاهیت ی وتمدن وترقی بحال صغیره و کبیره دنیا پیشی جوید .

نتیجه

این جنگ سهمگین در انظار جهان مدلل داشت که چه بدرجه طفرا شایسته ولایق هستیم واطمینان مارا نسبت بقوای اخلاق معنوی خودمان تایید نمود .

قوئی را که این قوهٔ داخلی را بما اعطا نموده است نمیتوانیم ازاینغیر ره ازادی درمحل دیگری مصرف سازیم .

ملل را که زمامداران آنها ایشانرا تحریک وواداربجنگ با ماکرده‌اند ما با ایشان دشمنی ومبغوض نمیداریم وکینه خصوصی باآنان نداریم .

این جنگ را این قدر دوام خواهیم داد تاآنکه ملل مزبوره از کسانیکه بانی حقیقی ایجاداین جنگ هستند دور وبحکم تقاضای صلح نمایند.

مقاومت خواهیم کرد تاموقعی که راه ازادی واسایش برای اروپای جدیدی که از دسایس فرانسوی واز شهوت فتح وجهان گیری مسکوی وحات انگلیسی مستخلص ومصفا شده باشد باز گردد.

« فریاد های طولانی هلهله واحسنت وآفرین .. » انتها

نقل از اخبار (ترجمان) از اخبار های اردو

(چلوس کردن سرایدورد گری از وزارت خارجه)

نامه‌نگار لندن اخبار تایمز آف اندیا خبر میدهد که چون ازموسم بهار گذشته ، اینطرف ازوقتیکه چشم سرایدورد گری خراب شده قت جهانی اوهم با آن خیلی تنزل نموده قابل اطمینان نیست . لهذا حالا مردم میگویند که بدینعوارض اورا میباید که غیر ازعهدهٔ وزارت خارجه یك عهدهٔ دیگررا که کارهاوذمه دارهای آن نسبت اشتغالات جلیلهٔ وزارت خارجه قلیل باشد منظور کنند تاجدی باعث استراحت وی گردد !! وفی الحال ازجملهٔ کسانیکه این عهدهٔ بزرك را عهده وکفالت بتوانند نمایند یکی لارد « لانسدون » که عمرش ۷۰ سال ودیگری لارد « کرزن » است که برای یك کار غیرمهمی دربتوقیها مأموریت دارد !!

کذا (روزنامهٔ کیل بولی : بیان یك امریکائی)

اذکار جنرال لیجان ساندرس

نیورك ۲۲ اکتوبر :

نامه‌نگار « ازاتلی » ایسوفتی ایتدپریس » که درحال بهمین نزدیکیها سرخطوط مدافعت ترکها کرده‌است بیان میکند که درعلاقهٔ [illegible] عدد افواج انگلیزی قریب یك لك ودوازده هزار نفر است ودر مقابل نشان یك لك وسی هزار ترك موجودند که علاوه برین ۸۰ هزار فوج محفوظ هم درعقب دارند کاظاهراً قاعده وفوقیت کلی ترکهارا ثابت است.

جنرال لیجان ساندرس میگوید هرچند که حالا من آنقدر پیرو کبیرالسن شده‌ام که اطراف و جوانب بعضی معاملات را بخوبی تمیز و تشخیص نمیتوانم ، ولی باآن یقین واعتماد کلی می پرورم که اگر کدام عارضهٔ نا گهانی غیر منتظر تقدیری پیش نشود اتحادیها اگر هزار کوشش وصرف همت نمایند قدمی هم ازمحل قیام حالا خودشان بپیش نهاده نخواهند توانست .

اندازه وتخمین کرده اند که در مدت تنها ۱۵ روز ازتاریخ ۱۲ ماه اگست گرفته تابه ۲۷ ماه مذکور درجبهه‌های تمرخانهٔ خود که ترکها کرده اند ۱۲ هزار عسکر اتحادیها مقتول و ۲۵ هزار شان مجروح گردیده ودرمقابل آنها نقصان ترکان نهایت جزوی ومختصری بوده است.

(کذا) (وعده های فریبنده بلغاریا)

استردام ۲۱ اکتوبر :

قیصر جرمنی اعلانی شایع نموده که دران بعداز تعریف و توصیف همت وشجاعت افواج بلغاری الفاظ ذیل را نوشته است :« عنقریب است که بلغاریا حقیقتاً مالك بلاشرکت غیری قسم اعظم ممالك بالقان گردد. وحدود مملکتش سواحل « بحرهای » اسود واژه » وادریاتیکرا مس نموده ، تمدید وتوسیع ، وعظمت وفسحت فوق العادهٔ کسب نماید»

کذا : (شاه یونان بهواخواهی جرمنی)

لندن ۶ نومبر :

خبر « اتینه » پایتخت یونان مظهر است که سفیر جرمنی نکلی درارك شاهی یك محل را برای سکونت خود اتخاذ نموده و شاه قسطنطین پادشاه یونان همیشه وبه ذریعهٔ تلگراف بسیم خصوصی» براه راست باخود قیصر جرمنی اکثر به گفتگو وسوال وجواب میکند . در نزد موسیو وینزیلوس خطوط تهدید آمیز بسیاری متصلا هرروزه میرسند ، که بنابران اقربا واحباء وی همواره اورا درزیرنظر تحفظ ودقت خودشان گرفته پاسبانی میکنند ، وچنان گمان میرود که بعضی واقعات نا گهانی مهمی عنقریب بظهور خواهند پیوست .

اخبار « برلن تاغیلات » راه دیگر ازقیام دوبارهٔ وزارت وینزیلوس اندیشه است وازاو برای دفع وچارهٔ ماتقدم آن کوشیده مینویسد ، که امید است که شاه یونان متبعد خود را بیك طرز عمل مدهش ومنحوس گرفتار نماید ، وباز باردوم خودرا با کابینهٔ پرخطر وینزیلوس مصاب ومبر دوچار نسازد ! سپس شاه یونان یادآوری نموده میگوید که وینزیلوس هرقدر کمالات از وصاحب رسوخ یك شخصی هم باشد درمقابل رأی وارادهٔ ذاتی خود پادشاه که تمام فوج بدنبال حکم شاهانه اومر میدهد هیچ کار وغرضی را پیش برده نمیتواند .

(کذا) : (خدمت اجباری عسکری درانگلستان)

رکیدر جنرال « سرایوك سوین » که سرپرست کارروائی افواج جدید میباشد درأثنای تقریر خود بمقام « هل » بیان کرد که :

ما مکرر نمیخواهیم ونمی گوئیم که در برطانیا برای ادای خدمت عسکری الجبر وتشدد کار گرفته شود ، مگر تازمانیکه برای موسم بهار اینده ۳۰ لك فوج را تیار وفراهم نکنیم ازعهده برای بسیار بزرك

فوجیٔ خود برآمده نخواهیم توانست . غیر از این یك نحوی ما برای خود اندازهٔ ضرورت قوهٔ خودرا تعین کرده میتوانیم که اولتر مقدار صحیح عسکر موجودهٔ دشمن خودرا معلوم و ظاهر سازیم . سراولك سون بتقریر خود دوام ورزیده گفت که « من چنان قیاس وتخمین می کنم که حالا درجرمنی از ۱۸ تاه ۴۵ ساله ماین ۹۰ لك ویك کرور فوج تیار وتجهیز موجود است لهذا درینصورت آرزو مند زودی خلاص شدن جنك نبایدبود . وهم نامبارد وقتها رأی زنیهای ما در خصوص شکستادن قوت دشمن یقیناً بیهوده ومهمل ثابت خواهند شد . وچون من اعتقاد کلی واعتماد کامل دارم برینکه تاموسم بهار آینده حصهٔ کثیر افواج جرمنی بدست اتحادیها ضائع وتلف خواهد شد وآنوقت قوای عسکری جرمن واوستریاقوای مجتمعهٔ دولتهای متحده متوازن ومتساوی خواهند شد . لهذا اگر برطانیا تاه انوقت ۳۰ لك فوج فراهم کرد پس غنیمرا چارو ناچار تسلیم کردن این سخن لازم خواهد شد که بعد ازین طول دادن مزید محاربه برای او باعث وبال وزوال است » !

(کذا) (شاهویان مخالفت اتحاد یان)

لندن ۸ نومبر :

اخبار « کالیوی » رقمطراز است که چندی قبل برین شاهویان بمصرا وتیا بند کان دولتهای متحده گفت که « چون قیصر جرمنی ازمن سوال و استفسار نمود که چرا گذاشتی که افواج متحده به بندر که سلانیك رامده ؛ لهذا من درجوابش گفتم که تازمانیکه جرمن قلع وقمع کلیٔ رجحان ومیلان خصمانهٔ مخالفتکارانهٔ قوهٔ بحریهٔ اتحادیون را ازیونان نکند تا آنوقت من ازمخالفت آنها عاجز خواهم بود » !

(کذا) (بحث دردیوان خاص : ایراد وانتقادات جنکی)

لندن ۸ نومبر :

لارد « لوربرن » دردیوان خاص گفت که مهم انتورپ یقیناً بدون استشاره واستجازهٔ ماهرین فوجی وبحری فرستاده شده بود . وهم این خیال که یك مجلس خورد وزراء باینغرض ساخته شود که مجلس بزرك را از واقعات خبرداده باشد سراسر یك فکرواهی ومهمل است که هیچ فایدهٔ بدون این نقصان که وقت بسیار صرف خواهد شدو کار ؟ کرده خواهد شد بران موقوف ومرتب نیست .

§

« بلقان ومسئله مهمهٔ آن »

درخصوص لارد ملز این اعتراض کرد که چرا ماراجع واقعات تازه ومسئله مهمهٔ بالقان پیشتر تیار و آماده نشده بران غور وخوض نمودیم .

§

« محکمهٔ احتساب »

لارد کرزن ذکر محکمهٔ احتساب را کرده گفت که گورنمنت بسیار لحاظ این سخن رامیکند که بهرطریق ممکن کمباشد بدون فقرات غیرمناسبی که ازافشای آن بدشمن نفع باشد دیگر همهٔ واقعات را بالتفصیل نشر واشاعت بدهد وان یك را بهمه کار یقین ودلنشین نمود که عنقریب بسیار درستی انتظام شایع ساختن احوال مفصل ان وقایع را که ازان بدشمن فایدهٔ نرسد تکمیل خواهد داد .

متعلق خبرهای تلگرافی بیسیم جرمنها . لارد بکر گفت که پیش ازین درین تلگرافها به بیان کردن واقعات جنك اکتفا ورزیده میشد ولی

اکنو دران بعضی چنین اعداد نشان داده میشوند که از دانستن آ
اهمیت اتحادی از دلهای مردم میرود .

§

« سراید وارد گری »

لارد کرزن گفت که امروزه روز سراید وارد گری را سرا
نمودن چنان یك کار مشکلی درپیش است که در زمانهٔ ما هیچ یك وز
خارجیه را نظیر آن پیش نیامده است . مگر تنها بس ازجنك ۱۵
چون دو پادشاه ممالك بالقانی یکطرز عمل برخلاف امیدهای ما اخت
واتخاذ نمودند ازانرو مارا نمیشاید که سراید وارد گری را درزیا
دوانتقاد گرفته مخالفت وی برائیم حالانکه تا کنون همهٔما بالا
وصف وتعریف اورا میکردیم .

« ضبطی اخبار کلوب »

بعدها ذکر ضبطی اخبار « کلوب » را کرده گفت که چون اخ
مذکور متعلق استعفای عارضی لارد کچز نوشته بود « که او ازسازش
خودمختارانهٔ مدبران مجبور باستعفا شده » ازانرو نه تنها باقتضیب که
غلطی را اشاعت دادبلکه بسیار زیان باعث که بك وجه غلطوی اصل و
را نیز باین ربط وتعلق داد . وباآن فردای آروز هم اعادهٔ همین
غلط خود را نموده برسخن خود اصرار ورزید . واین را نیز
علاوه کرد که گورنمنت تردیدی که این خبررا کرده هم برغلط و
چشمپوشی مردم نموده است گورنمنت حکم ضبطی اخبار مذکور را
وبافذ ساخت زیرا که باوجود گورنمنت اورا برغلطیش واقف سا
اوقصداً اصرار ورزید .

§

« حالت اصلی بالقان »

لارد « لینڈون » گفت که تنها بسبب کمی غور وفکر امید ها
دربلقان غلط ثابت نشدند بلکه فی الحقیقت طرز عمل ما بدولتهای
راصول « ازیکدست بده وبدیگر دست بگیر » بی بنیاده بود . مگر
عملی برای گرفتن بسیار چالاك ودروقت دادن ذکر آنرا هم نیکو
تعصبات ورقابت باهمی که بسبب سازش ها واثر هـای خارجی از
وزیادت گرفته بودند درراه این طرز عمل سنجیدهٔ مناسب حایل
درمسئلهٔ فوج فرستادن برای پیشقدمی بکردن جرمنیها تردد وتا
که ازطرف ما واقع شد بالیتوجه بود که ما می اندیشیدیم که دریعهٔ
وکار امد پیش تنگذاشتن دشمن چه خواهد بود ؟ بهرحال چندانکه
وتعویق واقع نشد وهر قـدر فوجی که آنوقت حاضر و موجود
بسلانیك فـرستاده شد وانتظام روانکی باقیٔ فوج عقبی آن نیز
کرده شد .

(کذا) : (حال فلاکت اشتمال سرویا)

یك موسـیـل الخبیر « جنکسن » نام که درماه اپریل گذشته
بدینغرض ومقصد رفته بود که درشفا خانه های صلیب احمر انگل
خدمت حفظالصحه را ادا کند . متعلق حالت زار سرویا یکل
رددرد وافسوس گفته است « . چنانچه وقتیکه بلغراد تخلیه کرده
مردم جوق جوق بسوی جنوب هجرت کردند . حال سرکها و
خیلی ابتر وویران ۲ فت سنتریك طبقهٔ کثیف کل ولای بالا آمده
وبآنقدر شدت برف وباران میبارید کهلزمهٔ مهاجران یك غروب

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1471 of 1786

اتاق کی هوا و بیشد . زنها جراب ها و پیزار های خود شانرا کشیده درمابین گل ولای تا زانو راه میرفتند درعقب شان بعضی اطفال خورد خورده میشدند که مادرهای شان از دستهای شان گرفته با خود می کشیدند آنان مسن وپیر گله‌های مواشی و گاو وبزرا بپیش انداخته درعقب شان بسیار زحمت در گل ولای راه رفتن مشغول بودند . بعضی اوقات این جمع بزرگ دفعتاً ازحیات مأیوس گردیده درمابین گل ولای ، وبرف وبد توقف میورزید که درچهرهٔ شان آثار یکحزن والم ، ویأس وغم خوبی مشاهده میشد باینطریق این جمعیت بامصیبت بپیشتر رفتن کوشش میورزید ولی نمیدانست که بکجا و کدام طرف میرود وعزم دارد . دردلهای اینها رعب وهیبت وخوف ودهشت بلغاریان بهنسبت اوستریانیان بیشترجای گرفته بود . اگر ازشکمهای شان پرسیده میشود که در یقدر منزل دور ودراز بچه کفاف کرده باشند لهذا گفته میشود که چون درین راه رباطها خیلی کم میباشند واین بیچاره گان تنها خود زاد وتوشهٔ نیاورده اند اززور از گرسنگی وفاقه کشی بدرجهٔ هلاکت رسیده اند وگمان کلان میرود که تاچند روز بی آب ونان بسر برده اند . بسیاری ازاطفال وبچه‌ها ودختر های خورد طاقت گرسنگی وماندگی وخنک را نیاورده درراه ضایع وتلف گشتند که ازجسدهای خورد ولاغر شان هردوطرف سرک تاچند منزل پر وملا گردیده بود .

(کذا) : (قوت وذخیرهٔ محفوظ جرمنی)

« مستر ایم لازاری وبلر » بعد ازتحقیقاتیکه دران دوایر سویسره « سویتزرلند » که ازاکثر معاملات جرمنی واقفیت کلی را مالک‌اند اجرا نموده ازنقطهٔ نظر تجارت وصنعت متعلق معلوماتیکه درحق معامله های جرمنی حاصل نموده یک اعلان معتبروباوثوق را شایع ساخته است مستروبلر معترف است باینکه « درین یک شائبهٔ شک وریب نیست که غنیم که حال هنوز بقوت اصلیهٔ خود قایم است ونزد وی هنوز یک قسم بزرگ قوهٔ عسکری وسامان حرب وغیره موجود وباقی است وتا کنون به اختتام ویا به قریب الاختتام شدن نزدیک رسیده است . وکالای تجارتی آلمان حال هم بقدر وتعداد اول بنظر می آیند . ودرخصوص نزول صنعتی وی بترجیح کسی ثبوت درستی پیش کرده نمیتواند .

این امرلایق شنیدن وقابل خیلی غور است که درجرمنی معدنیات بکمال کثرت ووفرت پیدا میشوند وهیچگاه امید نباید کرد که کاهی درین ملک قلت معدنیات رخ خواهد داد ! نی ! بلکه ازین فکر واندیشه خاطررا سراسر آسوده باید داشت . باوجود این محاربهٔ عظیم جرمنی آنقدرآهن را برای خود مهیا کرده توانسته وآنقدر پولاد ساخته است که اگرتمام اتحادی ها بهیئت متفقهٔ خود شان کوشش ورزند بارآن بوجود آورده نخواهند توانست .

تنها چیزیکه عبارت از رابر باشد البته درنزد جرمنی موجود نیست ویا اگر هست هم کم است این چیز درانگلستان اگر یک مقدار معینش بدو روپیه قیمت شود درجرمنی به ۲۰ روپیه هم پیدا نمیشود . علاوه بران پشم هم درجرمنی روبه کمبودی واختتام نهاده حالا هرقدر کالائی که آنجا ساخته میشود همه از « سوید » نامی نباتی ساخته میشود . وجرمنها را که درساختن چیز های نقلی یک قابلیت ولیاقت خصوصی ثابت است چنانکه همیشه آنرا درتجارت خودشان هم ظاهر میکنند . بدستیاری همان قابلیت خودشان تکه هاو کالای سودی رابسیار صفائی شکل ورنگ پشمی می سازند ولی ازین مردمی که این کالارا استعمال میکنند معلوم کردن این یک از دلچسپی خالی نخواهد بود که این کالای نقلی برای ایشان آنقدر آرام‌ده وباعث ممنونیت است چنانکه تصور میتوان کرد .

پنبه درجنگ اثری بزرگی خواهد بخشید . درتمام ممالک مفتوحه هرقدر پنبهٔ که برای جرمنی بدست می افتد وهرقدر پنبهٔ که می یابند همه را تیار کردن اسباب سودی صرف میکنند وهر قدر اسبابیکه ساخته میشود همهٔ آن برای فوج برده میشود . وباقی هرقدر پنبهٔ که زاید وفاضل می ماند بصرف ساختن گله وباروت میرود

بنا برپیش بینی ودوراندیشی عادتی خود جرمنها قبل ازجنگ برای امریکه فرمایشهای بسیار بزرگ پنبه را داده بودند وعین درهمان وقتیکه که برلین وانیپولو دراز هم جدا کردن ایطالیا از اتحادیها کوشش ومساعی بلیغ می نمود ۵ لک بستهٔ بزرگ آن در بندر « جنوه » افتاده بود وچون دانست که بالضرور وجبار وناچار ازایطالی میباید که زود ازاو اینهمه مقدار پنبه را قبل ازاعلان جنگ ایطالیا به سویتزرلند نقل داد . هرچند که ایطالیا یکقدری ازارا درنزد خود معطل و توقف داده توانست ولی مقدار کثیر آن بجرمنی رسانیده شد وتاحال ۵۰ هزار بستهٔ کلان آن درسویتزرلند موجود است .

بنا بربیانهای معتبروموثق مستروبلر راوی است که درشروع گشت گذشته نزد جرمنی ۳ لک وهشتاد هزار بستهٔ پنبه موجود بود وعلاوه بران یک لک و هشتاد هزار بسته های دیگر آن در مخزن سرکاری انبار بود .

(کذا) : (قسطنطنیه و : بغداد)

نامه نگار لندنی « استمین » رقمطراز است که بموقع جلسهٔ سالانهٔ افتتاحی « سنترل ایشیائک سوسائتی » مستشرق مشهور « مستر چارلس وودز » درپیش روی یک جمعیت کثیر وغفیر متعلق مهم درداینال یک نطق ایراد نموده بالاخر از صورت حالات حاضر چنان اخذ نتیجه کرده گفت که ، ازوضعیتی که امروزه روز واقعات کسب نموده اند خیلی دشوار است که انسان متعلق این امر که فرستادن فوج ببالقان برمهم درداینال چسان تأثیری خواهد بخشید ازفکر خود یک قراری داده پیشبینی گوئی کرده تواند . مهم درداینال بایک سبق بسیار صحیح ودرستی آموخته که می باید که مهم بانتظام کافی ووافی فوج کرده نشود تاآن وقت لازمهٔ فی تشخیص وبلا تمیز فوج را برای سرانجام نمودن کدام مهم جدید فرستاده نشود . برین سخن علی الخصوص برین یک که آیا فوج را ازگیلی بولی امر مراجعت وواپس داده شود یا نشود بسیار مباحثهٔ دلچسپی کردهشد چنانچه « مسر توماس ها لدیچ » که صدر جلسه بود مخالف خواسته شدن فوج را از درداینال کرده گفت که حالا منقریب است که بصورت فتح بغداد درعراق اقتدار خودمارا درمشرق قایم و مستحکم سازیم . و برخلاف این درقسطنطنیه ومهم درداینال خواه مخواه اگر هرچند واقعات غیرقابل تحمل وقوت شکنانهٔ پیش هم بیایند چندان باک واهمیتی درمقابل کامیابیهائیکه درعراق حاصل کردیم ندارد . ولی « کرنیل » « ازتورات » ازین رأی مخالف ورزیده گفت که ازدقتها ودشواریهائیکه درگیلی پولی به افواج متحده پیش آمده‌اند آنها رادیده بکمال وثوق وامنیت گفته میتوانم که تجربهٔ عمل وتدبر حربی سراسر برین یک حکم می کند که فوج را از انجا مراجعت و عودت لازم است .

(دبدبدار) : (تفنگچه‌ای طرز جدیدالاختراع المان)

لندن ۱۲ نومبر :

درعلاقهٔ مغربیٔ ریکا یعنی تفنگچه‌ای قسم جدید جرمنی ها بدست روسیها افتاده اند چنانچه امتیاز خصوصیتی که درین تفنگچه موجوداست این است که خودبخود فیر میکند وهم دریک دقیقه ۲۵ کارطوس خالی میتواند

(مترجم عزیز اداره عبدالرحمن)

خبرهای هندستان

(قتل افسر پولیس)

از میمن سنگهه خبر رسیده که جند رام گهوش ، نامزد سپرنتندنت افسر پولیس محکمهٔ ، سی — آی — دی کلکته ، که در ماه گذشته تبدیل یافته به میمن سنگهه مأمور شده بود بوقت شام روز ۹ اکتوبر بگولهٔ تفنگچه زده شد درحالیکه عیالش باپسر بچه‌اله اش نیز بادی موجود بود . وپس از وی فی‌الحال پسر مذکورش هم نشانهٔ وار تفنگ کرده شد .

« تفصیل این واقعهٔ قتل »

درخصوص قتل « جند رام گهوش » دپتی سپرنتندنت افسر پولیس از میمن سنگهه حالات ذیل موصول شده اند :

روز ۹ اکتوبر قاتلها دروقتی که مقتول درخانهٔ خود باعیال خود همکلام ویک پسر خورد بچه‌اله اش نیز درنزدش نشسته بود رسیدند . حمله آوران زن افسر مقتول را اشاره کردند که یکطرف شود چنانچه بمجرد پس شدن اوپی درپی وار گوله بسرتندنت مذکور کرده شد گوله هایی پریشانی ودیگری بشکم مقتول اصابت نمود که فی‌الحال باعث موت ولاعلاج گردید برپسرش نیز گله‌ها اصابت نموده وفات کرد .

روزدیگر یعنی ۱۰ اکتوبر معاینهٔ داکتری هردو نعش پدر وپسر کرده شد . وسپس بهسیار سامانه جنازهٔ این هردو مقتول برداشته شد . پولیسهای محل میمن سنگهه مسلح گردیده برای مشایعت افسر مقتول خود بجنازه‌اش اشتراک ورزیده ، همهٔ اعزه واشراف شهر نیز دیگر افسران پولیس هم همراهی نمودند . وپولیس بمجردیکه جنازه بصحن آرامگاه آخرین میت کذاشته شد ۳ دفعه برای تعظیم جسد بی‌روح وی شلیک تفنگ نمودند .

درجسم مقتول ۱۷ زخم که معاینه شده بود سه گله ازجسمش اخراج گردید وباقی گله‌ها درهمان خانه که او دران نشسته بود یافته شد . یک گله درقریب بینی داخل شده وزبان وحلقوم را باخود پاره کرده فرورفته بود که اثر آن هیچ پیدا نبود .

برای این حمله غالباً تفنگچه‌های قسم « ماوزر » استعمال کرده شده بودند وعدد قاتل پنج گفته شده که همهٔ شان نوجوان بودند وبلباسهای سفیدی ملبس بودند که بمجرد داخل شدن بخانه بفیرهای متصل تفنگچه ابتدا کردند وپس ازارتکاب — قتل چون کسی را درصدد گرفتاری خود ندیدند بجانب مشرق روانه شدند . وچون کسی ازین صداهای پرزور ازایشان پرسیده هم باشد بجواب گفته خواهند بود که این صداهای پتاق های بزرگ آتش بازی خواهند بود . تاحال کدام گرفتاری بعمل نیامده وسبب اصلی این قتل هم تاکنون پنهان وغیر معلوم است .

مقتول مذکور درمیمن سنگهه تعلیم یافته بود ودر همینجا خویشاوندان بسیارش نیز بود . گفته میشود که درسال ماقبل درخصوص یک مسئله سیاسی دربنگال مشرقی دوره کرده بود وافسر اعلای وی ازو بسیار بسبب حسن خدمتی که دراثنای همین دوره خود ابراز نموده بود خوش وراضی بود که بدالسبب یک ساعت طلائی ویک زنجیر ویک دست تفنگچه

بطریق مکافات وانعام داده شده بود عمرش ۴۲ ساله بود . وبسیا

ازعمالی جمعیه سیاسی‌را درکشف ومستاصل ساخته بود . وحصه

ملازمت خودرا درسراغ فتنه پردازان بنگال صرف کرده بود ود

حیات اکثر به خطوط و مکاتیب تهدید آمیز نامعلوم رااش می ر

درسنه ۱۹۱۰ع در کلکته یکبار دست درتعاقب وی افتاده بود

ناکام مانده اومحفوظ شد .

(قتل یک افسر پولیس دیگر)

یک اطلاع جدید موصول گردیده که مستر جعفر امام پولیس ا

برای تفتیش یک مسئله بمکال مرفت که در راه قتل کرده شد

گفته میشود که او برای تحقیقات یک کار خصوص سرکاری ازا

سکنهال به مکال مرفت ۸ بجه شب بود که هنوز سفرختم نشده

درنصف راه ازیک کشتزار فیری مرتفنگ برو کرده شد وبهم

برجسمش اصابت نموده درقریب قلب یکی از آنها رسیده

وفات کرد .

وروز دوم آن نعش وی به بلکاه فرستاده شد که در ا

اعزاز فوجی دفن کرده شد وبجنازه اش عزی بسیاری

ورزیدند . وچون این شخص برای یک کار خاص مأمور گرد

که به قوم فسادپیشه « بادو » متعلق بود ازاثرو چنان معلوم

که قتل یکی ازفساد پیشه گان قوم مذکور بود .

(حملهٔ اختلال جویان بریکده)

ربورت جدید پولیس علاقهٔ سرحدی رسیده که چند فسادپ

که عددا نهاماین ۳۵ و۴۰ بود بریکده حمله کرده دکان یک بنیه را چو

گرفتند ، ودزدان همه با تفنگ‌ها مسلح بودند . وبکچو کیدار درتعاقب

برآمد ولی ناکام مانده ، ۴ عدد تفنگهای که سرکار برین علاقه

کرده بود وسرکاری بودند نیز بدست دزدان افتاده ، وتاحال

مرتبا آن معلوم نگردیده .

(قتل بکجوالهٔ دار)

ازکلکته خبر رسیده که حواله دار تهانه‌ای قتل کرده شده جسد

مایین کل وتش بکجوی که قریب آنجا درجریان بود یافته شد .

(وارنجا فوریک افسر)

درحال بمحکمهٔ عدالت مدنا پوریک دعوای پیش کرده شده که

بکرن رحمن که رسب السپکتر تهانهٔ جهار گرام وارنجا او نموده

است . ملازمهٔ مذکور در تهانه بکیرپورت مینوشت که سب ا

موصوف برای تحقیق رپورت آمده چیزی گفت وبدالسببیت

چاقورا کشیده افسر مذکور را زخمی ساخت .

در چاپخانهٔ حروفی دارالسلطنه کابل طبع گردید

هرمقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر وسر محرر تحریر

محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1473 of 1786

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا
یاد آوری میکنیم

هر قدر سعی و کوشش کردیم که از شکایت رسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خودرها نمائیم ممکن نشد لهذا با داکخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یک مقاوله نموده داکخانه مشارالیه تقسیم و توزیع اخبار مارا که بهمه مشترکین کرام ما رساند در عهدهٔ همت خود قبول نمود . مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را تفهیم و یاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای داکخانه بخود شان میرسد .

شرایط خریداری

دارالسلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان
هر جائیکه باشند با اجرت پوست

قیمت سالیانه	ده روپیه انگلیزی	قیمت ششماهه	شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراک قبول نمیشود

یک طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

برهمهٔ کار داران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود: اگر از یک جا بدیگر جا بروند ویابند میباید که یک رقعه مدیر وسر محرر را خبر بدهند که من در فلان جا بودم وحال در فلان جا میروم اخبار مرا در انجا بفرستید . هرگاه همچنین یک رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی . وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند . وبا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود برسر هر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تا یک سال نشر کردن خواهند ووجه یک ساله را پیشکی ادا نمایند در ورق پشتی بر هر سطری سنار اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1474 of 1786

(اعلان)

پراکنده

از آثار مطبوعهٔ تازهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت ، وعبارت از یك مجموعهٔ اشعار آبدار تجدد آثاری میباشدکه بکاغذ اعلا ، وخوبی طبع‌دلربا ، باتصاویر بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است . اگرچه از تحت خط وخال بعید است ولی مضامین وخیالاتش سراسر بکر وجدیداست . بااین‌خوبیهای ظاهری ومعنویش قیمتش خیلی ارزان ، یعنی بمقابل (۲) دو روپیهٔ کابلی درخود مطبعهٔ عنایت از نزد عبد الرؤف خان سر مرتب ، ودر بازار ارك از دکان باز محمد ، ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب هرکس خریده میتواند.

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادب را مژده ! ازین ثمرهٔ نوبر رسیدهٔ گلزار ، مطبعهٔ عنایت ، کام جانرا شیرین نمائید ! ، جزیرهٔ پنهان ، یك ناولیست که قوت علم ومعرفت وسعی وغیرت را برای اساس زندگانی نوع بشر ، نظرگاه وجلوه گر میسازد . هم حکایت ، هم عبرت هم فن ، هم فضیلت ! خوبی چاپ ، خوبی کاغذ ، خوبی تصاویرش علاوه ، قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان ! تنها (۶) شش روپیه محل فروخت نفس مطبعهٔ عنایت در ده افغانان ، دکان باز محمد در بازار ارك ، دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی .

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد

کتاب سال دوم « « « مصور مجلد

کتاب سال سوم « « « مصور مجلد

کتاب سال چهارم مصور مجلد

علم و اسلامیت

آیا چه باید کرد !

ادب درفن

توحید

مختصر جغرافیای عمومی

این کتابهای فوق دراداره موجوداست . هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

	قیمت روپیه کابلی
سیاحت دردورادور زمین بهشتاد روز مجلد	۲
سیاحت درجو هوا مجلد	۲
سیاحت درزیر بحر مصور مجلد	۴
ازهردهن سخنی وازهرچمن سمنی مجلد	۲
روضهٔ حکم مجلد	۲
پراکنده مصور مجلد	۲
جزیرهٔ پنهان مصور مجلد	۶

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوقرا داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان از نزد عبد الرؤف سرمرتب واز دکان باز محمد کتابفروش دربازار ارك وازدکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسه شاهی بقیمتهای معینش خریداری کرده میتواند.

واگر ازخارج افغانستان ارزوی خریداری کتابهای مافوقرا داشته‌باشند باداره سراج‌الاخبارافغانیه مخابره کنند.

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

نمره (۹)

سال پنجم

فهرست مندرجات

تهنیت نامه ولادت باسعادت شهزاده عبید الله خان طال الله عمره (

حوادث داخلیه
(کیفیت عایش عسکری ـ شکار چناری ـ مقرری و تعدید کوتوالی دارالسلطنه مکتوب ـ

ادبیات
(فارسی — افغانی — ترکیب بند مخمس

حوادث خارجیه
مکتوب از مهمان از یك سیاح درباب احوال ایران ـ خبرهای ایران — ورود قور خانه —
ورود سوار آلمانی ـ سوار آلمانی ـ حرکت داراییگی ـ مجاهدین شیراز ـ حرکت ملك سیاه کوه ـ
درمیدانهای شرق ـ حرکت صاحب منصب انگلیس به برجند ـ شهربندی برجند ـ مشکل لاینحل ـ
پولیس ایران روس ـ وحشت اهالی ـ اضطراب اهالی ساوجبلاغ ـ حکومت بوشهر ـ خروج
۱۳۰ نفر قشون روس ـ الحاق مجاهدین حدت ـ خبرهای محاربات عثمانی ـ در کالی پولی ـ
فرونت دار دانل ـ تلگراف امپراطور با نامه اوروپاه — جواب از لشکر امپراطور —
دار دانل ـ خبرهای محاربات اوروپا ـ تعطیل تیاره زمان ـ جنك در مراکش ـ درمیدانهای شرق ـ
در دریا ـ تیاره زمان لندن ـ امراض چشم سرباز وارد گری ـ نطق صدراعظم فرانسه —
تدارك آلمانها برای زمستان ـ ضرب جدا کانه میخواهد صلح کند ـ تکمیل تحت البحر های
آلمان ـ تنزل مقام وزیر جنك فرانسه ـ وقایع پطرزبورغ ـ جنك سویدو روس نزدیك است ـ
ایضاً حوادث جنك اوروپا ـ در آسمان لندن ـ احتراق یك جاسوس آلمانی در مملکت فرانسه ـ
معارف آلمان قابل ملاحظه است ـ تهدید بانکهای امریکا ـ روشنیهای ایران ـ از قیاسات مینویسند ـ
خلاصه آخرترین خبرهای ماه دسمبر

تصاویر
از مناظر عسکریه ـ مرور عساکر شاهانه از پیشگاه ذات اعلیحضرت همایونی ـ ذات اعلیحضرت
همایونی و ارکان دولت شاهانه ـ شهزاده معظم معین السلطنه صاحب افخم ـ ماوزه ـ ایضاً ماوزه

اعلان

ازمنابع پروریهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه رفیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جرنیل کارخانه جات ، ماشین خانهٔ مبارکهٔ دارالسلطنه کابل علاوه رابطهای حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دقیقه و اونیفورم معاملهٔ عساکر شاهانه وغیره ، بعض دیگر مصنوعات داخلی که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت هاوی حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ذیل (دکان جداگانه خاص دربازار ارک) میباشد.

(۱) سرجهای پشمینه بافت رنگهای مختلف که قیمت آن ازقرار گز انگلیزی ۳ ذرعه مشخص شده ودر صندوقخانهٔ جنسی هم بفروش میرسد

اقسام	قسم اول					قسم دوم					
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم وقطری کلان قیمت آن ۱۰ پیسه زیادت	
رقم	کاملا ساخته شده	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت		۷ روپیه ۵ پیسه	۶ روپیه ۱۱ پیسه	۶ روپیه ۴۲ پیسه	۵ روپیه ۴۸ پیسه	۶ روپیه	۵ روپیه ۱۸ پیسه	۶روپیه	۵ روپیه ۱۰ پیسه	۶ روپیه ۱۰ پیسه	۵ روپ ۲۰

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گز انگریزی | کشمیره چهارخانه ۷ روپیه ۳۵ پیسه | کشمیرهٔ زرهدار هم از قرار ۷ روپیه بیست پی

(۲)	جراب			﴿۳﴾ تکمه‌های چرمی محراب ومنبردار		
رقم	نکتانکه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج	کلان قدرجی	میانه قدرجی	خورد قدرجی
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه	۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۵۰ پیسه

(۴)	کروره های جدید ساخت			
رقم	زه باف بخلاب دوکره دو تاره	زه باف یک اسپه دو کره سه تاره	چرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ چار تارهٔ نخی
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲۴ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۶ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم باف دست بادامی دو اسپه	چرم باف دست دولایه یک اسپه	دسته دولایهٔ یکی چار اسپه	چرم باف همرکاب
قیمت	۴ روپیه و ۴۸ پیسه	۴ روپیه و ۴۶ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۴۳ پیسه
رقم	قبضه رنگی کلیت نقره توبخانه	قبضه کلیت نقره از چرم دولایه توبخانه	زه باف رقم سواری ساس کلیت	زه باف دو تارهٔ دکان
قیمت	۳ روپیه و ۵۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۷ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵۴ پیسه
رقم	رکابی ازغ	چرم باف میانه چوب پت زنانه	ازغن سواری تیغ چرمی	زنانه ابریشمی خیاطه
قیمت	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته ادای تیغ چرمی	دستهٔ دولایه ساس رنگی کلیت نقره	از زن سواری دولایه تیغ چرمی کیلک دار	چرم باف مابین پت یک
قیمت	۴ روپیه و ۴۹ پیسه	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

﴿۵﴾	اقسام گلهای مصنوعی سر			
قسم	گل جیرین	گل نافرمان	گل برینه	گل شبو
قیمت	۵ روپیه و ۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۶ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قسم	شکوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل لسترن	جقیل
قیمت	۷ روپیه و ۴۵ پیسه	۶ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

(المشتهر) (میر محمد هاشم دفتری کار خانجات (کیفدان عطائی))

صحیفه (۱)　　سال پنجم　　شماره (۹)

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
با قرانات ڈاک ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با قرانات ڈاک ۱۰ روپیه انگلیزی
پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یکقرانی است
(اوراق که درج نشود اعاده نمیشود)

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

ادارهٔ تحریرخانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه به ادارهٔ خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ قمری ۱۵ صفر ۱۳۳۴　　تاریخ انگریزی ۲۳ دسمبر عیسوی ۱۹۱۵　　تاریخ شمسی ۱ جدی ۱۲۹۴

تهنیت نامه ولادت باسعادت شهزاده کامکار خجسته آثار سردار عبدالله جان طال الله عمره و اقباله

امروز جلوه کرده یکی چه اختر است
کز پرتوش قلوب جهانی منور است
بر ما گران در گه سلطان مسلمین
واجب ثنای حضرت خلاق اکبر است
زیرا که از عنایت حق اندرین زمان
شهزاده عطا شده پادشاه کشور است
شاهی که دین و دولت اسلام چون عروس
در عهد او گرفته بسی زیب و زیور است
او را سراج ملت و دین است در لقب
کز عدل او مشام رعایا معطر است
در دودمان اشرف این شاه دین پناه
مولود گشته خوش پدری نیک‌اختر است
تو لوده است رشته زبستان سلطنت
و ندر سپهر دولت ماهی انور است
موسوم کرده شاه عبدالله‌ش بدهر
کو شاه خدا و دین چو حیدر است
اندر حریم شاه سراج شاه زاده را
بلقیس عهد و مریم ایام مادر است
کز مخدرات جهانست در عفاف
مستوره فرشته مثل پاک گوهر است
او را لقب سراج خواتین ز شهریار
بوده عطا که در همه آفاق اظهر است
باد صبا بگوش زن و مرد این دیار
خوش مژده رسانده بهر کوی و هر در است
از استماع این خبر میمنت اثر
عیش و طرب کشیده زهر محفل سر است
خدام در کشیده همه در پی نشاط
فرحت قرین حال رعایا و عسکر است
در بارگاه شاه جهان زین نوید خوش
آئین جشن و محفل عشرت مقرر است
از بهر تهنیت شده خلق فراهم اند
خاص و عوام و انچه ز اعیان و افسر است
بس عالمی بجود و عطا سرفراز شد
بکشاده شهریار در مخزن و زر است
مسعود باد مقدم تو در جهانیان
کاین شاهباز دولت اسلام را پر است
عمر مزید و بخت سعیدش نصیب باد
زان سان که یاد کار زخضر و سکندر است
روز دهم ز ماه محرم چو هست شد
ی شب اش قدوم سعید و مظفر است
در روز پنجشنبه چو تولید او شده
این هم دگر نتیجه مسعودی و فر است
سنه هزار و سه صد و سی و چهار دان
کز نخل شاه آمده این شاخ بر ور است
شیر احمد است داعی شهزاده کان و شاه
کز سلک دعاگران شه شده بود است

⁂

حوادث داخلیه

«کیفیت نمایش عسکری»

روز سه‌شنبه گذشته بساعت ۸ ا کرکس ازخانهٔ خود برامده جانب چمن نظامی، خواجه رواش، بکیبه وحرکتی اجرای نمود. پس ازچند دقیقه چون به سرك فراخ وجسیمی که ازدیر کنبد کوتوالی جداشده ازپشت قشلهٔ قشون بشجاعت مشحون غندهای اردل واردل ولز پشروی باغ فرحت سراغ ارگ مبارك بیکخط مستقیمی ازغرب بسوی شرق بکمال وسعت وپهنائی ممتد گردیده بعداز یکمسافه یاچهار میل مرراست به چمن نظامی ختم ومنتهی شده است، میرسید، تا کاه نظرش‌را بکمنظرهٔ هیئت نمای شوکت افزای که همهٔ معانی زرك، وصنات عظیم، ومآل سترك کمهٔ ثقیل، وعنوان جلیل، عسکر ورا دررمبکرد بسوی خود جلب نموده، هیکلهای مجسم وصورتهای مجسمهٔ زنده وحقیق قوت ومتانت، وعزم واستقلال، ورعب وتمکین دامنه پکسد آهنین، ویك کره بر شکوهی بکمال عظمت ووقار در پشروی خود متین واستوار مییافت.

این سرك بزرك ازیکسر تا بدیکرسر عموماً از صنف جلیل عسکری وملوی نموده، مردمان سربین وتماشائی که علی الصباح از طرف کلانتر های شهر دعوت واخبار گردیده بودند برراه های تنك هردو پهلوی سرك، این حرکت وجنبش عظیم عسکری را که مانند دریای روان ودر جریان بود بانظار عظمت ووقار دیده تعقیب میکردند همهٔ سرود نشاط اندوه موزیکه های عسکری، وصداهای مطرد ومنتظم قدمهای متوسط فوجی، واهتزاز نوحات اعلاء اسلامی مرکبجان آوازدلنواز وصدای فرحت ادای را مالك نبودند که باعث هیجان جذبات معنوی وسبب غلیان حسیات قلبی یك انسان وطن دوست ملتخواه نشود، رقت وجلای نوکیهای برچها وبیرقها، وصداهای مختلط باهم خوردن کرچها ومهمیزها ونولی های اقدرها، دمبدم چشمهارا درخشانیده کوشهارا یك خط ولذت فوق العاده می بخشید. که کاه چون این جمات عظیم وهیئت جسیم توقف میورزید، دفعتاً همهٔ عالم رایك سکوت سنکین وبکخموشی سهمناکی استیلا می نمود وباز که یکصدای متانت ادای ولی، بزمح داوه ازطرف یك امیر شجاعت منظر بکمال هیبت شنیده میشد، سرازنو آوازمنتظم برداشته شدن قدمها کوشهارا بسوی یك آهنکی واطراد خود متوجه میساخت، همهٔ این سرك بدین طول ووسعت درحسین سیرورفتار عسکر ظفر مآثر مانند یك اژدر افسرده شدهٔ که از حرارت شمس تابان‌فناز گردیده بحرکت وجنبش درآید، همچنان روان ومتحرك دیده میشد.

ابتدای دخول جبهٔ عسکر که عبارت ازعلم مقدس وسواران هرکاب آن باشد درساحت چمن وسعت پیرامن نظامی که حقیقتاً به لحاظ فراخی وپهنائی برای اجرای مانوره های عسکری وامتحانات عملیات فوجی وحرب یکمیدان مناسب وزیبائی است به ساعت ۹ بعمل آمد. علم ظفر پرچم بعدازانکه بقدر نیم میل دیکرهم برخط حرکت خود علی الاستقامت دوام ورزیده رو راست بطرف شرق پیشرفت، دفعتاً بجانب دست چپ تبدیل سمت عزیمت نموده وخط رفتار خودرا ازشرق بسوی شمال یکرا و به ۹۰ درجهٔ منکسر ساخته باتوپخانه که عیناً سمت حرکت زاویهٔ وتعقیب مینمود بجانب نقطهٔ استقامت که قریب یك میل دور ود متوجه گردیده پس از گذشتن یك عرصهٔ قلیل چون به محل خود واصل شد معاً باتوپخانه سمت وجبهٔ خودرا از شمال بسوی تبدیل داده توقف ورزید، بعد توپخانه عسکر پیاده وسوار هم تاجائیکه چشم ونظر رفتار میکرد مانند جریان یك سیلاب عظیمی در آمدن بود و صفیکه به محل مخصوص خود تقرب میورزید باعتبار مقدمه ومؤ خودش یکدیگر صف میکشید. درین اثنا در طرف غرب بعقب که برای توقف ذات شاهانه اختصاص وتخصیص یافته بود، برافراشته شدن بیرقی که وجود شفاخانهٔ نظامی را در تحت خود اشعار مین مشاهده شد که برای خدمت کردن وتیمار نمودن بعضی مریضهای اح که خدا نخواسته درعین وقت اجرای مانوره بکدام بیماری و تا کهانی مصاب کردند حاضر وآماده گردیده بود.

یکساعت دیکرهم در آمدن وجاجا شدن باقی عساکر ظفرمآثر گردیده تاساعت ۱۰ تمام جیع فوج ازاصناف شجاعت اوصاف تو وپیاده ورساله حسب مراتب، غند، وه موت، خودهمه بدینصو صف بستهٔ شوکت گردیدند، که هریك ازین سه قسم فوق علی‌الت ازغندهای اردل واردل، وکوتوالی، ودارالسلطنه ترکیب یافته بود، هم های موزیکه های هرچهار غند نیز بهیئت مجموعی پیشروی صفوف پش موصوف عساکر دروسط میدان مانوره اخذ مقام نموده بودند.

درین اثنا که بسبب انتظار نتیجهٔ آتیه بهمه اطراف یك سک وسکوت مطلقهٔ حکمفرما گردیده بود، وزبان درمقابل هجوم خاموشی عاجز ومغلوب، وقلب نیز از طرف یك قوهٔ شدیدهٔ مقنا مجهولی کشیده ومجذوب دیده میشد وجمیع حواس تنها از کوش مراد ومقصد بوده برای شنیدن صوتی کوش بهوا وبرای دیدن چشم براه انتظار میکشیدند تا که بعضی صداهای بسیار لطیف‌ود از سمت غرب درجوهوا طنین انداز گردیده ومتصل آواز سمت آواز های بسیار دلنواز ازطرمهای، تیارسی فضارا باهتزاز ودفعتاً درهمه کان یك حس تجسس وتحرك بی اختیارانه براو وتفحص مشاهده شد، مکر کوش‌یك کمی دقت وتأمل معلوم شد های سلام، وآوازهای «زنده باد پادشاه اسلام» است که عنایت شوکت ردیف ذات معالی صفات اعلیحضرت پادشاه عسکرپرور واز از طرف عموم رعایای صادقهٔ شاهانه‌شان باصداهای طرمپ های اقدرها یکجا بلند شده درچار طرف باعث یکشور وشغف گردیده است. متعاقب این صداهای پرشوق وآوازهای پرذو شد که از هرسو مردم جوق جوق جانب یکنقطهٔ مرکزی متو برای استقبال وجودبا کاپادشاهی ودیدار فرحت نثار همایونی سبقت وتقدم میورزند، چون موکب سعادت موهب شاهانه بجا خصوصی‌شان تقرب نمود. تا که از مابین هجوم خلایق ماند مالتاب که نوبطلوع آغاز کند چهرهٔ فرخنده کی بهرهٔ ذات صفات پادشاه کره وقار کردون رکاب از دور چشم همه‌کاراو همکنان را فرحت وسرور بخشیده، بمعراهی شهزاده‌کان عظا خاندان شاهی بمیدان مانوره مواصلت فرموده وفی‌الحال بیرق خصوصی را نشان میداد بالا کرده شد.

بساعت ۱۱ نیم سپهدار اعظم وسر افسر بزرگ کل اردوی عظیم افغانستان یعنی ذات شوکتسمات اعلیحضرت پادشاهی در حالیکه اونیفورم بزرگ رسمی ملبس بودند بسواری اسپ بمعیت شهزاده گان جلیل القدر داخل حدود مانوره گردیده . موزیکه های عسکری بحیثیت مجموعی بکمال هیئت لارهٔ سلامی ذات شاهانه را نواخته وازطرف عموم عسکر مراسم سلامی بزرگ پادشاهی بجاآورده شد . پس از فراغ ادای سلامی ورد آن ازطرف اعلیحضرت همایونی . ذات شوکتسمات پادشاه عظیم الشان همهٔ ملت افغان ودولت مستقلهٔ افغانستان باشهزاده گان کرام وغیره اراکین لازم الاحترام خاندان شاهی که جوهر کانی شاهانهٔ شان بلند وسرافراز بودند جانب زاویهٔ شمالی که عبارت ازموقع اقامت علم مقدس وموضع توقف توپخانه است حرکت فرموده وازانجا یکسر بجانب جنوب متوجه شده متوازی خط قیام صف عسکر اسپ تاخته واز ابتدای صف تابه انتهای آنرا ازنظر گذرانیده وهمه گان را ازافسرتا سپاهی باحوالپرسی وعواطفات ملوکانه وتلطفات شاهانهٔ شان مفتخر ومباهی ساختند . وچون ازین گشت و گذار وسیر ومعاینه فرصت وفراغت یافتند جانب محل مخصوص قیام شاهانه عین به ساعت ۱۲ عودت ورجعت فرموده تشریف آوردند ارباب مناصب ملکی وغلام بچههای خاص بعد یکجا قدم بستر بردوطرف ذات اعلیحضرت پادشاهی وخاندان سلطنت بسواری اسپ صف بستهٔ احترام بودند . درعقب آنها عساکر سوارهٔ مراوی . ومیر اسپور . ورکابیکی بعدیگری حسب درجات ومراتب خودها توقف داشتند .

بعد ازینکه وقفهٔ اندکی همهٔ عساکر را حکم مرور به آداب سلامی بی خواگور ازمواجههٔ ذات اعلیحضرت همایونی داده شد . ازهمه اول ازبعد مسافهٔ بکمبل وپیاده بران علم نصرت توأم دیده شد که ازجای آرام وموضع قیام خود جدا شده جانب غرب متوجه شده ومتصلاً درعقب آن توپخانه نیز آهسته آهسته حرکت آغاز نهاد به ساعت نیم جهٔ عسکر که عبارت ازعلم محترم باشد ازپیشگاه حضور همایونی گذرنمود به سالار عموم عساکر دارالسلطنهٔ کابل جناب شجاعت نشان سردار محمدنادر خان که پیشروی علم مبارک براسپ سوار بود به سلامی کرج ازمواجههٔ ذات پادشاهی مرور نموده بعدازانکه یکچند قدم دیگرهم رفتار بکمال آداب سلامی وسمت عزیمت خودرادوام ورزیدازموقع سرافسری خود جداشده حسب قاعده بجانب راست ذات شاهانه یک گوشهٔ توقف نمود درعقب علم بعد یکچند قدم توپخانه هم بیکرفتار متوسطی باعتبار قدامت وموقعیتی که درابتدا ذکرشده بکمال درستی وانتظام مرور نمود درعقب غند توپخانه عدد بسیاری ازتوپهای کوهی باجبه خانه وذخیرهٔ آن موجود بود درانجام هریک صنف قدر دوعدد وپانزده عدد توپهای جوی صحرائی نیز بقوت اسپان تنومندی کشیده میشدند

§

به ساعت ۱ ازعقب توپخانهٔ خاصهٔ یکچند متر صفوف به شجاعت معروف عساکر پیاده در رسید . موزیکهٔ عسکری نیز بکمال خوش آهنگی چنهای قومی را میسرود . آواز های قدمهای منظم قوتهٔ بموزیکه چنان موافقت و مطابقی بهم میرسانید که فرحت برمسرت می افزود . عساکر غند اردلی واردل وکوتوالی ودارالسلطنه بکمال ترتیب وانتظام وشوکت واحتشام از مقابل ذات همایونی بادای سلام وبی خواگور ومرور نمودند . انتظام صف بندی وقدم انداختن همهٔ عساکر واده علی الخصوص غند اردلی خیلی قابل تعریف ولایق توصیف بود . دراثنای گذشتن افواج پیاده موزیکه هر «موت» به نوبت ازصف دیگر موزیکه ها جداشده وقتی که هان «موت» «قریب الاختتام» میشد ازجای خودحرکت کرده درعقب صف آخرین «موت» خود خودرا رسانیده باآن یکجا شده میرفت .

§

بساعت یکونیم ازدور آواز موزیکهٔ سوار «رسالهٔ شاهی» وصدای دانگهٔ اسپورهای اردلی واردل وکوتوالی ودارالسلطنه وغیره «دمیدم» نزدیک شدن عساکر سواره یعنی «رساله» را اشعار می نمود . ازهمه اول رسالهٔ شاهی اولوشاهی دوه بکمال ودرستی وانتظام گذر نمودند . سپس نوبت رساله هـای نیزه دار دانگه دار رسید که یک یک نیزهٔ سرتیز دراز بدست هرسوار آن نمودار بود که یادازرساله های رواجتیر وکمان وخود وسپر . ونشان ازنامهای رستم وافراسیاب میداد . هرچند که علاوه بران بمانند کرچ وتفنگ وغیره سلاح امروزی جنگ هم مسلح میباشند ولی داشتن نیزه ونواختن دانگه هم بیهوده وخالی ازفایده وحکمت نیست که ضرورت ولزوم آن البته بارباب فن آنخوبی معلوم است تابساعت ۲ عساکر سواره هم با کمال ترتیب وتمام انتظام مرور نمودند .

پس از اتمام واختتام این سیر ودورهٔ بزرگ که محیط آن تخمیناً ۳ میل مسافت بود جمیع عساکر راه براه جانب قشله های خودشان التزام شدند . تدرین اثنا ذات اعلیحضرت پادشاهی بادای صلوة ظهر باعساکر نظری معیت رکاب شاهانهٔ شان و یکجمعیت بزرگ افراد رعایای صادقه اشتغال ورزیدند تابه ساعت ۲ ونیم ازنماز وغیره فراغ دست داده برای امتحان وتجربهٔ بعضی توپهای صحرائی که برای ادامع تخصیص یافته بودند آغاز وانشاندند . واز مسافهٔ تخمیناً ۲ ونیم میل ازدوسمت مخالف برآماج فیر کرده شد . اکثرگله ها قریب بهدف تصادف نمودند وبعضی یکان یکان خیلی نزدیک بنشان مصاب گردیدند . به ایطریق از هردو طرف ۱۰ ، ۱۲ فیر کرده شد که هرکدام آن شایان بسیار تعریف بود . بساعت ۳ ذات شوکتسمات اعلیحضرت پادشاهی باجمیع شهزاده گان عالی مقام بسواری عرابهٔ موتر وغیره سوار شده بسمت شهر عزیمت فرموده تشریف بردند وبه اینصورت همهٔ مراسم این مانورهٔ عسکری بکمال دبدبه واحتشام انجام واختتام یافت .

(عبدالرحمن محرر اداره)

شکارگاه چناری

همهٔ آهوان صحرا سر خود نهاده برکف
بامید آنکه روزی بشکار خواهی آمد

همه ساله درموسم یک شکار گاه مدبدب ومطنطنی در کوهستان موضع (چناری) ترتیب میابد که درشماره های هرسال سراج الاخبار افغانیه از کوایف آن ، حتی ازتصاویر آن نیز معلومات درج شده است امسال نیز بوقت ومیعاد متحتم آن — یعنی یوم شنبه سلخ محرم الحرام سنهٔ ۱۳۳۴ موکب سعادت موهب ذات شوکتسمات پادشاه ترقیخواه معظم مراحم آئین اعلیحضرت (سراج الملة والدین) بصوب چناری تشریف فرمای عزم اجلال گردید . تاپغمان (نغلو) بسواری موتر وبعد ازان بسواری اسپ بموقع چناری مواصلت فرمودند . شب را

درمنزلگاه موقع مزبور بسر آورده یوم یکشنبه بترتیبات وتنظیمات شکار مشغول شدند . وموقع شکار کهدرا ازنظر مبارک گذرانیده برای شکاریان معیت همایونی تعیین موقع نمودند . وشب را درز عمارت منزلگاه همایونی بسر آورده فردای آن یعنی یوم دوشنبه بشکار که تشریف فرما شدند وتاوقت چاشت وضعیت شکار وترتیب موقع را گرفته بوقت معین افراد اهالی وعسکر که ازتب اطراف واکناف موقع را احاطه کرده آهوان را درموقع مذکور جمع نموده بودند بمعه باشه‌ها و هاپوها آنها را بزدگاه شکار سوق نمودند . و از طرف ذات اعلیحضرت همایونی وشهزاده‌گان ومصاحبان فیرهای تفنگ شده تقریباً بیست وپنج عدد آهو شکار شد که نسبت بسالهای سابق خیلی کمتر شکار بعمل آمده است وازین علوم میشود که نسل این مخلوق درین موضع رو به تناقص نهاده باشد . بعد فراغت ازشکار بازخیمه‌گاه همایونی عودت نموده شب را درانجا بسر آورده ویوم سه‌شنبه به (بکرامی) نامموقع باصدا عودت فرمودند . یکشب را درانجا گذرانیده یوم چارشنبه بوقت عصر بشهر عودت فرمودند .

مقرری برگد بغند کوتوالی دارالسلطنه

بارادهٔ سنیهٔ ذات شوکتسمات اعلیحضرت پادشاهی . عزت نشان برگد عبدالوکیل خان قومندان سابق اردوی همایون ظفر مقرون قندهار به برگدی غند کوتوالی دارالسلطنه مقرر فرموده شدند برگد مشارالیه ازافسران کارگذار . وصاحب منصبان الاقتدار صنف جلیل نظام معدود وبصداقت واستقامت معروف‌اند . این منصب جدیده جلیلهٔ شانرا تبریک می‌گوئیم وکامیابیٔ شانرا درراه خدمات صادقانهٔ پادشاه ووطن وملت نیاز می‌کنیم .

خبر مقرری خودرا جناب برگد مشارالیهٔ ازقرار ذیل برای مانوشته‌اند که عیناً آنرا درج میکنیم تا استفاده درج آن باشد :

چون فدوی والا قبل ازاین مدت که بمنصب برگدی افواج ظفر امواج قندهار سرفراز بودم . درهذه السنه حسب الامر مبارک اعلیحضرت پادشاه معظم دین پناه تبدیل شده وابس بدارالسلطنه خواسته شدم . درمورخهٔ سه‌شنبه ۱۵ شهرحال قطعه فرمان مزین بدستخط مبارک انور والا مضمون مرحمت مشحون اسمی جناب گرامی سردار سپه سالار صاحب نظامی صدور یافت که عبدالوکیل خان برگد که ازقندهار خواسته شده بود بیکار است یعنی درنظام الحال کار ندارد لهذا ازحضور امر میشود که اورا درغند کوتوالی مقرر فرمودیم که قرار قانون نظام متوجه خدمت خود باشد همان است که فدوی والا بخدمات نظام داری غند مذکور ودعا گوئی ترقیات دین و دولت خداداد اسلام مشغول میباشم چون روزنامهٔ سراج الاخبار که اسمی بنده‌اش میرسد وکسانیکه قندهار نوشته میباشند ودر صحایف روزنامهٔ موصوف مطالعه شده که بعضی اشخاص کهاز یکجا بدیگرجا تبدیل میشوند به‌ادارهٔ سراج الاخبار خبر میدهند که اخبار شان درهرجا برای شان برسد . بنابران خبر مقرری خودرا لازم دانسته بخدمت گرامی محرر ومرقوم نمودم تا در اخبارهای فدوی دولت علیه برگد کوتوالی برسد . والحمد وهزار شکر به مراحم حضرت شهریاری که از روی ذره پروری وکرم گستری درباره این خدمتگذار دین ودولت بوده ومیباشد فدوی والا درهیچ صورت وبهیچ زبان ادا کرده نمی‌توانم اگر شکرانهٔ مراحم شهریاری هزار بار سر خودرا فدای خاک پای مبارک انوروالا نمایم ودر راه خدمت دین ودولت جان خودرا نثار سازم هنوز کم است ازدر که خداوند بی‌مانند توفیق زیادی خدمت وصداقت برادران راه خدمت دین ودولت را برای خود وباقی برادران غند مذکو وجمیع خدمتگذاران ملت ودولتخواهان میباشم زیاده والسلام عل

دستخط عبدالوکیل برگد غند کوتوالی صحیح است .

(مکتوب)

جناب فضائل مآب سرمحرر و مدیر روشن ضمیر جریدهٔ مبارک که سراج الاخبار افغانیه محمود بیک خان طرزی صاحب را الل وتعالی هنوز قوت قلب وعمر زیاد عطا فرماید که تاچند مدت دیگر خدمت دین ودولت نماید وفیض جاری آنصاحب بملت خود وجه اسلام بوجه برسد تابی این چندفقره ذیل بخدمت برادران عزیز ملت ووطن مقدس افغانستان خود به کمال آداب عرض میدارم منظور آنصاحب کمالات نشان شود درج جریده مبارک که خود تا ای برادران عزیز ملت نجیب . مقدس افغانستان بدقت مطالعه فرمای خدارا بجا آورید که حق سبحان تعالی برای ملت ووطن وقو خود چنان پادشاه مهربان محبوب القلوب بما عطا فرموده که شب توجه مبارک عالی شان خود بترقی ونوازش پرورش‌های ملت ووطن خود را فرموده باین مدت قلیل این درجات عالی رسانیده از کا توپ وتفنگ و کشیده‌ها رنگ رنگ و الکتریک وتلفن و معا هزاران نفوس ازان زنده شده ومیشود که من ازتفصیل فرض ناچیزم که عرض بدارم . فیض قلیل ان مبارک همین جریدهٔ مبارک که سراج افغانیه میباشد که مجانی ارزانی فرموده چونکه درایام پادشاهان یکشخص یافت میشد وازیک کتاب افسانه را تیار می‌کرد و آن زمان هزارها روپیه وخلعت‌ها میگرفت که ازانجمله یک ک نامه فردوسی که برای اعلیحضرت سلطان محمود غزنوی ساخته جریدهٔ وطن مقدس مایان که عکس مترقیان دست چپ این تله وعکس کتاب شاهنامه بدست راست من میباشد ان باین ترتیب بی‌بهره گی که بدون فردوسی دیگر ثمره حاصل ندارد واین جر کوچکی باین فیضهای زرگ که شهرت‌اش در جهان نموده چونکه شاهنامه بیلغهای کلی ساخته شده‌بود وفروش می‌شود جریده مایان اگر قیمت اصل ان نظرکنیم هیچ قیمت ندارد و بل (اول بعضی مردم که تحریرات‌هذای این ناچیز را ملاحظه می‌کنند چندسال مرا دیده وملاقات کرده باشند می‌گوید که تحریر وت ازخود انشخص نمیباشد لاکن من عرض میدارم که درصلا وتحریر هیچ شخص را شریک وهمدست ندارم) مردها زنده شود که کجا است شود ازتوجه وبخشش مبارک ما شود ثانیاً سابق قانونها که عرض نموده بودم حل نقشهٔ آنرا فرستادم امید دا اخبار مبارک خود نماید که تاهمگی برادران دور هم از ترقی ملت خو باخبر شود وعرض این ناچیز را صحیح بدانند چونکه ازبدخشان تا هرات این برادرانم کامل ازمالهای جدید ساخته که میان پوشیده نموده خیلی منظور فرموده مایان ازبیشترین تجار ملت افغانیه دیگر مردم شهری مایان عراقی هستیم و برادران دورا مرا که ملاحظه فرماید وهرشخص درکار خود کوشش نماید تر ترقی بدهد چه اگر دهقان باشند زمین داری خود ساعی بتجارت خود ساعی باشند که فائدهٔ آن برای بیت المال برسد خود ساعی باشد که زیانهای آن اسوده حال باشند بتجربه

خود بایدشدولت را افزون شوند و سررشتهٔ جدید برای فایدهٔ بیت المال بکنند و کار کنان و افسرهای کارخانه جات در کارخانه های متعلق خود صنعتهای جدید بکشند وسایل باشند در فکر و فراست و عقل که ما مردم افغانستان داریم در هیچ دولت و ملت من ندیدم چونکه مردم خارجه انچه که در مکتب تعلیم بکنند ازا یاد دارد و بدون انجیزی را نمیداند ما مردم ملت افغان بدون مکتب چقدر صاحب فکر و تدبیر و فراست هستیم و حال که به مکتب های جدید خود تعلیم بگیریم نوراً علی نور میشود و چقدر صاحب تدبیر خواهد شود افغانستان ملک ویرانه و بی عمارات بود این پادشاه نوی دماغ مهربان ترقی خواه معمار روح اهل اسلام عمارات آنرا بهاین مدت قلیل بسر رساند حال محض صفا کاری آن مانده روشن تر عرض بدارم که ما یان ملت افغان

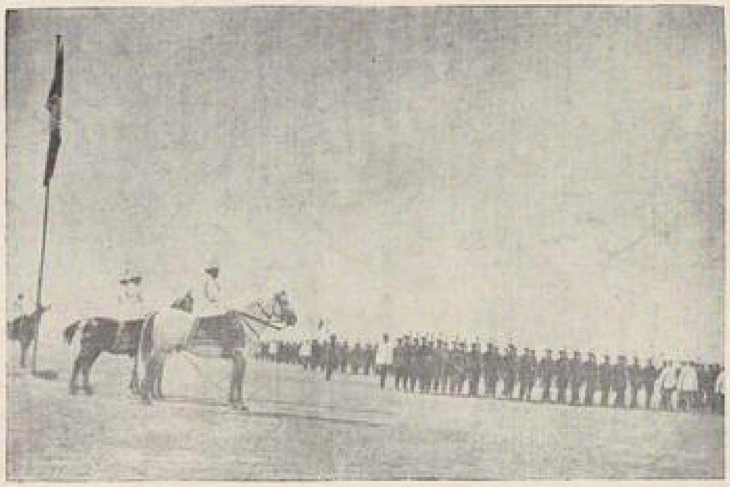

از مناظر عسکریه
مرور عساکر شاهانه از پیشگاه ذات اعلیحضرت همایونی

از مناظر عسکریه
ذات اعلیحضرت همایونی سوار با لازمیت شاهانه

محروم بودیم حال از توجهات مبارک بهره مند شدیم ابتدای کار خیلی مشکل میباشد بآخر که برسد بمدت اندکی مرغوب از باری واجب تعالی زیادتی عمر و اقبال اعلیحضرت امیرالمؤمنین خود را زیاده در زیاده استدعا دارم که انشاءالله تبارک و تعالی سایهٔ اعلیحضرت شهریار همایونی پادشاه ترقی خواه ملت از سرجملهٔ اهل اسلام کم و کوتاه نکرداند بحق جمیع انبیاء آمین ثم آمین — عرض و دستخط محمد عمر پسر محمد کلخان خروتی ساکن غزنین حال باشنده میمنه صحیح است

ادبیات

زمانه بر سر کین است و روز کار چنین
کنون چه چاره که مشکل شده است کار چنین
چنین قرار بود بیقرار اگر کسی
گمان مبر که بماند کسی قرار چنین
جهان باهل ریب کرد جرمن از دانش
وبه زار کجا میکند شرار چنین
دلا نبودی اگر پیش بین چنین جرمن
نساختی دل بدخواه خود فگار چنین
نساختند چو او کار و بار خویش نخست
که گشت خاطر اغیار داغدار چنین
چنین کسی که بود بیخبر ز کید عدو
یقین که جور و جفا میکشد هزار چنین
مباش بیخبر از طور وقت و طرز زمان
چنین مباش که نبود کسی بکار چنین
نگفته اند که غافل مشو ز دور زمان
که روز کار نماند بیک قرار چنین

بکوش و عقل و هنر ورز و عزو فضل و کال
بکوش ورنه نیاش هیچ کار چنین

حریف خصم توان باسلاح خصم شدن
تو باد درکف و او تیغ آبدار چنین

به توپ و زیلن و غاز و آبدوز جدید
بیا و حربهٔ جرمن ببین بیار چنین

بجنک خصم کمانی روی بدست تهی
سکی چه صید اگر می روی شکار چنین

بکس نمیکند این گفتهٔ اثر چکنم
چه سود ازینکه بگویم هزار بار چنین

خدا بخیر کند کار زمرهٔ اسلام
که کار زار چنین است و کارزار چنین

زجور یار دلم خون شد و گداخت جگر
فغان که یار چنین است و روز کار چنین

دلم بزلف نشان می کشد خدا حافظ
نعقرب است چنین خال گراه مار چنین

قطر نمی کند آن بیوه (مستغنی)
خدا بکس ندهد دوستان نگار چنین

(تشویق نوآموزان)

بیا طفل ادیبك بازی کن با خامه و دفتر
سبق راروز خوان وشب کشد تاخواب کن ازبر

مگو پیش زر کان تابرسد از تو یك حرف
فصاحت را تمیزان بلاغت سنج و گو بهتر

بحکم فرض دانی حرمت استاد را زان پس
حقوق والدین و اقربا و خواهرو دادر

معلم یك مدیر کاشان طیارهٔ مکتب
باوج مدعا آرد بلان و زینت کشور

قر یك قوتی دارد ندارد قوت جرمن
سپاهی خصلتی دارد ندارد سد اسکندر

بروری یك سبب در کار و رتقدیر هم تدبیر
رزق بی طمع کچکول حکمت حقهٔ محبر

اطاعت کن باصرد نمی ظـل الله فی العالم
مقدس محترم دان طرهٔ محراب هم منبر

مشو بیرون برای کج روان از مرکز وجدان
بشکل کروی محرك شوی در گردش محور

وطن را دوست دارو باهمه ملت مدارا کن
توحش کن ز وحشت درتمدن باش یك عسکر

مشو مفتون صورت فیض معنی خواه از سیرت
چه میکوید بآن بنگر که میگوید باو منگر

بعرفان دست یابی ازسوی محراب رهلیکن
باخلاص ابو بکری گرفی دین پیغمبر

باخلاص عمرخوکن که شیطان ازتو بگریزد
بمردم حلم عثمان پیش گیرو غیرت حیدر

هران علمیکه خواندی تا نهایت ختم کن زاول
معانیهای الفاظش نماید مغلق و ابتر

نبی همچو کاغذ در جهان میدان باوسعت
گروه حرف رنگین دستههای نقطهذوق آور

گذشته نوبت ازمادرزمان خویش حاضرباش
دیگر گون میشود البته آدم شکل هرلمبر

تقاضای جهان درهرزمان یك شیوه میخواهد
چه کار آید دربندم گرزهای صدمن و کومبر

رسد روزی باینجا فن حکمت کوی ازمشرق
سخن را بشنود در سوی مغرب آدم دیگر

تأسف میکنم رجال دهشت اشتهال قوم
فغان از ناطقان کنلشو داد از سامعان کر

محیط شرع را آنان محاط عقل فهمیدند
باپسای طبیعت خاك را گفتند خاکستر

بکنج خانقه اکثر دیا کر از غم اشکم
توکلت علی الله گفته و همیان دوخت بهرزر

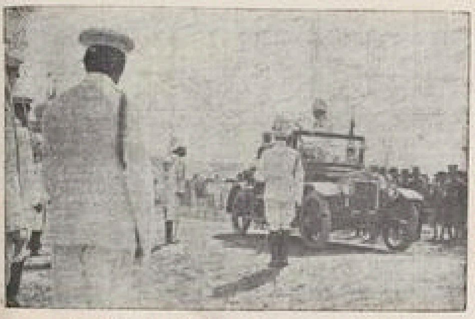

ازمناظر عسکریه شهزاده معظم معین السلطنه صاحب افخم درخصوص اخذ زنیات باسردار سپه سالار صاحب بعضی تلقینات میفرمایند

گروه بی سوادان از برای نان و آش مفت
گرفتند از پس اشرافیان تقلید را دربر

نفس دزدان چوماشین غزلافسانه دردادند
هزاران سوخت دراین آتش بی دود وخشك و تر

عصای سبز خود بنداشت پیر دیر سر نیزه
مغان ساده لوحان مشکای چوب را موزر

شتر هـای قطار و ساربان خر سوار ما
نداند کار باو را نخواهد شد شمندو فر

طریق ره نوردی یاد گیر از بیعت رضوان
مرید شیخ سنوسی شو و هم مسلك انور

سرخود را فدای قوم کن همچون نیازی بیك
وطن نازد بنام نامی مانند تو افسر

چنان آتش زبان شو تا شوی مثل جمال الدین
ادیب ملك افغان و مدیر جامع الاظهر

مرو تنها بطوف کعبهٔ امید بی همادی
زنکتها مجموعئی با کتاب خضر ره بکذر
تعصب کرم ملت مخرب بنیاد جمعیت
کسالت درد مهلک غفلت مردم ازین بدتر
نجات دین و دنیا مندرج در ضمن یکرنکی
کشایش در ضمیر اتحاد قوم دان مضمر
رمز آن سکندر معنی مقصود این اخبار
زبانها را بدان کی شوی رمز او مظهر
بخوردو خواب و کار زندگی تقسیم کن ساعت
پس از خوردن بهر سو کردو جمناستیک کن اکثر
حقوق وطب و تاریخ و نجوم و خط موسیقه
زمکتبهای ما در محض شهرت یافت زیر دفتر
زاسطرلاب و زیج ملت اسلام او روپا
بدوربین و تلسقوب دسترس شد ما را و بی بر
فنون صنعت جغرافیا هم مال ما بودند
ببرق رده ازما اهل یوروپ تشنه و مضطر
حریفان کار خود کردند و ما صد سال باختیم
از آن باعث نمایان مسکرو آنها شده زر کر
زخشکی تا کنارات دشمنا را بوده هم انداز
بکشتیهای ملیان باد دریا بود فرمان بر
یک زنبور تعلیمی شکار نیز می کردیم
خطوط داك مارا از هوا میبرد یک کفتر
تخلق کن باخلاق النبی باجمله مخلوق
جهانرا نورپاش و همچو خاور ذره پرور
بعزم شوق و ترغیب هوسکاران تو آموز
نباشد در دل محزون شوق زادهٔ احقر

(بسم الله الرحمن الرحیم)

رب لاتذر علی الارض من الکفرین دیارا

زما زړه دو بنودلك دی پیغمبراد　　تن سستم د کاسرا نو شو بیدار
درسول درو بقتل ، کری رب　　په امت د خیل حبیب زر کوار
شنون د تغار وچه حساب کرم　　دوی تر شوی دیه حدوله تبار
دوی په زړه که رحم لنته په اسلام　　جورئی دیرلك جور په اهل النار
طاقت نلرم چه اوز بیان ئی وکرم　　دوئی جفاه ستوه حه اخبار
زما یا تو کفرا نو ووقصد کری　　چه د مسلم دیانه دشی بود یار
نی اخراج مسلمانان تول له یوروپا　　حلقه تنکه دیه دوئی شی دیر کار
ددوو دوه په اشیا که هم مفقود شی　　د کرسوك چه دصلیب شی ورشار
د صلیب بیرق دیاس په مکه شی　　بودی وشی په مدینی باحت دتاکار
مسلمانان چه دوی بیایه انصاری شی　　په رضا یا په جفا وار. کفار
ئی بوان باتی له حکم دسلطان شه　　صباورز مروبه شوه خود مختار
انکرز دو چه خیرخواه بود بلوچو　　بد اجل ئی کرقبضه ددوی دیار
د لاافغان اوس بندی دی په لاهور که　　زکه دانکرز بلوچستان شملج کنار
ما کو که چه دورو زو مره جنك وه　　اوس فرانس په که عزتی دی بی بیکار
په ایران که هم دغسی حال مکار بزی　　چه تول شوی کرکان دی په مردار
سربب ئی مسخر الجیریا کره　　هم تابع دامی سلطان دز تکبار

دانکرز دو قریب پداو نیا که　　چه خیر خواهان بود آدهٔ تول تبار
هیچ مطلب نور نلری زړه که　　خبز کسو خواموروه آدم پلار
اعانات لوه را غلی بو له لری　　دخوار اتو ارومدد جادو وار
عرض دوی زان کفایان کری پښتنان　　دوی خوطالان لګلیو اندی دیر مکار
ترمیان چه یوزل ربوزی بدرمه که　　لحاظ خونکری د کبار اود صغار
فلسطین چه بحقیقت که د اسلام دی　　په اسلامبول که د اسلام دی قرار
په مسیح مافقسم چه دوی خواهان دی　　چه صلاح غند میز کاند بدار
دانجوا صلیبی جنکو که نه وه　　په منبر یاند له یورپ دنا نار
دسلطان صلاح الدین په زمانه که　　تول یورپ چه یورش کره حصار
له کفارو انکرس شو په میدان که　　تورشو وخلاص په رحمت او بقرار
سه قصوروه داسلام په باب لکی　　چه روضهٔ دامام کره کوله یار
باجنك وه دطرابلس په افرقه که　　چه مسلمانان شو شهیدان هزار هزار
نه سپین زدی ئی دملو کاوریدو　　نه په غیز که دمور طفل شیر خوار
چه کمل زمر بدلشو حال مو بدلشو　　لکه وی وعید له لوری دقهار
در کلی ئی حل کره له مرون　　عمارات خال وسوه بیا په تار
ستمو نه دا ئی سه عجب ندی　　چه از حال دانکرزانو کره اظهار
په ظاهر که انکرزان مهذب زدی　　په باطن که دوی بد تر دور کفار
اول داچه اوس سالار ددوی کیخزوی　　چه ئی مرهمه ی سود کری دوبیدار
هغه چوب چه دمسیح قائم مقام دی　　مذهبی ددوی سردار دی هم ئی پلار
چه د کری وه پیان اطالیه ته　　چه اسلام دی دراشد افزی دلار
درتواب دی چه غزا نوی تی له لاری　　هم پلاری که دی نوی نور ازار
انل دامی استبدل د اسلام کری　　لکه شی درو وایه د مرغزار
قلمبند په ئی زور مه نحره نکری　　که نه مور کری قلمون تول اشجار
دعاد (افغان) داده ای خالق　　چه دتل دوی تول دشمن ذلیل همخوار

امضا

غ . م : افغان

﴿ ترکیب مخمس ﴾

(به امضای « کل » از ایران وارد شده)

درویش شوریدهٔ

هو حق مددی مولا نظری
هو حق مددی مولا نظری

از چیست چنین بیچاره شدیم　　کوته دست و ممخوا ره شدیم
از خانه خود آواره شدیم　　نادیده چو ما کس در بدری
هو حق مددی مولا نظری

ایران بشکر ویرانه شده　　بین مهر وطن افسانه شده
قدرش تو دیوانه شده　　تا بود شود ابنای بشری
هو حق مددی مولا نظری

این خاك به از کیوان بودی　　آرامکهٔ کردان بودی
پر رنك همه شاهان بودی　　شد دست خوش غول تتری
هو حق مددی مولا نظری

زاین بیش بره سر دان بودیم　　بر درد وطن درمان جو نیم
ایران ایران ایران کو نیم　　در ورد شب و روز سحری
هو حق مددی مولا نظری

ای قبلهٔ ما ایران ایران　　ما بنده و تو یکتا یزدان

بر کرده کنون مهرت دلو جان   تو روح دل و نور بصری
هو حق مددی مولا نظری
هو هو هو هو کو کو دارا   کو شاپور آن لشکر آرا
کو نوشیروان گردون خرگاه   رفتند و نماند ز ایشان اثری
هو حق مددی مولا نظری
خورشید کیان گرداند چو رو   شد شب‌ره سان دشمن شب جو
بر بازی چرخ نفرین و تفو   کانگیخت بما بیداد گری
هو حق مددی مولا نظری
در ماتمو در زاری تا کی   اشك از دو بصر جاری تا کی
شرمنده گی و خواری تا کی   تاچند روا این خونجگری
هو حق مددی مولا نظری
آوخ آوخ کز می مستیم   افیون‌زده و خوابه سستیم
از خود غافل ز ایزد بیم   نبود ما را از خود خبری
هو حق مددی مولا نظری
ملت غافل دشمن در کار   این یك در خواب آن یك بیدار
این یك مدهوش آن یك هوشیار   زاینسان گردند از بیخبری
هو حق مددی مولا نظری
بگرفته عدو کاشانهٔ ما   از خود داند این خانهٔ ما
بر کرده شکم از دانهٔ ما   بر خرمن ما بزند شرری
هو حق مددی مولا نظری
بیداد عدو اندر تبریز   یاد آورد از ظلم چنگیز
الله الله از این خونریز   برسوخت بهم هر خشك و تری
هو حق مددی مولا نظری
از بهر وطن از جان کوشیم   واز دست اجل خلعت پوشیم
از جام فنا زهری نوشیم   تا کام وطن گردد شکری
هو حق مددی مولا نظری
ما را باید شمشیرو تفنگ   زورو دل شیر نیروی نهنگ
بازوی یلان اندر گه جنگ   نه‌گونهٔ زرد نه چشم تری
هو حق مددی مولا نظری
جانت بفشان هو هو هو هو   خونت بچکان هو هو هو هو
درویش بخوان هو هو هو هو   هو نی بزنو بر کش تبری
هو حق مددی مولا نظری

حوادث خارجیه

مکتوب از طهران بامضای (بلشیاح) درباب احوال ایران
آثار حیات در ایران نمرده

غرهٔ محرم سنه ۱۳۳٤
جناب محترم مدیر سراج الاخبار افغانیه

در جراید هندوستان جزوی از خبر ایران بدین منوال شائع شده است — : که سفیران دولت آلمانیه واستریا . هنگری ودولت علیهٔ عثمانیه از طهران بیرون رفتند — وایشان گمان کرده بودند که در عقب ایشان شاه ایران هم خواهد آمد — اما سفیر انگلیس وروس بشاه ملاقات کرده از و وعدهٔ دوستی حکومت ایران بدولت انگلیس و روس گرفتند .

وفرمان فرما وعین الدوله را که دوستدار انگلیس وروس هستند داخ
وزارت ایران نمودند .

ازین خبر مذکور الا بعض حقائق مبهمه زبردهٔ خلاصه
وعلم اسلامی در ورطهٔ پریشانی می‌افتد . چون کاتب این سطور از ایرا
تازه وارد شده است واز خیالات و حسیات مردم ایران — از وض
وتمریف جوان وپیر — مرد وزنی — اطلاع دارد — جرأت کر
در صفحات جریدهٔ غرای آن عالیجناب شاهد حقیقت را پرده از
کشیدن میخواهد .

شك نیست که ملت ایران درشصت سال — یعنی پنجاه سال ع
ناصر الدین شاه وده سال عهد مظفر الدین شاه — از برکات تمد
عبارت است ازضبط مالیات حسب اصول اقتصادیهٔ جدیده — و
عسکر موافق قواعد نوایجاد — وتعلیم همه افراد ملت محروم ماند
ودر همین شصت سال اقوام غرب درعلوم وفنون وکشف اسرار قط
وایجاد اسباب تسهیل نقل و سیاحت وغیرها چنان ترقی و تقدم کر
که در قرون قدیمهٔ السابقه در هزار سال هم نکرده بود — ول
از مساعدت بخت مظفر الدین شاه مرحوم در ابتدای سنه ۹۰۷
ربستر مرگ خویش حکومت دستوری قرارداد . ومجلس ملی بوج
آورد — ملت ایرانی بدون اضاعت وقت دربی اصلاح ملك و م
مشغول شدند . وبرای نظام مالیات درهمه طول وعرض ایران بل
فن اقتصادی — مارکن شستر نامی را ازحکومت ممالك متحدهٔ ا
طلب نمودند — مارکن شستر مخلصانه درصدد اصلاح مالیات ایرا
ولشکر ضابطه هم‌در زیر تعلیم صاحب منصبان سویدن . انتظا
صورت باهکری درست پیدا کرد . در ماه اگست سنه ۹۰۷
دولت انگلیس وروس باهم اتفاق کرده سنك راه اصلاح مالی و
وترقی ایران شدند . ومارکن شستر امریکی را مجبور کرده از ا
بیرون نمودند . ازسنه ۱۹۰۸ ع تاامروز که هشت سال میشود از
تداخل روس وانگلیس برایرانیان بلاهای متواترومتراکم نازلشد
(۱) مثلاً طرفداران شاه معزول مدد اسلحه وپولیافته لوای خا
برافراشتند . ومانع ترقیات ملك وملت گشتند — (۲) درسنه ۱۰
وزیر مالی ایرانرا که وطن پرست بود بکدارمی که رعیت روس ب
روز روشن در طهران کشت . وبکیفر کردار ناهنجار خود ن
(۳) در اواخر سنه ۱۹۱۱ ع چون دولت اطالیه از اغوای انگ
وفرانس وروس برطرابلس غرب ، که یك ولایت دولت علیهٔ عثمانیه
حمله آوردند . حکومت روس برای اعانت اطالیه بر ولایت آذر ب
ایران تسلط عسکری نموده . حکومت عثمانیه را مجبور کرد که
عثمانیه را بسبب حفظ ارمنیه و کردستان از آسیای کوچك بیرون نمو
برد . هنگامیکه لشکر روس بتبریز در رسید . اعیان و اشراف
ولایت را طلبیده استدعا نمود که بطور رسمی درمیان خلائق اعلا
که دولت روس حسب طلب ارباب حل وعقد آن ولایت برای
حکومت ایران لشکررا تاقد بانجا فرستاده است — ثقة الاسلا
رئیس روحانی آن خطه بود ازروی راستبازی ووطن پروری
دروغ راضی نشد — پس روسیان بکمال سنگدلی وسفاکی ثقة الا
ودیگر معصومانرا روز عاشورهٔ محرم سنه ۱۳۳۱ هجری بدار ک
ازین حادثهٔ جانگاه غریو ازنهاد همه ملت ایرانی بر آمد (٤)
برروسیان ضعف حکومت ایران وبیچارگی ملت ایرانی هویدا

ازبهرلذت پول وجبارت خویش بمزار مقدس امام رضا درمشهد گلولهٔ توپ باریدند — و خزائن ثمینه و جواهر غریبه ازان روضهٔ متبرکه بغارت بردند ازین واقعه نیز ایرانیان اشك خونین ریختند ، (۵) انگلیس وروس عمداً ادارهٔ ملك‌را چنان خراب وفاسد نمودند که حاصل بسیار کم شد وشوکت حکومت باقی نماند — پس انگلیسها پول برای اداره قرض‌دادن آغاز کردند — اما صرف چند هزار پوند ربا وسود اضعافاً مضاعفة !

در ایران چنانکه در دیگر بلدان ملت منقسم بسه طبقه است اعلی واوسط وادنی مردم ازطبقهٔ اول زمام حکومت بدست خوددارند . لا اکثرین ایشان ازبد ازبر . واز احوال عالم بیخبر واز حب وطن بی‌بهره‌اند . برای پول ملك وملت را میفروشند . ومردم طبقهٔ سفلی زالحقیقت مصداق عوام کالانعام هستند . تریاك مردمی شانرا بربادداده، وانهماك عادات ایشانرا بدرجهٔ بهائم رسانده است — اکنون باقی ماند طبقهٔ وسطی — درمیان ایشان مردم باغیرت وحمیت ووطن‌پروری بسیاراند — اخلاص دارند . اما نفوذش بمقدار عزم ومعرفت ایشان ظهور می‌آید این طائفهٔ اخیره . چون تغلب روس وانگلیس وسفاکی وجباری این هردو درایران ملاحظه کردند . عرق ناموس ایشان بحرکت آمد — جامعتهای پنهان و آشکارا برای خلاص وطن عزیز وجود آوردند . وکوششهای نمایان بکار بردند — چون ماهران حیل سیاسی ازروس و انگلیس ازمساعی وطن پروران ایران آگاه شدند مردمان وطن فروش‌را ازطبقهٔ‌اول بدست آورده شیرازهٔ اصلاح وترقی‌را برهم زدند — درهمین جنك وجدل فیابین مصلحین و مفسدین این سالهای اخیره در گذشت — و حالت ایران روزبروز ابتر گردید — ونفوذ روس و انگلیس درشمال و جنوب ایران روز افزون شد —

درین اثنای جنك عالمگیر دریورپ آغازشد — برای طائفهٔ وطن دوست ایران یك فرصت غیر مترقبه روی نمود . ایشان ازین فرصت استفاده کردند وباوکلای دولت آلمان اتفاق کرده برای استقلال ایران وعده گرفتند . علاوه‌ازین مددمادی ومعنوی هم تایك درجه ازایشان حاصل نمودند — پس ایشان نوجوانان روشن‌دل ودماغ‌را که دریورپ تحصیل کرده‌بودند طلبیداشته بهمه‌طول وعرض ایران برای فهمانیدن حقیقت مسئله بمردم ایلات وقبائل منتشر ساختند .

مسئلهٔ جهاد اکبر را شرح داده حالت خطرناك وطن‌را بمعرض بیان آوردند — و مردم ایلات را که بخصوص مردانگی آراسته اند . ببیرون راندن روس و انگلیس ازایران آماده کرده منتظر فرصت شدند — درین سال گذشته سعی ایشان در تبدیل کردن رای قوم بجانب مطلوب تزلزلاً مشکور گردید — وهزیمتهای روس وانگلیس و مظفریتهای آلمان و استریا و ترکی دل ایرانیان را قوت و جرأت بهم‌رسانید .

هرچند کهملت ایران برای اخراج روس وانگلیس ازایران مستعد ومصمم گشته — ازبهر بدست آوردن مراد خواستند که حکومت‌را باخود همساز وهمراز نمایند . تاملك وملت ازفتنهٔ خانه جنگی مصون باشد — بویژه خواستند کهشاه ایران‌را ازطهران بیرون برده‌باصفهان یاجائی دیگر دروسط ایران مقر حکومت قرار دهند . تاازحملهٔ روس ایمن باشند — روس لشکر خویش را در انزلی وقزوین . وغیره‌ها که بقرب وجوار طهران واقع است فراهم آورده تاوقت ضرورت بطهران قابض شود . ازینجا است کهفرقهٔ ناجیهٔ ایران باسفیران عثمانی والمانی واطریش درساختن منصوبهٔ بیرون‌بردن شاه‌را ازطهران درست کرده‌بود . ولیکن خائنین ملت که‌بپول روس وانگلیس ناموس ملك وملت‌را فروخته‌اند بسفیران روس وانگلیس اطلاع داده‌مانع نقل شاه ازطهران گشتند — اظهاردوستی روس وانگلیس ازجانب شاه‌ایران وداخل کردن فرمانفرما وعین‌الدوله درهیئت وزرا چیزیست مجبوری وسراسر خلاف خواهش ملت‌ایران — واقعهٔ دهم‌ماه‌نومبر سنه۱۹۱۵ درشیراز را مشتی نمونه ازخرواری ازحسیات وارادات قوم ایرانیان توان پنداشت حسب اطلاعات مطبوعه، درجرائد انگلیسی‌چنان میاید که دهم ماه نومبر مردم شیراز کلیةً بخلاف انگلیسان برخاسته قونسل جنرل انگلیس‌ودیگر مردان انگلیسی نژادرا گرفته اسیر کردند ، وزنان و بچگان ایشانرا به بوشهر برده صحیح و سلامت بدست صاحب منصبان بحری انگلیسی حواله نمودند . لشکر جندارمه یعنی ضابطیهٔ منتظمهٔ شیراز هم شریك ملت شده در گرفتاری انگلیسان وبیرون فرستادن زنان وبچگان ایشان کمك نمودند .

از احوال مذکوره‌هویدا گشت که منصوبهٔ خلاص کردن ایران ازچنگال روس وانگلیس خیلی قوت گرفته است . پیش از زمان‌دراز ایرانیان باشاه‌ایران یابی‌شاه بمدد جندارمه که‌قریب سی‌هزار فوج‌منتظم است واعانت مردم ایلات یك کوشش بلیغ دراخراج روس وانگلیس از ایران خواهند کرد . البته ایشان منتظراند بظهور حرکت انقلابیه در هندوستان (زیرا که‌در هندوستان سازشها بخلاف حکومت‌انگلیس روز بروز درترقی است) و بشمول مسلمانان قرب وجوار در جهاد اکبر . وبآغاز شدن جنك درمصر — حق بجانب ایرانیان است — چنین فرصت غیر مترقبه برای آزاد شدن مسلمانان از ربقهٔ عبودیت انگلیس و روس وفرانس‌ونیز برای اتحاداسلام باز نخواهد آمد — فرصت چو نوبهاری درعمر شخص وقومی گررفته بازنآید مثل‌شباب زائل —

امضا

(یك سیاح)

خبرهای ایران

ورود قورخانه

منجیل ـ دیروز بعداز ظهرهشت کاری قورخانه‌با ۳۵ نفر سالدات وده‌نفر قزاق روس وارد منجیل شده‌امروز قبل از آفتاب عازم قزوین شدند

ورود سوار آلمانی

اسد آباد ـ دیروز یك عده سوار آلمانی بایکنفر صاحب‌منصب از سمت کنکاور وارد اسدآباد شده دوسه‌روزی اقامت دارند تاعقب‌مانده برسد وهر نقطه‌را که معین نمودند توقف نمایند .

سوار آلمانی

اسد آباد ـ دیروز عده سوار آلمانی وارد شده بسمت همدان حرکت کردند

حرکت دریابیگی

برازجان ـ دریابیگی حکمران بنادر باچندنفری ازهمراهان اوده شب از برازجان عازم بوشهر حرکت کردند

مجاهدین شیراز

شیراز ـ مجاهدین مشغول مشق هستند و هر روزه در مسجد نو و مسجد وکیل با حضور علماء و سایر طبقات اجتماع نموده نطق و خطابه میخوانند

حرکت به ملك سیاه کوه

سیستان ـ امروز قسمت زیادی از قشون انگلیس تقریباً تمام عده آنها با قورخانه و توپخانه و سایر لوازمات با شتر زیادی بطرف ملك سیاه کوه حرکت کرده اند قصدشان معلوم نیست که بجای دیگر خواهند رفت یا از سرحد خارج خواهند شد واما خیلی چیزها شنیده میشود که حمل بصحت نمیتوان کرد

حرکت صاحب منصب انگلیسی به بیرجند

قاین ـ امروز صاحب منصب انگلیس با ۸۰ قشون که از مشهد وارد قاین شده بودند به بیرجند حرکت کرد

شهر بندی بیرجند

بیرجند ـ چند روز است رئیس مالیه دور شهر را علامتی قرار داده و شش دروازه معین نموده و در هر دروازه یك مستحفظ گذاشته برای گرفتن حقوق نواقل کسی از بیراهه نرود

مشکل لاینحل

پس از مذاکراتی که دولت ایران در باب تخلیه بوشهر با دولت انگلیس نمود از طرف دولت بمجاهدین امر شد که دست از جنگ بردارند تا تکلیف معین شود ولی مشکل بزرگی که پیش آمده این است که مجاهدین اظهار میدارند تا انگلیسها کلیتاً بوشهر را تخلیه نکنند ما ترك اسلحه نخواهیم کرد انگلیسها هم میگویند بوشهر تخلیه خواهد شد ولی عده برای محافظهٔ قنسول و اتباع انگلیس خواهند ماند تا دولت وسایل امنیت را فراهم کند با این اختلاف و تناقض نه انگلیسها بوشهر را تخلیه میکنند نه مجاهدین ساکت میشوند

دولت ایران و روس

بعد از واقعه اسفناك دستگیری و توقیف یك شهبندر دولت عثمانی از طرف هیئت دولت اقداماتی شده و ۳ روز قبل کتباً پروتستی بسفارت روس داده شده است ولی هنوز جوابی از طرف دولت روس نرسیده است

وحشت اهالی

مراغه ـ سه چهار روز است بواسطه انتشار ورود عساکر عثمانی و عشایر سرحدی بساوجبلاغ اهالی دهات حول و حوش مضطرباً با زن و بچه و اثاث البیت بمراغه آمده سکونت نموده اند

اضطراب اهالی ساوجبلاغ

چنانچه درضمن تلگرافات اطلاع داده میشود چند روز است که انتشار ورود عساکر عثمانی بسمت ساوجبلاغ و حدود اطراف میباشد و روسها برای طرفیت یك عده هزار نفری قشون با مهمات روانه داشته اند ولی تلگرافاتیکه اخیراً رسیده مبنی است که تا بحال طرفیتی نشده واهالی از ترسشان باطراف فرار میکنند .

حکومت بوشهر

برحسب پیشنهاد قوام الملك بمقام ریاست وزراء عظام حکومت بوشهر موقتاً بعهدهٔ دریابیگی واگذار شده است وایشان درانجا مشغول کار هستند قشون انگلیس هم دخالتی بامورات ندارند .

خروج ۱۳۰ نفر قشون روس

بانگیران ـ امروز بتدریج ۱۳۰ نفر سالدات سوار مسلح با هشت گاری اسباب حرب از طرف قوچان وارد و بعشق آباد رفتند

الحاق مجاهدین جنوب

یکصد نفر ژاندارم ساحلوی کازرون که از شدت فلاکت و کثرت جو حقوق بستوه آمده و با وعده های نزدیك حقوقشان باز نرسیده بود و تفنگ وفشنك خودرا در ازاء حقوق برداشته در برازجان ملحق بمجاهدین شدند وجد وجهد ... کردکان در جلوگیری ثمری نبخشیده است .

خبرهای محاربات عثمانی

اخباری که در روزنامه‌های (تیمس) و (دیلی میل) انگلیس مورخهٔ ۵ سپتامبر دیده میشود و ابلاغیه های فرانسه و انگلیس متعلق به وقایع داردانل کاملا مغایر حقیقت است این روزنامها و ابلاغیه ها مقصود درصدد ستر واخفای هزیمت کلیه مؤتلفین در کالی پولی بوده‌اند در آ پورطه عثمانی که انگلیسها قوای جسیمه فوق العاده ابتداء نموده بود منتج بمغلوبیت فاحشه شده الیوم دشمنان بعد از تلفات بیحساب در یك تنگنای ساحل محصور مانده اند و تپه وذروه هسای اطراف شان را استثناء از طرف عساکر منصوره عثمانی مشغول میباشند و چناقکلشر فوق الذکر ادعا میکنند امروز ده های مواصله تپه جزیره وقت از طرف دشمن ضبط نگردیده است.

در کالی پولی

جبهه داردانل دیروز در آنافورطه توپخانه عثمانی اردوگاه دشمن را که در زیر مستان تپه واقع بود بمبارده نموده باعث تلفات ک گردید در آری بورنی نیز توپخانه عثمانی دستگاههای پمپ آبهای دشمن را زیر آتش خود گرفته آنها را اسکات نمود همین توپخانه سنگر و دیگر قلیه دشمن را هم که در ساحل آری بورنی افراد و مهمات پیاده میکرد مورد گلوله های مهیب خود کرده آنهارا مجبور بفرار کرد

۲۷ در آنافورطه و کرادوز دره سدالبحر مفرزات عثمانی اولی دشمن را درخفیه انداخته همه آنهارا اسیر و مقدار کلی تفنگ و مهمات وادوات حربیه وتلگرافیه اغتنام نموده اند

۲۹ چهارشنبه داردانل بروز یك کشتی زیپل انداز دشمن که وقت غرو ازساحل کرادوزده تقرب نموده بود از آتش استحکامات عثمانی ... همین استحکامات موضع دشمن در سدالبحر شدیدا بمبارده نموده

۳۰ ـ جبههٔ عراق شب ۲۶ قوای عثمانی بریك قوه دشمن که ... حمله کشتیهایش در دنبال قوه از دجله پیاده شده بود هجوم ... آنهارا دچار تلفات مهمه نمود

شب ۲۷ قوای عثمانی مجدداً تازه آورده دشمن دچار تلفات مهمه گ دراثنای محاربه مشاهده شده است که انگلیسها مقتولین ... در جلو می انداختند فردای آن شب دشمن بواسطه کشتیهایش قوای ... محاربه سختی تاوقت غروب دوام کرد ولی بااینکه قوای دشمن ... مقابل از قوای اسلامی بود مجاهدان درمقابل مدافعه دلیرانه عسا اسلامی بلانتیجه ماند در بین یك طیاره دشمن تخریب و ۲۵ بدانش ... محمولات غرق و یك مفرزه تلغرافچی اسیر گردید

انگلیس ها تفنگهای دوم دوم وگلوله‌های پراز گاز خفه کننده استعمال کرده اند

جبهه قفقاز در جناح یمین ما مابین مفرزات کشاف عثمانی ویك فوج سوار روس تصادمی واقع شده روسها مجبور بفرار ویك صاحب منصب ده آنها اسیر شد

۱ اکتبر ۱۹۱۵ جبهه داردانل در آری ـ بورنی توپخانه جناح یسار حدین را که درجوار (تالی جیرت) واقع میبودند تخریب کرد در سد البحر نیز نقبی که آتش زده بودیم خندقهای دشمن را زیر وزبر کرد

۲ ودسد البحر میان توپخانه جات طرفین جنك سختی واقع شده یك الطرپهای متحدین مجبور بسکوت وقسمتی خندقهای آنها تخریب شد

۳ ودسد البحر نقبی که طرف جناح یمین ما زده بودیم نقب مقابل متحدین را بهوا کرده همه عملجاتش اتلاف گردید

فرونت دار دانل

کار متفقین در دار دانل هنوز هم پیشرفتی نکرده وعملی که اسباب امید واری باشد از عساکر آنها ظاهر نشده است . اضطرابی که تحت البحری انگلیس در دریای مرمره احداث کرده بود بعد از غرق آن (که اداره بحریه انگلیس هم اخیرا تصدیق کرد) رفع گردید ولی در بحر اژه تحت البحری‌های آلمان مشغول عملیات است عثمانیان در جیب یك صاحب منصب جزء انگلیس که مقتول شده دفتر یادداشتی پیدا کرده اند که وقایع را از روز قبل از قتل خود به طور یومیه نگاشته وحاوی مطالب مهمی است (ما شاید عین آنرا هم ترجمه ودرج کنیم) خبر تازهٔ که روزازان فرونت میدهد نقشه جدیدی است که عثمانی‌ها پیش گرفته از زیر نقب زده بسنگرهای دشمن میرسند هرچند میگویند این نقبها را تا کنون خراب ومنهدم کرده اندولی بیشك از معرقی که عثمانیها در خاك خود دارند ازان تا کشیك بدجد برای متفقین خالی از مخاطره تصور

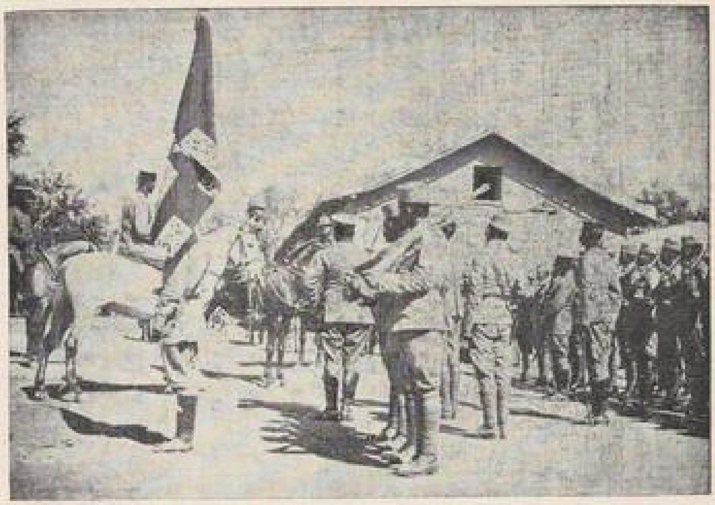

از مناظر عسکریه مانوره

میشود همان طور که جنك دریائی که از زیر شروع وتحت البحر ها از سطح روی آب فعالیت بخرج میدهند عملیات زیر زمینی هم روز کسب اهمیت مینماید .

کها دراین جنك باید از نسیم‌های گاز دار بکار برده اند که در جنگهای ابق امثال آنها دیده نشده بود . ما درمقابل موانع فوق که ترکها م آورده اند مبارزه‌های شدید میکنیم ولی باید هموطنان ما بدانند که درین مبارزات چقدر جان واسلحه تلف می کنیم . درهر قدمی که جلو از سنگرهای خود می گذاریم باخسارات عظیمه مجبور بعقب نشستن میشویم . جسارت وشجاعتیکه ترکها دراین میدان بخرج دادند مفاخر حربیه سابق آنهارا احیاء نمود . حقیقتاً آنها درین جنك بخوبی ثابت کردند که درزمان گذشته یکطائفه جنك جوئی بوده‌اند —

تلگراف امپراطور آلمان بانور پاشا

چندی قبل لیمان ساندرس پاشای آلمانی بواسطه مجروح شدن از دار دانل بجبههٔ کالیپولی باسلامبول برگشت انورپاشا وزیر جنك عثمانی شخصا بجای او آمد وبواسطه موفقیتی که حاصل کرده وقشون متفقین را مغلوب نموده مورد تعجب وتحسین گردیده اعلیحضرت قیصر یکقطعه نشان لیاقت نظامی برای او فرستاده وبدین مناسبت تلگراف ذیل را هم بانور پاشا مخابره نموده است .

تمام تعرضات دشمن را بایك موفقیت مشعشعی دفع کردن ودشمن را مغلوب ومنهزم نمودن موجب افتخار ومسرت عظیم گردید تبریکات قلبی خود مرا از موفقیات جدیده بذات عالی بیان واظهار مینمایم — باچنین اردوهای متفق جسور وعساکریکه متصف بحسن فداکاری هستند ازمظفریت قطعی وآخری مطمئن وخاطر جمع باید بود — برای آنکه تقدیرات وتشکرات مخصوصه خودم را یك نشان وعلامتی باشد :

ـ نشان لیاقت عسکری را که بزرگترین نشان‌های حرب آلمان است بشما میدهم

امپراطور و پادشاه ویلهلم

جواب از تشکر امپراطور

امروز تلگراف مبارک را که لطفاً مخابره فرموده بودید مشعر براینکه شجاعت و فداکاری قشون ترک در موقع اقامت در ساحت حرب داردانل در حضور اعلیحضرت موجب تحسین گردیده و نشان آهنین بنده خودتان نشان لیاقت عسکری را اعطا فرموده‌اید زیارت کردم — تشکرات فائقه خود را با احترام و تعظیم بذات حشمت پناه عرضه داشته و امید وارم مطمئن باشید که اردویم نیز تمام تعرضات دشمن را در میدان چناق قلعه و کالیبولی مقاومت و دفع خواهند نمود

انور وزیر جنگ

دار دانل

عثمانیها خسارات دشمن را در کالیپولی در ۳ ماهه اخیر ۵۵۵۰ صاحب منصب و ۰۰۰ و ۱۲۲ تابین میگویند اخیراً محاربات سختی واقع شده ورودی هر دفعه موقع عثمانیها بهتر و محکمتر بوده است و مجدداً مطالب

این است که قوالب تحت البحری های آلمان دشمن را حیرت زده کرده

۷ دسامبر جبهه داردانل — دیروز در موقع آنافورطه قراول عثمانی در چندین نقطه خندق های دشمن هجوم برده دو مترالیوز قبضه تفنگ و ۱۱۰ صندوق جبه خانه گرفته‌اند و الیوم همان مترا ها بر علیه دشمن بکار میرود — در همان موقع یک دو شکه انگلیس مهمات مورد گلولهٔ عثمانی شده و تمام مهمات محترق و مشتعل گردید استحکامات ساحل دیروز بر توپخانه دشمن آتش افروخته و کلیه ساکت و افواج دشمن را که در (مستور تولمان) جمع شده پریشان کرده است [نقل از رعد و شهاب ثاقب]

خبر های محاربات اوروپا

تفصیل بمباردمان نوووگیورگیوسک

آلمانها برای بمباردمان شهر نووو گیورسک تو بحری سیزده و نیم وارد نمودند گلوله‌های

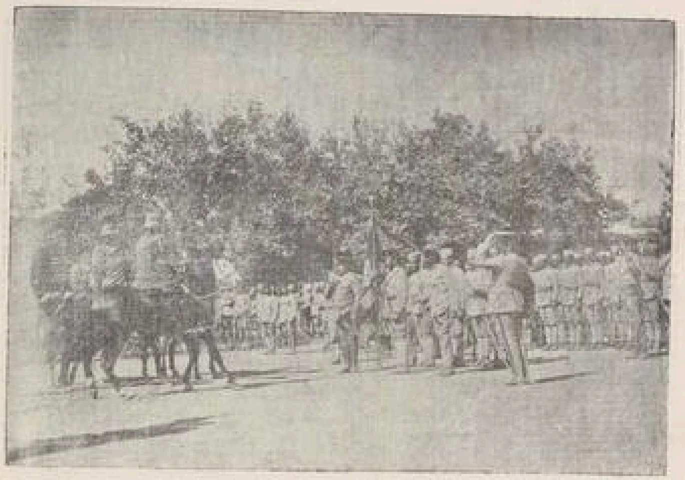

از مناظر عسکریه

باتوره

این توپ‌های بحری ۲۵ ورست راه را طی میکردند این گلوله ها هر دیواری از قلعه قدیم که میرسید فوراً خاک یکسان مینمود علاوه برای آلمانها بنواحی قلعه نووو گیورسک توپهای شانزده دمک آورده بودند که گلوله های آنها شصت پوت است (معادل بیست و سه من تبریز) وقتیکه این گلوله های شصت پوتی در هوا سیر میکرد از شدت سیر آن یک طوفان بزرگی برپا شد که انتهایش را تصور نمیکردند که طوفان بواسطه گلوله های توپهای آلمانی میباشد تا گمان یک گلوله نزدیکی یک عمارت چوبی افتاده و آنرا مثل یک جعبه کبریت بهوا پراند

سالداتها نقل میکنند که وقتیکه گلوله های شصت پوتی آلمانها میافتاد چهار پنج خانه چوبی را مثل جعبه‌های کاغذی بباد داده و درخت های بزرگ را مانند چوبهای کبریت در هم میشکست آلمانها یکی درازموسوم بمار سوزنده میانداختند که حرارت آتش وزن شصت پوتی میشد

مار های سوزنده مثل سیل از آسمان بنقاط مختلفه قلعه کیوسک میبارید بنقطه نمره ۱۹ قلعه آلمانها چهارصد عدد پوتی انداخته بودند یک نقطه دیگر در عرض چند ساعت هزار پوت فولاد و اجزای آن ریخته شده بود تقریبا هزار و ویکصد و پنج خروار

یک گلوله که بیان قلعه میافتاد منظره را تشکیل میکرد تصویر نمودن آن باعجز است . هر گلوله که بسطح قلعه درست شده بود میافتاد مثل گرد بکه در هوا یک کوبیده

دوهزار عراده توپ در تمام مدت شبانه روز علی الاتصال مشغول گلوله ریزی بودند و ابداً یکدقیقه هم فاصله نمیدادند معلوم نبود که این قدر گلوله را از کجا میاوردند و مثل تگرگ بلاگلوله‌ها را بتمام نقاط قلعه میباریدند آلمانیها در همان وقت هجوم که عسکرهای ما میاوردند بازدست از انداختن گلوله نمیکشیدند عساکر پیاده نظام آنها با سرنیزه باستحکامات هجوم آور شده و از بالای سر آنها گلوله میبارید

از دوم ماه آوگوست آسمان بیابان ما روزهاشوا لشند شروع بظلمت نماید زیرا از زمین گلوله‌ها بجنوا استند بپرواز یکشند هوای تمام قلعه صدا آمده بود ! از یکطرف هزار هاجب منفجر میشد و از طرف دیگر سنگ های زمین از قوت انفجار آنها بهوا میپرید و از زمین دود غلیظی بهوا بلند بود گرد گوگرد آلود مانند ابر سفید در بالای قلعه کشیده بود که شهر را از روشنائی آفتاب محروم مینمود طبقات عمارتها مثل ذرات در هوا در حرکت بود آروپلان‌هاییکه از ضرب گلوله ها بوقفه افتاده بودند مانند آلت بازیچه اطفال در زمین حرکت میکردند .

سالداتها نقل میکنند که همیشه در هوا اشیا های بادی مشاهد میشد . از دور شهر مثل یکپارچه آتش بنظر میامد . شعله‌ها انفجار نیا از صدای خراب شدن عمارتهای منظرهٔ غریبی را تشکیل میداد . خلاصه آنکه در هفته شب و روز بدون اینکه یک دقیقه فاصله بدهند از صدای بمبها و از غرش توبها کسی یکدقیقه مجال استراحه نداشت .

از یکطرف شنیده میشد که قلعه را به خوبی محافظه میکنند از طرف دیگر رای العین میدیدیم که شهر یک جهنم واقعی تبدیل شده در بالای شهر پرواز میکنند سه هزار نفر ملائکه عذاب و گاه چندین گلوله مربع را میدیدیم که میدان مثل کارخانه ریخته گری مملو از فولاد ذوب شده نموده اند . مسلم است از هول و هراس از ذهن هیچ کس خطور نمیکرد که سر خود را برداشته بیک طرف فرار نماید .

جنگ در مراکش

اخیرا در مراکش بین فرانسه ها و بنی قبیله زد و خوردی واقع شده است قبائل که شرکت در این جنگ کردند عبارت از شش هزار پیاده و یکهزار سواره بودند قوای فرانسه چهار هزار پیاده بکتوب کوهی عده زیادی سوار بودند

در نتیجه محاربه فرانسه ها تماما مغلوب شدند و تا دارالبیضا فراری گشتند نصف قوای فرانسه تلف شده است

قبائل مزبوره شش متراليوز و شش توپ وجبه خانه زیادی بغنیمت گرفتند .

در میدان های شرق

در فرونت شرق و جنوب شرق قشون آلمان و اطریش همواره مظفرانه جلو میروند در مشرق لوسك —

یک قسمتی از قشون بطرف قلعه رونو حرکت کرد و در همان حین سر کرسپاهیان آلمان سمت مینسك پیشرفت وارد جناح یسار عده خودرا بشهر دونا بورك (دونسك) دوام میدهد . غنائمی که در ماه سپتامبر از روسها به جنك ما آمد عبارت است از : ۴۳۱ نفر صاحبمنصب ۱۶۳۵۴ تابین نود عراده توپ ۲۹۸ عراده متراليوز

در دریا

کشتی جنگی ایطالیا موسوم بندتوبرن بواسطه احتراق تخریب و عده زیادی از راکبین آن تلف شدند

بمباردمان لندن

بمباردمان لندن بتوسط زپلین موفقیت بزرگی حاصل نمود و صدمهٔ زیادی ببانك انگلیس و چندین کارخانه وارد آورد و خسارات وارده تنها بیك کارخانه معادل یکصد و پنجاه هزار لیره است

امراض چشم سر ادوارد گری

روزنامهٔ « جیس کنتیناتال) در تاریخ ۱۸ اوت در تحت عنوان (دردچشم سرادوارد گری) بطور مزاح شرحی مینویسد که خلاصه آن از این قرار است : مااليته باقوال روزنامه (نوشینك بلاتر) مغرور شده چنین حدس میزدیم که چشم درد سرادوارد گری وزیر خارجه انگلیس یک مرض جزئی وسهل العلاجی است ولی حالیه مع التاسف خلافش معلوم شده زیرا وزیر مزبور خیلی سخت ومغلق است .

اطبا از دقت های زیاد این درد چشم را این طور تشخیص داده‌اند

اولا وزیر مختار محترم خیلی از مرض چشم اضطراب دارد زیرا که چیزهارا از نزدیك ندیده در اغلب مطالب مشتبه میگردد و در مسائل سیاسی عدم اقتدار خود را ثابت میکند چنانکه تقریرات مشار اليه در پارلمان راجع بجواب [باتمان هولك] ثابت میکند که وزیر مختار مزبور اقتدار خود را گم کرده مضطرب شده است

ثانیا مبتلای به (قصر بصر) گردیده حتی محسوسات را هم نمی بیند واگر می بیند خیلی کوچك و جزئی میبیند زیرا اردوهای وسیع آلمان را ندیده و ضعف اردوی خود و از دوری آلمان را هم ملاحظه نمیکند لابد اگر ملاحظه کرده بود بعضی نطق ها را نمیکرد

ثالثا وزیر مزبور بمرض تضاعف بصر مبتلا شده اگر احوالیا در سابق یکی را دوتا میدیدند ایشان یکی را صدتا میبیند و بدین جهت است که عساکر انگلیس را که از لرد کیچنر تحت سلاح آورده اضعاف عده حقیقی تصور می نماید

رابعا مبتلا بوسعت حدقه شده چیزهای خیلی کوچك را که جزئی و ناقابل است بسیار بزرگ می بیند و بهمین جهت است که هر روز فتوحات زیادی از قشون خود و متفقین نقل می کند و عجب تر آنکه در همین حال هم بواسطه انقلابی که در حدقه پیدا میشود چیز های خیلی بزرگ را کوچك دیده فتوحات آلمان را بی اهمیت و ناقابل میشمارد

خامسا بعضی علامات در دست است که معلوم میدارد وزیر محترم بمرض اغتشاش الوان ، گرفتار شده — رنگ ها را نمی تواند تمیز بدهد و بهمین واسطه است که در بعضی از سفاین انگلیس بیرق امریکا نصب شده و با این حال مشار اليه انکار نموده بیرق های مزبوره را بیرق انگلیس تصور میکند

سادساً — بدو دلائل دیده میشود که مبتلای بمرض (اختلاط رؤیت) میباشند مثلا کشتی (لوزیتانیا) که اسلحه و توپ همراه داشته و بعضی سفاین مغروقه دیگر که مسلح بوده‌اند بچشم ایشان عاری السلاح آمده است — اطباء تجویز نمی کنند که ایشان راپورت های آلمانرا بخوانند زیرا که بتصغیر عدسیه چشم ایشان می افزاید بعلاوه تولید انقلاب و قهر کرده اسباب شدت مرض میشود — مطبوعات انگلیس برای تسکین حالت خوب است ولی عیب دیگری دارد که عدسیه چشم را بزرگ میکند

در موقعی که حقوق بین‌المللی و مسائل راجع به بیطرفی در بین می آید تجویز کرده است که باید یک چشم خودرا ببندند در موقع تدقیق دفتر اموات بکلی مطالعه‌را تجویز نمی کنند و باید که دو چشمان بسته باشند در خصوص موفقیات تحت البحری آلمان تماشای یک چشم هم کافی نیست و باید پرده های سیاه ضخیمی در جلو بکشند که ذره هم نور دیده نشود از سایر جزئیات این مرض خیلی بحثها میکنند که ما الحالا از آنها صرف نظر میکنیم

(نقل از شهاب ثاقب)

نطق صدراعظم فرانسه بر علیه روس

محرر یکی از جراید اتازونی برئیس الوزرای فرانسه مسیو دیویانی ملاقات کرده — موضوع ملاقات راجع بشکست های روس و فقدان مهمات آن دولت وغیره بوده است از طرز سئوال و جواب معلوم میشود که کدورت شدیدی بین مؤتلفین تولید شده است

دویانی میگوید انگلیس و روسیها مارا متهم میکنند که در موقع گرفتاری قشون روس و تضییق که بواسطه تهاجم قشون آلمان و اطریش بآنها وارد می آید قشون فرانسه عاطل و بیکار نشستند و از تکلیف خود که بایستی فشار بآلمان وارد آورده اورا مجبور کنند از تضییقات خود در شرق بکاهد غفلت کرده اند این تهمت محض است و فرانسه ها برای اینکه قوای آلمانرا شکست بدهند ملیونها نفوس انسانی فدا کردند اصل مطلب در اینجا است که دولت روس گوش بحرفهای نمیداد ما میخواستیم حرکات اردو های تمام دول ائتلاف از روی نقشه متحدی باشد و هر حرکتی میکنند طوری باشد که بحال اردو های سایرین هم فایده برساند و بهمین جهت ژنرال ژوفررا بروسیه اعزام داشتیم و مخصوصا در آنوقت خاطرنشان کردیم که حملات و تعرضات خودرا بکوههای کارپات موقوف و متروک دارد — اما روسیه حرف مارا نشنید و در جواب تکالیف ما اظهار داشت که نقشه های سوق الجیشی‌را که از پیش تهیه و تدارک کرده بواسطه بعضی اسباب سیاسیه نمی تواند تبدیل دهد این بود که گرفتار چنین مشکلات گردیدند در خصوص فقدان مهمات جنگی اردوی روس علت اینکه در وقت خودش که فرصت داشتند صنایع داخلی‌را ترقی ندادند

امروز احتیاجاتی که اردوهای روس دارند بیست یک از آنرا کارخانه های اسلحه سازی روسیه بیشتر نمیتوانند فراهم سازند و از کارخانهای امریکا نیز بدرجه کفایت احتیاجات بکند مهمات فرستاده نمیشود —

از بیانات صدر اعظم فرانسه بخوبی معلوم میشود که درجه برودت و سردی بین روسیه و فرانسه از یکطرف و انگلیس و فرانسه از طرف دیگر فوق العاده شدت داشته و صدر اعظم مزبور بزبان حال میفهماند که فعلا کل حاضره اردو های روس جزای مخالفت و تمردیست که در مقابل تکالیف فرانسه و انگلیس بروز داده با این حال معلوم است که صداقت و خلوص بین دول مزبوره تا دیر زمانی باقی نخواهد ماند

تدارک آلمانها برای زمستان

دیده بان نظامی روز نامه رچ را عقیده براین است که از حرکات دشمن چنین معلوم میشود که خیال دارند خط رودخانه (دوینا) را متصرف شوند. بعلاوه از فرامین جنرال (بلو) نیز تا حدی مقصد آلمانها معلوم می شود. چون فرمان جنرال بلو خالی از اهمیت نیست ماعینا آن را ترجمه و درج مینمائیم:

«ای عساکر امپراطور آلمان! شما خیلی کار های بزرگ از پیش بردید و خیلی فتوحات عالیه نمودید. شما عمده ترین شهر های لهستا و (لیتوا) را از دست روسها ربودید. حالا یک کار بزرگی برای ش در پیش است و آن این است که یک هجوم سخت باید بمیدان سواح رودخانه (غربی دوینا) آورده شهر ریگارا متصرف شوید. زیرا شهر ریگا بزرگترین تجارتخانهٔ روسیه است و امروز در آنجا ذخیره زیادی جمع آور شده و از حیث موقع جغرافی نیز برای ما اهمیت زیادی دارد. علا براین زمستان نزدیک است اگر به ریگا بروید منزلهای گرم برای ش فراهم میشود و تا بهار آینده بدون اینکه از روسها تضییقات ببینید آسو زندگی میکنید. و اکثر اهالی ریگا آلمانی و آلمان دوست میباشند. در این مدت زیادی استراحت نموده و خستگی چندین ماههٔ شما رفع میشو و برای بهار مصمم میشوید که پطر زبورغ را از دست روسها گر و آنها را از سواحل بالتیک دور کنید.»

از بیانات جنرال مزبور معلوم میشود که خیال آلمانها این است که جدوج نموده در یکجا بقوای خود مرکزیت بدهند که تمام زمستان را با مصائب لشکری بسر برند. آلمانها امروزه برای استراحت از ما محتاج تر میبا زیرا چهار ماه است که شب و روز بلا درنگ جنگ میک فرمانیکه از طرف جنرال بلو نوشته شده است برای این نیست که از اسرار خود مطلع سازند بلکه برای سالداتهای آلمانی می پس ما باید فرمان مزبور را خالی از اهمیت ندانیم.

میتوان گفت که حمله بملت (کورلاند) را جنرال (فالکنهاین تصمیم کرد و جنرال بلو نیز کارهای نظامی اورا تجربه نموده بترتیب اقدا بعضی از نظامیان آلمان طرفدار جنگ نواحی کورلاند نبودند و در نیاوردند که اهالی آنجا «لاتیش» و دانسته میباشند که هم رو تجارتی با آلمانها دارند و هم زبان آنها مهمترین وسیلهٔ دوستی با آلمانها است.

مثلا بسمارک آلمانهای (اوست زی) را بواسطهٔ اینکه دور از مرکز خویش میدید عنصر آلمان نمی‌شمرده و همیشه میگفت: آلمانهای اوستزی فقط در دست مالک آلمانی است که اراضی آباد کرده و انتشار تمدن می کنند.

همفکر های بسمارک و موافق قول اورا تصدیق کرده و میگف که: یک قطعه اراضی که عرض ما کمتر در سواحل بحر بالتیک واقع هیچوقت از تعدیات روسها مصون نیست و برای این است که ما نمی کنیم که سیاسیون آلمان اذهان خود را با مسئله سکنه آن ار مشغول نمایند.

ولی از نظامیان آلمانی یک نفر فالکنهاین و دیگری مثل اینکه عقیده و بیانات اورا تقویه بشد بان امر مهم اقدام نموده بطرف شهر آور شد.

مبادلهٔ کشتیها اوزن از این اقدامات این بود که علاقه پتروگراد را و جنوب روسیه قطع نماید .

صرب جداگانه میخواهد صلح کند

روزنامهٔ (الکازته) اظهار میدارد که دولت صرب بتوسط نمایندگانش در بخارست و آتن تشبثاتی برای صلح انفرادی بعمل آورده بطبق اخبار اخیر بخارست وزیر مختار صرب در این شهر با نمایندگان آلمان واطریش هنگری استمزاجی راجع بصلح کرده و درخواست کرده است که چه شرایطی برای صلح پیشنهاد خواهد شد ؟ مخصوصاً نمایندهٔ صرب با کمال اصرار سوال کرده است که دولتین جدی بصرب میدهند که پس از صلح بوی حمله نکنند .

نمایندگان متحدین جواب منفی بتقاضای نماینده صرب که بطبق دستور ولیعهد (الکساندر) بوده است داده‌اند و بالاخره اظهار داشته‌اند که با صرب صلح نخواهد شد مگر بعد از اینکه اورا بسزای خیانتی که موقع جنگ نموده خاطره است برسانند .

امپراطریس آلمان و خواهران صلیب احمر روس

استکهلم ۱۴ سپتامبر — از برلن خبر میرسد که امپراطریس آلمان به قرار از نمایندگان خواهران صلیب احمر روس اجازه داده است که بمملکت آلمان آمده و اقامتگاههای اسرای نظامی روس را سرپرستی نماید .

تکمیل تحت البحریهای آلمان

روزنامه های یونانی شرحی راجع بازدیاد تحت البحری های آلمان منتشر نموده اظهار میدارند که دولت امپراطوری آلمان جدیداً تحت البحریهای بسیار جدید ساخته که از تحت البحریهای سابق بزرگتر میباشد وبزودی در دریاهای دور ونزدیک بکشتیهای تجارتی و نظامی دشمنان حمله خواهند کرد .

تزلزل مقام وزیر جنگ فرانسه

دسته رادیکال دمکرات فرانسه جداً انفصال مسیو میلراند وزیر جنگ را خواستارند وغالب اعضاء این فرقه طرف تغییر کابینه هستند

وبا در پطرزبورغ

مطابق تلگرافی که از پطرزبورغ رسیده است روزانه قریب ۵۰ نفر از مرض وبا تلف میشوند .

جنگ سوئد وروس نزدیک است

روزنامه ایتالیا کول دوملی مینویسد که گرفتگی تجارت مطمئن میسازد که در آینده نزدیکی روابط دوستانه سوئد وروسیه قطع خواهد شد زیرا مقدمتا سوئد (فنلاند) را اشغال می کند .

حوادث جنگ اروپ

در آسمان لندن

زپلین های آلمان دو ساعت بالای شهر لندن آمده و بر خرابی و اندوه اهالی می افزایند این مهمان که تقریباً هر هفته برای میزبانان گران هم تمام میشود و هر نوبت باید جمعی از اهالی انگلستان را در راه این مهمانان عزیز قربانی بدهند

احتراق

چندی قبل کارخانهٔ بزرگ اسلحه سازی روسیه درقرب پطروگراد بسبب مجهول چنان محترق شد که شهر پایتخت تا چند روز متزلزل گشت و ازانبوه اسلحه ومهمات وماشین ها هیچ باقی نماند فقط معلوم شد یک آلمانی که از سی سال قبل درانجا مستخدم بود عیالات خود را سابقاً بسوئد فرستاده ودر روز حادثه خود از بطرف سوئد رفته است اینک هم نمونه کوچکتری از آن در پاریس دیده میشود : کارخانه مهمی در خیابان تولباک پاریس محترق شده حتی منازل اطراف کارخانه خراب وصاحبانش درزیر آنها مدفون شده اند دو روز قبل مستخبراخیلی بزرگ خبرداد چندی که تاحال ۵۰ نفر مقتول معلوم شده ولی روزدیگر از حدت ان کاسته میگوید فقط دو نفر مرده اند!

یک جاسوس آلمانی در مملکت فرانسه

جراید فرانسه شرح حال یک جاسوسی را ازقول یکنفر صاحب منصب فرانسوی چنین شرح میدهند :

دریکی از شهر های بزرگ غربی فرانسه چند سال قبل یکنفر عکاس دریک نقطه شهر یکباب دکان عکاسی باز نمود . طول نکشید که بواسطه مهارتی که درصنعت عکاسی داشت وبواسطه ارزانی اجرت مشتری زیادی خصوصاً از اهل نظام بدور خود جمع نمود صاحب منصبان فرانسه هم عکس خود را در این عکاسخانه سفارش میدادند وهم عکسهای خود را که با رفقا در شهرهای دیگر کشیده بودند برای بزرگ کردن بعکاس مزبور می دادند وهم عکس سری خویش را باو سفارش می کردند .

این عکاس رعیت آلمان بوده ویکی از اجزای جاسوسین آن دولت حساب میشد . بعد معلوم میشود که عکاس مزبور کپیه های تمام عکسهای صاحب منصبان فرانسه را بجانب آلمان میفرستاد وقتیکه یکنفر از صاحب منصبان فرانسه بجانب آلمان میرفت فوراً بواسطه آن عکسها اورا شناخته وهمیشه حرکات اورا تعقیب میکردند .

واضح است که هرسال تمام صاحب منصبان فرانسه عکس خود را با یک ورقه تذکره به وزارت جنگ میفرستند .

در وزارت جنگ هرسال عکسهای جدید صاحب منصبها را دریافت نموده در عوض عکسهای قدیم بدیوار می چسبانند . عکسهای قدیم را باتذکره ها بواسطه اینکه لازم نمیشد دور می انداختند .

این عکاس هرسال بهانه اینکه (کولکسیون) جمع میکند از فراشهای وزارت جنگ عکسهای کهنه را با تذکره های کهنه میخرید وفراشها نیز بفروختن عکسهای کهنه اهمیت نمیدادند تمام این عکسها را عکاس مزبور به برلن روانه مینموده که در آنجا هیئتی تشکیل داده این عکسها را معاینه مینمودند . برای این بوده که تمام صاحب منصبان فرانسه را در برلن و در نقطه آلمان بخوبی شناخته واوضاع داخلی آنها را نیز میدانستند وهمچنین بواسطه این اقدامات بوده که کارهای جاسوسی آلمان در خاک فرانسه پیشرفت میکرد .

معارف آلمان قابل ملاحظه است

روزنامه (زکلام اوقیور سوم) شرح ذیل را دریکی از مقالات خود نوشته است مسئله معارف در قشون اهمیت بزرگی حائز است

بنا برین تعیین عده باسواد وبی سواد هر دولتی لازم است عده بی‌سواد در هرده هزار نفر از قرار ذیل است آلمان ۲ نفر انگلیس ۱۰۰ نفر فرانسه ۴۰۰ نفر بلژیك ۸۳۳ نفر ایطالی ۳۰۷۲ سرب ۵۵۹۲ روس ۶۱۱۰ نفر ازصورت فوق معلوم میشود که معارف آلمان اول رتبه را دارد وقابل مقایسه باسایر دول نیست

تهدید بانکهای امریکا

هوا خواهان آلمان در امریکا بانکها ئی که متضمن قرض دادن بود تلقین شده اند بنظر منفورت نگریسته اقدامات سخت برضد آنها مینمایند حتی برای اعضای کمیسیون قرض خطر جانی هم متصور است واعضاء کمیسیون بدون مستحفظ جرات عبورومرور ندارند متجاوز از ۵۰ شب‌نامه برضد اعضائی کمیسیون منتشرشده کهدست پلیس افتاده‌است و اعضاء کمیسیون محال اجتماع بامستحفظ هم نمیتوانند ایاب وذهاب کنند مگر اینکه باعده مستحفظ متفرقا به کمیسیون وارد شوند هوا خواهان آلمان کهدر بانکها پول دارند سخت ایستاده‌اند وراضی نمیشوند کهبانك پول آنهارا قرض بدهد درصورتیکه ممکن است از این قرض فوایدکلی حاصل کنند بالآخره ممکن است این تهدیدات اوعملیات اثرات کلی درسایر بانکها هم بجاید

ترجمه مقاله‌ایست کهیکی ازنویسندگان معروف (پطروف) درروزنامه (روسکی‌اسلو) بتاریخ اول اکتبر ۱۹۱۵ مینویسد تغییر اوضاع جنك ودارالمجانین چین !

چند روزی دربطرو گراد اقامت داشتم حالت روحیهٔ مردم بسیار ناگوار بنظر آمد .

محسوس بود که از نامساعدی روز کار وضعف عمومی همه مبهوت وسر بجیب تفکر فرو برده اند . چند نفر از رفقای نظامی خودرا که از میدان جنك مراجعت نموده‌اند ملاقات کردم همه بیك‌زبان میگفتند: چه شهر عجیب که تنفس هم در آن ممکن نیست ! هرجا میروی صحبت اغراق آمیز اوضاع ناگوار جنك وشکست‌پی‌درپی درمیان است.

مثل اینکه مردم‌بیك حال بشاشت وخرمی خاطر کهازخواندن یك مقاله یاداستانی محظوظ میشوند ازاین اتفاقات حزن انگیز وهولناك استقبال میکنند .

تمام شهر بیك کار خانه کاز خفه کنندهٔ مشابهت دارد .

بعضی اظهار میداشتند که بازودی بایداز انجارفت وبقشون ملحق شد.

خیال کرده بودم چند روزی از میدان خونین جنك دور شده اقلا نفسی تازه کنم وساعت خوشی ببینم ، باز آواره شدم .

کجا است اینجا ؟

هرروز طرف عصر حال من از خشم و غضب شبیه میشود بیك تاریخچی که در شرق متحیر شده است .

خوب‌است ازصفوف جنك روبرو ودر آنجا بمحافظهٔ وجه خود بپردازم .

برای شخص من — مسکو — بطرو گراد — وسایر شهر های عظیمهٔ روسیه بیك کار خانه کاز خفه کننده از اخبار موهوم و اغراق آمیز بنظر می آید بلکه بیك دارالمجانین چین شبیه است که سابقا در شرق اقصی مشاهده بودم .

روسها و ایران

دولت ایران چندین فقره یادداشت راجع بحرکت قشون روس

وانگلیس از قاینات به سفارتین داده واز قرار اخبار و اصله انگلیس از قاین بطرف سرحد حرکت کرده اند

از قاینات مینویسد

بهانه‌وست آویز جدیدی که برای دخل خودواذیت مردم‌اجزای حکومت بدست آورده اندمسئله آلمانی ها است کههرکس رامیخواهند جریمه کنند میگویند آلمانها بخانه تو آمده یاتو باآنها مر یاباآنها اسباب فروخته خلاصه آنکه چندی است از این راه مشغو تعدی بمردم بدبخت هستند مخصوصا علی بیك در قاین باین بهانه آتش در زیر کوه افروخته و خانه نیست که دو چار این حریق نشده با لکن نمیرود در هیچ جای دنیا از اهالی قاینات مردم بدبخت تر وجو زیاد نشود دیگر جان ومال برای مردم باقی نمانده از ناچاری دس دسته وجوقه جوقه باطراف خصوصا بافغانستان فرار می کنند .

حاجی عبدالله بیك را که شوکة الملك برای مطالب مهمه بهر فرستاده هنوز مراجعت نکرده است (نقل ازاخبارهای ایران)

خلاصهٔ آخر ترین خبرهای ماه دسمبر

عساکر انگلیز در عراق عرب بشکست فاش دو چار شد . مقتو ومجروح زیاده از دوهزار است . طوپها وغنائم بسیاری بدست ... درامده است — در میدان رزمگاه غربی حرکات اسراء انگلیز ا جاری و خبر های آن به هالند و دیگر جاها میرسد . دولت فر جرنیل جافری را عزل وبجای آن جرنیل کاسلنور ا در رزمگاه مقرر کرده است . — محاربه بلقان تقریبا بحد ختام رسیده ازتمام ملك اصلی خودشان وملکهای کهدوسه سال پیش ازعثمانی گ بودند اخراج ودر البانیا ومانتیکرو پناه گزین شده‌اند . عسا کر فرانس وانگلیزهم هیچ کامیابی درامدادصربها حاصل نکرده باانتظام خود شانرا بسوی سلانیك اقتراب میکنند وبعضی آنهارا درسلانیك هم تهدید میکنند — عثمانیها در داردنیل از و تدافعی بوضعیت تجاوزی در آمده حمله های شدید و گله ریزی مدهش متحدین را پریشان داشته‌اند ملیان ایران درقرب همدان و ومراغه وساوجبلاغ رزمگاه‌روس وجرمن وعثمانی شده‌است سد این‌ماه کشتیهای تحت البحری المان و آستریا فعالیتهای عجیبی بکار کشتیهای بسیاری از متحدین را در نقاط مختلفه غرق کرده‌اند تف در شمارهٔ آینده — حکومت جمهوری چین باز بحکومت امپراطو تحویل یافته یوان شی کائی به امپراطوری تعین شده است — و امرای ملکی و عسکری فرانس وانگلیز وروس جمع آمده احوال دهشتناك موجوده مذاکره ومشاوره کرده‌اند — عسکر در مانتیکرو داخل شده است . — از ملك مانتیکرو بذریعهٔ رسیده کهیك‌دستهٔ جهازات جنکی دولت آستریا برشدند که‌سان گوله باری نموده چند لنکر جهاز دخانی ایطالیارا بادمالکر باداش غرق نموده وقریب دهانهٔ دریای بوجانه یك لنکر کشتی دولت فرانس را هم تباه نموده است — عساکر آلمان درعلا شمالی روسیه درپیشقدمیست.

در چاپخانهٔ حروفی دارالسلطنه کابل طبع گردید

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر ومحرر

محمود طرزی

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا
یاد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که ازشکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خودرها ئی یابیم ممکن نشد لهذا با دا کخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یك مقاوله نموده دا کخانه مشارالیه تقسیم وتوزیع اخبار ما را که بهمه مشترکین کرام برساند درعهدهٔ حمیت خود قبول نمود . مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را تبشیر ویاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای دا کخانه بخود شان میرسد .

شرایط خریداری

دارالسلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

هرجائیکه باشد با اجرت پوست

قیمت سالیانه] ده روپیه انگلیزی ، قیمت ششماهه] شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراك قبول نمیشود

یك طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است ، از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

برهمهٔ کار داران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود:

اگر ازیك جا بدیگر جا بروند ویا بیایند میباید که بیك رقعه مدیر وسرمحرر را خبر بدهند که من درفلان جا بودم وحال درفلان جا میروم اخبار مرا درانجا بفرستید . هرگاه همچنین یك رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، ویا دیگر هرنوع اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا به پنج بار نشر وشایع شود درسر هر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر یك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا به پنج بار فی سطر یك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود ، طول سطر یك ستون اخبار ما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تا یك سال نشر کردن خواهند ووجه یك ساله را پیشکی ادا نماید درورق پشتی بر سر سطری سنار اجرت گرفته میشود

(اعلان)

پراکنده

از آثار مطبوعهٔ تازهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت ، وعبارت از یك مجموعهٔ اشعار ابدار محمود آثاری میباشدکه بکاغذ اعلا ، وخوبی طبع دلربا ، باتصاویر بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است . اگرچه از بحث خط وخال بعید است ولی مضامین وخیالاتش سراسر یکطرز جدیداست . نسبت خوبیهای ظاهری ومعنویش قیمتش خیلی ارزان . یعنی بمقابل (۲) دو روپیهٔ کابلی درخود مطبعهٔ عنایت از نزد عبد الرؤف خان سر مرتب ، ودر بازار ارك از دکان باز محمد ، ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب هرکس خریده میتواند .

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه را مژده ! ! از نوبر رسیدهٔ گلزار ، مطبعهٔ عنایت ، کامجانرا شیرین نمائید ! ، جزیرهٔ پنهان ، یك ناولیست که قوت عقل ومعرفت وسعی وغیرت را برای اساس زندگانی نوع بشر بنظرثابت وجلوه گرمیسازد . هم حکایت ، هم عبرت هم فن ، هم فضیلت ! خوبی چاپ ، خوبی کاغذ ، خوبی تصاویرش علاوه . قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان ! تنها (۶) شش روپیه محل فروخت نفس مطبعهٔ عنایت در ده افغانان ، دکان باز محمد در بازار ارك ، دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی .

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد
کتاب سال دوم « « « مصور مجلد
کتاب سال سوم « « « مصور مجلد
کتاب سال چهارم مصور مجلد
عز و اسلامیت
آیا چه باید کرد ؟
ادب درفن
توحید
مختصر جغرافیای عمومی

این کتابهای فوق دراداره موجوداست . هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

	قیمت روپیه کابلی
سیاحت دوره دور زمین بهشتاد روز مجلد	۲
سیاحت درجو هوا مجلد	۲
سیاحت درزیر بحر مصور مجلد	۴
ازهرچمن سمنی وازهرخرمن سنبلی مجلد	۲
روضهٔ حکم مجلد	۲
پراکنده مصور مجلد	۲
جزیرهٔ پنهان مصور مجلد	۶

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوق‌را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان ازنزد عبدالرؤف خان سر مرتب وازدکان باز محمدخان کتابفروش دربازار ارك وازدکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسه شاهی بقیمتهای معینش خریداری کرده میتوانند . واگر از خارج افغانستان ارزوی خریداری کتابهای مافوق‌را بکنندبااداره سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند .

سراج الاخبار افغانیه

١٣٢٩

نمره (١٠) سال پنجم

فهرست مندرجات

ترجیع بند

[redacted]

حوادث داخلیه (مکاتب ابتدائیهٔ دار السلطنهٔ کابل

ادبیات (

حوادث خارجیه
البلاغ ـ از استرالیا ـ غرق کشتیها ـ ترجمهٔ اخبار های عربی ـ خبر از مصر ـ تخلیهٔ بطرو کراد
فرانس و یونان ـ سوق عساکر روس بقزوین ـ خبرهای محاربات عثمانی شمشیر و لوا از کربلای معلی ـ
وحشت انگلیزها ـ فرار قشون روس ـ مجسمهٔ هندن برگ طلا می شود ـ از جراید المان ـ
طلای موجودی بانک المان ـ موفقیت فرقهٔ جنگ المان ـ شیرماده پلنگ دختر عثمانی در جنگ ـ
تهیهٔ استعداد برای فارس راجع به تبعید محترمین بوشهر ـ ترجمهٔ اخبارات انگریزی و اردو ـ
جوع در سرقة الممالك ـ افکار یک نامه نگار ـ جنگ در بلقان ـ بلغارها چهار بار قوی تر از انگلیس
و فرانسه ـ مسئلهٔ جنگ در داردانیل ـ خلاصهٔ آخرترین خبرها ـ اعلان سراج التواریخ

تصاویر
از مناظر هندوستان ـ جامع کبیر شاهی در لاهور ـ بانک اسکول در کراچی ـ مقبرهٔ صفدرجنگ
در دهلی قبر جلال الدین اکبر پادشاه در آگره

اعلان

ازصنایع پرورپای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین بادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جرنیل کارخانه جات ، ماشین خانهٔ مبارک دارالسلطنه کابل علاوه برایفای حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه و اونیفورم ممتاز عساکر شاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخلی که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که ازحضور اعلیحضرت همایون حکم فروش آن صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ذیل (دکان عبدالله خان دربازار ارک) میباشد.

(۱) سرج های پشمینه بافی برنگهای مختلف که قیمت آن ازقرار گز انگلیزی ۳ فوته مشخص شده ودرصندوقخانهٔ جنس هرطرز وشیم رسـ

اقسام	قسم اول					قسم دوم					
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم وقدری کلان قیمت آن ۱۰ پیسه زیادتست	
رقم	تاحال ساخته نشده	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت		۷ روپیه ۵ پیسه	۶ روپیه ۱۱ پیسه	۶ روپیه ۴۲ پیسه	۵ روپیه ۴۸ پیسه	۶ روپیه	۵ روپیه ۱۸ پیسه	۶ روپیه	۵ روپیه ۱۰ پیسه	۶ روپیه ۱۵ پیسه	۵ روپیه ۲۵ پیـ

کشمیره های قسم اول درجه دوم ازقرار گز انگریزی | کشمیره چهارخانه ۷ روپیه ۳۵ پیسه | کشمیره نرهدار هرگز ۷ روپیه بیست پیـ

(۲) جراب

رقم	نکتانکه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه

(۳) تکمه‌های چرمی عراب ومنبردر

کلان فی درجن	میانه فی درجن	خورد فی درجن
۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۵۵ پیسه

(۴) کروره های جدید ساخت

رقم	زه باف یک اسپه دو کره دو تاره	زه باف یک اسپه دو کره سه تاره	چرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ چار تارهٔ نمی
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲۴ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۶ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم باف دسته بادامی دو اسپه	چرم باف دسته دولانه یک اسپه	دسته دولانهٔ یکی چار اسپه	چرم باف همرکاب
قیمت	۴ روپیه و ۴۸ پیسه	۴ روپیه و ۴۶ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۴۳ پیسه
رقم	قبضه رنجی کلیت نقره توبخانه	قبضه کلیت نقره از چرم سه لایه توبخانه	زه باف رقم سواری سادی کلیت	زه باف دو تارهٔ رکابی
قیمت	۳ روپیه و ۵۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۷ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵۴ پیسه
رقم	رکابی ازنغ	چرم باف جانه چوب پت زنانه	اززین سواری تیغ چرمی	زنانه ابریشمی خیاطه
قیمت	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته بادامی تیغ چرمی	دستهٔ دولانه سادی رنجی کلیت نقره	از زین سواری دولایه تیغ چرمی کنجک دار	چرم باف مادین پیت یک اسپ
قیمت	۴ روپیه و ۴۹ پیسه	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

(۵) اقسام گلهای مصنوعی سر

قسم	گل جرین	گل نافرمان	گل برینه	گل شبو
قیمت	۵ روپیه و ۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۶ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قسم	شگوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل لستون	چنبیل
قیمت	۷ روپیه و ۴۵ پیسه	۶ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شگوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

(المشتهر) (میر محمد هاشم دفتری کار خانه جات (کپتان نظامی)

صحیفه (۱) سال پنجم شمارهٔ (۱۰)

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
با مصارف ڈاک ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مصارف ڈاک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یکعباسی است
(اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود)

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

اداره خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه به اداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ قمری غره ربیع الاول ۱۳۳۴ تاریخ انگریزی ۷ جنوری عیسوی ۱۹۱۶ تاریخ شمسی ۱۶ جدی ۱۲۹۴

بمناسبت ماه مبارک مولود پر فیض و سعود

ترجیع بند

در نعت حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و اصحابه وسلم
کلام حضرت طرزی صاحب افغان علیه الرحمه والرضوان

بند اول

هردو عالم خاک درگاه محمد مصطفی صم
عرش و طوبی پست در راه محمد مصطفی صم
چرخ را با رتبهٔ قدرش چسان آرم بیاد
عرش باشد پست با جاه محمد مصطفی صم
تا ز رخ خورشید سر از آسمان بر زد کشم
گر جبین سایم بدرگاه محمد مصطفی صم
تا ابد عمرم چو مینا در صفا خواهد گذشت
گر رسد جان بر لب بیاد محمد مصطفی صم
چشم جان تاریک شد از مکر نفس تیره دل
روشنی میخواهم از راه محمد مصطفی صم
اینهمه گنج و گهر کاندر رهٔ او ریختند
جز غم حق نیست دلخواه محمد مصطفی صم
جمله عالم از طفیل روی او پیدا شده
شام دنیا روشن از ماه محمد مصطفی صم
نفس و شیطان زدر هم چون غول در صحرای دین
میگریزم سوی درگاه محمد مصطفی صم
از تو میخواهم مدد یا رحمة للعالمین
نورافزا کن سراج ملت دین مبین

بند دوم

روی کوثر است در چنگ محمد مصطفی صم
چرخ بی سنگ است از سنگ محمد مصطفی صم
بسکه از شرمش حیا زره حجاب عصمت است
پردهٔ ناموس شد ننگ محمد مصطفی صم
در گلستان جهان رنگ گل خورشید و ماه
یافت آب و رنگ از رنگ محمد مصطفی صم
اهل دل زیر لوایش جانسپاری می کند
صف کشد تا اهل در جنگ محمد مصطفی صم
از علو رتبهٔ قدرش چگویم پیش ازین
پا بفرق عرش زد خنگ محمد مصطفی صم
می کشد در دیده جای سرمه اش کروبیان
گرد خاک پای اورنگ محمد مصطفی صم
دفتر احکام ادیان را بآب فسخ شست
عقل و فهم و هوش و فرهنگ محمد مصطفی صم
صبحدم از خندهٔ شادی گریبان میدرد
شب نشنید من که دلتنگ محمد مصطفی صم
میکنی تا چند با من دشمنی ای نفس شوم
شرم کن از روی گلرنگ محمد مصطفی صم
از تو میخواهم مدد یا رحمة للعالمین
نورافزا کن سراج ملت دین مبین

بند سوم

دیده ام تا نقش رخسار محمد مصطفی صم
شد دلم زان باغ اسرار محمد مصطفی صم
اختیار نقد کونین گر دهی در دست من
میشدم از جان خریدار محمد مصطفی صم
گوهر جان نقد دل مال و منال زندگی
جمله لازم صرف در کار محمد مصطفی صم

میرود آئینهٔ شرمش صفا از پیش من
تا که گفتم محو رخسار محمد مصطفی ص
دردرون حجره‌ام تا حشر باشد همنفس
هر که خود در غارشد یار محمد مصطفی ص
نقطهٔ قطب ولایت میشود بر چرخ فضل
هر که شد در خط پرکار محمد مصطفی ص
هر که آمد بر درش کامهای مطلب چید و رفت
گلشنی نبود چو گلزار محمد مصطفی ص
گر بگرد چارسوی ماه من گردی که نیست
گرم بازاری چو بازار محمد مصطفی ص
ازبلای آز و حرص وشهوت و بغض و حسد
می گریزم زیر دیوار محمد مصطفی ص
از تو میخواهم مدد یارحمةً للعالمین
نورافزا کن سراج ملت دین مبین

بند چهارم

تا گرفتم ذیل دامان محمد مصطفی ص
چیده ام گلها زدامان محمد مصطفی ص
نقش خوبی در دست بیند فی چون آنها
هر که شد دیده حیران محمد مصطفی ص
آنچه میخواهد زنقد دین بسازی ایمان
نقش کنم کی بیاران محمد مصطفی ص
کم شمارا اینکه می بوید نقش آسمان
هست نقش کوی و چوگان محمد مصطفی ص
نعمت الوان دانه در دهانم زهر شد
تا بودم دله از خوان محمد مصطفی ص
از در حق هرچه بیند روی نعمت تا ابد
هر که شد محروم احسان محمد مصطفی ص
ورد تسبیح ملک در عرش باشد این سخن
رحمت حق باد برجان محمد مصطفی ص
بوی خوش ازبسکه شد صرف بهار خلق او
میدمد گل ازگریبان محمد مصطفی ص
ازجفای نفس وظلم و بدعت و جور و نفاق
میزنم دستی بدامان محمد مصطفی ص
ازتو میخواهم مدد یارحمةً للعالمین
نور افزا کن سراج ملت دین مبین

(بند پنجم)

شب نهد سر هر که برپای محمد مصطفی ص
صبح خیزد پیش بالای محمد مصطفی ص
مست گردد مست خیزد مست خیزد روز حشر
هر که نوشد جام صهبای محمد مصطفی ص
سوزن و تار سعادت یافتم ای بخت من
گازدی کوکم زعبای محمد مصطفی ص
ده و نه و هفت و پنج و چار و سه
جبهه میسازد ببالای محمد مصطفی ص

درمیان میکشان سرشار بدمستی بود
هر که مینوشد زمینای محمد مصطفی ص
جامه عالم خلعت هستی ازو پوشیده است
چون بگیرد دیگری جای محمد مصطفی ص
باد یارب تا ابد آباد این گلزار فیض
شد جهان گلشن زگلهای محمد مصطفی ص
برسر شانم چو گل ازتر دماغی بهید
هر که دارد شور سودای محمد مصطفی ص
دارعقبی باهمه نعمت جهان باخوب و بد
هست درپنهان وپیدای محمد مصطفی ص
من زدست نفس کافر ماجرای سخت کوش
سرنهم هرلحظه درپای محمد مصطفی ص
ازتو میخواهم مدد یارحمةً للعالمین
نور افزا کن سراج ملت دین مبین

(بندششم)

گشت پیدا عالم ازنام محمد مصطفی ص
چرخ خواهد تا ابد کام محمد مصطفی ص
لغزش مستانه او تا کی وحشتی میرسد
وی حق دارد می جام محمد مصطفی ص
از بلای بیدا مکان یکجا بود نجات
هر که پابدامت دردام محمد مصطفی ص
ازعلو عزت ذاتش چگویم پیش ازین
خوانده‌ام بانام حق نام محمد مصطفی ص
تیره روز ازلش بود چون مردمک روشن واد
صبح روشن گردد ازشام محمد مصطفی ص
بسکه غمخوار غریبانست لطف عام او
شادی امت بود کام محمد مصطفی ص
گربلندی آرزو داری ازین در رومتاب
عرش باشد سایهٔ بام محمد مصطفی ص
اندرین دنیا و شام مرگ و روز رستخیز
دست ما و رحمت عام محمد مصطفی ص
زین چمن دامان پرگل آورید ای عاصیان
روز نو روز است ایام محمد مصطفی
نقش هرشب میزند دام بهیداری چو خواب
باوری خواهم ز انعام محمد مصطفی
ازتو میخواهم مدد یارحمةً للعالمین
نور افزا کن سراج ملت دین مبین

(سراج‌الاخبارافغانیه) ازمدد روحانیت حضرت خاتم‌الانبیا محمدمص
صلی‌الله علیه وسلم استمداد میکند که دین مبین اسلام را قوت نص
ظفر احسان فرماید ، امت ناجیهٔ محمدیه را متحد ویکوجود س
ملت نجیبهٔ افغانیه‌را درزیر ظل رأفت ومرحمت پادشاه دیندار وطن
غیور وجسور مراحم شعار شفقت ذات اعلیحضرت (سراج الملة والد
اتحاد ، واتفاق ، پادشاه و وطن صداقت و استواری ودرراه ع
دین وملت غیرت وپایداری عطا نماید ، آمین .

حوادث داخلیه

مکاتب ابتدائیهٔ دار السلطنه کابل

از وقتیکه بخاك پاك افغانستان قدم نهاده ام و بدار السلطنه کابل رسیده ام بیش از همه چیزها خاستم که حقیقت ترقی و تعالی آن ممالك اسلامیهٔ مقدسه را از جهت (معارف) که اهمترین چیزها درباب ترقی هر دولت و هر ملت میباشد بر وفور بدانم ولی بسی اسبابها و مانعها در پیش روی من آمدند که اهمترین آن مانعها عدم دانستن من زبان فارسی بود که مرا بسکوت و صبر مجبور نمود . تا آنکه یوم شنبه ۳ ماه صفر حضرت لوذعی ادیب و یاوفاق نجیب مولوی عبدالرب خان صاحب محترم که مدیر دار المعلمین و سررشته دار عموم مکاتب ابتدائیه هستند از روی مهربانی بحاضر شدن امتحان یکی از مکتبهای ابتدائیهٔ شهر مرا دعوت فرمودند . من که بسیار شوق زائد داشتم درباب دیدن مکتبها که دلیل وحید ترقی هر ملت میباشد فوراً بدین تشکر هسای قلبیه و زبانیه اجابت بقبول نمودم . وصباح یوم موعود بسیار انتظار نکشیدم که آمدم حضرت مولوی صاحب مشار الیه آمد فی الحال همراه او براه افتادم بعد از نیم ساعتی بدروازهٔ کلان مدرسه رسیدم و براستی می گویم که تا پیش از همین ثانیه که بدرون دروازه قدم ننهادم و ندیده گشته بود که در نفس شهر کابل بهمین طور منتظم و مترقی مکتبهای ابتدائی موجود باشد . تا بمیان صحنهٔ مدرسه که رسیدم حضرت مولوی صاحب موصوف با کمال الطاف و بشاشت وجه که از عوائد اخلاق حسنهٔ ایشان است این عاجزرا استقبال فرمود .

وچون نظر دقت انداختم از دیدن حسن انظام و انتظام قوانین این مدرسهٔ مبارکه که باجد ترین اصول حاضره مرتب بود یك اهتزاز سرور و رعشهٔ پرفرح و حبور در اجزاء همهٔ وجودم حس کردم .

آن وقت همهٔ شاگردها و طلبه ها که عبارت از (۱۳۰) شاگرد بودند بدادن امتحانهای مختلفه مانند قرآن کریم و دینیات و ادبیات فارسی وحساب وغیره گرفتار بودند . چون بنظر انصاف ملاحظه شود ازین سرعت تقدم که در میان مدرسها وشاگردها حساً مشاهده میشود باوجودیکه یك مدت بسیاری نگذشته که آن مکتبها باز شده اند از فرو رفتن بحار حیرت واستغراق بدریاهای تعجب خودرا منع کرده نمیتواند .

قدر دو ساعت بکمال فرحت و مسرت درمابین دیوارهای آن جای مقدس وتحری وتفتیش کتابخانه گذرانیدم وامیدم ودلم و فؤادم ازدیدن بیداری آن شاگردهای که در مستقبل عمار آن ملك انشاءالله میباشند بجوش وخروش آمال بشیار رسیده بود .

وراستی بذل همت فوق العادهٔ وسعی و کوشش عظیم حضرت عالی متعالی شهزادهٔ معظم معین السلطنه صاحب افخم در باب ترقی معارف این قدر وقت کمی که زمام ادارهٔ (معارف) جلیله بدست مبارك شان آمده خیلی موجب شکران عظیم وتبریکات جسیم میباشد .

بس بیداری وهوشیاری آن ذات معظم وحسن انتخابش درمقتدرین از معلمین و اساتذهٔ نجبا الیوم گفته میشود که در افغانستان مکتبهای ابتدائی عالی مترقی موجود است .

وحقیقهٔ اگر بچشم بصیرت دیده شود می بینیم که وسائل نجاح هر دولت وهر ملت رنجاح وتقدم مدارس ابتدائیهٔ آنها موقوف میباشد علی الخصوص اگر معلمها از خود ابناء آن وطن باشند پس شاگردانی که دور تحصیل ابتدائی را بانجام رسانند یك ادمهای وطن پرست که محب دین و دولت وملت وپادشاه است که فهمیدن آنها از فرایض هر آدم بلااستثنا میباشد در عروق و اعصاب آن شاگردها بهمراه خون ودم بجریان می آیند که آن چیزها لا شك ولاریب اساس بنای اول هریك ملت که زنده گی واستقلال مادام الابد میخواهد می باشند .

پس نتیجهٔ افکار عاجزانه ام را بدعای واجب الادای دوام شوکت وحشمت دولت مولانا و اقدینا اعلیحضرت امیر المؤمنین (سراج الملة والدین) که زارع اول تخمهای معارف درمزرعهٔ آمال وطن میباشند خاتمه میدهم و بر تمام اهالی ملت نجیبهٔ افغانستان واجب ولازم است که شکر خداوند عظیم الشانرا آناء اللیل واطراف النهار ورد زبان سازند که اینچنین یك پادشاه عاقل عادل وطن پرور برای این وطن محتاج ترقی ومعارف عطا فرموده است

محمد ادیب

ادبیات

نمیگویم برای ملك و دولت سیم و زر باید
همین یك اتفاق از هرچه باید بیشتر باید
نمیگویم که هرگز سیم وزر کاری نمی آید
که باید سیم وزر خیل و حشم تیر وتبر باید
بروز رزم گرد ان سیم وزر باید مهیا بد
که گاه گیرو دار خصم دل باید جگر باید
خدا روزی کند کان ملك ودولت متفق گردد
دگر چیزی نباید اینقدر باید اگر باید
بگو از اتفاق ای دوست از بهر خدا مگذر
برای دشمن دین اتفاق یك دگر باید
دیانت صدق و غیرت اتفاق دولت وملت
اگر دنیا ودین مطلوب باشد اینقدر باید
مسلمانان بایدت امروز سر از پای نشناسی
وگر نه سر بپای کافران بی پا و سر باید
مکن بی اتفاقی گوش برمن کن سخن بشنو
سخن بشنو گرت پندی به از لعل و گهر باید
سخن را پیشتر در آدمی تاثیر میباشد
چو کار آدمی با گاو وخر شد چوب وتر باید
اثر بار است شیرین شعر مرغوب تو مستغنی
دعا ات ای حلاوت بخش معنی بشکر باید

(غزل افغانی کلام مستغنی)

په عالم که څه غوغا ده نه پوهیږم
چه دروغ ده که رشتیا ده نه پوهیږم
نن دکفر و داسلام سره عمل دی
غلبه ده کافر وه نه پوهیږم
چه اسلام لره به غم وی که شادی ده
داژړا ده که خندا ده نه پوهیږم
جنگ دکفر و داسلام که قیامت دی

آخرت دی که دنیاده نه یو هیزم
خدایه‌وادورب جلندی که محشر دی
نه یو هیزه څه بلاده نه یو هیزم
دورب دخلق وجنګ که رستخیزدی
که د ګل یا تقرا ده نه یو هیزم
رکاوزی‌زمایه سترګو توره شپه کړه
توره شپه ده که زناده نه یو هیزم
یا قلان د زمانی ی لیونی کړه
یا جنون دی که سودا ده نه یو هیزم
(مستغنی) کاندی‌وینا بهره تربه
چه دده‌څه مدعا ده نه یو هیزم

حوادث خارجیه

(تقریظ)

(البلاغ)

«البلاغ» نام یکی رسالهٔ فواید اسالهٔ اسلامیه است که درتحت ریاست تحریری ادیب فاضل‌ولبیب کامل وطن‌پرور غیور، ولفاظ فصیح وبلیغ مشهور هند جناب مولانا «ابوالکلام» صاحب آزاد درهر پانزده روز یکبار بکمال زینت وزیبائی اشاعت وانتشار می‌یابد. مسلك ومقصد اعظم این رسالهٔ بلاغت توأم ازنام نامی این روزنامهٔ گرامی بخوبی ظاهر وآشکار است چنانچه علاوه برمعانی کمازان مراد ومفادیکه «تبلیغ احکام اسلام وترغیب به حفظ ترتیب قوانین منیف شرع شریف حضرت خیرالانام علیه‌السلام» اخذو استنباط میشود. مطالب ومقصد فصاحت وبلاغت آن نیز مفهوم ومعلوم میگردد. طرز تحریر وشیوهٔ تقریر این جریدهٔ فریده خیلی مرغوب وپسندیده است چنانچه اصل هر واقعه وهر بحث وبیان را از آیات بینات قرآن عظیم الشان اخذو استناد می‌نماید:

جناب مولانای موصوف درخصوص رنگینی اعبارات وسلاست کلمات ومتانت الفاظ ولغاتی که در حین تقریر واثنای تحریر خودشان از تکلفات استعمال میفرمایند درهرمکان معروف. ودر خلق وایجاد مضامین جدید وعناوین جدید طبع عالی شان به حیثیت یك موجد ومخترع تسلیم میشود

قبل ازین «الهلال» نام یك رسالهٔ معتبر دیگری که طرز تحریر ونهج تقریر ووضع تقطیع وترکیب آن رسالهٔ مانند ازالهٔ «البلاغ» عیناً بروی ولعقب میرانید نیز درتحت مدیریت جناب فاضل مشار الیه در عرصهٔ ادبیات رونق افزای عالم مطبوعات می‌گردید. ولی پیش از مدت ۱۰ ماه بنا بر بعضی اشکالات مالی واشتغالات کثیرهٔ مدیر عرفان تحمیر خود به توقیف وتعطیل مجبور شد. ودر یکقدر مدت مدید شایقان دیدار وعاشقان گفتار خودرا درانتظار بداشت تا بتاریخ اول محرم سنه ۱۳۳٤ درعوض آن شمارهٔ نخستین رسالهٔ «البلاغ» الغرا درمعرض طبع وانتشار آمده عالم علم وادب را رونق تازه وبکطر اوت بی‌اندازهٔ بخشید. و بدینصورت قلوب همهٔ هوا خواهان وجمیع مشترکین «الهلال» را به چهرهٔ بلاغت شهرهٔ خود حظ وسرور فوق العادهٔ عطا فرموده بلطافتهای صوری ولطافتهای معنوی خود گرویده ومجذوب ساخت. ودر این خصوص ذات جناب مولانا «ابوالکلام» صاحب خیلی شایان تقدیر وتحسین میباشد علاوه براخلاق حمیده واوصاف پسندیدهٔ مانند حب دین ووطن و جوش

اسلامی، که مولانا وبعضی ازامثال شانرا درقطعهٔ هندستان بهآن شهرت حاصل است . صفت اعجاز کلامی وفصاحت وبلاغت تنها ازصفات وخصوصی است که حضرت باری تعالی خاص بایشان عطافرموده واوبلـ زبان اردورا بهآن عروج وترقی داده است . انسان اگر مجلات «الهلال» رادرزیر نظردقت ومطالعه بگیرد بی‌شبهه درمقابل جدت تحریروتقر وجوادت مفهوم ومعنای آن محو وحیران خـواهد ماند وازانجا قو سحرنگاری وجادوزبانی صاحب ومدیرانرا اندازه وتخمین خواهد توان حقیقة جناب مولانا درمسلك خودیك شیوهٔ احسن ویك اصول بسـ مستحسنی را که نظیرآن کمتریافته میشود ازپیش گرفته تعقیب می‌کنـ

رسالهٔ مصورهٔ «البلاغ» بلحاظ صورت ومعنا از جراید و کر ومتاز اردو زبان قطعهٔ وسیعهٔ هندستان است وهیچ اخباری نیست که بقوا مخصوصه واصول موضوعهٔ که برای خود اخذو انتخاب نموده دعو همسری نماید . درلطافت وپاکیزگی خود یگانه جریدهٔ است که درا هندستان طبع میرسد . یکی ازخصوصیات لازمهٔ آن اینست که بخر «کاپی» و تصاویر بسیار زیبا ومهیجی مطبوع ومزین می گردد قیمت سال آن تنها ۱۲ روپیه انگلیزی وشش ماههٔ آن ٦ روپیه و۱۲ آنه میباشد و هرکاهی از ٢٤ صحیفه کمتر نمیشود . مجلات رسالهٔ مصورهٔ «الهلا که قبل ازین اشاعت می‌یافت نیز هریك بقیمت ۷ روپیه انگلیزی در عقیدهٔ «البلاغ» درکلکته فروش میرسد . که همهٔ آنها به اعتبار مـ تصاویر کثیر واستفادهٔ ارباب ذوق شایان مطالعه ولازم خریداست . اهالی وطن عزیز خود راکه زبان اردو کم وبیش آشنائی دارند وبا ولذت علمی را مالك باشند باشترای مجلات «الهلال» واشتراك ر «البلاغ» ترغیب وتحریض داده می‌کوئیم که مطالعهٔ این چنین آثار برایشان آن باعث بسی استفاده وتوسیع معلومات است .

«سراج الاخبار افغانیه» رفیق معزز ومحترم خود «البلاغ» راباکمال فرحت ومسرت استقبال وپذیرائی می کند . وهمواره بهاو وموفقیت اشاعت آزادانه تحت مدیریت جناب کمالات مآب فضیلتمند م «ابوالکلام» صاحبرا آرزو دارد . وهمهٔ عالم اسلامرا باین یك میدهد که الحمدلله در هندستان نیز بعضی چنین ذوات وجود دار بکمال فعالیت مدافعهٔ دینرا نموده وهمهٔ موجودیت خودشان ر حرارت اسلامی دردین قوم وملت خود کوشش ورزیده آثار وعمرر نجات ورستگاری میدهند . زاده‌الله تعالی امثالهم .

از اوستریلیا

«بسم الله الرحمن الرحیم»

الحمدلله رب العالمین الصلوة والسلام علی حبیبه سیدنا محمد وآله و اجمعین امابعد کاغذیکه روز شنبه بتاریخ ٢٤ ماه رمضان المبارك ارسال نموده بودم امید که رسیده باشد شده را که خیال رخصت بود که ازراه راست بذریعهٔ جهاز سکاپور ازانجا به پورت سعید که بیروت ودمشق زیارت آنحضرت صلی الله علیه وسلم مشرف شده جمیع رسائل آن رفتن بنده را فی‌الحال موقوف یافتم زیرا که ازانه بلیار واقع شمالی وستن آستریلیا که در آنجا افغانان سراجیه مقیم اند تاکیداً طلب نموده اند که بی‌دربی بذریعهٔ تیلگراف خبر میرسید و اند چونکه فی‌الحال دربن بلاد اوستراالیا آمده‌اید حالا اینطرف

از کورنت اوستریلیا اجازت یکساله دیگر خواسته‌اند انشاءالله بعد یازده روز دیگر باه آهسته آهسته سیر کنان آنجا خواهم رفت و شهر مذکور ازانجا فاصلهٔ یکهزارو یکصد ۰۰ ۱۱ میل از راه خشکی مسافت دوری میدارد لیکن بنده را انشاءالله ازراه دریا رفتن خواهد شد که از بندر فریماتل بهفت شبانه روز جهاز در پورت هیدلیند میرسد — از فریماتل اول بندر — شهر جرالدتن می آید که بعد یکشبانه روز جهاز میرسد وازانجا بندر کناوون — وبندر آنزلو وبندر روبن وبندر پورت هیدلیند می‌آید وازپورت هیدلیند مقام مار بلبار ازراه آهن ریلوی مسافت یکشب دوری میدارد ودرین هریکی بندرها که مذکور شد اهل افغان سراجیه مقیم اند که بعضی شان سوداگر و اکثر شان ملکیت

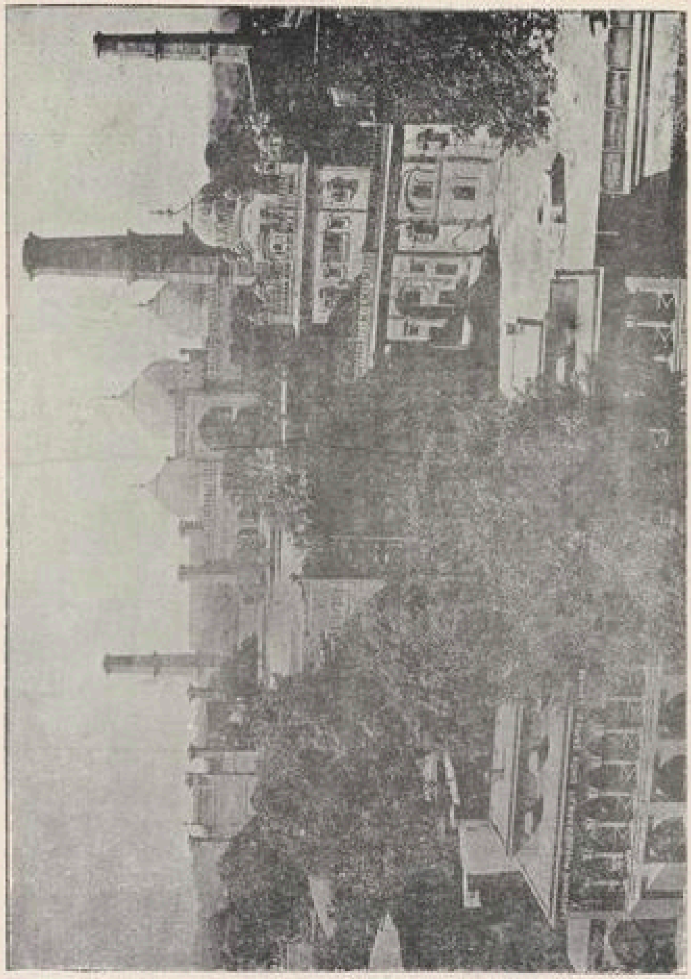

از مناظر هندستان
جامع کبیر شاهی در شهر لاهور

شان میدارند ودر کار شتران خود شاغل اند امید که ملاقات شان کرده خواهد شد

چه گفتم که این چند ماه در شهر پرتهه وسنی اوستریلیا مقیم شده شنیدم که اهل افغانان برای مساجدها وغیره پیسه خرج میکنند لیکن تاالحال من اوراپاید ازو حکم نمی بینم من ایشان رااطلاع و خبرداده که اینقدر خرج که در مسجد بار نهشده وآن قدر خرج که در مسجد آدلید سوت آستریلیا ودرمسجد پرزبند کوزلیند آستریلیا شده اند انتظام پایداری شانرا بنظر خود هیچ یکی نیاورده اند چونکه سال ۹۰۰ میشود برای محصول سرکاری که مالیهٔ آب، نل و چراغ بجلی که بدرجهٔ الکتریک که درمسجد آورده اند وغیر ذالک بطور چنده جمع کردن

محتاج میباشد بلکه بیست ۲۰ بیست ۲۰ وسی ۳۰ سی ۳۰ پوند سالانه خاص از مسجد بازنه از آب واز برق الکتریک محصول سرکار میشود — و کذلک برای مسجد های غیره بهتر همین است که بکار کی از تمامی افغانان چنده جمع شود که تخمیناً ان افغانانی که زیر نظر این بنده گذشته هفت ۷ صد نفر می شود که قریب قریب شهر های اوستر الیا مقیم اند و آنانکه در تمام زمین آستریلیا منتشرند تعداد شان بنده را معلوم نیست و آنانکه در شمالی و سمتی اوستر الیا مقیم اند نیز تعداد شان بنده را معلوم نیست امید که آینده در سیاحت معلوم خواهد شد — آنچه که معلومات ازوشان اگر پنج پنج ویا ده ۱۰ ده پوند فی نفر مبلغها گرفته وجمع نموده که چهار وپنج هزار پوند بود مکان خوب ومضبوط در وسط بازار شهر پارتهه وسمتی اوستر الیا ویا در شهر آدلید سوت اوستر الیا در شهر میلبورن سوت اوستر الیا ویا در شهر سدنی نیوساوت ویلز اوستر بهرجا که تمام افغانان مراجعه مناسب بدانند خریده شود ومکان دو کان واله باشد که بطور کرایه باهل یورپ داده شود وحاصل آن کرایه جمع نموده که بکار مسجد باید ودر مسجد وبرای چراغ برقی وآب وتنخواه امام ومؤذن وغیره صرف کرده شود وآن مکان وقف مسجد کنند

اگر کسی را تردد ووهم پیدا شود که چنانچه پیداشده اند متولی اوقاف خیانت نه ورزند

وقتیکه درقبض شان دراید آنرا فروخت کرده میتوانند ومال آنرا درو

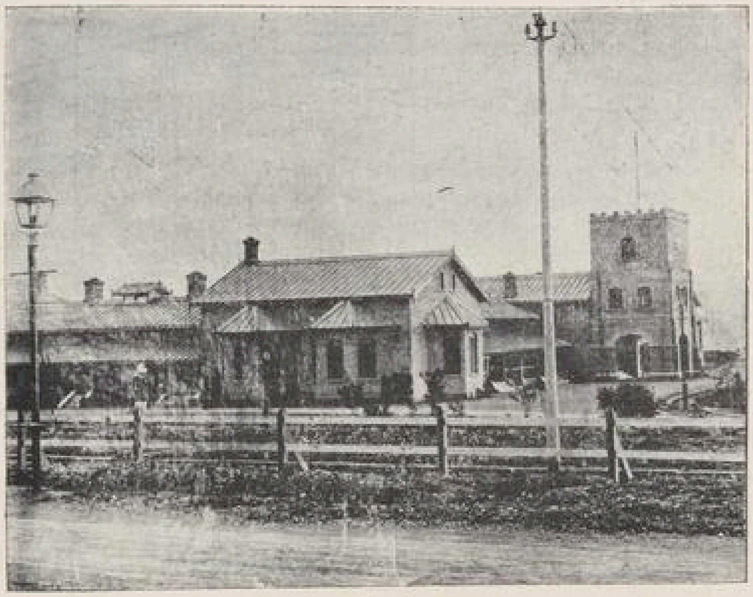

از مناظر هند

یك اسکول در کراچی

زمین اوستر الیا بسیار پریشان خواهند شد که چه کنیم وبا چه او را جستجو کنیم بلکه بسا کسان را برای تلف شدن وقف حالت پریشانی پیش شده برای این غرض بنده یك مصلحت پیش میکنم اگر مقبول افتد انشاءالله هیچ وهم پریشانی برای این تلف شدن اوقاف مساجد و غیره پیش نمی آید و آن اینست که درنزد سرکار وقف باخاص در شهر سدنی ویا ملبورن نزد گورنمنت اوستر الیا ودکان وقف مسجد رجستر کرده شود زیرا در رجستر شدن نفع عظیم همین است که بهیچ صورت تلف نمی شود ونه فروخت میشود وبرای یادگار نقشهٔ وقف بامعهٔ احوال کیفیت مذکور در شهر کابل دولت خداداد افغانستان فرستاده شود که در سراج الاخبار درج شود برای بیداری آینده وبرای زمانهٔ آینده تاکه محکم ومضبوط خواهد شد که بازهیچ خیال باطل وترددوپریشانی در خواهد شد وکار مدرسهٔ مراجعه نیز مضبوط خواهد شد در های کلان کلان مثلاً سدنی نیوساوت ویلس اوستر الیا وشهر ساوت اوستر الیا وشهر آدلید سوت اوستر الیا وشهر پارتهه وسمتی ازابات جنگ وجنگ زمزمهٔ فرنگ مکاتبه بیست ۲۰۰۰۰ هزار باشد امید که به پنج هزار پوند میرسد وبرای اشاعت اسلام درملـ خانه برق یك قوت روشنی ظاهر خواهد شد هرکار ترتیب بدرجهٔ بکمال میرسد

میخواهم که این حقیقت در سراج مندرج شود — که سراج افغانیه در تمامی اکناف واطراف اوستر الیا منتشر شده

وکیل وصاحب علمند خود بخود متوجه این کار خیرشوند بلکه اگر جوش وخروش افغان ظاهر شد امید که درین زمین اوستریلیا بعضی مکانی که ازپنج هزار تابیست ۲۰۰۰ هزار پوند از کیسهٔ خود خرج کردن می‌توانند بشرطیکه بکنند ـ شجاعت افغان همت افغان غیرت افغان ونامداری دین مانند افتاب روشن وظاهر است ومانند ستاره درخشان است اگر همدرین وقت مکان به پنج هزار پوند خریده شود انشاالله تعالی زیاده واز هشتاد پوند زاید کرایه وصول خواهد شد ـ زیرا که درین بلاد کرایه وصول کردن هفته واری ست ـ مانند هندوستان ماهواری رواج ندارد ـ

واین شهر پارتهه وسنی آسترالیا شهریست عظیم وصفا ورونقدار که مکان های بلند بلند میباشد وآب وهوای این شهر بنزد بنده از آب وهوای میلبورن وسدنی بسیار خوش و معتدل افتاده بلکه بسا ازکلان انگلیز آب وهوای شهرپارتهه را ازسدنی ومیلبورن خوشتر ومفید شمرده‌اند

ویك بازارشهر پارتهه ولیم ستریت نام دارد و درهمین بازار مسجد اسلام واقع است که بنام مسجد اسلام افغانیه سراجیه شهرت پذیرفته آنانکه سیاحت برای اشاعت اسلام کنندکانند اگر ازکابل افغانستان تجاوز نموده درشهر بمبی آمده ودر جهاز پنو کمپنی ویادرجهاز فرانسوی سوار شده بروز چهاردهم ۱۴ دربندر فریمانتل جهاز میرسد بشرطیکه درمیانه روز سه صدوشصت ۳۶۰ میل مسافت بکنند که از فریمانتل فاصلهٔ ۱۲ دوازده میل بذریعهٔ ریلوی شهر پارتهه واقع است مناسب وایشانراست که ضرور اززیارت مسجد اسلام افغانیه سراجیه خود را مشرف سازند ـ چونکه جهاز ازبندر فریمانتل بجانب شهر آدلید ـ جنوبی اوستریلیا ـ تجاوز بکند بعد چهار شبانه روز دربندر آدلید میرسد عالم کلت ستریت آدلید نیز بمسجد اسلام افغانیه سراجیه میباشد لازم که درین زیارت نیز خودرا مشرف کنند ـ ازانجا بکرایه از راه آهن ریلوی تاشهر میلبورن رفته و ازانجا سدنی ازسدنی تابرزبند کنج لند اوستریلیا رفته وهم راه دریا نیز منتهی شده فرضیکه از آدلید تابرزبند بذراه آهن ریلوی چهار شبانه روز مسافت دارد بشرطیکه درمیان راه درشهر میلبورن وسدنی وجای دیگر جائیکش استقامت نکند ومتواتر روزپنجم علی الصباح درشهر برزبند ترین آهن میرسد

درشهر برزبند عقام مائونت گیراوانت نیز مسجد اسلام افغانیه سراجیه یافته وخورده مدرسهٔ سراجیه نیز بنا شده باید که اززیارت شان نیز مشرف شود

ودرین شهر برزبند ـ یك مکان عالی بلند رونق دار بنام ـ افغان وروك هاوس شهرت میدارد که ازملك یك افغانست وافغانان ملبورك ـ ویاوك ـ نیوساوتهه ویلس اوستریلیا ، مقامیکه ازشهر سدنی بذریعهٔ ریلوی ـ راه آهن ـ یك شبانه روز مسافت دوری میدارد اندازهٔ میل معلوم نیست ازانوجه تحریرنشد عقامیکه اکثر افغانان مالك شتران اند وبعضی شان زمیندارند ودر انجا یك سوداگر افغانست که از هفتصد شتر زاید را مالك است وتخمینا از ده ۱۰ هزار گوسفند زاید رانیز مالك است ودرشهر سدنی نیز مکان های عالیشان میدارد

چندین مرتبه بنده را فرموده که میخواهم که درسدنی یك مسجد اسلام افغانیه سراجیه نیز بسازیم وباافغانان مقیم یك مشورت بکنیم که چه صلاحیت میدهند درآثنای گفتگو تاکیدا بنده را مقرر مودند که چه مشورت میدهید بنده درجواب شان گفت بسیار خوبست ومرام پسند است که درسدنی مسجد اسلام افغانیه سراجیه بنا شود که کار دین اسلام همین است لیکن اصل انتظام وقف است چنانچه ماقبل هذا تحریر شد که اول مکان ودکان واله خریده شود و آنرا رجستر نموده ووقف نموده که انجام مسجد برای دایمی مضبوط شود بعدازان بنای مسجد ویامدرسه نهاده شود بعد ازان فرمودند که این صلاحیت خالی ازمعنا نیست لیکن مشورت همراه افغانان مقیم یك خواهم کرد ازین جهت معذور شدم که مدیر سراج الاخبار سردار محمودبیك خان صاحب طرزی را خبردار سازم واین حواله بخدا ـ الله تبارك وتعالی دین اسلام را همیشه قوی وروشن گرداناد الحقیر الفقیر بنده جلال عفاالله عنه السیات پسرزادهٔ سید میراحمد مرحوم ازمسجد اسلام افغانیه سراجیه شهر پارتهه وسنی آستریلیا ۱۵ ماه محرم الحرام ـ یوم سه شنبه سنه ۱۳۳۴ه

باقی درآینده تعداد افغانان تفصیلاً باوقات مرور زندگانی تحریر خواهد شد انشاالله = بنده شکریه ادا میکند که الحمدلله که افغانان این بلاد خدمت این بنده را بخوبی میکنند ودو ۲ نفر افغان کمربسته دایم برای خدمت این ناچیز ایستاده‌اند فقط

حوادث غرق کشتیها که درماه نومبر غرق شده

۶ ماه نومبر خبرلندن — ازپیرس خبررسیده که در شب ۲ ماه نومبر کشتی های تحت البحر دولت جرمن از بحر اوقیانوس براه جبل طارق دربحر روم داخل گردیده‌اند ـ ودرشب چهارم ماه نومبر دولنگر جهازات دولت فرانس ویك لنگر جهاز دولت اطالیه را دربحر روم غرق نمودند درك مسافران جهازات فرانسوی تاحال معلوم نیست

۷ ماه نومبر خبرلندن — یك جهاز (اپولاجس) نام دولت برطانیه از بندرگاه نیویارك ملك امریکه شکر بوده بار کرده بطرف انگلستان می آورد دربحر (اطلانطك) جهاز مذ کوررا یکایك آتش گرفته جهاز مذ کور بساحل رسانیده آتش آن فرو کرده شدافسران جهاز یقین نمودند گمان کاررا از مزدوران جرمنی وآسترلی است وگرفتار کرده بوده دربین بوری هابهائی مخصوصیکه بعدازمیعاد مقرره بحرکت ماشین دیگر که بقسم شبانهٔ ساعت دربین آن میباشد میتر کنهاده اند

۸ ماه نومبر خبرلندن محکمهٔ بحری دولت برطانیه اعلان نموده که یك جهاز جنگی کوچك (تارا) نام دولت برطانیه درسمت مشرقی بحیرهٔ روم کشتی زیر آب دشمن حمله نموده جهاز مذ کوررا غرق نمود ازجملهٔ عمله ونفری آن ۳۴ نفر مفقود الخبر میباشد —

۹ ماه نومبر خبر نیویارك ـ یك جهاز (روشمبو) نام دولت فرانس که از انجا روز شنبه بعزم رفتن (بوردو) روانه شده بود ودرین آن مال بسیار و ۴۲۱ نفر افسران جنگی سوار بودند دربین راه آتش گرفته شبهه کرده میشود که جهاز مذ کوررا کسی قصدا آتش داده —

۱۰ ماه نومبر خبرلندن — از (طولن) بذریعهٔ تار خبر رسیده که جهاز (انکونا) نام که ازانجا باراده رفتن نیویارك روانه گردیده بود ـ دربین بحیرهٔ روم یك کشتی زیر آب بسیار بزرگ که بالای آن بیرق دولت آستریا بود برجهاز مذ کور حمله نمود واول از دور بیکصد فیر توپ بالای او نمود بعدازان بذریعهٔ یك تارپیدو جهاز مذ کوررا غرق نمود

زخمی‌ها و پس مانده کان جهاز مغروق در (طونس) رسیده اند از جمله ۶۰۰ نفر مسافر) و (۴۴۲ نفر عمله) که بر جهاز مذکور سوار بودند شش صد نفر غرق و هلاك شده‌اند و باقی نفری بعضی زخمی و برخی تندرست نجات یافته اند و گفته می‌شود که در جملهٔ مسافران جهاز مذکور چند نفر مردم امریکا هم بودند — و نیز تحت البحر مذکور یک لنگر جهاز (آر پیق) نام غرق کرده از جمله عمله نفری آن ۱۳ نفر نجات یافته و ۲۲ نفر مفقود الخبر می‌باشند —

۱۰ ماه نومبر خبر روما — یک کشتی زیر آب دولت جرمن یک جهاز داك دولت فرانس را در بحر روم غرق نمود عمله و نفری آن نجات یافته —

۱۰ ماه نومبر خبر میدرد پای تخت دولت (اسپین) از جبل طارق خبر رسیده که در آبنائی جبل طارق جهازات جنگی کروزر دولت برطانیه دو لنگر کشتی های زیر آب دولت جرمن را غرق نمودند — و تحت البحرهای دولت جرمن جهازات (بیورسك) و (گلنور) و (میکیش) نام دولت برطانیه را بمعه یک جهاز (یاسو کنی) نام دولت جاپان در بحیرهٔ روم غرق نمودند مفصل کیفیت آنها تا حال نرسیده —

۱۱ ماه نومبر خبر پرس — یک جهاز فرانس نام دولت فرانس را که از سالونیکا بطرف مارسیلز می‌آمد کشتی‌های تحت البحر دشمن غرق نمود —

۱۰ ماه نومبر خبر لندن — محکمه جنگ اعلان نموده که در بحیرهٔ شام کشتی‌های تحت البحر دشمن بالای جهاز باربردار (امریکن) نام دولت برطانیه حمله نمودند — جهاز مذکور بسلامتی در بندر رسید مگر از جملهٔ عمله و نفری آن (۴۳ نفر هلاك) و (۳۰ نفر مفقود الخبر) گردیده و چهار نفر مجروح می‌باشند

۱۲ ماه نومبر خبر لندن — یک لنگر جهاز روغن بردار (لونید) نام دولت اطالیه که در بیج آن تیل بار بود در بین دریا ناگهان از کدام جهاز هوائی یک عدد بم در بین او افتاده جهاز غرق گردید —

۱۲ ماه نومبر خبر لندن — محکمهٔ جنگ دولت برطانیه اعلان نموده که جهاز (سا ونه‌تید) نام باربرداری دولت برطانیه که از بندر گاه اسکندریه بطرف سلانیك میرفت در بحر ایجین کدام تحت البحر دشمن بالای جهاز مذکور حمله نموده بالای او تارپیدو انداخت جهاز مذکور نقصان رسیده شده در بندر گاه (مدروس) رسیده از جملهٔ عمله و نفری آن ۹ نفر هلاك و ۲۲ نفر مفقود الخبر می‌باشند —

۱۳ ماه نومبر خبر لندن — محکمه بحری دولت برطانیه بعد از اظهار افسوس اعلان نموده که یك کشتی زیر آب نمبر ۲۰ دولت برطانیه در بحر مارموره برای کارروائی جنگی رفته بود اکنون خبر رسیده که تحت البحر مذکور را جهازات دشمن یعنی دولت ترك غرق کرده ۳ نفر افسر و شش نفر عملهٔ آن را قید کرده‌اند —

۱۳ ماه نومبر خبر روما — یک جهاز (فیرز) نام دولت اطالیه کشتی‌های زیر آب دشمن حمله نموده جهاز مذکور را غرق نمودند از جملهٔ عمله و نفری آن ۲۱ نفر غرق و هلاك شده اند —

۱۴ ماه نومبر خبر لندن — از روما خبر رسیده که یک لنگر جهاز (برسینا) نام دولت اطالیه را کشتی های زیر آب دولت آستریا غرق نمودند از جملهٔ عمله و نفری آن ۱۹ نفر مفقود الخبر می‌باشند — فقط

۱۶ ماه نومبر خبر لندن — محکمهٔ اخبارات دولت برطانیه اعلان نموده که یک لنگر جهاز اسپتال (انجیلا) نام دولت برطانیه در رودبار انگلستان همراه سرنك بحری تصادم نموده غرق گردید در این اثنا یک جهاز (او یونیا) نام که قریب او بود بجهت امداد در نجات نفری جهاز مغروق قریب او رفت آن هم بعد از یک آواز مهیب بربین بارود غرق گردید — در این حادثه نفری بسیار ضایع گردیدند — جهاز (انجیلا) همان جهاز است که هز مجستی جارج پنجم پادشاه دولت برطانیه بذریعهٔ سواری او از لندن بطرف فرانس چند روز قبل از این رفته بود

۲۰ ماه نومبر خبر لندن — معلوم گردیده که یک لنگر جهاز (درناف کرامی) نام دولت برطانیه را کشتی‌های زیر آب دولت‌های دشمن در بحیرهٔ شام غرق نمودند چهار نفر افسران جهاز مذکور را بمعه چهار نفر مسافران هندوستانی آن یک جهاز دیگر در بندر گاه (پلاموتهم) رسانیده دیگر کشتیهای آن همراه نفری باقی‌مانده تا حال معدوم میباشند — گفته میشود که جهاز مذکور بتاریخ ۵ نومبر غرق گردیده بود —

۲۲ ماه نومبر خبر لندن — دو لنگر جهازات (مار کانسر) و (هیز شاهر) نامان دولت برطانیه را تحت البحرهای دشمن غرق نمودند عمله و نفری آنها نجات یافته —

۲۲ ماه نومبر خبر لندن — جهاز داك ولایت (پی — او — سالث) که بتاریخ ۱۲ ماه حال داك یوروپی را برداشته از بندرگاه لندن روانه سمت هندوستان گردیده بود در خلیج سویز در ریگ بند افتاده —

ترجمهٔ اخبار های عربی

خبر از مصر

یکی از مردمان مصر که از دست انگلیزها رهائی یافته و به استانبول آمده است چنین بیان می‌نماید که از بسیار وقتها میشود که انگلیزها از (اوستر الیا) و (زه لاند) دیگر عسکر بمصر نیاورده اند و در اوستر الیا همهٔ اهالی و سکنه آنجا بیک یاس و ناامیدی عمیق فرو رفته اند زیرا از احوال آن عسکرها که بطرف دردنیل روانه شده‌اند تا حال هیچ خبری نرسیده . و در زه‌لاند نفری های که صالح خدمت و تسلیح باشند قطعاً باقی نمانده است .

باید که تلفات دشمن در فروت دره نیل از حد زیاد باشند چرا که پیش از چهار پنج هفته در مصر تنها چهل چهل هزار نفر زخمی وارد شده‌اند چندی از جهازات تجارتی بواسطهٔ طور پیلها در قنال سویز غرقاب شده‌اند . اما خبر های که اطالیا اشاعت داده‌اند که سبب تعطیل سیر و سفر در قنال مذکور یعنی بحران هوا و طوفانهای شدید میباشد دروغ محض است . بلکه سبب حقیقی آن غرقاب شدن جهاز ها بطور ذیل است لا غیر و انگلیزها گمان میکنند که جهاز های دولتهای بیطرف که از قنال عبور نموده‌اند آن طورپیلها را انداخته اند افکار عمومی در مصر تماماً برضد انگلیزست و حیات اقتصادیه سراسر متوقف است و انگلیزها دانستند که در مصر دو مرکز تلغراف بی سیم موجود است ولی هر قدر که کوشش کردند موقع آن را نیافتند و به این سبب حیرت زده و پریشان شده‌اند .

تخلیهٔ پطرو گراد

اخبار (دیلی کرانیکل) میگوید که محافل سیاسیه و کلب هـای سیاسیه در روسیه بخطریکه پطرو گرادرا تهدید میکند قیل وقالهای می کنند . ومناقشات شدیدبرای لازم‌بودن تخلیهٔ پطروگراد میباشد

فرانس ویونان

در یونانستان قهر وغضب درحق دول ائتلاف اربعه یعنی (انگلیز فرانس روس ایطالیه) روزبروز درشدت است ودرتیاترها بازیگرانی که میرانند لباسهای جرمنی را پوشیده میباشند . مردمان تماشا بین آنها را شاباشها وتحسینها مقابله می کنند وهمه‌بیك زبان بهیجان فریاد میکنند (خدا قهر کند فرانس را)

سوق عساکر بزور فیجین

تلغرافات انعکاس میدارند که زخمیهارا از دردنیل بطرف مصر روانه میکنند شبانه بصورت سری بشفاخانه‌ها ارسال میشوند . وخدیو نامشروع مصر یك اعلان‌نامه برای عسکر شدن اهالی مصر نشر نمود ولی غیر یکصدو بیست و پنج نفر که اکثرشان ازمردمان دهقان میباشند کسی اجابت دعوت نمود پس ازآنها یك بلوك تشکیل نمودند وبه سمت اسکندریه فرستادند ولی افراد آن بلوك بمجردیکه باسکندریه رسیدند مطلع شدند که بطرف درده نیل برای محاربه باعثمانیها روانه میشوند عصیان نمودند وبهیچ صورتی رفتن را قبول نکردند پس الحال دائرهٔ بن آنهارا یکی ازخانهای لیمان بندی کردند . ویك هیئت عسکری انگلیزی برای استنطاق آنها فرستاده اند وقتیکه ازآن بدبختها ازسبب امتناعشان ازسفر استیضاح نمودند آنها حقیقت را اظهار کردند که مامسلمانیم وبجنگ برادران دین خود نمیرویم لیکن هیئت جابرهٔ انگلیزی آن بیچاره هارا بزور فیجین سوار کردند و مؤخرا مسموع افتاد که بمجرد رسیدن شان دردرده نیل خودشانرا بعثمانیها تسلیم کردند .

خبرهای محاربات عثمانی

مشاهدات یك مخبر آلمانی

— ازمرکز مطبوعات جنگی —

درتپه های « کاپیولی » سوار اسب میروم اطراف مستغرق صمت وسکون .. درمسافت بعیدی ، مؤذن اذان عصررا میخواند مه شفاف وسپیدی که ازوادیها بلند میشود ، بهمراهی ارواح صاف ونجیب فدائیان جهاد راه دین ووطن ، بسوی آسمان بسمت راحت وسکوت جاودانی متصاعد میشود . بلی ، بهادران جناق قلعه بدین منوال ترقی وتعالی می نمایند .

آن روز گرم بود .

انجا صدمتر دورتر ازما ، سنگرهای انگلیسها است . صدها سرباز بهادر ، قبضهٔ تفنگ خودرا محکم گرفته ودرمقابل انها آماده وحاضرند . درطرف مقابل ، همه چیز ، آلودهٔ سکون ، تنها ، آن مانعه های مشئوم سیم ، درپرتو آفتاب میدرخشد .

یوز باشی حسین علی افندی سنگرهای « پیش جنگ » را میگردد : اطراف ، خیلی ساکن وخیلی آسوده است خطوط « پیش جنگ » شروع بپیشرفت کرد .. حمله وهجوم شدت می یابد .

« آرش پیش » خدا کمك می کند ، خدا نگه میدارد ، علی محمد ! پیش « پیش » همه یك دفعه . . عبدالله ! دیگر دوا نداری مگر زخم برداشتی ؟ سنگرهای دشمن این است همین جا است .. الان می گیریم . الله . . تیر خوردم ... »

دیگرها همیشه جلو میروند .. دسته های تازه میایند ، جلوبها پیشتر میشوند ، گلولهها مانند تگرگ میبارد ، شرابنلها ترنم کرده می ترکد .

« سرباز ! زود سنگر بندید . زود قور خانه بیاورید . گلولهها را اینجا بریز . بارا می صدق کن . . . بازپیش . . مانعه را گردیده باید داخل سنگرها شد . . . آرش بچه‌ها : هجوم . . هجوم . . . » داخل سنگر ها شدیم .

« بقیه دشمن را برانید . . بزن : محمد ! علی ، مبارك کی جلو من زیاد است . صبرکن . آمدم » دست بگریبان میشوند ازیك طرف سرباز های تازه میرسند ، مانندسیل جلو میروند . داغاغازها میایند . شرابنلها درهوا میترکد .

دشمن انجا شکست خورده فرار می کند .. خیلی خوب : رهاننکن درطرف دیگر « آنها آنقدر زیادند که .. عیب ندارد ثبات کن ، میشنوی اثبات . . . . »

قرارباندرا شلیك کنید .. احمد « سنگررا باندازه یك نفر هم وسعت ده .. شیاهم بکنید ، بکشید سنگر ها گود ترشود جوالهای ریك را بدالطرف بگذارید .. . »

« زود باشید : بچه‌ها ، زود . . . وقت نیست دشمن شروع بحملات مقابله کرد ، قورخانه‌را انجا .. بدو وگرنه تیرخواهی خورد . بدو ! »

دشمن را شلیك جلوگیری میکند . دیگر نمیتواند نزدیك تر بیاید .

سربازهابابیل وکلنگ می آیند سنگرها گودشده وصفهای عقب مربوط گردید . مردمهامی خوابند ، زخمیها ناله وزاری می کنند . دیگرآفتاب غروب می کرد .

یوزباشی حسین علی را ازسنگر یکه تصرف شده بود آهسته آهسته میاوردند . گلوله بپیشانیش خورده ولی نظرهای وی باشاشت فتح وظفر لمعه دار بود . محبوب وی ــ که آنجا الطرف جنوب مملکت درشهر ساده و کوچکی برای او می گرید ــ همین که اورا باین نشان ذی‌شان جهاد ببیند خواهد خندید .

من درتپه های (کلیپولی) سواراسب میروم ، اطراف خیلی ساکن وساکت است . . .

طنین

شمشیر ولوا

از کربلای معلی

صبح جمعه ۱۴ذی‌الحجه درحالیکه جمیع علمای اعلام وسادات عظام ومشایخ کرام واهالی عموما ومامورین حکومت جلیله بامتصرف خصوصاً حاضر وناظر وهمه مشغول بتکبیر وتهلیل بوده اند حضرت آیة الله فی العالمین (آقای سید صدرالدین) مدظله‌علی مفارق المسلمین بحرم‌محترم حضرت سید الشهداء ع مشرف شده وبعد از ادای رسومات معموله وزیارت باخشوع وخشوعی که مختص حال شریف ایشان است شمشیری

را که یکی از شمشیرهای تاریخی ونهایت ذیقیمت وازشاه عباس صفوی است از مکان خود برداشته واز غلاف کشیده وبطرف حضار متوجه شده میفرماید . (بگیرید این سیف را از حضرت سید الشهداء ع وبه جهت مجاهد باغیرت ومدافع باحمیت (نورالدین بك افندی) فرمان روای کشوری ولشکری کل عراق که درحفظ این مکان شریف وسایر اماکن مقدسه ومشاهد مشرفهٔ ائمهٔ مسلمین درمقابل کفار محارب مشغول دفاع است بفرستید . چرا که امام ومقتدای ما حضرت سید الشهداء ع فتح ونصرت حکومت اسلامیهٔ عثمانی را خواسته که امروز درراه دین مبین . وبجهة تطهیر اراضی وبلاد مسلمین ازلوث وجود کفار . وخاصه بجهة محافظت این بقاع شریفهٔ ائمهٔ طاهرین بااعدای دین درجنك است .

ای مسلمانان: این شمشیر برندهٔ اسلام وسیف قاطع ریشهٔ کفراست . که وقتیکه کشیده میشود فتح وفیروزی باواست . وظفر ونصرت همیشه بااسلام بوده .

سپس باهمان جمعیت وازدحام بحرم محترم حضرت ابی الفضل العباس ع مشرف شده لوای مخصوصی که تمام آیات فتح ونصرت درروی پارچهٔ حریر سرخ بر آن زر دوزی شده باهمان مراسم معموله بر داشته وچنین میفرمایند .

(ایهاالناس : این لوای علمدار وسپهسالار و کماندان قشون حضرت شاه‌دین سید الشهداء ع است . عساکر اسلام ازبرکات توجهات ائمهٔ اثم ع فاتح ومظفر ومنصور خواهند بود) بعداز آن باجمیع علمای اعلام وجمیع اسلام وسادات ومشایخ عظام باکمال خضوع بقرائت دعای فتح وفیروزی مشغول گردیده . ودرهمان وقت هیئتی ازمحترمین علما وسادات به ریاست جناب آقا سید جواد افندی زین الدین بجهة شمشیر . وبریاست جناب آقا سید عبد الوهاب افندی وهاب زاده بجهة بیرق متشکل شده وباکمال شکوه وعظمت از راه جسر عازم بغداد گردیدند که این عطایای تاریخی را بصاحبش . حضرت نور الدین بیك افندی والی وکماندان کل قشون عراق برسانند .

درعبور این عطایای حسینی ع درقبایل وعشایرعرب چنان هیجانی شده که هیچ نظیر آنرا سراغ نداده‌اند . کاینکه در ورود بغداد ورود هیچ سلطان وپادشاهی را احدی این همهمه وطنطنه واثراتی که درقلوب خواص و عوام نمود کسی بخاطر ندارد . ماباعدم گنجایش صفحات . صدای اسلام فارسی . شمهٔ از آن راتیما وتبرکا بجهة آگاهی شیعیان و محبان آل اطهار و دوستان سبط رسول مختار ص ع و خاصه برای اطلاع برادران ایرانی مینگاریم تا سبب روشنی چشم و فرح قلب دوستداران حیدر کرار گردد . وما توفیق الا بالله العلی العظیم

صدای اسلام مطبعه بغداد

فتح جدید عثمانی

مجددا خبر فتوحات عثمانی درساوجبلاغ بامیرسد که روسها عقب نشسته وعثمانیها بسمت تبریز پیش میروند

فروت دار دانل وانعکاس آن

لطمات حمله بصرب جنك داردانل را بحال تعطیل افکنده وهرقدر متفقین دراخفای مسئله بکوشند باقرائن زیاد شهادت میدهد که اخبارات
ازدار دانل تقریباً باز مانده اند مدتی است هیچ خبری از آنجا نی
فقط خبر اخیر اینست که کشتی های بزرك جنکی رفته و زره رق
کوچك که بزرك ترین آنها دو عراده توپ‌دارد بجای آنها آمده
میتوان گفت بی اثر ماندن اینهمه خسارت و فدا کاری انعکاس
درملت انکلیس وفرانسه نموده صدر اعظم مرض مبتلا وسرادوارد گ
ازوزرای انکلیس استعفا داده وقوع این حادثه پس از استعفای
دلکاسه وزیر خارجه فرانسه کاشف ازینستکه مطلب خیلی ساده نی

وحشت انکلیزها

نقل از اخبار های ایران

روزنامه نیویورك هرالد از نیواورلئان اطلاع میدهد
چهار نفر امریکائی عمله جات کشتی قاطر بی کوزیان که مشغو
قاطر بوده اظهارمیدارند که چکونه انکلیسها ایك طرز بیرحمانه و
شرم آوری یازده نفر قهرمان آلمان را که در تحت البحری آ
بوده و میخواستند جان چندین نفر رعیت انکلیس را نجات
قتل رسانیدند :

تحت البحری آلمان بکشتی بی کوزیان حمله برده ورای انکلا
کشتی مزبور وانکلیسهائی را که درآن کشتی بودند خلاص نماد
داد قایق های نجات را پائین کنند اجزاء تحت البحری آلمان ک
آلمانها شتافت که وسایل تسهیل این اقدام را فراهم آورند و
وقتی تخریب بی کوزیان مبادرت کردند که عموم را کین آن
نجات رسیده بودند دراین اثناء یك کشتی تجار دارای بیرق امری
یك شد همینکه نارسید بیرق امریکارا برداشته مبدل به بیرق جنکی انک
نمود معلوم شد کشتی جنکی انکلیسی موسوم بهبارلونك است که
دزدان بحری میتوان آنرا تسمیه نمود وتوپهای بزرك شروع به تیر اندازی
تحت البحری آلمان نموده اورا غرق کرد یازده نفر آلمانی که یکی از آنها ک
تحت البحری بود خود را در آب افکندند. انکلیسها فوراً حکم شلیك بطرف آن
کاینکه در آب شنا مینمودند داده شش نفر اینها را بقتل رسانده پنج
دیکر شنا کنان خود را بکشتی انکلیس رساندند آن پنج نفر نیز با
شکل بیرحمانه مقتول شدند ابتدا کاپیتن انکلیسی حکم بقتل عمو
صادر کرده ومسر بازها شروع باطاعت نمودند یکی از آلمانها را ا
کردند که دستهای خود را بالا نکاه داشته و نزدیك بیاید کاپ
بتواند اورا هدف جنایت خود قرار دهند کاپتان تحت البحری و
آلمانی دیکربس از مشاهده این اعمال عمداً خود را با
والکلیسها بکشتی ایشان را باتیر تفنك اعدام نمودند دکتر ایك
کشتی بی کوزیان که از اتباع امریکا است عین شرح فوق را اظهار
وچهار نفر امریکائی دیکر در صحت اقوال خویش سوکند یاد نموده
این واقعه مجدداً ثابت میکند که لفظ انسانیت وبطرق کاانکلی
مدعی وطرفدار او هستند جزعباراتی پوچ نیست

خدا انکلیس را بجزای خود برساند اسلامبول . دو فروند
تجار روس موسوم به تاتا و آسترو و محمولات شان زدبت سول
بتوسط تحت البحری های عثمانی غرق شدند

آتن ـ نه فروند سفینه تجار انگلیس ویك ایطالیائی که مجموع آنها ۲۶۵۶۰ تون جابگیر داشتند در ظرف سه روز اخیر به قعر دریا فرو رفتند نظر به تلفات کثیره که درمدیترانه بانگلیز وارد آمده پیاده کردن قشون درسالونیك اشکال حاصل نموده است

برن — سه فروند کشتی تجار فرانسوی که حامل قشون بوده‌واز مارسایا حرکت کرده اند هنوزبه مقصود نرسیده اند

امستردام — کشتی بزرگ نقلیه انگلیس که بتوسط تحت البحری نزدیك کرت غرق شدهمان کشتی ترانسلوانیا از کمپانی کونارد لاین با ۱۳۰۰۰

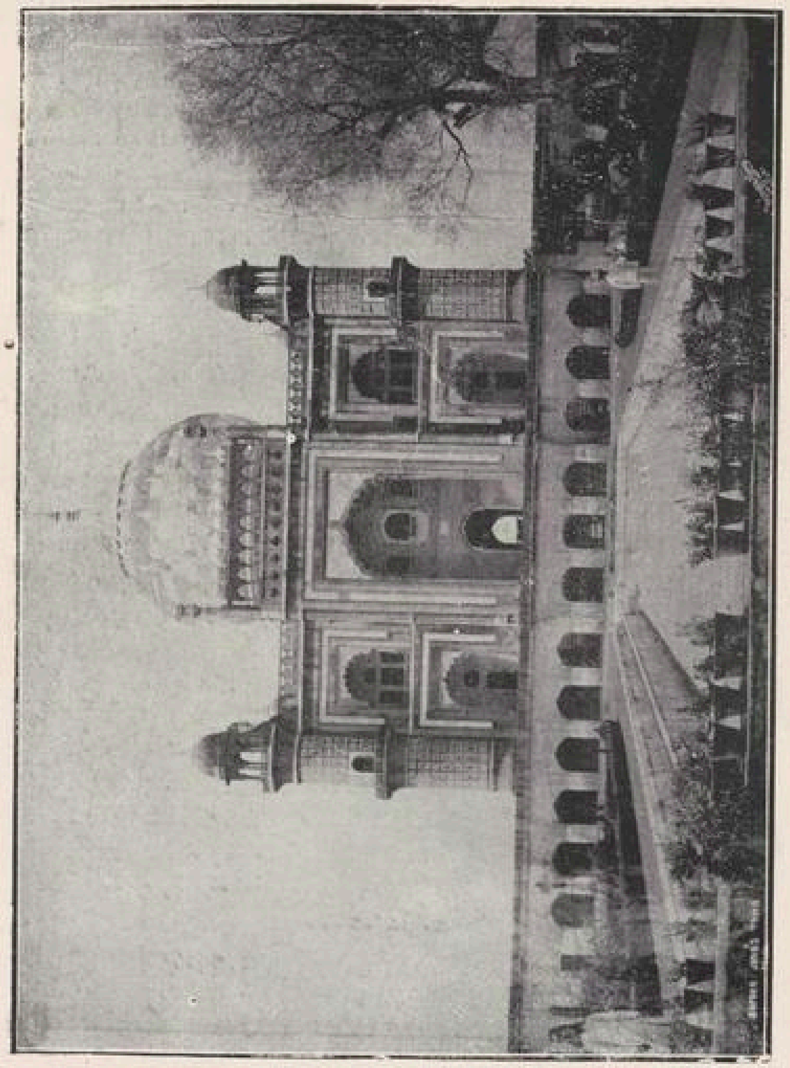
از مناظر هندستان
مقبرهٔ صفدر جنگ در دهلی از سنگ مرمر

تون جابگیر بوده است

لندن — در مجلس مبعوثان یکی از ارکان دولت اظهار داشت که تلفات انگلیسیها در دار دانل بالغ بر ۴۲۰۰ صاحب منصب ۹۲۶۹۹ نفر سرباز بوده است .

فرار قشون روس

از آژانس ملی عثمانی خبر میدهد که یك قسمت بزرگی از قشون روس که در حدود رومانی وارتش بودند از میدان جنگ فرار کرده واز ترس انکه مجازات شوند از سرحد گذشته وارد رومانی شده اند ودولت پنج نفر از ژنرال های قشون را معزول کرده است .

مجسمهٔ چوبی هندنبرك طلا می‌شود

مجسمه فیلمارشال هیندنبورك که مراسم جشن وی چندی قبل در برلن با کمال شکوه و جلال مجری گردید . در میدان (روایال) نزدیك آثار یادگاریهای بیسمارك و ستون نصرت که فتوحات سنوات (۱۸۶۴ — ۶۶ — ۷۰ — ۷۱) را متذکر است برپا شده حالیه میخهای فلزی با نقره وطلای متعددی از یك مارك ببالا بعرض فروش گذارده شده . که میخهای مزبور را بمجسمه چوبی هیندنبرك خواهند که مجسمهٔ چوبی را تبدیل بفلز وطلا نماید وبرای پوشاندن تمام چوب دو ملیون میخ ساخته شده واردات آن به بیوه زنان و اطفال یتیمی که در جنگ شوهر یا پدر واقاربشان کشته شده مصروف خواهند

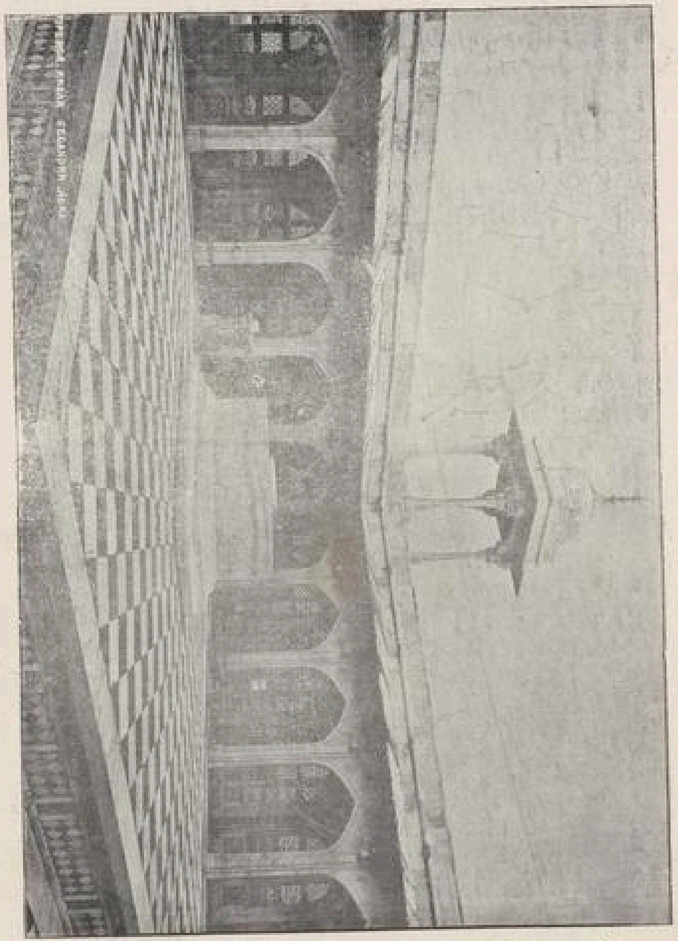

از مناظر هندستان

قبر جلال الدین اکبر پادشاه در اسکندره از بناهای عالی در آگره

عبارتی را که مستشار کل امپراطوری آلمان در موقع اجرای مراسم جشن ومجسمهٔ هیندنبرك ذکر و بیان کرد ، ما که حسیات عالیه تمام ملت ژرمن است که بایك بشاشت ومسرت کاملی از طرف اهالی حسن تلقی وحسن قبول یافت : (جلو بنای عالی قدیم نصرت مابان مجسمه را برپا داشتیم برای آنکه تشکرات وحق شناسی ملت آلمان را بیك حجت مرئی تبدیل بدهیم . وطن باید بمعاونت اشخاصیکه مشغول جان فشانی در کاری وی است بشتابد واین عمل معاونت و مظاهرت بواسطه تبدیل مجسم هیند نبرك بموقع اجرا گذاشتیم زیرا که این مجسمهٔ شجاعت و رشادت جنگی ووطن پرستی معنوی تمام قوای حربیه ما است که در جلو ما ایستاد .

وازان روز اسب مجسمهٔ چوبی قریب بیست هزار نفر از اهالی برلن میخهای طلا ونقره خریداری کرده به مجسمهٔ مذکوره زدند .

از جراید آلمان

طلای موجودی بانک آلمان

موجودی طلای بانک دولتی آلمان « رایش بانک » نسبت بسنوات بطریق ذیل از این قرار است .

سپتامبر ۱۹۱۲	—	۹۱۱ ملیون مارک
۱۹۱۳	—	۱۱۳۰ » »
۱۹۱٤	—	۱۵۸۰ » »
۱۹۱۵	—	۲٤۱٤ » »

اسکناس های بانک که در ممالک رواج بوده چنین است .

ماه مارت ۱۹۱۲	—	۱۷۵۳ ملیون مارک
۱۹۱۵	—	۵۰۶۰ » »

(یک مارک تقریبا معادل دوقران سیزده شاهی است)

موفقیت قرضهٔ جنگ آلمان

ملیونهای روی ملیون

امستردام مورخه ۲٤ سپتامبر

برحسب تلگرافات واصله از برلن دکتر « هلفریش » وزیر مالیه آلمان در ملاقاتی که نمایندهٔ کل مطبوعات امریکا راجع به نتیجهٔ سومین استقراض داخل آلمان از او کردند اظهار داشت که تقریبا ۶۰۰،۰۰۰،۰۰۰ لیره جمع شده است

(معادل هفت هزار کرور ودویست کرور تومان پول ایران)

وزیر مالیهٔ معظم‌له که اظهار داشت قرضه اولی که دویست و پنجاه ملیون لیره بوده وقرضه ثانوی که چهار صد و پنجاه ملیون لیره بود با این قرضه که سومین استقراض ملی است مجموعا ۱،۲۷۵،۰۰۰،۰۰۰ لیره میشود که ملت برای ادامه جنگ داده است (هزار و دویست و هفتاد و پنج ملیون لیره معادل است با پانزده هزار (کرور) و سیصد کرور تومان پول ایران در صورتی که لیره را تقریبا شش تومان حساب کنیم)

دکتر « هلفریش » علاوه کرد : علاوه این پول جدید اعتبارات جدید دیگری هم داریم . آلمان نه تنها قشون های جدید برای حملات جدید دارد چنانچه شانسلور در « ریشتاک » گفت :

بلکه ما دارای طیاره‌های جدید و پول هستیم مالیهٔ که برای گذراندن جنگهای زمستان ورسیدن بهار لازم است تهیه شده وما را بهیچوجه من الوجوه نگرانی نیست

مبلغی که در قرضه سومی آلمان جمع شده است حتی از قرضه دومی انگلیس ها که در تمام عالم آنرا بی نظیر جلوه دادند متجاوز است . دولت انگلستان بتوسط استقراض های بعید الوعده تا بحال ۹۲۵،۰۰۰،۰۰۰ لیره و آلمان ۱،۲۸۵،۰۰۰،۰۰۰ لیره بدست آورده است .

مخارج انگلستان زودی زیاد میشود مخارج جنگ آلمان از روز ۹۰،۰۰۰،۰۰۰ مارک یعنی سه ملیون لیره زیادتر نیست واز این رو سهم هر یک نفر آلمانی خرج جنگ روزی یک مارک میشود ولی سهم هر یک نفر انگلیس در ایام جنگ روز دو مارک میشود قیصر وزیر مالیه آلمان را برای موفقیت خود تبریک وتهنیت گفته است

شیرمادهٔ یک دختر عثمانی در جنگ

مجروحین قشون انگلیس در مصر حکایت میکنند که در نزدیکی سنگر های ما در دار دانل مدت چند روز یک تفنگچی پنهان بود که خیلی باردوی ما صدمه وزحمت وارد مینمود تا اینکه جمعی مأمور حل این مشکل شدند وبا زحمات زیاد سنگر وکمینگاه اورا یافته وبا صدمات آنجارا تصرف کردند و آن وقت تمام افراد قشون متعجب ومتحیر شدند زیرا که دیدند این تفنگچی یک دختر هیجده ساله مسلمه عثمانی میباشد

تهیه استعداد برای فارس

برطبق تقاضائیکه ازطرف حضرت والاشاهزاده نصرةالسلطنه برای تهیه استعداد فارس شده بود مقرر شده است قریب یک هزار وچهار صد نفر از فوج اصفهان ویک عده از فوج شیراز برای انتظامات آن حدود حاضر خدمت شوند وفعلا وزارت جنگ یک مقدار اسلحه برای آنها تهیه نموده قوام الملک هم در شیراز مقداری اسلحه حاضر کرده است که بسوارهای شیراز داده شود .

راجع به تبعید محترمین بوشهر

بواسطه اینکه اخیرا انگلیس ها چند نفر از محترمین اهالی بوشهر را دستگیر وبسمت هندوستان تبعید نموده اند وزارت امور خارجه با سفارت انگلیس مشغول مذاکرات شده وبعضی تلگرافات هم مستقیما بلندن مخابره کرده مشغول اقدامات هستند که آنهارا مراجعت دهند .

جوع سرقة الممالك ! هنوز هل من مزید !

ترجمهٔ اخبارات اردو وانگریزی

مباحثه دربار لمینت

لندن — ۱۱ — نومبر —

کرنیل (یت) رجنگ جهت شرق گفتگو کرد — او گفت که وزیر اعظم در حضور این مجلس جلیل گفته است که مسئلهٔ دار دانیل بغایت الدرجه ناک ومطرح التفات وانظار ماست — بطور انفرادی — بلکه بحیثیت جزوی از اجزای تمام جنگ در شرق — وزیر اعظم اینرا هم گفته که عساکر ما در گیلی پولی دولت عساکر عثمانیه را (۲۰۰۰۰۰) از رفتن بدیگر جاها باز داشته است —

نخستین خیال که بخاطر من خطور میکند این است که ما چرا بجنگ خلاف ترکان داخل شدیم ، اطلاعاتی که از دار دانیل رسیده همه مظهر است بشجاعت ترکان وپاک ومردانه بودن اسلوب جنگ ایشان — این هم ظاهر است که عساکر ما در دار دنیل خلاف ترکان آن شدت کینه ومرارت دشمنی ندارند که خلاف المانها در میدان جنگ فرانسه دارند — مسلمانان هندوستان تمیز ومعرفت کافی دارند که فهمند که سر کردگان ترکی مارا بر داخل شدن درین جنگ مجبور کردند وما خلاف قوم ترک نمی‌جنگیم بلکه خلاف المانها میجنگیم — [حیف است که کرنیل یت فراموش کرد که چگونه دولت روس وبرطانیه پیش از دخول ترکان درین جنگ اتفاق کرده بودند که روز ولادت سلطان معظم وقتیکه عساکر عثمانیه در تفریح ونشاط غافل باشند روسیان از باسفورس وانگلیس از دار دانیل برقسطنطنیه حمله آور شوند ، چنانکه بسلونیکا الحال کرده‌اند — وروس در دهان باسفورس دائما سپت مینهاد — این

است اصل سبب دخول ترکان درین جنگ ـ مترجم] ومسلمانان هند میفهمند که سلامت هندوستان بمظفریت ما بر آلمانها موقوف است چنانکه سلامت انگلستان نیز بران مظفریت موقوف است چنین حالت در حق قبائل وحشیه وتربیت نایافته (۱) حدود هندوستان وهمچنین در حق عوام غیر تعلیم یافتهٔ افغانستان صادق نیست ــ امیر کابل در تخالف با ما سر اصرار وفا دار است وبی طرفی شدید را از ابتدای جنگ تا اندم محافظه نموده است ولیکن فرقه های وحشی ملک خویش را زیر تسلط وحکم داشتن برای امیر بیشک یک وظیفهٔ خیلی مشکل میباشد علی الخصوص که اگر ایشان بجوش وهیجان درایند ــ اما بر حدود هندوستان کسی نیست که قبائل اخیارا زیر تصرف داشته باشد ـ کسانیکه عمر خویش را در شرق صرف کرده‌اند خوب میدانند که چگونه سیلاب هیجان از مغرب اسیا تا مشرق او در سالهای گذشته فرا گرفته بود یعنی دران هنگامیکه ترکان یک قومی کوچک مثل یونان را شکست داده بودند ـ وایشان میتوانند فهمید که چه عظیم سیلاب جوش وهیجان از یک کرانهٔ اسیا تا کرانهٔ دیگر بحرکت اید ــ اگر اخبار شکست انگلیس وطرد دیت حملهٔ ایشان از قسطنطنیه بدست ترکان در عالم انتشار یابد ـ من نمیخواهم که دربارهٔ ملحوظات عسکریه رای خود را بدهم ولی از اظهار این امید چاره نمی‌بینم که ارباب حل وعقد مصالح عسکریه که پیش ملت مسئول هستند ـ خودرا برای دادن برای باز پس کشیدن عساکرما از دار دانیل مجبور نیابند ــ ما را الان هست که قبائل حدودیه درین ایام بچه درجه بجوش وخروش درامده‌اند ـ چنانکه از حملههای ایشان بر حدود اشکار است پس اگر اخبار فتوحات ترکان بر انگلیس زیاده تر شیوع یابد ــ یک جنگ عام وحمله اوری در یک زمان برهمه حدود هندوستان وهمچنین در افغانستان از قوت بفعل خواهد درامد ــ وممکن است که این تازهٔ جنگجوئی ایران را هم فرا گیرد ـ ازین وجوه مذکوره امید دارم که عساکر برطانیه دولت عساکر عثمانیه (۲۰۰۰۰۰) را از دردانیل مشغول خواهند داشت . من هیچ سبب نمی بینم که متفقین حلیفان ما در شرق (روس وفرانس) چرا یک موقفانه جاروب کشیدن (یعنی محو کردن استقلال قبائل حدود هندوستان وافغانستان وایران وتقسیم آنها میان حلیفان) را از جملهٔ عناصر اصلیهٔ ومهمه همه جنگ نسازیم !! الانسان یدبر والله یقدر ـ از زمانیکه کرنیل ییت در مجلس ملی انگلیس این خطابه کرده بود تا اینندم که دو ماه بیش نیست ـ ماجروش تواجبار کرده است ـ سرویا که سد حائل بود میان ترکان وحلیفان ایشان از میان برداشته شد ـ ولشکر انگلیس در مصر کاسپیمان قریب بغداد شکستی فاش خورده ـ مجبور برجوع جانب بصره گشت ـ ومسیو کرنقل حرب درین موسم سرما از یورپ بطلت مصر منتقل شد ـ وایرانیان برحسب اقتضای حفظ ذات خلاف روسیها لوای جهاد را بر افراشتند ـ وقبائل حدود هندوستان هم موافق قول سعدی ــ : ازان مار برپای راعی زند که ترسد که کوبد سرش را بسنگ ـ در غزا آغاز نهادند ـ عجب است که جوع سرقة الممالک انگلیس هنوز یزید هل من مزید است !! ــ مترجم]

(افکار یک نامه نگار)

تنبیه ـ لارد دوزبی که یکی از بزرگترین سیاسیان ممالک است درین نزدیکی زمانی میان خطابهٔ طویله درلندن بعض نکات که قابل التفات مسلمانان خصوصاً وشرقیان عموماً است بعرص آورده است (۱) او گفته است که این جنگ شیرازهٔ حقوق الدول را از هم گسیخته اوراق حفظ ذوات ملل را پراکنده ساخته یعنی عهدنامها که دول معظمه بایکدیگر میکردند اعتبار وتکیه را سزاوار نیست . (۲) چون اعتماد برعهود وپیمانها باقی نماند . حفظ ذات در آینده بر قوت مادی موقوف باشد . (۳) این قوت از پیدامیشود . یعنی اکنون بجای اتحاد ملل اتحاد افراد ملت (٤) آن یورپ کهما مانوس بودیم باقی نمی ماند . هنگام اختتا یک یورپ جدید بوجود آید .

کاؤنت او کوما وزیر اعظم جاپان نیز درین نزدیکی زمان در خطابه فرموده که جاپان حصه فرض جنگی خود ادا کرد . وامیدوا که هنگام صلح در مجلس شورای دول اجازت ـ بخبرلیکه حق خواهد داشت . پس ازان گفت که در جنگ قرم (سنه ۱۸۵ حکومت جزیرهٔ ساردنیا باحکومت انگلیس وفرانسه متفق شده خلاف روس داخل شده بود ـ اما بهنگام صلح سو کیلان حکومت در مجلس شورای صلح قبول نکردند ـ (زیرا که ساردنیا قوت بنابرین وزیر اعظم جاپان ملت خویش را نصیحت میکند ومیگوید ملت مانند یک عالم متفق شده وهر گونه اسباب قوت را بهم ساخته در عالم ممیز وممتاز کند ــ

آن مسلمانان را که از آشنای داردانیل نادرهٔ خبر سکوت وازلعمت استقلال کم‌زیاده بهره ورانند بر اموزمند کرده باید کرد ـ که سابق وزیر اعظم انگلستان ووزیر اعظم جاپان هردو بقای امم قرار میدهند وتحصیل این قوت را بواسطهٔ اتحاد افرا میگویند ایشان در بدست آوردن اسباب حفظ ذات میباید . آیا را وقت رسیده که برای حفظ ذات خود شان قوتی پیدا خصوصاً هنگامیکه صورتهای ایشان از الزام مجلس ملی انگلیس وشک نیست که اکنون کیا عساکر انگلیس وروس بعد از جنگ در دمار از نهاد باقی مانده مستقل حکومتهای آسیای وسطی مشغول خواهند تا تلافی مافات ممالک ایشان شود ـ وتا زمانیکه این قبائل حدودیه و حا مستقلهٔ اسلامیه باهم متفق نشوند ـ ایشان از روز مصیبت کهقریب که دستگیر خواهد شد . وقتیکه یورپ خودش در معرض خطر آسیای بیچاره در کدام حساب باشد ! این تازهٔ جنگ عالم گیر میداند که کرة الارض را فرا گرفته . اگرچه اقوام آسیا اما این سیلاب بلا بایشان خواهد رسید ـ پس تدبیر چیست . باید که امم متفق شده بدامن خلافت کبری تشبث نمایند ـ این اسلامی قوت عظیمهٔ بوجود آرد که حمله بران چیزی سهل نتوان ودولت علیهٔ خلافت وکیل ایشان در یورپ باشد . همین است کلام پیغمبر که فرموده است ـ : یدالله علی الجماعة ـ من فی النار (دست مدد خدا معاون اتفاق است وهر کس که از جماعت شود بد جهنم ذلت وخواری وعبودیت وناچاری در افتد)

(صدای اسلام)

---

(۱) تعبیر کلمهٔ وحشی وتعلیم نیافته در اصطلاح زبان انگلیزی بران مردمی اطلاق میشود که حقوق دینیه وملیه وذاتیهٔ خود را محافظه کنند . و (بلاتشبیه) خود را بنده وانگلیزرا خدا نشناسند ! . . .

(ترجمهٔ اخبارهای انگلیزی وارده)

جنگ در بلقان — تقهقر عساکر انگلیس وفرانس

لندن ۱۱ — دسمبر — ۱۹۱۵ —

اعلان رسمی درباب لشکر شرق (در بلقان) که در پاریس شائع شده است — : وقتیکه ظاهر شد که لاحق شدن جناح ایمن عساکر سرویا ممکن نیست زیرا که عساکر سرویا در جنگلهای البانیه ومانتی نگرو — والارس (یونان) پراکنده شده است — این رای قراریافت که عساکر فرانسه را از پیشترین مقامات بر ساحل سرنا بجانب کریولاك عقب ببرند — تدریجاً لشکری بعد لشکری باقاعده وبدون زحمت باز پس آوردند — با وجودیکه روز چهارشنبه وپنجشنبه بلغارها سخت حملهها آورده بودند وعزمت پی تعاقبها میکردند. ما باتفاق انگلیس جاهای نو بر ساحل دریای بحیرا بدست آوردیم —

لندن — ۱۱ — دسمبر — ۱۹۱۵ — سالونیکا

روز پنجشنبه وجمعه مقابل عساکر اتحادیان (انگلیس وروس) سکوت واقع بود (یعنی هیچ جنگ نشد) عساکر ما باسلوب خوب پس می‌آیند — احوال سیاسی کلیةً اشتغال بال دارد .

خلاف عسکر فرانسوی فعالیت بلغارها روزافزون است — بلغارها عساکر را فراهم می‌آرند .

وعساکر اتحادیان قریب قاعدهٔ لشکری خویش خطوط عسکری جدیده قائم کرده اند

بلغارها چهار بار قوی تر از انگلیس وفرانسه

لندن — ۹ — دسمبر —

از مقدونیا خبر رسیده بلغارها بکمال شدت جنگیدند. بلغارها بچهار وقت حمله آوردند — یکی از شمال — و دیگر از غرب — ودو خلاف انگلیس الشرق — شهر کوچك طوریان که مرکز آن قنالاست بار اوهمه بسر انگلیسها افتاد — بك معبر که عظیمه در کوهها غرب استرومیزا ووالاندو بوقوع پیوست — آنجا بلغارها سعی کردند لشکر انگلیس را از لشکر فرانسه جدا نمایند — ایشان خط اول لشکر فرانسه را شکافته بخط دوم رسیدند . ظاهرا مقصود ایشان این بود که لشکر انگلیس را محصور کرده بحدود یونان داخل شوند —

لندن — ۱۲ — دسمبر —

نظارت حربیه بطور رسمی مظهر است که فرقهٔ دهم پس از حملهٔ شدیدهٔ دشمن باقبات کمك در پس آمدن موفق شد . وعدد دشمن از لشکر ما بسیار زیاده بود — اکنون لشکر ما جاهای استوار از غدیر طوریان را در غرب دریای واردار گرفته — باتفاق عساکر متحده آن فرقه خلاف دشمن زیاده درعدد خوب جنگید — از جوان مردی منستر کیو زیلرز ودبلن فیو زیلیرز و کنات رنجرز آن فرقه دهم نجات یافته باز پس آمد — ازجهت کوهستان هشت تا توپ میدانی را برای مدافعه بجای مانده بودند که هنگام رجعت زودی توپها را همراه آوردن ممکن نشد وبدون توپها پس آمدند نقصانات ما یك هزار وپنج صد بود (۱۵۰۰)

در جرائد انگلیس از هفتاد هزار اسیران اطریشی که در دست سرویا بود بحث میکنند — اکنون که عساکر سرویا در پا بانتهای البانیا وماتی نگرو وا پس پراکنده شدند — آن اسیران اطریشی کجا رفتند ؟ بعض گویند که همراه عساکر سرویا بالبانیا رفتند — اما آنجا برای عسکر انتظام خوراك وغیره نیست برای اسیران چه طور چیزهای خوردنی پیدا شود ، ظن غالب این است که همه اسیران اطریشی بدست فاتحان اطریشی افتادند — دیگر عجب این است که اطالیا وعدهٔ اعانت سرویا با آذوقه واسباب جنگ کرده بود — اما وفا نکرد !

مسئلهٔ جنگ دار دنیل

از تقریر اسکویت

کسانیکه گمان میکنند که حمله بر دار دانیل قرار داده شده بود بدون تفکر کردن وتصور نمودن جمله امکانات بحریه — سراسر خطا میکنند . برمسئلهٔ حمله کردن بردار دانیل میان امیرالبحر که برمحل جنگ حکمران بود و ارکان حرب بحریه در لندن بکمال دقت و غور مذاکرات کرده شده بود وبعدها رای قائم کرده شد — وپیش از آن که فیصلهٔ اخیره کرده بودند . این مسئله را بوزارت بحریهٔ فرانسه هم بیان آورده بودند — چنانچه حکومت فرانسه آن رای کلیةً قبول کرد — وراضی شد که بامادرین حمله بردار دانیل شریك شود . وهمچنین این رای را دیوك اعظم که دران وقت سپهسالار عساکر روسیه بود . بکمال جوش خیر مقدم گفت وو اینی اعتقاد داشت که حمله بردار دانیل لشکر کشی روس در قفقازیه را موجب اعانت خواهد شد . درمجلس شورای حربی این مسئله چهار بار زیر بحث آمد — وبا وجودیکه همهٔ تدابیر ومنصوبهای جنگ سراسر مخفی بود . لاکن قبل از اینکه یك گلوله بردار دانیل زدند . هیئت وزرا از همه آگاه شد . استحسان کرد . در آن احوال که ماخود را باتمام حملهٔ بحری تنها در خیال ماندیم — لارد کچنر گفت وما باو اتفاق کردیم — که ما هیچ توا جماعات معتد به لشکری را نیز آنجا نفرستیم . بنابرین فیصله کردیم که باسطول بحری تنها حمله آور شویم .

وزیر اعظم انجا همه ذمه داری حملهٔ دار دنیل را برخود محول . میکند وکسانی را که گمان کنند که این حمله از نفوذ اشخاص مجهول بوجود آمده بود بنهایت شدت ملامت میکنند . او اعتراف میکند که درین حمله خطرها بود . اما مطالب عالیه هم بود . یکی جلب کردن حکومت های بلقان بجانب اتحادیان بود . دوم کشادن راه بحراسود برای نقل گندم ودیگر غلهجات از روسیه که آنوقت برای انگلستان خیلی ضروری بود سوم حمله کردن برقلب سلطنت دولت علیه عثمانیه .

وزیر اعظم میگوید که حمله کردن بردار دنیل قراریافت ودر اواخر ماه فروری سنه ع ۱۹۱۵ بوقوع پیوست قلعه های بیرونی را خراب کردند — و تسخیر کردند — این حملهها تا یك ماه جاری بود — وبا قت الاسر هجدهم ماه مارچ سنه ع ۱۹۱۵ زبردسترین اینای دار دنیل حمله کردند این حملهها را پس انداخت وبسیاری از خوبترین سفائن حربیهٔ ما را کلیةً ضائع کرد — یا بیکار وشکسته گردانید پس ازین خسارهٔ عظیم . این رای قراریافت که اگر حملهٔ بحری باتفاق عساکر بریه بعمل آرند . ممکن است که مقاصد اصلیه حاصل شود . بنابرین سر هیملتن در ماه مارچ سنه ۱۹۱۵ از لندن روان شد تا به سالار عساکر حمله کنان بردار دنیل بشود . او حاضر بود هنگامیکه سفائن

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1512 of 1786

حریف‌ها بعد هم ماه مارچ بردار دانیل حمله کرده بود واو باتفاق امیر البحر ما که آنجا بود این اطلاع فرستاد که حملهٔ عساکر بحریه وبریه باهم لازم است ، واین رأی را ارکان حرب درلندن نیز قبول کردند .

وزیر اعظم باآن حوادث که از ماه مارچ تاماه اگست سنه ۱۹۱۵ ع در جزیره نمای گیلیبولی بوقوع پیوست ، هیچ اشارت نکرد ، امامیگوید که در اوائل ماه اگست گذشته حکومت انگلیس یك قوهٔ عظیم از عساکر بحریه وبریه در جوار داردنیل فراهم اورده بود ، و بعد از حمله های هولناك باتوپهای بزرك وفوق العاده از کشتیهای جسیمهٔ جدیده بلشکر ترك نمودند ، که تفاصیل ان بکرات از جراید خوانندگان معلوم است . در انتهای کلام رمسئلهٔ جنك دار دانیل نمیخواهد که ملامت باشخاص یاپسمانان مخصوصه عائد کند ومیگوید که — : این رای خودم است که در اثنای این جنك باوجود بلندیها وپستیها (مظفریتها وهزیمتها) چنین جانسوز ناامیدی هیچگاه احساس نکردم چنانکه از عدم موفقیت ما در دار دنیل ! امکانات وعلامات فتح وفیروزی چنانکه مادیده بودیم وکسانیکه درمیدان جنك بودند دیده بودند ، نه‌تنها بسیار وبزرك بود بلکه دنیا کوهم متراحم بود . ونتائج مظفریت ما مظفریت نصیب روزگار ما شدی — کو باخارج از حیطهٔ شمار وبیان بودی ، مظفریت مادر دار دنیل مسئلهٔ بلقان را حل نموده بودی . وامکان میلان بلغار بجانب دشمنان ما را — (چنانکه اکنون از شوره بختی ما واقعهٔ حقیق شده است) ـ ازقوت بفعل آمدن مانع شدی — ودار الخلافهٔ عثمانیه را بمعرض خطر ، بموقع تسخیرآوردی — ودرهمه عالم شرق قوت وجبروت وعظمت وشوکت دول متحدهٔ (انگلیس وفرانس وروس) را اظهرمن الشمس فی نصف النهار کرده بودی ! ! . .

خلاصهٔ آخر ترین خبرها

عساکر انگلیز وفرانس بهاجمات شدیدهٔ عساکر مظفرهٔ ترکیه در داردانیل تاب آور مقاومت نشده منهزماً ومقهوراً بترك محاربه مجبور شدند ، درداردانیل دروقت حاضر جنك نیست لشکرهای دشمن اسلام کلیاً ازداردانیل بیك سمت مجهول بحریهای فرار کردیدند . — درعراق عرب انگلیزها شکست های پی هم خورده‌اند وتلفات عظیمی داده اند ، عربها یك خدعهٔ حربیهٔ عجیبی بکاربرده انگلیزها را تاجاهای بسیار دور ازساحل کشیدند وچون دانستند که حالا در موقعی رسیدند همان وقت ازعقب وبین ویسار لشکر انگلیز را احاطه کرده عسکر مظفر عثمانی برانها حمله کردند ودمار ازنهادشان براورده قریب است که بقیة السیف شانرا درحدود بصره بدریا بریزانند . — درنواحی عدن محاربات اسلام باانگلیز شروع شده است . — حمله‌های متواتر سنوسیها ازجهت غرب وسودانیها ازجهت شرق برمصر جاری میباشد . — ازصربها تاموقتیکه باقی مانده بقیة السیف که در البانیه ومانتیکرو پناه گزین شده اند تعقیب میشوند . — عسکر متحدهٔ انگلیز وفرانس درسالونیکا محصور ودرزیر تهدید میباشد . — ازقرار خبرهای که باخر ترین ذاك ازطرف ایران رسیده بندر کاه (کیلی) ازطرف جرمنها بشدت بومبارد مان میشود . — در ایران آتش جنك وجدال مشتعل است . روس ، جرمن ، عثمان درمملکت ایران زدو خورد دارند . حکومت یك مسلك مستقیمی ندارد .

اعلان

سراج التواریخ

جلد اول — ودوم

زندگانی ـ ووقائع هرقوم وملت (تاریخ آنست . (سراج التو
آئینهٔ حیات تمامی ملت جلیل افغانست . زیرا از آغاز تشکیل و
یافتن دولت افغانیه حالیه تحت میراند که وقایع حال واستقلال ملت
درسگاه عبرت . وخودش ازین اتباه ملت تصور نمیشود ، هرفرد
ملت را واجب است که یك نسخهٔ ازآنرا بدست آرند وماننده
در کتابخانهٔ قلوب خودشان نگهدارند . علی الخصوص که کتاب
بهیئت خاصانه وخیر خواهانهٔ استفادهٔ عمومی بامر وفرمان ذات
صفات پادشاه مقدس ما اعلیحضرت « سراج الملة والدین » تألیف
ودر مطبعهٔ حروفی دار السلطنه کابل زیور طبع آرایش وتزئین یافته
جلد اول این کتاب از ابتدای سلطنت خاندان ذیشان (دو
یعنی ازآغاز تأسیس واستقلال دولت علیهٔ افغانستان تاورود اعلیحضرت
امیر کبیر امیر دوست محمد خان مرحوم جنت مکان ازهندوستان بکابل
وجلد دوم آن ازحکومت خاندان جلیل الشان (محمد زائی) یعنی از
حکومت اعلیحضرت امیر کبیر دوست محمد خان تا به اول جلوس اعلیحضرت
ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان ، طاب ثراه وقایع تاریخیه را حاوی
بر کاغذ اعلا بحروف زیب بطبع رسیده است . قیمت کتاب مذکور
برتبه وخوبی تجلید آن از قرار ذیل است

نمبر (۱) پشتی چرمی جرم اصواری دانه‌دار کابل بخت چهار
جدول طلا بر کار نشان دولت و اسم کتاب از ورق طلای اصل
بندی شده مبلغ شانزده روپیه پخته کابل —

نمبر (۲) پشتی مقوا روبه کرمباسی چهار کنج وزر چرم قرمدانه
واسم کتاب ونشان دولت ورق طلاء جته سیزده روپیه پخته کا

نمبر (۳) پشتی مقوا روبه کرپه لاجوردی چهار کنج وز
میشی سرخه کابل بخت حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلا
جزء بندی شده یازده روپیه پخته کابل وده شاهی —

نمبر (٤) پشتی مقوا روبه اری چهار کنج وزرچرم میشی
کابل بخت حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلاء جته کولنبندی
ده روپیه پخته کابل وسه شاهی —

نمبر(۵) پشتی مقوا روبه اری سرخ چهار کنج وزر کرشیده اسم
ونشان دولت ورق طلاء جته کولنبندی شده نه روپیه پخته کابل ویازده

محل فروخت

در نفس ارك مبارك که از تحویل خانه جناب محمد ولیخان سرمنشی
دربازار ارك از دکان عبدالله خان —

چون کتاب مستطاب سراج التواریخ چهار جلد میباشد اگر
وقایع و شیراز میشد هر کتاب موصوف کلان میشد لهذا اعلیحضرت
والامر نمودند که جلداول ودوم در یك وقایه شیراز مشود وجلد سوم
آن که هنوز درزیر طبع میباشد وپس ازانکه ازطبع برآمده مقوا
شد انشاء الله اعلان فروش آن نشر کرده خواهد شد فقط

در چاپخانهٔ حروفی دار السلطنه کابل طبع گردید
هر مقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر ومسر محرر تحریر
محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1513 of 1786

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا
یاد آوری میکنیم

هرقدرسعی و کوشش کردیم که ازشکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خودرها نیابیم ممکن نشدلهذا بادا کتخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یك مقاوله نموده دا کتخانه مشارالیه تقسیم وتوزیع اخبارمارا که بهمه مشترکین کراما رساند درعهدهٔ همت خود قبول نمود . مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را تبشیر یاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای دا کتخانه خود شان میرسد .

شرایط خریداری

دارالسلطنه		ولایات داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان
هرجائیکه باشد اجرت پوست

قیمت سالیانه	ده روپیه انگلیزی	قیمت ششماهه	شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراك قبول نمیشود

یك طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است . از همین قرار حساب کنند

یاد آوری

برهمهٔ کار داران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود: اگر از یك جا بدیگر جا بروند وبیایند میباید که یك رقعه مدیر وسرمحرر را خبر بدهند که من درفلان جا بودم وحال درفلان جا میروم اخبار مرا درانجا بفرستید . هرگاه همچنین یك رقعهٔ شان برای ما نیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند .

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی . وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند . ویا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا به پنج بار نشر وشایع شود بسرهر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا به پنج بار فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر ازپنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریك ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تایك سال نشر کردن خواهند ووجه یك ساله را پیشکی ادا نمایند درورق پیشی بسر سطری شنار اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1514 of 1786

(اعلان)

پراکنده

از آثار مطبوعهٔ تازهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت ، وعبارت از یک مجموعهٔ اشعار ابدار مجدد آثاری میباشد که بکاغذ اعلا ، وخوبی طبع دلربا ، باتصویر بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است . اگرچه از بحث خط وخال بعید است ولی مضامین وخیالاتش سراسر بیکطرز جدید است . نسبت بخوبیهای ظاهری ومعنویش قیمتش خیلی ارزان . یعنی بمقابل (۲) دو روپیهٔ کابلی درخود مطبعهٔ عنایت از نزد عبد الرؤف خان سرمرتب . ودر بازار ارک از دکان باز محمد . ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب هرکس خریده میتواند .

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوشکاران مطالعه آثار ادبیه را مژده ! ازین نو بسر رسیدهٔ گلزار ، مطبعهٔ عنایت ، گلهای تازه شگفتن نمائید ! جزیرهٔ پنهان ، یک ناولیست که قوت عمل ومعرفت دینی وغیرت را برای اساس زندگانی نوع بشر نظرگاه وجلوه گرمیسازد . هم حکایت ، هم عبرت عمران ، هم فضیلت ! خوبی چاپ ، خوبی کاغذ ، خوبی تصویرش علاوه ، قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان ! تنها (٦) شش روپیه محل فروخت نفس مطبعهٔ عنایت در ده افغانان ، دکان باز محمد در بازار ارک ، دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی .

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد

کتاب سال دوم « « « مصور مجلد

کتاب سال سوم « « « مصور مجلد

کتاب سال چهارم مصور مجلد

علم و اسلامیت

آیا چه باید کرد ؟

ادب درفن

توحید

مختصر جغرافیای عمومی

این کتابهای فوق در اداره موجود است ، هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد به اداره مراجعت کند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

قیمت روپیه کابلی	
سیاحت دورادور زمین بهشتاد روز مجلد	۲
سیاحت درجو هوا مجلد	۲
سیاحت درزیر بحر مصور مجلد	٤
از هردهن سخنی واز هرچمن سمنی مجلد	۲
روضهٔ حکم مجلد	۲
پراکنده مصور مجلد	۲
جزیرهٔ پنهان مصور مجلد	٦

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوق را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان از نزد عبدالرؤف خان سرمرتب واز دکان باز محمد خان کتابفروش در بازار ارک واز دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی بقیمتهای معینش خریداری کرده میتوانند .

واگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوق را بکنند باید به سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند .

اعلان

کتابهای مجلد سراج الاخبار افغانیه ، وکتابچههای علاوگان وشماره های متفرقهٔ آن ، وهمه کتابهای مطبعهٔ عنایت را خریداران که آرزوی خریداری آنها داشته باشند از دکان حاجی ملا غلام محمد خان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی ، واز دکان باز محمد خان تاجر کتب در بازار ارک بقیمتهای معین آن خریداری کرده میتوانند ونیز در خود اداره درماشینخانهٔ مبارکه ، ودر خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان هم بفروش میرسد فقط

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

شمارهٔ ۱۱ سال پنجم

فهرست مندرجات

حوادث داخلیه	تشریف آوری مرشد روحانی حضرت صاحب مجددی ـ مراسم در بار معالی بار ـ یک نظر تحسین از هرات ـ
حوادث خارجیه	مکتوب از پاریس ـ اختلالات هندوستان ـ مکتوب از ماوراءالنهر ـ افتتاح مجلس مبعوثان عثمانی ـ نطق انور پاشا وزیر جنگ ـ حکایهای محاربه ـ پریشانی واضطراب روسیه ـ مسرت از حملات زیپلن ها ـ خبرهای متنوعه راجع بجنگ ـ نظام اجباری در انگلستان ـ واقعهٔ مهم در ژاپونیا ـ جنگ افغانها با انگلیس ـ در عثمانی ـ قشون آلمان در اسلامبول ـ غرق کشتی انگلیس ـ حریق در انگلستان ـ خبرهای ایران ـ گارد مستحفظ ـ مصادمه در همدان ـ سفارت ایران در برلین ـ انتشار یک خبر مدهش ـ تهیه مجاهد در وارجان ـ بموضع آوری اعانه ـ در سفارت روس ـ انگلیس ها شکریه میکنند ـ مسئله ایران در مجلس عوام انگلیس ـ علامات جدید در ایران ـ خیال پادشاه رومانیا ـ بیانات یک مسلم فرانسوی ـ پل انور پاشا ـ مکالمه در مابین امپراطور آلمان وانور پاشا ـ فعالیت تحت البحری های آلمان ـ اطلاع یکی از ضباط اردوی چهارم عثمانی ـ مصارف انگلیس درین جنگ عالمگیر ـ
الحاق	سراج التواریخ
تصاویر	از مناظر دارالسلطنهٔ کابل ـ قصر سعادت حصر دلگشا قصر عالی باغ شهرآرا ـ از افسران نظامی دولت علیه ایران سلطان فضل‌الله خان ـ راجه کوچ بهار ودختر مهاراجه ـ

اعلان

ازمنابع جودهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین بادشاه دولتخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب
کار خانه جات ، ماشین خانهٔ مبارک که دارالسلطنه کابل علاوه رفع حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه و اوبیورد
عساکر شاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخلی که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساختهشده است که ازحضور اعلیحضرت
حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ذیل (دکان عبدالله خان دربازار ارک) میباشد.

(۱)	سر رشتههای پشمینه بافی برنگهای مختلف که قیمت آن ازقرار گرانکاری ۳ فوت مشخص شده ، درصندوقخانهٔ جنسی هم نفر وقیمی											
اقسام	قسم اول					قسم دوم						
درجهها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم وقتیکه قیمت آن ۱۰ چیه زیاد		
رقم	تا حال ساخته نشده	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خو	
قیمت		۷ روپیه ۰ پیسه	۶ روپیه ۱۱ پیسه	۶ روپیه ۱۲ پیسه	۵ روپیه ۱۸ پیسه	۶ روپیه	۵ روپیه ۱۸ پیسه	۵ روپیه	۵ روپیه ۱۰ پیسه	۶ روپیه ۱۵ پیسه	۲۵	

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکاری کشمیره چهارخانه ۷ روپیه ۳۵ پیسه | کشمیره زرهدار هم درقم ۷ روپیه بیست

(۲)	جراب			﴿۳﴾ تکههای چرمی محراب ومنبردار		
رقم	تکبافک زوج	راهدار زوج	معمول زوج	کلان قدرجن	میانه قدرجن	خورد قدرجن
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه	۱ روپیه ۵۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۹۵ پیسه

(۴)	کرورههای جدیدساخت			
رقم	زه بافی یک اسپه دو کره مدوار	زه بافی یک اسپه دو کره سه تاره	چرم بافی یک اسپه	یک اسپهٔ چار تارهٔ عمر
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲۴ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۶ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم بافی دستهٔ اهلی دولابه	چرم بافی دستهٔ دولاهٔ یک اسپه	دستهٔ دولاهٔ یکی چار اسپه	چرم بافی عسکری
قیمت	۴ روپیه و ۶۸ پیسه	۴ روپیه و ۹۶ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۴۳ پیسه
رقم	قمچه رنگی کیت مره وتوغه	قمچه کیت قره دار چرم دولابه توغه دار	زه بافی رقم سواری سانی کیت	زه بافی دو تارهٔ زنان
قیمت	۳ روپیه و ۵۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۷ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵۴ پیسه
رقم	زنگی ازغ	چرم بافی میانه چوب بیت زنانه	ازرن سواری نیخ چرمی	زنانه ابریشمی جاله
قیمت	۴ روپیه و ۵۵ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دستههای نیخ چرمی	دستهٔ دولاهٔ ساعی رنگی کیت قره	ازرن سواری دولابه نیخ چرمی کیک دار	چرم بافی مایل بیت ک
قیمت	۴ روپیه و ۴۹ پیسه	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پ

﴿۵﴾	اقسام گلهای مصنوعی سر			
قیمت	گل جرین	گل نافرمان	گل ریبه	گل شبو
قسم	۵ روپیه و ۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۹ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قیمت	شگوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل نسترن	جنبیل
قسم	۷ روپیه و ۴۵ پیسه	۶ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
	شگوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

(المشتهر) (میر محمد هاشم دفتری کار خانهجات (کمیدان نظامی)

صحیفه (۱) سال پنجم شمارهٔ (۱۱)

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
[illegible] ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
[illegible] ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
[illegible] در کابل یکعباسی است
([illegible] درج نشود اعاده نمیشود)

مدیر ومسئول تحریرات
محمود طرزی
اداره نگارخانه ومطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنه (کابل)
همه امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ قمری غرهٔ ربیع الثانی ۱۳۳٤ تاریخ انگریزی ٥ فروری عیسوی ۱۹۱٦ تاریخ شمسی ۱٥ دلو ۱۲۹٤

حوادث داخلیه

تشریف آوری مرشد روحانی حضرت صاحب مجددی

سعادتیکه همی جستم از خزانهٔ غیب
کنون رسید که آن مرشد زمان رسید

بیکی از مراحم ازلی وتفضلات صمدی تشریف آوری جناب ولایت مآب قدسیت القاب مرشد زمان وهادی دوران صاحب کرامات عدیده [illegible] کثیره جناب حضرت صاحب چهارباغ باصفای جلال آباد جناب [illegible] تشریف فرما شده اند وازقدوم شرافت لزوم شان عامهٔ افراد مریدین ومخلصین شان ارشاد و کذا منتظر نزول برکات ووصول سعادات بوده اند.

حضرت صاحب ممدوح اطال الله بقائهم و ادام ظلهم علی مفارق المخلصین [illegible] ازاولاد امجاد حضرات مجددیه واز اولاد حضرت امام ربانی وقطب [illegible] حضرت (شیخ احمد سرهندی) مجدد الف ثانی قدس الله تعالی [illegible] بوده یک پیشوای بزرگ طریقهٔ علیهٔ نقشبندیه - مجددیه می باشند [illegible] افادات ونشهٔ افادات وانوار ارشادات ذات کرامت سمات شان [illegible] افراد ملت افغان وهندوستان حتی عربستان کافه و بسی مریدین و مخلصین در اقطار زمین بسعادت ارشادات شریفهٔ شان از حضیض جهالت [illegible] سعادت و عرفان رسیده اند که عدد اینچنین اشخاص از هزار ها [illegible] ودر جمیع ممالک اسلامیه مریدین ومخلصین شان موجود است -

حضرت صاحب ممدوح مرشد سالکان طریقهٔ علیهٔ نقشبندیهٔ افغانستان [illegible] مسکن شان چهارباغ باصفای جلال آباد وا کثریهٔ عمر عزیز شان [illegible] حرمین شریفین گذشته وداخل حرم بیت الله الحرام حجرهٔ که از وقفات [illegible] منسوب است بطریق ملکیت دارند که سالهای سال دران بود [illegible] نموده اند وحجها وزیارات روضهٔ مقدسهٔ نبویه که حضرت صاحب [illegible] است وجهها وار بعبادات [illegible] در حرم بیت الله الحرام [illegible] حرم مدینهٔ منوره کشیده وبسر برده اند -

امسال سال یازدهم است که دار السلطنهٔ کابل بشرف قدوم شان مشرف نشده بود ودر وقتیکه در جلال آباد مقیم می بودند مریدین ومخلصین افغان از بلاد افغان بحضور لامع النور شان رفته کسب ارشاد می نمودند درین سال هاچون قال بعد از عرایض متعددهٔ اهل کابل واشتیاق دیدار عامهٔ افراد دار السلطنهٔ کابل که زیارت شان داشتند مرحمت خود را مبذول حال بیچارگان نموده نزول اقبال و پرتو اجلال بدار السلطنهٔ کابل فرموده بسواری موتر خاص حضرت عالی متعالی شهزادهٔ دیندار سعادت آثار حضرت معین السلطنه صاحب افخم که اعتقاد راسخ وارادت کامل در حق حضرت صاحب ممدوح دارند بتاریخ یومیکشنبه ۱۷ شهر ربیع الاول بعد از یک بجهٔ روز رونق افزای شهر شهیر کابل گردیده در مسجد ملا محمود که در شور بازار کابل وقوع دارد در حجرهٔ شریفهٔ که از قدیم الایام سجده گاه ومحل اقامت حضرت صاحب بوده است اقامت گزین گردیده و دلهای سالکان راه دین ومستفیضان عرفان آیین را پشور باز - آورده است

سراج الاخبار افغانیه این قدوم میمنت لزوم - عامهٔ سکنهٔ شهر کابل وممالک محروسهٔ افغانستان را مژده رسانی میکند وقدوم این مرشد زمان وعارف دوران را از مراحم الهی دانسته اعلیحضرت شهریار زمان و پادشاه دین پناه افغانستان را تبریک می گوید زیرا اعلیحضرت شهریار دین دار مانیز از معتقدان خاص ومخلصان باختصاص حضرت صاحب بوده وجناب حضرت صاحب از دعاییان خاص اعلیحضرت متبوع مقدس وملت نجیب افغان ویک واسطهٔ عظیمه نزول برکات آسمان می باشند .

وجود باجود حضرت صاحب ممدوح برای افغانستان از اجل نعمای الهی است زیرا دعای خالی از ریای مستجاب شان همواره در حق اعلیحضرت پادشاه واولاد پادشاه ومملکت وسلطنت افغانیه در امکنهٔ مقدسهٔ حرمین شریفین زادهما الله تعالی شرفا وتعظیما ودر مزارات انبیا واولیا جاری وساری است تا اینکه از حجاج معتبر دیانت اثر افغان شنیده میشود که چون ادعیهٔ وافرهٔ حضرت صاحب ممدوح را عربان بیت الله الحرام در حق پادشاه وملت افغان میشنوند چنین می گویند (هذا الشیخ موکل من الله

محفظ الافغان) یعنی این ذات ستوده صفات از حضرت الله تعالی موکل است که بدعای او افغانستان از بلایا محفوظ باشد ـ بناءً علیهذا وجود باجود اینچنین ذات کرامت سمات را از غنایم باید شمرده ودوام وجود باجود ایشانرا از حضرت الله تعالی مسئلت باید کرد .

حضرت صاحب ممدوح علاوه بر سفر های متعدده حرمین شریفین اکثر ممالک اسلامیه را سیاحت فرموده‌اند وعلاوه بر عربستان ممالک مصر وشام را نیز بطور کامل گردش نموده وزیارات شریفه ومواضع متبرکهٔ شام شریف را یکان یکان فرموده ودر بیت المقدس مراقبه‌ها نموده واز هانجا احرام بیت الله الحرام را بسته‌اند (اینچنین متقیان در عبادت ایزد سبحان مخصوص ذات بابرکات ایشان است)

کرامات و خوارق عادات جناب ممدوح که در بر وبحر و مواضع متفرقه واماکن متعدده از سن طفولیت الی الآن از حضرت ایشان رخ نموده است دوزبان خواص و عوام داستان است هر شخصیکه بحضور شان مشرف گردد وبشرف خطاب ومکالمهٔ شان برسد از خطرات قلبیهٔ او یکان یکان آگاهی واخبار داده میتوانند ودر اسرار عبادات ومعاملات وآیات واحادیث مضامین عجیبه که بجز عرفای کاملین را حاصل نمیشود مکالمات ومقالات عجیبه دارند ـ حالات ذات بابرکات وسوانح شریفهٔ عمر عزیز شان در کتاب علیحده مندرج نمودن حوالهٔ همت مخلصین کرام شان است تفاصیل آن در سراج الاخبار افغانیه امکان تحریر وتسطیر را ندارد

از تقدیرات الهی درین سال دو واقعهٔ جانکاه ودو حادثهٔ المهراه بذات شریف حضرت صاحب رسیده اول اینکه مخدوم بزرگ وپسر بزرگ حضرت صاحب که ولی معارف استاد ومأذون بالارشاد بودند از دار فنا بدار بقا رحلت فرمودند و دلهای مخلصان وعامهٔ مریدان ومستفیضان این درگاه ولایت پناه را خراشیده ودر بلاد افغانستان وهندوستان حتی عربستان فاتحه خوانی وادای ادعیه وختمات وصدقات از طرف مخلصین برای تعزیهٔ این بزرگ بزرگزاده اجرا شد . سراج الاخبار افغانیه در نمبر (٦) همین سال پنجم خود تعزیه وفات مخدوم ـ مرحوم مغفور را بسمع قارئین کرام رسانیده بود

دوم اینکه دو سه ماه بعد از وفات مخدوم زادهٔ ممدوح حضرت بی بی معظمه اعنی والدهٔ مقدسهٔ مخدوم زاده مرحوم ممدوح نیز رخت اقامت بدیر زده جهان فانی را بدرود کردند انا لله وانا الیه راجعون بی بی صاحبهٔ مغفوره مکرمه یک ولیهٔ از اولیاء الله بودند که اوقات عمر عزیز شان بصیام وقیام در گذشته وبرای طایفهٔ زنان وطن عزیز افغانیان مرشدهٔ کاملهٔ بوده‌اند فراق وفوت این بی بی مکرمه حزن والم وغم عامهٔ مخلصین ومریدین را دوبالا کرده حضرت الله تعالی وتقدس بحرمت حضرت نبی مقدس علیه الصلوة والسلام این دو ذات ولایت سمات که یکی اصل ودیگری فرع ولایت ودر وصدق عرفان بوده‌اند در روضات الجنات جاداده ودرجات حضرت صاحب موجود مقدس مارا در دنیا وعقبی رفیع ومنیع گردانیده اجر جزیل بنصیب ذات کرامت سمات شان بدارد وباقی اولاد واحفاد وعامهٔ عالم عرفان پناه شانرا از بلیات وآفات محفوظ بدارد اللهم آمین

عرایض متعددهٔ از جانب مخلصین هندی بحضور حضرت صاحب رسیده والتجای اجازهٔ حضور شانرا بجلال آباد برای ادای رسم تعزیهٔ مغفورین کرام طلب نموده اند حضرت صاحب آنها وعده فرموده اند که ذات شریف شان در سرهند تشریف برده در مزار فیض آثار حضرت امام ربانی مجدد الف ثانی تشریف فرما شده در انجا رسم تعزیت وفاتحه خوانی از جانب عموم مخلصین مسلمانان هندی بجا آورده خواهند شد در عین همین انتظار مردم هند بتشریف بردن حضرت صاحب دعاها وخواهشات مخلصین افغانی وقوع یافته این است که جناب مستطاب حضرت صاحب بقدوم سعادت لزوم خویش کابل را اشرف بخشیدند

الحمد همان نقش که خاطر میخواست   آمد آخر ز پس پردهٔ تقدیر پدید

الله تعالی و تقدس وجود عرفان آمود ذیجود مسعود شانرا بحرمت حضرت احمد محمود علیه صلوات الرب المعبود از آفات وبلیات ارضی وسماوی در حفظ وحراست حضرت خویش داشته بادشاه دیانت آگ واولاد اورا باوطن عزیز وافراد وطن دیانت مسکن افغان از برکا انفاس شریفهٔ شان در رسال محظوظ داشته ادعیهٔ مستجابهٔ شانرا در ده اماقبال ونصرت اعلیحضرت متبوع مقدس اعظم افخم والای هد آئین سراج الملة والدین ادام الله ظله علی العالمین سالیان دراز در حر داشته باشد اللهم آمین یارب العلمین

﴿ مراسم دربار معالی بار ﴾

یک روز قبل جمیع ارباب مناصب ملکی وعسکری وخوانین د بموجب رقعه‌ها وتکتهای جبری از طرف ایشک آقاسیان ملکی وعس وسارجن میجر برای حاضر شدن بدربار بساعت ۱۰ روز شنبه حال دعوت واخبار گردیده بودند . از صبح روز مذکور همهٔ مدعوین که بلباسهای رسمی زمستانی خودشان ملبس بودند بکمال ومسرت دیده میشدند که یکان یکان بسمت نقطهٔ مقصوده عازم گشته اند . تا به ساعت ۱۰ قسم اعظم اهل دربار در خارج و اطراف سلامخانه جمع آمده پس از توقف یکچند دقیقه چارقاعده د های سلامخانه گشاده گردیده همهٔ اهالیرا بدخول سالان واخذ مقا داده شد . حضرات علمای عظام وارباب مناصب ملکی وخوا احترام حسب عادت بصنف ملکی . بالمقابل آنها منصبداران وافسران عسکری درصنف الماسی سالان بزرگ وجسیم سلامخ چوکیهای مرتبه ومنتظم خودشان برجاهای مناسب علی ترتیب مراتب نشستند . تا به ساعت ۱۱ ونیم در نظم و بارای دربار از طرف آقاسی ملکی حضور همایون وغیره نظری زدوست شان کوشش شد . وچون دربار فرحت بار وضعیت وزینت خصوصی خودرا نمود ذات عالی نائب السلطنه صاحب افخم وحضرات شهزادگان مکرم داخل سلامخانه گردیده عموم حاضرین به ادای سلام ، وا آداب تعظیم واحترامشان برخاستند وبعد از آنکه اجازهٔ نشستن ذات عالی برایشان دادهشد مکرر بمواقع مقرر خودها قرار گر پس از لحظهٔ همهٔ سلام خانه را ازیک سرتا بدیگر سر یک سکوت هیبت نمای عظمت اتحادی استیلا نموده ، هرفرد بکمال سکوت و که بسبب شدت هیجان حسیات قلب وجریان وتلاطم امواج شو

هوای ظاهرش حکمفرما گردیده بود با تمام ذوق وقت تشریف سعادت ردیف ذات شوکتسمات اعلیحضرت پادشاه معظم محبوب القلوب مقدس خود را آرزو و انتظار داشت . چنانچه متصل این احوال که به ساعت ۱۲ ایوان سلامخانه آواز دلنواز موزیک عسکری که لازهٔ موزون بهجت مشحون سلامی بزرگ پادشاهی را نواخت ورود مسعود مسرت آمود شاهانه را بهمه کس اعلان واشعار نمود . ذات علویت درجات اعلیحضرت پادشاه دل آگاه معظم ما از دروازهٔ غربی باهمهٔ شوکت واحتشام ملوکانه داخل سلامخانه گردیده . عموم حضار برای تکمیل آداب تحیت وسلام ، وتقدیم مراسم عبودیت واحترام ستار بولی ، ولار ، که از طرف جناب جلالتمآب سردار عالی نایب السلطنه صاحب رحمه کلان القا والابلاغ گردید ایستاده بعد از آنکه همگنان را بر وسلام وشرف احوال پرسی ومواظف خسروانه نایل وسزاوار گردانیدند تخت عالی تخت سلطنت بهیه افغانیه را بکمال عظمت وشکوه بوجود ذیجود مراحم نمود سعادت آموز شاهانهٔ خود زیب وافتخار فوق العادهٔ بخشیده جمیع اهالی دربار را بنشستن امر واجازه فرمودند . درین اثنا اشتافری عسکری سراوس در تالار حضور همایونی نیز برحسب قاعده بهر دو طرف سلامخانه ازیکدیگر ابتکر برصف بستهٔ شوکت گردیدند . وچون وقت طعام نیز قریب آمده بود اولاً در قدری پیشخدمتهای حضور بتهیهٔ آوردن طعام آغاز یافته وهنوز نوبت بصف دادن میزهای طعام خوری نرسیده وبلکه پیاده بالهای دستپاك تقسیم وتوزیع گردیده بود که ناگاه ذات مراحم آیات اعلیحضرت همایون والا عموم را خطاب فرموده گفتند که میخواهم که پیش از آنکه طعام بیاید بشما یك چند سخنی بگویم وهم چون خدمتی که کسانیکه درسمت اخیر سلامخانه باشند بسبب دوری الفاظ مرا بآسانی وسهولت شنیده نخواهند توانست از اوروهٔ تمکن از جاهای خود رعات بپیش ونزدیك بیائید ! شاه این امر اولی الامر اعظم خود دعا گو اهالی دربار از شهزادگان عظام وعلمای کرام وسایر اهل مناصب ملکی وعسکری وخوانین ذی الاحترام بکمال شوق وشطارت از چوکیهای خودشان برخاسته ودر مواجههٔ حضور همایون صورت یکنفوس را باطراف شاهانه ترسیم وتشکیل نمودند ذات ملکوتی صفات پادشاه اسلام پناه حقایق آگاه دقایق نگاه دولت آشنا کشتاه عدالت آئین اعلیحضرت سراج الملت والدین امیر حبیب‌الله خان ادام‌الله دولته الی آخر الدوران بموقع عالی سلامخانه یادگاران تخت عالی تخت سلطنت بکمال عظمت وحشمت قصر و موضوع است بایستاده در حالیکه همهٔ حضار بر چهرهٔ ملاحت بار فرخندهٔ آثار شاهانهٔ شان که از آن انوار ضیا نثار سعادت وشرافت . ورعیت داری ورحم وشفقت . ولطف ومرحمت باهمه معانی واطوار آن منجلی ومترشح بود چشم انتظار وانظار باوقار دوخته بودند چنین بکلام حکمت پیام ، ناطق حقیقت الحاد آغاز وابتدا فرمودند :

مراد ما از دربار امروزه دو چیز بود ، یکی آنکه مدتی بود که شمارا ندیده بودم الحمد که الحمدلله همهٔ شمارا بکمال صحت ملاقات کردم [از طرف عموم دعای سلامتی وجود پادشاه اسلام] و دیگر درضمن این ملاقات میخواستم که بعضی سخنهارا بشما بگویم وشمارا با آن بفهمانم ، از جنگ عظیم یورپ که امروزه روز درروی عالم موجود وجاری است همه کس از آن باخبر است که از مدت یك سال وچهار ماه به اینطرف بکمال شدت درمابین دولتهای معظمهٔ دنیا دوام دارد . ولی مانند من شمارا از نتایج روزمرهٔ آن بخوبی و درستی وقوف و اطلاعی حاصل نیست واقف که من از احوالهای آن خبر دارم شما خیلی کم میدانید زیرا برای من ذرایع خبررسانی بسیاری موجود وبرای شما نسبةً مفقود است [صداهای تصدیق] هرچند که هر کس بقدر احوال خود از بعضی نتایج آن که تا کنون بعرض شهود آمده اند کم وبیش واقف است ولی از نتیجهٔ قطعیهٔ آن هیچکس خبر ندارد . نه بمن ونه بدیگر کسی از آن علمی است بلکه کسانیکه خود را از زعماء این حرب میدانند نیز از فهم ودرك نتیجهٔ قطعیهٔ آخرین آن عاجز ولاعلمند . مگر چیزی که ظاهر است همین است که آفاق عالم همه دریك تیرگی کثیفی مستور ومخفی میباشد . سه دولت مستقل کوچکی مانند بلجیم ، وصربیه ومانتی نگرو سراسر از صحیفهٔ وجود وهستی محو ومنقرض گشتند وهیچ اثری از آنها باقی نماند . واین یك هم کم وبیش برهر کس معلوم وآشکار است که درینوقت همهٔ ممالك روی زمین درچه حالی هستند ؟ در فرانس چه حالست ؟ ودر روس چه احوال است ؟ در استریا وجرمن صورت واقعات چسانست ؟ همچنان در ایران وغیره ممالك چه حال است ؟ امروزه روز مملکت ایران بنابر اختلاف کهدرین دولت وملت آن روی نموده رزمگاه روسها وانگلیزها وجرمنها گشته است که حقیقتاً خیلی شایان عبرت وتأسف بلکه حالیست [از طرف عموم صداهای تصدیق واظهار افسوس] واینهمه فلاکت باعث اختلاف وتفرقهٔ دولت وملت درایران پیش آمده ، ملت ایران جدا وپادشاه ودولتشان جدا برضد همدیگر حرکت می کنند مدعای ما درینجا ازین نیست که بگوئیم کدر وقت حاضر پادشاه و دولت ایران بکدام طرف میل دارد ، ورعیت وملت آن کدام طرف را تائید می کنند ، بلکه اصل مراد ومقصد ما اینست که شمارا از اختلاف وتناقضی که درمابین دولت وملت ایران روی داده واقف ومطلع گردانم دولت وملت میباید که بچنان یك اتفاق واتحادی بیك دیگر مربوط باشند که جدائی شان از همدیگر غیرمتصور وعدیم الامکان باشد ، وهر دو متفقاً دراتفاذ مقاصد واغراض خود توأم باهمدیگر بکوشند وبالاتفاق دین خود ودولت خود را ترقی بخشند [صداهای تصدیق وتحسین] چون مصرع اول این فرد درموقع مناسبت ندارد لهذا از آن صرف نظر نموده تنها مصرع ثانی آنرا درخصوص اتفاق دولت وملت درینجا بطریق مثال می آرم ،

چون دو نگینند ویك انگشتری !

ولازمکه ملت ودولت ما نیز مانند دو نگینی کهدریك انگشتری باشند باهم مربوط وملحق باشند در خصوص بیان کردن نتایج وخیمهٔ تفرقه واختلاف اگرخواهم برای شماها بسی مثالهای عبرت آموزی را آورده میتوانم چنانچه یك مثال ساده وبسیط آن قصهٔ معروفهٔ سید وملاوامی است که بباغ یك شخص خودرا انداخته ووارد آن شده بسیاری از میوه‌های باغش کنده بخوردن مشغول گشتند مالك صاحب باغ را چشم برین حال افتاد وخود را در مقابلهٔ آنها عاجز وتنها یافت لهذا فکری اندیشیده نزد مهمانان ناخواندهٔ خود آمد وپس از آنکه بهر سه نفر بکمال ملاطفت احوال پرسی نموده کیفیت هریك را خوب معلوم کرد بنام آهستگی وزی سید وملا را مخاطب ساخته گفت که آقا صاحب ! شمایان شیر سید واولاد پیغمبر وزکو اربك ذاتی هستید وجناب ملا صاحب ! شما هم علماء بار کشته محترم بکوجودی میباشید که هردوی شما بسبب این فضایل ثان واجب الاحترام اشخاصی هستید . اما بعد دائم که این ای جاهل که از خود کال بهره ندارد .

وبه ازروی حسب ونسب شرافت وعزترا مالکست از چه‌رو باشمادم زمساوات وهمسری‌زده بکمال بی‌پروائی مال‌مردمرا بغیرحق میخورید بنابرین سید وملا چون اینقدر تعریف های خود شانرا از صاحباغ شنیدند خود شانرا ذیحق پنداشته‌امیررا ملامت کردن گرفتند وصاحباغ رفقهٔ سیدوملا امیر بیچاره‌را یکی ازدرختها محکم بست ، سپس صاحب باغ بازپس از کمی توقف‌سخنرا بملا وورداده‌وسیدراخطاب کرده کفت که سیدصاحب ! شماچون اولادرسول وازخاندان بزرك ومقدس بکذات وارکان میباشید بهمه حال شما درمال من ذیحق ومختارید مکرهیچکاهی کمان نمیبرم که ملاصاحب در کدام کتابی از کتب فقه‌شریف خوانده باشد کمال مردم‌خواری بغیرحق حلال‌ومباح‌است . ازاینرو باتفاق‌سید ملارا هم بیك‌درخت دیکر درپهلوی امیر محکم بسته‌کرد . وچون ازان فراغت یافت سیدرا که تنها مانده بود بکمال سهولت درجوار دورفیق دیکرش بیکی ازتنه‌های درخت مضبوطبست وفی‌الحال ازدرخت باچند چوب کلفت ودرشتی‌را کنده هرسه‌نفررا بوجه دلخواه تا که‌میتوانست لت‌وکوب‌نمود ، وبه‌اینطریق ازهرسه‌نفر انتقام کشید . پس اکرسید وملا وامیر ازابتدا بسخنان صاحب باغ‌بازی نمیخوردند آیا کاهی ممکن می‌نمود کهصاحب‌باغ بچنین آسانی بااراده ومقصدخود نایل‌و کامیاب‌اید مکربسبب نفاق واختلاف که درانها بظهور پیوست هرسه نفرشان یکی بعددیکری به‌بسیار سهولت بدست صاحب باغ کرفتار کردیدند . بناءً علیه اکردرمابین دولت‌وملت وپادشاه‌ورعیت تفرقه واختلاف وجدائی ونفاق روودهد وهرکدام‌در خود باشد یعنی‌دولت بی‌صلاح‌ملت ، وملت بی‌مشورهٔ دولت‌هریك فرداًفرداً وجدا کانه طریق اختیار نمایند‌بی‌شبهه باعث‌زوال وخرابی هردوی‌آن خواهدشد . وبرخلاف آن اکرملت ودولت هردو بصلاح ومشورت یکدل ویك زبان بوده متفقاً ومتحداً درحفظ ناموس دین ووطن بکوشند سبب عزت واقبال هردوی شان خواهد کشت :

دولت همه زاتفاق خیزد بیدولتی از نفاق خیزد

هردولت وملتی کهاهم دست اتفاق واتحادرا داده‌اند ویك‌صورت متفقهٔ درسرانجام نمودن یك کاری کوشیده‌اند بی‌شبهه‌برآن مرادومقصد خودها کامیاباًآمده‌اند [درینجاجناب‌عالی نائب‌السلطنه‌صاحب‌افخم‌درتائید قول همایونی فرمودند که این کامیابی‌ها وفتوحات حاضرهٔ جرمنیا بسبب همین اتفاق دولت و ملت شانست که هردو دست یك کرده در مقابل دشمنان‌خود می‌جنکند] لهذا مارالازم‌است کهدولت‌وملت بایکدیکر اتفاق کرده درترقی وتقویت وصیانت دین مبین اسلام بکوشیم ودر همه وقت‌وهرحال بکمال‌اتحاد ویکانکی‌باهم مربوط بوده اکرترقی‌اسباشد هردو ترقی کنیم واکرعیش باشد هردو استراحت کنیم واکرغم‌باشد هردومغموم‌باشیم اکرامن‌باشد هردوباتفاق همدیکر درحفظ امن‌خودها سعی کنیم واکرجنك باشد هردو یك‌جا وپهلوی همدیکر بمیدان جنك برویم . غرض اکرآبادشویم هردویك‌جا آبادشویم واکرخراب‌شویم هردویك‌جا برباد کردیم مال وعزت پادشاه‌را رعیت ازخود ومال‌وجان ملت‌ورعیت‌را پادشاه ازخود بداند . اکرمال وناموس رعیت وملت تجاوز ودست درازی شود پادشاه آنرامال وناموس خود تجاوزبداند واکربمال سرکار دست اندازی شود ملت‌آنرامال وناموس خود دست اندازی‌بداند [درینجا عموم‌حضار باآوازبلند کفتند کهسر ومال‌واولاد خودرا فدای‌پادشاه خودمی‌کنیم] مدعادرهروقت وهرحال اکرتن باشد باهم . واکرخوشی باشد باهم میباید کهخودمارا ابنای دولت خودرا یك شخص ویکوجود دانسته درترقی وعزت . وخرابی هردوبایکدیکر شریك وسهیم‌باشند [صداهای پرجوش قبول واتف تاتحال هرقسمی که بود باکی نداشت ولی این‌مسئلهٔ اختلاف بین وملت ایران یك سرمشق عبرتی است که برما لازم میسازد که‌به وهرطریق که‌ممکن‌باشد خیال رعیت وملت‌را برای خود وفکر باآنها‌فهمانیم که هردویك کاری‌را خواه دران منفعت وفایدهٔ باشد یانباشد باتفاق همدیکر اختیار کنیم :

من نمیکویم که در فکرزیان یاسود باش
ای‌زفرصت بیخبر درهرچه هستی زودباش

لهذا خواستم کهاین فکر خودرا چنانکه شایان کردیده ورعایای افغانستان‌بدانام کهاحیاناً اکرکدام‌واقعه درپیش‌آید دولت وملت هردو متحدالفکر ومتفق الکلمه باشند ویکدل و کردیده درحل آن کوشش ورزند بنابرین درخصوص چندالا کهبهمه‌اطراف وولایات‌مملکت فرمانها فرستاده‌شود واز هرقریه یك‌یك نفر از طرف عموم اهالی آن بطریق وکالت انتخاب دارالسلطنهٔ کابل‌بیاینه ولی‌چون‌درینصورت ببعضاشکالات موجو وآمدن وکیلها ازجاها . وعلاقه های دوردست سلطنت مانند وقندهار ، ومزاروغیره ، وسررشتهٔ کوچ وبار بری شان‌علی‌الخ درموسم زمستان خیلی‌باعث تکلیف ومشقت بوده وبسبب طریق ، آمدن ورسیدن شان تاوجه چهارماه درتاخیر وتعویق وانتظاربسیاری کشیدن‌لازم میشد ، ازاینرو امرفرمودیم تادوقسم بعبارت دیکر ، فرمان ، چاپ کنند که قسم اول آن مخصوص برای علاقه ها وعلاقاتی که بدارالسلطنهٔ کابل قریب هستند مثل های جلال آباد ، ولغمان ، و کوهستان وغیره که از اخبار درمابین ۲۰ روز بدارالسلطنه رسیده میتوانند که یعنی ازایشان تاتاریخ ٥ ماه و [illegible] که برسند . وقسم دوم آن برای واطراف دوردست مانند هرات وقندهار ، ومزار ، وقطغن وغیره تخصیص‌دارد کهو کیلهای هریك‌ازین علاقه هابحکومت خودها مراجعت نموده نزد . نائب‌الحکومهٔ آنجا جمع شوند و کیلهای هرات نزدنائب‌الحکومهٔ هرات ، وازقندهار نزدنائب قندهار . وازمزار شریف نزد نائب‌الحکومهٔ مزار شریف نزد نائب‌الحکومهٔ قطغن . واز میمنه نزد نائب‌الحکومهٔ میمنه هذاالقیاس واز هرجا بسوی نائب‌الحکومهٔ وجانب حکومت هاآنجا متوجه شده فراهم آیند . وهردو اشتهار مذکورالب اول آن‌مهر ودستخط شده‌است ، وبرای‌شما هردو قسم آنرا

(۱) قسم اول اشتهار وبافرمانی است که برای علاقه‌ها فرستاده میشود

(۲) این‌اشتهاری است که برای علاقه‌های دوردست سلطنت‌فرست

[ذات پادشاه مکارم صفات بادانش ودین اعلیحضرت س والدین‌هردوقسم اشتهارموصوفرا بترتیب فوق‌کمال فصاح که هر کس آنرا بخوبی شنیده وبدرستی فهمیده می‌توانست قرائت فرمودند ، واخیراً چون ازخواندن آن‌فراغ حاصل

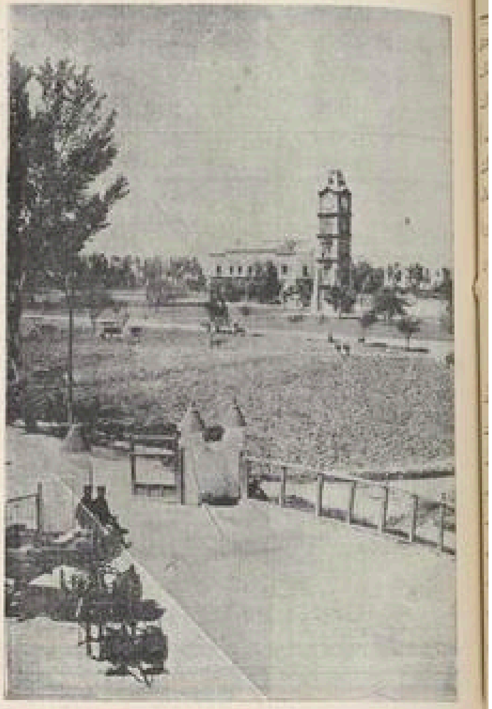

از مناظر دارا السلطنه کابل

قصر سعادت حصر معالی احتوای (دلکشا) در حین تعمیر و وسعت

ذات عالی نایب السلطنه صاحب ومعین السلطنه صاحب افخم وهمهٔ اهالی دربار وعموم حضار بتحسین وصواب این تجویز وذکر پادشاه حقایق آگاه بالشمه خودشان تحسین خوان گردیدند . ذات اعلیحضرت همایون اشرف والا ثانیا ابتدا بکلام فرموده وسلسلهٔ نطق مبارك را از دست نداده فرمودند [.

تا این چون که وکیلهای علاقه های قریب ما بدار السلطنه بیایند درخصوص بااینها اصلاح ومشوره کرده مافی خیال خود . انهارا آگاه وانها از فکر خودها ما را باخبر گردانند . ویك قسم تبادل خیالات در بین واقع شده . ازان اخذ کردن یك نتیجهٔ ممکن خواهد شد . ووکیلهای مقدم نشین کروهی کابل نیز درزمرهٔ نفری اشتهار قسم اول شامل میباشند که یعنی راست بدار السلطنه احترام میشوند . ووقتیکه وکیلها بیایند از یك سه چهار دربار کرده دراوقت باز مناسب هاوقت وموقع ذمه دارا از همهٔ واقعات واقف خواهم نمود ؛ وهمچنان چون عرایض وکیلهای ولایات واطراف دوردست برسد . وبعد ازانکه نایب السلطنه ومعین السلطنه وغیره اهل شورا آرا استنجند . وحاصل آرا از دمن عرض شده ، اخیراً خلاصه فکر آنهارا هم برشما واضح خواهم ساخت ! .

واخیراً ذات ملکوتی صفات شاهانه بلسان فواید رسان مبارك خود ترقی وبهبودی جمیع ممالك اسلام علی الخصوص وطن عزیز خود افغانستان وملت نجیب خود افغانرا از درگاه حضرت حقسبحانه تعالی بکمال خلوص وصلوات باطن تضرع ونیاز کرده ختم مقال فرمودند .

پس از اتمام دعا بارگاه حضرت خلق تکبیرات اعلیحضرت همایون اقدس اعلا همهٔ حضار را امر عودت ونشستن عطا فرموده جمیع اهالی دوباره اخذ مقام نموده برجاهای خود شان قرار گرفتند . وقریب به ساعت یك بود که از طرف پیشخدمت های حضور صف دادند میزهای طعام خوری آنها زینت بالای هر میز انواع اطعمهٔ لذیذ ومیوه های تازهٔ شیرین بکمال دقت واعتنا چیده شده بود . ساعت ۲ از طعام فراغ حاصل شد ونیم ساعت دیگر نیز به تقسیم چای وسگرت وغیره صرف گردید . بساعت ۲ ونیم ذات ستوده صفات پادشاهی از سلام خانه برخاسته همهٔ نفری را امر رخصت والطاف ارزانی فرمودند . وپس ازانکه موزیکهٔ عسکری درخارج سلام خانه لارشلام آخری حضور شاهانه را نواخت هرکس بسمت محل اقامت خود عزیمت کرده ، وباین صورت دعوهٔ حظ وسرور ، وفرحت وحبور تمام مراسم دربار معالی بار اختتام یافت .

(مکتوب)

(یك نظر تحسین بمکتوب ازهرات)

درشمارهٔ هفتم سال پنجم (سراج الاخبار افغانیه) یك مضمون پرجوش علمی اخلاقی سیاسی تمدنی اتفاقی ملکی عسکری که از خامه عنبر شمامهٔ یکدوروو شنفسیران وهمدردان وهم خیالان مانسو بدبرفته بود زیرعنوان (مکتوب ازهرات) از نظر ما در گذشت ـ ماداميکه در گلستان معانی گونا گون ونکات بوقلمون آن سیر کنان بوده اصلاً وهرگز خاطرم تسلیم نمی کرد که این دُرر درج معانی دقیقه را غیر از جناب محمود خان صاحب طرزی مدیر جریدهٔ معتبر که (سراج الاخبار افغانیه) کسی غواص دُر از بحر عمیق دماغ واز تلاطم وامواج افکار بر آورده باشد ـ

لذی یك یقین واعتقاد مصمم مابود که همین مقاله بلاغت دیب از نتایج افکار جناب مدیر صاحب است ولی عنوان را بملاحظه کدام غرض که جناب مدیر صاحب تصور کرده باشد مبدل ساخته اند ـ

زیرانکه اگرچه از سلی معاونین جریده معتبر که هذا بیستم الماززمانه دراز یکی از مستفیدین قارئین همین جریده معتبر کام ـ ازهنگامیکه چشم کور بصیرت خود را بکحل سواد سطورش مکحل ومبصر ساخته ـ ومشام دماغ را بشمهٔ عطر مضامین گونا گونش وراحتهٔ سوانحات بوقلمونش معطر وطراوت آگین نموده این چنین مقاله معنی خیز در این جریده معتبر که تا الاندست کدام مضمون نکار باشد از نظر ما نگذشته ـ بلی زیبوری این مقاله موصوف از بهورتیهٔ آن سرورقهای جریده معتبر که هذا کدور میدان آن جناب مدیر صاحب یك طریق خاص شبه زقور ابتارتیهٔ روشنخیالی ودقیق فکری بملاحظ جنك آوری کدام غزال مقصود جولان داده باشد که در جراید انگلیسی وهندی ازان تعبیره (ایدیتوریل) و (لیدنگ آرتیکل) ستحات کرده میشود کم نبود ـ این مزروی جناب ما بطرف مدیر صاحب رجحان زیاده میداشت ـ واز طرف دیگران بسبب قحط از حال همین قسم مقاله نگاران وهمدردان که در افغانستان بنا بر تمثیل تقیض قول سعدی شیرازی زیرا (هر بیشه گمان مبر کـــه خالی ست شاید که پلنگ خفته باشد) تصور کرده بودم احراس می نمود ـ

هرگاه که بامضاء رسیده دیدم (علی اکبر صاحب کوت دفعه دار وجناب (عبدالله) صاحب طالب علوم جدید رادیدم زرآن گاشد خود جناب مدیر صاحب کرز عنوان (سراج الاخبار افغانیه) بود از سر نو ملاحظه

از مناظر دار السلطنه کابل

قصر عالی باغ شهرآرا وعکس اندازی آن در حوض آب باصفا

نموده همان تصدیق خودرا که بر خلاف واقعه) در آمده بود باز اشد لاالقوی زائل و مضمحل گشتانیده حقیقة الامر را مذعن داشته بهجت تماما فرموده قیوم واجب الوجود زبان خودرا سوسن وار کشیده بادای شکر خداوند علام مترنم ساختم —

که منتهای بی‌منتها و ستایشهای لاانتها مر ورا سزاست که در قوم نجیب افغان مانند قسم روشن ضمیران و همدردان خیرخواهان کم سوخته اتفاق و اتحاد ملک وملت خود و شیفته و شیدای شهنشاه معظم اسلام (خلدالله ملکه وسلطانه) پیدا نموده که از همه نتائج افکار ایشان ما همه رعایای پادشاه اسلام مستفید گردیدیم — (جزاهما الله فی الدارین خیرا)

پس از صدها تحسین و هزارها آفرین یك عرض پیش خدمت هم خیالان خود میدارم که همین قسم طنطنهٔ وعظ و نصیحت تحریری که شایان زیب ارقام فرموده‌اند کاهی مقرون قوه سامعهٔ افغانان نمی‌شود تاوقتیکه اولاً پردهٔ سخت صماخ گوش ایشان بتیر سریع التاثیر لسان دریده نگردد —

از هنگامیکه همین جریده متبرکه از کتم عدم بصحرای وجود در آمده و کمر همت خودرا بسته و به همان قسم وعظ و نصیحت که شایان تحریر فرموده اند شاغل گردیده تا اگر همان ورقها جمع کرده شود لامحال یکخروار قرطاس تسوید شده در نظر خواهد آمد ولی در قوم نجیب افغانها سوا از (آهن سرد کوفتن) دگر هیچ بظهور نیامده — برای تصدیق سر ورقهای شمارهٔ اول سال پنجم (سراج الاخبار افغانیه) مطالعه باید کرد که جناب مدیر صاحب چه فکاریده اند —

اگر منظور خاطر جناب مدیر صاحب باشد امید که در شمارهٔ آینده یك طریقه خاص که موجب ارتفاع پردهٔ گوش افغانان باشد زیر تحریر خواهم آورد —

زیاده دست ادب بامید اجابت بدرگاه قاضی الحاجات برداشته زبان خودرا به همین چندفقرهٔ دعائیه مشغول میسازم — که خداوند ظلال عاطفت شهنشاه معظم ترقی خواه قوم نجیب افغان را برکافهٔ رعایا و اهل اسلام (خلدالله ملکه وسلطانه) تا زمانهٔ دراز مبسوط داشته شیوهٔ اتفاق و اتحاد را در قوم نجیب افغان مستحکم نموده جریده متبرکه هذارا تادیر مدة ترقی قائم ساخته بهمان آرزو و امیدهائیکه همین مرد و همدردان و هم خیالا ماعوده اند حاصل فرموده قوم نجیب افغان مارا از شر و مکائد مخالف دین نبوی (ص) محفوظ نگاه بدهد مابین همه مسلمانانرا به مخالفین دین نبوی (ص) سربلندی وفتح ونصرت دهاد بمنه و کرمه —

آمین

ابو العارف حکیم محمدفضل الرحمن سواتی از چهارباغ جلال

حوادث خارجیه

نقل از اخبار عصر جدید منطبعه طهران

شماره ۲۷ مورخه شنبه ۱۹ محرم الحرام ۱۳۳۴

مکتوب از پاریس

اوقاتیکه دولت انگلیس فرانسه هارا دنبال خود افکنده و چندین جها جنگی معتبر باعساکر بسیار و مخارج بی‌شمار بدار دانال فرستاده بکلی پیاده شده فرانسه ها تصرف شهر قسطنطنیه را در عرض چند از قضایای مسلم و محقق الوقوع پنداشته و از شدت وجد و شعف در پو نمیگنجیدند — اهل پاریس در آن ایامها کمی خوابیدند بدین امید میبودند فردا صبح در جراید خبر افتتاح داردانل و مژدهٔ فتح اسلامبول و بیرق ترك و فرستادن آنرا برای موزه انوالید (برفیر ناپلیون) و بیرق های فرانسه و انگلیس و روس را هرسه باهم در بالای بام مس ایاصوفی خوانده و دیگر ازینباب خیال شان آسوده و راحت شود محتمل بعضی از آنهام در عالم رؤیا حرکات سفاین جنگی و عساکر اینظم کامل در شهر و شکست سخت و فرار ترکان وغیره را مشاه کرده و از صدای تفنگ و شلك توپ بغتةً از خواب برجسته و خود را عرق یافته ولی هوارا خالی نیك رفته بعد از تعبیر خوش بخواب ناز میبو

اول چیزی که صبح تحت نظرهای شان می‌افتاد اوراق روز بود و هر چند بطوریکه منتظر و مترقب بوده هنوز خبر افتتاح نامبرده وفتح کامل داده نمی شد باز آحدی از درجات خوشحالی و اطمینان می افزود که چندین دفعه ترکان یکی باطلاف یکسان گشته و عساکر پیشرفت فوق العاده نموده و ترکها پس نشسته اند لهذا باکمال بی صب منتظر بودند که در جراید روزانه یا روزنامه های شب منتشر اخبا بوجه دلخواه خوانده و حظ کنند

روزنامهٔ لوماتن هم که بعض وقتها خبرهارا خوب بدست آورده و با کوچه بنویسد هرروز شکل میزان الحراره در صحفه اول کشیده که سر تحتانی آنرا در مشت قوت متحدین نهاده و یك سر فوقانی دیگرش بسفور رفته و پر واضح است که از شدت زور متحدین هرروز سطح زیبق داخل آن که اشاره به پیشرفت قوهٔ متحدین است در دار دانل اضافه میشد و بهمین جهت روزها از ساعت دو بعد از تاساعت هشت شب (در ایام جنگ دکانهارا می بندند) ازدحام در گران بولوار در مقابل ادارهٔ ماتن می شد چون مردم منتظ بودند تلگرافات فتح و نصرت کامل را در پشت شیشه بخوانند —

برفته و نزد هر طبقه حتی در کوچه ها و خیابان ها صحبت لامبول و طرفه حکومت آن نبود زیرا گرفتهٔ آن شهر از بدیهات شمرده و هرگز در ذهن خود تصور غیر آنرا نکرده مرفکان خارج مبدا نشند که انگلیس وفرانسه و روس اردوی قدام در امری نمایند وبانجام نرسانند اما فقط قصه وافسوسی انند این بود که مبادا سلطان عثمانی و انور پاشا . وسایر زون از اسلامبول فرار کرده آن جواهرات سلطنتی واسباب وآلات و آنهمه اشیاء عتیقه وکتب نفیسه خطی وسایر خطوط ونقاشی های قدیمه ودیرها از باب عالی واماکن برداشته وهمراه خود برده باشند ولعله حیف است که آنها بدست فاتحین نیفتاده و نصیب دیگران شاید بامریکاو دیگر جاها برده وفروخته شده و یکی از جنگ بدررود هبه معنی ازفرانسه ها ازبابت فقدان آن اسباب ها واشیاء واقعاً رنگ باشه وحقیقتاً افسوس زیاد میخوردند بخصوص وقتی ازآنها که سابق در اسلامبول بعضی ازان نفایس را که برای طالبان اشیا بتفصیل نقل کرده وبدقت هرچه تمام تر شرح جزئیات آنهارا بیاند دیده خوددیده وچشم ها دنبال بدست آوردن آنهاست وازان رفته که بدست امریکائیان بیفتد

دمرتی بهمین ترتیب خیلی خوش گذشت ومردم همه فکر وخیال کار بهاده غم وغصه ها را فراموش نموده ومنتظر گرفتن اسلامبول بدروز روز هم بر درجات خوشحالی وبیصبری آنها بواسطهٔ اخبار ی روزنامه ها افزوده میشد امابدبختانه چه شد وچه اتفاق افتاد که ند بعد روزنامهای ترک تصویر آن میزان الحراره را کرده وموقوف گردیده گویا درهنگام طبع ازدست عمله جات او افتاد وشکست (۱)

بد هم بیست زیرا که تمام کارکنان ادارات جنگ رفته وعده همه گشته واشخاصی باجای آنها گرفته‌اند که اغلب سررشته درستی ندارند درو نتیجه نگارشات روزنامه‌ها هم کم کم تفاوت فاحش بهم رسیده واخبارات ثقله بادوقائل از صفحه اول بصفحات دیگر در جزو اخبار غیر مهمه نقل یافته زمزمه ازغرق گشتن بعضی کشتی های انگلیس وفرانسه بیافتادن چند جانور تحت البحری بمیان آمده بطوریکه دیگر تمیز رغبت گردن در روزنامه را نداشت بخصوص در زمانیکه از گوشه کنار میشود که از یک کرور عساکر آنها بجز در خاک گالی پولی اقدام حتی قصد اقامت کرده ونیمه دیگر نیز مجروح ومریض باحالت زار راحت داده شدند فرماندهان متصل عوض شده وآنقداری هم کمکها فرستاده شده‌اند معلوم نیست صلاح آنها در بودن گالی پولیست یا بالاخره یا مراجعت باوطان بعضی صحبت های دیگر نیز درمیان که بعضی از انگلیسیان خودشان ازاول این امر را اصلاح نمیدانستند والسه ها نیز بهمین عقیده بوده ومیگفتند ما باید درین جا جلو گیری دشمن کنیم این بود که مسئولیت این کار را انگلیس بعهده گرفته ومیگویند ازین بعد قدری باید باغراض وقتایش کوشش داده والعمر اصرار در پولیتیک شخص خود نماید

بولی تیکس

نقل واقتباس از جرید های اوروپا

اختلالات هندستان

یکی از اخبار های روماینا چنین مینویسد

موثر ترین اسلحهٔ حربیه که انگلیزها ازان مالک میباشند خطهای تلگراف زیر بحر است که مبدأ ومخرج همهٔ آنها در دست انگلستانست. بواین واسطه انگلیزها میتوانند که شیوع خبرهائی را که خوششان نیاید منع کرده بتوانند . مثلاً باوجودیکه از بسیار وقتهاست که اغتشاشات واختلالات درهندستان شدت دوام دارد . وموجب پریشانیهای بسیار برای انگلیزها شده . ودرمابین هندستانیهای بیچاره که برای رهائی دادن آزادی واستقلال خودشان را از پنجهٔ ظالمانهٔ انگلیز کوشش میورزند وباهمه کر مستملکهٔ انگلیز بسیار زد وخوردهای شان پیش آمده باز هم ازینکه موقوعات اوروپا بهیچصورت خبردارشده نتوانستند . تا آنکه یک سیاحیکه بعد از سیاروقتها بجزیره (سوماترا) آمده، وبه بعضی مسافرین یک کشتی تجاری که بطرف اوروپا رهسپار بوده است درخصوص اختلالات هند بعضی معلوماتی داده توانسته است که ما از وقایان ازواقعه یک قدری خبردار شده توانسته‌ایم . امابعدازان بازدنبالهٔ خبرهای هندستان مقطوع گردیده وازان طرف وسیع وقیمتدار انگلستان که درمیان آتش وخون‌نهاده خرابیشده است هیچ معلوماتی گرفته نشد . پس معلوم میشود که انگلیز بواسطهٔ مالک بودن رشته‌های تلگراف زیربحر نمیگذارد که آوازاین ان ملیونها نفوس اسیرروزبون بگوش کسی برسد . امااین یک محققی است که امروزه روز هندستان ، باحکومت انگلیز حرب میکند . « نامیو نالیستها » - یعنی « جمیتهای وطنی » - کوشش میکنند که برای خودشان سلاح تدارک کنند ، حتی جهدمیورزند که اسلحهٔ انگلیزهارا ازدستهای شان ربایند وازدعیتی یعنی اسارت منحوس انگلیزی وارهند ، ودرنظراین جمیتهای وطن پرست آن اشخاصی که به انگلیزها روی معاونت نشان میدهند خائن وطن » شمرده میشوند . در بیانامه های که ازطرف « ناسیو نالیستها » نشر میشود ازقرار ذیل افادهٔ کلام کرده میشود :

« حکومت انگلیز ازسالهاست که خون ما هندیان بیچاره را مانند زالوی مکد . وبیک اصول وقاعدهٔ منتظم آهسته آهسته بمحو کردن ما کوشش میورزد . لهذا برهمهٔ اهالی مظلومهٔ هند وصیت وسفارش میشود که باهمه نفس وایمانها بانگلیزها محاربه بکنند . آن انگلیزی که خود را بلباس حیله کارانهٔ مدافع ومحافظ استقلالیت وتمامیت ملکیهٔ ملتهای دنیا نمایانیده بمیدان برامده است ، ازوقتی که درهندستان جایگیر شده ملیونها ملیون انسانرا از گرسنگی تلف کرده اند . تنها ازسنهٔ ۱۸۹۵ تاسنهٔ ۱۹۰۵ یعنی در ظرف ده سال [نوزده ملیون !. . .] انسانرا درهندستان بگرسنه گی ورشنگی محو وهلاک ساخته اند که ازین یک بخوبی معلوم میشود که چقدر ملیونها نفوس هندستان را قصداً گرسنه گذاشته بما تصورت رهپای عدم میسازند . حال آنکه ازسنه ۱۸۰۹ تاسنهٔ ۱۹۱۳ یعنی در ظرف یکصدوهشت سال در تمام محاربه هائی که در کرهٔ زمین ظهور آمده تنها (پنج ملیون) انسان تلف شده است . درمیان این محاربه‌ها حربهای عظیمه ودرازی مانند جنگهای (ناپلیون) بزرگ ، ومحاربه های (کریما) ، وحرب المان وفرانس وغیره نیز موجود بوده است که چون بمقابل آن تلفات گرسنه مرگی جوروستم انگلیزها درهندستان در زیر نظر تصور گرفته شود درجهٔ دهشت وفلاکت این فاجعه هائی که در ظرف ده سال انگلیزها براهالی هندستان وارد آورده اند تابکجه درجه تقدیر وتخمین کرده میشود . حقیقتاً که درتاریخ انسانیت بشر ظلم ووحشتی که حکومت انگلیز درهندستان تطبیق میکند هیچ دیده نشده است

ناسیونالیستهای هند دربیاننامهٔ خود میگویند : « تهدابهای بنای حکومت انکلیز براهانت ، وحشت ، غصب کذاشته‌شده‌است ، مصریهائیرا که درصحرای « تل‌الکبیر » ازتیغ کذرانیدند ، سودانیهائیرا که در (امدرمان) بکمال سکون وآرامی تابه نفرآخرین شان یکان‌یکان اعدام کردند ، بیهائی را که در راه (لاحسا) تماما بقتل‌رسانیدند ، بدوی هائی را که در (بوتومابو) صف صف ایستاده کرده بکلّه تفنك هلاك کردند ، مزدور کاران هندستانی را که از ترس کرسنه مرک ازهندستان برامده به (کینهٔ جدید انکلیزی) رفته‌بودند ، ودر انجابه ادیانهاها قصابهای انکلیز آنهارا پاره پاره نمودند ، هزارها هموطنان ما که دربلوای سنهٔ ۱۸۵۷ بدهنهای طوپ بسته شده بهواپرانیده شدند ، هزارها طفلها وزنهای (بوئیر) هارا که بسقالها وکرسنه کیها وانواع شکنجه‌ها کشتند ، بمجردیکه در (کابل) بسنهٔ ۱۲۹۶ هجری داخل‌شدند بعد ازخراب کردن (بالاحصار) ام‌محکمهٔ افغانانرا دارها دران برافراشتند ، ودرهرروز مقداری کثیری از افغانها را بهزارها بهانه ها دربای دار آورده غرغره کردند ، وبهاینصورت میخواستند که متنفسی‌دران‌دیار نکذارند . این است که خونهای همهٔ این مظلومان غدر وخیانت انکلیزها درین وقت انتقام خودرا انتظار میکشند » .

بیاننامهٔ مذ کوره بااین سطرهای ذیل ختام میابد :

« حکومت انکلیزیه را که درهندستان تشکیل یافته‌است تنها خراب کردن وطن عزیز خودما متهم نمیدانیم ، بلکه بااینهم اتهام میکنیم که جمیع قوانین بشریه را در زیر پایهای نجس خود پامال کرده میروند . حکومت انکلیز بخوبی بداندوا که شود کما کرهرقدر ظلمها واشکنجه‌ها وفشارهائی که درتصورشان بکنجد درهندستان اجرا کنند ، باز هم خاطر جمع باشند که مانع حرکات ظفر کارانهٔ هموطنان معززما نخواهند شده توانست . هموطنان معززما برین یك قرار قطعی داده اند وعهد کرده اند کهاز حد کوهستان (هملایا) تابه دماغهٔ (کو مرین) یك هندستان مستقل وآزادی تشکیل بدهند » .

مکتوب از ماورا النهر مینویسند

صاحب من درین روزها از تاشکند و بخارای شریف و سمرقند تجارهای قطغن وبخاری رسیدند ازخرابی وزحمی و پریشانی مردمان روسی بیانهای عجیب و غریب که مشاهده کرده بودند بیانات نمودند اول اینکه هرقدر روسی که از نظامی ومنصبدار وملکی شان ملاحظه می‌شوند چنان‌معلوم می‌شوند که‌تمامی شان درتعزیت کلان که‌یومیه بیشتر غم‌والم درخانه شان هموارودرفکر آن‌مستغرق اند اکر شخصی از آنها درباب‌یك امری جویاشوند اول جواب نمی کویند مانند عکس اند اکر جواب بکویند به لفظ شرین وتقیس جواب می کویند دوم اینکه بیان نمودند که‌هرقدر زن‌های‌روسی که‌بیوه مانده‌بودند ومی‌مانند درین روزهابالای رعیتی خود هاتقسیم نمودند که‌زن های روسی خدمت شوهارا بدارند وشوها اهعارااتان‌بد هیدمی هزار زن تقسیمهٔ امیربخارا رسیده‌بود مدتی شده کهامیر بخارابارعایای مملکه‌خود درین‌باب‌مشورت می‌نمودند مردمان رعیتی شان قبول دار نشدند که مایان زن های روسی هارا بخانه خود هاراه نمی دهیم که ازهمه احوال خانه مایان باخبرشوند ازدست مایان‌نان دادن‌نمی شودنه زن‌های کفره رابخانه خودها راه می دهیم دوم بیان

اینکه یك نفرمنصب دار کلان روسی را به تاشکند آوردند یکدست ازآرنج بالاقطع بود وزخمی وبعذاب کرفتار بود جویاشدیم بیان نمود که منصبدارمذکوربافوج زیادی در کدام بندرکلان مقرربودند وارهان بندرشده بودند ویومیه مقدمه داشتند بسیار فوجی شان رسیده بود که حساب نداشتند درین اسراز کدام طرف‌دیکرفوج دولت علویه عثمانی وجرمنی‌بالای شان می آمدند بحریشان خبرداده دارمذکوربافوجی وتوپ خانه هابه انطرف مراجعت نموده‌بودند سمت راه وسرك مطابق نبود وتمامی راه های آن جقری و مرها فوجی وتوپ خانه شان مسدود مانده منصب دار مذکور حکم که مقتولین را در جقری وجرهااند ازید چنان کرده‌اند که وجقری ها مملوور کشته توپخانه وفوجی خودها را کذرانیده درین‌فرصت یك‌کوله‌بم‌رسیده بسیاری‌فوجی روسی‌بقتل رسیده جسم کشته‌اند کدام تکه‌بم‌بدست منصب‌دارمذ کور وارشده دست‌اورا قطع کرده بسیاری فوجی قتل‌واند کی کمشده بودند کرده بودند منصب دار مذ کور واردانشته آورده‌اند ما کتر آن معالجه می‌نمودند‌ازز‌بان منصب‌دار مذکوربیان می نمودند که مجبور می کفت که‌فوج روسی بادولت‌عثمانی وجرمنی مقابل‌شدن چرا که‌آنها‌مانند اجنه اند که‌بچشم‌ملاحظه نمی‌شوند وتمامی فوج قتل میرسد وروسها ممکن مقدمه ندارد فقط سیم‌بیان نمودند که روسی بسیارقحط وقیمت‌غله افتاده که‌اندازه ندارد فقط چهارم این نمودند که درحد چهار جوی در دشت شبان های مردمان رمه چرانی نمودند که موتر هوائی آمده در آنجاه فرود آمد حاوحم کرده بودند صاحبان موتر آنهارافریاد نمودند که‌بیائید ندار بیم‌ازشما چیزی میخواهیم نامبردهها آمده بودند برای آنها داده بودند که برای‌ما کوسفند بدهید واین قدر راودیکر اجناس که‌خرج مایان‌خلاص‌شده بدجوبان هاچنین کرده‌بودند موتر از زبان همان جوبانها بیان نمودند که‌می کفتند که در موتر هشت نفرآدمان لاغر کندم رنك بودند وهشت نفر آدمان جمره‌بودند ودرموترها بدون کوله‌چیزی نبود کفتند که‌مایان دولت عثمانی وجرمنی میباشیم فقط

اقتباس ازجراید ایران

ازجراید

افتتاح مجلس مبعوثان
عثمانی

۱۸ اکتوبر ۱۹۱۵

نطقهای رئیس مجلس وانورپاشا

پس از تعطیل تابستانی‌مجلس مبعوثان عثمانی مجدداً نمایندگان وولایات دعوت کردیده و مجلس ملی با کمال ابهت وجلال افتتاح و (خلیل بیك) رئیس مجلس ورئیس ارکان (انور پاشا) هریك بنوبت خویش راجع بوضعیات عمومی‌سیاسی و جنگ درخشان و توضیحات سیاسی ونظامی جامعی برای استحضا نمایندکان ایراد کردند نطق خلیل بیك رئیس مجلس مبعوثان

« در موقعی که قوای بری و بحری مؤتلفین باید وصول بقسطنطنیه حمله آورده و محاربات شدیده و دهشت ناکی در داردانل و (گالی‌پولی) جریان داشت در آنوقت من در (برلن) بودم و شخصاً به رأی العین مشاهده می‌نمودم که احساسات صمیمانه شگفت آمیز متحدین ما آلمانیها از شهامت و شجاعت قشون و قهرمانان زبردست ما که حملات خطرناک خصم را دفع می‌نمایند چقدر عالی است .

« ملت ، آلمان ، در آنوقت علناً بدولت و اولیای امور خود تبریک گفته و تشکر می‌کرد که در موقعی که حتی کوچک ترین ملل و ناچیز ترین دول یک نظر حقارت آمیزی به ما ، عثمانیها ، نگاه می‌کردند با کمال مناعت و افتخار عهد اتحاد با ما را عقد و امضا نمود .

این اتحاد شامل وظایف و تعهدات برای یک آینده دوری بود و همان عهد نامه یک دوستی صمیمانه و موافقت تزلزل ناپذیر منعقد شد قشون بزرگ و سه ملت عظیم را بایکدیگر متحد و هم جان نمود .

« توپهاییکه مدتی بود در کنار (دانوب) بغرش آمده و سپس چندی خاموشی را پیشه خود کرده بودند اینک مجدداً بالطنطنه و ابهت صدای رسای خود را بلند کرده ، و عنقریب یکی از قطاع‌های میدان‌های سهمگین اروپا در قطعه بالکان مرتسم می‌گردد .

« بعد از تأمین راه مستقیم و ارتباط قوای ملل متحدین که در فاصلهٔ قلیل صورت فعلیت خواهد یافت — عما قریب بهتر و نیرومندتر می‌توانند وظایف جنگی خود را یک وضع درخشانی در تمامت قرون انجام دهند .

« انتظارات و آرزوهای دشمن ابدالدهر در مقابل ، قسطنطنیه ، و بغازهای بوسفر و داردانل ، که مقصد عمده و اساس این جنگ را تشکیل داده غرق گرداب یأس و نومیدی می‌گردند و دیگر قدرت نمود و ایجاد در جهان سیاست نخواهند نمود .

« عمده ترین و مهم ترین نتیجه این جنگ همین است که از این دریا اقیانوس ، هند ، یک هیئت و مجمع مقتدری ایجاد گردد که برای ابدالاباد یک مانع بزرگی در مقابل خود خواهی و طمع ورزی انگلیس که موجب اتلاف ملیون ملیون نفوس محترمه انسانی و میلیارد میلیارد پول گردیده است و در جلو تجاوزات و تکبر روس و خیال انتقام فرانسه و خیانت و خدعه ایطالی عرض اندام بنماید .

« برای تأمین این نتیجه خیر و سعادت ملت عثمانی با کمال شرف افتخار دارد که برای هر نوع فدا کاری حاضر شده است . »

خلیل بیک در میان احسنت و آفرین نطق خود را تمام کرده و در خاتمه برای حق شناسی و سلام روح قهرمانانی که در این جنگ جان داده‌اند اظهاراتی نمود .

نطق انور پاشا وزیر جنگ

جنرال انور پاشا وزیر جنگ از نقطه نظر وضعیات جنگ مسائل دیگری را بطریق ذیل اشعار داشت :

« بعد از یک جنگی (جنگ گذشته بالکان) که یک قسمتی از اراضی از جسد مملکت ما جدا کرد و لطمه بزرگی بحیثیت ما وارد نمود وزارت جنگ تمام سعی و مجاهده خود را برای تجدید قوت وطن مصروف کرده در صدد برآمد که عناصر پراکنده و قوای متشتته قشون را مجدداً جمع آوری سازد .

در حینی آنکه مشغول سر و صورت دادن تشکیلات گسیخته خود بودیم حوادث غیر مترقبه بسرعت و شدت رخ میداد و ما تمام مساعی خود را بکار بردیم که شاید از دخالت در جنگ احتراز نمائیم .

اولین تیر توپی که در (بحر اسود) جهازات روس برای حمله کردن ما بکار بردند ما را مجبور بداخل شدن در جنگ کرد ، بعد ما بلا فاصله فهمیدیم که خصم قبلاً تهیه دیده بود که وارد .. حملات بمملکت ما گردد و حملات تعرض جویانه روسها که بدوا از قفقاز ، شروع گشته بود در اوایل جنگ نوعی شد که پیش آمدن قشون روس از آنطرف خیلی نزدیک بنظر می‌آمد .

لیکن یک ماه بعد حملات متقابله دشمن را عقب افکندیم و عساکر ما روسها را در خاک خود آنها بنای تعاقب نهاد و از آنجا به بعد عملیات اردوهای ما نوعی خصم را زبون ساخت که دیگر نتوانستند زحمت و خطری داشته باشند .

مصادف با همین ایام بود که حوادث بسیار صعب و اندیشه ناکی در بوغاز های ، داردانل ، رخ داد و قبل از آنهم یک قشون منظمی بسوی ، مصر ، اعزام داشته و پس از تدارکات لازمه قوای اعزامیه ما از شبه جزیره ، سینا ، عبور کرده و اراضی مجاوره کانال ، سوئز ، را که برای عملیات و اردوکشی ها لازم و ضرور بود تصرف نمودیم .

در ضمن همین وقایع اسکادره‌ی جهازات جنگی انگلیس و فرانسه بنای مهاجمات و حمله ، داردانل ، شروع کرده و قلاع خارجی ، بوغاز ، که از نقطه نظر استحکامات جدیده جنگی بهیچوجه قدر و اهمیت نظامی نداشته بعد از یک مقدار مقاومتی که تاآندرجه هم انتظار نمی‌رفت خاموش شدند .

قوای بحریه دشمن از این پیشرفت های آسان شیرگیر و دلیر گردید و در تاریخ ١٨ مارس یک مقداری توپ نیرومند بحری که مغلوبیت آنها تصور شدنی نبود بنای حملات شدید را گذارد لیکن بخواست خدای قهار یکقسمت از این قوای بحری و کشتیهای جنگی را در آبهای (داردانل) غرق کردیم و مابقی مهاجمین بحالت مغلوبیت مجبور بعقب رفتن گردیدند .

بعد از آنکه انگلیس و فرانسه نتیجه از این عمل نگرفته و کشتی های نیرومند خود را زار و زبون دیدند در خیال افتادند که در خشکی ما را مغلوب و مستاصل سازند و بوغاز ها را گرفته برای تسخیر (قسطنطنیه) بشتابند .

تا کنون جز یأس و ادبار فرانسه ها و انگلیس ها از این اقدام خود نتیجه دیگری نگرفته اند .

فعلاً قوای ثلاثه متحدین با فتح و ظفر جنگ مینماید و بمعاونت خداوند تعالی اقدامهای قاطعانه بسوی فتح قطعی شتاب مینماید نظر باینکه از یک طرف قوا و مهمات جنگی که از جنگ بالکان برای ما باقی مانده بودند خیلی کم و ناچیز بود و از طرف دیگر وسایل ارتباطیه ما با خارجه مقطوع میبود با محصولات و صنایع جنگی و مهماتیکه از مملکت خود مان بدست میاورد اکتفا کرده و منابع داخلی را بکار انداخته و من بشما اطلاع میدهم که قطع وسایل ارتباطیه با آلمان و اطریش ابدا موجب اندیشه و مخاطره

بیست ولو آنکه مدتها هم بهمین حالت بماند درصورتیکه عنقریب راه مسالم باز خواهد شد بنابراین احتیاجات قشونی ما از حیث اسلحه ومهمات زودی زود تأمین خواهد شد .

حکایتهای محاربه
پریشانی واضطراب
بلایا ومحن روسیه

از کیف :

من در یك اطاق بزرگی نشسته ام که پراز جمعیت میباشد . هوای آن بشدت گرم وخفه وصدای غلغله در آن پیچیده است . بچه‌ها در هر گوشه آن گریه میکنند . کودکان را در آغوش گرفته اند . اطفال چهار دست وپا روی زمین میخزند — همه خواب آلوده وگرسنه‌اند . پدر و مادر آنها باصورتهای فرسوده از زحمت و چشم های خواب آلود نشسته اند . برخی هم روی متکا وبالش لمیده وبعضی درخواب وخرناسشان بلند است . حالا طرف شام است باران بشدت می بارد وبه پنجره های استاسیون میخورد . در هر استاسیون ، در هر گوشه وکنار هزارها نفر جمع شده اند که از موطن خود مهاجرت اختیار کرده اند — هر روزه بیست هزار نفر مهاجر میاید ومیرود .

برای سکونت مهاجرین ایالات مرکزی روسیه را معین میکنند وواگونهای تجارتی آنهارا مجانا بناحیه که معین‌شده میبرند تا برای حرکت مؤخرة‌الجیش قشون روس عایق ومانع نگردند . ترنها آنها را میاورند وترنها انها را میبرند . با گاریها میایند باگاریها میروند . از سواحل رود دنیپر که شما در اطراف نگاه کنید یك رشته بی انتهائی گاری و عرابه میبینید که از مهاجرین فلان شهر پر است وبه فلان شهر میروند.همچنین که به دهات بروید گاری هائی بینید که درجاده‌ها وکوچه‌ها سرگردان هستند دهقانها جمع مایملك خود را ازمیز وصندلی وغیره دریك عرابه گذارده وگاوش را باطناب بعقب عرابه بسته و میرود . از او بپرس که کجامیروی بشما جواب خوهدداد وبلاخانمان وسرگردانم میدانم که از کجا می ایم اما نمیدانم که بکجا میروم .

درمیان این بیچارگان بی خانمان بسیاری چهره باز گشاده دارند . اراده ووقار را از دست نداده‌اند . خانواده های خوب بسیار دیده میشود بطوریکه شخص از محنت و بلائی که بانها وارد شده تأسف میخورد . چه محنت وبلائی باچه سیل غم و غصه ! هر خانواده و هر هیئتی را که من در این استاسیون می بینم دارای یك چهره و سیما میباشد تمام آنها مثل سربازانی هستند که همه چیز خود را نثار کرده ودر استانه یك حیات جدیدی ایستاده‌اند . غیر ازتوکل سرمایه ندارند . وبجز عزم راسخ وصبر وشکیبائی یاری نمی شناسند . اسمان لحاف وزمین فرش انها است .

در هر خانه یك بابا بزرگ یك ننه وخاله دیده میشود که با گیسوان سفید وصورت چین خورده یك گوشه نشسته اند . لبهای آنها جز از غم وغصه‌حکایت نمیکنند و چشمانشان جز از حزن ومحنت چیزی نمیگوید . چنانچه گوئی این پیران کهن سال شداید روزگاررا تحمل کرده‌اند ولی سختی های این چند روز جنگ‌را تحمل نتوانند کرد .

بسیاری هستند که شاید دیروز است نخوابیده‌اند خسته وفرسوده باچشم های سنگین وسیاه خویش — باطراف نگاه میکنند . دوش

در پریشان حالی ودور ماندگی

این اشخاص بایکدیگر بقدری مهربان اند که در اوقات عادی قط آن ممکن نمیشود وپلیس وسربازهاهم بانها مهربان وملایم‌اند . دراین‌بی هیچ کس لند لند نمی کند . هر کس از همسایه‌اش میپرسد حال توچیست وکوشش می کند که بچه‌ها را آسوده کند وبانها خوراك میدهد . هر دعا میخوانند وشمع خریده درجلو عبادتگاه های استاسیون روشن می‌کنند . حتی یهودیهاهم که عبادت خود را سری میدارند بعضی اوقات در حال صلوة دیده می شوند الان که مینوشتم این کلمات مشغ یك اسرائیلی محترم در گوشه ایستاده وباخدا ونذ خود وراز ونیاز مشغو است . یك زاویه سفیدی را پیدا کرده وصورت خودرا بطرف دیو وپیشانی را روی بازو گذارده زیر لب کلماترا تلفظ میکند .

حتی صاحب منصبان هم مجروح اند ورنج ومحنت دیده اند . هم همدردند . این یهودی پیر بخاطر من می آورد آن یهودیهائی را در اورشلیم سرخود را بدیوار میزنند .

کیف یك استاسیون مرکزی دارد که در اطراف آن سکو ها کرده اند . چون ترنها باستاسیون می آیند ملاحظه میکنند که بار خرمن خرمن جعبه واسباب روی این سکو ها گذارده‌اند . چو ترن میگذرد مسافرین صدای غلغله استاسیون و لباسهای گوناگو مهاجرین را می بینند . گویا یك اکسپوزیسیون نژادهای روس من شده که از طوایف مختلفه روس درانجا جمعی دیده میشود .

حالا من ازاطاق انتظار بیرون آمده وروی یك جوالی نشسته که روبروی من همه‌قسم اسباب خانه یافت میشود . یك گوشه کوها افتاده یکجا تخت خواب ومیز وصندلی گذارده یك‌طرف چرخ خیا که درجعبه است دیده می شود . درآن طرف رود دنیپر آلاتها چندقطار ترن پراز اسباب مس ازقبیل دیگهای بزرگ آبپا حوضها استوانها . لوله هاهمشکسته دریده زنگ‌زده ملاحظه کرد که آنهارا نمیتوان بیکدیگر بست زیرا درشکل وحجم مختلف ومتفاوتند بعد سماورها ، کتریها ، ماشینهای زراعت ، چرخ ها ، زنگ کلیسا ها ، زنگوله ها وناقوسها که آواز رسای آنها گوشها را زینده میدارند در یك طرف‌دیگر مجسمه مسیح یامریم و عیسی در آغوش مادر است گذارده و درذیل مجسمه باگچ نوشته اند که اثاثه متعلق بفلان کلیسا است . همه ساکت وخموش ، محزون و روی بار کش ها افتاده و غالبا بواسطه هوای مرطوب از حیز ا افتاده اند

نزدیك من یك نفر لهستانی نشسته که سرگذشت خود را حکا میکند . این شخص مالك یك کارخانه بوده که در نزدیکی نظارت دولت اداره میشده تمام اسباب آن کارخانه‌را بمسکو فر اند . این لهستانی بیچاره که به کیف آمده بچه های خود را که از او آمده اند دیدن کند با آواز حزین میگوید چه ضرر وچه چه خسارتی !

از افسران نظامی دولت علیه ایران سلطان فضل الله خان ماکی
که این ایام مقیم سلطان آباد که از طرفداران غیور و جسور اتحاد اسلام است

یکری بادمی گوید در حقیقت شما نوکر دولت هستید و خسارتهای را غرامت خواهند داد . « نه » بیچاره جواب میدهد « خیر دولت یولد خسارتهای وارده بمن را برای یك چیز جبران نماید زیرا زوجه‌ام یسوزد . او از ترس مرده زن من عصبانی مزاج بود . همینکه خمپاره های آلمان نزدیك کارخانه ما شروع بباریدن واحتراق گذارد زنم را غش رض شده چون چشمان خود را بست دیگر نگشود .

کارخانجات ، دکاکین ، دار الفنونها ، اکادمیها ، مدارس ، یس خانها تمام باسم دولت تخلیه شده اند یعنی اربابا د غربی بداخله روسیه منتقل گردیده‌اند . دار الفنون ورشو به راستاف . دار الفنون ریف بیاروسلاف رفته . کارخانجات این شهر ها تمام نقاط روسیه اکنده گشته ویکمك دولت مجدد شروع بکار کرده اند . حتی شهر ست که خیلی دوراست در جرائد اعلان کرده که کارخانجات شهرهای لیه شده را خواهند پذیرفت ووسائل آسوده گی و راحت آنها را راهم خواهند آورد . اما مدارس بلادی که بادر تصرف بودن تهدید شده است شاگردان آنها باید بهمان شهری بروند که مدرسه بدانجا نده وباز شده است . و از اینرو پدر ومادر آنها هم باید تبعیت از لاد خود کنند . کشیش های گیسوان درازدهات همراه دهاقین در رکناره وعبادت گاه را ترك گفته‌اند بسیاری از کشیش ها در صوامع شسته‌اند . صومعه سیجرسکا بادر کیف چند هزار مهمان دارد . ردان وکشیشان ودهاقین منازل خود را ترك گفته زیارت اماکن رفته‌اند . دراین محل که بود نمیر مسلطانست همه وقت تعطیل میباشد دسته دسته یاطین ، قاطی ، وطالعین وکدادر میان مردم مشغول انجام کارخود هستند . درهر عبادتگاه ومذبح وصحری شمعها بسوز و گداز مشغول صدای موسیقی کلیساها هرگز ساکت نمیشود . حتی یهودیها هم بصومعه ها میروند غذا وپناه میطلبند وبآنها داده میشود .

مضرت از حملات زپلین ها

جریده دوچا کرینونك « المانی دوور » بعد از حمله اخیر زپلین ها بر لندن مقاله مینویسد که چند جمله آن ازقرار ذیل است : ما این بمباردمان کامپسات لندن را مثل سایر بمباردمانها بانهایت مسرت تهنیت میگوئیم ومخصوصا دراین موقع که درمیدان جنك بنصف النهار وسعت رسیده شادی مانیز درنصف النهار بزرگی است . قشون ما درصرب و روس وفرانسه وبلژیك خویشتن را برافراشته‌اند تحت البحری‌های ما در دریای مدیترانه واقیانوس اطلس وبحر شمال جولان میکنند و کشتی‌های هوائی ما برآسمان لندن خویشتن را می آرایند ودل دشمن را آب می کنند . هرقدر که وقت بیشتر بگذرد بازوان آلمان نیرومندتر واقدامه بر دشمنان سخت‌تر می گردد ، چنانچه همه وقت گفته‌ام هرقدر جنك بیشتر طول کشد موقع ما مساعدتر وبمقصد نزدیکتر میشویم .

خبرهای متنوعه راجع بجنك

نظام اجباری در انگلستان

از اخبار های ایران

انگلستان تا کنون بمصالحه راضی نمیشد زیرا ازطرف خود ومستعمرات خود تا حدی اطمینان وخاطر جمعی داشتند اما پس از رسیدن قشون آلمان واطریش باسلامبول این خاطر جمعی مبدل بتزلزل میگردد وخطرات حقیقی انگلیس شروع میشود ، اگر هم انگلیس ها بتوانند بغداد را گرفته وباقشون روس متصل شوند یعنی راه هند را حفظ کنند مشکل بنظر میاید از عهده حمله آلمان وعثمانی بمصر وقطعه افریقا برآیند دراینصورت دور نیست بطرف صلح متمایل شده باشند وبنظام اجباری محتاج باشند

واقعه مهم در ژاپونیا

توکیو – دولت ژاپونیا بواسطه معاهده جدید که با دولت روس وانگلیس دارد باید که بقدر لزوم بدولت روس باروت بدهد .

در پایتخت ژاپون یك فرقه تشکیل شده که تمام انبارهای باروت را که بروسیه باروت میدهند آتش بزنند حکومت ژاپون برای جلوگیری از اقدامات فرقه مزبوره خیال دارد مجازات تروریستی آدمکشی درباره آنها مجری دارد

بعد از این واقعه چندین دفعه بمامورین حکومت ورقه‌های تهدیدآمیز رسیده است دربعضی دوائر گمان میکنند که ناشر این ورقه‌ها آلمانها میباشند .

جنك افغانها با انگلیس

بموجب خبری که از جرائد جنوب منتشر گردیده در شمال هندوستان جنك سختی بین افغانها وقشون انگلیس واقع شده وسه هزار نفر از انگلیسها کشته شده است

اهالی هند هم در حال بافغانها ملحق میشوند انگلیسها هم با مردمان هند با کمال سختی رفتار میکنند

در عثمانی

از اخباریکه ازمنابع پتروگراد میرسد یکی اینست که یکی از تحت البحری های عثمانی در نزدیکی جزیره کرید یك کشتی حمله نماید . در میان سرنشینان یکی از شاهزادگان مصر برادر سلطان حاله شاهزاده محمود بوده . شاهزاده معظم له خواهش نموده است که کشتی را غرق نمایند ، چندین نفر از سرنشینان پیش از آنکه کشتی غرق میشود خود را به آب انداخته ولی فورا عثمانیها آنها را نجات داده اند .

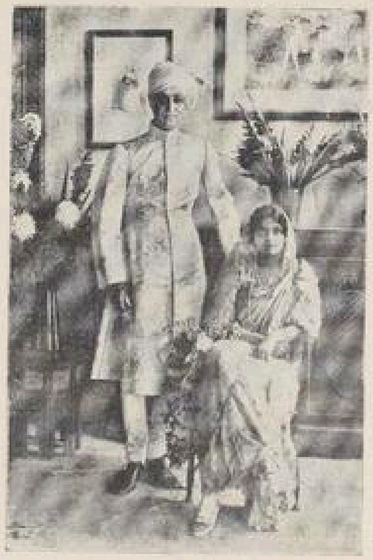

راجهٔ کوچ بهار ودختر مهاراجهٔ بروده . که در قصر لندن ازدواج کرده بودند
بکنکهم

§ از مسکو خبر میدهند که دولت عثمانی برای یک هجوم بزرگ بمصر مشغول تهیه میباشد از قرار مسموع ترکها یک اردو عبارت از شش فوج دارند تشکیل میکنند که مرکز آن قوا درشامدر موقع شرالشیخ خواهد بود . در میان اردوی مزبور دو هزار نفر صاحب منصب آلمان مشغول تعلیمات میباشند .

§ نظر باخبار تلگرافی که از بکارست میرسد شش فوج سواره نظام عثمانی ازطریق مقدونیا بخاک آلبانی وارد شده‌اند . خیالا آنها این است که تمام اهالی آلبانیا را علیه متفقین شورانیده داخل در جنگ نمایند .

قشون آلمان در اسلامبول

بموجب اخبار متواتره که رسیده است ۲ کردارمه قشون آلمان (هر کردارمه چهل هزار نفر است) بامهمات وارد اسلامبول شده‌اند .

غرق کشتی انگلیس

لندن — رسما خبر میدهند که یکی از جهازات قلعه انگلیسی (کینگک) شب ۱۵ اکتبر بواسطه مصادمه با کشتی دیگر در خرازه غرق شده . از ۲۵۰ نفر عمله‌جات آن صد نفر نجات یافتند .

حریق در انگلستان

لندن ۲۹ — بی‌آل — حریق که تصور میشود عمدی باشد بلوفیلد لاین پیر را خراب کرده است . مقدار خسارت را ۲ ملیون دلار تخمین کرده اند .

⁂

بالتیمور — دو پل ساحلی که متعلق براه آهن « بالتیمور وه اوه بوده باتمام اسباب ومال التجاره که در آن بود سوخته شده است . التجاره مزبور را برای لندن ولیورپول میخواستند حمل نمایند میگو علت حریق نقص سیم های الکتریک بوده است .

صاحب منصبان آلمان واطریش دربلغار

بحسب اطلاعات جراید آلمان فعلاً در بلغارستان برای دخال عملیات جنگی واداره کردن امور نظامی وغیره شش نفر ژنرال وهفت نفر کلنل وشصت نفر صاحب‌منصبان دیگر که درجه آنها م وکاپیتن وغیره است در بلغارستان موجودهستند وعدهٔ از عثمانی اعزام شده اند

خبر های ایران

جریدهٔ فریدهٔ نوبهار بمناسبت داخل شدن عساکر روس در ق ومنجیل چنین مینویسند که مابعض پارچهای آنرا اقتباس میکنیم

آیا افق خونین ؟
آیا افق زرد وگرد وغبار ؟
وآیا باز افق اسفید ؟

هرچه هست خونریزی پاک نیست ، امروز هارا دوری است . ملت مدتها منتظر بوده‌اند — چندسال قبل در همین ماه بود که افق آ سرخ شده — ودر دوم همین ماه بود . که عرصهٔ در خیابان روس ازچو دار بیرحمی مزین واجساد زرگان دین بر سران در خشهای میوهٔ جلال وافتخار را نمایش میداد ! ..

تهران تبریز ! ..

روی زمین زیر زمین ، برای یک ملت مظلوم — برای فرق ندارد . بیائید ماهم برای گلگون کردن یک صفحهٔ دیگر مظلومیت ایران خونهای پاک خود ملت را در طشت فدا کاری کرده ایم :

صفحهٔ جهان بچشم فرزندان ایران تنگ وسیاه شده ، چارهٔ ابرز کردیده — بالاتر ازمرگ چیزی مارا تهدید نمیکند — وماهم مرگ را می‌طلبیم — دیروز نیامد . ولی امروز میاید — بکذار ویکذار کار یکدفعه داخل مجرای طبیعی خود بشود .

یکروز مردن . برای مرد باشرف بهتر ازهرروز مردن ، و خفه شدن است

اینک هزار و ششصد سرباز دشمن بطرف ما می شتابد ، که ازمرگ تمیز نمیدهیم — ازین دو هزار سرباز که بیم مرگ دلهای آنهارا بیشتر ازدل بیوه زنان ما میلرزاند نخواهیم ترسید ما برای حفظ وطن برای حفظ شاهنشاه ایران ، برای صیانت تاج وتخت میدهیم . مادر صحرا درخون خود میغلطیم . تامگر بوی خون مارا در ولایات بیاری ما برانگیزاند .

امروز خائن کیست ؟

خائن کسی است که هنوز هم در اتخاذ یک تصمیم قطعی س
وخائن کسی است که شادوانشا بکذارد !

کارد مستحفظ

دیشب چهارشنبه یکدسته پنجاه نفری از فوج طهران برای محافظت سفارت انگلیس فرستاده شد

مصادمه در همدان

از قراریکه با اطلاع رسید در همدان مابین مجاهدین وقزاق های ایران مصادمه واقع شده وبالاخره قزاقها تسلیم مجاهدین میشوند

طهران – ۲۶ اوکتبر – دراینجا شایعاتی منتشر شده است که چندین ترجمان خصوصی عثمانی بطهران وارد شده که درمیان دیپلوماتهای عثمانیها و ایرانیها واسطه شده ویك معاهدهٔ نزدیکتر از سابق عقد نمایند .

اشخاصی که طرفدار حفظ بیطرفی می باشند وحس کرده اند که آمدن قزاقهای ایران بهمدان موجب آسایش است . بخیال افتاده اند که دراین باب یك مسئله نزدیکرا بموقع بحث گذارند .

در میان دیپلومات های احتیاط کاری ایران بعضی افکار مشاهده میشود : آنها امروزه که مسئله بالکان درست تصفیه نشده است از عقد معاهده باآلمان وعثمانی شانه خالی می کنند . آنها میترسند که اگر ازطرف روسیه اقدامات جدی باشد آنوقت آلمانها نتوانند ازاراده عثمانی خصوصا درصورتی که انگلیس ها دربغداد قوای خود را تمرکز داده باشند ایرانیها معاونت نمایند .

سفارت ایران در برلن

سفارت ایران دربرلن دراین اواخر اهمیت فوق العاده پیدا کرده مخصوصا از زمانیکه آلمان متوجه شرق شده است و روابط تجارتی واقتصادی خودرا درحال توسعه دادن است وراه آهن بغداد درشرق الم والتهاب است باهمیت سفارت ایران دربرلن وسفارت آلمان در طهران هردو افزوده شده چنانکه می بینیم دولت آلمان باما بچه نظر اهمیت ودقت نگریسته وچه اشخاص بزرگیرا مامور کارهای ما مینماید متاسفانه ازغفلت وتسامح مدتها بود دولت ایران دربرلن نماینده قابل نداشت حتی دریك موقع وزیر مختار آلمان در طهران این مسئله راخاطرنشان کرده بود جای تشکراست که دولت اخیرا متوجه این مسئله شده ویکی ازرجال کاردان نمره اول این مملکت یعنی آقای حسینقلی خان نواب که مدتی هم وزارت خارجه ایران را داشته است بسمت وزیر مختاری دربار برلن معین وازقرار خبر دوروز بعد بماموریت وارد شده اند وازقرار معلوم این حسن انتخاب در برلن هم حسن اثر داشته ومعظم له را بخوبی پذیرفته اند آقای حسینقلی خان دروکالت مجلس خدمات بزرگی را انجام داده اند مسلم است دراین ماموریت بخدمات بالاتری موفق خواهند شد

انتشار یك خبر موحش

روز دوشنبه درتمام محافل طهران خبر مهیبی شایع شد که یکدسته ازقشون روس ازقزوین بطرف طهران حرکت کردند میزان این عده تحقیقا معلوم نبود چنانکه منظور ومقصود اولیاء دولت روسیه ازاین حرکت انتحار نیز کاملا مجهول بود بالاخره معلوم شد میزان کلیه قوای اعزامی که بچندین دسته قسمت شده ومتدرجا حرکت کرده اند به هزار و هشتصد بالغ میگردد . ازین عده ۴۰۰ نفر قزاق وبقیه سواره نظام وسالدات میباشند لوازم هم ازهر جهت ازتوپخانه وقورخانه آشپزخانه وغیره همراه دارند وهمان روز دوشنبه خبر ورود آنها به کرج رسید .

انتشار خبر فوق یك هیجان نامحدودی در تمام طبقات تولید کرده ، چه این دومین دفعه ایست که عساکر روس ازقزوین یك چنین حرکت بیدوره ناکهانی را مینمایند و از خطرهای واضح آنکه درهر دو دفعه این حرکت مصادف بایام تعطیل وتشکیل اجتماعات بوده است وبدیهی است آثار آن درچنین مواقع زیادتر وهیجان عامه بیشتر خواهد بود ..

تهیه مجاهد در برازجان

ازطرف آقایان علماء شیراز بآقا شیخ جعفر در برازجان اطلاع داده شده است که یك عده مجاهد درآنجا تهیه نمایند ومخارج آنهاهم ازبابت وجوه اعانه ازشیراز فرستاده خواهد شد .

تهیه وجمع آوری اعانه

علماء شیراز همه روزه مشغول جمع آوری اعانه میباشند و ازطرف تجار وملاکین هم مساعدت لازمه شده اخیراهم مبلغی جمع آوری نموده اند ویك مقدار برای مجاهدین ببرازجان فرستاده شده است

در سفارت روس

چهارساعت ازشب سه‌شنبه گذشته شاهزاده شهاب الدوله وزیر فوائد عامه ازطرف آقای رئیس الوزراء بسفارت روس رفته وزیر مختار روس را ملاقات ودراجع بحرکت قشون روس ازقزوین بطهران قریب دوساعت مشغول مذاکرات بودند وشش ساعت ازشب گذشته بدربار مراجعت نمودند . ازقراری که تحقیق شد وزیر مختار روس اظهار داشتند که بواسطهٔ آنکه آلمانها بطهران اسلحه آورده ومحتمل است درایام عاشورا پاره اتفاقات درشهر بیافتد برای حفظ اتباع روس ازقزوین قشون حرکت کرده ودر نزدیکی طهران اقامت خواهند نمود .

انگلیس ها سنگربندی میکنند

بیرجند – انگلیسها درپشت قنسولخانه مشغول ساختن سنگر شده اند نرخ ارزاق روز بروز درترقی است آذوقه هرقدر ازاطراف وارد میشود تا هندوستان که آذوقه قشون انگلیس را کفایت نموده بهر قیمتی که ممکن است خریداری مینمایند اگر این رویه باشد عاقبت وخیم برای اهالی خواهد داشت

مسئله ایران در مجلس عوام انگلیس

برلن – ازلندن خبر میدهند که درمجلس عوام یکسؤالی ازمستشار پارلمانی وزارت خارجه لرد سسیل درباب ایران نموده اند مشارالیه جواب داده که فقط من دراین باب برای جواب خیلی احتیاط کرده میتوانم داخل درمذاکرات بشوم ولی این مسئله دربین وزارت خارجه ووزارت هندوستان درتحت مذاکرات دقیقه میباشد .

لرد سسیل درباب سوء قصدی که در اصفهان شیراز و بوشهر بقونسلهای آنها شده حمل بتحریکات دشمن نموده است .

مستشار مزبور درضمن نطق خود اظهار نموده که :

« این سوء قصد ازآن تحریکهای دشمنان ما تولید شده است . حکومت

انکلیس درنزد حکومت ایران تشبثات بزرکی کرده است .

حکومت ایران امروزه دریك موقع مشکلی میباشد . فقط خیال ما اینست که جد وجهد کرده آسایش حکومت طهرانرا برقرار نموده وبعضی عوارضات مضره را ازان رفع نمائیم معهذا دراین موقع که جنك عمومی اروپا امتداد می کند برای ایران تجهیزات قشون نیز خیلی مشکل است ولی ما امیدوار هستیم که وسایل کارهای ایران بخوبی فراهم شود . دولت انکلیس در باب معاونت نقدی نیز بایران وعده داده است زیرا در محافل سیاسی دراین باب مذاکرات جریان نموده است .

دولت انکلیس حاضر است که بایران یك مساعدت عظیمی نماید . »

علامات حیات جدید درایران

بیاناتی که در مجلس عوام انکلیس درباب ایران بوده خیلی قابل اهمیت میباشد . سؤالی که د باب سیاست ایران از وزیر هندوستان کرده اند درجواب آن خیلی احتیاط کارانه شروع بسخن کرده وبیان نموده است که امور سیاسی مملکت مزبور دربین وزارتین خارجیه وهندوستان با کمال دقت وسعی وارد تصفیه میشود . وزیر مزبور درباب بی احترامی وسوءقصدی که دربوشهر وشیراز واصفهان بقونسولهای انکلستان شده حمل بتحریکات دشمن نموده است .

این کونه بیانات دوستانه انکلیسها که درحق ایران وایرانیان اظهار میشود طوری مساعد وطوری برای ایران صرفه دار است که اینطور رفتار تا کنون ازخاطر دیپلماتهای شرق وغرب خطور نمی کرد . کار بجائی رسیده که حرکات خصومت کارانه که ایرانیها برعلیه آنها می کنند انها تمام آن حرکات را حمل بتحریکات دشمن می کنند . یعنی تمام تقصیررا بکردن ما کذاشته دولت ایرانرا ازمسؤلیت معذور میدارند بعلاوه ازقرار معلوم دولت انکلیس یك مسئله استقراض هم بمیان آورده و بدین وسیله میخواهد یك معاونت فوق العاده بایران نماید .

مکر چه شده است که انکلیس بازبان ملایم بادولت ایران حرف میزند . بین زبان آتش فشان برتانیای کبیر چه شده است ؟ جهت چیست ؟ زمانی بود که دیپلماتهای دولت مزبوره بهانه اینکه درفلان نقطه ایران سر قونسولها دزد می کند میخواستند ایرانرا زیرورو نمایند . ولی امروز کارهای باین بزرکی را ماست مالی کرده حمل بتحریکات آلمان وعثمانی می نمایند ؟

بعقیده ما جواب این مسئله خیلی بسیط است دولت انکلیس دیکر ازایران ترسیده . زیرا دول آلمان واطریش وعثمانی مغلوب شده بلکه بالعکس درهر نقاط فاتح بوده ودارند فتح مینمایند . امور شبه جزیرهٔ بالکان نسبت بآنها خیلی وخیم شده است ازطرف دیکر دولت ایران هم کار متفقین را خراب مشاهده نموده درصدد افتاده است که اززیر بار استبداد روسیه وانکلیس بیرون آید . آن خوف ووحشت واضطرابیکه تا دیروز درقلوب ایرانیان جای کیر شده بود امروز دارد متدرجاً زایل میشود ووطن خواهان ایران نیز ازین احوال استفاده کرده با کمال جدیت برای احیای مملکت کوشش مینمایند . اینست که دولت انکلیس بخوبی فهمیده است که دیکر باسر نیزه ازعهدهٔ ایرانیان نمیتواند برآید حالا یکدفعه حرارت خودرا بدرجهٔ صفر تنزل داده است .

اشخاصیکه باپلتیك انکلیس آشنائی دارند و درست بلدیت که دیپلوماتها بجز آنتریك ودروغسازی وشارلاتان بازی چیز خود نمی کنند امروزه درست ملتفت شده اند که سیاست کنون بجز یك اعتراف بعجز نمیباشد . تمام عالم میداند که نه ما و نه با آلمانها درعلم تحریك بازی وآنتریك سازی باانکلیسها نمیتوانیم بر بکنیم . امروز آلمانها ازمملکت ایران خیلی دورافتاده مانیز درای بکلی عجمی وبی ارتباط میباشیم . ولی برعکس ما . دولتین روس وانک اکنون تمام امور سیاسی ایرانرا بدست کرفته اند . بواسطه این اولا ما در خاك ایران تحریکات نمیتوانیم شروع بکنیم ثانیا اکر شروع طبعا موفق نخواهیم کشت میتوان کفت دولت انکلیس وخیم خویش را درایران بخوبی احساس کرده است واستعداد ایرانی هارا خود یقین نموده است ولی غیرازینکه این اوضاع را حمل بتحریکات دشم چاره ندیده است ! این نکته را نباید فراموش کنیم که اکر دولت انکلیس درمقابل تحریکات ما بمغلوبیت خود اقرار کند . باز نمیتواند دلهای پرآتش اجزای مجلس عوام را خاموش نماید . طبیعی مغلوبیت بتحریکات بمنزلهٔ مغلوبیت و اضمحلال خود میباشد که انکلیس وروس تقریبا این مغلوبیت وهزیمت معنوی را هم میبای

وقتیکه در لندن اعضای حکومت در مجلس عوام انکلیس میدهند هرشب در کربلای معلا عربها مجلس جشن منعقد کرد خوبست که انکلیسها مغلوبیت معنوی که درایران دوچار شده تحریکات آلمان وعثمانی نکرده وبلکه جهت مهم آنرا از انقلا که در بیانهٔ ما وایرانیها جریان میکند بدانند حقیقت هم در میان ایران وهم درافکار عمومی دوستی عثمانی وایران روز بروز زیا می کنند بناء علیه ازجریان امور ظاهر میشود که خلاصی ایران روس وانکلیس فقط وفقط مربوط بیك جهاد مشترك میباشد جریانات حاضره تقاضا می کند که ایران بااتفاق داخل عملیات شده وخود را داخل معرکه های آتشین نماید . لکن درمملکت بااینهمه اوضاع – علامت حیات مشاهده میشود وطریق نجا شده است . ما می بینیم که این جریان در آخر کار ایرانرا هم بمرام که برادر دینی آن میباشد بیك طریق مستقیم سوق نموده وبدین ایرانرا ازدست ظالمانهٔ روسیه وانکلیس خلاص خواهد نمود . . . متحدین خویش میخواهیم ایرانرا ازچنك دشمن نجات بدهیم نجات هم میتوانیم برائیم . بالاخره ماازایران تشکیل صدها هزا نمیخواهیم فقط . چیزیکه ازآنها امیدواریم یك حرکت وات تشکیل قوی ایران نمایند . (طنین)

خیال پادشاه رومانیا

در یکنمره روز نامه (آده ور ول) مطبعه بکرش وچهار سال مستقل رومنی طبع شده بود یك مقالهٔ در تحت عنوان (جیست) مندرج بوده است . درمقاله مزبور ملاقات پادشاه روم فرانسیا سیون رومانی شرح میدهند که کویا در آن ملاقات پادشاه سیاست امروزه را پیش بینی کرده بود .

در اثنای همان ملاقات پادشاه رومانی بیان کرده بعقیدهٔ من دراین جنك آلمانها فتح خواهند بود زیراقوای آلمانها تمام شدنی نمیباشد هم ازجهت نفوس وهم ازجهت نظام وهم ازجهت گلولهٔ توپ که مانند کوهقاف بر توده اند بر دشمنان خود تفوق دارند .

دیپلومات مزبور در جواب پادشاه اظهار نموده است که :

«اعلیحضرتا ! آخر دشمنان آلمانها نیز ازوطن پرستی وازمملکت خواهی بهره مندند . آنها نیز برای محو کردن آلمانها محتاج حیات وممات گردیده اند وهمچنین ازهرگونه فداکاری شانه خالی نخواهند کرد مدت چهل و پنج سال است که آلمانها باین جنك حاضر شده اردو نظام فوق العاده خوب است وهمچنین توپهای چهل ودو سانتیمتری دارند گلولهٔ آنها نیز ازحد زیاد است لکن در آخر کار بکلی خسته ومانده خواهند شد .»

پادشاه ازدیپلومات پرسیده است :

«خیلی خوب وقتیکه آلمانها خسته وماندهشدند متفقین امکان قوای اولی را خواهند ماند ؟»

دیپلومات جواب داده است

«اعلیحضرتا خیلی مشکل است . من تصور نمیکنم آلمانها تا آخر کار جنك دوام نمایند زیراپول وقشون درمملکت متفقین خیلی زیاد است میرسد که اسلحهٔ آنها نیز زیادخواهد شد که آنوقت میتوانند فاتح شوند .»

پادشاه می گوید :

«خیر ! ممکن نیست آلمانها هیچوقت مغلوب نمیشوند . اردوهای آلمانی قابل اضمحلال نیستند .»

دیپلومات صحبت خود را تغییر داده می گوید :

«اعلیحضرتا ! تاجوتختی که از کنت « میخائل وشیاز » نجات عالی رسیده است من تصور میکنم که بعد ازچند روز این مملکت در دست بزرگ وسیع تر خواهد بود .»

پادشاه ازاخرین کلام دیپلومات متغیرشده باکمال حرارت مشت خود را بروی میز زده میگوید :

«بطور مگر . مگر شماگمان می کنید که مملکت اتریش تجزیه خواهد شد . هیچ وقت !» (تو وو ریغا)

ترجمه از اخبار های عربی

بیانات یك مسلم فرانسوی

یك عسکری مسلم فرانسوی که از اردوی فرانس بگریختن خود خلاص کرده به اردوی آلمان آمده بود تصریحات ذیل را بیان میکند .

من — ال … — و فرقهٔ زابیور جزائری که همهٔ افرادش مسلمانان را دران وطن ما میباشند منسوب بوده واز ابتداء جنك در وقائع مهمه میدانهای محاربه موجود بودم . بسیاری ازافراد فرقهٔ مزبورهٔ ماهدی لعفنات خندقهای زیر زمین که قابل حیات نبودند بمرضهای مختلفه تلف وهلاك شدند .

عسکر های مسلمانان که در اردوی فرانسوی هستند بیك حال غیرقابل تعریف ووصف میباشند که انسان ازدیدن شان جگر خون میشود . آنها را بخندقهای وصفهای اول میدانهای محاربه هدف تیر دشمنان میکنند بخلاف عسکر های فرانسوی کها کمال امنیت وامان دور نشسته میباشند وعلاوه برین ناخوشها و ضعیفهای مابعوض اینکه مداواشان بخوبی در اسپتالها وشفا خانهای اردو شود بزور قمچین ولت وکوب بمیدانهای محاربه جبراً سوق میکنند تابسیاری از افراد فرقهٔ من از عدم اغتذاء وا کثر ها وسردی هوا و موجود نبودن البسهای ضروری فوت وهلاك شدند ودر وقت گرفتن نان وخوراك عسکر ، مسلمانان آخرین فرقهامیباشند آنهم اگریك چیزی زیاده ازخودشان ماند وبااینطور ملاطفه وملاحظهٔ فوق العاده مهربانی کنند . وعلی الاکثر مارهنه میباشیم که بدنهای ماجز یك پلاس پارهٔ قطعهای قاش که مدافعهٔ اینچنین خنکهای زور را نتواند دیگر چیزی را نمیابیم . از اینچنین چیز های دلخراش صرف نظر کرده یك بار باحوال مردگان ما نظر بیفکنید که انها را چنان دفن میکنند که نه باصول دیانت ونه باصول انسانیت موافق است . در مابین ما بعوض ملاها ومشائخها راهبها وپاپاها کهازطرف حکومت مقرر هستند میباشند که مشاهدات که در اخرین ثانیهای حیات هرمسلم از اثنائیکه درانجا کسیرا نمیابد که تلقین کند . ایضاً ماآتقهای رنگارنگ بسیار موحش دلخراش هر ساعت و هر دقیقه میشنوم ومیبینم واگر یکی از مایك گناه بسیار خفیفی بکند هزار ها سبا و شتمهای دلشکن واقع میشود وحکمهای ظالمانه بموجب قانون عسکریشان که تنها رما بچارها تطبیق میشود جزامیدهند

حال ماسیار مؤثر وموسف یك حالست کهاز طاقت انسان خارجست ، بعداز بیان حالهای مافوق یکی از شنوندگان ازاو پرسید که مایك چیزی بسیار عجیب شنیده ایم که بسیاری ازمسلمانان جزائرهای خودشان در اردوهای عثمانی داخل شدند آیااین درست است ؟

بجواب این سوال بعد از کشیدن یك آه پرامرار گفت .

آیا کسی باور میکند که ادمی که اداعقل داشته باشد اعتراف وجدانی از عیال خود ووطن خود وخانهٔ خودرا می پسندد وخود را بمیدانهای هلاك ومرك می اندازد ؛ علی الخصوص که دران جنك ثواب اخرت هم موجود نباشد . حاشا لکن اگر حقیقت را شما قبل بدهم و حال مارقت خواهید اورد زیرا ما را بدرجهٔ بفقر و فاقه رسانیده اند که مرك را برزندکی بهتر میدانم درمیدان جنك امدیم که از گرسنگی نمیریم حال آنکه درانجا هم شمهٔ از احوال مارا شنیدید که چیست واگر تحقیقت بدانید همهٔ رفقاء ما منتظر هستند که چه وقت یك فرصتی بیابند وذیا خودرا رسانیده بتوانند —

پل انور پاشا

حفریات قنال که دورادور (برلین) برای تسهیل نمودن نقلیات پیش آغاز نموده بودند بانجام رسید . ونهر (شپره) که دران شهر عظیم مرور میکند امروز قابل سیروسفر جهاز های خرد وکلان شد

وبران قنال دوپل بسیار مهم قائم نمودند که یکی ازانهارا بنام ولی عهد المانیا ودیگری بنام ناظر حربیهٔ دولت علیهٔ عثمانیه (انور) پاشا مسما نمودند که ازان معلوم میشود که دلاوریت وشجاعت مفرطهٔ آن قائد فاتح الشان را قدر شناسی عظیمی دارند

مکاتبه درمابین امپراطور المانیا وانور پاشا

جناب دولتمآب انور پاشا یك تلغراف مبارك بادی در خصوص باتحاد رسیدن تشکیل جمعیت اتحاد عثمانی و المانی بحضور اعلیحضرت امپراطور المانیا ارسال نموده بود . بجواب آن اعلیحضرت مشارالیه چنین یك تلغراف فرستاده است که عیناً آنرا درایجا نقل میکنیم :

(تشکرات خالصانه خودرا بجناب شما درخصوص باتمام رسیدن جمعیت اتحاد عثمانی والمانی پیش میکنم که این اتحاد وصداقت صمیمانه که سلاح آنرا بوجود اورده است ابدی باشد

امضا
ویلهلم

فعالیت تحت البحر های المان

ازتلغرافات اخیره که از برلین رسیده چنان معلوم میشود که تحت البحر های المانی درهفته های اخیره دوازده سفینهٔ دشمن را دربحر سفید که همگی شان پر ومملو از عساکر بودند غرق کرده است ازآنجمله یك سفینهٔ نقلیه انگلیزها بود که درمیان آن یکصد نفر ازعساکر انگلیز بغیر از عمله موجود بود .

نطق یکی از خطبای اوردوی چهارم عثمانی درحمص

خطیب بعد از اظهار تشکرات کثیره ازمردم حمص گفت :

ای برادرانم : بکمال افتخار و سرفرازی درمابین تان استاده میشوم وشما را بسبب نصر وظفر بسیار مهم وعظیم جیوش مظفرهٔ خودما که بر دشمنان دین ووطن بمساعدهٔ خداوند جل شأنه احراز کرده اند تبریکهای قلبیهٔ خودرا تقدیم میکنم وازین فتوحات عساکر اسلام معلوم میشود که انشاءالله آن وقت و آوان رسیده که استرداد واسترجاع شرف ومجد قدیم خودرا که از ایام [illegible] آن دشمنان [illegible] آن را مضمحل نموده بودند نزدیك شده است چنانچه امروز جمیع اخبارها وجریدها ورسالهای موقوتهٔ عالم که درروی زمین نشر میشود ازدشمنان ودوستان شهادتهای محیرالعقول بردلاوری وشجاعت دهشت آمیز عساکر مظفرهٔ ما ثبت صحیفهٔ ایشان میکنند .

مصارف انگلیس درین جنگ عالمگیر

لندن – دوم نومبر سنه ۱۹۱۵ ع

دراثنای خطابهٔ طویل درپارلمنت (مجلس ملی) وزیراعظم انگلستان گفت – حالت مالی (ما) امروز خطرناك است . ما اسباب ضروریه را از دیگر بلاد میخریدیم وسی ملیون پوند (۳۰۰۰۰۰۰۰) ماهانه زر بمقابلهٔ آن اسباب بیرون میفرستیم . ومصنوعات مابعوض اشیای مجلوبه بممالك اجنبیه فرستاده نمیشود – اما پیش ازجنگ صرف یازده ملیون پوند زربعوض اشیای مجلوبه هرماه میفرستادیم (۱۱۰۰۰۰۰۰) – ما متحدان خود ودیگر اقوام قرض هم میدهیم . که مقدمهٔ آن قرضها را دوست من وزیر مالیه در خطابهٔ خود پیش این مجلس ملی عرض کرده است ومیزان کل آن قرضها میان این سال مالی روان تاچهار صد و بیست وسه ملیون پوند (۴۲۳۰۰۰۰۰۰) میرسد – ما نمیتوانیم بگوئیم که درآیندهٔ پیش چه خواهد آمد

اعلان

سراج التواریخ

جلد اول – و دوم

زندگانی جاودانی هرقوم وملت (تاریخ آنست) . (سراج التواریخ) آئینهٔ حیات نمای ملت جلیل افغانست . زیرا از آغاز تشکیل وتکمیل یافتن دولت افغانیهٔ عالیه تخت مرادکه برای حال واستقبال ملت بهترازین درسگاه عبرت . وخوشتر ازین آئینه ملت تصور نمیشود . هرفردی از ملت را واجب است که یك نسخهٔ ازآنرا بدست آرند وماننده حرزجان در کتابخانهٔ قلوب خودشان نگهدارند . علی الخصوص که کتاب مذکور به نیت خالصانه وخیر خواهانهٔ استفادهٔ عمومی بامروفرمان ذات همایون صفات پادشاه مقدس ما اعلیحضرت « سراج الملة والدین » تألیف وتدوین ودرمطبعهٔ حروف دار السلطنه کابل بزیورطبع آرایش وتزئین یافته است.

جلد اول این کتاب از ابتدای سلطنت خاندان ذیشان (سدوزائی) یعنی از آغاز تأسیس واستقلال دولت علیهٔ افغانستان تاورود اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان مرحوم جنت مکان ازهند در کابل تخت مراد وجلد دوم آن ازحکومت خاندان جلیل الشان (محمدزائی) یعنی ازابتدای حکومت اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان تاء اول جلوس اعلیحضرت « ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان » طاب ثراه وقایع تاریخیرا جامع میباشد برکاغذ اعلا بحروف نیم طبع رسیده است . قیمت کتاب مذکور نسبت بزینت وخوبی تجلیدآن ازقرار ذیل است

نمبر (۱) پشتی چرمی چرم تصواری دانه‌دار کابل تخت جهار حاشیه جدول طلاء کار نشان دولت واسم کتاب از ورق طلای اصل جزء بندی شده مبلغ شانزده روپیهٔ تختهٔ کابلی —

نمبر (۲) پشتی مقوا ابریه کرمانی چهار کنج وزیرجرم قرمزیه حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلاء جه سیزده روپیهٔ تختهٔ کابلی —

نمبر (۳) پشتی مقوا ابریه [illegible] ۷ [illegible] میتی سرخه کابلی تخت حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلاء جزء بندی شده یازده روپیه تختهٔ کابلی وده شاهی —

نمبر (۴) پشتی مقوا روبه ابری چهار کنج وزیرچرم میتی سرخه کابلی تخت حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلاء جه کوک بندی شده ده روپیه تختهٔ کابلی وسه شاهی —

نمبر (۵) پشتی مقوا روبه ابری سرخ چهار کنج وزیر کرمشیاء اسم کتاب ونشان دولت ورق طلاء جه کوک بندی شده نه روپیهٔ تختهٔ کابلی ویازده شاهی —

محل فروخت

درنفس ارك مبارك که از تحویلخانه جناب محمد ولیخان مرحوم در بازار ارگ از دکان عبدالله خان

چون کتاب مستطاب سراج التواریخ چهار جلد میباشد اگر بیك وقایه وشیرازه میشد حجم کتاب موصوف کلان میشد لهذا اعلیحضرت همایون والا امر نمودند که جلد اول ودوم دریك وقایه شیرازه شد وجلد سوم وچهارم آن که هنوز درزیر طبع میباشد وبعد ازانکه ازطبع برآمده مقوا کرده شد انشاءالله اعلان فروش آن نشر کرده خواهد شد فقط

در چاپخانهٔ حروفی دارالسلطنه کابل طبع گردید

هرمقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر وسر محرر تحریر یافته

محمود طرزی

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا

یاد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که ازشکایت رسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خودرها توانیم ممکن نشد لهذا باداکتخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یک معامله نموده دا کتخانه مشارالیه تقسیم وتوزیع اخبارمارا که بهمه مشترکین کرام رسانده درعهدهٔ همت خود قبول نمود . مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خودرا تبشیر ویاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای دا کتخانه بخود شان میرسد .

شرایط خریداری

دارالسلطنه		ولایات داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

هرجائیکه باشند اجرت پوست

قیمت سالیانه | ده روپیه انگلیزی قیمت ششماهه | شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراک قبول نمیشود

یک طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است از ثمن قرار حساب کنند

یاد آوری

بعموم کارداران نظامی وملکی وجملهٔ خریداران سراج الاخبار افغانیه اعلان وخبر داده میشود اگر ازیک جا بدیگر جا رونده وروان باشند میباید که یک رقعه مدیر وسرمحرر را خبر بدهند که من درفلان جا بودم وحال درفلان جا میروم اخبار مرا درانجا بفرستید . هرگاه همچنین یک رقعهٔ شان برای مانیاید واخبار شان برای شان نرسد حق شکایت را ندارند

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، ویا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود درسرهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی ۲/۱ روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی ۲/۱ روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . تطویل سطریک ستون اخبارما (۳ — انچ — ٤ — سوت) میباشد

هرکه شخصی اعلان خودرا تمهیداً تایک سال نشر کردن خواهند ووجه یک ساله را پیشکی ادا نمایند درورق شی ۳ در سطری ستار اجرت گرفته میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1534 of 1786

(اعلان)

پراکنده

از آثار مطبوعهٔ تازهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت، وعبارت از یک مجموعهٔ اشعار انذار تجدد آگاهی میباشد که بکاغذ اعلا، وخوش طبع دلربا، باتصاویر بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است. اگرچه از تحت خط وخیال بعید است ولی مضامین وخیالاتش سراسر بیکطرز جدیداست. نسبت خوبهای ظاهری ومعنویش قیمتش خیلی ارزان. یعنی بمقابل (۲) دو روپیهٔ کابلی در خود مطبعهٔ عنایت از نزد عبدالرؤف خان سر مرتب. ودر بازار ارک از دکان باز محمد. ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب هرکس خریده میتواند.

اعلان

جزیرهٔ پنهان

خوشگذاران مطالعهٔ آثار ادبیه را مژده! از این نوبر رسیدهٔ گلزار، مطبعهٔ عنایت، کام جانرا شیرین نمائید! «جزیرهٔ پنهان» یک ناولیست که قوت علم ومعرفت وسعی وغیرت را برای اساس زندگانی نوع بشر بنظریات وجلوه گر میسازد. هم حکایت، هم عبرت هم فن، هم فضیلت! خوش چاپ، خوبی کاغذ، خوبی تصویرش علاوه. قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان! تنها (۶) شش روپیه محل فروخت طبع مطبعهٔ عنایت در ده افغانان، دکان باز محمد در بازار ارک، دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی.

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد

کتاب سال دوم " " " مصور مجلد

کتاب سال سوم " " " مصور مجلد

کتاب سال چهارم مصور مجلد

عز و اسلامیت

آیا چه باید کرد؟

ادب درفن

توحید

مختصر جغرافیای عمومی

این کتابهای فوق دراداره موجوداست. هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کند.

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

قیمت روپیه کابلی	
سیاحت دورا دور زمین بهشتاد روز مجلد	۲
سیاحت در جو هوا مجلد	۲
سیاحت در زیر بحر مصور مجلد	۴
از هر دهن سخنی واز هر چمن سمنی مجلد	۲
روضهٔ حکم مجلد	۲
پراکنده مصور مجلد	۲
جزیرهٔ پنهان مصور مجلد	۶

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوق را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت در ده افغانان از نزد عبدالرؤف خان سر مرتب واز دکان باز محمد خان کتابفروش دربازار ارک واز دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی بقیمتهای معینش خریداری کرده میتوانند.

واگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوق را بکنند بمدیر سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند.

اعلان

کتابهای مجلد سراج الاخبار افغانیه، وکتابچههای علاوهگان وشماره های متفرقهٔ آن، وهمه کتابهای مطبعهٔ عنایت را خریداران که آرزوی خریداری آنهارا داشته باشند از دکان حاجی ملا غلام محمد خان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی، واز دکان باز محمد خان تاجر کتب در بازار ارک بقیمتهای معین آن خریداری کرده میتوانند ونیز در خود اداره در ماشینخانهٔ مبارکه، ودر خود مطبعهٔ عنایت در ده افغانان هم بفروش میرسد فقط

سراج الأخبار افغانیه
۱۳۲۹

شمارهٔ ۱۲ سال پنجم

فهرست مندرجات

آنکه مات را کند مسعود وشاد (	
مکتوب وجواب آن (	
یك ضیاع ابدی افسوس ناك (	
حوادث خارجیه	عکس عمل عددها — دم های بزرك کوره جنك — طرز عمل آینده ژاپان — تعلق یکی از خطاباتی اردوی چهارم عثمانی درحمص — احوال هندوستان — قتل انسپکتر پولیس — قوت دارها — سرقه — بامب درداك خانهٔ بزرك لاهور — دارها درنواح کلکته — داره درملتان — خبرهای جنك — عراق عرب — آخرترین حوادث ازاخبارهای ایران — اخبار واصله بسفارت اطریش — سفرمابین برلین واستانبول — کشتی تحت البحر بزرك دربحرمتوسط — کدام کس را باعث هلاکت سرویا قرار داد — منع ازشکار کبوترها — ترکان چسان جنك میکنند — خدا شکر خواران را هرجاشکر میدهد — جنك ایران برسرحد بلوچستان — جنك برسرحد یونان منار کلیسارا ازپادر آوردند — کیفیت موسم دررزمگاه مشرق — ترجمهٔ اخبارهای انکلیزی واردو معرکه خونین —
اعلان	(سراج التواریخ
تصاویر	از کارستانهای تحت البحر های المان — ایضاً از کارستانهای تحت البحرهای المان — کذا از کارستانهای تحت البحر المان — ازمنظر های محاربه —

اعلان

ازصنایع بروزیهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جر کار خانه جات . ماشین خانهٔ مبارک دارالسلطنه کابل علاوه براینکه حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه و اونیفورمهـ عسا کر شاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخلی که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که ازحضور اعلیحضرت هما حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ، ذیل (دکان عبدالله خان دربازار ارک) میباشد.

(۱)	سرجهای پشمینه بافی رنگهای مختلف که قیمت آن ازقرار گرانکلیزی ۳ فونه مشخص شده ودرصندوقخانهٔ جنسی هم بفر وش میر										
اقسام	قسم اول					قسم دوم					
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم مقدری که قیمت آن ۱۰ پیسه زیادت	
رقم	کاملاساخته‌نشده	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودر
قیمت		۷ روپیه ۵ پیسه	۶ روپیه ۱۱ پیسه	۶ روپیه ۴۲ پیسه	۵ روپیه ۴۸ پیسه	۶ روپیه	۵ روپیه ۱۸ پیسه	۶ روپیه	۵ روپیه ۱۰ پیسه	۶ روپیه ۱۰ پیسه	۵ رو ۲۰

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکلیزی | کشمیره چهارخانه ۷ روپیه ۳۵ پیسه | کشمیرهٔ دهدار هر قرد ۷ روپیه بیست

(۲)	جراب		
رقم	نکبانک زوج	راهدار زوج	معمولی زوج
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه

(۳)	تکمه‌های چرمی محراب ومنبردار	
کلان قدرجی	میانه قدرجی	خورد قدرجی
۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۵۰ پیسه

(۴)	کروره های جدیدساخت			
رقم	زه بافی یک اسپه دوکره ده ناره	زه بافی یک اسپه دو کره سه ناره	چرم بافی یک اسپه	یک اسپهٔ چار نارهٔ نخی
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲۴ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۹ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم باف دسته‌داری دو اسپه	چرم باف دسته دولاته یک اسپ	دسته دولاتهٔ یکی چار اسپه	چرم باف عمرکان
قیمت	۴ روپیه و ۸۱ پیسه	۴ روپیه و ۶۹ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۴۳ پیسه
رقم	قبضه ورنجی کلیت نقره و تغاره	قبضه کلیت نقره‌دار چرم بسه لایه و تغاره	زه باف رقم سواری ساتی کلیت	زه باف دو نارهٔ رکاب
قیمت	۳ روپیه و ۵۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۷ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵۴ پیسه
رقم	رکابی ازغ	چرم باف میانه چوب پت زنانه	اززین سواری نیم چرمی	زنانهٔ ابریشمی خیاطه
قیمت	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۵ روپیه و ۸۱ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته‌داری نیم چرمی	دسته دولاته‌ساتی ورنجی کلیت نقره	اززین سواری دولایه نیم چرمی کمک دار	چرم باف مایق پیت یک اسپ
قیمت	۴ روپیه و ۴۹ پیسه	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

(۵)	اقسام گلهای مصنوعی نمر			
قیمت	گل جریق	گل نافرمان	گل رینه	گل شبو
قسم	۵ روپیه و ۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۶ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قیمت	شکوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل استرل	جنبلی
قسم	۷ روپیه و ۴۵ پیسه	۶ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
	شکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

(المشتهر) (میر محمد هاشم دفتری کار خانه جات (کمیدان نظامی)

صحیفه (۱) سال پنجم شماره (۱۲)

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

قیمت سالیانه
دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
ولایات داخله ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
ولایات خارجه ۱۰ روپیه انگلیزی
پانزده روز یکبار نشر میشود
یک نسخهٔ آن در کابل یکعباسی است
(اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود)

مدیر و سرمحرره
محمود طرزی

ادارهٔ تحریر و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ قمری ۱۵ ربیع الثانی ۱۳۳٤ تاریخ انگریزی ۱۹ فروری عیسوی ۱۹۱۶ تاریخ شمسی ۲۹ دلو ۱۲۹٤

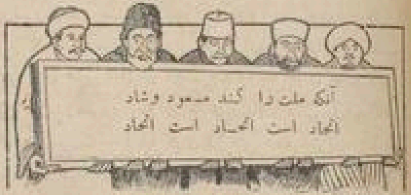
آنکه ملت را کند مسعود وشاد
اتحاد است اتحاد است اتحاد

در شمارهٔ گذشته حوادث مراسم دربار معالی بار ، و بیانات حکمت آیات ذات قدسیت صفات شهریار علویت آثار مراسم گردار خود مان را بمخاطبین اخبار نموده بودیم ، درین شمارهٔ خود خواستیم که شمهٔ از شرح و تفسیر آن کلمات سراسر حکمت ، و جملگی سعادت کوشش ورزیم : چون قسم اعظم نطق همایونی را اوصاف اتفاق و اتحاد ، و ذمایم تفرقه و اختلاف باهمی ، دولت و ملت ، تشکیل داده بود ، و توضیح و شرح همین بیان مقصد مهم ، و جزو مهم دربار فرخنده آثار بود ، از آن رو ما نیز این مقصود را نصب العین ساخته مبحث خود قرار دادیم ، و مفاد مضمون کلمات مشحون مصرع ذیل را که بتاربط موقع ، و مناسبت حال ، ذات اعلیحضرت پادشاه مکارم خصالما در خصوص روابط و مناسبات خصوصی ، دولت و ملت ، حسب مقال ارشاد و تذکار فرمودند مرکز استناد و مأخذ استدلال تعین نموده بشرح و تفصیل ان پرداختیم ، ذات ملکوتی صفات اعلیحضرت همایونی در اثنای سلسلهٔ نطق مبارک شاهانهٔ شان ، اتحاد دولت و ملت ، و تعلقات هر دو را بدین مصرع تشبیه و تمثیل فرمودند : ـ [چون دو نگینند و یک انگشتری] !

حقیقتاً که در اینجا این مثل خیر مناسب و محل افاده است ، بلی !! ملت و دولت ، هر دو در محیط دایرهٔ طاهرهٔ وطن بمثابهٔ دو نگینی که در حلقهٔ یک انگشتری نصب و تعبیه شده باشند رونق افروز و طلعت سوزند ، و چنانچه ثمن ماهیت و حیثیت انگشتری را گرانقدر و رنگین میسازد ، همچنان وجود متمم نموده ، دولت و ملت ، در داخل حدود وطن باعث بقا و تزئین آن سرزمین فیروزمند اکبر میشود ، و چنانچه قدر و قیمت و زیب و زینت انگشتری به نگین است ، در مقابل آن وطن نیز بوجود سعادت آمود ، دولت و ملت ، از هر گونه میامن و برکات بانواع کرم و نعم الهی مملو و رنگین است . دولت و ملت ، نه تنها باعث بزرگی و اهمیت و قدر و قیمت وطن خیال و تخمین میشود بلکه اگر بنظر تحقیق و دیدهٔ تدقیق دیده شود ، ثبات و حیات حقیقی وطن سراسر بوجود ، دولت و ملت ، موقوف و منحصر است ، و در صورتیکه وطن مالک این دو جوهر عزیز نباشد هرگز بران اطلاق لفظ ، وطن ، را نتوان کرد ، زیرا مفهوم اصلی و حقیقت معنوی کلمهٔ مقدسهٔ ، وطن ، عبارت است از یک قطعهٔ وسیعهٔ محدود ، و یک قطعهٔ شریفهٔ برکت اندود که یک جمعیت بزرگ افراد بنی بشر که در تحت نفوذ یک دین و یک آئین ، و در زیر حکم یک پادشاه ، و یک قانون حرکت کنند مأمون و مسکون باشد ، پس هر قطعه که ازین اوصاف عاری و ازین شروط و قیود آزاد و خالی باشد آنرا باسم ، وطن ، موسوم نتوان ساخت ! بناءً علیه میتوان گفت که وجود ، دولت و ملت ، در جسم وطن بمنزلهٔ روح سایر و دایر گردیده آنرا مالک حیات حقیقی و صاحب حرارت غریزی ساخته توانسته است ، و اگر این دو جوهر گرانبهای حیات آور در شخص وطن موجود نباشند آنرا در اصطلاح اطبا یک جسم بیجان ، یک تن ناتوان یک هیکل بی روح و روان تعریف و توصیف باید کرد و باعتبار فن جغرافیا آنرا یکدشت بی پناه ، و یک صحرای بی گیاه ، و یک وادیٔ بی میاه تسمیه و تعبیر میباید نمود ، و چون ، دولت و ملت ، با ، وطن ، دو رفیق لازم و توأمی هستند ازاینرو اگر این هر دو جوهر عزیز را که مادهٔ حیات و بقای وطن میباشند بنزاز یکدیگر تفریق و تمیز دهیم هیچکدام کاری زاید و خالی از فواید نکرده خواهیم بود ؛ چنانچه ، ملت ، مراد از آن هیئت عظیم مجتمع افراد بشریه است که در یک موقع محدود و محل مخصوص که عبارت از وطن است اخذ مقام و عرض اندام نموده باشد ، و همان سرزمین عطوفت آگین سعادت مکین مولد و مسکن ، و مأمن و مدفن آبائی او بوده ، مادهٔ تولید و تخلیق وی که عبارت از گوشت و پوست و رگ و پی باشد از طرف آب و هوا و محصولات و ماکولات مزروعی آن

خاك پاك تربیه و آماده شده باشند . هر چند در ان خطهٔ شریفه اقوام وعشایر مختلفه‌ای ساکن باشند . مگر بینی که همهٔ آنها علی السویه در همین سرزمین محدود قدم از عرصهٔ عدم بعرصهٔ وجود نهاده‌اند رهمه طوایف و قبایل مختلف آن باطلاق « ملت واحد » کرده میشود ! و « دولت » مقصد از یك هیئت حاکمهٔ عظیم القدر جلیل المرتبهٔ است که از نفس خود ملت بغرض سرانجام نمودن بعض امور لازمهٔ مهمهٔ مانند نظم واداره وطن وغیره بطوریك آمر وحیثیت یك متبوعی قبول شده باشد که جمیع افراد ملت من حیث المجموع تابع ومطیع قواعد واصول موضوعهٔ وی باشند !

این مرسه مقدسات « دولت . ملت . وطن » بنا بروسایط وروابط جسیمه ، ومناسبات عظیمهٔ که باهم دارند با بصورت یك عائلهٔ مشابهت میرسانند که وطن بمنزلهٔ یك والدهٔ شفقت شعار ، ودولت بمنزلهٔ یك والد بزرگوار ، وملت بمثابهٔ یك فرزند رشید جرار این عائلهٔ محتشم واین خاندان مقدس محترم است . وهرسه نفرشان همین بخیر جاو آرزو دارند که بکمال عافیت ورفاهیت در مسافقت وموافقت همدیگر از نعمت حیات حظ ولذت گیرند . وازوجود وبقای خود شان بس ممنون ومسرور ، وخیلی خوشنود و مشکور دیده میشوند . وچنانچه حقوقی که مادر را در حفظ عرض وناموس خود برفرزند وخاوند ثابت است ، همچنان اطاعه نمودن حق بزرگ وطن که مراد از حفظ ناموس وشان وشرف معنوی آن باشد بردولت وملت متحتم است ومی باید که دوامن وصیانت آن از تجاوز وقت . تعرض اغیار تارمق درایشان باقی باشد بهرگونه مدافعات شدیده بدل وجان کوشیده . وهمه وقت یگانه مدنظرشان قوت ومتانت وتوسیع وعظمت آن بوده . همواره بالاتفاق درحصول فواید و منفعت ذاتی آن ساعی وجاهد باشند . وچون وطن بکمال عاطفت ومرحمت ملت ودولت رادر آغوش شفقت ولطافت خودجا داده است . ازاین رو بجا آوردن این حق وطن ازطرف هیئتهای معظمهٔ دولت وملت وجدانا وایمانا یکدین واجب الادا است . وهمچنان « دولت » رابرملت حقوقی مسلم است چنانکه پدر را براولاد . وملت را می باید که مانند یك ولد اهل وصالحی که همیشه بوالد خود مطیع وفرمانبردار باشد . درهرحال بدولت تسلیم وتابع بوده ، دائما برای تحصیل رضای اوامر ومال وتن وجان حاضر ومهیا گردیده ، بمجرد اشارهٔ آن در سرانجام نمودن امور بس مهم ودشواری بالهمه موجودیت خویش ثبات واقدام نموده . وهر گونه مصایب ومصاعب شدیده را که دران خیر « دولت » وبهبود « وطن » مقصود باشد متحمل گردیده برخود گوارا سازد وادا نمودن این حقوق « دولت » و« وطن » مانند حقوق والدین برکافهٔ افراد ملت فرض ولازم الادا است . وعلی هذا القیاس « ملت » رابردولت نیز همچنان حقوقی موجود است که اولادرا از پدر امید وتصور میتوان کرد ، یعنی دولت میباید که بمانند پدر مشفق ومهربان درهر وقت وهر زمان در استراحت ورفاهیت ، وترقی و تربیت مادی ومعنوی آن جهد بلیغ وسعی بدیع بکار فرموده چنان راههائی را بغرض تحصیل اسباب ترقی وتکمیل نواقص فضایل اخلاق بروی وی بکشاید که بتوسط آن بیك سرعت محیر العقول در اندك فرصت افکار واذهان عموم افراد آرا بیك ضیای بیضای نور علم وفن منور وروشن گردانیده خود بخود طریق سعادت رفیق فلاح ومقصود واصلاح وبهبود خودرا بیابد . ودولت متعهد و کفیل همهٔ جمیع امور عظیمی است که برای « ملت » از قبیل فایده ومنفعت باشند ، وبجا آوردن این شرایط بذمهٔ دولت یك وظیفهٔ مهمه ویك فریضهٔ لازمهٔ واجب الاجرا است .

لهذا شاربیانات فوق وجود « دولت ، وملت ووطن » خیلی
مربوط وبیکدیگر منوطند ، حتی اگر یکی از ایشان مفقود باشند
ذلت وخواری دورفیق دیگر خود گردیده آنهارا نیزیك جا باخود
ونابود واز عرصهٔ حیات سراسر نفی ومطرود میسازد ، چنانچه
بأس وحسرت می بینیم که مهملتی که از نفس خود هیئت دولت را مالك نیست
ودر زیر اسارت وبند گی یك هیئت حاکمهٔ اجنبی باشند بصورت یك
یتیم که در تحت ظل عاطفت منزل پدر شفقت گستر هیچ تربیت
نشده باشد همواره زبون ومظلوم ، وعاجز ومحزون میباید ، وهمه
معاشرت آن از رسوخ وتسلط غیر ، منسوخ وتمام حقوق
وحریت قومی ازجنبت آن سلب ومسلوخ معلوم میشود ، وهمچنان
وطن نیز از وجود آن دو جوهر عزیز که یگانه مادهٔ حیات آن
محروم گردیده همهٔ آرزو های سعادت وفرخند گیرا که با آنهامی
ازفکر خود نیست ومعدوم ساخته تمام عمر والی الابد تعزیه وماتم
ومالك اصل خود نشسته وخودرا پامال دست جور وظلم اغیارو
شکنجهٔ تعنت تطاول وتعدی اشرار دیده باهمهٔ حسرت وتأسف
ناسپاسان وقابضان حیات خود تسلیم روح میکنند !

وچون سابقا بن ثابت کردیم که وجود وحقیقت وطن بدون
وملت صورت پذیر نیست ، وباعث آزادی وآبادی وپایداری
آنرا نیز همین دو چیز قرار داده بودیم لهذا حالا میگوئیم که
« وطن » بی هستی « دولت وملت » وجود ومعنائی ندارد ، « دول
بی ملت ، وملت هم بدون دولت حقیقی را مالك نیست ، وهیچکدام
انفرادا ، وصورت جدا گانه کاری از پیش برده نمیتوانند ! « دول
بوجود ملت « دولت » گفته میشود وهمهٔ قدر و حیثیت
واهمیت آن بر ثبات ملت منحصر است ، ودر مقابل آن « ملت »
وجود دولت ملاك عزت وشرافت است ، واگر دولت نباشد
لی ! بلکه یك جمعیت خوار وذلیل واسیر وسفیل بشریت متصور
« دولت وملت » بمنزلهٔ که وجود شان بیکدیگر مربوط وحیات
بهمدیگر مشروط است ، هاقدر بمعاونت وموافقت همکنان
وناعلاج دیده میشوند ، ودر صورتی که ملت ودولت باهم
گردیده در هر کار ملاحظهٔ حقوق همدیگر خودرا بجا
بهراس خطیری که اقدام ورزند آنرا حسب المرام انجام خواهند داد
ازرفق ووداد ومحبت واتحاد کار گرفته در حصول مفاد
نقطهٔ مراد کوشش کنند هیچگاه نا کامو بی سرانجام نخواهند ماند
سبب ترقی ملل عالم همانا اتفاق واتحاد دولت وملت بوده است
هر دولت وملتی را که متفقا در پیمودن طریق سعادت وفرخند گی
ساعی و کوشان یافته ایم ، اخیرا بکمال حیرت مشاهده افتاده که
سرعت فوق العادهٔ خودرا باقصای اوج عروج واقبال ومنتهای
واجلال ترقی ورفعت داده‌اند . وبرخلاف آنکه ودولتی که
تفرقه اختلاف را شعار ومسلك خود قرار داده تا آنرا تعقیب کردن
هر آینه دراندك مدت بانواع مصیبت ومذلت گرفتار آمده
وعزت قومی خودهارا بباد تاراج وخیمهٔ نفاق وشقاق سراسر
ساخته درچاه مظلوم وتاریك اسارت ومحکومیت ملتهای اجانب
مصایب ومشقت گونا گون چرخ بوقلمون سر نگون افتاده‌اند .

بحمدالله تعالی دولت وملت • افغان • متفقاً در آغوش باصفای وطن عزیز خود • افغانستان • ودرزیر سایهٔ ترقیات وایجادشاه دیانت آگاه رعیت خواه حقایق آگاه دقایق نگاهی مانند ذات ستوده صفات شهریار معدلت شعار عدالت قرین اعلیحضرت • سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان • حفظه الله بالحفظ والامان بکمال رفاهیت و آسودگی • وتمام آسایش بسر برده کی امر ازاوقات می نمایند وحضرت خالق آفریدگار را هزار هزار شکر میگزینند که چنان یک پادشاه خیرخواه عاقل • وبیدار مغز مشفق وپدل • وکریم ورحم دلی به ایشان عطا ومرحمت فرموده که لحظهٔ از فکر و اندیشهٔ مسعود خیر وبهبود وطن وملت خود فارغ نیست • واز آغاز جلوس میامن مأنوس شاهانه در نشر انوار علم و عرفان • وفتح ابواب بذل واحسان ودرراه تهیه اسباب ترقی و عمران که بمنزلهٔ روح وروان وتاب وتوان وطن وملت است عطف توجه بصرف همت جهانقیمت ملوکانه فرموده درفوز وفلاح • وترقی واصلاح ملت ووطن عزیز خودشان کوشیده اند • چنانچه مجموع آثار خیریت بار عصر تدنحصر این پادشاه جلیل القدر مانند شمس تابان برهمگان آشکار وعیان است • وچون ذات اعلیحضرت متبوع مقدس ما عموم افراد ملت شاهانه را از نقطهٔ نظر رحم وشفقت کریمانهٔ پدرانه تلقی فرموده اند وهم بسببی که هیچ پدر عطوفت سریده نشده که به خرابی وزیان وضرر نوربصر خودراضی باشد از آرزوهات قدسیت آیات ایشان نیز طبعاً راحت وامنیت و آزادی وسعادت اولاد وطن وافراد ملت شاهانه را آرزو ومطلوب دارند • وچون شجر پربار وپر اتفاق بلکه اثمار حلاوت باری بار می آرد وهم هیچگاه چنان یک باغبان تصور نمی شود که وجود چنان درخت عالی نخل را بیکار گذاشته ازان استفاده نکند • لهذا ذات معدلت صفات اعلیحضرت اشرف والا نیز که باغبان مفاخر این وطن فیوضات مکمن • ومربی نونهالان گلستان سعادت ملت نجیب شان می باشند • ازان درخت بابرکت نیز یک نهال باکمال قیمت نیکوئی آمال برکنده • ودرخاک طراوتناک وطن غرس نموده آن ملت ودولت هردو را ربط وپیوند فرمودند تا در سایهٔ یک دیگر از آسیب خزان مأمون ومصئون باشند ! هرچند که هیئت محتشم دولت زعیم و کفیل همهٔ امور خیروشر ملت است ودر انفاذ واحراز اراده وعزم خود باقتدار وصاحب اختیار است • مگر آن ذات پادشاه دانش ودین اعلیحضرت سراج الملة والدین از کمال فهم وفراست • وعقل وکیاستی که ذات خلاق عظیم الشان به ایشان عطا و احسان فرموده عموم ملت شاهانهٔ شان را نیز در سرانجام دادن امورمهمهٔ ملکی در محل مشورهٔ خود داخل وشامل ساخته از فکر آنها نیز استشارهٔ بالصواب خواستند که حقیقتاً این یک لطف عالی العال • ویک مرحمت بیهال • وبگذشت چنان ذات پادشاه فرخنده کی آمال مکارم خصال است که خصوصاً برما ملت افغان ازعاطفت خسروانه • ومرحمت پدرانه شان ارزانی داشته اند • که هر کدا ما تقدیر وعظمت همین واقعه را درخیالخانهٔ دماغ خود نقش وتصور کنیم هر آینه شخص خودما را درمقابل اینهمهٔ مراحم شاهانه خیلی ناچیز وحقیر خواهیم یافت • این افتخار خصوصیت طرازی که ذات سراپا کمالات پادشاه • بملت خویش عطا فرموده اند در تاریخ اقوام عالم و کتب اخلاق امم کمتر عدیل ومثیل را مالکیت • زیرا یک پادشاه بزرگ عظیم الشان جلیل القدری ملت خودرا بااینقدر مهربانی فوق العادهٔ ممتاز وسرافراز گردانیدن وآنرا درقطع وفصل امورعظیمهٔ ملکیهٔ خود شریک وسهیم ساختن بنهایت دانشمندی وهوشیاری وعاقبت اندیشی وروشن خیالی آن تاجدار باقتدار یک دلیل ساطع ویک برهان لامع است ! درینواقعه ذات اعلیحضرت شهریار عدالت شعار علویت آثار مراحم کردار ماعیناً مسلک اصحاب انجاب وخلفای راشدین رضی الله تعالی عنهم اجمعین را تقلید وتعقیب فرموده اند که عموم ملت را بنظر مساوات ومواسات میدیدند وآنچه بنفس خود گوارا می فرمودند ازانها هم دریغ نمیکردند ودرهمهٔ امور باهمدیگر مشورت وتبادل افکار مینمودند • وامرهم شوری بینهم • واز آن بوده که آنها درعرصهٔ قلیل ازمختصر تقریباً درربع مسکون یعنی درسه براعظم بزرگ دنیا مانند آسیا وآفریقا واوروپا رخنهٔ فتوحات کشاده ازشرق تاغرب درنقاط مهمه اعلام اعلام ورایات ظفرآیات اسلام بتموج وتهیج درآمدند

ما ملت • افغان • به هیچ زبان ازعهدهٔ شکراین همه نعمات نامتناهی الهی که بوجود ذیجود برکت نمود مرحمت آمود این پادشاه دیندار فرخنده کی دثار سعادت اطوار با اعطا واحسان فرموده برآمده نمیتوانیم مگر اینکه دوام عمرواقبال • ودولت واجلال این پادشاه نکوئی آمال را بکمال عجزونیاز ازدر گاه خالق کارساز ورحیم بنده نواز تضرع وسؤال کنیم!

از دست وزبان که برآید ؟
کز عهدهٔ شکرش بدر آید !

امضا

(محرر اداره عبدالرحمن)

مکتوب وارده

بعد الالقاب

چون از ابتدای این جنگ جهانسوز • هرکس ازاعلا وادنا برای گرفتن معلومات از احوال جنگ چنگ بدامن اخبار زده اند • بعضی که استعداد خواندن اخبارات را دارند براه راست • وبعضی که ازان استعداد محروم اند ازیار ورفیق خود حالات جنگ را جویا میشوند • این هیچمدانرا از فضل قادر سبحان در هندوستان ذوق بخواندن اخبارات هندی وفارسی دست داده بود که تاحال بهمان شوق گرفتارم اما درینوقت از مطالعهٔ یک فقرهٔ که درشمارهٔ (۷) همین سال (۵) اخبار وطنیهٔ مبارکهٔ خود در زیر عنوان (خاتمهای وطن و ملت) مطالعه کرده یک مشکل لاینحل ویک نکتهٔ مرموزهٔ تلخ تر از حنظل وارد خاطرم گردیده خواستم که آراوای آن ادیب سخن فهم بنویسم وتصدیع افزا گردیده مستدعی ام که اگر ممکن باشد درحل این مشکلم امداد فرمایند:

و آن این است که این سخن را خود این عاجز در هیچ اخبار نخوانده ام که یک نفر ازاهالی دولت برطانیه را دولت روس بچادن نخواه ونخواه ازخود کرده باشد • وباآنکه دولت برطانیه با وجود یکه درعلم سیاسی سرآمد گفته میشود بازهم ندیده ام که یکی ازما مورین دولت روس را وباخود ترین دولت اوروپا را بپول ازدولت متبوعه

اتی رو گردان کرده توانسته باشد . کدام دولت باهیئت الان که اسباب وآلات محیر العقول وسیاستهای عجیب الاصول خود عالمی را بخود حیران ساخته باز هم شنیده اند که یک آدم دولتی بلجیم ویا صربیه را بپول از خود ساخته باشد .

حال آنکه بار بار دیده وشنیده شده است که کارداران فلان دولت اسلامیه را اغیار بپول از خود کرده وایمان ووجدان خود را وآزادی تمام ملت را برای نفس شوم خود پامال واسیر کرده اند . از اینهم بدتر که در دولتهای نصارا با وجود یکانگی دین و مذهب باز هم این کار اجرا نشده است . ودر اسلام با وجود مباینت صوری ومعنوی . وتأکیدات قرآن خالق قهار واحادیث بشمار حضرت سید مختار محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم در اجتناب ازین کار ناهنجار ، وزجر از این فعل شنیع پرشرم وعار باز هم با کمال جسارت وتمام جرأت بران اقدام ورزیده اند .

این است که سبب اینرا بهیچصورت ندانستم . اگر خیال ناقص خود را اینجا بکنم . فی الحال الجواب بخاطر میرسد که آنها از مسألهای بسیار تهذیب شده گفته میشود . و اگر برعکس اینها حل کنند ثروت وتوان گری شان نیز باین درجه که دیده میشود که این چنین امت ابدی را برایمان خود گوارا نتوانید . بنابرین ازین مشکل لاینحل در گرداب حیرت فرو رفته ناچار شدم که بآن برادر ادیب خود مراجعت کرده حل اینمسئله را طلب نمایم وهم آرزو دارم که برای استفادهٔ عمومی این سوال وجواب ما وشما بصورت علنی درج صحایف اخبار گردد . باقی اعادهٔ صحت شمارا ازحق که شافی حقیقی خواهانم فقط تحریر

فی ۲۰ صفر سنه ۱۳۳٤ امضا خازن الکتب

الجواب

بعد الالقاب

تحریرات حکمت ، ودرایات غایات آن بزرگوار مطالعه گشتا این مخلص محزشمار گردید . با وجود ضعف وناتوانی که بسبب بیماری بوجود ناپود احقر اینهاه مستولی میباشد ، بدرجه ممکن درحل مسئلهٔ (مشکل لاینحل) قرقرساق را یکی از وظایف مهمهٔ انسانیت شمرده علی قدر الاستطاعه بوجه اختصار بعرض ما فی البال مبادرت میورزم :

مسئله را میباید که از سه نقطهٔ نظر تعقیب ومحاکمه نمائیم . اولا ازنقطهٔ نظر (دین واخلاق) . ثانیاً از نقطهٔ نظر (تربیه ووجدان) ثالثاً ازنقطهٔ (غیرت وناموس) .

لهذا بکمال جرأت باید گفته شود که عامل این فعل شنیع که بپول گروبدهٔ یکدولت بیگانه گردد موجب غدر و خیانت بادولت متبوعه وملت ووطن خود شود آنجنان اشخاص را ازدین واخلاق ، وتربیه ووجدان وغیرت وناموس سراسر محروم وبی بهره باید پنداشت که درین خصوص هیچ مشکلاتی نیست . وهر صاحب بصیرت که یک کمکی عقل ودرایت را مالک باشد فی الحال بدیهی وآشکار بودن این امر بدون تأمل و درنگ حکم میکند .

اما مسئله صفت (مشکل لاینحل) را درینجا پیدا می کند که آیا این اشنع اعمال چرا در مسلمانان موجود . ودر اروپائیان مفقود است این است که ماهم باید ازینجا بحل این مشکل و[illegible] خود را ازنقاط سهگانهٔ فوق جریان داده بگوئیم که آیا انسانرا ازدین
یک عمل شنیع بجز (دین و اخلاق) ، بجز (تربیه ووجدان) ،
(غیرت وناموس) کدام چیزاست که منع کرده بتواند ؟ چون
چنین باشد ، باز این سوال وارد میشود که آیا چسان حکم کرده خو
توانست که این چیزها در اسلامیت مفقود ، ودر نصرانیت موجو
باشد : حاشا ثم حاشا که این چنین یک حکمی بخیال وخاطر هیچ
ازافراد مسلمانان گذر کرده بتواند . اخلاق حسنه ، تربیهٔ رو
ودینیه ، وجدان سلیم ، غیرت وناموس مستقیم از اجزای متممه
مقدس اسلام است که پیروان این دین مبین مکلف ومجبور وموظف
بران است . این سوداگری منفورهٔ ملعونه که موضوع بحث ماست
عبارت ازدین فروشی مطلق شمرده میشود که تاجر آنرا بهمه حال
حدود اسلامیت خارج باید پنداشت . وچون دین را فروشد ، هیچ
بست که متعلقات آنرا نیز یکجا با آن سودا کرده خواهد . بود

بزرگوارا ! بخیال ناقص این حقیر چنان میرسد که سبب
این سوداگری ملعونهٔ منفوره این چنین ظهور شده است :

اولا – دور ماندن ازقرآن . ثانیاً – داخل شدن خرافات د
ثالثاً – نقصان اخلاق وتربیه . رابعاً – تغییر درمعانیٔ حقیق
وغیرت وناموس .

قرآن کریم وفرقان حکیم که هادی صراط المستقیم ومعیار
وسقیم است بسیار خوانده میشود . ومعانیٔ آن ازنظر حک
نمیشود . وبدان پی برده نمیشود که این کتاب مستطاب
وحقائق پرست آمر برای اصلاح والاصلاح دین جهة عامهٔ امم بشر تا
شرف نزول یافته است . ویک منبع انجبات معرفت وسعادتست که
دوران زمین وآسمان ، موافق ومطابق هر عهد وهر ز
هر گونه مطالب ومقاصدی که برای هرنوع خیرها وسعادت ها
باشد ازآن کرده میشود بالعکس گویا ازافراط تعظیم ، به غرف
آن پرداخته شده است . حتی غیر از تفاسیر شریفهٔ که مفسرین
ماتقدم رحمهم الله بمطابق عصر وزمان خودشان کرده
که تفسیر کرده ام جواز نمیدهند . حتی در نزد بعضی
فهم کردن آیات کریمه در صحایف اخبار نیز جایز شمرده نمیشو
است که آن رهنما وهادی مادر گوشه های طاقهای بسیار بلند
صدف مخلطه ها گوشه نشین نسیان مانده است . وازجهة خیرات
رفع آمده درسر قبرها ومزارها بروح مرده گان تقسیم وتوزیع
می شود .

هر که درجهت (داخل شدن خرافات دردین) سخن ر
چیزهائی برخواهیم خورد که ازحیرت بحیرت . ازحسرت بحسرت
خواهیم شد . دین مقدس اسلام در ابتدای ظهورش یک شهراه
ومستقیم بیخار وخاشاکی بود که حضرات اصحاب کرام ومجاهد
مبین باآن شهراه متین غرب وشرق دنیارا بانوار هدایت وعد
وآباد نمودند . افسوس است که رفته رفته دران شهراه علوفه
فرازها ونشیبها ، گودالهای عجیب وغریب پیدا گردیده موجب
تفرقه ها واختلافها وتشتتها وبیا کنند گیها گردید . وشهراه

زین گروه راههای ظلمت اندود خرافات آلودی شاخ شاخ وجدا جدا گردید.

ای بزرگوار! این مبحث خیلی عمیق ودقیق است وبیك صحیفه صحیفه سخن تمام نمیشود. بلکه یك تاریخ مفصل نگاشتن لازم میآید. درایران. درممالك ترکیه. درهندومصر ووطن عزیز خودما اگرجستجو شود آنقدر کتاب های خرافات آلود کاغذهای موضوع وبترها بزرگ کرده ولباس دین رو مملو میباشد دیده میشود که نسبت بآنها کتابهای معطلی که از حقایق نظریات عقلیه وحکمیات فلسفیه وسیاسیه ودینیه سخن وبیان میرانند خیلی کم ونایاب میمانند. تنها کتابها نی بلکه بعضی واعظهای جاهل و گمراهی دیده میشود که در بازارها و کوچه‌ها ایستاده برای گدائی بعضی چنان زهرهای در دماغهای اهالی بیچاره می‌اندازند که یك آدم واقف حقیقت را زارزار بگریه می آورد. خود این حقیر شبا در همین بازار ده افغانان خودما می گذشتم دیدم که مردم بسیاری جمع آمده‌اند وهمه‌شان بیك استغراق همه گوش گردیده ترهات وخرافات یك شخص کتی کول بدوش سفید پوش بلند آوازی را بگوش جان میشنیدند. حتی دکاندار ها هم دست از کار وبار باز داشته بصورت مراقبه بآن زهر فروش گوش داده بودند. یك قدری درنگ کرده گوش نهادم. همینقدر شنیدم که می گفت: — «یك شقی بود که سی ونه قتل نفس معصوم را نموده بود ... نمیدانم — که درپیش کدام ملا رفته پرسید که من سی‌ونه قتل کرده‌ام آیا بخشیده خواهم شد؟ او گفت

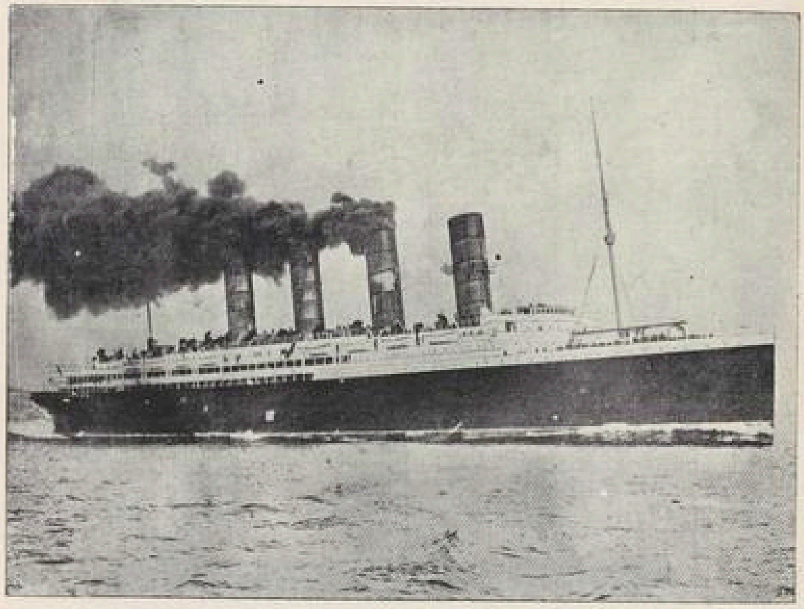

از کارستانهای تحت‌البحر های المان

(لوزیتانیا) نام کشتی نقلیهٔ انگلیز که در بزرگی وجسامت وانتظام وزینت از بهترین ومنتظمترین سفاین دنیا شمرده میشد وبضرب تارپیدوی تحت البحر المان در بحر محیط اطلسی غرقاب لجهٔ فنا شده است

که اگر چهل قتل بکنی هم بخشیده میشوی. وآن شقی تیغ را کشیده آن ملا یا شیخ را هم کشت تا چهل پوره شود وباز یك شخصی اورا خوابدید که درجنت نعیم مقیم است ....

انصاف فرمائید که این چقدر خرافاتست! معلوم عالی شما ست که درهمه جا عوام جاهل نسبت بخواص فاضل بیشتر است چون اینچنین خرافات عامفهم شود وکتابهای اینگونه موعظه‌ها وخرافاتها بکثرت متداول گردد حال بکجا منجر خواهد شد! مثلا کتابهای که بگوید اگر هزارها معاصی را مرتکب شوی. ودو رکعت نفل درفلان وقت شب بخوانی. یافلان ورد ودعارا اینقدر بار بخوانی غیر از آنکه جنت‌ات ملك شود. چنان حوری را نایل میشوی که سرش درشرق وپایش درغرب باشد!... ! وقس علی البواقی. پس چون یکبار اینچنین یك فکری در دماغ ما قایم گردد امیدمان دو رکعت نفل یا ورد ودعایك‌ات جرأت وبی پروائی بهرگونه قبایح ورذایل مرتکب شدن بسیار آسان مییابد. وچون آن دو رکعت نفل یا آن ورد ودعا همهٔ گناهان عفو شدنی باشد آیا برای پنج وقت فریضه را بجا آوردن. وروزهٔ ماه رمضان را گرفتن ودیگر احکام شرعیه را ایفانمودن چه حاجت میماند. والحاصل این یك مشتی از خروار ونمونهٔ از بسیار است که عرض شد. وگرنه بهزارها ازین گونه خرافات. حتی هزارها احادیث موضوعه نیز در الخصوص ها ساخته شده است که داخل شدن اینگونه خرافات در دین مقدس اسلام. افکار عامه را چنان زهرناك گردانیده که از گفتن وبیان

عرفی آن هم انسان خائفانه ادارهٔ کلام میکند که مبادا بتعرض باور کنند لکن آن گونه خرافات انسان مردود جار اند !

اگر گفته شود که فعل شنیع گرویده شدن بپول اجنبی از گروه عوام الناس نی بلکه از خواص بظهور رسیده است . زیرا گرویده شدن عوام چندان ضرر وزیانی بدولت ووطن وملت نمیرساند . حالا آنکه اگر یکی از خواص به آنچنان بیع وشرای ملعونه اقدام ورزد ضرر وزیان ان عام میشود . ما عرض می کنیم که آنچنان خواص را خاص نی بلکه ازعوام هم نباید گفت . دراینوقت مسئلهٔ تف

تربیه واخلاق . وسوء تفسیر درمعانیٔ وجدان وغیرت وناموس بظه

میرسد لهذا آنچنان اشخاص ملعون اولا از اخلاق بقدریک ذرهٔ بو

ندارند . ثانیا تربیه وتعلیم شان بدرجه نقصان دارد که بجز خرافا

پرستی دیگر ازهیچ چیزی بونبرده اند . ازوجدان سراسر بی نصیب

یعنی حقیقی آن هم پی نبرده اند که چیست . زیرا وجدان یک ح

قلبی وباطنی ایست که انسانرا همانحس برخوبی وبدی آگاه میگردا

از کارستانهای تحت البحر های المان

منظرهٔ یک دالان کشتی لوزیتانیای انگلیز که بضرب تارپیدوی تحت البحر المان غرق شده است

لهٔ غیرت را نهایت سیالداری وهم چشمی ورقابت تفسیر . وکلمهٔ مقدس ناموس را که شهپر جبرئیل امینش باید خواند تنها یک شعبهٔ آن منحصر دانسته اند که آن هم عبارت از عرض زنان میباشد . حال آنکه درجهٔ اعلای غیرت وناموس آنست که انسان غیرت ملیه وناموس وطنیهٔ خود را محافظه کند . کسیکه دین ، دولت ملت ، وطن خود را به پول مردار دشمن این مقدسات سودا کند وبروفات دلاله گی این مقدسات مرتکب گردد آیا آنچنان دنی های پست فطرت را چسان صاحب دین

تربیه ، اخلاق ، وجدان ، غیرت ، ناموس گفته خواهیم توانست !

حالا بران مسئله رجعت کرده این را تحقیق کنیم که اوروپا چرا اینچنین بیع وشرای فروختن دولت ملت وطن عقا

دشمن بوقوع نمی آید ؟ پیش ازهمه چیز درخصوص سخن یک فیلس

اسلامی را بمقابل یکی از نصرانیانی که باو مباحثه میکرد بیان

که گفت : شما یعنی نصرانیان — هراقدر که ازدین خود رو گر

جستید بهمان نسبت ترقی کرده غالب ومظفر شده ، رفتید ، وما مرد

که ازدین خود رو گردان گردیم عاقبت در تدنی کرده مغلوب ومقهور شده رفتیم — حقیقت هم همین است :— وقتهایی بود که اوروپا عنفور وتدبیر کلیساها مانده بودند ، پاپا ساحت جنت را به کرم میفروختند هر کسی را از شاه و گدا که پاپا (آفاروز) یعنی مطرود و مردود میکرد چنان بود که گویا ازعالم انسانیت اخراج میشدند . درآنوقتها اوروپا دریک عالم خرافات وظلمت وصحرای تیره وتاری پویان بوده تنها بلکه بیع وشراهای بلکه بصدهارقم نا گوارها درمیان شان سرزده میشد . اما رفته‌رفته حکمت ، فلسفه ، فن ، طبیعت حاکم شده رفت . وهرانقدر که حکمت وطبیعت حاکم شده رفت حاکمیت کلیساها منحل گردیده‌رفت . وچون حب‌وطن ازاجزای متممهٔ طبیعیهٔ بشریه میباشد . خیانت بوطن و ملت ودولت سراسر خلاف حکمت و طبیعت شمرده شده مفقود گردیده رفت .

حالیه چنان گفته میشود که اوروپا درجهٔ اکملیت را احراز کرده باشد ! نی نی . دراوروپا نیز چنان بعضی خلاف طبیعت چیزهایی مشاهده میشود که انسانرا حیران میسازد . خلاصه همینقدر عرض میشود که گرویده شدن بقبول دشمن برای خیانت بدین ودولت وملت ووطن خلاف طبیعت ومغایر انسانیت یک عملیست که در هرجا ودر هرقوم ودر هرانسان که وجود یابد مستوجب لعنت ونفرت میشود . اوروپا راهم را ازین عمل شنیع خالی نباید پنداشت . چندسال پیش ازین مسئله (درفوس) ، ومستر (غوبلن) که بفروختن نقشه های استحکامات حربی فرانس را بجرمن متهم شده بود هنوز از خاطرها فراموش نشده است . والحاصل اینچنین اشخاص را (غلط طبیعت) یک مخلوق مستکرهٔ ومنحوس دانسته از هیئت اجتماعیهٔ بشریه و حقوق مدنیهٔ ملیه مطرود ومردود باید دانست . این است که باوجود پریشانی ذهن ، و اختلال فکر همینقدر نتیجهٔ افکار حقیرانه را در جواب آن بزرگ کوار لطف آثار خویش عرض نموده توانستم . باقی ازدرگاه حق جل وعلی اصلاح ان کلیه را نیاز وتضرع کرده ختم مقال مینمایم .

اگرچه این خبر کدورت اثر درشمارهٔ دهم با درج شدنی بود ولی بنابر بعضی موانع وسکتهٔ که باخبارما وارد گردید مجبور آمده این شماره درج میشود

یک ضیاع ابدی افسوسناک

جناب حق و فیاض مطلق عمر و عافیت ذات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه بادانش ودین مارا روز افزون فرماید .

یوم دوشنبه ۲۶ بیست وششم ماه صفر سنهٔ ۱۳۳۴ هجری ، مطابق ۳ سوم ماه جنوری سنهٔ ۱۹۱۶ عیسوی جناب مستطاب سردار نامدار والا مقدار ، محمد یوسف خان ، ابن امیر کبیر جنت مکان اعلیحضرت امیر دوست محمد خان) طاب الله ثراه وجعل الجنة مثواه داعی اجل را لبیک اجابت گفته ، ازین رحلت سرای فانی به گلشن سرای جاودانی شتافت ، رحمة الله علیه رحمةً واسعةً .

مرحوم مشار الیه درسنهٔ ۱۲۶۱ هجری گهواره پیرای عالم شهود گردیده‌اند که بدین حساب ۷۳ هفتاد وسه سال از عمر گرانمایه را درین سپنجی سرای فانی بسر آورده توانسته‌اند . نوزده همین فرزندی از فرزندان اعلیحضرت امیر کبیر بودند ، دروقت حاضر همین ذات خجسته صفات مرحوم بود که ازمعمرترین ومعززترین اولاد ذکور اعلیحضرت امیر کبیر جنت مکان بیادگار مانده بودند ، حقیقتاً ضیاع ابدی این ذات خجسته صفات مکرم یکی از ضایعات بسیار اسفناکی در خاندان جلیل الشان سلطنت سنیه متبوعهٔ ما شمرده میشود .

(سراج الاخبار افغانیه) مراسم تعزیت را اولاً بذات قدسیت صفات اعلیحضرت پادشاه مراحم اکتناه معظم خویش که وارث حقیقی تاج وتخت خاندان جلیل الشان سلطنت سنیه میباشند عرض وتقدیم نموده ازدیاد عمر وبقای شاهانهٔ شانرا ورد زبان عبودیت مینماید ثانیاً بجملهٔ افراد والانژاد خاندان شاهی واولاد واحفاد کرام خود مرحوم مشار الیه بتقدیم مراسم تعزیت پرداخته بروح پرفتوح مرحوم فاتحهٔ شریفه را قرائت می کند .

حوادث خارجیه

عکس عمل عددها

اخبار صدای اسلام مینویسد :

این جنگ خونریز عالمگیر چیزهای عجیب وغریب نشان داد . مثلا علم حساب هیچگاه حکم نمیتواند که عدد چهار بر عدد هفت فوق افزونیت بدهد . زیرا هفت برسه فایق وغالب است . حال آنکه درین جنگ عکس عمل این عددها بعمل آمد . سه دولت باهفت دولت جنگید وغالب آمد . المان ، اوستریا ، عثمانی — بمقابل انگلیز ، فرانس ، روس ، ایتالیا ، ژاپن دولت‌های بزرگ‌ترین دنیا ، وبلژیک ، صربیه مانتینیگرو دولتهای کوچک بقوت شدید ازدوسال دست و گریبان شده اند . نتیجه چنین شد که بلژیک ، صربیه ، مانتینیگرو سراسر ازصحیفه خریطهٔ دنیا حک گردید ، ژاپان بگرفتن بعضی بندرهای اقصای شرق المان قناعت ورزیده ازدیگر جنگیدن خودرا بانحاف چار کناره جویی گزید . دولت روس که بکلی استفادگاه ومغروریت شان بود چنان مغلوب گردید که بقدر تمام ملک المان مالکش را بدست جرمن داده ودرتوقف بحریک شتک زدن بسمل وار دیگر کاری برایش نمانده . انگلیز وفرانس باقوت بحری وبری خود باوجودیکه کوششها نمودند وبرعثمانی حمله ها بردند ولیکن بجان با آن وروسیاهی پشتهای گردن خودرا خریده ازداردنیل رجعت کردند که عالمی‌را برخود خندانیدند !! درحالی که المان ازفرانس اراضی‌های واسعی را بجنگ آورده و درخاک خود ، اوخود را محکم ساخت ، وانگلیز نه ازدلسوزی بفرانس ، بلکه ازترس جان خود — تمام قوت خودرا بافرانس همدست نموده ، وشکست وریخت بلژیک مغلوبه را نیز جمع کرده دوسال کاملست که بجان میکوشند که تنها المان را یکقدم به پس رانند ، ولی [زمینتی شیرزمانی تقل] !! (لندن) ، (پاریس) که اعظم واجل ترین پایتختهای دنیاشمرده میشدند حالا بروید به بینید که از آتشبازی تحت بومبه های زیبلینها درچه ظلمت سوگواری پیچیده شده‌است . میگویند که قاتل وجانی بزرگ عالم بشریت انگلیزاست . به بینید که برای یک رقابت تجارتی خود چه دولتهای چارمدرا قربان خود نمود . اگرچه رفیقانش حالا بجان پی برده اند ولی چنان گیر آمده اند که خودرا خلاص کرده نمیتوانند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1544 of 1786

گفتا : « دم » هـای بزرگ کورهٔ جنك

اوروپا صورت یك « کورهٔ » آهنگری عظیمی را گرفته که برای آب و مذاب ساختن بشریت در شعله فشانیست ! این کوره دو عدد (دم) بسیار بزرگی دارد که آتش کوره‌را در تازه داشتن و شعله ور ساختن شب و روز در نفس زدنست ! یك (دم) آن در اقصای شرقست که انرا (ژاپان) میگویند ، دیگرش در نصف دیگر کرهٔ زمین است که آنرا هم (امریکا) میخوانند . این هردو در دو کنار دنیا خودرا کشیده بخاطر ساختن آلات و ادوات ناریه اشتغال میورزند . و دمبدم و تازه بتازه بهرحیلهٔ که باشد باوروپائیان که بخون آشامیدن همدیگر مشغول‌اند تقدیم میکنند و زرهای مهنای شانرا در جیب کرده میروند . غالبا ازین (دم) زدن کورهٔ جنك مجرا آنها و اثبات خوشنود است !!!

(طرز عمل آیندهٔ ژاپان)

بعنوان فوق در جریدهٔ « ژاپان میگزین » یك مضمون حکمت مشحون پروفسور مشهور « مساوکا » انتشار و شایع شده است که در ذیل ما آنرا از همعصر محترم خود اخبار فواید آگاه ترجمان دعیناً نقل و ترجمه میکنیم :

در اثنای این محاربهٔ عالمگیر حیثیت ژاپان یك فروغ و درخشانی فوق العاده کسب خواهد نمود ، دولتهای اوروپائی علی التناسب قریباً جلگی ضعف و کمزور خواهند شد . هرچند که امریکا نیز ازین جنك منفعت عظیم خواهد برداشت ولی بهمه حال بدرجه دوم از ژاپان خواهد ماند چون هنوز کماحقه بهمهٔ آن فواید جیبی که این جنك دهشت آهنك برای وی مخصوص و اورا بآن مستحق گردانیده است نرسیده . واین قاعدهٔ متداولهٔ دنیا است که هرقدر یك قوم و ملتی ترقی می کند هاقدر بلکه زیاده بران در چشمهای ملل دیگر یك حس شدید رقابت بین الاقوامی دیده میشود ازاینرو ژاپان را بیدار و هوشیار بودن لازم است که هیچگاهی شکار عنادها و مهربانیهای اقوام سرخ رنك سفید پوست نشود . و برای مقابلهٔ اینهمه بغض و عداوت آنهانهایت باید که خودرا قویتر و صاحب طاقت و اقتدار بسازد چراکه بر خلاف مردمان زرد پوست آتش قهر و غضب بسیار زودی و تیزی مشتعل میشود و آن قومهائیکه فی الحال بظاهر با ژاپان دم از هوا خواهی و دوستی میزنند بزبانهای ترسیدن و نفرت و حقارت را خواهند گذاشت علی الخصوص که ما از منتهای اوج عروج و کمال برآئیم ! از جملهٔ دوستان حاضر ژاپان بعضی تنها و محض بخاطر و مفاد و غرض شخصی خودشان مسلك دوستی را گرفته‌اند و ژاپان را بر قول و فعل آنها اعتماد کردن نشاید . و حالا در فهرست دشمنان وی نام « آلمان » هم شامل شده است و ممکن که پس از اختتام جنك مابین هردو قوم دوباره تعلقات و روابط دوستی قایم شوند ولی این قیام یك دوام عارضی خواهد داشت .

هرچند که اکثر دانایان و سیاست دانان ژاپان یك متفق و بهمین فکر متحد‌اند که درین جنك ژاپان را بسببی که مثل آلمان یك قوم و ملت قویتر و پرسلاح را دشمن خود ساخته است هیچ یك فایده و منفعتی بدون نقص و مضرت دست نخواهد داد ؛ مگر چون تقدیر و قسمت کار خودرا کرده است و چیزیکه واقع شدنی بود شد لهذا حالا برای ژاپان طریقهٔ بهتر و خوبتر آنست که قوت خودرا باقصای مدارج کمال صعود و ترقی بدهد

تا اگر مقابلهٔ اروپائی قویترین ملل عالم اتفاق افتد هم پلهٔ آن سبك
و چون خیال بعض مردم بر این است که وزارت « کونت اوکیوما
تأیید ترتیب قوهٔ بریه و بحریه را میکند بکلی بیهوده و بی اصول است
پس چنان معلوم میشود که این اصحاب از تخمین کردن صورت حالات داخ
عاجز و نظرهای شان از دیدن جوانب واقعات قاصر است و وقت
یك امری واقع میشود و نتیجهٔ آن خراب و ناصواب می براید در
همهٔ غلطیها و ذمه داریها بقوم و ملت راجع و عاید می گردد و برای
آوازهای شدید لعن و طعن بلند میشود حالانکه وزارت استعف
از محل خود خودرا جدا ساخته میتواند ولی قوم از وطن کاهی استعف
نمیتواند از آنرو برای ملت لازم است که معاملات داخل و
و هر یك حرکت وزارت را باچشمان باز و کشاده تعقیب کند تا از
وزارت بر همهٔ ملت یك مصیبت عمومی طاری نشود . درین وق
بیکن » پایتخت چین بعضی امور خارجی گفتگوی و مباحثه
که در آن ازاولیای سیاست مابین غلطیهای صریح و شدیدی سر
حالانکه اگر ملت یك نگاه حقایق شناس دقیقه رس میو
آن چنان سهوهای عظیم واقع نمیشدند . مختصراً فی الحال فرض
وکار نخستین ما اینست که ما خودرا از قوت و طاقت بسازیم . و مل
از هیچ کس نمیترسد و ما را میباید که هر یك دشمن خودرا یك
اشهبخوف افزونی قوت و عظمت خود بدانیم کاقوهٔ دفاع و ح
ما را باندازهٔ تکمیل برسانیم و بهمین صورت نیات خطرهٔ ماصور
واخفا اتفاع مبدل شود . و همهٔ دار و مدار آن بر بیداری قوم
دارد که چسان قوت خود راجمع و محافظه کرده میتواند .
بزرگترین و مدهش مادر خانهٔ خودما است . و اگر ژاپان میخو
وقار و اقتدار خود را غیر متزلزل و برقرار سازد برای او جن
تقلید و پیروی کردن لازم است . و ما را میباید که طبیعت
جرمنی ها را بگیریم و دارای دوصیتی که جرمنیها ازان کار گ
کاربند کردیم .

واضح باد ! که اصول اساسی همهٔ این قوت و طاقت امپ
تعلیم است . و بنیاد همهٔ ترتیب مرغوب و نظام خوش اسلوب
بر توسیع مدارس و نشر معارف موقوف و قایم است . و تعلیم د
جوش و حرارت معنوی پیدا کرده که خود بخود حالا جاو جلا
را بمدارج عروج و کمال میرساند و در مقابل آن احوال ما اینست
خواهی و حفاظت سلطنت پهلوتهی می کنیم و بر شخصیت
تنها قوای دماغیه و قلبیهٔ ایشان نشوونمای جسمانی را هم
رسانیده‌اند . و نتیجهٔ همین کوشش شانست که آنها در کارها
و جسمانی حرکت فوق العاده مانند برق و باد را مالك میباشند . و
برای انکه خود شانرا از بلای نزاکت و لطافت و عیش و
اولین شرط تهذیب و تمدن انسانی است وارهانند مانند قوم
یك طرز مخصوص معاشرت و زندگی را اختیار و وحدت کرده
ازین عملهای وی سبق گرفتن لازم است . جرمنیها در وضع و
خود شانرا چالاك و قویتر ساخته در کیفیات طبیعیه و سائ
مصروف و منهمك کنند و همین یك اس الاساس همهٔ این ترق
امروزی آنها است .

حکومت آلمان بهرطریق ممکن در ترقی وتکثیر آن کوشید وابنها را دیگر گرفت ازسایانس یك کامیابی عظیم الشانی حاصل شد . جرمنی‌ها را امروز وشنی زیاده برین مسرت و فرحت دست نمیدهد مثلیکه قوت سایانس خودشانرا در راه فلاح وبهبود سلطنت خودها صرف کنند . وآنها درخصوص نشان‌دادن این فتوحات و کشفیات طبیعیهٔ خودها خیلی بخیل میباشند که آنرا هیچ‌فردی ازاقوام غیرجرمنی آموزانند تا دیگران بخلاف ملك وملت شان ازآن فایده گرفته شود . برای طلبهٔ اجنبی که درآلمان تعلیم‌یافته‌اند تحقیقاً معلوم شده‌است که بعضی رازهای سایانس جرمنی همچنان درپردهٔ اخفا وانستر بیك صورت غیر منکشف باقی‌ماند وجرمنی هم‌اصول انتظام وترتیب قوهٔ حربی خودرا وسایانس گذاشته است . وهمین قوت سایانس است که ایشانرا باوجود دعطای ترقی صناعی وصنایع یك ملت غیرمغلوبی ساخته . ایشان نه‌تنها بذریعهٔ صنعت وحرفت بلکه بسیار تر بتوسط انکشافات کیمیوی درعالم انقلاب‌پیدا کرده وباعث ترقی خودشان بکمال موفقیت ومظفریت مقابله نموده‌اند . آنها بحقدد درستی وحسن لیاقت انتظام اغراض وفواید مالی وصنعتی خودشانرا برین خارهٔ عظیم کرده درخصوص رسانیدن سامان‌رسد وتقدیم نمودن آن ونقل وحرکت قوهٔ ثبوت عملی انتظامی خود هارا داده‌اند ازین کارهای آنها بخوبی معلوم میشود که آنها در اداره وانتظام یك ملت عظیم لیاقت غیرمعمولی را پیدا کرده‌اند وبه‌اصول مسابقت ملف « (خود امداد خود کردن) میتوانند که این جنك را تا یکزمان غیر معین طول و امتداد دهند . بفرض محال اگر جرمنی فنا وتباه کردد ریشه انتاعودن و برباد ساختن آن بآسانی دست نخواهد داد . چرا که جانوری بسیار سخت است وهم بسیار وقیاو سختی ها خواهد برامد ما را زیاده‌برین مفید یك کار وتجویزی نیست که ماهم خودرا مانند آلمان سازیم وقوت بازوی خودمارا بعلم وفن حصر نمائیم وجمیع امدادها ومعاونتهای خارجی را خیرباد گوئیم . جاپانرا لازمکه عاه جنگی‌هارا برطاق نسیان بگذارد ویکدل ویك جان کردیده روش آلمانرا اختیار کند . ما را لازم است که درهموطنان خودیك حس وجذبهٔ زبردست قومی را پیدا کنیم وما را می‌باید که‌چنان آدمهای تدارك کنیم که دردرون جسم تختند وطاقتور خود مالك یك قلب مستحکم و مضبوطی نیز باشند . وبدون خط کثرت مصارف ومزاحمت نماد قوت خودرا . تمام علم خودرا لایق طلبهای اجانب واغیار بسازیم . واین چنین‌نتایج‌تنها بیك جماعت سپردن وتعلیم ومعنوش ساختن درست نیست بلکه این یك فرض مهم ملت است که می‌باید انجام‌دهد . جاپانرا برای یك امن وصلح و رحمت این جنگ‌ بزظفر وموفقیت حاضر بودن لازم است . ما فخر می کنیم که ما ازجملهٔ قوت های درجهٔ اول میباشیم ولی‌ما از امریکا محض برین سبب اخراج میشویم که ماقابل محبت آنها نیستیم !! در یورپ هم باقوام زرد رنك مراعات مساوات کرده‌نمیشود . ودرین حالیکه‌هنوز ملك خودما درقبضه وتحت تصرف خودما است ومامالك یك‌قوم وملت آزاد ومختار بهاما این قسم سلوك نفرت آمیز کرده میشود . اگر خدا نخواسته ازین چیز ها مارا یك چیز هم سلب شود ماازادر نظرها کدام حیثیت خواهد ماند وآیا نتیجهٔ ماچه‌خواهد؟ کشا هم منحر نخواهد شد . یهود هرچند که یك قوم‌وملت قدیم دنیا میباشند ولی بنابر حالتهای قومی واخلاق آنها ازآنها یك نفرت شدید کرده میشود . وحشیان نیز باعث کبودی استعداد دماغی‌شان بنگاه حقارت و کراهیت دیده میشوند . لهذا ازینهمه سخن‌ها معلوم میشود که اگر بخواهیم که خودرا ازاقوام سفید بسازیم می‌باید که خودرا قوی وطاقتمند کردانیم . ودر صورتیکه ما صاحب قوت باشیم درممالك آنها بلاتکلیف ومزاحمت گشت وگذار و سیر وحرکت کرده خواهیم توانست . وبدون توسیع دادن مقبوضات هم ما قوت خودرا افزوده میتوانیم وتوسط آن در مسئلهٔ قیام امن وسکون عالم‌حصه وبهرهٔ عظیمی اخذنموده در سرسبزی وتمولهای دنیا اضافه کرده می توانیم . جاپان را لازم است که بهرقسمی که ممکن باشد بکمقدر مگر در برقرار داشتن عدل وانصاف ازفدا کاری جان ودن هم دریغ وصرفه نکنند . واورا نباید که بدون خوبیهای جرمنی تقلید دیگر اعمال سیئه وغلطی هارا بنماید .

نطق یکی از خطبای اوردوی چهارم عثمانی درحمص
خطیب بعد ازاظهار تشکرات کثیره ازمردم حمص گفت

ای برادرانم : بکمال افتخار وسرفرازی درمابین‌تان استاده میشوم وشما ازسبب امر وظفر بسیار مهم وعظیم جیوش مظفرهٔ خودما که بردشمنان دین ووطن بمساعدهٔ خداوند جل‌شانه احراز کرده‌اند تبریکهای قلبیهٔ خودرا تقدیم می کنم وازین فتوحات عساکر اسلام معلوم میشود که انشاءالله آنوقت واوان رسیده که استرداد واسترجاع شرف ومجد قدیم خودمارا که ازسالهای سال آن دشمنان وطن وانسانیت ومدنیت آنرا مضمحل نموده بودند نزدیك شده‌است چنانچه امروز جملهٔ اخبارها وجریده‌ها ورسالهای موقوتهٔ عالم که در روی زمین نشر میشود ازدشمنان ودوستان شهادتهای محیرالعقول بردلاوری وشجاعت دهشت آمیز عساکر مظفرهٔ ما ثبت صحیفهایشان می کنند .

[چکیجك تحسین].

یکی ازمن پرسید که : ـ « آیا کدام وقت آتش شعله ور جنك عالم سوز خاموش ومنطفی خواهد شد ؟ » : بجواب او کفتم که آتش جنك خاموش نمیشود مگر صبر واستقامت ما بآنها برسد حالا که ما ومتفقین ما بفضل ومعاونت خداوندی تاامروز بحال اول خودما بصبر وثبات باقی هستیم ومادامیکه برای نصرت حق وتأیید دین جنك میکنیم تانهایت انشاءالله اینچنین میباشیم بخلاف دشمنان ما که صبرو ثبات شانرا آخر رسیده ویك دروازهٔ امید وامل نمانده که آنرا نزدند ونه یك امت وملتی گذاشتند که دستهای تضرع ونیاز وزاری منکسرانه دراز نکردند واستغاثه های رنگارنك برای معاونت وامداد خود شان ننمودند که اینچنین حالتها ظاهر میسازد که آن همه لافها وتبارزها ازغلبه شدن صبر واستقامت شانست وبجز حالت ضعیفیشان دیکر چیزی نیست [چکیجك تحسینهای دراز] .

از اعلان جنك دولت اطالیا برضدما قطعاً غم نخورید بلکه باید بسیار مسرور شوید که آنوقت دررسید که حساب کلان خودما را بهمراه این دولت غدار خاین که از قدیم وتو داشتیم باید صاف کنیم مسبب‌الاسباب بکمال آسانی اورا درمیدان در اوردم‌ای کرانی خود فرصت یافتیم وانشاءالله بقریب وقت عسکرهای مظفرهٔ ماومتفقین ما اورا محو ونابود میسازند . وروی زمین را از اینچنین دولت غدار که برای چند طلای سرخ [انوارده کرای] زدوری میدان را [illegible] مقهور ومنکوب کردد !

درانجا جناب خطیب نقل موضوع رحلهٔ مصر نموده گفت: شمایان از صعوبت ومشکلات راههای مصر ازطرف ریگستان خوب خبردارید که اززمانهای قدیم تا امروز شنیده نشد که کسی توانسته باشد که از انجا عبور کرده مصررا ضبط نماید غیراز دواوردوی که یکی از انها قیادت قاندشیر [اسکندر کبیر] که بعدازهلاک شدن دوثلث عسکرش از گرمی و گرسنه گی وتشنه گی بمصر رسیده توانست . ودیگری فاتح عظیم [یاوز سلطان سلیم] است که آن هم بمصر رسید . بعد ازان که قسم اعظم عسکرش شهید شدند . لکن جای شکر وفخراست که چندماه پیشتر اول بارجیش مظفرما بواسطهٔ تدابیرو کوشش عظیم حکومت تاقنال السویس رسیده بودند ویک نفرشان بدین سببهای که مذ کور شد هلاک نشدند

در حین رسیدن مقدمهٔ عساکر اسکشافیهٔ ما بقنال السویس بعضی از افراد که جوش وخروش ملیت ووطنیت بدلشان بفوران امد فوراً درحین رسیدنشان بقنال خودرا بهمراه اسلحه وذخائر بآب انداخته خاستند که قنال را عبور کنند وبه کومك ومجدت برادران خودشانرا رسانند لکن انکلیزها بهزارها گلهها وقنبرهها ایشانرا زدند بعضی شهید شدند وبعضی که بساحل مقابل رسیدند هدف عذاب مختلف الانواع وحشیانهٔ انکلیزی شدند :

بعضی از ناکسان می گویند که جیش مظفر ما برای فتح مصر رفتند حالانکه این محض غلط است بلکه مصر یک ممالک اسلامیهٔ مفتوحست ومربر قهایش بوقفهای اسلامیه منسوبست لکن مامیخواهیم که پای نجس انکلیزها را ازان زمینهای مقدسه بکنیم وازدست انکلیزها که حیات وآزادی واستقلال وحریت ما مسلمانان رازیر وزبر نمودند رها کنیم دیگر چیزی نیست

ایا فراموش کرده ئید تصریح نمودن [غلادستون] وزیر سابق انکلیز راکه برمنبر مجلس مبعوثان انکلستان بالا برامده وقرآن کریم را بدست نحسش گرفته وبطور مستهزیانه گفت : [مادامیکه این کتاب بزمین موجود باشد امن وآرامی برای ساکنان روی زمین نیست] که این عبارت درنظرما دشمنی وبغض انکلیزهارا درحق اسلامیت خوبی جلوه گر میسازد .

واه واه ! چه آزادانه وچه نظریات مزورانه ! الا فراموش کردی ای غلادستون که قرآن عظیم الشان بانجان یک وقت نازل شد که نه آرام ونه امن بروی همهٔ دنیا موجود بود . بیك وقت کمی بمعجزات ظاهرهٔ همین قرآن دنیارا امن وآرام حاصل شد ویك مدنیتی تشکیل بود که بهیچ وجه مدنیت شما انکلیسها وفرانسوی ها که برغش وخداع ودروغ وریاء مبنیست مشابهت ندارد !

آیا ای (کیچنر) دیوانه ! وقتیکه علنا تصریح نمودی که تاخاك قبر پیغمبر آنرا بهام انکلند کوب نکنم وحرمتانرا برای زیارت همچنا کسان دنیا باز نکنم نخواهم گذاشت ! آیا ای کیچنر فراموش کردی که ماوراء آن امکنهٔ مقدسه سه صدملیون نفوس اسلام بفدا کردن جان ومال و زوج واولاد خودشان برای محافظهٔ انجاهای مطهره حاضر وآماده ایستاده اند !

عجب است ازچنین ادمی که عقل را ادعا میکنند حالانکه از دیوانهها بدتر هستند . چنان معلوم میشود که ضربهها وغالبیتهای قوجهای آلمان ومنصوریتهای مهمهٔ عساکر مظفرهٔ عثمانیان مادهٔ دارد نیل حس وعقل اورا سلب کرده باشد :—

(العدل)

« احوال هندوستان »

(اختلالات بیپایان)

ترجمه از اخبارهای هندوستان

(قتل انسپکتر پولیس)

(کلکته)

کلکته ۱۶ جنوری :

امروز صبح بساعت ۱۰ در کالج ستریت کلکته قریب مکتب داک دونفر نوجوان ناشناس سب انسپکتر (نایب افسر) فرع مخصو پولیس کلکته را که مدهسودن بهتا چرجی نامداشت آماج تفنگ سا کشتند دوگله ازپس پشت او خورده ازسینه اش برید . نفری بسیار انجمله را دیدند و مذکور علی الفور فوت شد . قاتلها ازانجافرار ازراه کوچهها گریخته گم شدند ویافته نشدند .

(قوت دارها)

« خطوط تهدید آمیز »

از کلکته : — خبررسیده که درچند روز بعضی خطوط ته آمیز بنام بعضی اشخاص متمول رسیدهاند که ازداره زدن خانههای تنبیه واطلاع بود . هر چند تاحال داره دران خانهها نیفتاده اند متمولین مذ کوره سپاهیها بطور محافظ وچو کیدار مقرر کرد

سرقه

(در داکخانهٔ بزرك بمبئی)

معلوم شدهاست که در ۳ جنوری در داکخانهٔ بزرك بمبئی یک که بسیار سخت ومقفل ودریکخانهٔ محکم افتاده بود بازشده ومبلغ هزارروپیه کهدار ازانجا برده شده است دزد معلوم نشده است .

بمب

(در داکخانهٔ بزرك لاهور)

در « جنرل پوست آفس » لاهور بوقت دهمجروز هنگامیکه نوکر داکخانه بر کاغذها مهر میزد یك آتش مهلکی ازیك پاکت باصدای مدهش برآمده دست فتح محمد مذ کور زخمی شد . ظاهر درلفافه یك مسالهٔ آتشگیرنده موجود بود .

دار ها

« درنواح کلکته »

(۱)

در « نو تو پور » ضلع « سیرام پور » یکدرجن بشا ورباد بتاالدت داره زده بااهل خانه بدسلوکی کرده قریب یك و نیم روپیه کهدار بردند برسیدن اطلاع « وارد ل » (سب انسپکتر مگمی) مذ کوررفته درراه بااعضای داره برخورده واز دست آنها ضربه خوب لت خورده . نفری داره گریختند .

(۲)

در « شمشیرپور » یکدارهٔ دیگر درخانهٔ بهوت ناتهه کهوش اورا آنقدر زدند که گرفت : « — ابابهدم ! ... داره والهـ لشدند .

(۳)

در استارا و یکدفعه دیگر در خانه یك متوطن متمول آنجا افتاده سالسوده های قاچش با اهل خانه رفتند انجام هیچ کس گرفتار نشد .

« دزد »

« در ملتان »

از ملتان خبر رسیده است که غلام حسین نامی در خانه خواب بود کسی در دروازه اورا ازخواب بیدار ساخت . دروازه زننده گفت کاغذی از شاهسنم وچیزی آورده‌ام .

چون غلام حسین دروازه را خلاص کرد ، نفری دزد در خانه او ریختند (بقول غلام حسین) زیورها و اجناس که قیمت آنها به ۱۱ هزار روپیه کلدار میرسید با خود بردند .

پولیس سرگرم تفتیش است ! ...

خبرهای جنگ

۱۷ ماه جنوری سنه ۱۹۱۶ ع خبر امستردم — در قسطنطنیه بقسم سرکاری اعلان یافته که فوج ترك داخل (کرمان شاه) گردیدند مقام مذکور درسمت مغرب (همدان قریب سرحد ترکی واقع است ودر علاقهٔ همدان سپاه روسی بندوبست محصور نمودن سپاه جندرامه ایرانی را که زیر دست افسران سویدنی وجرمنی می باشند نموده اند و این سپاه ترکی عنقریب به کمك شان خواهند رسید —

۲۹ جنوری خبر پترو گراد — ازمیدان جنگ روس وجرمنی خبر رسیده که جرمن سپاه خودرا ازمحاذ (بکووینا) پس کرده در کدام سمت نامعلوم برده‌اند ومعلوم‌شده که دولت جرمن دراسباب حرب سپاه خود بسیار زیادت کرده خصوصاً توپهای ماشین گن به تعداد بسیار مهیا کرده . و یك قسم توپهای بسیار بزرك جدید که قطر دهن شان (۳۱) انچ میباشد در محاذها بکار آورده در برج هائی که ازفولاد وغیره ساخته میشوند نصب می نماید —

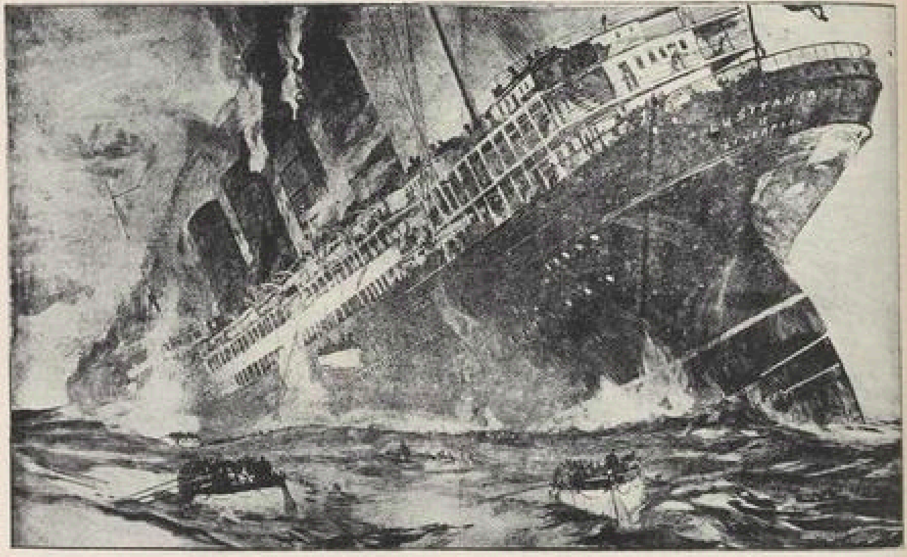

از کارستانهای تحت البحر های المان

(لوزیتانیا) چسان بگرداب نایاب عدم پویان میشود ؟

فروری سنه ۱۹۱۶ خبر لندن — قبل ازین درباب مفقود الخبری لشکر جهاز داك (آپم) نام انگریزی که ازملك افریقه روانه انگلستان شده بود اعلان کرده شده — حال ازملك امریکه خبر رسیده جهاز مذکور را یك جهاز جنگی قسم زیر آب دولت جرمن بعد غرق کردن هفت لشکر جهازات دیگر انگریزی قریب جزائر (کنیری) گرفتار نموده و ۱۳۸ نفر مسافران جهازات مغروق را هم بالای او سوار کرده بطرف (نار فوك) ملك امریکه برده چنانچه الیوم جهاز مذکور دربندرگاه (نار فوك) رسیده لنگر انداز گردید وقسم ماه بیرق دولت جرمن بالای او نصب میباشد ودولت امریکه بطریق سرکاری اعلان نمود که جهاز مذکور ازروی عهدنامهٔ دولت جرمن وامریکه مال غنیمت دولت جرمن دانسته خواهد شد — ودر جهاز مذکور علاوه ازدیگر قسم اجناس واسباب پش قیمت قیمتی هفتاد و پنجلك روپیه کلدار زرسرخ میباشد — درباب جهاز مذکور در بین دولت جرمن وامریکه وبرطانیه گفتگو جاری است —

یکم فروری خبر لندن — در شب گذشته متعدد جهازات هوائی قسم زپلن دولت جرمن بر مختلف اضلاع ملك انگلستان حمله نموده وعلاقه جات (دربی شائر و (لیستر شائر) و (لنکاشائر) و (لنسا فورد شائر) وغیره علاقه جات ملك انگلستان قریب به صد عدد بمبها

انداخته اند و تا حال معلوم شده که ۵۹ نفر هلاک و ۱۰۱ نفر مجروح شده‌اند و علاوه از ویرانی بسیار عمارات رعیتی یک گرجه و یک وعظ گاه و دو کارخانهٔ آب و سه کارخانهٔ اسباب‌سازی و بعضی استیشن‌های ریل ویران گردیده —

۲ فروری خبر پتروگراد — وزیر اعظم دولت روس از باعث خرابی صحت خود از عهدهٔ وزارت استعفا نمود ۳ فروری خبر لندن — یک لنگرجهاز (فرازفشر) نام دولت برطانیه را یک جهاز هوائی قسم زیپلن جرمنی بذریعهٔ بم اندازی غرق نمود —

۴ ماه فروری خبر لندن — در علاقه سلانیک جهازات هوائی قسم زیپلن جرمنی هر روزه بم اندازی می نمایند که از آنها کثر نفری فوجی و ملکی هلاک و زخمی شده اند اکنون خبر رسیده که بر سر حد سلانیک در بین سپاه متحده و دولت بلغاریه جنگ خفیف پیش آمده توپخانهٔ بلغاریه بر یک دستهٔ فوج طلایه دول متحده آتش باری نمود

۳ ماه فروری سنه ۱۹۱۶ ع خبر لندن — اسعد پاشا نام یک شخ البانیست که قبل ازین درباب او اعلان یافته بود که نامبرده در ملک ال قریب بیست هزار سپاه جمع نموده و عنقریب بطرفداری دول متح شریک جنگ خواهد شد — حال بقسم سرکاری اعلان یافته که پ موصوف را حکام دولت اطالیه گرفتار نموده بطرف ملک اطلی فرست اند و اکثر مردم های البانیه را دولت آستریا بزور روپیه ورش بطرفداری خود آماده کرده که ایشان در البانیه بخلاف دول متح فتنه وفساد برپا نمایند —

۴ فروری خبر لندن — از (اوتاوه) واقع کنادا ملک امریکه قبض دولت برطانیه خبر رسیده که عمارت پارلیمنت مقام مذکور که در عمارات عجیبهٔ عالم دانسته می‌شد در عین موقعهٔ اجلاس عمومی از تر کیدن یک عدد بم آتش گرفته از سعی و کوشش انجن‌ها و ب آتش کش کردن فائدهٔ حاصل نشد و عمارت مذکور کامل سوخته

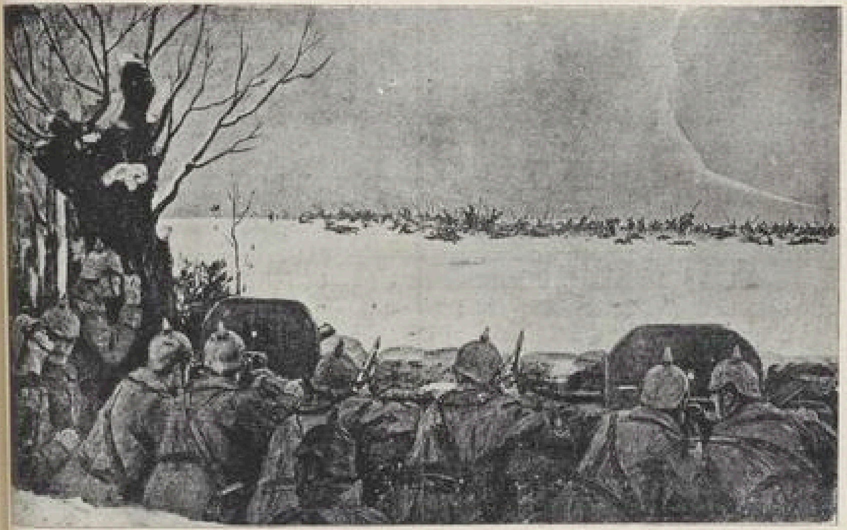

از منظره های محاربه

ماشین‌گن ها یعنی طوپهای آتشفشان المان عسکر روس را در ریگا درو میکنند

گردید — و از جملهٔ ممبران پارلیمنت هم دو نفر مفقود الخبر می باشند که شاید در بین آتش بر آمده خواهند بود بعد از سوختن عمارت مذکور آتش بسیار بمشکل فرو کرده شد گفته می‌شود که از آتش زدگی مذکور قدر ده لک پوند که مساوی به یک‌نیم کرور روپیه کابلی بوده باشد نقصان برای دولت برطانیه رسید — حکام آنجا بعضی نفری را در شبه آتش زدن عمارت مذکور گرفتار نموده اند

۴ فروری خبر لندن — یک لنگرجهاز (بیل آف فرانس) نام دولت برطانیه را آب دوزهای دشمن غرق نمودند —

۶ فروری خبر لندن — از (اوتاوه) خبر رسیده که یک کارخانه [illegible] (اوتاوه) . یک کارخانهٔ اسباب

حربیه را در مقام (هنسیلر) واقع کنادا مقبوضهٔ دولت برطانیه د دولت برطانیه آتش زده اند —

و نیز یک پل ریل موسومه (وکتوریه برج) را بذریعه میت پرانده اند .

« عراق عرب »

مصایب ملحقه به انگلیز بسبب صعوبت های راه

۱۹ جنوری

معاینهٔ عینی نامه نگار رسمی انگلیز :

در ینده روز گذشته سخت باران و خنک شدید بود . کنا

سور نوعی خراق ظاهر شد ، مانند میدان فلیندروز اعجاز مصیبت روکی موجود است . ولی مانند سر کهای خوب خوب قلبه دریا دیگر ها آندرنجا میسر می‌شود . واقواج شب و روز در کلباخیمه میزنند ریحه هر طغیان می‌کند . از اند اخش جای در آب جوشیدهٔ آن آب تبیری می‌کند .

افواج (مجبور به) دروقت کوچ سامان که وارود راه بسیار پروبسر های خود گرفته . بکس های رکه و بارود را گرفته رفته میروند . هم چنین حوصله تحمل رفتارها و غیره لایق تحسین است مچندر بخا توبخانه دشمن مانند رمگاه . خرق شدت وحدت ندارد ورد بخا هر خان مارا مواقع طبیعی مدافعه حاصل است . و ما در میدان یج هوار بد رخت و جنگل . ویده وسرك . ولی جر و جوی پیش ایستاده ایم و آنها از پشت سنگر های سنگین و موقعهای متین آتشفشانی کنند بنابرین مامتحمل خسارات نهایت زیاد شده ایم .

نگار مذکور مکتوب خود را باین فقره عجیب خاتمه میدهد : پیشقدمی و ناملایمی موسم و صعوبت راه رحوصله واستقلال افواج ستانیا) هیچ اثری انداخته نتواند ....

آخرترین حوادث از اخبارهای ایران

نقل از اخبار عصر جدید

وقایع داخله

در کاشان — بطوریکه شایع است در کاشان مصادمه مابین قشون روس و مجاهدین واقع شده و قشون روس هم در حدود شهر کاشان اقامت داز نتیجه مصادمه صحیحاً اطلاعی نرسیده

ابتدا آ از قرار یک خبریکه اخیراً رسید مجاهدین کرمانشاهان آمده در آنجا بین آنها و قشون روس زد و خوردی رخ داده

در حوالی طالش — در این چند روز بین قشون روس با مجاهدین میرزا کوچک خان در قومنات و حوالی طالش چندین مرتبه مصادمه واقع شده و هر روزه از استعداد رشت و انزلی به آن طرف ماموریت پیدا نموده ولیکن تاحال موفقیتی برای قشون مزبور حاصل نشده نتوانسته اند دستی بسواران میرزا کوچک خان پیدا نمایند

روسها باشاهسونها بمناسبت اینکه امنیت قزاقان روس را کشته در طریق مظفری پیدا نموده وان قتل را بطایفه آراللی منسوب نموده اند یك استعدادی باتفاق قونسول اردبیل مامور سر کوبی طایفه مذکور می‌کردند در مرتبه اول پس از منازعهٔ سخت نظامیان روس موفقیت پیدا نموده قونسول مزبور مجبور بمراجعت و تزیید قوای ناوی گشته هم قوای ناوی منجر بمنازعه سخت می‌گردد

اخبار واصله بسفارت اطریش

لانها ساحل نمره ۱۹۳ واقعه در شمال شرق سوان را متصرف شده صاحب منصب ۱۳۰ سرباز اسیر گرفته و دو متراليوز غنیمت گرفته اند کلیهٔ مسوین استقراض الان ۱۲۰۱۶۹ ملیون مارك است — جرائد فرانسوی ت انگلیسها را در صربی و دارداتل بکلی تنقید نموده وبطور حتم قشون خود را معدوم تصور می‌نمایند اطریشها داخل درمنتکر وشده و صربیها را در ایلك مغلوب نموده هزار اسیر گرفته اند دول متفقین متکرو را تهدید نموده‌اند که اقدام بصلح جداگانه نمایند بلغارها فرانسویها را از دو طرف [وارداد] تعاقب می‌کنند [یونان ضمانت کرده است که قشون فرانسه و انگلیس به اختیار خود عقب بکشند ولی بیطرفی خود را قویاً رعایت می‌کنند — درصورتیکه دولت رومانی بکلی عبور دسته جات قشون روس را مانع شده است — قوای روس که از کشتی پیاده شده‌اند در وارنا از طرف قشون بلغار واطریش والمان معدوم شده‌اند در قطع عثمانی نزدیک [کوت العماره] غارت زیادی بدست آمده بعلاوه سه‌صد اشتر بارداروشش اوبن انگلیس که مملو از ذخایر بوده بغنیمت برده‌اند ترکها با کمال شدت قشون انگلیس را تعاقب نموده بعلاوه عقب کشی آنهارا بواسطه قبایل عرب دچار زحمت شده است فقط

عصر جدید روز چندی قبل اطلاع داد که از طرف روسها در وارنا سرحد بلغار لشکر پیاده شده و بعد از دو روز باز خبر داد که قرار اطلاعی که رسیده پیاده کردن لشکر از جانب روسها در وارنا ماخذ نبوده از این دو اطلاعیه که هر کدام متضاد است حقیقت بالفعل عاید نمی‌شود تا بعد از این ازین چه ظاهر شود فقط

﴿ سفر مابین برلین واستانبول ﴾

اخبارات جرمنی بکمال شوق وبشارت این اعلان را نشر نموده‌اند که . . . از تاریخ یکم جنوری در هر هفتهٔ دوبار کدیهای سریع السیر ریل فی مابین « برلین » و « قسطنطنیه » برای حمل و نقل فوجی وغیره امور لازمی در حرکت افتاد . و بواسطهٔ این ریل بتوسط قطارها و کدیهای دیگر با « ویانا » و « موخ » نیز بلحیق و متصل گشت . ودر هر قطار سه خانه برای استراحت موجود ومهیا خواهد بود .

(۲۵ کشتی تحت البحر زرك در بحر متوسط)

لندن ٥ جنوری :

یکی از نامه نگاران جریدهٔ « اکودی پاریس » چنان تخمین می‌کند که در این وقت در بحر سفید ۲۵ عدد کشتی‌های تحت البحر جرمنی موجود است . و از روی افواه های عام گمان میرود که مرکز عمومی همهٔ این تحت البحرها بسواحل جزایر یونانی است ، چنانچه بعضی از آنها در سواحل غربی « موریا » و بعضی در « کریت » و « کارفو » وغیره جزایر یونان جداگانه مرکز و مرجعی را برای خود اتخاذ نموده اند وهم حکومت یونان خود مسئلهٔ رسانیدن تیل وغیره مایحتاج این تحت البحری‌ها را تعهد کرده است . از قراریکه مشهور است حکومت یونان برای مصرف ماشین های آدروز های مذکور تیل ندارد نموده رعایت کان الثانی می‌فروشد و آنها نیز خفیتاً بتوسط جهازات همهٔ آنرا بهمین جزایری که در آن مرکز تحت البحری ها موجود است به بسیار تیزی و چالاکی میرسانند .

(کدام کس را باعث فلاکت صربیا قرار داده ؟)

نامه‌نگار اخبار « تایمز لندن » از « روم » پایتخت ایطالیا مینویسد ، که در اینجا در دلهای همهٔ مهاجرین صربی که از وطن عزیز خود‌ها جدا شده از راه البانیا به ممالک ایطالی داخل شده اند طبعاً این خیال پیدا شده است که باعث همهٔ این فلاکتها و مصیبت‌های امروزی اینها اتحادیون علی الخصوص انگلیزی که بران از همه بیشتر اعتماد داشتند بوده است .

(منع ازشکار کبوترها)

لندن ۲۰ جنوری

محکمهٔ حربیهٔ انگلستان اعلان ذیل‌را شایع کرده است :ـ که چون یك عدهٔ کثیری از کبوترهای نامه‌بر که‌در راه خبر رسانی بری وبحری خدمت‌میکنند نشانه‌ورد تفنگها وساچمه‌های تفنگشکاریان شده‌است ، ازاینرو همهٔ شکاریهارا اخبار وتنبیه میکنیم که « اگر درین کبوتران صحرائی ونامه‌بر انها امتیاز نتوانند میباید که من‌بعد کبوتررا بکلی شکار نکنند » .

(مستقر تحت البحرهای جرمنی)

ازروی نتیجهٔ تحقیق وتفتیش فرانسوی ظاهر میشود که سبب اصل غرقابی جهاز برتیا چشم پوشی وتغافل حکومت یونان است درخصوص مستقر اتخاذ نمودن آبدوز های جرمنی واوستریائی دربحرهای یونانی ، جریدهٔ « ایکودی پاریس » بیان میکند که برسواحل یونانی جهازهائی که برای تحت البحری های مذکور اسباب مایلزم وسامان رسد را میرسانند همواره موجود میباشند . وانتظام نقل وحرکت آنها خاص دردست اختیار یکوزیر سابق یونان است . مستقر این جهازهای تقلب برسواحل جزیرهٔ « سیسلی » است گفته میشود که مستقر وجهاز بار برداری برسواحل شمالیٔ جزیرهٔ « کریت » و « کارفو » نیز دربنوقت موجود است . وآبدوزها مدتی است که‌درلیان « ایجیلیان » که‌مملکت ذات امپراطوریٔ قیصر است که درجزایر پناه گرفته وعلاوه‌بران مشهور است که درجزایر « ساموس » و « کوسلبروس » نیز مستقر جهازهای بار برداری کاین است .

(ترکان چسان جنگ میکنند ؟)

« یونائیتد پریس » مضمون ذیل‌را که مستر « و لیم جی شیپرد » نامه نگاری برای [illegible] بود « [illegible] » نوشته است شایع کرده است :

ترکها مانند « جنتل‌مین » یك آدم شریف‌النفس جنگ‌میکنند . هرافسر وسپاهیٔ انگلیز که اورا باترکی واقفیت ازمحاربات « گیلی پولی » ده در « دانیال » باشد درتأئیدان سخن‌متفق اللفظ میباشند . درمحاذ برطانوی سالونیکا اکنون چندان عسکری موجود است که اظهار خواهد ازترکان قبل ازین یکدو جائی مصروف پیکار شدن پیش آمده است چنانچه صحبا باینها اکثره درخصوص مکالمه میباشد روزی من دریکی ازخیمهای فوج ارلاند نشسته بودم همهٔ افسران درشجاعت وبهادری ترکان رطب اللسان بودند . یك کپتان ارلاندی گفت که ترکان مثل جنتلمن جنگیده بلکه بسیار شریف هستند ، حریفها اینقدرهم فرصت ومهلت نمیدهند که مقتولین ازمیدان برداشته شده دفن کرده شوند ومجروحین را ازمیدان جنگ بشفاخانه‌ها نقل داده شود . ولی ترکان برخلاف اینها گاهی درخواست عارضیٔ التوای جنگ‌را برای حمل مجروحین ودفن مقتولین رد نکردند . باترکان نبرد آزمائی نمودن بسیار کلان یك‌مردانگی است چراکه آنها همواره بعزت‌وانسانیت جنگ‌میکنند . یك‌افسر دیگر گفت که‌ما روزی سهواً چند عدد توپ خودرا قریب شفاخانه‌نصب نموده‌بودیم وبسی یکقدری غلطی که دراعلاغ احکام‌صادر گردیدهٔ‌ما حرکت ازما سرزد شده بود . ترکان فی‌الفور آنرا درك کردند وبه‌اشاره‌های « ببلو گراف » [ازقبیل آیینهٔ برق] حالی ما کنند که « اگر شما توپهای خودرا ازنزدیك شفاخانه پس نکشید ما ناچار خواهیم شد که قریب شفاخانهٔ شما که باری کن[...]

بعدازین افسر موصوف گفت که ما دربنوقت بجواب شان گفت[...] « بلی ! درین خصوص بی‌شبه ازما غلطی واقع شده‌وامنست کمالو[...] ازانجا توپهارا پس کرده بدیگر طرف می‌بریم » چنانچه ملفوراً [...] توپهارا حرکت داده بدیگر جامنتقل نمودیم .

افسر دیگری گفت . که من یکروزی ازتوپخانهٔ ترکان یك وضع [...] ویك حرکت عجیبی مشاهده نمودم چنانچه در اثنای « که جنك [...] عارضی برای برداشتن مجروحین ودفن کردن مقتولین بند بود ومار[...] ونقل زخمیها بشفا خانه وکار خود مشغول بودیم که ناگاه ترکان [...] « آیینهٔ برق » زبان فرانسیسی برای ما این پیام دادند که :

سپاهیان را عزت وسربلندی نصیب شود ! و :

رجال سیاست همواره دربدر وآشفته حال گردند ! !

همین افسر گفت که مرتبهٔ یك گلهٔ ترکها آمده بزانوی یك افسر[...] مااصابت نمود وآن بیچاره در فاصلهٔ میان خندقهای برطانوی و[...] افتاد ، ترکان فوراً مارا همینقدر فرصت دادند که مارفته آنرا آورد[...] وسپس آنها « آیینهٔ برق » گفتند که « یك سپاهی سهواً افسر[...] مذکوررا یکی ازافسرهای منتظم فوجی دانسته تفنك برو آتش داده ا[...] وبا آن یکقدری معذرت هم ازین غلطی خودها خواستند !

علاوه‌بران یك افسر دیگری گفت که‌ماهانیز عیناً همچنین ی[...] پیش آمده بود که‌از کپتنی ماهم ترکان معذرت خواستند . و [...] بود که‌یك‌دفعه یك گلهٔ آمده برموتر کارهسپتال خورده . وترکان [...] دانستند که از ایشان درخصوص غلطی سرزده است فوراً ب[...] برق ازما معافی‌خواسته گفتند که « مابسیار افسوس میکنیم که‌این [...] ازطرف ما واقع‌شد » باز افسر دیگری گفت که‌رزمگاه « گیلی پولی » [...] هلاکت‌آفرینی است . وموقع آن‌مشابه بیك سنك‌خورده‌ایست [...] از هوا بالای سطح صحرا آویزان شده باشد ودرانجا انسان عم[...] وبزور مصروف پیکار شده میتواند واینقدر گنجایش دران [...] هیچ‌احدی خودرا پس کشیده نتواند ویاخودرا ازتباهی رهائی [...] داده نتواند . اگر قوی ضعیف‌را ازجایش بر کنده عقب انداخته [...] اوبدون بحر دیگر ملجائی نتواند شد وضرور میباید خودرا غر[...] کند وفی‌الحال در گیلی پولی کیفیت ماهمین قسم بود که‌میبایست [...] ازجایمان کرورشویم جاو وناچار بحر خودرا بیندازیم هیچ‌منتی [...] محارب فوج خودرا گم کرده نمیتوانست از ترس آنکه قوی مبد[...] بادرنا یك‌پیشقدمی خود بدریا می‌انداخت . درتاریخ عالم گیلی‌پول[...] یك‌رزمگاه خوفناك‌دهشت آوریست . بخیال من که‌چون‌منطق [...] تمام کمال حقیقت اصل این رزمگاه وحالات آن معلوم شود واینهمه [...] تحریر بیاید ، بی‌شبهه نسلهای آینده ازشنیدن وخواندن آنها گ[...] دهشت زده ومتحیر خواهند گشت .

(خدا شکر خواران‌را هرجا شکر میدهد)

بعنوان فوق در « لندن تایمز » متعلق عیش وعشرت اسرا[...] جرمنی که‌در انگلستان محبوس میباشند یك‌مکتوب یك نفر مقام[...] شایع شده است :

جناب من ! این یك كار معلوم و آشكاری است كه قیدی‌های جرمن در انگلستان بسیار در عیش و استراحت می‌باشند در مقابل قیدی‌ها بیچاره انگلیزی كه در جرمن محبوس هستند . درین چندوقت اگرچه گفته شده كه در كدام شهر یافتن ماهی یك محال قطعی است مگر با آن دختر من یكی از ماهی فروشان دو عدد ماهی بسیار اعلائی آویخته یافت چنانچه بعد از استفسار معلوم شد كه این دو ماهی را دكاندار مذكور برای دو نفر قیدی جرمنی نگاهداشته بود . و چون برای خریدن آنها دختر من بسیار اصرار كرد دكاندار با وی بمناقشه درآمد . و چون ممكن نشد لهذا برای آینده ما طریق خصوصی برای خریدن ماهی فرمایش دادیم . ولی آن دكاندار وطن پرست ما یك حصه از سر ماهی جدا كرده برای ما فرستاد و آنرا برای افسران جرمنی گذاشت در یك « پراو » دیگر محبوسین جرمنی حكم داده شده بود كه بهترین گوشت‌ها را مهیا سازند چنانچه نتیجهٔ آن چنین شد كه قصابان مذكور برای مشتری‌های سابقهٔ خود شان گوشت نابود و خرابی كه مانده بود دادند .

(جنگ ایران برسرحد بلوچستان)

پتروگراد

نامه‌نگار اخبار « بورس گزت » مقیم طفلیس مینویسد كه در ایران صورت واقعات یوماً بعد یوم دوامتری است . بسیاقی ماها را در عراق عرب [بسیاقی انگلیز] در هرجا برزوال عظمت فوجی و عدم قابلیت جنگ آنها حمل میكنند علی الخصوص نماینده‌گان المانی این سخن را به بسیار زور و شور بهرطرف اشاعت داده‌اند و مدعای شان از آن اینست كه مابین عثمانی ایران و مملكت‌های آسیا رشتهٔ ارتباط و اتحاد هنوز هم مستحكم‌تر شود . نتیجه وقوع متطوع قبایل ایران دوباره مطابق كاد فرمائی جرمنی‌ها رفتار جنگ‌ها را شروع كرده اند .

رام خان یك جمعیت زبردست قبایل را با خود گرفته برسرحد بلوچستان انگلیزی حمله كرد . و او را پیش خیمهٔ جنگ بلوچستان تصور باید كرد . انتظام و تیاری های همهٔ این فوج كشی در دست اختیار قونسول المانی كرمان وغیره اجنت‌های جرمنی مقیم كرمان است . علاوه بران جمیع قبایل با قوت با اثر ایران شاه را متفق ساخته‌اند كه كروی و دیگر استعدادات و امداد هئات ملت عمل پیرا شود پس ضرورتاً و مجبوراً او را نیز مانند جرمن مقابله كردن خلع وقلا كنهای دیگر لازم خواهد شد .

(جنگ برسرحد یونان)

لندن

نامه‌نگار اخبار « تریبون » مینویسد كه برسرحد یونان « مكدونیا » جرمن‌ها و ترك‌ها . و بلغارها یك صورت منتظمهٔ مصف آرائی كردند صف منتظم مركب است از افواج اوستریا . و جرمنی كه قلباً آنرا در مناسترا است بعمده مقام جنگی بلغاری‌ها در « دوران » است كه در شمال سلانیك برسرحد یونان وقوع دارد . در مسیر دشمن یك لك فوج تركی موجود است كه از گلی پولی آمده است و از مقام « زرنیهی » « گرفته‌ایه » « كوملجنه » منتشر میباشند « » « زرنیهی » برسرحد « مقدونیای » بلغاری واقع است . در دوران « كشتاری » آغاز شده . اتحادی‌ها نیز از طرف مقابل جواب آنرا میدهند .

منار كلیسار ا از پا در آوردند

یك بیان رسمی جرمنی تصدیق می‌كند كه جرمنی‌ها منار كلیسای « نیولوت » بلجیم را خراب كردند ولی عذری كه درخصوص خرابی آن پیش كرده آمد آنست كه اهل بلجیم از منار مذكور كار دیدن نقل و حركت فوجی‌ها را می‌گرفتند —

(كیفیت موسم در رزمگاه مشرق)

لندن

یك تلگراف پتروگراد متعلق كیفیت موسمی رزمگاه شرقی مظهر است كه این زمین رزمگاه كه امروز مانند یك پارچهٔ بلور و یا سنگ مرمر سخت و منجمد است چندروز بعد بصورت یك گل زمی تحویل می‌یابد و بیك شب تنها در یك چند ساعت دریا وضعیت یك سیلاب مدهش را كسب نموده بنظر میدرآید . جرمنی‌ها این چیزها را اندیشیده برای درست كردن و استحكام نمودن سنگرهای « گرادنو » از هزارها قیدی روزمره كار میگیرند . و از « گرادنو » « نابه » « بریست لیتوسك » بكمال سرعت و فعالیت ریل را پیش می‌برند .

نامه‌نگار « مورنینگ پوست » مقیم پتروگراد بیان میكند كه بر محاذ « دونیا » [دوینسك] نزد جرمنی‌ها موترهای مسلح بسیار بزرگ قسم جدید موجود است كه به بسیار آسانی و سهولت بالای برف و یخ رفته میتوانند . و علاوه بران توپخانهٔ سبك بار توپهای قسم « میكرم » را نیز با خود برده میتوانند .

ترجمهٔ اخبارهای انگلیزی واردو معركهٔ خونین

نائب وزیر حرب برطانی در پارلمنت (مجلس ملی) اظهار امر غیر فوق العاده نمود — او گفت كه در معركهٔ « لوس » در فرانس ، تنها نقصانات انگلیس شصت هزار صاحب منصبان و سپاه بود (۶۰۰۰۰) از انجمله یازده هزار (۱۱۰۰۰) در میدان جنگ كشته شدند . « تائمس آف اندیا » می گوید این قدر نقصانات در یك معركه كه در همهٔ تاریخ دولت برطانیه هیچگاه پدید نشود — وافسوس اینست كه پس از این زیان بسیار سودی بزرگ هم بدست نیامد صرف یك میل یا دومیل زمین كه در دست جرمنها بود بدست انگلیس افتاده و بس ! همین طور نقصان عظیم از تلف نفوس در حملهٔ « نیوچپل » در بلجیم و در قتال جزیره‌نمای گیلی پولی بوقوع پیوست — برین عرصه میدان جنگ عساكر بسیار ضائع شدند اما در هیچ جا فایدهٔ محسوس حاصل نشد اكنون تأمل باید كردن كه از مدت یك سال و نیم عساكر جرمنی در خاك فرانس داخل شده‌اند — و درین مدت عساكر فرانس و انگلیس و بلجیم بالاتفاق بسیار كوششها بعمل آورده‌اند — اما هنوز ایشان را از خاك فرانس بیرون نرانده — و نتیجهٔ حمله های فرانس و انگلیس بارها چنین خرابی و فلاكت شد چنانكه در « لوس » و « نیوچپل » و « گیلی پولی » . لشكر جرمن نه تنها ربعت حصهٔ فرانس قابض شده است بلكه بر همه ملك بلجیم تقریباً و همه ملك پولند و همه ملك سرویا هم متصرف گشته — از جانب دیگر لشكر انگلیس و فرانس بری و بحری قریباً یازده ماه در جزیره‌نمای گیلی پولی همه قوت خود

ز نفس و نفیس صرف کردند و قریب پنج یا شش لک از کشته و زخمی و مریض زیان کرده بکمال ذلت و عار جان خودرا بسلامت بردند . درجزیره نمای بلقان نیز رجعت قهقری لشکر انکلیس و فرانس از سروییا به سالونیکا یک جلوهٔ شجاعت خارق العاده و سزاوار تحسین و آفرین شمرده میشود قصور ایشان نیست . نجم سعادت ایشان درهبوط است و روزگار نامهربان بخلاف ایشان برسر پیکار !

---

۱۰ فروری خبرلندن — درملک انگلستان اکثر مردمان مزدور پیشه باهم متحد شده برخلاف قانون ملازمت حربیه جلسه ها و کارروائی مناسب می نمایند —

۱۱ ماه فروری خبر لندن — چند لشکر جهازات جنگی قسم تباه کن جرمنی بر چهار لشکر جهازات سرلک بردار دولت برطانیه درشب گذشته قریب (دا کرنک) حمله نمودند یک لشکر جهاز (ارابیس) نام دولت برطانیه را غرق نمودند و بریک جهاز دیگر تارپیدو انداختند مگر بوی اوتقصانی نرسیده سه نفر افسر ۲۱ نفر ملاحان جهاز مغروق را جرمنی نجات دادند باقیمانده هرسه لشکر جهازات بخیریت واپس آمدند —

۱۱ فروری خبرلندن — دولت جرمن جمله دولت های غیر جانب دار را مطلع نموده که چونکه دولت برطانیه جمله جهازات تجارتی خودرا مسلح نموده و دیده شده که جهازات مذکور حسب الحکم افسر محکمهٔ بحری دولت برطانیه بر جهازات جرمنی و حلیفان آن حمله می نمایند و در اکثر مقامات بیرق های دولهای غیر جانب دار را استعمال می نمایند — لهذا بعد از تاریخ یکم ماه مارچ سنه ۱۹۱٦ دولت جرمن جمله جهازات تجارتی دول های دشمن را جهازات جنگی تصور نموده بالای شان حمله خواهد کرد — باید که نفری دول های غیر جانب دار در جهازات مذکور سفر نه نمایند

۱۲ فروری خبرلندن - یک لشکر جهاز (پرنکویلکام) انگریزی که عازم هندوستان بود آبدوزهای دشمن قریب (مالتا) بذریعهٔ تارپیدو غرق نمودند نفری آن ۷۳ نفر جملهٔ آن نجات یافته — ۱۳ فروری خبرلندن - یک لشکر جهاز (البا) نام دولت ناروی و یک لشکر جهاز (آرتمیس) نام دولت هالند و یک لشکر جهاز (رواتک) نام دولت بلجیم را آبدوزهای دشمن غرق نمودند و یک لشکر جهاز جنگی قسم کروزر دولت برطانیه همراه سرلک بحری تصادم نموده شکسته و از جملهٔ عمله و نفری آن ده نفر هلاک شده

۱۲ ماه فروری سنه ۱۹۱٦ع خبرلندن — از اخبار ست خبر رسیده که پنجاه هزار سپاه دولت جرمن در مقام (رستچوک) رسیده از انجا بطرف ملک ترکی روانه گردیده‌اند گفته می شود که جرمن فوجهای مذکور را برای کمک دولت ترکی فرستاده

۱۳ فروری خبر لندن — یک افسر بزرگ انگریزی قریب (هزروک) برای سپاهیان انگریزی تعلیم بم اندازی می نمود اتفاقاً یک عدد بم در دست افسر مذکور ترکیده افسر معلم همراه پنج نفر سپاهی هلاک و ۲٤ نفر مجروح شدند —

* * *

اعلان

سراج التواریخ

جلد اول — و دوم

زندگانی جاودانی هرقوم و ملت (تاریخ آنست). (سراج التواری آئینهٔ حیات تمامی ملت جلیل افغانستـ . زیرا از آغاز تشکیل و یافتن دولت افغانیهٔ حالیه بحث مراندکه برای حال و استقبال ملت درسگاه عبرت . و خوشتر ازین انتباه ملت تصور نمیشود . هر ملت را واجب است که یک نسخهٔ ازآنرا بدست آرند و مانند حر در کتابخانهٔ قلوب خودشان نگهدارند . علی الخصوص که کتاب مذ به نیت خالصانه و خیر خواهانهٔ استفادهٔ عمومی به امر و فرمان ذات صفات پادشاه مقدس ما اعلیحضرت « سراج الملة والدین » تألیف و در مطبعهٔ حروفی دارالسلطنه کابل زیور طبع آراسته

جلد اول این کتاب از ابتدای سلطنت خاندان ذیشان (سدوز یعنی از آغاز تأسیس و استقلال دولت علیهٔ افغانستان تا ورود اعلیحـ امیر کبیر امیر دوست محمد خان مرحوم جنت مکان از هند در کابل و جلد دوم آن از حکومت خاندان جلیل الشان (محمدزائی) یعنی از ا حکومت اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان تاه اول جـ اعلیحضرت « ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان » طاب ثراه تاریخ را جامع میباشد بر کاغذ اعلا بحروف تیپ بطبع رسیده است کتاب مذکور نسبت زینت و خوبی تجلید آن از قرار ذیل است

نمبر (۱) پشتی چرمی جرم صواری دانه دار کابل تخت جهاد جدول طلاپر کار نشان دولت و اسم کتاب از ورق طلای امر بندی شده مبلغ شانزده روپیهٔ تختهٔ کابلی —

نمبر (۲) پشتی مقوا روپه کیرمختلی چهار کنج و زیر چرم حاشیه و اسم کتاب و نشان دولت و رق طلا جته سیزده روپیهٔ تخ

نمبر (۳) پشتی مقوا روپه کیره لاجوردی چهار کنج و زیر مینی سرخه کابل تخت حاشیه و اسم کتاب و نشان دولت و رق طلا جزء بندی شده یازده روپیه تخته کابلی و ده شاهی —

نمبر (٤) پشتی مقوا روپه ارزی چهار کنج و زیر چرم مینی کابل تخت حاشیه و اسم کتاب و نشان دولت و رق طلا جته کوت شده ده روپیه تخته کابلی و سه شاهی —

نمبر (٥) پشتی مقوا روپه ارزی سرخ چهار کنج و زیر کیرمقوا اسم کتـ و نشان دولت ورق طلا جته کوک بندی شده نه روپیهٔ تخت و یازده شاهی —

محل فروخت

درنفس ارک مبارک که از تحویل خانه جناب محمد ولیجان سر
در بازار ارگ از دکان عبدالله خان

چون کتاب مستطاب سراج التواریخ چهار جلد میباشد اگر وقایه و شیرازه میشد حجم کتاب موصوف کلان میشد لهذا اعلیحضـ همایون و لا امر نمودند که جلد اول و دوم دریک وقایه و شیرازه و جلد سوم و چهارم آن که هنوز در زیر طبع میباشد وقتی ا ازطبع برآمده مقوا کرده شد انشاءالله اعلان فروش آن از خواهد شد فقط

در چاپخانهٔ حروفی دارالسلطنه کابل طبع گردید
هر مقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر و سر محرر تحریر
محمود طرزی

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا
یاد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از شکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خودرها یابیم ممکن نشد لهذا ادا کتخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یك طاوله نموده دا کتخانه مشارالیه تقسیم وتوزیع اخبار مارا که بهمه مشترکین کرام ما برساند درعهدهٔ حیثیت خود قبول نمود . مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را تبشیر ویاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای دا کتخانه بخود شان میرسد .

شرایط خریداری

دارالسلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان
هرجائیکه باشد با اجرت پوست

قیمت سالیانه	ده روپیه انگلیزی	قیمت ششماهه	شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراك قبول نمیشود

یك طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است از همین قرار حساب کنند

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان والشهار کردن میخواهند . وبا دیگر هر قسم اعلان والشهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا به پنج بار نشر وشایع شود برسرهر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشرکردن خواهند فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا به پنج بار فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر ازپنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریك ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تایك سال نشر کردن خواهد ووجه یك ساله را پیشکی ادا نماید درورق شق ؛ بر هر سطری ستار اجرت گرفته میشود

اعلان

سیاحتنامهٔ سه قطعهٔ روی زمین

در ۲۹ روز

آسیا ✠ آوروپا ✠ آفریقا

(مطبعهٔ عنایت) یك اثر دلپذیر جدیدی درنظر هوشکاران عرفان جلوهٔ عرض میدهد . بدست آرید . بخوانید . درظرف ۲۹ روز یك مدت کمی سه قطعهٔ زمین را باسیاح آن یکجاه وهمراه دور وسیر میکنید . ملکهای را که بران میگذرید مفصل ومکمل جغرافیا وتاریخ آنرا خوانده میتوانید . چه چیزها می بینید . چه چیزها میشنوید . چه لذتها چه سرورها میگیرید ! علمی ، ادبی ، سیاسی درعین زمان شاعرانه عاشقانه هوسات رانگیزانه ـ یك اثر !

این اثر ازنه جلد مرکب ودریك وقایه مجلد میباشد . تقریباً (۷۰۰) صحیفه ، وبا (۱۰۵) قطعه تصاویر مناظر مختلفه واشخاص معتبره ونقشه های مهمه مزین است . لست بااینهمه خوبیهای آن قیمت (۷) هفت روپیهٔ کابلی آن هیچ نیست . کاغذ اعلا ، چاپ حروفی ، تصاویر زنیکو گرافی ، جلد محکم واستوار ؛ دگرچه میخواهید ! همینقدر که یادر نفس مطبعهٔ مبارکه که درده افغانان به (عبدالرؤف) خان سرمرتب مطبعهٔ مبارکه ، یادربازارارك بدکان (باز محمد) تاجر کتب یادر بازار کتب فروشی متصل مدرسهٔ شاهی بدکان حاجی ملا (غلام محمد) خان تاجر مشهور کتب رو آورده وبمبلغ فوق کتاب مذکوررا بدست آرید دیگر کاری نماند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1554 of 1786

(اعلان)

پراگنده

از آثار مطبوعهٔ تازهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت، وعبارت از یك مجموعهٔ اشعار ابدار تجدد آگاری میباشدکه برکاغذ اعلا، وخوبی طبع دلربا، باتصاویر بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است. اگرچه از بحث خط وخال بعید است ولی مضامین وخیالاتش سراسر یکطرز جدیداست. نسبت بخوبیهای ظاهری ومعنویش قیمتش خیلی ارزان. یعنی بمقابل (۲) دو روپیهٔ کابلی درخود مطبعهٔ عنایت از نزد عبد الرؤف خان سر مرتب، ودر بازار ارك از دکان باز محمد، ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب هرکس خریده میتواند.

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه را مژده! ازین نوبر رسیدهٔ گلزار «مطبعهٔ عنایت» کام جانرا شیرین نمائید! «جزیره پنهان» یك ناولیست که قوت علم ومعرفت وسعی وغیرت را برای اساس زندگانی نوع بشر بنظریات وجلوه گرمیسازد. هم حکایت، هم عبرت هم فن، هم فضیلت! خوبی چاپ، خوبی کاغذ، خوبی تصویرش علاوه. قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان! تنها (٦) شش روپیه محل فروخت نفس مطبعهٔ عنایت درده افغانان، دکان باز محمددر بازار ارك، دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی.

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد
کتاب سال دوم ... مصور مجلد
کتاب سال سوم ... مصور مجلد
کتاب سال چهارم مصور مجلد
عز و اسلامیت
آیا چه باید کرد؟
ادب درفن
توحید
مختصر جغرافیای عمومی

این کتابهای فوق دراداره موجوداست. هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کند.

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

قیمت روپیه کابلی	
سیاحت ردورا دورزمین بهشتادروز مجلد	۲
سیاحت درجو هوا مجلد	۲
سیاحت درزیر بحر مصور مجلد	٤
ازهردهن سخنی وازهرچمن سمنی مجلد	۲
روضهٔ حکم مجلد	۲
پراگنده مصور مجلد	۲
جزیرهٔ پنهان مصور مجلد	٦

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوق‌را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان ازنزد عبدالرؤف خان سر مرتب وازدکان باز محمدخان کتابفروش دربازار ارك وازدکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسه شاهی بقیمتهای معینش خریداری کرده میتوانند.

واگر ازخارج افغانستان ارزوی خریداری کتابهای مافوق‌را بکنند بامدیر سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند.

اعلان

کتابهای مجلد سراج الاخبار افغانیه، وکتابچه‌های علاوه‌گان وشماره های متفرقهٔ آن، وهمه کتابهای مطبعهٔ عنایت‌را خریدارانی که آرزوی خریداری آنهارا داشته باشند از دکان حاجی ملا غلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی، وازدکان باز محمدخان تاجر کتب در بازار ارك بقیمتهای معین آن خریداری کرده میتوانند ونیز در خود اداره درماشینخانهٔ مبارکه، ودر خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان هم بفروش میرسد فقط

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

شمارهٔ ۱۳ سال پنجم

فهرست مندرجات

اگر مسلمانان باهم متحد ومتفق شوند

صنع خانه ادبیات	(قصیده درمدح اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه معظم افغانستان
عکس ۱	
حوادث خارجیه	از جهاز هوائی بترسید — خسارت اخلاق اروپ درین جنگ — غداری ارامنه وشیدائی انگلیس تفصیل محاربه عراق عرب — قبول اسلام وطن پرستی عثمانیها — اختلالات هندوستان — ایضاً اختلالات هند — قوانین ظالمانه درهند — خبرهای جنگ — احوال آخرترین خبرهای جنگ
اعلان	(سراج التواریخ
[illegible]	از مناظر هندوستان — سکندرا نام بنای عالی که مقبر جلال الدین اکبر پادشاه درانست — یک حصه ازدیوان عام نام بنای عالی دردهلی از آثار پادشاهان اسلام — روح پرنس بسمارک بعمال شال هند برای مصالحه تشکر می کند — از منظر های محاربه دخول مظفرانه عساکر سواری اوستریا بخارستان در پولند —

اعلان

ازصنایع پرورهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جز
در خانه جات ، ماشین خانهٔ مبارک دارالسلطنه کابل علاوه براشیای حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه مدافعه و او بعور
صاف کرشاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخلی که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساختهشده است که ازحضور اعلیحضرت هما
بکم فروش آن صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ، ذیل (دکان عبدالله خان دربازار ارک) میباشد .

(۱)	سرج های پشمینه باف رنگهای مختلف که قیمت آن ازقرار گرانکبری ۳ فوت مشخص شده ودر صندوقخانهٔ جنسی هم بفروش میرسد										
اقسام	قسم اول					قسم دوم					
درجهها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم وقطعی که قیمت آن ۱۰ پیسه زیاده	
رقم	کامل ساخته نشده	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خود
قیمت		۷ روپیه ۵ پیسه	۶ روپیه ۱۱ پیسه	۶ روپیه ۴۲ پیسه	۵ روپیه ۴۸ پیسه	۶ روپیه	۵ روپیه ۱۸ پیسه	۶روپیه	۵ روپیه ۱۰ پیسه	۶روپیه ۱۰ پیسه	۵رو ۲۰

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکبری	کشمیره چهارخانه ۷ روپیه ۳۵ پیسه	کشمیره زهدار هرذرع ۷روپیه پیسه

(۲)	جراب			(۳) تکمه‌های چرمی محراب ومنبردار		
رقم	تکمانکه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج	کلان قدرجن	میانه قدرجن	خورد قدرجن
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه	۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۵۰ پیسه

(۴)	کروره های جدیدساخت			
رقم	زه باف یک اسپه دو کره دو تاره	زه باف یک اسپه دو کره سه تاره	چرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ چار تارهٔ نغز
قیمت	۸ روپیه و۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲۴ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۶ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم باف دسته بادامی دو اسپه	چرم باف دسته دولانه یک اسپه	دستهٔ دولانهٔ یکی چار اسپه	چرم باف عمرکان
قیمت	۴ روپیه و۴۸ پیسه	۴ روپیه و۶۳ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۴۳ پیسه
رقم	قبضه رنجی کلیت نقرهٔ توبخانه	قبضه کلیت نقره ازچرم دولایه توبخانه	زه باف رقم سواری سامی کلیت	زه باف دو تارهٔ زکان
قیمت	۳ روپیه و۵۵ پیسه	۴ روپیه و۵۷ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵۴ پیسه
رقم	رکابی الاغ	چرم باف میانه چوب پت زنانه	ازژن سواری نیخ چرمی	زنانه ابریشمی جیله
قیمت	۴ روپیه و۴۵ پیسه	۵ روپیه و۸۱ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته بادامی نیخ چرمی	دستهٔ دولانه سامی رنجی کلیت نقره	ازژن سواری دولایه نیخ چرمی کنجک دار	چرم باف مابین پت یک
قیمت	۴ روپیه و۴۹ پیسه	۴ روپیه و۴۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

(۵)	اقسام گلهای مصنوعی سر			
قیمت	گل جریین	گل نافرمان	گل زینه	گل شبو
قسم	۵ روپیه و۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۶ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قیمت	شکوفهٔ نارنج	گل نرگس	گل نسترن	جلیل
قسم	۷ روپیه و ۴۵ پیسه	۶ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
	شکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

(المشتهر)

(میر محمد هاشم دفتری کار خانجات (کیمان نظامی)

صحیفه (۱) سال پنجم شمارهٔ (۱۳)

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

مدیر ومسئول تحریر
محمود طرزی

ادارهٔ خانه ومطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

قیمت سالیانه
دردار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
دراطراف داخلهٔ مملکت
باخراجات داک ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
باخراجات داک ۱۰ روپیه انگلیزی
پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن [illegible] یکسانی است
(اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود)

تاریخ قمری غرهٔ جمادی الاول ۱۳۳۴ تاریخ انگریزی ۶ مارچ عیسوی ۱۹۱۶ تاریخ شمسی ۱۶ حوت ۱۲۹۴

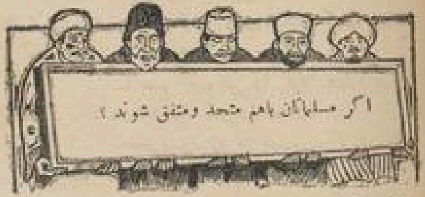
اگر مسلمانان باهم متحد ومتفق شوند ؟

(اگر) آدات (شرط) است . بشرطیکه مسلمانان متفق شوند کامیاب میشوند ! (مگر) هم از آدات شرطیه است . بشرطیکه مسلمانان متفق نشوند ، ناکامیاب میمانند ! یک چیز دیگری هم هست که آنرا (کاش) میگویند ، وعربی آن (لیت) است . بالیت ، ایکاش آنچنان شود ، و اینچنین نشود !!...

پاروردگارا ! چه عظیم‌الشان خالق فعال توانا و دانائی که آبرا و آتش . خاک‌وباد دریک مخلوقهٔ عجیب‌الخلقهٔ (انسان) نامبدیعهٔ خلقتت یکجا بهم جمع آوریدهٔ . (فتبارک‌الله احسن‌الخالقین) !

بشریت عجب یک مجموعهٔ اضدادیست ! آبهاصفای جانبخشای اخلاق حسنه ، با آتش سوزان خانه ویران صفات ردیه در کالبد تیره وتاریک خاکی‌اش یکجا گرد آمده ، باد تندتیز نخوت وغرور حرص وطمعش خاکپای صبر وحلم وقناعتش را میروبد ! مواد مذابشدهٔ غضب وکین وبغض کوه آتش‌فشان نفس وهوایش بسیلان وجریان آمده آبهای مصفای صدق واخلاص وحقوق شناسیش را به غبارهای غلیظ و کثیف حیله وخدعه وغدر وخیانتش تحویل وتبدیل میدهد !

(بشریت) عموماً باید باهم متحد ومتفق باشند ! تاحق اشرفیت واکملیت وحق بالطبع نوعی خودرا بجاآورده باشند ! علی‌الخصوص (اسلامیت) بالضرور بالضرور یک وجود ویک بنیان مرصوص گردند ! تاامر جلیل نصیب دلیل (واعتصموا بحبل‌الله جمیعاً ولاتفرقوا) را اجرا کرده باشند ملت نجیبهٔ شجیعهٔ افغانیه : لابد ، لاجار ، ضرور ، مجبور باهم اتحاد ووداد کنند واز نفاق وشقاق رو گردان شوند تادر چنین وقت نازک دین خودشانرا ، پادشاه خودشانرا ، ملیت ، وطنیت خودشانرا تابدرجهٔ که در وسع و طاقت شان باشد ـ یعنی تابه آخرین نفس ـ محافظه ونگهبانی بتوانند .

⁂

چسان اتحاد باید کرد ؟

اول ـ اتحاد دینی باید کرد : دین اقدس واعظم اشیاست . اتحاد دینی همین است که عموم ملت ، بدون تفریق طایفه وقبیله وزاتی وغیره بریک متحدالفکر ومتفق‌الکلام شوند که مادین خودرا نمی‌گذاریم که پایمال تحقیر وستم غیر دین‌ما بشود . واین وابسته است باین که حکومت ملیهٔ اسلامیهٔ ما برقرار باشد . وپادشاه ملت ما بکمال عزت وافتخار وتمام شوکت واقتدار مطاع ملت ومتبوع ملت باشد . واوامر پادشاهانه‌اش برمطابق شرع شریف محمدیه نافذ وواجب الاطاعه باشد . واین بوده نمیشود مگر باینکه ملت بصدق ایمان ، وصفوت وجدان ازدل وجان بپادشاه خود مطیع ، محب ، هم فکر هم خیال باشند .

علی‌الخصوص که حضرت باریتعالی جل وعلا که مسبب‌الاسباب حقیقی همه ترقیها و جمله ندبهای کائنات ماند و جود ذیجود اعلیحضرت (سراج‌الملة والدین) یک پادشاه عدالت همراه معظم ومقدسی بملت افغانیه عطا فرموده است که درراه دین ملت ، درراه ترقی وتعالی ملت ، درراه شرافت وعزت ملت ، درراه محافظهٔ ملت شاهانهٔ خود ازهیچکاری دریغ نکرده این دهر بیدرنگ بخوبی وخیراندیشی وحسن تدبیر وصفوت وجدان وضمیر دانا همت جهانقیمت شاهانهٔ شانرا مصروف داشته‌اند .

هیچ شبه نباید کرد که هر صاحب مال ، برحفاظت و صیانت مال خود ازدیگران بدلسوزی حریصتر وبدوستداری افزونتر است . ملت مال پادشاه است که بوجود آن مال حلاوت مآل اکتساب معیشت میکند ، ونشوونمای موجودیت میگیرد ، آیاهیچ صاحب‌مالی تصور خواهدشد که به کوبه خوردن ، وموش‌زدن ، و رهشدن ، ووارهواره

آشتی مال خود را امنی کرده ؟ نی نی کرده ! خوب می‌اندیشد خوب نگهبانی می کنند ، خوب اجرا آت بکار میبرد .

پادشاه مقدس محبوب‌القلوب معظم‌ما عاقل ، دانا ، توانا ، خیرخواه دین‌پرور ، شفقت گستر ، ملت‌دوست ، وطن دوست یك پادشاه بزرگ حقایق آگاهی هستند که پیروی افکار وخیالات حقایق بنیانه ، وهم دردی مقاصد خیر مراصدملوکانه‌شان موجب خیروسعادت دنیاو آخرت شمرده میشود . وجود مقدس پد شاه محبت و انقیاد و امنیت واعتماد موجب سعادت ملت است .

دوم ـ اتحادملی ووطنی باید کرد . وآن چنین میشود که باایمان کامل ووجدان پاك دل عزم جزم قطعی باید داد که ما آزادی واستقلال وشرف وشان ملی خود را ، وحقوق حاکمیت و موجودیت وطنی خودرا بسروجان ومال وتمام هستی خود درزیر بیرق سلطنت اسلامی خود مدافعه ومحافظه می کنیم . واین میسر نمیشود مگر به اینکه ملت اغراض شخصی ومقاصد نفسی ، وسپاهداری های قومی ، ورقابتهای عشیرتی . وتفرقه های جنسی وفروقات مذهبی را ازمابین خود برداشته بصفات حسنهٔ اتحاد و اتفاق حقیق متصف شوند . نفرت ، عداوت ، رقابت را یکسو افکنند . همه (پا) های اسبق قومی وجنسی وزبانی وعشیرتی وقبیله گری را باهم حل وحل نموده یك وجود سازند ویك (پا) ی نسبت (افغانی) رالازان تشکیل بدهند . وظیفهٔ بزرگ پیشرفت این مقصد خیر مرصد بزرفهٔ سادات کرام ، وعلمای عظام و مشایخ علویت مقام ترتب می کند . نصایح ووصایا ، وتلقینات وارشادات این گروه معظمه درراه حق وصواب تأثیرات عظیمه دارد .

ازدر گاه حضرت واجب‌الوجود بچون وچرانیازمندی بزار نالی همهٔ افراد ملت ، درینوقت وفرصت همین باشد کەدرچنین هنگامهٔ رستاخیز که دنیارا یك دریای خون ، و جهانرا یك آتش جهنم نمون ساخته ودنیا را ستند انقلابات وتلمون وتبدلات حیرت مشحون نموده همین دولت مقدسهٔ اسلامیهٔ ماهمانا عاجزرا کەدروسط قطعهٔ آسیا ازسالهای سال درپیش مهاجمات ومصادمات مدهشهٔ دو رقیب دیو سیرت طماع بمحافظهٔ استقلال وموجودیت آزادانهٔ خود قایم ودایم مانده بماناز زوال لسازد وازفضل وکرم نامتناهی خویش مراتب خیروسعادات وترقی شرافت که باشد نصیب گرداند . آمین بجاه سیدالمرسلین .

صنایع ادبیات

قصیده درمدح ذات اعلیحضرت پادشاه مستقل مقدس افغانستان سراج الملة والدین امیرحبیب‌الله‌خان باستعارات وتخیلات فنون ریاضی

﴿ بسم الله الرحمن الرحیم ﴾

بیای میز کبیر پر مدیر ومحرر سراج الاخبار افغانیه مستخدم ازوقتیکه این نسخهٔ نایاب واین مصباح عالمتاب ازمطبعه ذهن دار الطباعه خارج آمده است عالم اسلام بلکه جمیع امم مقتبس نوروبند خصوصاً این حقیر ازوزیکه آن عقل اول وضع اوراق این نامه نامی را کرده اند این دیوانه ازمنزل عقل هیولانی جانب شهرستان عقل بالملکه آمده است چند روز است که خواستم چیزی نویسم اگرچه هر چند در گوش هوش من نصیحت حضرت جامی قدس‌الله سره آمد فرد

زخود دان عنکبوت لاف بلاغت :: مکن بوالفضولانه ذکر فضایل

اما دریای فکرم ازاثر حرارت این سراج متنور از حالت انقباض روی بحالت انبساط نهاد نه بلکه ازقوه الملکة یکبا این مهر انور صفت جزدیرا گذاشته روی بحالت امتداد آورد لهذا فوراً ازینا گوش برآورده فرد

روان نیابد وجسته فرفر نوشتم :: چو هنگام ترغیب کلك عطارد

این من غرقات ۱ اشا کردم وبحکم محکم حاکم خلاق رحمانة لایقفد

درحال بگوش هوش من گفت :: وصف تو که باضمیر شد ضم

کای مادر سوسن معانی :: فارغ شود فاقد فیه فالیم

واین جمع مغالطات را درمعرض براهین آنحکیم نامور انداختم کتاید مقبول رأی ارباب عقول شود فقط .

صلاح الدین السلجوقی ابن حاجی ملا سراج الدین الخطیب ساکن مدرسه‌های حصار دارالنصرت هرات .

◆ (قصیده) ◆

شاه تمدن گرفت عالم ماو ثرا
رایت پابلند را کرد باوج ارتقا

آمده چون جم لشت برسر ملك جهان
تا صنع خویش را کرد بمارو نما

ساخت ز کشتو عمل زال کهن را جوان
کرد زعلو هنر فصل دگر ابتدا

روی هوا را گرفت جنبش طیاره کان
همچو هجوم جراد برسر کوه صفا

از صفت ژاله رزباد صفت در گریز
صاعقه سان توپ پای دیو صفت بر هوا

یاهمهٔ آنکه هست دیو رجیم شهاب
دیو شهاب افکنست بر طرف زیرا

یاکه ابابیل وار برسر اصحاب فیل
تازه سجیل و از میفکند ازما

یاکه عقاب مریخ کان زپی اصطیاد
جانب تدریب چرخ می شود مقتضا

یاکه بود کر کسی کرب نمش فلك
حوصله واسع کند از جهت امتلا

از صفت زیلین مدحت موزونه است
کان زاد وبابود وزین بود از مقتضا

از همه طیار کان موزون بهتر بود
زانکه جراد بکف به زکلنك هوا

برسرك ملك بین كس مکش موزان
در وسط کهکشان چون ژشب تیرها

در وسط حرو باد سی کنان همینا نکه
سی عجدد ملك رفلوات خلا

ابنت مجایب ما بر سر نار و هوا
دار دو دوزره پاچار خط استوا

همچو سپهر برین منزل یك روز اوست
ز آخر افغانستان تاخط مکدو نیا
حرکت قطبی او هست بدور زمین
شعلهٔ جواله سان دور زمان برهوا
فکرت اکلیدوار ازپی احصای ارض
بستهٔ کیبانیٔ است قاقر قبه نما
شکر خدارا که گشت ازروش موزان
دولت افغانیان همسر بر طانیا
این همه قسمت ها از چه سبب رویکرد
ورنه هیولی کجا روح قدس در کجا
از کرم کرد کار قدس اسمائه
وز مدد بخت شاه سایهٔ لطف خدا
دادرس ملك و دین خواجهٔ روی زمین
صاحب تاج و نگین پایه عرشی علا
شمس علامت بحزم ماه شباهت بعزم
همچو جو پیستر بعزم مریس صفت درو غا
هست ورا درحکم فکر ستودن شیم
هست ورا درحزم حسن عطارد ضیا
آیده دست او آمده تا پولین
خادمه بزم او آمده ویکتو ریا
باسل آفاق گیر- کافل برناو پیر
فاضل رو شن ضمیر حامل فهم و ذکا
صاحب حزم وحیا واهب فضل و سخا
راغب صدق وصفا سا کب جود و عطا
نامر نیغش چولا منتج توحید شد
رفت زیاد جهان بوری ونام ترا
جوهر تیغ ورا هست عرض بنج بحر
آیت رایات اوست فتحه که مصطفا
از صفت آدمی صورت خالص شده است
سهم عدویش که هست نام بشر الوری
صورت منظور نیست زانکه بیك صورشد
شاه جهانگیر ا کوست قیصر کالی کلا
فرق معانی بود شرط باشیا از انکه
ازره صورت یکیست شکر قوائیا
چشم زمانه ندید همسرش اندر جهان
از زمین را مس نایدم تیکلا
رایت شخصیه را تا که برافراخت شد
سطوت سیبورها شو کت جمع سنا
طی وجبدی که نیست درطرفین زمین
از سه نژاد جهان همچو وی از اصفیا
جز ملل از جهان پنج قطع از زمین
شش روش سلطنت کشته بوی مهتدا
هفت قوای هشت جزو درتن باشو کتش
نه عرش وده حواس چیده شد ازماسوی

شاه کلیدش هال کر حکم و حکم اوست
جرم زمین در کنش کره جغرافیا
گر بجزاز اجتماع خصم تشتت کند
می نشواند نمود قدر ورا انتها
زانکه بمکرو حیل سلم کوتاه او
بوسر اعداد عرش کی کندش اعتلا
ای بهنر مهترین دودهٔ چغتائیان
وی بسخا بهترین ذریه ارمیا
شاه ترقی پشو مفتخرو ملتجی
یار تمدن ترا شیفته و مبتلا
گر بخراجی برون باقند افراخته
گرد دفوتو کراف لوحهٔ بنطا سیا
کف تو مزن المطیر قلب تو بحر الکبیر
خلق تو ربع العبیر روی تو شمس الضحی
فکر تو در طبعیات شرح مجسطی بود
نطق در عالیات رمز اثو لوجیا
لب سراج توهست این لکی خاك و آب
هست حباب برو سقف زجاجی بنا
بود حبیب اللهی برقد شا هنشهی
باد مبارك ترا بوسر این متکا
رای تو کیوان مثال حسن تو زهره جمال
علم تو بر جیس فال حکم مثل ذکا
ملك ترا و نیوس هست بمنظوم شمس
جاز حدود ویست جاز مهش داعیا
ز آتش تیغت نهنگ آبشود در بحار
از تف بندوق تو موی شود اژدها
لطف تو در مرزمین مفیع کولف استریم
خشم تو درهر مکان مود دصد هیکلا
حزم ترا برقسر گر نبکار د کبی
واقف و ثابت شود شمس صفت جابجا
ور بسبها اوفتد زمزمهٔ عزم تو
گردد ذوالحر کتین همچو کلوبس سها
جوسق افضا لك فاق عن الفر قدین
کو کب ابشارك دام علی الانجلا
وقت نبردت زمین ککاتوالت جهان
زلزل زلزالها اخرج اثقا لها
آتش تیغت چو کرد شورش صفر الجمم
مرهٔ بود مر ورا دار وی سقمو نیا
رای تو نار جهان حلقه دانش گرفت
عقل زحل را گرفت علت ماخولیا
لوح ضمیرت زبس صیقل ادراك دید
زال جهانرا نمود آینه قد نما

مدح حسام ترا هر که بمریخ گفت
گردد بهرام وار حائز کور خفا

جمله ستان گر دوی یکّته مانند مهر
از خط منجوریا تالب هسپانیا

تا اروپا رسید صیت تو بهر کرز
پی بدریا نهاد دولت ایطالیا

گر زدرد خصم را شخص تو نبود عجب
زانکه گریزد پلنگ از نم حیض النسا

توجم ملکی و هست مور کرسی تو
نقش مدار الزحل خاتم بنصر ترا

رمز کتاب کریم درحق اخبار تست
فکرت محمود هست هدهد شهر سبا

هر ورق نسخه‌اش حامل صد گونه عرش
خانه بلقیس وار گشته چوبین رخبا

حوض زجاجی بود جار خط صفحه‌اش
عکس زساقش شده بورقش موبها

اینت کتاب کریم همچو کتاب کلیم
هست ورقها زسیم جلد زلوح طلا

اینت سراج عجب بی دود و لهب
خانه عقل و ادب یافت ز نورش ضیا

تا کز مشکواة ذهن جانب قاموس عین
آمده دریافت زان بیت تمدن سنا

تا که بروی زمین رفت بهم رشکست
قدر گرافیک را رفعت الو سترا

ملک برشته کشید همچو لآلی و گشت
رشتهٔ شیرازه اش حبل متین را نما

صفحه آینه را زنگ ابدز دیل
هست بپای چراغ آینه دیدن خطا

وقعهٔ زاخبار اوست رعدصداهای رشت
برق زنور ویست جنبه خورشید را

جوشهٔ زاینده رود جدولی از صفحه‌اش
یافت از آن جدولش تازه بهاران نما

از شفقش یافت نور مجلس ایران نو
یافت زآ کاهیش عصر جدید اعتلا

طوس زنور ویست روشن وزاقبال او
سر بسر ادوار گشت تمجزاف ادبا

هست ورا تلگراف جمله پیام سروش
مهتمم حامیت زمره اسلام را

نسخه محمود هست زانکه بود نحریش
خامهٔ محمود خان زبده اولی النهی

در رخ گیتی نماند شاعر ساحر یکی
تا کف و کلکش نمود معجز دست و عصا

آمده از خامه اش لوح ملل را الف
ساخته از آمداش چشم دول توتیا

خامه از در مثال در کف جان بخش او
همچو شهاب مبین زد شدید القوای

زاده فخر الکلام ملتجا خاص و عام
طرزی والا مقام صاحب فهم و حجا

ای زتو فکرت رای قلیدس نمی
وی زتم حکمت دردل هرشیل عنا

وینکه زحب وطن گشته مرجح زدل
بر شئی اجنبی خادمی اقربا

من بجناب وطن منفعلم زانکه او
چنگ بحلقوم من دار دروز جزا

حق وطن هجرتست ازوطن اجنبی
گرچه بود موطنش مینو بو تامبا

زین ورق دومین فکر دبیر فلک
هر نفسی میکند کلک ترا مرحبا

روم بدارم گزر ازوی بیرون شدی
زانکه نهٔ نیکو بود یکده و دو پادشاه

چونکه بهند آمدی ملک ستان از زحل
دست تو وجیب او مکدر ازین ادا

کلک تو تمساح وار از پی هیجان شده
از نک بحر سیاه جانب رو ما نیا

خامه امریکویت طرفه سیه بو تلیست
داده زما ءالحیواة اهل وطن را شفا

دانهٔ علم وهنر بذر بهر سر زمین
کردی وز اخبار خویش برز برش جوبها

قدر تو نشناسد آن شخص که جاهل بود
فرق ازین آسیا تا بدر آسیا

ایکه فزودی بملک عزو هنرا بسی
وینکه نمودی زخود حق وطن را ادا

فکرت سلجوقیات طبع ترا قدردان
خضر شناسد همی لذت آب بقا

مادر طبع چو گشت منتج چندین گهر
عاق مرا کرده اند هفت اب بر جفا

هیچ مرا تحفه نیست زانکه مرا کافیست
یک پدر مهربان حامی ما و شما

تربیتم گر کند میشوم ازعلم وفضل
صدوتر از بوعلی نخبه تر ازبوالعلا

شمس معارفیتم ار گرعلم و کمال
نیست مرا با کسی حاجت کسب بها

یازدهٔ عدد گشت یازده سیاره ام
هیژده عمر منست هیژده اقمار ها

این همه از اخبار تودعوی شمسی کنم
ورنه بدم پیش ازین ذو ذنب رهنما

به که کنم بردعا ختم مقالات خود
زانکه دعا کارمن هست بصبح و مسا

تا که بود نزد عقل فرق هیولی و جنس
جنس بلاشرط نی ماده بشرط لا
حکم ورا امتثال کلی و محکوم باد
وجه ضرورت بود حکم ورا مطلقا
امضا : صلاح الدین سلجوقی هروی

مخمس

دوستان وضع جهان رنگ دگر می بینم
آتشی را فلک پرده سر می بینم
کره ارض همه عالم بشرر می بینم
این چه شوریست که در دور قمر می بینم

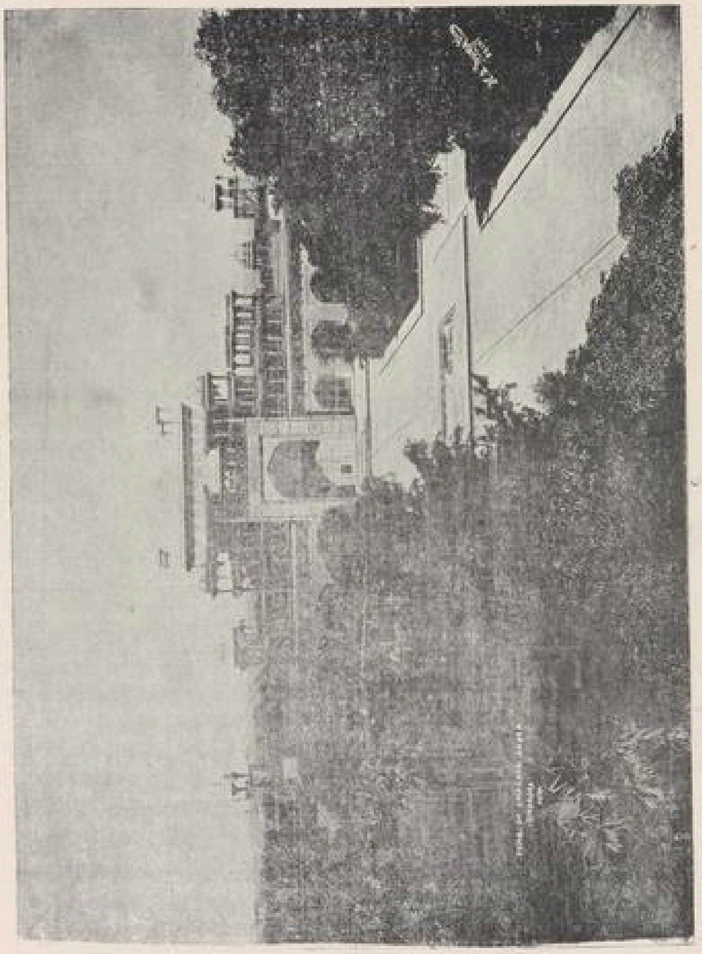

از مناظر هندستان
« سکندرآباد بنای عالی که قبر جلال الدین اکبر پادشاه درانست ، در آگره »

همه آفاق پر از فتنه و شر می بینم
روم و ایران بغم ملت و ناموس و نام
روس وانگلیس بتلبیس خود افتاده بدام
صبح اقبال یورپ گشته سیاه چون شام
هر کسی روز بهی می طلبد از ایام
مشکل آنست که هر روز بتر می بینم

جاهل آنست که چشمش ز ره حق بند است
در بیابان ضلالت ابدا پابند است
بدو روز عشرت دنیای دنی خرسند است
ابلهان را همه شربت ز گلاب و قند است
قوت دانا همه از خون جگر می بینم
کفر افراشته بیرق به سپهر گردان
شور افکنده ز غوغای تمدن بجهان

اهل اسلام زبس مانده کی خود حیران
اسب تازی شده مجروح بزیر پالان
طوق زرین همه در گردن خر می بینم
چشم عبرت بگشا و بنما نیك نظر
بد و نیك خلایق بتفکر بنگر
هر یکی بسته کمر تنگ بکین دیگر
دختران را همه جنگ است و جدل با مادر
پسران را همه بد خواه پدر می بینم
هیچ الفت نه بهم مادر و دختر دارد
نی بهم مهر و محبت زن و شوهر دارد
خواجه را صدق و اخلاص نه نوکر دارد
هیچ رحمی نه برادر به برادر دارد
هیچ شفقت نه پدر را بپسر می بینم
تو غلام حیدر بیچاره بدل پاکی کن
چهره بیرون بدن از ورطه تاریکی کن
در سخن های زرکان همه باریکی کن
پند حافظ بشنو خواجه برو نیکی کن
که من این پند بهاز در و گهر می بینم
گفتهٔ غلامحیدر نویسنده حاکم بهسود هزاره

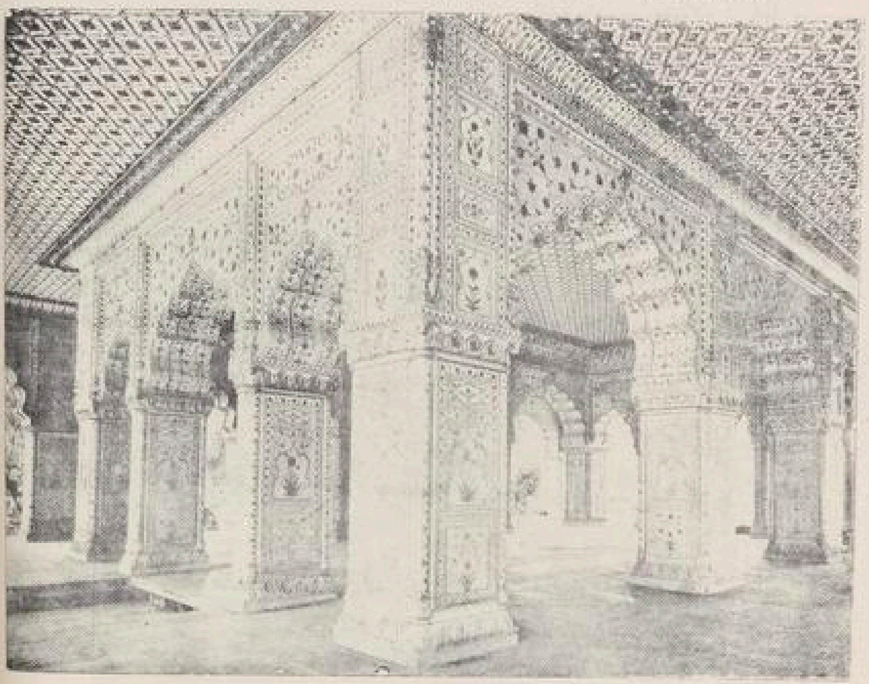

از مناظر هندستان

یك حصه از «دیوان عام» نام بنای عالی در دهلی از آثار پادشاهان اسلام

حوادث خارجیه

از جهاز هوائی نترسید!

یك نامه نگاری که درین جنگهای عالمسوز در میدانهای محاربه موجود بوده در خصوص جهاز هوائی چنین بیان معلومات میکند : جهازهای هوائی که درین جنگها استعمال میشوند دو قسم است که یکی را (زپلین) می گویند ، و دیگری را (ئه‌وروپلن) مینامند . زپلین ها قسم اعلای جهازات هوائی شمرده میشود که بسیار کلان یك چیز است . هم قوت غاز یعنی گیس و هم قوت ماشین در هوا پرواز می کنند . و بسیار وقت در روی هوا مانده میتوانند و مسافه‌های درازی را طی کرده میتوانند و از پنج آدم آدم دران نشسته میتوانند و همراه آلههای ناریهٔ بزرگ و بسیاری آن بار میشود . این رقم جهازهای هوائی بسیار آلههای شمرده میشود . ازین رقم جهازهای هوائی را بغیر از دولت هیچ دولتی مالك نیست . مخترع آنهم (قونت زپلین) نام میباشد که بنام خود نام این جهاز ها را زپلین نهاده است . در یك ظلمت ماتم همین زپلینها درآورده است ازین نوع جهاز دولت انگلیز و دیگر متفقینش ندارند .

دیگر رقم جهازهای هوائی (ئه‌وروپلن) است که ازین

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1563 of 1786

پرپوتها دارند . این جهازها بدرجهٔ زپلینها دهشتناك نیست ، درمیان زپلینها ازدو آدم بیشتر نشسته نمیتوانند که یکی ازانها جهازران دیگری دیدهبان است . ازجهاز پنج بم زیاده تر انداخته نمیتوانند . ومسافههای زیاد را هم طی کرده نمیتوانند . درمتانت وصلابت نیز بدرجهٔ زپلینها نیست . زود خراب میشوند . بم اندازی این چنین جهازهای هوائی هیچگاه لازم اندازی طرح باد هتنها کثیر نیست . بلکه بمهای که ازطیارهها می‌افتد در جای تأثیر شان خیلی افزونتر است . امادر جاهای که چشمها بدیدن آن عادت نگرفته یکبارگی دفعهٔ درمیان هوا یك جسم پرغرش وغرنده پدید وازان بم هم بیفتد البته یك خوف ورعبی بدلها می‌اندازد . اما بعدازانکه یك چند بار دیده شود درجهٔ تأثیرات آن پی برده شد هیچ اهمیت وترسی ازان نماند . وازجملهٔ چیزهای عادی رقم میرود . علی الخصوص که بعضی تفنگچیان نشان انداز بزنند اگر بعضی موقعهای بلند بسنگر وقاو گرفته بگولهٔ تفنك جهازران آنرا بقتل رسانند ، یا بماشین آن کدام گلهٔ کاری رسانند مانند یك تکه پارهٔ برزمین می‌افتد . چنانچه درمحاربهٔ طرابلس غرب مجاهدین اسلام چون اول بار جهاز هوائی رقم نوروپلین را برسرخود دیدند بسیار بترس افتادند . اما بعدازانکه حضرات مشایخ سنوسی آیات کریمهٔ قرآن مجیدرا که درباب رجم شیاطین بود رانها تفسیر نموده آنهارا باعتقاد راسخ وتسلی داد وافسران عثمانی دلایل عقلیٔ آنرا بیان نموده ترس ورعب شان که برای مساوی بودن آن حاصل شده بود زایل گردیده هیچ اهمیتی بآن ندادند . علی الخصوص که بعضی نشان اندازان مجاهدین یکی ازانهارا بگولهٔ تفنك برزمین انداخت هیچ خوف ورعبی ازان باقی نماند . لهذا ازجهازهای هوائی دشمن غدار مسلمانان راسخ الاعتقاد هیچ ترس وبیمرا بدل راه نباید داد .

[راستی که هیچ ترس واندیشهٔ را ازجهازات هوائی بخیال وخاطر نباید آورد . دراخبارهای انگریزی هروقت روزنهای حملههای زپلینهای جرمنیرا برلندن میخوانم همین یك نکته را میشنوم که اینقدر زپلین معلوم واینقدر بم انداخت . ولی هیچ نقصانی نرسانید یك طفل یادو طفل یا یك دوزن مجروح واهلاك شدند . پس بم اندازی زپلینها که مدهش ترین جهازات هوائی میباشند چون باین درجه بی اهمیتی باشند آیا طیاره گکهای نوروپلینها راچه اهمیتی خواهد بود !!!]

جوش وخروش افغانها دربغداد شریف

اخبار شهبا یك مکتوب یك افغان مقیم بغداد را که برای یکی ازرفقای خود مقیم شام نوشته درج صحایف خود نموده که ماهم عیناً آنرا ترجمه ودرج میکنیم :

درشهر بغداد شریف ازمردم افغان تقریباً دوصد نفر مقیم هستند که این مردم غیرتمند بهادر وتوانا باسپاهی املاك ولالاگری اولادهای حضرات سادات عظام گیلانیه میباشند . هنگامیکه لشکر انگلیز درموقع شیعان تقرب نمودند مردم دربغداد علی العموم ودرافغانان علی الخصوص یك جوش وخروش عظیمهٔ برپا گردید . (غوث الدین) نام یك افغانی که دردلاوری وبهادری یك شهرت عظیمهٔ دربغداد پیدا کرده همهٔ افغانان مقیم بغداد شریف را درباب الشیخ نام موضع جمع ودعوت نموده بآنها ازقرار ذیل نطق نمود :

« برادران ! نزدیك شده که مقامات مقدسهٔ پیشوای مذهب ما حضرت امام اعظم صاحب ، وپیردستگیرما حضرت غوث الاعظم صاحب وامامان دین مقدس ما واولاد رسول برحق ما درزیر کریهای پوتها وموزههای نجس ومردار دشمن دین وایمان ما پایمال شود . آیا کدام ایمان ، کدام وجدان کدام غیرت ، کدام ناموس برخود گوارا کرده خواهد توانست که بچشمهای سر خود ببیند که کورههای لعین ومردار باپوتهای پرنجاست خود درین مقامات مقدسه داخل شده حقارت کنند ؟ [ازهمه افغانان یك صدا حاشا حاشا ! هیچگاه هیچگاه !]

« برادران ! به بینید که روس منحوس در ایران چه کرد ! قبر مبارك امام رضا صاحبرا بتوپ زد ، ویران کرد ، باموزههای نجس خود آن مقام مقدس را الکمال کرد ، شکمهای بزرگان دین شان را دریده بدارها آویخت ، هیچکس هیچ نگفت ، تا که کرکسها بغیرت آمده بیرق قونسلخانهٔ روسی هجوم برده بیرقرا بمنقار وپنجه پارهپاره کردند ! آیا ما ازکرکسها هم بیغیرت تروبی حمیت ترخواهیم بود که بچشمهای خود ببینیم وچار زانو مانند زنها نشسته باشیم وفرنگی آمده درکاخ مقدس پیردستگیرما حضرت باز عبدالقادر گیلانی که پیشواهای ما درانند . اگر همچنین بیغیرتی درما مسلمانان دوام داشته باشد فردا خدا ناخواسته اگر کعبهٔ بیت الله ومرقد قدسیت احتوای حضرت رسول الله را هم بلاتشبیه پامال کنند نیز بلاغیرت وحمیت هیچکس شور نخواهد خورد . نی نی برادران ! نباید اینچنین روزهای منحوس را ببینیم ، چشمهای خودرا کور کنیم . جانهای خودرا درراه محافظهٔ بغداد شریف قربان سازیم . حالا بگوئید که کیست بامن همراهی کند وکیست که دین خودرا ازجان خود زیاده دوست داشته باشد ؟ »

این سخنان (غوث الدین) مذکور یك جوش وخروش وهیجان عجیبی درافغانان برانگیخته وهمه متفق الکلمه شده درعقب غوث الدین بدارهٔ عسکری درپیش قوماندان رفتند . وما فی الضمیر خودهارا بیان کرده رضای خودها داخل شدن خود شانرا درسلك عسکر نظامی استدعا کردند . به این شرط که جمعیت شانرا ازهمدیگر جدا نسازند ودرمیدان حرب دریك نقطهٔ که محافظهٔ آن یاهجوم بران بهمه حال بفدا کاری عظیمی موقوف باشد سوق وتعبیه نمایند همچنین هم شد . ازجملهٔ دوصد نفر هشتاد وپنجنفر شان شربت شهادت چشیدند . خود غوث الدین ازسه جا زخمی شد . سواران شجعان عرب وعسکر ظفرمآثر نظامی عثمانی انگلیزهارا ازسه طرف احاطه کرده چنان قتل عامی برآنها وارد آوردند که دوباره نام بغداد را هم بزبان نیاوردند . تقریباً ششهزار مقتول ومجروح واسیر شان درین میدان حرب بوقوع آمد . یازده عرادهٔ طوپ صحرا وطوپهای ماشینگن ومقدار کثیری تفنك وجبهخانه وخیمه واسباب ولوازمات فراوانی بحیث غنایم بدست غزاة مسلمین درامد . وبحالت سراسیمهگی وپریشانی فرار نمودند که نظیر آن کمتر دیده شده است .

نقل از گرامی روزنامهٔ حبل المتین

(خسارت اخلاق اروپ درین جنگ)

یکی از دانایان میگوید خسارهٔ این جنگ اروپا بهاندازهٔ نیست که بشرح وبیان درآید اولین خسارهٔ آن همانا بربادی اخلاق است :

اروپائیان ازسیصد سال باین طرف درتمام کرهٔ ارض نقارهٔ تمدن واخلاق خودرا کوبیده خواه مخواه بعقل عام قبولاندند که تمدن مخصوص

باروپا وحسن اخلاق ومروت وانصاف از خصائص اروپائی است هرملت کوچك اروپا مزیت خودرا بر بزرکترین ملل آسیا مسلم میدانست فقط اسم اروپائی برای ابراز تمدن وجلوهٔ اخلاق و آئینه مروت و انصاف کافی بود باندازهٔ شعشعهٔ تمدن اروپا چشم عالمیانرا خیره میساخت که هیچیك از ملل آسیا ولو دارای هرقدر قدامت تاریخی وتمدن دیرین بودندولودر خلوت هم بود برای یك آن هم تصور مدنیت اخلاق بهیچیك از عناصر اروپائی نمی نمود واین نکته یك مزیت مسلمهٔ برای اروپا شده بود که برابری باآن میسر نبودی وقیمت آن برای اروپا از همه چیز بالاتر شمرده میشد این جنك خونخواره آن مزیت شعشانی اروپا را زائل ساخته نزدیك است که اقوام وملل آسیا در تمدن واخلاق دعوی همه کونه مزیت براروپا بنمایند .

خسارهٔ جانی

خسارهٔ جانی این جنك از روی قطع بعد از خاتمه آن از بیست ملیون کمترقرار نخواهد آمدنفوس کلیهٔ اروپارا چهار صدملیون میکویند واکراین خسارهٔ تقسیم بعموم شود صدی پنج خواهد شد واین عدهٔ نقصان خیلی زیاداست وبیشتر این خسارهٔ باید بدول بزرك جنك جو است ودول بیطرف چندان حصه از آن ندارند واین عدهٔ تلفات چون تمام از جنس ذکور است وعنصر اناث بیدقیق وصاحب اروپ خیلی خواهد افزود وطبیعت آنهارامجبور بانتشار درآسیا خواهد ساخت و همین نکته نیز بزرکترین لطمهٔ اخلاق است که از اروپا در قلوب ملل سائره جای تواند کرفت اما خسارهٔ مالی این جنك باروپ باندازهٔ ایست که به احصاً درآید :

(خسارهٔ مالی)

خسارهٔ مبنیهٔ جنك جویان تاآخر جنك تقریباً ازبیست هزارملیون لیره بالغ خواهد بود خسارات صناعتی وتجارتی اروپ بیش از آن است که بتوان بیان کرد مثلا یك ازمحاسبین میکوید تخمینهٔ عایدات اهالی اروپ روی هم رفته ماهانه سه لیره بوده والان نوزده ماه است که آن عایدی نکث نموده یك لیره تنزل کرده است و کویا هرماهی هشتصد ملیون از عایدات اهالی اروپ کاسته و حال آنکه بهمان مقدار هم بواسطهٔ کرانی اجناس برمصارفشان افزوده است اهالی آسیا هم اکرچه تایك اندازه درین نقصان باروپائیها شمولیت داشته ولی ازطرف دیکر جای خالی این خساره‌را طبیعت پرکرده است بدین معنا که اروپا بواسطهٔ اشتغال بجنك نتوانسته است که مبادلات صناعتی را که همواره به آسیا میفرستاد برساند وبرعکس چون محتاج بود لوازمات معاشیهٔ خویش را بقیمت رفیعتر تحصیل کرده باروپا بردهوبدین سیاست باتفاق مبصرین حالت اقتصادی تمام ممالك آسیا امروزه نسبت بقبل جنك خیلی بیشتر وبهتر است ثروتهائی‌را که از سیصد سال باینطرف اروپا باقتضا طبیعی علم و عمل بخود جذب نموده بود آلان دارد دردو مجرای اجباری یکی به‌آسیا و دیکر به امریك میریزد معلوم است که اکر چندی دیکر کار بدین منوال باقی‌ماند فقرالدم اروپارا احاطه خواهد نمود اکرچه برخی ازدول بیطرف اروپ درین جنك اندك‌فایدهٔ ثروتی میکیرند ولی در جنب آن همه خسارات دول بزرك مقداری قابل الذکر نیست و امروزه باثروت‌ترین دول وملل محتاج بقرض وتوام بااحتیاج ذلت است .

(خسارهٔ علمی)

اعظم خسارات اروپ درین جنك همانا اعدام بسیاری از رجال بزرك عالم وکاف درصنعت میباشد که قرنها مانند آنان پیدا نتواند شد واین خسارهٔ بزرك را اروپ از قانون اجباری قشونی دارد چرا که از هر طبقه وهرسلسله مجبور بخدمات قشونی و خدمت در جنك است وهمینکه شمولیت بجنك نمود خواه نخواه بتلفات دوچار میکردد یك ازواقفان امور حساب نموده میکوید درین جنك خانمان سوز اروپ تا کنون هشتاد هزار علمای متبحر وفضلای عالیمقدار از هرفن وصنعت رهسپار وادی اعدام کردیده‌اند واین نتیجهٔ منحوسه تولید نشده است مکر از قانون مشق اجباری که موجب عزت وقوت و افتخار اروپ کردیده بود فقط چیزیکه درین جنك ترقی نموده همانا برخی صنایعی است که برای اعدام بنی نوع انسان ایجاد میشود وهمه‌روزه نیز درفکر احداث آلهٔ قتالهٔ جدیدی میباشند :

(خسارت تجارتی)

یك از مهندسین هولاندی دراول جنوری سنه ۱۹۱۶ حساب نموده میکوید که درین مدت جنك باندازهٔ کشتیهای تجارتی وماهی کیری وجنک غرق کردیده که هرکاه جمیع کارخانجات جهاز سازی دنیا شب وروز ک کنند درمدت بیست سال جبران آنرا نتوانند نمود وهمین یك نك باندازهٔ لطمهٔ بتجارت وصناعت اروپا تواندزد که تادیرباز جبرانش پذیر نکردد این خساراتیکه شمهٔ ازآن ذکر شد هنوز هم خم به ابرو جنکجویان نرسیده است :

کذا

(پلتیك کاری آلمانها در اصفهان)

چیزیکه بیشتر اهالی زرنك اصفهان تاثیر نموده آنست کجنرا قونسل آلمان کلولهٔ طوپی ازچوب ساخته که طول آن قریب بیك است وبیست و چهار انچ دور آن است ، ودر دور آن کلولهٔ باخط بسیارجلی وروشن کنده‌شده (بانتقام بمباردمان مرقد مطهر منورهٔ علی ابن‌موسی الرضا علیه‌آلاف التحیه والثنا انداخته میشو واهالی اعلان نموده که این دیه کلولهٔ ایست که در کارخانهٔ کر ریخته شده واین‌کلوله در اردوکاه آلمان که بجانب پترسبورغ موجودیست که به کلیسای بزرك آن شهر دراولین موقع انداخته این بیان بقدری در قلوب مردمان اصفهان ونواح آن اثر که دسته دسته بزیارت این شبه کلوله آمده اظهار تضرع و خش مینمایند ودور نیست اکر چندی بدین منوال بکذرد این شبیه ک صورت یك امام زادهٔ بزرکیرا کسب کرده مردم ازو مطالب خو بخواهند . وکم کم دارای خدم وحشم بشود بنازکی دوخبراز آن ک اصفهانیها دامن همت برکمر زده مردمانرا مجتمع ساخته زیارت این کلوله می‌آورند ودور نیست عنقریب زیارتنامه هم برای او بخو این تدبیر قونسل آلمان بقدری درقلوب اهالی اطراف اصفهان ا کهمافوق آن متصور نیست .

غداری ارامنه وشیادی انکلیس

اخبار عثمانی مینویسد :

اززمانیکه ترکان درین جنك شریك شدند ، جراید انکلیس بیرحمی وسفاکی ترکان برارمنها که رعایای ایشان هستند هیچکاه نشده ، ووقتاً فوقتاً تفصیلات جوروستم ترکان را بر ارمنها بنو

یانه در عالم انتشار داده‌اند که مسلمانان دور دیار حیرانند که چرا درین زمان که دولت علیهٔ عثمانیه دوچار مسائل موت وزیست میباشد بلاوجه درپی آزار رعایای خویش شود بلکه چه گونه فرصت بدست آورده که بچنین امور غیرمعقول اشتغال دارد ؟

مسئلهٔ ارامنه جزویست که بمسئلهٔ کلی انگلیس وروس وفرانس وممالک عثمانیه ازسالهای دراز تعلق دارد ـ برای ایضاح مسئله دانستن بعض واقعات تاریخی لازم است . چون (سلطان محمد خان ثانی) در ۱۴۵۳ ع قسطنطنیه را فتح کرد حسب فرمان سید الکونین که بحسن سلوک با اهل ذمه وصیت فرموده بود ـ بر رعایای نصرانی که تازه داخل حمایت اسلام شده بودند مساعدات فوق‌العاده وتفضلات غیرمتوقع ارزانی داشت حتی که بذات خود پاتریک قسطنطنیه را تا باب فرش استقبال کرده واورا درجنب خویش جای داد وبدست خود کلاه وچوب وغیره ازعلامات منصب پاتریکی اورا عطا کرد ـ وملل نصرانیه را امتیاز فیصله کردن معاملات مابین خودشان ـ وحریت تعلیم اولاد بدون مزاحمت حکومت وغیرها بخشید ـ

دین مسیحی از آغاز تا سه صد سال بواسطهٔ دعوت وتبلیغ ترقی کرد اما وقتیکه قسطنطین اعظم که بانی بلدهٔ قسطنطنیه بوددین نصاری را قبول کرد آنرا دین ملی دولت روم قدیم گردانید . عادت فرستادن داعیان باقوام غیر نصرانیه منقطع گشت . واین حالت تازمان (مارتین لوتر) یعنی الی یک هزار سال دوام کرد ـ وقتیکه (لوتر) فرقهٔ (پروتستانت) را بوجود آورده وازشیوع این فرقهٔ انگلستان وجرمنی وسویطزرلند وغیرها ازممالک یوروپ ازریاست پاپای روم خارج شد ـ پاپای روم باز عادت فرستادن داعیان دین مسیحی باقوام غیر مسیحیه احیا کرد تا از اقوام آسیا وافریقا تلافی مافات ازیوروپ نماید ـ وممالک عثمانیه برای چنین دعوت بسیار موافق افتاد . زیرا که حضرت مسیح ودین اودرممالک عثمانیه نشوونما یافته بود ـ دیگر فرقهای نصرانیه هم تدریجاً بپاپای روم تقلید کرده داعیان (مشنریهای) خویش را بممالک عثمانیه فرستادند . این داعیان نصرانی رعایای عثمانی را که نصرانی بودند بافکار فاسده اغوا نموده بخلاف دولت عثمانیه بمخاوت وانگیختند . ودین را آلهٔ سیاست ساخته درهدم بنای سلطنت علیه کوشیدند ـ درمدت سه صد سال ازازمان فتح قسطنطنیه ازاسباب کثیره ضعفی دربنیان حکومت عثمانیه راه یافت واقوام یوروپ درهمین مدت درعلوم وفنون جدیده . ونظام عسکری واقتصادی ترقیات نمایان کردند ـ ودرابتدای قرن تاسع عشر . عیسوی سه دولت قوی یعنی انگلیس وفرانس وروس خود را حامی رعایای نصرانی دولت علیهٔ عثمانیه قرار دادند ـ درحمایت این دول قوای فتنه وفساد وعداوت وخیانت میان نصرانیان درممالک عثمانیه منتظم ومستحکم گردید ـ وولایات ممالک واسعهٔ عثمانیه مثلاً یونان ورومانیا وسرویا ومانتی نگرو وبلغاریا بتشجیع وتقویت دول یوروپ تدریجاً یکی بعد دیگری ازملک محروس عثمانی خارج شدند .

چون ترکان روشندل ووطن پرور دیدند که فتنهٔ داخلی ازتحریک خارجی پیدا میشود ـ درسنهٔ ۱۸۷۶ باجرای دستور واعطای حقوق سیاسی بالسویه بهمه رعایای عثمانی بدون تفریق دین ونسل دادند . وبدینصورت فتنه وفساد را استیصال کردن خواستند . امااینطریق انسداد فساد در بلاد عثمانی روس وانگلیس وفرانس راخوش نیامد . وانجمنهای شورشی بلغاری که درسمت پیترز برگ ولندن و پاریس بودند اشارت رفت تابکشت و خون ناحق دربلغار باجوش وخروش بوجود آوردند ـ وجرائد یوروپ دردسیسه شامل شده ومبالغه وغلو را بکار برده کاه را کوه نمودند ـ مستر کلیدستون که پیشوای سیاسی ملت انگلیس بود خطابهای شورانگیز کتابه (فجایع بلغار وغیره) مشهور گشت همه عالم متمدن را بخلاف ترکان برانگیخت وترکان را وحشیان خونخوار وانموده وچنین اراجیف خلائق یوروپ را بهیجان آورده بدول معظمه التجا کرد که ترکان را ازخطهٔ یوروپ باساز وبرگ بیرون رانند ـ از شور و فریاد کلید ستون روس جرأت گرفته درسنه ۱۸۷۷ ع بخلاف دولت علیه عثمانیه جنگ کرد ودرسنه ۱۸۷۸ ع بلغاریا حیثیت استقلالی بدست آورد ـ وکلید ستون لقب آزاد کنندهٔ بلغاریا یافت .

درسنه ۱۸۹۲ ع کلید ستون وزیر اعظم انگلستان شد . ودوسال بمسئلهٔ هوم‌اول (استقلال اداری) برای آیرلند ضایع کرد ودرسنه ۱۸۹۴ ع ازوزارت استعفا کرد وبجای خود لارد روزبری را وزیراعظم ساخت اکنون حالت وزارت خوب نبود ـ خواستند که خیالات برطانیه را بمسائل خارجیه در آویخته بقای وزارت روزبری را امتداد دهند . مسئلهٔ ارمنی را بوجود آوردند . وتائید کلیدستون را هم حاصل کردند . مردم مانند کینن مالکم مکال وجیمس برائس و دیوک آف ویست مستر کلید ستون را که پیرفرتوت شده بود گفتند که شمارا آزاد کنندهٔ بلغاریا می گویند باید که آزاد کنندهٔ آرمینیا هم بگویند . . وطرفدار مسئلهٔ آرمینیا ساختند ـ بواسطهٔ انجمن شورشی ارمنی درلندن بقوم ارمنی درملک عثمانی پیغام فرستاده شد که ایشان شوروفساد بکنند دولت انگلیس ایشان را حمایت خواهد کرد ـ و بذریعهٔ قونصلهای انگلیسی درملک عثمانی اسلحهم بطورخفیه فرستادند ـ پس ارمنیهای ساسون نزد غدیر وان در خریف سال ۱۸۹۴ ع ازادای خراج دولتی اباء نمودند ـ این چیزی شگرف نبود دران حدود در زمان سلطان عبدالحمید خان حسب عادت آن عهد لشکر را فرستادند تامحاصره کرده ارمنیها را بادای خراج دولتی مجبور کنند . ارمنیها علی خلاف عادت ازخانها برلشکر تفنگ انداخته بعضی را ازسپاه عثمانی کشتند . لشکر عثمانی مجبور شده فتنه را بضرب تفنگ واطلاق رصاص فرونشاند لامحاله تنی چند از ارامنه کشته شدند درمیان کشتگان یک دوزن وبچه هم بوده باشند چون این خبر بانگلستان رسید ـ یکشور وغوغا گردرا بپانهادند ـ درجرائد یوروپ ورسائل شهریه تفصیلات گزاف از کشته وخستهٔ ارامنه باآفاق رسانده در یوروپ وامریکا هیجانی عظیم پیدا نمودند ـ پس وزارت روزبری در ابتدای سنهٔ ۱۸۹۵ ع باحکومت روس وفرانس اتفاق کرده هیئتی مفتش مشتمل بر نمایندگان هرسه دولت را بمحل واقعه ازساسون فرستاد ـ ازتفحص وتحقیق برمحل واقعه معلوم شد که شصت وپنج یاشش ارمنی کشته شده بودند واین عدد را مطبوعات لندن بخواه بشصت هزار کشته رسانیده بود . درین اثنا وزارت روزبری ساقط شد ـ

ولارد سالسبری رئیس فرقهٔ کنسرویتو که مسلك دوستی بدولت عثمانیه داشت با کثرت فوق العاده از طرفداران وزارت در پارلمنت (مجلس ملی) وزیر اعظم شد — وبخواست که مسلك لارد روزبری را تتبع کرده مسئلهٔ ارمنی را زنده کند — لماس بان ارامنه در لندن تحریکی کردند که لارد سالسبری را بتتبع مسلك وزارت سابقه مجبور کرد — بارامنهٔ ترکی بطور خفیه اشارت رفت تا ایشان روز عید جلوس سلطانی در قسطنطنیه جوق جوق در کوچه و بازار بیرون آمده راه قصر یلدز گرفتند گویا عریضه داشتی بحضور سلطان پیش میکنند — چون سطوت یلدز پس ضابطهٔ (پولیس) دار الخلافه برای گرفتن عریضه پیش هجوم ارامنه آمد . اورا به شکنجه کشتند — این واقعهٔ غداری در حس ترك حکومت عثمانی مسلمانان درجهٔ را بهیجان وغضب آورد — ایشان زد و کوب ارامنهٔ قسطنطنیه آغاز کردند وبسیاری را از آنها کشتند وحکومت مستبدهٔ آن عهد هم قدری اغماض کرد — چون دسیسهٔ سیاسیان انگلیس در تحریك اخلاف مسلمانان ترك ووقوع این افسوسناك حوادث موفق شد وچون خبر این وقایع مدهشه در قسطنطنیه بذریعهٔ تار برق بیورپ وامریکا رسید — در همه عالم متمدن یك پریشانی پدید آمد — پیرفانی گلید ستون باوجودیکه از مداخل بسیاسیات اعتزال گرفته بود — عقام جسته بخلاف حکومت ترکی یك خطابهٔ جوش انگیز نطق کرد و گفت — : حکومتی که چنین جرائم وقلاقل را روا دارد — نه خیر — بلکه مردمرا بر آن جرائم وقلاقل تشویق کند — عار است ، بپیغمبر محمد ، که این حکومت ادعای پیروی او میکند — وعار است به تمدن — وعار است به انسانیت : — مطبوعات لندن انگریزهارا بشورش خلایق آورده یك غلیان پیدا کرد — وحکومت لارد سالسبری را مجبور کرد تا مسئلهٔ ارمنی را بدست گرفت . نهم ماه نومبر سنه ۱۸۹۵ ع در مجلس تاریخی کامعال شهر لندن . یك نطق تهدیدی شدیدی بخلاف سلطان عبدالحمید کرد ودسته های سفائن حربیه دول معظمهٔ یورپ را بدهانهٔ آبنای داردنیل فراهم آورد — اما دولت جرمنی هیچ سفینه نفرستاده بود

پیش از سال ۱۹۰۷ ع تعلقات انگلیس وروس صمیمانه نبود — بلکه درمیان ایشان رقابت سخت بود — وهمچنین پیش از ۱۹۰۴ ع میان انگلیس وفرانس دوستی نبود — بل روس وفرانس حلیف بودند — چون مسئلهٔ ارمنی را انگلیس آغاز کرده بود ، — روس وفرانس در تعین کردن هیئت مفتشه با انگلیس شریك شده بودند — اما نه برای اعانت انگلیس بلکه برای نظر داشتن بردسائس انگلیس — پس چون لارد سالسبری خواست که سفائن حربیه دول معظمه بزور داخل آبنای داردنیل شده بقسطنطنیه قابض شوند — پرنس لوبناف که وزیر اعظم روس آنوقت بود — راضی نشد — وفرانس هم تائید روس کرد — باین شعبده بازی روس دولت عثمانی را از انگلیس جدا کرد — وبطرف خود کشید — این بود انجام مسئلهٔ ارمنی در ابتدای سال ۱۸۹۶ ع — انگلیس خیلی مفتضح گشت . حتی که لارد سالسبری در اظهار مجبوری دولت برطانیه علی رؤس الاشهاد گفت — : اگر هر پنج سلطان ترکی می آمدند — ما هم ایشان را شکست دادن میتوانستیم — اما ما نمی توانیم که آهن پوش جهازهای جنگی خویش را بالای کوه اراراط (جودی) شنا کنیم . ارامنه از ین کامیابی حیله های انگلیس پریشان شده — روزی بعمارت بنك عثمانی در قسطنطنیه بدینامیت بدست در آمده — مردم بیگناه را کشتند — وبواسطهٔ انگلیس ایشانرا اجازت شد تا صحیح وسالم بیورپ رفتند — این شوخ چشمیها که وبیرحمی وسفاکی ارامنه خیالات مردم را در ولایت اناطولیا بجوش آورد — بس بر ارامنه حمله کردند وخیلی کشت وخون بظهور پیوست — گلید ستون باردیگر بخلاف حکومت ترکی خطابهٔ شدید کرد — وسلطان عبدالحمید را سفاك اعظم خواند ووای داد ارزوی اظهار عدم رضامندی بحکومت ترکی از قسطنطنیه سفیر برطانیه باز طلبید . اما لارد روزبری باین رای گلید ستون اتفاق نکرد . وا ریاست فرقهٔ احرار خودرا باز کشید . چنین بود انجام آغاز جام دسائس انگلیس وارامنه در سال ۱۸۹۶ ع .

دوازده سال دیگر گذشت وعالم بدیگر وقایع وجنگها اشتغال داشت . وانگلیس را فرصت نیامد تا فتنهٔ خوابیدهٔ مسئلهٔ ارامنه را بیدار کند — بلکه بعض انجمنهای ارامنه مسلك سداد اختیار کرده باشبان ترك در تخلیص وطن از بلا و آسیب فساد متفق شدند — چون عهد خیرخواهی واتحاد وترقی در سنه ۱۹۰۸ ع در ملك ترکی آغاز شد . ارا در مجلس مبعوثان داخل شدند — واعضای وزارت دولت عثمانیه گشتند و لیکن چون در ماه اپریل سنه ۱۹۰۹ ع از سلسلهٔ جنبانی خار قوای تاریکی داخل سعی نمود که نورانیت حقیقی را زائل نماید . آنوقت ارامنه بدشمنان بیرونی ملك وملت درساخته قدری فتنه انگیزی کردند اما تأییدات ایزدی نگذاشت که کثافت بر لطافت چیره گردد . از آغاز عهد میمنت مهد سلطان محمد خامس خلدالله ملکه باوجود خطاهای ارامنه دولت عثمانی با ایشان مسلك مواسا ومحابا مرعی داشته است وایشان برمناصب جلیله مخصوص ساخته — حتی که در وزارت احمد مختار نورادونکیان را وزیر امور خارجیه ساخته بودند — واو بود که دولت را طرابلس غرب داد وجنگ بلقان را ادارهٔ خوب نکرد . وقتیکه جنگ عالمگیر آغاز شد . ارامنه باز برخلاف دولت خود ووطن خود روس وانگلیس اعانت کردن گرفتند — این عمل ایشان سراسر غداری بدولت وملت خود — خطهٔ کاکردا سرزمین ارمنی میگویند مسکن ودیگر جنس مسلمانان هم است — وچنان واقع شده . که بدست عثمانیان یا بدست روس — آنچنانکه کوچك حکومت مستقل داشتن نمی تو کسانیکه تاریخ حاضرهٔ ملك روس خوانده اند . خوب میدانند که ارامنه در ملك روس چقدر افسوسناك است — وحال آنکه در زیر نورانیت ممالك عثمانیه برای ارامنه مانند دیگر عناصر ملت عثمانیه حقوق سیاسیه مساوات حاصل است — بخلاف چنین دولت مشفق رفتن کفران نعمت است — این موقعیت روس در ارض روم نواحی لامحاله از غداری ارامنه کم یا زیاده . بوده باشد . حیف که این ملت زیرك وچالاك از غم خود گمراه شده در وادی سراسیمه میگردد — یك زمان بود که اکثر تجارت ممالك عثمانیه در ارامنه بود . آرطین پاشا معتمد سلطان عبدالحمید خان بود . ایشان را زرق وشید انگلیس بدام تزویر در آورده وجاهلان قسیسان متعصب از جادهٔ صواب دور انداخته . اخلاق ارامنه را ترکی ایضاح میدهد — : برای فریب دادن دو کس عادی یك کافی است وبرای فریب دادن چهار یهودی یك روم (یونانی) کا وبرای فریب دادن ده یونانی یك ارمنی کافی است ؟ امید که ارامنه وهوش از فریاد وخروش جرائد انگلیسی درباب مظالم ارامنه در نیفتند — ترین خشن یونان فریب نرم گفتاری مخور که خانهٔ صیاد بما آید بیرون .

عثمانی .

تفصیل محاربهٔ عراق عرب

ابلاغیهٔ عثمانی   نقل از جراید ایران

ز طرف سفارت کبرای عثمانی تبلیغ میگردد .

قوماندان اردوی عراق عرب عثمانی تلگراف ذیل را مورخه ۱۷ سفارت کبرای عثمانی نشر مینماید

اردوی فاتح عثمانی در کمال فعالیت به تعقیب اردوی مقهور وفراری انکلیسها دوام میدهد امروز اردوی عثمانی با دشمن در نهایت موفقیت جنگ نموده ودشمن دوشبانه سعی میکرد پل خود را برباید عساکر عثمانی چند تن از محافظین پل را مقتول وپل را هم غرق نموده‌اند وچند اسیر دیگر هم گرفته اند واز دشمن یک سفینه بادبان دار با دو دوبه مملو از اشیاء وارزاق وبومبا وماشین خط توپی اغتنام نموده‌اند ودو کشتی جنگی دشمن که اردوی عثمانی را تعقیب مینمودند از آتش توپخانهٔ عثمانی بحالت لنگانیده شده وقسم اعظم از مرتباتش تلف گردیده است در روز درحینی که عساکر فاتح عثمانی داخل بجزیره میشدند یمنا صدای اذان محمدی دربالای منار جامع شریف بلند واهالی اسلامیه بشکرانه این فتح وظفر که من جانب الله بود بسجدهٔ شکر افتاده و بواسطهٔ تبعید انکلیسها

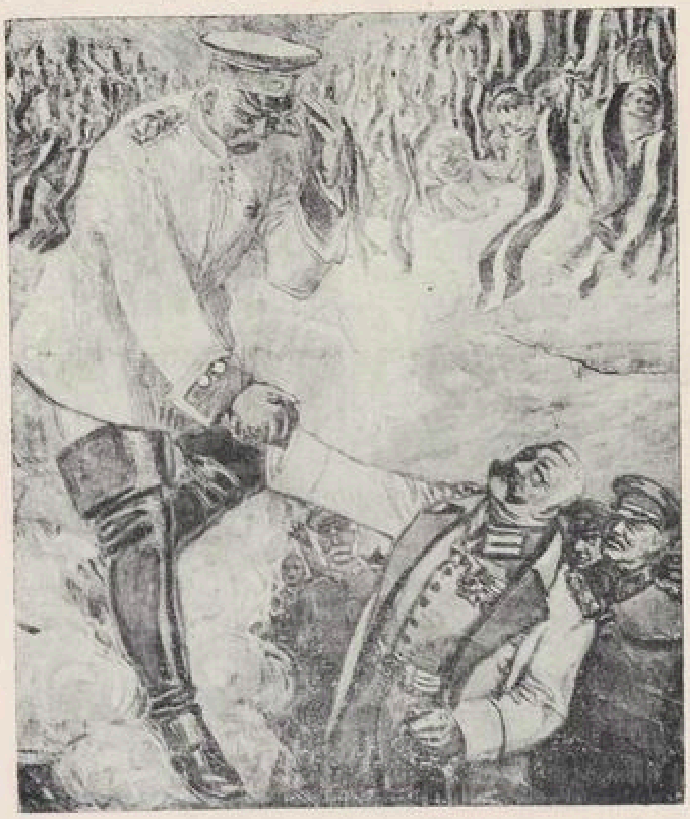

روح پرنس بسمارک بمارشال هیندنبورگ مصافحهٔ تشکر میکند

ز آن نقاط غریق سرور وشادمانی گردیده وبدرگاه رب کبریا عرض تشکران مینمودند وانشاءالله فرداهم بالطاف سبحانی فتح قصبهٔ عزیزیه وبعدها تخلیص بلاد سائرهٔ اسلامیه را تبشیر خواهم نمود

ایضا تلگراف قوماندان اردوی عراق عرب عثمانی مورخه ۱۸ تشرین ثانی

اردوی انکلیسها باحال بسیار پریشانی فرار واردوی عثمانی شب وروز در تعقیبشان دوام میدهد امروز بعنایات شامله حضرت قهار منتقم قصبهٔ عزیزیه را هم اردوی شجاع عثمانی استرداد نمود وعثمانیان تا کنار شادی جلو رفته اند وانکلیسها شبیخون را که درتحت حمایهٔ موتور های خود باردوی عثمانی نمودند مقهورا مجبور بفرار گردیدند وبحمدالله قدری قوهٔ دشمن کاسته گردیده که در مقابل حملات دیشب وامشب اردوی عثمانی مقابله آنان بی‌اندازه ضعیف وحتی بهیچوجه اردوی عثمانی ضایعاتی نداشته است ودر نتیجه تعقیبات دیشبی که از اردوی انکلیسها کرده شده یک موتور حربیهٔ دشمن تخریب ویک دوبهٔ آهنی آنان اغتنام ویک سفینهٔ حربیه هم مغروق وضبط گردیده ولی ارزاق وجبه خانه اش را انکلیسها احراق کرده بودند. داخل قصبهٔ عزیزیه وجوار آن قدری از ارزاق وتجهیزات واشیاء متنوعه که انکلیسها بجا گذارده

اند ملاامال است که تعیین ومقدار آن محال میباشد ودرمیان متروکات دشمن موجودیت اشیاء کلی صاحب‌منصبان وآلات‌وادوات قیمه‌واوراق مهمه سیاسیه دلالت تام بر هزیمت کامله‌دشمن دارد ودر جلوقصبه‌عزیزیه کنار نهر دجله‌هزاران جبخانه وصندوقهای اشیاء از انگلیسها دیده وبدست آمده است چون در حین فرار اردوی انگلیسها از هر جا که گذر میکنند دوچار تعرض وتاخت وتاز اهالی میگردند لذا برای اغفال اهالی آن سامان وهم تعرض آنان درآنجاها اعلان کرده‌اند که مابین دواردوی قرار متارکه عقد گردیده است در صورتیکه‌هیچ اردوی نظامی دولت باناموس ارتکاب باین قسم دروغ را نمی‌نماید واردوی عثمانی درنهایت شدت شایعات نامربوطه دشمن را تکذیب مینماید

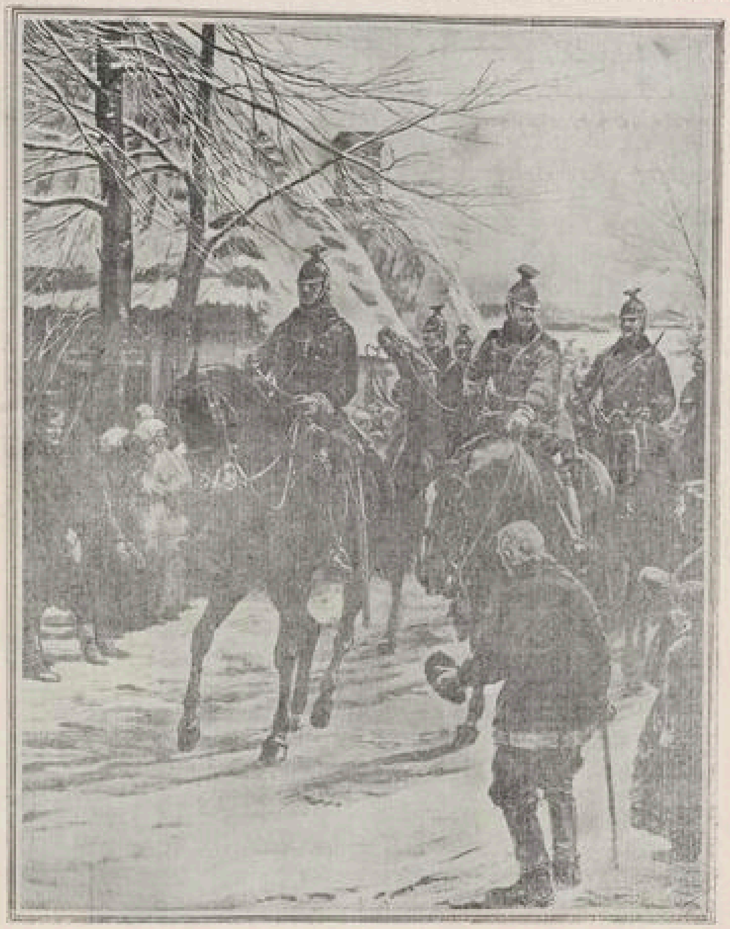

از منظرهای محاربه
دخول مظفرانهٔ عساکر سواری اوستریا مجارستان در پولونیه

وموافق مستخبرات خبررسانهای انگلیسها متجاوز از پنجهزار بوده است ودر آن میان صاحب‌منصب وافراد انگلیسی بسیار بوده است

ایضاً مورخه ۱۹ تشرین ثانی

عساکر عثمانی ومجاهدین اسلامی امروز دشمن فراری را توقیف وآنانرا مجبور بمحاربه نموده‌ودشمن پس ازدادن تلفات کثیره‌ومنهزما مجبور بفرار گردیده‌اند دراین محاربه ضایعات عثمانیان فقط عبارت‌از مجروح ومفقود هم شهید بوده است وبعون حضرت سبحان اردو عثمانی از انگلیسها بقدر سیصد نفر اسیر گرفته‌اند ودر آن میان منصبان انگلیسی از مین‌باشی ویوزباشی وملازم معین بوده است افراد هم انگلیسی بوده‌اند آذوقه ومهمات وسه دوبه‌ولک

از مهمات وتوپ وجبخانه وعرابه ها وتجهیزات بسیار بازاغتنام نموده‌اند واز طرف آتش توپخانه عثمانی دو غامبوط بزرک که یکی (قاپرقلاس) ودیگری (کند) نام داشته وباصطلاح اهالی آنجا (ابوالسیه) مینامند توپ وضبط کردید غامبوط کند نام کاملا اتلاف ولی غامبوط قاپرقلاس را سالما ضبط ومصادره نموده اند وعده توپ ومترالیوز هائی که در دیوارها بود وضبط شده بالغ بهفده قطعه است این دو غامبوط که بهترین واسطه حرب دشمن بوده است فوق العاده حائز اهمیت میباشد وغامبوط قاپرقلاس را قریبا درعلیه دشمن استعمال خواهند نمود انکلیسها در جنب کوت الاماره وبغله به قسمتی از اردوی عثمانی که بجبره مجبور بوده شروع بتعرض نموده واز یکصد وبیست تیر توپی که بسمت این قوه عثمانی انداخته اند جز چند شهید ومجروح اثر دیکری نکرده است ولی این قوه که عبارت ازیک جزوی اردوی عثمانی است دشمن را دوچار تلفات کلی نموده ومانع از عبور دو کشتی جنکی انکلیسها شده وانها را مجبور بعودت بکوت الاماره نموده اند وازطرف عثمانیان بغامبوط اغتنام شده قاپرقلاس نام اسم سلمان پاك داده شده است

ایضا تلکراف ۲۰ تشرین ثانی

اردوی عثمانی پیوسته درتعقیب اردوی مقهور وفراری انکلیس دوام میابد بلطفه تعالی قصبه بصیه را هم عثمانیان استرداد نمودند یک سفینه جنکی کوچک مسمی (بهالسادن) بایک دوبه آهنی که دارای دویست وپنجاه تون حجم بود سالما باارزاق وجبخانه ومهمات بسیار زیادی اغتنام نموده اند ویکمقدار هم باز اسیر کرفته اند وجمع اسرا بهشت صاحبمنصب انکلیسی ویکصدو بیست نفربالغ میشود وضرر مادی دشمن درنتیجه تعقیب اردوی عثمانی متجاوز از یکصد هزار لیره تخمین زده شده است ودرمیان دشمن هشت نفر تبعه خائن عثمانی بوده وتیرباران شده اند وغامبوط سلمان پاك نام که دیروز اغتنام شده بود برای مختصر تعمیری که از آتش توپخانه عثمانی باووارد کردیده بود برای اصلاح ببغداد فرستاده شده است وانشاءالله عراق عرب را ازلوث اعدا تطهیر واحوال عمومیه اردوی باعزم وقوت عثمانی بسیار خوب است وامروز بهیچوجه اردوی ما دوچار ضایعات نکردیده است (رعد)

• قبول اسلام •

(ترجمه ازاخبار های هندستان)

هندوهای ذیل که مرید سرآقا خان بودند علناً از مذهب هندو تائب شده مسلمان شده‌اند . همراه عیال واطفال خود

نام اسلامی	تعداد عیال واطفال	نام هندوکی
حسین بهائی	۵	سوهند اراه زرکر
محمد اسمعیل	٤	مانکو زرکر
مهدی محمد	۵	رام بهالا زرکر
قاسم	۱	صاحب وته زرکر
محمد قاسم	۵	جهجو زرکر
محمد باقی	٦	حکم چند
قسم	۱	پیه زرکر
خیرت علی	۱	ملقانی مسکر تهپاد
حسین بهائی	۳	بهایا
جعفر	۵	جیونا
میزان	۳٦	

• وطن پرستی عثمانیها •

اخبار دیلی میل انکلیزی درشماره تازهٔ خود از کیفیت وطنخواهی عثمانیها از آغاز جنک نوشته است که بچه شوق وذوق تمام برای امداد مالی وجانی بحکومت متبوعه خود مهیا هستند این کیفیت محیر را چنان بیان میکند

همه اسباب عیش وعشرت دراسلامبول معدوم شده اند رقص خانها . وتیاترها همه موقوف شده اند . پیش مردم هرقدر روپیه زیاده ازخوردن وپوشیدن باقی میماند آنرا بخزانه حربی تحویل میکنند . اطفال کمسن هم خرجهای زیاده واسراف وافراط را ترک کرده‌اند . هرقدر پیسه اضافه داشته باشند بوزارت حربیه ارسال میشود .

کادیبانها هرقدر رقمی که ازخرج اسب و کادی زیاده شود راست بوزارت داخله میفرستند . عورات مستوره هم کار بافنده‌کی کرده دربازارفروخته نفع آنرا درخزانه حربی داخل می کنند .

• فانصرهم انشاءالله العزیز •

اختلالات هندوستان

• پیغام داره •

روزیکشنبه درکلکته دونوجوان بنکالی بر بایسکل سوار شده در خانه یک شخص هندو بهاس نام وقت ۲ بجه داخل شدند . وصاحب خانه را کفتند که فی الفور ۵۰۰ روپیه بدهد . شخص مذکور انکار مطلق کرد که نزد من روپیه موجود نیست . آنها کفتند که سه روز میشود که برادرت ازمدراس آمده نزداو بسیار روپیه موجود است ولی صاحب خانه ازانهم انکار نمود . لهذا یک بنکالی کفت که در آخر این هفته خانه ترا جور خواهیم کرد وهمه خاندانترا خواهیم کشت شما هرقدر میتوانید حفاظت خویش را نمائید وپولیس راهم خبر کنید .

کذا

بنام (بابو کرشموهن چکراورتی) که درکلکته یک دریس مشهور ومعروف است یک خط بی امضا رسید که شب شنبه برخانه‌شما حمله کرده همه مال ومنال ترا می بریم ونیز شمارا اجازه داده‌ایم که بهرهٔ پولیس برخانهٔ خود مقرر کنید . چون بابوی مذکور این نامهٔ (محبت نامه !) را در (اسعد اوقات !) مفتوح نمود ، فوراً بپولیس اطلاع داد وپولیسها بوقت شب شنبه خانهٔ اورا حفاظت کردند مکرهیچ حمله دران شب نشده ولی فردای آن بوقت پیشین یک کروه دارهها برخانهٔ او حمله بردند وهرقدر اسبابی که یافتند درهماوقت بردند . پولیسها درسراغ ایشان افتاده‌اند ! ..

• دار های تعلیم یافته •

ازکلکته اطلاع رسیده است که پولیس تازه کشور چندنفر را بتهمت داره زنی کرفتار کرده اند این نفری عموماً بسیار آدمهای شریف واز خاندان های محترم تعلیمیافته میباشند ازین ۲۵ نفر کرفتار شده کسی بی‌ای ، کسی ایم ای هستند .

﴿ اختلالات ﴾

هند

دارهٔ مدنابور :

شب ۱۸ فروری چند نفر داره زنهای مسلح بخانه (ترلکوا تیه) درامدند ، اهل خانه بخواب خوش رفته بودند . نفری « داره » زن صاحب خانه‌را بیدار کرده جای روپیه وزیور هارا پرسان کردند ، زن مذکور بنای نعره زدن‌را گذاشت ولی آنها اورا ساکت ساخته هرقدر روپیه وزیور وغیره که یافتند گرفته وبه‌زن مذکور تسلی دادند که این روپیه هاوغیره‌را عنقریب پس‌باو می دهند . چون ایشان را مسدند زن مذکور غلغله انداخته وشوهر خودرا که بدیگر طرف خواب بود ازماجرا واقف‌ساخت شوهرش پولیس‌را به تیلیفون اطلاع‌داد ولی تاحال سراغ آنها معلوم نیست .

کذا :

بازار داره زنی در بنگال هنوز گرم است ، داره هاهمه مسلح‌اند همعصر بنگالی کیفیت ترس آور یك‌داره‌را که‌درروز روشن نزدیك تهانه (موربل گنج ضلع کهلنا) درخانه یك‌نفر (بابو کریشن‌چندرادای) درامده نقد وزیور ۸ هزار روپیه کالدارزا گرفته بردند ، ذکرمی کند که پولیس درجست جوی آنها هستند .

کذا :

یك‌جمعیت نوجوانان بنگالی که قریب ۳۰ نفر بودند بنصف شب در خانه(بابوبی مادهب کهنا) ریختند ، همه زیورات زنان ، وما فیهای ترنك‌ها، وبکس‌هارا کشیده‌همراه‌چیزی نقدی بردند ، اینها همه مشعلهای روشن‌دردست داشتند ، وریش‌ها ومندیل های‌ساختگی داشتند ، پیش آنهانلو ارهم موجود بود .

کذا :

قریب۷یا۸ آدم درنصف شب‌بحدود (رای‌پور ، ضلع دهاکه) در دریای اریل‌خان بریك کشتی که‌در ملکیت شیخ محفوظ‌الدین نامی بود حمله کردند بعدازجمع‌نقدی ودیکراسباب متفرق‌فرار کردند ، می گویند که‌همشان باروت هم داشتند .

کذا :

ده‌نفر اشخاص مسلح‌ریش های ساختگی بزنخ‌چسبانده دریك کشتی سوار بودند ، کشتی‌را درنهر (سلیم گنج ، ضلع‌بقره) درآورده بریك کشتی‌یك‌ آلمی‌بخش‌نامی حمله کرده‌وزور وتخویف‌قیدهارا از آنها‌گرفته قفل‌های صندوقهای آهنی راباز کرده قریب ۴۰۰ روپیه نقد کشیده بردندوبر کشتی‌خود سوارشده پس‌رفتند

کذا :

ده ، دوازده‌نفر بخانه بابو‌میش چندر کرمکار بوقت‌نصف شب‌داره زده‌واهل‌خانه‌را ترسانده‌بعضی‌بکس هارا‌شکستانده ، نقدوجنس که حساب نشده برده‌اند .

« درهیچ‌یه واقعه‌ها یك‌سر انی هم‌یافته نشده پولیس‌ها ،
« سر گرم تفتیش‌اند »

ترجمه از اخبارهای هندستان

« قوانین ظالمانه »

در هند

شرح این قصه جانسوز نگفتن تا کی
سوختم سوختم این سوز نهفتن تا کی

درین ایام لهجهٔ مقالهای اخبارات ملت محکوم مظلوم هند بسیار
آوردودلسوز است ، انتظام وسررشته ازدست انگلیزها رفته آغاز
واجرای قوانین غیرمعقول وحشیانه ، سرآسیمگی شانرا اظهار میدا
اما آنچه ملاحظه می کنیم درهند بجز « دارهای نوجوانان » هیچ چیزی
نیست که باعث پریشانی آنها شود . پس معلوم است که این دارها
اهمیت فوق العادهٔ دارند ! . . .

که برای جلوگیری آنها قوانین وحشیانه اجرا میکنند که
پریشانی حواس شان است چنانچه یك دو سرمقالهٔ یکی ازاخبارات
را اجمالاً ترجمه‌میکنیم:

تهذیب عصر حاضر والسانیت قرن موجوده مدعی است که
اصول حقانیت پرورانه وقواعد معقولیت گسترانه میباشد ، این دو
شان دریوروپ البته اینقدر کار کرده که بگناه ملزم دیگر مردیکه
راضی گیرند وآزار نمی دهند .

اما . . . . درهند سیاه بخت یك قبیله بیگناه امن خواه رابس
یکنفر که آنهم شبهٔ میباشد ، درقید مجازات می آرند زیرا احتمال
که درمیان نفری مجرم حقیقی هم گرفتار بخیه عقوبت ضمناً شود

بعد ازآن ارباب حل وعقد هند یك خطاب مایوس ازجوانی کرده
گوید . که این مجازات ونظر بندیها که گرفتار شدگان آنها مجل
خود خبر ندارند اظهار میدارد که حکومت بریطانیای عظمی ازتعیین
مرض اصل عاجز آمده ، بادویهٔ که حاوی اجزای مختلفه میباشد
نتیجه طبیبها معالجه میکند ، ولی افسوس که این دواهای تر
آنها وتصدیع خود معالجها خاصیت می بخشد .

§

دریك شمارهٔ دیگر خود بعنوان تازبخش « پرژش
« قانون حفاظت هند » ترجمانی کرده فریاد اورا بعموم عرض بک
چون ازان فریاد احوال عمومی مطبوعات هند وقانون مطبو
اجمالاً ترجمه میشود :

قانون حفاظت هند فریاد میزند که اخبار « استیتسمین » که
لقب « غمخوار هند » فرستاده الدیا داده هر روز بخط جلی
خودرا بآن مزین میسازد ، درحقیقت غمخوار هند نیست زیرا
های سیاسی که مدنظر حکومت هنداست خاك انداخته چنان خو
درباب جنگ اشاعت میدهند که در حق بارود فساد واختلال
سوزان دارند .

مراد از اجرا ونفاذمن (قانون حفاظت هند) این بود که
راست راست (!) تاروداك یعنی خبرهائی که بواسطهٔ
« سکرتری آوف ستیت » میرسد بهندوستان برسانم اما این «
هندوستانیا » اکاذیب واباطیل اخبارات آستریلیارا در
درج کرده مطلب مرا پامال می کند . این خبرهای دروغ
خبرهای بسیار راست سرکاری در « استیتسمین » اشاعت

نه می اندازد که چنین خبرها هم وجود دارد که ریوتر ، و
ند آنرا ازما پنهان کردن میخواهند . حالانکه اینگونه وسوسه‌های
ی در اینوقت برای اهل هند موزون نیست .

ن مدتی دیگر دوستی من ، سول‌اند ملتری گزت ، لاهوراست
چند روز پیشتر ، د کی د کن جلیل‌القدر سلطنت برطانیه صدارت
سر ایسکوئیث را باین گناه که اوجرایش ازوقت پیش گوئی کرده
اقع را آخر ۱۹۱۶ درین جنگ نصیب ماست بجای آنکه تحسین
وله حوصله افزا را میکرد خطاب روزبلانه ، احمق ، را باو عاید
خود حکومت انصاف کند که عمال دفاتر سرکاری وطالب‌العلمها
اخبار مذکور را برای تزئید معلومات سیاسی خود میخرند این فقره را
وزارت عظمای حکومت ما که خود ببینند چه خیال خواهند پرورانید
ن برای قیام ودوام رعب وسلطنت وسطوت حکومت جاری و نافذ
لیکن محبان بسیار راست وحقیق من سرچشمهٔ اصل رعب
وسلطنت مستر ایسکوئیث را بحماقت منسوب میکنند ، پس دردل
ستانها چه رعب برطانیه بجا ماند .

فهرست حکایت کاران من بسیار طویل است مانند پاونیر ، انکلیشمن ،
یوز ، تایمز آف اندیا ، حالات وعنایات بی نهایات کدام یکرا نوشته کنم ،

یك دل وصد هزار داغ پنبه کجا کجا نهم

اگراین خبرها راست می بود ، چرا آن حکومت راستی پسندی
وطن داخل شدن او در جنگ سبب آفتست که علم راستی
بالا باشد ، ودروغ وذلت و ناحق شناسی منکوب ومغلوب گردد ! ..
ان ازدور ازاشاعت آن خبرها منع مینمود ، من به حکومت داد
ازین دوستان خود پناه میخواهم استفراد قانون حفاظت هند وایکان
... خود حکومت که عدل مجسم است (!) وحکمت ممثل (!) قبل
درین باب فکر کرده بود ، چنانچه بنام اخبار ، زمین دار ،
صلح ، ، علم ، (که همه ازدوستند !) حکم کرده بود ، که غیر
های ریوتر ومراسلات برق وزیر هند دیگر هیچ خبری درباب جنگ
کنند . وحالا این فرمان قضا توأمان شایع کرده است که رسالت
زمان درصوبه دهلی و پنجاب قطعاً داخل نشوند . واز انها اعزاز
روپیه ضمانت گرفته اند .

این اخبارات که ترجمه‌های اخبارات انکلواندین را درج میکردند
ی اغراض حقیق ومعنوی قانون حفاظت هند بودند . آینده
نگی نخواهند شد .

اما

آیا متنفر شدن این اخبارات سه کانهٔ ازعوا آن خبرهای دروغ (!)
سرچشمهٔ اصل آنها اخبارات انکلواندین، پاونیر ، استیتسمین ، انکلشمین
اید موقوف خواهند شد ؟ .
آیا زبان انکریزی درین زمانه که صدها مدرسه‌ها وهزارها مکتبها
گوشهٔ ملك بلك‌ها مردمرا انکریزی دان ساخته ، مانع اشاعت
ها شده میتواند ؟
پنجاب یك حصه که ابدولت دیگرست ؟ آیا حقی که برای یك حصه
ز باشد ، برای پنجاب چرا حرام است ، آیاچیزیکه برای ممالك
متحده وبنگال نوش است چرا برای پنجاب نیش شده است ؟

آیا اخبارات ، اینکلواندین ، تحت قانون مطبوعات هند نیستند که ازایشان بازخواست نمیشود . در کدام صوبه ممنوع الدخول نمی گردند وهرجا کسنك است بپای لنك اخبارات عاجز ازدوست این چندسوال است که هرهندوستانی منتظر جواب آنهاست !...؟

المترجم (عبد الهادی)

خبرهای جنگ

۲۲ فروری خبرلندن — یك لنگر جهاز (دونکل) نام دولت برطانیه را آبدوزهای دشمن غرق نمودند عمله ونفری آن نجات یافته —

۲۳ فروری خبرلندن ـ یك لنگر جهاز (دیغو میتی) نام دولت برطانیه دربن دریاسفری نمود که یکایك دربین مخزن ذوتغال آن آواز زدن بارود شنیده شد وجهاز مذکور شکسته به بسیار حالت خراب بساحل رسیده گفته میشود که این هم شیطنات جرمن ها است ـ

ویك لنگر جهاز (لاقلیندر) نام دولت هالیندرا هم کشتی های زیر آب جرمن غرق نمود ـ ویك لنگر جهاز (ویست برن) نام دولت برطانیه را جرمن ها قسم مال غنیمت گرفتار کرده برده‌اند بعدازآن معلوم شده که جهاز مذکوررا غرق نمودند ونیز جهازات (فلسمنگو) و (هیورس) و (مرکناوش) و (واید تیك) و (کیمبرج) و (بلچ) و (اکسمرك) نامان دولت برطانیه را آبدوزهای دشمن غرق نموده (۲۰۶) نفر افسران وعمله جهازات مغروق را مقید کرده برده‌اند

۲۵ فروری خبرلندن — ازجزیرهٔ (تلزیف) واقع سمت غربی ملك افرقه خبررسیده که یك لنگر جهاز جنگی قسم کروز زیرجرمنی بتل جهازایمدن درعلاقه جات مذکور طوفان برپا کرده چنانچه درهمین چندروز چهار لنگر جهازات دولت برطانیه را غرق نموده —

۲۶ فروری خبرلندن ـ سپاه سرویه وماتی اکروباوجود حمله‌های بسیار سخت سپاه استریا ملك البانیه را خالی نمودند — وسپاه آستریا داخل شهر (درازو) گردیدند ـ

۲۶ و۲۸ فروری خبر لندن — یك لنگر جهاز (دیدو) نام انکریزی را آبدوز های دشمن غرق نمودند عمله ونفری آن نجات یافته ویك لنگر جهاز (میبوجا) نام انکریزی که داك ومسافران عازم سمت (جبل طارق) و (ومارسیلیا) وبلمان و (عدن) و (بمبئی) و (کراچی) را گرفتار هلاك ساخته ویك کروواز ورا انکریزی قریب بندرگاه (دور) همراه یك سرتك بحری تصادم نموده غرق گردید از جمله (۴۱۱ نفر) عمله ونفری آن ۲۶۰ نجات یافته ویك لنگر جهاز (تامت نت) نام انکریزی ویك جهاز (برکت) ویك لنگر جهاز (نارن یارن) نام نمبره دولت سویدن را در بحر دوم ویك لنگر جهاز (میکلبرك) نام نمبر۶ دولت هالیند ویك لنگر جهاز (رنگکلیك نام نمبر۷) دولت فرانس ویك لنگر جهاز (پشنکان نمبر۸) نام دولت روس را آبدوزهای دشمن در بحر دوم سمندر غرق نموده ـ گویا در عرصهٔ سه روز هشت لنگر جهازات دول متحده غرق گردیده

۲۸ فروری خبرلندن ـ درمیدان فرانس در دیگر جبهه مقامات جنگهای خفیف حسب معمول جاری است مگر درمحاذ (وردن) این قسم یك جنگ سخت وخون ریزی جاری است که این چنین جنگ سخت وخون ریز قبل ازین کاهی پیش نیامده بود ونیز معلوم شده ، که جرمن‌ها ازچند روز تیاری این جنگ را کرده بودند وقیصر جرمن بذات خود در جنگ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1572 of 1786

مذکور موجود میباشد درین جنگ جرمنی‌ها این قسم یک آلهٔ جدید استعمال نمودند که شعلهٔ آتشین آن از دوازده میل الی پنجاه و پنج میل جمله اشیا و حیوان و انسان را فنا می نماید — ودرین جنگ جرمنی ها آنقدر بشدت حمله نموده اسبابهای تباه کن استعمال می نمایند که هیئت جغرافیائی میدان جنگ تبدیل یافته یعنی کوه هموار شده وزمین های هموار صورت تپه‌ها و دره‌ها را اختیار نموده والحالیه جرمن بفاصلهٔ چند میل وردن میباشد —

۴ مارچ — یک عدد جهاز هوائی ازجمله جهاز های که قبل ازین در پشاور پرواز داده بودند در قریب نوشهر روز شنبه ۲۲ ماه حال از هوا بزمین افتاده دونفر انگلیز که در جهاز مذکور بودند هر هلاک شده وجهاز هم تکه تکه شده تحصیل دار انجا خبر شده برای جیف کمشنر اطلاع داده جیف کمشنر حکم کرده که پهره مقرر کنید که کسی نزدیک آن نرود ومردم واقف نشود بعمل ۱۰ بجه شب تکه‌های جهاز را دردریا بیندازید ومرده های دونفر انگلیز را دفن کنید — فقط

(اجمال آخرترین خبرهای جنگ)

از قرار ریوتهای روسی که در اخبارها نشر میشود گویا روس (ارض روم) و (تبلیس) را گرفته‌اند امابیک نتیجهٔ قطعی هنوز حاصل نشده است . — در رزمگاه مشرق جرمنها وضع تدافعی را گرفته همهٔ مهاجمات خودرا بر رزمگاه مغرب صرف میکنند ، واز نتیجهٔ آن (وردن) نام مستحکمات ملک فرانس را بایک قسمی ازاراضیٔ ملک جدید فرانس بدست ، آوردند درین جنگها تلفات عظیمهٔ عساکر فرانس وجرمن بوقوع امده است — خبرلندن از ۷ مارچ مظهر است که درلندن برفباری شدید دوپیروز ها شده است ، دراثنای این برفباری سه عدد زپلینهای جرمنی صورت غیر متوقع پدیدار شد . تاالحال خیال کرده میشد که زپلینها در برفباری حرکت کرده نمیتوانند ودیده شد که درایرهای کم‌ترپلند بکمال موفقیت وکامیابی پرواز میکردند ، ودر سمتهای مختلف دهشت نشانداند . وبپارک شایر ، والن کولن شایرووزتلید ، وهنکدین وکیمبریج شایر ونورفولک ، والسکیس ، وکینت تقریباً چهل‌ودو بم انداختند بتلفات نفوس ، وبربادیٔ دکانها وخانه‌ها ودیگر عمارات بوقوع آمد ، یک لنگر جهاز کپنی انگلیزی از (ریلوتا) بطرف امریکه میرفت . بساحل امریکای جنوبی با کوهی مصادمه کرده باجملهٔ عمله اش که ۱۰۷ نفر ، و ۳۳۸ سواران غرقاب حقفنا گردید . — یک لنگر جهاز بریتانوی موسوم به (راتهه سی) غرقاب شده است ، ونیز جهاز موسوم به (مانسده) غرقاب شده است . — شایع شده است که (یوسف عزالدین افندی ولیعهد دولت علیهٔ عثمانیه به اراضیٔ فلسطین برای نظارهٔ قوای اردوی عثمانی که برای مصر حاضر شده است ، . — یک احتفالات عظیمهٔ برای جشن (اتحاد ترک وجرمن واسطریا وبلغار) دراستانبول برپا میباشد وروایتست که پادشاهان دولتهای مشار الیهم درانجا اجتماع خواهند کرد . قیصر جرمن به پرنس سعید حلیم پاشا صدر اعظم دولت عثمانیه نشان (اعلاوار) یعنی عقاب سیاه را که از نشانهای بزرگ دولت جرمن است عطا فرموده فقط

اعلان

سراج التواریخ

جلد اول — و دوم

زندکانی جاودانی هرقوم وملت (تاریخ آنست .) (سراج التواریخ) آیینهٔ حیات تمامی ملت جلیل افغانست . زیرا از آغاز تشکیل وکبیر یافتن دولت افغانیهٔ حالیه بحث مینماید که برای حال واستقبال ملت بهترین درسگاه عبرت . وخوشتر ازین انتباه ملت تصور نمیشود . هرفردی ملت را واجب است که یک نسخهٔ ازآنرا بدست آرند ومانند حرزجان در کتابخانهٔ قلوب خودشان نگهدارند . علی الخصوص که کتاب مذکور به نیت خالصانه وخیرخواهانهٔ استفادهٔ عمومی به امر وفرمان ذات عرش صفات پادشاه مقدس ما اعلیحضرت « سراج الملة والدین » تألیف شده ودر مطبعهٔ حروفی دارالسلطنه کابل بزیور طبع آرایش وتزئین یافته

جلد اولان کتاب ازابتدای سلطنت خاندان ذیشان (سدوزائی) یعنی از آغاز تأسیس واستقلال دولت علیهٔ افغانستان تا ورود اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمدخان مرحوم جنت مکان ازهند در کابل بحث می وجلد دوم آن ازحکومت خاندان جلیل الشان (محمدزائی) یعنی ازابتدای حکومت اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان تا به اول جلو اعلیحضرت « ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان » طاب ثراه وقا تاریخیه را جامع میباشد برکاغذ اعلا بحروف نیب بطبع رسیده است . قیم کتاب مذکور نسبت زینت وخوبی تجلیدهٔ آن ازقرار ذیل است

نمبر (۱) پشتی چرمی چرم تصواری دانه‌دار کابلی بخت جهار جدول طلاکار نشان دولت واسم کتاب از ورق طلای اصل بندی شده مبلغ شانزده روپیهٔ پختهٔ کابلی —

نمبر (۲) پشتی مقوا روبه کرمانی چهار کنج وزنجیر چرم حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلا مجه سیزده روپیه پخته کا

نمبر (۳) پشتی مقوا روبه تیره لاجوردی چهار کنج وزنج مینشی سرخه کابلی بخت حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلا جزء بندی شده یازده روپیه پخته کابلی وده شاهی —

نمبر (۴) پشتی مقوا روبه ابری چهار کنج وزنجیر چرم مینشی کابلی بخت حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلا مجه کو شده ده روپیه پخته کابلی وسه شاهی —

نمبر (۵) پشتی مقوا روبه ابری سرخ چهار کنج وزنجیر کرمشپالم ونشان دولت ورق طلا مجه کوک بندی شده نه روپیهٔ پخ ویازده شاهی —

محل فروخت

درنقش ارک مبارک که از تحویل خانهٔ جناب محمد ولیخان
در بازار ارگ از دکان عبدالله خان

چون کتاب مستطاب سراج التواریخ چهار جلد میباشد اگر وقایه وشیرازه میشد حجم کتاب موصوف کلان میشد لهذا اعلی همایونی ولا امر نمودند که جلد اول ودوم دریک وقایه شیرا وجلد سوم وچهارم آن که هنوز درزیر طبع میباشد وبعد ازطبع برآمدن مقوا کرده شد انشاالله اعلان فروش آن خواهد شد فقط

در چهاپخانهٔ حروفی دارالسلطنه کابل طبع گردید

همه مقاله‌هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر ومحرر محمود طرز

محمود طرزی

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا
یاد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از شکایت رسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خودرها نیابیم ممکن نشد لهذا ما با کتبخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یک مقاوله نموده با کتبخانهٔ مشارالیه تقسیم و توزیع اخبار مارا که بهمه مشترکین کرام ما رساند در عهدهٔ همت خود قبول نمود . مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را اعلام و یاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای کتبخانه بخود شان میرسد

شرایط خریداری

دارالسلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	یازده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیهٔ کابلی	ششماهه	هشت روپیهٔ کابلی

در خارج افغانستان

هرجائیکه باشد اجرت پوست

قیمت سالیانه	ده روپیهٔ انگلیزی	قیمت ششماهه	شش روپیهٔ انگلیزی

سه ماهه اشتراک قبول نمیشود

یک طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است . از همین قرار حساب کنند

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، و صنعتگرانی که صنعت خود شانرا در سراج الاخبار افغانیه اعلان و اشتهار کردن میخواهند ، و یا دیگر هر رقم اعلان و اشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج و شایع میشود :

اعلانیکه در متن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر و شایع شود در سر هر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر یک قران یعنی ۱/۲ روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه در ورق وقایه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطر یک قران یعنی ۱/۲ روپیهٔ کابلی و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطر یک ستون اخبارها (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا بخواهد تا یک سال نشر کردن خواهد و وجه یک ساله را پیشکی ادا نماید در ورق فی ۲۰۰ سطری ستار اجرت گرفته میشود

اعلان

سیاحتنامهٔ سه قطعهٔ روی زمین

در ۲۹ روز

آسیا ✖ آوروپا ✖ آفریقا

(مطبعهٔ عنایت) یک اثر دلپذیر جدیدی در نظر هوشکاران عرفان جلوهٔ عرض میدهد ، بدست آرید ، بخوانید در ظرف ۲۹ روز یک مدت کمی سه قطعهٔ زمین را با سیاح آن یکجاه و همراه دور و سیر میکنید . ملکهایی را که بران میگذرید مفصل و مکمل جغرافیا و تاریخ آنرا خوانده میتوانید . چه چیزها می بینید ، چه چیزها میشنوید ، چه لذتها چه سرورها میکنید ! علمی ، ادبی ، سیاسی در عین زمان شاهراه عاشقانه هوسیات دلانگیزانه ـ یک اثر !

این اثر از سه جلد مرکب و در یک وقایه مجلد میباشد . تقریباً (۷۰۰) صحیفه ، و با (۱۰۵) قطعه تصاویر مناظر مختلفه و اشخاص معتبره و نقشه های مهمه مزین است . البته با اینهمه خوبیهای آن قیمت (۷) هفت روپیهٔ کابلی آن هیچ نیست . کاغذ اعلا ، چاپ حروف ، تصاویر رنگه گراف ، جلد محکم و استوار : دگر چه میخواهید ! همینقدر که یا در نفس مطبعهٔ مبارکه در دهٔ افغانان به (عبدالرؤف) خان سر مرتب مطبعهٔ مبارکه ، یا در بازار ارک بدکان (باز محمد) تاجر کتب یا در بازار کتب فروشی متصل مدرسهٔ شاهی بدکان حاجی ملا (غلام محمد) خان تاجر مشهور کتب رو آورده و مبلغ فوق کتاب مذکور را بدست آرید دیگر کاری نماند .

(اعلان)

پراکنده

از آثار مطبوعهٔ تازهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت ، وعبارت از یک مجموعهٔ اشعار ابدار تجدد آثاری میباشدکه بکاغذ اعلا ، وخوبی طبع دارا ، باتصاویر بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است ، اگرچه از تحت خط وخال بعید است ولی مضامین وخیالاتش سراسر بیکطرز جدیداست . نسبت بخوبیهای ظاهری ومعنویش قیمتش خیلی ارزان . یعنی بمقابل (۲) دو روپیهٔ کابلی درخود مطبعهٔ عنایت از نزد عبد الرؤف خان سر مرتب ، ودر بازار ارک از دکان باز محمد ، ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب هرکس خریده میتواند .

اعلان

جزیرهٔ پنهان

خواستگاران مطالعهٔ آثار ادبیه را مژده ! ازین نوبر رسیدهٔ گلزار ، مطبعهٔ عنایت ، کامجانرا شیرین نمائید ! ، جزیرهٔ پنهان ، یک ناولیست که قوت عقل ومعرفت وسعی وغیرت را برای اساس زندگانی نوع بشر بنظرات وجلوه گر میسازد . هم حکایت ، هم عبرت عرفی ، هم فضیلت . خوبی طبع ، خوبی کاغذ ، خوبی تصاویرش علاوه ، قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان ! تنها (٦) شش روپیه محل فروخت خود مطبعهٔ عنایت در ده افغانان ، دکان باز محمد در بازار ارک ، دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی .

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد

کتاب سال دوم « « « مصور مجلد

کتاب سال سوم « « « مصور مجلد

کتاب سال چهارم مصور مجلد

عز و اسلامیت

آیا چه باید کرد !

ادب درفن

توحید

مختصر جغرافیای عمومی

این کتابهای فوق دراداره موجوداست . هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

	قیمت روپیه کابلی
سیاحت دورادور زمین بهشتاد روز مجلد	۲
سیاحت درجو هوا مجلد	۲
سیاحت درزیر بحر مصور مجلد	٤
از هردهن سخنی واز هرچمن سمنی مجلد	۲
روضهٔ حکم مجلد	۲
پراکنده مصور مجلد	۲
جزیرهٔ پنهان مصور مجلد	٦

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوق را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان از نزد عبد الرؤف خان سر مرتب واز دکان باز محمدخان کتابفروش دربازار ارک واز دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسه شاهی بقیمتهای معینش خریداری کرده میتوانند .

واگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوق را داشته باشند بدیرهٔ سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند .

اعلان

کتابهای مجلد سراج الاخبار افغانیه ، وکتابچه‌های علاوگان وشماره های متفرقهٔ آن . وهمه کتابهای مطبعهٔ عنایت خریداران که آرزوی خریداری آنهارا داشته باشند از دکان حاجی ملاغلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی ، واز دکان باز محمد خان تاجر کتب در بازار ارک بقیمتهای معین آن خریداری کرده میتوانند ونیز در خود اداره درماشینخانهٔ مبارکه ، ودر خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان هم بفروش میرسد فقط

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1575 of 1786

سراج الأخبار افغانیه
۱۳۲۹

شمارهٔ ۱٤ — سال پنجم

فهرست مندرجات

منابع خانهٔ ادبیات (کوکبهٔ بهار پرتجمل در دار السلطنهٔ کابل

علوم وفنون (

حوادث خارجیه
خبرهای داخلهٔ ایران ـ استمداد همدان ـ ورود المانها ـ اتباع انگلیس در شیراز ـ در کرمان ـ هیجان اهالی عراق ـ ورقهٔ فوق العاده درقم ـ جنایت جدید در کرمان ـ تصمیم دولت ـ خبرهای جنگ از جراید اوروپا ـ المان زود تر رسید ـ جنگ تحت البحری ـ تلفات وارده بدول متفقه و بیطرف در یکماه ـ درعقب فرونت المان درمشرق ـ انتقالات بزرگ قشونی ـ طوفانهای سخت انگلستان ـ ملاقات قیصر وصدر اعظم عثمانی ـ جایگاه زپلین در صوفیه ـ
خبرهای عاجلهٔ عثمانی ـ شیخ احمد سنوسی ـ عثمانی وعالم اسلام ـ حالات روحیهٔ اسلامبول ـ اسرار کالی پولی ـ ابلاغیهٔ عثمانی ـ حوادث ایران ـ جنگ در همدان ـ جنگ ساوه ـ حرکت علما از عراق ـ در همدان ـ راجع بجنگ ساوه ـ ورود سوارهٔ بختیاری ـ حوادث جنگ ـ تدارك ورود قیصر بقسطنطنیه ـ المان وعثمانی در ایران ـ ترجمه از اخبارهای عربی ـ ترکیا والشرق ـ اثبات بیان — احوال آخر ترین خبرهای جنگ — خبرهای راجع بعثمانی —

اعلان (سراج التواریخ

تصاویر { از مناظر اماکن مقدسه اسلامیه ـ مدینهٔ منوره — مسجد قبا — بیت المقدس — جنت البقیع در مدینهٔ منوره

اعلان

ازصنایع پروریای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جر
کار خانه جات ، ماشین خانهٔ مبارکهٔ دارالسلطنه کابل علاوه براشیای حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه و اوتیمو
عساکر شاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخل که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که ازحضور اعلیحضرت هما
حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ذیل (دکان عبدالله خان دروازه ارک) میباشد.

(١) سرجهای پشمینه یالی برنگهای مختلف کیفیت آن ازقرار گز انگلیزی ٣ قوتهٔ مشخص شده ودر صندوقخانهٔ جنس مرغوب وشبه

اقسام	قسم اول					قسم دوم					
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم وقدری کلان قیمت آن ١٠ پیسه زیادتر	
رقم	تا حال ساخته نشده	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودر
قیمت		٧ روپیه ٠ پیسه	٦ روپیه ١١ پیسه	٦ روپیه ٤٢ پیسه	٠ روپیه ٤٨ پیسه	٦ روپیه	٠ روپیه ١٨ پیسه	٦ روپیه	٠ روپیه ١٠ پیسه	٦ روپیه ١٥ پیسه	٠ رو ٢٥

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گز انگریزی | کشمیره چهارخانه ٧ روپیه ٣٥ پیسه | کشمیرهٔ دهداره هرقم ٧ روپیه پیسته

(٢) جراب

رقم	تنکبانک زوج	راهدار زوج	معمول زوج
قیمت	١ روپیه ٥٢ پیسه	٤٥ پیسه	٣٦ پیسه

(٣) تکه‌های چرمی محراب ومنبردار

کلان قدرجی	میانه قدرجی	خورد قدرجی
١ روپیه ٥٠ پیسه	١ روپیه ١٠ پیسه	٥٠ پیسه

(٤) گروره های جدیدساخت

رقم	زه باف یک اسپه دوکره سه تاره	زه باف یک اسپ دو کره سه تاره	چرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ چار تارهٔ خر
قیمت	٨ روپیه و ٣٣ پیسه	٩ روپیه و ٢٤ پیسه	٨ روپیه و ٤٢ پیسه	٦ روپیه و ١١ پیسه
رقم	چرم باف دست بادامی دولاب	چرم باف دست دولاته یک اسپ	دست دولاتهٔ یکی چار اسپه	چرم باف عمرکی
قیمت	٤ روپیه و ٤٨ پیسه	٤ روپیه و ٤٦ پیسه	٨ روپیه و ٢٣ پیسه	٤ روپیه و ٤٣ پیسه
رقم	نیمه رنگی کلیت نقرهٔ توپخانه	قبضه کلیت نقره از چرم سه لایه توپخانه	زه باف رقم سواری ساقی کلیت	زه باف دو تارهٔ رکابی
قیمت	٣ روپیه و ٥٥ پیسه	٤ روپیه و ٥٧ پیسه	٥ روپیه و ٩ پیسه	٥ روپیه و ٥٤ پیسه
رقم	رکابی ازنغ	چرم باف میانه چوب پت زنانه	ازرین سواری تیغ چرمی	زنانهٔ ابریشمی خیاطه
قیمت	٤ روپیه و ٤٥ پیسه	٥ روپیه و ٨٠ پیسه	٤ روپیه و ٥٨ پیسه	٥ روپیه و ٨ پیسه
رقم	دسته‌های تیغ چرمی	دستهٔ دولاتهای رنگی کلیت نقره	ازرین سواری دولاته تیغ چرمی کمک دار	چرم باف مایین پت یک
قیمت	٤ روپیه و ٤٩ پیسه	٤ روپیه و ٤٥ پیسه	٤ روپیه و ٥٩ پیسه	٨ روپیه و ١٢ پیسه

(٥) اقسام گلهای مصنوعی سر

پیت	گل جرین	گل نافرمان	گل رینه	گل شبو
قسم	٥ روپیه و ٣٦ پیسه	٩ روپیه و ٦ پیسه	٦ روپیه و ٧ پیسه	٦ روپیه و ٣ پیسه
قیمت	شکوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل استرل	جنبیل
قسم	٧ روپیه و ٤٥ پیسه	٦ روپیه و ٥٨ پیسه	٥ روپیه و ٣٨ پیسه	٦ روپیه و ٨ پیسه
	شکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	٦ روپیه و ٣٥ پیسه	٧ روپیه و ١٢ پیسه	٦ روپیه و ٥٤ پیسه	٦ روپیه و ٥٤ پیسه

(المشتهر)

(میر محمد هاشم دفتری کار خانجات (کیمان نظامی)

صفحه (۱) سال پنجم (شمارهٔ) ۱۴

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

ادارهٔ خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

قیمت سالیانه
السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
طراف داخله مملکت
ت داخله ۱۲ روپیه کابلی
در خارج مملکت
ت داخله ۱۰ روپیه انگلیزی
روز یکبار نشر میشود
نسخهٔ آن در کابل یکعباسی است
که درج نشود اعاده نمیشود)

قمری ۱۵ جمادی الاول ۱۳۳۴ تاریخ انگریزی ۲۰ مارچ عیسوی ۱۹۱۶ تاریخ شمسی ۳۰ حوت ۱۲۹۵

صنایع نفیسهٔ ادبیات

کوکبهٔ بهار پرتجمل در دار السلطنهٔ کابل

(کابل) بگو و مکرر اینقدری تأمل فرما! وصف الحال (کابل)
(کابل) هویداست، و آن چیست؟ این است:
(آب) است میان «گل» چکیده.

ور لفظی را به بینید! (آب) مرکب است از دو حرف:
ا، (ب)، و این دو حرف در میان دو حرف دیگر که عبارت
ک) و (ل) است واقع شده است. «گ» و «ل» لفظ «گل» را تشکیل
است (ا)، (ب) که لفظ (آب) را تشکیل داده چون در
(گ)، (ل) که لفظ «گل» را بوجود آورده است چنگک
نوا زن کرده ـ نام آب در گل چکیدهٔ (کابل) را بوجود
ورد.

ور معنوی را بشنوید! کابل قطرهٔ آب باصفای سحاب علویت
یست که صفت پایتخت بودن یک دولت محتشمهٔ مقدسهٔ اسلامیه را
ریافته. و ازین سرچشمهٔ مبارک که آب حیات مآب نشوونمای حیات
ضوی در هر طرف ملک ـ یعنی خاک پاک وطن مقدس ـ سریان
یان میکرد، و شجر سلطنت اسلامیه را شاداب و بارور میگرداند!
این آب صنوبت جناب، در وسط یک جلوه‌گه، چنان مینماید که گویا
دلبر نازنین محاسن آئین در میان یک گلستان پرشکوفه و یاسمین تکیه
و ادای دلبری شده باشد! سمت غربی شهر عزیزما را حوضهٔ
ین روضهٔ (چاردهی) نام وادی جسیم بسیار دلنشین احاطه نموده،
سمت شمالی آرا باغهای (باغ بالا)، و (بابچی) و (شهر آرا) و باغهای
(له الطفا) در بر گرفته، سمت شرقی و جنوب شرقی آرا باغستانهای
(یکه توت)، و نواحی آن، و (شیوکی) و (بینی حصار) و غیره در آغوش کشیده است که همهٔ این قطعه‌ها و خطه‌های که بیان شده باغها و درختزار های پر درخت میوه دار چون شهد خوشگوار محاط مانده است!

همینکه طلیعهٔ سلطان حشمت نشان (بهار) از دور پدیدار میگردد، و خبر بشارت تشریف حیات بخش را بوسیلهٔ مرغکان خوش الحان چون ساره و گنجشک و فختی و مینا و بلبل و سار و غیره بعوالم انسانی جنت آئین نشر و اعلان میکند، هماندم خون همه درختها بجوش می آید، جویها، دامنه‌ها، کنار های جویبارها سبزپوش میگردد، خزینه‌دارهای ابرهای ربیعی پیشتر میرسد، قطره‌های باران رحمت را وانها نثار میکند، مشاطگان و آرایش گران بادهای بهاری در پی آن میدوند، سبزه‌ها را زمردپوش میسازد! شکوفه‌ها را تاج الماس برسر مینهد! لاله و سوسن و سنبل را جواهر پوش میگرداند! تا آنکه خورشید جهان افروز نوروزی آمده بر تخت اعتدال فصل ربیعی جلوس مینماید، و بر همهٔ عالم عدل و مساوات تساوی لیل و نهار را در اول یوم جلوس خویش اشتهار و اعلان مینماید! حرارت غریزی بهمه اجسام نامیه می بخشد، تجلی جمال شاهد قدس پردهٔ غیبی را باید بیضای موسوی و یحیی الارض بعد موتها بانوک های قلمهای شعاعی خود به تصویر کشی آغاز مینهد! از هر طرف نور حیات میبارد، از هر سمت جوهر زندگی میروید، از هر جهت نور میریزد، در هر سینه سرور می افزاید!

بیائید کابل را در چنین فصل به بینید! اول دلبر طناز رنگین ادائی که در پرستان سلطان بهار بنام (لاله) موسوم، و بلقب (لعل پری) ملقب است، در کوهها و دامنها و دشتها بجلوه گری رقص پری مثالی میدراید، و یک عالمی را با خود برقص شریک میسازد! در دشت بروید بینید! سودهٔ زمرد پاش داده شده است! در هر جای این قطعهٔ زمرد یکیک دلبر نازنین لطافت اندام بوتهٔ (لاله) را می بینید که قد راست کرده، و یک فانوس از لعل شبچراغ که نور الکتریکی تجلی جمال شاهد صنع در آن افروخته شده است بدست گرفته بر دلهای دلخسته گان جگر تشنگان عشق بهار، انوار رحمت میریزد!

سبزه را با زمرد . لاله را با لعل چه مشابهت ! حیات را با نباتات ، جمادرا با نبات چه مناسبت ! در سبزه روح طراوت ، در لاله جان لطافت مجسم . در زمرد موت جمادی ، در لعل افسردگی خلق مبین افتاده‌است . همین مشابهت و مناسبت که هر دو از یک شمس رزق انوار حیات ثار را میگیرند وبس ! . . . .

بکنار انهار سبزه ولاله نظر کن ! جهان جهان سبزه ، زمان زمان لاله ! جلوه گری لاله ، در دشتها و دامانها مرغکان شوخ و شنگ ، ورود واله های رنگارنگ بی‌رنگ را بزیر رقص میدارد . لاله اول مطیعیست که درسهای اشید های مدیحهٔ حضرت بهار را به شاگردان طبیعت خوان دبستان های سلطنت بهار ازبر میکند !

حالا از کلام شیرین مقال یک صاحب حال که از عشاق حالیا گل حضرت بهار است در مدح (لاله) لطفاً چیزی بشنویم :

◆ لاله ◆

بیا بباغ که گردید جلوه گر لاله قدح گرفته بکف گل زده بسر لاله
شکست شاه ریاحین چو لشکر سرما زده است چتر ز لعل را بسر لاله
رسید از سفر و باد گردش استقبال گرفت سبزهٔ نوخیز را ببر لاله
رخش سیاه شد از گرد راه و تابش مهر
چرا که خانه نشین بود و نو سفر لاله
مگر هوای تو دارد که گلستان امروز گرفته دامن پر گل ، زده بسر لاله
سحر خیال گل روی تو زباغ گذشت چو غنچه گشت بخوناب دیده تر لاله
ز خجلت چمنستان عارضت در باغ بجیب سبزه فروبرده است سر لاله
بباغ از دهنش پاره های دل در زد که تیغ ناز تو خورده است بر جگر لاله
زباغ کابت گلچهره ام برون آمد ز ده دیدهٔ خونبار بیشتر لاله
چو چشم مست تو بوی بعشوه چشمک زد
گرفته چون گل بادام ازان ثمر لاله
ازان پیالهٔ گل از شراب رنگ پراست که شیشه ساز شده آب و کاسه گر لاله
بفر باغ رخت کان دماند سبزه و گل همیشه سبزه بزرد است و گل بسر لاله
فزود رونق حسن تو از دمیدن خط بلی ز سبزه دهد زیب بیشتر لاله
چو آب در چمن هر سو روانه گشتم ندیدم از گل رویت شکفته تر لاله
بجستجوی تو دیوانه گرفتند بچه رو همیشه کوه بکوه هست و در بدر لاله
ز تیغ کوه زند تا چو کبک راز شوق بجای برگ براورد بال و پر لاله
ازان بصحن چمن سرخ رو و صد از خاک که داغ عشق ز اداشت بر جگر لاله
بپیش حسن تو چون دلبران صحرائیست
بچهره گرچه نهد خال مشک تر لاله
زشرم روی تو از رشک خاطر نداشت
بکوه و دشت گرفتست زان مقر لاله
ز دست عارض گلگون تو ظرف چمن گرفته طشت پر آتش زغم بسر لاله
چمن ز آب روان میکند زنجیرش که شوخ بیمد روانست و فتنه گر لاله
ندیم باغی داغش چو مردمک روشن چو کرد جا کرد شمس مهٔ بصر لاله
غریب (طرزی افغان) ز لطف تو خواهد
که خاک خشک امیدش زند بسر لاله

دوم جوش و خروش آمد آمد فصیلهٔ سنبله — یعنی بنفشه سوسن ، سنبل ، نرگس وغیره شروع میشود . سنبل با طرهٔ طرار پر شکنش شکسته بندی دلها میکند . سوسن با صد زبان بیان شکران بهار را مبین میسازد . بنفشه با زلفان پیچیدهٔ خویش بوی روح پرورد مائع روح ،

مشام عقل ، حواس جنة ملکوتی را معطر میگرداند . این قصیدهٔ
در شهرستان بوستان حضرت سلطان بهار چون جواهر پوش
خوشرنگ جلی شده اند لقب لطافت مکتسب (یابوری) را الحراز نموده
بنیدید که یک بلبل لشیده سرای بار گاه حجاه حضرت (بهار)
عاشق دلباختهٔ افادهٔ مصنوعات رنگارنگ اوست در حق سرور و
این قصیده یعنی جناب (بنفشه) لطافتیشه چه تصورات تصور میک

◆ بنفشه ◆

رو بدا که گر از نافهٔ تاتار بنفشه
خوشبو نبود چون خط دلدار بنفشه
ای در چمن حسن تو بیکار بنفشه
تازه گل خط تو چون خار بنفشه
آتش گه آید بنظر صحن گلستان
گل آتش و هندوی پرستار بنفشه
چون نیل کبود است زبان در دهن او
کرد است زبس وصف تو تکرار بنفشه
تا بچه کند جلد گریبان گل از ناز
بگرفته بکف سوزن و هم تار بنفشه
خارا بگل و لاله واطلس به سمن داد
بگشوده سر بار چو تجار بنفشه
گر عکس لب لعل تو افتد بگلستان
روید چو گل روی تو گلنار بنفشه
دید است سر زلف پریشان تو در خواب
آشفته بگلشن شده بیدار بنفشه
تا حلقهٔ گیسو وخم زلف تو دید
مشکین شده چون نافهٔ تاتار بنفشه
گل رفت به اولست نامی بگلستان
گل خوردهٔ زر دارد و معیار بنفشه
باشد زغلامان و کنیزان تو در باغ
شمشاد و گل و لاله و گلزار بنفشه
تا نسخهٔ خوبی برداز دفتر حسنت
بگشوده بگلشن سر طومار بنفشه
تا یوسف حسنت چو زلیخا بکف آرد
آمد زچمن بسر بازار بنفشه
تا چشم کماندار تو تیر مژه برد اشت
گل زخم بجان آمده و افگار بنفشه
تا ای حیات بسر خاک نیابد
کرد است چمن را همه گلزار بنفشه
خواهد که زر غنچه رباید ز کف گل
دامن به کمر زده طرار بنفشه
زان زر که ز گل برد بخالاکی وجنی
آورده بکف جامهٔ زرکار بنفشه
تا گوهر جان تا که خرد نکهت زلفت
باد آمده دلال و خریدار بنفشه

در پیش گل خلق تو مانند غلامان
برکردن جان بسته بسی تار بنفشه
از بهر نثار تو در دانهٔ شبنم
آورده به کف گوهر شهوار بنفشه
از فرق عدو باری شمشیر ترا دید
پیچیده چو دود است بگلزار بنفشه
از بیم عدو زیر دم تیغ تو نالید
از زاری او گشت دل آزار بنفشه
سینهٔ اعدای تو از هم بشکافد
برداشت به کف خنجر پیکار بنفشه
از خیل سپاه ظفر آیات تو آید
در پیش کشد اطلس زر کار بنفشه
با گوشهٔ چشم ار نگری سوی من از لطف
ریزد بکفم گوهر شهوار بنفشه
مپسند که (طرزی) بود از لطف تو نومید
وز ناز کشد زر عوض ایثار بنفشه

روز آخر جشن جمشیدیٔ سلطان (بهار) را تشریف آوری (نرگس) تماشائیه ودار زمسلیان تشکیل میدهد ! ، نرگس ، باقلم وکاغذ ودوات منشیانهٔ خود شرح عرض احوال عشق خود را بحضرت (بهار) میگذارد . بلی نرگس که در بستان سلیمانی بلقب (فخراج زری) شهرت حاصلکرده یك مجسمهٔ (عشق) را تصویر میکند . قامت نحیف چون نال ، شکسته رنگی چون خیال ، سر افکندگی عجز مثال او از هر ورق کتاب حیاتش سبق « عشق » را تعلیم . میدهد ! راتحفطیهٔ « عشق » هر نرگس میزاود ! چشم دارد ، ولی بجز پشت پای خود دیگر چیزی نمی بیند . جام زر اندود بکف دارد ، ولی بجز بادهٔ سرمستیٔ عشق دیگر چیزی نمی کند . وقتیکه نرگس میرسد بلبلان را یکشور ماشور بازی حاصل میشود . شوریده سامانیٔ نرگس وشوریده حالیٔ بلبل تأثیر غریبی اجرا میکند ! بجوش ووجدش میآورد !

شنوید که عندلیب گلشنسرای بستان خاقان بهار ، احوال (فخراج زری) نرگس دلداده را بچه رقم رقم مضامین شیرین رنگین عرض باز گاه حضرت (بهار) مینماید :

(نرگس)

چشم مست تو نگه گر فکند بر نرگس
رود از خاك چمن نادم مضطر نرگس
زان منور شده چون جیب سحر دامن باغ
که بود صورت خورشید وسحر در نرگس
کس ندید است که انجم رخ خورشید بود
بر خورشید نمود اینهمه اختر نرگس
تا که در بزم چمن پیش گل افروزد شمع
بر سر خویش نهاده لگن زر نرگس
بچمن شاهد گل را هوس باده گرفت
ساغر و شیشهٔ می کرده میسر نرگس
جامش از باده تهی گشت که از رنج خمار
سرنگون کرده قدح مانده بپاسر نرگس
سرخوش و مست سر افکنده کله کج کرده
مستیٔ چشم که کرد است افزون نرگس !
از غم چشم تو چون مردم بیمار بباغ
ساخت از سبزهٔ تر بالش و بستر نرگس
دفتر نسخهٔ خوش چشمیٔ او کرد سواد
زان گشاید بچمن اینهمه دفتر نرگس
تا نویسد صفت قامت و ابروی ترا
صورت نون وقلم کرده مصور نرگس
تا که بر تخت چمن شاه نشان بنشیند
بسته شد کمر و هم زده افسر نرگس
تا نثار کف پای تو کند در گلشن
بر کف دست گرفته زر و گوهر نرگس
تا که بر گل کند از ناز نظر از بها
گوشهٔ چشم نمود از بر معجر نرگس
تا بروش نکند چشم چو آن گل چمن
میکشد بر رخ خود گوشهٔ چادر نرگس
تا نسیم سحری سوی چمن بوی تو برد
گشت چون جیب گل وغنچه معطر نرگس
تا که در سایهٔ سرو تو رساند خود را
همچو قمری کند از پهلوی خود پر نرگس
تا که بر فرق سر دشمن جاه تو زند
بسته بند کمر افراشته شمشیر نرگس
من اگر لاغر و زارم غم از سیم و زر است
سیم و زر دارد و باشد زچه لاغر نرگس
دامنش از زر وسیم است لبالب زچه رو
سر فرو برده وبنشسته مکدر نرگس
پیش از آنم مپسند ای شه باجود وسخا
که زند خنده بی برگی من هر نرگس
این غزل پیش تو (طرزی) بنواها برخواند
که زغم سوخت چو پروانهٔ بی پر نرگس

درین گیرودار های آمد آمد گلهای زمینی که بهار لطف کردار شهر عزیز دلپذیر مارا بوجود لطافت آمود آنها عشق و سرور ، وزینت وحبور می بخشد ، شکوفه زارهای اشجار در حق تیز پیکان نیکان جولان نازی سراپا دلربائی مینمایند ! اول بید مشك باخرمنهای کافه دلهای مشك طراوت نثار زندگی آثار خود جلوه نمائی مینماید . این جناب بیدمشك که آنرا (گربهٔ بید) هم می گویند درحوضهٔ بهشتی روضهٔ پایتخت عالیبخت سلطنت متبوعه مقدسهٔ مابسیار است . و آن یك نوعی از درخت بید است که به (بید مشك) معروفست ، این بید ، پیش از آنکه برگ بکند درشاخها وشاخچه های آن غنچه های گلوله گلوله دراز رنگ خوش قاش لطافت بانی پیدا میشود که قاش ان از تو

نباتی بیشتر بجنس قاتیٔ صنوبرمثا بهم میرساند . وچنان پنداری که ازمخمل بلنت ساق چاری رنکی ساخته شده است . با آن غنچه ها را اکر یك یك کره کنك صغیر الحجم بخواب رفته بکوئید هم بك شبا هتکی میرساند که به این سبب آنرا ، کربهٔ بید ، نیز کفته‌اند . چنانچه شاعر کفته : نه ز ذکر کربهٔ بیداست کربهٔ صیاد :: که صرغ بند ، برشاخ ونجه نکشاید . . ازین بیدمشك عرق هم میکیرند که در خوشبوئی ولطافت ثانی اثنین عرق کلاب شمرده میشود . [چون ازین قسم بید مشك در دیکر صفحات کذرده ام بهمینقدر تعریف وترجمهٔ احوال صفوت مآلش برای قارئین دیکر صفحات نیز لزوم دیده شد] .

بید مشك‌را شکوفهٔ بادام همعنانی می‌کند . درشکوفه‌های سردرختی ، شکوفهٔ بادام ازهمه پیشتر میرسد ، وصفت پیشداریٔ جیوش مظفرهٔ شکوفه را که برای‌استیلای اطراف واکناف،حضرت سلطان بهار آماده‌ومهیا کرده است بجا می آورد ! بعدازان شکوفه های آلو و آلوبالو وشفتالو وزردآلو . ودرعقب آن شکوفه های ناك وسیب وغیره جوق جوق ، صف صف، فرقه‌فرقه‌ورود نموده‌شهر واطراف آنرا فرا میکیرد . در چنین‌وقت اکر ازقصرهای‌سعادت حصر دلکشا ، باغ‌بالا ، باغشهر آراء ، باچهل ستون باغ‌بابرشاه وغیره یك نظری باطراف و اکناف پرتاب‌شود نظر بچنان منظر هائی تصادف می کند که دربیش معجز کاریهای قلم صنع صانع‌یکانهٔ بدیع السموات والارض انسانرا یك استغراق‌بخودیٔ حیرت‌دست میدهد، رفته‌رفته آن‌استغراق‌بیخودی وجذباهیت (عشق‌وطن) تحویل احوال نموده بی اختیار برلسان حال ازین کونه مقالها جریان می‌کیرد .

بلی ! محافظهٔ (وطن) بشناختن ملت‌است که شرف وحیثیت ملیٔ ذاتیٔ خودرا بشناسند بغیرت آن شرف ذاتی بجوش وخروش آمده هلاك خودرا آسانتروارزانتر نسبت بضیاع مادرشفقت پیرامن (وطن) بدانند .

بلی ! شرف وحیثیت ملی قایم ودایم باین‌است که آن‌ملت ازنفس خود دولت و سلطنت متبوعهٔ داشته باشد . ملت بی سلطنت مرده و معدوم است سلطنت که کفته شد (پادشاه) منظور است . ملت، روح‌زندکیٔ خودسطوت،قوت، شوکت‌عزت‌علویت شرف‌وحیثیت خود سلطنت وپادشاه سلطنت خودرا بشناسند . علی الخصوص که ذات اقدس خلاق علیان بامات نجیبه‌افغان وطن‌قدسیت‌مآبی ماننداففانستان ، وپادشاه مقدس محبوب القلوب چون ذات مرام صفات اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب‌الله‌خان) احسان فرموده که دردل‌حقیقت منزل ملوکانهٔ شان بجز انوار ضیاءبار دینداری ، وطن دوستی ، ملت پروری ، مرحمت ، شفقت ، عزم ، حزم‌غیرت، بهادری وهمه صفات حسنه دکر هیچ چیزی راه دخول نیافته است .

ای ملت نجیبهٔ افغانیه ! مار است که اعلای شان دین ودولت ، وشرافت خود ملی بجان وایدان دست یك کنیم . واتحاد واتفاق نمائیم وازتفرقه وجدال بازآئیم . دولترا‌خود ، خودرا دولت بدانیم ! از دور وپیش خود عبرت کیریم . از همدیکر جدانشویم . . زنده باد افغان وپادشاه افغان ! . . آمین

علوم و فنون

(الانسان)

انسان اسم جنس است که بر هر فرد نوع نرو ماده شامل میباش
انسان خوبترین واکملترین مخلوقات الٰهیه درعالم وجود میباشد
بابداع الهی آنرا‌باحسن صورت خلقت فرمود . وازآروز که درعر
دنیا بظهور آمده‌بس کوششها برای فهمیدن حقیقت اصل‌خود
لکن چنانچه در فهمیدن حقیقت دیکر اشیای کائنات ومو جو
باختلافات عجیبه وغریبه برخورده . همچنان در شناختن حقیقت
خود به‌بس اختلافات عجیبه متصادف شد .

لهذا ماسیخواهیم که‌درنجا ازبعضی ازان خیالها وفکر های
که‌انسانها درحق خود شان پیدا کرده اند در انظار قارئین جلو
بسازیم .

(فرق مابین انسان و حیوان)

اکرچه‌انسان دربسی چیزها بدیکر حیوانات ازروی حس و
وهوسات شهوانیه مشابهت ومشارکت بهم‌میرساند لکن درمابین‌اعل
جنس حیوان وادنا ترین جنس انسان آنقدر فرق و مباینت هست
مشابهت آن بهیچ‌وجه ممکن نمیشود .

بلی اکرچه در مجموعهٔ حیوانها بعضی چنان صفات دارند که
از صفات انسان میباشد مانند قوت و دلاوری شیر وصبر وتحمل
و حرکتهای عجیب بوزینه وتیز بینی قوه نظریهٔ بعضی حیوانات نیز
لکن خداوند عظیم الشان انسانرا یك موهبهٔ عقل و ذا کرهٔ فکر
داد که هزارها هزار چند از صفات حیوانیه ممتد کور کردیده
ودلیل دیکر آن که دیکر حیوانها ازان روز که برعرصهٔ وجود آ
تاامروز برهمان یك‌حال لایتغیر باقی‌ماند . لکن انسان روز بروز
ادرا کیٔ عقلیهاش که‌خداوند اوراعطا فرموده‌درراه ترقی‌ومدنیت و
بیك رفتار سریعی ترقی کرده میرود که ناقابل تصور میباشد .

(اصل انسان)

اصل انسان — علمای‌فن طبیعی وادیان‌درباب‌اصل انسان هر
فکر رفته اند :

١ — بعضی کفته‌اند که‌انسان بسرخود مستقل خلق شده ا
نه‌ازدیکر اجسام موجودات زمین ، ودرمخصوص دلیلهای دینیه
بسیاری ذکر کرده‌اند

٢ — وبعضی کفته‌اند که‌انسان ازسلسلهٔ حیوان ترقی کرده
بتأثیر احوالات طبیعیه بدرجهٔ انسانیت رسیده است .

٣ — سوم‌طائفهٔ کفته‌اند که‌انسان اولا (مصادفات طبیعیه)
اتفاقی بدون یك‌قانون دربحر بوجود آمده است که‌دراول وجود
دریك کیسهٔ پیچیده شده‌بود و آن کیس شناور بوددروسط یك
غذا میکرفت ازهمان‌ذلال بصورت جوشیدن وبقدر دوسال دربیان

باقی ماند بعد ازان کیسه سر بیرون نمود ویك آلات باخود بواسطهٔ آن آلات میتوانست که لقمه فروبردن غذای خودرا کند رفته رفته ازقعر بحر بروی زمین برامد .

این عرض وفکر کمند کور گردید بسی انصار و معاونین دارند که باهای ساطعه وافکار خود شان اظهار می کنند . لکن ماآنها را وافکار شانرا یلشسو میکنیم وازراه عقل محض تقبیح می کنیم :

خداوند کریم الشان ازان روز که دنیا را خلقت فرموده وعلم را بواسطهٔ ادیان جلیله برای شناختن قدرتش و عظمتش وتجلیاتش متوجه ساخت به بسی جاها در کتب سماویه اظهار فرموده که اصل انسان رابدست عظمت وقدرتش ازآب وطین مکون ساخت ودمید روح پاك ومقدس را در کالبدش بگنجانید و بصفحهٔ دنیا بیاورد .

بهزاران مکرها ولاریب مبرهن است که ذکر گردید چنانچه قرآن کریم خبر داده حقتعالی است که آن انسانرا اشرف مخلوقات فرموده وباراده ازلیهٔ خود بشکل انسانی تخلیق فرموده . بس مارا چه لازم که

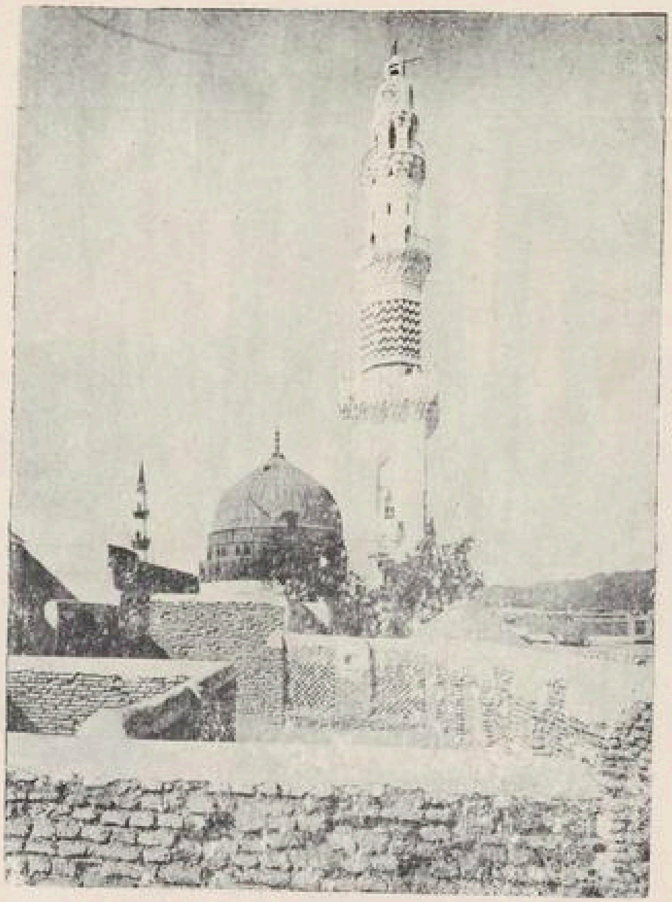

از مناظر اماکن مقدسه اسلامیه
مدینه منوره

این نعمت کفران ورزیم وازین اصل ونسب شریف خود دست بردار شویم وخلق شدن خودرا بتصادف طبیعی یااز سلالهٔ حیوان مفترس اعتقاد کنیم . حال آنکه تاامروز آن دو طایفه که یکی می گوید انسان از سلسلهٔ حیوان ترقی کرده ودیگری میگوید که اصل انسان بصورت اتفاق بدون یك قانون در بحر بوجود امده است گرفتار بسی اختلافهای عجیبه وغریبه هستند وان اعتقادشان بغیر ازظن وگمان وشکوك باطله واوهام ودیگر چیزی مبنی نیست لکن دلخواهمند اگر بعضی از اختلافات اصحاب آن دو فکررا نیز بانظار قارئین جلوه گر بسازیم .

ان فکری که می گویند که انسان بتصادف طبیعی در بحر بوجود امده است از طرف (اوکن) نام یك عالم طبیعی که در سنه ۱۸۱۹ موجود بود درعالم انتشار یافت این بحث بدینکه استحقاق مذاکره ومناقشه را ندارد یلشسو میافگنیم چنانچه نفس دانشمان وخودرا یلشسو افگنده است .

لکن فکر دوم که می گوید انسان از سلسله حیوان ترقی یافته بسببیکه زیاده تر شایع و منتشر است ازان یک قدری بحث میرانم :

علما و مدققین که باین فکر خیالی وهمی گرفتار هستند دلیلهائی که برصواب بودن فکر شان میآرند اینست که انسان ازآن (غوریل) نام یک بوزینه که عندالتشریح همهٔ اعضا واستخوانهای آن با اعضا واستخوانهای هیکل عظمی انسان مشابهت دارد بوجود آمده است ازان رو می گویند که انسان ازاو ترقی نموده باین حال رسیده . لکن مجمعهای علمیه که رشد آنان هستند یک جواب علمی ناقابل انکار نشر نمودند وآن اظهار کردند که نزدیکترین حیوانها در مشابهت شکل با انسان قرار فکر علمای طبیعی این عصر (غوریل) نام بوزینه میباشد مع هذا اگر مشابهت در مابین ادنا ترین طبقات بنی بشر وان غوریل نام بوزینه بکنیم یک فرق بسیار بعید میبینیم زیرا خفیفترین مغز سر بشری از ۹۶۰ الی ۹۹۰ (گرام) میباشد که ازین کمتر هیچ گاه نبوده حال آنکه مغز سر بوزینهٔ غوریل از ۹۲۰ گرام هیچ زیاد نمیباشد .

وحجم خرد ترین کاسه خانهٔ سر انسان کمتر از ۱۱۴ (پوس) مکعب نمیباشد حال آنکه کلانترین کاسه خانهٔ سر غوریل از ۳۲ (پوس) مکعب زیاد نمیباشد اگرچه ثقل یک غوریل بمقابل ثقل دو نفر ازنوع بشر میباشد .

و بهر عنوان اعضای انسان ازان حیوان فرقها دارد که هیچ انسان باحیوان بهیچ وجه ادنا مشابهت ندارد .

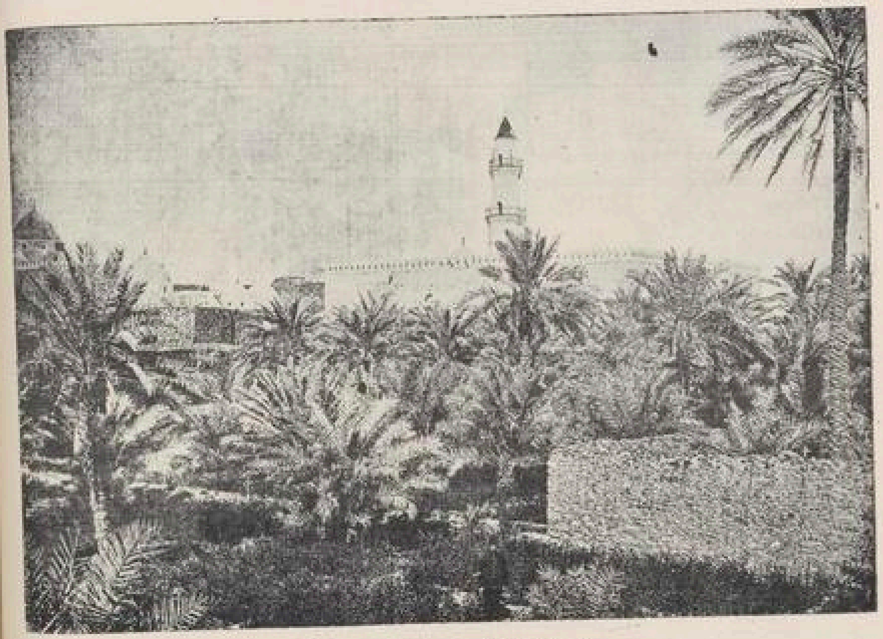

از مناظر اماکن مقدسه اسلامیه مسجد قبا

آیا این فرق عظیم که درمابین قیاسات مغز سر وکاسه خانهٔ سر انسان ومغز سر و کاسه خانهٔ حیوان غوریل که آشکار است امکان دارد که انسان یکبارگی ازان اسفل باین احوال ترقی کرده بحال کمال رسد ؟ و اگر علمای فن طبیعی که برمذهب (داروین) نام یک عالم انگلیزی است که مبتدع این فن میباشد بگویند که یک حلقهٔ ازمیان مفقود است وآن حلقهٔ منقرض شده بجواب او میگوئیم که آیا این حلقه بچه طور مفقود شد وهیچ اثرش معلوم نشد حال آنکه اگر بالفرض انقراض مورود ضروری باید که غوریل پیشتر ازان حلقهٔ موهومه مفقود شود .

بی شک بانظار قارئین کرام معلوم شد که این هردو فکر خیالی حقیقت ندارند وبغیر از خیالات واوهام باطله دیگر چیزی مبنی نیستند وعجب است از چنان اشخاصی که از اصل خلقت شریفهٔ خود بیزار گردند وبالجمله چیز های وهمی نامعقولانه گرویده شوند .

حالا همین قدر در خصوص کیفیت خلقت انسان بحث وبیان را قناعت ورزیدیم انشاءالله در آینده از بعضی احوالات انسان در اول ظهورش از مسکن وملبس وطعام وچیزهای لازمه مانند خط و کتابت وتعارف بلفظ وزبان که بهر چیزی ازان بچه طور توانست رسید بحث میرانم وبانظار قارئین جلوه گر میسازم :

محمد ادیب

حوادث خارجیه

خبرهای داخلهٔ ایران

جریدهٔ فردهٔ رعد یك فقره از خطاب صدر اعظم رئیس وزرا مینویسد .

« باید دولت یك تصمیمی را اتخاذ کند وانیکه متاسفانه با اهتمام دولت در حفظ بیطرفی این منظور بعمل نیامده ودولت نمی تواند وضع شش ماه قبل را نگاهدارد وباید یك تصمیم قطعی تری را اتخاذ نماید .

وصعوبات کنونی وفشار حوادث را می نماید که پس ازین نمی توان در زیرلوای بیطرفی موفق بتمدید دورهٔ زنده گانی روزمره گردید . چاره نیست وباید تصمیمی اتخاذ کرد دیگر دولت نمی تواند ونه باید بیك بیطرفی باقی بماند چه که این کلمه هیچ معنی ومفهوم خارجی ندارد .

اینك باید منتظر تصمیم دولت شد . افکار عمومی با یك بی صبری مالانهایه مترصد است که حکومت چه تصمیمی را باچه شرایط وتحصیل چه مزایا ومنافع کدام وثایقی برای تامین آینده نسبت به کدام طرف اتخاذ خواهد نمود .

استعداد همدان

از همدان خبر میرسد که استعداد مجاهدین همه روزه زیاد میشود واز سمت عراق وتویسرکان و کرمانشاهان وارد شهر میشوند واز طرف اهالی لوازم استقبال واقدامات بعمل میاید ورؤسای مجاهدین عده زیادی از استعداد همدان اخیرا بسمت قزوین روانه نموده اند سالار لشکر ودیگران هم با رؤسای مجاهدین مشغول کار هستند .

* * *

مجاهدینی که از چندی بدین طرف در شیراز بودند بالباس های مخصوص مشغول مشق کردن هستند واز اهالی شهر ومتفرقه هم هر قدر که ممکن بوده تهیه استعداد کرده اند ودر این موضوع هم تلگرافاتی هم مخابره کرده کسب تکلیف نموده اند .

* * *

ورود آلمانها

یزد آلمانهائیکه از اصفهان بطرف یزد حرکت کرده بودند امروز واردشدند عدهٔ آنها قریب هشتاد نفر میباشد ولی بعضی از آنها ایرانی هستند .

در قصر

بقراریکه از کرمانشاهان خبر رسیده اخیرا یك عده صاحب منصب آلمانی وعثمانی با یك مقدار قشون وارد قصر شده اند وبسمت کرمانشاهان خواهند آمد .

اتباع انگلیس در شیراز

طهران ۲۴ نوامبر ـ چهار نفر خانم انگلیسیکه در شیراز در تحت توقیف بودند از طرف ادارهٔ ژاندارمری خلاص شدند .

سئوال اینکه بچه جهت اتباع انگلیس را توقیف می نمایند صاحب منصبان سوئدی که سمت ریاست ژاندارمری ایران را دارند این طور توضیح داده اند که ما بر طبق احکام واوامر دولت ایران اقدام بتوقیف آنان کردیم و گذشته از اینمطلب وقتیکه اعلیحضرت شاه حاضر شده اند برای ترك مقر سلطنت خود وحرکت باصفهان معلوم است که مناسبات حکومت طهران بادولتین قطع گشته وایران با آنان داخل جنگ شده است

در کرمان

عده سوارهای آلمانی که فعلا در کرمان بالونیفرم قونسولخانه هستند قریب سیصد نفر میباشند درهفته گذشته هم بعضی آلمانیهای یزد آنجا وارد شده اند مردم هم بترتیب سایر نقاط در صدد فراهم کردن وجه وتهیه استعداد هستند .

* * *

عده سوار های آلمانی که فعلا در یزد اقامت دارند قریب دویست نفر میباشند اهالی هم عده مسلح شده واستعدادی تهیه کرده اند ومحرمانه هم مبلغی باسم اعانه جمع آوری نموده اند .

سفارت امپراطوری آلمان مقیم دربار طهران بطور قطع وصریح انتشارات آژانس روتررا تکذیب می نمایند راجع باینکه اختلافات ظاهری بین سفیر کبیر دولت سنیهٔ عثمانی ووزیر مختار دولت امپراطوری آلمان بوده است .

نمایندگان سیاسی این دو دولت متحد موافقت کامل داشته وبهیچوجه اختلاف وجود خارجی نداشته است

هیجان اهالی عراق

هیجان اهالی عراق روز بروز شدت میکند وناطقین در مساجد عمومی اهالی را وادار باتحاد واتفاق کرده تشویق بدفاع مینمایند عدهٔ که از چند روز قبل تحت سلاح رفته بودند بقراریکه خبر میرسد بسمت همدان حرکت نموده اند ازدهات واطراف هم اغلب بسمت شهر میایند وحاضر برای حرکت بهر طرف که رؤسای مجاهدین دستورالعمل بدهند هستند فعلا قریب هزار وپانصد نفر سوار مسلح در عراق حاضر میباشند وازقم هم تلگرافاتی بامضای کمیتهٔ دفاع ملی باینها مخابره شده تعلیمات لازمه میدهند .

ورقهٔ فوق العاده درقم

(محله همدان) ورقهٔ فوق العاده بمهر کمیته دفاع ملی از قم بطهران رسیده درآنجا نوشته شده است که : آخرین تلگراف مهم از همدان عصر دوشنبه الساعه بشارت فتح قوای ملی مرکب از دسته جات مختلفه وغیره از آوه رسیده که درآنجا تصادف باهزار نفر قشون روسی که باشش عراده توپ شصت تیر عازم همدان بوده اند نموده وچند نفر از روس ها را مقتول وبکلی آنها را مغلوب وفراری ومتفرق نموده تاسیادهن پنج فرسخی قزوین روس ها را عقب نشانیده وفعلا اردوی همدان درآوج مقیم وگردنهٔ آنجارا درنهایت استحکام متصرف شده اند .

جنایت جدید در کرمان

بقراریکه از کرمان خبر میرسد دوروز قبل نزاعی درانجا رخ داده وپیشکار قونسولخانه آلمان وکیل قونسولگری انگلیس را بضرب گلوله سخت مجروح نموده اند مشارالیه هنوز فوت نشده ولی زخمش کاری است .

تصمیم دولت

آنچه اطلاع داریم دولت درظرف این چندروزه مطالعات خودرا برای گرفتن تصمیم قطعی راجع بسیاست خارجی نموده وبابعضی ازنمایندگان هم درخصوص مذاکراتی شده تاهفته آینده تصمیم خودشانرا علنی خواهند نمود .

خبرها جنگ ازجراید اوروپا

ازجراید فرانسه

آلمان زودتر رسید

مسئلهٔ بالکان فعلا بمطریت متحدین آلمان حل شده است و آلمانها قبل‌ازماوارد قسطنطنیه شده وکلیه ابواب مشرق زمین را قشون ژنرال ماکنسن ، بنام متحدین اروپای مرکزی تصرف مینماید .

دیگر کار از آن گذشته است که مسئلهٔ اتصال نیافتن قوای آلمان بابلغار وترک‌را مطرح سازیم وبگوئیم بایستی این کاررا کرد یانه . اگرچه قشون صربستان درحین عقب نشستن پل ها وتونل ها وهرقدر امکان یافته است خطهای راه آهن راخراب ومنهدم کرده وتازمانیکه المانها این خطوط را تعمیر نمایند خیلی وقت لازم دارد لیکن مسئلهٔ قورخانه رساندن ازالمان به بلغار وعثمانی فعلا ازطرف رود خانه دانوب بعمل میاید وبقدرکفایت قورخانه میرسید .

المان در رسیدن به قسطنطنیه بموفقیت جست واولین نتیجه مادی آن شد که عثمانی را ازاین مصیبت بزرگ نداشتن قورخانه که ممکن بود اورابه زودی ازپادرآرد خلاص ساخته است وسپس درعملیات مشرق قوای عثمانی می‌تواند مدخلیت های بزرگ داشته باشد ودر جنگ های آینده عساکر آن کاری را که تاحال نمی توانستند صورت بدهند شروع نماید

دومین نتیجهٔ این پیش آمد معنوی است وجراید المان نتایج خوبی را که ازاین واقعه می‌گویند آن است که حالات روحیه ملت خودرا تقویت کرده ومی گویند ازمحاصره بیرون آمده وبرای عملیات جنگی مدت زمستان می‌توانیم ازاین راه‌تازه بازشده مهمات اولیه تدارك نمائیم

کازت دوفرانکفورت بابك طنطنه وصلابتی این واقعه رانزد ملت المان بیش ازاندازه‌بزرگ معرفی کرده ومی گوید‌اینک راه بندرهامبورك تاخلیج فارس برای ماباز شده است

جراید آلمان ازحالامسئله فتح‌مصروورفتن قشون خودراتاسرحدات هندوستان به ملت خود وعده می دهند .

کنفرانس ژنرال ژوفردرلندن برای همین مطلب است که اقدامات لازمه برای مخالفت ازمنظوری که قیصربرای‌تهییج اتباع خود درمشرق وعده می‌دهد بعمل آرند وثابت نمایند که قشون مؤتلفین را گردانه های قیصرنمی تواند درآن دیار معدوم سازد .

مؤتلفین دراین موقع درقطعه بالکان باقوای خود شان تنها بایدکار کنند زیرا که کنستانتین پادشاه‌یونان به قیصروعده داده است که‌تادم آخر بی طرف می‌ماند وجریده اتیس ناشرافکار دولت یونان می گوید که سابقاًمذاکراتی که‌مابادربار فرانسه بعمل آوردیم‌لیکن حرف مارا نه پذیرفتند وحالا دیگرمانمی توانیم خطاهای سابق‌را جبران کرده وسپس وظیفه یونان نیست که زیاده براین یعنی بی طرف مساعدتکارانه نسبت به مؤتلفین همراهی دیگری نماید .

جنگ تحت البحری

تلفات وارده بدول متفقه وبیطرف دریکماه

تان: اطلاعاتی که بومیه ازجنگ تحت‌البحریها بتوسط اخبار تلگرافی میرسد چندان کافی نیست که مارا کاملا از خسارات وارده مطلع ومستحضر کند خصوصا ازحیث تاریخ این اخبار بقدری نامرتب است که غالبا محل تامل واشتباه واقع می شود . حتی ابلاغیه های هفتگی ادارهٔ‌بحری بریطانی نیزدارای همین معایب است زیرا که اولاًفقط راجع به کشتی های انگلیس میباشد وثانیا اگر کشتی غرق شده کمترازصد تن بارگیرش باشد ذکری ازاو نمیشود . منبع اطلاعی که مارا بهتراز صحت خسارات وارده وعملیات تحت‌البحری های المانی آگاه میکند وازشدت وضعف جریان جنگ‌بحری درهرماه ملتفت می‌نماید استاتیستیك هائی است که از طرف دفاتر (للوید) یا (ورتیاس) طبع ومنتشر میشود . چنانکه استاتیستیك (ورتیاس) مینماید که درماه ژوییت کشتی کمتر غرق گردیده وعملیات تحت البحریهای المان درماه قبل از ژوییت (ژوئن) شدید تربوده است .

درماه (ژوئن) که سی روزتمام است تحت البحریهای المان نود وچهار کشتی غرق کرده اند (شصت ونه کشتی تجارویست وپنج کشتی بادی) میزان بارگیر کلیه کشتیهای غرق کشته صدوهشت هزاروهفتاد تن میباشد . درصورتیکه مقدار بارگیری کشتیهای غرق شده ماه ژوییت نود وهشت هزار وپانصد وپانزده تن است ولی از حیث عده سه کشتی بیش ازماه پیش است بنابراین معلوم میشود که تحت البحریهای المان چون دیدندکه درماه ژوییت کافی‌السابق نتیجه نبردند خواستند اقلاازحیث عده پیش افتاده باشند باین ملاحظه ازرعایتی که سابقا می کردند صرف نظر کرده بدون اینکه اهمیت کشتی ومیزان بار اورا در نظر گیرند وبدون تامل هرچه را که میدیدند غرق میکردند مابین چهل ودو کشتی تجار که درماه ژوئن از انگلیسها غرق شده بیست وهفت کشتی آن میزان بار گیرش کمتر ازسیصدتن است مانند (الزابت) سی وپنج تن (ژ . م . و . س .) سی وسه تن (مانادا) سی وهفت تن (زیبوك) سی وچهار تن واگر رسیدگی بکشتیهای بادی باشراع دا شود خواهیم دید که میزان بارگیر آنها کمتر ازین است .

مجموع عدهٔ کشتیهای‌تجاری که تحت البحریهای المان درماه مذکور غرق کرده اند شصت ویك است ومیزان بارگیر آنها هشتادوپنج هزار وسیصدونوزده تن است . معلوم است مملکتی که بیش ازهمه خسارت می‌بیند انگلیس است (چهل ودو کشتی تجار چهل‌وهشت هزاروششصد وشصت وسه تن)پس از او روسیه (شش کشتی تجار یازده هزار وهفتصدوپنجاه وشش تن)

سوم فرانسه (دو کشتی تجاری شش هزارو هفتصدوهشتادتن)

چهارم‌بلژیك(دو کشتی‌تجاری سه هزاروچهارصدوبیست‌وهفت تن)

تحت البحریهای آلمان فقط دول‌جنگجو را طرف‌توجه قرارنداده برای اینکه دول بی طرف نیز ازاین خوان خسارت سهمی برده‌اند گاهی عطف نظری به آنها کرده وقسمتی ازاین ضرر متوجه آنان میشود : نروژ (پنج کشتی تجاری هزار ودویست وسی وهفت تن) دانمارك (یك کشتی دویست وچهارده تن) وامریکا کشتی موسوم به لیلانادا که اعتراضات وگفتگوی بسیار بروی شد (هزار ونهصد وبیست وچهار تن)

ز نقطه نظر کشتیهای شراع دار دولت انگلیس نیز در تحمل خسارت بهٔ اول را دارا است (بیست کشتی هزار و پانصد و شصت و هفت تن) روس (دو کشتی دو هزار و چهار صد و چهل و پنج تن) (ایطالیا ک کشتی دو هزار تن) معلوم نیست ایطالیا را در کدام مرتبه قرار دهیم ه اگر او را جزو جنگجویان محسوب کنیم بدولت آلمان اعلان جنگ ا اگر در شماره بیطرفان ذکر کنیم ۵ مقدار ائتلاف مربع میباشد .

درجنگ بحری دول بیطرف حقیقتا خیلی خسارت دیده اند : نروژ ش کشتی نه هزار وششصد وشش تن) سوئد (سه کشتی هزار و ویک تن) دانمارک (چهار کشتی وچهار صد وسی) (چنانکه ظه رفت مابین دول بیطرف نروژ بیش از همه خسارت دیده است . اگر مملکت را از این نقطه نظر مابین متخاصمین قرار دهیم بلافاصله رتبه دوم یعنی پس از انگلیس خواهد بود ومقدار تلفات وخسارت تناسب است بایك ثلث خسارت بزرگترین دشمن آلمان .

علاوه براینها ده کشتی دیگر بتوسط تحت البحری غرق شده است : از آن یك کشتی بخار عثمانی (هفتصد وهشتاد وچهار تن) ودیگری یك کشتی بخار آلمانی (هزار وششصد وچهل ودو تن) معین است که این دو کشتی اخیر بتوسط تحت البحریهای دول متفقه بوده است های تحت البحری نیز بی اثر نبوده وچهار کشتی محترق ساخته اند : یك کشتی بخار انگلیسی (صد وچهل وهشت تن) یك بخار بلژیکی هزار وهشتصد وده تن) یك بخار روزی (دو هزار و سیزده تن) یك شراع دار سوئدی (چهارصد وچهل نه تن)

در عقب فرونت آلمان در مشرق

مهاجرین وفراریان نواحی « گردنو » که به روسیه رسیده اند خبر میدهند که آلمان ها در نهایت جدیت مشغول ساختن استحکامات عظیمه سیس انبارها وخندقها در خطوط « گردنو » و « برست لیتوسك » یباشند ودر تمام آن خطوط راه های آهن را مثل زنجیر بهم وصل کرده سیم های خاردار در اطراف جابجا کشیده اند .

این عملیات تدافعی که سرتاسر فرونت آلمان وروس را فرا گرفته یعنی کت آمیزاست شب وروز مشغول کار کردن هستند وعده از اهالی تیوانی را برای کمك در ساختن آنها آورده اند وهر کس تمرد از اطاعت اید مجازاتش قتل است .

انتقالات بزرگ قشون

ردام — در فرونت غرب علامت حرکت قشون بزرگی از آلمانها ده میشود در قسمت غربی وجنوب غربی آلمان بواسطه حرکت قشون راه مال التجاره بسته شده وچهار روز است که هیچ روزنامه هلاند رسیده است در سرحد هلاند نیز مراقبت کامل مینمایند که خبر حرکت قشون بجائی طراوش ننماید .

طوفان های سخت انگلستان

لندن — دو روز است که طوفانهای خیلی سخت در بریطانیای کبیر پدیدار شده است . شش کشتی در ساحل غرق شکسته شد یازده نفر تلف شدند .

محکوم شدن ژنرال روسی فرمانده کو ونو —

« ژنرال گرگوریف » روسی فرمانده نظامی قوا واستحکامات « کونو » به ارتکاب عظیم ترین جرم دستگیر ودر محکمه عالی نظامی روس وی را محاکمه کرده وپس از ختم محاکمه وی را محکوم به پانزده سال حبس واعمال شاقه نموده اند وعلاوه تمام درجات نظامی وامتیازی را ازوی سلب کرده اند

جرائم این ژنرال چنین است که در مقابل حملات قوای آلمان تمام اقدامات لازمه را برای دفاع قلعه نظامی مشهوره « کونو » بعمل نیاورده است وقلاع نظامی مزبوره را در حالتی که هنوز جنگ جریان داشته خالی گذارده وخودش بیرون رفته است .

ملاقات قیصر وصدر اعظم عثمانی

بموجب تلگراف آژانس ولف اعلیحضرت قیصر با صدر اعظم عثمانی در « اگل نوار » ملاقات ومذاکرات نموده است . برلین عمر فاروق پسر سلطان متوفی عبدالمجید ازمدرسه « تزیانوم » فارغ التحصیل بیرون آمده وبه « برلن » برای تحصیلات نظامی میرود

امپراطور اطریش فرانسوا ژوزف نشان درجه اول « لیاقت » را به فردینا اند پادشاه بلغارستان اعطا نموده است

جایگاه زپلن در صوفیه

سالونیك ۶ نوامبر — از صوفیه مطبوعات یونان خبر میدهند که آلمانها در صوفیه مشغول ترتیب مراکز آسمان پیمائی میباشند ویك جایگاه بزرگی برای زپلین در آنجا بنا مینمایند که میتواند چندین زپلین در آنجا داشته باشد

خبرهای ممالك عثمانی

شیخ احمد سنوسی

شیخ سنوسی که در جنوب « طرابلس » اقامت دارد وقبایل بدو وصحرا روی در قطعات افریقا خصوصاً اراضی مرکزی آنجا سکونت ورزیده واعتقاد مذهبی به شیخ مذکور دارند اخیراً شهرت تامی در افریقا یافته است علت عمده اشتهار وی بواسطه طرفیتهائی که در مدت استیلای « ایطالی » به « طرابلس » با عساکر آن دولت کرده ومکرر جنگهای بزرگی در آن قسمت با آنها نموده است .

یك نفر از صاحب منصبان انگلیسی که تا کنون جزو نظام مستعمراتی انگلیس ودر ممالك مختلفهٔ امریکا ماموریت داشته است شرح زندگانی وتاریخ اورا بجریدهٔ « سنت ژام » انگلیس حکایت نموده ودر روزنامه مزبور از این قرار درج شده است .

عمر شیخ حالا ۴۵ سال است . خیلی خوش بنیه وقوی هیکل ورشید میباشد . از وجناتش آثار دانشمندی واستعداد فطری نمایان است مردی زاهد ومتقی ودر میان اعراب مقام رتبهٔ بلند دارد . در علوم قدیمه وجدیده خصوصاً در علوم مذهبی مسلمانان تحصیلات عالیه نموده است واز مواعظ ونصایحش در قلوب معتقدین او مثل مغناطیس تأثر واحکامش بسرعت برق نافذ . جمیع اهالی سومالی وطرابلس وعده از تونس ومراکز افریقا اورا واجب الاطاعه ورئیس مذهب میدانند .

بهمین جهت است که از چند سال قبل این طرف که با قشونهای حبشه وانکلیس جنك کرده وپیش برده وازسه سال قبل تاحالا عساکر ایطالی را چندین مرتبه شکستهای فاحشی داده است .

در سال ۱۹۰۰ درجنك باحبشه مجروح شد وپیروانش ازمرك نمی ترسند کشته شدن را شهادت میپندارند . عدهٔ ازاتباعش که امروز بعنوان قشون دراطراف او هستند عبارت از ۳۵ هزار نفر سوار مسلح باسلحه‌های ممتاز که مقداری را درجنك های انکلیس وحبشه وایطالی بدست آورده‌اند وقریب صدوبیست الی صدوهشتاد عراده توپ دارد عمده قشون ومردان کاری او نیزه‌دار میباشند وقدری که از آنها کارساخته میشود از قشون تفنك دار وتوپ کارساخته نمی گردد . زیرا که نیزه دار در مقابل گلوله یورش آورده وبا آنکه مثل برك میریزند باز هم اعتنا نکرده ونیزه بصفوف خصم حمله میبرند وبهمین علت است که طرف مقابل از نیزه داران سنوسی بیش ازتفنك داران ترس دارند .

از جراید فرانسه

عثمانی وعالم اسلام

مخبر مخصوص تان مورخه ٤ نوامبر ازقاهره می نویسد :

روزنامه مسود اسلاویش کور سپوندزون که معروفترین جراید است که درمندرجات ونشریات خویش همواره طرفداری از دولت عثمانی میکند از اسلامبول اطلاع میدهد که سلطان عثمانی لقب وزیر اعظمی بشیخ سنوسی معروف وشیخ بن اعطا نموده است بعنایت آنکه مشایخ مذکور درجریان محاربات حاضره همه قسم مساعدت وهمراهی بمقاصد سلاطین عثمانی کرده وبعقیدهٔ روزنامه مزبور این اقدام قابل مثابه تجدید رای دربار اسلامبول ومتضمن نتایج مطلوبه و اهمیت کامله است .

حالات روحیه اسلامبول

کسانیکه ازقسطنطنیه بمسافرت وارد شده‌اند حکایت می نمایند که عثمانیها باطنطنه وشکوهی مشغول تدارك ورود رسمی وجشن آمدن عساکر آلمانها شده‌اند وخطوط آهن مهیای حمل ونقل آنها است حزب ژون ترك مصمم شده‌اند که یك طاق نصرت بسیار مجلل باشکوهی درسان استفانو بافتخار ورود قشون آلمان دروی تخت ببندند

فراوانی ارزاق وآذوقه وارزانی آن بواسطه قطارهائی که پیوسته ازبلغارستان میرسند مردم را راحت وقلوب را مطمئن کرده‌است ومسئله بازشدن راه آلمان بعثمانی ازطرف صربستان حالات روحیه متزلزل شده مسلمانان را مجدد بهیجان آورده است .

جراید عثمانی مقالات هیجان انگیزی نوشته ومسئله فتوحات مصر وقفقاز وبیداری مسلمین دیار هندوستان توصیه می نمایند .

جراید مزبور سلامهای برادری واتحاد خود را بملت ایران فرستاده وازایرانیان بطور استفهام سؤال می نمایند که آیا هنوز موقع آن نرسیده است که درداره جهاد مقدس وارد گردند .

از جراید فرانسه

اسرار کال پولی

درتحت عنوان « اسرار کال پولی » روزنامه « دایلی میل » شرحی را بهمین عنوان تعقیب می نماید ومینویسد بهرقیمتی که شده است این معمای تأسف انگیز بایستی برای ملت انگلستان حل کرده واساس تعقیب وی این است که بایستی تفتیش بعمل آورده که مسئولیت قشون فرستادن
به « کال پولی » باکی خواهد بود ومینویسد توضیحات سابق مستر اسکوی
اقناع کننده نیست ودر جلسه دوشنبه آینده که رئیس الوزراء برای مذاکر
اعتبارات جدید جنك بمجلس می آید این قضیه در پارلمان مطرح میش
وروزنامه مزبور مینویسد که مستر اسکویث بایدبدون جستن ازاین شا
شاخ صاف وپوست کنده دراین موضوع توضیح دهدو مسئولین آنرا معین کن

« دایلی میل » خاطر نشان می نماید که برحسب اظهارات م
مستر اسکویث معلوم گردید که نه فقط هیچ کدام مسئله قشون فرست
به « کال پولی » را درپیش نیاورده وپیشنهاد این اعزام ازطرف ا
نشده است درصورتی که ازطرف دیگر می گوید این قشون کشی خط
را بعضی ازماژورها تصدیق نموده وشورای جنکی انکلستان آن
رااتخاذ کرده وفرانسه وگراندوك نیکلای روس با کمال مسرت وخوشن
تلقی نمودند

بالاخره « دایلی میل » ازروزنامه رایکال موسوم به « اسپی
مقاله بسیار شدیداللهجه را نقل کرده ودرآنجا نوشته شده است
« مستر چرچیل » وزیر بحریه مؤسس ومسئول این موضوع است وب
جهت بود که بعد ازمغلوبیت این نقشهٔ خود را ازکار کنار کشیده و
مقام پست تری را قبول نمود

خلاصه آنکه « دایلی میل » انظاریات را بدین نکته جلب مینماید
« لرد مورلی » که ازحیث عقل وپیش بینی سر آمد وزرای انکلیس
پیش ازهمه باچنین نقشهٔ سنجیده مخالف بود وهمان اولدفعه کنار
الوزراء میخواست توضیحاتی دراین باب بدهد « لرد مورلی » که
مملکت میدانیست درخصوص یك چنین اقدام تردید آمیزی داخل ت
وتحقیق گردد .

ابلاغیه عثمانی

ازطرف سفارت کبرای عثمانی نشر وتبلیغ میگردد

ازبدایت محاربه یکی ازاسلحه‌های مخصوص دشمنان ما که مخصوص
شان است انتشار موجودیت نفاق بین متفقین میباشد گاهی بین انور
وکیل فرمانده کل وغولج پشا ولیمان فون ساندرس پاشاوگاهی بین ا
حرب عثمانی وارکان حرب آلمانی وگاه بین صدراعظم آلمان وصدراع
عثمانی وگاهی هم بین صاحب منصبان عثمانی وآلمانی در اردوی عثمانی ا
باختلاف گردیده ویك طلاقت مغفلانهٔ هم اعلان می نمودند جدید
هم گفتند که اهالی اسلامبول با آمدن اردوهای متفقین مخالف
روز دیروزی هم موجودیت اختلاف بین سفیر کبیر عثمانی ووزیر
آلمان درایران را انتشار داده است همان طوریکه اخبار فوق الذکر
صریح میباشد ظهور اختلاف هم بین سفرای مشارالیهما بطوریکه ا
انتشار داده کذب محض ومحض کذب است وبین سفرای مشارالیهما
قدر ذره هم خلل نگردیده وسببی هم ندارد که مناسبات مختل گردد دشمنا
مطمئن باشند این قبیل احوال که موجب ممنونیت آنان است در آ
واقع نخواهد شد .

حوادث ایران

جنك در همدان

روز سه شنبه سیم همدان قطع شد وتلگرافی از آنجا بر کرمانشاه
روز گذشته سیم اتصال پیدا نمود وتلگرافچی راپورت داد که

بین قشون روس و مجاهدین که در پل شکسته سمت اسدآباد اقامت جنگ شروع شده و صدای توپ هم اتصالا بشهر میامد و تا مغازن جنگ دوام داشته ولی بعد ازظهر صدای توپ در همدان شنیده نشده که در جنگ تخفیفی حاصل شده است . نتیجه جنگ هنوز بطور معلوم نشده است .

جنگ ساوه

ساوه خبر رسیده که عده از مجاهدین تقریباً یکهزار نفر از لاله کان محل اقامت آنها بوده وارد ساوه شده اند

* *

جنگ بین قشون روس و اتباع نایب حسین و مجاهدین خبر میدهند لاله کان و حسین آباد جریان دارد و بعده مجاهدین هم همه روزه افزوده میشود و همه روزه هم جنگ مداومت دارد .

جنگ ساوه

خبر تلگرافی که از ساوه رسیده مشعر است که جنگ در قریه لاله کان مداومت دارد و عده هم از مجاهدین اخیر باینجا آمده و استعداد نایب حسین هم زیاد شده است از قرار مذکور قشون روس شب دوشنبه خواسته اند که بر آنها شبیخون بزنند فوراً مطلع گشتند و جنگ شبانه د و عده روسها عده تلفات داشته اند و یک قوای هم مجاهدین در حسین آباد تشکیل داده مشغول جنگ میباشند و مقامات رسمی میگویند که اخیرا هم قریب یکصد قبضه تفنگ از قشون روس گرفته اند

ورود سوار بختیاری

از اصفهان خبر میرسد که آقایان علماء همه روزه مجالسی دارند و راجع به اوضاع حاضره مذاکرات بوده و تلگرافاتی بغرض حرکت استمداد از اصفهان مخابره کرده اند و از سده و بعضی دهات اطراف هم جمعیتی وارد شهر شده است و قریب پانصد نفر سوار بختیاری هم وارد شده در ظرف امروز و فردا باتفاق چند نفر از آقایان علماء حرکت خواهند نمود .

* *

تلگرافی از اصفهان رسیده است که روز یکشنبه سه ساعت بغروب خوانین بختیاری ابوالقاسم خان — سردار معظم — علی رضا خان بهادر السلطنه — و خلیل خان با یک عده سوار و پیاده و اسلحه زیاد وارد شهر شده از طرف خوانین و علماء و سایر طبقات مردم استقبال شده خطبه های مفصل خوانده اند .

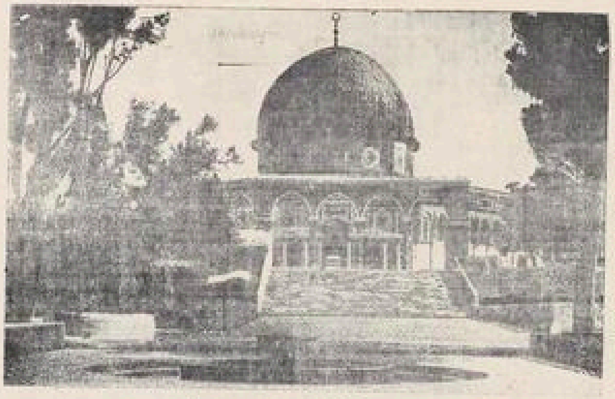

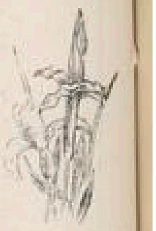

از مناظر اماکن مقدسه اسلامیه بیت المقدس

حرکت علماء از عراق

از عراق خبر میدهند که استعداد سوار و پیاده مجاهدین همه روزه از اطراف وارد میشود و اهالی هم از آنها استقبال نموده با مراسم احترام وارد میشوند و بطرف همدان حرکت مینمایند دو روز قبل هم چند نفر از آقایان علماء با یک عده از اهالی شهر بسمت همدان رفته اند

در همدان

از همدان خبر رسیده که قشون روس وارد شهر نشده اند و اهالی بی اندازه از نزدیک شدن آنها در وحشت و اضطراب هستند چند روز قبل مرکبه خانواده و فامیل حکومت را بسمت بروجرد حرکت داده اند .

راجع به جنگ ساوه

مسئله جنگ ساوه رفته رفته اهمیت پیدا کرده و در قوای مجاهدین افزوده شده است از قرار یک تلگراف اخیر داده اند در ظرف این چند روزه که جنگ و ده مجاهدین پیشرفت نموده اند و بعد از آن که یک مقدار تفنگ هم از قشون روس گرفته اند حمله دیگری کرده و مقامات رسمی اظهار میدارند که دو عراده توپ هم از آنها گرفته اند اخیراً هم یک عده از خوانین خلجستان و استعداد آنها بمجاهدین ملحق شده است و قوای شاهسونها هم از اطراف بکمک مجاهدین آمده اند نتیجه جنگ دو روز هنوز معلوم نشده است .

حوادث جنگ

برلن — وین — قسطنطنیه اطاق اعلیحضرت سلطان محمد خامس آلمانیا باهیبت و شکوه تمام حاضر شده اند که جشن افتتاح راه برلن را به اسلامبول منعقد دارند . وقایع نگار اسلامبول جریده برلینرتاگبلات شنبه گذشته تلگراف میکند که حمل و نقل امتعه و مال التجاره از راه دانوب در نهایت سرعت کار میکند و بعلاوه میگوید اگر چه حالیه

نمیتوان گفت چگونه امتعه حمل ونقل میگردد لیکن بزودی اثرات آن معلوم خواهد شد .

مقارن این احوال کنت ولف متربخ سفیر جدید آلمان بطور رسمی وارد اسلامبول شد ودر سه‌شنبه پارلمان عثمانی مفتوح گشته اعلیحضرت سلطان محمد خامس نطقی ایراد فرمودند که ترجمه قسمت عمده آن از این قرار است :

حملات شدیده که قشون بری وبحری انگلیس وفرانسه برای دست یافتن به اسلامبول که تصرف آن از دو قرن و نیم قبل باین طرف مسلک روسیه بوده است بردار دانل و کالیپولی بعمل آوردند بواسطه صمیمیت وحملات غیرتمندانه سپاه بری وبحری مندفع شد . هم قشون وهم بحریه ما جلال وابهت جدیدی باعمال اجداد ونیاکان ما افزوده ونظر تمجید وتحسین جمیع عالم را بخود جلب داشته اند . دشمنان ما تلفات هولناک متحمل شده اند

شکست اعداء ما در تمام نقاط این عقیده را ثابت کرده است که
اسلامبول فتح نخواهد شد واز این رو دشمنان با غرور ونخوت ما دست
بسمت بالکان دراز کرده واز بالکانیان استمدادی میجویند . هر چی که
نیافتند همچنین با دکم دسایس آنان را در شبه جزیره بالکان مسمو
ساخت وود زر سایه عمیر فتوحات متفقین نیرومند ما قشا کر رو
از کارپات بیرون کردند . عرصه گالیسی ولهستان را بر آنها تنگ ساخت
استحکامات دشمن موروثی ما را باخاک یکسان نموده وامید اتحا
متلثین را بقوای روس بدل بیاس کردند .

اینک برای شکر گذاری وسپاس در حضور خدای قهار سجد
میکنیم وزمین بندگی را میبوسیم که بقشون عثمانی فرصت داده که
وابهت روز کار دیرینه خودرا بدست بیاورند . خدای متعال را
میگوییم وروی نیاز بدرگاهش مینهیم ودعا میکنیم که سپاهیان دیگر ما را

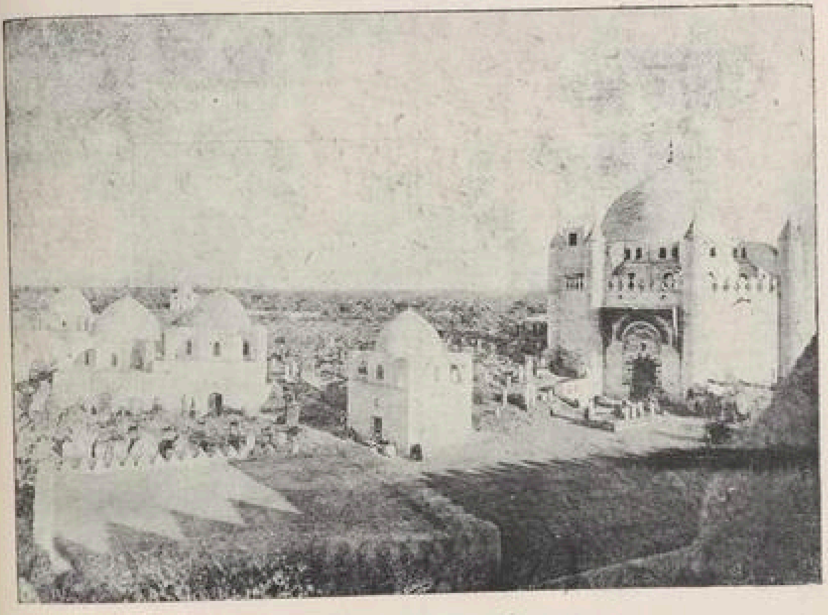

از مناظر اماکن مقدسهٔ اسلامیه جنت البقیع در مدینهٔ منوره

درسایر فرونت‌ها که خطیر زمین‌ها اشتغال دارند فتح وظفر نصیب فرماید .

زمانی که قشون باحشمت وجلال متفقین ما دلیری و نظم شگفت انگیز جمیع اماکن مستحکمه را بتصرف در آوردند وقوای امپراطوری روس را در هم شکستند وبسمت بالکان متوجه شدند قوای بلغارها ملحق گشت . این واقعه قابل توجه که اتحاد متلثین را مبدل باتحاد مربع نمود وصول مقصود را برای ما نزدیک ساخته است . برای آنکه این پیش آمد را در بالکان برای خود تامین نمائیم باید اصلاح سرحد عثمانی وبلغار رضا دادیم . عهدنامه که برای این مسئله منعقد شده است بحضور جماعت تقدیم می گردد که تصویب نمایند .

صرب غدار را اینک قشون متفقین اشغال کرده اند عبور ملل اتحا
وامتعه از رود دانوب تامین شده وراه برلن بوین ودون بقسطنطنیه
کرده است . شکر وسپاس خدای متعال را باد که بواسطه استقرار این
گونه روابط در زمان جنگ فتح و در وقت صلح سعادت را نصیب ما خواهد
مناسبات یکتیگی ما متفقین ما بروی یک شالوده اطمینان واعتماد
بخشی که ذات الهی وجود دارد ودر تزاید است ساخته وسخت
ما نسبت بدشمنان ما این است که در تمام فرونت‌های دیگر را
کنیم لازم است که بشما اعلان کردیم که عزت وشوق ما متوجه
مناسبات ما با ممالک بیطرف دوستانه وصمیمی است .

تدارك ورود قیصر به قسطنطنیه

تلغرافی که اخیراً ازطرف « قسطنطنیه » به « سالونیك » وارد شده‌اند میرسانند که درآنجا ورود « قیصر ویلهلم » وارشیدوك ولیعهد اطریش « فردیناند » « پادشاه » « بلغارستان » رابالاتفاق « قسطنطنیه » قریب الوقوع می‌دانند ومیگویند بهمین زودی هرسه نفر برای ملاقات اعلیحضرت سلطان عثمانی خواهند آمد ودر شهر « قسطنطنیه » وراه آهن وغیره تدارکات بسیار بزرگ برای آمدن ودرپایتخت تهیه های عظیم برای پذیرائی عالیان این ملاقات عظیم‌را مشغول شده اند .

آلمان وعثمانی در ایران

طهران ـ از بروجرد به روزنامه ماخبر میدهند : آلمانها در بروجرد کارخانه تفنگ سازی تأسیس کرده وعشایر وایلات محل را مسلح نموده‌اند ۸۰۰ نفر ژاندارم در تحت ریاست صاحب‌منصبان سوئدی از شهر خارج که بطرف همدان عازم شدند در اصفهان هم مشغول تجهیز دسته های تازه بختیاری هستند ۲۵۰ نفر اسرای اطریشی‌را که حکومت ایران بازداشت به ورامین فرستاده تحت نظر قرار دهد باوزیر مختار آلمان از طهران به اصفهان رفتند :

همچنین خبر میرسد که آلمان واطریش وعثمانی آژانهای مخصوص های خویش‌را بایران فرستاده‌اند .

حل قورخانه ومهمات جنگی بواسطه ژاندارمری از طهران واقدامات خودسرانه وطغیان وسرکشی دسته جات ژاندارم در تحت فرمان صاحب منصبان سوئدی که فقط هم خودرا صرف اجرای اوامر آلمان وعثمانی کرده‌اند شاهد ودلیل براین است که یاحکومت ایران اغماض می‌نماید یا بکلی ضعیف وناتوان گشته وکلیه اختیارات ونفوذ خویش‌را فاقد شده است .

افکار عامه می‌گوید که شاه وحکومت در صدد بهانه جوئی هستند که فوراً طهران‌را ترك کرده باصفهان روند . (رعد)

ترجمه ز اخبار های عربی

مترجمش محمد ادیب

(ترکیا والشرق)

در زیر عنوان مافوق جناب فاضل ادیب (تکرا کتاس داس) مدتی دراستانبول یك خطابی ایراد نموده که ما آنرا عیناً ازجریدهٔ فریدة العدل ، ترجمه کرده بنظر مطالعین کرام عرض میکنیم وآن اینست :

فاضل مشار الیه می‌گوید که ازهمه پیشتر اینرا بگویم که در اینجا یعنی دراستانبول بکمال مسرت ملاحظه کردم که افسران آلمان که بعهدهٔ شان اصلاح جیوش عثمانیه محول شده بود ، خوب کوشش ورزیده‌اند ، وبسی فواید ناقابل انکار در عالم عسکریٔ عثمانی آورده‌اند .

واگر بنظر تدقیق درتاریخ دولت عثمانیه دیده شود معلوم می‌گردد که اهمترین مزایائی که باید عثمانیها بآن فخر کنند آن مزیت بسالت ودلاوری ایست که دولت علیهٔ عثمانیه بآن مزیت خودرا اززمان قدیم معروف ومشهور آمده است .

اما دولت آلمان نیز اینرا فراموش نخواهند کرد که فنون عسکریه را دراوایل سنه اول بار ازعثمانیها اخذ کرده بودند .

ذاتاً دین مبین اسلام چنان یك دینی است که اسلامیان را بشجاعت ودلاوریٔ فطری از آغاز اسلام تاآخر زمان امر فرموده شده است . زیرا اساس نخستین این دین معظم مبنی برعسکری وفتوحات ومحاربات مرکوز ومبنیست . واگرهمین طور نبود آیات کریمه درقرآن کریم بسی تشویق وترغیب برجهاد واعلای کلمهٔ حق نمی‌فرمود . تا آنکه جهاد درزمان خلیفهٔ ثانی عمربن الخطاب رضی‌الله عنه یك فرض دینی گردید زیرا هرمسلم در آن وقت مکلف ومأمور بخدمت عسکری شد ، وچون مقصد مکلفیت از عسکری اجرای فریضهٔ جهاد است ازآن رو عموماً بعسکری مجبور شدند ، وبه انصورت فتوحات اسلامیه درچند عصر بدرجهٔ کمال رسید واسلام دراکثر قطعات روی زمین منتشر شد وبیرق لوای محمدی را برا کثر امم وملل عالم از اروپا تاافریقا تاشرق بعید برافراشت .

تا آنکه کسالت وتنبلی وتشتت وتفرقه افراد مسلمانانرا استیلا نمود ودیگر دولتها ازخواب غفلت شان بیدار شدند وبهمراه مسلمانان بنای عداوت را ماندند وبسی ملکهایشان را تجزیه وتقسیم نمودند ، این همه چیزها اکتفا نورزیده دستهای نجس خود شانرا برمقام خلافت دراز کردند . آنوقت همهٔ مسلمانان یك جوش وخروش خارق‌العاده برپاندند ، وسلاح حق وعدل بنام نصرت دین خداوندی بر کشیدند .

ومن امروز بعد ازآن که بزیارت همهٔ وزراء دولت علیهٔ عثمانیه شرفیاب شدم امیدوار شدم که انشاء الله نصر وظفر بجانب عثمانیها تاآخر میباشد .

وحقیقةً امروز وزرا ووکلای این دولت معظم اسلامیه اساس ملك خود شانرا برستونهای قویهٔ متینه بنا میکنند ، وعلی الخصوص درسیاست خارجیهٔ خودشان مسلکهای مستقیمی پیش گرفته‌اند .

واز اهمترین آن مسلکهای سیاست خارجه آن است که با دولتهای آلمان واوستریا دوستی واتحاد کرده اتفاق ثلاثیٔ عثمانی آلمانی اوستری را بوجود آوردند که گمان میشود که هیچ گاه تاابد الآباد آن رابطهٔ صداقت ومودت که بریختن خونهای همدیگر شان در مقابل دشمنان وطن های مقدس شان تخمیر یافته است هیچگاه منحل وفراموش نشود .

ذاتاً آشکار است که زندگانی هرسه دولت بیکدیگر مربوط میباشد . لهذا گمان نمیشود که این خدمت جلیلهٔ دولت عثمانیه درنزد آلمانها واوستریها فراموش بشود ویکی بضد دیگر برود .

واگر اسبابهای که جرمن واوستریارا برای اعلان جنگ برضد روس وانگلیز وفرانس اجبار نمود بیك نظر بیندازیم می‌بینیم که جرمن واوستریا اعلان جنگ ننمودند مگر برای رها نمودن آن شعبها وامتهای که درزیر اسارت آن ممالك غدارانهٔ ظالمانه افتاده اند .

اعلان جنگ ننمودند مگر برای تطهیر روی زمین ازان سفاکیهای وحشیها که هرروز بعرصهٔ وجود انسانی یك تازیانه برشجاعت وفطانت تذلیل می کنند .

اعلان جنگ نمودند مگر برای تخلیص نمودن شعبهای بدبختهای هندستان مصر فاس مراکش جزائر افریقا وغیره که انگلیز فرانس روس بطور وحشیانه براملاک ایشان ووطنهای مقدس شان هجوم نمودند وبدرزیر اسارت وتابعیت شان جبراً داخل نموده اند .

عالم سیاست را ببینید که چه کارهائی کند ! یک وقتی بود که درمابین دولتهای انگلیز وروس وفرانس عداوت ورقابت بدرجهٔ نهایت رسیده بود . تا آنکه بنابر منافع شخصیهٔ خودشان در بنوقت اتفاق نمودند انگلیز عدوا کبر خرس ایض میباشد . جنگی که درمابین روس وژاپان چندسال پیش ازین بوقوع آمد ظاهر وآشکار میسازد که سبب آن بلاهای عظیمی که برسر دولت خرس ایض ریخته شده بود سبب یگانه آن دولت انگلیز بود که الیوم باهم متفق شده اند . اما چه اتفاق که فقط برمنافع شخصی مبنی ومشید است . اما اتفاق ثلاثی عثمانی المان و اوستریا برصدق ونیت حسنه قائم گشته است .

دائماً داخل شدن دولت عثمانیه درین جنگ حاضر برای حفاظت ملک وآزادی واستقلال وحریت خویش از ضروریات بوده تنها برای خودش بلکه برای احیا کردن ۳۰۰ ملیون نفوس اسلام ازین کشت ضروری میبود .

ویک مقصد مهم دیگر دولت علیه عثمانیه این بود که دولت افغانستان رایک دولت مستقل وآزادی باسطوت وقوت گردانیده و ۳۵۰ ملیون نفوس هندو ومسلمان هندستان را باو ناصر ومعین بسازد .

وبا وجودیکه من هندستانی هستم دولت عثمانیه را ازدیگر دولتهای اوروپا بهتر اعتقاد می کنم زیرا عثمانیهارا مانند خودم بیک روح واخلاق شرقی زنده ومتخلق میبینم .

و الحاصل برما مردمان شرق ضرور وواجب است که درچنین فرصت اساس وبنیاد یک اتحاد اسلامی شرقی متین ومحکمی را درمابین خودما استوار وبرقرار نمائیم زیرا چنین فرصت باز برای ما هیچ دست نخواهد داد .

کذا

جریدهٔ فریدهٔ العدل مطبعهٔ استانبول یک سرمقالهٔ در زیر عنوان [بلاد الافغان] نوشته که ما عیناً ترجمهٔ آنرا درانجا بانظار قارئین کرام عرض مینمائیم وآن اینست .

« دراین روزها اخبارها وجریدها از احوال افغانستان بسبب اهمیت مرکزیهٔ آن دراین حرب حاضر بسیار بحث مینمایند وگفتگوها میکنند . وبسببیکه ملت جلیلهٔ معظمهٔ اسلامیه را رابطهٔ دینیه ومذهبیه جمع گردانیده است . طبعاً هر مسلمان برای شناسائی فضائل امت ناجیهٔ محاربه در هرجا میل دارد لهذا لازم دانستیم که از کلامهای فیلسوف اسلام السید جمال الدین الافغانی الشهیر برای آگاه نمودن قارئین کرام از یک کتاب تالیف خود شان بعضی چیزهای مهمهٔ نقل نمائیم :

امت افغانیه بعزت نفس وشدت بأس معروف ومشهور یک امتی است حتی بهیچ وجه از وجوه نتوانسته که حمایت وتابعیت دولت اجانبی را هضم وقبول کنند . آن دولت که بمرض جوع البقر واستسقا مبتلاست بفروبردن دوصد ملیون نفوس عالم سیرنشده تاآنکه دهن خود را برای بلع نمودن بقیهٔ عالم وخوردن میاه نیل ونهر جیحون بازداشته اند .

ملت افغانیه همیشه بران فکر ثابت قدمند که هزاربار خونهای خو شانرا بریزانند وبمیرند ولی زندگی که مقرون بذلت ودناءت باشد بهیچ صورت قبول نکنند .

مرحوم سید جمال الدین افغانی در کتاب [تتمة البیان فی تاریخ الافغان] که از تالیف های معتبراوست در اصل اشتقاق نام (افغان) چنین نوشته که گویا این نام را فرسها بافغانها نهاده اند . ومیگویند (بخت نصر) ایشانرا اسیر گرفتند ، بسیار ناله وفغان میکردند نام آن قوم را (افغان) گذاشتند .

وبعضی میگویند که نواسهٔ (شاوول) که جد افغان اول نامش (افغان) بود ازین سبب این نام برهمین طائفه نهاده شد افغان نامیدند وعامهٔ فرسها افغان را (اوغان) میگویند . وهندیها بنام (پتان) میناممند . وبعضی قبایل افغان که درقندهار وغزنه دارند خود شانرا (پشتون) و (پشتان) میگویند وبعضی مانند سلیمانیان (خوست) و (کرم) و (باجور) خودشانرا و (بختان) میناممند حالا چون درین الفاظ تدقیق وتحقیق شود میگردد که آن کلمها همه ازاصل واحد مشتق هستند ولفظ (افغان) و (اوغان) و (پتان) محرف از (بختان) و (پشتان) همگی نقطه سر میزند .

سراج الاخبار افغانیه

رفیق محترم ما (العدل) این فقراتی که در باب وجه تسمیهٔ افغان از کلام فاضل یگانه وفیلسوف فرزانه (السید جمال الدین) افغانی نقل نموده بعضی بروایات تاریخیهٔ متداولهٔ مملکت عزیزما نیز مطابق است . سراج الاخبار افغانیه در شمارهٔ نهم سال دوم خویش در زیر عنوان (زبان افغانی چه زبانیست) یک مقالهٔ مخصوصه مدرج نموده است که دران مقاله بنابر تتبعات وتطبیقات فن (اتنوگرافی) یعنی علم الانساب درین ثابت شده بود که اصل واساس شعبهٔ (آریان) سلسلهٔ کافکاسی از جبال (هندو کوه) که آنرا (هندوکش) نیز میگویند نشأت نموده ازانجا بدیگر اطراف واکناف عالم تشعب یافته است وچون هندوکش درافغانستان موجود است وروایات ودلایل وامارات بسیاری ازجهت رنگ وشمائل وزبان وخرافات اساطیریه وغیره دلیل واضح اینست که همین قوم ازهزارها سال درهمین خطه مسکون بوده اند وبهمین سبب گفته میشود که ملت افغان یک قوم قدیم ومستقل بوده است که از زمانهای قبل التاریخ درهمین قطعهٔ همین سرزمین نواحی (هندو کوه ـ یا هندو کش) ومسکون بوده اند

آیات بینات اوقات

بمناسبت عصیان نمودن عساکر هندی سواری انگلیس در عرب یک نامه نگار بعنوان مافوق چنین مینویسد :

محبت وطن ازجمان حسیاتیست که در دل انسان فطرت خود ودیعت نهاده است تا بواسطه تعلیم دائرهٔ این حس بر یک حصهٔ جغرافی زمین محیط گردد — مثلاً شش حصهٔ اعتباری زمین که

طر یورپ ، و براعظم آسیا ، و براعظم افریقا ، و دو براعظم امریقا و براعظم استرالیا شهرت یافته — از اثر زینت مخصوصه در نظر مردم چنان جدا و ممتاز مینماید که کویا شش سیاره جدا گانه هست . این فرق امتیازی اکر منحصر ببعض خصائص آب و هوا و اصناف نباتی و حیوانی باشد — هیچ مضائقه ندارد — اما وقتیکه اختصاص بها کی موجب نخوت پندار و صورت خرابی بلاد و ذلت عباد باشد — آن چیزی غیر طبیعی و باعث فتنه و فساد در عالم خواهد بود — اهل یوروپ از جهت توغل بتجربه و استکشاف اسرار قدرت در فن ازدیاد مالیات و هنر بطول حاصل کرده اند — البته قابل تحسین و آفرین اند . ولیکن وقتیکه ایشان بواسطهٔ علم و معرفت در براعظم آسیا و افریقا و منابع زمین و اسباب دفاع ملک و ملت قابض شده اقوام را عاجز و مجبور خود میسازند — این فضائل ایشان صورت رذایل میگیرد . این عمدا از معاملهٔ انکلیس بمردم آسیا و افریقا مصداق توان یافت مردم را ناتوان و زبون ساخته . پس ایشان را بخدمت عسکری کرفته برادران شان بجنگ انداخته اند . بسا اوقات این سپاه آسیائی برای جنگ میبرند که ایشان را از آن هیچ خبر نیست — چون در میدان جنگ سپاه معلوم میشود که انکلیس بر ملک برادران آسیائی ایشان لشکر کشی ناحق کرده است — و جانب مخالف انکلیس در مدافعه از وطن عزیز و اماکن مقدسه جهاد اکبر را اعلان کرده است — آنوقت سپاه آسیائی حکم انکلیس را قبول نمیکنند — آنوقت فرصت یافته انکلیس را ترک کرده هر کجا که راه یافته میروند — درین روزها یک نظیر و مثال ظاهر آن از عراق عرب می آید — : صاحب منصب عمومی انکلیس در عراق عرب این اطلاع را فرستاده است که بیست و سوم ماه فروری گذشته یکدسته از سواران رج دار عدد یازدهم از تعمیل فرمان لشکری که شائع شده بود انکار کردند — این خطای بزرگ در تعلق آداب و قوانین عسکری مقتضی کشت بعضهٔ قضیهٔ ایشان از طرف محکمهٔ عسکری که بعض را سزای نفی عمری و بعضی را سزای حبس مؤبد دادند

این حادثهٔ عبرت انگیز یکی از آیات بینات اوقات است . یعنی مسلمانان بمجردیکه از فریب انکلیس آگاه شدند ، جان خود را در خطر انداختن روا داشتند . اما جنگ بخلاف برادران دینی که در ملک خود حملهٔ دشمن را مدافعه مینمایند قبول نکردند — آفرین رحمت مردانه شان !

نظیر دیگر از کویته بلوچستان می آید — میگوید که چون رجمنت مسعودی را که در کویته بود گفتند که ایشان را بعراق عرب خواهند فرستاد . همه رجمنت از رفتن بعراق عرب انکار کردند حکام گفتند که ایشان را بجبر خواهند برد پس همه مسعودیها فرار کردند . و در کوه و بیابان منتشر گشتند — حق بجانب این مردم است — اگر کسی بر ملک انگلستان حمله کند و انکلیس از عهدهٔ مدافعه بدرآمدن نتواند — مردم هند انکلیس را مدد میتواند کرد — اما وقتیکه انکلیس خود غالب شده بر وادی نیل و عراق عرب و ملک مصر وغیره لشکر کشی میکند و مسلمانان را آلهٔ غصب و غارت خود مینماید البته مسلمانان صادق به فریب کاذب انکلیس تن در نخواهند داد .

انگلیزها باید بآن چنین واقعات ملتفت شود و ببیند که هنوز اسلام کلیةً مرده نیست !

اجمال آخرترین خبرهای جنگ

افواه صلح : — بسیاری از مردمان را خیال اینست که صلح قریب شده است زیرا مهاجمات شدیدهٔ جرمنها بر محاذ غربی لابد کار را یکطرفه خواهد ساخت . — راه آبنای داردانیل را بصورت موقت از دنیا بیت صاف کرده اند ، وتقریباً بیست قطعه تحت البحرهای جرمن از انجا به بحر سیاه عبور نمودند . کشتیهای جنگی غوبن و برسلاو وحمیدیه وغیره باطوپهای بسیار بزرگ مجهز شده اند چنان کمان میشود که قوهٔ بحریهٔ عثمانیه تفوق عددی را حاصل کرده سواحل بحر سیاه روس را در زیر بومبارمان شدیدی بگیرند . وقوهٔ بحریهٔ روس را در بحر سیاه مغلوب نموده یکباره آزادی عساکر خود را بسواحل اناطول را ورده بالاسترداد ارض روم قفقاس را تهدید نمایند . — جنرال (الیمر) انگلیزی که برای یک حرکت خروجی از موقع محصوریت خود اجرا نمود بناکامیابی نتیجه بخشید همینکه قدر هفت میل از حصنگاه خود دور شد دلاوران اعراب و بهادران عساکر عثمانی از هر طرف بر عسکر انکلیز هجوم نمودند . و تلفیات عظیمه شکست فاش بر عسکر انکلیز وارد آمد . جراید انکلیزی اعتراف میکنند که جنرال الیمر از سبب آن پسپائی نموده است . وهمهٔ مجروحین را باخود آورده است .

رومانیا قریب است که بجنگ داخل بشود . زیرا دولتین المان واوستریا بسیار وعده های عجیب وغریب بآنها داده است . این را هم فهمیده است که اگر دولتهای المان واوستریا وبلغار وعثمانی براو حمله آور شوند تنها روسی بجان خود گرفتار آمده اورا رهائی داده نخواهد توانست .

عساکر عثمانی براً وبحراً برای استرداد ارض روم در حرکت است .

یک لشکر کشتی جنگی (ناویت) نام انگلیزی بر ساحل مشرق انگلستان بهمراه نقب متصادم گشته غرق گردید — از کشتی های تحت البحر المان که در بحر سیاه رامده بود یک کشتی تارپیدو دار روسی را در نزد یکی ساحل (وارنا) غرقاب کرد . — از حوادث اخبارها معلوم میشود که قوهٔ بحریهٔ جرمنی نیز درین روزها فعالیت بزرگی تثبیت نموده است قبل ازین حرکت بعضی دسته های کشتی جنگی المان را در بحر شمال مشاهده نموده اند . بازیکی از اخبارهای انکلیزی مینویسد که نقل و حرکت دسته های جهازات جرمنی برای انتشار دادن نقب های بحریست در روی کنارهای مهمهٔ خطهای سیر سفاین — اکثر اخبارها میگویند که شرکت جنگ پرتکال را انکلیزها سبب شده دو روز وزیر خارجیهٔ پرتکال در پارلمنت اعلان کرد که درباب گرفتاری جهازات جرمنی پرتگالیه علم تام داشت وبه تشویق او اینمسئله پیدا گردید — میگویند که این شرکت جنگ پرتکال را در جنگ هیچگونه تاثیری نخواهد بود . بقدر ثلث شرکت جنگ ایتالیا نیز بالمان و حلیفانش ضرری نخواهد رسانید . حال آنکه از شرکت ایتالیا نیز در میدانهای جنگ هیچ یک خبری پیدا نشده است .

محاربات محاذ رزمگاه غربی روز بروز شدت میگیرد . بتمام خط حرب آتشباری جهنم آسا دوام دارد . جرمنها برجناح فرانسوی که از وردن پسپا شده اند سرا زنو حملات شدیده شروع کرده است . —

یک مجلس عظیم الشان کل اتحادیان در صدر مقام جنگی جرنیل ژوفر منعقد شده است تا برای جلوگیری پیشرفت جرمنها در رزمگاه غربی یک تدبیر و تفکر بکار برند . — از بعضی علائمها بعضی نامه نگاران اخبارها استنباط نموده اند که دولت (اسپین) برضد دولت پرتگال با اللمان اتفاق خواهد کرد . زیرا از بسیار وقتهاست که آرزوی بلعیدن پورتگال و سیا کوزا در سر میپروراند . و یقین است که دولت (اسپین) تا به آخر بیطرف نخواهد ماند . چراکه تمام دول این موقع را غنیمت دانسته قصد فایدهٔ خویش کوشانند . — در لندن از مردم عیال دارهای که برای خدمت جبری عسکری طلب شده اند بلواهای عظیم برپا شده است

خبرهای راجع بعثمانی

از جراید قفقاز

اعطای نشان بانور پاشا

بموجب اخباریکه از شهر کوپنهاغ بروزنامه (ب . و) وارد شده کسار فردیناند پادشاه بلغارستان درجهٔ اول نشان (الکساندر) را به انورپاشای وزیر جنگ دولت عثمانی اعطا نموده است (نشان مذکور در سال ۱۸۷۹ بتوسط پرنس الکساندر دوباتنبرک امیر بلغارستان که در تحت حاکمیت دولت عثمانی مالک استقلال داخلی بود ایجاد شده)

شیخ سنوسی و عباس حلمی پاشا

از دربار روم روزنامه (ب . و) تلگرافا اشعار میدارند که بموجب اخبارات تلگرافی که جریده (زبیونا) از قاهره دریافت داشته شیخ سنوسی که تا کنون از اطاعت و تبعیت دولت ایتالیا در تریپولی تمرد و سرکشی نموده و همواره با دولت مذکور مشغول زد و خورد بوده و دربار روم را تا حال دوچار صدمات و خسارات مهمه کرده است یک تلگرافی به عباس حلمی پاشا خدیو سابق مصر فرستاده و در او اظهار منتهای ارادت و صداقت مشار الیه نموده و در این ضمن به پاشای مذکور اخطار کرده است که این موقع بحران عالم اسلامی باید خدمت و مجاهدت نموده خطرات و مهالک را از ممالک اسلامی دفع و بر طرف ساخت و در این موقعیکه مهم ترین ایام تاریخی است سکوت و گوشه نشینی بر گزیدن ظلم و صدمه بعالم اسلامی بوده و باید کوشید و خاتمه باین بحران مدهش داد . من آنچه وظیفه مذهبی خودم بوده تا کنون بانجام رسانده و تا آخرین نفس خویش در تعقیب این وظیفه وجدانی فرو گذاری نخواهم کرد خود شاهد عالم و جدان مختار دول مسئولیتی را که در مقابل خدا دارند متذکر شده و بدانید جزئی قصور و مسامحه باعث خسران ابدی خواهد بود .

اعلان

سراج التواریخ

جلد اول و دوم

زندگانی جاودانی هرقوم و ملت (تاریخ آنست .) (سراج التواریخ) آئینهٔ حیات نمای ملت جلیل افغانست . زیرا از آغاز تشکیل و تکمیل یافتن دولت افغانیه حالیه بحث میراند که برای حال و استقبال ملت بهترین درسگاه عبرت . و خوشتر ازین اقبال ملت تصور نمیشود . هر فرد ملت را واجب است که یک نسخهٔ از آنرا بدست آرند و مانند حرز جان در کتابخانهٔ قلوب خودشان نگهدارند . علی الخصوص که کتاب مذکور به نیت خالصانه و خیر خواهانهٔ استفادهٔ عمومی بامر و فرمان ذات عرفان صفات پادشاه مقدس ما اعلیحضرت « سراج الملة والدین » تألیف شده و در مطبعهٔ حروفی دار السلطنه کابل زیور طبع آرایش و تزئین یافته

جلد اول این کتاب از ابتدای سلطنت خاندان ذیشان (سدوزائی) یعنی از آغاز تأسیس و استقلال دولت علیهٔ افغانستان تا ورود اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان مرحوم جنت مکان از هند در کابل بحث میراند و جلد دوم آن از حکومت خاندان جلیل الشان (محمدزائی) یعنی از ابتدای حکومت اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان تا به اول جلوس اعلیحضرت ضیاء الملة والدین امیر عبد الرحمن خان طاب ثراه وقایع تاریخیه را جامع میباشد و بکاغذ اعلا بحروف ذیب طبع رسیده است . قیمت کتاب مذکور نسبت زینت و خوبی تجلیدات آن از قرار ذیل است

نمبر (۱) پشتی چرمی جرم اصواری دانه دار کابلی پخت چهار متن جدول طلا کار نشان دولت و اسم کتاب از ورق طلای اصل جزو بندی شده مبلغ شانزده روپیهٔ پختهٔ کابلی —

نمبر (۲) پشتی مقوا روبه کیرمانی چهار کنج و زنجیر و قرمه حاشیه و اسم کتاب و نشان دولت ورق طلائیچه سیزده روپیهٔ پختهٔ کابلی

نمبر (۳) پشتی مقوا روبه کیره لاجوردی چهار کنج و زنجیر میثی سرخه کابلی پخت حاشیه و اسم کتاب و نشان دولت ورق طلائیچه جزو بندی شده یازده روپیه پخته کابلی و ده شاهی —

نمبر (۴) پشتی مقوا روبه اری چهار کنج و زنجیر جرم میثی سرخه کابلی پخت حاشیه و اسم کتاب و نشان دولت ورق طلائیچه کوک بندی شده ده روپیه پخته کابلی و سه شاهی —

نمبر (۵) پشتی مقوا روبه اری سرخ چهار کنج و زنجیر کیمخت سیاه اسم کتاب و نشان دولت ورق طلائیچه کوک بندی شده نه روپیهٔ پختهٔ کابلی و یازده شاهی —

محل فروخت

در نفس ارک مبارک که از تحویلخانه جناب محمد ولیخان سرخانه
در بازار ارگ از دکان عبدالله خان

چون کتاب مستطاب سراج التواریخ چهار جلد میباشد اگر در یک وقایه و شیرازه میشد حجم کتاب موصوف کلان میشد لهذا اعلیحضرت همایون و لا امر نمودند که جلد اول و دوم در یک وقایه شیرازه شود و جلد سوم و چهارم آن که هنوز در زیر طبع میباشد و بس از آنکه از طبع برآمده مقوا کرده شد انشاءالله اعلان فروش آن نشر کرده خواهد شد فقط

در چاپخانهٔ حروفی دار السلطنه کابل طبع گردید
هر مقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر و سر محرر تحریر یافته
محمود طرزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1593 of 1786

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا
یاد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از شکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خود رها نمایم ممکن نشد لهذا با داکخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یک مقاوله نموده داکخانه مشارالیه تقسیم و توزیع اخبارما را که بهمه مشترکین کرامها رساند درعهدهٔ همت خود قبول نمود. مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را تبشیر ویاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای داکخانه بخود شان میرسد.

شرایط خریداری

دارالسلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان
هرجائیکه باشند با اجرت پوست

قیمت سالیانه	ده روپیه انگلیزی	قیمت ششماهه	شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراک قبول نمیشود

یک طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است از همین قرار حساب کنند

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند، ویا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود:

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود درسرهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه دربین ورق وقایه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر ازپنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود. طول سطریک ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متمادیا تا یک سال نشر کردن خواهد ووجه یک ساله را پیشکی ادا نماید در ورق متنی و هر سطری ستار اجرت گرفته میشود

اعلان

سیاحتنامهٔ سه قطعهٔ روی زمین

در ۲۹ روز

آسیا ✱ آوروپا ✱ آفریقا

(مطبعهٔ عنایت) یک اثر دلپذیر جدیدی درنظر هوسکاران عرفان جلوهٔ عرض میدهد. بدست آرید، بخوانید درظرف ۲۹ روز یک مدت کمی سه قطعهٔ زمین را باسیاح آن یکجا وهمراه دور وسیر میکنید. ملکهای راکه بیان میکنند مفصل ومکمل جغرافیا وتاریخ آنرا خوانده میتوانید. چه چیزها می بینید، چه چیزها میشنوید، چه لذتها چه سرورها میگیرید! علمی، ادبی، سیاسی درعین زمان شاعرانه عاشقانه هوسات رانگیزانه ـ یکبار!

این آثار سه جلد مرکب وهریک وقایه مجلد میباشد. تقریباً (۷۰۰) صحیفه، وبا (۱۰۵) قطعه تصاویر مناظر مختلفه واشخاص معتبره ونقشه های مهمه مزین است. نسبت باینهمه خوبیهای آن قیمت (۷) هفت روپیهٔ کابلی آن هیچ نیست. کاغذ اعلا، چاپ حروف، تصاویر رنگین گراف، جلد محکم واستوار: دیگرچه میخواهید! هرقدر که باید نفس مطبعهٔ مبارکه که دروازه افغانانه (عبدالرؤف) خان سرمرتب مطبعهٔ مبارکه یادر بازار ارک دکان (بازمحمد) تاجر کتب یادر بازار کتب فروشی متصل مدرسهٔ شاهی بدکان حاجی ملا (غلام محمد) خان تاجر مشهور کتب رو آورده ومبلغ فوق کتاب مذکور را بدست آرید دیگر کاری نماند.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1594 of 1786

(اعلان)

پراکنده

آثار مطبوعهٔ تازهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت ، عبارت از یک مجموعهٔ اشعار ابدار مجدد آگاری میباشد که بکاغذ اعلا ، وخوبی طبع دارا ، باتصاویر بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است . اگرچه از بحث خط وخال بعید است ولی مضامین وخیالاتش سراسر بیکطرز جدیداست . نسبت بخوبیهای ظاهری ومعنویش قیمتش خیلی ارزان . یعنی بمقابل (۲) دو روپیهٔ کابلی درخود مطبعهٔ عنایت از نزد عبد الرؤف خان سر مرتب ، ودر بازار ارک از دکان باز محمد ، ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب هرکس خریده میتواند.

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعه ! اهل ادب را مژده ! ازین نوبسر رسیدهٔ گلزار « مطبعهٔ عنایت » کامجانرا شیرین نمائید ! « جزیرهٔ پنهان » یک ناولیست که قوت علم ومعرفت وسعی وغیرت را برای اساس زندگانی نوع بشر بنظرتاب وجلوه گرمیسازد . هم حکایت ، هم عبرت هم فن ، هم فضیلت ! خوبی چاپ ، خوبی کاغذ ، خوبی تصویرش علاوه . قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان ! تنها (۶) شش روپیه محل فروخت نفس مطبعهٔ عنایت در ده افغانان ، دکان بازمحمد در بازار ارک ، دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی .

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد

کتاب سال دوم . . . مصور مجلد

کتاب سال سوم . . . مصور مجلد

کتاب سال چهارم مصور مجلد

علم و اسلامیت

آیا چه باید کرد !

ادب درفن

توحید

مختصر جغرافیای عمومی

این کتابهای فوق دراداره موجوداست . هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد بهاداره مراجعت کند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

	قیمت روپیه کابلی
سیاحت (دورادور زمین بهشتاد روز) مجلد	۲
سیاحت درجو هوا مجلد	۲
سیاحت درزیر بحر مصور مجلد	۴
ازهردهن سخنی وازهرچمن سمنی مجلد	۲
روضهٔ حکم مجلد	۲
پراکنده مصور مجلد	۲
جزیرهٔ پنهان مصور مجلد	۶

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوق‌را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان ازنزد عبدالرؤف خان سرمرتب وازدکان بازمحمد خان کتابفروش دربازارارک وازدکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسه شاهی بقیمتهای معینش خریداری کرده میتوانند.

واگر ازخارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوق‌را داشته باشند بدر سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند.

اعلان

کتابهای مجلد سراج الاخبار افغانیه ، وکتابچه‌های علاوه‌گان وشماره های متفرقهٔ آن ، وهمه کتابهای مطبعهٔ عنایت خریدارانی که آرزوی خریداری آنهارا داشته باشند از دکان حاجی ملاغلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی ، وازدکان بازمحمد خان تاجر کتب در بازار ارک بقیمتهای معین آن خریداری کرده میتوانند ونیز در خود اداره درماشینخانهٔ مبارکه ، ودر خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان هم بفروش میرسد فقط

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1595 of 1786

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹
شمارهٔ ۱۵ سال پنجم

فهرست مندرجات

اطاعت اولی الامر (
افاده مرام (
ادبیات (ترکیب بند ... قصیده
مکتوب
تهنیت نامه (از ترکستان (
حوادث داخلیه (تشریف اوری حضـ [illegible] ع کرام
حوادث خارجیه (خبرهای ممالک عثمانی — مساعی عثمانی والمان برای آمدن با آسیا ـ در بین النهرین در بغداد ـ شایعه طغیان جمال پاشا بی اساس است — محو عملیات عثمانی والمان ـ بیانات فواد پاشا ـ خبرهای اروپا — برلن قسطنطنیه — ارزاق برای المان ـ مساعدت المان با اهالی صرب ـ مرکز جدید آسمان جنگی المان — اقدامات المان در لهستان ـ تدارکات المان ـ مراسم عید در سنگرهای المانی — فال برای صلح — این کابینه صلح را امضا خواهد کرد ـ بیانات مارشال هیندنبورك ـ تهدیدات المان ـ خبرهای راجع بایران ـ عملیات المانها در ایران ـ قوای عثمانی ـ در اردبیل ـ در طالش ـ اختلافات روز افزون هند ـ خبرهای اروپا ـ نطق قیصر در فرونت روس ـ حرکت هیندنبورك بسمت لندن ـ انتخاب از مقالات مضحك المانها ـ
اعلان (مراج التوزیع
تصاویر (تصاویر (از مناظر تاریخ — ناپلیون فرانس — عساکر سواری خاصه ناپلیون — هجوم دهشتناك عساکر فرانس — از مناظر مصر — آثار عتیقه هیولو پلس —

اعلان

از صنایع پروریهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی و همت جناب حربیه کارخانه جات، ماشین خانهٔ مبارکهٔ دارالسلطنه کابل علاوه براشیای لوازم دولتی و عسکری مانند آلات حربیه دفاعیه و اونیفورم و معاو عساکر شاهانه وغیره، بعضی دیگر مصنوعات داخل که از آن اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت حکم فروش از صادر گردیده است: محل فروش این چیزهای ذیل (دکان عبدالله خان دربازار ارک) میباشد.

(١)	سرج های پشمینه یافت رنگهای مختلف که قیمت آن از قرار گز انگریزی ٣ فوته مشخص شده در صندوقخانه جنسی هم هر و شهر											
اقسام	قسم اول						قسم دوم					
درجه‌ها	درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم و [illegible] قیمت آن ٥٠ پیسه [illegible]	
رقم	ناکمال ساخته شده		رنگه	خوردرنگ	رنگه	خوردرنگ	رنگه	خوردرنگ	رنگه	خوردرنگ	رنگه	خوردرنگ
قیمت			٧ روپیه ٥ پیسه	٩ روپیه ١١ پیسه	٦ روپیه ٤٢ پیسه	٥ روپیه ٤٨ پیسه	٦ روپیه	٥ روپیه ١٨ پیسه	٦ روپیه	٥ روپیه ١٠ پیسه	٦ روپیه ١٠ پیسه	٥ روپیه ٢٥
کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گز انگریزی					کشمیره چهارخانه ٧ روپیه ٣٥ پیسه				کشمیرهٔ هدار [illegible] ٧ روپیه پیسه			

(٢) ث	جراب			﴿٣﴾ تکمه‌های چرمی محراب و منبردار		
رقم	تکه‌بانکه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج	کلان فی درجن	میانه فی درجن	خورد فی درجن
قیمت	١ روپیه ٥٢ پیسه	٤٥ پیسه	٣٦ پیسه	١ روپیه ٤٠ پیسه	١ روپیه ١٠ پیسه	٥٥ پیسه

(٤)	کوره های جدیدساخت			
رقم	زه باف بخارایه دوکره سه تاره	زه باف یک اسپه دو کره سه تاره	چرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ چار تارهٔ نخی
قیمت	٨ روپیه و ٣٣ پیسه	٩ روپیه و ٢٤ پیسه	٨ روپیه و ٤٢ پیسه	٦ روپیه و ١١ پیسه
رقم	چرم باف دسته‌بادی دو اسپه	چرم باف دسته دولاه یک اسپه	دسته دولاهٔ یکی چار اسپه	چرم باف هرکاری
قیمت	٤ روپیه و ٨٨ پیسه	٤ روپیه و ٤٦ پیسه	٨ روپیه و ٢٣ پیسه	٤ روپیه و ٤٣ پیسه
رقم	قبضه رنگی کیت نقرهٔ ترنجان	قبضه کیت نقره از چرم بدلایه ترنجان	زه باف دو قسم سواری سامی کیت	زه باف دو تارهٔ رکابی
قیمت	٣ روپیه و ٥٥ پیسه	٤ روپیه و ٥٧ پیسه	٥ روپیه و ٩ پیسه	٥ روپیه و ٥٤ پیسه
رقم	رکابی از نخ	چرم باف میانه چوب پیت زنانه	ازربن سواری تیغ چرمی	زنانه ابریشمی حیاطه
قیمت	٤ روپیه و ٤٥ پیسه	٥ روپیه و ٨٥ پیسه	٤ روپیه و ٥٨ پیسه	٥ روپیه و ٨ پیسه
رقم	دسته‌بادی تیغ چرمی	دستهٔ دولاه‌سامی رنگی کیت نقره	ازربن سواری دولایه تیغ چرمی کمک دار	چرم باف مارتین پیت یک اسپه
قیمت	٤ روپیه و ٤٩ پیسه	٤ روپیه و ٤٥ پیسه	٤ روپیه و ٥٩ پیسه	٨ روپیه و ١٢ پیسه

﴿٥﴾	اقسام گلهای مصنوعی سر			
قیمت	گل جریس	گل نافرمان	گل ورینه	گل شبو
قسم	٥ روپیه و ٣٦ پیسه	٦ روپیه و ٦ پیسه	٦ روپیه و ٧ پیسه	٦ روپیه و ٣ پیسه
قیمت	شگوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل نسترن	جنبلی
قسم	٧ روپیه و ٤٥ پیسه	٦ روپیه و ٥٨ پیسه	٥ روپیه و ٣٨ پیسه	٦ روپیه و ٨ پیسه
	شگوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	٦ روپیه و ٣٥ پیسه	٧ روپیه و ١٢ پیسه	٦ روپیه و ٥٤ پیسه	٦ روپیه و ٥٤ پیسه

(المدیر)

(مهر محمد هاشم دفتری کارخانجات ([illegible]))

صحیفه (۱) | سال پنجم | (شماره) ۱۵

قیمت سالیانه
دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
ڈاک ۱٤ روپیه کابلی
در خارج مملکت
ڈاک ۱۰ روپیه انگلیزی
پانزده روز یکبار نشر میشود
نسخهٔ آن در کابل یکعانه است
(اوراقی که درج نشود اعاده نمیشود)

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

مدیر و سرمحرر
محمود طرزی

ادارهٔ خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنه (کابل)
همه امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ قمری غره جمادی الثانی ۱۳۳٤ | تاریخ انگریزی ٤ اپریل عیسوی ۱۹۱۶ | تاریخ شمسی ۱۵ حمل ۱۲۹۵

اطاعت اولی الامر

درخصوص « اطاعت اولی الامر » و اوامر جلیلهٔ که دین مبین مقدس اسلام شرف اصدار فرموده بدرجهٔ متانت و استواری را مالک است که بمجرد واقف شدن رموزاتی حقیقیهٔ مادیه و معنویهٔ آن هرفرد صاحب ل و وجدان را مجبور باطاعت آن امر جلیل الشان میگرداند.

دین مبین مقدس اسلام غیراز مثوبات اخروی ، یک جنبهٔ سیاسیه امورات دنیوی را نیز در بردارد . چنانچه در همه احکام واجب الاداء شرع شریف همین دو جنبهٔ مادی و معنوی آشکار و پدیدار آمده است ، همچنان درین امر جلیل (اطاعت اولی الامر) نیز همین دو جنبه و هویدا افتاده است . .

مثلاً نماز خواندن برمسلمانان امرشده ، بعد مسلمانان نماز خواندنرا قطع نظر از مثوبات اخروی آن فوائد صحیه ، و فضایل حافظت کمال قطع نظر ت اجتماعیه را هیئت ها و هیئتهای قطعیهٔ را در بردارد نیز دران جلیل واجب التعظیم ظاهر و باهر میباشد . کذالک در اوامر قطعی روزه و حج وزکوة وغیرهم نیز همچنین هردو طرف اخروی دنیوی شامل است . علی الخصوص کلمهٔ طیبهٔ « لا اله الا الله محمد رسول الله » زبان راندن وبدل تصدیق کردن چنان امر جلیل واجب التبجیل است صدها ملیون نفوس اسلام را بیک سلسلهٔ الذهب اخوت دینیه ارتباط لایفک داده است که اهمیت سیاسیهٔ دینیهٔ آن نیز از آفتاب روشنتر است .

درینجا از دیگر اوامر جلیلهٔ شرعیه دینیه بحث نمیرانیم و تنها از امر جلیل همین عنوان مقالهٔ خویش که عبارت از (اطاعت اولی الامر) از جهت سیاست دینیه یکدو که عرض را مناسب احوال و آمال دیده از همه پیشتر عرض میکنیم که مسئلهٔ (اطاعت اولی الامر ، یکی از مسایل معمول بشریعت اسلامیست . لهذا ما غیر از حکومتهای اسلامیه یعنی بجز از (اولی الامر) ی که مسلمان باشند دیگر حکومت و اولی الامری را مراد نداریم . این راهم موضوع بحث نمیکنیم که آیا اطاعت مسلمانان را به حکومتها و اولی الامر های که بغصب وظلم وزور ممالک شان را وازادئ شان را و حکومت شانرا بدست آورده برانها حاکم و اولی الامر شده باشند تاچه درجه و تاچه پایه وجوب و لزوم خواهد بود ؟ آن وجوب و لزوم چیزیست که محدود و درجهٔ آن معلوم است !

مقصدما از اطاعت اولی الامر ، فرمان بردارئ پادشاه اسلامیه دولت اسلام است . زیرا این امر برای اسلامها و حکومتهای اسلام شرف صدور یافته نه برای مسلمانانی که در زیر حکمرانئ حکومتهای غیر اسلام بوده باشند . دین مبین مقدس اسلامی دین ذلت ، دین مسکنت ، دین محقوریت نیست . بلکه یک دینیست که برای روشن ساختن و آباد کردن همهٔ روی زمین را به عدالت ، و مساوات ، و سعادات از آغاز تا انجام شرف نزول فرموده است . و از آغاز قرآن برهمین مقصد مبنی بوده است . که اگر همچنین نمیبود برای دعوت همهٔ عالم را برین صراط المستقیم مأمور نمیگردید . که اگر همچنین نمیبود مأمور بجهاد ، و فتوحات بلاد ، و محافظهٔ حقوق عباد نمیشد . که اگر همچنین نمیبود احکام و قوانین تمدن و سلطنت دران وضع نمیشد .

اطاعت اولی الامر مدار یگانهٔ قوام مدنیت و سلطنت شمرده میشود . در تمام دولتهای متمدنهٔ عالم (اطاعت) مدار یگانهٔ نظام و انتظام ، و اساس قوام و دوام مهام الام است . اگر (اطاعت) نباشد احکام جملهٔ قوانین مدنیه دفعتاً سقوط میابد . همه دریک هرج ومرج عالم را فرا میگیرد . علی الخصوص در عالم عسکری اگر مسئلهٔ معتنابهای (اطاعت اولی الامر) را مانند روح در بدن نظام عسکری بگوئیم شایانست . فرق در مابین عسکر نظامی و ایله جاری بجز واجب الرعایه بودن (اطاعت اولی الامر) دیگر هیچ چیزی نیست . هرگاه مسئلهٔ (اطاعت) نباشد در میدانهای محاربه های جنگهای حاضر که محض برای مغلوب ساختن دشمنان وطن و غالب گشتن

بدشمن بوقوع می آید هیچگاه هیچ موفقیت وکامیابی‌ها از هیچ طرف نه از طرف مهاجم ونه از طرف مدافع بوقوع نمی پیوست . مثلا از آلات ناریه واختراعات محیرالعقول که برای قتل وهلاک بشر درین محاربات حاضره استعمال شده ومیشود هر کس تا یکدرجه معلومات حاصلکرده است . آیا اگر مسئلهٔ مهمهٔ (اطاعت) نمیبود یک بولی (رمغزاو) چسان بگلهٔ های خروازی . وآتش ریزیهای طوپهای پر اتشفشان دایما بپیش رفتن دوام ورزیده میشد !! اگر مسئلهٔ (اطاعت) نباشد برای گرفتن یک استحکام یا یک قلعه‌ویاک موقع مهمه پیش از انکه محمله آغاز میشود چسان حکم داده میشود که اینقدر عسکررا تلف باید کرد وان قلعه یا استحکام را باید گرفت ؛ استناد یگانهٔ اینچنین حکم بجز (اطاعت) رچه چیز خواهد بود ؟

تنها درامور عسکری نی بلکه در کافهٔ امور کشوری نیز انضباط وارتباط حکومت وسلطنت منحصر بمسئلهٔ (اطاعت)میباشد . اگر اطاعت نباشد هیچ اموری ازامورات پیشرفت ندارد . شرع شریف اسلام که برعبادات . ومعاملات مبنی آمده . جهت معاملات آن صرف منحصر بامور سلطنتی میباشد . بلکه امر جهادوفتوح بلادهمهٔ امور عسکری را در بر گرفته است . ازین سبب (اطاعت اولی الامر) درین دین مبین مقدس یکی از اساسهای متین شروط اسلامی گرفته شده است . خلیفه . سلطان . پادشاه . امیر نامهاییست که درمسلمانی صفت (اولی الامر) رادارد . خلفای راشدین رضوان الله تعالی اجمعین چنان تسلط وهیبت اولی الامری را حائز بودند که مر افسران بسیار کلانی را چون دراثنای حرب عزل میکردند خادم بلاتأنی ودرنگ شمشیر افسری را به افسر دیگری که بجایش نصب شده بود تسلیم نموده درمعیت وهمراهی او به امر مجاهده دوام میورزید . هرگاه امر اطاعت یک استناد کامتین اسلام نمیبود درچنین حالها بعضی تا کوار انها بظهور نمیرسید ؟

هر که درصفحات تاریخیهٔ اسلامیه نظر کرده شود بسی مثالهای درخشانی درباب (اطاعت اولی الامر) درنظرها جلوه گر میگردد که عالم فاضل کمالات انتساب شهیر عزیز ما جناب مولوی (عبدالرب) خان صاحب دررسالهٔ مؤلفهٔ خودشان که درین اوقات درمطبعهٔ مبارکهٔ عنایت زیورطبع آراسته گردیده اکثر آیت بینات قرآن عظیم الشان . واحادیث منیفهٔ حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم رابیک اسلوب بسیار عالی ویک مقصدو موضوع خیلی عالی جمع نموده اند . ومقصد یگانهٔ ماازین تمهیداتی که در ذیل عنوان (اطاعت اولی الامر) درسر مقالهٔ عاجزانهٔ این شماره خودنظر کرده‌ایم محض مبنی برهمین است که یک (تقریظ) ناقابلانهٔ درحق آن رسالهٔ فوائد اساله بعرض عرض رسانیده توانسته باشیم ؛ لهذا یمناً وتبرکاً دیباچهٔ رسالهٔ مذکوره را درج صحایف افتخار نموده به آن وسیله علویت موضوع آن رسالهٔ فوائد اساله را ازدیباچهٔ آن تایکدرجه استنباط کرده خواهیم توانست :

بسم الله الرحمن الرحیم

(افادهٔ مرام)

این امراز آبدیهیات وغیر محتاج تفکر است که چون ارادهٔ ازلی حضرت الهی جل جلاله بترقی حالت ملی متعلق گردد . جمیع ارادات افراد ملت را بیک طرف متوجه ساخته وشقاق و نفاق را از حق بواطن شان مرفوع ومدفوع گردانیده همگی افرادملت متفق اللفظ والم درترقی دین ودنیا ساعی وجاهد بوده یکی درتحصیل مقصد آندیگر کوش وهرفرد مقصد برادر مسلمان خودرا مقصد ومراد خود دانسته تا مقاصد همگنان همان یک گردیده یک اتحاد ذاتی واتفاق حقیقی میکنند که درعین کثرت افراد ملت یکوحدتی ملاحظه میشود ونتیجه آن سعادت دارین بوده درمدت صغیر فوائد کثیرهٔ مادی ومعنو حاصل میگردد وترقیات فوق العاده درمدت قلیل نمایان میشود که درتا وسیعهٔ کبیره که ازین سعادت اتحاد واتفاق محروم باشند درمدتهای ب همچنان نتائج حسنه ظهور نموده نمیتواند .

وان سعادت اتفاق واتحاد ازچه حاصل میشود معلوماست که ع اصل آن (اتحاد مقصد است) که اگر مقصد جمیع افراد ملت بترقی باشد ترقی می کند واگر بترقی دنیا متفقاً متوجه گردند دنیای شان می کند وتحصیل این مطلب اعلا و مقصد اقصای (اتحاد مقصد) مایهٔ سعادت دارین وترقی کونین است دراطاعت واتباع فرداولو اکمل دین ودولت وروح وروان رعیت که وجود باجود خلیفه‌زمان و حضرت رحیم رحمن است انحصار دارد وبجز این امکان حصول زیرا که چون ارادهٔ ازلی برین رفته است که درهروقت وهرزمان خودرا بوجود انبیاء ورسولان برحق براه راست نیاورده وهدا وارشاد شانرا بذریعهٔ انبیاءزمان حاصل داشته وبعد ازختم نبوت راشدین را جانشین پیغمبر مقرر فرموده وهمان وظیفهٔ مقدسهٔ هدا وارشاد عبادرا بروش ایشان گذاشته وبعد از زمان خلافت را حقوق خلافت را شده رابرذمه سلاطین اسلام وضع فرموده تا مسلمانان اطاعت ومحبت خلفاءاسلام را حرزجان میدانستند دین ودنیا ترقی وتعالی نموده سلطنت اسلامی بطولشان وترقی ووسعت نمایان وازان زمان باز که مطلب اعلای (اتحادمقصد) بطرف گشته و مسلمانان ازیک دیگر متغایر گردیده واضح ولائح است که حال وسلطنت اسلامیه نیز روبتنزل وتسفل داشته است .

بناءً علی هذا ملت افغانرا که الحمدلله والمنه یک دین ویک مس ویک پادشاه دین پناه دارایم وجمعیت ذاتی وشجاعت فطری متصف میبا ومقصد پادشاه ورعیت وجمیع افراد مملکت مایکیاست ولامرام این وتفضلات صمدی رعیت شهریار ویکدار مراحم شعار (اعلیحضر سراج الملة والدین) افتخار داریم ورضای خداوند تعالی وتقدس ور مقدس علیه الصلات والسلام را دررضا واطاعت خود بحکم دین و خود منحصر میدانیم که اقتای روح وروان خودها را دراطاع الامر فرض ذمت ولازم همت دانسته ومیدانیم واز همین عنایت کر الهی که (اتحادمقصد) پادشاه ورعیت است امیدوار ترقیات فوق دین ودنیا بوده ومیباشیم .

فرض ذمت ما واجبست که شکرانهٔ این نعمت عظمارا بجا آ ودوام این سعادت را از حضرت فیاض مطلق جل جلاله بصد مسئلت نمائیم .

ب این نعمت که مارا دادهٔ در تزاید دار تا یوم القیام علاوهٔ ازادای شکرانهٔ الهی توجه تام بداریم که درباب اتحاد ی همدیگر کوشان باشیم واوامر الهیه وارشادات نبویه را کهمدار ملت درباب اتحاد واتفاق واطاعت ومحبت خلیفهٔ زمان وشهریار همواره مدنظر خود داشته‌باشیم که خدای زمین و آسمان پیغمبر وجل وامامان دین وایمان ومقتدیان مادرین باب چه فرموده وبرای مسلمانان افغان درین جزو زمان چه دستور العمل عطا فرموده الت درین اوراق بعضی اوامر الهیه وسنن نبویه واعمال واقوال این مبین را که تعلیم وتعلم آن برای اولاد وطن مقدس وباقی افراد ضروری بود تحریر شده در مطبعهٔ عنایت که از مراحم معارف وری همت عالی‌نهمت سعادت حضرت شهزادهٔ عالی‌متعالی جناب معین السلطنه ب المعظم ابقاه الله تعالی تأسیس یافته است هزاران هزار بطبع رسیده رای دولت وملت وارکان تقسیم وتوزیع فرموده ومی‌فرمایند — لله تعالی وتقدس عامهٔ افراد افغان را توفیق عطا فرمایند تا این سبه را بگوش هوش شنیده وبرطبق آن عمل فرمایند —

(انه قریب مجیب)   آمین یارب العالمین

المؤلف

حقیر عبدالرب عفی الله عنه

ادبیات

ترکیب‌بند در هدایت اطاعت اولی‌الامر ودعای ذات خجسته‌صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب‌الله خان ادام‌الله دولته

منکلام (ثاقب)

خواهید دوستان اگر امید خود بکام
از بنده بشنوید یکی شکرین کلام

کاین تحفه ایست طرفه که تقدیم میکنم
از طبع خویش شعر تری بهر خاص و عام

نی بهر شهرت است مرا انشاء این سخن
مقصود من نصیحت خیریست والسلام

داریم چون امید شفاعت بروز حشر
از حضرت رسول خدا سید الام

باید که این زمان همه برقول و فعل او
باشیم پیرو همه آن بصبح و شام

گردد زیك دلی و اطاعت چودین فروغ
باید ز اتفاق چو این رشته انتظام

گر باشیم پرسر نفس و هوای نفس
آخر رسیم از ثمر آرزو بکام

کوشیم در رضای خدا و رسول او
در راه دین فدا نمائیم جان تمام

بهر رفاه جملهٔ اخوان دین خود
دست طلب زنیم بدامان اهتمام

یعنی که جمله تا نفس آخرین خویش
باشیم در اطاعت سلطان خود مدام

از جان مطیع امر امیر زمان شویم
تا ایمن از مصایب هردوجهان شویم

امروز بسکه روی زمین گشته پرشرار
یك آتشست هرطرف از حرب و کارزار

پیغام و نامه برشده توپ و تفنگ و برق
بکشاده بهر بشنه زبان تیغ آبدار

کم گشته از تمام جهان لیك مانده است
مثل هما بروی زمین نام انتشار

گردی نفور از خورو از خواب یك قلم
گر بنگری زغور به اوضاع روزگار

جزما که ایمنیم ثنا مر خدای را
آنهم زحسن نیت شاه فلك مدار

شاه زمان امیر حبیب الله خان که هست
نوشیروان عهد خود از عدل و از وقار

قولش همه موافق شرع محمدی
فعلش همه مطابق آیات کردگار

پس لازمست برهمهٔ ما که مؤمنیم
گیریم از نفاق بیکبارگی کنار

دایم فرش بلکه بجد آرزو کنیم
باصدق و شوق امر اولی‌الامر اختیار

این امررا نه من زخود ارشاد میکنم
قرآن بخوان که کردت این راز آشکار

یارب زلطف خویش عطا کن بما همه
توفیق در اطاعت این شاه کامکار

کز یك‌دل‌وجان وسرومال‌وجه‌خویش
باشیم جمله منتظر امرشه خویش

تاچند میل گلشن و جام و سبو کنیم
بزم و نشاط ماه‌وشان آرزو کنیم

غافل چرا بدام هواو هوس رویم
یك چند سر بجیب تفکر فرو کنیم

احوال کار خویش زفرط نفاقشان
نظاره چون بزه حراس عدو کنیم

کاینده چگونه خوارو حقیر نزدیش خصم
زان پس بااتفاق همه گفتگو کنیم

یاد آوریم زعهد محبت اتفاقشان
زامداد پارهٔ دل ایشان رفو کنیم

بهر ادای فرض بما نیز لازمست
کاول به آب مهر مودت وضو کنیم

آخر بسوی منزل مقصود پی بریم
معدوم پست مقصدرا گر جستجو کنیم

محروم کس نمی‌شود از لطف بی‌نیاز
مقصود خویش را طلب از لطف او کنیم

فرضست برهمه که رضای خدای را
جویا شویم وسوی وی از صدق رو کنیم

چون امت رسول خداوند اکبریم
باید ز صدق پیروی امر او کنیم
یعنی اطاعت شه خود را بخویشتن
در قول و فعل فرض شماریم مرد و زن
کفار را ببین بچه افسون جهان گرفت
اقلیم ها ز چنگ دلیران چسان گرفت
گر در کتاب های سوابق نظر کنی
دانی که این دقیق صفتان ازچه جان گرفت
از اتفاق و کوشش و صنعت گری و علم
این برتری ز مردم اهل جهان گرفت
از ابتدا اگرچه بوحشی اشتهار داشت
اکنون نگر که روی زمین در زمان گرفت
علم و کمال و دوستی و خلق و اتفاق
از کاهلی زما همه را رایگان گرفت
با ریل و باجهاز گرفتند برو بحر
بالون سوار گشته رهٔ آسمان گرفت
ماهمچنان ز کاهلی این حرف میزنیم
دامان آرزو بطلب کی توان گرفت
بندی ز قول حافظ اگر بشنوی نکوست
کاندر سخن سبق ز همه همگنان گرفت
« حسنت به اتفاق ملاحت جهان گرفت
آری به اتفاق جهان میتوان گرفت »
هرچند اینزمان چو بتوفیق کرد کار
از خصم خویش داددل آسان توان گرفت
لیکن بجز اطاعت سلطان مؤ منان
صعب است داد خویشتن از مز کان گرفت
پس فرض شد که جمله بفرمانبری شاه
گردن نهیم و سر بنهیم آن زمان براه
یاران چه میشود که زمانی ز حال خویش
واقف شویم و فکر کنیم از مآل خویش
باشیم تا بچند دگر از غرور و عجب
مشتاق فکر ورای و جواب و سوال خویش
تا کی کشیم بار ندامت ز کاهلی
باشیم غرق بهرچه در انفعال خویش
کردیم جهد کی که ترقی نیافتیم
بهرچه افگنیم بقسمت وبال خویش
کردیم درس بهرچه، وبا کدام روی
از طالبان مدرسهٔ خود کمال خویش
زین پیشتر اگرچه بنادانی و غرور
در رهگذار دزد نهادیم مال خویش
اکنون که فرصت است شماریم مغتنم
کوشیم بیکجهت همه در اخذ مال خویش
اجداد ما چگونه بدل برده اند داغ
گیریم حال سابقه را پیش فال خویش
اعدا بقصد ما همه تیغ و سنان بکف
ماهمچنان بخواب گران و خیال خویش
تا کی زنیم لاف زبانی به اتفاق
تا کی شویم غره به این قیل و قال خویش
آن به که جهد بادل و یکدلی و یکزبان
از حق رجا کنیم حیات شه زمان
تا از نجوم چرخ فلک پر گهر بود
در چرخ تا وجود شمس و قمر بود
تاسال و ماه و لیل و نهار است در حساب
تا در ز ماه شام بود تا سحر بود
در روزگار تا بود اوضاع مردمی
در دهر تا ز خلقت آدم اثر بود
تا در زمین بود اثر از زندگی و موت
تا در جهان عبور ز جنس بشر بود
تا موسم خزان و بهارست در جهان
تا نخل همدم گل و بانی شکر بود
تا در پی پرستش خلاق انس و جان
ماهی و مور متکلف بحر و بر بود
تا عقده های طبع کشاید نسیم عقل
بستان عقل ما ز معنی پر ثمر بود
تا امر نفخ صور سرافیل بشنود
بل تا حیات ما بجهان دگر بود
تا آن زمان که جملهٔ عالم فنا شود
تا (فانی) از فضای سخن بهره ور بود
دایم دعای حشمت سلطان دین پناه
از صدقش این وظیفهٔ شام و سحر بود
یارب سراج ملت و دین شاه محتشم
پاینده بر سریر شهی دارا کرم

(امضا فانی)

قصیده من کلام غلام حیدر نویسندهٔ حاکم بهسود هزاره

مژده گر مه برافرازند اندر گنبد گردان
سر فخر و سر افرازی بعالم ملت افغان
کدامین ملت آنکو چهره اسلام باشد دین
کدامین دین و آئین آنکه باشد رهبرش قرآن
همه اخوان همدیگر به حکم خالق داور
همه یک کیش و یک مذهب همه یک دین و یک ایمان
غیور و پردل و با صولت و پرزور و سختی کش
به هنگام غزا هریک نظیر رستم دستان
سر موخوف و بیمی از مخالف شان نه اندر دل
نه از دشمن هراسانند نی از مدعی ترسان
بحفظ مال و ملک و ننگ و ناموس وطن یکدل
ستاده پیرو برنا سر بکفها سیم در دامان
ندیده چشم گیتی این چنین مخلوق نام آور
نزاده مادر دوران چنین اخلاق بالیشان

بشرع احمدی محکم به حکم پادشه تابع
چه شرعی شرع پیغمبر چه شاهی رهنمای آن
زهی شاه و زهی ملت زهی ملک و زهی دولت
همه اقسام ملت تن وجود پادشه چون جان
بهم شاه و رعیت آنچنان مربوط و ممزوج‌اند
که در عمری مخالف مو نگنجاند میان شان
چنین مخلوق شایسته بشاه خویش دل بسته
ندارد هیچ ملک و هیچ دولت اندرین دوران
خدا محفوظ دارد این چنین دیندار قومی را
بزیر سایهٔ شاهنشه جم جاه ذی عرفان
سراج ملت و دین آنکه در عهدش جهان خرم
شده افغانستان از سعی او چون روضهٔ رضوان
رفیع همت نکو طینت سپهر عظمت ملک خصلت
خردور بلند اختر فریدون فر ملک دربان
ز رفعتهای سعی و کوششش از ماه رخشان‌تر
ز اطراف ممالک جلوه گر همچون مه تابان
هر آثاری که گردد از صنایع در وطن جاری
زهر آورده پیکانیست اندر چشم بدخواهان
بناهای که از بهبود ملک خویشتن مانده
بوزن کنگره از جمشید جم مانده است در دوران
سخن آن به که ختم اندر دعا سازم چو می گردد
زبان از مدح آن عاجز خرد از وصف آن حیران
غلام حیدر بیچاره و مدحش زهی خجلت
شهی کو اندر عالم هست مستغنی ز ملک جان
بود تا آسمان بر پا و سطح ارض پا برجا
چراغ مهر و مه اندر فلک باشند افروزان
بقای دولتش بادا و افزون عمر او
خداوندا کرم از تو خواهم ای ذوی الاحسان

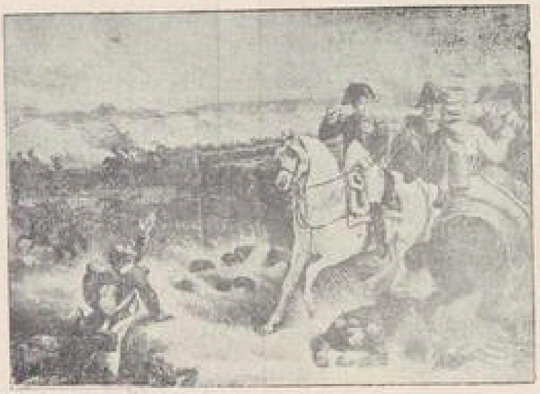

از مناظر تاریخی

ناپلیون بزرگ فرانس در سنهٔ ۱۸۱۲ بر ممالک روس هجوم میکند

مکتوب

الا ای طوطی گویای اسرار   مبادا خالیت شکر ز منقار

حضرت گرامی منزلت محترم (مدیر صاحب) مکرم را برکات دینی و دنیائی و در عمر و در عز و در حرمت و تأثیرات کبریتی و کیمیائی در دم و قدم و قلم روز افزون باد — الحمد لله تعالی که دین و دولت علیه استقلال و برقراری ت و ذات امجد اعلیحضرت شهریاری و حضرات عالی را کمال عافیت دین روزی و عرفان نثاری و برکت گوهر بار جناب شما هم در سواد خط شکین و زلف عنبرین (سراج الاخبار) مبارکه سر گرم دلشکاری —

وان دوستدار نهادم   ز هر مو دام بر دوشم گرفتار این چنین باید
ز خاطرها فراموشم سبکبار این چنین باید —

بالجمله با وجود اینکه از تیرباران حوادث مشبک سایهٔ من رزبین چون دام می‌افتد یعنی   جای درست در جگرها نمانده است   چندانکه دلبران سر مژگان فرو کنند — ومدتی بود که سر بمهر بی‌زبانی گرد خاموشی بدوام — لاکن از رشحهای قلم اعجاز رقم آن ادیب مکرم بلکه نسیم جانبخشی است که احیاناً — گر بوی خوشش بطرف گلزار آید —

هم سرو بجا مانده خرامان گردد   هم سوسن بی زبان بگفتار آید

لهذا درین آوان سعادت اقتران که نوید مولود مبارک حضرت شهزاده (عبید الله خان) سامعه نواز عالم ارادت و اخلاص و روشنی بخشای دیدهٔ نور و سرور گردید بعد از عمری شیشهٔ دل در قلقل آمد و کاچین و خیال سرگرم اقسام دسته‌بندی گل —

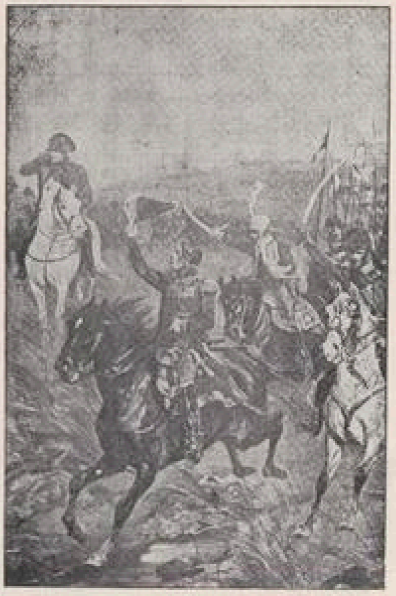

کذا

عساکر سواری حصه (ناپولیون) امر عبوره رروس را گرفته !

اینست کیک قصیدهٔ قصیر بمضمون تبریک وتاریخ آن میلاد مسعود بخاطر قاصر رسید ودرذیل مکتوب هذا بخدمت گرامی مرقوم وارسال گردید چون بحکم آنکه

خرابی‌را کمسودا کارفرماست   سرش‌بادرگل صدفکر تجاست
چوصیادی کند طبع مشوش   قفس ازموم‌سازد مرغ‌زآتش

هرچند آشفته است طرهٔ وضع کلامها اما مرکز مهرمانی های آن استادکامل منظورومناسب دانسته باعنوان آن قصیده‌یی دوسه‌سطری مذکور که نظر سرخکار تحریر یافته‌درج صحیفهٔ (سراج الاخبار)مبارکه نمایند بعید ازعبت شان نخواهد بود انشاءالله‌الودود —

باقی باقی باشید وبادهٔ کمالات ومعارف‌را ساقی ـ فقط وسلام علیکم

عبدالعزیز بسمل

بسم الله خیرالاسما

تهنیت نامه ازترکستان

بعنوان تبریک و تاریخ ولادت شامل السعادت حضرت شهزاده (عبیدالله خان) ازجانب کمینه‌خادم‌زاده (عبدالعزیز) مخلص (بسمل) ولد جناب غفران مآب (محمد سلیمانخان) مرحوم (محمد زاقی) حال مقیم دهدادی علاقهٔ مزار فیض آثار حضرت (شاه مردان رض) آن شاه عرش بارگاهی که میخوانند مردان حقیقت شاه مردانش کرم‌الله وجهه

* * *

نقاب شب ز عذار چمن چو صبح کشید
زفیض باد سحر گاه غنچه ها خندید
ز آسمان و زمین جوش زد بهار دگر
دماغ جان جهان را حیات تازه رسید
بباغ وراغ هزاران چراغ گل افروخت
زغار و خاره بصحرا و کوه لاله دمید
بجای دود زآتش بلند شد سنبل
زابر در عوض ژاله ریخت مرواريد
شگفت لاله و گل را عذار گلناری
بسان عارض زیبای دلبران زهید
از طراوت رز و هوا شطارت بیز
زمین خضارت خیز وزمان نضارت مید
بباد صبح بگفتم که اینچه فیضان است
جهان پیر دگرباره چون جوان گردید
چه نور تازه برون تافته ز عالم قدس
زچیست اینهمه سامان دستگاه جدید
چرا به نور زند غوطه دیدهٔ مردم
کدام شعشعه تابان ز غیب گشته پدید
چه کوکبه چه تجلی ظهور فرماشد
که دل زبهر تماشا بسوی دیده دوید
کدام عیش سراپرده زد که از اثرش
جهان چو محفل جشن سراجیه گردید
قماش پردهٔ گوشم فراش پا انداز
بیا بگو چه شنیدی چه مژده و چه نوید
جواب داد که اکنون خدای عزوجل
بشاه ماو شما تازه یک گهر بخشید
شهنشهی که سراج است ملت و دین را
دل مکارم اخلاق‌ازوست چون خورشید
به تربیت به ترحم به رأفت پدری
شب خلایق ازو چون براتوروز چوعید
محیط اعظم احسان وبحر حلم چسان
که عقل مدحت اورا نمی توان سنجید
کمینه غاشیه بردار حضرتش مهرشید
شکوه بارگهش‌را اگر کیهان مدید
ظهور سایهٔ (رحمن) (امیر حبیب‌الله)
که نور رحمت حق از جبین شان تابید
چواین نوید مبارک به گوش هوشم داد
بگفتم ای اثر صبح صادق امید
بجیب و دامن ما ریختی هزاران گل
وزین بشارت خوش باز تازه کردی عید
زنام نامی وتاریخ سال میلادش
بیاد نیز نشانی مرا فتق تمهید
نفس بنوروصفا داد گفتمای(بسمل)
ببین سعادت شهزادهٔ عزیز رشید

بنام خواجهٔ احرار اولیای کبار
مشرف آمده اسمش زهی مراد و مرید
مشاد نام شریف و مواد تاریخش
بود سراسر این بیت نی کم و نه مزید
بگاه کوکب برج شرف عبدالله سنه ۱۳۳٤
همای اوج اجلال لوای حمد حمید
دریست از صدف بحر (حضرت علیا) ۱۳۳٤
(سراج جمع خواتین) و تاج بخت سعید
رای ماهمه ملت جلیله مادر دین
بنای عصمت وعفت ازوست سد سدید
کنون دهیم ختم این قصیده را به دعا
دعای اینکه رسد از خدا بدین تائید
بماه و مهر مبارك طلوع این اختر
بشاه و شهر مقدس سطوع این ناهید
بدین و دولت نور جبین او اسعد
به ملك و ملت یمن قدوم اوست سعید
ذوات عالی و هم عالیات را برسد
زسوی (بسمل) تبریك شامل التمجید
زیر سایهٔ والای حضرت شاهی
بوند جمع به اقبال و جاه و عمر مدید
(سراج ملت و دین) تاجدار و ظل الله
مباد از سر ما کم بحق عرش مجید

حوادث داخلیه

(تشریف آوری حضرات مشایخ کرام)

شهر مینویسند :

امسال فرحت حال سرزمین کابل بالعموم یعنی دل وطن عزیز ما بالك مسرت وابتهاج ومملواز سرور وفرحت است ، بلی ازعیدها مانند این سال یك سال بهجت بخش خرمی استقبالی در انجا برمابعد ازورود فرحت نمود وکلای اطراف وتشریف سعادت ردیف مشایخ کرام ومرشدین عظام (افضنا الله بالطافهم) یك قوت وسطوت وفرحت وبهجت فوق العادة کسب کرده به آسمان شوکت بنیان میماند که دروقت سحر ستاره های بزرگ درهر طرف آن مصروف شعشعه فشانی میباشند

آری این پیشوایان بزرگ روحانی که اقطاب سپهر هدایت ومعالی اند دراین اوقات متعدده شهر میمونه بهر کابل صانها الله عن الحوادث والزلازل مانند ستاره ها مصروف احیا واعدام ظلمت باد هشت اند که از خواب غفلت مارا طاری گردیده است اهالی این عاصمهٔ اسلامیهٔ افغانیه همگی از دیدارهای نشانه های هدایت انوار این مقتدایان معنوی متبرك دوچار سرور و خوشی های بزرگ بزرگ شده بلا اختیار بدعای طول عمر وحیات الشوکت سمات اعلیحضرت (سراج الملة والدین) پادشاه مقدس و متبوع مکرم عدالت آئین خود دست نیاز بدر گاه خداوند چاره ساز برمی آرند آری ما گر بنظر حقیقت ببینیم اینهمه سعادتها ، هدایتها که مملکت ودیانت افغان کابل آنها شده ایم از مرحمت های فوق العادهٔ شاهانهٔ ملت پرورانه اعلیحضرت پادشاه مقدس ملت ودین

تشریف سعادت ردیف ذات سراپا محامد غازی غیور مجاهد جناب پادشاه صاحب اسلامپور خلیفه و جانشین جناب آخندزاده ملا نجم الدین صاحب مشهور آخندزاده صاحب هده که خلیفه جناب صاحب الصوات بودند وورود سعادت نمود جناب هدایت انتساب آخندزاده صاحب عالیمراتب موسهی که خلیفه و جانشین جناب ملافیض محمد آخندزاده مشهور آخندزاده صاحب موسهی که خلیفه جناب صاحب الصوات بودند عالم وفاضل ومدبر وزمانه شناس بیکذات بار کات اند وقدوم تجباری لزوم جناب مستطاب ملا صاحب تکاب خلیفه جناب آخندزاده صاحب هده وحضرت والامرتبت پادشاه صاحب بر گری خلیفه جناب آخندزاده صاحب هده و جناب مستطاب میان صاحب رو و حضرت مبارك میان صاحب حصارك جناحضرت شمس الحق صاحب و جناب مصل القاب استادصاحب هده و جناب محمد عثمان شیخان صاحبان وجناب حافظجی صاحب پسر جناب صوفی صاحب وجناب ملا محمد مرید آخندزاده وجناب ملا عبد الغفار آخندزاده صاحب و پسران حضرت صاحب محترم مجددی شور بازار وغیره

ازچنان خوش بختی ها است که قدردانان آن میدانند علی الخصوص که درین ایام سعادت فرجام اینهمه ذوات کرام که از سالها سال بنابر جوش و خروش مفرط وکمال اسلام شعاری ونهایت دیانتداری واخلاص کیشی یك یك مسلك دینداری اختیار کرده بودند وعوام کالانعام بل هم اضل آنرا در نظر مردم بزرگ ساخته ، اختلاف ، نام نهاده بودند ورای آن اسباب چیده بعضی مسئله های جزوی مختلف فیهارا بفساد کلی منجر ساختن میخواستند ازتفضلات ایزد کائنات جل وعلی ومرام عالی العالی اعلیحضرت همایونی که در دربار معالی بار گذشته که درج شمارهٔ ۱۱ است درباب گم کردن اختلافات جزوی وازدل وجان کمر اتفاق بستن دوسه نکته بیان فرموده بودند . این اقطاب مستطاب همگی بکجا نشسته وسخنان صاحب غرضانرا که باعث فتنه میشوند اهمیت نداده ازدل وجان وصدق واخلاص یکدیگررا درمحل محبت فشردند وتجدید نامه معانقه های مسلمانانه صمیمانه کرده خاکدر چشم دشمنان کردند واز تحریرات سالفه وتذکر های سابقه هم ثابت نمودند که ازابتدا تاحال واز حال تامآل یکدیگر خودرا محبت کرده اند واحترام نموده اند وعلمای بزرگ بزرگیرا در آن وداد نامه ها شاهد ساخته اند که بعضی بجوار رحمت ایزدی پیوسته وبرخی هنوز بصحت وسلامت نشسته اند . تمواهیر شان در آن تذکرها ثبت است مدازین مجالس ها تاکیدتام نموده اند که هر کس ازمریدان وعقیدتمندان ومتعلقین یکی ازین ذوات کرام درحق یك دیگر سخن نامناسب ونالایم بگویند بمداز زجرها از طرف شیخ ومقتدای خود مطرود ومردود است وشیخ او ازو بیزار (نعوذ بالله من ذلك)

البته که اتفاق این اقطاب دفعة ازپشت افق رونق آفتاب ترقی ونمارا براورده عالمیرا مستغرق انوار راحت نثار خویش گردانید وخفتگان ظلمت غفلترا بسرانگشت شعاع خواب ربا بیدار کرد ..

الله تعالی از سر ما سایهٔ مرحمت وابهٔ پادشاه ترقیخواه متبوع مکرم ما را که وجود مسعود ذیجودشان راحت مجسم ورفاهیت مصور است کم و کوتاه نکرداناد که ما را زیر لوای ترقی التوای مرحمت خویش بهم مادی ومعنوی مانند اتفاق واتحاد سرافراز گرداناد

تو خیر اندیش خلق پس دعای تو چنین باید
الهی هر چه بهر خلق اندیشی همان یابی

(ع - ا)

حوادث خارجیه

خبرهای ممالک عثمانی

نقل از جراید ایران

از جراید فرانسه

تدارکات شامات برای مصر

اخبار وارده از « اسکندریه » حوادث ذیل را تقویت می نماید یک نوع جدیت وفعالیت فوق العاده در مراکز نظامی عثمانی در قطعه شامات هویدا است . در تمام راه آهن های قدیم وجدید آن مملکت هیجان تدارکات قشون کشی به مصر ملاحظه می گردد .

صاحبمنصبان ومهندسین آلمانی که در شهر دمشق بودند بطرف جنوب و سر حدات « مصر » حرکت می نمایند . در « بیروت » جدا شعبات مریض خانهای ثابت وسیار برای همراهی باردوی اعزامیه تأسیس می گردد یک مقدار مهمات کامل العیار ولوازم جراحی ومریض خانهٔ نظامی مرکب از ادوات لازمه باراه آهن به « بیت المقدس » فرستادند که از آنجا به « العریش » ، همانجائیکه در قشون کشی ارسال هیئت صلیب احمر امریکائی برای مداوای مجروحین مریض خانه دائر کرد بفرستند .

جمال پاشا فرمانده کل اردوی مهاجم خودش به نفسه تمام تدارکات مزبوره را اداره می نماید ومشار الیه پیوسته در اردو که محسوب می « بئر الصباح » اقامت دارد از آنجا از میان صحرای کویر دسته جات کشافه ودیده‌بانان های نظامی اعزام می دارد که چند عده از آنها تا ساحل « کانال سوئز » پیش رفته اند چند تن از آنها نیز اسیر مقدمه الجیش قشون انگلیس شده اند

پاره از نظامیان اطمینان داده وخودشان برای العین دیده اند که خود جمال پاشا بایکدسته از قشون مقدمه بریاست آنان نزدیک « کانال » آمده بوده است .

بانی اساسی شایعه طغیان جمال پاشا بدون آنکه این مطلب صحت داشته باشد وزیر سابق بحریه باتمام جدیت وقابلیتی که در وی موجود است استیلای به ملک « مصر » را عهده دار شده است وبرحسب مقدماتی که در « برلن » پیش بینی می نمایند تسخیر « مصر » موجب آن خواهد بود که تمامت قطعه اروپا بر علیه موتلفین سر بشورش در آورند .

مساعی عثمانی وآلمان برای آمدن به آسیا

قسطنطنیه ــ عملیات واقدامات نظامی برای تشکیل اردوهای تازه در هر گوشه از مملکت عثمانی هویداست وبموجب اطلاعاتیکه بطور غیر مستقیم از مراکز مربوطه میرسد فعلا مساعی آلمان وعثمانی باین نقطه مرکزیت یافته است که یک اردوی بزرگی مرکب از عثما و آلمانی برای حرکت واعزام به سمت « هندوستان » تشکیل نما وتعداد این قشون بزرگ ۴۰۰ هزار عثمانی و ۱۰۰ هزار نفر از المان ودر تحت فرماندهی « مارشال وندر گولتز پاشا » خواهد بود .

وهم چنین گفته میشود که عدهٔ کثیری از صاحبمنصبان آلمانی وارد قسطنطنیه شده که تشکیلات این قشون و و سایل اعزام مرتب سازند و این اردو کشی برای فصل بهار بعمل خواهد مدتی است که تمام قطار های راه آهن « اناطولی » « قفقاز » حمل و نقل قشون و مهمات جنگی گردیده است بعلاوه مقادیر ذغال سنگ به « قسطنطنیه » وارد گشته اند . لیکن انتقال ذغال سنگ مزبور باسفاین نقلیه به سواحل آسیائی مشکل شده است و بواسطه تحت البحرهای انگلیس در بحر مرمره حمل و نقل آن دو چار اشکا می گردد .

باز هم از قرار معروف اردوگاه عمومی آلمان وعثمانی در شبه سینا خیال حملات جدی برای کانال سوئز موقوف داشته ومساعی را در این خط مصروف می سازد که وسایل جنبش قشون بزرگ جدی را برای رفتن بطرف اراضی آسیا فراهم سازد .

راههای خط آهن جدید عثمانی

از خط آهن حجاز تا سرحد مصر

مامورین لشکری و کشوری عثمانی با مراسم معموله در تاریخ اولین شعبه خط آهن که از « بیت المقدس » به « بئر الصباح » « ار عمومی عثمانی در « مصر » ممتد واتصال یافته است مفتوح و برقرار و بوسیله این شعبه مهم از خط آهن است که اردوگاه بزرگ عثمانی مامور استیلای « مصر » فعلا از راه آهن بزرگ حجاز وبتوسط آن براه قسطنطنیه از طرف راه آهن « بغداد » ارتباط این شعبه جدید خط آهن که اینک مهندسین آلمان وعثمانی از آن فراغت حاصل کرده اند از کنار راه شوسه که بطرف « هبرو » یا « الخلیل » میرود ممتد گشته است وارد درهٔ که موسوم است پیش رفته وبقلعهٔ بئر الصباح وصل می شود وطول این راه آهن ۸۰ کیلومتر است

مسافت این دو نقطه به طیران پرنده یعنی بخط مستقیم ۶۵ کیلو از حیث پایین رفتن وبالا آمدن اراضی است واختلاف سطح زمین عبور ۵۵ متر میباشد چرا که ارتفاع ارض بیت المقدس از سطح ۷۹۰ متر و نقطه منتهی الیه خط آهن ۲۴۰ متر ارتفاع دارد .

برای پیش رفتن وامتداد راه آهن بسوی کانال سوئز مسیو مدیر کل مهندسین آلمان وعثمانی عملیات لازمه راه سازی ودال را شروع کرده است ورشته این خط به « حفیر العوجا » سابق عثمانی ومصر ممتد شده واز « رفاه العقبه » « رابل های می نمایند .

یک شعبه دیگر از راه آهن بطول ۸۰ کیلومتر برای تکمیل ارتباط این خط در نظر گرفته اند واین خط جدید از طریق جب که از (فلسطین) به طرف (مصر) از داخله شبه جزیره کشیده اند عبور می نماید . واز این نقطه منتهی الیه این خط تا ساحل (کانال سوئز) قریب ۳۰۰ کیلومتر بخط مستقیم فاصله

این خط را مهندسین آلمان وعثمانی چگونه باخط آهن (حجاز) وصل کرده اند ، – بطوریکه از جراید آلمان مفهوم می شود یک خط آهن مستقیم جدیدی اخیرا بین آن دو ساخته اند . موافق پاره اطلاعات یک شعبه خط آهن دیگری ازراه (حجاز) منشعب شده ومستقیما (النحل) استاسیون راه زوار (مکه) درمیان شبه جزیره (سینا) رسیده است .

رفته چیزیکه از اطلاعات مزبور مستفاد می گردد آن است شعبه راه آهن یکی از (العفوله) به بیت المقدس ودیگری از (حیفا) (ادرعا) الحاق یافته است .

خط آهن (العفوله) به بیت المقدس در روی خط شوسه قدیمی رومی ها که هنوز آثاران موجود است ساخته شده واز (جنین) (نابلوس) درطول آن شوسه عبور مینماید واین خط آن را درهمان ابتدای طلوع جنگ مشغول ساختن بودند ونظر باهمیت استراتژی مملکت ان ازحیث سرعت انتقالات عسکری حالیه قاعدتا بایستی بکلی تمام شده باشد .

خط آهن (حیفا) را که درسنه ۱۹۰۵ یعنی ده سال قبل ساخته بودند وان راه در نقطه « درعاه » ۱۲۵ کیلو متری « دمشق » به راه آهن حجاز وصل شده است .

دربین النهرین در بغداد

مسئله بغداد وپیشرفت های اولیه قشون ژنرال (نیکس) در مملکت برای عثمانی والمان خیلی اضطراب آمیز شده بود واستماع اخبار آن حدود حالت عصبانی در آنان حاصل کرده بود لیکن « آژانس وولف » بجراید المان اشعار داشت که « یك حادثه غیر مترقبه مهمی رخ داده وخیلی بسرعت خیالات انگلیس را که عنقریب بغداد را متصرف گردند تغییر داد وحرارت فتح مبدل به یك دوش آب سردی شد که مقاصد آنان را واژگون کرده » ازقرار معلوم این حادثه جدید عبارت از اعلامیه جهادی بود که در عربستان جنوبی برضد انگلستان جریان یافت وعلاوه آن سایر مشکلات دیگری که پیشرفت انگلیس ها را بطرف بغداد مشکل تر می سازد .

« کازت دوفرانکفورت » برای تسلیت افکار المانها مینویسد که انگلیس میخواهند بوسیله لیره های خویش قبایل عرب آن نقاط را اکراه کرده وایشان را بطرف خود جلب نمایند ومینویسد که برحسب آخرین اطلاعاتی که ازقسطنطنیه رسیده است « پای تخت خلفای قدیم عباسی قدر کفایت تامین شد واستحکامات لازمه وقوای مکفی درآنجا حاضر گردیده اند وبدین سبب حملات جدیده انگلیس ها بدان نقطه پیشرفت نخواهد کرد .

همان روز نامه راجع بمسئله بغداد ومقاصدی که دول انگلیس وروس تعقیب مینمایند چنین مینگارد .

عملیات انگلیس دراین قسمت ازمیدان درجه دوم مهم ازحیث توسعه یافتن میدان های حرب شایان دقت است .

انگلیس مقصودش آن است که خودش را بقوای روس وصل سازد وعینا روس که بطرف ارمنستان کوشش می نمایند چنین قصد داشتند که سرحدات شرقی عثمانی را ازمملکت ایران جداسازند وبوسیله اتصال باقوای انگلیس سرحدات عثمانی وایران را ازهم قطع نمایند لیکن از زمانیکه درماه دسامبر ۱۹۱۴ پیشرفتن قشون روس درقفقاز جلو گیری وغیر ممکن شد اتصال این دو قوه وتحصیل منظور یعنی جدا شدن ایران وعثمانی نیز وجود خارجی ندارد .

دراینصورت اشغال کردن انگلیس بغداد را غیرازیك نمایش جنگی موضوع بزرگتری ندارد .

شایعه طغیان جمال پاشا بی اساس است

مخبر جریده « تریبونا » ازقاهره تلگراف می کند :

شایعات اخیره جراید اروپا درخصوص آنکه جمال پاشا وزیر بحریه سابق وسردار کل قوای اعزامیه مصر طغیان ورزیده وبرعلیه دولت عثمانی اقدام کرده است تکذیب شده است .

جمال پاشا بامقداری ازقشون عثمانی در حوالی کانال سوئز دیده شده ومشار الیه برای قشون اعزامیه ترك بسمت مصر سمت فرماندهی کل را خواهد داشت .

رتوپاشا که (می گفتند بطرف جمال پاشا رفته) بایك قشون جدیدی بطرف بغداد وجنگ باانگلیسها حرکت کرده است .

غرور عملیات عثمانی والمان
برای بغداد وایران ازجریدهٔ تان

بواسطه وضعیات نامساعد اراضی بین النهرین قشون انگلیس درمقابل حملات وفشار های عساکر ترك مجبور بباز گشت به « کوت العماره » شده وداستان عملیات اخیره فرونت بغداد چنین است .

پس از آنکه در تاریخ ۱۹ نوامبر دویزیون انگلیس به فرماندهی ژنرال توشاند درمجاور بغداد نقطه « زهور » را تصرف کرد ازطرفین ساحل شط فرات ودجله بغداد بنای پیشرفت را نهاد تا آنکه به « تسیفون » رسید وقوای اوانجمی ژنرال ترك « نورالدین پاشا » درآنجا درعقب سنگرها قرار گرفته بودند .

بعد ازیك جنگ طولانی که تمام روز طرفین بشدت مشغول بودند مواقع مزبوره ۲۲ نوامبر بتصرف انگلیسها درآمد لیکن قشون عثمانی که بطرف « دیاله » عقب رفته بود دست از تعرضات برنداشته وحملات پیاپی به قوای ژنرال « توشاند » عمل آوردند وفقدان آب از یك طرف ومهاجمات ترك وعرب ازطرف دیگر قشون انگلیس را مجبور بتخلیه اراضی جدیده نمودند .

سپس امدادهای بزرگی ازقرات قشونی وذخایر جنگی برای سپاهیان ترك رسیده وتعرضات شدید خویش را چنان توسعه دادند که بچندین تکان های سخت قوای انگلیس را تا « کوت العماره » ۱۲۷ کیلو متری بغداد و ۱۲۵ کیلو متری « تسیفون » که آخرین محاربات ظفر مندانه انگلیس ها درآن نقطه باخر رسیده بود راندند .

بدون آنکه طرد وتبعید قشون انگلیس را باین فاصله بزرگ یك شکست فاحش بنامیم بدیهی است این مقدار رانده شدن تاثیرات بزرگی دارد . اما ماژور ژنرال « نیکس » برای آنکه یك موقع مناسبی را بدست آورد که بتواند سپس در بین النهرین درمقابل قشون ترك مقاومت نماید چرا که بواسطه رسیدن امدادیه برای بغداد تعداد قشون عثمانی را زیاده ازاندازه نسبت بقشون انگلیس زیاد کرده است . ابلاغ های عثمانی دراین خصوص یعنی درباب جنگ عزیزیه مرتبه بگوید آن نقطه مواقع طبیعی ندارد وقشون انگلیس ناچار به تخلیه اختیاری آنجا بوده است .

باندازه که قوای انگلیس از خلیج فارس در داخله بین النهرین پیش میرفته است بهمان نسبت قشون وی در اطراف و پست های ارتباطیه راه متفرق میشده است و ناچار بوده که برای حفظ اراضی مفتوحه درهر گوشه عده را مستحفظ بگمارد .

از خلیج فارس تا « تیسفون » خطی را که انگلیس اشغال کرده بوده است ۷۷۰ کیلومتر مسافت داشته واز « کوت العماره » تا خلیج فارس باز هم ۴۳ کیلومتر هنوز در دست آنها است .

حالا باید فهمید کمک های عسکری مهمی که بفرمانده قشون عثمانی در بغداد رسیده « وبا آن قشون فتح کرده‌اند ازکجا رسیده است ، مسلماً این مقدار کمک وعساکر را « نور الدین پاشا » از اطراف بغداد فراهم نکرده است .

از قراریکه معلوم میشود این امداد عبارت از عساکری بوده است که در تحت فرماندهی « برتوپاشا » از قسطنطنیه حرکت کرده وخبری اساسی شایع شد که « جمال پاشا » طغیان کرده واین قشون برای جلوگیری از مشارالیه به اراضی شامات میرود وبعد معلوم شد که این شایعه صحت نداشته واردوی « برتوپاشا » عوض « دمشق » به « بغداد » آمده وموجبات طرد وتبعید سپاهیان انگلیس را فراهم آورده است .

از رسیدن این قشون وامداد باین سرعت چنین مفهوم می گردد که راه آهن بغداد برای حمل ونقل سریع افواج عثمانیه از قسطنطنیه بکار رفته است وقطعاً انگلیس هارا دوچار زحمت نموده است .

تخلیه « خلیج » « سولا » وتخفیف یافتن فشاری که از طرف داردانل به « قسطنطنیه » وارد میشد واطمینان خاطر عثمانی که از جانب کال پولی خطری بوی متوجه نیست تأثیرات اولیه آن همین بوده است که دربین النهرین قوای عثمانی عرض اندام ودر مقابل به انگلیس فشار آورده‌اند ونتایج همین مطلب یعنی قلت عملیات داردانل عنقریب در فرونت قفقاز نیز محسوس هویدا خواهد شد .

در حقیقت وسایل ارتباطیه قسطنطنیه با بغداد مستقیم وخیلی آسان وسریع شده اند وامتداد راه آهن مزبور وسایل مستقیمه انتقالات را مهیا ساخته اند وفقط یک مقدار کمی راه موجود است که بهم اتصال نیافته و آن مقدار یکی در « بادر » « بولیس » ودیگری در گردنه کوهی است که گردنه های « روزانتی » و « تارس » وراه عمدگر باید متصل سازد .

این خط آهن مدخلیت های بزرگ در حوادثی که در مشرق زمین جریان دارد دارد واساس حرکت عسکری آلمان وعثمانی برای قطعات شرق توسط این راه منظم میشود ، یک قسمت مهمی از معبر این خط بالای خلیج « اسکندرون » به فاصله ۲۰ کیلومتر از ساحل دریا واقع شده است ولی از طرف دیگر یک شعبه راه آهن دیگری از خط بزرگ منشعب شده و « ادانه » « مرسین » را بساحل دریا وصل میسازد .

حالا قوای عثمانی که در عربستان وبین النهرین مشغول عملیات هستند بوسیله این خط آهن بزرگ حرکات خود را مرتب وذخایر جنگی را تدارک می نمایند بلکه تمام عملیات آلمان وعثمانی در مملکت ایران بوسیله ارتباط سریع این راه است واساس اعمال آنها روی آن قرار گر وازهمین جاست که قسطنطنیه را یک سره باصفهان اتصال میدهد .

بیانات فؤاد پاشا

از (نورشو) روزنامهٔ (ب ، و) می نویسند که پروفسور (اشتا ملاقاتی را که اخیراً بامشیر فؤادپاشا که بفرماندهی کل قوای مصر شده در جریده (فوسیشه جایتونگ) انتشار داده ودر مقابل توضیحا پروفسور مزبور فؤادپاشا اظهار داشته است : بعقیده من بواسطه انگلیس ها از حوالی بغداد عملیات جنگی قشون انگلیس را دچار اشکال عمده نموده واحتمال نمیرود که دوباره بتوانند بسمت بغداد حرکت

در حالت حاضره « ناظر حرب » بغداد تشکیل یک کلیپولی دومی ر انگلیس ها خواهد داد .

در جواب سؤال اقدامات جنگ مصر فؤاد پاشا بیان نمود : دراین باب نمیتواند تفصیلاتی بدهد ولی می تواند اطمینان کامل بد تکمیل تجهیزات وتدارکات نظامی قوای مصر داده و اینکه عنقر داخل عملیات خواهند شد . در انجام زمستان زمینهٔ محاربات بکلی ت خواهد یافت ودشمنان ما مجبور خواهند شد که موافق مصالح ما صلح ن

خبرهای اروپا

کتا

آلمانها مواقع خود را محکم می کنند ازقرار یکی از مخبرین اطلا از تحقیقات اخیره بخوبی معلوم میشود که آلمانها بایک عزم وفعالیت عظ تمام اراضی ونقاطی را که تصرف کرده‌اند ، مثل اینکه آنجاها را همیشه در تحت تصرف خود میدانند ، جدا محکم میسازند . آلمانها لحظه آسایش واستراحت را بخود حرام کرده‌اند واز این نقطه نظر که در موقع تعطیل وتوقف عملیات جنگی نیز وقت خود را تلف نکر ودر این اوقات مساعی خود را صرف تحکیم اراضی ومواقع خود مینمایند .

و چون اصول استحکامات قدیم باوضاع ووسایل جنگی امروز فائده ندارد ازاینرو آلمانها در متصرفات خود استحکامات آهنی جدیده ترتیب داده وقلاع وسنگرها را باتوپهای تازه ومتر الیوزها بجد وجهد تحکیم وتقویت می کنند . این گونه استحکامات که سرعت وعجله درظرف مدت قلیل ایجاد میشوند بخوبی ازعهده برآمده وبقدر کفایت درمقابل حملات سخت مقاومت می کنند نکته از روی وقوعات تاریخیه به ثبوت رسیده است مهمات عساکر جسور ومدافعین دلیر نیز در حفظ این استحکامات نیست چنانکه درقضیهٔ (پلونا) و (سیواستاپول) باوجود اینکه محکمه برای این دوشهر فراهم نبود عساکر مدافع باکمال شهامت لا آنها دفاع کرده واز این حیث شهرتی در تاریخ برای خود تحصیل کر

آلمانها دراین ۱۵ ماهی که ازما (روسها) گرفته‌اند اردوها بزرگ ومواقع مهمهٔ طبیعی استفاده کرده وبدین وسیله مقاومت را تکمیل کرده اند . آلمانها ازیکطرف باین مواقع طبیعی واز طرف دیگر قلاع وامکنه مستحکمه وخطوط دفاعیه که ازما گرفته اند

یه ولایتیه وسایل اطمینان که بدست آورده اند ، من کرات پانزده ر اصفهانشهر معمور وصدهاقراء وقصبات آباد بما مسترد نخواهند ت وازاینهمه نعمت ومنفعت که ازاین ایالات وولایات وقراء وقصبات صیل کرده و می کنند چشم نخواهند پوشید ازاینرو بانهایت عناد وفدا کاری درمدافعهٔ این نقاط عزم وثبت خواهند نمود .

از روی تحقیق وحساب پروفسور (اسمیرنوف) حکومت روسیه واسطهٔ ازدست دادن ایالات پولشاء لیتوا و کورلاند درصدی چهل یه کارخانجات ومؤسسات صناعیهٔ خود محروم شده است .

ملکت روسیه که اساسا ازحیث صناعت دردرجهٔ ضعف بوده است بواسطه یعنی بامحروم‌شدن از دوخمس فابریک‌های خوددوچار مدهش‌ترین بحران اقتصادی گردیده است .

بعضی از جراید آلمان باصراحت هرچه تمامتر مینویسند که چون روسیه استعداد آنرا دارد که دراندک زمانی تدارک وجبران خسارت خود اقدام نموده وخود را از این ورطهٔ اضمحلال خلاصی دهد ، ازاین‌رو آلمانها اگرهم نسبت بفرانس وانگلیس یک‌نوع رویهٔ مماشات اتخاذ نموده وبعضی گذشتهارا برای آنها ممکن بدانند ، برعکس درمورد روسیه باید هیچ گونه تسامحی را جایز اشمرده وبایک ضربت مؤثری بصنایع روس درمحو واضمحلال آن مملکت بکوشند .

گاهی بعضی شایعات انتشار میابد مشعر براینکه از مقدار عساکر آلمان کاسته شده‌است این‌شایعات‌را نباید بهیچوجه باور کرد ودرصورت صدق هم نباید اهمیت داد . زیرا فرضاهم که ازعدهٔ قشون آلمان کم شده باشد ، بواسطهٔ کثرت توپهای‌سنگین ومترالیوزها وتوپهای مسلسل و سایر مهمات جنگی آلمانها پیوسته قوای مادی و معنوی اردو های خودرا باضعاف مضاعف زیاد می کنند .

نظر بپارهٔ اطلاعات اخیره آلمانها علاوه برافراد قشونی که درجه های مختلفهٔ جنگی دارند ، حتی افراد عمله ومستخدمین امور نقلیه را نیز برای عملیات مترالیوز و توپهای مختلفه تعلیم و ترتیب کرده اند درمواقع لزوم همین مستخدمین غیرنظامی نیز برای عملیات جنگی حاضر خواهند بود اگرما استعداد آنرا نداریم که مثل آلمانها درعالم صنعت واختراعات جدیده موقع مهمی‌را احراز نمائیم ، لامحاله ازتقلید وپیروی آنها نباید غفلت کنیم زیرا که درمحاربهٔ حاضره برای احراز فتح وغلبه لازم است که در صنعت ووسایل میکانیکی بدشمن تفوق حاصل نمائیم درصورتیکه استعداد چنین تفوقی را در خود سراغ نداریم لااقل باید سعی کنیم که ازآنها عقب نمانده باشیم .

آجن‌سوز

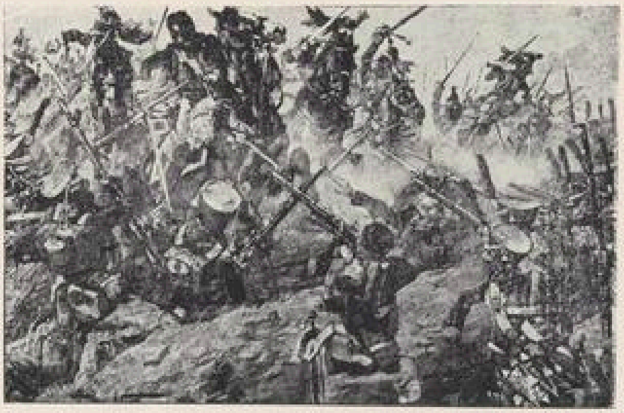
کذا

هجوم دهشتناک عساکر فرانس بر شهر (مسکاو) روس

برلن — قسطنطنیه

خط تلگراف مستقیم از قسطنطنیه تابرلن از طرف خاک صربستان تمام رسیده ومشغول کار شد .

ازقسطنطنیه تابرلن دورشته سیم‌تلگراف بموازات هم امتداد داده‌اند برای آنکه مخابرات دائما ازطرفین تعقیب‌شده ومعطل حرف زدن دیگری نشوند واین ترتیب مخابرات مستقیم بین آلمان وعثمانی واقع میشود بدون آنکه محتاج باشند مثل سابق ازتلگراف خانه واسطه بندر رومانی کنستانز سیم هارا وصل سازند .

ارزاق برای آلمان

ازکپنهاک روزنامه روسکویه اسلو اطلاع میدهند : نظربشایعاتیکه در آلمان دوران دارد دراین اواخر مقدار کلی آذوقه برای آلمان و اطریش دررومانی تدارک شده است بعضی ازجراید آلمان از گرانی قیمت این ارزاق شکایت می کنند ازقراریکه آژانس وولف خبر داده این ذخیره عبارت بوده است ازهفتاد هزار واگون که ۲۰ هزار آن گندم ۱۰ هزار و ۲۰ هزار واگون جو ونخود ولوبیا است .

مساعدت آلمان به اهالی صرب

وزیر امور خارجه « صربستان » به مخبرین جراید ایطالی تصدیق کرده است که آلمانها نسبت بساکنین اراضی مفتوحهٔ « صربستان » کمال مساعدت را کرده و با آنان خوش سلوکی مینمایند و هرچه را که میخرند پول نقد درعوض آن کارسازی میدارند .

در « بلگراد » جیره ومعاش به اهالی بی‌بضاعت وفقرای اطر
میدهند و ادارات بلدیه شهر های « صربستان » باعضاء و منتخب
خویش کالسابق مشغول اجراء وظایف میباشند وازقراریکه ازرو
خوش آلمانها استنباط میشود درصدد هستند که وسایل رضایت اه
را فراهم نمایند .

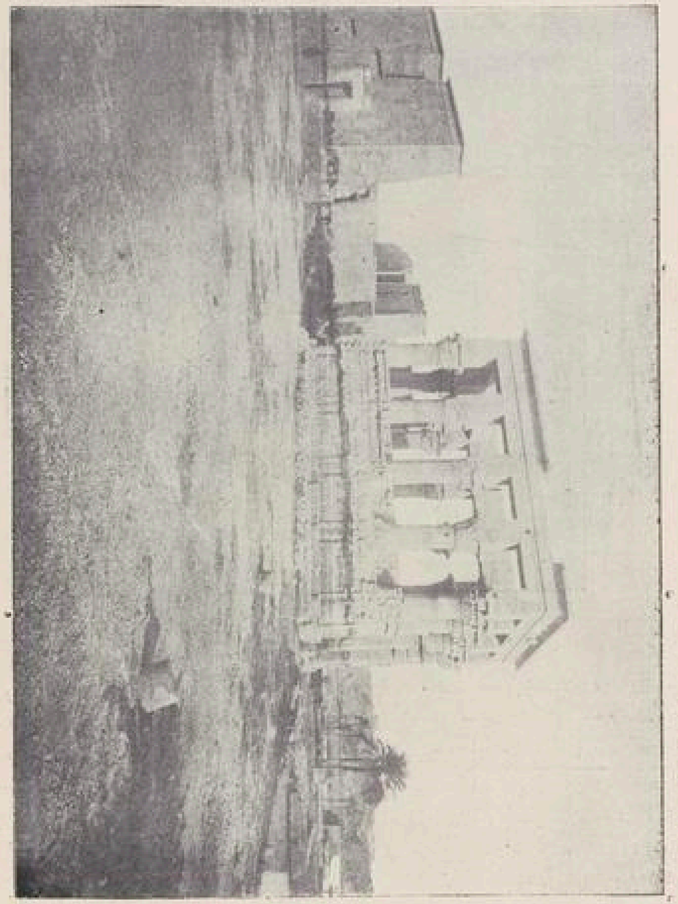

آثار عتیقهٔ جزیرهٔ فیلی که از آثار بسیار مشهور است
از مناظر مصر

مرکز جدید آسمان پیمای آلمان

استردام . از منابع بسیار موثق اطلاع حاصل شده است که آلمانها اخیراً یک مرکز آسمان پیمای بسیار بزرگی را درمجاور شهر « کلو » که نزدیک سرحد « هلاند » است شروع کرده واینک درکار اتمام است ودرانجا تدارک زیادی ازاثروپلان وزپلین فراهم ساخته اند .

اقدامات آلمان درلهستان

دولت آلمان در لهستان حکمی صادر کرده و قدغن نموده ا
اشخاصیکه درساحل یساررود ویستول هستند اگر منازل خودرا
نکنند سخت مجازات خواهندشد . دولت روس دولت آلمانرا متهم
نمود که عین تهدید ومجازات بالنسبه بالمانهائیکه درروسیه هستند

خواهندشد پس ازان دولت آلمان بتوسط سفیر اسپانیول بدولت روس پیشنهاد کند که حکم خودرا لغو ویس خواهد گرفت مطابق اخبار اخیری که از موضع میرسد حکمران ورشو افتتاح مدرسه عالی علمی ورشو ودارالعلوم لیهستان را تصویب واعلان کرده بود که درتاریخ ۱۵ نوامبر مدارس مزبور جاری خواهندشد

تدارك آلمان

بکارست روزنامهٔ (پیرزاویا ویدو موستی) ترجمهٔ جریدهٔ (روسیا) که ازطرف مسیو (تاکه‌یوبکو) تاسیس واشاعت میابد خبرذیل را منتشر ساخته است :

وازطرف فرمانده کل اردوهای المان نقشه جدیدی برای جنك ترتیب داده شده بموجب این نقشه آلمانها دربهار آتیه یك هجوم بسیار عمده بمیدانهای روسیه خواهندنمود . درمحافل عمدهٔ آلمان بهیچوجه اهمیت بدولت بالکان نداده وتصور می کنند که اردوهای متحدهٔ بلغار وعثمانی ازعهدهٔ عملیات این میدان برخواهند آمد و احتیاجی بمعاونت قوای المان واتریش نخواهند داشت .

آلمانها می گویند که مابطور قطع باموفقیت صلح خواهیم کرد وبرای نیل بمقصود باتمام قوای خود یك ضربه قطع در میدانهای شرق بر روسیه وارد خواهیم آورد .

مراسم عید درسنگرهای آلمانی

کسانیکه ازمیدان جنك به شهر (کیف) رسیده اند خبر میدهند که آلمانها برای مراسم عید میلاد مسیح تدارك کت عمده حاضر می کنند میخواهند مراسم عید را بایك شکوه وطنطنه و جلال هرچه تمامتر درمیان اردوهای خود انجام دهند . همه روزه قطار های واگونهای مملو ازاغذیه وعیدیها لاینقطع بمیدان جنك وارد میشوند وتقریبا یك اردوی بزرگ ازمامورین پستخانه مشغول تقسیم این عیدیها هستند . دراین اثنا حتی افراد قشونی که درعملیات جنگی مجروح شده‌اند شرکت دارند . درسنگرها نیز مشغول انتظامات وسلیقه‌ها و تزیینات هستند درخطوط دوم وسوم سنگرها بطور تعجیل چراغهای الکتریك وبرای گرم کردن سنگرها بخاریهای آهنی گذاشته میشود هر گونه ماشینهای الکتریکی ودیگهای بخار ولوله‌های آهنی وسایر ادوات لازمه که برای گرم کردن سنگرها بکار میرود مجملا از آلمان وارد شده وبرای تزیینات داخل سنگرها نیز هرگونه میزها وصندلیها واثاثیه از هرقبیل آورده می آورند .

تفأل برای صلح

روز نامه « عثمانیش لوید » که بزبان فرانسه در اسلامبول اشاعت میابد ، دریکی ازشماره‌های اخیرخود دوفقره تفأل راجع بکابینه جدید فرانسه مندرج ساخته‌است اول تفألی‌است که روزنامه فیگاروی فرانسه ازروی اسامی اعضاء کابینه جدید استخراج نموده باین ترتیب که اسامی بیست وچهار نفر وزرای فرانسه‌را درزیر یکدیگر ردیف ساخته وازهر اسمی یك حرف برداشته واین حروف وقتیکه ازبالا بپائین قرائت میشوند جمله‌ را تشکیل میدهند که مضمون ان این است :

این کابینه صلح را امضا خواهد کرد

دوم : تفأل است که روز نامه المانی معروف (کلنیشه زیتونك) بهمین ترتیب ازروی اسامی وزرای جدید فرانسه استخراج نموده‌ویك جمله دیگر تشکیل میدهد که مضمون ان اینست :

(هیهات ! المان صلح را خواهد قبولانید)

بیانات مارشال هیند نبورك

روزنامهٔ (رلیرلکال آنزکر) مینویسد که (مارشال فون هیندنبورك) درضمن مقالات وبیانات خویش بمسیو (پول گولدمان) مخبر جریدهٔ برلین لیر (روزنامهٔ آزاد) وین اظهار نموده است : دشمنان ما تماما حاضر بصلح نیستند زیرا که هنوز خود شانرا مقهور و مغلوب فرض نمی کنند . وماها را مجبور می کنند که مغلوبیت آنهارا بخودشان بخوبی ثابت نمائیم کسیکه موفقیات متوالیه طرف مقابل‌را انکار کند بایداورا بقسمی مجبور نمود که کاملا اقرار به مغلوبیت خویش نماید .

چیزی که بیشتر ازهمه جالب تعجب وحیرت است این است دول ودولت عالیه اما میجنگند نمیدانند که چقدر خسارات وصدماتی را بواسطه خاطر انگلیس متحمل شده اند ما دراین نگهداری حقوق خود که همواره احراز موفقیت کرده ومیکنیم میخواهیم بدول سایره که هدف مقاصد انگلستان میشوند بفهمانیم که نتیجهٔ اینهمه فداکاری هارا که هیچ نتیجه برای خودشان ندارد بخرج میدهند وضعیات محاربات ازاول جنك تا کنون در تمام نقاط اردوی قشون نظامی وعملیات استراتژی کاملا موافق ومساعد قوای حربیه ماست .

ژنرال معظم المانی پس ازین خودداری هنوز هم خواهانی گوید که قوهٔ نامی روس با کثرت قوای احتیاط ورديف تلفاتی‌را که درین میدان های جنك داده علاوه برانکه باستحکامات وصنوف سایره ذخیره نمی تواند تکمیل نماید قدرت تجهیز قوای جدید هم ندارد و متفقین نیز نباید بعد ها ازروس منتظر معاونت وامید موفقیت باشند .

درباب محاربات ایتالیا وقشون اطریش ومجار مارشال هیند نبورك اظهار نمود : خوشوقتی من ازمغلوبیت قطعی ایتالیا است واین جنك خاتمه نخواهد پذیرفت مگر آنکه سه دولت مقصریکه باعث این محاربات بودند باید دچار مجازات سخت ومورد عقوبات شدیده بشوند وتاوقتی مادامیکه انگلیس وصرب وایتالیارا کاملا تنبیه ومجازات نکرده وپاداش اعمال ایشانرا بدست خودشان نداده‌ایم محاربات را خاتمه نخواهیم داد

تهدیدات آلمان

ازکپنهاك اشعار میدارند که مسافرینی که از آلمان وارد میشوند حکایت می کنند که درتمام المان فقط یك صدای متحدی بلنداست که اهم عبارت ازپیش رفتن بسمت مشرق‌است یعنی (بدویم بمصر تاانکه ضربتی بقلب دولت انگلیس بزنیم) بوصف این گمان نمیرود که دولت المان یك اردوئی برای مصر گسیل دارد فقط دربار برلن دراین صدداست که هزار صاحبمنصب بسمت مصر معین داشته واعزام نماید .

خبرهای راجع بایران نقل ازاخبار های ایران

عملیات آلمانها در ایران

« نویه ورمیای » روسی شرح ذیل‌را راجع بایران مینویسد :

کار کنان آلمان بالاخره موفق شده اند که بعده کثیری ازاهالی ایران وانمود کنند که قیصر ویارانش اخیرا دین اسلام را قبول کرده

است ومیگویند این امر طبیعی است ، زیرا که آلمانها از نژاد ایران قدیم وسابقاً مسلمان بوده‌اند ،

در حقیقت نژاد اولیه قبایل ژرمانی یا آلمان از شهر قدیم ایران « کرمان » واقع در جنوب ایران بوده ودر واقع « کرمانی » بوده که « ژرمانی » نامیده میشوند چرا که « کاف » کرمان همان کاف « گرمانی » می باشد که در السنه اوروپائی « کاف » « را » « ژ » تلفظ نموده وقبایل مهاجرت کرده « کرمانی » « ژرمانی » گفته شده است .

دکتر هـای عوامل آلمانی در ایران دلایل متعددی برای اطمینان خاطر ملت ایران ذکر کرده‌اند که آخرین شبهه را از قلوب آنان برطرف ساخته و ثابت نمایند که ژرمانی‌ها از نژاد ایران و بنابراین مسلمان بوده‌اند.

می گویند — اهالی « کرمان » در ازمنه سالفه مجبور بمهاجرت از قطعه آسیا گشته وبه « اروپا » آمده رحل اقامت افکندند وبعدها در مرور ایام مجبور شدند که آئین عیسویت را اختیار نمایند و از آنجائیکه حالیه خیلی از چیزها تغییر نموده است ژرمانی های امروزه یا کرمانیهای قدیمه حاضرند که به آئین سابق خود عودت نمایند پس در اینصورت ایرانیها چنانچه بطرف آنان متمایل شده و با آنها جهاد نمایند کرمانیهای امروزه حاضر هستند که با کفار جنگ وجهاد کنند .

کار کنان آلمان در ایران البته ایرانی پوشیده ونوکر از خود اهالی تملک گرفته وبر حسب مقررات قرآن مرتباً همه روزه وضو گرفته وماننـد ایرانیهای حقیقی رفتار مینمایند .

قوای عثمانی

از کرمانشاهان اطلاع داده میشود که یک عده از قشون عثمانی باصاحب‌منصب وسه باطری توپخانه وارد قصر شیرین شده وبطرف کرند حرکت خواهند کرد .

در اردبیل

از اردبیل خبر میرسد که دو روز قبل در خارج شهر یک نفر سالدات روس مقتول گردیده است این مسئله باعث جنگ بین قشون روس وشاهسونها گردیده ورشته جنگ هم چند روز است امتداد پیدا نموده .

در طالش

در این ایام متدرجا قشون روس از انزلی بطرف طالش حرکت می کنند و آنچه خبر رسیده است در آن نقاط اهالی طالش وغیره زد و خوردی نموده‌اند ولی نتیجه معلوم نشده است .

اختلالات روز افزون هند

« داره در جهلم »

کورنمنت پنجاب اطلاع ذیل را اشاعه داده است :

در شبهای مابین ۱٦ ، ۲۰ سپتمبر یک گروه افریدی‌ها که بیش از ٦ نفر بودند و سلاح پوره هم داشتند بخانه یک هندوی متمول ساکن رانجها حمله کرده اند .

(بقرار رپورت رسمی هند) که ۲ نفر آنهارا همه اهل ده جمع شده گرفته‌اند ومحصول امساله آنده که ۷٦۷ روپیه بود از طرف حکومت هند مکافاتاً باهل ده بخشیده شد . آفرین باین مجوز ماهرانه که خودشان را بخود جایشان مضمحل میسازند ! . . . آه جهالت ! . . .

داره در موضع کراول

یک خبر از کلکته رسیده که درین اوقات در خانه یک بنگالی چندین دزد برای نام داره افتاده و آخر زیورات بسیاری بمبلغ ۸ هزار کلدار از آنجا برده فرار کردند

تعداد این نفری قریب ۵۰ نفر بوده که همگی بتفنگهای مسلح بودند ، وروهای خود سیاهی مالیده بودند که شناخته نشوند ، از ین تعریف و توصیف مجزا اینکه بگوئیم که این داره بودند هیچ تعبیر معقول دیگری کرده نمی‌توانیم

کذا

در « دار جیلنگ » نام موضع ۲ دفعه داره افتاده که اول چند تاجرها را گیر کرده ویکی از آنهارا کشته و ۲ هزار روپیه کلدار را وزیور وعلاوه بران نقد دیگر هم گرفته‌اند

این نفری هم بسیار وهم بتفنگ مسلح بوده‌اند دفعه ۲ در خانه هندوی در آمده مبلغ ۲ هزار روپیه کلدار برده‌اند . عبدالها

(اختلالات روز افزون)

« هند »

درهفته گذشته رپورت (۱۲) داره‌ها به پولیس بنگال رسیده که سرنگین آنها (هندو ومسلمان) هست ، موقع اینها در ومغرب بنگال بوده است

جسور	۲	داره
بوگرا	۱	«
دهاکه	۱	«
جلپائیگری	۱	«
کهلنا	۱	«
مید ناپور	۱	«
مرشد آباد	۱	«
پتنه	۱	«
پربهوم	۱	«
فرید پور	۱	«
بنکورا	۱	«

در فریدپور داره بحری شده بود وتعداد داره والا قریب نفر بود ودرین دار ها بسیار مالها برده شده است .

داره مدهش دیگر در بنگال

یکخبر کلکته اظهاری کنند : ـ که در ٦ جمادی الاول وقت یک جماعه نوجوانها بفاصله ۲٤ میل صدر ستیشن ایلیت کنج حمله کرده مبلغ ٦ هزار کلدار را نقد وجنس وزیور بردند .

« دیگر داره »

بخانه یک زمیندار ضلع کهلنا نوجوانان در آمده و کلید صندوق ازصاحب خانه خواسته پس از انکار او اورا کشته وعیالش را کلیدرا یافته از صندوق قریب دو هزار کلدار نقداً وجنساً زن مجروح هم تا شفاخانه رسیدن فوت شده است

خبر هـای اوروپا

نطق قیصر در فرونت روس

«قیصر ویلهلم» که بادقت تمام جزئیات و کلیات جنگ را مراقب ز تمام وقایع وحقایق مطلع واز جریان حالات روحیه قشون خویش ملا بصیرت دارد در ضمن نطق هـای حضوری درمقابل عساکر وجوه خطابه های کتبی که صادر می نماید مخصوصا ساعی است که جبات هیجان وتشویق عساکری که درفرونت روس مشغول عملیات ند بشکل مؤثری صورت پذیر گردد .

اخیرا درفرونت روس درموقعیکه قشون المان مامورشده بودند که ملیات شدیده نموده وبمواقع مشکل وخطر ناکی پیش روند . بدون لاع وبدون مقدمه «قیصر» بدانجا ورود نمود .

صاحبمنصبان بموجب شناخته رژیمان‌ها بنای دفیله نمودن درحضور یصر» را نهاده وژنرال فرمانده کل حسب المعمول بنای خواندن را رت خویش رانهاده که دروسط قرائت راپورت دست بشانه فرمانده نهاده مشارالیه ساکت شده و«قیصر» بصدای بلند که همه کس نیدند چنین گفت .

«حرف زدن چه فایده دارد درصورتی که این قبیل مردان زبردست موجود درمقابل من می گذرند وچنین قشون برومندی در فرمان من ست . خودم بهتر میدانم که عملیات بزرگی از آن جمله ظهـور سیده وچه زحمات طاقت فرسائی برای ایفای خدمت تحمل کرده‌اند .»

پس روی خویش را بطرف سربازان کرده و گفت :

«فرزندان عزیزم . شماهامظهر قدرت وافتخار المان‌هستید شما دراین دت مشاعب بزرگی را تحمل کرده وعملیات مشقت آمیزی را بانجام سانیده‌اید . من‌خودم کاملا ازتمام آنها اطلاع دارم . من‌قدر واهمیت حمات وزحمات بزرگ شمارا دانسته ومیدانم چه‌قدرا کارهـای عظیمی رده ومیتوانید یک کمی دیگر صبر کنید یک بادو نوبت دیگر کوشش نید وآنچه را که خواسته ایم بعمل بانجام میشود تأمل وتحمل نمائید ه زحمت وابراز فدا کاری نزدیک رسیده است . یک کوشش کنید ای عظیمه مایه‌میل ودلخواه ماصورت یافته است . وقتی که یک اسب ی میدان طویل را دویده است آخرین فرسخی که به سر منزل مقصود میرسد بنظروی سخت می‌آید لیکن اگر بداند که موقع راحت زیاد بردن گوی سابقه نزدیک است درمقابل تندتر وشادمان‌تر میرود . بشما اطمینان میدهم بمنزل امن وراحت خیلی نزدیک شده‌اید آرامشگاه سعادت وسیادت را شما نشان بدهم که تمام مشاقی را که حمل نموده اید جبران کرده و پاداش افتخارات شمارا بحد اکمل مهیا ساخته است .

فرزندان من . دوستان من . شما هائی که اسباب فخر وشرافت من ستید مقصود نزدیک شده است بشتابید .»

طوریکه حاضرین موقع نطق «قیصر» حکایت می‌نمایند در آنوقت پراطور بصدای خیلی رسا وبلند لیکن بطور ملایمت مثل آنکه خواهد دیکته نماید نطق می کرد بنوعی که سربازهای صفوف اولکه کلمات وی‌را می شنیدند جمله به جمله که بصفوف مابعد گفته و آنان نیز به ترتیب بخطوط بعیده قشون تبلیغ می‌نمودند .

دراین نطق امپراطور سربازان خویش را برای مشکلات جنگ زمستانی روسیه حاضر ساخته وموجبات هیجان وترغیب آنان‌را فراهم کرده و گفت .

«روسیه نمی‌خواهد باما صلح جدا گانه نماید واساس امیدواریهای خویش‌را براین‌قرار میدهد که عنقریب اشتداد سرمای زمستان رسیده ومیتواند نفس راحت بکشد شماها هم فرزندان من خودتان را برای جنگ زمستانی مهیا کنید . میدانم که شما خسته هستید . ماقبلا تصور می کردیم جنگ بیش ازچندین ماه طول نمی کشد لیکن زیاده از انتظار سابق ماطولانی شد ودراینصورت طبیعی‌بود که‌بایستی خسته می شدیم . ولی‌بخاطر آورده که نتایج زحمات شما بوضع درخشانی باید خواهدشد مساعی وفدا کاریهای شما درموقع تابستان فتوحات ولوله آمیز و نتایج بی‌اندازه درخشانی حاصل کرد . مازمستان را نمی گذاریم که بدون عملیات مشعشعی تمام گردد . خسته کی زمستان در وجود شما مردان هنرمند روز کار مؤثر واقع نمی گردد همان طوریکه تا کنون درمقابل پنجه های دست وپای خرس روس چنگال های پولادین خودرا بوی فروبرده اید درمقابل اشتداد سختی زمستان فعالیت وجدیت هـای وحشت بار خودرا ارائه خواهیم داد .

مهاجمات مهابت آمیزمدت تابستان خودرا مداومت خواهیم کرد . ماتا کنون قوای خویش را تمرکز داده ایم که برای‌شکستن حریف جستن نمائیم فعلا موقع همان جستن رسیده است . قوای خویش‌را جمع وعضلات آهنین خـودرا حاضر کرده پیش روید پیش روید تارقیب را درهم شکنید .»

حرکت هیند نبورک بسمت لندن

یکنفر شاعر المانی کتابچه بی‌نهایت دلپذیر بنظم نوشته و آنرا سیر قشون هیند نبورک درلندن نام نهاده است . اهالی المان این کتابچه‌را خیلی میخوانند .

وقایع نگار کمپانی‌معاونه تلگرافات مقیم‌سویس ازفصل آخر آن کتاب چند فرازرا اخذ کرده بمااطلاع میدهد . فصل آخر کتاب در خصوص حرکت‌قشون‌المان‌درخیابانهای مهم‌لندن‌میباشد . شاعر المانی بطوریکه پیش گوئی مینویسد قبل از ورود قشون المان بلندن در دهات اطراف شهر جنگ شدیدی بوقوع می‌پیوندد که المانها موفقانه آخرین قشون انگلستان پوسیده را متفرق وپرا کنده میسازند . در کراپدان فیلد مارشال هیند نبورک قشون المان را سان می‌بیند . وخطاب بسپاهیان کرده می گوید رفقا ماپر نخوت ترین شهر عالم را بتصرف خـویش در آورده ایم . شب قبل ازورود سپاهیان المان که دردهات اطراف لندن اردو زده اند چراغهای لندن را می‌بینند ـ در حالتیکه ازترس گاه خاموش و گاهی روشن میشوند .

حرکت ازپل لندن ساعت ۹ صبح شروع میشود ـ هیند نبورک روی مرکب‌خویش قرار گرفته وکشتی زیادی درکنارش ایستاده تماشای

اولین زپلین المانی را میکنند که قدم دو بسوی شهر امیرا طوری میروند . چنانچه کوئی درمیدان دفیه برلن مشغول مشق ظاهر هستند . مردان های المان کارخانه جات کشتی سازی وتخته های کنار دریارا که ازجمله زپلینها مشتمل هستند تماشا میکنند . مقصد قشون پارلمنس جیوش میباشد .

روز گذشته پایهای واستمنستر وچارینگ ازاثر آتش توپخانه المان خراب شده وتمام درشکها ووا گونها واتوامبیل ها درپل لندن جمع شده اند هزاران هزار انگلیس روی درشکه ها وبرفراز اوتوموبیل ها میایستند که میندبور ولد قشون را تماشا نمایند . بالاخره قشون المان ازخیابان کینگ ویلیم عبور کرده به زروت ترین قطعهٔ عالم که عبارت از محوطهٔ میان مانسیون هوس وبانک انگلیس وبورس باشد میرسند . در اطراف بانک قشون المان یک جماعتی ازانگلیسها را می بینند که داد وفریاد شان برای پول بلند است .

لرد مایور لندن ازعمارات فوقانی قصر گیلدهال بالفظ های فرسوده وچشم پراز بهت وحیرت ، رقشون المان نگاه می کند . اجزاء بورس درحالت خشم ولی پراز بهت وتعجب دریک گوشه جمع شده ویک دیگر مینگرند قشون فاتح المان اول وارد خیابان سن پال شده ازآنجا به خیابان فلیت وبالاخره بمکوب لندن میروند .

آخرالامر هین دنبورک وبعضی صاحب منصبان عالی رتبت بمجالس پارلمان رفته در آنجا متعجبانه ملاحظه میکنند که یک عکس هین دنبورک را آویزان نموده اند .

« تیمس » ۲۳ نوامبر

ازجراید المان

انتخاب ازمقالات مضحک المانیا

استعفای مستر چرچیل

وقایع نگار برلن جریده تیکارت مینویسد :

اینک احساسات آمیخته ازشادی وغم ملاحظه میشود یکی ازوزرای انگلستان که میخواست هاطور که موشهارا ازتوی سوراخ بیرون آورده میکنند بحریه المان را بقول خودش ازتوی سوراخ بیرون بیاورد استعفا داد .

مافسوس میخوریم همان طور که انگلیسها ازعملیات این شخص محروم شدند ما هم ازالطاف او محروم میشویم ازوا واستعفای چرچیل بخوبی معلوم میدارد که وضعیات داخلی دولتی که جنگ بین المللی را برپا کرده درحالت انهدام میباشد .

دراین جا لازم نیست که مستر چرچیل را اعلام نمائیم .

چرچیل یک آدم حریصی است که به یک مرض که درخود انگلستان هم اسباب تعجب میباشد ازیک ادارهٔ بیک اداره بالا رمیرود وخیلی دلش میخواست که او هم یک بهره از شکست المانیا برده بدین وسیله خود را در بزرگ ترین مسند انگلستان جای دهد . چرچیل همان شخصی است که میگفت بزودی مراجعهٔ بحربهٔ المان ولیاقت اقتصادی المان خواهم ایستاد اما آبورس ووفاداران گزافه گوئی ورا معلوم کردند .

اعلان

سراج التواریخ

جلد اول — و دوم

زندگانی جاودانی هرقوم وملت (تاریخ آنست . «سراج التواریخ» آئینهٔ حیات نمای ملت جلیل افغانست . زیرا از آغاز تشکیل و یافتن دولت افغانیهٔ حاله تخت مرادکه برای حال واستقبال ملت بهترین درسگاه عبرت . ونخوشتر ازین اشیاء ملت تصور نمیشود . هر فرد ملت را واجب است که یک نسخهٔ ازآنرا بدست آرند ومانند حرز در کتابخانهٔ قلوب خودشان نگهدارند . علی الخصوص که کتاب مذکور به یک خاصانه وخیر خواهانهٔ استفادهٔ عموم بامر وفرمان عاطفه صفات پادشاه مقدس ما اعلیحضرت « سراج الملة والدین » تالیف ودو ودرمطبعهٔ حروف دارالسلطنه کابل زیورطبع آرایش وزینت یافت

جلد اول این کتاب ازابتدای سلطنت خاندان ذیشان (سدوزائی) یعنی از آغاز تأسیس واستقلال دولت علیهٔ افغانستان تا ورود اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان مرحوم جنت مکان ازهند در کابل تخت وجلد دوم آن ازحکومت خاندان جلیل الشان (محمدزائی) یعنی ازابتدای حکومت اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان تا اول دور اعلیحضرت « ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان » طاب ثراه وقا تاریخیه را جامع میباشد وکاغذ اعلا بحروف نیب بطبع رسیده است . قیم کتاب مذکور نسبت زینت وخوبی تجلید آن ازقرار ذیل است

نمبر (۱) پشتی چرمی چرم تصواری دانه‌دار کابلی تخت جلد جدول طلا پرکار نشان دولت واسم کتاب از ورق طلای اعلی بندی شده مبلغ شانزده روپیهٔ پختهٔ کابلی —

نمبر (۲) پشتی مقوا روبه کیرماشی چهار کنج وزه چرم قرمز حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلاجه سیزده روپیه پختهٔ کا

نمبر (۳) پشتی مقوا روبه کیره لاجوردی چهار کنج وزه چرم مشتی سرخه کابلی تخت حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلا جزه بندی شده یازده روپیه پختهٔ کابلی وده شاهی —

نمبر (٤) پشتی مقوا روبه ازی چهار کنج وزه چرم مشتی کابلی تخت حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلاجه کو شده ده روپیه پختهٔ کابلی وسه شاهی —

نمبر(۵) پشتی مقوا روبه ازی سرخ چهار کنج وزه کیرهٔ شیالیمو ونشان دولت ورق طلاء جه کوک بندی شده نه روپیهٔ پختهٔ ویازده شاهی —

محل فروخت

درقلب ارگ مبارک که از تحویل خانهٔ جناب محمد ولیخان سر

در بازار ارگ از دکان عبدالله خان

چون کتاب مستطاب سراج التواریخ چهار جلد میباشد از وقایه وشیرازه میشد حجم کتاب موصوف کلان میشد لهذا اعلیحضر همایون والا امر نمودند که جلد اول ودوم دریک وقایه شیرازه وجلد سوم وچهارم آن که هنوز درزیر طبع میباشد وپس از طبع برآمده مقوا کرده شد انشاءالله اعلان فروش آنهم که خواهد شد فقط

درچهاپخانهٔ حروف دارالسلطنه کابل طبع گردید

هرمقاله هایکه دستخط ندارد از طرف مدیر ومحرر محمود طرزی

محمود طرزی

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا

یاد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که ازتکلیف رسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خودها برآیم ممکن نشد لهذا یادا کتخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یک مفاوضه نموده را کتخانه مشارالیه تقسیم وتوزیع اخبار ماراکه بهمه مشترکین کرام ما رساند درعهدهٔ همت خود قبول نمود. مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را تبشیر ویاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای را کتخانه بخود شان میرسد.

شرایط خریداری

دارالسلطنه	ولایات داخل افغانستان
قیمت سالیانه هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه پنج روپیه کابلی	ششماهه هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان

هرجائیکه باشد اجرت پوست

قیمت سالیانه | ده روپیه انگلیزی قیمت ششماهه شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراک قبول نمیشود

یک طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است از ان قرار حساب کنند

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی. وصنعتگران که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند. ویادیگر مردم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود:

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تاپنج بار نشر وشایع شود بهرسطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تاپنج بار فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر ازپنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود. طول سطریک ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تایک سال نشر کردن خواهد ووجه یک ساله را پیشکی ادا نماید درورق متن بهرسطری ساله اجرت گرفته میشود

اعلان

سیاحتنامهٔ سه قطعهٔ روی زمین

در ۲۹ روز

آسیا ✕ اوروپا ✕ آفریقا

(مطبعهٔ عنایت) یک اثر دلپذیر جدیدی در نظر هوشیکاران عرفان جلوهٔ عرض میدهد. بدست آرید. بخوانید. درظرف ۲۹ روز یک مدت کمی سه قطعهٔ زمین را بسیاحت آن بکنید. وهمراه دور وسیر میکنید. مملکتهای را که بران بگذرید مفصل ومکمل جغرافیا وتاریخ آنرا خوانده میتوانید. چه چیزها می بینید. چه چیزها میشنوید. چه لذتها چه مزه ها میگیرید: علمی. ادبی. سیاسی درعین زمان شاعرانه عاشقانه هوسات رانگیزانه ـ یک اثر

این اثر ازسه جلد مرکب ودریک وقایه مجلد میباشد. تقریباً (۷۰۰) صحیفه. وبا (۱۰۵) قطعه تصاویر مناظر عتیقه واشخاص معتبره وقلعه های مهمه مزین است. باین همه خوبیهای آن قیمت (۷) هفت روپیهٔ کابلی. آن هیچ نیست. کاغذ اعلا. چاپ حروف. تصاویر زینکو گراف. جلد محکم واستوار: دیگرچه میخواهد: هوشمندی که باید نقل مطالعهٔ مبارک که دردوره افغانان به (عبدالرؤف) خان سرمرتب مطبعهٔ مبارکه یادر بازار شاهبازار کابل (یار محمد) تاجر کتب یادر بازار کتب فروشی متصل مدرسهٔ شاهی دکان حاجی ملا (غلام محمد) خان تاجر مشهور کتب رو آورده و تبلیغ فوق کتب مذکوره رابدست آرید دیگری کار نمی ماند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1614 of 1786

(اعلان)

پراکنده

آثار مطبوعهٔ تازهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت، از یک مجموعهٔ اشعار ابدار تجدد آثاری میباشد که بکاغذ اعلا، وخوبی طبع دارا، باتصاویر بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است. اگرچه از تحت خط وخال بعید است ولی مضامین وخیالاتش سراسر یکطرز جدیداست. نسبت بخوبیهای ظاهری ومعنویش قیمتش خیلی ارزان. یعنی بمقابل (۲) دو روپیهٔ کابلی درخود مطبعهٔ عنایت از نزد عبد الرؤف خان سر مرتب، ودر بازار ارک از دکان باز محمد، ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان حاجی غلام محمدخان تاجرکتب هرکس خریده میتواند.

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعه آثار ادبیه را مژده! از زیر نو بسر رسیدهٔ گلزار «مطبعهٔ عنایت» کامجانرا شیرین نماید: «جزیره پنهان» یک ناولیست که قوت علم ومعرفت وسعی وغیرت را برای اساس زندگانی نوع بشر بنظر ثابت وجلوه گرمیسازد. هم حکایت، هم عبرت عمومی، هم فضیلت! خوبی جلد، خوبی کاغذ، خوبی تصویرش علاوه، قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان! تنها (۶) شش روپیه محل فروخت نفس مطبعهٔ عنایت در ده افغانان، دکان باز محمد در بازار ارک، دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی.

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد
کتاب سال دوم « « « مصور مجلد
کتاب سال سوم « « « مصور مجلد
کتاب سال چهارم مصور مجلد
علم و اسلامیت
آیا چه باید کرد!
ادب درفن
توحید
مختصر جغرافیای عمومی

این کتابهای فوق دراداره موجوداست. هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد باداره مراجعت کند.

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

	قیمت روپیه کابل
سیاحت دورادور زمین بهشتاد روز مجلد	۲
سیاحت درجو هوا مجلد	۲
سیاحت در زیر بحر مصور مجلد	۴
از هر دهن سخنی واز هرچمن سمنی مجلد	۲
روضهٔ حکم مجلد	۲
پراکنده مصور مجلد	۲
جزیرهٔ پنهان مصور مجلد	۶

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوق را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان ازنزد عبدالرؤف خان سرمرتب واز دکان باز محمد خان کتابفروش دربازار ارک واز دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل مدرسه شاهی بقیمتهای معینش خریداری کرده میتواند. واگر از خارج افغانستان ارزوی خریداری کتابهای مافوق را بکنند بمدیر سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند.

اعلان

کتابهای مجلد سراج الاخبار افغانیه، وکتابچههای علاوگان ونمبره های متفرقهٔ آن، وهمه کتابهای مطبعهٔ عنایت خریداران که آرزوی خریداری آنهارا داشته باشند از دکان حاجی ملاغلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی، واز دکان باز محمد خان تاجر کتب در بازار ارک بقیمتهای معین آن خریداری کرده میتوانند ونیز در خود اداره درملتیمخانهٔ مبارکه، ودر خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان هم بفروش میرسد فقط

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

شمارهٔ ۱٦ سال پنجم

فهرست مندرجات

مراسم دربار معالی‌بار	(
حوادث داخلیه	(یک مولود مسعود نو ورود ـ
ادبیات	(قطعه زبان افغانی در اطاعت اولی‌الامر
مکتوب	(
حوادث خارجیه	نقل از اخبارهای ایران ـ اوضاع ایران ـ مسدود نمودن راه‌ها ـ جنگ همدان ـ مراسم پذیرائی در قسطنطنیه ـ سیاحت امپراطور المان ـ ولی عهد عثمانی وفرماندهی قوای مصر ـ خبرهای اوروپا ـ انبارهای زیردریا برای تحت‌البحریها ـ کانال وضد قوهٔ دریا ـ خلاصهٔ آخرترین خبرهای جنگ از اخبارهای مختلف ـ نطق صدراعظم آلمان در رایشتاغ ـ یک حادثهٔ ابدی در تاریخ ـ نوبت یونان ـ انگلیس ـ وضعیت نظامی ـ افسانهای صلح ـ جنگ با اصول تشدید ـ اختلالات روزافزون هند ـ پولیس سرگرم تحقیق وتفتیش است ـ آخرترین خبرها ـ وایسرای جدید هند ـ حمله بر محاذ برطانوی ـ گرفتاری طیارهٔ بحری برطانیه ـ محاربات وردن ـ حمله‌جات در مشرق میوز ـ تاخت هوائی مزید ـ تلفات تاخت هوائی ـ تاخت هوائی برساحل ـ ترجمه اخبارهای انگریزی ـ کامیابی مدافعی بعوض تلفات کثیر ـ تعطیل در سلسله ارسال ومرسول ـ
اعلان	(سراج التواریخ
تصاویر	یک تذکار سنه ۱۳۳۰ ذات اعلیحضرت پادشاهی باخدمتکاران معیت شاهانه‌شان ـ مخترع مشهور ومعروف دنیا موسیو ادیسن امریکائی ـ از مناظر هندوستان ـ منظرهٔ شهر سملا که پای‌تخت صیفیه حکومت هند است ـ منظرهٔ زمستان در یک کوچه شال کوته

اعلان

ازصنایع پدرهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب مرا
در خانه جات . ماشین خانهٔ مبارکهٔ دارالسلطنه کابل علاوه بر اشیای حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه و او سپورس
مسا کر شاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخل که ازآن اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت هم
حکم فروش آن صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ، ذیل (دکان عبدالله خان دربازار ارگ) میباشد.

(۱) سرجهای پشمینه بافی رنگهای مختلف که قیمت آن از قرار گرانکیری ۳ فونه مشخص شده، در صندوقخانهٔ جنسی هم برخ وقیمت

اقسام	قسم اول					قسم دوم					
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم وقیدری که قیمت آن ۱۰ پیسه ازفونت	
رقم	تاحال ساخته نشده	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت		۷ روپیه ۰ پیسه	۶ روپیه ۱۱ پیسه	۶ روپیه ۴۲ پیسه	۵ روپیه ۴۸ پیسه	۶ روپیه	۵ روپیه ۱۸ پیسه	۶ روپیه	۵ روپیه ۱۰ پیسه	۶ روپیه ۱۰ پیسه	۵ روپیه ۲۰

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکری | کشمیره چهارخانه ۷ روپیه ۳۵ پیسه | کشمیره زهدار هر رقم ۷ روپیه پیسه

(۲) ت جراب ﴿۳﴾ تکمه های چرمی محراب ومنبردار

رقم	نکتاینکه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج	کلان قیدرجی	میانه قیدرجی	خورد قیدرجی
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه	۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۵۰ پیسه

(۴) کروره های جدیدساخت

رقم	زه باف یک اسپه دوکره دو تاره	زه باف یک اسپه دو کره سه تاره	چرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ چار تارهٔ نخی
قیمت	۸ روپیه و۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲۴ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۹ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم باف دسته بادامی دو اسپه	چرم باف دسته دولانه یک اسپه	دسته دولانهٔ یکی چار اسپه	چرم باف عمرکان
قیمت	۴ روپیه و۸۰ پیسه	۴ روپیه و۴۶ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۴۳ پیسه
رقم	قمچه رنگی کیت نقره دوتخانه	قمچه کیت نقره از چرم سه لایه نوتخانه	زه باف رقم سواری ساس کیت	زه باف دو تارهٔ رکان
قیمت	۳ روپیه و۵۵ پیسه	۴ روپیه و۵۷ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵۴ پیسه
رقم	رکابی ارنج	چرم باف میانه چوب پیت زنانه	ازژن سواری تیغ چرمی	زنانه ابریشمی خیاطه
قیمت	۴ روپیه و۴۵ پیسه	۵ روپیه و۸۱ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته بادامی تیغ چرمی	دستهٔ دولانه ساس ونجی کیت نقره	ازژن سواری دولایه تیغ چرمی کجک دار	چرم باف مابین پیت یک اسپ
قیمت	۴ روپیه و۴۹ پیسه	۴ روپیه و۴۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

﴿۵﴾ اقسام گلهای مصنوعی سر

قیمت	گل جرین	گل نافرمان	گل پرپینه	گل شبو
قسم	۵ روپیه و۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۶ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قیمت	شگوفهٔ نارنج	گل یسمن	گل لسترن	چنبیلی
قسم	۷ روپیه و ۴۵ پیسه	۶ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
	شگوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۹ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۹ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

(المشتهر)

(میر محمد هاشم دفتری کار خانجات (کرنیل نظامی)

صحیفه (۱) سال پنجم (شماره) ۱۶

قیمت سالیانه
[دار] السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
ولایات داخله ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
ولایات دیگر ۱۰ روپیه انگلیزی
پانزده روز یکبار نشر میشود
یک نسخهٔ آن دو پول یکپیسه است
اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

مدیر ومسئول محرر
محمود طرزی

ادارهٔ تحریر و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنه (کابل)
همه اموران تحریریه بادارهٔ خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ قمری ۱۵ جمادی الثانی ۱۳۳۴ تاریخ انگریزی ۱۸ اپریل عیسوی ۱۹۱۶ تاریخ شمسی ۲۹ حمل ۱۲۹۵

مراسم دربار معلی بار

بموجب رقعه‌های خبری که از طرف ایشک آقاسی صاحب ملکی و عسکری ماتحت شان بزمرهٔ مشایخ ووکلا و ارباب مناصب ملکی وعسکری تقسیم شده بود به ساعت دوم ظهر روز جارشنبه جمیع مشایخ عظام ووکلای ذی احترام وغیره مدعوین کرام که بلباسهای فاخرهٔ رسمی شان ملبس بودند جوق جوق بدالان سلام خانهٔ عام حاضر شدند. دربار برخلاف سابق از سبب کثرت نفری جوکی‌های که برای نشستن مدعوین همیشه حاضر میبود برداشته شده بودند. وبعوض آن برولین ومقتی که ازیک سر دالان سلامخانه تا بدیگر سر آن گسترده میباشد صف صف نفری نشستند از همه اول نفری مشایخ محترم وسپس وکیلهای ولایات وهر محال بقرار درجه وترتیب خودها در مواجههٔ موقع عالی سلامخانه که برآن تخت عالی تخت سلطنت سنیهٔ افغانیه موضوع است قرار گرفتند خوانین دربار وارباب مناصب ملکی وعسکری نیز بهر دو طرف مشایخ ووکلا اخذ مقام نمودند وبساعت ۲ آهسته آهسته همه دالان وحجره سلامخانه از یکسر تا بدیگر سر املا شد درین اثنا همهٔ شهزادگان عظام نیز داخل سلامخانه گردیده وهریک بمحل مخصوص نشستن خود شان متوجه شده وضعیت دربار را زینت فراوان بخشیدند. تا به ساعت دونیم هیئت دربار کاملا وضع نظم وآرامتی را کسب نموده همه منتظر به تشریف سعادت ردیف ذات اعلیحضرت پادشاه شوکت پناه خود شان انتظار میکشیدند تا پس از چند دقیقه آواز دلنواز موزیکهٔ عسکری که سلامی بزرگ پادشاهی را مینواخت رفع ابهام انتظار نموده قلوب انتظار جمیع حضار را بدیدن چهرهٔ ملاحت بهرهٔ همایونی فرحت وبشارت داد بعد از توقف ۲ یاسه دقیقه ذات اعلیحضرت همایون والا از دروازهٔ غربی سلامخانهٔ عام داخل گردیده بعد از آنکه از طرف عموم یک حرکت تعظیم واحترام بعمل آمد بر تخت عالی تخت سلطنت سنیهٔ افغانیه بکمال شوکت واحتشام جلوس فرموده همه‌گان را با احوال پرسی عمومی شاهانهٔ شان مفتخر ومباهی ساختند واز طرف عمومی حضار دعای سلامتی وجود سعادت نمود اعلیحضرت پادشاهی بجا آورده شد. سپس بعد از آنکه بالای تخت سلطنت قدری مکث ودرنگ فرمودند وبعضی از مشایخ عظام را به احوال پرسی ولطف ومهربانی مخصوص شاهانهٔ شان نایل وسزاوار گردانیدند برای ایراد نطق همایونی از زیر تخت عالی تخت در حالیکه جمیع حاضرین برجای های خود استاده شدند بکمال عزو شکوه برخاسته چنین بکلام حکمت پیام انشا فرمودند:

قریباً مدت دوماه یا دونیم ماه خواهد شد که درینجا یکدربار کرده بودیم ومرادما ازان دربار این بود که چون امروزه روز در همهٔ عالم یک جنگ ویک گیر ودار بزرگی جاری است پس درینصورت ما را چه باید کرد؟ چنانچه نفری که حاضر دربار بودند این مسئله را به آنها فهمانیدم که درینوقت از همه اول برای ما اتفاق میباید وچون میخواستم که این خیال خود را بهمهٔ افراد ملت فهمانم اینها چنان اندیشیدم که همهٔ رعایا از هرمحال برای خود شان وکیلها منتخب نموده ولایتیکه بدار السلطنهٔ کابل نزدیک هستند مانند شش کروهی و کوهدامن وکوهستان وغوربند وجلال آباد وهزاره جات وبهسود وغیره نفری ووکلای خود را بدار السلطنهٔ کابل روانه بدارند. واز ولایات دور مانند هرات وقندهار ومزار ومیمنه که درین سردی زمستان آمدن شان مشکل بود وهم رسیدن شان تا بدار السلطنه خیل مدت وانتظار بکار داشت لازم کدام حکومتی ونایب الحکومهٔ آنجا متوجه شده اظهار فکر وخیال خود را بکشند وبعد عریضه گشته بتوسط عرایض عرض حضور بدارند. اینها نیا نفری مشایخ محترم ووکلا را که خواسته ام مرادمن اینست

که شما البته ضرور ازین یك امر خبر خواهید بود که امروزه روز بر روی دنیا یك جنك بسیار سخت و یك گیرودار و یك شورش . و یك کشمکش عظیمی است چنانچه اکثر دولتهائی که مانند ما بودند هم تا اخیر وضع سابقهٔ خودرا حفظ کرده نتوانستند و در بین این دولتها ما حال خودرا بدولت ایران بسیار مشابه یافتیم . ایران در زمان ناصرالدین شاه یك دولت آزاد و مستقل بود و هیچ اغتشاشی در آن موجود نبود ناصرالدین شاه قریباً ۵۰ سال بجد سعی کم بر تخت سلطنت ایران حکمرانی کرد و بعد ازوی پسرش مظفرالدین شاه بر تخت نشست و بسببی که مزاج او اکثر علیل می بود چندان بامور سلطنت نه پرداخت تا بعد از حکمرانی تقریباً ۷ سال یا کم و بیش در گذشت و از اینجا حالت ایران رو بخرابی نهاد چنانچه بعد ازوی پسرش بر تخت نشست و در عهد وی بسبب ظهور تفرقه و اختلافی که در آن مملکت روی داد شیرازهٔ ایران بکلی از هم گسیخت و حالا امروز در ایران چنان احوالست که در آن روس و جرمن و ترك با یك دیگر جنك میکنند و ملت ایران از دولت خود جدا شده و هریك از متخاصمین یعنی ترکها و روسها و جرمنها از ملت ایران برای خود شان نوکر می گیرند و بهمدیگر می جنگند وایران بسبب همین تفرقه و بی اتفاقی خود حالا میدان جنك دو لشکر اجنبی گردیده است ! در اینجا یك مثالی در خصوص بلای بی اتفاقی برای شما بیان میکنیم . در زمانهٔ قدیم یعنی از زمان نبوت حضرت موسی علیه السلام قدری بعد یا قبل قومی از بنی اسرائیل مرتکب یك گناهی شده بودند بسبب آن گناه خودها نادم و پشیمان گشته از حقتعالی استغفار خواستند و نزد پیغمبر آن وقت برای عفو و استغفار این جرم خودها رفتند آن پیغمبر چون بدرگاه حقسبحانه تعالی در خصوص مغفرت ایشان التجا کرد وحی آمد که این قوم بسببی که بگناه شدیدی مرتکب شده اند لهذا ازین سه بلا یکی را برای خود اختیار کنند که بایشان بفرستم اول قحط دوم طاعون سوم بی اتفاقی بعد از آنکه همهٔ قوم این حکم الهی را شنیدند درمابین خود شان برای انتخاب یکی ازین سه بلیه مشورت کردند و نزد پیغمبر خود آمده ، گفتند تا به حقسبحانه تعالی عرض کند که بدون بلای بی اتفاقی ازین دو بلا که قحط و طاعون باشد هر کدام را که بر ما می فرستد مختار است . در بنوقت از حقسبحانه تعالی وحی آمد که ازین قوم سبب قبول نکردن بلای بی اتفاقی را بپرس پیغمبر موصوف از ایشان پرسید که حقسبحانه تعالی میفرماید چرا بلای قحط و طاعون را اختیار گردید و بی اتفاقی را قبول نه نمودید گفتند در صورتی که اتفاق داشته باشیم البته کاهی چنین نخواهد شد که مردهٔ ما غیر مدفون و مریض ما حتی المقدور بی مداوا ماند و هیچ نباشد در وقت قحط تنها بدیدن همدیگر همدل های خود ما را تسکین داده خواهیم توانست ولی در صورت بی اتفاقی اغلب آنست که بسیار زودی و دفعتاً بکمال فضیحت تباه و هلاك شویم . بنابرین حق سبحانه تعالی را اتفاق آن قوم خوش آمد و گناه ایشانرا عفو و سمح فرموده بود که آن نزول بلاهای قحط و طاعون را نیز از ایشان دور داشت ! و ظاهر است که بلائی بدتر از بی اتفاقی در جهان وجود ندارد ، و هر قومی که در آن بی اتفاقی راه یافته بالاخر فنا و برباد گشته است ! پس چه باید کرد ؟ اتفاق ! ! اگر اتفاق کردیم جهان گلستان شد ! خداوند تعالی مرا برشما از طرف خود بادشاه مقرر فرموده و شمارا
در تحت حکم من داده است [صداهای تصدیق] پس هر چیزیکه
ببینیم البته کاهی برای نفس تنها و ضرر دین خود نخواهم اندیشید
برای خیر دین و خیر شما خواهم اندیشید من فی الحال خیر شمارا در همین
که دولت و ملت باید هر دو باهم همدست و متفق باشیم مراد از دولت
است و مراد از ملت آن ملتی نیست که معنی آن در کتابها نوشته
بلکه باصطلاح زمانهٔ حال ملت عبارت از رعیت است مثل لفظ صاحب که
اصلی کتابی آن یار و رفیق است و حالا در اصطلاح ما و شما در
خداوند و ملاك استعمال میشود . ملت هم همچنان است . و مراد
دولت با ملت و ملت با دولت متفق باشد یعنی چنانکه من با شما متفق هستم و خیر شما
خیر خود و ضرر شمارا ضرر خود میدانم همچنان شما هم باید با دولت خود
باشید و خیر اورا خیر خود و شر اورا شر خود بدانید . مراحق سبحانه
که بر شما بادشاه و اولی الامر مقرر فرموده و شمارا هم در همهٔ مسایل که
شریعت نباشد باطاعت من امر فرموده است [آوازهای تصدیق
در وجود من قبلیتی دیده است هرچند که من مدعی آن نیستم [صدا
های همچنین ، همچنین] پس من امروز خیر شمارا در همین می بینم که
باید بدولت خود اتفاق کنید ! درمابین خودها خانه جنکی وغیره
و خون و نزاعها را ترك بدهید ! و با همدیگر متفق و همدست گردید
من از طلبیدن شما و کیلها را بحضور خود همین بود که این مطلب
بشما و همهٔ افراد ملت خود بفهمانم که در بنوقت که بر روی زمین
است و هیچ کس نمیداند که فردا چه خواهد شد و خبرهای
هم اعتبار و استقراری نیست برای ما و شما از همه اول اتفاق لازم است
کما باید باهم هم خیال و متفق باشیم و تا زمانیکه ممکن باشد با یکدیگر
داشته باشیم . من از خدای خود همیشه آرزو دارم که مرا توفیق
تا هر کار را موافق بخیال خود بکنم که در آن خیر ملت و دین و
باشد و در صورتی که (خدانخواسته) ملت من از امر من روگردد مرگ خود را
از حیات دوست تر دارم [از طرف عموم صداهای پر جوش و آوازهای
خدانخواسته باشد و سر و جان و مال ما فدای بادشاه] شما نفری وکیل
محض برای همین مطلب و بعضی مطالب دیگر که هنوز موقع آن
خواسته بودم که شمارا بفهمانم ولی چون بر شما بسیار وقت گذشت
شد که شما از خانه های خود جدا شده اید و در اینجا هم انتظار
لازم بود یعنی نمیتوانید که تا ۵ ماه ۶ ماه دیگر بی خانه و خاطر
بگذرانید لهذا شما از جملهٔ همین پنجصد و چهل نفر که هستید
۳۰ و ۴۰ نفر وکیل و کیل منتخب کنید باینطریق مثلا اولا ۳۰
انتخاب کنید و تا چند ماه این ۳۰ نفر در همینجا بوده باشند و بعد
این ۳۰ نفر رفته در عوض آن ۳۰ نفر دیگر شما که آنها را هم در
گرده باشید بیایند و باز اینها رفته بعوض آن ۳۰ نفر آخری بیایند
حالا ، ۹ نفر وکیل و کیل گرفته می توانید که همچنین سی سی نفر که
لازم باشد بنوبت آمده و رفته باشند و اخراجات سفر و قیام این
همه از طرف سرکار داده میشود و هر چیزی که بایشان گفته شود
و همهٔ افرادملت رسانیده میشود . وقتیکه شما ها ایشان که مدتی است
های خود جدا شده اید و خواه نخواه عیالها و اولادهای تان هم

پریشان خواهد بود بدربار آینده بعد ازانکه باهم ببینیم وخلعت‌های خودرا بگیرید انشاء الله رخصت میشوید وازینجا که رفتید همین چیزی که امروز من بشما گفتم هرکدام تان بنفری تعلقهٔ خودتان سفارش بکنید ملکه نقل این تقریر امروزهٔ من بشما داده خواهد شد که بمحلات خود بعداً رفته برای مردم بخوانید ، وبرمشایخ عظام محترم خود هم که پیرا هیئت روحانیهٔ ملت من میباشند توصیه میکنم که همواره درهرموقع بخصوص اتفاق واتحاد وعظ کنند ومردم را بسوی اخوت اسلامیه دعوت بنمایند زیرا فی الحال برای ما اتفاق ازهرچیز الزم وضروری است ومیباید که بحصول همین مطلب کوشش خودهارا بالاتفاق صرف نمائیم [درینجا جناب میرصاحبجان پادشاه صاحب که خلیفه ومأذون اولیاء حضرت زاده صاحب مرحوم است وهم بکمال شجاعت وصفت مردانگی موصوف است بزبان قومی افغانی خود ازطرف عموم حاضرین بآواز که وازطرف خود بالاصاله بعرض عتبهٔ علیهٔ همایونی رسانید که ماهمهٔ نفری مشایخ ووکلا برای فدا کردن خودرا درراه رضای خدا ورسول که رضا وخوشنودی پادشاه موقوف ومنوط است بسروجان وتن ومال حاضریم ، ومدعیون پیدانیم که حقسبحانه تعالی ذات ستوده صفات پادشاه دیندار مارا ازهمهٔ بابیشتر فهم وذکا وعقل وفراست مرحمت فرموده وهم اورا از خود بابیشتر بخیر وضرر ما واقف گردانیده است ، وما در هیچوقت وهیچ وقت ازامر وفرمان اولی الامر خودمان که حقسبحانه تعالی برما فرض گردانیده سرکشی نداریم ! وما راست که بوجود چنین پادشاه ترقی خواه دیندار خیراندیش خود بدرگاه حقتعالی شکر کنیم وازحضرت حق وقادر مطلق بکمال عجز ونیاز طول عمر وبلندی اقبال وقوت ونصرت اعلیحضرت اولی الامر معظم خودمان را مسئلت نمائیم ، ودرین موقع همهٔ نفری حاضرین دست بدعا برداشته ازیکسر تادیگر سرسلامخانه بابلند غریو آوازهای آمین آمین متصل فرا گرفت واصل دعاهم درین آوازها وغریو های پرجوش درآمدم جهت اجابت بعرش سما بلند ،] واخیراً ذات اعلیحضرت همایون اشرف والاهمهٔ حاضرین راامر عودت عطا فرموده بعدازانکه سلامی بزرگ شاهانه نواخته شد جمیع نفری هریک بسمت عزیمت خودها متوجه گشتند وبدینصورت مراسم دربار معالی بار باتمام شوکت واحتشام انجام واختتام یافت !

حوادث داخلیه

یک مولود مسعود نوورود

روز پنجشنبه ۱۰ ماه جمادی الثانی سنه ۱۳۳٤ ولادت باسعادت مولود مسعودی در گلشنسرای خاندان جلیل الشان سلطنت ازصلب پاک جناب سما بفخامت مآب سردار اکرم حضرت نائب السلطنه صاحب افخم وقوع آمده دلهای همه اخلاص کیشان سدهٔ سلطنت سنیه را شادان الفرحان ساخت .

(سراج الاخبار افغانیه) دعای طول عمر وبقای این مولود مسعود را بملاحق ذات خجسته صفات والدها جد کثیرا لحامدشان ووالدهما جدهٔ محترمهٔ عالیهٔ شان درزیر ظل ظلیل مراحم دلیل ذات قدسیت صفات اعلیحضرت (سراج الملة والدین) پادشاه دانش ودین خود از بارگاه ذات اقدس کبریا نیاز میکند وبعرض تبریکات خالصانهٔ عاجزانهٔ خود میپردازد

ادبیات

(قطعهٔ زبان افغانی)

(در اطاعت اولی الامر)

اطاعت داولی الامر فرض عین دی
بلی بی ثابت سوی په قرآن
ار ویدلی پهدی وی چه خلق وایی
رعایا دی تول پسو ته شه شبان
هغه پسه چه اطاعت دشبان نه کی
خوډ بیو خوری دیلیوان او شرموشان
پسه دځان په خیر وشر که پوهیزی
لهرمه وورزی لقمه می دگر کان
چه لیوه پرومه راسی دامی پته
جمیت ریز دی رهیبی پر بیابان
چه جدا جدامی دوی خپل شپانه پریزدی
لیوه خپل مطلب حاصل کی پهدا آن
چه لیوه پهرمه کدمی حالی داوی
پهسر دوپتو تول لره لی پری لمان
جدا مدنی جدایی توره بلاده
هم دغه له خدایه غواړی دشمنان
دښمن هم دامطلب دی مثل وارده
لیوه څه غواړی له خدایه دو باران
جدا مهمی لهرمی شپانه قبول کی
او که نه وی پیاده وکی دیرا رمان
پهرکاب کی پهسرور کی شه تابع سی
شکری وکی زموز شبان دی مهربان
دهر شه تعظیم لازم پرهغه میزی
او که نه کی خود به وکی دیر نقصان
باری خدایه ته توفیق را کی زموز ته
چه دخپل پادشه تابع سو پښه شان
شه توفیق داطاعت و موز ته را کی
چه دخپل امیر تابع سو په قرآن
خو نه لوی نعمت دربیدی پرموز سوی
چه پادشه مومسلمان دی هم افغان
دغه لو مهربان د خدای ده جانه
چه خپله قوم دی زموز شبان
خدایه ورکه جدایی اودورنکی کی
توله یو کاندی جمله مسلمانان
آمین
(صالح محمد)

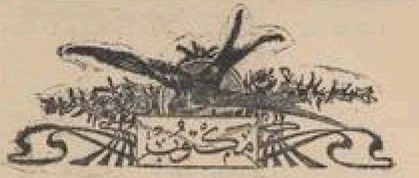

مکتوب

جناب کرام ذوی الاحترام فصاحت و بلاغت بیان صداقت و صادق بیان محمود خان مدیر سراج الاخبار افغانیه در دولت خداداد حضرت ظل الٰهی سراج الملة والدین دام ملکه معزز و نیکنام باشند ـ بعد از شرح دعا گوئی دوام دولت خداداد که در ضمیر هریک از رعایا و برایای افغانستان از روی اخلاص و محبت می گزرشت ـ مصدع حال آن خیرخواه دین و دولت خداداد می گردد اینکه ـ در بنوقت بتوسط عالیجاه شجاعت و صداقت همراه جرنیل عبدالغفار خان نظامی که خدمتگار صادق سرکار و فدوی دین و دولت است بجهت وقوف مضمون نسخه های محبت اطاعت اولی الامر که در مطبعهٔ عنایت چاپ شده در میمنه هم از حضور مبارک جناب معالی القاب شاهزاده جوان بخت معظم معین السلطنه صاحب چندجلد آن رسیده بود در بیت که در مجمع عام که همگی از نظامی و رعایا از افغان و اوزبک و ترک و تاجک حاضر بودیم مضمون نسخه موصوف را بآواز بلند جرنیل موصوف خوانده همگی از معتبرین ملکی و افسران نظامی و کل اهالی رعایای مذکور بیک جوش و خروش صادقانه بیک زبان و یکدل درباب شوق اطاعت اولی الامر حضرت سرکار سراج الملة والدین دام ملکه از شوق و ذوق باطنی و اخلاص و محبت قلبی ظاهر نموده عریضهٔ متضمن تطبیق دلایل عقلیه بانقلیه بحضور جناب معالی القاب معین السلطنه صاحب درباب اطاعت حضرت سرکار اشرف اقدس والا همگی باتفاق عرضداشت نموده عریضهٔ موصوف را بتوسط ذالک الیوم بحضور جناب ممدوح ارسال نموده نقل آن را مطابق اصل ماقضوین سرکار و اهالی محکمه شرعیه ایتولا باشندهای مردم مذکور ـ در محکمه سراج الاخبار در نزد آن فصاحت شعار روانه نمودیم الناس مایان و عموم رعایا و نظامی ایتولا این است که آن جناب بجهت استحضار کل برادران دینی و ملی اهالی افغانستان نقل مذکور را که مطابق اصل است درج سراج الاخبار فرمایند تا همگی واقف و باخبر بوده شوق و ذوق خودها را در اطاعت این پادشاه ترقی خواه لشکر نواز رعیت پرور اضافه در اضافه نمایند فقط نقل عریضهٔ مذکور همین است که معروض و مرقوم می گردد فقط

(نقل مطابق اصل)

فدای حضور مبارک جناب عالی معین السلطنه صاحب شوم قطعه فرمان مبارک عالی مؤرخه پنجشنبه ١٣ ربیع الثانی ١٣٣٣ نفاذ یافته مضمون اینکه چون شکرانهٔ وجود مسعود مبارک اعلیحضرت شهریار عدالت شعار اولی الامر مقدس و متبوع اقدس پادشاها اعلیحضرت سراج الملة والدین روحی و جسمی فداه و صرف همت عامهٔ رعایا در ادای حقوق اولی الامر فرض ذمت عامه رعایا است که بحکم قرآن عظیم و احادیث رسول کریم و احکام و اقوال امامان دین ثابت و مستحکم است و عامهٔ رعایای افغانستان بحمدالله والمنه در اطاعت اولی الامر راسخ دم و ثابت قدم می باشند بنا بران خواستم
که در مطبعهٔ عنایت که بسی آثار نافعه تا کنون طبع شده است
از دینی و رسالهٔ شرعی درباب حقوق اولی الامر نیز طبع گردد و
عامه رعایه ممالک محروسه دولت خداداد توزیع و تقسیم شود تا
دینیه که درباب اطاعت اولی الامر در کتب دینیه موجود است
عامه رعایا گردیده و همان محبت و اطاعتیکه باشهریار دیندار مرام
معدلت آثار الحمدلله تعالی بیشتر کما داریم زیاده بر زیاده شده و
دینی از مطالعه آن حاصل گردد لهذا رسالهٔ اطاعت اولی الامر که از
معتبرهٔ دینیه انتخاب و تالیف شده و بتصدیق قاضی القضات افغانستان
بطور هدیه مطبعه عنایت موازی بیست قطعه نسخه ارسال شد
منصبداران ملکی و نظامی و خطیبان و واعظان و مدرسین دلا
بطور هدیه بدون قیمت تقسیم شود تا مضامین آن ذهن نشین عامه
آنولا گردیده از خواندن و شنیدن مضامین آن ذوق و محبت
در اطاعت اولی الامر دارند زیاده بر زیاده شود و حضور عالیجاه
امرخیر مرحمت حضرت آلهی جل جلاله حاصل شود انشاءالله
تصدقت شوم بموجب مضمون فرمان موصوف عالیجاه شجاعت و
همراه جرنیل عبدالغفار خان که خدمتگار صادق حضرت
وجانثار دین و دولت است ما مردم را از معتبرین ملکی و
و تمامی نظامی و عموم رعایا از افغان و ازبک و ترک و تاجیک
در بیت که در مجمع عام طلب نموده در هنگامیکه همگی
بودیم کتابچهٔ مذکور را بآواز بلند خوانده بعد از شنیدن و
مضمون نسخه موصوف بشوق و ذوق باطنی و اخلاص و محبت
همگی محبت خودها را در اطاعت اولی الامر ظاهر و اشکارا ساخته
والتجا بدرگاه حضرت حق سبحانه و تعالی برقای وجود حضرت
اشرف والا و ازدیاد عمر و اقبال شهزاده جوان بخت والاجاه و
دان و دودمان شاهی برداشته از او سبحانه و تعالی تزاید و استحکا
و اطاعت حضرت سرکار را برای خودها و جمیع برادران دینی
خودها طلب کرده ترقی مراتب شوکت و اقبال و ترفع لوای عظمت
را برای حضرت سرکار و اتفاق و یکدل بودن کلی اهالی افغانستان
رضای خاطر شریف حضرت شهریار نیز از درگاه حضرت آفریدگار
مسئلت نموده همگی باتفاق و یک زبان و یکدل مضمون این عر
نیز اظهار نمودیم عرض ما این است که همچنان که بحکم کلام حضرت
و احادیث رسول خیرالانام صلی الله علیه و آله وسلم و اقاویل
و پیش روان ذوی الاحترام بدلایل نقلیه آنچه که در نسخه مو
درج گردیده اطاعت اولی الامر واجب است اطاعت این پادشاه
ترقی خواهی ملک و سپاه نوازی و رعیت پروری بدلایل عقلیه
است چه از اوایل جلوس تا حال که سال پانزدهم است
کثیره و عواید متکاثره از توجه خاطر شریف اقدس والا
خداداد بما برادران دینی و ملی مایان که رسیده در عصر هیچ
هان نامدار گذشته و سلاطین ماضیه از برای رعایا و علاقهٔ مملک
اینچنین رفاهیت و آبادی مملکت بنسبت عصر سابق همان پاد
و نرسیده است مایان از آبادی مملکت و انتظام نظام و آرای

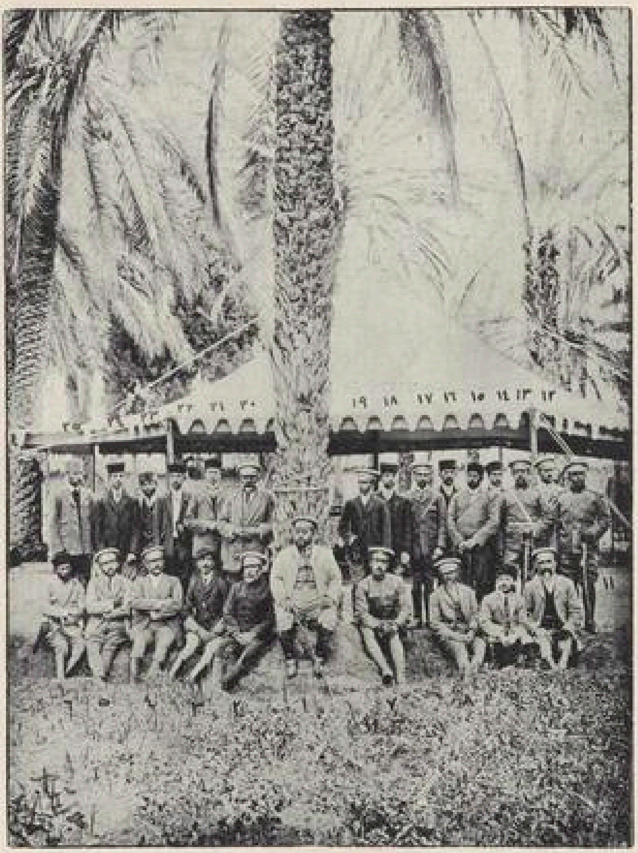

یك تذكار سنه . ١٣٣
ذات اعلیحضرت پادشاهی باخدمتكاران معیت شاهانهٔ شان
در (خرما باغ) جلال آباد
(صف نشسته كان)

(١) ذات اعلیحضرت هماونی — (٢) مصاحب خاص سردار محمد یوسف خان — (٣) بركاب باشی شاه‌ولیخان ـ (٤) مرحوم محمداسلم خان — (٥) عبدالاحد خان — (٦) صالح محمد خان — (٧) خان امیور احمد شاه خان ـ (٨) خازن الكتب محمد زمان خان — (٩) ایشیك آقاسی حضوری نیك محمد خان — (١٠) امین العسس فتح محمد خان —

(صف ایستاده كان)

(١١) — معین السلطنه شهزاده سردار عنایت‌الله‌خان (١٢) — آدم‌خان (١٣) عین الدوله شهزاده سردار امان الله خان (١٤) — سكندر خان (١٥) محمود طرزی (١٦) محمدشریف‌خان (١٧) — سپه‌سالار محمدنادر خان (١٨) — محمد صدیق خان (١٩) شهزاده محمدكبیر خان (٢٠) — مصاحب خاص سردار محمدآصف خان (٢١) محمد اسحاق خان (٢٢) محمد امان خان (٢٣) امان بیك خان (٢٤) — محمدیعقوب خان — (٢٥) مرحوم محمد اكرم خان

رعیت بیک درجه در ثبوت مدعای خود دو دلیل عقلی می آوریم که در عقل نیز اطاعت اولی الامر ملازم ثابت باشد اول اینکه قاعدهٔ مقررهٔ عقلا است که شناخت هر چیز در مقابلهٔ ضد آن چیز است پس ما از زمان حال در از زمان گذشته آن مقابله نموده تصور تمام فهمیده می شود که مرحمت ها و ترقی خواهی های حضرت سرکار از بخشیدن کرورها روپیه باقیات ها و اضافه کی تنخواه [illegible] خاص

قراردادن در اول جلوس و اشتهار استمالت ایشان و استرداد املاک اید
و انداختن رباطهای شش کروهی کل علاقه جات و سرکها و نهال مر
و آبادی باغها و آبادی بعضی قصبه های متبرکه و موترها و اختراع مکتب
و فنون جدیده و اختراع سراج الاخبار افغانیه و ساختن شفاخا
و مقرر شدن وظیفه از برای مدرسان و خطیبان و قراء و حفاظ و

مخترع مشهور و معروف دنیا موسیو (ادیسن) امریکان
با عایله اش
تلگراف ، تیلفون ، فوتو گراف ، گراموفون و بسی اختراعات الکتریکیهٔ بدیعه را همین شخص بپا
ایستادهٔ سر برهنه بود کای خارق العادهٔ دماغ خود ایجاد کرده است و حالا نیز زنده و بیک اختراع عجیب
و غریبی میکوشد که مشغول است

مدارس و مساجد و مدرسه حفاظ جدیده در هر ولایت و تزاید اسباب و رواق و ماشین و کارخانه ها و مقرر نمودن محکمه جات متعدده و محکمهٔ واقعه نگار ها و محکمه جات الطلاعات و غمخواری پنهان بجهة بازخواست و رفاهیت رعایا و نظم لشکر و ترقی ملک بحیه اندازه در مملکت آبادی و در نظام انتظام و در رعایا رفاهیت و آرامی شده است فقط

دلیل دوم آنکه اگر امروز علاقه دولت خداداد افغا
بهر سرزمینی که نسبت داده شود واضح معلوم میشود که
امروز آنقدر آرامی و شوق امر دین و مسلمانی و رفاهیت و
و اتفاق یکدلی که از برای سکنای دولت خداداد حاصل است
ملان در کرهٔ زمین از برای هیچ علاقه میسر نیست در هر

آرامی و آبادی مملکت وانتظام نظام وجمعیت خاطر درحقیقت مسعود اشرف اقدس اعلیحضرت سرکار است مایان در اول که هنوز آثار اجرای منمت های مذکوره درحیز قوه بوده یامده بود ازروی شرع بحکم آیه وافی بعهده ، اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم ، بیعت وعهد نموده بودیم حال که آثار منافع در ترقی و آبادی مملکت وانتظام نظام و آرامی رعایا ازحضرت دیده ومشاهده نموده بدلایل عقلیه هم ثابت شده است بحکم وطع نیز تجدید بیعت وعهدرا برخود ها لازم گرفته بحضور عالیجاه فراه قاضی ملادین محمدخان واهالی محکمه شرعیه اینولاعهد صحیح مینمائیم اینکه عهدمایان برخدا ورسول او صلی الله علیه و آله وسلم ن ورمق دربدن داریم سراز پادشاه دین پناه ترقی خواه عدالت آیین اعلیحضرت سراج الملة والدین دام ملکه نه پیچیده بر دوست دولت خداداد دوست وبردشمن دولت خداداد دشمن بوده مال وجان خودهارا دررضای خاطر اشرف اقدس والا آنچه که باشد مصروف داشته از اطاعت ورضای خاطر شریف والا درهیچ وقت تخلف وانحراف نمیورزیم ازخداوند حق سبحانه وتعالی عمر واقبال حضرت سرکار را درترقی وتزاید ت ما و برادران دینی وملی مایان را دراطاعت ورضای خاطر اشرف اقدس والا یکدل ویک جهت داشته وبداراد وبجاه محمد العربی صلی الله علیه وآله الامجاد چنانچه کل معتبرین ملکی از سادات وعلماء وارباب وآق سقال عموم رعایا وافسران وتمامی نظامی عرض وعهد مذکور را نموده در حضور مبارک جناب عالی نمودیم فقط —

زیاده خیریت است نقل مطابق اصل تحریر گردیده فرستاده شد تحریر فی یوم شنبه ١٦ جمادی الاول سنه ١٣٣٤ — قاضی دین محمد — غلامحسن ری میمنه — ایشان مقیم خان — علی احمد خان کاردار ساز — مستحفظ غلام قدوی محمد رحیم واقعه نگار —

حوادث خارجیه

نقل ازاخبارهای ایران

جریدهٔ رعد در سر مقالهٔ یکی از شماره های خود در خصوص اوضاع داخلیهٔ ایران درزیر عنوان (دیگر بس است) چنین مینویسد

دیگر بس است

بیان مقدمه وچیدن صغری و کبری ضرورتی ندارد . کار ایران گرفتار در پنجه رجال لاابالی ازاین چیزها گذشته .

مقدرات یک هیئت اجتماعیه ، آلت ملاعبه ، یک دسته مجسمه های بیجان گشته ، که هیچ فشار — سرزنش ، تشویق، تهدید وبلکه استرحام واستغاثه در هیولای متحرک ولی فاقد احساس آنان مؤثر واقع نمی شود. مطلب را صاف وپوست کنده ولا برای مزید بصیرت عامه باید گفت.

کابینهٔ حاضره ، که مظهر بروز افکار متضاده — نمونهٔ خیالات مختلفه وآراء متفاوته است نه تنها هیچ یک ازدرد های مملکت ایران را مداوا نخواهد کرد بلکه هردم ودقیقه که می گذرد بسبب تصادم نظریات ومنافع شخصی افراد آن وبملاحظات خصوصی تجویز معالجه های متباین وامراض این بیچاره که ازاثر دانش و لیاقت همین اطباء عرق مرگ ازجبین وی درحالت جریان است خواهد افزود این کابینه باین چنین ترکیبات مضره نه تنها اهلیت نجات کشور وحفظ تاج وتخت شاهنشاه را ندارد بلکه از دوام عمر تاریک حکمرانی خود هر آن برمخاطرات وحشت آور عمومی می افزاید .

اوضاع ایران

طهران ٥ دسامبر — احتمال میرود که فردا روز دوشنبه سفارتین روس وانگلیس صورت تقاضا های حکومت ایران وجواب پیشنهادات خویش را از طرف دربار طهران دریافت دارند . از قرار معلوم حکومت ایران همانطوری که من دیروز تلگرافا اطلاع دادم بدولتین جواب خودرا خواهد داد . ازقراریکه شهرت دارد دولت ایران در ارسال صورت تقاضاهای خویش وجواب پیشنهادات دولتین مذکورتین فقط عقیده خودرا اظهار خواهد داشت یعنی مسئله تقاضا های ایران ولی جواب دعاوی روس وانگلیس فیصله نخواهد یافت . عقد ائتلاف قطعی رسمی فقط پس از احضار نمایندگان وتصویب پارلمان ایران می تواند صورت پذیر بشود .

حکومت ایران درضمن تقاضا های خویش فقرات ذیل را هم از دولتین روس وانگلیس درخواست کرده :

(١) حق سیرسفاین جنگی دربحر خزر وخلیج فارس .

(٢) حق تشکیل یک اسکادر جنگی تجارتی دراین دو دریا .

(٣) تصدیق حقوق سلطنت ایران را درجزیره (بحرین) وسایر جزایر خلیج فارس .

(٤) انگلیس حق مرابطهٔ بلاواسطه باشیوخ وخوانین ورؤسای عشایر ایران که درساحل خلیج فارس سکنی گرفته اند نداشته باشد .

(٥) تجدید سرحد ازمابین دولتین ایران وانگلیس دربلوچستان وسیستان .

(٦) تجدید نظر درعهد نامهٔ (ترکمان چای)

(٧) انفصال پست وتلگراف دولتین روس وانگلیس درایران .

برای اینکه درعقد ائتلاف طرفین وقطع مذاکرات سیاسی تعجیل شود سفارت انگلیس یاد داشتی بدربار طهران که مدتش روز شنبه ساعت ١٠ صبح منقضی گشت ارسال داشت ولیکن بنابه خواهش حکومت ایران مدت آن مجددا تاصبح دوشنبه تأخیر شد . دریافت یاد داشت انگلیس را حکومت ایران درپرده نگاهداشته .

مسدود نمودن راه ها

برای پیش بینی ازحمله بطرف قم یک عده مجاهدین راه قم را ازطرف ساوه گرفته درآن نقاط سنگر بندی کرده اند واطراف راهم استعداد سوار وپیاده گذاشته اند که راه عبور ازمنظریه بقم مسدود باشد .

جنگ همدان

قراریکه تلگرافا از همدان خبر میدهند جنگ بین قشون روس ومجاهدین درنقطه پل شکسته که روز گذشته اطلاع دادهشد بسختی جریان دارد قوای مجاهدین هم اخیرا زیاد شده است از طرف قشون روس دونفر صاحب منصب مقتول گردیده ازطرف مجاهدین هم یکنفر صاحبمنصب تلف شده است نتیجه جنگ هم تا کنون معلوم نشده .

(کذا)

از قرار خبریکه تلگرافا از (ازجان) رسیده است چند روز قبل قشون انگلیس در نزدیکی بوشهر سنگر واستحکاماتی تهیه کرده اند یک عده از مجاهدین هم از ازجان بسمت شیف حرکت کرده در انجا مصادمه واقع شده سنگری که قشون انگلیس تهیه کرده بودند بدست مجاهدین افتاده است واز قراریکه خبر میدهند فعلا هم مشغول جنگ هستند .

ازجراید فرانس

مراسم پذیرائی در قسطنطنیه

بموجب تلگرافی که از (بوکارست) مخابره شده انور پاشا دستور العمل ساختن طاق نصرت درقسطنطنیه برای جشن ورود قیصر داده است . ونیز برای تهیه سینما توگراف وفیلم چند نفر سینما توگراف چی به برلن احضار داشته . گویند که امپراطور آلمان درموقع دیدن قسطنطنیه اظهار نامه برای عالم اسلام اعلام وانتشار خواهد داد . تاریخ ومحل این اظهار نامه درقصر سلطان عثمانی خواهد بود ازلندن تلگراف می کنند بموجب اطلاعاتی که ازدوائر مطلع برلن تحصیل شده پس ازینکه قیصر قسطنطنیه را دیدن کرد قصد ملاقات ودیدن پادشاه یونان (کنستانتین) را خواهد نمود معلوم نیست این ملاقات درچه نقطه صورت خواهد گرفت ولی چنین شایعست که مقدمات وقرارداد های لازمه اینکار را فراهم آورده ومحل را معین کرده اند .

سیاحت امپراطور آلمان

امپراطور آلمان عنقریب بسمت اسلامبول حرکت کرده پس ازملاقات باسلطان عثمانی برای ملاقات مشایخ اعراب شام وعربستان بطرف سوریه وحجاز وعربستان جنوبی عزیمت خواهد کرد سیاحت قیصر آلمان دراسیای صغیر فلسطین وشامات وبین النهرین که جراید ومطبوعات آلمان انتشار داده اند گذشته ازآنکه دارای منتهای اهمیت است خاطر مؤتلفین را ازحالا مشوش ومشوب ساخته و تحقیقا نتایج این مسافرت اثرات سوء دروضعیات حاضره جنگ نسبت به دول فرانسه وانگلیس خواهد بخشید .

ولیعهد عثمانی وفرماندهی قوای مصر

نظر باخبار وارده اسلامبول فرماندهی کل قشون دولت عثمانی مامور مصر باعهده یوسف عزالدین ولیعهد دولت مذکوره رسما تفویض یافته ولی معاون تحت کماندانی ژنرال (ماکنزن ساندرس) است قوای عثمانی این ایام داخل عملیات جنگی درمصر خواهند شد .

ایضا خبرهای اوروپا

انبارهای زیردریا برای تحت البحریها

جولان تحت البحری های آلمان واطریش در مدیترانه ووعلائمی که ازحیث کثرت تعداد ایشان دران دریا هویدا میشود موجب نگرانی بحریه مؤتلفین گردیده است و گروازهای آن پیوسته برای کشف نقاط مطلوبه سواحل مختلفه را برای یافتن مراکز تحت البحری در تحت نظر دارند ونقاط مطلوبه هنوز بدست نیامده است .

مطابق اخباریکه به جریده « سویس » رسیده است در نزدیک جز
« سیرا کوزه » یک کشتی سربسته که بشکل صندوقی همه سمت آن مسدو
بوده است در آنجا یافته اند که طول آن هشت متر ونیم وعرض آن سه متر
بعمل آورده وچنین معلوم شده است که یکی ازکشتی های تدارکاتی مخصوص
آلمان ومملو ازمواد مایع بنزین وجوهر نفط برای ذخیره رسانیدن بتحت
البحری های آلمان بوده است .

بازهم تخته پاره ها وبقایای سامان مشابه همان کشتی در بسیا
ازنقاط ساحل ایطالی پیدا کرده اند .

بطوریکه معلوم میشود این نوع کشتی های سربسته ازمدتها که مخصو
برای قوه وبنزین رسانیدن به تحت البحری های آلمان میرسد وپس
ازآنکه محمولات انبارها خالی کردند سپس خود آلمانها این نوع سف
خالیها را معدوم وخراب میسازند و گوشه کنار بقایای انها پیدا می شود
چنانکه مکرر گفته شده وبراه اطلاعات درین باب رسیده ا
آلمانها قبلا انبارهای بزرگ ومتعددی درخالی نقاط زیر آبهای دریاچه
جاها انبارهای متحرک آهنی دروسط آب ساخته وقرار داده اند که
موقع رسانیدن نفط وبنزین بتحت البحریهای خودشان باخارقه
کفایت بردارند .

خصوصا درابتدای شروع بجنگ تحت البحری آنوقتی که ک
های عظیم الجثه وعرض وطول هنوز داخل عملیات نشده بودند
این انبار های مخصوص بسیار لازم ومفید بود .

حالیه که تحت البحریهای کوه پیکر بکار افتاده اند توسعه
وفاصله مسافات بعیده که می پیمایند خیلی منبسط شده است وامکان
مطلب که درهر گوشه انبار های مخفی ذخایر داشته باشند وبودن
محتاج باشند فواصل بسیاری را برای رسیدن بیک مرکز دور
وذخیره که لازم است بردارند عملیات آلمان را فوق العاده سهل
وسریع تر می سازد .

تان ۱۵ دسامبر

ازجراید اتاز

کانال برضد قوه دریا

جراید وین متن تمام کنفرانس هر درنبورک را درخصوص
بحریه انگلستان و آلمان اشاعت میدهند . هر درنبورک می گوید آلمان نیت
امپراطوری انگلستان را بدو وسیله منهدم سازد .

اول آنکه بحریه ملل مختلفه گردد که تمام نقاطی را که ازانها
خارانیده مبایعه برای خودداها نماید . دوم آنکه الابیارا انگلستا
خراب کند .

ازجمله باید اسبابی فراهم آورد که اسپانی جبل الطارق را
نماید وایطالیا مالتارا برای خود تقاضا کند .

هردنبورک اظهارداشت که مقدرجامنافع بحری آلمانا ژاپن وانگل
برخلاف یکدیگر خواهد بود .

هر درنبورک علاوه کرد : —

این جنگ عزت وبرتری بحری انگلستان را خاتمه خواهد
زیرا علاوه برانکه دول مرکزی اوروپا فاتح خواهند بود تمام ممالک بطر

های امپایاشند . حتی‌یادان حالیهٔ انگلستان هم‌درین مسئله طرفدار آلمان هستند . حقیقتاً امیالست که تفوق وبرتری انگلیز بحری آلمان همین امروزه درحالت تزلزل و درهم‌شکستن میباشد . یک سال قبل اگر پیشرفت آلمان واطریش بسمت داردانل سخن میراندیم همه می گفتند خواب میبینید . اما امروز انچیزرا که دشمنان ماخواب تعبیر میکردند حقیقت پیدا کرده است . اما حالیه‌دراین موقع‌فوق العاده مادامل مرکزی برای دسترس‌یافتن بسرحدات هندوستان محتاج بجاده های دریائی نیستیم . دراین اوقات ماميتوانیم‌بدون دریا خودرا بهندوستان برسانیم ودرین طریق یک قسمت بزرگ دنیارا از برتری وسیادت انگلستان آزاد سازیم .

یکی ازفواید بزرگ دریااین است که مقدارهای معتنا بها مال‌التجاره را بدون کرایه زیاد میتوان حمل ونقل کرد درصورتیکه از راه آهن این مسئله ممکن نیست ولی من بقوهٔ تجربه می گویم این مسئله که تنها بموقع جنگ‌بلکه در موقع‌صلح خودرا نادر مقدور ازدریا مستقل وبی نیاز سازند . برای این مقصود دول مرکزی ازرواید کانالها ورودها جریاند ومجاری امواتی که‌حالیه قابل کشتی رانی نیستند وسیع سازند . دراین‌طریق ماانگلیزرا به‌منتهای ازفواید حمل ونقل بحری برخوردار خواهیم شد .

خلاصهٔ اخرین خبرهای جنگ

از اخبار های مختلف

لندن ۲۷ مارچ ـ درپاریس از سبب انفجار دکی که‌قلع‌بأسراه‌مبلغ ریک دلار نقصان بوقوع امده است ـ انورپاشا را که قبل ازین اخبار های انگلیزی زخمی برقم داده بودند امروز مینویسند که بعد ازسیاحت تا فلسطین وعربستان وحرمین شریفین وایاب بقسطنطنیه امده است . انور پاشای مشار الیه ازین سیاحت معاینه ومشاهدهٔ حرکات عسکرهٔ اردوی حمله آور مصر و برانگیختن مردمان عرب را بجهاد بوده است ومواقف نشاست ـ خبرهائیکه ازروزمکهٔ عربی درجراید انگلیزی نشر میشود تا ۲۱ مارچ ازدین خلاصه میشود فرانس وانگلیز قرارداده بودند که وردن را بحمله برده المانهارا ازپیش برانند ولی المانها برای آنکه بآنها نشان بدهند که المانها ازخط محاذ خود پیش میروند وپس نخواهند رفت لهذا قبل ازآنکه آنها حمله‌احتیاطی‌را اجراکنند المانها دفعة بر (وردن) نام موقع بسیار مستحکم ناقابل لسخیر حمله اور شده بعد ازانکه‌اطوپهای معروف نام تباه خودشان استحکامات وردن را ویران وخراب نمودند حمله‌ها وهجومهای شدیدانه اغاز نهاده موقع مذ کور را ضبط وتسخیر کردند وبه اینصورت یک راه راستی بسوی پاریس ـ برای خود بازنموده والتسدرین روزهاجنگ بسیار شدید وخونریزی دران نواحی جاریست . فرانسویها نیز چون اهمیت موقع مذکوررا تقدیر میکنند ازهیچگونه فداکاریهای تدافعی رو گردان نمیشوند . یک جنگل مهم وهشت کیلو متر زمین‌را فرانسویها ازدست داده‌اند واستحکامات یعنی قلعه‌های جنگی بسیار مهمی را ضایع کرده اند اخبارهای انگلیزی باوجود اعتراف مینویسند که این ضایعات هیچ اهمیتی ندارد .

ـــ درروز راي انگلستان یک حادثه پیش امده که لارد گرزن رو بصحت است وحالت لارد سکار سدیل خطرناک میباشد وتا ۲۳ مارچ مستر اینکوئیت مریض بستری بوده است ودرحال تاریخ حالت لارد گرزن خراب تربود ولارد سکار سدیل کرزور شده میرود ومرست از جونسن رو بصحت است ـ بعضی اخبارها درخصوص این‌جا بجاسپاری فکر واندیشه را وبعضی کثرت مشاغل سیاسیه را سبب میدانند ولی حقیقت‌معلوم‌نیست که این چاریها از کدام‌میکروبی بوده که دریک‌زمان‌دفعهٔ بر پنج‌شش‌وجود بسیار کلان و معروف اجرای تأثیر نموده‌توانسته‌است . غالبا میکروب (داءالوزراء) باید گفت ! ـ ازمیدان محاربه‌ایتالیا یک‌خبر فرحت بخش دفقابش نمیرسد مگر دو روز پیش جنرال (کدورنا) بیان کرده که ایتالیا وقتیکه موسم صاف شد پیشرفت اختیار خواهد کرد ـ دارروس تعزیت نامهٔ درباب ضبط شدن وردن بجنرال ژوفره نوشته دران بیان کرده است که اومتیقن است که‌افواج فرانس تغیر وحشت خودرا بزانو خواهد انداخت ـ درین روزها بعضی جنگهای بحری هم بظهور امده است مثلاً در بحیرهٔ شمال بتاریخ ۱۹ فروری مابین دو گروازور مسلح تجارتی المان وانگلیز ایرهٔ حرب در گرفته ازقرار کفتهٔ اخبارهای انگریزی هردو جهاز محارب غرقاب شده‌اند . این خبررا بحریهٔ انگلیز بعد ازیکماه کامل نشر کرده است . ـــ تحت‌البحریهای جرمنی نیز از فعالیت باز نایستاده‌اند کشتیهای تجارتی (قلمرو) و (جاپیه) نام انگلیزرا غرق کردند ـ طیاره‌ها وطوبخانه‌های عثمانی بر محسکه انگلیز در عراق عرب بم اندازی شدیدی کرده تلفیات زیادی برای عسکر انگلیز وارد اورده است . ـ قوهٔ بحریهٔ انگلیز که مرکب از جهازهای تیزه رو وطیاره‌های بحری مرکب بوده‌ زواق جهازات هوائی جرمنی واقع (شلسوک هولستن) درماه مارچ هداجه نمودند . ـ لشکر طیارهٔ بحری انگلیزرا جرمنها بضرب یک طوپ بزمین انداختند . وجهاز جنگی بناه ن (مدوسه) نام انگلیزی وجهاز تباه کن (لاودک) نام انگلیزی مرد و باهم مصادمه کرده جهاز (مدوسه) غرقاب . والدیکرش زده وزخمی شده است . غیرازین دیگر محاربه های بحری نیز احتمالدارد که‌بوقوع امده‌باشد ولی ازطرف نظارت بحریه هنوز اعلان نشده است . ـ (لارد تاربه کلف) در حین مکالمه بعد از سیاحت فرانس بیان کرد که جنگ درمحاذ غربی علی الخصوص در (وردن) خیلی دهشتنا کست ولی عرصهٔ دراز جاری خواهد ماند چرا که جرمنها بعد از بارهای متصدم الئاله کن نیست که حملات امو تفوق نمایند . ـ جهازهای تجارتی (فیتی دیج) و (سیلیا) نام انگلیزی را تحت البحری جرمنی غرق کرده است . ـ نامه‌نگار نیویرک هرالد که در وردن بوده‌مینویسد که‌جدوجهد سلسله‌وار جرمنها درباب تباهی شهر وقصبه‌های وردن بذریعهٔ گلوله‌های مادهٔ آتشگیر جاری میباشد ـ

۲۰ و ۲۶ مارچ خبر لندن ـ یک لشکر جهاز واك (کنکس) نام دولت برطانیه که اموال ومسا فران بسیار را گرفته بعزم هندوستان روانه شده بود در بحیرهٔ شمال بضرب تارپیدوی دشمن غرق گردیده‌ونیز یک لنگر جهاز (انکلیش‌مین) نام انگریزی که‌بعزم کانادا روانه شده بود ویک لنگر جهاز (قلمر) نام انگریزی ویک لنگرجهاز (هلاقیا) نام انگریزی ویک لنگر جهاز (ملی‌وس) نام انگریزی ـ ویک لنگرجهاز فرانسوی (فی‌ولت) نام ویک لنگرجهاز (کیتیول) نام دولت فرانس ویک لنگرجهاز (فرتیدا) نام دولت ناروی ویک لنگرجهاز (ترسین) نام دولت دنمارک را بدوزهای دشمن غرق کرده‌گو یاد ر عرصهٔ دو روز ۹ لنگر جهازات دول متحده غرق شده

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1626 of 1786

نطق صدر اعظم آلمان در رایشتاغ

از جراید انگلیس

مطالعه اوضاع جنگی

آمستردام مورخه ۹ دسامبر بموجب تلگرافی که از برلن رسیده امروز در موقع افتتاح مجلس ریشتاك کاربیار ازجمعیت بود

شانسلور آلمان مطلع نطق خویش را این جمله قرار داد از زمانی که رایشتاك در ماه اوت گذشته تعطیل شد بواسطه مداخله بلغار در جنك بازوان توانای ما برومندتر است . از آغاز اشتعال نائره حرب بین الملل دشمنان ما پیوسته مکر و کید میکردند که فردیناند تزار بلغار را بسمت خویش ربایند وخاك اطریش وهنگری وعثمانی و یونان را کریمانه بوی وعده میدادند . نه تنها از کیسه دشمنان خویش واز مستملکات یك دولت بی طرف بخششهای بزرك میکردند .

بلکه ازدادن اراضی مستملکات صرب هم مضایقت ننمودند همان صربی که روسیه می کوید بخاطر استقلال وی عزیمت جنگ را ازظلم حرص وآز رها کرده است تا از اروپا وتمدن چیره گردد . همان صربی که متفقین جنك را برای آزادی وی دعوی میکنند سپس شانسلور اضافه کرد :ـ

برای آنکه بلغار بمساعدت موتلفین شمشیر از نیام بر کشد ازصرب تقاضا کردند که بعضی از اراضی خویش را بوی دهد وصرب این تقاضا را نپذیرفت . واین معلوم میدارد که تاچه درجه اختلاف ونفاق بر دشمنان ما حاکم است . بعداز جنك اخیر بالکان حقوق حقه بلغار وتقاضا های ملی وی را در مقدونیه کسی بچیزی نشمرد .

بلغار که شدائد آن جنك وسختی های وی را تحمل کرده بود در مقابل تهدیدات روس بدون صبر و شکیب در گوشه قرار گرفت ونظاره میکرد که چگونه نتیجه فتوحات وی را به صرب میدهند وحق دار را ازحق محروم میسازند . (بشنوید بشنوید) صرب را برسایر دول بالکان مزیت وبرتری نهادند ودر انتخاب غنائم بخون تحصیل شده دیگران حق اولویت دادند زیراکه در راه خصومت وضدیت با اطریش هنگری ازهمه پیش قدمتر بود .

اکنون فردیناند شهریار بلغار عهد ومیثاقی را که در اخر جنك دوم بالکان باملت خویش بسته وفا کرده وآن عهد این بود بیرقهای بلغار که بعداز جنك های باشکوه بواسطه مکر وغدر دشمنان بطور یاس وحرمان پیچیده شد مجددا بر اراضی از دست رفته پرواز نماید وپرچم علی ما طنطنه وجلال ملت بلغار را والا سازد ندای اعلام دارد (تحسین وهلهله ـ تحسین وهلهله) دولت صرب بجای آنکه در مقابلش قرار دادی برآید که مملکت خویش را ازصدمات یك جنك تازه آسوده نماید تصمیم کرد که نه تنها بقوای آلمان واطریش هنکری ضدیت نماید بلکه همسایه شرقی خویش هم حمله کند .

قشون ما با طرز درخشانی در جبال صرب جنك کرده و برجمیع سختی ها غلبه نموده اند . اینك بآنها و برفیق قدیم خویش اطریش وبدوست جدید مان قشون بلغار که بوسیله جنك کردن بهمراهی ما مقام حقه خویش را در بالکان بدست میاورد تشکرات خویش را تقدیم میداریم .

قشون ترك با شجاعت وشهامتی که از خصایص قهرمانان است دار دانل را از چشم زخم دشمن محفوظ داشته اند همان دار دانلی که مستر اسکوئیت در تابستان سال گذشته سقوط وی را قریب الوقوع اعلام میداشت امروز دار دانل از همه وقت محکم تر است ودر بغداد نیز ترکها با انگلیس یك لطمهٔ قابل تقدیری وارد آورده اند .

یك حادثه ابدی در تاریخ

افتتاح راه شرق نزدیك یکی از وقایع مهمه این جنك است . راه مستقیم با عثمانی از نقطه نظر نظامی دارای یك قیمت فوق العاده میباشد از حیث اقتصادی واردات ممالك بالکان وعثمانی حوائج ما را بهترین وجهی کفایت میکنند . بعلاوه آتیه ما بسی امید بخش است . حسن نیت فردیناند ومسلك مآل اندیشی وی مابین دول متحده قیصرین وممالك بالکان وشرق نزدیك یك پل مستحکمی بنا شده است . بعدها [illegible] این پل دیگر صدای قدم قشون وباطلیون نخواهد شنید بلکه صلح وسلام وعلوم (آلمانی) از روی وی عبور ومرور خواهد نمود . (تحسین وهلهله) در حالی که مابین مالامتعه ومال التجاره مبادله گردد ما دوستی ومودتی را که بواسطه مصاحبت در جنك تحکیم شده است تثبیت خواهیم کرد اما نه برای آنکه ملت ها را برضد یك دیگر برانگیزانیم بلکه برای این مقصود که طالبان ترقی را بمدارج بلندی رسانیم . (هلهله) دشمنان ما کوشش می کنند که شکست های پلتیکی ونظامی خویش را در بالکان بوسیله عملیات تخطی کارانه نسبت بممالك بی طرف جبران نمایند (راست است عین حقیقت است) همان رویه را که از ابتدا اختیار کرده بودند تعقیب کنند . (بشنوید بشنوید)

نوبت یونان

حالا نوبت یونان است . ابتداء موتلفین اظهار داشتند که یونان کمك خواسته بود قشون آنها در سالونیك پیاده شد . نظر بهمین احوال مسیو ونزلاس خودش در پارلمان یونان صریحا اعلام داشت که پیاده شدن قشون در سالونیك مربوط به تحقیق اولیه وی نیست . کما اینکه موتلفین میتوانند ۱۵۰۰۰۰ قشون برای کمك یونان رسانند حاضر نمایند (بشنوید . بشنوید) دولت انگلیستان وفرانسه بطرز به پیاده کردن قشون در سالونیك شروع کردند وبا وجود پروتستهای دولت یونان پیوسته برقوای خود افزودند . و حالا در آنجا چنان خودسرانه رفتار میکنند که گوئی خویشتن مالك یونان اند . حالا ما مشغول تماشای این منظرهٔ جالب توجهیم که چگونه مخالفین میلیتاریزم پروسی قوای انگلیس را برای تهدید کردن یونان ومجبور ساختن تغییر طرز خود استعمال مینمایند . اول وعده بیطرفی متمایل از یونان تقاضا کردند چون بتحصیل مقصود موفقیت حاصل ننمودند بی طرفی متمایل را پیش خود گرده ازیونان تقاضا کردند که قشون خود را از سالونیك ونواحی آن حرکت دهد و بندر مزبور را برای اقدامات دفاعیه نظامی متفقین وا گذارد وراه آهن های یونان وطرق سرحدی را برای تسهیل عبور ومرور قشون بآنها منتقل سازد و آنها را در آنجا خصوصی یونان برای هرگونه اقدام وعملیات نظامی آزاد داده است تعبیری که موتلفین برای بی طرفی متمایل میکنند

ولی دولت یونان باوجود جمیع اشکالاتی که بدان گرفتار میباشد سعی کرده است که بیطرفی خودرا حفظ نماید وشرف واستقلال وطن یونان را نیز دفاع نماید .

انکلیس

این هنوز پایان مطلب نیست . انکلستان با مکر و خدعه که از خصایص دیکران متأثر است چنان بما اظهار داد که برای نقض بیطرفی بلژیك

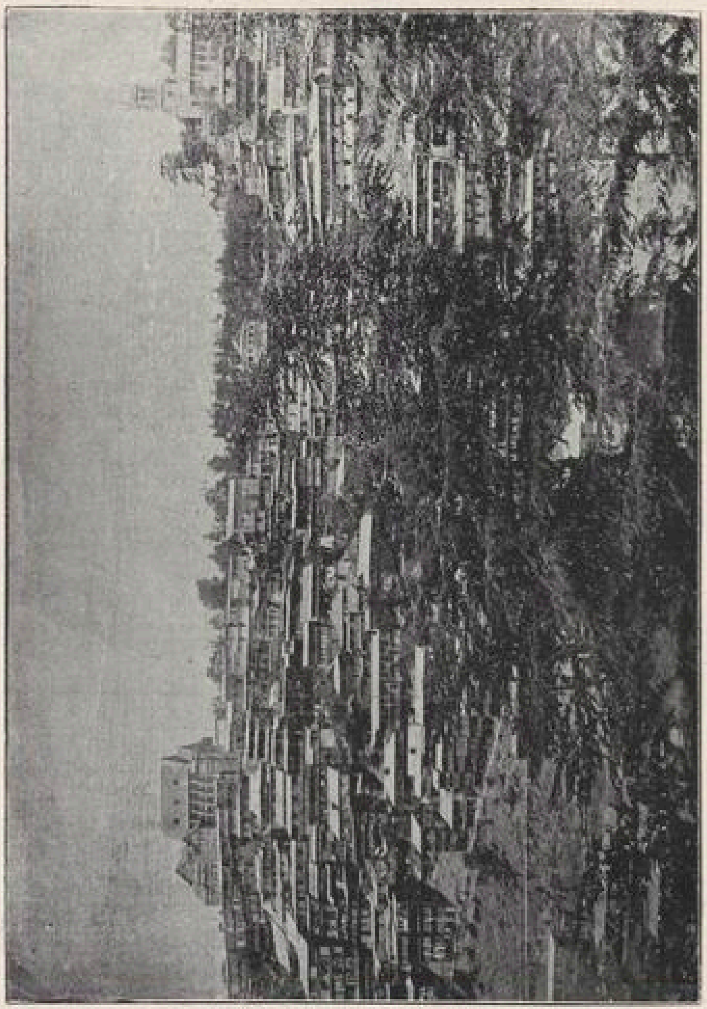
ازمناظر هند . ثانی
منظرهٔ شهر سملا که پایتخت صیفیهٔ حکومت هنداست

کنود که آلمان عهدشکن است وما را مجبور می کند که درمقابل قوای ملی نازیر وی تسلیم شوند ـ وازاینرو باید وبرادرهم شکست . هرکس که خویشتن دارای مسلك جور وظلم است وبا یونان اینکه نه رفتار می کند دیکر نمیتواند ریاکاری واقعی زادهٔ خویش را پوشیده وپنهان دارد . همزمان انکلستان می کند که بات سپر روانه خویش شمشیر کشیده وبرای این تجاوز بهسیاست آلمان دعوت شده است .

انکلستان دربدو امر در این دعوی خویش مبالغه کرد لیکن آخر الامر مجبور شد اعلام داد که علت شرکت وی درجنك نقض بیطرفی بلژیك نبوده است روزنامهٔ تیمس اولین جریده بود که اعتراف کرد انکلستان برای بلژیك داخل جنك نشده است . وباوجود این انکلستان درپیش ممالك بیطرف بااصراری بیش از پیش زبان بهمرزش وادرزبرابرهای ضخیم مستوردا . دمان مسئله‌را برای اهالی دنیا تکرار کرده درنظر خاص وعام بیدریغ شرمنده ورسوایش خواهیم نمود . حتی خود انکلستان نیز ملتفت این نکته شده است ببیشتر کثرت مورخه سلخ تواهبر درطی یك مقاله صریحاً اعتراف می کند که انکلستان برضد آلمان شمشیر کشیده است زیرا استیلای بر آلمان قدم دیکر ممکن نخواهد بود

اکنون عالم میداند که چرا تحکم انگلیس این حد نرزی دوام دارد .

وضعیت نظامی

راجع بوضعیات نظامی شانسلور چنین گفت : — درمشرق قشون ما بمصاحبت سپاهیان اطریش هنگری دارای مواقع بغایت متین ومحکم هستند وهمیشه حاضراند که بازهم پیش بروند . درمغرب راست است که انگلیس ها وفرانسویها مرتبا سخت حقیر شمرده ودربعضی از نقاط بفرونت ما فشار وارد آورده اند لیکن بدرهم شکستن خطوط ما که مقصود انها بود موفقیت حاصل نکرده اند . ومجاهدات آنها مانند مجاهدات سابقشان بی نتیجه ماند . اطریش هنگری مقام دفاعیه خودرا درمقابل قشون ایطالیا نیکو حفظ کرده بمقاومتهای دلیرانه حملات متوالیه ایطالیارا که باتلفات سهمگین بعمل میاوردند دفع نموده است . ویران ساختن ایطالیا شهرهائی را که میخواست نجات بدهد بهیچوجه شکست های نظامی ویرا جبران نخواهند کرد .

دربلژیک وضعیات اقتصادی بطرز عادی جریان دارد . تجارت وصناعت آن مملکت مجدداً دائر گشته . وضعیات مالیه آنجا مرتب شده اس خانه وراه آهن ها وطرق دائر ومشغول کارند . واستخراج ذغالسن در تزاید میباشد چنانچه درعرض ربع سال اخیر تقریباً سه ملیون و تن ذغال استخراج گشت اگرچه ازعده کارگرانی که بیکار بوده ا کاهیده شده لیکن این مسئله غیرممکن است که بتوان بازار کار را به حا معمولی عودت داد زیرا بریطانیای کبیر توسط بستن ابواب تجارت صادرات را ازبلژیک صنایع آن مملکت را خفه کرده است . ونیز اولیا آلمانی مشغول ملاقات مدارس هستند که زبان بلژیکی تعلیما خویش را دوام دهند .

منظرهٔ زمستان دریک کوچهٔ شال کوه

در لهستان ولیتوانیا وکورلند ملاحظه کردیم که عساکر روس درموقع عقب نشستن تمام نقاط رابطرز هولناکی باز وخراب کرده اند وهرج ومرج کامل دران نقاط برقرار بود . مادر آنجا قوای نامیهٔ جدید ازقبیل پلیس وغیره وادارات بلدی وتشکیلات قانونی ودوائر حفظ الصحه بنا کرده ایم . صنایع اقتصادی آنجارا ترقی داده راه آهن را مجدد ساختهایم وقوانین بلدی وضع کرده ایم تامردم از حیات اجتماعی بهره مند وبرخوردار شوند .

درتمام نقاط مسئلهٔ تعلیمات مدارس دقت مخصوص مارا بخود متوجه داشته . در ورشو یک دارالفنون ویک مدرسه عالی علمی بنا کرده ایم . هیچ تاریخی عالیشان نمیدهد که دربین صفوف کارزار جائی که ملیونها سپاه برای یک جنگ حیات وممات بجان هم افتاده اند یک چنین خدمت صلح پرورانه بعمل آمده باشد .

امّا راجع بوضعیات اقتصادی دشمنان ما اگربطور صحیح توزیع کردند کافی است این مسئله یکی از حقایق قطعیه اساسی میباشد قیمهٔ ارزاق مهمه درممالک دشمن گرانتراست تادرممالک ما .

افسانه های صلح

ازوضعیات نظامی واقتصادی ما دشمنان ما چنین نتیجه می گیرند که مادرشرف زوال هستیم (بطور استهزاء) خصوصا این عقیده درب آنها رواج داد که ما برای صلح التماس می کنیم . پرنس بولورا درسو دکترسولف را درلاهه . پرنس مکسیملیان رادر استکهلم . وکاردی هارتمن رادر رم . مامور کرده ایم که برای صلح وساطت نما ودرمیان این اظهارات دشمنان ما بعد ازفتح حتی که دربالکان گفتند قیصر باسلامبول میرود تادرآنجا شرایط صلح را اظهار درتمام این افسانها حتی یک کلمه راست پیدا نمیشود .

زمانیکه مسلک مؤتلفین دربالکان قطعه قطعه شد ووقتی که سه

پس در غرب بیفایده ماندن افسانه هارا رواج دادند . من کوشش کرده‌ام که اوضاع میدانهای جنگ را بطور حقیقت بیان نمایم . دشمنان ما در مقابل حقایق منطق هیچ نمی‌توانند کرد . تخمینات بدون شبهه عوامل مؤثر و متنفذند . از اینرو اطمینان ما متزلزل نخواهد شد . اگر هنوز عدهٔ غریب دشمنان ما در مقابل سپاه راستی و حقیقت تسلیم نشده است عنقریب بتسلیم مجبور خواهد شد . مارا که از یک طرف و طرف دیگر محدود و در ممالک خصم دور ایستاده و خویشتن را استوار ساخته‌ایم نمی‌توان گفت که در تحمل و توانائی در اخلاق و قوای معنوی از دشمن پست‌تر هستیم اعتماد ملت آلمان بنیروی بازوی توانای جوانان تزلزل ناپذیر است . نی . نی . ما تسلیم گرفتار نخواهیم شد . و این جنگی را که دشمن میخواست دوام خواهیم داد تا آنچه را که آتیهٔ آلمان از ما تقاضا می کند بعمل آوریم (هلهله وشادی هلهله وشادی)

جنگ باصول متمدنه

ترجمه از اخبار او تمایش لوئید ::

زمانی بود که جنگ میان قبائل نیم وحشی عبارت بود از کشتن دشمن اسیر و بنده ساختن او چون حسیات انسانیت یعنی مرحمت و شفقت بر افراد نوع بشر بواسطهٔ تربیت اخلاقیه و تعلیم روحانیه میان طوائف عالم ظهور پیوست ـ داعیهٔ حفظ ذات مقتضی گشت که با اسیران مجروحین از سپاه دشمن معاملهٔ مرحمت و مهربانی کرده شود و دادشمن هم با اسیران و مجروحین یکدسته خود در افتد معاملهٔ شفقت و رحم دلی نماید . دوراندیشی نیز سرگوشی می کند که بکنی که مصالح ملک و ملت اعدای امروز را احباب فردا سازد ـ

چون خیانت انگلیس که در حالت صلح دو دره نات سلطان رشاد وسلطان عثمان را غصب کرد ـ وشرارت روس که هنگام آشتی آبنای بسفورس را معادن واشغالات بست و هنگام غفلت بر استنبول بدون اعلان جنگ قبضه کردن میخواست دولت علیهٔ عثمانیه را مجبور داخل شدن درین جنگ عالمگیر نمود ـ شبان ترک که امروز بهترین نمونهٔ اسلام‌اند ازجهت شجاعت و مروت وفداکاری محبوب خلائق از خاص و عام گشته در میدان لطف و مهربانی کردن بر دشمنان اسیر ـ و خصوصاً بر رعایای اعدا در ممالک عثمانیه ـ از همه گوی سبقت بردند . باوجودیکه در انگلستان و فرانس و ممالک روس رعایای آلمانی و اطریشی و عثمانی مقید گشته ، و همچنین در جرمنی و آستریا هنگری رعایای دشمنان زیر حراست درآمده بودند جوانان ترک (رحماً و رأفةً و اعتماداً علی حسن الاداره) هزارها مردم انگلیس و فرانساوی و روسی نژادرا که هنگام آغاز جنگ در ممالک عثمانیه ، چه در دارالخلافه و چه در دیگر شهرهای ملک محروسه بودند ، آزاد و مطلق العنان گذاشتند . حتی که اشقیای ارامنه را که بخلاف دولت وطن خود بدشمنان جاسوسی می‌کردند مادام که جرمی از ایشان ثابت نشد هیچ تضییق ننمودند حال ملاحظه فرما این کرم عام و لطف خاص ترکان را و مقایسه کن آنرا باسلوک جابرانه و معاملهٔ قهرمانهٔ انگلیس که هزارها مردم بیگناه را از وضیع و شریف هندوستان محض امکان شک بعید بقید و حراست پولیس در انداخته است ـ :

ببین تفاوت ره از کجاست تا بکجا !

از ماه می تا اخیر خزان سنه ۱۹۱۵ اگر کسی در نزهتگاه واقع چان قزا در قرب هوتل پیراپلس برای گلگشت رفته باشد او در دل اسلامبول مردان و زنان فرانساوی و انگلیسی و روسی نژادرا خرم گشتان دیده باشد و نیز صاحب منصبان انگلیسی و فرانساوی را که در دار دانیل بدست ترکان اسیر شده بودند بکالسکه نشسته مانند سیاحان محترم بکوچه وبازار برای هواخوری سیر کنان ملاحظه کرده باشد .

در میدان جنگ هم ترکان اخلاق حسنه و آداب شریفانه را هیچگاه ازدست نداده‌اند این شهادت چشم‌دید گواه انگلیسی از رزمگاه عراق عرب در حق ترکان در جراید انگلیسی طبع شده است پس از معرکهٔ بیست و دوم جنوری ۱۹۱۶ ع بحوالی قط العماره هنگامیکه باران تمام شد و برای گرفتن مجروحین و دفن کردن مقتولین متارکهٔ قرار یافت صاحب منصبان ترک و انگلیسی گفتگو آغاز کردند ـ آن چشم دید گواه انگلیسی چنین می گوید ـ (صاحب منصبان عثمانی بگرمجوشی و خنده پیشانی پیش آمدند . زیرا که چنانکه یک دوست گفت . ایشان بدرجهٔ نهایت ملعونیت متواضع و باادب هستند (در محاورهٔ انگلیسی لفظ ملعونیت برای اظهار محبت مخلوط باحترام و تحیر اغلب استعمال یابد) یک صاحب منصب عثمانی کلاه استراخانی و سر و اسب تازی زیر ران از خیمه های ایشان برآمده بود ـ گفتم ما شنیده‌ایم که شما زیر چادرها هستید . او تبسم کنان گفت . چگونه چادرها داشته باشیم ـ هنگامیکه شما چنین حیرت انگیزی توپ میزنید ! باز از من سوال کرد ـ این جنگ تا کی مداومت خواهد کرد ؟ من بی اعتنائی گفتم که شاید پنجسال مقاومت کند او متعجب شده گفت : پنجسال ! مضائقه ندارد . روانی پست وقتیکه ما با صاحب منصبان ترک گفتگو می کردیم یک سپاه اردلی آمده دست بر پیشانی نهاده بطرز عسکری سلام کنان ایستاد تا زمانیکه ما گفتگو تمام کردیم ـ من میخواهم که بمدح سرایان ترکان بی اندیشه خود را در اندازم . ترکان مانند دیگر مردم خطاها دارند ـ اما در رای من این امر مسلم شده است که معاملهٔ ترکان درین جنگ با کثیر از معاملهٔ دیگران بوده است ـ در مروت و مردانگی و دستگیری عاجزان ترکان از همه یعنی آلمان بمقیاس بهتر اند . ترکان هیچگاه بر صاحب احمر یعنی محل مجروحین توپ نمیزنند . و از ذرائع موثوق ثابت شده که ترکان بر عملهٔ زخمیان بردوش بار برداران کاهی تیر تفنگ نزده‌اند ترکان مردم متخلق باخلاق حسنه و متادب بآداب جمیله هستند ـ و حسن معاملهٔ ایشان با اسیران خودشان شهرهٔ آفاق است ـ چون پیش از چند ایام گذشته دو مرد طیاره‌نما بدست ترکان در افتاده بودند ـ جنرال نورالدین پاشا حسب خواهش مردم طیاره‌نما یک عرب فرستاد و برای اسباب عسکری ایشان از ارباب سیاست ما همه اسباب اصحاب طیاره و مبلغی از پول برای ضروریات ایشان فرستادند درین اثنا آن مردم طیاره را بجانب نهال روان کردند ـ پس جنرال نورالدین پاشا بابت عذر خواهی هم اسباب و هم پول ایشان را فرستاد و پیام فرستاد که آن اصحاب طیارهٔ انگلیسی اکنون مهمان دولت علیهٔ عثمانیه هستند از جهت پول وغیره ایشانرا هیچ زحمت نخواهد بود ـ جنرال سیف الله .

کەقبل‌ازین بدست‌ما اسیرشده‌بهندوستان فرستاده شده‌است . ازعادت عربها آنکه بود که‌برای غارت کردن اسباب زخمیارا می کشتند پس‌او حکم داده‌بود که هر کس یك انگلیس زنده را بیارد مستحق پنج‌لیره خواهـد بود

ماهمه قوای خویش‌را فراهم می‌آرم تاترکارا خراب‌کنیم وبرباد دهیم ـ اما باایشان کینه ودشمنی ندارم ـ وهمچنین ترکان‌هم‌باماخصمه وعداوت ندارند . من ازان صاحب منصب عثمانی که کلاه اسطراخانی برسرداشت پرسیدم که چرا شما بخلاف‌ما بجنگ درآمده‌اید !! او چیزی غیرواضح درجواب گفت ـ گویا کهما انگلیسان ترکان را در جنگ بلقان مـدد نکردیم . و هم کلمات مختلفه درباب سیاست گفت که من نفهمیدم .] جرأت و گستاخی انگلیس را ملاحظه کن که از قبائل آفاق عالم عساکر خودرا ساخته بخاك عثمانی درعراق‌عرب حمله‌می‌آرد وازترکان می‌پرسد که چرا شما بخلاف‌ما بجنگ درآمده اید !

آزادی رعایای انگلیس وفرانس وروس درممالك عثمانیه قریب‌یك سال ونیم درین‌جنگ باقی‌بود ـ اما وقتیکه انگلیس وفرانس درابتدای این‌سال قانون قدیم حرمت ایلچیان را شکسته قونسلهای عثمانی والمان و اطرشی را درسلونیکا ودیگر جزائر یونان که تاحال دولت بیطرف بوده است ـ اسیر کرده نفی نمودند ـ نه خیر بلکه خاتونان پرده‌نشین مسلمانارا هم اسیرکردند ـ دولت علیه عثمانیه مجبور انتقامشده رعایای دول متحـاربه را زیر حراست پولیس نهاد ـ معاملهٔ انگلیس باشرفا ونجبای عثمانی که هنگام آغاز جنگ درممالك انگلیسیه بودند خوب‌نبوده است ـ می‌گویند ـ که داکترهارا درحبس ورای مسمار های آهنین انداخته بودند .بعضی را از آنها دولت خـدا داد از زندان انگلیس وارهـانیـد ـ

ترجمه از اخبارات انگریزی واردو

(اختلالات روز افزون)

(هنـد)

یك خبر از (باریسال) اظهار میدارد که بعضی مزارع ها بسبب ۱۲ مارچ یك شخص بابو ادماچرندت نامرا قتل کردند قتل درکچهری کوابوبنا نام موضعی صادر شده است .

پولیس سرگرم تحقیق وتفتیش است !!....

دیگر :

ایضاً ازباریسال خبررسیده‌است که . بابوستیش چندربهتاچارجی . درکشتی خود خواب بود که بوقت ۲ بجهٔ شب یك گروه داره زنها براو حمله کرده قریب ۹۰ روپیه کلدار نقداو جنساً بردهاند . این بابو سب السپکتر آب کاری پروج پور بود .

پولیس سرگرم تحقیق و تفتیش است !!...

دیگر :

از داکخانه پروج پور ۲۰۰ روپیه کلدار بطریق (پراسرار) گمشده است پولیس سرگرم تحقیق وتفتیش است !!

دیگر : درعلی‌پورنام موضع‌هندوستان‌یك آدمرا بعنوان ملزم درعدا
(۱) حاضر کرده‌اند . گناه اوازقرار ذیل‌ست : این ملزم دربك
کرایه می‌نشست یکوقتی به مالکهٔ خانه‌خود یك خط نوشت که ا
مبلغ ۵۰۰ روپیه ویك‌زیور طلائی خودرا می‌دهدخیر است‌والا دا
آمده اورا می کشند . خانهٔ اورا می‌سوزانند و ا گر میدهد بعد
یك مدت کم همه مبلغ اورا مع‌سود آن پس‌باو میرساند .

در مکتوب مذکور اینرا هم نوشته است : که ای مالکهٔ م
اگر شما بپولیس این خط مرا نشان بدهید البته من بندی خواهم
ولی‌رفقاو برادران‌من که هزارهانفرند البته‌بی‌حس‌انتقام نخواهند
مالکهٔ مذکوره خطرا بپولیس داده نوجوان مذکوررا قید
حکم شده است !.. حقیقتاً غریب یك مکتوب بهادرانه !...

دیگر : برحواله دار جگر سنگه ونایکاو یورن سنگه بد
(زاجپورت) الزام شده‌بود که‌ایشان‌ازیکم جنوری تا۱۵ اپریل
باخبر بودند که یك جماعتی که انگلیزارا ازهند یعنی وطن بسیار
خود می کشند شـورورزی وجهدمی کنندولی بهادارهٔ کوتوالی ا
رپورت‌نکرده بودند بلکه‌خود ایشان وچندنفر (!) دیگراین
باآنها اتفاق کرده بودند . لهذا دربل‌حوالداررابدارظلم کشیدند
اورا ازدریا عبور داده اسیر عمری ساختند ! !

اختلالات هند

درشب‌جمعهٔ ۲۶ جمادی الاول تخمیناً بیست نفر افغانان غر
بوقت‌یك‌بجه شب‌درمحله آسیا‌بواقع‌شهرپشاور دهاره امدماز خانه
قریب دوازده هزارروپیه نقدارنقد وجنس رابردهاند پلیس خو
شده‌سدراه‌ایشان رانمود طرفین مابین خود فیرتفنك هم نمودند از
پلیس یك نفر مقتول ویك نفر مجروح گردید ازغری دهاره یك
ونه‌مجروح ونه دست‌گیرشده بخاطر جمعی بمهٔ نقدی وجنس م
بطرف یاغستان رفتند —

آخر ترین خبرها

وایسرای جدید هند

بمبئی ۴ اپریل غره جماد الاول

لارد چلمسفورد امروز بعمل شش و نیم بجه صبح بسواری ج
دخانی موسوم به قیصرهند دربمبئی رسید و۳۱ فیرتوپ بطور
کرده شد وا کثر حکام اعلی ملکی ونظامی ووالیان ریاست ها
استقبال او نمودند — وازجانب مجلس منتظمهٔ شهربمبئی خطا
مقدم پیش کرده شد — وبعمل ۵ بجه و ۴۵ دقیقه کشتنص
حکومت هندرابدست خود گرفت وبعمل ده ونیم بجهٔ شب بطرف
روانه گردید —

لارد هاردنك بتـاریخ ۴ ماه اپریل (غره جمادی الثانی)
شام بسواری جهازاپریك (عربی) هندوستانرا الوداع گفته
انگلستان روانه گردید —

جمهور مجاذ برطانوی

ترجمهٔ اخبارهای انگلیزی

لندن یکم اپریل ـ ۲۷ جمادی‌الاول

نامه نگار دیلی میل مقیم داردم رقطراز است که ازفرام

قدار کثیر در کشتیهت واضح میشود که اغلباً بریطانویها یك ظرالشان کرده خواهد شد ـ

گرفتاری طیاره بحری بریطانیه

ن ۳۱ مارچ ـ ۲۶ جمادی الاول ـ

گن هیگن ـ یك لنکر طیاره بحری بریطانوی بهمه سه نفر سواران ره پل واقع دنمارك ازسبب خرابی انجن در بحر افتاد نفری مذکور ز اعانت نمودند ـ

محاربات وردن

لی آود کورت مال کورت کوله باری خوفناك کرده شد ـ در مشرق ـد از کوله باری شدید جرمن‌ها درعلاقه درمیانی دواوموت اکن یك حمله زبردست نمودند

حمله جات در مشرق میوز

دن یکم اپریل ـ ۲۷ جمادی الاول ـ

جرمن در اعلان رسمی درباب حمله جات جرمن‌ها درعلاقه وردن مذکور است ـ در مغرب میوز کاهی کاهی کوله باری بوقوع می‌آید لاکن شرق میوز بوقت شام کوله باری ازحد شدت اختیار کرده بود ازان بوقت شب درعلاقه واکس جرمن‌ها بهمراه جمعیت کثیر هجوم آوردند ـ دفعه حمله اول از کوله باری توپ وتفنك کرده لاکن درحمله دوم جرمن‌ها بعد از جنك وجدال شدید در قریه مذکور دخل حاصل کردند بقریه جات واقع دامن کوه میوز کوله باری وقوع آمده است ودر شمال اپنی مقابله دلچسپ توپخانه‌ها رو یده است ـ باطری‌ها برلکها وریل ارکون کوله باری ی نمودند ـ

تاخت هوائی مزید

۱۶ نفر هلاك ویکصد نفر زخمی شدند

دن ۲ اپریل ـ ۲۸ جمادی الاول ـ

طور رسمی اعلان کرده میشود که شب گذشته دو لنکر جهاز ی وساحل شمال مشرق انگلستان نمودار شدند فقط یکی از آب ـرا عبور نموده بود ـ ودیگری واپس رفته بود تاحال همین قدر م شده است که ۱۶ نفر هلاك ویکصد نفر زخمی شده‌اند ـ هشت عمارت‌ها صدمه شدید رسیده است یك دکان صیقل‌کار فرانسوی ده شده است ـ

تلفات تاخت هوائی یوم جمعه

دن ۲ ماه اپریل ـ ۲۸ جمادی الاول ـ

گی تلفات تاخت هوائی یوم جمعه چنانکه اکنون معلوم شده است نفر هلاك و۵۶ نفر مجروح میباشد ـ دوصد دانه بم وکوله‌های ماده کی انداخته شده بود اکثر عمارات و خانه‌های سکونتی و زرعوی شده‌اند لاکن هیچ نقصان نظامی بوقوع نیامده است

تاخت هوائی برساحل سکاتلند

دن ۳ ماه اپریل ـ ۲۹ جمادی الاول ـ

ودوری اعلان مینماید که زپلین‌ها بشب یکشنبه برساحل سکاتلند علاقه‌جات شمالی وجنوب مشرق انگلستان نمودار شدند وبم اندازی کردند.

ترجمه اخبارهای انگریزی

۲۷ مارچ سنه ۱۹۱۶ ع خبر لندن — نامه نگار اخبار مارننك پوست از سلانیك می‌نویسد که فوجهای جرمنی ودولت بلغاریه درزمین یونان بسیار بسرعت تمام پیش قدمی مینمایند ـ فوجهای یونانی ازمقابل شان بسیار بسهولت پس پا شده فرار مینمایند وافواج حمله آور جهاز خانه جنك واسباب تیل فون واسلحهٔ شان را قابض میشوند ـ ونیز خوف آن است که عنقریب فوجهای دولت استریا بر (ولونا) حمله خواهند کرد ازین سبب حمله باشند کان ولونا بطرف ملك یونان میدوند —

۲۷ لغایت ۲۹ مارچ خبر لندن — یك لنکر جهاز (سیرن) نام انگریزی ویك لنکر جهاز (خرطوم) نام انگریزی ویك لنکر جهاز (میدوسا) نام جنگی انگریزی ویك لنکر جهاز (منچستر انجنیر) نام انگریزی ویك لنکر جهاز (ایرس آف مدلیند) نام انگریزی ویك لنکر جهاز (اینگل پائنت) نام انگریزی ویك لنکر جهاز (پین) نام دولت فرانس ویك لنکر جهاز (هیرجیب) نام دولت دنمارك ویك لنکر جهاز (دولنید) نام دولت هالیندرا آبدوز های دولت جرمن غرق کرده — گویا درعرصهٔ سه روز ۹ لنکر جهازات دول متحده را غرق نموده اند —

کامیابی مقامی بعوض تلفات کثیر—

لندن ۳۱ مارچ ۲۶ جمادی الاول

جرمن ها درعلاقه وردن بازمباحه خوفناك اختیار کرده اند — اعلان رسمی میگوید که کوله باری برمالی کورت نسبت به سابق در شدت دوچند شده است وغنیم بهمراه جمعیت کثیر ازسه طرف بران شبخون های سلسله وارزد ـ محافظت قریه مذکور یك بطالیا ماهی نمود — بعد ازجنك وجدال خوفناك که کل شب جاری مانده بود وجرمن ها درآن نقصانات کثیر برداشته بودند سپاهیان ماقریه ویران شده را خالی کردند —

تعطل درسلسله ارسال ومرسول

لندن ۲۹ مارچ — ۲۴ جمادی الاول

برف باری وطوفان گرد باد درانگلستان عدیم‌المثال می‌باشد ازسبب تعطل سلسله ارسال ومرسول کیفیت تلفات بعد ازمدت معلوم خواهد شد — سرك ها مسدود وکار وبار درکار خانه جات ومعدن ها معطل شده است ـ درکوچه وبازار برمنگهم بقدر ده انچه برف افتاده است ـ ازسبب افتادن درخت ها درآمد ورفت ریل وترموی درلندن هرج واقع شده است یك قطار ریل برای سپاهیان که بطرف خندق ها واپس میرفتند ازابردین بعد از ۲۳ ساعت درلندن رسیده است رپورث درباب تلفات کثیر ازهرگوشهٔ انگلستان آمده میروند اینچنین طوفان وبرف باری درانگلستان ازعرصهٔ چهل سال بوقوع نیامده است کل جهازات وکشتی‌ها برساحل لنکر انداز اند :

(مستر دالش) در تقریر خود بیان نمود که این جنك تمام دنیارا درافلاس گرفتار نموده الی مدت پنجاه سال قوت جنگی دولهای دنیارا سلب نمود ونیز بیان نمود که مایان ازمدت پنجاه سال قوت دولت ترك رایك مرد

بهار یورپ دانسته. هیچگونه وقت اورا نمی دانستیم مگر خدا می داند بکدام یک طریقهٔ پراسرار در همین پنجاه سال سپاه ترك آنقدر ترقی نمود که امروز از جملهٔ اول درجهٔ بهادران عالم دانسته می شوند وعجب تر اینکه از طرف هرکس که درمیدان در آیند بجان می جنگند اگرچه تمدنشان بدرجهٔ انتهای افلاس رسیده مگر در شجاعت و مردانگی شان هیچگونه فرق نیامده — و (داکتر دالن) بیان نموده که وزیر خارجه جرمنیان در خصوص قسطنطنیه برای دولت روس در ماه اپریل سنه گذشته وعده کنان کرده بوده و دائما حمله نموده نتیجهٔ آن همین شد که دولت بلغاریه ودولت یونان ازما علیحده گردیدند ودولت رومانیه اعلان غیر جانب داری نمود —

۳ الی ۶ ماه اپریل خبر لندن — پنج لنگر جهازات (پرنهو) و (یتورد) و (دیو دیو) و (شمله) و (کنیت) نامان دولت برطانیه ویك لنگر جهاز (نیو) نام دولت ناروی ویك لنگر جهاز (وهیکو) نام دولت اسپین ویك لنگر جهاز (هیلتریا هیلیا) نام دولت هالندرا آبدوز های دولت جرمن ویك لنگر جهاز بار برداری دولت روس را همه غرق واسباب آن آبدوز دولت ترك در بحیرهٔ اسود غرق کرده —

۴ ماه اپریل خبر پتروگراد — (جنرل آیوتیوف) کماندان فوج جنوب مغربی دولت روس ازعهدهٔ خود استعفا نموده — و (جنرل برتسیلوف) بجای او مقرر شد —

۵ — اپریل خبر لندن معلوم شده که (جنرل دوزیلی) وزیر جنگ دولت اطالیه ازعهدهٔ خود استعفا نموده — و (جنرل موردن) بجای او مقرر شد —

۳۱ مارچ سنه ۱۹۱۶ ع خبر لندن — بطریق سرکاری اعلان یافته که شب گذشته فوجهای جرمنی در علاقهٔ (وردن) یك حملهٔ جان بازانهٔ بسیار بشدت نمودند — اول توپخانهٔ جرمنی یك لخت و چند ساعت بسیار بسختی بمقام (مالن کورت) گوله باری نمودند وبعد ازان به جمعیت های کثیر پیاده ازین طرف بدره مذکور حمله آور گردیدند — ده (مالن کورت) در تسلط یك پلتن انگریزی بود و بعد از جنگ بسیار سخت که تمام شب جاری بود و نقصان بسیار سخت برای افواج جرمنی رسیده فوج انگلیزی ده ویران شدهٔ (مالن کورت) را خالی نمودند وچونکه راه های گرزده مذکور بدست فوج انگلیزی بود — و اعلامی درآن عقب رفتند ودر دیگر علاقه جات فرانس هم بدستور سابق جنگ جاری است —

۳۱ مارچ خبر توکیو پای تخت دولت جاپان — جنرل (اوکا) وزیر جنگ دولت جاپان از باعث علالت طبع از عهدهٔ وزارت استعفا نمود وجنرل — (اوسوسیا) بجای او بعهدهٔ وزارت مقرر گردید —

یکم اپریل خبر لندن — یك دسته جهازات هوائی قسم زیپلن جرمنی بر علاقه جات مشرقی وشمال مشرقی ملك انگلستان حمله کرده قریب دوصد عدد بمهای هر قسم انداختند ازین بم اندازی ۴۳ نفر هلاك و۵۶ نفر مجروح شدند و عمارات بسیار و (کرامپل) وغیره ویران و خراب شدند بعد از آن در شب ۲ ماه اپریل دو عدد جهازات هوائی دیگر به اراده حمله بر ملك انگلستان نمودار شدند که یکی آن آبنای انگلستان را عبور کرده نتوانست واپس رفت ودیگی آن عبور نموده بر ملك انگلستان حمله نموده بمها انداخت ازین حمله دوچین ۱۶ نفر هلاك و ۱۰۰ نفر مجروح شدند و عمارات بسیار به آتش گرفته و ویران شده —

اعلان

سراج التواریخ

جلد اول — و دوم

زندگانی جاودانی هر قوم وملت (تاریخ) آنست. (سراج التواریخ) آئینهٔ حیات تمامی ملت جلیل افغانست. زیرا از آغاز تشکیل وتکمیل یافتن دولت افغانیهٔ حالیه بحث میراند که برای حال واستقبال ملت بهترین درسگاه عبرت، و خوشتر ازین اثباه ملت تصور نمیشود. هر فرد ملت را واجب است که یك نسخهٔ اورا بدست آرند و مانند حرز جان در کتابخانهٔ قلوب خودشان نگهدارند. علی الخصوص که کتاب مذکور به نیت خالصانه وخیر خواهانه استفادهٔ عمومی بامر وفرمان ذات عرفان صفات پادشاه مقدس ما اعلیحضرت « سراج الملة والدین » تألیف وتدوین ودر مطبعهٔ حروفی دارالسلطنه کابل زیور طبع آرایش وتزئین یافته است

جلد اولان کتاب از ابتدای سلطنت خاندان ذیشان (سدوزائی) یعنی از آغاز تأسیس واستقلال دولت علیهٔ افغانستان تا ورود اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان مرحوم جنت مکان از هند در کابل بحث میراند وجلد دوم آن از حکومت خاندان جلیل الشان (محمدزائی) یعنی از ابتدای حکومت اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان تا به اول جلوس اعلیحضرت ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان طاب ثراه وقایع تاریخیه را جامع میباشد که فعلا بحروف تیپ بطبع رسیده است. قیمت کتاب مذکور نسبت زینت وخوبی تجلید آن از قرار ذیل است

نمبر (۱) پشتی چرمی جرم تسواری دانه دار کابلی پخت چهار جانب جدول طلاءکار نشان دولت واسم کتاب از ورق طلای اطلاء جز بندی شده مبلغ شانزده روپیهٔ پختهٔ کابلی —

نمبر (۲) پشتی مقوا روبه کرمسانی چهار کنج وزر جرم سرخ حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلاء جز سیزده روپیه پخته کابلی

نمبر (۳) پشتی مقوا روبه کره لاجوردی چهار کنج وزر جرم مشی سرخه کابلی پخت حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلاء جزء بندی شده یازده روپیه پخته کابلی وده شاهی —

نمبر (۴) پشتی مقوا روبه ابری چهار کنج وزر جرم مشی سرخ کابلی پخت حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلاء جز کوك بندی شده ده روپیه پخته کابلی وسه شاهی —

نمبر (۵) پشتی مقوا روبه ابری سرخ چهار کنج وزر کیر قیماطم کنه ونشان دولت ورق طلاء جز کوك بندی شده نه روپیهٔ پختهٔ کابلی ویازده شاهی —

محل فروخت

درقفس اول میادار که از تحویل خانه جناب محمد ولیخان مرجع
در بازار ارک از دکان عبدالله خان

چون کتاب مستطاب سراج التواریخ چهار جلد میباشد اگر دو وقایه وشیرازه میشد حجم کتاب موصوف کلان میشد لهذا اعلیحضرت همایون ولا امر نمودند که جلد اول ودوم دریك وقایه شیرازه شد وجلد سوم وچهارم آن که هنوز درزیر طبع میباشد وپس از طبع برآمده مقوا کرده شد انشاءالله اعلان فروش آن نشر کرده خواهد شد فقط

در چهاپخانهٔ حروفی دارالسلطنه کابل طبع گردید
همه مقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر ومحرر تحریر
محمود طرزی

اعلان

بعموم مشترکین کرام خود را
یاد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از شکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خودرا نجات بدهیم نشد لهذا با کتبخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یک معامله نموده با کتبخانه مشارالیه تقسیم وتوزیع اخبارمارا که بهمه مشترکین کرامها برساند در عهدهٔ همت خود قبول نمود . مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را تبشیر ویاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای دارالکتبخانه بخود شان میرسد

شرایط خریداری

دارالسلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان
هر جائیکه باشد مع اجرت پوست

قیمت سالیانه | ده روپیه انگلیزی قیمت ششماهه | شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراک قبول نمیشود

یک طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است از همین قرار حساب کنند

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، ویا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درضمن اخبار از یکبار تاپنج بار نشر وشایع شود برسرهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی ½ روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی ½ روپیهٔ کابلی واگر ازپنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا مثلا تایک سال نشر کردن خواهد ووجه یک ساله را پیشکی ادا نماید در ورق فی هر سطری ستار اجرت گرفته میشود

اعلان

سیاحتنامهٔ سه قطعهٔ روی زمین

در ۲۹ روز

آسیا ✠ اوروپا ✠ افریقا

(مطبعهٔ عنایت) یک اثر دلپذیر جدیدی درنظر هوشکاران عرفان جلوهٔ عرض میدهد . بدست آرید ، بخوانید درظرف ۲۹ روز یک مدت کمی سه قطعهٔ زمین را باسیاح آن یکجا وهمراه دور وسیر میکنید . ملکهای را که ازان بگذرید مفصل ومکمل جغرافیا وتاریخ آنرا خواهید مطالعه . چه چیزها می بینید ، چه چیزها میشنوید ، چه لذتها چه سرورها میگیرید ! علمی ، ادبی ، سیاسی درعین زمان شاعرانه عاشقانه هوسات رانگیزانه – یک اثر !

این اثرازسه جلد مرکب ودریک وقایه مجلد میباشد ، تقریباً (۷۰۰) صحیفه ، ویا (۱۰۵) قطعه تصاویر مناظر مختلفه واشخاص معتبره ونقشه های مهمه مزین است ، اینست بااینهمه خوبیهای آن قیمت (۷) هفت روپیهٔ کابلی آن هیچ نیست . کاغذ اعلا ، چاپ حروفی ، تصاویر زینکوگرافی ، جلد محکم واستوار : دیگرچه میخواهید ! همینقدر که باید نفس مطبعهٔ مبارکه ورده افغانانیه (عبدالرؤف) خان سرمرتب مطبعهٔ مبارکه یادر بازارارکیند کان (بازمحمد) تاجرکتب در بازار کتب فروشی متصل مدرسهٔ شاهی بدکان حاجی ملا (غلام محمد) خان تاجر مشهور کتب رو آورده ویا بمبلغ فوق کتاب مذکور را بدست آرید دیگری کارمی ملک

(اعلان)

پراگنده

آثار مطبوعهٔ تازهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت ، از یک مجموعهٔ اشعار ابدار تجدد آثاری میباشدکه برکاغذ اعلا ، وخوبی طبع دلربا ، باتصویر بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است . اگرچه از بحث خط وخال بعید است ولی مضامین وخیالاتش سراسر بکر وجدیداست . نسبت خوبیهای ظاهری ومعنویش قیمتش خیلی ارزان . یعنی فقط (۲) دو روپیهٔ کابلی درخود مطبعهٔ عنایت از نزد عبد الرؤف خان سر مرتب . ودر بازار ارک از دکان باز محمد . ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب هرکس خریده میتواند.

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعه آثار ادبیه را مژده ! ازین نو رسیدهٔ گلزار « مطبعهٔ عنایت » کام جانرا شیرین نمائید ! « جزیرهٔ پنهان » یک ناولیست که قوت عزم ومعرفت وسعی وغیرت را برای اساس زندگانی نوع بشر نظرگاه وجلوه گرمیسازد . هم حکایت ، هم عبرت هم فن ، هم فضیلت ! خوبی چاپ ، خوبی کاغذ ، خوبی تصویرش علاوه . قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان ! تنها (٦) شش روپیه محل فروخت نفس مطبعهٔ عنایت در ده افغانان . دکان باز محمددر بازار ارک ، دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی .

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد
کتاب سال دوم « « « مصور مجلد
کتاب سال سوم « « « مصور مجلد
کتاب سال چهارم مصور مجلد
علم و اسلامیت
آیا چه باید کرد !
ادب درفن
توحید
مختصر جغرافیای عمومی

این کتابهای فوق در اداره موجوداست . هرکس که آرزوی خریداری آنرا داشته باشد بهاداره مراجعت کنند

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

	قیمت روپیهٔ کابلی
سیاحت دورادور زمین بهشتاد روز مجلد	۲
سیاحت در جو هوا مجلد	۲
سیاحت در زیر بحر مصور مجلد	٤
ازهرچمن سمنی وازهرچمن سمنی مجلد	۲
روضهٔ حکم مجلد	۲
پراکنده مصور مجلد	۲
جزیرهٔ پنهان مصور مجلد	٦

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوقرا داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان ازنزد عبدالرؤف خان سرمرتب وازدکان باز محمدخان کتابفروش دربازار ارک وازدکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسه شاهی بقیمتهای معینش خریداری کرده میتوانند.

واگر ازخارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوقرا بکنند باید بـ سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند.

اعلان

کتابهای مجلد سراج الاخبار افغانیه ، وکتابچههای علاوهٔ ونشریه های متفرقهٔ آن ، وهمه کتابهای مطبعهٔ عنایت خریدارانی که آرزوی خریداری آنهارا داشته باشند ازدکان حاجی ملا غلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی ، وازدکان بازمحمد خان تاجر کتب در بازار ارک بقیمتهای معین آن خریداری کرده میتوانند ونیز در خود اداره درماشینخانهٔ مبارکه ، ودر خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان هم بفروش میرسد فقط

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

شماره ۱۷ سال پنجم

فهرست مندرجات

شروق عرفان (علم – فن

مکتوب (

ادبیات (

مکتوب (

احوال اسلام (

حوادث خارجه (مکتوب ـ یك نهایت ضروری خط ـ خبرهای راجع به ایران ـ ایران کنونی ـ در ارومیه ـ در محمره ـ در کرمان ـ عده مجاهدین ـ اخبار طهران ـ جنك ساوجبلاغ ـ مجاهدین شیراز ـ در کرمانشاهان ـ خبرهای جنك اوروپا ـ از جراید قفقاز ـ غرق کشتی ایطالیائی ـ اتوموبیل های جدیدالاختراع ـ تلفات جنك بین الملل ـ قشون عثمانی در فرونت ایتالی ـ اقدامات در سالونیك ـ تدارکات برای مصر ـ بخشش امپراطور اطریش ـ از جراید روسی ـ منظره قشون تنبی به هندوستان ـ ایضاً خبرهای جنك اوروپا ـ ورود اسلحه المانی به عثمانی ـ مقاله ـ ضرور بیدار بشوید ـ آخرترین خبرها ـ جرمنی و بلجیم مجموعه هوائی انگلستان ـ اعتراضات بر محصول قطن کوکرد ـ تجارت جرمنی بهمراه ناروی ـ غرقاب جهازات ـ محاربات بلقان ـ حالت یونان ـ حالت چین ـ آخرترین خبر تلگرافی ـ تلفات عسکر انگریزی

اعلان (سراج التوزیع

تصاویر { از کار های سیاحت غزنین ـ کذا از کار های سیاحت غزنین ـ از کار های سیاحت غزنین عمارت منزلگاه باغ نمله ـ

اعلان

ازصنایع پروردهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب سر
کار خانه جات ، ماشین خانهٔ مبارکهٔ دارالسلطنه کابل علاوه ، رفعهای حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه و اونیفورمه
عسا کر شاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخلی که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که ازحضور اعلیحضرت عا
حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ، ذیل (دکان عبدالله خان دروازه ارک) میباشد.

(۱) سرج‌های پشمینه باف رنگهای مختلف که قیمت آن ازقرار گرانکرزی ۳ قونه مشخص شده ، ودر صندوقخانهٔ جنس هر نفر وغیره

اقسام	قسم اول					قسم دوم					
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم وفقری که قیمت آن ۱۰ پیسه زیاد	
رقم	تاحال ساخته نشده	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خود
قیمت		۷ روپیه ۰ پیسه	۶ روپیه ۱۱ پیسه	۶ روپیه ۴۲ پیسه	۵ روپیه ۴۸ پیسه	۶ روپیه ۹ پیسه	۵ روپیه ۱۸ پیسه	۶ روپیه	۵ روپیه ۱۰ پیسه	۶ روپیه ۱۰ پیسه	۵ رو ۲۰

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکرزی | کشمیره چهارخانه ۷ روپیه ۳۵ پیسه | کشمیرهٔ هدارمهردرقم ۷ روپیه پیستنی

۲ جرابها

رقم	نکتائینک زوج	راهدار زوج	معمولی زوج
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه

(۳) تکمه‌های چرمی جراب ومنبردار

کلان قدرچن	میانه قدرچن	خورده قدرچن
۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۵۵ پیسه

(۴) کروره های جدید ساخت

رقم	زه‌باف یک اسپه دوکره دوتاره	زه باف یک اسپه دو کره سه تاره	چرم باف یک اسپه	یک اسپه چار تارهٔ نخ
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲۴ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۶ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم باف دسته‌بادای دو اسپه	چرم باف دسته دولانهٔ یک اسپ	دسته دولانهٔ یکی چار اسپه	چرم باف عمرکی
قیمت	۴ روپیه و ۴۸ پیسه	۴ روپیه و ۴۶ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۴۳ پیسه
رقم	تخته رنجی کلیت نقره توغانه	قبضه کلیت نقره از چرم سه‌لایه توغانه	زه باف رقم سواری سامی کلیت	زه باف دو تارهٔ رکابی
قیمت	۳ روپیه و ۵۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۷ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵۴ پیسه
رقم	رکابی ازنخ	چرم باف میانه چوب پت زنانه	از زین سواری تیغ چرمی	زنانه ابریشمی خیاطه
قیمت	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۵ روپیه و ۸۹ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته‌بادای تیغ چرمی	دستهٔ دولانه‌سامی رنجی کلیت نقره	از زین سواری دولانه تیغ چرمی کمک دار	چرم باف مابین پت یک اسپ
قیمت	۴ روپیه و ۴۹ پیسه	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

(۵) اقسام گلهای مصنوعی سر

قسم	گل چرین	گل نافرمان	گل پرینه	گل شبو
قیمت	۵ روپیه و ۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۶ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قسم	شگوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل نسترن	چنبیلی
قیمت	۷ روپیه و ۴۵ پیسه	۶ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شگوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

(بالتشهیر)

(میر محمد هاشم دفتری کار خانجات (کمیدان نظامی)

صحیفه (۱)   سال پنجم   (شماره) ۱۷

قیمت سالیانه
دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
با مصارف ڈاک ۱۴ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مصارف ڈاک ۱۰ روپیه انگلیزی
در پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن در کابل یکعباسی است
(اوراقی که درج نشود اعاده نمیشود)

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

ادارهٔ تحریرخانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه به اداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ قمری غرهٔ رجب ۱۳۳۴   تاریخ انگریزی ۴ می عیسوی ۱۹۱۶   تاریخ شمسی ۱۴ ثور ۱۲۹۵

تشویق عرفان

علم — فن

ازبهر خدا، ای اهل وطن
تاکی غفلت، ازعلم و فن   تاکی حسرت، زاحوال زمن
بشنو از من، بشنو از من   کوشش باید، ازبهر فن
ازبهر خدا، ای اهل وطن
علم و فن، شد آتش و آب   سوزد هردم، سازد شاداب
سوزد دشمن، سازد احباب؛   هرگونه بدی ـ سازد ملک و وطن
ازبهر خدا ای اهل وطن
آیا ما را، نبود دیده؟   آیا گوشت، این نشنیده؟
کاندر عالم، کس نگزیده: رفعت و شرف، ذلت و محن
ازبهر خدا، ای اهل وطن
ذلت و محن، در بیعلمی   عزو شرف عقل نقل:
هرگونه ترقی فضل عمل   یابی هردم ازعلم وفن
ازبهر خدا ای اهل وطن
بنگر تو بسوی همسایهٔ خود   ایران بنگر، حالش چون شد!
از بیعلمی، طاقت ناورده   محکوم شدند وخاکشد فن
از بهر خدا ای اهل وطن
بالا نرو، ترکیه ببین   کانها زیان، کشتند قرن:
باعلم و فن ـ وارو زمین: طاقت کردند، در جلوه فن
از بهر خدا ای اهل و طن
زینهم بگذر، بالا نرو   جرمن بنگر حیران میشو
کو ازعلم، بر بوده گرو   ازجمله جهان، باجهد ومحن

ازبهر خدا ای اهل وطن
نبود بجهان، جزعلم وهنر   اسباب دگر، ازبهر ظفر
در جو هوا و بحر و بر   حاکم نبود، جزعلم وفن
از بهر خدا ای اهل وطن
باید انسان، دیندار بود   باحب وطن، بیدار بود
برنفع و ضرر هشیار بود   آگه گردد، زاحوال زمن
ازبهر خدا ای اهل وطن
گردین خواهی، روعلم آموز!   دنیا خواهی! روعلم آموز!
مسعود شوی؟ روعلم آموز!   روعلم آموز! باز آبوطن.
از بهر خدا ای اهل وطن
علم و فن شد، استاد وفاق   علم وفن شد، ماحی نفاق
علم وفن شد، مارا تریاق   بی او باشیم، مسموم بدن
از بهر خدا ای اهل وطن
گرخود نشدیم، آنکه دانا   باید بکنیم، کار فردا
گرپیر شدیم، بهر برنا: باید بگشود، ازفن در وزن
از بهر خدا ای اهل وطن
روزن گفتم، مکتب باشد   مکتب چو بود، مکسب باشد
فکر تو دران، منقلب باشد   بشکاف به آن، سد آهن
از بهر خدا ای اهل وطن
ای اهل وطن، تاکی خوابیم   بیدار شویم، بس بشتابیم
اولاد وطن، را دریابیم   مکتب سازیم، در هر برزن
ازبهر خدا ای اهل وطن
ای اهل وطن، مانیم غیور   فطرت مارا، کرداست جسور
مارا باید، بی وهن و فتور   مکتب سازیم، بر رونق زمن
از بهر خدا ای اهل وطن
اعلیحضرت، پادشاه ما   متبوع ما، سرکار ما
بنیاد انداخت، مکتبها را   اولاد ما، شد پیرسخن
از بهر خدا، ای اهل وطن

پیرو گردیم ، ازدل از جان   اول حق را ، دوم قرآن
سوم پیغمبر ، چارم سلطان   لازم باشد ، پیرو گشتن
از بهر خدا ای اهل وطن

حق در قرآن، فرموداز دیر   فرق توبکن، از کور وبصیر
فرق ظلمت، از نور منیر   جهل وعلمست، بی پیچ وشکن
از بهر خدا ای اهل وطن

پیغمبر ما ، فرموده چنین   عرفان بطلب باشد درچین
حکمت ازتست، درروی زمین   میرو میجو ، بکشا تا من
از بهر خدا ای اهل وطن

شاه ماآز ، آغاز جلوس   باعلم نمود ، مارا مأنوس
عرفان وشنا ، ساعی محسوس   گردید پدید ، درهر برزن
از بهر خدا ای اهل وطن

قرآن وحدیث و، امرملوك   ناطق باشد ، براین : کسلوك
باید بکنیم باجمله بلوك   درراه علم ، درراه فن
از بهر خدا ای اهل وطن

اماچه سلوك ، ازدل ازجان   باصدق ویقین ، ایمان وجدان
بشدیم کمر، باعز وشان   دانا سازیم ، اولاد وطن
از بهر خدا ای اهل وطن

یك مکتب ، یاده مکتب   کافی نبود ، صدها مکتب
مارا لازم ، لکها مکتب   اینها نشود ، جز مال وبدن
از بهر خدا ای اهل وطن

ای اهل وطن ،احسان وکرم   از هرچه بود ، کردیش وکم
ازمال ودرم ، بی جورو ستم؛   یکجا آرو ، سازش خرمن
از بهر خدا ای اهل وطن

باآن خرمن ، مکتب سازیم   لکها لکها ، خیرا نبازیم
هرگونه بلاها دور اندازیم   هرسو گردد همچون گلشن
از بهر خدا ای اهل وطن

ای اهل کرم ، ای اهل عطا   ای حب وطن در هر دلها
جو دی ، بکنید بهر ابنا   تاشاد گردد اولاد وطن
از بهر خدا ای اهل وطن

اولاد وطن ، حقها دارد   آینده وطن ، زانها دارد :
صدها امید ، دلها دارد   زاولاد وطن ز اولاد وطن
از بهر خدا ای اهل وطن

مارا باشد ، یك بدعلت   آنهم اینست: ای خوش فطرت:
« بعد از سرما عزت ذلت :   هرچه باشد ، باشدچه بمن ؟»
از بهر خدا ای اهل وطن

پیغمبر ما ، بحرفرماید :   «بهر دنیا ، کاری باید ،
« گویا که عمری تابه ابد   باقی هستی تا دور زمن »
ازبهر خدا ، ای اهل وطن

« بهرعقبا کاری می کن   گویاکه روی ، فرداز چمن »
« هردم هردم فکری میزن   بهر فوت ، هم بهر کفن »
ازبهر خدا ، ای اهل وطن

ای اهل وطن ، این قول نبی   دین باشد ، هم از دنوی
گراین نبود دنیای دنی   ویران گردد، بی قول وسخن
ازبهر خدا ، ای اهل وطن

اندیشه بکن ، بهر آتی   حاضر میساز ، نسل آتی
بگذشته زما ، شاید آتی ،   ازبهر وطن ، گردد جوشن!
ازبهر خدا ، ای اهل وطن

جوشن گفتم ، مکتب میدان   مکتب ،مکتب،مکتب میدان
طیاره وطوپ ، آتش افشان   بی علم وهنر ، نی شدجوشن
ازبهر خدا ، ای اهل وطن

تاکی گویم ، از علم وفن   فرسوده بشد ، نوك آهن
نرم آید ، ز ثبات سخن   زیر الماس ، باشد روشن
ازبهر خدا ، ای اهل وطن

ظاهر بنگر ، درروی زمین   احوال جهان،راخودمی بین
هرجا که شده ، فن راتمکین   آنجا روشن ، آنجا گلشن
ازبهر خدا ، ای اهل وطن

آنجا قوت ، آنجا عزت   دیگرجاها ، عسرت اسرت
عز وفن شد ، حکم وقدرت   چون آن نبود میزی بهمن
ازبهر خدا ، ای اهل وطن

دین حق شد ، دین اسلام   قوت عزت ، اوراست مرام
آیاز چه شد ، گرزور تمام   می گو بامن ، می گو بامن :
ازبهر خدا ، ای اهل وطن

گویم باتو ، ز اسباب آن   یك نکته شنو ، باقی هزیان
مال اسلام ، حکمت عرفان   گم شد ازوی ، ماند اوبی فن
ازبهر خدا ، ای اهل وطن

مارا لازم ، دردست آریم   مال خود را ، هرجا یابیم
باجان وبدن ، کوشش ورزیم   زوت یابیم ، از علم وفن
ازبهر خدا ، ای اهل وطن

عزت یابیم ، از علم وفن   قوت یابیم ، از علم وفن
قدرت یابیم ، از علم وفن   باآن بشویم ، حافظ بوطن
ازبهر خدا ، ای اهل وطن

علم ار نبود ، ایمان نبود   نبود حرکت ، گرجان نبود
جان آمده علم ، ارزان نبود   همت باید ، بامال وبدن
ازبهر خدا ، ای اهل وطن

مردان جهان ، همت کردند   باآن همت ، غیرت کردند
کوها نیمها را بر کنند   آیا نمود ، مارا کاهن ؟
ازبهر خدا ، ای اهل وطن

آغاز کنیم ، این عقدهٔ خود   اندیشه کنیم ، آیندهٔ خود
مکتب سازیم ، دربلدهٔ خود   دین و دنیا گردد بامن
ازبهر خدا ، ای اهل وطن

از ده افغانان کابل فی ۲۰ جمادی الثانی سنه ۱۳۳٤

مکتوب

بعد از تقدیم بحر تشکرات صمیمی بخاطر خورشید تنویر جناب مدیر محترم صاحب پوشیده مباد که بنده باوجود عدم استطاعت بعض

---

(۱) (اطلبوا العلم ولوبالصین . الحدیث ...) الحکمة ضالةالمؤمن ، اخذها أین وجدها . الحدیث ..)

نقت مآبی تمنا بارسال همین مقالهٔ عاجزانه جسارت باب گردیدهام شرط موافقت مسلك اداره لطفاً و مروتاً بیکان گوشهٔ ستون راج الاخبار درج کرده شود عین غریب نوازیست انشاالله الرحمن نیز آینده نیز چند فقره ازحالات اوضاع ترکستان را وجیزه خواهم نوشت ۱۶ جمادی الثانی ۱۳۳٤

مرید و مخلص شما صوفی زاده محمد شریف فرغانهٔی

در مأیوسی یك امید

خدا را باقتضای مشیت ازلیهٔ صمدانیهٔ نوبت که بر سر جهان و جهانیان م عصر نمونهٔ عبرت ترقی و در هر قرن موجب حیرت تبدل و تنزل ی بدهد واز طرف دیگر عمر عزیز نوع بنی بشر بیکاپوی جمعیت اب علم گذرانی در گذر بوده ومیباشد بالخاصه کسانیکه بوجدان پاك دار آگاه بفضل عنایت ازدی دسترس شدهاند باهمراهی ابنای جنس ه راه مدارا و مواسا را پیش گرفته تمامه امور اداره زندگانی را خوبی بحدامکان رسانیدهاند و بموجب فرمان اقدس الهی و بحرمت سنیهٔ حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه وسلم اتباعاً بدون غرض نفسی جسماً ومالاً فدویانه خدمات خدا پسندانهٔ خود را پیش نهاد عام و خواص کردهاند بهمین واسطه ازطرف عموم ملت نشان یاز ولیاقت تحسین را بدوش آویخته اند وبرای آینده کان ملت نیز بیاد آوری قرائت خانهٔ عمومی یا که برای ترقی وتعالی نفوذ دین لام ومحافظهٔ وطن اساس بنای جمعیت خیریه باخود ایتام خانه وصندوق الامل را ازطرف حکومت موافق پولتیك سیاست امتیاز لوازم حقوق را کرده تاآنکه دشمنان دین روزی تعرض تعصب نکنند بنابرین زمان برحمت ایدمعدهٔ جناب پروردگار جل شأنه پیوسته اند تأسف حسرت اشتال آنان که دائمی باغراض نفسانیهٔ خود مفتون گردیده کنده شدن طناب چرخ بیوه زن بی وقوف ازشکم گرسته کان قوم و وارثان تعصب خودبینی و تن پرستی باولاد وطن همیشه درضرر وز بکانه دشمن علم صنعت وهنر وبدین قوانین مکاتب اصول صوتیه الهام کنندهٔ معلمین ذوالاحترام میباشند جای گریه اینکه این بیچاره دران ازساده لوحی در حبس زندان آتشکدهٔ جهل مرکب بی نام و نشان بود چنانچه بکشمکشهای خیال فاسدهٔ بی فائده محق وظیفهٔ عبودیت را را کرده نتوانستند اکثر اوقات شرع شریف قوی البنیاد را گستاخانه وجهٔ امور معیشت جهانداری نموده فردا درحضور شفاعت موفور پیمبری سرخمیدهٔ خجالت گردیدند اقلاً مراسم رسوم انسانی را بجای کرده نتوانستند ونه پیروی اخلاق برگزیدهٔ محمدی را کردیدند نه صدق بوبکری را درپر گرفتند نه غیرت عمری را تعقیب نمودند نه حیا وحلم عثمانی را قبول کردند نه شجاعت علوی را کردند والحاصل از سزای کردند الی الابد مستحق تشکی قوم شدند یکی ازین جهه ساکنان خطهٔ ولایت فرغانه بلکه همهٔ توران زمین یعنی ماوراءالنهر ترکستان آسیای وسطی که همگی آنها یك قوم ویك ملت میباشند تخمیناً از تاریخ هزار و صد و هشتاد تاالآن خیلی شدههای فلکی را از دنبال خورده یعنی ههای ناکهانی را ازدست بی امان روس منحوس تلخ تلخ چشیدند ها ازطرف امپراطوری دولت روسیه بموافق شرع شریف اجازت طرق دین وتوسیع مذهب وآئین را کرفته نتوانستند روزی رسیدکه جاب اورو پایان طالانه یك هجوم لفظی ومعنوی را منسوب شدند این کذابان ناانصاف اقوام نجیب ترکستان را وحشی گفتند یك ملت ناجیهٔ ترکیهٔ تحمل این بار تحقیر بسیار طاقت فرسا گردید بعضی نوجوانان وطن بواسطهٔ تلسفوف عبرت نما مشاهده کردند که این خوابهای دور ودراز مردم ترکستان و فرغانه وطن را بدست اجنبی سپرده ناچار بهرطرف دویدند ودست توسل بیار واغیار دراز کردند افسوس که کسی التفات نکرده بازبدرگاه معلای تو رجوع نموده بخشوع و خضوع تضرع نیاز وزاری کرده همه محبان وطن بعجز وانکسار گره کشان مصلحت تخلیص گریبان خود را ازجناب اقدس تو استرحام نمودند هزاران شکر وسپاس که باندك مدت قریب مساحت بعید فضل عنایت مهربانی طی کرده شد که یکی ازانها اتمام بنای مسجد مبارك اسلامیه در بتر سبورغ مکتب دار المعلمین ودار المعلمات درآوفا ودر قزان قرائت خانههای ملی در قصبات شهر مکتب حسینیه لیلی ونهاری دراوروبورغ اخبار و روزنامههای یومی مجلههای ملی نشر وتنویر میکند خصوصاً درشهر شهیر تاشکند صدای ترکستان درسمرقند آئینهٔ جهان نما درخوقند صدای فرغانه نام جریدههای وطنی باوجود بیهوده بودن جماعت های خیریه واعانهٔ وطنیه یك نوعی تسلی دل را کمك میرساند اکنون میخواهم که مجمل ازحالات حاضرهٔ اقوام ترکستان بعد رسانی توفیق یزدان دبی خود اطلاع بدهم تا که درمیان عموم عالم اسلام شناسائی و آشنائی حصول پذیر گردیده دلصاف مسلمانان بهم بسته شودزیرا که امروز براستی می گویم بجز دولت ابدمدت خداداده ممالك محروسهٔ افغانستان باهالی بخارا وخیوه و ترکستان همسایهٔ نزدیك وحامی و مهربان یك حکومت اسلامیست اگرچه دولت علیهٔ عثمانیه نیزدربارهٔ خصوص تعلیم و تربیه ازهر مکتب حقوق ومساوات ارزانی فرموده ولیکن چه چاره که پولتیك روس رابطهٔ قوی بالکلیه معترض میباشد شهادت نامهٔ ترکیه را نظارت معارف کاهی قبول ندارد بهر حال که باشد ازین گونه معلومات مصلحت آمیز خیلی نتیجه های دل آویز بجانب فرغانه زمین وصول خواهد شد حالا مقالهٔ نیاز عاجزانهٔ خود را بادبیات ذیل ختام داده سایهٔ مراحم والهٔ حضرت امیر المؤمنین (سراج الملة والدین) را غنیمت شمرده و ممدود میخواهم فقط

ادبیات

طنین بانك سحر گاه مرغ عرش مجید
بگوش بلبل نالان وقت صبح رسید
صدای صوت بلند اذان مصطفوی
بهوش مردم خوابیده تلغراف کشید
زقیه زدل اسلامیان یك سرشت
نسیم غیرت دین محمدی بوزید
صفیر بال طپش چون نفیر اسرافیل
بیکانه باعث احیای مرده کان گردید
طنین گنبد دوار ورقص بوقلمون
یکی اشارت جشن ودیگر بشارت عید
انین طفل نباتات وخنده گل سرخ
صفیر سال مبارك مشیر روز سعید
غرام مروحه جنبان شوق وباجهٔ ذوق
ره عراق ومقام حجاز را گروید

بپای سرو بدامان نرگس بیدار
چو دانه دانه گهر قطره قطره ژاله چکید
بفیض عشق درون ز چشم فواره
شلاله موج زده وچلقیان دل جوشید
نظارت پل خشت وشطارت لب رود
تبسم لب جانا چو هاله کرده مزید
بسوی شام شبستان خفتن دل شب
هلال طاق دو ابروی لطف یار خمید
زداغ سینهٔ خونین کجا بود لاله
مطاع سرخ بجز ارغوان کسی نخرید
دهان و از صدف پرزاب نیسان شد
بنیم سوده ز الماس شیر صاف مکید
صفوف منتظم گل ماثوره مضمون است
زخیر دست همایون باغبان رشید
درین پیالهٔ گلگشت تیز ودیر آهنگ
بیأس ره ندهد (صوفی زاده) جز بامید

خدمت ترقیخواه صداقت کیش ، خیر اندیش ملت افغانیه ذات جامع الصفات مدیر جریدهٔ روزنامهٔ سراج الاخبار افغانیه تحیهٔ فراوان وسلام بپایان تقدیم میرسانم . ! هرچند که جناب مدیر را ازین تعارف غایبانهٔ من کم وبیشی استعجاب وحیرت دست خواهد داد مگر ازانجا که کریم النفسان کریم‌وش را دایما ازدیاد تعداد صداقت کوش بافراط و کثرت میباشند مزید که این معارفهٔ مرا نیز مبنی برصدق واخلاص بدانند . اولا وجود فضایل نمود آن محترم را باعث آنکه ملت را از آثار پرتو کمالات آنجناب فرصت استفاده کردن ومهلت مستفیض گردیدن بوجه احسن واصول مستحسن بدست افتد وبخواب رفتکان نوم غفلت وبیخبری را بسبب نالههای شبگیر وفغانهای پرتأثیر آن غمخوار قوم تیقظ وبیداری حاصل آید . وافعی زدکان تهی دانشی را ازین اجلیت وتبحر علمی آن فاضل وطنخواه تریاق میسر گردد با کمال صحت وعافیت پاینده وسالم میخواهم . ثانیاً این چند کلمه را بتوسط اخبار گهربار آنجناب بر ملت عزیز خود باثنهای عجز وفروتنی عرض وتوصیه میکنم .

« بحضور ملت گذارش باید »

ز آواز چنگ وچغانه خدا را   بشو ملتفت نالهٔ درد مارا

ایزد تعالی را سپاس بیقیاس وشکران بیکران که مارا بعواطف رحیمانه ومراحم کریمانهٔ خود اختصاص بخشوده تا امروزها کل استقلال و آزادی نگاهداشته واز سموم تغلب بیگانگان که بهارجنستان جمیع ملل آسیائی را غارت نموده است بستان استقلال وحریت مارا حفظ وحراست فرموده ، طالع نکو لسارا ونیکان تجارا را هم اختر مانگردانیده واختر سوختهٔ هندیان بیچاره را نجم طالع ماناساخته است . وهرچه از پیدایش تا بر سر این بیچاره کان وارسیده مارا ازان مصئون ومأمون داشته . تسلط غیری را برماتسلط فرموده که مارا بهاطاعت وفرمان بری خود مجبور سازد وحلیهٔ استقلال وحیات قومیه را ازماسلب نموده خوار ومضمحل گرداند . ونه طالع بیگانه را برما مقرر فرموده که مارا به تحکم وتشدد ظالمانهٔ خود حقیر ومضمحل دارد . بازی صد شکر که حالما بدین طور و کیفیت ما بدینسان نبوده است بلکه برخلاف آنها درسایهٔ پادشاه مقدس از افراد ملت خود که ما اورا بمنزلهٔ پدر شفیق برخود رحیم ومهربان می پنداریم ایام بسر میبریم . ما ، تحت پادشاه دانشمند ومآل اندیشی هستیم که بهبود وترقی مارا از خود ماهم بیشتر مراد ومقصود دارد . ما رعیت درظل رأفت چنان سلطانیم که درد مارا از ماهم افزون ورزی میکند . ذلت ومسکنت مارا ذلت ومسکنت خود . وعزت وشوکت مارا شوکت وعزت خویش می انگارد . اگر مارا بهموم وغم بیند عاطفت منزلش از شدت غم واندوه خیلی محزون وبستوه می آید . واگر مارا درفرحت وراحت آسوده وشادمان یابد هر آینه قلب منورش از بس سرور ونشاط مانند گل شکفته ومنبسط می گردد . پس وجود سعادت آمود پادشاه حقایق آگاه معارف افکناه ذات دیانت صفات (اعلیحضرت سراج الملة والدین) که خلاصهٔ جوهر روح افراد ملت جلیل ما میباشد عین عنایت ومهربانی حضرت ایزدی است . وهمانا مرحمتی است سزاوار شکر وامتنان . ونعمتی است شایان هزاران گونه منت واستحسان که بهیچ گونه ازاعطای شکر این موهبت عظمای حضرت واهب العطایا از عهده نمیتوانیم !

مارا است که بوجود ذیجود جناب شهزادهٔ جوانبخت معظم معین السلطنه صاحب الفخم هزاران حمد وثنا نثار بارگاه حضرت کبریا جل وعلا نائیم که اعلیحضرت پادشاه مقدس ما این چنین ذات ستوده صفات ترقیخواه بیدار مغزی را بر کشتی بانی علمی ما کشتی شکستکان معین ومامور فرموده ودر دل بی‌غل مبارکش آنچنان یکدل پاك وباصفائی جاگیر گردانیده که ازفرط همدردی حقیقی بربیچارکی ، ومحتاجی وزبونی میسوزد . خدایش پاینده واختر اقبال وسعادتش را تابنده دارد تا بیماران مرض نادانی را باکسیر سریع التأثیر معارف اشفا وتنویر ومارا احیا فرمایند .

هرقوم وملتی که امروز برپام بلند ترقی جلوه افروز میباشد بعلم وتمسك بتحصیل معارف نموده است الان هرآن قوت وشوکتی که امروزه روز ماراست بجز واسطهٔ علم بدیگر چیزی بدست نیامده همین تحت البحری ها که جهانی را غوطه خوار لجهٔ تعجب وحیرت گردانیده از بحر ناپیدا کنار علم بیرون برجسته است واین زپلنهائی که درجو هوا مانند کرکس وزغن درطیران وجولانند از شاخسار علم وعرفان بپرواز آمده اند . ازین تحریر هیچ که این تمجید اقتضا کرد که گویا من عزرا ازروی آنکه بس آلات هلاکت بار وملت تباهی انگیز را بروی کار آورده ودروظیفه ملك الموت اشتراك ورزیده واز اشتغالات کثیره‌اش قدری سبکدوش گردانیده تعریف می کنم

جان اشخاصی بینم که انسانیت را مانند وحوش وسباع بیچاره همدیگر دیده ازنظارهٔ آن خوش شوم وفرزندان پیر سر ادیب بیکر درخاک وخون آغشته دیده شادمان گردم مگر بالنکه فساد ین را خیلی مرد ودوغیر مطبوع میدانم بازهم از چنان مردمانی که استیصال آزادی واعدام استقلال یکقوم را بنظر استحسان وانم . چرا که این یک پسندیده ومقبول طبع ارباب انصاف که یک ملتی دست بروی دست گذاشته ومانند مجسمهٔ خاموش ری مدافعهٔ حیات خود هیچگونه حرکتی درنیابد واگر کسی رهٔ راست وی سیلی زند رخسارهٔ چپ خود را هم بنا برحفظ کی ومصالحت بین الملل پیش آورد .

کرا است برای حفظ عزت وآبروی خود دست بشمشیر زدن روری است برای برقرار داشتن استقلال وآزادی خود راه کینه بودن زیرا هرعقل حکم میکند که درچنین صورتها برای هرانسان دن که نفس خود را ز تجاوز وتعرض ار مدافعه و تحفظ ید . یاران اگر کسی دین خیال که من در صیل علم شمهٔ ازبیان ترا عات عجیبه وایجادات ریه ذکر نمودم مرا ز طرفداران جدال جدال بین بشر بندارد بین انصاف کرده خواهد بود . [illegible] ضروری است گران بها زنید واعلاوه اگر کسی ازان بد بطریق ستفاده نماید آنرا تقصیر ستفاده کنندهٔ آن باید دانست . حضرت عزوجل ود . چنانچه حق سبحانه عالی انسان را دست وپا گوش وچشم وغیره اعضا فرموده لهذا اگر کسی ازانها در ارتکاب جرایم واکتساب م استمداد جوید بی شبه خود همان اورا مجرم ومرتکب آن گناه ار تواند داد نه که اعضایش را .

کسب علم بغرض تربیه ومعرفت خیلی خوب وبرای خداشناسی وجود سی تحصیل آن نهایت پسندیده ومرغوب است زیرا . ع : که بی علم نتوان خدا را شناخت ! از علم برای حفظ عزت خود وعظمت وطن مقدس خویش نگهداشت استقلال وآزادی ملی خود استفاده نمودن حقیقتاً یک اقدام صواب ویک تشبث بالسباب است . بوسیلهٔ علم انسان ازاسرار حیوانات . وبذریعهٔ آن درس‌های اخوت انسانی ومساوات وهمدردی را استاد

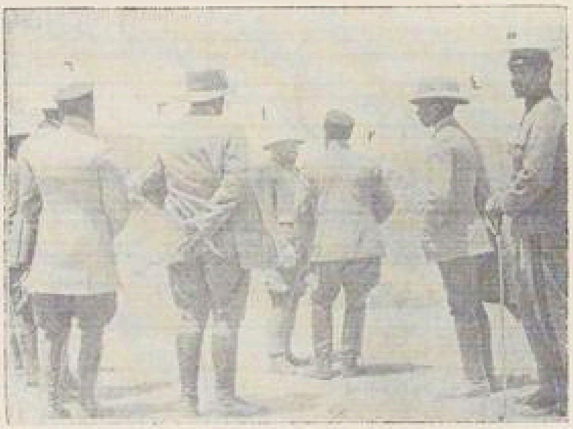

ازتذکار های سیاحت غزنین

سنه ۱۳۳۱

(۱) ـ ذات اعلیحضرت ملوکانه ـ (۲) محمود طرزی که فرمایشات همایونی را درخصوص معلومات (بند سراج) ازاعلیحضرت بادشاه مقدس خود میشنود ـ (۳) مصاحب خاص جناب سردار محمد یوسف خان ـ (٤) جناب شهزاده محمد کبیر خان ـ (۵) محمود خان سرخان امیور ـ (٦) مرحوم برگد عبدالاحد خان

میشود . از دامن آموزی علم یادم آموزی فراموش وبجای صفحات علم الشرقته وفساد خاموش می گردد . برعموم از طریق معاشرت وجادهٔ مدنیت وشاهراه تهذیب وانسانیت را بکمال سوقکرد انسانی وتمام استراحت دولت قطع توان کرد از برکات علوم وفنونات نامتناهی از جمیع ملکات ملکی وتمام صفات مرضیه را جمع وبهم توان ساخت ! درزیران گنبد نیلوفری هیچ یک نقطهٔ مقصود موجود نیست که بجز دستگیری علم بدان توان رسید وهیچ عقدهٔ نیست که ازانامل دستیاری علم تنها بناخن تدبیر توان گشود اگر انسان بدون ارشاد وتأیید علم بامری اقدام ورزد جز ندامت وپریشانی چیزی نخواهد دید وازباغ آرزو گل مرادی نخواهد چید وبوی امیدی بمشام کام خویش نخواهد شنید . غرض دردنیا فواید بسیار وعواید بیشماری متعلق امور عدلی . اخلاق . معاشرتی موجود است که تحصیل هیچ کدام آن بی توسط علم ممکن الوقوع وصورت پذیر نیست !

آیا میدانید ؟ که موتر ، ریل ، تلگراف ، آلات ناریهٔ حربیهٔ کراو وغیره ازقبیل این اسباب محض نتیجهٔ علم عالی جناب است !

آیا میدانید ؛ که از جغرافیای عالم باخبر گردیدن ، واز حالات معاشرت وطریقه های تمدن سایر الناس که برصفحهٔ ارض سکونت دارند وقوف یافتن تنها بوسیلهٔ علم امکان پذیر است !

آیا میدانید ؛ که تواریخ مطالعه نمودن وبر حکایات اسلاف کرام یقین ور سوانح بزرگان فرخنده منش خود مطلع شدن خاص بر علم موقوف ومنحصر است !

آیا میدانید ؛ که جهاز سازی و زورق رانی و آنها را بروی بحرشنا آوردن وجمیع فنون سیاحت وملاحت ، وصناعت وزراعت بدون علم صورت نه بندد !

ای برادران عزیز ! وای هم ملتان وافر تمیز ! بدانید وآگاه باشید که هرحرکتی که ازشما مشاهده آید وهرفعلی که ازشما سرزند اگر بجز ارشاد وره نمونی علم باشد بی شبه برشما هلاکت وتباهی خواهد آورد . وهرکار وامری را که بغیر استصواب ومشورهٔ علم ظهور رسانید البته بدست خود برپای خویش تیشه خواهید زد !

علم تا درجهٔ لابد وضروری است که بی آن نان نتوانید بخت خرمن نتوانید اندوخت ، تنور نتوانید انداخت آتش نتوانید سوخت ، جامه

نتوانید دوخت اصرن حصول قماش را نتوانید اموخت ، زنده‌کان ما را بی‌جامه و مرده‌کان ما را بی‌کفن خواهید یافت . عزیزا گریز است کسانی را که دردنیا زندگی با عزت وآبرو را آرزو دارند . وعلم لازمی است آنان را که تهذیب وانسانیت ، وقدرت وعظمت قومی خودشان را خاطر نشان هر کس وناکس می‌گردانند !

پس ای برادران غیور ! وای هموطنان جسور !! باید که بالاتفاق تعصب را از خود برطرف سازیم وازچنگ جهالت برای رهائی ورستگاری خودها سعی ورزیم خصایل پسندیده واخلاق مرضیه را بخود جلب کنیم تمدن وشایستگی ، وتهذیب وفضایل انسانی را کسب نمائیم ، قدامت پرستی وفرسوده خیالی را ترک دهیم وبر سمتی که ، هوا میوزد ماهم بهمان سمت وجه حرکت کشتی خودرا دور دهیم وماننده سبزهٔ تازه بهرطرفیکه باد در وزش باشد بهمان جانب میل ورزیده واز مناعت موافق سرکشی نمائیم نماننده کشتی که بمخالف هوای تندروان شکسته وماننده درختی که برمتانت وستبری خود اعتبار نموده بالا از شدت باد صرصر از پادرآمده خوار وخسته نگردیم چرا که دست گزیدن هیچ سودی ندارد !

گیرم که بوده‌اند نیاگر کشتکن   امروز سرشمه و رخش را اجیای

جای شکر است که حکومت معظمهٔ ما از اصلاح تعلیم وافتتاح مدار ومکاتب از وظیفهٔ خود سبکدوش گردیده خودرا در پیش خدا وحق بجای تشبث لایق پادشاه وسر خرو گردانیده است وود الخصو فریضهٔ خودرا ایفا وتکمیل نموده حالا بر ما واجب است که ما هم بجا آوردن وظیفهٔ خودمان که عبارت از تحصیل تعلیم است کوشش ورز

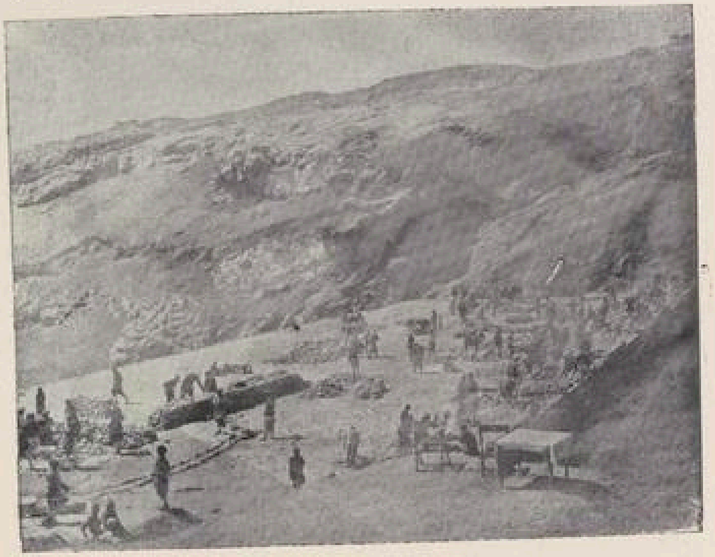

کذا از تذکار های سیاحت غزنین سنه ۱۳۳۱

(بند سراج غزنین) وعملیات انشائیهٔ آن تعمیر خانش در شمارهٔ ۱۸ سال دوم سراج الاخبار افغانیه

واز منابع علم وهنر که حکومت متبوعهٔ مقدسهٔ ما برای ملت خویش مهیا ساخته استفاده وتمتع گیریم ، وبکمال شوق وذوق فوق العاده کسب علوم وتحصیل معارف ابتدا کنیم تا خودها را در پیشگاه انظار جمیع امم عالم با عزت وآبرو ثابت سازیم . واگر از غفلت وتن آسانی کار گیریم واز علوم ومعارف بازمانیم البته احتمال میرود که بسیار زودی خدا نخواسته غاشیهٔ اطاعت اغیار بر گردن نهیم وحلقهٔ غلامی بیگانگان بگوش آویزیم وبجای بالا نگریستن بزیر پای خود دیده بگریستن مشغول شویم !

حضرت قادر سبحان وخلاق عظیم الشان از قانون قوم ودستور متین خود سر موئی هم تجاوز نمیفرماید چنانچه اگر کسی برضا ورغبت خود سم قاتل وزهر هلاهل را بخورد وبمیرد هیچ جای تعجب وحیرت نیست واگر کسی دست در آتش نهد وبسوزد هم خلاف عقل ومنافی فطرت کاری عجیب نبوده .

پس اگر کسی قومی بچشم سر ونور بصر مشاهده کند که بسیاری از همسایگان وهمجوار اش بارادهٔ دست تسلط واستیلای اغیار گردیده وحالا از هر طرف روی هجوم وتغلب اجانب بجانب خود متوجه بیند واز هر سمت وپهلو دشمنان آزادی وحاکمیت خویش را برای بلعیدن خود ماننده افعی دهن باز بیند وبا وجود چنین احوال هم از دهشت این صورت حال از خواب غفلت برنه جهد وتدابیر حفظ ماتقدم خودرا بمعرض بحث نیاورده وبرای رهائی استقلال حقیقی وآزادی معنوی خود هیچ یک حرکتی اجرا نکند ، بلکه برخلاف آن در بین خود هم جدال وقتال اگر داشته باشد وخود را پیش از پیش ضعیف وناتوان سازد واز حفظ آبروی ملی وعزت قومی خود پهلوتهی کند واتفاق هم در آن دیده چه می‌پرسی شنیده هم نشود ، ودوست را دشمن ودشمن

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1643 of 1786

ت انکار ولزام علم غیرت نکهادور گردد وخودرا بلوازم امور تمدن وترقی ملت محتاج نداند وهر کدامشان از جهت خصومت یکدیگر خود بیزار وکینه دارد وهمواره در پی تخریب وتضییع همدیگر خودباشند وعلاوه بران برسخنان هواخواهان وخیر اندیشان خودهم گوش ننهند وبخود نیک وبد ونفع وضرر خودهارا تمیز وهوش نتوانند . زود است که آن ملت در اندك فرصت و کمتر مهلت در تحت اسارت وعبودیت بیگانه آمده از استقلال وآزادی خود محروم . وبه اوامر وقوانین بیگانه متکبرانهٔ اغیار محکوم شود . وآهسته آهسته بزور ایام آداب وعادات مذهبی آنرا هم باندازهٔ یك خس خشك وفروا همیت وقدر وحیثیت نمانده لگد کوب وپامال دست ظلم وغدر اغیار گردد !

پس ای برادران باایمان ! بترسید ازان هنگام ناخوش انجامی که دشمنان حیات وآزادی تان وتشنگان خون وطن واولادتان . وپامال کنندگان اعراض وناموس تان برشما دست یابد وازتن تان سلاح بیکند وشما هیچ کرده نتوانید وهرچند که ناله وزاری وفغان بکیوان رسانید کسی بسوی گریه وزاری وآه وبکای شما ملتفت نشود . وحذر کنید ازان وقتیکه شمارا بدشمنی وبدخواهی مسلمان همدین وهم مذهب تان مجبور گردانند وشمارا به انما المؤمنین اخوة اعتقاد داشتن برشما بلاها ومصایب وعذابهای گوناگون وارد آرند . وچیزاقرا آن کریم سبیل الیهود موده سازید ونجز کوتاه برهیچ یك تدبیر دیگری قادر وموفق نباشید ! بترسید ازان ساعت پرعسرتی که جا گیردمان بیکطرز بسیار مغرورانه بشیوه پس متکبرانه شما بگوید که اگر بافلان مسلمان وبافلان حکومت اسلامی اظهار محبت وهمدردی نمودید بی شبهه دریای گنگ را ازخون تان سرخرنگ خواهم کرد !

پس ای برادران عزیز ! تعصب را ترك دهید وخدارا شکر کنید که تاحال شمارا درحفظ وامان خود داشته وضربهٔ حکومت اغیار را برشما نصاب نگردیده وشمارا فرصت بیدار شدن ووقت حصول استقلال وآزادی نامه داده است !

گوشه شد گوش کن . کوس رحیل کاروان
حیف بر آنکس که اکنون هم بماند در قفا

واگر شکران نعمت الهی را بجانیاورید وبدینگونه غفلت وبی پروائی گرفتار وبدین نوع بی حسی وبحرکتی مبتلا باشید واز تحصیل علم خاطر آسوده دارید دور نیست که خود تانرا مانند مردمان قرون اولین خلقت بی بشر باوراق اشجار ستر نمائید وبه لحم خام وحوش وطیوررا قوت خود سازید ودوباره بحالت وحشت عود کنید یکقدری سربگریبان تفکر تان فروبرده بیندیشید که اگر امروز همین اقمشه واجناس ولایات دیگر ازشما بازداشته شود آیا کدام چیز جسم تانرا از آسیب گرما وسرما حفظ خواهید نمود ؟ وهمچنان اگر درآمد کبریت فرنگی برای شما ممنوع قرار داده شود آیا چسان آتش را برای پخت وپز روزمرهٔ خودتان مهیا خواهید توانست ؟ آیا هیچ محل غیرت ومقام حیف نیست که برای ضروریات زندگانی خود دست بکر دیگران وبرای ستر خود وستر زنان خود منت کش اغیار ، وبرای افروختن آتش مرهون احسان بیگانگان وبرای کفن مرده گان خویش منتظر لطف ومرحمت بیگانگان باشید ؟

کفن مرده خود را ز فرنگی خواهی
همچنان کاغذ ساده که نویسی قرآن

پس غیرت کنید ای برادران مکرم ! وای اخوان محترم ! ! اگر میخواهید که مانند یك ناموس زندگی بسر آرید . واگر آرزو دارید که آلهٔ مضحکهٔ اغیار نشوید وباعزت وآبرو قطع مسافهٔ عمر طبیعی کنید . در میان زندگان بطور مردگان زیستن غیر ممکن است پس باطرز وروش زندگان را اختیار کنید . وبالکه ازین دنیای زندگان رخت اقامت بردارید ودر حصار عدم آباد گردید وبهم نقصان وهم فقدان خود یعنی مرده گان اختلاط ورزید مکرانی وضع کاهی شایان ومناسب حال یك ملت غیوری نیست ! خدارا بیدار شوید !! تحصیل معارف کمرهمت بسته سعی وکوشش ورزید وخودرا مالك حیات حقیقی وصاحب حرارت معنوی بسازید ، وتعیش وافسردگی را ترك نمائید !

چنانچه حکومت معظمهٔ افغانیه بشیوه خوب واصول مرغوب وظیفهٔ نشر واشاعهٔ علوم وفنون را ایفا نموده است . امید است که بدین طریق حکومت متنبه ازجمیع فرایض دیگر خودهم اصلا پهلوتهی نفرماید بلکه بهر گونه دلسوزی وهمدردی بمعالجهٔ ناچاران ازهرباب بپردازد وازمتمدن ومتفق گردانیدن ملتی جیل خودرا درحضور حضرت قادر علی الاطلاق وپیشروی خلایق آفاق منظور ومشکور گرداند !

ازاثر منفعت بخش وفیض عام علم هیچکس بهیچصورت انکار نتوان کرد . گوهر گرانبها اگر زینك افتاده باشد بازهم گوهر است مگر چون برخ نازنك محبوبهٔ پریچهرهٔ جلوه افروز باشد خیلی خوشنما وبسی لطیف مینماید همچنان علم هم در هرزبانی که اموخته شود نافع ومفید است مگر چون بلسان عمومی خود ملت اموخته شود بسیار سودمند وفوایدرسان است زیرا درزبان غیر علاوه براموختن اصل علم یك تکلیف دیگری هم موجود است که آن عبارت ازیاد گرفتن خودهمان زبان اجنبی است . وبرخلاف آن اگر علم درزبان مادری خود انسان باشد دران صورت خیلی سهولتست چرا که دران وقت همهٔ توجه انسان تنها بجانب نفس علم معطوف میگردد . غیرازان براصطلاحات زبان غیر کماینبغی وقوف یافتن چنان یك تکلیف ودشواری نیست که در یکسال ودوسالی سهل وآسان گردد ولی بمقابل آن در زبان عمومی ملت تصور چنین تکلیف احتمال وجود هم ندارد واز همینجا است که خاقان مغفور جنت مکین اعلیحضرت ضیاء الملة والدین در سوانح خود رقم فرموده اند که برزبان غیر کما ینبغی وقوف یافتن خیلی دشوار است وچون آن نباشد از نفس علم دران زبان بهره گرفتن وتمتع کامل برداشتن محض یك اندیشهٔ موهومی است . علاوه برینها زبان عمومی ملت خودرا سرپرستی کردن وصفی از اوصاف اقوام زنده وملل نجیبات است چه اگر زبان عمومی یك ملت معدوم گردد نام آن ملت نیز ازفهرست اقوام زندهٔ دنیا محو وسترده میشود ووای ! برحال چنان ملتی که هیچ ازوی اثری در روزگار یادگار نماند بدیده تحقیق بنگرید هرچند که حالا نه از حکومت هندوان هندآثاری ونه از سلطنت رومیان نشانی ، ونه از ممالک قوی شوکت یونانیان نقشی باقیمانده مگر بسببی که السنهٔ این اقوام تاامروز جاری وموجوداست نام هریك ازایشان زنده است اگر امروز زبان سنسکریت نبود کسی ازحالات هندوان گذشته چیزی ندانستی واگر « لتن » و « گریك » یعنی لاطینی ویونانی نبود حالا کسی از جولیس وسکندر اعظم تذکار وبیانی بمیان نیاوردی !

زبان افغانی منسوب به افغانانست پس وای برحال ملت افغانیه اگر زبان شیرین بیان ایشان بگوشهٔ معدومی و زاویهٔ کس مپرسی خزیده منزوی گردد وهیچ یك اثر ونشانی ازیشان بدنیا قایم وپایدار نماند که بروجود ایشان دلالت کند واگر زبان افغانان بباعث اهمالی که در علم و هنر دارد ازصحیفهٔ روزگار سترده شود ایشانرا باهیچ قومی ازدنیا دعوی مقابله وهمسری شایان نخواهد بود !

وحشیان افریقا زبان خود شانرا ازدیگر السنهٔ لطافت بیان بسیار عزیز ودوست میدارند حتی وحشیان امریکا برشیرینی ولطافت زبان خود شان وجد می کنند . وحشیان اوستزالیا وجزایر نیوزه لاند ونیوگینی زبانهای خودرا بجان برابر میدانند پس ماافغانان چرا وبچه سبب زبان شیرین بیان خودرا بتاراج دهیم ویادگار ملی خودمانرا که بعدازما تاسالهای درازیه اهالی دنیا ازمانشان خواهد داد ازبیخ وبن برافکنیم ! چراتنها زبان ماافغانان باصد یأس وحسرت ته نشین معدومی کرده واز چه رو به اینقدر زودی زبان افغانی شیرین ودلنشین ماقطع امید اززندگانی کند ماپروردهٔ زبان افغانی هستیم وشرط مروت نه آنست که پرورنده وتربیت دهندهٔ خودرا نذر تیغ بیدریغ معدومیت وکم نشانی کردانیم بنابکمال ادب بخدمت حکومت وملت عرض می کنیم که درترقی لسان ملی خود ها غفلت روا ندارند ودر احیای زبان خویش کوشش ورزند زیرا در وقتی که برعالم وجود ازیشان اثری نباشد همین زبان باحیا وابقای نام ایشان جد وجهد خواهد ورزید !

الحمدلله تعالی درخاك پاك افغانستان بسیار علما وفضلا موجودند که توجه ایشانرا بترجمه نمودن کتب السنهٔ دیگر بزبان شیرین بیان افغانی معطوف باید ساخت وحکومت معظم را نیز حوصله افزائی وقدر دانی چنین اشخاص تمهید کردن لازم است . به اینصورت دراندك زمان ترقی زبان افغانی را مشاهده خواهید فرمود وخواهید دید که چون حکومت وملت هردو متفقاً بسرانجام نمودن کاری اقدام ورزند چگونه کامیاب وفایز المرام می گردند !

افغانان ! بآواز بلند می گویم که شما فی الحقیقت شراره اید شراره مگر افسوس که ته انبار خاکستر آمده اید ! کنون که حکومت معظم آن خاکستر را ازروی شما پس می کند مستعد وآماده باشید وخصایص شراره گی خود را بظهور رسانید !

اهل جهان کنند شراره گمان ترا   بنگر کنان بخلق تو عین الیقین نما

ونیز میباید که در مدارس ملکی جمیع علوم در زبان افغانی تعلیم کرده شوند وفارسی وعربی وترکی بطور زبان ثانوی آموخته آید ودرینصورت هم اولاد وطن را سهولت خواهد بود وهم تمام توجه شان یکجا یکی به نفس مضمون واصل مراد مجلوب خواهد شد وهم زبان افغانی که مقصود حقیقی ماترقی آنست بوجه احسن ترقی روز افزون خواهد کرد جاپانیان چون درسنه ۱۸۸۴ع دار العلوم قومی راتأسیس نمودند هیچ یك کتابی را ازهیچ علم درزبان قومی خود مالك نبودند مگر چون زبان تعلیمی آن دار العلوم را زبان ملی خود قرار دادند دریك مدت قلیل درهمهٔ علوم آنقدر ترقی جستند که تمام دنیارا واله وحیران گردانیدند وهم زبان ملیهٔ شانرا آنقدر عروجی حاصل آمد که امروز بازبانهای ملتهای متمدن اوروپ دعوی مقابله وهمسری دارد . زبان روسیان درعهد پیتر اعظم محض یك زبانی بود که آنرا بوحشیان منسوب توان کرد ولی چون پیتر اعظم درترقی وبهبود ملت خود سعی وجهد نمود زیرا که ترقی ملت ماورای آن ممکن نیست ذریعهٔ تعلیم وتربیت درمملکت خود قرار داده دریك فرصت کمی هم ملت را به اوج ترقی رسانید وهم زبان خودرا به اندرجه اعتلا بخشوده ازهرگونه علوم توانگر وغنی ور گردانید که درینوقت یکی ازالسنهٔ مهذبهٔ دنیا محسوب میشود وچه خوش بود که دروطن عزیز ماهم درین ایام که ترقی ملت خیلی منظور نظر عالی وعام است مسئلهٔ ترقی زبان هم فراموش ونظر انداز نگردد وترقی ملت وترقی زبان که باهم چنان لازم وملزوم مربوطند که بی وسیلهٔ یکدیگر کدام شان غیر ممکن وخارج تصوراست لازم تفریق داده نشوند بل هردورا یکجا پرورش نمایند وحکومت را میباید که مانند پدر شفیق که دوفرزند خود را بلاامتیاز وتفریق تعلیم وتربیه کند بترقی ملت و ترقی زبان هردوساعی و کوشان باشد خوشا روزی که طرح ترقی زبان وملت هردو یکجا افکنده شود وملت روز بروز جانب مدارج عروج ارتقا جوید وزبان عذب البیان هم باآن روباوج ترقی نهاده جانب منازل تکمیل پویان ورهسپار گردد اگر ایطالیان را اوغستوس محض بدین وجه فخر است که درعهد او لاطینی به کمال ترقی رسیده بود پس درطالع آن افغانانرا بوجود مراحم آمودات شوکتمآبات اعلیحضرت سراج الملة والدین جای هزاران فخر ونازاست که درعهد سعادت مهد ایشان هم ملت افغانیه ترقی یافته وهم امید است که زبان لطافت بیان افغان رانیز شتابانه ترقی نصیب شود . خوشا پادشاهی که بنیاد واساس ترقی زبان وملت هردورا نهاده وعمارت رفیع استقلال و آزادی ملی خویش را تکمیل نموده از آسیب صرصر حوادث مأمون و محفوظ گردانیده است

پس ای برادران محترم وای اخوان محتشم ! بیائید ! وقت تنبلگری بگذشت ورفت ! ! تاکی بمحض گفتگو هـای زبانی کفایت ورزیم بعدازین کردار بی گفتار میباید شدن ! ! برخیزید ومصروف حرکت وعمل شوید ودر تحصیل علوم عرفان بذوق وشوق بکوشید وزبان قومی خود افغانی را ازالسنه غیر ممکن الممات ثابت سازید ! آیا هیچ مقام ننگ ومحل افسوس نیست که جمیع اقوام عالم برای حفظ حیات نگاهداشت عزت وعظمت قومی خودها سر گرم عمل ، ومصروف حرکت باشند وماافغانان هنوز هم درخواب سنگین غفلت آسوده خاطر غنوده ایم وباوجود دست وپاداشتن خودرا اشل وشل وانمائیم ودر مابین زندگی مانند مردگان بی حس وحرکت افتادن وبار خود گوار سازیم پس ما چه شده که نه یاد ایام شوکت وعظمت بزرگان واسلاف ما عرق غیرت وحمیت مارا بحرکت می آرد ونه ذلت موجوده حس بیداری وهوشیاری مارا برغلیان وهیجان میدرآرد . حالت کنونی خودرا باحالت بزرگان وگذشتگان خود مقابله نمائید وتفاوت ظاهر وبین آنرا بنگرید بین هردو حالتان فرق زمین وآسمان موجود خواهید یافت غیرت باید همت باید همت ! ! ! شامت اعمال خودتان نام های شریف آن بزرگان راپامال واخلاف یکسان نسازید وخود وآنهارا بتازیانهٔ جهالت وبیدانشی رسوای عالم نگردانید ! وسعی ورزید تاخود را خلف الرشید بزرگان سلف خود ثابت کنید !

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1645 of 1786

ای برادران ـ هندیهارا ببینید هرچند که محکوم انگلیزند مگرباوجود آن چگونه مجالس ومحافل را برای مبادلهٔ افکار واندیشیدن چارهٔ کار خودشان منعقد میسازند و حتی‌المقدور باثبات میرسانند که آنانکه عزت وآبرو وترقی میخواهند میباید که بزرگان و کزیدگان ایشان بانتظام گرد آمده برای رهائی ورستگاری ملت خویش هریک اظهار خیالات خودرا بنمایند وبهر تجویزی که اجماع واتفاق نمودند بران عمل نمایند تا گردیده ملت خودرا از حضیض ذلت وپستی وبحر مرض جهل ونادانی نجات بدهند !

پس ای کزیدگان وسربرآوردگان ملت افغان ! خدارا تن آسانی وآرام پسندی را وارهانید ! عزت شما بعزت قوم منحصر است اگر عزت خویشتن را آرزو دارید ؟ اولا قوم خودرا معزز آفاق بسازید . اگر خودرا مخدوم جهانیان گردیدن تمنا دارید ! ازهمه بیشتر بباید که ملت خودرا مخدوم ملل سایرهٔ عالم بگردانید والا اگر خود بعیش وعشرت بوده پروای خواری وبیچارگی ملت را نکنید یقین بشما هیچ احدی از ملتهای اجنبی بشماهم پایهٔ قدر واهمیتی نخواهد گذاشت ونبیند که شما خودتانرا سزاوار هرگونه عزت وعظمت شخصی بدانید مگر چون ملت‌تانرا خوار وذلیل وبی‌علم وهنر نگهداشته‌اید شما را هم چشم دیگر افراد ملت‌تان بیکسان بنظر عزت وحقارت می خواهند دید زیرا:

چو ازقومی یکی بیدانشی کرد   نه که را منزلت ماند نه مهرا

لهذا اگر مقصودتان نگهداشت قدر ومنزلت وحصول عزت وعظمت شخصی است پس ملت خودرا ازقید بی‌علمی و بیدانشی آزاد سازید وهم ازکمال یک مرتبه یک مجلس شاندار قومی‌را تشکیل بدهید که دران جمعا کاروسرآمدان قوم‌تان اشتراک ورزیده درباب ترقی علم وتجارت وزراعت تدابیر درستی روی کار آورند . وبعد ازدوقدح هرآن تجویز وتدبیری که مقبول عام شود بران عمل پیرا گردید وبدینصورت ملت عزیز خودرا ازظلمات ذلت رهانده باوج ترقی ورفعت برسانید ! خیلی ناانصافی وانتهای بیمروتی است که بار اخراجات جزئی وکلی فواید عامه را بردوش حکومت نهادن وان یک ازشیوهٔ هوش وفرهنگ بعید است که کسی درخصوص هرامل نیک وبدتان حکومت معظم‌را جوابده وذمه‌وار آن قرار بدهد چرا که حکومت تنها آیا بکدام کدام امور فلاح واصلاح ما بپردازد ؟ آیا درفکر مهیا ساختن لباس وپوشاک ما شود ؟ که همه عریان وبرهنه‌ایم . آیا درصدد پیدا کردن ادویهٔ شفا بخش ما شود ؟ که همه مریضان بیچاره وخسته‌ایم . آیا بتدابیر استقلال وآزادی مارا مشغلهٔ خود گرداند ؟ که جهانی را مانند خار دردیده میخلیم وعالمی را سودای تخت وتاراج ما درسر جایگیر است . آیا بتجاوز معزز وباوقار . ودولتمند گردانیدن شمارا بیندیشد ؟ که خسته حال وفلاکت اشتمال ومتبلد وازپا درآمده‌اید . ویک جهان برشما تضحک واستهزا میکنند . آیا به تعلیم وتربیهٔ شما بپردازد ؟ که برصفحهٔ کرهٔ ارض تنها شما مانده‌اید که اسیرپنجهٔ جهالت وبیدانشی هستید وتاحال درصورتیکه همهٔ اقوام دنیا بسرمنزل مقصود رسیده‌اند شما قدمی هم نه برداشته‌اید . آیا بتعلیم وتربیه خواهران ودختران‌تان متوجه شود ؟ که شمالرا ازجنوب ومشرق‌را از مغرب فرق وتمیز کرده نمیتوانند وبجز ازچاردیواری خانهٔ خود ازدیگر دنیای فطر السموات والارض چیزی نمیدانند .

آیا این کم ذمه داری ست که حکومت سنیه حفظ ناموس وطن وآزادی وخود مختاری ونگهداشت فرزندان وعیالداری تان را ازشر دشمنان ناهنجار که همواره برای پامال نمودن همهٔ این چیزهای که شما آنهارا دوست دارید درکمین‌اند بعهدهٔ خود تضمین نموده ؛ وآیا این لطف ومرحمت بی‌نهایت حکومت‌تانرا که درراه ترقی تجارت وصنعت وحرفت شما مصروف داشته است کماحقه تقدیر کرده میتوانید !

غرض حکومت متبوعهٔ مقدسهٔ شما جمیع فرایض خودرا انجام داده است بلکه بسی کارهارا اضافه بروظیفهٔ خویش هم اجرا نموده مگر با آن هم تنها ازتکمیل نمودن همهٔ احتیاج ولوازم وضروریات‌تان بی آنکه شماهم باآن یک معاونت وامدادی نمائید عاجز است

صد دلبر کاشد بهر جوی بهری   یارب چکند این دل من باهمه دلبر

لهذا اگر ترقی خودهارا آرزودارید بهمه حال بحکومت محترم خودتان بسر ومال مدد نمودن شمارا لازم ولابداست !

ای افغانان ! اگر لاف دستیاری ومعاونت وحکومت میزنید واگرقدر جوی هم همدردی حقیقی به آن دارید . واگر استقلال و آزادی خودرا یک چیز محبوب وعزیزی میدارید اگر خدمت وطن وملت راخدمت حقیقی خود می‌انگارید . پس خدارا پیش آئید وبهر کاریکه اول‌تر لازم است اقدام ورزید . درعقب ماندن وخودرا بی‌حس وبی‌حرکت وانمودن هیچ حکمت . وفضیلت ومصلحتی ندارد . واگر بیدار و هوشیار نمیشوید وهمین زود دیها ازخواب غفلت برنمیخیزید اینک بباد میروید . زاویهٔ غفلت وگوشهٔ عطلت رابگذارید وبمیدان عمل درآئید مجامع ومحافل منعقد سازید . وباحکومت مشفق ومحترم خود همدرد وقدم بقدم معاونت ورزید . زیرا ترقی آن ملتی که افراد رعیتی آن خود در گوشهٔ جدا نشسته وجمیع امورا بعهدهٔ حکومت خود بگذارند یک احتمال غیر ممکن ویک تصور موهومی است . ونیز هیچگاه آن مملکتی که اهالی آن ذمه‌وار هریک نیک وخیر وشر خود حکومت خودرا قرار دهد وتاوان هر نقص وضرر خودرا باو منسوب نماید مهذب ودولتمند نخواهد شد !

حکومت بی معاونت رعیت کاری ازپیش نتوان برد . وهمچنان رعیت نیز بی سرپرستی حکومت درهرکار ناکام وبی‌نیل مرام خواهد ماند !

همین انگارهٔ کوره دم افسرده میگردد ، چو خس موجود میگردد جهانی را فرا گیرد تا بکی ؟ هنوز درظلمتکدهٔ غفلت و جهالت خواهید ماند ؟ ازصوامع وشبستانها بدرائید وباهمدیگر مبادلهٔ افکار نمائید وچارهٔ اندیشید تا ازین ذلت ومسکنت موجوده که دارید نجات یابید . غیرت کنید ! همت ورزید !! که بی‌غیرت وهمت هیچ کاری را سرانجام نتوان داد ! حیف است که بما اقوام دیگر خنده زنند ومارا وحشی وجاهل گویند . وعرق غیرت وحمیت ما هیچ بشور نیاید . هرکاری که میکنید اولا بایکدیگر مشورت نمائید وبازهرانچه ارشاد غیرت وناموسداری باشد آنرا در معرض عمل آورید . اقوام غیر برزبان ما هم خنده می‌کنند چنانچه گهی مارا بمسکنا نسبت داده زبان مارا بوحوم نام می‌نهند وگاهی مارا کاووخر گفته زبان مارا یک چیزی مهمل وغیرمفهوم قرار میدهند !

پس ای برادران عزیز ! بعد ازینقدر برکوئیهای حالا معامله‌را بشما میسپارم ومکررا ازشما رجا . وخدمت‌تان التجا میکنم که غیرت کنید

غیرت !! چرا که بی‌غیرت با آبرو زیستن و با منت عمر بسر بردن محال است ، متوجه فلاح و اصلاح خود شوید ! و به ترقی زبان شیرین بیان خود بپردازید و به سخنان هرزه سرایان در بدهدهن ، و خرافات سنجان یاوه سخن گوش مدهید . این بدبختان شوم طالع و تیره درونان زشت سیرت را چون با ما وشما معامله افتاده است هرچه بگویند معذورند !

چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند

شما بکار خود دوام ورزید ! و در چاره خود مشغول باشید و همیشه پیش بروید و پس رفتن و عقب نشستن را شعار خود نسازید !! و همواره دوام عمر و اقبال پادشاه دولت پناه مراحم خصال خود را از بارگاه رب‌العالمین بخواهید :

خاص از برای مصلحت عام در سال
مان که چون تو کس نه‌نشیند بجای تو

(نیازمند احقر العباد مهجور الوطن)

« م . الف »

ق و . پنجشنبه ۱۷ جمادی الثانی سنه ۱۳۳۴

(احوال اسلام)

حضرت الفاضل جناب مدیر صاحب والا مراتب کامل ، ومدیر محترم مجلل القاب ، اول

دوش آمده بود فکر اسلام بدل
دل سوخت در آن آتش غم چون بسمل !..
دودی ز جگر که راست بیرون
این سوخته‌را نوازشی ! ماخذل !
« وان استنصروکم فی الدین فعلیکم النصر »

درد درون زبان نتواند بیان دریغ
سر نهان سینه نگردد عیان دریغ
اما چو شسعه میکند آخر رهی بدل
دل هم نهفته می نتواند بیان دریغ
ما مسلمیم و درد دل ما از این است
جز درد دل بیان نتواند زبان دریغ
عمری است زلف یار مشابه بحال ماست
جز تیرگی ندیده همین دوده مان دریغ
آشفته‌ایم و سخت و سیه بخت و تیره روز
سررشته کار ما چو آشفتگان دریغ
از بس شکسته است دل و وضع و رنگ ما
خندد بما خزان همه چون زعفران دریغ
یکبار روزگار بما نیجه میدهد
بار دگر بجنگ شود آسمان دریغ
این جسم ناز دانهٔ ما لخت لخت شد
وز ضرب تیر و نیزه نکرد این و آن دریغ
از یادها نرفته که چون رفت اندلس
چندین هزار کشته شد اسلامیان دریغ
دریای نیکس بسکه در اندلس بود
آن جوی خون ماست که گشته روان دریغ
آخر چرا شدیم چنین بی‌هنر چرا ؟
رفتیم دست بسته بر دشمنان دریغ
از هند و مرو ، سند و بخارا چه گویمت
هریک بطرفت زما ، صد جهان دریغ
زخم دگر که برتن مجروح ما زدند
بد تیغ بیدریغ ز ایطالیان دریغ
این لخت دل طرابلس است ای کباب خواب
از دست خواب رفت زما رایگان دریغ
بار دگر بمرکز اسلام تاختند (۱)
کشتند بیگناه همه مسلمان دریغ
آیا که بود آنکه زما ده لک آدمی
اعدام کرد و گفت بظاهر که هان دریغ
گران مظلمات(۲) نبودندی ای پسر
میکرد این جسارت خود بالکان دریغ
زخمی زدند کاری و بردند دست ما
این قوم امن خواه (!) تمدن‌نشان (!) دریغ
اجداد ماخون وبخارو ومال وسر
گرفت ، ورفت از کف ما رایگان دریغ
گردید قبرهای بزرگان دین ما
پامال سم اسب نصارانیان دریغ
ایوای شد مساجد ما چرچ(۳) کافران
ناقوس شد بلند بجای اذان دریغ
دقت کنیم رفت چرا ملک های ما
از ما نکرد ظلم چرا آسمان دریغ !
چون نیک بنگریم هم از دست ملت است
از خویش آه ، ناله و از خود فغان دریغ
مائیم باعث همه ادبار خویشتن
مائیم موجب همه ذلت زیان دریغ
در قتل خویشتن چو نه کردیم خود دریغ
امید چون کنیم ز بیگانگان دریغ
هر تیشه که خورده بپای حیات ما
ما خورده‌ایم ، آه و اسف ، فغان دریغ
اول برای خویش گرفتیم دشمنان
زان پس میان خویش فتادیم هان دریغ
از یاد رفت آیه قرآن که مؤمنان
در راه دین خویش ندارند جان دریغ
ما ترک اتفاق نمودیم صد فغان
دشمن گرفت کام زما ، دوستان دریغ
ما را بجهل و خود غرضی ها اسیر دید
یک یک گرفت عزت و دولت ز ما ، دریغ
روشن کنیم مطلع دیگر بداغ دل
گردید زخم کهنهٔ ما خونفشان دریغ

مرکز رفت از کف اسلامیان دریغ
غیرت نماند در دل این پهلوان دریغ

آن پهلوان که کوس لمن‌الملک مینواخت
امروز ملك اجنبیان شد فغان دریغ

آن پهلوان که مغرب خورشید اندلس
آورد زیرپا، زچه شد ناتوان دریغ

آن پهلوان که مطلع خورشید(۴) راگرفت
امروز خفت طالع بختش چسان دریغ

اسلام بود منبع هر علم وفن هنر
امروز ازچه معدن جهل‌ست آن دریغ

اسلام بود صاحب قوت مدار علم
برخاست اتفاق زمابین شان دریغ

مشهور بود درهمه عالم حسام هند
امروز نام مانده ازان نی‌نشان دریغ

افسوس وآه وناله وشیون هزار حیف
فریاد وداد ونعره ووای وفغان دریغ

دیگر قلم بیان نتواند، چسان کنم!
آتش بخامه میزند این داستان دریغ

انبار خاك پاك مدینه ست در خطر
امروز مکه میرود اسلامیان دریغ

انبار مرقد نبوی در خطر بود
چون مشهد امام رضا دوستان دریغ

آتش گرفت کاغذ من خامه سوخت سوخت
طاقت دگر نماند مرا مردمان دریغ

امضاء « پریشان »

(تشریح)

(۲)(۱) مرکز اسلام یعنی اسلامبول
روس وانکلیس
(۳) یعنی کلیسا
(۴) عبارت از چین

حوادث خارجیه

مکتوب

عیناً ورقهٔ که ازطرف جناب « کنور صاحب مرسان وراجه صاحب هاتهرس » نام ذات اصیل ونجیبی که درین اوقات بدولت متبوعهٔ علیهٔ ما افغانستان مهمان میباشد به ادارهٔ « سراج الاخبار افغانیه » رسیده است که دراخبار شایع شود —

یک نهایت ضروری خط

قصر وباغ بابرشاه (کابل) تاریخ ۱۵ ف – ۱۹۱۶

دوست عزیز من جناب ایدیتر صاحب سراج الاخبار — معاف فرمائید من شمارا قدری تکلیف میدهم — من حیران شدم که درچند اخبار هند خواه‌مخواه مرا بدنام میکنند — من میخواهم که بواسطهٔ شما تردید سخن غلطرا بکنم — گفته‌اند که من خودرا یك بزرگ مهاراجه ساخته درستاف اعلیحضرت قیصر داخل شدم — این مرا ناحق تهمت میدهند — من هرگز خودرا مهاراجه نه خیر راجه هم نگفتم — ونه هیچبار درستاف یادر نوکری دیگر داخل شدم —

البته من بخیال دیدن حالت جرمنی در وقت جنگ در آن ملك رفتم آنجا دولت جرمنی بمن بسیار التفات نمود ومرا موقع داد که من جنگ را از خندق پیش‌ترین واز طیاره (ایرو پلین) دیدم وهمین بست بلکه اعلیحضرت قیصر خود مرا دیدند — بعدازان مسئلهٔ هندوستان آشیارا بادولت عالیهٔ جرمن درست کرده وضروری سندهارا گرفته طرف شرق حرکت نمودم —

باخدیو مصر وشهزادگان ووزراء همه مشهور ومعروف انور پاشا وبا اعلیحضرت خلیفه مبارك سلطان المعظم ملاقات کردم — ازدولت عالیهٔ عثمانی هم مسئلهٔ هندوستان وشرق را درست کرده ضروری سندها یافتم — همراه من افسران جرمن وترك ومولوی برکت‌الله صاحب برای اعانت فرستاده شده‌بودند هنوز همراه من هستند — باوجود خطرها وتکلیف های سخت ازمرحمت خدا [illegible] راه بغداد و اصفهان به افغانستان آمده‌ام و حالا بموجب اعلان بیطرفی اعلیحضرت امیر صاحب بیکار اما باراه واحترام مهمان دولت شما هستم — باید که دوستان من این را دانسته باشند — واگر ممنون میشوند هرگز چیزی فضول نگویند — من دشمن هیچ آدم یا قوم نیستم — من دوست عام هستم — من فقط این میخواهم که هر کس وهر قوم درخانهٔ یا ملك خود با آزادی و آرام باشد واین طور جنگ و جدل از دنیا زایل شود —

راقم

« مهندر پرتاب » خادم ناچیز هندستان ودوست بودهٔ عیسائی هندو مسلمان کسی که آنرا کنور صاحب مرسان وراجه صاحب هاتهرس می گویند

مکرر — برای خیال وکار شخصی من هیچ دوست من یا برادر حقیقی من راجه بهادر مرسان علی گر یا برادر نسبتی من مهاراجه صاحب جیهند پنجاب یامدرسهٔ صنعت و حرفت پرم مهاد ایله برندابن مسئول وجواب ده نمیباشند ==

م — پرتاب

ازیك کارهای سیاحت عزیزی سنه ۱۳۳۱
موتر لیموزین — اثنای سفر دریکی ازاستیشنها استراحت نموده است

خبرهای راجع بایران

ایران کنونی

جریدهٔ رعد مینویسد :

یکی از دیپلوماتهائیکه اخیراً بآنجا ورود نموده است در صحبت با مخبر ما راجع به اوضاع ایران اینطور حکایت کرده : — من سالهای سال است که ملت ایرانرا میشناسم واز صمیم قلب تأسف میخورم که دامان ملت مشارالیه هم گرفتار پنجه ناجرا جویانه آلمان شد .

حرکات هیجان آمیز و مخالفتیکه فعلا در ایران بر علیه ما و متفقین ما انگلیسها در کار جریان است چندان قابل ملاحظه و حائز اهمیت نیست زیرا که حکومت ایران تا کنون قشون منظم دائمی که بتواند بر علیه ما پیکار برد نداشته و نخواهد داشت . تشکیل یک اردوی محارب در ایران از ممتنعات است و آلمان هرقدر در این راه جدیت و جانفشانی کند هر مقدار طلا و ماشین و آلات و ادوات جنگی هم بایران حمل نماید باز بمقصود خویش نائل نگشته فائده و نتیجه را بهره‌مند نخواهد شد .

برای اجرای مقصود فوق وطن پرستی که با شرایط جنگ کنونی یکی از عوامل عمده بویژه پیشرفت مقصود است پیش از همه چیز لازم است لیکن بوی وطن پرستی به مشام ایرانیها نرسیده و احساسات وطن پرستی اصلا در آنان وجود ندارد . ملتیکه معتقد باشد که (حق باز وراست) و روی این زمینه نشو و نما و تربیت یافته باشد ملتیکه پیوسته عبید و ذلیل بوده ؛ ملتیکه در قرن بیستم و عصر تمدن بوی قانون به مشامش نرسیده باشد و هیچ قانونرا نشناسد ملتیکه قدر و قیمت حیات و سعادت خویش را نداند ؛ ملتیکه به نمایندگان و مامورین و حکومت خود از بزرگ و کوچک) رشوه دهد و از اعادی و هزاران تعدی وظلم وجود آنها چشم بپوشد هرقدر هم باصبر و بردبار و شکیبا باشد باز نمی تواند اردوئی تشکیل دهد .

ایرانی زارع صالح است . اما از هر گونه احساسات و تمایلاتیکه سعادت و نیکروزی در آن باشد دور و پرهیزکار است . ایرانی صلح طلب است . اما در تمام دورهٔ حیاتش جویا و خواستکار همین چیز است : که مامورین و حکام و نمایندگان حکومت کمتر از او رشوه گیرند و کمتر اعادی نمایند و بار عوارضیکه در این روزهای اضمحلال و انقراض مملکت بروی تحمیل شده کمتر و سبکتر گردد .

در ارومیه

از ارومیه مورخه بیست ونهم صفر مینویسند :

وضع شهر آرام است کلیه معاملات و تجارت بکلی مسدود گر تنها کشمکش و نبردهای یک اندازه رونقی بتجارت میدهد کدورتی که اهالی حاصل شده بود دوام دارد . قطر بانک در شهر پاره شا انتشار داشته و اسباب اضطراب اهالی بوده قونسول روس بتوسط اعلان جریان جنگ را در نواحی ساوجبلاغ مابین قشون روس و نماید . ابتدای جنگ از تاریخ هشتم شهر صفر شروع شده جنگ مابین پیش قراولان روس و عده از اکراد و مجاهدین عبدالسلطنه گردیده مدتی است که انتشار دارد یک عده قشون عمده عثمانی بطر ارومیه حرکت کرده است در این دوروزهٔ آخر گفته میشود که ازمو هر یک قشون منظم عثمانی عبارت از ده هزار نفر بسمت ساوجبلاغ است . عده قشون روس روز بروز زیاد میشود این دوروزه شنیده کاپیتان معروف که چند سال قبل رئیس کشتیرانی دریاچه ارومی بود از جنگ هم وایس قونسول آلمان بود با قشون عثمانی همراه است .

در کردستان و ساوجبلاغ عوامل آلمان و عثمانی تحریکات خود ترویج داده باعث هیجان فوق العاده میشوند بموجب اخبار اخیره کافی برای اکراد فرستا شده و آنها هم حاضر برا عملیات میباشند .

در صحنه

آنچه میگویند جمع از مجاهدین چند روز از کرمانشاهان بصحنه آمد و ایلات کرمانشاهان همرا مساعدت کرده عده سوا فرستاده اند یک عده از مجاهد رو جردو بختیاریهای جا لنگ هم که اخیرا بسمت کرمان هان رفته بودند باآنها ملحق شد اند و در بین آنها بعضی از اها هم میباشند و بعد از واقعه جنگ کنگاور در صحنه برای خودشان استحکا تهیه کرده و برطبق یک خبری که هنوز از مراکز رسمی تائید نگردیده آقای نظام السلطنه هم با چهارصد سوار بصحنه رفته اند باین خبر بقید احتیاط تلقی می کنیم .

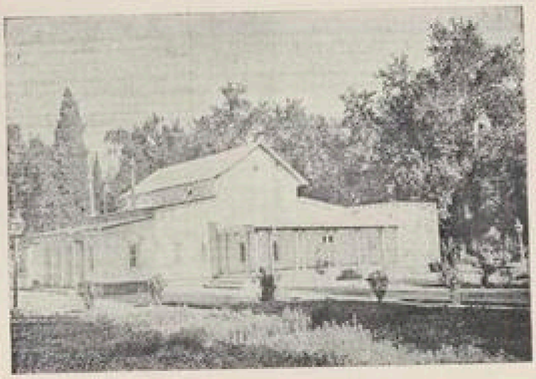

عمارت منزلگاه باغ تپه

در کرمان

جریده طوفان منطبعه کرمان بتاریخ چهارم شهر صفر مینویسد :

از طرف قونسولگری آلمان در کرمان اعلانیه منتشر گردیده یک عده از قشون انگلیس با توپخانه کافی در خاک بلوچستان وارد شد با بهرامخان که یکنفر از سردارهای بلوچ است جنگ نموده قریب پنجاه و بیست نفر از قشون انگلیس مقتول و مجروح گردیده باقی فرار نموده‌اند .

عده مجاهدین

از کرمان خبر میرسد که عده مجاهدین روز بروز زیادتر میشود و از طر

آنها بداو طلبان تفنك پنج تیر وموزر میدهند درخارج شهر وز هارا مشق می کنند تاچند روز دیگر یك دسته آنها بطرف یل حرکت خواهند کرد

اخبار طهران

رده طوفان کرمان را جع باخبار طهران مینویسد که دربیست م نوامبر رعایای روس وانکلیس از طهران فرار کرده وبقزوین ه اهالی قزوین حمله بقشون روس کرده وانهارا تاهشت فرسخی ل وشت عقب نشانده اند — والی پشت کوه با جمعی از کسانش قزوین شده وسوار هایش درشرف ورودند :

جنك ساوجبلاغ

جنك بین قشون روس وعسا کر عثمانی درساوجبلاغ ومیاندواب چندروزه اخیر شدت نموده وبقرار اطلاعاتیکه میرسد رشته جنك کشیده شده وفعلا زدوخورد سخت دراین نقطه شروع شده است میرسد عده قشون عثمانی دراین حدود بالغ بربیست هزار نفر میباشد .

قشون عثمانی دراذربایجان

ننا ازتبریز می نویسند : قشون عثمانی درخاك اذربایجان فعلا بالغ چهل هزار نفر میباشد که بیست هزار نفر ان بسمت ارومیه رفته بیست هزار انهم درسمت ساوجبلاغ ومیاندواب مشغول جنك هستند .

مجاهدین شیراز

قرار یك عده مجاهدین شیراز بطرف برازجان حرکت نموده اندواز روسای انها هم مالیات وصول شده و بمصرف مجاهدین میرسد ازهم ببرازجان راجع باوضاع شیراز مخابره نموده اند .

در کرمانشاهان

ازمنابع خارجی خبر رسیده است که جمعی از قشون عثمانی مجددا کرمانشاهان وارد شده اند .

خبرهای جنك اوروپا

ازجراید قفقاز

غرق کشتی ایطالیائی

یك کشتی جنکی ایتالی که از (برندزی) حرکت کرده وچندین ن آذوقه وماکولات وچهار صدو بیست و پنج نفر قشون قرمداغ حرکت کرده به مین برخورده وغرق شده است ازمسافرین کشتی مزبور بعد نفر تلف شده اند

اتوموبیل های جدیدالاختراع

از (دوینسك) بروز نامهٔ بیرژاو یاوید وستی خبرمیدهند که آلمانها درجبههٔ (دوینا) یك نوع اتوموبیل ها ـ یعنی موتورکارها ـ توطبوروقوت استعمال میکنند , دراین اتوموبیلها عوض بنزین بسهولت میتوان الکل یا اسپیرت بکار برد علاوه این مراکب جدیدالاختراع دارای چهار طبقه طور مکمل زره پوش هستند ودرروی برف و یخ نیز بواسطهٔ آلات مخصوصه حرکت میکنند و بوسیلهٔ اینها قشون وتوپهای سنکین حمل ونقل میشود .

تلفات جنك بین المللی

نظر بمعلوماتیکه در مطبوعات لندن منتشر شده است . مسیو (کورتی) درمجلس اعیان اظهار داشته است که عده تلفات جنك عمومی تادوماه پیش بالغ بر ۱۵ ملیون مقتول شده است.

قشون عثمانی درفرونت ایتالی

ازرم خبرمیدهند که درمیدان جنك ایتالیاو اتریش یك عده از قشون عثمانی وارد شده اند این عده بالغ برده هزار نفرند واز فرونت داردانل باینجا اعزام کردیده اند .

اقدامات در سالونیك

ازقرار اشعارات آژانس پترو کراد ۱۲ طیارهٔ آلمانی ۷۸ بومب بسالونیك انداخته اند

درنزدیکی سالونیك چند تحت البحری آلمانی دیده شده است .

تدارکات برای مصر

در عثمانی برای حمله بمصر اقدامات جدی وتدارکات قطعی دیده میشود فعلا یك اردوی صد هزار نفری بادویست وپنجاه توپ صحرائی که اغلب آنها توپهای سنکین هستند وعلاوه برانها هزارو پانصد اتوموبیل تدارك شده است اکر قشون احتیاط را نیز که برای اعزام بمصر تهیه شده بحساب بیاوریم کلیهٔ قوای اعزامیه مصر عبارت خواهد بود از سیصد هزار نفر بامهمات لازمه فرمانده کل اردوی مصر جمال پاشا درموقعی که از اسلامبول حرکت میکرد این عبارت را تقریر نمود : « باید بافتح وغلبه مراجعت کنم ویاباید کشته شوم »

بخشش امپراطور اطریش

هشت نفر روسی را مدتی قبل بعنوان جاسوسی وغیره در اطریش دستکیر واخیرا حکم اعدام آنان صدور یافته بود اینك امپراطور اطریش بنا به وساطت « الفونس سیزدهم » پادشاه « اسپانی » هشت نفر روسی را که یك نفر آنها مخبر جریده « نوویه وریمیا » بوده است بخشیده است .

ازجراید روسی

منظرهٔ قشون کشی بهندوستان

ازمرا کز بسیار عالی وموثق « اسلامبول » اطلاعات فوق العاده جالب توجه درخصوص اعزام اردو وقشون کشی آلمان وعثمانی بطرف « هندوستان » به « آن » رسیده است .

بطوریکه معین شده است ازیك ماه قبل بدین طرف مامورین نظامی « برلن » و « قسطنطنیه » یك نوع تدارکات بسیار عظیمی برای قشون کشی بسمت « خلیج فارس » مهیا کرده وانعکاس تدارکات نوعی بوده که در آن نواحی تهیه های نظامی مزبوررا برای قشون کشی بسوی « هندوستان » معرفی ومنعکس کردید .

دراواسط ماه « دسامبر » « مارشال بون در کولتز » باآقا مازور مخصوص خویش وعده کثیری صاحبمنصبان آلمانی وعثمانی برای تشکیلات یك اردوی نیرومند وجدیدی به طرف « بغداد » رهسپار کشت .

پس ازآن معادل ۱۵ هزار نفر قشون آلمانی که مرکز واساس تشکیلات اردوی جدیدالتاسیس عراق عرب محسوب می کردید بدانسوی حرکت می نمودند .

عقاید مرا کز مطلعه براین است که (مارشال ون در کولتز) شخصه ریاست و فرماندهی کل این اردورا بعهده خواهد کرفت .

اراضی وقطعات بین النهرین محل عملیات کارکنان دولت آلمان کردیده واشخاص مزبوره برای فراهم ساختن عده مکفی قشون بدون اندیشه وحساب مبالغ هنکفتی خرج کرده واز هیچ نوع مصارف نقدی مضایقه

ندارند وعشایر اعراب را دعوت مینمایند که داخل قشون گردیده و برای جنگهای قریب‌الوقوع مهیا باشند و به اعراب مزبوره از هیچ نوع مساعدت مالی و نویدهای لازم فروگذار نکرده و درازای معاونت عسکری آزادی و تأمین حقوق سیاسی وعده میدهند.

خطوط آهن یمن ، بغداد ، و بندر (ازمیر) از چندین هفته قبل در تحت نظارت مامورین نظامی آمده و تمام قطار های راه آهن مخصوص ومشغول حمل اسلحه وذخایر جنگی بطرف بغداد می باشد . ومتعاقب باز شدن راه مستقیم برلن وقسطنطنیه از جانب بلغارستان و « صربستان » پیوسته مقادیر هنگفتی اسلحه ومهمات رسیده وپشت سرهم بسمت عراق عرب اعزام میگردد

بموجب نقشه بسیار عظیم و برطول وعرض که اتاماژور کل آلمان برای اعزام قشون کشی هندوستان تدارک کرده است ، اردوی جدیدالتاسیس مزبور مرکب خواهد بود از قشون هائی که فعلا در مراکز نظامی بین‌النهرین اقامت دارند وعساکر آلمانی که برای تقویت وامداد وی معین گشته وقوای تازه که در هرجا مبادرت به تشکیلات آن نموده‌اند مطابق نقشه مزبور اردوی جدید اعزامیه « هندوستان » ، موافق خط راهی که (اسکندر کبیر) مقدونی بسوی (هند) عزیمت کرد طرح ریزی شده ومیخواهند از همان راه بمقصد رسند .

مقصد اولیه این اردوی بزرگ آنست که اراضی مرکزی ایران را اشغال کرده وسپس از شرق (ایران — سیستان — بلوچستان) از طرف بلوچستان به « هندوستان » حمله می آورند .

این عملیات وتدارکات جدید توجه عثمانی ها را خیلی بخود جلب کرده است . چرا که اغلب از سیاسیون آن مملکت تصور می نمایند که با این ترتیب وباهمراهی ومساعدت « قیصر ویلهلم » حاکمیت سیاسی و نفوذ معنوی خود را بر تمام ملل وممالک اسلامی بسط وتوسعه خواهند داد .

روح این مقصد ومحرک حقیقی این جنبش های بزرگ علما وروحانیون ومراکز نظامی دولت عثمانی میباشند ؛ بدین ترتیب اشخاص مزبوره احساس میکنند که با استیلای قطعی درباره قسطنطنیه ، به « هندوستان » ، مهلک ترین ضربت سخت به قلب انگلستان وارد کرده ومهمترین مستعمره عظیم الجثه وی را از دستش گرفته کار او را خواهند ساخت.

این اردوکشی بطرف هندوستان از قشون کشی وحمله بمصر مستقل وجداگانه خواهد بود . فرمانده کل قوای اعزامیه مصر جمال پاشا است که فعلا باسلامبول آمده است

بطوریکه مراکز مطالعه سیاسی ودیپلوماسی مؤتلفین در یونان اظهار عقیده مینمایند . این تدارکات وقصد اردوکشی به هندوستان خالی از حقیقت ومعنی نیست چرا که نفرات قشونی عثمانی که هنوز مسلح نشده اند بسیار زیاد میباشد ومقدار کثیری سرباز برای آن از داخله آن مملکت تدارک میشود وعلاوه بر آن پس از باز شدن راه بالکان ورسیدن هر قدر اسلحه که لازم باشد تشکیلات جدیده این قبیل اردو های بزرگ دچار مشکلات نمیگردد .

(روسکویه اسلوو)

خبرهای جنگ اوروپا

ورود اسلحه آلمان بعثمانی

برحسب اطلاعاتیکه از « صوفیه » رسیده است بلغارها با نهایت جدیت وسرعت مشغول کشیدن یک خط آهن جدیدی شده‌اند که در « دانوب » ممتد شده واز « روچوک » شروع گردیده وبه‌بندر « دانوب » و « ویدین » میرسد .

این خط آهن بیک خط آهن جدیدی که آلمان واطریش نیز در طول ساحل « دانوب » ، « صربستان » واز « کلادوا » ، شروع کرده‌اند متصل میشود.

حمل ونقل مهمات و حرکات عسکری بقدری زیاد است که رودخانه دانوب وخط آهن فعلی کفایت آن را نمی نماید . این دو خط آهن فوق‌العاده مهم در آخر ماه ژانویه باتمام رسیده واز طرفین بهم میپیوندد .

در تمام استاسیونها ، بنادر رودخانه « دانوب » ، « بلغار » و « صربستان » یک فعالیت وجدیت شگفت‌آوری حکم‌فرما است . همه روزه دو یا سه دسته جات قشون آلمان واطریش ومقادیر عظیمی مهمات جنگ بسوی مشرق میروند خصوصاً ورود وخروج توپ‌های سنگین وقطارهای مملو از مهمات آنها بیشتر از همه موجب حیرت انظار است .

تمام اینهائیکه ذکر شد از راه آهن‌های آلمان واطریش وارد شده وبسمت عثمانی ومشرق حرکت مینمایند .

مقاله

ضرور — بیدار بشو — ضرور

از زبان هندی اصل عیناً ترجمه :

کسی در هندی خوب گفته است جو جاگی سو پاوی جو سوئی سو کهووی یعنی کسی که بیدار است هرچیز که میخواهد می‌یابد اما کسی که در خواب است هیچ نمی‌یابد — افسوس که مردمان این نصیحت را میدانند که در خواب میباشند ـ برادران اینوقت خواب نیست ببینید که احوال زمانه چه شده است مردمان دور زمین می کنند وشما در دیگر اتاق خانه نمی‌بینید کسی که میخواهد که خدمت شما بکند شما هیچ متوجه نمی‌شوید ـ آیا اگر شما را تاکید هم میکند شما جواب هم نمیدهید — این چطور میشود — باید که شما از خواب برخاسته احوال زمانه را فهمیده مدد یکدیگر را بکنید — هیچ وقت این عذر قبول نخواهد شد که ما در خواب بودیم هیچ سخن دوستان نشنیدیم — نه ـ خیر نه ـ این قصور شما است اگر شما یک جائی شوید وبرای مدد کمر بسته نمی کنید بشنو : —

قصه

دو مسافر بودند ـ در یک سرائی قیام کردند ـ یک خوابید ویک هنوز بیدار بود که دزدها آمدند ـ مال آنکه خوابیده بود بردند ـ اما یک دزد که جای آن آمد که بیدار بود گرفتار شد ـ مال آن نرفت وروز دیگر از حکومت انعام هم یافت —

[بیداری مثل بیکاری]

این هم بعضی اوقات میشود که مردمان بیدار هستند وهمه فائده خود را هم میخواهند سعی هم می کنند اما سخن یکدیگر را نمی‌شنوند ـ چرا — زیرا که اتفاق نیست وبا درمیان هیچ واسطه نیست — اگر اینصورت میشود باید که همت کرده اتفاق کرده شود ودرمیان وسیله پیدا کرده شود ـ ممکن است که یک دو بار ناکام باشی میباشد اما آخر ضرور فتح است بشنو

قصه

پادشاهی بود که آنرا شکست فاحش شد — آخر در جنگل فرار کرد ـ آنجا نشسته بود ودر خیال خود کشتی بود که دید که یک عنکبوت از یک درخت بر دیگر درخت رفتن سعی میکرد اما در میان افتاد ـ باز دیگر

بار دیگر افتاد ـ بارسوم بجای مقصود رسید ـ این را دیده ت کرد وچند مردمانرا فراهم آورده جنگ نمود وبعد چند قسمت فتحیاب شد ومدت دراز سلطنت کرد ـ

خواهش کار دارند اما صورت آغاز نمیدانند

ین حالت بسیار افسوس ناك است این همان وقت میشود که یك مانی کم است این وقت فقط آن آدم لازمی است که همه چیزرا فراموش ز آنچه بحث نمی کند بلکه خود تیارشده پیش میرود ـ پس م الله بسیار مردمان می آیند وآخر کامیابی حاصل می کنند ـ شود ـ

توارخ

وقتیکه انگریز درفرانس بودند وکلیتاً برنصف فرانس قابض بودند مردمان فرانس خواهش پیداشده بود که انگریزرا از ملك خود کنند اما هیچ طریق ندانستند ـ آنوقت یکدختر که نام او (جان) بود همت کرده ازخانه حرکت نموده برای آزادی ملك خود گرفت ـ مردمان ازهر چهار طرف فراهم شدند وملك را آزاد زاد ـ

چه انتظار آدم خاص لازم است

خیر ـ نه ـ آدم خاص هم همان وقت پیدا میشود که در مردمان پیدا میشود وآن آدم هریك ازماست ـ کسی خوب گفته است بشو این همان چیز می گویند که درخیال مردم پیدا میشود ـ ماهست که تمام همه یك یك این خیال کرده که من اگر کار نمی کنم نمیشود کار خیررا آغاز می کنیم ـ اگرما این طور فرض خودرا کنیم بلاشك ناکامیاب وآخر پشیمان می شویم ـ بشنو ـ

قصه

سلطانی یك حوض بزرگ تیار کرد وحکم داد که هر کس از شهر یکظرف آب دران بیندازد ـ اما همه این خیال کرده که اگر من نه چه مضایقه است دیگران البته می اندازند هیچ نه آمدند وحوض خشك ماند ـ دیگر روز پادشاه این دیده ناراض شده حکم داد که هر کس آب انداخته نام خودرا بنویساند ـ همه رفتند وحوض دریکروز شد ـ

حاصل مطلب

بیدار بشو ـ بیدار بشو ـ بیدار بشو ـ

آخر ترین خبرها

جرمنی و بلجیم ـ

۸ اپریل ۵ جمادی الثانی ـ

انتردم ـ گورنر جرمنی مقرر بلجیم اهل بلجیم را حکم داده است مکتوبات وخط وکتابت رسمی زبان جرمنی استعمال کرده شود ازان معلوم میشود که بلجیم را جرمنی بصورت قطعی ودایمی ملك خود کرده است ـ

بحریه هوائی انگلستان ـ

لندن ۸ اپریل ۵ جمادی الثانی ـ

یل تلگراف می گوید که لاردمان تیك نیز ازمجلس بحریه هوائی نگلستان مستعفی شده است ـ

اعتراضات بر محصول قطی کو گرد ـ

لندن ۸ اپریل ۵ جمادی الثانی ـ

درباب محصول مجوزه برقطی کو گرد مشکلات پیداشده است مالکان کارخانه قطی کو گرد سازی فروش قطی هارا موقوف نموده اند ـ

تجارت جرمنی بهمراه ناروی ـ

لندن ۱۰ ماه اپریل ۷ جمادی الثانی ـ

بقرار بیانات اخبار افتن پوستن جهازات جرمنی ازهمبرك روانه شده در بحور ناروی داخل شده بهمراه آن تجارت قایم کرده اند ذغال میبرند وماهی ونیل وغیره می آرند ـ نامه نگار تائمز مقیم آیسلند نیز تصدیق نقل وحرکت جهازات تجارتی جرمنی می نماید ـ

غرقاب جهازات ـ

بذریعه تحت البحر جرمن

لندن ۹ اپریل ۶ جمادی الثانی ـ

جهاز انگلیزی موسوم به (شمله) غرقاب شده است

جهاز برطانوی موسوم به آوملن غرقاب شده است ـ

لندن ۱۰ اپریل ۷ جمادی الثانی ـ

جهاز برطانوی موسوم بمزفره غرقاب شده است دو لنگر دیگر جهازات برطانوی موسوم به سلك ورتهه هال و کاین آموند غرقاب شده اند ـ سه نفر ازجهاز اول الذکر مفقود می باشند ـ

لندن ۷ اپریل ٤ جمادی الثانی ـ

جهاز کینی پی آیند او غرقاب شده است ازاهل جهاز ۱۱ نفر تلف شده اند ـ

غرقابی دیگر جهازات ـ

لندن ۸ اپریل ۵ جمادی الثانی ـ

جهازات برطانوی موسوم به جاتالا وروزن تن وجهازات دنمارك موسوم بسینت جرنی بورك وکلاتید غرقاب شده اند ۹ نفر ازجهاز اول الذکر ضائع شده اند ـ

محاربات بلقان

لندن ۹ اپریل ۶ جمادی الثانی ـ

ایتهز ـ جرمنی یونان را متنبه ساخته است که مهاجمه بلغاریه وجرمنی در مقدونیه یقینی می باشد ـ

حالت یونان ـ

وزیر خزانه مستعفی شد ـ

لندن ۹ اپریل ۶ جمادی الثانی ـ

ایتهز ـ موسیو دراگومس وزیر خزانه باوجود منت ومساجت رفقا خود ازسبب خالی شدن خزانه وازترس حملجات که برای کالی دوایس بعض علاقه جات مفتوحه مقدونیه به ترك کرده خواهد شد مستعفی شده است ـ

حالت چین ـ

۷ اپریل ٤ جمادی الثانی

نامه نگار مارننگ پوست مقیم تینتسین می گوید که حالت عمومی چین روبه اصلاح نه آورده است اخبارات که قبل ازین حامیان خانه‌دان

شاهی جونند اعلان می کند که یوان شکائی برای قیام علی الدوام بر منصب موجودهٔ خود عزم بالجزم نموده است چینن جنوبی لیست بسابق برای برطرفی یوان شکائی آرام ماند

خامیان خاندان شاهی بسرگرمی زیاده ترا صرار می نمایند طرز عمل خامیان نظامی صدر اعظم مشتبه شده است ـ دربیکن کوشش کرده می شود که افسران و نطقات آنها را از خروج از بیکن بازداشته شود تا در ملک خوف ودهشت منتشر نشود ودر شهر بردیوارها اشتهارات برای تسکین خاطر عوام الناس چسپانیده شده اند فقط ـ

اخرترین خبر تلگراف

فتح عظیم الشان عساکر منصورهٔ اسلامی درعراق عرب هماردوی عسکری انگلیز اسیرشد !

لندن ۲۹ ماه اپریل ـ ۲۶ جمادی الثانی ـ

(قط) مسخر گردیده است ـ

خبرمن بعد ـ اعلان رسمی متعلقه تسخیر قط بیان میکند که بعد از مقابله ومدافعت ۱۴۳ روزه و برداشتن مصائب قسما قسم جنرل توشند از سبب قلت ذخائر خوراک مجبوراً اظهار اطاعت نموده است او اتواب وجبه خانه هارا بیشتر برباد کرده بود ـ درلشکرگاه او ۲۹۷۰ نفر سپاهیان برطانیه وشش هزار تقریبا عساکر هندی بودند ـ که همگی تسلیم واطاعت کردند .

لندن ۳۰ ماه اپریل ـ ۲۷ جمادی الثانی

بطور رسمی اعلان کرده میشود که شب ۲۶ ماه اپریل ۲۱ جمادی الثانی برای فرستادن یک لنگر جهاز ذخائر خوراک برای اهل قلعهٔ قط جد وجهد کرده شد ـ

لا کن افسوس که کارگر نشد ـ طیارهای مامعلوم کردند که جهاز مذکور در مشرق قط بفاصلهٔ ٤ میل برخشکی رفته اسیر شده بود .

[حضرت الله عظیم الشان وعده فرموده است که حافظ دین حق خود ذات اقدس خداوندیست ، واین حق است کما بران ایمان داریم کرامات اولیا نیز حق است که از زمرهٔ معتقدات ماست . آیا آن ارواح مقدسه که دفین خاک عطرناک آن بقعهٔ شریفه است ، هیچ یک تاثیر معنوی باردوی ظفرآردوی عثمانی که ازعصرها بخدمت آن مقامات مقدس افتخار داشته اند مدد نرسانیده باشد ؟ البته که رسانیده است ! سراج الاخبار]

تلفات افسران عسکری انگلیزی

از هشتم ماه اپریل الی سی ام آن ماه ازقرار راپورتهای رسمی خود انگلیزها دررزمگاه‌های مختلف ازقرار ذیل است :

اپریل	افسر مقتول	اپریل	افسر مقتول
۸	٤٥	۲۰	۱۱۷
۱۰	٦۳	۲۱	٦۱
۱۲	۲۹	۲۳	۲۳
۱۳	۱۱۹	۲٥	۱۱۷
۱٥	٥۸	۲٦	٦۱
۱٦	٥۰	۲۷	۱۲۰
۱۷	۹۷	۲۸	۹
۱۸	۱۲٦	۳۰	۳۰

مجموع کل ۱۱۲٥

اعلان

سراج التواریخ

جلد اول ـــ و دوم

زندگانی جاودانی هرقوم وملت (تاریخ آنست .(سراج التوار آئینهٔ حیات نمای ملت جلیل افغانست . زیرا از آغاز تشکیل وتکو یافتن دولت افغانیهٔ حالیه بحث میراند که برای حال واستقبال ملت به درسگاه عبرت . وخوشتر ازین اقبال ملت تصور نمیشود . هر فر ملت را واجب است که یک نسخهٔ ازآنرا بدست آورند ومانند جوا در کتابخانهٔ قلوب خودشان نگهدارند . علی الخصوص که کتاب مذ به نیت خالصانه وخیرخواهانهٔ استفادهٔ عمومی بامروفرمان شاهان صفات بادشاه مقدس ماعلیحضرت ، سراج الملة والدین ، تألیف ودرمطبعهٔ حروف دارالسلطنه کابل بزیورطبع آرایش وتزیین یافت

جلد اول‌این کتاب ازابتدای سلطنت خاندان ذیشان (سدوزا یعنی از آغاز تأسیس واستقلال دولت علیهٔ افغانستان تاورود اعلیحض امیر کبیرامیردوست محمدخان مرحوم جنت مکان ازهند در کابل بحث وجلد دوم آن ازحکومت خاندان جلیل الشان (محمدزائی) یعنی ازابتدا حکومت اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان تابه اول جل اعلیحضرت ، ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان ، طاب ثراه و تاریخرا جامع میباشد وبکاغذ اعلا بحروف تیپ بطبع رسیده است . قیم کتاب مذکور نسبت زینت وخوبی مجلدا آن ازقرار ذیل است

نمبر (۱) یعنی جرمی جرم تصواری دانه دار کابلی بخت چهار جدول طلاپر کار نشان دولت واسم کتاب از ورق طلای اعلی بندی شده مبلغ شانزده روپیهٔ پختهٔ کابلی ـ

نمبر (۲) یعنی مقوا روپه تیرماشی چهار کنج وزنجیر بر حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلاء‌جه سیزده روپیه پختهٔ کا

نمبر (۳) یعنی مقوا روپه کیره لاجوردی چهار کنج وزنجی مینی سرخه کابلی بخت حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلا جزء بندی شده یازده روپیه پخته کابلی وده شاهی ـ

نمبر (٤) یعنی مقوا روپه ابری چهار کنج وزنجیر مینی س کابلی بخت حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلاء‌جه کوک شده ده روپیه پخته کابلی وسه شاهی ـ

نمبر(٥)یعنی مقوا روپه ابری سرخ چهار کنج وزنجیر بی ونشان دولت ورق طلاء‌جه کوک بندی شده نه روپیهٔ پختهٔ کا ویازده شاهی ـ

محل فروخت

درنفس ارک مبارک که از تحویل خانه جناب محمد ولیخان مرح در بازار ارگ از دکان عبدالله خان

چون کتاب مستطاب سراج التواریخ چهارجلد میباشد اگرچه وقایه وشیرازه میشد حجم کتاب موصوف کلان میشد لهذا اعلیحضر همایون و لا امر نمودند که جلد اول ودوم دریک وقایه شیرازه و جلد سوم وچهارم آن که هنوز درزیر طبع میباشد وبس از طبع برآمده مقوا کرده شد انشاءالله اعلان فروش آن نشر خواهد شد فقط

در چهاپخانهٔ حروف دارالسلطنه کابل طبع گردید

هرمقاله هاییکه دستخط ندارد از طرف مدیر ومحرر محمود طرزی

محمود طرزی

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا
یاد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از شکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خودرها قدایم ممکن نشد لهذا باداکخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یك مقاوله نموده داکخانه مشارالیه تقسیم و توزیع اخبار مارا که بهمه مشترکین کرامها رساند درعهدهٔ حمیت خود قبول نمود . مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را تشویق ویاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای داکخانه بخود شان میرسد .

شرایط خریداری

دارالسلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان
هرجائیکه باشد با اجرت پوست

قیمت سالیانه | ده روپیه انگلیزی قیمت ششماهه | شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراك قبول نمیشود

یك طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است از همین قرار حساب کنند

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانیکه مال تجارتی . وصنعتگرانیکه صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند . ویا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا به پنج بار نشر وشایع شود برهر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا به پنج بار فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر ازپنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریك ستون اخبارما (۳ — انچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تایك سال نشر کردن خواهد ووجه یك ساله را پیشکی ادا نماید درورق شی ز هر سطری ستار اجرت گرفته میشود

اعلان

سیاحتنامهٔ سه قطعهٔ روی زمین

در ۲۹ روز

آسیا ✕ اوروپا ✕ آفریقا

(مضمهٔ عنایت) یك اثر دلپذیر جدیدی درنظر هوشکاران عرفان جلوهٔ عرض میدهد . بدست آرید . بخوانید درظرف ۲۹ روز یك مدتیکه سه قطعهٔ زمین را باسیاح آن یکجا وهمراه دور وسیر میکنید . ملکهائیرا که بران میگذرید مفصل ومکمل جغرافیا وتاریخ آنرا خوانده میتوانید . چه چیزها می بینید ، چه چیزها میشنوید ، چه لذتها چه سرورها میگیرید ! علمی ، ادبی ، سیاسی درعین زمان شاعرانه عاشقانه هوسات رانگیزانه ـ یك اثر !

این اثر ازیك جلد مرکب ودریك وقایه مجلد میباشد . تقریباً (۷۰۰) صحیفه ، ودارا (۱۰۵) قطعه تصاویر مناظر مختلفه واشخاص معتبره ونقشه های مهمه مزین است . نسبت باینهمه خوبیهای آن قیمت (۷) هفت روپیهٔ کابلی آن هیچ نیست . کاغذ اعلا . چاپ حروف . تصاویر رنگه گرافی . جلد محکم واستوار : دیگرچه میخواهند ! هرکسیکه طالب باشد از نفس مطبعهٔ مبارکه دولت افغانیه (عبدالرؤف) خان سرمرتب مطبعهٔ مبارکه یادر بازار اولتید کان (یار محمد) تاجر کتب یا در بازار کتب فروشی متصل مدرسهٔ شاهی دکان حاجی ملا (غلام محمد) خان تاجر مشهور کتب رو آورده ویا مبلغ فوق کتاب مذکور را بدست آرید دیگر چی کار میخواهند .

(اعلان)

پراکنده

آثار مطبوعهٔ تازهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت، از یک مجموعهٔ اشعار ابدار تجدد آثاری میباشد که بر کاغذ اعلا، و خوش طبع دلربا، با تصویر بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است. اگرچه از حیث خط و خال بعید است ولی مضامین و خیالاتش سراسر یک طرز جدیداست. نسبت بخوبیهای ظاهری و معنویش قیمتش خیلی ارزان. یعنی بمقابل (۲) دو روپیهٔ کابلی در خود مطبعهٔ عنایت از نزد عبدالرؤف خان سر مرتب، و در بازار ارک از دکان باز محمد، و در متصل مدرسهٔ شاهی از دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب هرکس خریده میتواند.

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه را مژده! از نوبسر رسیدهٔ گلزار «مطبعهٔ عنایت» که کامجانرا شیرین نماید! «جزیرهٔ پنهان» یک ناولیست که قوت عزم و معرفت و سعی و غیرت را برای اساس زندگانی نوع بشر منظورات و جلوه گر میسازد. هم حکایت، هم عبرت هم فن، هم فضیلت! خوبی چاپ، خوبی کاغذ، خوبی تصویرش علاوه، قیمتش نظر بخوبیهای باطنی و ظاهریش بسیار ارزان! تنها (۶) شش روپیه. محل فروخت غیر مطبعهٔ عنایت در ده افغانان، دکان باز محمد در بازار ارک، دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی.

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد

کتاب سال دوم " " " مصور مجلد

کتاب سال سوم " " " مصور مجلد

کتاب سال چهارم مصور مجلد

عزّ و اسلامیت

آیا چه باید کرد!

ادب در فن

توحید

عنصر جغرافیای عمومی

این کتابهای فوق در اداره موجود است. هرکس که آرزوی باشد باداره مراجعت کند.

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

	قیمت روپیه کابلی
سیاحت دورادور زمین بهشتاد روز مجلد	۲
سیاحت در جو هوا مجلد	۲
سیاحت در زیر بحر مصور مجلد	۴
از هر دهن سخنی و از هر چمن سمنی مجلد	۲
روضهٔ حکم مجلد	۲
پراکنده مصور مجلد	۲
جزیرهٔ پنهان مصور مجلد	۶

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوق را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت در ده افغانان از نزد عبدالرؤف خان سر مرتب و از دکان باز محمدخان کتابفروش در بازار ارک و از دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسه شاهی بقیمتهای معینش خریداری کرده میتوانند.

و اگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوق را بکنند باید به سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند.

اعلان

کتابهای مجلد سراج الاخبار افغانیه، و کتابچههای علاوهگان و شماره های متفرقهٔ آن، و همه کتابهای مطبعهٔ عنایت خریداران که آرزوی خریداری آنهارا داشته باشند از دکان حاجی ملا غلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی، و از دکان باز محمد خان تاجر کتب در بازار ارک بقیمتهای معین آن خریداری کرده میتوانند و نیز در خود اداره در ماشینخانهٔ ارک، و در خود مطبعهٔ عنایت در ده افغانان هم بفروش میرسد فقط

سراج الأخبار افغانیه
۱۳۲۹

شمارهٔ ۱۸ سال پنجم

فهرست مندرجات

قصیده (دراحوال زمان ومدح اعلیحضرت پادشاه افغانستان خلدالله ملکه (کلام مستغنی)

غزل (در حب وطن

البلاغ (

بیداری اطفال وطن (

حوادث خارجیه
خبرهای جنگ اوروپا ـ قصه لاعلی سالونیك ـ گلوله های جدید المان ـ ۲۰ خروار اوراق جاسوسی ـ
مساعی المان برای مشرق زمین ـ کفایت مواد محترقه المان ـ پول جنگ دور است آسمان نوردی
قیصر المان ـ غرق کشتی ادوارد هفتم ـ یك کشتی امپراطوری ـ کشتی ادوارد هفتم وخدمات وی ـ المانها
درروسیه ـ خبرهای جنگ اوروپا ـ جواب امپراطوری ـ عثمانی وبلغار ـ زن حقوق طلب معروف ـ
رسمیت مذهب اسلام درمجارستان ـ دستگیری سفیر کبیر ـ راجع بسفیر کبیر ـ دراصفهان ـ استدلال ـ درسفارت
امریك ـ حرکت بطرف اصفهان ـ درکاشان ـ خبرهای بلوای آیرلند ـ تلفات دبلن ـ خبر دیگر ـ

اعلان (سراج التواریخ

تصاویر
مزار فیوضات آثار حضرت شاه اولیا ـ ازیادگارهای سنه ۱۳۳۰ جلال آباد ـ یك عالم جاپونی دریکی
از منزلگاها ـ یك سپای بامهارت جناب دوست محمد خان ناظم حاکم سمت جنوبی ـ از مناظر هندوستان ـ
یك بنای عجیب زیارت معصوم شاه درسکهر ـ

اعلان

از صنایع بروزیای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب
در خانه جات ، ماشین خانهٔ مبارک که دارالسلطنه کابل علاوه براجهای حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه و اوبیجورده
عبا کر تاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخلی که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت
حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ، ذیل (دکان عبدالله خان درب بازار ارک) میباشد.

(۱) | سرج های پشمینه بافی ورنگهای مختلف که قیمت آن از قرار کرانکلزی ۳ فوت مشخص شده در صندوقخانهٔ جنسی هر بغر وش

اقسام	قسم اول					قسم دوم					
درجه ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم ومقداری که قیمت آن ۱۰ پیسه زیادتر	
رقم	تاحال ساخته نشده	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودر
قیمت		۷ روپیه ۰ پیسه	۶ روپیه ۱۱ پیسه	۶ روپیه ۴۲ پیسه	۵ روپیه ۴۸ پیسه	۶ روپیه ۹ پیسه	۵ روپیه ۱۸ پیسه	۶ روپیه	۵ روپیه ۱۰ پیسه	۶ روپیه ۱۰ پیسه	۵ روپ ۲۰

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار کرانکلزی | کشمیره چهارخانه ۷ روپیه ۳۵ پیسه | کشمیره زهدار هر دو قرم ۷ روپیه پیسته

۲	جرابها			(۳)	تکمه‌های چرمی محراب ومنبردار	
رقم	نکتانکه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج	کلان قدحی	میانه قدحی	خورد قدحی
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه	۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۵۰ پیسه

(۴)	کروره های جدیدساخت			
رقم	زه باف یک اسپه دو گرده دار	زه باف یک اسپه دو گره سه تاره	جرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ چار تارهٔ نمر
قیمت	۸ روپیه و۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲۴ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۶ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	جرم بافدست دولای دو اسپه	جرم باف دسته دولانه یک اسپه	دسته دولانهٔ یکی چار اسپه	جرم باف عمرکان
قیمت	۴ روپیه و۴۸ پیسه	۴ روپیه و۴۶ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۴۳ پیسه
رقم	قبضه رنجی کیت نقره توپخانه	قبضه کلیت نقره از چرم سه لایه توپخانه	زه باف رقم سواری سامی کلیت	زه باف دو تارهٔ رکابی
قیمت	۳ روپیه و۵۵ پیسه	۴ روپیه و۵۷ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵۴ پیسه
رقم	رکابی ازغ	جرم باف میانه چوب پت زنانه	ازین سواری تیغ چرمی	زنانه ابریشمی خیاطه
قیمت	۴ روپیه و۴۵ پیسه	۵ روپیه و۸ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته‌دار تیغ چرمی	دستهٔ دولانه سامی رنجی کلیت نقره	ازین سواری دولایه تیغ چرمی کمک دار	جرم باف مایین پت یک اسپ
قیمت	۴ روپیه و۴۹ پیسه	۴ روپیه و۴۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

(۵)	اقسام گلهای مصنوعی نمر			
قسم	گل جرین	گل نافرمان	گل زبینه	گل شبو
قیمت	۵ روپیه و۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۶ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قسم	شکوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل نسترن	چنبیل
قیمت	۷ روپیه و ۴۵ پیسه	۶ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

(بالمشتهر) (میر محمد هاشم دفتری کار خانجات (اشمال نظامی)

صحیفه (۱) سال پنجم (شماره) ۱۸

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
با مصارف ډاک ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مصارف ډاک ۱۰ روپیه انگلیزی
دوازده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن دو کابلی یکعباسی است
(اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود)

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

اداره خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنه (کابل)
همه امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

۲۰ [illegible]

تاریخ قمری ۱۵ رجب ۱۳۳٤ تاریخ انگریزی ۱۸ می عیسوی ۱۹۱٦ تاریخ شمسی ۲۸ ثور ۱۲۹۵

«قصیده»

در احوال زمان و ذکر زهی مدح اعلیحضرت پادشاه افغانستان خلد الله ملکه

(کلام مستغنی)

بجز فریب ندارد زمانه کار دگر
سپهر نیز ندارد جز این مدار دگر

چها بنوع بشر کرد باربار جهان
کند چها و چها باش باربار دگر

چه کار کرد باهل زمانه یار و براد
هنوز باش بدل باشدش چه کار دگر

بخلق کرد بسال کهن هزار ستم
هنوز سال دگر میکند هزار دگر

بهار سال کهن ریخت رنگ خونریزی
که تا چه گل شگفد سال نو، بهار دگر

بیک شراره جهان سوخت جنگ نامنحوس
جهان بسوزد اگر کرد یک شرار دگر

زخویش رفت بیک کر و دار خلق جهان
خدا خبر چه توان شد بکر و دار دگر

توان کشید بناچار و جار جور سپهر
بلی که داده به مجبور اختیار دگر

کجا کنیم زسقف نگون چرخ کنار
جز این کنار که دیدهٔ کنار دگر

توان زکهنه حصار جهان نمود فرار
جز این حصار اگر دیدهٔ حصار دگر

اگر گرفت دیار و دیار خویش دلت
بگو که یار دگر داری و دیار دگر؟

بسی بیاری یاران مبند دل که کسی
درین زمانه یکی را ندیده یار دگر

بخور بخور غم خود خود بخور که خلق جهان
یکی نمیشود امروز غمگسار دگر

بفکر کار خود افتید ای مسلمانان
بهرزه دست نباید زدن بکار دگر

کنون شدند چو اعدای دین بجنگ زبون
چرا کشیم درین وقت انتظار دگر

بکار خویش چو درمانده ماست دشمن دین
جز اتفاق نزیبد بما شعار دگر

باتفاق بکوشید از برای خدا
یکی برادر دین چند کینه دار دگر

بهم برادر دینیم ای مسلمانان
چه شد گر این زدیاری و آن دیار دگر

خوشا وفاق که سازد یکی هزار هزار
بدا نفاق! که ناید یکی بکار دگر

هزار صد است و هزار اتفاق یک بدگر
همان یک است چو زو کم کنی شمار دگر

زرد نیچری ای غافل اتفاق بزد
نه این متاع همی آید از دیار دگر

گر اتفاق بهم داشتی گروه فرنگ
چرا بجنگ کشیدی یکی دمار دگر

هنوز هم رمق داری از حیات هنوز
مکن بهرزه مکن صرف روزگار دگر

خوش آنکه بود ز دست تو خاک بر سر کفر
کنون کجاست یکی چون تو خاکسار دگر

بهیبت تو بُد قدرت عدو نداشت وقار
کنون کجاست بگو چون تو با وقار دگر

عقب زدشمن دین ماندی از پیاده روی
چه شد نبود بدل تو شهسوار دگر

چه شد که میکنی اقرار هوشیاری خصم
چه شد نبود بدل تو هوشیار دگر

بهیچکار مزن دست خود که گفت ترا
که هیچ نیست کنون چون تو هیچکار دگر
گذشت موسم بیکاری و قرار نشست
زمان کسب و کمال است و کار و بار دگر
زمان غفلت و تن پروری گذشت گذشت
کنون زمانهٔ سعی است و روزگار دگر
بروزگار چنین شهریار عدل شعار
زمانه یافت وقار دگر قرار دگر
جهان عدل و سپهر خرد محیط کرم
که ملک و دولت ازو یافت اعتبار دگر
سراج ملت و دین آفتاب دولت و ملک
که همچو او نتوان دید شهریار دگر
ز فیض نور سراج منیر عصر امیر
بغیر علم و هنر نیست کار و بار دگر
ز مدح خسرو عهدم دگر چه کار نکو
من شکسته چه می‌آیدش بکار دگر
ز من خوشست همین وصف قهرمان زمن
مرا که نیست بجز شاعری شعار دگر
غزل ز ابهو آرم دران حدیث شان
مرا که نیست جز این پیشه کار و بار دگر

(غزل)

ندیده‌ام بجهان چون تو گلعذار دگر
که دیده از گل روی تو خار خار دگر
بود بخون دلم هر دمت نگار دو دست
که دیده است چنین سنگدل نگار دگر
ببرد عشق تو دل با خم بدا و نخست
خدا نخیر کند با قوام قمار دگر
بدور چشم تو شد باده می‌کشی بجهان
کنون نمانده درین دور هوشیار دگر
بیا که سلامت این نیم جان نثار بیا
بیا که نیست مرا غیر ازین نثار دگر
گرفت کشور حسنت به نیم چشم زدن
غبار لشکر خطت بود غبار دگر
بعشق لاله رخان زمانه مستغنی
ندیده است کسی چو تو داغدار دگر

غزل در حب وطن

ز بسکه در دل من کرده جا هوای وطن
همیشه میطلبم از خدا بقای وطن
حدیث اشرف حب الوطن من الایمان
چو ثابت است چرا نبود ولای وطن
وطن گل است و منش بلبل و همی گویم
که خار غم نرسد هیچگه بپای وطن
غنیمت است وطن پس غنیمت ای اخوان
فزون بود ز بیان قیمت و بهای وطن
چو هست از وطن آوارگی عذاب شدید
مباد هیچکسی در جهان جلای وطن

پی حفاظت ملک خود ای وطنداران
ز اتفاق کنید آهنین بنای وطن
بقدر وسع بکوشید تا خدا نکند
قدوم مردم بیگانه آشنای وطن
نه لازم است وطن را گذاشتن بکسی
اگر شود سر و مال همه فدای وطن
سزا ز اهل وطن زخم به که مرهم غیر
سزاست است وفا بهر من جفای وطن
برادران پی دفع گزند بد چشمان
وان یکاد بخوانید از برای وطن
بچشم کور شود هر کسی که جانب ما
نگاه تیز نماید به ادعای وطن
اگر عدو بکند قصد ملک ما یارب
اسیر کن خود او را بیک بلای وطن
هر آنکه سر بسوی این وطن بر افرازد
سرش چو دانه شود زیر آسیای وطن
مدام دوحه بادا بلطف یزدانی
بتار سوزن فتح و ظفر قبای وطن
گر اختیار دهندم نمیخرم هرگز
حریر ملک دگر را به بوریای وطن
هزار خانه که ارژنگ چین و ماچین باد
نثار کنگرهٔ قصر دلگشای وطن
درین وطن که بود ایمن از فتور و خلل
سرور بخش دل ماست مقتدای وطن
ثنای حق بوجود وی ای مسلمانان
ادا کنید که او هست کدخدای وطن
سراج ملت و دین شهریار اسلام است
کزو شد است ترقی و اعتلای وطن
ز فیض همت این خسرو خجسته خصال
رواج علم فزون شد در اقتضای وطن
نظام مملکت این وطن گرفته قوام
بعهد او شده مرفوع تر لوای وطن
دوام دولت عمرش نصیب کن یارب
مزید ساز برو وسعت و فضای وطن
مراد هموطنان الناس آمین است
چو بشنوند ز شعر احمد این دعای وطن

(البلاغ)

در شمارهٔ دهم همین سال پنجم خویش مختصر شرحی در خصوص اخبار حکمت گ فواید نثار (البلاغ) که در کلکته بقلم حقایق رقم جناب (ابوالکلام آزاد) طبع و نشر میشود درج صحایف افتخار نموده بودیم . درین شماره یکقسمت از مقا بسیار سوزناک ادبیه و اجتماعیهٔ شانرا که برای بیداری برادران قومی همس نشین خود تحریر فرموده اند در مخادرج میبایم تا اینک بوده از آثار قلمیه و فکریهٔ ادیبانهٔ شانرا در انظار دانم دوستان علم و کمال جلوه گر گردانیم

﴿ افسانهٔ هجر و وصال ﴾

همچنانچه در دنیا موسم بهار و خزان می آید . و هوا هم تغ

ریف تیدن میورزد . و آفتاب گرما و رمها حرکت صیفی وشتوی ورا اجرا می‌کند . آیا همچنان شورش دلهارا نیز کدام موسم . ضطراب قلوب وبیقراری ارواح را هم کدام وقت وفصل موجود ت ؟ آیا جنون وسراسیمگی را هم یکموعدی هست که بادهای آن وزد . وابرهای آن نمودار شوند ورعدهای آن بصدا وغرش درآیند ورقهای آن بجهی ودرخشیدن بیایند ! هرچند که درست بودن این طلب امروز ولازم گفته نمیتوانم . مگر خود من بخوبی حس میکنم دیوانگی دلمن جوش زده برمیخیزد . وشورش روح من آهسته تحرکت آمده دامن وسکون اقلیم وجودم خلل انداز میگردد ! یکدل مانند دریائیکه آب آن از خشک سالی فرونشسته باشد آرام ساکن وبیحول امروز مانند بحری که از تهٔ آن موجها بجوشیدن وبالا ستن آغاز نهاده باشند باز از آه وبکا پروا ملا گردیده ام ! چشمهایم ر مصائب وآلام انگیز وساغر ضبطم از کثرت شورشها سرشار ریز گشته است ! من امروز باز تلاش همان خاک پاکی را آمده ام که آنرا وسر وچهرهٔ خود پاش دهم ودوباره بجستجوی آن خاک غمناکی آمده ام که زخمهای جگر صدچاک خودرا بآن برسانم ! من امروز شانی وانکام . ومرا ضرورت بیمارستان است . چراکه هوشیاری ا گران میسازد . وتندرستی بدرد من نمیخورد ! آه ! من میخواهم که امروز آنقدر بگریم که دلم خالی شود . ونه آنقدر شدت ناله وفریاد بدارم که بساط نشاط شمارا برچینم . وعیش کده شمارا ماتم کده گردانم ! شه از آهای من عیش شما منغص . از ناله‌های من طبیعت شما مکدر وافغان وواویلای من دلهای شما مانند تنور گرم وشعله ور خواهدشد : ن شما را از غم واندوه مملو . وبادرد وحدت آشنا ومأنوس خواهم ساخت . اشکهای شمارا از فرط حزن والم مانند جوی روان . وعمارت عیش وعشرت شمارا که از مدتها معمور بوده بسیل اشک وصرصر آه خود خراب وویران خواهم نمود ! :

روی بازار مراد امروز عرق بامنست
دیدهٔ تو میفرو شو دامن تو میخرم !

. . .

در دنیا همیشه می‌بینیم وهروقت مشاهده می‌کنیم که اگر خواب شان بجز نوم ابدی یعنی خواب موت نباشد بشبیه یک خواب طبیعی هم تبدیل وبواقع بیدار خیال کرده میشود وگاهی چنان احتمال تصور میرود که ایشان بخواب خود دایم مانده هیچ برنخیزد . هرچند درمیان خوابها هم بلحاظ وقت ومدت . ودأب وعادت کم وبیش فرقی موجود است . یعنی خواب بعضی که یک قدری خفیف ولطیف باشد بیک آواز پست وتحریکی هم برای بیدار ساختن شان کفایت میورزد . وازبعضی چون کمک درجه نوم آسایش واستراحت باشد برای ایقاظ آنها بیکی صداها وآوازهای بلندهم احتیاج می‌افتد . وحتی برای بعضی که خواب شان از نیم عمیق‌تر وسنگین باشد بشور دادن وجنبانیدن شان نیز لزوم دیده میشود . مگر اینچنین هرگز واقع نمیشود که زلزله‌ها بیاید . وزمین بجنبد . و کوه‌های آتشفشان برگدوهمهٔ کائنات را بلرزه درآرد وازصداهای هولناک باهم خوردن ومصادمهٔ آنها پرده‌های گوشها پاره پاره شود و هنوز هم چشمهای خواب آلوده خواب رفتگان ما ازهم گشاده نگردد !

پس یقین کنید و تحقیق دانید که خداوند متعال را نیز با بندگان خود حال همین نهج ومنوال بوده است . اولاً آواز میدهد که سرشار بادهٔ غفلت وبیهوش چشم خودرا باز کند . واگر بآن هیچ حس وحرکتی دروضع آن بندهٔ غافل مشاهده نیفتاد . سپس از هر طرف روی شور وغوغا می‌انگیزد که ناشد به صورت وتدبیر آنرا بیدار سازد واگر به اینهم تیقظ آن خوابیده ممکن میسر نشد . دستهای برای شور دادن او پیدا شده اورا ربجنبانند وبالای سرش صدا کرده می گوید برخیز ! برخیز ! که شب گذشت وصبح دررسیده وزود است که روشنی آفتاب از سر دیوارها پایان آمده برصحنها ومیدانها منتشر گردد . برخیز ! که هنوز ابتدای روز است ومگذار ! که این روز بیهوده ازدست فوت ومنقضی گردد . چراکه روز چون یکبار گذشت بازدوباره عود نمیکند ! ولی باوجود اینهمه اقدامات اکثر چنان میباشند که به این شور دادن هم چشمان خودرا نمی گشایند وبدعوشان عالم خواب وبخیری از پهلو به پهلوهم بگردند . واذان تنبیهات خیرخواهانه بقدر ذرهٔ هم گوشهای شان متأثر نمیشوند . پس درمرتبهٔ اخیره آوازهای صعب . وصداهای هولناک می‌برآیند . زلزله های آیند . وولکانها شعله فشانی آغاز می‌کنند . زمینها به ترکیدن وبریدن می‌درآیند کوهها باهمدیگر مصادمه می‌نمایند ولرزیدن ودهشتناکی صداهای مهیب آن جمیع کائناترا یک شور وشر ورستاخیز محشر نمائی استیلا می‌کند . اینهمه برای چه ؟ برای اینکه انسان از نوم غفلت وبیدائی برخیزد وملاحظه کند هنوز وقت وفرصت مهیاء موجود است چشم بگشاید وبه اطراف وجوانب خود نگاه کند . واگر باین هم هیچ حرکتی خودرا نشان ندهد ودیدهٔ خودرا باز نکرداند پس فرشتهٔ بزرگ الهی تعالی به آواز بلند صدا برآورده میگوید که « اموات غیر احیاء وما یشعرون ایان یبعثون » !

. . .

پس جمیع تدابیر تنبیه وهوشیاری بروی کار آورده شدند وبرای بیدار ساختن یک خوابیده چیزیکه ممکن ولازم بود بعمل آمد مگر افسوس که چشمان شما هنوز بسته است ونشهٔ غفلت بهیچ طرفی از سر تان بیرون رفته . و خواب تان بهیچ صورت رفع و زایل نمیشود . در دنیا انسانرا عقل وبصیرت وفهم وفراست است . دانائی عقلا . هدایت هادیان وعظ واعظان ونوشته‌های مقدس حضرت قادر سبحان . تعلیمات یک پیغمبران موجودند . وباز متصل آثار گونه حوادث وانقلابات . و آثار وعلامات . واستنباط واستشهاد همه روزه بظهور می‌آیند مگر وای بحال قومی که برای رفع غفلت شان اینهمه بیسود وبیکار است ! بلاز واقعات گذشتهٔ دنیا متأثر میشود ونه از تغیرات وحوادث حالی پند می گیرد . نه از وعید الهی می ترسد ونه از هدایات بندگان عبرت می گیرد « وما یأتیهم من آیات ربهم الا کانوا عنها معرضون » !

بلکه بسا الاوقات چنان بنظر می آید که هرقدر صداهای عبرت وآوازهای غیرت برای بیدار ساختن وهوشیار گردانیدن آن بلندی وشدت ورزد بهمان نسبت خواب آن زیاده ترکسب کثافت وغلظت می‌نماید « ولقد جاءهم من الانباء مافیه مزدجر حکمة بالغة فما تغنی النذر » !

دردنیا برای اخذ عبرت ، وحصول فهم وبصیرت ازهمه اول نوبت تاریخ یعنی واقعات وحالات اقوام وامم ماضیه میرسد . وهمینها است که انسان بتوسط آن تجربه ودانائی را تحصیل میکند ، ومی بیند که همواره چون ازیک قبیل معاملات ووقایع بظهور پیوسته اندویک قسم اعلانات کرده شده الی الآخر ازاثر آنها هم یکقسم حالات وکیفیات طاری گردیده اند ، ودرما بعد نیز نتیجهٔ که ازآنها برامده است همیکسان بوده است لهذا پس از تجربه واستقرار فکر برین یک قرار می‌یابد که حالا هم اگر همچنان حالات صورت پذیر گردند ، ضرور ولابد نتایج ان نیز بیکرنگ بمیدان کشف وشهود خواهند برامد ، چراکه اگر شعله‌های آتش همیشه وجود انسانرا سوختانده است گاهی دیده نخواهد شد که کسی درمیان آن آرام ، وبهامن واستراحت تمامنشیند ! واگر درحوادث وواقعات گذشته برای شما کدام اثر وعلامتی موجود نیست ، البته ازین یک بهیچصورت انکار نخواهید توانست که امروزه روز ، حاضر درپیش چشم‌تان چنان حوادث وانقلاباتی وجود دارند که زبان‌شان ازهمه زبانها بیشتر آوازدهنده ، وازهمه زیاده‌تر در گوشها جایگیرنده ، ودردلها تاثیر کننده است : « اولا یرون انهم یفتنون فی کل عام مرة اومرتین ثم لایتوبون ولاهم یذکرون » ؟ !

واگر جمیع آن حوادث وتغیراتی که از انها هرسال وهرماه بلکه هرطلوع وغروب حیات شما مملو ومعمور است هم برای فهمیدن وبیدار شدن شما کافی نباید ، پس آیا هان بطش آخرین وصاعقه آتشین قانون تعذیب وتخریب امرحضرت قادر قدوس که ازدهشت آن عقلها معدوم وهوشها مبهوت وفکرها نابود وغیر معلوم گردند هم شمارا ازخواب غفلت بیدار نخواهد کرد ؟ که ازآواز مهیب زلزله انگیزدهشت انداز آن قله‌های کوههای پایداری ومقاومت نیاورده ازهم پاره پاره شوند ، وزمین از شدت حرکت ولرزش بخود فرو رود وماهیان بحرها برای گریه تعزیه وماتم آن بیرون آیند ، « کلا والقمر واللیل اذ ادبر والصبح اذا اسفر انها لاحدی الکبر . نذیراً للبشر لمن شاء منکم ان یتقدم او یتاخر » !

پس اگر شما تا کنون بدین سبب زعم داشتید که تاجائیکه زلزله ها نیاید بیدار نمیشویم ، وتاوقتیکه ولکان پاره پاره نشود چشمهای خودرا بدیدن چیزی نخواهیم کشاد وتازمانیکه صداهای دهشتناک ازقله‌های جبال وقعرهای بحار درجو هوا بلند نگردد گوشهای خودرا بشنیدن آوازها نخواهیم نهاد ، پس آه ، این تاخیر مزید برای چیست ؟ وان انتظار بعید برای کیست ؟ چراکه زلزله‌ها هم آمدند وآتشفشان هم کفیدو کوه هاهم پست شدند وصداهای مدهش ، وغریوهای عظیم وهولناک نیز ازروی زمین وزیر بحرها شنیده شدند ولی شما ازهمان پهلوی که بران افتاده بودید بدیگر پهلو هم نگشتید ! آیا زیاده برین چه میخواهید ، واضافه برین چه وهم وتصور میتوانید ؟ مگر شاید آرزو دارید که آسمان شق شود ، وآفتاب ریزه ریزه شود ، وکرهٔ ارضی هم بصورت یکدود وبخاری تحویل یافته از نظرها غایب وسراسر مستور ومحتجب گردد ؟ ! « فهل ینظرون الا الساعة ان تأتیهم بغتة ؟ فقد جاء اشراطها ، فانی لهم اذا جاءتهم ذکراهم » ؟ !

چشمها برای دیدن ، و گوشها برای شنیدن هستند ! ودل در پهلوی انسان برای این گذاشته شده که همواره بطپد وبیقرار باشد ، مگرچه چاره ؟ زیرا جمیع چیزهائیکه چشم آنرا می‌بیند برای شما بیهوده وبیکار است ، وهمهٔ آن سخنانی راکه گوش میشنود برشما بیسود وبی‌اثر است ، وهمهٔ آن افکار وعیوبهای که ازان روح بیقرار ودل باضطرار میشود نزد شما واهی ولایعنی است ! پس هرچه کرده شود لاحاصل ، وآنچه گفته شود بیفایده وغیرمؤثر است ! افسوس ! شما خیلی غافل گشته‌اید ، ودر بخفوت گرفتار آمده اید ، دست تسلط گمراهی برشما دراز گردیده ، قوت احساس از شما فنا ومعدوم گشته وحس تمیز وادراک‌تانرا از شما عاجز وزایل گردانیده اند ، والا اگر چنین نمیبود ، هریک ازینواقعاتی که پیوسته ازنظرها گذشته ومیگذرند چندان صاحب فیض ومنفعت میباشند که اگر کور میبود بعین آن بینا میشد ، واگر لنگ میبود ببرکت آن بحرکت می‌یافت ، واگر گنگ میبود از شدت آواز وکنکویش کرهٔ لسانش بلرزه واهتزاز می‌افتاد ، واگر شل وزشت میبود هم بپاوخزنده خودرا بمنزل مقصود میرسانید ، مگر آه ! در دنیا علاوه تر ثقلت غفلت شما هیچیک سخن تعجب انگیز تاثر آوری واقع نشده ، ودر مقابل سکون خواب شما در دل سنگها داغها ودرزها افتاده است ، هیهات ! شما که چنین نبودید ، پس چرا مانند کسانی شدید که رسول خدا همواره بر حال ایشان ماتم میکرد ، « لهم قلوب لایفقهون بها ، ولهم اعین لایبصرون بها ، ولهم اذان لایسمعون بها ، اولائک کالانعام بل هم اضل اولائک هم الغافلون » ؟ !

آه من چسان کنم ؟ وبکدام طرف بروم ؟ وبچه صورت در دلهای شما نفوذ کنم ؟ وآنچه قسم کرده شود تا ارواح تان منقلب وقلوب تان مضطرب گردد ؟ شمارا چه شده که از دیوانگان هم بدتر گشته‌اید ودنیا ازعقل وتمیز در اطوار وحرکات‌تان مشاهده نمیشود وغفلت ونادانی بر حواس شما مستولی گردیده ، که بدمستان میخانه هم از شما عاقلمند وهوشیار می‌نمایند ، وبر عقلهای تان چرا چنان یک طاعون ، ومرض خطرناکی طاری گردیده که با آنکه هرچیزی میگوئید ومیدانید مگر به راه حقیقت بروی شما باز نمیشود ونه از رفتار ونقش قدم گمراهان بازمی آید ! « افلا یتدبرون القرآن ام علی قلوب اقفالها » ؟ ! شاید که شما از جملهٔ آن کسانی باشید که ذکر شمارا حق سبحانه وتعالی در قرآن عظیم الشان فرموده است ، « وجعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه وفی آذانهم وقرا » ؟ !

مدتها گذشت که دامن غفلت وبی‌پروائی را محکم گرفته‌اید ! بسیار وقتها شد ! حالا ازکف بگذارید ! وبسیار وقتها را بخواب عیش ونادانی صرف کردید حالا یکقدری بیدار شوید ! سالها همدیگر خودرا کوبیده ساخته حالا هم بس وقتست همدیگر بیابید ، عمرها بیکدیگر اجنبی وناآشنا ماندید حالا هنوز ابتدای منزل است خوب یکدیگر خودرا بشناسید ! زیرا قادر ذوالجلال شمارا چنان مهلت گرانقیمتی عطا فرموده که تا امروز تغافل گذرانیده شده بی‌هوش گشتید ! وزودی آنرا دریابید ! ! تانشود که حق سبحانه تعالی شمارا بجرم کفران نعمت خود گرفتار سازد ورشتهٔ عمر خودرا از شما قطع کند ، وبعوض شما دیگری را لایق محبت خود از ذاتی فرماید چنانچه همیشه عادت او ست : « وربک الغنی ذوالرحمة ان یشاء یذهبکم ویستخلف من بعدکم مایشاء کما انشاکم من ذریة قوم آخرین » ؟ !

اگر شما مال ومتاع خودرا از خدا زیاده دوست دارید ونمیخواهید که آنرا در راه وی صرف نمائید ، واگر جانهای خودرا از جانهای بیشتر گرامی وعزیز میدانید ونمی‌پسندید که آنهارا برای نام وی

یرفتن کنید و بدرستی بدانید که او هم هیچگاهی بشما محتاج نیست و کاینات
از انسانها و مملو است بلکه اگر بخواهد برای اغفای خدمت گذ
نمود عبرا از نوع انسانی در خمارا روان خواهد ساخت ! که معاذا
خواهد نمود ذرات خاکرا هم زبان عطا خواهد فرمود که در اعلای
حق ، و تبلیغ اوامر ذات قادر مطلق او کوشش ورزند ! مگر کاهی
انسانهای ناشکر مان کار نخواهد گرفت و هر گز عزت احکام مقدس
خود را در دست های ناپاکان نخواهد گذاشت ، و اگر شما این را باور کنید و یا کذب و افترا بدانید مگر من صریح میبینم که چون از طرف شما در مقابل صدای وی هیچ جواب با صوابی نیامد لهذا برای سرانجام دادن خدمت خود بعوض شما دیگران را بادستهای رحم و محبت و فضل و مرحمت بسوی خود دعوت و اشارت نموده میطلبد یا ایها الذین امنوا من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی الله بقوم یحبهم و یحبونه اذلة علی المؤمنین

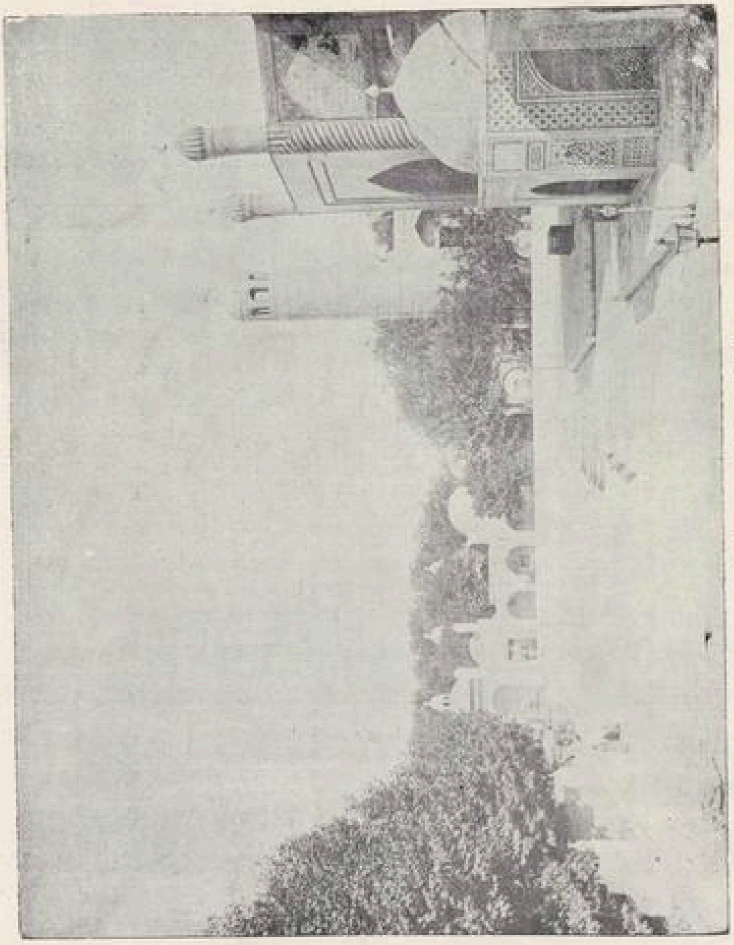

مزار فیوضات آثار حضرت شاه اولیا

اعزة علی الکافرین یجاهدون فی سبیل الله ولا یخافون لومة لائم . ذالك فضل الله یؤتیه من یشاء والله واسع علیم »

بیداری اطفال وطن

یك روز قریب شام برای هوا خوری و ترویح نفس که بعد از کار و ضروریات جسد میباشد در میان جنت منظر باغهای چهاردهی رفتار داشتم و بوهای روائح شکوفه های ربیعیه و وروده و زهور بهاریه مرا بی حس و هوش نمود بعظمت خالق و قدرت خداوندی جل شانه فکرزده میرفتم در ین اثنا یك صدای بگوشم برخورد که می گفت یا ادیب ! یا ادیب ! ! چون نظر افکندم تخمینا چهارده یا پانزده ساله یك بچه جوان معتدل القوام تیز صدا تیزبین تیز ذکا دیدم که مرا سلام داد من جلو اسب گرفته رد تعجب نمودم و از او پرسیدم که آیا انگریزی میفرمائی . بجواب من گفت بلی برادر! من از شاگردهای دار المعلمین وطن عزیز خود میباشم

که چیزی جزئی از وطن و حقوق مقدسهٔ آن و تربیت و وصول آن و اخلاق و تفصیلات آن بو برده توانسته ام

وچون میدانم که جریدهٔ مبارکهٔ وطنیهٔ (سراج الاخبار افغانیه) موجب بیداری و آگاهی ملت نجیبهٔ افغانیه است خواستم بمسامع ابناء وطن عزیز خود بآن واسطه بیک مقالهٔ عاجزانهٔ خودرا برسانم :

اما حیران ماندم که بچه طور بحضور جناب مدیر صاحب تقدیم نمایم تا آنکه دیدم شما بصفحات آن جریدهٔ مبارکهٔ مزبوره یک مقاله نوشته اید از شما خواستم بپرسم که آیا بچه طور جناب مدیر صاحب خواهند قبولانید که مقالهٔ من را بانظار مطالعین ابناء وطن عزیز من جلوه گر بسازند و آیا تنزل میفرمایند بخواندن آن یانی ؟

من بجواب او گفتم :

برادر ! هیچ که بخاطرت نیارید که جناب استاد معظم مدیر صاحب مقاله‌های ابناء وطن بیدار هوشیار خودرا قبول نفرمایند ، نی بلکه بکمال ممنونیت و مسروریت مقاله‌های مفیده را قبول می کنند پس اگر ببینند که لایق نشر است به بسیار خوشی درج صحیفه های اخبار خود می کنند و اگر فرضاً مناسب ندیدند که داخل اخبار شود باید شما همت را کم مکنید و نا امید نشوید بلکه کوشش ورزید که از او بهتر و خوبتر بنویسید و من صباح منتظر قدوم شما هستم که مقالهٔ مذکورهٔ شمارا از نظر جناب مولایم مدیر صاحب بگذرانم :

بحسب وعدهٔ خود فردا در نزد من آمد و مقالهٔ که نوشته بود بمن تسلیم نمود و من نیز مقالهٔ مذکوره را بجناب مدیر صاحب تقدیم نمودم : مسرور شدند و فرمودند که مقاله را هرچه که باشد درج می کنم تا شوق علم و عرفان در اولاد وطن افزون شود و در دلهای شان محبت دین ، پادشاه ، ملت ، وطن جایگیر گردد .

از یادگارهای سفر سنه ١٣٣٠
جلال آباد
یک عام جلبوتی در یکی از منزلگاهها

مقصد این عاجز از نوشتن این سطور اولاً اینست که یک حس شادمانی در خود حس کردم که الحمدلله بسایهٔ عرفان وایهٔ ذات اعلیحضرت سراج الملة والدین و حسن ادارهٔ شهزادهٔ جوانبخت معظم معین السلطنه صاحب افخم در وطن عزیز مقدس افغانستان علوم و عرفان بدرجهٔ رسیده است که اولاد وطن شوق و رغبت کامل در تحصیل علوم و فنون دارند که این مسئله موجب سعادت است .

ثانیاً ـ خواستم تا بر اولاد وطن روشن شود که جناب استاد معظم مدیر صاحب مقاله‌های اولاد وطن را بکمال رغبت قبول میفرمایند :

محمد ادیب

حکمت

حکمت طلب و بزرگی آموز   تا به نگرند روزت از روز

بر عاقلان و دانشمندان مخفی و پوشیده نه بوده و نه هست و نه میشود که فضیلت انسان که مراد از حیوان ناطق است بر حیوان غیر ناطق بجز علم و دانش دیگر چیز نیست .

(بیت)

بنطق آدمی بهتر است از دواب   دواب از تو به گر نگوئی صواب

(سوال) ـ انسان چیست ؟

(جواب) انسان حیوانیست کامل که بوی علاوه بر حیوانات دیگر عز و لوازم داده شده است ـ و از کل انواع حیوانات جدا و ممتاز کرده اما حیوان بودن انسان از تجربت است که صفات و لوازم جمیع حیوانات روی موجودات ـ خوردن نوشیدن ـ حرکت کردن ـ بار برداشتن آب‌بازی کردن ـ دویدن ـ آشیان ساختن ـ آواز کشیدن ـ [illegible]

بازکردن ـ وازمکروه رمیدن ـ وغیره وغیره ـ آنچه صفات جمیع حیوانات است دروی موجود است البته باید حیوان باشد بلکه حیوان کامل باشد که خصوصیات جمیع حیوانات دروی موجوداست وعلاوه برانچیزی که باعث امتیاز وموجب تمیز وجدائی او ازباقی حیوانات است صفة علم ودانش است ـ حکمت مراد ازعلم ـ وعلم بمعنی اطلق ـ خصوصا علم ملیان که بهترین علمهاست ودین ملیان بهترین ادیان وپیغمبرملیان بهترین پیغمبران ـ همین نیم پیغمبر برحق که حضرت خلاق مطلق در شان آن حبیب خود فرموده است که (لولاک لولاک لما خلقت الافلاک) پس ای برادران دین چشم بصیرت باز کنید که شماهارا خداوند بچه نعمت هـای گوناگون که مراد ازعلم ودین وپیغمبراست سرافراز دینی ودنیوی گردانیده ـ پس شکر این نعمت های عظمی را بجا آرید که خداوند عالم علوم فنون دنیوی واخروی شماهارا درترقی بیندازد حضرت خداوند عز اسمه وعده کرده است ـ ان وعدالله حق ـ که (وان شکرتم لازیدنکم) یعنی اگر شکر کنید هرآینه شماهارا زیاد می کنم ـ پس باید که علم بیاموزید وطلب کنید بنابرفرمودهٔ حضرت شاهنشاه دین جناب سیدالمرسلین صلی الله تعالی علیه وعلی اله واصحابه اجمعین ـ که فرموده اند ـ (طلب العلم فریضة علی کل مسلم ومسلمة) یعنی طلب کردن علم فرض است برجمیع اسلام ازمرد وزن ـ ونیز فرموده اند که (اطلبوا العلم ولو بالصین) یعنی طلب کنید علم را اگر چه باشد درچین وقتیکه حضرت خاتم النبیین (ص) فرموده اند پس چگونه علم نیاموزید ونیز زبان دردربار گوهر نثار خویش فرموده اندکه (علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل) ونیز درحدیث شریف وارد شده است ـ که (العلماء وارث الانبیاء) ـ

ای برادران مسلمان وقتیکه مرتبهٔ علمای امت آنحضرت (ص) اندازهٔ انبیای بنی اسرائیل علیهم السلام باشد پس چگونه علم نیاموزید وطلب نکنید که ترقی دینی ودنیوی شماهان درعلم است وبس ـ

سوال ـ آن علم ودانش که حقیقت انسان وکمال حقیق ومطلوب ملی وباعث تنزل وترقی وموجب فرق از کافری وحربی او میباشد چیست وحکمت ـ وچند است .

جواب چهار قسم است ـ اول علم رافع ـ دوم علم ساطع ـ سوم علم نافع ـ چهارم علم ضایع ـ علم رافع مراد ازعلم فقهاست کقوله تعالی (یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اوتوا العلم درجات) وعلم ساطع علم ریاضت که مراد ازان علم نقلیات است ـ وعلم نافع علم حکمت است ـ وعلم ضایع علم نجوم ـ پس باید همان علمی که برای شماهان فایده میرساند وترقی شماهان دران است کوشش کنید تافائده بیابید ـ

هرکسیکه از هرملتی درهر چیزی ترقی کرده اند از همین علم ملیان کرده اند ـ هزار که ترقی کرده باشند مرتبهٔ آنان بمنزلهٔ مرتبهٔ ملیان نیست ـ بنابرفرمودهٔ حضرت خداوند جل علی شانه که (متاع قلیل ثم مأواهم جهنم) که جناب آنسرور علیه صلوة الله الاکبر درشان علمای امت خود فرموده اند ـ و ماها که کوشش نکردیم وروش متقدمین خودرا ترک کردیم وازنفع آن بحر دین بیبهره هستیم ـ نمیدانیم که فائدهٔ آن چیست ؟؟

ای برادران دین باید که کوشش کنید که عالم شوید تافائدهٔ آن برای شماهان معلوم گردد ـ

فائدهٔ آن معرفت هرچیزاست ازمعنوی ـ وصوری ـ وظاهری ـ باطنی ـ وحقیقی ـ ومجازی ـ تاحدی که معرفت حضرت حق جل وعلی شانه درعلم است ـ چنانچه علمای متأخرین (رح) فرموده اند ـ

چوشمع ازپی علم باید گداخت   که بی علم نتوان خدارا شناخت
نی آدم از علم یابد کمال   نه ازحشمت وجاه ومال ومنال
رو دامن علم گیر استوار   که علمت رساند بدارالقرار
میاموز جز علم گر عاقلی   که بی علم بودن بود غافلی
ترا علم دردین ودنیا تمام   که کار تو از علم گیرد نظام

سید محمد داوود طالب العلم مدرسهٔ دارالمعلمین

حوادث خارجیه

خبر های جنگ اوروپا

قضیه لاینحل سالونیك

قضیهٔ سالونیك یك موضوعی که هیچ کس در ابتدای امر آن را یکی ازمسائل درجه دوم فرض می کرد متدرجا نوعی دوچار عقده های پیچ اندرپیچ شده است که درحقیقت دیپلوماتها وخبره های نظامی را از تعبیر وحل آن عاجز نموده و متناسب اجریان سریع حوادث یکی از قضایای درجه اول بشمار می رود .

مسئله مزبور در جای خود ازنقطه نظر تهدید ارتباط آلمان باشرق نزدیك مهم بود لیکن استنکاف قوای متحدین اروپای مرکزی از حمله به « سالونیك » بهت وحیرت زایدالوصفی نزد مؤتلفین حادث کرده ومتدرجا افکار مقامات مربوطه گرفتار تردید وموجبات همهمه دراطراف آن تولید گردیده است .

افکار ذی علاقه داران دوچار تشویش است که آیا در حقیقت بقای عساکر مؤتلفین در آن قسمت فایده دارد یا آنکه اولیاءامور آنان دراین مورد هم مانند « کال یول » خبط واشتباه کرده وبرای آنکه اقرار بخطای خویش ننماید متجاوز از ربع ملیون قشون را معطل گذارده اند .

دراین موضوع گویا شبهه باقی نباشد که چنانچه دول ائتلاف خوب میدانستند که یونان مساعدت آنها اقدام نمی نماید وبموقع « صربستان » از چنگال خصم خلاص نمی شود ازهمان ابتدای امر قشون به « سالونیك » اعزام نمیداشتند . لیکن حالیه اقامت قشون چه صورتی دارد خیلی محل تامل است .

دراین موقع که مؤتلفین امدادیه برای تقویت قوای خویش بدانصوب میفرستند وکم وبیش خبر غرق جهازات ایشان و عملیات تحت البحرهای آلمان دربحر اژه میرسد دائرهٔ اعتراضات وسیع تر می گردد عدهٔ ازخبره ها ونویسندگان فرانسه مخصوصا دراین موقع خیلی بنای اعتراض را نهاده ومیگویند آلمانها اینك صفوف عساکر خویش را به « تراپون » و « مجاور » و « رمس » رسانده در صورتیکه میدان حقیقی ما دراین جاست ودرهمین فرصت مقدرات جنگ ماها آلمان حل خواهد شد برای چه سربازان خودرا ازوطن خویش بنقاط متفرقه دنیا پراکنده

می کنیم وچنانچه بواسطه کم شدن قشون دراین میدان دشمن موفق بهشکستن خطوط مملکت ماشد مسؤل چنین سانحه کیست ؟

مسیو پیشون وزیر امور خارجه سابق ومسیو کلمانسو ، رئیس الوزرای معروف اسبق فرانسه در جراید خویش بالهجه شدید تری رویهدولت فرانسه ومؤتلفین را درسالونیك تحت دقت قرار داده‌ودر یك مقاله اخیراً می نویسد :

« آلمان محتاج است که قوای مارا در نقاط بعیده پراکنده نماید واین فرونت مصنوعی در « سالونیك » در حقیقت یك تله جنگی است که آلمانها متعاقب کالی بولی یك چنین مقدار قوای نفیس را از ما گرفتار آن کرده اند دراینصورت لازم است ماهم مراقب خویش بوده ودرین تله آلمانی نیافتیم » .

بدیهی است دراین‌ایام که حملات آلمان بصفوف فرانسه وانگلیس قوی‌تر ازسابق شده است وحتی درچند موقع خطوط‌مؤتلفین دوچار لطمات گردیده این‌نوع اعتراضات نسبت بسابق زیادتر خواهدبود.

صرف نظر ازعدهٔ که اساسا بقای قشون خویش را در آن نقطه بکلی بی‌فایده میدانند قضیه مهمی که مطلب دراطراف آن جریان دارد این است که آیاقوای مؤتلفین درسالونیك می‌توانند بخطوط‌بلغار حمله‌برده وموجبات مزاحمت متحدین اروپای مرکزی‌را فراهم سازند یانه : در صورتیکه می توانند علت آنکه قشون مزبور درخندق ها قرار گرفته و منتظر هستند که چه وقت متحدین آلمان بدانهاحمله می آورند تادفاع نمایند چیست . ودر حالتی کهانگلیس استطاعت حمله بردن را ندارند چرا به میدان دیگری که از وجود آنها فایده عاید شود منتقل نمی سازند .

تعمق دراین نکته نیز لازم است که آیا مقصود از عملیات اخیری که آلمان در بالکان انجام داد چه بوده است ؟

جواب این‌مسئله اشکالی ندارد . آلمان برای گشودن‌راه بمشرق زمین‌خواست بشرق نزدیك راه پیدا کند واینك کهراه مزبور برای کلیه دول‌متحده اروپای مرکزی باز شده است آیاچه علاقه خواهند داشت که دراین نقطه ساحل بالکان مقداری قوای مؤتلفین توقف داشته باشند ؟

درحالتیکه قوای انگلیس وفرانسه نتوانند زحمتی براه غرب‌وشرق برسانند مسلم است آلمان بی‌میل نیست که یك چنین قوه از دشمن‌بی فایده دراین گوشه اقامت کند

مسئله سالونیك تنهایك مسئله نظامی نیست وبواسطه اشتراك بحریه مؤتلفین دردریای‌اژه وتأثیراتی اقامت قوای‌مزبور در یونان و بالکان حاصل کرده ازمسائل بحری وسیاسی نیز محسوب است .

طرفداران بقای قشون در « سالونیك » نیز دلایلی دارند ویکی از اشتباهات مؤتلفین را همین میدانند که بعکس متحدین آلمان تمام توجهات خویش‌را بفرونت های عمده شرق وغرب معطوف داشته و خارج از محیط اروپا بمسائل کوچکتر که متدرجا بزرگ شده ومانند قضیه بلغار وصربستان محذورات عظیمی برآن تولید میابد توجهی نکرده اند لیکن این عقیده در مقابل این اظهار سست میشود که چنانچه باقامت قشون مزبور خطا های سابق جبران نشود خود این مطلب یعنی بمصرف کردن این مقدار قشون اشتباهی است که بخطا های سابق افزوده شده است .

بهرصورت همهمه‌زیادی که‌دراین موضوع ازچندی قبل‌در مقامات مؤتلفین ایجاد شده عنقریب باتخاذ یکی ازاین دو شق مجبور خواهند شد : یاآنکه واقعا از حالت تدافعی بیرون آمده خویشتن را مهاجم ومفید معرفی نمایند یاآنکه واقعا « سالونیك » را تخلیه کرده وبهرنقطه لازم‌تری کهشاید‌در‌فرونت غربی‌اروپاباشد قوای مزبوررا انتقال‌خواهند داد

کلوله های جدید آلمان

از قراریکه روز نامه « پیزاو باویدو موستی » مینویسد ، یکی از کلوله های توپ دشمن ازروی دقت مورد معاینه وتحقیق شده‌است . درسر کلوله مزبور که ازچدن ساخته شده ، چندین سوراخ کوچك ودروسط آن‌یك منفذی‌باندازه دوسانتیمتر موجوداست کهازاین منفذ حتی بفاصله ٤ — ٥ ساعت که از مدت انفجار کلوله مزبور میگذرد بوی جوهر گوگرد بشدت شنیده میشود .

کلوله وقتیکه زمین میرسد ، متلاشی میگردد واجزای کلوله با گازهائیکه‌ازمنافذ مزبورحرکت میکنند آلوده‌شده وهمینکه ذرات‌واجزای آن ببدن انسان مصادف میشود ، بدنرا مسموم میسازد .

ازاین کلوله‌ها کسانیکه حتی زخم بسیار خفیفی دارند بزودی تلف میشوند .

---

۲۰ خروار اوراق جاسوسی !

برحسب معلوماتیکه ازسالونیك رسیده‌است تمام‌اوراق ومکتوباتیکه در قونسولخانهای آلمان واطریش بدست متفقین ضبط شده بود که ازتحت ملاحظه گذشته‌است فقط مقدار ونوشته جاتیکه راجع بعملیات جاسوسی بوده است بالغ برچهارصد پوط میباشد .

قسمت عمده این مکتوبات در « قونسولخانه اطریش‌بدست آمده است . « کهوینکو فسکی » قونسول اطریش باکارکنان « آژانسهای خود حتی بازبان روسی در مخابرات بوده است .

از جراید فرانسه

مساعی آلمان برای مشرق زمین

بموجب اطلاعاتیکه ازمنابع مربوطه رسیده است ودرجراید آلمان و بلغارستان نیز انتشار شده است هزار ها کار گران و استادان آلمانی واطریشی مخصوصا ازصنعت گران ماهر وغیرهمای فنون بیوه ازطرف لهستان واطریش باسلامبول رفته‌وپس ازآنکه بدانجا رسیده ازقسطنطنیه تعلیمات وخط حرکت ایشان معین شده وبشهرهای عمده آسیا ومشرق زمین حرکت می نمایند که در هرجا مشغول تداركات ورود نظامیان شده ویك رشته تأسیسات جنگی وابنیه نظامی بنا نمایند .

دولت آلمان‌این استادان وکار گران ماهررا باکمال تعجیل از

، اطریش واز اراضی متصرفه ازقبیل لهستان استخدام کرده رهای آسیا میفرستند .

صوصا آلمانها سعی دارند که از لهستان ولیتوانی این رنجبرانهای کررا کلازم دارند استخدام نمایند وپس ازآنکه عده زیادی مردرا برای یك‌نوع شغل بمقطعه آسیا میفرستند : روزنامه نی ، منطبعه « لودز » شرح جالب توجهی درخصوص عده زیادی روزه برای این مقصد اعزام میشوند می نگارد .

هرهای « لودز » و « ورشو » ازمراکز بسیار مهمی شده‌اندکه تادان کارگررا دولت آلمان برای انجام مقاصد مشرق زمینی اهور می‌سازد . درحالیکه دفاتراستخدام ومهاجرت شهر « ورشو » قریب ۲۶۰۰ نفر استاد کارگر کنترات نموده‌اند دفاتر استخدام رگان شهر مانچستر لهستان یعنی « لودز » متجاوز از بیست و سه زارآدم‌اجیرساخته‌وازاین عده‌تخمینا دوهزار نفرشان‌زن صنعت‌گر ند که قسمت عمده از زنان و مردان مزبور تقریبا از نژاد ودی هستند .

لت آنکه در « لودز » این‌مقدار زیاد یعنی ۲۳ هزار نفر برای جرت و کنترات خدمت حاضر شده اند برای آن‌است که درآن ه گران ارزاق وکمی کار وجود دارد ودر حقیقت میتوان گفت ۲۵۰۰ نفر از دانشمندان صنایع بواسطه فشار معیشت حاضر ده‌اند کمانند سایرکار گران‌ازمملکت خویش خارج‌رفته مشغول روکب شوند .

اگرچه کار خانجات « لودز » مشغول کار شده اند لیکن بواسطه رن تجارت خارجی قلت مواد اولیه قریب ۴۰ هزار نفر عمله جات کارگران بیکار موجود میباشد و آلمانها بایشان تکلیف می نمایند شهر های آسیا رفته شروع بکارهائی کهتدارك میشودبکنندلیکن جود فقروفاقه کهاز بیکاری تحمل مینمایند وباآنکه مأمورین آلمان دهای خوش بدانها میدهندمعهذا ازمهاجرت‌بطرف مشرق‌استنکاف زده وجلای وطن‌را خوش ندارند .

د کاران نکته شایان توجه‌است : درنواحی صنعتی‌لهستان ازقبیل وسنویك » « پیاتیتز » « پیوتر کوف » که کار خانه جات عظیمه نیده موجود هستند تا کنون فقط هشت نفر استاد کار و کار گر تخدم واجیر آلمان گردیده‌اند لیکن مامورین آلمانی باین اندازه‌قناعت کرده وپیوسته کوشش مینمایند که عده‌های دیگری‌را کنترات نمایند؛ آلمان واطریش فقدان‌کار گر خیلی احساس‌میشود ودربار « برلن » تمام موران کار خانه جات متحدین خویش‌را بایستی اداره کنند لیکن کار ران فوق‌الذ کررا برای اعزام بسمت آسیا استخدام می‌نماید .

کفایت موادمحترقه آلمان

روز نامه « طمس » شرح جالب توجهی درخصوص مقادیر عظیمی ه آلمان درکار خانجات خود آسید نیتریك وآزوت برای ساختن‌باروت وت وسایر موادمحترقه تحصیل میکند نوشته است شاید اغلبی‌ازمردم دانند که آزت واسید نیتریك مواد اصلی برای ساختن مواد محترقه وزه جدید می‌باشند

رئیس شرکتهای صنعت شیمیائی انگلیس مسافرتی درسوئد ونروژ نموده وتحقیقات ذیل را راپورت داده است .

شرکت بزرگ آلمانی برای ساختن الوان متنوعه قبل ازجنگ بیك ترتیب مخصوصی که علمای شیمی کشف کرده اند سالی مقدار ۱۵۰ هزارتن (یك کرور و۱۵۰ هزار خروار) امانیاك می ساخت وماده مزبور برای ساختن سولفات بکار میرفت .

ازابتدای جنگ به بعد کار خانه مزبور شروع کرده‌است که سالی ۲۰۰ هزارتن ازآن ماده‌بسازد وحالیه بوسیله یك کشف مخصوص‌دیگری امانیاك را مبدل به اسید نتریك کرده وسپس ماده جدیدرا برای‌ساختن مواد محترقه بکار می‌برند .

این‌کارخانه وچندین کارخانجات کوچك‌ترازابتدای جنگ‌تا کنون پیوسته مشغول ساختن آسید نیتریك می‌باشند

بعلاوه آزمسای عظیمه دیگرازطرف مخترعین دولتی و کارخانجات دواواسلحه سازی بعمل آمده است که مقدار بدست آوردن این‌ماده نفیس‌را زیاده‌تر سازند —

مهندس شیمی معروف « کارو » مخترع‌طریقه ساختن‌ماده « سیانامید » بامساعدت « دویچابانك » دولت آلمان در « وست فال » یك کار خانه جدیدی برای ساختن کار بنا کرده است که قوه ده هزار اسب دارد ودر آنجا ماده « کاربید و کالسیوم » میسازد و همین ماده « کاربید » را بوسیله یك کشفی بسهولت مبدل بامانیاك مینمایند وسپس بااسیدنیتریك استحاله می‌شود .

از قراریکه تخمین شده است همین کارخانه نیز سالی ۳۰۰ هزارتن آسید نیتریك بکارخانجات اسلحه سازی وقور خانه آلمان تحویل مینماید .

باضافه یك کارخانه شیمیائی طریقه « کارو » « دباور » موجود است که سالی ۳۰ هزارتن « سیانامید » میدهد و کارخانه دیگری در « کلی » میباشد که لااقل سالی ۱۵ هزار تن ازاین ماده شیمیائی می‌سازد :

کارخانه بزرگ « کارو » در « بیترفلد » ازابتدای ماه ژانویه میبایستی شروع بتسلیم مقادیر عظیمه آسید نیتریك نماید لیکن از قرار معلوم قدری عقب افتاده است .

بنابراین مسیو « بارتن » رئیس شرکتهای شیمی انگلستان اظهار میدارد که باین حال دولت مملکت آلمان مواد اولیه که برای ساختن مقادیر بسیارعظیمی آسید نیتریك لازم دارد برای او حاضر ومهیااست ودرهٔصورت هرمقدار قورخانه ومواد محترقه بخواهد میتواند بسرعت وسهولت بسازد .

مشار الیه تحقیق نموده است که کار خانه جات صنعتی آلمان بعضی ماشین هائی که برای ساختن مواد محترقه واسلحه لازم است ازممالك خارجه خریده ومشغول کار شده اند درصورتی که اوایل جنگ‌ممالك بیطرف این قسم ماشین هارا بدول متخاصم نمی فروختند .

فوت یکی ازقتله ولیعهد اطریش

از قرار اطلاعات واصله ازوینه « کاربو نتوبغ » نام که در واقعه سراجوا شرکت درقتل ارشیدوك فردیناند ولیعهداطریش نموده‌ومحکوم به‌بیست سال‌حبس شده‌بود اخیرا در محبس گروینشتاد وفات یافته‌است . فوت مشارالیه بواسطه مرض (دق) بوده است .

از جراید المانی

پایان جنگ دور است

نویسنده در طی مقاله که مورخه دسامبر در مجله دوچ رویوی المانی نوشته مارا مطمئن میسازد که پایان جنگ هنوز خیلی دور است . ابتدای مقاله مزبور نظر مقاله فیلدمارشال ون دایش مقاصد مختلفه متفقین را در اوان جنگ شرح میدهد و بعد میپرسد : — آیا متفقین هنوز امیدوارند که بمقصود خواهند رسید ؟ متفقین بیش از پیش از فتح دور هستند . در جنگ های نظامی شکست یافته و از نقطه مقصوده دور شده اند .

لیکن انگلستان هنوز در دریا شکست نخورده . تجارت المان مقطوع گشته و به مستعمرات وی ضرر فاحش رسیده و بحریهٔ انگلستان بواسطه گوشه گیری و انزوا ابداً تهدید نشده است بنابراین انگلستان از جمله متخاصمین کمتر زحمت و خسارت یافته است از این رو به استثنای وی سایر دول مؤتلفه حق دارند که سودای صلح را در دماغ خویش پرورش دهند . زیرا از نقطهٔ نظر نظامی شکست یافته اند . آلمانها در خاک متفقین هستند لیکن متفقین در خاک المان نتوانسته اند رخنه پیدا کنند چه باید دانست که کالیس و آلزاس را اهمیت وقدر وقیمتی نیست .

باوجود این مابین ما و دشمن جنگ مسافتی بعید حایل است . حقیقت مطلب آن است که بعد از این همه فداکاریهای جانی ومالی ملت المان یک غرامت بسیار هنگفتی مطالبه می کنند . حالیه چون در فرونت بسیار جنگ جریان دارد گرفتن این غرامت مشکل میباشد روسیه تا یک موقع غیر معین میتواند جنگ را دوام دهد وفقط یک انقلاب وشورش داخلی آن دولت را از دوام جنگ میتواند بازدارد . در این حال منافع رفیق دایر باوفای المان یعنی عثمانی را باید حفظ کرد .

راه لندن در مصر است . المان وعثمانی هردو در این سمت دارای منافع بزرگ هستند زیرا عثمانی بی اندازه مایل است مملکت مصر را که از دیر زمانی متعلق باو بوده است متصرف نماید . والمان نیز کوشش میکند که کانال سوئز را گرفته قوهٔ بحری انگلستان را در هم شکند . اما این اقدام خیلی طول خواهد کشید .

اشرف ضرب اولین قدمی است که در این راه برداشته می شود . ارتباط اسلامبول باشبه جزیرهٔ سینا بوسیلهٔ خط شعبه راه آهن حجاز که از سامره بسینا میرود یک مسئله خیلی مشکل است . اما باوجود این انجام این کار برای المان نهایت اهمیت را دارد تا بتواند انگلستان را خراب ومنهدم سازد . وقتیکه این کار هم انجام یافت هنوز خاتمه جنگ خیلی دور است . انگلستان حتی خانوادهٔ سلطنتیش از زمان ادوارد تا بحال باندازه با المان خصومت ورزیده که تصادم باوی یک مسئله حتمی الوقوع است . هرگاه این تصادم قطعی بوقوع نه پیوندد رشته مطلب مجدد به یک جنگ نظامی منتهی خواهد شد . از این جهت قبل از آنکه المان بطور قطع ضعیف شود گفتگوی صلح کردن خطاست .

فرانسه وایطالیا تقاضاهای ارضی شان صورت نخواهد گرفت لیکن تا زمانیکه انگلستان مایل باشد این دو مملکت برای وی جنگ خواهند کرد .

حدوث یک شورش وانقلاب در روسیه وشکست انگلستان در مصر فرانسه وایطالیا را مجبور خواهد کرد که در خواست صلح نمایند .

المان باستظهار فتوحات در خشکی قشون و تحت البحر بهای خود و با همراهی متفقین نیرومندش جنگ را مداومت خواهد داد تا زمانی جایگاهی در خورشید پیدا کند .

آسمان نوردی قیصر آلمان

از آغاز جنگ تا کنون امپراطور آلمان همیشه در میدانهای جن حاضر بوده سنگرها واستحکامات نظامی را بازدید کرده از فرونت شر بغرب حرکت کرده آنی از عملیات جنگی اردو های خویش در جبه های مختلفه غفلت نورزیده و همواره در میدانهای جنگ با نطق های مهیجی سرداران وافراد نظامی را تشویق و تشجیع بمحاربات بدفا وطن نموده که در این باب مقالات واخبار متعدده ومتنوعه جرائد خیلی خبر درج وانتشار داده اند ولی این دفعه یک مهم وحیرت انگیز در خصوص سیاحت هوائی ویلهلم منتشر گردیده که در واقع جالب و تعجب فوق العاده است زیرا که سر کشی قیصر آلمان بفرونت های جنگی ونظارت وتفتیش مشار الیه در عملیات جهازات وقوای بحر امپراطوری که شخصا زمامدار وفرمانده کل قوای بری وبحری چندان قابل توجه واهمیت نبوده بلکه سیاحت هوائی ویلهلم مقدمه کننده از تهور و رشادت شخص امپراطور آلمان که میتوان یگانه اداره کننده مآل وقابل سرنوشت ملت جرمن در محاربات عالم فرض کرد دارای یک نقشه مهمهٔ سری است که آثار ونتایج آن بعدها واضح ومعلوم خواهد شد ودلیل آنهم کتمان این مسئله دربار برلن حتی الامکان جلوگیری از نشر این خبر نمود .

این مسئله را قبلا از یک مقاله که روزنامهٔ نظامی آلمان عنوان (اعطای نشان بطیاره چی هائی که سبب سلامتی امپراطور شدند) درج کرده بود کشف نمودند که از عبارات ومطالب مندرج آن بخوبی واضح ومشهود بود که شخص قیصر باطیاره پرواز کرده ولی از کجا و بچه پایان سیاحت هوائی شروع کرده و بکجا مسافرت نموده وبچه ترتیب واز چه راه طیران کرده هنوز خبر صریح وقطعی بدست نیامده بود . تا آنکه یادداشتجات و اسنادیکه از صاحب منص آرو پلان های آلمانی که اسیر افتاده اند بدست آمده معلوم ومکشوف گشته که امپراطور ویلهلم با یک زپلن مخصوص خویش باسمان صعو کرده و بسیاحت هوائی مبادرت ورزیده است . در زپلن مذکور اطاق علیحده بجهة امپراطور موجود بوده که در آنجا میز تحریر تخ خواب وسایر لوازم قبلاتهیه دیده شده قیصر باسه نفر از صاحب منصب ارکان حرب خویش سوار گشته مشغول سیاحت بوده اند . در طیارهٔ امپراطوری بعلاوه از قیصر واجزای خود یک کاپیتان ویک مکانیس ودونفر معاون برای ادارهٔ طیران زپلن موجود بودند .

امپراطور دفعه اول باطیاره صعود کرده مدتی در هوا با موفق تمام سیر وسیاحت نموده بعد پائین آمده ودر دفعه دوم کمی مانده بو که خود را بمعرض خطر انداخته و تلف بشود زیرا که سفینهٔ هوائ پس از آنی که امپراطور را در فضا طیران داده کاپیتان آن متوج بتغییر یکی از دکمه های پیچ چرخهای طیاره میشود که متاسفانه در اطا مخصوص قیصر بوده که رفتن و برداشتن آن بمناسبت تحصیل اجاز

زپلین وقدری تأخیر باعث می‌شود که چرخهای طیاره از کار افتاده را باك سرعت تامی بسمت زمین سقوط میکند . ازین پیش آمد ار کنان و مکانیست زپلین مضطرب و متوحش شده بوسایل عده میتوانند فقط سرعت سقوط زپلین را تخفیف داده بیك آرامی گری طیاره را نگاه داشته وبشخص امپراطور از قضیه فورا اطلاع میدهند که متعاقب آن تخت خواب ومیز تحریر وسایر اسباب سنگین طیاره را بیرون می‌اندازند وبا تلگراف بی‌سیم بلافاصله بزمین خطرات واردهٔ زپلین را اطلاع میدهند بنابرین تدابیر لازمه اتخاذ کرده دستجات سوارهٔ نظام طیارهٔ مذکوره را که بزمین فرود می‌آمد احاطه کرده بهر وسیله‌ایست امپراطور را سالم از زپلین نجات میدهند . قیصر الان باکمال

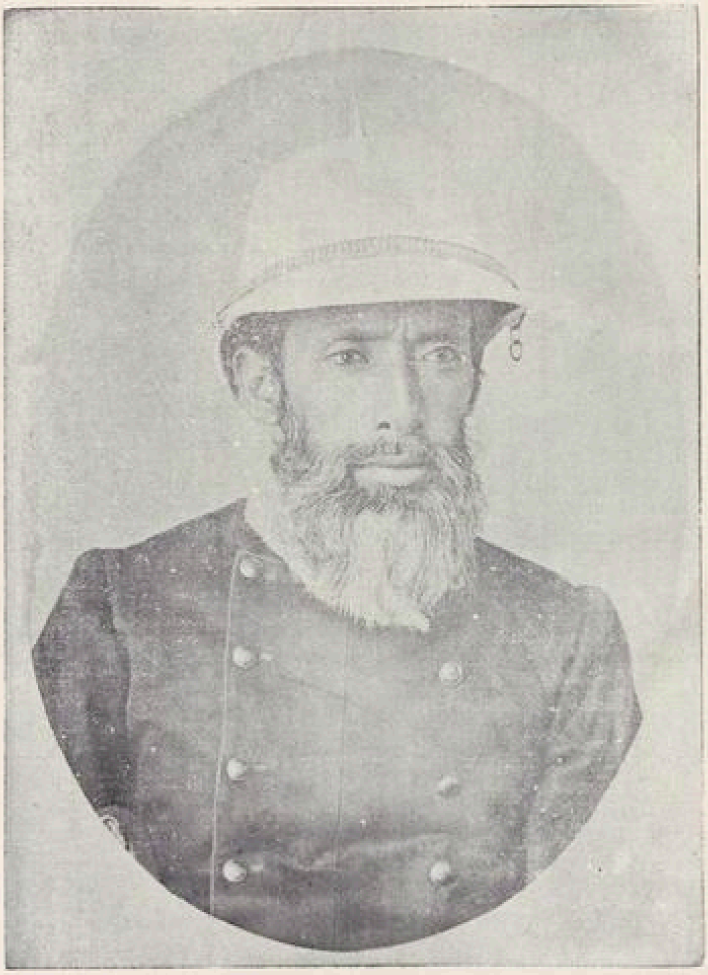

یك سپاهی با ثبات
جناب (دوست محمد خان ناظم) حاکم سمت جنوبی

منصبان وطیاره چی‌ها واشخاصیکه باعث استخلاص او از خطر شدید نشانداده ومراحم شایان نسبت بآنان نموده وبنابرین وقعه کوررا باقتضای مصلحت پوشیده داشتند .

* * *

غرق کشتی ادوارد هفتم

وزارت بحریه شب دهم ژانویه مطلب ذیل را اعلان کردند : —

کشتی اعلیحضرت موسوم بکشتی ادوارد هفتم بمین خورده است. واسطه تلاطم دریا اجزاء آنرا ترک گفتند وزودی غرق شد اجزاء

وعملجات بدون تلفات حرکت کردند وفقط دو نفر صدمه یافتند .

یك کشتی امپراطوری

وقایع نگار بحری تیمس مورخه ۱۰ ژانویه مینویسد :

بواسطه غرق کشتی ادوارد هفتم بحریهٔ انگلستان از وجود یك کشتی جنگی نفیس محروم شده است این کشتی مخصوصا دارای اهمیت است زیرا ادوارد هفتم پادشاه انگلستان خودش سال ۱۹۰۲ در کارخانه کشتی سازی دوان پورت قسمت تحتانی آنرا کار گذارد وملکه ماری زمانی که شوهرش هنوز ولیعهد بود سال بعد خودش کشتی مزبور را به آب انداخت ، دران موقع ژرژ پادشاه انگلستان وپرنس لوی باتن بورك ولرد والتر کر وچندین نفر از بزرگان رجال بحری انگلستان حاضر بودند . خانمهای انجمن بحریه یك بیرق ابریشمین بطول ۲۷ پا ساخته وازطرف ملکه ماری تقدیم کشتی مزبور داشتند

ادوارد هفتم یکی از آخرین طبقهٔ کشتی های جنگی بزرگ در دوره بود . هشت کشتی در بحریه انگلستان یافت میشود که بکشتی امپراطوری شناخته میشوند .

ادوارد هفتم یکی ازآنها است . ازوقتی که جهاز مزبور مشغول کار شده . تاکحال همیشه یك بیرق امیرالبحری بروی وی پرواز میکرد وصاحب منصبان بزرگ بسیار در وی خدمت کردهاند . دراخر اکتوبر سال گذشته من وچند نفر از روزنامه نگاران ازادارهٔ بحریه اجازت یافتیم که جهاز انگلستان را تماشا ودیدن کنیم در انروز ما برئیس امیرال برادفورد دور کشتی ادوارد هفتم نهار خورده وسپس دیدن الاطاقهای آن رفتیم . مهربانی امیرال وطرز محال کشتی مزبور قدری در ما اثر کرد که هر وقت غرق شدن این جهاز را بخاطر می آوریم حزن وتاسف ما زیاد میشود . فقط این مسئله قدری اسباب تسکین وتسلی خواطر است که تمام اعضاء کشتی نجات یافتند .

از مناظر هندوستان

یك بنای عجیب زیارت معصوم شاه در سکهر

کشتی ادوارد هفتم وخدمات وی

کشتی ادوارد هفتم در سال ۱۹۰۲ در دوان پورت ساخته ودر ژوئن سال آتیه به آب انداخته شد . این کشتی ۱۶،۳۵۰ تن بار گیر داشت طولش ۱۴۲۵ پا بود . اسلحهٔ وی عبارت بودند . از ۴ عراده توپ ۱۲ اینچی چهارده عراده توپ ۹ اینچی وده عراده توپ ۶ اینچی ودوازده توپ پوندر اینچی ودوازده توپ ۳ پوندر و چهار لوله زیل انداز . قوهٔ آن معادل قوه ۱۸،۱۳۸ اسب وسرعتش ۱۹ گره بود . این کشتی در سنوات مختلفه کشتی مخصوص امیرالهای بزرگ بوده است .

از جراید عثمانی

آلمانها در روسیه

زمستان را چطور میگذرانند

دراین اواخر موضوع میدانهای شرق وعملیات آلمانها درجبههٔ

گز مورد بحث شده است : حقیقةً (مارشال زمستان) دراین کز از دستجات نظامی اظهار فعالیت نمی کند و بلکه میتوان کاعملیات (ژنرال سرما) باحرکات جنگی اردوهای متخاصمین رقابت کذاشته است .

یدانست کاتصورات افسانه گویان ورومان نویسان عسکری در اینکه شاید وضعیت ونتایج زمستان سال ۱۸۱۷ در زمستان تکرار شود . چندان قرین حقیقت وواقعیت نشده است . جانکه (روسکویه‌اسلوو) روزنامه معروف روسی نیزاعتراف میکند آلمانها نمی خواهند خبط وخطای ناپلیون را تکرار کرده وخودرا زباب شدید زمستان دوچار زحمات وخسارات فوق العاده نمایند . بزن میتوان گفت کاقوای آلمان نه فقط برای محافظت خطوط که انتخاب کرده اند حاضر هستند بلکه حقیقت تدارکات آنها تصورات وخیالات است .

(روسکویه اسلوو) مینویسد : قشون آلمان درمقابل برف وسرمای ین طور کاافراد [illegible] برای خودشان وسایل استراحت کامل فراهم میسازند . تدارکات دیده وتمام مخاطرات را ساخته اند .

آلمانها که در هر کاری یک نوع سلیقه و مهارت مخصوصی نشان اند دراردوهای خود هر گونه لباس و پوشاکهای گرم وپشمهای روپوشها وسایه‌گاههای بی حد وحصر تدارک نموده حتی برای جلو گیری از کشفیات طیاره های خصم سطح تمام سنگرهای خودشان را سفید رنگ کرده اند ما باوجود ساده‌دلی وساده‌گی که مخصوص ما پاه است تصور میکردیم که قشون آلمان ازشدت سرمای زمستان باالیا محو وتلف خواهند شد : در صورتیکه آلمانها سعی کرده ط اقلیم‌ها را باوضع آسایش خود تطبیق مینمایند .

در مقابل این تدارکات آلمان ، باید دولت روسیه سعی وغیرت خودرا مرتبه ونه سه مرتبه بلکه صد مرتبه زیادتر نماید .

در سنگرهای آلمان وسائط ، وشرایط حفظ الصحه فوق العاده اهمیت ونهای دقت معمول میشود ، برای افراد قشون آلمانی پوستینها داده شده ، وقسمتها وپرده های داخل سنگرها را ازنمد ترتیب داده سطح داخله سنگرها را تخته فرش کرده ودر زیر تخته‌ها کاه ریخته وسیله سنگرها را باطاقهای خشک نظیف وبی‌رطوبت ساخته اند .

از طرف مارشال هندنبورگ درضمن یک دستور عمومی اعلام شده کهر که یک نفر ازافراد قشون درسنگرها ازاثر سرمای زمستان شود ، صاحب منصب مسؤل آن سنگر تیرباران خواهدشد : یک قسم بخاریهای آهنی دارای جعبه‌های مخصوص کابقوهٔ بخار گرم میشوند ، در ت از سنگرها تدارک شده اند که بمقدار کافی حرارت داشته وسنگر را بخوبی گرم می کند . وبرحسب اوامر موکده که صادر شده در ه سنگرها مواظبت مخصوص ودقت فوق العاده در خصوص نظافت گیزه کی معمول میاید ، بطوریکه یک مثقال خاکروبه وخاشاک درمیان سنگرها قابل عدو وتحمل نیست ، بهریک ازافراد قشون مقدار معینی الکل داده شده که بدنهای خودرا باآن مالش بدهند .

آلمانها برای هریک ازفروع وجزئیات کارها ازروی دقت مخصوصی تدارک دیده وبا ملاحظات عمیقه وفرصت کامل تدابیر لازمه اتخاذ نموده اند ، برای جابجا کردن توپهای سنگین ازطرف مهندسین ماهر کارخانه کروپ مساعی لازمه بعمل آمده در نقاطیکه یخ بسته وبواسطه انجماد بوسیله بیل وکلنگ قابل حفر نیستند یک نوع مادهٔ مشتعله بکار میبرند که در ظرف چند دقیقه زمین راسست کرده وهرگونه عملیات حفررا بانهایت سهولت انجام میدهند .

درمحیط حوزه طوفان شدید برف اگر بخواهند حرکت نمایند (لکوموتیف) های مخصوص برف روبی دارند که بسرعت تمام برفهارا ازخط حرکت آنها برمیدارند . خلاصه اینکه آلمانها درمقابل زمستان روسیه بهیچوجه عاجز نمانده وسورت سرما بقدر ذرهٔ درجسارت آلمان رخنه وفتوری حاصل نه کرده بلکه برعکس عزم ومتانت آلمان را زیاد کرده است .

روزنامه روسی پس ازشرح مراتب فوق تاکید میکند که باید تمام این مسائل را درنظر گرفته وبرای اردوی روس نیز هرگونه وسایط ولوازم جنگ زمستان را کاملا تدارک نمود

« طنین »

خبر های جنگ اوروپا

از جراید انگلیسی

رفتن قیصر به نیش

بموجب تلگرافی که ازنیش رسیده درمجلس ملاقات قیصر وفردیناند شهریار بلغار چنین گفت که در ۲۱۵ سال قبل ازین فردریک اول دیهیم پادشاهی برسر گذاشت و ۴۵ سال قبل امپراطوری جدیداً آلمان تاسیس گشت وامروز قیصر بعداز فتح سرحدات میتواند بسلامت وارد قلعهٔ رومی نیش شود سپس فردیناند قیصر را تشکر کرده چنین گفت :

امروزه عالم بالعجب وتحسین قوت وقدرت آلمان ویارانرا برأی‌العین دیده وفهمیده است که قشون آلمانرا درتحت سروری وسالاری قیصر خویش شکست ناپذیر است .

پادشاه بلغار چنین گفت امید وارم صلح پایداری که میوه مقدس فتوحات است درسال ۱۹۱۶ واقع شود یک صلحی که در زیر سایه آن ملت بلغار نیز بتوانند دراشاعه تمدن آلمان شرکت نمایند لیکن اگر تقدیر بدوام جنگ حکم کرد ملت من مسلح تا آخرین دقیقه وظیفهٔ خویش را انجام خواهند داد .

سلام برتوباد ای قیصر وای شهریار ، تو مقتدر وباجلال هستی ، جمیع ملل مشرق زمین ترا درنیش قدیم سلام می گویند ای نجات دهنده که مظلومانرا بسعادت ونجات بشارت میدهی .

جواب امپراطوری

قیصر چنین جواب داد : —

اعلیحضرت مفخم امروز بمواقعه مهم اشارت می کند که دریک چنین روزی بوقوع پیوسته است . دراینجا جوانی دیگر در کنار جد

خویش وبعدها زمانی که خود امپراطور المان ودمام دراین روز تاریخی جشن گرفته‌اند درحالی که شوالیه های این درجه ومقام گردمن حضور داشته اند .

مقصود قیصر از شوالیه هائی که بدان اشارت میکند اشخاصی‌است که دارای درجهٔ عقاب سیاه میباشند . فردریك اول در ۱۸ ژانویه ۱۷۰۱ یعنی روز تاج گذاری خویش این درجه ومقامرا برقرار نمود وازاین رو چنین مینماید که ملاقات قیصر وفردیناند ونطقهائی که مبادله شده است درروز ۱۸ ژانویه که دویست ودوازده همین جشن سنوی تاج گذاری فردریك اول واستقرار درجه عقاب سیاه میباشد بوقوع پیوسته است قیصر علاوه کرد : .

ـ لا دومین دفعه ایست که بحکم خداوند قهار در میدان کار زار این جشن را می گیریم واین مرتبه دریك زمین قدیم تاریخی که شجاعت وشهامت قشون بلغار آنرا فتح کرده وشهریار آن خطه مرا درمیان سپاه دلیر وسر کردگان نامدار خویش پذیرائی کرد واعطاء یك درجه بلندی مانند منصب کلنل رژیمان ۱۲ پیاده‌نظام بالکان مرا قرین افتخار و مباهات فرموده است . بدینطریق اعلیحضرت شما نسبت بمن احترام وافتخاری مبذول داشته‌اید که بالاتر ازان متصور نبوده و نیست .

امروز شما آرزوئی که از دیر زمان در قلب من بوده است برآورده وکلمات شما ثابت می کنند که مادراین ساعت دارای احساسات واحده هستیم دشمنان ما که برسعادت وپیشرفت صلح جویانهٔ آلمان واطریش هنگری حسد میبردند ماراعیدان نبرد طلبیدند و باقلب سبك تمدن تمام اروپا را درخطر انداختند فقط بدین مقصود که بنیان وریشهٔ مارا محو ونابود سازند .

مایك جنك سختی کرده‌ایم که بزودی دایرهٔ آن وسعت خواهدیافت .

عثمانی وبلغار

زمانی که جهان دشمنها عثمانی را نیز تهدید کردند او هم با ملحق شده باجنك سخت مقام خودرا حفظ نمود .

هوشمندی وپاك اندیشی آن اعلیحضرت تمیزداد که وقت‌است که درتحت سروری خویش بلغاررا بدعاوی حقهٔ خود برساند وراه‌مملکت دلیرخودرا برای یك آتیه درخشانی صاف سازید . این بود که باصدق وراستی ملت آن اعلیحضرت مسلح شده جنبش های فاتحانهٔ خویش را شروع کردند ودرتحت رایت ورهنمائی خداوند جنك خویش یك ورق نورانی دیگر برتاریخ مجلل بلغار افزودند برای آنکه احساسات صمیمانه خود وتمام ملت آلمانرا ظاهر سازم من از اعلیحضرت شما درخواست کرده ام که درجه فلدمارشالی پروس را قبول فرمائید ومن باقتوم مسرور وشادمانم که شما بقبول این مقام خودرا یکی ازماها ساخته‌اید .

بعون ویاری پروردگار قادرقاهر دراین فرونت ودرتمام فرونتهای دیگر عملیات بزرك صورت گرفته است .

اینك من شکر وسپاس خاضعانهٔ خویش را بدرگاه خدای متعال تقدیم میدارم زیرا مرا فرصت داد که دراین نقطه تاریخی که یکمرتبه دیگر بخون دلیران ما وشما تقدیس یافته در میان قشون فاتح خویش دست اعلیحضرت شمارا فشار بدهم وکلمات اعلیحضرت شمارا استماع نمایم کماهی که آرزوی عزیمت شما ودوام جنك برای حصول یك صلح دائم معلوم است ونیز معین میدارد که روابط ودادیما که درموقع بروز طوفان جنك استقرار یافته است همواره برای سعادت ملت ما برقرار خواهد بود .

من نیز بالاطمینانات کامله این‌مقصد را تعقیب می کنم و پیالهٔ خودرا برای سعادت آن اعلیحضرت ورود ماتش وبافتخار فتح قشون بلغار وآتیه بلغار بلندمی کنم (دویش) برطبق تلغرافی که بتوسط تلگراف بی‌سیم از وین رسیده امپراطور فرانسوا ژوزف به پادشاه بلغار درجه ومقام فیلد مارشالی اطریش هنگری را داده است .

یك بار باروسای دیگر

راپورت ذیل نیز ازمنابع آلمانی رسیده است : ـ امپراطور آلمان واردبلگراد شده‌است . اززمان بار باروسا که دریکی ازجنگهای صلیبی صدهزار شوالیه آلمانی‌را دربلگراد سان دید هیچ یك از امپراطوران آلمان تاامروز بقلعه وقصر بلگراد پانهاده مگر امپراطور ویلهلم دراین‌روز هنگامیکه هوای خوش قلبهارا بهجت‌ناك کرده بود بشکوه و جلال فوق‌العاده وارد شد ویك گارد افتخاری اطریش هنگری وموزیك‌نظامی اعلیحضرت اورا سلام گفتند وغریو توپ وفریاد های مردم اعلیحضرتش را پذیرائی کرد .

امپراطور پل‌راه آهن جدید را دیدن نموده وسپس درمیان اهالی جامه‌زنه پوشیده وآزادانه حرکت می کردند گردش کرده وبعد سوار به تفرجگاه کالی مگدان رفت .

امپراطور بعدازآن قشون المان را که ازداوب عبور کرده بود سان دیده تملق ادافرمود واعمال شجاعانه آنانرا استود . قیصر نشان آهن بسربازها عطانمود . تایمس

زن حقوق طلب معروف

مادام پانکهورست زن حقوق‌طلب معروف انگلیس که عملیات واقدامات وی قبل از جنك برای تحصیل حقوق انتخابات نسوان محتاج بوصف نیست با کشتی وارد نیو یورك شد .

اداره مهاجرت امریکا مانع شده است که مشار الیها وارد آنجا شود ومیل ندارند مادام مزبور درانجا رحل اقامت افکند ودیگری درانگلیس چون حبس‌شده می پذیریم .

بالاخره بعدازاصرار اجازه دادهاند که از کشتی پیاده‌شده منتظر جواب عریضهٔ که بدولت داده‌است میشود .

از جرائد فرانسه

رسمیت مذهب اسلام در مجارستان

باستحکام مودت هنگری باعثمانی

وزیر مذاهب مملکت ، هنگری ، یك فقره لایحه قانونی بمجلس شورای ملی تقدیم کرد که بموجب آن مذهب اسلام در مملکت هنگری دارای آزادی‌تمام ورسمیت گردد ودرنتیجهٔ مذاکرات نموده هنگری با یك نوع شادمانی و هیجان غیر قابل توصیف وتصویب نمودند .

عالی هنکری بعلاوه تصمیم کرده است که یک فقره تلگراف بحضور حضرت سلطان عثمانی مخابره و عملیات اهالی را تحسین و آفرین گفته دوستی ملتین عثمانی هنکری را مجدداً اشعار دارد.

البته این مقدار محبت و امتیازاتی یکدیگر در مملکت های خودشان بایست اسباب تعجب گردد چرا که ملت ساکن هنکری بخاطر بیاورند که نژاد مجارها با سایر شعب نژاد اوکروفلاندی ـ اتراک ـ مغول و غیره ها که بالاصل منشعب میشوند یکی هستند و در درجات تمدن هر کدام از آنان از لاتین گرفته متفاوت میباشند و این هیجانهای بزرگ که در این ایام از آنان بظهور میرسد دلیل بر وحدت طبیعی آنها میباشد.

خبرهای راجع بایران نقل از اخبار های ایران

دستگیری سفیر کبیر

رعد :

روز چهارشنبه خبر راجع بدستگیری سفیر کبیر دولت عثمانی بما رسید از اینکه درجه صحت خبر مذکور را نمی دانستیم خودداری از درج آن نمودیم اینک اطلاعاتیکه تحقیق نموده ایم ذیلا مینگاریم سفیر کبیر دولت عثمانی و کاتل اتاشه نظامی سفارت اطریش و یک نفر پروفسور المانی و کرانتیب دندانساز و عده از اجزاء در هفته گذشته بطرف شکارگاه وردآورد رفته بودند عصر روز سه شنبه که اشخاص مذکور مشغول شکار بودند: دسته از نظامیان روس که از طرف کرج بشاه آباد می آمدند مصادف شده نظامیان مزبور فوراً سفیر کبیر را دستگیر و بطرف کرج حرکت میدهند این خبر عصر روز چهارشنبه بطهران میرسد فوراً از طرف وزارت امور خارجه از سفارت روس حقیقت امر را استعلام مینمایند سفارت اظهار بی اطلاعی نموده و گویا برای تحقیق مسئله و شناختن اشخاص توقیف شده یک نفر از اعضاء سفارت را بکرج روانه میدارند وزیر مختار دولت اطریش عصر روز چهارشنبه بدربار آمده با شاهزاده رئیس الوزرا و آقای وزیر امور خارجه ملاقات و این حرکت نظامیان روس را زشت میداند. در این دو روزه هم وزارت امور خارجه مشغول اقدامات میباشد ولی تا کنون نتیجه بدست نیامده سفیر کبیر و سایر توقیف شدگان گویا تا دیروز کماکان توقیف هستند ولی دکتر دندانساز بطهران مراجعت کرده.

راجع به سفیر کبیر

قرار تحقیقاتیکه از وزارت امور خارجه شده است هیئت دولت برای استخلاص سفیر کبیر عثمانی اقداماتی نموده اند و در ظرف این دو روزه با سفارت روس و انگلیس مذاکراتی شده تلگرافاتی به پطروکراد و لندن مخابره کرده ولی متأسفانه راجع بمذاکرات ایشان نتیجه بدست نیامده و از قرار معلوم برحسب دستور دربار پطروکراد سفیر کبیر عثمانی را از کرج با احترامات بطرف روسیه روانه خواهند داشت و تا سر حد معظم له را میرسانند و حبس آزاد در حرکت به هر نقطه که مایل باشد خواهند بود لیکن اتشه میلیتر سفارت اطریش و سایرین را بعنوان اسیر حرب در روسیه توقیف خواهند کرد.

در اصفهان

قرار اطلاعاتیکه از اصفهان میرسد فعلا هم یک جمعی از مجاهدین در اصفهان اقامت دارند و بعضی مجالس هم محرمانه تشکیل میگردد و اغلب هم از شیراز تلگرافاتی به اصفهان مخابره میشود.

مجلس کنفرانسی که خبر داده شد در اصفهان تشکیل خواهد شد فعلا تشکیل نشده است و مأمورین آلمانی هم در شهر اقامت دارند.

در ظرف این دو روزه هم تلگرافاتی از والی ایالت فارس از اصفهان رسیده است و از قرار معلوم حقوق دو برجه ایشان هم تا بحال تأدیه نگردیده.

استقبال

دو روز قبل مذاکره ورود یک دسته قشون روس بقم بوده و جمعی از قوای موجودی آنجا باموزیک به استقبال آمده اند ولی قشون وارد نشده مراجعت می نمایند آنچه گفتگو شده در این دو روزه وارد خواهند شد.

در سفارت امریک

قرار یکه اطلاع حاصل نموده ایم اعضاء سفارت عثمانی و سفارت اطریش در طهران نظر به بعضی ملاحظات بسفارت امریک رفته و در آنجا میباشند.

حرکت بطرف اصفهان

وزیر مختار اسپانیول نظر بدوستی با سفیر کبیر عازم حرکت باصفهان میباشند که خانواده سفیر کبیر عثمانی را بطرف طهران حرکت دهند و در ظرف این دو روزه با اتوموبیل حرکت خواهند کرد خانواده سفیر کبیر در ازنی و پادرباد کوه بایشان خواهند رسید و باتفاق بطرف سوئد خواهند رفت.

در ارومی

تاریخ شب هشتم شهر ربیع الاول قریب سی و نه نفر قزاق روس ساعت شش از شب گذشته از پشت بام داخل خانهٔ والی شده اند اهل خانهٔ مشارالیه متوحش گردیده بعد از داد و فریاد مظفر الملک امیرپنج را دستگیر و از قراریکه نوشته اند مقداری هم اشیاء و مخلفات زنانه از قبیل طلا آلات وغیره برده اند کار گذاری هم در این خصوص با ویس قونسول مذاکرات نموده است و بالاخره موکول به تبعید مظفر الملک گردیده است.

در کاشان

از کاشان خبر میدهند که چند روز قبل قریب پانزده نفر از مجاهدین و بعضی سوارهای دیگر بلباس مبدل وارد کاشان شده اند حکومت هم آنها را دستگیر کرده خلع سلاح نموده است و فعلا در توقیف میباشند.

خبرهای بلوای آیرلند

سر ــ الی ــ کیس منت و اسلحه رسانیدنش به آیرلند

لندن ۲۷ ماه اپریل ۲٤ جمادی الثانی ــ

در دارالاماره لارد لنسدون در باب جد و جهد جرمنی برای فرود آورده شدن اسلحه بساحل آیرلند بیان کرد که دو نفر دیگر که بهمراه سر راجر کیس منت که سر فتنهٔ آزادی طلبان آیرلند بود و سالها در جرمن برای آزادی ملک خود کوشش مینمود بساحل آورده شده اند افسران جرمنی بودند جهاز جرمنی را که اسلحه برای آیرلند آورده بود جهاز جنگی برطانیه استاده کرده حکم داد که در عقب آن بطرف کوئنس تون بیاید

جهاز بعد از انکه اسلحه را به آیرلند بیاورده بود الی چند فاصله در عقب آن رفت و بعد از آن بیرق دولتی جرمنی را بلند کرده خود را غرقاب کرد ــ کل سواران را نجات داده بساحل آورده شد ــ

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1672 of 1786

اخبار دیلی میل مینویسند که سر راجر کیس منت اکنون در بندی خانه محبوس می باشد — بتاریخ ۱٤ ماه اپریل (۱۱ جمادی الثانی) در کوپن هگین مشهور کرده شده بود که سر راجر کیس منت در جرمنی ماخوذ کرده شده بود — حالانکه او همان روز بمقام کیل بیك لنگر کشتی تحت البحر جرمنی سوار شده بمعیت یك لنگر جهاز که بظاهر بی ضرر معلوم میشد و برقهٔ دولتی هالیند داشت به بیست نفر تبعه کاران بحریهٔ جرمنی روانه شد بر جهاز مذکور ۲۰ هزار تفنگ و اتواب آتش فشان و سامان حرب که در زرومال و اسباب غیر ممنوعه پوشیده بود بار بود اپریل ۲۱ جمادی الثانی در دبلن دارالسلطنه آئرلند شورش نهایت خوفناك برپا گردید — بلوه کنندگان بر قلعهٔ دبلن حمله کرده بر داکخانه قبضه کردند و سیم های تلگراف را بریده شد — علاوه برآن بلوه کنندگان بر اوطاق اجلاس بلدیه و بر ادارهٔ حریت و سینت ستیفن گرین و دیگر عمارات قبضه حاصل کردند — و بسا همانرا که بطرف جهاونی های خود میرفتند ایستاده کردند — تحریك مفسدهٔ اهالی دیگر حصص ملك مذکور سرایت کرده بود مرکز های سازش مذکور بالخصوص کرتی کالوی و انس کورتی بودند —

تلفات دبلن —

لندن ۳۰ ماه اپریل — ۲۷ جمادی الثانی

در باب اتلاف ۲۷ نفر افسران افواج سرکاری انگلستان (مقتول ومجروح ومفقود الخبر) در دبلن بطور رسمی اعلان کرده شده است

لندن ۱ ماه می ۲۸ جمادی الثانی

باغیان در کوچه سکویل املاکرا بعض رواقی سوختانده می روند — لاکن دستهٔ اطبای مارشیر کرمی کاروبار خود را شروع کرده است در زمرهٔ باغیان بدمعاش مشهور و معروف کونتس مارکی ویکز شامل میباشد —

لندن ۵ ماه می — ۲ رجب المرجب

کپتان ولیم رید موند — کی پارلمنت نزد مستر جون رید موند یك مکتوب باین مضمون فرستاده است که جرمن ها پیشروی خندق های خود که مقابل دویزن آئرلند واقع بود اشتهارات بالفاظ ذیل چسپانیده اند — در آئرلند بلوه خوفناك برپا گردیده است اتواب برطانیه رعیال واطفال شما را گلوله باری می کنند — مسوده قانون خدمت جبریه نظام انگلستان مسترد شده است — در اشتهار مذکور نیز گفته — شده بود که خیر مقدم شما بکمال خوشی ثبت کرده خواهد شد

(خبر دیگر)

بیکم ماه می سنهٔ ۱۹۱٦ خبر لندن — در ملك (آئرلند) در تمام ملك یك بلوای بسیار تشویش ناك بخلاف دولت برطانیه برپا گردیده آئرلند یك قطعه جزیره ایست منجمله سه قطعه جزائر مسمی به (انگلند) و (اسکات لند) و (آئرلند) که همین هرسه جزیره باهم متحده شده (برطانیه) گفته میشود — کیفیت بلوای مذکور چنین بیان کرده میشود که اکثر اهالی عاقل ملك آئرلند باهم متحد شده وعهد وپیمان کرده اعلان جمهوریت را نمودند وشهر (دبلن را) که پایتخت ملك مذکور است مرکز جنگ خودها قرار داده قلعهٔ جنگی و داکخانه وغیره عمارات سرکاری شهر مذکور را قبضه کرده جمله سیمهای تیلگراف راهم قطع کرده بعضی دستههای فوج راهم همراه خود شریك بلوا نموده علانیه اعلان مخالفت سلطنت موجوده را نمودند اگرچه در بعض جاهای بلوی فرو کرده شده است ولی باز هم بلوائیان جاهای مستحکم را هنوز بدست دارند —

اعلان

سراج التواریخ

جلد اول و دوم

زندگانی جاودانی هرقوم وملت (تاریخ آنست. (سراج التواریخ) آئینهٔ حیات تمامی ملت جلیل افغانست. زیرا از آغاز تشکیل وتکمیل یافتن دولت افغانیهٔ حالیه بحث میراند که برای حال واستقبال ملت بهترین درسگاه عبرت. وخوشتر ازین انتباه ملت تصور نمیشود. هر فرد ملت را واجب است که یك نسخهٔ آنرا بدست آرند و مانند حرز جان در کتابخانهٔ قلوب خودشان نگهدارند. علی الخصوص که کتاب مذکور به نیت خالصانه وخیر خواهانهٔ استفادهٔ عمومی بامر و فرمان ذات فرشته صفات پادشاه مقدس ما اعلیحضرت «سراج الملة والدین» تألیف ودر مطبعهٔ حروف دارالسلطنه کابل زیور طبع آرایش و ترتیب یافت

جلد اولین کتاب از ابتدای سلطنت خاندان ذیشان (سدوزائی) یعنی از آغاز تأسیس واستقلال دولت علیهٔ افغانستان تا ورود اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان مرحوم جنت مکان از هند در کابل بحث میراند و جلد دوم آن از حکومت خاندان جلیل الشان (محمدزائی) یعنی از ابتدای حکومت اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان تا اول جلوس اعلیحضرت ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان طاب ثراه وقایع تاریخیرا جامع میباشد و بکاغذ اعلا بحروف نیك طبع رسیده است. قیمت کتاب مذکور نسبت زینت وخوبی تجلید آن از قرار ذیل است

نمبر (۱) یعنی جرمی چرم صوادی دانه دار کابلی تحت جلد جدول طلائی کار نشان دولت واسم کتاب از ورق طلای بندی شده مبلغ شانزده روپیهٔ نخته کابلی —

نمبر (۲) یعنی مقوا روبه کرمسانی چهار کنج وزنجیر حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلا جه سیزده روپیهٔ کابلی

نمبر (۳) یعنی مقوا روبه کیره لاجوردی چهار کنج وزنجیر میتنی سرخه کابلی تحت حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلا جزء بندی شده یازده روپیه نخته کابل و ده شاهی —

نمبر (٤) یعنی مقوا روبه اری چهار کنج وزنجیر متنی کابلی تحت حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلا جه کوك بندی شده ده روپیه نخته کابلی و پنج شاهی —

نمبر (۵) یعنی مقوا روبه ازی سرخ چهار کنج وزنجیر ونشان دولت ورق طلا جه کوك بندی شده نه روپیهٔ نخته کابلی ویازده شاهی —

محل فروخت

در نفس ارك مبارك که از تحویلخانهٔ جناب محمد ولیخان در بازار ارگ از دکان عبدالله خان

چون کتاب مستطاب سراج التواریخ چهار جلد میباشد اگرچه وقایه و شیرازه میشد هم کتاب موصوف کلان میشد لهذا اعلیحضرت همایون ولا امر نمودند که جلد اول و دوم در یك وقایه شیرازه شود وجلد سوم و چهارم آن که هنوز در زیر طبع میباشد از طبع برآمده مقوا کرده شد انشاءالله اعلان فروش آن علیحده خواهد شد فقط

در چاپخانهٔ حروف دارالسلطنه کابل طبع گردید

هرمقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر و سر محرر

محمود طرزی

اعلان

عموم مشترکین کرام خود را
یاد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از شکایت رسیدن اخبار مشترکین کرام دار السلطنه کابل خود رها یابیم ممکن نشد لهذا با داکخانهٔ مرکزی دار السلطنهٔ کابل یك مقاوله نموده یا داکخانه مشارالیه تقسیم و توزیع اخبار ما را که بهمه مشترکین کرام ما رساند در عهدهٔ همت خود قبول نمود . مشترکین کرام دار السلطنهٔ خود را مشعر و یاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای داکخانه بخود شان میرسد

شرایط خریداری

دار السلطنه	ولایت داخل افغانستان
قیمت سالیانه هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه پنج روپیه کابلی	ششماهه هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان
هرجائیکه باشد با اجرت پوسته

قیمت سالیانه ده روپیه انگلیزی | قیمت ششماهه شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراك قبول نمیشود

یك طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است از همین قرار حساب کنند

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا در سراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند . و یا دیگر هرنوع اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود

اعلانیکه در متن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود بهر هر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر یك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطر یك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطر یك ستون اخبارها (۳ — انچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خود را مثلاً تا یك سال نشر کردن خواهد ووجه یك ساله را پیشکی ادا نماید در ورق [illegible] بهر سطری [illegible] اجرت گرفته میشود

اعلان

سیاحتنامهٔ سه قطعهٔ روی زمین

در ۲۹ روز

آسیا ✕ آوروپا ✕ آفریقا

(مطبعهٔ عنایت) یك اثر دلپذیر جدیدی در نظر هوشکاران عرفان جلوهٔ عرض میدهد . بدست آرید . بخوانید درظرف ۲۹ روز یك مدت کمی سه قطعهٔ زمین را با سیاح آن یکجا و همراه دور و سیر میکنید . ملکهای را که ازان میگذرید مفصل ومکمل جغرافیا وتاریخ آنرا خوانده میتوانید . چه چیزها می بینید . چه چیزها میشنوید . چه لذتها چه سرورها میگیرید ! علمی ، ادبی ، سیاسی در عین زمان شاعرانه عاشقانه هوسات رانگیزانه ـ یك اثر !

این اثر از سه جلد مرکب و در یك وقایه مجلد میباشد . تقریباً (۷۰۰) صحیفه . و با (۱۰۵) قطعه تصاویر مناظر مختلفه واشخاص معتبره ونقشه های مهمه مزین است . نسبت با اینهمه خوبیهای آن قیمت (۷) هفت روپیهٔ کابلی آن هیچ نیست . کاغذ اعلا ، چاپ حروفی ، تصاویر زنیکو گرافی ، جلد محکم واستوار ؛ دیگر چه میخواهد ! هیئقدر که از نفس مطبعهٔ مبارکه ورده افغانانیه (عبدالرؤف) خان سر مرتب مطبعهٔ مبارکه یا در بازار لیه کان (باز محمد) تاجر کتب در بازار کتب فروشی متصل مدرسهٔ شاهی دکان حاجی ملا (غلام محمد) خان تاجر مشهور کتب رو اورده و با مبلغ فوق کتاب مذکور را بدست آرید دیگری کار نمی ماند

(اعلان)

پراکنده

آثار مطبوعهٔ تازهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت، از یک مجموعهٔ اشعار ابدار تجدد آثاری میباشد که بکاغذ اعلا، و خوش طبع دلربا، با تصویر بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است. اگرچه از بحث خط و خال بعید است ولی مضامین و خیالاتش سراسر بیکطرز جدید است. نسبت خوبیهای ظاهری و معنویش قیمتش خیلی ارزان. یعنی مقابل (۲) دو روپیهٔ کابلی در خود مطبعهٔ عنایت از نزد عبد الرؤف خان سر مرتب. و در بازار ارک از دکان باز محمد. و در متصل مدرسهٔ شاهی از دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب هر کس خریده میتواند.

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه را مژده! از این نوبر رسیدهٔ گلزار مطبعهٔ عنایت، کام جانرا شیرین نمائید! «جزیرهٔ پنهان» یک ناولیست که قوت علم و معرفت و سعی و غیرت را برای اساس زندگانی نوع بشر بنظر کیفیت و جلوه گر میسازد. هم حکایت، هم عبرت هم فن، هم فضیلت! خوش چاپ، خوش کاغذ، خوب تصویرش علاوه، قیمتش نظر بخوبیهای باطنی و ظاهریش بسیار ارزان! تنها (۶) شش روپیه. محل فروخت نفس مطبعهٔ عنایت در ده افغانان، دکان باز محمد در بازار ارک، دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی.

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد
کتاب سال دوم ، ، ، مصور مجلد
کتاب سال سوم ، ، ، مصور مجلد
کتاب سال چهارم مصور مجلد
علم و اسلامیت
آیا چه باید کرد!
ادب درفن
[illegible]
مختصر جغرافیای عمومی

این کتابهای فوق در اداره موجود است. هر کس که آرزوی باشد باداره مراجعت کند.

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

	قیمت روپیه کابلی
سیاحت دورادور زمین بهشتاد روز مجلد	۲
سیاحت درجو هوا مجلد	۲
سیاحت در زیر بحر مصور مجلد	٤
از هر دهن سخنی و از هر چمن سمنی مجلد	۲
روضهٔ حکم مجلد	۲
پراکنده مصور مجلد	۲
جزیرهٔ پنهان مصور مجلد	٦

هر کس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوق را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت در ده افغانان از نزد عبد الرؤف خان سر مرتب، و از دکان باز محمد خان کتابفروش در بازار ارک، و از دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی بقیمتهای معینش خریداری کرده میتواند. و اگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوق را بکنند بادارهٔ سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند.

اعلان

کتابهای مجلد سراج الاخبار افغانیه، و کتابچههای علاوگان و شماره های متفرقهٔ آن، و همه کتابهای مطبعهٔ عنایت خریدارانی که آرزوی خریداری آنها را داشته باشند از دکان حاجی ملا غلام محمد خان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی، و از دکان باز محمد خان تاجر کتب در بازار ارک بقیمتهای معین آن خریداری کرده میتوانند و نیز در خود اداره در ماشینخانهٔ مبارکه، و در خود مطبعهٔ عنایت در ده افغانان هم بفروش میرسد فقط.

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

شمارهٔ ۱۹

سال پنجم

فهرست مندرجات

مقالات (

علوم وفنون (صنعت زنکوگرافی

ادبیات (زبان افغانی

حوادث خارجیه (خبرهای جنگ از اخبار های اوروپا ـ حمله دهشتناك زیپلین بساویك ـ اتوموبیل بی آدم ـ ماشین گلوله جمع کن ـ وسعت دین اسلام درمجارستان ـ نشان جدید سلطان محمد خامس ـ روز نامهٔ ایرانی در ران ـ آیا ترکان تنها صلح خواهند نمود ـ خبرهای ممالك روسیه ـ اختلافات [illegible] ـ بلای آسمانی ـ آخرترین خبرها ترجمهٔ اخبارهای انگریزی ـ خبرهای جنگ ـ موقوف داشتن تلگرافات ـ اعتراف فرانس ـ بغاوت بحری هلیند ـ سکون در محکمهٔ مشرق ـ کشیدگی مابین یونان وایطالیه ـ دورهٔ وزیراعظم ـ مستر اسکویت به دروان ـ کشتیهای تحت البحریها ـ تلفات افسران دولت برطانوی ـ یك فتح عظیم الشان فرانسویها ـ داستانهای جنگ ازرسا خبر وردن ـ خبرهای راجع به ترکیا ـ قوای بحریه عثمانی ـ اقدامات انورپاشا ـ انور پاشا در بیت المقدس ـ

اعلان (سراج التواریخ

تصاویر (یك حصه قلعهٔ دروازهٔ عیدگاه شهر قندهار ـ خرابه زار قلعه‌ایست در نواحی ولایت شهر قندهار ـ از مناظر هندوستان یك حصه قلعهٔ دهلی ـ کاریکاتور السیاسته المصوره ـ

از صنایع پرورهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جرنیل کارخانه جات . ماشین خانهٔ مبارکهٔ دارالسلطنه کابل علاوه براجناس حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه و اونیفورمهای عساکر شاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخلی که از آن اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت همایون حکم فروش آن صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ذیل (دکان عبدالله خان دربازار ارک) میباشد.

(۱) | سرج های پشمینه بافی برنگهای مختلف که قیمت آن از قرار گرانکری ۳ فوت مشخص شده ودر صندوقخانهٔ جنسی هم موجود میباشد

اقسام	قسم اول					قسم دوم					
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم وقندی که قیمت آن ۱۰ پیسه زیاده است	
رقم	تا حال ساخته نشده	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت		۷ روپیه ۵ پیسه	۶ روپیه ۱۱ پیسه	۶ روپیه ۴۲ پیسه	۵ روپیه ۴۸ پیسه	۶ روپیه ۹ پیسه	۵ روپیه ۱۸ پیسه	۶ روپیه	۵ روپیه ۱۰ پیسه	۶ روپیه ۱۰ پیسه	۵ روپیه ۲۰ پیسه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکرزی | کشمیره چهارخانه ۷ روپیه ۳۵ پیسه | کشمیرهٔ هدار هر قرم ۷ روپیه پیستی

۲ | جرابها

رقم	تکه‌بانکه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه

(۳) تکمه‌های چرمی عراب ومنبردار

کلان فی درجن	میانه فی درجن	خورد فی درجن
۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۲۵ پیسه

(۴) | کروره های جدیدساخت

رقم	زه بافی بغلبچه دوکره دوتاره	زه بافی یک اسپه دو کره سه تاره	چرم بافی یک اسپه	یک اسپهٔ چار تارهٔ نعلی
قیمت	۸ روپیه و۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲۴ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۶ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم بافی دسته‌های دولائه	چرم بافی دسته دولائه یک اسپه	دسته دولائه یک جار اسپه	چرم بافی هر رکاب
قیمت	۴ روپیه و۸۳ پیسه	۴ روپیه و۶۱ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۲۳ پیسه
رقم	قبضه رکابی کلیت نقره ترکمانه	قبضه کلیت نقره از چرم سه لایه ترکمانه	زه بافی رقم سواری سامی کلیت	زه بافی دو تارهٔ رکاب
قیمت	۳ روپیه و۵۵ پیسه	۴ روپیه و۵۷ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵۴ پیسه
رقم	رکاب ازنج	چرم بافی میانه چوب یت زنانه	ازین سواری تیغ چرمی	زنانه ابریشمی خیاطه
قیمت	۴ روپیه و۴۵ پیسه	۵ روپیه و۸۰ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته‌های تیغ چرمی	دستهٔ دولائه سامی ورنجی کلیت نقره	ازین سواری دولابه تیغ چرمی کمخه دار	چرم بافی مابین یت یک اسپه
قیمت	۴ روپیه و۴۹ پیسه	۴ روپیه و۴۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

(۵) اقسام گلهای مصنوعی سر

قسم	گل جرین	گل نافرمان	گل پرپنه	گل شبو
قیمت	۵ روپیه و۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۶ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قسم	شگوفهٔ نارنج	گل نرگس	گل نسترن	چنبیل
قیمت	۷ روپیه و ۴۵ پیسه	۶ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شگوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

(بالتشهیر)　(میر محمد هاشم دفتری کارخانجات (اکمال نظامی)

صحیفه (۱) سال پنجم (شماره) ۱۹

قیمت سالیانه
دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
با مصارف داک ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مصارف داک ۱۰ روپیه انگلیزی
پانزده روز یکبار نشر میشود
بهای یک نسخهٔ آن در کابل یکعباسی است
(اوراق که درج نشود اعاده نمیشود)

سراج الأخبار افغانیه
۱۳۲۹

مدیر و سر محرر
محمود طرزی
ادارهٔ خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه به ادارهخانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ قمری غرهٔ شعبان ۱۳۳۴ تاریخ انگریزی ۳ جون عیسوی ۱۹۱۶ تاریخ شمسی ۱۳ جوزا ۱۲۹۵

مکتب

علم است چون جان ، جسم است ملت
نور است عرفان ، چشم است مکتب

— ۱ —

این جسم با جان ، زین چشم بر نور گر دور ماند ، مانی تو بس دور
زین جمله اشیا ، بشنو بدستور یکیک شمارم ، تا گردی آگاه

— ۲ —

اول ز انسان ، دور افق ایجان جاندار باقی ، لیکن نه انسان
انعام باقی ، و بل هم اضل‌دان با قول قرآن ، باشی تو گمراه

— ۳ —

گمراه آن را ، باید بدانی کو کور گشته ، ره را نبیند
آخر چه گردد ، آیا تو دانی ؟ در چاه افتد ، عاجز نشیند
بیچاره اعمی ، بیچاره گمراه !

— ۴ —

ره را تو از چه ، بشناس اول فرموده ما را ، استاد اول
خوبیست راه و ، بدیست اسفل در لفظ(خوبی) ، مضمر شده(عدل)
(بد)ظلم باشد ، ای عقل همراه

— ۵ —

این عدل این طور مخصوص باشد بر جمله انسان ، نی بهر شاهان
هر فردی نوعی ، مجبور باشد بر عدل و احسان ، با امر سبحان
عدل است(خوبی)ظلم است(بدراه)

— ۶ —

هر کس چو راهیست ، گردیده مسئول از گلهٔ خود ، یعنی ز ملت
گر خوبی آموخت ، گردیده مقبول هر کار و بارش ، شد خیر و برکت
از بهر ملت ، هم بهر آن شاه

— ۷ —

آن پادشاهی ، کو خیر خواهست افغانیان را ، پشت و پناه است
اسلامیان را ، امید گاه است (خوبی)خواهد ، از(بد)جداهست
خوبی بعلم است ، ای علم آگاه

— ۸ —

گر عدل یعنی ، خوبی نباشد از نام انسان ، باید بترسیم
اشرف ازان شد ، انسان که باید خوبی نماید ، زاعمار و ترمیم
اعمار و ترمیم از علم میخواه

— ۹ —

جمله خرابی ، از جهل آید جمله بدیها ، از ظلم زاید
هر عدل و خوبی ، از علم آید بی علم کاری ، از تو نیاید
از بهر قوت ، بر وجه دلخواه

— ۱۰ —

آرم مثالی ، کوتاه و نزدیک از خوبیٔ علم ، از زشتیٔ جهل
دزدی چه باشد ؟ ظلمیست تاریک انسان که او راست ، آن جوهر عقل ؛
داند که این فعل ، شد فعل گمراه ؛

— ۱۱ —

اما گرسنه چون ماند انسان از حق و ناحق ، نبود گریزان
بهر معیشت ، از امر وجدان دوری گزیند ، باید عزیزان
بشنو چه گفتند ، پیران آگاه :

— ۱۲ —

گر عام شد علم ، گر عام شد فن (دزدی) نیاید ، هرگز بمملکت
زیرا صنایع ، آن زادهٔ فن گردد فراوان ، از بهر ملت

حاجت نماند ، دزدی به‌بی‌راه

—۱۳—

افزون چو شد علم ، صنعت از و زاد   صنعت چو شد بیش ، صد گونه ایجاد
گردید پیدا ، بگذاشت بنیاد   عدل و تمدن ، گردید انشاد
از بهر ملت ، هرگاه و بیگاه

—۱٤—

گر صلح خواهی ، علم است و مکتب   گر جنگ جوئی ، علم است و مکتب
گر خواهی راحت ، علم است و مکتب   خواهی سعادت ، علم است و مکتب
بی مکتب امروز ، نبود پناگاه

—۱٥—

اما چه مکتب ، مکتب هزاران   در جمله اطراف ، اکناف افغان
تا گردها بش ، صدها هزاران   ز اولاد افغان ، از بهر افغان
گردند واقف ، گردند آگاه

—۱٦—

اما چه فنها ، فنهای این عصر   کان فن نموده ، هر چیز را حصر
بر حاکمیت ، رموز و بر نصر   نموده محدود ، کرده است هر قصر :
بدبختی و فقر ، صد حشمت و جاه

—۱۷—

ای اهل افغان ، ای پاك ایمان   ای جمله اخوان ، این را یقین دان
بی صنعت و کان ، بی علم و عرفان   بی جهد و اقدام ، بی سعی و اتقان
هرگز نگردیم ، یك قوم با جاه

—۱۸—

یوروپ ز چون ساخت ، مارا قوت   قوت چه باشد ، علم است و صنعت
طیاره و توپ ، برق طبیعت   فن ساخت حاضر ، از بهر ملت
عز و سعادت ، آزادی و گاه

—۱۹—

گفتیم گفتیم ، سودی ندیدیم   هر روز از پیش ، بستر دویدیم
صدها نصیحت ، هر دم شنیدیم   صد گونه عبرت ، هر روز دیدیم
اما چو ماییم ، در خواب بیگاه :

—۲۰—

هرگز نیابیم ، ره را بمقصد   هرگز نه بینیم ، خیر و شر خود
ما خواب باشیم ، دزدان چو دزدد   آید رباید ، هر نیك و هر بد
وه واه وه واه ، وه واه وه واه

—۲۱—

ای مست مغرور ، ای عیش مخمور   مسئول هستی ، در نزد خالق
از خواب برخیز ، از خود بکن دور :   بیکاری و نوم ، میباش شایق : —
بهر معارف ، ای کار آگاه

—۲۲—

غیر از معارف ، نبود فلاحی   از علم خواهیم ، صلح و صلاحی
مکتب کشائیم ، در هر نواحی   از فن بگیریم ، در کف سلاحی
بر جهل آریم ، حمله ناگاه

—۲۳—

الله اکبر ، الله اکبر   الله اکبر ، الله اکبر
غیر خدا نیست ، الله دیگر   بعد از محمد ، نبود پیمبر
الله الله ، الله الله

—۲٤—

یارب عطا کن ما را هدایت   از علم و فن کن ، بر ما عنایت
پاینده میدار ، این تخت دولت   هم پادشه را ، داری سلامت
ملت وطن را ، کن حفظ از چاه ،
دست عدو را ، میساز کوتاه ،
الله الله ، الله الله !

[از دم افغانان کابل فی ۲٦ رجب سنه ۱۳۳٤]

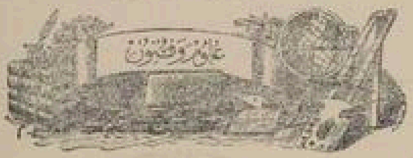

صنعت زینکو گراف

معلومات تاریخیه در خصوص فن رسامی و هیکلتراشی

نظر باحتیاج بی تصویر ماندن (سراج الاخبار افغانیه)

یکی از مآثر عرفان پرور بهای عصر معرفت حصر ذات اعلیحضرت پادشاه مقدس ما ، سراج الملة والدین ، ادام الله ملکه ، تأسیس و بنیاد فن دارالصناعة (زینکو گراف) است در ماشینخانهٔ دارالسلطنهٔ کابل . این صنعت ، درین عصر و این زمان یك اهمیت بسیار بزرگ و یك موقع بسیار بلندی را در عالم معارف و صنایع احراز کرده است . (فن رسامی) خیلی قدیم فنیست که تقریباً از ابتدای خلقت در انسانها شایع شده است ، زیرا (فن هیکلتراشی) — که برادر کلان رسامی شمرده میشود — از بسیار بسیار پیش در انسانها شایع و رواج شده آمده است ، انسانها پیش از انکه خط و کتابت بیاموزند ، و دیگر اصول مدنیت آموخته شوند پیش از همه چیز بفن رسامی — یعنی مصوری و نقاشی — میل و هوس کردند (در ازمنهٔ قبل التاریخیه) — یعنی در زمانهای که هنوز تاریخ نویسی و خط و کتابت در انسانها نبود — انسانها چیزهای طبیعیٔ خلقی را نمونه و استاد گرفته باتیشه ها و قلمهای سنگهای چقماق ساختگیٔ خود شان بر بعضی سنگهای خلقی صاف و هموار و یا بعضی استخوانهای دندان فیل وغیره بعضی تصاویر انسان و حیوان و درخت وغیره نقش و رسم کرده گذاشته اند . کذالك برای شکلهای مجسمهٔ انسانها بر هیکلها و بتها تراشیده گذاشتند که رفته رفته آن هیکلها و مجسمه های بناکان شان موجب پرستش پس آیندگان شده یك بت پرستیٔ عامی دنیا را فرا گرفت و فن رسامی — یعنی حك روی سنگها و تختها و خشتها ، واستخوانها وغیرها — چنانچه برای فن رسامی یك شهرهٔ نشان داد همچنان هرگاه فن رسامی — بنام دیگر نقاشی — بنام دیگر مصوری را موجد و پیدا کنندهٔ (خط و کتابت) بگوئیم هم میشاید ، زیرا پیش از ایجاد خط و کتابت

رسامی‌ظهور نموده رفته‌رفته‌انسانهافن رسامی‌را برای فهمانیدن مقصد ومدعای خود شانرا بیکدیگر را بر آورده برای بعضی کلمه‌ها بعضی نقشهارا برروی چوب یاخشت یافلزات وغیره نقش ورسم میکردند که باینصورت اول بار خط بسیار قدیم (هیه روغلیف) ایجاد گردید .

این خط هیه روغلیف عادتاً عبارت از بعضی رسوم ونقوش است .

مثلا دریك لوحه چوب باریك اگر صورت یك سه نفر آدم نشستهٔ کلفت که تنها هیئت شکل آدمی را دارد و صورت سیما وشکل انها معلوم نمیشود به بینید ، وبیك خط مستقیم عمودی ازسر هر کدام آنهابالا کشیده شده، بریك خط صورت یك شاهین بریك خط صورت یك بلبلك ، بریك خط صورت یك بوم رسم شده باشد، ودر مجاوری صحیفهٔ لك درطرف دیگران صورت سه زن بپا ایستاده مانند صورت مردان نشسته دیده میشود که‌ازبالای سر هرکدام یك یك خط منحنی قوسی بسوی آن سه مرد نشستهٔ طرف مقابل کشیده شده که دربالای یك هرخط یکی‌ازجانوران را یااشیارا رسم کرده‌می‌بینید . مثلا یك کبوتر ، یك زاغ ، یك سنك شقه ویاغیره ،

حالا دراول نظر این را کسی نمیداند که چه مدعاست . اماچون درین عصرهای ترقی وکمال انسانها بسی انجمنهای علمیه وفنیه تشکیل یافته درباب تحقیق وتدقیق خطوط عتیقه - یعنی نوشته های کهنهٔ زمانه های‌قبل التاریخیه خون‌جگرها خوردند ، وبسیار پیسه‌ها صرف کردند تا براسرارهای بسیاری از خطوط کهنه کامیاب آمدند وآن شاهد های مجسم‌بی‌زبان یادکارهای‌زمانه‌های‌پیش‌ازتاریخ‌را بزبان‌آوردند‌وازانها احوال گرفته‌توانستند . لاجرم باز برتعریف وبیان همان تختهٔ چوبیٔ خط هیه روغلیفی رجعت نموده میگوئیم که آن تخته یك مکتوبیست که کلمات آنهم عبارت ازهمان نقشهای روی آنست :

آن سه نفرمرد نشستهٔ یك طرف لوحه یکی (شاهین)یکی‌بلبلك، یکی (شاه‌بوم)نامدارد که‌بمحاربه رفته‌اند ازین‌طرف سه‌نفر زوجه های آنهاست که یکی (کبوتر) ویکی(زاغ) ویکی (سنك‌شقه) نام دارند زوجه‌ها برای شوهرها سلام میفرستند .

مقصد اینکه (فن‌رسامی)چون‌مولد وموجدخط وکتابت شمرده میشود درخصوص علم ومعارف انسانها یك‌موقع بلندی احراز کرده است. وچون انسانها رفته رفته مدنیت گرفتند وترقی کرده رفتند . وبواسطهٔ ارشادات و هدایات انبیاء عظام وکتب مقدسهٔ سماویه که در هروقت وزمان یکی بعددیگری ظهور نموده بت‌پرستی‌را ازانسانها طرف کرده‌رفت‌وعلی‌الخصوص‌درآخر‌دین‌مقدس‌اسلام‌شرف‌انوار هدایت‌را بدلایل وبراهین قاطعهٔ قرآنیه واقدامات مجاهدانهٔ مردانه در تمام عالم منتشر ساخته‌وبت‌پرستی‌را چنان ازبیخ‌وبن برافکند که‌بعدازان درهیچ جاهیچ‌کس‌خودرا‌راست‌کرده‌نتوانست.این‌دین مبین برحق‌درآغازظهور قدسیت و سعادت نشورش برچنان اساسهای متین وتهدابهای رصین بنیاد یافت که جهان گیرشدنش برهمه ارباب‌بصیرت پیداوهویداد آوری، برادری، رادری، دلاوری، راستی،درستی،آزادی، (۱)داناقی، یناقی،

سنگهای اساس این‌بنای معظم را‌تشکیل داده‌بود وچون توحید مطلق ذات اقدس خلاق کائنات جل علا روح یگانهٔ این‌دین مقدس شمرده میشد ، پیشوای مقدس ما حضرت خاتم الانبیا محمد مصطفی صلی الله علیه‌وسلم برای‌احتمال بعیدی که یك‌قدر برای شرك وبت پرستی نماند مصوری‌را هم‌منع فرموده اند . رفته رفته آن‌صافی وپاکی که درزمان رسول اکرم صلی‌الله علیه‌وسلم وزمانهای خلفای را شدین رضوان الله اجمعین موجود بود ،بعد ازان بابعض دبدبه‌ها وسامانه های مدنیتهای کسرا اها وقیصرهـا آمیخته شـد، حکومتهـای معظمهٔ . اسلامیه باهمهٔ ثروت وحشمت مدنیه و علمیه و صناعیه درآسیـا ، وافریقـا ، واندلس ، وروم ایلی اوروپا تشکیل یافت . مرکزهای همین‌حکومتهای اسلامیه مرکز علوم‌وفنون وصنایع‌تمام دنیا گردیده بود .

ازانجمله فن سنگتراشی ، حکاکی ، رسامی ، نقاشی ، خطاطی ، نیزخیلی ترقی کرده رفت . درقسطنطنیه ، اندلس ، شام ، بغداد ، ایران ، هندوستان که حکومتهای معظمهٔ اسلامیه یکی بعد یکر تشکیل دولت وسلطنت نمودند، چنان بناهاو کتابخانه های عظیمهٔ ذی قیمتی بوجود آوردند که درحسن خط ، وزینت تذهیب ، ورسم وصورت درینعصر حاضر نیز هرکتابی ازکتابهای آن کتابخانه های سلطنتهای اسلامیه ، مدار زینت ومفخرت کتابخانه هـای موجودهٔ پایتختهای دول معظمهٔ اوروپا شمرده میشوند . تنها درعصر سلاطین مغولیهٔ که درهندستان یك دولت معظمهٔ اسلامیه تشکیل داده بودند ، فن رسامی بدرجهٔ بالا رفته بود که آثار باقیماندهٔ آن‌انسان را حیران میسازد . (اکبر جلال الدین) که یکی‌ازباد شاهان معظم‌این دودمان بود . مدرسه‌های بسیار بزرگ رسامی بوجود آورده بود، ومبالغ بسیار گزاف ، بسیاری از استادان ماهر ، ومصوران کامل‌را یکجا جمع آورده چنان آثارنفیسهٔ بدیعهٔ رسامی بمیدان آورده اند که بینندگان باعرفان قیمت شناس فن رسامی این زمانه نیز تحسین خوان اتقان صنعت نقاشی وزحمت کشی آن میباشند .

رفته رفته هرگونه نجمهای درخشان فیروزی، وهنرمندی از افق آسیا افول نموده آفاق غرب بانوار علم وفن درخشانی هـای قوت وسطوت‌پیدا کردن گرفت.مرکزهای اوروپا دارالفنونها ودارالصناعه های‌عالم گردید . مانندفنون دیگر[فن‌رسامی، فن‌هیکلتراشی ، فن‌شعر ، فن موسیقی] عنوان‌فنون نفیسهٔ عالیه را گرفته ترقیها وتقدمهای عجیب وغریبی بروی‌کار آورد، اگرچه‌در [illegible] پرداز وتجسیم دادن‌اشکال اشیاء اساسهای شرق‌استاد ،ورسامهای غربیها گرد شمرده میشوند، لکن رسامهای غرب رفته‌رفته فن رسامی‌را ازنقطهٔ نظر اثبات تجسیم دادن اشکال ومناظر بترقی دادن کوشش ورزیدند ، وچنان لوحه های بدیعهٔ بوجود آوردند که درنمایش کاههای عظیمه مظهر پسند ورغبت عامه گردیده، بمبلغهای‌بسیار عظیمی بیع وشرا شده اند . اماچه فایده که پیش ازایجاد (فن عکاسی) - وعلی الخصوص (فن زنسکو گراف) - ازفن رسامی یك‌استفادهٔ عمومی‌حاصل نمیشد . وقتا که این دوفن مهمهٔ صنایع نفیسه بظهور آمد ، علوم وفنون رایك رونق‌اعلا

---

(۱) آزادی را ازبیباکی فرق بایدداد . آزادی خدا بندگی بیباکی بهیچ‌چیزی پابند نبودنست که‌فرق عظیم‌درهردو نمایانست .

وشکوه دوبالایی بخشید . کتابها ، رساله‌ها ، اخبارهای علمی فی مباحث خودها را باشکال وصور حقیقی موضوع بحث خودشان در انظار عالم جلوه گر ساختند . ودرشهراه تحصیل باگام های فراخی بقطع مسافه آغاز نهادند . اکثر علوم وفنون حاضره که مدار ترقی دنیا شمرده میشوند ، – مانند جبر ، هندسه ، هیئت ، جغرافیا ، طبوغرافیا ، ژه‌لوژی ، کیمیا ، حکمت ، طبیعیات ، میکانیک ، معماری ، وغیره وغیره ، بفن رسامی بدرجهٔ احتیاج دارند که انسانها بعلوم وفنون ! . . .

فن طباعت ، فن رسامی ، فن حکاکی ، فن عکاسی ، وزینکو گراف امروزه روز بدرجهٔ غذای زندگانی علوم وفنون حاضره شمرده میشود ، بملیونها کتابهای فنی حیوانات ونباتات ومعادن وکیمیا وغیره وغیره برای لکها مکتب های یك مملکت بکار است که اشکال ورسوم وصور آنها بفن رسامی اشد احتیاج دارد . مثلا یك کتابی که بفن معماری ، باحکمت ، باحیوانات ونباتات وامثال آن علوم متعلق است ، هر که اشکال ورسوم آن را حاوی باشد تحصیل وتعلیم آن نسبت به کتابی که اشکال ورسوم لازمهٔ آنرا حاوی نباشد خیلی آسانتر وقریب الفهم ترمیشود . حالانکه اگر صنعت بسیار مهمهٔ (زینکو گراف) نباشد آیا این شدت احتیاج علوم وفنون را که بفن رسامی دارد کدام چیز رفع ودفع خواهد توانست ؟

آن عصرها وزمانهایی که یك خطاط شهیر یك کتابی را بدو سه سال زحمت وخون جگر بنویسد ، ویك مذهب قابل نیز بهمانقدر مدت بطلا کاری وسرلوحه سازی آن بپردازد ، وباز یك رسام ماهر درباب تصاویر ورسوم آن کررا دوماه کرده یکصدی را صرف نماید ، ودر نتیجه یك عدد کتاب گرانبهایی که موجب زینت وافتخار یك کتابخانهٔ پادشاهی شود بگذشت ورفت ! حالا علم ، فن بدرجهٔ غذا وهوا ماالاحتیاج زندگانی باعزت وشرف انسانها گردیده است . واین امر مسلم همه انسانهای روی زمین شده است که بدون علم ، فن ، کتاب ، مکتب خواندن ، آموختن هیچ چیزی ، بی هیچ چیزی ، دراین عصر وزمان ، وبلکه درآینده واستقبال هم سود وپیشرفت حقیقی ندارد . چندیکه بعضی جاهلان غبی ، وبعضی مبتلایان نفس شوم دنی بگویند که علم ومعارف مکتب واخبار وچاپخانه وکتاب چاپ کردن وازعلم وفن بحث راندن ازقبیل حشرات مضره است که تخریب ومحو آن بسیار ضرور است ! . . . اینچنین اینچنین فریبندکان آدمی زاد ، عجز مانند خود شان فریب خورده کان راه حقیقت وسداد ، دیگر هیچ تصدیق کننده از ذوی العقول درعالم نخواهند یافت ! آنچنانها میگویند که اگر حال است ، اگر استقبال موقوف برهمین نکته است که : « زوردست آر ، هرچه خواهی کن » ! اما اینرا نشنیده اند که : – (تخم افشان ، ثمرها نی کن » !

جوش وخروش آمده ، احتمال بی تصویر ماندن سراج الاخبار افغانیه بمدار الرسالهٔ تحت مابرون انداخت . حالا باز رجواب استفهام اینکه آیا اگر ، فن زینکو گراف . نبود این احتیاج کلی ومبرم علوم وفنون عصر حاضره را که به ، فن رسامی ، دارند کدام چیز دفع کرده میتواند ؟ ، رجعت کرده می گوئیم که هیچ چیزی خدمتهای رسامی را بعلوم وفنون رهبری ومیانجی گری نمیتواند ، مگر صنعت زینکو گراف !

واقعاً ، حکاکی رسامی ، – یعنی فن کنده تصاویر ومناظر را برروی فلزیا چوب شمشاد باثبات حك کرده بتواند – ، پیش از اختراع فن زینکو گراف خدمتهای بزرگی بعالم مطبوعات رسانیده است ، وکتاب های صورت دار چاپی آنوقتها اکثر بااصول (فن حکاکی رسامی) تابکدرجه دفع احتیاج کرده توانسته اند ، ولی به آنصورت ، آثار مطبوعهٔ مصوره ، کسب عمومیت نمیتوانست . زیرا کلفت وزحمت آن بسیارتر ، ولطافت وظرافتش کمتر ، ودایرهٔ وسعت وانتشارش محدود بود . حالانکه ، فن زینکو گراف ، غیر از اینکه عیناً تصویر فوتو گرافی انسان ، یااجسام ، یامناظر را برجس نقل داده وبعضی عملیات کیمیویه اجرا کرده قالبی از ان بوجود آورده میشود که آن قالب را به بلندی حروفات ترتیب برتخته میخ کرده باحروفات یکجا صحیفهٔ اخبار یا کتاب را ازان ترتیب میدهند ، ویك بار بهزارها هزار ازان چاپ میشود . الحاصل خدمات جلیله که از فن رسامی وفن عکاسی بواسطهٔ میانجیگری زینکو گراف بعلوم وفنون این عصر واین زمان میرسد ، دیگر هیچ واسطهٔ منفعت بخش عمومی دردم حاضر دیده نمیشود ، امادر آینده « شب آبستن است ، تاچه زاید سحر ! » .

پادشاه معرفت پناه دانش پژوه ، مقدس ما ذات شوکتسمات اعلیحضرت « سراج الملة والدین » ، چون دروطن عزیز شاهانهٔ شان ابواب معارف را برروی ملت باز فرمودند لزوم واهمیت فن زینکو گراف را درایجاد اثر کتابها واخبار هایی که برای مکتبها ، واستفادهٔ عامه دردولت شاهانهٔ شان لزوم بوده شود – تقدیر فرموده بتهیه وایجاد یك بنای خوشنمای درماشین خانه پنجسال پیش ازین امر وفرمان معرفت رسان شاهانهٔ شان را شرف اصدار فرمودند . این بنادروقت حاضر بر سه قسم مهمی تقسیم یافته قسم اول آنرا ، زینکو گرافخانه ، قسم دوم آنرا دستگاه فن مصوری ، وقسم سوم آنرا ادارهٔ ، سراج الاخبار افغانیه ، وقسم چارم آنرا دستگاه فن حکاکی وخطاطی ، دربر گرفته است .

اول کسیکه نمونهٔ فن زینکو گراف را از خارج بدار السلطنهٔ کابل بحضور اعلیحضرت همایونی عرض وتقدیم نموده وعهده دار عملیات زینکو گراف شده بود ، محمد فضل ، نیکنام جوان باهوش وزیرکی بود که بحسن صورت عهدهٔ خود را بکمال جدو غیرت ایفا نموده پنج نفر شاگرد اولاد وطن را بدرجهٔ خود دراین فن قابل ساخت . چون دراین شماره گنجایش ندارد انشاءالله درآینده ازکدام تأسیس وکیفیت ترقی وانقلابات زینکو گرافخانه بتفصیل بحث مینمائیم ، امادر ینجا بکمال افسوس بنابر یك احتمال بعید بی تصویر ماندن جریدهٔ خود نمیباید اینقدر نوشته اکتفا ورزیدیم . معهذا از مراحم معرفت پروری ذات اعلیحضرت پادشاه ترقی آگاه مقدس خود امیدها برکمال است که ترقی روز افزون درامور معارف پیش آمده این چنین احتمالات میدان ندهد .

ادبیات

زبان افغانی

(مخمس بر غزل رحمن)

دور عمر تماشا کوی ژر که — د خوانی چم په دنیا کوی ژر که
توبه په خوب خدا کوی ژر که — اعتماد په دنیا نوی ژر که
دار فنا ده پس شا کوی ژر که

خوبه گرزی په دنیا پسی زهیره — خوږ خوبه به وغلی نی دلبره
په دجل نفس و هوا په دام اسیره — خو به بیا لهمر که گرزی سینه زیره
په روشانه روزه غلا کوی ژر که

موږ خوږ تن آسانی پر دنیا غواړی — خوږ خوبه له جیل عمره فنا غواړی
بنا الدرحمن ویلی دی کی غواړی — چه د د هر له یارانو وفا غواړی
صبا دی به د عنقا نوی ژر که ؛

عمر تول تیر سوی په لهو و په لعب کی — زندگی موده په دریغ او په تعب کی
نه هیچ توبه زه کی تیر په دجل د رب کی — شکر نه کوو هر بوری په غضب کی
خو به خوف او رجا کوی ژر که ؛

نه چه دا یدی پیری کی په دنیا کی — په څه ستر کو به درېږی په عقبا کی
شیرین عمر دی تیر په دی هوا کی — چه شپه تیره کی په خوب روز په خدا کی
نه به دا خوب و خندا کوی ژر که ؛

دروغ بریږده رشتیا وایه بیکمانه — بدخواهی مه کړه نیکخواه او سه هر جانه
هم دعـ دی نصیحت زما و ثانه — راسه راسه مختاج وایه ومانه
داغیبت به پس شا کوی ژر که ؛

په دخدای په دشمنه د وطن حق داداکی — نه به عمر دلته خانه خولکړ ساکی
بلکه هر خولجوړوی چه دیداکی — تنگ ناموس د په لوی لاس ورزناکی
دوطن په حق جفا کوی ژر که ؛

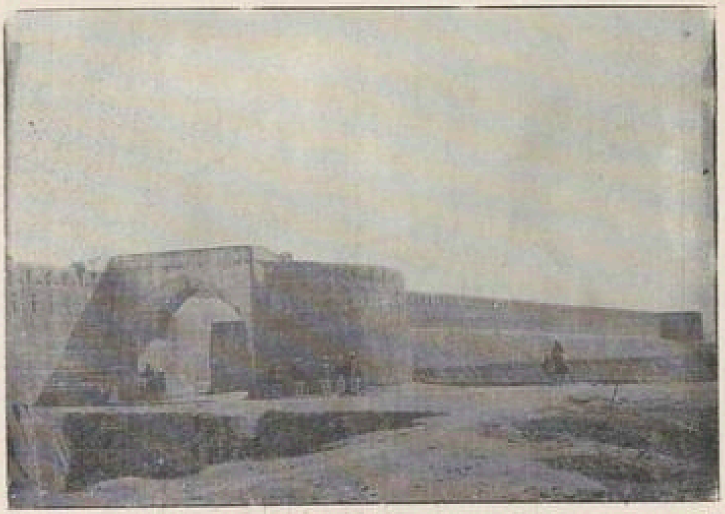

یك حصهٔ قلعه و دروازهٔ معروف به (عید گاه)
شهر قندهار

به ددی شاورا تیزی بالد دلسته — په رشوت کوی جوړ یزی بالد دلسته
گناهو نه دزیا تیزی بالد دلسته — روزبه روز بیکی کیږی بالد دلسته
نه به د مری نار وا کوی ژر که

زه احق دوطن داری خان خبر که — شه به غواړه او له بد به لاس برسر که
مهری د وطن جبل برادر که — دوروزی لاس په اخلاص ورده نه ورکه
راسه بریږده تربورتیا کوی ژر که ؛

نه به غلاو دشمنی کوی لهور وره — ورکه وره سیی هدازی ژر کوره
انا نیك که خان کا خلاص له دی پیغوره — دغه و منع ده خو را به هر کوره
نه به دار تنگ سپیتیا کوی ژر که ؛

ناخبره ده معلومه و جهان ته :: :: — چه قضا سته حاجت نسته و بیان ته
جب سه جب سه نصیحت مه که افغان ته — نه چه بد اوایی ناصح و رحمن ته
شکایت به د قضا نوی ژر که ؛

(صالح محمد)

(مخمس بر غزل عبدالرحمن مهمندی)

خولجه و ته جیل وطن وی څه به خوب کا
ستمگر چه کیدلی وی څه به خوب کا
مبتلا چه په شپون وی څه به خوب کا

هغه خوک چه دی مین وی څه به خوب کا
چه فرهاد غند کوهکن وی څه به خوب کا

داجهان دی په کاهسم لمانه
دقضا چاره څسونه نی له لمانه
څوك كړی نهٔ شی علاج دمرك دوانه
هر نفس دسری نهٔ دی له دنیانه
چهٔ هرساعت رفتن وی څه به خوب کا
له خوشی او مسرت نه خدا کیږی
په بیلتون که خندانه وی ژړا کیږی
خوب بستر باند سره داشنا کیږی
چه عاشق له خپله یاره جدا کیږی
که دسلو شپو کرمن وی څه به خوب کا

چه مفتون شی څوك او زړه بل وده پرزه شی
تا انشاالله خوا که خوبه لیه شه
عاشق نهٔ دی که بی یاره دی ویده شی
در قبیله چوره خوب دعاشق نهٔ شی
دمعشوقه یار دشمن وی چه به خوب کا
بی کیږه هر ترنه شو غمکساره
ازاده لکه لاهیم له ګلزاره
تماشی نه عالم رازی بی شماره
چاتو یل چه له څه شی بی قراره
چه به اور که ئی وطن وی څه به خوب کا

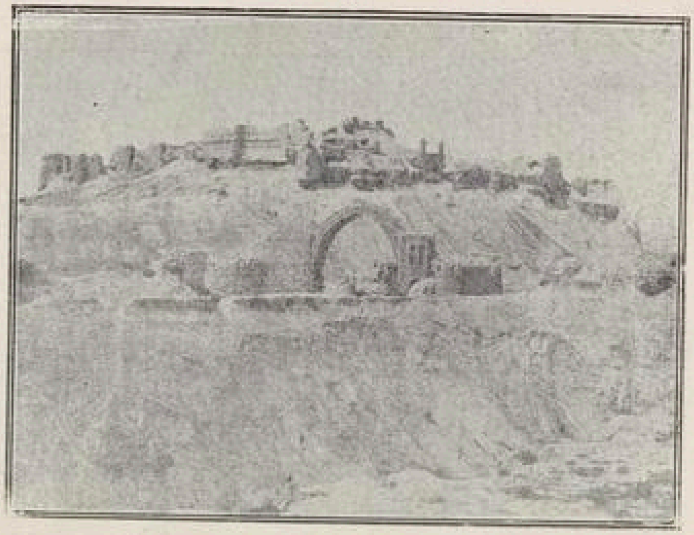

خرابه زار (قلعهٔ بست)

که از آثار عتیقهٔ مشهوره است در نواحی ولایت شهر قندهار

زیه شان د کواکب شبزنده داریم
هر کړیم ستر کی بی قراریم
هر سحر زه ژړا سره دوچاریم
ماست په یم که داشنا خیل در افکاریم
څوك چه دا بی زار عزن وی څه به خوب کا
دچا کار چه شکایت شی له هجرانه
مهٔ ئی نهٔ دی چه درون شی له زیرانه
امید مکره خوب خندا شو په تانه
خوب خندا په بی غمی کیږی افغانه
چه ئی بل آتش په زړه وی څه به خوب کا

ایضا

غزل در فضیلت اهل کمال

بی کمال دنا کمال که هنر دی   هم قیمت کمال که کوهر په مجردی
با کمال سری په مثل دپادشاه دی   په ظاهره که مفلس او قلندر دی
کمالات دی کمال دی درزهتو   داثی حل دی د خر رو هغه خر دی
کمالات دنا کمال دی دکرباسو   کمال دواره خلعت دی هم زیور دی
څوك چه نظر ئی کمال او ور دافغانه   که غنی وی لا خوتانه مفلس تر دی

احقر العباد غلام محی الدین افغان

حوادث خارجیه

خبرهای جنگ از اخبار های اروپا

حملهٔ دهشتناک زپلن بسالونیک

از آن روزنامه « پرزاولیدو موستی » خبرمیدهند که شرح هجوم زپلن های آلمانی بتفصیل ذیل از سالونیک رسیده است :

از روی تحقیق معلوم شده است که بسالونیک نه فقط یک زپلن بلکه یک اسکادر هوائی مرکب از چندین زپلن و طیارات آئروپلان هجوم کرده بود . این دستهٔ هوائی در ساعت ۳ صبح در آسمان سالونیک ظاهر شده و ۱۲ توپ به شهر انداختند . توپخانهٔ متفقین بلا فاصله شروع بتیر باران نموده طیارات را مجبور به فرار کردند .

از توپهای دشمن در چندین نقطهٔ شهر حریق واقع شده انبار های نقدی که مخصوص (بانک شرق) و (بانک سالونیک) بوده ، بکلی محو شده اند ، عدهٔ تلفات انسان تجاوز از سیصد نفر است ، در این هجوم از یونانیها ده نفر مقتول و ده نفر دیگر بطور سخت مجروح شده اند ، عدهٔ بسیاری از افرادهای یونان و عمله جاتیکه در بندر سالونیک کار می کردند ، در این حمله مقتول یا مجروح گردیده اند . اهالی سالونیک از این حادثه سخت دل گیر شده اند .

[این خبر را مخصوصا درج کردیم اگرچه پیش از این در اخبارهای انگلیزی نشر شده بود ولی ما بان سبب نقل می کنیم تا معلوم شود که اخبار های اروپا چسان و اخبار های انگلیزی منطبعهٔ هندستان چه گونه طرز تحریر دارند . سراج الاخبار]

اتوموبیل بی آدم

از قراریکه یکی از مجلات امریکا مینویسد اخیرا یک نوع اتوموبیل خود رو اختراع شده است که بقوهٔ تلگراف بی سیم بدون دراور حرکت می کند . اتوموبیل مزبور را در « هندیانا » بموقع امتحان گذاشته اند در ظرف پنج دقیقه یک فرسخ راه پیموده است ، قوهٔ تلگراف بی سیم در سقف یکی از موقفهای راه آهن تعبیه شده و در داخل اتوموبیل چرخهای مخصوصی برای راندن و بر گردانیدن آن ترتیب داده اند اتوموبیل مزبور بدون آدم طوری راه میرود که سایر اتو مبیلهای معمولی بوسیله دراور همان طور حرکت می کنند . این اختراع جدید را در عملیات محاربه نیز بخوبی استخدام میتوان کرد . مثلا : برای شکستن حصار های مفتولی که از سیمهای خاردار ترتیب میدهند .

وهمچنین ممکن است که آنرا با مواد محترقه پر کرده بطرف قشون عدو بفرستند و از این قبیل نتائج عمده ممکن است حاصل نماید .

ماشین گلوله جمع کن

در اراضی و مزارعی که جزو فرونت جنگ بوده و در مجاورت میدانهای محاربه واقع شده اند ، غالبا گلوله های زیاد ریخته و بعضی از آن گلوله ها منفجر نشده و در میان خاک و علف سالم میمانند و این نکته برای عملیات فلاحتی و کسانیکه متصدی تخم کاری و زراعت هستند موجب خطر میباشد این اراضی را بعد از جنگ هر چه بدقت و احتیاط جستجو کرده گلوله های توپ و بمبها و نارنجکها را جمع نمایند باز ممکن است که مقداری از آنها که درست و سالم مانده اند ، و زیر خاک و علف مانده و برای فلاحین در موقع زراعت موجب هلاکت گردد از این رو اخیرا در فرانسه ماشینی اختراع کرده اند که دارای یک (میکروفون) بوده و بواسطهٔ دو سیم مفتول قوهٔ الکتریکی در پره های آن جریان دارد . این ماشین همینکه به مجاورت یک پارچه فلزی میرسد صدای غرشی از آن شنیده میشود و چون پارچه فلزی را از مجاورت آن برمیدارند هیچ صدائی از آن شنیده نمیشود .

گرفتاری دزدان بین المللی

بتازگی هیئت اعضای سارقین بین المللی که خود شان را بنمایندگی صلیب احمر معرفی می کردند . دربکارست از طرف ادارهٔ پلیس کشف و حبس شده اند دزدان معروف در ظرف مدت قلیل متجاوز از دویست هزار منات بسرقت برده اند .

رسمیت دین اسلام در مجارستان

در این اواخر تلگرافات و جراید خارجه خبر دادند که یک فقره لایحهٔ قانون بمجلس شورای ملی مجارستان پیشنهاد شده است که بموجب آن مذهب اسلام در مملکت هنگری یک مذهب آزاد و قوانین و نظامات آن از طرف دولت برسمیت شناخته شود ، برحسب اطلاعات اخیره که از مطبوعات خارجه بدست آمده است قانون مزبور در مجلس ، ملی و [illegible] ، با یک هیجان و شادمانی مخصوصی باتفاق آراء نمایندگان ملی مجارستان تصویب شده است ، در این موضوع مقاله مهمی در روزنامهٔ (وقت) منطبعهٔ اورنبورغ اشاعت یافته که بطور خلاصه در اینجا اقتباس و ترجمه میشود .

در مقدمهٔ این لایحه قانونی شرحی از اهمیت ملل و اقوام ترک و اینکه باتحاد ازانها (که شامل اهالی ترکستان ، تاتارستان و عثمانی میباشند) اهالی مجارستان بحل مسائل بسیار بزرگی موفق توانند شد . اشعار و تذکار شده است ، و در نتیجه معلوم میشود که پس از این مذهب اسلام در مجارستان از طرف قوانین حکومتی مراعات و حمایت شده و پیروان را یک دین رسمی شناخته احکام و قواعد آنرا معمول و بموقع اجرا خواهند گذاشت و حتی در بعضی از قوانین شرع اسلام که با قواعد و احکام حالیهٔ اروپا موافقت ندارند ، از قبیل طلاق ، تعدد زوجات و اصول میراث تمامی مسلمانان مقیم مجارستان نموده و کلیهٔ احکامیکه موافق شریعت اسلام در مابین مسلمانان معمول میباشند از طرف قانون مملکتی هنگری بطور رسمی تصدیق و مورد حمایت خواهند بود .

از جراید قفقاز

نشان جدید سلطان محمد خامس

از کیفیات روزنامهٔ (پرزاولید و موستی) خبر میدهند که امپراطور ویلهلم در روز ولادت خود نشان ژنرال فیلد مارشالی اردوی پروس را باعلیحضرت سلطان محمد خامس پادشاه عثمانی عطا نموده اند .

تعیین امپراطور ویلهلم بسمت فیلد مارشالی قشون عثمانی در اسلامبول اعلام شده است .

روزنامهٔ ایرانی در برلن

بتازه گی روز نامهٔ ایرانی موسوم به (استقلال) در برلن شروع به انتشار نموده است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1684 of 1786

آیا ترکان تنها صلح خواهند نمود ؟

رأی یک نامه نگار از اخبار (شرق)

درین نزدیکی زمان خبر ارادهٔ صلح کردن ترکان تنها در جرائد انگلیسی شیوع یافته ــ و موضوع مقالات طویله گردیده ــ سبب تحیر عقول در ممالک شرقیه شده است ــ برای دفع کردن تردد از خواطر مسلمین توضیح مسئله با دلایل قاطعه لازم آمد ــ

نخستین چیزی که دانستنش ضروری است این است که این خبر اصل وحقیقتی ندارد ــ اشاعتش مبنی است بر غرض سیاسی ــ سقوط قط العماره البته عظمت وشوکت عسکری ترکان را در عالم متمدن مبرهن ومبرز ساخته است ــ و دولت مغلوبهٔ انگلیس را در بلاد شرق چشم زخمی سخت رسانیده ــ برای کسر شان ترکان واصلاح حال پریشان دولت خود شان ــ ارباب مطبوعات انگلیسی چنین اراجیف را ایجاد مینمایند ــ پریشانی حالت ترکان را وانموده دل مسلمانان را بشکنند ، دومین علت غائیهٔ این جنگ عالمگیر را دانستن وسبب شمول ترکان درین جنگ را بفور تفکر نمودن هم واجب است ــ که استحالهٔ مسئلهٔ صلح نمودن ترکان تنها واضح کرده ــ

بر واقفین رموز سیاست دول معظمهٔ یورپ مخفی نیست که در قرن نوزدهم عیسوی ادعای روس بگرفتن بیزنطیه قسطنطنیه وقبضه بر آبنای باسفورس وداردانیل وتسلط بر ولایت اناطولیا وهمچنین ادعای فرانس بر ملک شام وفلسطین وادعای انگلیس بر خطهٔ عراق وجزیرة العرب از جملهٔ اسرار مکشوفهٔ عالم متمدن بود باوجود تباهی حالت دولت عثمانیه این آرزوهای حریفان زور آور وحیله ساز از قوة بفعل نیامدند زیرا که دولت المان واطریش هردو باین قسمت ظالمانه راضی نبودند ــ (۱) افزودن روس کاهش ایشان بودی ــ (۲) قسمت ممالک عثمانیه در میان حریف دول متحده موازنهٔ قوای یورپ را برهم میزدی ــ

قدری قبل از آغاز این جنگ جهانسوز ، در بهار سنه ۱۹۱۴ ع یک روسی مورخ ــ پروفیسر میطروفاف نام در جریدهٔ پروسش جهو موج یک مقالهٔ ظاهره چاپ کرده بذکاوت ودانشمندی ملت المان التجا کرده بود که چرا مسئلهٔ تصادم منافع اصلیه روسیه والمانیه را بطور معقولانه حل نکنند ــ یعنی چرا دولت المان سنگ راه مطلوب مهم روس که عبارت از تسخیر قسطنطنیه وقبضه بر آبنای باسفورس وداردانیل است میباشد ! در مطبوعات المانیه برمضمون مقاله مباحث طویله براز مخالفت وتهدید جنگ بوقوع پیوسته بود خصوصاً ازجهت کشته شدن ولیعهد دولت آستریا هنگری در مقام سراجیوو که هنگام هیجان مباحث بر مسئلهٔ مذکوره بوجود آمده بود سیاسیان المانی که بر مسائل مابین الدول سند بودند بحقیقت جنگ حاضره پیش از وقوع آن چند ماه ندای داده بودند ــ وگفته بودند که حسب خواهش روس قسطنطنیه وآبنای باسفورس وداردانیل را بدست روس گذاشتن ممکن نیست ــ

[درین هفته (اخیرماه مارچ ۱۹۱۶ ع) دوما (مجلس ملی) روسی بر مسئلهٔ قسطنطنیه وآبنای باسفورس وداردانیل بحث کرد ــ اگرچه تفصیلات مباحثه خیلی پسند خاطرما بودی ــ ولیکن از فحوای کلام که مختصر آن بذریعهٔ سیم تلگراف عاریده بر ظاهر است که مقصود اصلی ازین جنگ حاضره که در دل مردم روس راسخ شده وقابل تغیر وتبدیل نیست این است که آبنای باسفورس وداردانیل برای استعمال دولت روس چه وقت صلح وچه هنگام جنگ دائماً گشاده باشد ــ و ازینجا است که ملت وعمال روس حصول این مرام را یکی از مقاصد ذاتیهٔ این جنگ میپندارند ودرین باب هیچ دلیل مخالف را شنیدن نمی توانند ــ همه متحدین روس تعبیرات کلیه مثلاً مظفریت قطعی یافتن طول امل جرمنی در مسئلهٔ عالمپاره پاره کردن قوت عسکری جرمنی را در هنگام ذکر کردن شرائط صلح بعرض بیان آورده اند ــ اما تصور روسی این خیالات مبهم را بصورت شخصیهٔ معینه بسلک حضور ذهنی آورده اند یعنی مظفریت قطعی یافتن طول امل جرمنی در مسئلهٔ عالمپاره پاره کردن قوت عسکری جرمنی همان وقت از حیز تعقل بدرجهٔ تحقق در آید که روسیان دارای آبنای باسفورس وداردانیل و قسطنطنیه پس از جنگ باشند

ازین فقرهٔ مذکور بالا که از رسالهٔ نیشن لندن مطبوعهٔ یکم اپریل گذشته ماخوذ است هویدا است که سبب اصلی این جنگ جهانگیر هوس روس وشریکانش بتسخیر وتقسیم ممالک عثمانیه بوده است . پس شرکت دولت علیهٔ عثمانیه درین جنگ از داعیهٔ حفظ ذات بوده است ــ وهیچ امکان ندارد که دولت عثمانیه با دشمنانیکه مقصود اصلی ایشان ازین جنگ چیزی نیست بجز محو کردن هویت استقلالیهٔ دولت عثمانیه تنها وبدون مشورت دولت المان و اطریش که شریکان در رنج وراحت وصرفه وزیان هستند صلح نماید ــ غریب ترین چیزی این است که کسانیکه ترکان را دارای صلح کردن تنها میدهند ــ بعض از ایشان امیدوار هستند که قسطنطنیه را باسفورس وداردانیل همه بتصرف روس در آید وبعضی دیگر میگویند که حکومت قسطنطنیه وهردو آبنای بدست وکلای دول معظمه سپرده شود ــ وبرخی چنان گمان میکنند

که اگر هردو آبنای برای سفائن حربیه وتجاریهٔ روس چه در وقت صلح وچه در وقت جنگ گشاده شود روس راضی خواهد شد ــ الا روس آن خطهٔ ملک عثمانی را که مسکن ارامنه است آزاد خواهد نمود . این سه شق که مذکور شد بشرف دولت عثمانیه که عساکر مظفر ومنصورش چه در معارک گیلی بولی وچه در مصاف عراق عرب جوهر جوانمردی فوق العاده را ظاهر نموده اند مناسبت ندارد ــ وهیچ یکی را ازین شقوق ثلاثه قبول نخواهند کرد ــ خصوصاً درین ایام که عساکر روس مواقع مقدسهٔ ترکان را که در قفقازیه است پامال تعدی نموده اند ــ حسیات عالیهٔ فاتحین قط العماره وقهرمانان جنگ محاربات دار دانیل چنین ذلت را هرگز روا نخواهند داشت . ودولت المان واطریش که باشرف حلیفان دولت علیهٔ عثمانیه اند وروس را از یوروپ بیرون کردن روس را در بالقان قافیه تنگ کرده اند ــ یک بکمک حلیف عزیز خود شان تقدم نموده ــ دشمنان را پامال خواهند نمود ــ پس خیال صلح تنهائی ترکان ــ که مرادف محو شدن اسلام وزوال شدن خلافت عظمی وباقی نماندن هیچ دولت مستقلهٔ اسلامیه در دنیا ، خیالی است خام یا خوابی است بی هنگام ــ نباید که اسلامیان ازین قبیل خام خیالان رنجه خاطر باشند ، ونیز نباید که اراجیف آن جنس دشمنان در حق جوانمرد ترکان هم وقعه نمایند . این کج دادن از اعدای ترکان را بصورت اصلی ایشان پیش میکنند ... تو یوسف من را در جاه بلا دیدی اورا بشهنشاهی در مصر نگاه دیدی !!

خبر های ممالک روسیه

از مرو مینویسند !

وشنبه ۲۷ ماه از علاقهٔ کولاب توابع بخارای شریف ال رسید که مأمورین حکام روس مانند سرسام شدگان که بجان یده باشند بالای مردمان رعیتی آنجاغله واسپان خریداری حواله رده بودند ومی نمایند ومردم آنجا از بجان رسیده بودند که دربارهٔ ن دست تظلم را دراز نموده بودند . از طرف امیر بخارا برای ایشان احوالات رسید که غله خریداری واسپان خریداری را وقوف بدارید حکام جبر زدند وموقوف نمودند از جبر زدن وموقوف ه واسپان خریداری روسها مردمان رعایای ولایتشان بسی خرسند ند ومیگویند که گویا دولت علیهٔ عثمانیه برای امیر بخارا فرمان نوشته مطابق روسها از مملکت خود ها چیزی ندهید عنقریب ملک شما زاد خواهد شد وازینرو کندهراس نکنید که بدولت روس چنان رق رسیده که مسلمانان دست اندازی بتواند فقط :

خبر دیگر

درموضع (یمود) که مردمان آنجا (تکه ترکمان) میباشند وسه‌طب یوم هستند ومردمان بسیارشجاع وباغیرت اند مردمان روس بالای آنها ز واضافه سنانی زیاد مینمودند همه گی اتفاق کرده بالای روسها بلوای مه نموده سه‌صد نفر عسکری روس را بقتل رسانیده مردمان روسها ز اطراف خبرشده عسکری زیادی بالای شان مقرر نموده باجدال وقتال شغول میباشند وهنوز کیفیت معلوم نیست . فقط

خبر دیگر

روسها از خرابی و برهمی خود ها اکثر اجناس را از بیرون بردن منع کرده بودند از جملهٔ آن آهن وفولاد بود سید ریسام بخار اتفاقاً چند بوت آهن را در علاقهٔ کولاب بنهانی خریداری کرده بودند وبرای مردم قاقچی آن ویلا داده بود که قاقچی کشتیان را بگوید قاقچی مذکور فی الحال آنرا در قایق انداخته بدریای (آمو) روان نموده بودند پرهٔ روس بالای شان اطلاع یافته صدا کرده بودند ین نکته بود ازان سبب بالای قایق فیر تفنگ کرده بودند قاقچی ترس جان خود قایق را گشتاندند ومال را باصاحب آن دستگیر نمودند قاقچی را رها دادند که بخانهٔ خود رسیدند فقط

خبر دیگر :

از حصار توابع بخارا شخص داملا رسیده کیفیت پریشانی کفرهٔ روس را بیان نمود که بسیار پریشان وسر گردان میباشند امیر بخارا ای تمام قوش بیگیها وحکام خود خبر داده اند که بالای عموم روسی غله واسپ وهر اجناسی که باشند نفروشند ومیگویند که ین باشارهٔ دولت علیهٔ عثمانیه شده است این هم از ذلیکی و پریشانی روس است والا امیر بخارا بدولت روسی بکدام قوت جواب میتوانست گفت . فقط

• اختلالات هند •

• داره در پشاور •

نامه نگار پایئن می نویسد : ـ در (۳۰) مارچ درپشاور درمحلهٔ اوشاه درخانه یک هندو ۱۵ نفر با کمال دلاوری درآمده صاحب خانه ویک همسایهٔ اورا که درعمارات تحتانی بودند ، ولت وکوب کرده مبلغ ۱۸۰۰ روپیه کلدار جبراً بردند .

عجب تر آن است که پولیس دروقت چور کردن آمدند ولی تاکه تدبیر می کردند دارها رفتند ! ...

سابقه دارها از تنگال تا پشاور دراز شده است ! ...

• بلای آسمانی •

یکی از اعضای مهمه جمعیت دافعهٔ زیبلن ها ، در انکلستان دریک مجلس تقریر کرده اظهار نمود که زیبلن هارا ما به چشم کم دیده نمی توانیم . زیبلن ها بلاهای آسمانی اند . من چند سال قبل ازین بلاها می ترسیدم . اما تا تجربه نکردیم آفت های مدهش زیبلن هارا کما حقها فهمیده نتوانستیم . امروز باوجود یکه بسیار اسباب مدافعه ومحافظه حاضر کردیم مگر کدام های حربی مانند که ، بارود ، غله ، و کارخانه‌ای که برای تهیه وذخیرهٔ جنگ کاری کنند دایما زیر خطر وهدف زیبلن های دهشت اثرند .

چگونه روز خواهد بود ؟ : ـ که جهازات هوائی دشمنان ما با کروزر های بحری شان متفقاً آمده طوفان برپا کنند ، جایهای دسته های جهازات مارا یافته کثرت جهازها باتوپ های مارا بیفایده سازند .

مادامست که از جان ودل درمدافعهٔ این آفت جهان سوز کوشش ورزیم ، این بلارا از سر وطن خود دور کنیم ، بصرف قیمت دو دریدنات ۱۷ هزار آلهٔ طیاره ساخته میشود .

• اطفای لمعات •

جریدهٔ روزانهٔ « لمعات » مطبعهٔ لاهور در شمارهٔ ۱۸ خود که شمارهٔ آخرین اوست علت بند شدن خود را می نگارد : ـ

در ۷ اپریل جناب مستر اختر علیخان وراجه غلام قادر خان طابع لمعات بدفتر دپتی کمشنری خواسته شدند . مستر کاککسن به آنها چنان بیان کرد

(۱) هر حکمی که بر زمیندار عاید شده بر لمعات هم عاید میشود . زیرا لمعات هم از همان مطبعه واز زیردست همان طابع وناشر وتحت همان هیئت وبهمان تقطیع وکاغذ وهمان شیوهٔ (پن اسلامیزم) یعنی اتحاد بین المسلمین است که « زمیندار » بود وزیر « لمعات » آیه کریمهٔ

الله متم نوره ولو کره المشرکون

(بالمعات چشم خیره کننده) میدرخشید

یعنی بعد ازین لمعات احوالات متعلقه جنگرا اشاعت نخواهد داد ومستر مذکور به جناب اختر علیخان (پسر جناب ظفر علیخان) یک حکمنامهٔ « نظربندی » نشانداده که اگر اصلاح وضع خود را نمود البته بحکم آن « امرنامه » توقیف ونظربند خواهد شد

لهذا روی رخشان ما لمعات زیر حجاب اختفا رفت

آخرین خبرها

ترجمهٔ اخبارهای انگریزی

۲۱ ماه اپریل خبرلندن — معلوم شده که عنقریب سلسله راه های آهن بغداد را همراه راه های آهن دولت جرمن پیوست خواهند نمود ودر موقع افتتاح اتصال این های مذکور خود قیصر جرمن همراه بعضی همراهان وانجمن های اخبارات حاضر خواهند شد —

۲٤ ماه اپریل خبرشده — درباب جنگ عراق عرب اعلان مرکزی قرار ذیل مشهر شده که بتاریخ ۱۸ ماه حال فوجهای ترك بتعداد بسیار بچند حصه منقسم شده بوقت غروب آفتاب از هر طرف بسنگرهای افواج انگریزی واقع (سنه) یك حملهٔ بسیار سخت نموده وگلوله باری بسیار بشدت نمودند این جنگ مغلوبهٔ دست بدست تمام شب الی ٤ بجه وقت صبح جاری بود توبخانه انگریزی هم بجواب شان بم اندازی نمود اگرچه سپاه انگریزی قبل الشام توبخانه خود را از صفهای خطرناك بدون هیچگونه نقصان کشیده بودند مگر چند میل توبهای بی کار ما که درصفهای اولین بودند بدست افواج ترك آمده — گفته می شود که افواج ترك درین جنگ آنقدر بجوش دلاوری حمله نموده اند که در بعضی مقامات دربین افواج انگریزی داخل شده بودند وتا روشنی صبح از خود خبری نداشتند — سپه سالار انگریزی ازعراق رپوت می دهد اینکه افواج انگریزی درمقام (سنه) درجنگ ازین باعث ناکامیاب شدند که دروقت حملهٔ فوجهای انگریزی روبروی برگد حمله آور انگریزی سیلاب بسیار سخت آمد باوجود آن هم برگد مذکور حمله کرده یك دلدل را عبور نموده برفوجهای دشمن حمله نمودند مگر بسبب آب برگد مذکور بجای خود قایم مانده نتوانست ودسته های فوج معاون هم از باعث آتش باری ماشین گن دل دل را عبور کرده وبه کمك شان رسیده نتوانستند وبرگد مذکور درمدعای خود ناکامیاب گردید — وافواج انگریزی آن طرف دریا هم درحملهٔ خود ناکامیاب شدند —

۲٤ ماه اپریل خبرلندن — ازملك مصر بقرار رسمی رپوت رسیده که دسته های مردم های عرب بمعیت جرمن ها وترك بخیمه های دو دوصد الی پنج پنج صد درسمت شرق (القطاره) برمقامات (دویدار) رجوکی انگریزی و (قطیه) حمله نمودند بعد ازیك جنگ بسیار شدید اول یك رساله انگریزی ازجا کنده شد مگر چون اسپ های اکثر سواران انگریزی هلاك شده بودند وپای بی رفتن شان کوتاه شده بود دوباره خود را قایم کرده نتوانستند —

۲۷ اپریل خبرلندن — درشب ۲۵ وشب ۲٦ و ۲۷ ماه حال متعدد جهاز هوائی قسم زیپلن جرمنی برعلاقه جات (نارفاك) و (ایسکس) و (کنت) و (لوستافت) و (یارموته) واقع ملك انگلستان وغیره علاقه جات ان حمله کرده بمهای بسیار انداختند گفته می شود که ازین حمله های جهازات دشمن نظر بحمله های سابق شان آنقدر نقصان نرسیده قریب چهل نفر از زنها هلاك وزخمی شده ویك اسپطال ویك پل وچند حمام ودو باب عمارات درعلاقه (لوستافت) ویران شده ودوصد باب عمارت را درمقام مذکور نقصان رسیده ودرعلاقه (یارموته) یك عمارت بسیار بزرك آتش گرفته وبعضی عمارات را نقصان رسیده جهازات هوائی انگریزی مقابله شان پرواز نمودند چه جهازات انگریزی بعد از اخراج جهازات دشمن واپس آمدند مگر ازان جمله یك عدد جهاز هوائی مفقود است که تاحال درك آن معلوم نیست —

۲۸ ماه اپریل سنه ۱۹۱٦ خبرلندن — ازملك مصر خبر رسیده درجنگ (قطیه) که قبل ازین درسرحد ملك مصر دربین افواج انگریزی ومردم عرب وترك پیش آمده بود یك افسر فوج انگریزی (کرنیل — سی جی — کوورتر) نام کماندان فوج انگریزی بدست مردم عرب گرفتار شده —

۲۸ ماه اپریل خبرلندن — دولت امریکه یك نوتس یعنی اطلاع نامه بنام دولت برطانیه فرستاده درآن مطالبه نموده که همان ۳۸ نفر رعایای جرمنی را که حکام دولت برطانیه ازجهاز (جاپنا) نام دولت امریکه گرفتار کرده بودند — رها نمائید

۳۰ اپریل خبرلندن — دربین دول متحدهٔ برطانیه وفرانس وروس واطالیه وغیره ودولت یونان صورت حال بسیار نازك شده — دولت یونان ازنقل وحرکت فوجهای دولت سرویه بذریعه ریل های خود انکار قطعی نموده که بهیچصورت اجازه نمیدهم که فوج های دولت سرویه بذریعهٔ ریل من درمیدان جنگ برده شود — وزیر دولت سرویا همراه وزیران دولت یونان ملاقات کرده برای دولت یونان ظاهر نموده که درصورت ممانعت استعمال ریل های دولت یونان صدمهٔ بسیار سخت برای دولت سرویه خواهد رسید — مگر دولت یونان باز هم انکار نمود — ازین رو کشیدگی بسیار سخت پیدا شده وسفرای دول متحده درباب قطع تعلق وروانگی خودها انتظار هدایت حکومت های خودها را می نمایند

۲۸ اپریل خبرلندن — یك لنگر جهاز جنگی (رسیل) نام دولت برطانیه دربحرهٔ روم همراه یك سرنگ بحری تصادم نموده غرق گردید ازجمله عمله ونفری که درجهاز مذکور سوار بودند ۲٤ نفر افسر و ٦٧٦ نفر سپاهی نجات یافته ۱۲٤ نفر غرق شده اند —

۳۰ ماه اپریل خبرلندن — یك نامه نگار اخبار ازمحاذ روسی کیفیت افواج جرمنی را درمحاذ روسیه چنین می نویسد که ازمقام (ریگا) الی مقام (بریست) درخط ٤٥۰ میل قریب ٤۸ دویژن فوج جرمنی که تعداد مجموعی شان کم از ۱۲ لك نخواهد بود که نصف آن فوجهای پیادهٔ تفنگ چی ونصف آن رساله وتوبخانه می باشد افواج مذکوره کماندان جرمنی بقدرضرورت موقعه بدین قسم تقسیم نموده که در هر مقام خطرناك که احتمال حملهٔ دشمن کرده می شود بسیار ودرمقامات غیر خطرناك فوج کم تعین کرده وبه تعداد بسیار توبهای ماشین گن و بعضی کثیرسیمهای خاردار هم درنزد شان مهیا است ودرعقب تمام خط های لین های ریل به بسیار درستی وانتظام منتشر وشب وروز دررسانیدن اسباب آذوقه مصروف میباشند — ازین معلوم می شود که جرمنها درین موسم بهار خیال کدام حملهٔ سخت را برملك روسیه دارد

نواع ترك بقتل سابق درمقام (ازرنجان) جنك جاری است —

۱۱ می خبر لندن از کوپنهیگن پای تخت دولت دانمارك خبر رسیده که جرمن حمله شهر (ریکای) روسیه بسیار بسختی تیاری می نمایند چنانچه (وردن) فوجهای جرمنی به تعداد بسیار بطرف (هندن ومقدار کثیر اسبابهای جنك بذریعهٔ جهازات بطرف (لیباو) برده‌اند وخیال دارند که ازسمت رو بحر وشهر مذکور یك حمله بسیار سخت نمایند —

۱۱ می خبر لندن — مستر اسکویت وزیر اعظم دولت برطانیه برای انتظام معامله بلوای آئرلند بطرف (دبلن) روانه گردید — شورش آئرلند هنوز بکلی فرونشده دولت برطانیه تاحال دوهزار نفر رامجرم

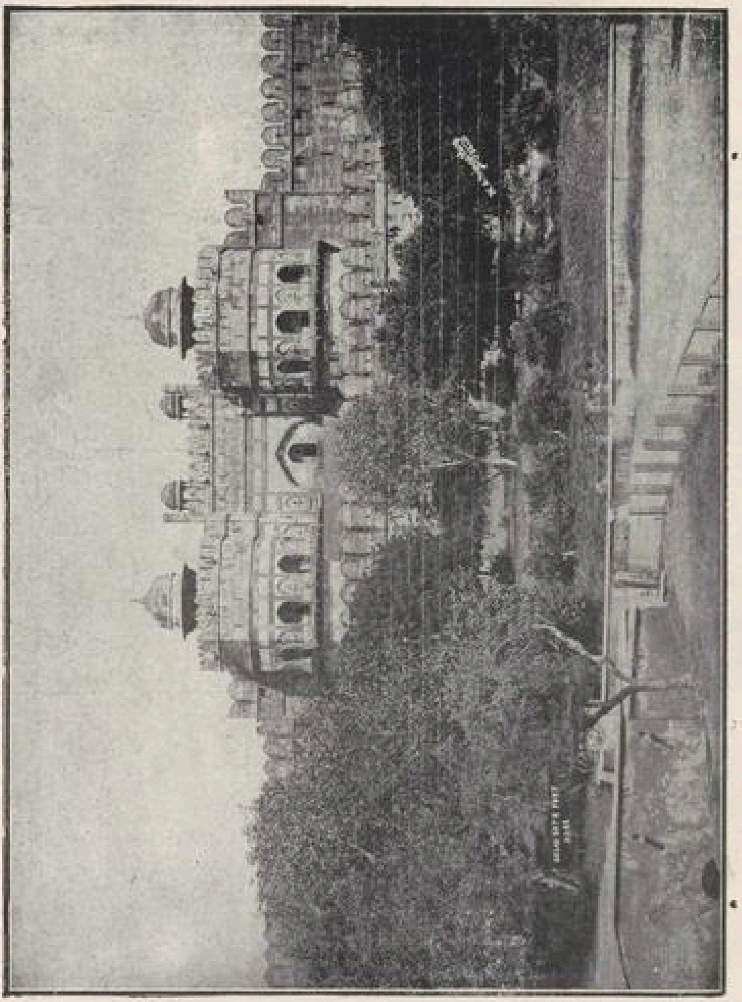

آثار مغول هندوستان

یک قسمت قلعهٔ دهلی از آثار پادشاهان مغول

گرفتار نموده وتحقیقات کورت مارشل هم جاری است که بعد تحقیقات بالای کسی که جرم ثابت میشود اورا بتوپ می پرانند می نمایند —

۱۲ ماه می سنه ۱۹۱۶ع خبر لندن — ازپتروگراد خبر رسیده وزیر جنك سابقهٔ دولت روس که قبل ازین بجرم غداری متهم شده بود بعد ازتحقیقات کورت مارشل در قلعهٔ سینت پال مقید کرده شد —

۸ ماه می خبر لندن — ازبخارست پای تخت دولت رومانیه معلوم شده که هشتاد هزار سپاه ترك وچهل هزار فوج دولت بلغاریه جمع شده‌اند که در ملك فرانس بطرف داری دولت جرمن فرستاده خواهند شد —

۹ ماه می خبر لندن — محکمه حرب دولت برطانیه بموجب ربوت

جنرل لیك کماندان عراق عرب اعلان نموده که کاروانی پیاده افواج پاروزخمی انکریزی بعوض پاروزخمی ترك در عراق عرب قرار گرفت وتاحال ۱۰۷۳ نفر عوض کرده شد.

۹ ماه می جولندن ـ دوعدد جهازات هوائی دشمن درشب مذکور بربندرگاه (پورت سعید) حمله نموده ۹۰ عدد بم ها انداختند که ازان سی نفر مردم رعیتی زخمی شده —

خبرهای جنك ازترجمه اخبارهای انگلیزی

لندن ۷ ماه می ـ ٤ ماه رجب —

یکدسته رساله امریکه بریك جمعیت کلان پیروان ولاّئا کهان تاخت از جمعیت مذکوره ۴۲ نفر هلاك و اکثر نفر مجروح شده بودند — از رساله امریکه هیچکس ضایع نشده است —

لندن ٤ ماه می غره رجب المرجب —

پیرس ـ ازسبب حادثه ترقیدن در کارخانه لاروشیل فرانس یکصد نفر هلاك ویکصد نفر زخمی شده اند.

لندن ۲۵ اپریل ۲۲ جمادی الثانی —

امروز بعدازچاشت قبل ازاعلان نظارت بحریه اخبار ایونك نیوز بیان کرد که امروز بعمل چهاربجهٔ صبح برساحل انگلستان گوله‌باری نهایت خوفناك بوقوع آمد که الی پنج و نیم بجهٔ صبح جاری مانده بود.

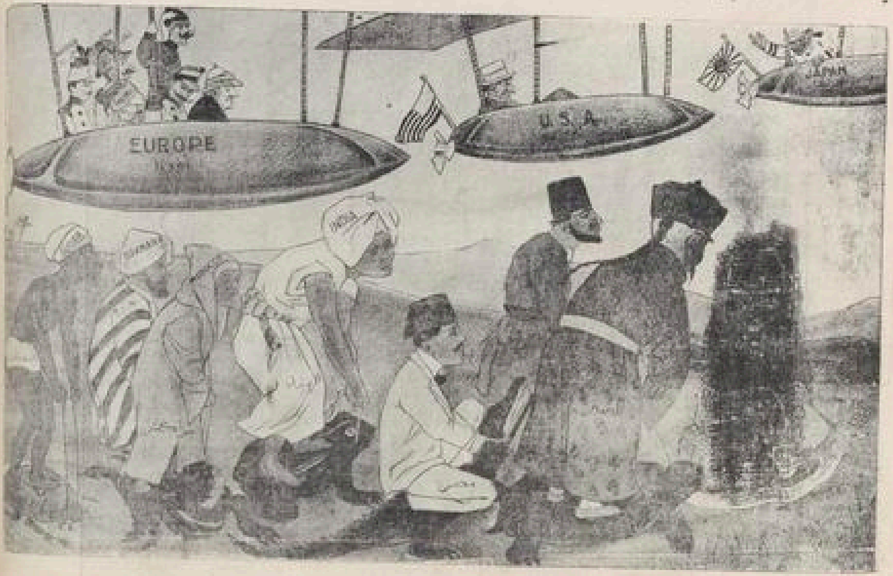

کاریکاتور

لسیاسته المصوره

(شرق — غرب)

اوروپ، امریکه، ژاپان بسرعت برق رهوا میتازند، سودانی بپای قاقوزك، بخارایی مراکوبی بپای خرچنك، هندی بپای بزه، مصری بپای ناگو، چین وایرانی بپای سنك پشت بجولان بازی مانده‌اند، ژاپانی فریاد کرده میگوید :- اووو امیهم ازتنها بودم اینجه رفقاست!

لندن ۲ ماه می ـ ۲۹ جمادی الثانی —

نامه نگاران پترو گرید باین خیال که جنك وجدال در وادی دجله درموسم تابستان ناممکن میباشد بیان می کنند که عساکر عثمانی ازسبب تسخیر قط ازانجا فارغ شده اند اکنون آنها برای مقابله روسیان آماده خواهند شد —

لندن ۵ ماه می ـ ۲ رجب —

کپطانان جهازات که بمقام مالمو رسیده‌اند رپوت می دهند که جهازات جنگی جرمنی در بحیره بالتك درآمده اند —

موقوفی داک وتلگرافات —

اعلان کرده میشود که تااطلاع ثانی بطرف عراق عرب وغیره مکتوبات وتلگرافات روانه کرده نخواهد شد فقط —

اعتراف فرانس

لندن ٦ ماه می ـ ۳ رجب —

اعلان رسمی پیرس می گوید که ازسبب خرابی موسوم در محاذه بر کل محاذ مزاحمت واقع شده است ـ درانجا فقط گوله باری خوفناك برپامیشود درمغرب میوز درعلاقه کوه ۳۰٤ گوله‌باری نهایت خوفناك

ت دامت در مشرق ییوز کلوله باری معمولی برپا گردیده است اعلان ی که بعد ازان شایع شده بود بیان می کند که در مغرب ییوز بعد از کلوله باری خوفناک که جرمنها بر کوه ۳۰۴ بهمراه کلوله آتشگیر که بوقت شب شدت عدیم المثال اختیار کرده بود فرانسوی ها یک حصهٔ شمالی را که از کلوله باری جرمن ها کاملاً بود خالی کردند معلوم کرده شده است که جرمن ها که بروز حمله نموده بودند — در دویژن تازه دم مشتمل بودند دو ویژن متحمل نقصانات خوفناک شده بود — کلوله باری شدید بر خط از مورت هوم الی کو میرز جاری میباشد —

لن ۸ ماه می — ۵ رجب —

لان رسمی جرنیل هك بیان می کند که شب گذشته برمقامات خط مدافعت برطانوی سرگرمی بظهور آمده — غنیم بعداز کلوله خوفناک در خندق های ما واقع مشرق جنگل تیوال داخل شد فر ما را قبل از برامدن هلاک کرد —

بغاوت بحری هالیند

سه صد نفر فرار شدند —

لن ۱۲ ماه می — ۹ ماه رجب —

امستردم — بربه لنگر جهاز جنگی هالیند مقیم جاوا بغاوت برپا بود ۶۰ نفر سپاهیان جهاز دی زیون پرولشن سزاداده شد سه صد سپاهیان قزوایسی بطرف جهازات مذکور انکار نمودند و در کوچه آواره می گردند پولیس در کوچه و بازار گشت می کند — فقط

سکون در رزمگاه مشرق —

لن ۱۱ ماه می — ۸ رجب —

امه نگار دیلی تیلیگراف مقیم پترو گرید بیان می کند عرصه کار شرق از مدت لایق محاربات شده است و موسم از حد گرم شده حکام نظامی از سبب سکوت و سکون که در انجا منتشر میباشد از حد میباشند در این خصوص آرای مختلف اند — آیا چه سبب است ساز کلوله باری مهیجات جرمن ها چرا بوقوع نمی آیند — آیا مدهای ی ازان چنین کار روائی از امتحان تقویت خط مدافعت روسی است سیان را فریب دادن در باب تجاوز خود یا کدام چیزی دیگر مدنظر لماچون نامه نگار ستر نیوز مقیم پترو گرید می گوید که افواج ی بغرض ایفای وعده که آن بهمراه ترک بعد از سقوط ارض روم بود در قفقاز رسیده اند — این خبر یک قدری اندیشه ناک برای نیا دیده میشود .

کشیده گی مابین یونان و ایطالیه —

لندن ۱۱ ماه می — ۸ رجب —

نامه نگار مارننگ پوست مقیم ایتهنز مینویسد که در تنهاهای پروتی ی مابین یونانیان و ایطالوی ها کشمکش بوبه بوقوع می آید یونان ب تعین حدبندی مستقله تجوز نموده بود لاکن ایطالیه از این کار نموده است — باز یونان در باب تعین حدود علاقه غیر جانبدار ز کرد مگر باز ایطالیه انکار نمود — خط و کتابت تاحال جاری شد —

دورهٔ وزیر اعظم —

لندن ۱۰ ماه می — ۷ رجب —

دردار العوامه مستر اسکویته بیان کرد که اکنون ضروری معلوم نمی شود که برخلاف باغیان آئرلیند تجاوز مزید جابرانه بعمل آورده شود — نیز بیان کرد که دو کمیشن که برای تحقیق اسباب شورش آئرلیند منتخب خواهند شد لارد هاردنك و مستر جستس شرمین و سر میکنزی چامرز شریک خواهند شد لارد هاردنك رئیس آن مقرر خواهد شد —

مستر رید موند تأسف ظاهر کرد چرا که کار روائی تحقیقات بدرجه وسیع کرده نخواهد شد —

لارد ومبورن لارد لفتنت آئرلیند مستعفی شده است — غالباً دیوك آف دیون شاژیالارد دربی بجای لارد ومبورن مقرر خواهد شد — و مستر ینت وزیر آئرلیند منتخب خواهد شد — فرقه نیشنلست بباشندگان آئرلیند استدعا نموده است که تائید تحریك جمهوریت نمایند چرا که از عرصه پانزده سال گذشته در حق آئرلیند از حد مفید ثابت شده است و عوام الناس را متنبه می سازد که اگر بغیر این هر کدام کار روائی که بعمل آورده شد باعث انقلاب فضول و بدامنی خواهد بود — احتمال میرود که عنقریب آزادی کامله را آئرلیندیان مالک شوند .

مستر اسکویته در دبلن —

لندن ۱۲ ماه می — ۹ ماه رجب —

مستر اسکویته شب گذشته بطرف دبلن رفت غالباً او در ابتدای هفتهٔ آینده واپس خواهد آمد —

بیان میشود که فرقه نیشنلست (اگرچه بهمراه آنها مشوره کرده نشده است) یقین دارند که مستر اسکویته در باب تصفیه مسئله هوم رول (حکومت خود اختیاری) خیالات اهل آئرلیند را معلوم خواهد کرد —

رزمگاه شرقی جدید

میگویند که جرمن ها مابین ارزن جان و دیار بکر ۲ لک و پنجاه هزار نفر ترکها را فراهم آورده آنها را تعلیم و تربیت می دهند —

آخرترین خبرها

کارستانهای تحت البحرها

جهازهای که از دست تحت البحرهای جرمنی از تاریخ ۲۵ ماه اپریل تا ۲۳ ماه می غرقاب شده اند از قرار ترجمهٔ اخبارهای انگلیزی :

جهاز تجارتی هالیند موسومه (کاستادم) — جهاز تجارتی برطانوی موسوم به (بریسته) — جهاز تجارتی برطانوی موسوم به (وارس) کشتی جنگی تحت البحر برطانوی نمبر (۲۲) جهاز مسلح برطانوی موسوم به (ایوکینه) جهاز نقیب یك موسوم به (مانتروتیم) — جهاز تجارتی برطانوی موسوم به (پل) جهاز تجارتی ناروی موسوم به (مود) جهاز تجارتی سویدن موسوم به (نیولا) جهاز تجارتی انگلیزی موسوم به (اسی اوف لکنهو) — جهاز تجارتی انگلیزی موسوم به (هنڈیل هال) — جهاز تجارتی سویدن موسوم به (فروستد) جهاز تجارتی برازیل موسوم به (ریو جوفرینکو) — جهاز جنگی برطانوی موسوم به (ریسل) جمعاً ۱۲۴ افسر و ۷۹۰ نفر سپاهیان — جهاز تجارتی برطانوی

موسوم به (اندستری) جهاز تجارتی فرانسوی موسوم (برتی‌دیت) جهاز تجارتی سویدن موسوم به (مارس) — جهاز تجارت انگلیزی موسوم (راوان) — جهاز تجارتی فرانسوی موسوم به (مرمون توش) — جهاز تجارتی سویدن موسوم به (کونیبر) جهاز کبنیٔ وایت استار انگلیزی موسوم به (سمرك) بازمال واسباب جهاز تجارتی انگلیزی موسوم به (سانفرك) جهاز انگلیزی موسوم به (کالنگیرث) جهاز تجارتی انگلیزی موسوم به (دولورتیه) جهاز تجارت انگلیزی موسوم به (نواون) — جهاز تجارتی دولت انگلیز موسوم به (دول کورتیه) جهاز تجارتی سویدن موسوم به (هراد) جهاز جنگی انگلیزی موسوم به (ترال) جهاز دولت فرانس موسوم به (میرا) — جهاز دولت هالیند موسوم به (نیاد فرینه) — جهاز دولت هالیند موسوم به (بو یوژروی) جهاز تجارتی فرانس موسوم به (لونکوبدوك) جهاز بار بردار اطالیه موسوم به (سانت آنتد) — جهاز تجارتی سویدن موسوم به (روز اند) — جهاز برطانوی موسوم به وی سرج) غرقاب لجهٔ فنا گردیده اند .

تلفات افسران دولت برطانوی

از تاریخ ۳۰ اپریل الی ۱۹ ماه می از قرار ترجمهٔ اخبارهای انگلیزی .

اپریل	تعداد تلفیات	می	تعداد تلفیات
۳۰	۱۱۷	۱۱	۳۹
می		۱۲	٤٤
۱	٥٤	۱٥	۳
۲	۳۳	۱٦	۳۳
٤	۱۳٦	۱۷	۲۲
٥	۳۳	۱۹	۱۰٤
٦	۱۷	جمع کل	۸۳۲
۷	۱۱۷		
۹	۸۰		
جمع میزان	٥۸۷		

مقتولین و مجروحین دولتین نیز درین داخلست .

لندن ۱۷ ماه می ۱٤ رجب —

توغاره عثمانی یك لنگر جهاز جنگی برطانوی را برباد کرده است

لندن ۱۷ ماه می — ۱٤ رجب —

ایطالوی ها در باب شکست خفیف خود در ترینتینو اعتراف نموده اند — واستروی‌ها ادعا دارند که آنها سه هزار نفر ایطالوی‌ها را اسیر کرده اند

لندن ۱۷ ماه می ۱٥ رجب

تماشائیکه وقت رسیدن مستر اسکویته بساحل موجود بودند بیان می کنند که مستر مذکور از کشتی مثلیکه از حد مانده و کوفته شده برآمده بود — وانچنین متفکر بیشتر کاهی دیده شده بود — او براه راست بطرف جای سکونت وایسرای آرلیند رفته بود —

مستر اسکویته امروز بعد از چاشت در قلعه دبلن بهمراه سرارت چیمرز و مشفقین الی عرصه دراز گفت و شنید نمود .

۱٦ ماه می — ۱۳ ماه رجب —

(یك فتح عظیم‌الشان فرانسویها)

پریس — اعلان رسمی شب گذشته بیان میکند که فرانسویها مرتفع میوز یك فتح شاندار خورد حاصل کرده اند بقدر ۲ میل خندق های غنیم را بدست آورده اند

لندن ۲۱ ماه می — ۱۸ رجب

پریس — جنك وجدال خوفناك بوردن شروع میباشد اعلان که امروز بعد از چاشت شائع شده بود بیان میکند که جرمنها بوقت تجدید حملجات خود بر مورت هومی نمودند — بر نشیب مشرق کل جد وجهد غنیم کرده شد لاکن بر نشیب مغربی او در حاصل قبضه بر صف اول خندقهای ما کامیاب شد

لندن ۲۳ ماه می — ۲۰ ماه رجب —

در خبر تلگراف پریس که در اخبار تائمز شائع شده است کیفیت جنگ وردن که از وقت ظهر روز شنبه شروع شده است درج میباشد میکند که کوه ۲۹٥ واقع مورت هومی کاملاً از دست فرانسو رامده است که کوه مذکور از گوله باری بالکل تکه شده

۲۱ ماه می — ۱۹۱٦ خبر لندن — بطریق رسمی اعلان شده وقت ۲ بجه سه عدد جهازات هوائی دولت جرمنی بر ساحل مشرق انگلستان حمله نموده قریب یك درجن بم بر مقام نهایت انداخته اند بعضی عمارات شکسته و ۲٥ عدد بم در علاقهٔ (کینت) انداخته تقریباً هیچ هلاك و یك نفر مجروح شده

۲۱ می ۱٦ خبر لندن — از ملك مصر بطریق سر کاری خبر دو عدد جهازات هوائی دشمن بر افواج انگلیزی بر شهر (قمر بم های بسیار انداخته اند اکثر بم ها در محلها افتاده هلاك و سیزده نفر مجروح و از فوجی ها پنج نفر زخمی شدند .

داستانهای جنگ

رستاخیز وردون

اوضاع الم انگیز نواحی بمبارده شده

قصبهٔ « وا » که در کتب جغرافی موسوم به « وادوان میباشد و عمارات فوق‌العاده دهشتناکی که از یکماه بدینطرف آلمان و فرانسه در اطراف آن جاری بود در ابلاغیه های دولـ سه مکرر اسم آن ذکر میشود و این نقطه ابدالدهر در تاریخ خواهد ماند یك قصبه ایست که [illegible] در انجا متوطن و از شهر ۹ کیلومتر (یك فرسنگ و کسری) مسافت دارد .

دو سلسله قلاع جنگی عظیم‌البنیان و دو سلسله استحکامات استراتژی در طرفین این قریه موجود است: یکی قلاع « وا » و دیگ که از حیث دهشت و سطوت در عملیات کنونی شهرت خونین واستحکامات « دوامونت » میباشد .

این قریه کوچك بین این دو عفریت محافظ وردون « پای نظامی در قعر یك دره مانندی نزدیك « کوت دو بواور » و از اولین ساعات این زد و خورد و هول آمیز ترین حادثه روز عالم آرا جنگ وردون « خواهند نامید ناظر مناظر وقایع

كه تا آن ساعت نژاد ادم ابوالبشر چنین حوادث فوق‌التصور آوری را ندیده بوده است .

مزبور یك سره واژگون است . مساكن و ابنیه آن كه بطرز واحی « لورن » ساخته شده بود دیگر وجود خارجی ندارند . گوشه و كنار سقف های شكم دریده و دیوار های برو درامده حریق مشاهده میگردد

اراضی اطراف آن زمین ها بكلی تغییر منظر داده . توپهای كار خصم كاری بدان صفحه نموده است كه آفات ارضی و سماوی توانسته است بدین صورت نم خیز آنجا را مبدل نماید . دی مصفا و باغات پراز سرو و كاجی كه باعث افتخار و عظمت این زیرا بیكشت از تأثیرات توپخانه مانند علفهای نازك درمقابل یك رده نه تنها بزمین ریخته است بلكه درغالب از نقاط اثری هم دیده و تقریبا مشابه یك زمینی گردیده كه مدتها دوچار بزرگترین های آتش فشان دنیا باشد .

كدخدای این قریه مصیبت‌زده « وا » كه حرف آن ابدالاباد با خطوط خون و آتش درافق دنیای متمدن ثبت خواهد بود . وارد گردیده است . مشارالیه موسوم بمسیو « كابریل » و یكی از اهالی وطوع نژاد « لورن » میباشد . این شخص و عیالش از اراضی وطن خود حركت نكرده است مگر وقتی كه آن لازور حكم صریح است كه اهالی بعجله باید فرار كنند وپس از اعزام ۱۴۵ نفر ان خویش كدخدای مزبور ازمیان خرابه و آتش بیرون آمده است . روز گذشته ملاقات وی رفتم . باوجود مخاطرات ومتاعب طاقت كه وی وارد شده است هنوز یأس را بخود راه نداده و در اظهارات وی علائم امید هویداست و سر گذشت غم الكبر راحجین است

۲۱ فوریه پنج ساعت قبل ازظهر بود كه ازطرف خطوط المانها اطراف قریه ما بمباردمان شروع گشت زبانم از بیان توصیف آن است . همینقدر میگویم مثل طوفان حقیقی دور های قبل از خلقت خمپاره و آهن پاره و سرب و فولاد بخطوط دومی قشون واستحكامات ریخت ومانند یك قلعه آهنین بین خطوط اول و دوم ما حایل شد بهیچوجه مقطوع نگردید . از همان ساعت اول نقشه مهاجمه معلوم . آلمانها میخواستند خطوط اول را محصور سازند بدین ترتیب متراكم آتش وآهن را پیوسته بخطوط عقب فروریخته . آنگاه افزوده راهها را بعقب مسدود ساخته خطوط ارتباطیه و آذوقه مقطوع و باحلقه های كلوله مقامات مقدم جنگی و قشونی را بهم دهند .

شد . بمباردمان رشدت وسطوت افزود قلاع وخطوط جنگی توپخانه‌های بزرگ جواب میدادند . بدون لحظهٔ سكونت انواع كلوله‌های كوچك مثل ستارگان آسمان كه دفعهٔ ازمقام خود ساقط میشوند طیاره‌ها عفریت واحیه كه درجو هوا شهب ثاقب بهم میفرستند بهیجان آمده بود وهوای مافوق قریه كوچك بدبخت من كه وندهای غیر مرئی بالهر عنان فلكی دران پرواز نمایند مانند در حال لرزش می بود

غروب وغرش متقطع نشدنی توپ كه مثل یك صدای زلزلهٔ پیوسته باهم اتصال داشت بی اندازه رعب خیز بود وتقریباً روزی چهارهزار كلوله توپهای سنگین بهمان یك نقطه محدود یعنی قلعه « دواه » فرو میریخت زلزال قلوب و آشفتگی حالات درونی مازیاد بود زیرا كه هركس عزرائیل را درمقابل خود میدید وفرار از مرگ كار مشكلی بنظر می‌آمد لیكن هیچكس یأس را بخود راه نمی دادند . زیرا كه مدتها بود مادر نزدیك سرحد ومنطقه جنگ شانهٔ بشانه سربازهای خود زندگانی كرده . قوای روحیه وشجاعت آنها را كاملا اطلاع داشتیم .

خصوصاً خمپاره ها وتوپهای دویست وده میلیمتری المان محشر می كرد ودرست مثل تگرگ كلوله میبارید . ازبین الطلوعین آتش غرو وغرش توپهای دهان فراخ تر ۳۰۵ و ۳۸۰ میلیمتری زمین و زمان را به عذاب آورده ودرست مانند خط زنجیر خطوط عقب را محصور ساخت . ماساعت دردست گرفته وحساب می كردیم . یك كلولهٔ سنگین توپخانهٔ خصم كه میرسید چند ثانیه طول دارد تا بتركد وما میتوانستیم درست بفهمیم مقصداو كجاست . بهرصورت ازتاریخ ۲۳ فوریه اطلاعات مارسید كه خود شهر « وردون » هم درزیر آتش بمباردمان دشمن مستور است .

نهیب صواعق هول بار كلوله‌های چندین خرواری بدون دقیقه تعطیل مزارع وآبادیهای اطراف وعمارات مارا تبدیل منظر میداد وبشدت تأثیرات آن هرساعت زمین‌هارا ازوضعیات جغرافی طبیعی دورمیساخت .

همگی اهل قصبه فرار كرده بودند وفقط من وعیالم ویك نفر منشی من ودشتبان و رفیق او كه پنج نفر بودیم در یك سرداب عمیق رفته و درآنجا شب و روز را بسر می بردیم وبدبختانه محال بود كه بتوانیم از آنجا بیرون آئیم .

یك رشته ازخطوط بسیار مهم تلفون متعلق بقشون كه عده‌ ازمواقع مهمه را مربط میساخت قطع شده بود ویك دسته ازدستجات شعبه تلفون نظامی كه افراد آن ازشجاع ترین شجاعان آنی روز كار بودند داوطلب ارتباط آن شدند كه رفته وخط مقطوع را وصل سازند . ازاین دسته كه بیرون رفتند تنها یك نفر آنها برگشت بلكه كمترین اثری از آثار نعشهای ایشان هم بدست نیامد .

دران سرداب عمیق كه پناه برده بودیم عیالمن برای ما و دوسه نفر صاحب منصبان دیگر كه دران مجاور بودند غذا ترتیب میداد . باوجود آنكه بیرون رفتن مصیبت خبر تلفون چیها دیده ودرس عبرت گرفته بود بازهم بواسطه حس فدا كارانه زنانه خود جرات كرده وشجاعانه ازما بیرون رفت كه غذائی برای ما بدست آورد ودرین مورد مقدرات او را دست خوش هلاكت نساخت .

دراولین حملاتی كه سپاهیان المان برای استیلای بنقطه « ارن » بعمل آوردند بادوربین دوچشم ازیك ارتفاع مخفی تماشا می كردم دراین وجه عساكر المان سه مرتبه متهورانه باصفوف پر و متراكم حمله آورد و توپخانهٔ ما صفوف آنانرا مثل داس درو كرده وزمین میریخت وبازهم دفعه ثانی حمله ور میشدند .

سراشیب‌های تند وجاده‌های سرازیر وسربالا مثل افق‌های بزرك دراطراف دشتستان مامقابل « وتور » حلقه زده متراليوزها وتوپهای ۷۵ میلیمتری درتمام خطوط ودامنه های مزبور صف بندی و دقیقه

ترتیب داده بودند واجساد کشکون شده جوانان متخاصمین مانند تختل‌های سرخ اطراف را پوشانده بودند. آه! چقدر منظره غم افزائی بود. المانها چهارقاره ام انگلیزی را بخود داده بودند. قبرستان زرده! چمن از حزن آمیز که گلهای آن ازنعش نوجوانان جنگ آور ترتیب یافته بود.

وادی ورده مجرای، موز، چنانچه میدانید مرتفع‌ترازنقاط شرق ودر حقیقت مفتاح حقیقی مجرای مملکت فرانسه میباشد.

چنانچه، قیصر ویلهلم، وقشون‌وی اصرار دراستیلا وتصرف این نقاط بنمایند، المان خواهد دید که صدها هزار ازمردان وی بایستی دریاچه سواحل، موز، وسراشیب های گل وباطلاق آغا و، ووتور، درکام نهنگ قبرستان مهیب، وردون، فروروند.

پس ازختم مذاکرات مسیو، کاربل، شرحی ازاوامر حاکم‌وردون راجع به‌بیرون فرستادن اهالی وحتی‌الامکان حمل اموال منقوله واحشام قریه‌ذکر کرده واشعار داشت که بسرعت ارشیو واسناد متعلق به دوائر ودیررا خلاص نموده است.

لوژورنال

خبرهای راجع بترکیا

قوای بحریهٔ عثمانی

از لندن روزنامه برژاویا ویدوموستی خبرمیدهد که دو فروند کشتی جنگی بزرگ از طرز دریدنوت درمعامل کشتی سازی اویش بطور مخفی برای عثمانی ساخته شده ودر شرف انجام میباشد، ودر حال حاضر عثمانیها برای جمع کردن مین‌هادر داردانیل مشغول نشئات زرگی هستند، قوای بحریه عثمانی در صدد حرکت بأطراف بحرمرمر بوده واین اقدامات بامقصود اجرعیانها علاقه‌دار میباشد.

اقدامات انور پاشا

از کپنهاک روزنامه‌برژاویدوموستی خبرمیدهد که آژانس رسمی عثمانی خبرورود انورپاشا وجمال‌پاشارا بمدینه اطلاع داده است مشارالیهما از ورود بمدینه روضه حضرت پیغمبر ص را زیارت کرده و درانجا برای موفقیت عثمانی دعا نموده اند. وباهالی مدینه نان وغیره تقسیم کرده ازانجا عازم مکه شده‌اند، ازقرار اطلاعات واصله مقصود انورپاشا ازاین مسافرت اینست که اهالی آسیای صغیررا بجهاد دعوت نماید. برای این مقصد، انورپاشا در مدینه‌ نزد سای دوحال مسلمانان مراکش، تونس، هندوستان وجاوه‌را یك ضیافه واحترام بزرگی پذیرائی کرده است.

اخبار تلگرافی که روزنامه، نوویه وریمیا، از بکارست رسیده، خبر مسافرت انور پاشا وجمال پاشارا بجهت زیارت مقامات متبرکه تائید مینمایند.

(انور پاشا در بیت‌المقدس)

از بکارست روزنامهٔ، روسکیا ویدوموستی، خبر میدهد که بحسب اشعارات جراید آلمان، بتازگی انور پاشا درمعیت جمال پاشا فرمانده اردوی چهارم عثمانی وارد بیت‌المقدس گردیده درجامع عمراز طرف علما ومشایخ عرب استقبال شده است بطریق یونان نیز بملاقات انور پاشا آمده وازحسن رفتاری که نسبت بعیسائیها در عثمانی اتخاذ شده، اظهار تشکر نموده است انورپاشا درخارج بیت‌المقدس سنگرها واستحکامات را بازدید کرده است.

اعلان

سراج‌التواریخ

جلد اول — و دوم

زندگانی جاودانی هرقوم وملت (تاریخ آنست، (سراج‌التواریخ) آئینهٔ حیات نمای ملت جلیل افغانست، زیرا از آغاز تشکیل وتکون یافتن دولت افغانیهٔ حالیه بحث میراند که برای حال واستقبال ملت‌ درسگاه عبرت، وخوشتر ازین اهداء ملت تصور نمیشود. هرفرد ملت را واجب است که یك نسخهٔ از آن را بدست آرند ومانند حرز در کتابخانهٔ قلوب خودشان نگهدارند. علی‌الخصوص که کتاب به‌همت خاصانه وخیرخواهانهٔ استفادهٔ عمومی بامر وفرمان ذات صفات بادشاه مقدس ما اعلیحضرت، سراج‌الملة والدین، تألیف ودر مطبعهٔ حروفی دارالسلطنه کابل زیورطبع آرایش وتزئین

جلد اول این کتاب ازابتدای سلطنت خاندان ذیشان (سدوزائی یعنی از آغاز تأسیس واستقلال دولت علیهٔ افغانستان تاورود اعلیحضرت امیر کبیر امیردوست محمدخان مرحوم جنت مکان ازهند در کابل وجلد دوم آن ازحکومت خاندان جلیل‌الشان (محمدزائی) یعنی از حکومت اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان تا به اول اعلیحضرت، ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان، طاب ثراه تاریخ‌را جامع میباشد برکاغذ اعلا بحروف نیم‌طبع رسیده است و کتاب مذکور نسبت زینت وخوبی تجلیدآن ازقرار ذیل است

نمبر (۱) پشتی چرمی جرم‌صواری داغه‌دار کابلی بخت‌جهار جدول طلاء کار نشان دولت واسم کتاب از ورق طلای بندی شده مبلغ شانزده روپیهٔ پختهٔ کابلی —

نمبر (۲) پشتی مقوا روبه کیرمانی چهار کنج وزنجیر حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلاءجه سیزده روپیهٔ

نمبر (۳) پشتی مقوا روبه کیره لاجوردی چهار کنج وزنجیر میانی سرخه کابلی بخت‌حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلاء جزء بندی شده یازده روپیه پخته کابلی وده شاهی —

نمبر (٤) پشتی مقوا روبه ابری چهار کنج وزنجیر پشتی کابلی بخت‌حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلاءجه کو شده ده روپیه پخته کابلی وسه شاهی —

نمبر (٥) پشتی مقوا روبه ابری سرخ چهار کنج وزنجیر ونشان دولت ورق طلاء جه کوك بندی شده نه روپیهٔ پخته ویازده شاهی —

محل فروخت

در قفس ارك مبارك که از تحویل‌خانهٔ جناب محمدولیخان

در بازار ارگ از دکان عبدالله خان

چون کتاب مستطاب سراج‌التواریخ چهار جلد میباشد وقایه وشیرازه میشد حجم کتاب موصوف کلان میشد لهذا اعلیحضرت همایون ولا امر نمودند که جلد اول ودوم دریك وقایه شیرازه وجلد سوم وچهارم آن که هنوز درزیر طبع میباشد ازطبع برآمده مقوا کرده شد انشاءالله اعلان فروش آن خواهد شد فقط

در چاپخانهٔ حروفی دارالسلطنه کابل طبع گردید

هرمقاله که دستخط ندارد از طرف مدیر ومحرر محمود طرز

محمود طرزی

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا
یاد آوری میکنیم

مرقدرسی و کوشش کردیم که ازشکایت رسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خودرا تا ایام ممکن نشد لهذا بادا کتخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یك مفاوضه نموده دا کتخانه مشارالیه تقسیم وتوزیع اخبار مارا که بهمه مشترکین کرامها رساند درعهدهٔ همت خود قبول نمود . مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را تبشیر وباد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ نفر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای دا کتخانه بخود شان میرسد .

شرایط خریداری

ولایت داخل افغانستان		دارالسلطنه	
سالیانه	چارده روپیهٔ کابلی	قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی
ششماهه	هشت روپیهٔ کابلی	قیمت ششماهه	پنج روپیهٔ کابلی

در خارج افغانستان
هرجائیکه باشد با اجرت پوست

قیمت سالیانه | ده روپیهٔ انگلیزی قیمت ششماهه | شش روپیهٔ انگلیزی
سه ماهه اشتراك قبول نمیشود
یك طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است از همین قرار حساب کنند

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، وصنعتگران که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، وبا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تاپنج بار نشر وشایع شود برسرهر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تاپنج بار فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر ازپنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریك ستون اخبارها (۳ – انچ – ٤ – سوت) میباشد

هرکه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تایك سال نشر کردن خواهد ووجه یك ساله را پیشکی ادا نماید درورق [illegible] هر سطری [illegible] اجرت گرفته میشود

اعلان

سیاحتنامهٔ سه قطعهٔ روی زمین

در ۲۹ روز

آسیا ✕ اوروپا ✕ افریقا

(مطبعهٔ عنایت) یك اثر دلپذیر جدیدی در نظر هوشکاران عرفان جلوهٔ عرض میدهد ، بدست آرید ، بخوانید درظرف ۲۹ روز یك مدت کمی سه قطعهٔ زمین را باسیاح آن یکجا وهمراه دور وسیر میکنید ، ملکهای زیادی را [illegible] میگذرید مفصل ومکمل جغرافیا وتاریخ آنرا خوانده میتوانید ، چه چیزها می بینید ، چه چیزها میشنوید ، چه لذتها چه سرورها میگیرید ! علمی ، ادبی ، سیاسی درعین زمان شاعرانه عاشقانه هوسات رانگیزانه ـ یك اثر !

این اثر از سه جلد مرکب ودریك وقایه مجلد میباشد . تقریباً (۷۰۰) صحیفه ، وبا (۱۰۵) قطعه تصاویر مناظر عتیقه واشخاص معتبره ونقشه های مهمه مزین است . نسبت بااینهمه خوبیهای آن قیمت (۷) هفت روپیهٔ کابلی آن هیچ نیست . کاغذ اعلا ، چاپ حروف ، تصاویر رنگ رنگ ، جلد محکم واستوار ؛ دیگرچه میخواهید ! هرکسیکه بخواهد از مطبعهٔ مبارکه دردهٔ افغانان به (عبدالرؤف) خان سرمرتب مطبعهٔ مبارکه یادر بازار ارك به (تاز محمد) تاجر کتب در بازار کتب فروشی متصل مدرسهٔ شاهی بدکان حاجی ملا (غلام محمد) خان تاجر مشهور کتب رجوع نموده وبا مبلغ فوق کتاب مذکور را بدست آرید دیگری کارمی ملك

(اعلان)

پراکنده

آثار مطبوعهٔ تازهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت ، از یک مجموعهٔ اشعار ابدار مجدد آثاری میباشد که بکاغذ اعلا ، وخوبی طبع دلربا ، باتصاویر بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است . اگرچه از بحث خط وخال بعید است ولی مضامین وخیالاتش سراسر بیکطرز جدید است . نسبت بخوبیهای ظاهری ومعنویش قیمتش خیلی ارزان . یعنی مقابل (۲) دو روپیهٔ کابلی درخود مطبعهٔ عنایت از نزد عبدالرؤف خان سرمرتب ، ودر بازار ارک از دکان باز محمد ، ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب هرکس خریده میتواند.

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه را مژده ! ازین نوبر رسیدهٔ گلزار « مطبعهٔ عنایت » کام جانرا شیرین نمائید ! « جزیرهٔ پنهان » یک ناولیست که قوت علم ومعرفت وسعی وغیرت را برای اساس زندگانی نوع بشر بنظر آیت وجلوه گر میسازد . هم حکایت ، هم عبرت عمومی ، هم فضیلت ! خوبی چاپ ، خوبی کاغذ ، خوبی تصاویرش علاوه ، قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان ! تنها (۶) شش روپیه محل فروخت نفس مطبعهٔ عنایت در ده افغانان ، دکان باز محمد در بازار ارک ، دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی .

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد
کتاب سال دوم « « « مصور مجلد
کتاب سال سوم « « « مصور مجلد
کتاب سال چهارم مصور مجلد
عز و اسلامیت
آیا چه باید کرد !
ادب درفن
رحیه
مختصر جغرافیای عمومی

این کتابهای فوق در اداره موجوداست . هرکس که آرزوی داشته باشد باداره مراجعت کند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

	قیمت روپیهٔ کابلی
سیاحت ردورا دورزمین بهشتاد روز مجلد	۲
سیاحت درجو هوا مجلد	۲
سیاحت درزیر بحر مصور مجلد	٤
ازهردهن سخنی وازهرچمن سمنی مجلد	۲
روضهٔ حکم مجلد	۲
پراکنده مصور مجلد	۲
جزیرهٔ پنهان مصور مجلد	۶

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوق را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان از نزد عبدالرؤف خان سرمرتب واز دکان باز محمدخان کتابفروش در بازار ارک واز دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی بقیمتهای معینش خریداری کرده میتواند.

واگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوق را بکنند باید به سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند.

اعلان

کتابهای مجلد سراج الاخبار افغانیه ، وکتابچه‌های علاوه‌گان وشماره های متفرقهٔ آن ، وهمه کتابهای مطبعهٔ عنایت خریداران که آرزوی خریداری آنهارا داشته باشند از دکان حاجی ملا غلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی ، واز دکان باز محمدخان تاجر کتب در بازار ارک بقیمتهای معین آن خریداری کرده میتوانند ونیز در خود اداره درمنشیخانهٔ مبارکه ، ودر خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان هم بفروش میرسد فقط

سراج الأخبار افغانیه
۱۳۲۹

شماره ۲۰ سال پنجم

فهرست مندرجات

کر روزهای ذات اعلیحضرت همایونی (

وم وفنون (تشویق عرفان

یه درفوت مرحوم عبدالغفور ندیم)

حوادث خارجیه
خبرهای راجع باوروپا ـ دروردون تصرف قلعه دوامونت ـ پس از رجعت موطن عملیات المان درفرونت
شرق ـ مین های مقناطیسی جدید الاختراع ـ سال رضرر متعین خانه راه آهن مابین ورشو وبکارست
آ وزه برای المان ـ شعبه کارخانه کروپ در شاولی ـ قوت المان ـ خرج وثبات المانها ـ ترجمه از بیسه
اخبار ـ کیفیت غرق شدن کرو ازور همشارزمنه لارد کچنر وزیرجنگ دولت برطانیه ـ افواهات جنگ
بحری جنگ ـ عظیم الشان بحری ـ ضایع شدن دونفر امیر البحر ـ تفصیلات در باب تلفات ـ جدول
امداد کشتی های جنگی برطانی ـ آخرترین خبرها ـ

لان (مزاج التوارخ

تصاویر
از تذکار های تاریخی ـ سیاحت اعلیحضرت همایونی بهندوستان تشریف فرمائی اعلیحضرت همایونی بجامع
شهرپشاور ـ ورود قطار آهن درایستگاه ـ ازمناظر کراچی

اعلان

ازصنایع بروزهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جرن در خانه جات ، ماشین خانهٔ مبارک که دارالسلطنه کابل علاوه ازاینکه حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه مدافعه و اونیفورمهـ عسا کر شاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخل که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که ازحضور اعلیحضرت م حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ، ذیل (دکان عبدالله خان دروازه ارک) میباشد.

(۱) | سرج‌های پشمینه بافی رنگهای مختلف که قیمت آن ازقرار گرانکیزی ۳ فوتهٔ مشخص شده ودر صندوقخانهٔ جنسی هم بفر و

اقسام	قسم اول					قسم دوم					
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم وقطری که قیمت آن ۱۰ پیسه	
رقم	کاملاساخته نشده	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت		٧ روپیه ٥ پیسه	٦ روپیه ١١ پیسه	٦ روپیه ٤٢ پیسه	٥ روپیه ٤٨ پیسه	٦ روپیه ٩ پیسه	٥ روپیه ١٨ پیسه	٦روپیه	٥ روپیه ١٠ پیسه	٦ روپیه ١٠ پیسه	روپیه ٢٥

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکیزی | کشمیره چهارخانه ٧ روپیه ٣٥ پیسه | کشمیره نقشدار هر رقم ٧ روپیه پیسه

۲ جرابها

رقم	نکتائیکه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج
قیمت	١ روپیه ٥٢ پیسه	٤٥ پیسه	٣٦ پیسه

(۳) تکمه‌های چرمی محراب ومنبردار

کلان قدجی	میانه قدجی	خورد قدجی
١ روپیه ٤٠ پیسه	١ روپیه ١٠ پیسه	٥٥ پیسه

(٤) کروره های جدیدساخت

رقم	زه باف یک اسپه دوکره دوتاره	زه باف یک اسپه دو کره سه تاره	چرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ بار تازهٔ عر
قیمت	٨ روپیه و٣٣ پیسه	٩ روپیه و ٢٤ پیسه	٨ روپیه و ٤٢ پیسه	٦ روپیه و ١١ پیسه
رقم	چرم باف دسته‌دولای دواسپه	چرم باف دسته دولایه یک اسپه	دسته دولایهٔ یکی بار اسپ	چرم باف هرکار
قیمت	٤ روپیه و٨٨ پیسه	٤ روپیه و٤٦ پیسه	٨ روپیه و ٢٣ پیسه	٤ روپیه و ٤٣ پیسه
رقم	قبضه رنگی کلیت نقره توبخانه	قبضه کلیت نقره از چرم دولایه توبخانه	زه باف رقم سواری سادی کلیت	زه باف دو کرهٔ رکابی
قیمت	٣ روپیه و٥٥ پیسه	٤ روپیه و٥٧ پیسه	٥ روپیه و ٩ پیسه	٥ روپیه و ٥٤ پیسه
رقم	رکابی ازنج	چرم باف میانه چوب پیت زنانه	اوزن سواری تیغ چرمی	زنانه ابریشمی خاطه
قیمت	٤ روپیه و٤٥ پیسه	٥ روپیه و٨ پیسه	٤ روپیه و ٥٨ پیسه	٥ روپیه و ٨ پیسه
رقم	دسته‌دولای تیغ چرمی	دستهٔ دولامهای رنگی کلیت نقره	اوزن سواری دولایه تیغ چرمی کمک‌دار	چرم باف مابین پیت یک ا
قیمت	٤ روپیه و٤٩ پیسه	٤ روپیه و٤٥ پیسه	٤ روپیه و ٥٩ پیسه	٨ روپیه و ١٢ پیسه

(٥) اقسام گلهای مصنوعی سر

قسم	گل جرین	گل نافرمان	گل پریه	گل شبو
قیمت	٥ روپیه و٣٦ پیسه	٦ روپیه و ٦ پیسه	٦ روپیه و ٧ پیسه	٦ روپیه و ٣ پیسه
قسم	شگوفهٔ نارنج	گل‌نرگس	گل لسترن	چنبیلی
قیمت	٧ روپیه و ٤٥ پیسه	٦ روپیه و ٥٨ پیسه	٥ روپیه و٣٨ پیسه	٦ روپیه و ٨ پیسه
قسم	شگوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	٦ روپیه و ٣٥ پیسه	٧ روپیه و ١٢ پیسه	٦ روپیه و ٥٤ پیسه	٦ روپیه و ٥٤ پیسه

(المشتهر) (میر محمد هاشم دفتری کار خانجات ([illegible])

صحیفه (۱) سال پنجم (شمارهٔ) ۲۰

قیمت سالیانه
دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
ر اطراف داخلهٔ مملکت
با مراعات داک ۱۶ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مراعات داک ۱۰ روپیه انگلیزی
وازده روز یکبار نشر میشود
سخهٔ آن درکابل یکعانه است
(اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود)

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

مدیر ومسئول محرره
محمود طرزی

اداره خانه ومطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه بهاداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ قمری ۱۵ شعبان ۱۳۳٤ تاریخ انگریزی ۱۷ جون عیسوی ۱۹۱۶ تاریخ شمسی ۲۷ جوزا ۱۲۹۵

عسکر پروریهای ذات اعلیحضرت همایونی

تشکیلات جدیده

عسکر چه کلمهٔ متین ، چه عنوان سنگین ، چه لوحهٔ آهنین است
که از درشتی وخشونت آن دل‌دشمنان به طپش ، وهوش شان بپرش
و جسم شان رعشه و لرزش می‌افتد ، وازسنگینی ومتانت آن اعضای
شان راقوت ، و اعصاب شانرا طاقت ، وعروق شانرا قدرت حرکت
لی نمی‌ماند . وبالمقابل قلب وحواس دوستانرا ازشنیدن نام آن چه افکار
ز عظمت واقتدار ، وچه خاطرات باهیبت و شانداری احاطه واستیلا
میکند که دماغ ازدرک حقیقت معنوی آن جهان مناظرعالیهٔ عالم خیال
رفع وصعود می نماید که وجود و شخصیت ظاهری نمیتواند وضعیات
عالی وحسیات قلبی‌را که باامیدهای بلند ، وارزوهای برومندی پر واملا
گردیده اند داخل حیطهٔ ضبط وخود داری حفظ ، وتحت پردهٔ
ستر واخفا پوشیده وپنهان دارد ، لفظ درخشنده وتابناک عسکر آنچنان
یک تأثیر وحرارتی‌را مالک‌است که‌قوای روحیهٔ انسان درمقابل شدت
آن اثره ، وسائق‌ماده‌بیک شورش وهیجان وجوش وغلیان عمومی
صادف نورزد . هر آئینه اشخاصی که نمیتوانند قدر واهمیت
عسکر را قیاس و اندازه نمایند لابد از زبان آوردن این اسم جلیل
وکلمهٔ مؤثر وثقیل بایک حال وجدمانندی که‌ازخود بیخود شده درتقدیر
بزرگی وعظمت وتعریف سهم وهیبت آن محو وفنا شده باشند دوچار
خواهندشد . بلی ! عسکر که گفتند مجسمه‌های باثبات وقار ومتانت
وهیکلهای دبدبات رعب وصلابت ، و تمثالهای زنده و روان توانائی
ومقاومت . وپیکرهای باتاب وتوان عزم واستقامت را درزیر نظرفکر
وملاحظه باید آورد ، عسکر همهٔ تنظیمات وترتیبات نظام قویم واصول
راست ومستقیم عالمرا بوجود آورده وهم جمیع قواعد امن ورفاه عمومی
را باعث وتمامیٔ ترقیات مادی ومعنوی بشریت‌را بانی ومؤسس گردیده
است اگر قوهٔ عسکریه دردنیا موجود نمیبود بی شبهه انسانیت مجبوراً
بایک رجعت خیلی پرسرعت با کمال یأس وحسرت دوباره ومکرر جانب
وادی محو وعدم باخطوه های بسیار فراخی قدم می‌انداخت . و کرهٔ
ارض بیکحال دهشت مآل فلاکت وهلاکت عظیمی میدرامد ، خلافت
بنی بشر ازصحیفهٔ آن بکلی سلب وضایع ، ونسل انسان ازمأواومسکن
اصلی خود سراسرنفی ومنقطع گردیده‌وازاستیلا وتسلط‌وحوش منحوس
وحشت وخونریزی ، وقتل وسفاکی طرف این‌جرم خاکی از شرافت
سکونت انسانی مبرا وخالی ، واز زینت آثار عمران و آبادی محروم
وعاری می گشت .

بوجود آمدن هیئت عسکری دردنیا نه‌چیزیست جدید وامروزی
بل انشای تشکیلات اردوی عسکری وقوای حربیه‌داخل قدیم وکهنه
باید پنداشت ، یعنی ازوقتی که بشریت بجمعیات مختلفه ، وتقسیمات‌جدا
گانه نظم وترتیب یافته وبترقیات متنوعهٔ تهذیب ومدنیت مشغول وملتفت
گردیده ونخستین بار آئین سلطنت وقوانین پادشاهی را اقامه و تأسیس
داده تشکیل اردوی عسکری نیز باآن یکجا و توأم آمده است قوهٔ
عسکریه ازنخست بهر ایفای همین مقصد اعظم ووظیفهٔ الزم ، محتاج‌الیه
دیده شده که‌توسط آن هیئت منتخبهٔ یک‌ملت که‌عبارت ازپادشاه‌ودولت
باشد درانفاذ واجرای احکام واوامر خود رفع‌موانع مخلهٔ واقدامات
مضره که‌برخلاف امن وسکون عمومی وبرضد حفظ حقوق ملی وصیانت حدود
وطنی انگیخته شوند چیره وغالب گردد ، وبذریعهٔ آن اصول موضوعه
وقوانین مشروعه‌را که‌برای ترقی و کامیابی مقاصد واغراض خود انتخاب
واتخاذ نموده درسایر ناس نشر واشاعه دهد . عسکر چنان یک‌تیغ تیز
ران ودرخشانی است که ازتیزی خوددست کسانیرا که آرزو دارند

بشرف و ناموس وطن دست درازی نماید قطع و جدا و بالنده کی ودرخشنده کی خود چشم دشمنانی را که میخواهند بسوی آن پاک نظر حرص وطمع بیند کور واعمی میسازد ، عسکر برای حفظ صحت جسم و تن وطن چنان یک دوا کبیر سریع التأثیری است که با کمال فعالیت وموفقیت همه مکروبهای را که در وجود ملت و مملکت باعث نقص ومضرت میباشند محو وتلف واز دایرهٔ طاهرهٔ وطن آنها را سراسر نفی واخراج مینماید ، عسکر برای اضاعه واعدام ارباب فتنه وفساد ، وطرفداران بغی وعناد که از ارتکاب اعمال سیئة و از اکتساب افعال شنیعه در امن وآسایش داخلی خلل انداز میگردند بمنزلهٔ سم قاتل وزهر هلاهل ، کارگر ومؤثر است حقیقتاً قوهٔ عسکریه در عروق واعصاب دولت وملت مقام رفیع روح ، وموقع عالی ومنیع جوهر حیات را مالک ودارا است ، زیرا درصورت عدم آن نمیتواند یک ملت و ملتی حیات باامن و استراحتی بسر آرد ، بلکه بیوجود منفعت آمودان خیلی صعب ودشوار وبکلی غیر ممکن ومحال است حیث دولتی تنها سرانجام دادن امور لازمهٔ مملکت خودرا تعهد وتکفل تواند . ملتهائیکه قوهٔ عسکریهٔ شان نسبتاً ضعیف ونحیف بوده و برحفظ وادارهٔ قلمرو خودها قدرت نداشته ، وازدست شان کار بینی نظم ونسق امور مملکت سهل ومیسر نیامده اخیراً با کمال یاس وحسرت دیده شده که ناموس ملی وشرف وطنی خودشانرا مجبور بدست ضبط وتسلط اغیار ترک وروا گذار نموده اند ، ومقابل ان ملاحظه میشود که ملتهائیکه دارای یک اردوی برقوت وتوانائی بوده وباخوبترین سلاح وا کملترین تعلیمات نظامی انرا تجهیز و تربیه کرده ، و همیشه دروسعت وافزونی ان کوشیده بالاخر باتمام حیرت وتحسین مشاهده افتاده که دریک مدت اندک برجمیع ملل باقیه عزت وعظمت قومی ، وتفوق ومفاخرت ملی خویش را ثابت ومسلم داشته است . زندگی ملتها عیناً بوجود قوهٔ عسکری مبنی ومنوط است . یعنی هرقدر اردوی عسکری ملتی بیشتر وتوانا باشد هماقدر جلال وجبروت وشوکت وابهت ان نزد همه کسان حاوی ومقتدر ، وصحت جسمانی اش نیز که برهمین قوهٔ معنویه موقوف و منحصر است دائما مکمل ومنتظم ، و همواره در پیشرفت وانفاذ اغراض ومقاصد خود نسبت بدیگران اسبق ومقدم میباشد . وعکس آن هراقدر ملتی از وجود یک اردوی برقوت عسکری محروم وبی نصیب باشد بهمان اندازه درچشم دوست ودشمن حیثیتان کم وقلیل ومانند یک جسدی که حیات روحیه وحرارت غریزیه ازان سلب وضایع شده باشد خوار وذلیل مینماید .

از انجا است که ذات ملکوتی صفات اعلیحضرت پادشاه ترقیخواه عسکر پرور ورعیت نواز معظم محبوب القلوب مقدس ما این همه نکات ضرور ویرا که دران ترقی دین ودولت مستور ومضمراست بقوهٔ فهم وذکای خارقه نمای شاهانهٔ خود حس ودرک فرموده ترتیب وتربیت عسکری وترقی وتوسیع قوای حربی را دروطن عزیز خود افغانستان صانها الله عن الآفات والحدثان از جملهٔ امور لازمه ، ووظایف مهمه که خاص بتوجهات جهاندرجات ملوکانه محتاج است قرار داده اند واز فرط توجه ومرحمتی که درحق عموم عساکر یک لطف و احسان مشفقانهٔ پدرانهٔ می پرورانند فرزند همت بلند ارشد وارجمند خویش حضرت عالی شهزادهٔ جوانبخت معظم معین السلطنه ، سردار عنایت الله خان ، را که یک نوجوان وطنخواه بیدارمغز پرجوش بافکر وهوش ویک ذات جرار کار گذار متین باوقاری است برنظارت امور عسکریه وریاست ادارهٔ حربیه ازطرف قرین الشرف همایونی شان نایل وسزاوار فرموده اند که دایما با کمال صداقت واخلاصمندی وباتمام فعالیت وسر گرمی در تنظیم امورات عسکری ودر حصول رضای سعادت اقتضای اعلیحضرت پدر تاجدار اعظم خود جاهد وساعی است ، وعلاوه برفضایل اخلاق ولیاقت استحقاقی که ذات عالی توسط آن این مقام منیع ومنصب رفیع را کسب وتحصیل نموده اند خلقتاً هم وضع وقیافت شان باصنف جلیل عسکر خیلی مقاربت ومناسبت میرساند زیرا اگر انسان حرکات معززه ومتمکن ، وچهرهٔ متین وباتمکین ، واوضاع پرشوکت ومحتشم واعضای مرتب ومنتظم شانرا ببیند حقیقتاً یک هیکل پرجلال غیرت وحمیت ویک تمثال فعال نظام وعسکریت را درپیشروی خود ثابت وقایم خواهد یافت .

وچون فطرت همایون شاهانه ازابتدا طبعاً بسررشته و سرپرستی کار های عسکری راغب ومایل بوده ازاترو همواره همت عالی نهمت وتوجه جهانقیمت ملوکانه را در نظم واصلاح آن بایک ذوق والتفات خصوصی مصروف و شاغل داشته ، و در اکثر مواقع مختلفه گاهی بهتزیید و افزونی تنخواه عمومی ، وگاه بیکان انعام واحسان باد شاهی وبعضی تخفیفات رفاهی ، ووقتی بهترفیع مناصب ، وترقی مراتب ، وازهمین قبیل اوضاع مرغوب و مناسب دائما قلوب بصداقت مجلوب جمیع افراد سرباز وصاحب منصب را باانوار مراحم خسروانه ، و عواطف ملوکانهٔ خویش پروانه وار گرویده و مجذوب میسازند ، چنانچه درهفتهٔ گذشته بموقع دربار مخصوص عسکری یک جمعیت بزرگی که تخمیناً از (۶۰) نفر صاحبمنصب تشکیل یافته بود به اعطای مناصب بالاتر شان اعزاز واکرام نموده ، وهرکدام را با کمال لطف ومرحمت بلسان فیض رسان شاهانهٔ شان تبریک وتبشیر فرمودند . که درذیل بغرض اعلام واخبار قارئین کرام از عمدهٔ کیفیات این دربار معالی بار و بعده از تفصیلات کلی مراسم احتفال پرشوکت وجلالیکه دردارهٔ عالی جناب فخامتمآب ناظر حربیه باتمام عزو شکوه اجرا یافت بالترتیب بحث وبیان میرانیم :

روز شنبه ۲۴ رجب §

بساعت ۱۱ جمیع صاحبمنصبان عسکریکه خصوصاً بموجب رقعه های خبری اینشنا آقاسی نظامی بدربار معالی بار دعوت واخبار گردیده بودند بابعضی ازشاگردان مکتب حربیه که جدیداً فارغ التحصیل گشته اند دردالان بزرگ سلامخانهٔ عام حاضر ، وهریک حسب مراتب اخذ مقام نموده شرفیابی حضور پرنور اعلیحضرت پادشاه بزرگ خویش را منتظر بودند تابساعت ۱۱ ونیم بعدازانکه امر واحکام حکمت التیام همایونی ازقصر دلکشا بذریعهٔ یک نفر عسکر بجیب سالار رسیده و از طرف جناب سپه سالار سردار محمد نادرخان برطبق حدود وآداب عسکری بحضور عالی شهزادهٔ جوانبخت معظم حضرت معین السلطنه صاحب افخم تقدیم گردیده پس ازوقوف برمضمون هدایات مشحون آن ذات عالی ناظر حربیه درحالیکه سالار صاحب هم بمعیت شان همراهی داشت بسواری موتر عازم قصر

ت حضر دلکشا گردیدند ، چنانچه بعدیك وقفهٔ ۱۰ ، ۱۵ دقیقه
م صاحبمنصبان که داخل سلامخانه انتظار نتیجهٔ آتیه را با اوضاع
شوق وتشویشی داشتند نیز طلب فرموده شدند که همهٔ شان برخاسته
کال درستی وانتظام دو صف متوازی همدیگر کشیده جانب نقطهٔ
مود متوجه گشتند . وپس ازچند دقیقه که در اثنای راه برایشان
رور نمود خودشانرا بصحن برنده مقابل دروازهٔ جنوبی قصر شوکت
زای دلکشا یافته بنابر بولی که از طرف یکی ازافسران بزرگ گفته
باجا توقف ورزیدند . ذات عالی ناظر حربیه نیز همدرین اثنا
موزیکه بعد یك قدم ازصف اول پیشتر بودند ودر عقب شان قدری
جپ سپهسالار توقف داشت یك وضعیت ممتازی بموقع قوماندانی
ر آمده و امر ، تیارسی ، را داده بمجردیکه ذات شوکتسمات
لیحضرت تاجدار اعظم و سر افسر کل اردوی محتشم افغانستان
روازهٔ قصر بسطح فوقانی زینه که بقدر یك بکتیم متراز زمین
ندی دارد باتمام هیبت وشکوه قدم گذاشتند ازطرف ذات نظارتپناهی
ولی ، سلام کن ، باموزیکهٔ دلنواز عسکری سلامی بزرگ شاهانه
ا آورده شد که از حضور اشرف همایون هم بکمال حسن قبول رد
وم اب گردیده بعدها متصلاً بانك امر ، راحت بی ، که ازهمان ذات
ان شنیدوشد ، همگان بیك وضع درست ومنتظمی منتظر بشرف ایراد
صدار احکام و افادات حکمت آیات اعلیحضرت اولی الامر مقدس
ودها شدند چنانچه بعدازیك کمی انتظار سنگین ویك سکوت سهمگینی
ان مشمت پناه بادشاه ترقیخواه عسکر پرور حقایق آ که معظمها
رعایکه بعضی اوراق دردست متانت پیوست همایون شان موجودبود
وم حضار را خطاب نموده بزبان حقیقت بیان شاهانه چنین ارشاد
رمودند که ، چون بیان اشتیاقی این ورقها از خصوص ترتیب وتشکیل
ردوی حضری ما واز کیفیت تجدید ولزوم آن بحث میراند وهم بسببی
کشا ازاصل حقیقت این تشکیل لامحاله کم وبیش واقف خواهید بود
ازاو باز خواندن و اعادهٔ آن محض بیهوده وبی ثمر است ، و بدون
گردانی وتضییع اوقات نتیجهٔ دیگر نمی بخشد . چرا که درینجا مراد
اصل تشکیل است وآن چنانست که والا معین السلطنه وسپه سالار
بود بمشورهٔ همدیگر صورت آنرا ساختند وبعد بحضور آوردند که
برازمذاکره وتحقیق من هم آنرا تصدیق ومنظور فرمودم . وتشکیل
جدید عبارت است ازین که قبلاً چون عسکر حاضرهٔ دارالسلطنه کابل
قطعهای اردلی واردل وکوتوالی ، وگارد السلطنه متشکل ومرکب بود
حالا همهٔ این عسکر بنام ، اردوی همایون ، بدو ، لواء ، که یکیرا ، لوای
اول ، و دیگریرا ، لوای دوم ، گفته میشود تقسیم وترسیم شد . در
لوای اول ، ، غند اردلی ، ، واردل ، ، واسپور ، این هردو غند که بنام
رسالهٔ توواره موسوم است داخل میباشد؛ ودر ، لوای دوم ، ، غند
کوتوالی ، ، وگارد السلطنه ، و ، اسپور ، آن شامل است ! وهم چند غند
ل ازوی این تشکیل در ، لوای اول ، محسوب است مگر بسبیکه
ما که خاصهٔ حضور را حاوی است ازانرو بهمه حال ازدیگر اصناف
به بالضرور خصوصیت وامتیازی را باید مالك باشد [درچنین مواقع
اکثر ذات عالی بیانات همایون را تأیید و تأکید مینمودند] وچون تشکیل جدید اردوی عسکری ما حال از همین دو لوا ترکیب یافت ، لهذا لازم دیدیم که هریك ازین دو لوا درتحت حکم وسرپرستی یك یك افسر بزرگ باشد ، پس جرنیل صالح محمد خان [جرنیل صالح محمد خان ازصف خود جداشده پیشرفت وسلام کرده استاده شد] در ، لوای اول ، بمنصب نایب سالاری مقررشد ! مبارکباشد ! [بنابرین جرنیل موصوف ازین مرحمت شاهانه بمطابق آداب وتعظیمات عسکری عرض تشکرات نموده دوباره بصف ورديف خود شامل گشت] وبرگد محمد یونس خان بمنصب جرنیلی در ، لوای دوم ، مقرر شد ! مبارکباشد ! [جرنیل محمد یونس خان هم حسب قاعده و اصول اولا پیشرفته وبعد واپس بصف خود داخل شد] بعد ذات اعلیحضرت همایون اقدس والا اردوی جدولی که بدست داشتند نامهای افسرانرا بزبان شیرین بیان شاهانه گفته وهر کدام آنها بقرار ترتیبی که ذکر شد نوبت بنوبت ازصف خود جدا گشته واز حضور بمنصب جدید خود نایل شده واپس بموقف اولی خود مراجعت مینمود ، و عیناً نقل جدول موصوف بغرض اطلاع ووقوف حضرات قارئین عظام و مشترکین ذی احترام انشاالله درآینده درج واشاعه میشود .

سپس ذات ملکوتی صفات قوماندان اعظم ، وسر عسکر بزرگ کل اردوی محتشم افغانستان اعلیحضرت بادشاه ترقیخواه رعیت پرور عسکر واز اسلام پناه دیانت اکتناه مقدس ما عموم صاحبمنصبان نظامی را من حیث المجموع باعزاز وترفیع . مناصب شان باکمال حسن نیت وصفوت قلب بلسان فواید رسان خودتبریك وبرابقای وظایف شان تحسین وتقدیر فرمودند . واز جناب سپهسالار سردار محمدنادر خان بالخاصه اظهار خوشنودی ورضامندی نموده همهٔ چاکران بارگاه شهنشاهی را ازالطاف وکرم عمیم ملوکانهٔ خویش نواخته ، واخیراً هم کسانیرا برادا وتکمیل خدمات محولهٔ خودشان سفارش وتوصیه فرموده بدین عبارت ، که باید هریك ازشما در انجام دادن امورمفوضهٔ خودتان بوجه احسن کوشش ورزید ، ودر خدمت دین ودولت باهمهٔ جدوجهد سعی وهمت نموده لازمست متفقاً درراه ترقی دین سروجان خودرا فدا سازیم ، کلام حکمت پیام شاهانه را ختام وانجام دادند .

درین اثنا ذات عالی ناظر حربیه درحالیکه اعلیحضرت بدرتاجدارشان بایك چهرهٔ فرخنده وبشاشی همهٔ حرکات متین ووضعیات سنگین مشارالیه را تماشا میفرمودند ازطرف خود بالاصاله وازطرف عموم بالوکاله بیك لهجهٔ مؤثر وبلیغ بتمام درستی وفطانت بعرض حضور شوکت موفور همایون والا رسانید که ، چون ما خادمان دین ودولت بهیچگونه لایق ومستحق این اندازه تحسینات وتلطیفات شاهانه نمیباشیم ، وتابحال هیچ ادنا یك خدمتی درخور وسزاوار اینهمه عواطف خسروانه والطاف ملوکانه ازما سرزده ، ومقابلتاً ذات شاهانه ما غلامان وچاکران کمینهٔ خودشانرا باینقدر حسن سلوك ومراحم کریمانهٔ بی اندازهٔ خویش تلطف میفرمایند ازانرو مارا است که باهمهٔ موجودیت خودها سروجان خودرا درراه رضای معالی ارتقای شاهانه صرف وتصدق نمائیم ! ، وهم الحمدلله چون

دولت‌ما یك دولت اسلامی است پس برما واجب است که در خدمت دولت خود بمال وجان وتاب وتوان بکوشیم ودر اطاعت و پرستاری ذات اعلیحضرت اولی الامر مقدس خودما که دیناً وقرآناً برما ثابت است سر ازپا نشناخته باهمه قدرت وتوانائی که داریم سعی ومجاهدت ورزیم ومانند دایره . که برنقطهٔ مرکز خود طواف میکند باید ماهم بر نقطهٔ مرکزی خودما که عبارت ازذات مقدس پادشاه است همواره دور وطواف نمائیم وچون نقطهٔ پرکار هیچ وقت سر از اطاعت مرکز بیرون نکشیم ! بازی اگر انصافاً باخود فکر و ملاحظهٔ کنیم ویکقدری اندیشهٔ وتفکر نمائیم آیا کاهی وجود خودها را کاحقه لایق این همه آب وعزت وجاه وحشمتی که داریم خواهیم یافت ؛ هیچگاه هیچگاه ! مگر چیست که امروزه روز هردرجه ومنصب . وتوانگری و ثروتی که نسبتاً بماباید وراجعست همه ازیمن توجهات و برکت فیوضات ذات اعلیحضرت پادشاهی است که بما احسان وارزانی فرموده اند . زیرا ما فی الحقیقت هیچ یك لیاقت شخصیٔ نداریم که خودرا سزاوار آن بدانیم وهیچ کدام حیثیت ذاتی را مالك نیستیم که به آن فخر وغرور نمائیم پس دربصورت می باید که دائماً درحصول رضای شاهانه کوشش ورزیم وپادشاه خودرا مقدس شناسیم وهمیشه ازوی درخوف ورجا باشیم . وبلکه همواره خود را ازلطف ومرحمت به ترس وبیم نزدیك ومقرون بدانیم . چرا که ذات ملوکانه بهتر وخوبتر هرکدام مارا میشناسند . وخاین وصادق هریك را بخوبی ودرستی میدانند . پس لازمکه به محض اضافه شدن این منصبها غره وغافل نشویم ومباید بهیچ صورت ازایفای وظایف خودما فرو گذاشت وصرفنظر نمائیم ! وهیچکدام ما از هزار . یك از تشکرات عاجزانهٔ خود درمقابل اینهمه مراحم عطوفانهٔ شاهانه که امروز ما غلامان جان نثاررا به آن مفتخر ومباهی فرمودند ادا کرده نمیتوانیم پس بجز اینکه سلامتیٔ وجود ذیجود منفعت نمود ذات مقدس پادشاه معظم خودرا ازبارگاه باریتعالی باتمام عجز ونیاز مسئلت نمائیم درمقابل آن دیگر چیزی مقدور مانیست . ولازم همین دعا راجع بفایده وسود خودما است زیرا دیگری کیست ؛ که مارا بهمچنین تلطفات واحسانات مشفقانهٔ پدرانه باوجود چنین حال نالایق ما به اینگونه خیراندیشی وروادار‌ی مرحمتکارانه نایل وسزاوار سازد؛ لهذا بنا برین ملاحظات لازم که همهٔ ما دوراه خوشنودی وتحصیل رضای اعلیحضرت پادشاه رعیتخواه خیر اندیش بزرگ اقدس خویش جانهای خودرا فدا ونثار سازیم . واز درگاه حق سبحانه تعالی باکمال عجز وتضرع استدعا واسترحام نمائیم که سایهٔ رعیتنوازانهٔ این چنین یك سرافسر عسکرپرور رؤف . ویك پدر شفقت گستر عطوف را ازسرما کم وکوتاه نگرداند . ودرتحت ظل سعادت منزل شاهانهٔ شان دین ودولت ماراهرگونه ترقیات مادی ومعنوی نصیب گرداد! [صداهای آمین ازعموم حضار]

واخیراً ذات اعلیحضرت همایونی همه کارا امرواجازهٔ عودت عطا فرموده ومتصل آن ازطرف ذات عالیٔ نظارت پناهی بیکباشی ، تابورمیره ، هردوصف وضعیت عسکریٔ خود شانرا کسب نموده وبعد بانك بولیٔ هیبتناك ، سلامکی ، سلام آخریٔ ذات شاهانه بانواختن موزیکهٔ عسکری ادا گردیده حسب قواعد واصول نظامی همه کان ازحضور همایونی مرخص گشته بمساعت یك برای صرف طعام بدالان سلامخانهٔ عام باهمه‌ترتیب وانتظام عودت نمودند . وحضرت عالی افخمی را خود ذات اعلیحضرت پادشاهی بطعام مخصوص شاهانهٔ خویش اعزاز و تشریف فرمودند ! وبهاینطریق مراسم دربار معالی باربا تمام شوکت واحتشام انجام واختتام یافت .

§

به ساعت ۳ بنابر امریکه ازطرف ذات عالی نظارت پناهی حضرت شهزادهٔ جوانبخت معظم معین السلطنه صاحب افخم قبلاً تبلیغ گردیده بود عموم صاحبمنصبان نظامی بمعیت وهمراهی ذات افخمیٔ شان داخل دایرهٔ طاهرهٔ مخصوص عالی گردیده ودرخیمه وسراپردهٔ بزرگی که بالخاصه برای همین مقصد بیك موقع بسیار خوش آب وهوا اند ، و[illegible] نرم وزیبا ، وچوکی ومیزهای خوب واعلای تعریش وزینت یافته بود وارد گشته متصلاً بمصافحه ، ومبادلهٔ تبریکات ، حسب رتبه وآداب عسکری آغاز شد وهر صاحبمنصب نوبت بهنوبت بدستبوسیٔ ذات جامع الصفات افسر بزرگ وقوماندان اول خویش حضرت عالیٔ افخم مشرف گشته ازحضور مبارك شان هم باادای تبریکات ومسیر تواضع نایل می گردید . چنانچه پس از کمی دیرمهٔ این ترتیبات بانجام رسیده بعدازانکه همه کان فراغ یافتند ذات نظارت پناهی بمقام عالیٔ نظارت خودشان که بیکصورت ممتازی درجبهٔ مجلس بیکچوکیٔ جلیل رنگین ومرتبی که درمقابل آن یك میز بسیار سنگین وملونی کمال شده ترتیب یافته بود باکمال رعب ومتانت جلوس فرموده همه کارا بنشستن امرواجازه نمودند . و بمجردیکه عموم حضار حسب درجات ومراتب برجاهای مناسب وچوکیهای مخصوص خودها اخذ مقام نموده قرار گرفتند . فی الحال به آوردن وصف دادن ظروفیکه دران انواع میوه‌های خشك وتازه موجود بود ، وبطریق شیرینی بمناسبت وتقریب همین روز فرحت اندوز جشن ترفیع مناصب تهیه وحاضر گشته بود آغاز وبعداز نکه همهٔ آنها برسطح میزها درپیشروی هر صاحبمنصب چیده شدند عالیٔ صدر محفل همگنان را بصرف آن اجازه نموده . وجناب سپه سالار را باشتراك درمیز خصوصیٔ خودشان تلطیف فرموده ، درأثنای مذاکره ومکالمه رعموم بطوریك توصیه ونصیحت نطق مؤثر ذیل را ایراد فرمودند .

[هرچند نطق موصوف بهیوستگی وتسلسل که درذیل نگاشته میشود ایراد نگردیده چرا که درأثنای مذاکره ومحاوره واقع‌شده مکرر عبارت واسناد . ومراد وحکمت مفاد آن عیناً ازقرار ذیل است که بغرض استفاده واخذ معلومات قارئین کرام درج میشود]

(صورت نطق عالی)

« این منصبهای جدید برهمهٔ ماوشما مبارك باد ! ذات اعلیحضرت پادشاه معظم مقدس ما نه بنابر اینکه ما و شما در مقابل اینهمه تلطفات شاهانهٔ شان کدام خدمتی لایق وسزاوار کرده ایم بماها این ترفیع ومنصب را مرحمت فرمودند بلکه محض ازروی ذره پروری وشفقت گستری ملوکانهٔ که درحق همهٔ ما وشما یکسان دارند بهاین عواطف خسروانهٔ خویش شمارا نایل ساختند . پس مارا است که باینهمه لطف ومرحمت همایونی دررضای معالی ارتضای اعلیحضرت شهریاری که دران رضای

...رت قدر سبحان هم شامل میشود بجان ودل ساعی وجاهد کردیم ، ...ور هر گونه خدمت پادشاه خواه هرقدر صعب ودشوار باشد با کمال ...لاص وصداقت کوشیده حتی سرهای خودرا فدا سازیم ، ودر هروقت ...وحصول رضای اعلیحضرتش را از هر کار اقدم واسبق شناسیم ! چنانچه ...ین رضامندی که امروز ذات همایونی بلسان گوهرفشان مبارک خویش ...سپه سالار فرمودند من خیلی بی اندازه ممنون ومسرور گشتم زیرا ...سبحانه تعالی بذات پادشاه بزرگ مقدس ما چنان یک فهم وفراست ...وعقل وکیاست فوق العاده عطا واحسان فرموده که صداقت وخدمت ...گذاری هر کسی را بسیار خوب ودرستی درک واحساس میفرمایند ، ...لاما را هم نمیباید که به این مغرور بشویم که ماهم مالک یک حیثیت ذاتی ویک شخصیت مستقل هستیم ، فیما وشما از خود هیچ حیثیتی نداریم اینهمه از حسن نیت وتوجه ذات اعلیحضرت پادشاه معظم ما است که هریک از ما را بدینگونه مراتب ومناصب فایق وعالی فایز ومباهی فرموده اند ، والا ما درحقیقت اصلا یک قابلیت ولیاقت شخصی را دارا نیستیم پس بر ما واجب است که تا مام موجودی که داریم بکمال صفوت واخلاص قلب خودرا درخدمت وحصول رضای شهریار عطوفت آثار مراحم کردار خود ساعی وفدا سازیم تا بتوانیم خودرا لایق سازیم ! همچنین توصیه می کنم که باید در هیچ وقت کبر وغرور را بخود راه ندهید وبا آن وقار ومتانت را هم از دست مگذارید زیرا برای شما خیلی یک چیز ضروریست ولازم که دائما حسب مناصب ومراتب نظامی از حدود وآداب عسکری خود تجاوز نورزیده

اثر کارهای تاریخی

یادگار سیاحت ذات اعلیحضرت همایونی بهندستان

سنه ۱۹۰۷

مراسم احتفال در ایستگاه جمرود

...در ادای وظیفهٔ منصبی خودها جهد وکوشش نماید ، واگر یک کاری ...باشد که ازدست شما حل وفصل آن میسر نباشد بقرار سررشته وقانون آنرا صاحب منصب بالاتر خود بیارید وهمچنان اگر ازوی هم نشود ، وممکن نشد درجه بدرجه بالاتر آمده بعد به سپه سالار بگوئید واگر ازوی هم نشود ومقدور نبود ، بازبمن مراجعت کنید ، والفرض اگر من هم اجرای آنرا محال ودشوار دیدم البته بدست خود آنرا بحضور اعلیحضرت ولی نعمت مقدس خود برده باختیار شاهانهٔ شان تفویض وتسلیم خواهم نمود ! هر کسیکه ازین دستور اطاعت بالادست وصاحب منصب بلندتر از خود در تعمیل امور وقوانین عسکری فرو گذاشت وصرفنظر نماید ، وامر افسر خودرا که موافق باصول نظام باشد بجانیاورد ، لهذا ازطرف من درمورد بازپرس وعتاب خیلی شدیدی خواهد آمد ، وهیچ نمیتوانم که از چنین گناه وعصیان وی عفو وسمح نموده ازاسهل وآسان گذرم ! الحمدلله همهٔ ما وشما یک ملت ، یک وجود ، ویک جنس افغان میباشیم پس چیست ما را که درحق همدیگر خود کینه ومنافرت را پرورانیم واتفاق ومواخات را ازدست داده نفاق وتفرقه را اختیار نمائیم ، وبا برادر همدین وهم وطن هم ملت خویش بغض وخیانت وغدر وخدعه پیش آئیم ، بلکه لازم است همهٔ ما وشما بایکدیگر خود با کمال جوش وحرارت ملاقات کنیم وبه اصلاح احوال خودها بپردازیم بلی دیگران جوش داشته باشند ، ما را چه شده

کنداشته‌باشیم الحمدلله‌در سینه‌های ما جوش اسلامیت وافغانیت وحب پادشاه ووطنیت موجزن است! تا بحال اگرشما از طرف من یکوضع افسرده مشاهده مینمودید بسببی که خودم‌را از خصوص باجندان مسئول میدانستم عدم‌آمرنکب آن چنان یک مسلکی بودم . اما چون کنون خودم‌را بحضور اعلیحضرت پدرتاجدار اعظم خود مسئول یافتم از امروز من بعد قسم بزرك توجه خویش‌را بکارهای صنف ظلمای بیشتر ا بیشتر مبذول وملتفت خواهم ساخت وهرحرکت جزئی و کلی شمارا بایک نظر غور ودقت تحقیق وملاحظه خواهم کرد . وآگاه باشید که اگر از شما قدر یک سر موهم غدر وخیانت ملاحظه کنم ، باشما بیکوضع بسیار خشن ودرشتی پیش خواهم شد . زیرا در چنین معاملاتی که دران شائبهٔ خیانت باشد من هیچکاه ضبط وخودداری نمیتوانم وفی‌الحال خائن‌را باپنجه‌های پولادین مؤاخذه مینمایم . وبی‌اختیار مجبور میشوم که کسیکه مرتکب همین قبیل اعمال شنیعه گردیده باشد یك آن اورا بآتش قهروغضب بسوزم . بلکه در خصوصها بخود شاهم گویتی معلوم خواهد بود که من درهنگام باز خواست چنین امور تاچه اندازه شدید البطش میباشم . اما نباید کمتهایی خصلت مرا از نظر طبیعی من قیاس واطلاق نمائید . چرا که نزد من تعقیب چنین مسلک یکی از خاصیات عدل وشعار داد گری است وهم هیچ صاحب انصاف از حقیقت این امر انکار نمیتوانکرد ، چنانچه مقارن اینوقع مثل

کذا

تشریف فرمائی ذات اعلیحضرت بجامع در شهرپشاور

بخاطرم آمد ، که عینا برای شمایان میگویم درعهد سلطان محمود(رح) کسی ازخواص بارگاه همایونش بعرض رسانیده وبیکطرز لطیف ومناسبی این مطلب‌را ادا کرد که چون حضرت سلطان مرا کثرمواقع عمال‌خودرا بکمال شدت مؤاخذه مینماید ودر سایرمعاملات خیلی کاوش وتحقیق میفرماید ودر همه مسایل مالی که مخرج پادشاه توجهی میباشد بحدی دربازپرس آن شدت وحدت بهم میرساند که هر کس برخود میلرزد الادر بیقدر سختگیری چه حکمت خواهد بود که نزدیک است حالا بعضی اشخاص سلطان‌را بظلم اتهام کنند ؛ که‌نداران سلطان بجوابش التفات فرموده گفت بلی ! مرا این همه شدت‌را برای آن مجری میدارم تا ازبیم آن نتوانند ظلما وستمکاران برباجگیران دستیابند ومال عبدا بجبر غصب نمایند . وظالمان نتوانند بر اراده و آرزوهای ظالمانهٔ شان موفق و کامیاب آیند . پس در ینصورت خود حکمفرما که این شیوهٔ عدل است یاطریق ظلم؟! حضرت مولانای روم در مثنوی خویش میفرماید

عدل چه بود وضع اندر موضعش　ظلم چه بود وضع در ناموضعش

پس عروضی کمالی و موقع ، مناسب باشد آنرا عدل باید گفت وهم ، همه شمارا نوید وبشارت میدهم ، باینکه اگر بینم که شما در صداقت وجان نثاری حسب آداب وترتیبهٔ عسکری در راه خدمت پادشاه وهدی میهن خودها کوشش ورزید البته بالضرور سزاوار حسن عطای

از طرف من بمکافات خواهید رسید . مگر چون این یک قاعدهٔ عمومیه و تجربه پیوسته شده است که ثمره و نتیجهٔ هر خوبی و نیکی قدری بتانی و دیرتك بروز میشود درین صورت بی‌شبهه تا به وقتی که با انعام و اکرام خود نایل نشوید یك انتظار قلیلی بهمه حال شما لازم خواهد شد . مگر تحقیق بدانید که تخم صداقت و اطاعت را اگر در مزرعهٔ قلب خود کاشتید اخیراً اثمار حلاوت بار آنرا خواهید خورد هرچند در انتظار رسیدن آن مدتها گذرد و رنجها کشیده آید ! و بالمقابل خداوند ما و شمارا از خیانت به پادشاه و ملت حفظ فرماید زیرا دانهٔ اعمال زشت و قبیحه خیلی زود بار آور و ظاهر شونده است ! ذات اعلیحضرت اولوالامر متبوع مقدس ما چون با در حق ما رحیم و مهربان و باهر گونهٔ لطف و احسان شاهانه مورد شمارا قدردان میفرمایند و یك توجه مابه الامتیازی متعلق به امور نظامی مصروف میدارند و همه وقت خاطر ماها گران کینهٔ خویش را بایك نوع مرحمت و التفات خصوصی مملوکانه شان مراعات میکنند . پس باید ما خود یك قدری فکر و تأمل نمائیم و سر بگریبان خود کرده ببینیم که آیا ما حقیقتاً لایق و قابل اینهمه ترقیات و تلطیفات همایونی شان هستیم . یا خیر ؟ بعد خود بخود بما روشن خواهد گشت که فی الواقع حیثیت ما ازین همه قدر و منزلتی که ذات اعلیحضرت پادشاهی محض بنا بر یك حس رحم و شفقت کریمانهٔ خویش بما نهاده اند خیلی پست و ادنا است ، و اگر یقین ندارید و باور نمیکنید بیائید باری خودتان را ازین منصبی که در اینجا دارید جدا و بیگانه ساخته در یك مملکت اجنبی دیگری هرچند که یك دولت اسلامی باشد فرض کنید ، و باز به لیاقت خودها ببینید و انصاف فرمائید که آیا ارکان ادارهٔ حربیهٔ آن دولت کسی یکی از شماها را هم چنین منصبها که فی الحال بیمن فیوضات پادشاه عسکر پرور و بدولت کثیر خویش در وطن عزیز خود دارید مقرر خواهند نمود ! چرا که یك درجه و لیاقت و یك حیثیت شخصیت غیر معمولی را که دلیل دعوی و استحقاق ما ها شود مالك نیستیم ، پس چون صورت معامله چنین است لازمست که باهزار زبان شکر نعمت حضرت حق سبحانه تعالی را بجا آورده که وجود شهریار ما را الحمدلله که ما را در آغوش وطن مقدس ما و در تحت سایه ترقیات وایهٔ ذات قوی درجات پادشاه خیرخواه بزرگ معظم خود ما با کمال عزت و فرحت ، آسایش و راحت داده است ! یگانه سفارش من بشما اینست که باید هر کدام شما مطابق اصول و آداب نظامی در تمامی سررشته های عسکری و در تبلیغات افسر بزرگ تر از خود را بکشید ، و اگر بخلاف آن عمل پیدا گردید البته بر شما لفظ عسکر را اطلاق نباید کرد ، و یکقلم از صفت عسکریت محروم و عاری خواهید ماند ، وغیر از ان مثلا چون بموجب امر و ارادهٔ ذات اعلیحضرت پادشاه اسلام پناه مقدس یك نفر کپتان مقرر کرده شد ، پس در صورتیکه یك عسکری یا یك نفر صاحب منصب ما تحت وی حکم او را قبول نکرد گویا فی الحقیقت حکم پادشاه را اطاعت نمود که توسط آن نمونه اند بخدای خود عصیان ورزیده است زیرا اطاعت به امر پادشاه مسلمان بر عموم مسلمین از طرف حضرت حق سبحانه تعالی فرض گردانیده شده است و چون اولوالامر زبان مقدس خود کسی را بدیگران حاکم ساخت حکم همین شخص هرقدر چند در با یك آدمی باشد از روی لحاظ و حفظ حقوق اولوالامر بر همه کان فرض و واجب میگردد ! تازمانی که از دست من ممکن و میسر آید در تربیه و اصلاح عسکری خواهم کوشید و با کمال فعالیت چنانکه خود من مدام الامر کمك جزئی وکلی شما خبر گرفته ، و اگر ملالی ببینم آنرا با تمام قوت و توانائی خود دفع خواهم کرد ، و این عملیات من در نظر هر کس ناپسند آید هر قدر که از دستش مقدور است در منع آن صرفه نکند ، و اگر اخیراً دیدم که نمیشود بحضور پادشاه و ولینعمت و بادار خود ایستاده شده همهٔ احوال و کیفیت خود را عرض کرده سپس برأی رزین شاهانه معاملهٔ خود را محول و مفوض خواهم نمود ! سر افسر بزرگ اردوی هر ملت پادشاه آنست حضرت حق و قدیر مطلق جل و علا ، ذات اقدس اعلیحضرت همایونی را بعلم قدیم خود در ازل لایق و سزاوار تخت و دیهیم سلطنت ملاحظه برما پادشاه و اولوالامر معین فرموده است ازآنرو اعلیحضرت او آمر همهٔ کارها و ادارات عسکری و ملکیهٔ ما است . پس جای بسیار فخر و مباهات است که ما و شما را در تحت سرافسریٔ شاهانهٔ شان بر مناصب عالی نظامیهٔ خویش فایز فرموده اند لهذا ما را باید که بشرف و مفاخرت وجود منفعت آمود پادشاه ترقیخواه معظم خویش مقابلتاً دولت خود را از همهٔ دولتها اول و عسکر خود را از همه عسکرها اکمل سازیم و یأس و نومیدی را هیچ بخود راه نداده باتمام موجودیت خود یعنی باهمهٔ تار و پود و هست و بود خود ما در تحصیل رضای سعادت اقتضای ذات مراحم آیات اولوالامر اقدس اعظم ، و اب اشفق ارحم خودها و ترقی وطن و ملت ، و دین و دولت خویش سعی و کوشش ورزیده ، از بارگاه حضرت ایزد سبحان در اجرا و اطاعت اوامر و احکام سعادت انجام شاهانه ، و تعمیل بر طبق و موافقت الافادات و ارشادات حکمت آیات همایونی شان که هر کدام آن برای ما به منزلهٔ یك هدایت و بصیرت است باهمهٔ امتثال و استحسان توفیق و توان آرزو و مسئلت نمائیم ! »

[درین اثنا که هم نطق عالی طبعاً ختام پذیرفت و هم از سماع و مذاکره فراغ حاصل شده بود خبر حاضر گردیدن موقع عکس گرفتن هم که از آغاز انعقاد مجلس در باب ترتیب و تنظیم آن بامور عکاسی حکم شده بود بحضور مبارك رسید ، که بنا بران بموجب امر صدور محفل عموم صاحب منصبان از جایهای خود برخاسته بمعیت عالیهٔ شان بموقع باصفای خوشنمائی که برای عکس اندازی باصول منتظمی ترتیب و زینت یافته بود قدم نهاده ، در حالیکه ذات نظام پناهی در وسط ، و عموم افسران باطراف شان صف بستهٔ شوکت گشتند ، وضعیات مختلفه یعنی در حال قیام و جلوس چند شیشه تصویر گرفته بعد از آنکه از انداختن عکس بکلی فراغ دست داد ذات عالی با عموم حضار بر خاسته دست بدعا بارگاه حضرت خالق یگانهٔ بیهمتا جل و علا با تمام صدق وصفا برداشته سلامتی وجود ذیجود مراحم نمود اعلیحضرت پادشاه ترقیخواه حقایق آگاه دیانت اکتناه معظم محبوب القلوب مقدس افغانستان را رجا و استرحام نموده و اخیراً عموم حاضرین را امر عودت عطا فرموده بساعت پنج همهٔ مراسم احتفال فرح فال عسکری که در نفس دایرهٔ عالی فراهم گردیده بود با کمال راحت و سرور و فرحت و حبور به پایان رسید !

[محرر اداره (عبدالرحمن) که مأموراً حاضر مجلس بوده]

تشویق عرفان

جهان بگشتم و دردا بهیچ دار و دیار
نیافتم که بجز علم و مکتب بسیار:
شود ترقیٔ دولت ، سعادت ملت؛
رود هلاکت وذلت ، نظام یابد کار!

آری ، آری ! ممکن نیست . زیرا از چیزهای بدیهی وآشکار . انکار کردن ممکن نیست !! اگر بگوئیم که آیا اروپا چرا بر تمام قطعه‌های روی زمین مستولی شده توانستند ، وشرق را زبون خود ساختند ؟ بجز همین امر بدیهی وآشکار ظاهر وهویدا دیگر جیزی گفته ودیده نمیشود که علم وفن آموختند ، وازآن قوت وزور حاصل کرده بردنیا مستولی شدند ، وشرق را زبون خود ساختند !

درشرق دولت (ژاپون) را چرا زبون خود نتوانستند بسازند ؟ حال آنکه دولت چین که درپیش پیٔ (ژاپون) افتاده سه‌چهار برابر دولت (ژاپون) بزرگتر است ! آیا ازین سبب نتوانستند که بوقت وزمانش بیدار گردیدند ، وبیك جهد وجهد بلیغی که انسانرا حیرت میدهد بکار آغاز نهاده دربرههٔ بسیار قلیلهٔ خود را بدرجهٔ مکملیت اوروپا رسانیده توانستند . وان را نکردند مگر به اینکه درهمهٔ علوم وفنون وصنایع وتجارت وفنون حربیهٔ بریه وبحریه . اوروپا را تقلید وتعقیب کردند ، وبسوی تقلید وتعقیب شعشعه های ظاهریٔ اوروپا — یعنی بلاهای فیش وعشرت ، وسفاهت اوروپا هیچ جرخ هم نخوردند . وضعیت عقاید واخلاق وعادات وطرز معیشت وپوشاك خودرا هیچ تغییر ندادند . هرچه که کردند مکتب‌های طرز جدیدرا که منبع ترقی وماکینت اوروپا بود افزونی دادند . تحصیل ابتدائی — یعنی خواندگی ونویسندگی — راصورت جبری عام ساختند . وقتیکه درملك ژاپان درآئید بزرگترین ومزین‌ترین بناها وعمارتها مکتبهارا خواهید دید ، عمارتها وخانه‌های وزراو بزرگان شهر در نزد آنها کلبه‌های بسیار محقری معلوم میشود . صدها صدها شاگردان ژاپانی در مکتب‌های فنون حربیه وبحریهٔ اوروپا رفته درفنون بحریه بدرجهٔ انگلیزها ، ودرفنون حربیهٔ بریه بدرجهٔ آلمانها عالم شده باز آمدند . وامور صنعتی وتجارتیٔ داخل اصلیٔ خود شانرا باصنعتهای نفیسه وتجارت واسعهٔ اوروپا آمیخته کرده وتطبیق داده ازاعلا ترین دولتهای اوروپا درخصوصها پا کم نیاوردند . آیا اینها همه ازچه شد ؟ همه از مکتب وآموزش ، همه ازسعی وکوشش !

حالا یکدفعه بامریکا نظر اندازیم : — « مکتب » نام ماشین خانهٔ آدم سازی درجا هر منطقهٔ امریکا . آنچنان یك میدانگاه معرفت ، وآنچنان یك بنیان مدنیت شمرده میشود که منزله قدر وقیمت آنرا ، ورتبهٔ اعتبار وحرمت آنرا دیگر هیچ چیزی ندارد .

« مکتب » درنظر اهالیٔ امریکا سنگ نخستین بنای دولت بزرگ جمهوریت شانست . « ویلیامز » نام‌رئیس شان ، واشینگتن نام‌رئیس شان که اساس وبنیاد مدنیت امریکا را وضع نموده اند . وصیت ونصیحت اول وآخرشان همین بوده که : — « رعایارا بخوانانید ! » .

تحقیق که مردمان هوشیار امریکا درباب مکتب میر ورانده ، یگانه موجب افزونی وبسیاریٔ واردات وعایدات مالی امور معارف شان شده است . همه حکومتهای متفقه که ازان حکومتها یکدولت مستقلهٔ آزاد قوی‌بنیاد باشوکت وعظمتی بوجود آمده است دراول امر که تأسیس حکومت نموده اند یك حصهٔ زرکار زمینهای متحده را برای « مکتب معارف — یعنی ماشین خانه‌های آدم سازی — » ترك وتبرع نمودند . ازین بخشش جوانمردانهٔ معارف‌خواهانهٔ حکومت ، آنچنان میدانهای واسع وفراخ ومزرعه‌ها وعمارتهای شاهانهٔ کاخ . از بهر « مکتب » های عرفان منابع بوجود آمده است که مساحهٔ سطحیهٔ همهٔ اراضیٔ زمینهای مخصوصهٔ مکتب‌های متحده امریکا مساحهٔ سطحیهٔ تمام مملکت فرانس را افزون گذرد .

دربعضی ولایتهای حاکمنشین امریکا ، یك‌ثلث تمام حاصلات مالیات آن ولایت بمکتبها ترك کرده شده است . اهالیٔ آن ولایت نیز چون این عدل واحسان حکومت را مشاهده نموده اند بغیرت آمده توانگران ثملك ومعارف خواهان ملت جمعیتها تشکیل داده اند . واعانه‌ها — یعنی چنده‌ها — جمع آورده اند ، ودر پهلوی مکتبهای موجوده مراکز دیگر مکاتب افزوده اند .

مثلا : « بوتنام » نام‌یك توانگر عرفان پروری درولایت « من » برای انشا وبنیاد دادن یك « مکتب عالی » یکدفعه (۳) سه لك روپیه میدهد . ودریك طرف دیگر ، چند نفر از اهل خیرات ومبرات جمع آمده برای بازنمودن یك « مکتب عالی » درشهر (نور ویچ) مبلغ (٤) لك و (۲۵) هزار روپیه درمابین خود انداز میکنند . ودریك سوی دیگر محترمی ، که یکی از سوداگران اهل خیرات عالی جناب دست سخا وتکرانهٔ خودرا دراز کرده برای آنکه درشهر « نیورك » برای دختران صغیرهٔ ملت یك مکتب بسیار محتشم ومعظمی ساخته شود مبلغ دو ملیون — یعنی (۲۰) لك روپیه هبه می کنند .

در (امریکا) عزت واعتبار یکه معلمه‌ها ومعلمهای مکتبهای ابتدائیه دارند ، ودرمیان جمعیتهای علمیه وغیره مقامهای بلندی را که آنها فرا گرفته اند دلیل روشن وظاهریست براینکه اهالی آن سرزمین هم آئین بتدریس وتحصیل تاچه درجه محبت ومفتونیت مفرطه دارند ! بصنف معلمین ومعلمات مکاتب ، از وزیرها ورئیسهای روحانی بیشتر بنظر حرمت ورعایت می‌بینند . درامریکا ، معتبر ومشهورترین علما وادبا قلم ، ونامدارترین محررهای باذوق بنوشتن وتألیف دادن کتابهای سبق دادن اطفال مکاتب ابتدائیه افتخار می کنند . جریده‌ها ورساله های هفته وار وبسیار مشهور امریکا بسیاری از ستونهای صفحات خودشانرا برای مقالاتی که برای روشنیٔ ذهن اطفال بکار آید

ل فخر مخصوص نموده‌اند . حالا آنکه جریده‌ها ورساله هائی که رف برای اطفال مخصوصست بیش از صدها متجاوز است . وهریك ران جریده‌ها ورساله ها بهزار ها خواننده ومشتری هم دارد . تنها بشهر (بوستون) درسنهٔ ۱۸۴۷ یك رسالهٔ بنام (کاغذ بچه) بنشر آغاز نموده درسنهٔ ۱۸۶۱ — یعنی چار سال بعد از انتشار آن ، (۳) ر خواننده ومشترك پیدا کرده است !

زهی ترقی ! وانچیزی که باید اینجا نقل کرده آمده‌ام واقعه‌ایست که پیش از پنجاه وپنج سال واقع شده است . تصور شود که آیا این تخمهای فشانده کی شان تاحال چه خرمنها خرمنها حاصلات ومنافع بار آورده باشد ! چیزیکه معلوماست همینقدر است که درهمین جنك عالمگیر حاضره طلاها ودینار های خزینه‌های قمرتاب اوروپارا پرزه‌های پارهٔ آهن ون کنید ، ودارالصناعه های امریکارا یك یك کتلهٔ جسیمهٔ مقناطیس !

حالا بشنوید که ترجمهٔ شعر یك شاعر مشهور فرانسیسی را که معروف ه — (ویکتور هوغو) ست ، واز شعرا و حکماء مشهور عصر وزدهم میباشد درپیشگاه نظرتان عرض کنم :

این منظومه‌را (ویکتور هوغو) بعداز سیاحت وگردش زندان نظم آورده بوده‌است : بشنو !

« مربچهٔ وطن را که خواننده کردی ، یك آدم بوطن افزودی ! ومربچهٔ را که جاهل گذاشتی ، یك آدم ازوطن کم کردی !

« باپك دوست خود (زندان) را زیارت کردم ، در صدی نود ز بندیهارا ناخوان ناویس دیدم که در مدت عمر خود یك بارك هم هیچ کدام بمکتب قدم نگذاشته اند !

« امضاء — یعنی دستخط — شان عبارت از یك نقش چلپا کشیدن یا سر انگشت خودرا بسیاهی مالیده وضع نمودن میباشد !

« این است که آن بیچاره‌ها درمیان تاریکی جهالت پوشیده مانده‌اند آنها بامید اینکه یك چاره برای زندگانی خود بیابند به بیراهی رفته‌اند . چراکه جهالت یك راه مظلم و تاریکیست که انسانرا در گردابی که آن را بی بند میاندازد . درو قتیکه عقل وحکمت زایل شود ، ناموس جنایت بعدم آباد فراموشی غلطان غلطان میرود !

« حضرت خلاق کائنات که همهٔ موجودات را خلق وتألیف فرموده مرغهای تیز پرواز افکار انسانهای عاقل‌را که بروی این کرهٔ زمین ست لایعقل افتاده‌اند ، درصحیفه‌های کتابها گنجانیده‌است ! هر آدمی که یك کتابی را بکشاید ، درانجا یك پروبال میباید که آن پروبال طایر روح انسان اوهام خیال ، پروازهای آزاد را مالك میشود ، وبسوی عالم این حقیقت سرراست بلندشده پرواز می‌کند ! (مکتب) چنانچه یك مکان قدسی میباشد ، همچنان یك دارالامان هم هست ! درزیر هر حرف کتابهای الفبا که بچه گکهای خورد ، باانگشتهای کوچك خودشان می‌کنند یك نور فضیلت میدرخشد ، دماغ ، درزیر پرتو این ضیا آهسته آهسته بروشن شدن روی نهد ! پس چون چنینست ، بچه گکهای کوچك‌را کتابهای کوچك کوچك ظریف بدهید ! مشعلهای معارف را در دستهای خودشان گرفته پیش بروید که آنها همشمارا پیروی کنند ، واز تاریکی رهائی یابند .

« زیرا تاریکی ، خطاها را ، وخطاها جنایتها را تولید می‌کند . محروم ماندن از شرف تحصیل وتدریس ، انسانهارا بدرکهٔ حیوانات تنزل میدهد که ازتعیین خط حرکت خود عاجز باشند و بیراه روند ! آری آری : افکاررا باید روشن بسازیم ، نخستین ومقدس قانون ما همین باید بود ، باتمامی قوتها وموجودیتهای خود بدرخشان ساختن شمع معارف کوشش ورزیم ، ذکا ، همیشه درظاهر شدن و تجلی نمودن استعداد وقابلیت دارد ، چنانچه تخم بباز شدن ونشو ونما محتاج است افکار نیز بروشن شدن عرض احتیاج می‌کند ، اگر انسان متفکر نباشد زندگانی نمی‌کند ، اگر مادهٔ نباشد معناً بهمه حال برای محکوم میشود !

« حال آنکه این دزدها واین قاتلهای جنایتکاررا که درین زندان نالان و گریان وازحیات بی نصیب وروگردان می‌بینیم ، هیچ شبه نیست که نزیشان حق صریح داشتند ، آنها را خوب باید بیندیشیم ، مکتب مس را طلا می‌کند ، حال آنکه (جهالت) طلا را به اسرب تحویل میدهد .

« من می‌گویم ، که این دزدها ، یك لشکرهای بسیار درخشان ویك فکر بسیار مستعد ، بلکه یك گنجینهٔ جانثمال بودند ، حال چون باین احوال مردوچار شده‌اند ، ازژرفترین اعماق دریای سفالت وبیچارگی ، بسوی ما‌ها — که طالع ما بسرما دور میخورد ، وروزهای دنیا بما تبسم می‌کند — درباب این فلاکت دوچار آمدگی خودسراسر حق بدست دارند که ازما حساب بپرسند .

« من می‌گویم ، که اینها انسان بودند ، اینهارا ما وحشی ساختیم من می‌گویم ، که ازحال ایشان ما میباید خودمارا قباحتمند بدانیم ودرین ازو در افتادن آنها دل بسوزانیم — ، من می‌گویم ، که اصل مقتولها همین قاتلها ، واصل مسروقها ، همین سارقها میباشند — ، من می‌گویم که مسئول حقیقی جنایتهائی که کرده اند خود آنها نی ، بلکه چون مشعلهٔ حقیقت‌را ازآنها جمعیت بشریه پنهان کرده‌است ازانسبب مسئول حقیقی جمعیت است ، — من اینها را بدبخت میشمارم ، زیرا جنایت اول برینها اجراشده‌است اینها خوانده نشده‌اند — یعنی هیئت اجتماعیه‌روح آنهارا میرانده است ، ویك حق بزرك آنهارا غصب کرده‌است . (انتها)

ای اهل وطن عزیز ! (سراج الاخبار افغانیه) باحالهٔ قوه وقابلیهٔ خود — یعنی باجمله اوراق جراید ناشره ومبدل افکار ، و گفتگوی بسیاری کرد ، نتیجه برهمین قرار یافت که بدون افزون شدن مکتبهای عرفان ، وروشن شدن افکار واذهان چارهٔ نجات وترقی درین عصر و زمان برای قومها وملتهای دنیا نخواهد بود ، ازین است که از آغاز انتشار خود تاحال بزبان دری ، بزبان اخلاق ، بزبان ادبی فریادها وآوازهای رقرق بلند کرد وهنوز هم خواهد کرد ؛ اما چه فائده « لقد اسمعت لوناديت حياً ، ولكن لاحياة لمن تنادی » .

یکبار تصور شود که اگر ماها هم بیش ازین بدرجهٔ جهد وسعی ژاپونها یا امریکائیها کمر همت بسته میبودیم و روزنه‌های روشنی بخشا ومشعله‌های رهنمای معارف ومکتبهارا زودتر می‌افروختیم ، وصدها صدها

اولاده‌ی وطن‌ما صدها صدها علم وفن می‌آموختند ، ومانند نحل‌های عسل بهرطرف دنیا پرا کنده شده وخلاصه‌ها وشیره‌های کتبهای صنایع وفنون مختلفه‌را گرفته بازپس بشان دیشان وطن مقدس خود عودت میکردند . حالا چه سعادتها چه ترقیها نبود که ما بآن نایل وسزاوار نمیشدیم ! بازهم وقتست .. هروقت خوش که دست دهد مغتنم شمار ، گفته بکار آغاز باید کرد . (استقبال) را اگر خود بیرانی هیچوقت نمیمیرد . زمرقائل که (استقبال) را میمیراند همین است که میگوییم ودنیا بی مرشما چه دنیا چه سراب !...

آخر ترین کلامها بازهمین است . وهمین خواهد بود :

اولاد وطن را بخوانانید

حالو استقبال خودرا بیندیشید

(مرثیه در فوت مرحوم)

عبدالغفور

(ندیم)

(رفت از عالم گل باغ معانی رفت حیف)
(رفت وجویبار زندگانی رفت حیف)
(ردل ارباب دانش داغ حسرتها نهاد)
(رفت شمع انجمنها رایگانی رفت حیف)
(سردشد ایات خدارا گرمی بازار گل)
(عندلیب گلشن شیرین زبانی رفت حیف)
(چون نه گرید دوستان امروز برحال ندیم)
(بازنیاید بار دیگر جاودانی رفت حیف)
(آمدو زین سست محمل کاروان هستیش)
(جانب ملک عدم از دار فانی رفت حیف)
(پیش ازین اگرچه خود بیداری بود فریادرا)
(پیرنا گشته ندیم اندر جوانی رفت حیف)
(شاعر شیرین کلام ماهر لفظ متین)
(شهسوار عرصه کامل‌دانی رفت حیف)
(آنکه گل میکرد از تقریر او کاهی سخن)
(چون صدف یاران گهر پاصدنشانی رفت حیف)
(ما زعمرش آرزوی استقامت داشتیم)
(زود پیاشد بسر آمد روانی رفت حیف)
(محرم وصلش اشد (مذنب) بهنگام وداع)
(درحجاب خاک ازچشم نهانی رفت حیف)

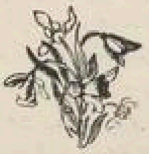

حوادث خارجیه

خبرهای راجع باوروپا
وردون
مکتوب ازخطوط آلمان

ازنیویورک

هشت نفر ازوقایع نگاران بیطرف که ازان جمعچهار نفرامریکائی میباشند روز یکشنبه ۵ مارس اجازت حاصل کردند که بخطوط آلمانها دراطراف وردون بروند بدواً قصد وقایع نگار ما این بود که چند روز درفرونت جنگ توقف نمایند لیکن ناگهان حکم شد که بهرلن مراجعت کنند یکی ازوقایع نگارهای مزبوره که (ون ویگند) نام دارد شرحی بنیویورک وارلد تلگراف می‌کند بدین تفصیل ازنزدیک وردون باتوپخانه آلمان درتپهای شرق قلعه دواموند مورخه ۵ مارس ژنرالهای آلمان حالا یاد گرفته‌اند که چگونه حیات سپاهیان خویش را حفظ نمایند بعوض آنکه هزاران نفررا مانند سیل مامور گرفتن یک موقع غیر قابل تسخیر نمایند حالیه اول صبر می‌کنند تاتوپخانه راه را کاملا صاف نماید در این موقع که بنوشتن این راپورت اشتغال دارم در فرونت وردون نسبتا سکونت وآرامش برقرار است . آلمانها بطور کندی وآهستگی اما منظما مشغول پیشرفت هستند آلمانها بایک نظم وترتیبی که مخصوص خود شان است حملات خودرا بسمت وردون متوجه میدارند وبرای هرحرکت وجنبشی یک نقشه کامل طرح مینمایند . وعلی الظاهر هیچ عجله وشتاب ندارند .

دراین مسافرت هادی ما یک نفر کاپیتان ارکان حربیه ولیعهد آلمان بود مشارالیه مارا در نزدیکی (ایتن) ملاقات کرد اما در دشت وئر در ابتداء جاده واقع بود که مواقع فرانسویها در آنجا فراز تسلط داشت وغالبا مارا مورد شلیک خود قرار میدادند از تپه ۳۰۷ و ۳۰۶ جنب . وردون . که سنگرهای ابتدائی آلمان واقع بود تا چند میل مخوف صحرائی را مشوالستیم مشاهده نمائیم . درجلو سیمهای خاردار هنوز دو نفر سرباز فرانسوی باشلوارهای قرمز باقی مانده بودند . این دوسرباز مدتی بود کشته شده بودند وسرآنها از بدنشان مقداری دور افتاده بود همین که ازمیان جنگلهای لوشوم عبور کردیم بیک محل رسیدیم که ازقلعه دواموند کمتر از یک میل مسافت داشت . قریه دواموند هنوز در تصرف آلمانها میباشد هر یک شخص ازخط سرقشون مهاجم آلمان حرکت کند ملاحظه می‌کند که تلفات آلمانها دراین جنگ نسبتا کم بوده است . توپخانه آنها راه را برای پیاده نظام وقشون مهاجم تهیه کرده است جنگهای اطراف وردون مثل سایر جنگهای فرونت غرب غیر مرتب شخص هرقدر بخطوط جنگ نزدیک میشود کمتر چیز می‌بیند در حرکت ازکنار باطریهای بسیار توپخانه گذشتیم . تاحال در هیچ یک

زنتهای جنگ من این مقدار توپخانه ندیده‌ام . بعضی از توپها را پوش وفراست تمام مخفی وپنهان داشته بودند . بعضی از آنهارا آشکار نهاده بودند چنانچه گوئی آسمان بپایان فرانسوی را بچیزی نمی‌شمارند وپهای عظیم الجثه بسیار برای عمارت دمان و تسخیر قلعه آورده اند . دریک نه یک باطری از توپهای بی اندازه و در امتداد جاده یک قطار توپ برای شلیک اشتغال دارند . همین که قدری ساکت می شوند ماده ای از آنها وارد میشویم که مجدداً شروع بشلیک میکنند . تزلزل اضطراب هوا تقریبا کلاههای ما را از سرمان برمیدارد .

تصرف قلعه دوامونت

یکی از دیده‌بانها که صاحب منصب موزره‌ای بود مرا اجازت داد که وربین برفوت او را نگاه کنم . دوامونت که یک قریه کوچکی میباشد بکلی خراب شده است . این قریه در تصرف آلمانها است اما هنوز فرانسویها در مدخل آن یک سنگر سختی دارند . فرانسویان کوشش میکنند بتوسط عمارت دمان دو اومونت را برای آلمانها غیر قابل توقف نمایند در این حال که مشغول تماشا هستیم یک خمپاره در خرابه‌ها محترق میگردد وقسمتی از قریه مزبور در ابر دود وغبار مستور میشود .

قلعه که در مرتفع ترین نقطه سمت شمالی ور دون واقع می باشد در تصرف آلمانها است واین نقطه برای توپخانه خیلی بحال آلمانها مفید است : آلمانها صبح زود قلعه دوامونت را بتصرف در آوردند . آتش هولناک آلمانها پیاده نظام فرانسوی را از مواقع خویش بیرون راند آلمانها با دقت مه واتش توپخانه خود ۳۰۰۰ نفر را که از دزبان بیست وچهارم براندنبورگ تشکیل یافته بود نزدیک جنگی اوردند

کذا

ورود قطار راه آهن در ایستگاه

را از طرف فرمانده آلمانی حکم شد که توپخانه عقب قلعه دوامونت را پیاده کنند تا قوای امدادیه برای مستحفظین فرانسوی نرسد . آلمان پیاده‌نظام بر قلعه حمله کردند ودر مقابل از طرف قشون فرانسه مقاومتی ظاهر نشد در خود قلعه ۵۰ نفر بود با یک صاحب منصب توپخانه که از ۶۰ سال تجاوز است .

صاحب منصب توپخانه ملتفت نبود که آلمانها نزدیک شده اند وقتی دیده بان فریاد کرد « آلمانها آمدند » از توپچیها دو نفر تلف شد . وآن دو نفر هم بیرون رفته بودند که خطوط تلفون را تعمیر نمایند صاحب منصبان پیاده نظام خارج قلعه درسنگر بودند . علی الظاهر همین که توپخانهٔ آلمانی شلیک کرد صاحب منصبان خواستند مراجعت بقلعه ولی راه را بسته دیدند وچند دقیقه بعد که گذشت بقلعه رسیدند مگر وقتی که آلمانها آنجا را بتصرف در آورده بودند مدخل قلعه قدری نزدیک بآتش فرانسویان است که جز در شب عبور و مرور ممکن نمیشود .

پس از رجعت بوطن

برلن - کشتی معروف «موه» که پس از چند ماه مسافرتهای پرخطر وارد بندر «ویلهمشافن» گردیده وعدهٔ از اعضاء بحریه انگلیس را با مقداری طلا همراه بغنیمت آورده بود رسیدن کشتی مزبور موجب یک مسرت فوق العاده گردید .

پس از انتشار راپورت مسافرت که معادل ۵۸ هزار تن جهازات مؤتلفین را غرق واسیر ساخته وعلاوه در سواحل انگلستان مین‌ها را کنده نموده است اهالی با وجد وشعف ملاحان وفرمانده او را پذیرائی کردند .

خبر ورود کشتی معروف مزبور با سرعت فوق العاده در آلمان انتشار

یافته واستقبال شایان از آنها بعمل آمد .

دونفر صاحب منصب فرمانده کشتی به نشان صلیب آهن درجهٔ اول وسایر عمله جات بهنشان صلیب آهن درجهٔ دوم مفتخر شدند در بندر مزبور به صاحب منصبان ، مو ، حکم رسید که باردوگاه عمومی رفته وبحضور قیصر شرفیاب گردند وامپراطور میل دارد که با آنها صحبت کرده وحکایات مسافرت وعملیات آنانرا شفاها از ایشان بشنود .

عملیات آلمان درفرونت شرق

روزنامه « روسکی اینوالید » مینویسد که آلمانها در ساحل غربی خلیج ریگا تدابیر احتیاطیه بکار برده وعملیات بزرگی اتخاذ میدهند که قوای روسیه نتوانند موقعیت حاصل نموده وقشون بخشکی پیاده کنند .

حصار های محکم کشیده وخندقهای بزرگ ترتیب داده اند وسیمهای خاردار تعبیه نموده اندوان جبهه را بواسطه تلفون وسایر وسایل ارتباطیه با مراکز پشت سر اردو های خود اتصال میدهند بطور عموم آلمانها برای حرکاتیکه درفصل بهار از طرف روسیه انتظار میرود خود را حاضر ومهیا می کنند وتدابیر لازمه را پیش از وقت اتخاذ مینمایند .

در جبهه دوینا در اطراف اوکشتادو جناح یمین سنگرهای « دوینسک » عملیات بسیار بزرگی از آلمانها مشاهده میشود . ظاهرا المانها در این حدود مشغول ترتیب وتدارکات لازمه هستند درقبال فرونت روسیه فقط عملیات معمولی تشبثات جریان دارد . درجبهه جنوب غربی تشبثات المانها نسبه بیشتر وسخت تر است . درآنجا کثرت مصادمه دردست قوای روس است .

راه آهن مابین ورشو وبکارست

نظر باشعارات جراید برلن ، درمابین ورشو وبکارست حرکت قطار های راه آهن شروع شده است .

اذوقه برای المان

از « دوبروجه » خبر میدهند که مجددا در رومانیا پانصد هزار واگن گندم وآرد برای المان تدارك کرده اند این روزها مقاوله نامه امضا خواهد شد .

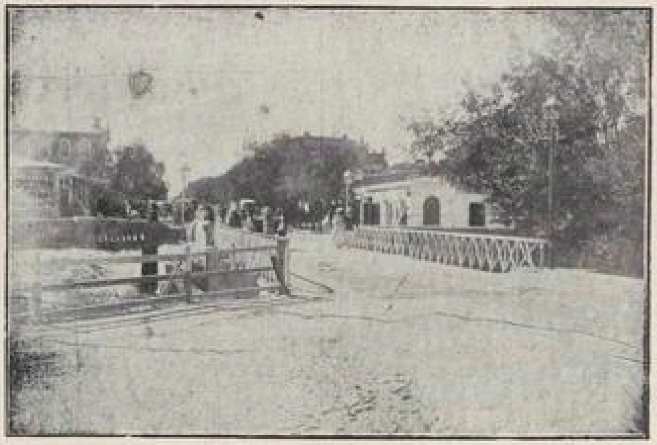

از مناظر کراجی

مین های مقناطیسی جدید الاختراع

در روتردام تصور می کنند که کشتیهای موسوم به (توبانیا) و (بالامیان کو) که اخیرا غرق شده اند ، به مین های الکتریکی جدید الاختراع المان مصادف شده وازاثر مینهای مزبور متلاشی گردیده اند .

سال برضرر متفقین خاتمه می یابد

برای دشمنان المان سال بعدی خاتمه می یابد دربین النهرین یکدسته قشون انگلیس تباه شده است درمقدونیه قشون انگلیس وفرانسه ازخاك صرب عقب نشسته اند وعلاوه براینکه نتوانسته اند به صربهای دلیر کمکی نمایند خود شان هم درخطر هستند . اعتبار متفقین در شرق نزدیک درهم شکسته شده ودر شرق اقصی تکان خورده ومتزلزل گشته است .

عموما کمال نظر قهقرائی براوضاع ۱۲ ماه اخیر جنگ نظرافکنیم ملاحظه می کنیم که فیروزی وموفقیت المان درمیدان جنگ نظیر فتوحات لوئی ۱۴ یا ناپلیون کبیر بوده است . لهستان وصربی ولیتوانیا را المان فتح کرده وبا اسلامبول راه باز نموده وبلغار را باخود همراه ساخته است درسمت مغرب ازپیشرفت حملات مختلفه متفقین ممانعت نموده واز زمان انعقاد جنگ های فلاندر به منفعت المان خطوط جنگی بحالت ساکنی مانده اند .

لیکن اظهار این مسئله لازم است که درمشرق ودرمغرب فتح المان بوده است درفرانسه ودربلژیك المان متعهد شد که ازپیشرفت دشمن خود جلو گیری نماید وچنین کرد از روسیه قصد کرد که ورشو را بگیرد وقشون روس را از کارپات بدان سمت معین براند ونقشه خود را انجام داد . اخرالامر متوجه بالکان شد وبا سرعت برقیه فتح قطعی حاصل نموده .

دراغاز سال جدید المان ومتفقین وی هنوز قائم ومظفراند ووضعیات ی شان از سال قبل بهتر است .

شعبهٔ کارخانه کروپ در (شاولی)

زپترو گراد خبر میدهند که برحسب اطلاعاتیکه از امرای جنك دست امده است . در شهر « شاولی » یك شعبهٔ از کارخانه کروپ فتتاح یافته است . امرای فرانسه واهالی بوس درانجا کارمی کنند .

« اجیق سوز » ۳۰ – ٤ ربیع الثانی

خبرهای راجع باوروپا

قوت المان

وقایع نکار فرانکفور تزیتونك روزیکشنبه ۵ مارس خبرداد که زفرانسویها درووردون تقریباً ۶۵۰۰۰ قشون تلف شده است.

ودرخاتمه میکوید :

دشمنان ماقوای المانرا درووردون ۱۷ دیوزیون تخمین میکنند. ل ماه آنها خبرنخواهیم داد . که قوای ماچه اندازه است اما همین در خاطرنشان مینمائیم که حملات ما در ووردون فقط یك عده قلیل ز قوای مارا مشغول میدارد بطوریکه درسایر نقاط فرونت جنك روف نخواهیم میتوانیم مقام تعرضی داشته باشیم چنانچه درشامپان هم این مسئله ت شد این مقام عالی باید درتمام امپراطوری المان منعکس گردد وجمیع طرفها آنرا درنظر داشته باشند . مادر ووردون خسته نشدیم وعادت نیست که مثل هرزوفر دستجات سواره نظام برای حمله حاضر کنیم . همچنین عادت مانیست که متوقف وساکن درمواقع خود بمانیم چنانچه فرانسویان درشامپان کردند . رؤسای ماقشون المانرا زور عقب نکاه میدارند والا المانها تلفات زیادرا متحمل کرده پیش میروند قبل از آنکه موقعشان تثبیت کردد :

مورخه ۸ مارس

از جراید قفقاز

عزم وثبات آلمانها

(فلسفهٔ فعالیت در جنك وردون بیانات یك صاحب منصب آلمانی)

(پتروف) محرر معروف روزنامهٔ « روسکویه اسلوو » درمقاله خیر خود عظمت حیرت انگیز جنك وردون را موضوع بحث قرار داده ضمنا اظهارات یکی از صاحب منصبان آلمانی را درین موضوع مندرج داشته است که نظر باهمیت جالب توجه وغرابت آن ذیلا ترجمهٔ مقاله مزبور میپردازیم ، پتروف میکوید :

حملات آلمانها درجبهه وردون ، عین همان جریان دهشتناکی است که درسال گذشته اردوهای المان در فرونت روس بموقع فعلیت کذاشتند در آنموقع آلمانها از امتداد فصل زمستان استفاده کرده بر قوای خود افزوده وبایك مهارت استادانه از راههای متعدد بطور تحقیق موافق دلخواه خود توپهای صحرائی وتوپهای سنکین قلعه کوب آورده بودند ، نتیجه این شد که بافوران آتش فشان عدیم النظیر جنك درگالیسیا وکوههای کارپات مانند سیل دهشتناك آتشین بنای هجوم به اردوهای روس کذاشته آبادیهای آن مرزوبوم را بادهات وقصبات انسانها گله های مواشی ، وهرچه را که درمعبر جریان خود تصادف میکرد ، از میان برداشت . اینك درابتدای بهار امسال نیز آلمانها عین نقشه را درحدود فرانسه بموقع اجرا کذاشته ومیخواهند بعجله هرچه تمامتر از طرف وردون خود را بپاریس برساند وبدین وسیله بفرانسه ها بنای صلح انفرادی بگذارند . مطبوعات بیطرف وبعضی ازمحررین نظامی مااظهار حیرت وتعجب میکنند که المانها چه ملاحظه این خطرا برای عملیات خود اختیار کرده اند . درصورتیکه مسافت وردون تاپاریس خیلی دوراست ودرخطوط جنك فرانسه نقاط متعددی که بپاریس نزدیکتر هستند موجود میباشد حتی درخطوط مزبور عدهٔ فرسخها ووستها بلکه دهها اینچ میشمارند ، ولیکن خود المانها مطلب را بطور دیکر تصور می کنند ، مثلاً یکی ازصاحبمنصبان المانی که درعقب خطوط جنکی نهر (دوینا) اسیر روسها شده ، درین موضوع بیانات جالب توجهی تقریر نموده است که خلاصه آنرا دراینجا نقل میکنیم ،

درضمن مصاحبه باصاحب منصب مزبور اظهار تعجب شد که المانها چه ملاحظه وردون را برای عملیات خود انتخاب کردند . صاحب منصب المانی تبسم غرور آمیز خودرا پنهان نکرده واظهارات ذیل‌را نمود :

آیا جای تعجب است ؛ درینجا بهیچ وجه مطلب تعجب آوری نیست . شما روسها ضرب المثل دارید که (ارزان است ولیکن پوسیده وگران است لیکن خوب) این نکته‌را میدانید که بعضی چیز های ارزان آخر الامر گرانتر از چیز های گران تمام میشود و گاهی ممکن است که یك راه نزدیك ، انسانرا ازمقصد دورمی‌سازد . اینجا است که گفته اند : (آهسته برو تازود تر برسی) اینك وردون درمقابل اردوی المان مانند شاخ گاو یکنوع برآمده‌گی پیدا کرده ومارا تهدید می کند . حالاشما چه تصور می کنید آیا این شاخ‌را درهمان مرکز رها کرده واز طرف دیکر پیش رویم ؛ البته اگر مطابق همین تصور است درخطوط دیکر ماپیشقدمی اختیار می نمودیم ، درآنصورت این شاخ ازپشت سرمابنای فشار می کذاشت . درموضوع تنقیدات عملیات اخیر المان .

صاحب منصب المانی سر خودرا تکان داده کفت : شما غریب آدمهائی هستید . در ادارهٔ ارکان حرب ما روزنامه های دشمنانرا بدقت خوانده واز اظهار حیرت شما تعجب می کنند . تنقیداتی که درخصوص عملیات ما گفته ونوشته میشود ، یکنوع حماقت ولااقل بی لزوم وبی فائده است . خوشبختانه ماتا کنون فقط بطوریکه خودمان میدانیم رفتار کرده ایم وشماهم راضی بوده باشید که تاحال ازاقدامات ما نتائج بدی حاصل نشده واز عملیات خویش ناراضی نیستیم .

اظهارشد که صحیح است شما نتائج خوبی گرفته اید . ولیکن آیا میدانید که این نتائج برای شما بچه قیمتی تمام شده اند ؟

صاحبمنصب اسیر مجددا تبسم کرده کفت : بچه قیمتی ؛ قیمت یعنی چه ؟ اگر تحصیل موفقیت لازم است ، درآنصورت مسئلهٔ قیمت دردرجه سوم واقع میشود . حالا همه چیز درهمه جا گران است . پس چه جای تعجب است که فتح وغلبه نیز گران تمام شود ؛ بلی ، جنك بین المللی همین است . غلبه یك متاع ارزانی نیست . کسیکه غلبه میخواهد بهر قیمتی که باشد باید آنرا بدست بیاورد . موفقیت فقط بامصارف فوق التصور وباتلفات مافوق حد و وصف حاصل تواند بود . حالا تنقید کنندکان اظهار حیرت می کنند که المان هاچکونه بادستجات بزرك هجوم کرده ودهها هزار تلفات را متحمل میشوند . آری ، ماده هزاران تلفات درمیدان جنك ازدست میدهیم ودرعوض آنها صد هزاران قوای تازه

آورده بلافاصله در حملات خویش مداومت مینمائیم وبطرف مقصود شتافته از کشتها پشتها ترتیب میدهیم . وبغیر ازین ترتیب هم نمیتوان کار کرد . اصول محاربه تغیریافته وبیك مقیاسی رسیده که بالطبع میزان تلفات هم باید تغیر بیابد:

یقین بدانید که اگر یك مملکتی بیش از سایر ممالك دنیا بوجود نفرات انسان محتاج باشد همان مملکت آلمان است وباوجود هرفردی ازافراد قشون خودمانرا خیلی غنیمت میشماریم فقط چه توان کرد که دهانهٔ توپهای اژدر مثال خیلی وسعت یافته ونهنك خون آشام جنك بااشتهای عجیبی دهان گشوده وباید برای طعمه این جانور های آدمخور مقدار خوراك افزوده شود . جنك عمومی در آغاز بشکل یك گرك خونخواری جلوه گر شدواینك منظر یك پلنك مهیبی را بخود گرفته است .

درمیدانهای جنك ازطرف دشمنان هزاران توپ تدارك میشوند این توپها ملیونها گلوله وخمپاره میریزند که اغلب آنها از چندین پوط تاچندین خروار وزن دارند . الات قتاله وادوات مشتعله دشمنان فوق تصور وخیال است درمقابل این فوران آتشفشان جنك یك سیل مواج انسانی لازم است واگر این (دوالکن) محاربه را کسی نخواهد بایك تلفات قلیل استقبال نماید . مثل این است که کوه آتشفشان را باآب پاشهائی که مخصوص آب دادن گل وگیاه میباشند . مقابله کرده باشد . مانمیخواستیم چنین کار مضحکی را نمایش بدهیم ، درمقابل آتش شدید دهشتناك دشمن ، ستونهای عسکر باید جلو روند . یاما باید بمقصد برسیم ویا بسنگ مغاك هلاك بیفتیم .

این نکته هنوز مجهول مانده است . هرساعت حتی هر دقیقه خیلی گران است بلکه هر ثانیه یك قیمت بزرگی دارد ما تمام ثانیه ها را در نظر دقت گرفته واز چشمه های بزرك قشون سیلهای انسانرا روان کرده باجریان این سیلهای خروشان پیش میرویم . وازهم شما میگوئید که این نتائج برای ما گران تمام شده اند آری . خیلی هم گران است . فقط باید دانست مغلوبیت ازینهم گران تر است . ازینرو همان چیزی که درنظر دیگران گران تصور میشود ، درنظر ماپس ارزان است ، ما برای نفع خویش میجنگیم . شما بدانید که ما درصرف قوای خود بطور سبك مغزی وبی تدبیری رفتار نمی کنیم شمائیکه درهمان حینی که مارا تنقید می کنید . خودتان رابیك معرکه نکشید . اصول تعلیمات مکاتب قدیم جنگی بکار امروز نمیخورد . عالم حیات ترقی یافته . روابط و مقتضیات زندگانی برطبق اصول تکامل تغیر پیدا کرده ، و اصول مبارزهٔ حیات نیز تبدلات مخصوصی حاصل نموده است .

محرر روزنامه ، روسکویه اسلوو ، پس ازنقل شرح فوق میگوید . خیلی احتمال میرود که دراغاز بهار امسال . نظیر حملات وردون وهمان جریانیکه قبل ازحملات مزبور سابقا درفرونت گالیسیا بوقوع پیوست ، مجددا ازطرف المانها در میدانهای روسیه بطور شدت بنای تقدم بگذارند .

ترجمه ازپیسه اخبار
کیفیت غرق شدن کروازور (همشائر)
بهمراه (لارد کچنر) وزیر جنك دولت بریطانیه

شمله ۷ جون

برای جناب ویسرای ازطرف وزیر هند بتاریخ ۶ جون سنه ۱۹۱۶ این تلغراف ذیل موصول شده است

(کمند رانجیف) بنهایت غم وغصه خبر میدهد که جهاز جنگی (همشائر) بهمراه کپتان ازولارد کچنر وارکان حرب او که باجهاز مذکور روانهٔ روس بودند در اثناء راه بایك مین یا بارپیدو در جهت مغربی جزائر (ارکینز) غرق کرده شد . بحر دران وقت طوفا امیز بود . اگرچه مدد فوراً فرستاده شد لاکن هزار افسوس ک هیچ یك جان رهائی داده نشد .

(همشائر) یك کروازور زره پوش اخرترین سیستمها بود کوزن آن (۱۰۸۵۰) تن بود این جهازدر سنه ۱۹۰۲ تا سنه ۱۹۰۵ ساخ شده بود ودران چهار طوپ هفت انجی وشش طوپ شش انجی موجو بود . رفتار ان در ساعت بیست وسه ونیم ناٹ بود . و ۶۵۵ جمهور جهاز را حاوی بود وبمبلغ (۸۶۶۵۲۷) پوند ساخته شده است

لارد کچنر یك حصار سلطنت بود که ضایع گردید . خبروفات ا در (شمله) یك صدمهٔ کلانی رسانید . علی الصباح افواه الناس اشتهار که سلطنت را کدام صدمهٔ بزرگی رسیده خواهد بود چرا که بیر بیرقهای دولتی را سرنگون کرده شده دیدند . وبدو بجهٔ روز بعد مردمان معلوم گردید که یك افسر فوجیٔ بسیار اعلی درانگلست مرده خواهد بود . بعد ازان یك اعلان مختصر سرکاری از دفتر مختلف جاری گردیده که خبر وفات لارد کچنر ازانگلستان موصول شد است وبعد ازان بطور سرکاری اعلان گردید که کروازور همـ همراه این سپاهی بهادر غرقاب لجهٔ فنا گردید پیش از چند سال کچنر درهندستان (کمند رانجیف) بود . ودر فنون جنك افسری کمتر کسی ماهرتر بود این هم ازاتفاقات عجیب است که لارد کچنر ماه جون سنه ۱۸۵۰ پیدا شده بود ودرهمان ماه جون امسال در سنه ۱۹۱۶ در شمال غرق گردید که باین حساب ۶۶ سال ازمرحلهٔ زندگانی طی نمو است واین هم یك سخن عجیبیست که باوجود اینقدر رتبه وعزت که حاصل کرده بود درمدت عمر خود زن نگرفته بود ومجرد مانده بود .

آخرترین خبرها ازترجمهٔ اخبارهای انگریزی
افواهات جنك بحری

لندن ۳۱ ماه می ۲۸ ماه رجب

اخبار تلغرافی رویتر که ماهی گیران داده اند شائع نموده است ظاهر میشود که جهازات جنگی بریطانیه که دیگر جهازات را بطر جنوب زیر حفاظت خود میبردند درراه بهمراه کشتی های تحت البحر جرمنی برسرپیکار آمدند ودرحین کشمکش یك جنك تیز وطرار واقع آمد بعدازان جهازات مذکور غائب شدند ـ نتیجهٔ جنك معلوم نیست

(جنك عظیم الشان بحری)

ندن ۲ ماه جون ـ سلخ رجب ـ

اعلان رسمی بیان می کند که جنك بحری بتاریخ ۳۱ ماهی رجب) بعد از جانب سواحل شیتلند بوقوع آمد مقدمة الجیش ری برکشته کروزر های جنکی وچند لذکر دیکر کروزرهای ه وکلان وچهار لذکر جهاز جنکی نیز رفتار مشتمل بود ـ دسته زات جنکی جرمنی بهمراه دستهٔ کشتیهای جنکی انکلیزی بسر مصاف ند کروزرهای مصاف موسوم به کوئین میری واندی فتیکیبل واِنو ی ودیفنس وبلیك پرنس تمان انکلیز غرقاب شده اند ـ کروزر مصاف موسوم وارثپر انکلیز بیکاره شده است الی چند فاصلها اورا کشیده بردند لاکن ر اهل جهاز برای کذاشتن ان مجبور شدند ـ معلوم شده است رالشناه کی موسوم بهتیپدری وترولینت وفور جون وسپ ه اردیت انکلیزی نیز ضائع شده اند ـ

قات غنیم نهایت خوفناك بوده کم ازکم یك لذکر کروازور مصاف غنیم ه کرده شده است ـ ربوت امده است که در حین حملهٔ شب یك ز جهاز جنکی جرمنی را کروزرهای ما غرقاب کرده بودند دولذکر ز کروزر های خورد را بیکاره ساخته شده بود که غالباً غرقاب اند تعداد درست جهازات غنیم که غرق کرده شده اند بطور ی معلوم نمیباشد .

جهازات و کشتی هـای هالیند که درازدم ویومیدن رسیده اند احین ومقتولین وسپاهیان غیر مجروح را که از بحر برداشته بودند ند ـ

اعلان رسمی برلن تسلیم مینماید که دو لذکر کروازور خورد موسوم یادن ولومین ضائع شده اند وچند لذکر دیکر کشتی های تارپیدو فقود شده اند اعلان مذکور نیز می کوید که جرمن کل نفری جهاز برطانیه موسوم به اندی فتیکیبل را برداشته اند وسه لذکر اتباه کن برطانیه را غرقاب کرده اند ـ

دو نفر امیرالبحر ضائع شدند ـ

ندن ۳ ماه جون ـ

امیرالبحر بیتی در رپورتیکه درباب مرك امیرالبحرها شائع کرده است بیان است که او بوقت جنك رهبری دویژن خود را بکمال تهور ت میکرد ـ امیرالبحر درباب مرك کپتانان جهازات اندی فتیکیبل واونسیل وکوئین میری به تأسف اظهار می کند ـ

ندن ۳ ماه جون ـ غره شعبان ـ

طور رسمی اعلان کرده میشود که از جهاز جنکی برطانیه موسوم وئین میری ماسوای چهار نفر افسران باقی کل افسران ضائع شده ـ واز جهاز اونسیل کل افسران ماسوای کان افسر ویك نفر لفتنت شده اند ـ کل افسران جهازات برطانوی موسوم به اندی فتیکیبل ودیفنس وبلیك پرنس ضائع شده اند لاکن کل افسران وارسپیز وسالم برامده اند ـ

لندن ٤ ماه جون ـ ۲ ماه شعبان ـ

تا حال ۲۳۰ نفر افسران و ۲۵۰ نفر سپاهیان سلامت برامده اند درزمرهٔ مفروقین امیر البحر اربوتنه نات وامیرالبحر سکات بسر سر رسی سکات نیز شامل می باشند که امیرالبحران مذکور برتدافع مقرر بودند ـ

تفصیلات در باب تلفات ـ

لندن ٥ ماه جون ـ ۳ شعبان ـ

نظارت بحریه فهرست ۳۳۳ نفر افسران هلاك شده جمعهٔ افسران اندی فتیکیبل ودیفنس وبلیك پرنس را شائع کرده است از افسران کوئین میری فقط ٤ نفر افسران و از اونسیل فقط دو نفر افسران سلامت برامده اند ـ

یك فهرست اتلاف (٤۳) نفر افسران خورد و سپاهیان نیز شائع شده است ازانجمله ۸ نفر مجروح میباشند که از جهازات کوئین میری واونسیل وفور جون واردیت وشارك برامده اند (درباب شارك بیشتر مذکور شده است ازین معلوم میشود که ان علاوه از ۱٤ لذکر جهاز دیکر که غرقاب شده اند میباشد) از جهازات موسوم به اندی فتیکیبل اینل ودیفنس وبلیك پرنس وتپ ردی لیند وطر بونیت وتومد ونیستریك نفرهم زنده وسلامت نه برامده است (کویا از ٤٤ ۲۷ نفر سپاهیان وافسران هیچ کس زنده وسلامت نه برامده است) از نفری جهاز وارثپر ٦٦ نفر هلاك و۲۷ نفر زخمی شده اند واز سپاهیان جهازات دیکر ۱۱۷ نفر هلاك و۷۳ نفر زخمی شده اند ـ

جملهٔ ضایعات کشتیهای جنکی انکلیزی در محاربهٔ عظیم الشان بحری ازقسم سپردرید ناوت ، و کروزوازور ، ونباه کن وغیره تاحال که اعتراف شده است ۱٦ قطعه میباشد . جدول مفصل ان را ذیل درج می کنیم .

جدول تعداد کشتیهای جنکی برطانی که در جنك بحری مؤرخهٔ ۳۱ ماهی در بحر شمال از طرف کشتیهای جنکی جرمنی غرقاب شده است

نام کشتی	سنهٔ تعمیر	کیفیت
کوئن میری	۱۹۱۵	وزن (۲۷) هزار تن ـ طوب (۸) عدد طوب ۱۳ و نیم انجه، و ۱٤ طوب چار انجه ـ قیمت علاوه از (۲) ملیون پوند ـ تعداد مرتبات (۱۰۰۰) نفر سپاهی ـ سرعت فی ساعت (۲۸) نات ـ ازقسم سپردرید ناوت.
اندی فتیکیبل	۱۹۱۱	وزن ۱۸۷۵۰ تن ـ طوب (۸) عدد طوب ۱۲ انجه و (۱٤) طوب ٤ انجه ـ قیمت یك و نیم ملیون پوند ـ تعداد مرتبات (۷۹۰) نفر سپاهی ـ سرعت فی الساعة (۲۵) نات ـ از قسم سپردرید ناوت .
انو نسیبل	۱۹۰۹	وزن (۱۷۲۵۰) تن ـ طوب ۸ عدد طوب (۱۲) انجه و (۱٤) طوب (٤) انجه ـ قیمت علاوه ازدو ملیون پوند ـ تعداد مرتبات (۷۹۰) نفر سپاهی ـ سرعت فی الساعت (۲۷) نات ـ ازقسم سپر درید ناوت .

بکیك پرنس	۱۹۰۵	وزن (۱۳ ۵۵۰) تن طوب (۶) عدد طوب (۹ انچ ودو سوت) و (۱۰) طوب (٤) انچه قیمت (۱۱) لك و (۹۳) هزار و (٤) صد پوند ـ تعداد مرتبات (۷۰٤) نفر سپاهی ـ سرعة فی الساعه $\frac{۱}{(\ ۲۲۳\ )}$ نات ـ ازقسم کروزور
دیفیس	۱۹۰۹	وزن (۱٤۶۰۰) تن ـ طوب (٤) عدد طوب (۱۰) انچه و (۱۰) طوب (۸) انچه ـ قیمت (۱۳) لك و (۵۳) و (۷۰۰) وچهل وچهار پوند ـ تعداد مرتبات (۸۵۰) نفر سپاهی سرعت فی الساعه $\frac{۱}{(\ ۲۲۳\ )}$ نات ـ ازقسم کروزور
وار بیر	۱۹۰۷	وزن (۱۳ ۵۵۰) تن طوب (٤) عدد طوب (۷ انچه ۵:) و (۶) طوب (۹ : ۲) انچه ـ قیمت (۲) — تعداد مرتبات (۷۰٤) نفر سپاهی سرعت فی الساعت (۹ : ۲) نات ـ از قسم کروزور
تپ ریری	۱۹۱٤	وزن (۱۸۵۰) تن ـ طوب (۶) عدد طوب (٤) انچه قیمت (۲) — تعداد مرتبات (۱۰۰) نفر سپاهی ـ رفتار (۳۱) نات ـ ازقسم کروزور
مارل بارد		ازقسم سپردرید ناوت اعلا
تربو لیند		ازقسم تباه کن
فور جون		ازقسم تباه کن
سپروهاك		ازقسم تباه کن
ار دنت		ازقسم تباه کن
السکاستزا		ازقسم تباه کن
نومه		ازقسم تباه کن
نستر		ازقسم تباه کن

غیرازینها دوسه جهاز دیگر نیز زده وزخمی شده‌اند که هنوز نامهایشان معلوم نیست . وچون جهاز همپ شاژ که بالاده بحر غرق شده است همه را داخل حساب کنیم ۱۷ لنگر جهاز جنگی انگلیزی درهمین تاریخ درین جنگ بحری غرقاب لجهٔ فنا گردیده است .

آخرترین خبرها

لندن ۸ جون ۶ شعبان

حکام بحری باور نمی کنند که ریپ شاژ تارپیدو افتاده است موسم ازحد طوفانی میباشد ودر موقعه واردات شب وروز جهازات کشتی نقل وحرکت می نمودند ـ دیگر کوال بیان کرده میشود که جهاز درظرف ۲۰ دقیقه غرق شده بود ـ مرده‌های چند نفر دستیاب شده است —

اعلان

سراج التواریخ

جلد اول — و دوم

زندگانی جاودانی هرقوم وملت (تاریخ) آنست . (سراج التواریخ) آئینهٔ حیات نمای ملت جلیل افغانست . زیرا از آغاز تشکیل وتأسیس یافتن دولت افغانیهٔ حالیه بحث میراند که برای حال واستقبال ملت بهترازین درسگاه عبرت . وخوشتر ازین آئینه ملت تصور نمیشود . هرفردی از ملت را واجب است که یك نسخهٔ ازآنرا بدست آرند ومانند حرزجان در کتابخانهٔ قلوب خودشان نگهدارند . علی الخصوص که کتاب مذکور به نیت خالصانه وخیر خواهانهٔ استفادهٔ عمومی بامر وفرمان ذات عرفان صفات پادشاه مقدس ما اعلیحضرت « سراج الملة والدین » تألیف شده ودر مطبعهٔ حروفی دارالسلطنه کابل زیور طبع آرایش وتزئین یافته است

جلد اولاین کتاب ازابتدای سلطنت خاندان ذیشان (سدوزائی) یعنی از آغاز تأسیس واستقلال دولت علیهٔ افغانستان تاورود اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان مرحوم جنت مکان ازهند در کابل بحث میراند وجلد دوم آن ازحکومت خاندان جلیل الشان (محمدزائی) یعنی ازابتدای حکومت اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان تا سنهٔ اول جلوس اعلیحضرت ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان ، طاب ثراه وقایع تاریخیه را جامع میباشد وبکاغذ اعلا بحروف نو بطبع رسیده است . قیمت کتاب مذکور نسبت زینت وخوبی تجلید آن ازقرار ذیل است

نمبر (۱) پشتی چرمی چرم تصویری دانه‌دار کابل پخت چهار جدول طلاورکار نشان دولت واسم کتاب از ورق طلای اصل جزء بندی شده مبلغ شانزده روپیهٔ پختهٔ کابلی —

نمبر (۲) پشتی مقوا روبه کیرمیشی چهار کنج وزنجیره مرصع حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلاجه سیزده روپیهٔ پختهٔ کا

نمبر (۳) پشتی مقوا روبه کیره لاجوردی چهار کنج وزنجیر میشی سرخه کابل پخت حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلاجه جزء بندی شده یازده روپیه پخته کابلی وده شاهی —

نمبر (٤) پشتی مقوا روبه ابری چهار کنج وزنجیره میشی س کابل پخت حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلاجه کوك بندی شده ده روپیه پخته کابلی وسه شاهی —

نمبر(۵) پشتی مقوا روبه ابری سرخ چهار کنج وزنجیر کیرمیشیاسم کتاب ونشان دولت ورق طلاجه کوك بندی شده نه روپیهٔ پختهٔ کا ویازده شاهی —

محل فروخت

درنفس ارك مبارك از تحویل خانهٔ جناب محمدولیخان سرجه

در بازار ارگ از دکان عبدالله خان

چون کتاب مستطاب سراج التواریخ چهار جلد میباشد اگر وقایه وشیرازه میشد هم کتاب موصوف کلان میشد لهذا اعلیحضرت همایون و لا امر نمودند که جلد اول ودوم دریك وقایه شیرازه و جلد سوم وچهارم آن که هنوز درزیر طبع میباشد وبس از طبع برآمده مقوا کرده شد انشاءالله اعلان فروش آن نشر خواهد شد فقط

در چاپخانهٔ حروفی دارالسلطنه کابل طبع گردید

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر وسر محرر محمود طرز

محمود طرزی

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا
یاد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از شکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خودرها نماییم ممکن نشد لهذا با کتخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یک مقاوله نموده یا کتخانه مشارالیه تقسیم و توزیع اخبارمارا که بهمه مشترکین کرامما رساند درعهدهٔ همت خود قبول نمود . مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را تبشیر ویاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای دا کتخانه بخود شان میرسد .

شرایط خریداری

ولایت داخل افغانستان		دارالسلطنه	
چارده روپیهٔ کابلی	سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	قیمت سالیانه
هشت روپیهٔ کابلی	ششماهه	پنج روپیهٔ کابلی	قیمت ششماهه

در خارج افغانستان
هرجائیکه باشند با اجرت پوست

قیمت سالیانه | ده روپیهٔ انگلیزی قیمت ششماهه | شش روپیهٔ انگلیزی

سه ماهه اشتراک قبول نمیشود

یک طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است از عوض قرار حساب کنند

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی ، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند ، ویا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود درسرهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه دری ورق وقایه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطریک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریک ستون اخبارما (۳ — انچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متمادیا تا یک سال نشر کردن خواهند ووجه یک ساله را پیشکی ادا نمایند در ورق پشتی [illegible] هر سطری [illegible] اجرت گرفته میشود

اعلان

سیاحتنامهٔ سه قطعهٔ روی زمین

در ۲۹ روز

آسیا ✕ اوروپا ✕ آفریقا

(مطبعهٔ عنایت) یک اثر دلپذیر جدیدی به نظر هوشکاران عرفان جلوهٔ عرض میدهد ، بدست آرید ، بخوانید درظرف ۲۹ روز یک مدت کمی سه قطعهٔ زمین را باسیاح آن یکجا وهمراه دور وسیر میکنید . ملکهای را که ازان میگذرید مفصل ومکمل جغرافیا وتاریخ آنرا خوانده میتوانید ، چه چیزها می بینید ، چه چیزها میشنوید ، چه لذتها چه سرورها میکنید ! علمی ، ادبی ، سیاسی درعین زمان شاعرانه عاشقانه هوسات رانگیزانه ـ یک اثر !

این اثر از سه جلد مرکب ودریک وقایه مجلد میباشد . تقریباً (۷۰۰) صحیفه ، ویا (۱۰۵) قطعه تصاویر مناظر مختلفه واشخاص معتبره ونقشه های مهمه مزین است . نسبت باینهمه خوبیهای آن قیمت (۷) هفت روپیهٔ کابلی آن هیچ نیست . کاغذ اعلا ، چاپ حروف ، تصاویر زینکو گرافی ، جلد محکم واستوار : دیگرچه میخواهید ! همینقدر کهاید نفس مطبعهٔ مبارکه دردهٔ افغانان (عبدالرؤف) خان سرمرتب مطبعهٔ مبارکه یادربازار ارک دکان (باز محمد) تاجر کتب در بازار کتب فروشی متصل مدرسهٔ شاهی بدکان حاجی ملا (غلام محمد) خان تاجر مشهور کتب رو آورده ویا بمبلغ فوق کتاب مذکور را بدست آرید دیگری کارهی ملک

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1714 of 1786

(اعلان)

پراکنده

از آثار مطبوعهٔ تازهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت ، عبارت از یک مجموعهٔ اشعار آبدار تجدد آثاری میباشد که برکاغذ اعلا ، وحروف طبع دلربا ، باتصاویر بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است . اگرچه از حیث خط وخال بعید است ولی مضامین وخیالاتش سراسر بیکطرز جدیداست . نسبت خوبیهای ظاهری ومعنویش قیمتش خیلی ارزان . یعنی بمقابل (٢) دو روپیهٔ کابلی درخود مطبعهٔ عنایت از نزد عبد الرؤف خان سر مرتب ، ودر بازار ارک از دکان باز محمد ، ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب هرکس خریده میتواند.

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه را مژده ! از نوبر رسیدهٔ گلزار ، مطبعهٔ عنایت ، کام جانرا شیرین نمائید ! ، جزیرهٔ پنهان ، یک ناولیست که قوت علم ومعرفت وسعی وغیرت را برای اساس زندگانی نوع بشر نظرگاه وجلوه گر میسازد . هم حکایت ، هم عبرت عرفی ، هم فضیلت ! خوبی چاپ ، خوبی کاغذ ، خوبی تصورش علاوه . قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان ! تنها (٦) شش روپیه محل فروخت نفس مطبعهٔ عنایت در ده افغانان ، دکان باز محمد در بازار ارک ، دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی .

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد
کتاب سال دوم « « « مصور مجلد
کتاب سال سوم « « « مصور مجلد
کتاب سال چهارم مصور مجلد
علم و اسلامیت
آیا چه باید کرد ؟
ادب درفن
[illegible]
مختصر جغرافیای عمومی

این کتابهای فوق در اداره موجوداست . هرکس که آرزوی خریداری آنهارا داشته باشد باداره مراجعت کنند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

	قیمت روپیهٔ کابلی
سیاحت دور دنیا در هشتاد روز مجلد	٢
سیاحت در جو هوا مجلد	٢
سیاحت در زیر بحر مصور مجلد	٤
از [illegible] سطحی واز [illegible] مجلد	٢
روضهٔ حکم مجلد	٢
پراکنده مصور مجلد	٢
جزیرهٔ پنهان مصور مجلد	٦

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوق را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان از نزد عبدالرؤف خان سرمرتب واز دکان باز محمدخان کتابفروش در بازار ارک واز دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی قیمتهای معینش خریداری کرده میتوانند.

واگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوق را بکنند بامدیر سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند.

اعلان

کتابهای مجلد سراج الاخبار افغانیه ، وکتابچههای علاوهگان وشماره های متفرقهٔ آن ، وهمه کتابهای مطبعهٔ عنایت خریداران که آرزوی خریداری آنهارا داشته باشند از دکان حاجی ملاغلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی ، واز دکان باز محمد خان تاجر کتب در بازار ارک بقیمتهای معین آن خریداری کرده میتوانند ونیز در خود اداره درماشینخانهٔ مبارکه ، ودر خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان هم بفروش میرسد فقط

سراج الاخبار افغانیه
١٣٢٩

شمارهٔ ٢١ سال پنجم

فهرست مندرجات

	تشریف حلول ماه مبارك رمضان تشکر به ماه مبارك رمضان (
علم عسکری	(بمناسبت شرف رمضان فیض رسان ـ غزوات جلیله پیغمبری صل الله علیه واله وسلم
اخلاقیات	(اخلاق اصحاب رسول الله صل الله علیه وسلم
حوادث داخلیه	(ومن الغرایب ـ ازحاجی مینویسد ـ حادثهٔ برق
حوادث خارجیه	جانشین لارد کچنر ـ از پس ماند کان لارد کچنر وهندوستان ـ خبرهای جنك نقل ازجراید اوروپا ـ السابیت ترکیها ـ مراجعت کشتی (مو) بوطن ـ جبارات انگلیس ـ حل مهمات جنگی سوئد ـ سواری نظامی دراسلامبول ماکنزن دراسلامبول ـ هزار عید در سالونیك ثروت طبیعی صربستان ـ اخذ اقشون بواسبای صفیر ـ تشکیلا قشون و نقشهٔ شرق ـ قوای المان واتریش دراسلامبول ـ عقاید وزیر بحریه آلمان ـ فعالیت درفرونت انگلیز مخارج جنك فرانسه ـ پیه مصنوعی در آلمان اوضاع فرونت شرق ـ ترجمه ازاخبار ابلیغ منطبعه سوریه ـ آخرترین خبرهای جنك ازاخبارهای انگریزی ـ محاربات وردن ـ قلعه وا کس ضبط گردید ـ کلید گرفته شده است ـ کشتی لارد کچنر منقلب گشت ـ جنازه کرنیل فن جیرالد ـ جنك دریوها ـ پریشانی باشندگان ـ گرمی برمحاذ مغرب روس ـ شورش ارلند کارستانهای تحت البحرها ـ تلفات افسران دولت برطانوی ـ حوادث ایران ـ اعلان سراج التواریخ
اعلان	(سراج التواریخ
تصاویر	ازند کارهای تاریخی سیاحت هند ذات اعلیحضرت پادشاه ـ ذات شوکت سمات اعلیحضرت پادشاه دولت مستقله افغانستان در گوالیار ـ ازند کارهای تاریخی شهزاده معظم دولت مستقله افغانستان حضرت معین السلطنه صاحب در هنگامیکه بسیاحت هندوستان تشریف برده بودند ـ

اعلان

از صنایع بروز پای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جرنیل کرخانه جات ، ماشین خانهٔ عیار که دارالسلطنه کابل علاوه ، برای حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه و اونیفورمه‌های عساکر شاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخل که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت همایون حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ، ذیل (دکان عبدالله خان دربازار ارک) میباشد.

(۱) اسرجهای پشمینه بافی رنگهای مختلف که قیمت آن از قرار گرانکزی ۳ دونه مشخص شده در صندوقخانهٔ جنسی هرنفر وش میرسند

اقسام	قسم اول					قسم دوم					
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم قدری کلفت قیمت آن ۱۰ پیسه زیاده‌تر است	
رقم	تاحال ساخته نشده	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت		۷ روپیه ۵ پیسه	۶ روپیه ۱۱ پیسه	۶ روپیه ۴۲ پیسه	۵ روپیه ۴۸ پیسه	۶ روپیه ۹ پیسه	۵ روپیه ۱۸ پیسه	۶ روپیه	۵ روپیه ۱۰ پیسه	۶ روپیه ۱۰ پیسه	۵ روپیه ۲۵ پیسه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکزی | کشمیره چهارخانه ۷ روپیه ۳۵ پیسه | کشمیره زهدار هر رقم ۷ روپیه بیست پیسه

۲ جرابها

رقم	تکمانکه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه

(۳) تکمه‌های چرمی محراب ومنبردار

کلان فی درجن	میانه فی درجن	خورد فی درجن
۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۵۵ پیسه

(٤) کروره های جدیدساخت

رقم	زه باف یک اسپه دو گره دو تازه	زه باف یک اسپه دو گره سه تازه	چرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ چار تازهٔ نخی
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲٤ پیسه	۸ روپیه و ٤۲ پیسه	۶ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم باف دسته بادامی دو اسپه	چرم باف دسته دولانه یک اسپه	دسته دولانهٔ یکی چار اسپه	چرم باف عمرکان
قیمت	٤ روپیه و ٤۸ پیسه	٤ روپیه و ٤۶ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	٤ روپیه و ٤۳ پیسه
رقم	قبضه رنجی کلبت نقره توبخانه	قبضه کلبت نقره‌دار چرم سه‌لایه توبخانه	زه باف رقم سواری ساس کلبت	زه باف دو تازهٔ رکابی
قیمت	۳ روپیه و ۵۵ پیسه	٤ روپیه و ۵۷ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵٤ پیسه
رقم	رکابی ازغ	چرم باف میانه چوب پت زنانه	از زین سواری تیغ چرمی	زنانه ابریشمی خیاطه
قیمت	٤ روپیه و ٤۵ پیسه	۵ روپیه و ۸۱ پیسه	٤ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته‌دارهای تیغ چرمی	دستهٔ دولانه‌سای رنجی کلبت نقره	از زین سواری دولایه تیغ چرمی کمک دار	چرم باف نمایش پت یک ل
قیمت	٤ روپیه و ٤۹ پیسه	٤ روپیه و ٤۵ پیسه	٤ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

(۵) اقسام گلهای مصنوعی سر

قسم	گل جربین	گل نافرمان	گل زربه	گل شبو
قیمت	۵ روپیه و ۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۶ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قسم	شکوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل نسترن	جنبلی
قیمت	۷ روپیه و ٤۵ پیسه	۶ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵٤ پیسه	۶ روپیه و ۵٤ پیسه

(المشتهر)   (میر محمد هاشم دفتری کار خانجات (کمسان نظامی)

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1717 of 1786

صحیفه (۱)   سال پنجم   (شماره) ۳۱

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

قیمت سالیانه
بدار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخله مملکت
با مصارف داک ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مصارف داک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن در داخل یک عباسی است
(اوراق که درج نشود اعاده نمیشود)

مدیر و سرمحرر
محمود طرزی

اداره خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنه (کابل)
همه اظهارات تحریریه با اداره سراج
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ قمری یکم رمضان ۱۳۳۴   تاریخ انگریزی ۲ جولائی عیسوی ۱۹۱۶   تاریخ شمسی ۱۱ سرطان ۱۲۹۵

تشریف حلول ماه مبارک رمضان غفران نشان را «سراج الاخبار افغانیه» بر جملهٔ مؤمنین و مؤمنات مبارکباد میگوید، دعای ترقی و تعالی دین مبین اسلام را ورد زبان صداقت می نماید.

شکریهٔ ماه رمضان فیض رسان

شکر لله که ماه رمضان باز آمد
آنکه مهمان عزیز است چو جان باز آمد
یار دیرینهٔ ما وه که پس از یک سالی
پادما کرد و بصد عظمت و شان باز آمد
صالحان راست ازین مژده نشاط جدید
طالحان را بدل اندوه گران باز آمد
مومنان را همه جا خاص بافغانستان
در کف از ادعیه مقصود عنان باز آمد
زانکه با عادت پارینه ختم قرآن
شاه با جملهٔ اعیان و سران باز آمد
یعنی آن خسرو گیتی که سراج الملت
نقش در همه آفاق عیان باز آمد
بسکه شوق نماز و به عبادت دارد
از پی طاعت شهر رمضان باز آمد
سوی جامع بتراویح روان شد از ارک
باوی آن حافظ فرخنده لسان باز آمد
هر ده روز اقامت بچمن زار حضور
قبهٔ رایت او نور فشان باز آمد
جمعه و بارگه شاه بکول وته جین
چون بهاری ز پی رفع خزان باز آمد
پس گردید بساط کرم او بچمن
(دلکشا) بود و برو پیر و جوان باز آمد
بهر خوان نعم یافت صلا خاص و عوام
بهره ور از نعمتش خلق جهان باز آمد
بعد افطار همان جمع کثیری پادشاه
سوی مسجد همه تا حور دو کلان باز آمد
مسجد جامع عیدین درین مه هر شب
برسی صومعه ها فخر کنان باز آمد
ختم قرآن بدو هر شب چو بدو رفت اتمام
مومنان را ز نعم بار امان باز آمد
یارب این خسرو اسلام که فیض کرمش
همچو دریا به همه اهل جهان باز آمد
تا بگیتی بود آمد شد ماه رمضان
خلق گوید که چنین رفت و چنان باز آمد
بهره ور باد بافزونی عمر و دولت
که باسلام ازو امن و امان باز آمد
حسب شیر احمد مخلص چو دعا گوی درش
شاغل ادعیه اش روز و شبان باز آمد

الراقم داعی صداقت دستور   حاجی شیر احمد شاعر حضور

عالم عسکری

بمناسبت شرف رمضان فیض رسان

غزوات جلیلهٔ پیغمبری

(مقدمه)

دیشب ، درکتبخانهٔ عاجزانه‌ام بقرار عادت مستمری گشت وگذار عاجز عرفان داشتم ، چنانچه هرشب یکی از کتابهارا گرفته بقدر یکساعت پیش ازمنام مطالعه می‌کنم — دیشب بهمین عنوان جلیل مافوق یک کتابی بدستم افتاده — باوجود یکه یکبار پیش ازین مرتبا یا مطالعه اش نموده بودم بازهم بتأثیر قدسیت تخمیم آن حرزجان — یعنی کتاب عسلویت برهان — تاب آور مقاومت نشده — بوسه شیدا که بإتمام مطالعهٔ آن اسیر اوروم چنان سرشار لذهٔ موضوع خورشید طلوعش گردیده که وجدانم مرا مجبور نمود باازین لذهٔ — نثار فضیلت برادران وطن عزیزم رانیز بی‌بهره نگذاشته ترجمهٔ بعضی پارچهای ارازبان فارسی وطنیهٔ اخبار صحایف که ترجمان افکار این عبد ابکار است نمایم .

اما ازهمه پیشتر یک چند کلمه ازاصل موضوع این کتاب مستطاب بحث باید راند ، که چیست ، وازچه بحث میراند :

این کتاب ، بعنوان [مجموعه های مفاخر عسکریه] وبازیر عبارت مذکوره بنام (غزوات جلیلهٔ پیغمبری) ، ازطرف یک عسکر — هم نام مسلمان یک عسکر — (احمد رفیق) نامیک (بولوک‌مشر) صنف نظامی دولت علیه عثمانیه تألیف شده است ، جزاه الله خیرا .

مؤلف مشار الیه درمقدمهٔ کتاب خود چنین آغاز سخن میکند :

« درحرب ، شاهد مظفریت را بدست آوردن ، بوجود دوقوت مهمه قائم ودائم میباشد :— یکی (قوهٔ مادیه) ، دیگری (قوهٔ معنویه) . قوهٔ مادیه ، آن قوتیست که عبارت از الات وادوات واسباب علمی وعملی جنگ است . مانند احوال ووضعیت وقت وزمان را ملاحظه کردن ، ترقیات فنیهٔ حربیه را بروی کار آوردن ، وآن ترقیات فنیه را بموضع وحرکات دشمن درزیر مدنظر تدقیق وتطبیق گرفته استعمال کردن ، وآثار فنیه که تا حال الآن برای فنون حربیه بوجود آمده است باهمهٔ آنها تطبیقات وعملیات حربیه را اجرا کردن ازجملهٔ چیزهائیست که (قوهٔ مادیه) بآن حاصل میشود وبدست میآید .

« اما (قوهٔ معنویه) یک قوت غیرمرئی — یعنی یک قوتیست که بچشم دیده نمیشود — ولی تأثیرات (ازقوت مادیه) بزرگتر است . وآن عبارتست ازحسیات درونی ، واخلاق وطبایع فطری وعادات وتربیهٔ اجتماعی مرقوم ومرملت .

« (قوهٔ مادیه) دردو دولتی که بایکدیگر جنگ می‌کنند بصورت معادل وبرابر موجود شده میتواند . مثلا بهر گونه اسلحهٔ جنگی وفنون حربی که یک دولت مسلح ومجهز باشد دولت مقابل ومحاربه آن نیز ازان ترقیات عسکریه استفاده کرده میتواند . حال آنکه قوهٔ معنویه یک چیزیست که سنگهای ته داهای اساس وبنیاد طبایع مرقوم ومرملت را درفطرت تشکیل داده است » .

این سخن مؤلف بسیار راست ومعقول است ، ومقصد من ازین تمهید همین است که (قوهٔ معنویه) که دین مبین بسیار متین اسلام ، برای مسلمانها حاضر وآماده نموده چنان یک قوت لایتزلزل ، وفضیلت لایتبدلیست که برای کثرمات واتی دست داده است . مثلا : « اول سبق در ین ره جان‌بازیست حرفش ، دیوان عشق داردزین درسها سبقها » ؛ بلی ، بلی ! نخستین گام ترقی وتعالی قوهٔ معنویهٔ اسلامیه همانا عفرداستان جان باختن است در راه مجاهدات کلمهٔ حق ، واعتقاد راسخ برانست که دراآخرت بهشت جاودان ، ودردنیا سعادت بیکران درپیش دارند . همه قوهٔ معنویه دروقت حرب درهمین نکته مضمر ومستتر افتاده است . چراچنین نباشد ! اسباب یگانهٔ ظفر درجنگ ، موت را اهمیت ندادنست وظیفه خیلی اساتذهٔ الستی است که اهم ترین ارکان رصین قوهٔ معنویهٔ عالم عسکریهٔ اسلامیه همین نکته است وبس .

احمد رفیق بیکشدرین اثر بهتر خود ، اولا از (اصول حرب نبوی) (ص) بصورت مدمل — یعنی راه دررا مدبحث ، برداشت سخن را نموده از (غزوات جلیلهٔ پیغمبری) بر صحیح ترین اسنادات تاریخیه ومتین ترین کتب سیر نبوی بحث وبیان میراند .

این چیزی نیست ! زیرا تفصیلات غزوات جلیله دررا کثر کتب تاریخیه واضح وروشن ذکروبیان شده است . اما صنعت ومهارتی که برادر دینی ما (بولک مشر) نظامی (احمد رفیق) بیک درین اثر فواید مظهرخویش بقوهٔ قلمیهٔ فنیهٔ حربیه بکار برده است اینست که این غزوات مبحثهٔ حضرت قافله سالار انبیا علیه اکمل التحایا ، اصول فنون حربیهٔ حاضره تطبیق وبرابری داده تحریر نموده اند اصل جالب نظردقت همین مسئله است ، حتی بعضی نقشه‌ها ، و (فروکی) ها — [فروکی آن نقشه های جنگهای موقتی را میگویند که تنها از نقطهٔ دارالحرب و وضعیت تعبیهٔ جنگ آنجارا نشان بدهد]ی — غزوات جلیله را نیز ازنقطهٔ نظر ارکان حربیهٔ اینزمان کشیده است دیگر فضیلتی که دارد این است : — که درتألیف وتحریر این اثر محرر سخن پرور ، نیت خالصانه ، وخدمت خداپسندانهٔ تقویت وتحریک قوهٔ معنویهٔ افراد از دوی ظفر نموی عثمانیه را درپیش نظر گرفته نوشته است .

حال آنکه همه اردوهای عسکریهٔ دول اسلامیه دراحتساسات معنویه یکسان وبرابر میباشند .— یعنی همان اصول وقواعد حربیه که مبنی بر نظام وانتظام ، صداقت واطاعت ، حب غزا ، ارزوی شهادت واعلای اسلامیت بود ، رهبرورهنمای عموم اردوهای عسکریهٔ اسلامیه شمرده میشود نه تنها بعضی را .

لاجرم چنانچه ان برادردینیٔ مابرای استفادهٔ قوهٔ معنویهٔ اردوی سلطنهٔ عثمانیه محرر نمود ، هرگاه ماهم برای استفادهٔ اردوی دولت متبوعهٔ مقدسهٔ افغانیهٔ خود حسن نیتان برادرخود مارا ازجهت ترجمه تعقیب وپیروی کنیم بجا یکداشته خواهد بود ! ومن الله التوفیق .

بسم الله الرحمن الرحیم

اصول حرب نبوی

—=—

فهرست

(۱) انوار جلیلهٔ حضرت پیغمبری – (۲) مأذونیت بجهاد – (۳) فضیلت جهاد – (۴) غزوات مشهورهٔ پیغمبری – (۵) فضایل المجاهدین : اطاعت ، حب غزا ، شجاعت محبت بهبیرق ، آرزوی شهادت ، – (۶) اسلحهٔ حربیه : شمشیر ، تیر ، نیزه ، – (۷) صنوف اساسیهٔ عسکریهٔ نبوی (۸) وظایف مختلفهٔ پیاده وسواری – (۹) اصول حرب : تدارکات حربیه ، سوق – یعنی عسکر رانی – ، کشف – یعنی احوال عسکریهٔ دشمن را معلوم کردن وظیفهٔ قراولپیش ، اهمیت وعلویت بیرق ، – (۱۰) صحیفه های مختلفهٔ محاربه – (۱۱) غنایم واسیران – (۱۲) حقوق حرب در عهد رسالتپناهی – (۱۳) قوت مجموع اردوی جناب نبوت پناهی در غزوات مختلفه

هنگامیکه خورشید جهان افروز ناصیهٔ پاک جناب رسول الثقلین انوار حقیقت نشور وحدانیت احدیت ، لمعه اش نورانیت گردید ، وفصاحت وبلاغت پرحکمت کتاب کریم ، بلغای مشهورهٔ عربرا درمقابل اعجاز بیان حکمت اتبیان مقدس خویش دهشهٔ حیرت و تکریم نمود ، و نورمبین احدی بایک شعشعهٔ پرسرمدی ، فضای بیکران دلهای مومنین موحدرا مستفیض نوراسلامیت فرموده قدسیت ضیای بازغهٔ اسلامیه در پیشگاه انظار مومنین با کمالات خارقه نمای اعجاز افزای فروغ افشان گردید .

اما هزار افسوس که آن ضیای درخشندهٔ انوار محمدی (ص) دیدهٔ بعضی خفاش منشان (قریش) را از اصابت فیوضات دیدن واداراک نمودن محروم ساخته چشمهای ، بصیرت شان را پردهای شرک ونادانی پوشیده گذاشت ، وبه اینصورت درمابین فرقهٔ ناجیهٔ اسلامیه ، و کفار قریش اختلاف وعداوت پیدا شد ، واین اختلاف بایک ترقی تدریجیٔ کلان شده رفته تاآخر الامر سبب هجرت جلیلهٔ محمدی از مکهٔ مکرمه بمدینهٔ منوره گردید .

هجرت مبارکهٔ پیغمبری ، اگرچه درظاهر حال برای قریش یک اثر موفقیت وکامیابی دیده میشد ، ولی درباطن حال برای فرقهٔ ناجیهٔ محمدیه (ص) یک مقدمهٔ عظیمهٔ ظفر گردید ، حضرت رسول اکرم واقدس صلی الله تعالی علیه وسلم ، بایارغار شفیق خویش حضرت ابوبکر الصدیق رضی الله تعالی عنه به (جبل ثور) التجا برده ، بامعجزات باهرهٔ نبویه ازانجا بسوی (مدینهٔ منوره) حرکت ، واهالیٔ آن شهر فیوضات بهررا مظهر فیوضات وبرکت فرمودند .

قدسیت جلیلهٔ اسلامیه درمدینهٔ منوره وهمه اطراف ونواحیٔ آن اولاًبیک سرعت برق مثالی باعتلا نمودن آغاز نهاد ، فضیلتهایی که انصار کرام درراه خدمات دین حق برکاب حضرت رسول برحق بیک غیرت جانسپارانه ابراز نمودند ، برای مکارم جلیلهٔ اسلامیه یک اساس بسیار بلند وپایگاهی بوجود آورد ، تعالیٔ شوکت اسلام دردلهای کافران یک حس عظیم عداوت حاصل نمود ، این عداوت روزافزونی گرفته بدرجهٔ رسید که سبب بیراحتی ونا آرامیٔ انصار کرام گردید ، لاجرم بعضی ازانصار کرام واصحاب عظام ازین تشددات کفار بیزار آمده ، برای نقل احوال بحضور جلیل نبوی آمده عرض واسترحام نمودند که جور وجفای کفار روز روز افزونی میگیرد ، هرگاه برای اعلان شان اسلامیت بجهاد امروفرمان شود چه مانعی خواهد بود ، اما چون همهٔ حرکات وافعال قدسیت اشتمال حضرت نبوت پناهی باوامر جلیلهٔ صمدانی مستند بود ، بجواب آنها میفرمودند که هنوز برای جهاد مأذونیت حضرت رب جلیل شرفریز نشده است .

— ۲ —

این حال قدر پنج شش ماه دوام ورزید ، امت نجیبهٔ اسلامیه بایک متانت صبورانه بهرگونه تجاوزات وتعدیات کفار ناهنجار مقاومت وتوانایی نمودند ، دوسال بعد ازهجرت نبویه بود که آیت جلیلهٔ ذیل شرف نزول فرموده مقدمات فوز ونصرت را برای عز وافرازیٔ جهانگیریٔ دین حق حاضر وآماده نمود ، – مآل جلیل آیهٔ کریمه چنین است : – « مشرکهایی که مقاتله ومحاربه می کنند ، بسببی که برمؤمنین جفا روا میدارند ، بمقابل آن مؤمنین را بجهاد اذن داده شد ، جناب حق قادر است برینکه بندگان مؤمن خودرا ظفر ونصرت احسان بکند . » این آیهٔ کریمه برای مظفریت اسلامیه یک بشارت عظیمه تشکیل داد ، سرازهمان روز ازمهاجرین کرام یک یک فرقه ترتیب داده شده ویک فرقه درزیر کمان افسریٔ عم اکرم حضرت پیغمبری جناب (حمزه) ویک فرقه درزیر کمان افسریٔ عمزادهٔ حضرت رسول مجتبی علیه افضل التحایا جناب (عبیده بن الحارث) رضی الله عنهما تشکیل وترتیب داده شده ، وبهریکی از کوماندان های مکرم این دو فرقه بیکیک بیرق سفیدی عطا فرموده شده برکاروانهای تجارتیٔ مشرکین مکه سوق کرده شدند ، این فرقههای عسکریهٔ که ازطرف قدسیت شرف حضرت رسالتپناهی بطرز وانتظام مخصوصی ترتیب یافته وسوق شده بودند ، کامیابیهای درخشان درخشانی احراز نمودند ، این کامیابیها حب علویٔ جهادرا زیاده تر افزونی داد ، سفرهای حرب هرانقدر که افزونی گرفت ، درباب آداب وحقوق وقواعد جهاد نیز آیات کریمه شرف نازل شده میرفت که آن آیات جلیله دستورالعمل متین جهاد ومجاهدین را بصورت بسیار واضح وصریح بیان میفرماید ، [مؤلف کتاب چون اصل آیات کریمه را در کتاب خود درج نکرده ، وتنها بترجمه ومآل آنرا بزبان ترکیٔ عثمانی بتحریر آورده است ، لهذا ماهم بترجمهٔ همان ترجمه اکتفا میورزیم .]

مآل آن آیات کریمه چنین است :ـ « صنادید قریش اگر باشما مجادله ومقاتله بکنند ، شمانیز باآنها فی‌سبیل الله مقاتله و جهاد کنید اگر آنها باشما بقتال آغازنکنند شما آغاز تجاوز مکنید ، جناب حق تجاوز کنندهکانرا دوست ندارد » .

دیگر :ـ « آنانیکه حیات دنیا را بنعیم آخرت سودا می‌کنند فی‌سبیل الله بادشمن مقاتله باید بکنند ، هرکس که درراه خدا مقاتله کرده شهیدبشود ، یاآنکه احراز غلبه کرده نایل‌ظفرشود، درنزدیک وقت مااورا اجر عظیم میدهیم » .

دیگر :ـ « باسنگین وسبک بغزا برائید ـ [خفیف وثقیل‌را مؤلف عسکر پیاده وعسکر سواری تعبیر کرده است] ـ درراه خدابامالهای خود ، و نفسهای خود جهاد بکنید این جهاد برای شما خیر است اگر شما بدانید که جهاد چقدر ثواب ، و تخلف ازامر جهاد چقدر عقاب دارد » .

دیگر :ـ « ای مسلمانها ! برای محافظهٔ دین اسلام ، جهاد برشما فرض کرده شد ، اگرچه قتال‌شمارا خوش‌نیاید امابسیار چیزهاییست که شمارا خوش نمی‌آید آنچیزها برای شمانافع وخیرمنداست . مانند جهاد وغزا ، اگرچه درظاهر حال در امر جهاد وغزا ، فدا کردن جان و صرف مال شما میشود و آن برشما دشوار می‌آید ، اما نتیجهٔ آنهـا دردنیا برای شما نعمت مظفریت وغنیمت بارمی‌آورد ، ومحافظهٔ دین و دولت شمارا میسر میشود ، و در آخرت نعمت جنت ورتبهٔ جلیلهٔ شهادت را مظهر میشوید ، گاهی میشودکه چیزهایی را که شما خوشگوار میبینید ، آنچیزها برای شما موجب مصیبت و ادبار است ، مانند تخلف ورزیدن از جهاد وغزا ، ازتخلف ورزیدن جهاد وغزا بدشمن دین و دولت قدرت غلبه میرسد ، وموجب محرومیت شما ازنعم وثواب آخرت میشود ، جناب حق بکافهٔ امور شما واقف است شما آنرا نمیدانید » .

دیگر :ـ « ای مؤمنان درراه حق وطریق‌قیاس مطلق ، باصفای دل‌ونیت خالص جهاد بکنید ، زیرا جناب حق شمارا برای نصرت‌دین اسلام خلق فرموده است » .

دیگر :ـ « اگر دشمنان شما برشما اعلان حرب واظهار عداوت بکنند وباشما بقتال پیش آیند ، شماهم آنهارا قتل بکنید » .

دیگر :ـ « چنانچه مشرکین جملةً باشما حرب می‌کنند ، شما نیز باآنها جملةً جهاد بکنید » .

این است مآل ومضمون آیات کریمهٔ قرآن مجید وفرقان حمید که دستورالعمل اصول حرب دین‌مبین اسلامرا فقره بفقره نشان میدهد باین آیات جلیلهٔ قدسیهٔ قرآن‌عظیم الشان ، بایک‌لسان آمرانهٔ بسیار بلیغی دین مبین اسلامرا برحرب وقتال درراه خالق متعال بدایرهٔ عدل وانصاف امروتبشیر مینماید که چون‌بنظرغوروتدقیق شود ، معلوم‌میشود که قاعده‌های اساسیٔ آغاز این‌دین مبین براصول‌حرب‌وفنون‌عسکریه بنایافته است . علی‌الخصوص از آیهٔ کریمهٔ آخرین که دربالا مذکور گردید اصول (مکلفیت عامه) درقواعد حربیهٔ اسلامیه اساس گرفته شده است مکلفیت عامه ، اینست که عموم افراد امت مکلف ومجبور باشند بامور عسکری چنانچه درین‌وقت‌حاضر در نزدعموم دولتهای‌معظمه همین قواعد واصول مکلفیت عامه درامور عسکریه اساس اتخاذ شده است ، افراد اردوی حضرت رسالتپناهی بااصول مکلفیت عامه جمع میشدند ، بااجرت ومزدوری ، یادادن بدل نقدی اصلا عسکر گرفته نمیشد ، حتی دریک حدیث‌شریف چنین فرموده شده است که مآلش ازقرار ذیل است :

« قریباً شهرها فتح میشود ، ازهرقوم اعوان‌وانصار پیدا میشود هراقدر که دراطراف واکناف مسلمین افزونی کیرد ، امام‌المسلمین بقدری که حاجت داشته‌باشد ازین عسکر مسلمین ـ برای آنکه کفار برمسلمین همجوار خودشان غلبه نکنند ، از بهر جهاد بدون اجرت عسکر می‌کشد ، اگر ازمیان این عسکرها یکی بدون اجرت محاربه‌را مکروه دیده فرار بکند ، و دیگری بجای او به اجرت خدمت بکند آن آدم ازشرف‌غازی گری محروم‌میشود ، وبه‌اجر وثواب نایل نمیشود »

[کوکب المسعود فی کوکبة الجنوب ، ص ۱۸]

والحاصل این‌اصول‌اخذ عسکر بطریق مکلفیت‌عامه که دراین‌عصرهای ترقی فوق‌العاده فن عسکری ، دولتهارا ازبیم واندیشهٔ بی‌عسکر ماندن فارغ‌البال ساخته اس‌اساس آنرا اصول‌حرب نبوی وضع نموده است .

درآیات کریمهٔ که دربالا مذکور گردید صریحاً ارشاد فرموده شده که تادشمن برجان اعمال وحرکاتی که‌موجب اعلان حرب‌بشود اقدام نکند ، بدون سبب عازم راه جهاد نباید شد ، درغزا باید اعلای‌دین اسلام را مقصد بگیرند ، وبهرحرکت‌اتحاد کنند ، وباصفای دل‌وخلوص جنان مجادله بکنند ، ونعم قدسیهٔ ربانیه که برافرقه‌های مسلمانها بسبب جهاد فی‌سبیل‌الله‌آن نایل میشوند بچنان لسان بلیغی آمرانه تبشیر فرموده شده که درپیش جلالت ومهابت آن بجز تسلیم ومنقاد شدن دیگر راه مستقیمی نیست ، این است که ازآغاز شرف نزول این آیات قرآنیه از طرف عموم مجاهدین اسلام دستور مظفریات اتخاذ گردید .

احادیث شریفه که ازلسان‌حکمت بیان جناب نبوتپناهی شرف صادر شده نیز درشرف وشان عسکری یک‌قدسیت سرمدی بخش فرموده است که مآل ومضمون بعضی احادیث شریفه ازقرار ذیل است :

(باقی‌درشمارهٔ آینده)

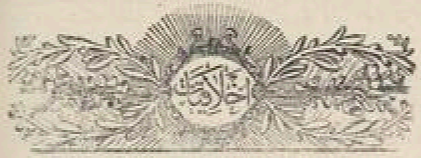

اخلاق اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم

بار امانت

حضرت (عباس) عم حضرت پیغمبری
آن صحابی جلیل آن شاه اوج سروری
یک روایت میشود ازوی حکایت بشنوید
بشنوید وعبرتی گیرید وهم آگه شوید

گفت بودم در مدینه در زمان آن عمر
آن عمر کو بد غیور و با شکوه و داد گر

یک شبی در موسم سرما که بد سرد و خنک
بهر دیدار عمر برخواستم با چابک

یک عبا بر دوش افکندم برون گشتم ز بیت
راه پیمودم میان کوچها بی صوت و صیت

بد قریب نصف شب هر سو سکون بود و سکوت
تا کهان یک هیکلی در پیش رویم شد ثبوت

هیکلی اعرابیٔ با هیبتی قامت بلند
یک ردای پس سفیدی در بر آن هوشمند

چون شدم نزدیک دیدم بود آن هیکل عمر
با ادب دادم سلام و گفتمش ای داد گر

در چنین وقتی که مردم جمله در خواب خوشند
غیر خاموشی و آرامی نشد صوتی بلند

پس چسان کردی فدا آرامی و خواب خوشت
میروی آیا کجا؟ ای من فدای سیرتت

گفت من راحت نگه دارم بدان بار گران
گردن و دوشم بود هم زیر بارش چون کمان

گر تو پنداری خلافت سهل و آسان و صغیر
هیچگه، هرگز نخواهی گشت مرد دار و امیر

وکلکم راع!..... مگر نشنیدی از خیرالبشر
چون بود مسئول پس بر گو چسان خوابد عمر!

باوجود اینکه بی خوابی و بیداری کشم
باز هم هرگز نخواهم رست از خطا و ستم

AMIR'S VISIT TO PESHAWAR.
BALJEE.

از تذکار های تاریخی سیاحت هند
ذات اعلیحضرت پادشاهی در پشاور در سنه ۱۹۰۷

گر نبایدت باورت با من بیا و سیر کن
تا ببینی رازهای بار سنگین بی سخن

بود آن شمس عدالت پیش و من دنبال او
سایه آسا می زدم با او قدم بی‌ها و هو

همچنین رفتیم تا بیرون شدیم از شهر و کوی
خارج شهری مدینه شد امیر نیک خوی

غژدیٔ اعرابی را دید و استاد آن عمر
بود در غژدی سه طفل و بیوه زالی چون قمر

بود پیدا از جبینش حزن و اندوه و کدر
بد نشسته پیش دیگی بر اجاقی شعله ور

کفچه میزد دیگ را و طفلکان گریان و زار
بیوه زن با یک صدای گریه آلودی فگار

بهر تسکین دل طفلان زار خویشتن
کو گرسنه بود و نالان از غریبی و محن

دم بدم میگفت اینک میشود حاضر طعام
کمترک صبری بکن تا پخته گردد تمام

ساعتی من با عمر استاده در بیرون در
منتظر بودیم تا بینیم طبخ ما حضر

لیک وقت اندر گذشتن بود و دیگش هم بجوش
طفلکان بی صبر و بی آرام و گریان در خروش

شد عمر پیش و سلامی داد و گفت ای والده
چیست این پختن که هرگز می نگردد مایده
طفلکان را تاکی داری چنین گریان و زار
هرچه باشد پخته شد ، ده وارهانشان زانتظار
آه حسرت برکشید آن پیرزالی ، خوش لقا
بعد از رد سلامش گفت : اهلاً مرحبا ـ
ـ پیش آ بنگر طعام ما که گردی با خبر
پخته یا خامست خود فتوی بده از خیر و شر
چون شدم نزدیک دیدم آن زمان در دیگ او
پاره سنگی درمیان آب جوشان سو بسو
میرود : گاهی ببالا که بزیر آن پاره سنگ
نیست دیگر چیز در دیگ زن آواره رنگ

شد عمر حیران و پرسیدش که چیست این طبخ و طبخ
مقصدت از سنگ پختن چیست ، بگذر ، ساز فیح
گفت زن این نی غذا باشد نه دیگر مقصد است
مقصدم خوابانیدن اطفال و بازی دادنست
چونکه ازما گول و از اسباب دفع جوع شان
هیچ چیزی نیست در دستم که گردد شادمان
شادمان با هیچ نتوان شد مگر نان یا طعام
نیست نی آن و طعامی غیر سنگ بی لجام
زین سخن افسرده خاطر گشت شاه دادگر
گفت آیا شوهر و فرزندی داری یا پدر ؟
تا که بهر نفقهٔ نان کار بندد یا کهر ؟
گفت ـ فرزند دار شد داشتم ، شوهر ، پدر

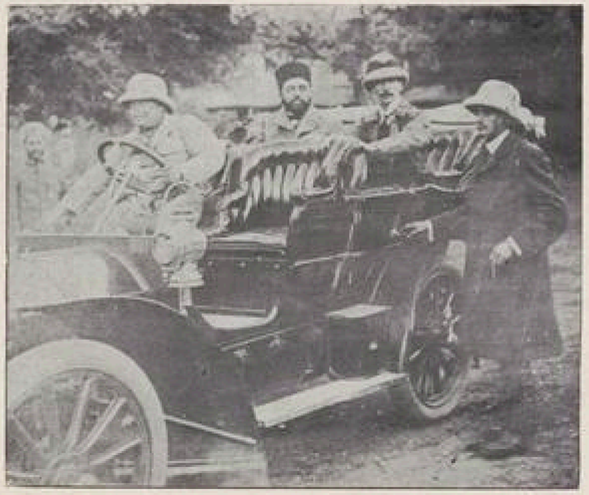

از تذکار های تاریخی سیاحت هند
ذات شوکت سمات اعلیحضرت پادشاه دولت مستقلهٔ افغانستان در گوالیار در سنه ۱۹۰۷

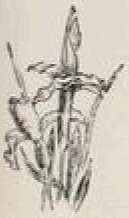

جمله شان بهر غزا در خاک شام و روم و مصر
رفته بودند و شهید افتاده یا در قید اسر
این سه اطفال صغیر احفاد من باشد بدان
کز پدرشان شد شهید و رفت سوی جاودان
این سوم شب شد که من با این یتیمان گرسنه
مانده ایم و غیر در بار خدا نبودیه
زین سخن نالان و گریان شد امیرالمؤمنین
گفتم ای مادر چرا غفلت نمودی اینچنین
بود لازم بر تو کردن ماجرای حال خویش
مینمودی باخبر ذات امیر دادکیش

زین سخن آن مرایه شد همچو شیر شرزه
شد جبین پرچین و کف بر لب غضب لبریزه
گفت : ـ خواهم از خدا تا آن امیر بیخبر
کو ندارد هیچ غم ز احوال خلق الله بسر
محو گردد ، زود گردد سرنگون اقبال او
زود گردد بدتر از حالم همه احوال او
در عجب رفتم ، بگفتم : والده ! این بددعا
نیست حق بهر عمر ، باشد سراسر ناروا
او چه کرده با تو تا شد مستحق این عتاب
او چه داند حال تو ، انصاف فرمای جناب !

گفت انصاف اینچنین باشد که من بازی دهم
این یتیمان را ، واو خواهد بیارد هیچ غم :

بار ما با ایم و در دستش امانت از خدا
داد ما را حق از او خواهد ستد روز جزا

گفتمش حق با تو باشد ای نجیبه والده
لیک کی او باخبر میبود ، بودی فایده

گفت : باید باخبر باشد ز حال بندگان
او بگردد او بپرسد او بجوید عاجزان

گفتمش تجار را صدها هزاران کاروبار
باشد و کی میرسد تنها باین صدها هزار

گفت : میدانست چون بار خلافت را گران
پس چرا اول قبولش کرد چون آب روان

عدل را عهده بدار آنوقت شد فاروق ما
کو خلافت را بدوش خود نهاده برملا

تو همیگوئی که کارش هست افزون بیشمار
کار را اول نظامی ده سپس شو کاردار

کار او آیا بجز جنگ و غزا دیگر چه بود
هر فتح ملکها لشکر کشا دیگر چه بود

مردم شهر مدینه گرسنه عریان گذار
شهرها گیرد غنیمت یاب و در تقسیم آر

این سخن را چون شنیدی وزیری و قهر
میزد آن زن که سامع را همیکردی زجر

در چنین احوال باز آواز طفلان شد بلند
گریه‌ها و ناله‌ها (الجوع) گویان شد بلند

شد از این فریادها اصحابه نالان و زار
رو بسوی آسمان برداشت و گفت ای کردگار

با صواعق اوفتد فریاد ایتام صغار
بر سر آن ابن خطابی که هست او ظالمکار

ای عمر آه یتیمان را مکن باران گمان
صاعقه باشد که رفعت بر زند بی کمان

این جیوش را تو از بهر غزا بنمودی سوق
از یتیمانش خبر گیری نشد بهر تو ذوق

گر مرادت این بود من آبرو ریزی کنم
چون گدایان نان گویان پیش تو خواری کنم

حاش لله ! بد مرا باشد که بجا کرم ز تو
او بمن تعلیم کی داده که آرم سر فرو

شد خلیفه زین سخن محجوب و بیتاب و زبون
گفت ای مادر بدستست حق زینهم فزون

باش تا یکدم روم آیم ، تو این اطفال را
بازی میده تا شوند آرام من آیم هلا !

این بگفت و زود برپا شد عمر منهم ز پی
باد سرعت میدوید او پیش و منهم همچو (فی)

درمیان کوچه های تنگ و تاریک بلند
گه چپ گه راست میرفتیم باشد مستمند

پیش روی ما یکی دروازهٔ مقفول و بند
یک کلید از جیب آورد آن عمر آن هوشمند

باز کرد او و در آمد او به پیش و من عقب
در میان آن ، کدام ، بیتمال خوش سبب

جستجو بود عمر در مخزن تاریک و تار
شمعی پیدا کرد و بر افروخت پس شد آشکار

یک جوال آرد بود و یک سبوی روغنی
گفت بردوشم بکن بار این جوال ده منی

این سبورا نیز خود بردار و چابک شو بکار
ناله زار یتیمان نموده بیقرار

بود بر پشت خلیفه آن جوال و من سبو :
بود در دستم عقب میرفتم و او پیش رو

در ببندید و روان شد از همان راه نخست
راه دور و مانده بود و بار سنگین هم بپشت

گفتمش ای یار پیغمبر امیر با وقار
مهربانی کن بده بارت مرا شو در گذار

گفت حاشا گر بمیرم تو مکن با من مدد
شد وبال من بمن باید همه از نیک و بد

تو مگر نشنیدی ای عباس زان اعرابیه
کو همی گفت از دل پرسوز آه زاکیه

بار سنگین خلافت را بدوش خود چرا
میگرفتی گر نمیدانست برداشتن ورا !

در کنار دجله گر گرگی رباید یک بره
میشود مسؤل عمر زان ظلم و بدعت یک سره

گر بماند یک ذمی بیکس عمر مسؤل شد
گر یتیمی گرسنه ماند عمر مسؤل شد

خانهٔ بیچارهٔ را اگر کند باران خراب
زیر بار آن بود دوش عمر در پیچ و تاب

قطرهٔ خونی اگر ریزد بناحق قاتلان
میشود گرداب و میگردد عمر غرقاب آن

چون خلیفه شد عمر آیا دگر مسؤل کیست ؟
چون کند آیا عمر ؟ دیگر سخن مقبول نیست

از محمد آنچه بد مطلوب ، خواهند از عمر
حق بدست شان بود ، زیرا خلیفه شد عمر

ای عمر باری خلافت را چسان کردی بدوش
چون گرفتی بار سنگین را همیکش هم بکوش

این سخنها را همیگفت و قدم میزد عمر
تا که واصل شد بپیش خیمهٔ پژمرده فر

وافکند از دوش جوال آرد را در گوشه‌اش
من نهادم نیز روغن را برای توشه‌اش

---

(۱) فی سایه را گویند

شد عمر درپیش دیگ وسنگرا بیرون کشید
آرد را درآب افگند و کمی روغن مزید

کرد ، آتش را فروزان لیك هیزم شد خلاص
چند چوب تر تدارك شد بصد غور و مغاص

ذات والای خلیفه آن امیر محتشم
درمیان خاك درپیش اوجاغ گردیده خم

لحیهٔ بیضای ذات اشرف یکسو منش
درمیان خاك و بالها دمیدی آتشش

چوبها تر بود ودود از دید های آن جناب
قطره‌های اشك باراندی هم چون در ناب

تا که آتش در گرفت وپخته شد آش طعام
گفت مادر قاب آور تا شود طفلان بکام

قاب چوبین زرگی بود پیش آورد هان
از اماج گرم وچرب آمد بطفلان تا دهان

داغ بود و خوردنش مشکل بدا بهر صغیر
زان سبب پف کرده خوراندشان ذات امیر

خیمه که ماتمسرای بود یکدم پیش ازین
این زمان بنگر که ماند رشك فردوس برین

رفت ماتم ، شد سرور افزا در و دیوار او
طفلکان بازی کنان شادی کنان در های و هو

حضرت فاروق اعظم گفت ای مادر بخش
رحمتم کن بعد ازین هرچه رسد حقت زبخش

در جبین آن شهامت مند زال محتشم
گشت پیدا روح فرحت لهجه اش شد مبتسم

الوداع گفتش وزان خیمه برون شد تیز زود
گفت دیدی غفلت از خلافت را چه بود

گفتمش گرتو نبودی از تو بهتر هم نبود
کو بدوش خود بیارد با این پشت و کتود

ای عمری تو ملك هستی نه یك ظالم امیر
لیك اندر دست چه باشد ، چون توفیق الهی خیر

عدل مطلق غیر حق مر دیگری را دسترس نیست
عجز انسان ظلوم البته عجز اخلاص نیست

لیك سعی وجد بقدر طاقت وسع بشر
بهر عدلو خوبی این باشد که کرده آن عمر

صد سلام وصد تحیه باد بر جان نبی
بعد از آن بر آل او هم بر صحبه یاران نبی

اللهم صل علی محمد وعلی اله وصحبه وبارك وسلم
از ده افغان کابل ۲۲ جمادی الثانی سنه ۱۳۳۴

حوادث داخلیه

ومن الغرائب

فضیلتمند (ملا عبدالجبار) آخند زاده برای ما مینویسد : امروز یك روزه مخط برادر ابتدا کو ـ (ملا عبدالستار) از لهو گرد علاقه مرغاب که محل ومسکن ابتدا کو است رسیده که عینا‌ها مکتوب را بعینه نقل آن بجهة استحضار خاطر مبارك ارسال خدمت عالی نمودم تا از مطالعه مبارك گذشته وا گر قابل درج جریدهٔ نامی باشد امر باندراج آن فرمایند که یکی از بدایع خارقه الهی است ودرخور انتشار است

نقل خط مذکور

در یوم دوشنبه ۲۵ ثور ۱۲ رجب المرجب سنه ۱۳۳۴ در قبیلهٔ سلطان خیل طایفهٔ کوچی قوم احمدزائی کوچی قدرونام زوجهٔ محمد نادر که حامله شده بود از وقتی که حامله شده بود تا زمان وضع حمل بالای اشتر سوار فرود نمی گرد و چون که مدت حمل مذکوره تمام شد در یك شبانه روز از بطن واحده دو دختر و دو بچه بوجود آمده و برای هر واحد یك ماده بز مقرر کرده که طفل هارا شیر میدهد ـ انتهی ـ مکرر عرض می شود که چون کوچی ها در یك جا مقیم نیستند بنا را قبیله مذکور حسب معمول در تردد است فقط (عبدالجبار)

از جاجی مینویسد

از طرف حاکم جاجی وحکومتی خبر رسیده که بتاریخ ۱۲ ماه ثور در علاقهٔ جاجی بوعده دو ساعت کامل بوجه مذکور برف باری بود فردای آن آبماشاده در هر موضع مذکور منجمد ومنعقد گردیده بود واز ابتدای ماه ثور الی یومنا در شبانروز چهار مرتبه پنج مرتبه هر روزه باران که در شدت بود ودر بعضی موضعات ژاله هم باریدن بشوا از جریان دارد در هر شیبه و هموار کوه ودشت و کشت زار مسلق بر آب گشته اند مانند بحر روان درهر رقبهٔ زمین این محال آب بشوخی کثرت ووفورت دارند که رودها عبور نهایت بدشواری می شود واملاك متصل رودها از شدت وفورت آب روبخرابی آورده اطلاع عرض الازم دانسته اطلاع عرض نمودم ودرا کثر موضعات صاعقه افتاده ومی افتند مگر فضل الهی وطالع لامع حضرت اولی الامر والاجناب اعلیحضرت ذات شعار مسعود والا برای نفری ومواشی ضرر ونقصان نرسانیده اند

نمبر ۱۳ مؤرخهٔ شهر رجب المرجب سنه ۱۳۳۴

حادثهٔ برق

حاکم کهسان بدربار حکومتی هرات معروض داشته است که در تاریخ ۱۲ جمادی الثانی در نیم شب باران شدید ورعدو برق های مزید جریان داشته درین اثناء صدای رعد و آتش برق شدت کرده مادهٔ عفونت برق جدا شده بخانهٔ سیاه عزیز نام بلوچ تعلق خیل نورالله نام علیزائی بادیه نشین علاقهٔ مذکوره می افتد خود عزیز نام که از شدت صدای رعد ازخانه برآمده بوده بواسطهٔ نزول برق ازخانه برآمده بوده بواسطهٔ نزول برق از هوش رفته بعد از مدتی که بهوش آمده از میان خانهٔ خود آواز ناله را میشنود که سوختم درمیان خانه خود آمده از جمله دو نفر آدم ودو نفر اشتر که درانخانه بوده چهار نفر عیال ویك پسر [illegible] ساله که خواب بوده با دو نفر اشتر بواسطهٔ احتراق برق مذکور فوت و هلاك شده بودند بقیه نفری خانهٔ مذکور که احتراق آن به ابدان شان کثر موثر گردیده بود واست بحال خود آمده الحال سالم شده

و جمیع عیال های فوق یکنفر عیال و پسر کوچک خواب بوده از برق مادرش را سوخته هلاک ساخته و پسرک صغیرش کسته محترق ویده که حال پسرک مذکور سلامتی حاصل کرده است .

حوادث خارجیه

جانشین لارد کچنر

اخبارات بالعموم اظهارات نموده اند که بجای لارد کچنر کدام شخص ی مقرر خواهد گردید نامهای لاید جارج و چرچل و لارد دربی در معرض بحث آمده اند ـ تصدیق این روئت که لارد فرنیچ را به وزارت جنگ پیش کرده شده است ناحال نشده است ـ دیلی کرانیکل می گوید که مستر ایسکویته غالباً کدام رکن پارلیمنت را بجای لارد کچنر مقرر خواهد کرد ـ

پس مانده کان

بطور رسمی اعلان کرده می شود که یک نفر افسر و ۱۱ نفر سپاهیان جهاز بپ شائر را که ریک تخته خود را محکم کرده بودند موج رساحل داخته است ـ

لارد کچنر و هندوستان

شمله ۹ جون ۷ شعبان

مفصل اعلان رسمی نظامی مورخه ۷ ماه جون کماندر انچیف هندوستان هدایت می کند که بیاد کار فیلد مارشل کچنر در شمله دعا نماز جنازه خوانده شود — ودرهمان روقت دعا بیرق را سرنگون کرده شود و ۱۹ فیر توپ بطور سلامی کرده شود در کل مقامات نظامی بیرق نیز سرنگون کرده خواهد شد ودرهر مقام که توپ مهیا وجود باشد فیر توپ کرده شود مزید بران کماندر انچیف هدایت میکند که حکام وافسران نظامی الی هفت روز نشان ماتم بپوشند ـ

یوم وتاریخ ووقت دعا و نماز جنازه بعدازین مشتهر کرده خواهد شد

لندن ۷ ماه جون — ۵ شعبان —

یادداشت نویس لارد کچنر در وصیت مستر کرت شایع نموده است که لارد کچنر ورود در حاصل کردن عهده وزیران هند مستغرق بود ولیکن عهده مذکور بمعاروذنک داده شد از حدمایوس شد و گفت که برای من در دنیا اکنون سوای فوج دیگر هیچ چیز نمانده است لاکن از تقرر در مصر قدری تسکین خاطر او شده بود

لندن ۷ ماه جون — ۵ ماه شعبان

مستر ایسکویته بطور عارضی وزیر جنگ مقرر گردیده است —

لندن ۷ ماه جون — ۵ ماه شعبان —

تلفات در جهازات که غرقاب شده اند بقرار ذیل می باشد — ۱۲ نفر هلاك و ۱۲۸ نفر زخمی و ۵ نفر مفقودالخبر اند —

خبرهای جنگ نقل از جراید اوروپا

الشا پت تر کیها

یکی از صاحبمنصبان انگلیس که چند ماه در بین النهرین خدمت کرده بود بجریده مورنینگ پست مورخه ۷ فوریه مکتوبی نوشته راطلاعات مالز شرافت وانسانیت ترکهای افزاید . صاحب منصب مزبور میگوید : ـ حسن اخلاق واطوار ترکها مرا چنان مجذوب کرده که تعجب دارم چگونه در دام آلمانها افتاده اند (البته مقصود من از کهای حقیقی هستند نه کردهای وحشی که دست قصابی را رامنه کشوده اند یا کهای عرب نژاد که در بغداد منزل دارند)

بعداز وقعه (تیسفون) از آنجایک عمل ناشی شد که شایسته تحسین و تمجید است . یک زورق ما که سیصد نفر مجروح داشت به گل نشست و مجبور شدیم که چند نفر پرستار برای آنها گذارده و گذشت کنیم .

ترکها زورق را با طناب سمت خود کشیده بیرق سفید را بر آن نصب نمودند و بدون هیچ مزاحمت واذیت بار دوی انگلیس شان فرستادند .

در جنگ همان شب دو نفر صاحبمنصب انگلیسی که مجروح شده بودند درمیدان ماندند و گرفتار ترکها شدند . جوانمردان ترک گرسنه ورولور واسناد ودور بین این دو نفر اسیر را گرفتند وخود شان را نزد ما فرستادند. یکی از آنها حکایت میکرد که ما و آب داده بودند تا بتوشد لباسش را باز کرده بودند تا راحت باشد

مراجعت کشتی (مو) بوطن

بیانیهٔ اداره بحری آلمان

مینزدن بادوارد هفتم

از استرداد مورخه ۵ مارس

رطبق تلگرافی که از برلن رسیده اداره ارکان بحریه آلمان بیانیه صادر کرده است بدین مضمون

کشتی « مو » در تحت فرماندهی کنت دوناند زودوه بالسکلو دین بعداز چند ماه جولان در دریاها امروز بیکی از بنادر آلمان رسید در حالی که ٤ صاحب منصب انگلیسی و ۲۹ عمله بحری و ۱۶۶ نفر اجزاء جهازات دشمن که از آن جمله ۱۰۳ نفر هندی هستند باسارت آورده و نیز یک ملیون مارک که معادل ۵۰۰۰۰ لیره است طلای نقد از دشمن گرفته است

کشتی (مو) جهازات ذیل را یا غرق کرده یا اسیر نموده و بعنوان غنیمت بحری به بنادر (ی) طرف فرستاده است .

جهازات انگلیس

کشتی کورریج	۳۶۸۷ تن ،
کشتی انور	۳۴۹۶ ،
زاهدر	۳۶۰۸ ،
اریادن	۳۰۳۵ ،
درو موس	۳۹۲۷ ،
فار بکفورد	۳۱۴۶ ،
کلن مکتاویچ	۵۸۱۶ ،
ایام	۷۷۸۱ ،
دست بورن	۳۳۰۰ ،
هوراس	۳۳۳۵ ،

فلامنکو	۴۶۲۹ ،
ساکسون پرانس	۳۴۷۱ ،
کشتی بادی ادین بورك	۱۴۷۳ ،
جهاز فرانسوی مارونی	۳۱۰۹ ،
جهاز بلژیکی لوکز امبورك	۴۳۲۲ ،

در چند نقطه از سواحل دشمن کشتی مین کذارده و از جمله جهازاتی که بواسطهٔ مین آن کشتی غرق شده کشتی ادوارد هفتم است (رویتر)

حمل مهمات جنکی بسوئد

آژانس پتروکراد از مسکو خبر میدهد که از قرار اطلاعات واصلهٔ باینجا این اوقات از طرف کارخانهٔ کروپ کلوله و مهمات و لوازم عسکری بمملکت سوئد حمل ونقل میشود .

شورای نظامی در اسلامبول

مخبر روزنامه نوی‌وریمیا از بکارست خبر میدهد که از قرار اطلاعات واصله از اسلامبول چندروز قبل در آنجا یك شورای نظامی باحضور فیلدمارشالها کلتز لیمان فون ساندرس پاشا . اسماپاشا . انورپاشا وماکنو سی ژنرال آرتزنی وجمعی از صاحب‌منصبان اردوهای المان وعثمانی تشکیل یافته . در این شورای نظامی مسئلهٔ حرکات جنکی آتیه وازدیاد قوا واستحکامات عثمانی در جبههٔ روسیه مطرح مذاکره بوده است و کویا پس از مقررات همین جلسه بلافاصله بحمل ونقل توپهای سنکین اتریشی بمیدانهای روس وعثمانی شروع شده است

ماکنزن در اسلامبول

تلکراف آژانس پتروکراد مورخه ۱۵ مارت (۲۳ جمادی‌الاول) حاکی است که فیلد مارشال ماکنزن بتازکی وارد اسلامبول شده است . برحسب اخبار پس ورود مشارالیه باسلامبول برای این است که لقب فیلد مارشالی آلمان را بسلطان عثمانی تقدیم نماید ولیکن حقیقت مطلب این است که فرماندهی کل قوای عثمانی در آسیای صغیر بعهدهٔ مشارالیه کذارده خواهد شد .

هزار بمب درسالونیك

آژانس پتروکراد خبر میدهد که برحسب اطلاعات واصله بمسکو . آلمانها ۱۰۰۰ بمب به سالونیك انداخته اند .

ثروت طبیعی صربستان

از (نورلسبورن) واقعه در رومانی روزنامهٔ ، ووبه وریا ، خبر میدهد که حکومت بلغارستان برای استفاده از منابع ثروت طبیعی صربستان نقشهٔ بزرك و وسیعی حاضر کرده است . این نقشه حکومت بلغار از طرف دولتین آلمان واطریش نیز تصویب شده است .

این دو دولت که بهر کونه اقدامات بلغارستان اظهار مساعدت کرده اند دراینموقع منافع خود را نیز بیشتر منظور داشته اند فعلا برای تحقیقات وتفتیش معادن صربستان یك کمیسیون مرکب از نمایندکان آلمان واطریش تشکیل یافته کمیسیون مزبور شروع بکار نموده دردرهٔ نهر (تیموك) وجود معادن مس . ارزیز . روی . آهنربا وچندین فلز معدنی را کشف کرده است این اوقات از طرف متخصصین معادن آلمان واطریش وبلغار برای اکتشافات وبکار انداختن معادن مزبوره مشغول تدارك نقشهای لازمه هستند و در اول ماه (می) شروع بعملیات نموده اند .

اعزام قشون بآسیای صغیر

از قرار اطلاعات اخیره . در اطراف اسلامبول لاینقطع حرکت قطارهای راه آهن مداومت یافته وازقطعه تراکیا اتصالا قشون حمل ونقل میشود . این عساکر بجهت مقابله باردوی روس بجبههٔ آسیای صغیر اعزام میشوند .

تشکیلات قشونی ونقشهٔ شرق

تلکراف از پترو کراد اشعار میدارند که مسافرت مارشال ماکنزن باسلامبول بمسئلهٔ تشکیلات جدید قشون عثمانی وترتیب یك نقشه برای عملیات شرق کاملا علاقه دار میباشد .

قوای المان واطریش در اسلامبول

از بکارست روزنامه ، بیرژاویدوموستی ، اطلاع میدهند که در اسلامبول در موقع ادای مراسم سلام ، باطریهای طوپ سنکین المان واطریش نیز اشتراك نمودند . برحسب معلوماتی که از آن بدست آمده در اسلامبول عدهٔ کثیری از قوای عسکری المان واطریش موجود بوده واین خبر از منابع عدیده تأیید شده است .

عقاید وزیر بحریه المان

از قرار معلوماتیکه از بکارست بروزنامهٔ ، ب . وید و موستی ، رسیده امیرال (فون کاپل) وزیر بحریه جدید المان سعی میکند که محافل عسکریه المان را بدین عقیده متقاعد سازد که هرچه زودتر با فعالیت حرکات بحریه المان شروع شود . وزیر مشارالیه کاملا برخلاف این عقیده است که قوای بحریه المان کالسابق بیحرکت مانده وبی فعالیت بکذارد .

فعالیت در فرونت انکلیس

اعلامیه ارکان حرب انکلیس در جبهه فرانسه اشعار میدارد که المانها در نزدیکی سوانشی و سوانقان واقع چندین بمب محترق ساخته کودالهائی را که بواسطه انفجار بمبها تشکیل یافته بود اشغال کردند . ما بواسطه هجوم دیکر اکرچه کودال را کرفتیم ولیکن جبهه دشمن را مجبور نمود که آنها را تخلیه کنیم . در اطراف ماردن . و موهر جنکهای شدید با تفنك ومین وخمپاره های دستی جریان یافته . دشمن اطراف لوریت . کروسترایت . هوك سنزان . ولوتوس را آتش کرفته مانیز درمقابل انبارهای مهمات حربیه را در نزدیکی سونه وردن محترق ساختیم طیارات ما که برای اجرای کشفیات رفته بودند مراجعت نکرده اند .

، آجیق سوز ، ۲۴ جمادی الاول

مخارج جنك فرانسه

این روزها در مجلس مبعوثان فرانسه راپورتی درخصوص بودجه سال ۱۹۱۶ خوانده میشود درین راپورت مخارج فرانسه بقرار ذیل نشان داده شده است :

از آغاز جنك حاضر تا آخر سال ۱۹۱۶ مخارج جنك فرانسه بالغ
ه وشش میلیارد وهشتصدو هشتادو دوملیون فرانك (تقریبا دوازده
کرور تومان) میباشد. ازاین مبلغ ۳۷ میلیارد فرانك برای مخارج
رت جنك ونه میلیارد و ۷۸۲ ملیون فرانك برای مصارف وزارت بحریه ووزارت مستعمرات تخصیص داشته است. وکیفیت ازدیاد تدریجی مخارج جنك بقرار ذیل نشان داده شده است :

درشش ماه اول سال ۱۹۱۵ مقدار مخارج عبارت بوده است از ۸ میلیارد وهشتصد ملیون فرانك. درسه ماه بعد بالغ برپنج میلیارد وشش

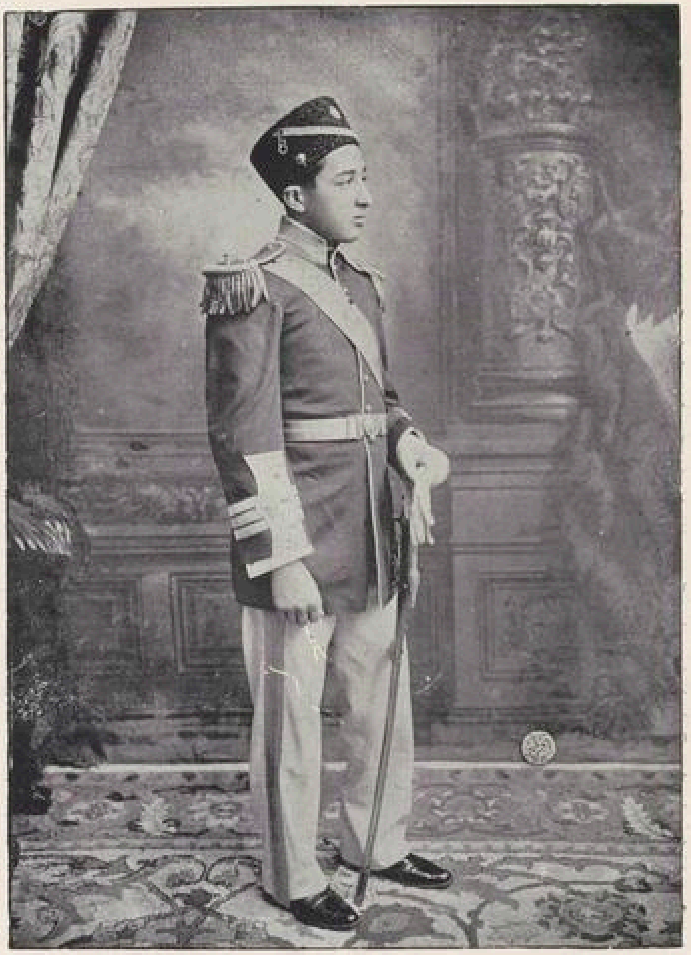

ازیادگارهای تاریخی : شهزادهٔ معظم دولت علیهٔ مستقلهٔ افغانستان
(معین السلطنه سردار عنایت الله خان) درهنگامیکه بسیاحت هندستان تشریف برده بودند درسنه ۱۳۲۲

ملیون فرانك بوده ودرسه ماه اخیر سال مزبور بمبلغ ۶ میلیارد
صد ملیون فرانك رسیده است.

درسه ماه اول سال ۱۹۱۶ میزان مخارج عبارت بوده است از ۷
ارد وهشتصد ملیون فرانك. ودرسه ماه بعد بمبلغ ۷ میلیارد وهشتصد وچهل و هشت ملیون فرانك بالغ خواهد شد.

پیه مصنوعی در آلمان

از کپنهاك روزنامه «برزاویا ویده موستی» تلگرافا اطلاع میدهد که برحسب معلومات جریدهٔ «برلنر تاگبلات» «رو قیسر» (لیندیر)

در خطابهٔ مخصوصی که در جلسهٔ علمای شیمی قرائت نموده بدلایل علمی اثبات کرده‌است که بوسایل علمی مقدار کافی پیه مصنوعی برای آلمان تدارک میتوان کرد . پروفسور مزبور ادعا میکند که این پیه اختراعی را از حشرات کوچک و کرمهائیکه ازلاشهٔ اجساد حیوانات تغذیه میکنند . ممکن است بعمل آورد .

اوضاع فرونت شرق

ازالس‌پترو کرادلتکراف خبرمیدهد که روزنامهٔ « روسکی‌اینوالید » درخصوص عملیات میدانهای شرق مقالات ذیل‌را انتشار داده‌است:

آلمانها در جبههٔ فرانس وانکلیس کوششهای تشبثات خواهند گذاشت و فشار های سخت وارد خواهند آورد که در فرونت ماطلبان آنها مداومت دارد . در میدانهای متفقین‌ما ممکن است که جنگهای بسیار دهشتناکی وقوع یافته وصفحات جدیدی پیش‌آید . لیکن شدت عملیات آلمانها دران نقاط دیری نمی نماید و آن ضربهای سخت چندان امتداد نمی‌یابد. درمجبوحه آن محاربات بزرگ ، طغیان آب درفرونت روسیه فرونشسته واردو های روس باردیگر معاونتهای ذیقیمت متفقین تواند نمود . آلمانها همین نکات را در نظر گرفته و پیش بینی میکنند و اهمیت جناحین مارا دانسته سعی میکنند که توجه ما را از جناحین اردو بنقاط دیگر جلب نمایند . درفرونت(دوینا) آلمانها بزرگترین فعالیت وجدیت خود را در اطراف ریکا وایکسکول نشان داده ودر نواحی (بارانوویچ) نیز جدیت مخصوصی بعمل میاورند .

در فرونت جنوب غربی علی رغم یک نوع سکونت مختصری که بنظرمیاید . اطریشی‌ها ازعقب فرونت‌های جدیت وعملیات مهم گذاشته اند ، این اقدامات بابیودرراه در فرونت ما و با موقعیت آلمانها در جبههٔ فرانسه علاقه دار میباشد . اطریشی ها در طول مدتی که در کالیسیاو بوکوین استقرار یافته و اقامت ورزیده اند . متجاوز از هزار ورست (قریب صدوپنجاه فرسخ) راه‌آهن کشیده‌اند. درصورتیکه راههای باریک متعدد که درصحرا ها امتداد یافته . جزو این حساب نمیباشند . تا این راههای که جدید ساخته‌اند ، دارای دوشعبه ودورشته‌است ، واز اینجا بخوبی معلوم میشود که اطریشی ها برای جنگ های سخت که در فرونتهای مهمه بوقوع خواهند پیوست ، باچه فعالیت وجدیتی حاضر میشوند ، وچه تدارکات بزرگی فراهم کرده‌اند .

آجیق سوز — ۶ — ۷ ج ۲

تحسبهم جمیعاً وقلوبهم شتی

توایشانرا باهم متفق پنداری اما دلهای شان از یکدیگر جدا است

(ترجمه از اخبار (تبلیغ) منطبعهٔ سوریه)

انظار کیان هنگامهٔ سیاست مابین الدول درین نزدیکی زمان از آمدن اعضای مجلس ملی روسی بلندن و تقدیم شدن ایشان بحضور پادشاه انکلستان و خطابهٔ پرجوش وخروش وزیر اعظم برطانیه باشان و خصوصاً از کلام مستر اسکویث که از اتحاد انکلیس وروس حرفی بنوع بشر محسوب گردید — احوالقلبیهٔ ارباب حل وعقد دولتین رافهمیدند . قانون فطرت چنین واقع شده که در محل شک و شبه تاکید درکلام برای رفع ابهام لازم باشد — پس این تاکید در اظهار دوستی واستواری اتحادمیان انکلیس وروس درین هنگام که ظاهر زیست ومرئی ایشان باینکه بکرواست‌میبایدچه دلیل ضروری داشته باشند . جواب مشفقانهٔ موسیو سازانف وزیر خارجهٔ دولت روس درلندن تشکر وامتنان تاو صفت انکلیس حاکی بعض رموز مخفیه خلجان قلبی انکلیس بخیر ظهور کشت . تحسین کلمات موسیو سازانف را بعرض غور و فکر باید آورد — تارنک یکانکی با یگانکی سیاست دولتین در تحصیل مرام خودشان هویدا کردد — مفهوم کفتار موسیو سازانف چنین است — : اظهار مستر اسکویث در باب اتحاد کامل میان دولت انکلیس وروس رمسائل شرقیه از طلوع فجر جدید در سیاست عالم ومعامله مابین‌الدول خبرمیدهد — وفاق کامل میان انکلیس وروس عبارت است ازین که مخالفهٔ شان خلاف امید عالم کماسخته شده است — درهمه اوقات باقی خواهد ماند ودوستی باتحاد منافع هردو دولت درصادق دوستی ایشان — صلح‌پاید

اعلان

سراج التواریخ

برهمه آرزو کشان علم وعرفان ممالک خارجه اعلان میشود که کتاب مستطاب (سراج التواریخ)ـ که کیفیت آن در اعلان کلم آخرین اخبار ماندرج است : درشهر پشاور بمعرفت عالیجاه میرزا غلام‌حیدرخان سررشته‌دار ما کماشتهٔ دولت علیهٔ مستقلهٔ افغانستان بقیمتهای متعین آن بفروش میرسد . خواهشمندان خریداری ومطالعهٔ آن در هندوستان ، وسایر ممالک خارجه به سررشته دار موصی الیه مراجعت کرده مستفیض میشوند .

قیمتهای کتاب مبرور در کلم اخری اخبار مندرج است برهر کتاب مبلغ‌یکروپیه ویک‌عباسی کابلی مخارج ارسالیهٔ کتاب از کابل الی پشاور ضم وعلاوه کردیده‌است . خریدارانیکه از دیگر اطراف ازپشاور طلب کنند . قیمت اجرت پارسل داک انگریزی البته بذمهٔ خود شان میباشد .

ی اولادنا واولاد اولادنا . محقق شدن این خیال که فرانس ی وروس را ازیکدیگر بیگانه کردن ممکن نیست — این امررا ات مینماید کهدول متوسطه (یعنی جرمنی و آستریا) زیادشدند ایشان روز شامت بحر محدود خودرا هرچند تاخیر کردهباشند. خیال که روس ارادهٔ تغلب بخلاف یورپ دارد تاغایت امکان راتی است وقتیکه جای خروج (بحر اعظم) جانب جنوب وس بطوریکه قابل هیچ تغیر و تبدل نباشد حاصل شود — ملک روس باسلوب مناسب درست کرده شود . وهمه همچنان ا حقوق خود را یابند . وهمه آرزو هـای روس در غرب عمل دراید — روس خطر دائمی برای ناروی وسؤیدن نیست. ی طالبی شور وغوغا درباب جزائرالند مانند دخان پریشان کنت — درباب ملک پولند فی الحال تشکیل نظام ازپیش نمودن یست . ولیکن استقلال ادارهٔ ملک خود ازروی انصاف بدرجهٔ پولند داده خواهد شد — وترقی مالی و صناعی پولند هم پذیر خواهد گردید —

ر اعظم انگلستان و وزیر امور خارجهٔ روس متفقاً اعـلان کهدولت انگلیس وروس هردو برامور یکه تعلق دارد بممالك اتفاق خالص حاصل کردهاند وممالك شرقیه عبارت است ازممالك وارانه وافغانیه وچینیه — ازساحل شرقی بحر اوسط تاساحل ر کاهل — یعنی درصورت مظفریت ایشان — انگلیس وروس ی دارای همه براعظم آسیا خواهند بود — و رتق و فتق این واسعه حسب خواهش این دودولت خواهدبود — وزیر وزیر اقوام شرقیه بر مصلحت و مشیت ایشان موقوف باشد —

راست است آنچه که موسیو سازانف میگوید کهازاتحاد انگلیس دسیاست عالم ومعاملهٔ مابین الدول طلوع عهد یوم جدید بوقوع ت . ازین فقره ظاهر است که جنگ نادر دوام خواهد کرد . سبب اصلی این جنگ جهان آشوب صرف ادعای روس وانگلیس ل عالم شرقی بود — اما تغلب روس برآسیای صغرای و اختلال ی در عراق عرب چنان استوار نمینماید کهدارائی براعظم آسیارا سلم کرده باشد —

ا این فقرهٔ موسیو سازانف که «جای خروج بحر اعظم جانب برای روس بطوریکه قابل هیچ تغیر وتبدل نباشد حاصل شود» شعاق جان گزا دردل سیاسیان انگلیس پیدا کرده است . مثلا انگلشمین کلکته میگوید که نه مستراسکویته ونه موسیو سازا مواد معاهده کهدرباب مسائل شرقیه نموده اند اشارت نموده — چنان مینماید که تازمان دوام جنگ آن مواد معاهده را مخفی د داشت — باقل درجه تاآن زمان که حلیفان احوال خود را ن و اطمینان نسازند . ازین سبب درباب مواد معاهده قوت ه را رواج دادن منفعتی نخواهد بخشید ولیکن اینقدر سراسر است کهماامید میکنیم کهدولت روس بالآخر این امر را قبول است که ما (انگلیس) در خلیج فارس استحقاق خصوصی و تغلب بلاشرکت داریم واین هم امید میکنیم کهاین خطه بلاشك وشبه داخل منطقهٔ نفوذ برطانی باشد .»

حالت روس عجیب افسوس انگیز است . آبنای باسفورس ودار دانیل ازجهت مخالفت جرمنی وآستریا درین قرون اخیره بدست روس نیامده ونخواهد آمد — وخلیج فارس را انگلیس که دوست روس است نمی گذارد کهبدست روس دراید — و دریای بالو را جاپان زیر نفوذ خود آورده است . پس چگونه این شرط کهجای خروج بحر اعظم جانب جنوب برای روس بطوریکه قابل هیچ تغیر وتبدل نباشد حاصل شود ، درست خواهد بود !

غریب ترین چیز این است که مملکت واسعهٔ پولند بنوعی بدست جرمنها درامده است کهوزیر امور خارجهٔ دولت روس درباب استخلاص آن ازدست دشمن چنان مایوس شده کهمیگوید که درباب ملک پولند فی الحال تشکیل نظام ازپیش نمودن ممکن نیست . ولیکن استقلال ادارهٔ ملک خود ازروی انصاف بدرجهٔ غایت بپولند داده خواهد شد — وترقی مالی وصناعی پولند هم اصلاح پذیر خواهد گردید .» ازکلام وزیر اعظم جرمنی ظاهر است که همین طور امتیازات را جرمنی بپولند عطا خواهد نمود — پس پولند از دست روس رفته است اما جای خروج بحر اعظم جانب جنوب ، هنوز کنجشکی است بالای درخت ! واین تودهٔ عساکر روس درجولانگاه ارض روم وطرابزون و کرمان شاه یکی کهنمونهٔ این حکایت ذیل گردد !

شنیدم که یکبار در دجلهٔ سخن گفت با عابدی کلهٔ
که من فر فرماندهی داشتم بسر بر کلاه مهی داشتم
سپهرم مدد کرد و دولت وفاق گرفتم ببازوی دولت عراق
طمع کرده بودم که کرمان خورم که نا که بخوردند کرمان سرم

اخر ترین خبر های جنگ نقل ترجمه اخبار های انگریزی

محاربات وردن

لندن ۸ جون ٦ شعبان —

پیرس — اعلان رسمی که امروز درپیرس شائع شده است بیان می کنند که قلعه واکس کاملاً خرابه شده است ودر انجا محض یك مقام مشاهدهبود غنیم آنرا به بهای گران گرفته است واورا برای تسخیر وردن چندی نزدیکتر آورده است .

قلعهٔ واکس ضبط گردید .

لندن ۸ جون ٦ شعبان

اعلان رسمی که امروز بعد ازچاشت شائع شده بود بیان می کند که جرمنها برقلعه واکس برباد شده بعد از جنگ وجـدال نهایت خوفناك که الی یك هفته جاری مانده بود قبض شدهاند درعلاقه جات دووا مونت وتیومونت وهار تنیس ویلر کاوله باری نهایت خوفناك بوقوع می آید

کلید گرفته نشده است

لندن ۹ جون ۷ شعبان

پیرس — از جرمنها درتسخیر قلعه جات واکس ٤٠ روز صرف شده است — جرمنها کل جمعیت خود را برای تسخیر قلعه مذ کور

دراهم آورده بودند وگلوله باری بجای اتواپ معمولی بهمراه اتواپ کلان کرده شده بود تاهم قلعه وا کی مدافعت ومقابله گلوله باری خوفناك وحمله جات شدید الی ۹۰ روز نموده است لا کن کلید حالت مقامی آنرا تاحال جرمنها نیافته اند ـ قلعه وا کی بربلندی ۱۱۵۰ فت واقع است و کله آن بقدر ۱۲۷۵ فت بلند میباشد قلعه زبردست ونهایت مستحکم سوویل برهان که واقع است ـ اکنون قلعه جات تاوا نیز وفردی‌وی‌سری همه قلعه‌مند کور خط مدافعت جدید میسازد درتسخیر این قلعهٔ زبردست ازجرمنها تلفات کثیرو رقم خطیر بالضرور خرج خواهد شد ـ [میگویند کهدرخانهٔ کدام‌شخص‌دزددر آمده یك صندوقچه جواهراتررا برد ورفقاء برای احوال پرسی آمدند صاحب خانه به آنها گفت اگرچه دزد صندوقچه را برده است لا کن با کی ندارد چرا که کلید آن نزدمن مانده ـ جرمنها اگرچه برقلعه جات وا کی قابض شده اند لا کن کلیدآنها تاحال بدست فرانسوی‌ها میباشد — المترجم]

لندن ۹ جون ۷ شعبان

روما — اعلان رسمی می گوید که مهاجمه استروی ها بدستور شروع می باشد غنیم کمك مزید یافته بعد ازگوله باری خوفناك بازحمله جات شدید را شروع کرده است دفعیه دسته های حمله آور غنیم بار بار کرده شده است بلکه برآنها بتواتر برچه ها حمله جات بالمقابل نیز کرده شده است بغرض حاصل کردن نجات ازگوله باری مسلسل غنیم بوقت شام مابقدر یك صد گز پسپاشده‌ایم ـ برباقی حصص محاذ دفعیه حمله جات غنیم نیز کرده شده است ـ

لندن ۷ ماه جون ۵ شعبان —

اعلان رسمی امشب جرنیل هیك بیان می کند که شب گذشته وامروز درمشرق یپ رس مقابله شدید توپخانه ها بوقوع آمده است غنیم دیروز برخندق های‌صف اول ما که درقریه بهاشده هوج واقع بودند قابض شده است بردیگر حصص محاذ حمله جات اوسراسر ناکام ثابت شده اند ـ امروز در مغرب هوج دفعیه یك حمله خورد جرمن ها کرده شده است ـ

لندن ٦ ماه جون ـ

اینهنز ـ یونان بنفوذ قانون عسکری درسالونیکا اعتراضات کرده است چرا که ازاین سراسر خلاف ورزی حقوق شاهی‌آن می شود

لندن ٦ ماه جون ـ ٤ ماه شعبان ـ

شانگهی ـ یوان شی کائی روز دوشنبه بوقت صبح مرده ـ

لندن ۷ ماه جون ٥ شعبان ـ

یوان شی کائی ازسبب مرض گرده مرده است

لندن ٦ماه جون ٤شعبان ـ

نامه نگاران مقیم صدر مقیم جنگی برطانوی جنگ‌وجدال یپ رس واقع جنوب هوج‌را ازحد خوفناك وخون ریز بیان می کند ـ محاذان اگرچه ازدومیل تجاوز نکرده است لا کن دراین محاذ تنك وضیق محاربات نهایت‌شدید بوقوع میاید ـ تلفات جرمنی وکنیدا ازحد کثیر گفته میشود ـ گلوله باری بشدت عدیم امثال جار میباشد ومصرف کارتجلتها نسبت به سابق ازحد زیاده‌تر می باشد

کشتی لارد کچنر منقلب گشت

لندن ۹ ماه جون —

نظارت بحریه اعلان می نماید که جهاز ایپ شائر بعمل ۸ بجه بهمراه تقب متصادم گشته درظرف ده‌دقیقه غرقاب شده‌بود — دو جهاز تباه کن بهمراه ان بطور حفاظت مقرر بودند که‌از سبب های بحری ازان جدا شده بودند —

لندن ۱۰ ماه جون — ۸ شعبان —

جهازاتیکه از اور کنی در ابردین رسیده بودند بیان میک لارد کچنر از گوشهٔ نهایت شمالی سکا تلند بعمل ۷ بجه شام بر جه سوار شده بود دراتوقت بر قطعات سنك لاخ جزیرهٔ مذ کور مو گردباد پیدا شده‌بود. — حادثه غرقابی جهاز مذ کور بعمل ۸ بجه بوقوع امده بود ودسته تجسسی که یك ساعت بعد از حادثه مذ روانه شده بود ربوت داد که ان یك لنگر جهاز جنگی را در آتش‌زدگی شعله‌زن دیده بود ـ بظاهر چنان معلوم می‌شدکه ان از چیز پرانیده شده‌است ودرظرف ۲۰دقیقه غرقاب شده‌بود اشتر سکاران ساحل نیز دیده بودند وانهانیز دیده بودند که جهاز کشتی ازجهاز مذکور دربحر انداخته شده‌بودند که‌بهمراه سنك متصادم شده پاش‌پاش شده بودند کشتی گیران لاردکچنر وعهده شده‌بود ازسبب تلاطم‌ها منقلب گشته‌بود ـ جهازاتررا درطرف طلب کرده شد لا کن‌انها هیچ نشان جهاز جنگی مذ کور را کك کپتان جهاز برساحل خالی دیده شد حالا همه دوازده نفر یك سنك لاخ دستیاب شد سواران حالا ازسبب تعب و ماندگی بیهوش شده بودند — بعض درحالت بیهوشی قرقر کردند که ا رتخته جهاز مانده‌است — مرده های ۷۵ نفر ازبر سنکلاخ شده‌اند ـ آنهارا برسیمانها بالا کشیده شد ـ از بعض مرده‌ها ال های دست و ناخن های پا کنده شده بودند ازین معلوم میشد برای بالاشدن ازحد جدوجهد نموده بودند —

جنازه کرنیل فتز جرالد

لندن ۱۰ ماه جون ـ ۸ شهر شعبان —

امروز تدفین کرنیل‌فتز جرالد رفقاء ایست‌بورن بهشان‌و نظامی بوقوع امده — وا کثر معززین انگلستان بوق حاضر بودند —

لندن ۲۳ ماه می ۲۰ ـ ماه رجب —

دردار العوامه امشب مستر اسکویته درباب قرضه می گو تجویز کرد باین‌طریق مقدار کل قرضه جنك ۲ ارب و۳۸۱ کرو لك پوند خواهد شدو حال ازعرصه یکماه روز بقدر ۴۸ لك و پوندیومیه بطور مصارف‌جنك صرف شده است اگرچه دراخرا افواج قدری تخفیف شده است لا کن ازسبب مصارف الحادیه به‌انها بطور قرض داده‌است درمصارف ازحد زیادتی شده‌است

جاری که بانجادیان از یکم ماه اپریل الی ۲ ماه می داده شده است به ۷۴ ملیون یده است تجویز قرضه به اتفاق آراء منظور کرده شد —

ن ۲۴ ماه می ۲۱ – ماه رجب —

لان رسمی روما می گوید که ربوت آمده است که غنیم مابین ایدج افواج را فراهم آورده می رود — ایطالوی ها پی هم لشکر میرود —

ندن ۲۵ ماه می – ۲۲ ماه رجب —

لان رسمی روما بیان می کند که ایطالوی ها طاس دریای بوسیا کورا بطریق احسن وباقاعده کاملاً خالی کرده اند – ایطالوی ها خط مدافعت واقع طاس دریای اسپرورا مضبوط کرده د ما کل اثواب را که بدون اینها ممکن بود تباه کرده ایم دیروز باستحکامات ما واقع والازیه فشار خوفناک اورد —

بانی ایطالوی ها دروادی سوکاه از تاریخ ۲۲ ماه می (۱۹ ماه رجب) شده بود تادیروز جاری بود لاکن باقاعده —

جنگ دیوها —

ندن ۲۵ ماه می – ۲۲ ماه رجب —

به نگار اخبار میلان می گوید که نظاره های خوفناک جنگ انی که درعرصه کارزار نزول دیده شده اند درجنگ دیوها دیده وند گلوله های استروی دراطراف کوهها شگافها می ساختند ن را قلبه می کردند وتکه های سنگ بهمراه نالها دروادی مثل می افتادند تدافع ومقاومت اهل ایطالیه دراین حالات از معجزه معلوم نمی شود

لندن ۳ ماه جون – غره شعبان

اعلان رسمی متجانب جرنیل هیگ بیان می کند که در علاقه رس مابین هوج و مرک ریل مین وپ رس جنگ خوفناک علی رار جاری می باشد غنیم بدنبال کامیابی دیروزه باز بوقت شب هجوم ند آورد ودراستحکامات ما درآمده درسمت ذلبیک بقدر ۸ صد گز ش کرد —

پریشانی باشندکان

لندن ۲ ماه جون

خبر تلگراف سالونیکا مظهر است که ۲۵ هزار نفر بلغاریه درعلاقه ونان داخل شده اند هزارها نفر آنها بهمراه در پشی های جرمنی کشیس بودند باشندکان سرحدات یونان دهشت زده گریخته میروند خوف ودهشت را منتشر کرده اند —

سرگرمی بمحاذ مغربی روس

لندن ۲ جون

اعلان رسمی پتروگرید می گوید که در قفقاز ما در علاقه باتی ورت دفعه حملهٔ شدید ترکان نموده ایم – یک جمعیت زبردست ترکان درقریب ماما خاتون باستحکامات ما هجوم خوفناک اورد ما ایشان را برباد کرده ماما خاتون را خالی کرده ایم —

لندن ۲۷ می – ۲۴ رجب المرجب –

واشنگتن – چونکه برطانیه وفرانس جهازات داک ممالک غیر جانب دار را گرفتار کرده درلندن که نزدیک ترین برده خریطه های داک راضبط می کنند اضلاع متحده امریکه دراین باب اعتراضات نموده است وبشیاد داشت سخت درممالک مذکور فرستاده است —

لندن ۲۷ ماه می

پیترگرید — اسیران جنگ بیان می کنند که جرمنها بمحاذ روس درعقب خود استحکامات تدافع را بسر گرمی تمام تعمیر کرده میروند — چرا که آنها درباب حملهٔ روسیان متوقع اند آنها تعمیر دو سرک ریل کرده اند یکی ازمیوالی شاول دوم ازمیمل الی موراوبوو — برمیتو یک شاخ کارخانه کرپس نیز قائم کرده شده است ولیباو را مرکز بحری درجه اول ساخته اند —

شورش ائرلیند —

قانون عسکری تاحال جاریست

لندن ۲۷ ماه می —

اعلان مندرجه ذیل درڈبلن شائع شده است —

چونکه ناراضگی وبدامنی تاحال در اکثر حصص ائرلیند منتشر میباشد لهذا قانون عسکری در کل ائرلیند تاحکم ثانی جاری وساری خواهد ماند —

لندن ۲۷ می ۲۴ رجب —

پیرس – درباب وفات جرنیل گلیانی محافظ مشهور ومعروف پیرس اعلان کرده می شود متوفی دریک وقت وزیر جنگ فرانس نیز بود —

کارستانهای تحت البحرها

جهازهای تجارتی که از تاریخ ۲۶ ماه می الی ۹ ماه جون بواسطه تحت البحرهای جرمنی غرقاب شده اند ازقرار ترجمهٔ اخبارهای انگلیزی

جهاز برطانوی موسوم به (ربناس) – جهاز دولت دانمرک موسوم به (کارلا) – جهاز ایطالوی موسوم به (ارمینا) – جهاز یونان موسوم به (ایدمواس کوراس) – جهاز دولت ایطالیا موسوم به (فیزی کونیف) – جهاز دولت ناروی موسوم به (تجویو) – جهاز دولت فرانس موسوم به (موسوس) – جهاز دولت ایطالیا موسوم به (بروماب) جهاز دولت اسپانیه موسوم به (اوربا) – جهاز دولت برطانیه موسوم به (لیکودیوئد) – جهاز برطانوی موسوم به (ایلیاس) – جهاز ایطالوی موسوم به (والیونزو) – جهاز ایطالوی موسوم به (کریلا) جهاز دولت یونان موسوم به (دربانستا) – جهاز دولت یونان موسوم به (ایدس نایوس) – جهاز دولت یونان موسوم به (آستروس) – جهاز دولت سویدن موسوم به (روزالیند) – جهاز دولت برطانوی موسوم به (ارجیتو) – جهاز ایطالوی موسوم به (استرلیا) – جهاز برطانوی موسوم به (دیفود) – جهاز دولت بلجیم – جهاز برطانوی موسوم به (هرکولیز) — جهاز برطانوی موسوم به (موردانیا) جهاز ایطالوی موسوم به (اتسا) – جهاز برطانوی موسوم به (ترنک بانی) — جهاز برطانوی موسوم به (سونکهه کرتهه) – جهاز برطانوی موسوم به (دن کرتهه) جهاز دولت ناروی موسوم به (روما) – جهاز برطانوی موسوم به (کوانکنده) جهاز برطانوی موسوم به (وایلم گرود) جهاز ایطالوی موسوم به (دیوس لیند) – جهاز برطانوی موسوم به (سالون بول) جهاز برطانوی موسوم به (توید مونه) – جهاز

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1732 of 1786

تورپیدوی ایطالوی . جهاز دولت سویدن موسوم به (ابتلی) ـ جهاز دولت ناروی موسوم به (دئور) ـ جهاز دولت ناروی موسوم به (ادر کیدل) ـ جهاز دولت ناروی موسوم به (رانسپر ثالث) جهاز دولت سویدن موسوم به (بارا) ـ جهاز دولت سویدن موسوم به (هیدی) ـ جهاز دولت ناروی موسوم به (ریانارا) است

یعنی درعرصهٔ ۱۳ روز چهل ویك جهاز بواسطهٔ تحت البحرهای جرمنیا غرقاب گردیده است

تلفات افسران دولت برطانوی

ازتاریخ ۱۹ ماه‌می الی ۱۲ ماه‌جون ازقرار ترجمهٔ اخبارهای انگلیزی

ماه‌می	عدد	ماه‌جون	عدد
۱۹	۳۱	۱	۳۸
۲۱	۲٤	۲	٤٤
۲۲	٤٤	۵	۳۰
۲۳	۳۳	۸	۳٤
۲٤	۷۶	۱	۵۸
۲۸	٤۳	۸	۶۶
۲۹	۱۰۶	۱۲	۱۳۱
۳۱	۹۶		

مجموع کل (۹۳۹)

حوادث ایران از اخبار های ایران

تلگراف آقای نظام السلطنه باعلیحضرت امپراطور آلمان

اعلیحضرت امپراطور آلمان ـ نظر به همراهی که اعلیحضرت امپراطوری همیشه نسبت بدول اسلامی نموده اند در این موقع که این جانب ریاست قوای ملی ایران را بعهده گرفتم ادعیه خالصانه خود را تقدیم حضور اعلیحضرت امپراطوری نموده واز مساعدتیکه آن اعلیحضرت الی حال برای پیشرفت این مقصد ملی واسلامی نموده اند امتنان وتشکر خودرا تقدیم میدارم امیدوارم که بهمراهی صاحبمنصبان قشون منصور آلمان و کشادی خالصانه دولت امپراطوری ومهمات جنگی واسلحه که به ایرانیان تسلیم خواهدشد این جانب موفق شوم که صفحه ایران را از لوث وجود دشمنان دیرینه اش پاك نمایم ازخداوند تبارك وتعالی پیشرفت مقصد مقدس مشترك‌را خواهانم

نظام السلطنه

جواب تلگراف آقای نظام السلطنه

بحکم اعلیحضرت امپراطوری ـ ازمژدهٔ که درخصوص بعهده گرفتن ریاست قوای ملی ایران بمن ابلاغ نموده بودید متشکرم اطمینان تام دارم که بواسطه جدیت حضرت مستطاب عالی ومساعدت وطن پرستان وجنگ جویان غیور موفق خواهید شد که مقام قدیم ایران‌را بین سایر ملل کسب نماید . اقدام مارشال بارن فوندر گلتز و صاحبمنصبان آلمان ثابت مینماید که دولت امپراطوری مرجوع مساعدت وهمراهی که ممکن است بااین اقدام مقدس حضرت مستطاب عالی خواهد نمود . ازخداوند باری تعالی موفقیت قوای ایران‌را خواهانم .

یاکف وزیر امور خارجه

اعلان

سراج التواریخ

جلد اول ـ و دوم

زندگانی جاودانی هرقوم وملت (تاریخ آنست) . (سراج التواریخ) آئینهٔ حیات تمامی ملت جلیل افغانست . زیرا از آغاز تشکیل وتأسیس یافتن دولت افغانیهٔ حالیه تحت مراد که برای حال واستقبال ملت بهترین درسگاه عبرت . وخوشتر ازین اثباه ملت تصور نمیشود . هرفردی از ملت را واجب است که یك نسخهٔ از آنرا بدست آرند ومانند حرز جان در کتابخانهٔ قلوب خودشان نگهدارند . علی الخصوص که کتاب مذکور به نیت خالصانه وخیر خواهانهٔ استفادهٔ عمومی بامر وفرمان ذات حمیده صفات پادشاه مقدس ما اعلیحضرت « سراج الملة والدین » تألیف وتدوین ودر مطبعهٔ حروفی دارالسلطنه کابل زیور طبع آرایش وترتیب یافته است.

جلد اول این کتاب از ابتدای سلطنت خاندان ذیشان (سدوزائی) یعنی از آغاز تأسیس واستقلال دولت علیهٔ افغانستان تا ورود اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمدخان مرحوم جنت مکان ازهند در کابل تحت مراد وجلد دوم آن ازحکومت خاندان جلیل الشان (محمدزائی) یعنی از ابتدای حکومت اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان تا اول جلوس اعلیحضرت « ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان » طاب ثراه وقایع تاریخیه‌را جامع میباشد دركاغذ اعلا بحروف نیم طبع رسیده است . قیمت کتاب مذکور نسبت زینت وخوبی تجلیدات آن ازقرار ذیل است

نمبر (۱) پشتی چرمی چرم تصواری دامدار کابلی تخت چهار پشت جدول طلاو کار نشان دولت واسم کتاب از ورق طلای اعلی جزو بندی شده مبلغ شانزده روپیهٔ تخته کابلی ـــ

نمبر (۲) پشتی مقوا روبه کیرمانی چهار کنج وزر چرم قرمز حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلاء جزو سیزده روپیهٔ تخته کابلی

نمبر (۳) پشتی مقوا روبه کیره لاجوردی چهار کنج وزر چرم مینی سرخه کابلی تخت حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلاء جزء بندی شده یازده روپیه تخته کابلی وده شاهی ـــ

نمبر (٤) پشتی مقوا روبه‌اری چهار کنج وزر چرم مینی سرخه کابلی تخت حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلاء جزء کوك بندی شده ده روپیه تخته کابلی وسه شاهی ـــ

نمبر(۵)پشتی مقوا روبه اری سرخ چهار کنج وزر کیره قسبا اسم کتاب ونشان دولت ورق طلاء جزء کوك بندی شده نه روپیهٔ تخته کابلی ویازده شاهی ـــ

محل فروخت

درنفس ارك مبارك از تحویلخانهٔ جناب محمدولیخان سرجماعه
در بازار ارگ از دکان عبدالله خان

چون کتاب مستطاب سراج التواریخ چهار جلد میباشد اگر دریك وقایه وشیرازه میشد حجم کتاب موصوف کلان میشد لهذا اعلیحضرت همایون و لا امر نمودند که جلد اول ودوم دریك وقایه شیرازه شود وجلد سوم وچهارم آن که هنوز درزیر طبع میباشد وبعد از انکه ازطبع برآمده مقوا کرده شد انشاءالله اعلان فروش آن نشر کرده خواهد شد فقط

در چاپخانهٔ حروفی دارالسلطنه کابل طبع گردید
هرمقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر ومحرر محرره است
محمود طرزی

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا
یاد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از شکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خودرها یابیم ممکن نشد لهذا با داکخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یک مقاوله نموده با داکخانه مشارالیه تقسیم و توزیع اخبار مارا که بهمه مشترکین کرام ما رساند درعهدهٔ همت خود قبول نمود . مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را تبشیر ویاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ هر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای داکخانه بخود شان میرسد .

شرایط خریداری

ولایت داخل افغانستان		دارالسلطنه
سالیانه	چارده روپیهٔ کابلی	قیمت سالیانه هشت روپیهٔ کابلی
ششماهه	هشت روپیه کابلی	قیمت ششماهه پنج روپیه کابلی

در خارج افغانستان
هر جائیکه باشند با اجرت پوست

قیمت سالیانه | ده روپیه انگلیزی قیمت ششماهه | شش روپیه انگلیزی
سه ماهه اشتراک قبول نمیشود
یک طلای پوند انگلیزی یازده روپیهٔ کلدار است از عوض قرار حساب کنند

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی . وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند . ویا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تابه پنج بار نشر وشایع شود بسرهر سطر ۱ یک روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر یک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تابه پنج بار فی سطر یک قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطر یک ستون اخبارما (۳ — اینچ — ۴ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تایک سال نشر کردن خواهد ووجه یک ساله را پیشکی ادا نماید در ورق پشتی بسرهر سطری ستار اجرت گرفته میشود

اعلان

سیاحتنامهٔ سه قطعهٔ روی زمین

در ۲۹ روز

آسیا ✕ آوروپا ✕ آفریقا

(مطبعهٔ عنایت) یک اثر دلپذیر جدیدی درنظر هوشکاران عرفان جلوه عرض میدهد . بدست آرید ، بخوانید درظرف ۲۹ روز یک مدت کمی سه قطعهٔ زمین را باسیاح آن یکجا وهمراه دور وسیر میکنید . ملکهای را که بران میگذرید مفصل ومکمل جغرافیا وتاریخ آنرا خوانده میتوانید . چه چیزها می بینید . چه چیزها میشنوید . چه لذتها چه سرورها میگیرید ! علمی ، ادبی ، سیاسی درعین زمان شاعرانه عاشقانه هوسات وانگیزانه ـ یک اثر !

این اثر نفیسه جلد مرکب ودر یک وقایه مجلد میباشد . تقریباً (۷۰۰) صحیفه ، وبا (۱۰۵) قطعه تصاویر مناظر مختلفه واشخاص معتبره ونقشه های مهمه مزین است . لیکن با اینهمه خوبیهای آن قیمت (۷) هفت روپیهٔ کابلی ٔ آن هیچ نیست . کاغذ اعلا ، چاپ حروف ، تصاویر رنگو گرافی ، جلد محکم واستوار : دیگر چه میخواهید ! همینقدر که از نفس مطبعهٔ مبارکه دردهٔ افغانانیه (عبدالرؤف) خان سرمرتب مطبعهٔ مبارکه ، یادر بازار ارک بدکان (بازمحمد) تاجر کتب ویادر بازار کتب فروشی متصل مدرسهٔ شاهی بدکان حاجی ملا (غلام محمد) خان تاجر مشهور کتب رو آورده مبلغ فوق کتاب مذکور را بدست آرید دیگر ی کاری نماند .

(اعلان)

پراکنده

از آثار مطبوعهٔ تازهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت، عبارت از یک مجموعهٔ اشعار ادیب تجدد آگاهی میباشد که برکاغذ اعلا، وحروف طبع دلربا، باتصاویر بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است، اگرچه از بحث خط وخال بعید است ولی مضامین وخیالاتش سراسر یکطرز جدیداست. نسبت بخوبیهای ظاهری ومعنویش قیمتش خیلی ارزان، یعنی بمقابل (۲) دو روپیهٔ کابلی درخود مطبعهٔ عنایت از نزد عبد الرؤف خان سر مرتب، ودر بازار ارک از دکان باز محمد، ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب هرکس خریده میتواند.

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه را مژده! از نو ثمر رسیدهٔ گلزار «مطبعهٔ عنایت» کامجانرا شیرین نمائید! «جزیرهٔ پنهان» یک ناولیست که قوت علم ومعرفت وسعی وغیرت را برای اساس زندگانی نوع بشر منظر ثابت وجلوه گر میسازد. هم حکایت، هم عبرت هم فن، هم فضیلت! خوبی چاپ، خوبی کاغذ، خوبی تصویرش علاوه. قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان! تنها (۶) شش روپیه محل فروخت نفس مطبعهٔ عنایت در ده افغانان، دکان باز محمد در بازار ارک، دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی.

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد
کتاب سال دوم » » » مصور مجلد
کتاب سال سوم » » » مصور مجلد
کتاب سال چهارم مصور مجلد
علم و اسلامیت
آیا چه باید کرد؟
ادب درفن
[illegible] مشترک
ترجمه
مختصر جغرافیای عمومی

این کتابهای فوق در اداره موجوداست، هرکس که آرزوی خریداری آنها را داشته باشد باداره مراجعت کند.

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

	قیمت روپیه کابلی
سیاحت دوردور زمین در هشتاد روز مجلد	۲
سیاحت در جو هوا مجلد	۲
سیاحت در زیر بحر مصور مجلد	۴
از هر دهن سخنی واز هرچمن سمنی مجلد	۲
روضهٔ حکم مجلد	۲
پراکنده مصور مجلد	۲
جزیرهٔ پنهان مصور مجلد	۶

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوق را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان از نزد عبدالرؤف خان سرمرتب واز دکان باز محمدخان کتابفروش در بازار ارک واز دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی بقیمتهای معینش خریداری کرده میتواند.

واگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوق را داشته باشند در سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند.

اعلان

کتابهای مجلد سراج الاخبار افغانیه، وکتابچههای علاوهگان وشماره های متفرقهٔ آن، وهمه کتابهای مطبعهٔ عنایت خریدارانی که آرزوی خریداری آنهارا داشته باشند از دکان حاجی ملاغلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی، واز دکان باز محمد خان تاجر کتب در بازار ارک بقیمتهای معین آن خریداری کرده میتوانند ونیز در خود اداره درماشینخانهٔ مبارکه، ودر خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان هم بفروش میرسد فقط

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

شمارهٔ ۲۲ سال پنجم

فهرست مندرجات

جشن اتفاق ملت (

عالم عسکری (غزوات جلیه پیغمبری

حوادث خارجیه (خامه آرائی نامه‌نگاران در خصوص غرقابی لارد کچنر ـ فاجعه غرقابی لارد کچنر ـ اعلان در باب خودمختاری شریف مکه ـ کعبه معظمه ـ حکایتهای محاربه ـ رستاخیز وردون ـ یک فقرهٔ تاریخچه از کتاب هندوان ـ تلگراف آقای نظام السلطنه به انورپاشا وزیر جنگ عثمانی ـ جواب تلگراف انورپاشا ـ دعوار تکالیف حاجیان صرف عربها ست ـ

اعلان (سراج التواریخ ـ ایضاً اعلان سراج التواریخ

تصاویر (بیت الله کعبهٔ معظمه ـ منظره ادای نماز در اطراف بیت الله الحرام زاده‌الله شرفا ـ منظره روضه مطهرهٔ نبویه در مدینه منوره ـ

اعلان

از صنایع پروریهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جرنیل در خانه جات . ماشین خانهٔ مبارکه دار السلطنه کابل علاوه براجرای حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه ومطابعه و اونیفورمهای عساکر شاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخلی که ازآن اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که از حضور اعلیحضرت همایون حکم فروش آن صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ، ذیل (دکان عبدالله خان دربازار ارک) میباشد.

(۱) اسرجهای پشمینه بافی رنگهای مختلف که قیمت آن ازقرار گرانکبری ۳ فوته مشخص شده در صندوقخانهٔ جنسی هم بفروش میرسد

اقسام	قسم اول						قسم دوم					
درجه‌ها	درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم وقدری کلفت قیمت آن ۱۵ پیسه زیاده است	
رقم	تاحال ساخته نشده		رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت			۷ روپیه ۰ پیسه	۶ روپیه ۱۱ پیسه	۶ روپیه ۴۲ پیسه	۵ روپیه ۴۸ پیسه	۶ روپیه ۹ پیسه	۵ روپیه ۱۸ پیسه	۶ روپیه	۵ روپیه ۱۰ پیسه	۶ روپیه ۱۰ پیسه	۵ روپیه ۲۰ پیسه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گرانکبری	کشمیره چهارخانه ۷ روپیه ۳۵ پیسه	کشمیرهٔ هدار هررقم ۷ روپیه بیست پیسه

۲ جرابها

رقم	تکمانکه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه

(۳) تکمه‌های چرمی عراب ومنبردار

کلان قدرجن	میانه قدرجن	خورده قدرجن
۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۵۵ پیسه

(۴) کروره های جدید ساخت

رقم	زه باف یکطاقه دو کره دو تاره	زه باف یک اسپه دو کره سه تاره	چرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ چار تارهٔ نخی
قیمت	۸ روپیه و ۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲۴ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۶ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم باف دسته دولای دو اسپه	چرم باف دسته دولاهٔ یک اسپه	دسته دولاهٔ یکی چار اسپه	چرم باف همرکاب
قیمت	۴ روپیه و ۴۸ پیسه	۴ روپیه و ۴۶ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۴۳ پیسه
رقم	قبضه وزنجیر کلیت نقره توبغانه	قبضه کلیت نقره از چرم سه لایه توبغانه	زه باف رقم سواری ساخی کلیت	زه باف دو تارهٔ رکابی
قیمت	۳ روپیه و ۵۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۷ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵۴ پیسه
رقم	رکابی از نخ	چرم باف میانه چوب بیت زنانه	اززین سواری تیغ چرمی	زنانه ابریشمی خیاطه
قیمت	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته های تیغ چرمی	دستهٔ دولاه ساخی وزنجیر کلیت نقره	از زین سواری دولاه تیغ چرمی کجک دار	چرم باف مابین بیت یک اسپ
قیمت	۴ روپیه و ۴۹ پیسه	۴ روپیه و ۴۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

(۵) اقسام گلهای مصنوعی سر

قسم	گل جرین	گل نافرمان	گل ورینه	گل شبو
قیمت	۵ روپیه و ۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۹ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قسم	شکوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل نسترن	چنبیل
قیمت	۷ روپیه و ۴۵ پیسه	۶ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

(بالمشتهر)

(میر محمد هاشم دفتری کارخانجات (کپتان نظامی)

صحیفه (۱) سال پنجم (شماره) ۲۲

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
با مراجعت داک ۱۱ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مراجعت داک ۱۰ روپیه انگلیزی
در پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن در داخل یکعباسی است
(اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود)

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

مدیر و سر محرر
محمود طرزی
ادارهٔ تحریر و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ قمری ۱۵ رمضان ۱۳۳٤ — تاریخ انگریزی ۱۶ جولائی عیسوی ۱۹۱۶ — تاریخ شمسی ۲۵ سرطان ۱۲۹۵

«جشن اتفاق ملت» که از مراسم بسیار مقدس و معزز دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما، و ملت نجیبهٔ افغانیهٔ ما میباشد بفضل و عنایت رحمانی، در زیر سایهٔ مرحمتوایهٔ ذات شوکت سمات اعلیحضرت (سراج الملة والدین) پادشاه معالی پایگاه بادانش و دیانت، و متبوع و اولی الامر مقدس باعدالت و پدروا شفق و ارحم ملت، در یوم دوشنبه ۲ ماه مبارک رمضان فیضرسان بکمال عز و شان شرف انعقاد یافت. از درگاه خالق لیل و نهار تا سالهای بسیار دوام داشتن این جشن مبارک را در زیر سایهٔ پادشاه بسیار خوب محبوب القلوب خویش، برای ملت و وطن عزیز خودمان تضرع و نیاز میکنیم. انشاءالله در شمارهٔ آینده از تفصیلات این مراسم جشن مبارک و مراسم عمدهٔ دینیهٔ ختم قرآن عظیم الشان در عبادت خالق کون و مکان با پادشاه اسلامیان مفصلاً عرض و بیان می نمائیم.

عالم عسکری

غزوات جلیلهٔ پیغمبری
اصول حرب نبوی
ما بعد از شمارهٔ
(۲۱)

مضمون شریف بعضی احادیث نبویه علیه الف تحیه که در اصول حرب نبوی مدار فخر عالم عسکریهٔ اسلامیه ودستورالعمل امت ناجیه شده است ازقرار ذیل است :

— : « من از طرف جلیل صمدانی ، به آخر زمان باشمشیر فرستاده شده ام . من و امت من ، تابو قتیکه بجناب حق عبادت واطاعت کامله حاصل آید ، شمشیررا ازدست نخواهیم کذاشت . رزق من درزیر شمشیراست . کسانیکه بمخالف امرمن حرکت بکنند حقیروذلیل میشوند » . « دروازه های جنت اعلادرزیر سایه‌های شمشیراست » . « خیر وسلامت بشمشیر است . درشمشیر است‌شمشیر بکجاست » . « نزدیکترین مردمان ازروی درجه بمرتبهٔ انبیامجاهدین اسلام است . » « درنزد خداوندی فی‌سبیل الله یکبار محاربه کردن ، ازچهل بار حج رفتن مقبولتر است » . « افضل اعمال مؤمنا همین است که بادشمنهایی کهاعلان مخاصمه بکنند . برای محافظهٔ‌دین ودولت تادم‌آخر محاربه بکنند » .

این است که اردوی ظفر آ ردوی اسلام . مآل و مقصد این آیات جلیلهٔ قرآنیه واحادیث شریفهٔ نبویه‌را رهبر وپیشوای مظفریات خود اتخاذ نموده ، وفضایل بر کزیدهٔ حضرت پیغمبری رانقش حافظهٔ احترام ساخته ، به احراز نمودن ظفرها وکامیابیهای بسیاردرخشان درخشانی آغاز نهادند .

غزاهای بدر ، احد ، خندق ، خیبر ، فتح مکه ، حنین ، طایف ، وتبوك از چنان غزاها ورزمکاههای جلیل بود که خورشید ضیا افشان اسلامیت را بایك شعشعهٔ بی‌نهایهٔ مظفریت آفاق گیر جهان انسانیت کردانید . فیوضات بغایات وحدانیت قدسیهٔ آلهیه را باقطار عالم واصل کردانید .

[برای تعریف معنای شرعیٔ غزا کفته میشود که همان سفرهای جنك ، که سوق یعنی عسکرراندن — واداره یعنی دور دادن وبحرکت آوردن آن اردوی عسکری — بالذات بنفس نفیس خودذات حضرت رسالتپناهی اجراآلقه باشد ، ووجود مقدس شان زمام‌سرکشان الفسری آن اردوی سفرجنك رابدست مبارك کرفته باشد آن سفر جنك را (غزا)میکویند . و آن سفرهای جنك ، که ازطرف حضرت رسالتپناهی واسطه یك سردار وامیر لشکر ، درداخل یك(منطقة الحرکات)جدا کانه اجراآلقه باشد آن را(سریه)میکویند .]

درکتاب(کوکب السموفق کوکتةالجنود)مذکور است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم بیست بار بالذات بنفس نفیس همایون به (غزا) عزالفراخهٔ شوکت واجلال شده‌اند . وچهل وهفتبار عز افراز (سریه) شده اند . ودر همهٔ غزا مظهر مظفریت کامله کردیده، غنایم وسرزمین بدست آورده اند که اینهم دلیل واضحیست که دین مبین اسلام ازآغاز رهسکری وفتوحات بلاد برای انتشارحق وسداد اساس وبنیاد نهاده است .

والحاصل هرانقدر که‌غزوات مبارکه پی‌هم بوقوع آمده میرفت . موجب‌تعالی وترقیٔ فضیلتهای نظام‌وانتظام مجاهدین کرام نیزشده میرفت افراد اردوی جلالت‌نموی حضرت‌پیغمبری بجنان‌فضایل جنك آوران وخصایل مردانه آرایش ذات وصفات نموده رفتند که‌یك تمثال مجسم فضائل‌ومکارم‌را برای‌همهٔ‌دنیا نشان‌میدادند . دراردو ، ازاحکام مقدسهٔ دینیه قدر یك‌ذره انحراف ورزیده نمیشد پیروی سنت سنیهٔ نبویه‌مدار یکانهٔ فخر ومباهات شمرده میشد . انچند چیز از جملهٔ فضایل عمده وواجب‌الرعایهٔ قوهٔ تعالیهٔ مجاهدین اسلام بود

اطاعت ، حب‌غزا ، شجاعت ، بیرق محبت ، صداقت‌،ارزوی‌شهادت

﴿ اطاعت ﴾

حضرت سردار کتیبهٔ انبیا علیه افضل الصلوة والتحایا هروقت وزمانیکه برای تحصیل رضای ربانی ، ومقصد خدا پسندانهٔ اعلای وحدانیت سبحانی علاقراز اعلای جهاد میشدند ، یاآنکه بر سوق عسکریهٔ سریه میفرمودند ، برعساکر ظفرمآثر همرکاب همایون وباعسکری که‌درزیراس وکوماندانیٔ سردار وامیر لشکرجهاد میرفت اول از اجر عظیم و ثواب جسیمی که از (اطاعت) عسکری سردار وکوماندان بحصول می‌آید اعلان وبیان میفرمودند . بلا بمضمون حدیث شریف ذیل مزایای اطاعت را تبجیل میفرمودند : « کسانیکه اطاعت مرا الزم و واجب میدانند میباید که به سردار وقائدالجیش که‌نصب کرده‌ام اطاعت بکنند . کسانیکه بسردار نصب کردهٔ من اطاعت نکنند ، بدانند که‌بمن‌هم اطاعت نکرده اند » .

این کونه کلام های قدسیت التیام حضرت پیغمبری ، نقش پذیر حافظهٔ احترام مجاهدین اسلام کردیده ، درأثنای غزا اطاعت مافوق‌را مدارسعادت‌دنیا و آخرت میدانستند .

چنانچه درسال هشتم هجرت نبویه ، برای‌تأدیب و سرزنش بعض قبایل مشرکین که حیوانات ومواشیٔ مدینهٔ منوره‌را یغما وتاراج کرده بودند ، جناب (عمر وبن عاص) رضی‌الله عنه‌را بایك قوهٔ قلیلهٔ که عبارت از سه‌صد نفر بودند به اجرای سفر حرب مأمور فرمودند . درعقب آن برای قوهٔ امدادیهٔ آن قوهٔ اول ، در معیت حضرت (ابوعبیده بن‌الجراح) رضی‌الله عنه یك‌قطعهٔ عسکریهٔ دیکرکه مرکب از دوصد نفر بود اعزام فرموده بودند . هنکامیکه حضرت ابوعبیده به اردوی حضرت عمرو‌بن‌العاص ملاقی شد ، خواست که سرداریٔ عموم ازدو اردورا عهده بکیرد . اما حضرت بن عاص رضی‌الله عنه کفت

ای امداد و معاونت من فرستاده شدهٔ . اما این سرداری و مسئولیت ره در عهدهٔ منست : »

پس بنا برین گفتهٔ حضرت عمرو بن عاص . حضرت عبیده فرموده ی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم را که پیش از برامدنش ر حرب باو فرموده بودند بخاطر اورده گفت :

— بلی، حضرت رسول الله امر فرموده بودند که « اختلاف نکنید ». پا اگر تو بمن اطاعت نکنی من بتو اطاعت میکنم .

حضرت عبیده به این حرکت خود شان . درجهٔ وجوب واهمیت ت امر آمر و کومان افسر را یک مثال بسیار جلی بوجود آورده . مرکاه صفحات مختلفهٔ همین سفر حرب ، از پیش نظر تدقیق گذرانیده د ، در باب اطاعت امیر الجیش بهبسی مثالهای جلیل برخورده میشود. ر همین سفر حرب بود که کمان افسر اردو، حضرت عمرو بن عاص ی الله عنه برای اینکه قوت ، و ترتیبات جنگی اردوی اسلام را از ر دشمن پنهان بدارد ، امر کرده بود که در اردو که بشب آتش وخته نشود . اما هوا سرد بود ، وافراد عسکریه از شدت برودت ی الحد متأثر میشدند . این حال نظر دقت حضرت (عمر الفاروق) ی الله عنه را که هم دران اردو بودند جلب نموده به حضرت بکر الصدیق) رضی الله عنه را که در نزدیک شان نشسته بودند گفت :

— رتجه حالست ! این آدم آیا عسکر را از سردی میخواهد هلاک بسازد؟

حضرت ابوبکر بایک اعتدال صدیقانه بجواب چنین فرمودند .

— عرض دار مشو یا عمر ! حضرت پیغمبر اورا بسبی که با احوال حربیه وقوف آگاهی کامله دارد ، برمجاهدین اسلام سردار نصب فرموده اند . چون درینوقت سردار میباشد ، اطاعت کردن او بر رفقه ما واجب است .

حضرت فاروق چون این بیان حقیقت را از رفیق صدیق وشنید ، بایک توکل فاروقانه اظهار تسلیمیت نمود . اینست که اطاعت اردوی عسکر اسلامیه به این درجهٔ خارق العاده رسیده بود وفقا تا آس الاساس ضرت که مبادا از امر (اطاعت) است . در قرآن عظیم بصورت صریح بیان ود شده است . مثلاً مآل و مضمون این آیت کریمه که میفرماید :

« ای مؤمنها ! بالله تعالی ، و برسول او اطاعت کنید . عملهای را بی اطاعتی باطل نسازید . »

دیگر :— « ای مؤمنها ! اگر شما بدین الله تعالی ، و رسول او مدد ید ، جناب حق نیز بشما نصرت میدهد ، و در یوم غزا ثبات و متانت را تزئید می کند . »

نزول اینچنین آیات کریمه ، برای اطاعت در مدد دین حق زیاده اده ، موجب اطاعت وفضیلت وغیرت وحمیت اردوی اسلام می گردید الخصوص که قافله سالار انبیا علیه افضل التحایا ، بسبی که اطاعت را ای فضیلت مادی ومعنوی نشان داده بودند ، و مدار سعادت دنیا خرت شمرده بودند ، ازآنرو یک ادنا حرکترا که برخلاف اطاعت د تجویز و تصویب نمیفرمودند .

در غزای مشهور « خیبر » که در سال هفتم هجرت نبویه بوقوع ده بود ، بعد از انکه حضرت نبی ذیشان سپهسالار قدسیت بنیان به الف صلوة من الرحمان یکمدتی محاربه فرمودند ، بتعطیل محاربه فرمان نمودند . این امر رسالتپناهی بمجردیکه شرف صدور یافت ـ بموجب نظام اصول حرب نبوی ـ همهٔ منادیها برای تعطیل حرب ندا کردند وهمانهم هرکس از محاربه ومقاتله دست برداشته یکبارگی حرب معطل شد . اما از افراد اردوی همایونی یکنفر عسکر بود که بعد از آوازهای منادیها نیز از حرب وقتال دست برنداشته بسیاری از کفاررا تلف نموده خودش نیز تلف گردید . بعد از ختام محاربه ، یکی از اصحاب بحضور حضرت رسالتپناهی عرض نمود که :ـ

« فلان آدم شهید شده » . آنحضرت فرمودند که :ــ « چون او بامر اطاعت نکرده ، عاصی شمرده میشود ، وعاصی را جنت حلال نمیشود . » ... پس از همین یک نکته باید استدراک کرد که باوجودیکه رتبهٔ اقصای مراتب اسلامیه رتبهٔ جلیلهٔ شهادت میباشد ، باز هم بی اطاعتی امر کمان افسر اعلا موجب محرومیت آن رتبهٔ جلیله می گردد . پس حالا تامل شود که همین حکمهای کمان افسرهای که درین جنگهای حاضره غرش های عسکر را در زیر لهای آتش میدواند بجز همین امر جلیل اطاعت دگر چیزاست؟ اما اقتدار ولیاقت کمان افسر هم از اشد ضروریات شمرده شده است

(حب غزا)

در اردوی حضرت پیغمبری (حب غزا) بدرجهٔ خارق العاده حکمفرما ، وجایگیر دلها شده بود ـ عموم مجاهدین ، غیرت دینیه را برهرچیزی افضل واقدم میدانستند . از نفر تا افسر همهٔ افراد اردو ازجهت وحدت اسلامیه متحد ومتفق بودند . چون بیقین وتحقیق میدانستند که اگر شهید بشوند سر راست بهشت اعلا میروند ، از انسبب در نزد همهٔ افراد اردو ، عزیز تر واعلاتر از حب غزا وآرزوی شهادت دیگر چیزی نبود . در اردو آرزوی بدست آوردن مال غنیمت که اساس آنرا اصول حرب نبوی پیش از یک هزار وسیصد سال وضع فرموده هیچ نبود . زیرا حضرت رسول اکرم صلی الله تعالی علیه وآله وصحبه وسلم کسانیرا که آرزوی غنیمت را در دل میپروراندند ، و برای غنیمت بجهاد میرفتند ، آنچنان اشخاص را از اردو طرد و اخراج میفرمودند چنانچه هنگامیکه بغزای خیبر امر حاضری سفر حرب را عطا میفرمودند چنین فرمان نمودند :ــ

« نمیخواهم که در اردوی من بجز آن کسانیکه برای اعلای دین جهاد می کنند دیگر کسی موجود باشد . » ایفا فرموده ، وهمان اشخاصی را که با آرزوی غنیمت میخواستند باردوی همایونی التحاق بکنند آنهارا قبول نفرمودند .

آرزو وحب بلند کردن بیرق جهاد ، برای اعلای کلمهٔ حق در دلهای عموم مجاهدین یک شوق وسرور عظیمی حاصل می کرد . بمجردیکه از طرف جلیل حضرت پیغمبری ، برقبایل مشرکین اعلان حرب میشد در عساکر اسلامیه یک جوش وخروش عظیمی پیدا شده ، برای عازم شدن راه جهاد بایکدیگر مسابقه وداوطلبی می افتادند . کسانیکه از شرف غزا محروم میماندند در یک لهیب بیپایان حسرت واندوه سوزان میشدند چنانچه در هنگامیکه برای غزای (بدر) ، در مدینهٔ منوره تدارکات حربیه اجرا میشد ، بحضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم عرض شده بود که ـ (سعد بن خثیمه) رضی الله عنه که از انصار کرام بودند باید خود بکجا بمیدان جهاد رفتن آرزو می کنند . رسول الله صلی الله

علیه وسلم ، بنا بر اصول حربی که اتخاذ فرموده بودند ، در عین وقت ویرانی زمان ، عمرو ومرد پیری را بمحاربه بردن تجویز نفرموده ، وفرموده بودند که یکی از پدر وپسر باید بماند . بنابرین در میان پدر وفرزند ، قرعه انداخته شد ، قرعه بنام جناب (سعد) اصابت نمود . اما حضرت (خیثمه) پدر دلیر محروم ماندن از شرف غزا تحمل نتوانسته به پسر خود (سعد) گفت :

« و آه ، یا سعد ! چه میشود که بجای تو من بروم ، » اما (سعد) بجا آوردن امر جهادرا در رکاب حضرت نبوپناهی ، وجهه فضایل ومکارم مرجع دانسته ، به پدر خود حضرت خیثمه که دل شجاعت پرورش بحب غزا سوزان بود گفت :

« بابا ! این چه ممکن میشود ؟ بهمرکابی حضرت نبوپناهی جهاد کردن دیگر چیزی شباهت ندارد که بنا بر پاس خاطر شما آنرا ترک کرده شوم » .

این است که با صورت عدم موافقت اظهار کرده بکمال خواهش راه مقدس جهادرا پیش گرفت ، ودر غزوه مذکوره داد مردانگی را داده آخر شهید گردید .

شجاعت

غازیهای اسلام که با ایشان چه خارق العاده حب غزا از دل میرویانیدند ، وتعیین قسم ودینداراند متین میدانهای محاربه عزیمت می‌کردند ، ودر رکاب ظفر مآب حضرت رسالتپناهی شجاعتهای دلاورانه ، وکارزارهای مردانه ابراز میفرمودند . علی الخصوص که آیت قدسیت سمات قرآن عظیم الشان که در خصوص حرب وقتال فی سبیل الله التعال ، وصبر وثبات واستقامت مجاهدین نازل وارد میشد . دمبدم یک قوت تازه ، ودلاوری بی اندازه بدلهای مسلمانها القاء نمود . آیت کریمه که در جناب شرف نزول فرموده ، مآل ومضمون بعضی از آنها از قرار ذیل است :

« ای مجاهدین اهل ایمان ! اگر از شما بقدر بیست نفر مجاهد صابر ، در مقابله اعدا اظهار ثبات و شجاعت بنماید ، محقق بدانید که بر دو صد نفر اعدا غالب می‌آید » .

دیگر : « جناب حق ، محنت ومشقت حرب را از شما تخفیف نمود ظاهر شد که در شما ضعف ابدان واذهان میباشد . بنابرین اگر از شما صد نفر مجاهد صابر باشد ، در میدان حرب بر دو صد نفر اعدا ، واگر از شما هزار نفر مجاهد باشد ، بر دو هزار نفر اعدا بعنایت واحسان من غالب می‌آید » .

دیگر : — « ای مؤمنها ! اگر کفار با شما در قصد جنگ افتند وشما عسکر که بمقابله آن میروید ، در محاربه باید ثبات ورزید ، وروی از جنگ برنتابید . جناب حق را از دل وزبان بسیار ذکر بکنید . در آنزمان براعدای خود ظفر می‌یابید » .

دیگر : — « بجناب حق ورسول او اطاعت بکنید . اگر میخواهید که از شما ریح ظفر نرود ، منازعه ومخالفت مکنید . لوجه الله ثبات بکنید عون ونصرت الله عظیم الشان باصبر کنندگانست » .

دیگر : — « چون شما بالبر وما فوق تر از آنها هستید ، پس اگر مؤمن شید ، از مصیبتی که در محاربه به آن دوچار میشوید ، خوف وتلاش را بخودتان راه مدهید . ومتانت قلبیه خود تانرا گم مکنید . بعاقبت خودتان محزون ومکدر نشوید » .

دیگر : « مرگ زمانیکه عارض میشود که مشیت وفرمان جناب حق روان رفته باشد ، ودر لوح محفوظ مقدر وموجل شده باشد » .

دیگر : — « در هرجائیکه باشید ، — حتی اگر در میان قلعه‌های مستحکم وبرجهای مشید باشید — بازهم مرگ آمده شمارا می‌یابد » .

دیگر : — « ای مؤمنها ! بمشقتهای جهاد واحکام شرعیه وطاعت صبر وتوانائی کنید ، در محاربه ثبات وپایداری نمائید ، و در محافظت باهوای خود که دشمنان شما است صبور بشوید ، در سرحدها باسب واسلحه بمقابل کفار ایستاده شده از خود دفع کنید ، از جناب حق اتقا بکنید که نائل خلاص بشوید » .

این آیات جلیله که هر یک از آن سرمایه جلدها کتابهای دستور العمل عسکری میشود ، با احادیث منیفه حضرت رسالتپناهی تأیید وتأکید میافت که مآل شریف بعضی از آنها از قرار ذیلست :

« حضرت باری تعالی جل وعلا مردم شجاع ودلاور را دوست دارد اگرچه آن شجاعت بدرجه باشد که یک ماری را تلف کند » .

با چنین اوامر جلیله ربانی ، و فرامین جناب رسالتپناهی ، غزات مسلمین ومجاهدین دین مبین فضیلت معظمه شجاعت وقهرمانی را از عنصرهای اساسی فتح ونصرت ، وصفات مخصوصه اسلامیت شناخته ، در غزوات مبارکه شجاعتهای خارق العاده ابراز نمودند . حس شجاعت واعتماد بنفس با آرزوی اطاعت امتزاج کرده ، برای مظفریت وفتوحات اردوی اسلام یک اساس قوی ویک شهراه مستوی بوجود آورد .

(محبت به بیرق)

علی الخصوص محافظه ونگاهبانی لوای نصرت انتهای اسلام یک وظیفه مقدسه ، ویک فضیلت مهمه دینیه مجاهدین دین وغزات مسلمین شمرده شده بود که این مسئله اردوی عسکریه اسلامیه را یک هیبت وعظمت دیگری بخشیده بود . هر وقتیکه از طرف ذیشرف حضرت رسالتپناهی یک طرف (سریه) اعزام میکردید ، با آنکه در اثنای حرب اگر یکی از کوماندانها یعنی امیرالجیش سریه شهید میشد ، در آنوقت از طرف اشرف خود ذات اقدس رسالتپناهی ، بجای آن هرکس را که مناسب میدیدند معین ومقرر میفرمودند . بیرق شریف چون علامت سرداری وامیرالجیشی بود ، از آن رو بهر شخصی که شجاعت ، ودانشمندی ومهارت آن ظاهر ومعلوم شده میبود ، تودیع وتسلیم فرموده میشد .

(علم) عربی ، (بیرق) فارسی ، (سنجاق) ترکی نامهای علمهای موجود در اردوی اسلام سه نوع خاص این اسم عام موجود بود . بزرگترین آنها ([illegible]) بعدازان (رایت) ، بعدازان (لوا) بود . از همه پیشتر از قماش سفید یک بیرق ایجاد کردید که آنرا (لوا) نام نهادند . بعد از آن یک بیرق سیاه دیگر ایجاد کردید که نام آنرا (رایت) گذاشتند . رایت از پشم سیاه بافته شده بود . رایت خود ذات رسالتپناهی خیمه دار وسطع آن خلدار ، وچهار کنجه یک بیرق مبارکی بود که روی کلمه طیبه (لا اله الا الله محمد رسول الله) نوشته شده بود .

نخستین بیرق که از طرف حضرت فخر کائنات علیه افضل الصلوة التسلیمات عطا فرموده شده ، در سنهٔ یکم هجرت نبویه است که بجناب (ابو مرثد) احسان فرموده‌اند ، و بعد از آن بعمزادهٔ حضرت رسول (عبیده بن الحارث) ، و بعدازان بحضرت (حمزه) و حضرت (علی) رضی الله تعالی عنهم نیز هم (لوا) نام بیرق عطا فرموده شده است ، این لوای دس بدست قوماندان و کان افسری که داده میشد ، خواه عمو یا افراد عسکریهٔ آن اردو ، و خواه خود آن ذات شریفی که حامل آن سنجاق شریف میبود ، در راه محافظه و نگهبانی آن فدای جان نمودن را سرمایهٔ عنوان فخر و مباهات خودشان میدانستند ، و در خصوص فدا کاریهای خارق العاده ابراز مینمودند ، چنانچه در سال هشتم هجری در (موته) نام محاربه که در مابین عساکر اسلام و دولت روم وقوع آمده بود ، در خصوص محافظهٔ بیرق چنان یک اثر دلاوری و قهرمانی بظهور آمده

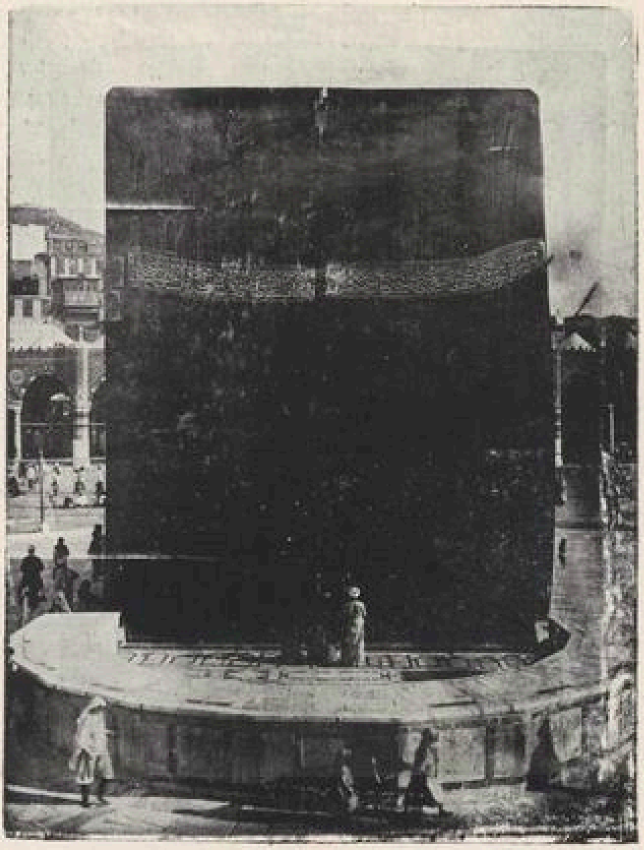

بیت الله ، کعبهٔ معظمه
منظرهٔ بیت شریف از جهت حطیم مبارک که دربنوقت تجربه و فساد دشمنان عصیان
در آن ریخته است

بود که امثال آن در صحایف تاریخ کمتر دیده میشود ،

درین محاربه ، که بمهارت عسکریهٔ قوماندان ذیشان ، و سردار شجاعت نشان اسلام جناب (خالد بن ولید) رضی الله عنه نتیجهٔ کامیابی و ثمرهٔ فتح و ظفریابی برای اردوی اسلام دست داده بود ، در اول محاربه علمدار عساکر مظفرهٔ اسلامیه حضرت (زید) رضی الله عنه بود ، لیا در اثنای محاربه بر جناب علمدار شجاعت مدار یک حملهٔ سختی از دشمن آمده ، حضرت زید ، بشجاعتهای مردانه مدافعه مینمود که درین اثنا بضرب نیزهٔ دشمن شربت شهادت را نوشید ،

حضرت (جعفر بن ابیطالب) برادر حضرت (علی) رضی الله عنهما بمجردیکه شهید شدن زید ، و افتادن بیرق را مشاهده نمود ، بسرعت

برق‌مثالی خودرا رسانیده پیش از انکه برق بزمین رسد بیک حملهٔ کی خارق‌العاده بیرق شریف را بدست شجاعت و حماست عالیٔ خود در ربود . اما ، تا خودرا بر ساید ، و بیرق را بگرفت ، تیرباران دشمن که بصورت بسیار دهشتناکی جاری بود وجود مبارک آن زبده که جوهر شجاعت و مردانگی را الحق جز خدار نمود . حضرت جعفر مانند یک شرارهٔ شجاعت و جلادت مانند خدار خون‌شار . در مقابل سیلاب دهشت مآب صفوف اعداء ثبات و پایداری نموده با شمشیر خون آشامی که در یک دست و بیرق بااحتشامی که در دیگر دست داشت در کله‌زاران دشمن کوتاهی نمی‌ورزید . رفته رفته آتش برق صاعقه بار تیغ های آبدار ، و چکاچاک تکرک ریزی تیرباران جان شکار افزون میگرفت وازهر طرف حمله‌های سخت سخت ، رخنهٔ ظفر رزم اسلامی درمی‌پیوست . ولکن حضرت جعفر باز هم در ثبات و استقامت حیدرانهٔ خویش قدر ذرهٔ خلل راه نداده بقتل اعدای دین و ملت اسلام دوام میورزید . عساکر طرفین بصورت بسیار جانبازانه و فداکارانه ، سینه‌بسینه ، و گلاویکلو دست و گریبان شده بودند . درین اثنا دست راست شیر میدان وغا به تیغ غدر و جفای یکی از افراد عسکریهٔ کفار از بازو جدا شد اما غیرت و ناموس و شرف عسکری و نظامات متین اصول حرب نبوی را ببینید که آن غضنفر میدان شجاعت هاشمی — نه آنکه بگذارد بیرق اسلام سرنگون گردد ، بیرق را بدست دیگر گرفت . و پای ثبات و مردانگیٔ آلهاشمی را در مدافعهٔ اعدا محکم فشرد . هزار افسوس ! که نگذشته بود که دست چپ مبارک نیز بریدهٔ تیغ حرب گردید .

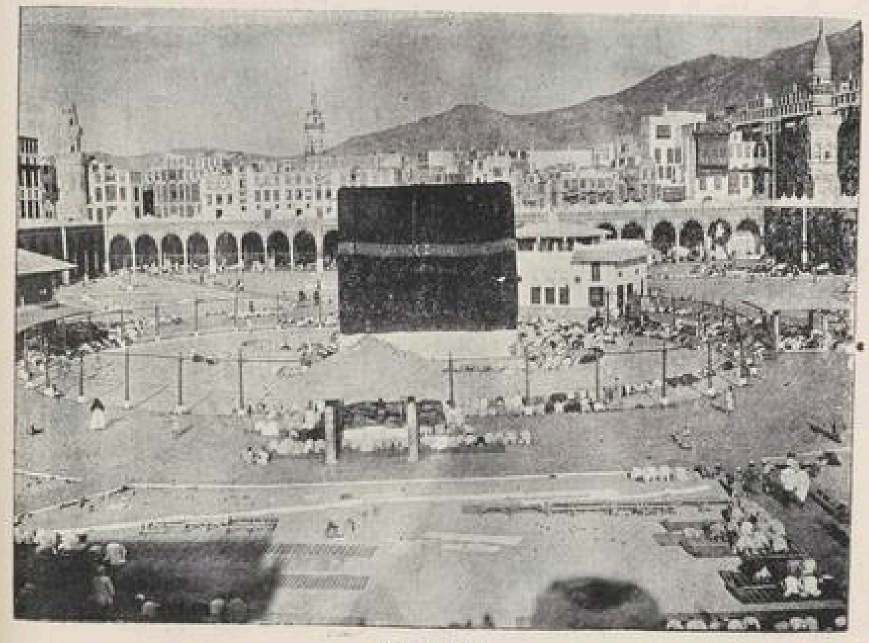

منظرهٔ ادای نماز
در اطراف بیت‌الله‌الحرام زادهاالله شرفا

درانحال از چشمه‌های شرر افشان قهرمانی و دلاوری آن سردار علمدار عساکر دلیر اسلام . اتش قهر و غضب زبانه ، و دل شجاعت منزل مبارکش بالهیب دلاوری سوزان گردید . بادستهای بریده بیرق را در اغوش بدن خون آلوده کشیده ، نگذاشت که آن لوای مقدس بزمین افتد تا وقتی که حضرت (عبدالله بن رواحه) رضی الله عنه که بقرار قاعدهٔ اصول حرب نبوی بعد از ایشان بمنصب سرداری مأمور و مقرر بود مانند برق خودرا رسانیده بیرق را در ربود ، حضرت جعفر خودرا بان علم جاوید غیر قابل سرنگون بجا دیده ، و به تنکنا ، و چهرهٔ انزع ظفر برجم که بانسیم فوز و نصرت تموج میکرد چشمها و روی مبارک را مالیده ، و بوسیده ، در حالیکه سراسر بیتاب و توان مانده بودند بیرق شریف را بحضرت (عبدالله بن رواحه) تسلیم کردند . و بعد از تسلیم بیرق ظفر مستغرق — در حالیکه از هفتاد و یک جا مجروح بودند ، در میان یک گرداب دهشتناک تیرباران دشمن تسلیم روح نموده در راه ترویج و اعلای لوای ظفر احتوای اسلامی در انحالها و ان استقبالها شهید شدند .

حضرت (جعفر ابن ابیطالب) رضی الله عنه از کوماندانها و سرداران بسیار نامدار ، و دلاورهای شرفدار دور جلیل حضرت پیغمبری بوده که بموجب روایت صحیحهٔ تاریخیه و سیریه ، زخمهای دلاورانهٔ ان عدیم‌المثال شجاعت دلیل روشن و برهان مبرهنیست که در اوراق تاریخ ...

وبدیل اینگونه فضیلت محبت عظم شرافت توأم هیچ دیگر نظیری ندارد .

حضرت جعفر ، از خاصان و برگزیدگان حضرت قافله سالار انبیا علیه افضل الصلوات و اکمل التحایا بودند که آنحضرت آن شهید سعید شجیع را خیلی دوست میداشتند . و از جملهٔ شجعان نامداری بودند که خبر شهادت شان موجب تأثر و دلسوزی فوق العادهٔ حضرت پیغمبری صلی الله علیه وآله وسلم شده است . و زبان معجز بیان مبارک در اثنای تسلی دادن و دلداری کردن زوجهٔ محترمهٔ حضرت جعفر فرموده اند که :ـ « گریه بکنید ، گریه میکنید ، اشکهای چشمهای تانرا ضبط کنید . جناب حق بجای آن دو بازوی بریدهٔ او ، دو شهپالی عطا فرموده که روح پاکش بآن دو شهپال ، در همین وقت در جنت اعلا پروازی کند » . [اللهم صل علی سیدنا محمد وعلی آله واصحبه وبارك وسلم]

(آرزوی شهادت)

ازین قبیل توجههای شفقت ، که حضرت فخر کائنات علیه افضل الصلوات والتسلیمات در نظر مجاهدین اسلام نشان میدادند ، در خصوص فضیلت قهرمانی و دلاوری که در نزد حضرت پیغمبری قیمت و اهمیت فوق العاده داشت ، همهٔ مجاهدین اسلام را چنان شوق و غیرت ، و چنان صبر و استقامت در مجاهدات و محاربات میبخشید که همهٔ افراد عسکری اردوی اسلامی برای احراز کردن نام مفخرت انجام بهادری و دلاوری با یکدیگر خودشان مسابقه و داوطلبی شتاب میکردند . و چون این نام ، بدون آنکه مرگرا حقیر شناختن ، و برای مزیت جلیلهٔ شهادت جان و دل آرزو کشیدن بدیگر چیزی میسر نمیشد . از آن رو اردوی عسکری اسلامی در زمانهای دهشترین محاربهها ، جانفشانیها و غیرتهای عالیترین خودها را بکار میبردند .

افراد عسکریهٔ اردوی حضرت پیغمبری ، اینهمه فداکاریها و جانسپاریهای را که اظهار میکردند ، محض ازین بود که اولا فیض قدسی جاودانی دین مبین اسلامی آنهارا بچنان فضیلتها آراسته و پیراسته گردانیده بود که هیچ یکی از افراد اردوی اسلامی نبود که بقدر یک ذره از هیچیکی ازین فضیلتهایی که اکنون مذکور گردید تخالف و تجاوز بتواند . ثانیا کبر علوی خصایل جمیله و عدالت و مساواتی بود که از طرف اشرف حضرت نبی ذیشان بمقابل مجاهدین اسلام میان اجرا فرموده میشد . حضرت قافله سالار انبیا ، و سرور و سردار کل اصفیا علیه افضل التحایا عدل و حقانیت بدرجهٔ رعایت میفرمودند که اگر تنها یک شتر میبود ، باهمدیگر اصحاب کرام بنوبت سوار میشدند ، در اثنای سفر هیچ یک عسکری را رنجیده خاطر نمیساختند ، هر فرد عسکری را جدا جدا به کلمات تلطف و التفات مینواختند . نطقهای مختصر و بلیغ بسیار مؤثر برای افزونی حماست و شجاعت شان بیان میفرمودند .

در غزای طایف ، در اثنای سوق رفتار عسکری ، که از یک جای تنگی میگذشت ، در یک محل شتر سواری آنحضرت شتر یک اعرابی از افراد عسکری بمجبوریت بفشار و تضییق در میگذشت که بدان سبب قدم مبارک آنحضرت را در مابین شتر خود و شتر سواری آنحضرت خیلی فشار داد . آنحضرت برای یک قدری دور کردن شتر خود ، آهسته با نوک قمچین که بدست مبارک شان بود بپای اعرابی دو که دادند . اما بسی که مبادا دل یک نفر افراد عسکری را آزرده نموده باشند ، فردای آن عرب مذکوررا بحضور خود طلبیدند . از بیم مجازات برخود لرزید . حال آنکه حضرت رسول اکرم ، بعوض مجازات بذل التفات و خاطر نوازی فرموده ، خاطر شکستهٔ اعرابی را به تعمیر فرمودن بذل عنایت فرمودند .

دیگر چیزی که موجب جانسپاری و حرکات فداکاری افراد و افسران اردوی اسلام میشد ، این بود که آن خلاصه و زبدهٔ کائنات ، حضرت پیغمبر معالی صفات علیه افضل التحیات بوجود مقدس خودشان بالذات چنان یک جوهر مقدس شجاعت و دلاوری ، و چنان یک هیکل مجسمهٔ بسالت و بهادری بودند که در مقابل تیرباران دهشتناک اعدای دین حق ، درجهٔ ثبات و تمکین نبوت پناهی شان ، نمونهٔ امتثال ، و رهنمای عساکر اطاعت خصال اسلامیه میگردید . زیرا در شجاعت و ثبات ، و استقامت بشدت مصادمات ، وجود مقدس حضرت قوماندان اعظم واقدس اردوی قدسیت نموی اسلامی علیه الصلوة والسلام ، بر تمام افراد مجاهدین اردوی همرکاب همایون شان تفوق و برتری داشت . در تنگترین و دهشت آورترین هنگامههای رستاخیز حرب ، هیچ از تلاش ، و هیجان اظهار نمودن از خصایل برگزیدهٔ خدا پسندانهٔ شان بود . حضرت (علی) کرم الله وجهه که حماست و شجاعت حیدری شان مانند شمس تابان عیان است میفرموده اند که :ـ « در شدتناکترین زمانهای محاربه که بفشارهای مافوق الطاقه گرفتار می آمدیم ، همهٔ ما برسول الله التجا میبردیم » . همهٔ افراد مجاهدین ، پیروی نمودن شجاعت و استقامت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم را برای خود مدار تمیز و افتخار ، و کان شرف و افتخار میشمردند . بمجرد یکه از طرف حضرت پیغمبری امر هجوم وحمله بعنوان قوماندهٔ (الله اکبر !) عطا میشد ، زخمیها نیز بجاییکه تمام زخمهای خودرا بدرجهٔ ممکن بسته کرده ، برای اشتراک نمودن به اطاعت امر هجوم وحمله ، یک بدیگر مسابقه و پیشقدمی میورزیدند .

ازین جهت بود که (آرزوی شهادت) برای مجاهدین اسلام از فضایل برگزیده ، و خصایل بسیار پسندیدهٔ شمرده میشد . مآل و مضمون آیت کریمهٔ که در خصوص شرف نزول فرموده از قرار ذیل ست :

« شما برای آن کسانیکه در راه حق سبحانه تعالی شهید میشوند مرده نگوئید ، نی ، بلکه آنها زنده هستند . لکن شما آنرا نمیدانید » .

« اگر شما در حرب بمیرید ، و یا در راه خدا شهید بشوید ، البته از جناب حق به ثواب نایل میشوید » .

احادیث متبرکی که از لسان اعجاز بیان آنحضرت صلی الله علیه وسلم شرف صدور یافته ، مآل و مضمون حکمت مشحون بعضی از آنها از قرار ذیل است :

« به آنجناب باریتعالی که تسخیر همهٔ اشیاء بدست قدرت ربانی اوست قسم میکنم که در راه دین غزا کرده شهید شدن ، و بعد ما باز زنده شده باز شهید شدن ، باز زنده وشهید شدن را آرزو والتماس میکنم » .

« شهادتی که باشمشیر بدست بیاید ، غیر از شرک همهٔ گناهها را محو میکند » .

«در نزد خداوندی مقبولتر ومحبوبتر از قطرهٔ خونی که فی سبیل الله ریخته شود ، دیگر چیزی نیست .»

«هنگامیکه صفهای عساکر اسلامیه ، وصفهای عساکر دشمن بایکدیگر رو برو مقابل می‌آیند ، دراینوقت ملائکهٔ کرام بمیدان حرب فرود آمده مرتبهٔ هریك از مجاهدین را مینویسند مثلا فلان برای دنیا ، وفلان حب الحمیه ، وفلان بسوق عصبیت محاربه می‌کنند . برای کسی نگوئید که فلان فی سبیل الله شهید گردید مگر که آنکس برای تعالیٔ دین اسلام حرب بکند . غزای فی سبیل الله این است .»

این آیات جلیلهٔ قرآنیه ، واین احادیث منیفهٔ نبویه که شرف صدور میافت آرزوی شهادت ، وجانسپاریٔ باشهامت شانرا دوبالا میساخت . همهٔ افراد اردورا یك شوق وشغف عظیمی درخصوص حاصل نمودن رتبهٔ ، شهادت بیتاب مینمود ، بدرجهٔ که امر وفرماندهٔ هجوم عمومی داده میشد ، بسیاری از افراد اردو برای آنکه برتبهٔ جلیلهٔ شهادت سرفراز شوند ، زرههای خودرا از بر انداخته ، دلیرانه وغضنفرانه خودرا بمیدان حرب پرتاب مینمودند . درغزای بدر ، وبعضی غزوات مبارکهٔ دیگر جانسپاریها وفداکاریهای که اصحاب جلیل و افراد اردوی ظفردلیل ابراز نموده‌اند ، باثبات رسانیده که آرزوی شهادت وخطر ندانستن مرگ درافراد عسکریهٔ اردوی نبویه تاچه درجه ووجه پایه بود .

اسلحه

شمشیر — تیر

دردور جلیل پیغمبری اسلحه یك قدر وقیمت عالیٔ را مالك بود . علی الخصوص (تیر) که ازدور استعمال میشد ، و « شمشیر » که از نزدیك استعمال می‌گردید خیلی قدر وقیمت شمرده میشدند . درفضلیت ومزیت این دو اسلحهٔ مهمه ، بسیار احادیث منیفهٔ نبویه شرف صدور شده است . حتی دردین مبین اسلام ، چنانچه اصول مکلفیت عامه — یعنی مجبور بودن عموم افراد بعسکری از احکام جلیلهٔ دینیه شمرده شده است . کذلك تعلیم وتربیهٔ عسکریه نیز از ضروریات احکام دینیه میباشد . مثلا مضمون ومآل این آیهٔ کریمه که : « برای مقابلهٔ اعدا بدرجهٔ که قدرت تان رسد ، اسلحه وآلات حربیه ، ونظر بهروقت ملازمهٔ جهادرا حاضر وآماده کنید . ودرطویله اسپهای بسته و پرورش یافته بدرجهٔ قدرت خود مهیا نمائید . » صریحاً ثابت میسازد که دین مبین اسلام تاچه درجه برای تدارکات عظیمهٔ سفربهٔ حربیه حاضر وآماده بودن را امر وفرمان میدهد .

کذلك احادیث منیفهٔ که درخصوص وارد شده‌است مزیت واهمیت اسلحه و (فن انداخت) را که ازمهمترین ملازمهٔ فنون حربیه شمرده میشود خیلی اعلا وبالا فرموده اند . مآل ومضمون بعضی ازان احادیث منیفه ازقرار ذیلست :

« تیر بیندازید ، وبراسب سوار شوید ، اما تیر انداختن تان دریش من خوبتر واولاتر است . »

« جناب حق ، بهریك تیر سه کس را بجنت میدارد یکی آن که تیررا برای طلب ثواب واحتساب بوجود میاورد ، دیگر آنکه تیررا بکمان مانده بتیرانداز معاونت میکند ، دیگر آنکه تیررا بسینهٔ دشمن دین ومات می‌اندازد . »

باین آیات کریمه ، واحادیث منیفه مرتبهٔ اسلحه‌سازی ، وتیراندازی ، وتدارکات حاضرهٔ جنگ برچنان اساسهای متینی بنیاد گرفت که ثمرهٔ آن تا بحال — بلکه تاابد — درعلوم وفنون حربیه مشعله های رهنمای فتح وظفر هرقوم وملتی که به‌آن پیروی کرده اند شده ومیشود وخواهد شد . [علی الخصوص درمضمون حدیث شریف اول بهٔ ترجیح دادن تیراندازی‌ها برسواری ، دستور مرجح بودن عساکر پیاده ، برعساکر سواری نیز ایما فرموده شده است که نتیجهٔ آن دراین معرکه‌ها وحربهای موجوده درهجوم های پیاده وضبط نمودن قلعه های خارق العاده بظهور پیوست .]

فن انداخت را [که اول آن از تیر آغاز میکند ، و آخر آن بزرگترین طوپهای عظیمه که دراین وقت درداستانهای آنها درجنگهای موجوده میشنویم انجام میابد] حضرت سردار جلیل انبیا علیه آلاف التحیه والثنا بسیار محترم ، وکسانی‌را که بفن تیر اندازی مشهور بودند خیلی معزز ومکرم میداشتند . ابراز مهارت کنند گان این شعبهٔ مهمه‌را بکلمات وتلطفات سعادت غایات نبویها تلطیف وتطییب میفرمودند .

درغزای مشهور (احد) جناب (سعد ابن وقاص) رضی الله تعالی عنه ، زیاده برهزار تیر بر کفار انداخته بودند . ودرهر انداخت خود آماج را خطا نکرده بودند . چون میدان محاربه گرم گردیده بود . وحضرت رسول ذیشان این مهارت کارکشانهٔ جناب سعدرا مشاهده فرمودند بنابر تشویق وتقدیر این احسن اعمال فرمودند که : « تیر بینداز ، سعد ! پدر ومادرم فدای تو باد . » ، باین خطاب جلیل حضرت پیغمبری ، آن صحابیٔ جلیل غریق فیوضات حضرت سرور اولاد آدم وسرافسر اکرم واعظم صلی الله علیه وسلم گردیده وجد وشوقش دوبالا وهمت وجرئتش شدت افزا گردید .

درمحاربه های این زمان ، وفنون عسکریهٔ این عصر واوان چون نظر کرده‌شود (فن انداخت) ازمهمترین تعلیمات وتربیهٔ عسکریه شمرده میشود . حالانکه برای عسکر ظفر رهبر اسلام درهرجا که باشند این فن شریف انداخت ودیگر همه تعلیمات وتربیه های عسکریه از احکام جلیلهٔ قطعیهٔ دینیه شمرده شده آمده است . حضرت سرور وسردار اصفیا علیه افضل التحایا ، چنانچه فن انداخت‌را تقدیر وتحسین میفرمودند . کذلك قیمت شمشیر را که یگانه سبب تشیید وترشید (فکر تعرضی) میباشد بتبجیل وتوقیر میفرمودند . مثلا فرموده اند که : « جنت در زیر سایه های شمشیر هاست . » باین کلام قدسیت اشتمال درجه ومزیتهٔ شمشیر را اعلا فرموده اند .

حوادث خارجیه

خامه آرائیٔ نامه نگاران
درخصوص غرقیٔ لارد کیچنر

نقل از جریدهٔ حبل المتین :

— یکی از ضایعات بزرگ —

لارد کیچنر وزیر جنگ که معروف ترین رجال انگلستان ودر
وبزرگ ترین سرداران وجنرالان جنگی عالم بود بدعوت اعلیحضر

طور نیکلای دوم باتمام هیئت اداری خود درجهاز جنگی همشایر ی مشورهٔ اصلاح امور مالی وقشون روس رهسپار پطرو گراد بود ساحل آیرلاند کشتی وی مصادم بامینك یاموشك بحری آمده غرق ردید چون موسم خراب بود بااینکه ازهرطرف برای نجات مغروقین کرفت احدی نجات نیافت ویك عالم علم وتهوررا بزیر آب پنهان ساخت لارد کچنر بیست سال متجاوز درمصر خدمات لشکری را انجام داد رجانب حکومت مصریه نیز لقب پاشائی یافت وقشون مصررا بطرز ید مرتب ساخت جنك سودانرا اوخاتمه داد فتح خرطوم وام درمان رو ومناقشهٔ (فشود) را بامتانت ونرمی ومرام انکلستان قسمی تصفیه رد که منجر جنك بافرانسه نگردید .

درجنك ترنسوال افریقای جنوبی علم ودانش وخدمات ذیقیمتش یدان هولناك را بکام دولت انکلیس ساخت وبتجربه سالار هندوستان واصلاحات عمده دراداره لشکری هندداد ودر حقیقت یك گونه استقلالی ادارهٔ لشکری هند بخشود که تا کنون هم را تحت اقتدار کاملهٔ فرما رمای هندوستان بیرون است متانت ونکته سنجی وقابلیت تحریری وی مناقشهٔ بالاردکرزن بخوبی ظاهر گردید که لاردکرزن مجبور به استعفای فرمانفرمائی هندوستان شد .

درموقع حملهٔ ایطالی به طرابلس غرب وزیر سیاسی مصر گردید ودرآن موقع تائیدات کافی از روی سیاست به اقتدارات انکلستان نمود درین جنك هم لارد کچنر پیش ازکلیهٔ رجال انکلستان حصه ار وزیر وار بود واول شخص نظامی بود که بوزارت جنك رسید وقبل ازوی درانکلستان وزارت جنك را یك مرد سیاسی اداره مینمودند . مازر عمدهٔ لارد کچنر دولت انکلیس را دارای یك قوت قشونی بری ساخت که تاامروز تاریخ انکلستان بخود یاد ندارد ازمساعی لاردکچنر ود که دولت انکلیس ازهفت صدهزار لشکر درعرصهٔ دوسال به پنج ملیون قشون بالغ آمده واول شخصی بود که با آواز بلندعظمت واهمیت ین جنك را تسلیم کرده اقل مدت آنرا سه سال گفت اگرچه لارد کچنر برخی مخالفین مسلك درانکلستان داشت ولی دوست ودشمن قائل ودند که درفنون جنگی ولشکر آرائی لاردکچنر ثانی ندارد ونفوذش درملت انکلیسیه باندازهٔ بود که دررجال انکلستان احدی دارای این پایه ومایه دیده نمیشود لاردکچنر چندین مرتبه بمیادین فرانسه رفت ودرایطالی والکان گردش نمود وپادشاه یونان را ازمعیت بالمان باز داشت وازانجا بمصر برگشته وضع قشونی آنجا را تکمیل نمود حالا بروسیه میرفت که اصلاحات عمدهٔ درقشون روس بدهد که دست اجل گریبانش را گرفته فرصت نداد .

عمده سبب رفتن لارد کچنر بروسیه تصفیهٔ مسئلهٔ شرق بود مسلماً جنك خونخوارهٔ درین چندماه راستی درشمالی بغداد پیش آمده تامسائل شرقیه یکدفعه تصفیه پذیرد چه درحقیقت حل مسئلهٔ شرق امروزه نصف جنك را تصفیه تواند کرد اگر لارد کچنر بروسیه میرفت یقیناً تقسیمات وایران وآسیای صغیر وعراق عرب هم رهسپار میگردید زمانه اش مهلت نداد که این نقشهٔ بزرگرا هم بکام دل انجام داده مانند مصر نتیجهٔ زحمات خویش را بچشم خود ببیند .

از بیست سال باین طرف لارد کچنر شخص دوم جنگی انکلستان بود یعنی بعد ازلارد رابرتس لارد کچنر عزیز بود وی سال گذشته آن یگانه مرد تاریخی درمیدان فرانسه وداع زندگی گفت وامسال این یگانه سردار جلیل القدر انکلستان ازحیات عزیمت نمود ، هرقدر انکلستان درماتم این وزیر بزرگ مبالغه نماید کم است ولی میتوان گفت که اینگونه رجال بزرگ که تادم واپسین بوطن محبوب خود خدمت نموده هرگز نمی میرند وزندهٔ جاوید هستند مسلماً فقدان لاردکچنر براهالی انکلستان خیلی مؤثر واقع گردیده ومیتوان گفت که یکی ازمصائب تاریخی انکلستان بشمار است .

وجهٔ فرقی لارد کچنر

اخبار (آواز اسلام) مینویسد :

واقعهٔ موت هرکس که باشد چیزی است غم انگیز ووحشت خیز — مرك فرق دوستی ودشمنی را از میان بر دارد . تصور مرك یکبارگی معمای نیرنگ عالم را پیش نظر آورده عقل انسانی را مبهوت میسازد . اگرچه موت هیچ کس ، چه بزرگ باشد چه خرد — کاروبار دنیارا معطل نمیکند — « کمان مبر که تو چون بگذری جهان بگذشت : هزار شمع بکشتند وانجمن باقی است » ، ولیکن تاریخ شاهد است که حیات بعضی اشخاص اگرچه درقرون یکبار باشد منبع حیات ملل میباشد ، وممات چنین اشخاص خلل عظیم در جریان احوال جمعیت انسانی پیدا میکند . مثلاً وجود اسکندر اعظم گوئی مقناطیس بشری بود که ملت یونانیان قدیم را بذات خود وابسته برای تسخیر عالم قوتی عجیب قابل مراجعه ومدافعه بوجود آورده بود . ناپولیان بوناپارت هم جاذبهٔ مجسم بود که فولاد سپه گری را بخود کشیده گیتی را زیروزبر مینمود —

لاردکچنر درحالت موجوده در ممالک واسعهٔ برطانیهٔ سپه سالاری بود عزیزالوجود — که نظام عسکری را درست کرده بود — و در حالتیکه تعلیم عسکری جبری نداشت وجود اوغنیمت بود . والامرشناو ازعناصریکه مردم خارق العاده را بظهور آوردنی بود — این قصوراو از نقص جبلّی او نبود ، بلکه اسباب مبنی او چنین واقع شده بود که کسب کمالات مطلقهٔ عسکریه را کردن نتوانست . دولت انکلیس برخرابهٔ دول غیر متمدنه تعمیر یافته است ، پس از محاربات نیپولیانی انکلیس درین صد سال گذشته باسلحه مهلك ترین باقومهای آسیائی وافریقی که نه اسلحهٔ خوب داشتند ونه از علم بهره — جنك کرده مظفریتهای آسان بدست آورده بود ، درین صورت قائدین عساکر انکلیسیه چگونه در کمالات عسکریهٔ مطلقهٔ مانند سپهبدان براعظم یورپ تواند شد !

اکثر جولانگاه فعالیت لارد کچنر مملکت مصر بود . چون پیش ازبیست سال درابتدای سنه ۱۸۹۶ع دولت اطالیه درمقام ادووا بدست دولت حبش شکست فاش خورد ، خوف پیدا شد که مبادا درویش سودان بر کسالا که عسکر گاه اطالیه بود حمله کنند . دولت برطانیه درپی اعانت دولت اطالیه بوده عساکر مصری و انکلیسی را زیر ریاست لارد کچنر بدنقله بخلاف درویشان سودان فرستاد — فتح دنقله درآن سال وسودان بعد

قتل‌عام درمان ازجملهٔ کارنامهای عسکری لارد کچنر در تاریخ ثبت گردید ولیکن این واقعات محتاج قابلیت عسکری لارد کچنر حسب اصول جدیده نمیتوانند شد . زیرا که درویشان مسلح بشمشیر ونیزه بمیدان کشاده پیش توپهای نو ایجاد جوق جوق در آمدند ـ ودر چندساعت آماج توپهای مرگ زاشده هیچ اثری ازیشان باقی نماند . البته جوانمردی درویشان بدرجهٔ فوق العاده رسیده بود ـ یك جماعت علمداران ایشان پیش لشکر میرفت . هر گاه یك بیرق بردار کشته شد دیگری بیرق را گرفته بکمال سکون قلب پیش رفتن گرفت . تا همه افراد آن جماعت کشته شدند . مؤرخین میگویند که دران موقع لارد کچنر اقدام جنگجو نبود نموده چندهزار درویشان زخمی را تیغ بیدریغ بیسنگین بیرحمی کشید ـ ودر تخریب مزار مهدی سودانی در خرطوم وبرون آوردن جسد او از گور وانداختن ذره‌های لاش او در آب نیل وسر شرا بریده بانگلستان فرستادن ذمه‌داری لارد کچنر ولارد کرومر سابق وکیل دولت انگلیس در مصر برابر بود وهمچنین درباب بدار کشیدن فلاحین معصومین قصبهٔ دنشاوای لارد کچنر ولارد کرومر معامله فرعونی را بعمل آورده بودند ـ درجنك ترانسوال افریقای جنوبی (سنه ۱۸۹۹ع ـ سنه ۱۹۰۲ع) هم جوهر سپه گری خارق العاده از لارد کچنر ظهور نپیوست . بوئران که اخیراً قریباً سی هزار مانده بودند بدولت لشکر انگلیسی تا آخر مغلوب نشده بودند لارد کچنر خانهای ایشان واثاث البیت ایشان وزراعتهای ایشان راسوخته بود و گلهای گوسفند و گاو وغیرها را کشته اما ایشان اسباب رسد واموالات انگلیس را تاراج میبردند وجنگ بدون کمی جوش جاری میداشتند ولی ـ لارد کچنر زنان وبچگان بوئران را در خیمه‌هائیکه در زمین گل ولای وتب زا زده بودند سکنی داده بود ـ ازین ظروف فسد الهوا بچگان بوئران بان کثرت مردن آغاز کردند که در رای جریدهٔ دیلی نیوز لندن ظن غالب بود که درمدت دوسال همهٔ نسل بوئران از دنیا محو شود بی خوف انقطاع نسل بوئران ووعدهٔ دولت برطانیه باعطای استقلال تحل زیر بیرق انگلیس واعانت پول برای اصلاح احوال شان ، وخواهش شاه ایدورد هفتم که تاجپوشی او هنگام صلح باشد ـ این همه اسباب جمع شده بوئران راراضی بصلح گردانید ـ

اگرچه کارنامهای عسکری لارد کچنر ازروی اصول جدیده از درجهٔ اول نبوده ـ ولیکن درمیان ملت انگلیس موجب سرافرازی نمایان گردید ـ ازینجا است که او را دوباره بمصر فرستاده بودند ـ وزمام سیاسی بدست او نهاده ـ ادارهٔ سیاسی او در مصر کمتر از ادارهٔ لارد کرومر نبود . وتقرر او بمنصب وزارت حرب هنگام آغاز شدن انجنك عالمگیر عروج لارد کچنر را باوج رسانیده بود ـ انتظام فوج انگلیسی بس از اعلان جنك وقانون خدمت عسکری جبری در تاریخ انگلستان ازیادگارهای لارد کچنر خواهد ماند ـ ولیکن قصور منصوبهای جنگی او ـ چه در نیو چپل ولوس وچه در گیلیپولی وعراق عرب درمیان ماهران فن حرب مسلم شده است ـ شاید که هوای مصر خاصیت خود بوی داده ـ لارد کچنر دراواخر ایام ادعای انا ربکم الاعلی از فرعون مشهور ـ علیه مایستحقه ـ بهیچوجه کم نبود ـ وغرق شدن او در غابات آب بحر وطوفان هوا بعدم دیانت مذاقرا مایهٔ عبرت خواهد بود

در خاتمه ازین سخن گفتن چاره نیست که مرگ ناگهانی لارد کچنر درین احوال نازك برای ملت انگلیس زیانی است بعدو شمار که معنویات همهٔ ملترا شکسته است ـ جای نشین او در ملك انگلستان موجود نیست البته ملت انگلیس قابل رحم وغمخواری است ـ

یك حادثهٔ نوی در عالم اسلامیت

(نقل از ترجمهٔ اخبار سول اینڈ)

ملتری گزت

اعلان درباب خود مختاری شریف اعظم مکه

برای ما بغرض اشاعت اعلان مندرجه ذیل اختیارات داده شده است ازذرائع قابل اعتبار معلوم شده است که هز هائینس شریف اعظم مکهٔ معظمه به امداد قبایل وسطی و مغربی عرب در باب آزادی از حکومت جابرانهٔ عثمانی وخود مختاری خود اعلان نموده است ملت عرب از عرصهٔ دراز زیر یوغ حکومت ناگوار عثمانی افتاده مصائب والآم فراوانم برداشته شده بود — هز روائی از تاریخ ۹ ماه جون ۷ شعبان شروع شده بود وبرفتح عظیم الشان شریف مکهٔ معظمه منتج شده است — برمکهٔ معظمه وجده ورابغه وطائف قبضه کرده شده است واهل قلعه اظهار اطاعت نموده اند ماسوای دوقلعه خورد طائف که تاحال مقابله ومدافعت مینمایند — تعداد افواج که در مکهٔ معظمه وطائف اطاعت قبول کرده اند تاحال معلوم نمیباشد لاکن در جده شریف ها نفر افسران و ۱۴۰۰ نفر سپاهیان اظهار اطاعت نموده اند وشش عراده توپ نیز بدست آورده شده اند — مدینهٔ منوره بقرار خبرهای تازه زیر محصور میباشد و سلسله های آمدو رفت واز سال و مرسول هرقسم علاقه حجاز کاملاً بدست شریف میباشد — چونکه جده شرعاً کاملاً زیر نگین شریف اعظم آمده است بنابرین امکان دارد که سلسله آمد ورفت ازراه بحر بازقائم گردد میشود وتجارت بهمراه بنادر حجاز از سر نو شروع بشود — اکنون امید کرده میشود که اکثر مشکلات ومصائب زائرین اماکن مقدسه که درعرصه دو سال گذشته بر آنها نازل شده بودند برطرف خواهد شد — لاکن باد باید داشت که از سبب قلت جهازات علاوه از قلت ذخائر خوراك حالت بدامنی ضروری معلوم می شود که امسال زیارت بیت الله شریف را اگر اکثر نفر ملتوی بکنند ازحد مناسب خواهد بود — (این خبر بهمراه خبر روز مورخه ۲۲ ماه جون که ازقاهره رسیده است از سر تا تطبیق میخورد)

کعبهٔ معظمه

« چو کفر از کعبه برخیزد کجا ماند مسلمانی »

اگر این خبر فلاکت آوری که از آرائس (رویتر) نقلاً اخبار های انگلیزی واردو نشر داده اند حقیقت داشته باشد ، هیچ شبهه نمیتوان کرد که مضمون خیالی مصرع فوق ، جامهٔ حقیقت را در بر نموده یعنی اگر اراضی مقدسهٔ حجاز مفتخر الطراز در زیر شکنجهٔ حیل ودسایس عنکبوت برتلیس درآمده باشد ، حکم باید کرد که (مسلمانی) دیگر نخواهد ماند ! واگر بماند هم ، ناقص الاعضا ، شکسته ، ریخته ، [illegible] شده یك چیزی خواهد ماند !

باب (اجتهاد) مسدود است، و تاحال همچنین واقعهٔ جانکاه جگر خراش در عالم اسلام بوقوع نیامده است که (بیت‌الله) (کعبهٔ معظمه) (مکهٔ مکرمه) مسلمانان ، در زیر یوغ حکمرانی ، یا در ظل بیرق حمایت حکمرانی کفر درآمده باشد الحمدلله والمنه از هنگامیکه در سنهٔ هجرت نبویه علیه افضل الصلوة والتحیه اردوی همایون ظفر مقرون اسلامیه ، بزیر قیادت و سرافسری سرور و سردار اصفیا (محمد مصطفی) علیه افضل الصلوة والتحایا مکهٔ مکرمه فتح گردیده است ، تاحال که هزار و سیصد و کسور سال میشود هیچوقت نشده است که بران مقامات مقدس اسلام ، و آن ارواح مقدس اسلام همچنین هلاکت و مصیبت عظیمهٔ وارد شده باشد . پس جای سوال این است که (فریضهٔ حج بیت‌الله) که یکی از بناهای پنجگانه مسلمانیست ، آیا کدام درجه باقی خواهد ماند ، و چه حکم ، و چه کیفیت حاصل خواهد کرد ؟

میگویند (شریف مکه) بدولت متبوعهٔ مقدسهٔ اسلامیهٔ خویش اعلان (عصیان) نمود !... همین کلمهٔ (عصیان) ، در چنین وقت واوان برای معلوم کردن معیار (شرافت) و (کثافت) شریف مکه یک مقیاس و محک کافی و وافی شمرده میشود . (وافکر) .

اما باید دانست که شریف مکه اعلان عصیان نکرده است . و اگر کرده باشد مستند بر یک قوة الظهریست که همان قوة الظهر در یک وقتی قوة الظهر اعلان خدیویت نسلاً بعد نسلاً از بهر مصریها شده بود . و از نتیجهٔ آن تاحال بیرق کفر رونق شیر مفترس درنده . و اسپ شاخ دار گردیده بران سرزمینها نوع غذای استیلا گردیده مانده است !

لارد کیچنر مغروق گفته بود "مکه و مدینه را چنین و چنان میکنم" با آن آرزو خوراک ماهیان گردید ! پیروان او نیز با آن آرزوی شدیدهٔ اورا در چنین حال مجسمه که رمق برای شان باقی نمانده . و بهر گونه وسایل مانند شخص بدریا افتاده دست و پا میزنند از قوه بفعل بیاورند پس کدام وقت خواهند آورد ؟

اهالیٔ حجاز بدو بلای عظیمهٔ مبتلا هستند که یکی جهالت و نادانیٔ مفرطهٔ عمومی ، و دیگر مفلسی و گرسنگیٔ عمومی که از نتیجهٔ بیعلمی و نادانی بظهور می آید . بیعلمی و نادانی ذاتاً یک مزرعهٔ بسیار صالح و بافیض برای افشاندن تخم فساد و حیله و تفرقه ، که دشمنان دین مبین سید المرسلین خرمنها و خروارها ازان در هر جیب دارند . علاج دفع گرسنگی هم ، دور یازده ذره کفته یک چند ملیون فرانک — یعنی خرج یکدوره پانزده روزه جنگ !

منظر روضهٔ مطهرهٔ نبویه در مدینهٔ منوره که از قرار خبرهای جراید انکلیسی گویا در بیوقت از طرف باغیهای محاصره شده

چیزی که خودمان مدیر تاجر تجارهٔ از محاورهٔ (محمدخان افندی) والفستانی با یک داکتر انکلیزی در سنهٔ (۱۳۰۰) هجری یعنی پیش از سی و چار سال در (کراچی) شنیده و بخاطر دارم از قرار ذیل است :

داکتر — آیا دولت عثمانیه چقدر نفوس مسلمان رعایا دارد ؟

خان — تقریباً هجده بیست ملیون .

داکتر — حال آنکه دولت بریطانیه تقریباً صد ملیون رعایا از نفوس اسلام را مالک میباشد . پس آیا عنوان (خلیفة المؤمنین) بر جناب (ویکتوریا) لایقتر نخواهد بود ؟

خان — نی نی . حاشا ! این عنوان جلیل الشان تنها بسیاری و کمیٔ نفوس موقوف نیست . بلکه بسی لوازمات دیگر هم بکار دارد که از انجمله مفتاح حرمین الشریفین را مالک بودنست و آنهم از عصر هاست که بدست سلاطین دولت علیهٔ عثمانیه میباشد .

داکتر — اگر همچنین باشد ، آرام چندی بعد خواهید دید

اگرچه قول یک داکتر چندان چیزی نیست که دلیل افکار سیاسیهٔ یکدولت بتواند شد ، اما چون بدقت نظر کرده شود این یک تهدید معتدا نیست که مشت نمونهٔ خروار افکار ملیهٔ انکلیزیه را در باب مسلمانان نشان میدهد ! حال آنکه افکار سیاسیهٔ شان نیز چیزی نیست که پنهان باشد . مصر را مرکز خلافت اسلامیهٔ انکلیزیه ساختن ، و همه اراضیٔ فلسطین و سوریه و عراق را به آن ملحق نمودن ، و مکه را نیز یک امارت اسلامیهٔ انکلیزیه اتخاذ کردن ، و همهٔ جزیرة العربرا به آن الحاق نمودن ، و برای همهٔ مقامات مقدسهٔ اسلامیه بجز یک اثر تاریخی

واهمیت آثار عتیقهٔ شان دیگر هیچ اهمیت واعتباری باقی نگذاشتن . وقرآن واحکام آنرا سراسر ازروی دنیا برداشتن وغیره وغیره چیزهای پست که در کسی پوشیده مانده باشد . عبارتهای چون بطرز تقریر و تحریر اخبار های انگلیزی دقت شود ، بازهم علناً ظاهر وهویدا میگردد که محرک وفتنه بر انگیزندهٔ این عصیان کیست و چیست ؟ از حالا لقب (هزهاینس) رادادن . شریف اعظم گفتن ، مسلمانانرا بوعدههای رفع شدن مشکلات حجاج و آسانیهای شان بسرور وشادمانی برانگیختن ازچیز هایی نیست که مستورا آفتابی نسازد .

لهذا (سراج الاخبار افغانیه) که یک جریدهٔ مدافع دین مبین اسلامی خودرا شمرده بدان فخر میکند ، بکمال نفرت وشدت این عمل قبیح عصیان نمودن شریف ناشریف مکه را نفرین وتقبیح میکند ، واورا عاصی وخاین ، خاطی ، خائن بدولت متبوعه ودین مقدسهاش میشمارد . اگر این عصیان واعلان آزادی خودرا در یک وقت دیگری میکرد هرچه که بود بود . اما درچنین وقت ودر چنین زمان این عصیان ازچنان گناهای نیست که عفو شدنی باشد.

باب اجتهاد چون مقفول ومسدود است، البته کسی جرأت برچیزی گفتگوی نخواهد توانست؛ که (فریضهٔ حج) را که در زیر حمایت بیرق انگلیزی باشد چه حکم است وبه این سبب حاجیهای که تعصب خشک دارند درزیر بیرق میرق انگلیز منکلیز ندیده وچشمهای خودرا پوشیده وسر خودرا پایان انداخته حج خودرا کرده واپس خواهند آمد. اما یکانی که تعصب دینی شان یکقدری زیاده ، اولا برچنین حج جرأت نخواهند کرد، واگر بکنند هم بعوض رجم شیاطین، میباید که برروی همدیگر خودشان نفرین بباراند ، زیرا همین مسلمانان این عصر و زمانست که خانهٔ خدا ومرقد رسول خدارا که ازهزار سال باینطرف گذشته گان شان درزیر بیرق اسلامی محافظه کردند این ناخلفهای مسلمانان روی زمین اینزمان پامالقدمهای نجس کفارش خواهند ساخت ! لاسمح الله ولا قدر الله

اعلان

سراج التواریخ

برهمه آرزو کشان دل وعرفان ممالک خارجه اعلان میشود که کتاب مستطاب (سراج التواریخ) ـ که کیفیت آن دراعلان کالم آخرین اخبار مامندرج است : درشهر پشاور بمعرفت عالیجاه میرزا غلام حیدرخان سررشتهدار دا کخانهٔ دولت علیهٔ مستقلهٔ افغانستان بقیمتهای متعین آن بفروش میرسد . خواهشمندان خریداری ومطالعهٔ آن در هندوستان ، وسایر ممالک خارجه به سررشته دار موصی الیه مراجعت کرده مستفید میشوند .

قیمتهای کتاب نمبر وار در کالم اخری اخبار مندرج است برهر کتاب مبلغ یک روپیه ویک عباسی کابلی مخارج ارسالیهٔ کتاب از کابل الی پشاور ضم وعلاوه گردیده است . خریدارانیکه ازدیگر اطراف ازپشاور طلب کنند ، قیمت اجرت پارسل داک انگریزی البته بذمهٔ خود شان میباشد .

نتیجهٔ این عصیان چه خواهد شد ؟ این خواهد شد که دولت علیهٔ عثمانیه بسببی که حیات معنوی وروحانی خودرا بوجود مکه ومدینه قایم می بیند تابدرجهٔ که ممکن باشد ازان اراضی مقدسه دست بردار نخواهد شد ، ولابد ازراه شام یک اردوی مکملی سوق خواهد نمود ، حال اگر نکنند ، بالاخره بهمه حال خواهد نمود . اینهم معلوم است که شریف مکه نه توپی دارد ونه جبه خانه لابد وضرور است که برشانهٔ کدام توپ والای جبه خانه دار بالا شده این بلند پروازی را خیال کرده است . پس وقتیکه جنگ متبوع وتابع در گرفت حامیٔ حامی ومحرکهای باهمدیگر بروزکی میدان میبراید که در انوقت عموم مسلمانها بحساب گرفتن ازان حامی و محرک فساد مجبور خواهند شد !.....

معذالک مااین خبررا باور کرده نمیتوانیم ، و شریف مکه (حسین) پاشارا آنمسالهای دراز در استانبول اقامت داشته ویکی از فحول رجال دولت علیهٔ عثمانیه میباشد ومیکویند که یک مرد عالم ، فاضل ، دانا ، فهیم ، دیندار مسلمان هستند ازینسبب بهیچ صورت حکم کرده نمیتوانیم که برچنین بغی وعصیان درچنین وقت بحران اسلامیان مرتکب شده باشد . اگر باشد هم مانند (ادریسی) را که در (یمن) بر روی دولت متبوعه اش بر انگیخته بودند ، حالا نیز بلکه بعضی مشایخ جاهل عرب را اغوا کرده توانسته باشند ، اما شریف مکه که هم بخاندان نبوت منسوبیت وهم به امارت بسیار با اقتداری معززیهٔ جلیله و زارت از طرف دولت متبوعهٔ مقدسه اش در مانند مکهٔ معظم یک جای قدسیت ما وای که روح همهٔ امت محمدیهٔ شرق وغرب کرهٔ زمین شمرده میشود بامارت وشرافت مأمور باشد آیا چسان میشود که همهٔ این چیز هارا پامال نموده بواهمه وخیال بلاوساطت جدا گانهٔ عربی عالم اسلام را بهزلزال وتفرقهٔ پریشانی اندازد وخودرا درپیش خدا ورسول وتمام امت محمدیه بدنامی ورسوائی سمر سازد !

بالفرض والتقدیر اگر کرده باشد ، اولا به بغاوت ثانیاً بتفاوت ثالثاً به نمکحرامی ، رابعاً به تفرقه اندازی درعالم اسلامی [که اساس

وضیای صحیح اتحاد اسلامی در هروقت وهرزمان بتابانده است] خاصتاً عداوت وعذاری یك دولت اسلامی که متبوع اوست ، ساوضاً علاوه ساختن بکفاریکه بادولت اسلام می جنکند که متبوع اوست جابجاً وناقص نمودن قوت یك دولت اسلام را در مقابل دشمن ، کاملاً به نادان ساختن کفار وکریان ساختن اسلام ، تامعاً بالنتیجه بمداخلت وحمایت ، ورفته رفته باستیلای کفره بران مقامات مقدسه سبب شدن مرتکب شده خواهد بود که این ارتکاب عبارت ازنه عیب شرعی است که دیگر آنرا قارئین کرام درك خواهند فرمود . خلاصه اگر شریف مکه همچنین یك بی دینی برنفس خود واسلام نموده باشد ، در نزد اسلام همچنان منفور ومقبوح یك شخصیت که در نزد انکلیز سرغنه زن باغیان آیرلند ، ولایق همان سزا وجزائیست که باغیان آیرلند را انکلیزها نشان داده وباید دردل خودتصوردارد که بدهند مراح الاخبار افغانیه – تباحساب خود ـ همینقدر نادر افکار را وظیفهٔ اسلامیت خود دانسته نوشت . باقی والله اعلم بصواب ..

(حکایتهای محاربه)

رستاخیز وردون

یادداشت یك سرباز جوان

یك نفر ازسربازان جوانی کهدر مراحل مخوف رستاخیز « وردون » حضور داشته وتأثیرات صاعقه های مرگبار کلوله ریزی آلمانرا دیده بابك سادکی جالب توجه حکایات ماموریت های خطرناك راجبدر ومادر خویش نوشته ودر ابتدای مراسله این مختصر مقدمهرا مینویسد :

تصور میکنم که خواندن این مراسله من خیلی توجه شما را جلب نماید زیرا که خواهید فهمید که در این ایام هولناك در مقابل محاربات دهشت فزای « وردون » چکونه زندکانی کرده وماموریت های سراسر مخاطره من چه بوده است . خواهش دارم این مراسله را نکاهدارید که اکر سلامت عودت کردم قرائت آن در آینده برای خود من خوش خواهد بود .

از آنوقتی که در آخر ماه اکتبر رژیمانما از « سون » حرکت کرده مارابه « وردون » آوردند ودر همانجا اقامت داشتیم ، من جزو دستهٔ بودم کهخطوط ارتباطیه رساندن کلولهرا بتوبخانه حراست میکرد .

۱۹ مارس سه ازشب رفته بسرعت مارا خبر کردند که بلا فاصله باید مقدار زیادی کلوله بقلاع مقدم رسانید . یکدسته دیکر مارا بنقطه اعزام کردند که محل اتصال انبار کلوله باطریهای توپ بود .

در آن شب ما بسنکرهای ب رسیدهایم وتاحال کلوله های آلمان در نقاط دورتر ازما زمین را کاوش مینماید .

متاسفانه این حالت دوام نیافت وپس ازچند لحظه کم کم خمپارههای قتال خصم نزدیکما میزنند . اول در صد متری و بعد پنجاه متری وسپس نزدیکتر مارا طوری در فشار قرار داده اند که ناچار هریك ازما بسوراخی اززمین فرو رفته وهرکس هرچهرا می بیند برای سنکر اطراف خودتل میسازد ولی معهذا تلفاتی وارد نکرده است .

تاظهر همین حالت زندکانی نموده ونکرك کلوله های آلمان بدون قدرت سطح زمین اطراف مارا دچار تشنج کرده وبهرشکل بودروز را بشب رسانده ودرصدد برآمدیم که کودالها وسوراخهای چپ وراست درزمین حفر نمائیم که شاید پناهی برایما بوده باشد . حالا یکی دو نفر پهلوی اسبان ایستاده وجمعی دیکر میخواهند زیر باران کلوله ومترالیوز بلکه بتوانند بخوابند .

باتفاق یکنفر رفیق خویش سوراخی برای جای خود حفر کرده وقدری ازشاخه های درختان را که کلولههای خصم قلم کرده وبزمین ریخته بود اطراف کودال قرار دادیم کهاکر خمپاره وکلوله بالای سرما بترکد شاید این شاخه های کلفت درجهٔ قدری از قوت آن بکاهد واسباب هلاکتما نکردد .

خواستیم بخواب رویم خیلی مشکل بود رفیقم کفت سوراخ خودمان را عوض نمائیم لیکن دو مرتبه خیال کردیم اکر ازینجا بیرون رویم کسی دیکر جایمارا خواهد کرفت وخودمان مکان بهتری بدست نیاریم . بهرصورت سعی کردیم بخوابیم .

لحظه طول نکشید که یك خمپاره مدهش نزدیکما افتاده ومارا از خواب براند . رفقای اطراف مارا صدا کردند که ببینند زنده ایم یاتلف شدهایم . سپس یك کلوله دیکر افتاده و دواسبی که آنجا بودند ازهم متلاشی ساخت . اسبان دیکر زخم خورده فرار باطراف کردند . رفقا رفتند آنهارا بکیرند کلوله دیکر صفیرهول آوری زده چهاراسب دیکر را کشت وسه نفر از رفقارا مجروح کرد . اسب من را هم که از میان سوراخ دهانه آنرا دردست داشتم ازپای در آورد کار خیلی سخت میشد رفیق من اجودان مصمم شد که ازاینجا رفته ومکان فسحا امن تری بدست آرد . برف وبارانهم مخلوط محشر می کند وسرمای بی اندازهٔ سختی شدت وفشار مارا زیادتر میسازد .

جای دیکری کهدر نزدیکیهای سوراخ اول بدست آوردیم موقتا قدری بهتر وامن تر است . نزدیك های طلوع فجراست اجودان رفیقم بمن حکمداد کهزین ورکاب اسب تلفشده خودرا ازپشت حیوان مقتول بردارم . باوجود آنکه کلولههای آلمان زمین وزمانرا متزلزل کردهاند نزدیك اسب رفته وپنجاه مرتبه اینطرف وآن طرف غلطیدم زیرا که حرکت دادن اسب مرده آسان نیست وهمان تنه اسب هم دراین مدت یك سنکری برای من شده کهاز تکه پارههای شرابنل وخمپاره مرامحفوظ میداشت . حالادیکر ازهمان کهمیترسیدیم دوچار آن شدهایم . کلولههای بزرك وکوچك درهمانجا فرودمی آید . ودراین نقطه کهدسته جات شش هفت نفری قرار داریم بیچارهمان محشر می کند .

نمیدانم چکونه وباچه عبارتی آن منظرهٔ بهت آور غمخیز را برای شما شرح دهم ! کثرت پوست وخون اسب های پارهپاره مثل خیمهمارا درمیان کرفته . هرچه که در اطراف ما یافت میشود مخلوط و ممزوج ببقایای اجسام این حیوانات بیچاره شده است بعضی ازاین اسبان یك قطعه ازبدنشان را شرابنل برده بزمین افتاده وبا حالت براز وحشت واضطرابی دست وپا بهوا میزنند . برخی دیکر بانصف پایك عضو قطع شدهوسرهای دوپارهشده وکفلهای متلاشی باشکم دریده مایوسانه سعی برای فرار می‌نمایند . توده کرم وخونینی ازاسب وخون وزین ورکاب ترتیب یافته است .

غریو وغرش خمبارهمان مختصری تخفیف یافته فوراً شروع بملاحظه اطراف وتنظیم امور خویش نمودیم . بدبختانه عده کثیری از رفقای ما درآن سرزمین ونقطه پرخطر باقی مانده بودند درراهی که به نقطه نظامی (ب) میرفت میترالیوزهای خصم مانند تگرگ گلوله میریختند وعبور از آن خطرناك ترین اقدام بود اجساد سربازان مقتول واسب های کشته درتمام آن خط وقطعه مخلوط بهم دست بگردن ریخته وهردفعه که گلوله ریزی خصم بتشنجات متناوبه می افزودند تمامت آن میدان سراشیب ازیك دودسیاه وزردی مستور میشد ومیبایستی پوزه بندهای خودرا بگذاریم زیرا که گاز های خفه کننده نیز همراه گلوله ها برای ما نیز میفرستادند .

در آنوقت یك منظره ظالمانه ویك نمایش سفاکانه در آن عرصه خوف وهراس رخ میداد . خالی ازرفقا وجنك آزمایان ازما درآمده وفقط پنج نفر آدم سالم ازما باقی مانده بود وحکم داشتیم که تا آخرین نفر ونفس آنجارا نگاهداریم .

من فعلا حالات فوق التصور مهیب وهول اور انوقت‌را برای شما ذکر نمی نمایم همین قدر میگویم که هم برای ما وهم برای المانها آنروز یکی ازمحنت ترین روز های دوزخ بود که هیچ کس نمیتوانست خیال نماید ازکام اهرمن جهنمی ان ورطه هرگز خلاص گردد .

بهر حال بود تحمل کردیم . چهار ساعت بعد ازظهر بود که حکم باز گشت وعقب نشینی بما دادند که از طرف (ل) به استحکامات (ب) دریك سنگر سراشیب تندی که آنجارا هیچ نمیدانم برویم .

درزیر باران خمبارههای قتالالمان بایستی مجددا ترتیبات کار خودرا بدهیم برای انکه بتوانیم حتی الامکان با کشته شدن اسبان حامل قورخانه مهمات جنگیرا ازانجا ببریم . موفق میشدیم لیکن باچه مخاطرات فراوان وباچه خونریزی هـای سخت چرا که المانها مارا باشراپنلهای خودشان پیوسته بدرقه می نمودند . المانها متدرجا اراضی وخطوط مارا گرفته پیش میآمدند لیکن توپخانه ما نیز پیوسته فعالیت بخرج میدهد . فقط بایستی خط زنجیر حرکت را عقب بریم که بتوانیم قـدری ترتیب کار خودرا بدهیم .

اسب ها معدوم شده‌اند دیگر اسب حسابی نداریم . من پیاده راه می روم ویك اسب بد بخت جراحت یافته را که نمیتواند باقدمهای من همراهی کند ومهمات خودرا باو آن کرده‌ام سخت شلاق میزنم وباید بهر صورت بارمارا بمنزل برساند وسایر اسبها که زخم الان سخت بود بضرب گلوله رو نمود کشتیم .

اولشب دران خطوط سراشیب رسیده وقرار یافتیم من اسب رفقای مجروح را گرفتم تمام رفقا وسربازان انجا نمیدانند چه میشود وتکلیف چه خواهد بود . من ازشدت خستگی درزیر پالتوی خویش روی زمین خوابیدم . همگی هم از شدت خستگی روی زمین افتادند اما ممکن است خواب برد ؟ دیگر برف روی زمین وسرمای هولناك شیدا فکر نمی کنیم همینقدر خمباره های خصم بسرما فرود می آیند وان قطعه این است مگرانکه طرق ارتباطیه انجارا شدیداً بمبارده می نمایند ودرطول راه عرابه های بار کش واسبان کشته شده انها در اطراف متفرق و متلاشی هستند و هدف این بمباردمان تنها برای استحکامات (ب) میباشد :

باوجود برف زمین وسرمای شدید ازفرط خستگی بخواب رفتیم لیکن خواب ما نبایستی طول بکشد . پس از لحظهٔ چند که نمیدانم چقدر شد مارا بیدار کردند وعده‌را معین نموده بودند که اسبان توپخانه وحامل قورخانه‌را که مجروح بودند بسرباز خانهٔ عقب ، وردون ببرند . بنابرین حکم حرکت وسواری دادند ومن چند سراسب که دست یك رفیق مجروح بود ازاوی گرفتم .

دران دل شب بود که باطریهای توپخانه لاینقطع مشغول تیراندازی بودند ودقیقه زمین وهوارا راحت نمی گذاردند واین خبرشایع میشد که قشون آلمان پیش میایند وپیوسته نزدیك بمواقع ما میشوند وبنابراین بااحتمال هرگونه خطر وباهرقیمت حکم شده‌است بروم باطریهای توپهای مقدم‌را به عقب حرکت دهیم .

امید واحتمال موفقیت وخلاصی باطریها تقریبا قطع است معهذا می توانم عده ازرفقا وسربازان مجروح که قبلا تمام نوشته‌جات واسناد خودرا معدوم کرده بودند که بدست خصم نیافتند درانجاها بگذاریم وبروم .

راهی که بطرف آنها میرفت مستقیم بود وازان گذشته باوجود آنکه خمباره ها وبمباردمان آلمان باوضع مدهشی این‌راه رابمبارده می کردند بازهم نسبتا ازسایر راهها که گلوله‌های خصم زیروزبر می کرد امن ترینظر میامد . بااین حالات ومجبور بودن باینکه ازاین گلوله‌های آلمان عبور نمائیم قاعده تایك راه کمتر خطر ناکیرا باید انتخاب کنیم ولی برای تکمیل بدبختی در گرفتاری ماها آن سرباز بیکاره که بلدراه ماشده ومارا باید بنقطهٔ معهود برساند خودش هم راه بلد نبود ودرچنین شب تاریك هراس آوری که فقط برق گلوله توپ چراغ ما بود پی جبهه خودرا دوچاراین نوع بلیه کردن سفاهت محسوب بود .

بنقطه « ل » که رسیدیم قـدری توقف کردیم وپس از مشاوره مصمم شدیم که راه امن تریرا پیدا کنیم . بنابراین از سراشیب تپه که صبح در آنجا بودیم فرود آمده وتمام خطرا لاشه اسبان واسبابها سد کرده بودند . درانجا خطرراه واقع است که بقلعه میرود باآنکه گلوله های بیابانی خصم میرزد ناچار بچهار نعل اسب حرکت کردیم وصدمه وارد نشد .

ازان نقطه ببعد براه بزرك داخل شده ومنظرهٔ این جاده واقعاً هولناك وهراس آور بود تمامت راه مزبور را ازنعشهای آدم واسب مخلوط هم واز عراده های شکسته شده وغیره مستور بود وحالا هم گلوله‌های توپهای دوزخی ۳۸۰ میلیمتری آلمان جهنم واقعی را درانجا ایجاد کرده وبلادرنك گلوله میریزد . هریکدفعه که برق توپهای مزبور میدرخشد وهوارا روشن میسازد یك منظره فوق التصور دهشت باری درنظر آمده وقلوب مارا سخت فشار میدهد .

باید رتبه شد وملایم غیر ازحرکت کردن زیر خمپاره های المان که زمین‌را مثل تکرگ سیراب میکرد راه می‌پیمائیم گزیر چاره‌نبود . وبدیهی ست درزیر چنین آتش وفولادی غیرازینکه انسان قهراقضا وقدری شده وبدون فکرجان حرکت کند چاره وعلاجی ندارد .

بالاخره پس ازصدمات زیاد به مراتب دیگری رسیدیم که بمراتب مراحل اولیه عبور وحرکت ماخطر ناکتر می‌بود . باطریهای توپ که برای استخلاص وبردن آنها به عقب میرفتیم دریک تپه مجاوری ست ویکراه باریکی ازاین نقطه بمحل مزبور میرود وبایستی بهر قیمت وبهراندازه مخاطره بتپه مذکور خود را برسانیم .

تا کنون مخاطرات عظیمی بما مصادف نشده است لیکن دراین جا یک خمپاره بزرگی غرش کنان رسیده اسبان جلورا قطعه قطعه ساخت واسب های عقبی ازشدت وحشت رم خورده وهمگی دریک گودالی که خمپاره های سابق کنده بودند افتادند تمامت ستون دسته‌جات مامرجای خود ایستادند وبایستی اسبان‌را بیرون کشیده وباز حرکت کنیم دیگر من چیزی ازقیافه مصیبت خیز آن ساعت نمی‌نویسم وخودتان تصور بنمائید که دران ساعت باان حال زیرباران آهن و آتش المان حالت ما چه‌سان گذشت ! معلوماست دراین موقع غیراز کشته ومتلاشی گذاشتن و گذشتن چاره‌نیست باری‌پس اززحمت قدری دیگر راه رفتیم کباز هم یک گلوله المان رسیده ویک عرابه بزرگ قورخانه را بکلی واژگون ساخت .

بالاخره پس ازتحمل مشقت های بی‌پایان و اضطراب های سخت بباطری های معهود رسیدیم توپچی‌ها ازمشاهده ما خیلی خورسند شدند ولی این نقطه را نیز المان ها کشف کرده وپیوسته گلوله وخمپاره بدانجا میفرستند . من باچشم اطراف‌را کاوش کرده ویک تنه درخت قطع شده‌را پیدا وبا کمال شادی ومسرت مثل آنکه درمیدان جنگی هستم آن‌را درمقابل سرخود قرار داده که ازآنکه پاره های خمپاره شاید محفوظ بمانم .

صاحب‌منصب باطری های آنجا خیال حرکت داشت وازما سؤال کرد که دروتپه هائی‌را که امداد دشمن بمبارده می‌نمایند . پس ازشنیدن جواب ما که همه‌جا دوچار گلوله های خصم است چنین حکم داده وگفت «فرزندان عزیزم خیلی کار بد شده است باید ازاین جا خارج کردیم .» حالا دیگر باید ازهمان منطقه های مخاطره که عبور کرده ایم دومرتبه حرکت کنیم .

بسرعت کارهامان‌را مرتب کرده باطری‌ها را جمع کردیم عمده صدمات این ماموریت بمن درغفلتا رسید زیرا که برای پس بردن توپ‌ها اسب قدر کفایت نیست وعلاوه برآن زمین های اطراف‌را طوری بمباردمان تغییر شکل داده وگودال وتپه ایجاد کرده است که برای حرکت هرتوپ اسب زیاده لازم است وبنابراین درنهایت مشقت میبایستی لااقل‌ده اسب بهریک توپ بسته وبعد ازآنکه آنرا بیک‌زمین مسطحی رسانیدیم فقط

یک فقرهٔ تاریخیه
از کتاب هندوان

میگویند که درزمانه قدیم پنج هزارسال قبل یک مهاراجه دروسط هند بنام کنس بود که نهایت ظالم وناانصاف بود — و دیگر راجه کوچک باسدیو نامی ورانی آنرا قید کرده بود وهربچه این‌ها را که پیدا می‌شد می‌کشت زیرا که کنس‌را یک نجومی گفته بود که یک‌بچه راجه باسدیو ترا خواهد کشت .

همین طور هفت بچه های باسدیورا کشته بود — وقتیکه هشتم‌بچه پیداشد باسدیو او را بایک دختر دوست تبدیل کرد و کنس را فقط این‌خبرداد که‌دختر پیداشد وعرض نمود که‌برای خدا دختررا ببخشید کنس بیچاره دختررا هم‌زود بردو کشت — اما وقتیکه می‌کشت آواز از غیب آمد که‌ای ظالم کنس توسخت گناه کردی — این بیگناه‌را ناحق کشتی ـ دشمن توکه‌ترا خواهد کشت بجای محفوظ رفته‌هست =

کنس بسیار متحیرشد ونفهمید که‌دشمن چه‌طور و کجارفت — اوازهمین روزهمه مسکین‌بچه های ملک‌را کشتن آغاز کرد — اما بچه باسدیو را که‌نام آن کرشن بود ودر بند این می‌ماند کشتن نتوانست اگرچه بسیار مردمان بی‌ایمان را برای کشتن کرشن هم فرستاده‌بود اما کرشن همه قاتل هارا خود کشت —

آخر وقتیکه شری کرشن دید که برای خود کنس این قدر بچه هارا می‌کشد ومادر هارا زحمت میدهد از بند این حرکت نموده‌جای کنس رفته اورا کشت وملک خودرا ازظلم آزاد کرد که‌نام شری کرشن تاامروز مشهور ومحبوب گردید =

ازاین قصه دوسبق میگیریم اول که عاقبت ظالم چه میشود و انعام قوم‌پرست چه .

ضروری تنبیه — این‌هم برای انصاف تواریخ شری کرشن گفتن لازم هست که کرشن هرگز کشت و خون کردن نه خواست او فقط تعلیم‌محبت کرده است که‌تا امروز مقبول هست — او بیچاره مجبورشد که‌زهررا بازهر بکشد — دیگرشری کرشن کنس را برای خواهش حکمرانی هم‌نکشت بعد از موت راجه کنس تخت را بحقدار سلطنة داد که‌او را هم کنس قید کرده بود و خود وپدر خود بطور رعایا ونوکر ماندند .

این‌فقرهٔ تاریخیه بسبب که‌در روایات مختلفهٔ اقوام وملل یک‌نمونه برای تطبیقات مسایل تاریخیه باشد درج نمودیم . زیرا در مابین این روایت (کتاب هندوان) وقصه برجستهٔ حضرت موسی و فرعون یک‌مناسبت ومشابهت وقوعات‌بنظر برمیخورد که‌ازغرابت خالی‌نیست .

تلگراف آقای نظام السلطنه
به انور پاشا وزیر جنگ عثمانی

در این موقع که ریاست قوای ملی‌ایران رابرای دفاع از دشمنان ایران ومعاندین دین‌مقدس اسلام برعهده‌میگیریم ازحضرت‌عالی‌خواهش مینمایم که امتنان وتشکرقشون همراه عساکر منصور دولت‌سنیه عثمانی که‌یک عده ازسربازهای‌رشید خوددرا برای کمک وهمراهی ژدما میفرستند

تقدیم بدارید ویقین دارم که بعون الله تعالی فتح ومنصوریت باقوای متفقه اسلامی خواهد بود

نظام السلطنه

جواب تلگراف حضرت دولتلو انور پاشا

تلگراف نامه حضرت اشرف با کمال ممنونیت واصل اینکه قوای ملی ایران در دست عزم حضرت اشرف است عن صمیم الفواد تبریک میگویم قویا امیدوارم که دراین آن تاریخی از شهرت ومآثر اجداد خودمان ملهم خواهیم شد برضد دشمنان خودمان مشترکا مساعی نموده بعون باری تامین مظفریت خواهیم نمود برای تامین عملیات شما هر گونه معاونت از طرف ما اجرا خواهد شد قوا ومهماتیکه برای معاونت احضار حضرت اشرف شده است در راه است تمنای موفقیت میکنم

انور

ذمه دار تکالیف حاجیان صرف عرب هاست

ماقبل ازین نوشته بودیم که ازبدلطفی ترکان . بدلطفی عربان بارها زیاده تر میباشد . ودر یکدیگر جا نوشته شده بود که ذمه وار تکلیف حاجیان صرف شریف مکه میشود . زیرا ترکان را بااین سختان پیش ازین هم یک اتفاق نبود . امروز حاجی کرم داد صاحب پدروی یک خطی فرستاده است که ما آنرا درینجا عیناً درج میکنیم .

ترجمهٔ خلاصهٔ خط حاجی کرم داد پدروی

بسبب ازادی خواهی وبغاوت شریف مکه تنها در هندستان نی بلکه در پارلمنت انگلند نیز برای سهولت ، وامن حاجیها از شریف مکه امید ها کرده شده است ، وامید می کنند که شریف تمام این خرابیها وبدلطفی هارا وقتیکه خود مختار شود دور کرده میتواند شاید که این درست باشد اما شر طیکه او از ایمان داری کار بگیرد که در اصل باعث تکلیف حاجیان عربها میباشد . وشریف مکه حامی آنها میباشد شریف عون پاشا که سلف این شریف بود . هرانچه که می کرد . وآن ظلمهای صریحی که روا میداشت برهیچ کسی پوشیده نیست . اگر درحقیقت دیده شود ، این هم از کمزوری ترکان بود ، که چرا برای ان مقامات مقدسه ، عربها فوقکامه سوق نمی کرد وآنهارا سرزنش وتادیب نمی نمود ! حاجیها هیچگاه ازترکان شکایت نمی کنند بلکه عربان ترکانرا بکار حاجیان هیچ دخل گرفتن نمی گذارند آیا بدویهای خونخواری که برای یک ریال قتل یک انسانرا مانند قتل یک مگس هم نمیدانند آیا ترک است یاعرب ! عرب باعث این همهٔ تکالیف است برای من بند وبست خود مختارانهٔ عربها ازپیش هم ثابت شده است که خراب بود . وبرای حاجیان آنقدر تکالیف پیدا شده بود که رفته رفته مردمان ازفرض حج برائت کرده بودند . سخن انصاف همین است که ترک موجب تکلیف حاجیان نبود بلکه خود عرب بود . حاجیانی که خبر این بغاوت را میشنوند می گویند ! — کاش ! حالا حج هم رفت وعمره و غیره

ترجمه از اخبار پیسه

اعلان

سراج التواریخ

جلد اول — و دوم

زنده دلی جاودانی هرقوم وملت (تاریخ آنست . « سراج التواریخ » آئینهٔ حیات تمامی ملت جلیل افغانست . زیرا از آغاز تشکیل وتاسیس یافتن دولت افغانیهٔ حالیه بحث میراند که برای حال واستقبال ملت بهترازین درسگاه عبرت . وخوشتر ازین آئینه ملت تصور نمیشود . هرفردی از ملت را واجب است که یک نسخهٔ آنرا بدست آرند ومانند حرزجان در کتابخانهٔ قلوب خودشان نگهدارند . علی الخصوص که کتاب مذکور به نیت خالصانه وخیر خواهانهٔ استفادهٔ عمومی بامروفرمان ذات عرفان صفات بادشاه مقدس ما اعلیحضرت « سراج الملة والدین » تألیف وتدوین ودر مطبعهٔ حروف دارالسلطنه کابل زیور طبع آرایش وترتیب یافته است

جلد اول این کتاب از ابتدای سلطنت خاندان ذیشان (سدوزائی) یعنی از آغاز تأسیس واستقلال دولت علیهٔ افغانستان تا ورود اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان مرحوم جنت مکان ازهند در کابل بحث میراند وجلد دوم آن ازحکومت خاندان جلیل الشان (محمدزائی) یعنی از ابتدای حکومت اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان تا به اول جلوس اعلیحضرت « ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان » طاب ثراه وقایع تاریخیه را جامع میباشد وکاغذ اعلا بحروف ثبت طبع رسیده است . قیمت کتاب مذکور قسمت زینت وخوبی تجلیدآن ازقرار ذیل است

نمبر (۱) پشتی چرمی جرم صواری دانه دار کابل تخت جهار جانب جدول طلاء کار نشان دولت واسم کتاب از ورق طلای اصل جزء بندی شده مبلغ شانزده روپیهٔ پختهٔ کابلی —

نمبر (۲) پشتی مقوا روبه کرمانی جهار کنج وزه جرم قرمزیه حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلاء جته سیزده روپیهٔ پختهٔ کابلی —

نمبر (۳) پشتی مقوا روبه کره لاجوردی جهار کنج وزه جرم میتی سرخه کابل تخت حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلاء جته جزء بندی شده یازده روپیه پخته کابلی وده شاهی —

نمبر (۴) پشتی مقوا روبه ازری جهار کنج وزه جرم میتی سرخه کابل تخت حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلاء جته کوک بندی شده ده روپیه پخته کابلی وسه شاهی —

نمبر (۵) پشتی مقوا روبه ازری سرخ جهار کنج وزه کرباس واسم کتاب ونشان دولت ورق طلاء جته کوک بندی شده نه روپیهٔ پختهٔ کابلی ویازده شاهی —

محل فروخت

در نقش ارک مبارک که از تحویلخانهٔ جناب محمدولیخان سرجمله

در بازار ارک از دکان عبدالله خان

چون کتاب مستطاب سراج التواریخ جهار جلد میباشد اگر دریک وقایه وشیرازه میشد حجم کتاب موصوف کلان میشد لهذا اعلیحضرت همایون و لا امر نمودند که جلد اول ودوم دریک وقایه شیرازه شود وجلد سوم وچهارم آن که هنوز درزیر طبع میباشد وپس ازانکه ازطبع برآمده مقوا کرده شد انشاءالله اعلان فروش آن نشر کرده خواهد شد فقط

در چاپخانهٔ حروف دارالسلطنه کابل طبع گردید
مدمقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر وسر محرر تحریر یافته
محمود طرزی

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا
یاد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که ازشکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خودرها برهانیم ممکن نشد لهذا بادا کخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یك مقاوله نموده دا کخانه مشارالیه تقسیم وتوزیع اخبارما را که بهمه مشترکین کرامما رساند درعهدهٔ غیرت خود قبول نمود. مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خودرا تبشیر ویاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای دا کخانه بخود شان میرسد.

شرایط خریداری

دارالسلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان
هرجائیکه باشند اجرت پوسته

قیمت سالیانه | ده روپیه انگلیزی قیمت ششماهه | شش روپیه انگلیزی
سه ماهه اشتراك قبول نمیشود
یك طلای پوند انگلیزی پانزده روپیهٔ کلدار است از همین قرار حساب کنند

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی، وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند، ویا دیگر هرقسم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود:

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر وشایع شود برسر هر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر یك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود. اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطر یك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود. طول سطر یك ستون اخبارما (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متمادیا تایك سال نشر کردن خواهد ووجه یك ساله را پیشکی ادا نماید در ورق پشتی برسر سطری سنار اجرت گرفته میشود

اعلان

سیاحتنامهٔ سه قطعهٔ روی زمین

در ۲۹ روز

آسیا ✱ آوروپا ✱ آفریقا

(مطبعهٔ عنایت) یك اثر دلپذیر جدیدی در نظر هوسکاران عرفان جلوهٔ عرض میدهد، بدست آرید، بخوانید درظرف ۲۹ روز یك مدت کمی سه قطعهٔ زمین را باسیاح آن یکجا وهمراه دور وسیر میکنید، ملکهای را که ازان میگذرید مفصل ومکمل جغرافیا وتاریخ آنرا خوانده میتوانید، چه چیزها می بینید، چه چیزها میشنوید، چه لذتها چه سرورها میگیرید! علمی، ادبی، سیاسی درعین زمان شاعرانه عاشقانه هوسات رانگیزانه — یك اثر!

این اثر ازسه جلد مرکب ودریك وقایه مجلد میباشد، تقریباً (۷۰۰) صحیفه، وبا (۱۰۵) قطعه تصاویر مناظر مختلفه واشخاص معتبره ونقشه های مهمه مزین است، نسبت باینهمه خوبیهای آن قیمت (۷) هفت روپیهٔ کابلی آن هیچ نیست. کاغذ اعلا، چاپ حروف، تصاویر زینکو گراف، جلد محکم واستوار: دیگر چه میخواهید! همینقدر که در نفس مطبعهٔ مبارکه در ده افغانان به (عبدالرؤف) خان سرمرتب مطبعهٔ مبارکه، یادر بازار ارگ بدکان (باز محمد) تاجر کتب ویادر بازار کتب فروشی متصل مدرسهٔ شاهی بدکان حاجی ملا (غلام محمد) خان تاجر مشهور کتب رواورده مبلغ فوق کتاب مذکور را بدست آرید دیگری کاری نماند

(اعلان)

پراگنده

از آثار مطبوعهٔ تازهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت ، عبارت از یک مجموعهٔ اشعار آبدار تجدد آثاری میباشدکه بکاغذ اعلا ، وحروف طبع دلربا ، باتصاویر بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است . اگرچه از حیث خط وخال عبد است ولی مضامین وخیالاتش سراسر بیکر وجدید است . نسبت بخوبیهای ظاهری ومعنویش قیمتش خیلی ارزان ، یعنی بمقابل (٢) دو روپیهٔ کابلی درخود مطبعهٔ عنایت از نزد عبد الرؤف خان مرتب ، ودر بازار ارک از دکان باز محمد ، ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب هرکس خریده میتواند.

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعه آثار ادبیه را مژده ! ازین نوبر رسیدهٔ گلزار ، مطبعهٔ عنایت ، کام جان را شیرین نمائید ! ، جزیرهٔ پنهان ، یک ناولیست که قوت علم ومعرفت وسعی وغیرت را برای اساس زندگانی نوع بشر بطرز ثابت وجلوه گر میسازد . هم حکایت ، هم عبرت هم فن ، هم فضیلت ! خوبی چاپ ، خوبی کاغذ ، خوبی تصویرش علاوه . قیمتش نظر بخوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان ! تنها (٦) شش روپیه محل فروخت نفس مطبعهٔ عنایت در ده افغانان ، دکان باز محمد در بازار ارک ، دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی .

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد

کتاب سال دوم . . . مصور مجلد

کتاب سال سوم . . . مصور مجلد

کتاب سال چهارم مصور مجلد

علم و اسلامیت

آیا چه باید کرد ؟

ادب درفن

رشید

مختصر جغرافیای عمومی

این کتابهای فوق در اداره موجود است . هرکس که آرزوی خریداری آنهارا داشته باشد باداره مراجعت کند .

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

	قیمت روپیه کابلی
سیاحت بدور روی زمین بهشتاد روز مجلد	٢
سیاحت درجو هوا مجلد	٢
سیاحت در زیر بحر مصور مجلد	٤
از هر دهن سخنی واز هر چمن سمنی مجلد	٢
روضهٔ حکم مجلد	٢
پراگنده مصور مجلد	٢
جزیرهٔ پنهان مصور مجلد	٦

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوق را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت در ده افغانان از نزد عبدالرؤف خان مرتب واز دکان باز محمد خان کتابفروش در بازار ارک واز دکان حاجی غلام محمد خان تاجر کتب متصل مدرسه شاهی بقیمتهای معینش خریداری کرده میتوانند.

واگر از خارج افغانستان ارزوی خریداری کتابهای مافوق را داشته باشند بدفتر سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند.

اعلان

کتابهای مجلد سراج الاخبار افغانیه ، وکتابچههای علاوهگان وشماره های متفرقهٔ آن ، وهمه کتابهای مطبعهٔ عنایت خریداران که آرزوی خریداری آنهارا داشته باشند از دکان حاجی ملا غلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی ، واز دکان باز محمد خان تاجر کتب در بازار ارک بقیمتهای معین آن خریداری کرده میتوانند ونیز در خود اداره درماشینخانهٔ مبارکه ، ودر خود مطبعهٔ عنایت در ده افغانان هم بفروش میرسد فقط

سراج الاخبار افغانیه
۱۳۲۹

شمارهٔ ۲۳-۲۴ سال پنجم

فهرست مندرجات

عید سعید فطر (

جشن اتفاق ملت (
آذین وشهرآئین (
کیفیت ختم شریف در تراویح (
تفسیر بسم الله الرحمن الرحیم (
سیاحت (
نقل استفتا وفتوای محکمهٔ شرعیه (
ادبیات (نامه منظومه — انتخاب ازخوشحال خان

حوادث خارجیه
افسانه های جنك ازجراید اوروپا ـ نطق صدراعظم المان ـ نطق وزیر جنك المان ـ انگلیس درعراق عرب چسان داخل شد ـ تحت البحرهای جدید المان — درمدیترانه ـ تنقیدات یك صاحب منصب المانی ـ آیا شریف مکه واعراب بغاوت کرده اند ـ ولیعهد عثمانی درفرونت غرب ـ تشویقات عثمانی درالبانی ـ بیانات یك صاحب منصب المانی ـ الش بیال یلمایع سوزان ـ مس درالمان ـ حمله بهریکا ازخشکی ودریا ـ توسعه حقوق نسوان درزور ـ استخدام نسوان درجنك ـ احتراق درکارخانهٔ باروت ـ تبریکات قیصر ـ ماموریت های فوق العاده فرزندان قیصر ـ

اعلان (سراج التواریخ — ایضاً اعلان سراج التواریخ

خاتمه (سال پنجم سراج الاخبار افغانیه

تصاویر (از منظر های عید سعید ـ کذا ـ تشریف آوری اعلیحضرت پادشاه بمصلی ـ عودت شاهانه از تگاو ـ

اعلان

ازصنایع روزبهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جرنیل کارخانه جات . ماشین خانهٔ مبارکه که دارالسلطنه کابل علاوه ازلوازمات حوائج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه و اونیفورمه‌های عساکر شاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخلی که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که ازحضور اعلیحضرت همایون حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ، ذیل (دکان عبدالله خان دربازار ارک) میباشد.

(۱) سرجهای پشمینه بافی رنگهای مختلف که قیمت آن ازقرار گزانگیزی ۳ قوته مشخص شده ودرصندوقخانهٔ جنسی هم بفروش میرسند

اقسام	قسم اول					قسم دوم					
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم وقدری کلفت قیمت آن ۱۰ پیسه ارزانتر شده	
رقم	تاحال ساخته نشده	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت		۷ روپیه ۰ پیسه	۶ روپیه ۱۱ پیسه	۶ روپیه ۴۲ پیسه	۵ روپیه ۴۸ پیسه	۶ روپیه ۹ پیسه	۵ روپیه ۱۸ پیسه	۶ روپیه	۵ روپیه ۱۰ پیسه	۶ روپیه ۱۵ پیسه	۵ روپیه ۲۵ پیسه
کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گزانگیزی		کشمیرهٔ چهارخانه ۷ روپیه ۳۵ پیسه		کشمیرهٔ زهدار میده قسم ۷ روپیه بیست پیسه							

۲	جرابها			﴿۳﴾ تکیه‌های چرمی محراب ومنبردار		
رقم	تکه‌بانکه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج	کلان قدرجن	میانه قدرجن	خورد قدرجن
قیمت	۱ روپیه ۵۲ پیسه	۴۵ پیسه	۳۶ پیسه	۱ روپیه ۴۰ پیسه	۱ روپیه ۱۰ پیسه	۵۵ پیسه

(۴) کروره های جدیدساخت

رقم	زه‌باف با یک اسپه دو کره ده تاره	زه باف یک اسپه دو کره سه تاره	چرم باف یک اسپه	یک اسپهٔ چار تارهٔ نخی
قیمت	۸ روپیه و۳۳ پیسه	۹ روپیه و ۲۴ پیسه	۸ روپیه و ۴۲ پیسه	۶ روپیه و ۱۱ پیسه
رقم	چرم باف دسته‌دار دوالی دو اسپه	چرم باف دسته دوالهٔ یک اسپه	دسته دوالهٔ یکی چار اسپه	چرم باف عمرکان
قیمت	۴ روپیه و۴۸ پیسه	۴ روپیه و۶۶ پیسه	۸ روپیه و ۲۳ پیسه	۴ روپیه و ۴۳ پیسه
رقم	قبضه ونخی کیبت سرهٔ توپخانه	قبضه کیبت نقره از چرم دوالهٔ توپخانه	زه باف رقم سواری سامی کیبت	زه باف دو تارهٔ رکابی
قیمت	۳ روپیه و۵۵ پیسه	۴ روپیه و۵۷ پیسه	۵ روپیه و ۹ پیسه	۵ روپیه و ۵۴ پیسه
رقم	رکابی ازاغ	چرم باف میانه چوبه پت زنانه	ازژین سواری تیغ چرمی	زنانهٔ ابریشمی خیاطه
قیمت	۴ روپیه و۴۵ پیسه	۵ روپیه و۸ پیسه	۴ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و ۸ پیسه
رقم	دسته‌دار تیغ چرمی	دستهٔ دوالهٔ اسپی ونخی کیبت نقره	ازژین سواری دوالهٔ تیغ چرمی کمک دار	چرم باف آمایش پت یک اسپه
قیمت	۴ روپیه و۴۹ پیسه	۴ روپیه و۴۵ پیسه	۴ روپیه و ۵۹ پیسه	۸ روپیه و ۱۲ پیسه

﴿۵﴾ اقسام گلهای مصنوعی سر

قسم	گل جرین	گل نافرمان	گل ریحه	گل شبو
قیمت	۵ روپیه و۳۶ پیسه	۶ روپیه و ۶ پیسه	۶ روپیه و ۷ پیسه	۶ روپیه و ۳ پیسه
قسم	شکوفهٔ نارنج	گل‌پیسی	گل لستون	جلیل
قیمت	۷ روپیه و ۴۵ پیسه	۶ روپیه و ۵۸ پیسه	۵ روپیه و۳۸ پیسه	۶ روپیه و ۸ پیسه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	۶ روپیه و ۳۵ پیسه	۷ روپیه و ۱۲ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه	۶ روپیه و ۵۴ پیسه

(المشتهر) (میر محمد هاشم دفتری کارخانجات (کمیدان نظامی)

صحیفه (۱) | سال پنجم | (شمارهٔ) ۲۳-۲٤

قیمت سالیانه
در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
با مصارفات ڈاک ۱۰ روپیه کابلی
در خارج مملکت
با مصارفات ڈاک ۱۰ روپیه انگلیزی
هر پانزده روز یکبار نشر میشود
قیمت یک نسخهٔ آن در داخل یکعباسی است
(اوراق که درج نشود اعاده نمیشود)

سراج الاخبار افغانیه

۱۳۲۹

مدیر و سر محرر
محمود طرزی

ادارهٔ خانه و مطبعه
در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همهٔ امورات تحریریه باداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ قمری غرهٔ شوال ۱۳۳٤ | تاریخ انگریزی ۱ اگست عیسوی ۱۹۱٦ | تاریخ شمسی ۱۰ اسد ۱۲۹۵

عید سعید میامن پدید (فطر) این سال فرخ فال ۱۳۳٤ هجری نبوی صلی الله علیه وآله وسلم را «سراج الاخبار افغانیه» بر همهٔ مؤمنین ومؤمنات امت ناجیهٔ اسلامیه ز صمیم دل مبارکباد میگوید. حفظ وصیانت دین مبین مقدس را از شر دشمنان آن از بارگاه صمدانی تضرع و نیاز میکند

«جشن مقدس اتفاق ملت»

چون این یک بدرجهٔ اثبات و تحقیق پیوسته است که جمیع اسباب ترقی ومدنیت وفرخندگی وسعادت، وکامیابی ومظفریت، وامن ورفاهیت وفیروزی وغالبیت ازمین فیوضات اتفاق ترشح وانشأت نموده‌اند، لهذا مقصد ازین عنوان مقدس ومعظم، اتفاق ملت عبارت از فرد و تمکن افکار عموم افراد ملت است بر چنان یک نقطهٔ واحد، ویک مرکز کثیر الفوایدی که از انجا بزودی و بسهولت وصول وشمول شان بشاهراه ترقی وتمدن ممکن ومیسر باشد. و آنهم بجز اینکه از همه اول بهر نظم وابقا، واداره واجرای جمیع امور، وکارهای ضرور خود یک شخصیت فاعل، ویک هیئت مختاری انتخاب واتخاذ نماید بکلی عدیم الامکان وغیر متصور است که بمطلب ومرام فایز و نایل گردیده کامیاب شوند. این خیلی یک مسئلهٔ واشکال ویک احتمال محال عدیم الاخلال است که یک ملتی بی وجود یک آمر ومتبوع بتواند، آزادی واستقلال ملی، واوضاع حال واستقبال وطنی خویش را حفظ وصیانت نماید. پس مراسم ذی مکارم، جشن مقدس اتفاق ملت، که همه ساله بتاریخ دوازدهم سرطان درجمیع ممالک محروسة الممالک وطن عزیزما افغانستان صانها الله عن الآفات والخسران ازطرف عموم ملت نجیبهٔ افغان بایک ذوق و مسرت بسیار درخشان، ویک حظ ولذت فوق العادهٔ عظیم الشان اجرا میشود، فی الحقیقت یک یادگار پرشوق و هوس ویک تذکار خیلی بزرگ ومقدس آن روز فیروز سعادت اندوز میامن افروزی است که دران همهٔ افغانان عالم نخستین بار جمع وفراهم گشته ویکدیگر صدای اتحاد، وصلای اتفاق درداده ازنفس خودها بکمال فرحت ورضا، وصدق وصفا یک نفر از برگزیده برخویش پادشاه واولو الامر مقرر وتعیین نموده همگان بالاتفاق، بنابر امر وارادهٔ حضرت آفرینندهٔ خلاق، وقادر علی الاطلاق، باتمام رغبت واشتیاق وقلوب خالی ازنفاق، نطاق محکم حلف ومیثاق خدمتش را چست برمیان ربط والحاق نموده، واز غیرت ذاتی وشجاعت فطری خود دوستان را یاد آوری واخطار، ودشمنان را تخویف، وانذار فرموده، در مقابل همه عالم، وسایر امم، خود شان را یکی از ملل معظم، واقوام ذی همم بقلم آورده، استقلال ملی، وحریت قومی خویش را ثابت ومسلم داشتند چنانچه درین بار باز برای اعاده وتکرار آن روز فیوضات آثار سعادت نثار افغانی، جشن موصوف اتفاق ملی، دو شبانروز متوالی، از طرف عموم اهالی باتمام فرحت و مسرت، و چراغان وزینت، درزیر سایهٔ ترقیات لوایهٔ ذات شوکتسمات پادشاه ترقیخواه مقدس محبوب القلوب ملت جلیلهٔ افغان، اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان، ادام الله دولته الی اخر الدوران، بکمال ترتیب و انتظام از قرار ذیل آغاز وانجام یافت

(مراسم دربار معالی بار جشن مقدس اتفاق ملت)

امسال چون جشن مقدس اتفاق ملت از حسن اتفاق بتاریخ ۲ رمضان سعادت فیضان تصادف ورزیده بود، ازانرو ازچندروز درهمهٔ مردم طبعاً یک مراقی درین باب حسن میشد که آیا مراسم پرمکارم این جشن بزرگ ملی بچه نهج وصورت انتظام وسرانجام خواهد یافت؟ که بنابران روزی چندقبل از تشریف ماه رمضان فیضرسان ازطرف جناب ایشیک آقاسی ملکی که بالخصوص بامور اداره و تنظیمات همچنان دربار های بزرگ جشن‌ها وعیدها وغیره مأمور میباشند اعلانهای رسمی برای دفع شبههٔ واردهٔ فوق که در خیال عموم تجسم داشت درنقاط مهمهٔ شهر مینوبهر عزیزما چسپانده و آویزان شده بودند تا اهالی آنرا دیده ازان کیفیت

انعقاد دربار جشن را دانسته و بر طبق آن عمل پیرا گردیده خواطر خودرا لطمین وقلوب خودرا تسکین دهند . پس بموجب هدایات اعلان مذکور جمیع ارباب مناصب ملکی وعسکری ، واصناف علما ، واشراف شهر واطراف دارالسلطنه کابل که بتوسط رقعه‌های مخصوص وتکتهای خبری دوروز قبل ازطرف ایشیك آقاسیان ملکی و نظامی و سارجن میجر دعوت واخبار گردیده بودند بساعت ۶ و نیم عصر دوشنبه حاضر سلامخانهٔ عام شده وبعد از توقف ثلث ساعت نماز گاهی که در چمن لطافت پیرامن سمت غربی قصر شوکت احتوای دلکشا تهیه وتفریش شده بود برای ادای صلوت مغرب عازم گشته بعداز مرور چار دقیقه که در اثنای راه صرف شد هر صنف بدرستی وانتظام تمام داخل صفهای نماز گردیده . وباربیانهای باریك ودرازی تسویه وترتیب صفوف قرار اصول معمول بعمل آمده همگان برجاهای خود قرار گرفتند . سپس در بقوسهای خوش رنگ ، و ظریف ، لوله هـای کاغذی رنگا رنگ ولطیف که در هرکدام آن سه دانه نقل پیچیده وملفوف بود بر عموم صفوف فی نفر یك لوله ، دو لوله بغرض افطار که تعجیل آن ازسنن سید الابرار است توزیع وتقسیم شد . درین اثناءین هنگامیکه هرکس ، باتمام شوق وهوس تشریف شوکت ردیف ذات قدسیت صفات اعلیحضرت پادشاه معظم ومقدس خود را بك آرزو وامید ، وبك مراق شدیدی می پروراند ، ازعقب صفوف وازراه سمت شمال نماز گاه تا که بسواری اسپ صبا رفتار چهرهٔ ملاحت‌بار فرحت آثار فرخندگی دثار سعادت نثار شهریار مراحم کردار عطوفت شعار ملت نجیبهٔ افغان ، اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب‌الله خان ، صانه‌الله بالحفظ والامان ازدور ظاهر وتابان گشت همگان بنا برحفظ آداب سلام ووفای مراسم تعظیم وا کرام برپا خاسته بعرض و تقدیم تحیات شاهانه و ادعیات ملوکانه پرداخته صف بستهٔ عزت واحترام گردیدند . ذات مکارم صفات مراحم آیات اعلیحضرت همایون اقدس والا بمداراتیکه عموم صفوف را بهیئت عمودی دراثنای مرور ، ضمناً ملاحظه وعبور فرمودند عنان عزیمت موکب شوکت موهب همایونی را متوازی خطوط صفوف عطف داده در مقابل صف اول عین برنقطهٔ وسط توقف ورزیده در حالیکه جمیع حضار چهرهٔ بملاحت شهرهٔ ملوکانهٔ شانرا باکمال ذوق وسرور مشاهده وتماشا می کردند عموم را مخاطب نموده چنین بکلام حکمت انجام ابتدا فرمودند ، جشن اتفاق ملت ، جشن خوشی و آزادی افغانستانست از درگاه حق سبحانه تعالی همیشه آرزو دارم که این جشن‌ها را دائما بما وشما با آزادی وشادمانی بگذارند امسال چون جشن مذکور درماه رمضان افتاد ازاول مرکبی لاعلاج این خیال بود که سررشته وانتظام آن بچه اصول کرده خواهد شد ؟ خودمن بفکر خود خواستن شمارا ازقرار سابق بده یازده بجهٔ روز هم مناسب ندیدم چرا که درانصورت زحمهٔ شما درین روزه داری بسیار تکلیف بود که بیهوده و بیکار برجاهای خود می‌نشستید ، وهرکس درفکر زود گذشتن روز خودسر زانو انگنده میرفت ، و برخلاف ایهم درست نبود که شما را بکلی نمیخواستم ، لهذا همین وقت عصر را مناسب یافتم که یك جا باهم دیده وافطار کرده ، وهرکس شیرینی خودرا گرفته مرخص شود ، وامسال ایهم نمیشد که بمانند سالهای سابق همهٔ شمارا صنف بصنف مفصل از نظر بگذرانم ، چرا که دراثنای چنین روزه داری بسیار سخت ودشوار مینمود والبته برای شما ها یك که سهل و آسانی بود اما برای من سخت تکلیف داشت که تنها یك آدم همهٔ شمارا ازنظر بگذرانم . این جشن بهمراه امسال دوسال دیگر هم درماه مبارك رمضان خواهد آمد ، وتاحال این دوروزهٔ که گرفته ایم خودمن ذاتاً هیچ تکلیفی دران حس نکرده ام وهوا هم نسبت بچند روز پیشتر قدری . . . شده انشاءالله برشما هم امیداست بصحت وعافیت گذشته باشد . وازان زحمتی ندیده باشید . وبالفرض اگر یك تکلیف ومشقتی هم ازان بما برسد باید آنرا بصبر وطاقت مقابله کنیم چرا که بنده هستیم ، وخالق مارا بادای فرایض خود امر فرموده میباید که بهرصورتیکه ممکن باشد دربجا آوردن آن حتی الوسع کوشش ورزیم . درین اثنا چون وقت افطار خیلی قریب بود ازارادات شوکتسمات اعلیحضرت همایون اشرف والا همه کان را بنشستن امر واجازه نموده وخودهم ازبالای اسپ شرف نزول فرموده برمصلای امامت مسند آرای عزت ودیانت گردیده منتظر رسیدن وقت افطار وادای نماز گشتند ، چنانچه بعد یك وقفهٔ مختصر ازبالای تپهٔ چارو که موقع انداخت توپ است اول یك دود مسرت اندود و متصل آن یك آواز مهابت انداز که وقت افطار را اشعار نمود . سامعه نواز گردید که بنا بران هر کس با تبرکی که قبلاً بهاو داده شده بود روزهٔ خودرا باز نموده بتهیهٔ نماز آغاز نهاد ومؤذن هریك آواز معتدل ومتوسط بکمال خوش الحانی اذان گفته وازصف اول هم صدای اقامت بلند گردیده عموم حضار باکمال ذوق ومسرت بپادشاه دیانت آگاه عطوف مرحمت شعار وپدر ترقیخواه رؤف شفقت کردار خود شان اقتدا ورزیده ، باحضور قلب و صفای عقیدت یك نماز بسیار باتأثیر وحرارتناکی بجا آورده شد . بعد چون صلوت انجام ودعا ختتام پذیرفت . همه گان جانب عمارت باشوکت سلامخانهٔ عام متوجه گشته ، وبعد از چند دقیقه جمیع علمای عظام وخوانین ذی احترام واهل مناصب ملکی وعسکری حسب مراتب برچوکیهای مخصوص وجاهای مناسب خودها نشستند وضعیت داخلی دالان بزرك سلامخانهٔ عام چنان یك منظرهٔ خوشنمای بازینت وانتظامی را تشکیل داده بود که زبان ازتقدیر ، وقلم ازتحریر وصف وتعریف آن عاجز وقاصر است . جارهای نفیس وبلوری که ازسقف مزین وزرین دالان آویخته ودران شمعهای کافوری لطیف ورنگینی افروخته شده بودند برظروف واوانی قیمتدار بسیار زیبا و اعلاییکه برمیز بزرك حضور بکمال دقت واعتنا چیده شده بود عکس انداز وپرتو نثار تجلیات وانوار گردیده زینت ولطافت صوری آنها را دوبالا میساخت . برندهٔ خارجی سمت شمال سلامخانه ودر آن موقع باصفای خوش هوائی که برای میزهای ودفترها وکاریگرهای ماشین خانه‌ها و معلمهای مکتبها و کلانترها وغیره تخصیص داشت ودران هرصنف بکمال درستی ونظام اخذ مقام نموده بود . باقالینهای زیبا وفرشهای اعلا ، وتجیرهای خوشنمای تزین وبالامپهای بزرك وگران بهای تنویر یافته بود که انسان چون همهٔ آن تزیینات وتنظیمات . وچراغان ها وتزیینات را میدید یك حظ وفرحت وذوق ولذت عظیمی درقلب ودماغ خود حس می‌نمود .

بعد از وقفهٔ نصف ساعت عین هنگامیکه از صف دادن میز های ناخوری فراغ کلی حاصل شده بود ، ازبیرون سلامخانه آواز دلنوا

موزیکهٔ عسکری که سلامی بزرگ شاهانه را نواخت ، ورود مسعود همایونی را بهمه گان اعلان واخبار نمود ذات اعلیحضرت پادشاه معظم محبوب القلوب مقدس ما ازدروازهٔ سمت شرقی باکمال شوکت و احتشام بمعیت شاهزاده گان عظام داخل دالان سلامخانهٔ عام گردیده عموم حضار برای ادای سلام صف بستهٔ عزت واحترام گشتند ذات اعلیحضرت همایونی بعدازانکه درمقابل میز مخصوص نانخوری شاهانهٔ شان تمام تمکن وشکوه جلوس فرمودند همکسان را به نشستن وصرف طعام امرواجازت داده بیک آن خوردن عمومی مشغولیت حاصل شد برهرمیز انواع میوه های تازه واطعمهٔ لذیذه حاضر گردیده بود بعدازانقضای یکساعت کهدرانثنای طعام وچای نوشی مرور نمود . به آوردن دسپال های شیرینی ابتدا ورزیده شد . تانصف ساعت دیگر هم تقسیم و توزیع شیرینی دوام ورزید . واخیراً بساعت ۱۰ چون طبعاً یک فراغت وفرصت عمومی دست داده بود ذات اعلیحضرت همایونی همه گان را رخصت عودت عطافرموده پس ازانکه موزیکه درخارج سلامخانه باکمال هیئت سلامی آخری پادشاهی را نواخت هرکس بسمت عزیمت خود متوجه گشته بدینطور یک مراسم در بار فرحت بار سلامخانهٔ عام باتمام ترتیب وانتظام انجام واختتام یافت . درشب دوم جمیع ارباب مناصب ملکی وعسکری وعلمای عظام ، وخوانین ذی احترام باالباسهای مخصوص درباریٔ شان به چمن وسمت پیرامن قصر معالیحصر استور دعوت شده بودند ، وضعیت موقع خیلی زیبا ، و هوش ربا یک منظرهٔ را تشکیل داده بود هرطرف با چراغانها وزینتهای بسیار مکلی تنویر وتزئین یافته بود ، همهٔ شب بعدازفراغ طعام افطار تا وقت سحری موزیکه ها نغمه های بسیار لطیف دلنواز ، وسرود های ذوق آور نشاط اندازی میسرائیدند بعدازطعام سحری وتوپ صبح جمیع حاضرین را از طرف قرین الشرف همایونی رخصت عودت . واجازه عزیمت عطاومرحمت گردیده پس ازانکه سلام آخری ذات ملوکانه ازطرف عموم بجاآورده شد هرکس بسمت مقصود خود عازم ومتوجه گشته بدینطریق باکمال فرحت وسرور ، وقت وحبور مراسم مجلس لیلهٔ مبارکهٔ دوم جشن کهرسماً درچمن صفا پیرامن قصر سعادتحصر استور ترتیب وانعقاد یافته بود ، بتام وانجام پذیرفت .

§

(آذین وشهر آئین)

برای شبهای پنجشنبه وجمعه بعموم دکانداران همه بازارهای شهر عزیز مینو بهرما از طرف دایرهٔ بلدیه خبریک آذین وتزئین عمومیٔ بازار ها تبلیغ گردیده بود که بازاران ازابتدای روزچهارشنبه هرکس بآراستن وزینت دادن دکان خود بکمال جدیت اشتغال ورزیده تاوقت عصر روز مذکور همهٔ بازارهای دارالسلطنهٔ با خطهٔ کابل را یک مسرت وتزرکی ، ویک نشاط وفرخندگیٔ فوق العادهٔ احاطه واستیلا نموده عوام الناس جوق جوق دیده میشدند که درمقابل هر دکان برای تماشای قطعه های تصاویریکه ازجبههٔ دکان آویخته شده بودند ایستاده درتصورات زینت ورونق آن سراسرمحو ومستغرق بودند . درشب اول ذات ملوکی صفات اعلیحضرت پادشاه ترقیخواه رعیت پرور وپدر خیرخواه عاطفت گستر ملت باعموم شهزاده گان عظام که بهمرکابیٔ همایونیٔ شاهانه شان معیت داشتند بسواریٔ موتر همهٔ بازارها را سیر وتماشا فرموده وهر دکانداری که دکان خودرا نسبتاً بهتکلفات وتزینات زیادی آراسته بود موجب تقدیر وتحسین وانعام والطاف همایونی میگردید . درشب دوم هم ذات اعلیحضرت پادشاهی وعموم شهزاده گان گرامی بعضی دکانهای بسیار بازینت وانتظام بازار ارک را بقدوم میمنت لزوم خودشان مشرف ساخته ، ودیگر یکان البسهای جدید وقیمتی را عمداً بقیمتهای بسیار بلندی خریداری فرموده وازین اخذ وعطای شاهانه یک سود ومنفعت کلی بصاحبان مال راجع وعاید گشته بدینصورت قلوب عموم اهالی را بان وضع مرغوب ولطف ومرحمت عمیم شاهانهٔ شان بخود رواداراد گردیده ومجذوب ساختند . بعد ازساعت ۳ صبح روزجمعه جمیع مراسم ومکارم جشن مقدس اتفاق ملت باهرهٔ آزادی وفرحت ونشاط ومسرت بپایان رسید فقط .

(کیفیت ختم شریف درقرغ)

بر کنار غربی کول باصفای خوش آب وهوا خیمه ها وسرا پرده های بسیار مزین واعلا برای ذات اعلیحضرت همایون اقدس والا ، ووالی شهزادگان ، واکابر واعیان سلطنت بکمال اعتنا ودقت برپا گردیده بود ، عموم اهل مناصب ملکی وعسکری وعلمای عظام ، وخوانین ذی احترام ، باالباسهای مخصوص شبانهٔ خودشان بایک جمعیت بزرگ رعایای صادقهٔ شهدانه که مخصوصاً بتوسط تکتهای خبریٔ ایشیک آقاسی صاحب ملکی دعوت واخبار گردیده بودند بومیه ازتاریخ ۱۰ رمضان سعادت فیضان بساعت ۶ ونیم عصر حاضر چمن وسمت پیرامن گردیده ، و ازانجا هرکس بطوع ورغبت خود بکنار طراوت بار کول لطیف خو شگوار آمده ومحصول کشتی سواریرا کهخیلی ارزان ومنفعت آنهم از طرف قرین الشرف اعلیحضرت پدر غمخوار ملت راجع بیتیم خانه است ، ادا کرده بغرض تفرج وتنزه جوق ، جوق در کشتیها وقایقها برای سیر وتماشای عالم آب که عیناً نمونهٔ یکسیاحت بحری را نشان میداد سوار میشدند . چنانچه تاساعت ۷ کشتی سواری دوام میورزید . بعد عموم نفریٔ مدعوین درچمن صفامامن برای ادای نماز در نماز گاه مخصوصی که درصحن چمن تهیه واقامه گردیده بود فراهم گشته منتظر رسیدن وقت نماز وشنیدن توپ افطار میشستند . دریں اثنا بجمیع حاضرین یکشیرینی مختصری که تنها افطار را کفایت کند نیز تقسیم میشد . چون بعد مرور دقیقهٔ چند ازساعت ۷ توپ افطار باعلام عالم فرحت ومسار بایک آواز دلنوازی طنین انداز میگردید هرکس روزهٔ خودرا باز کرده بادای نماز تهیه وآغاز مینهاد . بعد از فراغ نماز ودعا عموم نفری بدو مجلس بزرگ منقسم میگشت چنانچه اول آن عبارت از مجلس خصوصیٔ حضور همایونی بود . که دران ارباب مناصب ملکی وعسکری وعلما وخوانین دربار اشتراک داشتند ، وبالای چوکیهای اعلا ومیزهای زیبا درصحن چمن باصفا صورت وتشکیل یافته بود ، ومجلس دوم بمقدار مسافتی دورتر ازمجلس اول مجلسی بودکه به نفری رعایا تخصیص داشت وباقالینها وفرشهای بسیار نمور تکیه تایکمسافهٔ درازی تفریش وتزیین شده بود بساعت ۷ به آوردن وصف دادن میزها ، وگستردن خوانهای بسیار بزرگ بها که برهر کدام آنها انواع طعامها ومیوهها بکمال اعتنا چیده شده بودند ابتدا میشد ، وباهنگامیکه ازادای نماز یک فراغت عمومی دست میداد ظروف طعام باتمام ترتیب وانتظام درهردو مجلس آماده ومهیا میگشت ، چنانچه پس ازقرینهٔ صلوت هرکس

بجای مخصوص ومعین خود متوجه گشته درپیشروی خود بلا سد و ممانعی خوان نوال پادشاهی را مانند مائدهٔ آسمانی تیار و گسترده دیده بکمال آزادی بصرف آن مشغول میشد . تابساعت ۸ ونیم ازطعام وچای وهمه لوازم یك فراغ کلی حاصل گردیده ، بعد هر یك بتهیهٔ وضو ونماز پرداخته بساعت ۹ . پس ازانکه جمیع نفریٔ نماز گذاران درنماز گاه جمع وفراهم آمده ترتیب وتسویهٔ صفوف انتظام مییافت ، توپ کوچکی که درصحن مسجد معالی پایگاه عید گاه نهاده شده بود بکمال شدت صدا برآورده رسیدن وقت نمازرا بهمه گان اخبار واعلان مینمود ، که بناءً ان ذات ملکوتی صفات اعلیحضرت پادشاه دیانت اکتناه معظم محبوب القلوب بسیار مقدس مابامعیهٔ شهزاده گان عظام وغیره نفریٔ هم رکاب شاهانهٔ شان بسواری موتر ازجن تا نماز گاه تشریف فرمای عز واجلال گردیده بایك شان وشوکت بی اندازه ، ویك ذوق ومسرت فوق العادهٔ بادای صلوهٔ قیام وثبات ورزیده میشد وضعیت ادای نماز خیلی پرجوش ، وجالب فکر وهوش یك منظرهٔ را تشکیل میداد ، صداهای بلند پرتأثیر تکبیر مکبران ، وسکوت عمومی سامعان ، وپرتوشاری ضیاو انوار چراغهای کتبی بسیار سفید ودرخشان ، وخوش آوازی وفصاحت طرازی جناب حافظ جید خوش الحان ، ومتانت وعظمت الفاظ کلمات حضرت قرآن عظیم الشان هریك برقلب وحواس چندان تأثیرات بجد وبقیاس اجرامینمود که انسان درمقابل قدرت وکبریا ، وجلال وجبروت ذات مالك الملك والملکوت ، واله ومبهوت می گشت ، بعدازهر چهار رکعت درأثنای توقفی که درهر ترویحه لازم میشد کسانیکه تشنه ویاوضوی تازه محتاج میبودند به آبهای یخ ، وجای های آب سرد که بهرطرف نصب شده بودند مراجعت کرده دفع تشنگی وغیره لوازم خود مینمودند ، وهر شب بهمین نهج واصول تابساعت ۱۱ صلوت تراویح دوام میورزید ، تاشب هفدهم نوبت ختم شریف کلام حضرت ملك العلام دررسید ، چنانچه بوقت عصر روز شانزدهم اگر کسی بقرار عادت برای کشتی سواری وتماشا جانب جن متوجه میشد ، برخلاف ایام سابق دفعتاً دروضعیت کناره های کول یك تبدل وانقلاب عظیمی ملاحظه میکرد ، یعنی تقریباً قسم کلی خیمه ها وسراپرده هائی را که قبل ازین برساحل غربی کول دیده بود سراسر ناپیدا ، وبعوض آن بسمت شرقی کول اشکال بعضی درختها وسرو های آتش بازی را ایستاده وبرپا مییافت ، درشب هفدهم بعد ازانکه ازختم شریف وتقسیم شیرنیٔ متبرك آن فراغ حاصل شده بساعت ۱۰ عموم نفری حضار ختم ، وغیره اهالیٔ شهر شهیر جن ما که تقریباً هفت ، هشت هزار نفر میشدند برای تماشای آتش بازی عازم سمت کول گردیده ازیکسر تادیگر سرساحل آنرا احاطه نمودند ، وبمجرد یکه ذات اعلیحضرت همایون اشرف اعلا بسواری موتر ازمسجد عیدگاه بموقعی که بر کنار غربیٔ کول اپچوکیا ، آراسته وبرای نفریٔ مجلس خصوصیٔ حضور شاهانه تهیه شده بود تشریف فرمای شوکت واجلال گشتند به افروختن آتشبازیها ابتدا ورزیده شد ، ازهمه اول صدای توپ گلرزهوائی که نوعی ازآتشبازی است شروع شدن تماشارا بعموم اعلان نمود ، هرباری که این گلرزهوائی صدا میکرد تا ۲۰ ، ۳۰ متر عموداً بطرف سما یك خط آتشینی کشیده وباز بیکبار مخصوصی کفیده ازان گلهای آتشین سرخ وسبز بسیار خوشرنگی مانند ستاره ها بزمین میریخت سپس متصلاً به افروختن اقسام چرخها ودروازه ها ، ودرختها وسروهای آتشبازی که هرکدام اندر آب ساکن وبیموج کول منظره های بس لطیف وزیبائی را تشکیل میداد آغاز شد ، ازیکسو مهتاب نیز که نوطلوع شروع نموده بود ازعکس ضیای خود که در آب صفا تاب کول انداخت یك ستون براق وتابناك سیمینی غرباً ، شرقاً ازیك سرتادیگر سرکول بوجود آورده رونق ولطافت موقع وتماشارا دوبالا ساخت ، همدرین أثنا ذات اعلیحضرت همایون والاجاهٔ شهزاده گان عالی تبار ، ودا نیز نفریٔ معزز دربار برای سیر وتماشای منظرهٔ کول طراوت بار که ازروشنی ورنگینی چراغان آتشبازی یك جلوهٔ خیلی عجیب وغریبی درانظر تجسیم میداد قایقها و کشتی های مخصوص خود شان سوار شده دروسط کول راندند ، و آتشبازی ، که تا یکساعت کامل دوام ورزیده بساعت ۱۱ بعدازانکه حروف آتشین لوحهٔ « شب تما خوش » درپیش نظر عموم ظاهر گشت تماشای آتشبازی بانجام رسید بعد ازاتمام تماشا ذات اعلیحضرت همایونی بامعیهٔ شهزاده گان ، ونفریٔ معیت رکاب شاهانهٔ شان بسواری عرابهای موتر ازجن عزیمت فرموده وباقی تماشا کنندگان نیز بعودت مجبور گشته بدینصورت مراسم بااحتشام مقدس ختم شریف باکمال عزت واحترام وترتیب وانتظام انجام واختتام پذیرفت !

[محرر اداره ، عبد الرحمن]

تفسیر بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خدای بسیار رحمت کننده وبسیار مهربان آغاز میکنم ـ در آغاز هر کار یاد کردن نام خدا موجب برکت است ـ الله نام ذات پاك است که موجود بوجود خود است ـ ووجود جملهٔ کائنات وبقای آنها وابسته ودائم بوجود او ـ رحمت لغةً عبارت است از میل نفسانی که از رأفت روح ورقت قلب باشد ـ واین کیفیت نفسانی مصدر خیر وخوبی میباشد ـ پس الرحمن والرحیم هردو دلالت کند برآن عنایت عامهٔ الهی که شامل است وجمیع کائنات و ازالطف خاص آنشاهی که مخصوص است بهریك ازاجناس وانواع واشخاص مخلوقات ـ خدا رحمن است یعنی لطف کلی او بهمه ذرات عالم محیط است ـ ورحیم است ـ یعنی عنایت خاصهٔ او بهرجنس ونوع وشخص بطور خاص متعلق شده ـ مثلاً صفت رحمانیت او همه اجرام علویه واجسام سفلیه وارواح وانفس را بوجود آورده وبنظام محکم همه را باهم مرتبط داشته ـ وصفت رحیمیت او هرنوع را بطور مخصوص امتیاز بخشیده ـ مثلاً جمادات ونباتات وحیوانات وغیره هریك ظهوری خاص دارد ـ ومیتوان گفت که جاذبهٔ کلی که بهمه عوالم ساری است مظهر رحمانیت ایزد پاك است ـ وجاذبهٔ خصوصی که مثلاً نظام شمسی مارا برپا داشته است گوئیا نمونهٔ رحیمیت او است ـ پس رحمت مرادف آن قوت مکونه است که نظام کائنات ودوام حیات اشرف المخلوقات باو وابسته است .

از لحاظ دینی از حمایت خدا مراد است بعثت انبیا و انزال کتب برای فلاح نوع بشر بدون تفاوت قبائل و اقوام — و از جمعیت او لطف فرمودن رجال کسانیکه هدایت را قبول کردند و بمحاسن اخلاق ذوات خویش را منور و مزین نموده در تحصیل فضائل گوی سبقت ربودند — ذکر رحمت عامه و شفقت تامهٔ باری تعالی هنگام آغاز کردن هر کار بزرگ و خورد حسب منطوق حدیث شریف « کل امر ذی بال لم یبدأ ببسم الله فهو ابتر » (هر کار ذی شان که به بسم الله الرحمن الرحیم آغاز کرده نشود از خیر و خوبی عاری میباشد) تلقین این اصل عظیم است که بدون مرحمت باهمی قوای جمعیت انسانی و ترقی تمدن و تقدم معارف و مصالح صورت نبندد — در خیر القرون اسلامی همین حسیات رحمت و رأفت بود که وحشیان صحرا گرد جزیرة العرب را دارای بهترین حصه‌های دنیا ساخته مشعل بردار تمدن حقیقی کرده بود — و درین عصر ترقیات هوش ربا هم در بلاد غربیه از یوروپ و امریکا همین حس مرحمت و شفقت انسانی است که همه افراد ملت را از زیور علم و هنر آراسته ترقی تمدن را باوج رفعت رسانده است از جمله مظاهر رحمت انسانی در بلاد غربیه اجرای قوانین صحت در همه طبقات ملت است یعنی بنای راهها و خانها و شهرها و باغها و صفائی آنها حسب قانون صحت — و بنای شفاخانها برای خواص و عوام — و همچنین بنای کتب خانها در شهرها و قریه‌ها برای عاریت دادن کتابهای تاریخی و اخلاق

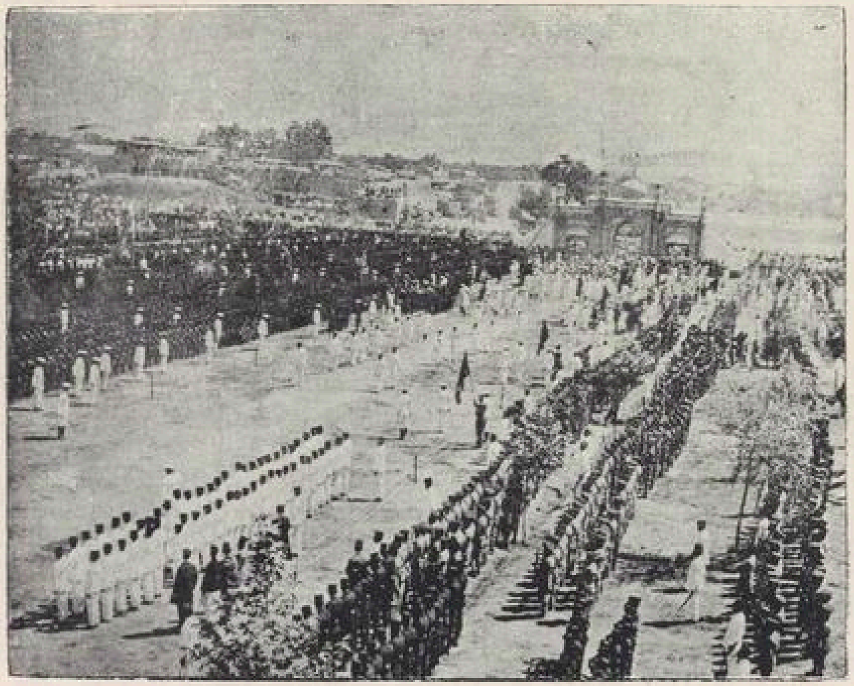

از منظره های عید سعید

انتظار تشریف سعادت ردیف ذات شوکت سمات اعلیحضرت همایونی در صحن جامع فیوضات لامع عیدگاه

و غیرها بعوام — و بنای خانها برای پیران و یتیمان و بیوه گان و کوران و معذورین هر قسم — و ادارهٔ آنها بنوعیکه گدا گری از ملت گم شده و بنای مدارس فنیه و صناعیه برای تعلیم اولاد فقرا و مساکین — خصوصاً حسن ادارهٔ زندانها که حقیقتاً محیر عقول است — اولا مجرمین و محبوسین را در صحراهای بسته از جای مجاز میبرند تا حیات فطری از ایشان زائل نشود ثانیاً قاتلین و مرتکبین جنایات کبیره را از مجرمین جرمهای صغیره جدا جدا و علی تفاوت درجات جنایات در زندانهای علیحده می نهند — و ثالثاً انتظام خورد و نوش و صحت بندیان را از تفتیش نظامی و ارباب مطبوعات و [illegible] قوم و عوام خلائق دائماً در حالت خوب دارند — و رأساً و اعطای دین و کتابهای محاسن اخلاق و رسائل علمی و روزنامها به بندیان میدهند تا ایشان از صحبت نیک و احوال مساعد از کردهٔ خود پشیمان شده قلب خود را تبدیل نمایند — و هنگام اختتام میعاد حبس گوئیا از مادر نو زاده در جمعیت انسانی پاک در آیند — برای نوجوانان خطا کار که مرتکب اشاعت زر انگلیا و غیره هنگام ضعف که عمری شده باشند اصلاح خانها دارند آنجا چیزی بیب . که مذاق شرف نفس باشند . برای درستی اخلاق چنین نو عمر بندیان مساعی شدیده بعمل می آرند — و خیر اصلاح ایشان مردم

بخدمت زر کان دولت میرسد ـ ووقتیکه یقین شد که خطا کار از کار خود نادم شده نیک سیرت گردید ـ اورا بجائی نو منصب لایق تعیین کنند ـ وزرین اصل التائب من الذنب کمن لاذنب له کارفرموده اورا مانند مردم معصوم در معاشرت قبول میکنند ـ این معاملهٔ مرحمت وشفقت باسیران خصوصاً در ممالک متحدهٔ امریکا ثانی از حسنات ذیل است ـ نخستین انسان اشرف المخلوقات است ودر آفرینش بیگناه پیدا شده ـ البته صدور جرم از اسباب خارجیه بوده است ـ شرط عقل است که تبدیل احوال واسباب نموده ومراسم اصلاح بعمل آورده گم گشته راه را به راه راست در آرند ـ وگران مایه جوهر انسانی را بغفلت ضایع نکنند ـ ومدنی مجلسانی شود ولعل پارهٔ زهار بایک نفس تشکیل میشد ـ دومین از جمله فرائض ملت یکی این است که در تربیت اخلاق وتهذیب روحانیهٔ افراد بقدر وسع بکوشند ـ اگر قصوری در اخلاق افراد راه یابد البته حصهٔ آن قصور بملت هم عائد میشود پس لازم آمد که در باب مجرمین ملت تلافیٔ مافات نموده باصلاح ایشان بکوشند ـ سومین در هر انسان حس وجدانی موجود است ـ تا زمانیکه انسان قاسی القلب کلیهٔ نشود ـ امید صلاح اوفق است ـ پس چرا کوشش را دریغ داشته باشند. این امر موکد اسلامی را نصاری امتثال نموده نائل بسعادت دنیوی شده اند ومسلمانان گویا این مرحمت وشفقت باهمی را فراموش کرده اند !!

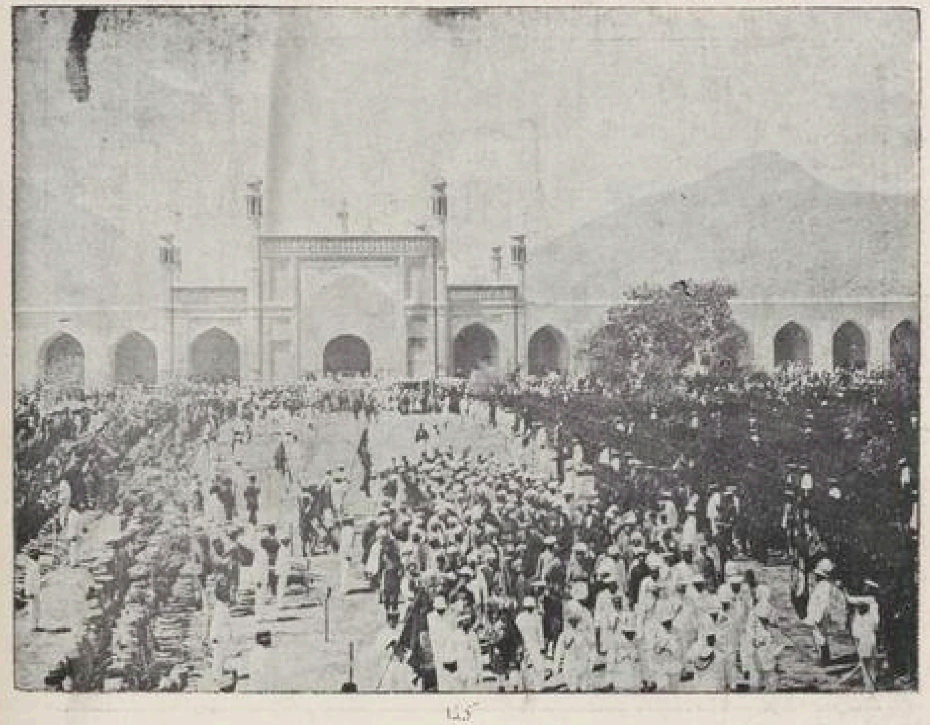

کرتا

تشریف بردن اعلیحضرت پادشاه دیانت آگاه دولت مستقلهٔ افغانستان به مصلا

توبه کردن عاصیان از گناهای خویش ورجوع ایشان بجناب باری تعالی ومحو شدن خطاهای شان هنگام ندامت حقیقی یکی از ارکان اعظم اسلام است که مبنی است بر رحمت محض ازدی ـ وازینجا است که ذکر کردن رحمانیت ورحیمیت خدا در ابتدای هر کار تشویق است بگناه کاران بتوبه وانابت الی الله ـ و اصل مقصود از دین الهی پاک کردن مردم است از گندگی سیئات وتزئین ایشان باعمال صالحات ـ تا همه قبائل بشریه یک عائلهٔ روحانیه گردند وهمه کرة الارض یک دارالامن رحیمیه شود ـ حضرت مسیح علیه السلام در انجیل رحمت خدا وشفقت او برحال توبه کنندگان از گناهای خویش وباز آیندگان بدرگاه الهی از کرامی بیان فرموده داد فصاحت وبلاغت داده است خلاصه اش این است که وقتیکه یک گوسفند از گلهٔ صد گوسفند در بیابان گم میشود ـ چوپان همه گلهٔ نود ونه را گذاشته در پی آن یک گمشده در بیابان میگردد وبکمال مشقت وجستجو آنرا بازیافته برپشت خود برمیدارد وبخانه باز گشته در میان همسایگان خود شادمانی میکنند ومیگوید که من گمگشته گوسفند خویش را یافتم ـ بیائید وبامن شادمانی کنید یقین بدانید که چون گنهگاری پریشان روزگار از کردهٔ خود پشیمان شده بسوی پروردگار خویش باز گردد ـ در میان کروبیان آسمانی بر توبهٔ آن یک گنهکار زیاده تر شادمانی میباشد که بر تقوای نود ونه متقیان که احتیاج بتوبه ندارند ـ —

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1763 of 1786

یهنگامیکه پیرزنی از ده‌پاره های نقره یک مسکوک نقرئی خویش را درشب گم میکند او چراغ را روشن کرده درهمه زوایا وخبایای خانه تلاش میکند — ودر آخر آنرا باز دریافته باحباب اظهار شادمانی مینماید ومیگوید بیائید وبامن شادمانی کنید که من پول گم شدهٔ خویش را باز یافتم — بیشک چون گمراهی بخدای پاک توبه کند — ایزد تعالی از باز آمدن او ازآن پیره زن شادمان تر شود — یک صاحب ثروت ودولت دوفرزند داشت — کوچکترین ایشان بپدر گفت که حصهٔ مرا از مال ومنال بمن بده — پدر حق او را باو داد — او همه مال خویش را در اندک زمان درعیش ونشاط ونغمه وسرود — وشراب وکباب وزنان رقاصه وندیمان قمارباز باخته درباخت — ومحتاج نان شبینه شده از جائی بجائی پریشان گشته بخانهٔ کناسی پناه گیر شد — ونگهبانی گلهٔ خوکها را پیشه گرفت — وازپس ماندهٔ خوراک خوکها شکم پر کرد — زمانی بر بینوائی وزاری وذلت وخواری گذشت — روزی این خاطر بدل او در آمد — که پدر من مالک مال ودولت دنیا است واز خوان نعمت او عالمی بهره میخورد — وهنوز ثروت او از فراوانی زیان نمیرسد — پس من چرا خود را درین فاقه وبینوائی هلاک کنم ؛ باید که پیش پدر خودم بروم وبگویم — که ای پدر من نافرمانی تو کردم وعصیان بخدای عزوجل نمودم — من سزاوار فرزندی تو نیستم — مرا بجای یکی از نوکران خود قبول کن — پس او ایستاده شد وبسوی پدر خویش روان گشت هنوز او دور بود که پدر او اورا دید ورحمت وشفقت او بجوش آمد — دویده اورا به‌بغل گرفت وروی بگردنش نهاد وبیوسید — وباوجود اظهار ناقابلیت از پسر پدر اورا بحمام فرستاد — خلعت نو در برش کرد — وخاتمی بانگشت او نهاد — ویک فربه گوساله بقدوم فرزند ذبح کرده ضیافتی پرتکلف درست نمود چون پسر بزرگ که درکشت زار بود آواز موسیقی ورقص شنید. از خادم پرسید . او جواب داد که برادر تو باز آمده است وپدر تو بشادی قدوم او صحیح وسالم گوسالهٔ فربه را کشته ضیافت درست کرده است. او بخشم در آمده بخانه در نرفت . پدرش بیرون آمده دلجوئی کرد . پسر بزرگ بجواب گفت که من درین سالهای دراز خدمت تو کردم وهیچگاه از فرمان تو سرمو انحراف نورزیدم — وتو مرا هیچگاه یک برهٔ کوچک هم ندادی که با دوستان خودم جشن آراسته شادمانی کنم . ولیکن بمجردیکه این پسر تو که مال ودولت ترا در صحبت زنان فاحشه ضایع کرده باز آمد توبرای او گوسالهٔ فربه را ذبح کردی . پدر جواب داد — پسر تو همیشه بامن هستی وهرچه که من دارم همه ملک تست — اما اکنون سزا است که جشن آراسته کنیم وشادمانی نمائیم . زیرا که این برادر تو مرده بود کنون باز زنده شد — وگم شده بود — وباز یافته شد —

جناب مسیح علیه السلام درین تمثیلات سه حالت تمدن را بیان فرموده است یعنی درابتدای تشکیل هیئت انسانی که هنوز مردم خانه بدوش باشند . همه مال ودولت ایشان منحصر بمواشی از گوسفند وگاو وشتر میباشد . ووقتیکه مردم بقریه وشهر اقامت کردن عادت گرفتند . وزر وسیم ذریعهٔ تبدیل اشیا گردید — لاجرم تعلق قلب بسیم وزر میباشد اما مردم طبقهٔ اعلی که بسیم وزر ومال نپسندند — محبت ایشان باولاد خود فطری است . درین هرسه صورت مرحمت جبلی ومحبت انسانی حسب قانون فطری عادی کاملاً بیان کرده شد گویا هرمثال یک صنف رحمت انسان را مظهری واقع شده است — ومقصود عیسی علیه السلام این است که مرحمت وشفقت ایزدی خود در طلب گم گشتگان میرود .

وهنگامیکه گمرهان راه راست می‌درآیند شادمانی ملاء اعلی از شادمانی انسانی زیاده تر میباشد . اما جناب سید لولاک صلی الله علیه وسلم تمثیل بیان فرموده است که شادمانی باری تعالی بر راه‌یافتن گم گشته از شادمانی انسانی فوق العاده هم زیاده تر میباشد مفهوم تمثیل حضرت رسول کریم علیه السلام چنین است — : مسافری دربیابان بی آب وریگستان دور ودراز همه اسباب خوردنی ونوشیدنی را بشتر خود بار کرده قطع مسافت مینمود — وقت نیروز تاب شدت آفتاب نیاورده درسایهٔ سنگ بزرگ که از حسن اتفاق درقلب صحرا نمودار گشت برای استراحت فرود امد وسنگ را بالین ساخته بزمین پای خویش دراز کشید — از ماندگی زود خوابش برد — اما مهار شتر را بدست خود استوار گرفته بود قدری ازآنزمان درخواب نوشین گذشت . وقتیکه بیدار شد . دید که اشترش رفته است . درحالت پریشانی بجستجوی او هرسو دوید — اما هیچ نشانی نیافت — عاقبة الامر خسته تن وسراسیمه خاطر بجای خواب خود باز آمد ودل برهلاک نهاده همان جا باز بخواب رفت . پس ازآنزمانی باز بیدار شد چون چشم گشاد . دید که اشترش بسوی او دوان می‌آید از ملاحظهٔ این امر عجیب وغریب چنان شاد وخرم شد که ازفرط سرور دمی ازخود دور گشت ودران حالت بیهوشی زبان بثنا وصفت باری تعالی گشاد وگفتن گرفت —

الهی أنت عبدی وانا ربك — (ای خدای من تو بندهٔ من هستی ومن پروردگار تو هستم) ودر حالت محویت این کلمات را بار بار بزبان میراند وگمان می کند که او از خلوص دل بربوبیت خدای پاک اقرار مینماید جناب سرور کائنات علیه الف تحیات میفرماید که هرگاه گناهکاری از راه دور افتاده تائب شده بدرگاه ایزد تعالی باز پس می‌آید شادمانی . خدای پاک بر باز آمدن آن بنده گم گشته زیاده تر از ان است که آن مسافر بیابانی ربباز یافتن شتر گم گشتهٔ خود کرده بود وازفرط شادمانی بجای الهی انت ربی وانا عبدك — او قضیه را برعکس کرده — الهی انت عبدی وانا ربك گفته بود ؛

از جمله صفات رحمت دار گردیدن — وصیغهٔ عام یعنی رحمن را مقدم وصیغهٔ خاص یعنی رحیم را موخر داشتن وازین هردو صفت رحمت را بالمرادفات منظم کرده بار بار زبانزد همه مسلمان گردانیدن باشارت استبان امر جلیل که بعثت محمدی بالخصوص مظهر «ان رحمتی غلبت غضبی» واقع شده است — وتخلق باخلاق الله شیوهٔ اسلامی است . برای تعمیم رحمانیت ایزد ذوالجلال این فرمان وارد شده است .«الراحمون یرحمهم الرحمن تبارك وتعالی — ارحموا من فی الارض یرحمکم من فی السماء» (کسانیکه رحم میکنند . برایشان رحمن تبارك وتعالی رحم میکند — رحم بکنید بر آنانکه بزمین اند . آنکه در آسمان است برشما رحم خواهد کرد) — این رحمت رحمانی عام است بهمه افراد نوع بشر خصوصیت باسلام ندارد . حتی که شامل است بذی روح حیات هم — چنانکه فرموده است — «فی کل ذی کبد رطبة اجر» (نیکوئی باهمان جانور که جگر تر دارد کردن موجب اجر است) وظهور صفت رحیمیت در مسلمانان چنان بوقوع پیوسته — «اشداء علی الکفار رحماء بینهم» — باهم شفیق ومهربان اخوان صفت اطوارشان :. درززم چون شیرژیان در بزم زیب انجمن —

خدای پاك محض از مرحمت وشفقت خود نبی الرحمه را مبعوث فرمود — وحسب وعدهٔ پاك خود که در تورات وزبور وفرقان کرده بود امت مرحومهٔ محمدیه را وارث بهترین حصهٔ کرة الارض هم کرد اما صد حیف که مسلمانان درایام عظمت وشوکت خود زود تنها پیروی بر هدایت ایزد منان را فراموش نمودند — بلکه درخانه جنگی مبتلا شده وبوصیت حکمت بنیاد «سباب المؤمن فسوق وقتاله کفر» (دشنام دادن مرمومن را گناهی است بزرك وجنك کردن باو کفر است). هیچ ملتفت نشده عالم سلامی را که ازفیضان چندصد ساله تمدن وتنور نمونهٔ فردوس برین درروی زمین بود ماتم کده ساختند وعقول عالیه را که ثمرهٔ طیبهٔ آبیاری باغبان شریعت غرا بودند بهیر هی پست و نابود نموده حالة الناس را بدارائی ممالك واسه گذاشتند چون رحمیت نیز ازایشان زائل شده شیرازهٔ جمعیت اسلامیه ازهم کسیخت . اقوام نصرانیه که در قرون اخیر مرحمت وشفقت انسانی را درمیان قبائل خودشان دستورالعمل معاشرت ساخته بودند . ممالك اسلامیه را یغما کرفتند — تادرزمان ما ذلت اسلام بنهایت رسید — ونزدیك بود که بادصرصر حملهٔ اعدا چراغ کورستان اسلامی را هم خاموش کند — رحمت ایزدی بجوش آمد — وقومی را که همه عالم برکش فتوی داده بود ازراویهٔ خمول بمنصهٔ ظهور آورد . ومانند اسلامیان قرون اولی بصفات عالیه از ایمان خالص وقلب صاف وهمت قوی وارادهٔ راسخ وفدا کاری جان ومال بردین وملت ومرحمت وشفقت وعلایان متحلی ساخته ایشان را ازهمه عالم برای دستگیری اسلام کزید — درحق ایشان این آیت کریمه صادق شد فسوف یأتی الله بقوم یحبهم ویحبونه اذلة علی المؤمنین واعزة علی الکافرین (عنقریب خدا قومی را بیارد که او ایشان را دوست دارد وایشان اورا دوست دارند ایشان بمؤمنین بتواضع ومرحمت پیش می آیند وبدشمنان دین ودولت شدت وشرف نفس مینمایند هرمسلمانی و از هر کجا که امروز قسطنطنیه رود — درقوم و دولت ترك که سینه را از شش صد سال با بنظرف بمقابلهٔ مهاجمات نصارا سپر کرده مردانه در حفظ شرف اسلام جان ومال را فدا میکنند یك نمونهٔ اخوت اسلامی حقیق خواهد دید — وقتیکه ایشان ز مردم فتنه وفساد وبغض وعناد دست یافتند . ازروی مرحمت وشفقت هم جنایت پیشه بد کاران را که در مدت سی و سه سال یك عالمی را زیر وزبر کرده بودند عفی الله عما سلف — کفته فرصتی برای اصلاح اخلاق وتهذیب نفوس دادند . برای احیای ملت ابواب علوم وفنون حقیق بروی هرکه و مه گشادند . نظام مالیه را ازغبن وخیانت پاك نمودند . و درتهیهٔ قوت عسکری حسب تازه ترین اصول هیچ دقیقه ازدقائق فرو نگذاشتند . اعمال ایشان ازاقوال دیگران ناطق تراست وبزقوم ودولت افغانستان که دولت مستقلهٔ اسلامیه است امیدگاه مسلمانان است . از جوانمردی این ملت اسلام درآینده بسیار امیدها دارد . فیارحمن ویارحیم . کثرامثالهم ووفقهم بالظفر المبین وبارك فی اعمالهم . واجمع شمل المسلمین بهم واصلح بالهم — فانت مجیب الداعین وانت ارحم الراحمین

کابل . ششم رمضان المبارك ۱۳۳۴ هجری
محمد زکی الله

* * *

(سیاحت)

« مرده از فیض سفر مایه بیش کردید »
« صیقل تیرکی بخت جلای وطن است »

بسیر کنان صحایف لطایف مطبوعات جدیده ، وتماشایندان صفحات آثار غریبهٔ قدیمه پوشیده نیست ، که درزمرهٔ اسباب وعلل ترقی وتعالی دول وملل مختلفه سیاحت یك موقع بس مهمی را حائز است .

« سیاحت » ازاد قوهٔ بصری ، افراط معلومات نظری ، موجب حصول مسرت وتحصیل فرحت ، منشا فکر وعبرت است وماخذ تنبه وعبرت ـ استفاده ازنعم خداوندی کار باخردان است وبیهوده کذاشتن مخلوقات آن مبدع حکیم ، پیشه جاهلان وتنبلان ویکنوع کفران .

دائرهٔ بصارت را وسعت دادن ، ودایما افقهای جدید پیدا کردن آبهای مختلف مزه چشیدن ، وهواهای متنوعه تنفس کردن ، وکوهها دریاها ، وادیهای غیر مؤتلفه گذر کردن ، زمین های مغایر یکدیکر دیدن ، تبدلات نوبانون ، ازقبیل قلت وکثرت ، وشکل وصورت من ، وخاصیت محصولات زمینی ، معاینه کردن وتغیرات کثیره در احوالات اقوام غیر موافق مشاهده نمودن ، خواهش فطری واحتیاج طبیعی انسانی است .

آیا دقت فرموده اید ! که فرق ظاهری وتمیز اولین درجاه دونبات باحیوان همین حرکت است وبس . پس هرقدر دائرهٔ گشتن وسیاحت کردنرا توسیع وتمدید دهید زیاده تر ازجماد ونبات خود را دورتر کرده خواهید بود .

لازم اگر سیاحت خودرا فقط قطع کردن مسافه‌های بعیده حصر سازید ، درشما ویك مرغ تیزپر ، درشما وقندیل بازور ، درشما ویك ریح عاصف صرصر هیچ فرق نخواهد بود . نی نی ! بلکه هرکدام آنها نسبت بتو سریعتر وتو ازآنها پست تری .

پس لازم است که درسیاحتها بادیدهٔ باز حکمت وبصیرت ، وسمع کوش بر آواز غیرت وعبرت راه روید . بجای آنکه افکار تانرا تنها درمعاینه بوقلمونی مناظر طبیعیه صرف نمائید ، براحوالات مختلفهٔ اقوام غیر مؤتلفه خوض وامعان کنید ، اوضاع واطوار آنهارا دیده باحال ترقی ، وتنزل شان تطبیق داده عبرت بکیرید .

این کونه سیاحتها الزم ومفیدترین سیاحتها است ، موجب ترقی باعث اصلاح ، سبب فلاح است .

ببینید ! که دین مبین اسلام اینکونه سیاحت را بپیروان خود ایضاح وقرآن عظیم الشان درجاهای متعدد ، سیرفی الارض را امر کرده است . نمود .

« فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبة الظالمین »

عبرت ازاحوال اقوام عالم وظیفهٔ دینی مسلمانان است ولی هزار افسوس که ما مسلمانان بطرف آن خیلی کم توجه کرده‌ایم

جغرافیا وتاریخ که لب لباب سیاحت‌های عجیب وغریب عتیق وجدید است ، انسان را درخانه ازاحوالات عالم واوضاع واطوار بنی آدم اخبار میکند ، وفایدهٔ سیاحت که عبرت است ازان کاملاً بدست مى آید ولی

سلمانها آنها را علوم فرنگستان گفته خود را از تشبه بایشان نگاه یداریم ، ودر معانی و کنایات قرآن مجید دقت کردن را گناه میشماریم و... ثمر رشته کلام از دست نرود محلاً از توجهات مسلمانان سلف باین ر مفید جلیل یعنی سیاحت کمی بحث رانده بکلی این عنوان را از خاطرهای اظرین کرام دور کرده بمعارف آشنای دیرینه شان کوشش ورزیم

§

دین مقدس اسلام مقصد یگانهٔ که دارد اشاعت توحید واعلای کلمة الله لت . دین مبین هذا برخلاف ادیان دیگر تنها برای یک قوم یا یک قبیله رف نزول نفرموده بلکه برای اصلاح کل بنی بشر از زمان نزول تا یوم لقیام ارسال شده است ، پس برای اعلای کلمة الله وانتشار توحید در تمام نیا سیاحت های گوناگون وکشتیها در بر ، سفرها در بحر ، بصورت ن وحرب ، صلح وجنگ لازم ولابد است .

قرآن عظیم الشان در جاهای مختلف (چنانکه ذکر شد) بسیاحتها سیرها در ارض امرها نموده است و از آن عبرت گرفتن فرموده است ل وا اسفا ! که بجای ما فرنگیان باجمال پی برده ارضها را حفر نموده دران سیاحت کردند و آثار عتیقه و مدنیت های گذشته را نشان یافتند ما اگر از علماء تا بمسجد خودرا برتاب کرده توانستیم ، خودرا متقی صوفی وعارف میشناسیم وبهمین اکتفا کرده آنرا وافی میدانیم

چه خوش بودی ! اگر ما این نکات را غور وخوض کرده مدنیت های محیر العقول گذشته را تحقیق وتقدیر کرده وسبب محو وبربادی آنرا که تکذیب دین ونبی الهی است دانسته ، بر عبادت خلاق عالم ثبات ودوام نموده ، فایدهٔ مضمرهٔ آنرا که فرنگیان امروزه گرفته نتوانسته‌اند ، ما می گرفتیم ، و آنهم نیست جز « عبرت » که نتیجهٔ آن « راحت وفرحت » است .

حضرت نبی اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده‌اند اطلبوا العلم ولو بالصین ولی ما آنرا دقت نکردیم ونمیکنیم که اینهمه رفتن تا « صین » یعنی دور ترین نقاط از مکه مکرمه یا مدینهٔ منوره ، در آسیا ، برای چیست؟

اگر یک کمی در تاریخ نوردار حیات برکات حضرت سید البشر بنظر امعان ببینیم ، خواهیم یافت که تا پابند وطن وده حرکتی نکردند ، گونه گونه آزارها ، نوع نوع ملامها برای اشاعهٔ اسلام یافتند

هر که پابند وطن شد میکشد آزارها
پای گل اندر چمن دایم برست از خارها

تا آنکه دران اوقات سورهٔ یوسف شرف نزول ارزانی فرموده از هجرت ودوری رو از وطن و در سریر مراد جا گرفتن ذکر نموده کنایهٔ هجرت موجود بود واشارت رفتن صریح وهمچنان هم شد بمجردیکه از قید نشستن رهیده پایهای سفر را قطع کردند ، روز بروز موانع ومشکلات دفع وسنگ خلا دشمنان دفع گردید ورفته رفته ایل مراد شدند .

در وطن گر می شدی هر کس بآسانی عزیز
کی زآغوش پدر یوسف بزندان آمدی

یکی از فضایل بی شمار حضرت صدیق رضی الله تعالی عنه که در قرآن مذکور است ذکر مصاحبت سفر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم است ، ثانی اثنین اذ هما فی الغار .

خلاصه مسلمانانرا این تعلیمات قرآنی ، وتصریحات حضرت نبوی بطرف دیدن ممالک ، ودیار هابدین شان از مسالک بر ممالک ظلم وکفر متوجه ساخته بهمت مسلمانانهٔ خود از اندلس تا چین یعنی از شرق تا غرب دویده دویده علم توحید واسلامرا فراز تر همه خلانیدند .

ایشیا ، یوروپ افریقا همه را بلکه همه دنیارا سیر وسیاحت وزیر علم اصلاح داشته اوردند .

راه های منتظم ساختند ، شهر های مزین آباد کردند ، نه تنها برهای اعظم را سیر وتفرج کردند بلکه بحرهای کبیره را دور وکنار نمودند . ابن خلدون می گوید که افواج بحری بنی امیه اعلاترین افواج دنیا بود ، ودران زمان کتاب های بسیاری در فن تجارت تألیف وتصنیف شد .

قوهٔ بحری مسلمانها بیعدیل ولایق بود فتح جزیرهٔ سیسیل در زمان مأمون ومعتصم از طرف مسلمانان اندلس دلیل قوی قوهٔ بحریهٔ مسلمانان است ولفظ (ادمیرل) که در زبان های یوروپ بمعنی رئیس بحریه است از لفظ (امیر البحر) گرفته شده است .

در عهد بنی عباس سفرهای بحری وپیمایش های بحری اجرا شده است ، نقطهٔ مشهور آن بصره است .

مسلمانها در جهاز رانی خود (قطب نما) را استعمال کرده اند از بصره ، تا هند چین ، افریقا تجارت های بزرگ جاری بود وتجارت شان که از ان دلیل بزرگتر به سیاحت جستن تعجب آور است باروس واسویدن نیز جاری بود . بایطالی وفرانسی وسسلی چه جای بیان است .

احیا واکمال جغرافیه را هم مسلمانان کرده اند در آخر عصر نهم عیسوی بکمال شوق وذوق جغرافیه می خواندند وکتاب ها دران می نوشتند که این همه دلایل جهان گردی ایشان است .

مثل ابن جبیر ، البیرونی ، یاقوت ، وغیره جغرافیونها که بودند البیرونی با محمود غزنوی در هندوستان سیاحت کرده در ۱۰۳۸ ع وفات یافت .

ناصر خسرو که در ۱۰۶۴ تولد شده سیاحتها کرده وباز نوشته است ، بلاذری همدانی مورخ در آخر عصر سوم وآغاز عصر چارم هجرت جغرافیه وتاریخ ، یمن وجنوب عرب تحریر کرد ، کتاب های بسیاری در اسلام در خصوص فواید سفر تحریر شده است .

در مسلمانها سیاح های بسیاری گذشته است که باوجود نه بودن ریل حتی یک کی هم این همه قطعات را طی کرده‌اند مانند ابن بطوطه ابن جبیر ، ابن سعید المغربی وغیره وغیره که همه سیاحت نامه های خود را تحریر کرده اند .

ابن سعید المغربی البغدادی که در ۶۸۵ هجری در تونس فوت شده دو اثر بنام (فضاء الارض) وو صف الکون دارد که نسخهٔ آن در کتب خانهٔ سنت پیتروگراد ویک نسخهٔ آن در کتاب خانهٔ ۳ کمبورد ویک نسخهٔ از دوم آن نیز در اکسفورد موجود است . این اثرها در باب جغرافیه بوده است .

از کتابیکه ماتمام آنرا میدانیم حضرت شیخ سعدی است علیه الرحمه که این دوبیت درباب سیاحت ازیشان است .

تا بدکان وخانه در گروی
هرگزای خام آدمی نشوی
رو اندر جهان تفرج کن
پیش ازانروزکز جهان روی

وذات خود شان هم سیاحت های بزرگ درهند وفارس وشام اجرا کرده ولی بجای آنکه سیاحت نامه خود را بنویسند ماحصل سیاحت وعبرت های سفر خودرا که بوستان وگلستان است نوشته اند که این دو کتاب اخلاق درفارسی نادر ونایاب است وامروز بواسطهٔ همین دو کتاب شیخ مذکور مشهور عالم وبرزبان هر کلان و کم است حتی کتاب های شان در زبانهای مختلف اوروپا ترجمه وشایع وتحسین وتقدیر شده اند .

بلند نام نگردد کسی که در وطن است
زنقش ساده بود تا عقیق در یمن است

⁂

تمام مورخین اتفاق دارند که درزمانهٔ که عروض آشیان خودرا درمسلمانان ودر اندلس ، گرفته بود بصدها عیسائی ها ازملک های خود سیاحت کرده بانجاها آمده تعلیم گرفتند وبعد از اکمال تعلیم به جاها ووطن های خود رفته اشاعت تعلیم می کردند ، ونیز جنگ های صلیبی که قریب دوصد سال درمسلمانان وعیسائیان جاری بود ، وافواج های عیسائی به ملکها نز آمده جنگ کرده شکست خورده پس بممالک های خود میرفتند ، عادات و اوضاع وشان عرب ها درایشان تاثیرات نمایان کرده بودند وهمین سیاحت ها ایشان را هشیار وبیدار ساخته اقتدار پوپهارا ازسر خود پس کرده بان ترقی های نمایان رسیدند که امروز همهٔ ممالک اسلامیا بلع وقرت کردن میخواهند .

برادران ! برای اثبات فواید سیاحت بجاهای نهایت دور و دراز سفر کرده عصر های بسیار قبل را یاد آوری کردیم ولیا گر اینقدر دور رفته در خود چشم می کشادیم هم همین مدعا را اثبات کرده میتوانستیم .

دقت کنید وطن عزیز ما افغانستان یک صحیفه انقلابات جهان ونمونه تبدلات احوال زمان است . گاهی دولت معظم آسیا بوده و گاهی پامال اغیار وجفا

اما پس ازان که از اختلافات مابین ونزاع خانه گی خلاصی یافته برخلاف سابق روبترقی نهاده است . واز روزی که دست تربیت اعلیحضرت خلد آشیان امیرعبدالرحمن خان مرحوم بافته آناًفاناً روبترقی گذارده است تاحال امروزه رسیده است .

پیش ازعصر (اعلیحضرت ضیاءالملة والدین مرحوم) نه نام ترقی ونه نشان تمدن بود نه ازنظام وانتظام خبری نه ازمعارف وصنایع اثری موجود بود وچون کار بدست اعلیحضرت مرحوم مغفور مبرور رسید . سررشته های گونا گون وانتظامات معقول درهرباب مهیا کرده دولت را آب ورو آورد . وامروز بیشتر وزیاده تر ازان ظاهر وترقی آشکار است . اینهمه برکت های سیاحت است ! سیاحت ! ...

یکروزی اعلیحضرت خلد آرامگاه مغفور ازدست مصائب زمانه

ما ازموده ایم درین شهر بخت خویش
باید برون کشید ازین ورطه رخت خویش

گفته . بیک طرف رفت ، ودر ایام سیاحت خود چیزهائی بسیاری دیدند ، وشنیدند . وازان عبرت گرفته . روزی که پس بوطن خود مراجعت کردند . وطن را ازحضیض ذلت برداشته باوج رفعت رسانیده ترک دغدغه حیات نمودند .

پس ازیشان ذات شوکت سمات اعلیحضرت متبوع مقدس ما (سراج الملة والدین) جلوه ارای سریر سلطنت شده . چون از فواید سیاحت باخبر بودند ملک خودرا وملک متعلق وهمسایهٔ ملک خودرا دیدن خواسته بهندوستان تشریف بردند ، ودرانجا سیاحت خودرا بغرضی که مفید بود یعنی بچشم عبرت واخذ حکمت دیده پس تشریف اوردند . واساس ترقی را که اعلیحضرت مغفور مرحوم حضرت ضیاءالملة والدین گذاشته بود به بلند کردن کوشش ورزیدند پلهای اهنین فرش فابریکها پشمینه بافی وغیره همه از نتیجه های سیاحت پادشاه بیدار ما بوطن آمده چون از فواید عبرت باخبر بودند غریبرا که غریب الوطن بودند طلبیده بعزت وحرمت داشته وازانها دراموطن عزیز مقدس خدمت های بزرگ گرفته شده ، که بهترین و مفید ترین آن وجود مسعود جناب مستطاب سرمحرر صاحب سراج الاخبار افغانیه است که چون دایرهٔ سیاحت شان وسیع تر وخط حرکت شان دراز تر بود درخدمات وطن عزیز مقدس خود ازاوقل بیشتر فایده رسانیده توانستند . که همیشه ملت مرهون احسان وتحسین وتقدیر کننده خدمات شان است .

از احوالات سیاحت اعلیحضرت امیر مرحوم نوشتن تحصیل حاصل است زیرا کتاب تاج التواریخ فارسی رااکثر هر کس دیده و خوانده می تواند . و سیاحت های مدیر صاحب هم البته خریده ومطالعه میشود .

اما یک کتاب یادگاری از سیاحت ذات والاصفات پادشاه ترقیخواه معدلت گستر ما درفارسی موجود نیست تااهالی وطن عزیز ما طرز سیاحت و سلیقهٔ جهان گشتی که بادیدهٔ باز عبرت می باشد . به بینند . لهذا ما بعضی فقرات وجمله های سیاحت شانرا ازیک کتاب اردو که (سیاحت حبیب) نام دارد جمع و ترجمه کرده هدیه قارئین کرام خود می کنیم؛ وایشانرا هم برین گونه سیاحت های پراستفاده تشویق وترغیب میکنیم

می برد ره بکمال آدم خاکی زسفر
میشود کاسهٔ گل . ساخته از گردیدن

حال سیاحت هند ذات شوکت سمات اعلیحضرت همایونی از طرف اکثر اخبارات هند واسطهٔ نامه نگار ها اشاعت یافته ولی کتاب سیاحت حبیبا که دیدنی های خود مولف وبشنیدنی بسیار محقق است که جمع کرده ، ما ازان فقط بسیار مجمل همان فقرات و نکات راجمع وترجمه می کنیم که مطلب اصلی سیاحت (یعنی ازدیاد معلومات) ازان ظاهر میشود .

در وقتی کهاز طرف دولت انگلیز برای سفر اعلیحضرت همایونی چندرجا شده . اعلیحضرت همایونی در جواب (برای رفع شبهه های انگلیزها که در وقت موجود بود . وافغانستانرا دوست صمیمی خودنی شمردند) فرمودند که :

کفر است در طریقت ما کینه داشتن آئین ما است سینه چو آئینه داشتن

و تهیه سفر نمودند . درین جا هم به جواب امرا و اعیان فرمودند که مقصد از رفتن تحصیل معلومات است و دیدن اختراعات و ایجادات جدیده و آوردن آنها در وطن خود و بس

چنانچه جاهائی که اعلیحضرت همایونی در سفر خیریت اثر خود برای تماشا رفته اند . ملاحظهٔ افواج بود . یا معاینهٔ کارخانها یا دیدن مکاتب و مدارس و بعضی مزارات مشهور بوده است . ترقی صنایع آب و تاب معارف انتظام عساکر تعمیرات . قلعه ها همه اثر و نتائج همان دیدنی ها بود که بعد از تشریف شان بوطن بسر کار آمدند و هنوز چها و چها خواهد بود که نتیجه آنها مفید وقت است و نوبت اجرای شان نرسیده .

زیرا اعلیحضرت تماشای بندرگاهها و بحرها ، ریل ها و جهازها هم نموده‌اند ، البته هرچیز را بامعان و تدقیق دیده اند ! ...

اعلیحضرت همایونی با رعایای هند ، هندو ، مسلمان شیعه ، سنی ، سیک وغیره مرحمتها و ملاطفت های شاهانه کرده اند . دلهای همه را بخوبی بدست آورده اند . یک بیان اعلیحضرت را که بایکی از علمای شیعی فدا حسین صاحب معلم دینیات مدرسة العلوم علیگده کرده اند زیر عنوان سیاست پروری شان ترجمه می کنیم :—

اعلیحضرت همایونی بامعلم صاحب مذکور پس از تعارف فرمود ، هرچندین مردم سیاسی متعصب می گویند مگر شما خبر خواهید بود که مسلمانان دهلی بنا بر آمدن من در وقت عیدالضحی قربانی گاو را پیش از پیش کردن خواسته‌اند ولی من بکمال شدت نه پسندیدم ، زیرا درین واقعه ندوها دلآزرده می شدند و قربانی هم به گوسفند ، بز وغیره ادا میشود ،

مباش دربی آزار و هرچه خواهی کن
که در طریقت ما غیر ازین گناهی نیست

س آیا شما گمان می کنید که شیعه ها را من از هندو ها هم بدتر می بینم لی ! در رعایای من ، شیعه ، هندو ، آتش پرست ، یهود هرگونه ردم هستند من به آنها را بیک نظر می بینم و صلاح و فلاح همه را زیر ک قانون مساوات اجرا میکنم .

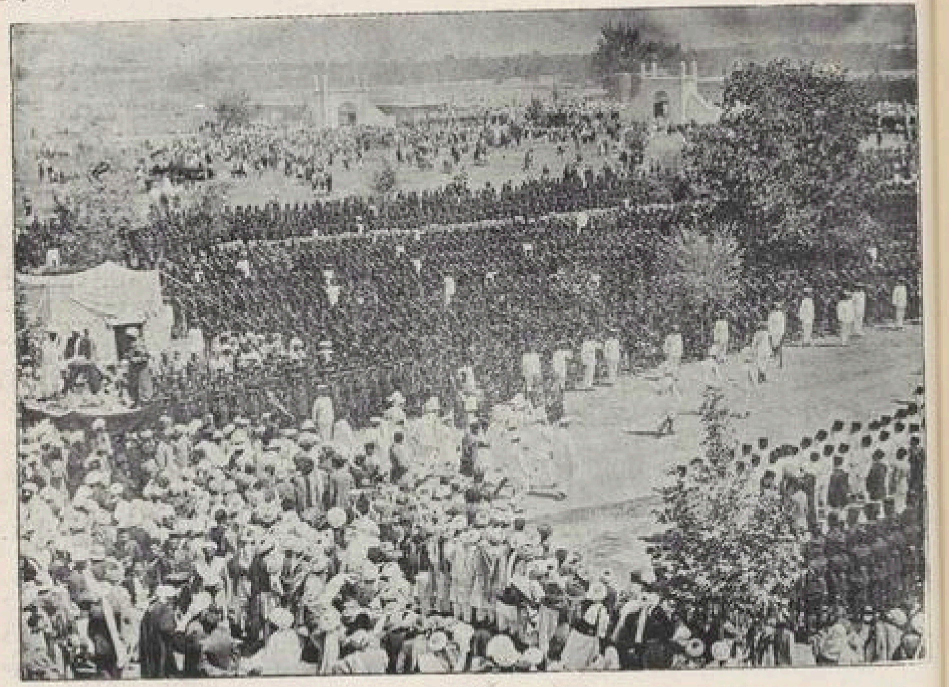

کته

عودت شاهانه از نماز گاه

غیرازان اعلیحضرت درهر مکتب بزرگ و مدرسهٔ نامی رفته امداد های دربی کرده‌اند . و درهر مزار و مرقد بمتولیان حسب مراتب اعانه کرده‌اند . درهر مکتب و هرجا لفظ و مضمون این بیت را تکرار فرموده‌اند

ما چو پرگاریم یکپا بر شریعت مستقیم
پای دیگر سیر هفتاد و دو ملت می کنیم

و بعضاً بنفس نفیس همایونی امتحان دینیات گرفته اند و رأی خود را ظاهر داشته اند . و سنگ بنیاد کالج حمایت اسلام لاهور را بدست خود نصب نموده اند .

تماشای کارگاه ها و بنایات مدرسه مانند ماموره ها گردانده ولی کارهای بیفایده را نخواسته گوش بلکه صریح منع فرموده اند ، چنانچه قصیده های بی شماری که مردم ساخته بودند همه را طرد نمودند ، این سیاحت شان از ۲ ماه جنوری سنه ۱۹۰۷ آغاز شده بعد از ۳۶ روز به ۷ مارچ ۱۹۰۷ مطابق ۱۳۲۵ هجری اختتام یافته ، باخیالات نو ، معلومات نو ، ارادهای نو وارد جلال آباد شدند . وان معلومات و خیالات ترقیهای خلاق و ترقی های آینده مارا در بر دارد .

اینقدر معلومات درباب فواید ، سیاحت ، قارئین کرام خود را داده عفو تصدیع میخواهم . (محرر اداره : عبدالهادی)

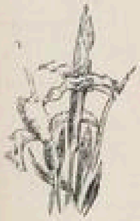

اعلان

سراج التواریخ

بر همه آرزو کشان علم وعرفان ممالک خارجه اعلان میشود که کتاب مستطاب (سراج التواریخ) ـ که کیفیت آن در اعلان کلم آخرین اخبار ما مندرج است : در شهر پشاور بمعرفت عالیجاه میرزا غلام حیدر خان سررشته دار و گماشتهٔ دولت علیهٔ مستقلهٔ افغانستان بقیمتهای متعین آن بفروش میرسد ، خواهشمندان خریداری ومطالعهٔ آن در هندوستان ، وسایر ممالک خارجه به سررشته دار موصی الیه مراجعت کرده مستفید میشوند .

قیمتهای کتاب نمبروار در کلم اخری اخبار مندرج است وهر کتاب مبلغ یک روپیه و یک عباسی کابلی مخارج ارسالیهٔ کتاب از کابل الی پشاور ضم وعلاوه گردیده است . خریدارانی که از دیگر اطراف از پشاور طلب کنند ، قیمت اجرت پارسل داک انگریزی البته بذمهٔ خود شان میباشد .

﴿ نقل استفتاء وافتای محکمهٔ شرعیه ﴾

چون جناب عزت وفطانت نشان گرامی خیرخواه و خدمتگار دولت سعادت بنیان اسلامی محمود بیگ خان طرزی مدیر و سر محرر سراج الاخبار افغانیه یک مکتوب و صورت استفتای ارسالی سید عنایت رسول ناصری زبدهٔ بانس بریلی هندوستان را در محکمهٔ شرعیهٔ دار السلطنه فرستاده طالب فتوی شد لهذا مکتوب و استفتای اورا نقل نموده در تحت بطریق افتا جواب نوشته شد

نقل مکتوب

بعالیجناب قدوة السالکین زبدة العارفین جناب ادیتر صاحب مدت فیوضهم — السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته — احوال اینست که درین ملک اذان ثانیهٔ جمعه قریب منبر از قدیم جاری بود لیکن از چند عرصه عالم فاضل شهیر ما جناب مولانا مولوی الحاج مفتی احمد رضاخان صاحب نسبت این اذان ثانیهٔ جمعه تحریر فرموده است که این اذان ثانیهٔ جمعه بیرون جوف مسجد روبروی امام فاصله باشد اندرون مسجد اذان گفتن مکروه و خلاف ادب دربار الهی است وابتدای رواج در مسئله نباید شد هر آنچه حضور اکرم سرور عالم صلی الله علیه وسلم باخلفای راشدین حضور رضوان الله تعالی علیهم عمل فرموده است وابتدایش لازمیست بلکه این هم تحریر فرموده است که شخصیکه این سنت را زنده خواهد کرد اورا ثواب یکصد شهید خواهد شد الغرض در اثبات وی این حدیث پیش کرده است (عن السائب بن یزید رضی الله تعالی عنه قال کان یؤذن بین یدی رسول الله صلی الله تعالی علیه و سلم اذا جلس علی المنبر یوم الجمعة علی باب المسجد وابی بکر رضی الله عنه وعمر رضی الله عنه) علاوه ازان دیگر چند ثبوت پیش کرده اند که بلحاظ هم تحریر فرموده است که بغایت مستند وثبوت کافی معلوم میشود الا درجواز دیگر مقامات علمای وهابیه اعتراضات کرده اند

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1769 of 1786

در عوام الناس شورش پیدا شده است و بیشتر قید رواج را بر خود ملحوظ ندارند و هم برین نمط علمای وهابیه میگویند که اذان ثانیهٔ جمعه قریب منبر رو بروی امام باید شد چرا که از سنت در جمیع امصار اسلام همچنین جاریست رو بروی حضور کاهی اذان بیرون مسجد نشده و بعد عهد خلفاء و این حدیث را ضعیف میگویند و اسنادش را باور نمیکنند — مناسب دانسته یك استفتا در قسطنطنیه بخدمت جناب شیخ الاسلام صاحب ارسال کرده شده بود و الا بسبب آغاز جنك و بند شدن راه جواب نیامد اکنون دوباره از حضور رجوع کرده شده است که حضور ضرور بالضرور خود در دار الافتاء اعلیحضرت امیر صاحب داخل فرموده و مواهیر جمیع علما و مفتیان کابل بر استفتا ثبت کنانیده بسبیل داك بسیار جلدتر هرقدر که عجلت دارد ممکن باشد میتواند بنام راقم حسب نشان و سراغ مندرجهٔ ذیل ارسال فرمایند که اورا در مطبع طبع نموده شایع کنانیده شود و باعث رفع نزاع و اختلاف باهمی باشد استفتا ملفوف عریضه هذا است والسلام — علاوه ازین هم یك نقل استفتا معه جواب در پرچهٔ سراج الاخبار شایع فرموده یك پرچه بسبیل داك امرا ارسال فرمایند قیمت اورا حسب تحریر جناب ارسال خواهم کرد — بنده (هیچمدان سید محمد عنایت رسول ناصری از بلدهٔ الی پرلی محلهٔ کبیر سوهی خان نزد جامع مسجد ملك هندوستان) المرقومه روز سه شنبه ۲۴ ربیع الثانی سنه ۱۳۳۴ (نقل فقرات استفتای او) چه میفرمایند علمای دین متین و مفتیان شرع مبین درین مسئله (۱) اذان ثانیهٔ جمعه که رو بروی منبر میشود در وقت رسول الله صلی الله علیه وسلم اندرون مسجد میشد یا بیرون مسجد — (۲) در زمانهٔ خلفای راشدین کجا میشد (۳) در کتب معتمد فقه حنفیه اذان گفتن اندرون مسجد منع گفته و مکروه فرموده یانی (۴) اگر در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله و اصحابه وسلم و خلفای راشدین رضی الله عنهم اذان بیرون مسجد میشد و ائمهٔ ما نیز اذان اندرون مسجد را مکروه فرموده در بخالت ما مفتیان محمدرا برین عامل باید بود یا پابند رواج و رسم باید کرد و رسم و رواجی که مخالف حدیث و فقه افتد در آنحالت مسلمانان را پیروی فقه و حدیث لازم است یا پابندی رسم و رواج (۵) بدعت باسم چه بد آن است که مطابق حکم رسول خدا صلی الله علیه وسلم و خلفای راشدین و احکام ائمه باشد یا آنکه خلاف آن همه کان در مخلوق مروج شده باشد (۶) در مکهٔ معظمه و مدینهٔ منوره این اذان مطابق حدیث و فقه میشود و یا خلافش اگر خلاف میشود ارشاد علمای کرام آنجا در بارهٔ عقاید بحث اند بالفعال مؤذنان تنخواه داران آنجا حجت باشند اگرچه خلاف شریعت و حدیث و فقه باشند (۷) در احادیث تذکره زنده کردن سنت هست با مور ان اجر یکصد شهید وعده فرموده است یا نه و اگر هست سنت زنده و ازنده کردن مراد باشد چه بسنت مرده را سنت مرده آنوقت گفته خواهد شد که خلاف او در خلق رواج افتد یا آنکه خود در انجا باشد سنت مرده قرار خواهد یافت (۸) بعلما لازمیست یا که نه که سنت مرده را زنده کنند و بر آنان اعتراض جائز میتوانند کرد پیش از شما علمای دین نبودند اگر این اعتراض باشد صورت زنده کردن چه باشد (۹) در وسط مسجد یکه حوض واقع باشد بر فصل او ایستاده محاذی منبر اذان داده شود درین صورت اذان بیرون مسجد ادا خواهد شد یا نه (۱۰) در مساجدیکه رو بروی منبر دیوار واقع باشد اگر مؤذن بیرون مسجد اذان گوید رو بروی خطیب نباشد درالصورت چه باید کرد بینوا توجروا —

افتا

بر مستفتیان این واقعه مخفی و پوشیده مباد — که اذان در داخل مسجد بروایتی مکروه است (کافی کتاب النظم) و بروایتی مکروه نیست (کافی الحلالی) هکذا فی جامع الرموز فی باب الاذان — توفیق در میان روایتین اینکه روایت کراهیت در جائیست که اذان خانه بیرون مسجد باشد — و روایت عدم کراهیت در جائیست که اذان خانه داخل مسجد باشد — و این اختلاف در اذانیست که برای اعلام غائبین باشد بدخول وقت (چون اذان پنجگانه و اذان اول جمعه در روز آن) و اذانیکه برای اعلام غائبین نباشد باتفاق در داخل مسجد نیست پس مکروه نیست اذان دوم جمعه نزد منبر زیرا که آن برای اعلام غائبین بدخول وقت نیست — چنانچه صاحب در مختار درباب اذان تصریح برین نموده — و نیز در فتح الباری شرح صحیح بخاری از مهلب نقل کرده که حکمت در مقرر کردن اذان روز جمعه در پیش منبر برای اعلام مردم است به نشستن امام بر منبر برای خطبه تا مردم سکوت ورزند از سخن — پس ازین تصریح نیز ثابت است که وضع آن برای اعلام غائبین نیست — فائده این اذان اعلام حاضرین است برای استماع خطبه — و اقامت اعلام حاضرین است برای شروع نماز —

اگر اعتراض شود که وضع اذان برای اعلام غائبین است پس چگونه اذان جمعه برای اعلام حاضرین باشد جواب آنکه این تخصیص برای اذان پنجگانه است نه اذان جمعه زیرا که اشکار در جمعه سنت است و همه اصحاب کرام برای اقامت این سنت در روز جمعه متبکر میبودند و اگر احیاناً اشکار از یکی در آنوقت فوت میشد معلوم میگردید پس به اعلام غائبین در آنوقت حاجت نبود — و مؤید این مدعا قول صاحب مرقاة است که چون اهل مدینه بسیار شدند و بدعت ترك اشکار در آن ظاهر گردید اذانیکه در عهد حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم نزد منبر میشد کافی برای اعلام همه اهل مدینه نبود لهذا جناب عثمان غنی رضی الله عنه اذان دیگر بیرون مسجد در زوراء اجتهاداً مقرر نمود تا که همه اهل مدینه بشنوند — وایضاً ذکر فی فتح الباری شرح صحیح البخاری و تبین بما مضی ان عثمان احدثه لاعلام الناس بدخول وقت الصلوة قیاساً علی بقیة الصلوة و الحق خصوصیتها بالاذان بین یدی الخطیب انتهی وقال محمود ابن احمد العینی فی شرحه علی الصحیح البخاری فلما کانت خلافة عمر رضی الله عنه وکثر المسلمون امر مؤذنین ان یؤذنا للناس بالجمعة خارجاً من المسجد حتی یسمع الناس الاذان وامر ان یؤذن بین یدیه کما کان یفعل المؤذن بین یدی النبی صلی الله علیه وسلم و بین یدی ابی بکر رضی الله عنه ثم قال عمر رضی الله عنه اما الاذان الاول فنحن ابتدعناه لکثرة المسلمین انتهی فثبت مما ذکر ان الاذان فی زمان عمر رضی الله کان بین یدی الخطیب کما هو کذلك فی زمنه لکن لا لاعلام الغائبین بل لاعلام الحاضرین بجلوس الامام علی المنبر لیسکتوا — و آنچه امام سیوطی رحمة الله در توشیح درباب تاذین عند الخطبه فرموده مؤید است که حکمت در اذان بین یدی الخطیب این است که خاموش

گردند مردم از سخن واز بانگ وخروش بجهة سمع خطبه ـ درینجا نیك واضح است که اذان بین یدی الخطیب مانند اقامت درداخل مسجد امام المنبر برای اعلام حاضرین است مبرا از کراهیت —

وآنچه در بعضی از تفاسیر اذان قدیم را ارباب مسجد آورده اند متمسك روایتی گردیده اند که ابی داؤد در سنن خود آورده ودر سند روات او ابن اسحق مندرج است لکن ابن اسحق نزد محدثین مطعون وحدیث مروی او ضعیف است که قابل تمسك نمیباشد وعلامه محمود ابن احمد العینی رح از بیهقی نقل نموده که حفاظ حدیث از عمل نمودن بحدیثیکه ابن اسحق دران منفرد باشد پرهیز میورزند حتی آنکه درین محل منفرد است واستدلال بران محل حیرت زیرا که درحق او سخن گفته شده بانواع سخنها حتی که امام مالک رح بلاو نسبت کذاب کرده وبسیاری از محدثین اورا مدلس میگویند وابن حجر در تهذیب وتقریب تهذیب گفته که محمد ابن اسحق صدوق است لکن مدلس ومرمی بتشیع وقدر است والحق ان فی روایة محمد بن اسحق تقدیر یعنی اذا جلس النبی صلی الله علیه وسلم علی المنبر اذن بین یدیه بعد ما نادی علی باب المسجد والنداء لابالفاظ مخصوصة علی باب المسجد کان فی زمن النبی صلی الله علیه وسلم والشیخین ثم جعل عثمان رضی الله عنه هذا النداء اذا نادی بالفاظ مخصوصة علی مکان عال هو الزوراء علی ما صرح به فی المرقاة فهذا هو التحقیق الحقیق بالقبول وبه ارتفع التعارض من الروایات الفحول —

واگر فرضاً تسلیم کرده شود که اذان درزمان حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم بیرون مسجد مقرر بود پس هیچ شك وشبه نیست دربنکه جناب عثمان رضی الله عنه خلیفهٔ ثالث اذان ثانی جمعه را درون مسجد قریب منبر جاری نموده وچون خلیفه رح مطاع بود بسبب قول رسول الله صلی الله علیه وسلم (علیکم بسنتی وسنت الخلفا الراشدین من بعدی) وبمطلع او احدی انکار نه نموده اجماع سکوتی بران منعقد شده واجماع اصحاب قطعی است کما بین فی موضعه پس ازین جهة ارباب هرچهار مذهب معه اتباع شان عرباً وعجماً متفق اند برینکه درروز جمعه دو اذان میگویند یکی بیرون مسجد برای اعلام غائبین ویکی درون مسجد قریب منبر برای اعلام حاضرین واستحضار آنها برای سماع خطبه مانند اقامت که برای شروع نماز است پس هرکه اجماع هرچهار مذهب را که مرتب است باجماع اصحاب کرام رضی الله عنهم سند نداند وبران عمل ننماید میباید احدی گوش به گفته او نکرده ـ

الزام (این شخص که میگوید اذان ثانیه نماز جمعه بیرون مسجد بمقابل او روبروی امام باید شد واندرون مسجد اذان گفتن مکروه وخلاف ادب دربار الهی است) آیا خودرا مقلد یکی از مذاهب اربعه میداند یا نه اگر نداند پس از روی احادیث میگوید یا از رای خود اگر از احادیث میگوید این خلاف واقع است چنانچه درفوق مفصلاً مرقوم شد که اذان درزمان حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم درون مسجد قریب منبر بود واگر از رای خود میگوید تقلید او مسلمانرا روا نیست واگر خودرا داخل یکی از مذاهب اربعه میداند احوال مذاهب اربعه مختصراً در فوق مرقوم گردیده ومفصلاً درضمن مسایل مرقومهٔ ذیل می آید انشاءالله تعالی تا بداند خلاصه آنکه ما مقلدان را نمیسزد که ذره از اقوال مجتهدین فی الشرع والمذهب مخالفت نمائیم واجماع مجتهدین هرچهار مذهب بر همین است که اذان ثانیهٔ نماز جمعه درصف اول قریب منبر گفته میشود و توارث و معمول جمیع اهالی مذاهب اربعه درمکهٔ معظمه ومدینهٔ منوره وتمامی بلاد اسلامیه از شرق تا غرب بهمین طریق جاریست پس برجمیع اهالی مذاهب اربعه لازم است که از تقلید ایشان مخالفت ننمایند اگر بالفرض یك حدیث صحیح غیرمطعون درینباب ظاهر کنند واعتراض نماید که حضرت امام همام صالح صوفی ابوحنیفه کوفی رحمه الله تعالی علیه فرموده که (اذا صح الحدیث و خالفه قولی فهو مذهبی) ودیگر قول او (اترکو اقولی بقول رسول الله صلی الله علیه وسلم و اصحابه) پس میباید مقلدان مذهب امام همام ممدوح بحدیث مفروضهٔ مقوله عمل نمایند وترك مذهب کنند جوابش اینکه این کلام علی العموم مراد نیست بلکه درحق مجتهدین فی المذهب است زیرا که اجماع امت بران است که برغیر مجتهد تقلید مجتهد وعمل قول او واجب است ونیست حلال مراورا حکم وفتوا باستنباط خود از آیات و حدیث وقیاس واقوال نیست حکم او بغیر تقلید بلکه گناه کار میشود بر حکم کردن بغیر از تقلید (وقوله اترکو اقولی) خطاب برمجتهدین فی المذهب است که شاگردان امام ممدوح اند وخطاب نیست برای هرکس چنانکه چند قیود درین کلام مقدر است (قیداول) اینکه ثابت باشد نزد امام که حدیث صحیح است ورد ونسخ وغیره از طرف امام سخن گفته نشده باشد واین قید ازین قول امام ممدوح میبراید (که اذا صح الحدیث) لانه اذا کان ضعیفاً او متکلما فیه من جانب لم یکن صحیحاً ـ (قیدثانی) اینکه ثابت باشد حدیث صحیح بحیثیکه در مقابل آن حدیث قول امام قول قیاسی باشد واین قید ازین قول وی مخالفه قولی پیدا وهویدا است زیرا که وقتی که ثابت شد حدیث صحیح ودر مقابله آن اجماع یا کتاب یا حدیث صحیح دیگر نزد امام ثابت شده باشد مثل مسئله بودن بسمله جزء از قرآن نه جزء از فاتحه ومسئله اخفای بسمله درنماز وغیره آن که در کتب مبسوط مذکور است آنرا قول خاص امام گفته نمیشود (وقید سوم) اینکه صاحب خطاب مجتهد فی المذهب است واین قید از قول وی ـ اذا صح الحدیث بخالفه قولی فهو مذهبی ـ میبراید زیرا که معرفت مخالفت قول امام از حدیث از شان هرمقلد نیست بلکه از شان مجتهد فی المذهب است پس بنابر این مخالفت قول امام مرغیر از مجتهد فی المذهب که قیود سه گانه میداند مقلد صرف را جائز نیست فقط تحریر یوم ۲۴ جمادی الثانی سنه ۱۳۳۴

محل مواهیر حضرت قاضی القضاة واهالی محکمهٔ شرعیه دار السلطنهٔ کابل

ادبیات

نامهٔ منظومه بخدمت جناب فیض مآب مدیر و سرمحرر صاحب
سراج الاخبار مبارك بقرار شرح ذیل

الا که سفتهٔ در ها و گوهر اسرار
مسادق گلدستهٔ گلشن اخبار
نضارتی و طراوت زلشت کابل را
که تحفهٔ سخنت میرود بسمت چهار
قدت بباغ هنر همچو سرو آزادست
لبت به نکته سرائیست بلبل گلزار
تنت زباده عرفان چو خم بود درجوش
دلت زعشق بگردش چو گنبد دوار
پس از دعا کنم اظهار مدعای ضمیر
که عمر یار کتابست و نیست جای مدار

نوشته ام سخنی چند را بخدمت تو
زعشق شمهٔ دروصف شاه عدل‌شعار
کی زحیلهٔ دنیا وشورش عالم
شکایتی د کرازجور دور این پر کار
بخدمت تو فرستاده ام امید کنان
که مثل در کتبی اورا بزینتهٔ اخبار
بیا که اندکی از کردش زمان کویم
که خلق ردچه سودا وسود ازین بازار
زمین زشورش جنك وجدل خرابشده
به کشك وقصر بلندش کرفته جغد قرار
فلك زسرك لباس جامه کرده سبز وکبود
بماتمیکه ببرد هزار کلرخسار
چنان موافقت کفر او فتاده بهم
که چند ملت و کشور بودهم غمخوار
چه سروپا وچه باجیك چه فرانس چه روس
فرنك اطالیه باسردم بلند شعار
بتوپ وتیر وتفنك وبتیغ رنكارنك
زبهر جیفهٔ دنیا کشند زارو نزار
کرفته روی زمین آتش فساد چنان
که فرق تا قدم سوخت اهل این بازار
ازین طرف شده سلطان ازان طرف جرمن
کشیده تیغ مکافات بر سر کفار
نزادی نماند کسی بروی جهان
برند نیزه دوسه سال اکر شود بیکار
نماند هیچ کسی بغم اندرین دنیا
که اوبه بسته بعزاك میوه زین اشجار
خوشا که زنده نظامی بدی و فردوسی
که مینوشت هزاران کتاب ازین اسرار
چه کفتم اه بشیمان شدم ز کفتهٔ خود
که صد کتاب چنان است درج در اخبار
چنان بورطهٔ حیرت فرو شدی ابدل
که ـ عجیب نمودی زفکرت بسیار
سروش غیب به کوش جکر صدا در داد
که بیست رستهٔ ازین بحر هیچکس بکنار
مکر که کشور سلطان مراج ملت ودین
زفضل حضرت ازد بود بامن قرار
خصوصی نبود در میان دو دشمن
بغرش خلق وتجار خفته کربه وفار
نزاس بعدل وسخاوت بود فرید زمان
که نام حاتم ونو شیروان نشد اظهار
بود حکیم برای علاج هر مرضی
دهد دوای موافق بدرد هر بیمار
سدیست از پی یاجوج کفر در ره دین
به بستهٔ زدن دشمن بزینتهٔ افکار
جهان بظل همایون او همایونست
ملاذو مامن هرملك ست در اعصار
زمین اوست راحت چو کافهٔ اسلام
جهان چراکند تن بقدمش ایثار
کسیکه شکر وجود شریف او نکند
مدام باد وجودش نشانهٔ سوفار
دکر دعا برفیقان اهل دین این ست
که باد دلبراعیان هریکی بکنار
مقیم دشت فنائیم چون حباب بموج
رحیلست ازین منزل غریب آزار
چه اعتبار بود بقای برك خزان
همیشه بار کاریم در خریف وبهار
غذا وقوت بنی آدم ست خون جکر
عبث به نرد هوا وهوس زنند قمار
همه غنوده وجنبان بخواب خرکوش است
نوافتند زمکر سماء جکرفتار
فسون دمد که کلاهت بسر نهد لیکن
بحیله حیله رباید زفرق وسر دستار
فرو بحلق نبردم زالسکین و عسل — که درمذاقو کویم رنجت زمردمار
چو وضع خلق بدید بکرونیر شد(صابر) — تو خویشتن بخدا وند کرد کارسپار

امضا
میرا کبر صابر از ارغنده

انتخاب

(از خوشحال خان)

پښتانه که آدم زاد دی	بخوبو نوکش عناد دی
نه حکمت لری نه عقل	خوش هرکوره بفساددی
نه دبلار بوبل کار که	نه په نقت د استاد دی
چه بددوی کش روی شی نوی	د هغه دمر جلاد دی
بو دبل به کی اشت دی	خکه تل په بلا باد دی
اول زه دا نورد بسه	خوشته واره داهداددی
بنفاقی واره ورلد کرل	که شجاع دی که جواددی
نه قدر شته نه بدل	درز موروز جراد دی
دالا شکر کره خوشحاله	چه بنده ندی آزاد دی

حوادث خارجیه

افسانه های جنك نقل ازجرايد اوروپا

نطق صدر اعظم آلمان

کپنهاك ۷ آوریل — ازبرلن خبر میرسد : وطبق مندرجات آژانس وولف امروز جلسه رایشتاك مفتوح شد . هنكام مراجعهٔ آتوی بودجه صدر اعظم امپراطوری در حضور و کلا و وزراء نطق ذیل را اداءنمود : جریان حوادث اخیره آنچه را که من سه ماه قبل در خصوص وضعیت وموقعیت نظامی استراتژی آلمان در پیشگاه مجلس رایشتاك بیان داشتم عیناً بطور وضوح تائید وتصدیق نموده بمعرض جلوه می کذارد . جنك حاضر در تمام عرصات عمدهٔ کارزار دنیا کار مساعد بحال نظامیان غیور ورشید ماست .

دشمنان ما خیال دارند که برای موفقیت وپیشرفت مقاصد سوءخویش مناسبات وروابط آلمان را با تمام دنیا قطع کرده او را بوسیلهٔ قحط و غلا معدوم

سازند . درك این مطلب برمن بسیار دشوار است که اشخاص باهوش وفراست چطور بعد از تجارب زیاد ۱۹۱۵ بازامید قحط وغلای آلمان دارند وبازمنتظرهستند که آلمان از گرسنگی تلف شود . محصول ۱۹۱۵ ما بسیار بد بود ولی بموجب راپورتهائیکه متوالیاً میرسد محصول امسالهٔ مملکت ما ازهرحیث وجهت امیدبخش است . انگلیس روز بروز محاصرهٔ بحری سواحل آلمان را تقویت می‌نماید وملتفت نیست که از اینگونه عملیات واقدامات او چه خسارات کلی بمنافع دول بیطرف عموما واتازونی مخصوصا وارد آمده است . حکومت اتازونی برعلیه محاصرهٔ بحری وخسارات وارده جداً اعتراض نموده است .

اشخاص باعقل وبادرك که دول بیطرف ابداً نمی‌توانند ازما تقاضا نمایند که اسلحه خودرا برای حفظ حقوق خویش استعمال نکنیم . ما سلاح خودرا برعلیه کسانیکه حقوق بین‌المللرا تضییع نموده با پیشرفت تمایلات سوء خود می‌خواهند مارا از گرسنگی معدوم سازند بکار برده ومی‌بریم ما پیوسته منافع حقوق ملل بیطرف را مرعی ومحترم داشته‌ایم ودرمقابل انتظارداریم که دیگران هم حقوق حقهٔ مارا رعایت نموده مارا ذیحق بدانند .

ازبیانات دشمنان چنین مستفاد می‌شود که هیچیك از آنها میل بانعقاد صلح ندارند .

اسکویت میگوید که مذاکرات صلح آمیز شروع نخواهد شد مگر بعدازاینکه قدرت وتوانائی لشکری (میلیتاریزم) پروس بکلی منهدم ومنهزم گردد .

بشرایط پیشنهاد دشمنان مایك جواب داریم وآن جواب راهم شمشیرآبدار خواهد داد .

ما فقط برای حفظ منافع وحقوق حقهٔ خود دست بقبضهٔ شمشیر بردیم واگر صلح چندی قبل ازاین می‌توانست وجود خارجی پیدا کند حالا دیگر آن احتمال وامکان بکلی ازمیان رفت زیرا که راه هزیمت وعقب نشینی سپاهیان دلاور جنگجوی ما منقطع ومسدود شد .

حوادث وواقعات جنگ بالطبیعه مسئلهٔ لهستان را مطرح کرده است امنیهٔ مسئلهٔ لهستان یکی از وظایف عمدهٔ آلمان واطریش وهنگری است وطول نمی کشد که آلمان وظیفهٔ خودرا ایفا می‌نماید .

بدولت روس اجازه نخواهیم داد که در دفعهٔ ثانی قشونهای خودرا بحدود شرقی وغربی پروس سوق دهد .

ایالات « بریوبلتی » نباید یکدفعه دیگرباپول فرانسه مبدل بدروازهٔ شود که از آنجا بتوانند بمملکت آلمان حمله نمایند . ماباید آتیه بلژیك رااطمینان نمائیم که یك مرتبه دیگر دولت مزبور دست نشاندهٔ انگلیس وفرانسه نشود ودولتین مذکور نیز برای کشمکش باما آنجارا مبدل باستحکامات نظامی واقتصادی خود نکنند .

حکومت آلمان اجازه نخواهد داد که فرانسه یك دفعه دیگر قبایل فلاماند ستمدیده را تحت نفوذ تمدن خود قرار دهند .

سپس ما حکومت روس را مجبور خواهیم کرد که تمام آلمانها ئیرا که در تبعیت اروپا هستند وهزاران جور وتعدی درحق آلمان نموده واموال ودارائی آنهارا بچپاول وغارت برده وآنهارا بدون جهة تبعید کرده متقاعد سازد وتمام خسارات وارده را جبران نماید .

ما راه نجات ورستگاری هموطنان خود را که در قید عبودیت واسارت روسیا اسیر هستند باز خواهیم کرد صلحی که بعد از جنگ کنونی منعقد خواهد شد باید متین وپایدار وتزلزل ناپذیر باشد .

بریتانیای کبیر با کمال جدیت کوشش دارد که بعد از جنگ وبعد از انعقاد صلح عمومی باز در زمینهٔ اقتصادی کشمکش خود را باما مداومت دهد . ولی تمام جد وجهد ومساعی او کما فی‌السابق نتیجه وثمرهٔ حاصل نخواهد کرد .

ماتا کنون هیچیك از مللرا تهدید باضمحلال وانهدام ننموده‌ایم . برای تصرف قطعه‌زمین دیگران فرزندان ونوجوانان ما بخون رنگین خود آغشته نمی شوند .

قلوب ما واعصاب ما وعروق ما وهمت ما ونظر عالی ما مارا ونظامیان دلیر ورشید مارا تقویت نموده پروبال می‌بخشند .

باین سابقهٔ درخشان ما بدون شبهه آتیه ماهم امید بخش ودرخشان خواهد بود .

نطق وزیر جنگ آلمان
یك ملت شکست ناپذیر

از آمستردام مورخه ۱۰ آوریل

بطبق تلگرافات واصله ازبرلن در طی قرائت لایحهٔ که از طرف وزارت جنگ آلمان دائر برتأدیه یك وجه معینی به سربازهای ناتوان شدهٔ جنگ بریشتاك پیشنهاد شده بود ژنرال ویلدون هوهن بورن وزیر جنگ چنین گفت :

در این موقع لازم نمیدانم راجع بوضعیات نظامی توضیحاتی بدهم زیرابیانات شانسلورامپراطوری وراپورتهای رسمی مراکز نظامی حاوی اطلاعات کافیه میباشد وملت بخوبی میتواند عملیات فاتحانهٔ قشون آلمانرا در تمام فرونتهای جنگ درك کند . راپورتهای مراکز ما خیلی مختصر وموافق رسم نظام انشاء میشوند لیکن برخلاف راپورتهای دشمنان ما همیشه صحیح وراست هستند . تلگرافات ما هیچ باغراق ومبالغه احتیاجی ندارد . از یك نظر سطحی برنقشه فتوحات ما معلوم میشود . دشمنان ما بزبان مستهزء امیدوارند اما اعتراف میکنند . اراده وعزم ملت ، قوای روحیه افراد آلمان وموجود بودن جمیع تدارکات لازمهٔ نظامی فتوحات مارا تأمین میکنند ومارا بوسیله شجاعت سپاهیان ما بآخرین مقصود خواهند میرسانند .

راجع بمعرضات روسیه وجنگ وردون وزیر جنگ آلمان چنین گفت . دشمنان ما میگویند که عملیات آلمان در حقیقت مجاهدات مذبوحانه است که یك ملت خسته فرسوده بعمل میاورد .

اما چنین نیست عملیات ما در حقیقت لطماتی است که یك ملت قادر فاتح وشکست ناپذیری وارد میآورد یك ملتی که جمیع لوازم ومدارك را موجود دارد و با آنها بقدری بردشمنان خویش مشت خواهد زد تا آنهارا خسته وفرسوده نماید .

برای حصول این مقصود من باتمام قوای خویش مشغول کار میشوم صدذرع سنگر در نظر من از فصیح ترین نطق بهتر ومفیدتر است نطقهای بلیغ در خصوص فتح جنگ کنونی را خاتمه نخواهد داد . تنها چیزی که جنگرا خاتمه میدهد اولا لطمات سختی است که در میدان جنگ بردشمن وارد آید وثانیا استقامت ملت است که لطمات مزبوره را

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1773 of 1786

وارد آورد وتاآخر پافشاری نماید . که پافشاری قاصر از آنست کشور وشوق سپاهیان مارا تغییر نماید . مامیخواهیم بانیروی سپاهیان خویش جنگرا بفتح قطعی خویش خاتمه دهیم . قشون درصورتی میتواند کار کند که ملت پایداری نماید . تاحال هیچ دولتی مثل انگلستان دایره حربرا وسعت نداده وباین وجه جنگ نکرده است . اماوسائلی که ما در دست داریم بقدری نیکووقوی ووسیعند که انگلستان ازعهده برنخواهد آمد که مارا گرفتار خبط وغلط نماید .

مشارکت واتحاد ملت آلمان دراین جنگ ازجمله مسائل باعظمت تاریخ است . قشون آلمان عزیمت دلیرانه ملت خویش را سپاس گذار است استظهار روح ملت قشون آلمان همه‌چیز خودرا فدای تحصیل یك صلحی خواهد کرد که باتلفات وفدا کاریهای مامتناسب باشد وآتیه مارا تأمین نماید . تازمانیکه یك چنین صلحی منعقد گردد بایدصبر وتحمل کرد . از جمله اختصاصات این جنگ آنست که ثمرات آن برای ماخوب است اما بتدریج . فتح وظفر کامل باماخواهدبود وماباید بدینمسئله اطمینان داشته باشیم .

حکایت های محاربه

انگلیس در عراق عرب چسان داخل شد ؟

در یکسال ونیم قبل دولت انگلیس قشونی بعراق عرب اعزام داشته ودرصدد آمد که‌بطرف بغداد رود واین قشون نه‌تنها برای تأمین وحراست معادن نفطی بود که انگلستان در اراضی ایران داشت بلکه برای تأمین نظریات و منافع خیلی مهم تری بریطانیای کبیر اقدام بدان نموده .

آلمان انگلستانرا تهدید میکرد که اردوی بزرگی از قشون ترك را بطرف هندوستان سوق داده و مسلمانان ساکن آن دیار ونواحی را روی بشوراند .

انگلیس برای آنکه راه مزبور را مسدود ساخته و طرق این اقدامات را برای آلمان وعثمانی سد سازد باتفاق روسیه داخل عملیاتی شدند که انگلیس درعراق عرب وروسیه در قفقاز متفقا کار کنند .

چنانچه ورود و حضور قشون انگلستان در بغداد صورت فعلیت می‌یافت مقاصد آلمانرا درآسیای مرکزی وشرقی بکلی معدوم ومتلاشی میساخت وشروع بعملیات وتهیجات آلمان در داخله آسیا مدتها قبل ازطلوع حرب بین المللی شروع گشته بود .

عدم موفقیت انگلیس وایراداتی که‌بتوان بحکومت هندوستان که مأمور تشکیلات این قشون کشی بود نمود آن است که قوای عظیمه ومقدار قشون مکفی برای یك چنین امر مهمی تدارك نساخت وقبلا مشکلاتی که ممکن بود برای این امر درپیش آید پیش‌بینی نکرده .

اولین مرحله این‌قشون کشی مساعدشد وتصرف بصره خیلی برای آلمانها نامطبوع واقع‌شد زیرا که‌قبلا این بندررا مانندیکی ازمتصرفات خودشان می پنداشتند .

پس از استقرار مواقع خویش در بصره قشون انگلیس بسوی شط العرب بالا رفته و « قورنه » را که‌در محل التقاء دجله وفرات واقع است اشغال کرد . سپس قشون مزبور بدوستون منقسم شد . مرکز عمومی اردوگاه در خود قورنه قرار گرفت و هریك ازستونها بطرف یکی از دورود دجله وفرات بالا رفت .

در اوایل امر اوضاع پیشرفت برای قسمت قشونی که در تحت ریاست ژنرال توشاند درکنار دجله بسمت بغداد میرفت مساعد گردید وژنرال مزبور باموفقیت تا « کوت العماره » رفت ودرآنجا یك فقره جنگ باقوای عثمانی نمود . پس ازاین فتح ژنرال توشاند پیاده نظام وتوپخانه خودرا سوارکشتی وکرجی های بخاری نموده ومعجلا بایلغار قشونی بسوی بغداد عزیمت نمود .

در تاریخ ۲۳ نوامبر ۱۹۱۵ قوای ژنرال توشاند وارد تسیفون گشت . درآن موقع قوای عثمانی درتحت فرماندهی ژنرال نور الدین پاشا درمقابل بود لیکن بنظر نیامد که‌قابل آن باشند که‌بتوانند ازپیشرفت قوای انگلیس جلو گیری کرده وبغداد را حفظ نماید وبنابر این خیلی انتظار وصول این خبر میرفت که‌عنقریب قشون انگلیس داخل پایتخت قدیم خلفای عباسی گردند .

درتاریخ ۲۵ نوامبر دوروز بعداز ورود توشاند بتسیفون امدادیه نیرومند و عساکر مقتدری بکمك نور الدین پاشا رسیده وبلا فاصله حملات شدیده و تعرضات قهرمانه عثمانیها برعلیه قوای انگلیس شروع شده و در نتیجه آن جنگ فاتحانه ژنرال توشاند را باقوای ابواجمعی وتا « کوت العماره » بسرعت عقب راندند .

عرصه بژنرال توشاند تنگ شد ونتوانست درست ملتفت شود که چه‌مقدار قشون عثمانی درمقابل دارد واشتباها تصور کرد که میتواند در « کوت العماره » توقف نموده و انتظار امدادیه جدیدی که حتما برای او میفرستادند داشته باشدونظر بآنکه کوت العماره دریك نقطه مهم استراتژی درمحلی واقع‌است که‌دجله پیچ میخورد وبرای مدافعه خیلی سهل ومناسب است خیال کرد که تارسیدن مدد ممکن است بدون لطمه وخطر درآنجا اقامت گزیند .

ازطرفی هم ژنرال نور الدین یك قشون معتابهی مهیا داشت ومی توانست ازاطراف قوای ژنرال توشاندرا محاصره نماید وبنابراین عمل محاصره را خوب انجام داده و مقداری در اطراف آنجا به محاصره گماشت ، مقدار دیگر را جلو برد که قوای امدادیه جدید انگلیس نتوانند بژنرال توشاند ملحق شوند .

درهمین حین عساکرعثمانی شروع بتهیه واستحکامات کوت‌العماره نمودند ویك‌قشون مکفی هم بطرف « البقاء » درساحل دجله ودرمشرق اطلاقهای سوا که اعزام کردند وکار محصوریت انگلیس ها کاملا انجام یافت .

موقعیت عساکر ژنرال توشاند اضطراب آمیز میشد . متدرجا تهدید استحکامات آن بیشتر گردید . مقدار عساکر وی ۱۰ هزار وتقریبا ۶۰ هزار نفر قشون عثمانی اورا احاطه کرده ومسافت کوت العماره وژنرال توشاند تاقورنه تقریبا ۴۰۰ کیلومتر بود .

اردوگاه مرکزی انگلیس که درقورنه‌قرارداشت برای استخلاص ژنرال توشاند از محاصره دوستون قشون یکی درتحت فرماندهی ژنرال ایلمر ودیگری درتحت ریاست‌ژنرال ایلك‌بطرف کوت‌العماره ازطرفین ساحل یمین ویسار دجله اعزام داشت .

اردوی جنرال ایلمر که در جانب ساحل شرقی پیش میرفت در تاریخ ۶ ژانویه نزدیک نقطهٔ « شیخ سعد » رسید و در آنجا با عساکر عثمانی تصادف شده جنگ شدیدی واقع گردید که تمامت مدت دو روز طول کشید . در این حین یک ستون قشون دیگر انگلیس در ساحل غربی دجله بقوای عثمانی که عده شان قلیل بود حمله ور شدند و زود بمقصود رسیده قشون ترک را عقب راندند در حالتیکه قشون ژنرال ایلمر روز هشتم و نهم را نیز با قوای عثمانی جنگ می کرد تا آنکه بالاخره موفق شد که عساکر خصم را بطرف « اراحه » عقب تر نشاند .

از تاریخ ۲۵ نوامبر روزیکه در آنروز قشون ژنرال توشاند تیسفون را تخلیه کرده و متعاقب آن در کوت العماره محصور شده بود تا روز ۹ ژانویه که قشونهای امدادیه انگلیس در طرفین دجله بودر « شیخ سعد » جنگ میکردند یکماه و نیم گذشته و در این مدت هنوز انگلیس ها وقت خود را تلف نکرده بودند ولی عملیات آنها بطور کندی صورت می گرفت . ظاهرا علت این سستی و کندی را بدین مسئله باید منتسب داشت که تقریبا در اطراف دجله راههای خوب و آبادانی وقریه وجود ندارد و بعلاوه در آن مدت غالبا باران مثل سیل از آسمان بزمین فرو میریخت و تقریبا همیشه قشونهای انگلیس بایستی در میان گل و باطلاق اردو زده و توقف نماید و رساندن آذوقه و تأمین ارتباط با مشکلات فوق التصور مهارت آمیزی صورت می یافت .

پس از محاربات شیخ سعد ژنرال ایلمر که فرماندهی کل قشونهای انگلیس بوی محول بود بطرف « اراحه » متوجه شد و آنجا نزدیک نقطهٔ واقع شده است که رود « وادی » رود خانهٔ غیر منظمی که آبهای باطلاقهای سوا که را بدجله میریزد در آنجا است .

قوای ژنرال ایلمر در این جا نیز با عساکر عثمانی تصادف کرده و پس از دو فقره محاربه سنگینی که یکی در ۱۳ و دیگری در ۱۵ ژانویه رخ داد و عثمانیها مجبور بعقب نشینی شده و ژنرال ایلمر از وادی عبور کرده و ۲۱ ژانویه مجددا به « السین » رسیده و بقوای ترک حمله برد .

این جنگ بسیار سخت و خونریز گردید و طرفین مکرر غالب و مغلوب شدند و طغیان سیلاب دجله و هوای بد مجال ندادند که ژنرال ایلمر بتواند روز ۲۲ بخصم حمله برد ابلاغیه های رسمی انگلستان در آنوقع خبر دادند که قشون ژنرال ایلمر در ۱۳۰۰ متری خطوط عثمانی جایگزین شده اند .

مدت یکماه تمام عملیات قوای ژنرال ایلمر بکلی معوق و مختل ماند ژنرال فرمانده کل قوای بین النهرین انگلیس که خودش به ستونهای امدادیه برای بازدید رفته بود تلگرافی در آخر ژانویه بلندن مخابره کرده و گفت : بواسطه گل و باطلاقهای عمیق که در اراضی ایجاد شده است حرکات و عملیات قشون مشکل و محال است وضعیت صعب اراضی بدرجه بود که ژنرال ایلمر را ناچار ساخت که مواقع خود را رها کرده و عقب تر تا مشرق وادی در آنطرف منطقهٔ باطلاقها برود زیرا در همان وقت وزارت جنگ انگلستان بموجب تلگرافاتی که متعاقب تعویق و تعطیل جنگ بوی رسیده بود اطلاع میداد که ژنرال ایلمر در ۲۲ فوریه یک اردوی عثمانی را در ساحل یسار دجله در دراز تفاعات « ام الحنا » توپ بسته و روز بعد توپخانهٔ خود را بهمان جانب سرکوبت داد که آنجا را استیلا نماید لکن مسئلهٔ محاربات ام الحنادر ۶ مارس صورت یافت .

متعاقب آن ژنرال ایلمر توانست بطرف کوت العماره پیش رود و ۸ مارس مجددا بمواقع اتراکدر « السین » حمله برد ولی کاری صورت نداد که قوای اتراک را تکان دهد بلکه خودش ناچار بعقب نشینی شد و مجبورا دفعه دیگر از آنجا بطرف پائین باز گشت .

بهر صورت نتیجه آن جنگ عقب رفتن ایلمر بود ولی ابلاغیه ها و تلگرافات انگلیس از این واقعه اشعاری نداشتند مگر در دوهم ماه که اطلاع دادند بواسطه فقدان آب و مشکلات موقع ناچار بعقب نشستن بطرف رود خانه شده اند در تاریخ ۲۵ مارس فقط اطلاع داده شد که قشون ژنرال ایلمر بواسطه یکضرب شصت و یک مقام کوچک عثمانی را در فلاحیه در ۲۰ کیلومتری شمال شرقی السین اشغال کرده اند .

در آنوقت ژنرال ایلمر از فرماندهی قشون منفصل شد و ژنرال گورنگ زمام فرماندهی کل را عهده دار شد و تغییر مزبور تا درجه اسباب امیدواری شد که ژنرال گورنگ برخلاف فرمانده سابق جدیت و فعالیت فوق العاده تری برای رفتن به « کوت العماره » و نجات قوای محصور انگلیس نماید و در تاریخ ۶ همان ماه فرمانده جدید کوشش کرد که در فلاحیه بقشون عثمانی هجوم برد و مصادف باوی ژنرالیک در جانب یسار دجله بنای تعرض گذارد .

قشون ترک در اینجا دوچار لطمه و عقب نشینی شدند و آخرین اخباریکه رسید مشعر بر آن بود که هوا دو روز است خوش و مساعد شده و ژنرال گورنگ تدارک می بیند که بصناعیه حمله برد .

مسائل که ذکر شد یک فهرست مختصری از وضعیات قشون کشی انگلیس به بین النهرین است و بطوریکه در فوق ذکر گردید انگلیس ها از قورنه دو ستون قشون حرکت دادند : یکی بطرف دجله و بغداد بالا میرفت و دیگر از کنار ساحل فرات بنای عزیمت را نهاد آیا این ستون دوم قشون چه شد ؟ — ابلاغیه های انگلیس مدتی است خیلی از این مطلب کمتر چیزی اشعار میدارند . ما همینقدر اطلاع داریم که قشون مزبور در کنار فرات حرکت کرده و تا ناصریه پیش رفته و از آنجا بطرف « شطره » رفتند و در آنجا یک فقره جنگی نیز با قشون عثمانی نمودند . اینطور بنظر ما می آید که این اردو بواسطه علل و جهاتی که تا کنون نخواسته اند بگویند وارد ناصری شده و در همانجا هم فعلا اقامت دارند .

بهر حال ژنرال توشاند چهار ماه و نیم در کوت العماره محصور ماند و معلوم است که ترتیب آذوقه و کمک رساندن بوی درجه مشکلات بزرگ گرفتار آمد ۱۶ هزار نفر محصور طبعا دو نهایت مرارت دوچار شدند . ژنرال گورنگ در هشتم آوریل تا ۱۵ کیلومتری کوت العماره خود را رساند لیکن نتوانست بالاتر رود . تا آنکه سقوط کوت العماره و تسلیم ژنرال توشاند یکی از حوادث بسیار سخت و مصیبت آوری برای انگلیز گردید .

تحت البحرهای جدید آلمان
خیلی بزرگ — خیلی کوچک

متعاقب اختراعات جدیده تحت البحرهای آلمان که بدون منشور شعاعی پاریسکوپ ساخته شده است باز هم اخیرا اطلاعاتی از نوع تحت البحرهای جدید الاختراع دیگر رسیده و در مراکز مطلعه بحری

عذا گره می‌شود که آلمانها تازگی تحت‌البحرهای خیلی عظیم‌الجثه ساخته و مخصوصاً به بحر مدیترانه فرستاده اند که دوکار از آنها صورت می‌گیرد یکی آنکه از زیر آب جنگ کرده و جهازات را با ترپیل غرق و بعبارة اخری جنگ تجارتی می‌نماید دیگر آنکه توپ‌های بزرگ و متعددی در آنها تعبیه شده است که بعلاوه جنگ زیر آبی روی آب هم آمده و با کشتی های سطح دریا محاربات بحری رو برو مینماید و بزرگی این قسم تحت‌البحرها مثل جهازات متوسط جنگی است

متعاقب این خبر اطلاع دیگری رسیده و تایید شده است که مترادف با تحت‌البحری های جسیم و پرعرض و طول کارخانجات بحری آلمان تحت‌البحرهای خیلی کوچکی نیز بتازگی اختراع و تدارک کرده‌اند که حجم و قطر آن خیلی کم و کوچک و مخصوص برای عملیات در دریاهای کوچک و خلیج های تنگ است و این قسم تحت‌البحرها کمتر می‌توانند از مراکز بحری خویش دورتر روند

این دو قسم تحت‌البحری تازه که عرض وجود نموده و بعضی ها تصور می کردند شاید آن تفنن هم است لیکن مخالف هم نیست . دو قسم ساخته شده و هر یک از آنها برای انجام ماموریتی که از عهده او ساخته می شود معین شده اند

در خصوص این تحت‌البحرهای کوه پیکر جدید آلمان اطلاعات زیادی رسیده است لیکن هیچیک از آنها شاید اطلاعات عمیقه و تفاصیل مبسوطه را حاوی نبوده و اگرچه اخبار متعدد می‌رسد ولی در میان آنها چیزهائی که صحیح‌تر بنظر می آید باید اختیار کرد .

اینک اطلاعاتی را که نایب امیرال کرانت فرمانده کل اسکادر تحت‌البحرهای اتازونی در کمیته مجلس نمایندگان داده است در این مورد ذکر مینمائیم . امیرال مزبور شرحی از تحت‌البحری‌های جدیدالاختراع آلمان که در حین حرکت روی آب ۷۵۰ تن و در وقت حرکت زیر آب ۹۰۰ تن ظرف بارگیری دارند اشعار داشته و چنین گفته است .

مرکز عمده و تکیه گاه بزرگ تحت‌البحرهای آلمان جزیره هیگولند میباشد و تحت‌البحرهای مزبوره ماه های عدیده اول جنگ تا محیط و فاصله ۱۳۵۰ میل (قریب ۳۹۰ فرسنگ) دور از آن نقطه آمد و رفت و دائره عملیات داشته اند از قراری که میتوانیم تصور نمائیم تحت‌البحرهای مذکور بسرعت ۲۰ نود سرعت سیر دارند لیکن بطور عموم در حین عملیات بسرعت ۱۷ تا ۱۸ نود حرکت نمایند و عادتاً در روی آب بتندی ۱۴ نود راه می‌روند و هیچگونه اطلاعات دقیقه بدست ما نیامده که در زیر آب بچه سرعت طی طریق راهی کنند

این تحت‌البحرها ۱۳۵۰ میل دور می‌روند و رفتن و آمدن آنها بمرکز خودشان دو مقابل آن ۲۷۰۰ میل (۷۸۰ فرسنگ) می‌باشد و این مسافرت را در نه روز می‌توانند صورت دهند یعنی روزی ۳۰۰ میل راه می‌پیمایند لیکن مدت ماموریت و عملیات آنها بیست روز است که رفته و پس از انجام کار مجدداً عودت نمایند مگر آنکه قبل از بیست روز ترپیل‌ها و قورخانه خود شان را مصرف کرده باشند که در آنصورت زودتر بمرکز خویش رجعت می‌نمایند .

عده صاحب‌منصبان و ملاحان تحت‌البحرها ۳۸ نفر یعنی ۶ صاحب‌منصب و ۳۲ ملاح است همینکه تحت‌البحرها رجعت کرد ۳۸ نفر مزبور ۱۲ روز مرخصی دارند که رفع خستگی کرده و راحت شوند و بنا برین ترتیب چنان است که از هرسه کشتی تحت‌البحری پیوسته یک فروند در تکیه گاه بحری است و یکی در کار حرکت و دیگری مشغول عملیات در وسط دریا است

از حساب کردن ایام عملیات هر یک تحت‌البحری ۹ روز برای مسافرت به میدان بزرگ دریا و ۲۰ روز برای مشغول جنگ و غرق جهازات بودن و ۱۲ روز مرخصی و استراحت اعضا چنین مفهوم می گردد که مقیاس ساختن و بکار انداختن تحت‌البحرهای کوه پیکر و در میدان نسبتاً به سیستمهای کوچک‌تر قدری کم و ضعیف است و بنا بر این خوب فهمیده میشود که اداره بحریه آلمان با نتایج و تاثیراتی که از جنگهای تحت‌البحری بدست آورده و با نتایج و اثرات بزرگ‌تری که برای آتیه تعقیب مینماید شروع بساختن و تدارک سیستم های جدید از تحت‌البحرهای تازه‌تری نموده است که با ثبات معینه تاثیرات نتایج مهمه را نسبتاً با مساعی و کوشش های کوچک‌تر تحصیل نماید یعنی تحت‌البحرهای کوچک سیستم تازه بسازد و فواید بزرگ از آن بگیرد

از طرف توجه بدین نکته نیز خیلی لازم است که تحت‌البحرهای خیلی درشت و خیلی کوچک از جهت ترپیل و غرق سفاین خصم یک طور اسلحه دارند و قوه آنها در جنگ زیر آبی متساوی است و هر دو قسم میتوانند همان اثرات منتظره و همان ماموریت‌ها را انجام دهند

درست در همین موقعی که جنگ های تحت‌البحری آلمان شدت و قوت یافته و دایره عملیات خود را توسعه داده اند تحت‌البحرهای جدیدالاختراع وی بیرون آمده و شروع بکار کرده اند : آلمان از این قسم تحت‌البحرها خیلی ساخته و آماده کرده است . زیرا بطوریکه امیرال امریکا گفته است برای فعالیت و مداومت در عملیات باید سه تحت‌البحری باشد که یکی از آنها مشغول عمل بوده باشد و بنا برین عده باید زیاد گردد که از هرسه فروند یکی بماموریت اشتغال یابد و در اینصورت تحت‌البحری های جدید اغلب از سیستم کوچک ساخته شده اند . چرا که بیشتر این تحت‌البحرها را آلمان میخواهد در بحر شمال و دریای مانش برضد جهازات انگلیس و فرانسه کار کنند و این نقاط نزدیک مراکز عمده و تکیه گاههای بحری آلمان است و میتوانند پیوسته بمراکز خود رفته آذوقه و قورخانه ترپیل بردارند و احتیاج بدان نخواهند داشت که تحت‌البحرهای خیلی عظیم‌الجثه برای همراه برداشتن مقدار زیاد مهمات و سوخت در آنجا بکار برند مگر در دریاهای دور مثل مدیترانه وازه که سیستم های بزرگ می‌روند .

آیا ظرفیت و حجم این تحت‌البحرهای سیستم جدید چقدر میباشند ؟ آلمانها عادت ندارند که اسرار خود را بکسی گفته و هیچکس را طرف اطمینان خود قرار دهند . اینقدر رسماً اطلاع حاصل شده است که یک تحت‌البحری آلمانی توسط جهازات انگلیس و فرانسه در بحر مانش غرق شده و تحت‌البحری مزبور خیلی کوچک و اعضاء آن خیلی کم بودند و بحسب حدس و تخمین هائی که زده شده است حجم و ظرفیت این تحت‌البحرهای تازه در سطح آب از ۲۰۰ تا ۳۰۰ تن میباشد و دورهٔ

عملیات آنها زود زود شروع وختم می گردد . توجه بدین نکته خیلی ضرور است که برای استعمال این تحت البحری ها حتما مرکز وتکیه گاهی لازم است که در سواحل بلژیک خیلی نزدیک « کاله » ساخته شده است که ازفواصل ومسافات کوتاهی بتوانند در بحر شمال ودریای مانش آمدومبادرت بماموریت وعملیات بنمایند . این مسئله‌را باید بخاطر آورد که مکرر خبر رسیده است تحت‌البحری هائی که آلمان در کار خانهای جدید « هوبکن » و « انورس » ساخته است در کانال های زبروك حرکت کرده واز آنجا داخل دریا شده است .

محسنات ونتایجی که بوسیله این تحت‌البحری های جدید کوچك برای عملیات محیط های نزدیك حاصل می‌شود از این قرار است اولا ساختن آنها کم است و بامبلغی می توان عده زیاد حاضر ساخت . ثانیا زمان ساختن آنها کم است ودر قلیل مدت از کار خانه بیرون آمده وشروع بکار می کنند . ثالثاً یك عده معدودی ازصاحبمنصبان وملاحان کاردان را می توان بچندین تحت‌البحری گماشت ومثل تحت‌البحری‌های بزرك عمله جات زیاد لازم ندارد

محتاج بگفتن وتوضیح نیست که چنانچه فواید ومحسنات این سیستم جدید باوضعیات معین مدلل گشته است . تحت‌البحری‌های خیلی بزرك هم درمیدانهای بزرك ومخصوص خود مسلما کار میکنند . اداره امیرالبحری آلمان هر یك از اسلحه و آلات جنك تحت‌البحری را برای یك کار معینی تخصیص داده واز هرکدام آنها هر عاملی که می خواهند بهمان کاراستعمال می کنند . تان ۱۹ اوریل

حکایتهای محاربه

درمدیترانه

کشتی پروانس چطور غرق شد

مراسله ایست که ازجزیرهٔ مالطه مسیو بو کانوسکی نماینده سن راجع بچگونگی ترپیل خوردن وغرق شدن کشتی پروانس دربحر مدیترانه برئیس جمهور فرانسه نوشته است .

آقای رئیس جمهور بدون شبهه اطلاع دارید که دست قضا وقدر چه مقدرات مشومی برای کشتی پروانس پیش آورد .

برای آنکه لااقل اندوه ومصیبت فرانسه را قدری تخفیف دهد شما مینویسیم که حالت اشخاصی که درآن موقع در حین غرق شدن بین آسمان وآب قرارداشتند چه‌منظرهٔ شگفت انگیزی داشته وچگونه خویشتن را برای فدا شدن در راه وطن مهیامیساختند .

دراین کشتی‌یك باطالیون سرباز وعده ازنفرات رژیمان ـ وپیاده بودند ودر مقابل آن خطرعظیم غرق واعدام‌یك سکوت حیرت آمیزی ازخود بظهور رسانیدند .

درموقعی که ترپیل خصم به پیکر کشتی خورده ودفعتا اورا دچار لرزه وتشنج کرد من بافرمانده کشتی ومعاون وی وچندین ازصاحب منصبان عالی روی عرشه کشتی بودیم . فوری بنای تدارك را نهاده سعی کردیم بلکه زمام آرا نگاه داریم وسپس کمربند خلاص تقسیم کرده کرجی های نجات‌هرچه مقدور بود باب انداختیم .

ابدا فریاد وناله برخواسته نشد . مطلقا زاری ونوحه شنیده نگردید وبهیچوجه اضطراب وتزلزل مشاهده نگشت . سکونت وسکوت مناعت کارانه بین این اشخاص که برای پیشرفت مقصود حاضر فدا کاری بودند حکمفرما می بود .

اگر خلاصی ونجات راکبین این کشتی تنها بدست روٌسا امکان پذیر میشد مسلما همگی را خلاصی ممکن بود ولی متاسفانه کشتی بایك سرعت وشدت غم خیزی در آب فرو می رفت .

بلا فاصله ودر کمال شدت آب دریا داخل دیك های بخار وکوره های آتش میشد . وقتیکه دیك هاشروع بانفجار وتر کیدن را نهادند من خویش را به دریا افکنده وبسرعت شناکردم که ازمنطقه انفجار وظلمات تنگ پاره های کشتی دورتر روم .

دقیقه چند بیش طول نکشید که غرش انفجار واحتراق بایك صدای‌مدهشی وبایك وضع هراس آمیزی برخواست من‌سر خویش را بعقب برگردانده ــ خاتمه‌حیات کشتی رابرای العین مشاهده نمودم فرمانده کشتی کاپیتن « وسکو » دربالای برج عرشه هماطور باقی مانده بود وبایك صدای رسائی که همهمه اشخاص را ساکت کرد فریاد برآورد « فرزندان عزیزم خدا حافظ » اشخاص که در کشتی باقی مانده وروی عرشه وپل بهیئت اجتماع جمع شده بودند بنوبه خویش بایك لحن هیجان انگیزی جوابدادند « زنده‌باد فرانسه » .

در اطراف کشتی مغروق اشخاصی که با کمر خلاص شنا میکردند یادر کرجیها وتخته پاره‌ها سوار بودند خوب مشاهده کردند که جهاز پروانس فرو رفت .

دفعه‌اول بغتتا کشتی یك‌تکان بزرگی بخود داده وسطح عرشه‌مساوی باسطح آب گردید وهمان وقتی که باقیمانده کان کشتی وشنا وران دریا بیك صدا فریاد « زنده باد فرانسه » کشیدند وفاصله آن پنج دقیقه طول کشید .

منظره مهیب وداهیتی بود . پس از آنکه من قریب نیم ساعت شناوری کردم بیك کرجی خلاص رسیدم که جمعی در آن بودند ومن هم بنوبه خویش بدان آویزان گشتم ومرا بالا کشیدند .

شب شده است یك‌باد شروری در کمال سردی میوزد و گوشت های بدن‌مارا بدندان وزش موذی خویش می‌گزد وغالبی ازما هانکی لخت هستند وحتی یك جامه خیس شده ازآب هم دربر ندارند .

آن شب زمهریر وعذاب بهیچوجه تمام نمیشد ومثل یك سال بنظر می‌آمد ومثل آن بود که صبح خلق نخواهد شد ولی باتحمل آن محنت شکایتی ازلب ها بیرون نمی آمد .

رفقای بدبخت وهمراهان مصیبت کشیده من برای رفقای خویش که درکشتی مانده وباآن حالت‌یاس درکام نهنك اجل‌فرو رفتند بیوسته دوچار اندوه بوده واززاری وغم خواری غرق شد کان منصرف نمی شدند وکلمات آنان فقط فحش وناسزائی بود که بتحت البحری خصم می دادند که نه قبل ونه بعد ازحمله غدارانه وترپیل زدن بکشتی جرات نکرد که بالای آب آمده وبیرق خویش را نشان‌دهد که کی! وچکاره است .

تمام مدت شب وقسمتی از روز تاکمر درآب بودیم ودندانهای ما ازشدت سرما پیوسته بهم‌میخورد وفقط علاقه بزندگانی وعشق باینکه زنده باشیم و بتوانیم انتقام خویش را بکشیم مارا از مردن ودرآب افتادن حفظ می کرد . بالاخره بعد ازبقای ۱۸ ساعت دراین حالتها

خراش یك کشتی ماهی گیری رسید ومارا از این مصیبت ومسکنت نجات داد .

عده از کسانیکه در کرجها وتخته پاره ها بودند در همان شب از کثرت سرما ورنج جان تسلیم نموده وجمعی قریب بموت بودند وعده کثیر ازشدت هول وعذاب مشاعرشان مختل ودیوانه شده بودند .

یك کشتی عسس انکلیس ویك کروازر فرانسوی نجات یافته کان را جمع کرده جمعی را بسوی جزیره « میلو » وبرخی را بطرف « مالطه » بردند ومن جزو آنهائی بودم که بتکیه کاه انکلیس رسیدم .

البته میل خواهید داشت که پاره ازوقایع ازساعت بهت آور را برای شما حکایت نمایم وبافتخار نژاد ما این داستان شایسته برای اخلاف باقی ماند .

کاپتن « وسکو » باصاحب منصبان تا اخرین ساعت زندگانی کشتی به برج عرشه خودرا بند کرده وبایك حس فدا کارانه تعلیمات میدادند که حتی الامکان مسافرین را بتوانند نجات دهند .

توپچیهای توپهای عقب کشتی بروالس بمجرد تزپیل خوردن کشتی توپهای خویش را پر کرده وسعی می‌نمودند که شاید تحت البحری غدار را بتوانند درگوشه مشاهده کرده وسزایش را بدهند وایتقدر درانتظار ماندند تا انکه لوله های توپ بکلی در آب دریا فرو رفت .

بمجردی که کشتی موسومه « کانادا » ی انکلیس علامت بحری غرق رانشید به استخلاص شتافت و باتفاق کروازر فرانسوی قریب سیصد نفر ازسربازان وراکبین کشتی خلاصی یافتند .

ازجراید انکلیس

تنقیدات یك صاحب منصب المانی
ازارکان حربیه انکلستان

هرقدر که فرانسویان کفایت دارند انکلیس ها بی کفایت اند توپهای ضد طیارات فرانسویان شکفت انکیز است . صدی نودوپنج ازتلفات هوائی ما بواسطه توپهای فرانسوی وصدی پنج بواسطه توپهای ضد طیارات انکلیسی است . طیارات فرانسوی روی هم رفته خیلی برطیارات انکلیس مزیت وبرتری دارند اما آسمان پیمایان انکلیس از مرك بیم و وحشت ندارند وخود را بی محابا در خطر میاندازند درمهارت علمی ونقشه وطرز ساختمان طیارات فرانسویان ازطیارات متخاصمین بالاتراند .

خواندن جرائد انکلیس مارا خیلی سرکرم ومشغول میدارد مطالب پلتیکی تمام صفحات آنرا پر کرده است . درنمرات اخیر جرائد انکلیس مشروحات مفصل راجع باین مسئله مینوشتند که آیا حقوق اجزاء پارلمان کمسرباز شده اند دوبار شود یاخیر ولی ازجنگهای وردون وازعملیات بین النهرین تقریباً هیچ چیز نمی نوشتند .

انکلیس ها هنوز درك نکرده اند که اکر دراین جنك غلبه قطعی بما نباشد اقلاً شکست هم نخواهیم یافت . درتمام میدانها قشون ما اراضی را که کرفته اند نکاه داشته اند .

ایالات شمالی فرانسه ، بلژیك ، صربستان ، ایالات غربی روسیه وقراطاغ درتصرف ماهستند . راست است که درآسیای صغیر بر عثمانی حمله کرده اند اما قشون ترك انکلیس هارا ازکال پولی اخراج نمودند وحالیه باستمداد رود دجله مشغول خفه کردن قشون انکلیس وهند میباشند بواسطه خیانت ژاپونی هـا کیاچو ازتصرف ما خارج شـد ومستعمرات افریقائی مارا منتزع ساخته‌اند لیکن باید دانست که میدان های کیاچو وافریقا اهمیتی ندارند ونتیجهٔ جنك در روسیه وفرانسه معلوم خواهد شد .

انکلستان شاید هنوز دل خود را خوش کند که ملکه وخانم دریا میباشد اما ملکه ایست که پیروفرتوت شده وسلطهٔ وی برامواج دریاهای قدر میباشد که برآنهاغلبه دارد . بحریه انکلستان جهازات بیطرف را از آمدن بسواحل ما ممانعت مینماید ونمیکذارند که کشتی های تجارتی ما سیر کنند اما تحت البحرهای ما در دریا هـا مشغول حرکت هستند وقعر اقیانوس را آرامکاه کشتی شکسته های انکلیس کرده‌اند . ما بتوسط زپلن‌های خویش بدون‌هیچ مزاحمت درآسمان انکلستان سیری کنیم وشباهی وبواد برآنها میباریم واکرجان نفوس بی کناه دراین جنبش هاتلف شودمارا چه کناه است وآیا انکلستان که میخواهد بوسیله محاصره کردن سواحل مااطفال معصوم وزنان بی کناه آلمان را از کرسنکی معدوم نماید عذری کرده اند بیاورد ؟

ما از این جنك متنفر هستیم . شانسلور ما در جلو جمیع عالم اعلام نمیکنند که مقصود آلمان دراین جنك منهدم ساختن قوای مسلح انکلیس است درصورتی که مستر اسکویت درتمام نطق های خویش اعلام‌میدارد که متفقین میخواهند قوای آلمانرا منهدم سازندو عظمت نظامی مارامعدوم کنند درصورتیکه همین قوه‌ملیت مارا ضمانت مینماید .

تعجبی نیست که ما جنك میکنیم . مکر انکلستان بخواب ببیند که درجنکی آلمان شکست یابد هروقت بخاطر میاوریم که لرد کرزان کفته بود که هندیها درعقب قشون فاتح متفقین وارد آلمان می‌شوند بی اختیار میخندیم .

آیاشریف مکه واعراب بغاوت کرده اند ؟

لکهنو – ۲۸ – جون .

در مجلس عام مسلمانان قرار یافت که ایشان از حرکت ناشایستهٔ باغیان عرب اظهار برائت مینمایند وعمل قبیح آن فتنه انکیزان را سرا سر خلاف دین اسلام می پندارند . وکسانی را که باین اشرار اعراب غمکساری میکنند خارج از دائرهٔ دین می انکارند . وچنین مردم بی ناموس را اعدای اسلام واسلامیان می شمارند واز مضمون تیلیکراف ازکلکته که‌بعض مسلمانان ازخبر بغاوت اعراب شادشده‌اند اظهارنفرین سخت وبیزاری وبحث میکنند !

جناب محترم مدیر سراج الاخبار افغانیه –

از اشاعت غیر قابل اعتبار خبر هوش ربا که شریف مکه بخلاف خلافت عظمی عزم بغاوت را فراشته وباتفاق قبایل یمن ووسط جزیرة العرب عساکر عثمانیه‌را درمکه وطائف وجده اسیر کرده . وپیرامون مدینه منوره محاصره نموده . وسکة‌الحدید را ازمدینه تابیبار مسافت درشمال خراب ساخته درهمه عالم اسلامی یك هیجان جهان آشوبی

پیداشده است حسب منطوق کلام رب متعال وان جاءکم فاسق بنبأ فتبینوا (اگر بد کاری شخصی بشما خبری بیارد . برشما لازم است که در تحقیق وتفحص آن خبردقت نمائید) زرگان ملت مرحومه رانباید که ازمحض شنیدن این خبر وحشت انگیز متأثر شوند — بلکه تدقیق وامعان نظر را کارفرموده بوده ازرخ شاهد حقیقت بردارند . این خبر بویژه دراحوال موجوده . زیاده تراحتمال کذب دارد، بشهادت قرائن ذیل — اولا همین شریف مکه بود که فرزند خودرا رئیس عسکر عثمانی کرده بمقابلهٔ یاغیان جنوبی فرستاده بود . ثانیاً همین شریف بود که هنگام اعلان جهاد اکبر پیش از بیست وپنج ماه بیرق همایون سید لولاک را درمدینهٔ منوره علی رؤوس الاشهاد بیرون آورده بود ثالثاً دولت علیهٔ عثمانیه ازملک حجاز هیچ محاصل نمیگیرد بلکه هرسال پانزدهم ماه شعبان درقصر همایون سلطانی درقسطنطنیه مراسم صرهٔ همایون که عبارت است از ارسال کردن وظائف شریف مکه ومشایخ وعلما ومجاورین حرمین شریفین بکمال تجمل وشان ادا کرده میشود . صره های طلاء خالص براشتران و قاطران همراه لشکر منظم جانب بیت الله روان کرده میشود —

شریف مکه که بعقل سلیم شهرت دارد . چگونه جبران نقصانات ظاهری تواند نمود ! در حالت موجوده وادی غیرذی زرع قابلیت محاصل کافی ندارد —

رابعاً شریف لشکر ندارد ونه برای پیدا کردن لشکر منابع ثروت دارد خامساً اگر شریف زیرحمایت دولت نصرانی استقلال اسمی اختیار کرده باشد بیشك ، فرمن المطر وقر تحت المیزاب ، درحق او صادق خواهد آمد — دران صورت عالم اسلامی این بی آبروئی را هرگز قبول نخواهد کرد .

واقفان اسرار سیاست دول معظمه یورپ اشاعت چنین اراجیف واخبارهٔ استکشاف برای دانستن سمت هوای حسیات خلایق می آمند ایشانرا قرآن کریم «المرجفون فی المدینة» لقب داده بود . مثلاً هزیمت فاحش مخالفین در گیلی پولی وسقوط قط العماره وضائعات عظیمهٔ بحریه درمصر که جلند وغرقابی لارد کچنر — این واقعات مفزعه درمدت قلیله . وعلاوه بران امکان غالب سقوط وردون همه متفق شده مخالفین را مجبور کرده است باشاعت چنین دروغهای بی بنیاد !

یك امکانی دیگر باقی است که مخالفین دولت علیهٔ عثمانیه دیدند که روزانه تقریباً پنج ملیون زرسرخ صرف میشود . خواستند که بپول گزاف ووعدهٔ اعانت عسکری واسلحه ومهمات جنك شریف مکه را ازجادهٔ صواب منحرف کنند . یا کرده اند . البته ، الغریق یتشبث بالحشیش ، . امااین سعی ایشان مورث بلاهای مهلکه برای سعی کنند کان خواهد بود .

اگراین خیال حقیقت باشد یعنی شریف مکه باغوای دولت نصرانی وبمدد آن این رخنه در اسلام انداخته وبخلاف آن دولت اسلامی که تنها در عالم استقلال خویش را نگاه داشته جبه های بزرگ ترین دول دنیارا متحمل میشود وبرای شرف وبقای اسلام جان ومال را فدا میکند خروج نموده . البته مرتکب جنایتی کبیر شده است . این عمل وضیع شریف را نه نسلهای موجوده ونه قرون آیندهٔ اسلامیه عفو خواهند کرد — زیرا که خدانخواسته باشد درین نازك حالت ازخانه جنگی احتمال محوشدن دولت عثمانیه وهم جمله دولتهای اسلامیه میباشد این غداری را چگونه امت مرحومه از کسی که خود را از اولاد رسول کریم میخواند عفو نماید !

چو کفر از کعبه برخیزد کجا ماند مسلمانی !

خصوصاً خراب کردن سکة الحدید حجاز که ازپول مسلمانان دنیا ساخته اند ودرهنگام بنایش صدها مسلمین جان خود را طوعاً نثار کرده بودند خیانتی است بهمه عالم اسلامی — برای هزارها حجاج زحمتی شدید پیداشد . چگونه جراید انکلیسی ازتسهیل حجاج ازجهت این بغاوت لاف میزنند ! الاعراب اشد کفراً ونفاقاً درحق شریف باغی ثابت شود اگر او در حقیقت مرتکب این جنایت کبری شده است واظهار حزن والم وغضب از مسلمانان لکهنو در حق این جانیان عین صواب باشد .

مسلمانان حقیقی را باید که درصورت ثبوت خبر بغاوت شریف اعوان اوهم همترا نبازند . بلکه امیدوار عظمت اسلامیان حقیقی باشند پیشین گوئی حضرت رسول کریم است که بدأ الاسلام غریباً وسیعود غریباً کما بدأ فطوبی للغرباء [اسلام در آغاز در دار غربت مدینه) بانال بقوت وعظمت شد . وبعدو دار ظهور (مکه) وزود زمانی آید که باز اسلام در دار غربت (استنبول) وبعدو بلاد عرب فائز بقدرت وظفر خواهد شد چنانکه درابتدا شده بود . پس آفرین بران مسلمانان حقیقی که دربلاد غربت اسلام را بجان ومال خودبپا داشته حائز بسعادت دارین باشند درخاتمه باید که شریف ودیگر سادات بفهمند —: الحسنة حسنة وهی من بیت النبوة احسن والسیئة سیئة وهی من دار العلویة أقبح (نیکی نیکی است اما از خانهٔ پیغمبر نیکوتر مینماید وبدی بدیست ولیکن ازدار العلویه بدتر است)

خبرهای متنوعهٔ جنك ازجراید اوروپا

ولیعهد عثمانی درفرونت غرب

ازبکارست روزنامهٔ ، اونورویشی ، خبرمیدهند که برحسب معلومات واصله ازاسلامبول ، وحیدالدین افندی ولیعهد عثمانی برحسب دعوت امپراطور ویلهلم بمیدان غرب مسافرت میکند که درانجام وقت اختتام جنك وردون درفرونت مزبور حضور داشته باشد .

تشویقات عثمانی درالبانی

از سالونیك تلگرافاً خبر میدهند که پنج نفر صاحب منصب عثمانی ازراه (سانتین) بالبانی مسافرت کرده اند صاحب منصبان مزبور فتوای شیخ الاسلام عثمانی راهمراه خودبرده اند که درالبانی انتشار دهند دران فتوی المان وبلغاررا معین اسلام معرفی نموده والبانیهارادعوت کرده اند که باردوهای آنها ملحق شوند ازقرار معلوم صاحب منصبان مزبور امیدوار بوده اند که بجمع آوری ومسلح نمودن پنجاه هزار نفر از آرناؤدها موفق شده اند .

بیانات یك صاحب منصب المانی

ازاستکهلم تلگرافاً خبرمیدهند که یکی ازصاحب منصبان بحریهٔ المان

درضمن مصاحبه با بعضی از محررین جراید سوئد اظهار داشته است که جنگهای بزرگ بحریهٔ المان در فصل پائیز شروع خواهند شد. و در همان موقع اغلب کشتیهای جدید المان را که فعلا مشغول ساختن آنها هستند به آب انداخته شروع به محاربات قطعی دریائی خواهند نمود.

آتش سیال یا مایع سوزان

روزنامهٔ «تان» درخصوص یکنوع شعله‌های سیال که المانها ماشین مخصوص بطرف دشمن می‌اندازند. تحقیقات ذیل را مندرج نموده است: المانها آتش سوزان را مانند آب جریان داده و بتوسط آلات مخصوص در جنگ استعمال می‌کنند. این ماشین یا منجنیق شعله پاش شکل یک استوانهٔ فلزی ساخته شده و طول آن یک متر است و یک لوله بطول هشت الی ده متر باستوانهٔ مزبور نصب شده است این لوله را دو نفر سرباز نگاه میدارند و یکنفر دیگر نیز همان مایع سوزان را اداره می‌کند. ماشین مزبور شعله‌های سیال خود را تا مسافت پنجاه متر می‌اندازد و حرکت یا جریان این شعله‌ها علی الظاهر تا یکدقیقه مداومت می‌یابد.

مس در المان

روزنامهٔ (نویه وریبا) نقل می‌کند که امپراطور ویلهلم فرمانی صادر کرده و در جراید المان اشاعت داده مشعر بر اینکه باید تمام تختهای مس را از سقف عمارات برداشته و سقفها را از آهن یا چیز دیگر ترتیب دهند. و بحسب این فرمان سقف عمارت قشنگ پوتسدام که از مس بود برداشته شده و در سایر عمارات عالیه برلین نیز شروع به برداشتن طبقه‌های مس نموده‌اند. و بان ترتیب در نقاط مختلفهٔ المان سقفهای شصت و پنج عمارت را تغییر خواهند داد و بدین وسیله هزار تن (قریب سه هزار و پانصد خروار) مس تحصیل خواهد شد و از قراری که (نویه وریبا) مینویسد اینقدر مس برای مصرف کارخانه‌های مهمات جنگی تا یکهفته کفایت تواند کرد.

خاتمه

سال هفتم سراج الاخبار افغانیه

بفضل و عنایت قادر حکیم لایزال جلت عظمته و توجهات عرفان آیات اعلیحضرت (سراج الملة والدین) پادشاه دیانت خصال ترقی آمال. این گرامی نامهٔ اسلامیهٔ وطنیه — یعنی جریدهٔ (سراج الاخبار افغانیه) سال هفتمین خود را با این نسخهٔ بیست و چهارم خود به انجام رسانید. و بقرار سالهای سابق درینسال نیز بنام (معلم حکمت) یک (هدیه) ناچیزانه. و یک ارمغان محقرانه پیشکش انظار قارئین عظام خود نمود.

از بارگاه ایزد متعال جل شانه تضرع و نیاز میکنیم که در زیر ظل ظلیل عرفان دلیل پادشاه عدالت تکمیل دولت علیهٔ مستقلهٔ افغانستان (اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) ادام الله دولته الی مدید الزمان. دین، دولت، ملت وطن ترقیها و تعالیها، معموریتهای روزافزون ببیند. و این گرامی نامهٔ وطنیه که بخدمت قلمیهٔ ذی مفخرت این مقدسات افتخار مینماید تا بسیار سالها باجرای وظیفهٔ مقدسهٔ خود دوام ورزد و مراحم شاهانهٔ اعلیحضرت متبوع و اولی الامر اعظم مقدس خود را تا ابدی زمانها زینت لوحهٔ افتخار خود سازد.

آمین

حمله بر ریگا از خشکی و دریا

از پطروگراد تلگراف می‌نمایند که المانها جدیداً در فرونت ریگا مقدار زیادی توپخانهٔ بحری آورده‌اند و اما مازور کرودس رسیدن توپخانهٔ بحری المان را در فرونت ریگا تصدیق می‌نماید جریده انوالید ارکان وزارت جنگ روس چنین اظهار میدارد که ظهور این نوع توپها در آن قسمت از میدان و شروع به تعرضات ای بحری المان در فصل بهار بر ضد خلیج و سواحل ریگا علامهٔ مستقیم و حتمی موجود میباشد.

جریدهٔ مزبور مینویسد: درصورتیکه قوای بحری روس که فعلا در آن خلیج بر علیه سفائن جنگی المان جنگ نماید سطح توپخانهٔ بحری المان نتواند به ساحل نزدیک شود توپهای مزبور المان قوای خشکی خود شان را کمک و مدد کرده می‌توانند مواقع جناح یسار ما را در فرونت ریگا مورد حمله و تعرض قرار دهند و بدین ترتیب میدان و نواحی ریگا از دو طرف یکی از جانب کانکر و جزیره واقون و دیگری از جانب سواحل خلیج مورد تعرضات قوای بری و بحری المان خواهند شد.

توسعهٔ حقوق نسوان در نروژ

از استکهلم تلگرافاً خبر میدهند که مجلس ملی نروژ تصویب نموده است که قانون اساسی تبدیل یافته و بنسوان مملکت حق عضویت در شورای وزراء داده شود.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1780 of 1786

استخدام نسوان در جنگ

ازپاریس روزنامهٔ « اوُرورُوستی » خبرمیدهند که ازطرف وزارت جنگ فرانسه حکمی صادر شده است مبنی براینکه درمراکز قشونی برای انجام وظایفی که مستقیما وبلاواسطه مربوط بامور جنگی نمیباشد بجای افراد قشون حتی الامکان ازطبقه نسوان معین شوند ازقرار اشعارات جراید فرانسه از روی تجربه معلوم شده است که این ترتیب نتایج خوبی ظاهر ساخته است .

احتراق درکارخانه باروت

ازلندن روزنامهٔ نوویه ورمیا خبر میدهند که برحسب معلومات شعبهٔ مطبوعات انگلیس وزیر قورخانه اطلاع داده است که هفتهٔ گذشته درکارخانهٔ باروت « کاند » احتراق بزرگی وقوع یافته وبواسطهٔ احتراق مزبور چندین انفجار حادث شده است حریقی که موافق ظهر آن روز واقع شده است اتفاقی بوده است آخرین انفجار درساعت دوبعدازظهر واقع گردیده است .

عدهٔ ضرر دیدگان این حادثه بطور تخمین دویست نفر میباشند .

تبریکات قیصر

امستردام مورخه ۲٦ مارس ـ برطبق تلگرافی که ازبرلن رسیده قیصر تلگراف ذیل را بهمرهیلدبرگ مخابره نموده است .

ازراپورت نتیجه قرضه چهارم جنگ خیلی مسرورم . اینك تنها وبجمیع کسانی که دراین مسئله کمك کردند تبریکات وتشکرات خودرا اظهار میدارم . این استقراض دلیل بر آنست که ملت المان دارای یك قوت وقدرت تزلزل ناپذیری است وعزم وتصمیم آنها درفتح تکان نخورده ودرواقع این قوت وقدرت اخلاقی را باید در ردیف شجاعت وشهامتی قرار داد که هرروزه سپاهیان ما درمیدان جنگ بروز میدهند .

ملتی که باچنین روحی مانند یك وجود برضد دشمنانش مقاومت می کند و بر خداوند اعتماد دارد میتواند بفتح وغلبه خویش امیدوار باشد (روتر)

ازجراید فرانسه

ماموریت های فوق العاده فرزندان قیصر

اگوست ویلهلم نایب السلطنه بلژیك

ازامستردام تلگرافا اطلاع میدهند که پرنس اگوست ویلهلم چهارمین پسر قیصر ویلهلم عنقریب بایکعده اشخاص ویك موکب مهمی وارد بروکسل پای تخت بلژیك خواهد شد پرنس مزبور بجای « فون بیسینك » فرمانفرمای کل آن مملکت برقرار ولقب نایب السلطنه بلژیك را خواهد گرفت .

از سویس تلگرافات وارده اشعار میدارد که روزنامهٔ « طنین » منطبعه اسلامبول خبر داده است که پرنس ایتل فردریك فرزند دوم قیصر المان همین زودی وارد قسطنطنیه خواهد شد وبرحسب ماموریت ازجانب پدریك قبضه شمشیر مرصع خیلی نفیس هدیه امپراطوری را بسلطان عثمانی تقدیم میدارد

اعلان

سراج التواریخ

جلد اول ـ و دوم

زنده کان جاودانی هرقوم وملت (تاریخ آنست .(سراج التواریخ) آئینهٔ حیات نمای ملت جلیل افغانست . زیرا از آغاز تشکیل وتأسیس یافتن دولت افغانیهٔ حالیه بحث میراند که برای حال واستقبال ملت بهترازین درسگاه عبرت ، وخوشتر ازین آئینه ملت تصور نمیشود . هرفردی از ملت را واجب است که یك نسخهٔ ازآنرا بدست آرند ومانند حرزجان در کتابخانهٔ قلوب خودشان نگهدارند . علی الخصوص که کتاب مذکور به نیت خالصانه وخیر خواهانهٔ استفادهٔ عمومی بامر وفرمان ذات عرفان صفات پادشاه مقدس ما اعلیحضرت « سراج الملة والدین » تألیف وتدوین ودرمطبعهٔ حروف دارالسلطنه کابل بزیور طبع آرایش وتزئین یافته است .

جلد اولاین کتاب ازابتدای سلطنت خاندان ذیشان (سدوزائی) یعنی از آغاز تأسیس واستقلال دولت علیهٔ افغانستان تاورود اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمدخان مرحوم جنت مکان ازهند در کابل بحث میراند وجلد دوم آن ازحکومت خاندان جلیل الشان (محمدزائی) یعنی ازابتدای حکومت اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان تابه اول جلوس اعلیحضرت « ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان » طاب ثراه وقائع تاریخیه را جامع میباشد برکاغذ اعلا بحروف نو بطبع رسیده است . قیمت کتاب مذکور نسبت زینت وخوبی تجلید آن ازقرار ذیل است

نمبر (۱) پشتی چرمی چرم اصواری دانه دار کابلی تخت چهار حاشیه جدول طلاء زرکار نشان دولت واسم کتاب از ورق طلای اصل جزو بندی شده مبلغ شانزده روپیهٔ تختهٔ کابلی ـ

نمبر (۲) پشتی مقوا روبه کیرمشی چهار کنج وزنجیر وقرمسیاه حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلاجه سیزده روپیهٔ تختهٔ کابلی ـ

نمبر (۳) پشتی مقوا روبه کیره لاجوردی چهار کنج وزنجیره میشی سرخه کابلی تخت حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلاجه جزو بندی شده یازده روپیه تخته کابلی وده شاهی ـ

نمبر (٤) پشتی مقوا روبه ابری چهار کنج وزنجیره میشی سرخه کابلی تخت حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلاجه کوك بندی شده ده روپیه تخته کابلی وسه شاهی ـ

نمبر(۵) پشتی مقوا روبه ابری سرخ چهار کنج وزر کیرمشیاه اسم کتاب ونشان دولت ورق طلاجه کوك بندی شده نه روپیهٔ تختهٔ کابلی ویازده شاهی ـ

محل فروخت

درنفس ارك مبارك که از تحویل خانهٔ جناب محمدولیخان سرجاه
در بازار ارگی از دکان عبدالله خان

چون کتاب مستطاب سراج التواریخ چهار جلد میباشد اگر دریك وقایه وشیرازه مجلد شود حجم کتاب موصوف کلان میشد لهذا اعلیحضرت همایون والا امر بودند که جلد اول ودوم دریك وقایه شیرازه شود وجلد سوم وچهارم آن که هنوز درزیر طبع میباشد وپس ازانکه ازطبع برآمده جدا کرده شد انشاءالله اعلان فروش آن نشر کرده خواهد شد فقط

در چهاپخانهٔ حروف دارالسلطنه کابل طبع گردید
هرمقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر وسر محرر تحریر یافته
محمود طرزی

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا
یاد آوری میکنیم

هرقدر سعی و کوشش کردیم که از تکلیف رسیدن اخبار مشترکین کرام دار السلطنه کابل خودها برآیم ممکن نشد لهذا با داکخانهٔ مرکزی دار السلطنهٔ کابل یك مقاوله نموده داکخانهٔ مشارالیه تقسیم و توزیع اخبارها را که بهمه مشترکین کرام ما رساند در عهدهٔ خود قبول نمود . مشترکین کرام دار السلطنهٔ خود را نشر و یاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های شان بدون واسطه هر فردا فردا واسطهٔ آدمهای داکخانه بخود شان میرسد .

شرایط خریداری

دار السلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالانه	چارده روپیهٔ کابلی
قیمت ششماهه	پنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی

در خارج افغانستان
هرجائیکه باشد معا اجرت پوست

قیمت سالانه	ده روپیه انگلیزی	قیمت ششماهه	شش روپیه انگلیزی

سه ماهه اشتراك قبول نمیشود

یك طلای پوند انگلیزی یازده روپیهٔ کلدار است از عوض قرار حساب کنند

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگران که مال تجارتی ، و صنعتگران که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان و اشتهار کردن میخواهند ، و یا دیگر هر قسم اعلان و اشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج و شایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر و شایع شود هر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر یك قران یعنی ½ روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطر یك قران یعنی ½ روپیهٔ کابلی و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطر یك ستون اخبارها (۳ — اینچ — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا مثلاً تا یك سال نشر کردن خواهد و وجه یك ساله را پیشکی ادا نماید در ورق پشتی زیر سطری ستار اجرت گرفته میشود .

اعلان

سیاحتنامهٔ سه قطعهٔ روی زمین

در ۲۹ روز

آسیا ✕ اوروپا ✕ آفریقا

(مطبعهٔ عنایت) یك اثر دلپذیر جدیدی درنظر هوسکاران عرفان جلوه عرض میدهد . بدست آرید ، بخوانید درظرف ۲۹ روز یك مدت کمی سه قطعهٔ زمین را با سیاح یکجا و همراه دور و سیر میکنید . ملکهای را که در آن میگذرید مفصل و مکمل جغرافیا و تاریخ آنرا خوانده میتوانید . چه چیزها می بینید ، چه چیزها میشنوید ، چه لذتها چه سرورها میگیرید ! علمی ، ادبی ، سیاسی در عین زمان شاعرانه عاشقانه هوسات را انگیزانه — یك اثر !

این اثر از سه جلد مرکب و در یك وقایه مجلد میباشد . تقریباً (۷۰۰) صحیفه ، و با (۱۰۵) قطعهٔ تصاویر مناظر مختلفه و اشخاص معتبره و نقشه های مهمه مزین است . لعنت با اینهمه خوبیهای آن قیمت (۷) هفت روپیهٔ کابلی آن هیچ نیست . کاغذ اعلا ، چاپ حروف ، تصاویر رنگو گراف ، جلد محکم و استوار ; دیگر چه میخواهید ! همینقدر کتاب در مطبعهٔ مبارکه در ده افغانان به (عبدالرؤف) خان سر مرتب مطبعهٔ مبارکه ، یا در بازار ارگ در دکان (تاز محمد) تاجر کتب و یا در بازار کتب فروشی متصل مدرسهٔ شاهی بدکان حاجی ملا (غلام محمد) خان تاجر مشهور کتب رو آورده مبلغ فوق کتاب مذکور را بدست آرید دیگر چی کاری نماید

(اعلان)

پراکنده

از آثار مطبوعهٔ تازهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت، عبارت از یک مجموعهٔ اشعار ابدار تجدد آگاری میباشدکه بکاغذ اعلا، وخوب طبع‌دیده، باتصاویر بسیار زیبا جلوه گر بازار معرفت گردیده است. اگرچه از بحث خط وخیال جید است ولی مضامین وخیالاتش سراسر یکطرز جدیداست. قسمت خوبیهای ظاهری ومعنویش قیمتش خیلی ارزان. یعنی بمقابل (۲) دو روپیهٔ کابلی درخود مطبعهٔ عنایت از نزد عبدالرؤف خان مرتب. ودر بازار ارک از دکان باز محمد، ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان حاجی غلام محمدخان تاجرکتب هرکس خریده میتواند.

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعهٔ آثار ادبیه را مژده! اثر نو رسیدهٔ گلزار «مطبعهٔ عنایت» کامجوترا شیرین عاید! «جزیرهٔ پنهان» یک ناولیست که قوت عقل ومعرفت وسعی وغیرت را برای اساس زندگانی نوع بشر، مطالعات وجلوه گرمیسازد. هم حکایت، هم عبرت عرفان، هم فضیلت! خوبی چاپ، خوبی کاغذ، خوبی تصویرش علاوه. قیمتش بنظر خوبیهای باطنی وظاهریش بسیار ارزان! تنها (۶) شش روپیه. محل فروخت نفس مطبعهٔ عنایت در ده افغانان، دکان باز محمد در بازار ارک، دکان حاجی غلام محمدخان تاجرکتب متصل در مدرسهٔ شاهی.

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد

کتاب سال دوم ۰ ۰ ۰ مصور مجلد

کتاب سال سوم ۰ ۰ ۰ مصور مجلد

کتاب سال چهارم مصور مجلد

عز و اسلامیت

آیا چه باید کرد؟

ادب درفن

ترجمه

مختصر جغرافیای عمومی

این کتابهای فوق دراداره موجوداست. هرکس که آرزوی خریداری آنها را داشته باشد باداره مراجعت کند.

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

	قیمت روپیه کابلی
سیاحت ودورا دور زمین بهشتاد روز مجلد	۲
سیاحت درجو هوا مجلد	۲
سیاحت درزیر بحر مصور مجلد	٤
از هرچمن سمنی واز هرخرمن سبقی مجلد	۲
روضهٔ حکم مجلد	۲
پراکنده مصور مجلد	۲
جزیرهٔ پنهان مصور مجلد	٦

هرکس که آرزوی خریداری این کتابهای مافوق‌را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان ازنزد عبدالرؤف خان مرتب واز دکان باز محمدخان کتابفروش در بازار ارک واز دکان حاجی غلام محمدخان تاجرکتب متصل مدرسهٔ شاهی بقیمتهای معینش خریداری کرده میتوانند.

واگر از خارج افغانستان آرزوی خریداری کتابهای مافوق‌را داشته باشند، بادارهٔ سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند.

اعلان

کتابهای مجلد سراج الاخبار افغانیه، وکتابچه‌های علاوه‌ئی ونمره های متفرقهٔ آن، وهمه کتابهای مطبعهٔ عنایت خریدارانی که آرزوی خریداری آنهارا داشته باشند ازدکان حاجی ملا غلام محمدخان تاجرکتب متصل مدرسهٔ شاهی، وازدکان باز محمد خان تاجر کتب در بازار ارک بقیمتهای معین آن خریداری کرده میتوانند ونیز در خود اداره درماشینخانهٔ مبارکه، ودر خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان هم بفروش میرسد فقط.

http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1785 of 1786

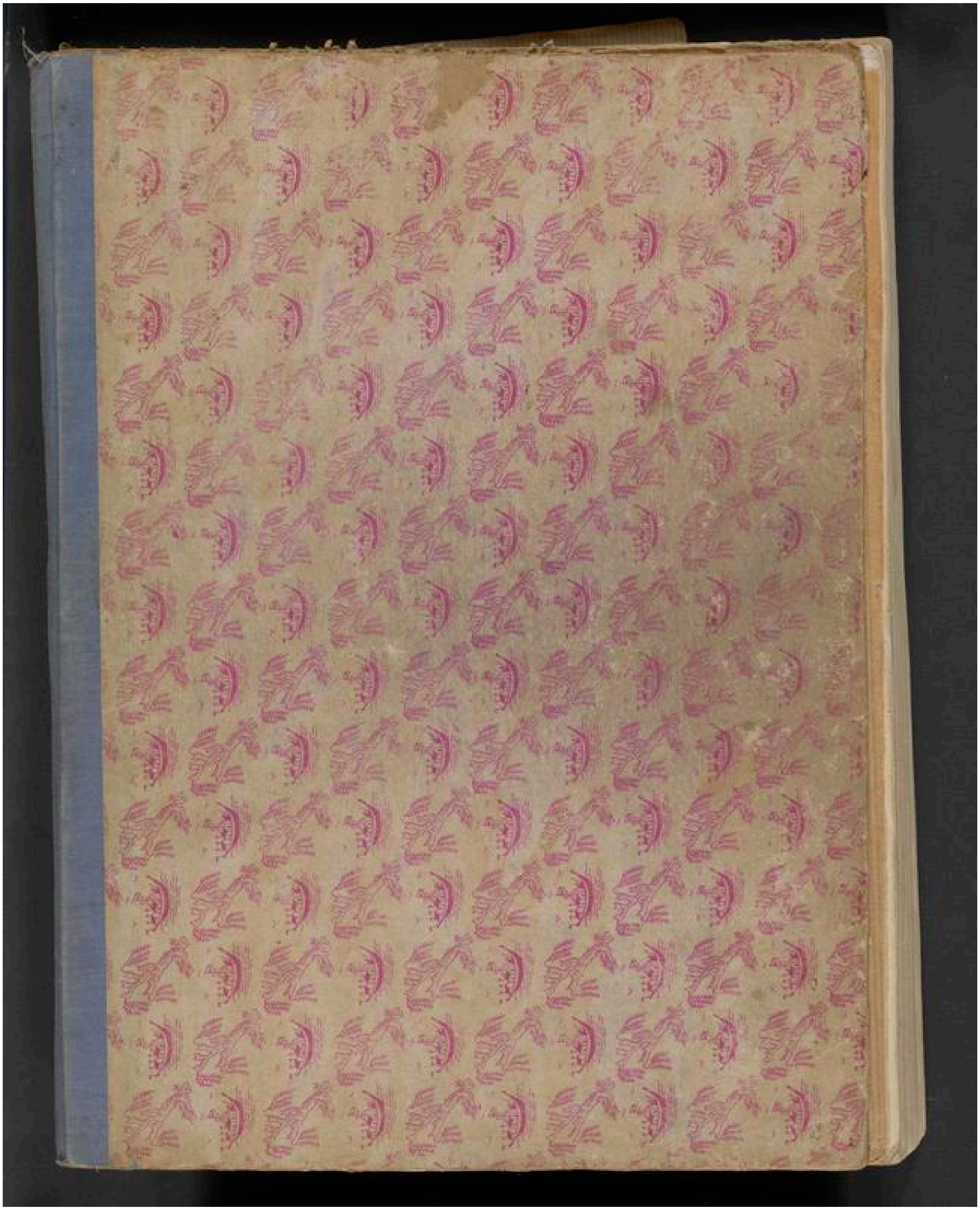http://hdl.handle.net/2333.1/rn8pk0wv Image 1786 of 1786